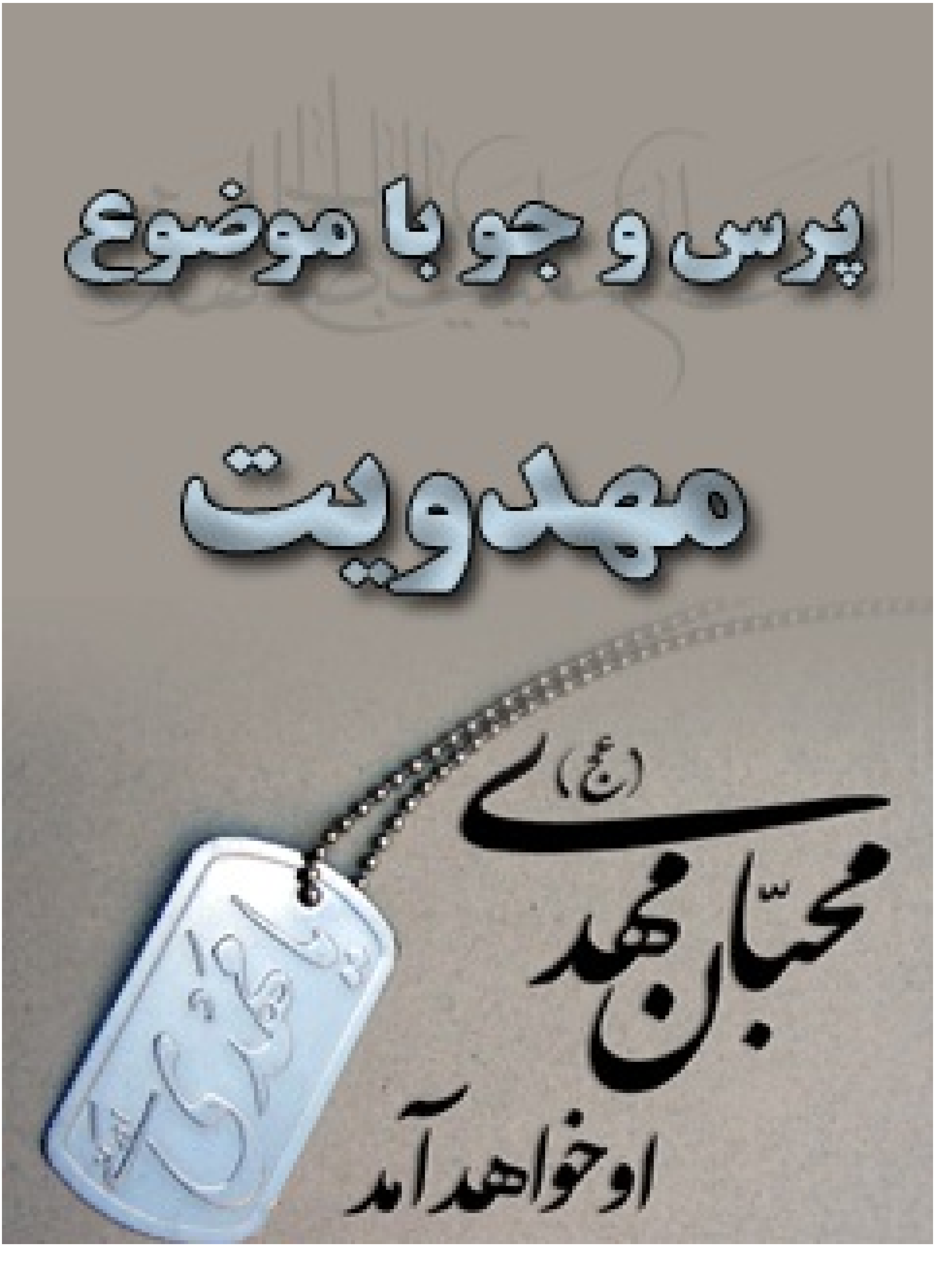

پرس و جو با موضوع
مهدویت
محبان مهدی (ع)
او خواهد آمد

بسم الله الرحمن الرحیم

مهدویت

نویسنده:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر چاپی:

مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

مهدویت ----- ۱۳۸

مشخصات کتاب ----- ۱۳۸

ادیان و مهدویت ----- ۱۳۸

ادیان الهی ----- ۱۳۸

مسیحیت و مهدویت ----- ۱۳۸

آرماگدون که غربی ها به آن معتقدند یا دامن می زنند چیست؟ ----- ۱۳۸

پرسش ----- ۱۳۸

پاسخ ----- ۱۳۸

آیا عقیده به ظهور یک رهایی بخش در میان غربیها نیز مطرح بوده است؟ ----- ۱۴۰

پرسش ----- ۱۴۰

پاسخ ----- ۱۴۰

دیدگاه اسلام (قرآن، نهج البلاغه...) ادیان الهی، بودا... درباره صلح جهانی(عج) چیست؟ ----- ۱۴۲

پرسش ----- ۱۴۲

پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۴۲

پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۵۱

پاسخ(قسمت سوم) ----- ۱۶۱

پاسخ(قسمت چهارم) ----- ۱۷۲

پاسخ(قسمت پنجم) ----- ۱۸۱

پاسخ(قسمت ششم) ----- ۱۹۱

پاسخ(قسمت هفتم) ----- ۱۹۹

منجی نزد مسیحیان کیست؟ ----- ۲۰۵

پرسش ----- ۲۰۵

پاسخ ----- ۲۰۶

ظهور منجی در اناجیل در چه وقتی معین شده است؟ ----- ۲۰۷

پرسش ----- ۲۰۷

پاسخ ----- ۲۰۷

اوصاف یاران منجی در اناجیل چیست؟ ----- ۲۰۷

پرسش ----- ۲۰۷

پاسخ ----- ۲۰۸

آیا در اناجیل به علائم ظهور منجی اشاره شده است؟ ----- ۲۰۸

پرسش ----- ۲۰۸

پاسخ ----- ۲۰۸

یهودیت و مهدویت ----- ۲۰۹

آیا اعتقاد به ظهور منجی در ادیان دیگر همانند دین زردتشت و موسی(ع) وجود دارد؟ ----- ۲۰۹

پرسش ----- ۲۰۹

پاسخ ----- ۲۰۹

کدام پیامبر تعبیر خواب های زیادی درباره امام زمان (عج) در کتابهایش آمده است؟ ----- ۲۱۲

پرسش ----- ۲۱۲

پاسخ ----- ۲۱۲

آیا در کتاب مقدس یهود سخن از انتظار فرج به میان آمده است؟ ---- ۲۱۲
پرسش ---- ۲۱۲
پاسخ ---- ۲۱۲
منجی نزد یهود چه کسی است؟ ---- ۲۱۳
پرسش ---- ۲۱۳
پاسخ ---- ۲۱۳
مهدویت در سایر ادیان الهی ---- ۲۱۴
آیا ادیان دیگر چون مسیحیت و یهودی به ظهور مصلح آخرالزمان اعتقاد دارند؟ آیا منظور آن ها از مصلح آخرالزمان حضرت مهدی(عج) است؟ ---- ۲۱۴
پرسش ---- ۲۱۴
پاسخ ---- ۲۱۴
زردشتی، بودایی - هندی، یهودی، مسیحی و سنی هر کدام چه طور اعتقادی به مصلح دارند؟ ---- ۲۱۸
پرسش ---- ۲۱۸
پاسخ ---- ۲۱۸
نظر یهودیان , مسیحیان , زرتشتیان و اهل سنت در باره امام زمان (عج) چیست ؟ ---- ۲۲۰
پرسش ---- ۲۲۰
پاسخ ---- ۲۲۰
با توجه به معنی سوشیانت در آئین زرتشت آیا می توان گفت زرتشتیان نیز به مهدی (عج) اعتقاد دارند؟ ---- ۲۲۰
پرسش ---- ۲۲۰
پاسخ ---- ۲۲۰
مقوله «مهدویت» در سایر ادیان الهی چگونه است ؟ آیا آنان نیز به ظهور ایشان که جهان را پُر از عدل و داد می کند، معتقدند؟ و چرا اهل تسنن به این مقوله اعتقاد ندارند؟ ---- ۲۲۱
پرسش ---- ۲۲۱
پاسخ ---- ۲۲۲
موعود از دیدگاه زردشتیان کیست؟ ---- ۲۲۳
پرسش ---- ۲۲۳
پاسخ ---- ۲۲۳
نام امام زمان(ع) در مصحف حضرت ابراهیم(ع) چیست؟ ---- ۲۲۵
پرسش ---- ۲۲۵
پاسخ ---- ۲۲۵
سایر موارد ---- ۲۲۵
اعتقاد به مهدویت و اهداف آن در ادیان دیگر چگونه است؟ ---- ۲۲۵
پرسش ---- ۲۲۵
پاسخ ---- ۲۲۵
آیا ادیان آسمانی و پیامبران با اصل مهدویت موافقاند؟ ---- ۲۳۰
پرسش ---- ۲۳۰
پاسخ ---- ۲۳۱
آیا مسأله مصلح بزرگ در میان ادیان دیگر نیز مطرح بوده است؟ ---- ۲۳۲
پرسش ---- ۲۳۲
پاسخ ---- ۲۳۲
آیا ایمان به ظهور منجی نزد ادیان وملل دیگر نیز وجود دارد؟ ---- ۲۳۵
پرسش ---- ۲۳۵
پاسخ ---- ۲۳۵

هر یک از صاحبان ادیان، منجی را از دین خود می داند راه حلّ این اختلاف چیست؟ ----- ۲۳۶
پرسش ----- ۲۳۶
پاسخ ----- ۲۳۶
منجی ورهبر در حکومت عدل توحیدی جهانی کیست؟ ----- ۲۳۸
پرسش ----- ۲۳۸
پاسخ ----- ۲۳۸
آیا اعتقاد به وجود مصلح جهانی، مخصوص مسلمانان است یا اینکه ملل دیگر نیز به آن عقیده دارند؟ خصوصیات مصلح موعود در احادیث اسلامی چیست؟ ----- ۲۴۱
پرسش ----- ۲۴۱
پاسخ ----- ۲۴۱
آیا در مورد امام زمان غ و حکومت عدل او، در ادیان مذاهب و فرقه های دیگر نیز آمده است از معرفی کتاب هم تشکر می کنم ----- ۲۴۶
پرسش ----- ۲۴۶
پاسخ ----- ۲۴۷
۳- حضرت مهدی در ادیان دیگر چگونه توصیف شده اند ----- ۲۵۰
پرسش ----- ۲۵۰
پاسخ ----- ۲۵۰
چرا واقعه ی طول عمر امام زمان(عج) در کتابهای آسمانی پیشین نیامده است و همچنین نام علی علیه السلام؟ ----- ۲۵۰
پرسش ----- ۲۵۰
پاسخ ----- ۲۵۰
ادیان غیر الهی ----- ۲۵۱
منجی در آیین هندو کیست؟ ----- ۲۵۱
پرسش ----- ۲۵۱
پاسخ ----- ۲۵۱
منجی در آیین بودا کیست؟ ----- ۲۵۳
پرسش ----- ۲۵۳
پاسخ ----- ۲۵۳
ادیان و پایان تاریخ ----- ۲۵۳
نظر "تافلر" درباره پایان تاریخ چیست؟ ----- ۲۵۳
پرسش ----- ۲۵۳
پاسخ ----- ۲۵۳
نظر "تافلر" درباره پایان تاریخ چیست؟ ----- ۲۵۶
پرسش ----- ۲۵۶
پاسخ ----- ۲۵۶
دیدگاه "هانتینگتون" راجع به پایان تاریخ چیست؟ ----- ۲۵۸
پرسش ----- ۲۵۸
پاسخ ----- ۲۵۸
دیدگاه "هانتینگتون" راجع به پایان تاریخ چیست؟ ----- ۲۵۹
پرسش ----- ۲۵۹
پاسخ ----- ۲۵۹
آیا تک قطبی کردن جهان می تواند نجات بخش بشر باشد؟ ----- ۲۶۱
پرسش ----- ۲۶۱
پاسخ ----- ۲۶۱

سایر مباحث ----- ۲۶۳
اعتقاد به مهدویت از چه زمانی در تاریخ بشر مطرح بوده است ؟ ----- ۲۶۳
پرسش ----- ۲۶۳
پاسخ ----- ۲۶۳
چند انقلاب که نشان دهنده قانون عکس العمل، در مسائل اجتماعی و نشان دهنده وقوع یک انقلاب جهانی (حضرت مهدی(ع)) در آینده هستند، کدامند؟ ----- ۲۶۴
پرسش ----- ۲۶۴
پاسخ ----- ۲۶۴
قانون عکس العمل که بیانگر وجود یک عکس العمل در برابر هر عملی است، در مورد آینده جهان، چه می گوید؟ ----- ۲۶۶
پرسش ----- ۲۶۶
پاسخ ----- ۲۶۶
آیا مکاتب فلسفی نیز انتظار فرج را امری ارزشی می دانند؟ ----- ۲۶۶
پرسش ----- ۲۶۶
پاسخ ----- ۲۶۷
از چه زمانی خطوط کلّی برای روز موعود جهانی ترسیم شده است؟ ----- ۲۶۷
پرسش ----- ۲۶۷
پاسخ ----- ۲۶۷
چگونه با وجود تحریف در تورات وانجیل در مسئله ی مهدویت به آن دو استشهاد می شود؟ ----- ۲۷۰
پرسش ----- ۲۷۰
پاسخ ----- ۲۷۰
آیا عقیده به منجی ومهدویت عقیده ای شرقی است؟ ----- ۲۷۰
پرسش ----- ۲۷۰
پاسخ ----- ۲۷۱
آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟ ----- ۲۷۱
پرسش ----- ۲۷۱
پاسخ ----- ۲۷۱
آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟ ----- ۲۷۲
پرسش ----- ۲۷۲
پاسخ ----- ۲۷۲
امروزه فعالیتهایی بر علیه مهدویت در جریان است بفرمایید در جهان غرب و رسانه ها و مطبوعات و منشورات غرب چه فعالیتهایی در خصوص مهدویت و بر علیه مهدویت در جریان است. ----- ۲۷۴
پرسش ----- ۲۷۴
پاسخ ----- ۲۷۴
چرا کافران مسئله ظهور حضرت مهدی را قبول ندارند؟ ----- ۲۷۴
پرسش ----- ۲۷۴
پاسخ ----- ۲۷۴
مهدویت در آیات و روایات ----- ۲۷۵
آیات ----- ۲۷۵
حکومت الهی در آیات ----- ۲۷۵
کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟ ----- ۲۷۵
پرسش ----- ۲۷۵
پاسخ ----- ۲۷۵
کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟ ----- ۲۷۵

پرسش ---------- ۲۷۵

پاسخ ---------- ۲۷۶

دیدگاه قرآن درباره تشکیل حکومت جهانی اسلامی، بسط دین اسلام و زمامداری صلحاء چگونه است؟ ---------- ۲۷۶

پرسش ---------- ۲۷۶

پاسخ ---------- ۲۷۶

دیدگاه قرآن نسبت به حاکمیت بندگان شایسته خدا بر زمین چیست؟ ---------- ۲۷۹

پرسش ---------- ۲۷۹

پاسخ ---------- ۲۷۹

در قرآن کریم، ضرورت وجود حکومت امام زمان ع چگونه بررسی و توصیف شده است؟ ---------- ۲۸۰

پرسش ---------- ۲۸۰

پاسخ ---------- ۲۸۰

اگر مراد از آیاتی که وارثین زمین موءمنین می باشد همانند آیات وارث شدن بنی اسرائیل بعد از فرعون باشد دیگر ربطی به ظهور حضرت ندارد و این مژده با حاکمیت موءمنین بر حجاز محقق شده است ؟ ---------- ۲۸۲

پرسش ---------- ۲۸۲

پاسخ ---------- ۲۸۲

در آیه ۵۵ / نور: ، «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ...» طبق نظر مفسران در مورد خلافت خلفای راشدین است که در آن زمان ترس و وحشتی را که قبلاً مسلمانان از ناحیه دشمنان خارجی احساس می کردند و م

پرسش ---------- ۲۸۵

پاسخ ---------- ۲۸۵

منظور از وارث زمین شدن توسط صالحان چیست؟ ---------- ۲۸۸

پرسش ---------- ۲۸۸

پاسخ ---------- ۲۸۸

امام زمان در آیات ---------- ۲۸۸

در قرآن از امام مهدی (ع) چگونه یاد شده است ؟ ---------- ۲۸۸

پرسش ---------- ۲۸۸

پاسخ ---------- ۲۸۸

مهمترین آیات مربوط به مهدویت کدام است؟ ---------- ۲۹۰

پرسش ---------- ۲۹۰

پاسخ ---------- ۲۹۰

چرا از این امام محجوب نام و نشانی در قرآن کریم نیست ؟ مگر ایمان بوجود این امام از ایمان بوجود مردان گذشته که در جهان میزیستند و صدها سال از مرگشان گذشته مثل لقمان و ذوالقرنین ضرورت کمتری داشته که نام و نشان اینها برای عبرت و پند در قرآن کریم ب ۹۱

پرسش ---------- ۲۹۱

پاسخ ---------- ۲۹۲

آیا در قرآن کریم آیاتی در مورد حضرت امام زمان(عج) وجود دارد؟ ---------- ۲۹۴

پرسش ---------- ۲۹۴

پاسخ ---------- ۲۹۴

چگونه پیامبران و امامان ما در جذب اکثر مردم به آئین اسلام و تشکیل حکومت عدل جهانی موفقیت حاصل نکردند در حالی که امام زمان این توفیق را پیدا خواهد کرد. و چرا در قرآن مجید درباره امام مهدی (عج) آیه ای وجود ندارد؟ ---------- ۲۹۵

پرسش ---------- ۲۹۵

پاسخ ---------- ۲۹۵

چند آیه نام ببرید که مربوط به ظهور آن حضرت باشد. ---------- ۲۹۷

پرسش ---------- ۲۹۷

پاسخ ---------- ۲۹۷

چند آیه از قرآن کریم بر وجود نازنین امام زمان (عج) دلالت می کند و در سوره نباء کلمه اوتاد آیا به یاران امام زمان اشاره دارد؟ ---------- ۲۹۸

پرسش ---------- ۲۹۸

پاسخ ---- ۲۹۸

چرا "سَلَٰمٌ هِیَ حَتَّیٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ" را به ولی عصر نسبت میدهند؟ ---- ۲۹۹

پرسش ---- ۲۹۹

پاسخ ---- ۲۹۹

چه مطالبی درباره امام زمان غ در قرآن کریم آمده است ---- ۳۰۰

پرسش ---- ۳۰۰

پاسخ ---- ۳۰۰

آیا در قرآن آیاتی وجود دارد که درباره حضرت مهدی غ باشند به طوری که دانشمندان بزرگ اهل سنت نیز آن را قبول داشته باشند؟ ---- ۳۰۲

پرسش ---- ۳۰۲

پاسخ ---- ۳۰۲

همه جزئیات در مورد حضرت مهدی را بیان کنید؟ ---- ۳۰۳

پرسش ---- ۳۰۳

پاسخ ---- ۳۰۳

آیا در قرآن آیه ای بدین مضمون وجود دارد که همه باید انتظار قیامت را داشته باشند; اگر این گونه است پس انتظار ظهور حضرت مهدی غ چگونه است آیا این مطلب با آیه قرآن منافات دارد؟ ---- ۳۰۸

پرسش ---- ۳۰۸

پاسخ ---- ۳۰۸

در قرآن کریم آیه و سوره ای مانند سوره نصر درباره امام زمان وجود دارد; لطفاً بفرمایید آیا نام مولا هم در قرآن کریم آمده است ---- ۳۰۸

پرسش ---- ۳۰۸

پاسخ ---- ۳۰۹

چرا در قرآن کریم به صورت صریح وروشن درباره حضرت مهدی (ع)سخن گفته نشده است ؟کجای قرآن درباره ایشان صحبت شده است ؟با توجه به ذکر واضح و صریح پیامبر بعدی در تورات چرا در قرآن بطور روشن حضرت مهدی (ع)معرفی نشده است ؟ ---- ۳۱۲

پرسش ---- ۳۱۲

پاسخ ---- ۳۱۲

آیا در قران کریم به امام زمان اشاره ای شده است ضمنی چطور؟ ---- ۳۱۵

پرسش ---- ۳۱۵

پاسخ(قسمت اول) ---- ۳۱۵

پاسخ(قسمت دوم) ---- ۳۲۲

چرا قرآن به طور رسمی به مسأله ولادت ووجود امام مهدی علیه السلام ---- ۳۲۸

اشاره ---- ۳۲۸

پرسش ---- ۳۲۸

پاسخ ---- ۳۲۸

چرا نام امام قائم (عج) در قرآن نیامده است؟ ---- ۳۲۸

پرسش ---- ۳۲۹

پاسخ ---- ۳۲۹

در کجای قرآن از امام زمان(یاد شده است؟ لطفاً نام سوره وآیه آن را بنویسید؟ ---- ۳۳۴

پرسش ---- ۳۳۴

پاسخ ---- ۳۳۴

آیا واسطه فیض بودن امام زمان (ع) در نعمت ها و در عالم کون غیر از روایات آیا ریشه قرآنی هم دارد یا نه؟ ---- ۳۳۸

پرسش ---- ۳۳۸

پاسخ ---- ۳۳۸

منظور از آیه «قل فلِلّه ِالحجه البالغه چیست و آیا به امام زمان (عج مربوط می شود؟ و آیا صلوات فرستادن هنگام تلاوت آیه برای سلامتی آن حضرت جایز است ---- ۳۳۸

پرسش ---- ۳۳۸

پاسخ ---------- ۳۳۸
آیه شریفه "بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین را چگونه به حضرت مهدی ۷ ارتباط می دهند در حالیکه شأن نزول آن موضوع دیگری است ---------- ۳۴۰
پرسش ---------- ۳۴۰
پاسخ ---------- ۳۴۰
ظهور در آیات ---------- ۳۴۳
روز فتح چه روزی است؟ ---------- ۳۴۳
پرسش ---------- ۳۴۳
پاسخ ---------- ۳۴۳
مفهوم آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره انبیاء و روایات پیرامون قیام حضرت مهدی چیست؟ ---------- ۳۴۵
پرسش ---------- ۳۴۵
پاسخ ---------- ۳۴۵
دلالت آیه ۵۵ سوره نور در مورد قیام ولی عصر (ع) چگونه است؟ ---------- ۳۴۷
پرسش ---------- ۳۴۷
پاسخ ---------- ۳۴۷
دلالت آیه ۳۳ سوره توبه و احادیثی که در مورد ظهور حضرت مهدی (ع) آمده چیست؟ ---------- ۳۴۹
پرسش ---------- ۳۴۹
پاسخ ---------- ۳۴۹
بهترین و محکم ترین آیه ای از قرآن که بر ظهور حتمی آقا امام زمان غ وجود دارد کدام است ---------- ۳۵۱
اشاره ---------- ۳۵۱
پرسش ---------- ۳۵۲
پاسخ ---------- ۳۵۲
آیا خصوصیات دوران امام زمان ع در قرآن یا روایات آمده است لطفاً توضیح دهید. ---------- ۳۵۳
پرسش ---------- ۳۵۳
پاسخ ---------- ۳۵۳
آیه "وعد" چگونه بر ظهور موعود جهانی دلالت دارد؟ ---------- ۳۵۶
پرسش ---------- ۳۵۶
پاسخ ---------- ۳۵۶
آیه "ارسال رسول" چگونه بر ظهور امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ---------- ۳۵۷
پرسش ---------- ۳۵۷
پاسخ ---------- ۳۵۷
آیه "وراثت" چگونه بر ظهور امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ---------- ۳۵۹
پرسش ---------- ۳۵۹
پاسخ ---------- ۳۵۹
آیه "استضعاف" چگونه بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دلالت دارد؟ ---------- ۳۶۱
پرسش ---------- ۳۶۱
پاسخ ---------- ۳۶۱
آیه "ارتداد" چگونه بر ظهور امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ---------- ۳۶۳
پرسش ---------- ۳۶۳
پاسخ ---------- ۳۶۳
آیه "قتال" چگونه بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دلالت دارد؟ ---------- ۳۶۴
پرسش ---------- ۳۶۴

پاسخ ---- ۳۶۴
چه آیه ای از قرآن اشاره یا بشارت به ظهور حضرت مهدی(عج) داده است؟ ---- ۳۶۶
پرسش ---- ۳۶۶
پاسخ ---- ۳۶۶
آیا خداوند در قرآن فرموده است که در آخر الزمان کشورهای فراوانی هستند که بر ضرر اسلام فعالیت می کنند؟ ---- ۳۶۷
پرسش ---- ۳۶۷
پاسخ ---- ۳۶۷
سایر روایات نبوی ---- ۳۶۹
آیا در روایات است که موقع سلام به آقا امام زمان(عج) سر را تا اندازه رکوع یا کمتر خم کنیم؟ ---- ۳۶۹
پرسش ---- ۳۶۹
پاسخ ---- ۳۶۹
بحث مهدویت در قرآن کریم به چه صورت آمده است؟ ---- ۳۷۰
پرسش ---- ۳۷۰
پاسخ ---- ۳۷۰
چند نمونه از علائم مصلح بزرگ در آیات قرآن چیست؟ ---- ۳۷۱
پرسش ---- ۳۷۱
پاسخ ---- ۳۷۱
منظور از پیروزی دین حق که در قرآن از آن سخن به میان آمده است، چه نوع پیروزی است و آیا تحقق یافته است؟ ---- ۳۷۳
پرسش ---- ۳۷۳
پاسخ ---- ۳۷۳
با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل درظهور ولی عصر (عج) وارد شده را توجیه می کنید؟ ---- ۳۷۵
پرسش ---- ۳۷۵
پاسخ ---- ۳۷۵
آیا در قرآن کریم درباره این که پیروان حضرت مهدی ع باید ۳۱۳ نفر باشند تا ظهور کنند، و نیز درباره قاتل آن حضرت آیه یا آیاتی وجود دارد؟ ---- ۳۸۵
پرسش ---- ۳۸۵
پاسخ ---- ۳۸۵
روایات نبوی ---- ۳۸۵
معروفترین روایاتی که در مورد قیام حضرت مهدی (ع) آمده است چیست؟ ---- ۳۸۵
پرسش ---- ۳۸۵
پاسخ ---- ۳۸۵
رسول الله(ص) در مورد عدالت گستری حضرت مهدی(عج) چه فرموده اند؟ ---- ۳۸۸
پرسش ---- ۳۸۸
پاسخ ---- ۳۸۸
اینکه می گویند پیامبر اسلام((صلی الله علیه وآله)) فرمود مهدی در آخرالزمان متولّد می شود و ظهور می فرماید درست است یا خیر؟ ---- ۳۸۸
پرسش ---- ۳۸۸
پاسخ ---- ۳۸۹
آیا رسول خداصلی الله وعلیه وآله از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۳۸۹
پرسش ---- ۳۸۹
پاسخ ---- ۳۸۹
آیا رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله خبر از غیبت امام زمان علیه السلام داده است؟ ---- ۳۸۹
پرسش ---- ۳۸۹

پاسخ ---- ۳۹۰
به حدیث: "اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی" چگونه پاسخ می گویید؟ ---- ۳۹۱
پرسش ---- ۳۹۱
پاسخ ---- ۳۹۱
به حدیث: "اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی" چگونه پاسخ می گویید؟ ---- ۳۹۳
پرسش ---- ۳۹۳
پاسخ ---- ۳۹۳
به حدیث: "المهدی من ولد الحسن" چگونه پاسخ می گویید؟ ---- ۳۹۵
پرسش ---- ۳۹۵
پاسخ ---- ۳۹۵
به حدیث: "المهدی من ولد الحسن" چگونه پاسخ می گویید؟ ---- ۳۹۵
پرسش ---- ۳۹۵
پاسخ ---- ۳۹۵
آیا جمله "کما ملئت ظلماً وجوراً" با صالح بودن مردم منافات دارد؟ ---- ۳۹۷
پرسش ---- ۳۹۷
پاسخ ---- ۳۹۷
روایات ائمه اطهار ---- ۳۹۷
روایات درمورد غیبت امام ---- ۳۹۷
نمونه ای از روایات اهل بیت (ع) درباره غیبت حضرت مهدی (عج) را بیان کنید ؟ ---- ۳۹۷
پرسش ---- ۳۹۷
پاسخ ---- ۳۹۸
آیا امام علی علیه السلام به غیبت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است؟ ---- ۳۹۸
پرسش ---- ۳۹۸
پاسخ ---- ۳۹۸
آیا امام حسن علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۳۹۸
پرسش ---- ۳۹۹
پاسخ ---- ۳۹۹
آیا امام حسین علیه السلام از غیبت فرزندش مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۴۰۰
پرسش ---- ۴۰۰
پاسخ ---- ۴۰۰
آیا امام سجادعلیه السلام از غیبت فرزندش مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۴۰۱
پرسش ---- ۴۰۱
پاسخ ---- ۴۰۱
آیا امام باقرعلیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۴۰۱
پرسش ---- ۴۰۱
پاسخ ---- ۴۰۱
آیا امام صادق علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۴۰۲
پرسش ---- ۴۰۲
پاسخ ---- ۴۰۲
آیا امام کاظم علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۴۰۳
پرسش ---- ۴۰۳

پاسخ ----- ۴۰۳
آیا امام رضاعلیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ----- ۴۰۵
پرسش ----- ۴۰۵
پاسخ ----- ۴۰۵
آیا امام جوادعلیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ----- ۴۰۵
پرسش ----- ۴۰۶
پاسخ ----- ۴۰۶
آیا امام هادی علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ----- ۴۰۶
پرسش ----- ۴۰۶
پاسخ ----- ۴۰۶
آیا امام عسکری علیه السلام برای غیبت فرزندش مهدی علیه السلام ----- ۴۰۷
اشاره ----- ۴۰۷
پرسش ----- ۴۰۷
پاسخ ----- ۴۰۷
روایات در مورد ولادت امام ----- ۴۱۰
آیا روایات ولادت حضرت مهدی علیه السلام ضعیف است؟ ----- ۴۱۰
پرسش ----- ۴۱۰
پاسخ ----- ۴۱۰
آیا روایات ولادت حضرت مهدی علیه السلام ضعیف است؟ ----- ۴۱۳
پرسش ----- ۴۱۳
پاسخ ----- ۴۱۳
آیا حضرت علی علیه السلام از ولادت امام مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ----- ۴۱۵
پرسش ----- ۴۱۵
پاسخ ----- ۴۱۵
آیا امام حسن علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ----- ۴۱۵
پرسش ----- ۴۱۵
پاسخ ----- ۴۱۵
آیا امام حسین علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ----- ۴۱۶
پرسش ----- ۴۱۶
پاسخ ----- ۴۱۶
آیا امام سجادعلیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ----- ۴۱۷
پرسش ----- ۴۱۷
پاسخ ----- ۴۱۷
آیا امام باقرعلیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ----- ۴۱۷
پرسش ----- ۴۱۷
پاسخ ----- ۴۱۷
آیا امام صادق علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ----- ۴۱۸
پرسش ----- ۴۱۸
پاسخ ----- ۴۱۸
آیا امام کاظم علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ----- ۴۲۰
پرسش ----- ۴۲۰

پاسخ ---- ۴۲۰

آیا امام رضاعلیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۴۲۱

پرسش ---- ۴۲۱

پاسخ ---- ۴۲۱

آیا امام جوادعلیه السلام از ولادت امام مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۴۲۳

پرسش ---- ۴۲۳

پاسخ ---- ۴۲۳

آیا امام هادی علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۴۲۵

پرسش ---- ۴۲۵

پاسخ ---- ۴۲۵

آیا امام عسکری علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟ ---- ۴۲۵

پرسش ---- ۴۲۵

پاسخ ---- ۴۲۵

سایر روایات ---- ۴۲۷

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم بر می خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می خیزند، چرا ؟ ---- ۴۲۷

پرسش ---- ۴۲۷

پاسخ ---- ۴۲۷

آیا در زیارت (آل یاسین) ، عبارت (یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن ...) درباره زمان ظهور امام زمان (عج) است ؟ ---- ۴۲۷

پرسش ---- ۴۲۷

پاسخ ---- ۴۲۸

لطفاً این حدیث از امام رضا(ع) که در منتخب الاثر (صافی) آمده توضیح دهید لا یری جسمه و لا یسمی باسمه (مهدی(ع) دیده نمی شود به اسم نام برده نمی شود) همچنین حدیث مشابهی از امام علی النقی در همین مورد از کمال الدین و تمام النعمه آمده است) ---- ۴۲۹

پرسش ---- ۴۲۹

پاسخ ---- ۴۲۹

اینکه حضرت امام جعفر صادق(ع) پیرامون حضرت مهدی(عج) می فرماید: «اگر او را درک می کردم، تمام عمر به خدمت او می پرداختم» چه مهمی را می رساند و حضرتش چه منظوری داشته اند؟ (معجم الاحادیث الامام المهدی (عج) جلد ۳، صفحه ۳۸۵). ---- ۴۲۹

پرسش ---- ۴۳۰

پاسخ ---- ۴۳۰

مبنای مؤلّفان حدیثی مصادر مهدویت چه بوده است؟ ---- ۴۳۰

پرسش ---- ۴۳۰

پاسخ ---- ۴۳۰

چرا هیچ یک از امامان علیهم السلام، هویت شخصی حضرت مهدی علیه السلام ---- ۴۳۳

اشاره ---- ۴۳۳

پرسش ---- ۴۳۳

پاسخ ---- ۴۳۳

آیا اخبار مهدی علیه السلام غامض وپیچیده است؟ ---- ۴۳۴

پرسش ---- ۴۳۴

پاسخ ---- ۴۳۴

آیا نصّ متواتر بر امامت امام زمان علیه السلام از امام عسکری علیه السلام رسیده است؟ ---- ۴۳۴

پرسش ---- ۴۳۴

پاسخ ---- ۴۳۴

آیا حدیث "لو أدرکته لخدمته ایام حیاتی" دلیل برتری امام زمان علیه السلام بر سایر ائمه است؟ ---- ۴۳۶

پرسش ---- ۴۳۶

پاسخ ۴۳۶
مقصود از اصلاح امر حضرت مهدی علیه السلام در یک شب چیست؟ ۴۳۶
پرسش ۴۳۶
پاسخ ۴۳۶
امام زمان علیه السلام "یأتی بدین جدید" یعنی چه؟ ۴۳۸
پرسش ۴۳۸
پاسخ ۴۳۸
امام زمان علیه السلام "یأتی بسلطان جدید" یعنی چه؟ ۴۴۰
پرسش ۴۴۰
پاسخ ۴۴۰
امام زمان علیه السلام به "امر جدید" قیام می کند یعنی چه؟ ۴۴۱
پرسش ۴۴۱
پاسخ ۴۴۱
امام زمان علیه السلام "یأتی بقضاء جدید" یعنی چه؟ ۴۴۱
پرسش ۴۴۱
پاسخ ۴۴۱
امام زمان علیه السلام "یأتی بسنه جدیده" یعنی چه؟ ۴۴۲
پرسش ۴۴۲
پاسخ ۴۴۲
آیا امام مهدی علیه السلام قیام کننده به کتاب جدید است؟ ۴۴۳
پرسش ۴۴۳
پاسخ ۴۴۳
مفاد روایات در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ۴۴۴
پرسش ۴۴۴
پاسخ ۴۴۴
چند حدیث درباره ی امام زمان(عج) بیان نمائید؟ ۴۴۶
پرسش ۴۴۶
پاسخ ۴۴۶
اینکه قرآنی می آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟ ۴۴۷
پرسش ۴۴۷
پاسخ ۴۴۷
دعای ندبه ۴۴۷
چند موضوع از دعای ندبه اختصاص به حضرت مهدی عج) دارد؟ ۴۴۷
پرسش ۴۴۷
پاسخ ۴۴۸
در دعای ندبه به این مساله اشاره شده است که می پرسد : نمی دانم کدام سرزمین تو را در بر گرفته است ؟ قرارگاهت کجاست ؟ در کوه رضوی یا ذی طوی ۰۰۰ ؟ نمی دانم در این دعا چرا سراغ حضرت مهدی را در ذی طوی و کوه رضوی می گیرند که جایگاه محمد حنفیه (امام زما
پرسش ۴۴۸
پاسخ ۴۴۹
چگونه ممکن است دعای ندبه به یکی از امامان معصوم منسوب باشد که همه عاقل و کامل بودند ولی یکی از آنان خطاب به نوادهاش (امام زمان«ع») که هنوز به دنیا نیامده بگوید تو کجائی؟ ۴۵۶
پرسش ۴۵۶
پاسخ ۴۵۶

سؤال مذکور را خدمت چندین استاد گرانقدر بیان نمودیم اما متأسفانه جوابی قانع کننده نگرفتیم حتی چندین نفر این ادعا را رد کردند سؤال مذکور این است که در دعای ندبه خطاب به امام زمان می شود: ----- ۴۵۷
اشاره ----- ۴۵۷
پرسش ----- ۴۵۷
پاسخ ----- ۴۵۷
من همیشه به امام زمان سلام می کنم باایشان صحبت می کنم و مطمئنم که ایشان صدای مرا می شنوند و منتظرند که به سوی ایشان بروم و با هر قدم من ایشان چند قدم بر می دارند اما در فرازی از دعای ندبه می خوانیم عزیز علی ان تحیط بک دونی البلوی و لا ینالک منی صحیه
پرسش ----- ۴۶۰
پاسخ ----- ۴۶۱
ندبه یعنی چه؟ (در دعا می خوانیم فلیندب النادبون) ----- ۴۶۱
پرسش ----- ۴۶۱
پاسخ ----- ۴۶۱
آیا دعای ندبه نزد علما معتبر است؟ ----- ۴۶۱
پرسش ----- ۴۶۱
پاسخ ----- ۴۶۱
نظر بزرگان علما درباره دعای ندبه چیست؟ ----- ۴۶۲
پرسش ----- ۴۶۲
پاسخ ----- ۴۶۲
چه کسانی دعای ندبه را نقل کرده اند؟ ----- ۴۶۲
پرسش ----- ۴۶۲
پاسخ ----- ۴۶۳
راوی دعای ندبه که معاصر امام نبوده چگونه دعا را نقل می کند؟ ----- ۴۶۴
پرسش ----- ۴۶۴
پاسخ ----- ۴۶۴
"محمّد بن مشهدی" راوی با واسطه دعای ندبه کیست؟ ----- ۴۶۴
پرسش ----- ۴۶۴
پاسخ ----- ۴۶۴
"محمّد بن علی بن ابی قرّه" راوی دیگر دعای ندبه کیست؟ ----- ۴۶۵
پرسش ----- ۴۶۵
پاسخ ----- ۴۶۵
ابن مشهدی دعای ندبه را چگونه از محمّد بن أبی قره نقل کرده است؟ ----- ۴۶۵
پرسش ----- ۴۶۵
پاسخ ----- ۴۶۵
آیا درباره محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری معروف به ابن مشهدی توثیقی رسیده است؟ ----- ۴۶۶
پرسش ----- ۴۶۶
پاسخ ----- ۴۶۶
دعای ندبه از کدامین امام است؟ ----- ۴۶۶
پرسش ----- ۴۶۶
پاسخ ----- ۴۶۶
آیا دعای ندبه انشای برخی از علمای شیعه است؟ ----- ۴۶۷
پرسش ----- ۴۶۷
پاسخ ----- ۴۶۷
چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است؟ ----- ۴۶۸

پرسش ۴۶۸
پاسخ ۴۶۸
آیا جمله "وعرجت بروحه" مخالف با معراج جسمانی است؟ ۴۶۸
پرسش ۴۶۹
پاسخ ۴۶۹
چه تألیفاتی درباره دعای ندبه نوشته شده است؟ ۴۶۹
پرسش ۴۶۹
پاسخ ۴۶۹
سایر موارد ۴۷۱
زیارت امام زمان(ع) که می خوانند، چرا دست روی سر می گذارند؟ ۴۷۱
پرسش ۴۷۱
پاسخ ۴۷۱
مصلح بزرگ جهانی از نظر احادیث دارای چه مشخصاتی است؟ ۴۷۱
پرسش ۴۷۱
پاسخ ۴۷۱
ضرورت برپایی حکومت عدل جهانی از راه فطرت چگونه قابل تبیین است؟ ۴۷۲
پرسش ۴۷۲
پاسخ ۴۷۲
آیا از راه براهین فلسفی می توان ضرورت حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟ ۴۷۴
پرسش ۴۷۴
پاسخ ۴۷۴
ضرورت حکومت عدل جهانی را از راه تکامل چگونه می توان تبیین کرد؟ ۴۷۴
پرسش ۴۷۴
پاسخ ۴۷۴
آیا با دلیل عقلی می توان ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را اثبات نمود؟ ۴۷۵
پرسش ۴۷۵
پاسخ ۴۷۵
آیا واقعیّت های تاریخی می تواند ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟ ۴۷۵
پرسش ۴۷۵
پاسخ ۴۷۵
چه ضرورتی در تحقق حکومت عدل جهانی در این دنیا است؟ ۴۷۷
پرسش ۴۷۷
پاسخ ۴۷۷
رهبری در حکومت عدل جهانی چه اهمّیتی دارد؟ ۴۷۸
پرسش ۴۷۸
پاسخ ۴۷۸
برپا کننده عدل جهانی چه شرایطی باید داشته باشد؟ ۴۷۸
پرسش ۴۷۸
پاسخ ۴۷۸
مهدویت در سایر فرق اسلامی ۴۷۹
سایر فرق اسلامی و اصل اعتقاد به مهدویت ۴۷۹

آیا اعتقاد به مهدویت درمیان مذاهب اسلامی مورد اتفاق می باشد؟ ---- ۴۷۹
پرسش ---- ۴۷۹
پاسخ ---- ۴۷۹
آیا همه فرق اسلامی بر ایمان به ظهور مهدی اهلبیت(ع) اجتماع و اتفاق نظر دارند؟ ---- ۴۸۱
پرسش ---- ۴۸۱
پاسخ ---- ۴۸۱
آیا مسئله ظهور حضرت مهدی از مسائل اجماعی بین مسلمین است؟ ---- ۴۸۱
پرسش ---- ۴۸۱
پاسخ ---- ۴۸۱
آیا احادیث معتبر و متواتری نسبت به عقیده مهدویت وجود دارد؟ ---- ۴۸۳
پرسش ---- ۴۸۳
پاسخ ---- ۴۸۳
آیا عقیده به مهدویت تنها اختصاص به شیعه دارد؟ یا مورد اتفاق اهل سنت و شیعه میباشد؟ ---- ۴۸۳
پرسش ---- ۴۸۳
پاسخ ---- ۴۸۴
نظر علمای اهل سنّت پیرامون مصلح جهانی چیست؟ ---- ۴۸۵
پرسش ---- ۴۸۵
پاسخ ---- ۴۸۵
آیا کسی از علمای اهل سنّت، منکر احادیث مهدویت شده است؟ ---- ۴۸۶
پرسش ---- ۴۸۶
پاسخ ---- ۴۸۶
چرا بخاری ومسلم احادیث مهدویت را در صحاح خود ذکر نکرده اند؟ ---- ۴۸۹
پرسش ---- ۴۸۹
پاسخ ---- ۴۸۹
آیا احادیث مهدویت تنها از طرق شیعه بوده ودر سند همه آنها شیعه وجود دارد؟ ---- ۴۹۳
پرسش ---- ۴۹۳
پاسخ ---- ۴۹۳
آیا عقیده مهدویت مورد اجماع مسلمین است؟ ---- ۴۹۵
پرسش ---- ۴۹۵
پاسخ ---- ۴۹۵
آیا کسی از علمای اهل سنّت ادعای تواتر در احادیث مهدویت کرده است؟ ---- ۴۹۶
پرسش ---- ۴۹۶
پاسخ ---- ۴۹۶
چه کسانی قائل به صحّت احادیث مهدویت شده اند؟ ---- ۴۹۸
پرسش ---- ۴۹۸
پاسخ ---- ۴۹۸
چه کسانی از صحابه احادیث مهدویت را نقل کرده اند؟ ---- ۵۰۲
پرسش ---- ۵۰۲
پاسخ ---- ۵۰۲
حکم منکر حضرت مهدی(ع) وظهور او، در نزد اهل سنّت چیست؟ ---- ۵۰۲
پرسش ---- ۵۰۲

پاسخ ----- ۵۰۲
آیا مذاهب اسلامی بر اصل ظهور امام زمان علیه السلام اتفاق نظر دارند؟ ----- ۵۰۳
پرسش ----- ۵۰۳
پاسخ ----- ۵۰۳
آیا مذاهب اسلامی بر وجوب اعتقاد به ظهور مهدی(ع)اتفاق نظر دارند؟ ----- ۵۰۵
پرسش ----- ۵۰۵
پاسخ ----- ۵۰۵
دیدگاه مذاهب اسلامی درباره حکومت عدل گستر حضرت مهدی ع) چیست؟ ----- ۵۰۷
پرسش ----- ۵۰۷
پاسخ ----- ۵۰۷
مسأله قبول منجی از طرف مسیحیان و شیعیان و چندین دین جهان واضح است، اما آیا سنی ها مسلمان نیز به چنین منجی اعتقاد دارند؟ ----- ۵۰۸
پرسش ----- ۵۰۸
پاسخ ----- ۵۰۸
نظر اهل تسنن در مورد ظهور امام زمان (عج) چیست ؟ آن را با نظر شیعیان مقایسه کنید. ----- ۵۱۰
پرسش ----- ۵۱۰
پاسخ ----- ۵۱۰
سایر فرق اسلامی و مصداق مهدویت ----- ۵۱۰
آیا سنی ها به غیبت امام زمان اعتقاد دارند، به چه دلیل؟ ----- ۵۱۰
پرسش ----- ۵۱۰
پاسخ ----- ۵۱۰
چرا بین شیعه و سنی در مورد ولادت حضرت مهدی(عج) اختلاف وجود دارد؟ ----- ۵۱۱
پرسش ----- ۵۱۱
پاسخ ----- ۵۱۱
نمونه ای از روایات اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) را ذکر کنید ؟ ----- ۵۱۴
پرسش ----- ۵۱۴
پاسخ ----- ۵۱۴
آیا از اهل سنّت احادیث و روایاتی درباره ظهور حضرت مهدی(عج) نقل شده است؟ ----- ۵۱۵
پرسش ----- ۵۱۵
پاسخ ----- ۵۱۵
چه مشخصات و ویژگیهائی برای حضرت مهدی در کتب اهل سنت آمده است؟ ----- ۵۱۵
پرسش ----- ۵۱۵
پاسخ ----- ۵۱۵
تعدادی از احادیث روایت شده توسط سنی درباره امام مهدی، ظهور ایشان، و دیگر مسائل مربوط به ظهور را بیان کنید. ----- ۵۱۷
پرسش ----- ۵۱۷
پاسخ ----- ۵۱۷
آیا در میان روایات نقل شده توسط اهل سنت، احادیثی که مؤیّد اعتقاد شیعه بر امامت دوازده امام بعد از پیامبر باشد وجود دارد؟ ----- ۵۲۱
پرسش ----- ۵۲۱
پاسخ ----- ۵۲۱
دیدگاه علمای اهل سنت و علمای شیعه در مورد امام مهدی(ع) چیست؟ ----- ۵۲۵
پرسش ----- ۵۲۵
پاسخ ----- ۵۲۵

آیا این اعتقاد اهل سنت که امام زمان (عج) فرزند عبداله و آمنه است صحت دارد؟ ---- ۵۲۷
پرسش ---- ۵۲۷
پاسخ ---- ۵۲۷
آیا صحیح است که سنّتها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی((علیه السلام)) ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند؟ ---- ۵۲۸
پرسش ---- ۵۲۸
پاسخ ---- ۵۲۸
آیا اهل سنّت به امامت امام دوازدهم معتقدند؟ ---- ۵۳۰
پرسش ---- ۵۳۰
پاسخ ---- ۵۳۰
آیا اهل سنت به حضرت مهدی (عج) اعتقاد دارند؟ ---- ۵۳۰
پرسش ---- ۵۳۰
پاسخ ---- ۵۳۰
نظر اهل سنت و ادیان مختلف درباره امام زمان چیست ؟ ---- ۵۳۱
پرسش ---- ۵۳۱
پاسخ ---- ۵۳۱
تفاوت شیعه و سنی در مسئله مهدویت چگونه است. به عنوان مثال شیعه اعتقاد دارد مصلح متولد شده و امام است اما سنی بیان می کند که مصلح متولد نشده و امام نیست ---- ۵۳۲
پرسش ---- ۵۳۲
پاسخ ---- ۵۳۲
دیدگاه مذاهب اسلامی درباره لقب منجی چیست؟ ---- ۵۳۶
پرسش ---- ۵۳۶
پاسخ ---- ۵۳۶
دیدگاه مذاهب اسلامی درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام چیست؟ ---- ۵۳۷
پرسش ---- ۵۳۷
پاسخ ---- ۵۳۷
آیا کسی از علمای اهل سنّت به ولادت مهدی علیه السلام اعتراف کرده است؟ ---- ۵۳۷
پرسش ---- ۵۳۷
پاسخ ---- ۵۳۷
آیا کسی از اهل سنّت فرزند امام عسکری علیه السلام (مهدی) را ---- ۵۴۳
اشاره ---- ۵۴۳
پرسش ---- ۵۴۳
پاسخ ---- ۵۴۳
اگر موضوع مهدویت حضرت مهدی علیه السلام واضح بوده، چرا عده ای به مهدویت غیر او معتقد شدند؟ ---- ۵۴۶
پرسش ---- ۵۴۶
پاسخ ---- ۵۴۶
نظر فرقه "شیخیّه" درباره امام زمان علیه السلام چیست؟ ---- ۵۴۷
پرسش ---- ۵۴۷
پاسخ ---- ۵۴۷
شیعیان می گویند امام مهدی(عج) زنده است ولی اهل سنت می گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/ ---- ۵۴۷
پرسش ---- ۵۴۷
پاسخ ---- ۵۴۸
چرا اهل تسنن معتقدند که هنوز امام زمان (عج) به دنیا نیامده است ؟ ---- ۵۴۹

پرسش ----- ۵۴۹
پاسخ ----- ۵۴۹
چرا اهل تسنن وجود حضرت امام زمان را قبول ندارند و می گویند امام زمان وجود ندارد. ----- ۵۵۶
پرسش ----- ۵۵۶
پاسخ ----- ۵۵۷
آیا صحیح است که سنّیها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی«علیه السلام» ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند؟ ----- ۵۵۸
پرسش ----- ۵۵۸
پاسخ ----- ۵۵۸
شیعیان می گویند امام مهدی (عج) زنده است ولی اهل سنت می گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/ ----- ۵۵۹
پرسش ----- ۵۵۹
پاسخ ----- ۵۵۹
چند گروه از مردم معتقد به وجود حضرت مهدی (عج)هستند؟ ----- ۵۶۱
پرسش ----- ۵۶۱
پاسخ ----- ۵۶۱
اعتقاد مفوضه در خصوص ظهور امام زمان (عج) چیست؟ ----- ۵۶۲
پرسش ----- ۵۶۲
پاسخ ----- ۵۶۲
آیا زیدیّه منکر مهدی ع) هستند؟ ----- ۵۶۴
پرسش ----- ۵۶۴
پاسخ ----- ۵۶۴
دیدگاه مذاهب اسلامی راجع به توسعه حکومت حضرت مهدی چیست؟ ----- ۵۶۶
پرسش ----- ۵۶۶
پاسخ ----- ۵۶۶
منظور از مهدویت نوعی وشخصی چیست؟ ----- ۵۶۷
اشاره ----- ۵۶۷
پرسش ----- ۵۶۷
پاسخ ----- ۵۶۷
آیا ما در عصر فترت قرار داریم؟ ----- ۵۶۷
پرسش ----- ۵۶۸
پاسخ ----- ۵۶۸
شیعه اثنی عشری و مهدویت ----- ۵۶۹
زندگانی امام زمان ع ----- ۵۶۹
ولادت ----- ۵۶۹
ویژگهای زمان حمل ----- ۵۶۹
حضرت مهدی در بدو تولد کدامین آیه را تلاوت فرمود؟ ----- ۵۶۹
پرسش ----- ۵۶۹
پاسخ ----- ۵۶۹
سورهای که امام زمانع با مادرش در دوران بارداری میخواند، چه بود؟ ----- ۵۶۹
پرسش ----- ۵۶۹
پاسخ ----- ۵۶۹
تولد ----- ۵۷۰

چرا مادر امام زمان ۷او را پنهان کرد؟ ----- ۵۷۰
پرسش ----- ۵۷۰
پاسخ ----- ۵۷۰
در مورد پدر و مادر امام زمان(ع) و نحوه تولد و زندگی و غیبت و علایم ظهور او توضیح دهید. ----- ۵۷۱
پرسش ----- ۵۷۱
پاسخ ----- ۵۷۱
لطفاً در خصوص تولد، غیبت صغری، غیبت کبری ، طول عمر و علائم ظهور امام زمان (ع) و کسانی که با او در ارتباط بودند را توضیح دهید. ----- ۵۷۶
پرسش ----- ۵۷۶
پاسخ ----- ۵۷۶
چرا ولادت امام زمان(ع) مخفی بود، ولی در مورد ولادت امام های دیگر(ع) با وجود فشارهای زیاد چنین حالتی نبود؟ ----- ۵۸۲
پرسش ----- ۵۸۲
پاسخ ----- ۵۸۲
در خصوص ولادت امام زمان (ع) توضیح دهید. ----- ۵۸۴
پرسش ----- ۵۸۴
پاسخ ----- ۵۸۴
نحوه ولادت حضرت مهدی (عج) در روایات اسلامی چگونه است؟ ----- ۵۸۵
پرسش ----- ۵۸۵
پاسخ ----- ۵۸۵
چه عواملی در حصول تواتر ویقین به ولادت امام مهدی علیه السلام مؤثر است؟ ----- ۵۸۹
پرسش ----- ۵۸۹
پاسخ ----- ۵۸۹
آیا در بین احادیث ولادت حضرت، حدیث صحیح السند نیز وجود دارد؟ ----- ۵۹۱
پرسش ----- ۵۹۱
پاسخ ----- ۵۹۱
آیا خبر ولادت امام مهدی علیه السلام تنها از طریق حکیمه نقل شده است؟ ----- ۵۹۴
پرسش ----- ۵۹۴
پاسخ ----- ۵۹۴
آیا با اجماعی که شیعه قبول ندارد می توان دلیل ولادت حضرت را اجماع قرار داد؟ ----- ۵۹۷
پرسش ----- ۵۹۷
پاسخ ----- ۵۹۷
آیا بزرگان طایفه امامیه بعد از وفات امام عسکری علیه السلام بر ولادت حضرت اتفاق داشتند؟ ----- ۵۹۷
پرسش ----- ۵۹۷
پاسخ ----- ۵۹۷
مورخان شیعه در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی علیه السلام چه گفته اند؟ ----- ۵۹۸
پرسش ----- ۵۹۸
پاسخ ----- ۵۹۸
آیا علمای انساب به ولادت فرزند امام عسکری علیه السلام اعتراف نموده اند؟ ----- ۵۹۹
پرسش ----- ۵۹۹
پاسخ ----- ۵۹۹
آیا جعفر عموی امام مهدی علیه السلام منکر ولادت ایشان بوده است؟ ----- ۶۰۰
پرسش ----- ۶۰۰

پاسخ ---- ۶۰۰
دلیل به دنیا آمدن حضرت مهدی(عج) را توضیح دهید؟ ---- ۶۰۱
پرسش ---- ۶۰۱
پاسخ ---- ۶۰۱
محل تولد امام زمان(ع) کجاست؟ ---- ۶۰۳
پرسش ---- ۶۰۳
پاسخ ---- ۶۰۳
ویژگیهای جسمانی نوزاد ---- ۶۰۴
نام و القاب ---- ۶۰۴
نام ---- ۶۰۴
نام و کنیه و نام مادر حضرت مهدی ۷چیست ؟ ---- ۶۰۴
پرسش ---- ۶۰۴
پاسخ ---- ۶۰۴
از امام زمان(ع) برایم بنویسید. ---- ۶۰۵
پرسش ---- ۶۰۵
پاسخ ---- ۶۰۵
نام حضرت مهدی(عج) چیست و چرا مردم آن را بر زبان جاری نمی کنند؟ ---- ۶۰۵
پرسش ---- ۶۰۵
پاسخ ---- ۶۰۶
چرا امام زمان(ع) هم نام و هم کنیه پیامبر است؟ چرا حضرت از کعبه ظهور می کند؟ ---- ۶۰۶
پرسش ---- ۶۰۶
پاسخ ---- ۶۰۶
درمورد امام زمان اطلاعات مفید در اختیار من قرار دهید؟ ---- ۶۰۹
پرسش ---- ۶۰۹
پاسخ(قسمت اول) ---- ۶۰۹
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۶۱۷
پاسخ(قسمت سوم) ---- ۶۲۷
پاسخ(قسمت چهارم) ---- ۶۳۶
پاسخ(قسمت پنجم) ---- ۶۴۶
پاسخ(قسمت ششم) ---- ۶۵۵
در مورد شخصیت امام زمان (عج) توضیح دهید؟ ---- ۶۵۷
پرسش ---- ۶۵۷
پاسخ ---- ۶۵۷
سایر موارد ---- ۶۶۲
آیا مادر امام زمان(ع) غیر از نرجس نام های دیگری دارد؟ ---- ۶۶۲
پرسش ---- ۶۶۲
پاسخ ---- ۶۶۲
مهدی آل محمد کیست و چرا در انتظار آمدن وی به سر می برید ؟ ---- ۶۶۲
پرسش ---- ۶۶۲
پاسخ ---- ۶۶۲
حضرت قائم چندمین فرزند امام حسین(ع) است؟ ---- ۶۶۴

پرسش ---- ۶۶۴
پاسخ ---- ۶۶۴
آیا امام زمان(عج) از غذای این جهان تغذیه می کند؟ ---- ۶۶۴
پرسش ---- ۶۶۴
پاسخ ---- ۶۶۴
آیا ادعای اینکه امام زمان صورت وجودی خداست درست است ؟ ---- ۶۶۵
پرسش ---- ۶۶۵
پاسخ ---- ۶۶۵
در خصوص امام زمان و ظهور امام عصر توضیحاتی لازم را برایم ارسال فرمایید. ---- ۶۶۶
پرسش ---- ۶۶۶
پاسخ(قسمت اول) ---- ۶۶۶
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۶۷۶
آیاروایت بشر بن سلیمان در باره نحوه وصال حضرت نرگس خاتون با مولایمان امام عسکری روایت صحیحی است و قابل استناد؟ ---- ۶۸۲
پرسش ---- ۶۸۲
پاسخ ---- ۶۸۳
مهدی موعودعلیه السلام از ذریّه چه کسی است؟ ---- ۶۸۳
پرسش ---- ۶۸۳
پاسخ ---- ۶۸۳
وضعیت سیاسی در عصر امام عسکری علیه السلام وولادت حضرت مهدی علیه السلام چگونه بوده است؟ ---- ۶۸۴
پرسش ---- ۶۸۴
پاسخ ---- ۶۸۴
اولین مالک نرجس خاتون چه شخصی بوده است؟ ---- ۶۸۵
پرسش ---- ۶۸۵
پاسخ ---- ۶۸۶
آیا امام عسکری علیه السلام قبل از شهادت خود به مادرش وصیّت کرده است؟ ---- ۶۸۶
پرسش ---- ۶۸۶
پاسخ ---- ۶۸۶
حکم کسی که ایمان به ولادت امام مهدی علیه السلام ندارد چیست؟ ---- ۶۸۸
پرسش ---- ۶۸۸
پاسخ ---- ۶۸۸
چرا جعفر به "دروغگو" معروف شده است؟ ---- ۶۸۸
پرسش ---- ۶۸۸
پاسخ ---- ۶۸۸
کارهای ناشایست جعفر چه بوده است؟ ---- ۶۸۹
پرسش ---- ۶۸۹
پاسخ ---- ۶۸۹
چرا امام زمان علیه السلام عمویش جعفر را به برادران یوسف علیه السلام تشبیه کرد؟ ---- ۶۹۰
پرسش ---- ۶۹۰
پاسخ ---- ۶۹۰
آیا مهدی علیه السلام از اولاد ونسل عباس است؟ ---- ۶۹۰
پرسش ---- ۶۹۰

پاسخ ----- ۶۹۰

آیا مهدی، همان عیسی بن مریم است؟ ----- ۶۹۲

پرسش ----- ۶۹۲

پاسخ ----- ۶۹۲

-امام زمان (عج) چه کاره حضرت رضا« علیه السلام » می شوند ؟ ----- ۶۹۴

پرسش ----- ۶۹۴

پاسخ ----- ۶۹۴

آیا امام زمان(عج) مثل ما خداوند را عبادت می کنند؟ ----- ۶۹۴

پرسش ----- ۶۹۵

پاسخ ----- ۶۹۵

چرا درباره نام حقیقی مادر حضرت ولی عصر(عج) و سایر خصوصیاتشان تحقیق کاملی انجام نمی گیرد با آنکه اصول عقاید مان بر اینگونه مطالب استوار است؟ ----- ۶۹۵

پرسش ----- ۶۹۵

پاسخ ----- ۶۹۵

امامت حضرت ----- ۶۹۷

می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد معنی آن اینست که اگر حجت خدا (مثل کتاب آسمانی) در میان مردم نباشد در آنوقت باید جهان بپایان رسد زیرا خداوند از آفرینش م

پرسش ----- ۶۹۷

پاسخ ----- ۶۹۷

آیا نظام امامت با پایان یافتن غیبت صغری پایان یافته و پس از ظهور حضرت مهدی از نو برقرار میشود و یا اینکه نظام امامت استمرار دارد ----- ۶۹۸

پرسش ----- ۶۹۸

پاسخ ----- ۶۹۸

چگونه توحید در امامت حضرت مهدی تجلی مییابد؟ ----- ۶۹۸

پرسش ----- ۶۹۸

پاسخ ----- ۶۹۸

با توجّه به اینکه امام زمان((علیه السلام)) موقع وفات پدر بزرگوارش ۵ ساله بود آیا صحیح است که رهبری جامعه به دست کودک ۵ ساله بیفتد؟ ----- ۶۹۹

پرسش ----- ۶۹۹

پاسخ ----- ۶۹۹

چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار سال یا دوهزار سال نگهداری می کند تا در موقع لزوم از آن استفاده کند تا افرادی که منتظر فرصت می باشند بهانه گیری کنند؟ ۶۹۹

پرسش ----- ۶۹۹

پاسخ ----- ۶۹۹

وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام چگونه بوده است؟ ----- ۷۰۱

پرسش ----- ۷۰۱

پاسخ ----- ۷۰۱

آیا برخی از شیعیان بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام قائل به توقّف شدند؟ ----- ۷۰۲

پرسش ----- ۷۰۲

پاسخ ----- ۷۰۲

آیا بعد از وفات امام عسکری علیه السلام عصر حیرت بوده است؟ ----- ۷۰۳

پرسش ----- ۷۰۳

پاسخ ----- ۷۰۳

آیا شیعیان بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام به جعفر تعزیت وتهنیت گفتند؟ ----- ۷۰۳

پرسش ----- ۷۰۳

پاسخ ----- ۷۰۳

چه کسانی در امامت در سنین کودکی شک کرده اند؟ ---- ۷۰۶
پرسش ---- ۷۰۶
پاسخ ---- ۷۰۶
آیا اعتقاد به امامت وولایت امامان در کودکی با تهدید وتحمیل بزرگان شیعه بوده است؟ ---- ۷۰۹
پرسش ---- ۷۰۹
پاسخ ---- ۷۰۹
آیا خلفا بر امامت امامان در سنین کودکی اذعان داشتند؟ ---- ۷۰۹
پرسش ---- ۷۰۹
پاسخ ---- ۷۰۹
آیا از امامان قبل، نصّی بر امامت امامان کودک بوده است؟ ---- ۷۰۹
پرسش ---- ۷۱۰
پاسخ ---- ۷۱۰
آیا اهل بیت علیهم السلام در زمینه سازی برای امامت کودک اقدامی انجام داده اند؟ ---- ۷۱۰
پرسش ---- ۷۱۰
پاسخ ---- ۷۱۱
آیا حضرت مهدی علیه السلام برای اثبات امامتش در کودکی ---- ۷۱۱
اشاره ---- ۷۱۱
پرسش ---- ۷۱۱
پاسخ ---- ۷۱۱
آیا خداوند برای امامت حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی کرده است؟ ---- ۷۱۲
پرسش ---- ۷۱۲
پاسخ ---- ۷۱۲
کدام آیه از آیات قرآن کریم امامت حضرت مهدی غ در سن کودکی را امری ممکن می داند؟ ---- ۷۱۲
پرسش ---- ۷۱۲
پاسخ ---- ۷۱۲
چرا انبیای بزرگ الهی در سن چهل سالگی به پیامبری برگزیده می شدند، با این که آن ها نیز امام بودند، ولی حضرت حجت بن الحسن در سن پنج سالگی به امامت رسید؟ ---- ۷۱۳
پرسش ---- ۷۱۳
پاسخ ---- ۷۱۳
از چه راهی امامت امام زمان«علیه السلام» قابل اثبات است؟ ---- ۷۱۵
پرسش ---- ۷۱۵
پاسخ ---- ۷۱۵
ازدواج ---- ۷۱۵
پرسش: ایا حضرت مهدی فرزند و همسری دارد؟ ---- ۷۱۵
پرسش ---- ۷۱۵
پاسخ ---- ۷۱۶
آیا امام زمان ۷ازدواج کرده اند و دارای زن و بچه هستند آیا داستان جزیره خضرا واقعیت داشته و حضرت حجت ۷در میان آب زندگی می کنند؟ ---- ۷۱۸
پرسش ---- ۷۱۸
پاسخ ---- ۷۱۸
آیا امام زمان ۷دارای همسر و فرزند هستند؟ ---- ۷۱۹
پرسش ---- ۷۱۹
پاسخ ---- ۷۱۹

آیا قصه جزیره خضرا دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟ ۷۲۱
پرسش ۷۲۱
پاسخ ۷۲۱
در برخی از روایات بر اهل وعیال حضرت اشاره شده،آیا این دلالت بر ازدواج دارد؟ ۷۲۲
پرسش ۷۲۲
پاسخ ۷۲۲
آیا کنیه "اباصالح" دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟ ۷۲۳
پرسش ۷۲۳
پاسخ ۷۲۳
۲- آیا امام زمان"ع" ما که تا به حال هزار وچندی سال ازعمرایشان می گذرد آیا همسر ویا فرزند ویا نوه ای هم دارند؟ ۷۲۴
پرسش ۷۲۴
پاسخ ۷۲۴
آیا امام زمان زن وفرزند دارد؟ درصورتی که ندارد آیا خداوند غریزه جنسی را درهمه قرار نداده وآیا ازروایات استفاده نمی شود که مردم باید ازدواج کنند وثواب زیادی دارد ودرمذمتش احادیث فراوان داریم. اگر ازدواج کرده چند تا فرزند دارد وکجا زندگی می کنند؟ ۷۲۵
پرسش ۷۲۵
پاسخ ۷۲۵
آیا حضرت مهدی"ع" همسر وفرزند دارد؟چند تا وچگونه؟ ۷۲۸
پرسش ۷۲۸
پاسخ ۷۲۸
آیا اطلاعاتی در مورد نحوه زندگی ابا صالح عج و جود دارد اینکه چگونه زندگی می کنند، تنهاست یا با خانواده ای زندگی میکند خود را و خوراکش ر ازکجا تأمین میکند یا از آسمان برای او میرسد توضیح فرمائید ؟ ۷۲۹
پرسش ۷۲۹
پاسخ ۷۲۹
۱-آیا امام زمان «عج» دارای زن و فرزند می باشند ؟ اگر جواب مثبت است آیا آنها می دانند که ایشان(حضرت مهدی) صاحب الزمان است ؟ ۷۳۰
اشاره ۷۳۰
پرسش ۷۳۰
پاسخ ۷۳۰
آیا امام زمان ازدواج نموده اند چون ازدواج سنت پیامبر است . ۷۳۳
پرسش ۷۳۳
پاسخ ۷۳۳
آیا همسر ایشان (امام زمان) از انس است یا جن. ۷۳۴
پرسش ۷۳۴
پاسخ ۷۳۴
برای اینکه فردی به همسری امام زمانش درآید باید چگونه باشد.با توجه به اینکه علاوه بر روح عالی امام جسم ایشان نیز جسم ویژه ای است. ۷۳۶
پرسش ۷۳۶
پاسخ ۷۳۶
موقع شروع غیبت کبری، حضرت مهدی(عج) مجرد بود یا متأهل؟ ۷۳۷
پرسش ۷۳۷
پاسخ ۷۳۷
آیا امام زمان ازدواج کرده و فرزند دارد؟ ۷۳۸
پرسش ۷۳۸
پاسخ ۷۳۸
آیا حضرت ولی عصر۷دارای زن و فرزند می باشد؟ ۷۳۸

پرسش ----- ۷۳۸
پاسخ ----- ۷۳۸
آیا امام زمان ۷ازدواج نموده اند و دارای فرزند هستند؟ ----- ۷۳۹
پرسش ----- ۷۳۹
پاسخ ----- ۷۴۰
در خصوص ازدواج یا عدم ازدواج امام زمان(عج) توضیح دهید. ----- ۷۴۱
پرسش ----- ۷۴۱
پاسخ ----- ۷۴۱
با وجودی که پیامبر اسلام(ص) فرمود: "النكاح سنتی"، و مردم را به این سنت حسنه تشویق نمود، چرا حضرت مهدی (عج) به این فرمایش پیامبر(ص) عمل نکرده؟ اگر عمل کرده است، نام همسر و پدرزنش چیست؟ ----- ۷۴۳
پرسش ----- ۷۴۳
پاسخ ----- ۷۴۳
آیا امام زمان دارای زن و فرزند و نوه می باشد؟ ----- ۷۴۵
پرسش ----- ۷۴۵
پاسخ ----- ۷۴۵
آیا امام زمان(عج) در طول دوران غیبت همسری انتخاب کرده و فرزندی دارند؟ نام آنان چیست؟ آیا آنان هم از نظرها غایبند؟ ----- ۷۴۶
پرسش ----- ۷۴۶
پاسخ ----- ۷۴۶
آیا زن امام زمان(عج) هم طول عمر دارد؟ ----- ۷۴۸
پرسش ----- ۷۴۸
پاسخ ----- ۷۴۸
آیا امام زمان (عج) ازدواج نموده است، آیا فرزندی دارد؟ ----- ۷۵۰
پرسش ----- ۷۵۰
پاسخ ----- ۷۵۰
آیا زندگی حضرت ولی عصر فرشته گونه است یا طبیعی و تجربی (ازدواج و تولید مثل)؟ ----- ۷۵۱
پرسش ----- ۷۵۱
پاسخ ----- ۷۵۱
آیا امام زمان (عج) ازدواج کرده است و در صورت ازدواج فرزندی دارد و آنان میان مردم هستند؟ ----- ۷۵۳
پرسش ----- ۷۵۳
پاسخ ----- ۷۵۳
آیا حضرت مهدی(ع) ازدواج کرده و همسر و بچه دارد؟ اگر چنین است، با چه خانواده ای ازدواج کرده است؟ ----- ۷۵۵
پرسش ----- ۷۵۵
پاسخ ----- ۷۵۵
مسئله ازدواج امام زمان (عج) را توضیح دهید؟ ----- ۷۵۶
پرسش ----- ۷۵۶
پاسخ ----- ۷۵۶
آیا امام زمان(عج) ازدواج نموده و زن و فرزند دارد؟ ----- ۷۵۸
پرسش ----- ۷۵۸
پاسخ ----- ۷۵۸
آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟ ----- ۷۶۰
پرسش ----- ۷۶۰
پاسخ ----- ۷۶۰

آیا حضرت صاحب الامر(ع) همسر دارند و صاحب عائله و فرزند می باشند؟ اگر دارند کجا اقامت دارند و آیا آنها شناخته شده اند یا به طور ناشناس زندگی می کنند و کسی آنها را نمی شناسد؟ ----- ۷۶۲

پرسش ----- ۷۶۲

پاسخ ----- ۷۶۲

آیا امام عصر(عج) زندگی جمعی و خانوادگی دارند؟ در صورت مثبت بودن جواب، همسر ایشان چه قشر از مردم هستند؟ ----- ۷۶۳

پرسش ----- ۷۶۳

پاسخ ----- ۷۶۳

آیا امام زمان(ازدواج کرده اند یا خیر؟ لطفاً در صورت امکان توضیح دهید. ----- ۷۶۷

پرسش ----- ۷۶۷

پاسخ ----- ۷۶۷

آیا امام عصر (عج) دارای زن و فرزند است اگر هست چرا تاکنون کسی خود رافرزند امام معرفی نکرده و اگر نیس ----- ۷۶۹

پرسش ----- ۷۶۹

پاسخ ----- ۷۶۹

شخصی یکی از نوادگان امام زمان(عج) را دیده که او گفته من نه صدای امام را شنیده ام و نه خود ایشان را دیده ام. به نظر شما دلیل اینکه نواده ای از امام نیز محروم از این قضیه باشد چیست؟ ----- ۷۷۰

پرسش ----- ۷۷۰

پاسخ ----- ۷۷۰

آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟تعداد فرزندان آنها را بنویسید؟ ----- ۷۷۱

پرسش ----- ۷۷۱

پاسخ ----- ۷۷۱

علما بر این باورند که حضرت ولی عصر (ع) فرزند و همسر ندارند؛ ولی کنیه ایشان اباالقاسم(پدر قاسم) می باشد. توجیه کنید. ----- ۷۷۲

پرسش ----- ۷۷۲

پاسخ ----- ۷۷۲

آیا امام زمان دارای زن و فرزند می باشند؟ ایشان چگونه وفات می یابند؟ ----- ۷۷۳

پرسش ----- ۷۷۳

پاسخ ----- ۷۷۳

آیا طبق قاعده، امام زمان علیه السلام ازدواج کرده است؟ ----- ۷۷۵

پرسش ----- ۷۷۵

پاسخ ----- ۷۷۵

در صورت قول به عدم ازدواج، به روایت مفضّل بن عمر چگونه پاسخ می دهید؟ ----- ۷۷۶

پرسش ----- ۷۷۶

پاسخ ----- ۷۷۶

لقب و کنیه ----- ۷۷۸

یازده لقب از لقب های حضرت مهدی ۷را نام ببرید. ----- ۷۷۸

پرسش ----- ۷۷۸

پاسخ ----- ۷۷۸

یا أباصالح، گل نرگس و گل زهرا یعنی چه و به چه کسی گفته می شود؟ ----- ۷۷۸

پرسش ----- ۷۷۸

پاسخ ----- ۷۷۸

با توجه به این که پیغمبر اسلام(ص) به آیات وحی نزدیک تر است هم چنین خدمات و نزول قرآن از پیامبر(ص) می باشد، چطور حضرت صاحب الزمان (عج را شریک القرآن می خوانند؟ ----- ۷۷۹

پرسش ----- ۷۷۹

پاسخ ----- ۷۷۹

لقب قائم منسوب به کدام یک از معصومین است؟ ----- ۷۸۰

پرسش ----- ۷۸۰

پاسخ ----- ۷۸۰

چرا برای امام مهدی اسم و لقب هایی گذاشته اند؟ ----- ۷۸۰

پرسش ----- ۷۸۰

پاسخ ----- ۷۸۰

منظور از این جمله که «السلام علیک یا حجه الله التی لاتخفی» چیست؟ ----- ۷۸۱

پرسش ----- ۷۸۱

پاسخ ----- ۷۸۱

چرا امام زمان((علیه السلام)) را صاحب الزمان می گویند در صورتی که صاحب اصلی زمان خداست؟ ----- ۷۸۱

پرسش ----- ۷۸۱

پاسخ ----- ۷۸۱

معنی کلمه ی «بقیه الله» چیست؟ ----- ۷۸۱

پرسش ----- ۷۸۲

پاسخ ----- ۷۸۲

چرا امام زمان((علیه السلام)) به خورشید تشبیه شده است؟ ----- ۷۸۳

پرسش ----- ۷۸۳

پاسخ ----- ۷۸۳

چرا اسم امام مهدی را (صاحب الزمان) نامیده اند؟ ----- ۷۸۳

پرسش ----- ۷۸۳

پاسخ ----- ۷۸۳

چرا کنیه امام زمان (عج) ابوالقاسم است ؟ ----- ۷۸۴

پرسش ----- ۷۸۴

پاسخ ----- ۷۸۴

چرا به حضرت مهدی (عج)ابا صالح می گویند ؟لطفا با استدلال و به تفصیل پاسخ دهید ؟ ----- ۷۸۴

پرسش ----- ۷۸۴

پاسخ ----- ۷۸۴

در یکی از دعاهای امام عصر آمده : السلام علیک یا باب الله و دیان دینه در این باره بفرمایید: کلمه باب الله به چه معنی است؟ امام زمان علیه السلام باب خدا است؟ مگر خدا خانه محسوس دارد و او در آن است؟! دیان دارای چه معنی است؟چرا به امام مهدی به عبارت دیان دین ۷۸۹

پرسش ----- ۷۸۹

پاسخ ----- ۷۹۰

«یا عین اللّه فی خلقه» درباره امام زمان«علیه السلام» چه معنی دارد؟ ----- ۷۹۱

پرسش ----- ۷۹۱

پاسخ ----- ۷۹۱

لقب شریف مهدی به چه معناست؟ ----- ۷۹۱

پرسش ----- ۷۹۱

پاسخ ----- ۷۹۱

منع از ذکر نام خاص ----- ۷۹۲

چرا نام مبارک حضرت حجت عجل اللّه تعالی فرجه الشریف به صورت نوشته می شود؟ در صورت امکات کتاب یا جزوه هایی درباره، موضوع سؤالات معرفی نمایید. ----- ۷۹۲

پرسش ----- ۷۹۲

پاسخ ----- ۷۹۲

در عصر پیشوایان معصوم علیهم السلام آوردن نام حضرت ولی عصر۷کفر محسوب می شد آیا الا،ن هم چنین است اگر دلیل مخفی نمودن نام آن بزرگوار ترس از جان حضرت بوده چرا امروز هم باید مخفی باشد؟ ----- ۷۹۴

پرسش ----- ۷۹۴

پاسخ ---- ۷۹۴
علت این که جائز نیست نام مبارک امام زمان(ع) را بر زبان جاری کنیم چیست؟ ---- ۷۹۴
پرسش ---- ۷۹۴
پاسخ ---- ۷۹۴
چرا نباید تا ظهور امام زمان نام ایشان (م، ح، م، د) را صدا بزنیم و نام ببریم؟ ---- ۷۹۶
پرسش ---- ۷۹۶
پاسخ ---- ۷۹۶
علت نهی از نام بردن امام زمان(ع) چیست و آن کدام اسم است؟ ---- ۷۹۷
پرسش ---- ۷۹۷
پاسخ ---- ۷۹۷
چرا نام امام زمان((علیه السلام)) در وصیّت نامه امام حسن عسگری((علیه السلام)) نیامده است؟ ---- ۷۹۷
پرسش ---- ۷۹۷
پاسخ ---- ۷۹۷
ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟ ---- ۷۹۸
پرسش ---- ۷۹۸
پاسخ ---- ۷۹۸
چرا نباید نام اصلی حضرت مهدی (عج) که هم نام حضرت محمد (ص) است را به کار برد آیا دارای اشکال شرعی است؟ ---- ۷۹۹
پرسش ---- ۷۹۹
پاسخ ---- ۸۰۰
علت منع از ذکر اسم خاص امام زمان چیست ---- ۸۰۲
پرسش ---- ۸۰۲
پاسخ ---- ۸۰۲
آیا این روایت (هر که مرا نام برد در مجمعی از مردم به اسم من پس بر او باد لعنت خدا) که از امام زمان (عج) نقل شده صحیح است ؟ ---- ۸۰۲
پرسش ---- ۸۰۲
پاسخ ---- ۸۰۲
آیا نام بردن اسم حضرت (محمّد) جایز است؟ ---- ۸۰۳
پرسش ---- ۸۰۳
پاسخ ---- ۸۰۳
علت نهی در بردن نام امام زمان (عج) مربوط به عصر خاصی است یا زمان حاضر را نیز شامل می شود؟ ---- ۸۰۶
پرسش ---- ۸۰۶
پاسخ ---- ۸۰۶
نهی از ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟ ---- ۸۰۷
پرسش ---- ۸۰۷
پاسخ ---- ۸۰۷
چرا در کتاب ها نام حضرت مهدی را به صورت «م ح م د» می نویسند و از بردن نام آن حضرت پرهیز می نمایند؟ ---- ۸۰۷
پرسش ---- ۸۰۷
پاسخ ---- ۸۰۷
پی نوشتها ---- ۸۰۸
دلایل وجود ---- ۸۲۷
ادله عقلی ---- ۸۲۷
آیا دلیل عقلی بر وجود امام زمان(عج) وجود دارد؟ ---- ۸۲۷

پرسش ----- ۸۲۷
پاسخ ----- ۸۲۷
دلیل عقلی بر زنده بودن حضرت ولی عصر چیست؟ ----- ۸۲۹
پرسش ----- ۸۲۹
پاسخ ----- ۸۲۹
وجود امام زمان"عج" و عمر طولانی حضرت آیا عقلاً ممکن است؟ ----- ۸۳۱
پرسش ----- ۸۳۱
پاسخ ----- ۸۳۱
از کجا می توان اثبات کرد که امام زمان(عج) وجود دارد؟ ----- ۸۳۴
پرسش ----- ۸۳۴
پاسخ(قسمت اول) ----- ۸۳۴
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۸۴۳
کدام دلایل عقلی و نقلی لزوم وجود حجّت الهی را اثبات می کند؟ ----- ۸۵۱
پرسش ----- ۸۵۱
پاسخ ----- ۸۵۱
اگر دلیل قطعی به وجود امام زمان((علیه السلام)) وجود دارد چرا سعی می شود از حیث علمی طول عمر آن حضرت ثابت شود؟ ----- ۸۵۳
پرسش ----- ۸۵۳
پاسخ ----- ۸۵۳
چطور می توان وجود حضرت مهدی (عج) را اثبات کرد؟ ----- ۸۵۳
پرسش ----- ۸۵۳
پاسخ ----- ۸۵۳
چه دلایل عقلی صرف نظر از بحث کلامی و احادیث می توان برای اثبات وجود امام و حجت اقامه کرد و این را اثبات کرد که انسان ها به امام و حجت نیاز دارند. ----- ۸۵۵
پرسش ----- ۸۵۵
پاسخ ----- ۸۵۵
آیا ایمان به وجود امام زمان علیه السلام وولادت او فرضیه ای فلسفی وظنّی است؟ ----- ۸۶۳
پرسش ----- ۸۶۳
پاسخ ----- ۸۶۳
آیا ممکن است که ولادت ووجود شخصی را در خارج با دلیل فلسفی اثبات نمود؟ ----- ۸۶۳
پرسش ----- ۸۶۳
پاسخ ----- ۸۶۳
برهان لطف چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۸۶۴
پرسش ----- ۸۶۴
پاسخ ----- ۸۶۴
برهان عنایت چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۸۶۶
پرسش ----- ۸۶۶
پاسخ ----- ۸۶۶
برهان فطرت بر وجود امام زمان علیه السلام را چگونه تقریر می کنید؟ ----- ۸۶۷
پرسش ----- ۸۶۷
پاسخ ----- ۸۶۷
برهان واسطه در فیض چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۸۶۸
پرسش ----- ۸۶۸

پاسخ ----- ۸۶۸
برهان علت غایی چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۸۶۹
پرسش ----- ۸۶۹
پاسخ ----- ۸۶۹
با برهان امکان اشرف چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام ----- ۸۷۰
اشاره ----- ۸۷۰
پرسش ----- ۸۷۰
پاسخ ----- ۸۷۰
برهان مظهر جامع بر وجود امام زمان علیه السلام را چگونه تقریر می نمایید؟ ----- ۸۷۲
پرسش ----- ۸۷۲
پاسخ ----- ۸۷۲
برهان تجلّی اعظم چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۸۷۴
پرسش ----- ۸۷۴
پاسخ ----- ۸۷۴
برهان تقابل قطبین چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۸۷۴
پرسش ----- ۸۷۴
پاسخ ----- ۸۷۴
قانون عدم تبعیض در فیض چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام ----- ۸۷۵
اشاره ----- ۸۷۵
پرسش ----- ۸۷۵
پاسخ ----- ۸۷۵
برهان لزوم عقل بالفعل چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۸۷۶
پرسش ----- ۸۷۶
پاسخ ----- ۸۷۶
آیا می توان از راه حساب احتمالات، وجود امام زمان علیه السلام را به اثبات رساند؟ ----- ۸۷۶
پرسش ----- ۸۷۶
پاسخ ----- ۸۷۶
آیا ادله عقلی، وجود امام زمان معینی را اثبات می کند؟ ----- ۸۷۷
پرسش ----- ۸۷۷
پاسخ ----- ۸۷۷
آیا باید اعتقاد به وجود امام زمان«علیه السلام» را با عقل بررسی کرد یا با روایت و احادیث؟ ----- ۸۸۰
پرسش ----- ۸۸۰
پاسخ ----- ۸۸۰
ادله نقلی ----- ۸۸۰
دلیل وجود امام زمان ۷چیست ؟ ----- ۸۸۰
پرسش ----- ۸۸۰
پاسخ ----- ۸۸۰
چه دلایلی بر وجود امامت حضرت مهدی(ع) اقامه شده است؟ ----- ۸۸۱
پرسش ----- ۸۸۱
پاسخ ----- ۸۸۱
همانطوری که مستحضرید یکی از دلایل مهدویت و وجود حجت خدا در حال حاضر روایت زیر است "لو لا الحجه لساخت الارض باهلها" گذشته از اینکه این یک حدیث موفق و معتبر است و مورد پذیرش صد درصدی ماست خواهشمندیم اینکه زمین اهلش را فرو خواهد برد چگونه قا

پرسش ---- ۸۸۲

پاسخ ---- ۸۸۳

دلیل شیعه بر اینکه امام دوازدهم آن ها هنوز زنده است چیست؟ در حالیکه در همان سردابی که مدعی اند غیبت صغری از آن جا شروع شده است از دنیا رفته است. ---- ۸۸۳

پرسش ---- ۸۸۳

پاسخ ---- ۸۸۴

اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم: ---- ۸۸۶

اشاره ---- ۸۸۶

پرسش ---- ۸۸۶

پاسخ ---- ۸۸۶

آیا ممکن است با سرّی بودن ولادت حضرت، ادعای تواتر واجماع در موضوع ولادت نمود؟ ---- ۸۸۹

پرسش ---- ۸۸۹

پاسخ ---- ۸۸۹

ازآیات سوره "قدر" چگونه وجود امام زمان علیه السلام استفاده می شود؟ ---- ۸۸۹

پرسش ---- ۸۸۹

پاسخ ---- ۸۹۰

از آیه "امام" چگونه وجود امام زمان علیه السلام استفاده می شود؟ ---- ۸۹۲

پرسش ---- ۸۹۲

پاسخ ---- ۸۹۲

آیه "انذار" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ---- ۸۹۴

پرسش ---- ۸۹۴

پاسخ ---- ۸۹۴

آیات "شهادت" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ---- ۸۹۵

پرسش ---- ۸۹۵

پاسخ ---- ۸۹۵

آیه "نذیر" چگونه دلالت بر وجود امام زمان علیه السلام دارد؟ ---- ۸۹۷

پرسش ---- ۸۹۷

پاسخ ---- ۸۹۷

آیه "هدایت" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ---- ۸۹۸

پرسش ---- ۸۹۸

پاسخ ---- ۸۹۸

آیه "صادقین" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ---- ۸۹۸

پرسش ---- ۸۹۸

پاسخ ---- ۸۹۹

آیه "اولی الامر" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ---- ۹۰۰

پرسش ---- ۹۰۰

پاسخ ---- ۹۰۰

وجود امام مهدی علیه السلام را از روایات شیعه چگونه می توان به اثبات رسانید؟ ---- ۹۰۱

پرسش ---- ۹۰۱

پاسخ ---- ۹۰۱

ابواب حدیثی که دلالت بر وجود امام مهدی علیه السلام دارد کدام است؟ ---- ۹۰۳

پرسش ---- ۹۰۳

پاسخ ----- ۹۰۳
حدیث "ثقلین" چگونه دلالت بر وجود امام زمان علیه السلام دارد؟ ----- ۹۰۵
پرسش ----- ۹۰۵
پاسخ ----- ۹۰۵
چگونه احادیث وجوب معرفت امام بروجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۹۰۷
پرسش ----- ۹۰۷
پاسخ ----- ۹۰۷
حدیث "امان" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۹۰۷
پرسش ----- ۹۰۷
پاسخ ----- ۹۰۷
حدیث "سفینه" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۹۰۸
پرسش ----- ۹۰۸
پاسخ ----- ۹۰۸
حدیث (عدم خلو زمان از امام قرشی) چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۹۰۸
پرسش ----- ۹۰۸
پاسخ ----- ۹۰۹
احادیث دوازده خلیفه، چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟ ----- ۹۱۰
پرسش ----- ۹۱۰
پاسخ ----- ۹۱۰
امام مهدی علیه السلام برای اثبات وجود خود در عصر غیبت صغرا ----- ۹۱۱
اشاره ----- ۹۱۱
پرسش ----- ۹۱۱
پاسخ ----- ۹۱۱
دیدگاه قرآن و نهج البلاغه درباره حجت های مخفی و پنهان خداوند چیست و این دیدگاهها چگونه ما را به وجود امام مهدی(عج) رهنمون می کند؟ ----- ۹۱۲
پرسش ----- ۹۱۲
پاسخ ----- ۹۱۲
گروهی اعتقاد دارند امام زمان(ظهور کرده و سپس کشته شده، با چند دلیل سعی در قانع کردن ما داشتند. ----- ۹۲۱
اشاره ----- ۹۲۱
پرسش ----- ۹۲۱
پاسخ ----- ۹۲۱
دلایل وجود حضرت مهدی (ع) چیست و آیا آیه ای درباره حضرت مهدی (ع) وجود دارد؟ ----- ۹۲۵
پرسش ----- ۹۲۵
پاسخ ----- ۹۲۵
سایر موارد ----- ۹۲۸
وعده ی ظهور امام مهدی(ع) حقیقت دارد یا فقط برای امید آفرینی است؟ ----- ۹۲۸
پرسش ----- ۹۲۸
پاسخ ----- ۹۲۸
آیا حقیقت دارد که امام زمان(ع) به دنیا نیامده و زمانی به دنیا می آید که ظهور کند؟ ----- ۹۳۰
پرسش ----- ۹۳۰
پاسخ ----- ۹۳۰
آیا واقعاً امام زمان (عج) وجود دارد؟(پ) ----- ۹۳۲

پرسش ---------- ۹۳۲
پاسخ(قسمت اول) ---------- ۹۳۲
پاسخ(قسمت دوم) ---------- ۹۴۰
آیا زمین از حجّت الهی خالی می ماند؟ ---------- ۹۴۹
پرسش ---------- ۹۴۹
پاسخ ---------- ۹۴۹
اگر امام زمان (عج) حضور دارند چرا به داد فقرا و بیچارگان نمی رسند؟ ---------- ۹۵۲
پرسش ---------- ۹۵۲
پاسخ ---------- ۹۵۲
آیا اختلاف در امر ولادت حضرت سبب وهن در آن می شود؟ ---------- ۹۵۳
پرسش ---------- ۹۵۳
پاسخ ---------- ۹۵۳
آیا ممکن است گروهی، اخباری را در موضوع ولادت حضرت جعل کرده باشند؟ ---------- ۹۵۵
پرسش ---------- ۹۵۵
پاسخ ---------- ۹۵۵
چه اشکالاتی نسبت به اعتقاد شیخیه درباره کیفیت وجود امام زمان علیه السلام در عصر غیبت وجود دارد؟ ---------- ۹۵۵
پرسش ---------- ۹۵۵
پاسخ ---------- ۹۵۵
حکم کسی که منکر امام زمان علیه السلام است چیست؟ ---------- ۹۵۷
پرسش ---------- ۹۵۷
پاسخ ---------- ۹۵۷
دلایل وجود یک منجی برای عالم بشریت چیست. ---------- ۹۵۷
پرسش ---------- ۹۵۷
پاسخ ---------- ۹۵۷
چرا نام امام زمان«علیه السلام» در وصیّت نامه امام حسن عسگری«علیه السلام» نیامده است؟ ---------- ۹۵۸
پرسش ---------- ۹۵۸
پاسخ ---------- ۹۵۸
محل اقامت ---------- ۹۵۸
در روایات ---------- ۹۵۸
مکان حضرت مهدی ۷کجا است ؟ ---------- ۹۵۸
پرسش ---------- ۹۵۸
پاسخ ---------- ۹۵۸
امام زمان(ع) هم اکنون در کجا می باشد؟ ---------- ۹۵۹
پرسش ---------- ۹۵۹
پاسخ ---------- ۹۵۹
مکان و مسکن امام زمان(ع) کجاست؟ ---------- ۹۶۲
پرسش ---------- ۹۶۲
پاسخ ---------- ۹۶۲
امام زمان(عج) بر اساس احادیث، در کجا زندگی می کند؟ ---------- ۹۶۳
پرسش ---------- ۹۶۳
پاسخ ---------- ۹۶۳

امام زمان(عج) درچه مکانی زندگی می کند؟ ۹۶۵
پرسش ۹۶۵
پاسخ ۹۶۵
ارتباط امام زمان(ع) با ذی طوی و رضوی چیست؟ و چرا این دو مکان بالخصوص در دعا ذکر شده است؟ ۹۶۸
پرسش ۹۶۸
پاسخ ۹۶۸
اینکه در دعای ندبه اشاره به کوه رضوی یا ذی طوی شده است. آیا امام(عج) در آنجا استقرار دارند؟ ۹۷۰
پرسش ۹۷۰
پاسخ ۹۷۰
محل زندگی امام (ع) کجاست ؟ ۹۷۰
پرسش ۹۷۱
پاسخ ۹۷۱
مکان حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت کبرا کجا است؟ ۹۷۲
پرسش ۹۷۲
پاسخ ۹۷۲
۱-امام زمان کجا هستند ؟ ۹۷۳
پرسش ۹۷۳
پاسخ ۹۷۳
امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - کجا زندگی می کند؟ ۹۷۴
پرسش ۹۷۴
پاسخ ۹۷۴
اکنون امام زمان(عج) کجا زندگی می کنند؟ آیا آن حضرت زن و بچه دارد؟ ۹۷۴
پرسش ۹۷۵
پاسخ ۹۷۵
دردوره غیبت صغری ۹۷۷
اقامتگاه حضرت مهدی (عج در زمان غیب کجا است ؟ ۹۷۷
پرسش ۹۷۷
پاسخ ۹۷۷
آیا امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، در سرداب خانه خود مخفی وغایب شده است؟ ۹۸۰
پرسش ۹۸۰
پاسخ ۹۸۰
جزیره خضراء ۹۸۳
آیا جزیره، خضرا صحّت دارد؟ ۹۸۳
پرسش ۹۸۳
پاسخ ۹۸۳
جزیره خضرا در چه محلّی می باشد؟ ۹۸۳
پرسش ۹۸۳
پاسخ ۹۸۴
آیا همان طور که در کتاب های نوشته شده است امام زمان(ع) در جزیره خضرا زندگی می کند و هیچ کس نمی تواند به آن جا نزدیک شود؟ ۹۸۴
پرسش ۹۸۴
پاسخ ۹۸۴

مثلث برمودا چیست؟ آیا حرف هایی که مطرح است، صحت دارد؟ ---- ۹۸۷
پرسش ---- ۹۸۷
پاسخ ---- ۹۸۷
این که امام زمان (عج در جزیره خضرا زندگی می کنند صحت دارد ؟ ---- ۹۸۹
پرسش ---- ۹۸۹
پاسخ ---- ۹۸۹
رابطه جزیره خضرا با مثلث برمودا چیست اگر مباحثی وجود دارد بیان کنید؟ ---- ۹۸۹
پرسش ---- ۹۹۰
پاسخ ---- ۹۹۰
آیا قرار گرفتن حضرت مهدی(عج) در جزیره خضراء یا مثلث برمودا حقیقت دارد؟ لطفاً در این زمینه توضیح دهید. ---- ۹۹۱
پرسش ---- ۹۹۱
پاسخ ---- ۹۹۱
منظور از مثلث برمودا چیست؟ می گویند این مثلث در اقیانوس اطلس قرار دارد و هیچ کس مگر افرادی خاص اجازه ورود به این محدوده را ندارند و این جزیره محل زندگی امام زمان و فرزندانش است. آیا این سخن درست است؟ ---- ۹۹۲
پرسش ---- ۹۹۲
پاسخ ---- ۹۹۲
منظور از جزیره خضراء چیست؟ آیا چنین مکانی در کره خاکی وجود دارد؟ ---- ۹۹۳
پرسش ---- ۹۹۳
پاسخ ---- ۹۹۴
منظور از قبه سفید که به امام زمان(عج) نسبت می دهند چیست؟ آیا امکان عکس برداری از این قبه وجود دارد؟ ---- ۹۹۴
پرسش ---- ۹۹۴
پاسخ ---- ۹۹۴
در مورد جزیره الخضراه و ارتباط احتمالی آن با آقا بقیه الله (عج) توضیح فرمایید. و اینکه در مورد ازدواج و فرزندان آقا امام زمان (عج) در زمان کنونی مطالبی را برایم بنویسید؟ ---- ۹۹۵
پرسش ---- ۹۹۵
پاسخ ---- ۹۹۵
چه رازهایی در مثلث برمودا نهفته است ؟ ---- ۹۹۸
پرسش ---- ۹۹۸
پاسخ ---- ۹۹۸
آیا امام زمان (عج) در جزیره برمودا زندگی می کند؟ تا چه حد می توان به کتاب های آقای ابطحی در این مو ---- ۹۹۸
پرسش ---- ۹۹۸
پاسخ ---- ۹۹۸
داستان جزیره خضرا تا چه حد صحت دارد نظر علماء امروزی چیست؟ ---- ۱۰۰۰
پرسش ---- ۱۰۰۰
پاسخ(قسمت اول) ---- ۱۰۰۰
پاسخ(قسمت دوم) ---- ۱۰۱۰
۱-آیا حقیقت دارد که امام زمان «عج» در منطقه ای به نام« خضراء» در حوالی «مثلث برمودا » زندگی می کنند و اتفاقاتی در آنجا می افتد و افرادیکه میخواهند آنجا را ببینند ، دچار حوادثی می شوند. به چه صورت است؟ ---- ۱۰۱۲
پرسش ---- ۱۰۱۲
پاسخ ---- ۱۰۱۳
درباره زندگانی حضرت مهدی (عج) و محل سکونت ایشان و جزیره خضرا توضیح دهید. ---- ۱۰۱۶
پرسش ---- ۱۰۱۶
پاسخ ---- ۱۰۱۶
آیا مثلث برمودا همان جزیره خضراء است. ---- ۱۰۱۷

پرسش ----- ۱۰۱۷
پاسخ ----- ۱۰۱۷
آیا مثلث برمودا که یک جزیزه اسرارآمیزی است و نیز اینکه گفته می شود محل اقامت امام زمان(عج) در آنجا وجود دارد، صحت دارد یا خیر؟ ----- ۱۰۱۹
پرسش ----- ۱۰۱۹
پاسخ ----- ۱۰۱۹
اشاره ----- ۱۰۱۹
جریان جزیره خضراء چیست؟ آیا این جزیره در مورد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صحت دارد و اگر صحت دارد خلاصه ای از قضایای مربوط به آن را بیان فرمائید؟ ----- ۱۰۲۰
پرسش ----- ۱۰۲۰
پاسخ ----- ۱۰۲۰
پاسخ ----- ۱۰۲۳
طول عمر ----- ۱۰۲۴
امکان عمر طولانی ----- ۱۰۲۴
آیا طول عمر در حد هزار سال و بیش از آن عقلاً ممکن است ؟ ----- ۱۰۲۴
پرسش ----- ۱۰۲۴
پاسخ ----- ۱۰۲۴
امکان طول عمر از نظر دین اسلام چگونه است؟ ----- ۱۰۲۷
پرسش ----- ۱۰۲۷
پاسخ ----- ۱۰۲۷
امکان طول عمر از نظر تاریخی چگونه است؟ ----- ۱۰۲۸
پرسش ----- ۱۰۲۸
پاسخ ----- ۱۰۲۸
آیا داشتن طول عمر زیاد برای حضرت مهدی (عج) امکان دارد؟ ----- ۱۰۲۸
پرسش ----- ۱۰۲۸
پاسخ ----- ۱۰۲۸
امکان طول عمر از نظر ادیان آسمانی چگونه است؟ ----- ۱۰۲۹
پرسش ----- ۱۰۲۹
پاسخ ----- ۱۰۲۹
طول عمر از نظر دانش و علم امروزی چگونه است؟ ----- ۱۰۲۹
پرسش ----- ۱۰۲۹
پاسخ ----- ۱۰۲۹
نظر بعضی از دانشمندان غربی درباره امکان طول عمر را بیان کنید؟ ----- ۱۰۳۰
پرسش ----- ۱۰۳۰
پاسخ ----- ۱۰۳۰
آیا امکان دارد انسانی حداقل ۱۲ قرن عمر نماید؟ ----- ۱۰۳۱
پرسش ----- ۱۰۳۱
پاسخ ----- ۱۰۳۱
طول عمر یک انسان به این اندازه چگونه ممکن است؟ ----- ۱۰۳۱
پرسش ----- ۱۰۳۱
پاسخ ----- ۱۰۳۱
راز طولانی شدن عمر امام زمان (ع) چیست؟ و آیا از افراد عادی کسی می تواند چنین عمری طولانی داشته باشد؟ ----- ۱۰۳۲
پرسش ----- ۱۰۳۲

پاسخ ----- ۱۰۳۲
لطفاً افرادی را که از دیده ها غایب هستند نام ببرید؟ ----- ۱۰۳۴
پرسش ----- ۱۰۳۴
پاسخ ----- ۱۰۳۴
حیات حضرت ولی عصر چگونه با قوانین علمی توجیه می شود. ----- ۱۰۳۵
پرسش ----- ۱۰۳۵
پاسخ ----- ۱۰۳۵
آیا خداوند می تواند عمر کسی را به این حدّ طولانی کند؟ ----- ۱۰۳۵
پرسش ----- ۱۰۳۵
پاسخ ----- ۱۰۳۵
آیا طول عمر به این حد، از حیث علمی امکان دارد؟ ----- ۱۰۳۷
پرسش ----- ۱۰۳۷
پاسخ ----- ۱۰۳۷
آیا طول عمر امکان فلسفی ومنطقی دارد؟ ----- ۱۰۳۹
پرسش ----- ۱۰۳۹
پاسخ ----- ۱۰۳۹
از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی(عج) چه مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این همه عمر کند؟ ----- ۱۰۴۱
پرسش ----- ۱۰۴۱
پاسخ ----- ۱۰۴۱
زنده ماندن امام زمان(عج) از لحاظ علمی چگونه است؟ ----- ۱۰۴۴
پرسش ----- ۱۰۴۴
پاسخ ----- ۱۰۴۴
ادله ----- ۱۰۴۴
طول عمر امام زمان ۷چگونه توجیه می شود؟ ----- ۱۰۴۴
پرسش ----- ۱۰۴۴
پاسخ ----- ۱۰۴۵
چگونه امام زمان(ع) این همه عمر کرده است؟ ----- ۱۰۴۶
پرسش ----- ۱۰۴۶
پاسخ ----- ۱۰۴۶
مسئله طول عمر امام زمان را توضیح دهید. ----- ۱۰۴۸
پرسش ----- ۱۰۴۸
پاسخ ----- ۱۰۴۸
خداوند در سوره یس آیه ۶۸ می فرماید : هر کس را طول عمر دهیم , در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم) آیا اندیشه نمی کنند ؟ این آیه با طول عمر امام زمان (عج) چگونه سازش دارد ؟ ----- ۱۰۵۱
پرسش ----- ۱۰۵۱
پاسخ ----- ۱۰۵۱
آیا عمر طولانی خاص امام زمان((علیه السلام)) است یا خداوند به افراد دیگر هم اینرا عطا کرده است؟ ----- ۱۰۵۳
پرسش ----- ۱۰۵۳
پاسخ ----- ۱۰۵۳
چگونه حضرت مهدی غ می تواند دارای عمر طولانی باشد؟ ----- ۱۰۵۳
پرسش ----- ۱۰۵۳
پاسخ ----- ۱۰۵۳

چه دلایل علمی حدیثی و قرآنی بر طول عمر حضرت ولی عصرغ وجود دارد؟ ۱۰۵۶

پرسش ۱۰۵۶

پاسخ ۱۰۵۶

از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی (عج) چه مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این همه عمر کند؟ ۱۰۵۸

پرسش ۱۰۵۸

پاسخ ۱۰۵۸

متفرقات ۱۰۶۱

امام زمان(ع) چند سال سن دارد؟ ۱۰۶۱

پرسش ۱۰۶۱

پاسخ ۱۰۶۱

آیا مسأله طول عمر امام زمان علیه السلام مورد اعتراض اهل سنّت واقع شده است؟ ۱۰۶۳

پرسش ۱۰۶۳

پاسخ ۱۰۶۳

آیا در روایات اهل سنّت به طول عمر اشخاص اشاره شده است؟ ۱۰۶۳

پرسش ۱۰۶۳

پاسخ ۱۰۶۴

آیا کسانی در امت های پیشین عمر طولانی داشته اند؟ ۱۰۶۴

پرسش ۱۰۶۴

پاسخ ۱۰۶۴

۲-عمر شریف آقا امام زمان «عج» چند سال است ؟ ۱۰۶۵

پرسش ۱۰۶۵

پاسخ ۱۰۶۵

ملاقات ۱۰۶۵

کسانی که در خردسالی حضرت را دیده اند ۱۰۶۵

چه کسانی هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام او را زیارت کرده اند؟ ۱۰۶۶

پرسش ۱۰۶۶

پاسخ ۱۰۶۶

چه کسانی در مدت پنج سال آخر حیات امام عسکری علیه السلام، امام زمان علیه السلام را دیده اند؟ ۱۰۶۶

پرسش ۱۰۶۶

پاسخ ۱۰۶۶

چه کسانی در عصر غیبت صغرا حضرت را ملاقات نموده اند؟ ۱۰۶۸

پرسش ۱۰۶۸

پاسخ ۱۰۶۸

کسانی که حضرت را در خرد سالی مشاهده کرده اند. ۱۰۶۸

پرسش ۱۰۶۸

پاسخ ۱۰۶۹

مکان و زمان تولد امام زمان(ع) و نیز افرادی را که شاهد تولد ایشان بوده اند، ذکر کنید. ۱۰۷۰

پرسش ۱۰۷۰

پاسخ ۱۰۷۰

امکان تشرف ۱۰۷۱

آیا حضرت مهدی ۷در زمان غیبت با افراد خاصی رابطه دارد؟ این افراد چگونه به این درجه رسیده اند؟ ۱۰۷۱

پرسش ----- ۱۰۷۱
پاسخ ----- ۱۰۷۱
آیا تشرف در دوران غیبت کبری امکان دارد؟ ----- ۱۰۷۲
پرسش ----- ۱۰۷۲
پاسخ ----- ۱۰۷۲
ملاقات امام زمان(عج) ----- ۱۰۷۵
اشاره ----- ۱۰۷۵
پرسش ----- ۱۰۷۵
پاسخ ----- ۱۰۷۵
چگونه می توانیم امام زمان(ع) را ببینیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟ ----- ۱۰۸۱
پرسش ----- ۱۰۸۱
پاسخ ----- ۱۰۸۱
آیا در دوره غیبت کبری می توان امام زمان رامشاهده کرد؟ در آخرین توقیع صادره از ناحیه مقدسه آمده است: از این پس مشاهده امکان ندارد. معنای مشاهده در این توقیع چیست؟ ----- ۱۰۸۳
پرسش ----- ۱۰۸۳
پاسخ ----- ۱۰۸۳
در مورد دیدن امام زمان(عج) و صحبت کردن با ایشان چه نظری دارید؟ آیا این درست است که ایشان به یکی از نوّاب خود گفته "اگر کسی بگوید که مرا دیده دروغ گفته است"؟ ----- ۱۰۸۵
پرسش ----- ۱۰۸۵
پاسخ ----- ۱۰۸۵
آیا می شود روزی چشمان گناهکارم به جمال نورانی مولا اباصالح المهدی (ع) روشن شود؟ چه مراحلی را باید طی نمود؟ خواهشمند است راهنمایی کنید. ----- ۱۰۸۷
پرسش ----- ۱۰۸۷
پاسخ ----- ۱۰۸۷
آیا ملاقات با امام زمان (ع) امکان دارد؟ و اگر امکان دارد برای توفیق تشرف چه باید کرد؟ ----- ۱۰۹۲
پرسش ----- ۱۰۹۲
پاسخ ----- ۱۰۹۲
آیا درست است که می گویند: ما انسان ها روزی چند مرتبه امام زمان(عج) را ملاقات می کنیم و او را نمی شناسیم؟ ----- ۱۰۹۳
پرسش ----- ۱۰۹۳
پاسخ ----- ۱۰۹۳
آیا می توانیم در زمان غیبت، امام زمان را ببینیم؟ ----- ۱۰۹۴
اشاره ----- ۱۰۹۴
پرسش ----- ۱۰۹۴
پاسخ ----- ۱۰۹۴
به نظر من همه حق دارند امام زمان (ع) را ببینند، پس چرا در دنیای امروز فقط نیکوکاران واقعی امام زمان (ع) را می بینند؟ در زمان امامان دیگر همه مردم حتی ملعونین و بدسرشتان هم امامان را می دیدند. پس چرا ما نمی توانیم ایشان را ببینیم ؟ ----- ۱۰۹۶
پرسش ----- ۱۰۹۶
پاسخ ----- ۱۰۹۶
با توجه به قطعیّت این امر که عده ای از اشخاص جلیل القدر شرفیاب حضور امام مهدی(عج) شده اند، توقیع صادر شده به نام «علی بن محمد سمری» (از نوّاب اربعه) مبنی بر «آغاز غیبت کامل و اینکه مدعی مشاهده حضرت کذّاب و مفتری است،» را چگونه باید تفسیر کرد؟ ۰۹۹
پرسش ----- ۱۰۹۹
پاسخ ----- ۱۰۹۹
آیا در زمان غیبت ارتباط با حضرت مهدی امام زمان((صلی الله علیه وآله)) ممکن است با این که در پایان آخرین توقیعی که شش روز پیش از مرگ آخرین سفیرش ابوالحسن علی ابن محمد سمری صادر می شود امام((علیه السلام)) می فرماید: «و به زودی از شیعیان من می آیند ک
پرسش ----- ۱۱۰۰
پاسخ ----- ۱۱۰۰
بحث دیدن امام زمان و میزان واقعی بودن آن؟ ----- ۱۱۰۱

پرسش ----- ۱۱۰۱

پاسخ ----- ۱۱۰۱

آیا هر کسی می تواند امام زمان "ع" را ببیند (به غیر از افراد صالح و پرهیزگار) مثلاً در خواب می تواند با امام ملاقات کند و حقیقت دارد؟ ----- ۱۱۰۴

پرسش ----- ۱۱۰۴

پاسخ ----- ۱۱۰۴

آیا می توان امام زمان غ را دید و با ایشان رابطه برقرار کرد؟ ----- ۱۱۰۶

پرسش ----- ۱۱۰۶

پاسخ ----- ۱۱۰۶

منظور از جمله (فمن ادعی المشاهده ...) در توضیح شریف چیست ؟ ----- ۱۱۰۹

پرسش ----- ۱۱۰۹

پاسخ ----- ۱۱۰۹

چگونه می توان دیدار صالحان با امام مهدی علیه السلام را اثبات نمود؟ ----- ۱۱۱۱

پرسش ----- ۱۱۱۱

پاسخ ----- ۱۱۱۱

آیا تشرف به لقای امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبرا ممکن است؟ ----- ۱۱۱۲

پرسش ----- ۱۱۱۲

پاسخ ----- ۱۱۱۲

چه کسانی از علما قائل به جواز وامکان تشرّف بوده اند؟ ----- ۱۱۱۳

پرسش ----- ۱۱۱۳

پاسخ ----- ۱۱۱۳

مطابق توقیع امام زمان علیه السلام به علی بن محمد سمری،آیا در عصر غیبت کبرا ملاقات حضرت ممنوع است؟ ----- ۱۱۱۵

پرسش ----- ۱۱۱۵

پاسخ ----- ۱۱۱۵

آیا می توان طبق قاعده سدّ ذرایع، ادعای ملاقات با حضرت را دروغ دانست؟ ----- ۱۱۱۶

پرسش ----- ۱۱۱۶

پاسخ ----- ۱۱۱۶

مطابق برخی از روایات، حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت شناخته نمی شود، پس آیا رؤیت ممکن نیست؟ ----- ۱۱۱۶

پرسش ----- ۱۱۱۶

پاسخ ----- ۱۱۱۶

ببخشید آیا درست است که ما هر روز امام زمان"عج" را می بینیم اما نمی شناسیم؟ ----- ۱۱۱۷

پرسش ----- ۱۱۱۷

پاسخ ----- ۱۱۱۷

آیا ما در این جهان در بین مردم امام زمان(را می بینیم؟ او به چه شکل است؟ ----- ۱۱۱۸

پرسش ----- ۱۱۱۸

پاسخ ----- ۱۱۱۸

ما شیعیان می گوییم امام زمان غ تنها با پنج نفر در زمان غیبت صغری ارتباط داشته است و پیش از مرگ نفر پنج به او می فرمایند: برای خود جای گزینی تعیین کن زیرا غیبت کبری شروع می شود و دیگر کسی مرا نخواهد دید تا هنگامی که خدا اراده کند و به من اجازه دهد... حال

پرسش ----- ۱۱۲۰

پاسخ ----- ۱۱۲۰

شرایط تشرف ----- ۱۱۲۲

افرادی که به خدمت امام زمان ۷رسیدند، بیش تر چه اعمالی را انجام دادند؟ ----- ۱۱۲۲

پرسش ----- ۱۱۲۲

پاسخ ---- ۱۱۲۲
برای دیدن امام زمان ۷چه باید کرد؟ ---- ۱۱۲۲
پرسش ---- ۱۱۲۲
پاسخ ---- ۱۱۲۲
.۱- آقا امام زمان (عج) به چشم چه کسانی می آید و ما باید چکار کنیم تا حداقل بوی خوش محمدی او را که رایحه بهشتی است حس کنیم ؟ ---- ۱۱۲۴
پرسش ---- ۱۱۲۴
پاسخ ---- ۱۱۲۴
با توجه با این که به دیدن امام عصر۷بسیار علاقه مند هستم و بارها دعاهای موجود در مفاتیح الجنان را خوانده ام , حتی شایستگی نیافته ام که حضرت را در خواب ببینم , به نظر شما چه علتی دارد؟ ---- ۱۱۲۷
پرسش ---- ۱۱۲۷
پاسخ ---- ۱۱۲۷
می خواهم امام زمان(ع) را ببینم چه باید بکنم؟ ---- ۱۱۲۸
پرسش ---- ۱۱۲۸
پاسخ ---- ۱۱۲۸
اگر بخاطر دیدار با امام زمان(ع) بخواهیم گوشه نشینی اختیار کنیم آیا رفتن به مسجد و رفت و آمد دوستان لازم است؟ ---- ۱۱۲۹
پرسش ---- ۱۱۲۹
پاسخ ---- ۱۱۲۹
چگونه می توان امام زمان (عج) را دیدارنمود؟ ---- ۱۱۳۰
پرسش ---- ۱۱۳۰
پاسخ ---- ۱۱۳۰
چگونه می توانیم با امام زمان(ع) ملاقات کنیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟ ---- ۱۱۳۲
پرسش ---- ۱۱۳۲
پاسخ ---- ۱۱۳۲
ما عقیده داریم که امام زمان(ع) در زمان غیبت صغری با چهار نایب خود ارتباط مستقیم داشته و بعد از غیبت صغری این ارتباط قطع می شود. پس چگونه صدها نفر ادعای ملاقات با او را می کنند؟ آیا عمل صالح باعث دیدار با حضرت می شود و آن گاه معنای انتظار چه می شود؟ ۴
پرسش ---- ۱۱۳۴
پاسخ ---- ۱۱۳۴
چه شاخاصی لایق دیدار امام زمان(ع) می باشند؟ ---- ۱۱۳۹
پرسش ---- ۱۱۴۰
پاسخ ---- ۱۱۴۰
لیاقت حضور در محضر امام زمان(ع) چه شرایطی دارد؟ ---- ۱۱۴۱
پرسش ---- ۱۱۴۱
پاسخ ---- ۱۱۴۱
چطور می توان یک بار هم که شده، موفق به دیدار صاحب الزمان(عج) شویم؟ ---- ۱۱۴۶
پرسش ---- ۱۱۴۶
پاسخ ---- ۱۱۴۶
چگونه می توان صورت زیبای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زیارت نمود؟ ---- ۱۱۵۱
پرسش ---- ۱۱۵۱
ملاقات با امام زمان"عج" در نتیجه پرهیز و دوری از گناهان و انجام اعمال خاص امکان پذیر است. ما که شیعه گناهکاری هستیم، آیا حقی بر وجود مقدس ایشان نداریم تا بتوانیم حضرت را زیارت کنیم؟ منظورم سخن حضرت علی"ع" در مورد حقوق امام بر مردم و بالعکس می باشد.
پرسش ---- ۱۱۵۱
پاسخ ---- ۱۱۵۱
مهم ترین کارهایی که می توان انجام داد تا در زمان کوتاه به امام زمان (ع) رسید، چیست؟ ---- ۱۱۵۶
پرسش ---- ۱۱۵۶

پاسخ ----- ۱۱۵۶
آیا شخصی که گناه کرده ، می تواند با امام زمان (عج) ارتباط داشته باشد؟ ----- ۱۱۵۷
پرسش ----- ۱۱۵۷
پاسخ ----- ۱۱۵۷
برای رسیدن به درجه یقین و ملاقات با امام زمان (عج) چه کار کنیم ؟ ----- ۱۱۵۹
پرسش ----- ۱۱۵۹
پاسخ ----- ۱۱۵۹
چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان((علیه السلام)) را پیدا کنیم؟ ----- ۱۱۶۲
پرسش ----- ۱۱۶۲
پاسخ ----- ۱۱۶۲
چرا عده افرادی که امام زمان را دیده اند تا این اندازه کم است؟ آیا واقعاً تا این اندازه چشمهای ما آلوده اند که شایستگی دیدن ایشان را ندارند؟ اصلاً آیا واقعاً این دلیل محروم بودن از دیدار و صحبت با کسی است که معتقدیم امام زمان ماست؟ ----- ۱۱۶۴
پرسش ----- ۱۱۶۴
پاسخ ----- ۱۱۶۴
دیدار با امام زمان(عج) چگونه ممکن است و چه تأثیری در مسیر زندگی انسان دارد؟ ----- ۱۱۶۴
پرسش ----- ۱۱۶۴
پاسخ ----- ۱۱۶۵
ما چگونه می توانیم به فیض زیارت امام مهدی(عج) برسیم؟ ----- ۱۱۶۶
پرسش ----- ۱۱۶۶
پاسخ ----- ۱۱۶۶
چه کنیم تا بتوانیم با امام زمان(عج) ملاقات کنیم؟ ----- ۱۱۷۱
پرسش ----- ۱۱۷۱
پاسخ ----- ۱۱۷۱
پاسخ ۵ - منظور دیدن همراه آگاهی و آگاهانه است. اگر سند دارید لطفاً بنویسید این موضوع برای چه کسانی رخ داده است. ----- ۱۱۸۱
پرسش ----- ۱۱۸۱
پاسخ ----- ۱۱۸۱
راه رسیدن به لقای حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ----- ۱۱۸۴
پرسش ----- ۱۱۸۴
پاسخ ----- ۱۱۸۴
چرا وقتی عدّه ای امام زمان علیه السلام را می بینند از ابتدا او را نمی شناسند؟ ----- ۱۱۸۴
پرسش ----- ۱۱۸۴
پاسخ ----- ۱۱۸۴
چرا ما نمی توانیم خدمت امام خود برسیم؟ ----- ۱۱۸۵
پرسش ----- ۱۱۸۵
پاسخ ----- ۱۱۸۵
۲-برای دیدار امام زمان « عج » چه کارهایی را باید انجام داد ؟ ----- ۱۱۸۵
پرسش ----- ۱۱۸۶
پاسخ ----- ۱۱۸۶
اثر تشرف ----- ۱۱۸۷
مگر امام زمان نگفته که هر کس بگوید با امام زمان ارتباط دارم، کذب است، پس چگونه امام خمینی با امام زمان ارتباط داشت؟ ----- ۱۱۸۷
پرسش ----- ۱۱۸۷
پاسخ ----- ۱۱۸۷

آیا امام خمینی (ره) با امام زمان (ع) ارتباط داشته است؟ ---- ۱۱۸۹
پرسش ---- ۱۱۸۹
پاسخ ---- ۱۱۸۹
در زمان غیبت، امام زمان((علیه السلام)) با چه کسی تماس دارد؟ ---- ۱۱۹۰
پرسش ---- ۱۱۹۰
پاسخ ---- ۱۱۹۰
در رابطه با امام زمان (ع) در زمان غیبت در حدیث موثقی آمده هرکسی ادعای رؤیت کند تکذیب کنید در حالی که علمای طراز اولی بوده اند که ملاقات داشته اند و در همان حال بیداری توانستند امام را بشناسند و برای دیگران هم نقل کردند. برنامه صبح امید کانال صدا و سیما در
پرسش ---- ۱۱۹۰
پاسخ ---- ۱۱۹۰
آیا گفته کسانی که ادعایی ملاقات با امام زمان را دارند صحیح است ؟ ---- ۱۱۹۲
پرسش ---- ۱۱۹۲
پاسخ ---- ۱۱۹۲
چند مورد از ملاقات های آقا با امام زمان را بیان کنید؟ ---- ۱۱۹۳
پرسش ---- ۱۱۹۳
پاسخ ---- ۱۱۹۳
علی بن مهزیار در کجا امام زمان را ملاقات کرد؟ ---- ۱۱۹۳
پرسش ---- ۱۱۹۳
پاسخ ---- ۱۱۹۳
با سلام با توجه به اینکه برخی از بزرگان ما با امام زمان ارتباط داشتند ... پس چرا از ایشان سئوالاتی را که شبهه برانگیز است را از ایشان نمیپرسند ؟ مثل ازدواج عمر با ام کلثوم .... یا بسیاری از مسائل دیگر ؟ تا شک همه برطرف بشود.. مانند مطمئن شدن عالمی از بودن -- ۱۱۹۴
پرسش ---- ۱۱۹۴
پاسخ ---- ۱۱۹۴
چه کسانی به ملاقات حضرت در غیبت کبرا مشرّف شده اند؟ ---- ۱۱۹۷
پرسش ---- ۱۱۹۷
پاسخ ---- ۱۱۹۷
کیفیت ملاقات مردم با حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ ---- ۱۱۹۸
پرسش ---- ۱۱۹۸
پاسخ ---- ۱۱۹۸
امام زمان علیه السلام چه اهداف کلی و عمومیخاصی از ملاقات با مردم داشته است؟ ---- ۱۱۹۸
پرسش ---- ۱۱۹۸
پاسخ ---- ۱۱۹۹
آیا ممکن است کسی در ملاقاتش باحضرت مهدی علیه السلام او را بشناسد؟ ---- ۱۱۹۹
پرسش ---- ۱۲۰۰
پاسخ ---- ۱۲۰۰
آیا جدیداً کسی حضرت مهدی"عج" را دیده است که پیامی از جانب ایشان داشته باشد؟ ---- ۱۲۰۱
پرسش ---- ۱۲۰۱
پاسخ ---- ۱۲۰۱
بعضی ها می گویند ما امام زمان"عج" را دیده ایم فلان عالم یا فلان مرجع، پس دستور غیبت کبری چه می شود؟ ---- ۱۲۰۲
پرسش ---- ۱۲۰۲
پاسخ ---- ۱۲۰۲
در مورد ارتباط امام زمان"عج" با آیت ا... کشمیری، آقای مجتهدی تهرانی توضیح دهید؟ ---- ۱۲۰۳
پرسش ---- ۱۲۰۳

پاسخ ۱۲۰۳

آیا ملاقات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری با امام زمان (عج) صحت دارد؟ ۱۲۰۴

پرسش ۱۲۰۴

پاسخ ۱۲۰۴

ما در حدیث داریم که امام مهدی (عج) می فرماید هر کس بگوید که مرا دیده است دروغ گفته است در حالی که در آن طرف دیگر می بینیم که بسیاری از شخصیت های بزرگ معتقدند که امام زمان را دیده اند تناقض را توجیه بفرمایید؟ ۱۲۰۴

پرسش ۱۲۰۴

پاسخ ۱۲۰۵

آیا کسی از فقها، و مراجع تقلید ارتباط خاص با امام زمان«علیه السلام» دارند؟ ۱۲۰۶

پرسش ۱۲۰۶

پاسخ ۱۲۰۶

آیا آنان که در این جهان نیستند به دیدار امام زمان«علیه السلام» نایل می شوند؟ ۱۲۰۶

پرسش ۱۲۰۶

پاسخ ۱۲۰۶

اگر امام زمان«علیه السلام» در زمان غیبت نائب ندارند پس چگونه بعضی ها بدیدن ایشان مشرّف می شوند؟ ۱۲۰۷

پرسش ۱۲۰۷

پاسخ ۱۲۰۷

آداب و اعمال جهت ملاقات ۱۲۰۷

دختری هستم ۱۷ ساله. دلم می خواهد با امام زمان(ع) ملاقات کنم اما میسر نمی شود. مرا راهنمایی کنید که چه کار هایی انجام دهم تا او را ببینم؟ ۱۲۰۷

پرسش ۱۲۰۷

پاسخ ۱۲۰۷

در زمان پیامبر۶با امامان ؛ مردم در ارتباط با آنان بودند وبه دست آنان مشکلات خود را حلّ می کردند، ولی در عصر حاضر چرا امام زمان ۷با شیعیان چنین رابطه ای ندارند اگر این رابطه وجود دارد، دست یابی به آن چگونه است و با چه اذکار و آدابی است ؟ ۱۲۱۲

پرسش ۱۲۱۲

پاسخ ۱۲۱۲

چه کاری انجام دهیم تا مثل علما و افراد خوب بتوانیم با امام زمان ملاقاتی یا ارتباط داشته باشیم؟ ۱۲۱۵

پرسش ۱۲۱۵

پاسخ ۱۲۱۵

دعایی که رزق و روزی را زیاد می کند و دعای معتبری که برای نزدیک شدن به آقا امام عصر(ع) و رؤیت ایشان داریم، بنویسید. ۱۲۱۶

پرسش ۱۲۱۶

پاسخ ۱۲۱۶

از امام صادق(ع) روایت شده اگر کسی چهل صباح دعای عهد را بخواند در رکاب او از یاران امام زمان(ع) خواهد بود. شرایط آن چیست، آیا فقط با این دعا می توان به این درجه رسید؟ ۱۲۱۷

پرسش ۱۲۱۷

پاسخ ۱۲۱۷

بعضی از امامان(ع) یا پیامبر(ص) در مورد درک امام زمان(ع) روایاتی فرموده اند، مثلاً با انجام فلان عمل مستحب و خواندن سوره ای مخصوص. این در حالی است که در زمان صدور این روایات، امام زمان(ع) متولد نشده بود و امامی که این روایت را فرموده، قاعدتاً خطاب به مرد ۲۱۸

پرسش ۱۲۱۸

پاسخ ۱۲۱۸

کسی که در دوران زندگی انسانی متدین بوده و نسبت به امام زمان((علیه السلام))علاقه بسیار داشته و آرزویش این بود که هنگام ظهور آن حضرت شرکت کند ولی مرگ به وی مهلت ندهد بهره ی وی چگونه خواهد بود؟ ۱۲۲۰

پرسش ۱۲۲۰

پاسخ ۱۲۲۰

چگونه می توانیم امام زمان را در همین دنیا دیدار کنیم؟ ۱۲۲۰

پرسش ۱۲۲۰

پاسخ ۱۲۲۰

چطور می توان ایشان را ملاقات کرد آیا می توان نامه ای به ایشان نوشت و جوابش را دریافت کرد دلم می خواهد موضوعی را به ایشان عرض کنم و بدانم نظر ایشان چیست؟ ----- ۱۲۲۳
پرسش ----- ۱۲۲۳
پاسخ ----- ۱۲۲۳
در روایتی از یک بزرگوار که موفق شده بودند چندین بار امام زمان"عج" را ملاقات کنند فرموده بودند چهل شبانه روز اعمال مشخصی انجام داده اند که حضرت به دیدارشان آمده اند آن اعمال را بنویسید؟ ----- ۱۲۳۲
پرسش ----- ۱۲۳۲
پاسخ ----- ۱۲۳۲
آقا امام زمان"عج" در چه صورتی از دعاها حتماً مشرف می شوند؟منظورم این است که چه دعایی را بخوانیم که حتماً ایشان را ببینیم؟ ----- ۱۲۳۵
پرسش ----- ۱۲۳۵
پاسخ ----- ۱۲۳۵
خیلی سعی کرده ام تا گناه را به کنار بگذارم و خوشبختانه خیلی موفق شده ام تا حدی که گاهی اوقات خداوند را احساس می کنم و حس می کنم که وقتی با او سخن می گویم او را می بینم حال سؤال من این است مگر امام زمان"عج" نگفته اند که شما گناه را کنار بگذارید من می
پرسش ----- ۱۲۳۶
پاسخ ----- ۱۲۳۷
چگونه می توان امام زمان؟ را در خواب دید و با او حرف زد؟ ----- ۱۲۴۰
پرسش ----- ۱۲۴۰
پاسخ ----- ۱۲۴۰
۱ برای ملاقات با امام عصر (عج) ما جوانان چه برنامه هایی و اعمالی را باید رعایت کنیم و چگونه باشیم؟ ----- ۱۲۴۱
پرسش ----- ۱۲۴۱
پاسخ ----- ۱۲۴۱
۱- چه باید انجام دهیم تا امام زمان عج» را ملاقات کنیم ؟ ----- ۱۲۴۲
پرسش ----- ۱۲۴۲
پاسخ ----- ۱۲۴۲
چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان«علیه السلام» را پیدا کنیم؟ ----- ۱۲۴۳
پرسش ----- ۱۲۴۳
پاسخ ----- ۱۲۴۴
کدام دعا را اگر چهل روز بخوانیم با امام زمان ملاقات می کنیم و در زمان ظهور آن حضرت، زنده می شویم؟ اگر کسی ترجمه آن را بخواند صحیح است؟ ----- ۱۲۴۵
پرسش ----- ۱۲۴۵
پاسخ ----- ۱۲۴۵
شهادت ----- ۱۲۴۵
آیا قاتل امام زمان(ع) زن است؟ ----- ۱۲۴۵
پرسش ----- ۱۲۴۵
پاسخ ----- ۱۲۴۶
پایان کار امام زمان ۷چه خواهد شد؟ ----- ۱۲۴۶
پرسش ----- ۱۲۴۶
پاسخ ----- ۱۲۴۶
حضرت مهدی ۷پس از ظهور چگونه از دنیا می رود؟ ----- ۱۲۴۷
پرسش ----- ۱۲۴۷
پاسخ ----- ۱۲۴۷
آیا امام زمان (عج) به مرگ طبیعی از دنیا می رود یا کسی او را می کشد؟ ----- ۱۲۴۸
پرسش ----- ۱۲۴۸
پاسخ ----- ۱۲۴۸
آیا امام زمان تا پایان زنده می ماند؟ ----- ۱۲۴۹

پرسش ---- ۱۲۴۹
پاسخ ---- ۱۲۴۹
گفته شده بعد از آنکه حضرت ولی عصر(عج) ظهور نمود ایشان شهید می شوند. آیا این سخن صحیح است؟ چگونه بعد از ظهور حضرت جهان پر از عدل و داد می شود؟ شهادت حضرت چگونه اتفاق می افتد و چگونه قیامت آغاز می شود؟ آیا شهادت حضرت آغاز قیامت است؟ توضیح
پرسش ---- ۱۲۵۰
پاسخ ---- ۱۲۵۰
آیا کشته شدن امام زمان(ع) به دست زنی که مانند مردها ریش دارد است، صورت می گیرد و نام زن سعیده است؟ حدیثی معتبر در این باره وجود دارد؟ ---- ۱۲۵۳
پرسش ---- ۱۲۵۳
پاسخ ---- ۱۲۵۳
در مورد قاتل امام زمان(ع) که یک خانم است، توضیحاتی بدهید و کتاب هایی را معرفی کنید: ---- ۱۲۵۳
پرسش ---- ۱۲۵۳
پاسخ ---- ۱۲۵۳
امام زمان(ع) به دست چه کسی به شهادت می رسند؟ ---- ۱۲۵۵
پرسش ---- ۱۲۵۵
پاسخ ---- ۱۲۵۵
قاتل امام زمان(ع) کیست؟ آیا او به دنیا آمده است؟ ---- ۱۲۵۵
پرسش ---- ۱۲۵۵
پاسخ ---- ۱۲۵۶
چگونگی کشته شدن امام زمان را بیان کنید؟ ---- ۱۲۵۶
اشاره ---- ۱۲۵۶
پرسش ---- ۱۲۵۶
پاسخ ---- ۱۲۵۶
حضرت مهدی(را چه کسی به قتل خواهد رسانید؟ ---- ۱۲۵۹
پرسش ---- ۱۲۵۹
پاسخ ---- ۱۲۵۹
آیا امام زمان (عج)بعد از ظهور به شهادت می رسند چرا و چگونه و در صورت مثبت بودن پاسخ بعد از آن قیامت برپا خواهد شد یا نه؟ ---- ۱۲۶۱
پرسش ---- ۱۲۶۱
پاسخ ---- ۱۲۶۱
اگر حکومت حضرت، حکومت عدل جهانی است،پس چرا به شهادت می رسد؟ ---- ۱۲۶۲
پرسش ---- ۱۲۶۲
پاسخ ---- ۱۲۶۲
۱- آیا حقیقت دارد که امام زمان (عج) پس از ظهور و بعد از مدتی به دست زنی حیله گر کشته می شود؟ ---- ۱۲۶۴
اشاره ---- ۱۲۶۴
پرسش ---- ۱۲۶۴
پاسخ ---- ۱۲۶۴
آیا این که وقتی امام زمان ظهور می کند یک زن او را خواهد کشت خرافات است و آیا بعد از ظهور امام زمان مردم عمر طبیعی خود را سپری خواهند کرد و همین طور امام زمان نیز؟ ---- ۱۲۶۵
پرسش ---- ۱۲۶۵
پاسخ ---- ۱۲۶۵
سرانجام زندگی امام زمان چه خواهد شد و چه کس آن حضرت را به شهادت می رساند؟ ---- ۱۲۶۸
پرسش ---- ۱۲۶۸
پاسخ ---- ۱۲۶۸
ویژگیها ---- ۱۲۶۸

سیرت وصورت ---------- ۱۲۶۸
شباهت حضرت به انبیاء ---------- ۱۲۶۸
طبق حدیثی از امام سجاد (ع) امام زمان (عج) شباهت هایی با تنی چند از پیامبران الهی داشته است. کدام پیامبران با چه شباهت هایی با امام عصر (عج) در اشتراکند؟ ---------- ۱۲۶۸
پرسش ---------- ۱۲۶۹
پاسخ ---------- ۱۲۶۹
درباره حضرت مهدی(عج) امام حسن عسکری فرمود: "قائم ما به خضر نبی و ذوالقرنین شباهت دارد" شباهتش را توضیح دهید. ---------- ۱۲۷۰
پرسش ---------- ۱۲۷۰
پاسخ ---------- ۱۲۷۰
آیا امام عصر (عج) از هر رسول و نبی , نشانه ای با خود دارد؟ آنها را نام ببرید. ---------- ۱۲۷۲
پرسش ---------- ۱۲۷۲
پاسخ ---------- ۱۲۷۲
امام زمان(عج) شبیه کدام پیامبرند و شمه ای از اخلاق و رفتار ایشان را بیان کنید/ ---------- ۱۲۷۳
پرسش ---------- ۱۲۷۳
پاسخ ---------- ۱۲۷۳
اوصاف ظاهری ---------- ۱۲۷۴
آیا امام زمان (عج) نیز مانند سایر مردم بیمار می شوند؟ ---------- ۱۲۷۴
پرسش ---------- ۱۲۷۴
پاسخ ---------- ۱۲۷۴
آیا امام زمان ۷از لحاظ جسمی شبیه به ما است , یعنی نوع گوشت , پوست و خون و بدنش به ماشباهت دارد؟ ---------- ۱۲۷۵
پرسش ---------- ۱۲۷۵
پاسخ ---------- ۱۲۷۵
می گویند امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف، در گونه راست خود خال هاشمی دارند، آیا این مطلب صحیح است؟ ---------- ۱۲۷۷
پرسش ---------- ۱۲۷۷
پاسخ ---------- ۱۲۷۸
اگر در خواب یا بیداری امام زمان(عج) را مشاهده کردیم، حضرت را با چه علائمی بشناسیم؟ ---------- ۱۲۷۸
پرسش ---------- ۱۲۷۸
پاسخ ---------- ۱۲۷۸
امامان همه چشم و ابرو مشکی هستند، غیر از امام زمان(عج) که چشم آبی است. چرا؟ ---------- ۱۲۷۹
پرسش ---------- ۱۲۷۹
پاسخ ---------- ۱۲۷۹
حتماً امام زمان(ع) در میان مردم راه می رود و زندگی می کند. آیا با همان ویژگی هایی که نام برده شد، مثلاً با خال هاشمی و با موهای فِرْ ظاهر می شود. ---------- ۱۲۷۹
پرسش ---------- ۱۲۷۹
پاسخ ---------- ۱۲۷۹
سرّ خال چیست و اگر در سینه باشد، نشانه چیست؟ ---------- ۱۲۸۲
اشاره ---------- ۱۲۸۲
پرسش ---------- ۱۲۸۲
پاسخ ---------- ۱۲۸۲
چرا شناخت ویژگیهای حضرت مهدی برای ما لازم است و منابع شناخت ما در این زمینه چیست؟ ---------- ۱۲۸۳
پرسش ---------- ۱۲۸۳
پاسخ ---------- ۱۲۸۳
آیا امام زمان "ع" هم اکنون با پوشش قدیمی یعنی لباسهای قدیم عرب را می پوشد؟ ---------- ۱۲۸۴

پرسش ----- ۱۲۸۴
پاسخ ----- ۱۲۸۴
امام زمان دارای چه صفاتی هستند؟ ----- ۱۲۸۴
پرسش ----- ۱۲۸۴
پاسخ ----- ۱۲۸۵
سیمای ظاهری حضرت ----- ۱۲۸۵
اشاره ----- ۱۲۸۵
پرسش ----- ۱۲۸۵
پاسخ ----- ۱۲۸۵
مشخصات ظاهری حضرت چیست و آیا کسی می تواند خودش رابه صورت حضرت درآورد؟ ----- ۱۲۹۱
پرسش ----- ۱۲۹۱
پاسخ ----- ۱۲۹۱
۲-کمی در مورد خصوصیات اخلاقی حضرت مهدی توضیح دهید ؟ ----- ۱۲۹۳
پرسش ----- ۱۲۹۳
پاسخ ----- ۱۲۹۳
مشخصات ظاهری امام زمان چیست. ----- ۱۲۹۴
پرسش ----- ۱۲۹۴
پاسخ ----- ۱۲۹۴
در روز ظهور ----- ۱۲۹۴
آیا امام زمان(ع) جوان هستند یا پیر؟ ----- ۱۲۹۵
پرسش ----- ۱۲۹۵
پاسخ ----- ۱۲۹۵
زمانی که حضرت مهدی(عج) ظهور کند، چه نشانه هایی در چهره ایشان وجود دارد تا شناخته شود؟ ----- ۱۲۹۵
پرسش ----- ۱۲۹۵
پاسخ ----- ۱۲۹۵
آیا پیری و کهولت در حضرت مهدی(عج) ظاهر می شود؟ ----- ۱۲۹۶
پرسش ----- ۱۲۹۶
پاسخ ----- ۱۲۹۶
آیا در روایات، اخباری که دلالت بر عدم کهولت و پیری حضرت مهدی در هنگام ظهور داشته باشد وجود دارد؟ ----- ۱۲۹۶
پرسش ----- ۱۲۹۶
پاسخ ----- ۱۲۹۶
آیا امام زمان (عج) در موقع ظهور جوان می باشند یا پیر؟ ----- ۱۲۹۷
پرسش ----- ۱۲۹۷
پاسخ ----- ۱۲۹۷
امام زمان(عج) چطور با عمر طولانی به شکل ۴۰ ساله ظاهر می شود؟ ----- ۱۲۹۷
پرسش ----- ۱۲۹۷
پاسخ ----- ۱۲۹۷
امام زمان علیه السلام در ظاهر با چه ستّی ظهور می کنند؟ ----- ۱۲۹۸
پرسش ----- ۱۲۹۸
پاسخ ----- ۱۲۹۸
خصوصیات جسمی امام زمان علیه السلام هنگام ظهور چگونه است؟ ----- ۱۳۰۰

پرسش ---------- ۱۳۰۰
پاسخ ---------- ۱۳۰۰
شکل و شمایل حضرت مهدی(عج)، موقع ظهور مثل انسان چند ساله است؟ ---------- ۱۳۰۰
پرسش ---------- ۱۳۰۱
پاسخ ---------- ۱۳۰۱
کرامات حضرت ---------- ۱۳۰۲
خاطراتی از کرامات امام زمان(ع) را بنویسید. ---------- ۱۳۰۲
پرسش ---------- ۱۳۰۲
پاسخ ---------- ۱۳۰۲
چند معجزه از امام زمان(ع) بنویسید. ---------- ۱۳۰۳
پرسش ---------- ۱۳۰۳
پاسخ ---------- ۱۳۰۳
چگونه ماجرای قرآنی انتقال تخت بلقیس، پذیرش قدرت فوق العاده حضرت صاحب الزمان (ع) را آسان می کنند. ---------- ۱۳۰۵
پرسش ---------- ۱۳۰۵
پاسخ ---------- ۱۳۰۵
آیا حضرت مهدی (عج) بعد از ظهور اعمال خارق العاده انجام می دهد؟ ---------- ۱۳۰۷
پرسش ---------- ۱۳۰۷
پاسخ ---------- ۱۳۰۷
علم حضرت ---------- ۱۳۰۸
امام زمان ۷در زمینهء دین اسلام و استنباط احکام اسلامی از چه نوع کتاب هایی استفاده می کند؟ ---------- ۱۳۰۸
پرسش ---------- ۱۳۰۸
پاسخ ---------- ۱۳۰۸
آیا امام زمان ۷دارای علم لدنی است و دیگر نیاز به مطالعه ندارد؟ ---------- ۱۳۰۹
پرسش ---------- ۱۳۰۹
پاسخ ---------- ۱۳۰۹
آیا امام زمان عج) اطلاعات کامل درخصوص دنیای مردم مظلوم افغانستان، فلسطین و لبنان دارند؟ ---------- ۱۳۰۹
پرسش ---------- ۱۳۰۹
پاسخ ---------- ۱۳۰۹
آیا امام زمان (عج) از هنگام برپایی قیامت و تاریخ آن آگاهی دارد؟ ---------- ۱۳۱۱
پرسش ---------- ۱۳۱۱
پاسخ ---------- ۱۳۱۱
آیا امام زمان می داند کی ظهور خواهد کرد؟ ---------- ۱۳۱۲
پرسش ---------- ۱۳۱۲
پاسخ ---------- ۱۳۱۲
در روایات آمده که امام زمان(عج) در هنگام ظهورشان مامور به غیب می باشند. ---------- ۱۳۱۴
اشاره ---------- ۱۳۱۴
پرسش ---------- ۱۳۱۴
پاسخ ---------- ۱۳۱۴
چرا به امام وحی نمی شود و اگر وحی نمی شود پس چگونه امام زمان (ع) می خواهد ظهور کند؟ ---------- ۱۳۱۶
پرسش ---------- ۱۳۱۶
پاسخ ---------- ۱۳۱۷

پرسش: چرا سوره قدر، بعد از تولّد "امام زمان غ خوانده شد؟ ---- ۱۳۱۹

پرسش ---- ۱۳۱۹

پاسخ ---- ۱۳۱۹

آیا امام زمان (عج) از کارهای خوب و بدی که ما انجام می دهیم آگاهی دارد؟ ---- ۱۳۲۱

پرسش ---- ۱۳۲۱

پاسخ ---- ۱۳۲۱

آیا اکنون حضرت مهدی(علیه السلام) به زمان ظهورشان علم دارند؟ یعنی آیا از آغاز غیبت، حضرت می دانستند چه زمانی ظهور خواهند فرمود؟ ---- ۱۳۲۴

پرسش ---- ۱۳۲۴

پاسخ ---- ۱۳۲۴

امام زمان علیه السلام چگونه از زمان مناسب ظهور خود آگاهی می یابد؟ ---- ۱۳۲۶

پرسش ---- ۱۳۲۶

پاسخ ---- ۱۳۲۶

در روایات آمده که امام زمان(در زمان ظهورشان مأمور به غیب می باشند، محدوده مأموریت ایشان به غیب چقدر است؟(کمی توضیح دهید) به طور مثال ایشان مأمور به آشکار کردن گناهانی و خطاهائی که در خلوت نیز انجام می شود هستند یا خیر؟منابعی را که پاسخ سؤال را ،

پرسش ---- ۱۳۲۹

پاسخ ---- ۱۳۲۹

آیا امام زمان (عج) از زمان ظهور اطلاع دارند؟ ---- ۱۳۳۰

پرسش ---- ۱۳۳۰

پاسخ ---- ۱۳۳۰

آیا امام زمان«علیه السلام» از وضع ما انسانها آگاه است؟ ---- ۱۳۳۱

پرسش ---- ۱۳۳۱

پاسخ ---- ۱۳۳۱

قدرت حضرت ---- ۱۳۳۱

آیا امام زمان در همه جا هستند یا در مکان های خاص؟ ---- ۱۳۳۱

پرسش ---- ۱۳۳۲

پاسخ ---- ۱۳۳۲

آیا امام زمان می تواند در یک زمان خاص در چند مکان مختلف باشند؟ ---- ۱۳۳۴

پرسش ---- ۱۳۳۴

پاسخ ---- ۱۳۳۴

درباره اینکه امام زمان می توانند در هر لحظه در چند جای مختلف حضور داشته باشند با ذکر دلیل عقلی توضیح دهید. (سنت خداست که هر بدن یکی باشد و نه بیشتر) ---- ۱۳۳۵

پرسش ---- ۱۳۳۵

پاسخ ---- ۱۳۳۵

طبق عقیده شیعه امام زمان(عج) زنده است و بر روی کره زمین زندگی می کند. پس قاعدتاً مانند انسان های دیگر نیازهایی از قبیل خواب و غیره دارد. حال چگونه می شود ایشان در سرزمینی که در آن شب فرا رسیده، خواب باشد امّا در طرف دیگر کره زمین شیعه ای و یا حتّی

پرسش ---- ۱۳۳۸

پاسخ ---- ۱۳۳۸

آیا امام زمان«علیه السلام» می تواند در یک زمان در چند جای مختلف حضور یابد؟ اگر به چطور؟ و آیا وجه مشترکی بین او و بین خداوند وجود ندارد؟ ---- ۱۳۴۲

پرسش ---- ۱۳۴۲

پاسخ ---- ۱۳۴۲

توقیعات حضرت ---- ۱۳۴۳

راجع به توقیع مارک حضرت مهدی ۷به علی بن محمد سمری و همین طور راجع به تأیید کتاب کافی از طرف آن حضرت توضیح دهید. ---- ۱۳۴۳

پرسش ---- ۱۳۴۳

پاسخ ---- ۱۳۴۳

روایتی از حضرت مهدی(ع) را برایم بنویسید. ---- ۱۳۴۵
پرسش ---- ۱۳۴۵
پاسخ ---- ۱۳۴۵
اگر ممکن است در مورد "دعای عهد" شرحی بنویسید، و فهرستی از دعاهای نقل شده از حضرت مهدی(عج) را بیان کنید. ---- ۱۳۴۶
پرسش ---- ۱۳۴۶
پاسخ ---- ۱۳۴۶
چه دعاهایی منسوب به امام مهدی(ع) است؟ چگونه می توان از طریق دعا با حضرت رابطه برقرار کرد؟ ---- ۱۳۴۷
پرسش ---- ۱۳۴۷
پاسخ ---- ۱۳۴۷
توقیعات یعنی چه ، آیا در این مورد می توانید مرا راهنمایی کنید تا درباره این مطلب تحقیق کنم آیا در قرآن و تفسیرها مطالبی در این باره آمده است ---- ۱۳۵۳
پرسش ---- ۱۳۵۳
پاسخ ---- ۱۳۵۳
چه پیامهایی در دعاها و نامه های رسیده از حضرت حجت(عج) برای ما منظور شده؟ ---- ۱۳۵۶
پرسش ---- ۱۳۵۶
پاسخ ---- ۱۳۵۶
توقیع به چه معناست؟ ---- ۱۳۵۷
پرسش ---- ۱۳۵۷
پاسخ ---- ۱۳۵۷
در چه مدت زمانی توقیع از طرف حضرت صادر می شده است؟ ---- ۱۳۵۷
پرسش ---- ۱۳۵۸
پاسخ ---- ۱۳۵۸
آیا توقیعات به خطّ خود حضرت مهدی علیه السلام بوده است؟ ---- ۱۳۵۹
پرسش ---- ۱۳۵۹
پاسخ ---- ۱۳۵۹
چه مقدار توقیع از ناحیه مقدسه صادر شده است؟ ---- ۱۳۶۰
پرسش ---- ۱۳۶۰
پاسخ ---- ۱۳۶۰
آیا در عصر غیبت کبرا نیز نامه ای از ناحیه مقدّسه صادر شده است؟ ---- ۱۳۶۳
پرسش ---- ۱۳۶۳
پاسخ ---- ۱۳۶۴
سند دو توقیع صادر شده از امام مهدی علیه السلام بر ---- ۱۳۶۵
اشاره ---- ۱۳۶۵
پرسش ---- ۱۳۶۵
پاسخ ---- ۱۳۶۵
اینکه حضرت زهراعلیهاالسلام الگوی حضرت مهدی علیه السلام است، یعنی چه؟ ---- ۱۳۶۸
پرسش ---- ۱۳۶۸
پاسخ ---- ۱۳۶۸
این سخن امام زمان«علیه السلام» درباره امام حسین«علیه السلام» که، «برایت گریه می کنم و اگر اشکم تمام شود خون می گریم»، در کدام زیارت نقل شده است؟ ---- ۱۳۶۹
پرسش ---- ۱۳۶۹
پاسخ ---- ۱۳۶۹
حضرت و مساجد ---- ۱۳۶۹

مسجد جمکران ۱۳۶۹

دختری ۲۸ ساله هستم در ازدواج خیلی سخت پسند هستم و به قیافه راضی نمی شوم هر چه دعا می کنم قبول نمی شود. می فرمایند در قم (جمکران جایی است که اگر برای امام نامه بیندازند، از امام مراد می گیرند نظر شما در این مورد چیست ۱۳۶۹

پرسش ۱۳۶۹

پاسخ ۱۳۶۹

رفتن به مسجد جمکران، جهت دیدن امام زمان(عج) در شب های چهارشنبه توصیه شده یا شبهای جمعه؟ ۱۳۷۰

پرسش ۱۳۷۰

پاسخ ۱۳۷۰

آیا معیار قرار دادن چهل چهارشنبه برای رؤیت امام زمان در مسجد جمکران و... سندیت دارد؟ ۱۳۷۰

پرسش ۱۳۷۰

پاسخ ۱۳۷۰

عده ای می گویند رفتن به مسجدجمکران شب های چهارشنبه ارجحیت بیشتری دارد آیا این گفته صحت دارد,کی وقت خواندن نماز شب است اول شب یاآخرآن ؟ ۱۳۷۱

پرسش ۱۳۷۱

پاسخ ۱۳۷۱

در مورد نامه هایی که در مسجد جمکران نوشته می شود، توضیح دهید. ۱۳۷۱

پرسش ۱۳۷۱

پاسخ ۱۳۷۱

این جانب معاون پرورشی یکی از هنرستان های شهرضا هستم , خواهشمندم بفرمایید آیا خبر مربوطبه مسجد مقدس جمکران موثق است یا خیر؟ ۱۳۷۲

پرسش ۱۳۷۲

پاسخ ۱۳۷۲

آیا اگر کسی چهل شب چهارشنبه به جمکران مشرّف شود به زیارت آقا نایل می گردد؟ ۱۳۷۳

پرسش ۱۳۷۳

پاسخ ۱۳۷۳

اگر امام زمان علیه السلام به همه جا احاطه دارد،پس چرا به جمکران می رویم؟ ۱۳۷۳

پرسش ۱۳۷۳

پاسخ ۱۳۷۳

۱- آیا اینکه می گویند مسجد جمکران را خود آقا امام زمان (عج) کُلنگ آن را به زمین زده و دستور ساخت آن را داده اند صحت کامل دارد یا نه ؟ ۱۳۷۴

پرسش ۱۳۷۴

پاسخ ۱۳۷۴

مختصری در مورد مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟ ۱۳۷۷

پرسش ۱۳۷۷

پاسخ ۱۳۷۷

در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟ ۱۳۷۸

پرسش ۱۳۷۸

پاسخ ۱۳۷۸

بنیاد مسجد جمکران بر چه اساسی است؟ ۱۳۷۸

پرسش ۱۳۷۸

پاسخ ۱۳۷۸

لطفاً به طور مختصر تاریخچه مسجد جمکران و حوزه علمیه قم را بنویسید. ۱۳۸۰

پرسش ۱۳۸۰

پاسخ ۱۳۸۰

در مورد مسجد جمکران و ارتباط آن با امام زمان(عج) و تاریخ تأسیس و مؤسس آن توضیحاتی ارائه نمایید. ۱۳۸۰

پرسش ---- ۱۳۸۰
پاسخ ---- ۱۳۸۰
در خصوص چاه مقدس مسجد جمکران توضیح دهید و این که با وجود خشک بودن این چاه نامه هایی که در آن انداخته می شود اعتبار دارد؟ این نامه ها چگونه به دست حضرت مهدی (عج) می رسد؟ ---- ۱۳۸۲
پرسش ---- ۱۳۸۲
پاسخ ---- ۱۳۸۲
درباره بنای مبارک مسجد جمکران توضیح مختصری دهید. ---- ۱۳۸۲
پرسش ---- ۱۳۸۲
پاسخ ---- ۱۳۸۳
آیا صحت دارد امام زمان(ع) در مسجد جمکران ظاهر شده و افراد مریضی شفا گرفته اند؟ ---- ۱۳۸۴
پرسش ---- ۱۳۸۴
پاسخ ---- ۱۳۸۴
چگونه نامه هایی که در مسجد جمکران به چاه می اندازند، به دست امام زمان(ع) می رسد؟ آیا این چاه پر نمی شود؟ ---- ۱۳۸۴
پرسش ---- ۱۳۸۴
اشاره ---- ۱۳۸۴
پاسخ ---- ۱۳۸۴
آیا در کنار مسجد جمگران چاهی است که نامه حاجت در آن بیندازند که به دست امام زمان(ع) برسد؟ ---- ۱۳۸۶
پرسش ---- ۱۳۸۶
پاسخ ---- ۱۳۸۶
مسجد جمکران چه ارتباطی با حضرت مهدی (عج) دارد؟ ---- ۱۳۸۶
پرسش ---- ۱۳۸۶
پاسخ ---- ۱۳۸۶
مسجد جمکران ......K...Љ......اش چیست؟ در این باره اطلاعاتی در اختیار ما بگذارید. ---- ۱۳۸۸
پرسش ---- ۱۳۸۸
پاسخ ---- ۱۳۸۸
در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟ ---- ۱۳۹۰
پرسش ---- ۱۳۹۰
پاسخ ---- ۱۳۹۰
درباره مسجد جمکران توضیح بدهید مگر مسجد جای ذکر و عبادت خدا نیست پس مسجد امام زمان"ع" چیست و چه کسی و چه زمانی و به چه نیتی ساخته شده است؟ ---- ۱۳۹۱
پرسش ---- ۱۳۹۱
پاسخ ---- ۱۳۹۲
شفا یافتن بیماران در مسجد جمکران و کراماتی که به این مسجد نسبت داده می شود آیا حقیقت دارد؟ ---- ۱۳۹۶
پرسش ---- ۱۳۹۶
پاسخ ---- ۱۳۹۶
کمی درباره ، تاریخچه ، مسجد جمکران , شرح دهید؟ ---- ۱۳۹۶
پرسش ---- ۱۳۹۶
پاسخ ---- ۱۳۹۷
اخیرا بنده در جهت بازسازی معنوی بار فرهنگی اردوهای زیارتی امان را بیشتر کرده ام فقط راجع به موردی اطلاعات کمتری دارم و آنهم چاه مجاور مسجد مقدس جمکران است که داخل آن عریضه می اندازیم در صورت آگاهی بیشتر لطفا من را مستفیض نمایید. ---- ۱۳۹۷
پرسش ---- ۱۳۹۷
پاسخ ---- ۱۳۹۷
قضیه چاه مسجد جمکران چیست. شنیده ام آمریکاییها برای یافتن نفت آن را کنده اند؟ آیا درست است؟ ---- ۱۳۹۷
پرسش ---- ۱۳۹۸

پاسخ ----- ۱۳۹۸
با سلام، در مورد جمکران و صحت آن چه دلایلی مطرح است؟ با تشکر ----- ۱۳۹۹
پرسش ----- ۱۳۹۹
پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۳۹۹
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۴۰۷
مستند ساختمان مسجد جمکران چیست؟ ----- ۱۴۱۷
پرسش ----- ۱۴۱۷
پاسخ ----- ۱۴۱۷
مدرک نماز خاصّ مستحبی در مسجد جمکران چیست؟ ----- ۱۴۱۷
پرسش ----- ۱۴۱۸
پاسخ ----- ۱۴۱۸
آیا سند قضیه بنای مسجد جمکران معتبر است؟ ----- ۱۴۱۸
پرسش ----- ۱۴۱۸
پاسخ ----- ۱۴۱۸
چرا در کتاب "تاریخ قم" که پنج باب دارد اثری از قضیه جمکران نیست؟ ----- ۱۴۱۹
پرسش ----- ۱۴۱۹
پاسخ ----- ۱۴۱۹
مسجد جمکران از چه اهمیّت ویژه ای برخوردار است؟ ----- ۱۴۱۹
پرسش ----- ۱۴۱۹
پاسخ ----- ۱۴۱۹
آیا چهل بار رفتن به جمکران برای قضای حاجت مدرکی دارد؟ ----- ۱۴۲۰
پرسش ----- ۱۴۲۰
پاسخ ----- ۱۴۲۰
آیا شب چهارشنبه به مسجد جمکران رفتن مدرکی دارد؟ ----- ۱۴۲۲
پرسش ----- ۱۴۲۲
پاسخ ----- ۱۴۲۲
مساجد دیگر ----- ۱۴۲۲
اگر می شود نام چندمسجد را نام ببرید که امام زمان(موقع ظهور خود خراب می کند. آیا همین مسجد ما هم احتمال دارد؟ ما می توانیم بحث را به شاید بگیریم و علت اینکه چرا مسجد را خراب می کنند؟ ----- ۱۴۲۲
پرسش ----- ۱۴۲۳
پاسخ ----- ۱۴۲۳
مسجد سهله چه ارتباطی با حضرت مهدی علیه السلام دارد؟ ----- ۱۴۲۴
پرسش ----- ۱۴۲۴
پاسخ ----- ۱۴۲۴
در مورد حضور در مسجد سهله چه سفارشی شده است؟ ----- ۱۴۲۴
پرسش ----- ۱۴۲۴
پاسخ ----- ۱۴۲۴
آیا در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه مدرکی وجود دارد؟ ----- ۱۴۲۵
پرسش ----- ۱۴۲۵
پاسخ ----- ۱۴۲۵
در زمان ظهور حضرت با مساجد نفاق چه می کنند؟ ----- ۱۴۲۶
پرسش ----- ۱۴۲۶

پاسخ ---- ۱۴۲۶
سایر موارد ---- ۱۴۲۶
در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم بر می خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می خیزند، چرا ؟ ---- ۱۴۲۶
پرسش ---- ۱۴۲۶
پاسخ ---- ۱۴۲۶
می گویند یزید بعد از به شهادت رساندن امام حسین ۷به شکل سگ در آمد و تا ظهور امام مهدی ۷زنده است . آیا این مطلب حقیقت دارد؟ ---- ۱۴۲۷
پرسش ---- ۱۴۲۷
پاسخ ---- ۱۴۲۷
می خواستم بدانم اگر توفیق داشتیم که در عصر آقا(امام زمان) زندگی کنیم، آیا ایشان به سید ها محرم هستند؟ ---- ۱۴۲۷
پرسش ---- ۱۴۲۸
پاسخ ---- ۱۴۲۸
چرا می گویند ایران کشور امام زمان(عج) است؟ ---- ۱۴۲۸
پرسش ---- ۱۴۲۸
پاسخ ---- ۱۴۲۸
پیدایش مؤمنان از صُلب کفار یعنی چه و چه ربطی با ظهور حضرت مهدی دارد؟ ---- ۱۴۳۰
پرسش ---- ۱۴۳۰
پاسخ ---- ۱۴۳۰
در زمان غیبت اگر فقیهی با اشکال روبرو شد تکلیفش چیست؟ ---- ۱۴۳۲
پرسش ---- ۱۴۳۲
پاسخ ---- ۱۴۳۲
مجله ای در کشور منتشر می شود به نام "خورشید مکه" که مختص امام زمان "ع" است و بعضی از مسائل ارتباط با امام را طوری مطرح می کنند که تقریباً غیر عقلایی بنظر می رسد؟! این مجله آیا مورد اطمینان است؟ ---- ۱۴۳۲
پرسش ---- ۱۴۳۲
پاسخ ---- ۱۴۳۳
علت تفضیل حضرت قائم (ع) بر سایر ائمه چه می باشد؟ ---- ۱۴۳۳
پرسش ---- ۱۴۳۳
پاسخ ---- ۱۴۳۳
چرا عدالت موجود در زمان امام زمان (عج) در زمان صدر اسلام برقرار نشد؟ ---- ۱۴۳۳
پرسش ---- ۱۴۳۳
پاسخ ---- ۱۴۳۴
گفته می شود (بر اساس احادیث اسلامی) که ظرفیت انسان ۲۷ حرف است که در زمان ظهور امام زمان(عج) انسانها بهتدریج به آنها خواهند رسید، آیا امکان دارد که در قبل از این زمان هم انسانی به این درجه شکوفایی استعدادها برسد یا نه؟ ---- ۱۴۳۵
پرسش ---- ۱۴۳۵
پاسخ ---- ۱۴۳۵
این نکته خیلی برایم مهم است چراکه هرچه فکر می کنم درباره غربت وتنهایی امام زمان (عج) آنطور که دلم می خواهد نمی فهم ودرک نمی کنم . لطفاً مرا راهنمایی کنید؟ ---- ۱۴۳۸
پرسش ---- ۱۴۳۸
پاسخ ---- ۱۴۳۸
امام زمان و غیبت ---- ۱۴۳۹
پرسش ---- ۱۴۳۹
پاسخ ---- ۱۴۳۹
آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان«علیه السلام» در زمان ظهور هم وجود دارد؟ ---- ۱۴۴۰
پرسش ---- ۱۴۴۰
پاسخ ---- ۱۴۴۰

انتظار ----- ۱۴۴۱

چیستی انتظار ----- ۱۴۴۱

مفهوم انتظار ----- ۱۴۴۱

آیا عقیده به مهدویت معقول است؟ ----- ۱۴۴۱

پرسش ----- ۱۴۴۱

پاسخ ----- ۱۴۴۱

آیا معنی انتظار حضرت حجت، سقوط تکالیف فردی و اجتماعی است؟ ----- ۱۴۴۱

پرسش ----- ۱۴۴۱

پاسخ ----- ۱۴۴۲

مفهوم انتظار چیست؟ ----- ۱۴۴۲

پرسش ----- ۱۴۴۲

پاسخ ----- ۱۴۴۲

انتظار در زمان غیبت امام زمان (عج) چه معنایی دارد و مقصود از انتظارفرج چیست ؟ ----- ۱۴۴۴

پرسش ----- ۱۴۴۴

پاسخ ----- ۱۴۴۴

انتظار چیست؟ انتظار یعنی چه؟ ----- ۱۴۴۵

پرسش ----- ۱۴۴۵

پاسخ ----- ۱۴۴۵

آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان((علیه السلام))پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در افزایش ظلم و ستم کمک کرد تا زودتر زمانه پر از ظلم و جور شود و آن حضرت ظاهر گردد؟ ----- ۱۴۴۷

پرسش ----- ۱۴۴۷

پاسخ ----- ۱۴۴۷

انتظار فرج یعنی چه ؟ مقصود از انتظار فرج چیست ؟ ----- ۱۴۴۸

پرسش ----- ۱۴۴۸

پاسخ ----- ۱۴۴۸

حقیقت انتظار چیست؟ حقیقت انتظار فرج چیست؟ ----- ۱۴۵۱

پرسش ----- ۱۴۵۱

پاسخ ----- ۱۴۵۱

انتظار چه ویژگی های خاصی دارد؟ ----- ۱۴۵۳

پرسش ----- ۱۴۵۳

پاسخ ----- ۱۴۵۳

عناصر تشکیل دهنده انتظار چیست؟ ----- ۱۴۵۴

پرسش ----- ۱۴۵۴

پاسخ ----- ۱۴۵۴

مقصود از روایات مطلق در باب انتظار فرج چیست؟ ----- ۱۴۵۵

پرسش ----- ۱۴۵۵

پاسخ ----- ۱۴۵۵

آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان«علیه السلام» پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در افزایش ظلم و ستم کمک کرد تا زودتر زمانه پر از ظلم و جور شود و آن حضرت ظاهر گردد؟ ----- ۱۴۵۸

پرسش ----- ۱۴۵۸

پاسخ ----- ۱۴۵۸

اقسام انتظار ----- ۱۴۵۹

چه نوع انتظاری برترین عبادت و مصداق کامل جهاد فی سبیل اللّٰه است؟ ----- ۱۴۵۹

پرسش ----- ۱۴۵۹
پاسخ ----- ۱۴۵۹
چه نوع انتظاری راجح است؟ ----- ۱۴۶۲
پرسش ----- ۱۴۶۲
پاسخ ----- ۱۴۶۲
تاریخچه انتظار ----- ۱۴۶۴
درباره مهدویت توضیح دهید. ----- ۱۴۶۴
پرسش ----- ۱۴۶۴
پاسخ ----- ۱۴۶۴
اساس عقیده به مهدویّت و نتیجه آن چیست؟ ----- ۱۴۶۶
پرسش ----- ۱۴۶۶
پاسخ ----- ۱۴۶۶
فلسفه انتظار جامعه شیعه چیست؟ ----- ۱۴۶۷
پرسش ----- ۱۴۶۷
پاسخ ----- ۱۴۶۷
منشاء اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ، چیست؟ ----- ۱۴۶۸
پرسش ----- ۱۴۶۸
پاسخ ----- ۱۴۶۸
در مورد فلسفه انتظار توضیحاتی بفرمایید؟ ----- ۱۴۷۰
پرسش ----- ۱۴۷۰
پاسخ ----- ۱۴۷۰
مقصود از انتظار مسیحا چیست؟ ----- ۱۴۷۴
پرسش ----- ۱۴۷۴
پاسخ ----- ۱۴۷۴
آیا اعتقاد به مهدویت در جامعه اسلامی نتیجه فشارهای سیاسی بوده است؟ ----- ۱۴۷۶
پرسش ----- ۱۴۷۶
پاسخ ----- ۱۴۷۶
آیا عقیده به مهدویت ناشی از پیاده نشدن حکومت جهانی اسلام بوده است؟ ----- ۱۴۷۸
پرسش ----- ۱۴۷۸
پاسخ ----- ۱۴۷۸
فرجام اندیشی چه ضرورتی دارد؟ ----- ۱۴۸۰
پرسش ----- ۱۴۸۰
پاسخ ----- ۱۴۸۰
آیا این سخن که نالمیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟ ----- ۱۴۸۳
پرسش ----- ۱۴۸۳
پاسخ ----- ۱۴۸۳
فضیلت و آثار انتظار ----- ۱۴۸۴
انتظار وآثار آن ----- ۱۴۸۴
پرسش ----- ۱۴۸۴
پاسخ ----- ۱۴۸۴
چرا با وجود این که معتقدیم در زمان ظهور امام زمان"ع" ظلم و ستم جهان را فرا می گیرد، همیشه تعجیل در فرج حضرت را از خداوند برای پایان دادن به ظلم خواهانیم و برای از بین بردن آن کوشش می کنیم؟ چطور از طرفی اعتقاد داریم با ظهور آقا دنیا گلستان می شود و از ،

پرسش ----- ۱۴۸۶

پاسخ ----- ۱۴۸۷

آیا پدید آمدن مدعیان مهدویت از آثار سوء اعتقاد به مهدویت است؟ ----- ۱۴۸۹

پرسش ----- ۱۴۸۹

پاسخ ----- ۱۴۹۰

آیا اعتقاد به مهدویت انسان را از عمل باز می دارد؟ ----- ۱۴۹۰

پرسش ----- ۱۴۹۰

پاسخ ----- ۱۴۹۰

آیا اعتقاد به ولادت حضرت مهدی علیه السلام ووجود او تا این زمان از ضروریات ایمان است؟ ----- ۱۴۹۱

پرسش ----- ۱۴۹۱

پاسخ ----- ۱۴۹۱

دعا برای تعجیل فرج چه تأثیری در فرج شیعیان دارد؟ ----- ۱۴۹۱

پرسش ----- ۱۴۹۲

پاسخ ----- ۱۴۹۲

جشن های میلاد چه آثاری دارد؟ ----- ۱۴۹۲

پرسش ----- ۱۴۹۲

پاسخ ----- ۱۴۹۲

چه آثار و نتایج قابل مشاهده ای در شخصی که منتظر امام زمان عج است دیده می شود. ----- ۱۴۹۳

پرسش ----- ۱۴۹۳

پاسخ ----- ۱۴۹۳

فواید فرجام اندیشی چیست؟ ----- ۱۴۹۴

پرسش ----- ۱۴۹۴

پاسخ ----- ۱۴۹۴

عقیده ی به امام زمان«علیه السلام» باید چه اثری در ما بگذارد؟ ----- ۱۴۹۶

پرسش ----- ۱۴۹۶

پاسخ ----- ۱۴۹۶

چرا خداوند مردم را منتظر ظهور امام زمان نگه داشته است؟ ----- ۱۴۹۷

پرسش ----- ۱۴۹۷

پاسخ ----- ۱۴۹۷

باور داشتن مهدویّت چه ثمراتی را در پی دارد؟ ----- ۱۵۰۰

پرسش ----- ۱۵۰۰

پاسخ ----- ۱۵۰۰

نقش عملی مهدویت در پاسداری از اسلام چیست؟ ----- ۱۵۰۲

پرسش ----- ۱۵۰۲

پاسخ ----- ۱۵۰۲

انتظار در زندگی اجتماعی و فردی انسان چه جایگاهی دارد؟ ----- ۱۵۰۳

پرسش ----- ۱۵۰۳

پاسخ ----- ۱۵۰۳

دیدگاه اسلام نسبت به انتظار چیست؟ ----- ۱۵۰۳

پرسش ----- ۱۵۰۳

پاسخ ----- ۱۵۰۴

عقیده به ظهور حضرت مهدی چه تأثیری در فکر و اندیشه دارد؟ ----- ۱۵۰۴

پرسش ----- ۱۵۰۴

پاسخ ----- ۱۵۰۴

عقیده به ظهور حضرت مهدی(عج) با عدل و قسط چه رابطه ای دارد؟ ----- ۱۵۰۵

پرسش ----- ۱۵۰۵

پاسخ ----- ۱۵۰۵

اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه دار حلول کند، چه واکنشی به دنبال خواهد داشت؟ ----- ۱۵۰۷

پرسش ----- ۱۵۰۷

پاسخ ----- ۱۵۰۷

منتظران واقعی اگر در دعوی خود صادق باشند چه آثاری در آنها آشکار خواهد شد؟ ----- ۱۵۰۷

پرسش ----- ۱۵۰۸

پاسخ ----- ۱۵۰۸

در چه صورت انتظار ظهور ارزشمند است؟ ----- ۱۵۰۹

پرسش ----- ۱۵۰۹

پاسخ ----- ۱۵۰۹

با اینکه اسلام انسان را به تحقیق در مسائل رهنمون ساخته چرا خواسته شده بدون دلیل غیبت امام زمان را قبول گردد؟ ----- ۱۵۱۱

پرسش ----- ۱۵۱۱

پاسخ ----- ۱۵۱۱

عقیده ی به امام زمان((علیه السلام)) باید چه اثری در ما بگذارد؟ ----- ۱۵۱۱

پرسش ----- ۱۵۱۱

پاسخ ----- ۱۵۱۱

چرا انتظار فرج افضل اعمال است ؟ ----- ۱۵۱۲

پرسش ----- ۱۵۱۲

پاسخ ----- ۱۵۱۲

درباره انتظار فرج امام زمان (عج) و دلیل دعا برای تعجیل فرج ایشان توضیح دهید. ----- ۱۵۱۲

پرسش ----- ۱۵۱۲

پاسخ ----- ۱۵۱۳

چه تناسبی میان انتظار موعود و حیات پویا، کسب علم، ظلم ستیزی و مبارزه با فساد وجود دارد؟ ----- ۱۵۱۷

پرسش ----- ۱۵۱۷

پاسخ ----- ۱۵۱۷

آیا بدون ظهور امام زمان مردم می توانند خود متحد شوند چیزی شبیه گفتگوی جهانی ؟ ----- ۱۵۱۸

پرسش ----- ۱۵۱۸

پاسخ ----- ۱۵۱۸

چه آثار وفوایدی بر بحث از مهدویت در این زمان مترتّب است؟ ----- ۱۵۱۹

پرسش ----- ۱۵۱۹

پاسخ ----- ۱۵۱۹

بحث از مهدویت در این عصر وزمان دارای چه آثار وفوایدی م با شد؟ ----- ۱۵۲۲

پرسش ----- ۱۵۲۲

پاسخ ----- ۱۵۲۲

انتظار، چه تأثیری در بعد اجتماعی دارد؟ ----- ۱۵۲۳

پرسش ----- ۱۵۲۳

پاسخ ---- ۱۵۲۳
عنصر انتظار چگونه در آمادگی نظامی منتظران تأثیر دارد؟ ---- ۱۵۲۴
پرسش ---- ۱۵۲۴
پاسخ ---- ۱۵۲۴
عنصر صبر در تحقّق انتظار تا چه مقدار مؤثّر است؟ ---- ۱۵۲۶
پرسش ---- ۱۵۲۶
پاسخ ---- ۱۵۲۶
آیا تأخیر در فرج موجب قساوت قلب می شود؟ ---- ۱۵۲۶
پرسش ---- ۱۵۲۶
پاسخ ---- ۱۵۲۷
آیا انتظار طولانی فرج، خسته کننده وملالت آور است؟ ---- ۱۵۲۷
پرسش ---- ۱۵۲۷
پاسخ ---- ۱۵۲۷
چه آثاری بر انتظار منجی مترتّب است؟ ---- ۱۵۲۸
پرسش ---- ۱۵۲۸
پاسخ ---- ۱۵۲۸
منتظران ---- ۱۵۳۰
ویژگیها ---- ۱۵۳۰
منتظران واقعی حضرت مهدی(ع)چه کسانی هستند؟ چه نشانه ها وخصوصیاتی دارند؟ آیاسربازان حضرت اکنون وجود دارند یا بعداً خواهند آمد؟ ---- ۱۵۳۰
پرسش ---- ۱۵۳۰
پاسخ ---- ۱۵۳۰
ویژگیهای منتظران ---- ۱۵۳۴
اشاره ---- ۱۵۳۴
پرسش ---- ۱۵۳۴
پاسخ ---- ۱۵۳۴
منتظران واقعی چه خصوصیاتی باید داشته باشند؟ ---- ۱۵۳۷
پرسش ---- ۱۵۳۷
پاسخ ---- ۱۵۳۷
روایات، منتظران ظهور مهدی(عج) را به چه افرادی تشبیه کرده اند؟ ---- ۱۵۴۱
پرسش ---- ۱۵۴۱
پاسخ ---- ۱۵۴۱
منتظر واقعی حضرت مهدی غ دارای چه خصوصیاتی است ---- ۱۵۴۲
پرسش ---- ۱۵۴۲
پاسخ ---- ۱۵۴۲
پیرو امام زمان غ شدن چه شرایطی دارد؟ ---- ۱۵۴۵
پرسش ---- ۱۵۴۵
پاسخ ---- ۱۵۴۵
خصوصیات منتظر واقعی و بهترین عمل در زمان غیبت چیست ؟ ---- ۱۵۵۰
پرسش ---- ۱۵۵۰
پاسخ ---- ۱۵۵۰
این که می گویند ظهور امام زمان (عج) نزدیک است , وظیفه ما چیست ؟ آیا باید اقدام به یادگیری معارف اسلامی بکنیم ؟ ---- ۱۵۵۲

پرسش ----- ۱۵۵۲
پاسخ ----- ۱۵۵۲
می خواهم از منتظران فرج باشم و فعالیت های غیر رسمی و مخفیانه بر آن انجام دهم به نظر شما چگونه باشم ؟ ----- ۱۵۵۴
پرسش ----- ۱۵۵۴
پاسخ ----- ۱۵۵۴
چگونه می شود منتظر و پیرو واقعی برای امام زمان(بود؟ ----- ۱۵۵۷
پرسش ----- ۱۵۵۷
پاسخ ----- ۱۵۵۷
۱- چگونه می توان منتظر واقعی حضرت ولی عصر «عج » بود ؟ ----- ۱۵۵۹
پرسش ----- ۱۵۵۹
پاسخ ----- ۱۵۵۹
۱- آیا عمل به واجبات و دوری از محرمات، برای درک زمان ظهور آقا امام زمان (علیه السلام) کافی است ؟ ----- ۱۵۶۱
پرسش ----- ۱۵۶۱
پاسخ ----- ۱۵۶۱
۱-. چگونه باشیم تا بتوانیم از منتظران واقعی آن وجود پربرکت(امام زمان) باشیم ؟ ----- ۱۵۶۳
پرسش ----- ۱۵۶۳
پاسخ ----- ۱۵۶۳
منتظران حضرت مهدی«علیه السلام» چه کسانی هستند؟ ----- ۱۵۶۶
پرسش ----- ۱۵۶۶
پاسخ ----- ۱۵۶۶
چگونه می توانیم از منتظران واقعی حضرت ولی عصر باشیم؟ ----- ۱۵۷۵
پرسش ----- ۱۵۷۵
پاسخ ----- ۱۵۷۵
چگونه خود را برای ظهور آماده کنیم؟ ----- ۱۵۷۶
پرسش ----- ۱۵۷۶
پاسخ ----- ۱۵۷۶
وظایف ----- ۱۵۸۲
وظایف عمومی ----- ۱۵۸۲
وظیفه مادر عصر غیبت چیست وچه کنیم که امام زمان از ما راضی شوند و ما را مورد شفاعت خود قرار دهند ؟ ----- ۱۵۸۲
پرسش ----- ۱۵۸۲
پاسخ ----- ۱۵۸۲
در این دنیای نا بسامان تکلیف ما چیست ؟ ----- ۱۵۸۸
پرسش ----- ۱۵۸۸
پاسخ ----- ۱۵۸۸
۱- آیا اینکه ما ساکت بنشینیم و درون خود تحولی ایجاد نکنیم و از خود حرکتی در زمینه مبارزه با این ظلم وجور شروع نکنیم تا دنیا پر از ظلم وجور شود وامام زمان(عج) ظهور کنند درست است؟ ----- ۱۵۹۱
پرسش ----- ۱۵۹۱
پاسخ ----- ۱۵۹۱
وظایف منتظران در عصر غیبت را بیان کنید. ----- ۱۵۹۲
پرسش ----- ۱۵۹۲
پاسخ ----- ۱۵۹۲
اکنون که امام عصر۷از نظرها غایب است و نمی توان با ایشان مستقیماً رابطه برقرار کرد، وظیفه ،مردم به خصوص جوان ها برای تعجیل ظهور حضرت چیست ؟ اگر دعایی در این مورد برای تحکیم ایمان و فرج ایشان وجود دارد، بیان کنید. ----- ۱۵۹۴

پرسش ----- ۱۵۹۴
پاسخ ----- ۱۵۹۴
وظایف یک فرد مسلمان در زمان غیبت امام زمان(ع) چیست؟ ----- ۱۵۹۶
پرسش ----- ۱۵۹۶
پاسخ ----- ۱۵۹۶
در عصر غیبت کبری امام زمان(عج) چه وظیفه ای بر عهده دارد و شیعیان و مریدان حضرت چه وظایفی بر عهده دارند؟ ----- ۱۵۹۸
پرسش ----- ۱۵۹۸
پاسخ ----- ۱۵۹۸
تکلیف یک منتظر امام زمان (عج) در عصر حاضر چه می باشد؟ ----- ۱۶۰۰
پرسش ----- ۱۶۰۰
پاسخ ----- ۱۶۰۰
مهم ترین وظایف و مسئولیت های جوانان در عصر غیبت چیست؟ ----- ۱۶۰۲
پرسش ----- ۱۶۰۲
پاسخ ----- ۱۶۰۲
چگونه نسل جوان را با امام زمان(ع) بیشتر آشنا کنیم؟ ----- ۱۶۰۵
پرسش ----- ۱۶۰۵
پاسخ ----- ۱۶۰۵
وظیفه جوانان نسبت به آماده کردن زمینه ظهور امام زمان (عج) چیست؟ ----- ۱۶۰۸
پرسش ----- ۱۶۰۸
پاسخ ----- ۱۶۰۸
وظیفه ما در عصر غیبت امام زمان (عج) مخصوصا. در این زمان چیست؟ ----- ۱۶۱۰
پرسش ----- ۱۶۱۰
پاسخ ----- ۱۶۱۰
وظایف ما نسبت به امام زمان(ع) در دوران غیبت چیست؟ ----- ۱۶۱۲
پرسش ----- ۱۶۱۲
پاسخ ----- ۱۶۱۲
دوست دارم وظیفه ام را به عنوان یک زن مسلمان درباره زمان ظهور و انتظار فرج امام زمان(عج) بدانم. ----- ۱۶۱۳
پرسش ----- ۱۶۱۳
پاسخ ----- ۱۶۱۳
وظیفه نوجوانان در عصر غیبت چیست؟ ----- ۱۶۱۶
پرسش ----- ۱۶۱۶
پاسخ ----- ۱۶۱۷
وظیفه منتظر امام زمان (عج) چیست ؟ ----- ۱۶۱۷
پرسش ----- ۱۶۱۷
پاسخ ----- ۱۶۱۷
در مورد مساله مهدویت توضیحی دهید و علایم ظهور و ظایف منتظران را نیز بنویسید؟ ----- ۱۶۲۵
پرسش ----- ۱۶۲۵
پاسخ(قسمت اول) ----- ۱۶۲۵
پاسخ(قسمت دوم) ----- ۱۶۳۴
پاسخ(قسمت سوم) ----- ۱۶۴۳
مؤمنین چه تکالیفی در عصر غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام دارند؟ ----- ۱۶۴۸

پرسش ---------- ۱۶۴۸
پاسخ ---------- ۱۶۴۸
وظیفه ما در عصر غیبت نسبت به امام زمان(عج) چیست؟ ---------- ۱۶۵۲
پرسش ---------- ۱۶۵۲
پاسخ ---------- ۱۶۵۲
وظائف اصلی یک مسلمان درزمان غیبت حضرت بقیه ا...وشرائط حساس کنونی کدامست؟(لطفاً بصورت خلاصه وتیتروار اشاره فرمائید) ---------- ۱۶۵۵
پرسش ---------- ۱۶۵۵
پاسخ ---------- ۱۶۵۵
- وظایف یک منتظر واقعی چیست ؟ مخصوصا یک زن. ---------- ۱۶۵۶
پرسش ---------- ۱۶۵۶
پاسخ ---------- ۱۶۵۶
نسبت به امام زمان ---------- ۱۶۵۹
شناخت امام ---------- ۱۶۵۹
چه اهمیتی دارد که بخواهیم حضور امام در جامعه را برای خود و دیگران ملموس تر و عینی تر سازیم ؟ ---------- ۱۶۵۹
پرسش ---------- ۱۶۵۹
پاسخ ---------- ۱۶۵۹
دعابرای شناخت امام زمان ۷یعنی چه ؟ این شناخت چگونه حاصل می شود؟ آیانشانه ای مبنی بر شناختن یا نشناختن امام عصر۷جود دارد؟ ---------- ۱۶۶۰
پرسش ---------- ۱۶۶۰
پاسخ ---------- ۱۶۶۰
روایت هر کس بدون معرفت به امام زمانش بمیرد مرگ او مرگ جاهلی است , آیا در زمان غیبت در مورد ولی فقیه هم صدق می کند و یا مراد از امامام معصوم است ؟ ---------- ۱۶۶۲
پرسش ---------- ۱۶۶۲
پاسخ ---------- ۱۶۶۲
با توجه به حدیث "من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه" مقصود از شناخت امام زمان(ع) چیست؟ ---------- ۱۶۶۳
پرسش ---------- ۱۶۶۳
پاسخ ---------- ۱۶۶۳
راه های آشنایی کودکان و نوجوانان و آشنا ساختن آنان با امام زمان(ع) چیست؟ ---------- ۱۶۶۶
پرسش ---------- ۱۶۶۶
پاسخ ---------- ۱۶۶۶
برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟ ---------- ۱۶۷۲
پرسش ---------- ۱۶۷۲
پاسخ ---------- ۱۶۷۲
معرفت و شناخت امام زمان در چه صورت تحقق پیدا می کند؟ ---------- ۱۶۷۸
پرسش ---------- ۱۶۷۸
پاسخ ---------- ۱۶۷۸
"هر کس امام زمان خویش (رهبر) را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است با استناد به این حدیث ما چگونه می توانیم رهبر خود را بشناسیم و در صورت امکان درباره رهبر معظم انقلاب حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای توضیحاتی بنویسید. ---------- ۱۶۸۰
پرسش ---------- ۱۶۸۱
پاسخ ---------- ۱۶۸۲
راههای شناخت و انس با امام زمان (ع) چیست ---------- ۱۶۸۴
پرسش ---------- ۱۶۸۴
پاسخ ---------- ۱۶۸۴
چطور می توانم با امام زمانم بیشتر آشنا بشوم نه آشنایی که سطحی باشد طوری که بشود به این حدیث پیامبر که فرموده اند هر کس امام زمان خود را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است رسید یعنی از جاهلیت خارج شد اصلا آیا واقعا می شود روزی امام زمان(عج) را زی

پرسش ----- ۱۶۸۵
پاسخ ----- ۱۶۸۵
راه شناخت و نزدیکی به امام زمان(عج) چیست؟ ----- ۱۶۹۱
پرسش ----- ۱۶۹۱
پاسخ ----- ۱۶۹۱
آیا غیبت امام(علیه السلام) دلیل و عذر بر عدم شناخت آن حضرت می تواند باشد ? نظر به حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه» مردم چگونه می توانند امامی که غایب است را بشناسند در حالی که با دلیل فطری، حضور امام در جامعه لازم و واجب است؟ ۱
پرسش ----- ۱۶۹۴
پاسخ ----- ۱۶۹۵
با غیبت امام زمان علیه السلام چگونه می توان امام زمان خودرا شناخت؟ ----- ۱۶۹۷
پرسش ----- ۱۶۹۷
پاسخ ----- ۱۶۹۷
چه کنیم که ایمانمان به وجود حضرت مهدی علیه السلام بیشتر شود؟ ----- ۱۶۹۷
پرسش ----- ۱۶۹۷
پاسخ ----- ۱۶۹۸
چرا اگر امام زمان خود را نشناسیم، به مرگ جاهلی از دنیا رفته ایم؟ ----- ۱۶۹۸
پرسش ----- ۱۶۹۸
پاسخ ----- ۱۶۹۸
۱- لطفا در خصوص معرفت صحیح به مقام عظمای امام عصر« علیه السلام » و حضرت زهراء «سلام علیها » و سایر ائمه «علیهم السلام » تو ضیحات لازم را عنایت فرمایید. ----- ۱۶۹۸
پرسش ----- ۱۶۹۹
پاسخ ----- ۱۶۹۹
۱-چگونه می توان معرفت خود را نسبت به امام زمان «عج» زیاد کنیم ? ----- ۱۷۰۰
پرسش ----- ۱۷۰۰
پاسخ ----- ۱۷۰۰
مراد از مرگ جاهلیت در صورت عدم شناخت امام چیست؟ ----- ۱۷۰۱
پرسش ----- ۱۷۰۱
پاسخ ----- ۱۷۰۱
ارتباط امام زمان ----- ۱۷۰۱
در خیلی از احادیث اشاره شده است که هر کس امام زمان(خود را نشناسد هیچ یک از عباداتش قبول نیست، آیا منظور از این احادیث فقط دیدن و زیارت امام زمان(می باشد؟ یا دانستن نام و کنیه ایشان و اعتقاد به حضور ایشان کفایت می کند؟ خواهشمند است توضیح دهید.
پرسش ----- ۱۷۰۱
پاسخ ----- ۱۷۰۱
برای ارتباط قلبی با امام زمان (۷) چه باید کرد؟ ----- ۱۷۰۳
پرسش ----- ۱۷۰۳
پاسخ ----- ۱۷۰۳
من ارادت ویژه ای به امام زمان دارم به گونه ای که در خیال خود تصور می کنم حضرت را می بینم و او با من حرف می زند، روزی در همین خیال غوطه ور بودم که گریه شدیدی به من دست داد. من برای رها کردن خود از پرسش های مکرر مشاور، گفتم خواب حضرت را دیدم از
پرسش ----- ۱۷۰۵
پاسخ ----- ۱۷۰۵
اگر آیاتی از قرآن قرائت کرده آن را به یکی از امامان مثلاً امام زمان غ هدیه نماییم آیا این کار اشکالی دارد؟ ----- ۱۷۰۸
پرسش ----- ۱۷۰۸
پاسخ ----- ۱۷۰۸
لطفا این سؤال هم از آقای خامنه ای و هم از آقای بهجت پرسیده شود :چگونه انسان می تواند در همه حال در محضر آقا امام زمان ،خود را ببینید ? ----- ۱۷۰۸
پرسش ----- ۱۷۰۸

پاسخ ---------- ۱۷۰۸
چطور و چگونه با امام زمان(عج) رابطه بر قرار کنیم؟ ---------- ۱۷۱۰
پرسش ---------- ۱۷۱۰
پاسخ ---------- ۱۷۱۰
چگونه می توان با امام زمان(ع) ارتباط بر قرار کرد؟ ---------- ۱۷۱۴
پرسش ---------- ۱۷۱۴
پاسخ ---------- ۱۷۱۴
یک فرد چطور می تواند این شایستگی را پیدا کند که در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) با او در ارتباط باشد و بتواند از وجود مبارک او بهره ببرد؟ ---------- ۱۷۱۹
پرسش ---------- ۱۷۱۹
پاسخ ---------- ۱۷۱۹
ارتباط با امام زمان(ع) از چه روش هایی امکان پذیر است؟ ---------- ۱۷۱۹
پرسش ---------- ۱۷۱۹
پاسخ ---------- ۱۷۲۰
این که گفته شده است که مرحوم علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیار به محضر امام زمان (ع) مشرف شده اند صحت دارد؟ ---------- ۱۷۲۴
پرسش ---------- ۱۷۲۴
پاسخ ---------- ۱۷۲۴
یک جوان مسلمان که علاقه مند است با حضرت مهدی(عج) رابطه داشته باشد و در قیام حضرت، یکی از سربازان ایشان باشد، چه کارهایی باید انجام دهد؟ ---------- ۱۷۲۶
پرسش ---------- ۱۷۲۶
پاسخ ---------- ۱۷۲۶
برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟ ---------- ۱۷۳۰
پرسش ---------- ۱۷۳۰
پاسخ ---------- ۱۷۳۰
چرا امام زمان (عج) با افرادی مثل من در ارتباط نیست ؟ علت غیبت امام زمان (عج) چیست ؟ وظیفه ما در زمان غیبت چیست ؟ ---------- ۱۷۳۶
پرسش ---------- ۱۷۳۶
پاسخ ---------- ۱۷۳۶
چگونه می توان با امام زمان (عج) صحبت کرد؟ ---------- ۱۷۳۷
پرسش ---------- ۱۷۳۷
پاسخ ---------- ۱۷۳۷
چه کنیم تا رابطه ما با امام زمان (عج) قوی تر شود و دوستدار واقعی ایشان شویم ؟ ---------- ۱۷۳۸
پرسش ---------- ۱۷۳۸
پاسخ ---------- ۱۷۳۸
چگونه می توان با امام زمان ارتباط برقرار کرد؟ ---------- ۱۷۳۸
پرسش ---------- ۱۷۳۸
پاسخ ---------- ۱۷۳۸
راه افزایش عشق به امام زمان غ و ارتباط با آن حضرت چیست ---------- ۱۷۴۱
پرسش ---------- ۱۷۴۱
پاسخ ---------- ۱۷۴۱
چگونه ارتباطم را با امام زمان (عج) بیشتر و عمیق تر کنم ؟ ---------- ۱۷۴۳
پرسش ---------- ۱۷۴۳
پاسخ ---------- ۱۷۴۳
برای نوشتن نامه به امام زمان(عج) شرایط خاصی لازم است؟ ---------- ۱۷۴۷

پرسش ---------- ۱۷۴۷
پاسخ ---------- ۱۷۴۷
راه های ارتباط با امام زمان (عج) چگونه است ؟ ---------- ۱۷۴۹
پرسش ---------- ۱۷۴۹
پاسخ ---------- ۱۷۴۹
اعتقاد ما شیعیان این است که هر گاه ائمه را صدا بزنیم و حاجت خود را با خلوص نیت از آنها بخواهیم به ما پاسخ می دهند پس فلسفه نوشتن عریضه چیست ؟ ---------- ۱۷۵۳
پرسش ---------- ۱۷۵۳
پاسخ ---------- ۱۷۵۳
آیا اینکه کسی حرف دلش را بر روی کاغذی بیاورد و به امید آنکه به دست امام زمان وی خواهد رسید از نظر علمای ما چگونه است.آیا خرافه است. ---------- ۱۷۵۴
پرسش ---------- ۱۷۵۴
پاسخ ---------- ۱۷۵۴
آیا سوال کردن از امام زمان و جواب شنیدن غیر ممکن است. ---------- ۱۷۵۴
پرسش ---------- ۱۷۵۴
پاسخ ---------- ۱۷۵۴
آیا عریضه نویسی به امام زمان علیه السلام مدرک معتبری دارد؟ ---------- ۱۷۵۶
پرسش ---------- ۱۷۵۶
پاسخ ---------- ۱۷۵۶
آیا این مطلب درست است که نامه هایی که در آب روان انداخته می شود به دست امام زمان (عج) می رسد؟ ---------- ۱۷۵۷
پرسش ---------- ۱۷۵۷
پاسخ ---------- ۱۷۵۷
چطور می توان با آقا صاحب الزمان ارتباط برقرار کرد و او را ببینیم و کلا چطور با اهل بیت ارتباط برقرار کنیم. ---------- ۱۷۵۷
پرسش ---------- ۱۷۵۷
پاسخ ---------- ۱۷۵۷
می توان امام و رهبر خود را در حال حاضر بدون رابطه رو در رو از طریق رسانه ها شناخت(امام علی اکثرا با مردم تحت ولایتش رابطه مستقیم داشت) البته ما به همه اصول اسلام معتقدیم و فقط از باب تکمیل شدن این اصل طلایی و ناب اسلام است. ---------- ۱۷۶۴
پرسش ---------- ۱۷۶۴
پاسخ ---------- ۱۷۶۴
دعا برای امام ---------- ۱۷۶۹
شنیده ام که برای برآورده شدن حاجات آقا امام زمان (عج دعا کنید یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده شود مگر نه این که ایشان اگر لب تر کنند خدا حاجتشان را برآورده می کند. پس دعای ما فایده ای ندارد؟ اگر خداوند صلاح نداند که حاج
پرسش ---------- ۱۷۷۰
پاسخ ---------- ۱۷۷۱
آیا آنچه مرحوم آقای قوچانی در کتاب سیاحت غرب آورده واقعیت دارد؟ آیا اگر کسی در عالم برزخ آن مراحل را بگذراند، پاک شده و یک باره وارد بهشت می شود؟ و بالاخره مگر ظهور و فرج حضرت مهدی(ع) در دست خدا نیست؟ اگر هست پس چرا آن آقا در عالم برزخ آن عده
پرسش ---------- ۱۷۷۱
پاسخ ---------- ۱۷۷۱
علت عدم استجابت دعا از محضر مولا و آقا امام زمان ۷چیست ؟ هر چقدر حضرت را صدامی زنم , پاسخی نمی شنوم و کم کم به مرحلهء ناامیدی نزدیک می شوم ! ---------- ۱۷۷۵
پرسش ---------- ۱۷۷۵
پاسخ ---------- ۱۷۷۵
برای سلامتی امام زمان(ع) چرا صدقه می دهیم؟ مگر ایشان در سلامت نیستند؟ ---------- ۱۷۷۶
پرسش ---------- ۱۷۷۶
پاسخ ---------- ۱۷۷۶
همیشه می گویند برای سلامتی یا تعجیل در ظهور امام زمان(ع) دعا کنیم. با توجه به این که حضرت در حفاظت خداوند است و تا موعد مقرر ظهور نمی کند، آیا دعاهای ما ظاهرفریبی نیست؟ ---------- ۱۷۷۸
پرسش ---------- ۱۷۷۸

پاسخ ---- ۱۷۷۸
با توجه به حدیث : دنیا برای مؤمن زندان است دعا برای سلامتی امام زمان"عج" چه معنایی دارد؟ ---- ۱۷۸۲
پرسش ---- ۱۷۸۲
پاسخ ---- ۱۷۸۲
شنیده ام که برای برآورده شدن حاجات آقا امام زمان (عج دعا کنید یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده شود مگر نه این که ایشان اگر لب تر کنند خدا حاجتشان را برآورده می کند. پس دعای ما فایده ای ندارد؟ اگر خداوند صلاح نداند که حاج
پرسش ---- ۱۷۸۴
پاسخ ---- ۱۷۸۴
برای عده ای این پرسش مطرح است که با گناهان بسیاری که تا کنون انجام داده اند و در درگاه خداوند شرمنده اند، با این وجود، نوعی ترس در دل آنان است که موجب می شود تا برای ظهور امام زمان غ دعا نکنند; ضمن آن که می دانند ان شأالله بعد از ظهور آن حضرت غ چه
پرسش ---- ۱۷۸۵
پاسخ ---- ۱۷۸۵
چرا برای سلامتی آقا امام زمان غ دعا می کنیم ---- ۱۷۸۶
پرسش ---- ۱۷۸۶
پاسخ ---- ۱۷۸۶
دعایی که برای امام زمان غ می کنیم اگر از صمیم قلب نباشد، قبول می شود؟ ---- ۱۷۸۶
پرسش ---- ۱۷۸۷
پاسخ ---- ۱۷۸۷
با توجه به اینکه آمدن امام زمان حتمی است فلسفه دعا کردن برای سلامتی آن حضرت چیست؟ ---- ۱۷۸۸
پرسش ---- ۱۷۸۸
پاسخ ---- ۱۷۸۸
اگر علم ائمه (ع) مربوط به امور محتوم است , پس دستور دعا برای ظهور امام زمان (عج) چیست و آیا تذکر این امر دلیل دیگری می تواند داشته باشد؟ ---- ۱۷۸۸
پرسش ---- ۱۷۸۸
پاسخ ---- ۱۷۸۹
من امام زمان را دوست دارم ولی از آنجایی می دانم در صورت ظهور آن حضرت ایشان انتقام مظلومان را می گیرد و انسانهای بد را به سزای اعمالشان می رساند و چون من از وضعیت خود آگاه نیستم می ترسم جزء آن انسانها باشم به همین دلیل از ظهور ایشان می ترسم؟ ۱۷۸۹
پرسش ---- ۱۷۸۹
پاسخ ---- ۱۷۹۰
دعا برای سلامتی حضرت ولی عصر (اللهم کن لولیک) را تفسیر کنید و توضیح دهید که چرا این شش صفت را از خدا می خواهیم برای ایشان . ---- ۱۷۹۲
پرسش ---- ۱۷۹۲
پاسخ ---- ۱۷۹۲
صدقه دادن به جهت سلامتی امام زمان علیه السلام چه حکمی دارد؟ ---- ۱۷۹۷
پرسش ---- ۱۷۹۷
پاسخ ---- ۱۷۹۷
چه دعاهایی در عصر غیبت امام زمان علیه السلام درباره حضرت مستحب است؟ ---- ۱۷۹۷
پرسش ---- ۱۷۹۸
پاسخ ---- ۱۷۹۸
در چه مکان هایی سفارش دعا برای امام زمان علیه السلام شده است؟ ---- ۱۷۹۸
پرسش ---- ۱۷۹۸
پاسخ ---- ۱۷۹۸
آیا دعا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام با نهی از عجله در ظهور منافات دارد؟ ---- ۱۷۹۹
پرسش ---- ۱۷۹۹
پاسخ ---- ۱۷۹۹
.۱- معمولا می گویند برای فرج آقا امام زمان (عج) دعا کنید چطور دعا کنیم که با عقیده کامل و خالصانه باشدچطور از ته دل دوست داشته باشیم که آقا امام زمان (علیه السلام) ظهور کند ؟ ---- ۱۷۹۹

پرسش ----- ۱۷۹۹

پاسخ ----- ۱۸۰۰

با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل در ظهور ولی عصر(عج) وارد شده را توجیه می کنید؟ ----- ۱۸۰۱

پرسش ----- ۱۸۰۱

پاسخ ----- ۱۸۰۱

با آنکه می دانیم که خداوند امام زمان(عج) را از گزند دشمنان و بلاها محفوظ نگه می دارد چرا در بسیاری از روایات آمده است که برای سلامتی او دعا کنیم؟ ----- ۱۸۱۰

پرسش ----- ۱۸۱۰

پاسخ ----- ۱۸۱۰

توسل به امام ----- ۱۸۱۰

برای اینکه در امر تحصیل و رسیدن به کمال و سعادت واقعی خودمان را به امام زمانمان نزدیکتر کنیم و بیشتر به ایشان توسل جوئیم چه پیشنهادی دارید؟ ----- ۱۸۱۰

پرسش ----- ۱۸۱۰

پاسخ ----- ۱۸۱۱

نماز امام زمان (ع چگونه است ----- ۱۸۱۹

پرسش ----- ۱۸۱۹

پاسخ ----- ۱۸۱۹

برای سلام دادن به امام زمان (ع به چه دلیلی به طرف راست قبله کمی متمایل می شویم ----- ۱۸۱۹

پرسش ----- ۱۸۱۹

پاسخ ----- ۱۸۱۹

اگر بخواهم در کارهایم از مهدی (عج) کمک بگیرم، ایشان به من کمک می کند؟ آیا کمک ایشان شامل حال من می شود؟ ----- ۱۸۲۱

پرسش ----- ۱۸۲۱

پاسخ ----- ۱۸۲۱

آیا زمانی که جمله "یا قائم آل محمد" را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟ ----- ۱۸۲۲

پرسش ----- ۱۸۲۲

پاسخ ----- ۱۸۲۲

مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت((علیه السلام)) توضیح دهید.؟ ----- ۱۸۲۳

پرسش ----- ۱۸۲۳

پاسخ ----- ۱۸۲۳

در کرمان چاهی هست به نام چاه صاحب الزمان , آیا این امر حقیقت دارد؟ در ضمن نماز امام زمان (عج) چگونه است ؟ ----- ۱۸۲۶

پرسش ----- ۱۸۲۶

پاسخ ----- ۱۸۲۶

آیا باید ذکر رکوع و سجود نماز امام زمان (عج) را هفت مرتبه بخوانیم عریضه نویسی به حضرت و انداختن در چاه مسجد جمکران چه حکمی دارد؟ ----- ۱۸۲۶

پرسش ----- ۱۸۲۶

پاسخ ----- ۱۸۲۷

در زیارت صبحگاهی و دعای عهد می خوانیم« انی اجدد له عهدا و عقدا و بیعتا له فی عنقی » مفهوم واضح و روشن از عهد و پیمان یاد شده چیست؟و این عهدی که هر روز صبح تجدید می شود سر چه مساله ای است. ----- ۱۸۲۷

پرسش ----- ۱۸۲۷

پاسخ ----- ۱۸۲۷

فلسفه توسّل به امام زمان علیه السلام چیست؟ ----- ۱۸۲۷

پرسش ----- ۱۸۲۷

پاسخ ----- ۱۸۲۷

نحوه سلامی که به حضرت امام زمان«علیه السلام» داده می شود چگونه است؟ ----- ۱۸۲۹

پرسش ----- ۱۸۲۹

پاسخ ۱۸۲۹
مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت«علیه السلام» توضیح دهید.؟ ۱۸۳۰
پرسش ۱۸۳۰
پاسخ ۱۸۳۰
علت توسل به امام زمان چیست؟ ۱۸۳۲
پرسش ۱۸۳۲
پاسخ ۱۸۳۲
سایر موارد ۱۸۳۹
چه کنیم که امام زمان(ع) از دست ما راضی و خرسند باشد؟ ۱۸۳۹
پرسش ۱۸۳۹
پاسخ ۱۸۳۹
چه کاری باید انجام دهم تا بتوانم سربازی امام زمان(عج)را به خوبی به پایان برسانم؟ (لطفاً توصیه آیت ا... خامنه ای و امام خمینی(را قید بفرمایید.) ۱۸۴۱
پرسش ۱۸۴۱
پاسخ ۱۸۴۱
فلسفه دست گذاشتن بر سر هنگام ایستادن برای امام زمان (ع) چیست؟ فلسفه صلوات چیست؟ آیا قبل از پیامبر اسلام صلوات وجود داشت؟ ۱۸۴۶
پرسش ۱۸۴۶
پاسخ ۱۸۴۶
چرا روز جمعه را متعلق به امام زمان می نامند؟ ۱۸۴۹
پرسش ۱۸۴۹
پاسخ ۱۸۴۹
روزهای جمعه که دلمان می گیرد برای این است که امام زمان(عج) آن هفته از دست ما ناراحت بوده و در آن هفته گناه زیاد انجام داده ایم. آیا این صحیح است؟ ۱۸۵۱
پرسش ۱۸۵۱
پاسخ ۱۸۵۱
ما برای نیمه شعبان جشنی در شهرمان برگزار می کنیم. بنده قصد دارم با دوستانم برنامه نمایشی و تئاتر برای خوشحالی مردم ترتیب بدهم. آیا انجام آن و انجام حرکات نمایشی به این مناسبت اشکالی دارد؟ ۱۸۵۲
پرسش ۱۸۵۲
پاسخ ۱۸۵۲
چرا وقتی نام امام زمان(ع) می آید بلند می شوند؟ ۱۸۵۲
پرسش ۱۸۵۲
پاسخ ۱۸۵۳
امام عصر سلام اللّه علیه شیعیان و محبّان خود را دعا می فرمایند، مثلاً برای ما از خدا توفیق طاعت و ترک معصیت را خواستارند و دعای امام مستجاب است، با این حال چگونه است که معصیت کاریم؟ آیا دعای ایشان به استجابت نرسیده یا اصلاً دعا نفرموده اند؟ ۱۸۵۴
پرسش ۱۸۵۴
پاسخ ۱۸۵۴
چرا بعد از آمدن نام حضرت مهدی(عج) بر می خیزیم و دست را روی سر می گذاریم؟ اگر برای احترام است، چرا برای بقیه امامان چنین نمی کنیم؟ ۱۸۵۵
پرسش ۱۸۵۵
پاسخ ۱۸۵۵
آیا زمانی که جمله "یا قائم آل محمد" را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟ ۱۸۵۷
پرسش ۱۸۵۷
پاسخ ۱۸۵۷
چرا موقعی که نام امام زمان(عج) برده می شود بلند می شویم؟ ۱۸۵۷
پرسش ۱۸۵۷
پاسخ ۱۸۵۸

آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟ ----- ۱۸۵۸
پرسش ----- ۱۸۵۸
پاسخ ----- ۱۸۵۸
فلسفه اینکه در مواقعی که زیارتنامه امام زمان(را می خوانند، بعضی ها دستشان را روی سر می گذارند چیست؟ ----- ۱۸۵۹
پرسش ----- ۱۸۵۹
پاسخ ----- ۱۸۵۹
از دعاهای اکثر مردم درخواست آمادگی برای فرج آقا امان زمان(عج) از خداوند می باشد؛ از طرفی در موقع ظهور آقا فساد در خشکی و دریا فرا می گیرد پس ما باید چگونه آماده شویم؟ لطفاً توضیح فرمایید (بنده بیشتر تأکید در مورد چگونگی آمادگی می باشد و کاملاً با نظر حجة
پرسش ----- ۱۸۶۱
پاسخ ----- ۱۸۶۱
چه کنیم که در غروب جمعه دلمان بگیرد و به فکر مولایمان امام زمان(عج) باشیم؟ ----- ۱۸۶۵
پرسش ----- ۱۸۶۵
پاسخ ----- ۱۸۶۵
چرا با شنیدن نام "قائم" از جا بر می خیزیم؟ ----- ۱۸۷۰
پرسش ----- ۱۸۷۰
پاسخ ----- ۱۸۷۰
منتظران وامام زمان ----- ۱۸۷۰
ما که در جامعه امام زمان (عج) هستیم چرا برنامه های ما به سمت ظهور امام زمان (عج) نیست و مجالس مداحی و مولودی ما برای اهل بیت مجالسی قاعدانه است و حرکت زا نیست آیا شما با اینگونه غزاداری و مولودی ها که در جامعه مرسوم است موافقید یا خیر؟ --- ۱۸۷۱
پرسش ----- ۱۸۷۱
پاسخ ----- ۱۸۷۱
چگونه عشق به امام زمان(ع) و اولیای خدا را به دور از ریا در زندگیم اثر دهم و رضایت خاطر آنان را جلب نمایم؟ ----- ۱۸۷۲
پرسش ----- ۱۸۷۲
پاسخ ----- ۱۸۷۲
محبت امام زمان علیه السلام به شیعیان طبق چه معیاری است؟ ----- ۱۸۸۲
پرسش ----- ۱۸۸۲
پاسخ ----- ۱۸۸۲
برای انس و الفت با امام زمان(ع) چه باید کرد؟ ----- ۱۸۸۴
پرسش ----- ۱۸۸۴
پاسخ ----- ۱۸۸۴
در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم بر می خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می خیزند، چرا ؟ ----- ۱۸۸۶
پرسش ----- ۱۸۸۶
پاسخ ----- ۱۸۸۷
چگونه می توان رضایت امام زمان(عج) را جلب نمود؟ ----- ۱۸۸۷
پرسش ----- ۱۸۸۷
پاسخ ----- ۱۸۸۷
می دانید، دلم می خواهد امام زمان(ع) را از دست خودم راضی کنم. ولی فکر می کنم برخی از رفتارهایم درست نیست (ولی خودم نمی دانم کجای کار ایراد دارد؟) و ایشان را ناراحت می کند. ----- ۱۸۸۸
اشاره ----- ۱۸۸۸
پرسش ----- ۱۸۸۸
پاسخ ----- ۱۸۸۸
دل بستن به کسی بخاطر رفتار و کردارش آیا با این سخن منافات دارد اگر می خواهی محبت آقا امام زمان(ع) را بدست بیاوری محبت دیگری را از دل خارج کن؟ ----- ۱۸۹۲
پرسش ----- ۱۸۹۲
پاسخ ----- ۱۸۹۲

آیا با توبه های پی در پی ما حرمت امام زمان پائین نمی اید؟ ---------- ۱۸۹۴
پرسش ---------- ۱۸۹۴
پاسخ ---------- ۱۸۹۴
چگونه می توان با دل و جان حضور حضرت مهدی (عج) را درک کرد؟ ---------- ۱۸۹۴
پرسش ---------- ۱۸۹۴
پاسخ ---------- ۱۸۹۴
بهترین هدیه برای امام زمان (عج) چیست ؟ ---------- ۱۸۹۵
پرسش ---------- ۱۸۹۵
پاسخ ---------- ۱۸۹۵
می خواهم عاشق ائمه مخصوصا حضرت مهدی (عج) شوم و در رثای حضرت ابا عبدالله الحسین زار زار بگریم لطفا مرا راهنمایی کنید؟ ---------- ۱۸۹۵
پرسش ---------- ۱۸۹۵
پاسخ ---------- ۱۸۹۵
چگونه می توان به صورت عملی به امام عصر(عج) نزدیک شده و حضور ایشان را بیشتر درک کرد؟ ---------- ۱۸۹۶
پرسش ---------- ۱۸۹۶
پاسخ ---------- ۱۸۹۶
عشق امام زمان « علیه السلام » یعنی چه ؟ ---------- ۱۸۹۸
پرسش ---------- ۱۸۹۸
پاسخ ---------- ۱۸۹۸
.۱- امام زمان(عج) از چه کارهای غصه می خورند ؟ لطفا بطور کامل توضیح دهید ؟ ---------- ۱۹۰۱
پرسش ---------- ۱۹۰۱
پاسخ ---------- ۱۹۰۱
چگونه می توان رضایت امام زمان (عج) را جلب کرد؟ ---------- ۱۹۰۳
پرسش ---------- ۱۹۰۳
پاسخ ---------- ۱۹۰۳
سایر مباحث ---------- ۱۹۰۴
دلایل دلتنگی در عصرهای روز جمعه چیست ---------- ۱۹۰۴
پرسش ---------- ۱۹۰۴
پاسخ ---------- ۱۹۰۴
چرا در موقع سلام به امام زمان(عج)،دست خود را بروی سر می گیریم؟ ---------- ۱۹۰۴
پرسش ---------- ۱۹۰۴
پاسخ ---------- ۱۹۰۵
آیا عقیده به مهدویت با فطرت و سنن عالم خلقت سازگار است؟ ---------- ۱۹۰۵
پرسش ---------- ۱۹۰۵
پاسخ ---------- ۱۹۰۵
تفاوت رفتارهای سیاسی امامان (ع) و اختلاف روش های آنان را چگونه می توان تحلیل کرد؟ ---------- ۱۹۰۶
پرسش ---------- ۱۹۰۶
پاسخ ---------- ۱۹۰۶
آیا انتظار فرج و مصلح حقیقی انسان برای نجات انسان از شر و پلیدی ها و ترسیمی که از بعد فرج حضرت داریم را می توان مساوی ایام زمام داری حضرت رسول دانست یا بالاتر و بهتر ؟ اگر بالاتر و برتر است چرا در زمان حضرت رسول"ص" و زمام داری ایشان ، به آنجا جامعه نرس
پرسش ---------- ۱۹۱۴
پاسخ ---------- ۱۹۱۴
برایم از وجود مقدس آقا امام زمان(عج) بگویید و کتاب یا کتابهایی را که در این مورد لازم می دانید تا بهتر پی به وجودشان ببرم معرفی کنید و اینکه چگونه باید یک منتظر واقعی باشم. ---------- ۱۹۱۶

پرسش ----- ۱۹۱۶
پاسخ ----- ۱۹۱۶
عده ای از یهودیان برای رهائی از حمله رومی ها به قدس به حرّه غربی طائف مهاجرت و در آنجا ساکن شدند (قبل از بعثت پیامبر) به هنگام نزاع با خضرجیان به آنان می گفتند پیامبری ظهور می کند که ما به او می پیوندیم و شما را از بین می بریم. چرا پس از دعوت پیامبر هی
پرسش ----- ۱۹۲۵
پاسخ ----- ۱۹۲۷
زمان ظهور حضرت حجت(عج) قضای الهی محسوب می شود یا قدر؟ چون چندی پیش از یکی از علمای شهرمان شنیدم که فرموده بودند: «ظهور حضرت قضای الهی محسوب می شود و با دعای ما عقب یا جلو نمی افتد و این که بزرگان دین بر امر تعجیل فرج اصرار دارند و گفته
پرسش ----- ۱۹۳۰
پاسخ ----- ۱۹۳۱
غیبت ----- ۱۹۳۴
چیستی غیبت ----- ۱۹۳۴
معنای غیبت ----- ۱۹۳۴
کیفیّت غیبت حضرت صاحب الامر چگونه است؟ آیا جسم شریف ایشان از نظرها پنهان است یا اینکه جسم آن حضرت دیده میشود ولی کسی ایشان را نمیشناسد؟ ----- ۱۹۳۴
پرسش ----- ۱۹۳۴
پاسخ ----- ۱۹۳۴
معنای غیبت چیست و ایا تمام پیروزیهای حضرت حجه((علیه السلام)) با امداد غیبی است؟ ----- ۱۹۳۴
پرسش ----- ۱۹۳۴
پاسخ ----- ۱۹۳۴
غیبت حضرت مهدی علیه السلام به چه کیفیتی است؟ ----- ۱۹۳۵
پرسش ----- ۱۹۳۵
پاسخ ----- ۱۹۳۵
فلسفه و علل غیبت ----- ۱۹۳۶
چرا باید پیامبراکرم ۶زود از دنیا برود و قرن ها مسلمانان ازفیض وجودش محروم باشند؟ چرا باید شیعه از فیض وجود حضرت امام زمان ۷بی نصیب بماند؟ در حالی که خداوند قدرت دارد وجودش را ظاهرکند و از شرّ دشمنان حفظش نماید؟ ----- ۱۹۳۶
پرسش ----- ۱۹۳۶
پاسخ ----- ۱۹۳۶
علّت و ریشهء غیبت امام زمان را بیان کنید. ----- ۱۹۳۷
پرسش ----- ۱۹۳۷
پاسخ ----- ۱۹۳۷
چرا امام زمان علیه السلام از همان کودکی در اختفا به سر بردند؟ ----- ۱۹۳۹
پرسش ----- ۱۹۳۹
پاسخ ----- ۱۹۳۹
فلسفه غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟ ----- ۱۹۴۰
پرسش ----- ۱۹۴۰
پاسخ ----- ۱۹۴۰
چرا برای امامان دیگر، غیبت مقرّر نگردیده است؟ ----- ۱۹۴۳
پرسش ----- ۱۹۴۳
پاسخ ----- ۱۹۴۳
۱-چرا آنقدر امام زمان « عج » خود را پنهان می کند !!؟ ----- ۱۹۴۴
پرسش ----- ۱۹۴۴
پاسخ ----- ۱۹۴۴
مگر نمی گوییم خداوند بر همه چیز قادر است با این وجود می تواند از وجود مبارک امام زمان هم محافظت نماید به طوری که هیچ صدمه ای نبینند پس چرا امام زمان ظهور نمی فرمایند؟ ----- ۱۹۴۵
پرسش ----- ۱۹۴۵

پاسخ ---------- ۱۹۴۶

می دانیم حضرت مهدی حجت بن الحسن العسکری«علیه السلام» به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شده است هم اکنون بیش از یک هزار سال است که در پشت پرده غیبت به سر می برد می خواهیم بدانیم فلسفه این غیبت طولانی چیست؟ ---------- ۱۹۴۹

پرسش ---------- ۱۹۴۹

پاسخ ---------- ۱۹۵۰

علل و حکمت های غیبت امام مهدی(ع) چیست؟ ---------- ۱۹۵۵

پرسش ---------- ۱۹۵۵

پاسخ ---------- ۱۹۵۵

دلیل غیبت حضرت (عج) را بیان کنید، حال که دوستان زیادی دارد، چرا ظهور نمی کند؟ ---------- ۱۹۶۲

پرسش ---------- ۱۹۶۲

پاسخ ---------- ۱۹۶۲

علت غیبت امام زمان ۷در زمان خود و حال را توضیح دهید؟ ---------- ۱۹۶۵

پرسش ---------- ۱۹۶۵

پاسخ ---------- ۱۹۶۵

در اعصار گذشته با این که اکثر مردم و سردمداران آن ها با امام ۷دشمنی داشتند و او رانمی خواستند; امام ۷بین آن ها بود و مردم از فیض وجودش محروم نبودند, اما امروز که علاقه مند و خواهان اوهستیم , باید از فیض وجودش محروم باشیم و برای زیارتش حسرت بخوریم ! ۷

پرسش ---------- ۱۹۶۷

پاسخ ---------- ۱۹۶۷

آیا در کتاب اصول کافی , باب امامت آمده که خداوند ظهور حضرت مهدی ۷را در سال ۷۰ه. ق قرار داده بود, ولی به علت شهادت امام حسین ۷ ظهور حضرت به تأخیر افتاد؟ آیا این مطلب صحیح است ؟ ---------- ۱۹۷۰

پرسش ---------- ۱۹۷۰

پاسخ ---------- ۱۹۷۰

برای این که امام دوازدهم را مردم نکشند، خداوند وی را از دیده ها پنهان کرد. آیا خدا تحت تأثیر کار مردم قرار نگرفته است؟ ---------- ۱۹۷۱

پرسش ---------- ۱۹۷۱

پاسخ ---------- ۱۹۷۱

فایده غیبت امام زمان(ع) چیست؟ آیا فقط برای امتحان انسان ها است، در صورتی که می توان امتحانات بسیاری را در نظر گرفت؟ آیا هنوز زمینه ظهور فراهم نشده، در صورتی که جهان پر از ظلم و ستم و خونریزی است؟ ---------- ۱۹۷۲

پرسش ---------- ۱۹۷۲

پاسخ ---------- ۱۹۷۲

چرا نباید ما همانند گذشتگان از وجود امامی که راهنمای بشریت باشد، برخوردار باشیم؟ ---------- ۱۹۷۷

پرسش ---------- ۱۹۷۷

پاسخ ---------- ۱۹۷۷

چرا در زمان گذشته که امام زمان در غیبت صغری به سر می برد و مردم می توانند با حضرت ارتباط داشته باشند، امّا الآن؛ یعنی در دوره غیبت کبری از آن محروم هستند؟ آیا مردم امروز استحقاق دیدار حضرت را ندارند؟ ---------- ۱۹۸۲

پرسش ---------- ۱۹۸۲

پاسخ ---------- ۱۹۸۲

فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج) را توضیح دهید . ---------- ۱۹۸۵

پرسش ---------- ۱۹۸۵

پاسخ ---------- ۱۹۸۶

چرا حضرت مهدی(عج) غیبت مینمایند و فایده این غیبت چیست؟ ---------- ۱۹۹۰

پرسش ---------- ۱۹۹۰

پاسخ ---------- ۱۹۹۰

آیا خوف از قتل و بیم از کشته شدن میتواند یکی از موجبات غیبت امام زمان(عج) باشد؟ و آیا با بقاء غیبت ارتباطی دارد؟ ---------- ۱۹۹۱

پرسش ---------- ۱۹۹۱

پاسخ ---------- ۱۹۹۱

چرا امام زمان مانند پدران بزرگوارش از راه تقیه با خلفاء و زمامداران وقت بیعت نمینماید؟ ---------- ۱۹۹۲

پرسش ---------- ۱۹۹۲
پاسخ ---------- ۱۹۹۲
چرا حضرت مهدی برای رفع ظلم و ارشاد مردم تا حدودی که ممکن است ظاهر نمیشوند و هر زمان که خطری برای ایشان پیش آمد و یا مصلحتی اقتضا کرد غایب شوند و به همین صورت ظهورهائی جزئی داشته باشند تا آن ظهور کلی فرا رسد؟ ---------- ۱۹۹۲
پرسش ---------- ۱۹۹۲
پاسخ ---------- ۱۹۹۲
خواجه نصیرالدین طوسی در مورد سبب غیبت امام دوازدهم چه گفته است؟ ---------- ۱۹۹۳
پرسش ---------- ۱۹۹۳
پاسخ ---------- ۱۹۹۳
چرا امتحان به «غیبت حضرت مهدی» از شدیدترین امتحانات است؟ ---------- ۱۹۹۴
پرسش ---------- ۱۹۹۴
پاسخ ---------- ۱۹۹۴
آیا با جستجو و کاوش به حکمت و فلسفه غیبت می رسیم و آیا نرسیدن به این امر دلیل نفی آن است؟ ---------- ۱۹۹۷
پرسش ---------- ۱۹۹۷
پاسخ ---------- ۱۹۹۷
می دانیم حضرت مهدی حجت بن الحسن العسکری((علیه السلام)) به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شده است هم اکنون بیش از یک هزار سال است که در پشت پرده غیبت به سر می برد می خواهیم بدانیم فلسفه این غیبت طولانی چیست؟ ---------- ۱۹۹۸
پرسش ---------- ۱۹۹۸
پاسخ ---------- ۱۹۹۹
غیبت امام زمان(عج) چه سودی دارد؟ ---------- ۲۰۰۴
پرسش ---------- ۲۰۰۴
پاسخ ---------- ۲۰۰۴
ما معتقدیم که امام عصر (عج) مانند خورشیده پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می رسد اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی ندارد. گیاهان و نباتات خشک می شوند، فتوسنتز نمی کنند و در نتیجه جانوران دیگر نیز همین طور. خوب حضرت هم چون غیبت
پرسش ---------- ۲۰۰۵
پاسخ ---------- ۲۰۰۶
۱.آیا نمی شد امام علی(غایب شوند تا بعد از آمدنشان جهان را از ظالمان و گنهکاران پاک کند؟ ---------- ۲۰۰۹
اشاره ---------- ۲۰۰۹
پرسش ---------- ۲۰۰۹
پاسخ ---------- ۲۰۱۰
چرا امام زمان(عج) غایب هستند؟ ---------- ۲۰۱۳
پرسش ---------- ۲۰۱۳
پاسخ ---------- ۲۰۱۳
چرا خداوند حضرت مهدی(عج) را غایب کرد و چرا یکی دیگر از امامها را غایب نکرد؟ ---------- ۲۰۱۵
پرسش ---------- ۲۰۱۵
پاسخ ---------- ۲۰۱۵
چرا امام زمان (عج) غایب است؟ ---------- ۲۰۱۷
پرسش ---------- ۲۰۱۷
پاسخ ---------- ۲۰۱۷
فلسفه غیبت امام زمان (عج) چیست ؟ ---------- ۲۰۲۳
پرسش ---------- ۲۰۲۳
پاسخ ---------- ۲۰۲۳
با وجود ضعف دولت عباسی، چگونه مسأله خوف بر جان حضرت مهدی علیه السلام توجیه می شود؟ ---------- ۲۰۲۷
پرسش ---------- ۲۰۲۷

پاسخ ---------- ۲۰۲۷
کارکردهای امامت در زمان غیبت ---------- ۲۰۲۸
فوائد وجودی امام ---------- ۲۰۲۸
علت تولد امام قرنها قبل از ظهور چه بود و فایده امام غائب چیست؟ ---------- ۲۰۲۸
پرسش ---------- ۲۰۲۸
پاسخ ---------- ۲۰۲۸
امام مهدی(ع) در غیبت کبری چه مسؤولیتهایی را بر عهده دارند و این عمر طولانی را در چه شغل و عملی میگذرانند؟ ---------- ۲۰۲۸
پرسش ---------- ۲۰۲۸
پاسخ ---------- ۲۰۲۸
وجود نامرئی امام(ع) هنگامی که در پشت ابرهای غیبت پنهان است دارای چه آثاری است؟ ---------- ۲۰۲۹
پرسش ---------- ۲۰۲۹
پاسخ ---------- ۲۰۲۹
فواید گوناگون امام زمان(عج) در زمان غیبت برای امت اسلامی چیست؟ ---------- ۲۰۳۳
پرسش ---------- ۲۰۳۳
پاسخ(قسمت اول) ---------- ۲۰۳۳
پاسخ(قسمت دوم) ---------- ۲۰۴۰
نقش و فائده امام غائب در بقاء مکتب چیست؟ ---------- ۲۰۴۵
پرسش ---------- ۲۰۴۵
پاسخ ---------- ۲۰۴۵
فلسفه وجود امام (ع) در زمان غیبت چیست ؟ ---------- ۲۰۵۰
پرسش ---------- ۲۰۵۰
پاسخ ---------- ۲۰۵۰
ما معتقدیم که امام عصر(مانند خورشید پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می رسد. اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی ندارد. گیاهان و نباتات خشک می شوند، فتوسنتز نمی کنند و در نتیجه جانوران دیگر نیز همین طور. خوب حضرت هم چون غیبتش ط
پرسش ---------- ۲۰۵۱
پاسخ ---------- ۲۰۵۲
فوائد امام غایب را توضیح دهید در غیبت که کسی نمی توانند خدمت حضرت برسند؟ ---------- ۲۰۵۵
پرسش ---------- ۲۰۵۵
پاسخ ---------- ۲۰۵۵
حضرت حجّت(عج) چه سودی برای جهان هستی دارند؟ ایشان که غایبند و حکومتی هم که تشکیل نداده اند؛ درست است که در آینده حکومت تشکیل می دهند. پس فعلاً نقش آن حضرت در جهان هستی چیست، آیا وجودشان فایده ای دارد؟ ---------- ۲۰۶۱
پرسش ---------- ۲۰۶۱
پاسخ ---------- ۲۰۶۱
چه فایده ای در وجود امامی است که حافظ شرع وملّت نبوده واجرای احکام الهی نمی کند؟ ---------- ۲۰۶۶
پرسش ---------- ۲۰۶۶
پاسخ ---------- ۲۰۶۶
وجود امام زمان علیه السلام در رفع بلا چه تأثیری دارد؟ ---------- ۲۰۶۶
پرسش ---------- ۲۰۶۶
پاسخ ---------- ۲۰۶۷
چه تناسبی بین خورشید پشت ابر و غیبت امام زمان علیه السلام وجود دارد؟ ---------- ۲۰۶۷
پرسش ---------- ۲۰۶۷
پاسخ ---------- ۲۰۶۷
آیا موضوع غیبت با وظیفه هدایت گری امام علیه السلام سازگاری دارد؟ ---------- ۲۰۶۹

پرسش ---------- ۲۰۶۹
پاسخ ---------- ۲۰۶۹
امام زمان علیه السلام چگونه در عصر غیبت، مردم را هدایت می کند؟ ---------- ۲۰۷۱
پرسش ---------- ۲۰۷۱
پاسخ ---------- ۲۰۷۱
راههای کسب معرفت و تشنه شدن چیست ما امام زمان را برای چه می خواهیم . ---------- ۲۰۷۱
پرسش ---------- ۲۰۷۲
پاسخ(قسمت اول) ---------- ۲۰۷۲
پاسخ(قسمت دوم) ---------- ۲۰۷۸
آیا نیازهای فیزیولوژیک امام زمان(عج)نظیر خواب ،مانع از فیض بخشی ایشان نمی شود؟ ---------- ۲۰۸۲
پرسش ---------- ۲۰۸۲
پاسخ ---------- ۲۰۸۲
اگر جهان به سوی جامعه انسانی تکامل می یابد پس چه نیازی به وجود امام زمان«علیه السلام» است؟ ---------- ۲۰۸۶
پرسش ---------- ۲۰۸۶
پاسخ ---------- ۲۰۸۶
در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی آید؟ ---------- ۲۰۸۷
پرسش ---------- ۲۰۸۷
پاسخ ---------- ۲۰۸۷
چگونگی بهره وری از امام ---------- ۲۰۸۸
با یک مثال توضیح دهید این جمله در بعضی روایات که "وقتی حضرت مهدی(عج) در غیبت به سر می برد مثل ماه پشت ابر می توان از وجود ایشان بهره برد" یعنی چه؟ ---------- ۲۰۸۸
پرسش ---------- ۲۰۸۸
پاسخ ---------- ۲۰۸۸
در زمان غیبت ، مردم چه بهره هایی می توانند از آن حضرت ببرند ؟ ---------- ۲۰۹۱
پرسش ---------- ۲۰۹۱
پاسخ ---------- ۲۰۹۱
اکنون که زمان غیبت امام است چگونه می توان از امام برای تفسیر قرآن استفاده نمود؟ ---------- ۲۰۹۲
پرسش ---------- ۲۰۹۲
پاسخ ---------- ۲۰۹۲
وجود مبارک امام زمان غ به خورشید پشت ابر تشبیه شده است لطفاً مصداق عملی این مثال را در مورد "هدایت به امر" توضیح دهید. ---------- ۲۰۹۲
پرسش ---------- ۲۰۹۲
پاسخ ---------- ۲۰۹۲
آیا امام زمان (عج) در زمان غیبت امر به معروف و نهی از منکر می کند؟ ---------- ۲۰۹۵
پرسش ---------- ۲۰۹۵
پاسخ ---------- ۲۰۹۵
پیرامون درسهائیکه از عاشورای حسینی می گیریم درسهای بسیاری است . لطفاً در خصوص درسهائیکه در دوران غیبت امام زمان (عج) می شود برای ما پیدا شود چیست؟ ---------- ۲۰۹۶
پرسش ---------- ۲۰۹۶
پاسخ ---------- ۲۰۹۶
چگونه می توان از امامی که (بنا به جهات و مصالحی) فعلا از نظرها غائب است استفاده کرد؟ ---------- ۲۰۹۸
پرسش ---------- ۲۰۹۸
پاسخ ---------- ۲۰۹۸
سایر مباحث ---------- ۲۰۹۸

امام زمان ۷شبانه روز چه فعالیتی دارد؟ ۲۰۹۸
پرسش ۲۰۹۸
پاسخ ۲۰۹۹
امام زمان ۷بیش تر وقت خود را صرف چه می کند؟ ۲۰۹۹
پرسش ۲۰۹۹
پاسخ ۲۰۹۹
وضعیت لباس، غذا، و خوابگاه امام زمان(عج) چگونه است؟ ۲۰۹۹
پرسش ۲۱۰۰
پاسخ ۲۱۰۰
امام زمان علیه السلام چه تدابیری برای اختفای خود از دشمنان داشته است؟ ۲۱۰۱
پرسش ۲۱۰۱
پاسخ ۲۱۰۱
حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت چه کارهایی را انجام می دهند؟ ۲۱۰۲
پرسش ۲۱۰۲
پاسخ ۲۱۰۲
چگونه ممکن است که امام در میان ما باشد ولی او را نشناسیم؟ ۲۱۰۲
پرسش ۲۱۰۲
پاسخ ۲۱۰۲
آیا امام زمان علیه السلام به تمام نقاط جهان سر می زنند؟ ۲۱۰۳
پرسش ۲۱۰۳
پاسخ ۲۱۰۳
۱- درمورد کیفیت زندگی امام زمان«عج » و اینکه آیا در بین مردم هستند یا نه ؟ و در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیح دهید ؟ ۲۱۰۳
پرسش ۲۱۰۳
پاسخ ۲۱۰۴
آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟ ۲۱۰۹
پرسش ۲۱۰۹
پاسخ ۲۱۰۹
غیبت صغری ۲۱۱۰
مقصود از غیبت صغری و کبری چیست ؟ آیا غیبت درگذشته سابقه دارد؟ علت و فلسفهء غیبت امام زمان ۷چیست ؟ آیا مردم درعصر غیبت از امام بهره می برند؟ ۲۱۱۰
پرسش ۲۱۱۰
پاسخ ۲۱۱۰
مراحل مختلف زندگی امام زمان ۷و نحوهء زندگی حضرت را در زمان غیبت بیان کنید. ۲۱۱۱
پرسش ۲۱۱۱
پاسخ ۲۱۱۲
چرا حضرت مهدی (عج) از اوّل غیبت کبری را شروع نکرد و بعد غیبت صغری را شروع کند؟ ۲۱۱۵
پرسش ۲۱۱۵
پاسخ ۲۱۱۵
غیبت صغری چند سال به طول انجامید، و رسالت حضرت در آن زمان چه بود، و بعد از آن در چه سرزمینی فرود آمد؟ ۲۱۱۶
پرسش ۲۱۱۶
پاسخ ۲۱۱۶
چرا امام عصر غیبت صغری داشته اند؟ ۲۱۱۷

پرسش ----- ۲۱۱۷
پاسخ ----- ۲۱۱۷
چرا مدت غیبت صغرای امام زمان(عج) نسبت به غیبت کبرای ایشان کم تر است؟ ----- ۲۱۲۰
پرسش ----- ۲۱۲۰
پاسخ ----- ۲۱۲۰
مقصود از غیبت صغری و غیبت کبری چیست ؟ ----- ۲۱۲۲
پرسش ----- ۲۱۲۲
پاسخ ----- ۲۱۲۲
چرا برای امام مهدی(ع) دو گونه غیبت معیّن شده و از همان اول غیبت کبری آغاز نشد؟ ----- ۲۱۲۳
پرسش ----- ۲۱۲۳
پاسخ ----- ۲۱۲۳
پس از آنکه غیبت صغری پیش آمد و نائبان خاص تعیین شدند، چرا دوران غیبت صغری پایان یافت و اگر همان برنامه غیبت صغری ادامه مییافت چه اشکالی داشت؟ ----- ۲۱۲۳
پرسش ----- ۲۱۲۳
پاسخ ----- ۲۱۲۴
تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت((علیه السلام)) را مرقوم دارید؟ ----- ۲۱۲۴
پرسش ----- ۲۱۲۴
پاسخ ----- ۲۱۲۴
چرا امام زمان((علیه السلام)) به غیبت صغری ادامه نداد و پس از گذشتن غیبت صغری غیبت کبری واقع شد؟ ----- ۲۱۲۴
پرسش ----- ۲۱۲۴
پاسخ ----- ۲۱۲۵
در مورد غیبت صغری و کبری امام مهدی(عج) بیشتر می خواهم بدانم. ----- ۲۱۲۵
پرسش ----- ۲۱۲۵
پاسخ ----- ۲۱۲۵
مبدأ غیبت صغرا از چه زمانی به حساب می آید؟ ----- ۲۱۲۶
پرسش ----- ۲۱۲۶
پاسخ ----- ۲۱۲۶
حکمت غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا چه بوده است؟ ----- ۲۱۲۶
پرسش ----- ۲۱۲۷
پاسخ ----- ۲۱۲۷
امتیاز عصر غیبت صغرا بر غیبت کبرا چیست؟ ----- ۲۱۲۷
پرسش ----- ۲۱۲۷
پاسخ ----- ۲۱۲۷
در صورت امکان رؤیت در عصر غیبت کبرا، چه فرقی بین این غیبت با غیبت صغرا است؟ ----- ۲۱۲۸
پرسش ----- ۲۱۲۸
پاسخ ----- ۲۱۲۸
تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت«علیه السلام» را مرقوم دارید؟ ----- ۲۱۲۸
پرسش ----- ۲۱۲۸
پاسخ ----- ۲۱۲۸
غیبت کبری ----- ۲۱۲۸
با استناد به روایات صحیح توضیح دهید غیبت کبرای امام زمان ۷چگونه آغاز گشت ؟ ----- ۲۱۲۸
پرسش ----- ۲۱۲۹

پاسخ ---------- ۲۱۲۹

آیا امام زمان ۷بیش تر به کارهای شخصی می پردازند یا عمومی و حل مسایل دینی و مذهبی ؟ ---------- ۲۱۳۰

پرسش ---------- ۲۱۳۰

پاسخ ---------- ۲۱۳۰

درباره زندگی نامه حضرت امام زمان(ع)و غیبت کبری و صغری توضیح دهید. ---------- ۲۱۳۰

پرسش ---------- ۲۱۳۰

پاسخ ---------- ۲۱۳۱

غیبت صغری چگونه تبدیل به غیبت کبری شد؟ ---------- ۲۱۳۳

پرسش ---------- ۲۱۳۳

پاسخ ---------- ۲۱۳۳

غیبت کبری امام مهدی(عج) از چه سالی آغاز شد؟ ---------- ۲۱۳۶

پرسش ---------- ۲۱۳۶

پاسخ ---------- ۲۱۳۶

امام زمان(ع) در چند سالگی غایب شد؟ ---------- ۲۱۳۸

پرسش ---------- ۲۱۳۸

پاسخ ---------- ۲۱۳۸

تا کنون از غیبت امام زمان(عج) چند سال می گذرد؟ ---------- ۲۱۳۸

پرسش ---------- ۲۱۳۸

پاسخ ---------- ۲۱۳۸

امام زمان(عج) چند سال در حضور بود و در چه تاریخی به غیبت رفت و تا کنون حدود چند سال است که درغیبت است؟ ---------- ۲۱۳۹

پرسش ---------- ۲۱۳۹

پاسخ ---------- ۲۱۳۹

چرا مدت غیبت صغرای امام زمان (عج) نسبت به غیبت کبرا کم تر بود؟ ---------- ۲۱۳۹

پرسش ---------- ۲۱۳۹

پاسخ ---------- ۲۱۳۹

آیا غیر از حضرت مهدی(عج) پیامبری هست که غایب باشد (به اعتقاد اسلام و شیعه)؟ ---------- ۲۱۴۲

پرسش ---------- ۲۱۴۲

پاسخ ---------- ۲۱۴۲

در روایت و تفاسیر آمده که حضرت مهدی در چاهی در بغداد و چاهی در جمکران غایب شده است. بالاخره حضرت در کجا پنهان شده است؟ ---------- ۲۱۴۴

پرسش ---------- ۲۱۴۴

پاسخ ---------- ۲۱۴۴

غیبت صغری و کبری و فرق میان آنها را بیان کنید ؟ ---------- ۲۱۴۶

پرسش ---------- ۲۱۴۶

پاسخ ---------- ۲۱۴۶

آیا امام زمان(عج) در سن ۷۵ سالگی به شکل و هیأت یک فرد ۷۵ ساله، غیبت کبرای خویش را آغاز نموده اند؟ ---------- ۲۱۴۶

پرسش ---------- ۲۱۴۶

پاسخ ---------- ۲۱۴۶

آیا موضوع غیبت امام زمان علیه السلام ساخته عثمان بن سعید است؟ ---------- ۲۱۴۶

پرسش ---------- ۲۱۴۷

پاسخ ---------- ۲۱۴۷

عصر غیبت کبرا چه خصوصیات ویژه ای دارد؟ ---------- ۲۱۴۹

پرسش ----- ۲۱۴۹
پاسخ ----- ۲۱۴۹
آیا این گونه غیبت در بین انبیا هم سابقه داشته است؟ ----- ۲۱۵۱
پرسش ----- ۲۱۵۱
پاسخ ----- ۲۱۵۱
اداره جامعه در زمان غیبت ----- ۲۱۵۳
آیا راویان حدیث که درنامه امام زمان (عج) به نائب ایشان قید شده است وشرائط فقیه جامع الشرایط می تواند دریک زمان ویک مکان برچند نفر صدق کند واگر این چنین است این امر موجب تفرقه دربین مسلمین درقراردادهای اجتماعی نمی شود. ----- ۲۱۵۳
پرسش ----- ۲۱۵۳
پاسخ ----- ۲۱۵۴
با توجه به احتمال خطای مراجع تقلید، چرا ما از داشتن امام حاضر در زمان غیبت محروم هستیم؟ ----- ۲۱۵۶
پرسش ----- ۲۱۵۶
پاسخ ----- ۲۱۵۶
آیا روایات مستندی مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت داریم؟ ----- ۲۱۶۰
پرسش ----- ۲۱۶۰
پاسخ ----- ۲۱۶۰
اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم«علیه السلام» در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم«علیه السلام» داشته با
پرسش ----- ۲۱۶۱
پاسخ ----- ۲۱۶۲
همان دلیلی که ایجاب می کرد خداوند پس از پیامبر یک رهبر معصوم برای امّت اسلامی قرار دهد پس از غیبت امام زمان نیز ایجاب می کند بنابراین چرا امام زمان«علیه السلام» غایب است؟ ----- ۲۱۶۳
پرسش ----- ۲۱۶۳
پاسخ ----- ۲۱۶۳
با اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشکیل یک مدینه فاضله است چگونه امام زمان«علیه السلام» در این مدّت طولانی نقشی در این مسئله نداشته است؟ ----- ۲۱۶۳
پرسش ----- ۲۱۶۴
پاسخ ----- ۲۱۶۴
آیا لازمه رهبریت جامعه اسلامی ارتباط با آقا امام زمان(عج) است. یعنی ولی فقیه و رهبر جامعه مسلمانان را خداوند از قبل منصوب کرده اند؟ ----- ۲۱۶۵
پرسش ----- ۲۱۶۵
پاسخ ----- ۲۱۶۵
در خصوص مهدویت و جنبش های اسلامی در جهان اسلام توضیح دهید.؟ ----- ۲۱۶۷
پرسش ----- ۲۱۶۷
پاسخ ----- ۲۱۶۷
طبق روایات حکومت ایران قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) چگونه خواهد بود؟ آیا حکومت فعلی ایران تا ظهور امام زمان(ع) خواهد ماند؟ ----- ۲۱۷۰
پرسش ----- ۲۱۷۰
پاسخ ----- ۲۱۷۰
آیا بر امام مهدی (ع) لازم است که بدون واسطه در امور دخالت نمایند؟ ----- ۲۱۷۲
پرسش ----- ۲۱۷۲
پاسخ ----- ۲۱۷۲
چگونه در بحث ولایت فقیه به توقیع شریف که از نظر سند مخدوش است تمسک می شود؟ ----- ۲۱۷۲
پرسش ----- ۲۱۷۲
پاسخ ----- ۲۱۷۲
در تاریخ خوانده ایم که هر حکومت و تمدنی روزی سقوط می کند، آیا امکان ندارد که حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم روزی سقوط کند؟ یعنی مردم به آن عادت کنند و از آن دلزده شوند؟ ----- ۲۱۷۴
پرسش ----- ۲۱۷۴

پاسخ ---------- ۲۱۷۴
اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم((علیه السلام)) داشته
پرسش ---------- ۲۱۷۶
پاسخ ---------- ۲۱۷۶
با اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشکیل یک مدینه فاضله است چگونه امام زمان((علیه السلام)) در این مدّت طولانی نقشی در این مسئله نداشته است؟ ---------- ۲۱۷۷
پرسش ---------- ۲۱۷۷
پاسخ ---------- ۲۱۷۷
با توج به احادیث که ظهور حضرت را در زمانی می دانند که جهان پر از ظلم و و ستم باشد حال آیا هدف انقلاب اسلامی (ریشه کنی ظلم) آب درهاون کوبیدن است ---------- ۲۱۷۸
پرسش ---------- ۲۱۷۸
پاسخ ---------- ۲۱۷۸
پیروی و اطاعت از ولی فقیه در عصر غیبت تا چه میزان است ؟ ---------- ۲۱۸۰
پرسش ---------- ۲۱۸۰
پاسخ ---------- ۲۱۸۰
چرا رهبر انقلاب را نائب بر حق امام زمان (عج) می گویند؟ ---------- ۲۱۸۱
پرسش ---------- ۲۱۸۱
پاسخ ---------- ۲۱۸۱
هر قیامی قبل از قائم باطل و هر بیعتی حیله و نیرنگ است. (امام باقر یا صادق(ع) / روزگار رهایی) ---------- ۲۱۸۸
پرسش ---------- ۲۱۸۸
پاسخ ---------- ۲۱۸۸
آیا در روایات توصیه و سفارشی بوده است که در زمان غیبت کبری تشکیل حکومت اسلامی واجب است؟ آیا این روایات مستدل است؟ ---------- ۲۱۹۴
پرسش ---------- ۲۱۹۴
پاسخ ---------- ۲۱۹۴
آیا این حدیث صحت دارد که زمان ظهور مهدی موعود حکومت ها همه ظالم هستند حتی مملکت ما باز هم پوزش می طلبم موفق باشین دوستدار همگی شما هادی ---------- ۲۱۹۵
پرسش ---------- ۲۱۹۵
پاسخ ---------- ۲۱۹۵
باسمه تعالی سلام علیکم با احترام به استحضار می رساند به تازگی بعضی ها شبهه ای را مطرح کرده اند و مطلب خود را به این گونه احادیث استناد می کنند و آن اینکه در حدیثی در ابتدای صحیفه سجادیه آمده است و در قسمت ۶۲ آن امام صادق فرموده اند : هر کس تا قیام ق
پرسش ---------- ۲۱۹۷
پاسخ ---------- ۲۱۹۸
آیا قیام قبل از ظهور حجّت صحیح است؟ ---------- ۲۲۰۶
پرسش ---------- ۲۲۰۶
پاسخ ---------- ۲۲۰۶
نیابت ---------- ۲۲۰۸
مدعیان دروغین ---------- ۲۲۰۸
اگر کسی توفیق پیدا کند برخوردی با امام زمان (ع) داشته باشد چه ایشان را ببینند یا صدای آقا را بشنود و در تشخیص خویش مطمئن باشد سپس این واقعه را به دیگران بگوید آیا می توان گفت بر اساس حدیث "من ادعی المشاهده فهو کاذب مفتر" دروغگو است؟ لطف کنید حد
پرسش ---------- ۲۲۰۸
پاسخ ---------- ۲۲۰۸
نظر انجمن حجتیه و شاخه های آن را بیان کرده و آیا همه افکار آنها قابل رد است؟ ---------- ۲۲۱۰
پرسش ---------- ۲۲۱۰
پاسخ ---------- ۲۲۱۰
نظر شما در مورد انجمن حجتی چیست؟ آیا این گروه با گروه فرقان فرق می کند؟ ---------- ۲۲۱۲
پرسش ---------- ۲۲۱۲

پاسخ ---------- ۲۲۱۲
اهداف انجمن حجتیه چه بود ؟ ---------- ۲۲۱۲
پرسش ---------- ۲۲۱۲
پاسخ ---------- ۲۲۱۳
با توجه به حدیث تکذیب ملاقات کنندگان امام زمان (عج) چرا بعضی ادعای رویت حضرت را می نمایند؟ ---------- ۲۲۱۳
پرسش ---------- ۲۲۱۳
پاسخ ---------- ۲۲۱۳
در عصر غیبت می توان از خطر سامریان سخن راند؟ ---------- ۲۲۱۳
پرسش ---------- ۲۲۱۳
پاسخ ---------- ۲۲۱۳
چه کسانی ادعای مهدویت کرده یا در حقّ آنها ادّعای مهدویت شده است؟ ---------- ۲۲۱۵
پرسش ---------- ۲۲۱۵
پاسخ ---------- ۲۲۱۵
چه عواملی باعث شد برخی ادعای سفارت دروغین از طرف حضرت نمایند؟ ---------- ۲۲۱۶
پرسش ---------- ۲۲۱۶
پاسخ ---------- ۲۲۱۶
مدعیان دروغین سفارت چه کسانی بوده اند؟ ---------- ۲۲۱۶
پرسش ---------- ۲۲۱۶
پاسخ ---------- ۲۲۱۷
وظیفه ما نسبت به کسانی که مدّعی دائمی یا غالبی رؤیتند چیست؟ ---------- ۲۲۱۷
پرسش ---------- ۲۲۱۷
پاسخ ---------- ۲۲۱۸
گروه حجتیه رابرای ما تعریف کنید؟ چه عقائدی دارند، برحقند یاخیر،آیا در مشهد هم فعالیت دارند .ازکجا شروع به فعالیت کرده اند ؟ ---------- ۲۲۱۸
پرسش ---------- ۲۲۱۸
پاسخ ---------- ۲۲۱۸
در موردگروه حجتیه اطلاعات کاملی می خواهم خواهشمندم اگر می شود نام سردمداران آنها را قید کنید ودلایل کامل آنها بر مبنای حجتی بودن، آیا ا زمراجع به طور مطلقاً کسی حجتیه را قبول دارد؟ ---------- ۲۲۲۳
پرسش ---------- ۲۲۲۳
پاسخ ---------- ۲۲۲۴
آیا حضرت امام زمان(منصور حلاج را لعنت کرده اند؟ و اگر کرده اند از چه جهت بوده است؟ ---------- ۲۲۲۷
پرسش ---------- ۲۲۲۷
پاسخ ---------- ۲۲۲۷
درباره (انجمن حجتیه) توضیح دهید. ---------- ۲۲۳۱
پرسش ---------- ۲۲۳۱
پاسخ ---------- ۲۲۳۱
اگر کسی ادعا کرد که صاحب الزمان«علیه السلام» است چگونه پی ببریم که راست می گوید یا دروغ؟ ---------- ۲۲۳۲
پرسش ---------- ۲۲۳۲
پاسخ ---------- ۲۲۳۲
نیابت در دوره غیبت صغری ---------- ۲۲۳۲
نواب اربعه ---------- ۲۲۳۲
ماجرای درگذشت آخرین نائب امام زمان ۷چیست و نامش چه بود؟ ---------- ۲۲۳۲
پرسش ---------- ۲۲۳۲

پاسخ ---------- ۲۲۳۲
پس از وفات علی بن محمد سمری حضرت نایب خاص ندارد و کسی نمی تواند ادعا کند نایب خاص امام است. دوران ۷۴ ساله را غیبت صغری و دوران پس از آن را غیبت کبری می گویند. از زمان ظهور حضرت کسی جز خداوند خبر ندارد تا زمان ظهور با برکتش فقها و مجتهدا:
پرسش ---------- ۲۲۳۴
پاسخ ---------- ۲۲۳۴
نواب خاص حضرت مهدی(ع) چه کسانی بودند؟ ---------- ۲۲۳۵
پرسش ---------- ۲۲۳۵
پاسخ ---------- ۲۲۳۵
در مورد امام زمان (ع) بیشتر توضیح دهید و بفرمایید اولین جایی که امام زمان(عج) ظهور می کند کجا است؟ تعدادی کتاب قابل دسترسی در خصوص امام زمان(عج) معرفی نمایید. ---------- ۲۲۳۶
پرسش ---------- ۲۲۳۶
پاسخ ---------- ۲۲۳۶
می گویند حضرت ولی عصر((علیه السلام)) در غیبت صغری سفیران مخصوصی داشته که مطالب لازم و وقایع را حضور امام می رسانیدند، برای آشنائی خصوصیّات آنها را به طور فشرده بنویسد.؟ ---------- ۲۲۳۸
پرسش ---------- ۲۲۳۸
پاسخ ---------- ۲۲۳۸
سفیر اول امام مهدی علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟ ---------- ۲۲۴۱
پرسش ---------- ۲۲۴۱
پاسخ ---------- ۲۲۴۱
آیا روایتی که تصریح به سفارت عثمان بن سعید دارد، ضعیف السند نیست؟ ---------- ۲۲۴۳
پرسش ---------- ۲۲۴۳
پاسخ ---------- ۲۲۴۳
سفیر دوم امام زمان علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟ ---------- ۲۲۴۴
پرسش ---------- ۲۲۴۴
پاسخ ---------- ۲۲۴۴
سفیر سوم امام زمان علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟ ---------- ۲۲۴۶
پرسش ---------- ۲۲۴۶
پاسخ ---------- ۲۲۴۶
سفیر چهارم امام زمان علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟ ---------- ۲۲۴۷
پرسش ---------- ۲۲۴۷
پاسخ ---------- ۲۲۴۷
نیابت چهار سفیر حضرت علیه السلام چگونه اثبات می گردد؟ ---------- ۲۲۴۹
پرسش ---------- ۲۲۴۹
پاسخ ---------- ۲۲۴۹
ملاک ومعیار انتصاب نوّاب اربعه چه بوده است؟ ---------- ۲۲۴۹
پرسش ---------- ۲۲۵۰
پاسخ ---------- ۲۲۵۰
آیا امام زمان علیه السلام غیر از سفراء وکیل نیز داشته است؟ ---------- ۲۲۵۱
پرسش ---------- ۲۲۵۱
پاسخ ---------- ۲۲۵۱
چه مصلحتی در وجود وکلای ناحیه مقدسه بوده است؟ ---------- ۲۲۵۱
پرسش ---------- ۲۲۵۱
پاسخ ---------- ۲۲۵۱
در مورد نائبان حضرت مهدی(ع) در زمان غیبت صغرا و کبرا توضیح دهید؟ ---------- ۲۲۵۲

پرسش ----- ۲۲۵۲
پاسخ ----- ۲۲۵۲
کیفیت ارتباط نواب با حضرت ----- ۲۲۵۵
ارتباط نواب خاص با امام زمان(ع) چگونه بوده است؟ ----- ۲۲۵۵
پرسش ----- ۲۲۵۵
پاسخ ----- ۲۲۵۵
نواب اربعه چگونه با امام زمان ارتباط داشتند؟ آیا ایشان را می دیدند؟ ----- ۲۲۵۶
پرسش ----- ۲۲۵۶
پاسخ ----- ۲۲۵۶
وظایف نواب ----- ۲۲۶۰
وقتی حسین بن روح نوبختی التادیب را نوشت به قم فرستاد جهت دیدن علماء در آن زمان علمای قم چه کسانی بودند آیا این کتاب قابل دسترسی است ----- ۲۲۶۰
پرسش ----- ۲۲۶۰
پاسخ ----- ۲۲۶۰
ارتباط نوّاب اربعه با شیعیان چگونه بوده است؟ ----- ۲۲۶۱
پرسش ----- ۲۲۶۱
پاسخ ----- ۲۲۶۱
وظایف ومسئولیت های نوّاب اربعه چه بوده است؟ ----- ۲۲۶۲
پرسش ----- ۲۲۶۲
پاسخ ----- ۲۲۶۲
سازمان وکالت چه وظایف ومسئولیت هایی را برعهده داشته است؟ ----- ۲۲۶۴
پرسش ----- ۲۲۶۴
پاسخ ----- ۲۲۶۴
نقش سفیر در توقیعات چه بوده است؟ ----- ۲۲۶۵
پرسش ----- ۲۲۶۵
پاسخ ----- ۲۲۶۵
نیابت دردوره غیبت کبری ----- ۲۲۶۵
چرا امام زمان ۷در حال حاضر نائبی ندارد؟ پس مردم چطوربا آن حضرت ارتباط برقرار کنند؟ ----- ۲۲۶۵
پرسش ----- ۲۲۶۵
پاسخ ----- ۲۲۶۵
آیا امام زمان(عج) در میان ما نماینده ای دارد؟ ----- ۲۲۶۶
پرسش ----- ۲۲۶۶
پاسخ ----- ۲۲۶۶
چرا امام زمان(عج) برای خود نایب تعیین نکرده است؟ آیا به جهت بالا رفتن سطح و آگاهی مردم است یا این که اگر تعیین می کرد، مورد سوء قصد قرار می گرفت؟ ----- ۲۲۶۸
پرسش ----- ۲۲۶۸
پاسخ ----- ۲۲۶۸
آیا امام زمان (عج) در حال حاضر نوابی دارند که مستقیما با مردم در تماس باشند؟ ----- ۲۲۶۹
پرسش ----- ۲۲۶۹
پاسخ ----- ۲۲۶۹
با اینکه امام زمان((علیه السلام))فرموده اند که نیابت به پایان رسیده پس چرا در کتابها نوشته که محمّد بن عیسی خدمت آن حضرت رسیده است؟ ----- ۲۲۷۰
پرسش ----- ۲۲۷۰
پاسخ ----- ۲۲۷۰

مراد از(من مات ولم یعرف امام زمانه) امام (ع) است یا مجتهد جامع الشرایط؟ این حدیث چگونه دلالت بر وجوب تقلید از مجتهد جامع الشرایط می کند؟ ----- ۲۲۷۰

پرسش ----- ۲۲۷۰

پاسخ ----- ۲۲۷۰

بعد از اینکه چهارمین نائب خاص امام زمان(عج) رحلت فرمود، مردم در زمینه امور دینی باید به مجتهدین مراجعه فرمایند، ایشان مجتهد (ین) هم عصر خودش و بعد از خودش را معرفی فرمود. از آن زمان تاکنون مجتهدین، افراد مجتهد بعد از خودشان (یا هم عصر خودشان) را ،

پرسش ----- ۲۲۷۲

پاسخ ----- ۲۲۷۲

آیا در حال حاضر و در عصر ما نایبان خاص امام عصر(ع) وجود دارند؟ ----- ۲۲۷۶

پرسش ----- ۲۲۷۶

پاسخ ----- ۲۲۷۶

مقصود از نیابت عامّه در عصر غیبت کبرا چیست؟ ----- ۲۲۷۸

پرسش ----- ۲۲۷۸

پاسخ ----- ۲۲۷۸

چگونه می توان نایب امام زمان (عج) را در زمان غیبت شناخت ؟ ----- ۲۲۷۹

پرسش ----- ۲۲۷۹

پاسخ ----- ۲۲۷۹

یاران ----- ۲۲۸۰

ویژگیهای یاران ----- ۲۲۸۰

در زندگی چگونه رفتار کنیم و چه اعمالی انجام دهیم که از یاران حضرت مهدی عج باشیم ----- ۲۲۸۰

پرسش ----- ۲۲۸۰

پاسخ ----- ۲۲۸۰

چگونه می توان از یاران حضرت ولی عصر(شد؟ ----- ۲۲۸۰

پرسش ----- ۲۲۸۰

پاسخ ----- ۲۲۸۱

آیا یاران امام زمان الان می دانند جزء یاران امام ۷هستند و او را یاری خواهند کرد؟ چگونه ؟ ----- ۲۲۸۵

پرسش ----- ۲۲۸۵

پاسخ ----- ۲۲۸۵

در مورد ویژگی های زنانی که از یاران امام زمان ۷محسوب می شوند، توضیح دهید. امام از یاوران زن برخوردار است ؟ ----- ۲۲۸۷

پرسش ----- ۲۲۸۷

پاسخ ----- ۲۲۸۷

آیا در میان یاران خاص امام زمان (عج) کسانی از ایران نیز هستند؟ تعداد آنها و محل زندگیشان را ذکر کنید. ----- ۲۲۸۷

پرسش ----- ۲۲۸۷

پاسخ ----- ۲۲۸۷

اصحاب امام زمان(ع) در هنگام ظهور شیعه اند یا سنی؟ ----- ۲۲۸۸

پرسش ----- ۲۲۸۸

پاسخ ----- ۲۲۸۸

ویژگی های یاران حضرت را هنگام ظهور بیان کنید/ ----- ۲۲۹۰

پرسش ----- ۲۲۹۰

پاسخ ----- ۲۲۹۰

یاران امام زمان (ع) چند تا در کدام مناطق هستند؟ نشانه های آن ها را بنویسید. ----- ۲۲۹۲

پرسش ----- ۲۲۹۲

پاسخ ----- ۲۲۹۲

اصحاب امام زمان(ع) بیشتر از کدام شهر خواهند بود؟ ---------- ۲۲۹۴

پرسش ---------- ۲۲۹۴

پاسخ ---------- ۲۲۹۴

یاران امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه هایی خواهد داشت ؟ ---------- ۲۲۹۶

پرسش ---------- ۲۲۹۶

پاسخ ---------- ۲۲۹۶

یاران امام زمان چه کسانی هستند؟--خصوصیات ---------- ۲۲۹۸

پرسش ---------- ۲۲۹۸

پاسخ ---------- ۲۲۹۸

آیا ۳۱۳ نفر یار امام زمان در زمان ظهور همه زنده اند و یا افرادی از آنان فوت کرده و زنده خواهد شد که مجموع ۳۱۳ نفر می شوند؟ ---------- ۲۳۰۲

پرسش ---------- ۲۳۰۲

پاسخ ---------- ۲۳۰۳

چه کسانی از یاران امام زمان(می شوند؟ آیا کسی آن موقع می تواند توبه کند؟ ---------- ۲۳۰۳

پرسش ---------- ۲۳۰۳

پاسخ ---------- ۲۳۰۳

پیروان و یا سربازان امام زمان(چه کسانی هستند؟ در مورد خصوصیاتشان توضیحاتی بدهید. ---------- ۲۳۰۷

پرسش ---------- ۲۳۰۷

پاسخ ---------- ۲۳۰۷

کسانی که جزء یاران امام زمان(عج) هستند چه کارهایی به غیر از واجبات انجام دادند که به این درجه رسیده اند؟ ---------- ۲۳۱۱

پرسش ---------- ۲۳۱۱

پاسخ ---------- ۲۳۱۱

ما برای اینکه انشاء الله از یاران امام زمان (عج) شویم چه کارهایی باید انجام دهیم؟ ---------- ۲۳۲۱

پرسش ---------- ۲۳۲۱

پاسخ ---------- ۲۳۲۱

آیا یاران امام زمان غ به علوم قرآن و تفسیر قرآن تسلط کامل دارند؟ ---------- ۲۳۲۲

پرسش ---------- ۲۳۲۲

پاسخ ---------- ۲۳۲۲

اگر کسی بخواهد از اصحاب آقا امام زمان(ع) بشود چه کار باید بکند آیا در خودسازی نیاز به استاد دارد و آیا می تواند بدون استاد این راه را طی کند اگر نه پس تکلیف چیست؟ ---------- ۲۳۲۴

پرسش ---------- ۲۳۲۴

پاسخ ---------- ۲۳۲۴

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟ یاران ایشان چه ویژگیهایی دارند؟ ---------- ۲۳۲۹

پرسش ---------- ۲۳۲۹

پاسخ ---------- ۲۳۲۹

آیا می توان با دعا به پیشگاه خداوند پس از مرگ به هنگام ظهور حضرت مهدی زنده شد و یا تا ظهور آن حضرت برای یاری ایشان زنده ماند همچنانکه خود آن حضرت و حضرت عیسی زنده مانده اند؟ ---------- ۲۳۳۳

اشاره ---------- ۲۳۳۳

پرسش ---------- ۲۳۳۳

پاسخ ---------- ۲۳۳۳

در برخی از روایات که زمان ظهور امام منتظر را بیان می دارد دارد: ۱. یصیر للرجل منهم (اصحاب المهدی) قوه اربعین رجلا ۲. لو قد قام قائمنا یجمع الیه شیعتنا من جمیع البلدان یملأ الارض عدلا کما ملئت ظلماً و جوراً این ها با عقل ناسازگارند. مراد از نیروی ۴۰ مرد دا ۲۳۳۶

پرسش ---------- ۲۳۳۶

پاسخ ---------- ۲۳۳۶

امام زمان علیه السلام با اصحاب خود بر سر چه اصولی پیمان می بندد؟ ---------- ۲۳۳۹

پرسش ----- ۲۳۳۹
پاسخ ----- ۲۳۳۹
اصحاب امام زمان علیه السلام در شجاعت چگونه اند؟ ----- ۲۳۴۰
پرسش ----- ۲۳۴۰
پاسخ ----- ۲۳۴۰
آیا اصحاب حضرت مهدی علیه السلام از منطقه خاصی هستند؟ ----- ۲۳۴۰
پرسش ----- ۲۳۴۰
پاسخ ----- ۲۳۴۰
اصحاب حضرت مهدی علیه السلام چه ویژگی هایی دارند؟ ----- ۲۳۴۱
پرسش ----- ۲۳۴۱
پاسخ ----- ۲۳۴۱
لطفاً بفرمائید چگونه می شود از یاران حضرت مهدی"عج" به حساب آمد وچگونه می شود از جذبات وجود مبارک ایشان بهره برد؟ ----- ۲۳۴۲
پرسش ----- ۲۳۴۲
پاسخ ----- ۲۳۴۲
چگونه می توانیم ازیاران حضرت مهدی(عج) شویم؟ ----- ۲۳۴۶
پرسش ----- ۲۳۴۶
پاسخ ----- ۲۳۴۶
- می گویند اگر ۴۰ تا مؤمن توی جهان باشد آقا امام زمان «عج » ظهور می کند. با وجود این همه مؤمن ۴۰ تا توی این جهان وجود ندارد !؟ ----- ۲۳۴۸
پرسش ----- ۲۳۴۸
پاسخ ----- ۲۳۴۹
۲-خصوصیات و ویژگیهای خاص یاران امام و غربال شدن یاران ایشان چیست؟ ----- ۲۳۵۳
پرسش ----- ۲۳۵۳
پاسخ ----- ۲۳۵۳
چگونه می توان جز اصحاب حضرت قائم بود با توجه به اینکه شهداء و صلحاء تاریخ ما تا کنون بسیار بیشتر از ۳۱۳ نفر بوده اند و این تعداد تعدادی محدود است. ----- ۲۳۵۴
پرسش ----- ۲۳۵۴
پاسخ ----- ۲۳۵۴
چرا بیشتر یاران حضرت مهدی (عج) مرد می باشند؟ ----- ۲۳۵۷
پرسش ----- ۲۳۵۷
پاسخ ----- ۲۳۵۷
یاران خاص ----- ۲۳۵۹
تعداد ----- ۲۳۵۹
تعداد یاران امام زمان ۷چند نفرند؟ چه تعدادی از آن ها مرد و چند نفر زن هستند؟ ----- ۲۳۵۹
پرسش ----- ۲۳۵۹
پاسخ ----- ۲۳۵۹
آیا در میان اصحاب حضرت مهدی(ع) زنان نیز حضور دارند؟ آیا در احادیث اشاره ای به نام آن ها و نیز وظایف ایشان شده است؟ ----- ۲۳۵۹
پرسش ----- ۲۳۵۹
پاسخ ----- ۲۳۵۹
اشاره ----- ۲۳۵۹
پرسش ----- ۲۳۶۰
یاران امام زمان(ع) در روایت ۳۱۳ نفر هستند. پس بقیه مردم چه نقشی دارند؟ ----- ۲۳۶۰
پاسخ ----- ۲۳۶۰

چه تعداد از یاران امام زمان(عج) از طالقان و قم می باشند و آن وجود گرامی را همراهی می کنند؟ ---- ۲۳۶۲
پرسش ---- ۲۳۶۲
پاسخ ---- ۲۳۶۲
منظور از این که یاران امام زمان(عج) فقط ۳۱۳ نفر می باشند چیست و چه تعداد از این یاران مرد، زن، یا جوان می باشند؟ ---- ۲۳۶۴
پرسش ---- ۲۳۶۴
پاسخ ---- ۲۳۶۴
یاران امام زمان (عج) چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟ ---- ۲۳۶۷
اشاره ---- ۲۳۶۷
پرسش ---- ۲۳۶۷
پاسخ ---- ۲۳۶۸
چرا قرآن کریم تعداد یاران حضرت مهدی غ را ۳۱۳ نفر اعلام کرده است ---- ۲۳۷۰
پرسش ---- ۲۳۷۰
پاسخ ---- ۲۳۷۰
آیا امام زمان علیه السلام غیر از ۳۱۳ نفر اصحاب دیگری نیز دارند؟ ---- ۲۳۷۱
پرسش ---- ۲۳۷۱
پاسخ ---- ۲۳۷۱
۱ صفات۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج) چیست؟ ---- ۲۳۷۱
اشاره ---- ۲۳۷۱
پرسش ---- ۲۳۷۲
پاسخ ---- ۲۳۷۲
آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟ ---- ۲۳۷۵
پرسش ---- ۲۳۷۵
پاسخ ---- ۲۳۷۵
آیا تعداد ۳۱۳ نفر یاران امام زمان(عج) مشخص است؟ توضیح دهید. ---- ۲۳۷۷
پرسش ---- ۲۳۷۷
پاسخ ---- ۲۳۷۷
مصادیق ---- ۲۳۸۰
حضرت عیسی ---- ۲۳۸۰
الآن حضرت عیسی (ع) در کجایند؟ آیا در موقع ظهور امام زمان (عج) از یاران حضرتند؟ ---- ۲۳۸۰
پرسش ---- ۲۳۸۰
پاسخ ---- ۲۳۸۰
در روایات آمده است که حضرت عیسی علیه السلام پس از ظهور مهدی (عج) به ایشان اقتدا می نماید. آیا الان نیز حضرت عیسی علیه السلام از امام مهدی (عج) تبعیت می کنند؟ ---- ۲۳۸۲
پرسش ---- ۲۳۸۲
پاسخ ---- ۲۳۸۲
ظهور امام زمان(ع) و حضرت مسیح(ع) چگونه است؟ ---- ۲۳۸۴
پرسش ---- ۲۳۸۴
پاسخ ---- ۲۳۸۴
ما مسلمانان اعتقاد داریم که نجات دهنده عالم بشریت امام زمان است ، نیز عقیده داریم که حضرت عیسی به امر خداوند زنده است. آیا این دو در قیامت همراه هم برای نجات بشر می آیند؟ ---- ۲۳۸۵
پرسش ---- ۲۳۸۵
پاسخ ---- ۲۳۸۵
آیا حضرت مسیح همزمان با حضرت مهدی(عج) ظهور می کند، چرا؟ ---- ۲۳۸۶

پرسش ----- ۲۳۸۶
پاسخ ----- ۲۳۸۶
می گویند: هنگام ظهور امام زمان(عج) حضرت عیسی به ایشان اقتدا می کند. آیا حضرت مسیح مسلمان می شود؟ ----- ۲۳۸۶
پرسش ----- ۲۳۸۶
پاسخ ----- ۲۳۸۷
۱- اینکه حضرت عیسی((علیه السلام)) در آخر زمان ظهور می کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّه است یا خیر؟ ----- ۲۳۸۸
پرسش ----- ۲۳۸۸
پاسخ ----- ۲۳۸۹
اگر امام زمان(عج) ظهور کند، حضرت عیسی(ع) هم ظهور خواهد کرد؟ ----- ۲۳۸۹
پرسش ----- ۲۳۸۹
پاسخ ----- ۲۳۸۹
آیا عیسی بن مریم ع) با صاحب الزمان ع) ظهور می کند؟ ----- ۲۳۹۰
پرسش ----- ۲۳۹۰
پاسخ ----- ۲۳۹۰
در زمان ظهور امام زمان (عج) نقش و برنامه حضرت عیسی (ع) در حکومت چیست ؟ ----- ۲۳۹۲
پرسش ----- ۲۳۹۲
پاسخ ----- ۲۳۹۲
از نظر اسلام آیا حضرت عیسی با توجه به اینکه زنده است و با حضرت مهدی ظهور خواهد کرد بر پیروان کنونی مسیحی خود ولایت و شفاعت دارد؟ ----- ۲۳۹۲
اشاره ----- ۲۳۹۲
پرسش ----- ۲۳۹۲
پاسخ ----- ۲۳۹۳
با توجه به اینکه ما حضرت عیسی(ع) را پیامبر و آورنده آیین مسیحیت می دانیم، آیا این درست است که وقتی حضرت مسیح با حواریون بر زمین فرود آید همه مسیحیان را خواهد کشت و تنها مسلمانان بر زمین زنده خواهند ماند و نیز اینکه او مسیحی نیست و از مسیحیت برائ
پرسش ----- ۲۳۹۴
پاسخ ----- ۲۳۹۴
آیا ممکن است که حضرت عیسی(ع) برای مسیحیان به مثابه حضرت مهدی برای مسلمانان باشند و پیروانشان را از غیب بصورت درونی مورد هدایت بسوی خدا قرار دهند؟ ----- ۲۳۹۶
اشاره ----- ۲۳۹۶
پرسش ----- ۲۳۹۶
پاسخ ----- ۲۳۹۷
چرا حضرت مسیح علیه السلام تاکنون زنده مانده است؟ ----- ۲۳۹۹
پرسش ----- ۲۳۹۹
پاسخ ----- ۲۳۹۹
حکمت مشارکت حضرت مسیح(ع) در تشکیل حکومت جهانی چیست؟ ----- ۲۴۰۱
پرسش ----- ۲۴۰۱
پاسخ ----- ۲۴۰۱
آیا حضرت عیسی ع) به زمین باز می گردد؟ ----- ۲۴۰۱
پرسش ----- ۲۴۰۱
پاسخ ----- ۲۴۰۱
حضرت عیسی (ع) در کجا فرود خواهد آمد؟ ----- ۲۴۰۳
پرسش ----- ۲۴۰۳
پاسخ ----- ۲۴۰۳
وظایف حضرت عیسی علیه السلام بعد از نزول از آسمان چیست؟ ----- ۲۴۰۳

پرسش ---------- ۲۴۰۳
پاسخ ---------- ۲۴۰۴
۱- باتوجه به این که در روایات گفته شده حضرت عیسی هم در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) ظهور میکنند و پشت سر امام زمان (عج) نماز می خوانند جایگاه امامت ونبوت را چگونه توصیف می کنید ؟ ---------- ۲۴۰۴
اشاره ---------- ۲۴۰۴
پرسش ---------- ۲۴۰۴
پاسخ ---------- ۲۴۰۴
اینکه حضرت عیسی«علیه السلام» در آخر زمان ظهور می کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّه است یا خیر؟ ---------- ۲۴۰۶
پرسش ---------- ۲۴۰۶
پاسخ ---------- ۲۴۰۶
آیا حضرت مهدی(عج) و حضرت عیسی(ع) با هم ظهور می کنند؟ ---------- ۲۴۰۶
پرسش ---------- ۲۴۰۶
پاسخ ---------- ۲۴۰۶
سایر مصادیق ---------- ۲۴۰۷
پیامبرانی که زنده هستند و با حضرت مهدی ۷می آیند، در حکومت آن بزرگوار چه سمتی خواهند داشت و کیانند؟ ---------- ۲۴۰۷
پرسش ---------- ۲۴۰۷
پاسخ ---------- ۲۴۰۷
اگر حضرت مهدی (عج) یک روز قبل از قیامت ظهور کنند، در این صورت چه خواهد شد؟ آیا یاران امام به غیر از حضرت عیسی(ع) کسی دیگر از پیامبران و امامان خواهد بود؟ آیا اصحاب کهف از اصحاب حضرت خواهند بود؟ ---------- ۲۴۰۸
پرسش ---------- ۲۴۰۸
پاسخ ---------- ۲۴۰۸
آیا حضرت مسیح یا خضر و الیاس که اکنون زنده اند و در عصر ظهور حضرت مهدی(ع) در رکاب حضرت قرار می گیرند، در آن هنگام هم عنوان پیامبری را دارند، یا پیامبری آنان مربوط به گذشته است؟ ---------- ۲۴۰۹
پرسش ---------- ۲۴۰۹
پاسخ ---------- ۲۴۰۹
آیا حضرت خضر (ع) زنده است و با امام زمان (ع) به این عالم خواهد آمد؟ ---------- ۲۴۱۰
پرسش ---------- ۲۴۱۰
پاسخ ---------- ۲۴۱۰
آیا امامان هم جز ۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج)هستند؟ ---------- ۲۴۱۱
پرسش ---------- ۲۴۱۱
پاسخ ---------- ۲۴۱۱
آیا در روایات و احادیث از حضرت ادریس و الیاس(ع) به عنوان یاران امام مهدی (عج) یاد شده است یا خیر؟ ---------- ۲۴۱۲
پرسش ---------- ۲۴۱۲
پاسخ ---------- ۲۴۱۲
آیا به هنگام قیام حضرت مهدی(عج) شهدا برای یاری آن حضرت زنده می شوند؟ ---------- ۲۴۱۲
اشاره ---------- ۲۴۱۲
پرسش ---------- ۲۴۱۳
پاسخ ---------- ۲۴۱۳
آیا در میان اصحاب امام زمان علیه السلام عرب وجود ندارد؟ ---------- ۲۴۱۳
پرسش ---------- ۲۴۱۳
پاسخ ---------- ۲۴۱۴
آیا یاران زن حضرت از جمله ۳۱۳ نفرند؟ ---------- ۲۴۱۴
پرسش ---------- ۲۴۱۴
پاسخ ---------- ۲۴۱۴

سایر مباحث ---------- ۲۴۱۵
آیا امام زمان(ع) کسی و یا کسانی را پیش خود دارد؟ نام و یا نام های آن ها چیست؟ ---------- ۲۴۱۵
پرسش ---------- ۲۴۱۵
پاسخ ---------- ۲۴۱۵
با توجه به خصوصیات و ویژگی های یاران امام زمان(ع) آیا می توان افرادی را نام برد که در این زمان وجود داشته باشد؟ ---------- ۲۴۱۷
پرسش ---------- ۲۴۱۷
پاسخ ---------- ۲۴۱۷
آیا کسانی جزء یاران آقا امام زمان(عج) هستند، در حال حاضر با او ارتباط دارند و با یکدیگر در یک مکان جمع می شوند و در مورد برنامه های دوران ظهور بحث می کنند؟ ---------- ۲۴۱۷
پرسش ---------- ۲۴۱۷
پاسخ ---------- ۲۴۱۷
با توجه به این که امام زمان(عج) دارای سیصد و سیزده یار می باشد، آیا یاران با هم زندگی می کنند و نسبت به این امر آگاهی دارند؟ ---------- ۲۴۲۰
پرسش ---------- ۲۴۲۰
پاسخ ---------- ۲۴۲۰
آیا یاران امام زمان (عج) (۳۱۳ نفر) همه مسلمان و شیعه هستند یا از ادیان دیگر نیز جزو این افراد هستند؟ ---------- ۲۴۲۲
پرسش ---------- ۲۴۲۲
پاسخ ---------- ۲۴۲۳
اصحاب حضرت مهدی علیه السلام چگونه وارد مکه می شوند؟ ---------- ۲۴۲۳
پرسش ---------- ۲۴۲۳
پاسخ ---------- ۲۴۲۳
بیشتر یاران حضرت از شرق هستند، چگونه با عقب ماندگی شرق می توان بر غرب پیروز شد؟ ---------- ۲۴۲۵
پرسش ---------- ۲۴۲۵
پاسخ ---------- ۲۴۲۵
یاران عام ---------- ۲۴۲۵
آیا هنگام ظهور امام زمان(ع) همه مردم در رکاب او جنگ خواهند کرد یا فقط یارانش و یا کسانی که دعای عهد را خوانده اند؟ ---------- ۲۴۲۵
پرسش ---------- ۲۴۲۵
پاسخ ---------- ۲۴۲۵
نقل شده که هر کس تا چهل صباح دعای عهد را بخواند یکی از یاران امام زمان خواهد شد و اگر قبل از ظهور بمیرد در زمان ظهور زنده خواهد شد یعنی اگر کسی گناهکار هم باشد بدون شک یکی از یاران آن حضرت خواهد شد. اگر کسی در زمان ظهور زنده شود جوان زنده می
پرسش ---------- ۲۴۲۶
پاسخ ---------- ۲۴۲۶
در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است: لشگریان حضرت صاحب الزمان سه دسته اند که او را یاری می کنند. لطفاً بفرمایید این سه دسته چه کسانی هستند؟ ---------- ۲۴۲۶
پرسش ---------- ۲۴۲۷
پاسخ ---------- ۲۴۲۷
آیا حتماً باید ۳۱۳ نفر ا فراد پاک پیدا شوند تا حضرت حجّه(ع) قیام کنند؟ آیا در زمان ما یا در زمان های قبل این تعداد افراد پاک وجود نداشت؟ اگر در یک زمان تعدادی وجود داشته باشد، با مرور زمان از دنیا می روند. بنابراین هیچ گاه این تعداد جمع نخواهند شد. جواب چ ۹
پرسش ---------- ۲۴۲۹
پاسخ ---------- ۲۴۳۰
در مورد این که گفته شده یاران واقعی امام زمان (عج) کسانی هستند که در زمان غیبت با مردم به گونه ای رفتار می کنند که به راحتی در جیب یکدیگر دست کرده و از مال یکدیگر استفاده می کنند بدون این که ناراحت شوند، توضیح دهید؟ ---------- ۲۴۳۱
پرسش ---------- ۲۴۳۱
پاسخ ---------- ۲۴۳۲
آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟ ---------- ۲۴۳۳
پرسش ---------- ۲۴۳۳
پاسخ ---------- ۲۴۳۳

آیا یاران امام زمان (عج) فقط هنگام ظهور امام به یاری او می شتابند یا اینکه قبل از ظهور زمینه را برای ظهور آقا فراهم می سازند؟ ----- ۲۴۳۳
پرسش ----- ۲۴۳۳
پاسخ ----- ۲۴۳۳
آیا وجود سیصد و سیزده نفر فرد مؤمن برای یاری امام زمان برای ظهور ایشان کافی است؟ ----- ۲۴۳۵
پرسش ----- ۲۴۳۵
پاسخ ----- ۲۴۳۶
ظهور ----- ۲۴۳۷
علائم ونشانه های ظهور مهدی موعود (ع) چیست؟ ----- ۲۴۳۷
پرسش ----- ۲۴۳۷
پاسخ ----- ۲۴۳۷
عوامل زمینه ساز ----- ۲۴۴۰
حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح«علیه السلام» ظهور نماید؟ ----- ۲۴۴۰
پرسش ----- ۲۴۴۰
پاسخ ----- ۲۴۴۰
آیا اصلاحات فرهنگی -اجتماعی در جهان کنونی قادر به زمینه سازی جامعه موعود می باشد ؟چگونه؟ ----- ۲۴۴۰
پرسش ----- ۲۴۴۰
پاسخ ----- ۲۴۴۰
دنیا و مردم چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان ظهور کنند؟ ----- ۲۴۴۳
پرسش ----- ۲۴۴۳
پاسخ ----- ۲۴۴۴
یکی از پرسشهایی که از ابتدای شکل گیری بحث مهدویت ذهن من را به خود مشغول ساخت، زمان پدیدار شدن آن تحول بزرگ جهانی به رهبری واپسین حجت الاهی بقیه الله الاعظم - علیه السلام - بود؛ گویا این پرسش حتی قبل از ولادت امام زمان(عج) همواره از دغدغه های ذه
پرسش ----- ۲۴۴۵
پاسخ ----- ۲۴۴۵
بعد از ظهور اسلام خطوط کلّی برای روز موعود چگونه ترسیم شد؟ ----- ۲۴۵۱
پرسش ----- ۲۴۵۲
پاسخ ----- ۲۴۵۲
چه عواملی زمینه ساز حکومت واحد جهانی است؟ ----- ۲۴۵۲
پرسش ----- ۲۴۵۲
پاسخ ----- ۲۴۵۳
ظرفیت کلّی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ----- ۲۴۵۳
پرسش ----- ۲۴۵۳
پاسخ ----- ۲۴۵۳
آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟ ----- ۲۴۵۴
پرسش ----- ۲۴۵۴
پاسخ ----- ۲۴۵۴
چه کارها و وظایفی را ما باید در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) انجام دهیم تا زمینه را برای ظهور ایشان فراهم کنیم و همچنین یکی از یاران ایشان باشیم توضیحات دقیق و روشن بفرمایید . در مورد بحث رجعت و عصر امام زمان و اتفاقاتی که زمینه را برای ظهور ایشان فراهم می
پرسش ----- ۲۴۵۹
پاسخ ----- ۲۴۵۹
۱- بهترین عمل فردی در دوران غیبت برای پیش انداختن وتعجیل فرج امام زمان«علیه السلام » کدام است ؟ بهترین عمل جمعی ؟ ----- ۲۴۶۴
پرسش ----- ۲۴۶۴
پاسخ ----- ۲۴۶۴

۲-آیا وقتی آقا ظهور کنند تمام دنیا را فساد گرفته است یا نه ،همه انسانها منتظر واقعی اند ؟ ۲۴۶۶
پرسش ۲۴۶۶
پاسخ ۲۴۶۶
آیا با این همه فساد و حق کشی موقع ظهور امام زمان«علیه السلام» نرسیده است و چه باید کرد تا آن حضرت زودتر ظهور کند؟ ۲۴۶۸
پرسش ۲۴۶۸
پاسخ ۲۴۶۸
احادیث متواتر(۲) اسلامی می گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا حضرت مهدی«علیه السلام» از پس پرده غیب بیرون آمده، و جهان را پر از داد می نماید، بنابراین ظهور آن حضرت، در زمینه ای خواهد بود
پرسش ۲۴۶۹
پاسخ ۲۴۷۰
چرا باید برای ظهور امام زمان زمینه سازی کرد؟ ۲۴۷۴
پرسش ۲۴۷۴
پاسخ ۲۴۷۴
حضور ایرانیان در عصر ظهور و زمینه سازی برای ظهور حضرت چگونه است ؟ ۲۴۸۰
پرسش ۲۴۸۰
پاسخ ۲۴۸۰
سفارش بزرگان را درباره، فراهم کردن زمینه، ظهور امام زمان ۷بیان کنید. ۲۴۸۲
پرسش ۲۴۸۲
پاسخ ۲۴۸۲
برای مهیا نمودن زمینه، ظهور حضرت مهدی ۷ شیعیان چه وظایفی بر عهده دارند؟ ۲۴۸۴
پرسش ۲۴۸۴
پاسخ ۲۴۸۴
چرا باید جهان پر از ظلم و ستم شود تا امام زمان (عج) ظهور کند؟ و چطور می توان زمینه ء ظهور حضرت را فراهم نمود؟ ۲۴۸۵
پرسش ۲۴۸۵
پاسخ ۲۴۸۵
آیا روند فعلی جامعه ی شیعه به نحوی تأثیر گذار است که زمان ظهور حضرت مهدی ۷را جلوتر و یاعقب تر بیاندازد؟ اگر شیعیان وظایف خود را در زمان غیبت انجام ندهند، زمان ظهور حضرت به نهایتی که خداوندقرار داده , موکول خواهد شد؟ ۲۴۸۸
پرسش ۲۴۸۸
پاسخ ۲۴۸۸
آیا ظلم به حد کامل خود رسیده است که امام زمان(ع) ظهور کند؟ ۲۴۸۹
پرسش ۲۴۸۹
پاسخ ۲۴۸۹
هنگام ظهور از کجا و چگونه و چه تحولاتی روی می دهد؟ ۲۴۹۱
پرسش ۲۴۹۱
پاسخ ۲۴۹۱
شرایط و نشانی و کیفیت ظهور امام زمان(ع) چیست؟ ۲۴۹۲
پرسش ۲۴۹۲
پاسخ ۲۴۹۲
چرا خداوند دسترسی به امام زمان"عج" را سخت کرده است؟ آن هم در این دوره وانفسا که عده ای خود را امام زمان بنامند و چنین کفر و گناه، جامعه را از هم بدرد! ۲۵۰۱
پرسش ۲۵۰۱
پاسخ ۲۵۰۱
چرا امام زمان(ع) هنگامی ظهور می کند که همه جا را ظلم و فساد بگیرد؟ ۲۵۰۵
پرسش ۲۵۰۵

پاسخ ---- ۲۵۰۵

چه شرایط اجتماعی زمینهساز ظهور حضرت مهدی(عج) میباشد؟ ---- ۲۵۰۸

پرسش ---- ۲۵۰۸

پاسخ ---- ۲۵۰۸

برای اینکه دنیا حکومت حضرت مهدی(عج) را پذیرا گردد چند نوع آمادگی لازم است؟ ---- ۲۵۱۰

پرسش ---- ۲۵۱۰

پاسخ ---- ۲۵۱۰

چند نوع آمادگی برای پذیرش انقلاب مهدی(ع) لازم است؟ ---- ۲۵۱۲

پرسش ---- ۲۵۱۲

پاسخ ---- ۲۵۱۲

آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟ ---- ۲۵۱۵

پرسش ---- ۲۵۱۵

پاسخ ---- ۲۵۱۵

با توجّه به مضمونی که در بسیاری از احادیث مربوط به امام زمان((علیه السلام)) آمده که آن حضرت وقتی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و جور شده آیا صحیح است انسانها برای رفع ظلم و ستم و مبارزه با آن برخیزند و آیا این انقلابها گامی برای عقب افتادن ظهور نمی باشد؟ ۲۰

پرسش ---- ۲۵۲۰

پاسخ ---- ۲۵۲۰

احادیث متواتر(۱) اسلامی می گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا حضرت مهدی((علیه السلام)) از پس پرده غیب بیرون آمده، و جهان را پر از داد می نماید، بنابراین ظهور آن حضرت، در زمینه ای خواهد بو

پرسش ---- ۲۵۲۳

پاسخ ---- ۲۵۲۳

اگر زمینه ظهور آن حضرت ظلم و جور است پس چرا ما وجود این همه ظلم و جور حضرت ظهور نمی کنند؟ ---- ۲۵۲۷

پرسش ---- ۲۵۲۷

پاسخ ---- ۲۵۲۷

حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح((علیه السلام)) ظهور نماید؟ ---- ۲۵۲۹

پرسش ---- ۲۵۲۹

پاسخ ---- ۲۵۲۹

در خصوص ظهور امام زمان(عج) گفته اند که باید فساد در جامعه زیاد شود ما که قبول نداریم لطفاً توضیح دهید. ---- ۲۵۲۹

پرسش ---- ۲۵۲۹

پاسخ ---- ۲۵۲۹

اسلام باید چگونه باشد که امام زمان"ع" ظهور کند؟ ---- ۲۵۳۳

پرسش ---- ۲۵۳۳

پاسخ ---- ۲۵۳۳

می دانیم که از جمله زمینه های ظهور امام زمان "ع" پر شدن ظلم و فساد در زمین می باشد و سبب پیدایش نیاز مردم در اثر این ظلم و فساد به منجی عالم بشریت می گردد آیا این امر فقط مربوط به مسلمانان می گردد یا مربوط به کل عالم می گردد؟ ---- ۲۵۳۴

پرسش ---- ۲۵۳۴

پاسخ ---- ۲۵۳۵

جامعه چگونه باید باشد تا امام زمان (ع) ظهور کند؟ بعضی می گویند که درجامعه زیاد گناه و ناحقی باید شود، آیا این موضوعات صحیح است؟ راهنمایی کنید. ---- ۲۵۳۷

پرسش ---- ۲۵۳۷

پاسخ ---- ۲۵۳۷

آیا انسان ها می توانند با دعا و درخواست از خدا، بر ظهور امام زمان غ تأثیر بگذارند؟ ---- ۲۵۴۰

پرسش ---- ۲۵۴۰

پاسخ ---- ۲۵۴۰

با توجه به حدیثی که می فرماید امام زمان (عج) وقتی ظهور می کند که ملئت الارض ظلما و جورا پس اصلاح جامعه معنا ندارد» آیا این نظریه درست است ؟ ---- ۲۵۴۱

پرسش ---------- ۲۵۴۱

پاسخ ---------- ۲۵۴۲

با سلام چرا اطلاع رسانی شیعه و ایران در مورد مذهب خود و تشریح ظهور امام زمان این قدر ضعیف است ؟؟؟ یقینا ایران میتواند زمینه ظهور را فراهم کند اگر خوب اطلاع رسانی کند در جهان ... نظر شما چیست ؟ ---------- ۲۵۴۳

پرسش ---------- ۲۵۴۳

پاسخ ---------- ۲۵۴۳

در زمان ظهور جهان باید پر از ظلم شود و از طرفی ما باید خود را اصلاح نمائیم آیا این تناقض ندارد؟ ---------- ۲۵۴۸

پرسش ---------- ۲۵۴۸

پاسخ ---------- ۲۵۴۹

با توجه به این که فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه های ظهور است پس چرا مردم را برای زمینه سازی ظهور دعوت به صلح و ترک ظلم و گناه می کنند؟ ---------- ۲۵۵۰

پرسش ---------- ۲۵۵۰

پاسخ ---------- ۲۵۵۰

موانع ظهور ---------- ۲۵۵۴

چرا امام زمان(ع) تا حال ظهور نکرده است؟ ---------- ۲۵۵۴

پرسش ---------- ۲۵۵۴

پاسخ ---------- ۲۵۵۴

چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند و دنیا را از خواب غفلت بیدار نمی کند؟ ---------- ۲۵۵۵

پرسش ---------- ۲۵۵۵

پاسخ ---------- ۲۵۵۵

چرا با وجود اینکه جامعه نیاز به رهبر و امام دارد، امام زمان(عج) ظهور نمی کند؟ ---------- ۲۵۵۷

پرسش ---------- ۲۵۵۷

پاسخ ---------- ۲۵۵۷

با این همه علاقه ای که از جانب ارادتمندان امام زمان علیه السلام اظهار می شود ،چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است ؟ ---------- ۲۵۶۱

پرسش ---------- ۲۵۶۱

پاسخ(قسمت اول) ---------- ۲۵۶۱

پاسخ(قسمت دوم) ---------- ۲۵۷۱

مهمترین و بزرگترین مانع سر راه حضور امام زمان (عج) در جامعه کنونی و در جهان و عصر حاضر چیست؟ ---------- ۲۵۷۷

پرسش ---------- ۲۵۷۷

پاسخ ---------- ۲۵۷۷

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟ ---------- ۲۵۷۷

پرسش ---------- ۲۵۷۷

پاسخ ---------- ۲۵۷۷

موانع ظهور آقا امام زمان و یا به تاخیر افتادن آن چیست ؟ ---------- ۲۵۸۴

پرسش ---------- ۲۵۸۴

پاسخ ---------- ۲۵۸۴

چرا امام زمان علیه السلام خود را برای مؤمنان مورد وثوق ظاهر نمی سازد؟ ---------- ۲۵۸۸

پرسش ---------- ۲۵۸۸

پاسخ ---------- ۲۵۸۸

چه محذوری داشت اگر امام زمان علیه السلام در بین مردم ظاهر می بود؟ ---------- ۲۵۸۹

پرسش ---------- ۲۵۸۹

پاسخ ---------- ۲۵۸۹

علت تأخیر فرج حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ---------- ۲۵۸۹

پرسش ----- ۲۵۸۹
پاسخ ----- ۲۵۸۹
چرا با اینکه ظلم سراسر جهان را فرا گرفته امام زمان (عج) ظهور نمی کند؟ ----- ۲۵۹۰
پرسش ----- ۲۵۹۰
پاسخ ----- ۲۵۹۰
با این همه علاقه ای که از جانب ارادتمندان امام زمان (عج) اظهار می شود چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است؟ ----- ۲۵۹۱
پرسش ----- ۲۵۹۱
پاسخ ----- ۲۵۹۱
چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند؟ ----- ۲۵۹۷
پرسش ----- ۲۵۹۷
پاسخ ----- ۲۵۹۷
۱- علتهای مهم تأخیر ظهور امام زمان (علیه السلام) چیست ؟ ----- ۲۵۹۸
پرسش ----- ۲۵۹۸
پاسخ ----- ۲۵۹۸
مگر نمی گویند امام زمان وقتی ظهور می کند که جهان پر از فساد شود پس چرا ظهور نمی کند؟ ----- ۲۶۰۰
پرسش ----- ۲۶۰۰
پاسخ ----- ۲۶۰۰
نشانه های ظهور ----- ۲۶۰۲
علائم حتمی ----- ۲۶۰۲
کلیات ----- ۲۶۰۲
علایم ظهور امام زمان ۷چیست ؟ و تا به حال چه علایمی مشخص شده است ؟ ----- ۲۶۰۲
پرسش ----- ۲۶۰۲
پاسخ ----- ۲۶۰۲
نشانه های ظهور امام زمان (عج) را بیان کنید؟ ----- ۲۶۰۵
پرسش ----- ۲۶۰۵
پاسخ ----- ۲۶۰۵
معتبرترین نشانه های ظهور حضرت مهدی"عج" کدامند؟ ----- ۲۶۰۶
پرسش ----- ۲۶۰۶
پاسخ ----- ۲۶۰۶
علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟ ----- ۲۶۱۰
پرسش ----- ۲۶۱۰
پاسخ ----- ۲۶۱۱
ویژگیهای آخر الزمان چیست و آیا هم اکنون دوره آخر الزمان است؟ ----- ۲۶۱۵
پرسش ----- ۲۶۱۵
پاسخ ----- ۲۶۱۵
الف چند مورد از علائم ظهور امام زمان (عج را بیان نمایید. ب چگونگی وفات امام زمان عج را بیان فرمایید. ----- ۲۶۱۸
پرسش ----- ۲۶۱۸
پاسخ ----- ۲۶۱۸
در کتاب مهدی موعود که ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار است مطالبی را در خصوص علائم ظهور حضرت مهدی مطالعه کرده ام اما از آنجا که کار کارشناسی بر روی روایات از نظر صحت و سقم و همچنین جمع بندی آنها از عهده اکثر خوانندگان نشریه شما خارج است لذا خواه
پرسش ----- ۲۶۲۲
پاسخ ----- ۲۶۲۲

نشانه های آخر الزمان را بنویسید؟ ۲۶۲۸
پرسش ۲۶۲۸
پاسخ ۲۶۲۸
در مورد علائم و نشانه های ظهور امام زمان(عج) توضیحاتی بفرمائید. ۲۶۳۱
پرسش ۲۶۳۱
پاسخ ۲۶۳۱
امروزه صحبت در باره علائم ظهور حضرت مهدی و پیش بینی های آن زیاد شده؟ وظیفه ما در مقابل چنین مسائلی چیست. و برخورد ما با افرادی که چنین پیش بینی هایی را می کنند چطور است. ۲۶۳۷
پرسش ۲۶۳۷
پاسخ ۲۶۳۷
۱- علائم ظهور امام زمان (علیه السلام) ۲۶۴۸
اشاره ۲۶۴۸
پرسش ۲۶۵۰
پاسخ ۲۶۵۰
۱-برخی از علائم ظهور امام زمان را بنویسید ؟ ۲۶۵۷
پرسش ۲۶۵۷
پاسخ ۲۶۵۷
۱- آیا علائم حتمیه ظهور، مشمول « بداء » واقع می شوند ؟ ۲۶۶۲
پرسش ۲۶۶۲
پاسخ ۲۶۶۲
علائم ظهور امام زمان (عج) کدامند و چگونه می توان آن حضرت را از مدعیان دروغین تشخیص داد؟ ۲۶۶۴
پرسش ۲۶۶۴
پاسخ ۲۶۶۴
گفته می شود که در آخر الزمان مردم و بطور کلی جهان به فساد کشیده شده و همه جا از ظلم و جور پر خواهدشد و در آن حال خواهد بود که امام عصر (عج)ظهور خواهند کرد حال این سئوال مطرح است که اگر سرانجام و بطور طبیعی به چنین فساد وظلمی جهان را فرا خواهد
پرسش ۲۶۶۷
پاسخ ۲۶۶۸
علائم ظهور در عصر کنونی بر اساس آیات و روایات چه می باشد ؟ضمنا اگر کتاب خاصی است معرفی نمایید. ۲۶۷۰
پرسش ۲۶۷۰
پاسخ(قسمت اول) ۲۶۷۱
پاسخ(قسمت دوم) ۲۶۸۰
لطفاً کمی در مورد نشانه های ظهور برایم بنویسید؟ ۲۶۸۵
پرسش ۲۶۸۵
پاسخ ۲۶۸۵
سفیانی ۲۶۹۶
از علائم ظهور حضرت ولی عصر۷خروج سفیانی و یمانی و قتل نفس زکیه است . لطفاً آن را توضیح دهید. ۲۶۹۶
پرسش ۲۶۹۶
پاسخ ۲۶۹۶
آیا اسامه بن لادن یا اریل شارون همان سفیانی هستند؟ ۲۶۹۹
پرسش ۲۶۹۹
پاسخ ۲۶۹۹
علائم سفیانی چیست؟ ۲۷۰۰
پرسش ۲۷۰۰

پاسخ ----- ۲۷۰۰
آقای بهلول درسفری که به سوریه داشتند فرمودند با فردی به نام سفیانی ملاقات کرده آیا می تواند این فرد همان باشد که در روایات ذکر شده است یا نه ؟ ----- ۲۷۰۰
پرسش ----- ۲۷۰۰
پاسخ ----- ۲۷۰۰
در بعضی از روایات در علائم آخر الزمان اسامی همانند سفیانی مفهومی ندارند در این رابطه توضیح فرمایید. ----- ۲۷۰۰
پرسش ----- ۲۷۰۰
پاسخ ----- ۲۷۰۱
خواستار اطلاعات در مورد سفیانی می باشم. ----- ۲۷۰۱
پرسش ----- ۲۷۰۱
پاسخ ----- ۲۷۰۱
سفیانی کیست؟ ----- ۲۷۰۳
پرسش ----- ۲۷۰۳
پاسخ ----- ۲۷۰۳
سید حسنی ویمانی و نفس زکیه و ... ----- ۲۷۰۴
علائم ظهور امام زمان ۷چند تا است و تا به حال چند علامت مشخص شده است ؟ علایم ظهور حضرت صاحب الزمان بر دو قسم است : حتمی و غیر حتمی . ----- ۲۷۰۴
پرسش ----- ۲۷۰۴
پاسخ ----- ۲۷۰۴
شنیده ام قبل از ظهور امام زمان ۷دو سیّد حسنی و خراسانی قیام می کنند و این دو از یاران امام زمان ۷هستند. می گویند: این دو سیّد در قم زندگی می کنند. آیا این مطلب حقیقت دارد؟ ----- ۲۷۰۹
پرسش ----- ۲۷۰۹
پاسخ ----- ۲۷۰۹
یکی از نشانه های حتمی ظهور حضرت مهدی(عج) "خسف بیداء" است. در این خصوص توضیح دهید. ----- ۲۷۱۰
پرسش ----- ۲۷۱۰
پاسخ ----- ۲۷۱۰
در مورد سیّد خراسانی که لشکری را از مشرق زمین به طرف عراق جمع آوری می کندو با دشمنان حضرت مهدی(ع) می جنگد، توضیح دهید. آیا این شخص ایرانی است؟ آیا در خراسان زندگی می کند؟ آیا زنده است؟ ----- ۲۷۱۱
پرسش ----- ۲۷۱۱
پاسخ ----- ۲۷۱۱
در بعضی از روایات از علائم ظهور امام زمان(عج) خروج طالقانی و قمی و خراسانی بیان شده است؛ آیا این ها اتفاق افتاده؟ آیا سید حسنی و حسینی، مقام معظم رهبری می باشد؟ آیا علائم حتمیه و غیر حتمیه ظهور امام زمان واقع شده است؟ ----- ۲۷۱۳
پرسش ----- ۲۷۱۳
پاسخ ----- ۲۷۱۳
سید حسنی کیست، در کجا ظهور می کند و چگونه قیام می کند؟ ----- ۲۷۱۷
پرسش ----- ۲۷۱۷
پاسخ ----- ۲۷۱۷
با سلام و عرض ادب به ساحت امام عصر عج آیا نفس زکیه ای که در روایات در زمان ظهور مهدی موعود ع حضور دارد همان است که از اولاد امام حسن مجتبی می باشد؟ ----- ۲۷۱۸
پرسش ----- ۲۷۱۸
پاسخ ----- ۲۷۱۸
آیا آقا سید حسنی هستند؟ ----- ۲۷۲۰
پرسش ----- ۲۷۲۰
پاسخ ----- ۲۷۲۰
با سلام سید یمانی کیست؟ چه مشخصاتی دارد؟ اگر کسی چنین ادعایی کند از کجا به صدق یا کذب بودن اعای او پی ببریم. ----- ۲۷۲۱
پرسش ----- ۲۷۲۱
پاسخ ----- ۲۷۲۱

مقصود از "نفس زکیه" که قبل از ظهور کشته خواهد شد کیست؟ ---- ۲۷۲۲
پرسش ---- ۲۷۲۲
پاسخ ---- ۲۷۲۲
مقصود از صیحه وفزع آسمانی در علایم ظهور چیست؟ ---- ۲۷۲۴
پرسش ---- ۲۷۲۴
پاسخ ---- ۲۷۲۴
مقصود از ندای آسمانی در علایم ظهور چیست؟ ---- ۲۷۲۵
پرسش ---- ۲۷۲۵
پاسخ ---- ۲۷۲۵
دجال ---- ۲۷۲۶
منظور از دجّال که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام ظاهر می شود کیست؟ ---- ۲۷۲۶
پرسش ---- ۲۷۲۶
پاسخ ---- ۲۷۲۶
دجال کیست یا چیست ؟ ---- ۲۷۲۸
پرسش ---- ۲۷۲۸
پاسخ ---- ۲۷۲۸
در برخی از روایات ، علائمی مانند خروج دجال برای ظهور امام زمان(ع) بیان شده است. آیا بدون تحقق این نشانه ها امکان دارد حضرت ظهور کند؟ ---- ۲۷۳۰
پرسش ---- ۲۷۳۰
پاسخ ---- ۲۷۳۰
دجال کیست؟ ---- ۲۷۳۳
پرسش ---- ۲۷۳۳
پاسخ ---- ۲۷۳۳
آیا سفیانی همان دجال است که قبل از حضرت مهدی حکومت می کند؟ ---- ۲۷۳۵
پرسش ---- ۲۷۳۵
پاسخ ---- ۲۷۳۵
آیا جرج بوش همان دجالی است که به دست امام زمان(عج) کشته می شود؟ ---- ۲۷۳۵
پرسش ---- ۲۷۳۶
پاسخ ---- ۲۷۳۶
با توجه به روایات، آیا می توانند اشخاصی مانند صدام و بوش، همان دجال و سفیانی باشند؟(پ) ---- ۲۷۳۷
پرسش ---- ۲۷۳۷
پاسخ ---- ۲۷۳۷
علت اینکه خداوند متعال چنین قدرتی به دجال داده است چیست؟ ---- ۲۷۳۹
پرسش ---- ۲۷۳۹
پاسخ ---- ۲۷۳۹
با وجود روایات زیاد در مورد خروج دجال و سفیانی , چگونه ممکن است مردم با آنها همراه شوند؟ ---- ۲۷۴۱
پرسش ---- ۲۷۴۱
پاسخ ---- ۲۷۴۱
با ذکر منابع مشخصات دجال و سفیانی را ذکر نمائید. ---- ۲۷۴۶
پرسش ---- ۲۷۴۶
پاسخ ---- ۲۷۴۶
این که می گویند وقتی امام زمان(عج)می آید ایشان با شمشیر می جنگد و تمام سلاحهای پیشرفته دنیا از کار می افتد چگونه است؟می گویند دجال سوار بر الاغ است،یک چشم دارد ،یک کوه از پشت سر او و یک کوه در جلوی او حرکت می کند .سید خراسانی یا فردی به نام سف

پرسش ---------- ۲۷۴۸
پاسخ ---------- ۲۷۴۸
در بعضی از روایات اشاره شده است که در آخرالزمان دجال خواهد آمد. منظور از دجال چیست؟ آیا در جامعه کنونی ما مصداق دارد؟ ---------- ۲۷۵۳
پرسش ---------- ۲۷۵۳
پاسخ ---------- ۲۷۵۳
مسیح دجال کیست؟ ---------- ۲۷۵۵
پرسش ---------- ۲۷۵۵
پاسخ ---------- ۲۷۵۵
مقصود از خروج دجال که از علایم ظهور به حساب آمده چیست؟ ---------- ۲۷۵۶
پرسش ---------- ۲۷۵۶
پاسخ ---------- ۲۷۵۶
.۱- دجال چه کسی است ، و چه کارهایی انجام می دهد ؟ ---------- ۲۷۵۸
پرسش ---------- ۲۷۵۸
پاسخ ---------- ۲۷۵۹
علائم غیر حتمی ---------- ۲۷۶۰
این که می گویند اگر ۲۵ ما رمضان روز جمعه باشد، یا عاشورا جمعه باشد، امام زمان(عج) ظهور می کند، صحت دارد؟ ---------- ۲۷۶۰
پرسش ---------- ۲۷۶۰
پاسخ ---------- ۲۷۶۰
در برخی از کتاب ها مطرح شده است که امام زمان(ع) روز جمعه که مصادف با روز عاشورا و نوروز است ظهور می کند آیا این واقعیت دارد؟ ---------- ۲۷۶۱
پرسش ---------- ۲۷۶۱
پاسخ ---------- ۲۷۶۱
آیا بعد از حمله امریکا به عراق و اوضاع فعلی جهان غرب می شود گفت این امر و حوادث آینده زمینه را برای ظهور امام زمان(ع) فراهم کرده است؟ ---------- ۲۷۶۲
پرسش ---------- ۲۷۶۲
پاسخ ---------- ۲۷۶۲
آیا تا کنون علائمی از وعده ظهور روی داده است و چند وعده باقی مانده است؟ ---------- ۲۷۶۴
پرسش ---------- ۲۷۶۴
پاسخ ---------- ۲۷۶۴
نشانه های ظهور امام زمان (عج) و روز ظهور امام چه زمانی است؟ و پیشگویی هایی را که در مورد امام زمان (عج) گفته اند را بیان نمایید. ---------- ۲۷۶۶
پرسش ---------- ۲۷۶۶
پاسخ ---------- ۲۷۶۶
آیا صبح روز ظهور امام مهدی ع خورشید ــ مرکز منظومه شمسی ــ از غرب طلوع می کند یا این یک کنایه است؟ به دلایل علمی متقن خورشید همیشه از شرق طلوع می کند. ---------- ۲۷۶۹
پرسش ---------- ۲۷۶۹
پاسخ ---------- ۲۷۶۹
درباره این که می گویند از نشانه های ظهور موعود طلوع خورشید از مغرب است یعنی چه؟ آیا اوضاع گردش زمین دور خورشید تغییر می کند؟ ---------- ۲۷۷۱
پرسش ---------- ۲۷۷۱
پاسخ ---------- ۲۷۷۱
مقصود از خسوف وکسوف که از علایم ظهور است چیست؟ ---------- ۲۷۷۲
پرسش ---------- ۲۷۷۲
پاسخ ---------- ۲۷۷۲
۱- علائم ظهور امام زمان (عج) چیست ؟ ---------- ۲۷۷۳
پرسش ---------- ۲۷۷۳

پاسخ ---- ۲۷۷۳
علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟ ---- ۲۷۷۴
پرسش ---- ۲۷۷۴
پاسخ ---- ۲۷۷۴
علائم ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟ ---- ۲۷۷۸
پرسش ---- ۲۷۷۸
پاسخ ---- ۲۷۷۸
سایر علائم ---- ۲۷۸۶
طبق روایات ظلم و گناه در دنیا زمینه ظهور است , از سویی دیگر وظیفه ما عبادت و اخلاص است این دو چگونه قابل جمع است ؟ ---- ۲۷۸۶
پرسش ---- ۲۷۸۷
پاسخ ---- ۲۷۸۷
با توجه به این که بسیاری از مردم به انواع موسیقی ها روی آورده اند آیا ظهور حضرت مهدی ۷نزدیک نیست ؟ ---- ۲۷۸۷
پرسش ---- ۲۷۸۷
پاسخ ---- ۲۷۸۷
امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه هایی خواهد داشت ؟ ---- ۲۷۸۸
پرسش ---- ۲۷۸۸
پاسخ ---- ۲۷۸۸
چه آثاری در نقل علایم ظهور است؟ ---- ۲۷۸۹
پرسش ---- ۲۷۸۹
پاسخ ---- ۲۷۸۹
آیا علایم ظهور با احادیث نفی توقیت منافات دارد؟ ---- ۲۷۹۱
پرسش ---- ۲۷۹۱
پاسخ ---- ۲۷۹۱
آیا علایم ظهور متعلّق بدا واقع می شود؟ ---- ۲۷۹۱
پرسش ---- ۲۷۹۲
پاسخ ---- ۲۷۹۲
چه راه صحیحی در بررسی علایم ظهور پیشنهاد می کنید؟ ---- ۲۷۹۲
پرسش ---- ۲۷۹۲
پاسخ ---- ۲۷۹۳
آیا روایات علایم ظهور اشکال سندی ومتنی دارد؟ ---- ۲۷۹۳
پرسش ---- ۲۷۹۳
پاسخ ---- ۲۷۹۴
معرکه هرمجدّون چیست؟ ---- ۲۷۹۴
پرسش ---- ۲۷۹۴
پاسخ ---- ۲۷۹۴
مراد از ظهور اصغر واکبر چیست؟ ---- ۲۷۹۷
پرسش ---- ۲۷۹۷
پاسخ ---- ۲۷۹۷
آیا علایم قریب برای ظهور، با اینکه حضرت به طور ---- ۲۷۹۷
اشاره ---- ۲۷۹۷
پرسش ---- ۲۷۹۷

پاسخ ---------- ۲۷۹۸

۱- نشانه های آخر الزمان که کاملا روشن و آشکار هستند و تا بحال اتفاق افتاده چیست ؟ ---------- ۲۷۹۸

پرسش ---------- ۲۷۹۸

پاسخ ---------- ۲۷۹۸

۱- نشانه های امام زمان چیست ؟ ظهور !! یا خود حضرت ؟ ---------- ۲۸۰۳

پرسش ---------- ۲۸۰۳

پاسخ ---------- ۲۸۰۳

۲- در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیحاتی بدهید ؟ ---------- ۲۸۰۹

پرسش ---------- ۲۸۰۹

پاسخ ---------- ۲۸۰۹

دیگر علائم ظهور نورهایی که در شهرهای شمال غربی یعنی اردبیل ،تبریز که نوری در آسمان مشاهده شده است چگونه می باشد. ---------- ۲۸۱۴

پرسش ---------- ۲۸۱۴

پاسخ ---------- ۲۸۱۴

آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟ ---------- ۲۸۱۶

پرسش ---------- ۲۸۱۶

پاسخ ---------- ۲۸۱۶

دنیا بعد از ظهور امام زمان(عج) چه طور خواهد شد و وضعیت دنیا قبل از ظهور آن حضرت چگونه است؟ ---------- ۲۸۱۷

پرسش ---------- ۲۸۱۷

پاسخ ---------- ۲۸۱۷

در مورد ظهور امام زمان (عج) و علائم ظهورش، و چگونگی ارتباط با آن حضرت توضیح دهید. ---------- ۲۸۱۹

پرسش ---------- ۲۸۱۹

پاسخ ---------- ۲۸۱۹

سلسله حوادث و اتفاقاتی که پیش زمینه ظهور حضرت صاحب الامر است، تا چه مقدار تحقق یافته و کدام یک مخقق شده است؟ ---------- ۲۸۲۲

اشاره ---------- ۲۸۲۲

پرسش ---------- ۲۸۲۲

پاسخ ---------- ۲۸۲۲

حکومتی که قبل از ظهور امام زمان(عج) در یکی از کشورهای عربی تشکیل می شود و حکومتی شبیه حکومت عباسیان است، چه نوع حکومتی است؟ آیا حکومتی که اکنون در عراق تشکیل شده است، می تواند همان باشد؟ در این باره توضیح دهید. ---------- ۲۸۲۸

پرسش ---------- ۲۸۲۸

پاسخ ---------- ۲۸۲۹

در برخی جزوات چاپ شده که شواهدی برای ظهور امام عصر(ع) دیده شده است، مثلاً زلزله های مکرر و جنگ. آیا در متون اسلامی چنین چیزی وجود دارد؟ لطفاً در این زمینه مطالبی را به اطلاع ما برسانید. ---------- ۲۸۲۹

پرسش ---------- ۲۸۲۹

پاسخ ---------- ۲۸۲۹

از علائم ظهور کدام یک تا کنون به وقوع پیوسته است؟(پ) ---------- ۲۸۳۵

پرسش ---------- ۲۸۳۵

پاسخ ---------- ۲۸۳۵

آیا این مطلب که در احادیث شریفه آمده که: ظاهر نمی شود مهدی(عج) مگر آنکه دو سوم مردم جهان در اثر جنگها از بین بروند، دور از ذهن نیست؟ ---------- ۲۸۴۱

پرسش ---------- ۲۸۴۱

پاسخ ---------- ۲۸۴۱

علایم ظهور حضرت ولی عصر (ع) چیست؟ ---------- ۲۸۴۳

پرسش ---------- ۲۸۴۳

پاسخ ---------- ۲۸۴۳

مفاسد دوران آخرالزمان بر چند قسم است؟ ---- ۲۸۴۹

پرسش ---- ۲۸۴۹

پاسخ ---- ۲۸۴۹

آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟ ---- ۲۸۵۱

پرسش ---- ۲۸۵۱

پاسخ ---- ۲۸۵۱

هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای ظالم و ستمکار چه می شود؟ ---- ۲۸۵۲

پرسش ---- ۲۸۵۲

پاسخ ---- ۲۸۵۲

هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای گناهکار چه می شود؟ ---- ۲۸۵۵

پرسش ---- ۲۸۵۵

پاسخ ---- ۲۸۵۶

احادیث، روایات و مستندات زیادی درباره ظهور حضرت حجه (عج) آمده است. از جمله حوادث عراق و ...، آیا انشاء الله امید زیادی به ظهور آقا هست و یا اینکه ممکن است مواردی قبلاً درباره فرج ذکر شده باشد ولی امروزه به دلایلی منسوخ شود. و آیا خیلی از علما وعده هایی از

پرسش ---- ۲۸۶۰

پاسخ ---- ۲۸۶۱

آیا سخنانی که درباره ظهور امام زمان غ گفته می شود، حقیقت دارد؟ ---- ۲۸۶۲

پرسش ---- ۲۸۶۲

پاسخ ---- ۲۸۶۲

مهم ترین مسایل امنیتی در آخرالزمان از سوی قرآن چه معرفی گشته است ---- ۲۸۶۳

پرسش ---- ۲۸۶۳

پاسخ ---- ۲۸۶۳

در رابطه با ظهور امام زمان (عج) روایاتی هست که اشاره به بعضی قیامها نموده است در حالیکه در شرایط فعلی غیر ممکن است چگونه توجیه می کنید؟ ---- ۲۸۶۵

پرسش ---- ۲۸۶۵

پاسخ ---- ۲۸۶۵

می دانیم از نشانه های ظهور امام زمان(عج) این است که زنان شبیه مردان می شوند و دنیاطلب می شوند. خیلی می ترسم که یکی از این افراد شوم مخصوصا وقتی به دانشگاه می روم چنین احساسی دارم چه کنم تا از این افراد نباشم؟ ---- ۲۸۶۶

پرسش ---- ۲۸۶۶

پاسخ ---- ۲۸۶۶

درروایت است که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است چرا دینداری در آخرالزمان سخت تر از زمان های دیگر است ؟ ---- ۲۸۶۸

پرسش ---- ۲۸۶۸

پاسخ ---- ۲۸۶۸

معنای این جمله که می گویند زمان ظهور از اسلام و قرآن چیزی جز نام باقی نمانده است چیست ؟ ---- ۲۸۶۹

پرسش ---- ۲۸۶۹

پاسخ ---- ۲۸۶۹

آیا در عصر نزدیک به ظهور همه مردم از دین فاصله می گیرند یا اینکه بطرف دین بیشتر می آیند؟ ---- ۲۸۶۹

پرسش ---- ۲۸۶۹

پاسخ ---- ۲۸۶۹

با وجود جنگ امریکا و عراق فکر نمی کنید دوره آخرالزمان است و آیا قبلاً در این مورد حدیثی یا آیه ای نازل نشده است؟ ---- ۲۸۷۱

پرسش ---- ۲۸۷۱

پاسخ ---- ۲۸۷۱

آیا به نظر شما نیز نشانه های ظهور نزدیک است یا این تصوراتی است که ما داریم ؟ ---- ۲۸۷۷

پرسش ---- ۲۸۷۷

پاسخ ----- ۲۸۷۷

آیا بعد از امام خامنه ای رهبرمان امام زمان است و او در این نزدیکی ها ظهور خواهد کرد و چشم ما به جمالش روشن خواهد شد یا نه و اگر امام زمان ظهور نکرد رهبر چه کسی خواهد بود یا حداقل چه کسی برازنده این کار است که رهبری شیعیان را بر عهده گیرد.اگر امکان دارد

پرسش ----- ۲۸۷۸

پاسخ ----- ۲۸۷۸

آخرالزمان یعنی چه؟ اوضاع جهان و مردم جهان در دوره آخرالزمان چگونه است؟ ----- ۲۸۷۹

پرسش ----- ۲۸۷۹

پاسخ ----- ۲۸۷۹

در مورد ظهور امام زمان چه استدلال عقلی یا آیات و روایات وجود دارد؟ ----- ۲۸۸۱

پرسش ----- ۲۸۸۱

پاسخ ----- ۲۸۸۱

با توجه به آیه ۳۸ سوره حجر: "یوم الوقت المعلوم چه روزی است اگر روز قیام امام زمان غ است مگر بعد از ظهور حضرت دیگر گنه کار یافت نمی شود؟ مگر قاتل امام زمان غ را شیطان گول نمی زند؟ آیا بعد از ظهور آن حضرت باز هم یهود و نصارا وجود دارد؟ ----- ۲۸۸۴

پرسش ----- ۲۸۸۴

پاسخ ----- ۲۸۸۴

وقایع روز ظهور ----- ۲۸۸۶

تاریخ ومحل ----- ۲۸۸۶

چرا روز جمعه اختصاص به امام زمان(ع) دارد؟ و چرا می گویند: امام زمان در روز جمعه ظهور می کند؟ ----- ۲۸۸۶

پرسش ----- ۲۸۸۶

پاسخ ----- ۲۸۸۶

چرا امام زمان(ع) در ایران ظهور نمیکند و چرا محل ظهور او در مکه است؟ ----- ۲۸۸۷

پرسش ----- ۲۸۸۷

پاسخ ----- ۲۸۸۷

امام زمان(ع) کی ظهور خواهد کرد؟ امام زمان کیست و کجا است؟ ----- ۲۸۸۸

پرسش ----- ۲۸۸۸

پاسخ ----- ۲۸۸۸

ظهور امام زمان(ع) در مکّه صورت می گیرد، برای افرادی که در کشورهای دور هستند چگونه اطلاع حاصل می شود آیا رسانه ها در این زمینه نقشی دارند؟ ----- ۲۸۹۴

پرسش ----- ۲۸۹۴

پاسخ ----- ۲۸۹۴

در خصوص چگونگی و مکان ظهور امام زمان(ع) توضیح بفرمایید. اگر حضرت مهدی ظهور کند، همه مردم می میرند و قیامت فرا می رسد؟ آیا پیامبران از ظهور حضرت مهدی(ع) آگاه خواهند شد؟ ----- ۲۸۹۵

پرسش ----- ۲۸۹۵

پاسخ ----- ۲۸۹۵

امام زمان(ع) در وقت ظهور به کدام رکن از ارکان کعبه تکیه خواهد زد؟ ----- ۲۸۹۸

پرسش ----- ۲۸۹۸

پاسخ ----- ۲۸۹۹

آیا در زمان ما امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد و سعادت دیدار حضرت را خواهیم داشت؟ ----- ۲۸۹۹

پرسش ----- ۲۸۹۹

پاسخ ----- ۲۸۹۹

آیا امام زمان (عج) از هند ظهور خواهد کرد ؟ ----- ۲۹۰۰

پرسش ----- ۲۹۰۰

پاسخ ----- ۲۹۰۰

آیا این ادعا که امام زمان (عج) در سرداب که محل غیبت ایشان است باقی است و از آنجا ظهور خواهد کرد صحیح است؟ ----- ۲۹۰۱

پرسش ----- ۲۹۰۱

پاسخ ---- ۲۹۰۱
مصلحی که جهان در انتظار اوست چه موقعی ظهور می کند؟ و پس از آن چه خواهد کرد؟ ---- ۲۹۰۳
پرسش ---- ۲۹۰۳
پاسخ ---- ۲۹۰۳
حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره خضرا زندگی می کنند صحیح است ؟ ---- ۲۹۰۴
پرسش ---- ۲۹۰۴
پاسخ ---- ۲۹۰۴
چرا ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان رخ می دهد؟ ---- ۲۹۰۴
پرسش ---- ۲۹۰۴
پاسخ ---- ۲۹۰۴
امام زمان (عج) از کجا ظهور خواهند کرد و در کجا کلمه الله اکبر را ادا خواهند نمود که تمام جهانیان بشنوند؟ ---- ۲۹۰۶
پرسش ---- ۲۹۰۶
پاسخ ---- ۲۹۰۶
آیا ظهور امام زمان(عج) قبل از قیامت است؟ در مورد نحوه ظهور و جامعه و مردم آن زمان مختصراً توضیح دهید. ---- ۲۹۰۶
پرسش ---- ۲۹۰۶
پاسخ ---- ۲۹۰۶
امام زمان در چه روزی و در چه زمانی و در چه ماهی ظهور می کند؟ ---- ۲۹۰۷
پرسش ---- ۲۹۰۷
پاسخ ---- ۲۹۰۷
امام زمان چگونه و در کجا ظهور می کند؟ ---- ۲۹۰۸
پرسش ---- ۲۹۰۸
پاسخ ---- ۲۹۰۸
امام دوازدهم عج) چه زمان ظهور خواهند کرد؟ ---- ۲۹۱۰
پرسش ---- ۲۹۱۰
پاسخ ---- ۲۹۱۰
آیا تعیین وقت برای ظهور و اینکه علماء گفته اند ظهور نزدیک است صحیح است ؟ ---- ۲۹۱۲
پرسش ---- ۲۹۱۲
پاسخ ---- ۲۹۱۲
امام زمان ۷چه مو قع ظهور می کند؟ ---- ۲۹۱۲
پرسش ---- ۲۹۱۳
پاسخ ---- ۲۹۱۳
چرا زمان ظهور امام زمان ۷بر هیچکس معلوم نیست ؟ ---- ۲۹۱۳
پرسش ---- ۲۹۱۳
پاسخ ---- ۲۹۱۳
آیا امام زمان علیه السلام از سرداب مقدس ظهور خواهد کرد؟ ---- ۲۹۱۴
پرسش ---- ۲۹۱۴
پاسخ ---- ۲۹۱۴
حکمت معین نبودن وقت ظهور حضرت چیست؟ ---- ۲۹۱۴
پرسش ---- ۲۹۱۴
پاسخ ---- ۲۹۱۵
آیا تعیین وقت ظهور صحیح است؟ ---- ۲۹۱۶

پرسش ----- ۲۹۱۶

پاسخ ----- ۲۹۱۶

اولین مکانی که حضرت در آنجا ظهور می کند کجاست؟ ----- ۲۹۱۸

پرسش ----- ۲۹۱۸

پاسخ ----- ۲۹۱۸

آیا امام زمان - عجل الله تعالی فرجه - از هند ظهور خواهد کرد؟ ----- ۲۹۱۸

پرسش ----- ۲۹۱۸

پاسخ ----- ۲۹۱۸

آیا قیامت که در قرآن توصیف آن آمده زودتر اتفاق می افتد یا ظهور حضرت ولی عصرغ زیرا در روایات آمده که یاران آن حضرت که از دنیا رفته اند در زمان ظهور آن حضرت زنده می شوند و در خدمت آن حضرت هستند، و ما نیز این زنده شدن را در قیامت داریم ..؟ - ۲۹۲۰

پرسش ----- ۲۹۲۰

پاسخ ----- ۲۹۲۰

۱۰- زمان ظهور امام زمان (عج) چه وقت است ؟ ----- ۲۹۲۴

پرسش ----- ۲۹۲۴

پاسخ ----- ۲۹۲۴

مکان و نحوه ظهور امام زمان(عج)چگونه خواهد بود؟ ----- ۲۹۲۵

پرسش ----- ۲۹۲۵

پاسخ ----- ۲۹۲۵

حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره ء خضرا زندگی می کنند صحیح است ؟ ----- ۲۹۲۶

پرسش ----- ۲۹۲۶

پاسخ ----- ۲۹۲۶

آیا امام زمان (عج) روز جمعه ظهور می کنند؟ ----- ۲۹۲۶

پرسش ----- ۲۹۲۷

پاسخ ----- ۲۹۲۷

با توجه به بعضی گفته ها آیا می توان زمان ظهور را مشخص کرد؟ ----- ۲۹۲۷

پرسش ----- ۲۹۲۷

پاسخ ----- ۲۹۲۷

نظر شما در مورد افرادی که برای ظهور آقا امام زمان وقت تعیین می کنند چیست. آیاافراد از تاریخ ظهور ایشان اطلاع دارند. ----- ۲۹۲۹

پرسش ----- ۲۹۲۹

پاسخ ----- ۲۹۲۹

چرا امام زمان روز جمعه را برای ظهور انتخاب کرده اند می توانست روزهای دیگر هفته باشد حتی می توانست روز چهارشنبه باشد جوابی غیر از تقدس جمعه وجود دارد؟ ----- ۲۹۲۹

پرسش ----- ۲۹۲۹

پاسخ ----- ۲۹۲۹

آیا از وقت ظهور اطّلاع دادن صحیح است؟ ----- ۲۹۳۰

پرسش ----- ۲۹۳۰

پاسخ ----- ۲۹۳۰

چگونگی اعلان ----- ۲۹۳۰

نخستین اقدام حضرت مهدی ۷پس از ظهور چه خواهد بود؟ ----- ۲۹۳۰

پرسش ----- ۲۹۳۱

پاسخ ----- ۲۹۳۱

امام زمان(ع) وقتی که ظهور می کند ابتدائاً چه کارهایی را انجام می دهد؟ ----- ۲۹۳۱

پرسش ----- ۲۹۳۱

پاسخ ---------- ۲۹۳۱
آیا هنگام ظهور امام زمان(ع) دستگاه های اطلاع رسانی از کار خواهد افتاد. در این صورت امام زمان(ع) چگونه از کعبه صدای خویش را به جهانیان می رساند؟ ---------- ۲۹۳۳
پرسش ---------- ۲۹۳۳
پاسخ ---------- ۲۹۳۳
اوّلین جمله ای که امام زمان(عج اللّه فرجه) پس از ظهور خواهند فرمود، چیست؟ ---------- ۲۹۳۴
پرسش ---------- ۲۹۳۴
پاسخ ---------- ۲۹۳۴
آیا روز ظهور امام زمان"عج" همه عالم صدای حضرتش را می شنوند؟ روال دنیا پس از آن چگونه خواهد بود؟ ---------- ۲۹۳۴
پرسش ---------- ۲۹۳۴
پاسخ ---------- ۲۹۳۴
زمانی که امام زمان(عج) ظهور می کند، در دنیا چه اتفاقی می افتد؟ ---------- ۲۹۴۰
پرسش ---------- ۲۹۴۰
پاسخ ---------- ۲۹۴۰
آیا زمانی که حضرت مهدی((علیه السلام)) ظهور کرد سخن وی را تمام مردمان کره زمین می شنوند؟ ---------- ۲۹۴۵
پرسش ---------- ۲۹۴۵
پاسخ ---------- ۲۹۴۵
در زمان ظهور حضرت حجّه((علیه السلام)) مؤمنین از راه دور چگونه با حضرت ارتباط برقرار می کنند؟ ---------- ۲۹۴۵
پرسش ---------- ۲۹۴۶
پاسخ ---------- ۲۹۴۶
در عصر ظهور حضرت مهدی چه حوادثی اتفاق می افتد ---------- ۲۹۴۶
پرسش ---------- ۲۹۴۶
پاسخ ---------- ۲۹۴۶
آیا امام زمان هنگام ظهور از طریق معجزه با همه مردم ارتباط بر قرار میکند یا ممکن است با استفاده از شبکه اینترنت؟ ---------- ۲۹۴۷
پرسش ---------- ۲۹۴۷
پاسخ ---------- ۲۹۴۷
می گویند: وقتی امام زمان غ ظهور می فرماید، تمام "دستگاه های جدید" از کار می افتد. آیا در این باره در قرآن سخنی به میان آمده و یا حدیثی از ائمه وارد شده است لطفاً حدیث را بیان کنید. در ضمن بفرمایید امام زمان غ هنگامی که در کنار خانه کعبه قرار می گیرد، ۹۴۹
پرسش ---------- ۲۹۴۹
پاسخ ---------- ۲۹۴۹
آیا در قرآن کریم و احادیث امامان معصوم ، در مورد چگونگی انتقال پیام امام زمان غ از کعبه و رسیدن این پیام به گوش جهانیان مطلبی آمده است ---------- ۲۹۵۲
پرسش ---------- ۲۹۵۲
پاسخ ---------- ۲۹۵۲
بیعت ---------- ۲۹۵۲
هنگام ظهور امام زمان(ع) چه کسی اول با خبر می شود؟ ---------- ۲۹۵۳
پرسش ---------- ۲۹۵۳
پاسخ ---------- ۲۹۵۳
در موقع ظهور امام زمان(عج) اولین کسی که با او بیعت می کند، کیست؟ ---------- ۲۹۵۳
پرسش ---------- ۲۹۵۳
پاسخ ---------- ۲۹۵۳
امام زمان(ع) چگونه با امت خود بیعت خواهد کرد؟ ---------- ۲۹۵۴
پرسش ---------- ۲۹۵۴
پاسخ ---------- ۲۹۵۴

اوّل کسی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کند چه کسی است؟ ---- ۲۹۵۶
پرسش ---- ۲۹۵۶
پاسخ ---- ۲۹۵۶
آیا جبرئیل بعد از وفات رسول خداصلی الله وعلیه وآله عهد کرده که بر زمین نازل نشود؟ ---- ۲۹۵۷
پرسش ---- ۲۹۵۷
پاسخ ---- ۲۹۵۷
آیا با امام زمان علیه السلام از روی اکراه بیعت می شود؟ ---- ۲۹۵۷
پرسش ---- ۲۹۵۷
پاسخ ---- ۲۹۵۸
چه کسانی با حضرت مهدی علیه السلام بیعت خواهند کرد؟ ---- ۲۹۵۸
پرسش ---- ۲۹۵۸
پاسخ ---- ۲۹۵۸
راه شناخت حضرت ---- ۲۹۵۹
آیا وقتی امام زمان (ع) ظهور می کند، چهره او را می شناسیم؟ ---- ۲۹۵۹
پرسش ---- ۲۹۵۹
پاسخ ---- ۲۹۵۹
وقتی که امام زمان (عج) ظهور می کنند مردم از کجا بفهمند که او امام است ؟ ---- ۲۹۵۹
پرسش ---- ۲۹۵۹
پاسخ ---- ۲۹۵۹
هنگام ظهور حضرت مهدی((علیه السلام)) چگونه مردم، می فهمند که آن حضرت مهدی((علیه السلام)) است در صورتی که وی غائب بوده و مردم وی را ندیده اند؟ ---- ۲۹۶۰
پرسش ---- ۲۹۶۰
پاسخ ---- ۲۹۶۰
امام زمان(عج) وقتی ظهور می کنند می گویند یک پرچم در دست دارند و روی پرچم جمله ای نوشته شده است آن جمله چیست؟ ---- ۲۹۶۰
پرسش ---- ۲۹۶۰
پاسخ ---- ۲۹۶۰
مخالفین حضرت ---- ۲۹۶۱
هنگام ظهور امام زمان چه کسانی علیه ایشان به پا می خیزند؟ ---- ۲۹۶۱
پرسش ---- ۲۹۶۱
پاسخ ---- ۲۹۶۱
چرا علمای بزرگ در کتاب های خود از امام زمان(عج) به یک صورت سخن نرانده اند یکی می گوید امام زمان(عج) خیلی از مردم را می کشد یکی می گوید ۷ نفر را می کشد و ... چرا چنین است؟ ---- ۲۹۶۳
پرسش ---- ۲۹۶۳
پاسخ ---- ۲۹۶۳
گویند هنگامی که امام ظهور کند تمامی فقهای آن دوره با ایشان دشمن می شوند، آیا چنین چیزی صحت دارد؟ روایتی موجود است؟ ---- ۲۹۶۵
پرسش ---- ۲۹۶۵
پاسخ ---- ۲۹۶۵
تجهیزات حضرت ---- ۲۹۷۱
وقتی حضرت امام زمان ۷ظهور می کند, با کمی جمعیت و جنگ افزارهای قدیمی و از رده خارج شده , چگونه می تواند باآن همه دشمن و دارای سلاح مجهّز مبارزه کرده و بر آن ها پیروز شود؟ ---- ۲۹۷۱
پرسش ---- ۲۹۷۱
پاسخ ---- ۲۹۷۱
آیا امام زمان(عج) با اسب و شمشیر ظهور خواهد کرد یا با پیشرفته ترین سلاح؟ ---- ۲۹۷۳
پرسش ---- ۲۹۷۳

پاسخ ---- ۲۹۷۳
آیا امام زمان(عج) وقتی که ظهور می کند، با سلاح های امروزی قیام می کند یا با سلاح های قدیمی؟ اگر با سلاح های قدیمی مانند شمشیر باشد، چگونه می تواند با سلاح های مدرن مبارزه کند؟ ---- ۲۹۷۷
پرسش ---- ۲۹۷۷
پاسخ ---- ۲۹۷۷
بهترین سلاح امام زمان(عج) در هنگام مبارزه چه سلاحی است؟ ---- ۲۹۷۸
پرسش ---- ۲۹۷۸
پاسخ ---- ۲۹۷۸
در هنگام ظهور، امام زمان (عج) از چه سلاح هایی برای مبارزه با دشمن بهره می گیرد؟ ---- ۲۹۷۹
پرسش ---- ۲۹۷۹
پاسخ ---- ۲۹۷۹
امام زمان(عج) با شمشیر می جنگد یا با سلاح پیشرفته؟ ---- ۲۹۸۱
پرسش ---- ۲۹۸۱
پاسخ ---- ۲۹۸۱
امام زمان(عج) با شمشیر می جنگد یا با سلاح پیشرفته؟ ---- ۲۹۸۶
پرسش ---- ۲۹۸۶
پاسخ ---- ۲۹۸۶
امام زمان(عج) با شمشیر می جنگد یا با سلاح پیشرفته؟ ---- ۲۹۹۳
پرسش ---- ۲۹۹۳
پاسخ ---- ۲۹۹۳
۱- امام مهدی(ع) در برابر سلاحهای مخوف چگونه مانند جدش با شمشیر قیام خواهد کرد؟ ---- ۲۹۹۸
پرسش ---- ۲۹۹۸
پاسخ ---- ۲۹۹۸
آیا شمشیر حضرت علی(ع) نزد حضرت مهدی موجود می باشد؟ ---- ۲۹۹۸
پرسش ---- ۲۹۹۸
پاسخ ---- ۲۹۹۹
آیا آن حضرت در جنگ با کفار و مشرکین از ابزار جنگی جدید در جهان استفاده خواهند کرد؟ ---- ۲۹۹۹
پرسش ---- ۲۹۹۹
پاسخ ---- ۲۹۹۹
آیا جنگ امام زمان(عج) در موقع ظهور با سلاح های قدیمی است یا سلاح جدید؟ ---- ۳۰۰۱
پرسش ---- ۳۰۰۱
پاسخ ---- ۳۰۰۱
در احادیث آمده که حضرت صاحب الزمان(عج) با شمشیر می آیند و مردم ظالم را می کشند می خواهم بپرسم در زمان حال که این قدر سلاح های پیشرفته وجود دارد چطور امام زمان(عج) فقط با شمشیر می جنگد؟ ---- ۳۰۰۴
پرسش ---- ۳۰۰۴
پاسخ ---- ۳۰۰۴
۲- سلاح حضرت و یاران در هنگام ظهور ، شمشیر و اسلحه ی قدیمی است یا سلاحهای جدید و اگر سلاحهای جدید است، چطور با احادیث تطبیق دارد ؟ ---- ۳۰۰۶
پرسش ---- ۳۰۰۶
پاسخ ---- ۳۰۰۶
ابزار دفاع امام زمان (عج) هنگام ظهور چیست ؟ ---- ۳۰۰۷
پرسش ---- ۳۰۰۷
پاسخ ---- ۳۰۰۷
هدف وچگونگی ظهور ---- ۳۰۱۰

وقتی که امام زمان(عج) ظهر می کند، چه برنامه هایی دارد؟ ۳۰۱۰
پرسش ۳۰۱۰
پاسخ ۳۰۱۰
اولین جایی که بوسیله امام زمان(ع) فتح خواهد شد کجا است؟ ۳۰۱۳
پرسش ۳۰۱۳
پاسخ ۳۰۱۳
می گویند لشکر امام زمان(ع) از جنوب ایران خواهد گذشت و برترین و امن ترین شهر ها بیت المقدس خواهد بود. آیا این مطالب صحّت دارد؟ ۳۰۱۵
پرسش ۳۰۱۵
پاسخ ۳۰۱۵
چرا وقتی صحبت از امام زمان می شود، او را شمشیر به دست و اسب سواری عنوان می کنند که از مکّه قیام می کند و پی انتقام و خونریزی می رود؟! اگر قرار به جنگ و کشتن بود که امام زمان غایب نمی شد! اصولاً امام زمان می آید تا ترویج دین کند یا خون به پا کند؟ ۳۰۱۵
پرسش ۳۰۱۵
پاسخ ۳۰۱۶
قیام امام زمان چگونه است؟(پ) ۳۰۱۷
پرسش ۳۰۱۷
پاسخ ۳۰۱۷
ظهور امام زمان(عج) به صورت معنوی است و یا جسمانی؟ ۳۰۱۹
پرسش ۳۰۱۹
پاسخ ۳۰۱۹
قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟ ۳۰۲۱
پرسش ۳۰۲۱
پاسخ ۳۰۲۲
آیا می توانید به ترسیم زمان ظهور و زمان آن بپردازید؟ ۳۰۲۸
پرسش ۳۰۲۸
پاسخ ۳۰۲۸
حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور چه عملی انجام می دهند؟ ۳۰۳۳
پرسش ۳۰۳۳
پاسخ ۳۰۳۳
پس از ظهور ۳۰۳۴
رجعت ۳۰۳۴
مفهوم رجعت ۳۰۳۴
رجعت از دیدگاه شیعه چیست ؟ ۳۰۳۴
پرسش ۳۰۳۴
پاسخ ۳۰۳۴
رجعت را توضیح دهید. ۳۰۳۶
پرسش ۳۰۳۶
پاسخ ۳۰۳۶
رجعت و هدف از آن را بیان نمایید. ۳۰۳۹
پرسش ۳۰۳۹
پاسخ ۳۰۳۹
رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟ ۳۰۴۵
پرسش ۳۰۴۵

پاسخ ----- ۳۰۴۵

سیر منطقی مسئله رجعت را بیان کنید ؟ ----- ۳۰۵۰

پرسش ----- ۳۰۵۰

پاسخ ----- ۳۰۵۰

رجعت یعنی چه؟رجعت معصومین به چه صورت می باشد؟ ----- ۳۰۵۲

پرسش ----- ۳۰۵۲

پاسخ ----- ۳۰۵۳

رجعت چیست؟ ----- ۳۰۵۶

پرسش ----- ۳۰۵۶

پاسخ ----- ۳۰۵۶

مساءله رجعت امام زمان (عج) را کاملا توضیح بفرمایید. ----- ۳۰۵۷

پرسش ----- ۳۰۵۷

پاسخ ----- ۳۰۵۷

مسأله رجعت و بداء را توضیح دهید. ----- ۳۰۶۰

پرسش ----- ۳۰۶۰

پاسخ ----- ۳۰۶۰

از آن جا که رجعت , از نشانه ها و دلائل صحت نبوت است , بایستی مانند دیگر معجزات , در زمان حیات پیغمبر (ص) رخ دهد. و حال ان که می گویید در زمان آخر الزمان و ظهور امام مهدی ع روی می دهد. ----- ۳۰۶۴

پرسش ----- ۳۰۶۴

پاسخ ----- ۳۰۶۴

آیا درست است که بر این باور باشیم که اعلام به رجعت صحیح و روا نیست , زیراباعث اغرا به جهل مردم می گردد, و عده ای کم ایمان را به گناه سوق می دهد که انان عدم ارتکاب معاصی یا توبه از گناهان را به بازگشت خودموکول کنند؟ ----- ۳۰۷۰

پرسش ----- ۳۰۷۰

پاسخ ----- ۳۰۷۱

سابقه اعتقاد به رجعت از چه زمانی است؟ ----- ۳۰۷۴

پرسش ----- ۳۰۷۴

پاسخ ----- ۳۰۷۴

آیا رجعت از ضروریات تشیع است؟ ----- ۳۰۷۶

پرسش ----- ۳۰۷۶

پاسخ ----- ۳۰۷۶

چرا متکلمین بحث از رجعت را در علم کلام مطرح می کنند؟ ----- ۳۰۷۶

پرسش ----- ۳۰۷۶

پاسخ ----- ۳۰۷۷

درباره رجعت چه دیدگاه هایی وجود دارد؟ ----- ۳۰۷۷

پرسش ----- ۳۰۷۷

پاسخ ----- ۳۰۷۷

درباره رجعت و احادیث مربوط به آن در قرآن واحادیث توضیح بفرمایید؟ ----- ۳۰۷۸

پرسش ----- ۳۰۷۸

پاسخ ----- ۳۰۷۸

رجعت چیست؟ ----- ۳۰۸۱

پرسش ----- ۳۰۸۱

پاسخ ----- ۳۰۸۱

در مورد مسئله رجعت و اتفاقاتی که در زمان ظهور امام زمان می افتد چگونه می توان ایمان و معرفت مناسب پیدا کرد؟همچنین در مورد ظهور امام زمان و وجود مبارک ایشان؟ ----- ۳۰۸۴

پرسش ---------- ۳۰۸۴
پاسخ(قسمت اول) ---------- ۳۰۸۵
پاسخ(قسمت دوم) ---------- ۳۰۹۴
نظر صحیح درباره رجعت چیست؟ ---------- ۳۰۹۷
پرسش ---------- ۳۰۹۷
پاسخ ---------- ۳۰۹۷
رجعت کنندگان ---------- ۳۱۰۱
آیا کسانی که عاشقان واقعی آقا امام زمان(عج) هستند، پس از مرگ در هنگام ظهور آقا امام زمان(عج) سر از خاک بیرون می آوردند؟ ---------- ۳۱۰۱
پرسش ---------- ۳۱۰۱
پاسخ ---------- ۳۱۰۱
آیا بعد از آمدن حضرت مهدی(عج) پیامبران می آیند؟ ---------- ۳۱۰۳
پرسش ---------- ۳۱۰۳
پاسخ ---------- ۳۱۰۳
آیا ائمه(ع) به کمک آن حضرت می آیند؟ ---------- ۳۱۰۴
پرسش ---------- ۳۱۰۴
پاسخ ---------- ۳۱۰۴
آیا همه امامان در ظهور حضرت مهدی (عج) زنده خواهند شد و بعد از عدل و داد در دنیا آیا آنهائی که ایمانشان ضعیف است آنها را شفاعت خواهند کرد (توضیح دهید) ---------- ۳۱۰۶
پرسش ---------- ۳۱۰۶
پاسخ ---------- ۳۱۰۶
آیا رجعت از امام حسین (ع) شروع و به امام حسن عسکری (ع) ختم می شود یا غیر این است؟ ---------- ۳۱۰۸
پرسش ---------- ۳۱۰۸
پاسخ ---------- ۳۱۰۸
در بحث رجعت دوباره انسان در هنگامه ظهور امام زمان که به قول علامه مجلسی بیش از(و یا در حدود)۲۰۰ آیه و ۵۰۰ روایت موجود می باشد مطرح است که دو دسته از انسانها قابلیت رجعت دارند دسته اول انسان صالح و دسته دوم انسان طالح(بدکار و بدنام) در مورد دسته او
پرسش ---------- ۳۱۱۱
پاسخ ---------- ۳۱۱۱
در آیه ۵۵ سوره مبارکه آل عمران آمده است "إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَرَافِعُکَ إِلَیَّ" آیا به واسطه این آیه می توان فرود آمدن حضرت عیسی غ به زمین در زمان ظهور حضرت مهدی غ را یکی از اقسام رجعت بدانیم ---------- ۳۱۱۵
پرسش ---------- ۳۱۱۵
پاسخ ---------- ۳۱۱۵
آیا صحیح است که درزمان ظهور امام زمان (عج) افرادصالحی مانند مالک اشتر و شیخ عباس قمی و غیره زنده می شوند، و جزء یاران آن حضرت قرار می گیرند؟ ---------- ۳۱۱۶
پرسش ---------- ۳۱۱۶
پاسخ ---------- ۳۱۱۶
آیا حقیقت دارد که بعد از ظهور امام زمان(عج) و دوران امامت ایشان حضرت علی(ع) دوباره رجعت می کند و یک دوره خلافت در زمین دارد؟ ---------- ۳۱۱۶
پرسش ---------- ۳۱۱۶
پاسخ ---------- ۳۱۱۷
آیا رجعت در مورد پیامبر اکرم نیز صادق است ؟اگر پاسخ مثبت است پس عقلا در هنگام حضور نبی رهبری وصی نقض می شود آیا بدین گونه است ؟ ---------- ۳۱۱۹
پرسش ---------- ۳۱۱۹
پاسخ ---------- ۳۱۱۹
اگر باید امام را امام دیگر غسل دهد، حضرت را چه کسی غسل خواهد داد؟ ---------- ۳۱۲۱
پرسش ---------- ۳۱۲۱
پاسخ ---------- ۳۱۲۱
آیا رجعت عمومی وهمگانی است؟ ---------- ۳۱۲۱

پرسش ---------- ۳۱۲۲

پاسخ ---------- ۳۱۲۲

رجعت مربوط به چه کسانی است ---------- ۳۱۲۲

پرسش ---------- ۳۱۲۲

پاسخ ---------- ۳۱۲۲

۱-آیا حکومت امامان «علیهم السلام » بعد از امام عصر عج » وجود دارد؟ ---------- ۳۱۲۴

پرسش ---------- ۳۱۲۴

پاسخ ---------- ۳۱۲۴

پس از رجعت کدام امام بر حکومت شایسته تر است؟ امام حسین یا امام زمان(ع)؟ ---------- ۳۱۲۶

پرسش ---------- ۳۱۲۶

پاسخ ---------- ۳۱۲۶

آیا این عقیده درست است که وقتی امام زمان از غیبت بیرون آمده و ظهور کنند تمام امامان از اول تا یازدهم زنده شده و به حکومت می رسند و سالهای زیادی حکومت می کنند مثلا می گویند امام حسین تا زمانی حکومت می کند که می ابروی ایشان از بلندی جلوی چشمان ای

پرسش ---------- ۳۱۲۶

پاسخ ---------- ۳۱۲۶

آیا حضرت عیسی(ع) و اصحاب کهف در زمان امام زمان(عج) زنده می شوند؟ ---------- ۳۱۳۲

پرسش ---------- ۳۱۳۲

پاسخ ---------- ۳۱۳۳

فلسفه رجعت ---------- ۳۱۳۶

فلسفه رجعت چیست؟ بعد از ظهور امام زمان وقتی جهان پر از عدل شود، دیگر چه لزومی به رجعت و حکومت یک یک امامان (ع) است؟(پ) ---------- ۳۱۳۶

پرسش ---------- ۳۱۳۶

پاسخ ---------- ۳۱۳۶

هدف از رجعت قبل از رستاخیز عمومی انسانها چیست ؟ ---------- ۳۱۴۲

پرسش ---------- ۳۱۴۲

پاسخ ---------- ۳۱۴۲

رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟ ---------- ۳۱۴۲

پرسش ---------- ۳۱۴۳

پاسخ ---------- ۳۱۴۳

فلسفه رجعت چیست و برای کیست؟ ---------- ۳۱۴۷

پرسش ---------- ۳۱۴۷

پاسخ ---------- ۳۱۴۷

دلایل رجعت ---------- ۳۱۴۷

دلایل رجعت ---------- ۳۱۴۷

اشاره ---------- ۳۱۴۷

پرسش ---------- ۳۱۴۷

پاسخ ---------- ۳۱۴۸

برخی برای نفی و انکار رجعت چنین اقامه دلیل کرده اند : خداوند از آنجا که مهربانترین است و کمال بندگان خود را می خواهد وقتی کسی را از دنیا می برد که اوبه همه کمالات خود دست پیدا کرده باشد و همه قوا و استعدادش شکوفا شده به فعلیت رسیده باشد . بنابراین رجو

پرسش ---------- ۳۱۵۱

پاسخ ---------- ۳۱۵۱

قرآن کریم کدام بازگشت به دنیا را نفی می کند ؟ و آیا نفی این بازگشت , منافاتی با اعتقاد به رجعت دارد ؟ چرا ؟ ---------- ۳۱۵۲

پرسش ---------- ۳۱۵۲

پاسخ ---------- ۳۱۵۲

چه روایاتی از معصومین رسیده که دلالت بر رجعت دوباره شهیدان به دنیا می کند؟ ---- ۳۱۵۳
پرسش ---- ۳۱۵۳
پاسخ ---- ۳۱۵۳
با توجه به این که در روایات آمده است، نخستین رجعت کننده امام حسین است، آیا دلیل قرآنی نیز بر تأیید این مطلب وجود دارد؟ ---- ۳۱۵۴
پرسش ---- ۳۱۵۴
پاسخ ---- ۳۱۵۴
رجعت را با استناد به کدام آیات اثبات می کنید؟ ---- ۳۱۵۴
پرسش ---- ۳۱۵۴
پاسخ ---- ۳۱۵۵
آیا رجعت برهان و دلیل عقلی دارد ؟ ---- ۳۱۵۶
پرسش ---- ۳۱۵۶
پاسخ ---- ۳۱۵۶
آیا چنین نیست که همه مردم اعم از خوب و بد در قیامت به سزا و جزای عمل خویش می رسند؟ پس چگونه است که مومنان خالص و ممحضین در شرک دوباره زنده می شوند تا با یکدیگر بجنگند؟ چرا چنین چیزی رخ می دهد؟ مگر آنان نتیجه کرده های خویش را از خدا دریا
پرسش ---- ۳۱۵۷
پاسخ ---- ۳۱۵۷
آیا کسانی که به قیام در رجعت آورده می شوند کسانی هستند که مشکل نزاع و تعارض در مورد امامت و رهبری داشته اند؟ به عنوان مثال حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) در برابر ابوبکر و عمر و عثمان با امام حسین و اصحابشان در برابر یزید و اصحابش و ... تا در امر رهبری
پرسش ---- ۳۱۵۸
پاسخ ---- ۳۱۵۹
آیا دلیل عقلی بر ضرورت رجعت وجود دارد؟ ---- ۳۱۵۹
پرسش ---- ۳۱۵۹
پاسخ ---- ۳۱۵۹
آیا قرآن به رجعت کسانی به این دنیا اشاره نموده است؟ ---- ۳۱۶۱
پرسش ---- ۳۱۶۱
پاسخ ---- ۳۱۶۱
آیا رجعت با عقل وفلسفه سازگاری دارد؟ ---- ۳۱۶۳
پرسش ---- ۳۱۶۳
پاسخ ---- ۳۱۶۴
آیا اعتقاد به رجعت برگرفته از یهود است؟ ---- ۳۱۶۴
پرسش ---- ۳۱۶۵
پاسخ ---- ۳۱۶۵
آیا تمام احادیث رجعت از طرق شیعه وارد شده است؟ ---- ۳۱۶۵
پرسش ---- ۳۱۶۵
پاسخ ---- ۳۱۶۵
آیا قول به رجعت مستلزم تناسخ باطل است؟ ---- ۳۱۶۶
پرسش ---- ۳۱۶۶
پاسخ ---- ۳۱۶۶
آیا قرآن مخالف قول به رجعت است؟ ---- ۳۱۶۶
پرسش ---- ۳۱۶۶
پاسخ ---- ۳۱۶۶
آیا اعتقاد به رجعت با قیامت و حشر مردگان سازگار است ---- ۳۱۶۷
پرسش ---- ۳۱۶۷

پاسخ ----- ۳۱۶۷
اگر رجعت برای آن است که امامان و صالحان به پاداش زحمات شان برسند; پس بهشت برای چیست ----- ۳۱۶۹
پرسش ----- ۳۱۶۹
پاسخ ----- ۳۱۶۹
آیا رجعت صحیح است ؟ آیا بازگشت ائمه «علیهم السلام » بعد از شهید شدن امام مهدی (عج) میباشد ؟ ----- ۳۱۷۰
پرسش ----- ۳۱۷۰
پاسخ ----- ۳۱۷۰
آیا درست است که بر این باور باشیم که اعلام به رجعت صحیح و روا نیست زیرا باعث اغرا به جهل مردم می گردد و عده ای کم ایمان را به گناه سوق می دهد که آنان عدم ارتکاب معاصی یا توبه از گناهان را به بازگشت خود موکول کنند؟ ----- ۳۱۷۳
پرسش ----- ۳۱۷۳
پاسخ ----- ۳۱۷۳
از آن جا که رجعت از نشانه ها و دلایل صحت نبوت است، ضرورت دارد رجعت همانند دیگر معجزات، در زمان حیات پیامبر(ص) رخ دهد، حال آن که می گویید: رجعت در زمان حضرت مهدی «عج» و در آخرالزمان روی می دهد؟ ----- ۳۱۷۷
پرسش ----- ۳۱۷۷
پاسخ ----- ۳۱۷۷
اینکه می گویند در زمان حضرت مهدی (علیه السلام) عدهایاز مردگان دوباره به دنیا بر می گردند و زنده می شوند آیا چنین چیزیممکن است؟ ----- ۳۱۸۳
پرسش ----- ۳۱۸۳
پاسخ ----- ۳۱۸۳
منظور از این آیه سوره نمل آیه: ۸۳ که می فرماید مافوجی از شما را زنده می کنیم چیست؟ ----- ۳۱۸۵
پرسش ----- ۳۱۸۵
پاسخ ----- ۳۱۸۵
چگونه می توان با استدلال به آیه ۱۱ سوره غافر [=مؤمن رجعت را اثبات کرد، چنان که برخی مفسران چنین تفسیر نموده اند؟ ----- ۳۱۸۶
پرسش ----- ۳۱۸۶
پاسخ ----- ۳۱۸۶
چگونه آیه ۲۸ سوره بقره بر وقوع رجعت دلالت دارد؟ ----- ۳۱۸۷
پرسش ----- ۳۱۸۷
پاسخ ----- ۳۱۸۷
سایر مواد ----- ۳۱۸۸
بعد از امام زمان عده ای از افراد صالح , از عالم برزخ فراخوانده می شوند و جزء یاران حضرت می گردند. آیااعمال این افراد دوباره ثبت می گردد و در قیامت از آنها بازخواست می گردد؟ آیا دوباره درد جان کندن و فشار قبر دارند؟آیا گناه و عصیان در آن جامعه وجود دارد؟ ۳۱۸۸
پرسش ----- ۳۱۸۸
پاسخ ----- ۳۱۸۸
آن چنان که می گویند در موقع ظهور امام زمان(ع) ایشان از بعضی افراد، مانند دشمنان اسلام و قاتلان فاطمه زهرا(س) و قاتلان کربلا انتقام می گیرد، در صورتی که آن ها سال ها پیش مرده اند. این امر چگونه است؟ توضیح دهید. ----- ۳۱۸۸
پرسش ----- ۳۱۸۸
پاسخ ----- ۳۱۸۹
همه می گویند انتقام گیرنده خون امام حسین(ع)، امام زمان(ع) است. امام زمان(ع) از چه کسی انتقام خواهد گرفت؟ مگر قاتلان امام حسین(ع) به سزای اعمال خود نرسیدند؟ ----- ۳۱۹۲
پرسش ----- ۳۱۹۲
پاسخ ----- ۳۱۹۲
روایت شده که انتقام خون پدران خود را از کافران که به آنها ظلم کردند خواهم گرفت آیا مردگان آن زمان دوباره زنده می شوند و یا مقصود از کافران امروز هست؟ ----- ۳۱۹۳
پرسش ----- ۳۱۹۳
پاسخ ----- ۳۱۹۴
اینکه میفرمایند امام زمان (عج) تشریف خواهند آورد و ظهور خواهند کرد و انتقام حضرت سید الشهداء و... و ائمه طاهرین را می گیرند خوب کسانیکه به ائمه ظلم کرده اند از رأس (خلفاء) تا آخر (سربازان حکومت) که همه مرده اند پس حضرت حجت از چه کسانی انتقام می گیر
پرسش ----- ۳۱۹۶
پاسخ ----- ۳۱۹۶

هدف از مخالفت اهل سنت با اعتقاد به رجعت چیست ---- ۳۱۹۷

پرسش ---- ۳۱۹۷

پاسخ ---- ۳۱۹۷

آیا دوره ولایت بعد از امام زمان (عج)به پایان می رسد ؟ ---- ۳۱۹۹

پرسش ---- ۳۱۹۹

پاسخ ---- ۳۱۹۹

ما خود را باید از قیامت خیلی دور بدانیم زیرا می گویند که قیام حضرت مهدی قبل از قیامت است و ایشان سالها حکومت می کنند و بعد مسئله رجعت بعد از قیامت می تواند خیلی دور باشد. ---- ۳۲۰۵

پرسش ---- ۳۲۰۵

پاسخ(قسمت اول) ---- ۳۲۰۵

پاسخ(قسمت دوم) ---- ۳۲۱۴

در رجعت اهل بیت تکلیف قبور و بارگاه و زیارت آنها چه می شود؟ ---- ۳۲۱۸

پرسش ---- ۳۲۱۸

پاسخ ---- ۳۲۱۸

آیا امام زمان علیه السلام بعد از ظهور، از ابوبکر وعمر انتقام خواهد گرفت؟ ---- ۳۲۱۹

پرسش ---- ۳۲۱۹

پاسخ ---- ۳۲۱۹

دعوت جهانیان به اسلام ---- ۳۲۱۹

این که گفته میشود: قرآن کامل نزد حضرت بقیه اللّه الاعظم ۷می باشد چیست ؟ آیا این قرآن ,تکاملی خاص از لحاظ علوم و اسرار نهانی قرآن کامل می باشد؟ ---- ۳۲۲۰

پرسش ---- ۳۲۲۰

پاسخ ---- ۳۲۲۱

چرا قرآنی که به دست امام عصر(عج) است بین مسلمانان وجود ندارد؟ ---- ۳۲۲۲

پرسش ---- ۳۲۲۲

پاسخ ---- ۳۲۲۲

آیا بعد از ظهور، چهره واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟ ---- ۳۲۲۳

پرسش ---- ۳۲۲۳

پاسخ ---- ۳۲۲۳

آیا بعد از ظهور، چهره واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟ ---- ۳۲۲۴

پرسش ---- ۳۲۲۴

پاسخ ---- ۳۲۲۴

چگونه امکان دارد دین اسلام در زمان حضرت مهدی عالمگیر شود؟ ---- ۳۲۲۶

پرسش ---- ۳۲۲۶

پاسخ ---- ۳۲۲۶

اینکه قرآنی می آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟ ---- ۳۲۲۶

پرسش ---- ۳۲۲۶

پاسخ ---- ۳۲۲۷

آیا اینکه امام زمان((علیه السلام)) دین جدیدی می آورد یعنی چه؟ ---- ۳۲۲۷

پرسش ---- ۳۲۲۷

پاسخ ---- ۳۲۲۷

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع می شوند ؟ ---- ۳۲۲۸

پرسش ---- ۳۲۲۸

پاسخ ---- ۳۲۲۸

تجدید دین توسط امام زمان چگونه است ؟ ---------- ۳۲۲۹
پرسش ---------- ۳۲۲۹
پاسخ ---------- ۳۲۲۹
اینکه می گویند وقتی امام زمان (عج) ظهور می کنند، آنچنان دین اسلام را از پیرایه ها پاک می کنند که گویی دین جدیدی آورده اند، با وجود مراجع عظام ما که سعی می کنند دین اسلام را به شکل درست آن مطرح نمایند، چگونه قابل جمع است؟ به عبارت دیگر با وجود مراج
پرسش ---------- ۳۲۳۱
پاسخ ---------- ۳۲۳۱
وقتی که امام زمان غ ظهور می کند، آیا مانند امامان دیگر، به تبلیغ دین می پردازد یا بدون هیچ فرصتی تمام بدکاران را از بین می برد و جایی برای اصلاح دیگران باقی نمی ماند؟ ---------- ۳۲۳۲
پرسش ---------- ۳۲۳۲
پاسخ ---------- ۳۲۳۲
آیا صحیح است که امام زمان غ با دین جدید و قرآن کامل ظهور می کند؟ ---------- ۳۲۳۴
پرسش ---------- ۳۲۳۴
پاسخ ---------- ۳۲۳۴
کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع می شوند ؟ ---------- ۳۲۳۶
پرسش ---------- ۳۲۳۶
پاسخ ---------- ۳۲۳۶
با امکان هدایت بشر از راه دعوت اخلاقی وتربیت انسانی، چرا امام زمان علیه السلام از شمشیر استفاده می کند؟ ---------- ۳۲۳۷
پرسش ---------- ۳۲۳۷
پاسخ ---------- ۳۲۳۷
امام مهدی علیه السلام با کدام دین بر عالم حکومت می کند؟ ---------- ۳۲۳۸
پرسش ---------- ۳۲۳۸
پاسخ ---------- ۳۲۳۸
در عصر ظهور کدامین مذهب حاکم است؟ ---------- ۳۲۴۰
پرسش ---------- ۳۲۴۰
پاسخ ---------- ۳۲۴۰
۱- بعضی افراد متأسفانه فکر میکنند که امام زمان (عج) در هنگام ظهور شمشیر به دست همه را از دم تیغ می گذرانند این موضوع آیا دلیلی برمظلومیت امام زمان نیست. زیرا وجود مبارک امام زمان سر شار از لطف ومهر است این اشتباه فکری را چگونه از ذهن مردم پاک کنیم ؟
پرسش ---------- ۳۲۴۱
پاسخ ---------- ۳۲۴۱
دشمنان حضرت ---------- ۳۲۴۱
اشاره ---------- ۳۲۴۱
پرسش ---------- ۳۲۴۲
پاسخ ---------- ۳۲۴۲
چه کسانی با حضرت مهدی(عج) به مبارزه بر می خیزند؟ ---------- ۳۲۴۴
پرسش ---------- ۳۲۴۴
پاسخ ---------- ۳۲۴۴
آخرین نفری که امام از دشمنانش را خواهد کشت چه کسی است و آخرین نفری که از آدمیان می میرد چه کسی است مرد هست یا زن؟ ---------- ۳۲۴۶
پرسش ---------- ۳۲۴۶
پاسخ ---------- ۳۲۴۶
آیا در زمان حضرت ولیعصر (عج) دشمنی با آن حضرت وجود دارد یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است پس آن حضرت توسط چه کسی شهید می شود؟ ---------- ۳۲۴۸
پرسش ---------- ۳۲۴۸
پاسخ ---------- ۳۲۴۸
آیا نابودی اسرائیل قبل از ظهور امام زمان غ رخ می دهد یا به دست آن حضرت صورت می گیرد؟ ---------- ۳۲۵۰

پرسش ----- ۳۲۵۰
پاسخ ----- ۳۲۵۰
منظور از کشته شدن شیطان به دست آن حضرت (امام زمان (عج)) چیست؟ ----- ۳۲۵۰
اشاره ----- ۳۲۵۰
پرسش ----- ۳۲۵۰
پاسخ ----- ۳۲۵۱
با توجه به روایاتی که طبق آنها امام زمان پس از ظهور جناب شیطان را می کشند پس این چگونه عدالتی است که مردمان پس از ظهور از فریبهای شیطان در امان خواهند ماند. ----- ۳۲۵۲
پرسش ----- ۳۲۵۲
پاسخ ----- ۳۲۵۳
کشتاری که در روایات مهدویت به آن اشاره شده به چه وقتی اشاره دارد؟ ----- ۳۲۵۴
پرسش ----- ۳۲۵۴
پاسخ ----- ۳۲۵۴
حجم کشتارها وخونریزی ها در هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام چه مقدار است؟ ----- ۳۲۵۴
پرسش ----- ۳۲۵۴
پاسخ ----- ۳۲۵۵
مطابق روایات شیعه، قتل ها در چه وقتی خواهد بود؟ ----- ۳۲۵۶
پرسش ----- ۳۲۵۶
پاسخ ----- ۳۲۵۶
آیا بیشتر قتل ها که توسط حضرت انجام می گیرد از مسلمانان است؟ ----- ۳۲۵۹
پرسش ----- ۳۲۵۹
پاسخ ----- ۳۲۵۹
اینکه امام زمان علیه السلام هنگام ظهوربر عرب شدید است به چه معناست؟ ----- ۳۲۶۱
پرسش ----- ۳۲۶۱
پاسخ ----- ۳۲۶۱
آیا امام زمان علیه السلام در مقابله خود با منحرفان، از منحرفان شیعه شروع می کند؟ ----- ۳۲۶۲
پرسش ----- ۳۲۶۲
پاسخ ----- ۳۲۶۲
حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور با انحرافات فکری ----- ۳۲۶۳
اشاره ----- ۳۲۶۳
پرسش ----- ۳۲۶۳
پاسخ ----- ۳۲۶۳
۱-ابلیس و شیاطین هنگام ظهور چه وضعیتی دارند ؟ ----- ۳۲۶۵
پرسش ----- ۳۲۶۵
پاسخ ----- ۳۲۶۵
امام زمان، به چه شکلی به مبارزه خواهند پرداخت؟ ----- ۳۲۶۸
پرسش ----- ۳۲۶۸
پاسخ ----- ۳۲۶۸
امدادهای غیبی ----- ۳۲۷۱
چگونه ممکن است حضرت صاحب الزمان با سیصد و سیزده نفر دنیا را مسخر کند؟ آیا غلبه آن حضرت به طور اعجاز و خرق عادت است یا علل و عوامل ظاهری نیز غلبه و پیروزی آن جناب را ممکن میسازد؟ ----- ۳۲۷۱
پرسش ----- ۳۲۷۱
پاسخ ----- ۳۲۷۱

آیا انقلاب حضرت مهدی((علیه السلام)) به سهولت به پیروزی می رسد؟ ---------- ۳۲۷۳
پرسش ---------- ۳۲۷۳
پاسخ ---------- ۳۲۷۳
آیا هنگام ظهور حضرت مهدی (عج)، همه سلاحها از کار می افتد؟ ---------- ۳۲۷۳
پرسش ---------- ۳۲۷۳
پاسخ ---------- ۳۲۷۴
خداوند متعال چه عنایتی به جهت پیروزی حضرت مهدی علیه السلام ---------- ۳۲۷۴
اشاره ---------- ۳۲۷۴
پرسش ---------- ۳۲۷۴
پاسخ ---------- ۳۲۷۴
غلبه بر جهان با یاران اندک چگونه ممکن است؟ ---------- ۳۲۷۶
پرسش ---------- ۳۲۷۶
پاسخ ---------- ۳۲۷۶
آیا پیروزی حضرت مهدی علیه السلام بر مخالفان وگسترش حکومتش همراه با اعجاز است؟ ---------- ۳۲۷۷
پرسش ---------- ۳۲۷۷
پاسخ ---------- ۳۲۷۷
آیا انقلاب حضرت مهدی«علیه السلام» به سهولت به پیروزی می رسد؟ ---------- ۳۲۷۹
پرسش ---------- ۳۲۷۹
پاسخ ---------- ۳۲۷۹
امدادهای غیبی چیست؟ ---------- ۳۲۸۰
پرسش ---------- ۳۲۸۰
پاسخ ---------- ۳۲۸۰
حکومت حضرت ---------- ۳۲۸۰
روش حکومت داری حضرت ---------- ۳۲۸۰
با توجه به کمبود افراد صالح در همه زمان ها چگونه امام مهدی (ع) عدالت را گسترش خواهد داد؟ ---------- ۳۲۸۰
پرسش ---------- ۳۲۸۰
پاسخ ---------- ۳۲۸۰
آیا در دوره ظهور، اساساً نیاز به حکومت هست، زیرا عقل های مردم تکمیل شده و علم پیشرفت کرده و عدالت فراگیر شده است؟ حکومت برای رفع نیاز بشر است که تأمین شده است. پس چه نیازی به حکومت است؟ ---------- ۳۲۸۳
پرسش ---------- ۳۲۸۳
پاسخ ---------- ۳۲۸۳
چرا امام زمان علیه السلام بعد از ظهور به حکم داوود عمل می کند؟ ---------- ۳۲۸۵
پرسش ---------- ۳۲۸۵
پاسخ ---------- ۳۲۸۵
مقرّ حکومت امام مهدی علیه السلام بعد از ظهور کجاست؟ ---------- ۳۲۸۷
پرسش ---------- ۳۲۸۷
پاسخ ---------- ۳۲۸۷
مقتضای قاعده عمومی در رابطه با مدت حکومت عدل توحیدی امام زمان علیه السلام چیست؟ ---------- ۳۲۸۸
پرسش ---------- ۳۲۸۸
پاسخ ---------- ۳۲۸۸
روایات مختلف در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام را چگونه توجیه می کنید؟ ---------- ۳۲۸۹
پرسش ---------- ۳۲۸۹

پاسخ ---- ۳۲۸۹

وسعت حکومت حضرت مهدی علیه السلام چه مقدار است؟ ---- ۳۲۹۱

پرسش ---- ۳۲۹۱

پاسخ ---- ۳۲۹۱

روش حکومت امام زمان(عج) چگونه خواهد بود؟ رای مردم چه جایگاهی خواهد داشت؟ ---- ۳۲۹۲

پرسش ---- ۳۲۹۲

پاسخ ---- ۳۲۹۲

قیام مهدی (عج) و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه امکان پذیر است و این حکومت چه ویژگیهائی دارد؟ ---- ۳۲۹۵

پرسش ---- ۳۲۹۵

پاسخ ---- ۳۲۹۶

آیا خلافت بعضی کشورها دردوران دولت حجت"ارواحنافداه" به وسیله اصحاب ایشان اداره می شود؟اگر چنین است پس چرا درحکمت ۱۹۰ نهج البلاغه ترجمه دشتی می فرماید : شگفتا!آیا معیار خلافت، صحابی پیامبربودن است؟ صحابی پیامبر بودن وخویشاوندی ملاک نیست؟ .

پرسش ---- ۳۲۹۸

پاسخ ---- ۳۲۹۸

آیا حجت ثانی عشر بر طبق دموکراسی جهانی، جهان را اداره خواهند کرد؟ ---- ۳۳۰۱

پرسش ---- ۳۳۰۱

پاسخ ---- ۳۳۰۱

با تکمیل عقول در دوره امام زمان(ع) چه نیازی به حکومت می باشد؟ ---- ۳۳۰۲

پرسش ---- ۳۳۰۲

پاسخ ---- ۳۳۰۲

روش حکومت امام زمان(ع) چگونه خواهد بود؟ و نیز رأی مردم چه جایگاهی در حکومت آن حضرت خواهد داشت؟ ---- ۳۳۰۴

پرسش ---- ۳۳۰۴

پاسخ ---- ۳۳۰۴

بعد از آن که امام زمان(ع) ظهور کرد، چگونه بین مردم حکم می کند و محل حکومت وی کجا است؟ ---- ۳۳۰۷

پرسش ---- ۳۳۰۷

پاسخ ---- ۳۳۰۷

طبق احادیث در دوره آخر الزّمان چه افرادی در جامعه حکومت خواهند کرد و آن افراد در کدام دیار حاکمند؟ ---- ۳۳۱۰

پرسش ---- ۳۳۱۰

پاسخ ---- ۳۳۱۰

ویژگی های جامعه امام زمان (عج چیست ---- ۳۳۱۴

پرسش ---- ۳۳۱۴

پاسخ ---- ۳۳۱۴

درباره مقایسه قیام عاشورای حسینی با انقلاب حضرت مهدی(ع) توضیح دهید. ---- ۳۳۲۰

پرسش ---- ۳۳۲۰

پاسخ ---- ۳۳۲۰

آیا واقعاً امام زمان(ع) بعد از ظهور هزار سال عمر می کند؟ ---- ۳۳۲۳

پرسش ---- ۳۳۲۳

پاسخ ---- ۳۳۲۳

امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟ ---- ۳۳۲۵

پرسش ---- ۳۳۲۵

پاسخ ---- ۳۳۲۵

قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟ ---- ۳۳۲۷

پرسش -- ۳۳۲۷
پاسخ -- ۳۳۲۹
ویژگیهای جامعه موعود که پس از ظهور حضرت مهدی (عج) ایجاد می شود چیست؟ --- ۳۳۳۰
پرسش -- ۳۳۳۰
پاسخ -- ۳۳۳۰
مساوات اسلامی در زمان ظهور حضرت ولی امر(ع) چگونه خواهد بود؟ -- ۳۳۳۶
پرسش -- ۳۳۳۶
پاسخ -- ۳۳۳۶
دامنه حکومت امام زمان(عج) تا کجا می باشد؟ آیا همه دنیا مسلمان می شود؟ -- ۳۳۳۶
پرسش -- ۳۳۳۶
پاسخ -- ۳۳۳۷
امام زمان(در کجا حکومت می کنند؟ و چند سال حکومت می کنند؟ آیا زمان فرا رسیدن قیامت رابطه ای با ظهور امام زمان(دارد؟ --- ۳۳۳۹
پرسش -- ۳۳۳۹
پاسخ -- ۳۳۳۹
آقا چند سال بعد از ظهور زنده است ؟ --- ۳۳۴۰
اشاره -- ۳۳۴۰
پرسش -- ۳۳۴۰
پاسخ -- ۳۳۴۱
آیا به محض ظهور امام زمان (عج) دنیا یکمرتبه متحول می شود یا از یک طرف جهان شروع می شود و به مرور زمان دنیا را متحول می کند؟ -- ۳۳۴۵
پرسش -- ۳۳۴۵
پاسخ -- ۳۳۴۵
آیا امام عصرغ، فرصت پیاده کردن تمام احکام نورانی قرآن را خواهد داشت یا خیر؟ --- ۳۳۴۷
پرسش -- ۳۳۴۷
پاسخ -- ۳۳۴۷
با ذکر منبع ویژگی های حکومت مهدوی را بیان کنید. -- ۳۳۴۸
پرسش -- ۳۳۴۸
پاسخ -- ۳۳۴۸
مدت حکومت امام زمان چقدر خواهد بود؟ --- ۳۳۵۰
پرسش -- ۳۳۵۰
پاسخ -- ۳۳۵۰
بعد از ظهور امام زمان(ع) عالم به چه شکلی خواهد بود و ما کجا قرار خواهیم داشت و بعد از آن چه می شود و تا کی این زمین باقی است؟ بعد از ظهور آن امام اسلام چگونه است و در کجا زندگی می کنیم؟ ---------------------- ۳۳۵۴
پرسش -- ۳۳۵۴
پاسخ -- ۳۳۵۴
وزیران دولت حضرت مهدی علیه السلام غالباً از چه قشری هستند؟ --- ۳۳۶۱
پرسش -- ۳۳۶۱
پاسخ -- ۳۳۶۱
کارگزاران دولت حضرت مهدی علیه السلام چه کسانی هستند؟ -- ۳۳۶۱
پرسش -- ۳۳۶۱
پاسخ -- ۳۳۶۲
آیا حکومت امام مهدی علیه السلام نژادی است؟ -- ۳۳۶۲
پرسش -- ۳۳۶۲

پاسخ ----- ۳۳۶۲
آیا نوع حکومت حضرت مهدی علیه السلام همانند سایر حکومت ها است؟ ----- ۳۳۶۴
پرسش ----- ۳۳۶۴
پاسخ ----- ۳۳۶۴
امام زمان علیه السلام در مقابله با ستمگران واجرای حدود واحکام الهی چگونه رفتاری دارند؟ ----- ۳۳۶۶
پرسش ----- ۳۳۶۶
پاسخ ----- ۳۳۶۶
سرلوحه برنامه های حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ----- ۳۳۶۶
پرسش ----- ۳۳۶۶
پاسخ ----- ۳۳۶۶
حضرت مهدی علیه السلام در تقسیم اموال چگونه رفتار خواهد کرد؟ ----- ۳۳۶۸
پرسش ----- ۳۳۶۸
پاسخ ----- ۳۳۶۸
ادیان در زمان حکومت حضرت ----- ۳۳۶۹
طبق آیه ۵۵ سوره آل عمران ، یهود و نصاری تا دامنه قیامت در جهان خواهند بود وهمواره این دو مذهب به زندگی خود ادامه خواهند داد با اینکه در اخبار و روایات مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) می خوانیم که او همه ادیان را زیر نفوذ خوددرمی آورد ؟ ----- ۳۳۶۹
پرسش ----- ۳۳۶۹
پاسخ ----- ۳۳۶۹
از آیه ۱۴ سوره مائده برمی آید که طائفه نصاری به عنوان پیروان یک مذهب (و یایهود و نصاری هر دو) تا پایان جهان در دنیا وجود خواهند داشت ولی از اخباراسلامی چنین استفاده می شود که پس از ظهور مهدی (عج) در سرتاسر جهان یک آیین بیشتر نخواهد بود و آن آیین
پرسش ----- ۳۳۶۹
پاسخ ----- ۳۳۶۹
اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می کند با این آیه که ان الدین عنه الله الاسلام آیا مغایرتی ندارد؟ ----- ۳۳۷۰
پرسش ----- ۳۳۷۰
پاسخ ----- ۳۳۷۰
آیا ادیان دیگر هم در زمان حال واقعاً اعتباری دارند؟ منظور پیروان آنها که مثلاً مسیحیت چند برابر مسلمانان جهان جمعیت دارند راه اشتباه را طی می کنند و در آخرت و یا آخرالزمان (ظهور حضرت مهدی () جزء گمراهان به حساب می آیند با توجه به آیه ۸۵ سوره آل عمران:
پرسش ----- ۳۳۷۰
پاسخ ----- ۳۳۷۱
آیا بعد از ظهور امام زمان(عج) تنها دین اسلام باقی می ماند و بقیه ادیان امروزی نابود می شوند؟ ----- ۳۳۷۲
پرسش ----- ۳۳۷۲
پاسخ ----- ۳۳۷۲
آیا در زمان حکومت امام زمان(عج) یهودی و مسیحی و ... هم زندگی می کنند و آیا ایشان مامور به باطنند یا ظاهر؟ ----- ۳۳۷۵
پرسش ----- ۳۳۷۵
پاسخ ----- ۳۳۷۵
بعد از ظهور امام زمان غ جهان چگونه است آیا مردم جهان همه مسلمان می شوند؟ ----- ۳۳۷۸
پرسش ----- ۳۳۷۸
پاسخ ----- ۳۳۷۸
وقتی که امام زمان (عج) ظهور کنند آیا تمام مردم مسلمان می شوند یا اینکه کافر و پیرو مذاهب و ادیان دیگر هم وجود خواهند داشت؟ ----- ۳۳۸۰
پرسش ----- ۳۳۸۰
پاسخ ----- ۳۳۸۰
آیادر حکومت حضرت مهدی (ع)همه مردم جهان مسلمان می شوند؟ ----- ۳۳۸۲
پرسش ----- ۳۳۸۲
پاسخ ----- ۳۳۸۲

آیا در زمان ظهور امام زمان تمام افراد از ادیان غیر از شیعه کافر شناخته می شوند؟ ---------- ۳۳۸۵

پرسش ---------- ۳۳۸۵

پاسخ ---------- ۳۳۸۵

ایا با ظهور امام زمان (ع) همه مسلمان شده و اختیار از مردم صلب می شود؟ ---------- ۳۳۸۶

پرسش ---------- ۳۳۸۶

پاسخ ---------- ۳۳۸۶

آیا در عصر ظهور، همه یک عقیده ومرام خواهند داشت؟ ---------- ۳۳۸۹

پرسش ---------- ۳۳۸۹

پاسخ ---------- ۳۳۸۹

آیا در دولت حضرت مهدی علیه السلام جز مسلمان روی زمین باقی نمی ماند؟ ---------- ۳۳۹۰

پرسش ---------- ۳۳۹۰

پاسخ ---------- ۳۳۹۰

آیا در زمان حکومت امام زمان(یهودی و مسیحی و غیره ەگزندگی می کنند؟ و آیا ایشان مأمور به باطن یا مأمور به ظاهرند؟ ---------- ۳۳۹۲

پرسش ---------- ۳۳۹۲

پاسخ ---------- ۳۳۹۲

فرد یهودی که دین یهود دارد اما سرشار از انسانیت می باشد یعنی فردی متعادل و خوب باشد و تنها اشکال آن این است که دین یهود دارد در زمان امام زمان چه برخوردی با او می شود؟ چون شنیده ام که امام زمان با یهودیان جنگ می کند و آنها را از بین می برد. -- ۳۳۹۵

پرسش ---------- ۳۳۹۵

پاسخ ---------- ۳۳۹۵

اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می کند با این آیه که ان الدین عنه الله الاسلام آیا مغایرتی ندارد؟ ---------- ۳۳۹۸

پرسش ---------- ۳۳۹۸

پاسخ ---------- ۳۳۹۹

علم و دانش در زمان حضرت ---------- ۳۳۹۹

امام صادق(ع) در مورد پیشرفت علم در زمان حضرت مهدی(عج) چه می فرماید؟ ---------- ۳۳۹۹

پرسش ---------- ۳۳۹۹

پاسخ ---------- ۳۳۹۹

در مورد پیشرفت هایی که در زمان امام زمان (عج) انجام می شود چه نظری دارید؟ ---------- ۳۴۰۱

پرسش ---------- ۳۴۰۱

پاسخ ---------- ۳۴۰۱

سرنوشت تکنولوژی، علوم و فنون پس از قیام حضرت ولی عصر(عج) چیست؟ ---------- ۳۴۰۱

پرسش ---------- ۳۴۰۱

پاسخ ---------- ۳۴۰۱

رشد تکنولوژی پس از ظهور امام زمان(عج) به چه نحوه خواهد بود؟ ---------- ۳۴۰۲

پرسش ---------- ۳۴۰۲

پاسخ ---------- ۳۴۰۲

آیا امام زمان به مردم علم مطلق را یاد می دهد و مردم بی نهایت را متوجه می شوند و یا باز هم مجهولاتی باقی می ماند. ---------- ۳۴۰۵

پرسش ---------- ۳۴۰۵

پاسخ ---------- ۳۴۰۵

منابع فقه عبارتند از کتاب، سنت، عقل و اجماع نقش امام زمان (عج) در تبیین احکام فقهی چیست؟ در دوره ایشان منابع فوق دگرگونی ای هم دارند؟ ---------- ۳۴۰۷

پرسش ---------- ۳۴۰۷

پاسخ ---------- ۳۴۰۷

در عصر ظهور، رشد عقلی وتکامل علمی انسان چگونه است؟ ---------- ۳۴۰۸

پرسش ---------- ۳۴۰۸
پاسخ ---------- ۳۴۰۸
می گویند که در زمان ظهور امام زمان چیزهای زیادی می باشند که تکامل می یابند از جمله علم به حد اعلای خودش می رسد و بعضی ها می گویند که و همچنین در کتابها نوشته شده که امام زمان با شمشیر قیام می کند، سؤال من این است که با وجود پیشرفت علم و با وجو
پرسش ---------- ۳۴۱۰
پاسخ ---------- ۳۴۱۰
وضعیت مردم در زمان حکومت حضرت ---------- ۳۴۱۲
با ظهور امام زمان ۷جهان پر از عدل و داد می شود. آیا در این دوره کسی مرتکب افعال قبیح و یا گناه می شود؟ امنیت , آرامش و راحتی انسان ها در زمان حکومت امام زمان ۷و عدم امنیت و سختی و مشقت انسان هایی که قبل از زمان ظهور حضرت زندگی می کنند, چگونه قابل
پرسش ---------- ۳۴۱۲
پاسخ ---------- ۳۴۱۲
هنگامی که امام زمان(ع) ظاهر شوند، باز مردم گناه خواهند کرد؟ ---------- ۳۴۱۵
پرسش ---------- ۳۴۱۵
پاسخ ---------- ۳۴۱۵
در زمان حکومت حضرت مهدی(ع)زندگی مردم چگونه است؟ ---------- ۳۴۱۷
پرسش ---------- ۳۴۱۷
پاسخ ---------- ۳۴۱۷
بهره مردم دوره ظهور از اجتهاد چگونه و به چه میزان است؟ آیا صحیح است بگوییم با توجه به تکمیل عقول و تهذیب نفوس، مردم و یا برخی از آن ها بهره ای از احکام واقعی می برند و بدون نیاز به امام معصوم(ع) به اطعام دسترسی پیدا می کنند؟ ---------- ۳۴۱۹
پرسش ---------- ۳۴۱۹
پاسخ ---------- ۳۴۱۹
درحدیث است وقت ظهور، امام زمان"عج" دست بر سر بندگان خدا می کشد و عقولشان کامل می شود. آیا ایمانشان نیز کامل می شود؟ آیا تمام رذائل اخلاقی آنان از بین می رود؟ آیا مؤمنان از هوای نفس به طور مطلق رها می شوند؟ آیا به تکامل می رسند و مؤمنان از نمونه بند
پرسش ---------- ۳۴۲۱
پاسخ ---------- ۳۴۲۱
درخصوص پیروزی مستضعفان در آخرالزمان توضیح دهید. ---------- ۳۴۲۴
پرسش ---------- ۳۴۲۴
پاسخ ---------- ۳۴۲۴
دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می دانند مقصود از این تکامل چیست؟ ---------- ۳۴۲۵
پرسش ---------- ۳۴۲۵
پاسخ ---------- ۳۴۲۶
آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان((علیه السلام)) در زمان ظهور هم وجود دارد؟ ---------- ۳۴۳۰
پرسش ---------- ۳۴۳۰
پاسخ ---------- ۳۴۳۰
آیا مردمان زمان مهدی((علیه السلام)) همه براساس عقل و فکر عمل می کنند؟ ---------- ۳۴۳۰
پرسش ---------- ۳۴۳۰
پاسخ ---------- ۳۴۳۱
در زندگی امروز ما برای کسب لذات معنوی باید از یک سری لذات مادی و جسمی بگذریم، اگر این امر لازمه وجود انسان است پس در دوره حکومت ولی عصر (عج) که رفاه و آسایش هست چگونه لذات، لذات معنوی می باشد؟ ---------- ۳۴۳۱
پرسش ---------- ۳۴۳۱
پاسخ ---------- ۳۴۳۱
اقتصاد، عدالت و مدینه فاضله مهدوی چه ویژگیهایی دارد؟ ---------- ۳۴۳۴
پرسش ---------- ۳۴۳۴
پاسخ ---------- ۳۴۳۴
آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیه الله کسی هم گناه می کند؟ اختیار چه می شود؟ به امید ظهور دولت حق ---------- ۳۴۳۶
پرسش ---------- ۳۴۳۶

پاسخ ---------- ۳۴۳۶
در حکومتی که امام زمان به وجود خواهد آورد وضعیت زنان چگونه خواهد بود آیا بر اساس اسلامی است که علماء قدیم آن را تبلیغ می کردند که در آن نسبت به زنان بدگویی بسیار می کردند و زنان فعالیت های اجتماعی نداشتند و تحصیل برای آنها فقط در حد احکام شرعی و
پرسش ---------- ۳۴۴۱
پاسخ ---------- ۳۴۴۱
آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی هم گرایی دارد یا واگرایی؟ ---------- ۳۴۴۲
پرسش ---------- ۳۴۴۲
پاسخ ---------- ۳۴۴۲
آیا در عصر ظهور، زندگی بشر سامان می یابد؟ ---------- ۳۴۴۴
پرسش ---------- ۳۴۴۴
پاسخ ---------- ۳۴۴۴
وضعیت امنیت اجتماعی در عصر ظهور چگونه است؟ ---------- ۳۴۴۴
پرسش ---------- ۳۴۴۵
پاسخ ---------- ۳۴۴۵
عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام از حیث رشد تربیتی چگونه است؟ ---------- ۳۴۴۵
پرسش ---------- ۳۴۴۵
پاسخ ---------- ۳۴۴۵
وضعیت مردم در عصر ظهور از حیث رفاه اقتصادی چگونه است؟ ---------- ۳۴۴۶
پرسش ---------- ۳۴۴۶
پاسخ ---------- ۳۴۴۶
کثرت اموال در عصر ظهور از چه راهی حاصل می شود؟ ---------- ۳۴۴۸
پرسش ---------- ۳۴۴۸
پاسخ ---------- ۳۴۴۸
آیا در حکومت حضرت مهدی علیه السلام تمام مردم اصلاح خواهند شد؟ ---------- ۳۴۴۹
پرسش ---------- ۳۴۴۹
پاسخ ---------- ۳۴۴۹
دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می دانند مقصود از این تکامل چیست؟ ---------- ۳۴۴۹
پرسش ---------- ۳۴۴۹
پاسخ ---------- ۳۴۵۰
موضوع پرسش: ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت : معنویت، رفاه، امنیت ---------- ۳۴۵۴
اشاره ---------- ۳۴۵۴
پرسش ---------- ۳۴۵۴
پاسخ ---------- ۳۴۵۴
زمانی که امام مهدی ظهور نماید و بعد از آن حکومت جهانی تشکیل دهند دو مقوله امنیت و صلح جهانی چه وضعیتی پیدا می کنند به عبارت دیگر رابطه امام زمان با امنیت و صلح جهانی چگونه است. ---------- ۳۴۵۸
پرسش ---------- ۳۴۵۸
پاسخ ---------- ۳۴۵۸
آیا مردمان زمان مهدی«علیه السلام» همه براساس عقل و فکر عمل می کنند؟ ---------- ۳۴۵۹
پرسش ---------- ۳۴۵۹
پاسخ ---------- ۳۴۵۹
آیا حکومت جهانی امام زمان«علیه السلام» منافی با اراده و اختیار انسانها نیست؟ ---------- ۳۴۵۹
پرسش ---------- ۳۴۵۹
پاسخ ---------- ۳۴۵۹

سایر موارد ---- ۳۴۶۰
منظور از این که بعد از ظهور امام زمان ۷زنان در خانه به روش پیامبر عمل می کنند چیست ؟نقش زنان در حکومت امام زمان ۷چیست ؟ ---- ۳۴۶۰
پرسش ---- ۳۴۶۰
پاسخ ---- ۳۴۶۰
دوران بعد از ظهور حضرت مهدی ۷را به چند دوره می توان تقسیم نمود؟ ---- ۳۴۶۱
پرسش ---- ۳۴۶۱
پاسخ ---- ۳۴۶۱
آیا امام زمان بعد از ظهور بر جهان حکمفرمایی می کنند یا بعد از ظهور قیامت بر پا می شود؟ ---- ۳۴۶۲
پرسش ---- ۳۴۶۲
پاسخ ---- ۳۴۶۲
با ظهور حضرت مهدی و شکست دادن باطل آیا زندگی ایشان تا قیامت ادامه دارد یا نه؟ ---- ۳۴۶۴
پرسش ---- ۳۴۶۴
پاسخ ---- ۳۴۶۴
آثار ظهور امام زمان(عج) چیست؟ ---- ۳۴۷۰
پرسش ---- ۳۴۷۰
پاسخ ---- ۳۴۷۰
چرا در عصر انبیای گذشته حکومت عدل جهانی تحقق نیافته است؟ ---- ۳۴۷۸
پرسش ---- ۳۴۷۸
پاسخ ---- ۳۴۷۸
آیا حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور، مسجد الحرام ومسجد النبی را تغییر خواهد داد؟ ---- ۳۴۸۲
پرسش ---- ۳۴۸۲
پاسخ ---- ۳۴۸۲
آثار وبرکات ظهور حضرت چیست؟ ---- ۳۴۸۳
پرسش ---- ۳۴۸۳
پاسخ ---- ۳۴۸۳
۱- آیا زمانی که امام زمان «علیه السلام » ظهور کنند، دیگر انسانها نیاز به مادیات ندارند و زمان حکومت چگونه است ؟ اگر نیاز به مادیات نباشد دیگر کار کردن معنی ندارد پس وضع دنیا به چه صورتی خواهد بود ؟ ---- ۳۴۸۳
پرسش ---- ۳۴۸۴
پاسخ ---- ۳۴۸۴
حکومت در زما حضرت ول عصر«علیه السلام» و جهان در آن عصر چگونه است؟ ---- ۳۴۸۵
پرسش ---- ۳۴۸۵
پاسخ ---- ۳۴۸۵
جهان پس از حضرت ---- ۳۴۸۷
پس از ظهور امام زمان(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می شود؟ ---- ۳۴۸۷
پرسش ---- ۳۴۸۷
پاسخ ---- ۳۴۸۷
آیا بعد از ظهور امام زمان(ع) قیامت بر پا می شود؟ درباره ظهور و بعد از ظهور مقداری توضیح بفرمایید. ---- ۳۴۹۱
پرسش ---- ۳۴۹۱
پاسخ ---- ۳۴۹۱
بعد از ظهور امام زمان(عج) حکومت دنیا چه وضعیتی دارد و حکومت حضرت و عالم تا چه زمانی بقا و دوام دارد؟ ---- ۳۴۹۳
پرسش ---- ۳۴۹۳
پاسخ ---- ۳۴۹۳

پس از ظهور حضرت مهدی(عج) جهان چگونه سپری خواهد شد؟ آیا پس از این مدت طولانی خواهد بود؟ آیا حکومتی بعد از حکومت حضرت مهدی(ع) وجود خواهد داشت؟ ----- ۳۴۹۵

پرسش ----- ۳۴۹۵

پاسخ ----- ۳۴۹۵

وقتی که امام زمان (عج) ظهور کنند، سرانجام انسان های گناهکار چه می شود؟ ----- ۳۴۹۸

اشاره ----- ۳۴۹۸

پرسش ----- ۳۴۹۸

پاسخ ----- ۳۴۹۸

آیا بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) زندگی به پایان می رسد؟ ----- ۳۵۰۲

پرسش ----- ۳۵۰۲

پاسخ ----- ۳۵۰۲

جهان چگونه به اتمام می رسد؟(پ) ----- ۳۵۰۵

پرسش ----- ۳۵۰۵

پاسخ ----- ۳۵۰۵

امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟ ----- ۳۵۰۷

پرسش ----- ۳۵۰۷

پاسخ ----- ۳۵۰۷

بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) و به شهادت رسیدن ایشان، امامت جامعه به چه شکلی است؟ ----- ۳۵۰۹

پرسش ----- ۳۵۰۹

پاسخ ----- ۳۵۱۱

بعد از شهادت امام عصر(عج) آیا امامان دیگری بعد از ایشان می آیند یا پیامبری به همراه ایشان می آید. اگر منابعی در این مورد می شناسید برای اینجانب بیان فرمایید. ----- ۳۵۱۲

پرسش ----- ۳۵۱۲

پاسخ ----- ۳۵۱۲

با توجه به اینکه زمین خالی از معصوم نباید باشد، بنابراین پس از حکومت حضرت مهدی (عج) چه خواهد شد؟ یک نظریه این است که ائمه احدی عشر یکی یکی حکومت خواهند کرد. آیا این نظریه یک توجیه عقلانی یا وحیانی دارد؟ اگر دارد پس از پایان حکومت ایشان (ع) سر

پرسش ----- ۳۵۱۴

پاسخ ----- ۳۵۱۴

آیا امام زمان ما هم مثل بقیه آدمیان فشار قبر و یا سؤال و پرسش دارد مهمتر از همه اینکه بعد از شهادت امام زمان چه می شود و تکلیف این جهان فعلی چه می شود و افراد گناهکار تا چند سال باید بسوزند که بخشیده شوند ؟ ----- ۳۵۱۹

پرسش ----- ۳۵۱۹

پاسخ ----- ۳۵۱۹

چند مدت بعد از به شهادت رسیدن امام زمان (ع) قیامت می شود؟ ----- ۳۵۲۲

پرسش ----- ۳۵۲۲

پاسخ ----- ۳۵۲۲

درباره مقام امامان در روایات اهل سنت چه مطالبی آمده است ؟بعد از مرگ امام زمان(عج) چه اتفاقی می افتد؟ بر پیکر ایشان چه کسی نماز میخواند؟ ----- ۳۵۲۳

پرسش ----- ۳۵۲۳

پاسخ ----- ۳۵۲۴

شنیدم که ما انسانهای کنونی (از آدم به بعد) از نسل هشتم انسانها هستیم آیا این مطلب صحیح است و آیا بعد از ظهور آقا امام زمان و تشکیل حکومت و برقراری عدالت در جهان ،قیامت برپا می شود یا اینکه نه ،همه انسانها از دنیا می روند و نسل دیگری با کتاب و پیامبر دیگری

پرسش ----- ۳۵۲۶

پاسخ ----- ۳۵۲۶

برطبق حدیثی از پیامبر صلی الله علیه واله » که فرموده اند { من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیت } بسیاری از علمای شیعه توانسته اند هم حقانیت امیر المؤمنین « علیه السلام » را اثبات نمایند و هم وجود مقدس آقا امام زمان , حال در روایت آمده که بعد از ۲۸،

پرسش ----- ۳۵۲۸

پاسخ ----- ۳۵۲۸

پس از ظهور ولی عصر(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می شود؟ ----- ۳۵۳۰

پرسش ---------- ۳۵۳۰

پاسخ ---------- ۳۵۳۰

دنیا بعد از ظهور آن حضرت چه طور خواهد شد؟ وضعیت دنیا قبل از ظهور حضرت چگونه است؟ ---------- ۳۵۳۴

پرسش ---------- ۳۵۳۴

پاسخ ---------- ۳۵۳۵

منظور از "مدت شمرده شده در آیه ۱۰۴ سوره هود چیست آیا اشاره به مدت بعد از ظهور امام زمان غ دارد؟ ---------- ۳۵۳۶

پرسش ---------- ۳۵۳۶

پاسخ ---------- ۳۵۳۷

سایر موارد ---------- ۳۵۳۷

قیام و ایستادن به هنگام شنیدن لقب امام زمان ۷واجب است ؟ ---------- ۳۵۳۷

پرسش ---------- ۳۵۳۷

پاسخ ---------- ۳۵۳۷

در روایت های متعددی آمده است که آخر زمان زمانی است که خاتم پیامبران به پیامبری مبعوث شود، در حالی که این رسالت هزار و چهارصد سال است که آغاز شده و هنوز آخر زمان نرسیده است آیا در قرآن کریم به مدت و زمان آخر زمان تصریح شده است ---------- ۳۵۳۸

پرسش ---------- ۳۵۳۸

پاسخ ---------- ۳۵۳۸

آخرالزمان چیست و چه ارتباطی با ظهور حضرت مهدی(عج) دارد؟ ---------- ۳۵۴۱

پرسش ---------- ۳۵۴۱

پاسخ ---------- ۳۵۴۱

به چه دلیل این زمان، آخرالزمان است؟ ---------- ۳۵۴۵

پرسش ---------- ۳۵۴۶

پاسخ ---------- ۳۵۴۶

مطابق قواعد، مدت حیات بشریّت بعداز ظهور چه مقداری باید باشد؟ ---------- ۳۵۴۸

پرسش ---------- ۳۵۴۸

پاسخ ---------- ۳۵۴۸

شبهات ---------- ۳۵۴۹

کسانی هستند در جامعه که هیچ گونه روایات را قبول ندارند به نظر شما ما از چه طرقی وجود امام زمان را برای آنها اثبات کنیم.مثلا بهانه می آورند که سایر ادیان نیز چینن روایاتی داشته اند ولی هیچ یک به حقیقت نپیوسته مانند زردشت که سشیانت منجی آنهاست و آیا حضرت م

پرسش ---------- ۳۵۴۹

پاسخ ---------- ۳۵۵۰

در روایت آمده , هنگام ظهور قائم آل محمد (عج) دنیا از ظلم و جور پر است و در جایی دیگر آمده است که حضرت ظهور نمی کند جز آن که زمینهء آن فراهم شود، یعنی مردم آمادگی لازم را داشته باشند؟ ---------- ۳۵۵۲

پرسش ---------- ۳۵۵۲

پاسخ ---------- ۳۵۵۲

از طرفی گفته می شود: منتظران مصلح باید صالح باشند، و از طرفی دیگر گفته می شود: امام زمان(عج) زمانی ظهور می کند که جهان پر از ظلم شده باشد. کدام صحیح است؟ توضیح دهید. ---------- ۳۵۵۵

پرسش ---------- ۳۵۵۵

پاسخ ---------- ۳۵۵۵

همچنین اگر همه مومنان خالص و مشرکان سرسخت به قیام پس از مرگ کشانده می شوند (و یا فرصت قیام به آنها داده می شود کدامیک صحیح است؟) پس چرا خداوند حضرت عیسی(ع) و مهدی(ع) را زنده نگهداشت و آنها را شهید نکرد و نمیراند، همانطور که در مورد هر انسان م

پرسش ---------- ۳۵۵۷

پاسخ ---------- ۳۵۵۸

شیخ ابن محمود در صفحه ۶ و ۱۲ رساله خود می نویسد: « یکی از علل ردّ احادیث مهدی این است که اینها با یکدیگر تناقض، تضاد، تفاوت و ناهماهنگی دارند! « چون برای جمع آوری آنها کوشش کنید از میان آنها بیست مهدی قد علم می کند که صفت هر یک با دیگری تفاوت دار

پرسش ---------- ۳۵۵۹

پاسخ ---------- ۳۵۶۰

از برخی شنیده ام که اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بدانیم راهی مخالف با عقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می گوید : اثر امام هدایت و راهنمائی اوست پس اگر امام خود ناپدید شد و کتاب و اثری از او نماند تامشکلات -- ۳۵۶۳

پرسش ----- ۳۵۶۳

پاسخ ----- ۳۵۶۳

اول کسی که از مسلمانان در عقیده مهدویت تشکیک کرد چه کسی بود؟ ----- ۳۵۶۶

پرسش ----- ۳۵۶۶

پاسخ ----- ۳۵۶۶

آیا اعتقاد به مهدویت مردم را از عمل خیر باز می دارد؟ ----- ۳۵۶۷

پرسش ----- ۳۵۶۷

پاسخ ----- ۳۵۶۷

چه ضرورت دارد انسانی در گذشته دور برای آینده ای دورتر به دنیا آمده باشد؟ ----- ۳۵۶۷

پرسش ----- ۳۵۶۷

پاسخ ----- ۳۵۶۷

آیا خداوند نمی توانست حضرت مهدی علیه السلام را بدون غیبت حفظ نماید؟ ----- ۳۵۶۸

پرسش ----- ۳۵۶۸

پاسخ ----- ۳۵۶۸

اگر امام ظاهر بود وبا ظالمان زمان خود مصالحه کرده وپیمان عدم تعرّض می بست، چه می شد؟ ----- ۳۵۶۸

پرسش ----- ۳۵۶۹

پاسخ ----- ۳۵۶۹

آیا این سخن ابن جوزی درست است که می گوید: « یهود می گوید: تا ظهور مسیح دجّال جهاد ساقط است و شیعه می گوید: تا خروج مهدی جهاد مشروع نیست؟ ----- ۳۵۶۹

پرسش ----- ۳۵۶۹

پاسخ ----- ۳۵۶۹

در روایات آمده است که حضرت مهدی(عج) با کتابی جدید(قرآن مجید) می آیند و کلاسهای تعلیم قرآن دایر می کنند. آیا این امر، بحث تحریف قرآن نیست؟قرآن حضرت مهدی(همان قرآن نوشته شده توسط علی(است.) ----- ۳۵۷۱

پرسش ----- ۳۵۷۱

پاسخ ----- ۳۵۷۱

اگر این درست است که در زمان غیبت امام عصر (عج) وظایف ما توسط علما و مجتهدین جامع الشرایط مشخص می شود پس دیگر نیازی به امام زمان عج) نیست ، عده ای اعتقاد دارند جهت هدایت عرفای بزرگ وجود حضرت صاحب الزمان لازم است میگویم آنها می توانند از روح

پرسش ----- ۳۵۷۳

پاسخ ----- ۳۵۷۴

چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار سال یا دوهزار سال نگهداری می کند تا در موقع لزوم از آن استفاده کند تا افرادی که منتظر فرصت می باشند بهانه گیری کنند؟ ۳۵۷۵

پرسش ----- ۳۵۷۵

پاسخ ----- ۳۵۷۵

یکی از نشانه های ظهور امام زمان فساد و تهاجم فرهنگی است، پس چرا با تهاجم فرهنگی مبارزه می شود؟ توضیح دهید. ----- ۳۵۷۵

پرسش ----- ۳۵۷۵

پاسخ ----- ۳۵۷۶

خدای جهان حجت خود را غیب فرموده و در صحنه زندگی دیگر مردم را ملامت می فرمایدکه با وجود حجت من چرا ایمان نیاوردید ؟ مگر من بشما بوسیله حجت خود اتمام حجت نکردم ؟ مردم در عالم آخرت می توانند جواب دهند که خداوندا حجت تو یعنی دلیل البته در میان ما

پرسش ----- ۳۵۷۷

پاسخ ----- ۳۵۷۷

می دانیم که یکی از وظائف مهم امام , هدایت و رهبری است . و این در صورتی تحقق می پذیرد که امام در اختیار مردم باشد . حال اگر از دیده ها پنهان شد , چگونه می تواند به این وظیفه قیام کند ؟ . ----- ۳۵۸۱

پرسش ----- ۳۵۸۱

پاسخ(قسمت اول) ----- ۳۵۸۱

پاسخ(قسمت دوم) ----- ۳۵۹۳

پاسخ(قسمت سوم) ----- ۳۶۰۵

مدتی است که در تمام دنیا گفتگو از خطرات جنگ سوم در میان است و این که اگر جنگ اتمی شروع شود , موجود زنده ای در جهان باقی نمی ماند . مسلمانان عموما و شیعه خصوصا در انتظار جهانگیر شدن اسلام هستند و عقیده دارند که مصلح حقیقی - امام عصر اروحنا فداه - باید

پرسش ---- ۳۶۰۹

پاسخ ---- ۳۶۰۹

هرگاه شرط ظهور حضرت مهدی (عج) گسترش فساد در روی زمین است , چرا با فسادمبارزه کنیم ؟ بلکه باید در گسترش فساد کوشش نماییم تا هر چه زودتر شرائط این نهضت آسمانی فراهم آید . ---- ۳۶۱۰

پرسش ---- ۳۶۱۰

پاسخ ---- ۳۶۱۰

می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد معنی آن اینست که اگر حجت خدا (مثل کتاب آسمانی) در میان مردم نباشد در آنوقت باید جهان بپایان رسد زیرا خداوند از آفرینش م

پرسش ---- ۳۶۱۴

پاسخ ---- ۳۶۱۵

اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بدانیم راهی مخالف با عقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می گوید : اثر امام هدایت و راهنمائی اوست پس اگر امام خود ناپدید شد و کتاب و اثری از او نماند تامشکلات روز را جواب گوید چ ---- ۳۶۱۵

پرسش ---- ۳۶۱۵

پاسخ ---- ۳۶۱۶

خدائی که بتایید خود اراده دارد که در آینده جهان را از نور عدالت پر کند چه حاجت داشته که از هزار سال پیش کسی را ذخیره برای قرنهای بعد نماید مگرنمی توانسته نعوذ باللّه تعالی که در وقت مقتضی چنین انسانی و پیشوائی بوجودآورد ؟مگر خدای قدوس و توانا کار بیهوده ۱۹

پرسش ---- ۳۶۱۹

پاسخ ---- ۳۶۱۹

آیا امام زمان همان غلام احمد قادیانی نیست ؟ ---- ۳۶۲۰

پرسش ---- ۳۶۲۰

پاسخ ---- ۳۶۲۰

آیا وجود و عدم امام ناپیدا و غایب برابر است؟ ---- ۳۶۲۳

پرسش ---- ۳۶۲۳

پاسخ ---- ۳۶۲۳

آیا ایمان به ظهور مهدی باعث ضعف و شکست روحیه، واگذاری امور به آینده، قبول تسلط کفار و سستی در انجام تکلیف است؟ ---- ۳۶۲۳

پرسش ---- ۳۶۲۳

پاسخ ---- ۳۶۲۴

پاسخ ما به ادعای بعضی از مستشرقین مبنی بر طی کردن دورانهای مختلف قوت و ضعف توسط شیعه (مانند عصر آل بویه و صفویه و جنگهای سلیبی و حمله مغول) و عدم ظهور امام زمان با این وجود چیست؟ ---- ۳۶۲۴

پرسش ---- ۳۶۲۴

پاسخ ---- ۳۶۲۴

ایرادهائی که مخالفان احادیث مهدی می گیرند چیست؟ و چه نقطه ضعفهایی دارد؟ ---- ۳۶۲۶

پرسش ---- ۳۶۲۶

پاسخ ---- ۳۶۲۷

آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدویت شده است صحیح است؟ ---- ۳۶۲۹

پرسش ---- ۳۶۲۹

پاسخ ---- ۳۶۲۹

آیا اینکه امام زمان((علیه السلام)) موقعی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد با انقلاب اسلامی ما منافاتی ندارد؟ با اینکه امید می رود که این انقلاب جهانی شود و بساط ستمگران را سرنگون سازد؟ ---- ۳۶۳۰

پرسش ---- ۳۶۳۰

پاسخ ---- ۳۶۳۰

آیا لازمه این که وقتی جهان پر از ظلم وجود شد امام زمان((علیه السلام)) ظاهر می شود و دنیا را پر از عدل و داد می کند این نیست که ما امر به معروف و هر گونه حرکت اصلاحی را ترک کنیم؟ ---- ۳۶۳۰

پرسش ---- ۳۶۳۰

پاسخ ---- ۳۶۳۰

در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی آید؟ ---- ۳۶۳۲

پرسش ---- ۳۶۳۲

پاسخ ---- ۳۶۳۲

این که حدیثی آمده که امام زمان((علیه السلام)) پس از ظهورش کتب آسمانی را از غاری بیرون می آورد و براساس آنها میان اهل آنها حکم می کند آیا با آیه ۸۵ سوره آل عمران که اگر کسی دینی جز اسلام را بپذیرد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود منافات ۳
پرسش ---------- ۳۶۳۳
پاسخ ---------- ۳۶۳۳
اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم((علیه السلام)) داشته باش
پرسش ---------- ۳۶۳۳
پاسخ ---------- ۳۶۳۳
در جایی خوانده ام هنگامی که امام زمان ظهور می کند از هر ۱۰۰۰ پسر یک دختر بدنیا خواهد آمد می خواستم بپرسم که چرا آمدن امام زمان این نوید را می دهد این که تبعیض آمیز است. مگر وجود دختر چه عیبی دارد؟ در همان احادیث خواندم امام زمان پسری را که به سن ۲۰
پرسش ---------- ۳۶۳۵
پاسخ ---------- ۳۶۳۵
در روایت آمده زمانی که امام زمان (عج)ظهور میکند هر کسی که ایمان نیاورد را از دم تیغ شمشیر میگذراند. در این صورت این مطلب با "لَا إِكْرَاهَ فِی الدِّینِ" چگونه تفسیر، تبیین و تعبیر میشود؟ ---------- ۳۶۳۷
پرسش ---------- ۳۶۳۷
پاسخ ---------- ۳۶۳۷
امام زمان عج) اگر بیاید، حکومت اسلامی برقرار خواهد کرد. مراجع تقلید نیز حکومت ایران را اسلامی معرفی می کنند; بنابراین این حکومت اسلامی است و دیگر نباید ظهور امام زمان را آرزو کرد؟ آیا ظهور امام زمان که از زمان های قدیم بیان شده صرفاً یک عقیده و امیدو ۳۶۴۰
پرسش ---------- ۳۶۴۰
پاسخ ---------- ۳۶۴۰
اگر وقتی امام زمان ظهورمی کند دین جدیدی می آورد که علامت حقانیت اوست پس چطورمی شود گفت اشخاصی مثل علی محمد باب هم که چنین ادعایی می کنند دروغ می گویند؟ ---------- ۳۶۴۷
پرسش ---------- ۳۶۴۷
پاسخ ---------- ۳۶۴۷
آیا در نماز میت سن تکلیف شرط نیست و اگر هست پس چطور امام زمان (عج) بر پدر خویش نماز خواندند؟ ---------- ۳۶۴۷
پرسش ---------- ۳۶۴۷
پاسخ ---------- ۳۶۴۷
کتابشناسی ---------- ۳۶۴۹
مهم ترین کتاب هایی که بتوان از آن ها درخصوص آرا و اندیشه های بزرگان و عالمان دین، چون سید جمال الدین اسدآبادی، آیت الله بهبهانی، شیخ فضل الله نوری، خیابانی، نواب صفوی، حضرت امام درخصوص اصلاحات در جامعه اسلامی را یاری جست. لطفاً نام ببرید و نام نویسنده آن
پرسش ---------- ۳۶۴۹
پاسخ ---------- ۳۶۴۹
پیرامون ظهور امام زمان(ع) آیا روایت یا حدیثی که صریحاً به اصلاحات آن امام همام اشاره داشته باشد، موجود است؟ در صورت وجود، در کدام کتاب می توان آن را یافت؟ ---------- ۳۶۴۹
پرسش ---------- ۳۶۴۹
پاسخ ---------- ۳۶۵۰
منابع مفید در مورد امام مهدی (عج) معرفی کنید؟ ---------- ۳۶۵۰
پرسش ---------- ۳۶۵۰
پاسخ ---------- ۳۶۵۱
در داستان حضرت نرجس بعد از آمدن ایشان نزد امام هادی و عدم حضور ایشان در خانواده با چه عکس العملی مواجه شد؟ و سرنوشت خانواده ایشان از آن پس چه بود؟ ---------- ۳۶۵۱
پرسش ---------- ۳۶۵۱
پاسخ ---------- ۳۶۵۱
کتابشناسی مهدویت کدام است؟ ---------- ۳۶۵۳
پرسش ---------- ۳۶۵۳
پاسخ ---------- ۳۶۵۳
کتابشناسی مهدویت ---------- ۳۶۵۶
پرسش ---------- ۳۶۵۶
پاسخ ---------- ۳۶۵۶
کتاب هایی در خصوص امام زمان ۷و انسان های با کرامت مرتبط با آن حضرت معرفی نمایید. ---------- ۳۶۵۶

پرسش ---- ۳۶۵۶

پاسخ ---- ۳۶۵۷

کتاب هایی که در مورد امام زمان علیه السلام نوشته شده چقدر قابل اعتمادند؟ ---- ۳۶۵۷

پرسش ---- ۳۶۵۷

پاسخ ---- ۳۶۵۷

در خصوص شناخت شخصیت امام زمان(ع) کتابی جامع، با قلمی شیوا و جذّاب معرفی نمایید. ---- ۳۶۵۸

پرسش ---- ۳۶۵۸

پاسخ ---- ۳۶۵۸

تعدادی از تألیفات و کتابهای محدّثین بزرگ شیعه در مورد امام مهدی و ظهور ایشان را ذکر کنید. ---- ۳۶۵۸

پرسش ---- ۳۶۵۹

پاسخ ---- ۳۶۵۹

آیا رجعت ایمه (ع) در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) صحت دارد؟ ---- ۳۶۶۰

پرسش ---- ۳۶۶۰

پاسخ ---- ۳۶۶۰

درباره علت غیبت امام زمان (عج) چند کتاب معرفی کنید؟ ---- ۳۶۶۰

پرسش ---- ۳۶۶۰

پاسخ ---- ۳۶۶۱

لطفاً کتابهای در رابطه با امام زمان (جهت شناخت بیشتر نسبت به آن حضرت، بویژه وقایع پس از ظهور آن حضرت را معرفی بفرمایید. ---- ۳۶۶۱

پرسش ---- ۳۶۶۱

پاسخ ---- ۳۶۶۲

در حدیث است کسی که امام زمانش (عج) را نشناسد بدین جاهلیت مرده. حال ما امام زمان(عج) را باید بهتر بشناسیم. آیا می شود کمی در مورد زندگی امام بهتر توضیح داده شود؟ ---- ۳۶۶۲

پرسش ---- ۳۶۶۲

پاسخ ---- ۳۶۶۲

لطفاً کتابی راجع ویژگیهای منتظران که به زبان ساده نوشته شده باشد معرفی نمایید؟ ---- ۳۶۶۳

پرسش ---- ۳۶۶۳

پاسخ ---- ۳۶۶۳

لطفاً کتابی درباره ظهور امام زمان غ معرفی کنید. در مورد یارانی که از ایران انتخاب خواهند شد را بگویید. ---- ۳۶۶۴

پرسش ---- ۳۶۶۴

پاسخ ---- ۳۶۶۴

کتابهایی در رابطه با رجعت امامان معرفی کنید ---- ۳۶۶۶

پرسش ---- ۳۶۶۶

پاسخ ---- ۳۶۶۶

محل زندگی امام زمان کجاست ---- ۳۶۶۶

پرسش ---- ۳۶۶۶

پاسخ ---- ۳۶۶۶

آیا کتاب "ملاقات با امام زمان (عج)" را تایید می کنید، دراین صورت چه مقدماتی برای این ملاقات ها لازم است ؟ ---- ۳۶۶۷

پرسش ---- ۳۶۶۷

پاسخ ---- ۳۶۶۷

چند کتاب درباره امام مهدی (عج) در قرآن معرفی کنید. ---- ۳۶۶۷

پرسش ---- ۳۶۶۷

پاسخ ---- ۳۶۶۸

چه کسانی در طول تاریخ اسلام مهدویت را به شعر درآورده اند؟ ----- ۳۶۶۸
پرسش ----- ۳۶۶۸
پاسخ ----- ۳۶۶۸
تألیفات درباره مهدویت با چه روش هایی بوده است؟ ----- ۳۶۶۹
پرسش ----- ۳۶۶۹
پاسخ ----- ۳۶۶۹
برای رفع حیرت از جامعه شیعی، علما واصحاب چه کارهایی انجام دادند؟ ----- ۳۶۷۲
پرسش ----- ۳۶۷۲
پاسخ ----- ۳۶۷۲
آیا در عصرهای مختلف، در جهت رفع حیرت در امر ولادت ووجود حضرت علیه السلام کتاب تألیف شده است؟ ----- ۳۶۷۳
پرسش ----- ۳۶۷۳
پاسخ ----- ۳۶۷۳
۱-لطفا چند کتاب تخصصی در رابطه با یاران حضرت مهدی «عج » ،خصال و ویژگیهای آقا «عج» معرفی فرمایید. (به غیر از جزوه خصال یاوران مهدی «عج انتشارات ارشاد خلاصه ی کتاب ما بعد الظهور و نشانه های یاران حضرت مهدی«عج» نوشته آقای محسن همتی. ----- ۳۶۷۵
اشاره ----- ۳۶۷۵
پرسش ----- ۳۶۷۵
پاسخ ----- ۳۶۷۵
۲برای شناخت آقایمان امام زمان باید چه اعمالی انجام دهیم آیا فقط کتاب مطالعه کنیم یا نه؟ و چند کتاب در این مورد معرفی کنید. ----- ۳۶۷۶
پرسش ----- ۳۶۷۶
پاسخ ----- ۳۶۷۶
۱-از طریق چه کتابهای می توانیم در مور..امام زمان «عج » اطلاعاتی بدست آوریم ؟ ----- ۳۶۷۷
اشاره ----- ۳۶۷۷
پرسش ----- ۳۶۷۷
پاسخ ----- ۳۶۷۷
۱-آیا کتابهای که در مورد جزیزه خضراء نوشته شده است، کتابهای معتبری هستند یا غیر معتبر ؟ ----- ۳۶۸۰
پرسش ----- ۳۶۸۰
پاسخ ----- ۳۶۸۰
موضوع کتاب نجم الثاقب چیست ؟ و مولف آن کیست ؟ و آیا مطالب آن صحیح است ؟ ----- ۳۶۸۴
پرسش ----- ۳۶۸۴
پاسخ ----- ۳۶۸۴
درباره مرکز ----- ۳۶۸۵

مهدویت

مشخصات کتاب

نویسنده : مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ناشر : مرکز ملی پاسخگوئی به سوالات دینی

ادیان و مهدویت

ادیان الهی

مسیحیت و مهدویت

آرماگدون که غربی ها به آن معتقدند یا دامن می زنند چیست؟

پرسش

آرماگدون که غربی ها به آن معتقدند یا دامن می زنند چیست؟

پاسخ

آرماگدون (Armageddon) یک عقیده مذهبی - تاریخی است که مبتنی بر اعتقاد به پایان رسیدن دنیا و رودررویی دو گروه خیر و شر است؛ چنان که فرهنگ ادوانس لزنر آن را چنین معنا کرده است

"The final conflict between good and evil at the end of the world"(۱)

یعنی رویارویی و نبرد نهایی میان خیر و شر در پایان جهان (آخرالزمان).

تقریباً همه ادیان (با اختلاف در تعابیر) اتفاق دارند که در این روز نیروهای خیر بر نیروهای شر برتری یافته و خیر و نیکی برای همیشه پیروز خواهد شد.

آرماگدون را مجازاً در هر نوع مبارزه و نبردی که جنبه اسطوره ای داشته باشد و نیروهای خیر و شر در آن مقابل هم قرار گرفته باشند، به کار می برند.

جنگ دوم جهانی را که به شکست آلمان ها منتهی شد، نیروی آرماگدون وار می نامند.

از این رو در فرهنگ عامه انگلیسی زبانان آرماگدون معنای مبارزه سرنوشت ساز، برخورد نهایی و آخرین رویارویی می دهد. از این جهت نبرد شوالیه های پادشاه ریچارد با نیروهای پرنس جان در تاریخ انگلستان می تواند آرماگدون وار باشد، نیز مسابقه دو تیم فوتبال در مرحله نهایی مسابقات می تواند آرماگدون لقب بگیرد!

معنای حقیقی آرماگدون، به لحاظ تطبیقی، مرادف با ظهور امام عصر(ع) در فرهنگ اسلامی و بازگشت عیسی مسیح(ع) در فرهنگ مسیحی و پیروزی اهوارامزدا بر اهریمن در فرهنگ زرتشتی است.

این اعتقاد در صنعت سینمای آمریکا مورد توجه قرار گرفته است، منتهی با نگره ای منفی؛ بدین معنا که تلاش می شود ظهور منجی و موعود، نه مسئله ای برای نجات انسانیت از ظلم و پایان خون ریزی در عالم و پیدایش صلح باشد، بلکه

رویه ای تازه در جنگ و خون ریزی تلقی شود، یا با ساختن آرماگدون هایی، حقیقت را به صورت افسانه معرفی کرده یا آن را تحریف کنند.

فیلم هایی از قبیل "نسترآداموس" شخصیت موعود را فردی خونریز و جنگجو معرفی می کند که با قساوت تمام به کشتار می پردازد.

مسلّما انگیزه های سیاسی پشت پرده ای در ساخت و ترویج این نوع فیلم ها وجود دارد که در این جا نمی توان به آن پرداخت.

پی نوشت ها:

۱ - Advancel Lerner,s Dictionary,p.۵۴

۲ - برای اطلاعات بیشتر ر.ک: خبرنامه دین پژوهان، دوره اول، شماره ۳، هالیوود و مهدویت، گفتگو با آقای حسن بلخاری، شهریور ۱۳۸۰.

آیا عقیده به ظهور یک رهایی بخش در میان غربیها نیز مطرح بوده است؟

پرسش

آیا عقیده به ظهور یک رهایی بخش در میان غربیها نیز مطرح بوده است؟

پاسخ

عقیده به ظهور یک رهایی بخش بزرگ و برچیده شدن بساط ظلم و ستم از میان انسانها، و حکومت حق و عدالت منحصر به شرقیها و مذاهب شرقی نیست؛ بلکه یک اعتقاد عمومی و جهانی است که چهرههای مختلف آن در عقاید اقوام گوناگون دیده میشود، و همه روشنگر این حقیقت است که این اعتقاد کهن ریشهای در فطرت و نهاد انسانی؛ و در دعوت همه پیامبران، داشته است.

در کتاب «دیباچهای بر رهبری» ضمن بیان وجود انتظار ظهور یک منجی بزرگ در میان اقوام مختلف غربی، و بهره برداری پارهای از افراد از یک چنین انتظار عمومی، نام پنج نفر از مدّعیان را که از انگلستان برخاستند به عنوان «جیمز نایلور» و «یوحنا سوثکات» و «ریچارد برادرز» و «جان نیکولز تام» و «هنری جیمز پرینس» را ذکر میکند، و از «برنارد باربر» جامعه شناس آمریکایی در رساله «نهضت منجی گری» وجود چنین اعتقادی را، حتّی در میان سرخپوستان آمریکایی نقل کرده میگوید: «در میان قبائل سرخ پوست آمریکائی... این عقیده شایع است که روزی گرد سرخ پوستان ظهور خواهد کرد و آنها را به بهشت

زمین رهنمون خواهد شد...» تنها تا پیش از سال ۱۸۹۰ بالغ بر بیست نوع از این نهضتها در تاریخ آمریکا ضبط شده است.

در بحثی از کتاب «علائم الظّهور» تصریح شده که آثار این عقیده را در میان اهالی اسکاندیناوی و بومیان مکزیک و نظایر آنها نیز میتوان یافت.

از مجموع آنچه گفتیم و مطالب و شواهد فراوان دیگری که به خاطر رعایت اختصار ناگفته ماند

نتیجه میگیریم که این انتظار جنبه منطقهای ندارد؛ انتظاری است همهگیر و گسترده و در سطح جهانی، و سرانجام شاهدی است بر فطری بودن این اعتقاد.

دیدگاه اسلام (قرآن، نهج البلاغه...) ادیان الهی، بودا... درباره صلح جهانی(عج) چیست؟

پرسش

دیدگاه اسلام (قرآن، نهج البلاغه...) ادیان الهی، بودا... درباره صلح جهانی(عج) چیست؟

پاسخ(قسمت اول)

عقیده به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) از نظر اقوام و ادیان

انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی، و امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملّتی اختصاص ندارد. از این رو، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرا رسد که جهان بشریّت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسانها از وضع فلاکت بار موجود نجات یابند و از نابسامانی و نا امنی و تیره روزی خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای نایل آیند. به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان، از مصلحی ــ که در آخر الزمان ظهور خواهد نمود و به جنایتها و خیانتهای ضد انسانی خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد ــ سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویدهایی داده اند.

در این زمینه، یکی از نویسندگان معروف چنین می نویسد: «موضوع ظهور و علایم ظهور، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است. صَرفِ نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می

دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریّت، و طالب تکامل معنوی وقتی که از همه نا امید می شود، و می بیند که با وجود این همه ترقّیات فکری و علمی شگفت انگیز، باز متأسّفانه، بشریّت غافل و بی خبر، روز به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از خداوند بزرگ بیشتر دوری می جوید، و از اوامر او بیشتر سرپیچی می کند; بنا به فطرت ذاتی خود متوجّه درگاه خداوند بزرگ می شود، و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید. از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دلهای خداپرستان وجود داشته است. و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند: زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان، سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتاب های قدیم چینیان و در عقاید هندیان، و در بین اهالی اسکاندیناوی و حتّی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتّی مکزیک و نظایر آنها نیز می توان یافت».([۱])

ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، و دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان درباره نام آن بزرگوار باهم اختلاف نظر دارند، مسلمانان او را «مهدی موعود منتظر(علیه السلام)»، و پیروان سایر ادیان ومکتبها و ملّتها و توده های محروم، وی را «مصلح جهانی» یا «مصلح غیبی»، یا «رهاننده بزرگ» یا «نجات بخش آسمانی» و یا «منجی اعظم» می نامند; ولی در باره اوصاف کلّی، برنامه های اصلاحی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، و ظهور او در آخرالزمان اتّفاق نظر

دارند.

امروز بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه مشهور جهان نیز عقیده دارند که با پیشرفت سریع صنعت و تکنولوژی، زندگی ماشینی، رقابت های نا سالم نظامی، بازیهای خطرناك سیاسی، و احساس یأس و نا امیدی در بین جوامع بشری برای رهایی از اوضاع نا بسامان کنونی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی لازم و ضروری است.

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی، این عقیده در طول دوران زندگی انسانها پیوسته در میان همه ملّتها و پیروان ادیان بزرگ موجود بوده، و حتّی اقوام مختلف جهان چون: اسلاوها، ژرمنها، اسنها و سلتها، نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، بی عدالتی ها را از بین برده، حکومت واحد جهانی تشکیل داده، و در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

آنچه از تاریخ اُمّتها استفاده می شود این است که: مسأله عقیده به ظهور یك رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخر الزمان به نام مُنجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل ملّتها و پیروان همه ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریّت، انسانها در فراز و نشیب های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و نا امیدی نجات داده، و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می کنند.

سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مختلف جهان مانند: مصر باستان، هند، چین، ایران و یونان و نگرش به افسانه های دیگر اقوام مختلف بشری، این حقیقت را به خوبی

روشن و مسلّم می سازد که همه اقوام مختلف جهان با آن همه اختلاف آرا، عقاید و اندیشه های متضادّی که با یکدیگر دارند، در انتظار مصلح موعود جهانی، بسر می برند.

اینک فهرست مختصری از بازتاب این عقیده را در میان اقوام و ملل مختلف جهان در اینجا می آوریم:

۱ ایرانیان باستان معتقد بودند که: «گرزا سپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده، و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

۲ گروهی دیگر از ایرانیان می پنداشتند که: «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی، دیهیم پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

۳ نژاد اسلاو بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متّحد سازد و آنها را بر دنیا مسلّط گرداند.

۴ نژاد ژرمن معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند.

۵ اهالی صربستان انتظار ظهور «مارکو کرالیویچ» را داشتند.

۶ برهمائیان از دیر زمانی براین عقیده بودند که در آخر زمان «ویشنو» ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته و مخالفین را خواهد کشت، و تمام دنیا «برهمن» گردد و به این سعادت برسد.

۷ ساکنان جزایر انگلستان، از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که: «ارتور» روزی از جزیره «آوالون» ظهور نماید و نژاد «ساکسون» را در

دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.

۸ اسن ها معتقدند که پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

۹ سلت ها می گویند: پس از بروز آشوبهایی در جهان، «بوریان بور ویهیم» قیام کرده، دنیا را به تصرّف خود درخواهد آورد.

۱۰ اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می رسد، جنگهای جهانی اقوام را نابود می سازد، آنگاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می شود.

۱۱ اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» می باشند.

۱۲ اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که: «کوتزلکوتل» نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان، پیروز خواهد شد.

۱۳ چینی ها معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می دهد.

۱۴ زرتشتیان معتقدند که: «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را در جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.

۱۵ قبایل «ای پوور» معتقدند که: روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است.

۱۶ گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، در شهر «ممفیس» زندگی می کردند، معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلّط می شود، اختلاف طبقاتی را از بین می برد و مردم را به آرامش و آسایش می رساند.

۱۷ گروهی دیگر از مصریان باستان معتقد بودند که فرستاده خدا در آخر الزمان، در

کنار خانه خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر می کند.

۱۸ ملل و اقوام مختلف هند، مطابق کتاب های مقدّس خود، در انتظار مصلحی هستند که ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد.

۱۹ یونانیان می گویند: «کالویبرگ» نجات دهنده بزرگ، ظهور خواهد کرد، و جهان را نجات خواهد داد.

۲۰ یهودیان معتقدند که در آخر زمان «ماشیع» (مهدی بزرگ) ظهور می کند و ابد الآباد در جهان حکومت می کند، او را از اولاد حضرت اسحاق می پندارند، در صورتی که «تورات»، کتاب مقدّس یهود، او را صریحاً از اولاد حضرت اسماعیل دانسته است.

۲۱ نصارا نیز به وجود حضرت مهدی(علیه السلام) قایلند ومی گویند: او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و عالم را خواهد گرفت، ولی در اوصافش اختلاف دارند.([۷])

آنچه از نظر گرامی شما گذشت، گرچه همه آنها با حضرت مهدی(علیه السلام)کاملاً تطبیق نمی کند و حتّی برخی از آنها اصلاً با مهدی موعود اسلام وفق نمی دهد. از یک حقیقت مسلّم حکایت می کند و آن این که:

این افکار و عقاید و آرا که همه آنها با مضمون های مختلف، از آینده ای درخشان و آمدن مصلحی جهانی در آخر الزمان خبر می دهند، نشانگر این واقعیّت است که همه آنها در واقع از منبع پر فیض وحی سرچشمه گرفته است، و لکن در برخی از مناطق دور دست که شعاع حقیقت در آنجا کمتر تابیده است در طول تاریخ به تدریج از فروغ آن کاسته شده، و فقط کلّیاتی از نویدهای مهدی موعود و «مصلح جهانی» در میان ملّتها به جای مانده

است.

البته سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی، خود بر اهمیّت موضوع می افزاید، و مسأله «مهدویّت» و ظهور مصلح جهانی را قطعی تر می کند.

بنابراین، عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) در آخر الزمان یک عقیده عمومی است و اگر کلمه «مهدی» و واژه های دیگر را که پیروان سایر ادیان و مذاهب مختلف جهان بر آن حضرت اطلاق می کنند از قالب اصطلاح اختصاصی آنها درآوریم، و آن حضرت را «نجات بخش بزرگ آسمانی» یا «مصلح جهانی» و یا «رهایی بخش غیبی» بنامیم، اختلاف اسمی هم رفع می شود.

اسامی مقدّس حضرت مهدی(علیه السلام) در کتب مذهبی اهل ادیان

۱ «صاحب» در صحف ابراهیم(علیه السلام);

۲ «قائم» در زبور سیزدهم;

۳ «قیدمو» در تورات به لغت ترکوم;

۴ «ماشیع» (مهدی بزرگ) در تورات عبرانی;

۵ «مهمید آخر» در انجیل;

۶ «سروش ایزد» در زمزم زرتشت;

۷ «بهرام» در ابستاق زند و پازند;

۸ «بنده یزدان» هم در زند و پازند;

۹ «لند بطاوا» در هزار نامه هندیان;

۱۰ «شماخیل» در ارماطس;

۱۱ «خوراند» در جاویدان;

۱۲ «خجسته» (احمد) در کندرال فرنگیان;

۱۳ «خسرو» در کتاب مجوس;

۱۴ «میزان الحق» در کتاب اثری پیغمبر؛

۱۵ «پرویز» در کتاب برزین آذر فارسیان؛

۱۶ «فردوس اکبر» در کتاب قبروس رومیان؛

۱۷ «کلمهُ الحقّ» در صحیفه آسمانی؛

۱۸ «لِسانِ صدق» هم در صحیفه آسمانی؛

۱۹ «صمصام الاکبر» در کتاب کندرال؛

۲۰ «بقیه اللّه» در کتاب دوهر؛

۲۱ «قاطع» در کتاب قنطره؛

۲۲ «منصور» در کتاب دید براهمه؛

۲۳ «ایستاده» (قائم) در کتاب شاکمونی؛

۲۴ «ویشنو» در کتاب ریگ ودا؛

۲۵ «فرخنده» (محمّد) در کتاب

وشن جوک;

۲۶ «راهنما» (هادی و مهدی) در کتاب پاتیکل;

۲۷ «پسر انسان» در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن);

۲۸ «سوشیانس» در کتاب زند و هومو من یسن، از کتب زردتشیان;

۲۹ در کتاب «شابوهرگان» کتاب مقدس «مانویه» ترجمه «مولر» نام «خود شهر ایزد» آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند، و عدالت را در جهان آشکار سازد;

۳۰ «فیروز» (منصور) در کتاب شعیای پیامبر.([۸])

علاوه بر این ها اسامی دیگری نیز برای حضرت مهدی(علیه السلام)در کتب مقدّسه اهل ادیان ذکر شده است که ما به جهت اختصار از نقل آنها خودداری نمودیم.([۹])

اسامی مقدّسی چون: «صاحب، قائم، قاطع، منصور و بقیه اللّه» که در کتب مذهبی ملل مختلف آمده است، از القاب خاصّ وجود مقدّس حضرت حجّت بن الحسن العسکری عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف است که در بیشتر روایات اسلامی، به آنها تصریح شده و ائمّه معصومین(علیهم السلام) در اکثر روایات، از آن حضرت به عنوان «صاحب»، «قائم» و «بقیه اللّه» یاد کرده اند.

نگاهی کوتاه به کتابهای مذهبی اهل ادیان این امر را به خوبی نشان می دهد که وقتی جهان دچار فتنه و آشوب گردد و آتش ظلم و بیدادگری همه جهان را فراگیرد، و جنگهای خانمان سوز و ویرانگر مردمان جهان را به ستوه آورد و زمامداران جهان از اداره اُمور کشورها عاجز و ناتوان گردند و برای خاموش کردن آتش فتنه ها و جنگها راه چاره ای نیابند، در چنین موقعیّت حساس و بحرانی یک مصلح بزرگ جهانی، با اتّکا به قدرت لایزال الهی قیام خواهد کرد، و به یک اصلاح عمومی در تمام

جهان دست خواهـد زد و زورگویان، زورمـداران و قدرت طلبان افسار گسـیخته عالم را سـر جای خود خواهد نشاند و به همه بدبختیها و تیره روزی ها و گرفتاری های بشریّت خاتمه خواهد داد.

پاسخ(قسمت دوم)

خوشـبختانه هنگامی که به ادیان آسمانی مراجعه می کنیم، کتب آسمانی را سراسر مملوّ از امید، و سرشار از نویدهای بهروزی و وعده های ظهور آن «مصلح جهانی» می بینیم، و شاید برای برخی کمی تعجّب آور باشد که در تمام ادیان و مذاهب بزرگ جهان، اعم از وثنیت، کلیمیت، مسـیحیت، مجوسـیت و آیین مبین اسلام . . . از مصلحی که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و به جنایتهـا و خیانتهـای انسانهـا خـاتمه خواهـد داد و شالوده حکومت واحـد جهانی را، بر اساس عـدالت و آزادی بنیان خواهد نهـاد، گفتگو شـده و برتر و بالاـتر از همه، نویـد ظهور آن مصـلح بزرگ جهان، به خصوص در اسـلام و قرآن نیز، به صورتی جامع تر، کامل تر، عمیق تر و جدی تر، مطرح شده است.

و جـای بسـی خرسـندی است که اکثریّت قریب به اتّفـاق نویـدهایی که در رابطه بـا ظهور «مصـلح بزرگ جهانی» در کتابهای آسـمانی آمـده است اگر نگوییم همه آنهـا تنهـا با وجود مقـدّس مهـدی موعود(علیه السـلام)، آخرین بازمانـده حجت الهی از امامان معصوم شیعه مطابقت دارد.

آری ای عزیز ! نویـدهای مصـلح بزرگ جهانی و بشارت ظهور مبارک حضـرت مهـدی(علیه السـلام) علاوه بر قرآن مجید در تمـام کتب مـذهبی اهـل ادیـان ماننـد: کتـاب زنـد، کتاب جاماسب، کتاب شاکمونی، کتاب جوک، کتاب دیـد براهمه، کتاب باسک، کتاب پاتیکل، کتاب دادنگ، کتاب ضفینای نبی، کتاب اشعیاء، کتاب وحی

کودک، کتـاب حُکی نبی، کتـاب مکاشـفات یوحنای لاهوتی، کتاب دانیال نبی، انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، و سایر کتابها و الواح ذکر شده، و در همه این کتابها نویدها و بشارتهای ظهور حضـرت مهدی(علیه السلام) به عبارات و مضامینی که همه اصالت و حقیقتِ «مهـدویّت» را تأییـد می کننـد، و آن را یک عقیـده عمومی مشترک بین همه اُمّتها و ملّتها می داننـد، به روشنی بیان شده است.

اگر چه غیر از قرآن مجیـد، همه کتابهـای دیگر آسـمانی مورد دسـتبرد و تحریف قرار گرفته است، ولی باز هم مطالبی در آنها دیده می شود که از دستبرد دگران مصون مانده، و در آنها عبارات و جملاتی از آمدن «مصلح جهانی» به چشم می خورد.

جالب توجّه این که: در تمام کتابهای مقدّسـی که در میان اهل ادیان، به عنوان کتابهای آسـمانی شناخته شده و آورندگان آن کتابها به عنوان پیامبر، شناخته می شوند، تصریحات زیادی به «مهدی موعود» شده است.

هر چنـد که مـا این کتابهـا را به عنوان «کتـاب آسـمانی» نمی دانیم، و یقین نـداریم که آورنـدگان آنهـا پیـامبر بوده انـد، بلکه معتقدیم که آنها یا «پیامبر» بوده اند، یا این مطالب را از کتابها و تعلیم پیامبران گذشته اقتباس کرده اند، ولی شگفت آور است که در برخی از این کتابهـا، بعضـی از القـاب خـاص و اسامی مبارک حضـرت مهـدی(علیه السـلام) و حتّی سلسـله «نسبی» آن حضرت و این که وی از سلاله پاک پیغمبر آخر الزمان، و از فرزندان دختر آن پیغمبر، و آخرین جانشین آن حضرت است، نیز مشخص گردیده است.

اینک برای اثبات این مدّعا قسمتی از نویدها و بشارتهای ظهور مهدی موعود(علیه

السـلام) را که در کتب مـذهبی اهل ادیان آمـده است، از کتب مقدّسه هندیان، یهودیان، مسـیحیان، زرتشتیان و سایر کتابهایی که در میان پیروان خود به عنوان کتاب آسـمانی شـناخته شده، نقل می کنیم، تا اصالت مسأله «مهدویت» و جهانی بودن اعتقاد به ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) به خوبی روشن شود.

مهدی موعود(علیه السلام) در کتب مقدسه هندیان

در کتابهای مذهبی مقدسی که در میان هندیان به عنوان کتاب های آسـمانی شناخته شده و آورندگان این کتاب ها به عنوان پیامبر شـناخته می شوند، تصـریحات زیادی به وجود مقدّس مهدی موعود(علیه السلام) و ظهور مبارک آن حضرت شده است که قسمتی از آنها از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

الف) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب اوپانیشاد

در کتـاب «اوپانیشـاد» که یکی از کتب معتبره و از منـابع هنـدوها به شـمار می رود، بشارت ظهور مهـدی موعود(علیه السـلام) چنین آمـده است: «این مظهر ویشـنو (مظهر دهم) در انقضـای کلّی یا عصـر آهن، سوار بر اسب سـفیدی، در حالی که شمشـیر برهنه درخشانی به صورت سـتاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می شود، و شریران را تماماً هلاک می سازد، و خلقت را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد . . . این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد».([۱۰])

بـا انـدک تـأملی در جملاـت بشـارت فوق، ظـاهر می شود که مقصود از «مظهر ویشـنو» همـان وجود مقـدّس حجه بن الحسـن العسکری(علیه السلام) است؛ زیرا طبق روایات متواتر اسلامی آن حضرت در آخر الزمان و در پایان جهان، ظهور خواهد نمود و با شمشیر قیام خواهد کرد، و تمامی جباران و ستمگران

روی زمین را از بین خواهد برد، و در دوران حکومت آن مظهر قدرت خداوندی، جهان، آفرینش نوینی خواهد یافت.

« مهدی(علیه السلام) بر اسب دست و پا سفیدی سوار است»

این عنوان که در دومین فراز بشارت کتاب «اوپانیشاد» آمده است، در اخبار معصومین(علیهم السلام) بدان اشاره شده که برای نمونه برخی از آنها را در اینجا می آوریم:

در حدیثی از حضرت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) روایت شده که در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) و به هنگام حرکت آن حضرت از نجف به سوی مسجد سهله فرموده است:

«كَأَنِّی بِهِ وَ قدْ عَبرَ مِنْ وادِی السّلام إلی مَسْجِدِ السَّهْلَةِ عَلی فَرَس مُحَجَّل لَهُ شِمْراخٌ يُزهِو وَ هُوَ يَدْعُو و يقول فی دعائِهِ...».([۱۱])

«گویی او را با چشم خود می بینم که در نزدیکی نجف از وادی السلام عبور کرده، به سوی مسجد سهله پیش می رود در حالی که بر اسب دست و پا سفیدی سوار است که پیشانی سفید و درخشنده ای دارد، و همه درخشندگی آن را چون چراغ و ستاره می بینند و او در آن حال دعا می خواند . . .»

ب) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «باسک»

در کتاب «باسک» که از کتب مقدّسه آسمانی هندوهاست، بشارت ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) چنین آمده است.

«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادلی در آخر الزمان، که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمین ها و کوه ها پنهان باشد همه را بدست آورد، و از آسمان ها و زمین و آنچه باشد خبر دهد، و از

او بزرگتر کسی به دنیا نیاید».([۱۲])

ج) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «پاتیکل»

در کتاب «پاتیکل» که از کتب مقدّسه هندیان می باشد و صاحب این کتاب از اعاظم هند است و به گمان پیروانش، صاحب کتاب آسمانی است، بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) چنین آمده است:

«چون مدّت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملك تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخر الزمان» و دیگری «صدیق اکبر».

یعنی وصی بزرگتر وی که «پشن» نام دارد. و نام آن صاحب ملك تازه، «راهنما» است، به حق، پادشاه شود، و خلیفه «رام» باشد، و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، سرخ روی باشد در نزد رام».

و دولت او بسیار کشیده شود، و عمر او از فرزندان «ناموس اکبر» زیاده باشد، و آخر دنیا به او تمام شود. و از ساحل دریای محیط و جزایر سراندیب و قبر بابا آدم(علیه السلام) و از جبال القمر تا شمال هیکل زهره، تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند، و بتخانه «سومنات» را خراب کند. و «جگرنات»([۱۳]) بفرمان او به سخن آید و به خاک افتد، پس آن را بشکند و به دریای اعظم اندازد، و هر بتی که در هر جا باشد بشکند».([۱۴])

از آنجا که در این بشارت، الفاظ و تعابیری به کار رفته است که امکان دارد برای بعضی از خوانندگان نا مفهوم باشد بعضی از آنها را جهت روشن تر شدن مطلب توضیح می دهیم:

۱

مقصود از «ناموس آخر الزمان»، ناموس اعظم الهی، پیامبر خاتم حضرت محمّد بن عبدالله(صلی الله علیه وآله وسلم) است.

۲ پشن، نام هندی حضرت علی بن ابی طالب(علیه السلام) است.

۳ صاحب ملك تازه، آخرین حجّت خداوند حضرت ولی عصر(علیه السلام) است و راهنما، نام مبارك حضرت مهدی(علیه السلام) است که بزرگترین نماینده راهنمایان الهی و نام مقدّس وی نیز، هادی و مهدی و قائم به حق است.

۴ کلمه «رام» به لغت «سانسکریتی» نام اقدس حضرت احدیت (خدا) است.

۵ این جمله «هر که به او پناه برد، و دین پدران او اختیار کند، در نزد رام، سرخ روی باشد» صریح است در این که، حضرت مهدی(علیه السلام) جهانیان را به دین اجداد بزرگوارش، اسلام، دعوت می کند.

۶ سومنات بنا به نوشته علّامه دهخدا، در کتاب لغت نامه بتخانه ای بوده است در «گجرات». و گویند: سلطان محمود غزنوی آن را خراب کرد، و «منات» را که از بتهای مشهور است و در آن بتخانه بود، شکست. و گویند: این لغت هندوی است که مفرّس شده و آن نام بتی بود، و معنی ترکیبی آن «سوم، نات» است: نمونه قمر، زیرا «سوم» به لغت هندوی قمر را گویند، و نات، تعظیم است. برای اطلاع بیشتر به لغت نامه دهخدا، ماده «سومنات» مراجعه فرمایید.

۷ و اما «جگرنات» به لغت سانسکریتی، نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند.

د) بشارت ظهور حضرت بقیه اللّه(علیه السلام) در کتاب «وشن جوك»

در کتاب «جوك» که رهبر جوکیان هندو است و او را پیامبر می دانند، در باره بشارت ظهور حضرت «بقیه الله»–

ارواحنا فداه - و رجعت گروهی از اموات در دوران حکومت عدالت گستر آن حضرت، چنین آمده است: «آخر دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست می دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «خجسته» و «فرخنده» باشد. خلق را، که در دین ها اختراع کرده و حق خدا و پیامبر را پایمال کرده اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند، و عالم را نو گرداند، و هر بدی را سزادهد، و یک «کرور» دولت او باشد که عبارت از چهار هزار سال است، خود او و اقوامش پادشاهی کنند».([۱۵])

دو کلمه «فرخنده» و «خجسته» در عربی به (محمّد و محمود) ترجمه می شود و این هر دو اسم، نام مبارک حضرت مهدی- ارواحنا فداه - می باشد، و شاید هم اشاره به «محمّد» و «احمد» باشد; زیرا در روایات اسلامی وارد شده است که حضرت مهدی- ارواحنا فداه - دو نام دارد، یکی مخفی و دیگری ظاهر است، نامی که مخفی است «احمد» و آن که ظاهر است «محمّد» می باشد.

ه) بشارت ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) در کتاب «دید»

در کتاب «دید» که از کتب مقدسه هندیان است بشارت ظهور مبارک حضرت ولی عصر- ارواحنا فداه - چنین آمده است: «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد، و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد، و به دین خود در آورد، و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد، و هر چه از خدا بخواهد بر آید».([۱۶])

در برخی از روایات اسلامی، ائمّه معصومین(علیهم السلام) «منصور» را یکی

از اسامی مبارک حضرت مهدی- ارواحنا فداه - خوانده، و آیه شریفه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِيِّهِ سُلْطاناً فَلا يُسرِفُ فِی القَتلِ اِنَّهُ كانَ مَنْصوراً»([١٧])

(هر انکه مظلوم کشته شود ما برای ولیاو حق - قصاص - قرار دادیم ،پس در کشتن اسراف نمیکند ، همانا او یاری شده است).

را به آن حضرت تفسیر نموده اند که آن یگانه باز مانده حجج الهی، ولیّ خون مظلومان و منصور و مؤیّد من عند الله است.

و در همین رابطه در ضمن حدیثی از امام باقر(علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «القائِمُ مِنّا مَنصُورٌ بالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطوی لَهُ الأرضُ، وَ تَظهَرُ لَهُ الكُنُوزُ، وَيبلغ سُلطانُهُ المَشرِقَ وَ المَغرِبَ».([١٨])

«قائم ما به وسیله رعب (در دل دشمنان) یاری می شود، و با نصرت الهی تأیید می گردد، زمین زیر پایش پیچیده می شود، و گنجهای زمین برای او ظاهر می شود، ودولت او به شرق و غرب عالم می رسد».

و) بشارت ظهور حضرت قائم(علیه السلام) در کتاب «دادتگ»

در کتاب «دادتگ» که از کتب مقدّسه برهمائیان هند است، بشارت ظهور مبارک حضرت «قائم- ارواحنا فداه - » چنین آمده است: «بعد از آن که مسلمانی به هم رسد، در آخر الزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدّی حاکمان و ریای زاهدان و بی دیانتی امینان و حسد حاسدان بر طرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند، و دنیا مملو از ظلم و ستم شود، و پادشاهان، ظالم و بی رحم شوند، و رعیّت بی انصاف گردند و در خرابی یکدیگر کوشند و عالم

را کفر و ضلالت و فساد بگیرد، دست حق به در آید، و جانشین آخر «ممتاطا»([۱۹]) ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا (همه جهان را) و بسیار کسان را بکشد، و خلایق را هدایت کند، و آن در حالتی باشد که ترکان، امیر مسلمانان باشند، و]او[غیر از حق و راستی از کسی قبول نکند».([۲۰])

آنچه در این بشارت و بشارتهای قبلی در مورد ظهور مبارک حضرت مهدی- ارواحنا فداه - آمده است، اکثر آنها بدون کم و کاست با روایات اسلامی منطبق است، و ممکن است; برخی تصوّر کنند که شاید بعضی از مطالب این پیشگویی کمی اغراق آمیز است، ولی باید توجّه داشت که همه فرازهای این پیشگویی که در ضمن، تعدادی از علایم ظهور را نیز بر شمرده است در بسیاری از روایات اسلامی آمده و حتّی در دو حدیث بسیار مفصّل و طولانی که از رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و امام صادق(علیه السلام) در مورد حوادث قبل از ظهور از آن دو بزرگوار نقل شده به تفصیل سخن رفته است که ما به جهت اختصار از نقل آنها صرف نظر می نماییم، و علاقه مندان می توانند به منابعی که در پاورقی آورده ایم، مراجعه فرمایند.([۲۱])

ز) بشارت ظهور حضرت حجه اللّه(علیه السلام) در کتاب «ریگ ودا»

در کتاب «ریگ ودا» که یکی از کتب مقدّسه هند است، بشارت ظهور حضرت حجه الله- ارواحنا فداه - چنین آمده است: «ویشنو، در میان مردم ظاهر می گردد . . . او از همه کس قوی تر ونیرومندتر است .

. . در یـک دست «ویشـنو» (نجـات دهنـده) شمشـیری بهماننـد سـتاره دنباله دار و دست دیگر انگشتری درخشـنده دارد هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید».([۲۲])

در این بشارت، از ظهور انسانی ممتاز و با عظمت و برخی از نشانه های ظهور وی سخن رفته است که در وقت ظهور با شمشیر آتشبار که بسان سـتاره دنباله دار است، قیام می کنـد. و این تعبیر (یعنی: قیام با شمشـیر) تعبیر دقیق و لطیفی است که مضـمون آن در رابطه با ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) در احادیث اسلامی نیز آمده است.

ح) بشارت ظهور آخرین حجّت خدا(علیه السلام) در کتاب «شاکمونی»:

در کتاب «شاکمونی» که از کتب مقـدّسه هنـدیان می باشد و به اعتقاد کفره هند، پیغمبر صاحب کتاب است و می گویند: وی بر اهل خطا و ختن مبعوث بوده است، بشارت ظهور آخرین حجّت خـدا حضـرت ولی عصـر- ارواحنا فداه - چنین آمده است: «پادشـاهی و دولت دنیا به فرزنـد سـیّد خلایق دو جهان «گشن» بزرگوار تمام شود، و او کسـی باشـد که بر کوه های مشـرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود، و فرشتگان کارکنان او باشند، و جنّ و انس در خدمت او شوند، و از «سودان» که زیر خط «اسـتوا» است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمالی است و ماورای بحار و ماورای اقلیم هفتم و گلستان ارم تا باغ شداد را صاحب شود، و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد، و نام او «ایسـتاده» باشد، و خداشناس باشد». ([۲۳])

«گشن» در

لغت هندی نام پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله وسلم) است که در این بشارت فوق، فرزند برومند وی را به نام «ایستاده» و «خدا شناس» نامیده، چنان که شیعیان او را «قائم(علیه السلام)» و حضرت مهدی- ارواحنا فداه - می خوانند.

پاسخ(قسمت سوم)

و امّا موضوع سوار شدن آن حضرت بر ابرهای آسمان که در این بشارت آمده است، یکی از بزرگترین امتیازات آن موعود مسعود است که نه تنها در بشارت فوق و مکرّراً در بشارتهای انجیل از آن سخن رفته است; بلکه در روایات متواتره اسلامی نیز به صورت یک امر جدّی و خارق العاده مطرح گردیده است.

زیرا پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) و امامان معصوم(علیهم السلام) در مواردی که از ظهور مبارک آن ولی مطلق الهی سخن رانده اند، سیر و حرکت آن مصلح بزرگ جهانی را در ایّام ظهور خارق العاده دانسته، و به پیروان خود مژده داده اند که حضرت مهدی(علیه السلام) با قدرت و جلال در حالی که بر ابرهای آسمان سوار است، ظهور خواهد فرمود.

اینک برای اثبات این مدّعا و دلگرمی منتظران ظهور آن یگانه منجی عالم، به چند نمونه از احادیث وارده اشاره می کنیم:

۱ علاّمه مجلسی در ضمن حدیثی از پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرده که آن حضرت فرمود: خداوند در شب معراج خطاب به من کرد و فرمود: . . .

«. . . وَ لاَُطَهِّرَنَّ الأَرْضَ بآخِرِهِمْ من أَعْدائی، وَ لاَُمَلِّکَنَّهُ مَشارِق الأَرْضِ وَ مَغارِبَها، وَ لأُسَخِّرَنَّ لَهُ الرِّیاحَ، وَ لاَُذَلِّلَنَّ لَهُ السَّحابَ الصِعابِ، ولأرقیّنّهُ فی الأسباب، ولأنصرنّهُ بجندی، وَ لاَُمِدَّنَّهُ بِمَلائِکَتِی، حتّی یُعْلِنَ دَعْوَتِی، وَیَجْمَعَ الخَلْقَ عَلی تَوحیدِی، ثُمَّ لاَُدِیمنّ مُلکَهُ، وَلاَُداوِلَنَّ

الأَيّامَ بَيْنَ أَوْلِيائِي إلى يَوْمِ القِيامَةِ».([۲۴])

«. . . و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می سازم; شرق و غرب جهان را به او تملیک می نمایم; بادها را به تسخیر او در می آورم; ابرهای سخت و نا آرام را برای او رام می گردانم، برترین ابزارها را در اختیار او می گذارم، با سپاه خود او را یاری نموده و با فرشتگانم او را مدد و تقویت می نمایم، تا دعوت مرا آشکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد. آنگاه دولت او را پایدار نموده و دوران حکومتش را تا پایان روزگار بین دوستانم جاودانه می سازم».

۲ در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «أما إنّ ذا القَرْنَيْنِ قَدْ خُيِّرَ السَّحابَيْنِ، فَاختارَ الذَّلُولَ وَ ذَخَرَ لِصاحِبِكُمُ اَلصَّعْبَ.

فَقِيلَ لَهُ: وَ ما اَلصَّعْبُ؟

فَقالَ: ما كانَ مِنْ سَحاب فِيهِ رَعْدٌ وَصاعِقَةٌ وَ بَرْقٌ، فَصاحِبُكُمْ يَرْكَبُهُ!. أما إنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحابَ، وَ يَرْقَى فِي الأسبابِ: أسبابِ السَّماوات السَّبْعِ وَ الأَرَضِينَ السَّبع».([۲۵])

«ذوالقرنین میان دو ابر مخیر شد: یکی ابر رام و دیگری ابر نا آرام، و او ابر رام را برای خود بر گزید و ابر نا آرام را برای صاحب شما نگه داشت.

گفته شد: ابر نا آرام چیست؟

فرمود: ابری که با رعد و برق و غرّش باشد، که صاحب شما سوار بر آن خواهد شد. آری ! صاحب شما سوار ابر می شود، همه اسبابها و ابزارها را زیر پا می گذارد، اسبابهای هفت آسمان و هفت زمین را».

بشارات ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «تورات»

در کتاب تورات که از کتب آسمانی

به شـمار می رود و هم اکنون در دست اهـل کتـاب و مورد قبول آنهـا است، بشـارات زیـادی از آمـدن مهـدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخر الزمان آمده است که چون مضمونهای آن بشارات در قرآن کریم و احادیث قطعی و متواتر اسلامی به صورت گسترده ای وارد شـده و نشـان می دهـد که مسأله «مهـدویّت» اختصاص به اسـلام نـدارد، قسـمتی از آن بشارات را در اینجـا می آوریم، و برخی از نکات آنها را توضـیح می دهیم تا موضوع تشـکیل حکومت واحـد جهانی، و تبـدیل همه ادیان و مذاهب مختلف به یک دین و آیین مستقیم، برهمگان روشن شود.

گفتنی است که چون در کتاب «عهد عتیق» (یعنی: تورات و ملحقات آن) همچون کتاب انجیل، از بازگشت و رجعت حضرت عیسـی (علیه السـلام)سـخن به میان آمده است و این مطلب، رابطه مسـتقیم با ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)دارد، در ضمن بشارات ظهور حضـرت مهـدی(علیه السـلام)، فرازهایی از «تورات» را آورده ایم تا دانسـته شود که قوم یهود نیز بر اساس آنچه در کتابهای مذهبی خودشان آمده است همچون مسـلمانان به «رجعت» و بازگشت حضـرت مسـیح(علیه السـلام)معتقدند. و در این باره تردید ندارند که بالاخره روزی فرا می رسد که حضرت عیسای روح الله(علیه السلام)به زمین باز می گردد و برخی از آنهـا را تنبیه و از برخی دیگر انتقام می گیرد، هر چنـد که بسـیاری از آنان بر اثر آیات و معجزاتی که از حضـرت مهـدی(علیه السلام)و عیسای مسیح(علیه السلام)می بینند ایمان آورده و تسلیم می شوند و در برابر حق خاضع و خاشع می گردند.

اینک به قسمتی از بشاراتی که در «تورات» و

ملحقات آن آمده است، توجّه فرمایید:

الف) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در «زبور داوود»

در زبور حضرت داود(علیه السلام) که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای کتب «عهد عتیق» آمده، نویدهایی در باره ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) به بیانهای گوناگون داده شده است و می توان گفت: در هر بخشی از «زبور» اشاره ای به ظهور مبارك آن حضرت، و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یك دین محکم و آیین جاوید و مستقیم، موجود است.

و جالب توجّه این که، مطالبی که قرآن کریم در باره ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) از «زبور» نقل کرده است عیناً در زبور فعلی موجود و از دست برد تحریف و تفسیر مصون مانده است.

قرآن کریم چنین می فرماید: (وَلَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الاَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحوُنَ).([۲۶])

«ما علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نوشتیم که]در آینده[بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».

مقصود از «ذکر» در این آیه شریفه، تورات موسی(علیه السلام) است که زبور داود(علیه السلام)پیرو شریعت تورات بوده است.

این آیه مبارکه از آینده درخشانی بشارت می دهد که شرّ و فساد به کلّی از عالم انسانی رخت بر بسته، و اشرار و ستمکاران نابود گشته اند، و وراثت زمین به افراد پاك و شایسته منتقل گردیده است. زیرا کلمه «وراثت و میراث» در لغت، در مواردی استعمال می شود که شخص و یا گروهی منقرض شوند و مال و مقام و همه هستی آنها به گروهی دیگر به وراثت منتقل شود.

به هر حال، طبق روایات متواتره اسلامی از طریق شیعه

و سنّی این آیه شریفه مربوط به ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) می باشد، و قرآن کریم این مطلب را از زبور حضرت داود (علیه السلام) نقل می کند، و عین همین عبارت در زبور موجود است. و اینک متن زبور:

«(۹) زیرا که شریران منقطع می شوند. امّا متوکّلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. (۱۰) و حال اندکست که شریر نیست می شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود (۱۱) امّا متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذّذ خواهند شد (۱۲) شریر بخلاف صادق افکار مذمومه می نماید، و دندانهای خویش را بر او می فشارد (۱۳) خداوند به او متبسّم است چون که می بیند که روز او می آید (۱۴) شریران شمشیر را کشیدند و کمان را چلّه کردند تا آن که مظلوم و مسکین را بیندازند، و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد (۱۶) کمی صدّیق از فراوانی شریران بسیار بهتر است. (۱۷) چون که بازوهای شریران شکسته می شود و خداوند صدّیقان را تکیه گاه ا ست (۱۸).

خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود (۱۹) در زمان «بلا» خجل نخواهندشد، و در ایّام قحطی سیر خواهند بود (۲۰) لکن شریران هلاک خواهند شد، و دشمنان خداوند، مثل پیه برّه ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد؛ (۲۲) زیرا متبرّکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، امّا ملعونان وی منقطع خواهند شد (۲۹) صدّیقان وارث زمین شده، ابداً در آن ساکن خواهند شد (۳۴) به خداوند پناه برده، راهش را نگاهدار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و

در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید (۳۸) امّا عاصیان، عاقبت مستأصل، و عاقبت شریران منقطع خواهند شد».([۲۷])

در فصل دیگر می فرمایـد: «. . . قومها را به انصاف داوری خواهـد کرد. آسـمان شادی کند و زمین مسـرور گردد. دریا و پری آن غرش نماینـد. صـحرا و هر چه در آن است به وجـد آیـد. آنگاه تمام درختان جنگل ترنّم خواهنـد نمود به حضور خداوند. زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد. و قومها را به امانت خود».([۲۸])

و از جمله در مزمور ۷۲ در مورد پیامبر بزرگوار اسلام و فرزند دادگسترش حضرت مهدی(علیه السلام)، چنین می فرماید:

«(۱) ای خدا ! شـرع و احکام خود را به «ملک»، و عدالت خود را به «ملک زاده» عطا فرما (۲) تا این که قوم تو را به عدالت و فقرای تو را به انصاف حکم نمایـد (۳) به قوم کوهها سـلامت و کویرها عدالت برساند (۴) فقیران قوم را حکم نماید، و پسران مسـکینان را نجات دهد، و ظالم را بشکند (۵) تا باقی مانـدن ماه و آفتاب دور به دور از تو بترسـند (۶) بر گیاه بریده شده مثل باران و مانند امطار که زمین را سیراب می گرداند خواهد بارید (۷).

و در روزهایش صدّیقان شـکوفه خواهد نمود، و زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماه خواهد بود (۸) از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت خواهد نمود (۹) صحرا نشینان در حضورش خم خواهند شد و دشمنانش خاک را خواهند بوسید

(۱۰).

ملوک طرشیش و جزیره ها، هـدیه ها خواهنـد آورد، و پادشاهان شـبا و سـبا پیشکشـها تقریب خواهند نمود (۱۱) بلکه تمامی ملوک با او کرنش خواهند نمود، و تمامی اُمم او را بندگی خواهند کرد (۱۲) زیرا فقیر را وقتی که فریاد می کند و مسکین که نصرت کننده ندارد، خلاصی خواهد داد (۱۳) و به ذلیل و محتاج ترحّم خواهد فرمود و جانهای مسـکینان را نجات خواهد داد (۱۴) جان ایشان را از ظلم و سـتم نجات خواهد داد، و هم در نظرش خون ایشان قیمتی خواهد بود (۱۵) و زنده مانده از شبا به او بخشـیده خواهد شد (۱۶) در زمین به سر کوههـا مشت غلّه کاشـته می شود که محصول آن مثل اسـنان متحرّک شـده، اهل شهرها مثل گیاه زمین شکوفه خواهند نمود (۱۷).

اسم او ابداً بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت (۱۹) بلکه اسم ذوالجلال او ابداً مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پر شود (۲۰) دعای داود پسر یسیّ تمام شد».([۲۹])

ب) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «اشعیای نبی»

در کتاب «اشعیای نبی» که یکی از پیامبران پیرو تورات است، بشارت فراوانی در مورد ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) آمده است که جهت اسـتدلال به کتـاب مزبور، نخست فرازی از آن بشـارت هـا را نقـل نموده، و برخی از نکـات آن را توضـیح می دهیم تا معلوم شود که مسـلمانان در باره عقیـده به ظهور یک مصـلح جهانی تنها نیسـتند، بلکه همه اهل کتاب در این عقیده با مسلمانان اشتراک نظر دارند.

در فرازی از

بشارت کتاب اشعیا چنین آمده است:

«و نهالی از تنه «یسیّ»([۳۰]) بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوّت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود، داوری نخواهد نمود و بر وفق سمع گوشهای خویش، تنبیه نخواهد نمود; بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود . . . کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت.

و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد، و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد، و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت، و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادی نخواهند کرد; زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می پوشاند».([۳۱])

منظور از «نهالی که از تنه یسیّ خواهد رویید» ممکن است یکی از چهار نفر از شخصیّت های بزرگ روحانی و رهبران عالی قدر بشر، حضرت داود، حضرت سلیمان، حضرت عیسی و حضرت حجّت بن الحسن العسکری(علیهم السلام)باشند; ولی دقّت و بررسی کامل آیات فوق نشان می دهد که منظور از این نهال، هیچ یک

از آن پیامبران نیست; بلکه همه آن بشارتها ویژه قائم آل محمّد(علیهم السلام)است; زیرا حضرت داوود و سلیمان(علیهما السلام)فرزندان پسری یسیّ، و حضرت عیسی بن مریم(علیه السلام)نواده دختری وی، و قائم آل محمّد(علیه السلام)نیز از جانب مادرش جناب نرجس خاتون که دختر یشوعا، پسر قیصر، پادشاه روم و از نسل حضرت داود، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی(علیه السلام) بوده، و نسب شریفش به شمعون صفا، وصیّ حضرت عیسی(علیه السلام)می رسد نواده دختری «یسیّ» می باشد.

در فرازی از این بشارت چنین آمده است: «موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خود تنبیه نخواهد نمود» و این جمله، اشاره به حاکمیت مطلق و حکومت عادلانه آن حضرت دارد که وی بر اساس حق و واقع، حکم می کند و نیازی به شاهد و بیّنه ندارد و از کسی گواهی نمی طلبد چنان که در روایات اسلامی آمده است که: «یحکم بحکم داود ومحمّد(صلی الله علیه وآله وسلم)» یعنی به حکم حضرت داود و دستور پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) حکم می کند و با علم و دانش خدادادی خویش داوری می نماید.([۳۲])

و در فراز دیگری از آن بشارت آمده است که، در زمان حکومت حقه و دوران حکومت عدالت پیشه او «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید ... و گوساله و شیر پرواری با هم، و ... ضرر و فسادی نخواهند کرد»، این جمله نشان می دهد که در زمان ظهور مبارک آن موعود آسمانی، عدل و داد آن چنان گسترش می یابد که جانوران و درندگان با هم

سازش می کننـد و در کنار یکـدیگر قرار می گیرنـد و خوی بهیمیّت و درنـدگی را از دست می دهند، و زیان و ضـرر به هیچ یکٔ از موجودات نمی رسانند چنان که در اخبار و احادیث آمده است: «وَ تَصْطَلِحُ فِی مُلْکِهِ السّباع، وَ اصْطَلَحَتِ السِّباع، و تأمَنُ الْبَهائم».([۳۳])

در حکومت او درندگان خوی توحش رها کرده و با یکدیگر سازش می کنند و حیوانات اهلی احساس امنیت می نمایند.

و در آخرین فراز از بشارت مزبور آمده است: «جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می پوشاند»، این مطلب نشانگر این واقعیّت است که در عهد با سعادت آن موعود آسمانی چنان تحوّل عظیم علمی و فرهنگی به وجود می آید که همه مردمان به خـدای یگانه ایمان می آورنـد. درهای رشـته های گوناگون علوم و دانش به روی انسانها گشوده می شود، سطـح معلومات بشـری بالا می رود، راهی را که بشـریّت در طول تاریـخ در هزاران سال پیش به دنبال آن بوده در زمان کوتاه می پیمایـد، عقلهـا کامـل و انـدیشه هـا شـکوفا می گردد، و کوته بینی ها و تنگٔ نظری ها از بین می رود، و انسانها به کمال و بلوغ عقلی و اخلاقی و انسانی می رسـند و به تمام ناکامیها، شکسـتها، سـتمها، نادانیها و بـدبختی ها پایان می دهنـد، و زندگی شرافتمندانه تازه ای را آغاز می نمایند.

در بشـارت دیگری نیز در کتـاب «اشـعیاء» در مورد ظهور قـائم آل محمّـد(علیه السـلام)چنین آمـده است: «و در ایّام آخر واقع خواهد شد . . . جمیع اُمّتها به سوی آن روان خواهند شد .

. . او اُمّتها را داوری خواهـد نمود، و قومهای بسـیاری را تنبیه خواهـد کرد . . . اُمّتی بر اُمّتی شمشـیر نخواهد کشـید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت».([۳۴])

آنچه از این بشـارت فهمیـده می شود این است که پس از قیـام شـکوهمند مهـدی موعود(علیه السـلام) جمیع اُمّتهـا به سوی او روی خواهنـد آورد. و او همه مردم جهـان را از هر رنگ و نژادی که باشـند و هر دین و مـذهبی که داشـته باشـند در زیر یک پرچم که دین اسـلام و توحیـد باشـد گرد خواهد آورد، و گروه بسـیاری را تنبیه خواهد نمود، و در پرتو اجرای عدالتش، و در میان مردم به قضاوت داودی داوری خواهد نمود، و بر اساس حق و واقع قضایا را حل و فصل خواهد کرد، که سراسـر گیتی را فرا خواهد گرفت دیگر اُمّتی بر اُمّتی شمشـیر نخواهد کشـید، و بار دیگر جنگ و خونریزی وناامنی بر جهان حکمفرما نخواهد بود، و همه مردمان در صلح، صفا، صمیمیّت و آسایش و آرامش در کنار هم زندگی خواهند نمود.

در فرازی از بشارت های کتاب اشعیا آمده که در زمان آن حضرت، عدالت اجتماعی برقرار خواهد گردید و امنیّت عمومی به وجود خواهد آمد به گونه ای که مردم در صـلح و صـفا و صمیمیّت زندگی کنند و بهایم با هم سازش نمایند و در کنار هم با آسودگی بیاساینـد: «آنگـاه انصاف در بیابان ساکن خواهـد شـد، و عـدالت در بوسـتان مقیم خواهـد گردیـد. و عمل عـدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابد الآباد. و قوم من در مسکن

سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزلهای آرامی ساکن خواهند شد».([۳۵])

پاسخ(قسمت چهارم)

در فراز دیگری از بشارت های کتاب اشعیای نبی آمده که در آن زمان، بساط ظلم و ستم برچیده خواهد شد، و عدالت گسترش خواهد یافت، و فقر اقتصادی از میان خواهد رفت و نیازمندیهای مادی و معنوی مردم تأمین خواهد گردید، و همگان به اخلاق حمیده اسلامی آراسته خواهند شد، و پرده های ظلمت و تاریکی به کنار خواهد رفت، و مردمان در ناز و نعمت زندگی خواهند کرد:

«برگزیدگان من، از عمل دستهای خود تمتّع خواهند برد، زحمت بیجا نخواهند کشید، اولاد به جهت اضطراب نخواهند زایید; زیرا که اولاد برکت یافتگان خداوند هستند و ذریّت ایشان با ایشان اند. و قبل از آن که بخوانند من جواب خواهم داد، و پیش از آن که سخن گوینـد من خواهم شنید. گرگ و برّه با هم خواهند چرید، و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد، و خوراک مار خاک خواهد بود، خداوند می گوید که در تمامی کوه مقدّس من، ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند کرد».([۳۶])

ج) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب بوئیل نبی

در کتاب بوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) و نزول حضرت عیسی(علیه السلام) و محاکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز، چنین آمده است:

«آن گاه جمیع امّت ها را جمع کرده به وادی «یهوشافاظ»([۳۷])فرود خواهم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش، اسرائیل]را[محاکمه خواهم نمود، زیرا که ایشان را در میان امّت ها پراکنده ساخته و زمین

مرا تقسیم نموده اند و بر قوم من قرعه انداخته و پسری در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند».([۳۸])

و در جای دیگر از همین کتاب چنین آمده است: «ای همه اُمّتها ! بشتابید و بیایید و از هر طرف جمع شوید ای خداوند شجاعان ! خود را به آنجا فرود آور. اُمّتها بر انگیخته شوند. به «وادی یهوشافاظ» بر آیند; زیرا که من در آنجا خواهم نشست تا بر همه اُمّتهایی که به اطراف آن هستند داوری نمایم».([۳۹])

و در همین زمینه در کتاب «عاموس نبی» آمده است که می گوید: «بنابر این، ای اسرائیل ! به این طور با تو عمل خواهم نمود، و چون که به این طور با تو عمل خواهم نمود پس ای اسرائیل ! خویشتن را مهیّا ساز تا با خدای خود ملاقات نمایی».([۴۰])

این فرازها همچنان که ملاحظه می شود از نزول حضرت عیسی(علیه السلام) و داوری آن حضرت در «یوم الله ظهور» خبر می دهند.

و در همین رابطه، در کتاب «هوشیع نبی» در مورد بازگشت حضرت عیسی (علیه السلام)خطاب به قوم یهود آمده است: «و من برای افرایم([۴۱]) مثل شیر و برای خاندان یهودا ([۴۲])مانند شیر ژیان خواهم بود. من خودم خواهم درید و رفته خواهم ربود و رهاننده نخواهد بود.

من روانه شده به مکان خود خواهم برگشت تا ایشان به عصیان خود اعتراف نموده روی مرا بطلبند، در تنگی خود صبح زود مرا خواهند طلبید».([۴۳])

د) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «زکریای نبی»

در کتاب زکریای نبی که یکی

از پیـامبران بزرگ بنی اسـرائیل و از انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور آن یگانه منجی عالم چنین آمـده است: «اینک روز خداونـد می آیـد و غنیمت تو در میانت تقسـیم خواهـد شـد. و جمیع اُمّتها را به ضدّ اورشـلیم برای جنگ جمع خواهم کرد، و شهر را خواهنـد گرفت و خـانه هـا را تـاراج خواهنـد نمود، و زنـان را بی عصـمت خواهنـد کرد، و نصف اهل شـهر به اسـیری خواهند رفت، و بقیّه قوم از شهر منقطع خواهند شد.

و خداونـد بیرون آمده با آن قومها مقاتله خواهد نمود چنان که در روز جنگ مقاتله نمود، و در آخر آن روز پایهای او بر کوه زیتون که از طرف مشـرق به مقابل اورشـلیم است خواهـد ایسـتاد . . . و آن یک روز معروف خداونـد خواهـد بود . . . و یَهْوه (خدا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. و در آن روز یَهْوه واحد خواهد بود و اسم او واحد».([۴۴])

در اینجـا لازم اسـت ایـن نکته را توضـیح دهیم که در کتب عهـدین (یعنی تـورات و انجیـل) کلمه «خداونـد» بیشـتر در مـورد حضرت عیسی(علیه السلام) به کار می رود، که در اینجا نیز چنین شده است. و جالب این که در این فراز بشارت که از تورات نقل کردیم، محل فرود آمدن حضـرت عیسـی و یوم الله بودن آن روز و جهانی شدن اسلام و سقوط رژیم اشغالگر قدس دقیقاً با روایات اسلامی مطابقت دارد.

البته باید توجّه داشت که طبق آیات کریمه قرآن مجید، مضـمون این پیشـگوییها یکبار در دوران گذشـته در زمان بخت النصر انجام گرفته و یکبار دیگر طبق وعده های

صریح قرآن کریم و نویدهای ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) در «یوم الله ظهور»، انجام خواهد گرفت، و نخستین قبله مسلمانان برای همیشه از اشغال یهودیان رهایی خواهد یافت و در تمامی جهان خدای یکتا را پرستش خواهد نمود، و در تمامی نقاط زمین ندای دلنواز وحدت به گوش خواهد رسید.

به هر حال، آنچه در این فراز در مورد سرنوشت یهودیان مغرور آمده است دقیقاً با روایات اسلامی منطبق است; زیرا از احادیث چنین استفاده می شود که ملّت یهود به علّت طغیان و سرکشی و فسادی که در زمین ایجاد می کنند سرانجام تار و مار خواهند شد به گونه ای که حتّی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند.

اینک برای آن که به سرنوشت شوم و ذلّت باری که طبق وعده الهی در انتظار قوم یهود و غدّه سرطانی اسرائیل غاصب است واقف شویم به برخی از روایاتی که در زمینه طغیان و سرکشی قوم یهود، و هلاکت و نابودی آنها در «بیت المقدس» وارد شده، اشاره می کنیم:

سرنوشت یهودیان مغرور

ابن کثیر دمشقی در کتاب «البدایه و النهایه» در باره درگیری مسلمانان با یهود و این که این درگیری هر روز شدید و شدیدتر خواهد شد تا جایی که به پیروزی مسلمین و نابودی یهود منجر شود، در حدیثی از پیغمبر اکرم نقل کرده است که فرمود: «لا تقوم السّاعه حتّی یقاتل المسلمون الیهود، فیقتلهم المسلمون حتّی یختبئ الیهودی من وراء الحجر و الشجر فیقول الحجر أو الشجر : یا مسلم ! یا عبدالله! هذا الیهودی من خلفی، فتعال فاقتله، إلاّ الغرقد، فإنّه شجر الیهود».([۴۵])

«قیامت بر پا

نمی شود تـا این که مسـلمانان بـا یهود به مبارزه برخیزنـد و آنها را بکشـند تا جایی که اگر یک نفر یهودی در پشت سـنگ یا درختی پنهان شود، آن سنگ یا درخت به قدرت خدای تعالی به زبان آمده بگوید: ای مسلمان ! ای بنده خدا ! این که خود را پنهان کرده است یهودی است، بیا او را به قتل برسان. مگر درخت «غرقـد» که درخت یهود است و از معرفی یهودی خودداری می کند».

اخراج یهود از سرزمینهای اسلامی

علاّمه مجلسـی اعلی الله مقـامه در کتـاب نفیس «بحـار الانوار» در باب رجعت، در این مورد که یهود و نصاری از سـرزمینهای اسلامی اخراج خواهند شد در حدیثی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام)چنین نقل کرده است:

«عن عبایه الأسدی قال: سـمعت أمیرالمؤمنین(علیه السـلام) و هو متّکِئ و أنا قائم علیه: لأبنین بمصر منبراً منیراً، و لأنقضنّ دمشق حجراً حجراً، و لأخرجنّ الیهود و النّصاری من کلّ کور العرب، و لأسوقنّ العرب بعصای هذه.

قال: قلت له: یا أمیر المؤمنین! کأنّک تخبر أنّک تحیی بعد ما تموت!

فقال: هیهات یا عبایه ! ذهبت فی غیر مذهب، یفعله رجل منّی».([۴۶])

«عبایه اسدی گوید: امیرالمؤمنین(علیه السـلام) تکیه داده بود و من بالای سر آن حضرت ایستاده بودم، در این هنگام شنیدم که فرمود: من در آینـده در مصـر منـبری روشـنی بخش بنیـان خواهـم نمود، و دمشق را ویران خواهم نمود، و یهود و نصـاری را از سرزمینهای عرب بیرون خواهم راند، و عرب را با این عصای خود به طرف حق سوق خواهم داد.

عبایه می گوید: من عرض کردم: یا امیر المؤمنین! گویی شما خبر

می دهید که بعد از مردن بار دیگر زنده می شوید و این کارها را انجام می دهید!

فرمود: هیهات ای عبایه ! مقصود من از این سخنان آن گونه که تو خیال کردی نیست; مردی از دودمان من اینها را انجام خواهد داد».

از جمله آخر این حدیث که حضرت فرموده است: «این کارها را مردی از دودمان من انجام خواهد داد»، استفاده می شود که مقصود از او شخص امام قائم و حجّت منتظر(علیه السلام) است.

صهیونیسم و تشکیل دولتی به نام اسرائیل

نویسنده کتاب «عقائد الامامیّه» در مورد قیام یهود در خاور میانه و تشکیل دولتی به نام «اسرائیل» در سرزمین فلسطین، و بالاخره متلاشی شدن حکومت آنان، با شرکت اعراب و مسلمین به کمک یکدیگر، و به ویژه ارتش نیرومندی که از طریق عراق برای سرکوبی یهود عازم فلسطین می شود. در حدیث بسیار جامع و جالبی از امیرمؤمنان علی(علیه السلام) چنین نقل کرده است:

«قال أمیر المؤمنین(علیه السلام): وستأتی الیهود من الغرب لإنشاء دولتهم بفلسطین.

قال النّاس: یا أبا الحسن! أنّی تکون العرب؟

أجاب(علیه السلام): أنذاک تکون مفکّکه القوی، مفکّکه العری، غیر متکاتفه وغیر مترادفه.

ثمّ سئل(علیه السلام): أیطول هذا البلاء؟

قال: لا، حتّی إذا أطلقت العرب أعنّتها ورجعت إلیها عوازم أحلامها، عندئذ یفتح علی یدهم فلسطین، و تخرج العرب ظافره و موحّده، وستأتی النجده من العراق، کتب علی رایاتها القوّه، و تشترک العرب والإسلام کافّه لتخلّص فلسطین، معرکه و أیّ معرکه فی جلّ البحر، تخوض النّاس فی الدماء و یمشی الجریح علی القتیل.

ثمّ قال(علیه السلام): و ستفعل العرب ثلاثاً، وفی الرابعه یعلم الله ما فی نفوسهم من الثبات والإیمان، فیرفرف علی رؤوسهم النصر.

ثمّ قال: وأیم الله یذبحون ذبح

النّعاج حتّی لا یبقی یهودیّ فی فلسطین».([۴۷])

«امیرمؤمنان(علیه السلام) فرمود: یهود برای تشکیل دولت خود در فلسطین، از غرب به منطقه عربی خاور میانه خواهند آمد.

عرضه داشتند: یا اباالحسن! پس عربها در آن موقع کجا خواهند بود؟

فرمود: در آن زمان عربها نیروهایشان از هم پاشیده و ارتباط آنها از هم گسیخته، و متّحد و هماهنگ نیستند.

از آن حضرت سئوال شد: آیا این بلا و گرفتاری طولانی خواهد بود؟

فرمود: نه، تا زمانی که عربها زمام اُمور خودشان را از نفوذ دیگران رها ساخته و تصمیمهای جدّی آنان دوباره تجدید شود آنگاه سرزمین فلسطین به دست آنها فتح خواهد شد، و عربها پیروز و متّحد خواهند گردید، ونیروهای کمکی از طریق سرزمین عراق به آنان خواهد رسید که بر روی پرچمهایشان نوشته شده: «القوّه»([۴۸]) و عربها و سایر مسلمانان همگی مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد و با یهودیان خواهند جنگید و چه جنگ بسیار سختی که در وقت مقابله با یکدیگر در بخش عظیمی از دریا روی خواهد داد که در اثر آن مردمان در خون شناور شده و افراد مجروح بر روی اجساد کشته ها عبور کنند.

آنگاه فرمود: و عربها سه بار با یهود می جنگند، و در مرحله چهارم که خداوند ثبات قدم و ایمان و صداقت آنها را دانست همای پیروزی بر سرشان سایه می افکند.

بعد از آن فرمود: به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند گوسفند کشته می شوند تا جایی که حتّی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند».

ه) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «حزقیال نبی»

در این

کتاب در مورد ظهور حضرت حجّت بن الحسن العسکری(علیهما السلام) و سرنوشت رژیم اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید، و اجرای احکام و حدود الهی در آن عصر درخشان، چنین آمده است:

«. . . و امّا تو ای پسر انسان! خداوند یَهْوَه چنین می فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آیید. قربانی عظیمی که بر کوههای اسرائیل، تا گوشت بخورید و خون بنوشید.

و خداوند یهْوه می گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جبّاران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد. و من جلال خود را در میان اُمّتها قرار خواهم داد و جمیع اُمّتها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که برایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود. و خاندان اسرائیل از آن روز و بعد، خواهند دانست که یهْوه خدای ایشان، من هستم. و اُمّتها خواهند دانست که خاندان اسرائیل به سبب گناه خودشان جلای وطن گردیدند; زیرا که به من خیانت ورزیدند».([۴۹])

باید توجّه داشت که منظور از «پسر انسان» مانند کلمه «مسیح»، حضرت عیسی(علیه السلام)نیست; بلکه مراد از آن، حضرت مهدی(علیه السلام)است، زیرا در انجیل بیش از ۸۰ بار کلمه «پسر انسان» آمده است که تنها در ۳۰ مورد آن حضرت مسیح (علیه السلام)اراده شده است.([۵۰])

و) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب حجّی نبی

در این کتاب نیز که یکی از کتابهای انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت «بقیه الله»(علیه السلام) بدین گونه آمده است:

«یهْوه صبایوت

چنین می گوید: یک دفعه دیگر و آن نیز بعد از اندک زمانی آسمانها و زمین و دریا و خشکی را متزلزل خواهم ساخت، و تمامی اُمّتها را متزلزل خواهم ساخت، و فضیلت جمیع اُمّتها خواهد آمد . . . این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت . . . جلال آخر این خانه از جلال نخستینش عظیمتر خواهد بود، و در این مکان سلامتی را خواهم بخشید».([۵۱])

ز) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «صفینای نبی»

در این کتاب که یکی از کتب انبیای پیرو تورات است، بشارت ظهور حضرت ولی عصر(علیه السلام) چنین آمده است: «. . . خداوند در اندرونش عادل است و بی انصافی نمی نماید. هر بامداد حکم خود را روشن می سازد و کوتاهی نمی کند، امّا مرد ظالم حیا را نمی داند. اُمّتها را منقطع ساخته ام که برجهای ایشان خراب شده است و کوچه های ایشان را چنان ویران کرده ام که عبور کننده نباشد. شهرهای ایشان چنان منهدم گردیده است که نه انسانی و نه ساکنی باقی مانده است. و گفتم: کاشکه از من می ترسیدی و تأدیب را می پذیرفتی . . .

بنابر این، خداوند می گوید: برای من منتظر باشید تا روزی که به جهت غارت برخیزم; زیرا که قصد من این است که اُمّتها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدّت خشم خویش را بر ایشان بریزم، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد; زیرا که در آن زمان، زبان پاک به اُمّتها باز خواهم داد تا

جمیع ایشان اسم یهوه خدا را بخوانند و به یک دل او را عبادت نمایند».([۵۲])

ح) بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «دانیال نبی»

در کتاب دانیال نبی نیز بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) مطابق بشارات انبیای گذشته، چنین آمده است:

«. . . امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است، خواهد برخاست. و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که اُمّتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آن زمان هر یک از قوم تو، که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد. و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد، امّا اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنایی افلاک خواهند درخشید، و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد.

امّا تو ای دانیال ! کلام رامخفی دار و کتاب راتا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردّد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید ... خوشا به حال آن که انتظار کشد».([۵۳])

در این بشارت نکات چندی وجود دارد که برخی از آنها را به طور اختصار توضیح می دهیم:

۱ شخص مورد بشارت که در نخستین فراز بشارت مزبور به عنوان «ایستاده» از او تعبیر شده است، قائم آل محمّد(علیهم السلام) است که بزرگترین نماینده انبیای الهی است، و دعوت تمام پیامبران خدا را یکجا در حکومت حقّه خود آشکار ساخته، آیین الهی را بر سرتاسر کره خاکی حکم فرما می نماید.

پاسخ(قسمت پنجم)

۲ منظور از

«زمان تنگی»، زمان بیدادگریها، سختیها، فشارها، ظلم و ستم هایی است که قبل از ظهور آن حضرت در سراسر جهان پیدا می شود، چنان که در روایات اسلامی آمده است: «یَمْلَأُ الأرضَ قِسطاً و عَدلا کَما مُلِئت جوراً و ظلماً».

۳ منظور از: «آنانی که در خاک زمین خوابیده اند»، گروهی از اموات می باشند که در دولت با سعادت حضرت مهدی(علیه السلام) زنده می شوند، و برخی از آنان از یاران آن حضرت می گردند و در رکاب حضرتش می جنگند و برخی دیگر به سزای اعمال ناشایست خود می رسند.

در این زمینه، روایات بسیاری از ائمّه معصومین(علیهم السلام) رسیده است که ما به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می نماییم، و طالبین می توانند به کتابهای مربوطه که در مورد «رجعت» نگاشته شده، مراجعه فرمایند.

بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در کتاب «انجیل»

بر اساس بشارات فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح(علیه السلام)به دنبال قیام حضرت قائم (علیه السلام)در «فلسطین» آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت، و پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگروند و حامی حضرت مهدی(علیه السلام)گردند. از این رو، در آخرین روزهای زندگی و شاید در طول دوران حیات به یاران و شاگردان خود توصیه ها و سفارشهای اکیدی در باره بازگشت خود به زمین نموده و آنان را در انتظار گذارده و امر به بیداری و هوشیاری و آمادگی فرموده است که ما به جهت اثبات این مدّعا و بیداری مسلمانان قسمتی از آنها را در اینجا

می آوریم.

اینک متن برخی از آن بشارات که در انجیل آمده است:

الف) انجیل متّی

«پس عیسی از هیکل بیرون شده برفت، و شاگردانش پیش آمدند تا عمارتهای هیکل را بدو نشان دهند. عیسی ایشان را گفت: آیا همه این چیزها را نمی بینید؟ هر آینه به شما می گویم: در اینجا سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد که به زیر افکنده نشود. و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این اُمور کی واقع می شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟

عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما راگمراه نکند. ز آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید، زنهار مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی ها و وباها و زلزله ها در جایها پدید آید . . .

آنگاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است باور مکنید؛ زیرا که مسیحان کاذب و انبیای کذبه ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی. اینک شما را پیش خبر دادم.

پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید، یا آن که در خلوت است باور مکنید؛ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد

. . .

و فوراً بعد از مصیبت آن ایّام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و قوّتهای افلاک متزلزل گردد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوّت و جلال عظیم می آید . . .

پس از درخت انجیر مثلش را فرا گیرید که چون شاخه اش نازک شده برگها می آورد می فهمید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز چون این همه را ببینید بفهمید که نزدیک بلکه بر در است. هر آینه به شما می گویم . . .

آسمان و زمین زایل خواهد شد؛ لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد.

امّا از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتّی ملائکه آسمان جز پدر من و بس؛ لیکن چنان که ایّام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود . . .

پس بیدار باشید؛ زیرا که نمی دانید در کدام ساعت خداوند شما می آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می دانست در چه پاس از شب دزد می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش نقب زند.

لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معیّن خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کار مشغول

یابد».([۵۴])

«امّا چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدّس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امّتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند و میش ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من ! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید».([۵۵])

«عیسی ایشان را گفت: هر آینه به شما می گویم: شما که مرا متابعت نموده اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود. و هر که به خاطر اسم من خانه ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت».([۵۶])

ب) انجیل مَرْقُس

«و چون او عیسی از هیکل بیرون می رفت یکی از شاگردانش بدو گفت: ای استاد ! ملاحظه فرما چه نوع سنگ ها و چه عمارتها است!

عیسی در جواب وی گفت: آیا این عمارتهای عظیمه را می نگری. بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد مگر آن که به زیر افکنده شود.

و چون او بر کوه زیتون مقابل هیکل نشسته بود ... از وی پرسیدند: ما را خبر ده که این امور کی واقع می شود؟ و

علامت نزدیک شدن این امور چیست؟

آنگاه عیسی در جواب ایشان سخن آغاز کرد که: زنهار کسی شما را گمراه نکند. زیرا که بسیاری به نام من آمده خواهند گفت که: من هستم، و بسیاری را گمراه خواهند نمود. امّا چون جنگها و اخبار جنگها را بشنوید مضطرب مشوید; زیرا که وقوع این حوادث ضروری است. لیکن انتها هنوز نیست. زیرا که اُمّتی بر اُمّتی و مملکتی بر مملکتی خواهند بر خاست، و زلزله ها در جایها حادث خواهد شد و قحطی ها و اغتشاشها پدید می آید، و اینها ابتدای دردهای زه می باشد. لیکن شما از برای خود احتیاط کنید . . .

ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود.

مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغلی خاصّ مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید ! زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید. در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. امّا آنچه به شما می گویم به همه می گویم بیدار باشید !».([۵۷])

ج) انجیل لوقا

«کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را

بکوبـد بی درنگ برای او باز کننـد. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آیـد ایشان را بیـدار یابـد . . . پس شـما نیز مستعد باشید; زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید».([۵۸])

«و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای اُمّتها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریـا و امواجش. و دلهای مردم ضـعف خواهـد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسـکون ظاهر می شود، زیرا قوّت آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر، ابری سوار شده با قوّت و جلال عظیم می آید».([۵۹])

همـان گونه که قبلا توضـیح دادیم مقصود از «پسـر انسان» حضـرت مسـیح(علیه السـلام)نیست، زیرا مطابق نوشـته مستر هاکس آمریکایی در «قاموس کتاب مقدّس» این عبارت ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) آمده است که فقط ۳۰ مورد آن با حضـرت عیسای مسـیح(علیه السلام) قابل تطبیق است». و امّا ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنـده ای سـخن می گوید که در آخر زمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد و حضرت عیسی(علیه السلام) نیز با او خواهد آمد، و او را جلال و عظمت خواهد داد، و از ساعت و روز ظهور او جز خداوند تبارک و تعالی کسـی اطّلاع ندارد، و او کسـی جز حضرت مهدی(علیه السلام) آخرین حجّت خدا نخواهد بود.

ه) انجیل یُوحَنّا

«و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند; زیرا که پسر انسان است. و از این تعجّب مکنید، زیرا ساعتی می آید

که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری».([۶۰])

مکاشفه یُوحَنّا

«و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است. و آبستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد بر می آورد.

و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اژدهای بزرگ آتش گون که او را هفت سرو ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر. و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آنها را بر زمین ریخت و اژدها پیش آن زن که می زایید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. پس پسر نرینه را زایید که همه اُمّتهای زمین را به عصای آهنین حکم رانی خواهد کرد، و فرزندش به نزد خدا و تخت او ربوده شد . . .

و در آسمان جنگ شد. میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند. ولی غلبه نیافتند، بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد. و اژدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مُسمّی است که تمام ربع مسکون را می فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند».([۶۱])

مفسّرین انجیل در مورد آیات فوق می گویند: شخص مورد بشارت در این آیات تاکنون قدم به عرصه وجود ننهاده و تفسیر روشن و معنی واضح آنها نیز موکول

به زمان آینده و نامعیّنی است که وی ظاهر گردد.

ولی با انـدکی دقّت و تأمّل در آیات فوق این نتیجه به دست می آید که شـخص مورد بشارت در مکاشـفه یاد شده، بزرگترین مولود جهـان انسانیّت، و شـخص ممتاز و بی نظیری است که به منظور ایجاد حکومت حقّه الهیّه و بر افکنـدن بنیاد اهریمنان، به ناچـار مـدّتی از انظـار مردمان غایب خواهـد گردیـد، و خداونـد عالم آن یگانه مظهر نور الهی و منجی انسانیّت را از دیـدگان اشـرار و شـیاطین جنّی و انسـی مخفی و مستور نگه خواهد داشت تا در یک زمان نامعلومی آنگاه که خواست خداوند است از پشت پرده غیبت ظاهر شده، با «عصای آهنین» بر بشریّت حکومت کند.

در قسمت دیگری از مکاشفه یوحنّای لاهوتی بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)چنین آمده است:

«و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می نماید و چشمانش چون شعله آتش، و بر سـرش افسـرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی داند و جامه خون آلود سرخ در بر دارد و نام او را کلمه خدا می خوانند. ولشـکرهایی که در آسـمانند بر اسبهای سفید، و به کتان سفید و پاک ملبّس از عقب او می آمدنـد. و از دهـانش شمشـیری تیز بیرون می آیـد تـا به آن اُمّتهـا را بزنـد و آنهـا را به عصـای آهنین حکمرانی خواهد نمود . . . و دیدم فرشته را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز

می کننـد نـدا کرده می گویـد: بیاییـد و به جهت ضـیافت عظیم خـدا فراهم شویـد تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سـپه سالاران و گوشت جبّاران . . .»([۶۲])

بـا نظری دقیق و اجمـالی در تمـام احادیثی که در مورد ظهور یکتا بازمانـده حجـج الهی وارده شـده است می توان گفت: همه فرازهای بالا در احادیث اسلامی آمده است.

و) رساله پولس به رومیان

«زیرا یقین می دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد، هیچ است».([۶۳])

«. . . و آن که برای حکمرانی اُمّتها مبعوث شود، امید اُمّتها بر وی خواهد بود».([۶۴])

این تعبیر هم تعبیر دقیقی است که در احـادیث اسـلامی آمـده است، و جـالب توجّه این که: همان گونه که در بشارات تورات تذکّر دادیم در ترجمه عربی انجیل با تعبیر «قائم» آمده است، و تعبیر «حکمرانی اُمّتها» و «امید اُمّتها» جالب توجّه است.

«زیرا این را به شما از کلام خدا می گوییم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست؛ زیرا خداونـد با صـدا و با آواز رئیس فرشـتگان و با صور خدا از آسـمان نازل خواهد شد، و مردگان در مسـیح اول خواهند بر خاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود».([۶۵])

به طوری که خوانندگان عزیز ملاحظه می کننـد این فراز از عهـد جدیـد با روایات اسـلامی وجوه مشترک فراوانی دارد که از آن جمله است:

۱ نزول حضرت عیسی(علیه السلام)

صیحه آسمانی.

۳ زنده شدن گروهی از افراد صالح.

۴ آمدن او بر فراز ابر.

۵ ربوده شدن یاران حضرت ولی عصر(علیه السلام) از محرابها و رختخوابهای خود، و انتقال یافتن آنها بر فراز ابرها، همه این موارد در احادیث اسلامی آمده، و با این فقرات انجیل دقیقاً منطبق است.

پاسخ(قسمت ششم)

فراز دیگر از اناجیل را «عبدالله بن سلیمان» نقل کرده است که بسیار جالب است. او می گوید:

من در اناجیل خواندم که خداوند به عیسی(علیه السلام) فرمود: «من تو را به سوی خود بالا می برم، سپس تو را در آخر زمان فرو می فرستم تا از اُمّت این پیامبر شگفتیها ببینی، و آنها را در کشتن دجّال یاری دهی، تو را در وقت نماز می فرستم، تا با آنها نماز بخوانی که آنها اُمّت مرحومه هستند».([۶۶])

بشارت ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) در منابع «زرتشتیان»

در منابع زرتشتیان تصریحات زیادی به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) شده است که قسمتی از آنها را در اینجا می آوریم:

۱ در کتاب «زند» که از کتب مقدّسه زرتشتیان است در باره انقراض اشرار و وراثت «صلحا» که پس از درهم شکستن شوکت جبّاران و بیدادگران، زمام اُمور جامعه بشری را به دست خواهند گرفت، چنین می گوید:

«لشکر اهریمنان با ایزدان دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند، و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد، امّا نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند; چه، در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد، آنگاه فیروزی بزرگ

از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست».([۶۷])

۲ در بخش «گاتها» که یکی از بخشهای چهارگانه «اوستا» است (بندهای ۸ و ۹) نویدهائی در مورد ظهور حضرت مهدی(علیه السلام)و سیطره جهانی آن حضرت که قیام شکوهمند او طبق وعده های أنبیاء در آخر الزمان به وقوع خواهد پیوست، چنین آمده است:

«و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد پس آنگاه ای «مزدا» ! کشورت را «بهمن» در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دستهای راستی سپرند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند».

۳ باز در همان بخش «گاتها» تحت عنوان «بامداد روز» نوید ظهور یگانه منجی بشریّت که در پایان جهان خواهد آمد، چنین آمده است: «کی ای «مزدا» ! بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فرا گیرد، با آموزشهای فزایش بخش پرخرد رهانندگان، کیانند آنانی که «بهمن» به یاریشان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من تو را بر گزیدم ای أهورا».

نویسنده کتاب «بشارات عهدین» پس از آن که این دو بشارت را از «گاتها» نقل کرده است چنین می نویسد: «مترجم «گاتها»، در پاورقی، «بهمن» را که در این دو بشارت پرچمدار نهضت آخرین معرفی شده نماینده توانایی و منش نیک و راستی و پارسایی دادار اهور مزدا، تفسیر کرده، و روی این اصل، توضیح این دو فراز از «گاتهای زرتشت» از

این قرار است:

در پایـان جهان پیش از رسـتاخیز عمومی آغاز سـزای گناهکاران است که به دست توانای نماینـده قـدرت و راستی و قـدس و عدالت الهی به سزای این جهانی خود خواهند رسید این دولت با سعادت تنها برای کسانی است که دروغ را به دستهای راستی سپرده، و منش زشت را در بوته فراموشی نهاده اند.

حقّاً آن زمان درخشان بامداد روز است که صبح دولت حقّه الهیّه دمیدن گیرد و دین راستین آیین ابدی آخرین سراسر جهان را فرا گیرد، آیینی که تمامی آموزشـهای پیامبران الهی در آن نمودار است، و آن یگانه نماینـده قـدرت و عدالت الهی، تمامی آموزشهای صالح و پسندیده رهبران عالیقدر بشریّت را در سراسر جهان منتشر و عملی سازد.

چنان که روشن است این دو جمله، بشارت از ظهور موعود اسـلام حضرت قائم آل محمّد(علیهم السلام) است، گر چه نامی از آن حضـرت به میـان نیاورده; ولی سـلطنت عمومی و عـدالت کلّی جهانی که پیشـگویی کرده بهترین نشانه آن بزرگمرد الهی است».([۶۸])

۴ جاماسب، در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» که حوادث گذشـته و آینـده جهان در آن ثبت شده، و احوالات پادشاهان، انبیا، اوصـیا و اولیا را بیان می کنـد ضـمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران بازگو می نمایـد، در مورد پیامبر گرامی اسلام و دولت جاودانه حضرت مهدی(علیه السلام) و رجعت گروهی از اموات ... چنین می گوید:

«پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشـد که در میان کوههای مکّه پیدا شود، و شتر سوار شود، و قوم او شتر سواران خواهند بود، و با بندگان خود چیز خورد، و به روش

بندگان نشـیند، و او را سایه نباشد و از پشت سـر، مثل پیش رو ببیند. و دین او اشرف ادیان باشد، و کتاب او باطل گرداند همه کتابها را، و دولت او تازیک یعنی پادشاهی عجم را بر باد دهـد، و دین مجوس و پهلوی را بر طرف کنـد، و نار سـدیر و آتش کده ها را خراب کند، و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اشکانیان».

آنگاه در باره ظهور مبارک حضرت مهدی(علیه السلام) چنین می گوید:

«و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشـد در میان دنیا که مکّه باشـد، و دولت او تا به قیامت متّصل باشد، و بعد از پادشاهی او دنیا تمام شود، و آسـمان جفت گردد و زمین به آب فرو رود و کوهها برطرف شود، و اهریمن کلان را که ضدّ یزدان و بنده عاصی او باشد بگیرد و در حبس کند و او را بکشد.

و نام مـذهب او برهان قاطع باشـد و حق باشـد و خلایق را به یزدان بخواند، و زنده گرداند خلق را از بدان و نیکان، و نیکان را جزا دهـد، و بـدان را سـزا دهـد و بسـیاری از خوبان و پیغمبران زنـده شونـد، و از بـدان گیتی و دشـمنان خدا و کافران را زنده گردانـد، و از پادشاهان اقوام خود را زنـده کند که فتنه ها در دین کرده باشـند و خوبان بندگان یزدان را کشـته باشـند، و همه متابعان اهریمن و تبه کاران را بکشد و نام این پادشاه

بهرام باشد . . .

و ظهور او در آخر دنیا باشد . . . و خروج او در آن زمان شود که تازیان بر فارسیان غالب شوند، و شهرهای عمّان خراب شود به دست سلطان تازیک، پس او خروج کند و جنگ کند و دجّال را ... بکشد.

و برود و قسطنطنیّه را بگیرد و علمهای ایمان و مسلمانی در آنجا برپا کند، و عصای سرخ شبانان با هودار (که موسی(علیه السلام)باشد) با او باشد، و انگشتر و دیهیم سلیمان با او باشد، و جنّ و انس و دیوان و مرغان و درندگان در فرمان او خواهند بود . . .

و همه جهان را یک دین کند، و دین گبری و زرتشتی نماند، و پیغمبران خدا و حکیمان و پری زادان و دیوان و مرغان و همه اصناف جانوران و ابرها و بادها و مردان سفید رویان در خدمت او باشند . . .»([۶۹])

«جاماسب» در ادبیات ایران و عرب به لقب «فرزانه» و «حکیم» خوانده شده است، و پیش گویی هایی نیز به او نسبت داده اند، و ظاهراً حکیمی ستاره شناس بوده است، و به قول مؤلّف کتاب «حبیب السیر»: وی شاگرد لقمان و برادر «گشتاسب» است، و در علم نجوم مهارت کامل داشته است.

علّامه دهخدا در کتاب «لغت نامه» راجع به وی می نویسد:

«نامه ای از او دیده شده که به پارسی قدیم است و نام آن فرهنگ ملوک و اسرار عجم است، و عنوان آن به نام گشتاسب شاه است، و نظرات کواکب را به رمز بیان نموده و مقارنات اختران را طالع وقت نهاده و بر آن زایچه حکم نموده.

گویند:

پنج هزار سال از روزگار آینده را باز نموده، از سلاطین و انبیا خبر داده، در آنجا حضرت موسی(علیه السلام) سرخ شبان با هودار و حضرت مسیح(علیه السلام) را پیغمبر خرنشین که او را به نام مادر، باز خوانند. و از حضرت رسول عربی به «مهرآزما» تعبیر کرده، و بعضی سخنان وی موافق روزگار گذشته است و برخی مخالف، والله أعلم بالصواب».([۷۰])

مؤلّف کتاب «بشارات عهدین» پس از آن که بشارتی را از کتاب «جاماسب» نقل می کند ذیل کلمه جاماسب در پاورقی چنین می نویسد:

«صاحبان سِیَر و تواریخ می نویسند: ظهور جاماسب برادر گشتاسب بن سهراب به سال ۴۹۹۶ پس از هبوط]حضرت[آدم(علیه السلام) بوده، وی مدّتی در نزد زرتشت کسب معارف نموده و مدّتی هم شاگرد (چنکرمکهاجه) هندی بوده است.

وی در کتاب «جاماسب نامه» از زمان خود تا پنج هزار سال]آینده را [پیش بینی نموده و قبرش در خفرک فارس است».([۷۱])

۵ باز در کتاب جاماسب، موافق برخی از مضامین بشارات گذشته در مورد دولت با سعادت حضرت مهدی(علیه السلام) و صلح بهائم و برافکندن ریشه ظلم و فساد، و همچنین حکومت واحد جهانی و اجتماع عموم بشریّت بر دین مبین اسلام، و این که حضرت مهدی(علیه السلام)پیرو اسلام و تابع دین جدّش پیامبر اکرم می باشد، چنین می گوید:

«مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر دین جدّ خویش بود، با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند، و زمین پر داد کند، و از داد وی باشد که گرگ با میش آب

خورد.

و مردم بسیار شوند، و عمر دیگر باز، به درازی کشد و باز گردد چنان که مردی بود که او را پنجاه فرزند بود نر و ماده، و کوه و دشت پر از مردم شود، و پر از حیوان شود، و همچون عروسی شود.

و همه کس به دین مهر آزمای (یعنی دین حضرت محمّد(صلی الله علیه وآله وسلم)) باز آیند، و جور و آشوب از جهان برخیزد، چنان که فراموش کنند که چون سلاح باید داشتن، و اگر وصف نیکویی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدو اندریم».([۷۲])

۶ در «زند و هومن یسن» از ظهور شخصیّت فوق العاده ای بنام «سوشیانس» (نجات دهنده بزرگ) خبر داده و در باره نشانه های ظهور وی چنین می گوید:

«نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند، و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند، و به همه دنیا پیام می فرستند».([۷۳])

آنگاه به مقاومت شریران در برابر او اشاره کرده و نوید می دهد که سرانجام همگی در برابر او سر تعظیم فرود می آورند.

۷ هنگامی که «گشتاسب» در مورد کیفیت ظهور «سوشیانس» و چگونگی اداره جهان می پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می دهد:

«سوشیانس (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و همگفتار و همکردار گرداند».([۷۴])

در اینجا لازم است این نکته را یادآور شویم که، اعتقاد به ظهور «سوشیانس» در میان ملّت ایران باستان

به اندازه ای رایج بوده است که حتّی در موقع شکستهای جنگی و فراز و نشیبهای زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری، خود را از یأس و نا امیدی نجات می دادند.

شاهد صادق این گفتار این که، در جنگ قادسیّه پس از درگذشت رستم فرّخ زاد، سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، با افراد خانواده خود آماده فرار می شد، بهنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مدائن، ایوان مجلّل خود را مورد خطاب قرار داده و گفت:

«هان ای ایوان! درود من بر تو باد، من هم اکنون از تو روی برمی تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او نرسیده است به سوی تو برگردم».

سلیمان دیلمی می گوید: من به محضر امام صادق(علیه السلام) شرفیاب شدم و مقصود یزدگرد را از جمله «یکی از فرزندان خود» از آن حضرت پرسیدم، حضرت فرمود:

«او مهدی موعود(علیه السلام) و قائم آل محمّد(علیهم السلام) است که به فرمان خداوند در آخر زمان ظهور می کند. او ششمین فرزند من، و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می باشد».([۷۵])

با توجّه به این که «شاه زنان» معروف به «شهربانو»، مادر امام سجّاد(علیه السلام) بنابر مشهور دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است، روشن می شود که او واقعاً پدر حضرت ولی عصر(علیه السلام) می باشد.

آنچه تا بدینجا گذشت نمونه هایی از نویدها و بشارتهای جاوید کتب مقدّسه اهل ادیان بود که همه آنها با مضامین مختلف خود، آمدن یک مصلح بزرگ جهانی را به نام (مهدی موعود(علیه السلام)) در آخر الزّمان ن…ه،و…Ṣروشنی گواهی می

دادنـد که مسأله ظهور حضـرت مهـدی(علیه السـلام) اختصاص به اسـلام ندارد، بلکه از نظر همه اُمّتها و ملّتها یک امر قطعی و مسلّم است که بدون تردید تحقّق خواهد یافت.

آری ! مطابق وعـده های انبیا و نویدهای کتب مقدّسه آسـمانی، سـرانجام روزی فرا خواهد رسـید که نماینده قدرت و قدس و عدالت الهی، آخرین جانشین رسول گرامی بنیانگذار حکومت واحد جهانی مهدی موعود منتظر عجّل اللّه تعالی فرجه از پشت پرده غیبت ظهور خواهـد فرمود، و بـا ظهور مبـارک آن ولیّ مطلق الهی، همه پرده هـای ظلمت به کنار خواهـد رفت، تاریکیها برچیده خواهد شد، از پلیدیها و ناپاکیها اثری نخواهد ماند، و جهان یکسره نورانی خواهد گشت.

بـدان امیـد که در سـایه سـار پرچم ظفر بخش او نظـاره گر تلألوژمین از پرتو انوار پروردگارش باشـیم و دیـده به جمال عـدل مجسم روشن داریم و خدای را بر تحقق وعده هایش سپاس گوییم - انشاء الله - .

پاسخ(قسمت هفتم)

در این بـاره بطور کلی می توان گفت که عقیـده به مهـدی موعود منجی عـالم اختصاص به مسـلمانان نـدارد؛ بلکه تقریبا تمام ادیان و مـذاهب آسـمانی در این عقیده شـراکت دارند. پیروان تمام ادیان و مذاهب اعتقاد دارند که در یک مقطع تاریخی که وضع جهـان تیره و تـار و تاریـک می گردد و جـامعه بشـری بـا بحران روبرو می شود فساد و ظلم و بی دینی همه جا را فرا می گیرد؛ در این وقت است که یک منجی با تاییـد دست غیبی ظهور می کنـد و ریشه ظلم و فساد را از میان بشـریت بر می کنـد. این مژده و نوید هم در کتابهای آسمانی یهود و نصاری و کتاب

مقدس زرتشتیان (کتاب زند و پازندو جاماسبنامه) آمده است و هم در کتاب های مقدس دیگر ادیان و مذاهب دیده می شود مانند: کتاب های مقدس براهمه و بودائیان.

و همه ادیان بر عقیده به منجی موعود بسر می برند و هر ملتی او را به لقب مخصوص می شناسد زردشتیان او را بنام سوشیانس (نجات دهنده جهان) جهودان بنام سرور میکائیلی یا مسیحای منجی، مسیحیان بنام مسیح موعود، مسلمانان بنام مهدی موعود، و هر ملتی آن نجات دهنده غیبی را از خودش می داند. زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زردتشت می دانند و.. در اسلام منجی موعود بطور کامل معرفی شده، خلاصه اینکه عقیده بر منجی عالم برای ریشه کن کردن ظلم و فساد و شرک در تمام ادیان مطرح است.

برای مطالعه تفصیلی منابع ادیان دیگر به آدرس اینترنتی زیر مراجعه کنید:

www.alimamalmahdi.com /farsi

کتابهای مختلفی هم در این زمینه وجود دارد به عنوان نمونه:

۱- امام مهدی در نظر اهل سنت، خسروشاهی، انتشارات اطلاعات

۲- انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، انتشارات مرکز ادیان و مذاهب، قم

۳-در انتظار ققنوس، ترجمه مهدی علیزاده، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم (این کتاب در زمینه سؤالات دیگر شما هم بسیار مفید است).

پی نوشت ها

[۱] مقدّمه کتاب «مهدی موعود» ترجمه سیزدهم بحار، ص ۱۷۷، و مهدی انقلابی بزرگ، ص ۵۷، به نقل از کتاب علائم الظهور.

[۲] او خواهد آمد، ص ۷۵.

[۳] قاموس کتاب مقدّس، ص ۸۰۶، به نقل از کتاب «او خواهد آمد»، ص ۳۲.

[۴] او خواهد آمد، ص ۳۳، به نقل از قاموس مقدس، ص ۲۱۹.

[۵] دیباچه ای بر رهبری، ص ۹۵ ۹۶.

[۶] دیباچه ای بر رهبری، ص

.۱۰۲ ۱۰۱

[۷] او خواهد آمد، ص ۸۷ ۸۸.

[۸] اسامی مقدس حضرت مهدی(علیه السلام) در کتابهای مربوطه به تفصیل آمده است، و ما اسامی مذکوره را از این کتابها نقل کرده ایم: النجم الثاقب، ص ۳۱ ۷۰، کتاب یأتی علی الناس زمان، ص ۷۰۸ ۷۱۱، اقوال الائمه، ج ۱، ص ۳۲۹، او خواهد آمد، ص ۶۴ ۷۰ و الزام الناصب ج ۱، ص ۴۸۱ ۴۹۱

[۹] ناگفته نمانند که نامها، کنیه ها و لقبهای حضرت مهدی(علیه السلام)، در دو کتاب پر محتوای «الزام الناصب»، تألیف مرحوم حائری یزدی، و کتاب بسیار نفیس «نجم الثاقب» تألیف محدّث نوری طاب ثراه به تفصیل ذکر شده است.

در کتاب «الزام الناصب»، ۱۸۶ نام، و در کتاب «نجم الثاقب» هم ۱۸۲ نام برای آن حضرت ذکر گردیده است. کسانی که طالب شرح و معانی الفاظ یاد شده و اسامی مبارک آن حضرت می باشند، می توانند به کتاب «نجم الثاقب» از صفحه ۳۱ تا ۷۰ و جلد اوّل کتاب «الزام الناصب» از صفحه ۴۸۱ تا ۴۹۱ مراجعه فرمایند.

[۱۰] اوپانیشاد، ترجمه محمّد داراشکوه (از متن سانسکریت) ج ۲، ص ۶۳۷.

[۱۱] دلائل الامامه، ص ۲۴۴ منتخب الاثر، ص ۵۱۹ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱، ح ۲۱۴.

[۱۲] بشارات عهدین، ص ۲۴۶ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸ لمعات النور فی کیفیه الظهور، ج ۱، ص ۱۹، نور الانوار، ص ۸۶، نور هفتم.

[۱۳] جگرنات به لغت سانسکریت نام بتی است که هندوها آن را مظهر خدا می دانند.

[۱۴] علائم الظهور کرمانی ص ۱۷; لمعات شیرازی، ج

۱، ص ۱۸ ; نور الانوار، نور هفتم ; بشارات عهدین، ص ۲۴۶ به نقل از کتاب زبده المعارف، ذخیره الالباب و تذکره الاولیاء.

[۱۵] بشارات عهدین، ص ۲۷۲ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸.

[۱۶] بشارات عهدین، ص ۲۴۵; او خواهد آمد، ص ۶۶; علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸.

[۱۷] سوره اسراء، آیه ۳۳، جهت اطلاع بیشتر به کتاب المحجّه ص ۱۲۷ ۱۲۹ مراجعه فرمایید.

[۱۸] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴ ; بشاره الاسلام، ص ۹۹ ; و منتخب الاثر، ص ۲۹۲.

[۱۹] ممتاطا: در زبان هندی به معنی «محمّد» است.

[۲۰] علائم الظهور کرمانی، ص ۱۸ او خواهد آمد، ص ۸۰.

[۲۱] بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۶ از رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) و ج ۵۲، ص ۲۵۴ از امام صادق(علیه السلام) کافی، ج ۸، ص ۳۶، ۴۲ مهدی موعود، ص ۱۰۳۶، ۱۰۴۵ و بسیاری از منابع دیگر از تفسیر و حدیث.

[۲۲] او خواهد آمد، ص ۶۵ به نقل از کتاب ریگ ودا، ماندالای ۴ و ۱۶ و ۲۴.

[۲۳] بشارات عهدین ، ص ۲۴۲ علائم الظهور کرمانی، ص ۱۷ او خواهد آمد ص ۶۵.

[۲۴] بحار الانوار ،ج ۵۲، ص ۳۱۲.

[۲۵] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

[۲۶] سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

[۲۷] عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۹ ۳۸.

[۲۸] همان، مزمور ۹۶، بندهای ۱۰ ۱۳، ص ۱۲۴۷، کتاب مقدّس.

[۲۹] عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۷۲، بندهای ۱ ۲، به نقل از بشارات عهدین، ص ۲۴۸ و أنیس الاعلام، ج ۵، ص

۹۲، ۹۳.

[۳۰] یسیّ به معنای قوی، پدر حضرت داود و نوه «راعوت» است، و به طوری مشهور بود که داود را پسر «یسیّ» می نامیدند، در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیغمبران بزرگ «بنی اسرائیل» بوده است. (قاموس کتاب مقدس).

و اما «راعوت» زنی است از «مؤاب» که سر زمینی است در شرق دریای لوط، که با «یوغی» وصلت کرد و از او صاحب فرزندی بنام عوید عویبد شد که جدّ حضرت داود(علیه السلام) باشد. (لغت نامه دهخدا، حرف راء، ص ۸۶).

[۳۱] تورات، کتاب اشعیای نبی، باب ۱۱، پندهای ۱ ۱۰، ص ۱۵۴۸، کتاب مقدّس.

[۳۲] به بشارت دوم، عنوان هفتم، مراجعه فرمایید.

[۳۳] بشاره الاسلام، ص ۱۹۷، ۲۴۷، منتخب الأثر، ص ۴۷۴، مستدرک حاکم، ج ۴ ص ۵۱۴ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶.

[۳۴] تورات، کتاب اشعیای نبی، باب دوم، بندهای ۲ ۴.

[۳۵] کتاب مقدّس، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۰۴۶ باب ۳۲، بندهای ۱۶ ۱۸

[۳۶] کتاب مقدّس، کتاب اشعیای نبی، ص ۱۰۹۰، باب ۶۵، بندهای ۲۳ ۲۵.

[۳۷] وادی یهوشافاط، نام صحرایی در نزدیکی بیت المقدّس است که اکنون وادی «قدرون» نامیده می شود. (لغت نامه دهخدا، حرف قاف، قدرون، ص ۱۷۷).

[۳۸] کتاب مقدّس، کتاب بوئیل نبی، ص ۱۳۲۷، باب ۳، بندهای ۲ و ۳.

[۳۹] کتاب مقدّس، کتاب بوئیل نبی، ص ۱۳۲۸، باب ۳، بندهای ۱۲ و ۱۳.

[۴۰] کتاب مقدّس، کتاب عاموس نبی، ص ۱۳۳۳، باب ۴، بندهای ۱۲ و ۱۳.

[۴۱] افرایم: نام پسر دوم حضرت یوسف(علیه السلام) است.

[۴۲] یهودا:

نـام پسـر یعقوب و برادر بزرگ یوسف از مادر دیگر به نام لیا لایالیا است، که حضـرت داود و ملوک بنی اسـرائیل و حضـرت عیسی(علیه السلام) از نسل او می باشند. (لغت نامه دهخدا، حرف یاء، یهودا).

[۴۳] تورات، کتاب هوشع نبی، ص ۱۳۱۴، باب ۵، بندهای ۱۴ و ۱۵.

[۴۴] همان، کتاب زکریای نبی، ص ۱۳۸۲، باب ۱۴، بندهای ۱ ۱۰.

[۴۵] البدایه والنهایه، ابن کثیر، ج ۱، ص ۱۴۳.

[۴۶] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۹، ح ۴۷ معانی الاخبار، ص ۴۰۷.

[۴۷] عقائد الامامیّه، ج ۱ ص ۲۷۰.

[۴۸] ظاهراً این کلمه اشاره به همان آیه شریفه: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّه)می باشد.

[۴۹] کتاب مقدّس، کتاب حزقیال نبی، ص ۱۲۶۵، باب ۳۹، بند ۱۷ ۲۳.

[۵۰] قاموس کتاب مقدّس، ماده «پسر خواهر»، ص ۲۱۹.

[۵۱] کتاب مقدّس، کتاب حجّی نبی، ص ۱۳۶۷، باب ۲، بندهای ۶ ۹.

[۵۲] کتاب مقدّس، کتاب صفینای نبی، ص ۱۳۶۳، باب ۳، بندهای ۵ ۹.

[۵۳] کتاب مقدّس، کتاب دانیال نبی، ص ۱۳۰۹، باب دوازدهم، بندهای ۱ ۱۲.

[۵۴] کتاب مقدّس، انجیل متی، ص ۴۱، باب ۲۴، بندهای ۱ ۸، ۲۳ ۲۸،۲۹ ۳۷ و ۴۲ ۴۶.

[۵۵] کتاب مقدّس، انجیل متی، ص ۴۴، باب ۲۵، بندهای ۳۱ ۳۴.

[۵۶] انجیل متی، باب ۱۹، بندهای ۲۸ و ۲۹.

[۵۷] کتاب مقدّس، انجیل مرقس، ص ۷۷، باب ۱۳، بندهای ۱ ۹ و ۳۲ الی ۳۷.

[۵۸] کتاب مقدّس، انجیل لوقا، ص ۱۱۶ باب ۱۲، بندهای ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ ۴۰.

[۵۹]

انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۵ ۲۷.

[۶۰] کتاب مقدّس، انجیل یوحنّا، ص ۱۵۲، باب ۵، بندهای ۲۶ ۲۸.

[۶۱] کتاب مقدّس، مکاشفه یوحنّا، ص ۴۰۸، باب ۱۲، بندهای ۱ ۵ و ۷ ۱۰.

[۶۲] کتاب مقدّس، مکاشفه یوحنّای رسول، ص ۴۱۷، باب ۱۹، بندهای ۱۱ ۱۸.

[۶۳] رساله پولس رسول به رومیان، ص ۲۵۲، باب ۸، بند ۱۸.

[۶۴] رساله پولس رسول به رومیان، ص ۲۶۱، باب ۱۵، بند ۱۲.

[۶۵] رساله اول پولس به تسالونیکیان، ص ۳۳۰، باب ۴، بندهای ۱۵ ۱۷

[۶۶] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

[۶۷] بشارات عهدین، ص ۲۳۷.

[۶۸] بشارات عهدین، استدراکات، بعد از مقدّمه چاپ دوّم، ص ۱۰ و ۱۱.

[۶۹] لمعات النور، ج ۱ ص ۲۳ ۲۵.

[۷۰] لغتنامه دهخدا، ص ۶۴۶۹، ستون ۱.

[۷۱] بشارات عهدین، ص ۲۴۳.

[۷۲] بشارات عهدین، ص ۲۵۸، به نقل از جاماسب نامه.

[۷۳] او خواهد آمد، ص ۱۰۸.

[۷۴] همان، به نقل از جاماسب نامه، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

[۷۵] بحار الأنوار، ج ۵۱ ص ۱۶۴.

منجی نزد مسیحیان کیست؟

پرسش

منجی نزد مسیحیان کیست؟

پاسخ

حضـرت مسیح (ع) مبعوث شـد تـا مردم را بشـارت دهـد. کلمه "انجیـل" از لغت یونانی گرفته شـده وبه معنای "خبر خوش" وبشارت به رهایی آمـده است. این بشارت همان قیام ملکوت خداونـد ویا به تعبیر دیگری می توان از آن به حکومت توحیدی در سطح کره زمین یاد نمود.

در کتـاب مقّـدس می خوانیم: "بر من واجب است تا تمام شـهرها را به ملکوت خـدا بشارت دهم وبرای این امر فرسـتاده شـده ام". {پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، ص ۲۰۵، رقم ۴۳. پاورقی}

در انجیل متّی آمـده است: "حضـرت عیسـی در جمیع شـهرها ودهات سـیر می کرد ودر مجامع آنها مردم را تعلیم وبه ملکوت بشارت می داد". {پاورقی . انجیل متّی، ۳۵/۶۲/۹. پاورقی}

در کلمـات حضـرت مسـیح کلمه "فرزنـد انسان" زیاد به چشم می خورد، در انجیل متّی آمـده است: "به حقّ می گویم که از میان حاضـرین در این مکان کسانی هسـتند که مرگ را نمی چشند تا اینکه فرزند انسان را مشاهده نموده که در ملکوتش می آید". {پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متّی، ص ۸۴-۸۲، رقم ۲۸-۱۳. پاورقی}

ونیز می خوانیم: "همان گونه که برق از مشرق طلوع کرده وهمه را روشن می کند آمدن فرزند انسان نیز این چنین است".

{پاورقی . همان، ص ۱۰۴، رقم ۲۷. پاورقی}

ونیز می خوانیم: "به همین جهت آماده باشید، در ساعتی که انتظار آن را نمی کشید فرزند انسان خواهد آمد".

{پاورقی . همان، ۴۴/۱۰۵/۲۴. پاورقی}

مقصـود از "فرزنـد انسـان" کیست؟ مسـیحیان درصـدد آن هسـتند که بر حضـرت مسـیح منطبق سازنـد، ولی از قرائن وشواهد موجود استفاده می شود که مقصود از "فرزند انسان" شخصی غیر از مسیح است که همان حضرت مهدی (ع) باشد:

الف) در انجیل یوحنا

از حضرت مسیح می خوانیم: "من طالب مجد وعظمت خود نیستم در آنجا کسی است که آن را می طلبد وحکم می کند". {پاورقی . همان، انجیل یوحنّا، ص ۳۱۷، رقم ۵۰. پاورقی}

ب) از عباراتی که در انجیل متّی آمده به خوبی استفاده می شود که "فرزند انسان" در آن عبارات غیر از حضرت مسیح است که در آخرالزمان به جهت پیاده کردن ملکوت خداوند ظهور کرده وعیسی بن مریم او را متابعت ومشایعت خواهد نمود.

ظهور منجی در اناجیل در چه وقتی معین شده است؟

پرسش

ظهور منجی در اناجیل در چه وقتی معین شده است؟

پاسخ

از برخی عبارات اناجیل به دست می آید که وقت ملکوت آسمان ها که همان حکومت عدل جهانی توحیدی در روی زمین است، آخرالزمان معین شده است.

حضرت عیسی (ع) در مورد مقدمات برپایی ملکوت خداوند می گوید: "وزود است که خبر از جنگ ها وشایعات بشنوید، مبادا که فزع کنید؛ زیرا حدوث آنها حتمی است، ولی نهایت عالم نخواهد بود".

{پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متّی، ص ۱۰۲، رقم ۶. پاورقی}

ونیز می فرماید: "...آنکه تا نهایت باقی می ماند اوست کسی که خلاصی می یابد".

{پاورقی . همان، ۱۳/۱۰۳/۲۴. پاورقی}

واین مطلب موافق روایاتی است که از رسول اکرم (ص) رسیده واشاره دارد به اینکه: "المهدیّ یخرج فی آخر الزمان"؛ "مهدی در آخرالزمان خروج خواهد نمود."

{پاورقی . الغیبه، طوسی؛، ص ۱۷۸. پاورقی}

اوصاف یاران منجی در اناجیل چیست؟

پرسش

اوصاف یاران منجی در اناجیل چیست؟

پاسخ

در اناجیل مسیحیان اوصافی برای یاران منجی بشریت ذکر شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - اطاعت: در انجیل مرقس آمده است: "به حقّ به شما می گویم: هرکس که همانند طفل، ملکوت خدا را نپذیرد در آن داخل نخواهد شد". مثال به طفل اشاره به اطاعت {پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل مرقس، ص ۱۵۷، رقم ۱۵. پاورقی}

مطلق است.

۲. عمل به احکام: در انجیل متّی آمده است: "این گونه نیست که هر کسی یاربّ یاربّ بگوید داخل در ملکوت آسمان ها شود، بلکه هر کس به خواست پروردگار عمل کند در آسمان هاست".

{پاورقی . همان، انجیل متّی، ۲۱/۵۶/۷. پاورقی}

۳. استضعاف: در انجیل لوقا آمده است: "خوشا به حال شما ای فقرا، زیرا برای شماست ملکوت خداوند. خوشا به حال شما ای گرسنگان در امروز، زیرا در آینده سیر خواهید شد. خوشا به حال شما ای گریه کنندگان، زیرا در آینده خندان خواهید شد. این در حالی است که در جای خود "ملکوت آسمان" به عصر ظهور تطبیق شده است".

{پاورقی . همان، انجیل لوقا، ص ۲۱۰، رقم ۲۰ù۲۱. پاورقی}

آیا در اناجیل به علائم ظهور منجی اشاره شده است؟

پرسش

آیا در اناجیل به علائم ظهور منجی اشاره شده است؟

پاسخ

در انجیل متّی آمده است: "...ودر آن هنگام که عیسی در باغ زیتون نشسته بود شاگردانش به نزد او آمده وبا او خلوت کردند واز او سؤال نمودند: به ما بگو: در چه زمانی این امور تحقّق خواهد یافت وعلامت ونشانه آمدن تو وپایان عالم چیست؟" {پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متّی، اصحاح ۲۴، ص ۱۰۲، رقم ۳. پاورقی}

ونیز می خوانیم: "وزود است که خبر از جنگ هایی می شنوید... مبادا که فزع کنید زیرا وقوع آنها حتمی است".

{پاورقی . انجیل متّی، ۶/۱۰۲/۲۴. پاورقی}

ونیز آمده است: "وهنگامی که فرزند انسان در مجد وعظمتش می آید ودر حالی که ملائکه او را همراهی می کنند بر روی عرش عظمتش می نشیند وجمیع امتّ ها نزد او محشور خواهند شد...".

{پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متّی، اصحاح ۲۵، ص ۱۰۷، رقم ۳۴-۳۱. پاورقی}

در انجیل لوقا آمده است: "فریسیّون از او سؤال نمودند: چه زمانی ملکوت خداوند می آید؟ او در جواب فرمود: ملکوت خدا غیرمترقّبه می آید". {پاورقی . انجیل لوقا، ۲۰/۲۵۲/۱۷. پاورقی}

ونیز می خوانیم: "وهنگامی که خبر از جنگ ها وفتنه ها شنیدید فزع نکنید زیرا این امور باید در ابتدا تحقق یابد ولی این پایان عالم نیست. آن گاه به آنان فرمود: زود باشد که امتی بر امتی ومملکتی بر مملکتی قیام کند وزلزله های شدید وگرسنگی ها وقحطی ها در مکان های زیادی به وقوع پیوندد وزود است که امور خوفناک ونشانه های بزرگی حادث گردد".

{پاورقی . انجیل لوقا، ۱۱-۹/۲۶۵/۲۱. پاورقی}

یهودیت و مهدویت

آیا اعتقاد به ظهور منجی در ادیان دیگر همانند دین زردتشت و موسی(ع) وجود دارد؟

پرسش

آیا اعتقاد به ظهور منجی در ادیان دیگر همانند دین زردتشت و موسی(ع) وجود دارد؟

پاسخ

آری در دیگر ادیان همانند دین زردتشت و یهود به ظهور منجی و مصلح جهانی اعتقاد وجود دارد.

در آیین زرتشت سه منجی به نام های "هوشیندر"، "هوشیذرما" و "سوشیانس" از نسل زرتشت مطرح است. گویند: آن سه به ترتیب و یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل خواهند کرد. از جمله مهم ترین آنان، آخرین ایشان است که او را سوشیانس پیروزگر خوانند.(۱) که پس از ظهور، دین را در جهان رواج خواهد داد، فقر و تنگدستی را ریشه کن می کند و مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار می گرداند.

آیین هندو

در آیین هنـدو نیز از نجات دهنـده و موعود به نام "آواتا" سـخن به میان آمده(۲) و در منابع هنـدوها در کتاب اوپانیشا مطرح شده است.(۳) مظهر ویشـنو (مظهر دهم) که در انقضـای کلی یـا عصـر آهن، سوار بر اسب سـفید ظاهر می شود، در حالی که شمشـیر برهنه درخشانی به صورت سـتاره دنباله دار در دست دارد. شـریران را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجـدید می کنـد و پاکی را رجعت خواهد داد. مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.(۴) در یکی از کتاب های دیگر هندوها آمـده است: گردش دنیـا به پادشـاه عـادلی در آخر الزمـان تمـام شود که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشـد. حق همراه او است و آنچه در دریاها و کوه ها پنهان شده باشد، همه را به دست می آورد. از آسمان ها و زمین، آنچه باشد، خبر دهد و

از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید.(۵) در آیین بودایی که یکی از شاخه های کشین هندویی است، مسئله انتظار مطرح شده و شخصیت مورد انتظار بودای پنجم می باشد.(۶)

آیین یهود

در آیین یهود نیز از شخص موعود سخن گفته شده است گرچه یهودیان در این که موعود کیست، اختلاف نظر دارند. چون یهودیان به حضرت مسیح ایمان نیاورده اند، موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. با این حساب انتظار در یهودیت کیفیت ویژه می یابد، ولی آنچه یهودیان بر آن اتفاق دارند، خروج شخص در آخر زمان است که کوکب افروز می باشد و روی زمین را به نور رب کریم روشن می گرداند... یهودیان به انتظار او زمان می گذرانند.(۷) موعود کسی است که به عدالت داوری کند و مظلومان زمین را به راستی حکم راند و گرگ با بره سکونت کرده و پلنگ یا بزغاله خوابد... در تمام کوه مقدس، ضرر و فسادی دیده نشود؛ زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.(۸)

آیین مسیحیت

مسیحیان نیز در انتظار مصلح جهانی هستند و اگر چه باور دارند که او حضرت عیسی مسیح(ع) است که از آسمان نزول کرده و جهان را پر از عدل خواهد کرد. در انجیل مرقس آمده است: "پس بیدار باشید، زیرا نمی دانید در چه وقت صاحب خانه می آید، در شام یا نیمه شب، یا بانگ خروس، یا صبح! مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد!".(۹)

پی نوشت ها:

۱. جاماست نامه، ص ۱۲۱، به نقل از فریده گل محمدی، رسالت جهانی حضرت مهدی، ص ۹۹.

۲. ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۳. کتاب اوپانیشاد، ص ۷۳۷.

۴. معارف اسلامی در جهان معاصرع ص ۲۴۵.

۵.

ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۶. رسالت جهانی مهدی(عج) ص ۱۰۳ ۱۰۴.

۷. ترجمه الملل و النحل، ج ۱، ص ۳۱۲.

۸. رسالت جهانی مهدی، ص ۱۰۶.

۹. همان، ص ۱۰۹.

کدام پیامبر تعبیر خواب های زیادی درباره امام زمان (عج) در کتابهایش آمده است؟

پرسش

کدام پیامبر تعبیر خواب های زیادی درباره امام زمان (عج) در کتابهایش آمده است؟

پاسخ

چنین موضوعی در روایات ما نیست. بله مسلم است که پیامبران الهی – از آدم تا خاتم – از وجود حضرت امام زمان(عج) مطلع بودند و پیروان خود را به وجود ایشان بشارت می داده اند. اما این که پیامبری تعبیرخواب های زیادی در کتابهایش آمده باشد در روایات ما نیست.

همچنین اصل کتاب های آن پیامبران در دسترس ما نیست بله در اسفار و کتاب های عهد عتیق (کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان) کتابی با نام دانیال نبی(ع) معروف است که اشاراتی به خواب های وی درباره منجی دارد. اما این که این اشارات به حضرت عیسی(ع) است یا حضرت مهدی(ع) نیاز به بررسی دقیق تری دارد اگر چه برخی تعبیرات، نشان می دهد که وی به حضرت مهدی(عج) اشاره دارد. اگر خواستید بنویسید تا مطالب آن کتاب را برایتان ارسال کنیم.

آیا در کتاب مقدس یهود سخن از انتظار فرج به میان آمده است؟

پرسش

آیا در کتاب مقدس یهود سخن از انتظار فرج به میان آمده است؟

پاسخ

شور والتهاب انتظار موعود آخرالزمان در تاریخ پرفراز ونشیب یهودیت موج می زند. در عهد قدیم از کتاب مقدس، سفر مزامیر داوود، مزمور ۳۷ می خوانیم: "به جهت وجود اشرار وظالمین مأیوس مشو؛ زیرا نسل ظالمین از روی زمین برچیده خواهد شد ومنتظرین عدل الهی وارثان زمین خواهند شد. وکسانی که مورد لعن الهی واقع گردند بینشان تفرقه خواهد افتاد. وانسان های صالح کسانی هستند که وارثان زمین شده وتا پایان تاریخ در روی زمین زندگی خواهند کرد".

{پاورقی . کتاب مقدس، سفر مزامیر داوود. پاورقی}

تب وتاب انتظار دخالت اعجازآمیز خداوند در دوران سیطره والیان رومی بر فلسطین به اوج خود رسید، وبه همین علّت هنگامی که یحیای تعمید دهنده ندا داد:

"توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است." {پاورقی . متّی، ۲/۳. پاورقی}

توده های مردم پیام او را با جان ودل شنیدند، کلمات هیجان آور او دل های شنوندگان را تکان می داد والهام بخش گروه های ستمدیده وبینوایی بود که همواره آتش شوق انتظار برای قیام "مسح شده خدا" در قلوبشان زبانه می کشید.

منجی نزد یهود چه کسی است؟

پرسش

منجی نزد یهود چه کسی است؟

پاسخ

با مراجعه به کتاب های مقدس یهود پی می بریم که اشارات وتصریحات فراوانی به مسأله موعود جهانی شده است. واز جمله کتاب هایی که در آنها به این موضوع اشاره شده: کتاب دانیال نبی، حجّی نبی، صفینای نبی، اشعیای نبی وزبور داوود است.

لذا در قرآن کریم می خوانیم: {وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ}؛ "وبه تحقیق در زبور بعد از ذکر نوشتیم که همانا زمین را بندگان {پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. پاورقی}

صالح من به ارث خواهند برد."

در زبور داوود می خوانیم: "بار خدایا! حکومت خود را به ملک ببخش وعدالتت را به فرزند مَلِک عطا فرما تا به نیکی بین مردم حکم کرده وبر افتادگان انصاف دهد... تمام پادشاهان بر او خضوع کرده وهمه ملت ها خدمت گذار او گردند...".

{پاورقی . کتاب مقدس، عهد قدیم، مزامیر، مزمور ۷۲، ص ۱۲۱۲-۱۲۱۰، رقم ۱۷-۱. پاورقی}

مهدویت در سایر ادیان الهی

آیا ادیان دیگر چون مسـیحیت و یهودی به ظهور مصـلح آخرالزمان اعتقاد دارنـد؟ آیا منظور آن ها از مصـلح آخرالزمان حضـرت مهدی(عج) است؟

پرسش

آیا ادیان دیگر چون مسیحیت و یهودی به ظهور مصلح آخرالزمان اعتقاد دارند؟ آیا منظور آن ها از مصلح آخرالزمان حضرت مهدی(عج) است؟

پاسخ

همه پیروان ادیان الهی و برخی از پیروان غیر ادیان الهی عقیـده دارند که در یک عصـر بحرانی جهان که فساد و ظلم بیداد می کند، نجات دهنده بزرگ و مصـلح جهانی ظهور می کند و اوضاع آشـفته جهان را اصـلاح نموده و عدل را گسترش می دهد.(۱) گرچه در این که مصـلح جهانی کیست، دارای چه ویژگی هایی است، نام او چیست و منسوب به کـدام ملت و دین است، اختلاف نظر دارند.(۲) هر ملتی او را با لقب مخصوص و ویژگی هایی می شناخته و او را از خودشان می دانند. زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می دانند.(۳) جهودان، از بنی اسرائیل و عیسویان او را مسیح موعود می خوانند .

در این جا به برخی از ادیان اشاره می شود که در آنها از مصلح جهانی سخن گفته شده است:

۱ - آیین زرتشت

در آیین زرتشت سه منجی به نـام های هوشـیذر، هوشـیذر ما و سوشـیانس (نجات دهنـده مرگ) از نسل زرتشت مطرح است. گویند: آنان پس از دیگری جهان را پر از عدل خواهند کرد. از جمله، مهم ترین آنان، آخرین ایشان است که او را سوشیانس پیروز گر می خوانند(۴) که پس از ظهور، دین را به جهان رواج خواهـد داد؛ فقر و تنگـدستی را ریشه کن کرده و مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار می گرداند.(۵)

۲ - آیین هندی

در آیین هندو نیز از نجات دهنده و موعود، به نام "آواتا" سـخن به میان آمده و در منابع هندوها در کتاب اوپانیشا مطرح شده است.(۶)

مظهر ویشنو (مظهر دهم) که در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفید ظاهر می شود، درحالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد. شریران را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید می کند و پاکی را رجعت خواهد داد. مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.(۷) در یکی از کتاب های دیگر هندوها آمده است: گردش دنیا به پادشاه عادلی در آخرالزمان تمام شود که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. حق همراه او است و آنچه در دریاها و کوه ها پنهان شده باشد، همه را به دست می آورد. از آسمان ها و زمین، آنچه باشد، خبر دهد و از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید.(۸) در آیین بودایی که یکی از شاخه های کشین هندویی است، مسئله انتظار مطرح شده و شخصیت مورد انتظار بودای پنجم می باشد.(۹)

۳ - آیین یهود

در آیین یهود نیز از شخص موعود سخن گفته شده است. گر چه یهودیان در این که موعود کیست، اختلاف نظر دارند. چون یهودیان به حضرت مسیح ایمان نیاورده اند، موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. با این حساب انتظار در یهودیت کیفیت ویژه می یابد، ولی آنچه یهودیان بر آن اتفاق دارند، خروج شخص در آخر زمان است که کوکب افروز می باشد و روی زمین را به نور رب کریم روشن می گرداند... یهودیان به انتظار او زمان می گذارنند.(۱۰) موعود کسی است که به عدالت داوری کند و مظلومان زمین را به راستی حکم راند و گرگ با بره سکونت کرده و پلنگ با بزغاله خوابد... در تمام کوه مقدس، ضرر و فسادی دیده نشود؛ زیرا جهان از معرفت

خداوند پر خواهد شد.(۱۱)

۴ - آیین مسیحیت

مسیحیان نیز در انتظار مصلح جهانی هستند و اگر چه باور دارند که او حضرت عیسی مسیح(ع) است که از آسمان نزول کرده و جهان را پر از عدل خواهد کرد.(۱۲) در انجیل مرقس آمده است: "پس بیدار باشید، زیرا نمی دانید در چه وقت صاحب خانه می آید، در شام، یا نیمه شب، یا بانگ خروس، یا صبح! مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد!".(۱۳)

۵ - آیین اسلام

همان طور که می دانید و اشاره کرده اید، یکی از مسایل بسیار مهمی که در اسلام نیز بدان پرداخته شده، مصلح جهانی است. ما شیعیان عقیده داریم که مصلح جهانی امام زمان(عج) است که در آیات (۱۴) و روایات(۱۵) بدو اشاره شده است.

امام زمان(عج) همان مهدی(ع) است که جهان را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم شده است.(۱۶) اعتقاد به مهدی(عج) از بدیهات تفکر شیعی است. اندیشمندان اهل سنت نیز باور دارند که جهان در انتظار حضرت مهدی(عج) است.

ابن ابی الحدید که از عالمان اهل سنت است می گوید:

"میان همه فرقه های مسلمان اتفاق قطعی است که عمر دنیا به پایان نمی رسد، مگر پس از ظهور مهدی(عج)"(۱۷)

از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت که همه ادیان الهی و برخی ادیان غیر الهی درخصوص مصلح جهانی اتفاق نظر دارند؛ ولی نمی توان قضاوت نمود که مقصود آنان از مصلح جهانی امام زمان(ع) می باشد که در اسلام بدو اشاره شده است. گرچه برخی از نشانه ها و مشخصاتی که در سایر ادیان برای مصلح جهانی ذکر شده، درباره امام زمان(ع) نیز هم خوان است.(۱۸)

با توجه به این که بشارت به ظهور مصلح جهانی در

ادیان الهی بیان شده و مسئله ظهور حضرت مهدی(عج) در ادیان الهی، پیش از تحریف شان وجود داشته، مصلح تمام ادیان الهی، مهدی موعود است و مقصود دین شان همین است، اما پیروان آنها در تطبیق و تعیین مصداق به خطا رفته اند.

پی نوشت ها:

۱ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۷۶.

۲ – همان؛ فریده گل محمدی آرمان، رسالت جهانی حضرت مهدی، ص ۹۸ به بعد.

۳ – ابراهیم امینی، همان.

۴ – جاماسب نامه، ص ۱۲۱، به نقل از فریده گل محمدی، همان، ص ۹۹.

۵ – همان؛ ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۶ – کتاب اوپانیشاد، ص ۷۳۷.

۷ – معارف اسلامی در جهان معاصر، ص ۲۴۵.

۸ – ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۹ – رسالت جهانی مهدی(عج) ص ۱۰۳ – ۱۰۴.

۱۰ – ترجمه الملل و النحل، ج ۱، ص ۳۱۲.

۱۱ – رسالت جهانی مهدی، ص ۱۰۶.

۱۲ – رسالت جهانی مهدی(عج)، ص ۱۰۹.

۱۳ – انجیل مرقس، با اقتباس از رسالت جهانی مهدی(ع) ص ۱۰۹.

۱۴ – قصص () آیه ۵.

۱۵ – بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۷ به بعد.

۱۶ – المهدی موعود، ج ۲، ص ۷۲؛ کتاب الغیبه نعمانی، ص ۴۲۵.

۱۷ – منتخب الاثر، ص ۱۱ به بعد.

۱۸ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان ۷۶ – ۷۷.

زردشتی، بودایی – هندی، یهودی، مسیحی و سنی هر کدام چه طور اعتقادی به مصلح دارند؟

پرسش

زردشتی، بودایی – هندی، یهودی، مسیحی و سنی هر کدام چه طور اعتقادی به مصلح دارند؟

پاسخ

ظهور یک فرد برگزیده و مصلح بزرگ جهانی، در آخرین دوره های تاریک و بحرانی دنیا، به منظور نجات بشریت از چنگال اهریمن ظلم و فساد و تأمین عدالت عمومی و آزادی فردی در سراسر گیتی موضوعی است که از دیر زمان پیروان ادیان آسمانی بدان ایمان داشته و در انتظار آن بوده اند مطالعه کتب عهدین یعنی تورات و انجیل و کتاب زرتشتیان که هم اکنون در دسترس است و بررسی عقاید هند و مصریان قدیم و برخی از ملل دیگر، این حقیقت را روشن ساخته و سابقه آنرا از قدیم ترین ازمنه تاریخ بشر ثابت می کند ولی آنچه مسلم است در این خصوص دین مقدس اسلام و مذهب شیعه بیش از سائر مذاهب و ادیان است زیرا مسلمانان خواه شیعه و خواه سنی معتقدند که این نجات دهنده و مصلح بزرگ جهانی که بالاخره روزی خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد می کند پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد مهدی قائم از دودمان پیامبر اسلام و فرزندان امیر مؤمنان علی(علیه السلام) و زهرای اطهر دخت والاگهر پیامبر(صلی الله علیه وآله)است.

بطوریکه در مذاهب اصلی زردشت می خوانیم زردشت معتقد بود که پیوسته در نیروی تضاد خیر و شر یا نور و ظلمت یکی بنام اورامزدا یا یزدان منبع روشنایی و دانش وسیع و دیگری بنام اهریمن منشأ جهل و تاریکی و فساد دائماً در کشمکش و نزاع هستند تا زمانی که موشیانس یعنی نجات دهنده دنیا که در

سر هزاره سوم بعد از زردشت می آید ظهور کند و این زد و خورد سرانجام با شکست کامل اهریمن پایان پذیرد و ظلم و فساد و شر و بدی بکلی از جهان ریشه کن شود.

و با اینکه طبق نوشته محققین تمام کتب زردشتی دستخوش تغییر و تحریف شده است مع الوصف پیشگوییهای زردشت راجع به نجات دهنده دنیا در منابع با جزئی اختلافی که از تصرف بعدی ناشی شده است با اخبار اسلامی و آنچه شیعیان جهان درباره امام زمان(عج) نقل کرده و بدان ایمان دارند، مطابقت کامل دارد.

و در کتب عهد قدیم یعنی کتب مقدس مانند زبور داود، کتاب دانیال اشیای نبی و غیر آنها سخن از مصلح مذکور به میان آمده است مثلاً در مزبور ۳۷ از مزامیر حضرت داود پیامبر خداوند به وی تسلی می دهد که از کثرت شریران واهمه نداشته باش زیرا سرانجام همه آنها نابود خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواند بود. حلیمان وارث زمین خواهند شد... خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود.

و در قرآن مجید هم آمده که ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر الارض یرثها عبادی الصالحون یعنی مادر زبور بعد از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما وارث خواهند شد و منظور از ذکر در آیه تورات دانسته شده است و نمونه های دیگری هم در کتابهای دانیال نبی و در کتاب صفیای نبی و حقوق نبی و زکریا و اشعیای نبی آمده است که برای تفاصیل آنها به کتاب موعودی که جهان در انتظار اوست نوشته آقای علی دوانی مراجعه شود.

و از

کتب جدید در انجیل متی باب ۲۴ می گوید: چون عیسی(علیه السلام)... لیکن هر که تا به انتها صبر کند نجابت یابد و به این بشارت ملکوت، در تمام عالم موعظه خواهد شد... اینکه شما را از پیش خبر دادم همچنانکه برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد و پسر انسان را ببینند که برابرهای آسمان، باقوت و جلال عظیم می آید... و در برخی دیگر از کتابهای عهد جدید نیز به عنوان پسر انسان و ظهور وی آمده است و در بسیاری از احادیث شیعه و اهل سنت وارد شده که وقتی امام زمان(عج) ظاهر شود حضرت عیسی(علیه السلام) فرود می آید وبا آن حضرت نماز می گزارد.

و درباره اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی(عج) می توانید به کتابهایی از جمله دادگستر جهان موعودی که جهان در انتظار اوست و مهدی موعود مراجعه فرمائید.

نظر یهودیان , مسیحیان , زرتشتیان و اهل سنت در باره امام زمان (عج) چیست ؟

پرسش

نظر یهودیان , مسیحیان , زرتشتیان و اهل سنت در باره امام زمان (عج) چیست ؟

پاسخ

آنچه در ادیان بزرگ الهی به طور قطع و مسلم وجود دارد وعده آمدن مصلح کل جهانی است. البته جزئیات آن درکتب مقدس متفاوت است و تحریفاتی که در آنها انجام گرفته مشکلاتی را در تعیین دقیق مشخصات آن ایجاد کردهاست. ولی در عین حال اصل انتظار مصلح و پدید آمدن حکومت حق و عدل واحد جهانی در ادیان بزرگ الهی وجوددارد. در متون اهل تسنن به آن حضرت اعتقاد دارند. البته برخی معتقدند که آن حضرت هنوز به دنیا نیامده اند. شایدعلت آن همان مخفی داشتن ولادت آن حضرت از غیر خواص شیعه به خاطر ترس حکام جور بوده است.

برای آگاهی بیشتر ر . ک : منتخب الاثر آیت الله صافی.{J

با توجه به معنی سوشیانت در آئین زرتشت آیا می توان گفت زرتشتیان نیز به مهدی (عج) اعتقاد دارند؟

پرسش

با توجه به معنی سوشیانت در آئین زرتشت آیا می توان گفت زرتشتیان نیز به مهدی (عج) اعتقاد دارند؟

پاسخ

در این بـاره بطور کلی می توان گفت که عقیـده به مهـدی موعود منجی عـالم اختصاص به مسـلمانان نـدارد؛ بلکه تقریبا تمام ادیان و مـذاهب آسـمانی در این عقیده شـراکت دارند. پیروان تمام ادیان و مذاهب اعتقاد دارند که در یک مقطع تاریخی که وضع جهـان تیره و تـار و تاریـک می گردد و جـامعه بشـری بـا بحران روبرو می شود فساد و ظلم و بی دینی همه جا را فرا می گیرد؛ در این وقت است که یک منجی با تاییـد دست غیبی ظهور می کنـد و ریشه ظلم و فساد را از میان بشـریت بر می کنـد. این مژده و نوید هم در کتابهای آسمانی یهود و نصاری و کتاب مقدسزرتشتیان (کتاب زند و پازندو جاماسبنامه) آمده است و هم در کتاب های مقدس دیگر ادیان و مذاهب دیده می شود مانند: کتاب های مقدس براهمه و بودائیان.

و همه ادیان بر عقیده به منجی موعود بسر می برند و هر ملتی او را به لقب مخصوص می شناسد زردشتیان او را بنام سوشیانس (نجات دهنده جهان) جهودان بنام سـرور میکائیلی یا مسـیحای منجی، مسیحیان بنام مسیح موعود، مسلمانان بنام مهدی موعود، و هر ملتی آننجـات دهنـده غیبی را از خودش می دانـد. زرتشتیـان او را ایریـانی و از پیروان زردتشت می داننـد و.. در اسـلام منجی موعود به طور کامل معرفی شده، خلاصه اینکه عقیده بر منجی عالم برای ریشه کن کردن ظلم و فساد و شـرک در تمام ادیان مطرح است.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: دادگستر جهان، ابراهیم امینی، صفحه ۶۶.

مقوله «مهـــدویت» در سایر ادیان الهی چگونه است ؟ آیا آنان نیز به ظهور ایشان که جهان را پُر از عدل و داد می کند، معتقدند؟ و چرا اهل تسنن به این مقوله اعتقاد ندارند؟

پرسش

مقـوله «مهـدویت» در سـایر ادیـان الهی چگـونه است ؟ آیـا آنـان نیز به ظهـور ایشـان که جهـان را پُر از عـدل و داد می کنـد، معتقدند؟ و چرا

اهل تسنن به این مقوله اعتقاد ندارند؟

پاسخ

در این باره بطور کلی می توان گفت که عقیده به مهدی موعود منجی عالم اختصاص به مسلمانان ندارد; بلکه تقریبا" تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده شراکت دارند. پیروان تمام ادیان و مذاهب اعتقاد دارند که در یک مقطع تاریخی که وضع جهان تیره و تار و تاریک می گردد و جامعه بشری با بحران روبرو می شود فساد و ظلم و بی دینی همه جا را فرا می گیرد; در این وقت است که یک منجی با تایید دست غیبی ظهور می کند و ریشه ظلم و فساد را از میان بشریت بر می کند. این مژده و نوید هم در کتابهای آسمانی یهود و نصاری و کتاب مقدس زرتشتیان (کتاب زند و پازندو جاماسبنامه) آمده است و هم در کتاب های مقدس دیگر ادیان و مذاهب دیده می شود مانند: کتاب های مقدس براهمه و بودائیان . و همه ادیان بر عقیده به منجی موعود بسر می برند و هر ملتی او را به لقب مخصوص می شناسد زردشتیان او را بنام سوشیانس (نجات دهنده جهان) جهودان بنام سرور میکائیلی یا مسیحای منجی , مسیحیان بنام مسیح موعود, مسلمانان بنام مهدی موعود, و هر ملتی آن نجات دهنده غیبی را از خودش می داند. زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زردتشت می دانند و.. در اسلام منجی موعود بطور کامل معرفی شده , خلاصه اینکه عقیده بر منجی عالم برای ریشه کن کردن ظلم و فساد و شرک در تمام ادیان مطرح است . برای آگاهی بیشتر ر.ك : دادگستر

جهان , ابراهیم امینی , صفحه ۶۶.

منجی آخر الزمان بشارتی است که در ادیان مختلف به چشم می خورد. از صفات بارز دوران ظهور منجی مبارزه با ستم و فساد و پر شدن زمین از عدالی است. مسأله ظهور منجی آخر الزمان در یهودیت، مسیحیت و آیین زردشت با اهتمام بسیار بیشتر مطرح شده است بنابراین، یقریباً همه ادیان بزرگ درباره ظهور منجی اتفاق دارند؛ هر چند درباره شخص منجی اختلاف نظر بسیار است. برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه کنید:

ادیان و مهدویت یا آرا و عقائد درباره مهدی (عج)، محمد بهشیت، انتشارات مرآتی، تهران.

سوشیانیی یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخر الزمان، علی اصغر مصطفوی، یهران، ۱۳۶۱.

انیظار مسیحا در آیین یهود، جوبیوس کرینسیون، یرجمه حسین توفیقی مرکز مطالعای و یحقیقای ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷.

مسأله مهدویت در دیدگاه اهل سنّت نیز تقریباً از مسلمات است و آنان روایات مهدویت را متواتر و تردید ناپذیر خوانده اند. البتّه آنان معتقدند مهدی(عج) در آخرالزمان به دنیا می آید. برای آشنایی با دیدگاه فرقه ها و مذاهب مختلف درباره امام مهدی(عج) مطالعه کتاب زیر بسیار سودمند است:

مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، سید هادی خسروشاهی، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۴.

مجموعه ۲ جلدیِ «کتابنامه حضری مهدی(عج)، نوشته علی اکبر مهدی پور (چاپ الهادی، قم، ۱۳۷۵(علاقه مندان را با منابع موجود در این باره آشنا می سازد.

]کارشناس کلام: حمید هادوی[

موعود از دیدگاه زردشتیان کیست؟

پرسش

موعود از دیدگاه زردشتیان کیست؟

پاسخ

در کتاب معروف زردشتیان به نام "زند" بعد از آنکه سخن از مقابله ومبارزه ابدی بین ایزدان واهریمنان به میان می آورد، می گوید: "در این هنگام فتح وپیروزی ونصرت از ناحیه ایزدان واقع می شود وبعد از نصرت وياری ایزدان ونابودی نسل اهریمنان عالم به سعادت اصلی خود می رسد وفرزندان آدم بر کرسی سعادت وبرکت خواهند نشست".

{پاورقی . بشارات العهدین، ص ۲۳۸ù۲۳۷ ؛ بشاره الظهور، ص ۳۴. پاورقی}

جاماسب در کتاب "جاماسبنامه" از زردشت نقل کرده که فرمود: "مردی از سرزمین تازیان از ذریه هاشم خروج خواهد کرد،او مردی بزرگ سر، با جسمی عظیم، ساقی طولانی، بر دین جدّش وبا لشکری فراوان رو به ایران خواهد نمود، زمین را آباد کرده وآن را پر از عدل وداد خواهد نمود". {پاورقی . بشارت العهدین، ص ۲۴۴ù۲۴۳. پاورقی}

در همان کتاب بعد از بشارت به نبوّت رسول اکرم (ص) می گوید: "واز ذریه دختر آن پیامبر که به (خورشید عالم وشاه زمان) معروف است، مردی به خلافت خواهد رسید که در دنیا به حکم یزدان حکم خواهد نمود، او آخرین خلیفه آن پیامبر در وسط عالم یعنی مکه است، ودولتش تا روز قیامت دوام خواهد داشت...".

{پاورقی . بشارت العهدین، ص ۲۷۳ ؛ بشاره الظهور، ص ۲۰. پاورقی}

در کتاب "زند بهمن یسن" شرح کتاب "اوستا" کلام جاماسب را از قول استادش زردشت این چنین نقل می کند: "قبل از ظهور سوشیانس خلف وعده، دروغ، بی دینی وبی بند و باری در عالم گسترش می یابد، مردم از خداوند دور شده وظلم وفساد عالم را فرا می گیرد. این امور، احوال عالم را دگرگون کرده وزمینه را برای ظهور منجی جهانی فراهم می آورد

وعلائمی که هنگام ظهور اتفاق می افتد عبارت است از حادثه عجیب وغریبی در آسمان ظاهر می شود که دلالت بر آمدن "خردشهر ایزد" دارد. ملائکه از طرف مشرق ومغرب به اذن او فرستاده می شوند تا خبرها واعلان ها را به عالم برسانند...".

{پاورقی . جاماسب نامه، ص ۲۵. پاورقی}

ونیز در کتاب "زند بهمن یسن" می خوانیم: "...وبعد از آن، سوشیانس عالم را پاک خواهد نمود، آن گاه قیامت برپا خواهد شد". {پاورقی . زند بهمن یسن، ص ۱۹. پاورقی}

در همان کتاب در تفسیر کلمه سوشیانس آمده است: "سوشیانس آخرین کسی است که می آید وزردشت را در عالم نجات خواهد داد". {پاورقی . همان، ص ۱۵۰. پاورقی}

نام امام زمان(ع) در مصحف حضرت ابراهیم(ع) چیست؟

پرسش

نام امام زمان(ع) در مصحف حضرت ابراهیم(ع) چیست؟

پاسخ

از آن جا که اعتقاد به مهدویّت در ادیان و امّتهای پیشین از امور قطعی و مسلّم است، کتاب های روایی و تاریخ و عهدین که در دست است، به اخبار مهدویّت پرداخته اند و آن ها نیز مثل مسلمانان در این اعتقاد مشترک هستند و در این زمینه کتاب های مستقلّی نیز نوشته شده است و اسامی حضرت مهدی در امّت های پیشین و ادیان دیگر در کتابی مستقل با عنوان به یاد حضرت مهدی آمده. و اسم حضرت در مصحف ابراهیم صاحب ذکر شده است.{۱}

[۱].به یاد حضرت مهدی(ع)، احمد قاضی زاهدی گلپایگانی/

سایر موارد

اعتقاد به مهدویت و اهداف آن در ادیان دیگر چگونه است؟

پرسش

اعتقاد به مهدویت و اهداف آن در ادیان دیگر چگونه است؟

پاسخ

در آیین های هند و زردتشت، یهود، مسیحیت و اسلام این باور وجود دارد که در آینده جهان فرد صالحی ظهور خواهد نمود، و در جهت زدودن ستم و نجات بشر قدم بر می دارد و در این راه موفق خواهد شد. همه این ها در هدف کلّی، یعنی هدایت و ارشاد و نجات بشر از نادانی و گمراهی وحدت نظر دارند. حال ممکن است در امور و اهداف جزیی و برخی از ویژگی ها دیدگاه های متفاوتی داشته باشند. توضیحی درباره ظهور مهدی و مصلح آخرالزمان از نگاه ادیان بزرگ را به اطلاع شما می رسانیم.

همه پیروان ادیان الهی و برخی از پیروان ادیان غیر الهی عقیده دارند که در یک عصر بحرانی جهان که فساد و ظلم بیداد می کند، نجات دهنده بزرگ و مصلح جهانی ظهور می کند و اوضاع آشفته جهان را اصلاح نموده و عدل را گسترش می دهد. (۱) گرچه در این که مصلح جهانی کیست، دارای چه ویژگی هایی است، نام او چیست و منسوب به کدام ملت و دین است، اختلاف نظر دارند.(۲) هر ملتی او را با لقب مخصوص و ویژگی هایی می شناختند و او را از خودشان می دانند. زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می دانند.(۳) یهودیان اورا از بنی اسرائیل و عیسویان او را مسیح موعود می خوانند .

این مهدی و منجی در آیین های بزرگ بدین شرح بیان شده است.

۱ در آیین هندو و بودا:

در آیین هندو نیز از نجات دهنده و موعود، به نام "آواتا" سخن به میان آمده و در منابع هندوها در کتاب اوپانیشا دها

مطرح شده است.(۴) مظهر ویشنو (مظهر دهم) که در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفید ظاهر می شود، درحالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد. شریران را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید می کند و پاکی را رجعت خواهد داد. مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.(۵) در یکی از کتاب های دیگر هندوها آمده است: گردش دنیا به پادشاه عادلی در آخرالزمان تمام شود که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. حق همراه او است و آنچه در دریاها و کوه ها پنهان شده باشد، همه را به دست می آورد. از آسمان ها و زمین، آنچه باشد، خبر دهد و از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید.(۶)

در آیین بودایی که یکی از شاخه های کشین هندویی است، مسئله انتظار مطرح شده و شخصیت مورد انتظار بودای پنجم می باشد.(۷)

۲ آیین زرتشت

در آیین زرتشت سه منجی به نام های هوشیذر، هوشیذر ما و سوشیانس (نجات دهنده مرگ) از نسل زرتشت مطرح است. گویند: آنان پس از دیگری جهان را پر از عدل خواهند کرد. از جمله، مهم ترین آنان، آخرین ایشان است که او را سوشیانس پیروز گر می خوانند(۸) که پس از ظهور، دین را به جهان رواج خواهد داد؛ فقر و تنگدستی را ریشه کن می کند و مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار می گرداند.(۹)

۳ – آیین یهود

در آیین یهود نیز از شخص موعود سخن گفته شده است. گر چه یهودیان در این که موعود کیست، اختلاف نظر دارند. چون یهودیان به حضرت مسیح ایمان نیاورده اند، به باور آنان موعودشان هنوز ظهور نکرده

است. بـا این حسـاب انتظار در یهودیت کیفیت ویژه می یابـد، ولی آنچه یهودیان بر آن اتفاق دارنـد، خروج شخصـی در آخر زمـان است که کـوکب افروز می باشـد و روی زمین را به نور رب کریم روشن می گردانـد... یهودیـان به انتظـار او زمـان می گذارنند.(۱۰) موعود کسـی است که به عـدالت داوری کنـد و مظلومان زمین را به راستی حکم رانـد و گرگ با بره سـکونت کرده و پلنگ با بزغاله خوابـد... در تمام کوه مقـدس، ضـرر و فسادی دیده نشود؛ زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.(۱۱)

۴ - آیین مسیحیت

مسیحیان نیز در انتظار مصلح جهانی هستند و اگر چه باور دارند که او حضرت عیسی مسیح(ع) است که از آسمان نزول کرده و جهان را پر از عـدل خواهد کرد.(۱۲) در انجیل مرقس آمـده است: "پس بیـدار باشـید، زیرا نمی دانید در چه وقت صاحب خانه می آید، در شام، یا نیمه شب، یا بانگ خروس، یا صبح! مبادا ناگهان آمده، شما را خفته یابد!".(۱۳)

۵ - آیین اسلام

یکی از مسایل بسـیار مهمی که در حوزه انـدیشه اسـلامی قرار دارد، اعتقاد به مصـلح جهانی است. ما شـیعیان عقیده داریم که مصلح جهانی امام زمان(عج) است که در آیات (۱۴) و روایات(۱۵) به آن اشاره شده است.

امام زمان(عج) همان مهدی(ع) است که جهان را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم شده است.(۱۶) اعتقاد به مهدویت از معارف قطعی تمامی مذاهب اسلامی است.

ابن ابی الحدید که از عالمان اهل سنت است می گوید:

"میان همه فرقه های مسلمان اتفاق قطعی است که عمر دنیا به پایان نمی رسد، مگر پس از ظهور مهدی(عج)"(۱۷)

از آنچه گذشت می توان نتیجه

گرفت که همه ادیان الهی و برخی ادیان غیر الهی درخصوص مصلح جهانی اتفاق نظر دارند؛ ولی نمی توان قضاوت نمود که مقصود آنان از مصلح جهانی امام زمان(ع) می باشد که در اسلام بدو اشاره شده است. گرچه برخی از نشانه ها و مشخصاتی که در سایر ادیان برای مصلح جهانی ذکر شده، درباره امام زمان(ع) نیز هم خوان است.(۱۸)

با توجه به این که بشارت به ظهور مصلح جهانی در ادیان الهی بیان شده و مسئله ظهور حضرت مهدی(عج) در ادیان الهی، پیش از تحریف شان وجود داشته، مصلح تمام ادیان الهی، مهدی موعود است و مقصود دین شان همین است، اما پیروان آنها در تطبیق و تعیین مصداق به خطا رفته اند و با توجه به آن چه بیان شد تا حدودی هدف های آیین های مذکور از مهدویت نیز روشن می شود.

پی نوشت ها:

۱. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۷۶.

۲. همان؛ فریده گل محمدی آرمان، رسالت جهانی حضرت مهدی، ص ۹۸ به بعد.

۳. ابراهیم امینی، همان.

۴. کتاب اوپانیشاد، ص ۷۳۷.

۵. معارف اسلامی در جهان معاصر، ص ۲۴۵.

۶. ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۷. رسالت جهانی مهدی(عج) ص ۱۰۳ – ۱۰۴.

۸. جاماسب نامه، ص ۱۲۱، به نقل از فریده گل محمدی، همان، ص ۹۹.

۹. همان؛ ادیان و مهدویت، ص ۱۹.

۱۰. ترجمه الملل و النحل، ج ۱، ص ۳۱۲.

۱۱. رسالت جهانی مهدی، ص ۱۰۶.

۱۲. رسالت جهانی مهدی(عج)، ص ۱۰۹.

۱۳. انجیل مرقس، با اقتباس از رسالت جهانی مهدی(ع) ص ۱۰۹.

۱۴. قصص (۲۸) آیه ۵.

۱۵. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۷ به بعد.

۱۶. المهدی الموعود، ج ۲، ص ۷۲؛ کتاب الغیبه نعمانی، ص ۴۲۵.

۱۷. منتخب الاثر، ص ۱۱ به بعد.

۱۸. ابراهیم امینی، دادگستر جهان ۷۶ – ۷۷.

آیا ادیان آسمانی و پیامبران با اصل مهدویت موافقاند؟

پرسش

آیا ادیان

آسمانی و پیامبران با اصل مهدویت موافقاند؟

پاسخ

تمام ادیان آسمانی به پیروان خود عمر درخشان و سعادت عمومی و آینده مشعشع و صلح جهانی و دوران پر خیر و برکتی را نوید دادهاند که در آن نگرانیها و دلهرهها و هراسها مرتفع شود و به یمن ظهور شخص بزرگ و مرد خدایی که به تأییدات الهی مؤید است در روی زمین منطقه و شهر و دهستان و دهی باقی نماند مگر آنکه در آن بانگ دل نواز توحید بلند شود و روشنایی یکتاپرستی، تاریکی شرک را زایل سازد و علم و عدل و راستی و امانت، چهره جهان آرای خود را بنمایاند و همه جهان را منوّر سازد.

این موجود عزیز بر حسب استوارترین و صحیحترین مصادر اسلامی خلیفه دوازدهم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و دوازدهمین رهبر و امام بعد از آن حضرت و همنام و هم کُنیه آن حضرت است و القاب مشهورش در بین مسلمین «مهدی»، «قائم»، «منتظر»، «صاحب الامر»، «صاحب الزمان» و «بقیه الله» است. و در زبانهای دیگر به «گرزاسیه»، «وشینو»، «ارتور»، «مهمید» و نامها و القاب دیگر خوانده شده است. در کتاب زنده و کتاب جاماسب و کتاب شاگمونی و کتاب جوک و کتاب دید و کتاب باسک و کتاب پاتیکل و کتاب دادنگ و کتاب صفنیای نبی و کتاب اشعیاء و کتاب وحی کودک و کتاب حکی نبی و کتاب مکاشفات یوحنای لاهوتی و کتاب دانیال و انجیل متی و انجیل لوقا و انجیل مرقس و کتابها و الواح دیگر این بشارتها به عبارات و مضامینی که همه اصالت عقیده مهدویّت را تأیید و

آن را یک اصل عام و مورد قبول همه ملل و امم و انبیاء و ادیان معرفی مینمایند آمده است و به بعضی صفات و علائمی که در احادیث و بشارات اسلامی برای این ظهور و صاحب آن حضرت مهدی حجه ابن الحسن العسگری(ع) بیان شده اشاره یا صراحت دارند.

آیا مسأله مصلح بزرگ در میان ادیان دیگر نیز مطرح بوده است؟

پرسش

آیا مسأله مصلح بزرگ در میان ادیان دیگر نیز مطرح بوده است؟

پاسخ

بلی، تجلّی این برنامه در کتب زرتشتیان

۱ در کتاب معروف «زند» پس از ذکر مبارزه همیشگی «ایزدان» و «اهریمنان» میخوانیم

«... آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان میشود؛ و اهریمنان را منقرض میسازند... پس از پیروزی ایزدان، و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنیآدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست!»

۲ «جاماسب» در کتاب «جاماسب نامه» از زردشت نقل میکند که میگوید

«مردی بیرون آید از زمین تازیان... مردی بزرگ سر، و بزرگ تن، و بزرگ ساق، و بر آئین جدّ خویش و با سپاه بسیار، و روی به ایران نهد، و آبادانی کند و زمین را پر داد کند.»

جلوه گاه این عقیده در کتب هندیان و برهمائیان

۱ در کتاب «وشن جوک» از کتب هندوها چنین آمده است

«سرانجام دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاصّ او باشد. و نام او «فرخنده و خجسته» باشد!»

۲ در کتاب دیگری به نام «دیده» آمده است

«پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر زمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد؛ ونام او «منصور» باشد، و تمام عالم را بگیرد؛ وبه آئین خود آورد.»

۳ در کتاب «دداتک» از کتب مقدّسه برهمائیان آمده است

«... دست حق درآید و جانشین آخر «ممتاطا» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد همه جا؛ و خلایق را هدایت کند.»

۴ در «پاتیکل» از کتب هندوان آمده است

چون مدّت روز تمام شد، و دنیای کهنه نو شود؛ و زنده گردد و صاحب ملك تازه پیدا شود؛ از فرزندان دو پیشوای جهان

یکی ناموس آخر زمان و دیگری و حتّی بزرگ وی که«پشن» نام دارد و نام صاحب آن ملك تازه «راهنما» باشد؛ بحق پادشاه شود، و خلیفه رام باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد.»

۵ در کتاب «باسک» از کتب هندوها آمده است

«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادلی در آخر زمان که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد؛ و راستی حق با او باشد، و آنچه در دریا و زمینها و کوهها پنهان باشد، همه را به دست آورد، و از آسمان و زمین آنچه باشد خبر میدهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید!»

پرتوی در کتب عهد قدیم (تورات و ملحقّات آن)

۱ در کتاب «مزامیر داوود» مزمور ۳۷ چنین میخوانیم

«... زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و امّا متوکّلان به خداوند وارث زمین خواهند شد، هان، بعد از اندک مدتی شدید نخواهد بود، در مکانش تأمّل خواهی کرد و نخواهد بود؛ امّا حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد!»

۲ و نیز در همان مزمور ۳۷ (از مزامیر داوود) جمله ۲۲ میخوانیم

زیرا «متبرکان خداوند» وارث زمین خواهند شد، امّا ملعونان وی منقطع خواهند شد.

۳ و نیز در جمله ۲۹ در همان مزمور آمده است

صدیقان وارث زمین شده ابداً در آن ساکن خواهند شد.

۴ در کتاب «حبقوق» نبی، فصل ۷، میخوانیم

«... و اگر چه تأخیر نماید؛ برایش منتظر باش! زیرا که البتّه خواهد آمد و درنگ خواهد نمود، بلکه جمیع امّتها را نزد خویش جمع میکند؛ و تمامی را برای خویشتن فراهم میکند.»

۵ در کتاب «اشعیای نبی»، فصل ۱۱، در بحثی که سراسر تشبیه است میخوانیم

«و

نهالی از تنه یسی بر آمده شاخهای از شاخههایش قد خواهد کشید... ذلیلان را به عدالت حکم؛ و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه (و مایه بیداری) خواهد بود...

کمربند کمرش عدالت، و وفا نطاق میانش خواهد بود؛ و گرگ با بره سکونت داشته، ... و طفل کوچک راعی (شبان) ایشان خواهد بود... و در تمامی کوه مقدّس من هیچ ضرر و فساد نخواهند کرد، زیرا که زمین از دانش خداوند، مثل آبهایی که دریا را فرو میگیرند، پر خواهد شد.»

نشانههایی در کتب عهد جدید (اناجیل و ملحقّات آن)

۱ در انجیل «متی»، فصل ۲۴، میخوانیم

«چون که برق از مشرق بیرون میآید و تا به مغرب ظاهر میگردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود...

خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که میآید با قدرت و جلال عظیم! و فرشتههای خود را (یاران خود را) خواهد فرستاد با صور بلند آواز. و آنان برگزیدگانشان را جمع خواهند نمود.»

۲ و در انجیل «لوقا»، فصل دوازدهم، آمده است

«کمرهای خود را بسته و چراغهای خود را افروخته دارید، و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود میکشند، تا هر وقت بیاید و در را بکوبد بیدرنگ برای او باز کنید!»

آیا ایمان به ظهور منجی نزد ادیان وملل دیگر نیز وجود دارد؟

پرسش

آیا ایمان به ظهور منجی نزد ادیان وملل دیگر نیز وجود دارد؟

پاسخ

ایمان به ظهور منجی بشریت از وضع موجود واقامه عدل وداد، فطری بشر است ولذا این عقیده در هر ملت ودینی وجود دارد.

محمّد امین زین الدین می گوید: "شکی نیست که اعتقاد به اصلاح جامعه از وضعیّت موجود، از ابتدای تاریخ بشر در ذهن مردم وجود داشته است واز عقاید اختصاصی دین اسلام نیست، زیرا در بین ادیان آسمانی قبل از ظهور اسلام مشاهده می کنیم که همگی خبر از وقوع این حقیقت داده اند وحتی صفات مصلح وراه کارهای اصلاحی او را نیز بیان کرده اند، گرچه نام او را مهدی ودعوت اصلاحی او را به نام مهدویت نگذاشته اند... این عقیده وفکر حتی به ادیان دیگر از قبیل زردشتی وبرهمنی

و... نیز سرایت کرده است...".

{پاورقی . مع الدکتور احمد امین فی حدیث المهدی والمهدیّه، ص ۱۱. پاورقی}

در بین ادیان آسمانی وآیین های شبه دینی وملت ها، می توان از اینها نام برد:

۱ - یهود به بازگشت عزیر یا منحاس بن عازر بن هارون اعتقاد دارد .

۲ - مسیحیت با ایمان به بازگشت عیسی (ع).

۳ - زردشت با ایمان به بازگشت بهرام شاه.

۴ - هندوها با ایمان به بازگشت فیشنوا.

۵ - مجوس با ایمان به بازگشت أوشیدر.

۶ - بودایی ها در انتظار ظهور بودا.

و....

{پاورقی . الامامه وقیام القیامه، ص ۲۷۱ù۲۷۰ ؛ العقیده والشریعه فی الاسلام، ص ۱۹۲. پاورقی}

هر یک از صاحبان ادیان، منجی را از دین خود می داند راه حلّ این اختلاف چیست؟

پرسش

هر یک از صاحبان ادیان، منجی را از دین خود می داند راه حلّ این اختلاف چیست؟

پاسخ

در تشخیص هویّت منجی عالم در پایان تاریخ نزد صاحبان ادیان اختلاف است، هر کسی بزرگی از دین خود را رهبر این نهضت می پندارد واو را احیاگر دین خود می داند.

اهمّ اسباب اختلاف عبارتند از:

۱ - نصوص وبشارت های آسمانی از آن جهت که خبر غیبی است لذا هر کسی به جهت تعصب دینی که دارد آن را به رهبر وبزرگ دینی خود حمل می کند.

۲ – علمای ادیان ودانشمندان مکاتب مختلف از آن جهت که به هوّیت وشخصیّت مهدی موعود آخرالزمان جاهلند، لذا منجی را بر رهبران خود حمل نمودند.

برای حلّ مشکل وتحدید هویّت منجی بشریّت مراحلی را باید طی نمود:

۱ – تمییز بشارات ونصوص خاصه ای که در رابطه با منجی در کتاب های مقدس آسمانی اهل کتاب وارد شده است.

۲ – بررسی صفات وخصوصیات منجی در کتاب های مقدس بدون تأثیرپذیری از پیش فرض ها.

۳ – بررسی حقایق تاریخ ومقایسه آن با صفات وخصوصیاتی که در کتاب های مقدس درباره منجی آمده است تا مصداق واقعی وهویّت شخصی منجی، معین شود.

۴ – معرفی حضرت مهدی (ع) به دیگران تا قدرت تطبیق برای آنان نیز فراهم گردد.

لذا مشاهده می کنیم که گروهی از مسیحیان با بررسی صفات وخصوصیات مصلح ومنجی جهانی در کتاب های مقدس خود وتطبیق آنها بر منجی ترسیم شده در اسلام، به اسلام وتشیع گرویدند ومهدویت اسلامی را پذیرفتند، اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – قاضی ساباطی مسیحی

او بعد از بررسی بشارت اشعیای نبی در شأن مصلح جهانی ومناقشه در تفسیر یهود ونصارا برای آن می گوید: "در نتیجه مقصود از این کلام همان

مهـدی موعود اسـلامی است؛ زیرا در آنجا درباره منجی می گویـد: او به مجرّد شـنیدن، جزا نمی دهد. واین با اجماع مسـلمین سازگاری دارد که می گویند: این صفت از خصوصیات مهدی موعود است".

ونیز می گویـد: "عقیـده امامیه در اینکه منجی، فرزند حسن عسـکری است که در سال ۲۵۵ از مادری به نام نرجس متولد شـد وسپس غایب گشت وبه اذن خداوند ظهور خواهد نمود، به واقع نزدیک تر است".

{پاورقی . البراهین السباباطیه، ص ۲۰۷ù۲۰۸. پاورقی}

۲ – علامه محمد صادق فخر الاسلام

او که شخصی مسیحی بوده وپس از تحقیقات فراوان مسلمان شیعی شده است در کتابی به نام "انیس الاسلام" که در ردّ یهود ونصارا نوشته، در آنجا تمام بشارت ها به ظهور منجی را بر حضرت مهدی موعود اسلامی منطبق کرده است.

۳ – علامه محمّد رضا رضایی

او نیز که شخصـی یهـودی بوده واسـلام را انتخـاب کرده است در کتـاب خود به نـام "منقول رضـایی" بشـارات بر منجی را بر مهدی موعود منطبق کرده است.

منجی ورهبر در حکومت عدل توحیدی جهانی کیست؟

پرسش

منجی ورهبر در حکومت عدل توحیدی جهانی کیست؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق سه احتمال وجود دارد:

۱ – منجی ورهبر جهانی همان عیسی بن مریم است، ومنظور از مهدی نیز اوست.

۲ – منجی ورهبر، مهدی موعود اسلامی است، که از او به مسیح نیز تعبیر شده است.

۳ – منجی ورهبر، حضرت مهدی است که حضرت عیسی نیز از جانب خداوند به مساعدت او می شتابد.

ادلّه احتمال اول

۱ - لفظ مسیح که مقصود از آن، نجات بخش ومنجی است لقب حضرت عیسی (ع) می باشد.

۲ - در برخی از اناجیل وروایات اسلامی به طول عمر حضرت مسیح در آخرالزمان اشاره شده است.

{پاورقی . انجیل متّی، ۲۰-۱۹/۲۸. پاورقی}

۳ - در برخی از روایات آمده: "ولا مهدیّ إلّا عیسی بن مریم"؛ "ومهدی به جز عیسی بن مریم نیست."

اولاً: نامگذاری حضرت عیسی (ع) به مسیح بر استقلال او در برپایی حکومت عدل جهانی دلالت ندارد؛ زیرا نام "مسیح" را برخی از کاتبان اناجیل بر حضرت مسیح اطلاق نمودند وقرآن نیز به جهت شهرت آن بر آن حضرت اطلاق کرده است. ودیگر اینکه کافی است در لقب دادن حضرت عیسی به مسیح به جهت آنکه در تأسیس حکومت عدل جهانی مشارکت دارد.

ثانیاً: توافق اسلام ومسیحیت در بازگشت حضرت عیسی (ع) در آخرالزمان وطول عمر او دلالت بر استقلال ایشان در تشکیل حکومت ورهبری ندارد.

ثالثاً: در مورد حدیث "ولا مهدیّ إلّا عیسی بن مریم" که ابن ماجه آن را در سنن خود نقل کرده اشکالاتی وجود دارد:

الف. این حدیث معارض با روایات متواتری است که مهدی را از ذریه رسول خدا (ص) معرفی کرده است.

ب. این روایت از منفردات محمّد بن خالد جندی است وتنها اوست

که آن را نقل کرده است در حالی که او کسی است که به تعبیر آبری، نزد اهل سنّت معروف نیست. وبه تعبیر حاکم نیشابوری، مجهول بوده ونقل حدیثش به جهت تعجب است. لذا{پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۲۹. پاورقی}

قرطبی می گوید: "احادیث نبوی که دلالت بر خروج مهدی (ع) از عترت پیامبر (ص) واز اولاد فاطمه (س) دارد اصحّ از این حدیث است وحکم، مطابق آن احادیث است".{پاورقی . التذکره، ج ۲، ص ۲۹۹. پاورقی}

ابونعیم اصفهانی نیز حدیث را غریب می داند.

{پاورقی . حلیه الاولیاء، ج ۹، ص ۱۶۱. پاورقی}

دلیل احتمال دوم:

مسیح در لغت گر چه به معنای مسح شده است ولی این کلمه لقب کسی قرار گرفته که از جانب خداوند مسح شده وقابلیّت برای نجات عالم را دارد، ومطابق روایات این قابلیّت تنها برای حضرت مهدی (ع) است.

پاسخ:

اولاً: لقب دادن حضرت مهدی (ع) به "مسیح" به معنایی که ذکر شده گر چه امر معقولی است ولی در روایات به آن اشاره نشده است.

ثانیاً: از مجموعه احادیث استفاده می شود که حضرت مسیح با تشریک مساعی با حضرت مهدی (ع) امر حکومت جهانی را به پیش خواهند برد.

ادلّه احتمال سوم:

از مجموعه قرائن وادله به دست می آید که حکومت جهانی با رهبری حضرت مهدی (ع) وتشریک مساعی حضرت عیسی (ع) بر پا خواهد شد زیرا:

۱ - امام مهدی (ع) وارث طرح کامل حکومت عدل جهانی توحیدی از رسول اکرم (ص) است.

۲ - در روایات اسلامی آمده است که حضرت عیسی از امامت جماعت بر مسلمین امتناع کرده وامام مهدی (ع) را به عنوان امامت معرفی می کند.

۳ - حکمت اقتضا می کند که رهبر حکومت جهانی از امت اسلام

باشد.

۴ - در عبارات اناجیل آمده است که حضرت عیسی به کمک شخصی به نام "فرزند انسان" از آسمان فرود آمده وبا مساعدت او این حکومت بر پا خواهد شد.

آیا اعتقاد به وجود مصلح جهانی، مخصوص مسلمانان است یا اینکه ملل دیگر نیز به آن عقیده دارند؟ خصوصیات مصلح موعود در احادیث اسلامی چیست؟

پرسش

آیا اعتقاد به وجود مصلح جهانی، مخصوص مسلمانان است یا اینکه ملل دیگر نیز به آن عقیده دارند؟ خصوصیات مصلح موعود در احادیث اسلامی چیست؟

پاسخ

اعتقاد به وجود مصلح جهانی، هر چند یک عقیده اصیل اسلامی است که ریشه قرآنی دارد، و احادیث اسلامی متواتری درباره آن وارد شده است ولی درعین حال، ملل دیگر نیز مطابق آنچه در کتابهای آنان وارد شده است به آن معتقدند. حتی روی محاسبات اجتماعی باید مادّیها نیز به چنین انقلاب و تکامل همه جانبه عقیده داشته باشند، زیرا تکامل یک بعدی (مادی) نمی تواند یک تکامل صحیح و ثمر بخش باشد.

ملل دیگر دنیا نیز به وجود مصلح بزرگ جهان، و تکامل همه جانبه جامعه انسانی عقیده دارند که پس از خزان مرگبار فساد، که در آن بساط طراوت و خرمی از گیتی برچیده می شود، و چهره شاداب و پرفروغ آن، زرد و افسرده می گردد؛ مجدداً نسیم جان بخش بهار می وزد، ابر گهر بار می بارد، آفتاب در نهایت اعتدال می تابد، خاک سیه، منبع گل و گیاه می شود و صحرا و دشت، جامه سبز می پوشد.

به نظر همه ملل جهان، ظلمت غم افرای شب، پهنه گیتی را تا مدتی می پوشاند. ولی پنجه نیرومند خورشید، گریبان افق را شکافته و چهره خورشید، خود را نشان می دهد، و اشعه طلائی خود را در سراسر جهان پخش می کند.

این اصل، اختصاص به عالم طبیعت و جهان گیاهان ندارد، بلکه جهان آفرینش بر چنین اساسی آفریده شده است. مثل «پایان شب سیه سپید است» روشنگر یک اصل کلی و ناموس جهانی است و آشکارا می رساند که پس از هر ویرانی، آبادی، و پس از هر نابسامانی، نظم

و سامـان، و پس از هر اختلاف و فشار، حریّت و آزادی وجود خواهـد داشت و این اصل را تجارب تاریخی تأییـد وتثبیت می کند.

روی این اصـل، بایـد وجود امـام زمـان و مصـلح جهـانی، منادی عـدالت، دادگری، مساوات، برابری، پاکی و پیراسـتگی را در بخشی از زمان پس از تسلط جوروستم بر جوامع بشری، نتیجه ناموس عمومی تکامل دانست، نه چیزی مغایر آن.

مسأله مصـلح جهانی، چیزی نیست که به جهان شـیعه اختصاص داشـته باشـد و تنها این گروه از ملل جهان در انتظار چنین قیام بسر برند بلکه این مطلب سخنی است که جمله ملل عالم بر آن اتفاق نظر دارند.

البته آگـاهی دقیق از خصوصـیات مصـلح موعود، جز از طریق کتابهای آسـمانی واحادیث راستین اسـلامی امکان پـذیر نیست. ولی اثبات اصل وجود و ظهور یک مصـلح در بخشـی از زمان که در اصـطلاح به آن «آخر الزمان» می گویند، از طریق عقل و سائر محاسبات اجتماعی کاملاً امکان پذیر است. عقل بر وجود تکامل همه جانبه ، چنین استدلال می کند.

جامعه بشـری، از نخستین لحضه پیـدایش هر روز گامی به پیدایش نهاده و در صـنایع و علوم شـئون زندگی از مسـکن، غذا، و پوشاک پیشـرفت چشـمگیری نصـیب وی شده است. جامعه انسانی زیر پوشـش چنین تحولات عمیق، در شئون زندگی و اموز مـادی، تکامـل چشم گیری پیرا کرده و مشـکلاتی را حـل کرده است . ولی آیـا تکامـل از یک نظر و یک جنبه «مادی» را می توان تکامل نامید؟ یا این که چنین جهشی به دلیل تک بعدی بودن به قیمت نابودی جامعه تمام می شود؟

تکامل صحیح یک موجود، یک جاندار، و یک جامعه، این

است که جهش در تمام ابعاد وجود آن پدید آید نه در یک جهت. نوزادی که دیده به جهان می گشاید و کم کم را تکامل را می پیماید، باید تمام اعضاء آن به نسبت خاصی رشد کند، امّا اگر تنها یک عضو رشد کند و اعضاء دیگر او به همان حالت نخستین باقی بمانند، قطعاً نتیجه معکوس خواهد داشت.

از این جهت، تکامل صنعتی و تکنیکی و دیگر مظاهر مادیگری را باید طلیه تکامل روحی و معنوی جامعه دانست، و چنین نظر داد که به وازات این تکامل، باید جهشی در معنویات و در زاه گسترش فضائل و وارستگی از آلودگیها رخ دهد، و جامعه انسانی به تمام معنی یک جامعه ایده آل گردد.

این منطق، می تواند منطق یک فرد مادی و دور از خدا نیز باشد، و او نیز به همان نتیجه ای که الهیون و ازباب مذاهب و ملل جهان از طریق کتابهای آسمانی و احادیث متواتر رسیده اند، برسد، مشروط بر این که توجه داشته باشد که تبعیض در تکامل و تنها جهش در امور مادی، تکامل صحیح و مفیدی نیست. و تا تکامل همه جانبه، یک فر و یا یک اجتماع را فرا نگیرد، هیچ جامعه ای سعادتمند نخواهد شد.

اگر مادی، از این طریق به وجود مصلح جهانی معتقد می گردد، پیروان مذاهب و کتابهای آسمانی قبل از مادّیون باید به وجود چنین مصلحی معتقد باشد. زیرا علاوه بر عقل و خرد، کتابهای آسمانی آنان، بر وجود چنین جهش و انقلاب عمیقی در کلیه شئون زندگی تصریح می کنند.

در کتابهای ایران باستان و تورات و انجیل با وجود تحریفاتی که در آنها رخ داده و دستبردهائی که

به آنها زده اند مسأله مسلح جهانی، به روشنی مطرح است. ما برای اختصار، از نقل همه آنها خودداری می نمائیم. علاقمندان می تواننـد به کتابهای ارزنـده ای که پیرامون امام زمان علیه السـلام نوشـته شـده است مراجعه فرماینـد. هم اکنون چنـد فراز از «زبرور» داود نقل می کنیم.

مصلح جهانی در زبور

روشن ترین آیه ای که وجود چنین جهش همه جانبه را ثابت می کند، این ایه است:

«وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُور منْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنَّ اْلاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ» انبیاء/۱۰۵

صریـح آیه این است : [ما در زبور داود نوشتیم که حکومت زمین به دست افراد صالـح خواهـد افتاد].وقتی به زبور مراجعه می کنیم، می بینیم در زبور چنین نوشته است:

«در مزمور اوّل از مزامیر حضـرت داود پیغمبر، خداونـد به وی تسـلی می دهـد که از کثرت شـریران واهمه نداشـته بـاش، زیرا سرانجام همه آنها نابود خواهند شد. خود را مشوش مساز، که البته باعث گناه خواهد شد زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداونـد وارث زمین خواهنـد بود. حلیمان وارث زمین خواهنـد شـد و از فراوانی سـلامتی متلـذذ خواهنـد گردید... صالحون را خداونـد تأییـد می کنـد. خداونـد روزهای صالحان را می دانـد و میراث ایشان ابـدی خواهـد بود. آنانی که از وی برکت یابنـد وارث زمین گردنـد و آنانی که ملعون وی انـد منقطع خواهنـد شد... صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا ابد سـکونت خواهند نمود، عاقبت شـریران منقطع خواهند شد و نجات صالحان از خداوند است. ...منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار تاتو را به وراثت زمین برافرازد». در مزمور (۴۵) که از پیامبر خاتم(ص) سخن گفته است، در پایان می گوید:

«به عوض پدرانت پسرانت خواهند بود و ایشان

را بر تمامی جهان سروران خواهم ساخت نام تو را در همه دهرها ذکر خواهم کرد پس قومها تو را احمد خوانند» و نیز در مزمور (۹۶) می گوید: «قومها را بانصاب داوری خواهد نمود آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد، دریا و پریان غرش نمایند، صحرا و هر چه در آن است به وجد آید، آنگاه تمام درختان جنگل تر خواهد نمود به حضور خداوند زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید.»

همچنین در مزمور (۹۷) می گوید«آسمانها عدالت او را اعلام می کنند و جمیع قومها جلال او را می بینند، پرستندگانِ بتهای تراشیده خجل می شوند».

شکر خدا را که دست تحریف، موفق به حذف این قسمت از متن «زبور» نگردیده است. شکی نیست که در طول تاریخ، حکومت های صالحی روی کارآمده اند. اما تاکنون دیده نشده است که حکومتی صالح بر سراسر جهان فرمانروائی کند، و جهان را زیر پوشش صلاح، عفاف، تقوی، و پرهیزگاری قرار دهد. از این جهت باید پیروان زبور و قرآن در انتظار چنین حکومتی صالحی که بر تمام جهان حکومت کند باشند.

در احادیث اسلامی از این مصلح جهانی به مهدی، صاحب العصر والزمان و...تعبیر شده است و در کمتر موضوعی از موضوعات به اندازه حضرت مهدی(ع) حدیث و روایت وارد شده است. این احادیث، خصوصیات امام علیه اسلام را به خوبی روشن کرده و راه هر نوع عوام فریبی را برای مدعیان در وغین «مهدویّت» بسته است. و با توجه به این روایات و احادیث که محدثان اسلامی اعم از سنی و شیعه نقل کرده اند، مشت در وغگویانی مانند مهدی سودانی، غلام احمد قادیانی، و علی محمد باب، کاملا باز می شود.

اینک فهرست روایاتی

که مشخصات منجی موعود در آنها وارد شده است، باذکر ارقام و تعداد احادیث آنها.

۱ روایاتی که از ظهور او بشارت می دهد.۶۵۷ عدد

۲ او از اهل بیت پیامبر است. ۳۸۹عدد

۳ او از فرزندان علی(ع) است. ۲۱۴عدد

۴ او از فرزندان فاطمه(س) است. ۱۹۲عدد

۵ نهمین فرزند حضرت حسین بن علی است. ۱۴۸ عدد

۶ او از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام است. ۱۸۵ عدد

۷ او از فرزندان امام حسن عسکری صلوات الله علیه است. ۱۴۶ عدد

۸ اجداد امام حسن عسکری را بیان کرده است. ۱۴۷ عدد

۹ جهان را از عدالت پر می کند. ۱۳۲ عدد

۱۰ غیبت او طولانی است.۹۱ عدد

۱۱ عمر طولانی دارد. ۳۱۸ عدد

۱۲ دین اسلام به وسیله او عالمگیر می شود. ۴۷ عدد

۱۳ امام دوازدهم آخر الائمه است. ۱۳۶ عدد

۱۴ روایاتی که حاکی از ولادت او می باشد. ۲۱۴ عدد

مجموع این احادیث و روایات، در کتابهای اصیل اسلامی نقل شده و موضوع را به صورت یک امر قطعی و واضح درآورده است [این ارقام و آمار، از کتاب «منتخب الاثر» اخذ شده است].

آیا در مورد امام زمان غ و حکومت عدل او، در ادیان مذاهب و فرقه های دیگر نیز آمده است از معرفی کتاب هم تشکر می کنم

پرسش

آیا در مورد امام زمان غ و حکومت عدل او، در ادیان مذاهب و فرقه های دیگر نیز آمده است از معرفی کتاب هم تشکر می

کنم

پاسخ

قرآن کریم در این باره می فرماید: "وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَن َالاْ ?رْض َیَرِثُهَا عِبَادِی َالصَّلِحُون َ;(انبیأ،۱۰۵) در "زبور" بعد از ذکر (تورات نوشتیم بندگان شایسته ام وارث (حکومت زمین خواهند شد!". در روایتی امام باقر۷ می فرماید "هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان ; مقصود از بندگان شایسته ای که وارث حکومت زمین می شوند، یاران حضرت مهدی غ در آخر الزمان هستند.(تأویل الآیات سید شرف الدین حسینی استر آبادی ص ۳۲۶، انتشارات جامعه مدرسین) بنابراین در کتاب "زبور" حضرت داود بشارت به حکومت عدل حضرت مهدی داده شده است

جالب آن که در کتاب "مزامیر داود" که امروز جزء کتاب های عهد قدیم است عین تعبیری که در آیه فوق آمده یا مشابه آن در چند مورد دیده می شود و نشان می دهد با تمام تحریفاتی که در این کتاب ها به عمل آمده این قسمت هم چنان از دستبردها مصون مانده است از آن جمله در مزمور ۳۷ جمله ۹ می خوانیم زیرا که شریران منقطع می شوند، و اما متوکّلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.

در جای دیگر همین مزمور جمله ۱۱ می خوانیم اما متواضعانه وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد. در جمله ۲۷ نیز می گوید: زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد...(اقتباس از تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۳، ص ۵۲۰، دارالکتب الاسلامیه) این ها

عناوینی است که در قرآن مجید از آن تعبیر به بندگان شایسته شده است

در کتاب زند (کتاب مذهبی زردشتیان در این باره آمده است لشکر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد... آن گاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند... و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست .

در کتاب صفینای نبی فصل ۳ در آیه ۶ و ۷ می گوید: به منظور گردآوردن طوایف بشر بر یک دین حق سلاطین دول مختلفه را نابود کنم آن وقت برگردانیم به قوم ها لب پاکیزه برای خواندن همه به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش

"شاکمونی پیغمبر هندوها در کتاب مذهبی خود می گوید: پادشاهی دولت دنیا به فرزند سید خلایق دو جهان "کشن بزرگوار تمام شود و او کسی باشد که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرها سوار شود، و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد.

در انجیل متی فصل ۲۴ آیه ۲۷ و ۳۰ آمده است "...چون برق که از مشرق بیرون می آید و تا مغرب ظاهر می گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم ..".

باز در انجیل متی فصل ۲۵ آیه ۲۱ گوید: "و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد با جمع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی قرار خواهندگرفت

"

این بود نمونه ای از بشارت های ادیان و مذاهب دیگر در مورد مصلح جهانی حضرت مهدی غ البته همه ادیان مصلح جهانی را به نام "مهدی ننامیده اند و هر مذهب و کیش او را به نام مورد پذیرش همان آیین معرفی کرده است ولی از قراین و شواهد به خوبی می توان فهمید که مقصود همه آن ها همان "مهدی از دودمان رسالت اسلامی است (ر.ک مصلح جهانی سید هادی خسروشاهی ص ۵۸۶۱، انتشارات اطلاعات / مهدی در بشارت های آسمانی محمد فقیه نیا، نشر بنیاد پژوهش های علمی فرهنگی نورالاصفیا / او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور، نشر مؤسسه انتشارات رسالت)

در روایتی از امام باقر۷ نیز نقل شده است که فرمود: "حضرت موسی غ در "سِـفر اولی نگاه کرد و قدرت و منزلت قائم آل محمد را مشاهده نمود، سپس درخواست نمود تا خداوند او را قائم آل محمد قرار دهد، خداوند به او فرمود که آن حضرت از ذریه و فرزندان احمد۶ است سپس بار دیگر در "سِـفر دوم نگریست و دوباره مانند همان مطلب قبلی را دید، و همان درخواست را از خداوند نمود و همان جواب را شنید؛ همچنین در "سِـفر سوم نظر کرد و..."(الغیبه محمد بن ابراهیم نعمانی ص ۲۴۰، مکتبه الصدوق تهران / الصراط المستقیم علی بن یونس نباطی بیاضی ج ۲، ص ۲۵۷، چاپ کتابخانه حیدریه نجف)

بنابراین درادیان و کتاب های آسمانی سابق نیز بشارت به حکومت عدل امام زمان غ بوده است هر چند بر اثر تحریفاتی که واقع شده این گونه تصریحاتی که

در این روایت آمده الان وجود ندارد.

۳– حضرت مهدی در ادیان دیگر چگونه توصیف شده اند

پرسش

۳– حضرت مهدی در ادیان دیگر چگونه توصیف شده اند

پاسخ

ج۳– توصیفات زیادی از این حضرت در ادیان دیگر شده است که می توانید به کتب مربوطه مراجعه کنید و ما به چند تا ازآنها فقط اشاره می کنیم : درانجیل متی از او به عنوان پسرانسان یاد شده است آنجا که می گوید شما نیز حاضرباشید. زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید. (قاموس مقدس, ص ۲۱۹)

درتورات کتاب مقدس یهودیان آمده است مسکینان را به عدالت داوری دعوت خواهد کرد . گرگ با بره سکونت خواهد کرد. ودرتمامی کره مقدس من ضرر وفسادی نخواهد کرد. زیرا که جهان از معرفت خداوند پرخواهد شد. (تورات : کتاب اشعیای نبی, فصل ۱۱)

درزبور نیز که کتاب آسمانی حضرت داود است وهمچنین درکتب مقدسه هندوها وبرهمائیان وزرتشتیان وجین ها جملات زیبایی درتوصیف آن منجی عالم هستی آمده است که چون مفصل وطولانی است ازآوردن عبارات صرف نظر کرده ایم و میتوانید به کتب مربوطه دراین زمینه برای اطلاع بیشتر مراجعه نمایید ویا اگر طالب تفضیل بیشتر دراین زمینه هستید دومرتبه با ما مکاتبه نمایید.

آرزوی توفیق برای شما داریم .

چرا واقعه ی طول عمر امام زمان(عج) در کتابهای آسمانی پیشین نیامده است و همچنین نام علی علیه السلام؟

پرسش

چرا واقعه ی طول عمر امام زمان(عج) در کتابهای آسمانی پیشین نیامده است و همچنین نام علی علیه السلام؟

پاسخ

اتفاقاً این مسایل در کتابهای عهدین آمده است و در این زمینه به کتاب بشارات عهدین نوشته ی آقای دکتر صادقی و نیز

کتاب تقش الله در احیاء دین اثر علامه عسگری که در ان کتاب قسمتهای حذف شده از کتاب عهدین در مورد الله أثنی عشر که مربوط به ۴۰۰ سال پیش می باشد آمده است، می توانید مراجعه فرمایید. و لازم نیست به نام حضرت علی علیه السلام تصریح شده باشد چنانکه در قرآن هم تصریح نشده است ولی مطلب بطور صریح و واضح خبر داده شده است.

درباره ی امام زمان (عج) و خصوصیات آن گرامی می توانید به کتاب دادگستر جهان و نیز کتاب امامت و مهدویت کتاب عصر ظهور مراجعه فرمائید.

ادیان غیر الهی

منجی در آیین هندو کیست؟

پرسش

منجی در آیین هندو کیست؟

پاسخ

بشارت به ظهور منجی در کتاب های مقدس هندوها نیز به چشم می خورد. در کتاب "ماللهند" از کتاب های مقدس هندوها آمده است: "در اواخر دوره چهارم اهل زمین به فساد کشیده شده واکثر آنها کافر می شوند آنان معصیت های بزرگ را انجام داده وحاکم آنها افراد پست خواهد بود. مردم در آن روز به گرگ ها شبیه اند که همدیگر را می درند وغارت می کنند. کاهنان ومردان دین فاسد می شوند وحقّ با دزدان می شود وافراد باتقوا وزاهد را تحقیر می کنند... در آن زمان "برهمن کلا" یعنی مردی شجاع ودین دار ظهور می کند وزمین را با شمشیر برنده اش از مفسدین وپلیدی ها پاک کرده وافراد پاک وطاهر را حفظ خواهد نمود". {پاورقی . ماللهند، ص ۳۲۱. پاورقی}

در کتاب "شاکمونی" آمده است: "حکومت ودولت جهانی به دست مردی از ذرّیه سیّد خلایق عالمیان "کشن" بزرگ ختم خواهد شد، او کسی است که بر کوه های شرق وغرب عالم حکومت خواهد کرد... وتمام ادیان الهی، یک دین خواهد شد، او که اسمش قائم وعارف باللّه است، دین خدا را احیا خواهد نمود".

{پاورقی . بشارت العهدین، ص ۲۴۲ ؛ بشاره الظهور، ص ۱۷. پاورقی}

ودر کتاب "وشن جوک" از کتاب های هندوها آمده است: "ودر آخرالزمان زمین به دست مردی خواهد افتاد که خداوند متعال را دوست دارد واو از خواص بندگان خداست. نام او "فرخنده وخجسته" است.

{پاورقی . همان، ص ۲۷۲ ؛ بشاره الظهور، ص ۱۸. پاورقی}

ودر کتاب "باسک" از کتاب های هندوها آمده است: "دوره آخرالزمان به حکومت حاکم عادلی ختم خواهد شد که رهبر

ملائکه وجنّ وانس است. حق با اوست . او بر دریا وخشکی وکوه ها سیطره پیدا می کند واز

آنچه در آسمان ها وزمین است خبر می دهد وکسی بزرگ تر از او متولد نشده است". {پاورقی . بشاره الظهور، ص ۱۸. پاورقی}

در کتاب "أوپانیشاد" آمده است: "این مظهر (ویشنو) در آخرالزمان ظهور می کند در حالی که بر اسبی سفید سوار وبه دست او شمشیری برهنه است، وبه مانند ستاره دنباله دار می درخشد وهمه افراد پست را به هلاکت می رساند وزندگی نوینی را برپا کرده وطهارت وپاکی را بر می گرداند". {پاورقی . اوپانیشاد، ص ۷۳۷. پاورقی}

منجی در آیین بودا کیست؟

پرسش

منجی در آیین بودا کیست؟

پاسخ

مؤسس آیین بودا شخصی است به نام "سدهارتا جوتوما" معروف به "بودا"، او کسی بود که در نپال متولد شد وبودایی ها او را فرزند خدا می دانند ومعتقدند که در آخرالزمان ظهور کرده، بشریّت را از وضع موجود وگرفتاری ها نجات خواهد داد. آنان می گویند: بودا با کامل کردن وظیفه خود با جسدش به آسمان رفته وبار دیگر به زمین باز می گردد تا صلح وبرکت را به مردم بازگرداند.

بودایی ها دو مذهب بزرگ دارند: یکی مذهب شمالی که در حق بودا تا به حدّی غلو کرده او را خدای خود می دانند. ودیگری مذهب جنوبی که غلوّشان در حقّ بودا کمتر است. وعمدتاً در منطقه آسیای شرقی ساکنند.

ادیان و پایان تاریخ

نظر "تافلر" درباره پایان تاریخ چیست؟

پرسش

نظر "تافلر" درباره پایان تاریخ چیست؟

پاسخ

شکی در انقلاب عظیم اطلاعاتی نیست، ولی نکته اساسی در آن است که نظم وسعادت اجتماع بر اساس دسترسی افراد به یکدیگر حاصل نمی شود، بلکه دلایل وریشه های متعدد ومهم دیگری دارد.

لیبرالیسم نیز به خاطر نداشتن بعضی از نیازهای واقعی حکومت جهانی واحد، نمی تواند داعی پرچمدار این نوع حکومت

باشـد. این را تقریباً همه متفکران دنیا قبول دارنـد که اگر یک مکتبی بخواهـد جامعیت داشـته باشـد پیش از هر چیز احتیاج به یک جهان بینی دارد که واقعیت جهان وانسان را ترسـیم کند. واگر بخواهد دوام داشـته باشد ومنطبق با حقایق خارجی حرکت کند باید در مرتبه اول، جهان وانسان را آن جوری که هست بشناسد وارزیابی درستی از آن داشته باشد.

مشکل مکتب لیبرالیسم همانند مارکسیسم این است که این دو مکتب با اصل فطرت انسان سازگار نبوده، بخش اصلی واساسی انسان را نادیده گرفته اند ومی خواهند از وسط شروع کنند.

امروز بحث کردن از اینکه غرب دچار اشکال واقعی است کار آسانی نیست، برای اینکه مظاهر قدرت وپیشرفت غربی ها چشم وگوش مردم را پر کرده است.

شایـد در غرب موفق ترین ملت ها الآن آمریکا باشد که از لحاظ مادی از کشورهای دیگر پیشـرفته تر است، آیا جامعه آمریکا واقعاً ایده آل است؟ جامعه آمریکا وعموماً جامعه غربی دارای اشکالات متعددی است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – پوچ گرایی

نخستین مسـأله ای که کشورهـای لیبرالیستی وحتی آمریکـا به آن معترفنـد احساس روحیه پوچی در جامعه آمریکا است، یعنی اینهـا فکر می کننـد: ما به کجا می رویم وبه دنبال چه هستیم؟ از این خورد وخواب چه حاصل خواهـد شـد؟ واین به جهت بی توجهی به زیرساخت های جامعه وعدم ارزیابی صحیح از

انسان وبی توجهی به معنویات است.

۲ – بحران خانواده

خانواده که نخستین سلول اجتماعی می باشد، در غرب ضعیف ترین سلول پیکر جامعه بشری است. خانواده برای آنها بی مفهوم است، آنها روی فرد بیشتر حساب می کننـد تا خانواده، ولـذا انهـدام این سلول در جامعه غربی باعث ازدیاد فرزنـدهای نامشروع شده وارقام آن غیر قابل تصور است.

۳ – اعتیاد

به دلیل همان پوچی وبی هویتی در جامعه غربی، نسل جوان گرفتار اعتیاد بسیار شدیـدی شـده است. اگر اعتیاد به مشروبات الکلی را ضمیمه کنیم که از بدترین اعتیاد است، این رقم سرسام آور می شود. اعتیادها درحال بی خانمان کردن غرب است.

۴ – خشونت

روحیه خشونت وبی بنـدوباری نه تنهـا در جوانـان بلکه در بچه هـا هم بیـداد می کنـد. هرروز خبرهـای وحشتناکی از اعمـال خشونت آمیز در آن جوامع خصوصاً آمریکا مشاهـده می کنیم، اگر آن حوادث به دنیا نشان داده شود به عمق مشکل آنها پی خواهیم برد.

۵ – ناامنی

ناامنی خصوصاً در آمریکا به گونه ای است که در اکثر شهرهای بزرگ از اول شب، انسان هایی که کمی برای خود شخصیت قائلند در خیابان ها حاضر نمی شوند.

۶ – تبعیض

از لحـاظ اجتمـاعی، در غرب خصوصـاً آمریکا، مظاهر تبعیض نژادی بسـیار فراوان است. اگر کسـی کنار سـیاه پوسـتان، سـرخ پوستان، ومسلمانانی که از کشورهای مختلف به اروپا رفته اند بنشیند ودرد دل آنها را بشنود، متوجه می شود که چه بلایی این کشورها را فراگرفته وچقدر آلوده اند.

۷ – فقر

از لحاظ سـطح برخورداری از نعمت ها وسـطح اسـتاندارد، در خصوص جامعه آمریکا چنان که خودشان می گوینـد سـیزده یا چهارده درصـد مردم زیر خط فقر زنـدگی می کنند. این رقم در یک جامعه ۲۵۰ میلیونی حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون نفر را در بر می گیرد که زیر خطّ فقر هستند، حال

چطور این جامعه می تواند ایده آل باشد.

۸ – بی بند وباری جنسی

به دنبال تزلزل در خانواده وحالت پوچی وناامیـدی که در اکثریت مردم، خصوصاً جامعه آمریکا دیـده می شود، بی بنـدوباری جنسـی که محصول آن، بچه های نامشـروع است، زیاد به چشم می خورد که آفتی فوق العاده کشنده برای غربی ها ودر رأس آنها آمریکا است.

۹ – ابتذال رسانه ای

مشکل بسیار جدّی آمریکا وغرب، رسانه های آنهاست که متأسفانه کشورهای دیگر نیز از آن تقلید می کنند. الآن رسانه های غربی بی بندوبار هستند. وضعیت به گونه ای است که همه احساس ناامنی می کنند ومی ترسند که مسائل خصوصی وشخصی شان به صورت شایعه، دروغ و جنگ های روانی افشا گردد وحریم شخصی آنها شکسته شود.

۱۰ – سیستم آموزشی ناکارآمد

سیسـتم آموزش آنها که می خواهند آن را به همه جهان صادر کنند سیسـتمی ناکارآمد است. بسیاری از کارهای مهم اینها را مهاجرانی با مزد کم انجام می دهند، واز آنها مانند ماشین کار می کشند.

۱۱ – اقتصاد بیمار

از لحـاظ اقتصادی فکر می شود که غرب بهشت دنیاست. آمریکا مقروض ترین کشور دنیا است. بـدهی های داخلی وخارجی فراوانی دارد که ارقام آن سرسام آور است، اما سیستم آنها به گونه ای عمل می کند که این بدهکاری ها را می پوشاند.

۱۲ – وابستگی به بازارهای دنیا

صنعت در آمریکا به گونه ای است که اگر بازار دنیا برایش ناامن شود، صنایع او از حرکت باز می ایستد.

حـال بـا چنیـن وضـعیتی در غرب به خصـوص در آمریکـا که مظهر لیـبرالیسم است چگـونه می تـوان آن را الگـو برای جهـان دانست؟

نظر "تافلر" درباره پایان تاریخ چیست؟

پرسش

نظر "تافلر" درباره پایان تاریخ چیست؟

پاسخ

آلوین تافلر روزنامه نگار آمریکایی صاحب کتاب "موج سوّم" در رابطه با پیش بینی پایان تاریخ وسیطره نهایی لیبرالیسم می گوید:

الف. امروز روزگار "ترین ها" است، پربیننده ترین فیلم یعنی بهترین فیلم و... .

ب. در قرن نوزدهم ونیمه اول قرن بیستم معیار برتری، قدرت سیاسی در صحنه جهانی بوده وبه تدریج جای خود را به توان اقتصادی داده که وضعیت امروز است ودر آینده نیز توان خود را به دانش می دهد، ولذا در آینده کشورهایی در صحنه جهانی صاحب قدرت خواهند بود که از توان بالایی در امر دانش واطلاعات دارند.

ج. غرب در آینده محور عمده قدرت تکنیک ودانش بشری است.

د. دموکراسی لیبرال با همه اشکالاتی که داشته بهترین راه ورسم زندگی اجتماعی است.

نتیجه: آینده جهان از آن لیبرالیسم غربی است.

پاسخ:

۱ - این نظریه پایان تاریخ نیست، بلکه تاریخ بعد است.

۲ - در مقدمه اول، ملاک برتر بودن هر چیز را خواست انسان می داند در حالی که ملاک، حکم عقل ونقل است، نه حتّی مصالح زودگذر. خداوند متعال می فرماید: {عَسی أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسی أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ}؛ "چه بسا{پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۱۶. پاورقی}

چیزی را کراهت دارید در حالی که خیر شما در آن است وچه بسا چیزی را دوست دارید که برای شما شرّ است."

۳ - او در مقدمه دوم خود توان نظامی را معیار قدرت سیاسی در صحنه جهانی می داند در حالی که سلطه سیاسی واستعمار مردم از طریق زورگویی جز اغتشاش وگسترش استبداد وظلم چیزی به ارمغان نمی آورد.

۴ - آیا رسیدن به محور عمده قدرت به هر قیمتی، با معیارهای عقلی وفطری وانسانی سازگاری

دارد؟

۵ – وظیفه نظریه پرداز سیاسی گمانه زنی برای آینده تاریخ نیست، بلکه باید با در نظر گرفتن مصالح کلّ جامعه برای بشر برنامه ریزی کرده وآینده بهتری را نوید دهد.

۶ – آیا نظام سرمایه داری برای جوامع خود خوشبختی به ارمغان آورده، یا نظام طبقاتی فاحش ایجاد کرده است؟

ولذا تافلر می گوید: "فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است تمامی ندارد".

{پاورقی . به سوی تمدن جدید، آلوین وهایدی تافلر، ص ۹۷ù۹۶. پاورقی}

دیدگاه "هانتینگتون" راجع به پایان تاریخ چیست؟

پرسش

دیدگاه "هانتینگتون" راجع به پایان تاریخ چیست؟

پاسخ

۱ – این نظریه پایان تاریخ نیست، بلکه تاریخ بعد است.

۲ – در مقدمه اول، ملاک برتر بودن هر چیز را خواست انسان می داند در حالی که ملاک، حکم عقل ونقل است، نه حتّی مصالح زودگذر. خداوند متعال می فرماید: {عَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئاً وَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَعَسی أَنْ تُحِبُّوا شَیْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَکُمْ}؛ "چه بسا {پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۱۶. پاورقی}

چیزی را کراهت دارید در حالی که خیر شما در آن است وچه بسا چیزی را دوست دارید که برای شما شرّ است."

۳ – او در مقدمه دوم خود توان نظامی را معیار قدرت سیاسی در صحنه جهانی می داند در حالی که سلطه سیاسی واستعمار مردم از طریق زورگویی جز اغتشاش وگسترش استبداد وظلم چیزی به ارمغان نمی آورد.

۴ – آیا رسیدن به محور عمده قدرت به هر قیمتی، با معیارهای عقلی وفطری وانسانی سازگاری دارد؟

۵ – وظیفه نظریه پرداز سیاسی گمانه زنی برای آینده تاریخ نیست، بلکه باید با در نظر گرفتن مصالح کلّ جامعه برای بشر برنامه ریزی کرده وآینده بهتری را نوید دهد.

۶ – آیا نظام سرمایه داری برای جوامع خود خوشبختی به ارمغان آورده، یا نظام طبقاتی فاحش ایجاد کرده است؟

ولذا تافلر می گوید: "فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است تمامی ندارد".

{پاورقی . به سوی تمدن جدید، آلوین وهایدی تافلر، ص ۹۷ù۹۶. پاورقی}

دیدگاه "هانتینگتون" راجع به پایان تاریخ چیست؟

پرسش

دیدگاه "هانتینگتون" راجع به پایƠ…تاریخ …Ə……■

پاسخ

ساموئل هانتینگتون نظریه پرداز غربی در رابطه با پایان تاریخ می گوید:

الف . تقابل ودرگیری عمده بین ملّت ها و گروه ها در آینده، فرهنگ ها وتمدن های مختلف است نه ایدئولوژی واقتصاد.

ب . تمدّن های زنده جهان هشت تمدن است: تمدن غرب، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، ارتدکس وتمدن آمریکای لاتین.

ج . برخورد تمدن ها اساسی است وتغییرناپذیر.

د . خودآگاهی تمدّنی در حال افزایش است.

ه' . رفتار غرب موجب رشد خودآگاهی تمدّنی دیگران گردیده است.

و . خصومت ۱۴۰۰ ساله اسلام وغرب در حال افزایش بوده وروابط میان تمدن اسلام وغرب آبستن حوادث خونین است.

ز . سرانجام تمدن اسلام وکنفوسیوسی در کنار هم رودرروی تمدن غرب قرار خواهد گرفت.

نتیجه: درگیری تمدن ها آخرین مرحله تکامل درگیری جهان بوده، تمدن غالب تمدن غرب است.

{پاورقی . برخورد تمدن ها، ص ۲۳ù۲۲، با تلخیص. پاورقی}

۱ – ایشان تفسیری از تمدن ننموده است.

۲ – دلیلی برای برخورد تمدن ها بیان نکرده است.

۳ – ایشان بین فرهنگ وتمدن خلط کرده است، در حالی که این دو با یکدیگر متفاوتند. تمدّن جنبه علمی وعینی دارد وفرهنگ بیشتر جنبه ذهنی ومعنوی. هنر، فلسفه وحکمت، ادبیات واعتقادات مذهبی وغیرمذهبی در قلمروفرهنگ هستند، ولی تمدن، بیشتر ناظر به سطح حوایج مادی انسان است در اجتماع. ونیز تمدن بیشتر جنبه اجتماعی دارد وفرهنگ جنبه فردی.

تمـدن، تـأمین کننـده پیشـرفت انسـان در هیئت اجتماع است، ولی فرهنگ، گذشـته از این جنبه می توانـد ناظر به تکامل فردی باشد. تمدن وفرهنگ با هم مرتبطند نه ملازم.

۴ - ایشان بی آنکه تعریف روشنی از غرب ارائه دهد آن را موجودیتی یک پارچه با محورّیت آمریکا تصور می کند در حالی که خلاف واقع است. برژینسکی، فساد درونی

نظام غربی را عامل تهدید کننده قدرت جهانی آمریکا می داند نه برخورد تمدن ها را.

۵ - ایشان تضاد بین دو فرهنگ را تضادی ماهوی وبرطرف نشدنی وناشی از جبر تاریخی می داند ولذا ضرورت استراتژیک آماده شدن غرب را برای مصاف با کشورهایی که درصدد احیای تمدن اسلامی هستند توصیه می کند، در حالی که تنش ها بین این دو تمدّن از سیاست دولت های غربی سرچشمه گرفته نه تمدن مسیحی واسلامی.

ویل دورانت می گوید: "هر چند محمد (ص) پیروان دین مسیح را تقبیح می کند، با این همه نسبت به ایشان خوش بین است وخواستار ارتباط دوستانه بین آنها وپیروان خویش است".

{پاورقی . تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۳۲۹. پاورقی}

روبتسون می گوید: "تنها مسلمانان هستند که با عقیده محکمی که نسبت به دین خود دارند، یک روح سازگار وتسامحی نیز با ادیان دیگر در آنها وجود دارد".

{پاورقی . تمدن اسلام وغرب، ج ۱، ص ۱۴۱. پاورقی}

آدام متز می گوید: "کلیساها وصومعه ها در دوران حکومت اسلامی چنان می نمودند که گویی خارج از حکومت اسلامی به سر می برند وبه نظر می رسید بخشی از سرزمین دیگری هستند، که این به نوبه خود موجب می شد چنان فضایی از تسامح برقرار گردد که اروپا در سده های میانه با آن آشنایی نداشت".

{پاورقی . چندگونگی وآزادی در اسلام، ص ۶۸. پاورقی}

آیا تک قطبی کردن جهان می تواند نجات بخش بشر باشد؟

پرسش

آیا تک قطبی کردن جهان می تواند نجات بخش بشر باشد؟

پاسخ

برخی می گویند: تنها راه نجات بشر از ظلم وبی عدالتی ورسیدن به سعادت، تک قطبی کردن جهان وبه اصطلاح نظم نوین جهانی است. وبرخی از نظریه پردازان به جهت اقتدار تمام عیار وهمه جانبه آمریکا این کار را تنها ساخته آمریکایی ها می دانند.

نظریه تک قطبی کردن جهان از گذشته های بسیار دور بین فلاسفه ودانشمندان عالم مطرح بوده است.

فیلسوف یونانی "زیو" ۳۵۰ سال قبل از میلاد می گوید: "بر جمیع مردم عالم است که از یک نظام جهانی واحد پیروی کنند

تا سعادت ونجات یابند". لذا اسکندر که معاصر زیو بود درصدد برآمد تا با اتّکا بر قدرت خویش این نظریه را به اجرا گذارد. بُلتاک نویسنده یونانی صد سال قبل از میلاد با طرح حکومت واحد جهانی می گوید: "بر مردم است که سعی نموده تا مجتمع واحدی را تشکیل دهند واز قانون واحدی پیروی کنند".

ولیام لوید (۱۸۳۸) از فیلسوفان متأخر آمریکایی می گوید: "هرگز بشر نمی تواند به دوستی وزندگی مسالمت آمیز برسد مگر آنکه حکومت واحد جهانی تأسیس نماید".

{پاورقی . اسلام وعقل، ص ۲۱۰. پاورقی}

دانتی، ادیب مشهور ایتالیایی می گوید: "لازم است تا کلّ مردم زمین نسبت به یک حکومت وحاکم خاضع باشند تا آرامش وصلح به جهان سایه افکند".

{پاورقی . همان. پاورقی}

راسل می گوید: "عالم در انتظار مصلحی است که تمام مردم را تحت یک پرچم وشعار درآورد".

جورج بوش پدر می گوید: "نظم نوین عبارت است از صلح ودموکراسی برای همه جهان تحت رهبری آیالات متحده".او نیز در سخنرانی خود در کنگره می گوید: "در میان ملت های جهان تنها آمریکاست که هم از ارزش های اخلاقی وهم از ابزار لازم برای پشتیبانی از نظم جهانی برخوردار است".

اشکال:

۱ -

در خود آمریکا نظریه پردازانی از قبیل کیسینجر ودیگران وجود دارند که اقتدار مطرح آمریکا را مردود می شمارند.

برژینسکی به گونه ای ناتوانی آمریکا را ترسیم کرده ومی گوید: "هر چند آمریکا در حال حاضر داعیه پرستیژ جهانی دارد وکمتر کشوری می تواند داعیه رقابت با او را داشته باشد... امّا استمرار قدرت وموقعیت آمریکا در صحنه جهانی وداخلی از جنبه های زیادی آسیب پذیر است".

۲ – زمینه پذیرش تک قطبی کردن جهان بسیار کم است خصوصاً آنکه وضعیت بسیار فاجعه آمیز اقتصادی آمریکا اجازه چنین بلندپروازی را به او نمی دهد.

۳ – این نظریه غافل از آن است که هرگز ملت ها زیر بار سلطه بیگانگان نخواهند رفت.

گرچه ما اصل نظریه را ردّ نمی کنیم ومعتقدیم که تنها راه نجات ملت ها در سایه وحدت حکومت جهانی است ولی آن را با تأییدات الهی ورهبری معصوم که همان امام زمان (ع) است امکان پذیر می دانیم.

سایر مباحث

اعتقاد به مهدویت از چه زمانی در تاریخ بشر مطرح بوده است ؟

پرسش

اعتقاد به مهدویت از چه زمانی در تاریخ بشر مطرح بوده است ؟

پاسخ

اعتقاد به اختصاص به شیعه یا مسلمانان ندارد, بلکه پیروان ادیان دیگر مانند یهود و نصارا و زردشتیان و هندوها نیز منتظر و بر پادارندهء هستند. به بیان دیگر: یکی از شگفت انگیزترین حقیقتی که در لابه لای ابرهای غلیظ تغییرات و تحریف ها, چون خورشیدن تابان می درخشد و دست تحریف گران تاریخ , یارای دگرگونی آن رانداشت و شدّت درخشش نور آن , چشم خنّاسان ِخفّاش صفت را کور کرده بود, اخبار است . که در مکتب مقدس ادیان مختلف جهان ثابت و باقی مانده است : .

با ذکر بخش هایی از آن چه در برخی کتب دینیِ دنیاموجود است , متوجه می شویم اعتقاد به رهبری که بعد ازغیبتی طولانی ظهور خواهد کرد و یعنی هدایتگر انسان به سوی خدا می گردد و حکومت واحد جهانی تشکیل می دهد و با اجرای قوانین الهی و هلاک نمودن سردمداران کفر و شرک و نفاق و ظلم و استکبار, عرصه رابرای شکوفایی همهء استعدادهای فراوانی که خداوند در درون انسان ها به ودیعه گذاشته , فراهم می سازد و با برقراری عدالت اجتماعی , فقر و فساد و تبعیض و ظلم و جهل از جامعهء جهانی برداشته می شود و آن چنان رفاه ِاقتصادی و امنیت عمومی ایجاد می گردد که حرص و ولع مالی از میان می رود و احساس بی نیازی به تکاثرطلبی وانباشت ثروت به وجود می آید و میش در کنار گرگ آب می نوشد و احساس خطر نمی کند, از عقاید پیروان همه ءادیان جهانی است

.

در کتاب که نزد هندویان از کتب آسـمانی است آمده : پس از خرابی دنیا, رهبر و سلطانی در آخر الزمان پیداشود که پیشوای خلایق باشـد و نام او باشـد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس ازمؤمن و کافر را بشـناسد و هر چه از خوا خواهد, بر آید.

در کتاب شاگرد زردشت پیغمبر۷کر شده : مردی بیرون آید از زمینِ تازیان (عربسـتان) از فرزندان هشام . مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق , و بردین جدّ خویش بود. با سپاه بسیاری روی به ایران ند و آباد کندو زمین پر داد کند و از داد وی باشد گرگ با میش آب خورد.

در تورات , در سفر تکوین از دوازده امام : که از نسل حضرت اسماعیل ۷به وجود می آیند, خبر داده شد..

در کتاب که از کتاب های مذهبی زردشتیان است آمده : آن گاه فیزری بزرگ از طرف ایزدان می شود واهریمنان را منقرض می سازنـد و تمام اقتـدار اهریمنان در زمین است و در آسـمان راه ندارنـد, و بعـد از پیروزی ایزدان وبرانداختن تبار اهریمنان , عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده , بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست .(۱)

(پاورقی ۱.مطالب شماره‌ء یک تا چهار جزوه‌ء شماره ۲۲(پیشوای

چنــد انقلاب که نشان دهنده قانون عکس العمل، در مسائل اجتماعی و نشان دهنده وقوع یک انقلاب جهانی (حضــرت مهدی(ع)) در آینده هستند، کدامند؟

پرسش

چنـد انقلاب که نشـان دهنـده قـانون عکس العمـل، در مسائـل اجتمـاعی و نشـان دهنـده وقوع یک انقلاب جهانی (حضـرت مهدی(ع)) در آینده هستند، کدامند؟

پاسخ

۱ انقلاب علمی اروپـا (رنسـانس) واکنشـی در برابر یکهزار سال جهل و عقب مانـدگی قرون وسـطا، و فشارهائی که از طرف متولّیان خرافی کلیسا در جهت عقب نگاهداشـتن مردم اعمال میشـد بود، که یکباره عوامل جهل را کنار زدند و مشـعل علم را برافروختند و پرچم دانش را در همه جا به اهتزاز درآوردند.

۲ انقلاب کبیر فرانسه به سال ۱۷۸۹ که جهشـی فوق العاده در جهت سیاسی و اجتماعی بود در برابر استبداد و استعمار طبقاتی و زور گویی و خودکامگی رژیمهای حاکم ظاهر گشت که جامعه فرانسه و سپس جوامع دیگر اروپایی را وارد مرحله نوینی از تاریخ خود ساخت و حکومت قانون را البتّه تا حدودی جانشین زور و استبداد نمود.

۳ انقلاب بر ضدّ بردگی در سال ۱۸۴۸ که نخست از انگلستان آغاز شد نتیجه طرز رفتار فوق العاده خشن و ضدّانسانی بردهداران با بردگان بود که از یک سو آتش انقلاب را در خود بردگان، و از سوی دیگر در عواطف برانگیخته شده جامعهها به سود بردگان، شعلهور ساخت و نظام بردگی را در هم پیچید، هر چند شکل دیگری از بردگی که مرموزتر و وسیعتر از آن بود جای آن را گرفت و تحت عنوان «کمک به آبادی کشورهای عقب مانده» آیین «استعمار به» وجود آمد!

نظام بردگی در هر حال میبایست برچیده شود، ولی طرز رفتار با بردگان آن را تسریع کرد.

۴ انقلاب بر ضدّ استعمار،

در عصر ما، واکنش مستقیم رفتارهای ضدّ انسانی استعمارگران در مستعمرات بوده و هست که باعث شکفتن شعور اجتماعی مردم استعمارزده گردید و پرچم مخالفت را با قدرتهای استعماری بر افراشتند، هر چند غالباً به استقلال کامل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فکری نینجامید، ولی وضع با سابق بسیار تفاوت پیدا کرده است.

۵ انقلاب کمونیستی در سال ۱۹۱۷ عکس العمل مظالم سرمایهداران و تجاوز بیحساب آنها به حقوق اکثریّت تودههای زحمتکش و خلقهای به زنجیر کشیده شده بود؛ هر چند این انقلاب نیز به آزادی طبقات رنجیده منتهی نگردید، و نظام استبدادی دیگری تحت عنوان «دیکتاتوری پرولتاریا» که در حقیقت دیکتاتوری تعداد انگشت شماری سران حزب بود جای آنرا گرفت.

۶ انقلاب بر ضدّ تبعیضات نژادی که هم اکنون در دنیا جریان دارد، واکنش فشارهای شدید نژاد سفید بر سیاه پوستان، و محرومیّت فوق العاده آنان از حقوق اجتماعی است.

قانون عکس العمل که بیانگر وجود یک عکس العمل در برابر هر عملی است، در مورد آینده جهان، چه می گوید؟

پرسش

قانون عکس العمل که بیانگر وجود یک عکس العمل در برابر هر عملی است، در مورد آینده جهان، چه می گوید؟

پاسخ

این قانون به ما میگوید وضع کنونی جهان، آبستن انقلابی است. فشار جنگها، فشار مظالم و بیدادگریها، فشار تبعیضها و بیعدالتیها، توأم با ناکامی و سرخوردگی انسانها از قوانین فعلی برای از بین بردن یا کاستن این فشارها، سرانجام واکنش شدید خود را آشکار خواهد ساخت.

سرانجام این خواستهای واپس زده انسانی، در پرتو آگاهی روز افزون ملّتها، چنان عقده اجتماعی تشکیل میدهد که از نهانگاه ضمیر باطن جامعه، با یک جهش برق آسا، خود را ظاهر خواهند ساخت و سازمان نظام کنونی جوامع انسانی را به هم میریزند و طرح نوینی ایجاد میکنند.

طرحی که در آن نه از مسابقه کمرشکن تسلیحاتی خبری باشد و نه از اینهمه کشمکشهای خسته کننده و پیکارهای خونین و استعمار و استبداد و ظلم و فساد و خفقان.

آیا مکاتب فلسفی نیز انتظار فرج را امری ارزشی می دانند؟

پرسش

آیا مکاتب فلسفی نیز انتظار فرج را امری ارزشی می دانند؟

پاسخ

انتظار ظهور منجی در آخرالزمان ونجات بشر از وضعیت موجود، اختصاص به اسلام وحتّی ادیان آسمانی ندارد، بلکه مکاتب فلسفی غیردینی ومادّی نیز معتقد به این نظریه می باشند.

راسل می گوید: "انتظار منجی واعتقاد به ظهور نجات بخش در آخرالزمان اختصاص به ادیان آسمانی ندارد، بلکه مکاتب غیردینی ومادّی نیز در انتظار ظهور منجی برای جامعه بشریّت وگسترش دهنده عدل وداد به سر می برند".

از چه زمانی خطوط کلّی برای روز موعود جهانی ترسیم شده است؟

پرسش

از چه زمانی خطوط کلّی برای روز موعود جهانی ترسیم شده است؟

پاسخ

ترسیم خطوط کلّی برای روز موعود به شروع خلقت باز می گردد؛ زیرا این روز هدف وغرض اساسی برای خلقت است. برای توضیح این مطلب به نکاتی چند اشاره می کنیم:

۱ - برای برپایی حکومت عدل جهانی دو شرط اساسی وجود دارد: یکی شناخت کامل عدل به معنای وسیعش ودیگری آمادگی برای فداکاری در راه پیاده کردن عدالت در سطح جهان، بعد از علم وشناخت عدل. بشر این دو شرط اساسی را از ابتدای خلقت نداشته است، بلکه انبیا متکفّل این دو امر مهم شده ودرصدد تربیت بشر برای رسیدن به آن دو بوده اند. گرچه انبیا در شرط اوّل به موفقیّت رسیده وعدل را به معنای وسیع وهمه جانبه اش برای مردم تبیین نموده اند ولی در طول تاریخ خود نتوانستند شرط دوم را به طور کامل محقق سازند، واین نه به جهت قصور در انجام وظیفه آنان بوده، بلکه به خاطر قصور یا تقصیر از جانب مردم بوده است.

۲ - انبیا در طول تاریخ بعثت خود مردم را به هدف وغرض اساسی از خلقت بشر که همان رسیدن به حکومت عدل توحیدی است گوشزد می کرده اند. خداوند متعال می فرماید: {وَلَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ}؛ {پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. پاورقی}

"در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم بندگان شایسته ام وراث [حکومت] زمین خواهند شد."

ونیز می فرماید: {وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوارِثِينَ}؛ "ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منّت نهیم وآنان را پیشوایان {پاورقی . سوره قصص، آیه ۵. پاورقی}

ووارثان روی زمین قرار دهیم."

ونیز می فرماید: {هُوَ الَّذِى أَرْسَلَ

رَسُولَهُ بِالهُدی وَدِینِ الحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ}؛ "او کسی است که رسول خود را با هدایت ودین حقّ فرستاد تا او را{پاورقی . سوره صف، آیه ۹. پاورقی}

بر همه ادیان غالب سازد هر چند مشرکان کراهت داشته باشند."

۳ - برای هیچ یک از انبیا، شرایط اساسی وعمومی برای هدایت کلّ بشر وتشکیل حکومت عدل توحیدی در سطح جهان فراهم نشد، زیرا دو شرط اساسی برای تشکیل چنین حکومتی فراهم نگشت:

الف) انبیا گرچه مفهوم عدل کامل وبه معنای وسیع آن را برای مردم تفهیم نمودند ولی بشر به آن درجه از فهم وشعور نرسیده است تا به حقیقت آن در سطح گسترده اش پی برده باشد. لذا هدف انبیای سابق بر حضرت موسی (ع)، ترسیخ وتثبیت عقیده مردم بوده، وتکالیف شرعی فرعی زیادی نداشته اند، تا اینکه از زمان حضرت موسی (ع) تا عصر بعثت رسول اکرم (ص) خصوصاً در شریعت اسلام شرایع به صورت تفصیل تبیین شده است.

ب) تاکنون هیچ امّتی به حدّی نرسیده است که بتواند در راه پیاده شدن حکومت عدل توحیدی جهانی فداکاری تام وتمام داشته باشد. حضرت نوح ۹۵۰ ۷ سال قوم خود را به حقّ وحقیقت دعوت کرد ولی به جز اندکی به او ایمان نیاوردند. قوم حضرت ابراهیم (ع) به جای پذیرش دعوتش او را در آتش انداختند. قوم حضرت موسی (ع) درخواست او را برای مقابله با حاکمان ظالم فلسطین رد کرده وگفتند: {فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّکَ فَقاتِلا إِنّا ههُنا قاعِـدُونَ}؛ "تو وخدایت بروید وبا آنان بجنگید ما{پاورقی . سوره مائده، آیه ۲۴. پاورقی}

اینجا نشسته ایم."

حواریون حضرت عیسی (ع) در قدرت خداوند شک نمودند وبه عیسی خطاب کرده، گفتند: {یا

عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنا مآئِدَةً مِنَ السَّمآءِ}؛{پاورقی . همان، آیه ۱۱۲. پاورقی}

"ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت قدرت دارد که برای ما سفره ای غذا از آسمان نازل کند."

نتیجه: گرچه خطوطی کلّی واساسی روز موعود از ابتدای خلقت ترسیم شده است ولی هنوز شرایط تحقق وپیاده شدن آن فراهم نگشته است.

چگونه با وجود تحریف در تورات وانجیل در مسئله ی مهدویت به آن دو استشهاد می شود؟

پرسش

چگونه با وجود تحریف در تورات وانجیل در مسئله ی مهدویت به آن دو استشهاد می شود؟

پاسخ

گاهی سؤال می شود که شما قائل به وجود تحریف در تورات وانجیل ودیگر کتب غیر از قرآن هستید چگونه در قضیه مهدویت وسایر موضوعات به آن استدلال می کنید؟

۱ - در موضوع مهدویت چنان آیات و روایات فراوانی وجود دارد که برای اثبات آن احتیاج به منابعی دیگر غیر قرآن نباشد.

۲ - استناد واستشهاد به بشارات کتاب های آسمانی وغیر آسمانی دیگران از باب تأیید است نه اثبات.

۳ - نقل بشارات از کتاب های مقدس دیگران به جهت تقارن بین ادیان وهدایت اهل ادیان به دین حق یعنی اسلام است.

۴ - کسی ادعا نکرده که تمام آنچه که در کتاب های مقدس ادیان دیگر آمده تحریف شده است، بلکه آنچه مسلّم است اینکه بخشی از آنها مورد تحریف قرار گرفته است.

۵ - در اثبات عدم تحریف در مواردی که به آنها استشهاد می شود همین بس که در مصادر اسلامی نیز به آن اشاره بلکه تصریح شده است.

۶ - برخی از بشارات کتاب های مقدس ادیان دیگر با واقعیات تاریخی مطابقت داشته است، از قبیل اینکه: مصلح جهانی همان امام دوازدهم از ذریه اسماعیل واز نسل بهترین زنان است که ولادت او در وضع شدید واختناق سیاسی به وقوع خواهد پیوست، وبه همین جهت خداوند او را از ظالمان تا هنگام ظهور محفوظ خواهد داشت.

آیا عقیده به منجی ومهدویت عقیده ای شرقی است؟

پرسش

آیا عقیده به منجی ومهدویت عقیده ای شرقی است؟

پاسخ

۱ - گرچه در طول تاریخ، مستضعفین ومظلومان اعم از مسلمان وغیرمسلمان، شیعه وغیر شیعه تحت فشارهای سیاسی بوده اند، ولی این به آن معنا نیست که این فشارها باعث شد تا مستضعفان اعتقاد به منجی ومهدی را از خود جعل کنند، بلکه خداوند متعال مطابق مصلحت وحکمتی که ملاحظه کرده موضوع منجی وظهور حضرت مهدی (ع) را به جهت اقامه عدل وعدالت در سطح گسترده مطرح کرده است.

۲ - همان گونه که در جای خود بحث کرده ایم موضوع مهدویت مقتضای خواست فطری بشر بوده وعقل، قرآن وروایات نیز به طور صریح بر آن اتفاق کرده اند ونیز اجماع مسلمین به جز برخی اندك از روشنفكران غرب زده معتقد به مهدویت شده اند.

۳ - مهدویت وانتظار ظهور مهدی موعود (ع) در صورتی که معنا ومفهوم صحیح آن در نظر گرفته شود نه تنها آثار منفی به بار نخواهد آورد بلکه آثار مثبتی داشته، در ایجاد روحیه امید در جامعه وفراهم کردن زمینه مناسب برای ظهور حضرت مهدی (ع) تأثیر بسزایی داشته ودارد.

آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟

پاسخ

۱ - این عقیده تنها از انسان های شرقی نیست، بلکه در بین همه ادیان ومکاتب وآیین های شبه دینی یافت می شود.

۲ - این عقیده با فطرت انسان عجین است که در همه یکسان است.

۳ - همان گونه که اشاره شد، این عقیده مطابق آیات قرآن وروایات متواتر واجماع مسلمین، بلکه همه ادیان ومکاتب فلسفی وغیر فلسفی است.

فیلسوف انگلیسی "برتراند راسل" می گوید: "عالم در انتظار مصلحی است که تمام عالم را یکپارچه کرده وآنان را تحت یك پرچم ویك شعار درآورد".

{پاورقی . تأثیر علم بر اجتماع، ص ۵۶. پاورقی}

"پرفسور انشتاین" -صاحب نظریه نسبیّت- می گوید: "روزی که صلح وصفا تمام عالم را فراگیرد ومردم با دوستی وبرادری با یکدیگر زندگی کنند چندان دور نیست".

{پاورقی . مفهوم نسبیت، ص ۳۵. پاورقی}

آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت از جوامع دیگر واز اصول غیر اسلامی وارد شده است؟

پاسخ

برخی عقیده مهدویت را عقیده ای غیر اسلامی می دانند که وارد جامعه اسلامی شده است.

جولد زیهر می گوید: "بازگشت عقیده به مهدی، از اصول ومبانی غیراسلامی است ودر حقیقت این عقیده اسطوره واز امور غیرواقعی است".

{پاورقی . العقیده والشریعه، ص ۲۱۸. پاورقی}

سائح علی حسین، نویسنده لیبیایی می گوید: "عقیده ونظریه غیبت وبازگشت، عقیده ای است مشترک بین یهود ونصارا، وتأثرپذیری فکر شیعی از این دو مصدر بعید نیست...".

{پاورقی . تراثنا وموازین النقد، ص ۱۸۴. پاورقی}

دکتر عبدالرحمن بدوی می گوید: "کعب الاحبار کسی بود که عقیده به مهدی را در بین مسلمین منتشر ساخت".

{پاورقی . مذاهب الاسلامیین، ج ۲، ص ۷۷Ù۷۶. پاورقی}

پاسخ:

۱ – مطابق آنچه در قرآن وروایات متواتر اسلامی وارد شده، عقیده به ظهور مهدی موعود عقیده ای اصیل واسلامی است که در ادیان دیگر نیز به آن اشاره شده است ولذا هرگز نمی توان آن را اسطوره واز عقاید ساختگی قرار داد.

۲ – این عقیده اختصاص به شیعه ندارد بلکه صحابه به تبع آیات قرآن وروایات نبوی معتقد به این عقیده بوده ودر طول تاریخ اسلام عموم علمای اسلامی اعم از شیعی وسنّی به این عقیده معتقد بوده اند.

۳ – اشتراک این عقیده بین یهود ونصارا ومسلمین دلیل بر آن نیست که مسلمانان از ادیان دیگر گرفته اند، بلکه دلالت بر آن

دارد که موضوع انتظار منجی حقیقی مقتضای فطرت بشر بوده ولذا در هر دین وآیینی به آن اشاره شده است.

۴ - این کعب الاحبار نبوده که عقیده به مهدویت را در بین جامعه اسـلامی منتشـر ساخته است بلکه خدا ورسولان او خصوصاً پیامبر اسلام (ص) واهل بیت

معصومش این عقیده را در جامعه منتشر ساخته اند.

امروزه فعالیتهایی بر علیه مهــدویت در جریان است بفرماییــد در جهان غرب و رسانه ها و مطبوعات و منشورات غرب چه فعالیتهایی در خصوص مهدویت و بر علیه مهدویت در جریان است.

پرسش

امروزه فعالیتهـایی بر علیـه مهـدویت در جریـان است بفرماییـد در جهـان غرب و رسـانه هـا و مطبوعـات و منشـورات غرب چه فعالیتهایی در خصوص مهدویت و بر علیه مهدویت در جریان است.

پاسخ

۱. یک نوع فعالیت علیه اسلام است زیرا استکبار جهانی، اسلام را دشمن بالقوه خود می داند.

۲. از مخالفت اصلی جهان غرب با تشیع است زیرا تشیع، مذهبی است که هیچ گونه ستم و ظلمی را نمی پذیرد و بنابراین همه حاکمیت غرب را که براساس ستم و خودبزرگ بینی بنا شده است به چالش می کشد.

۳. امـا در کنار این مسأله در غرب با آموزه مهـدویت نیز مقابله می شود. زیرا مسأله ظهور منجی، تنها در اسـلام به عنوان اصـل مسـلم نیست. در یهودیت ظهور ماشـیح (مسـیح) و در مسیحیت ظهور مجدد مسیح در صدر تعالیم آنها قرار دارد و اصولا یکی از ادله حمله آنهـا به عراق همین زمینه سـازی در ظهور مجـدد مسـیح بوده است. همچنین آرمـان صـهیونیسم جهـانی ریشه در آموزه ظهور منجی دارد که براساس روایات مذهبی از منطقه خاورمیانه ظهور می کند.

۴. آموزه مهدویت دقیقا مقابل با آموزه های مذهبی آنهاست و آنها بنا دارند از هر طریق فیلم و کتاب و تبلیغات سیاسـی آن را خراب کنند که نمونهای آن در جهان غرب فراوان است.

چرا کافران مسئله ظهور حضرت مهدی را قبول ندارند؟

پرسش

چرا کافران مسئله ظهور حضرت مهدی را قبول ندارند؟

پاسخ

عقیده به ظهور حضرت مهدی«علیه السلام» و گسترش عدل همگانی و تشکیل حکومت جهانی در پرتو ظهور و آن حضرت از جمله ی عقاید مذهبی شیعه است کافران که اساساً مذهب شیعه را نپذیرفته اند طبعاً با عقیده شیعه در مورد ظهور امام دوازدهم مخالف می باشند.

ولی توجّه به این نکته اساسی لازم است که اعتقاد به ظهور یک مصلح در پایان جهان و این که حکومت زمین سرانجام در اختیار افراد صالح و شایسته قرار می گیرد یک اعتقاد ویژه ی اسلامی نیست بلکه چنانکه قرآن کریم می فرمایند: «و لقد کتبنا فی الذبور من بعد الذکر ان الارض عبادی؛(۲) محقق ما در زبور پس از ذکر(تورات) نوشتم که زمین را بند آن شایسته من به ارث خواهد برد» این اعتقاد در کتابهای آسمانی دیگر نیز وجود داشته است.

۲) سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

مهدویت در آیات و روایات

آیات

حکومت الهی در آیات

کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟

پرسش

کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟

پاسخ

آیاتی مثل و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (انبیاء / ۱۰۵) ترجمه : در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم :بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد . و نیز آیه شریفه : و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین (قصص / ۵) ترجمه : ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم . کلمه نرید اشاره به اراده استمراری الهی است , لذا در بسیاری از اخبار به حضرت مهدی (ع) تطبیق شده است و نیز آیه شریفه وعد اللّه الذین امنوا منکم و عملواالصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم (نور / ۵۵) ترجمه :خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند , وعده می دهد که قطعا آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید . در اخبار است که مصداق کامل این وعده , زمان ظهور حضرت ولی عصر (عج) است .

کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟

پرسش

کدام آیات , بشارت برپایی حکومت الهی جهانی را می دهد ؟

پاسخ

آیاتی مثل

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (انبیاء / ۱۰۵)

ترجمه : در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم :بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد .

و نیز آیه شریفه :

و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین (قصص / ۵)

ترجمه : ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم . کلمه نرید اشاره به اراده استمراری الهی است , لذا در بسیاری از اخبار به حضرت مهدی (ع) تطبیق شده است

و نیز آیه شریفه

وعد اللّه الذین امنوا منکم و عملواالصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم (نور / ۵۵)

ترجمه :خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند , وعده می دهد که قطعا آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید . در اخبار است که مصداق کامل این وعده , زمان ظهور حضرت ولی عصر (عج) است .

دیدگاه قرآن درباره تشکیل حکومت جهانی اسلامی، بسط دین اسلام و زمامداری صلحاء چگونه است؟

پرسش

دیدگاه قرآن درباره تشکیل حکومت جهانی اسلامی، بسط دین اسلام و زمامداری صلحاء چگونه است؟

پاسخ

خداوند در قرآن مجید در آیات متعددی به این موضوع اشاره دارد از جمله: «وَ لَقَدْ کَتَبنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحوُنَ»انبیاء/۱۰۵

[ما بعد از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد]

«وَ عَدَ اللهُ الذینَ امَنُوا مِنْکُمْ و عَمِلوُ الصالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ» نور/۵۵

[خداوند وعده فرموده به کسانی از شما که نیکو کار گردد در زمین خلافت دهد]

«هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ» توبه/۳۳ و فتح/۲۸

[اوست خدائی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد]

«یُریدُونَ أَنْ یُطْفِؤُا نُورَ اللهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ یَأْبَی اللهُ اِلّا أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ» توبه/۳۲

[کافران می خواهند که نور خدا را بانفس تیره و گفتار جاهلانه خود خاموش کنند ولی خدا نمی گذارد تا آنکه نور خود را به منتهای ظهور و حد اعلای کمال برساند.]

«یُریدُونَ لِیُطْفِؤَا نُورَ اللهِ بِأَفْواهِهِم وَ اللهُ مُتِمْ نُورِهِ» صف/۸

[کافران می خواهند تا نور خدا را با گفتار باطل و طعن مسخره، خاموش کنند، البته خدا نور خود را تمام و کامل می کند.]

«وَیُریدُ اللهُ أَنْ یُحِقَّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرینَ» انفال/۷

[و خدا می خواست که صدق سخنان حق را ثابت گردانده و ریشه کافران را از بیخ و بن برکند.]

«وَ قُلْ جاءَ الحَقُّ وَ زَهَقَ الباطِلُ اِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهوقاً» اسراء/۸۱

[بگو که حق آمد و باطل را نابود ساخت، که باطل خود لایق محو و نابودی است.]

پ۱ض«اِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا

وَالَّذینَ آمَنُوا فِی الْحیاهِ الدُّنْیا» غافر/۵۱

[ما البته رسولان خود و کسانی که ایمان آورند را در حیات دنیا نصرت و ظفر می دهیم.]

«کَتَبَ اللهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلی اِنَّ اللهَ قَوِیٌّ عَزیزٌ» مجادله/۲۱

[خدا حتم گردانیده که البته من و رسولانم غالب می شویم که خداوند قوی و مقتدر است.]

و آیات دیگری که تأویل آنها هنگام ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه آشکار شود، دلالت دارند بر غلبه اسلام بر سایر ادیان و غلبه اهل حق بر اهل باطل و حتمی بودن غلبه انبیاء و اتمام نور خدا که این معانی بطور مطلق تا حال ظاهر نشده و این آیات تحقق آن را در آخرالزمان بشارت می دهد.

خداوند وعده داده که البته پیغمبران را غالب سازد و یاری کند و معلوم است که این نصرت و غلبه فقط نصرت و غلبه در آخرت نیست، برای اینکه می فرماید: «فی الحیاه الدنیا» و نصرت وغلبه انبیا بر قوم خودشان، پیشرفت کار آنها در عصر خودشان هم نیست، زیرا دعوت بسیاری از پیغمبران در قومشان اثر نبخشید بلکه بعضی از آنها کشته شدند.

این نصرت و غلبه، نصرت و غلبه مقصد و هدف و دعوت آنها است که بر طبق ظاهر آیات مقید به مرتبه ای نیست بلکه نصرت و غلبه مطلق است.

همچنین است اتمام نور، که معنی اینکه خدا نور خود را در مقابل آنهائی که می خواهند نور او را خاموش کنند و مانع از پیشرفت اسلام شوند تمام می گرداند این است که دین را جلو می برد و بر قلمرو اسلام می افزاید و اتمام آن وقتی است که اسلام تمام جهان را بگیرد.

چنانکه معنی استخلاف و جانشینی مؤمنین در زمین و

وارث شدن آنها زمین را نیز به معنی استخلاف در تمام زمین و وارث شدن کره ارض است که برای امام زمان و یاران و اصحاب آن حضرت حاصل می شود.

معنای غلبه حق بر باطل بطور اطلاق هم غیر از این نیست که به تمام معنی حق بر باطل پیروز شود اگر از جهت حجت و برهان غالب باشد (با اینکه به این معنی همیشه غالب است) ولی در ظاهر غالب نباشد غلبه مطلق نیست و ظاهر این آیات غلبه مطلق است.

و اما آیه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدّينَ كُلِّهِ» که دلالتش بر غلبه اسلام واضح است.

و مؤید مستفاد از این آیات است روایاتی که در این خصوص از حضرت رسول(ص) منقول است، مثل:

«لَيَدْخُلَنَّ هذَا الّدينُ عَلی ما دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ»

[البته این دین در هرکجا شب داخل شده باشد داخل می شود.]

و شاید نکته اینکه فرمود: «عَلی ما دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ» و نفرمود: «عَلی ما دَخَلَ عَلَيْهِ الْيَوْمُ اوِ الشَّمْسُ» تشبیه دین به آفتاب باشد که همانطور که روز آفتاب در هر کجا که شب رفته باشد وارد می شود، خورشید عالمتاب اسلام نیز به تمام اماکن پرتو افکن خواهد شد و تاریکی کفر و شرک و ضلالت را نابود خواهد ساخت، همانطور که آفتاب، تاریکی شب را از میان می برد.

دیدگاه قرآن نسبت به حاکمیت بندگان شایسته خدا بر زمین چیست؟

پرسش

دیدگاه قرآن نسبت به حاکمیت بندگان شایسته خدا بر زمین چیست؟

پاسخ

خدا در قرآن می فرماید:

«وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الارْضَ يَرِثُها عِبادىَ الصّالِحُونَ»

که مفاد ظاهر آن این است که:

[و هر آینه ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که البته بندگان صالح من وارث زمین می گردند.]

این آیه از بشارت حتمی الهی خبر می دهد که شایستگان و صلحاء، وارث زمین و صاحب آن می شوند و چون در آیات قبل

از این آیه از زمین خاصی سخنی به میان نیامده است لذا الف و لام «الأرض»، الف و لام عهد نخواهد بود چون ظاهر این است که مراد تمام زمین است.

بنابر این، آیه خبر از روزگاری می دهد که زمین و اداره آن در همه قاره ها و همه مناطق و همه معادن آن در اختیار بندگان شایسته خدا در آید، چنانکه در آیات دیگر نیز همین وعده را فرموده است. مانند آیه:

«وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ...» نور/۵۵

[و خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند وعده داده که در زمین خلافت دهد... .]

و نیز آیه:

«وَ نُریدَ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتَضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ» قصص/۵

[و اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین ضعیف و ذلیل نگه داشته شده اند منت گذارده و آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم.]

در قرآن کریم، ضرورت وجود حکومت امام زمان ع چگونه بررسی و توصیف شده است؟

پرسش

در قرآن کریم، ضرورت وجود حکومت امام زمان ع چگونه بررسی و توصیف شده است؟

پاسخ

تحقق آفرینش جهان و انسان، لطف و حکمت الهی، ظهور و اجرای تمامیت دین، تحقق قسط و عدل در تمامی جامعه بشری، تحقق عملی تمامی وعدههای الهی، ایجاد مدینه فاضله، تحقق انتظارات بشر در برپایی جامعهای ایدهآل به دور از ظلم و فساد، تحقق جامعه واحد بر مبنای خداخواهی، حقخواهی و خداپرستی و... از جمله مواردی که ضرورت وجود حکومت امام زمانع را ایجاب میکند.

از نظر قرآن کریم، جهان با هدف خاص آفریده شده است; "وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَ الْاَرْضَ وَ مَا بَیْنَهُمَا بَطِلًا ذَ لِکَ ظَنُّ الَّذِینَ کَفَرُواْ فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ کَفَرُواْ مِنَ النَّار;(ص،۲۷) ما آسمان و زمین و آن چه را در میان آنها است بیهوده نیافریدیم، این گمان کافران است وای بر کافران از آتش (دوزخ)."

روشن است، هدفدار بودن جهان هستی، به حکومتِ بر زمین که جزئی از جهان است، جهت میدهد که، حکومت بشری نیز

هدفدار است. هنگامی که در جهانبینی پذیرفتیم که این عالَمِ وسیع از ناحیه خداوند بزرگ، بیهوده آفریده نشده، هدفدار بودن حکومت بر بشر را نیز میپذیریم. به تعبیر دیگر، عالم هستی بر پایه حق و عدالت است، حکومت نیز باید هماهنگ با مجموعه عالَم یعنی منطبق بر موازین حق و عدالت باشد.

آفرینش جهان و انسان، فرستادن پیامبر و امام، نزول وحی و تعیین قانون برای سعادت بشر و... جملگی از باب لطف و حکمت الهی است; و در راستای هدفدار بودن انسان و جامعه بشری است.

از آن جا که بشر با پیروی از هوی و هوسها، بر خلاف هدفِ اصلیِ

از خلقتِ خود، گام برداشته است و حتی با راهنمایانِ از جانب خداوند نیز سر ستیز برداشته و آنها را یا کشتهاند، و همین هوی و هوسها سبب ظلم و فساد و انحراف در جوامع بشری شده است و... لذا خداوند متعال بر اساس همان قاعده، لطف و حکمت آخرین امام را در حال غیبت نگه داشته، تا زمانی که جامعه بشری شایستگی برپایی حکومت جهانی واحد با محوریت رهبری الهی را دارا شود. پس لطف خداوند توأم با حکمت او اقتضأ میکند در همین دنیا با امامت و رهبری امام زمانغ حکومتی بر پا شود تا بهشتِ موعودِ زمینی، علاوه بر بهشت آسمانی، که رؤیای همیشگی انسان بوده است، و هیچ گاه تجربه نکرده است، تحقق یابد.

پیامبراکرممیفرماید: "در امت من مهدیغ قیام کند... و در زمان او، مردم به چنان نعمت و برخورداری و رفاه دست یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند.]و این رفاه شامل تمامی انسانها خواهد بود چه[نیکوکار چه بدکار. آسمان مکرر بر آنان ببارد]کنایه از وفور مواهب طبیعی[و زمین چیزی از رویدنیهای خود را پنهان نسازد."(بحارالانوار، مجلسی؛، ج ۵۱، ص ۷۸، مؤسسه الوفأ / ر.ک: تفسیر نمونه، آیتالله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۹، ص ۲۶۱۲۶۶، دارالکتب الاسلامیه / کشف المراد، علامه حلی؛، ص ۳۲۴۳۲۹ و ص ۳۶۲۳۶۴، مؤسسه النشر الاسلامی.)

اگر مراد از آیاتی که وارثین زمین موءمنین می باشد همانند آیات وارث شدن بنی اسرائیل بعد از فرعون باشد دیگر ربطی به ظهور حضرت ندارد و این مژده با حاکمیت موءمنین بر حجاز محقق شده است ؟

پرسش

اگر مراد از آیاتی که وارثین زمین موءمنین می باشد همانند آیات وارث شدن بنی اسرائیل بعد از فرعون باشد دیگر ربطی به ظهور حضرت ندارد و این مژده با حاکمیت موءمنین بر حجاز محقق شده است ؟

پاسخ

درباره به ارث رسیدن زمین به بندگان صالح، چند مطلب قابل ذکر است:

۱. خداوند در دو سوره موضوع به ارث رسیدن زمین به صالحان و حکومت آنان را به پیامبر(ص) خبر می دهد: و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادیالصالحون و به راستی در زبور، پس از تورات نوشته ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند {M (انبیاء، آیه۱۰۵).

در سوره دیگر می فرماید: وعدالله الذین امنوا منکم و عملوالصالحات لیستخلفنهم فی الارض خداوند به کسانی از شما که ایمانآورده اند و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که آنان را در این سرزمین جانشین گرداند {M (نور، آیه ۵۵)

از این دو آیه، می توان دو نکته را استفاده کرد: یکی این که این وراثت اطلاق و عمومیت دارد؛ یعنی، هم شامل وراثت دنیایی می باشد و هم شامل وراثت اخروی؛ چرا که خداوند می فرماید: و گویند سپاس خداوندی را که وعدهخود را در حق

ما راست گردانید و به ما سـرزمین [بهشت] را به میراث داد که از بهشت هر جا که خواهیم سـکنا گزینیم {M. (زمر، آیه ۷۴) و درسوره دیگر می فرمایـد: ایناننـد که میراث برند که فردوس را به ارث می برند [و [در آن جاودانه اند {M (مؤمنون، آیه ۱۰ و ۱۱)

نکته دیگر آن که این وراثت علاوه بر این که، یک وعـده حتمی الهی است یک قانون آفرینش و قاعـده تکوینی هم محسوب می شود؛ زیرا تمام حکومت های

ظالمـان، بر خلاـف نوامیس آفرینش و قوانین جهـان خلقت بوده و طبق تحلیل های فلسـفی و نظری، ابطال آنها قطعیاست. پس حکومت در آینده، از آن مؤمنان صالح خواهد بود.

۲. خداوند در چندین سوره، موضوع به ارث رسیدن سرزمین را به بنی اسرائیل گوشزد فرموده است؛ از آن جمله می فرماید: و اورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون مشارق الارض و مغاربها التیبارکنا فیها و آن قوم را که مستضعف بودند، وارث مشرق ها و مغرب های سرزمین ساختیم که به آن برکت بخشیده بودیم {M.(اعراف، آیه ۱۳۷)

در آیه دیگر نیز می فرمایـد:] موسـی] گفت: چه بسـا پروردگارتان دشـمنتان را نابود کنـد و شـما را در این سـرزمین جانشـین گرداند {M (همان، آیه۱۲۹).

هم چنین ضـمن بیان سـرگذشت بنی اسـرائیل، می فرمایـد: می خواهیم بر کسانی که در روی زمین به زبونی کشـیده شده اند، منت نهیم [و نعمت دهیم] و ایشان را پیشواگردانیم و ایشان را وارث گردانیم {M. (قصص، آیه ۵)

۳. واژه «ارض» گرچه به مجموع کره زمین گفته می شود و سراسر جهـان را شامـل می گردد؛ امـا وقتی قرینه خاصـی در کـار باشـد، آن معنای عموم را از دست می دهد و معنای خاصـی از آن اراده می شود. چنان که «ارض» به کار رفته در داسـتان بنی اسـرائیل، خصوص سـرزمین شـام وفلسـطین است. مؤیـد و دلیـل بر این معنـا، جمله التی بارکنا فیها در آیه ۱۳۷ سوره «اعراف» است؛ زیرا خداونـد در قرآن، غیر از سـرزمین مقـدس (همـان نواحی فلسـطین) و غیر از کعبه، هیـچ سـرزمینی را به «برکت» یاد نکرده است.

پس وعـده ای که خداونـد به پیـامبر(ص) داده بـود، سـرجای خود محفوظ است؛ از این رو در هر زمـان و در هر جـا، بنـدگان صالح خدا قیام کنند، پیروز خواهند

بود. آنچه در روایات درباره قیام حضرت مهدی(عج) آمده، بیان یک مصداق عالی و روشن از آیات است و هرگزعمومیت «مفهوم آیات» را محدود نمی سازد.

در خاتمه خاطر نشان می شود که طبق تصریح قرآن پژوهان، تفسیر «المیزان» نوشته علامه طباطبایی، از تفاسیر عمیق، جامع و پرمحتوا محسوب می شود.

برای مطالعه بیشتر ر.ک: ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۸، ص ۳۲۵، و ج ۱۴، ص ۴۶۵، (نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی).

در آیه ۵۵ / نور: ، «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ...» طبق نظر مفسران در مورد خلافت خلفای راشدین است که در آن زمان ترس و وحشتی را که قبلاً مسلمانان از ناحیه دشمنان خارجی احساس می کردند و مجبور بو

پرسش

در آیه ۵۵ / نور: ، «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ...» طبق نظر مفسران در مورد خلافت خلفای راشدین است که در آن زمان ترس و وحشتی را که قبلاً ـ مسلمانان از ناحیه دشمنان خارجی احساس می کردند و مجبور بودند همراه خود اسلحه حمل کنند فرو ریخت؛ و دین اسلام که ابتدا مخفی و محدود بود ظاهر و فراگیر شد و طبق ادعای عالمان شیعه علی الظاهر نباید ربطی به حکومت امام مصلح کل امام مهدی داشته باشد.

پاسخ

علاوه بر برداشتی که پرسش گر محترم درباره آیه شریفه کرده است، مفسران دیدگاه های متفاوت دیگری نیز در این خصوص دارند.

بعضی مفسرین گفته اند: این آیه شریفه درباره اصحاب رسول خدا(ص) نازل شده، و خدا وعده ای را که به ایشان داده بود منجّز کرد زمین را در اختیار ایشان قرار داد، دین ایشان را تکمیل کرد، ترس ایشان را مبدل به امنیت کرد، و پس از درگذشت رسول خدا (ص) در ایام خلافت خلفای راشدین، اسلام را پیش برد، و عزت داد. پس آن ترسی که مسلمین از کفار و منافقین داشتند، از میان رفت. و مراد از استخلاف ایشان استخلاف خلفای چهارگانه پس از رسول خدا(ص)، ویا تنها خلفای سه گانه اول است.(الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دارالمعرفه، ج ۴، ص ۲۷۲، برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به ترجمه تفسیر المیزان ذیل آیه شریفه.)

بعضی دیگر گفته اند که : این آیه شامل عموم امت محمد(ص) می شود، و مراد از استخلاف امت وی و تمکین دین ایشان و تبدیل خوفشان به امنیت این است که زمین

را به ایشـان ارث داد، آن چنـان که به امت های قبل از اسـلام ارث داد. یا مراد از اسـتخلاف، اسـتخلاف خلفای پس از رسول خدا(ص) و تمکین اسـلام و شـکست دادن دشـمنان دین می باشد، که خدای تعالی بعد از رحلت پیامبر(ص) وعده خود را وفا کرد، و اسـلام و مسـلمین را یاری نموده و شـهرها و اقطار عالم برای آنان فتـح شد. بعضـی دیگر از مفسـرین گفته اند: این آیه شریفه مربـوط به مهـدی موعـود(ع) است، که اخبـار متـواتر از ظهورش خـبر داده، و فرموده: زمین را پر ازعـدل و داد می کند همان طور که پر از ظلم و جور شـده باشد، و مراد از «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» رسول خدا(ص) و ائمه اهلبیت او (علیهم السلام) است.(القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۳، ص ۴۶.)

امّا آنچه از سـیاق آیه شـریفه به نظر می رسد، این است که بدون شک آیه شریفه درباره بعضی از افراد امت است نه همه امت و نه اشـخاص معینی از امت، و این افراد عبارتند از کسانی که مصداق« الذین آمنوا و عملوا الصالحات» بوده باشند، و آیه نص در این معنا است، و هیـچ دلیلی نه در الفاظ آیه و نه از جهت عقل وجود نـدارد که دلالت کند بر اینکه مقصود از «الذین» تنها صحابه رسول خدا(ص)، یا شـخص خود رسول خدا(ص) یا تنها ائمه اهل بیت(علیهم السـلام) باشـند و نیز هیچ دلیلی نیست بر اینکه مراد از «الذین» عموم امت بوده باشد.

از این رو مراد از اسـتخلاف آنان در زمین که نظیر اسـتخلاف نیاکان و امت های پیشـین باشـد این است که اجتماعی صالح از آنان تشکیل

شود، که زمین را ارث ببرند، آن طور که امت های گذشته که صاحبان قوت و شوکت بوده اند ارث بردند، و این استخلاف قائم به اجتماع صالح ایشان است، نه به افراد معینی از ایشان.

اما اینکه مراد از استخلاف، خلافت الهی به معنای ولایت و سلطنت الهی، نظیر سلطنت داوود و سلیمان و یوسف(علیهم السلام) بوده باشد، یا مراد برطرف شدن ترس مسلمانان صدر اسلام از کفار و مشرکین پس از خلافت خلفای راشدین باشد ادعای درستی نیست، و دلیلی بر آن وجود ندارد، چون لفظ آیه مطلق است، و هیچ قرینه ای بر اثبات آن نیست. علاوه بر این آیه شریفه در مقام امتنان است، و این چه منّتی است که خدا بر جامعه ای بگذارد و دشمن خارجی را بر آنان مسلط نکرده باشد، در حالی که داخل آن جامعه را فساد احاطه کرده باشد، و از هر سو بلاهای گوناگون آن جامعه را تهدید کند، و هیچ امنیتی بر جان و عرض و مال خود نداشته باشند و تنها قدرت حاکمه بر آن اجتماع حریت داشته، و طبقه ستمگر در رفاه و پیشرفت باشند؟

مراد از اینکه فرمود: «خدا را عبادت می کنند و چیزی را شریک او نمی گیرند»، همان معنایی است که لفظ به طور حقیقت بر آن دلالت می کند، و آن عبارت است از اینکه اخلاص در عبادت عمومیت پیدا کند و بنیان هر کرامتی غیر از کرامت تقوی منهدم گردد. نتیجه این شد که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند، وعده می دهد که بزودی جامعه ای بر ایشان تکوین می کند که به تمام معنا صالح باشد، و از

لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را به ارث برده و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان و ظلم ستمگران و زور گویی زورگویان آزاد باشند.

و این جامعه طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست در خود دارد هرگز تاکنون در دنیا پدید نیامده و دنیا از روزی که پیامبر(ص) مبعوث به رسالت گشته تاکنون، چنین جامعه ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار امام مهدی(ع) خواهد بود. چون اخبار متواتری که از رسول خدا(ص) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) در ویژگی های آن جناب وارد شده(در این روایات مصداق کامل این وعده در زمان ظهور ولی عصر(عج) دانسته شده است. (ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۸ و ص ۵۴)) از تشکیل چنین جامعه ای خبر می دهد. پس حق مطلب این است که آیه شریفه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور حضرت مهدی(عج) تشکیل می شود قابل انطباق با هیچ اجتماع دیگری نیست.

منظور از وارث زمین شدن توسط صالحان چیست؟

پرسش

منظور از وارث زمین شدن توسط صالحان چیست؟

پاسخ

منظور از وارث زمین شدن این است که زمین در اختیار افراد صالح و شایسته قرار گیرد یعنی حکومت عدل در زمین مستقر شود و افراد غاصب و ظالم و ستمگر و عناصر فاسد و حکومتهای جور از جهان ریشه کن و نابود گردند.

امام زمان در آیات

در قرآن از امام مهدی (ع) چگونه یاد شده است ؟

پرسش

در قرآن از امام مهدی (ع) چگونه یاد شده است ؟

پاسخ

آیاتی از قرآن اشاره به قیام حضرت مهدی (ع) دارد, از جمله : در سوره انبیاء آمده است : ((ولقد کتبنافی الز بور من بعد

الـذکر ان الارض برثها عبادی الصالحون ; در زبور بعد از ذکر (تورات) تور داشتیم که بندگان صالح من حکومت زمین را به ارث می برند.(۱)در ذیل این آیه روایاتی آمده است که ((هم اصحاب لمهدی فی آخر الزمان ,آنان یاران مهدی (ع) در آخر الزمان هستند)).

در سوره نور آمده است : ((وغدالله الذین آمنوا منکم . عملوالصالحات لیسـیتخلفنهم فی الارض کما اسـتخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضـی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدتنی لایشـرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک ماوئک هم الفاسقون ,()خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند, وعده داده (پاورقی ۲ نور (۲۴ آیه ۵۵

است که آنان را خلیفه روی زمین کند, آن گونه که پیشـینیان را خلافت بخشید و دین و آئینی را که برای آنان پسندیده است , پـا بر جـا و ریشه دار سـازد و بیم و ترس آنـان را به امنیت مبـدل کنـد. آن چنـان می شود که تنهـا مرا می پرسـتند وچیزی را شریک من نخواهند کرد و کسانی که بعد از آن کافر شوند, از فاسقان اند)).

آیه دیگر آه اشـاره به قایم حضـرت مهـدی دارد, آیه طهور حق در سوره توبه است : ((هوالـذی الرسل رسوله بالهـدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون)).(۲)شبیه این

آیه در سوره فتح آمده است : ((هو الذی ارسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله)).(۳)این آیات بر اساس روایاتی که ذیل و تفسیر آنها آمده ,تطبیق بر حضرت مهدی (ع) شده است . (۴)

(پاورقی ۱ انبیاء (۲۱ آیه ۱۵

(پاورقی ۲ توبه (۹ آیه ۳۳.

(پاورقی ۳ فتح (۴۸ آیه ۲۸.

(پاورقی ۴ نامه مکارم , پیام قرآن , ج ۹ باتلخیص .

مهمترین آیات مربوط به مهدویت کدام است؟

پرسش

مهمترین آیات مربوط به مهدویت کدام است؟

پاسخ

آیات محوری مهدویت

ردیف

آیه

سوره

توضیحات

آیه اظهار هو الذی ارسل رسوله ... صف / ۹، فتح / ۲۸، برائت / ۳۳

قاتلوهم حتی لاتکون فتنه انفال / ۳۹

ان اصبح مائکم غورا ملک / ۳۰

فانک من المنظرین الی یوم...حجر / ۳۸

وقضینا الی بنی اسرائیل...اسراء / ۶۴

لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر انبیاء / ۱۰۵

الله نور السموات... (آیه نور) نور / ۳۵

وعدالله الذین... (استحذاف) نور / ۵۵

نرید ان نمن علی الذین استضعفوا قصص / ۵

یریدن لیطفوا نور الله... صف / ۸، زمر / ۶۹

آیات اشراط الساعه معارج / ۴۴، قمر / ۱، ق / ۴۱، فرقان / ۱۱ و ۲۶، غاشیه / ۴۱

حروف مقطعه / حم عسق شوری / ۱

آیات انتقام / سیعلم الذین... شعراء / ۲۲۷، حج / ۳۹

سوره شمس

سوره قمر

سوره فجر

سوره قدر

بقیه الله خیر کلمه... هود / ۸۶

امّن یجیب المضطر اذا دعاه...نمل / ۶۲

چرا از این امـام محجوب نـام و نشانی در قرآن کریم نیست ؟ مگر ایمان بوجود این امام از ایمان بوجود مردان گذشـته که در جهان میزیسـتند و صدها سال از مرگشان گذشته مثل لقمان و ذوالقرنین ضرورت کمتری داشته که نام و نشان اینها برای عبرت و پند در قرآن کریم ب

پرسش

چرا از این امـام محجوب نـام و نشـانی در قرآن کریم نیست ؟ مگر ایمان بوجود این امام از ایمان بوجود مردان گذشـته که در جهان میزیستند و صدها سال از مرگشان گذشته مثل لقمان و ذوالقرنین ضرورت کمتری داشته که نام و نشان اینها برای عبرت

و پند در قرآن کریم بتفصیل آمده ولی از نام و نشان امام با عظمت و غیبی مسلمانان که شب و روز باید چشم بظهور دولت او بدوزند در قرآن کریم خبری نیست ؟آیا روش کتاب هدایت این باید باشد که هر چیز که مهمتر است آنرا کمتر بیان فرماید یا بکلی مکتوم نماید و امور کم اهمیت را توضیح مفصل بدهد ؟

پاسخ

آیات زیادی در قرآن کریم هست که وقتی بهمدیگر ضمیمه شوند یا تدبر کافی در آنهابشود خصوصیات ظهور امام غائب عجل اللّه فرجه بطور وضوح بدست می آید . مانند

آیه یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه مائده ۵۴ الخ

و آیه وعد اللّه الذین آمنوا الخ نور ۵۵

و آیه و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر انبیاء ۱۰۵

و آیه لیظهره علی الدین کله صف ۹

و غیر اینها با تقریباتی که در تفسیر کردیم در احتجاج طبرسی در یکی از احتجاجات امیرالمومنین علی علیه السلام جواب این شبهه را از آنحضرت نقل می کند مبنی بر اینکه خدای متعال می دانست که اگر ائمه هدی رابطور صراحت در قرآن کریم معرفی می فرمود دشمنان اهل بیت (ع) بهر وسیله بود آنرااز قرآن کریم اسقاط می کردند و قرآن تحریف می پذیرفت با اینکه خداوند عزاسمه وعده صریح داده که قرآن را از

تحریف حفظ فرماید لذا مسئله امامت را بنحوی بیان فرموده که از راه تدبر در آیات بدست آید نه بطور صراحت . گذشته از اینها اشکالی که نویسنده نامه می کند نه تنها متوجه امامت امام غائب می باشد بلکه شامل امامت همه ائمه هدی است که چرا باید با اهمیتی که امامت دارد نام و نشان شان صریحا در قرآن ذکر نشود . بنابر این اشکالی که کرده مشترک الورود است زیرا نظر به آثار ناگواری که اختلاف شیعه و سنی و مسئله امامت و انشعاب جهان اسلام بدو فرقه سنی و شیعه و دنباله های تلخی که این انشعاب پدید آورد و خونهائی که در اثر فتنه های اختلاف نامبرده ریخته شد و ضربتها و محرومیتهائی که اسلام دید اگر امامت الهی انتصابی در بین نبودایجاب نمی کرد که صریحا در قرآن و بیانات نبوی امامت انتصابی نفی شود ؟ و آیا دراین صورت اهمیت نفی خلافت انتصابی از اهمیت بیان خلافت انتصابی بنا بصحت ومشروعیت آن کمتر بود ؟ و آیا مدعی حق نداشت بگوید که خلیفه اول (معاذاللّه) ازخدا و رسول (ص) عاقل تر بود که خلافت خلیفه دویم را از راه وصیت تثبیت کرد نه ازراه انتخاب مردم و در نتیجه بعد از ابی بکر در خلافت عمر هیچگونه اختلافی در خلافت بوجود نیامد لکن بعد از رحلت رسول خدا در اثر سکوت آنحضرت این اختلاف خانمان سوزپیدا شد . پس اگر در صورت ثبوت خلافت انتصابی بیان آن صریحا در قرآن کریم اهمیت داشت در صورت عدم ثبوت آن بیان آن نظیر و معادل همان اهمیت

را داشت .

آیا در قرآن کریم آیاتی در مورد حضرت امام زمان(عج) وجود دارد؟

پرسش

آیا در قرآن کریم آیاتی در مورد حضرت امام زمان(عج) وجود دارد؟

پاسخ

در قرآن مجید درباره این موضوع آیات زیادی وجود دارد ما آنچه را که در تفاسیر آمده است نقل می کنیم.

۱. و عدالله الذین آمنوا منکم و عملوالصالحات لیستخلفهم فی الارض

(نیاییع الموده، ص ۴۲۶ و تفسیر غرائب القرآن نیشابوری).

۲. هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه...

۳. و لقد کتبنا فی الذبور ان الارض یرثها عبادی الصالحین

۴. الذین یؤمنون بالغیب...

(تفسیر غرائب القرآن و تفسیر کبیر).

۵. و نریدان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض...

(شرح ابن الی الحدید، ج ۴، ص ۳۳۶).

۶. و انّه لعلم للساعه...

(اسعاف الراغبین، ب ۲، ص ۱۴۱، ینابیع الموده، ص ۱۵۳)

و علاوه بر تفاسیر اهل سنت در تفاسیر شیعه دور احادیث وارده تحت آیات قرآنی تعداد کثیری از آیات را ائمه معصومین(علیهم السلام) به حضرت مهدی و ظهور ایشان تفسیر و تأویل فرموده اند که به کتابهای زیر می توان رجوع کرد.

پاورقی

(۱)۱ - سوره نور آیه ۵۵.

(۲)۲ - سوره توبه آیه ۳۳.

(۳)۳ - سوره توبه، آیه ۳۳.

(۴)۴ - سوره بقره، آیه ۳.

(۵)۵ - سوره قصص آیه ۵۵.

(۶)۶ - سوره زخرف، آیه ۸۵.

۱. دلائل الامامه

۲. الارشاد

۳. بحارالانوار

۴. البرهان

۵. المحجه

۶. الکافی

۷. البصائر الدرجات

چگونه پیامبران و امامان ما در جذب اکثر مردم به آئین اسـلام و تشکیل حکومت عدل جهانی موفقیت حاصل نکردند در حالی که امام زمان این توفیق را پیدا خواهد کرد. و چرا در قرآن مجید درباره امام مهدی (عج) آیه ای وجود ندارد؟

پرسش

چگونه پیامبران و امامان ما در جذب اکثر مردم به آئین اسلام و تشکیل حکومت عدل جهانی موفقیت حاصل نکردند در حالی که امام زمان این توفیق را پیدا خواهد کرد. و چرا در قرآن مجید درباره امام مهدی (عج) آیه ای وجود ندارد؟

پاسخ

آنچه که پیامبران و ائمه(علیه السلام) مأمور به تبلیغ و انجام آن بودند به خوبی از عهده آن برآمده و آن را انجام داده اند دو

آن عبارت بود از هـدایت مردم و اتمام حجه بر آنها و ایجاد زمینه ای مناسب برای رشـد و هدایت انسانها و در این هدف تمام انبیاء(علیهم السـلام) و ائمه معصومین(علیهم السلام) موفق بودند لذا در زیارت نامه های این بزرگان می خوانیم اشهد انک قد بلغت الرسـاله راقمت الصـلوه و آتیت الزکوه و امرت بـالمعروف و نهیت عن المنکر... یعنی: من گواهی می دهم که شـما تبلیغ کردی رسـالت خداونـد را و نمـاز را برپـا داشتی و زکوه را ادا کردی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و... پس آنچه در وظیفه اولیاء خداونـد بود به نحو کمال مطلوب انجام دادنـد ولی آن چه را که خداونـد بر عهـده حضـرت حجه(عج) قرار داده است امـانتی است که مخصوص ایشان است و ایشان بایـد این نحوه عمل را که قیام جهانی و ایجاد حکومت عـدل الهی اسـت انجام دهند تا تمامی حکمتها و فلسفه های انزال کتب دین در حکومت حضرت حجه(عج) تجلّی و تحقق داشته باشد.

و البته لاـزم به ذکر است که خداونـد متعـال این زمینه را با امـدادهای غیبی و قـدرت قابره خود و ارسال ملائکه برای حضـرت حجه (عج)

انجام می دهند.

اما نسبت به نام شریف حضرت مهدی(عج) در قرآن کرمی می توانند به آیاتی را که به این بزرگوار تأویل و تفسیر شده است رجوع کنید:

۱. یستخلفهم فی الارض...، ینابیع الموده، ص ۴۲۶.

۲. لیظهره علی الدین کلّه...، تفسیر فخررازی والبیان، ص ۱۰۹.

۳. و لقد کتبنا فی الزبور...، ینابیع الموده، ص ۴۲۵.

۴. الذین یؤمنون بالغیب غرائب القرآن و تفسیر فخر

۵. وزید ان تمن علی الذین استضعفوا فی الارض، شرح ابن ابی الحدید، ج ۴،ص ۳۳۶.

۶. و انّه لعلم للساعه نورالابصارب ۲، ص ۱۵۳.

چند آیه نام ببرید که مربوط به ظهور آن حضرت باشد.

پرسش

چند آیه نام ببرید که مربوط به ظهور آن حضرت باشد.

پاسخ

آیات زیادی در قرآن هست که به گونه ای بر ظهور امام زمان (عج) دلالت دارند. نویسنده کتاب «المحجه فی ما نزل فی قائم الحجه» (سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن) بیش از صد آیه را ذکر کرده که بر اساس روایات معصومان (ع) این آیات مربوط به امام عصر (ع) وقیام آن حضرت است. در اینجا به برخی از این آیات اشاره می شود:

آیه ۵ سوره قصص؛

آیه ۶۲ سوره نمل؛

آیه ۲۱ و ۲۹ سوره سجده؛

آیات ۵ - ۱ سوره روم؛

آیات ۱۱ و ۲۶ سوره فرقان؛

آیات ۱۱۰، ۱۱۵ و ۱۳۵ سوره طه؛

آیات ۳۹، ۴۱ و ۶۰ سوره حج

و آیات دیگری که بر این مطلب دلالت دارند.

(در مورد این آیات می توانید از تفسیر نمونه یا المیزان {P - سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن، سید هاشم بحرانی. P}

بهره مند شوید.)

چند آیه از قرآن کریم بر وجود نازنین امام زمان (عج) دلالت می کند و در سوره نباء کلمه اوتاد آیا به یاران امام زمان اشاره دارد؟

پرسش

چند آیه از قرآن کریم بر وجود نازنین امام زمان (عج) دلالت می کند و در سوره نباء کلمه اوتاد آیا به یاران امام زمان اشاره دارد؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال خوبتان عرض می شود آیات متعددی از قرآن کریم دلالت بر وجود مبارك ولی عصر (عج) می کند که در اینجا آیاتی را که فهرست موضوعی تفسیر نمونه آنها را در ارتباط با حضرت مهدی (عج) معرفی نمود. به استحضارتان می رسانیم در این کتاب ذیل عنوان حضرت مهدی (عج) و قرآن چنین آمده است: منظور از بقیه الله (۸۶ هود) حضرت مهدی است (تفسیر نمونه، ج۹، ص۲۰۳ و ۲۷۷) از حضرت مهدی تعبیر به یابن طه شد (ج۱۳، ص۱۵۸) تشبیه حضرت مهدی (عج) به ماء معین (آب جاری)، (ج۱۴، ص۱۲۶) مضطر حضرت مهدی است (ج۱۵، ص۵۲۱) آیه دابه الارض کنایه از حضرت مهدی است (ج۱۵، ص۵۵۴) قرآن و مقام مهدی (ج۷، ص۳۷۲) آیه جاء الحق و قیام مهدی (عج) (ج۱۲ ص۲۳۴) منظور از آیه ۴۱ حج حضرت مهدی است (ج۱۴، ص۱۲۱) تفسیر آیات (۴۱ ۴۳) شوری به قیام حضرت مهدی عج (ج۲، ص۴۷۱). آیات (۷۹) صف دلیلی بر ظهور حضرت مهدی (ج۲۴، ص۸۴) تفسیر آیه ۳۰ ملك به ظهور مهدی (ج۲۴، ص۳۵۹) ما یوعدون اشاره به ظهور حضرت مهدی (عج) (ج۲۵، ص۱۳۴) منظور از فجر درخشیدن سپیده صبح) قیام حضرت مهدی است (ج۲۶، ص۴۴۲) در سوره و العصر (عصر) اشاره به قیام حضرت مهدی (عج) است. (ج۲۷، ص۲۹۴) ... (۱)

و در کتاب مهدی موعود تألیف علی دوانی نیز آیاتی که در روایات اهل بیت (ع) تأویل به ظهور امام زمان (عج) شده

آمده که مقدار آن به ۶۰ آیه می رسد (۲) که برای اطلاع بیشتر می توانید به این کتاب مراجعه کنید.

و در ارتباط با این مسئله که کلمه اوتاد در سوره نباء اشاره به یاران حضرت مهدی (عج) دارد عرض می شود در تفسیر المیزان ج ۲۰، ص۴۱۸ و ۴۱۹ به معنای اوتاد پرداخته شده اما اشاره ای به اینکه اوتاد و به معنای یاران حضرت مهدی (عج) باشند نشده است. در تفسیر نمونه نیز ذیل این آیه به این معنا اشاره ای نشده است اما در کتاب عصر ظهور در ارتباط با اوتاد مطلبی عنوان شده که به نظر می رسد اوتاد از یاران حضرت مهدی (عج) می باشند در این کتاب از قول کفعمی در حاشیه مصباح و همچنین سفینه البحار ماده قطب چنین آمده است: گفته اند زمین از قطب و چهار نفر اوتاد (بزرگان) و چهل پرهیزگار و ۷۰ فرد نجیب و سیصد و شصت فرد شایسته خالی نمی ماند و قطب همان مهدی است و اوتاد (بزرگان) از چهار نفر کمتر نیست زیرا دنیا همچون خیمه و مهدی (عج) به منزله ستون و آن چهار تن به منزله طنابهای آن خیمه می باشند و ..." (۳)

دوست عزیز برای اطلاع بیشتر در این زمینه می توانید به این کتاب مراجعه بفرمایید.

منابع و مآخذ:

۱ فهرست موضوعی تفسیر نمونه، زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، ص۵۰۵

۲ مهدی موعود، علی دوانی، ص۲۴۶۲۷۲

۳ عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۸۹

چرا "سَلَمٌ هِیَ حَتَّیَ مَطْلَعِ الْفَجْر" را به ولی عصر نسبت میدهند؟

پرسش

چرا "سَلَمٌ هِیَ حَتَّیَ مَطْلَعِ الْفَجْر" را به ولی عصر نسبت میدهند؟

پاسخ

تاویل "حَتَّیَ مَطْلَعِ الْفَجْر" به قیام حضرت مهدیغ طی روایتی از امام صادقنقل شده است.(ر.ك: تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.)

برخی از مفسران در توجیه این تاویل گفتهاند که تأویل آیه به قیام قائمغ از این رهگذر است که با آمدن هر دو، تاریکی و ظلم جای خود را به نور و عدل میدهند و نیز ممکن است طلوع فجر در آیه به طلوع فجر از سوی حضرت که از علائم ظهور امام زمانغ میباشد، اشاره داشته باشد.

چه مطالبی درباره امام زمان غ در قرآن کریم آمده است

پرسش

چه مطالبی درباره امام زمان غ در قرآن کریم آمده است

پاسخ

در قرآن کریم نام حضرت مهدی غ بیان نشده است همان گونه که نام بقیه امامان بنابر مصلحت هایی در قرآن نیامده است اما آیات بسیاری درباره قیام حکومت اهداف و... آن حضرت نازل شده است

برخی از محققان معتقدند که بیش از دویست آیه از آیه های قرآن در شأن و قیام حضرت مهدی غ تأویل شده و برخی دیگر هم بیش از صدوپنجاه آیه قرآن را در این مورد نقل کرده اند. برخی از این آیات عبارتند از: هود، ۸۶; بقره ۲و۳; نسأ، ۵۶; اعراف ۱۲۸; توبه ۳۳; قصص ۵; نور، ۵۵ و...(برای اطلاعات بیشتر، ر.ک احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری غایه المرام مرحوم سید بحرانی حضرت مهدی عجل اللهتعالی فرجه الشریف از دیدگاه قرآن و سنت محمود شریعت زاده خراسانی نشر دارالصادقین) و از آن جا که پرداختن به همه آیات نازل شده در این زمینه در این پاسخ مختصر نمی گنجد; نمونه چند آیه را در مورد حکومت عدل آن حضرت در ذیل می آوریم

۱. "و قل جأ الحق و زهق البَطل إن ّالبَطل کان زهوقا; (اسرأ، ۸۱) و بگو که حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود لایق ِ محو و نابودی است " معنای غلبه حق بر باطل این است که به تمام معنا حق بر باطل پیروز شود و این به جز با عدالت میسر نخواهد شد.

۲. "و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أَن ّالأرض یرثها عبادی الصَلحون (انبیا، ۱۰۵) و براستی

در زبور، پس از تورات نوشته ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند." در این آیه عبادی الصالحون به حضرت مهدی و یاران ایشان نیز تفسیر شده است

دین اسلام دعوتش ایمان به خداوند یگانه و توحید خالص است اسلام می خواهد تمام اختلافات و جدایی هایی را که به نام های گوناگون پدید آمده به وسیله عقیده توحید از میان بردارد. اسلام رسیدن به چنین روزی را برای بشر پیش بینی کرده و در حدودی که وظیفه تشریع است مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی شدن آن را به آماده شدن زمینه کامل آن موکول کرده است که این مهم طبق این آیه با رهبری آسمانی حضرت مهدی غ محقق خواهد شد.(ر.ک امامت و مهدویت آیه الله صافی گلپایگانی ص ۸۹، ج ۳، انتشارات حضرت معصومه

در مورد چگونگی ظهور آن حضرت باید به روایات مراجعه شود، امّا در قرآن آیه ۵۱، سوره سبأ "ولو تری ٰ إذ فزعوا فلافوت و أُخذوا من مکان قریب و ای کاش می دیدی هنگامی را که]کافران وحشت زده اند]آنجا که راه [گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند." طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده تطبیق بر خروج سفیانی (گروهی که پیرو مکتب ابوسفیان و تفاله های عصر جاهلیتند و بر ضد طرفداران حق در آستانه قیام حضرت مهدی خروج می کنند) و لشکر او شده است که آنها به هنگام حرکت به سوی مکّه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار می شوند.(ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران

ج ۱۸، ص ۱۵۳، دارالکتب الاسلامیه)

آیا در قرآن آیاتی وجود دارد که درباره حضرت مهدی غ باشند به طوری که دانشمندان بزرگ اهل سنت نیز آن را قبول داشته باشند؟

پرسش

آیا در قرآن آیاتی وجود دارد که درباره حضرت مهدی غ باشند به طوری که دانشمندان بزرگ اهل سنت نیز آن را قبول داشته باشند؟

پاسخ

بر اساس روایات اسلامی نقل شده از پیشوایان و دانشمندان شیعه و اهل تسنن بسیاری از آیات قرآن کریم در منزلت و شأن اهل بیت به خصوص حضرت مهدی غ نازل شده و یا دست کم یکی از مصادیق کامل آن ها، اهل بیت هستند.

برخی از روایات اسلامی از منابع دانشمندان اهل تسنن که بر تطبیق آیات قرآن بر حضرت مهدی غ دلالت دارد عبارتند از:

۱. اصبغ بن نباته می گوید: ابن عباس آیه "فَأُوْلَغ كَ مَع ـالَّذِين ـأَنْعَم ـاللَّه ـعَلَيْهِم (نسأ،۶۹) آن ها]اطاعت کنندگان خدا و رسول]همنشین کسانی خواهند بود[که خدا نعمت خود را بر آن ها تمام کرده .." را تلاوت کرد و سپس گفت "منظور از پیامبران]حضرت محمد۶ و مقصود از "صدیقین علی بن ابی طالب و از "شهدأ"، حمزه و جعفر از "صالحین امام حسن و امام حسین و مراد از "حَسُن ـأُوْلَغ كَ رَفِيقًا" حضرت مهدی غ است "(ر.ک شواهد التنزیل الحاکم الحسکانی ج ۱، ص ۱۹۸، مجمع احیأ الثقافه الاسلامیه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی طهران)

۲. صاحب تفسیر القرطبی در تفسیر آیه "هُوَ الَّذِی ـأَرْسَل ـرَسُولَه ـبِالْهُدَی ـوَدِين ـالْحَق ـلِيُظْهِرَه ـعَلَى الدِّين ـكُلِّه ـوَلَوْ كَرِه ـالْمُشْرِكُون ـ;(توبه ۳۳) او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند."

از قول "سدی می گوید: "آیه یاد شده اشاره به خروج حضرت مهدی غ است

که کسی خارج از اسلام خارج نمی ماند.... و به تواتر وارد شده که]حضرت مهدی غ از خاندان رسول خداƒ می باشد.(ر.ك الجامع لاحکام القرآن محمد بن احمدالانصاری القرطبی ج ۸، ص ۱۲۲، مؤسسه التاریخ العربی بیروت)

۳. ابن جریر طبری در تفسیر آیه "...لَهُم ْفِی الدُّنْیَا خِزْی ٌ..;(مائده ۴۱)...برای آن ها]منافقان و جاسوسان در دنیا رسوایی است .." می گوید: "سدی در تفسیر "لهم آورده است که رسوایی در دنیا به این صورت است که وقتی]حضرت مهدی قیام کند و قسطنطنیه فتح شود، کشته می شوند."(ر.ك جامع البیان محمد بن جریر الطبری ج ۱، ص ۶۹۹، دارالفکر، بیروت)

و...

بنابراین در میان فرقه های مختلف مسلمانان اعم از شیعه و سنی و روایات آن ها اصل بحث مهدویت مطرح شده و به نشانه های ظهور و کیفیت حکومت آن حضرت نیز اشاره شده است (ر.ك گفتمان سوم مهدویت مهدویت از دیدگاه مذاهب اسلامی علامه مرتضی عسکری ص ۲۱۲۹، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

همه جزئیات در مورد حضرت مهدی را بیان کنید؟

پرسش

همه جزئیات در مورد حضرت مهدی را بیان کنید؟

پاسخ

تمام جزئیات در مورد حضرت مهدی در پاسخ نمی توان بیان کرد، لذا به بخش اندکی از آن اشاره می شود.

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که (در روایات معصومین) به حضرت ولی عصرغ و ظهور آن حضرت تفسیر یا تأویل شده است

علامه مجلسی ، بیش از شصت آیه از این آیات را در بحارالانوار(ج ۵۱، ص ۴۴ ۶۴، مؤسسه الوفأ، بیروت) گردآورده است از آن جمله

۱. "و لقد کتبنا فی الزّبور...; (انبیأ، ۱۰۵) در "زبور" بعد از ذکر (تورات نوشتیم بندگان شایسته ام وارث (حکومت زمین خواهند شد."

در این آیه "عبادی الصَلحون به حضرت مهدی غ و یارانش تفسیر شده است

۲. آیه ای که آن حضرت بعد از تولد قرائت فرمود: "و نرید أن نّمن ّعلی الذّین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمّه و نجعلهم

الوَرثین (قصص ۵)

در روایتی از امیرالمؤمنین علی نقل شده است که فرمود: "اینان که در زمین ضعیف گشته اند، آل پیغمبرند که خداوند متعال مهدی آن ها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند."

۳. "أمّن یجیب المضطرّ إذا دعاه و یکشف السّوَّء و یجعلکم خلفآء الأرض . (نمل ۶۲)

از امام صادق روایت شده که فرمود: "این آیه درباره "قائم آل محمّد"غ نازل شده به خدا قسم "مضطر" اوست که دو رکعت نماز در مقام ابراهیم بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و آن ها را در زمین خلیفه خود گرداند.(ر.ك مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار (ج ۵۱ و ۵۲ و

۵۳، چاپ بیروت ، مترجم علی دوانی نشر دارالکتب الاسلامیه)"

از آن جا که خـدای متعال بر هر چیزی قادر است "إن ّالله علی ٰکل ّشـی ء قـدیر" (نور، ۴۵)، لذا می تواند بر اساس قدرت و مشیّت مطلقه اش مقـدمات و عوامـل زنـده مانـدن و حفظ و سـلامتی آن حضـرت را از حوادث طبیعی و... در این عالم فراهم سـازد و به حجّت خود بر روی زمین عمر طولا نی دهـد: "إن ّربّی علی ٰکـل ّشـی ء حفیظ" (هود، ۵۷)؛ چنان که به حضرت نوح عمر طولانی عطا کرد که قرآن تصـریح می کند حضرتش ۹۵۰ سـال فقط قبل از طوفان پیامبر بوده است (عنکبوت ۱۴) و نیز حضرت خضر۷ که هنوز زنده می باشد. در برخی روایات آمده است که چون در علم ازلی خداوند مقدار عمر امام زمان غ و طول غیبت او تقـدیر شـده بود و می دانست که بنـدگانش طول عمر او را انکـار می کننـد، از این رو عمر حضـرت خضـر را طولا نی گردانیـد تـا در اثبـات طـول عمر امـام زمـان غ بـه وسـیله آن اسـتدلال شـود.(مهـدی موعـود، علی دوانی ص ۴۸۹ / بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۱، ص ۲۳۲، چاپ بیروت)

"و لو تری ٰإذ فزعوا فلافوت و أُخذوا مِن مّکان قریب (سـبأ، ۵۱) اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلنـد می شود، امّا نمی توانند (از عـذاب الهی بگریزنـد و آن هـا را از جـای نزدیکی (که حتی انتظـارش را ندارنـد) می گیرنـد از درمانـدگی آن هـا تعجب خواهی کرد".

طبق روایات فراوانی که از طریق شـیعه و اهل سنت نقل شده آیه یاد شده بر خروج سفیانی (گروهی که پیرو مکتب ابوسفیان و تفاله های عصر جاهلیتند

و بر ضـد طرفـداران حق در آسـتانه قيـام حضـرت مهـدی غ خروج می كننـد) و لشـكر او تطبيق شـده است كه آن ها به هنگام حركت به سوی مكّه به قصد تسـخير آن در صحرا گرفتار می شوند و زمين با لرزه شديدی می شكافد و سبب فرو رفتن آن ها در قعر زمين می شود.(تفسير نمونه آيت الله مكارم شيرازی ج ۱۸، ص ۱۵۳، دارالكتب الاسلاميه)

و امّا در مورد خانواده (زن و فرزند) داشـتن آن حضرت دليل محكمی وجود ندارد و از روايات نيز خانواده داشتن آن حضرت را نمی تـوان اثبـات كرد.(ر.ك چشم به راه مهـدی جمعی از نويسـندگان مجله حوزه ص ۲۵۲ ۲۵۶، نشـر مركز انتشارات دفتر تبليغات اسـلامی)؛ از برخی روايات اسـتفاده می شود كه آن حضـرت با مردم حشر و نشر دارد و به گونه ناشناس زندگی می كند؛ چنان كه در روايتی امام صادق می فرمايد:

"صاحب الامرغ شباهتی نيز به يوسف پيامبرغ دارد... جای انكار نيست كه خداوند با حجت خود همان كاری را انجام دهد كه با يوسف انجام داد؛ آن حضـرت در ميان مردم رفت و آمد می كند، در بازار قدم می نهد و گاهی بر فرش منزل های دوسـتان می نشـيند، ليكن او را نمی شناسـند تـا زمـانی كه خداونـد به وی اذن دهـد تا وی خود را معرفی كنـد؛ آن گونه كه يوسف را اجازه داد، هنگامی كه برادرانش گفتند:

"أءنّك لأنت يوسف قال أنا يوسف (يوسف ۹۰) آيا تو همان يوسفی ! گفت (آری من يوسفم "(همان ص ۳۵۰ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۲، چاپ بيروت)

در مورد نشانه های ظهور آن حضرت بايد به روايات در اين زمينه مراجعه

شود که طبق آن روایات برخی از آیات قرآن اشاره به این نشانه ها دارد که از جمله آنهاست

۱. خروج سفیانی طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده آیه ۵۱ سوره سبأ تطبیق بر خروج سفیانی شده است "وَ لَوْ تَرَیٓ إِذْ فَزِعُواْ فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُواْ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ; ای کاش می دیدی هنگامی را که]کافران وحشت زده اند]آن جا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند"

سفیانی و لشگرش در آستانه قیام حضرت مهدی غ بر ضد طرفداران حق خروج می کنند که آن ها به هنگام حرکت به سوی مکّه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار می شوند و هلاک می گردند.(ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۸، ص ۱۰۳، دارالکتب الاسلامیه)

۲. طبق فرمایش پیامبراکرم در آستانه ظهور آن حضرت مردم تابع شهوت ها و هواهای نفسانی خود می شوند و نماز را ضایع می کنند، و پیامبر گرامی به آیه ۵۹ سوره مریم استناد می کنند; "سپس کسانی جانشین اینان شدند که نماز را ضایع گذاشتند و پیرو شهوات گردیدند و به زودی به غَیّ (وادی در جهنم خواهند افتاد"

۳. حضرت صادق می فرمایند در آستانه ظهور آن حضرت گرانی کساد تجارت گرسنگی و... بر جامعه مستولی خواهد شد و آیه ۱۵۵ سوره بقره را در این زمینه به عنوان شاهد نقل می کنند; "البته شما را به اندکی ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می آزماییم و شکیبایان را بشارت ده

۴. تکیه دادن بر خانه کعبه و تلاوت آیه ۸۶ سوره هود هنگام ظهور

از جانب حضرت مهدی "بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَ مَآ أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ "

۵. امام جعفر صادق می فرمایند ۳۱۳ یار حضرت بعد از ظهور با ایشان بیعت می کنند و آیه ۱۴۸ سوره بقره به آن دلالت دارد. "فَاسْتَبِقُواْ الْخَيْرَٰتِ أَيْنَ مَا تَكُونُواْ يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا"(ر.ک منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، آیه الله صافی گلپایگانی باب نشانه های ظهور، انتشارات حضرت معصومه)

آیا در قرآن آیه ای بدین مضمون وجود دارد که همه باید انتظار قیامت را داشته باشند; اگر این گونه است پس انتظار ظهور حضرت مهدی غ چگونه است آیا این مطلب با آیه قرآن منافات دارد؟

پرسش

آیا در قرآن آیه ای بدین مضمون وجود دارد که همه باید انتظار قیامت را داشته باشند; اگر این گونه است پس انتظار ظهور حضرت مهدی غ چگونه است آیا این مطلب با آیه قرآن منافات دارد؟

پاسخ

آیه ای که به این مطلب اشاره می فرماید، آیه نهم دخان است "فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ; پس منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد."

این آیه شریف در مقام تهدید کسانی است که در شک به سر می برند; پس این آیه امر به انتظار قیامت نیست بلکه نوعی تهدید و وعده به عذاب می باشد."(بر این اساس که یکی از معانی امر، تهدید است / تفسیر المیزان علامه طباطبایی ج ۱۸، ص ۱۳۶.)

ولی ما در مورد حضرت مهدی غ به انتظار امر شده ایم تا آن جا که بهترین اعمال انتظار فرج معرّفی کرده اند.

افزون بر این اگر امر به انتظار قیامت نیز می شد، با هم منافاتی نداشت چرا که در این صورت هم انتظار قیامت و هم انتظار فرج حضرت مهدی غ هر دو مطلوب بودند و یکدیگر را نفی نمی کردند; و اگر مراد این است که ما به "لقاالله امر شده ایم و مؤمن انتظار آن را دارد، این مطلب صحیح است و چنان که گذشت با انتظار حکومت مهدوی منافاتی ندارد و انسان می تواند منتظر هر دو باشد و در واقع هر دو از یک مقوله اند.

در قرآن کریم آیه و سوره ای مانند سوره نصر درباره امام زمان وجود دارد; لطفاً بفرمایید آیا نام مولا هم در قرآن کریم آمده است

پرسش

در قرآن کریم آیه و سوره ای مانند سوره نصر درباره امام زمان وجود دارد; لطفاً بفرمایید آیا نام مولا هم در قرآن کریم آمده است

پاسخ

همـان گونه که بیـان فرموده ایـد، آیـات قابل توجهی درباره امام زمان ۷ در قرآن کریـم آمـده است امـا آیه ای که به نـام آن حضرت تصریح کرده باشد، وجود ندارد.

از آن جا که شاید دوست داشـته باشـید بدانید چرا نام امامان معصوم در قرآن کریم نیامده است توجه شما را به مطالب زیر در این باره جلب می کنم

هر چند در قرآن آیاتی وجود دارد که به گفته شـیعه و اهل سنت جز بر علی و برخی دیگر از امامان بر هیچ کس دیگری قابل انطباق نیست همچون آیه ولایت (مائـده ۵۵)، آیه مباهله (آل عمران ۶۱) و... ولی به خاطر مصالحی نام آن حضـرت بصراحت در قرآن نیامـده است یکی از دلیـل هـای نیامـدن نام امامان در قرآن این است که قرآن تنها کلیات مسائل را بیان کرده و تبیین جزئیات آن به پیامبر۹ واگذار شده است شخصـی به نام ابی بصیر گوید: از امام صادق پرسیدم مردم می گویند چرا از حضرت علی و اهل بیت او نامی در قرآن کریم نیامـده است امام فرمودنـد: به کسانی که چنین اعتراضـی می کننـد، بگویید همان گونه که نماز در قرآن آمده ولی سه یا چهار]رکعت بودن آن مشخص نشده و پیامبر۹ آن را برای مردم تفسیر کرد; همچنین زکات]در قرآن نازل شده ولی مقدار آن مشخص نشده و رسول خدا۹ آن را برای مردم تفسیر کرد و... همین طور در قرآن

نازل شـده است که " ئگطیعوا اللّه و ئگطیعوا الرسول و ئگولی الأمر منکم از خـدا و رسولش و اولی الامر اطاعت کنید." (نسأ، ۵۹) این آیه درباره علی و حسن و حسین نازل شده و پیامبر۹ فرمود: هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست]یعنی همان گونه که تفسیر جزئیات نماز، زکات و حج به پیامبر۹ واگذار شده که دستورهای الهی را به مردم ابلاغ کنند، معرفی اولی الامر نیز به ایشان واگذار شده و پیامبر۹ نیز آنها را به مردم معرفی کردند.[سپس امام صادق سایر آیات و روایاتی را که در این باره آمده فرموده است (ر.ک غایه المرام محدّث بحرینی ص ۲۶۵، چاپ سنگی حدیث سوم باب ۵۹، فصل دوم از مقصد دوم)

یکی دیگر از حکمتهای نیامـدن نام علی و اهل بیت در قرآن این است که در این کتاب الهی آیاتی درباره اهل بیت نازل شده که بسـان تصـریح به نـام آنـان و بهتر از تصـریح استماننـد آیه ۵۵ سـوره مائـده که می فرمایـد: "ولیّ‌و سـرپرست شـما تنها خداوند و پیامبرش و افراد مؤمن هسـتند. افراد مؤمنی که نماز برپای داشـته و در حال رکوع زکات می دهند." دانشمندان شیعه و اهـل سـنت نقـل کرده انـد که فقـط حضـرت علی در حال رکوع انگشتر خود را به فقیر داد.(ر.ک پیام قرآن آیت الله مکارم شیرازی ج ۹، ص ۲۰۱ ۲۱۳، انتشارات مـدرسه امیرالمؤمنین) در نتیجه تفاوتی نـداشت که خداوند متعال بفرماید: "سرپرست شما خداوند و رسولش و حضرت علی هستند یا اینکه صفاتی را از آن حضرت نقل کند

که منحصر به فرد و تنها بر حضرت علی منطبق باشد." و کسی که به دنبال حقیقت باشد از هر دو گفتار یک مطلب را می فهمد; با این تفاوت که اگر نام حضرت علی بصراحت در قرآن می آمد، به احتمال قریب به یقین نا اهلان قرآن را تحریف کرده به خاطر دشمنی با آن حضرت و محو و حذف نام ایشان از قرآن در قرآن دست می بردند; چنان که تا مدتی تدوین احادیث پیامبر اکرم را به همین منظور ممنوع کردند; ولی در صورتی که با ذکر اوصاف گفته شود، دیگر افراد نا اهل دست به تحریف آیات قرآن نزده و ولایت امیرمؤمنان علی نیز برای حقیقت جویان روشن می شود.

شیعه و اهل سنت متفقند که پیامبر۹ فرمود: من از میان شما می روم و دو چیز گرانبها در بین شما به یادگار می گذارم که اگر به آن دو متمسک شوید، هیچ گاه گمراه نمی شوید. کتاب خدا و اهل بیتم خداوند دانا به من خبر داده که این دو هیچ گاه از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.(تنها در غایه المرام ص ۲۱۱ ۲۳۵، ۸۲ منبع از اهل سنت و ۳۹ منبع از شیعه آمده است که این حدیث را نقل کرده اند.)

ولی عدّه ای چون عمربن خطاب در مریضی منجر به وفات پیامبر۹ فریاد برآوردند که کتاب خدا ما را کافی است و اجازه ندادند وصیت پیامبر۹ نوشته شود; چون می دانستند که می خواهد درباره اهل بیتش وصیت کند.(اجتهاد در مقابل نص سیدعبدالحسین شرف الدین ترجمه علی دوانی ص ۱۶۷ ۱۸۱، نشر کتابخانه بزرگ اسلامی)

پس یقین بدانید که اگر حتی در یکصد آیه بصراحت نام

حضـرت علی می آمـد، این عـدّه آن آیات را از قرآن حـذف کرده می گفتند: بقیه قرآن ما را کافی است و مردم نادان هم دم برنمی آوردند; چنان که به حضـرت علی و حضرت زهرا۳ آن همه آزار رساندنـد و مردم چیزی نگفتند. وانگهی خلیفه اوّل و دوم که صـدها روایت از پیامبر۹ را جمع آوری کرده و همه راسوزاندنـد.(ر.ك اجتهـاد در مقابـل نص همـان ص ۱۵۶ ۱۶۲.) بعید نبود که جهت مطامع دنیایی خود، بسیاری از آیات قرآن را نیز بسوزانند; افزون بر آنچه گذشت حکمت های دیگری نیز در نیامدن نام اهل بیت در قرآن وجود دارد که بیان همه آنها در این مختصر نمی گنجد.

چرا در قرآن کریم به صورت صـــریح وروشن درباره حضـــرت مهدی (ْع)سخن گفته نشده است ؟کجای قرآن درباره ایشان صحبت شده است ؟با توجه به ذکر واضح و صریح پیامبر بعدی در تورات چرا در قرآن بطور روشن حضرت مهدی (ْع)معرفی نشده است ؟

پرسش

چرا در قرآن کریم به صورت صـریح وروشن دربـاره حضـرت مهـدی (ْع)سـخن گفته نشـده است ؟کجای قرآن درباره ایشان صحبت شده است ؟با توجه به ذکر واضح و صریح پیامبر بعدی در تورات چرا در قرآن بطور روشن حضرت مهدی (ْع)معرفی نشده است ؟

پاسخ

نخست بایـد دانست در قرآن بسیاری از مطـالب بنـا بر مصالحی به طور آشـکار بیان نشـده است. به عنوان مثال جزئیات برخی احکام به تفصـیل نیامـده است چه بسا به خاطر آن که علاوه بر تلاوت قرآن ارتباط مردم با پیامبر و امامان(ع) نهادینه شود و یا نام امامان به طور آشـکار در قرآن نیامـده چه بسا به خاطر آن که مخالفان انگیزه ای برای تحریف قرآن پیـدا نکننـد و یا ستیزه گری خود را با اسـلام و قرآن علنی نکنند. اگر چه با تصـریح «نام» نیز مشکل حق ستیزان حل نمی شود چنان که بشارت پیامبر اسـلام(ص) در تورات و انجیل آمده اما بسیاری از اهل کتاب، اهل حقیقت را کتمان کردند و ایمان نیاوردند. اما آن چه مهم است اشارات موجود در قرآن و امکان تبیین حق برای حق پـذیران است. آیات مربوط به حضـرت مهـدی(عـج) در قران مجید فراوان است که از بین آنها به ذکر دو آیه اکتفا می شود.

آیه اول: ولقـد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون ان فی هذالبلاغا لقوم عابدین به تحقیق در زبور از پس تورات نوشتیم که مسلما زمین را بنـدگان صالـح من به ارث خواهنـد برد، به یقین در این سـخن پیام رسایی است برای قومی که بندگان خدایند{M، (انبیا، آیه ۱۰۵).

آیه شریفه از سرنوشت نهایی زمین

خبر می دهـد که بنـدگان صالـح، آن را به ارث خواهنـد برد. قابـل تأمل در آیه بالا این است که در تورات حضـرت موسـی و زبور حضـرت داوود از این حکومت یـاد شـده است، در حالی که این دو پیامبر الهی خودشان از انبیایی بوده انـد که حکومت داشـتند؛ با این حال به آنها خبر از حکومت صالحان بر روی زمین داده شـده است (آن هم با این همه تأکیـد). مطلب یاد شده، این حقیقت را روشن می کنـد که این وعده الهی، حکومتدیگری است و آن حکومت بر کل زمین می باشد. کلمه الارض هم اشـاره به همین معنـا دارد. گفتنی است که برای همین در کتاب این دو پیامبر، وعـده تحقق حکومت جهانی داده شـده است و چنین حکومتی تا این زمان نبوده و مخصوص به زمان ظهور امام زمان(عـج) است. اختصاص ذکر این وعـده جهانی در تورات و زبور (از میان کتاب های آسمانی دیگر)، ظاهرا به جهت تجربه حکومت مؤمنان بر بخشی از زمین در زمان حضرت موسی و داوود بوده است.

آیه دوم: وعـدالله الـذین آمنوا منکم و عملوا الصالحـات لیسـتخلفنهم فی الارض کما اسـتخلف الـذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضـی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشـرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند و صالحات را انجام دادند، وعده فرمود که آنان را قطعا در زمین به خلافت خواهد گمارد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودنـدبه خلافت گمارد و قطعا برایشان دینشان را مسـتقر خواهد نمود؛ دینی که آن را برایشان پذیرفت و قطعا آنان

را از پس خوفشان به حالت امنیت، دگرگون می کنـد، به جهت آن که مرا عبادت کنند [و] چیزی را با من شـریک نگردانند و هر که بعد از آن کفر ورزد پس قطعا آنان فاسقانند{M، (نور، آیه ۵۵).

در این آیه شـریفه، خداوند وعده اسـتقرار حکومت الهی بر روی زمین را به مسـلمانان می دهد؛ حکومتی که در سایه آن هیچ گونه ترسـی نیست و در آن عبادت خداونـد بـدون شـرک انجام می شود؛ یعنی، حکومتی صـد در صـد اسـلامی که در آن از شرک و نفاق اثری نیست. کاملاً روشن است که حکومتی با این خصوصـیات، تا به حال نبوده و تنها حضـرت حجت است که حکومت جهانی خواهد داشت و دنیا را پر از عدل و داد نموده و ریشه کفر و نفاق راخواهد کند.

تشبیه این حکومت به حکومت پیامبران گذشـته، در نوع حکومت (یعنی الهی بودن آن) است؛ نه در خصوصـیات آن از جهت جهانی بودن و برچیده شدن کفر و شرک از سراسر جهان.

اما دلایل وجود حضـرت مهدی غیر از دلیل عقل که حکم می کند به این که در هر زمان باید حجتی زنده از طرف خداوند بر مردم باشد، روایات متواتر و فراوانی هست که از شیعه و سنی نقل شده است. حتی چند نفر از علمای اهل سنت کتاب هایی در مورد حضرت مهدی و اثبات وجود آن حضرت و این که خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و... نوشته اند.

برای مطالعه بیشتر ر.ک: صفه المهدی، حافظ ابی نعیم اصفهانی والعرف الوردی فی اخبار المهدی، سیوطی.

اطلاعاتی به صورت آماری از روایات در مورد امام زمان(عج) – که از

کتب شیعه و سنی استخراج شده است - برای شما ذکر می شود:

۱- روایات بشارت به ظهور حضرت مهدی(عج) ۶۷۵ مورد

۲- روایاتی که می رساند از اهل بیت پیامبر(ص) است ۳۸۹ مورد

۳- روایاتی که دلالت می کند از اولاد علی(ع) است ۲۱۴ مورد

۴- روایاتی که دلالت می کند از اولاد فاطمه(س) است ۱۹۲ مورد

۵- روایاتی که دلالت می کند نهمین فرزند امام حسین(ع) است ۱۴۸ مورد

۶- روایاتی که دلالت می کند از اولاد امام زین العابدین(ع) است ۱۸۵ مورد

۷- روایاتی که دلالت می کند از اولاد امام حسن عسکری(ع) است ۱۴۷ مورد

۸- روایاتی که دلالت می کند زمین را پر از عدل و داد می کند ۱۳۲ مورد

۹- روایاتی که دلالت می کند عمر حضرت طولانی است ۳۱۸ مورد

۱۰- روایاتی که دلالت می کند حکومت حضرت جهانی است ۴۷ مورد

۱۱- روایاتی که دلالت می کند امام دوازدهمین است ۱۳۶ مورد

در پایان روایتی از یکی از کتاب های معتبر اهل سنت ذکر می شود. رسول خدا(ص) می فرماید: «اگر از زمانه و روزگار باقی نمانـد مگر یک روز، خداونـد مبعوث خواهـد کرد مردی از اهل بیت مرا که زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده بود»، (مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۹۹ - ج ۳، ص ۱۷ و ۷۰).

آیا در قران کریم به امام زمان اشاره ای شده است ضمنی چطور؟

پرسش

آیا در قران کریم به امام زمان اشاره ای شده است ضمنی چطور؟

پاسخ(قسمت اول)

به این پرسش ارزنده، پاسخ های متعدد داده شده است که با توجّه به حوصله نوشتار به دو مورد اشاره می شود.

۱. «تبیین» قرآن توسط پیامبر(ص)؛

عدم تصریح به خصوصیّت و تعداد و نام امامان موضوعی استثنایی نیست. قرآن خود متکفل بیان تمام مصادیق و جزئیات فروع معارف و دستورالعمل ها نیست تا عدم تصریح به نام امامان مورد نظر شیعه امری خلاف انتظار و غیر موافق با سبک ویژه قرآن باشد. نماز نمونه خوبی از این دست است. شاید در بین احکام و دستورهای شریعت مطلبی به اهمّیّت و محوریت نماز وجود نداشته باشد؛ تعابیری نظیر ستون خیمه دین، مرز میان کفر و ایمان، عامل تقرب هر پرهیزکار و نخستین پرسش و اساسی ترین عامل پذیرش دیگر اعمال نشان دهنده اهمّیّت این تکلیف الاهی است؛ امّا به راستی آیا در آیات قرآن نشانی از تعداد رکعات و خصوصیات این فریضه وجود دارد؟!

قرآن به وجوب نماز و اقامه آن در اوقات خاصّ و طهارت هنگام نماز و چند مورد از این دست اشاره کرده، بیان خصوصیات دیگر این مهم را به «سنت» واگذاشته است. قرآن درباره زکات واجب و حج و خمس و سایر دستورهای شریعت مقدس نیز از همین نظام تبعیت کرده است؛ یعنی فشار اصلی را بر تثبیت این واجبات گذارده و بیان خصوصیات را به دستگاه دیگر (سنت) واگذار کرده است.

همین دغدغه و پاسخش بر زبان ابوبصیر و امام صادق(ع) نیز جاری شده است: ابو بصیر که از شاگردان تیزبین امام ششم(ع) است، پیرامون آیه ۵۹ سوره نساء - «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ

وَ أَولِی الْـأَمْرِ مِنْکَمْ» – که مردم را به اطاعت از خـدا و رسول و اولیـای امور فرا می خوانـد، به طرح پرسـش می پردازد. طبیعی است که در خـدا و رسول به دلیل انحصارشان در «الله» و ذات مقـدس حضـرت محمـد(ص)، تردید راه نمی یابد؛ امّا ذکر واژه «اولیای امور» و اجمالی که در آن نهفته، وی را بر آن داشت تا بپرسـید: چرا قرآن نام آنان را نبرده است. اگر واقعاً حق با شیعه است و مراد از «اولیای امور» امام علی(ع) و اهل بیت اند، چرا آنان را به نام معرفی نفرمود؛ «ما بالَهُ لم یُسَمِّ عَلیّاً و اَهْلَ بَیْتِهِ»؟

امـام صـادق(ع) در پاسΠبه Əṣàخاصـقرآن اشـاره ـØjو فرمـود: وقـتی برای پیـامبر آیه نمـاز نـازل شـد، خـدا در آن سـه رکعت و چهار رکعت را نام نبرد تا آن که رسول خدا(ص) آن را شرح داد. آیه زکات نازل شد، خدا نام نبرد که باید از چهل درهم یک درهم داد تا رسول خدا(ص) آن را شرح داد و آیه حج نازل شد و نفرمود به مردم که هفت دور طواف کنید تا آن که رسـول خـدا(ص) آن را برای مردم توضـیح داد. «أَطِیعُـوا اللَّهَ وَ أَطِیعُـوا الرَّسُـولَ وَ أُولِی الْـأَمْرِ مِنْکُمْ » دربـاره علی و حسن و حسـین – علیهم السـلام – نازل شد و رسول خدا(ص) درباره علی فرمود: «هر که من مولا و آقای اویم، علی(ع) مولا و آقای او است؛ و فرمود من به شـما وصـیت می کنم دربـاره کتـاب خـدا و خانـدانم؛ زیرا من از خـدای – عزوجل – خواسـته ام میانشان جدایی نیفکند تا آن ها را کنار حوض به من رساند. خدا این خواست مرا برآورد....»۱

از

این روایت در می یابیم وظیفه بیان مصداق ها و موارد و نیز تبیین جزئیات بردوش پیامبر(ص) است. همین جهت شیعه را بر آن داشت تـا بر سـنت پیـامبر(ص) تاکیـد ورزد؛ بر عـدم امکـان اکتفـا به قرآن در تشـخیص امور پـای فشارد و تلاش خلفای سـده نخستین هجری در ممنوعیت نگارش سـنت رسول الله(ص) را اشـتباه فاحش بخواند. چنان که می دانیم این ممنوعیت سـرانجام در اواخر دوران بنی امیه برطرف شـد و تـدوین کتب روایت نزد تمـام فرقه هـای مسـلمان مـورد تـوجّه قرار گرفت. قرطبی، از مفسـران به نام اهل سـنت، در مقدمه تفسیرش چنین روایت می کند: عمران بنِ حُصین به مردی که گمان می کرد کتاب الله به سنت نیاز نـدارد، گفت: «تو احمقی، آیا حکم نماز ظهر را که بایـد چهار رکعت خواند و حمد و سوره اش را آشـکار نخواند، در قرآن یـافته ای؟ و به همین گونه به نمـاز و زکـات و مثـل آن هـا اشاره کرد و گفت: آیا این [امور] را در قرآن روشن شـده یافته ای؟ همانا کتاب خدا این امور را مبهم بیان کرد. و سنت آن را تفسیر می کند.»۲

در همان تفسـیر از «مکحول»، یکی از علمای بنام و مورد قبول اهل سنّت، چنین نقل می کند: «القُرآنُ اَحْوَجُ اِلیَ السُّنهِ مِنَ السُّنَهِ اِلی القُرانِ». قرآن به سنت از سنت به قرآن نیازمندتر است.

البته این تعبیر افراط گونه مور تایید شیعه نیست. بر اساس باورهای شیعه سنّت، مشروعیت و حتّی صحت مندرجات و محتویات خود را از موافقت با قرآن و اصول حاکم بر آن به دست می آورد. سند حجیت و اعتبار سنت، قرآن است؛ ولی به هر حال فهم صحیح معارف و وظایف دینی بی

عنایت به سنت نبوی(ص) و روایات اهل بیت(ع) ممکن نیست.

در این جا، پرسشی دیگر رخ می نماید: رسول اکرم(ص) این معارف و احکام جزئی و تفسیری را از کجا به دست می آورد؟ از آیات قرآن استفاده می شود که جمع و قرائت آیات قرآن و نیز بیان مراد و مقاصد و شرح و تبیین آیات از ناحیه خدای متعال است: «إِنَّ عَلَيْنا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ * فَإِذا قَرَأْناهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ* ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا بَيانَهُ ۳؛ جمع قرآن - کلمات در آیات، آیات در سوره ها و... - و قرائت قرآن بر عهده ما است و هنگامی که بر تو قرآن را خواندیم، تو [پیامبر(ص)] هم پیروی کن و قرآن را همین گونه بخوان. - مرحله بعد «بیان» قرآن است که آن هم وظیفه ما است».

بنابراین، بیان و تشریح مقاصد آیات هم از ناحیه خدا است و به وسیله وحی دیگری جز وحی قرآنی در اختیار پیامبراکرم(ص) قرار می گیرد. پس ما با دو وحی روبه رو هستیم: «وحی قرآنی» و «وحی تبیینی». در وحی قرآنی لفظ و معنا هر دو از ناحیه خدا است؛ امّا در وحی تبیینی معنا از خدا و لفظ از سوی رسول خدا(ص) است. آیات ۴۳ و ۴۴ سوره نحل به این دو گونه وحی اشاره می کند: «وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ما بر تو «ذکر» را نازل کردیم تا قرآنی را که برای مردم نازل شده تبیین و تفسیر کنی و زمینه تفکر آن ها را فراهم سازی{M». این ذکر همان «وحی تبیینی» است که درست تجلی یافته است و تمام سخنان پیامبر(ص) در زمینه معارف و دستورالعمل های دینی را

شامل می شود.

این مقـدمات نشان می دهد عدم ذکر مصداق ها به نام ائمه اطهار(ع) اختصاص ندارد و غالب معارف و احکام الاهی را شامل می شود. بنـابراین، برای شـناخت نـام امامـان معصوم(ع) بایـد سـراغ سـنت نبوی(ص) رفت؛ همـان گونه که در تفسـیر و تـبیین معارف و دیگر فرائض دینی به «سنت» نیاز مندیم.

۲. تأکید بر روش توصیفی؛

از روش های جالب توجّه قرآن تأکید بر صـفات و ویژگی ها و عدم اصـرار بر ذکر نام اشخاص است. شاید حکمت این روش توجّه دادن امت به صـفات و ویژگی های خوب و بد در طول زمان است تا بر اساس اوصاف ذکر شده به شـناخت اشـخاص و تطبیق صفات بر آنان بپردازند و اهمّیّت و جایگاه اشخاص را با میزان صفات تجلی یافته در آنان بسنجند.

روش بیـان «توصـیفی»، به قرآن شـادابی و تازگی و دوام می بخشـد؛ زیرا در هر قطعه ای از زمان زمینه تطبیق افراد و جوامع بر شـاخصه هـای ذکر شـده در قرآن فراهم می شود و امکـان دستیـابی به داوری قرآن در مسائـل نو و فتنه های فردی و اجتماعی تـأمین می گردد. قرآن «کلام فصل» است – «إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْل»[۴] – و بین حق و باطـل تمییز می دهـد و راهنمای انسان در فتنه ها است؛ چنان که پیامبر(ص) فرمود: «هنگامی که فتنه ها چون پاره های شب تاریک شـما را فرا گرفت، به قرآن روی آوریـد» از سوی دیگر، حکومت شایستگان نیـاز همیشـگی جوامع دینی است و به بخشـی از امت اسـلامی و یا قطعه ای خاصّ از تاریـخ، اختصاص ندارد.

برای راهنمـا و فصـل الخطـاب شـدن در گستره ای چنین پهنـاور، بیـان شـاخصه هـا و شایستگی هـا و ویژگی هـای صالحان و مفسدان و حق و باطل و خوب و بد

بهترین راه شـمرده می شود. بدین سـبب، قرآن جز در موارد ضروری از بردن نام مؤمنان، منافقان، حواریون، پادشاهان، مترفان و... صـرف نظر کرده است تا مخاطبان قرآن به صـفات و ویژگی ها و نه نام ها توجّه کنند و امکان بهره گیری های نو از قرآن فراهم شود.

بنابراین، شـیعه معتقـد است مسـلمانان در آیات بسـیاری به ائمه اطهار(ع) رهنمون شده اند و وظیفه دارند با تطبیق ویژگی های یاد شده در قرآن، امام خود را بشناسـند و پاسخ نیازهای دینی، اجتماعی و سیاسـی خود را از درگاه آنان جویا شوند. بر اساس همین نکته مهم، امـام بـاقر(ع) می فرمایـد: «مَنْ لَمْ یَعْرِفْ اَمْرَنا مِنَ الْقُرانِ لَمْ یَتَنَکَّبِ الفِتَنْ ». هر کس امر ولایت ما را از قرآن به دست نیاورد؛ نمی تواند از فتنه ها مصون ماند.»

در این روایت دو نکته قابل تأمل می نماید:

۱. امر ولایـت اهـل بیت(ع) در قرآن وجود دارد و توصـیفات موجود در قرآن مـا را به امامان معصوم رهنمون می شود. اگر به راستی از سر تحقیق و بـدون هیـچ گونه اعوجـاج و کـج فهمی سـراغ آیات رویم، نشانه ها و صـفات و ویژگی هایی که برای امامان بیان شده ما را به دوازده معصوم(ع) هدایت خواهد کرد.

پس امر ولایـت امامان شـیعه را می توان از قرآن اسـتخراج کرد. البته همان گونه که پروردگار در تمام آفریـده ها تجلی کرده است و تنها شایسـتگان از توان مشاهـده برخوردارند، شـناخت امر ولایت اهل بیت(ع) از آیات نیز به خواست و طلب و ذوق و سلامت نیازمند است.

۲. شـیعیان ممکن است از راه های گوناگون به امر ولایت امامان دست یابنـد، امّا با توجّه به اهمّیّت و مرجعیت قرآن کسانی از فتنه ها و شبهه ها و افراط و تفریطها

رهـایی می یابنـد که معرفت به ولاـیت و شؤون آن را از قرآن گرفته باشـند. در غیر این صورت، در فتنه های ناشـی از افراط و تفریط سقوط خواهند کرد.

به همین جهت مفسـران و علمـای بزرگ شـیعه بخش عمـده ای از تلاـش عالمانه خود را به اثبات ولایت و شؤون آن معطوف داشـته اند و ولایت امامان شیعه(ع) را به آیات الاهی مستند ساخته اند. تلاش و تألیف های آنان ذیل آیاتی چون «اولی الامر»، «ذوی القربی» «ولاـیت»، «اکمـال دین»، و... فراوان به چشم می خورد. این بحث را با حـدیثی از امام صادق(ع) پایان می دهیم: «اگر قرآن آن گونه که خدا خواسته و نازل کرده تلاوت شود و مورد تدبر قرار گیرد، هر آینه ما را با نشانه های ارائه شده اش خواهید یافت.»۵

بنـابراین، بایـد بـا نگـاه جست وجوگر در آیاتی که صـفات و ویژگی های رهبران و اولیای امور را بیان می کنـد، نام های اهل بیت(ع) را استخراج کرد. شیعه افتخار دارد که رهبرانش را با استناد به اصول قرآنی برگزیده است.

شیـوه قرآن مجیـد در رابطـه بـا ائمـه هـدی(ع) - بـه ویژه امیرالمـومنین(ع) و خـانواده آن حضـرت - ایـن اسـت کـه بـه معرفی «شخصـیت» ممتاز و برجستگی های آنان بپردازد، نه به معرفی «شخص». این شیوه حکمت های متعددی دارد که بعضی از آنها به اختصار بیان خواهد شد. در اینجا دو زمینه برای گفت و گو وجود دارد: موارد و چگونگی معرفی شخصـیت اهل بیت(ع) و حکمت و سر این روش.

یک. موارد و چگونگی معرفی شخصیت اهل بیت(ع) در قرآن

قرآن مجیـد در موارد متعـددی پرده از امتیازات و ویژگی های رفتاری ائمه هدی(ع) به ویژه امیرالمومنین(ع) برداشـته است؛ از جمله:

پاسخ(قسمت دوم)

۱. «ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا

و یتیما و اسیرا» (انسان (۷۶)، آیه ۹.) مفسران بزرگ شیعه و سنی آورده اند که این آیه در شأن امیرالمؤمنین(ع) و خانواده ایشان است و مسأله روزه داری حضرت علی(ع) و... و دادن افطار خود به مسکین، یتیم و اسیر در سه شب متوالی را به طور متواتر نقل کرده اند.

۲. «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» (احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.) در خصوص این آیه مقالات و کتاب های متعددی نگاشته شده و در اینکه شامل حضرت علی(ع) و فاطمه(س) و حسن و حسین(ع) است، نزد شیعه و سنی هیچ اختلافی نیست، تنها اختلاف در شمول آن نسبت به همسران پیامبر(ص) است که با ادله متعددی علمای شیعه شمول آن را نسبت به همسران پیامبر(ص) رد کرده اند.

۳. «انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم راکعون» (مائده (۵)، آیه ۵۵.)

شأن نزول این آیه نیز در تمام تفاسیر معتبر شیعه و سنی، اختصاصا در رابطه با حضرت علی(ع) می باشد. البته آیات بسیار دیگری نیز وجود دارد که در اینجا به همین سه مورد اکتفا می کنیم. در آیه اول اوج ایثار در شدت نیاز و در آیه دوم طهارت مطلق از هر کژی و کاستی و عیب و گناه و در آیه سوم تلفیق دو عبادت بزرگ با یکدیگر همراه با اوج اخلاص و خدادوستی نمایان شده است. البته در آیه سوم نکته دیگری وجود دارد که در قسمت بعد به آن اشاره خواهیم کرد.

دو. حکمت روش قرآن در معرفی اهل بیت(ع)

شیوه ذکر شده حکمت های متعددی دارد؛ از جمله:

۱. انگشت گذاشتن روی اشخاص در مواردی، چندان نقشی

در روشـنگری نـدارد؛ بلکه نهایتـا به نوعی تبعیت و پیروی کورکورانه می کشانـد و البته این مانع آن نیست که در مورد لزوم، افراد نیز معرفی شونـد؛ ولی اساساً معرفی شخصـیت، معرفی الگوها است و در نتیجه جامعه را به جای گرایش های تعصب آمیز جاهلانه، به سمت تعقل ژرف اندیشی و توجه به ملاک ها، فضایل و امتیازات واقعی سوق می دهد.

۲. معرفی شخصـیت، زمینه ساز پذیرش معقول است، در حالی که معرفی شخص، در مواردی موجب دافعه می شود. این روش به ویژه در شـرایطی که شـخص از جهـاتی تحت تبلیغـات سوء قرار گرفته باشـد یـا جامعه به هر دلیلی آمادگی پـذیرش وی را نداشته باشد، بهترین روش است. این مسأله دقیقا در مورد امیرالمؤمنین(ع) و اهل بیت(ع) وجود داشته است.

برای شناخت درست این مساله لازم است ابتدا شرایط و ویژگی های جامعه اسلامی زمان نزول قرآن را در نظرگیریم تادر پرتو جـامعه شناسـی آن زمـان و روان شناسـی اجتماعی خاص آن جامعه، بتوانیم به درک صـحیحی از مساله نایل آییم. واقعیت آن است به اسـتثنای اندکی از مؤمنان برجسـته، اکثریت جامعه صدر اسـلام نسـبت به اهل بیت(ع) به ویژه امیرالمومنین(ع) پذیرش نداشـتند و پیـامبر(ص) نیز در مقـاطع مختلف بـا دشواری های زیادی آن حضـرت را مطرح می ساختنـد و در هر مورد با نوعی واکنش منفی و مقاومت روبه رو می شدند، دلایل این امر متعدد است؛ از جمله:

الف. بسـیاری از آنـان کسانی بودنـد که تا چنـد صـباحی قبل در صف معارضـین اسـلام قرار داشـتند و رویاروی خود شمشـیر علی(ع) را دیده و از همان جا کینه وی رابه دل گرفته بودند، چنان که حضرت فاطمه زهرا(س) نیز

یکی از علل روی گردانی مردم از آن حضرت را همین نکته (نکیر سیفه) بیان فرمودند.

ب . تفکرات و سنن غلط جاهلی هنوز بر اندیشه مردم حاکم بود و اموری مانند سن و... را در امور سیاسی دخیل می دانستند و لذا به جهت جوان بودن حضرت علی(ع)، وی را چندان شایسته برای رهبری جامعه نمی دانستند.

ج . این تفکر خطرناک در سطح جامعه رایج بود و از سوی عده ای تبلیغ می شد که پیامبر(ص) درصدد آن است که خویشان خود را برای همیشه بر مسند قدرت و حکومت بنشاند و در این راستا خدمات ارزنده پیامبر را نیز نوعی بازی سیاسی تفسیر می کردند که برای چنگ اندازی به حکومت برای خود و اهل بیتش انجام داده است. این مساله چنان بالا گرفته بود که روز غدیر، پس از معرفی امیرالمؤمنین(ع) یکی از حاضران صدا زد «خدایا! ما را گفت که از سوی خدا آمده و کتاب الهی آورده ام و ما پذیرفتیم و اکنون می خواهد داماد و پسرعمش را بر ما حاکم و مستولی سازد، اگر او راست می گوید، سنگی از آسمان ببار و مرا بکش!!» اکنون این سوال پدید می آید که آیا در چنین وضعیتی تا چه اندازه صلاح بوده است، نام آن حضرت و یا ائمه(ع) بعد از ایشان در قرآن به صراحت ذکر شود؟ ممکن است کسی با خود بیندیشد که اگر چنین شده بود، ریشه اختلافات از بن کنده می شد و امت اسلامی یکپارچه و هم آوا می شدند و راه هدایت را پیشه می ساختند؛ زیرا قرآن مورد قبول همه است و بر آن اختلافی نیست. اما آیا واقعیت چنین است؟ خیر؛ زیرا این خطر به

طور جدی وجود داشت که بر سر مسأله امیرالمؤمنین(ع)، حتی اساس اسلام و قرآن به خطر افتد و اگر نام آن حضرت به صراحت در قرآن می آمد، این مشکل وجود داشت که طیف عظیمی که در جامعه، پایگاه تبلیغاتی وسیعی داشتند و در صدر اطرافیان پیامبر(ص) نیز بودند، اساساً رسالت آن حضرت و قرآن و... را یکسره نفی و انکار کنند و خطر جدی برای اساس اسلام و قرآن بیافرینند.

شاید این مساله ابتدا اغراق آمیز جلوه نماید، در حالی که رخدادهای مهم تاریخی به خوبی از این نکته پرده برگرفته اند. در اینجا به ذکر دو نمونه که در منابع تاریخی مهم اهل تسنن به تکرار آمده و از مسلمات تاریخی است اکتفا می شود:

یکم. همه مورخان برجسته آورده اند که چون پیامبر(ص) لحظات آخر عمر خویش را می گذراندند، درخواست قلم و لوحی نمودند تا سندی برای امت به یادگار نهند که هیچ گاه به انحراف و ضلالت گرفتار نگردند. این درخواست برای اطرافیان کاملا روشن بود و هدف از آن باتوجه به موضع گیری های پیشین پیامبر(ص) واضح بود. در این هنگام عمر صدا زد: «ان الرجل لیهجر»؛ «همانا این مرد بر اثر شدت تب هذیان می گوید»!!

شگفتا پیامبری که خداوند در وصفش فرموده است: «و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی...»، در خانه اش و نزد عزیزترین و بهترین حامیانش، این چنین جسارت آمیز مورد طعن قرار گیرد و کار به جایی می رسد که آن حضرت از تصمیم خود منصرف می شود! زیرا جدا خوف آن وجود دارد که پایداری بر آن، موجب انکار رسالت شود و مسلماً کسانی که در خانه پیامبر خدا با وی

چنین برخورد می کنند، خود را مستظهر به پشتیبانی وسیع اجتماعی می بینند؛ و گرنه هرگز جرات چنین جسارتی به خود نمی دادند. از همین جا روشن می شود که سر شیوه قرآن چیست؟ یعنی، قرآن هم برای اهل فهم و درک و تعقل حرف خود را زده است و هم کاری کرده که فاقدان چنان خصوصیتی، یکسره از اصل دین جدا نشوند و انگیزه های سیاسی خاصی باعث نشود که به طور کلی مردم را از اصل دین و دیانت جدا سازند.

جالب آن است که علاوه بر آیاتی که به گونه های مختلف، مسأله ولایت امیرالمؤمنین(ع) را مطرح ساخته اند، سومین آیه ای که در آغاز این نگاشته آورده ایم، بسیار روشن این پیام را داده و همراه با بیان امتیازات خاص آن حضرت، مسأله ولایت و رهبری امت را گوشزد ساخته است. در اینجا یک سؤال باقی می ماند و آن اینکه خداوند فرموده است: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»؛ بنابراین باتوجه به این آیه از آن خطرات چه باک؟ پاسخ آن است که حافظ بودن خداوند برای قرآن از راه اسباب و علل خاص آن است و یکی از آنها به کارگیری همین شیوه است که انگیزه کنارزدن قرآن را به جهت یک سری اهداف خاص از بین می برد.

پی نوشت:

۱. «اِنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَزَلَتْ علیه الصلوةُ و لَم یُسَمّ لَهُم ثَلاثاً وَ لا اَرْبَعاً حتّی کانَ رَسُولُ اللّهِ هُوَ الَّذی فَسَّرَ لَهُمْ ذلِکَ وَ نَزَلَتْ عَلَیْه. الزَّکاهُ وَ لَمْ یُسَمِّ لَهُمْ مِنْ کُلِّ اَرْبَعینَ درهماً دِرْهَمٌ، حتّی کانَ رَسولُ اللّهِ(ص) هُوَ الَّذی فَسَّرَ ذلِکَ لَهُمْ وَ نَزَلَ الْحَجُّ فَلَمْ یَقُلْ لَهُم طوفوُا اُسْبُوعاً حتّی کانَ رَسُولُ اللّهِ(ص) هُوَ الَّذی فَسَّرَ

ذلِکَ لَهُمْ وَ نَزَلَتْ «اَطیعُو اللّهَ و اطیعُوا الرَّسُولَ وَ اوُلِی الأمْرِ مِنْکَمْ» وَ نَزَلَتْ فی عَلیٍّ والْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ، فَقالَ رَسُولُ اللّهِ(ص) فی عَلِیٍّ: مَنْ کُنْتُ مُوْلاهُ؛ و قال(ع) اوُصیکُمْ بکتابِ اللّهِ و اهل بیتی فَاِنّی سَأَلْتُ اللّهَ عزَّوَجَلَّ اَنْ لا یُفَرّقَ بَیْنَهُما حتیَّ یوُرِدَهُما عَلیَّ الحوضُ فَأعْطانی ذلِکَ...»؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۷۱.

۲. «اِنّکَ رَجُلٌ احمقٌ! اَتَجِدُ الظُّهْرَ فی کتاب الله اربعاً لایُجْهَرُ فیها بالْقَراءَه!؟ - ثُمَّ عَدَّدَ علیه الصَّلاهَ و الزَّکاهَ و نَحْو هذا ثُمَّ قال: - اَتَجُِد هذا فی کِتابِ اللهِ مُفَسَّرَاً! اِنَّ کِتابَ اللّه تَعالی اَبْهَمَ هذا وَ اِنَّ السُّنَه تُفَسِّرُ هذا»؛ التفسیر و المفسران، استاد معرفت، ج ۱، ص ۱۸۲.

۳. قیامت (۷۵): ۱۷ - ۱۹.

۴. طارق(۸۶): ۱۴.

۵. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳.

چرا قرآن به طور رسمی به مسأله ولادت ووجود امام مهدی علیه السلام

اشاره

اشاره نکرده است؟

پرسش

چرا قرآن به طور رسمی به مسأله ولادت ووجود امام مهدی علیه السلام

اشاره نکرده است؟

پاسخ

اولاً: قرآن به بسیاری از مسائل عقیدتی وعملی اشاره نکرده است، بلکه بیان آن را به پیامبرش واگذار نموده است، گرچه اصول معارف واحکام در قرآن کریم موجود است.

ثانیاً: از برخی ازآیات قرآن به طور وضوح ولی کلّی استظهار می شود که باید در هر زمانی انسان کامل ومعصومی به نام حجت خدا موجود باشد، که درباره هر یک از اینآیات در جای خود بحث خواهیم کرد.

چرا نام امام قائم (عج) در قرآن نیامده است؟

پرسش

چرا نام امام قائم (عج) در قرآن نیامده است؟

پاسخ

شیوه سئوال حاکی است که گویا معرفی اولیاء الهی که امت بایـد از آنها پیروی کننـد، فقط یک راه دارد، و آن این است که نـام آنـان در کتـاب آسـمانی برده شـود. در صـورتی کـه آگر به خـود قرآن مراجعه کنیم خـواهیم دیـد، که قرآن برای معرفی شخصیت های الهی از سه راه وارد می شود و در هر موردی طبق مصالحی از شیوه خاصی پیروی می کند.

۱ معرفی با اسم

پیامبر گرامی در انجیل از طریق اسم برای آیندگان معرفی شده است.

«وَمُبَشِّراً بِرَسُولٍ یَاْتِی مِن بَعْدِی اسْمُهُ اَحْمَدُ» صف/۶

[بشارت دهنده به پیامبری پس از خود هستم که نام او احمد است].

خداوند گاهی پیامبران خود را با نام مورد خطاب قرار می دهد، مانند:

«یَا داوُدُ اِنّا جَعَلْناکَ خَلِیْفَهً فی اْلارْضِ» ص/۲۶

[ای داود، ما تو را در روی زمین جانشین قرار دادیم].

قرآن در مواردی از پیامبر اسلام، به اسم یاد می کند، آنجا که می فرماید:

«وَمَا مُحَمّدٌ اِلّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ» آل عمران/۱۴۴

[محمد پیام آوری بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بوده اند].

۲- معرفی با عدد

یکی دیگر از طرق قرآن معرفی با عدد است و لذا نقباء بنی اسرائیل را با عدد معرفی کرده است چنانکه می فرماید:

«وَلَقَدْ أَخَذَ اللهُ مِیثاقَ بَنی اسْرائیلَ وَ بَعَثْنا مِنْهُم اثْنَیْ عَشَرَ نَقِیباً» مائده/۱۲

[خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده مراقب برانگیختیم.]

گروهی که طبق گزینش حضرت موسی قرار شد به کوه بروند، در قرآن با عدد معرفی شده اند آنجا که می فرماید:

«وَاْختارَ مُوسی قَوْمَهُ سَبْعِینَ رَجُلًا لِمِیقاتنا» اعراف/۱۵۵

[موسی، از قوم خود، برای میقات ما هفتاد نفر را برگزید]

۳- معرفی با صفت

یکی دیگر از طرق شناسائی

شخصیت های الهی، با صفت است، چنانکه پیامبر در انجیل و تورات علاوه بر معرفی با نام، با صفات نیز معرفی شده است و قرآن بر این مطلب گواهی می دهد. ما نیز نمونه هائی را در اینجا می آوریم.

«اَلّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ الَّنبی اْلاُمیَّ الَّذی یَجدِونَهُ مَکْتوباً عِنْدهُمْ فی التَّوراهِ وَ اْلاِنْجیل یَاْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ و یَنْهیهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ...» اعراف/۱۵۷

[کسانی که از رسول و نبی درس ناخوانده ای، پیروی می کنند که نام و خصوصیات او را در تورات و انجیل نوشته می یابند که آنان را به نیکی دعوت کرده و از بدیها بازشان می دارد، پاکیها را برای آنان حلال و ناپاکیها را تحریم می نماید، و بارهای گران و زنجیرهائی را که بر آنان بود، از آنان برمی دارد.]

در این آیه، حضرت محمد با صفات دهگانه معرفی شده است. از سیاق آیه استفاده می شود که حضرت در این دو کتاب — تورات و انجیل- با همه و یا اکثر این صفات معرفی گردیده است و مفاد جمله: «مَکْتُوباً عِنْدَهُم فی التَّورَاهِ وَ الْاْنْجیل» این است که صفات و خصوصیت او در تورات و انجیل آمده است.

خداوند متعال در قرآن، کسانی را که باید مسلمانان از آنها اطاعت کنند، با صفات «اولی الامر» معرفی کرده است آنجا که می فرماید:

«اَطیعُو اللهَ و اَطیعُوا الرَّسُولَ وَ اولیِ اْلاَمْرِ مِنْکُمْ» نساء/۵۹

[ازخداوند و رسول و صاحبان فرمان اطاعت کنید].

مردی از بنی اسرائیل پس از موسی به پیامبری برانگیخته شده بود. مردم به او گفتند: برای ما فرمانروائی معین کن، تا ما زیر لوای او در راه خدا جهاد کنیم. خداوند به درخواست آنان پاسخ مثبت داد و این فرمانروا را پس از معرفی با اسم، با صفت نیز معرفی کرد

(تا هر نوع تشابهی که ممکن است در اسم رخ، دهد، از بین برود) و از طریق پیامبر خود به آنان خبر داد که خدا (طالوت) را به فرمانروائی بر شما نصب کرده است.

«إنَّ آيَةَ مُلكه اَنْ يَاتيكُم التَّابُوتُ فيهِ سَكينَةٌ مِن رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِمّا تَرَكَ آلُ مُوسى وَ آلُ هارُون تَحْمِلُهُ الْمَلائِكَةُ...» بقره/۲۴۸

[نشانه فرمانروائی او این است که صندوقی بسوی شما می آید که در آن آرامشی از جانب پروردگار است، و باقیمانده ای از آنچه خاندان موسی و هارون به جای گذارده اند، فرشتگان آن را حمل می کنند و در این کار برای شما نشانه ای است اگر ایمان آورده باشید].

هدف از نقل این آیات، آن است که بدانیم معرفی با صفات، یکی از طرق صحیح معرفی است، لیکن گاهی معرفی با صفت، با ذکر نام نیز همراه است، مانند آیه طالوت. و گاهی تنها به ذکر صفات اکتفا می گردد. مانند:

«فَسَوْفَ يَأْتِى اللهُ بِقَومٍ يُحِبُهُمْ وَ يُحِبُّونهُ اَذِلَّه عَلَى الْمُؤْمنينَ اَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرينَ يُجاهِدُونَ فى سَبيلِ اللهِ و لا يَخافُونَ لَوْمَةَ لا ئمٍ» مائده/۵۴

[بزودی خداوند گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان فروتن و متواضعند و در برابر کافران سرفراز، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت ملامتگران نمی ترسند].

نتیجه این که اگر نام حضرت مهدی علیه السلام در قرآن نیست، ولی صفات و خصوصیات حکومت او در قرآن وارد شده است. اصولاً قرآن در معرفی افراد، مصالح عالی را در نظر می گیرد. گاهی مصالح ایجاب می کند که افراد را با نام معرفی نماید. و گاهی مصالح ایجاب می کند که تنها به صفات افراد بپردازند، چنان

که درباره حضرت مهدی علیه السلام جریان از این قرار است، زیرا:

اولا: تشکیل چنین حکومتی، در مواردی صریحاً و در مواردی دیگر بطور اشاره در قرآن وارد شده است. آیاتی که در سوره توبه و صف از انتشار و گسترش اسلام در سطح جهانی نوید می دهد، مانند «لیظهره علی الدین کله» [تا آن را بر همه ادیان پیروز سازد] اشاره به تشکیل این حکومت است، زیرا به تصریح مفسران، مضمون این آیه که پیشگوئی از گسترش فراگیر و همه جانبه اسلام در سطح جهان است، هنوز تحقق نپذیرفته است.

از این گذشته، در آیه ۱۰۶ سوره انبیاء می فرماید:

«ولقد کتبنا فی الزبور مِن بعد الذِکران الارض یرثها عبادی الصالحون»

[ما پس از ذکر ، در زبور نوشتیم که بندگان شایسته من، وراث زمین خواهند بود].

این آیه نوید می دهد که صالحان، وارثان زمین خواهند بود و حکومت جهان را به دست خواهند گرفت. و به اتفاق تاریخ بشر، هنوز این وعده الهی تحقق نپذیرفته است.

ثانیاً اگر نام امام زمان را نبرده، به خاطر مصلحتی است که برای اهل فضل و درک مخفی نمی باشد، زیرا به همان علت که نام علی علیه السلام را نبرده نام آن حضرت را نیز ذکر ننموده است اگر نام این پیشوایان گرامی را می برد، کینه های دیرینه «بدر و احد و حنین»، بار دیگر زنده می شد، و لذا مطلب را به صورت کلی مطرح کرده و فرموده است: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» بردن نام گذشتگان، مانند لقمان و ذی القرنین، قابل قیاس با افراد آینده نیست. درباره گذشتگان، حسدها و کینه ها تحریک نمی گردد، و افراد سودجو و شهرت طلب نمی توانند از آن سوء استفاده کند، ولی بردن

نام آیندگان این محظور را دارد.

آیا شـما فکر می کنید که تنها ذکر نام دردی را دوا می کند؟ آیا فکر می کنید که اگر نام امام زمان علیه السلام در قرآن برده می شـد، امکان نداشت که در طول تاریخ، شیادان، و افراد شـهرت طلب از آن سؤء اسـتفاده نکنند یا افرادی روی غرض های خاص وجود او را انکار ننماینـد؟ تجربه تاریخی نشان می دهـد که اگر هم در قرآن صـراحتاً نام امام زمان برده می شد، باز در طول تاریـخ، شـیادان و مدعیان دروغین مهدویت پیدا می شدند و نام خود را امام زمان می گذاشـتند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند و از نام او و انتظار مردم استفاده نادرست کنند. مگر خدا نام پیامبر را در انجیل نبرده است؟ ولی گروههای عنود، از آن بهره برداری ناجوانمردانه کردند.

قرآن چنین نقل می کند:

«فَلَمّا جَائَهُمْ بِالْبیناتِ قالُوا هَذا سِحْرٌ مُبینٌ» صف/۶

[هنگامی که حضرت عیسی با دلائل و معجزات به سوی آنان آمد، گفتند: این سحر آشکار است].

بنـابراین مسأله مهم، بیان خصوصـیات دیگر آن حضـرت است که افراد دل آگاه، با شـناخت آنها، مهـدی واقعی را از مـدعیان قلابی مهدویت باز شناسند، بخشی از این خصوصیات در قرآن و بخشی دیگر در اخبار آمده است.

در کجای قرآن از امام زمان(یاد شده است؟ لطفاً نام سوره وآیه آن را بنویسید؟

پرسش

در کجای قرآن از امام زمان(یاد شده است؟ لطفاً نام سوره وآیه آن را بنویسید؟

پاسخ

قبل از پاسـخ به سؤال شـما نکته مهم این است که تطبیق آیات نورانی قرآن بر وجود مقـدس امام زمان(و حکومت جهانی آن حضرت تنها از راه روایات رسول گرامی اسلام(و ائمه معصومین(امکان پذیر است.

و از جمله آیات قرآن که به مسأله مهدویت و امام زمان(تفسیر شده است این آیات شریفه است.

۱. سوره قصص آیه ۵ :"و نرید أن نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ...."

۲. سوره نمل آیه ۶۲ : "امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء...."

۳. سوره نور آیه ۵۵ : "وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستظفنهم"

۴. سوره انبیاء آیه ۱۱ : "و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الارض ..."

۵. سوره اسراء آیه ۸۱ : "وقل جاء الحق زهق الباطل إن الباطل کان رهوقا..."

۶. سوره اسراء آیه ۳۳ : "و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً..."

۷. سوره حجر آیات ۳۶تا ۳۸ : "قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون ..."

۸. سوره بقره ۱تا ۳ : "الم : ذلک الکتاب لا ریب فیه هـدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب ..." که امام صادق (فرمودند : "مراد از غیب حجت غایب است."

۹. سوره حدید آیه ۷۱ : "اعلموا أن الله یحیی الارض بعد موتها..."

۱۰. سوره بقره آیه ۱۵۵ : "و لنبلونکم بشی من الخوف و الجوع..."

۱۱. سوره بقره آیه ۱۴۸ : "فاستبقوا الخیرات ..."

۱۲. سوره آل عمران آیه ۸۳ : "وله اسلم من فی السموات ..."

۱۳. سوره ابراهیم آیه ۵ : "و ذکرهم بایام الله"

. سوره آل عمران

آیه ۲۰۰ : "یا ایها الذین آمنوا اصبروا و ..."

۱۵. سوره نساء آیه ۴۷ : "یا ایها الذین اوتوا الکتاب ..."

۱۶. سوره نساء آیه ۵۹ : "یا ایها الذین آمنوا اطیعو الله و ..."

۱۷. سوره نساء آیه ۶۹ : "و من یصلح الله و الرسول فاولئک ..."

۱۸. سوره انعام آیه ۱۵۸ : "هل ینظرون الا ان تاتیهم ..."

۱۹. سوره اعراف آیه ۵۳ : "ه ل ینظرون الا تأویله یوم ..."

۲۰. سوره یونس آیه ۲۰ : "و یقولون لو لا انزل علیه آیه ..."

۲۱. سوره طه آیه ۱۳۵ : "فستعلمون من اصحاب الصراط..."

۲۲. سوره انبیاء آیات ۱۱ تا ۱۵ : "و کم من قریه ..."

۲۳. سوره توبه آیه ۳۳ : "هو الذی ارسل رسوله بالهدی و ..."

۲۴. سوره تکویر آیه ۱۵ ۱۶ : "فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس ..."

۲۵. سوره حدید آیه ۲۶ : "اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها ..."

۲۶. سوره مائده آیه ۱۴ : "و من الذین قالو انا نصاری ..."

۲۷. سوره ذاریات آیات ۲۲ ۲۳ : "و فی السماء رزقکم و ماتوعدون ..."

۲۸. سوره نساء آیه ۷۷ : "الم تر الی الذین ..."

۲۹. سوره تبارک آیه ۳۰ : "قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غوراً ..."

۳۰. سوره صف آیه ۹ : "هو الذی ارسل رسوله بالهدی ..." "۱"

نکته : آیات مربوط به امام عصر ارواحنا فداء بیشتر از آنچه هست که بیان کردیم و برای مطالعه بیشتر به کتب معرفی شده مراجعه کنید.

۱. امام مهدی(از دیدگاه قرآن و عترت، علمه مجلسی، ترجمه علی دوانی

* مجله مبلغان شماره ۲۲ شعبان ۱۴۲۲، ص۳۴ ۳۰

منابع دیگر جهت مطالعه بیشتر :

۱. سیمای مهدی(

در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

۲. مهدی در قرآن، رضا فیروز

آیا واسطه فیض بودن امام زمان (ع) در نعمت ها و در عالم کون غیر از روایات آیا ریشه قرآنی هم دارد یا نه؟

پرسش

آیا واسطه فیض بودن امام زمان (ع) در نعمت ها و در عالم کون غیر از روایات آیا ریشه قرآنی هم دارد یا نه؟

پاسخ

در این باره گفتنی است که بیان معارف بلند نیاز به تدبر و درک عمیق دارد. شاید بتوان گفت: بنا بر آیه ۳۴ سوره بقره سجده فرشتگان در برابر آدم به عنوان در خدمت بودن و خضوع فرشتگان در برابر انسان کامل بوده است واز آنجا که بنا بر آیه ۵ سوره نازعات «فالمد برات امرا» تدبیر امور جهان به واسطه فرشتگان انجام می گیرد. معلوم می شود نعمت ها و تدبیرات عالم تکوین تحت اراده تکوینی انسان کامل و امام زمان(عج) می تواند باشد.

منظور از آیه «قل فلِلّه ِالحجه البالغه چیست و آیا به امام زمان (عج مربوط می شود؟ و آیا صلوات فرستادن هنگام تلاوت آیه برای سلامتی آن حضرت جایز است

پرسش

منظور از آیه «قل فلِلّه ِالحجه البالغه چیست و آیا به امام زمان (عج مربوط می شود؟ و آیا صلوات فرستادن هنگام تلاوت آیه برای سلامتی آن حضرت جایز است

پاسخ

آیه شریفه «قل فلله الحجه البالغه دلیلی است برای ابطال ادعای مشرکان و فرار از مسئولیت به بهانه جبر و می فرماید: بگو خداوند دلایل صحیح و روشن در زمینه توحید و یگانگی خویش و همچنین احکام حلال و حرام اقامه کرده است هم به وسیله پیامبران خود و هم از طریق عقل به طوری که هیچ گونه عذری برای هیچ کس باقی نماند. بنابراین آنها هرگز نمی توانند ادعا کنند در اعمالشان مجبورند، زیرا در صورت اجبار، اقامه دلیل و فرستادن پیامبران و تبلیغ و دعوت آنان بیهوده بوده چرا که اقامه برهان دلیل بر آزادی اراده است در اصول کافی از امام کاظم ۷) نقل شده که حضرت فرمودند: «ان ﷲِ علی النّاس حجّتین ِحُجه ًظاهره ًو حجه ًباطنه ًفامّا الظاهره ًفالرسل ُوالانبیأ والائمه ُو امّا الباطنه ُفالعقول ً» خداوند بر مردم دو حجّت

دارد: حجّت آشـکار و حجّت پنهان حجّت آشـکار، رسولان و انبیأ و امامانند و حجت باطنی عقول و افکار می باشند. در امالی شیخ طوسـی از امام صادق (۷) چنین نقل شده است که از تفسـیر آیه فوق از آن حضـرت سؤال کردند. حضـرت فرمود: ان الله تعالی َ یقول للعبـد یوم القیامه «عبـدی اکنت عالماً» فَاِن ٥قال «نعم ، قال له «افلا عملت بما عملت » وأن قال «کنت جاهلاً» قال له «افلا تعلمت حتی تعمل فیخمصه فتلك الحجّه البالغه خداوند در روز رستاخیز به بنده

خویش می گوید: بنده من آیا می دانستی و گناه کردی اگر بگوید: آری می فرماید: چرا به آنچه می دانستی عمل نکردی و اگر بگوید: نمی دانستم می گوید: چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی در این موقع از پاسخ فرو می ماند و این است معنی حجت بالغه ۲۳).

ب هر چند بر اساس روایتی که نقل شد، ائمه اطهار (:) از جمله حضرت مهدی (۷) همانند انبیأ (:) از حجّتهای الهی بر مردم هستند، لکن ذکر صلوات هنگام تلاوت آیه شریفه مزبور اگر بر مبنای بودن دستوری در این زمینه صورت پذیرد، بدعت به حساب می آید و بهتر است در صورت تمایل ذکر صلوات به قصد جلب رضایت الهی و دریافت ثواب صورت گیرد چه اینکه وجود دستوری از اولیأ دین در این خصوص روشن نیست

پاورقی:

۲۳ تفسیر نورالثقلین جلد ۱، ص ۷۷۶

آیه شــریفه "بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین را چگونه به حضرت مهدی ۷ ارتباط می دهند در حالیکه شأن نزول آن موضوع دیگری است

پرسش

آیه شریفه "بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین را چگونه به حضرت مهدی ۷ ارتباط می دهند در حالیکه شأن نزول آن موضوع دیگری است

پاسخ

آیات قرآن مجید دارای معانی و مفاهیم فراوانی است و هر کس به اندازه استعداد و دانش خود می تواند به برخی از مفاهیم و معانی دست رسی پیدا کند. مفسران که تاکنون به قرآن تفسیر نوشته اند هر کدام به گوشه ای از اقیانوس معارف قرآن دست یافته اند قرآن کلام خداست و کلام ذات الهی تراوشی از علم بی انتهای اوست از این رو در روایات رسیده از ائمه اطهار: آمده که قرآن دارای هفت "بطن و هر "بطنی دارای هفتاد بطن است

در آیه ۸۶ هود اگرچه مخاطب قوم شعیبند و منظور از "بقیه الله" سود و سرمایه های حلال و یا پاداش الهی است ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت گردد "بقیه الله" محسوب می شود. از آن جا که حضرت مهدی غ آخرین پیشوا و آخرین باقیمانده بعد از پیامبران و امامان است یکی از روشن ترین مصادیق "بقیه الله" هستند.

در چندین روایت تعبیر "بقیه الله در مورد امام زمان به کار رفته هم خود حضرت خویشتن را به این عنوان معرفی فرموده و هم

سایر ائمه از جمله احمدبن اسحاق اشعری می گوید: وارد شدم بر امام عسکری و بنا داشتم از خلیفه بعد از او سؤال کنم پیش از آن که سخن بگویم حضرت فرمود: ای احمد خداوند متعال هیچ گاه زمین را خالی از حجت نمی گذارد. سپس از جا برخاست و وارد خانه

شد و بعد از زمان کوتاهی مراجعت فرمود در حالی که کودکی در سن سه سالگی که مانند قرص ماه صورت او می درخشید در کنارش بود فرمود: ای احمد اگر کرامت و ارزش تو در پیشگاه خدا و ما حجج الهی نبود، هرگز فرزندم را به نزد تو نمی آوردم اسم این کودک و کنیه او را جدّم پیامبراکرم معین کرده و این همان کسی است که زمین را پر از عدل کند بعد از آن که پر از جور و ظلم شده باشد، اسحاق بن عمار می گوید: عرض کردم علامتی به من نمی دهید که قلبم اطمینان بیشتری پیدا کند در همان لحظه کودک به سخن آمد و فرمود و به من خطاب کرد: ای احمد بن اسحاق "انا بقیه الله فی الارض منم کسی که از د شمنان انتقام می گیرم (کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق ص ۳۸۴، نشر جامعه مدرسین) این تعبیر درمورد برخی دیگر از ائمه اطهار نیز آمده از جمله درباره علی بن موسی الرضا۷ مادرش نجمه می گوید: وقتی متولد شد پدرش موسی بن جعفر۷ آمد و فرمود: گوارا باد بر تو کرامتی که از ناحیه خدا نصیب تو شد سپس نوزاد را در حالی که در پارچه سبزی پیچیده شده بود در بغل کرد اذان در گوش راست وی و اقامه در گوش چپ گفت و آن را به من برگردانید. فرمود: "هو بقیه الله فی ارضه این بقیه خدا در روی زمین است

با توجه به این روایات به خوبی استفاده می شود که همه ائمه و پیامبران الهی مصادیقی از این عنوان هستند و

بـارزترین مصـداق برای آیه وجود مقـدس امـام زمان است که در وقت ظهور نیز به دیوار کعبه تکیه می کننـد و آیه ۸۶ سوره هود را تلاوت می کنند; "بَقِیَّت ُاللَّه ِ خَیْرٌ لَّکُم ْإِن کُنتُم مُّؤْمِنِین َ; اگر مؤمن باشـید باقیمانده]حلال خدا برای شما بهتر است و سپس می فرمایند: "منم بقیه الله. و حجت و خلیفه او در میان شما، سپس هیچکس بر او سلام نمی کند مگر این که می گوید: السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه .(بحارالانوار علامه مجلسی ج ۵۲، ص ۱۹۱، مؤسسه الوفأ.)

ظهور در آیات

روز فتح چه روزی است؟

پرسش

روز فتح چه روزی است؟

پاسخ

روز فتح که از ایام الله بزرگ است و در قرآن مجید آمده است بر حسب بعضی تفاسیر روز ظهور و فتح امام زمان (ع) است.

روزی است که کفّار را ایمان در آن روز سود نمی بخشد و مهلت داده نمی شوند.

چنانکه در احادیث است:

قریه ای نمی مانـد مگر آنکه در آن نـدای «لا اله الا الله» بلند شده و اسـلام جهانگیر می شود و این همه دوئیتهائی که از جهت اختلاف نظامات، و حکومتها و رژیمها و به اسم نژاد و وطن ساخته شده، ملغی می گردد، ومرزهائی که با آنها، زورمندان، دنیا را تقسیم کرده و افراد بشر را از هم جدا و بیگانه ساخته اند، از میان برداشته می شود.

در آن عصر برکات و آثار عقیده و ایمان به خدا آشکار می شود، و بر حسب آیه :

«وَ لَوْ أَنَّ أَهْـِلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنـا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماء وَ الْأَرْضِ» اعراف/۹۶ [و چنانچه مردم شـهر و دیار همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می گشودیم.]

درهای برکات آسـمان و زمین به روی مردم و دنیای مؤمن، گشوده می شود و به جای نظامات مشرکانه و جنگ و نزاع و کینه توزی، نظام الهی اسلام و دوستی و برادری و صفا و صلح واقعی و عمومی برقرار می شود.

از جمله احـادیث که بر این مطلب دلالـت دارد، روایـتی است که در کتـاب «المحجّه فیمـا نزل فی القـائم الحجه» ا زعیّاشـی به اسناد خود ا ز«ابنٌ بکیر» روایت کرده است که ابن بکیر گفت:

«از ابی الحسن(حضرت موسی بن جعفر)(ع) سؤال کردم از این قول خدای تعالی:

«وَ لَهُ

أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً» آل عمران/۸۳ [هر آنچه در آسمان و زمین است، خواه و ناخواه مطیع فرمان خدا است.]

حضرت در پاسخ فرمود (قریب به این مضمون) نازل شده است در قائم (ع) که وقتی ظاهر شود، اسلام را بر طوایف کفّار که در شرق و غرب هستند، عرضه نماید. هر کس از روی اطاعت اسلام آورد، امر می کند او را به نماز و زکات و آنچه مسلمانان به آن امر می شوند؛ و هر کس اسلام نیاورد، گردن او را می زند، تا باقی نماند در مشرقها و مغربها احدی مگر اینکه موحّد گردد.

ابن بُکیر می گوید: گفتم: فدایت شوم، خلق بیشتر از این می باشند (یعنی بیشتر از این هستند که بتوان اسلام را به همه عرضه کرد و همه را یا مسلمان نمود، یا کشت).

حضرت فرمود: «اِنَّ اللهَ اِذا أَرادَ أَمْراً قَلَّلَ الْکَثیرَ وَ کَثَّرَ الْقَلیلَ» (منتخب الاثر، ص۴۷۱، به نقل از المحجه) [خداوند وقتی کاری و امری را اراده کند، اندک را بسیار و بسیار را اندک می نماید]

مفهوم آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره انبیاء و روایات پیرامون قیام حضرت مهدی چیست؟

پرسش

مفهوم آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره انبیاء و روایات پیرامون قیام حضرت مهدی چیست؟

پاسخ

در سوره انبیاء می خوانیم «وَلَقَدْ کَتَبْنا فی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنَّ الاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ – اِنَّ فی هذا لَبَلاغاً لِقَوْمٍ عابِدینَ» انبیا/۱۰۵ و ۱۰۶

[ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم (و مقرر داشتیم) که بندگان صالح من (حکومت) زمین را به ارث می برند – در این سخن ابلاغ روشنی است برای گروه عبادت کنندگان]

این آیات ، به دنبال آیاتی که پاداش اخروی صالحان را بیان می کند قرار گرفته ، و در واقع بیانگر پاداش دنیوی آنان است و پاداش بسیار مهمی که زمینه ساز سعادت و اجرای احکام الهی و صلاح و نجات جامعه انسانی است.

با توجّه به اینکه «ارض» به طور مطلق تمام کره زمین و سراسر جهان را شامل می شود (مگر اینکه قرینه خاص در میان باشد) این آیه بشارتی است در زمینه حکومت جهانی صالحان، و از آنجا که این معنی درگذشته تحقق نیافته است ، باید در آینده در انتظار آن بود، و این همان چیزی است که به عنوان «حکومت جهانی مهدی» از آن یاد می کنیم.

در روایات اسلامی – علاوه بر اشاره روشنی که در آیه فوق نسبت به قیام مهدی (ع) شده – نیز این مسأله به طور صریح آمده است ، از جمله مرحوم «طبرسی» در «مجمع البیان» در ذیل همین آیه از امام باقر (ع) چنین نقل می کند

«هُمْ اَصْحابُ الْمَهْدیِّ فی آخِرِ الزَّمانِ» [آنها (بندگان صالحی را که خداوند در این آیه بعنوان وارثان زمین ذکر فرموده است) یاران مهدی (ع) در آخر الزمان هستند].

در تفسیر قمی نیز در ذیل

این آیه چنین آمده است

«قالَ الْقائِمُ وَ اَصْحابُه» منظور از این آیه «مهدی (قائم) و یاران او هستند».

شک نیست که بندگان صالح خدا ممکن است بخشی از حکومت روی زمین را در اختیار بگیرند، همانگونه که در عصر رسول الله(ص) و بعضی از اعصار دیگر واقع شد. ولی قرار گرفتن حکومت تمام روی زمین در اختیار صالحان، تنها در عصر مهدی(ع) صورت می گیرد، و روایات فراوانی که از طرق اهل سنت و شیعه در این زمینه رسیده است در سر حد تواتر است.

دلالت آیه ۵۵ سوره نور در مورد قیام ولی عصر (ع) چگونه است؟

پرسش

دلالت آیه ۵۵ سوره نور در مورد قیام ولی عصر (ع) چگونه است؟

پاسخ

در آیه ۵۵ این سوره می خوانیم «وَعَدَاللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فی الاَرْضِ کَما اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْناً یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکُونَ بی شَیْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَاُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ»

[خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند وعده داده که آنها را به یقین خلیفه روی زمین کند، آن گونه که پیشینیان آنها را خلافت (روی زمین) بخشید، و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده است پا برجا و ریشه دار سازد ، و بیم و ترس آنها را به آرامش و امنّیت مبدّل کند، آن چنان می شود که تنها مرا می پرستند ، و چیزی را شریک من نخواهند کرد، و کسانی که بعد از آن کافر شوند آنها فاسقند] .

در این آیه با صراحت به مؤمنان صالح بشارت داده شده است که سرانجام حکومت روی زمین را در دست خواهند گرفت ، و دین اسلام فراگیر خواهد شد، و ناامنیها و وحشتها به آرامش و امنّیت مبدّل می گردد، شرک از سراسر جهان برچیده می شود ، و بندگان خدا با آزادی به پرستش خدای یگانه ادامه می دهند ، و نسبت به همگان اتمام حجت می شود، به گونه ای که اگر کسی بعد از آن بخواهد راه کفر را بپوید مقصر و فاسق خواهد بود. (مخصوصاً در بخش آخر آیه دقت کنید)

گرچه این امور مهم که مورد وعده الهی بوده است در عصر پیامبر اکرم (ص) و زمانهای بعد از

آن در مقیاس نسبتاً وسیعی برای مسلمین جهان تحقق یافت و اسلام که روزی در چنگال دشمنان چنان گرفتار بود که مجال کمترین ظهور و بروزی به آن نمی دادند ، و مسلمانان دائماً در ترس و وحشت به سر می بردند، سرانجام نه فقط شبه جزیره عرب، بلکه بخشهای عظیمی از جهان را فرا گرفت و دشمنان در تمام جبهه ها شکست خوردند، ولی با این حال حکومت جهانی اسلام که سراسر دنیا را فرا گیرد و شرک و بت پرستی را بکلی ریشه کن سازد، و امنیّت و آرامش و آزادی و توحید خالص را همه جا گسترش دهد، هنوز تحقق نیافته پس باید در انتظار تحقق آن بود.

این امر مطابق روایت متواتره در عصر قیام مهدی(ع) تحقق خواهد یافت، بنابراین یکی از مصادیق این آیه در عصر پیامبر (ص) و اعصار مقارن آن حاصل شد و شکل وسیعترش در عصر قیام مهدی (ع) خواهد بود و این دو با هم منافاتی ندارد، و این وعده در هر دو مرحله باید تحقق یابد.

به هر حال، آیه بشارت و نوید حکومت مؤمنان صالح را بر سراسر جهان می دهد که در مقیاس وسیعی در عصر پیامبر اسلام (ص) و بعد از آن تحقق یافت ، هر چند همه جهان را فرا نگرفت ، ولی نمونه ای از تحقق این وعده الهی بود ، امّا به صورت حکومت جهانی بر تمام روی زمین، هنوز تحقق نیافته و مصداق نهایی آن با فراهم شدن زمینه ها به مشیت الهی با حکومت حضرت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت که طبق روایات پیامبر (ص) و سایر معصومین تمام دنیا را پر از عدل و داد

می کند بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد و ما در انتظار این وعده قرآنی هستیم.

دلالت آیه ۳۳ سوره توبه و احادیثی که در مورد ظهور حضرت مهدی (ع) آمده چیست؟

پرسش

دلالت آیه ۳۳ سوره توبه و احادیثی که در مورد ظهور حضرت مهدی (ع) آمده چیست؟

پاسخ

در آیه ۳۳ سوره توبه می خوانیم «هُوَالَّذی اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدی وَ دِیْنِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّیْنِ کُلِّهِ وَ لَوْکَرِهَ الْمُشرِکُوْنَ»

[او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیینها غالب گرداند هر چند مشرکان ناخوش دارند].

قابل توجّه اینکه این آیه ، بعد از آیه «یُرِیْدُونَ اَنْ یُطْفِئُوا نُوْرَاللهِ بِاَفْواهِهِمْ وَ یَأبَی اللهُ اِلا اَنْ یُتِمَّ نُوْرَهُ وَ لَوْکَرِهَ الْکافِرُونَ» [آنها می خواهند نور خدا را با دهان خویش خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خدا را کامل کند هر چند کافران کراهت داشته باشند .] قرار گرفته است.

در این آیات خداوند وعده غلبه و پیروزی اسلام را بر تمام ادیان جهان داده است.

در اینکه منظور از پیروزی اسلام بر تمام ادیان چیست؟ مفسّران احتمالات زیادی داده اند.

فخر رازی پنج تفسیر در اینجا ذکر می کند که پاسخی است بر سؤالات مربوط به چگونگی این غلبه

۱ منظور غلبه نسبی و موضعی است چرا که اسلام در هر منطقه ای بر هر دین و آیینی پیروز شده است.

۲ منظور پیروزی بر ادیان در جزیره العرب است.

۳ منظور، آگاه ساختن پیامبر (ص) از جمیع ادیان الهی است (در اینجا جمله «لیظهر» به معنی آگاه ساختن تفسیر شده).

۴ منظور پیروزی و غلبه منطقی است، یعنی خداوند منطق اسلام را بر سایر ادیان پیروز می گرداند.

۵ منظور پیروزی نهایی بر تمام ادیان و مذاهب به هنگام نزول عیسی (ع) و قیام مهدی (ع) است که اسلام جهان گیری خواهد شد.

بی شک تفسیر آیه به

پیروزی منطقی آن هم به صورت وعده ای برای آینده مفهوم درستی ندارد، زیرا پیروزی منطقی اسلام از همان آغاز آشکار بود ، به علاوه ماده «ظهور» و «اظهار» (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهِ) به طوری که از موارد استعمال آن در قرآن مجید استفاده می شود ، به معنی غلبه خارجی و عینی است، چنانکه در داستان اصحاب کهف می خوانیم «اِنَّهُمْ اِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ» کهف/۲۰

[اگر آنها بر شما دست یابند و پیروز شوند سنگسارتان خواهند کرد].

از امام صادق(ع) در تفسیر آیه فوق نقل شده است، فرمود «وَاللهِ ما نَزَلَ تَأويلُها بَعْدُ وَ لا يَنْزِلُ تَأوِيلُها ، حَتّى يَخْرجَ الْقائِمُ فَاذا خَرَجَ الْقائِمُ لَمْ يَبْقَ كافِرٌ بِاللهِ الْعَظيمِ» [به خدا سوگند هنوز مضمون این آیه (در مرحله نهایی) تحقق نیافته است ، و تنها زمانی تحقق می پذیرد که حضرت قائم (ع) خروج کند و به هنگامی که او قیام نماید کافری نسبت به خداوند در تمام جهان باقی نمی ماند]. (نورالثقلین ۲/۲۱۲)

این نکته نیز حائز اهمّیت است که جمله «هُوَ الَّذی اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّه» در سه سوره از قرآن آمده است اوّل سوره توبه آیه ۳۳ (چنانکه گذشت) دوّم سوره فتح آیه ۲۸ ، سوم سوره صف آیه ۹.

این تکرار نشان می دهد که قرآن مجید با تأکید هر چه بیشتر این مسأله را پی گیری کرده است.

در حدیث دیگری که در منابع اهل سنّت از ابوهریره نقل شده است می خوانیم منظور از جمله «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»، خروج عیسی بن مریم (ع) است (و می دانیم خروج عیسی بن مریم (ع) طبق روایات اسلامی به هنگام قیام مهدی (ع) است). (الدّرالمنثور ۳/۲۳۱)

بهترین و محکم ترین آیه ای از قرآن که بر ظهور حتمی آقا امام زمان غ وجود دارد کدام است

اشاره

از

دو آیه "بَقِیَّت ُاللَّه ِ خَیْرٌ لَّکَم یا آیه "هُوَ الَّذِی َ أَرْسَل َ رَسُولَه ُو بِالْهُدَی َ وَدِین ِ الْحَق ِّ لِیُظْهِرَه ُو عَلَی الدِّین ِ کُلِّه ِ ی

پرسش

بهترین و محکم ترین آیه ای از قرآن که بر ظهور حتمی آقا امام زمان غ وجود دارد کدام است

از دو آیه "بَقِیَّت ُاللَّه ِ خَیْرٌ لَّکُم یا آیه "هُوَ الَّذِی َ أَرْسَل َ رَسُولَه ُو بِالْهُدَی َ وَدِین ِ الْحَق ِّ لِیُظْهِرَه ُو عَلَی الدِّین ِ کُلِّه ِ ی وَلَوْ کَرِه َ الْمُشْرِکُون کدام یک بر ظهور حتمی امام زمان دلالت دارند؟

پاسخ

پرسشگر محترم گرچه از برخی روایات بر می آید که "بقیه الله" در آیه ۸۶، سوره "هود" "بَقِیَّت ُاللَّه ِ خَیْرٌ لَّکُم ..." به حضرت مهدی غ تفسیر شده است از جمله حضرت امام محمد باقر۷ می فرماید: "نخستین سخنی که]حضرت مهدی غ پس از قیام خود می گوید آیه "بَقِیَّت ُاللَّه ِ خَیْرٌ لَّکُم .." است سپس می گوید بقیه الله و حجت خدا در میان شما من هستم سپس هیچ کس بر او سلام نمی کند مگر آن که می گوید: السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه .(بحارالانوار، علامه مجلسی رحمه الله علیه ، ج ۲۴، ص ۲۱۲، مؤسسه الوفأ، بیروت)

در روایات فراوانی نیز آیه ۳۳، سوره توبه به امام زمان غ تفسیر شده است

ولی ظاهراً روشن ترین آیه که بر ظهور حضرت امام زمان غ دلالت می کند، آیه ۵۵ سوره نور است که می فرماید: "خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین]خود[قرار دهد; همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین]خود[قرار داد، و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند،]تا[مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک

نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند."

پیامبر گرامی می فرمایـد: "اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانـد خداوند آن یک روزی را آنقدر طولانی می کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است حاکم بر زمین شود و صـفحه زمین را پر از عـدل و داد کنـد، آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد."(بحارالانوار، علامه مجلسی رحمه الله علیه ، ج ۳۸، ص ۳۰۴، مؤسسه الوفأ، بیروت)

آیا خصوصیات دوران امام زمان ع در قرآن یا روایات آمده است لطفاً توضیح دهید.

پرسش

آیا خصوصیات دوران امام زمان ع در قرآن یا روایات آمده است لطفاً توضیح دهید.

پاسخ

از قرآن مجید، و نیز روایات معصومین خصوصـیات فراوانی برای عصر ظهور استفاده می شود که در این جا به بعضی از آن ها اشاره می شود:

الف غلبه اسـلام بر همه ادیـان از جمله ویژ گی هـای عصـر ظهور امـام زمـان غ غلبه اسـلام بر سایر ادیان و مـذاهب است و این وعـده ای است که قرآن مجیـد، به صـراحت به مسـلمانان داده است "هُوَ الَّذِی َ أَرْسَل َ رَسُولَه ُو بِالْهُدَی َ وَدِین ِ الْحَق ِّ لِیُظْهِرَه ُو عَلَی الدِّین ِ کُلِّه ِی وَلَوْ کَرِه َ الْمُشْـرِکُون َ;(توبه ۳۳) او کسـی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب گردانـد، هر چنـد مشـرکان کراهت داشـته باشـند." این آیه با انـدکی تفاوت در دو مورد دیگر نیز آمـده اسـت (سوره صف آیه ۹) و (فتح آیه ۲۸). در این آیه تصریح شده است که اسلام روزی سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و بدیهی است که این وعده تا کنون تحقق پیدا نکرده است از امام صادق در تفسـیر این آیه چنین نقل شده است "به خدا سوگند! هنوز محتوای این آیه تحقّق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم خروج کند، در وقتی که او قیام کند، کسی که خدا را انکار نمایـد، در تمام جهان باقی نخواهد ماند."(تفسـیر نورالثقلین علامه حویزی ج ۲، ص ۲۱۱ / تفسـیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۷، ص ۳۷۳.) مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان از امام

باقر۷ در تفسیر آیه چنین نقل می کند: "وعده ای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی از آل محمد۶ تحقق پیدا می کند و در آن روز هیچ کس در روی زمین نخواهد بود، مگر این که به حقّانیت محمد۶ اقرار می کند."(تفسیر مجمع البیان علامه طبرسی ، ج ۵۶، ص ۲۵، نشر کتابفروشی اسلامیه)

ب حکومت و فرمان روایی زمین به دست بندگان صالح خواهد بود. در عصر ظهور حضرت مهدی غ بندگان صالح در سراسر دنیا حکومت می کنند و این وعده ای است که قرآن داده است "وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَ ‌الْا ?رْض ‌يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ;(انبیأ،۱۰۵) ما در زبور بعد از ذکر،]تورات نوشتیم که بندگان صالح من وارث]و حاکم زمین خواهند شد." در روایات این آیه به یاران حضرت مهدی غ تفسیر شده است در مجمع البیان از امام باقر۷ نقل شده است "بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارث زمین یاد می کند، یاران مهدی غ در آخر الزمان هستند."(مجمع البیان همان ص ۷۸، ص ۶۶.)

ج عدل و دادگری در زمین اجرا می گردد: از خصوصیات عصر ظهور حضرت مهدی غ برپا داشتن عدل و دادگری است در پرتو عمل به دستورات اسلام امنیت صلح و آرامش در زمین ایجاد می گردد، ظلم و ستم قطع می شود، برکت و توسعه روزی در آن زمان برای توده مردم فراهم می گردد، فقیر و مستمند در جامعه پیدا نمی شود. قرآن در این باره می فرماید: "اعْلَمُوٓاْ أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْا ?رْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ;(حدید،۱۷)

بدانیـد که خداونـد زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند." امام باقر۷ فرمود: "منظور زنده شدن زمین به وسـیله عدالت است بعد از آن که با جور و ظلم مرده باشد."(تفسیر نور الثقلین علامه حویزی ج ۵، ص ۲۴۳ / به نقل از روضه کافی)

در حدیث دیگری آن حضـرت فرمود: "خداوند زمین را به وسـیله حضـرت مهدی غ زنده می کند، بعد از آن که مرده باشد و منظور از مردن زمین کفر اهـل آن است و کـافر مرده است "(تفسـیر صافی فیض کاشانی ج ۵، ص ۱۳۵، نشر موسسه اعلمی / تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۳، ص ۳۴۳.)

در واقع زمین دارای دو حیـات است حیـات مـادّی که منظور فراوانی نعمت و برکت در روزی است و حیـات معنوی که مراد، اقـامه عـدل و ایجـاد امنیت و آسـایش و توجه به خـدا و معنویات است که هر دو نوع آن در زمان ظهور امام زمان غ تحقّق می پذیرد.

'û غلبه مستضـعفان بر مسـتکبران از جمله وعـده های خداوند، پیروزی حق بر باطل است در آیه ۵ قصـص می خوانیم "وَ نُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِینَ اسْتُضْعِفُواْ فِی الأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ ; اراده مـا بر این قرار گرفته است که به مستضـعفان نعمت بخشـیم و آن هـا را پیشوایـان و وارثـان روی زمین قرار دهیم " در حـدیثی از امیرالمـؤمنین روایت شـده که فرمـود: "این گروه آل محمد۶ هسـتند که خداونـد، مهـدی آن هـا بعـد از زحمت و فشاری که بر آن ها وارد می شود، بر می انگیزد و به آن ها عزّت

می دهـد، و دشـمنان آن هـا را ذلیـل و خوار می کنـد."(تفسـیر نمونه آیت اللّه مکـارم شـیرازی و دیگران ج ۱۶، ص ۱۸، نشر دارالکتب الاسـلامیه / به نقل از تفسیر نورالثقلین ج ۴، ص ۱۱۰.) در روایات خصوصـیات فراوانی برای عصر امام زمان غ آمده که از حوصله این پاسخ خارج است

آیه "وعد" چگونه بر ظهور موعود جهانی دلالت دارد؟

پرسش

آیه "وعد" چگونه بر ظهور موعود جهانی دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: {وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضـی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لایُشْـرِکُونَ بِی شَـیْئاً وَمَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الفاسِقُونَ}؛ "خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته {پاورقی . سوره نور، آیه ۵۵. پاورقی}

انجام داده انـد وعـده می دهـد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشـینیان آنها خلافت روی زمین را بخشـید و دین و آیینی را که برای آنـان پسـندیده، پابرجا و ریشه دار خواهـد ساخت و ترسـشان را به امنیّت و آرامش مبدّل می کند، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند."

آیه فوق مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی (ع) وعصر حکومت جهانی توحیدی است. وشواهد وقرائن آن عبارت است از:

۱ - باآیات دیگر که ظهور در غلبه دین اسلام در آخرالزمان بر سایر ادیان دارد سازگاری ومناسبت دارد.

۲ - کلمه "الأرض" که با الف ولام جنس آمـده، بدون قرینه ای بر انصـراف آن به سـرزمین خاص ومعین، حمل بر تمام روی زمین می شود.

{پاورقی . تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۶۱۴ ؛ جامع البیان، ذیل آیه.

۳ - تبدیل خوف به امنیّت کامل تاکنون انجام نگرفته است واین تنها با حکومت گسترده مؤمنین بر روی زمین انجام می گیرد.

۴ - با مراجعه به روایاتی که در ذیل آیه فوق رسیده، این معنا تأیید می گردد.

قرطبی در ذیل آیه از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود:

"در آن روز بر روی زمین خانه ای نیست جز آنکه خداوند کلمه اسلام را در آن وارد خواهد ساخت".

{پاورقی . تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۴۲۹ ؛ درالمنثور، ذیل آیه. پاورقی}

سدیّ از ابن عباس نقل کرده که آیه در مورد آل محمّد: نازل شده است.

{پاورقی . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۳. پاورقی}

از امام سجاد (ع) نقل شده که فرمود: "آیه، در شأن حضرت قائم (ع) است".

{پاورقی . تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۴۴. پاورقی}

از امام صادق (ع) نیز نقل شده که فرمود: "آیه درباره قائم واصحاب اوست".

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۶. پاورقی}

۵ – در زمان خلافت خلفای اربعه نیز امنیت کامل در سرتاسر جهان پدید نیامد، خصوصاً آنکه دو دشمن قدرتمند ایران وروم، اسلام را تهدید می کردند، ولذا در طول سی سال، جنگ های زیادی به وقوع پیوست.

فضل می گوید: "...به امام صادق (ع) عرض کردم: این نواصب گمان می کنند که آیه در شأن ابوبکر وعمر وعثمان وعلی (ع) نازل شده است. حضرت فرمود: خداوند قلوب ناصبه را هدایت نمی کند، چه زمانی دین مرضیّ خدا ورسول تثبیت شده است وامر آن انتشار یافته وخوف وشک از قلوب وسینه های مردم در عهد یکی از آن سه خلیفه ودر عهد علی (ع) با ارتداد مردم بیرون رفته است. چه فتنه هایی که در ایام آنها برانگیخته شد، وچه جنگ هایی به آنها نسبت داده شده است که بین آنان وکفار واقع شد".

{پاورقی . تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۳۳۵. پاورقی}

آیه "ارسال رسول" چگونه بر ظهور امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه "ارسال رسول" چگونه بر ظهور امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: {هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدی وَدِینِ الحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ}؛ "او کسی

است که رسولش را با هدایت ودین حقّ {پاورقی . سوره توبه، آیه ۳۳. پاورقی}

فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند."

مقصود از هدایت در آیه، هدایت الهی است که رسول خود را بر آن مبعوث کرده ومراد از "دین حق" نیز همان دین اسلام است. وضمیر در "لیظهره" به دین اسلام برمی گردد نه رسول خدا (ص) زیرا مرجعی نزدیک تر از کلمه رسول است. ونیز تناسب بین غالب که دین اسلام است با مغلوب که ادیان دیگر است برقرار می شود.

فخر رازی می گوید: "این بشارت از طرف خداوند است که باید در آینده تحقق یابد وطبق روایات در زمان حضرت عیسی وحضرت مهدی (ع) محقق می شود".

{پاورقی . تفسیر فخررازی، ج ۱۲، ص ۱۰۴. پاورقی}

طبری می گوید: "در زمان نزول حضرت عیسی (ع) تمام ادیان باطل ونابود شده وتنها دین اسلام بر همه ادیان غالب خواهد شد".

{پاورقی . جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۰۹. پاورقی}

از سعید بن جبیر روایت شده که آیه مربوط به مهدی (ع) از اولاد فاطمه (س) است که خداوند او را بر همه ادیان غالب خواهد کرد.

{پاورقی . الفصول المهمه، ص ۳۰۰. پاورقی}

ابوبصیر از امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق روایت کرده که فرمود: "به خدا سوگند، تأویل آیه هنوز تحقق نیافته ونخواهد یافت تا آنکه قائم خروج کند. وهنگامی که خروج کرد کافر به خدای عظیم در روی زمین باقی نمی ماند".

{پاورقی . تفسیر برهان، ج ۳، ص

۴۰۷. پاورقی}

آیه "وراثت" چگونه بر ظهور امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه "وراثت" چگونه بر ظهور امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: {وَلَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ}؛ "ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین {پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. پاورقی}

خواهند شد."

مقصود از "زبور" در آیه، زبور داوود ومراد از "ذکر" تورات است. در زبور می خوانیم: "زیرا که شریران منقطع می شوند ولی متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد، وحال اندک است که شریر نیست می شود، هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپدید خواهد شد، امّا متواضعان وارث زمین شده واز کثرت سلامتی متلذّذ خواهند شد".

{پاورقی . مزمور، ۱۱-۹/۳۷. پاورقی}

ودر آیه ۲۹ از مزمور داوود آمده است: "صالحان، وارث زمین خواهند شد ودر آن تا ابد سکونت خواهند داشت".

مقصود از کلمه "الارض" در آیه فوق، مطلق زمین دنیا وآخرت "بهشت" است؛ زیرا تخصیص آن به زمین دنیا بدون وجه است.

{پاورقی . المیزان، ج ۱۴، ص ۴۹۳. پاورقی}

ومقصود از "عبادی الصالحون" معنای عامی است که شامل هر زمان ومکان وهر قومی خواهد شد، ومصداق اکمل واتم آن - مطابق روایات- زمانی است که حضرت مهدی (ع) ظهور کرده وزمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. در آن زمان است که تمام کره زمین در اختیار بندگان صالح خداوند قرار خواهد گرفت.

ابن کثیر می گوید: "خداوند در آیه شریفه بشارت می دهد بر بندگان صالح خود که در دنیا وآخرت آنان را سعادتمند کرده وآنان را وارث زمین وبهشت گرداند".

{پاورقی . تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۴. پاورقی}

آلوسی می گوید: "اگر بگوییم که این آیه مربوط به عصر مهدی ونزول عیسی است، به اقوال دیگر احتیاجی نیست".

{پاورقی

. روح المعانی، ج ۱۷، ص ۹۵. پاورقی}

ولذا در ذیل آیه روایاتی نقل شده که دلالت بر انطباق آیه بر عصر ظهور حضرت مهدی (ع) دارد.

ثوبان از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "خداوند برای من زمین را جمع نمود. پس من مشرق ها ومغرب های آن را مشاهده کردم وامت من زود است که به آن خواهند رسید".

{پاورقی . همان. پاورقی}

امام باقر (ع) فرمود: "مقصود از "عبادی الصالحون" اصحاب مهدی (ع) در آخرالزمان است".

{پاورقی . مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶. پاورقی}

آیه "استضعاف" چگونه بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه "استضعاف" چگونه بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: {وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوارِثِینَ}؛ "اراده ما بر این قرار گرفته که بر مستضعفین زمین {پاورقی . سوره قصص، آیه ۵. پاورقی}

منّت بگذاریم وآنها را پیشوایان ووارثین [روی زمین قرار] دهیم."

مطابق سیاق آیه فوق، مفسران اهل سنّت وشیعه، شأن نزول آیه را مربوط به قوم بنی اسرائیل می دانند، آنان بودند که روی زمین به استضعاف کشیده شده وخداوند {پاورقی . مجمع البیان، ج ۸-۷، ص ۳۷۵؛ درّ المنثور، ج ۶، ص ۳۹۲. پاورقی}

آنها را بر فرعونیان پیروز گرداند، ولی ظاهر آیه دلالت بر قانون کلّی واراده ومشیّت همیشگی خداوند نسبت به مستضعفین تا روز قیامت دارد. خداوند اراده کرده که به حسب شرایط خاص، مستضعفین را بر مستکبرین عالم پیروز گرداند، که نمونه ای از آن، تحقق مشیت الهی نسبت به پیروزی بنی اسرائیل وزوال حکومت فرعونیان بود. نمونه کامل تر آن حکومت پیامبر اسلام بعد از ظهور اسلام است. ومطابق روایات اسلامی مصداق کامل تر از همه حکومت ها، حکومت حضرت مهدی (ع) در عصر ظهور است، که خداوند حکومت او را که همان حکومت مستضعفین است در سرتاسر گیتی گسترش خواهد داد وکره زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. این معنا را می توان از قرائنی به دست آورد:

۱ - اراده خداوند در آیه به صیغه مضارع "نرید" آمده که دلالت بر استمرار دارد.

۲ - اراده حتمی الهی بر عنوان "مستضعفین" وارد شده، ومستضعفین بنی اسرائیل خصوصیّت ندارند.

۳ - روایاتی که از طرق شیعه وسنی در ذیل آیه وارد شده دلالت بر عمومیّت این سنت الهی دارد:

امام صادق (ع) فرمود: "همانا

آیه مخصوص به صاحب امری است که در آخرالزمان ظهور کرده وجبّاران وفرعونیان را نابود خواهد کرد، او شرق وغرب زمین را مالک می شود پس زمین را پر از عدل می کند همان گونه که پر از ظلم شده باشد".

{پاورقی . تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۸. پاورقی}

حضرت علی (ع) فرمود : "دنیا بعد از آنکه در برابر ما همچون شتر بد خلق چموشی وسرکشی کرد به سوی ما روی می آورد ودر برابر ما رام می شود. آن گاه این آیه را تلاوت نمود: {وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ...}.

{پاورقی . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۸، ح ۵۹ ؛ ینابیع الموده، ص ۴۳۷. پاورقی}

آیه "ارتداد" چگونه بر ظهور امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه "ارتداد" چگونه بر ظهور امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: {یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ مِنْکُمْ عَنْ دِینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّونَهُ أَذِلَّهٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أَعِزَّهٍ عَلَی الکافِرِینَ یُجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَلایَخافُونَ لَوْمَهَ لآئِمٍ ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشآءُ وَاللَّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ}؛ "ای {پاورقی . سوره مائده، آیه ۵۴. پاورقی}

کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از آیین خود بازگردد [به خدا زیانی نمی رساند] خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد وآنان [نیز] او را دوست دارند، در برابر مؤمنان، متواضع ودر برابر کافران، سرسخت ونیرومند، آنها در راه خدا جهاد می کنند واز سرزنش هیچ ملامتگری نمی هراسند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد [و شایسته ببیند] می دهد، و[فضل] خدا وسیع است، وخداوند داناست."

آیه فوق اشاره به قانون استبدال دارد، یعنی تبدیل جامعه ای به جامعه ای دیگر به جهت آنکه جامعه قبل به وظایف خود عمل نکرده است. خلیفه رسول خدا را طرد کرده، ودر جهاد کوتاهی نموده است. ونیز در تطبیق دین خدا در جامعه سهل انگاری نموده است.

با مراجعه به روایات پی می بریم که اهل بیت: آیه را بر اصحاب امام زمان (ع) تأویل نموده اند، از جمله؛ سلیمان بن هارون عجلی می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: "همانا صاحب امر محفوظ است. اگر تمام مردم از بین بروند خداوند متعال اصحاب او را گرد او جمع می کند. آنها هستند که خداوند در موردشان فرمود: {یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ مِنْکُمْ عَنْ

دِينِهِ...}".

{پاورقی . تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۷۳. پاورقی}

آیه "قتال" چگونه بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه "قتال" چگونه بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: {وَقاتِلُوهُمْ حَتّی لاتَكُونَ فِتْنَهٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ للَّهِ...}؛{پاورقی . سوره انفال، آیه ۳۹. پاورقی}

"با آنان پیکار کنید تا فتنه برچیده شود ودین همه اش مخصوص خدا باشد."

آیه فوق دلالت دارد بر اینکه باید شرک وکفر ریشه کن شود ودین همه اش مخصوص خدا باشد وهیچ مشرکی در روی زمین نماند جز آنکه کشته شده یا داخل در دین اسلام شود. این هدف هنوز تحقق نیافته است در حالی که باید تحقق یابد وفتنه از روی زمین برچیده شود ودین خالصِ برای خدا گردد.

مطابق روایات، این هدف در عصر ظهور حضرت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت. همان گونه که در آیه ۳۳ از سوره توبه به آن اشاره شد.

آلوسی در ذیل آیه فوق می گوید: "مقصود آن است که همه ادیان باطل از بین برود، یعنی یا اهل ادیان از بین رفته وهلاك شوند ویا از ترس وجهات دیگر به دین اسلام بازگردند".

{پاورقی . روح المعانی، ج ۹، ص ۱۷۴. پاورقی}

آن گاه می گوید: "گفته شده که تأویل آیه تاکنون محقق نشده است، ودر هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) تأویل آن خواهد آمد، ودر آن عصر هیچ مشرکی بر روی زمین باقی نخواهد ماند".

{پاورقی . همان. پاورقی}

از امام صادق (ع) در مورد آیه فوق سؤال شد، حضرت فرمود: "لم یجیء تأویل هذه الآیه ولو قد قام قآئمنا بعد سیری من یدرکه ما یکون من تأویل هذه الآیه ولیبلغنّ دین محمّد (ص) ما بلغ اللیل حتی لایکون مشرك علی ظهر الأرض..."؛ "هنوز تأویل آیه نیامده است. واگر قائم {پاورقی . تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۰۳. پاورقی}

ما قیام کند زود است

کسانی که او را درک می کننـد تأویل این آیه را ببیننـد. البته دین محمّد به تمام نقاطی که شب پوشش آرام بخش خود را بر آن می افکند خواهد رسید تا اینکه در سراسر زمین، شرک وبت پرستی باقی نماند."

موضوع: ابتدای ظهور

چه آیه ای از قرآن اشاره یا بشارت به ظهور حضرت مهدی(عج) داده است؟

پرسش

چه آیه ای از قرآن اشاره یا بشارت به ظهور حضرت مهدی(عج) داده است؟

پاسخ

در جواب این پرسش، فقط به ذکر سه آیه اکتفا می کنیم:

۱- "هُوَالَّذی اَرْسَلَ رَسوُلَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینَ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ"{۱}

«او خدایی است که پیامبرش را با هدایت و آئین حق فرسـتاد، تا آنان را بر همه آئین ها غالب گرداند هرچند مشـرکان کراهت داشته باشند.»

۲- "وَلَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبوُرِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنَّ الْاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ"{۲}

«در زبور بعداز تورات نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.»

(س) "وَعَدَاللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلوُالصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْاَرْضِ"{۳}

«خداونـد به کسـانی از شـما که ایمان آورده و کارهای شایسـته انجام داده انـد وعـده می دهـد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد»

از ایـن سـه آیـه و آیـات متعـدد دیگر اسـتفاده می شـود که خداونـد بسـط و گسـترش دین اسـلام و غلبه آن بر ادیـان دیگر و حکومت بنـدگان صالـح و مؤمنین و نیکوکاران را بر زمین نوید داده است و روشن است که تاکنون این وعده الهی تحقق پیدا نکرده است چون نه اسـلام بر سـایر ادیـان غلبه پیـدا کرده و نه حکومت زمین در دست صالحـان و ابرار است و براساس اعتقاد مسـلمانان این وعـده در زمان حکومت جهانی حضـرت مهـدی(عج) خواهد بود. پس این آیات به ضـمیمه روایاتی که در این موضوع موجود است به وضوح وعده آمدن منجی عالم بشریت و حکومت امام مهدی(عج) را بر زمین بشارت داده است/

[۱]. سوره توبه، آیه (س)۲/

[۲]. سوره انبیأ، آیه ۱۰۵/

[۳]. سوره نور، آیه ۵۵/

موضوع: رفت و آمد با کسانی که خمس نمی دهند!

آیا خداوند در قرآن فرموده است که در آخر الزمان کشورهای فراوانی هستند که بر ضرر اسلام فعالیت می کنند؟

پرسش

آیا خداوند در قرآن فرموده است که در آخر الزمان کشورهای فراوانی هستند که بر ضرر اسلام فعالیت می کنند؟

پاسخ

اگر مقصود شما از آخرالزمان زمان نزدیک به ظهور امام زمان غ است چنان که معمولاً مردم به ایام نزدیک ظهور، آخرالزمان می گویند باید بگوییم در قرآن کریم آیاتی است که بنابه عقیده برخی مفسران به طغیان برخی ملّت ها بر ضدّ کشورهای مسلمان اشاره دارد:

"وقَضَينا اِلى َبَنى اِسرَءيل َفِى الكِتَب ِلَتُفسِدُن َفِى الاَرض ِمَرَّتَين ِولَتَعلُن َعُلُوًّا كَبيرافَاِذا جاَ وَعدُ اُولهُما بَعَثنا عَلَيكُم عِبادًا لَنا اولى بَأس ٍشَديدٍ فَجاسوا خِلَل َالدّيارِ وكان َوَعدًا مَفعولا ثُم َرَدَدنا لَكُم ُالكَرَّه َعَلَيهِم واَمدَدنَكُم بِاَمَول ٍوبَنين َوجَعَلَنكُم اَكثَرَ نَفيرا اِن اَحسَنتُم اَحسَنتُم لاِ َنفُسِكُم واِن اَسَأتُم فَلَها فَاِذا جاَ وَعدُ الأَخِرَه ِلِيَسوءوا وُجوهَكُم ولِيَدخُلوا المَسجِدَ كَما دَخَلوه ُاَوَّل َمَرَّه ولِيُتَبِّروا ما عَلَوا تَتبيرا(اسرأ۴۷) ما به بنی اسرائیل در کتاب]تورات اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود.هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، مردانی پیکارجو را بر شما می فرستیم]تا سخت شما را درهم کوبند، حتی برای به دست آوردن مجرمان خانه ها را جست وجو می کنند، و این وعده ای است قطعی سپس شما را بر آن ها چیره می کنیم و اموال و فرزندانتان را افزون خواهیم کرد و نفرات شما را بیش تر] از دشمن [قرار می دهیم .. و هنگامی که وعده دوم فرا رسد]آن چنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که آثار غم و اندوه در صورت هایتان ظاهر می شود و داخل مسجد]الاقصی می شوند، همان گونه که در دفعه اول وارد شدند و آن چه را زیر سلطه

خود می گیرند، درهم می کوبند." برخی مفسران می گویند: این دو حادثه که در آیات بالا به آن اشاره شده است مربوط به روی دادهای بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل حزبی به نام "صهیونیسم و تشکیل دولتی به نام "اسرائیل در قلب ممالک اسلامی است منظور از "فساد اول بنی اسرائیل و برتری جویی آن ها همین است و منظور از "انتقام اوّلی آن است که ممالک اسلامی زمانی که از این توطئه آگاه شدند، دست به دست هم دادند و توانستند بیت المقدس و قسمتی از شهرها و قصبات فلسطین را از چنگال یهود بیرون آورند; و بدین سان بود که نفوذ یهود از مسجدالاقصی به کلی منقطع شد. و مراد از "فساد دوم ، هجوم بنی اسرائیل با اتکای نیروهای استعماری جهان خوار به سرزمین های اسلامی و اشغال آن ها و بیت المقدس و مسجدالاقصی است و به این ترتیب باید مسلمانان در انتظار پیروزی دوم بر بنی اسرائیل باشند، به گونه ای که مسجدالاقصی را از چنگال آن ها بیرون آورده نفوذشان را از این سرزمین اسلامی به کلی قطع کنند. این همان چیزی است که همه مسلمانان جهان در انتظار آن هستند و وعده فتح و نصرت الهی به مسلمانان است با توجه به این که در روایات ائمه آیات بالاـ بر حوادث تاریخ مسلمانان تطبیق شده است ; از جمله بر جمعیّتی که قبل از قیام مهدی غ قیام می کنند،با توجه به این روایات می توان این آیات را از آیاتی دانست که نظر به تعرّض کفار به مسلمین در آخرالزمان

دارنـد.(تفسیرنمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ص ۳۴، نشـر دارالکتب الاسـلامیه) و اگر مقصود شما از "آخرالزمان زمـان نزدیـک به قیـامت است و یـا زمـان پیامبر آخرالزمان که زمان پیامبراسـلام است و یا چیز دیگری در پرسـش های بعـدی مطرح بفرمایید.

سایر روایات نبوی

آیا در روایات است که موقع سلام به آقا امام زمان(عج) سر را تا اندازه رکوع یا کمتر خم کنیم؟

پرسش

آیا در روایات است که موقع سلام به آقا امام زمان(عج) سر را تا اندازه رکوع یا کمتر خم کنیم؟

پاسخ

به نظر می رسد به حالت رکوع قرار گرفتن نوعی عبادت تلقی می شود و عبادت مخصوص خدای یگانه است؛ بنابراین زیارت و عرض ادب به ساحت مقـدس حضـرت مهـدی(عج) بهتر است به این حالت نباشد، و در روایات هم اثری از این گونه احترام برای حضـرت دیده نمی شود. گرچه غالباً به اندازه رکوع کسـی خم نمی شود، بلکه تنها دست به سـینه گذاشته و کمی سرش را خم می کند.

رعایت دو نکته نسبت به حضـرت (که در کتب تاریخی و روایی آمده) از وظایف شـیعیان در دوران غیبت کبری به شمار می رود:

۱ آداب زیارت:

زیارت امام زمان(ع) همانند زیارت دیگر معصومان(ع) آدای دارد، که نمونه ای از آن به شرح زیر است:

پس از اتمام زیارت حضرت هادی و حضرت عسکری(ع) به سمت سرداب برو و کنار در بایست، همانند کسی که می خواهد اذن دخول بگیرد و با وقار وارد سرداب شو و دو رکعت نماز بخوان و بگو... (متن زیارت).

۲ احترام ویژه:

مورخان نوشـته اند: هنگامی که دعبل خزاعی قصـیده معروف خود را برای حضـرت رضا(ع) می خواند، وقتی به اسم حضـرت حجّت(عـج) رسـید، حضـرت از جـای خود بلنـد شـده و بـا حالت تواضع دست بر سـر گذاشـتند و برای فرج امام زمان(ع) دعا کردند.

بر این اساس هر عملی که جنبه رعایت ادب و احترام نسبت به حضرت مهدی(ع) داشته باشد، همانند: دست بر سر گذاشتن و ایستادن به هنگام ذکر لقب مخصوص حضرت و رعایت آداب و شرایط زیارت، امری مثبت است.

بحث مهدویت در قرآن کریم به چه صورت آمده است؟

پرسش

بحث مهدویت در قرآن کریم به چه صورت آمده است؟

پاسخ

در قرآن کریم این مطلب به صورت یک نوید کلی در کمال صراحت هست، یعنی هر کسی که قرآن کریم را مطالعه کند میبیند قرآن کریم آن نتیجه را که بر وجود مقدس حضرت حجت مترتب میشود، در آیات زیادی به عنوان یک امری که به طور قطع در آینده صورت خواهد گرفت ذکر میکند. از آن جمله است این آیه: «وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنَّ الْاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحونَ.» انبیا/۱۰۵ خدا در قرآن میگوید که ما در گذشته بعد از «ذکر» که گفتهاند یعنی بعد از آنکه در تورات نوشتیم در زبور هم این مطلب را اعلام کردیم، و ما اعلام کردیم، پس شدنی است که: «اَنَّ الْاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحون» صحبت منطقه و محل و شهر نیست، اصلاً فکر آنقدر بزرگ و وسیع است که سخن از تمام زمین است: زمین برای همیشه در اختیار زورمندان و ستمکاران و جباران نمیماند، این یک امر موقت است، دولت صالحان که بر تمام زمین حکومت کند، در آینده وجود خواهد داشت. در مفهوم این آیه کوچکترین تردیدی نیست.

همچنین راجع به اینکه دین مقدس اسلام دین عمومی بشر خواهد شد و تمام ادیان دیگر در مقابل این دین از بین خواهند رفت و تحتالشعاع قرار خواهند گرفت، در قرآن کریم هست، که این یکی دیگر از آثار و نتایج وجود مقدس مهدی موعود است: «هُوَ الَّذی اَرْسَلَ رَسولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ» توبه/۳۳ [این دین را به وسیله این پیامبر فرستاد برای

اینکه در نهایت امر آن را بر تمام دینهای عالم پیروز گرداند]، یعنی همه مردم دنیا تابع این دین بشوند.

چند نمونه از علائم مصلح بزرگ در آیات قرآن چیست؟

پرسش

چند نمونه از علائم مصلح بزرگ در آیات قرآن چیست؟

پاسخ

چند نمونه از آیاتی که این بحث را مطرح ساخته ذیلًا از نظر میگذرانیم.

۱ در سوره انبیاء (آیات ۱۰۵ و ۱۰۶) میخوانیم

«وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَنّ الْاَرضَ یَرِثُها عِبادِی الصّالِحُونَ اِنَّ فِی هذا لْبَلاغاً لِقَوْمٍ عابِدینَ.»

قبلًا به مفهوم این چند لغت باید توجّه کرد

«ارض» به مجموع کره زمین گفته میشود و سراسر جهان را فرامیگیرد؛ مگر اینکه قرینه خاصّی در کار باشد.

«ارث» در لغت به معنی چیزی است که بدون معامله و داد و ستد به دست کسی میافتد، ولی در بعضی موارد از قرآن کریم، ارث به تسلّط و پیروزی یک قوم صالح بر ناصالحان؛ و در اختیار گرفتن مواهب و امکانات آنها گفته شده است.

«زبور» در اصل به معنی هر گونه کتاب و نوشته است؛ ولی معمولاً ـ به کتاب «داود» که در عهد قدیم از آن تعبیر به «مزامیر داود» شده اطلاق میگردد؛ و آن مجموعهای از مناجاتها و نیایشها و اندرزهای داود پیامبر است؛ این احتمال نیز وجود دارد که زبور تمام کتب آسمانی پیشین (قبل از قرآن) بوده باشد.

«ذکر» در اصل به معنی هر چیزی است که مایه تذکّر و یادآوری باشد، ولی در آیه فوق به کتاب آسمانی موسی (ع) «تورات» تفسیر گردیده به قرینه این که قبل از زبور معرّفی شده است، و طبق تفسیر دیگری «ذکر» اشاره به قرآن مجید است، زیرا که در خود آیات قرآن این عنوان به قرآن گفته شده (ان هو الّا ذکر للعالمین) تکویر/۲۷

بنابراین، عبارت «من بعد» به معنی «علاوه بر» خواهد بود.

«صالح» به معنی شایسته و صلاحیتدار است

و هنگامی که بطور مطلق گفته شود صلاحیّت و شایستگی از تمام چیزها را فرا میگیرد؛ شایستگی علمی؛ شایستگی اخلاقی؛ شایستگی از نظر ایمان و تقوی و آگاهی و مدیریت.

و به این ترتیب مفهوم آیات چنین میشود

[ما در کتاب زبور علاوه بر قرآن مجید (یا پس از تورات) نوشتیم که زمین را بندگان صالح و شایسته من در اختیار خواهند گرفت؛ و همین برای گروه عبادت کنندگان (و آنها که در مسیر بندگی خدا گام برمیدارند) برای رسیدن به اهدافشان کافی است.]

استخلاف در زمین

در سوره نور، آیه ۵۵، میخوانیم

«وَعَدَاللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْاَرْضِ کَما اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِنَنَّ لَهُمْ دینَهُمْ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْنا یَعْبُدُونَنی لایُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَاُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ»

در این آیه سه وعده صریح به آنها که گروه افراد با ایمان و شایسته را تشکیل میدهند داده شده است. و میدانیم در هر وعده سه رکن وجود دارد

وعده دهنده که در اینجا خدا است؛ و وعده گیرنده که «اَلَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ» یعنی مؤمنان صالح هستند؛ وموّاد مورد وعده که امور سه گانه زیر است

۱ استخلاف فی الارض «حکومت روی زمین به عنوان نمایندگی خدا»؛ یعنی حکومت حق و عدالت.

۲ تمکین دین «نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه زندگی»

۳ تبدیل خوف به امنیّت؛ و برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی، و جایگزین شدن امنیّت کامل و آرامش در همه روی زمین.

منظور از «تمکین دین» همانطور که از سایر موارد استعمال کلمه تمکین برمیآید این است که

تعلیمات الهی بطور ریشه‌دار و پابرجا در تمام شؤون زندگی نفوذ خواهد داشت، نه همانند الفاظ صلح و آزادی و حقوق بشر که امروز بازیچه دست مدافعان قلّابی آن است و تنها گلوهایشان را برای شعارهای داغ در این زمینه پاره میکنند، و در خارج از آن اثری نیست؛ گوئی الفاظی هستند رؤیایی که جز در عالم خیال نمیتوان به آنها دست یافت.

در آن روز تعلیمات حیاتبخش و آزادکننده اسلام نه بشکل یک سلسله تشریفات خشک و صوری، و نه بگونه یک مشت الفاظ مومیائی شده؛ بلکه به عنوان یک دکترین زندگی در همه جا ریشه خواهد دوانید، و تلاش بازسازی به ریشه‌ها کشیده خواهد شد نه به شاخ و برگها و نقش ایوان.

منظور از پیروزی دین حق که در قرآن از آن سخن به میان آمده است، چه نوع پیروزی است و آیا تحقق یافته است؟

پرسش

منظور از پیروزی دین حق که در قرآن از آن سخن به میان آمده است، چه نوع پیروزی است و آیا تحقق یافته است؟

پاسخ

مفسّران سه تفسیر برای آن ذکر کرده‌اند.

۱ پیروزی منطقی؛ یعنی با مقایسه اسلام با آئینهای دیگر که غالباً آمیخته با خرافات شده، پیروزی منطق مستدلّ آن بر سایر منطقها آشکار است.

طرفداران این تفسیر معتقدند هرگاه توحید خالص اسلامی را با انواع توحیدهای آمیخته با شرک، و یا شرک خالص، مقایسه کنیم برتری مکتب اسلام بر سایر مکاتب روشن میشود، همچنین مباحث دیگر. این وعده الهی جامه عمل به خود پوشیده است؛ حتّی مقایسه شعار اذان که شعاری گویا و تکاندهنده است با شعار ناقوس و بی شعاری بسیاری از ادیان، روشنگر این پیروزی منطقی است.

۲ منظور، پیروزی عملی و غلبه خارجی بر سایر ادیان است، منتها در یک مقیاس منطقه‌ای نه جهانی و عمومی.

این نیز تحقّق یافته؛ چرا که اسلام در عصر پیامبر (ص) بر شبه جزیره عرب، و پس از آن بر بخش عظیم آبادی از جهان غلبه یافت و پیروان ادیان و مذاهب دیگر در این مناطق که از دیوار چین بلکه ماورای دیوار چین تا ساحل اقیانوس اطلس امتداد مییافت، غالباً در برابر اسلام سر تعظیم فرود آوردند. حتّی زمانی که سلطه حکومت اسلامی از این نقاط برچیده شد باز اسلام به عنوان یک مکتب و آئین پابر جا در این مناطق متوطّن گردید.

۳ منظور، پیروزی و غلبه خارجی و عملی در سطح جهان و تمامی روی زمین است، که شامل پیروزی فرهنگی، اقتصادی، و

سیاسی میشود، و این تفسیر را جمعی از

مفسّران اهل تسنّن علاوه بر مفسّران شیعه پذیرفتهاند.

مسلماً این وعده تاکنون عملی نشده و تنها بر حکومت جهانی مهدی موعود منطبق میگردد که حکومت حق و عدالت همه جا را فراگیرد و این آئین بر تمام آئینها در مقیاس جهانی غلبه یابد.

و قرائنی در دست داریم که اولویّت تفسیر سوم را بر تفاسیر دیگر به ثبوت میرساند؛زیرا

اوّلاً، غلبه و پیروزی که از کلمه «ظهور» استفاده میشود ظاهر در غلبه حسّی و عینی و خارجی است، نه غلبه ذهنی و فکری، و لذا در هیچیک از مواردی که از قرآن بر شمردیم «ظهور» به معنی غلبه ذهنی نیامده، بلکه اگر به آیات گذشته بازگردیم و دقّت کنیم میبینیم در تمام این موارد به معنی غلبه عینی و خارجی است.

ثانیاً، ذکر کلمه «کلّه» به عنوان تأکید روشن میکند که غلبه، جنبه منطقهای و محدود ندارد، بلکه شامل عموم ادیان و مذاهب جهان میشود و این جز از طریق فراگیری و شمول اسلام نسبت به جهان ممکن نیست.

ثالثاً، روایاتی که در تفسیر آیه فوق به ما رسیده، تفسیر سوم را تقویت میکند.

با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل درظهور ولی عصر (عج) وارد شده را توجیه می کنید؟

پرسش

با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل درظهور ولی عصر (عج) وارد شده را توجیه می کنید؟

پاسخ

در پاسخ به سوال توجه به نکاتی درباره آیه ضروری است :

۱- شان نزول و یا به عبارتی اسباب النزول یکی از اموری است که باید در فهم و درک آیه بدان تمسک جست ، البته به این شرط که شان نزول نقل شده از نظرسند معتبر باشد و یا ناقل در رساندن شان نزول به حدس و گمان تکیه نکند و از روی مشاهده و حس گزارش کند .

۲- آنچه که درباره شان نزول آیات آغاز سوره نحل گفته شده است ، این است که این آیه باآیات پس از آن در مکه نازل شده است ، در همان ایام که پیامبر (ص) درگیری شدیدی با بت پرستان داشت ، آنان هر روز به بهانه هایی متوسل می شدند .مثلاً اینکه هرگاه پیامبر (ص) آنها را به عذاب الهی تهدید می کرد برخی از آنان می گفتند اگر این راست است پس چرا به سراغ ما نمی آید؟ و یا گاهی می گفتند که اگر فرضاً عذابی در کار باشدما به بتها متوسل می شویم تا در پیشگاه خدا

شفاعت بکنند .برای آگاهی بیشتر می توان به کتاب کشف الاسرار ...مراجعه نمود .

۳- ازظاهر سیاق آیه یعنی از منطوق آن برمی آید که خطاب در این آیه به مشرکین است ، برای اینکه آیات بعدی همه در مقام احتجاج علیه ایشان است ، و سیاق آنها تا آیه **۲۹** که می فرماید (

(الهکم اله واحد)) چنین سیاقی است . لذا آیه بر بطلان پندارهای مشرکین و بی ثمر بودن مساعی ایشان و این که به زودی کیفر ایشان را می دهد، استدلال واقامه صحبت می کند .

۴- درباره اینکه منظور از امر در این آیه چیست ؟ بین مفسران اختلاف است :

الف) برخی گفته انـد منظور،فرمان خـدا در مورد عذاب مشرکان است مانند صاحب تفسیر نمونه وتفسیر فی ظلال القرآن و التبیان و مجمع البیان .

ب) بعضـی نیز گفته اندمنظور به ((امر)) مفرد کلمه ((اوامر)) است ، یعنی امر به معنای حکم است معنای ((اتی امرالله)) این است که در این سوره احکام خدا آمده است . مانند ضحاک .

ج) برخی از مفسران نیز احتمال داده انـد که ((امرالله)) اشاره به خود عـذاب است نه فرمان عـذاب مثل صاحب الکاشف و روح البیان .

د) بعضـی نیز آن را به معنـای روز قیـامت گرفته انـد مثـل صـاحب کشف الاسـرار و عـده الابرار .البته در همین کتاب کشـف الاسـرار اشاره شده که امر در قرآن بر سیزده وجه در معانی ذیل به کار می رود : دین ، قول ، عذاب ، عیسی (ع) ، قتل ، فتح مکه ، قتل بنی قریظه ، قیامت ، قضا، وحی ، کار، نصرت و ذنب . مانند فخر رازی وزمخشری .

ه) برخی هم گفته اند مراد از آن وعده های خداوند برپیامبر (ص) است اعم از عذاب کفار و نصرت مومنین مانند علامه

طباطبایی و صاحب تفسیر روحالمعانی . در المیزان علامه طباطبایی چنین آمده است : مقصود از امر آینده در آیه همان وعده ایست که خدا به رسول گرامی خود و به مومنین داده بود، و همان تهدیدهایی است که یکی پس از دیگری به مشرکین داده بود .۵- همچنین در باب این که مخاطب در آیه ((فلا تستعجلوه)) کیست ؟ مفسران به سه احتمال اشاره نموده اند :

الف) خطاب به مشرکان و بت پرستان است .

ب) خطاب به موƠ......ř‌تنهاست ا......به معنای حکم باشد .

ج) مومنین ومشرکین هر دو مورد خطاب آیه هستند .تقریباً می توان گفت اکثرمفسران احتمال اول را پذیرفته اند و دو احتمال دیگر را منتفی دانسته اند،زیرا :

اولاً امر به معنای حکم نمی باشد .

ثانیاً در قرآن هیچ جا استعجال به مومنین نسبت داده نشده است .

ثالثاً چنانکه گذشت مساله اتیان و استعجال متفرع بر نفی شرک است و چون نفی شرک خطاب به کافرین است استعجال هم خطاب به مشرکین خواهد بود.عجله و نسبت آن با تعجیل در ظهور امام (عج) : استعجال از ریشه عجله است . راغب اصفهانی در معنای آن گوید : عجله طلب شی است پیش از وقت آن ، و از مقتضای شهوت است . استعجال : خواستن با عجله است : ((اتی امر الله فلاتستعجلوه)) . عاجله هم داریم که در مقابل آجل است و مراد از آن در قرآن دنیا است ((کلا بل تحبون العاجله و تذرون الاخره)) (قیامت ، آیه ۲۰) . عجل نیز

آمـده است ((خلق الانسـان من عجـل سـاریکم آیـاتی فلما تسـتعجلون)) ، عجل بر وزن فرس اسم است به معنای عجله . آیه فوق کنایه از مبالغه انسان درعجله است . آیه ۱۱ از سوره اسرا نیز در همین معنا آمده است . ((کان الانسان عجولا)) (اسرا، آیه ۱۱) . در لسان العرب آمده عجل یعنی سرعت ، برخلاف بطی . فرا گوید : ((عجلت الشـی یعنی به او سبقت نمودم)) . استعجال در قرآن : درست است کـه عجله و استعجال در قرآن از مـومنین صـریحاً نفی شـده است . ((یستعجل بهـا الـذین لایومنون بها والذین امنوا مشـفقون منها و یعلمون انها الحق ؛ کسانی که به آخرت ایمان ندارند درباره عذاب آن استعجال می کنند و اما آنها که ایمان دارند در ترس از آنند، چون می دانند که حق است)) (شوری ، آیه ۱۸). چیزی که باید بدان توجه کرد این است که این نفی استعجال ازمومنین در صورتی است که به عـذاب و موارد شبیه به آن متعلق باشدو یا بر اساس جهل و نادانی بناشـده باشد .مانند آیه ۱۰ سوره یونس می خوانیم : ((و لو یعجـل الله للناس الشـر اسـتعجالهم بالخیر؛ اگرهمانطوری که مردم با عجله می خواهنـد خوبی ها و نعمت ها بر ایشان فراهم آیـد خـدا در فرسـتادن شـر یعنی عذاب برای مردم عجله می کردقطعاً بر آنان عذاب نازل می شد)) . در آیه فوق گر چه استعجال به خیرنسبت داده شده است

اما چون طبعاً شیوه آدمیان بر این تعلق گرفته است که مسببات و آثار، با عجله و سرعت به دنباله اسباب خودآورده شوند مسلماً اگر سنت الهی از این سنت انسان ها که بر اساس جهل و نادانی بنا شده پیروی کند عذاب قطعاً نازل می گردد .اما درصورتی که متعلق عجله کار نیک باشد و بر اساس آگاهی و عشق صورت بگیرد در قرآن از مومنین نفی نشده و حتی در جریان داستان حضرت موسی (ع) می خوانیم ((و ما اعجلک عن قومک یا موسی ؛ ای موسی چه چیز سبب شد که پیش از قومت به اینجا بیایی و در این راه عجله کنی)) (طه ، آیه ۸۴) . و موسی بلافاصله عرض کرد : پروردگاراآنها به دنبال منند، و من برای رسیدن به میعادگاه و محضر وحی تو،شتاب کردم تا از من خشنود شوی . (قال هم اولا علی اثری و عجلت الیک رب لترضی) یعنی نه تنها عشق مناجات تو و شنیدن سخنت مرابی قرار ساخته بود، بلکه مشتاق بودم هر چه زودتر قوانین و احکام تورا بگیرم و به بندگانت برسانم و از این راه رضایت تو را بهتر جلب کنم. در تایید این مدعا آیات ذیل را هم می توان شاهد آورد : ((سارعوا الی مغفره من ربکم)) (آل عمران ، آیه ۱۳۳)یا ((فاستبقوا الخیرات))(بقره ،آیه ۱۴۸ و مایده ، آیه ۴۸)و آیات دیگر .

در راستای مباحث فوق نتیجه می گیریم که عبارت ((لاتستعجلوه)

)

اولاً خطاب به کفار است

وثانیاً استعجال در کار بد که همان عذاب باشد به کار رفته است .

ثالثاًچنانکه گذشت انتساب عجله به افراد مومن در صورت خوبی عمل وآگاهی در آن در قرآن داریم .

عجله در احادیث :

گفته اند عشق آتشین به یک موضوع و افکار سطحی ، و گاه سیطره هوی و هوس ، وخوش بینی بیش از حد از عوامل شتابزدگی است . تلخی هایی که براثر عجله دامنگیر انسان می شود قابل شمارش نیست . اما نقطه مقابل عجله تثبیت و تانی یعنی درنگ کردن و با تفکر و تامل و بررسی همه جوانب کاری را انجام دادن است . اولی مذموم است اما دومی شایسته و بایسته است به لحاظ اینکه هر دو در احادیث آمده است. پیامبر (ص) می فرماید : مردم را عجله هلاک می کند، اگر مردم با تامل کاری را انجام می دادند کسی هلاک نمی شد (انما اهلك الناس العجل ولو ان الناس تثبتوا لم يهلك احد) . یا امام صادق (ع) می فرماید : ((مع التثبيت تكون السلام و مع العجل تكون الندام؛ با درنگ کردن سلامت است و با عجله ندامت . پیامبر (ص) می فرماید : ((ان الاناه من الله والعجل من الشيطان ؛ درنگ از ناحیه خداست و عجله از شیطان است)). در احادیث اسلامی بابی تحت عنوان تعجیل فعل الخیر در زمینه تعجیل در کار خیر آمده است : از جمله در حدیثی از پیامبر (ص) می خوانیم : ((ان الله يحب من

الخیر ما یعجل ؛ خداوند کار نیکی رادوست دارد که در آن شتاب شود)) . امام صادق (ع) هم فرمود : ((من هم به شی من الخیر فلیعجله فان کان شی فیه تاخیر فان للشیطان فیه نظره ؛ کسی که تصمیم به کار خیری گرفت باید عجله کند زیرا هر کاری را که در آن تاخیر کنید شیطان در آن حیله ای می کند)) (سفین البحار، ج ۱، ص ۱۲۹) . منظور از عجله در این روایات همان سرعت است درمقابل اهمال کاری و تاخیرهای بیجا و امروز و فردا کردن که بیشترسبب بروز مشکلات روحی و روانی و موانعی در کارها می گردد .ازاین رو باید گفت سرعت و جدیت در کارهای آری ، اما عجله وشتابزدگی نه . از همین جا می توانیم ادعا کنیم که تقاضای تعجیل درظهور امام عصر (عج) از ساحت حضرت حق هیچ منافاتی با ظهورآیات به خصوص با آیه فوق ندارد .و با کلمات معصومین هم هماهنگ است . سنتی که ریشه در کلمات آن حضرات دارد و دعایی است که می تواند زمینه های ظهور آن حضرت را به طور کامل مهیابکند؛ یعنی ، یکی از اموری که می تواند مساعد کننده ظهور آن حضرت باشد خود تقاضای تعجیل است . اگر زمینه های ظهورامام (عج) مقدمات متعددی داشته باشد این تقاضا و استمداد یکی ازآن مقدمات به حساب می آید .کلام آخر این که اساساً می توان گفت که خود این خواست و طلب از نظر تاثیر روحی و روانی در میان

مسلمان ها، می تواند مقدمات لازمه فوق را به فعلیت برساند و یاحداقل کمک موثری در این راه ایفا بکند .

منابع و مآخذ :

۱- برای آگاهی بیشتر از شان نزول آیه فوق (در نکته اول سوال) می توان به کتاب کشف الاسرار و عده الابرار مراجعه نمود .

۲- برای آگاهی بیشتردرباره اسباب النزول به کتاب اسباب النزول تالیف دکترمحمدباقرحجتی مراجعه شود .

۳- ترجمه تفسیر المیزان ، جلد ۱۲، ص ۲۹۳ .

۴-تفسیر نمونه ، جلد ۱۲، صفحه ۴۶ - ۴۳ .

۵- سفین البحار، جلد ۱،صفحه ۱۲۹ .

۶- اصول کافی ، جلد ۱، کتاب ایمان و کفر، باب تعجیل فعل الخیر .

۷- ترجمه تفسیر المیزان ، جلد ۱۲، صفحه ۲۹۳ .

۸-ترجمه تفسیر المیزان ، جلد ۱۰، صفحه ۳۴ - ۳۱ .

۹- تفسیر نمونه ،جلد ۱۳، صفحه ۲۶۸ و ۲۶۷ .

گزیده ای از منابع اهل تشیع :

فی ضلال القرآن نوشته سید قطب ج ۴/۲۱۵۸انتشارات دارالشروق.

التبیان نوشته شیخ طوسی ج ۶/۳۵۷انتشارات دارالاندلس .

مجمع البیان نوشته طبرسی ج ۶/۱۳۷انتشارات موسسه الاعلی بیروت.

المیزان نوشته علامه طباطبایی ج ۱۲/۲۱۴انتشارات دارالکتب الاسلامیه ترجمه نوشته علامه طباطبایی ج ۱۲/۲۹۲

کشف الاسرار وعده الابرارتالیف ابوالفضل رشیدالدین میبدی ج ۵/۳۵۲انتشارات امیرکبیر .

التفسیر الکاشف تالیف محمدجواد مغنیه ج ۴/۴۹۶انتشارات دارالعلم بیروت .

تفسیر نورالثقلین تالیف علامه حریزی ج ۳/۳۸انتشارات مطبع الحکم ، قم .

تفسیر نمونه تالیف آقای مکارم شیرازی ج ۱۱/۱۵۸انتشارات دارالکتب الاسلامی .

گزیده ای ازمنابع اهل تسنن :

تفسیر فخررازی ج ۲۰-۱۹/۲۱۸صحافی ناصر قم.

تفسیر الکاشف تالیف زمخشری ج ۲/۵۹۲انتشارات دارالکتب العربی - بیروت .

تفسیر روح المعانی تالیف آلوسی ج ۱۴/۹۰انتشارات داراحیا الثرات العربی .

تفسیر روح البیان تالیف بروسوی ج ۵/۳انتشارات داراحیا الثرات العربی .

تفسیر القرآن العظیم تالیف

ابن کثیرج ۲/۵۸۱انتشارات دارالمعرفه - بیروت. ;

آیا در قرآن کریم درباره این که پیروان حضرت مهدی ع باید ۳۱۳ نفر باشند تا ظهور کنند، و نیز درباره قاتل آن حضرت آیه یا آیاتی وجود دارد؟

پرسش

آیا در قرآن کریم درباره این که پیروان حضرت مهدی ع باید ۳۱۳ نفر باشند تا ظهور کنند، و نیز درباره قاتل آن حضرت آیه یا آیاتی وجود دارد؟

پاسخ

در قرآن کریم به صنف یاران حضرت مهدی غ اشاره نشده است

آن چه از روایات بر می آید یارانی که حضرت به کمک آنان حرکت را آغاز می کند ۳۱۳نفر هستند در میان آنان پنجاه زن است که بعد از ظهور با ایشان بیعت می کنند، چنان چه برخی از روایات آیه ۱۴۸ سوره بقره را به این بیعت تطبیق کرده اند; "فَاسْتَبِقُواْ الْخَيْرَتِ أَيْنَ مَا تَكُونُواْ يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا"(ر.ک منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، آیه الله صافی گلپایگانی باب نشانه های ظهور، انتشارات حضرت معصومه / بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۲، ص ۲۲۳.)

آیه ای که اشاره به قاتل حضرت کرده باشد یافت نشد.

آن چه از کلمات و نظرات بزرگان فهمیده می شود امام زمان غ به دست جنایت کاران به شهادت می رسد. البته برخی قائلند چگونگی مرگ یا شهادت آن عزیز برای ما روشن نیست (ر.ک مجله حوزه ش ۷۰و۷۱، ص ۶۰و۶۱، دفتر تبلیغات اسلامی)

روایات نبوی

معروفترین روایاتی که در مورد قیام حضرت مهدی (ع) آمده است چیست؟

پرسش

معروفترین روایاتی که در مورد قیام حضرت مهدی (ع) آمده است چیست؟

پاسخ

۱ «احمد حنبل» از ائمّه چهارگانه اهل سنّت در کتاب «مسند» خود از «ابوسعید خدری» نقل می کند که پیغمبر اکرم (ص) فرمود «لاتَقُوم السّاعَهُ حَتّی تَمْتلأ الاَرْضَ ظُلْماً وَ عُدْواناً، قال ثُمَّ یَخْرُجُ رَجُل مِنْ عِتْرَتی اَوْ مِنْ اَهلِ بَیْتی یَمْلأُها قسْطاً وَعَدْلاً کما

مُلِئَتْ ظُلماً وَ عُدواناً» [قیامت بر پا نمی شود تا آن زمانی که زمین پر از ظلم و ستم گردد، سپس مردی از عترت یا اهل بیت من قیام می کند و زمین را پر از قسط و عدل می سازد آن گونه که ظلم و ستم ان را پر کرده بود]. (مستدرک احمد ۳/۳۶).

۳ ترمذی محدّث معروف به سند صحیح (طبق تصریح منصور علی ناصف در التّاج) از عبدالله از پیغمبر اکرم (ص) نقل می کند که فرمود

«لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیا اِلاّ یَوْمٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذلِکَ الْیَوْمَ حَتّی یَبْعَثَ رَجُلاً منّی اَوْ مِنْ اَهْلِ بَیْتی یَواطِیءُ اِسْمُهُ اِسْمی وَ اِسْمُ اَبیهِ اِسْمَ اَبی یَمْلأُ الاَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً» [اگر باقی نماند از عمر دنیا مگر یک روز ، خداوند آن یک روز را چنان طولانی می کند که مبعوث کند مردی را از من یا از اهل بیت من (تردید از راوی روایت است و مفهوم و محتوا یکی است) که اسم او اسم من ، و اسم پدرش، اسم پدر من است زمین را پر از عدل و داد می کند آن گونه که از ظلم و ستم پر شده است]. (التّاج ۵/۳۴۳).

۳ حاکم نیشابوری در مستدرک، حدیث مشروحتری در این زمینه از ابوسعید خدری

از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که فرمود

«یَنْزِلُ بِاُمَّتی فی آخِرِ الزّمانِ بَلاءُ شَدید مِنْ سُلْطانِهِمْ ، لَمْ یُسْمَعُ بَلاءُ اَشَدُّ مِنْهُ ، حَتّی تَضیقَ عَنْهُمُ الاَرْضُ الرَّحْبَهُ ، وَ حَتّی یَمْلأُ الاَرْضَ جَوْراً وَ ظُلْماً ، لایَجِدُ الْمُؤْمِنُ مَلْجَاً یَلْتَجِأُ اِلَیْه مِنَ الظُّلْم فَیَبْعَثُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلاً مِنْ عِتْرَتی، فَیَمْلَأُ الاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً ، یَرْضی عَنْهُ ساکِنُ السَّماءِ و ساکن الاَرض، لاتدخَّر، الارض من بذرها شیئاً الا اَخْرجَتْهُ، وَ لا السَّماءُ مِنْ قَطْرِها شَیْئاً اِلّا صَبَّهُ اللهُ عَلَیْهِمْ مِدْراراً »

[در آخر زمان بلای شدیدی بر امّت من از سوی سلطان آنها وارد می شود ، بلایی که شدیدتر از آن شنیده نشده ! تا آنجا که زمین وسیع و گسترده بر آنها تنگ می شود ، و تا آنجا که زمین پر از جور و ظلم می گردد، و مؤمن پناهگاهی برای پناه جستن به آن از ظلم نمی یابد در این هنگام خداوند متعال مردی از عترتم را مبعوث می کند که زمین را پر از عدل و داد کند ، آن گونه که از ظلم و ستم پر شده بود ، ساکنان آسمان (فرشتگان) از او خشنود می شوند ، و همچنین ساکنان زمین ، زمین تمام بذرهای خود را بیرون می فرستد و بارور می شود ، و آسمان تمام دانه های باران را بر آنها فرو می بارد (و همه جا را سیراب و پر برکت می کند)]. (المستدرک علی الصحیحین ۴/۴۶۵)

حاکم بعد از ذکر حدیث می گوید این حدیث صحیح است هر چند «بخاری» و «مسلم» آن را در کتاب خود نیاورده اند.

و این گونه احادیث از راویان مختلف ، در منابع مشهور ، فراوان است و

نشان می دهد که سرانجام حکومت جهانی به دست با کفایت مهدی (ع) برپا می شود، و همه جا پر از عدل و داد می گردد و مضمون آیه فوق «انَّ الاَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ» تحقق می یابد.

رسول الله(ص) در مورد عدالت گستری حضرت مهدی(عج) چه فرموده اند؟

پرسش

رسول الله(ص) در مورد عدالت گستری حضرت مهدی(عج) چه فرموده اند؟

پاسخ

از ابو سعید خدری چنین نقل شده «قال رسول الله (ص)

اُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدِی یَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، یَرضی عَنْهُ سُکّان السَّماءِ وَالْاَرْضِ، یُقْسَمُ الْمالَ صَحاحاً، فَقالَ رَجُلُ ما مَعْنی صَحاحاً، قالَ بِالسَّویهِ بَیْنَ النّاسِ؛ وَیَمْلا قُلُوبَ اُمَّهِ مُحَمَّدِ(ص) غَنی؛ وَ یَسَعَهُمْ عَدْله، حتّی یَأْمُرُ مُنادِیاً یُنادِی یَقُولُ مَنْ لَهُ بِالْمالِ حاجَه فَلْیَقُمُ فما یَقُوُمُ مِنَ النّاسِ اِلّا رَجُلُ واحِدُ (ثُمَّ یَأْمُرُلَهُ بِالْمالِ فَیَأْخُذُ ثُمَّ یَنْدُمُ وَ یَرُدَّهُ)» (نورالابصار فی مناقب آل بیت النبیّ المختار،/۱۵۶ و ۱۵۷، چاپ مصر)

[پیامبر اکرم (ص) فرمود شما را به ظهور مهدی(ع) بشارت میدهم؛ زمین را پر از عدالت میکند همان گونه که از جور و ستم پر شده است؛ ساکنان آسمانها و ساکنان زمین از او راضی میشوند و اموال و ثروتها را به طور صحیح تقسیم میکند.

کسی پرسید معنی تقسیم صحیح ثروت چیست؟

فرمود

به طور مساوی در میان مردم!

(سپس فرمود)

و دلهای پیروان محمّد(ص) را پر از بی نیازی میکند و عدالتش همه را فرا میگیرد، تا آنجا که دستور میدهد کسی با صدای بلند صدا زند هرکس نیاز مالی دارد برخیزد، هیچکس جز یک نفر بر نمیخیزد. (سپس در ذیل حدیث میخوانیم که امام دستور میدهد مال قابل ملاحظهای به او بدهند، امّا او بزودی باز میگردد و پشیمان میشود که چرا آزمند و حریص بوده است.)

اینکه می گویند پیامبر اسلام((صلی الله علیه وآله)) فرمود مهدی در آخرالزمان متولّد می شود و ظهور می فرماید درست است یا خیر؟

پرسش

اینکه می گویند پیامبر اسلام((صلی الله علیه وآله)) فرمود مهدی در آخرالزمان متولّد می شود و ظهور می فرماید درست است یا خیر؟

پاسخ

چنین روایتی در کتابهای مورد اطمینان ذکر نشده و صد در صد دروغ ایت آنچه در روایات وارد شده است مسئله ظهور مهدی در آخرالزمان است و امّا تولّد ایشان چنانکه در منابع حدیثی و تاریخی آمده است: در سال ۲۵۵ هجری قمری واقع شده است.

آیا رسول خداصلی الله وعلیه وآله از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا رسول خداصلی الله وعلیه وآله از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

آری ، از ۱۰۷ حدیث شهادت به ولادت آن حضرت از ناحیه رسول خدا (ص) استفاده می شود. ابن عباس از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "إنّ اللّه تبارک وتعالی أطلع إلی الأرض أطلاعه فاختارنی منها فجعلنی نبیّاً، ثم أطلع الثانیه فاختار منها علیّاً فجعله إماماً، ثم أمرنی أن اتّخذه أخاً وولیّاً ووصیّاً وخلیفهً ووزیراً، فعلیّ منّی وأنا من علیّ وهو زوج ابنتی وأبو سبطی الحسن والحسین. ألا وأنّ اللّه تبارک وتعالی جعلنی وآیاهم حججاً علی عباده وجعل من صلب الحسین أئمّه یقومون بأمری ویحفظون وصیّتی، التاسع منهم قآئم أهل بیتی ومهدیّ أمّتی، أشبه الناس بی شمائله وأقواله وأفعاله، یظهر بعد غیبه طویله وحیره مضلّه..."؛ "خداوند تبارک {پاورقی . کمال الدین، ص ۲۵۷. پاورقی}

وتعالی توجّهی بر زمین کرد ومرا انتخاب نمود و من را نبی قرار داد سپس بار دوم توجهی کرد وعلی را از روی زمین انتخاب نمود واو را امام قرار داد ومرا امر نمود که او را برادر وولیّ ووصیّ وخلیفه ووزیر خود قرار دهم، پس علی از من ومن از علی ام، او شوهر دختر من وپدر دو نوه ام حسن وحسین است. آگاه باشید! که خداوند تبارک وتعالی من وآنان را حجت هایی بر بندگانش قرار داده است. واز صلب حسین امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده ووصیت مرا حفظ خواهند نمود. نهمین از آنها قائم اهل بیت من ومهدی امّت من است. شبیه ترین مردم به من در شمایل واقوال وافعال است. بعد از غیبت طولانی وحیرت گمراه کننده ظهور می کند...".

آیا رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله خبر از غیبت امام زمان علیه السلام داده است؟

پرسش

آیا رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله خبر از غیبت امام زمان علیه السلام داده است؟

پاسخ

آری، در بسیاری از روایات به این موضوع اشاره شده است؛ ابن عباس در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل می کند که فرمود: "... وجعل من صلب الحسین أئمّه یقومون بأمری ویحفظون وصیّتی التاسع منهم قآئم أهل بیتی ومهدیّ أمّتی أشبه الناس بی فی شمآئله وأقواله وأفعاله. یظهر بعد غیبه طویله وحیره مضلّه فیعلن أمر اللّٰه ویظهر دین اللّٰه جلّ وعزّ..."؛ "... واز {پاورقی . کمال الدین، ص ۲۵۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۷، ح ۳. پاورقی}

صلب حسین امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده ووصیت مرا حفظ خواهند نمود، نهمین از آنها قائم اهل بیت من ومهدی امت من است. او شبیه ترین مردم به من در شمایل واقوال وافعال است. بعد از غیبتی طولانی وحیرتی گمراه کننده ظهور خواهد کرد، آن گاه امر خدا را اعلان کرده ودین او را ظاهر خواهد نمود...".

امام علی (ع) نیز از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: "ثمّ یغیب عنهم إمامهم ما شآء اللّٰه ویکون له غیبتان إحداهما أطول من الأخری..."؛ "... آن گاه امامشان از میان آنها تا هر {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰. پاورقی}

زمان که خدا بخواهد غایب خواهد شد. وبرای او دو غیبت مقرر شده که یکی از آن دو از دیگری طولانی تر است...".

جابر بن عبداللّٰه انصاری از رسول خدا (ص) پرسید: "وللقآئم من ولدك غیبه؟ قال: إی وربّی. ثمّ قرأ هذه الآیه: {وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الكافِرِينَ} "؛ "آیا برای قائم {پاورقی . سوره آل عمران، آیه ۱۴۱. پاورقی}

{پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۱۸ ؛ کمال الدین،

ص ۲۸۷. پاورقی}

از اولاد تو غیبت است؟ فرمود: آری به خدا سوگند. آن گاه این آیه را قرائت نمود: {وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الكافِرِينَ}."

به حدیث: "اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی" چگونه پاسخ می گویید؟

پرسش

به حدیث: "اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی" چگونه پاسخ می گویید؟

پاسخ

۱ - بسیاری از صحابه که احادیث مهدویت را از رسول خدا (ص) نقل کرده اند مهدیّ را از ذرّیه رسول خدا (ص) می دانند.

۲ - این حدیث مورد اعراض علمای حدیث ومتکلّمین بوده وهیچ کسی به آن استناد نکرده است.

۳ - خود ابن ماجه در سنن خود حدیث "المهدیّ حقّ وهو من ولد فاطمه" را نیز نقل کرده است.

{پاورقی . همان، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶. پاورقی}

۴ - ابن قیّم جوزیه این حدیث را در "المنارالمنیف" نقل کرده وبه طور مبسوط آن را تضعیف نموده است. حاکم نیشابوری نیز که این حدیث را نقل کرده از روی{پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۳۰، ح ۳۲۵. پاورقی}

تعجب بوده نه آنکه به جهت مطابقتش با شروط شیخین آن را نقل کرده باشد.

{پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۱. پاورقی}

ذهبی می گوید: "...حدیث (ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم) خبری است منکر که ابن ماجه آن را نقل کرده است".

{پاورقی . تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵، رقم ۲۰۲، ترجمه محمّد بن خالد جندی. پاورقی}

قرطبی می گوید: "حدیث -ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم- معارض با احادیث این باب است. آن گاه می گوید: احادیثی که نصّ بر خروج مهدی از عترت پیامبر واز اولاد فاطمه: است ثابت بوده واصحّ از این حدیث است، پس حکم، مطابق احادیث خروج مهدی از اولاد فاطمه است نه احادیث دیگر".

{پاورقی . التذکره، قرطبی، ج ۲، ص ۷۰۱. پاورقی}

۵ - این حدیث را طبرانی نیز با سند خود از ابی امامه نقل کرده ولی در متن آن جمله (ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم) نیامده است.

{پاورقی .

المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۲۱۴، ح ۷۷۵۷. پاورقی}

۶ - روایات خروج مهدی از اولاد فاطمه: متواتر است، وهمان گونه که در جای خود اشاره شد عده زیادی به تواتر آن تصریح کرده اند، ولی حدیث (ولامهدی الاّ عیسی بن مریم) بر فرض صحّت سند، خبر واحد است، وهنگام تعارض، خبر متواتر مقدم است. ونیز مشهور بین مسلمین در طول تاریخ اسلام، ظهور شخصی از اهل بیت رسول خدا (ص) واز اولاد فاطمه: است، این شهرت می تواند مرجّح احادیث مهدویت اسلامی باشد.

ابوالفیض غماری نیز درصدد پاسخ به حدیث فوق برآمده وبا هشت اشکال به آن پاسخ گفته است.

{پاورقی . ابراز الوهم المکنون، ص ۵۳۸. پاورقی}

به حدیث: "اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی" چگونه پاسخ می گویید؟

پرسش

به حدیث: "اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی" چگونه پاسخ می گویید؟

پاسخ

غالب علمای اهل سنّت معتقدند بر اینکه نام پدر حضرت مهدی (ع) عبداللّه است، واین به جهت روایتی است که ابوداوود در سنن خود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "اسمه اسمی واسم ابیه اسمی"؛ "نام مهدی همنام من ونام پدرش همنام پدر من {پاورقی . سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۴۲۸۲. پاورقی}

است." واین با اعتقاد علمای امامیه سازگاری ندارد؛ زیرا آنان امام زمان حضرت مهدی (ع) را فرزند امام حسن عسکری (ع) می دانند.

پاسخ:

۱ - این مضمون در صحیح ترمذی وسنن ابن ماجه وکتاب های ابونعیم که در مورد امام زمان (ع) تألیف شده ونیز در مسند احمد بن حنبل آمده ولی هرگز این ذیل (اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی) در آنها وجود ندارد. ونیز در روایات اهل بیت: چنین تعبیری وجود ندارد.

۲ - احتمال زیادی داده می شود که روایت فوق با ذیلش از مجعولات وموضوعات عبّاسیان باشد، زیرا شکی نیست که دولت عباسی برای تأیید سلطنت خود وتشویق مردم به بیعت با محمّد بن عباس ملقّب به مهدی عباسی، سومین خلیفه دولت عباسی دست به هر کاری از جمله جعل حدیث ونسبت آن به رسول خدا (ص) زدند.

منصور عباسی که عبداللّه نام داشت فرزندش محمّد را به عنوان خلیفه وجانشین خود تعیین نمود ومردم را تشویق به بیعت با او

کرد. او برای ترغیب بیشتر مردم به این کار لقب فرزندش را مهدی گذاشت، تا مردم به گمان اینکه او مهدی منتظر وموعود است با او بیعت کنند، ولی از آنجا که اسم خودش عبداللّٰه بود دستور داد تا حدیثی جعل

کرده ودر آن اسم پدر مهدی امّت را عبداللَّه معرفی کنند.

{پاورقی . ر.ك: مجموعه آثار، شهید مطهری؛، ج ۱۸، ص ۱۷۴ù۱۷۳ ؛ الاغانی، ج ۱۲، ص ۸۱. پاورقی}

به حدیث: "المهدی من ولد الحسن" چگونه پاسخ می گویید؟

پرسش

به حدیث: "المهدی من ولد الحسن" چگونه پاسخ می گویید؟

پاسخ

۱ - این مضمون در صحیح ترمذی وسنن ابن ماجه وکتاب های ابونعیم که در مورد امام زمان (ع) تألیف شده ونیز در مسند احمد بن حنبل آمده ولی هرگز این ذیل (اسمه اسمی واسم ابیه اسم ابی) در آنها وجود ندارد. ونیز در روایات اهل بیت: چنین تعبیری وجود ندارد.

۲ - احتمال زیادی داده می شود که روایت فوق با ذیلش از مجعولات وموضوعات عبّاسیان باشد، زیرا شکی نیست که دولت عباسی برای تأیید سلطنت خود وتشویق مردم به بیعت با محمّد بن عباس ملقّب به مهدی عباسی، سومین خلیفه دولت عباسی دست به هر کاری از جمله جعل حدیث ونسبت آن به رسول خدا (ص) زدند.

منصور عباسی که عبداللَّه نام داشت فرزندش محمّد را به عنوان خلیفه وجانشین خود تعیین نمود ومردم را تشویق به بیعت با او کرد. او برای ترغیب بیشتر مردم به این کار لقب فرزندش را مهدی گذاشت، تا مردم به گمان اینکه او مهدی منتظر وموعود است با او بیعت کنند، ولی از آنجا که اسم خودش عبداللَّه بود دستور داد تا حدیثی جعل کرده ودر آن اسم پدر مهدی امّت را عبداللَّه معرفی کنند.

{پاورقی . ر.ك: مجموعه آثار، شهید مطهری؛، ج ۱۸، ص ۱۷۴ù۱۷۳ ؛ الاغانی، ج ۱۲، ص ۸۱. پاورقی}

به حدیث: "المهدی من ولد الحسن" چگونه پاسخ می گویید؟

پرسش

به حدیث: "المهدی من ولد الحسن" چگونه پاسخ می گویید؟

پاسخ

ابوداوود در سنن خود از ابی اسحاق نقل می کند که علی (ع) به فرزندش حسن (ع) نظر کرده وفرمود: "همانا این فرزندم آقاست همان گونه که پیامبر او را آقا نامید، وزود است که از صلب او مردی خروج کند که هم نام پیامبر شماست".

{پاورقی . سنن ابن داوود، ج ۲، ص ۳۱۱، ح ۴۲۹۰. پاورقی}

پاسخ:

۱ – در مقابل این حدیث ده ها روایت دیگر وجود دارد که دلالت دارد بر اینکه مهدی از اولاد ونسل امام حسین (ع) است.

۲ – به یک معنا مهدی از ذریه امام حسن (ع) نیز هست، زیرا مادر امام باقر (ع) فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) است ولذا با جمع بین دو دسته روایات، حضرت مهدی (ع) هم حسنی وهم حسینی است. ودر حدیثی پیامبر (ص) فرمود: "از این دو – حسن وحسین– مهدی امت است".

{پاورقی . مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۵. پاورقی}

۳ – صاحب کتاب "عقد الدرر" همین حدیث را نقل کرده ولی در آن آمده که امام علی (ع) به فرزندش حسین (ع) نظر کرد... ونیز در صحیح ترمذی وسنن نسائی وسنن بیهقی این گونه آمده است. خصوصاً که احتمال تصحیف و جابجایی نیز داده {پاورقی . عقد الدرر، ص ۴۵، باب ۱. پاورقی}

می شود.

۴ – این نکته قابل توجه است که سادات حسنی به رهبری محمّد بن عبداللّه حسنی که با او در منطقه ابواء بیعت شد بی تأثیر در پیدایش این گونه احادیث نبوده اند. واز آنجا که سادات حسنی درصدد شورش وقیام بر علیه دولت بنی امیه بوده اند احتیاج به پشتوانه معنوی داشتند، لذا از روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر

وارد شده، بهره برداری سیاسی کرده وآن را بر عبداللّه بن حسن منطبق کردند. آنان با جعل روایتی ونسبت آن به پیامبر (ص) مهدی را از نسل امام حسن مجتبی (ع) معرفی کردند.

{پاورقی . ر.ک: مجموعه آثار، شهید مطهری؛، ج ۱۸، ص ۱۷۳. پاورقی}

موضوع: ملاقات با امام مهدی علیه السلام در غیبت کبرا

آیا جمله "کما ملئت ظلماً وجوراً" با صالح بودن مردم منافات دارد؟

پرسش

آیا جمله "کما ملئت ظلماً وجوراً" با صالح بودن مردم منافات دارد؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق می گوییم:

اولاً: در بیشتر روایات جمله "کما ملئت..." به کار رفته نه "بعد ما ملئت"، واین جمله در حقیقت تشبیه حکومت پر از عدل است به حکومتی پر از ظلم، یعنی چگونه حکومتی پر از ظلم می شود، همان گونه که حکومت حضرت پر از عدل خواهد بود.

ثانیاً: گسترش ظلم وتعدی وتجاوز، به نحو سببیت برای ظهور در این روایات ذکر نشده است، بلکه به عنوان شرط مقارن ظهور است.

ثالثاً: در این روایات خبر از واقعیتی خارجی هنگام ظهور می دهد، نه اینکه مردم را تشویق به ظلم کند تا با گسترش آن، حضرت ظهور کند، بلکه ما وظیفه داریم گسترش دهنده عدالت، یعنی همان چیزی باشیم که حضرت به جهت آن ظهور می کند ودر این امر بزرگ سهیم شویم.

روایات ائمه اطهار

روایات درمورد غیبت امام

نمونه ای از روایات اهل بیت (ع) درباره غیبت حضرت مهدی (عج) را بیان کنید ؟

پرسش

نمونه ای از روایات اهل بیت (ع) درباره غیبت حضرت مهدی (عج) را بیان کنید ؟

پاسخ

۱ - عبدالعظیم حسنی (ع) از حضرت امام محمد تقی (ع) از پدرانش از علی (ع) نقل کرد . که حضرت فرمودند :قائم ما غیبتی دراز مدت دارد گویا شیعیان را می بینیم که در زمان غیبت او همانندحیوان گرسنه ای که دنبال چراگاه می گردد , در جستجوی اویند ولی او را نمی یابند . آگاه باشید که هر کس از ایشان که بر دینش ثابت بماند و در اثر طول غیبت امامش ,دچار قساوت قلب نگردد در روز قیامت با من در درجه من خواهد بود . سپس فرمود : هنگامی که قائم ما قیام کند , بیعتی از هیچکس بر گردن او نخواهدبود (و هیچ حاکم ستمگری تسلطی بر او نخواهد داشت) و بدین منظور مخفیانه متولدمی شود و از چشم مردم غایب می گردد . (منتخب الاثر , ص ۲۵۵)

۲ - اثر حضرت سجاد (ع) روایت شده که فرمودند : قائم ما دو غیبت دارد که یکی طولانی تر از دیگری است و تنها کسانی که یقین قوی و معرفت صحیح داشته باشند , برامامت او ثابت می مانند . (منتخب الاثر , ص ۲۵۱)

آیا امام علی علیه السلام به غیبت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است؟

پرسش

آیا امام علی علیه السلام به غیبت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است؟

پاسخ

آری، در بسیاری از روایات به آن اشاره نموده است از جمله؛

صدوق در حدیثی به سند خود از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده که فرمود:

"للقآئم منّا غیبه أمرها طویل کأنّی بالشیعه یجولون جولان النعم فی غیبته یطلبون المرعی فلایجدونه ألا فمن ثبت منهم علی دینه ولم یقس قلبه لطول أمد غیبه إمامه فهو معی فی درجتی یوم القیامه..."؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۰۳ ؛ اعلام الوری، ص ۴۲۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹، ح ۱. پاورقی}

"برای قائم از ما غیبتی است که زمان ومدّت آن طولانی خواهد بود. گویا شیعه را می بینم که به مانند گوسفندان متحیّر وسرگردان به دنبال چراگاه می گردد ولی آن را نمی یابد. آگاه باشید! هرکس که در آن زمان بر دین خود ثابت قدم باشد وقلبش به جهت طولانی شدن مدت غیبت سخت نشود، او با من ودر مرتبه من در روز قیامت خواهد بود."

آیا امام حسن علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام حسن علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

شیخ صدوق؛ به سند خود در حدیثی نقل می کند که امام حسن مجتبی (ع) بعد از مصالحه با معاویه واعتراض برخی به آن حضرت در این جهت فرمود:

"ویحکم ما تدرون ما عملت، واللّه الّذی عملت خیر لشیعتی مما طلعت علیه الشمس أوغربت، ألا تعلمون أنّی إمامکم مفترض الطاعه علیکم وأحد سیّدی شباب أهل الجنّه بنصّ رسول اللّه (ص) علَیّ؟ قالوا: بلی. قال: أما علمتم أنّ الخضر (ع) لمّا خرق السفینه وأقام الجدار وقتل الغلام کان ذلک سخطاً لموسی بن عمران (ع) إذا خفی علیه وجه الحکمه فی ذلک وکان ذلک عند اللّه تعالی ذکره حکمه وصواباً. أما علمتم أنّه ما منّا أحد إلّا ویقع فی عنقه بیعه لطاغیه زمانه إلّا القآئم الّذی یصلّی روح اللّه عیسی بن مریم (ع) خلفه فإنّ اللّه عزّوجلّ یخفی ولادته ویغیب شخصه لئلّا یکون لأحد فی عنقه بیعه. إذا خرج ذلک التاسع من ولد أخی الحسین بن سیّده الإماء یطیل اللّه عمره فی غیبته ثمّ یظهره بقدرته فی صوره شآبّ دون أربعین سنه ذلک لیعلم أنّ اللّه علی کلّ شی ء قدیر."؛ {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۱۵؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۱. پاورقی}

"وای بر شما! نمی دانید که من چه کردم؟ به خدا سوگند آنچه را من انجام دادم برای شیعیانم از آنچه خورشید بر او طلوع وغروب کرده بهتر است. آیا نمی دانید که من امام شما هستم که اطاعتم بر شما واجب است؟آیا من یکی از دو آقای جوانان اهل بهشت به تصریح رسول خدا (ص) نیستم؟ گفتند: آری. فرمود: آیا نمی دانید خضر (ع) هنگامی که کشتی

را سوراخ وديوار را بر پا وغلام را كشت، مورد غضب موسى بن عمران قرار گرفت، به جهت آنكه حكمت آن را نمى دانست؟ ولى اين امر نزد خداوند متعال مطابق حكمت وصواب بود. آيا نمى دانيد كه هر يك از ما بر گردن خود بيعت طاغوت زمان خود را داريم، جز قائمى كه عيسى بن مريم (ع) پشت سر او نماز مى گزارد. خداوند عزّوجلّ ولادت او را مخفى خواهد نمود، وشخصش را غايب خواهد كرد تا آنكه بر گردن او از جانب هيچ كس هنگام خروج بيعت نباشد. او نهمين از اولاد برادرم حسين وفرزند بهترين زنان است. خداوند عمر او را در غيبتش طولانى خواهد گرداند، آن گاه او را به قدرت خود در صورت جوانى كمتر از چهل سال ظاهر خواهد نمود، تا دانسته شود كه خداوند بر هر كارى قدرتمند است."

آيا امام حسين عليه السلام از غيبت فرزندش مهدى عليه السلام خبر داده است؟

پرسش

آيا امام حسين عليه السلام از غيبت فرزندش مهدى عليه السلام خبر داده است؟

پاسخ

صدوق به سند خود از امام حسين (ع) نقل كرده كه فرمود:

"فى التاسع من ولدى سنّه من يوسف وسنّه من موسى بن عمران (ع) وهو قآئمنا أهل البيت يصلح اللَّه تبارك وتعالى أمره فى ليله واحده"؛

{پاورقى . كمال الدين، ص ٣١۶؛ بحارالأنوار، ج ۵١، ص ١٣٢ù١٣٣، ح ٢. پاورقى}

"در نهمين از فرزندانم سنتى از يوسف وسنتى از موسى بن عمران است. واو قائم ما اهل بيت مى باشد كه خداوند تبارك وتعالى امر او را در يك شب اصلاح خواهد نمود."

ونيز از امام حسين (ع) نقل كرده كه فرمود:

"قآئم هذه الأمّه هو التاسع من ولدى وهو صاحب الغيبه"؛ {پاورقى . همان، ص ٣١٧؛ بحارالأنوار ح ٣. پاورقى}

"...قائم اين امت همان نهمين از اولاد من است، واو صاحب غيبتى باشد...".

ونيز فرمود:

"... له غيبه يرتدّ فيها أقوام ويثبت على الدين فيها آخرون..."؛ {پاورقى . همان، بحارالانوار، ح ۴. پاورقى}

"...براى او غيبتى است كه اقوامى در آن مرتد شده وگروهى ديگر بر دين ثابت خواهند بود...".

آیا امام سجادعلیه السلام از غیبت فرزندش مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام سجادعلیه السلام از غیبت فرزندش مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

شیخ صدوق؛ به سندش از امام زین العابدین (ع) نقل کرده که فرمود:

"تمتدّ الغیبه بولیّ اللّه الثانی عشر من أوصیآء رسول اللّه والأئمّه بعده.: یا أباخالد! إنّ أهل زمان غیبته القآئلین بإمامته والمنتظرین لظهوره أفضل من أهل کلّ زمان، لأنّ اللّه تبارک وتعالی أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفه ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده..."؛ {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۱۹؛ بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶. پاورقی}

"آن گاه غیبت به ولی خدای عزّوجلّ دوازدهمین از اوصیای رسول خدا وامامان بعد از او امتداد می یابد. ای ابا خالد! همانا اهل زمان غیبت او که به امامتش قائلند ومنتظر ظهور او می باشند افضل از اهل هر زمان هستند، زیرا خداوند تبارک وتعالی به آنها چنان عقل وفهم ومعرفتی داده که غیبت نزد آنان به منزله حضور ومشاهده است...".

آیا امام باقرعلیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام باقرعلیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

صدوق؛ به سند خود از امام باقر (ع) روایت کرده که فرمود:

"یأتی علی الناس زمان یغیب عنهم إمامهم. فیا طوبی للثابتین علی أمرنا فی ذلک الزمان. إنّ أدنی ما یکون لهم من الثواب أن ینادیهم الباریٔ جلّ جلاله فیقول عبادی وإمائی آمنتم بسرّی وصدقتم بغیبی، فأبشروا بحسن الثواب منّی..."؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۶. پاورقی}

"زمانی بر مردم بیاید که امامشان از آنها غایب گردد. پس خوشا به حال کسانی که بر امر ما در آن زمان ثابت قدم باشند.

همانا کمترین ثوابی که برای آنها در نظر گرفته شده این است که خداوند باری جلّ جلاله می فرماید: ای بنده ها وکنیزان من! به سرّ من ایمان آوردید، وغیب مرا تصدیق کردید، بشارت باد شما را به حسن ثواب از جانب من...".

آیا امام صادق علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام صادق علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

امام صادق (ع) در حدیثی فرمود:

"الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه"؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳۸؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۴. پاورقی}

"پنجمین از اولاد هفتمین، کسی است که شخصش از شما غایب خواهد شد."

ونیز فرمود:

"أما واللّه لیغیبنّ عنکم مهدیّکم حتی یقول الجاهل منکم ما للّه فی آل محمد حاجه"؛

"آگاه باشید! به خدا سوگند! که مهدی شما از بین شما غایب خواهد شد تا اینکه

{پاورقی . همان، ص ۳۴۱، بحارالأنوار، ص ۱۴۵، ح ۱۲. پاورقی}

جاهل از شما می گوید: خداوند احتیاجی به آل محمّد ندارد...".

ونیز فرمود:

"إنّ الغیبه ستقع بالسادس من ولدی وهو الثانی عشر من الأئمّه الهداه بعد رسول اللّه (ص)، أوّلهم أمیرالمؤمنین علیّ بن أبی طالب وآخرهم القآئم بالحقّ بقیّه اللّه فی الأرض ..."؛ {پاورقی . همان، بحارالأنوار، ح ۱۳. پاورقی}

"...همانا غیبت در ششمین از فرزندانم واقع خواهد شد. واو دوازدهمین از امامان هدایت بعد از رسول خداست که اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، وآخر آنها قائم به حقّ، بقیه اللّه در روی زمین است...".

ونیز فرمود:

"إنّ للقآئم غيبه قبل أن يقوم"؛ "همانا برای قائم غیبتی قبل از قیام است."

{پاورقی . همان، ص ۳۴۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۷۰. پاورقی}

آیا امام کاظم علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام کاظم علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

امام کاظم (ع) فرمود:

"إذا فقد الخامس من ولد السابع فاللَّه اللّه فى أديانكم لايزيلنّكم أحد عنها، يا بنىّ! إنّه لابدّ لصاحب هذا الأمر من غيبه..."؛ {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۵۹Ù۳۶۰ ؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۲. پاورقی}

"هنگامی که پنجمین از اولاد هفتمین مفقود شد پس خدا را خدا را در ادیانتان، کسی شما را از آن جدا نکند، ای فرزندم! همانا به طور حتم برای صاحب این امر غیبتی است...".

یونس بن عبدالرحمن می گوید: من بر موسی بن جعفر (ع) وارد شدم وعرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق می باشید؟ فرمود:

"أنا القآئم بالحقّ ولكنّ القآئم الّذى يطهّر الأرض من أعدآء اللَّه عزّوجلّ ويملأها عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً هو الخامس من ولدى له غيبه يطول أمدها خوفاً على نفسه..."؛{پاورقی . همان، ص ۳۶۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۶. پاورقی}

"من قائم به حقّم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خداوند عزّوجلّ پاک کرده وآن را پر از عدالت خواهد نمود آن گونه که پر از ظلم وجور شده باشد همان پنجمین نفر از اولاد من است. برای او غیبتی طولانی است زیرا بر جان او خطر است...".

ونیز در بیان قول خداوند متعال {وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَباطِنَةً} {پاورقی . سوره لقمان، آیه ۲۰. پاورقی} فرمود:

"النعمه الظاهره الإمام الظاهر والباطنه الإمام الغآئب. فقلت له: ويكون فى الأئمّه من يغيب؟ قال: نعم، يغيب عن أبصار الناس شخصه ولايغيب عن قلوب المؤمنين ذكره وهو الثانى عشر منّا..."؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۶۸؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح

۲. پاورقی}

"نعمت ظاهر امام ظاهر ونعمت باطن امام غایب است. راوی می گوید: به حضرت عرض کردم: آیا در میان ائمه کسی غایب می شود؟ فرمود: آری شخصش از چشمان مردم غایب می گردد، ولی از قلوب مؤمنان غایب نمی گردد، واو دوازدهمین از ما می باشد...".

آیا امام رضاعلیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام رضاعلیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

صدوق؛ به سندش از امام رضا (ع) نقل کرده که فرمود:

"الرابع من ولدی ابن سیّده الإماء یطهّر اللّه به الأرض من کلّ جور ویقدّسها من کلّ ظلم، وهو الّذی یشکّ الناس فی ولادته وهو صاحب الغیبه قبل خروجه..."؛

"...چهارمین از اولاد من، که فرزند بهترین زنان است،

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، ح ۲۹. پاورقی}

خداوند به واسطه او زمین را از هر ظلمی پاک وپیراسته خواهد نمود، واو کسی است که مردم در ولادتش شک خواهند کرد، واوست صاحب غیبت قبل از خروجش...".

ونیز به دعبل فرمود:

"... یا دعبل! الإمام بعدی محمد ابنی وبعد محمد ابنه علی وبعد علیّ ابنه الحسن وبعد الحسن ابنه الحجّه المنتظر فی غیبته..."؛

"...ای دعبل! امام بعد از من محمّد فرزند من است. وبعد از محمّد، فرزندش علی وبعد از علی، فرزندش حسن وبعد از حسن فرزندش حجّت قائم است. کسی که در غیبتش به انتظار او می نشیند...".

{پاورقی . همان، ص ۳۷۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴، ح ۴. پاورقی}

آیا امام جوادعلیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام جوادعلیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

عبدالعظیم حسنی (ع) می گوید: من بر آقایم محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب: وارد شدم به قصد اینکه از او درباره قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا دیگری، حضرت ابتدائاً فرمود:

"...یا أباالقاسم! إنّ القآئم منّا هو المهدیّ الّذی یجب أن ینتظر فی غیبته ویطاع فی ظهوره وهو الثالث من ولدی..."؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۷ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱. پاورقی}

"ای اباالقاسم! همانا قائم از ما همان مهدی است که واجب است در غیبتش انتظار او را کشیده وهنگام ظهورش از او اطاعت شود، واو سومین از اولاد من است...".

صقر بن ابی دلف می گوید: به امام جواد (ع) عرض کردم: چرا قائم را منتظر خوانند؟ فرمود:

"... لأنّ له غیبه تکثر آیامها ویطول أمدها فینتظر خروجه المخلصون وینکره المرتابون..."؛

{پاورقی . همان، ص ۳۷۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۴. پاورقی}

"زیرا برای او غیبتی است که روزهایش زیاد ومدّتش طولانی خواهد بود. مخلصین در انتظار خروج او به سر خواهند برد، وشک کنندگان، او را انکار خواهند کرد...".

آیا امام هادی علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام هادی علیه السلام از غیبت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

صدوق؛ به سندش از ابی هاشم داوود بن قاسم جعفری نقل می کند که از ابوالحسن (امام هادی (ع)) شنیدم که می فرمود:

"... ومن بعدی الحسن ابنی فکیف للنّاس بالخلف من بعده؟ قال: فقلت: وکیف ذاك یا مولای؟! قال: لأنّه لایری شخصه ولایحلّ ذکره باسمه..."؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۸۰ù۳۷۹ ؛ اعلام الوری، ص ۴۳۸ù۴۳۷. پاورقی}

"جانشین بعد از من فرزندم حسن است، پس چگونه است شما را به خلف بعد از خلف؟ عرض کردم: چگونه، خداوند مرا فدایت گرداند؟ حضرت فرمود: زیرا شخصش دیده نمی شود وحلال نیست که نامش برده شود...".

آیا امام عسکری علیه السلام برای غیبت فرزندش مهدی علیه السلام

اشاره

زمینه سازی نموده است؟

پرسش

آیا امام عسکری علیه السلام برای غیبت فرزندش مهدی علیه السلام

زمینه سازی نموده است؟

پاسخ

فعّالیت های امام عسکری (ع) را در این زمینه می توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱ - تعلیمات وبیانات

امام عسکری (ع) در حدیث مبسوطی به احمد بن اسحاق فرمود: "... یا أحمد بن إسحاق! مثله فی هذه الأمّه مثل الخضر (ع) ومثله مثل ذی القرنین، واللَّه لیغیبنّ غیبه لاینجو فیها من الحرکه إلّا من ثبّته اللَّه عزّوجلّ علی القول بإمامته، ووفّقه فیها الدعآء بتعجیل فرجه..."؛{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۸۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴ù۲۳، ح ۱۶. پاورقی}

"...ای احمد بن اسحاق! مَثل او در این امّت مَثل خضر (ع) ومثلش مثل ذی القرنین است. به خدا سوگند! هر آینه غیبتی خواهد نمود که تنها کسانی که خداوند آنان را بر قول به امامت او ثابت کرده، وبه دعا بر تعجیل فرجش موفق ساخته، هلاک نخواهند شد...".

ونیز فرمود: "... أما أنّ لولدی غیبه یرتاب فیها النّاس إلّا من عصمه اللَّه عزّوجلّ"؛ "...آگاه {پاورقی . همان، ص ۴۰۹ ؛

بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶. پاورقی}

باشـید! همانا برای فرزنـدم غیبتی خواهـد بود که در آن مردم شک خواهنـد کرد جز کسانی که خداونـد عزّوجلّ آنها را حفظ کرده باشد."

۲ - کم کردن ارتباطات خود با شیعیان

مسـعودی می گویـد: "هنگـامی که امر امامت به او رسـید با خواص خود وغیر خواص از پشت پرده سـخن می گفت، مگر در اوقاتی که او را به خانه سـلطان می بردند". لذا شـیعیان حضرت برای ملاقات با او در راه می نشستند تا در آن اوقات {پاورقی . اثبات الوصیه، ص ۲۸۶. پاورقی}

حضرت را ملاقات کنند.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۹۰، ح ۶۳ وص ۲۹۳، ح ۶۷. پاورقی}

۳ - اتخاذ

نظام وکالت

گر چه امام عسکری (ع) اولین کسی نبود که به نظام وکالت رو آورد، ولی در زمان آن حضرت برای زمینه سازی غیبت فرزندش مهدی (ع) آن را توسعه داد. ولذا در این راستا عثمان بن سعید وفرزندش را به عنوان وکیل مورد اعتماد وثقه خود معرفی فرمود: "... وأشهدوا علی أنّ عثمان بن سعید العَمْری وکیلی وأنّ ابنه محمد وکیل ابنی مهدیّکم"؛{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴، ح ۱. پاورقی}

"وشهادت دهید بر اینکه عثمان بن سعید عَمْری وکیل من است وهمانا فرزند او محمد وکیل فرزند من، مهدی شماست."

ونیز از وکلای او محمّد بن احمد بن جعفر وجعفر بن صیقل است.

{پاورقی . همان، ج ۵۰، ص ۳۰۹ù۳۱۰، ح ۹. پاورقی}

۴ - قربانی کردن برای فرزندش

صدوق به سندش از ابی جعفر عَمْری نقل کرده که فرمود: هنگامی که آقا متولد شد، ابومحمّد (عسکری) فرمود: "ابعثوا إلی أبی عمرو، فبعث إلیه فصار إلیه، فقال: اِشترِ عشره آلاف رطل خبزاً وعشره آلاف رطل لحماً وفرّقه -أحسبه قال:- علی بنی هاشم، وعقِّ عنه بکذا وکذا شاه"؛ "کسی را نزد ابوعمروبفرستید. کسی را فرستادند. هنگامی که آمد، حضرت به او{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۰ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵، ح ۹. پاورقی}

فرمود: "ده هزار پیمانه نان وده هزار پیمانه گوشت بخر وبه گمانم فرمود آن را بین بنی هاشم تقسیم کن. واز طرف او فلان تعداد گوسفند عقیقه کن."

ونیز در نامه ای به خواصّ خود در قم دستور داد که از طرف فرزندش عقیقه کرده وبه مردم گوشزد کنند که این عقیقه به مناسبت ولادت مولود جدید امام عسکری (ع) محمّد است. ونیز به خواص خود در بغداد وسامرا نیز چنین

نوشت.

۵ – ارائه دادن فرزند خود به خواص از شیعیان

امام عسکری (ع) برای تثبیت قلوب شیعیان نسبت به ولادت وامامت فرزندش مهدی (ع) او را به تعداد بسیاری از یارانش نشان داد. آنها نیز از آن فرزند معجزاتی مشاهده کردند که موجب یقین به امامت او شد، که از آن جمله می توان به احمد بن اسحاق اشعری اشاره نمود.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۸۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴ù۲۳، ح ۱۶. پاورقی}

روایات در مورد ولادت امام

آیا روایات ولادت حضرت مهدی علیه السلام ضعیف است؟

پرسش

آیا روایات ولادت حضرت مهدی علیه السلام ضعیف است؟

پاسخ

۱ – آنچه از قدمای محدثین امامیه می دانیم آن است که آنان نهایت سعی وکوشش واحتیاط خود را در جمع ونقل احادیث در کتب خود داشته اند، که از آن جمله کلینی؛ است. او نزد اهل فن حدیث، معروف به دقت نظر واحتیاط در نقل اخبار است. ونیز می دانیم که بزرگانی امثال شیخ طوسی؛ چه اهتمام وافری به شناخت شیوخ روایی خود داشته اند. شخصی مثل شیخ صدوق؛ عادتاً شیوخ خود را می شناخته ونیز از حالات آنان از ایمان وعدالت آگاهی داشته است، واز کسی که او را نمی شناخته روایت نقل نمی کرده است.

۲ – ما اطمینان داریم که این بزرگان به صحت این گونه روایات که در باب امامت ومهدویت وارد شده اطمینان کامل داشته اند، ویا لااقلّ به جهت برخی قرائن معتبر که همراه آنها بوده وموجب جبران ضعف برخی از آنها می شده، آنها را با اطمینان کامل نقل می کردند. وگرنه جای این سؤال باقی است که امثال شیخ صدوق وطوسی ودیگران چه اهدافی غیر از احتجاج واستدلال به آنها، داشته اند. مگر این نیست که شیخ صدوق کتابش را برای رفع حیرت در امر حضرت مهدی (ع) نوشته است؟

۳ – تمام یا بیشتر اصول ومنابع اصلی احادیث مهدویت که در سه قرن اوّل نوشته شده به دست شیخ صدوق، طوسی ونعمانی رسیده واز خود به آن کتاب ها استناد داشته اند، ولذا به آن روایات استدلال می نمودند.

۴ – گرچه تقسیم حدیث به چهار قسم از اصطلاحات متأخرین است ولی قدمای محدثین از آن جمله شیخ طوسی؛ روش خاصی در قبول خبر داشته اند.

شیخ بهایی بعد از تقسیم حدیث به چهار قسم معروف، می گوید:

"این اصطلاح نزد قدما معروف نبوده بلکه آنان حدیث صحیح را به حدیثی اطلاق می کردند که مقرون به قرائن مورد وثوق واطمینان باشد. واین قرائن انواعی دارد:

الف . وجود حدیث در اصول ۴۰۰ گانه حدیثی که نزد راویان مشهور بوده است.

ب . تکرار حدیث در یک یا دو اصل یا بیشتر از این اصول با سندهای متعدد ومعتبر.

ج . وجود حدیث در اصلی که انتسابش به یکی از اصحاب ائمه ثابت واجماع اصحاب بر صدق او بوده است.

د . وجود حدیث در یکی از کتبی که بر ائمه عرضه شده وآن حضرات، مصنّف آن کتب را تمجید نمودند، از قبیل کتاب: عبیداللّه بن علی حلبی که بر امام صادق (ع) عرضه شد.

{پاورقی . رجال نجاشی، ص ۲۳۰. پاورقی}

ه' . وجود حدیث در کتبی که نزد قدما مورد وثوق واطمینان بوده است.

{پاورقی . وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۱۹۸ù۱۹۷. پاورقی}

۵ - علمای رجال، مجهول را بر دو نوع تقسیم کرده اند:

الف . مجهول اصطلاحی: وآن به کسی اطلاق می شود که تصریح به جهالت او از سوی رجالیون شده باشد.

ب . مجهول لغوی: وآن به کسی اطلاق می شود که وضعیت او معلوم نیست ولذا در کتب رجال از او یادی به میان نیامده است. تنها قسم اول از جهالت است که موجب ضعف راوی است، ودر مورد دوم احتیاج به بررسی دقیق دارد که سبب مطرح نشدن او در کتب رجال چیست؟ گاه ممکن است به جهت معروف بودنش درباره او سکوت کرده اند.

{پاورقی . الرواشح، میرداماد، ص ۶۱ù۶۰. پاورقی}

۶ - احتمالی نیز وجود دارد که بنای قدما بر تمسک به "اصاله الصدق والعداله" باشد. یعنی اصل اولی بر

صدق وعدالت راوی است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. ومقصود به آن، همان اصل عدم ویا استصحاب عدم فسق است. به همین جهت است که ما احتیاجی به اثبات عدالت -خواه به معنای ملکه یا حسن ظاهر- نداریم؛ زیرا احراز آن مستلزم تعطیل امور وتضییع بسیاری از مصالح است. کمتر کسی است که بتوان عدالت او را به اثبات رسانید. این مطلب مورد تأیید عقلا نیز هست.

۷ - برای اثبات اعتبار روایات نباید تنها اعتبار سندی را مطرح ساخت، بلکه باید به همه راه ها واسباب اعتبار شخص توجه کرد ودر نظر داشت که مبنای بسیاری از عالمان شیعه، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان، حجیّت خبر موثوقٌ به است؛ یعنی خبری که از طرق مختلف به آن اطمینان ووثوق حاصل شود.

آیا روایات ولادت حضرت مهدی علیه السلام ضعیف است؟

پرسش

آیا روایات ولادت حضرت مهدی علیه السلام ضعیف است؟

پاسخ

برخی می گویند: "...مؤلّفان در مورد ولادت حضرت مهدی (ع) به هر روایتی تمسک کرده اند در حالی که خود به ضعف سند آنها پی برده اند...".

{پاورقی . تطور الفکر السیاسی، ص ۲۰۸. پاورقی}

۱ - احادیث مربوط به ولادت حضرت مهدی (ع) به جهت وجود برخی از سندهای صحیح در میان آنها کافی است که سند روایات دیگر که از ضعف برخوردارند، تقویت کند، واین مسلکی است که مورد قبول محدثین شیعه واهل سنّت واقع شده است.

{پاورقی . سلسله الاحادیث الصحیحه، ناصرالدین البانی، ج ۴، ص ۳۵۸. پاورقی}

۲ - احادیثی که درباره مسائل مسلّم اعتقادی وکلامی است از آن جهت که نزد شیعه ثابت بوده وبه تأیید قطعی عقل نیز رسیده است، راویان آن مورد جرح وتعدیل قرار نگرفته اند، وبه طور کلی احتیاجی به آن نبوده است، که از آن جمله می توان به احادیث مهدویت اشاره کرد.

۳ - احادیث ولادت حضرت مهدی (ع) که به دلالت مطابقی یا تضمنی یا التزامی دلالت بر ولادت حضرت دارد از حدّ لازم تواتر فراتر رفته است، لذا به جهت آنکه مفید یقین است احتیاج به بررسی سندی ندارد. خبر متواتر، نقل جماعت کثیری است

که اتفاقشـان بر دروغ، محـال است. ومی دانیم که در خبر متواتر لازم نیست که هر یـک از راویـان حـدیث از ثقـات وعـدول باشند، بلکه می توان از راه تراکم احتمالات به یقین رسید.

۴ - شـخص متتبّع بعد از ملاحظه وضع سیاسـی عصـر امام عسکری (ع) وقبل وبعد از آن پی می برد که یکی از عوامل جهالت حال راویان احادیث ولادت حضرت مهدی (ع) همان فشارهای سیاسی بوده که از طریق حاکمان

ظلم وجور بر شیعیان وارد شده است، ولذا بسیاری از راویان، خود را با اسامی مستعار معرّفی می کردند تا شناخته نشوند، خصوصاً با در نظر گرفتن اینکه برخی از راویان از مناطق دور به سامرا می آمده ودر مورد حضرت سؤال می کردند وبرای دیگران نقل می نمودند.

آیا حضرت علی علیه السلام از ولادت امام مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا حضرت علی علیه السلام از ولادت امام مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

اصبغ بن نباته می گوید: "أتیت امیرالمؤمنین (ع) فوجدته متفکّراً ینکت فی الأرض، فقلت: یا أمیرالمؤمنین! ما لی أراک متفکّراً تنکت فی الأرض، أرغبهً منک فیها؟ فقال: لا- واللّه ما رغبتُ فیها ولا فی الدنیا یوماً قطّ، ولکنّی فکّرتُ فی مولودٍ یکون من ظهری الحادی عشر من ولدی، وهو المهدیّ الّذی یملأ الأرض عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً، تکون له غیبه وحیره یضلّ فیها أقوام ویهتدی فیها آخرون..."؛ "خدمت امیرالمؤمنین (ع) رسیدم، دیدم که در فکر فرورفته {پاورقی . کافی ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷؛ کمال الدین، ص ۲۸۹. پاورقی}

وبا چوب دستی بر زمین می زند. عرض کردم: ای امیرالمؤمنین! چه شده که شما را متفکر می بینم وچوب در زمین فرومی برید،آیا در آن رغبتی پیدا کرده اید؟ حضرت فرمود: نه به خدا سوگند، من حتّی یک روز به زمین ودنیا رغبت ننمودم، ولی در مولودی فکر می کردم که از پشت من است، او یازدهمین فرد از اولاد من است. او مهدی ای است که زمین را پر از عدل خواهد کرد آن گونه که از جور وظلم پر شده باشد. از برای او حیرت وغیبتی است که اقوامی در آن گمراه وگروهی نیز در آن هدایت می یابند...".

آیا امام حسن علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام حسن علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

آری، در حدیثی از امام حسن مجتبی (ع) روایت شده که فرمود:

"الأئمّه بعد رسول اللَّه (ص) اثنی عشر من صلب أخی الحسین ومنهم مهدیّ هذه الأمّه"؛ "

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۳، ح ۱. پاورقی}

امامان بعد از رسول خدا (ص) دوازده نفرند، (نه نفر از آنان) از صلب برادرم حسین است، واز آنان مهدی این امت است."

آیا امام حسین علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام حسین علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

صدوق؛ به سندش از امام حسین (ع) نقل کرده که فرمود:

"فی التاسع من ولدی سنّه من یوسف وسنّه من موسی بن عمران وهو قآئمنا أهل البیت یصلح اللَّه تبارک وتعالی أمره فی لیله واحده"؛ {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۱۷ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳ù۱۳۲. پاورقی}

"در نهمین از فرزندانم سنّتی از یوسف وسنتی از موسی بن عمران (ع) است. او قائم ما اهل بیت است. خداوند متعال امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود."

ونیز از آن حضرت روایت شده که فرمود:

"قآئم هذه الأمّه هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغیبه وهو الّذی یقسم میراثه وهو حیّ"؛ {پاورقی . همان. پاورقی}

"قائم این امت همان نهمین از فرزندان من است، واوست صاحب غیبت. واوست کسی که میراث او در حالی که زنده است تقسیم می شود."

عبدالرحمن بن سلیط از امام حسین (ع) نقل کرده که فرمود:

"ومنّا اثنی عشر مهدیّاً، أوّلهم أمیرالمؤمنین علیّ بن أبی طالب وآخرهم التاسع من ولدی وهو القآئم بالحقّ، یحیی اللَّه به الأرض بعد موتها..."؛ {پاورقی . همان. پاورقی}

"از ما دوازده مهدی است که اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب وآخر آنها نهمین از فرزندانم می باشد، واوست امام قائم به حق که خداوند زمین را به واسطه او بعد از هلاکتش زنده خواهد گردانی

آیا امام سجادعلیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام سجادعلیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

فرزند امام زین العابدین (ع) از حضرت سؤال کرد:

"یا أبه! ولِمَ سمّیته الباقر؟

قال: فتبسّم وما رأیته یتبسّم قبل ذلک... ثم قال: یا بنیّ! إنّ الإمامه فی ولده إلی أن یقوم قآئمنا (ع) فیملأها قسطاً وعدلاً، کما ملئت ظلماً وجوراً وأنّه الإمام وأبو الأئمّه، معدن الحلم وموضع العلم یبقره بقراً واللّه لهو أشبه الناس برسول اللّه (ص)

فقلت: فکم الأئمّه بعده؟

قال: سبعه ومنهم المهدیّ الّذی یقوم بالدین فی آخر الزمان"؛ {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۸، ح ۳. پاورقی}

"ای پدر! چرا برادرم را باقر نامیدی؟ ایشان تبسمی فرمودند که من پیش از آن چنین ندیده بودم سپس حضرت فرمود: "ای فرزندم! همانا امامت در اولاد او خواهد بود تا قائم ما قیام کند وزمین را پر از عدل وداد نماید، همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد واوست امام، پدر امامان، معدن حلم وموضع علم، علم را خواهد شکافت. به خدا سوگند! هر آینه او شبیه ترین مردم به رسول خدا (ص) است. عرض کردم: امامان بعد از او چند نفرند؟ فرمود: "هفت نفر که از میان آنها مهدی است که در آخرالزمان به دین قیام خواهد کرد."

آیا امام باقرعلیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام باقرعلیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

مسعودی در "اثبات الوصیه" به سند خود از علی بن ابی حمزه نقل کرده که فرمود: من با ابوبصیر بودم وبا ما نیز یکی از

موالیان امام باقر (ع) بود. او برای ما نقل کرد که از امام باقر (ع) شنیده که فرمود:

"منّا اثنی عشر محدثاً، السابع من ولدی القآئم..."؛

{پاورقی . اثبات الوصیه، ص ۲۸۳ ؛ بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۹۵، ح ۱۱. پاورقی}

"از ما دوازده محدّث است، هفتمین بعد از من قائم است...".

آیا امام صادق علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام صادق علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

آری، صدوق به سندش در حدیث مفصّلی از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

"...ستقع بالسادس من ولدی وهو الثانی عشر من الأئمّه الهداه بعد رسول اللّه (ص)، أوّلهم أمیرالمؤمنین علیّ بن أبی طالب وآخرهم القآئم بالحقّ بقیّه اللّه فی الأرض وصاحب الزمان ..."؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳ ؛ بحارالأنوار، ج ۴۲، ص ۷۹، ح ۸. پاورقی}

"...همانا زود است که ششمین فرزند من غایب شود، واو دوازدهمین نفر از امامان هدایت گر بعد از رسول خدا (ص) است که اوّل آنها امیرالمؤمنین وآخر آنها قائم بحقّ بقیهاللّه در روی زمین وصاحب الزمان است...".

ونیز به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

"من أقرّ بجمیع الأئمّه وجحد المهدیّ کان کمن أقرّ بجمیع الأنبیآء وجحد محمّداً۹ نبوّته. فقیل له: یابن رسول اللّه! فمن المهدیّ من ولدک؟ قال: الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه ولایحلّ لکم تسمیته"؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳۳، ح ۱. پاورقی}

"هر کس به جمیع ائمه اقرار کند ولی مهدی را انکار کند مثل کسی است که اقرار به جمیع انبیا کرده ولی محمّد (ص) را انکار کرده است. به حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا! چه کسی از فرزندان تو مهدی است؟ فرمود: پنجمین از اولاد هفتم، کسی که از شما غایب می شود ونام بردن او بر شما حلال نیست."

ونیز در حدیثی از ابی بصیر نقل می کند که فرمود: به امام صادق (ع) عرض کردم:

"ومن القآئم منکم أهل البیت؟

فقال: یا أبابصیر! هو الخامس من ولد ابنی موسی ذلک ابن سیّده الإمآء یغیب غیبه یرتاب فیها المبطلون ثمّ یظهره اللّه عزّوجلّ فیفتح

علی یده مشارق الأرض ومغاربها..."؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۴۵، ح ۳۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴. پاورقی}

"ای فرزند رسول خدا! قائم از شما اهل بیت کیست؟

حضرت فرمود: ای ابابصیر! او پنجمین فرزند از اولاد فرزندم موسی است، او فرزند بهترین زنان است، غیبتی دارد که در آن اهل باطل شک خواهند کرد، آن گاه خداوند عزّوجلّ او را ظاهر کرده وبه دست او مشرق ها ومغرب های زمین را فتح خواهد نمود...".

آیا امام کاظم علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام کاظم علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

یونس بن عبدالرحمن می گوید: بر حضرت موسی بن جعفر (ع) وارد شدم وعرض کردم:

"یابن رسول اللّه! أنت القآئم بالحقّ؟!

قال: أنا القائم بالحقّ ولکنّ القآئم الّذی یطهّر الأرض من أعدآء اللّه ویملأها عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً، هو الخامس من ولدی، له غیبه یطول أمدها..."؛ {پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۳۳. پاورقی}

"ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حقّید؟

حضرت فرمود: من قائم به حقّم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند وآن را از عدل وداد پر می نماید آن طوری که از جور پر شده باشد، پنجمین نفر از اولاد من است، برای او غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود...".

ونیز صدوق به سندش از حضرت موسی بن جعفر (ع) نقل کرده که فرمود:

"إذا فقد الخامس من ولد السابع فاللّه اللّه فی أدیانکم..."؛ {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۵۹، ح ۱. پاورقی}

"هر گاه که پنجمین فرزند از فرزندان امام هفتم غایب شد خدا را خدا را در دین هایتان...".

آیا امام رضاعلیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام رضاعلیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

حسین بن خالد در حدیثی می گوید: به امام رضا (ع) عرض شد:

"... ومن القآئم منکم أهل البیت؟ قال: الرابع من ولدی ابن سیّده الإمآء یطهّر اللّه به الأرض من کلّ جور، ویقدّسها من کلّ ظلم، وهو الّذی یشکّ الناس فی ولادته وهو صاحب الغیبه قبل خروجه"؛

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، ح ۲۹. پاورقی}

"قائم از شما اهل بیت کیست؟

حضرت فرمود: "چهارمین از اولادم، فرزند بهترین زنان، خداوند به واسطه او زمین را از هر گونه ظلم وجور پاک ومقدس خواهد کرد. واوست کسی که مردم در ولادتش او شک کنند، واو کسی است که قبل از خروجش غیبت خواهد نمود...".

دعبل خزاعی می گوید: قصیده ای را برای مولایم امام علی بن موسی الرضا (ع) انشاد کردم. هنگامی که به این اشعار رسیدم:

خروج إمام لا محاله واقع یقوم علی اسم اللّه و البرکات

یمیّز فینا کلّ حقّ و باطل و یجزی علی النّعمآء و النقمات

"خروج امام به طور حتم واقع خواهد شد. او که بر اسم خدا و برکات قیام خواهد کرد. در بین ما هر حق و باطلی را تمییز خواهد داد. و بر نعمت ها و مصیبت ها جزا خواهد داد."

"بکی الرضا (ع) بکاءاً شدیداً، ثمّ رفع رأسه إلیّ، فقال لی: یا خزاعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین فهل تدری من هذا الإمام ومتی یقوم؟

فقلت: لا یا مولای إلّا أنّی سمعت بخروج إمام منکم یطهّر الأرض من الفساد ویملأها عدلاً.

فقال: یا دعبل! الإمام بعدی محمد ابنی، وبعد محمد ابنه علیّ، وبعد علیّ ابنه الحسن، وبعد الحسن ابنه الحجّه القآئم المنتظر فی

غیبته المطاع فی ظهوره..."؛

{پاورقی .

ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۷. پاورقی}

"امام رضا (ع) گریه شدیدی کرد، پس سرش را به سوی من بلند کرد آن گاه فرمود: ای خزاعی! روح القدس بر زبان تو به نطق درآمد،آیا می دانی که این امام کیست؟ و کی قیام می کند عرض کردم: خیر، ای مولای من جز آنکه شنیده ام که امامی از شما خروج خواهد کرد و زمین را از فساد پاک خواهد نمود و پر از عدل وداد خواهد نمود. حضرت فرمود: همانا امام بعد از من فرزندم محمّد است، وبعد از محمّد فرزندش علی، وبعد از علی فرزندش حسن، وبعد از حسن فرزندش حجت قائم است، او کسی است که در غیبتش منتظر ودر هنگام ظهورش مطاع خواهد بود...".

آیا امام جوادعلیه السلام از ولادت امام مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام جوادعلیه السلام از ولادت امام مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

آری، در حدود ۹۰ حدیث از امام جواد (ع) اشاره به ولادت حضرت مهدی (ع) شده است.

صدوق به سندش از عبدالعظیم حسنی نقل کرده که فرمود: من بر محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب: وارد شدم ومی خواستم تا از قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا شخص دیگر؟ حضرت در ابتدا فرمود:

"یا أباالقاسم! إنّ القآئم منّا هو المهدیّ الّذی یجب أن ینتظر فی غیبته ویطاع فی ظهوره وهو الثالث من ولدی"؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۷، ح ۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱. پاورقی}

"ای اباالقاسم! همانا قائم از ما مهدی است که واجب است در غیبت او به انتظار نشسته شود ودر ظهورش اطاعت شود. واو سومین از اولاد من است."

صدوق؛ به سندش از صقر بن ابی دلف نقل کرده که از امام جواد (ع) شنیدم که می فرمود:

"الإمام بعدی اِبنی علیّ، أمره أمری وقوله قولی وطاعته طاعتی، والإمام بعده ابنه الحسن أمره أمر أبیه وقوله قول أبیه وطاعته طاعه أبیه. ثمّ سکت فقلت له: یابن رسول اللّٰه! فمن الإمام بعد الحسن؟ فبکی(ع) بکآءً شدیداً، ثم قال: إنّ من بعد الحسن ابنه القآئم الحقّ المنتظر..."؛ {پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۳۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵. پاورقی}

"امام بعد از من فرزندم علی است، امر او امر من وقول او قول من وطاعت او طاعت من است. وامام بعد از او فرزندش حسن

است. امر او امر پدرش، وقول او قول پدرش، وطاعت او طاعت پدرش می باشد. آن گاه ساکت

شـد. عرض کردم: ای فرزنـد رسول خـدا! امام بعد از حسن کیست؟ امام گریه شدیدی کرد، سـپس فرمود: همانا بعد از حسـن فرزندش قائم به حقّ منتظر است...".

آیا امام هادی علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام هادی علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

صقر بن ابی دلف می گوید: از امام هادی (ع) شنیدم که می فرمود:

"الإمام بعدی الحسن وبعد الحسن ابنه القآئم الّذی یملأ الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت جوراً وظلماً"؛

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۹، ح ۳. پاورقی}

"امام بعد از من حسن وبعد از حسن فرزندش قائم است، کسـی که زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد آن گونه که پر از ظلم وجور شده باشد."

داوود بن قاسم جعفری می گوید: از امام ابوالحسن هادی (ع) شنیدم که می فرمود:

"الخلف من بعـدی الحسن، فکیف بکم بـالخلف من بعـد الخلف؟ فقلت: ولِمَ؟ جعلنی اللّه فـداک! فقـال: إنّکم لاترون شخصـه ولایحلّ لکم ذکر اسمه..."؛ {پاورقی . کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۰۶. پاورقی}

"جانشین بعد از من فرزندم حسن است. پس چگونه است شما را به جانشین بعد از او؟ عرض کردم: چطور؟ خداوند مرا فدای تو گرداند! فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید ونام بردن اسم او بر شما حلال نیست...".

آیا امام عسکری علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پرسش

آیا امام عسکری علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است؟

پاسخ

آری، در روایات زیادی به این موضوع اشاره شده است:

موسی بن جعفر بن وهب بغدادی می گوید: از امام عسکری (ع) شنیدم که می فرمود:

"کأنّی بکم وقد اختلفتم بعدی فی الخلف منّی، أما أنّ المقرّ بالأئمّه بعد رسول اللَّه المنکر لولدی کمن أقرّ بجمیع أنبیآء اللَّه ورسله ثم أنکر بنبوّه محمّد رسول اللَّه (ص)..."؛ {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶. پاورقی}

"گویا شما را می بینم که بعد از من در جانشین من اختلاف خواهید نمود. آگاه باشید! همانا کسی که اقرار به امامان بعد از رسول خدا کند ولی منکر فرزندم باشد، همانند کسی است که اقرار به جمیع انبیا ورسولان داشته باشد ولی نبوت رسول خدا (ص) را انکار کند...".

عثمان بن سعید عَمْری می گوید: از امام عسکری (ع) سؤال شد در حالی که من نزد او بودم درباره روایتی که از آباء او نقل شده که زمین خالی از حجت خدا بر خلقش تا روز قیامت نخواهد بود. وهمانا کسی که بمیرد وامام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیّت از دنیا رفته است؟ حضرت فرمود:

"إنّ هذا حقّ کما أنّ النهار حقّ. فقیل له: یابن رسول اللَّه! فمن الحجّه والإمام بعدك؟ فقال: ابنی محمّد وهو الإمام والحجّه بعدی، من مات ولم یعرفه مات میته جاهلیه..."؛

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۷. پاورقی}

"این حق است، همان گونه که روز حق است. به حضرتعرض شد: ای فرزند رسول خدا! حجت وامام بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزندم محمّد امام وحجّت بعد از من است. هرکس بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد

به مرگ جاهلیّت از دنیا رفته است..."

احمد بن اسحاق می گوید: از امام حسن عسکری (ع) شنیدم که می فرمود:

"الحمد للّه الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی أرانی الخلف من بعدی أشبه الناس برسول اللّه (ص) خَلقاً وخُلقاً..."؛

{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۰۸، ح ۷ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱، ح ۹. پاورقی}

"ستایش مخصوص خداوندی است که مرا از دنیا خارج نکرد تا اینکه جانشین بعد از مرا به من نشان داد. او شبیه ترین مردم به رسول خدا (ص) از حیث خلقت واخلاق است...".

سایر روایات

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم بر می خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می خیزند، چرا ؟

پرسش

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم بر می خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می خیزند، چرا ؟

پاسخ

ایستادن به موقع شنیدن نام مبارک امام زمان(عج) خصوصاً اسم مبارک "قائم" مستحب است و از وظایف شیعیان در دوران غیبت امام زمان(ع) می باشد.(۱) بهتر است انسان همزمان با شنیدن نام مبارک حضرت قیام نماید ، نه زودتر ، ولی مقداری زودتر ایستادن اشکال ندارد، چون معلوم است که مردم به خاطر احترام به امام دوازدهم (عج) برمی خیزند.

پی نوشت:

۱ - منتهی الامال ، ج ۲، (وظایف شیعیان در دوران غیبت) ص ۴۸۸.

آیا در زیارت (آل یاسین) ، عبارت (یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن ...) درباره زمان ظهور امام زمان (عج) است ؟

پرسش

آیا در زیارت (آل یاسین) ، عبارت (یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن ...) درباره زمان ظهور امام زمان (عج) است ؟

پاسخ

میدانیم که اگر تا هنگامی که زمان عمل و انتخاب و اختیار باشد ایمان فایده دارد آنگاه که زمان انتخاب واختیار و عمل گذشته باشد ایمان فایده ندارد اگر ایمان واقعی و از روی صدق و اخلاص و توبه باشد حتی عذاب الهی را متوقف می سازد : ((فلولا- کانت وقریه امنت فنفعها ایمانها الا قوم یونس)) ، (یونس ، آیه ۹۸) . در زیارت آل یاسین آمده است : ((و ان رجعتکم حق لا- ریب فیها یوم لا ینفع نفسا"ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا)) . این قسمت اززیارت آل یاسین درباره رجعت است رجعت دوره ای است پس از ظهورامام زمان (عج) و قبل از بر پایی قیامت : ((و یوم نحشر من کل امه فوجا" ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون)) ، (نمل ، آیه ۸۳) . ظاهرا" این قسمت از زیارت آل یاسین میان (یوم یاتی بعض آیات ربک) در آیه ۱۵۸ سوره انعام می باشد : ((هل ینظرون الا ان تاتیهم الملایکه او یاتی ربک او یاتی بعض آیات ربک یوم یاتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا" قل انتظروا انا منتظرون))

بنابراین :

۱- موضوع این قسمت از زیارت آل یاسین زمان ظهور

و قیام وحکومت امام زمان (عج) نیست .

۲- موضوع این قسمت از زیارت آل یاسین دوران رجعت است و زمانی است که دیگر دوران تکلیف و اختیار وانتخاب و عمل منقضی گردیده است .

۳- این قسمت از زیارت آل یاسین مصداق آیه ۱۵۸ سوره انعام می باشد و می گوید در دوران رجعت زمان انتخاب و ایمان نیست بلکه زمان جزا و پاداش است . ;

لطفاً این حدیث از امام رضا(ع) که در منتخب الاثر (صافی) آمده توضیح دهید لا یری جسمه و لا یسمی باسمه (مهدی(ع) دیده نمی شود به اسم نام برده نمی شود) همچنین حدیث مشابهی از امام علی النقی در همین مورد از کمال الدین و تمام النعمه آمده است)

پرسش

لطفاً این حدیث از امام رضا(ع) که در منتخب الاثر (صافی) آمده توضیح دهید لا یری جسمه و لا یسمی باسمه (مهدی(ع) دیده نمی شود به اسم نام برده نمی شود) همچنین حدیث مشابهی از امام علی النقی در همین مورد از کمال الدین و تمام النعمه آمده است)

پاسخ

در کتاب کافی، ج ۱، ص ۳۳۳ آمده است: سؤال شد از حضرت رضا(ع) در مورد قائم(عج) حضرت فرمودند: جسم او دیده نمی شود و به اسم نام برده نمی شود منظور از دیده نشدن جسم حضرت به رؤیت معرفت است یعنی کسی او را به عنوان حجت بن الحسن و امام زمان نمی بیند و الا ممکن است بسیاری حضرت را در زمان غیبت ببینند ولی نشناسند.

و اما این که حضرت به اسم نام برده نمی شود براساس روایاتی که در این زمینه وارد شده برخی بزرگان شیعه بردن نام خاص امام زمان که همان نام پیامبر است جایز نمی دانند در برابر عده ای این امر را مخصوص به زمان غیبت صغری دانسته اند که به جهت تقیه نهی شده است از این که نام امام زمان(عج) برده شود ولی در دیگر زمان ها که تقیه نیست بلا اشکال است مؤید این سخن این که در برخی جاها از جمله دعای بعد از سلام علی آل یاسین، تصریح به اسم حضرت شده «اللهم صل علی محمد حجتك فی ارضك...» که اشاره به امام زمان(عج) است.

برخی نیز به جهت احتیاط و عمل به روایات نهی از نام بردن در کتاب ها نام حضرت را به این گونه «م ح م د» می نویسند.

اینکه حضرت امام جعفر صادق(ع) پیرامون حضرت مهدی(عج) می فرماید: «اگر او را درک می کردم، تمام عمر به خدمت او می پرداختم» چه مهمی را می رساند و حضرتش چه منظوری داشته اند؟ (معجم الاحادیث الامام المهدی (عج) جلد ۳، صفحه ۳۸۵).

پرسش

اینکه حضرت امام جعفر صادق(ع) پیرامون حضرت مهدی(عج) می فرماید: «اگر او را درك می کردم، تمام عمر به خدمت او می پرداختم» چه مهمی را می رساند و حضرتش چه منظوری داشته اند؟ (معجم الاحادیث الامام المهدی (عج) جلد ۳، صفحه ۳۸۵).

پاسخ

روایاتی از ائمه معصومین(ع) به این مضمون وارد شده است که دو امام در یک زمان نخواهند بود مگر این که یکی ناطق است و دیگری صامت. یعنی اگر در یک عصر دو امام باشد یکی قائم به امور امامت است و دیگری دعوت کننده به همان امام است و در خدمت امام ناطق است. بنابراین شاید این سخن امام صادق(ع) بیان این واقعیت باشد که اگر حضرت در آن زمان باشند امام ناطق امام زمان خواهد بود و امام صادق در خدمت امام زمان خواهد بود.

نکته دیگر این که این روایت به گونه ای اشاره به رتبه و جایگاه بلند و ممتاز امام زمان(عج) دارد.

مبنای مؤلّفان حدیثی مصادر مهدویت چه بوده است؟

پرسش

مبنای مؤلّفان حدیثی مصادر مهدویت چه بوده است؟

پاسخ

برخی می گویند: معروف نزد قدما چنین بوده که هر روایتی در مسائل تاریخی واز آن جمله موضوع مهدویت را بدون بررسی سند آن نقل می کردند. ولی بعد از آن عصر، حرکت جدیدی پدید آمد وبین روایات تمییز داده شد، تا زمانی که حرکت اصولیین پدید آمد واخبار را به دسته های مختلف از قبیل: صحیح، حسن، قوی وضعیف تقسیم نمودند، ولی این پیشرفت وحرکت شامل روایت های تاریخی که از آن جمله روایات مهدویت است، نگردید...".

{پاورقی . تطور الفکر السیاسی، ص ۲۰۹. پاورقی}

پاسخ:

۱ - آنچه از قدمای محدثین امامیه می دانیم آن است که آنان نهایت سعی وکوشش واحتیاط خود را در جمع ونقل احادیث در کتب خود داشته اند، که از آن جمله کلینی؛ است. او نزد اهل فن حدیث، معروف به دقت نظر واحتیاط در نقل اخبار است.

ونیز می دانیم که بزرگانی امثال شیخ طوسی؛ چه اهتمام وافری به شناخت شیوخ روایی خود داشته اند. شخصی مثل شیخ صدوق؛ عادتاً شیوخ خود را می شناخته ونیز از حالات آنان از ایمان وعدالت آگاهی داشته است، واز کسی که او را نمی شناخته روایت نقل نمی کرده است.

۲ – ما اطمینان داریم که این بزرگان به صحت این گونه روایات که در باب امامت ومهدویت وارد شده اطمینان کامل داشته اند، ویا لااقلّ به جهت برخی قرائن معتبر که همراه آنها بوده وموجب جبران ضعف برخی از آنها می شده، آنها را با اطمینان کامل نقل می کردند. وگرنه جای این سؤال باقی است که امثال شیخ صدوق وطوسی ودیگران چه اهدافی غیر از احتجاج واستدلال به آنها، داشته اند. مگر این نیست که شیخ صدوق کتابش را

برای رفع حیرت در امر حضرت مهدی (ع) نوشته است؟

۳ - تمام یا بیشتر اصول ومنابع اصلی احادیث مهدویت که در سه قرن اوّل نوشته شده به دست شیخ صدوق، طوسی ونعمانی رسیده واز خود به آن کتاب ها استناد داشته اند، ولذا به آن روایات استدلال می نمودند.

۴ - گرچه تقسیم حدیث به چهار قسم از اصطلاحات متأخرین است ولی قدمای محدثین از آن جمله شیخ طوسی؛ روش خاصی در قبول خبر داشته اند.

شیخ بهایی بعد از تقسیم حدیث به چهار قسم معروف، می گوید: "این اصطلاح نزد قدما معروف نبوده بلکه آنان حدیث صحیح را به حدیثی اطلاق می کردند که مقرون به قرائن مورد وثوق واطمینان باشد. واین قرائن انواعی دارد:

الف . وجود حدیث در اصول ۴۰۰ گانه حدیثی که نزد راویان مشهور بوده است.

ب . تکرار حدیث در یک یا دو اصل یا بیشتر از این اصول با سندهای متعدد ومعتبر.

ج . وجود حدیث در اصلی که انتسابش به یکی از اصحاب ائمه ثابت واجماع اصحاب بر صدق او بوده است.

د . وجود حدیث در یکی از کتبی که بر ائمه عرضه شده وآن حضرات، مصنّف آن کتب را تمجید نمودند، از قبیل کتاب: عبیداللّه بن علی حلبی که بر امام صادق (ع) عرضه شد.

{پاورقی . رجال نجاشی، ص ۲۳۰. پاورقی}

ه' . وجود حدیث در کتبی که نزد قدما مورد وثوق واطمینان بوده است.

{پاورقی . وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۱۹۷ù۱۹۸. پاورقی}

۵ - علمای رجال، مجهول را بر دو نوع تقسیم کرده اند:

الف . مجهول اصصلاحی: وآن به کسی اطلاق می شود که تصریح به جهالت او از سوی رجالیون شده باشد.

ب . مجهول لغوی: وآن به کسی اطلاق

می شود که وضعیت او معلوم نیست ولذا در کتب رجال از او یادی به میان نیامده است. تنها قسم اول از جهالت است که موجب ضعف راوی است، ودر مورد دوم احتیاج به بررسی دقیق دارد که سبب مطرح نشدن او در کتب رجال چیست؟ گاه ممکن است به جهت معروف بودنش درباره او سکوت کرده اند.

{پاورقی . الرواشح، میرداماد، ص ۶۰ù۶۱. پاورقی}

۶ - احتمالی نیز وجود دارد که بنای قدما بر تمسک به "اصاله الصدق والعداله" باشد. یعنی اصل اولی بر صدق وعدالت راوی است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. ومقصود به آن، همان اصل عدم ویا استصحاب عدم فسق است. به همین جهت است که ما احتیاجی به اثبات عدالت -خواه به معنای ملکه یا حسن ظاهر- نداریم؛ زیرا احراز آن مستلزم تعطیل امور وتضییع بسیاری از مصالح است. کمتر کسی است که بتوان عدالت او را به اثبات رسانید. این مطلب مورد تأیید عقلا نیز هست.

۷ - برای اثبات اعتبار روایات نباید تنها اعتبار سندی را مطرح ساخت، بلکه باید به همه راه ها واسباب اعتبار شخص توجه کرد ودر نظر داشت که مبنای بسیاری از عالمان شیعه، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان، حجیّت خبر موثوقٌ به است؛ یعنی خبری که از طرق مختلف به آن اطمینان ووثوق حاصل شود.

چرا هیچ یک از امامان علیهم السلام، هویت شخصی حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

را بیان نکرده اند؟

پرسش

چرا هیچ یک از امامان علیهم السلام، هویت شخصی حضرت مهدی علیه السلام

را بیان نکرده اند؟

پاسخ

اوّلاً: تا آنجا که ممکن بود هر یک از معصومین: از حضرت رسول اکرم (ص) گرفته تا امام عسکری (ع) درصدد تشخیص هویّت حضرت مهدی (ع) برآمده اند، همان گونه که از روایات ذکر شده استفاده شد.

ثانیاً: همان گونه که از بسیاری روایات استفاده می شود موقعیّت حضرت مهدی (ع) از جهت سیاسی بسیار خطیر بوده است، زیرا حاکمان ظلم وجور از آنجا که می دانستند او با ظلم وبی عدالتی در سطح گسترده مقابله می کند وزمین را پر از عدل

وداد خواهد کرد، لذا از ابتدا درصدد مقابله شدید با او برآمده بودند.

به همین جهت، اهل بیت عصمت وطهارت: نیز با احتیاط تمام با نشر قضیه ولادت حضرت برخورد می کردند، تا از طرفی زمینه سازی اعتقاد ولادت آن حضرت رابیان کرده باشند واز طرف دیگر کاری نکنند که جان آن حضرت در خطر افتد.

آیا اخبار مهدی علیه السلام غامض وپیچیده است؟

پرسش

آیا اخبار مهدی علیه السلام غامض وپیچیده است؟

پاسخ

روایاتی که از اهل بیت: در مورد حضرت مهدی: وولادت او رسیده، همگی حکایت از شخصی معیّن ومحدود دارد که متولد خواهد شد، وپس از مدتی طولانی که در غیبت به سر می برد ظهور خواهد کرد. لذا مشاهده می کنیم که هر یک از امامان به این نکته اشاره کرده اند که او چندمین از فرزندانشان است. آنان به موضوع غیبت وانواع آن ومخفی بودن ولادت وحیرت مردم در آن نیز اشاره نموده اند. گرچه بخشی از ابهامات که جزئی است، مقتضای طبیعی وضع اختناق سیاسی آن عصر بوده است. آیا با این وضع می توان ادعا کرد که موضوع امام مهدی (ع) غامض بوده است.

آیا نصّ متواتر بر امامت امام زمان علیه السلام از امام عسکری علیه السلام رسیده است؟

پرسش

آیا نصّ متواتر بر امامت امام زمان علیه السلام از امام عسکری علیه السلام رسیده است؟

پاسخ

برای اثبات امامت امام زمان (ع) از راه های مختلف می توان وارد شد وبه نتیجه قطعی ومطلوب در این مسأله رسید. این بحث در رابطه با امامت همه امامان مطرح است.

۱ – همان گونه که اشاره شد از طریق امام عسکری (ع) نصوص متعدی صحیح السند در امر امامت فرزندش رسیده است.

۲ – اگر چه در باب اصل امامت واینکه زمین هرگز از حجت خالی نیست احتیاج به ادله قطعی ویقینی است ولی در بحث اینکه امام بعدی کیست از آن جهت که موضوع خارجی است خبر واحد صحیح السند کافی است.

۳ – همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد نصوص فراوان ودر حدّ تواتر از پیامبر (ص) وهر یک از امامان: در این رابطه وارد شده است.

۴ – همان گونه که یکی از راه های اثبات نبوت، بلکه عمده ترین راه آن، اعجاز است در مورد اثبات امامت نیز از این راه می توانیم امامت هر یک از امامان را به اثبات برسانیم، زیرا نصّ خاص از جانب امام قبل بر امام بعد، موضوعیت ندارد بلکه نصّ، راهی برای اثبات امامت امام بعد است.

۵ – بر فرض اینکه نصوص وارده درباره برخی از ائمه خبر واحد باشند ولی با قرائن خارجی، که این گونه روایات به همراه دارند ما را به قطع واطمینان به مفاد آنها می رسانند، همانند اقبال شیعه واجماع اصحاب امامیه بر امامت شخص خاص، با در نظر گرفتن این نکته که وضعیت خاص سیاسی وفشارهای شدیدی که از ناحیه حکام بنی امیه وبنی عباس بر شیعیان وپیروان اهل بیت وتابعان آنها وارد می شد، چنین وضعی را اقتضا داشته

است.

۶ – با بررسی تمام جوانب موضوع، اعم از روایاتی که از امام عسکری (ع) در باب امامت فرزندش امام مهدی (ع) رسیده ونیز روایاتی که از جانب پیامبر (ص) وهر یک از امامان وارد شده ونیز معجزاتی که از حضرت مهدی (ع) صادر شده وقرائن خارجی دیگر، پی خواهیم برد که مسأله امامت حضرت مهدی (ع) از راه تواتر قابل اثبات است.

آیا حدیث "لو أدرکته لخدمته ایام حیاتی" دلیل برتری امام زمان علیه السلام بر سایر ائمه است؟

پرسش

آیا حدیث "لو أدرکته لخدمته ایام حیاتی" دلیل برتری امام زمان علیه السلام بر سایر ائمه است؟

پاسخ

از امام صادق (ع) نقل است که در ضمن سخنانی فرمود: "...اگر من زمان او –مهدی (ع)- را درک می کردم در طول زندگانی ام به او خدمت می کردم".

مقصود از اصلاح امر حضرت مهدی علیه السلام در یک شب چیست؟

پرسش

مقصود از اصلاح امر حضرت مهدی علیه السلام در یک شب چیست؟

پاسخ

مطابق روایات شیعه وسنّی، خداوند متعال امر حضرت مهدی (ع) را در یک شب اصلاح خواهد کرد؛

ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "خداوند عزّوجلّ امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود".

ونیز از امام حسین (ع) نقل است که فرمود: "قائم ما اهل بیت [کسی است که] خداوند متعال امر او را در یک شب اصلاح وآماده خواهد نمود".

ابن ماجه از امام علی (ع) نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود: "مهدی از ما اهل بیت است که خداوند (امر) او را در یک شب اصلاح وآماده خواهد نمود".

{پاورقی . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۷۶. پاورقی}

مقصود به اصلاح امر حضرت در یک شب آن است که مقدمات نصر وپیروزی را در اسرع وقت، ودر یک شب فراهم کرده واو را مأمور به ظهور خواهد نمود. واولین اقدامی که برای او خواهد نمود اجتماع اصحاب خاص آن حضرت است.

ولی چیزی که باقی می ماند اینکه چگونه امر حضرت در یک شب اصلاح وآماده می شود در حالی که مطابق روایات، گروهی همانند جیش سفیانی ودجال ودیگران به مبارزه با او خواهند پرداخت.

اولاً: ممکن است مقصود از "یک شب" که در روایات آمده کنایه از سرعت اصلاح امر امام زمان (ع) باشد.

ثانیاً: ممکن است مقصود از اصلاح امر حضرت (ع) پیروزی در یک شب باشد.

ثالثاً: ممکن است مقصود از اصلاح امر حضرت، تنها مقدمه سازی برای اعلان ظهور باشد، گر چه پیروزی نهایی به طول انجامد.

رابعاً: از آنجا که معارضه با مخالفان به سرعت وبا اعجاز انجام می گیرد، لذا تعبیر به یک شب شده

است.

امام زمان علیه السلام "یأتی بدین جدید" یعنی چه؟

پرسش

امام زمان علیه السلام "یأتی بدین جدید" یعنی چه؟

پاسخ

پاسخ اول

۱- ظاهر روایات آن است که امام زمان (ع) بعد از ظهور به علم خود در هر واقعه ای حکم می کند نه به بیّنه، بر خلاف آنچه که امامان سابق بر او انجام می دادند. شیخ مفید؛ در کتاب المسائل می گوید: "امام (ع) می تواند به علم خود حکم کند همان طوری که به ظاهر شهادت ها نیز می تواند چنین کند وهر گاه شهادت را باطل ببیند بر علم خود حکم خواهد کرد...".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۲۶، ص ۱۷۷. پاورقی}

علامه مجلسی؛ در "مرآه العقول" می فرماید: "واین اختلاف در سیره اهل بیت: از قبیل نسخ نیست تا کسی اشکال کند که بعد از پیامبر نسخی نیست، بلکه یا به اعتبار تقیه در برخی موارد است ویا به جهت اختلاف اوضاع واحوال در زمان ها است...".

{پاورقی . مرآه العقول، ج ۴، ص ۳۰۱. پاورقی}

۲ - از آنجا که وظیفه امام زمان (ع) بعد از ظهور پر کردن زمین از عدل وداد است، لذا طبیعی است که به واقع حکم نماید تا اینکه حقوق به صاحبان اصلی اش باز گردد، ومقتضای آن این است که حضرت به علم خود که از جانب خدا به او الهام شده حکم نماید، واین همان حکم داوود است.

۳ - حکم حاکم به علمش، بدون اتکا بر بیّنه وقسم، نه تنها مورد اتفاق علمای شیعه است بلکه برخی از علمای اهل سنّت نیز آن را جایز شمرده اند.

ابن قدامه می گوید: "...از احمد بنابر نقلی شنیده شده که حکم حاکم به علمش جایز است، واین قول ابویوسف وابوثور ورأی دوم شافعی واختیار مزنی است، زیرا پیامبر (ص) در موردی که ذکر می کند بدون

بیّنه واقرار وتنها با علم به گفتار مدعی حکم صادر کرد.

آن گاه می گوید: حاکم که به قول دو گواه حکم می کند به جهت غلبه بر ظن اوست، پس در مورد علم وقطع، اولی به جواز حکم است.

ودیگر اینکه حاکم می توانـد در تعدیل وجرح شـهود به علم خود عمل کند، پس در ثبوت حقّ به طریق اولی می تواند به علم خود حکم نماید".

{پاورقی . المغنی، ج ۱۱، ص ۴۰۱. پاورقی}

نتیجه اینکه: هیچ استبعادی ندارد که حضرت مهدی (ع) در قضایا به علمی که از جانب خداوند به او الهام شده حکم نماید.

پاسخ دوم

در بین برخی از مردم این مطلب زیاد مطرح می شود که حضـرت مهدی (ع) هنگام ظهور، دین جدیدی را عرضه می کند، در حالی که ما می دانیم مطابق نصّ قرآن، پیامبر اسلام، خاتم انبیا ودین او نیز خاتم ادیان است.

با مراجعه به مصادر حـدیثی پی خواهیم برد که چنین تعبیری در مجامع حـدیثی وجود ندارد وتنها تعبیراتی می بینیم که ممکن است کسـی از مجموعه آنها چنین اسـتنباط کنـد که حضـرت (ع) دین جدیدی را می آورد، لکن در جای خود هر یک از این تعبیرات را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

طبیعت هر نهضت وقیام وانقلابی، گرچه تجدید نظر کردن در برنامه های گذشته بوده ودرصدد پیاده کردن امری جدید است، زیرا نوآوری از ارکان هر نهضت به شـمار می آیـد، ولی این بدان معنی نیست که از اصول اوّلی شـریعت دست برداشـته شود؛ زیرا حضـرت، محیی الشـریعه است ودرصـدد احیـای همـان شـریعت جدّ خود می باشـد، گرچه ممکن است آن را بـا اسـلوب جدیدی پیاده نماید.

این مطالب هنگامی بیشتر روشن می شود که به نکات زیر توجه شود:

۱ – مطابق برخی

روایات، بخشی از احکام به جهت نبود شرایط ومقتضیات در عصر معصومین بیان نشده وتنها علمش نزد اهل بیت: باقی مانده است، ودر عصر ظهور، آن احکام بیان خواهد شد.

۲ - بخشی از احکام به جهت ضایع شدن کتاب ها واحادیث تلف شده وبه دست ما نرسیده است که قطعاً نزد امام زمان (ع) موجود است ودر عصر ظهور آنها را بیان کرده وبه اجرا خواهد گذاشت.

۳ - در عصر غیبت به جهت دوری از امام معصوم، علما وفقها مأمور به اخذ وظیفه از ادله ای هستند که غالب آنها ظنّی است ودر نتیجه، احکامی که استخراج می شود احکام ظاهری است نه واقعی، گر چه در عصر غیبت مأمور به عمل به آنها هستیم، ولی در عصر ظهور توسط امام زمان (ع) احکام واقعی عرضه می شود.

۴ - در طول تاریخ اسلام برخی از احکام کمتر به آنها عمل شده ویا اصلًا در جامعه بیان نشده است همانند گرفتن جزیه با خفّت وخواری از اهل ذمّه در ممالک اسلامی، که به طور حتم این گونه احکام در عصر ظهور به اجرا در خواهد آمد.

۵ - تا عصر ظهور دیدگاه وسطح فکر وتعقل مردم بسیار بالا رفته وآمادگی وقابلیت هایی فوق العاده در فهم معارف دینی خواهد یافت، که در نتیجه احتیاج به پاسخ گویی با انحای مختلف به این خواسته ها است.

امام زمان علیه السلام "یأتی بسلطان جدید" یعنی چه؟

پرسش

امام زمان علیه السلام "یأتی بسلطان جدید" یعنی چه؟

پاسخ

از امام باقر (ع) وارد شده که فرمود: "به خدا سوگند! گویا نظر می کنم به مهدی بین رکن ومقام که با مردم به... سلطان جدید از آسمان بیعت می کند".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰، ح ۹۶. پاورقی}

در این عنوان احتمالاتی وجود دارد:

۱ - اینکه مقصود از سلطان جدید، اسلوب وروش جدید در اداره حکومت وشؤون اجتماع باشد که بشریّت نظیر آن را در هیچ نوع از حکومت ها ودولت ها ندی.....است؛ حکومتی در ƏŨکل جامعه بشری به تمام معنا اسلامی ومطابق با تمدن وپیشرفت بشری.

۲ – اینکه مقصود سلطنتی است که نسبت به سلطنت ها وحکومت های سابق بر خود جدید است، ولی تجدیدکننده حکومت وسلطنت رسول خدا (ص) در عصر خلافتشان می باشد.

امام زمان علیه السلام به "امر جدید" قیام می کند یعنی چه؟

پرسش

امام زمان علیه السلام به "امر جدید" قیام می کند یعنی چه؟

پاسخ

امام باقر در روایتی می فرماید: "...هر گاه که مهدی خروج کند به امر جدید و... قیام خواهد نمود".

{پاورقی . همان. پاورقی}

درباره این عنوان چند احتمال وجود دارد:

۱ – مقصود از "امر جدید" طلب جدید است که شامل طلب فعل وطلب ترک می شود، یعنی مجموعه ای از احکام جدید یعنی از آنجا که حضرت به واقع حکم می کند، لذا در حقیقت به امر جدید قیام کرده است.

۲ – مقصود از "امر جدید" روش وبرنامه فکری وعقیدتی جدید با روش های نوین است که در برخی از روایات به آن اشاره شده است.

۳ – مقصود از "امر جدید" امارت، خلافت وامامت باشد، همان گونه که در آیه "اولی الأمر" به آن اشاره شده است. واز آنجا که امارت وخلافت حضرت (ع) با سایر خلافت ها متفاوت است لذا نسبت به آنها جدید به حساب می آید.

امام زمان علیه السلام "یأتی بقضاء جدید" یعنی چه؟

پرسش

امام زمان علیه السلام "یأتی بقضاء جدید" یعنی چه؟

پاسخ

در روایتی از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: "...هر گاه قائم آل محمّد خروج کند به سنت جدید وقضاوت جدید قیام خواهد نمود".

{پاورقی . همان، ص ۳۴۸، ح ۹۹. پاورقی}

در اینکه مقصود حضرت از قضاوت جدید در عصر ظهور به توسط حضرت چیست دو احتمال وجود دارد:

۱ - مقصود، خطوط جدید با برنامه های بسیار متنوع وپیشرفته برای بشر در عصر ظهور است.

۲ - مقصود داشتن اسلوب جدید در قضاوت وفصل خصومت بین مردم است، همان گونه که در روایات به آن اشاره شده که حضرت به حکم داوود عمل خواهد نمود ودرخواست بیّنه ودو شاهد عادل نمی کند.

امام زمان علیه السلام "یأتی بسنه جدیده" یعنی چه؟

پرسش

امام زمان علیه السلام "یأتی بسنه جدیده" یعنی چه؟

پاسخ

در روایتی از امام باقر (ع) می خوانیم که فرمود: "...هر گاه مهدی خروج کند به امر جدید وکتاب جدید وسنت جدید... قیام خواهد کرد".

{پاورقی . همان، ج ۵۲، ص ۲۳۰، ح ۹۶. پاورقی}

با آنکه مطابق برخی روایات پیامبر اکرم (ص) فرمود: "سنت مهدی همانند سنت من است".

{پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۱۹. پاورقی}

در پاسخ این سؤال می توان گفت: چون حضرت از طرفی به واقع حکم می کند، ونیز حکومت او در سطح گسترده وعالمی است، وبشر نیز در عصر ظهور به مستوای عالی فکری وپیشرفت عقلانی رسیده است، لذا روش حکومتی واسلوب خاص او در حکومت داری با دیگر روش ها فرق می کند، گر چه نسبت به اصول وچهارچوب احکام اسلامی با سنت رسول خدا (ص) فرقی ندارد.

همچنین ممکن است مقصود آن باشد که سنت وروش حکومتی حضرت نسبت به روش های مردمی که قبل از حکومت حضرت بوده اند جدید به حساب می آید.

آیا امام مهدی علیه السلام قیام کننده به کتاب جدید است؟

پرسش

آیا امام مهدی علیه السلام قیام کننده به کتاب جدید است؟

پاسخ

ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: "... واللّه لکأنّی أنظر إلیه بین الرکن والمقام یبایع الناس علی کتاب جدید ..."؛ "به خدا سوگند! گویا نظر می کنم به مهدی در بین {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۴، ح ۴۲. پاورقی}

رکن ومقام که با مردم بر کتاب جدید بیعت می کند...".

در این تعبیر احتمالاتی وجود دارد:

۱ - مقصود، آوردن قرآن جدید باشد، که قطعاً این احتمال باطل است، زیرا امت اسلامی اتفاق دارند بر اینکه در قرآن نقصان وزیادتی ایجاد نشده ونخواهد شد.

۲ - مقصود این باشد که حضرت (ع) قرآن را آن گونه که در عصر رسول خدا (ص) بوده می آورد. یعنی آن را با تقدیم وتأخیر درآیات می آورد، این احتمال با قول به اینکه قرآن به امر رسول خدا (ص) تدوین شده سازگاری ندارد.

۳ - ممکن است که مراد همان قرآنی باشد که علی بن ابی طالب (ع) تدوین کرده است، قرآنی که متنش همین قرآن موجود است ولی با بیان شأن نزول، تفسیر برخیآیات، ذکر ناسخ ومنسوخ، عام وخاص، مطلق ومقیّد وبرخی خصوصیات دیگر. این احتمال به واقع نزدیک تر است.

امام باقر (ع) فرمود: "إذا قام قآئم آل محمّد ضرب فساطیط ویعلم الناس القرآن علی ما أنزل اللّه عزّوجلّ فأصعب ما یکون علی من حفظه الیوم، لأنّه یخالف فیه التألیف"؛ "هنگامی که قائم {پاورقی . ارشاد مفید، ص ۳۴۴. پاورقی}

آل محمّد قیام کند خیمه هایی برپا می شود ومردم قرآن را آن گونه که خداوند عزّوجلّ نازل کرده فرا می گیرند، واین امر برای کسانی که قرآن را امروز حفظ کرده اند بسیار دشوار خواهد بود؛ زیرا با آنچه که

الفت داشته واز قرآن مأنوس بوده اند مخالفت ومغایرت دارد."

۴ - ممکن است که مقصود از "کتاب جدید" معارف ومفاهیم بلند ووالایی است که امام ازآیات برداشت کرده وبه مردم عرضه می کند، معانی ای که برای آنان تازگی دارد وگویا کتابی با مفاهیمی جدید آورده است.

مفاد روایات در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

پرسش

مفاد روایات در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

پاسخ

روایات در این زمینه بر دو دسته اند:

الف. روایاتی که دلالت دارند بر اینکه مدت بقای حکومت حضرت، ده سال یا کمتر است. این قول مشهور بین علما بوده، غالب روایاتش در مصادر اهل سنّت یافت می شود.

ب. برخی روایات دیگر دلالت دارد بر اینکه مدت حکومت حضرت بیش از ده سال است.

روایاتی از نوع اول

۱ - ابوداوود به سندش از ابوسعید خدری از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "مهدی از من است... وهفت سال حکومت خواهد کرد". {پاورقی . سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۴۲۲. پاورقی}

۲ - ترمذی به سند خود از ابوسعید خدری از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که فرمود: "همانا در میان امّتم مهدی است که خروج خواهد کرد ودر مدت پنج یا هفت یا نه سال حکومت خواهد نمود".

{پاورقی . صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳. پاورقی}

روایاتی از نوع دوم

۱ - قندوزی حنفی از حذیفه بن یمان نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود: "مهدی مردی از اولاد من است... بیست سال حکومت خواهد نمود". {پاورقی . ینابیع الموده، ص ۵۳۷. پاورقی}

۲ - سیوطی به سندش از امام علی (ع) نقل کرده که فرمود: "مهدی در مدت سی یا چهل سال متولّی امر مردم خواهد شد".

{پاورقی . الحاوی للفتاوی، ص ۱۵۵. پاورقی}

۳ - شیخ طوسی به سندش از جابر از امام باقر (ع) در حدیثی نقل می کند که به حضرت عرض کردم: چه مدت قیام حضرت در جهان طول خواهد کشید؟ حضرت فرمود : "نوزده سال". {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۸۶. پاورقی}

۴ - ونیز به سندش از ابن ابی یعفور نقل

کرده که امام صادق (ع) فرمود: "حکومت قائم از ما نوزده سال وچند ماه خواهد بود".

{پاورقی . همان، ص ۱۸۱. پاورقی}

۵ - ونیز از عبدالکریم خثعمی نقل می کند که به امام صادق (ع) عرض کردم: مدت حکومت قائم (ع) چه مقدار است؟ حضرت فرمود: "هفت سال، خداوند روزها وشب ها را طولانی خواهد کرد به حدّی که یک سال از سال های او به مقدار ده سال از سال های شما است. لذا مدت حکومت آن حضرت هفتاد سال از سال های شما خواهد بود".

{پاورقی . همان، ص ۴۳۲. پاورقی}

ونیز به سندش از ابی الجارود از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود: "همانا قائم سیصد ونه سال حکومت خواهد نمود همان گونه که اهل کهف در غارشان درنگ کردند، زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم وجور شده باشد".

{پاورقی . همان، ص ۲۸۳. پاورقی}

چند حدیث درباره ی امام زمان(عج) بیان نمائید؟

پرسش

چند حدیث درباره ی امام زمان(عج) بیان نمائید؟

پاسخ

در پاسخ شما چند حدیث آورده ترجمه می کنیم

۱. عن امیرالمؤمنین علیه السلام المنتظر لامرناکالمتشحط بدمه فی سبیل الله.

ترجمه: از امیر مؤمنان روایت است: کسی که منتظر امر (حکومت عدل) ما باشد (و در این راه از تلاش و پایداری و انجام وظیفه باز نایستد) مانند کسی است که در راه خدا بخون خویش در غلطیده باشد(۱).

۲. یعطف الهوی علی الهدی اذا عطفواالهدی علی الهوی و یعطف الرای القرآن اذا اعظفوا القرآن علی الرای.

ترجمه: (آن گرامی برای تحقق بخشیدن به حکومت عدل جهانی) رغبت ها و تمایلات را بر محور هدایت به گردش می آورد آنگاه که مردم هوسهای خویش را محور قرار داده هدایت الهی را به دور آن بگردانند.

و قرآن را وسیله ی سنجش آراء و اندیشه ها قرار خواهد داد آنگاه که مردم قرآن را بر محور اندیشه ی خویش به گردش درآورند.

۱) احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

اینکه قرآنی می آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟

پرسش

اینکه قرآنی می آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟

پاسخ

درباره ی قرآنی که امام زمان (عج) می آورد سؤال کردید قرآنی که امام زمان (عج) می آورد با این قرآن هیچ تفاوتی ندارد جز اینکه آن قرآن همراه با تفسیر و تأویل آیات است بدین لحاظ که طبق روایات معتبر فقط حضرت علی علیه السلام کاتب خصوصی پیامبر اکرم بودند با اینکه کاتبان عمومی نیز وجود داشتند حضرت پیامبر اکرم، بر آیه ای را که جبرئیل نازل می کرد به حضرت علی علیه السلام املاء می فرمودند و آن چه که پیرامون آن آیه بود مانند تفسیر و توضیح و... حضرت علی علیه السلام به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می نوشتند که در روایت آمده است که مجموع آن به طول ۷۰زارع می شد. بعد از وفات رسول اکرم صلی الله علیه وآله حضرت علی علیه السلام آن را عرضه کردند و جواب شنیدند که حسبنا کتاب الله یعنی ما نیازی به این کتاب ندرایم و کتاب خداوند برای ما کفایت می کند. حضرت علی علیه السلام هم فرمودند دیگر این کتاب را نخواهید دید و این کتاب که به کتاب جامعه معروف است پس از حضرت در نزد فرزندان معصومش باقی ماند و اکنون در نزد حضرت ولی عصر(عج) می باشد که با ظهور آن حضرت این کتاب بر مؤمنین عرضه شده و با مضامین آن عمل می شود. و این همان است که پنداشتند حضرت قرآنی جدید می آورد در حالی که حضرت همان قرآن را با تفسیر و توضیح و بیان حکمتها و فلسفه های آن و فروعات آن... می آورند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

دعای ندبه

چند موضوع از دعای ندبه اختصاص به حضرت مهدی عج) دارد؟

پرسش

چند موضوع از دعای ندبه اختصاص به حضرت مهدی عج) دارد؟

پاسخ

دعـای نـدبه، یکی از دعاهـای جالب و پر معنا است. از نظر فصاحت بسـیار فصـیح و روان و حساب شـده و متین است و از نظر محتوا یـک دعـای عقیـدتی، سیاسـی و در عین حـال پر احسـاس و عاطفی است. در آغاز دعا نخست اشاره ای به فلسـفه بعثت پیامبران، سپس اشاره کوتاهی به تاریخچه آنان و مقامات مختلف هر یک، و سپس به طور مشروح تر بحثی از قیام پیامبر اسلام و مقامـات آن بزرگوار، بعـد به طور مشـروح خلافت بلافصل امیرمؤمنان علی(ع) با دلایل ومـدارک زنـده و قاطعی از آیات و روایـاتی که مورد قبول همه فِرَق اسـلامی است، مورد بحث قرار گرفته، به علت هـای قیام جمعی از افراد شـقاوت پیشه بر ضـد اهـل بیت و خانـدان پیغمبر و شـهادت و کشـتار و تبعیـد آنـان، سـپس به دعوت امامـان اشاره رفته است، به طوری که قلوب را کاملاً متوجه قیام مهـدی عـج) می نماید. از آن پس با لحنی عاشـقانه و آمیخته با هیجان خاص روحی و عمیق ترین احساسات انسانی خطاب به حضـرت ولی عصـر عـج) می شود و ضـمن ابراز اشتیاق شدید به قیام حضـرتش برنامه اصـلاحی و انقلابی او تشریح می گردد.

قسمت عمده و اساسی دعای ندبه به وجود نورانی و با برکت امام زمان عج) اختصاص دارد که شیعیان

با آن امام بزرگوار ارتباط برقرار می کنند و در حق اش دعا می نمایند و درخواست تعجیل در ظهورش را می کنند.

در دعای نـــدبه به این مساله اشاره شده است که می پرسد : نمی دانم کدام ســـرزمین تو را در بر گرفته است ؟ قرارگاهت کجاست ؟ در کوه رضوی یا ذی طوی ۰۰۰ ؟ نمی دانم در این دعا چرا ســـراغ حضرت مهدی را در ذی طوی و کوه رضوی می گیرند که جایگاه محمد حنفیه (امام زمان

پرسش

در دعـای نـدبه به این مسـاله اشـاره شـده است که می پرسـد : نمی دانـم کـدام سـرزمین تـو را در بر گرفته است ؟ قرارگـاهت کجاست ؟ در کوه رضوی یا ذی طوی ۰۰۰ ؟ نمی دانم در این دعا چرا سراغ حضرت

مهـدی را در ذی طوی و کوه رضوی می گیرنـد که جایگاه محمـد حنفیه (امام زمان فرقه کیسانیه) است که معتقدنـد در این کوه ازانظار مخفی شـده و از آنجا ظهور خواهـد نمود . مطالعه دقیق متن دعای نـدبه که از ائمه ما به تصـریح و ترتیب نام نمی برد و پس از حضـرت امیر که به تفصـیل از مناقب و فضایل وی سـخن می گوید ناگهان و بی واسـطه به امام غایب خطاب می کند , باز این سوال را بیشتر در ذهن طرح می کند .

پاسخ

دعای ندبه بحق , یکی از دعاهای جالب و پر معنی است . از نظر فصاحت بسـیار فصـیح وروان و حساب شده و متین است و از نظر محتوا بایـد گفت یک دعای علمی , انقلابی ,عقیدتی و سیاسـی و در عین حال پر احساس و عاطفی است و اگر درست به مفهوم آن آگـاهی حاصـل گردد می توانـد منبع الهامبخشـی برای مبـارزات اجتماعی و بر ضـد ظلم بوده باشـد (البته به شـرط آگاهی , نه به صورت تخدیر) . در آغاز دعا نخست اشاره ای به فلسفه بعثت پیامبران و سپس اشاره کوتاهی به تاریخچه آنان و مقامات مختلف هر یک و سـپس بطور مشروح تر بحثی از قیام پیامبراسلام صلی اللّه علیه و آله و سلم و مقامات آن بزرگوار و بعـد بطور مشـروح خلافت بلافصل امیرمومنان علی علیه السـلام با دلایل و مـدارک زنده و قاطع از آیات وروایاتی که مورد قبول همه فرق اسلامی است مورد بحث قرار گرفته و به علل قیام جمعی از امت بر خلاف اهل

بیت و خانـدان پیغمبر و شـهادت و کشـتار و تبعید آنان وسـپس به دعوت امامان یکی بعد از دیگری اشاره شده است , بطوری که قلوب را کاملاـمتوجه به قیـام مهـدی (عـج) می نمایـد و از آن پس بـا لحنی عاشـقانه و آمیخته بـا هیجـان خـاص روحی و عمیقترین احساسات انسانی , خطاب به ولی عصـر (عج) می شود و ضمن ابرازاشتیاق شدید به قیام حضرتش , برنامه اصلاحی و انقلاـبی او تشریح می گردد و بعـد باچنـد نیـایش زنـده و موثر دعـا پایـان می پـذیرد . این از نظر محتویات دعا , اما این که بعضـی پنداشـته انـد که این دعا شـباهتی باعقایـد کیسانیه دارد کاملا مردود است و قبلا لازم است چنـد جمله کوتاه در معرفی مـذهب کیسانیه ذکر کرده و سـپس شواهـد رد پنـدار بالا را از خود دعا اسـتخراج کنیم : کیسانیه آنچنان که در کتب عقایـد و مذاهب آمده است , یک فرقه شـیعه چهارامامی بودند که پس از حضـرت علی و امام حسن و امام حسـین - علیهم السلام - به امامت محمـد حنفیه عقیـده دارند و گفته می شود علت این که آنها را کیسانیه می نامند این است که یکی از هوا خواهان سـر سخت این مذهب شخصـی به نام کیسان بود که خود را از علاقمندان علی علیه السلام معرفی می کرد و بعضی هـم کیسان رااز القاب مختار بن ابی عبیده می دانند و او را از پیروان این مذهب ذکرکرده اند . گرچه کیسانیه خود منشـعب به شعبه هایی شده اند ولی شعبه مشهور آنها عقیده دارند که محمد حنفیه هم اکنون

زنـده است و در کوه رضوی در اطراف مـدینه در نقطه دور افتـاده ای زنـدگی می کنـد و خداونـد آب آشامیـدنی و عسـلهای کـوهی در اختیـار اوقرار داده و مهـدی منتظر اوسـت . گفتـه می شـود کـثیر شـاعر معروف عرب از پیروان ایـن فرقه است و در اشـعارش چنین می گوید :الا ان الائمه من قریش ولاه الحق اربعه سواءعلی و الثلاثه من بنیه هم الاسـباط لیس بهم خفاءو سـبط لا یـذوق الموت حتی یقود الخیل یقدمها الولاءیغیب لا یری فیهم زمانا برضوی عند عسل و ماءشاعر در این اشـعار عدد ائمه را چهار نفر - علی علیه السـلام و سه فرزنـدش - ذکرمی کند و سـپس به غیبت محمد بن حنفیه در کوه رضوی اشاره می نماید . امروز این فرقه کمتر پیروان شـناخته شـده ای دارد و غالبـا نام آنها را در کتب تاریـخ ادیان می یابیم . اکنون به اصل سـخن باز گردیم :دعای ندبه با صراحت تمام مذهب کیسانیه را نفی می کند و با عقاید شیعه اثنی عشری کاملا منطبق است زیرا :

۱ - در سه جمله از دعای ندبه درباره نسب حضـرت مهدی (عج) می خوانیم و ابن خدیجه الغراء و ابن فاطمه الکبری و جدته الصـدیقه الکبری فـاطمه بن محمدصـلی اللّه علیه و آله و سـلم یعنی او از فرزنـدان خـدیجه و فـاطمه - علیهماالسـلام است . در حالی که محمـد بن حنفیه هیـچ گونه نسـبتی با خـدیجه و حضـرت فاطمه دخت پیامبر اسـلام ندارد , چه این که مادرش خوله حنفیه , دختر جعفر بن قبس بود ,نه ارتباطی با خدیجه داشت و نه با فاطمه

زهرا - علیهماالسلام - با این حال جای تعجب است که کسی برای دعای ندبه شباهتی به عقاید کیسانیه قائل گردد , اگر فرضاکلمه رضوی ایجاد شبهه ای کند (که خواهیم دید نمی کند) این سه جمله صریح ,هرگونه شبهه ای را می تواند برطرف سازد .

۲ - در این دعا بعد از جمله این ابناء الحسین می خوانیم صالح بعد صالح وصادق بعد صادق این السبیل بعد السبیل , این الخیره بعد الخیره , این الشموس الطالعه , این الاقمار المنیره , این الانجم الزاهره , این اعلام الدین و قواعدالعلم این بقیه اللّه ; کجا هستند فرزندان امام حسین علیه السلام صالحی پس ازصالح دیگر و راستگویی پس از راستگوی دیگر , کجا هست راه به سوی خدا پس ازدیگری , انتخاب شده ای (از سوی خدا) پس از دیگری , کجا هستند خورشیدهای درخشان و ماههای تابان و ستارگان فروزان و پرچمهای آیین حق و پایه های علم و دانش سپس جمله را به صورت مفرد آورده و می گوید : کجاست آن کسی که خدا او را ذخیره کرده است ۰۰۰ ؟ این جمله های مکرر به روشنی می گوید بعد از امام حسین علیه السلام امامان متعددی بودند که یکی پس از دیگری برای اصلاح امت و دعوت به سوی خدا و بسط علم و دانش قیام کردند تا می رسد به آخرین ذخیره الهی و او را به صورت مفرد بیان کرده است . با این حال آیا می توان شباهتی برای دعای ندبه با عقاید کیسانیه - آنها که نه برای فرزندان امام حسین

علیه السلام منصبی قائل هستند و نه غیر از محمد بن حنفیه امامان دیگری را به رسمیت می شناسند - پیدا کرد ؟آیا جای تعجب نیست که گفته شود پس از ذکر ولایت علی علیه السلام مطلب بریده شده وامامان وسط نادیده گرفته شده اند و تنها سخن از مهدی به میان آمده و این مناسب عقیده فرقه کیسانیه است آیا این ده جمله پی در پی درباره امامان دیگر به خاطراین که اسمشان صریحا برده نشده , کافی به نظر نمی رسد ؟ آیا برای نفی عقایدکیسانیه ده جمله کم است ؟

۳ - در جمله های بنفسی انت من مغیب لم یخل منا بنفسی انت من نازح ما نزح عنا خطاب به ولی عصر (عج) می گوییم : جانم به فدایت که پنهانی ولی از ما خالی نیستی و دوری هستی که از ما جدا نیستی ۰۰۰ . در این دو جمله مهدی (عج) را در میان خود و نزدیک به خود معرفی می کنیم و این خود می رساند که غیبت او به این معنی نیست که همچون یک موجود نامریی و در مکان خاصی از چشمها پنهان باشد , بلکه به صورت ناشناس در اجتماعات رفت و آمد دارد ومحل ثابتی برای او وجود ندارد .

۴ - از آنچه در بالا- گفتیم روشن شد که فقرات این دعا یکی پس از دیگری عقیده فرقه خرافی کیسانیه را نفی می کند و با عقیده شیعه اثنی عشری کاملا منطبق است . تنها چیزی که باقی می ماند وجود کلمه رضوی در یکی از جمله های این دعاست که نکته آن با

مراجعه به مدارک و منابع اسلامی روشن می گردد . توضیح این که : یاقوت حموی بغدادی نویسنده معروف در کتاب معجم البلدان درباره رضوی چنین می نویسد : رضوی ۰۰۰ کوهی است در اطراف مدینه و رضوی (بر وزن رجبی) منسوب به آن راگویند , پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم درباره این کوه فرمود : رضوی کوهی است که خدا از آن راضی و خشنود است . سپس بعد از نام بردن از کوههای مقدس دیگر در ذیل کلام خود می گوید : عرام بن اصبع سلمی گفته است : رضوی کوهی است که از ینبع یک روز فاصله دارد ودر هفت منزلی مدینه است و یکی از کسانی که این کوه را سیر کرده به من اطلاع دادکه آب فراوان و درختان بسیار دارد و این همان کوهی است که طایفه کیسانیه می پندارند محمد بن حنفیه در آن اقامت دارد و زنده است . و اما ذی طوی که بعد از کوه رضوی در دعای ندبه آمده , یکی از کوههای اطراف مکه است که در راه تنعیم قرار دارد و یک فرسخ از مکه فاصله دارد و ازآنجا خانه های مکه دیده می شود . در روایتی از امام باقر علیه السلام وارد شده که : حضرت قائم از طریق ذی طوی وارد سرزمین مکه می شود و نخست با مجاهدانی به تعداد مجاهدان بدر (نخستین برخورد اساسی اسلام و کفر) به کنار خانه کعبه می آید و پرچم انقلاب و پیروزی رادر آنجا برمی افرازد . از آنچه در بالا گفته شد

, نتیجه می گیریم که رضوی از کوههای مقدس بوده و درروایات پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم آمده است (مقدس بودن یک سرزمین یا یک کوه یا مثلا حجر الاسود به خاطر جبهه های تاریخی و حوادث مهمی است که در طول تاریخ بشر برای آنها گذشته و مربوط به صحنه های فداکاری مردان خداست که به خود دیده است) . بنابراین کوه رضوی پیش از آنکه در عقاید کیسانیه نقشی پیدا کند در سخنان پیامبروارد شده است , بلکه شاید انتخاب این کوه از طرف کیسانیه برای عقاید خود به خاطر همان قداست آن بوده تا رنگ قداست به معتقدات باطل خود بدهند . با این حال اگر رضوی در دعای ندبه آمده , آن را باید به ریشه اصلی که در گفتارپیامبر است برگردانیم نه به عقیده کیسانیه که جنبه فرعی دارد . شاهد دیگر این سخن ذکر کوه ذی طوی که در نزدیکی مکه است می باشد زیرا ذی طوی به هیچ وجه دخالتی در عقاید کیسانیه ندارد و از همه گذشته کلمه ام غیرهااست - یعنی غیر اینها - که در دعای ندبه آمده و این خود دلیل بر این است که حضرت مهدی (عج) بر خلاف پندار کیسانیه محل خاصی ندارد و در شهرها و کوهها و نقاطمختلف جهان ممکن است رفت و آمد داشته باشد و همچون جدش پیامبر صلی اللّه علیه وآله و سلم که گاهی در جبل النور و غار حرا و زمانی در کنار خانه کعبه و زمانی در میان مردم مکه یا مدینه بود , حضرت مهدی (عج)

نیز در نقاط مختلفی ممکن است به سر برد و گاهی نیز در میان ما بوده باشد . ما امیدواریم در آینده کسانی که می خواهند به این گونه مسائل خرده گیری کنندبرای اثبات حسن نیت خود قبلا آن را با جمعی از متخصصان و اهل فن که عمری درمباحث اسلامی زحمت کشیده اند در میان بگذارند , اگر پاسخی دریافت نکردند کاملاآزادند آن را نشر دهند ولی اگر پاسخ آن را شنیدند افکار عمومی را مشوب نسازند .

چگونه ممکن است دعای نـدبه به یکی از امامان معصوم منسوب باشد که همه عاقل و کامل بودند ولی یکی از آنان خطاب به نوادهاش (امام زمان«ع») که هنوز به دنیا نیامده بگوید تو کجائی؟

پرسش

چگونه ممکن است دعای ندبه به یکی از امامان معصوم منسوب باشد که همه عاقل و کامل بودند ولی یکی از آنان خطاب به نوادهاش (امام زمان«ع») که هنوز به دنیا نیامده بگوید تو کجائی؟

پاسخ

کسی نگفته است که امامان گذشته این دعا را میخواندهاند و امام ششم یا دهم به حضرت صاحب الزمان این خطابات را فرموده یا خود امام زمان به خودشان خطاب فرموده و از فراق خود ناله و ندبه کردهاند. علامّه مجلسی میفرماید: این دعا به سند معتبر از امام جعفر صادق منقول است که فرمودند: مستحب است این دعا را در چهار عید بخوانند، از کجای فرمایش او و نیز سید بن طاووس و شیخ محمدبن المشهدی و محمدبن علی بن ابی قره و بزوفری استفاده میشود که ائمه آن را میخواندند یا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) خودشان برای خود آن را خواندهاند. از فرمایش این بزرگان، بیش از این استفاده نمیشود که دستور العمل است برای مؤمنانی که در عصر غیب زندگی میکنند، این دعا را در اعیاد اربعه بخوانند.

این چه ربطی دارد به اینکه ائمه هدی(علیهم السلام) هم این دعا را میخوانده یا نمیخواندهاند.

ثانیاً: مخاطب قرار دادن کسی که هنوز به دنیا نیامده و معلوم است که به دنیا میآید و نور و حقیقت وجود او آفریده شده، اگر چه هنوز به این بدن عنصری تعلق نیافته توسط کسانی که با آن عوالم ارتباط دارند چه مانعی دارد؟

مگرنه بر حسب قرآن مجید در سوره اعراف آیه ۲۶ و ۲۷ و ۳۱ و ۳۵، خداوند به بنی آدم، در حالی که هنوز وجود پیدا نکرده بودند خطاب

فرموده است. (رجوع شود به تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۰۹ و ۴۱۲ و ۴۱۵ و تفسیر تبیان م ۴، ص ۴۰۷ ۴۰۹ ۴۱۵ ۴۲۱) یا اگر بعضی وجود داشتند، این خطابات که عام است، مثل «یا بنی آدم» شامل همه معدومین و موجودین است.

ثالثاً: این دعا، دعای ندبه است و در مقام ندبه مجازاً اینگونه خطابات به جا و موافق با ذوق است. گوینده خود را مانند یکی از کسانی که در دوره غیبت زندگی میکنند و در آتش فراق و هجران ولی عصر میسوزند و از ستمگران ستم و جفا میبینند فرض میکند و این خطابات را مینماید، و برای آن دوران و آن روزگار و آن سختیها و امتحانات که جلو میآید ندبه میکند نه اینکه واقعاً بخواهد جای امام زمان را پیدا کنند. غرض، این جملهها همه تعلیم ندبه و ابراز علاقه به ولیّ عصر و اظهار حالت انتظار است.

سؤال مذکور را خدمت چندین استاد گرانقدر بیان نمودیم اما متأسفانه جوابی قانع کننده نگرفتیم حتی چندین نفر این ادعا را رد کردند سؤال مذکور این است که در دعای ندبه خطاب به امام زمان می شود:

اشاره

نمی دانم که در کدام سرزمین سکنی گزیده ای آیا در سرزمین رضوا یا غیر آن

پرسش

سؤال مذکور را خدمت چندین استاد گرانقدر بیان نمودیم اما متأسفانه جوابی قانع کننده نگرفتیم حتی چندین نفر این ادعا را رد کردند سؤال مذکور این است که در دعای ندبه خطاب به امام زمان می شود:

نمی دانم که در کدام سرزمین سکنی گزیده ای آیا در سرزمین رضوا یا غیر آن یا در ذی طوی متمکن گردیده اید. در صورتی که این کوه جایگاه محمد بن حنفیه رهبر فرقه کیسانیه است که معتقدند وی در آن سرزمین غایب شده و پیروان او رو به این کوه دعا می خوانند در صورتیکه این کوه هیچ ارتباطی به زندگانی حضرت قائم(عج) ندارد حتی آن زمانی که ایشان به قولی در مکه زندگی می کرده اند.

پاسخ

این سؤال قبلا هم از سوی برخی مطرح شده است و مرحوم ملا محمد تقی تستری صاحب قاموس الرجال، پاسخی داده است که اجمال آن را نقل می کنیم:

برخی روایات اشاره به این دارد که محل زندگی حضرت در دوران غیبت رضوی و ذی طوی که آن روایات را ذیلاً می آوریم:

۱- شیخ طوسی (ره) در کتاب غیبت نقل می کند به اسناد از عبدالله الاعلی مولی آل سام قال خرجت مع ابی عبد الله (ع) فلما نزلنا الروحاء نظر الی جبلها مطلا علیها فقال لی تری هذا الجبل یدعی «رضوی» من جبال فارس احبنا فنقله الله الینا اما ان فیه کل

شجره مطعم و نعم امان للخائف مرتین. اما ان لصاحب هـذا الامر فیه غیبتین واحده صـغیره و اخری طویله. (غیبت شـیخ طوسـی ۱۶۳، بحار ۵۲/۱۵۳)

خلاصه ترجمه روایت این است که راوی می گوید:

با امام صادق علیه السلام بیرون رفتیم

به مکانی به نام روحاء رسیدیم، حضرت به کوهی که در آنجا بود نگاه کردند و فرمودند این کوه رضوی است و در آن هر درخت میوه داری هست و خوب محل امنی است برای خائف حضرت این جمله را دو مرتبه فرمودند و پس از آن فرمودند برای صاحب این امر در این مکان دو غیبت است یکی کوتاه و یکی طولانی.

در مجمع البلدان می گوید نزدیک ینبع کوه رضوی است و آن کوهی است که دارای وادی ها و رودها و من شنیده ام که در بین آن آب ها و رودها درختان فراوانی است.

۲- در کتاب غیبت نعمانی آمده است حدثنا احمد بن محمد ... عن اسمعیل بن جابر عن محمد بن علی عن ابی جعفر علیه السلام انه قال یکون لصاحب هذا الامر غیبه فی بعض هذه الشعاب و او ما بیده الی ناحیته ذی طوی ... (غیبت نعمانی ۱۸۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: برای صاحب این امر غیبتی است که در این دره ها و اشاره فرمودند به ناحیه ذی طوی.

۳- همچنین در کتاب غیبت نعمانی آمده است: عن علی بن حمزه عن ابی بصیر عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال ان القائم یهبط من ثنیه ذی طوی فی عده اهل بدر ثلاثماه و ثلاثه عشر رجلا حتی یسند ظهره الی الحجر الاسود و یهز الرایه الغالبه. (غیبت نعمانی ۸۴، بحار ۵۲/۳۷۰) امام باقر(ع) می فرماید قائم(عج) فرود می آید از ثنیه ذی طوی به همراه عده ای به عدد اهل بدر سیصد و سیزده مرد تا این که می آید و پشتش را تکیه می دهد به حجر

الاسود و پرچم پیروزی را به حرکت در می آورد.

بنابراین اجمالا ارتباطی بین رضوی و ذی طوی و غیبت آن حضرت وجود دارد و ممکن است محل زندگی حضرت در برهه ای از زمان در زمان غیبت در رضوی و یا ذی طوی باشد و البته این منافاتی ندارد با دیگر روایات که دلالت می کند بر این که حضرت در بین مردم می آید و در اجتماعات و در حج شرکت می کند ندارد.

و اما این که کیسانیه محل غیبت محمد حنفیه را این کوه می دانند خود این مطلب می تواند تأیید این باشد که ارتباطی بین این مکان و امام زمان وجود دارد چرا که به احتمال قوی کیسانیه روایاتی که دلالت بر غیبت امام زمان در این مکان داشته را بر محمد بن حنفیه تطبیق کرده اند. یعنی اصل مطلب صحیح بوده و از پیامبر یا دیگر معصومین روایتی بوده در مورد غیبت امام زمان در این مکان و آنها در آن تحریف ایجاد کرده اند.

من همیشه به امام زمان سلام می کنم باایشان صحبت می کنم و مطمئنم که ایشان صدای مرا می شنوند و منتظرند که به سوی ایشان بروم و با هر قدم من ایشان چند قدم بر می دارند اما در فرازی از دعای ندبه می خوانیم عزیز علی ان تحبط بک دونی البلوی و لا ینالک منی صحیحح و لا

پرسش

من همیشه به امام زمان سلام می کنم باایشان صحبت می کنم و مطمئنم که ایشان صدای مرا می شنوند و منتظرند که به سوی ایشان بروم و با هر قدم من ایشان چند قدم بر می دارند اما در فرازی از دعای ندبه می خوانیم عزیز علی ان تحبط بک دونی البلوی و لا ینالک منی صحیحح و لا شکوی (سخت است بر من که تو تنها گرفتار باشی و بلا بر تو احاطه کند و از من به تو ناله و شکایتی نرسد) این فراز دعا منظورش چیست و آیا صدایی از من

به حضرت نمی رسد.

پاسخ

این فراز از دعـای نـدبه اشـاره به غـایب بودن امام زمان و این که به حسب ظاهر ما مکان حضـرت را نمی دانیم که با حضـرت درد دل و عرض شـکایت کنیم ولی به حسب باطن همان گونه که نوشـته اید باب ارتباط با امام زمان گشوده است و حضـرت تمامی سخنان ما را می شنوند و ناظر بر تمام اعمال ما می باشد گرچه ما از درک حضور باطنی آن حضرت بدوریم.

ندبه یعنی چه؟ (در دعا می خوانیم فلیندب النادبون)

پرسش

ندبه یعنی چه؟ (در دعا می خوانیم فلیندب النادبون)

پاسخ

ندبه به معنای خواندن، گریه بر میت همراه با ذکر خوبی های او می باشد.

بنابراین معنی این فراز از دعای نـدبه این است که: «بر پاکیزان از اهل بیت پیامبر(ص) گریه کننـدگان گریه کننـد در حالی که ذکر فضائل و محاسن آنان را می کنند».

آیا دعای ندبه نزد علما معتبر است؟

پرسش

آیا دعای ندبه نزد علما معتبر است؟

پاسخ

روش عرف وعقلاـ در مسائـل تاریخی، قبول هر خبری است که در کتب تاریخی معتبر یا مشـهور نقل شـده باشـد. ولی علمای اسـلام در قبول اخبار وروایاتی که مربوط به احکام شرع ومعارف دینی است به این مقدار اکتفا نمی کنند، بلکه درصدد بحث وتحقیق برآمده ودر سند احادیث وعدالت ووثاقت راویان حدیث بررسی کامل می کنند، ومادامی که اطمینان کامل ووثوق به احادیث پیدا نکنند به آن عمل نمی نمایند.

این دقت وتحقیـق به جهت حصول اطمینـان به صـدور حـدیث از معصوم در مورد تکـالیف الزامی، اعم از وجوب وحرمت دو چنـدان می شود، ولی در مورد مسـتحبات احتیـاج مبرم به این گونه بررسـی نیست. مورد ادعیه از این قسم است، زیرا به جهت اسـتحباب قرائت آن احتیـاج مبرمی به بررسـی سـندی نـدارد، بلکه قرائت آن به رجـا وامیـد مطلوبیّت کافی است، ومی توان از

قوت متن والفاظ ومضامین دعا پی به اعتبار آن برد؛ زیرا این مضامین درآیات وروایات معتبر نیز وارد شده است. خصوصاً آنکه مطابق اخبار "من بلغ" که دلالت بر تسامح در ادله سنن و مستحبات دارد، احتیاج چندانی به بررسی سند ادعیه مستحبّه نیست.

نظر بزرگان علما درباره دعای ندبه چیست؟

پرسش

نظر بزرگان علما درباره دعای ندبه چیست؟

پاسخ

شیخ مرتضی انصاری؛ در کتاب "المکاسب" در بخش خیارات در ذیل حدیث "المؤمنون عند شروطهم" می گوید: بعید نیست که بگوییم عنوان "شرط" بر التزامات ابتدائی صادق نیست، بلکه متبادر عرفی از "شرط" همان التزامات تابع عقد است، همان گونه که از موارد استعمال این کلمه در مثل قول امام در دعای ندبه استفاده می شود، آنجا که در ابتدای دعا فرمود: "بعد أن شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنیا الدنیّه". {پاورقی . المکاسب، ج ۵، ص ۲۱. پاورقی}

شیخ انصاری؛ گویا این دعا را امر مفروغ عنه از حیث صحت گرفته ولذا به آن در مجال احکام شرعیه استدلال کرده است.

محشّین مکاسب شیخ بر او در این نکته هیچ اعتراضی نکرده وسند آن را نیز مورد منقاشه قرار نداده اند.

شیخ عبداللّه مامقانی در حاشیه خود بر مکاسب می گوید: "وجه دلالت این جمله از دعا بر مقصود این است که: کلام امام به این بر می گردد که خداوند عزّوجلّ به بندگان خود فرمود: هر کس در این دنیا زهد پیشه کند من به او نعمت مقیم عطا خواهم کرد...".

{پاورقی . حاشیه مامقانی بر مکاسب، قسم خیارات، ص ۱۲. پاورقی}

ایروانی نیز می گوید: "امّا اطلاق شرط در دعای ندبه به اعتبار این است که در ضمن التزام "جزیل ما عنده"... آمده است...".

{پاورقی . حاشیه ایروانی بر مکاسب، ج ۲، ص ۵. پاورقی}

چه کسانی دعای ندبه را نقل کرده اند؟

پرسش

چه کسانی دعای ندبه را نقل کرده اند؟

پاسخ

دعای ندبه را عده ای از علما ومحدثین نقل کرده اند از آن جمله:

۱ - شیخ مشهدی در "المزار" از محمّد بن ابی قره واو از کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری نقل کرده وآن را به امام زمان (ع) نسبت داده است.

{پاورقی . المزار، ص ۵۷۳، دعای ۱۰۷. پاورقی}

۲ - سید بن طاووس در "مصباح الزائر" و"اقبال الاعمال" از بعض اصحاب ما از محمّد بن علی بن ابی قرّه به نقل از کتاب محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری نقل کرده وآن را به امام زمان (ع) نسبت داده است.

{پاورقی . مصباح الزائر، ص ۴۴۶ ؛ اقبال الاعمال، ص ۲۹۹-۲۹۵. پاورقی}

۳ - علامه مجلسی؛ در کتاب "زاد المعاد" می گوید: "وامّا دعای ندبه که مشتمل بر عقاید حقّه وتأسّف بر غیبت قائم (ع) است، به سند معتبر از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است...".

{پاورقی . زاد المعاد، ص ۴۸۸. پاورقی}

۴ - قبل از این بزرگان، این دعا را شیخ جلیل ثقه ابوالفرج محمّد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره قنانی که معاصر شیخ نجاشی واز اعلام قرن پنجم بوده، نقل کرده است. کسی که شیخ محمّد بن مشهدی در کتاب "المزار" از او زیاد نقل می کند.

۵ - ونیز شیخ جلیل ثقه ابوجعفر محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری در کتاب "الدعاء" نقل کرده است. او که از مشایخ شیخ مفید؛ به حساب می آید مورد تأیید خاص او قرار گرفته است. حاجی نوری در "خاتمه المستدرك" او را از مشایخ شیخ مفید برشمرده وبه وثاقت وجلالت قدر او شهادت داده است.

مرحوم آیت اللّه بروجردی می فرمود: "یکی از راه های شناخت

رجال، شناخت شخصیت شاگردان آنان است. وهر گاه مشاهده شد که اشخاصی همچون شیخ مفید؛ از شخص معینی زیاد روایت نقل می کند وهرگز مذمّتی در حق او ندارد این به نوبه خود نشانه این است که آن شخص مورد وثوق واطمینان است".

راوی دعای ندبه که معاصر امام نبوده چگونه دعا را نقل می کند؟

پرسش

راوی دعای ندبه که معاصر امام نبوده چگونه دعا را نقل می کند؟

پاسخ

کسی ادعا نکرده که بزوفری این دعا را بدون واسطه از امام نقل کرده است. و آیا لازم است هرکسی که روایتی را از امام نقل می کند معاصر با امام باشد.

ما اطمینان داریم که این دعا یا با سند در کتاب بزوفری روایت شده ولی دیگران که از آن کتاب نقل کرده اند از باب مسامحه آن سند را حذف کرده اند، ویا اینکه بزوفری از آنجا که دعا را معروف ومشهور دیده احتیاجی به ذکر سند ندیده است؛ زیرا همان گونه که در این زمان معروف ومشهور است، در عصرهای گذشته نیز چنین بوده است. خصوصاً آنکه متن آن باآیات قرآن وروایات دیگر سازگاری تمام دارد.

"محمّد بن مشهدی" راوی با واسطه دعای ندبه کیست؟

پرسش

"محمّد بن مشهدی" راوی با واسطه دعای ندبه کیست؟

پاسخ

از کلمات آیت اللّه خوئی؛ به نقل از شیخ حرّ عاملی به دست می آید که مراد از محمّد بن مشهدی، محمّد بن علی بن جعفر است.

{پاورقی . معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۵۹. پاورقی}

ولی مرحوم حاجی نوری در "خاتمه مستدرک" در این باره می گوید: "مراد از محمّد بن مشهدی، محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی است که از وی به عنوان "حائری" نیز یاد شده است. ایشان یکی از راویان ابی الفضل شاذان بن جبرئیل قمی است. او همچنین با دو واسطه از شیخ مفید روایت نقل می ک

{پاورقی . مستدرك الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۸. پاورقی}

به هر حال او هر که باشد شخصی قابل اعتماد ومورد وثوق وجلیل القدر است که توصیف ومدح وی در کتب رجال آمده است.

"محمّد بن علی بن ابی قرّه" راوی دیگر دعای ندبه کیست؟

پرسش

"محمّد بن علی بن ابی قرّه" راوی دیگر دعای ندبه کیست؟

پاسخ

او از جمله راویان صاحب کتاب ومورد اعتماد است. نجاشی درباره وی می گوید: "...او ثقه بوده وروایات فراوانی شنیده وکتاب های بسیاری تألیف کرده است. وی کسی بود که کتاب ها را ورق به ورق برای اصحاب امامیه می خواند وهمواره در مجالس با ما بود".

{پاورقی . رجال نجاشی، ص ۲۸۳. پاورقی}

از آنجا که نجاشی اجازه نقل کتاب های ابن ابی قرّه را از وی داشته است لذا می توان او را از مشایخ اجازه مرحوم نجاشی دانست.

ابن مشهدی دعای ندبه را چگونه از محمّد بن أبی قره نقل کرده است؟

پرسش

ابن مشهدی دعای ندبه را چگونه از محمّد بن أبی قره نقل کرده است؟

پاسخ

از آنجا که محمّد بن جعفر مشهدی معاصر محمّد بن ابی قره نبوده است لذا می توان آن را این گونه توجیه کرد:

۱ - شیخ مشهدی معمّر بوده ولذا محمّد بن ابی قره را درك کرده است.

۲ - اگر چه خبر ارسال دارد ولی ابن مشهدی به نقلش از محمّد بن ابی قره یقین داشته است.

۳ - ابن مشهدی دعا را از کتاب مزار ابن ابی قره نقل کرده است، زیرا مطابق نقل صاحب ریاض ابن ابی قره کتابی به نام "مزار" داشته است.

آیا درباره محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری معروف به ابن مشهدی توثیقی رسیده است؟

پرسش

آیا درباره محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری معروف به ابن مشهدی توثیقی رسیده است؟

پاسخ

او از شاگردان احمد بن ادریس به شمار آمده واز او روایت نقل کرده است. واز آنجا که شیخ مفید از او روایت نقل کرده می توان او را از مشایخ شیخ مفید دانست.

درباره وثاقت وی باید گفت: هر چند پیرامون بزوفری در کتب رجال توثیق خاصی وارد نشده است، ولی از آنجا که از مشایخ روایی شیخ مفید بوده ودر موارد زیادی برای وی رضا ورحمت خداوند را طلب کرده است، می توان بدون تردید گفت: قواعد توثیق عام، شامل حال وی می گردد.

دعای ندبه از کدامین امام است؟

پرسش

دعای ندبه از کدامین امام است؟

پاسخ

ظاهر این است که این دعا از جانب امام صادق (ع) انشا شده است، همان گونه که مرحوم مجلسی به آن حضرت نسبت می دهد. واما اینکه در برخی از مصادر این گونه آمده که این دعا برای صاحب الزمان است، ممکن است این گونه توجیه کنیم که: این دعا، دعایی است که برای وجود مقدس امام زمان (ع) انشا شده است نه اینکه این دعا از طرف آن حضرت انشا شده باشد.

هر چند برخی خواسته اند احتمال اول را به خاطر ناسازگاری برخی از مضامین دعا، با صدور آن از جانب امام صادق (ع) مردود سازند، ولی برای اهل تحقیق روشن است که این اشکالات قابل توجیه است، زیرا نظیر چنین مضامینی در موارد دیگر از امام صادق (ع) ودیگر ائمه: نیز نقل شده است.

{پاورقی . منتخب الاثر، ص ۱۴۰. پاورقی}

ونیز احتمال دارد که بزوفری از پدرش حسین بن علی بن سفیان که از علما وراویان بزرگ قرن چهارم که هم عصر وزمان غیبت صغرا بوده نقل کرده واو هم به وسیله نواب اربعه از راه مکاتبه وتوقیع با امام زمان (ع) در ارتباط بوده واین دعا را در

کتاب خود آورده وسپس به دست فرزندش ابوجعفر بزوفری رسیده است.

آیا دعای ندبه انشای برخی از علمای شیعه است؟

پرسش

آیا دعای ندبه انشای برخی از علمای شیعه است؟

پاسخ

ممکن است برخی اشکال کنند که این دعا انشای برخی از علمای شیعه بوده است. ولی این احتمال از جهاتی باطل است:

۱ - بزوفری در ادامه روایت این چنین آورده است: "ویستحبّ أن یدعی به فی الأعیاد الأربعه". ظاهر این کلمه می رساند که این دعا از جانب معصوم صادر شده است، زیرا محکوم کردن هریک از افعال واذکار به هریک از احکام خمسه (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت واباحه) از امور توقیفی است که فقط باید از جانب اولیای معصوم خداوند صورت پذیرد.

۲ - اینکه برای قرائت این دعا زمان خاص (اعیاد اربعه) ذکر شده خود دلیل بر آن است که از جانب معصوم صادر شده است؛ زیرا در غیر این صورت نمی تواند از چنین ویژگی خاصی برخوردار باشد.

۳ - رسم علما چنین بوده که هر گاه دعا یا زیارتی را خود انشا می کردند متذکر می شدند تا بر مردم مشتبه نگردد، از باب نمونه:

الف. شیخ صدوق در "من لایحضره الفقیه" زیارتی را برای فاطمه زهرا (ع) که از انشاهای خود اوست نقل کرده ومی گوید: من آن را در سفر حج در مدینه در کنار قبر فاطمه زهرا (ع) قرائت کردم. ولی آن را به این صورت در اخبار نیافتم...".

{پاورقی . من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۴-۵۷۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۱۹۶، ح ۱۳. پاورقی}

ب. سید بن طاووس در "الاقبال" می گوید: "فصلی است درباره آنچه آن را ذکر می کنیم از دعایی که آن را انشا کردیم، آن را هنگام تناول طعام ذکر می کنیم".

{پاورقی . اقبال الاعمال، ص ۱۱۵. پاورقی}

ج. ونیز می فرماید: "وامّا آنچه هنگام رؤیت

هلال شوّال گفته می شود ما آن را در کتاب "عمل الشعر" در ضمن دعایی که انشا کردیم آوردیم، واین دعا صلاحیت برای تمام ماه ها را دارد...".

{پاورقی . همان، ص ۳۰۵. پاورقی}

ودر موارد دیگر نیز در مورد ادعیه ای که خود انشا کرده چنین تعبیراتی آورده است.

{پاورقی . مهج الدعوات، ص ۳۴۸ù۳۳۶ù۳۰۲ ؛ امان الأخطار، ص ۱۷. پاورقی}

۴ - ابن مشهدی در "المزار" می گوید: "من در این کتاب خود از فنون زیارات، اخباری را جمع کردم که به واسطه راویان ثقه ومورد اعتماد به سادات متصل شده اند".

{پاورقی . المزار، ص ۱۶. پاورقی}

۵ - در صورتی که جمله "انّه الدعاء لصاحب الامر" را به معنای انشا از امام زمان (ع) بدانیم می توانیم آن را از توقیعات حضرت به بزوفری بدانیم.

چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است؟

پرسش

چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است؟

پاسخ

گاهی گفته می شود چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است.

تصریح نشدن به اسامی وعدد دوازده امام از قوّت متن آن نمی کاهد. در عین حال گر چه تصریح به نام هر یک از آنها نشده ولی به طور کلّی واجمالی به مصائبی که آنها در راه هدایت خلق متحمّل شده اند اشاره کرده است. آنجا که می گوید: "لم یمتثل أمر رسول اللّه (ص) فی الهادین بعد الهادین..." یا آنجا که می فرماید: "فقتل من قتل وسُبِی من سُبی وأُقصی من أُقصی".

این عبارات اشاره به مصائبی دارد که هر یک از امامان در راه هدایت خلق متحمّل شده اند.

ونیز در جایی دیگر می فرماید: "أین الحسن أین الحسین، أین أبنآء الحسین...".

آیا جمله "وعرجت بروحه" مخالف با معراج جسمانی است؟

پرسش

آیا جمله "وعرجت بروحه" مخالف با معراج جسمانی است؟

پاسخ

برخی می گویند: جمله "وعرجت بروحه إلی سمآئک" که در دعای ندبه آمده مخالف با اجماع وآیات وروایاتی است که دلالت بر معراج جسمانی دارد، لذا از این جهت درصدد برآمده اند تا در انتساب این دعا به امام خدشه وارد کنند.

پاسخ:

صحیح در این جمله: "عرجت به إلی سمآئک" است نه "بروحه" ولذا دلالت بر معراج روحانی ندارد. شاهد این مطلب چند قرینه است:

۱ - محدّث نوری؛ در کتاب "تحیّه الزائر" می گوید: در نسخه ای که من از مزار محمّد بن مشهدی دارم: "عرجت به إلی سمآئک" ثبت شده است. {پاورقی . تحیه الزائر، ص ۲۶۰. پاورقی}

۲ - شیخ عباس قمی؛ نیز در کتاب "هدیه الزائر" عبارت استاد خود حاجی نوری را نقل کرده وآن را تأیید نموده است.

۳ - الآن نیز نسخه ای خطّی ونفیس از کتاب مزار محمّد بن مشهدی موجود است که در آن "وعرجت به" ثبت شده است.

۴ - جمله های دیگر در دعا نیز مؤیّد معراج جسمانی است از قبیل: "وأوطأته مشارقك ومغاربک" و"سخّرت له البراق".

۵ - بر فرض صحّت نسخه "وعرجت بروحه" این جمله دلالت بر معاد روحانی فقط ندارد، از باب استخدام لفظ موضوع برای جزء واراده کلّ، مقصود معراج جسمانی وروحانی است. از قبیل اینکه گفته می شود: "روحی لک الفدآء". مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تهرانی می گوید: "گاهی کلمه روح را در معنای جسم با روح به کار می برند به جهت ارتباط بین حالّ ومحلّ یا علاقه ملابست که بین آن دو است...".

{پاورقی . شفاء الصدور فی شرح زیاره العاشور، ص ۱۰۸. پاورقی}

چه تألیفاتی درباره دعای ندبه نوشته شده است؟

پرسش

چه تألیفاتی درباره دعای ندبه نوشته شده است؟

پاسخ

دانشـمندان ومحققان این دعای شـریف را مورد توجه خود قرار داده وبر آن شـروح وحواشی نوشته اند. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - "شرح دعای ندبه" از صدرالدین محمد حسنی مدرس یزدی.

۲ - "عقد الجمان لندبه صاحب الزمان" از میرزا عبدالرحیم تبریزی.

۳ - "وسیله القربه فی شرح دعاء الندبه" از شیخ علی خوئی.

۴ - "شرح دعای ندبه" از ملا حسن تربتی سبزواری.

۵ - "النخبه فی شرح دعاء الندبه" از سید محمود مرعشی.

۶ - "شرح یا ترجمه دعای ندبه" از سردار کابلی.

۷ - "معالم القربه فی شرح دعاء الندبه" از محدث ارموی.

۸ - "وظائف الشیعه فی شرح دعاء الندبه" از ادیب اصفهانی.

۹ - "کشف الکربه" از محدث ارموی.

۱۰ - "نوید بامداد پیروزی" از موسوی خرم آبادی.

۱۱ - "شرح وترجمه دعای ندبه" از محبّ الاسلام.

۱۲ - "نصره المسلمین" از عبدالرضا خان ابراهیمی.

۱۳ - "فروغ الولایه" از آیت اللّه صافی.

۱۴ - "الکلمات النخبه" از عطائی اصفهانی.

۱۵ - "رساله حول دعاء الندبه" از محمّد تقی تستری.

۱۶ - "رساله حول دعاء الندبه" از میرجهانی اصفهانی.

۱۷ - "سند دعاء الندبه" از سید یاسین الموسوی.

۱۸ - "شرحی بر دعای ندبه" از علوی طالقانی.

ودیگر شروح ورساله ها در رابطه با دعای ندبه.

سایر موارد

زیارت امام زمان(ع) که می خوانند، چرا دست روی سر می گذارند؟

پرسش

زیارت امام زمان(ع) که می خوانند، چرا دست روی سر می گذارند؟

پاسخ

موقعی که نام حضرت مهدی(ع) برده می شود به خصوص اگر نام مقدّس "قائم" به کار رود، بین شیعیان معمول است که به منظوراحترام و بزرگداشت مقام حضرت، از جای بر می خیزند. نیز نقل شده که حضرت امام رضا(ع) در یکی از مجالس خراسان حضور داشت. هنگامی که کلمه "قائم" گفته شد، حضرت ایستاد و دست مبارکش را بر سر نهاده و فرمود: "اللهم عجّل فرجه و سهّل مخرجه".[۲] روی سر گذاشتن دست نشانه احترام است.

[۲] عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۱۳۳.

مصلح بزرگ جهانی از نظر احادیث دارای چه مشخصاتی است؟

پرسش

مصلح بزرگ جهانی از نظر احادیث دارای چه مشخصاتی است؟

پاسخ

از مجموع احادیث روشن میشود که مصلح بزرگ جهانی، مهدی موعود، دارای مشخّصات زیر است

الف از خاندان پیامبر اسلام و فرزندان او است.

ب از فرزندان امام حسین (ع) است.

ج دوازدهمین پیشوا پس از پیامبر است.

د فرزند حسن بن علی العسکری است.

ه دنیا را مملو از عدل و داد خواهد کرد.

و حکومت جهانی در اختیار او قرار میگیرد.

ز مستضعفین و استعمار شدگان، در عصر او از قید و زنجیر اسارت آزاد میشوند، و جنگها برچیده میشود و صلح و آرامش و عمران جای آنرا میگیرد.

ضرورت برپایی حکومت عدل جهانی از راه فطرت چگونه قابل تبیین است؟

پرسش

ضرورت برپایی حکومت عدل جهانی از راه فطرت چگونه قابل تبیین است؟

پاسخ

ایمان به حتمیّت ظهور منجی عالم در فکر عموم انسان ها وجود دارد، منشأ این فکر یک رشته اصول قوی ومتین است که از سرشت وفطرت اصیل انسانی سرچشمه گرفته است؛ زیرا بشر فطرتاً طالب رسیدن به کمال در تمام زمینه های مربوط به خود است واو می داند که این کمال، تنها در سایه حکومت عدل توحیدی تحقق می یابد.

شهید صدر؛ می فرماید: "اعتقاد به مهدی (ع) تنها نشانه یک باور اسلامی با رنگ خاص دینی نیست، بلکه افزون بر آن، عنوانی است بر خواسته ها وآرزوهای همه انسان ها با کیش ها ومذاهب گوناگون، ونیز بازده الهام فطری مردم است که با همه اختلاف هایشان در عقیده ومذهب دریافته اند که برای انسانیّت در روی زمین، روز موعودی خواهد بود که با فرارسیدن آن، هدف نهایی ومقصد بزرگ رسالت های آسمانی تحقق می یابد...".

{پاورقی . بحث حول المهدی (ع)، ص ۷و۸. پاورقی}

برهان فطرت را با بیان های مختلف می توان تبیین نمود:

بیان اول

الف. انسان در درون خود میل به حکومت عدل جهانی توحیدی را احساس می کند.

ب. این حکومت باید موجود شود؛ زیرا میل وکشش درونی از امور ذات الاضافه است که بدون مضاف الیه امکان پذیر نیست.

ج. مصداق کامل آن حکومت حضرت مهدی (ع) است.

نتیجه: حکومت عدل جهانی ضرورت دارد.

بیان دوم

الف. انسان با قطع امید از وضعیت موجود جهان احساس نوعی امید به حکومتی برتر دارد.

ب. وجود چنین امیدی دلیل بر تحقق آن در عالم خواهد بود.

نتیجه: حکومت عدل جهانی ضرورت دارد.

بیان سوم

الف. انسان فطرتاً از ظلم متنفّر است.

ب. انسان آنچه را که از او متنفّر است طبیعتاً نابودی آن را خوش دارد.

ج. بشر، خود به تنهایی قادر

بر این عمل نیست.

نتیجه: برپایی حکومتی که در آن اثری از ظلم نباشد ضرورت دارد.

آیا از راه براهین فلسفی می توان ضرورت حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟

پرسش

آیا از راه براهین فلسفی می توان ضرورت حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟

پاسخ

فلاسفه اسلامی "قسر دائم" و"قسر اکثری" را در عالم طبیعت محال وامری نشدنی می دانند.

مقصود از "قسر دائم" آن است که حقیقتی از حقایق هستی در دوره روزگارش از خواسته طبیعی خود محروم باشد. مثلاً آتش هیچ گاه حرارت نداشته باشد یا در جهان نیرویی باشد که از آغاز پیدایش آتش تا هنگامی که آتش در جهان وجود دارد از حرارت آتش جلوگیری کند. این امری محال است، که در فلسفه به اثبات رسیده است.

مقصود از "قسر اکثری" آن است که طبیعت در اکثر دوره عمرش از اقتضای ذاتی خود محروم باشد. این را هم فلاسفه محال می دانند. این نظریه فلسفی که به شکل قانون در جهان هستی جاری است به ما می گوید که روزگار ظلم وجور در بشر سپری خواهد شد وبه جای آن روزگار عدل وداد خواهد آمد.

این نظریه فلسفی می گوید: قسر انسانیت در عمر او محال است، چنان که در بیشتر عمر او نیز محال خواهد بود. پس روزگاری خواهد آمد که روزگار انسانیّت باشد. وبه یقین روزی خواهد آمد که بشر از اسارت وبردگی حیوان صفتان رهایی یابد ودر سایه مهر انسان ها زیست کند وزندگی داشته باشد.

ضرورت حکومت عدل جهانی را از راه تکامل چگونه می توان تبیین کرد؟

پرسش

ضرورت حکومت عدل جهانی را از راه تکامل چگونه می توان تبیین کرد؟

پاسخ

انسان مانند یک نهال است که استعداد ویژه ای برای رسیدن به کمال در او وجود دارد واحتیاج او به عوامل بیرونی برای شکوفایی این استعداد است. انسان در اثر همه جانبه بودن تکاملش، تدریجاً از وابستگی اش به محیط طبیعی واجتماعی کاسته وبه نوعی وارستگی که مساوی است با وابستگی به عقیده وایمان وایدئولوژی افزوده می شود، ودر آینده به آزادی کامل

معنوی یعنی وابستگی کامل به عقیده وایمان ومسلک وایدئولوژی خواهد رسید.

برحسب این بینش از ویژگی هـای انسـان، تضادّ درونی اوست میان جنبه های مادی وجنبه های معنوی. نبرد درونی انسان خواه نـاخواه به نبرد میان گروه ها وانسان ها کشـیده می شود، یعنی نبرد میان انسان کمال یافته از یک طرف وانسان منحطّ از طرفی دیگر.

نتیجه اینکه: بشـر احتیاج دارد به نیرویی غیبی ورهبری الهی تا به کمک او عـدل وتوحیـد وکمال را در سرتاسـر گیتی گسترش داده ونیروهای مخالف را نابود سازد.

آیا با دلیل عقلی می توان ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را اثبات نمود؟

پرسش

آیا با دلیل عقلی می توان ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را اثبات نمود؟

پاسخ

مطابق آیات وروایات، انسان عبث وبیهوده آفریـده نشـده است، بلکه هـدف وغرضـی خاص برای خلقت او در نظر گرفته شده که همان رسیدن انسان به کمال یعنی لقای الهی است که از راه یقین وعبودیت همه جانبه حاصل می گردد.

در علم کلاـم به اثبـات رسـیده که لطـف بر خداونـد واجب است. لـذا از بـاب لطف بایـد خداونـد هر امری را که در راسـتای اهـداف خلقت است ایجـاد کرده وموانع آن را نیز برطرف سـازد. با مراجعه تاریـخ گذشـته پی می بریم که تاکنون این هـدف عمومی در سـطح کـلّ جامعه بشـری تحقق نیافته است. لـذا به این نتیجه می رسـیم که: به جهت تحقق هـدف کلّی خلقت لازم است خداونـد با زمینه سازی خاص که همان تشـکیل حکومت عـدل جهانی توحیـدی است مردم را در پیاده کردن این هدف عمومی یاری دهد.

آیا واقعیّت های تاریخی می تواند ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟

پرسش

آیا واقعیّت های تاریخی می تواند ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی را به اثبات رساند؟

پاسخ

با مراجعه به تاریخ گذشـته وحال پی می بریم که بشـر در طول تاریخ خود گرفتار انواع عذاب ها وشـقاوت ها وقتل وغارت ها بوده است، خصوصاً انسان های موحّد که به جرم پاسداری از حق وحقیقت وتوحید، انواع عذاب ها را به جان خریده اند.

قرآن کریم در رابطه با قضیه اصحاب اُخدود که خندق بزرگی حفر کردند ودر آن آتشی بس عظیم فراهم آوردند تا مؤمنان وموحدان را در آن زنده زنده بسوزانند سخن به میان آورده است.

{پاورقی . سوره بروج، آیه ۸-۱. پاورقی}

در صفحه ای از تاریخ می خوانیم فرعون مصر به مجرد دیدن رؤیایی در خواب چه جنایاتی در طول عمر خود انجام داد تا وجودش از گزند بلیّات محفوظ بماند.

باز در صفحه ای دیگر از تاریخ جنایات شخصی دیگر به نام "حجاج بن یوسف سقفی" را مشاهده می نماییم که در مدّت بیست سال حکومت بر عراق، چه جنایات هولناکی را انجام داد.

{پاورقی . مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۶۶ù۱۶۷. پاورقی}

در جنگ جهانی اوّل چه انسان های بی گناهی به قتل رسیدند که بنابر آمار رسمی تنها تعداد کشته شدگان این جنگ به بیست ودو میلیون نفر رسید. پس از مدت کوتاهی آتش جنگ جهانی دوم شعله ور شد وبا کمال تأسّف آتش آن دامان هفتاد میلیون انسان را گرفت وبه کام مرگ فروبرد.

در جریان اشغال الجزایر بیش از دو میلیون مسلمان توسط فرانسوی ها به شهادت رسیدند. در جنگ ویتنام نیز صدها هزار نفر از مردم بی گناه توسط آمریکایی ها قتل عام شدند.

ودر نیم قرن گذشته مشاهده می کنیم که ملت فلسطین در زیر چکمه های اسرائیل غاصب صدها هزار کشته وزخمی وآواره از خود

به جای گذاشته است.

حال با تأمّلی نسبت به آینده بشر وخصومت هایی که میان ملّت های مختلف پدید آمده وخصوصاً با در نظر گرفتن تسلیحات کشتار جمعی که کشورها برای نابودی یکدیگر فراهم آورده اند که می تواند ده ها بار کره زمین را به نابودی بکشاند، وبالأخص با طرح برخورد تمدن ها که از سوی برخی از روشنفکران آمریکایی همچون "ساموئل هانتینگتون" داده شده وامروز، سیاست مداران آمریکایی آن را دنبال می کنند، در می یابیم که چه خطر عظیمی جامعه بشری را تهدید می کند. حال آیا بشر، امیدی به آینده زندگی خود دارد؟ راه حل چیست؟

آیا بشر خود می تواند با طرح برنامه ای که ضمانت اجرایی نیز داشته باشد صلاح وسعادت را بر کلّ عالم حکم فرما سازد؟

قطعاً این چنین نیست ولذا تاکنون نتوانسته است چنین کاری بکند وبعدها نیز به تنهایی نمی تواند چنین کاری را انجام دهد. لذا ضرورت اقتضا می کند که مصلحی غیبی از جانب خداوند متعال برای هدایت ونجات بشر ظهور کرده ومردم را از این بلاها نجات بخشد واو کسی غیر از مهدی موعود (ع) نیست.

چه ضرورتی در تحقق حکومت عدل جهانی در این دنیا است؟

پرسش

چه ضرورتی در تحقق حکومت عدل جهانی در این دنیا است؟

پاسخ

برخی بعد از اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت عدل جهانی می گویند: چه ضرورتی برای تشکیل این عدالت در سطح گسترده در این دنیاست، اگر در عالم آخرت این عدالت در سطح گسترده پیاده شود -که حتماً هم چنین خواهد بود- غرض وهدف خلقت تأمین خواهد شد؟

در پاسخ این اشکال می گوییم:

۱ - از آنجا که هدف از خلقت، عبادت ورسیدن به یقین ولقای خداوند معرفی شده است، لذا باید این حکومت در روی زمین وقبل از انقضای دنیا پیاده شود تا هدف غایی خلقت در برهه ای از زمان پیاده شود.

۲ - بشر مخلوق در این دنیا گرایش فطری به این نوع حکومت دارد، لذا باید برای او در این عالم با مقدماتش فراهم گردد.

۳ - از آنجا که قسر دائم واکثری محال است، لذا انسان در این عالم طبیعت باید روزی را به خود ببیند که ظلم وتعدی از بین رفته وعدالت وانسانیت جای آن را در سطح گسترده گرفته است.

۴ - تکامل انسان در این دنیا برای او ارزشمند است نه در عالمی دیگر، واز آنجا که انسان طبیعتاً وفطرتاً کمال خواه وکمال

جو است بایـد زمینه لازم برای سیر کمـالی او در سطح گسترده در این عالم فراهم گردد، که در عصـر ظهور مهـدی (ع) این خواسته عملی خواهد شد.

رهبری در حکومت عدل جهانی چه اهمّیتی دارد؟

پرسش

رهبری در حکومت عدل جهانی چه اهمّیتی دارد؟

پاسخ

هر حکومت اصـلاحی احتیـاج به رهبری دارد که در پیشـاپیش، قـافله سالار آن حرکت بوده واز ابتـدا تا انتها دنباله رو آن قیام ونهضت باشـد، زیرا هر نوع قیام وحرکتی گرچه کوچک باشـد بـدون رهبری وتوجیه او امکان وجود وادامه حیات نـدارد ونیز نمی تواند مصالح خود را چه در حال وچه در آینده حفظ نماید تا چه رسد به حرکت اصلاحی که قرار است در سطح اصلاح کـلّ جـامعه باشـد. لـذا به جهت توجیه نیروهـای مسـتعدّ واداره وکنـترل آنهـا برای پیـاده نمودن هـدف بزرگ الهی که همـان گسـترش عـدل وتوحیـد در سراسـر گیـتی اسـت احتیـاج بـه شخصـی است که از همه جهـات قـابلیّت برای به دست گرفتن آن حکومت را داشته باشد واو غیر از مهدی موعود (ع) نیست.

برپا کننده عدل جهانی چه شرایطی باید داشته باشد؟

پرسش

برپا کننده عدل جهانی چه شرایطی باید داشته باشد؟

پاسخ

عقل می گوید: برپا کننده عدل جهانی باید دارای شرایط وصفاتی باشد تا بتواند موفّق به انجام وظیفه خطیر خود گردد:

۱ – در دعوتش راستگو باشد.

۲ – دارای نقشه ای صحیح وجامع باشد.

۳ – دارای هیچ گونه نقطه ضعفی نباشد.

۴ – از مقام عصمت برخوردار باشد.

۵ – مورد تأیید خداوند باشد.

۶ – دارای یارانی فداکار باشد.

فولتر، ادیب فرانسوی مشهور می گوید: "اگر بر انسان یک شخص صالح حکومت کند برای او گویا یک وطن است، ولی اگر حاکم بر انسان شخص غیرصالح باشد گویا او هیچ وطنی ندارد".

{پاورقی . اسلام وعقل، ص ۲۱۰. پاورقی}

متفکر ایرلندی مشهور (برنارد شو) در رابطه با خصوصیات لازم برای منجی بشر می گوید: "او انسانی است زنده ودارای نیرویی قوی در بدن او، ودارای عقل کامل وخارق العاده، از همه مردم عالی تر که می تواند مردم را به سوی خود جذب کند. عمر او طولانی بوده، بیشتر از سیصد سال ...".

{پاورقی . برنارد شو، عباس محمود عقاد، ص ۱۲۴ù۱۲۵. پاورقی}

مهدویت در سایر فرق اسلامی

سایر فرق اسلامی و اصل اعتقاد به مهدویت

آیا اعتقاد به مهدویت درمیان مذاهب اسلامی مورد اتفاق می باشد؟

پرسش

آیا اعتقاد به مهدویت درمیان مذاهب اسلامی مورد اتفاق می باشد؟

پاسخ

برخی تصور می کنند اعتقاد به قیام حضرت مهدی(ع) و حکومت جهانی او مخصوص شیعه و پیروان مکتب اهل بیت(ع) است. بر خلاف این تصور باید عرض کنیم تمامی فرقه های اسلامی بدون استثنا ظهور مردی از دودمان پیامبر را در آخر الزمان به نام مهدی که دنیا را پر از عدل و داد می کند پذیرفته اند و روایت آن را در کتب خود از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده اند.

کتاب های فراوانی در این زمینه به وسیله دانشمندان اهل سنّت و علمای شیعه نگاشته شده است که به قسمتی از آن اشاره می کنیم. این روایات قطعی و متواتر است که همه محققان اسلامی آن را پذیرفته اند، حتّی متعصّب ترین فرقه های اسلامی یعنی وهّابی ها نیز آن را پذیرفته و به متواتر بودن احادیث آن اعتراف کرده اند. شاهد این مطلب بیانیه ای است که چند سال قبل از طرف "رابطه العالم الاسلامی" که شدیداً زیر نفوذ وهابی ها و دولت سعودی است در پاسخ به سؤالی که از آن ها درباره ظهور حضرت مهدی(ع) شده بود، صادر گردید.

این بیانیه در پاسخ یکی از اهالی کنیا به نام "ابومحمد" گفته است: ابن تیمیّه مؤسّس مذهب وهابیان احادیث مربوط به

مهدی(ع) را نیز پذیرفته است... . به هنگام ظهور فساد در جهان و نشر کفر وظلم، خداوند جهان را به وسیله مهدی پر از عدل و داد می کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده است. او آخرین خلیفه راشدین دوازده گانه است که پیامبر طبق کتاب های صحاح از آن خبر

داده است".

در پایان چنین نتیجه گیری می کند: "بنابراین اعتقاد به ظهور مهدی بر هر مسلمانی واجب است و این جزء عقاید اهل سنّت و جماعت است و هیچ کس جز افراد نادان و بی خبر یا بدعتگذار آن را انکار نمی کند".[۱]

اکنون با توجه به این روایات به سراغ آیاتی که به ظهور حضرت مهدی(ع) اشاره دارد می پردازیم:

آیا همه فرق اسلامی بر ایمان به ظهور مهدی اهلبیت(ع) اجتماع و اتفاق نظر دارند؟

پرسش

آیا همه فرق اسلامی بر ایمان به ظهور مهدی اهلبیت(ع) اجتماع و اتفاق نظر دارند؟

پاسخ

بله همه به اتفاق کلمه انتظار یک قیام روحانی جهانی و ظهور مصلحی را میکشند که عدالت اجتماعی و نظام جهانی را بر اساس ایمان به خدا و احکام دین اسلام برقرار سازد. ایمان به ظهور حضرت مهدی علیه الصلاه و السلام و جهانگیر شدن دین اسلام به آیات متعددی از قرآن مجید و متواتر ترین روایات و قویترین اجماعات اتکاء و استناد دارد که هر مسلمان معتقد به قرآن و رسالت پیغمبر اسلام باید به این ظهور ایمان راسخ و ثابت داشته باشد

آیا مسئله ظهور حضرت مهدی از مسائل اجماعی بین مسلمین است؟

پرسش

آیا مسئله ظهور حضرت مهدی از مسائل اجماعی بین مسلمین است؟

پاسخ

اگر مقصود از اجماع و اتفاق، شیعه باشد که محتاج به ذکر نیست و همه می دانند که از ضروریات مذهب امامیه ظهور قائم آل محمد فرزند حضرت امام حسن عسکری(ع) است. و اگر مقصود اتفاق عامّه مسلمین(از شیعه و سنی) باشد برای اثبات آن عبارت یکی از متتبع ترین علمای اهل سنت، علامه معتزله ابن ابی الحدید درشرح نهج البلاغه (طبع مصر، ج۲، ص۵۳۵) کافی است که می گوید:

«قَد وَقَعَ اِتفاقُ الفَریقینِ مِنَ المُسلمینَ أَجْمَعین عَلی اَنَّ الدُنیا وَ التکلیف لا یَنْقَضَی اِلّا عَلَیهِ»

[اتفاق سنی و شیعه بر این است که دنیا و تکلیف، منقضی و تمام نشود مگر بر آن حضرت یعنی بعد از ظهور آن حضرت]

کسانی که در تاریـخ تتبع دارنـد می داننـد که ظهور مصـلح منتظر و مهدی آل محمد(ع) آنچنان مورد اتفاق و مسلّم نزد تمام مسـلمین بوده که از همـان قرن اول هجری تا حال در مقام ردّ ادعای افرادی که ادعای مهـدویّت کردنـد یا این ادعاء را به آنها نسـبت دادند، بوده اند. اصل ظهور قائم آل محمد (ع) را کسـی انکار اخبار نکرد، زیرا بر خلاف اجماع مسلمین و انکار قطعی صـادر از پیغمبر(ص) بود. بلکه در مقـام ردّ آنهـا به فاقـد بودن اوصـاف و علاماتی که برای مهـدی موعود در اخبار و احادیث مذکور است استناد می جستند.

چنانچه چهار نفر از بزرگان علمای مذاهب چهارگانه اهل سـنت، ابن حجر شافعی مؤلف؛ «القول المختصـر» و ابوالسـرور احمد بن ضیاء الحنفی و محمد بن احمد مالکی و یحیی بن محمد حنبلی در جواب استفتائی که از ایشان شده (در باب

۱۳ از کتاب «البرهان فی علامات مهـدی آخر الزمان» عین فتاوای آنها را نقل شـده،) همین روش را انتخاب نموده و به صـحت اصل ظهور مهدی در آخر الزمان و اینکه عالم را پر از عدل و داد کند و عیسـی به آن حضـرت اقتدا نماید و اوصاف دیگر آن حضـرت، رسـماً فتوای محکم و مستدل و قاطع داده اند حتی شاعر بنی امیه حکیم بن عیاش کلبی نیز در ردّ نسبتی که به جناب زید بن علی بدون رضایت آن جناب داده شده بود (و او را مهدی خوانده بودند) گفته:

«وَلَمْ أَرَ مَهدِيّاً عَلی الجذع یصلب» (الاصابه، ۱/۳۹۵)

مقصودش این است که آن مهـدی که ظهور می کنـد مسـتولی بر ممالك و فاتـح کشورها می گردد و عـدل و داد را بسط می دهد، پس چگونه ممکن است جناب زید که مصلوب شد مهدی باشد.

آیا احادیث معتبر و متواتری نسبت به عقیده مهدویت وجود دارد؟

پرسش

آیا احادیث معتبر و متواتری نسبت به عقیده مهدویت وجود دارد؟

پاسخ

اصالت مهـدویت از جهت ابتنای آن بر احادیث معتبر و متواتر در نهایت وضوح است. زیرا کتابهای حدیث و صـحاح و جوامع و سـنن و مسانید و اصول شـیعه و اهل سنت که در آنها احادیث مربوط به این موضوع ضبط و روایت شده است از حد احصاء و شـمارش خـارج است و نیز در کتابهـای دیگر که در سـایر رشـتههای علوم اسـلامی تألیف شـده، مثل تاریـخ و لغت و غریب الحـدیث و رجـال و تراجم و عقایـد و کلاـم و حـتی شـعر و ادب و شـرح قصایـد و اشـعار معروف علمـای فنون مختلف به این احادیث اسـتناد کرده و پیرامون شـرح و مضامین آنها اظهار نظر نمودهانـد. از عصـر رسالت تا زمان ما صـحابه حضـرت رسول اعظم(ص) و سـپس تـابعین و تـابعین تـابعین و سـایر طبقـات روات، این احـادیث را روایت نمودهانـد. بسـیاری از این احادیث بالخصوص و بالانفراد به واسطه شواهد و مؤیداتی حدیث شناسان ماهر به آن اعتماد دارند و در نهایت صحت و اعتبار میباشند و به مضـمون آنها یقین حاصل میشود و علاوه بر این در مسائل مهم مربوط به مهدویّت مثل معرفی شـخص حضرت مهدی(ع) و برنامههای مهم انقلابی و اسـلامی ایشان، این احادیث در حـد تواتر و بالاتری میباشـند یعنی در هر یك از اوصاف معروف و مشـهور حضـرت مهدی(ع) حدیث از پیامبر(ص) و ائمه طاهرین(علیهم السلام) آن قدر زیاد است که قطع نظر از مقام وثاقت و صداقت و امانت روایت کنندگان، احتمال تبانی آنها بر دروغ و جعل این احادیث عقلایی نیست.

آیا عقیده به مهدویت تنها اختصاص به شیعه دارد؟ یا مورد اتفاق اهل سنت و شیعه میباشد؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت تنها اختصاص به شیعه دارد؟ یا مورد اتفاق اهل سنت

و شیعه میباشد؟

پاسخ

اهـل سـنت و شـیعه در طی اعصـار و مرور قرنهـا بر این اتفاق داشـته و دارنـد که در آخرالزمان یک نفر از اولاد رسول(ص) و فرزنـدان علی و فـاطمه(علیهمـا السـلام) که صـفات و علاماتش در احادیث مـذکور است در هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شـده باشـد ظهـور نمایـد و جهـان را پر از عـدل و داد کنـد همـه او را هم نـام و هم کینه پیـامبر(ص) و ملقب به مهـدی معرفی نمودهانـد و همه اتفـاق دارنـد بر این که تـا او ظهور نکنـد، سـیر این عالم و این جامعه بشـری به پایان نخواهـد رسـید و تا این دادگستر بزرگ و رهبر حکومت عـدل جهانی قیام نکرده است، بشـر بایـد منتظر ظهور او باشـد و بدانـد که جهان محکوم ظلم ستمگران و فسـاد اهریمنـان نیست و سـرانجام همه تباهیهـا و نگرانیها به راحتی و امنیّت و آسایش مبـدل میشود و مسـتکبرین و مفسـدین نـابود میگردنـد. همه چشم براهنـد و همه منتظرنـد، چنانکه از مصادر معتبر تاریـخ و حـدیث اسـتفاده میشود، در تمام اعصار این یک عقیـده عمومی امّت اسـلام بوده است و همه بر آن اتفاق داشـتهاند و لـذا مدعیان دروغین مهدویّت را به اینکه واجـد صـفات و نشانیهای مهـدی موعود نیسـتند رد میکردند و هرگز در مقام رد آنها صـحت اصل و اساس این عقیده را منکر نمیشدند.

و خلاـصه اتفـاق مسـلمین بر اصل ظهور مهـدی(ع) و برخی از خصوصـیات و خصایص آن حضـرت همیشه مورد قبول بوده و علمای بزرگ اهل سنت هم آن را مورد تصریح و تاکید قرار دادهاند و به قول دانشمند بزرگ معاصر اهل سنت

«شیخ علی ناصب» در کتاب غایه المامول، همه (سَلَفاً و خَلَفاً) بر این عقیده بوده و هستند.

نظر علمای اهل سنّت پیرامون مصلح جهانی چیست؟

پرسش

نظر علمای اهل سنّت پیرامون مصلح جهانی چیست؟

پاسخ

نظر برخی از علمای اهل سنّت

۱ دانشمند معروف شیخ منصور علی ناصف نویسنده کتاب «التاج» در کتاب خود چنین مینویسد

«اشتهر بین العلماء سلفاً و خلفاً انه فی آخر الزمان لابد من ظهور رجل من اهل البیت یسمی «المهدی» یستولی علی الممالك الاسلامیه و یتبعه المسلمون و یعدل بینهم و یؤید الدین.

تا آنجا که میگوید

و قد روی احادیث المهدی جماعه من خیار الصحابه و اخرجها اکابر المحدثین کابی داود؛ و الترمذی و ابن ماجه و الطبرانی، و ابی یعلی، والبزاز، و الامام احمد، و الحاکم؛ رضی الله عنهم اجمعین و لقد اخطأ من ضعف احادیث المهدی کلها کابن خلدون و غیره.» (التّاج، ۵/۳۱۰)

[در میان همه دانشمندان امروز و گذشته مشهور است که سرانجام مردی از اهل بیت پیامبر (ص) ظاهر میشود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلّط میگردد، و مسلمانان از او پیروی میکنند؛ و در میان آنها عدالت را اجرا مینماید، و دین را تقویت میکند... احادیث مهدی را بسیاری از بزرگان صحابه و محدّثین نقل کردهاند... و کسی که همچون ابن خلدون آنها را ضعیف شمرده خطا کرده است.]

۲ خود «ابن خلدون» که معروف به مخالفت با احادیث مهدی است نیز شهرت احادیث مهدی را در میان همه دانشمندان اسلام نتوانسته است انکار کند آنجا که میگوید

«مشهور در میان تمام مسلمانان در تمام اعصار و قرون این بوده و هست که در آخر زمان مردی از اهل بیت ظهور میکند که آئین اسلام را تأیید کرده و عدالت را آشکار میسازد و مسلمانان از او پیروی میکنند. (مقدمه ابن خلدون، چاپ بیروت،

ص ۳۱۱)

۳ محمد شبلنجی دانشمند معروف مصری در کتاب «نور الابصار» مینویسد

«تواترت الاخبار عن النّبی (ص) علی انّ المهدی من اهل بیته و انّه یملأ الارض عدلاً» (نور الابصار/ ۱۵۷) [اخبار متواتری از پیامبر (ص) آمده که مهدی از خاندان او است؛ او همه روی زمین را پر از عدل میکند.]

۴ شیخ محمّد صبان در کتاب «اسعاف الرّاغبین» چنین میگوید «اخبار متواتری که از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده گواهی میدهد که مهدی (سرانجام) قیام میکند و او از خاندان پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

۵ «ابن حجر» در کتاب «صواعق المحرقه» از ابوالحسن امری چنین نقل میکند

اخبار متواتر و فراوانی از پیامبر (ص) نقل شده که سرانجام مهدی ظهور میکند و او از اهل بیت پیامبر (ص) است... و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. (صواعق/۹۹.)

۶ نویسنده کتاب «التّاج» پس از اشاره به کتاب «شوکانی» عالم معروف اهل سنّت که تمام آن پیرامون تواتر احادیث مربوط به مهدی و خروج دجّال و بازگشت مسیح است و بحث مشروحی در زمینه تواتر احادیث مربوط به مهدی (ع) میگوید

«هذا یکفی لمن کان عنده ذرّه من الایمان و قلیل من انصاف!» (التّاج، ج۵، ص ۳۲۷.) [آنچه گفته شد برای کسانی که یک ذرّه ایمان و یک جو انصاف دارند کافی به نظر میرسد!]

آیا کسی از علمای اهل سنّت، منکر احادیث مهدویت شده است؟

پرسش

آیا کسی از علمای اهل سنّت، منکر احادیث مهدویت شده است؟

پاسخ

برخی از علمای اهل سنّت درصدد انکار وتوجیه روایات مهدویت برآمده تا این موضوع مهم را در جامعه لوث کنند که از آن جمله می توان از افراد زیر نام برد:

۱ – ابن خلدون؛ او گرچه موضوع مهدویت را مشهور بین کافه اهل اسلام در گذر زمان ها می داند ولی با تمسک به قاعده "جرح، مقدم بر تعدیل است" درصدد ابطال روایات مهدویت برآمده است. {پاورقی . تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۱۱. پاورقی}

{پاورقی . مقصود از این قاعده این است که تضعیف یک راوی مقدم بر توثیق آن است. پاورقی}

۲ – محمّـد ابوزهره؛ او نیز خطّ ابن خلـدون را ادامه داده ومی گویـد: علمای اهل سـنّت در سـندهای این احادیث خدشه کرده اند، ولذا این عقیده را نزد اهل سنّت ثابت نمی داند. {پاورقی . الامام الصادق (ع)، ص ۲۳۹. پاورقی}

۳ – سعد محمّد حسن از شیوخ ازهر؛ او نیز به دنبال نقّادین احادیث مهدویت رفته وحرف های آنها را تکرار می کند.

{پاورقی . المهدیه فی الاسلام، ص ۶۹. پاورقی}

۴ – محمّد فرید وجدی؛ او می گوید: "بسیاری از امامان حدیث، احادیث مهدویت را تضعیف نموده اند...".

{پاورقی . دائره المعارف قرن عشرین، ج ۱۰، ص ۴۸۱. پاورقی}

۵ – احمد امین مصری؛ او نیز به کلام ابن خلدون رضایت داده است.

{پاورقی . المهدی والمهدویه، ص ۱۰۸. پاورقی}

۶ – شیخ جبهان؛ او نیز از جمله کسانی است که گمان کرده احادیث مهدویت همگی باطل است.

{پاورقی . تبدید الظلام، ص ۴۷۹ù۴۸۰. پاورقی}

۷ – شیخ سائح لیبیایی؛ او نیز از جمله کسانی است که احادیث مهدویت را نقد کرده است.

{پاورقی .

تراثنا وموازين النقد، ص ۱۸۷. پاورقی}

پاسخ اجمالی: از آنجا که تکیه گاه کلام عموم مخالفین احادیث مهـدویت، ابن خلـدون است، لـذا در نقـد کلمات آنها به ردّ کلام ابن خلدون به صورت اجمالی بسنده می کنیم:

۱ - ابن خلـدون هنگام نقـد احادیث مهدویت تنها به برخی از روایات می پردازد، در حالی که روایات دیگری وجود دارد که از صحت سند برخوردار است. لذا دکتر بستوی ۴۶ روایت را با سـند صـحیح یا حسن در زمینه مهدویت در کتاب خود آورده است.

{پاورقی . المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه. پاورقی}

۲ - او تنهـا اسـامی برخی از صـحابه را نقل کرده که احادیث مهـدویت را نقل کرده انـد، در حالی که بیش از اینهاست، ولـذا شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد اسامی ۲۶ نفر از صحابه را که ناقل احادیث مهدویتند نقل کرده است.

{پاورقی . عقیده اهل السنه والأثر فی المهدی المنتظر، ص ۱۲۸. پاورقی}

۳ - همو می گوید: "ابن خلدون شخصی مورّخ است نه رجالی ولذا به تضعیفات او توجهی نمی شود...".

{پاورقی . همان. پاورقی}

۴ - اینکه ابن خلدون جرح را مقدم بر تعدیل می داند نزد اهل سـنّت عمومیت ندارد؛ زیرا عوامل جرح نزد آنان مختلف است. برخی با کوچك ترین جهت راوی را جرح می کنند؛ لذا متخصـصان فن شـرط کرده اند که علت جرح باید تفسـیر شود که به چه جهتی بوده است. از جمله کسانی که این قاعده را قبول ندارند ابن حجر عسـقلانی، قاضـی سـبکی، خطیب بغدادی، نووی، سخاوی، سیوطی وسندی است.

دکتر عبـدالحکیم بسـتوی می گویـد: "حتی در صورتی که جرح در راوی به اثبات برسـد، هر جرحی روایت را از اعتبار ساقط نمی کند، بلکه برخی از جرح ها است که شدید بوده ومستلزم

ترک روایت است. وبرخی تا این حدّ نیست، بلکه راوی متّصف به جرح با غیر خود از کسانی که دارای اعتبارنـد تقویت شده وروایتش قابل احتجاج است".

{پاورقی . المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه، ص ۳۶۵ـ۳۶۴. پاورقی}

۵ - ابن خلدون احادیث را احصا نکرده ونمی داند که از حدّ تواتر گذشته است ولذا احتیاج به بررسی سندی ندارد.

چرا بخاری ومسلم احادیث مهدویت را در صحاح خود ذکر نکرده اند؟

پرسش

چرا بخاری ومسلم احادیث مهدویت را در صحاح خود ذکر نکرده اند؟

پاسخ

از جمله اشکالات برخی بر قضیه مهدویت از سوی اهل سنّت آن است که بخاری ومسلم اشاره ای به احادیث مهدویت نکرده وآنها را در صحیح خود نقل نکرده اند، واین به نوبه خود می تواند سبب وهن وضعف این احادیث باشد.

احمد امین مصری می گوید: "از افتخارات صحیح بخاری ومسلم آن است که این گونه احادیث در آن دو وارد نشده است، گرچه در غیر این دو کتاب از کتاب های حدیث وارد شده است".{پاورقی . المهدی والمهدویه، ص ۴۱ ؛ ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۷۷. پاورقی}

همین اشکال از ناحیه اشخاصی دیگر از متفکرین غرب زده اهل سنّت از قبیل شیخ محمد ابوزهره، سعد محمّد حسن، حسین سائح لیبیایی مغربی، {پاورقی . الامام الصادق (ع)، ص ۲۳۹ـ۲۳۸. پاورقی}

{پاورقی . المهدیه فی الاسلام، ص ۶۹. پاورقی}

{پاورقی . تراثنا وموازین النقد، ص ۱۸۷-۱۸۵. پاورقی}

و نیز سید محمد رشید رضا وشیخ بن محمود وارد شده است.

{پاورقی . تفسیر المنار، ج ۹، ص ۴۹۹. پاورقی}

{پاورقی . لا مهدیّ ینتظر بعد الرسول، ص ۶. پاورقی}

پاسخ: این اشکال مورد توجه اهل سنّت واقع شده وشدیداً با آن به مقابله پرداخته اند.

"دکتر بستوی" می گوید: "اینان گمان می کنند که بخاری ومسلم احادیث مهدویت را به جهت ضعف در اسنادشان نقل

نکرده اند. این گمانی باطل است، زیرا این دو به تمام احادیث صحیح احاطه نداشته وهرگز چنین ادعایی نکرده اند".

{پاورقی . المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه. پاورقی}

بخاری می گوید: "آنچه را که در کتاب خود "الجامع الصحیح" آورده ام صحیح است ولی چه بسیار احادیث صحیح السندی که به جهت طولانی شدن کتابم نقل نکردم".

{پاورقی . مقدمه ابن الصلاح،

ص ۲۲ù۲۱. پاورقی}

مسلم بن حجاج قشیری می گوید: "من تمام احادیث صحیح نزد خود را در این کتاب "صحیح" نیاورده ام، بلکه درصدد آن بوده ام که تنها احادیثی را ذکر کنم که اجماعی است".

{پاورقی . همان. پاورقی}

حاکم نیشابوری می گوید: "بخاری ومسلم حکم به عدم صحت احادیثی که در دو کتابشان نیامده نکرده اند".

{پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۲. پاورقی}

ابن قیم جوزیه می گوید: " آیا بخاری گفته است که هر حدیثی را من در کتابم نیاورده ام باطل وغیر حجت وضعیف است؟ چه بسیار احادیثی که بخاری به آنها در غیر کتاب "الجامع الصحیح" احتجاج نموده ولی در این کتاب نیاورده است. وچه بسیار احادیثی که در غیر این کتاب تصحیح نموده ولی در این کتاب نیاورده است".

{پاورقی . زاد المعاد. پاورقی}

عبدالمحسن بن حمد العباد می گوید: "حدیث صحیح همان گونه که در صحیحین موجود است در غیر این دو از کتاب های حدیثی نیز وجود دارد، مثل: موطأ، صحیح ابن خزیمه، صحیح ابن حبّان، مستدرک حاکم، جامع ترمذی، سنن ابی داوود، سنن نسائی، سنن ابن ماجه، سنن دارقطنی، سنن بیهقی ودیگر کتب، واین امری در نهایت وضوح وآشکار است".

{پاورقی . الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۴۴۵، به نقل از او. پاورقی}

دیگر اینکه چه کسی ادّعا کرده که بخاری ومسلم توجهی به احادیث مهدویت به طور عموم نداشته اند؟ این حرف باطل است، زیرا این دو به برخی از احادیث مربوط به خروج مهدی (ع) اشاره کرده اند. از قبیل:

الف) احادیث خروج دجال

بخاری وخصوصاً مسلم احادیث زیادی را در باب خروج دجال از طرق مختلف نقل کرده اند.

{پاورقی . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳، کتاب الانبیاء، باب ما ذکر عن بنی اسرائیل ؛ صحیح

مسلم با شرح نووی، ج ۱۸، ص۸۵ù۵۸. پاورقی}

ابن حجر عسقلانی با نقل کلامی از آبرّی در تواتر احادیث مهدی (ع) قصه دجال را به خروج حضرت مهدی (ع) ربط می دهد.

{پاورقی . تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵. پاورقی}

ب) احادیث نزول عیسی بن مریم

بخاری به سند خود از ابوهریره نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود: "کیف انتم إذا نزل ابن مریم فیکم وامامکم منکم"؛ "شما را چه خواهد شد زمانی که فرزند مریم در میان شما {پاورقی . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳. پاورقی}

فرود خواهد آمد در حالی که امام شما از میان شماست."

مسلم نیز همین مضمون را نقل کرده است.

{پاورقی . صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴. پاورقی}

مقصود از امام در این روایات کسی جز مهدی (ع) نخواهد بود، ولذا شارحین صحیح بخاری همگی متفق القول "امام" در این روایت را حضرت مهدی (ع) معرفی کرده اند.

ج) احادیث بخشش مال

مسلم به سند خود از جابر بن عبداللّه انصاری نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود: "یکون فی آخر امّتی خلیفه یحثی المال حثیاً لا یعدّه عدداً"؛ "در پایان امتم خلیفه ای خواهد {پاورقی . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۵. پاورقی}

بود که مال فراوان می دهد بدون آنکه شماره کند."

با رجوع به روایات دیگر پی خواهیم برد که مقصود از این خلیفه همان حضرت مهدی (ع) است.

ابن ابی شیبه به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "یخرج رجل من أهل بیتی عند انقطاع من الزمان وظهور من الفتن یکون عطاؤه حثیاً"؛ "مردی از اهل بیتم بعد از {پاورقی . المصنّف، ابن ابی شیبه، ج ۸، ص ۶۷۸. پاورقی}

وقفه ای از زمان وظهور فتنه ها خروج خواهد کرد که عطای او ریزان است."

د)

احادیث خسف بیداء

مسلم در "صحیح" به سند خود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "یعوذ عائذ بالبیت فیبعث إلیه بعث فإذا کانوا ببیداء من الأرض خسف بهم"؛ "شخصی به خانه پناه می برد، {پاورقی . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۷. پاورقی}

لشکری به سوی او فرستاده می شود، آن لشکر به سرزمین بیداء که می رسد در آنجا به زمین فرومی رود."

با مراجعه به سایر روایات پی می بریم که فرورفتن زمین بیداء از علائم ظهور حضرت مهدی (ع) است.

{پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۲۰. پاورقی}

آیا احادیث مهدویت تنها از طرق شیعه بوده ودر سند همه آنها شیعه وجود دارد؟

پرسش

آیا احادیث مهدویت تنها از طرق شیعه بوده ودر سند همه آنها شیعه وجود دارد؟

پاسخ

پاسخ اول

برخی از اهل سنّت گمان کرده اند که احادیث مهدویت تماماً از جعل شیعه بوده یا لااقل در سندهای آن، کسانی وجود دارند که متهم به تشیّعند، ولذا مورد قبول آنها واقع نشده است.

دکتر بستوی بعد از نقل این اشکال در پاسخ به آن می گوید: "معیار در قبول روایت راوی عدالت وضابط بودن اوست با قطع نظر از اینکه عقیده او چیست، مگر آنکه از اسلام خارج شده باشد. این روش بسیاری از علمای قدیم وجدید است. آن گاه از علی بن مدینی نقل می کند که اگر روایات اهل کوفه به جهت تشیع ترک شود کتاب ها ضایع شده ومذهب از هم خواهد پاشید".

{پاورقی . المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه، ص ۳۸۰. پاورقی}

او همچنین می گوید: "در عین حال مدار در روایات مهدی بر کسانی که منسوب به تشیعند نیست. یعنی چه بسیار از کسانی که هیچ نسبت به تشیع ندارند ولی در عین حال این احادیث را نقل کرده اند. او در آخر بحث خود می گوید: "تا به اینجا به دست آمد که بیشتر روایات ثابت در امر مهدی در سندهایش فرد شیعی وجود ندارد، وروایاتی که این چنین است غالباً شواهدی از طرق دیگر دارد، لذا شبهه از این جهت زایل می گردد".

{پاورقی . همان. پاورقی}

پاسخ دوم

اوّلاً: اختلاف، مقتضای طبیعت تفصیل قضایای ثابت است، لذا استدلال به اختلاف تفاصیل یک قضیه بر عدم ثبوت آن، مغالطه ای بیش نیست، ودر غیر این صورت نمی توان هیچ مسأله اعتقادی را اثبات نمود، زیرا تمام مسائل، مورد اختلاف واقع شده اند.

ثانیاً: در هر یک از مسائل مورد

اختلاف، قول حق به اثبات رسیده است، ولذا در هیچ مسأله ای تردید وجود ندارد.

آیا عقیده مهدویت مورد اجماع مسلمین است؟

پرسش

آیا عقیده مهدویت مورد اجماع مسلمین است؟

پاسخ

پاسخ اول

گرچه اسلام در عصر رسول اکرم (ص) بر تمام عالم گسترش پیدا نکرد، ولی؛ اولاً: خبر اسلام ودعوت آن به گوش غالب بلاد اسلامی رسید وشخص رسول اکرم (ص) مردم عالم را به اسلام دعوت نمود.

ثانیاً: خود قرآن وشخص پیامبر اکرم (ص) خبر از تحقق اسلام در سطح گسترده ودر تمام روی زمین داده است، نه اینکه مسلمانان بعد از یأس از فراگیری اسلام به این عقیده روی آورده باشند.

دکتر عبدالجبار شراره می گوید: "آنچه جای تعجب است اینکه برخی از مدعیان علم ومعرفت از قدیم الایام ودر این زمان درصدد ایجاد تشکیك در جامعه اسلامی برآمده وموجبات تشویش افکار جامعه را فراهم کرده اند، واین تنها به جهت قصور فهم آنان از درک اسرار این عقیده (مهدویت) ومقاصد عالی آن است، ویا اینکه اسباب واغراض دیگری دارند که ما از آن آگاهی نداریم. از جمله این افراد، مستشرقین وشاگردان آنانند از قبیل: "جولد زیهر"، "فلهاوزن"، "فان فلوتن"، "مك دونالد"، "برنارد لویس"، "مونتگری"، "وات وماسینیون" ودیگران از کسانی که از افکار مستشرقین پیروی کرده اند، با وجود آنکه ادعای مسلمان بودن دارند. وخوشبختانه هیچ گونه دلیل بر مدعای خود ندارند، بلکه دلیل بر خلاف مدعای آنان دلالت دارد. ونیز برهان آشکار وقطعی بر صحت عقیده مهدویت قائم است، زیرا به طور متواتر ثابت شده که در آخرالزمان، مهدی (ع) ظهور خواهد کرد، همان گونه که جماعتی از اهل سنّت از قبیل برزنجی وشوکانی ودیگران بر تواتر آن تأکید دارند...".

{پاورقی . بحث حول المهدی، ص ۱۶ù۱۷. پاورقی}

پاسخ دوم

عقیده به مهدویت از عقایدی است که مسلمانان با اختلافات مذهبی که دارند بر آن

اتفاق دارند، وهرگز به مذهب خاصی اختصاص ندارد، زیرا جمیع شیعه امامیه، زیدیه، مالکی ها، حنفی ها، شافعی ها، حنبلی ها ووهابیان بر این مسأله اتفاق نظر دارند که شخصی از عترت پیامبر اکرم (ص) قیام کرده وزمین را پر از عدل وداد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم وجور شده باشد.

جماعتی از علمای اهل سنّت تصریح کرده اند که این عقیده مورد اتفاق مسلمین است وحتی برخی از فقهای اهل سنّت به وجوب قتل منکر آن فتوا داده اند.

احمد امین مصری با آنکه منکر اصل مهدویت است، ولی این عقیده را از عقاید مسلّم اهل سنّت می شمارد که به آن ایمان دارند.

{پاورقی . المهدی و المهدویه، ص ۱۱۰. پاورقی}

آیا کسی از علمای اهل سنّت ادعای تواتر در احادیث مهدویت کرده است؟

پرسش

آیا کسی از علمای اهل سنّت ادعای تواتر در احادیث مهدویت کرده است؟

پاسخ

گروهی از علمای اهل سنّت که در علم حدیث تخصّص دارند تصریح به تواتر احادیث در موضوع مهدویت نموده اند که از آن جمله می توان به افراد زیر اشاره نمود:

۱ – ابن قیّم جوزیه.{پاورقی . المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، ص ۱۴۱–۱۳۵. پاورقی}

۲ – جلال الدین سیوطی.{پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۸. پاورقی}

۳ – ابوالحسن محمّد بن حسین بن عاصم سحری.{پاورقی . همان. پاورقی}

۴ – علامه مناوی.{پاورقی . فیض القدیر، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۹۲۴۵. پاورقی}

۵ – حافظ ابن حجر عسقلانی.{پاورقی . فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲. پاورقی}

۶ – قاضی شوکانی.{پاورقی . ابراز الوهم المکنون، ص ۴، به نقل از رساله التوضیح شوکانی. پاورقی}

۷ – ابن حجر هیتمی.{پاورقی . الصواعق المحرقه، ج ۲، ص ۲۱۱. پاورقی}

۸ – تفتازانی.{پاورقی . شرح مقاصد، ج ۲، ص ۶۲. پاورقی}

۹ – قرمانی دمشقی.{پاورقی . اخبار الدول وآثار الأول، ج ۱، ص ۴۶۳. پاورقی}

۱۰ – مبار کفوری.{پاورقی . تحفه الاحوذی، ذیل حدیث ۲۳۳۱. پاورقی}

۱۱ – احمد بن محمّد بن صدیق.{پاورقی . ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ص ۴۳۳. پاورقی}

۱۲ – سفارینی حنبلی.{پاورقی . الاذاعه، ص ۱۴۶. پاورقی}

۱۳ – سید محمّد صدیق حسن.{پاورقی . همان، ص ۱۲۵. پاورقی}

۱۴ – ابوالخطیب محمّد شمس الحق عظیم آبادی.{پاورقی . عون المعبود، ج ۱۱، ص ۲۴۳. پاورقی}

۱۵ – شیخ ابوالحسین آبری.{پاورقی . نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۲۲۵. پاورقی}

۱۶ – برزنجی.{پاورقی . الإشاعه لأشراط الساعه، ص ۱۳۹. پاورقی}

۱۷ – شیخ محمّد خضر حسین.{پاورقی . مجله التمدن الاسلامی، ج ۱۶، شماره ۳۶Ù۳۵. پاورقی}

۱۸ – ابو الاعلی مودودی.{پاورقی .

البیّنات، ص ۱۱۶. پاورقی}

۱۹ – احمد زینی دحلان.{پاورقی . الفتوحات الاسلامیه، ص ۲۹۹ù۳۰۰. پاورقی}

۲۰ – شیخ منصور علی ناصف.{پاورقی . التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۱. پاورقی}

۲۱ – شیخ ناصرالدین البانی.{پاورقی . مجله التمدن الاسلامی، شماره ۲۲، ص ۶۴۳. پاورقی}

چه کسانی قائل به صحّت احادیث مهدویت شده اند؟

پرسش

چه کسانی قائل به صحّت احادیث مهدویت شده اند؟

پاسخ

گروهی از علمای اهل سنّت به صحت یا حسن احادیث مهدی (ع) تصریح نموده وبرخی نیز به تواتر آن اعتراف دارند. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – ترمذی.{پاورقی . سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳. پاورقی}

۲ – ابوجعفر عقیلی.{پاورقی . الضعفاء الکبیر، ج ۴، ص ۳۸۰. پاورقی}

۳ – بربهاری.{پاورقی . شرح السنه. پاورقی}

۴ – محمد بن حسین آبری.{پاورقی . مناقب الشافعی. پاورقی}

۵ – حاکم نیشابوری.{پاورقی . المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۵. پاورقی}

۶ – بیهقی.{پاورقی . به نقل المنار المنیف، ص ۱۳۰. پاورقی}

۷ – بغوی.{پاورقی . مصابیح السنه، ج ۳، ص ۴۹۳. پاورقی}

۸ – ابن اثیر.{پاورقی . النهایه، ج ۵، ص ۲۲۰. پاورقی}

۹ – قرطبی.{پاورقی . التذکره، ج ۲، ص ۲۹۹. پاورقی}

۱۰ – ابن منظور.{پاورقی . لسان العرب، ج ۲۵، ص ۳۵۴. پاورقی}

۱۱ – ابن تیمیه. {پاورقی . المنهاج السنه، ج ۴، ص ۲۱۱. پاورقی}

۱۲ – جمال الدین مزّی. {پاورقی . تهذیب الکمال، ج ۲۵، ص ۱۵۰. پاورقی}

۱۳ – ذهبی. {پاورقی . تلخیص المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۳. پاورقی}

۱۴ – ابن قیم جوزیه. {پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۳۵–۱۳۰. پاورقی}

۱۵ – ابن کثیر. {پاورقی . النهایه فی الفتن والملاحم، ص ۵۳–۴۵. پاورقی}

۱۶ – تفتازانی. {پاورقی . شرح مقاصد، ج ۵، ص ۳۱۲. پاورقی}

۱۷ – نورالدین هیثمی. {پاورقی . مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۴. پاورقی}

۱۸ – شیخ محمد جزری شافعی. {پاورقی . اسنی المطالب، ص ۱۲۹. پاورقی}

۱۹ – احمد بن ابی بکر بویصری. {پاورقی . مصباح الزجاجه، ج ۳، ص ۲۶۳. پاورقی}

۲۰ – ابن حجر عسقلانی. {پاورقی . تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵. پاورقی}

۲۱ – سیوطی. {پاورقی . الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۲۲ù۵۵۳. پاورقی}

۲۲ –

شیخ عبدالوهاب شعرانی.{پاورقی . الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۵۶۱. پاورقی}

۲۳ – ابن حجر هیتمی.{پاورقی . الصواع المحرقه، ص ۱۶۳ ؛ القول المختصر، ص ۲۶. پاورقی}

۲۴ – متقی هندی.{پاورقی . البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان. پاورقی}

۲۵ – شیخ مرعی بن یوسف مقدسی حنبلی.{پاورقی . فرائد فوائد الفکر، ص ۶۸-۶۰. پاورقی}

۲۶ – محمّد بن عبدالرسول برزنجی.{پاورقی . الاشاعه لأشراط الساعه، ص ۱۳۹. پاورقی}

۲۷ – محمّد عبدا......ẸṢزرقانی.{پاورقی . شرح المواهب اللدنیه. پاورقی}

۲۸ – ابوالعلاء عراقی.{پاورقی . شرح احیاء المیت فی فضائل آل البیت. پاورقی}

۲۹ – شیخ محمّد بن احمد سفارینی حنبلی.{پاورقی . اللوامع. پاورقی}

۳۰ – سید محمد مرتضی زبیدی.{پاورقی . تاج العروس، ج ۲، ص ۳۳۲. پاورقی}

۳۱ – شیخ محمّد بن علی صبّان.{پاورقی . اسعاف الراغبین، ص ۱۶۱–۱۴۵. پاورقی}

۳۲ – محمّد امین سویدی.{پاورقی . سبائک الذهب، ص ۷۸. پاورقی}

۳۳ – شوکانی.{پاورقی . به نقل از قنوجی در الاذاعه، ص ۱۲۶. پاورقی}

۳۴ – محمّد بن حسن بن مؤمن شبلنجی.{پاورقی . نور الابصاẕص ۱۸۵. پاورقی}

۳۵ – احمد بن زینی دحل......{پاورقی . الفتوحات الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۹۰. پاورقی}

۳۶ – ....الدین احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی.{پاورقی . القطر الشهدی، ص ۶۸. پاورقی}

۳۷ – ابوالبرکات آلوسی حنفی.{پاورقی . علامات الساعه. پاورقی}

۳۸ – محمد بلبسی شافعی.{پاورقی . العطر الوردی، ص ۴۵. پاورقی}

۳۹ – ابوالطیب عظیم آبادی.{پاورقی . نظم المتناثر، ص ۲۲۵. پاورقی}

۴۰ – مبارکفوری.{پاورقی . تحفه الاحوذی، ج ۶، ص ۳۹۳. پاورقی}

۴۱ – شیخ منصور علی ناصف.{پاورقی . التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۱. پاورقی}

۴۲ – شیخ خضر حسین مصری.{پاورقی . مجله التمدن الاسلامی. پاورقی}

۴۳ – ابو الاعلی مودودی.{پاورقی . البینات، ص ۱۱۶. پاورقی}

۴۴ – ناصرالدین البانی.{پاورقی . مجله التمدن الاسلامی. پاورقی}

۴۵ –

شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد.{پاورقی . عقیده اهل السنه والاثر فی المهدی المنتظر. پاورقی}

۴۶ – شیخ حمود بن عبداللّه تویجری.{پاورقی . الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی، ص ۷۰. پاورقی}

۴۷ – شیخ عبدالعزیز بن عبداللّه بن باز.{پاورقی . الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۴۳۲، به نقل از او. پاورقی}

چه کسانی از صحابه احادیث مهدویت را نقل کرده اند؟

پرسش

چه کسانی از صحابه احادیث مهدویت را نقل کرده اند؟

پاسخ

راویان احادیث مهدویت از صحابه بسیارند که از آن جمله می توان به این افراد اشاره کرد:

امام امیرالمؤمنین (ع)، ابوامامه باهلی، صدیّ بن عجلان، ابوایوب انصاری، ابوسعید خدری، ابوسلمی، ابوالطفیل عامر بن واثله، ابولیلی، ابووائل، ابوهریره، انس بن مالک، ثوبان مولی رسول اللّه (ص)، جابر بن سمره، جابر بن عبداللّه انصاری، جابر بن عبداللّه صدفی، امام حسن بن علی (ع)، امام حسین (ع)، سلمان فارسی، طلحه بن عبیداللّه، عباس بن عبدالمطلب، عبدالرحمن بن عوف، عبدالرحمن بن حرث، عبداللّه بن عباس، عبداللّه بن عمر بن خطاب، عبداللّه بن عمروبن عاص، عبداللّه بن مسعود، عثمان بن عفان، عثمان بن ابی العاص، علقمه بن عبداللّه، علی الهلالی، عمار بن یاسر، عمر بن خطاب، عمران بن حصین، عمروبن عاص، عمروبن مرّه جهنی، عوف بن مالک، قتاده بن نعمان، قرّه بن آیاس مزنی، کعب بن علقمه، معاذ بن جبل، فاطمه زهرا (ع)، امّ سلمه، عایشه، ام حبیبه ودیگران.

حکم منکر حضرت مهدی(ع) وظهور او، در نزد اهل سنّت چیست؟

پرسش

حکم منکر حضرت مهدی(ع) وظهور او، در نزد اهل سنّت چیست؟

پاسخ

برخی از علمای اهل سنّت ایمان به خروج حضرت مهدی (ع) را واجب دانسته وبرخی دیگر منکر آن را کافر به حساب آورده اند:

احمد بن محمّد بن صدیق می گوید: "ایمان به خروج مهدی واجب، واعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق پیامبر (ص) حتمی وثابت است...". {پاورقی . ابراز الوهم المکنون، ص ۴۳۳. پاورقی}

همین تعبیر از سفارینی حنبلی، ناصرالدین البانی، عبدالمحسن بن حمد العبّاد، نیز رسیده است.

{پاورقی . الاذاعه، ص ۱۴۶. پاورقی}

{پاورقی . مجله التمدن الاسلامی، شماره ۲۲، ص ۶۴۳. پاورقی} {پاورقی . مجله الجماعه الاسلامیه، شماره ۳. پاورقی}

فقیه شافعی ابن حجر تصریح کرده که انکار مهدی اگر موجب انکار سنت از اصل واساس گردد، سبب کفر می شود، وهر کس چنین کند قتلش واجب است. واگر انکار، تنها به جهت عناد ودشمنی با ائمه اسلام است نه سنت، لازم است که او را تعزیر آشکار واهانت نمود تا دست از این کار بردارد...".

{پاورقی . البرهان، ص ۱۷۸. پاورقی}

احمد بن محمد بن صدیق غماری ازهری در رابطه با احادیث مهدویت می گوید: "این احادیث متواترند ومنکرین آنها بدعت گزار وگمراه به حساب می آیند".

{پاورقی . المهدی المنتظر، ص ۵. پاورقی}

آیا مذاهب اسلامی بر اصل ظهور امام زمان علیه السلام اتفاق نظر دارند؟

پرسش

آیا مذاهب اسلامی بر اصل ظهور امام زمان علیه السلام اتفاق نظر دارند؟

پاسخ

تمام مذاهب اسلامی بر اصل مسئله ظهور حضرت مهدی (ع) از ذریّه پیامبر اکرم (ص) اتفاق نظر دارند. همه معتقدند که در آخرالزمان شخصی به نام مهدی (ع) ظهور کرده، زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد، همان گونه که از ظلم وجور پر شده است.

الف. از علمای شیعه

شهید صدر؛ می فرماید: "به راستی اعتقاد به حضرت مهدی (ع) به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث پیامبر (ص) به طور عموم و در روایات اهل بیت: به طور خصوص آمده است وبه حدی به این مسئله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی گذارد...".

{پاورقی . بحث حول المهدی، ص ۱۰۳ù۱۰۴. پاورقی}

شیخ محمد رضا مظفر می فرماید: " مسئله بشارت به ظهور مهدی (ع) از اولاد فاطمه (س) در آخرالزمان واینکه زمین را از عدل وداد پر می کند بعد از آنکه از ظلم وجور پر شده باشد، از مسائلی است که به طور متواتر از پیامبر (ص) رسیده است ومسلمانان در کتاب های روایی خود آنها را نقل کرده اند".

{پاورقی . عقائد الامامیه، ص ۷۷. پاورقی}

ب. از علمای اهل سنّت

ناصر الدین البانی می گوید: "اما مسئله مهدی، باید دانسته شود که درباره خروج او احادیث صحیح بسیاری وارد شده است...".

{پاورقی . حول المهدی (ع)، البانی، مجله التمدن الاسلامی، سال ۱۳۷۱ه. پاورقی}

شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد می گوید: "همانا کثرت احادیث مهدی (ع) وتعدد طرق آنها واثبات آنها در کتاب های اهل سنّت به حدی است که بسیار دشوار به نظر می رسد که بتوانیم بگوییم حقیقتی ندارند، مگر اینکه کسی جاهل بوده یا

اهل جدل باشد، یا دقت در سندهای آنها نکرده باشد وبر کلام بزرگان اهل علم واقف نباشد...".

{پاورقی . عقیده اهل السنه والأثر فی المهدی المنتظر، مجله جامعه اسلامیه، شماره ۳. پاورقی}

شیخ عبدالعزیز بن عبداللَّه بن باز می گوید: "پس امر مهدی (ع) معلوم واحادیث در آن مستفیض بلکه متواتر وتقویت کننده یکدیگرند، وجماعتی از اهل علم ادعای تواتر آنها را نموده اند...".

{پاورقی . همان. پاورقی}

آیا مذاهب اسلامی بر وجوب اعتقاد به ظهور مهدی(ع)اتفاق نظر دارند؟

پرسش

آیا مذاهب اسلامی بر وجوب اعتقاد به ظهور مهدی(ع)اتفاق نظر دارند؟

پاسخ

پاسخ اول

همه مذاهب اسلامی بر این امر اتفاق نظر دارند که خروج مهدی(ع) در آخرالزمان از امور غیبی است که باید به آن اعتقاد پیدا کرد.

الف. از علمای شیعه

شیخ صدوق می فرماید: "ایمان شخص مؤمن به امام زمان (ع) بدون علم به احوال آن حضرت صحیح نخواهد بود. زیرا ایمان کسی که به قضیه مهدویت اعتقاد دارد به او نفعی نمی رساند مگر در صورتی که عارف به شأن آن حضرت در زمان غیبت باشد".

{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۱۹. پاورقی}

ب. از علمای اهل سنّت

ناصرالدین البانی می نویسد: "همانا عقیده به خروج حضرت مهدی (ع) عقیده ای است ثابت ومتواتر از پیامبر اکرم (ص) که ایمان به آن واجب است، زیرا این عقیده از امور غیب است که ایمان به آن در قرآن کریم از صفات پرهیزکاران شمرده شده است...".

{پاورقی . مجله تمدن اسلامی، چاپ دمشق. پاورقی}

عبـدالمحسن بن حمد العباد می نویسد: "تصدیق واعتقاد به قضـیه مهدویت، داخل در ایمان به رسالت پیامبر اکرم (ص) است، زیرا از آثار ایمان به پیامبر (ص) تصـدیق او است در اموری که به آنها خبر داده ونیز داخل در ایمان به غیبی است که خداوند متعال مؤمنین را به جهت ایمان به آن مدح کرده است...".

{پاورقی . مجله الجماعه الاسلامیه، چاپ حجاز. پاورقی}

پاسخ دوم

اهـل سنّت، از آنجـا که موضوع ظهور حضـرت مهـدی (ع) را از جمله خبرهایی می داننـد که پیامبر اکرم (ص) به آن بشارت داده است، لـذا به جهت وجـود روایـات صـحیح السـند در این موضـوع، اعتقـاد وایمـان به آن را واجب می داننـد، گر چه -بر فرض- روآیات

در حدّ تواتر نباشد.

حمود بن عبداللّه تویجری می گوید: "هر چه به طریق صحیح از پیامبر اکرم (ص) به آن خبر داده شده، ایمان به آن بر هر مسلمانی واجب است، زیرا در راستای اعتراف وشهادت به رسالت اوست...". آن گاه تویجری از احمد بن حنبل وموفق ابومحمّد مقدسی نیز همین ادعا را نقل می کند.

{پاورقی . اتحاف الجماعه، ج ۱، ص ۶. پاورقی}

او در جای دیگر می گوید: "در ایمان به خبرهای غیبی تواتر شرط نیست... بلکه هر خبر غیبی که به سند صحیح از رسول خدا (ص) ثابت شده ایمان به آن واجب است، خواه آن خبر متواتر باشد یا واحد، واین قول اهل سنّت وجماعت است...". آن گاه برای مدعای خود به آیه نبأ تمسک کرده است.

{پاورقی . همان، ص ۷. پاورقی}

دکتر محمد احمد اسماعیل مقدّم می گوید: "هر حدیثی که به طور صحیح از رسول خدا (ص) رسیده ایمان به آن بر هر مسلمانی واجب است، واین از لوازم شهادت به نبوت ورسالت پیامبر اسلام است...".

{پاورقی . المهدی و فقه اشراط الساعه، ص ۲۳ù۲۴. پاورقی}

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره حکومت عدل گستر حضرت مهدی ع) چیست؟

پرسش

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره حکومت عدل گستر حضرت مهدی ع) چیست؟

پاسخ

احادیث بسیار زیادی در متون اسلامی اعم از شیعه وسنی بر این امر اتفاق دارند که امام زمان (ع) بعد از ظهور خود زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد، همان گونه که از ظلم وجور پر شده باشد.

ابوسعید خدری از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: "لاتقوم الساعه حتی تمتلئ الأرض ظلماً وعدواناً. قال: ثمّ یخرج رجل من عترتی (أومن أهل بیتی) یملأها قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وعدواناً"؛ "قیامت برپا نمی شود تا اینکه زمین پر از ظلم وستم گردد. {پاورقی . مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶. پاورقی}

سپس فرمود: آن گاه شخصی از عترتم یا از اهل بیتم [تردید از راوی است] خروج کرده، زمین را از عدل پر خواهد کرد، همان گونه که از ظلم وستم پر شده باشد."

شیخ طوسی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "یظهر صاحبنا وهو من صلب هذا –وأومأ بیده إلی موسی بن جعفر– ویملأها عدلاً کما ملئت جوراً وظلماً"؛ {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۴۲. پاورقی}

"صاحب ما ظهور می کند، در حالی که از نسل این شخص است (حضرت با دست مبارك خود به موسی بن جعفر (ع) اشاره کرد) آن گاه زمین را پر از عدل وداد می کند، همان گونه که از ظلم وجور پر شده باشد."

موضوع: ولادت امام مهدی علیه السلام

مسأله قبول منجی از طرف مسیحیان و شیعیان و چندین دین جهان واضح است، اما آیا سنی ها مسلمان نیز به چنین منجی اعتقاد دارند؟

پرسش

مسأله قبول منجی از طرف مسیحیان و شیعیان و چندین دین جهان واضح است، اما آیا سنی ها مسلمان نیز به چنین منجی اعتقاد دارند؟

پاسخ

اعتقاد به مهدی موعود(از عقاید مسلم نزد همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی می باشد. همه مسلمانان برآنند که شخصی که مهدی لقب دارد و با حضرت رسول(همنام است، در آخرالزمان ظهور خواهد کرد، و دین اسلام را رواج داده، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. زیرا احادیث متواتری در این باره از پیامبر اکرم(روایت شده است، به گونه ای که کمتر مسأله ای را می توان یافت که احادیث مربوط به آن در این حد از تواتر باشد. و اعتبار حدیث متواتر مورد قبول همه علمای اسلام (شیعه و سنی)، و اعتبار حدیث متواتر خدشه ناپذیر است، و هیچگونه شك و تردید را برنمی تابد. (۱) و در این خصوص، از کتابهای معتبر حدیث و تاریخ و علمای اهل سنت، که احادیث مربوط به مهدی موعود را نقل کرده اند، عده ای دیگر از علمای اهل سنت، کتابهای مستقلی در این موضوع تألیف کرده اند. مانند مناقب مهدی، نعت مهدی، الاربعین حدیثاً فی المهدی، از ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ه ق)؛ والعرف الوردی فی اخبار المهدی، و علامات مهدی، از جلال الدین سیوطی ...

اما اختلافی که بین شیعه وسنی در خصوص حضرت مهدی وجود دارد این است که :

وجود امام زمان (مورد اتفاق همه شیعیان است، ولی اهل سنت در این مورد دو دسته اند :

۱- گروهی از آنان که اکثریت را تشکیل می دهند، برآنند که امام زمان فعلاً موجود

نیست، و قبل از قیامت به دنیا می آید.

۲- جمعی دیگر دراین مسأله با شیعه هم عقیده اند. (۲)

اختلاف دیگری در مورد امام زمان(، اینست که از نظر شیعه و عده ای از علمای اهل سنت، آن حضرت از فرزندان امام حسین(است؛ ولی عده ای دیگر از علمای اهل سنت، او را از فرزندان امام حسن(دانسته اند.

اما شیعیان در خصوص وجود امام زمان(دلایلی دارند، که از جمله آنها شواهد تاریخی بر صحت این مطلب است. گزارشهایی که ولادت آن حضرت و ایام کودکی او را نقل کرده، و از کسانی یاد کرده اند که در منزل امام حسن عسگری(،فرزندش مهدی(را ملاقات نموده اند، در کتابهای شیعه امری مسلم و بدیهی است. و بعضی علمای اهل سنت چون ابن صباغ مالکی، خواجه محمد پارسا، ابن حجر میثمی شافعی، و حافظ سلیمان حنفی، این مسأله را تأیید کرده اند. حافظ سلیمان

حنفی می گوید : "خبر معلوم نزد محققان و موثقان اینست که ولادت قائم(در شب پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵، در شهر سامرا واقع شده است."

دلیل دیگری که بر وجود امام زمان اقامه شده است، دلیل عقلی است. وآن اینست که آفرینش بدون وجود انسان کامل، تفسیر صحیح و خرد پسندی ندارد، و به منزله کالبد بدون روح است. علاوه بر آن تا وقتی که تکلیف هست، و مکلّفانی هستند که از خطا و اشتباه مصون نیستند، باید امام و پیشوایی معصوم وجود داشته باشد. (۳)

منابع و مآخذ :

۱. عقاید استدلالی۲، علی ربانی گلپایگانی، ص۱۴۹

۲. در این باره به کتاب نجم الثاقب، باب چهارم، رجوع شود.

عقاید استدلالی۲، علی ربانی گلپایگانی، ص۱۵۳۱۵۱

نظر اهل تسنن در مورد ظهور امام زمان (عج) چیست ؟ آن را با نظر شیعیان مقایسه کنید.

پرسش

نظر اهل تسنن در مورد ظهور امام زمان (عج) چیست ؟ آن را با نظر شیعیان مقایسه کنید.

پاسخ

اولاً ـ جمع بسیاری از علمای اهل سنت نیز معتقد به ولادت امام زمان در نیمه شعبان سال ۲۵۴ ه.ق هستند و معتقدند ایشان فرزند امام حسن عسکری هستند که نام ۷۰ تن از علمای اهل سنت که به این مطلب تصریح کرده اند جمع آوری شده است، (ر.ک:منتخب الاثر، آیت الله صافی، فصل سوم، باب اول).

ثانیا، اعتقاد به ولادت امام زمان وعمر طولانی ایشان، مستند به ادله قطعی و مسلم است. اگر کسی به روایات بسیار زیادی که در این زمینه وجود دارد مراجعه کند یقین پیدا خواهد کرد و پس از آن توجه به چند مطلب لازم است:

۱- مقصود از غیبت، این است که عموم مردم حضرت را نمی شناسند وگرنه در میان مردم حضور دارند و حتی همه ساله در میان خیلی بی شمار حاجیان در مراسم حج شرکت می کنند.

۲- مسأله طول عمر حضرت، علاوه بر این که امکان طبیعی دارد و نتایج کاوش ها و آزمایشات علمی دانشمندان غربی امکان آن را ثابت می کند، (ر.ک: دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۱۸۳ تا ۲۰۳).

با توجه به قطعی بودن ولادت آن حضرت، از قدرت واراده خداوند خارج نیست لااقل مانند معجزات پیامبران امری خارق العاده خواهد بود. خداوندی که بر زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی و تبدیل عصا به اژدها توسط حضرت موسی و بیرون آوردن شتر با بچه اش ازدل صخره های کوه قدرت دارد، بر طولانی کردن عمر یک انسان هم قادر است.{J

سایر فرق اسلامی و مصداق مهدویت

آیا سنی ها به غیبت امام زمان اعتقاد دارند، به چه دلیل؟

پرسش

آیا سنی ها به غیبت امام زمان اعتقاد دارند، به چه دلیل؟

پاسخ

عقیده به مهدویّت از امور مسلّم تاریخ و کلام اسلامی است. جملگی مسلمانان (شیعه و سنی) به "مهدی موعود" باور دارند. اختلاف مذهب شیعه و سنی در مورد تولّد امام مهدی(عج) است.

بیشتر عالِمان اهل سنت بر این باورند که "مهدی موعود" هنوز متولد نشده است، لیکن شیعه امامیه می گوید: مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری(ع)، در سال ۲۵۵ هجری در سامرا متولد شده است و اکنون در پس پرده غیبت زندگی می کند و روزی به امر خدا ظهور خواهد کرد. برخی از عالمان اهل سنّت نیز این سخن را قبول دارند و در کتاب های خویش متذکر شده اند، از جمله:

ـ ابوطالب کمال الدین، محمد بن طلحه شافعی قرشی، در کتاب مطالب السؤال؛

ـ علی بن محمد، ابن صباغ مالکی در الفصول المهمّه؛

ـ شبلنجی در نورالابصار؛

ـ ابن حجر شافعی هیتمی مصری در الصواعق المحرقه و ... .

بعضی از پژوهشگران بیش از صد نفر از دانشمندان اهل سنت را نام برده اند که در کتاب های خویش ولادت امام مهدی(عج) را متذکر شده اند.[۲] این ها به غیبت امام زمان باور دارند.

[۲] مهدی منتظر در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی، ص ۳۹ – ۲۳؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۶۶۷.

چرا بین شیعه و سنی در مورد ولادت حضرت مهدی(عج) اختلاف وجود دارد؟

پرسش

چرا بین شیعه و سنی در مورد ولادت حضرت مهدی(عج) اختلاف وجود دارد؟

پاسخ

در پرسش دو احتمال وجود دارد:

۱ احتمال اوّل آن است که عالمان شیعی و سنی در تولد و عدم تولد امام زمان(عج) اختلاف دارند؛ بدین معنا که دانشوران شیعی باور دارند امام زمان(ع) متولد شده؛ ولی اندیشمندان اهل سنت می گویند که حضرت هنوز متولد نشده است. اگر مقصود این باشد، باید گفت: اصل ولادت مهدی از واقعیات تاریخ است. به جز ائمه طاهرین، و عالمان و محدّثان شیعه، بسیاری از تاریخ نگاران و محدثان اهل سنت نیز بدین معنا تصریح کرده، و آن را یک واقعیت دانسته اند. برخی از نویسندگان، نام بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتب آنان را ذکر نموده اند.(۱) آن عِدّه از عالمان اهل سنت که ولادت امام زمان(ع) را انکار کرده اند، می گویند حضرت در آینده متولد خواهد شد. از آن رو حکومت عباسی با گسترش اخبار مهدویت، به وحشت افتاده بودند و چاره آن کار را در این دیدند که امام هادی و عسکری را در محاصره قرار بدهند تا همانند جریان فرعون و حضرت موسی از ولادت امام مهدی(عج) جلوگیری به عمل آورند، یا در کودکی او را بکشند، برای خنثی

سازی این نقشه شوم، امام عسکری(ع) تصمیم گرفت جریان ولادت حضرت مهدی(عج) را مخفی نگه دارد و تنها به شیعیان خاص اطلاع دهد.

این سیاست موجب شد برخی در ولادت حضرت شک و تردید داشته باشند، لیکن در دوره ۶۹ ساله غیبت صغری با شواهد و قرائن برای شیعیان ولادت حضرت ثابت شد، امّا دیگر عالمان به جهت عدم

ارتبـاط آنان با سازمان وکالت تا حـدودی شک و تردیـد در بین آنان باقی مانـده یا این که مسایل دیگر در رویکرد آنان مؤثر بوده انـد. مضافاً بر این که در خیلی از مسایل تاریخی مورخان و اندیشـمندان با هم اختلاف نظر دارنـد. در این جا به دیـدگاه چند تن از عالمان اهل سنت اشاره می شود که تصریح کرده اند حضرت حجّت متولد شده است:

۱ شـمس الـدین ابن خلکان می نویسـد: "ابوالقاسم محمـد بن الحسن العسـکری بن علیّ الهادی بن محمـد الجواد، دوازدهمین امام شیعه است. لقب معروف او حجّت است. شیعیان همو را، "منتظر" و "قائم" و "مهدی" می دانند.(۲)

۲ شیـخ سلیمان قندوزی می نویسد: "خبر معلوم و مسلّم، در نزد موثّقان، این است که ولادت قائم(ع)، در نیمه شعبان واقع شده است، به سال ۲۵۵، در شهر سامرا".(۳)

۳ شیـخ عبـدالوهاب شـعرانی می نویسـد: "مهدی(عج) از اولاد امام حسن عسـکری است. در شب نیمه شـعبان سال ۲۵۵ متولد شده و زنده است تا این که با عیسی بن مریم ملاقات کند".(۴)

۲. احتمال دوم آن است که اندیشـمندان شـیعه و سـنی در تاریـخ تولـد امام زمان(ع) اختلاف دارند. اگر مقوصد آن باشد باید گفت: اختلاف دانشـمندان اهل سـنت و شیعیان در خصوص تاریخ تولد و تاریخ وفات بزرگان دین اختصاص به امام زمان(ع) نـدارد. آنـان در خیلی از مسایل دیگر نیز اختلاف دارنـد، مثلاً دانشـمندان اهل سـنت عقیـده دارنـد که پیامبر(ص) در ۱۲ ربیع الاوّل عام الفیل متولـد شـده و حال آن که مورخان شـیعه بر این باورنـد که حضـرت در ۱۷ ربیع الاـول چشم به جهان گشوده است. این گونه اختلافات بان جهت

بوده که در آن زمان، وسایل و ابزار علمی مانند امروز وجود نداشته است که تاریخ شفاف ظبط گردد، افزون بر این که گذشت زمان در ابهام سازی برخی از مسایل تاریخی نقش دارد.

اختلاف در تاریخ ولادت امام زمان(ع) از این قاعده جدا نبوده و در تاریخ تولد او نیز ناهمگونی جزئی وجود دارد که این گونه تفاوت قابل قبول است.

در پایان بیان می داریم که اگر مراد شما جز این است و یا پاسخ سؤال را کافی نیافتید، برای ما بنویسید تا پاسخ دیگر دریافت نمایید.

پی نوشت ها:

۱. محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب ۱۸؛ محمد کاظم قزوینی، الامام المهدی، ص ۱۱ ۸.

۲. وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۱۶.

۳. الیواقیت و الجواهر، ص ۱۴۵.

۴. ینابیع الموده، ص ۴۵۲، به نقل از خورشید مغرب، ص ۲۰.

نمونه ای از روایات اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) را ذکر کنید ؟

پرسش

نمونه ای از روایات اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) را ذکر کنید ؟

پاسخ

رسول اللّه (ص) فرمود : اگر یک روز از عمر جهان بیشتر نماند باشد خدای متعال آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت من و همنام من به حکومت برسد وزمین را پر از عدل و داد کند , چنانچه پر از ظلم و جور شده است .

(صحیح ترمذی , ج ۲ , ص ۴۶) , (صحیح ابی داود , ج ۲ , ص ۲۰۷) (مسند احمد بن حنبل , ج ۱ , ص ۳۷۸) و (ینابیع الموده , ص ۴۹ , ص ۲۸۰ , ص ۴۴۰ و ص ۱۸۶) .

از ام سلمه نقل کرده اند که رسول اللّه (ص) فرمود : مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است

(اسعاف الراغبین , ص ۱۳۴)

از ابن عباس نقل کرده اند که رسول اللّه (ص) فرمود : همانا علی امام امت بعد ازمن است و از فرزندان او قائم منتظر می باشد

و هنگامی که ظهور کند زمین را پر ازعدل و داد می سازد , چنانکه پر از ظلم و جور شده اس(ینابیع الموده , ص ۴۹۴)

آیا از اهل سنّت احادیث و روایاتی درباره ظهور حضرت مهدی(عج) نقل شده است؟

پرسش

آیا از اهل سنّت احادیث و روایاتی درباره ظهور حضرت مهدی(عج) نقل شده است؟

پاسخ

بله محدثین بزرگ اهل سنّت نیز احادیثی راجع به ظهور حضرت مهدی تخریج نمودهاند و از جماعتی از صحابه و جمع کثیری از تابعین راجع به ظهور آن حضرت روایات بسیاری نقل کردهاند و بعضی از ایشان در تخریج این احادیث کتاب خاص نوشتهاند و گروه بسیاری از آنان تواتر این روایات را صریحاً تصدیق اضافه است کردهاند و از جمله مسائلی که در کلمات بسیاری از ایشان تصریح شده این است که نه فقط اصل ظهور مهدی به روایات متواتر از پیغمبر اکرم(ص) ثابت و قطعی است بلکه به تواتر ثابت است که آن حضرت زمین را پر از عدل و داد میکند و عیسی از آسمان نزول کرده به آن حضرت اقتدا می نماید و تمام جهان را فتح کرده و احکام قرآن را نشر می دهد. علاوه بر این بسیاری از محققین علمای عامه در اشعار و قصاید یا کتب و تصنیفاتشان ایمان خود را به اینکه حضرت مهدی(ع) همان یگانه فرزند امام حسن عسگری(ع) است اظهار داشتهاند.

چه مشخصات و ویژگیهائی برای حضرت مهدی در کتب اهل سنت آمده است؟

پرسش

چه مشخصات و ویژگیهائی برای حضرت مهدی در کتب اهل سنت آمده است؟

پاسخ

: ۱ مهدی موعود از عترت پیغمبر و از فرزندان فاطمه(علیهم السلام) است.

۲ مهدی موعود از فرزندان حسین (ع) است.

۳ حضرت مهدی جهان را پر از عدل و داد کند پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد.

۴ حضرت مهدی دارای دو غیبت است، یکی از آن دو غیبت طولانی میشود.

۵ مهدی، خلیفه و رهبر و امام دوازدهم از ائمه اثنی عشر است که پیغمبر، امت را به امامت آنها بشارت داد و بر طبق روایات کثیر مسند احمد، صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود و کتابهای معتبر دیگر اهل سنت، امامتشان ثابت است.

۶ حضرت مهدی(ع) بر تمام کشورها و شهرها مستولی میشود و لشکرهای کفر را هزیمت میدهد.

۷ دین اسلام و توحید به وسیله آن حضرت عالمگیر خواهد شد و در زمین کسی نماند مگر اینکه به توحید خدا گواهی دهد.

۸ در زمانش آنچنان مردم در نعمت و وسعت خواهند بود که نظیر آن در هیچ عصری نبوده است.

۹ حضرت مهدی(ع) همنام و هم کنیه حضرت رسول(ص) است.

۱۰ حضرت مهدی شبیهترین مردم است به پیغمبر در خلق و خوی.

۱۱ مردم را به سنت و شریعت و ملت پیغمبر اکرم(ص) برگرداند و کتاب و سنت را زنده سازد.

۱۲ پوشاك و خوراك آن حضرت در نهایت سادگی باشد.

۱۳ برکات زمین و آسمان در عصرش فراوان شود.

۱۴ علم و دانائی او به حلال و حرام از همه کس بیشتر باشد.

۱۵ نسبت به فقرا مهربان و بر عُمّال

و مأمورین سختگیر باشد که بر مردم ستم نکنند.

۱۶ عیسی بن مریم(ع) فرود آید و در نماز به مهدی(ع) اقتدا کند.

۱۷ پیش از ظهور آن حضرت حوادث بزرگ و فتن عظیم و جنگهای عالمگیر اتفاق افتد که دو ثلث مردم تلف شوند.

۱۸ پیش از ظهور آن حضرت معاصی رایج شود، فروش خمر و قمار علنی شود، عفت و پاکدامنی در زنها کم شود، اسباب لهو و طرب و غنا ظاهر شود، ربا جزء معاملات رایج گردد (مؤسسات ربوی آشکار شود). زنها برهنه و نیم برهنه از خانهها بیرون آیند و در امور و مشاغل مردها وارد شوند و مردها از آنها اطاعت کنند، احکام خدا و حدود، معطل ماند و اجرا نشود، امر به معروف و نهی از منکر ترک شود بلکه امر به منکر و نهی از معروف رایج گردد تا حدی که مردم منکر را معروف و معروف را منکر بدانند. زنها فاسد و جوانان بدکار شوند، کارها به نا اهلان سپرده شود و چیزهای دیگر از این قبیل که شرحش فعلاً میسور نیست.

تعدادی از احادیث روایت شده توسط سنی درباره امام مهدی، ظهور ایشان، و دیگر مسائل مربوط به ظهور را بیان کنید.

پرسش

تعدادی از احادیث روایت شده توسط سنی درباره امام مهدی، ظهور ایشان، و دیگر مسائل مربوط به ظهور را بیان کنید.

پاسخ

۱ أخرج أحمد و ابن أبی شیبه، و ابن ماجه، ونعیم بن حمّاد، فی الفتن، عن علیٍّ، قال: قال رسول الله (ص):

«االمهدی منّ اهل البیت، یصلح الله فی لیله». (کتاب الفتن ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۱)

احمد وابن أبی شیبه و ابن ماجه و نعیم بن حمّاد، در کتاب «فتن» از علی(ع) نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: رسول خدا(ص) فرمودند:

«مهدی (ع) از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد فرمود».

۲ أخرج أبو داود و ابن ماجه والطبرانی و الحاکم عن امّ سلمه، قالت: سمعت رسول الله (ص) یقول:

«المهدی من عترتی، من ولد فاطمه». (کتاب الفتن ص ۸۹، باب ۲، حدیث ۲)

ابو داود و ابن ماجه و طبرانی و حاکم، از امّ سلمه روایت کرده اند که گفت: شنیدم رسول الله (ص) می فرماید:

«مهدی (ع) از سلاله من است، از فرزندان فاطمه(س)».

۳ أخرج الحاكم و ابن ماجه و أبو نعيم، عن أنس بن مالك، قال: سمعت رسول الله (ص) يقول:

«نحن سبعه ولد عبدالمطّلب ساده أهل الجنه: انا، و حمزه، و على، و جعفر، والحسن، و الحسین، و المهدی». (کتاب الفتن ص ۸۹، ب ۲، ح ۳)

حاکم، و ابن ماجه و ابونعیم ، از انس بن مالک روایت کرده اند که وی گفت: شنیدم، رسول الله (ص) می فرماید:

«ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشت هستیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی»

۴ أخرج الترمذی و صحَّحه عن أبی هریره، قال: قال رسول

الله (ص):

«لولم يبقَ من الدنيا الّا يوم، لطوّل الله ذلک اليوم، حتى يلى المهدى». (کتاب الفتن ص ۹۰، ب ۲، ح ۵)

ترمذی به طریق صحیح از ابو هریره، نقل کرده است که گفت: رسول الله (ص) فرمود:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند که مهدی (ع) در پی آید».

۵ أخرج الطبرانی فی الاوسط من طریق عمر و بن علی، عن علیّ بن أبی طالب انه قال للنبیِّ(ص):

«أمنّا المهدی أم من غیرنا یا رسول الله؟»، قال« بل منّا، بنا یختم الله کما بنا فتح، و بنا یستنقذون من الشرک، و بنا یؤلِّف الله بین قلوبهم بعد عداوه الشرک». (کتاب الفتن ص ۹۱، ب ۲، ح ۷)

طبرانی در«الأوسط» از طریق عمرو بن علی، روایتی را از علی بن ابیطالب(ع) نقل کرده که از پیامبر(ص) سؤال کرد: «مهدی از بین ماست یا از بین دیگران یا رسول الله؟ در جواب فرمود:

«بلکه ازماست، خداوند همچنانکه به ما آغاز فرمود، به ما هم ختم خواهد کرد، به وسیله ماست که مردم از شرک نجات می یابند، به وسیله ماست که خداوند بین دلهای مردم، الفت و پیوند ایجاد میکند، بعد از آنکه به دشمنی حاصله از شرک، بینشان جدای افتاده باشد».

۶ أخرج نعیم بن حماد، و أبو نعیم من طریق مکحول عن علی، قال:

«قلت: یا رسول الله أمنّا آل محمد المهدی، أم من غیرنا؟» فقال: « لا بل منّا، یختم الله به الدین کما فتح بنا ینقذون من الفتنه کما انقذوا من الشرک، و بنا یؤلّف الله بین قلوبهم، و بنا یصبحون بعد عداوه الفتنه اخواناً کما أصبحو بعد عداوه الشرک اخواناً

فی دینهم» (کتاب الفتن ص ۹۱، ب ۲، ح ۸)

نعیم بن حمّاد و ابو نعیم از طریق«مکحول» از علیّ بن ابیطالب(ع) روایت کرده اند، که فرمود:

«گفتم: ای رسول خدا، آیا مهدی(ع) از بین ما آل محمد(ص) است یا از بین غیر ما؟» فرمود: «نه بلکه از بین ماست، خداوند دین را همچنانکه گشود، به وجود او ختم خواهد کرد، مردم به وسیله ما از فتنه نجات می یابند؛ چنانکه از شرک نجات یافتند و به وسیله ماست که خداوند بین دلهای مردم، الفت و پیوند ایجاد می کند و به وسیله ماست که مردم بعد از دشمنی برخاسته از فتنه، با یکدیگر برادر شدند.»

۷ أخرج الحارث بن أبی اُسامه و أبو نعیم، عن أبی سعید، قال: قال رسول الله(ص):

«لتملأنّ الارض ظلماً و عدواناً، ثمّ لیخرجنّ رجل من اهل بیتی حتّی یملأها قسطاً و عدلاً کما ملئت عدوانا و ظلماً». (کتاب الفتن ص ۹۱ و ۹۲، ب ۲، ح ۱۰)

حارث بن أبی اسامه و ابونعیم ، از ابو سعید نقل کرده اند که گفت: رسول خدا(ص) فرمود:

«زمین پر از ستم و دشمنی می شود و به درستی، مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پرکند، چنانکه پر از دشمنی و ستم شده باشد».

۸ أخرج الطبرانی فی الکبیر و أبونعیم عن ابن مسعود: قال: قال رسول الله(ص):

«یخرج رجل من اهل بیتی، یواطی اسمه اسمی و خلقه خلقی، یملأها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً». (کتاب الفتن ص ۹۲، ب ۲، ح ۱۱)

طبرانی در کتاب «الکبیر» و ابونعیم، از ابن مسعود، نقل کرده اند که گفت: رسول الله(ص) فرمود:

«مردی از اهل بیت من قیام

خواهد کرد، اسمش همانند اسم من و اخلاقش همانند اخلاق من است، او زمین را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد».

آیا در میان روایات نقل شده توسط اهل سنت، احادیثی که مؤیّد اعتقاد شیعه بر امامت دوازده امام بعد از پیامبر باشد وجود دارد؟

پرسش

آیا در میان روایات نقل شده توسط اهل سنت، احادیثی که مؤیّد اعتقاد شیعه بر امامت دوازده امام بعد از پیامبر باشد وجود دارد؟

پاسخ

بله و ما فقط متن چند حدیث از این روایات را در اینجا ذکر می کنیم، تا معلوم شود که بنیان مذهب شیعه اثنی عشری بر استوارترین مآخذ و مدارک معتبر مورد قبول فِرَق مسلمین قرار دارد و نام «اثنی عشری»، نامی است که از زبان وحی و رسالت یعنی کلام معجز نظام، حضرت خاتم الانبیاء(ص) گرفته شده است.

۱ احمد حنبل در مسند که از معتبر ترین کتب مسانید و جوامع اهل سنت و معروف ترین کتب حدیث مسلمین است، سی وپنج حدیث با سندهائی عالی، از پیغمبر روایت کرده است که همه دلالت دارند بر اینکه جانشینان و رهبران امت بعد از آن حضرت دوازده نفرند. از جمله سند را به جابر بن سمره صحابی معروف می رساند که گفت:

شنیدم پیغمبر(ص) فرمود:

«يَكُونُ لِهذِهِ الْأَمَّهِ اِثْنا عَشَرَ خَليفَهً» (منتخب الاثر/ص۱۲)

[برای این امت دوازده نفر خلیفه است.]

۲ ابن عدی در کامل و ابن عساکر از ابن مسعود روایت کرده اند از پیغمبر اکرم(ص) که فرمود:

«اِنَّ عِدَّهَ الْخُلَفاءِ بَعْدى عِدَّهُ نُقَباءِ مُوسى» (الجامع الصغیر، ج۱، ط۴، ص۹۱.)

[شماره جانشینان من به شماره نقباء موسی است.] که به اتفاق دوازده تن بوده اند.

۳ طبرانی از ابن مسعود روایت کرده که پیامبر خدا(ص) فرمود:

«يَكُونُ مِنْ بَعْدى اِثْنى عَشَرَ خَليفَهً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (کنز العمال، ج۱/۳۳۸، ۶/۲۰۱)

[بعد از من دوازده نفر خلیفه اند که همه از قریش می باشند.]

۴ ابن النجار از انس بن مالک روایت کرده که پیامبر(ص) فرمود:

«لَنْ یَزالَ هذَا الدّینُ قائِماً اِلی اِثْنَیْ عَشَرَ مِنْ قُرَیْشٍ فَاِذا هَلَکُوا ماجَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِها» (کنزالعمال

۶/۲۰۱ ح ۳۴۸۳)

[این دین همواره بر سر پا است تا دوازده نفر از قریش، پس وقتی آنها مردند زمین به اهلش مضطرب می شود.]

۵ دیلمی در فردوس الاخبار از ابو سعید خدری روایت کرده که پیامبر اعظم(ص) نماز اولی را با ما بجا آورد سپس به طرف ما برگشت و فرمود: ای گروه اصحابم به درستی که مثل اهل بیت من در بین شما مثل کشتی نوح و باب حطه بنی اسرائیل است، پس متمسک شوید به اهل بیت من بعد ازمن که پیشوایان راشدین از ذریه من هستند پس به درستی که شما هرگز گمراه نشوید.

«فقیل: یارَسُولَ اللهِ کَم الْأئِمَّهُ بَعْدَکَ؟ قال اِثْنا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَیْتی (أَوْ قال) مِنْ عِتْرَتی» (عبقات الانوار ۲، ۱۲/۲۴۶)

[پرسید شد: یا رسول الله امامان بعد ازشما چند نفرند؟ فرمود: دوازده تن اهلبیت من یا فرمود: از عترت من می باشند]

۶ فاضل قندوزی از ابولفضیل عامر بن واثله از علی(ع) از پیغمبر(ص) روایت کرده که فرمود: یا علی تو وصی منی، جنگ تو، جنگ من و سازش تو، سازش من است، و تو امام و پدر امام و پدر یازده امامی که پاک و معصومند و از ایشان است مهدی که زمین را از قسط و داد پر کند. (ینابیع الموده/۵)

۷ و نیز قندوزی روایت کرده که پیغمبر(ص) فرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند اول ایشان یا علی توئی و آخر ایشان قائم است که خدا به دستش مشارق و مغارب زمین رامی گشاید. (ینابیع الموده/۴۹۳)

۸ حموئی در «فرائد السمطین» و سید علی همدانی در«موده القربی» از ابن عباس روایت کرده اند که رسول خدا(ص) فرمود:

«أَنَا سَیدُّ النَّبِیّینّ، و عَلِیَّ بْنِ أَبی

طالِبٍ سَیِّدُ الْوَصِیّینَ وَ أَنَّ أَوْصِیائی اِثْناعَشَرَ أَوَّلُهُمْ عَلِیُّ بْنُ أَبی طالِبٍ، وَ آخِرُهُمْ اَلْقائِم» (ینابیع الموده،ص۲۵۸، ۴۴۵ و کشف الاستار، ص۷۴.)

[من سید پیامبرانم و علی سید اوصیاء است و اوصیای من دوازده نفرند که اول آنها علی و آخرین ایشان قائم است.]

۹ در روضه الاحاب و فرائد المسطین از ابن عباس روایت شده که پیغمبر(ص) فرمود: جانشینان و اوصیاء من و حجتهای خدا بر خلق بعد از من دوازده نفرند که اول ایشان برادر من است و آخر ایشان فرزند من است.

پرسیده شد: یا رسول الله برادرت کیست؟

فرمود: علی بن ابیطالب.

پرسیده شد: فرزندت کیست؟

فرمود: مهدی است که زمین را از قسط و عدل پرکند همچنانکه پر از ظلم و جور شده باشد. سوگند به آن کس که مرا به حق بشارت دهنده مبعوث کرد، اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، خدا آن روز را طولانی گرداند تا فرزندم مهدی در آن بیرون آید، پس عیسی بن مریم نزول ندو پشت سر او نماز بخواند و زمین به نورش روشن شود و سلطنتش به مشرق و مغرب برسد. (ینابیع الموده، ص۴۴۷. عبقات، ص۲۳۷، ج۲، ج۱۲)

۱۰ خوارزمی در «مقتل الحسین» و «مناقب» و همدانی در «موده القربی» از سلمان روایت کرده اند که گفت: وارد شدم بر پیغمبر(ص) در حالی که حسین بر زانوی او بود چشمهایش را می بوسید و دهانش را می بوسید و می فرمود: تو آقا، پسر آقایی. تو امام پسر امام، برادر امام، پدر امامانی، تو حجت خدا پسر حجت خدایی و پدر نه حجتی که از صلب تو هستند و نهمین ایشان قائم آنها است. (مقتل الحسین، ۱/۹۴، و ینابیع الموده، ص۲۵۸و ۴۹۲.)

و

مفصلتر از اخباری که نقل شد روایاتی است که در آنها اسامی مبارک دوازده امام از حضرت علی(ع) تا حضرت حجه ابن حسن العسکری، امام دوازدهم، مهدی منتظر(عج) نام برده شده اند که شارح روایاتی می باشند که در آنها فقط عدد ائمه ذکر شده است.

این اخبار از طرق شیعه بسیار و متواتر است، و از طرق اهل سنت نیز روایت شده است و اعتبار آنها ب روش اهل سنت با همان روایات مشتمل بر عدد ائمه که در کتاب صحاح تخریج شده تأیید و تضمین می شود.

این احادیث و روایاتی که نقل کردیم اگر به نام های شریف دوازده امام هم تصریح نداشت و فقط به همان عدد دوازده امام اکتفا شده بود جز بر ائمه اثنی عشر(ع) و مذهب شیعه، بر هیچ یک از مذاهب و پیشوایان آنها انطباق ندارد، زیرا فقط شیعه امامیه است که قائل به امامت ائمه اثنی عشر است و این روایات در قوت و اعتبار و تواتر به پایه ای است که احدی از اهل سنت در صحت آنها تردید نکرده است هر چند در تفسیر و توجیه آن بی جهت دست و پا کرده و خود را به زحمت انداخته اند، ولی نتوانسته اند هیچ گونه توجیه قابل قبولی برای این احادیث بنمایند، این احادیث مستقیماً اعلام صحت مذهب شیعه است و با اخبار و روایاتی که نام های شریف امامان را دارد، مؤید و معاضد یکدیگرند.

دیدگاه علمای اهل سنت و علمای شیعه در مورد امام مهدی(ع) چیست؟

پرسش

دیدگاه علمای اهل سنت و علمای شیعه در مورد امام مهدی(ع) چیست؟

پاسخ

بر خلاف آنچه بعضی از ناآگاهان تصور می کنند اعتقاد به قیام مهدی (ع) و حکومت جهانی او مخصوص شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نیست، بلکه تمام فرق اسلامی بدون استثناء ظهور مردی از دودمان پیامبر را در آخر الزمان به نام مهدی که دنیا را پر از عدل و داد می کند پذیرفته اند ، و روایت آن را در کتب خود از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده اند.

کتابهای فراوانی در این زمینه به وسیله دانشمندان اهل سنّت و علمای شیعه نگاشته شده است.

این روایات از روایات متواتر و قطعی است که همه محققان اسلامی – صرف نظر از مذهب خاص خود – آن را پذیرفته اند ، تنها عده محدودی مانند «ابن خلدون» و «احمد امین مصری» در صدور این روایات از پیامبر(ص) تردید کرده اند، و قرائنی در دست داریم که انگیزه آنها از این کار ضعف روایات نبوده، بلکه شاید فکر می کردند که روایات مربوط به قیام مهدی مشتمل بر خارق عاداتی است که به سادگی نمی توانند آن را باور کنند.

این در حالی است که متعصب ترین فرق اسلامی، یعنی «وهابی ها» نیز آن را پذیرفته ، و به متواتر بودن احادیث آن اعتراف کرده اند.

شاهـد این مـدّعا بیانیه ای است که چند سال قبل از طرف رابطه العالم الاسـلامی که شدیداً زیر نفوذ وهابیان و دولت سـعودی است ، در پاسخ سؤالی که از آنها درباره ظهور حضرت مهدی شده بود صادر گردید.

این بیانیه در پاسخ یکی از اهالی «کنیا» به نام «ابومحمد» و به امضای دبیر کل «رابطه العالم الاسلامی» «محمد صالح القزاز»

بود، در این بیانیه آمده است که

«ابن تیمیه» مؤسس مذهب وهابیان احادیث مربوط به مهدی (ع) را نیز پذیرفته است سپس به رساله ای که پنج تن از علمای معروف حجاز در این زمینه تهیه کرده اند می پردازد

در قسمتی از این رساله می خوانیم

«به هنگام ظهور فساد در جهان و نشر کفر و ظلم ، خداوند جهان را به وسیله «مهدی» پر از عدل و داد می کند، آنگونه که از ظلم و ستم پر شده است، او آخرین خلیفه راشدین دوازدهگانه است که پیامبر طبق کتب صحاح از آن خبر داده است....»

آیا این اعتقاد اهل سنت که امام زمان (عج) فرزند عبداله و آمنه است صحت دارد؟

پرسش

آیا این اعتقاد اهل سنت که امام زمان (عج) فرزند عبداله و آمنه است صحت دارد؟

پاسخ

در هیچ یک از نصوص معتبر اهل سنت ، نیامده است که امام زمان (عج) فرزند عبدالله و آمنه می باشد .مهم ترین و معتبرترین مجامع روایی اهل سنت ((صحاح سته)) و ((سنن ثلاثه)) می باشد .با بررسی هایی که برروی همه این متون انجام گرفته است ، سه حدیث درباره حضرت مهدی (عج) هست که در هیچ یک از آنها امام زمان (عج) را فرزند آمنه وعبدالله نخوانده است ؛ بلکه در اولی ایشان را از عترت پیامبر (ص) و ذریه فاطمه (س) خوانده است . در حدیث دوم فرموده اند : مهدی از من است و درروایت سوم هیچ اشاره ای به نسب آن حضرت نشده است :

۱- ((حدثنا احمدبن ابراهیم حدثنا عبدالله بن جعفر الرقی حدثنا ابوالملیح الحسن بن عمرعن زیاد بن بیان عن علی بن نفیل عن سعید بن المسیب عن ام سلمه قال سمعت رسول الله (ص) یقول ((المهدی من عترتی من ولد فاطمه)) قال عبدالله بن جعفر و سمعت ابا الملیح یثنی علی علی بن نفیل و یذکر منه صلاحا")) ، (سنن ابی داود، حدیث ۳۷۳۵) .

۲- ((حدثنا سهل بن تمام بن بزیع حدثنا عمران القطان عن قتاده عن ابی نضره عن ابی سعید الخدری ، قال قال رسول الله (ص) ((المهدی منی اجلی الجبهه

، اقنی الاتف ، یملا الارض قسطا"و عدلاً کما ملیت جورا" و ظلما" یملك سبع سنین)) ، (همان ، حدیث ۳۷۳۶).

۳- سومین روایت در سنن ابن ماجه باب فتن حدیث شماره ۴۰۲۹ می باشدکه به جهت عدم ذکر نسبت نیازی به نقل متن آن نیست .

برای آگاهی بیشتردرباره شبهات مرتبط به امام زمان (عج) ر.ك : ((یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج) ، علیرضا رجالی تهرانی)). ;

آیا صحیح است که سنّتها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی((علیه السلام)) ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند؟

پرسش

آیا صحیح است که سنّتها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی((علیه السلام)) ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند؟

پاسخ

در کتاب سنن ابن ماجه که یکی از صحاح اهل سنّت است(۱) حدیثی روایت شده که این جمله در آخر آن آمده است: «و لا المهدی الا عیسی بن مریم یفی; مهدی جز عیسی بن مرم نیست». این جمله دلالت می کند بر این که مهدی موعود که جهان را پر از عدل و داد می کند حضرت عیسی بن مریم است.

ولی این حدیث از ناحیه کارشناسان رجال اهل سنّت مانند ذهبی منسك(مورد انکار) معرّفی شده است چنان که ذهبی در ترجمه(۲) یونس بن عبدالاعلی که ابن ماجه از او روایت کرده است می گوید: حدیث «لامهدی الاابن مریم جدّاً منکر» (مورد انکار) و همین مطلب را در ج ۳، ص ۵۳۵ کتاب مذکور آورده است.

زهرا((علیها السلام))(۴) معرفی می کند. و برای مهدی ویژگیها و صفات و نشانه های بسیار در احادیث شیعه و اهل سنّت ذکر شده است که هیچ کدام از آنها بر حضرت عیسی((علیه السلام))منطق نیست به کتاب منتخب الاثر مراجعه کنید.

آری در احادیث شیعه و اهل سنّت وارد شده است که هنگام ظهور حضرت مهدی((علیه السلام)) حضرت عیسی((علیه السلام)) از آسمان نازل می شود و پشت سر امام زمان((علیه السلام)) نماز می گذارد و شاید همین اقتدای حضرت علی((علیه السلام)) به امام زمان یکی از رموز موفقیّت و پیشرفت قیام آن حضرت می باشد زیرا با وجود این اقتدار تمام و مسحیان جهان به حضرت گرایش خواهند یافت.

پاورقی

۱ - داراحیاءالکتب العربیه، ج ۲، ص ۱۳۴۰.

۲ – میزان

الاعدال، ج ۴، ص ۴۸۱، رقم ۹۹۰۹.

۳ – دار احیاء الکتب العربیه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷.

۴ – دار احیاء الکتب العربیه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸.

آیا اهل سنّت به امامت امام دوازدهم معتقدند؟

پرسش

آیا اهل سنّت به امامت امام دوازدهم معتقدند؟

پاسخ

اهل سنّت، معمولا به امامت امام دوازدهم معتقد نیستند; ولی در منابع حدیثی آنان احادیث بسیاری است که دلالت بر وجود امام زمان(عج) و امامت آن حضرت و ظهور وی می کند.

آیا اهل سنت به حضرت مهدی (عج) اعتقاد دارند؟

پرسش

آیا اهل سنت به حضرت مهدی (عج) اعتقاد دارند؟

پاسخ

اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی(عج) نیز مانند شیعیان است و آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه(س)می دانند.

در «سنن ابی داود» – که از کتاب های مهم اهل سنت است – در «باب ماجاء فی المهدی» حدیث شماره۳۷۳۵ از ام سلمه نقل شده است که:

سمعت رسول اللّه ص) یقول المهدی من عترتی من ولد فاطمه ؛

شنیدم پیامبر(ص) فرمود: مهدی از عترت من از نسل فاطمه(س) است {M».

و در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شدهاست که:

قال رسول اللّه ص) المهدی منی اجلی الجبهه اقنی الانف یملأ الارض قسطا و عدلاً کما ملئت جورا و ظلما ؛

پیامبر(ص) فرمود: مهدی از من است، او فراخ پیشانی و... است. زمین را از عدل و داد پر می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده است{M».تنها فرق اساسی بین دیدگاه شیعه و اهل سنت، آن است که آنان می پندارند امام زمان(عج) هنوز متولد نشده اند.

نظر اهل سنت و ادیان مختلف درباره امام زمان چیست ؟

پرسش

نظر اهل سنت و ادیان مختلف درباره امام زمان چیست ؟

پاسخ

اهل سنت نیز به ظهور حضرت مهدی(عج) در آخر الزمان اعتقاد دارند و ده ها اثر در این زمینه نوشته اند. البته در جزئیات موضوع اختلاف هایی با شیعه دارند؛ ولی در اصل، مسأله «مهدویت» از جمله مواردی است که همه مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند. برای توضیح بیشترر.ک:

۱- منتخب الاثر لطف اللّه صافی

۲- کتابنامه امام مهدی(عج) مهدی پور

اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی(عج) نیز مانند شیعیان است و آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه(س) می دانند. در «سنن ابی داود» - که از کتاب های مهم اهل سنت است - در «باب ماجاء فی المهدی» حدیث شماره ۳۷۳۵ از ام سلمه نقل شده است که: سمعت رسول اللّه ص) یقول المهدی من عترتی من ولد فاطمه ؛ شنیدم پیامبر(ص) فرمود: مهدی از عترت من از نسل فاطمه(س)است{M. و در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شده است که: قال رسول اللّه ص) المهدی منی اجلی الجبهه اقنی الانف یملأ الارض قسطا و عدلاً کماملئت جورا و ظلما ؛ پیامبر(ص) فرمود: مهدی از من است، او فراخ پیشانی و... است. زمین را از عدل و داد پر می کند همان طور که از ظلم وجور پر شده است{M. تنها فرق اساسی بین دیدگاه شیعه و اهل سنت، آن است که آنان می پندارند امام زمان(عج) هنوز متولد نشده اند.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: اتفاق در مهدی موعود(عج)، سید علی اکبر حسینی، دفتر انتشارات اسلامی.

کتاب فوق با استناد به روایات اهل سنت و اقوال بزرگان این مذهب به وجود یقینی حضرت صاحب الزمان(عج) به عنوان امام دوازدهم از دیدگاه اهل سنت می پردازد.

آنچه

در ادیان بزرگ الهی به طور قطع و مسلم وجود دارد وعده آمدن مصلح کل جهانی است. البته جزئیات آن در کتب مقدس متفاوت است و تحریفاتی که در آنها انجام گرفته مشکلاتی را در تعیین دقیق مشخصات آن ایجاد کرده است. ولی در عین حال اصل انتظار مصلح وپدید آمدن حکومت حق و عدل واحد جهانی در ادیان بزرگ الهی وجود دارد. در متون اهل تسنن به آن حضرت اعتقاد دارند. البته برخی معتقدند که آن حضرت هنوز به دنیا نیامده اند. شاید علت آن همان مخفی داشتن ولادت آن حضرت از غیر خواص شیعه به خاطر ترس حکام جوربوده است.

برای نمونه نگا: انتظار مسیحا در آیین یهود، کرینستون، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب قم.

تفاوت شیعه و سنی در مسئله مهدویت چگونه است. به عنوان مثال شیعه اعتقاد دارد مصلح متولد شده و امام است اما سنی بیان می کند که مصلح متولد نشده و امام نیست

پرسش

تفاوت شیعه و سنی در مسئله مهدویت چگونه است. به عنوان مثال شیعه اعتقاد دارد مصلح متولد شده و امام است اما سنی بیان می کند که مصلح متولد نشده و امام نیست.

پاسخ

اصل مسأله مهدویت از مسلمات دین اسلام است و اختصاص به مذهب شیعه ندارد بلکه بالاتر از آن اعتقاد به ظهور منجی عقیده ای است که در کیش های آسمانی یهودیت و زردشتی و مسیحیت به عنوان یک اصل مسلم قبول شده حتی در آیین هندی و بودایی در این زمینه مطالبی نقل شده که جهت تحقیق کامل در این زمینه می توانید به کتاب خورشید مغرب اثر استاد محمد رضا حکیمی و یا سلسله مباحث امامت و مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی مراجعه بفرمایید.

اما مسأله تولد امام زمان(عج) چنانچه علماء شیعه اجماع دارند که امام زمان(عج) متولد شده و به صورت کامل تاریخ تولد و مکان تولد حضرت را ضبط نموده اند [در این رابطه ر.ك: نوید امن و امان، آیت الله صافی، بخش چهارم].

علماء اهل تسنن هم بجز عده انگشت شماری تصریح به تولد حضرت نموده اند و در این زمینه کتاب هایی نوشته اند و به مخالفت با معدودی که تولد حضرت را انکار کرده اند پرداخته اند که آیت الله صافی در کتاب منتخب الاثر، فصل سوم جمع بسیاری از علماء اهل سنت که قائل به امامت و حیات حضرت بوده اند را ذکر نموده و در کتاب نوید امن و امان به ۱۰۶ نفر از علماء اهل تسنن که در رابطه با حضرت کتاب نوشته اند اشاره فرموده و می فرماید گروه بسیاری از مشاهیر علمای اهل

سنت نیز ولادت آن حضرت و شرح تفصیلات آن را در کتب ذکر نموده و بعضی به امامت و مهدویت آن سرور اقرار و اشعار بلند به زبان عربی و فارسی در مدح او سروده اند و حتی مدعی شرفیابی به حضور اقدس و استماع حدیث از حضرتش شده انـد و بعد از این عبارت ایشان ۷۷ تن از مشاهیر علماء اهل سنت را که تصریح به این مطلب کرده اند نام می برد (نوید امن و امان، ص ۲۳۸).

و در کتابی که علماء اهل تسنن اختصاصا درباره حضرت مهدی(عج) نوشته اند که استاد حکیمی به نوزده اثر از بهترین این آثار اشاره دارد آشکارا تصریح به ولادت حضرت شده که به چند مورد اشاره می کنیم:

ابن حجر هیثمی شافعی می گوید: ابوالقاسم محمد الحجه عمر او پس از درگذشت پدرش پنج سال بود خداوند در همین عمر به او حکمت ربانی عطا کرد (المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۰۰).

صدرالـدین قونوی می گویـد: پس از مرگ من آنچه از کتـاب هـایم که دربـاره طب و حکمت است و همچنین کتـاب هـای فلسفه و فلاسفه همه را بفروشید و پول آن را به فقراء صدقه بدهید ... و در شب اول مرگ من هفتاد هزار بار کلمه توحید را بخوانید و سلام مرا به مهدی برسانید (الامام الثانی عشر، ص ۷۸).

و صدها عبارت دیگر مانند این عبارات در کتب اهل سنت می توان پیدا کرد که برای رعایت اختصار صرفنظر می کنیم و اگر مائل باشید در این رابطه شناخت کامل و همه جانبه ای داشته باشید بسیار مناسب است به پنج اثر که توسط علماء

بزرگ شیعه با استفاده از کتب و مدارک اهل سنت نوشته شده، مراجعه بفرمایید:

۱. کتاب المهدی، آیت الله سید صدرالدین صدر

۲. منتخب الاثر، آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

۳. المهدی الموعود المنتظر، نجم الدین جعفر العسکری

۴. الامام الثانی عشر، سید محمد سعید موسوی هندی

۵. المنتظر علی ضوء حقائق العامه، محمد حسین الادیب عراقی

اما درباره این که آنها حضرت را امام می دانند یا خیر باید گفت این مسأله اختصاص به حضرت حجت ندارد و این مسأله در رابطه با همه ائمه(ع) مطرح است و آنها مسأله امامت را قبول دارند و تصریح به امامت ائمه ۱۲ گانه هم دارند و در این زمینه روایات زیادی در کتب آنها به امامت ائمه ۱۲ گانه ذکر شده حتی حمیدی یکی از علماء اهل تسنن این حدیث را از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده که : «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس از دنیا برود و امام عصر خود را نشناسد با مرگ جاهلیت از دنیا رفته» (کشف الاستار، ص ۷۸).

فخر رازی عالم بزرگ و متعصب اهل سنت می گوید پیامبر فرمود «من مات و لم یعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیا و انشاء نصرانیا» (المسائل الخمسون، ص ۳۸۴).

لکن نگرش و تصریح که آنها از امامت دارند با شیعه متفاوت است آنها امامت را از فروع دین دانسته و یک مقام ظاهری در حد ریاست حکومت که تبعا می تواند از سوی مردم برگزیده شود و نیاز به تعیین از جانب خداوند و عصمت و مصونیت از خطا و گناه در آن لازم نیست می دانند، لذا یکی از علماء اهل تسنن

امامت را اینگونه معنا می کنـد: «الامامه رئاسه عامه فی امور الـدین والدنیا خلافه عن النبی؛ امامت ریاست و سرپرستی عمومی در امور دین و دنیا به عنوان جانشینی از پیامبر است» (شرح تجرید فاضل قوشجی، ص ۴۷۲).

و ابن خلدون در مقدمه معروفش همین معنا را دنبال کرده (مقدمه ابن خلدون، ص ۱۹۱).

اما به عقیده شیعه امامت چیزی فراتر از ریاست و حکومت بر مردم است و تمام وظائف و خصایص انبیاء (به جز دریافت وحی) برای امامان ثابت است و به همین دلیل شرط عصمت در امام نیز لازم است و چون بجز خداوند متعال کسی از عصمت مطلق خبر ندارد انتصاب و تعینش باید از جانب خداوندباشد و جزء اصول دین محسوب می شود.

علامه طباطبایی در این زمینه می فرمایـد: شیعه از راه بحث و کنجکاوی ... به این نتیجه می رسد که از ناحیه پیامبر اکرم نص کافی در خصوص تعیین امام و جانشین پیغمبر رسیده است آیات و اخبار متواتر قطعی مانند آیه ولایت و حدیث غدیر و حدیث سفینه و حدیث ثقلین و حدیث حق و حدیث منزلت و حدیث دعوت عشیره اقربین و غیر اینها به این معنی دلالت دارند ولی نظر به پاره ای دواعی تأویل شده و سرپوش روی آنها گذاشته شده (شیعه در اسلام، ص ۱۱۲).

و جناب دکتر سید عبدالرضا حجازی در کتاب اصول عقاید اسلامی پنجاه و پنج دلیل بر حقانیت ادعاء شیعه در این زمینه بیان می کند (اصول عقاید اسلامی، ص ۵۰۲ تا ۵۲۷).

و مهمتر از آن عالم بزرگ علامه امینی در کتاب گرانسنگ ۱۱ جلدی الغدیر با استناد به منابع خود اهل

سنت دعاوی شیعه را در این زمینه به نحو کامل اثبات نموده که این مسأله دامنه ای وسیع دارد که فقط بذکر این نکته بسنده می کنم که به گفته خود فخر رازی که از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده امامتی که عدم شناخت آن موجب می شود انسان به مرگ جاهلیت یا نصرانیت یا یهودیت از دنیا برود یقینا مقامی والاتر از یک خلافت ظاهری و حکومت است که حتی معاویه ها و حجاج ابن یوسف ثقفی ها به آن رسیدند. ولی با این حال این سخن بدین معنا نیست که امامیه غالبشان خود را در مسأله امامت کافر بدانند بلکه آنها تمام فرق مسلمین را مسلمان می شمارند و همچون یک برادر اسلامی به آنها نگاه می کنند هر چند عقیده آنها را در مسأله امامت نمی پذیرند و مناسب است شما برادر عزیز جهت تکمیل تحقیقات در این زمینه به آثار پرباری که در این زمینه نوشته شده که به بعضی از آنها اشاره می کنم مراجعه فرمایید:

۱. سلسله مباحث امامت و مهدویت، آیت الله صافی

۲. امامت ، آیت الله امینی

۳. اصول عقاید اسلامی، دکتر سید عبدالرضا حجازی

۴. خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت نشریه حسینیه ارشاد

۵. امامت و رهبری، محمد حسین مختاری مازندرانی

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره لقب منجی چیست؟

پرسش

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره لقب منجی چیست؟

پاسخ

با ملاحظه روایاتی که از شیعه وسنی به دست ما رسیده، پی می بریم که همگی بر این اتفاق دارند که لقب منجی جهانی "مهدی" است.

حاکم نیشابوری به سند خود از ابن سعید خدری نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود:

"المهدیّ منّا أهل البیت"؛ "مهدی از ما اهل بیت است." {پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷. پاورقی}

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "یخرج المهدی وعلی رأسه غمامه فیها مناد ینادی هذا المهدی خلیفه اللّه فاتّبعوه"؛

"مهدی خروج می کند در حالی که بالای سر او ابری است، در میان آن ابر کسی است که ندا می کند: این مهدی خلیفه خدا است، او را پیروی کنید." {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱. پاورقی}

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام چیست؟

پرسش

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام چیست؟

پاسخ

از روایات فریقین استفاده می شود که هنگام خروج حضرت مهدی (ع) حضرت عیسی (ع) از آسمان فرود آمده، در نماز به امام زمان (ع) اقتدا خواهد کرد.

بخاری به سند خود از ابوهریره نقل می کند که رسول خدا (ص) فرمود: "کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم وإمامکم منکم"؛ "چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود آید در حالی که {پاورقی . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳. پاورقی}

امام بر شما فردی از خودتان است."

امام باقر (ع) فرمود: "القائم منصور بالرعب مؤيّد بالنصر، تطوى له الأرض وتظهر له الكنوز، ويبلغ سلطانه المشرق والمغرب، ويظهر اللّه عزّوجلّ به دينه ولو كره المشركون. فلا يبقى فى الأرض خراب إلاّ عمر، وينزل روح اللّه عيسى بن مريم فيصلّى خلفه"؛ "قائم توسط ترس {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴. پاورقی}

یاری وبه نصرت تأیید می شود. زمین برای او خواهد چرخید و گنج ها برای او ظاهر خواهد شد وسلطنتش مشرق ومغرب عالم را فرا خواهد گرفت. خداوند عزّوجلّ به واسطه او دینش را ظاهر می کند، هر چند که مشرکان بر آن کراهت داشته باشند. در آن هنگام در زمین جای خرابی نیست جز آنکه آباد شود وروح اللّه عیسی بن مریم فرود می آید وپشت سر او اقامه نماز خواهد کرد."

آیا کسی از علمای اهل سنّت به ولادت مهدی علیه السلام اعتراف کرده است؟

پرسش

آیا کسی از علمای اهل سنّت به ولادت مهدی علیه السلام اعتراف کرده است؟

پاسخ

گروهی از علمای اهل سنّت به ولادت فرزندی برای امام حسن عسکری (ع) به نام مهدی (ع) اعتراف نموده اند. اینک اسامی برخی از آنها را ذکر می نماییم:

۱ - علامه شمس الدین قاضی ابن خلکان شافعی.

{پاورقی . وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶. پاورقی}

۲ – علامه صلاح الدین خلیل بن أیبک صفدی.

{پاورقی . الوافی بالوفیات، ج ۳، ص ۳۳۶. پاورقی}

۳ – ابن اثیر جزری.

{پاورقی . الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۵۴. پاورقی}

۴ – علامه میرخواند.

{پاورقی . روضه الصفا، ج ۳، ص ۵۹. پاورقی}

۵ – علی بن حسین مسعودی.

{پاورقی . مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲. پاورقی}

۶ – محمّد فرید وجدی.

{پاورقی . دائره المعارف، ج ۶، ص ۴۳۹. پاورقی}

۷ – ابوالفداء اسماعیل بن علی شافعی.

{پاورقی . المختصر فی اخبار البشر، ج ۱، ص ۳۶۱. پاورقی}

۸ – سبط بن جوزی.

{پاورقی . تلبیس ابلیس، ص ۱۱۸. پاورقی}

۹ – محمد بن طلحه شافعی.

{پاورقی . مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، ج ۲، ص ۱۵۲. پاورقی}

۱۰ – شمس الدین محمّد بن طولون حنفی.

{پاورقی . الشذرات الذهبیه، ص ۱۱۷. پاورقی}

۱۱ – میرزا محمّد بن رستم بدخشی شافعی.

{پاورقی . مفتاح النجا، ص ۱۰۴. پاورقی}

۱۲ – احمد بن حجر هیتمی شافعی.

{پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۲۰۸. پاورقی}

۱۳ – محمّد بن یوسف گنجی شافعی.

{پاورقی . کفایه الطالب، ص ۳۱۲. پاورقی}

۱۴ – عارف عبدالوهاب شعرانی حنفی.

{پاورقی . الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۲۷. پاورقی}

۱۵ – محیی الدین عربی.

{پاورقی . فتوحات مکیه، باب ۳۶۶. پاورقی}

۱۶ – مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی.

{پاورقی . نورالابصار، ص ۳۴۱. پاورقی}

۱۷ – شیخ سلیمان قندوزی حنفی.

{پاورقی . ینابیع الموده، ج ۳،

ص ۳۰۶. پاورقی}

۱۸ – شیخ محمّد بن علی صبان شافعی.

{پاورقی . اسعاف الراغبین در حاشیه نور الابصار، ص ۱۵۴. پاورقی}

۱۹ – صفی الدین عبدالمؤمن بغدادی.

{پاورقی . مراصد الاطلاع، ج ۲، ص ۶۸۵. پاورقی}

۲۰ – زین الدین عمر بن وردی.

{پاورقی . تتمه المختصر فی اخبار البشر، ج ۱، ص ۳۱۹. پاورقی}

۲۱ – ابوالعباس احمدبن علی قلقشندی شافعی.

{پاورقی . نهایه الارب، ص ۱۱۸. پاورقی}

۲۲ – ابوعبداللّه یاقوت حموی.

{پاورقی . معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۳. پاورقی}

۲۳ – محمّد امین بغدادی معروف به سویدی.

{پاورقی . سبائک الذهب، ص ۷۸. پاورقی}

۲۴ – ابن خلدون.

{پاورقی . تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۳۶۱. پاورقی}

۲۵ – ابوالفتح محمّد بن عبدالکریم شهرستانی.

{پاورقی . ملل ونحل، ج ۱، ص ۱۹۸. پاورقی}

۲۶ – نورالدین ابن صبّاغ مالکی.

{پاورقی . الفصول المهمه، ص ۲۷۳. پاورقی}

۲۷ – نورالدین عبدالرحمن جامی حنفی.

{پاورقی . شواهد النبوه، ص ۴۰۴. پاورقی}

۲۸ – ملّا علی قاری حنفی مکّی.

{پاورقی . المرقاه فی شرح المشکاه، ج ۱۰، ص ۳۳۶. پاورقی}

۲۹ – فضل بن روزبهان.

{پاورقی . دلائل الصدق، ج ۲، ص ۳۷۰. پاورقی}

۳۰ – جمال الدین محمّد بن یوسف زرندی حنفی.

{پاورقی . معارج الوصول. پاورقی}

۳۱ – احمدامین مصری.

{پاورقی . ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۱۰. پاورقی}

۳۲ – صدرالدین حموینی.

{پاورقی . فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۲. پاورقی}

۳۳ – عطار نیشابوری.

{پاورقی . به نقل از ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۵۰. پاورقی}

۳۴ – جلال الدین بلخی رومی.

{پاورقی . همان. پاورقی}

۳۵ – صدرالدین قونوی.

{پاورقی . همان. پاورقی}

۳۶ – حسین بن محمّد دیاربکری مالکی.

{پاورقی . تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۲۸۸. پاورقی}

۳۷ – احمد بن یوسف ابوالعباس قرمانی حنفی.

{پاورقی . اخبار الدول وآثار الأول، ج ۱، ص ۳۵۳. پاورقی}

شمس الدین ذهبی شافعی.

{پاورقی . العبر فی خبر من غبر، ج ۱، ص ۳۸۱. پاورقی}

۳۹ - فخر رازی شافعی.

{پاورقی . الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، ص ۷۸Ù۷۹. پاورقی}

۴۰ - شیخ عبداللَّه بن محمّد شبراوی مصری شافعی.

{پاورقی . الاتحاف بحبّ الاشراف، ص ۱۷۹. پاورقی}

۴۱ - ابن عماد دمشقی حنبلی.

{پاورقی . شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۳، ص ۲۶۵. پاورقی}

۴۲ - محمّد بن عبدالرسول برزنجی شافعی.

{پاورقی . الإشاعه لأشراط الساعه، ص ۱۴۹. پاورقی}

۴۳ - ابوالبرکات نعمان بن محمود آلوسی حنفی.

{پاورقی . غالیه الواعظ، ج ۱، ص ۷۸. پاورقی}

ودیگران.

آیا کسی از اهل سنّت فرزند امام عسکری علیه السلام (مهدی) را

اشاره

همان منجی منتظر می داند؟

پرسش

آیا کسی از اهل سنّت فرزند امام عسکری علیه السلام (مهدی) را

همان منجی منتظر می داند؟

پاسخ

گر چه برخی از علمای اهل سنّت تنها به ولادت فرزندی به نام مهدی از امام حسن عسکری (ع) اشاره کرده اند وحیات او تا این زمان ومنجی وموعود بودن او را به شیعه نسبت می دهند، ولی برخی از آنان تصریح به زنده بودن او تاکنون ونیز موعود ومنجی بودن او دارند که می توان از میان آنها به افراد ذیل اشاره نمود:

۱ - محمّد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ه' ق) می گوید: "ابو محمّد حسن عسکری (ع) ازخود فرزندی به جای گذاشت که همان امام منتظراست. صلوات اللّه علیه".

{پاورقی . کفایه الطالب، ص ۳۱۲. پاورقی}

۲ - عبدالوهاب شعرانی حنفی می گوید: "در آخرالزمان امید به خروج مهدی است. او از اولاد امام حسن عسکری (ع) است. ولادت او نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد. تا به حال زنده است تا با حضرت عیسی (ع) اجتماع کند. عمرش تا این زمان ۷۰۶ سال است. این چنین شیخ حسن عراقی به من خبر داد".

{پاورقی . الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۲۷. پاورقی}

۳ - نورالدین عبدالرحمن جامی حنفی؛ بعد از بیان تاریخ ولادت حضرت مهدی (ع) می گوید: "او کسی است که زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد".

{پاورقی . شواهد النبوه، ص ۴۰۴. پاورقی}

۴ - قاضی بهلول بهجت افندی می گوید: "ولادت امام دوازدهم در پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری بود واسم مادرش نرجس است. برای او دو غیبت است: یکی صغرا ودیگری کبرا. هر گاه خداوند به او اذن دهد ظهور کرده، آن گاه زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد".

{پاورقی . المحاکمه فی تاریخ

آل محمد (ص)، ص ۲۴۶. پاورقی}

۵ - صـدر الـدین حموینی؛ در ذیل حـدیثی که او از پیامبر (ص) نقل کرده آمده است: "...همانا دوازدهمین از فرزندانم غیبت می کند... تا اینکه خداوند متعال به او اذن خروج می دهد".

{پاورقی . فرائد السطمین، ج ۲، ص ۱۳۲. پاورقی}

۶ - شیخ فریدالدین عطار نیشابوری؛ او در قصیده ای می گوید:

صد هزاران اولیا روی زمین

از خدا خواهند مهدی را یقین

یا الهی مهدی ام از غیب آر

تا جهان عدل گردد آشکار

{پاورقی . ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۵۱ù۳۵۰. پاورقی}

۷ - جلال الدین رومی: او نیز در قصیده ای می گوید:

ای سرور مردان علی! مستان سلامت می کنند

وی صفدر مردان علی! مردان سلامت می کنند

تا اینکه بدین جا می رسد:

با میر دین هادی بگو با عسکری مهدی بگو

با آن ولی مهدی بگو: مستان سلامت می کنند

{پاورقی . همان، ج ۳، ص ۳۵۱. پاورقی}

۸ - صدرالـدین قونوی؛ او هنگـام وفات در وصـیّت خود به شاگردانش می گویـد: "...هفتاد هزار بار ذکر "لااله الااللّه" را در شب اوّل مرگم با حضور قلب بگویید وسلام مرا نیز به حضرت مهدی (ع) برسانید".

{پاورقی . همان، ص ۳۴۱ù۳۴۰. پاورقی}

۹ - احمـد بن یوسف ابوالعباس قرمانی حنفی؛ او می گوید: "محمّد حجّت، خلف صالح، عمرش هنگام وفات پدرش پنج سال

بود. خداوند در آن سنّ به او حکمت آموخت، همان گونه که در کودکی به حضرت یحیی (ع) آموخت... علما اتفاق دارند بر اینکه مهدی همان قائم در آخرالزمان است...".

{پاورقی . اخبار الدول وآثار الأول، ج ۱، ص ۳۵۳. پاورقی}

اگر موضوع مهدویت حضرت مهدی علیه السلام واضح بوده، چرا عده ای به مهدویت غیر او معتقد شدند؟

پرسش

اگر موضوع مهدویت حضرت مهدی علیه السلام واضح بوده، چرا عده ای به مهدویت غیر او معتقد شدند؟

پاسخ

احمد کاتب می گوید: "اگر مهدویت حضرت مهدی (ع) واضح بوده، چرا قبل از ولادت حضرت مهدی (ع) گروهی قائل به مهدویت امام علی (ع) یا فرزندش محمد بن حنفیه ونفس زکیّه وامام صادق (ع) وامام کاظم (ع) وسیّد محمّد فرزند امام هادی (ع) وحتی امام عسکری (ع) شدند؟"

پاسخ:

۱ - اگر چه در برخی از احادیثی که از جانب رسول خدا (ص) واهل بیت او درباره خروج مهدی (ع) وارد شده، تصریح شده که او قطعاً فرزند امام عسکری (ع) امام یازدهم است، ولی برخی هنگامی که ظلم وتجاوز را زیاد می دیدند واز طرفی همه اهل بیت را هدایت شده وهادی می دانستند، گاهی به امید اینکه یکی از اهل بیت، مهدی امت است به سراغ او می آمدند وادعای مهدویت در حق او می کردند وجماعتی را نیز به دنبال خود می کشیدند. این افراد غالباً از انسان های ساده اندیش وجاهل بودند، ودر برخی از موارد مسأله سیاسی نیز در این ادّعا دخالت داشته است.

۲ - کسانی که چنین ادعایی داشته اند هرگز دوام نیاورده وبعد از مدت کوتاهی به جرگه عموم شیعیان پیوسته ویا منقرض شده اند.

۳ - میزان در عقیده یک مذهب، نظر غالب افراد وعلمای آن مذهب است. ومی دانیم که عقیده به مهدویت حضرت مهدی (ع) فرزند امام عسکری (ع) عقیده قریب به اتفاق شیعیان به حساب می آید.

۴ - در برخی از موارد که گروهی قائل به مهدویت غیر از حضرت مهدی (ع) شدند به جهت شبهه ای بوده که برای آنها پدید آمده است؛ زیرا موقعیّت آن عصر چنین حیرت وتردیدی را اقتضا داشته

است، گرچه این حیرت نیز بعد از مدت کوتاهی برطرف گشت.

نظر فرقه "شیخیّه" درباره امام زمان علیه السلام چیست؟

پرسش

نظر فرقه "شیخیّه" درباره امام زمان علیه السلام چیست؟

پاسخ

یکی از مهمترین اندیشه های شیخیه به ریاست "شیخ احمد احسائی" اعتقاد به "بدن هورقلیایی" است که این بدن در شهر "جابلقا وجابرسا" قرار دارد. او به گمان خود، با این نظریه، سه مسئله مهم وعمیق فلسفی را تحلیل نموده است؛ یعنی معراج جسمانی رسول خدا (ص) ومعاد جسمانی وحیات امام زمان (ع) را در طول بیش از ده قرن.

او معتقد است که امام زمان (ع) با بدنی غیر عنصری وتنها هورقلیایی در شهر جابلقا وجابرسا زندگی می کند.

شیخ احمد احسائی، امام زمان (ع) را زنده ودر عالم "هورقلیا" می داند.

{پاورقی . ارشاد العوام، ج ۲، ص ۱۵۱. پاورقی}

وی می گوید: "هورقلیا ملك آخر است که دارای دو شهر جابرسا که در مغرب قرار دارد وجابلقا که در مشرق واقع است می باشد. پس حضرت قائم (ع) در دنیا در عالم مثال نیست، اما به گونه ای است که به صورت هیکل عنصری می باشد، با مثالش در مثال، وبا جسدش در اجساد وبا جسمش در اجسام وبا نفس خود در نفوس وبا روحش در ارواح است.

{پاورقی . جوامع الکلم، رساله دمشقیه، قسمت دوم. پاورقی}

او همچنین می گوید: "امام زمان (ع) در هنگام غیبت در عالم هورقلیا است وهر گاه بخواهد به "اقالیم سبعه" تشریف بیاورد، صورتی از صورت های اهل این اقالیم را می پوشد وکسی او را نمی شناسد. جسم وزمان ومکان ایشان لطیف تر از عالم اجسام بوده واز عالم مثال است.

{پاورقی . جوامع الکلم، رساله رشتیه، قسمت سوم، ص ۱۰۰. پاورقی}

شیعیان می گویند امام مهدی(عج) زنده است ولی اهل سنت می گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/

پرسش

شیعیان می گویند امام مهدی(عج) زنده است ولی اهل سنت می گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح

دهید/

پاسخ

ظهور حضرت مهدی(عج) و برقراری حکومت اسلامی جهانی به دست ایشان عقیده ای اسلامی است و شیعه و سنی به آن معتقدند و از این جهت اختلافی نیست/

اما در رابطه با ولادت آن حضرت شیعه اعتقاد دارد که آن حضرت در سال ۲۵۵ه' ق در سامرا متولد شده است و این موضوع از موضوعات قطعی و یقینی نزد شیعه است و روایان و مورخان واقعه ولادت آن حضرت را ثبت نموده اند/

علمای اهل سنت در مسأله ولادت حضرت مهدی(عج) اتفاق نظر ندارند - برخی می گویند که آن حضرت هنوز متولد نشده است و بعضی می گویند در سال ۲۵۵ به دنیا آمده است/

بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنت نیز بدین امر تصریح کرده اند و آن را یک واقعیت ندانسته اند. در کتابهای پژوهشی نام بیش از ۵(ص) تن از این عالمان و نام کتابهای آنان ذکر شده است.{۱} که به برخی اشاره می کنیم:

۱- محمد بن طولون مورّخ دمشق: دوازدهمین امام شیعه نامش ابوالقاسم محمد فرزند امام حسن عسگری معروف به حجت است همان فردی که شیعه گمان می کند که منتظر و قایم و مهدی اوست. ولادت او در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری واقع شده است به هنگام مرگ پدرش حسن عسگری وی پنج ساله بود، نام مادرش خمط یا به قولی نرجس است.{۲}

۲ - شیخ عبدالله شبراوی: دوازدهیمن از ائمه ابوالقاسم محمد حجت است که به قولی همان منتظر و مهدی است. امام ححمد حجت فرزند امام حسن خالص(رض) در سرّ من رای در شب نیمه

شعبان سال ۲۵۵ قمری به دنیا آمد به قولی مرگ پدرش در ۵ سالگی وی بود و پدرس حین ولادت وی را مخفی نموده به خاطر ترس از خلفای وقت چرا که ایشان هاشمیان را دستگیر و حبس و یا به قتل می رساندند. او ملقب است به مهدی و قایم و منتظر و خلف صالح و صاحب الزمان ولی مشهورترین نام او مهدی است لذا شعیه معتقد است وی همان شخصی است که احادیث صیحجه در مورد ظهورش در آخر زمان وارد شده.{۳}

قندوزی در کتاب ینابیع الموده چنین می نویسد:

"اَلْخَبَرُ الْمَعْلُومُ الْمحَقَّقُ عِنْدَ الثِّقاتِ اَنَّ وِلادَ القائِمِ کانَتْ لَیْلَ الْخامِس عَشَر مِنْ شَعبان سِنَّ خَمْسٍ وَ خَمسینَ وَ مِأَتَیْن فی بَلْدِ سامِرَّأ"{۴}

«خبر معلوم و مسلم در نزد موثقان این است که ولادت حضرت قائم(عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا واقع شده است.»

[۱]. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، چاپ دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ ۸ ص ۱۸؛ شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، من هو المهدی، موسسه نشر اسلامی ص (ع)۴۲ و منتخب الآثار/

[۲]. مورخ دمشق شمس الدین محمد بن طولون، الأ ئمه الاثنی عشر، تحقیق دکتر صلاح الدین المنجد، منشورات رضی قم، ص (ع)۱۱/

[۳]. شیخ عبدالله بن محمد بن عامر الشبراوی، الاتحاف بحب الاشراف. ص ۹(ع)۱ – ۱۸۰، منشورات رضی قم/

[۴]. ینابیع المودّ، ص ۵۴، چاپ شریف رضی قم/

چرا اهل تسنن معتقدند که هنوز امام زمان (عج) به دنیا نیامده است ؟

پرسش

چرا اهل تسنن معتقدند که هنوز امام زمان (عج) به دنیا نیامده است ؟

پاسخ

تمام مسلمانان اعم از شیعه و سنی به اصل آمدن مهدی و قیام او اعتقاد دارند و این به سبب روایات بسیار زیادی است که از

نبی اکرم(ص) در این زمینه نقل شده است که بشارت به آمدنش را داده و حتی اوصاف و ویژ گی های جسمی او را نیز ذکر کرده است

مانند اینکه بر گونه راستش خال سیاهی دارد و بین دو دندان پیشینش فاصله است و در روایات متعددی نسب آن حضرت

ذکر

شده است مانند اینکه مهدی از اولاد علی و فاطمه و نهمین از اولاد حسین و ششمین از اولاد جعفر صادق و پنجمین از اولاد

موسی بن جعفر و نام پدرش حسن است و حتی نام و کنیه آن حضرت ذکر شده است مهدی همنام و هم کنیه نبی اکرم است که در

بخش پایانی پاسخ به این روایات اشاره خواهیم کرد وجود روایات بسیار فراوان در زمینه مهدی موعود، اعتقاد به آمدن به قیام

مهدی را در آخر الزمان به عنوان عقیده ای مسلّم در میان مسلمین قرار داده است. و امّا در مورد ولادت آن حضرت میان شیعه و

اکثریت اهل سنت اختلاف است. یعنی اوّلاً: اعتقاد به ولادت حضرت مهدی اختصاص به شیعه ندارد، عده ای از اهل سنت نیز

قائل به ولادت آن حضرت هستند. که به عنوان نمونه موارد ذیل بیان می شود:

۱ محمد بن یوسف شافعی در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» چاپ مؤسسه الهادی قم ۱۳۹۹ ه.ق

وی در مقدمه کتاب می گوید «در تألیف کتاب، اخبار و روایات مربوط به مهدی صاحب الزمان

را از غیر از طرق شیعه نقل نموده

است هر چند آنچه که شیعه در این زمینه معتقد است و پذیرفته است صحیح و نقل آن درست است» ص ۸۶ این کتاب مشتمل بر

۲۵ فصل است که در هر فصل تنها روایاتی را که از دیدگاه اهل سنت معتبر است نقل می کند برخی از فصلهای کتاب عبارتند از:

مهدی در آخر الزمان خروج می کند مهدی از نسل فاطمه زهراست حضرت عیسی در آخر الزمان به او اقتدا می کند نامش و

کنیه اش همانند پیامبر اکرم است صفات و رنگ و چهره حضرت مهدی مهدی امام صالحی است که خلیفه الله است.

فصل ۲۵ کتاب در این زمینه است که مهدی از زبان غیبتش که در سراب سامراء اتفاق افتاد تاکنون زنده و باقی است و به

اشکالاتی که در زمینه طول عمر حضرت و غیبت ایشان وجود دارد پاسخ می دهد. (ص ۱۴۸ همان کتاب)

۲ محمد بن طلحه شافعی در کتاب «مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول» چاپ مؤسسه البلاغ بیروت سال ۱۴۱۹ ه.ق

می گوید: «مهدی منتظر در سال ۲۵۸ هجری در سامرا متولد شد. پدرش حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن

جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی المرتضی است و امّا نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم و از

القاب او حجت و خلف صالح و منتظر است و بعد روایاتی را از پیامبر در زمینه مهدی موعود نقل می کند مبنی بر اینکه: مهدی از

نسل من و از فرزندان فاطمه و هم نام من است و در آخر الزمان قیام می کند و زمین را از عدل و

داد پر می کند بعد از آنکه از ظلم و جور

پر شده است و این قیام حتمی است حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیشتر باقی نمانده باشد»، (ص ۳۱۳ ۳۱۱)

و پس از ذکر این روایات آنها را بر همان ابوالقاسم محمد بن حسن بن علی... بن علی بن ابیطالب متولد ۲۵۸ تطبیق می کند و به

اشکالات و شبهاتی که در این زمینه ممکن است مطرح شود پاسخ می دهد. (ص ۳۲۰ ۳۱۳)

۳ سبط ابن جوزی حنفی در کتاب «تذکره الخواص» چاپ مؤسسه اهل البیت بیروت سال ۱۴۰۱ ه.ق می گوید:

«حضرت حجّت مهدی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن

علی بن ابیطالب است کنیه او ابوعبدالله و ابوالقاسم است و اوست حضرت حجت و صاحب الزمان و قائم منتظَر» سپس از عبدالله

ابن عمر روایتی نقل می کند که از رسول گرامی اسلام که «در آخر الزمان مردی از فرزندان من قیام می کند که نامش همانند نام من و

کنیه اش همانند کنیه من است و زمین را از عدل و داد پر می کند پس از آنکه از ظلم و جور پر شده است»، (ص ۳۲۵ همان کتاب)

۴ عبدالوهاب شعرانی در کتاب «الیواقیت و الجواهر» چاپ مصر سال ۱۳۷۸ ه.ق که در بیان آراء اکابر و بزرگان علمای اهل

سنّت در مسائل مختلف عقیدتی است فصلی را به وقایعی که قبل از روز رستاخیز و پایان دنیا حتما اتفاق می افتد اختصاص داده

است که یکی از آن وقایع قیام حضرت مهدی است که مفصلاً پیرامون آن بحث کرده است و از قول برخی از اکابر علمای اهل سنت

نقل

می کنـد «مهدی فرزند حسن عسـکری است که در نیمه شـعبان سال ۲۵۵ ه.ق متولـد شـد و زنده باقی خواهد ماند تا با عیسـی ظهور

کنـد و اکنون که سال ۹۵۸ هجری است ۷۰۳ سال از عمر شـریف او می گـذرد» و نیز از قول شـیخ محی الـدین عربی نقل می کند که

«خروج مهـدی(ع) حتمی است بعـد از آن که زمین از ظلم و جور پر شود به گونه ای که حتی اگر یـک روز از عمر دنیا بیشتر باقی نمانده

باشـد حتمـا مهـدی قیـام می کنـد و زمین را از عـدل و داد پر می کنـد و او از نسـل پیامبر اکرم و فاطمه رضـی الله عنها است و جدش حسین

بن علی بن ابیطالب است و پـدرش حسن عسـکری فرزند علی النقی فرزند محمد التقی فرزند علی الرضا فرزند موسـی الکاظم فرزند

جعفر الصادق فرزنـد محمد الباقر فرزند زین العابدین علی فرزند حسـین فرزند امام علی ابن ابیطالب رضـیالله عنه است اسـمش اسم

رسول خداست و چهره اش شبیه رسول خداست و...»، (همان کتاب، ج ۲، ص ۱۴۳)

به ذکر همین چنـد نمونه بسـنده می کنیم برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به ۱ کفایه الموحدین طبرسی ۲ کشف الاستار حسین بن

محمد تقی موزی ۳ الامام المهدی سید محمدکاظم قزوینی

ثانیا: عدم اعتقاد بسیاری از اهل سنت به ولادت حضرت مهدی(ع) علل دارد از جمله:

۱ مخفی بودن ولادت آن حضرت

همـانگونه که قبلاًـ ذکر کردیم آمـدن مهـدی موعود از همان زمان نبی اکرم و صـدر اسـلام امری مسـلم و شایع و مورد توجه مسلمین

بود. سلاطین و حاکمان وقت هم از آن اخبار بی اطلاع نبودند و شنیده بودند که مهدی موعود از نسل فاطمه و حسین به وجود

می آید و حکومت ستمکاران به

دستش منقرض می گردد و تمام زمین را از حکومت حق خود و عدل و داد پر خواهد کرد بویژه

روایات متعددی که از را نهمین از فرزندان حسین(ع) معرفی می کرد، لذا از پیدایش و ظهور او در بیم و هراس بودند و در صدد بودند

هر گونه که شده این خطر را از حکومت خود دفع کنند به همین جهت خانه های بنی هاشم به ویژه خانه امام حسن عسکری(ع) به

شدت تحت کنترل و مراقبت مأموران مخفی و علنی دولت عباسی قرار داشت. معتمد عباسی به عده ای از زنان قابله مأموریت

سری داده بود که در خانه های بنی هاشم به ویژه خانه امام حسن عسکری رفت و آمد نمایند و مراتب را گزارش دهند تا هنگامی که

به امام حسن عسکری سم خورانید و حضرت در بستر بیماری و شهادت قرار گرفت به گروهی از مأموران خویش مأموریت داد که

دایما و روز و شب مراقب خانه آن حضرت باشند و با شهادت امام عسکری دستور داد خانه آن حضرت را تفتیش و بازرسی کنند و

گروهی از زنان قابله را فرستاد تا تمام کنیزان آن حضرت را معاینه کنند و اگر آبستنی در بین آنان دیده شد بازداشت کنند. حتی به خانه

امام عسکری هم اکتفا نکرد و دستور داد تمام خانه های شهر را با کمال دقت بازرسی و کنترل کنند، (ارشاد مفید، اعلام الوری طبرسی، اصول کافی

کلینی)

یعنی مسأله ولادت حضرت مهدی(ع) شبیه ولادت حضرت موسی است که فرعون تمام زنان باردار را کشت تا از ولادت او

جلوگیری کند. امّا به اراده و خواست خداوند حضرت موسی در دامان فرعون بزرگ شد.

مسأله ولادت حضرت مهدی نیز به خاطر وضعیت سخت آن زمان

مخفی بود و در حدود پنج سال قبل پایان عمر حضرت امام

عسکری یعنی در سال ۲۵۵ ه.ق در شب نیمه شعبان در حالی که تا روز قبل آثار حمل در مادر حضرت مهدی ظاهر نبود، به دنیا آمد

و در طول این مدت پنج سال امام عسکری، این فرزند را تنها به خواص و معتمدین از شیعیان خود نشان می داد و او را امام و حجت

بعد از خود معرفی می کرد.

با این وضعیت، طبیعی است، اهل سنّت که از اهل بیت پیامبر فاصله گرفته بودند از ولادت آن حضرت مطلع نشوند هر چند بنابر

روایات رسیده از نبی اکرم، حضرت مهدی از اولاد حسن عسکری و نهمین فرزند از نسل امام حسین(ع) معرفی شده بود.

۲ اجتناب از برخی لوازم احتمالی پذیرش ولادت حضرت مهدی(ع)

گفتیم روایاتی که در زمینه مهدی موعود آمده بسیار زیاد و از نظر مضمون بسیار متنوع است در روایات بسیاری از پیامبر اکرم نقل

شده که تعداد ائمه و خلفای بعد از من دوازده نفر است مجموع روایات شیعه و سنی در این زمینه ۹۲۵ حدیث است و در روایات

کثیری از همین روایات تصریح شده به نام دوازده نفر و این که اولشان علی و آخرشان مهدی موعود است و اینکه نه نفر از آنان از

نسل حسین(ع) هستند و در تعدادی از این روایات تمام دوازده نفر نامشان یک به یک ذکر شده است همچنین در روایات متعددی

آمده است که: مهدی از اولاد علی است (۲۱۴ حدیث) مهدی از اولاد فاطمه است (۱۹۲ حدیث) مهدی نهمین از اولاد حسین

است (۱۴۸ حدیث) مهدی از اولاد محمد باقر است (۱۰۳ حدیث)، مهدی ششمین اولاد جعفر صادق

است (۹۹ حدیث) و... و

این که مهـدی فرزند حسن عسـکری است (۱۴۵ حـدیث)، نام پـدر مهدی حسن است (۱۴۸ حدیث)، که برای اطلاع تفصـیلی مراجعه

کنیـد به کتـاب منتخب الاـثر آیت الله صـافی که این احـادیث را به تفصـیل با ذکر منابع و مصادر شـیعی و سـنّی آن نقل کرده است.

با توجه به این احادیثی که درزمینه مهدی موعود وجود دارد، چنین به نظر می رسد که پذیرش ولادت حضرت مهدی از امام

حسن عسـکری(ع) توابعی دارد که تأئیـد عقیـده شیعه در امامت و خلافت بلا فصل علی(ع) و یازده فرزنـدش می باشد و اگر اهل سنت

آن را بپذیرنـد می بـایست خـود را به زحمت و تکلّـف انـداخته و به گـونه ای در صـدد توجیه بر آینـد یعنی هر چنـد پـذیرش ولادت

حضرت مهدی به طور حتم و لزوم منتهی به پذیرش نظر شیعه در مسأله خلافت و امامت نمی شود همچنانکه در بخش نخست

پاسخ پذیرش عده ای از اهل سـنت را نقل کردیم لکن اهل سـنت را در مقابل انبوهی از روایات قرار می دهد که باید خود را به زحمت

و مشـقت در جهت توجیه آن روایات بیاندازنـد. لـذا از اصل، ولادت آن حضـرت را منکر می شوند که در بخش قبل توضـیح دادیم

اساسا برای اهل سـنت که از اهل سـنت که از اهل بیت فاصـله گرفته بودنـد ولادت حضـرت مخفی بوده است هر چند روایات آنان را به

فرزندی برای امام عسکری راهنمایی می کند و به همین دلیل خلیفه عباسی در جستجوی فرزند امام حسن عسکری بوده است

برای آگاهی بیشتر ر.ک: امام مهدی و اهل سنت، سید هادی خسروشاهی، انتشارات اطلاعات.

چرا اهل تسنن وجود حضرت امام زمان را قبول ندارند و می گویند امام زمان وجود ندارد.

پرسش

چرا اهل تسنن وجود حضرت امام زمان را قبول ندارند و

می گویند امام زمان وجود ندارد.

پاسخ

اهل سنت نیز به ظهور حضرت مهدی(عج) در آخر الزمان اعتقاد دارند و ده ها اثر در این زمینه نوشته اند. البته در جزئیات موضوع اختلاف هایی با شیعه دارند؛ ولی در اصل، مسأله «مهدویت» از جمله مواردی است که همه مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند. برای توضیح بیشتر.ک:

۱- منتخب الاثر لطف اللّه صافی

۲- کتابنامه امام مهدی(عج) مهدی پور

اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی(عج) نیز مانند شیعیان است و آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه(س) می دانند. در «سنن ابی داود» - که از کتاب های مهم اهل سنت است - در «باب ماجاء فی المهدی» حدیث شماره ۳۷۳۵ از ام سلمه نقل شده است که: سمعت رسول اللّه ص) یقول المهدی من عترتی من ولد فاطمه ؛ شنیدم پیامبر(ص) فرمود: مهدی از عترت من از نسل فاطمه(س)است {M. و در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شده است که: قال رسول اللّه ص) المهدی منی اجلی الجبهه اقنی الانف یملأ الارض قسطا و عدلاً کماملئت جورا و ظلما ؛ پیامبر(ص) فرمود: مهدی از من است، او فراخ پیشانی و... است. زمین را از عدل و داد پر می کند همان طور که از ظلم وجور پر شده است {M. تنها فرق اساسی بین دیدگاه شیعه و اهل سنت، آن است که آنان می پندارند امام زمان(عج) هنوز متولد نشده اند.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: اتفاق در مهدی موعود(عج)، سید علی اکبر حسینی، دفتر انتشارات اسلامی.

کتاب فوق با استناد به روایات اهل سنت و اقوال بزرگان این مذهب به وجود یقینی حضرت صاحب الزمان(عج) به عنوان امام دوازدهم از دیدگاه اهل سنت می پردازد.

آنچه در ادیان بزرگ الهی به

طور قطع و مسلم وجود دارد وعده آمدن مصلح کل جهانی است. البته جزئیات آن در کتب مقدس متفاوت است و تحریفاتی که در آنها انجام گرفته مشکلاتی را در تعیین دقیق مشخصات آن ایجاد کرده است. ولی در عین حال اصل انتظار مصلح وپدید آمدن حکومت حق و عدل واحد جهانی در ادیان بزرگ الهی وجود دارد. در متون اهل تسنن به آن حضرت اعتقاد دارند. البته برخی معتقدند که آن حضرت هنوز به دنیا نیامده اند. شاید علت آن همان مخفی داشتن ولادت آن حضرت از غیر خواص شیعه به خاطر ترس حکام جوربوده است.

برای نمونه نگا: انتظار مسیحا در آیین یهود، کرینستون، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب قم. {J

آیا صحیح است که سنّیها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی«علیه السلام» ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند؟

پرسش

آیا صحیح است که سنّیها عقیده دارند سرانجام حضرت عیسی«علیه السلام» ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند؟

پاسخ

در کتاب سنن ابن ماجه که یکی از صحاح اهل سنّت است(۹) حدیثی روایت شده که این جمله در آخر آن آمده است: «و لا المهدی الا عیسی بن مریم یفی؛ مهدی جز عیسی بن مرم نیست». این جمله دلالت می کند بر این که مهدی موعود که جهان را پر از عدل و داد می کند حضرت عیسی بن مریم است.

ولی این حدیث از ناحیه کارشناسان رجال اهل سنّت مانند ذهبی منسک(مورد انکار) معرّفی شده است چنان که ذهبی در ترجمه(۱۰) یونس بن عبدالاعلی که ابن ماجه از او روایت کرده است می گوید: حدیث «لامهدی الاابن مریم جدّاً منکر» (مورد انکار) و همین مطلب را در ج ۳، ص ۵۳۵ کتاب مذکور آورده است.

بر این اساس این مضمون که بر پا کننده حکومت عدل جهانی در آخر الزمان حضرت عیسی است مورد انکار اهل سنّت نیز می باشد آنان احادیث بسیاری در منابع حدیثی خویش آورده اند که مهدی را از اهل بیت پیامبر«صلی الله علیه وآله»(۱۱) و یا از فرزندان فاطمه زهرا«علیها السلام»(۱۲) معرفی می کند. و برای مهدی ویژگیها و صفات و نشانه های بسیار در احادیث شیعه و اهل سنّت ذکر شده است که هیچ کدام از آنها بر حضرت عیسی«علیه السلام» منطق نیست به کتاب منتخب الاثر مراجعه کنید.

آری در احادیث شیعه و اهل سنّت وارد شده است که هنگام ظهور حضرت مهدی«علیه السلام» حضرت عیسی«علیه السلام» از آسمان نازل می شود و پشت سر امام زمان«علیه السلام» نماز می گذارد و شاید همین اقتدای حضرت علی«علیه

السـلام» به امام زمان یکی از رموز موفقیّت و پیشـرفت قیام آن حضـرت می باشد زیرا با وجود این اقتدار تمام و مسحیان جهان به حضرت گرایش خواهند یافت.

« بخش پاسخ به سؤالات »

۹) داراحیاءالکتب العربیه، ج ۲، ص ۱۳۴۰.

۱۰) میزان الاعدال، ج ۴، ص ۴۸۱، رقم ۹۹۰۹.

۱۱) دار احیاء الکتب العربیه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷.

۱۲) دار احیاء الکتب العربیه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸.

شیعیان می گویند امام مهدی (عج) زنده است ولی اهل سنت می گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/

پرسش

شیعیان می گویند امام مهدی (عج) زنده است ولی اهل سـنت می گویند هنوز به دنیا نیامده است، لطفاً نظر هر یک را توضیح دهید/

پاسخ

ظهور حضـرت مهدی (عج) و برقراری حکومت اسـلامی جهانی به دست ایشان عقیده ای اسـلامی است و شـیعه و سـنی به آن معتقدند و از این جهت اختلافی نیست/

اما در رابطه با ولادت آن حضـرت شیعه اعتقاد دارد که آن حضرت در سال ۲۵۵ه ق در سامرا متولد شده است و این موضوع از موضوعات قطعیو یقینینزد شیعه استو روایان و مورخان واقعه ولادت آن حضرت را ثبت نمودهاند/

علمای اهل سـنت در مسأله ولادت حضـرت مهدی (عج) اتفاق نظر ندارند - برخیمی گویند که آن حضـرت هنوز متولد نشده است و بعضیمی گویند در سال ۲۵۵ به دنیا آمده است/

بسـیاری از مورخان و محدثان اهل سـنت نیز بدین امر تصـریح کردهاند و آن را یک واقعیت ندانسـتهاند. در کتابهایپژوهشینام بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتابهایآنان ذکر شده است. که به برخیاشاره می کنیم:

ش ابوالقـاسم محمـد فرزنـد امـام حسن عسـگریمعروف به حجت است همـان فردیکه شـیعه گمان می کنـد که منتظر و قایم و مهدیاوست. ولادت او در روز جمعه نیمه شـعبان سال ۲۵۵ قمریواقع شده است به هنگام مرگ پدرش حسن عسـگریویپنجساله بود، نام مادرش خمط یا به قولینرجس است/

لفـایوقت چرا که ایشـان هاشـمیان را دسـتگیر و حبس و یـا به قتـل می رساندنـد. او ملقب است به مهـدیو قایم و منتظر و خلف صالـح و صاحب الزمان ولیمشـهورترین نام او او مهدیاست لذا شـعیه معتقد است ویهمان شخصـیاست که احادیث صـیححه در مورد ظهورش در

آخر زمان وارد شده/

قندوزیدر کتاب ینابیع الموده چنین می نویسد:

"اَلْخَبَرُ الْمَعْلُومُ الْمُحَقَّقُ عِنْدَ الثِّقاتِ اَنَّ وِلادَۃَ القائِمِ کانَتْ لَیْلَهَ الْخامِس عَشَر مِنْ شَعبان سِنَه خَمْس وَ خَمسینَ وَ مِأَتَیْن فیبَلْدِ سامِرّأ"

«خبر معلوم و مسلم در نزد موثقان این است که ولادت حضرت قائم(عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجریدر شهر سامرا واقع شده است.»

چند گروه از مردم معتقد به وجود حضرت مهدی (عج)هستند؟

پرسش

چند گروه از مردم معتقد به وجود حضرت مهدی (عج)هستند؟

پاسخ

در این باره بطور کلی می توان گفت که عقیده به موعود منجی عالم اختصاص به مسلمانان ندارد؛ بلکه تقریبا تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده شراکت دارند. پیروان تمام ادیان و مذاهب اعتقاد دارند که در یک مقطع تاریخی که وضع جهان تیره و تار و تاریک می گردد و جامعه بشری با بحران روبرو می شود فساد و ظلم و بی دینی همه جا را فرا می گیرد؛ در این وقت است که یک منجی با تایید دست غیبی ظهور می کند و ریشه ظلم و فساد را از میان بشریت بر می کند. این مژده و نوید هم در کتابهای آسمانی یهود و نصاری و کتاب مقدس زرتشتیان (کتاب زند و پازندو جاماسبنامه) آمده است و هم در اکثر کتاب های مقدس دیگر ادیان و مذاهب دیده می شود مانند: کتاب های مقدس براهمه و بودائیان.

و همه ادیان بر عقیده به منجی موعود بسر می برند و زردشتیان او را بنام سوشیانس (نجات دهنده جهان) جهودان بنام سرور میکائیلی یا مسیحای منجی، مسیحیان بنام مسیح موعود، مسلمانان بنام مهدی موعود،

برای آگاهی بیشتر ر.ک: دادگستر جهان، ابراهیم امینی، صفحه ۶۶.

اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی(عج) نیز مانند شیعیان است و آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه(س)می دانند. در «سنن ابی داود» - که از کتاب های مهم اهل سنت است - در «باب ماجاء فی المهدی» حدیث شماره۳۷۳۵ از ام سلمه نقل شده است که: سمعت رسول اللّه ص) یقول المهدی من عترتی من ولد فاطمه»؛ شنیدم پیامبر(ص) فرمود: مهدی از عترت من از نسل فاطمه(س) است.

و در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی

سعید خدری نقل شده است که: قال رسول اللّه ص) المهدی منی اجلی الجبهه اقنی الانف یملأ الارض قسطا و عدلاً کما ملئت جورا و ظلما»؛ پیامبر(ص) فرمود: مهدی از من است، او فراخ پیشانی و... است. زمین را از عدل و داد پر می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده است.

تنها فرق اساسی بین دیدگاه شیعه و اهل سنت، آن است که آنان می پندارند امام زمان(عج) هنوز متولد نشده اند.

ولی اصل ظهور مهدی در دیدگاه اهل سنت از مسلمات است.

برای مطالعه دیدگاه اهل سنت نگا: اتفاق در مهدی موعود(عج)، سید علی اکبر حسینی، دفتر انتشارات اسلامی.

اعتقاد مفوضه در خصوص ظهور امام زمان (عج) چیست؟

پرسش

اعتقاد مفوضه در خصوص ظهور اماŠزمان (عج) چیست؟

پاسخ

تفویض در لغت به معنای واگذاری کار به دیگری و حاکم گردانیدن او در آن کار است(۱) امّا تفویض در احادیث شیعه(۲) و در علم کلام و آنچه در این نوشتار مورد توجه است بر کسانی اطلاق می شود که معتقدند: «خداوند پس از خلق پیامبراکرم(ص) و ائمه علیهم السلام همه امور عالم از خلق و رزق وزنده کردن و میراندن را به آنها واگذار کرده است» (۳)

با سیر در اعتقادات مفوضه (۴) مطلبی درباره موضوع ظهور امام زمان(عج) دیده نمی شود امّا آنچه شایسته دقت و تأمل است، موضع و برخورد شدید ائمه علیهم السلام با این گروه بوده است.

از امام رضا(ع) درباره غلات و مفوضه سوال شد آن حضرت(ع) در جواب فرمود: غلات کافرند و مفوضه مشرک و هرگون...ارتباط با آنها حتی کمک کردن به وسیله یک کلمه را موجب خروج از ولایت خدا و رسول و اهل بیت علیهم الŠ…ĘəدانستندȂ(۵)

امام مهدی(ع) «کامل بن ابراهیم مدنی» را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

... جئت تسأله عن مقاله المفوضه، کذبوا، بل قلوبنا اوعیه لمشیه الله، فاذاشاء شئنا، والله یقول: (و ما تشاون الّا ان یشاء الله) (۶)

آمده ای از گفتار مفوضه و اعتقاد آنها بپرسی؟! آنها دروغ می گویند. بلکه دلهای ما ظرفهای مشیّت خداوند است. هنگامی که خدا بخواهد ما نیز می خواهیم. چنانکه خدای تبارک تعالی می فرماید: آنها اراده نمی کنند، جز آنچه را که خدا بخواهد(۷)

خلاصه آنکه: به طور کلی افکار و اعتقادات مفوضه مورد تأیید ائمه علیهم السلام نبوده است.

پی نوشت ها:

۱- تاج العروس، ج ۵، ص ۷۱.

۲- بحارالانوار، ج ۲۵- ص ۳۵۰ - ۶۴۷. مانند تفویض در آفرینش،

تفویض در امر دین تفویض در اداره جامعه، تفویض در کیفیت حکم، تفویض در بخشش.

۳- جهت آشنایی بیشتر ر.ك فرق و مذاهب کلامی، علی ربّانی گلپایگانی، ص ۳۵۹ - ص ۳۶۴ .

۴- جهت آشـنایی بیشتر با اعتقادات آنان ر.ك المقالات والفرق، ص ۶۰ و مقالات الاسلامیین ص ۱۴ و الفرق بین الفرق، ص ۱۵۳. و غالیان کاوشی در جریانها و برآیندها، نعمت الله صفری فروشانی- ص ۲۲۴.

۵- بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۲۸ ح۲.

۶- انسان - ۳۰، تکویر - ۲۹.

۷- غیبت شیخ طوسی، ص ۲۴۷- کشف الغمه ج۳، ص ۲۸۹، منتخب الاثر، ص ۳۴۸ ینابیع الموده ج ۳، ص ۱۲۲.

آیا زیدیّه منکر مهدی ع) هستند؟

پرسش

آیا زیدیّه منکر مهدی ع) هستند؟

پاسخ

احمد امین مصری در کتاب "ضحی الاسلام" ادّعا می کند که زیدیه به طور شدید مهدی (ع) را انکار می کنند.

{پاورقی . ضحی الاسلام ج ۳ ص ۲۴۳ پاورقی}

ادعای احمد امین به طور حتم باطل است، زیرا با مراجعه به کتاب های زیدیّه پی می بریم که آنها هم مانند سایر فِرَق اسـلامی به ظهور وقیام حضرت مهدی (ع) اعتقاد کامل دارند.

مجد الدین بن محمّد بن منصور حسـنی مؤیّدی از بزرگان علمای زیدیّه است که در کتاب "لوامع الانوار" بابی را تحت عنوان "اخبار المهدی" بیان کرده و احادیث بسیاری درباره آن حضرت (ع) آورده است.

{پاورقی . لوامع الانوار، ج ۱، ص ۶۴-۵۸. پاورقی}

او در بخشـی از کلمات خود می گوید: "امامان از آل محمّد که درودهای خداوند متعال بر آنها باد به حضرت مهدی بشارت می دادند وفرج او را از خداوند انتظار می کشیدند. اول امامان آخر امامان را به این موضوع وصیت می نمودند، وسابق آنان به کسانی که بعد از آنها می آمدند موضوع حضرت مهدی (ع) را ابلاغ می نمودند".

{پاورقی . همان، ص ۵۸. پاورقی}

او نیز بعد از نقل اخبار وروایات بسیار درباره حضرت مهدی (ع) می گوید: "روایات درباره مهدی واینکه او از اهل بیت است به حدّ تواتر می باشد".

{پاورقی . همان. پاورقی}

ونیز می گوید: "خبرهای نبوی وبشارت های علوی به امام امّت وخاتمه امامان (مهدی)... بیش از آن است که شماره شود. وامر درباره او همان چیزی است که شارح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید) در شرح کلام وصیّ (امام علی) صلوات اللّه علیه "قد لبس للحکمه جنتها" گفته است. کلامی که نصّ آن این است. وبه تحقیق اتّفاق تمام فرقه های مسلمانان بر این است که دنیا

وتکلیف تمام نمی شود مگر بر او (ظهور او)".

{پاورقی . همان. پاورقی}

همین مضامین را امام زیدیّه، ابن حمزه، در کتاب "الشافی" نقل کرده است.

{پاورقی . کتاب الشافی، ج ۱، ص ۷۸. پاورقی}

از عبارات ابن حمزه استفاده می شود که او حتّی به ولادت حضرت مهدی (ع) اعتقاد دارد، نه اینکه در آخرالزمان متولد می شود.

{پاورقی . همان، ص ۷۹. پاورقی}

ونیز قاضی حسین بن ناصر مهلا از علمای زیدیه در کتاب "مطمح الآمال" به اصل قضیه مهدویت تصریح کرده است. او می گوید: "درباره مهدی احادیثی است که به حد تواتر رسیده است".

{پاورقی . مطمح الآمال، ص ۱۸۵ پاورقی}

دیدگاه مذاهب اسلامی راجع به توسعه حکومت حضرت مهدی چیست؟

پرسش

دیدگاه مذاهب اسلامی راجع به توسعه حکومت حضرت مهدی چیست؟

پاسخ

یکی دیگر از موارد اعتقاد در قضیه مهدویت، موضوع فراگیر بودن دعوت وحکومت حضرت مهدی (ع) است.

خداوند متعال می فرماید: {وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ...}؛ "خداوند به کسانی که از شما بندگان ایمان آورده ونیکوکار {پاورقی . سوره نور، آیه ۵۵. پاورقی}

گردند وعده داده است که بر روی زمین خلافت دهد."

احمد بن حنبل به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "تملأ الأرض ظلماً وجوراً ثمّ یخرج رجل من عترتی یملك سبعا أو تسعا فیملأ الأرض قسطا وعدلاً"؛ "زمین پر از {پاورقی . مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸. پاورقی}

ستم وظلم می شود، در این هنگام شخصی از عترتم خروج می کند ودر مدت هفت یا نه روز مالك کلّ زمین خواهد شد، ودر این هنگام زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد."

امام باقر (ع) فرمود: "يملك القائم ثلاثمائه سنه ويزداد تسعاً كما لبث أهل الكهف فى كهفهم، يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً فيفتح اللّه له شرق الأرض وغربها"؛ "امام{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲. پاورقی}

قائم۳۰۹ ۷ سال مالك زمين مى شود ودر آن حكومت مى كند، همان مقدار كه اهل كهف در غارشان درنگ كردند. زمين را پر از عدل وداد خواهد كرد، آن گونه كه پر از ظلم وجور شده باشد. خداوند براى او شرق وغرب عالم را فتح خواهد نمود...".

منظور از مهدويت نوعى وشخصى چيست؟

اشاره

گاهى در تعبيرات از مهدويت شخصى ونوعى استفاده مى شود، مثلاً گفته مى شود: اهل سنّت مهدويت نوعى را قبول دارند وشيعه اماميه مهدويت شخصى را، مقصود از اين دو چيست.

پرسش

منظور از مهدويت نوعى وشخصى چيست؟

گاهى در تعبيرات از مهدويت شخصى ونوعى استفاده مى شود، مثلاً گفته مى شود: اهل سنّت مهدويت نوعى را قبول دارند وشيعه اماميه مهدويت شخصى را، مقصود از اين دو چيست.

پاسخ

شيعه قائل به مهدويت شخصى است؛ يعنى معتقد است به اينكه مهدى موعود (ع) شخصى است معيّن كه متولد شده وتاكنون زنده است ودر آينده ظهور خواهد كرد، واو كسى جز فرزند امام حسن عسكرى (ع) نيست.

ولى اهل سنّت معتقد به مهدويت نوعى است؛ يعنى معتقد است كه در آخرالزمان شخصى از ذريه پيامبر اكرم (ص) به نام مهدى متولد شده، وظهور خواهد كرد. واوست كسى كه زمين را پر از عدل وداد خواهد نمود همان گونه كه پر از ظلم وجور شده باشد، گرچه وجود خارجى ندارد.

تعبير مهدى نوعى وشخصى كاربرد ديگرى نيز دارد كه نزد عرفا متداول است. برخى از عرفاى اهل سنّت همچون مولوى معتقدند به اينكه در هر زمانى بايد يك مهدى موجود باشد خواه از نسل على وخواه از نسل عمر.

مقصود آنان از مهدى، همان قطب عالم امكان است، ولى شيعه قائل است كه در هر زمان بايد امام معصوم موجود باشد، زيرا بدون آن زمين مضطرب خواهد شد.

آيا ما در عصر فترت قرار داريم؟

پرسش

آیا ما در عصر فترت قرار داریم؟

پاسخ

احمد کاتب می گوید: "برخی از شیعیان قائل به توقّف وانقطاع امامت وقول به فترت، همانند فترت بین انبیا شده اند ودر ادعای خود به اخباری تمسّک کرده اند که دلالت بر امکان انقطاع امامت دارد، خصوصاً هنگامی که خداوند بر خلقش غضب کند. آنان می گویند: "نزد ما الآن همان وقت است". {پاورقی . تطور الفکر السیاسی، ص ۱۲۳. پاورقی}

اولاً: شیخ مفید؛ در "الفصول المختاره" بعد از آنکه به گروه های مختلف بعد از امام حسن عسکری (ع) اشاره کرده، می فرماید: ولی در زمانی که الآن ما در آن قرار داریم به جز شیعه دوازده امامی همگی منقرض شده ویا به این دسته گرویده اند.

{پاورقی . الفصول المختاره، ص ۲۵۹. پاورقی}

ثانیاً: با مراجعه به روایاتی که مستمسک "احمد الکاتب" در انکار ولادت ووجود حضرت مهدی (ع) شده، پی می بریم که آن روایات نه تنها بر عدم ولادت دلالت ندارد بلکه بر وجود وولادت حضرت مهدی (ع) دلالتی صریح دارد. اینک نص روایت را مرور می کنیم:

محمد بن فرج می گوید: امام ابوجعفر (ع) در نامه ای بر من چنین نوشت: "إذا غضب اللّه تبارك وتعالی علی خلقه نحّانا عن جوارهم"؛ "هر گاه خداوند تبارک وتعالی بر خلقش غضب کند ما را از همجواری آنها دور خواهد کرد."

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۲. پاورقی}

این روایت به طور صریح دلالت بر ولادت ووجود حضرت مهدی (ع) دارد، لکن مستفاد آن این است که در عین وجود، از منظر شما غایب است.

ثالثاً: روایت از حیث سند ضعیف است، همان گونه که مرحوم مجلسی نیز به آن اشاره کرده است.

رابعاً: این روایت مخالف روایات دیگری است

که متواتر بوده ودلالت بر خالی نبودن زمین از حجّت دارد.

شیعه اثنی عشری و مهدویت

زندگانی امام زمان ع

ولادت

ویژگهای زمان حمل

حضرت مهدی در بدو تولد کدامین آیه را تلاوت فرمود؟

پرسش

حضرت مهدی در بدو تولد کدامین آیه را تلاوت فرمود؟

پاسخ

:«و نُرید اَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَئِمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الوارِثینَ » قصص /۵

[و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف ذلیل در آن سرزمین منت گذارده و آنها را در روی زمین پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان بگردانیم.]

سورهای که امام زمانغ با مادرش در دوران بارداری میخواند، چه بود؟

پرسش

سورهای که امام زمانغ با مادرش در دوران بارداری میخواند، چه بود؟

پاسخ

امام زمانغ، سوره "قدر" را در رحم مادر میخواندند; در اینباره روایتی آمده است که: حکیمه خاتون گفت:.....، پس در این لحظه در نرجس، اضطراب مشاهده کردم، او را در برگرفتم و نام الهی را بر او خواندم حضرت امام حسن عسگریمرا صدا زدند که سوره "انا انزلناه فی لیله القدر" را بر او بخوان، پس از]خانم[پرسیدم که چه حال داری؟ گفت: آنچه مولایم فرمود، ظاهر شده است، چون شروع کردم به خواندن سوره "انّا انزلنا..."، شنیدم که آن طفل در شکم مادر با من در خواندن همراهی میکرد..."

(بحارالانوار، علامه مجلسی; ج، ۵۱، ص ۱۳، نشر مؤسسه الوفأ / ر.ك: منتهی الامال، شیخ عباس قمی; ص ۷۵۲ ۷۵۳، مؤسسه

انتشارات هجرت.)

تولد

چرا مادر امام زمان ۷او را پنهان کرد؟

پرسش

چرا مادر امام زمان ۷او را پنهان کرد؟

پاسخ

ولادت امام زمان ۷به خاطر دقّت و حساسیت و تفحص و جاسوس های فراوان خلیفهء عباسی مخفیانه بود, حتی بعضی از بستگان آن حضرت مطلع نبودند. امام حسین عسکری ۷از پیشگویی ها آگاه بود واهمیّت و عظمت آن مولود را به درستی می دانست و از حساسیّت دشمنان دربارهء تولد این نوزاد, غافل نبود و اوضاع سیاسی و شرایط اجتماعی را کاملاً می شناخت . از این رو به گونه ای مقدمات ولادت فرزندش را فراهم ساخت که نه تنها دشمنان بلکه بسیاری از دوستان هم از این امر آگاه نشدند, تا دشمنان در هدف های شوم خود ناکام بمانند. چنین هم شد. به همین جهت شیخ طوسی ولادت پنهانی امام زمان ۷را امری عادی و معمولی دانسته و می نویسد: این نخستین و آخرین حادثه نبوده و در طول تاریخ بشری نمونه های فراوانی داشته است . مخفی بودن حمل مادر موسی و متولد شدن موسی و او را صندوق انداختن , طبق الهام الهی است . فقط عمهء امام عسکری به نام حکیمه خاتون هنگام ولادت حضرت حضور داشته و وقتی از او سؤال می کنند که حجت خدا پس از امام عسکری کیست ؟ در پاسخ می گوید: زمین خالی از حجّت نیست و فرزند امام حسن عسکری ۷جانشین او است . می گویند: شما او را دیده اید؟می گوید: شنیده ام . گروه دیگری امام زمان ۷را در منزل امام عسکری ۷دیده اند و امام به آنان فرمود: این امام شمابعد از من خواهد بود. امر او را اطاعت کنید و دینتان را

تباه نکنید. این را هم بدانید که شما او را پس از امروز نخواهیددید.() از تأخیر در ارسال پاسخ بسیار معذرت می خواهیم شما می توانید سؤالات خود را به آدرس صندوق پستی قم (پاورقی ۱.مجلهء حوزه , شمارهء ۷۰ ۷۱ ص ۲۴به بعد با تلخیص و اضافات .

۱۹۷بفرستید و جواب دریافت دارید.

در مورد پدر و مادر امام زمان(ع) و نحوه تولد و زندگی و غیبت و علایم ظهور او توضیح دهید.

پرسش

در مورد پدر و مادر امام زمان(ع) و نحوه تولد و زندگی و غیبت و علایم ظهور او توضیح دهید.

پاسخ

دوازدهمین امام معصوم(ع) در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری در شهر سامرّا دیده به جهان گشود.۱ او همنام پیامبر اسلام(م ح م د) و هم کنیه آن حضرت (ابوالقاسم) است.۲ پدر او امام حسن عسگری(ع) بوده و مادرش نرجس است.۳ البته برخی نرجس را به نام "ریحانه"، "سوسن" و "صیقل" نیز ذکر کرده اند.۴

در تاریخ از زبان حکیمه خاتون، دختر امام جواد(ع) در خصوص ولادت امام زمان(ع) چنین آمده است: ابومحمد حسن عسکری(ع) کسی را دنبال من فرستاد که امشب (نیمه شعبان) برای افطار نزد من بیا، چون خداوند امشب حجب خدا را آشکار می کند. پرسیدم: این مولود چه کسی است؟ حضرت فرمود: از نرجس. عرض کردم: من در نرجس خاتون هیچ اثر حاملگی مشاهده نمی کنم. امام فرمود: موضوع همین است که گفتم. من در حالی که نشسته بودم، نرجس خاتون آمد و کفش از پایم بیرون آورد و فرمود: بانوی من! حالتان چطور است؟ من گفتم: تو بانوی من و خانواده ام هستی.

او از سخن من تعجب کرده، ناراحت شد و فرمود: این چه سخنی است؟

گفتم: خداوند در این شب به تو فرزندی عطا می کند که سرور و آقای دنیا و آخرت خواهد شد.

نرجس خاتون از سخن من خجالت کشید.

سپس بعد از افطار، نماز عشا را به جا آوردم و به بستر رفتم. چون پاسی از نیمه شب گذشت، برخاستم و نماز شب خواندم. بعد از تعقیب نماز به خواب رفتم و دوباره بیدار شدم. در این هنگام، نرجس نیز بیدار

شـد و نمـاز شب به جـا آورد. سـپس از اتـاق بیرون رفتم، تـا از طلوع فجر با خبر شوم. دیـدم فجر اوّل طلوع کرده و نرجس در خواب است.

در آن حال، این سؤال به ذهنم خطور کرد که چرا حجّت خدا آشـکار نشد. نزدیک بود، شـکی در دلم ایجاد شود که ناگهان حضرت امام حسن عسگری(ع) از اتاق مجاور صدا زد: ای عمه! شتاب مکن که موعد نزدیک است.

من نیز نشستم و سوره "الم سجده و یاسین" (طبق نقلی دیگر سوره قدر) را خواندم.

هنگـامی که مشـغول خوانـدن قرآن بودم، ناگهـان نرجس خـاتون بـا ناراحتی از خواب بیـدار شـد. من با شـتاب خودم را به او رساندم و پرسیدم چیزی احساس می کنی؟

نرجس فرمود: آری.

بدو گفتم: نام خدا را بر زبان جاری کن، این همان موضوعی است که اوّل شب به تو گفتم. مضطرب مباش.

در این حـال، پرده نوری میـان من و او کشـیده شـد. ناگـاه متوجه شـدم که کودک ولادت یافته است. چون جامعه را از روی نرجس برداشتم، آن مولود سر به سجده گذاشته و مشغول ذکر خدا بود. هنگامی که او را بر گرفتم، دیدم پاک و پاکیزه است.

در این هنگام، حضرت امام حسن عسکری(ع) صدا زد: عمه! فرزندم را نزد من بیاور.

وقـتی که نوزاد را خـدمت آن حضـرت بردم، او را در آغوش گرفت و بر دست و چشم و مفاصـل کودک، دست کشـید و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و فرمود: فرزندم! سخن بگو. سپس آن طفل گفت:

" اشهد ان لا اله الاّ الله و اشهد انّ محمّداً رسول الله" پس از آن به امامت امیرمؤمنان

حضرت علی(ع) و سایر ائمه معصومین علیهم السلام شهادت داد.۵

غیبت امام زمان(ع) به دو دوره تقسیم می شود: "غیبت صغری" و "غیبت کبری".

غیبت صغری از ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام زمان) تا ۳۲۹- یعنی حدود ۶۹ سال بود.۶ امام در سن ۹ یا ۱۰ و یا ۱۹ سالگی در سامرا به سردابی در خانه پدر فرو شد، از انظار غایب گشت۷ و در سال ۳۲۹ با رحلت آخرین نایب امام زمان(ع) غیبت کبری آغاز شد.۸

در عصر غیبت صغری، ارتباط شیعیان با امام زمان به کلی قطع نشد و آنان به گونه ای خاص و محدود با امام زمان(ع) ارتباط داشته اند و در این مدت نائبان خاص با امام زمان در ارتباط بوده و مسایل و مشکلات مردم را با حضرت در میان گذاشته و جواب آن ها را دریافت می کردند.

در زمان غیبت کبری فقیهان جامع الشرایط از سوی امام زمان(ع) نیابت عامه دارند و مردم نیز وظیفه دارند که به فقیهان واجد شرایط رجوع نموده و از آنان کسب تکلیف نمایند.۹

در خصوص شرایط و علایم ظهور امام زمان(ع) باید گفت: برای ظهور حضرت نشانه های حتمی و غیر حتمی ذکر شده است.۱۰ مقصود از نشانه های حتمی آن است که با تحقق آن ها امام زمان(ع) ظهور می کند، اما نشانه های غیر حتمی مقیّد و مشروط به امور دیگر هستند. به برخی نشانه های حتمی ظهور اشاره می شود:

۱ـ خروج سفیانی: پیش از قیام امام زمان(ع) مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام، خروج می کند و با تظاهر به دین داری گروه زیادی از مسلمانان را می فریبد. امام سجاد(ع) فرمود:

"ظهور قائم(ع) از ناحیه خداوندقطعی و خروج سفیانی نیز از جانب خداوند قطعی است".۱۱

۲ـ خروج یمانی: سرداری از یمن قیام می کند و مردم را به حق و عدالت دعوت می کند. امام صادق(ع) فرمود: "قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و در یک ماه و یک روز خواهد بود...".۱۲

۳ـ خروج دجال: یکی از نشانه های ظهور امام زمان(ع) خروج دجال ذکر شده است در این که دجال کیست دقیقاً مشخص نیست. البته این احتمال وجود دارد که مراد از دجال سفیانی باشد که در برخی از کتاب های اهل سنت بدان اشاره شده است. پیامبر اسلام(ص) فرمود: "قیام بر پا نمی شود تا وقتی که مهدی فرزندانم قیام کند و مهدی قیام نمی کند تا وقتی که شصت دروغگو خروج کنند و هر کدام بگوید من پیامبرم...".۱۳

۴ـ خسوف و کسوف: از نشانه های ظهور امام زمان(ع) کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر و یا اوّل ماه است. امام باقر(ع) فرمود: "دو نشانه، پیش از قیام مهدی(ع) پدید خواهد آمد که در زمان هبوط آدم(ع) در زمینی بی سابقه است؛ گرفتن خورشید نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن".۱۴

۵ـ درآمدن پرچم های سیاه از خراسان: این حادثه نیز، در منابع دینی به عنوان نشانه های ظهور بیان شده است. امام باقر(ع) فرمود: "بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند. پس چون مهدی(ع) ظاهر شود، اینان وی را دعوت به بیعت می کنند".۱۵

۶ـ فراگیر شده ظلم و جور در جهان: فراگیر شدن ظلم، از نشانه های معروف ظهور

امام زمان(ع) به شمار می آید. در روایات، این مطلب با عناوین گوناگون بیان شده تا آن جا که گفته شده است: " یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً؛۱۶ خداوند، به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده است".

در خصوص محل و چگونه زندگی نمودن حضرت اختلاف نظر است.۱۷ البته این اختلاف نظر ناشی از روایاتی است که در این خصوص وجوددارد. از برخی روایات استفاده می شود که حضرت در مکه زندگی می کند.۱۸ برخی روایات دلالت دارد که امام زمان(ع) مکان معیّن ندارد بلکه در همه جا حضور دارد.۱۹ از برخی روایات استفاده می شود که حضرت در مدینه زندگی می کند.۲۰

در این که امام چگونه زندگی می کند و زن و فرزند دارد، ابهام هست و به گونه ای مشخص نمی توان گفت که کیفیت زندگی امام چگونه است و یا زن و فرزند دارد.

۱ شیخ مفید الارشاد، ص ۳۴۶؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۹۲.

۲ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۲۷.

۳ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۱۸.

۴ فتال نیشابوری، پیشین، ص ۲۹۲؛ صدوق، کمال الدین، ص ۴۳۲.

۵ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲ – ۱۳.

۶ صدوق، کمال الدین، باب ۴۴، ص ۴۸۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲؛ صافی گلپایگانی ، منتخب الاثر، ص ۲۶۸.

۷ غلام حسین مصاحب، دایره المعارف فارسی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۸ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۸۲.

۹ همان، ص ۶۹۰.

۱۰ مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۲۴۰.

۱۱ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۱۲ کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۵۲.

۱۳ ارشاد

مفید، ج ۲، ص ۳۷۱.

۱۴ کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۶۲.

۱۵ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۲.

۱۶ کنزل العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

۱۷ مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۵۰ _ ۵۴.

۱۸ کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۲.

۱۹ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶.

۲۰ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

لطفاً در خصوص تولد، غیبت صــغری، غیبت کبری ، طول عمر و علائم ظهور امام زمان (ع) و کسانی که با او در ارتباط بودند را توضیح دهید.

پرسش

لطفاً در خصوص تولد، غیبت صغری، غیبت کبری ، طول عمر و علائم ظهور امام زمان (ع) و کسانی که با او در ارتباط بودند را توضیح دهید.

پاسخ

۱_ تولد:

برخی تاریخ نگاران عقیده دارند که دوازدهمین پیشوای معصوم در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری در شهر سامرّا دیده به جهان گشود.[۱] برخی دیگر عقیده دارند که حضرت در نیمه شعبان ۲۵۶ متولد شده است.[۲]

۲_ غیبت صغری و کبری:

غیبت امام زمان(ع) به دو دوره صغری و کبری تقسیم می شود.[۳] غیبت صغری از ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم) تا ۳۲۹ هجری، یعنی حدود ۶۹ سال بود و بعد از آن غیبت کبری آغاز می گردد.[۴]

۳_ نحوه برقراری ارتباط با حضرت:

در زمان غیبت صغری، نوّاب اربعه با امام زمان ارتباط داشته و مشکلات و مسایل و احکام را با حضرت در میان می گذاردند. این افراد عبارت بودند از:

الف) ابوعمر و عثمان بن سعید عمری؛

ب) ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری،

ج) ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛

د) ابوالحسن علی بن محمد سمری.

وظایف عمده نواب خاص پاسخگویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی، اخذ و توزیع اموال متعلق به امام، رسیدگی به وضعیت شیعیان و مبارزه با مدّعیان دروغین که ادعای بابیت و نیابت و وکالت امام زمان (ع) را داشتند.[۵] البته در غیبت صغری مردم می توانستند با امام زمان(ع) ارتباط برقرار کنند، ولی بیشتر ارتباطات از طریق نواب اربعه امکان پذیر بود.

در زمان غیبت کبری همه نمی توانند با امام زمان(ع) ارتباط برقرار کنند و امام زمان در همه جا حضور داشته و به همگان نفع رسانده و به هدایت و ارشاد پرداخته و به مردم

نفع می رساند؛ اگر چه مردم حضرت را نبینند.

در زمان غیبت کبری علمای واجد شرایط از سوی امام نیابت عامه دارند. نیابت عامه این است که امام، شرایط و ضوابط کلی را بیان کند تا در طول زمان هر فردی که آن ضابطه با او تطبیق کند نایب شناخته شود، از این رو فقیهان واجد شرایط، نایب حضرت بوده و وظیفه پاسخگویی به مسایل شرعی را بر عهده داشته و هدایت و رهبری مردم را نیز بر عهده دارند. برخی عقیده دارند که در زمان غیبت کبری، برخی از بزرگان مانند مقدس اردبیلی، امام زمان(ع) را ملاقات نموده و با حضرت ارتباط داشته اند. هر کس دیگری نیز اگر لیاقت داشته باشد می تواند با امام ارتباط برقرار کند؛ واقعیت آن است که به طور قاطع نمی توان گفت: ملاقات با امام زمان امکان دارد یا نه.

۴ـ علایم ظهور:

علایم ظهور به حتمی و غیر حتمی تقسیم می شود.[۶] با تحقق علایم حتمی امام ظهور می کند. علایم غیر حتمی آن است که مضافاً بر آن، تحقق شرایط دیگر لازم است.

علایم حتمی متعدد بوده که جهت رعایت اختصار به برخی اشاره می شود:

۱ـ۴ـ خروج سفیانی:

پیش از قیام قائم، مردی از نسل ابوسفیان، در شام خروج می کند و با تظاهر به دین داری، گروه زیادی از مسلمانان را می فریبد.[۷] امام سجاد(ع) فرمود: "ظهور قائم(ع) از ناحیه خداوند قطعی و خروج سفیانی نیز، از جانب خداوند قطعی است. در برابر هر قیام کننده و مصلحی، یک سفیانی وجود دارد".[۸]

۲ـ ۴ـ خروج یمانی:

یکی از نشانه های ظهور امام، قیام یمانی ذکر شده است که مردم را به

حق و عدل دعوت می کند.[۹] امام صادق(ع) فرمود: "قیام خراسانی و سفیانی و یمانی، در یک ماه و یک روز خواهد بود". [۱۰] در برخی از روایات آمده است: "ولیمانی من المحتوم؛[۱۱] قیام یمانی حتمی است".

۳_۴_ خروج دجال:

پیامبر (ص) فرمود: "پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال خروج خواهد کرد".[۱۲]

۴_۴_ فراگیر شدن جهان از ظلم:

فراگیر شدن ظلم وجور، از نشانه های معروف ظهور مهدی(ع) به حساب آمده است: "یملا الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً".[۱۳]

۵_ ۴_ جنگ های خونین:

در برخی روایات از جنگ های خونین به عنوان نشانه های ظهور یاد شده است.[۱۴]

گویا این جنگ ها بین اهل باطل، بر سر رقابت های مادی و سیاسی شکل می گیرند.

۶_۴_ در آمدن پرچم های سیاه از خراسان:

امام باقر(ع) فرمود: "بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند.

پس چون مهدی ظاهر شد، اینان وی را دعوت به بیعت می کنند".[۱۵]

۵_ طول عمر:

یکی از مباحث مهم درباره امام زمان(ع) طولانی بودن عمر امام است که از چند جهت می توان بدان پرداخت:

۱_ بُعد الهی: برخی از مسایل را نمی توان با دید علمی و عادی مورد بررسی قرار داد و باید مصالح و علت آن را مربوط به خداوند دانست. طول عمر امام زمان مربوط به خداوند است؛ خداوندی که حضرت یونس را در شکم ماهی حفظ کند[۱۶] و دریا را برای حضرت موسی می شکافد[۱۷] و آتش را بر ابراهیم سرد و سلامت می کند.[۱۸]

خداوند در زمین حجت قرار داده است و به واسطه امام زمان(ع) جهان را پر از

عـدل خواهـد کرد. او امـام را در غیبت قرار داده است، تـا حجت خـویش را حفـظ کنـد، همـان گـونه که بزرگـان دیگر را از حوادث حفظ نمود.

اگر از زوایه ایمان به غیب به این پدیده بنگریم پاسخ همه پرسش ها و اعتراض ها داده شده و نیاز به فلسفه بافی و ارائه شواهد نـدارد. تأثیر گذاری عوامل طبیعی، به دست خداوند است. او است که اگر بخواهد شـیشه را در بغل سـنگ نگه می دارد، پس چگونه از حفـاظت وجود نـازنین حجت خـدا و ذخیره عالَم آفرینش ناتوان است؟![۱۹] به قول شـیخ طوسـی رمز طولانی بودن عمر حضرت به دست کسی است که کلید غیبت و ام الکتاب نزد او است.[۲۰]

زیست شـناسان عقیـده دارنـد که عمر بشـر انـدازه و حـد ثابتی ندارد. در طبیعت همه گونه عمر بوده و ممکن است باشد.[۲۱] وایزمن، دانشمند آلمانی می گوید: "مرگ لازمه قوانین طبیعی نیست، و در عالَم طبیعت، از عمر ابدی گرفته تا عمر یک لحظه ای همه نوعش هست. آنچه طبیعی و فطری است، عمر جاودانی و ابدی است".[۲۲]

قوانین و نوامیس طبیعت نیز، بطلان عمر زیاد را به ثبوت نمی رساند. [۲۳]

۳ــ شواهد تاریخی:

شواهد تاریخی اثبات می کند که انسان هایی بوده اند که عمر های بس طولانی داشـته اند: مثلاً حضـرت نوح صدها سال عمر کرد؛ بنابراین بهترین دلیل بر امکان چیزی، واقع شدن آن است.

بـا توجه به مطـالب مـذکور بایـد گفت: طولانـی بودن عمر امام زمان منافات با مبانی علمی نداشـته و شواهـد تاریخی، طولانی بودن عمر را تأیید می کند.

[۱] شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۴۶؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۹۲؛ شیخ طوسی

کتاب الغیبه، ص ۱۳۱.

[۲] صدوق، کمال الدین، ص ۴۳۲.

[۳] لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۱۲ -۳۱۳.

[۴] مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان ۶۷۳.

[۵] مهدی پیشوایی، همان، ص ۶۸۳ – ۶۸۹.

[۶] مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۲۴۰ – ۲۴۱.

[۷] همان، ص ۲۴۸.

[۸] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

[۹] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۲۵۴.

[۱۰] کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲.

[۱۱] همان.

[۱۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹.

[۱۳] کنز العمال، ج ۱۴ ص ۲۶۴.

[۱۴] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶.

[۱۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۴۵۲.

[۱۶] صافات (۳۷) آیه ۱۴۴.

[۱۷] بقره (۲) آیه ۵۰.

[۱۸] انبیا (۲۱) آیه ۶۹.

[۱۹] مجله حوزه ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۴۸.

[۲۰] کتاب الغیبه، ص ۴۲۸.

[۲۱] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب ۲۴۱؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۷۵ به بعد.

[۲۲] همان.

[۲۳] همان.

چرا ولادت امام زمان(ع) مخفی بود، ولی در مورد ولادت امام های دیگر(ع) با وجود فشارهای زیاد چنین حالتی نبود؟

پرسش

چرا ولادت امام زمان(ع) مخفی بود، ولی در مورد ولادت امام های دیگر(ع) با وجود فشارهای زیاد چنین حالتی نبود؟

پاسخ

زندگانی بزرگان دین و معصومان(ع) ویژگی هایی دارد که ابعاد زندگانی آنان را از افراد دیگر جامعه متمایز می کند. همین خصوصیات بستر پرسش ها را نیز فراهم می کند.

ابعاد زندگانی ائمه(ع) از شاخصه و ویژگی هایی برخوردار است که به طور قطع نمی توان علل آن ها را درک نمود. زندگانی امام زمان(ع) نیز ویژگی هایی دارد که به گونه قِطع و جزم نمی توان درباره آن ها اظهار نظر نمود، مانند علل غیبت حضرت.

در خصوص مخفی بودن ولادت نیز نمی توان به طور حتمی اظهار نظر نموده و علت آن را بیان کرد، ولی از برخی متون دینی استفاده می شود که علت مخفی بودن ولادت، نیز غیبت او به خاطر حفظ جان امام عصر(ع) بود، چرا که دربار عباسی می دانست که طبق احادیث، فرزند امام عسکری، قائم آل محمد است. چندین بار مأموران به خانه امام عسکری ریختند تا حضرت را پیدا کنند و به قتل برسانند!.[۱]

وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر امام حسن عسکری(ع) نشان می دهد که خلفای عباسی به ویژه معتمد از امام وحشت داشتند، زیرا امام از جایگاه مهمی برخوردار بوده و مردم برای او احترام خاصی قایل بودند. وجود و حضور امام عسکری در صحنه جامعه با منافع و قدرت معتمد در تضاد بود، از این رو حضرت را سخت تحت فشار قرار داد و به شهادت رساند.[۲]

از سوی دیگر معتمد عباسی از فرزندان و نسل امام عسکری(ع) نیز وحشت داشت، زیرا می دانست اگر فرزند او زنده بماند، خطر جدی برای

حکومت او خواهد بود؛ از این رو با تدابیر ویژه سعی کرد از ولادت امام زمان(ع) جلوگیری نموده و حضرت را از بین ببرد.

یکی از نویسندگان درخصوص مخفی بودن ولادت امام زمان(ع) می نویسد: " در دوران عسکریین(ع) [= امام هادی و امام عسکری] در میان حاکمان بنی عباس نگرانی عمیقی به وجود آمده بود. این نگرانی مربوط به اخبار و احادیث فراوانی بود که توسط پیامبر(ص) و ائمه(ع) بشارت به تولد فرزندی از امام حسن عسکری(ع) می داد که بر هم زننده اساس حکومت های باطل و واژگون کننده تاج و تخت ها است و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. از این رو، آن دو بزرگوار به ویژه امام حسن(ع) سخت تحت نظر بودند و دستگاه خلافت تلاش می کرد از تولد چنین فرزندی جلوگیری کند.

به همین علت بود که دوران حمل و تولد امام مهدی(عج) از مردم پنهان داشته می شد. به گفته امام رضا(ع) از ویژگی های آن حضرت ولادت پنهانی است".[۳]

حکمت دیگر اخفای ولادت، پیروی از مشیت حق تعالی بود. چون خواست حضرت حق تعلق گرفته بود که آخرین حجت خدا تا زمان ظهور زنده بماند. به همین دلیل امام عسکری(ع) و حضرت مهدی(ع) مؤظف بودند از چشم دشمن خود را مخفی نگه دارد. چنان که از حمل نرجس خاتون حتی عمه امام عسکری اطلاع نداشت، تا سحرگاه نیمه شعبان در کمال ناباوری حضرت متولد شد.

بنابراین فلسفه مخفی بودن ولادت امام مهدی(عج)، و زندگی مخفی حضرت در دوره پدر با زمینه سازی امامان پیشین و اخبار مهدویت توجیه می شود، که این امر درباره امام پیشین مطرح نبود. حکومت

از مهدی موعود که به مقتضای روایات نابود کننده کاخ ستمگران است، وحشت داشت.

[۱] اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۶؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۲.

[۲] مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۲۱.

[۳] سید آقایی ...، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۲؛ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۲۲.

در خصوص ولادت امام زمان (ع) توضیح دهید.

پرسش

در خصوص ولادت امام زمان (ع) توضیح دهید.

پاسخ

حکیمه خاتون - دختر امام جواد و عمه امام حسن عسکری (ع) کیفیت ولادت امام زمان (ع) را چنین گزارش می کند: امام حسن عسکری (ع) کسی را دنبال من فرستاد که امشب (نیمه شعبان) برای افطار، نزد من بیا، چون خداوند امشب حجت خود را آشکار می کند. پرسیدم! این مولود از کیست؟ حضرت فرمود: از نرجس. عرض کردم. در نرجس خاتون هیچ اثر حمل مشاهده نمی کنم! امام فرمود: موضوع همین است که گفتم.

من در حالی که نشسته بودم، نرجس آمد و فرمود: بانوی من ! حالتان چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و خانواده ام هستی .

او از سخن من تعجب کرده، ناراحت شد و فرمود! این چه سخنی است؟

گفتم: خداوند در این شب به تو فرزندی عطا می کند که آقا و سرور دنیا و آخرت خواهد شد.

نرجس خاتون از سخن من خجالت کشید. پس بعد از افطار ، نماز عشا را به جا آوردم و به بستر رفتم چون پاسی از نیمه شب گذشت، برخاستم و نماز شب خواندم . بعد از تعقیب نماز به خواب رفتم و دوباره بیدار شدم. در این هنگام نرجس نیز بیدار شد و نماز شب به جا آورد. پس از اتاق بیرون رفتم تا از طلوع فجر با خبر شوم. در آن حال این سؤال به ذهنم آمد که چرا حجت خدا آشکار نشد که ناگهان امام حسن عسکری (ع) از اتاق مجاوز صدا زد: ای عمه! شتاب مکن که موعد نزدیک است.مشغول قرآن خواندن بودم که ناگهان نرجس خاتون با ناراحتی بیدار شد و

من با شتاب خود را به او رساندم و پرسیدم: چیزی احساس می کنی؟ نرجس گفت: آری . بدو گفتم: نام هدا را به زبان جاری کن. این همان موضوعی است که اوّل شب به تو گفتم.

در این هنگام، پرده نوری میان من و او کشیده شد. ناگهان متوجه شدم که کودک ولادت یافته است. چون جامه را از روی نرجس برداشتم، آن مولود سر به سجده گذاشته و مشغول ذکر خدا بود. او را در برگرفتم ، دیدم پاک و پاکیزه است.

در این هنگام ، حضرت امام حسن عسکری (ع) صدا زد: عمه! فرزندم را بیاور. کودک را در آغوش گرفت و بر دست و چشم و مفاصل کودک دست کشیده و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و فرمود: فرزندم سخن بگو. پس آن طفل گفت: اشهد أن لا ـ اله الاّ ـ الله و اشهد انّ محمداً رسول الله ، پس از آن به امامت امیرمؤمنان حضرت علی (ع) و سایر معصومان (ع) شهادت داد و چون به نام خود رسید گفت: پروردگارا! وعده مرا قطعی گردان و امر مرا به اتمام رسان و مرا ثابت قدم بدار و زمین را به وسیله من از عدل و داد پر کن.

بنابر گزارش عده ای ، هنگام ولادت حضرت مهدی (عج) روی کتفش آیه مبارکه "جاء الحقّ و زهق الباطل" نوشته شده بود. (۱)

پی نوشت ها :

۱ – عبدالرضا انصاری، در انتظار خورشید ولایت ، ص ۳۴ – ۳۷.

نحوه ولادت حضرت مهدی (عج) در روایات اسلامی چگونه است؟

پرسش

نحوه ولادت حضرت مهدی (عج) در روایات اسلامی چگونه است؟

پاسخ

گزارش و تفصیلات ولادت سراسر برکت امام ، در کتب معتبر و اخبار، مشروحاً بیان شده است؛ از جمله این اخبار روایتی است که در ینابیع الموده، ص۴۴۹ و ۴۵۱ فاضل قندوزی که از علمای اهل سنّت است و شیخ طوسی در کتاب غیبت و شیوخ دیگر روایت کرده اند و صدوق در کتاب کمال الدین به سند صحیح و معتبر ازجناب موسی بن محمد بن قاسم بن حمزه بن موسی بن جعفر (ع) از حضرت حکیمه خاتون دختر والامقام امام محمد تقی(ع) که از بانوان با عظمت و شخصیّت و فضیلت خاندان رسالت است، حدیث کرده است.

حکیمه فرمود: امام حسن عسکری(ع) فرستاد(فردی را) نزد من که عمه! امشب در نزد ما افطار کن که شب نیمه شعبان است و خداوند حجت را در این شب ظاهر فرماید و او حجت خدا در زمین است.

من عرض کردم : مادرش کیست؟

فرمود: نرجس

گفتم: فدایت شوم به خدا سوگند در او اثری نیست.

فرمود: همین است که برای تو می گویم.

حکیمه گفت: پس آمدم چون سلام کردم و نشستم نرجس خواست پای افزارم را بیرون آورد، گفت: ای سیده من و سیده خاندان من، چگونه شب کردی؟

گفتم: بلکه تو سیده من و سیده خاندان منی.

گفت: ای عمه این چه سخن است؟!

گفتم: ای دخترم، خدا امشب به تو پسری کرامت فرماید که در دنیا و آخرت آقا است؛ پس او خجلت کشید و حیا کرد، وقتی از نماز عشا فارغ شدم افطار کردم و در بستر خوابیدم چون نیمه شب رسید برخاستم برای نماز شب، نماز را خواندم و فارغ شدم و

نرجس همچنان در خواب و راحت بود، من نشستم برای تعقیب و سپس خوابیدم و هراسان بیدار شدم، او همچنان خواب بود پس برخاست نماز شب را خواند و خوابید.

حکیمه فرمود: برای فحص از صبح بیرون آمدم فجر اوّل ظاهر شده بود، هنوز نرجس در خواب بود، در شک افتادم، امام فریاد زد، عمه شتاب مکن که مطلب نزدیک گردیده. گفت: نشستم و سوره الم سجده و یس خواندم که ناگاه نرجس هراسناک بیدار شد، من به بالینش شتافتم و گفتم:

«بسم الله علیک» آیا چیزی احساس می کنی؟

گفت: بله ای عمه.

گفتم: آسوده خاطر باش همان است که به تو گفتم.

حکیمه گفت: پس مرا سستی و از خود بی خودی فرا گرفت و او نیز چنین شد، وقتی به حس آقایم بیدار شدم، جامه را از روی نرجس به یک سوز دم و آقای خود را دیدم که در حال سجده است و مواضع سجودش را بر زمین گذارده، او را در بر گرفتم دیدم نظیف و پاکیزه است حضرت امام حسن عسکری به من صیحه زد: ای عمه پسرم را به نزد من بیاور.

او را نزد امام بردم، امام دستهایش را زیر دو ران و پشت او گذارد و پاهایش را در سینه خود قرار داد و زبانش را در دهان او نهاد و دست بر چشمها و گوش و مفاصلش کشید.

پس فرمود: سخن بگو ای پسرم.

فرمود:

«اَشْهَدُ أَنَّ لا اِلهَ اِلَّاالله وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله»

سپس بر امیر المؤمنین و بر امامان تا پدرش صلوات فرستاد و سکوت فرمود.

امام فرمود: او را نزد مادرش ببر تا به او سلام کند و به

نزد من آور؛ پس او را نزد مادرش بردم، به مادرش سلام کرد، سپس او را برگرداندم در مجلس امام گذاردم. فرمود: ای عمه روز هفتم که شد نزد ما بیا. حکیمه فرمود: بامدادان رفتم که به امام سلام عرض کنم، پرده را بالا زدم تا از آقای خود تفقد کنم او را ندیدم گفتم: فدایت شوم چه شد آقای من؟ فرمود: ای عمه او را به آن کس سپردم که مادر موسی او را به او سپرد.

حکیمه گفت: روز هفتم که شد به نزد آن حضرت رفتم و سلام کردم و نشستم.

امام فرمود: پسرم را به نزد من بیاور، پس من آقایم را در حالیکه در پارچه ای بود به نزد آن حضرت بردم با او مانند روز اول رفتار کرد، پس زبان در دهانش گذارد مثل آنکه شیر و عسل به او می دهد سپس فرمود: سخن بگو:

گفت: اشهد ان لا اله الاالله و صلوات بر محمد و امیرالمؤمنین و امامان تا پدرش صلوات الله علیهم اجمعین فرستاد و این آیه را تلاوت کرد:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما كانُوا يَحْذَرُونَ»

موسی بن محمد بن قاسم، راوی حدیث گفت: این سرگذشت را از عقید خادم پرسیدم گفت: حکیمه راست فرموده است. (منتخب الاثر نگارنده، ص ۳۲۱ تا ۳۴۱)

و در حدیث دیگر شیخ ثقه جلیل فضل بن شاذان که پس از ولادت حضرت ولی عصر و پیش از وفات امام حسن عسکری(ع) (بین ۲۵۵ تا ۲۶۰) وفات کرده، در

کتاب غیبت خود از حضرت امام حسن عسکری(ع) به واسطه محمد بن علی بن حمزه بن حسین بن عبیدالله بن عباس بن امیر المؤمنین(ع) روایت کرده است که فرمود: متولد شد ولیّ خدا و حجت خدا بر بندگان خدا و جانشین من بعد از من، ختنه کرده شده، در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هنگام طلوع فجر و نخستین کسی که او را شست، رضوان خازن بهشت بود که با جمعی از ملائکه مقربین او را به آب کوثر و سلسبیل غسل دادند. (منتخبالاثر ص ۳۲۰)

و در احادیث دیگر روایت است که وقتی امام عصر متولد شد، حضرت امام حسن عسکری(ع) دستور فرمود: ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت بین فقرای بنی هاشم تقسیم کنند و سیصد گوسفند عقیقه نمایند.

چه عواملی در حصول تواتر ویقین به ولادت امام مهدی علیه السلام مؤثر است؟

پرسش

چه عواملی در حصول تواتر ویقین به ولادت امام مهدی علیه السلام مؤثر است؟

پاسخ

از آنجا که اعتبار خبر متواتر به جهت حصول یقین است، در مورد موضوع ولادت امام مهدی (ع) عواملی چند در حصول یقین به این موضوع دخالت داشته است:

۱ - احادیثی که به دلالت مطابقی بر ولادت امام مهدی (ع) وبشارت به آن حضرت دلالت دارد. که مجموع آنها به ۲۱۴ حدیث می رسد.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۳-۴۰۷-۴۰۸Ù۴۲۴-۴۲۶Ù۴۳۰و... . پاورقی}

۲ - روایاتی که در مورد سال ولادت حضرت رسیده است.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۴و۱۵Ù۱۷Ù۲۲. پاورقی}

۳ - روایاتی که در رابطه با خصوصیات فردی امام زمان (ع) وارد شده است.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۵ ؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۵۳Ù۲۵۵Ù۲۶۳Ù۲۶۶Ù۲۷۱Ù۲۹۸. پاورقی}

۴ - روایاتی که نصّ بر امامت آن حضرت دارد.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۵. پاورقی}

۵ - توقیعاتی که از ناحیه مقدسه صادر شده است که عدد آنها به ده ها توقیع می رسد، ودر جای خود فهرستی از آنها را

آورده ایم.

۶ - تضییقات سیاسی که از ناحیه حکومت بنی العباس برای مواجهه ومقابله با حضرت وقتل ایشان گذاشته شده بود.

۷ - وجود چهار سفیر در عصر غیبت صغرا وارتباط مردم با حضرت از طریق آنها.

۸ - وکلای ناحیه مقدّسه که در کشورها وشهرهای مختلف وجود داشته اند.

۹ - عدّه زیادی که مشرّف به لقا ورؤیت حضرت مهدی (ع) شده اند.

۱۰ - معجزاتی که از حضرت مهدی (ع) صادر شده ودر کتاب ها مکتوب است.

۱۱ - اعتراف علمای انساب به ولادت فرزند امام عسکری (ع).

۱۲ - اجماع وتبنّی شیعه بر ولادت ووجود امام مهدی (ع).

۱۳ - تصریح مورخان بر ولادت حضرت مهدی (ع).

۱۴ - مدّعیان سفارت دروغین از طرف

امام زمان (ع).

۱۵ – شهادت هر یک از معصومین: بر ولادت حضرت مهدی (ع).

آیا در بین احادیث ولادت حضرت، حدیث صحیح السند نیز وجود دارد؟

پرسش

آیا در بین احادیث ولادت حضرت، حدیث صحیح السند نیز وجود دارد؟

پاسخ

در بین احادیثی که دلالت بر ولادت حضرت مهدی (ع) دارد پی به روایاتی می بریم که از سند صحیح یا حسن یا موثّقی برخوردار است. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – کلینی به سند صحیح اعلائی از محمّد بن عبداللَّه ومحمّد بن یحیی از عبداللَّه بن جعفر حمیری نقل می کند که فرمود: "اجتمعت أنا والشیخ أبوعمرو؛ عند أحمد بن إسحاق فغمزنی أحمد بن إسحاق أن أسأله عن الخلف، فقلت له: یا أباعمرو! إنّی أرید أن أسألک عن شی ء وما أنا بشاکٍّ فیما أرید أن أسألک عنه، فإنّ اعتقادی ودینی أنّ الأرض لاتخلو من حجّه إلّا إذا کان قبل یوم القیامه بأربعین یوماً فإذا کان ذلک رفعت الحجّه وأغلق باب التوبه... ولکنّی أحببت أن أزداد یقیناً. ثمّ قال: سل حاجتک؟ فقلت له: أنت رأیت الخلف من بعد أبی محمّد (ص) فقال: أی واللَّه ورقبته مثل ذا، وأومأ بیده..."؛ "من وشیخ ابوعمرو– عثمان بن سعید عَمْری – خدمت احمد {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۲۹ـ۳۳۰، با تلخیص. پاورقی}

ابن اسحاق بودیم. احمد بن اسحاق به من اشاره کرد تا از ابوعمرودرباره جانشین امام عسکری (ع) سؤال کنم. به ابوعمرو گفتم: از تو سؤالی می پرسم که درباره آن شک ندارم، زیرا اعتقادم این است که زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی ماند مگر چهل روز قبل از برپایی قیامت، که چون آن روز فرا رسد حجت برداشته وراه توبه بسته خواهد شد... ولی من دوست دارم که بر یقینم افزوده شود... سپس گفت خواسته ات را سؤال کن، سؤالم این است که: آیا جانشین امام عسکری (ع) را

دیـده ای؟ ابوعمروفرمود: آری به خدا سوگند، گردن او چنین بود، وبا دست اشاره کرد...". شـیخ صدوق؛ نیز این حدیث را با سند صحیح نقل کرده است.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۱. پاورقی}

۲ – ونیز کلینی به سند صحیح از حسین بن علا نقل کرده که گفت: "قلت لأبی عبداللّٰه (ع): تکون الأرض لیس فیها إمام؟ قال: لا."؛ "به امام صادق (ع) عرض کردم: آیا {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱. پاورقی}

ممکن است که زمین بدون امام باشد؟ حضرت فرمود: هرگز."

۳ – ونیز به سـندی دیگر که آن هم صـحیح است از امـام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "إنّ الأرض لا تخلو إلّا وفیها إمام"؛ "همانا زمین هرگز از وجود امام خالی نمی گردد."

{پاورقی . همان، ح ۲. پاورقی}

۴ – ونیز به سـند صحیح از حسن بن علی وشاء نقل می کند که از امام رضا (ع) سؤال کردم: "هل تبقی الأرض بغیر إمام؟ قال: لاـ قلت: إنّـا نروی أنّهـا لاتبقی إلّا أن یسـخط اللّٰه عزّوجلّ علی العباد. قال: لاتبقی إذا لساخت"؛ " آیا زمین بـدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود:{پاورقی . همان، ص ۱۷۹، ح ۱۳. پاورقی}

هرگز. عرض کردم: ما چنین روایت می کنیم که زمین از حجت خالی نمی مانـد مگر آنکه خداونـد بر بندگانش غضب کند؟ حضرت فرمود: زمین "بدون حجت" باقی نمی ماند، ودر غیر این صورت مضطرب می شود."

۵ – ونیز به سـند صـحیح از ابی هاشم جعفری نقل می کنـد که گفت: "قلت لأبی محمّـد (ص): جلالتک تمنعنی من مسألتک فتـأذن لی أن أسألـک؟ فقـال: سـل. قلت: یـا سیّدی! هـل لـک ولـد؟ فقـال: نعم. فقلت: فـإن بک حـدث فأین أسال عنه. فقال: بالمدینه"؛ "به امام عسکری (ع) عرض کردم:{پاورقی

. همان، ص ۳۲۸، ح ۲. پاورقی}

جلالت شما مرا مانع شده تا مسأله ای را از شما سؤال کنم، آیا اجازه می دهید تا از شما بپرسم؟ حضرت فرمود: سؤال کن. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: آری. عرض کردم: اگر حادثه ای برای شما اتفاق افتاد، کجا از او سؤال کنم؟ فرمود: در مدینه."

۶ - ونیز به سند صحیح از محمّد بن علی بن بلال نقل کرده که فرمود: "خرج إلیّ من أبی محمّد قبل مضیّه بسنتین یخبرنی بالخلف من بعده ثمّ خرج إلیّ من قبل مضیّه بثلاثهایام یخبرنی بالخلف من بعده"؛ "دو سال قبل از شهادت امام حسن عسکری (ع) نامه ای از {پاورقی . همان، ح ۱. پاورقی}

حضرت به دستم رسید که در آن خبر از جانشین آن حضرت داده بود. ونیز سه روز قبل از شهادتشان نامه ای دیگر رسید که باز خبر از جانشین بعد از خود دادند."

۷ - کلینی نیز به سند صحیح از زراره نقل می کند که از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: "إنّ للغلام غیبه قبل أن یقوم. قال قلت: ولِمَ؟ قال: یخاف وأومأ بیده إلی بطنه، ثمّ قال: یا زراره! وهو المنتظر وهو الّذی یشکّ فی ولادته"؛ "همانا برای آن کودک قبل از قیام غیبتی {پاورقی . همان، ص ۳۳۷، ح ۵. پاورقی}

است. عرض کردم: برای چه؟ فرمود: به جهت خوف، واشاره به شکم مبارک کرد. آن گاه فرمود: ای زراره! واو همان منتظری است که در ولادت او شک می شود...".

۸ - صدوق به سند تام از داوود بن قاسم جعفری نقل کرده که امام هادی (ع) می فرمود: "الخلف من بعدی الحسن، فکیف لکم بالخلف من بعد الخلف؟

فقلت: ولِمَ جعلنی اللَّه فـداك؟ فقال: إنّكم لاترون شـخصه ولايحلّ لكم ذكره باسـمه. فقلت: فكيف نـذكره؟ فقال: قولوا الحجّه من آل محمّد:"؛ "جانشین بعد من فرزندم حسن است. پس چگونه است شما را{پاورقی . كمال الدین، ص ۳۸۱، ح ۵ ؛ كافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳. پاورقی}

نسبت به جانشـین از بعد این جانشـین؟ عرض كردم: چگونه، خداوند مرا فدای تو گرداند؟ فرمود: زیرا شـما شخص او را نمی بینیـد، وبرای شـما حلاـل نیست كه نـام او را ببریـد. عرض كردم: پس چگـونه نـام او را بـبریم؟ فرمـود: بگوییـد: حجت از آل محمّد:."

آیا خبر ولادت امام مهدی علیه السلام تنها از طریق حكیمه نقل شده است؟

پرسش

آیا خبر ولادت امام مهدی علیه السلام تنها از طریق حكیمه نقل شده است؟

پاسخ

خیر، این چنین نیست، بلكه عـدّه زیادی از اصـحاب امام عسـكری (ع) ودیگران از ولادت امام زمان (ع) خبر داده انـد، وبرخی نیز آن حضرت را در غیبت صغرا یا كبرا دیده اند. اینك به برخی از آنها اشاره می كنیم:

۱ - ابوالفضـل حسـین بن حسن علوی می گویـد: "دخلت علی أبی محمـد الحسن بن علی(ع) بسـرّمن رأی فهنّأته بولاـده ابنه القآئم"؛ "بر امام عسكری (ع) در سامرا وارد شدم تا در{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۷، ح۲۴. پاورقی}

ولادت صاحب الزمان (ع) به آن حضرت تهنیت بگویم."

۲ - احمـد بن محمّـد می گویـد: "خرج عن أبی محمـد(ع) حین قتل الزبیری: هـذا جزآء من افتری علی اللَّه تبارك وتعالی فی أولیـائه زعم أنّه یقتلنی ولیس لی عقب، فكیف رأی قـدره اللَّه عزّوجـلّ. وولـد له وسـمّاه م ح م د سـنه ستّ وخمسـین ومأتین"؛ "بعد از كشته شدن زبیری{پاورقی . همان، ص ۴، ح ۴. پاورقی}

نامه ای از امام عسـكری (ع) به دسـتم رسـید كه در آن نوشـته شده بود: این جزای كسی است كه بر خدا واولیایش افترا ببندد، وگمان كنـد كه می توانـد بـدون جانشـین، مرا بكشـد، وقدرت خدا را چگونه دیده است. آن گاه می گوید: فرزندی برای آن حضرت در سال ۲۵۵ زاییده شد كه اسم ایشان را "محمّد" گذاشت."

۳ - ابو هاشم جعفری می گوید: "قلت لأبی محمّد (ص): جلالتك تمنعنی من مسألتك، فتأذن لی أن أسألك. فقال: سل! قلت: یا سیّدی! هل لك ولد؟ فقال: نعم..."؛ "به امام عسكری (ع) عرض{پاورقی . كافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲. پاورقی}

كردم: "جلالت شما مانع از سؤال كردن من است، آیا اجازه سؤال به من می دهید؟ حضرت

فرمود: سؤال کن. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شما فرزندی است؟ فرمود: آری...".

۴ - صدوق از نسیم، خادم امام عسکری (ع) نقل می کند: "قد دخلت علیه بعد مولده بلیله فعطست عنده فقال لی: یرحمک اللّه! قالت نسیم: فرحت بذلک، فقال لی: ألا أبشّرک فی العطاس؟! فقلت: بلی یا مولای! فقال: هو أمان من الموت ثلاثهایام"؛ "بر حضرت {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۰، ح ۵. پاورقی}

صاحب الزمان (ع) بعد از گذشت یک شب از ولادتش داخل شدم، نزد او عطسه کردم، حضرت فرمود: یرحمک اللّه. من از این جمله خوشحال شدم. آن گاه فرمود: آیا می خواهی تو را در عطسه بشارت دهم؟ عرض کردم: بلی ای مولای من. فرمود: عطسه تا سه روز انسان را از مرگ در امان می دارد."

۵ - شیخ طوسی به سندش از نسیم وماریه نقل کرده است: "لمّا خرج صاحب الزمان (ع) من بطن أمّه سقط جاثیاً علی رکبتیه، رافعاً سبابته نحو السمآء ثمّ عطس. فقال: الحمد للّه ربّ العالمین وصلّی اللّه علی محمّد وآله عبداً... زعمت الظلمه أنّ حجّه اللّه داحضه ولو أذن لنا فی الکلام لزال الشکّ"؛ "هنگامی که صاحب الزمان (ع) از شکم مادرش بیرون آمد بر دو زانوی {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۴۵. پاورقی}

خود قرار گرفت، انگشت سبابه خود را به طرف آسمان اشاره کرد، سپس عطسه ای کرد وفرمود: "الحمد للّه ربّ العالمین وصلّی اللّه علی محمّد وآله عبداً داخراً غیر مستنکف ولامستکبر". آن گاه فرمود: ظالمان گمان کرده اند که حجّت خدا زایل خواهد شد، واگر برای ما اذن در کلام داده شود به طور حتم شک زایل خواهد شد."

۶ - شیخ طوسی؛ روایتی را از کامل بن ابراهیم

مـدنی وقصه ملاقات او با امام عسـکری (ع) نقل کرده که در آن چنین آمده است: "فجاءت الريح فكشـفت طرفه فإذا أنا بفتیً كأنّه فلقه قمر من أبنآء أربع سـنين أومثلها، فقال لی: يا كامل بن ابراهيم! فاقشعررت من ذلک وأُلهمت أن قلت: لبيک يا سيدی! فقال: جئت إلی ولیّ اللَّه وحجّته وبابه تسأله هل يدخل الجنّه إلّا من عرف معرفتک؟ وقال بمقالتک؟ فقلت: ای واللَّه"؛ "...بادی زد وپرده کنار رفت، ناگهان {پاورقی . همان، ص ۲۴۷. پاورقی}

کودکی را بهماننـد پاره ماه با حـدود چهار سال سن یا همین انـدازه مشاهده کردم. به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم! بدنم از این خطاب لرزید والهام شدم که بگویم: لبیک ای آقای من! حضرت فرمود: تو نزد ولی خدا وحجت وباب او آمده ای تا از او سؤال کنی آیا به جز کسی که مثل معرفت تو را داشته وهمانند تو می گوید داخل بهشت می شود؟ عرض کردم: آری...".

۷ - عمرواهوازی می گویـد: "أرانی أبومحمـد(ع) ابنه وقـال هـذا صـاحبكم بعـدی"؛ "امام {پاورقی . الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۸. پاورقی}

عسکری (ع) فرزند خود را به من نشان داد وفرمود: این صاحب شما بعد از من است."

شیـخ حرّ عاملی؛ می گوید: "کلینی ودیگران به سـندهایشان نقل کرده اند که جماعت زیادی امام زمان (ع) را بعد از ولادتش ملاقات کردند که از آن جمله عبارتند از: محمد بن اسـماعیل بن موسـی بن جعفر، حکیمه دختر محمّد بن علیّ عموی پدرش، ابوعلی بن مطهر، خادم ابراهیم بن عبده، ابو عبداللَّه بن صالح، ابراهیم بن ادریس، جعفر بن علی عمویش، عمرواهوازی، ظریف خادم، فارسی، مدائنی ودیگران".

{پاورقی . اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۴۲. پاورقی}

۸ - معاویه

بن حکیم ومحمّد بن ایوب بن نوح ومحمّد بن عثمان عَمْری می گویند: "عرض علینا أبومحمد الحسن بن علی(ع) ونحن فی منزله وکنّا أربعین رجلًا. فقال: هذا إمامکم من بعدی وخلیفتی علیکم أطیعوه ولاتتفرّقوا من بعدی..."؛ "امام عسکری (ع) در منزل خود {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۵. پاورقی}

فرزندش را بر ما که چهل نفر بودیم عرضه داشت وفرمود: این امام شما بعد از من وجانشین من بر شماست، او را اطاعت کنید وبعد از من متفرّق نشوید...".

آیا با اجماعی که شیعه قبول ندارد می توان دلیل ولادت حضرت را اجماع قرار داد؟

پرسش

آیا با اجماعی که شیعه قبول ندارد می توان دلیل ولادت حضرت را اجماع قرار داد؟

پاسخ

اولاً: شیعه اجماع را در صورتی که کاشف از دلیل معتبر باشد قبول دارد، وآن را یکی از ادله استنباط می داند. حتی در مواردی هم می تواند انسان را به یقین به مفاد خبر مجمعین برساند واجماعی که در جامعه شیعی وجود دارد از این قبیل اجماع است.

ثانیاً: شیعه بر وجود وولادت حضرت مهدی (ع) تنها به اجماع استدلال نمی کند، بلکه به ادله ای دیگر از قبیل عقل، قرآن وروایات صحیح السند نیز نظر دارد.

آیا بزرگان طایفه امامیه بعد از وفات امام عسکری علیه السلام بر ولادت حضرت اتفاق داشتند؟

پرسش

آیا بزرگان طایفه امامیه بعد از وفات امام عسکری علیه السلام بر ولادت حضرت اتفاق داشتند؟

پاسخ

آری، اصحاب وعموم طایفه شیعه امامیه بعد از وفات امام حسن عسکری (ع) در طول قرن ها بر ولادت امام زمان (ع) اتفاق داشته اند، اگر چه در ابتدا حیرت وشکی در ولادت وامامت آن حضرت در بین گروهی از شیعیان پدید آمد، ولی بعد از گذشت زمان نه چندان طولانی وبه عنایت وتبلیغ بزرگان امامیه، همگی به راه مستقیم هدایت شده وبه امامت امام عصر (ع) اعتقاد پیدا نمودند، همان گونه که شیخ مفید در کتاب "الفصول المختاره" به آن اشاره کرده است.

او می گوید: "از این فرقه هایی که ذکر شد هیچ فرقه ای در زمان ما که سال ۳۷۳هجری است باقی نمانده است جز شیعه

دوازده امامی که قائل به امامت فرزنـد امام حسن همنام رسول خـدا (ص) بوده وهمگی بر زنده بودن ایشان قطع داشـته ومعتقد به بقای آن حضرت تا زمانی که قیام به شمشیر کند، هستند...".

{پاورقی . الفصول المختاره، ص ۳۲۱. پاورقی}

مورخان شیعه در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی علیه السلام چه گفته اند؟

پرسش

مورخان شیعه در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی علیه السلام چه گفته اند؟

پاسخ

مورخان شـیعه در مورد تاریخ ولادت حضـرت مهدی (ع) به طور اتفاق آن را در سال ۲۵۵ هجری دانسته اند. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – کلینی؛.

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۱۴. پاورقی}

۲ – شیخ مفید؛.

{پاورقی . الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹ù۳۴۰. پاورقی}

۳ – اربلی؛.

{پاورقی . کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۴۵. پاورقی}

۴ – شیخ طوسی؛.

{پاورقی . مصباح المتهجد، ص ۸۴۲. پاورقی}

۵ – کفعمی؛.

{پاورقی . البلد الامین، ص ۱۸۷. پاورقی}

۶ – طبرسی؛.

{پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۱۸. پاورقی}

۷ – علامه مجلسی؛.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲. پاورقی}

۸ – شیخ بهائی؛.

{پاورقی . توضیح المقاصد، ص ۲۰ù۲۱. پاورقی}

آیا علمای انساب به ولادت فرزند امام عسکری علیه السلام اعتراف نموده اند؟

پرسش

آیا علمای انساب به ولادت فرزند امام عسکری علیه السلام اعتراف نموده اند؟

پاسخ

آری، گروهی از آنان معترفند که برای امام حسن عسکری (ع) فرزندی به نام محمّد وبا القاب: حجّت ومهدی و... متولد شده است. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – نسّابه سهل بن عبداللَّه بن داوود بن سلیمان بخاری، که معاصر عصر غیبت صغرا می زیسته است.

{پاورقی . سرّ السلسله العلویه، ص۳۹ù۴۰. پاورقی}

۲ – سیّد عمری، نسّابه مشهور در قرن پنجم هجری.

{پاورقی . المجدی فی انساب الطالبیین، ص ۱۳۰. پاورقی}

۳ – فخر رازی شافعی، نسّابه قرن پنجم.

{پاورقی . الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، ص۷۸ù۷۹. پاورقی}

۴ – نسّابه قرن ششم مروزی ازورقانی.

{پاورقی . الفخری فی انساب الطالبیین، ص ۸. پاورقی}

۵ – نسّابه جمال الدین احمد معروف به ابن عنبه.

{پاورقی . عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۱۹۹. پاورقی}

۶ – نسّابه ابوالحسن محمّد حسینی یمانی صنعانی زیدی، نسّابه قرن یازدهم.

{پاورقی . روضه الألباب لمعرفه الأنساب، ص ۱۰۵. پاورقی}

۷ – محمّد امین سویدی.

{پاورقی . سبائک الذهب، ص ۷۸. پاورقی}

۸ – محمّد ویس حیدری سوری.

{پاورقی . الدرر البهیّه فی الانساب الحیدریه والاویسیّه، ص ۷۳. پاورقی}

۹ – علامه نسّابه سید محمّد بن حسین بن عبداللَّه حسینی سمرقندی مدنی.

{پاورقی . تحفه المطالب بمعرفه من ینتسب الی عبداللَّه وابی طالب، ص ۵۵ù۵۴، چاپ ریاض. پاورقی}

۱۰ – شریف انس کتبی حسنی در تعلیقه بر کتاب "تحفه المطالب".

{پاورقی . همان، ص ۵۵. پاورقی}

۱۱ – علامه نسّابه سید محمّد بن احمد بن حمید الدین نجفی.

{پاورقی . بحر الانساب، ص ۳۹، چاپ ریاض. پاورقی}

۱۲ – علامه نسّابه شریف انس کُتُبی حسنی.

{پاورقی . الاصول فی ذریّه البضعه البتول، ص ۱۰۰–۹۷. پاورقی}

آیا جعفر عموی امام مهدی علیه السلام منکر ولادت ایشان بوده است؟

پرسش

آیا جعفر عموی امام مهدی علیه السلام منکر ولادت ایشان بوده است؟

پاسخ

جعفر اگر چه انکار چنین مطلبی را داشته است، ولی از جهاتی نمی توان به انکار او توجه نمود:

۱ – با ادله متقن ولادت حضرت مهدی (ع) به اثبات رسیده است.

۲ – اتفاق امت بر آن است که جعفر معصوم نبوده است، بلکه از جمله مردم عادی بوده که در او احتمال گمراهی ویا سهو واشتباه رواست. همان گونه که برخی از فرزندان یعقوب به گمراهی کشیده شدند.

۳ – از برخی اخبار استفاده می شود که جعفر به سبب انحراف وگمراهی که داشت، ادعای دروغین عدم ولادت فرزند برای امام عسکری (ع) نمود.

۴ – نهایت چیزی را که از روی احتیاط می توان گفت اینکه: از آنجا که او کشش وقابلیّت وتحمّل خبر ولادت حضرت مهدی (ع) را نداشته، امام عسکری (ع) فرزندش را به او نشان نداده است. ولذا از آن بی اطلاع بوده است.

دلیل به دنیا آمدن حضرت مهدی(عج) را توضیح دهید؟

پرسش

دلیل به دنیا آمدن حضرت مهدی(عج) را توضیح دهید؟

پاسخ

اعتقاد به ظهور مهدی(عج) و برقراری حکومت جهانی اسلام به دست ایشان، عقیده ای اسلامی است و شیعه و سنی به آن معتقداند و از این جهت در بین آن ها اختلافی نیست/

در رابطه با ولادت آن حضرت شیعه اعتقاد دارد که آن حضرت در سال ۲۵۵ ه'ق' در سامرا متولد شده و زنده است و روزی که خدا بخواهد ظهور خواهد نمود و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد/

برای ولادت و حیات آن حضرت دلایل و شواهد زیادی وجود دارد که جای هر گونه شک و شبهه ای را برطرف می سازد. بنابراین، این موضوع از موضوعات قطعی و یقینی نزد شیعه است و راویان و مورخان، واقعه ولادت آن حضرت را ثبت نموده اند/

علمای اهل سنّت درباره ولایت حضت مهدی(عج) اتفاق نظر ندارند؛ برخی می گویند که آن حضرت هنوز متولد نشده است و بعضی می گویند در سال ۲۵۵ ه'ق' به دنیا آمده است/

بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنّت نیز بدین امر تصریح کرده اند و آن را یک واقعیت دانسته اند. در کتاب های پژوهشی نام بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتاب های آنان ذکر شده است{۱} که به برخی اشاره می کنیم:

۱– محمد بن طولون مورخ دمشقی می نویسد: «دوازدهمین امام شیعه، نامش ابوالقاسم محمد، فرزند امام حسن عسگری،

معروف به حجت است؛ همـان فردی که شـیعه گمـان می کنـد که منتظر و قـائم و مهـدی اوست. ولادت او در روز جمعه نیمه شعبـان سال ۲۵۵ قمری واقع شـده است. او هنگـام مرگ پـدرش حسن عسـگری، پنـج سـاله بود. نـام مـادرش خمط یا به قولی نرگس - نرجس -

است. {۲}

۲- شیخ عبداله شبراوی: «دوازدهمین از ائمه، ابوالقاسم محمد حجت است که به قولی همان منتظر و مهدی است. امام محمد حجت فرزند امام حسن خالص (رض) در سرّ من رای در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری به دنیا آمد. به قولی، مرگ پدرش در ۵ سالگی بود و پدرش حین ولادت به خاطر ترس از خلفای وقت، وی را مخفی نمود؛ چون آنان هاشمیان را دستگیر و زندانی می کردند یا به قتل می رساندند. او ملقب است به مهدی، قائم، منتظر، خلف صالح و صاحب زمان. مشهورترین نام او مهدی است. شیعه معتقد است وی همان شخصی است که احادیث صحیحه در مورد ظهورش در آخر زمان وارد شده است. {۳}

قندوزی در کتاب ینابیع الموده چنین می نویسد: «الخبر المعلوم المحقّق عند الثّقات انّ ولادْ القائم کانت لیلْ الخامس عشر من شعبان سنْ خمس و خمسین و مأتین فی بلدْ سامرأ» {۴} خبر معلوم و مسلم در نزد موثقان این است که ولادت حضرت قائم(عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا واقع شده است/

[۱]. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۱۸؛ من هو المهدی، ابوطالب تجلیل تبریزی، ص ۴۲۷ و منتخب الامر/

[۲]. الائمه الاثنی عشر، مورخ دمشق شمس الدین محمد بن طولون، تحقیق: صلاح الدین المنجد، ص ۱۱۷/

[۳]. شیخ عبدالله بن محمد بن عامر شبراوی، الاتحاف یحب الاشراف، ص ۱۷۹ - ۱۸۰، منشورات رضی قم/

[۴]. ینابیع المودّْ، ص ۵۴/

محل تولد امام زمان(ع) کجاست؟

پرسش

محل تولد امام زمان(ع) کجاست؟

پاسخ

امام زمان(عج) نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در سامرا متولد شدند. نام ایشان مهدی و (م ح م د) و کنیه اش ابوالقاسم است. ایشان از بنی هاشم و فرزندان حضرت زهرا(س) و از اولاد امام حسین(ع) و فرزند بلافصل امام حسن عسکری(ع) است. مادرش کنیزی به نام رجس، صیقل و سوسن است.

امام زمان(عج) دارای دو غیبت صغرا و کبرا است. غیبت کبرا آن حضرت آن قدر طولانی می شود که بسیاری از مردم نسبت به اصل وجود آن حضرت شک می کنند.

سرانجام مهـدی موعود(عج) ظهور می کند و آغاز دعوت و محل ظهورش مکه است. ایشان مشـرکان و سـتمکاران را قتل عام می نماید و در این میان، تمام اهل کتاب و مسـلمین تسـلیم اش می شوند و یک دولت اسـلامی و جهانی در سرتاسـر سـرزمین تشکیل می دهد و ظلم و بیدادگری را ریشه کن نموده و جهان را از عدالت سیراب می کند.

برای آشنایی بیشتر پیرامون امام زمان(ع) می توانید به کتاب های زیر مراجعه فرمایید.

۱. بحارالانوار

۲. وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۱۶/

۳. تذکرْ الخواص فی معرفْ الائمْ، ص ۲۰۴/

۴. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲/

ویژگیهای جسمانی نوزاد

نام و القاب

نام

نام و کنیه و نام مادر حضرت مهدی ۷چیست ؟

پرسش

نام و کنیه و نام مادر حضرت مهدی ۷چیست ؟

پاسخ

آن حضرت هم نام پیامبر اسلام حضرت محمد۶است و کنیهء او همان کنیهء پیامبر۶است .

امام محمد تقی ۷فرمود: ولادت قائم ۷بر مردم مخفی می شود و آن حضرت غیبت طولانی خواهد داشت او هم نام و هم کنیهء رسول اللّه ۶خواهد بود.

کنیهء پیامبر۶(ابوالقاسم) بوده است .(۱)

از امام صادق ۷روایت شـده : خلف صالـح از فرزنـدان من است و او مهـدی و اسم او م ح م د است و کنیهء اوابوالقـاسم و در آخر الزمان خروج می کند, اسم مادر او صیقل است و در نقل دیگر, امّ حکیمه , نرجس , سوسن نام برده شده است .(۲)

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۳۲

(پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۲۴

از امام زمان(ع) برایم بنویسید.

پرسش

از امام زمان(ع) برایم بنویسید.

پاسخ

حضرت مهدی منتظر، صاحب الامر، بقیه الله الأعظم، امام زمان(ع) فرزند امام حسن عسکری و نرجس خاتون است. آن حضرت همنام است با پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) از بردن اسمش نهی شده است، لذا با القاب شریفش از او یاد می کنیم، مثلاً می گوییم یا صاحب الزمان یا مهدی و... حضرت در سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء که از شهرهای کشور عراق و محل دفن حضرت امام حسن عسکری و امام علی النقی است، متولد شد و الان به قدرت خداوند ۱۱۶۱ سال زندگی کرده است. هنگام وفات پدر بزرگوارش پنج ساله بود و پس از رحلت پدر، به خاطر مصلحت از دید مردم پنهان شد و به مدت ۷۴ سال ارتباط مردم با امام زمان(ع) به وسیله چهار نماینده خاص آن جناب انجام می گرفت و مردم سؤالات و مشکلات خود را توسط این نمایندگان با امام مطرح می کردند و جواب می گرفتند. نواب خاص حضرت به ترتیب عبارتند از:

۱ – عثمان به سعید

۲ – محمد بن عثمان بن سعید

۳ – حسین بن روح

۴ – علی بن محمد سمری

نام حضرت مهدی(عج) چیست و چرا مردم آن را بر زبان جاری نمی کنند؟

پرسش

نام حضرت مهدی(عج) چیست و چرا مردم آن را بر زبان جاری نمی کنند؟

پاسخ

حضرت مهدی (عج) هم نام پیامبر اسلام(ص) (محمد) و هم کنیه آن حضرت (ابوالقاسم) است.[۱]

اما این که چرا نام حضرت را مردم بر زبان جاری نمی کنند، پاسخش این است که اهل بیت پیامبر(ص) مردم را از این کار منع نموده اند. امام صادق(ع) به یکی از یارانش به نام صفوان بن مهران فرمود: " و لا یحل لکم تسمیته؛ بر شما روا نیست که نام امام مهدی (عج) را بر زبان جاری کنید" . در روایتی دیگر امام موسی بن جعفر(ع) همین سخن را به محمد بن زیاد از وی فرمود.[۲]

برخی از نویسندگان نوشته اند: این که جایز نیست نام حضرت بر زبان ها جاری گردد، مربوط به شرایط سخت تقیه در آغاز غیبت کبری است، تا دشمنان نتوانند حضرت را شناسایی کنند. برخی از روایات به این سخن دلالت دارد.[۳]

[۱] مجلسی، بحار، ج ۵۱، ص ۳۲، خ ۶.

۱[۲] همان، خ ۴ و ۵.

۱[۳] همان، ص ۳۳؛ خ ۸ و ۹.

چرا امام زمان(ع) هم نام و هم کنیه پیامبر است؟ چرا حضرت از کعبه ظهور می کند؟

پرسش

چرا امام زمان(ع) هم نام و هم کنیه پیامبر است؟ چرا حضرت از کعبه ظهور می کند؟

پاسخ

نام گذاری از امور اعتباری است که علت خاصی را نمی طلبد. سیره خردمندان بر آن است که فرزند و یا فرزندان خود اسم گزینش می کنند، بدون آن که علت و مناسب خاصی را لحاظ کنند.

البته آداب و سنن و فرهنگ ها در تأثیرگذاری اسم برای فرزندان نقش بینادی دارد.

گزینش اسم برای امام زمان(ع) علت خاصی را نمی طلبد، البته در برخی از روایات تصریح شده است که اسامی ائمه(ع) از سوی پیامبر(ص) گزینش می شد. شاید بر همین اساس پیامبر اسلام صریحا فرمود:"اسم و کنیه امام زمان همانند اسم و کنیه من است".(۱)

جابر تفسیر آیه "اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم" را از حضرت رسول سؤال نمود: اولی الامری که مأموریم از آن ها اطاعت کنیم، چه کسانی هستند؟ فرمود: خلفا و متصدیان امر بعد از من. اول آنان برادرم علی است، بعد از و حسن و حسین(ع)، پس علی بن الحسین، آن گاه محمد باقر بعد از او جعفر صادق، بعد از او موسی کاظم، بعد علی الرضا، بعد از او محمد جواد، بعد از او علی هادی، بعد از او حسن عسکری، بعد از او قائم منتظر مهدی(ع) امام و پیشوا خواهند بود.(۲)

ابن عباس نقل می کند که یهودی خدمت پیامبر(ص) آمد و گفت: اگر پرسش های من را جواب دهید، مسلمان می شود. یهودی پرسش های خود را مطرح نمود، بعد از وصی پیامبر و امامان بعد از پیامبر پرسش کرد. پیامبر اسلام(ص) اسامی همه ائمه را بیان نمود.(۳)

از این دسته روایات استفاده می شود که اسامی ائمه(ع) قبلا از سوی شارع

مقدس گزینش شده است. از سوی دیگر - همان طور که بیان شد - انتخاب اسامی علت خاصی را نمی طلبد.

بیان این نکته ضروری است که در برخی از روایات علت گزینش القاب و کنیه امام زمان(ع) بیان شده است. شیخ صدوق در علل الشرایع از ابوحمزه ثمالی روایت می کند: از امام باقر(ع) پرسیدم؟ مگر شما ائمه همه قائم به حق نیستید؟ فرمود: بلی، عرض کردم، پس چرا فقط امام زمان"قائم" نامیده شده است؟ فرمود: چون جدم امام حسین(ع) شهید شد، فرشتگان به درگاه الی نالیدند. آن گاه خداوند فرمود: به قائم از آن ها انتقام می گیرم.(۴)

در خصوص این که حضرت امام زمان(ع) در مکه ظهور می کند، به نظر می رسد عوامل زیر نقش دارند:

۱ - وجود روایات. آنچه از بیشتر روایات استفاده می شود آن است که امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند. امام صادق(ع) فرمود: "قائم ما منصور و مؤید می شود. در همان موقع است که خروج مب کند و با پشت خود بر کعبه تکیه خواهد کرد و سیصد و سیزده نفر در اطراف آن حضرت اجتماع خواهند کرد.(۵)

همان طوری که در این روایت اشاره شده است، امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند و باید تعبدا پذیرفت که امام در مکه ظهور می کند.

۲ - محل نزول وحی، مکه معظمه مقدس ترین مکان برای ظهور امام زمان(ع) است؛ زیرا این مکان مقدس مرکز رسالت و محل نزول وحی، بعثت پیامبر(ص)است. طبیعی است که امام زمان(ع)که وارث پیامبر بوده و پاسداری از دین را به عهده دارد، باید در همان مکان تشکیل حکومت داده، و به اجرای احکام الهی بپردازد.

۳ - مناسب ترین مکان برای تشکیل حکومت جهانی.

از روایات استفاده

می شود که امام زمان(ع) حکومت جهانی تشکیل می دهد. برای تشکیل حکومت جهانی نیاز به مقدس ترین مکان است که به عنوان ام القرای جهان، مرکز حکومت باشد. مکه به دلیل این که کعبه در آن وجود دارد همه مردم، به ویژه مسلمان حرمت و قداست خاصی برای آن قایل هستند، بهترین مکان برای ظهور امام زمان(ع) و اداره حکومت جهانی است.

۴ – محل اجتماع مسلمان. مکه علاوه بر آنکه مقدس ترین مکان است، مهم ترین جا برای اطلاع رسانی به جهانیان است، زیرا محل اجتماع مسلمانان است. مکه به جهت آن که کعبه در آن وجود دارد، مسلمانان برای انجام فریضه حج در آن حضور پیدا کرده، و به جای جای آن آشنایی دارند. از سوی دیگر مکه مهم ترین پایگاه جهت اطلاع رسانی به همگان است. شاید بر همین اساس باشد که امام حسین(ع) مکه را به عنوان پایگاه اطلاع رسانی و آگاهی مسلمانان انتخاب نمود.

پی نوشت ها:

۱ – ینابیع الموده، ص ۴۹۳؛ تذکره الخواص، ص ۳۷۷؛ منتخب الاثر، ص ۲۳۶ – ۲۳۸.

۲ – اثبات الهداه، ج ۳، ص ۱۲۳، با اقتباس از: ابراهیم امینی، بررسی مسائل کلی امامت، ص ۱۰۱ – ۱۰۲.

۳ – ینابیع الموده، ص ۴۴۰ – ۴۴۱.

۴ – مهدی موعود، ص ۲۲۸، به نقل از علل الشرایع.

۵ – منتخب الاثر، ص ۵۷۸.

درمورد امام زمان اطلاعات مفید در اختیار من قرار دهید؟

پرسش

درمورد امام زمان اطلاعات مفید در اختیار من قرار دهید؟

پاسخ(قسمت اول)

دوازدهمین پیشوای معصوم، حضرت حجه بن الحسن المهدی، امام زمان – عجل الله تعالی فرجه – در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر "سامرأ" دیده به جهان گشود. (۱) او همنام پیامبر اسلام (م ح م د) و همکنیه آن حضرت (ابوالقاسم) است. (۲) ولی پیشوایان معصوم از ذکر نام اصلی او نهی فرموده اند. (۳)

از جمله القاب آن حضرت، حجت، قائم، خلف صالح، صاحب الزمان (۴)، بقیه الله است (۵) و مشهورترین آنها "مهدی" می باشد. (۶)

پـدرش، پیشوای یـازدهم حضـرت امـام حسن عسـکری - علیه السـلام - و مـادرش، بانوی گرامی "نرجس "است (۷) که بنام "ریحانه"، "سوسن" و "صـقیل" نیز از او یاد شده است. (۸) میزان فضـیلت و معنویست نرجس خاتون تا آن حـد، والا بود که "حکیمه" خـواهر امـام هـادی - علیه السـلام - که خود از بـانوان عالیقـدر خانـدان امـامت بود، او را سـرآمد و سـرور خانـدان خویش، و خود را خدمتگزار او می نامید. (۹)

حضـرت مهـدی دو دوره غیبت داشت: یکی کوتاه مـدّت (غیبت صـغری) و دیگری دراز مدّت (غیبت کبری). اولی، از هنگام تولد تا پایان دوران نیابت خاصّه ادامه داشـته و دومی، با پایان دوره نخست آغاز شد و تا هنگام ظهور و قیام آن حضـرت طول خواهد کشید. (۱۰)

تولد حضرت مهدی (ع) از دیدگاه علمای اهل سنت

چنانکه در صـفحات آینـده توضـیح خواهیم داد، اعتقاد به موضوع مهـدویت اختصاص به شـیعه نـدارد، بلکه بر اساس روایات فراوانی که از پیامبر اکرم (ص) رسیده، علمای اهل سنت نیز این موضوع را قبول دارند.

منتها آنان نوعاً تولد حضرت مهدی را انکار

می کننـد و می گوینـد: شخصـیتی که پیامبر اسـلام از قیام او (پس از غیبت) خبر داده، هنوز متولد نشده است و در آینده تولد خواهد یافت! (۱۱)

بـا این حـال تعـداد قابل توجهی از مورخان و محدّثان اهل سـنت، تولـد آن حضـرت را در کتب خود ذکر کرده و آن را یک واقعیت دانسته اند. بعضی از پژوهشگران بیش از صد نفر از آنان را معرفی کرده اند. (۱۲)

دیدار حضرت مهدی (ع)

چنانکه در سیره امام حسن عسکری - علیه السلام - بتفصیل نگاشتیم، از آنجا که حکومت ستمگر عباسی، به منظور دستابی به فرزند آن حضـرت و کشتن او، خانه امام را سخت تحت کنترل و مراقبت قرار داده بود، تولد حضرت مهدی - علیه السلام - بر اسـاس طرح دقیق و منظمی که پیشـاپیش، از سوی امـام در این مورد ریخته شـده بود، کاملاً به صورت مخفی و دور از چشـم مردم (و حتی شیعیان) صورت گرفت.

مسـتندترین گزارش در این زمینه، از طرف "حکیمه" عمه حضـرت عسـکری - علیه السلام - رسیده که از نزدیک شاهد تولد حضـرت مهدی - علیه السلام - بوده است. اما باید توجه داشت که این پنهانکاری به آن معنا نیست که بعدها یعنی در مدت ۵ - ۶ سال آغاز عمر او، که امام یازدهم در حال حیات بود، کسی آن بزرگوار را ندیده بود، بلکه - چنانکه یک نمونه از آن را در زندگانی حضـرت عسکری نوشتیم - افراد خاصی از شیعیان در فرصتهای مناسب و گوناگون به دیدار آن حضرت نائل می شدند تا به تولد و وجود وی یقین حاصل کنند و در موقع لزوم به شیعیان دیگر اطلاع دهند.

دانشمندان

ما جریان این دیدارها را به صورت گسترده گزارش کرده اند (۱۳)، ولی شاید مهمترین آنها دیدار چهل تن از اصحاب امام عسکری - علیه السلام - با آن حضرت باشد که تفصیل آن بدین قرار بوده است:

"حسن بن ایوب بن نوح" (۱۴) می گوید:

ما برای پرسش درباره امام بعدی، به محضر امام عسکری - علیه السلام - رفتیم. در مجلس آن حضرت چهل نفر حضور داشتند. عثمان بن سعید (یکی از وکلای بعدی امام زمان) بپا خاست و عرض کرد:

می خواهم از موضوعی سؤال کنم که درباره آن از من داناتری.

امام فرمود: بنشین. عثمان با ناراحتی خواست از مجلس خارج شود. حضرت فرمود: هیچ کس از مجلس بیرون نرود. کسی بیرون نرفت و مدتی گذشت. در این هنگام، امام، عثمان را صدا کرد. او بپا خاست. حضرت فرمود: می خواهید به شما بگویم که برای چه به اینجا آمده اید؟ همه گفتند: بفرمایید. فرمود: برای این به اینجا آمده اید که از حجت و امام پس از من بپرسید. گفتند: بلی. در این هنگام پسری نورانی همچون پاره ماه که شبیه ترین مردم به امام عسکری - علیه السلام - بود، وارد مجلس شد. حضرت با اشاره به او فرمود: "این، امام شما بعد از من و جانشین من در میان شما است. فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نکنید که در این صورت هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد..." (۱۵).

علل سیاسی - اجتماعی غیبت

شکی نیست که رهبری پیشوایان الهی به منظور هدایت مردم به سر منزل کمال مطلوب است و این امر در صورتی میّسر است که آنها آمادگی بهره برداری از این هدایت الهی را

داشته باشند. اگر چنین زمینه مساعدی در مردم وجود نداشته باشد، حضور پیشوایان آسمانی در بین مردم ثمری نخواهد داشت.

متأسفانه فشارها و تضییقاتی که بویژه از زمان امام جواد – علیه السلام – به بعد بر امامان وارد شد، و محدودیتهای فوق العاده ای که برقرار گردید – به طوری که فعالیتهای امام یازدهم و دوازدهم را به حداقل رسانید – نشان داد که زمینه مساعد جهت بهره مندی از هدایتها و راهبریهای امامان در جامعه (در حدّ نصاب لازم) وجود ندارد. ازینرو حکمت الهی اقتضا کرد که پیشوای دوازدهم، بتفصیلی که خواهیم گفت، غیبت اختیار کند تا موقعی که آمادگی لازم در جامعه به وجود آید. البته همه اسرار غیبت بر ما روشن نیست ولی شاید نکته ای که گفتیم رمز اساسی غیبت باشد. در روایات ما، در زمینه علل و اسباب غیبت، روی سه موضوع تکیه شده است:

الف – آزمایش مردم

چنانکه می دانیم یکی از سنتهای ثابت الهی، آزمایش بندگان و انتخاب صالحان و گزینش پاکان است. صحنه زندگی همواره صحنه آزمایش است تا بندگان از این راه در پرتو ایمان و صبر و تسلیم خویش در پیروی از اوامر خداوند تربیت یافته و به کمال برسند و استعدادهای نهفته آنان شکوفا گردد. ر اثر غیبت حضرت مهدی، مردم آزمایش می شوند: گروهی که ایمان استواری ندارند، باطنشان ظاهر می شود و دستخوش شک و تردید می گردند و کسانی که ایمان در اعماق قلبشان ریشه دوانده است، به سبب انتظار ظهور آن حضرت و ایستادگی در برابر شدائد، پخته تر و شایسته تر می گردند و به درجات بلندی از اجرا و پاداش الهی نائل می گردند.

امام موسی بن جعفر –

علیه السلام - فرمود: هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید، مبادا کسی شما را از دین خارج کند. او ناگزیر غیبتی خواهد داشت، به طوری که گروهی از مؤمنان از عقیده خویش بر می گردند. خداوند به وسیله غیبت، بندگان خویش را آزمایش می کند...(۱۶) از سخنان پیشوایان اسلام بر می آید که آزمایش به وسیله غیبت حضرت مهدی، از سخت ترین آزمایشهای الهی است (۱۷). و این سختی از دو جهت است:

۱ ۹ - از جهت اصل غیبت، که چون بسیار طولانی می شود بسیاری از مردم دستخوش شک و تردید می گردند. برخی در اصل تولد و برخی دیگر در دوام عمر آن حضرت شک می کنند و جز افراد آزموده و مخلص و دارای شناخت عمیق، کسی بر ایمان و عقیده به امامت آن حضرت باقی نمی ماند. پیامبر اسلام ضمن حدیث مفصلی می فرماید: مهدی از دیده شیعیان و پیروانش غایب می شود و جز کسانی که خداوند دلهای آنان را جهت ایمان، شایسته قرار داده، در اعتقاد به امامت او استوار نمی مانند (۱۸).

۲ - از نظر سختیها و فشارها و پیشامدهای ناگوار که در دوران غیبت رخ می دهد و مردم را دگرگون می سازد، به طوری که حفظ ایمان و استقامت در دین، کاری سخت دشوار می گردد و ایمان مردم در معرض مخاطرات شدید قرار می گیرد. (۱۹)

ب - حفظ جان امام

خداوند، به وسیله غیبت، امام دوازدهم را از قتل حفظ کرده است، زیرا اگر آن حضرت از همان آغاز زندگی در میان مردم ظاهر می شد، او را می کشتند (چنانکه تفصیل آن را نوشتیم). بر این اساس اگر پیش از موعد مناسب نیز ظاهر شود، باز جان او

به خطر می افتد و به انجام مأموریت الهی و اهداف بلند اصلاحی خود موفق نمی گردد.

"زراره"، یکی از یاران امام صادق - علیه السلام - می گوید: امام صادق - علیه السلام - فرمود: امام منتظر، پیش از قیام خویش مدّتی از چشمها غایت خواهد شد.

عرض کردم: چرا؟ فرمود: بر جان خویش بیمناک خواهد بود .(۲۰)

ج - آزادی از یوغ بیعت با طاغوتهای زمان

پیشوای دوازدهم، هیچ رژیمی را، حتی از روی تقیه، به رسمیّت نشناخته و نمی شناسد. او مأمور به تقیه از هیچ حاکم و سلطانی نیست و تحت حکومت و سلطنت هیچ ستمگری در نیامده و در نخواهد آمد، چرا که مطابق وظیفه خود عمل می کند و دین خدا را به طور کامل و بی هیچ پرده پوشی و بیم و ملاحظه ای اجرا می کند. بنابراین جای هیچ عهد و میثاق و بیعت با کسی و مراعات و ملاحظه نسبت به دیگران باقی نمی ماند. "حسن بن فضّال" می گوید: امام هشتم فرمود: گویی شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام حسن عسکری) در جستجوی امام خود، همه جا را می گردند اما او را نمی یابند. عرض کردم: چرا غایب می شود؟

فرمود: برای اینکه وقتی با شمشیر قیام می کند، بیعت کسی در گردن وی نباشد. (۲۱)

غیبت صغری و کبری

چنانکه گفتیم، غیبت امام مهدی به دو دوره تقسیم می شود: "غیبت صغری" و "غیبت کبری".

غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم) تا سال ۳۲۹ (سال در گذشت آخرین نایب خاص امام) یعنی حدود ۶۹ سال بود. (۲۲) در دوران غیبت صغری، ارتباط شیعیان با امام بکلی قطع نبود و آنان، به گونه ای خاص و محدود، با امام ارتباط

داشتند.

توضیح آنکه: در طول این مدّت، افراد مشخصی (که ذکرشان خواهد آمد) به عنوان "نایب خاص" با حضرت در تماس بودند و شیعیان می توانستند به وسیله آنان مسائل و مشکلات خویش را به عرض امام برسانند و توسط آنان پاسخ دریافت دارند و حتی گاه به دیدار امام نائل شوند. ازینرو می توان گفت در این مدّت، امام، هم غایب بود و هم نبود.

این دوره را می توان دوران آماده سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن، ارتباط شیعیان با امام، حتی در همین حد نیز قطع شد و مسلمانان موظف شدند در امور خود به نایبان عام آن حضرت، یعنی فقهای واجد شرائط و آشنایان به احکام اسلام، رجوع کنند.

اگر غیبت کبری یکباره و ناگهان رخ می داد، ممکن بود موجب انحراف افکار شود و ذهنها آماده پذیرش آن نباشد. اما گذشته از زمینه سازیهای مدبرانه امامان پیشین، در طول غیبت صغری، بتدریج ذهنها آماده شد و بعد، مرحله غیبت کامل آغاز گردید. همچنین امکان ارتباط نایبان خاص با امام در دوران غیبت صغری، و نیز شرفیابی برخی از شیعیان به محضر آن حضرت در این دوره، مسئله ولادت و حیات آن حضرت را بیشتر تثبیت کرد. (۲۳) با سپری شدن دوره غیبت صغری، غیبت کبری و دراز مدّت امام آغاز گردید که تاکنون نیز ادامه دارد و پس از این نیز تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام به آن حضرت بدهد، ادامه خواهد داشت. غیبت دو گانه امام دوازدهم، سالها پیش از تولد او توسط امامان قبلی، پیشگویی شده و از همان زمان توسط راویان و محدثان، حفظ و نقل و در

کتابهای حدیث ضبط شده است که به عنوان نمونه به نقل چند حدیث در این زمینه اکتفا می کنیم:

۱ – امیر مؤمنان – علیه السلام – فرمود: (امام) غایب ما، دو غیبت خواهد داشت که یکی طولانی تر از دیگری خواهد بود. در دوران غیبت او، تنها کسانی در اعتقاد به امامتش پایدار می مانند که دارای یقینی استوار و معرفتی کامل باشند. (۲۴)

۲ – امام باقر – علیه السلام – فرمود: (امام) قائم دو غیبت خواهد داشت که در یکی از آن دو: خواهند گفت: او مرده است... (۲۵)

۳ – ابوبصیر می گوید، به امام صادق – علیه السلام – عرض کردم: امام باقر می فرمود: قائم آل محمد (ص) دو غیبت خواهد داشت که یکی طولانی تر از دیگری خواهد بود. امام صادق – علیه السلام – فرمود: بلی، چنین است...(۲۶)

۴ – حضرت صادق – علیه السلام – فرمود:

امام قائم دو غیبت خواهد داشت: یکی کوتاه مدّت و دیگری دراز مدّت...(۲۷)

سیر تاریخ، صحت این پیشگوییها را تأیید کرد و همچنانکه پیشوایان قبلی فرموده بودند، غیبتهای دو گانه امام عینیّت یافت.

نواب خاص (۲۸)

نایبان خاص حضرت مهدی در دوران غیبت صغری، چهار تن از اصحاب با سابقه امامان پیشین و از علمای پارسا و بزرگ شیعه بودند که "نوّاب اربعه" نامیده شده اند. اینان به ترتیب زمانی عبارت بودند از:

۱ – ابو عَمرو عثمان بن سعید عَمری،

۲ – ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عَمری،

۳ – ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی،

۴ – ابو الحسن علی بن محمد سَمَری.

پاسخ(قسمت دوم)

البته امام زمان – علیه السلام – وکلای دیگری نیز در مناطق مختلف مانند: بغداد، کوفه، اهواز، همدان، قم، ری آذربایجان، نیشابور و... داشت

که یا به وسیله این چهار نفر، که در رأس سلسله مراتب وکلای امام قرار داشتند، امور مردم را به عرض حضرت می رساندند (۲۹) و از سوی امام در مورد آنان "توقیع" هایی (۳۰) صادر می شده است. (۳۱) و یا - آن گونه که بعضی از محققان احتمال داده اند - سفارت و وکالت این چهار نفر، وکالتی عامّ و مطلق بوده ولی دیگران در موارد خاصی وکالت و نیابت داشته اند (۳۲). مانند:

محمد بن جعفر اسدی، احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن حمزه بن الیسع (۳۳)، محمد بن ابراهیم بن مهزیار (۳۴)، حاجز بن یزید، محمد بن صالح (۳۵)، ابو هاشم داود بن قاسم جعفری، محمد بن علی بن بلال، عمر اهوازی، و ابو محمد و جنائی (۳۶).

۱ - ابو عَمرو عثمان بن سعید عَمری

عثمان بن سعید از قبیله بنی اسد بود و به مناسبت سکونت در شهر سامرّأ، "عسکری" نیز نامیده می شد. در محافل شیعه از او به نام "سمّان" (= روغن فروش) یاد می شد، زیرا به منظور استتار فعالیتهای سیاسی، روغن فروشی می کرد و اموال متعلق به امام را، که شیعیان به وی تحویل می دادند، در ظرفهای روغن قرار داده به محضر امام عسکری می رساند. (۳۷)او مورد اعتماد و احترام عموم شیعیان بود. (۳۸) گفتنی است که عثمان بن سعید قبلاً ـ نیز از وکلا ـ و یاران مورد اعتماد حضرت هادی و حضرت عسکری - علیهما السلام - بوده است. "احمد بن اسحاق" که خود از بزرگان شیعه می باشد، می گوید:

روزی به محضر امام هادی رسیدم و عرض کردم: من گاهی غایب و گاهی (در اینجا) حاضر و وقتی هم که

حاضرم همیشه نمی توانم به حضر شما برسم. سخن چه کسی را بپذیرم و از چه کسی فرمان ببرم؟

امام فرمود: "این ابو عَمرو (عثمان بن سعید عَمری)، فردی امین و مورد اطمینان من است، آنچه به شما بگوید، از جانب من می گوید و آنچه به شما برساند، از طرف من می رساند".

احمد بن اسحاق می گوید: پس از رحلت امام هادی - علیه السلام - روزی به حضور امام عسکری - علیه السلام - شرفیاب شدم و همان سؤال را تکرار کردم.

حضرت مانند پدرش فرمود: این ابو عَمرو مورد اعتماد و اطمینان امام پیشین، و نیز طرف اطمینان من در زندگی و پس از مرگ من است. آنچه به شما بگوید از جانب من می گوید و آنچه به شما برساند از طرف من می رساند. (۳۹)

پس از رحلت امام عسکری، مراسم تغسیل و تکفین و خاکسپاری آن حضرت را، در ظاهر، عثمان بن سعدی انجام داد.(۴۰) نیز همو بود که روزی در حضور جمعی از شیعیان به فرمان امام عسکری - علیه السلام - و به نمایندگی از طرف آن حضرت، اموالی را که گروهی از شیعیان یمن اورده بودند، از آنان تحویل گرفت و امام در برابر اظهارات حاضران مبنی بر اینکه با این اقدام حضرت، اعتماد و احترامشان نسبت به عثمان بن سعید افزایش یافته است، فرمود: گواه باشید که عثمان بن سعید وکیل من است، و پسرش محمد نیز، وکیل پسرم مهدی خواهد بود. (۴۱) همچنین، در پایان دیدار چهل نفر از شیعیان با حضرت مهدی که شرح آن در اوائل این بخش گذشت - حضرت خطاب به حاضران فرمود:

آنچه عثمان (بن سعید) می گوید، از او

بپذیرید، مطیع فرمان او باشید، سخنان او را بپذیرید، او نماینده امام شماست و اختیار با اوست. (۴۲)

تاریخ وفات عثمان بن سعید روشن نیست. برخی احتمال داده اند او بین سالهای ۲۶۰ - ۲۶۷ در گذشته باشد و برخی دیگر فوت او را در سال ۲۸۰ دانسته اند. (۴۳)

۲ - محمد بن عثمان بن سعید عَمری

محمد بن عثمان نیز همچون پدر، از بزرگان شیعه و از نظر تقوا و عدالت و بزرگواری مورد قبول و احترام شیعیان (۴۴) و از یاران مورد اعتماد امام عسکری - علیه السلام - بود، چنانکه حضرت در پاسخ شؤال "احمد بن اسحاق" که به چه کسی مراجعه کند؟ فرمود: عَمری (عثمان بن سعید)، و پسرش، هر دو، امین و مورد اعتماد هستند، آنچه به تو برسانند، از جانب من می رسانند، و آنچه به تو بگویند از طرف من می گویند. سخنان آنان را بشنو از آنان پیروی کن، زیرا این دو تن مورد اعتماد و امین منند. (۴۵)

پس از درگذشت عثمان، از جانب امام غایب توقیعی مبنی بر تسلیت وفات او و اعلام نیابت فرزندش "محمد" صادر شد. (۴۶)

"عبد الله بن جعفر حِمیَری" می گوید: وقتی که عثمان بن سعید در گذشت، نامه ای با هما خطی که قبلاً ـ امام با آن با ما مکاتبه می کرد، برای ما آمد که در آن ابو جعفر (محمد بن عثمان بن سعید) به جای پدر منصوب شده بود. (۴۷)

همچنین اما، ضمن توقیعی در پاسخ سؤالات "اسحاق بن یعقوب"، چنین نوشت: خداوند از عثمان بن سعید و پدرش، که قبلاً می زیست، راضی و خشنود باشد. او مورد وثوق و اعتماد من، و نوشته او نوشته من است(۴۸).

ابو جعفر

تألیفـاتی در فقه داشـته است که پس از وفـاتش، به دست حسـین بن روح، سومین نـایب امام (و یا به دست ابو الحسن سـمری، نایب چهارم) رسیده است. (۴۹)

محمـد بن عثمان، حـدود چهل سال عهده دار سـفارت و وکالت امام زمان بود و در طول این مدّت، وکلای محلّی و منطقه ای را سازمانـدهی و بر فعالیتشان نظارت می کرد و به اداره امور شـیعیان اشـتغال داشت. توقیع های متعددی از ناحیه امام صادر، و توسط او به دیگران رسید. او سرانجام در سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ درگذشت. (۵۰)

او پیش از مرگ، از تاریخ وفات خود خبر داد، و دقیقاً در همان تاریخی که گفته بود، در گذشت. (۵۱)

۳ - ابو القاسم حسین بن روح نوبختی

در روزهای آخر عمر ابو جعفر، گروهی از بزرگان شـیعه نزد او رفتنـد. او گفت: چنانچه از دنیا رفتم، به امر امام، جنشـین من و نایب امام "ابو القاسم حسین بن روح نوبختی" خواهد بود. به او مراجعه کنید و در کارهایتان به او اعتماد نمایید. (۵۲)

حسـین بن روح، از دستیـاران نزدیـک نـایب دوم بود و عَمری از مـدتها پیش، برای تثبیت امر نیـابت او زمینه سـازی می کرد و شیعیان را جهت تحویل اموال، به او ارجاع می داد و او، رابط بین عثمان بن سعید و شیعیان بود. (۵۳)

حسـین بن روح، کتابی در فقه شیعه به نام "التأدیب" تألیف کرده بود. آن را جهت اظهار نظر، نزد فقهای قم فرستاد. آنان پس از بررسـی، در پاسخ نوشـتند، جز در یک مسـئله، همگی مطابق فتاوای فقهای شـیعه است. (۵۴) بعضـی از معاصرین او، عقل و هوش و درایت وی را تحسین کرده و می گفتند:

به تصدیق موافق و مخالف، حسین بن روح از عاقلترین مردم روزگار است. (۵۵) نوبختی در دوران حکومت "مقتدر"، خلیفه عباسی، به خدت پنج سال به زندان افتاد و در سال ۳۱۷ آزاد شد. (۵۶) و سرانجام، بعد از بیست و یک سال فعالیّت و سفارت، در سال ۳۲۶ چشم از جهان فرو بست. (۵۷)

۴ – ابو الحسن علی بن محمد سَمَری (۵۸)

به فرمان امام عصر (ع) وبا وصیت و معرفی نوبختی، پس از حسین بن روح، علی بن محمد سمری منصب نیابت خاص و اداره امور شیعیان را عهده دار گردید. (۶۰)

سمری از اصحاب و یاران امام عسکری – علیه السلام – بوده است. (۶۱) او تا سال ۳۲۹ که دیده از جهان فرو بست، مسئولیت نیابت و وکالت خاص را به عهده داشت. چند روز پیش از وفات او توقیعی از ناحیه امام به این مضمون خطاب به وی صادر شد:

ای علی بن محمد سمری! خداوند در سوک فقدان تو پاداشی بزرگ به برادرانت عطا کند. تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. کارهایت را مرتب کن و هیچ کس را به جانشینی خویش مگمار. دوران غیبت کامل فرا رسیده است و من جز با اجازه خداوند متعال ظهور نخواهم کرد و ظهور من پس از گذشت مدتی طولانی و قساوت دلها و پر شدن زمین ازستم خواهد بود. افرادی نزد شیعیان من مدّعی مشاهده من (ارتباط با من به عنوان نایب خاص) خواهند شد. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج "سفیانی" و "صیحه آسمانی" (۶۲) چنین ادعایی بکند، دروغگو و افترا زننده است و هیچ حرکت و نیرویی

جز به خداوند عظیم نیست. (۶۳)

در ششمین روز پس از صدور توقیع، ابو الحسن سمری از دنیا رفت. (۶۴) پیش از مرگش از وی پرسیدند: نایب بعد از تو کیست؟ پاسخ داد: اجازه ندارم کسی را معرفی کنم. (۶۵)

با در گذشت ابو الحسن سمری دوره جدیدی در تاریخ شیعه آغاز گردید که به دوران غیبت کبری معروف است و ما در صفحات آینده پیرامون آن بحث خواهیم کرد.

وظایف و فعالیتهای اساسی نوّاب خاص

انتخاب نواب خاص از سوی امام دوزدهم، در واقع ادامه و توسعه فعالیت شبکه ارتباطی "وکالت" بود که گفتیم از زمان پیشوای نهم به صورت فعّال در آمده، و در زمان امام هادی و امام عسکری - علیهما السلام - گسترش چشمگیری یافته بود، و اینک در زمان امام قائم به اوج رسیده بود. وظایف و فعالیتهای اساسی نوّاب خاص را می توان در چند مورد زیر خلاصه کرد:

الف - پنهان داشتن نام و مکان امام

گرچه امکارؤیت حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - در دوران غیبت صغری برای نوّاب خاص و برخی از شیعیان وجود داشت و گهگاه دیدارهایی صورت می گرفت (۶۶) امّا به دلیل مشکلات سیاسی، هر یک از نواب اربعه در زمان خود موظف بودند از بردن نام حضرت و افشای محل او در سطح عمومی خودداری ورزند. زیرا در غیر این صورت، جان امام از سوی حکومت وقت به خطر می افتاد. این سیاست استتار و پنهانکاری، دقیقاً بر اساس دستور و راهنمایی خود امام صورت می گرفت. چنانکه روزی ابتدأاو بدون اینکه سؤالی از حضرت در این باره شده باشد، توقیعی به این مضمون خطاب به محمد بن عثمان (سفیر

دوم) صادر شد:

کسانی که از اسم (من) می پرسند، باید بدانند اگر سکوت کنندبهشت، و اگر حرفی بزنند جهنم (در انتظار آنان) است. چه، اینان اگر بر اسم واقف شوند، آن را فاش می سازند و اگر از مکان ....شوند، آن را نشان می دهند. (۶۷)

همچنین روزی عبید الله بن جعفر حمیر...و احمد بن اسحق اشعری، که هر دو از بزرگان اصحاب امامان و از شیعیان برجسته و صمیمی بودند، در دیداری که با عثمان بن سعید (سفیر اوّل) داشتند از وی پرسیدند: آیا جانشین امام عسکری - علیه السلام - را دیده است؟ وی پاسخ مثبت داد. از نام آن حضرت پرسش کردند، وی از گفتن آن خودداری کرد و گفت:

بر شما حرام است که در این باره پرسش کنید، و من این سخن را از پیش خود نمی گویم - چه اختیاری ندارم که حلالی را حرام یا حرامی را حلال کنم - بلکه این، به دستور خود اوست، زیرا حکومت (عباسی) بر این باور است که امام عسکری در گذشته و فرزندی از خود باقی نگذاشته است، و به همین دلیل نیز ارثیه او را بین کسانی تقسیم کردند که وارث آن حضرت نبودند (جعفر کذاب و مادر حضرت عسکری) و این موضوع با صبر و سکوت امام روبرو گردید، و اینک کسی جرأت ندارد با خانواده او ارتباط برقرار کند یا چیزی از آنها بپرسد، و اگر اسم امام فاش شود مورد تعقیب قرار می گیرد. زینهار! زینهار! خدا را در نظر بگیرید و از این بحثها خودداری کنید. (۶۸)

در زمان نیابت ابوالقاسم حسین بن روح، از ابوسهل نوبختی که از بزرگان شیعیان بود، سؤاتل کردند

که چگونه تو، به این سِمَت انتخاب نشدی و حسین بن روح انتاب شد؟ وی پاسخ داد:

آنـان که او را به این مقام برگزیـده انـد، خود داناترنـد. کار من، بر خورد و مناظره با مخالفان و دشـمنان است. اگر من همانند حسی نبن روح مکـان امام را می دانسـتم، شایـد اگر در فشار قرار می گرفتم، محل او را نشان می دادم، ولی اگر اما زیر عبای ابو القاسم پنهان شود، چنانچه او را قطعه قطعه هم کنند، هرگز لباس خود را کنار نمی زند! (۶۹)

ب – سازماندهی وکلا

چنانکه گفتیم نمایندگان و وکلای محلی امام در عصر غیبت – با اختیارات گوناگون و حزه های فعالیت متفاوتی که داشتند – در مناطق تمرکز شیعیان مسـتقر بودند و هر چند در زمان پیشوای دهم و یازدهم این دسـته از وکلا معمولاً توسط وکیل اوّل با امام تماس می گرفتند، امّا در هر حال امکان ارتباط مستقیم با خود امام نیز برای آنان وجود داشت، ولی در عصر غیبت صغری امکان ارتباط مسـتقیم کلاً قطع گردید و وکلای فرعی و منطه ای امام در بلاد مختلف که اسامی گروهی از آنان قبلاً گذشـت – (۷۰) ناگزیر منحصـراً زیر نظر نایب خاصّ، انجام وظیفه می کردند و نامه ها و سؤالات و وجوه شرعی شیعیان را توسط نایب خاص به محضـر امام غایب می رساندند. چنانکه قبلاً اشاره کردمی، در زمان سـفارت ابو جعفر محمد بن عثمان، تنها در بغداد حدود ده نفر زیر نظر او فعالیت می کردند. (۷۱)

نوّاب خاصّ، در مقابل دریافت وجوه و اموال، قبض نمی دادند ولی شـیعیان از وکلای دیگر قبض مطالبه می کردند. بنا به نقل شیخ طوسی، در اواخر عمر محمد بن عثمان، شخصی به

توصیه او، اموال مربوط به امام را به حسین بن روح می پرداخت، و از او قبض مطالبه می کرد. به دنبال شکوه حسین بن روح از این بابت، محمد بن عثمان دستور داد که از وی قبض مطالبه نشود و افزود: هر چه به دست ابو القاسم برسد، به دست من رسیده است. (۷۲)

ج - اخذ و توزیع اموال متعلق به امام

نوآب خاص امام، هر کدام در دوران سفارت خود، وجوه و اموال متعلق به آن حضرت را که شیعیان مستقیماً یا توسط وکلای محلی می پرداختند، تحویل می گرفتند و به هر طریقی که ممکن بود به امام می رساندند، یا در مواردی که امام دستور می داد مصرف می کردند.

در روزهای شهادت امام عسکری - علیه السلام - گروهی از شیعیان قم و بعضی دیگر از مناطق ایران وارد سامرأ شدند و در آنجا از در گذشت امام آگاه گشتند. این گروه، اموالی را از طرف شیعیان مناطق خود آورده بودند تا تحویل امام بدهند و وقتی از جانشین امام عسکری پرسش کردند، بعضیها جعفر (کذاب)، برادر امام، را نشان دادند. آنان طبق روال معمول، نشانی و خصوصیات پولها و اموال را از جعفر پرسیدند تا معلو شود که وی دارای علم امامت است یا خیر؟ وقتی که جعفر از پاسخ درماند، از تحویل اموال به وی خودداری کردند و ناگزیر به عزم بازگشت به وطن، از سامرّأ خارج شدند.

در بیرون سامرأ، پیک سرّی حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - آنان را به محضر امام راهنمایی کرد و پس از تشرّف به حضور امام، بعد از آنکه حضرت خصوصیات تمامی پولها و امول را بیان

فرمود، اموال را تحویل ایشان دادند. آنگاه امام فرمود:

بعد از این چیزی به سامرأ نیاورید. من شخصی را در بغداد معیّن می کنم، اموال را به او می دهید و توقیع توسط او صادر می گردد. (۷۳) از آن به بعد بود که امام، عثمان سعید را به نیابت خاص منصوب کرد و او در بغداد وظایف خود را آغاز کرد.

د - پاسخگویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی

حوزه فعالیت نواب اربعه تنها به مواردی که شمردیم محدود نمی شد، بلکه دایره فعالیت آنها شامل پاسخگویی به همه گونه سؤالات فقهی و شرعی، حل مشکلات عقیدتی و نیز مبارزه علمی با شبهاتی می شد که مخالفان مطرح می کردند و از این راه در تضعیف عقاید و پریشانی فکری شیعیان می کوشیدند.

نواب خاصّ، این وظایف را با استفاده از آموزشهای امام و دانش بسیار بالایی که داشتند، به بهترین وجهی انجام می دادند. نگاهی گذرا به کارنامه سفارت این چهار شخصیت بزرگ، ابعاد گسترده کوششها و موفقیهای آنان را در این زمینه نشان می دهد.

پاسخ(قسمت سوم)

آنان از یک سو، وسوسه های مربوط به انکار وجود امام را، از راههای گوناگون خنثی می کردند و در این راستا، گاه ناگزیر، پرده از دیدارهای سرّی خود را امام بر می داشتند (۷۴) و گاهی نیز توقیعی از سوی حضرت در این باره صادر می شد و امام در دفع شبهات مزبور به کمک آنان می شتافت. (۷۵)

از سوی دیگر، سؤالات فقهی و شرعی شیعیان را به عرض امام رسانده پاسخ آنها را می گرفتند و به مردم ابلاغ می کردند. به عنوان نمونه، می توان از توقیعی نام برد که توسط محمد بن عثمان صادر شده و طی آن به پرسشهای "اسحاق بن یعقوب"

در زمینه های گوناگون پاسخ داده شده است. (۷۶) همچنین می توان توقیع مفصلی یاد کرد که در پاسخ به سؤالات نماینده مردم قم، "محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری"، صادر گردید. (۷۷)

از این گذشته، گاه، نواب خاصّ، مناظراتی با مخالفان انجام داده و آنان را محکوم می ساختند و تأکید می کردند که این پاسخها را از امام آموخته اند. چنانکه حسین بن روح، در یک مجلس مناره، پاسخ شخصی را که شبهه ای در مورد شهادت امام حسین - علیه السلام - مطرح کرده بود، به صورت گسترده بیان نمود و فردای آن روز با اشارهبه پاسخ مزبور، به یکی از شیعیان - که فکر می کرد پاسخها تراوش فکری خود اوست - اظهار داشت: اگر از آسمان سقوط کنم و طعمه مرغان هوا شرم یا باد تندی مرا به محل دروری پرتاب کند، در نظرم بهتر از این است که در دین خدا رأی و نظریه شخصی خود را اظهار کنم. مطالبی که دیروز شنیدی از حجت خدا شنیده شده است. (۷۸)

همچنین وی در پاسخ پرسش یکی از متکلّمان وقت در مورد عامل شهادت امام موسی بن جعفر - علیه السلام - و اینکه آیا پیشوایان معصوم همه، با شمشیر یا با مسمومیّت در گذشته اند و نیز راز برتری حضرت فاطمه - علیها السلام - نسبت به دختران دیگر پیامبر اسلام (ص)، توضیحات روشن و قانع کننده ای داد که تحسین دانشمند مزبور را بر انگیخت و گفت: در این باره پاسخی از این بهتر و کوتاهتر از کسی نشنیده ام (۷۹).

ه- مبارزه با مدّعیان دروغین نیابت

مبارزه با غلات و مدّعیان دروغین بابیّت و نیابت و وکالت و افشای ادعاهای باطل

آنان را نیز باید به فعالیتهای نواب اربعه افزود. چنانکه درسیره امام هادی توضیح دادیم، گروهی از افراد منحرف و جاه طلب با طرح مطالب بی اساس از قبیل ربوبیت والوهیت ائمه، مقاماتی برای خود ادعا می کردند و به نام امام از مردم خمس یا وجوه دیگر را می گرفتند و این موضوع موجبات بد نامی شیعه را فراهم ساخته و مشکلاتی برای ائمه ایجاد می کرد.

در عصر غیبت صغری، علاوه بر اینها، افراد دیگری پیدا شدند که به دروغ مدعی سفارت و نیابت خاص امام بودند و در اموال متعلق به امام تصرفات بیمورد نموده و در مسائل فقهی و اعتقادی، سخنان گمراه کننده بر زبان می راندند. اینجابود که نواب خاصّ، با رهنمود امام، به مقابله با آنان بر می خاستند و گاه رد طرد و لعن آنان از ناحیه حضرت، توقیع صادر می شد.

ابو محمد شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد هلال کرخی، ابو طاهر محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلّاج و محمد بن علی شلمغانی از این گروه بودند. (۸۰)

شلمغانی قبلاً از فقهای شیعه شمرده می شد و حتی کتابی به نام "تکلیف" نوشته بود، ولی بعدها به غلوّ و انحراف کشده شد و افکاری کفرآمیز مطرح کرد. از آن جمله، بر روی نظریه حلول تأکید می کرد و می گفت: روحی پیامبر اسلام (ص) در پیکر محمد بن عثمان (سفیر دوم)، روح امیر مؤمنان - علیه السلام - در کالبد حسین بن روح (نایب خاص سوم) و روح حضرت فاطمه - علیها السلام - در بدان ام کلثوم، دختر محمد بن عثمان حلول کرده است.

حسین بن روح، این عقیده را کفر و الحاد معرفی کرده

آن را از نوع عقاید مسیحیان در مورد حضرت مسیح شمرد و او را طرد نمود و افشار افکار باطلش او را در میان قومش رسوا ساختن. با تو جه به نقش تخریبی شلمغانی بود که در ذیحجه سال سیصد و دوزاده، توقیعی توسط حسین بن روح در لعن و تکفیر وارتداد او صادر کردید و سر انجام در سال ۳۲۳ کشته شد. (۸۱)

غیبت کبری

چنانکه گفتیم، با در گذشت چهارمین نایب خاص امام دوازدهم، دوران غیبت کبری آغاز گردید.

در این دوره، علمای واجد شرائط، از سوی امام زمان نیابت عامّه دارند چنانکه دیدیم، نیابت خاصّه عبارت از این است که امام، شخص خاصی را با اسم و رسم معرفی کند و نایب خود قرار دهد، ولی نیابت هر فردی که آن ضابطه با او تطبیق کند، نایب شناخته شود و به نیابت از امام، در امر دین و دنیا، مرجع شیعیان باشد. امامان معصوم، به ویژه حضرت حجه بن الحسن المهدی - عجل الله تعالی فرجه - در روایات متعددی این شرائط را بیان فرموده و مسلمانان را در دوران غیبت کبری موظف کرده اند که به واجدان شرائط مزبور رجوع نموده و طبق دستو آنان عمل کنند. پاره ای از این روایات را ذیلاً از نظر خوانندگان محترم می گذرانیم:

۱ - "عُمَر بن حنظله" می گوید: از امام صادق - علیه السلام - پرسیدم: اگر بین دو نفر از شیعیان بر سر قرض یا ارث اختلافی پیش آید و به حکومت و قضات (وقت) مراجعه کنند آیا این کار جایز است؟ امام فرمود: هر کس در مورد حق یا باطل به آنان مراجعه کند، در حقیقت به طاغوت

(۸۲) مراجعه کرده و هر چه را به حکم آنـان بگیرد، به طور حرام گرفته است، هز چنـد حق ثابت او باشـد، زیرا آن را به حکم طـاغوت گرفتـه کـه خداونـد امر کرده اسـت بـه او کفر ورزنـد، و انکـار کننـد، چنـانکه می فرمایـد: یُریـدُونَ أن یَتَحـاکَمُواالَی الطّاغوتِ وَقَد أُمِرُوا أن یَکفُرُوا بِهِ (۸۳): "می خواهنـد طاغوت را به داوری بطلبند در حالی که به آنان دسـتور داده شده که به طاغوت کافر شوند".

پرسیدم: پس چه باید بکنند؟

فرمود: باید نگاه کنند ببینند چه کسی از شما حدیث ما را روایت نموده و در حلال و حرام ما نظر افکنده و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است، او را به عنوان حاکم و صاحب رأی بپذیرند، زیرا من او را حاکم بر شما قرار داده ام. اگر او بر اساس حکم ما حکم نماید و کسـی از او نپذیرد، حکم خدا را سـبک شمرده و ما را رد کرده و کسی که ما را رد کند، خدا را ردّ کرده است و این، به منزله شرک ورزیدن به خدای متعال است... (۸۴)

این فرمان امام صادق - علیه السلام - یک فرمان کلی و عمومی است و مفاد آن شامل همه فقهای واجد شرائط می شود/

در صورتی که امـام راضـی نشود در یک اختلاف جزئی به قضات حکومت طاغوتی مراجعه شود، مسلّماً راضـی نخواهـد بود سایر امور مسلمانان زیر نظر ستمگران باشد بلکه اداره این امور را زیر نظر فقهای عادل شیعه قرار داده است.

۲ - اسحاق بن یعقوب می گوید: از محمد بن عثمان (دومین نایب خاص حضرت مهدی) خواستم نامه ام را به پیشگاه امام

برساند. در آن نامه مسائل مشکلی که داشتم پرسیده بودم. امام با خط خود جواب نوشته بود.

از جمله سؤالاتم این بود که در پیشامدها در عصر غیبت به چه کسی مراجعه کنم در پاسخ این سؤال فرموده بود:

و امّا در حوادثی که رخ می دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا (بر شما) هستم. (۸۵)

با آنکه اسحاق بن یعقوب در این نامه در مورد وظیفه خو سؤال کرده، ولی امام به صورت عمومی پاسخ داده و وظیفه همه شیعیان را معیّن نموده است.

مهدی (ع) در منابع شیعه

اخبار و روایات فراوانی از پیامبر اسلام و هر یک از امامان - علیهم السلام - درباره تولد، غیبت، ظهور و قیام جهانی و سایر ویژگیهای حضرت مهدی نقل شده و در واقع سالها پیش از تولد آن حضرت، خصوصیات و ویژگیهای او - از قبیل اینکه: او از خاندان پیامبر (ص)، از فرزندان فاطمه - علیها السلام - و از نسل حسین - علیه السلام - است و با قیام جهانی خویش زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد - پیشگویی شده است. تعداد این روایات به حدی فراوان است که درباره کمتر موضوعی از موضوعات اسلامی این اندازه حدیث وارد شده است.

ما نخست به تعداد روایات وارد شده از ائمه شیعه درباره حضرت مهدی - علیه السلام - و نیز اسامی کتبی که علمای این مذهب مستقلاً درباره آن حضرت نوشته اند اشاره می کنیم، سپس روایات رسیده از پیامبر اسلام (ص) از طریق اهل سنت و نیز کتب آنها را در این باره مورد بررسی قرار می دهیم:

در

اینجا بی مناسبت نیست یاد آوری کنیم: با آنکه عصر هر یک از ائمه و یژگیهایی داشته و توجه آن بزرگواران قاعدتاً معطوف به مسائل و موضوعات حادّ روز بوده، امّا در عین حال، موضوع حضرت مهدی - عج الله تعالی فرجه الشریف - همواره مورد نظر آنان بوده و به مناسبتهای گوناگون بیانات و پیشگوییهای فراوانی نموده اند که ذیلاً به عنوان نمونه آماری اجمالی از احادیثی که از ائمه در این زمینه رسیده از نظر خوانندگان محترم می گذرانیم:

۱ - امیر مؤمنان - علیه السلام - ۵۱ حدیث،

۲ - امام حسن - علیه السلام - ۵ حدیث،

۳ - امام حسین - علیه السلام - ۱۴ حدیث،

۴ - امام زین العابدین - علیه السلام - ۱۱ حدیث،

۵ - امام باقر - علیه السلام - ۶۳ حدیث،

۶ - امام صادق - علیه السلام - ۱۲۴ حدیث،

۷ - امام موسی بن جعفر - علیه السلام - ۶ حدیث،

۸ - امام رضا - علیه السلام - ۱۹ حدیث،

۹ - امام جواد - علیه السلام - ۶ حدیث،

۱۰ - امام هادی - علیه السلام - ۶ حدیث،

۱۱ - امام حسن عسکری - علیه السلام - ۲۲ حدیث. (۸۶)(۸۷)

به عنوان نمونه به نقل چند حدیث اکتفا می کنیم:

الف - امیر مؤمنان - علیه السلام - می فرماید: پیامبر اسلامی فرمود: عمر جهان به پایان نمی رسد مگر آنکه مردی از نسل حسین امور امّت مرا در دست می گیرد و دنیا را پر از عدل می کند همچنانکه پر از ظلم شده است. (۸۸)

از امیر مؤمنان - علیه السلام - در "نهج البلاغه" سخنان متعددی در این زمینه نقل شده است. (۸۹) از آن جمله می فرماید:

دنیا، همچون شتر چموشی که از دوشیدن شیرش جلوگیری می کند (و به سراغ بچه اش می رود) پس از چموشی، به ما روی می آورد. (۹۰) خداوند می فرماید: "ما می خواهیم به مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم". (۹۱)

ب - حسین بن علی - علیه السلام - می فرمود:

اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می کند تا آنکه مردی از نسل من قیام می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه از ظلم و ستم پر شده است. از رسول خدا شنیدم چنین می فرمود. (۹۲)

ج - امام جواد - علیه السلام - به عبد العظیم حسنی - س - فرمود:

قائم ما همان مهدی منتظّر است که در زمان غیبت باید در انتظارش بود و در زمان ظهور باید اطاعتش نمود. او سومین فرزند من خواهد بود. سوگند به آن خدایی که محمد را به پیامبری برگزید و امامت را ویژه ما خاندان قرار داد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی می گرداند تا مهدی ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پر کند چنانکه از ظلم و ستم پر شده است. خداوند متعال کار وی را یک شبه اصلاح می کند، چنانکه کار موسی کلیم الله را در یک شب اصلاح فرمود: او رفت تا برای همسرش آتش بیاورد اما با منصب نبوت و رسالت برگشت.

امام جواد سپس فرمود: بهترین اعمال شیعیان ما، انتظار ظهور و قیام اوست. (۹۳)

کتابهایی که پیش از تولد مهدی (ع) درباره او تألیف شده است

موضوع غیبت و قیام

حضـرت مهـدی در اسـلام به قدری قطعی و مسلّم بوده که کتابهای متعددی درباره آن تألیف شده و تاریخ نگارش بعضـی از آنها سالها پیش از تولـد حضـرت بوده است. مثلاً ٠حسن بن محبـوب زراد" (م ۲۲۴)، یکی از محدثان و مصـنفان موثق شیعه، کتاب "المشیخ " را یکصد سال قبل از غیبت کبری نوشته و اخبار مربوط به غیبت امام مهدی را در آن نقل کرده است. (۹۴)

مرحوم طبرسـی می نویسـد: محدثان شـیعه در زمان امام باقر و امام صدق - علیهما السـلام - اخبار غیبت را در تألیفات خویش آورده اند. (۹۵)

همچنین برخی از اصحاب ائمه درباره آن حضرت و قیام او کتاب نوشته اند، مانند ابراهیم بن صالح انماطی (۹۶) (از یاران امام باقر)، حسن بن محمد بن سـماعه (۹۷) (از اصـحاب امام موسـی بن جعفر - علیهما السلام -)، محمد بن حسن بن جمهور (۹۸) (از یـاران امـام رضا - علیه السـلام -)، علی بن مهزیار (۹۹) (از یـاران امـام جواد - علیه السـلام -) و فضل بن شاذان نیشابوری (۱۰۰) (از شاگردان امام رضا و امام جواد و امام هادی - علیهم السلام -) (۱۰۱).

مهدی (ع) درمنابع اهل سنت

چنـانکه قبلاًـ اشاره کردیم، مهـدویت و اعتقاد به وجود مهـدی - عجل الله عالی فرجه - و ظهور او، اختصاص به مـذهب تشیّع نـدارد، بلکه محـدثان بزرگ اهـل سـنت نیز احـادیث مربوط به آن حضـرت از از طریق گروه بسـیاری از صـحابه و تـابعین در کتابهای خویش نقل کرده اند، به طوریکه گذشـته از کتب شـیعه، کتب و آثار دیگر مذهب اسـلامی (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) نیز از روایات نبوی که درباره مهدی و ظهور

او رسیده، سرشار است.

بر اساس پژوهش برخی از محققان بزرگ، محدثان اهل سنت احادیث مربوط به حضرت مهدی را از ۳۳ نفر از صحابه پیامبر اسلام در کتب خود نقل کرده اند (۱۰۲)؛ تعداد ۱۰۶ نفر از مشاهیر علمای بزرگ اهل سنت، اخبار ظهور امام غایب را در کتابهای خود آورده اند (۱۰۳)؛ و ۳۲ نفر از آنان مستقلاً درباره حضرت مهدی کتاب نوشته اند. (۱۰۴)

"مسند احمد حنبل"(متوفای ۲۴۱ هجری) و "صحیح بخاری" (متوفای ۲۵۶ هجری) از جمله کتب مشهور اهل سنت است که قبل از تولد امام قائم - عجل الله تعالی فرجه - نوشته شده و احادیث مربوط به آن حضرت در آنها نقل شده است. (۱۰۵)

از جمله احادیثی که "احمد حنبل" نقل کرده این حدیث است: پیامبر اسلام (ص) فرمود: "اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خداوند حتماً در آن روز شخصی از ما - خاندان - را بر می انگیزدو او جهان را پر از عدل و داد می کند همچنانکه پر از ظلم شده باشد. (۱۰۶)

احادیث نبوی پیرامون حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - و صفات و علائم ایشان در کتابها و منابع قدیم اهل سنت به قدری زیاد است که دانشمندان علم حدیث و حافظان بزرگ سنّی، احادیث مربوطبه مهدی را "متواتر" دانسته اند. (۱۰۷)

بر اساس یک بررسی اجمالی، تعداد ۱۷ نفر از دانشمندان بزرگ اهل سنت، به "متواتر" بودن احادیث مهدی در کتابهای خود، تصریح کرده اند (۱۰۸). علامه "شوکانی" در خصوص اثبات تواتر این روایات، کتابی به نام "التوضیح فی تواتر ما جأ فی المنتظر والدّجال و المسیح" تألیف کرده است. (۱۰۹)

پاسخ(قسمت چهارم)

بی مناسبت نیست در اینجا، به عنوان

نمونه، سخنان چند تن از مشاهیر علمای سنّی را در این زمینه از نظر خوانندگان محترم بگذارانیم:

۱ - "شوکانی" در کتاب یاد شده، پس از نقل احادیث مربوط به حضرت مهدی می گوید: همه احادیثی که آوردیم، به حدّ تواتر می رسد، چنانکه بر مطّلعان پوشیده نیست. بنابر این با توجه به همه احادیثی که نقل کردیم، مسلّم شد که احادیث منقول درباره مهدی منتظر، متواتر است... آنچه گفته شد برای کسانیکه ذره ای ایمان و اندکی انصاف دارند، کافی به نظر می رسد! (۱۱۰)

۲ - حافظ (۱۱۱) ابو عبد الله گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ ه'. ق) در کتاب "البیان فی أخبار صاحب الزمان" (باب ۱۱) می گوید:

"احدیث پیامبر اکرم (ص) درباره مهدی، به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حدّ تواتر رسیده است". (۱۱۲)

۳ - حافظ مشهور "ابن حجر عسقلانی شافعی" (متوفای ۸۵۲ ه'. ق) در کتاب "فتح الباری ۹۹ که در شرح "صحیح بخاری" نوشته است، می گوید:

"احادیث متواتری وجود دارد حاکی از اینکه: مهدی، از این امّت است و عیسی - علیه السلام - از آسمان فرود آمده و پشت سر وی نماز خواهد گزارد". (۱۱۳)

۴ - "مؤمن شبلنجی" می نویسد:

"اخبار متواتری از پیامبر رسیده که نشان می دهد مهدی از خاندان اوست و او زمین را پر از عدل و داد می کند" (۱۱۴).

۵ - "شیخ محمد صبّان" می نویسد:

"اخبار متواتری از پیامبر نقل شده مبنی بر اینکه مهدی (سرانجام) قیام می کند و اینکه او از خاندان پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد..." (۱۱۵).

۶ - شیخ منصور علی ناصف، از علمای بزرگ و معاصر "الأزهر" و مؤلف کتاب "التاج الجامع للأُصول" (۱۱۶)، می نویسد:

در میان دانشمندان گذشته و

امروز مشـهور است که در آخر الزمـان به حتم و یقیم مردی از اهل بیت پیامبر که نام او مهـدی است، ظهور خواهـد کرد. او بر همه کشورهای اسـلامی تسـلّط خواهـد یافت. مسـلمانان، همه پیرو او خواهنـد شد، او در میان آنان به عدالت رفتار می کند، و دین را قوّ می بخشـد. آنگاه دجّال پیـدا می شود. عیسای مسـیح از آسـمان فرود می آیـد و دجّال را می کشـد، یا با مهـدی در کشتن دجّال همکاری می کند.

سخنان و احادیث پیامبر را درباره مهـدی، جماعتی از نیکان اصـحاب پیامبر روایت کرده انـد. محـدّثان بزرگی مانند: ابو داود، ترمـذی، ابن مـاجه، طبرانی، ابو یعلی، بزّاز، امام احمـد حنبل و حاکم نیشابوری آن احادیث را در کتابهای خود نقل کرده انـد. (۱۱۷)

ابن ابی الحدید یکی از متتبع ترین علمای اهل سنت، در این زمنیه می نویسد:

"تمـامی فرق اسـلامی، اتفاق نظر دارنـد که عمر دنیا و تکلیف (بشـر به اجرا احکام الهی)، پایان نمی پـذیرد مگر پس از ظهور مهدی" (۱۱۸).

بیانیه رابطه العالم الاسلامی

این بخش را بـا نقـل بیـانیّه رسـمی "رابطه العـالم الاسـلامی""، که از بزرگترین مراکز و هـابیّت بوده و مقرّ ان در مکه است، به عنوان یک سـند زنده بر اعتقاد عموم مسلمانان به موضوع مهدویّت به پایام می بریم. یکی از جهات اهمیّت این بیانیه این است که نشان می دهـد: تنـدروترین گروهها در ضـدیت با شـیعه - یعنی وهابیان - نیز این موضوع را پذیرفته اند، نه تنها پذیرفته اند بلکه به طور جـدّی از آن دفاع می کننـد و آن را از عقایـد قطعی و مسـلّم اسـلامی می شـمارند و انی، به خاطر کثرت دلائل و اسناد این موضوع است. به علاوه این مرکز، به عنوان یک مرکز جهانی

و روابط بین ملل اسلامی فعالیّت می کند.

در هر صورت در سال ۱۹۷۶ م شخصـی به نام "ابو محمـد" از کشور "کنیا" سؤالی درباره ظهور مهدی منتظر از "رابطه العالم الاسـلامی"" کرده است. دبیر کل این مرکز در پاسخی که برای او فرستاده، ضمن یاد آوری این نکته که "ابن تیمیه" (مؤسس مـذهب و هابیّت) نیز احادیث مربوط به مهدی را پذیرفته، متن رساله کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف کنونی حجاز در این زمینه تهیه کرده انـد، برای او ارسـال داشـته است. در این رسال پس از ذکر نام حضـرت مهـدی و محل ظهور او یعنی مکّه چنین آمده است:

به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی) جهان را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

او آخرین خلفـای راشـدین دوازده گـانه است که پیـامبر در کتب صـحاح از آنهـا خبر داده است. احادیث مربوط به مهـدی را بسیاری از صحابه پیامبر نقل کرده اند. از آن جمله:

عثمـان بن عفان، علی بن أبی طالب، طلحه بن عبیـد الله، عبـد الرحمان بن عوف، عبـدالله بن عباس، عمار بن یاسـر، عبـد الله بن مسعود، ابو سعید خُـدری، ثوبان، قره بن ایاس مزنی، عبدالله بن حارث، ابو هریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبد الله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبد الله بن عمر، انس بن مالک، عمران بن حصین وام سلمه. سپس اضافه می کند:

هم احادیث یاد شـده در بالا که از پیامبر نقل شده و هم گواهی صـحابه که در اینا در حکم حدیث است، در بسـیاری از کتب معروف اسلامی

و متون اصلی حدیث پیامبر (ص) اعم از سنن و معاجم و مسانید آمده است. از جمله:

سنن: .بی داود، ترمذی، ابن ماجه، ابن عمر الدانی ؛ مسانید: احمد، أبی یَعلی بزّاز؛ صحیح حاکم؛ معاجم: طبرانی و رویانی و دار قُطنی و ابو نُعَیم د کتاب "اخبار المهدی" و خطیب بغدادی در "تاریخ بغداد" و ابن عساکر در "تاریخ دمشق" و غیر اینها.

بعد اضافه می کند:

بعضی از دانشمندان اسلامی کتبخاصی در این زمینه تألیف کرده اند. از جمله:

ابو نعمی: کتاب "اخبار المهدی""، ابن حجر هیتمی: "القول المختصر فی علامات المهدی المنتظَر"، شوکانی: "التوضیح فی تواتر ماجأ فی المنتظر و الدجّال و المسیح"، ادریس عراقی مغربی: "المهدی""، ابو العباس بن عبد المؤمن مغربی: "الوهم المکنون فی الردّ علی ابن خلدون".

آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته رئیس دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است. (۱۱۹)

عدّه ای از بزرگان و دانشمندان اسلام، از قدیم و جدید، در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث رسیده در زمینه مهدی در حدّ "تواتر" است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست). از جمله:

سخاوی در کتاب "فتح المغیث"، محمد بن احمد سفاوینی در کتاب "شرح العقیده"، ابو الحسن ابری در "مناقب الشافعی""، ابن تیمیه در فتاوایش، سیوطی در "الحاوی"، ادریس عراقی مغربی در کتابی که پیرامون "مهدی" تألیف کرده، شوکانی در کتاب "التوضیح فی تواتر ما جأ فی المنتظَر..."، محمد بن جعفر کتانیدر کتاب "نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر" و ابو العباس بن عبد المومن در کتاب "الوهم المکنون...".

در پایان بیانیه می نویسد:

تنها ابن خلدون است که خواسته احادیث مربوط به مهدی را با حدیث بی

اساس و مجعولی به این مضمون که "مهدی جز عیسی نیست" مورد ایراد قرار دهد. ولی پیشوایان و دانشمندان بزرگ اسلام، گفتار او را رد کرده اند، بخصوص "ابن عبد المؤمن" که در ردّ گفتار او کتاب ویژه ای نوشته است که از سی سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته است.

حافظان احادیث و محدثان نیز تصریح کرده اند که احادیث مهدی مشتمل بر احادیث "صحیح" و "حسن" است و مجموع آن قطعاً "متواتر" و صحیح می باشد.

بنابر این، اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمانی) واجب بوده و جز عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی خبر یا بدعتگذار، آن را انکار نمی کنند.

مدیر اداره مجمع فقهی اسلامی: محمد منتصر کنانی

اینها ترجمه قسمتهای حساس این رساله است که از نظر خوانندگان محترم گذشت. (۱۲۰)

پدر مهدی کیست؟

در اینجا تذکر این موضوع لازنم است که در بعضی از منابع اهل سنت، پدر حضرت مهدی "عبد الله" معرفی شده است. (۱۲۱) در حالی که در منابع شیعه و سنّی اخبار فراوانی وجود دارد که می رساند نام پدر آن حضرت "حسن" - علیه السلام - است. سر چشمه این اختلاف آن است که در بعضی از روایات اهل سنّت پیرامون ویژگیهای آن حضرت، این جمله از پیامبر اسلام نقل شده است: "... یواطئ اسمه اسمی و اسم أبیه اسم أبی....". (۱۲۲) یعنی، اسم او (مهدی) اسم من، و اسم پدرش، اسم پدر من است.

قرائنی در دست است که نشان می دهد جمله اخیر یعنی "اسم پدرش اسم پدر من است" عمداً یا اشتباهاً از طرف راوی به کلام پیامبر افزوده شده است و در گفتار آن حضرت فقط

جمله: "اسم او اسم من است" وجود داشته است. حافظ گنجی شافعی در این باره می گوید:

"ترمذی" (۱۲۳) این حدیث را نقل کدره ولی جمله اخیر در آن نیست. (۱۲۴) نیز "احمد بن حنبل"، که دارای قدرت ضبط و دقت بوده این حدیث را در چند جا از "مسند" خود نقل کرده ولی جمله اخیر در آنها نیست. (۱۲۵)

"گنجی" اضافه می کند: در اکثر روایاتی که حافظان حدیث و محدثان مورد وثوق اهل سنت در این باره نقل کرده اند، جمله اخیر نیست. فقط در حدیثی که شخصی به نام "زائده" از "عاصم" نقل کرده، این جمله به چشم می خورد. و چون "زائده" چیزهایی از خود به حدیث اضافه می کرده است، نقل او اعتباری ندارد.

گواه این معنا، این است که راوی این حدیث، شخصی به نام "عاصم" است و حافظ ابو نعیم در کتاب "مناقب المهدی""، سی و یک نفر از راویان این حدیث را نام برده که همگی آن را از "عاصم" شنیده اند، و در هیچ کدام جمله اخیر نیست. و فقط در نقل "زائده" این جمله به چشم می خورد که طبعاً در مقابل آن همه روایات، فاقد اعتبار است. (۱۲۶)

ابن خلدون (۱۲۷) و احادیث مهدی

چنانکه ملاحظه شد، اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان اهل سنّت، احادیث مربوط به حضرت مهدی را صحیح و مورد قبول می دانند. اما تنی چند، آنها را رد نموده یا مورد تشکیک قرار داده اند که از آن جمله "ابن خلدون" است. وی می گوید:

در میان تمام مسلمانان در طول قرون و اعصار مشهور بوده و هست که در آخر الزمان حتماً مردی از خاندان پیامبر ظهور می کند و دین را تأیید و عدل و

داد را آشکار می سازد، مسلمانان از او پیروی می کنند، وی بر تمام کشورهای اسلامی تسلّط پیدا می کند، این شخص مهدی نامیده می وشد و ظهور دجال و حوادث بعدی که از مقدمات مسلّم قیامت است، به دنبال قیام او خواهد بود، عیسی فرود می آید و دجّال را می کشد یا در قتل دجّال او را یاری م کند و عیسی پشت سر او نماز می خواند...

گروهی از پیشوایان حدیث، مانند: ترمذی، ابو داود، بزّاز، ابن ماجه، حاکم، طبرانی، ابو یَعلی احادیث مربوط به مهدی را در کتابهای خود به نقل از گروهی از صحابه مانند: علی، ابن عباس، عبد الله بن عمر، طلحه، عبد الله بن مسعود، ابو هریره، أنس، ابو سعید خُدری، اُمّ حبیبه، اُمّ سلمه، ثوبان، قرّه بن اَیاس، علی هلالی، عبد الله بن حارث، آورده اند.

ولی چه بسا منکران این احادیث، در سند آنها مناقشه کنند در میان دانشمندان اهل حدیث معروف است که "جَرح" بر "تعدیل" (۱۲۸) مقدّم است. بنابراین اگر ما، در بعضی از راویان این احادیث نقطه ظعفی از قبیل: غفلت، کم حافظگی، ضعف یا انحراف عقیده یافتیم، اصل حدیث از درجه اعتبار ساقط می شود... (۱۲۹)

وی آنگاه به نقل تعدادی از این احادیث و بررسی وضع راویان آنها پرداخته و برخی از آنها را غیر موثق اعلام نموده و اضافه می کند:

این است مجموع احادیثی که پیشوایان حدیث درباره مهدی و قیام او در آخر الزمان نقل کرده اند و چنانکه ملاحظه کردید، همه آنها جز مقدار بسیار کمی مخدوش است. (۱۳۰)

این بود خلاصه و فشرده نظریه ابن خلدون درباره احادیث مربوط به مهدی منتظر - عجل الله تعالی فرجه-

دانشمندان صاحبنظر و متخصصان علم حدیث

اعم از شیعه وسنی، سخنان وی را با دلائل روشن رد کرده و آن را بی پایه دانسته اند. (۱۳۱) ولی ما، در اینجا به عنوان نمونه خلاصه سخنان "شیخ عبد المحسن عباد"، استاد و رئیس دانشگاه مدینه را نقل می کنیم:

وی در کنفرانسی زیر عنوان "عقیده أهل السنّه والأثر فی المهدی المنتظَر"، در ردّ نظریه ابن خلدون چنین می گوید:

الف - اگر ابراز شک و تردید در مورد احادیث مهدی از طرف شخصی حدیث شناس بود، یک لغزش به شمار می رفت،

چه رسد به مورّخانی که اهل تخصّص در علم حدیث نیستند. چه خوب گفته است "شیخ احمد شاکر":

ابن خلدون چیزی را دنبال کرده است که به آن آگاهی ندارد و وارد میدانی شده است که مرد آن نیست. او در فصلی که در مقدمه خود به مهدی اختصاص داده، پریشان گویی عجیبی کرده و مرتکب اشتباهات روشنی شده است. اصولاً او متوجه نشده است که مقصود محدثان از این جمله که: "جرح بر تعدیل مقدّم است" چیست؟!

ب - وی در آغاز فضل مربوط به مهدی اعتراف کرده است که:

در میان مسلمانان در طول قرون و اعصار مشهور بوده و هست که در آخر الزمان حتماً مردی از خاندان پیامبر ظهور می کند

با اعتراف به اینکه موضوع قیام مهدی در میان تمام مسلمانان در طول قرون و اعصار امری مشهور و مورد قبول بوده و هست، آیا صحیح نبود که او نیز این عقیده مشهور را مثل دیگران نپذیرد؟ ایا نظریه وی، با وجود اعتراف به اینکه همه مسلمانان برخلاف او عقیده دارند، نوعی کجروی و تکرروی نیست؟ آیا همه مسلمانان اشتباه کرده اند و فقط ابن خلدون درست فهیمده

است؟!

اصولاً ـ این موضوع یـک اجتهـادی نیست، بلکه یک موضوع نقلی و غیبی است و جایز نیست کسـی آن را با هیـچ دلیلی جز با کتاب خـدا و سـنت پیامبر(ص)اثبات کند و دلیل مزبور در اینجا نظریه مسـلمانان را اثبات می کند و آنان در این موضوع نقلی دارای تخصص هستند.

ج – ابن خلدون پیش از نقد و بررسی این احادیث می گوید: "اینک ما در اینجا احادیثی را که در این باره نقل شده، ذکر می کنیم". (۱۳۲) و پس از نقـل احـادیث می گویـد: "این است مجموع احـادیثی که پیشوایان حـدیث درباره مهـدی و قیام او در آخر الزمان نقل کرده انـد". و در جای دیگر می گویـد: "آنچه محدثان از روایات مهدی نقل کرده اند، ما همه را به قدر توان در اینجا آوردیم". (۱۳۳)

در حـالی که وی بسـیاری از احادیث مهـدی را ناگفته گـذاشت است، چنانکه این معنا با مراجعه به کتاب "العرف الوردی فی أخبار المهـدی"" تألیف "سـیوطی" روشن می گردد. همچنین او از حـدیثی که با سـند معتبر در کتاب "المناز المنیف" تألیف "ابن قیم" نقل شده، غفلت کرده است.

د – ابن خلـدون تعـدادی از این احـادیث را نقـل و به خاطر بعضـی از راویان آنها در سـند آنها اشـکال می کنـد، در حالی که راویان یاد شده، کسانی هسـتند که "بخاری" و "مسـلم" یا حداقل یکی از آنها در صحیح خود از آنها نقل حدیث کرده اند و دانشمندان در سند آنها ایرادی نکرده اند.

ه– ابن خلدون اعتراف می کند که تعداد کمی از احادیث مربوط به مهدی جای هیچ نقد و ایرادی از نظر سند ندارد.

بنابراین باید بگوییم: آن تعداد کم که به گفته وی مورد قبول است، برای اثبات

مطلب کافی است و بقیه احادیث نیز مؤید آن تعداد خواهد بود. (۱۳۴)

انتظار مهدی و مدعیان مهدویت

نگاهی به تاریخ اسلام نشان می دهد که در طول زمان، افرادی جاه طلب و سودجو ادعای مهدویت کرده اند، یا گروهی از مردم عوام افرادی را مهدی می پنداشته اند. این امر نشان می دهد که موضوع مهدویت و اعتقاد به ظهور یک منجی غیبی، در میان مسلمانان امری مسلّم و مورد قبول بوده است، و چون نام یا برخی از نشانه های آن حضرت با مشخصات برخی از مدعیان یاد شده تطبیق می کرده، آنان از این موضوع سؤ استفاده کرده و خود را مهدی قلمداد نموده اند. یا چه بسا خود آنان ادعایی نداشته اند لکن برخی از عوام الناس از روی نادانی یا شدّت ستم و بیدادگری حکومتها یا عجله ای که در ظهور مهدی داشته اند، یا به علل دیگر، بدون آنکه در مجموع نشانه های حضرت دقت کنند، به اشتباه، آنان را مهدی موعود تصور کرده اند.

به عنوان مثال: گروهی از مسلمانان "محمد بن حنفیه" را چون همنام و همکنیه پیامبر اسلام بوده، مهدی پنداشته و بر این باور بوده اند که او نمرده است و غایب است و بعداً ظاهر می شود و بر دنیا مسلّط می گردد. (۱۳۵)

پاسخ(قسمت پنجم)

گروهی از فرقه اسماعیلیه معتقد بودند که اسماعیل فرزند امام صادق - علیه السلام - نمرده، بلکه مرگ او از روی مصلحت اعلام شده است و او نمی میرد و همان "قائم" موعود است و قیام می کند و بر دنیا مسلّط می شود. (۱۳۶)

"محمد" مشهور به "نفس زکیه" پسر عبد الله بن حسن" در زمان منصور دوانیقی عباسی قیام کرد و به مناسبت نامش، پدرش ادعا کرد که همان مهدی موعود

است و با تکیه روی این موضوع، طرفدارانی برای او فراهم آورد. (۱۳۷)

در جریـان قیـام نفس زکیه، "محمـد بن عجلاـن" که از فقیهـان و عابـدان مـدینه بود، به کمک وی برخاست. وقتی که محمد شکست خورد و کشته شد، "جعفر بن سلیمان" - حاکم مدینه - ابن عجلان را احضار کرد و به وی گفت: چرا با آن دروغگو خروج کردی؟ و آنگاه دستور داد دستش را قطع کنند.

فقیهان و اشراف مدینه که حضور داشتند از جعفر بن سلیمان، برای ابن عجلان درخواست عفو کردند و گفتند: امیر! محمد بن عجلان فقیه و عابـد مـدینه است و موضوع برای او مشتبه شـده و خیال کرده است که محمـد بن عبـد الله، همان مهدی موعود است که در روایات آمده است. (۱۳۸)

عین این گرفتـاری برای "عبـد الله بن جعفر" نیز که از دانشـمندان و محـدثان بزرگ مـدینه بـود، پیش آمـد و او هم در پاسـخِ بازخواست حاکم مدینه، گفت:

من به این علّت بـا محمـد بن عبـد الله همکـاری کردم که یقین داشـتم او همان مهـدی موعود است که در روایات ما یاد شـده است. تا او زنده بود هیچ شـکی در این موضوع نداشـتم و هنگامی که کشته شد فهمیدم که اومهدی نیست، و بعد از این دیگر فریب کسی را نخواهم خورد. (۱۳۹)

منصور نیز، که نامش "عبد الله" و نام پرس "محمد" بود، بر پسـر خویش لقب مهدی گذارده و ادعا می کرد که مهدی موعود فرزند من است، نه نفس زکیه! (۱۴۰)

همچنین می بینیم که برخی از فرقه ها، به مهدویت بعضـی از امامان پیشـین اعتقاد داشـته اند، مثلاً "ناووسیه" حضرت صادق - علیه السلام - را مهدی

و امام و زنده و غایب می پنداشتند. (۱۴۱) "واقفیه" همین اعتقاد را درباره امام موسی بن جعفر – علیه السلام – داشتند. (۱۴۲) و بر این باور بودند که آن حضـرت نمی میرد تا بر شرق و غرب جهان مسلّط مهدی است. (۱۴۳) و بالأخره گروهی نیز پس از رحلت امـام حسن عسـکری – علیه السـلام – فوت آن حضـرت را انکـار کردنـد و گفتنـد: او زنـده و غـایب است و همان امام "قائم" می باشد. (۱۴۴)

اینهـا نمونه هایی است که نشان می دهـد موضوع مهـدویت در زمان پیامبر اسـلام(ص)و بعـد از، موضوع مسـلّمی بوده است و امت اسـلام همواره در انتظار شخصـی بوده اند که قیام کند و با ظلم و ستم بستیزد و پرچم حاکمیت عدل و داد را در جهان به اهتزاز در آورد.

بدیهی است که سؤ اسـتفاده برخی بازیگران از موضوع مهدویت در بعضی از ادوار، هرگز نمی تواند مجوّزی برای انکار اصل مسـئله مهدویت باشد، زیرا در طول تاریخ، حقایق بسـیاری از سوی عناصـر بازیگر و فرصت طلب مورد سؤ اسـتفاده قرار گرفته است. مـدعیان الوهیت، یا نبوت و سایرمقامات معنوی، در دنیا کم نبوده انـد ادیان ساختگی نیز در نیا کم نبوده است. ولی انیها هزگز دلیل این نمی شود که کسی منکر اصل وجود خدا و نبوت انبیأ گردد.

علم و دانش و صـنعت نیز در زمان ما مورد سؤ اسـتفاده واقع شـده و در راههای ضد بشـری به کار می رود، ولی آیا این باعث می شود که ما اصل علم و صنعت را نفی کنیم؟!

سیمای حکومت مهدی در آینه قرآن

قرآن کریم در زمینه ظهور و قیام حضرت مهدی – مانند بسیاری از زمینه های دیگر – بدون

انیکه وارد جزئیات شود، به صورت کلی و اصولی بحث کرده است؛ یعین از تشکیل حکومت عدل جهانی، و پیروزی کامل و نهائی صالحان در روی زمین سخن گفته است. این گونه آیات را مفسران اسلامی، به استناد مدارک حدیثی و تفسیری، مربوط به حضرت مهدی و ظهور و قیام او دانسته اند. ما از مجموع آیات قرآنی که دانشمندان آنها را ناظر به این موضوع دانسته اند (۱۴۵). و صراحت بیشتری دراند، جهت رعایت اختصار، سه ایه را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱ - وَلَقَد کتبنا فِی الزّبُورِ مِن بَعدِ الذّکرِ أنّ الأرضَ یَرِثُها عِبادِیَ ٱلصّالِحُونَ (۱۴۶) "ما، در (کتاب) زبور پس از تورات نوشته ایم که سرانجام، زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد".

در توضیح معنای این آیه یاد آوری می کنیم که: "ذکر" در اصل به معنای هر چیزی است که مایه تذکر و یاد آوری باشد ولی در آیه یاد شده به کتاب آسمانی حضرت موسی - علیه السلام - یعنی "تورات" تفسیر گردیده است به قرینه اینکه قبل از زبور معرفی شده است.

طبق تفسیر دیگری، "ذکر" اشاره به قرآن مجید است زیرا که در خود آیات قران این عنوان به قرآن گفته شده است: اّن هُوَ اّلاّ ذِکرٌ لِلعالَمین (تکویر / ۲۷) بنابراین، کلمه "من بعد" به معنای "علاوه بر" بوده و معنای آیه چنین خواهد بود: ما، علاوه بر قرآن، در زبور نوشته ایم که سرانجام، زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد(۱۴۷).

مرحوم شیخ مفید در آغاز فصل مربوط به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه -، به این آیه و آیه بعدی که نقل می کنیم، استناد کرده است. (۱۴۸)

در

تفسیر این آیه از امام باقر - علیه السلام - نقل شده است که فرمود: این بندگان صالح، همان یاران مهدی در آخر الزمانند (۱۴۹).

مفسر برجسته قرآن، مرحوم "طبرسی" در تفسیر آیه مزبور پس از نقل حدیث یاد شده می گوید:

حدیثی که شیعه و سنی از پیامبر اسلام(ص)نقل کرده اند، بر این موضوع دلالت دارد: "اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می گرداند تا مردی صالح از خاندان مرا بر انگیزد و او جهان را پر از عدل و داد کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد". (۱۵۰)

اشاره قرآن به پیشگویی حکومت بندگان شایسته خداوند در روی زمین در کتاب تورات و زبور، نشان می دهد که این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در کتب آسمانی پیامبران پیشین یکی پس از دیگری مطرح می شده است.

جالب توجه این است که عین این موضوع در کتاب "مزامیر داود" که امروز جز کتب عهد قدیم (تورات) است و مجموعه ای از مناجاتها و نیایشها و اندرزهای داود پیامبر - علیه السلام - است، به تعبیرهای گوناگون به چشم می خورد.از جمله در مزمور ۳۷ می خوانیم:

"... شریران منقطع میشوند، اما متوکلانِ به خداوند وارث زمین خواهند شد، و حال اندک است که شریر نیست می شود که هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپیدا خواهد بود اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد".

همچنین در همان مزمور چنین می خوانیم:

"... متبرکان (خداوند) وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد". (۱۵۱)

۲ - وَنُرِیدُ أن نَمُنّ عَلَی الّذینَ استُضعِفُوا فِی الأرضِ ...(۱۵۲) "وارد کرده ایم که بر مستضعفان

زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان (زمین) قرار دهیم".

چنانکه در بخش "مهدی در منابع شیعه" نقل کردیم، امیر مؤمنان - علیه السلام - پس از پیشگویی بازگشت و گرایش (مردم) جهان به سوی خاندان وحی، این آیه را تلاوت فرمود. (۱۵۳)

"محمد بن جعفر"، یکی از علویان، در زمان مأمون بر ضد خلافت عباسی قیام کرد. او می گوید: روزی شرح گرفتاریها و فشارهایی را که با آنها روبرو هستیم، برای مالک بن انس نقل کردم. او گفت: صبر کن تا تأویل آیه: وَنُریدُ أن نَمُنّ عَلَی الّذین... آشکار گردد. (۱۵۴)

۳ - وَعَدَ اللهُ الّذینَ آمَنُوا مِنکُم وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنّهُم فِی الأرضِ کَمَا استَخلَفَ الّذین مِن قَبلِهِم وَلَیُمَکّنَنّ لَهُم دینَهُمُ الّذِی ارتَضی لَهُم وَلَیُبَدِلَنّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم أَمناً یَعبُدُونَنی لایُشرِکُونَ بِی شَیئاً... (۱۵۵).

"خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را خلیفه روی زمین خواهد کرد، همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید؛ و دین و آیینی را که خود برای آنان پسندیده استقرار خواهد بخشید و بیم و ترس آنان را به ایمنی و آرامش مبدّل خواهد ساخت (آنچنانکه) مرا می پرستند و چیزی را برای من شریک قرار نمی دهند...".

مرحوم "طبرسی" در تفسیر این آیه می گوید:

از خاندان پیامبر روایت شده است که این آیه درباره آل محمد (ص) نازل شده است. "عیّاشی" از حضرت علی بن الحسین - علیه السلام - روایت کرده است که این آیه را خواند و فرمود: به خدا سوگند آنان شیعیان ما خاندان پیامبر هستند. خداوند این کار را در حق آنان به دست مردی از

ما به انجا می رساند و او مهدی این امت است. او همان کسی است که پیامبر(ص)درباره او فرمود:

"اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می گرداند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. اسم او اسم من (محمد) است، او زمین را از عدل و داد پر می سازد همان گونهکه از ظلم و جور پر شده باشد".

"طبرسی" می افزاید: این معنا در تفسیر آیه مزبور از امام باقر - علیه السلام - و امام صادق - علیه السلام - نیز روایت شده است. (۱۵۶)

فواید وجود امام در دوران غیبت

اینک که بحث ما پیرامون حضرت مهدی به اینجا رسید، مناسب است که به یکی از شایعترین پرسشها پیرامون آن حضرت پاسخ گوییم، و آن این است که: فایده وجود امام در عصر غیبت چیست؟ به تعبیر دیگر: زندگی امام در دوران غیبت یک زندگی خصوصی است نه یک زندگی اجتماعی در نقش یک پیشوا. بنابرانی وجود مقدس او چه اثر عمومی برای مردم می تواند داشته باشد و مردم چه نوع بهره ای می توانند از او ببرند؟

البته باید توجه داشته باشیم که غایب بودن امام هرگز به این معنا نیست که وجود آن حضرت به یک روح نامرئی یا امواج ناپیدا و رؤیایی و امثال اینها تبدیل شده است! بلکه وی یک زندگی طبیعی عینی و خارجی دادر، منتها با عمری طولانی. آن حضرت در میان مردم و در دل جامعه ها رفت و آمد دارد و در نقاط مختلف زندگی می کند ولی به صورت ناشناس. و فرق بسیار است بین "نامرئی" و "ناشناس". (۱۵۷) امام صادق - علیه السلام -

می فرمود: مردم امام خود را گم می کنند. او در موسم حج حاضر می شود و مردم را می بیند ولی آنان او را نمی بینند. (۱۵۸)

خورشید پنهان

در پاسخ سؤال یاد شده یاد آوری کنیم که این سؤال تازگی نداشته و تنها در عصر ما مطرح نشده است، بلکه از روایات اسلامی بر می آید که حتی پیش از تولد حضرت مهدی - علیه السلام - نیز این سؤال مطرح بوده و هنگامی که پیامبر اسلامی و ائمه پیشین - علیهم السلام - از مهدی و غیبت طولانی آن حضرت سخن به میان می آوردند، با چنین سؤالی روبرو می شدند و به آن پاسخ می گفتند. به عنوان نمونه:

۱ - پیامبر اسلام در پاسخ این پرسش که آیا شیعه در زمان غیبت، از وجود قائم فایده ای می برد؟ فرمود: بلی، سوگند به پروردگاری که مرا به پیامبری بر انگیخت، در دوران غیبتش از او نفع می برند و از نو ولایتش بهره می گیرند، همان گونه که از خورشید به هنگام قرار گرفتن در پشت ابرها استفاده می کنند. (۱۵۹)

۲ - امام صادق - علیه السلام - فرمود: از روزی که خداوند حضرت آدم را آفریده تا روز رستاخیز، زمین هیچگاه خالی از حجت نبوده و نخواهد بود، یا حجت ظاهر و آشکار و یا غایب و پنهان، و اگر حجت خدا نباشد، خدا ستایش نمی شود.

راوی پرسید: مردم چگونه از امام غایب و پنهان استفاده می کنند؟ حضرت فرمود: آنچنانکه از خورشید پشت ابر استفاده می کنند. (۱۶۰)

۳ - خود حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - نیز روی این معنا تکیه کرده است. در توقیعی که آن حضرت در پاسخ به سؤالات "اسحاق بن یعقوب" صادر

فرمود و توسط محمد بن عثمان تحویل اسحاق گردید، چنین نوشت: اما چگونگی استفاده مردم از من همچون استفاده آنهاست از خورشید، هنگامی که در پشت ابرها پنهان می شود. (۱۶۱)

در توضیح این تشبیه باید یاد آوری کنیم که: خورشید دارای دو نوع نور افشانی است:

۱ - نور افشانی آشکار و مستقیم،

۲ - نور افشانی غیر مستقیم.

در نور افشانی آشکار، اشغه خورشید بخوبی دیده می شود ولی در تابش غیر مستقیم، ابرها همانند یک شیشه مات، نور مستقیم خورشید را گرفته و پخش می کند. اما آثار حیات بخش خورشید در رشد و نمو موجودات و...، مخصوص زمانی نیست که نور آن مستقیماً بر پهنه حیات و طبیعت می تابد، بلکه بسیاری از این آثار - مانند: تولید گرما، رویش و رشد گیاهان، تولید انرژی لازم برای حرکت و حیات، به بار نشستن درختان، خندیدن شکوفه ها و شکفتن گلها - در زمان تابش نور مات خورشید از پشت ابرها نیز وجود دارد. اشعه معنوی وجود امام، هنگامی هم که در پشت ابرهای غیبت پنهان است، دارای آثار گوناگونی است که با وجود متوقف شدن کلاس تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، فلسفه وجودی او را آشکار می سازد. اینک برخی از این آثار را به اختصار مورد بررسی قرار می دهیم.

۱ - جان جهان

طبق احادیث فراوانی که در موضوع امامت وارد شده، و بر اساس دلائلی است که دانشمندان ارائه کرده اند، در بینش اسلامی، امام، جان جهان است و جهان به وجود او بستگی دارد. امام قلب عالم وجود، هسته مرکزی جهان هستی و "واسطه فیض" بین عالم و آفریدگار عالم است و از این جهت حضور و غیبت او تفاوتی

ندارد. و اگر او - ولو به صورت ناشناس - در جهان نباشد، جهان هستی در هم فرو می ریزد. چنانکه امام صادق - علیه السلام - فرمود: اگر زمین بدون وجود امام بماند، ساکنان خود را در کام خود فرو می برد. (۱۶۲).

امام چهارم فرمود: در پرتو وجودئ ماست که خداوند آسمان را از فرو پاشی - جز به اذان او - نگه می دارد. در پرتو وجو ماست که خداوند زمین را از لرزش و سلب آرامش ساکنانش، نگه می دارد. به واسطه ماست که خداوند باران نازل می کند و رحمت خود را می گستراند و برکات و نعمتهای زمین را بیرون می آورد. و اگر آن کس از ما که در زمین است نبود، زمین اهل خود را فرو می برد. (۱۶۳)

۲ - پاسداری از آیین خدا

امیر مومنان - علیه السلام - در یکی از سخنان خود در مورد لزوم وجود رهبران الهی در هر عصر و زمان می گوید:

"خدایا چنین است، هرگز روی زمین از قیام کننده ای با حجت و دلیل، خالی نمی ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد و خواه بیمناک و پنهان، تا دلائل و اسناد روشن الهی از بین نرود و به فراموشی نگراید..." (۱۶۴).

پاسخ(قسمت ششم)

با گذشت زمان و آمیزش سلیقه ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و دراز شدن دست مفسده جویان به سوی تعالیم آمسانی، اصالت پاره ای از قوانین الهی از دست می رود و دین دستخوش تغییرات زیانبخش می گردد.

برای آنکه اصالت آیین الهی حفظ گردد و جلوی تحریفات و تغییرها و خرافات گرفته شود، باید این رشته به وسیله یک پیشوای معصوم ادامه یابد. در هر مؤسسه مهم، "صندوق آسیب ناپذیری" وجود دارد که اسناد

مهم آن مؤسسه را در آن نگهداری می کنند تا از دستبرد دزدان یا خطر آتش سوزی و امثال اینها محفوظ بماند. سینه امام و روح بلندش نیز صندوق آسیب ناپذیر حفظ اسناد آیین الهی است تا همه اصالتهای نخستین و ویژگیهای آسمانی این تعالیم را در خود نگاهدار کند. (۱۶۵)

حافظ "ابن حجر عسقلانی" در شرح "صحیح بخاری" پس از نقل احادیث حاکی از نزول حضرت عیسی – علیه السام – به زمین هنگام ظهور حضرت مهدی – عجل الله تعالی فرجه – و اقتدای او به آن حضرت می نویسد:

اینکه عیسی – علیه السلام – در آخر الزمان و نزدیک قیامت، به مرد از این امّت اقتدا می کند و پشت سر او نماز می خواند، دلیل بر نظریه صحیح در میان دانشمندان اسلامی است که: زمین هرگز از وجود حجت که با دلائل وبراهین آشکار، برای خدا قیام می کند، خالی نمی ماند. (۱۶۶)

۳ – امید بخشی

در میدانهای نبرد، تمام کوشش سربازان زبده وفداکار معطوف این امر است که پرچم سپاه، در برابر حملات دشمن همچنان در اهتزاز باشد، و متقابلاً ـ سربازان دشمن دائماً می کوشند پرچم آنها را سرنگون سازند، چرا که برقرار بودن پرچم، مایه دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمر آنها است.

همچنین وجود فرمانده لشگر در مقرّ فرماندهی – هر چند ظاهراً خاموش و ساکت باشد – خون گرم و پر حرارتی در عروق سربازان به گردش در می آورد و آنها را به تلاش بیشتر وا می دارد که فرمانده ما زنده است و پرچممان در اهتزاز!

امّا هرگاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود، یک لشگر عظیم با کارآیی فوق العاده ،یک مرتبه روحیه خود را

می بازد و متلاشی می گردد.

رئیس یک جمعیت یا یک لشگر، مادام که زنده است، هر چند مثلاً در سفر یا فرضاً در بستر بیماری باشد، مایه حیات و حرکت و نظم و آرامش آنهاست، ولی شنیدن خبر از دست رفتن او گرد و غبار یأس و نومیدی را بر سر همه می پاشد.

جمعیت شیعه طبق عقیده ای که به وجود امام زنده دارد، هر چند او را در میان خود نمی بیند، اما خود را تنها نمی داند، و اثر روانی این عقیده در روشن نگهداشتن چراغ امید در دلها ووادار ساختن افراد به خود سازی و آمادگی برای آن قیام بزرگ جهانی، کاملاً قابل درک است.

پروفسور "هانری کربن" استاد فلسفه در دانشگاه سوربن (فرانسه) و مستشرق نامدار فرانسوی می گوید:

به عقیده من مذهب تشیّع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگهداشته است و به طور مستمر و پیوسته، ولایت را زنده و پا برجا می دارد.

مذهب یهود، نبوّت راک ه رابطه ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی، در حضرت کلیم ختم کرده و پس از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد(ص)اذعان ننموده و رابطه مزبور را قطع می کند. همچنین مسیحیان در حضرت مسیح متوقف شده اند. اهل سنت از مسمانان نیز در حضرت محمد(ص)توقف کرده و با ختم نبوّت در ایشان، دیگر رابطه ای میان خالق و مخلوق، موجود نمی دانند. تنها مذهب تشیّع است که "نبوّت" را با حضرت محمّد(ص)ختم شده می داند، ولی "ولایت" را که همان رابطه هدایت و تکمیل می باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می داند (۱۶۷).

در مورد شخصیت امام زمان (عج) توضیح دهید؟

پرسش

در مورد شخصیت امام زمان (عج) توضیح دهید؟

پاسخ

حضرت ولی عصر(عج) روز پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمد، (اصول کافی، چاپ آخوندی، عربی، ج اول، ص ۵۱۴، باب مولد الصاحب(ع)). پدرش ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع)است که در سال ۲۶۰ هجری قمری به شهادت رسید، (همان، ص ۵۰۳). مادر حضرت ولی عصر(ع) بانوئی است بنام ریحانه که به او «نرگس»، «سوسن» و «صیقل» گفته می شود، (جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۴، فائده ثالثهبه نقل از خلاصه علاّمه). حضرت ولی عصر(ع)، تا سال ۲۶۰ هجری قمری تحت تربیت و سرپرستی پدر بزرگوارش می زیست و در همان زمان از مردم پنهان نگه داشته می شد و جز خواصّی از شیعیان امام حسن عسکری(ع)، کسی با آن حضرت ملاقاتنداشت. حتی امثال ابو هاشم جعفری که از خواصّ امام حسن عسکری است از وجود آن حضرت بی خبر بودند. ابو هاشم می گوید: به ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع) گفتم:

جلالت تو مانع پرسش من است. آیا می توانم سؤالی بکنم؟ امام فرمود: بپرس. گفتم: سرورم! آیا شمافرزندی دارید؟ فرمود: دارم. گفتم: اگر حادثه ای پیش آمد، او را در کجا ببینم؟ فرمود: در مدینه، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، باب الاشاره و النص الی صاحب الدار(ع)).

یکی از کسانی که حضرت ولی عصر را دیده است، ابو عمرو عثمان بن سعید است. عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: من و ابو عمرو نزد احمدبن اسحاق رفتیم. وقتی همه اجتماع کردیم، احمد بن اسحاق به من شااره کرد که درباره جانشین حضرت ابا محمد امام حسنعسکری(ع) از ابو عمرو بپرسم. به ابو عمرو گفتم: ای ابا عَمرو!

می خواهم از چیزی سؤال بکنم که در آن شکی نـدارم چون اعتقاد من و دین من این است که کره زمین از حجّت خدا خالی نمی ماند مگر چهل روز مانده به روز قیامت و چون آن روز برسد حجّت برداشته می شود و راه توبهبسته می شود و اگر کسی پیش از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمانش به او سودی نخواهد بخشـید و آن افراد بدترین خلق خواهند بود. گرچه ایمان به این دارم ولی می خواهم اطمینان خاطر پیـدا کنم و یقینم بیشتر گردد همانطوری که حضـرت ابراهیم از خداوند خواست که به او کیفیتزنـده کردن مرده هـا را نشـان بدهـد و خداونـد به او گفت: مگر ایمـان نیـاوردی و او جواب داد: چرا، می خواهم قلبم مطمئن شود و احمـد بن اسـحاق به من گفته است که روزی از حضـرت ابـاالحسن امام هادی(ع) پرسـیدم: با چه کسـی رفت و آمد کنم و دینم را از او بگیرم و حضرت امامهادی(ع) گفته است ابو عمرو مورد اعتماد من است و هر چه او گفته من گفته ام و همچنیـن احمـد بـن اسـحاق گفت: از حضـرت امـام حسن عسـکری پرسـیدم: از چه کسـی احکـام دین خـود را بگیرم و آن حضـرت فرمود: ابو عمرو و پسـرش مورد اعتمـاد من است. آنـان از من هر چه برای شـماگفتند، درست گفته انـد. تو پیرو آنان بـاش و هر چه می گوینـد اطـاعت کن که هر دو مـورد اعتمـاد من هسـتند. این، گفتـار دو امـام دربـاره توست. وقـتی ابوعمرو حرفهـای مرا شـنید به سـجده افتـاد و گریست. پس از آن گفت: سؤالت را بگو. گفتم: آیـا شـما جانشـین حضـرت امـام حسـن عسکری(ع)را دیده ای؟ فرمود: به

خدا قسم دیده ام گفتم: یک سؤال دیگر مانده است. گفت: بگو. گفتم: نامش چیست؟ گفت: سؤال از نام او بر شما تحریم شده است و این دستور خود حضرت است نه دستور من زیرا خلیفه چنین می پندارد که حضرت امام حسن عسکری وفات یافته و فرزندی ازخود به جای نگذاشته است و میراثش تقسیم شده است. او می پندارد خانواده امام حسن عسکری(ع) در بدر شده اند و کسی را ندارند. اگر اسم حضرت به زبانها بیفتد، تعقیبش می کنند. پس از خدا بترسید و از این موضوع دست بردارید، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۹باب فی تسمیه من رآه(ع)، ح ۱).

این ابو عمرو و پسرش هر دو از جانشین های مخصوص حضرت ولی عصر(ع) هستند.

حضرت ولی عصر(ع) پس از شهادت پدرش، دیگر جز نوّاب خاصّه کسی با او ملاقات نمی کرد مگر در موارد استثنائی. و از آن زمان که حضرت امام حسن عسکری(ع) به شهادت رسیدند، غیبت امام زمان(ع) شروع شد.

حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: برای قائم آل محمد(ص) دو غیبت در پیش است. یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه مدت، فقط خواص شیعه از جای آن حضرت آگاهند و در غیبت طولانی خواصّ موالی از جای آن حضرت باخبر هستند،(کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹).

آن حضرت در غیبت صغری چهار نفر جانشین داشتند که به «نواب اربعه» معروفند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری.

غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و در سال ۳۲۹ خاتمه یافت. و غیبت کبری از ۳۲۹ شروع و تا وقتی که خداوند بخواهد ادامه

خواهد یافت، (شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۱۴۸، چاپ اول) در غیبتکبری، حضرت ولی عصر نایب خاصّ ندارد و هر کس ادعای نیابت خاص کند، در ادعای خود کاذب است.

در روایات زیادی آمده است که حضرت ولی عصر(ع) پس از پایان غیبت کبری ظهور و جهان را پر از عدل خواهد رکد. برای ملاحظه روایات مربوط به این موضوع به کتاب «منتخب الاثر» نوشته آیه الله صافی مراجعه کنید. در ص ۲۴۷ باب ۲۵ از مآخذ گوناگون روایات راآورده است.

هم پیامبر اسلام(ص)، هم فاطمه زهرا(س) و هم امامان معصوم(ع) به وجود حضرت مهدی بشارت داده اند. به علاوه شیعه و اهل سنّت هم به وجود حضرت مهدی(ع) معتقد هستند. برخی از روایات اهل سنت به این صورت است:

پیامبر اکرم(ص) فرمود: لا تذهب الدنیا حتی یملك العرب رجل من اهل بیتی یواطی ء اسمه اسمی ؛ جهان به پایان نمی رسد تا مردیاز اهلبیتم که همنام من است بر عرب حکومت کند{M»، (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، چاپ مدنیه، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶).

پیامبر اکرم فرمود: المهدیّ منّا اهل البیت یصلحه الله فی لیله ؛ مهدی از خاندان ما است و خداوند کار او را یک شبه روبراهمی کند{M»، (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸).

ام سلمه گفت: از رسول خدا شنیدم که فرمود: المهدی من ولد فاطمه ؛ مهدی از فرزندان فاطمه است{M»، (همان، ص ۱۳۶۸).

پیامبر خدا فرمود: یخرج فی آخر امتی المهدی ؛ در پایان امت من، مهدی خروج می کند{M»، (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص۵۵۸).

در حدیثی آمده است که پیامبر اسلام فرمود: یکون فی امّتی المهدی ؛ مهدی، در امت من است{M»، (همان).

ام سلمه می گوید:

از پیامبر شـنیدم که فرمود: المهـدی من عترتی، من فاطمه ؛ مهدی از خاندان من و از نسل فاطمه است{M»، (سنن ابی داود، ج ۴،ص ۱۰۷).

رسول خدا فرمود: افضل العباده انتظار الفرج ، (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید).

سایر موارد

آیا مادر امام زمان(ع) غیر از نرجس نام های دیگری دارد؟

پرسش

آیا مادر امام زمان(ع) غیر از نرجس نام های دیگری دارد؟

پاسخ

برخی از مورخـان وسیره نگـاران اسم هـای دیگر مـادر امـام زمـان(ع) را ریحـانه، سـوسن و صـقیل ذکر کرده انـد.۵ یکی از نویسـندگان می نویسـد: "حضـرت حجه بن الحسن(ع) پـدرش امـام حسن عسـکری و مـادرش زن رومی به نـام هـای سـوسن، نرجس، ریحـانه و صـیقله بود که به احتمـال زیـاد میـان افراد خـانواده امام به نرجس شـهرت داشت و امام نیز بیشتر با همین نام صـدایش می کرد. گفته یم شود که امام هادی یکی از خاصان خود را به بغـداد، جایی که غنایم جنگی در معرض فروش قرار می گرفت فرستاد و او را خریداری کرد و به عقد پسرش حسن(ع) در آورد.۶

۵ روضه الواعظین، ۲۹۳؛ ارشاد مفید، ص ۴۳۲.

۶ هاشم معروف الحسینی، زندگی دوازده امام، ج۲، ص ۵۳۸ (ترجمه محمد رخشنده).

مهدی آل محمد کیست و چرا در انتظار آمدن وی به سر می برید ؟

پرسش

مهدی آل محمد کیست و چرا در انتظار آمدن وی به سر می برید ؟

پاسخ

از مسـائلی که شـرایع آسـمانی بر آن اتفـاق نظر دارنـد , مسـاله مصـلح جهانی است که در آخر الزمان ظهور می کنـد . نه تنها جامعه اسـلامی بلکه جامعه های یهود و نصاری نیز منتظر آمـدن این عدل گستر جهان هسـتند . با مراجعه به کتابهای عهد عتیق وعهـد جدید , این حقیقت روشن می گردد . (۱)در این مورد , پیامبر گرامی نیز گفتاری دارد که محدثان اسـلامی آن را نقل کرده انـد . آنجا که می فرمایـد : لو لم یبق من الـدهر الا یوم لبعث اللّه رجلا من اهل بیتی یملاها عـدلا کما ملئت جورا . (۲)-

اگر از روزگار , بجز یک روز باقی نمانـد , همانا خداونـد مردی از خاندان من برمی انگیزد تا جهان را پر از عدل و داد کند , چنـانکه پر از سـتم گردیـده است . بنـابراین , چنـانکه در پیش اشـاره شـد اعتقاد به چنین مصـلحی مورد اتفاق صاحبان شـرایع آسـمانی است و نیز روایات فراوانی پیرامون مهدی موعود , در کتابهای صحاح ومسانید اهل سنت , وارد شده است و محدثان و محققان اسـلامی از فریقین (شـیعه وسـنی) درباره آن حضـرت , کتابهای فراوانی به رشـته تحریر درآورده اند . (۳)مجموعه ایـن روایـات , خصوصـیات و نشـانه هـای او را بگـونه ای معیـن نمـوده کـه درست برفرزنـد بلافصـل امـام حسن عسـکری (۴) یازدهمین پیشوای شـیعه , تطبیق می نماید . براساس این روایات , آن حضرت همنام پیامبر گرامی (۵) و دوازدهمین پیشوا (۶) و ازنوادگان حسین

بن علی بن ابی طالب علیهم السلام (۷) می باشد . مهدی موعود به امر الهی در سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمد و هم اکنون بسان سایرافراد به زندگانی خود ادامه می دهد البته به صورت ناشناس . لازم به گفتن است که چنین عمر طولانی , نه با علم و دانش ناسازگار است و نه بامنطق وحی . جهان دانش امروز درصدد افزایش عمر طبیعی انسانها است و بر این باوراست که بشر استعداد و شایستگی عمر طولانی را دارد و اگر بخشی از آفات و آسیبهاپیشگیری شود , امکان افزایش آن زیاد است . تاریخ نیز اسامی کسانی را که دارای عمر طولانی بوده اند ضبط نموده است . قرآن مجید درباره نوح پیامبر می فرماید : فلبث فیهم الف سنه الا خمسین عاما . (۸)- نوح در میان قوم خود , هزار سال زندگی کرد , مگر پنجاه سال . و درباره حضرت یونس می فرماید : فلولا انه کان من المسبحین للبث فی بطنه الی یوم یبعثون . (۹)- اگر او از تسبیح کنندگان نبود , تا روز رستاخیز در شکم (ماهی) باقی می ماند . همچنین حضرت خضر پیامبر و حضرت عیسی علیهماالسلام , از دیدگاه قرآن و به اتفاق آرای مسلمانان جهان , هنوز زنده هستند و به حیات خویش ادامه می دهند .

حضرت قائم چندمین فرزند امام حسین(ع) است؟

پرسش

حضرت قائم چندمین فرزند امام حسین(ع) است؟

پاسخ

از سلمان روایت شده است: وارد شدم بر پیامبر در حالی که حسین بر زانوی مرحمت او بود، پیامبر به او روی میکرد و میفرمود: [تو آقا، پسر آقا و پدر آقایانی، تو امام، پسر امام، پدر امامانی، تو حجت، پسر حجت، پدر حجتهای نهگانهای که از صلب تو هستند، نهمین ایشان قائم آنها است.]

آیا امام زمان(عج) از غذای این جهان تغذیه می کند؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) از غذای این جهان تغذیه می کند؟

پاسخ

امام زمان(عج) و نوع زندگی و معیشت ایشان تمام از اسرار آنهاست که جز اولیاء خداوند کسی از آن اطلاع ندارد. ولی همانطور که در قرآن کریم می خوانیم خداوند متعال حضرت مریم(علیهم السلام) را بدون اینکه کسی برای او غذا بیاورد تغذیه می کرد آنهم از طعام بهشتی در سوره آل عمران آیه ۳۷ می فرماید: کلما دخل علیاً ذکریا المحراب وجد عندها رزقاً قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عندالله ان الله یرزق من یشاء بغیرحساب.

یعنی: هرگاه زکریا(علیه السلام) به محراب عبادت مریم(علیها السلام) می آمد غذای مخصوصی در آنجا می دید، از او

پرسید: ای مریم این را از کجا می آورده ای؟!

گفت: این از سوی خداست، خداوند به هرکس بخواهد بی حساب روزی می دهد.

پس با قبول قدرت لایزال الهی و با پذیرش وقوع این امور نسبت به اولیاء الهی، امام زمان(عج) تحت عنایت حضرت حق به حیات مبارک خود ادامه می دهند و از نعم الهی بهره مندند.

آیا ادعای اینکه امام زمان صورت وجودی خداست درست است ؟

پرسش

آیا ادعای اینکه امام زمان صورت وجودی خداست درست است ؟

پاسخ

مقدمه اول: خداوند را ذاتی است و اسماء و صفاتی و ما بخاطر محدودیت وجودی از شناخت ذات حضرت حق محرومیم ولی از طریق اسماء و صفات در حدّ قابلیت خویش و بهره وجودی مان خدا را می شناسیم. در قالب یک مثال برای ما امکان شناخت ذات و حقیقت افرادمیسّر نیست بلکه ما آنها را از طریق افعال و حالات و اوصافشان می شناسیم چرا که ذات آدمی امری مجرّد و برهنه از مادیّت است و از طریق امور محسوس خارجی نمی توان امر مجرد (نَفْس) را شناخت بلکه باید با علم حضوری به روح و نفس معرفت حاصل نمود. آنچنانکه هرکس به خویشتن علم حضوری دارد.

مقدمه دوم: همه موجودات عالم امکان آیات و نشانه های حضرت حق اند. که هیچ هوّیتی از خود ندارند جز اینکه دلالت کننده بر آن وجود مطلق (خداوند) می باشند. و هر کس به قدر وسعت وجودی اش نشانگر اسماء و صفات خدای سبحان است و در آئینه وجود هر موجودیمی توان جلال و جمال حضرت معبود را مشاهده نمود. (هر که را حُسنی بود آئینه دار روی اوست)

اما بعضی موجودات آیت و نشانه بودنشان بسیار محدود و ضعیف و بعضی دیگر بسیار وسیع و شدید و حضرات معصومین(ع) چون واسطه فیض اند و رابطه بین عالم غیب و شهود. و به مضمون زیارت جامعه کبیره: (سلام بر شما ای خاندان نبوت حجت های خدا بر اهل دنیا وآخرت... خداوند شما را به جانشینی خود در زمین پسندید... بواسطه شما خداوند هستی را آغاز نمود... شما نشانه های خدائید بر بندگانش و نشانه های خدا با شماست...)

و لذا آئینه تمام نمای

اسـماء و صـفات حضـرت حق انـد. همـانگونه که مـا در آئینه صورت اشـیاء را می بینیم. و صورت در این مثال نمایش و جلوه اشیاء است. در آئینه وجود انسان کامل می توان حضرت حق را مشاهده نمود. و منظور از مشاهده حضرت حق رؤیت حسی و بصـرینیست چرا که پروردگار نه محسوس است و نه مرکب. بلکه غرض اینست که انسان کامل (معصوم)جلوه و مظهر جلال و جمـال پروردگـار است آنهم به کـاملترین وجه از این رو در هیـچ آئینه و مرآتی بهـتر از مرآت انسـان کامـل نمی تـوان حق را مشاهده کرد.

از اینرو امـام علی(ع) فرمـود: برای خداونـد هیـچ آیـت و نشـانه ای بزرگـتر از مـن نیسـت. (ر.ک: نـورالثقلین ۵/۴۹۱/۵) چون حضـرات معصومین(ع) نور واحداند کُلُّهم نورٌ واحد) این حکم حضـرت امیر(ع) نسبت به بقیه معصومین نیز جاری است ولذا وجود تابناک و مقدس حضـرت صاحب الزمان(عج) عظیم ترین آیت و نشانه پروردگار است. و اسـماء و صفات خداوند را به بهترین صورت می توان در مرآت وجودی حضـرت ولی عصـر(عـج) مشاهده نمود. به عبارت دیگر عالی ترین و تابناک ترین جلوه و ظهور حضرت حق در آئینهانسان کامل (معصوم) محقق می گردد.

نکته حـائز اهمیت در این زمینه اینست که به هیـچ وجه نبایـد از لفـظ صورت معنـای هیئت، شـکل، قیـافه و یـا فعلیت را منظور داشت چرا که این معانی با اطلاق و وجوب وجودی پروردگار سازگار نمی باشد.{J

در خصوص امام زمان و ظهور امام عصر توضیحاتی لازم را برایم ارسال فرمایید.

پرسش

در خصوص امام زمان و ظهور امام عصر توضیحاتی لازم را برایم ارسال فرمایید.

پاسخ(قسمت اول)

حضـرت ولی عصر(عج) روز پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمـد، (اصول کافی، چاپ آخونـدی، عربی، ج اول، ص ۵۱۴، باب مولد الصاحب(ع)). پدرش ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع)است که در سال ۲۶۰ هجری قمری به شهادت رسـید، (همان، ص ۵۰۳). مادر حضـرت ولی عصـر(ع) بانوئی است بنام ریحانه که به او «نرگس»، «سوسن» و «صـیقل» گفته می شود، (جـامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۴، فائده ثالثه به نقل از خلاصه علاّمه). حضـرت ولی عصـر(ع)، تا سال ۲۶۰ هجری قمری تحت تربیت و سـرپرستی پدر بزرگوارش می زیست و در همان زمان از مردم پنهان نگه داشـته می شد و جز خواصّی از شیعیـان امام حسن عسـکری(ع)، کسـی با آن حضـرت ملاقات نـداشت. حتی امثال ابو هاشم جعفری که از خواصّ امام حسـن عسـکری است از وجود آن حضـرت بی خبر بودنـد. ابو هاشم می گویـد: به ابا محمـد حضـرت امام حسن عسـکری(ع) گفتم: جلالت تو مانع پرسـش من است. آیا می توانم سؤالی بکنم؟ امام فرمود: بپرس. گفتم: سـرورم! آیا شـمافرزندی دارید؟ فرمود: دارم. گفتم: اگر حادثه ای پیش آمـد، او را در کجا ببینم؟ فرمود: در مدینه، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، باب الاشاره و النص الی صاحب الدار(ع)).

یکی از کسانی که حضـرت ولی عصـر را دیده است، ابو عمرو عثمان بن سعید است. عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: من و

ابو عمرو نزد احمدبن اسحاق رفتیم. وقتی همه اجتماع کردیم، احمد بن اسحاق به من اشاره کرد که درباره جانشین حضرت ابا محمد امام حسن عسکری(ع) از ابو عمرو

بپرسم. به ابو عمرو گفتم: ای ابـا عمرو! می خواهم از چیزی سؤال بکنم که در آن شـکی نـدارم چون اعتقاد من و دین من این است که کره زمین از حجت خـدا خالی نمی ماند مگر چهل روز مانده به روز قیامت و چون آن روز برسد حجت برداشـته می شود و راه توبه بسته می شود و اگر کسی پیش از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمانش به او سودی نخواهد بخشید و آن افراد بـدترین خلق خواهنـد بود. گرچه ایمان به این دارم ولی می خواهم اطمینان خاطر پیـدا کنم و یقینم بیشتر گردد همانطوری که حضـرت ابراهیـم از خداونـد خـواست که به او کیفیت زنـده کردن مرده هـا را نشـان بدهـد و خداونـد به او گفت: مگر ایمـان نیاوردی و او جواب داد: چرا، می خواهم قلبم مطمئن شود و احمد بن اسـحاق به من گفته است که روزی از حضرت اباالحسن امام هادی(ع) پرسـیدم: با چه کسـی رفت و آمد کنم و دینم را از او بگیرم و حضـرت امام هادی(ع) گفته است ابو عمرو مورد اعتماد من است و هر چه او گفته من گفته ام و همچنین احمد بن اسـحاق گفت: از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم: از چه کسـی احکـام دیـن خـود را بگیرم و آن حضـرت فرمـود: ابـو عمرو و پسـرش مـورد اعتمـاد من است. آنـان از من هر چه برای شماگفتنـد، درست گفته انـد. تو پیرو آنان باش و هر چه می گوینـد اطاعت کن که هر دو مورد اعتماد من هسـتند. این، گفتار دو امام درباره توست. وقتی ابوعمرو حرفهای مرا شنید به سجده افتاد و گریست. پس از آن گفت: سؤالت را بگو.

گفتم: آیا شما جانشین حضرت امام حسن عسکری(ع)را دیده ای؟ فرمود: به خدا قسم دیده ام گفتم: یک سؤال دیگر مانده است. گفت: بگو. گفتم: نامش چیست؟ گفت: سؤال از نام او بر شما تحریم شده است و این دستور خود حضرت است نه دستور من زیرا خلیفه چنین می پندارد که حضرت امام حسن عسکری وفات یافته و فرزندی ازخود به جای نگذاشته است و میراثش تقسیم شده است. او می پندارد خانواده امام حسن عسکری(ع) در بدر شده اند و کسی را ندارند. اگر اسم حضرت به زبانها بیفتد، تعقیبش می کنند. پس از خدا بترسید و از این موضوع دست بردارید، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۹باب فی تسمیه من رآه(ع)، ح ۱).

این ابو عمرو و پسرش هر دو از جانشین های مخصوص حضرت ولی عصر(ع) هستند.

حضرت ولی عصر(ع) پس از شهادت پدرش، دیگر جز نواب خاصه کسی با او ملاقات نمی کرد مگر در موارد استثنائی. و از آن زمان که حضرت امام حسن عسکری(ع) به شهادت رسیدند، غیبت امام زمان(ع) شروع شد.

حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: برای قائم آل محمد(ص) دو غیبت در پیش است. یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه مدت، فقط خواص شیعه از جای آن حضرت آگاهند و در غیبت طولانی خواصّ موالی از جای آن حضرت باخبر هستند،(کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹).

آن حضرت در غیبت صغری چهار نفر جانشین داشتند که به «نواب اربعه» معروفند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری.

غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و در سال ۳۲۹ خاتمه یافت. و غیبت

کبری از ۳۲۹ شروع و تا وقتی که خداوند بخواهد ادامه خواهد یافت، (شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۱۴۸، چاپ اول) در غیبت کبری، حضرت ولی عصر نایب خاصّ ندارد و هر کس ادعای نیابت خاص کند، در ادعای خود کاذب است.

در روایات زیادی آمده است که حضرت ولی عصر(ع) پس از پایان غیبت کبری ظهور و جهان را پر از عدل خواهد کرد. برای ملاحظه روایات مربوط به این موضوع به کتاب «منتخب الاثر» نوشته آیه الله صافی مراجعه کنید. در ص ۲۴۷ باب ۲۵ کتاب یاد شده از مآخذ گوناگون روایات راآورده است.

هم پیامبر اسلام(ص)، هم فاطمه زهرا(س) و هم امامان معصوم(ع) به وجود حضرت مهدی بشارت داده اند. به علاوه شیعه و اهل سنّت هم به وجود حضرت مهدی(ع) معتقد هستند. برخی از روایات اهل سنت به این صورت است:

پیامبر اکرم(ص) فرمود: لا تذهب الدنیا حتی یملك العرب رجل من اهل بیتی یواطی ء اسمه اسمی ؛ جهان به پایان نمی رسد تا مردیاز اهلبیتم که همنام من است بر عرب حکومت کند{M»، (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، چاپ مدنیه، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶).

پیامبر اکرم فرمود: المهدی منّا اهل البیت یصلحه الله فی لیله ؛ مهدی از خاندان ما است و خداوند کار او را یک شبه روبراه می کند{M»، (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸).

ام سلمه گفت: از رسول خدا شنیدم که فرمود: المهدی من ولد فاطمه ؛ مهدی از فرزندان فاطمه است{M»، (همان، ص ۱۳۶۸).

پیامبر خدا فرمود: یخرج فی آخر امتی المهدی ؛ در پایان امت من، مهدی خروج می کند{M»، (المستدرك علی الصحیحین، ج ۴، ص۵۵۸).

در حدیثی آمده است که

پیامبر اسلام فرمود: یکون فی امتی المهدی ؛ مهدی، در امت من است{M»، (همان).

ام سلمه می گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: المهدی من عترتی، من فاطمه ؛ مهدی از خاندان من و از نسل فاطمه است{M»، (سنن ابی داود، ج ۴،ص ۱۰۷).

رسول خدا فرمود: افضل العباده انتظار الفرج ، (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید).{J

وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می کند، وسایل پذیرایی را آماده می کند و با لباس مرتب و چهره ای شاداب در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه گویی او خواهند خندید.

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند

بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده می شود. نمی توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید».

با چنین توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور

امـام زمـان(ع) باشـد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهنـد خوشـحال شود و آماده باشـد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نمایـد و خود را درراه آن حضـرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبسـتگی به دنیا نیسـت چرا که چنین کسـی نمی توانـد از وابسـتگی ها و دلبسـتگی ها و آلودگی ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد:

۱. اولین شـرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنهـا هنگامی انسان در انتظار کسـی می نشـیند که او را خوب بشـناسد اما اگر انسان کسـی را نشـناسد و بدانـد که آن شـخص خواهـد آمـد برایش اهمیتی نخواهـد داشت و منتظر او نخواهـد مانـد. در مورد انتظـار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضـرت را نمی شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی کشند اما کسانی که او را می شناسند و ارزش او را می شناسند و مقام او رامی دانند منتظر او می مانند.

کسـانی که امام زمان را نمی شناسـند اگر چه به ظاهر مسـلمان باشـند چنانچه در این حال بمیرنـد در حال جاهلیت از دنیا رفته اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱).

بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و

طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند. آری

وصل خورشید به شب بره اعمی نرسد که در این آینه صاحب نظران حیرانند

البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می شود.

همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد.

۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه

می تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله ور نشده باشد نمی تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳).

۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود با به گونه ای سامان می دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می شود. و تنها در این صورت است که می توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت.

طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون تر خواهد گشت.

۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و

منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البرّ و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید.

۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می کشد و از خدا می خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظران حضرتش می باشد. دعا برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می باشد.

۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل های مختلف؛ اگر انسان منتظر، محبوب خویش را نیابد، سعی می کند عدم ورود محبوب خویش را از طرق دیگر مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می کند.

۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام

و یاد آن حضرت را زنده نگه می دارند.

۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب هایی برای آن حضرت

۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران.

۱۰. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران

۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶).

پاسخ(قسمت دوم)

از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می باشد.

ترسیم تفصیلی عصر ظهور امکان پذیر نیست اما به صورت فشرده به سیمای کلی آن اشاره می کنیم:

روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی(عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی های منطقه ای و جهانی از مکه آغاز می گردد. آنگاه در سطح جهان نبردی سخت میان غربی ها و ترکان و یا هواداران آنها به وجود می آید تا جایی که منجر به جنگ جهانی می گردد. اما در سطح منطقه دو حکومت هوادار حضرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می شوند که سرانجام در آن پیروز می گردند. اندک زمانی پیش از ظهور آن بزرگوار شعیب بن صالح در یمن قیام می کند و سید خراسانی در ایران و هر دو زمینه سازی برای ظهور امام زمان می کنند و در برخی روایات خروج شعیب بن صالح از سمرقند بیان شده است

(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳).

اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشیدن به خلاء سیاسی که در حجاز به وجود می آید همکاری می نماید.

از جمله نشانه های ظهور حادثه ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می دهد. در این هنگام نشانه های ظهور حضرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ ماه رمضان شنیده می شود پس از این ندای آسمانی حضرت مهدی(عج) به طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می نماید. درباره آن بزرگوار در سراسر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل ها جای می گیرد.

دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک شده و می کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند ازاین رو سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشمی که دست یابند او را دستگیر و یا می کشند و یا به زندان می اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیام خویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشاء از حرم شریف مکی آغاز می کند و پس از درگیری بر مکه تسلط می یابد. در صبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان های مختلف به تمام جهان ابلاغ می کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلام می دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه ای که جد گرامی اش حضرت رسول(ص) وعده فرموده محقق شود و آن فرو رفتن لشکریان سفیانی به زمین است

که برای درهم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می شوند.

آن حضـرت پس از این معجزه بـا سپاه خود که متشکل از ده و انـدی هزار تن است از مکه رهسپار مـدینه می شود و پس از نبردی با نیروهای دشـمن مستقر در آنجا، مـدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز و تسلط بر منطقه خـاتمه می یابـد. وی پس از پیروزی بر حجـاز راهی جنوب ایران می شود و در آنجا با سپاه ایران و توده های مردم آن سامـان به رهبری خراسـانی برمی خورد. آنـان بـا او بیعت کرده و بـا همرزمی یکـدیگر بـا قوای دشـمن در بصـره به پیکـار می پردازند که سـرانجام به پیروزی بزرگ و آشکاری دست می یابند. سپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می کند و با درگیری با بقایای نیروهای سـفیانی و گروه های متعدد شورش آنها را شکست داده و به قتل می رساند. آنگـاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پـایتخت خود قرار می دهـد و بـدین سان یمن، حجاز،ایران، عراق و کشورهای خلیج فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضـرت درمی آیـد. بعد از آن جنگ هایی با ترکان و یهودیان صورت می پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضـرت(عـج) است. غربیان مسـیحی از این وقایع سـخت نگران شده و با حضـرت اعلان جنگ می کنند ولی ناگاه حضـرت عیسی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خویش جهان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می دهـد. فرود آمـدن حضـرت عیسـی(ع) برای جهان علامت و نشانه ای است که موجب شادی مسـلمانان و ملت های مسیحی خواهد گردید.

به نظر می رسد که حضرت مسیح(ع) میان حضرت مهدی(ع)

و غربی ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میان دو طرف بسته می شود. اما غربی ها بعد از دو سال پیمان صلح را می شکنند، لذا رومیان در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سرباز به سرزمین شام و فلسطین یورش می آورند. نیروهای اسلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضرت مهدی(عج) اعلام داشته و پشت سر وی در قدس نماز می گذارد. دراین جنگ مسلمانان پیروز می شوند. سپس غرب توسط امام فتح می گردد. پس ازفتح و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند. سپس پیکر پاک او را با پارچه ای که دست بافت مادرش مریم صدیقه(ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاک می سپارد.

پس از این فتوحات حضرت مهدی(عج) برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقدام می کند و برای تعالی بخشیدن و شکوفایی زندگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح آگاهی دینی و دنیایی مردم می کوشد.

به نظر میرسد که جنبش دجال ملعون و فتنه و آشوب او یک حرکت انحرافی بهره گیری از پیشرفت علوم و حالت رفاهی باشد که در زمان امام(عج) جامعه بشری به آن دست می یابد. دجال از روش های پیشرفته چشم بندی، برای فریب جوانان پسر و دختر و زنان که بیشترپیروان او را تشکیل می دهند استفاده می کند. ازاین رو در جهان موجی از فتنه و آشوب به وجود می آورد که فریبکاری های او را باور می کنند اما

حضرت مهدی(عج) نیرنگ های وی را آشکار ساخته و به زندگی او و هوادارانش خاتمه می بخشد.

این دورنمایی کلی از حرکت و انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) بود، (برای آگاهی بیشتر ر.ک: عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغاتاسلامی).

اما علائم و نشانه های ظهور که هر یک نویدی از نزدیک شدن ظهور آن حضرت(عج) است فراوان است که به ذکر مهم ترین آنها اکتفا می کنیم:

۱- خروج سفیانی: سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که پیش از ظهور حضرت خروج می کند و پس از ظهور با امام می جنگد.

امام صادق(ع) فرمود: «ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی(ع) و یزید با حسین بن علی(ع) به مخالفت برخاستند و سفیانینیز با قائم(عج) خواهد جنگید، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲).

۲- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است.

علی(ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷).

۳- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند.

امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت

نمی کند، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می کند.

۴- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک.

امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهور مهدی(عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴).

۵- صیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می شود.

امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده ای از آسمان نام قائم را ندا می کند پس هر که در شرق و غرب است آن را می شنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

درباره تعداد یاران خاص آن حضرت کلیاتی وارد شده است مانند این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد و اندی نفر بدون وعده پیشین گرد می آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳).

درباره ویژگی های یاران حضرت نیز طبق برخی از روایات خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است.

نشانه های دیگری نیز وجود دارد که برای مطالعه در این زمینه به کتابهای زیر مراجعه کنید:

۱- ظهور نور، علی سعادت پرور، نشر تشیع

۲- علائم ظهور امام زمان(عج)، محمد حسین همدانی، انتشارات صحفی

۳- نشانه های ظهور، سادات مدنی، نشر منیر

۴- از ولادت تا ظهور، کاظم قزوینی، ترجمه: فریدونی، نشر آفاق

۵- از ولادت تا ظهور، کربی، انتشارات الهادی

۶- کتابنامه امام زمان محمدپور

۷- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان رجالی تهرانی

۸- ترجمه منتخب الاثر آیت اللّه صافی

۹- مهدی موعود ترجمه علی دوانی

۱۰- وابستگی جهان به امام زمان لطف اللّه صافی

۱۱- امام زمان در گفتار دیگران علی دوانی

۱۲- علائم ظهور محمد علی علمی

آیاروایت بشر بن سلیمان در باره نحوه وصال حضرت نرگس خاتون با مولایمان امام عسکری روایت صحیحی است و قابل استناد؟

پرسش

آیاروایت بشر بن سلیمان در باره نحوه وصال حضرت نرگس خاتون با

مولایمان امام عسکری روایت صحیحی است و قابل استناد؟

پاسخ

برخی راویان این حدیث از جمله بشر بن سلیمان از نظر علم رجال مجهول هستند و نه توثیق شده اند و نه تضعیف. گرچه بشر بن سلیمان در همین روایت از سوی حضرت عسگری (علیه السلام) توثیق شده است ولی توثیقی که ناقل آن خود شخص باشد نمی تواند قابل اعتماد باشد.

ولی به نظر می رسد روایت از نظر متن صحیح است و مشکلی ندارد و مضامین آن صحیح است و با روایات دیگر هم مخالف نمی باشد و مورد قبول علمای امامیه بوده است. بنابراین روایت قابل اعتماد و استناد می باشد.

مهدی موعودعلیه السلام از ذریّه چه کسی است؟

پرسش

مهدی موعودعلیه السلام از ذریّه چه کسی است؟

پاسخ

همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که مهدی موعود (ع) از ذریه پیامبر اکرم (ص) است.

سعید بن مسیّب می گوید: نزد ام سلمه بودم که سخن از مهدی (ع) به میان آمد ام سلمه فرمود: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: "المهدی من ولد فاطمه"؛ "مهدی از {پاورقی . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶. پاورقی}

اولاد فاطمه است."

ابوسعید خدری می گوید: رسول خدا (ص) فرمود: "لاتقوم الساعه حتی تمتلئ الأرض ظلماً وعدواناً. قال: ثمّ یخرج رجل من عترتی (أو من أهل بیتی) یملأها قسطاً وعدلاً کما ملئت ظلماً وعدواناً"؛ "قیامت برپا نمی شود تا اینکه زمین پر از ظلم وجور شده باشد. فرمود:{پاورقی . مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶. پاورقی}

سپس مردی از عترتم یا از اهل بیتم [تردید از راوی است] قیام می کند وزمین را پر از عدل وداد خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم وجور شده است."

امام باقر (ع) فرمود: "المهدیّ رجل من ولد فاطمه"؛ "مهدی مردی از اولاد فاطمه است."

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۴۳، ح ۳۲. پاورقی}

وضعیت سیاسی در عصر امام عسکری علیه السلام وولادت حضرت مهدی علیه السلام چگونه بوده است؟

پرسش

وضعیت سیاسی در عصر امام عسکری علیه السلام وولادت حضرت مهدی علیه السلام چگونه بوده است؟

پاسخ

امام عسکری (ع) در ماه ربیع الاول سال ۲۳۲ هجری متولد شد. او معاصر با حکومت سه نفر از حاکمان بنی عباس؛ یعنی معتز، مهتدی ومعتمد بوده است. معتمد عباسی تعصّب وکینه خاصی نسبت به اهل بیت: داشت. از جمله کارهای او این بود که بعد از شهادت امام عسکری (ع) دستور داد خانه حضرت را تفتیش کرده، تا از وجود فرزند حضرت آگاه شود، واین به جهت سعایتی بود که جعفر به دستگاه حاکم کرده بود.

داوود بن اسود می گوید: امام عسکری (ع) عصایی به من داد وفرمود: این را به عَمْری برسان. در بین راه عصا شکست، ناگهان مشاهده کردم که در میان آن نامه ای است. خدمت امام که رسیدم جریان را بازگو کردم. حضرت فرمود: "... وإذا سمعت لنا شاتماً فامض لسبیلک الّتی أمرت بها وآیاک أن تجاوب من یشتمنا أوتعرفه من أنت، فأنا ببلد سوء ومصر سوء وامض فی طریقک فإنّ أخبارک وأحوالک ترد إلینا فاعلم ذلک"؛ "هر گاه مشاهده {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۸۳، ح ۶. پاورقی}

کردی که کسی ما را دشنام می دهد تو به دنبال مأموریتی که فرستاده شدی برو، ومبادا درصدد پاسخ او برآیی یا خودت را به او معرفی کنی، زیرا ما در بد شهری قرار داریم، تو به راه خودت ادامه بده، زیرا اخبار واحوال تو به ما می رسد، این را به خوبی بدان."

وحتی مشاهده می کنیم که امام به اصحاب خود دستور می دهد تا هیچ کس به او سلام نکند وبا دست به او اشاره ننماید؛ زیرا در غیر این صورت جانش در امان

نخواهد بود.

{پاورقی . همان، ص ۲۶۹. پاورقی}

حضرت (ع) برای ملاقات با شیعیان خود مکانی را معین می کرد ومی فرمود: "صیروا إلی موضع کذا وکذا وإلی دار فلان بن فلان. العشاء والعتمه فی لیله کذا، فإنّکم تجدونی هناک..."؛ "در فلان مکان وفلان خانه، شب هنگام مراجعه کنید که مرا در آنجا خواهید {پاورقی . همان، ص ۳۰۴. پاورقی}

یافت."

محمّد بن عبدالعزیز بلخی می گوید: صبح هنگامی در خیابان گوسفندفروشان نشسته بودم که ناگهان مشاهده کردم امام عسکری (ع) از منزل خود خارج شده وبه سوی خانه عمومی می رود. در دلم گفتم: اگر فریاد زنم که این مرد، حجت خداست، بر شما باد که او را بشناسید مرا خواهند کشت؟ هنگامی که حضرت به من نزدیک شد با انگشت سبّابه خود بر دهان خود اشاره فرمود که ساکت باش!. همان شب حضرت را ملاقات کردم، فرمود: "إنّه هو الکتمان أوالقتل فاتّقِ اللّٰه علی نفسک"؛ "یا باید کتمان کنی {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۸۹. پاورقی}

ویا اینکه به قتل خواهی رسید. بر خودت از خدا بترس."

به همین جهت است که مرحوم مقدس اردبیلی می فرماید: "هرگاه حدیثی از "رجل" نقل شد، مقصود امام حسن عسکری (ع) است".

{پاورقی . جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۲. پاورقی}

این قضایا وضعیت بس دشوار سیاسی عصر امام عسکری (ع) وزمان ولادت امام زمان (ع) را می رساند. وبه همین جهت است که ولادت آن حضرت در اختفای تام صورت پذیرفت.

در این بین امام عسکری (ع) دو وظیفه را دنبال می کرده است: یکی اینکه حضرت درصدد اثبات ولادت ووجود فرزندش بوده است ودیگر اینکه طوری باید فرزندش را معرفی کند که جانش در خطر نیفتد.

اولین مالک نرجس خاتون چه شخصی بوده است؟

پرسش

اولین مالک نرجس خاتون چه

شخصی بوده است؟

پاسخ

در این موضوع سه نظریه وفرضیه وجود دارد:

فرضیه اول: اینکه حضرت نرجس خاتون در ملک امام هادی (ع) داخل شد وسپس آن حضرت او را به تزویج فرزندش امام عسکری (ع) درآورد که در روایتی به آن اشاره شده است.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱. پاورقی}

فرضیه دوم: آن است که مالک او از خانواده امام، حکیمه دختر امام هادی (ع) بوده است، که از ظاهر برخی روایات دیگر استفاده می شود. زیرا حضرت هادی (ع) به خواهرش فرمود: "نرجس را به سوی فرزندم بفرست...".{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۲۶ـ۴۲۷. پاورقی}

فرضیه سوم: آن است که بین این دو قول جمع شود به اینکه در ابتدا امام هادی (ع) کسی را فرستاده تا برای او بخرد، وبعد از خرید به خواهرش بخشیده است. واین احتمال به جهت جمع بین روایات ترجیح دارد.

آیا امام عسکری علیه السلام قبل از شهادت خود به مادرش وصیّت کرده است؟

پرسش

آیا امام عسکری علیه السلام قبل از شهادت خود به مادرش وصیّت کرده است؟

پاسخ

۱پاسخ اول

- اگر چه در برخی از احادیثی که از جانب رسول خدا (ص) واهل بیت او درباره خروج مهدی (ع) وارد شده، تصریح شده که او قطعاً فرزند امام عسکری (ع) امام یازدهم است، ولی برخی هنگامی که ظلم وتجاوز را زیاد می دیدند واز طرفی همه اهل بیت را هدایت شده وهادی می دانستند، گاهی به امید اینکه یکی از اهل بیت، مهدی امت است به سراغ او می آمدند وادعای مهدویت در حق او می کردند وجماعتی را نیز به دنبال خود می کشیدند. این افراد غالباً از انسان های ساده اندیش وجاهل بودند، ودر برخی از موارد مسأله سیاسی نیز در این ادّعا دخالت داشته است.

۲ - کسانی که چنین ادعایی داشته اند هرگز دوام نیاورده وبعد از مدت کوتاهی به جرگه عموم شیعیان پیوسته ویا منقرض شده اند.

۳ – میزان در عقیـده یک مـذهب، نظر غالب افراد وعلمای آن مـذهب است. ومی دانیم که عقیده به مهدویت حضـرت مهدی (ع) فرزند امام عسکری (ع) عقیده قریب به اتفاق شیعیان به حساب می آید.

۴ – در برخی از موارد که گروهی قائل به مهدویت غیر از حضرت مهدی (ع) شدند به جهت شبهه ای بوده که برای آنها پدید آمـده است؛ زیرا موقعیّت آن عصـر چنین حیرت وتردیـدی را اقتضـا داشـته است، گرچه این حیرت نیز بعـد از مـدت کوتـاهی برطرف گشت.

پاسخ دوم

شیـخ مفیـد؛ می گویـد: برخی موضوع وصیّت امـام عسـکری (ع) به مـادرش در امر وقوف وصـدقات را دلیل بر انکار ولادت حضرت مهدی (ع) گرفته اند در حالی که هرگز چنین دلالتی ندارد؛ زیرا این کار به جهت اخفای ولادت ومستور

نمودن امر حضرت از دستگاه حاکم بوده است. اگر در وصیّت نامه حضرت، نام مهدی ذکر می شد وصدقات وموقوفات به او نسبت داده می شد به طور حتم با غرض حضرت از محافظت فرزندش منافات داشت. خصوصاً آنکه وصیّت، احتیاج به شهادت شهودی از خواص دولت بنی عباس بود تا بر اصل وصیّت گواهی داده وبر آن امضا کنند. مگر در عصر امام صادق (ع) نبود که آن حضرت به جهت حفظ فرزندش موسی بن جعفر (ع) از تعرّض دستگاه حکومت، تصریح به امامت ووصایت او در ملأ عام ودر وصیت نامه اش نکرد، بلکه به پنج نفر وصیّت نمود که اوّل آنها منصور عباسی وبعد ربیع وقاضی وقت وکنیزش حمیده بربریه، ودر آخر نام فرزندش موسی بن جعفر رإفع ع ذکر کرد، تا از این طریق بتواند جان فرزندش را حفظ کند، گرچه امر امامت او را برای خواص از اصحاب واولیای خود روشن ساخته بود تا با مرور زمان بر دیگران واضح سازند...".

{پاورقی . المسائل العشره، ص ۷۲-۶۹. پاورقی}

حکم کسی که ایمان به ولادت امام مهدی علیه السلام ندارد چیست؟

پرسش

حکم کسی که ایمان به ولادت امام مهدی علیه السلام ندارد چیست؟

پاسخ

از آنجا که ولادت ووجود حضرت مهدی (ع) مبنای شیعه در طول تاریخ بوده وبه تعبیری ضرورت مذهب به حساب می آمده است ولذا اجماع شیعه از عوام وخواص بر آن بوده است، بدین جهت کسی که منکر ولادت ووجود امام مهدی (ع) است، از تشیع وجامعه شیعی خارجی می شود، گرچه برای خود ادله ای وهمی ذکر کند، زیرا امر ضروری، خود بهترین دلیل بر اثبات آن است.

بلکه بالاتر از این، مطابق رأی متقدمین ومتأخرین از علمای امامیه که امامت را از اصول دین می دانند، کسی که منکر امامت ووجود امام معصوم در برهه ای از زمان باشد از دین خارج است، گرچه در ظاهر حکم به اسلام او می شود، همان گونه که چنین حکمی درباره اهل سنّت صادق است.

چرا جعفر به "دروغگو" معروف شده است؟

پرسش

چرا جعفر به "دروغگو" معروف شده است؟

پاسخ

در توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شد حضرت اشاره به جعفر کرده، می فرمایند:

"...وقد ادّعی هذا المبطل المفتری علی اللّه الکذب بما ادعاه، فلا أدری بأیّه حاله هیی له رجاء أن یتم دعواه، أبفقه فی دین اللّه؟ فواللّه ما یعرف حلالا من حرام ولا یفرق بین خطاء وصواب..."؛{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۹۰-۲۸۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۵، ح ۲۱. پاورقی}

"...به طور حتم این شخص مبطل وتهمت زننده به خدا است ودر آنچه می گوید ادعای دروغ وکذب نموده است، نمی دانم که به کدامین حالت امید دارد که ادعای خود را تمام نماید؟آیا به فهم در دین خدا؟ به خدا سوگند که او حلال را از حرام نمی شناسد واشتباه وصحیح را تشخیص نمی دهد...".

از این توقیع استفاده می شود اول کسی که به جعفر لقب دروغگو داد خود حضرت بوده است وبعد از آن این عنوان بر او شهرت یافت. برخی نیز وجه توصیف او را به دروغگو به جهت تمییز بین او وامام جعفر صادق (ع) می دانند.

کارهای ناشایست جعفر چه بوده است؟

پرسش

کارهای ناشایست جعفر چه بوده است؟

پاسخ

جعفر فرزند امام هادی (ع) پس از رحلت برادرش امام عسکری (ع) به یک سری اقداماتی روی آورد که در شأن او نبوده است. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - قصد نماز خواندن بر پیکر مطهّر برادرش امام عسکری (ع).

{پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۵. پاورقی}

۲ - ادعای امامت ورهبری، زیرا او به وزیر عباسی عبیداللّه بن یحیی بن خاقان گفت: "مقام برادرم را به من بدهید، من سالانه مبلغ بیست هزار دینار بابت آن به شما می پردازم".

{پاورقی . همان، ج ۲، ص ۳۷۹. پاورقی}

۳ - ادعای ارث، زیرا در اقدامی دیگر کوشید تا اموال امام (ع) را تصاحب نماید وادعا کرد که برادرش ابو محمّد (ص) فرزندی ندارد، وتنها وارث، برادر اوست. حکومت نیز اجازه داد تا بر اموال برادر تسلط یابد.

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۰۵. پاورقی}

۴ - تحریک حکومت برای دستگیری امام مهدی (ع).

چرا امام زمان علیه السلام عمویش جعفر را به برادران یوسف علیه السلام تشبیه کرد؟

پرسش

چرا امام زمان علیه السلام عمویش جعفر را به برادران یوسف علیه السلام تشبیه کرد؟

پاسخ

امام زمان (ع) در ذیل توقیعی که به محمّد بن عثمان عَمْری؛ صادر شد فرمود: "...وأمّا سبیل عمّی جعفر وولده فسبیل اِخوه یوسف۷..."؛ "امّا راه عمویم جعفر واولادش {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰. پاورقی}

همانند راه برادران یوسف است...".

برای نکته تشبیه به وجوهی می توان اشاره نمود:

۱ – حکم جعفر عموی امام زمان (ع) را همانند اولاد انبیا، باید به آباء واجدادشان واگذار نمود ودرباره آنها سخنی نگفت.

۲ – همان گونه که برادران یوسف از عمل ناشایست خود توبه کردند، او نیز چنین نموده است. ولذا برخی او را به جعفر توّاب لقب داده اند.

۳ – فرزندان یعقوب گرچه گناه مرتکب شدند، ولی خداوند متعال به جهت کرامت یعقوب از آنان عفو نمود. همچنین در مورد جعفر، زیرا او فرزند امام، برادر امام، وعموی امام بود.

۴ – ممکن است که تشبیه، ناظر به اثبات خطا وگناه برای جعفر باشد، همان گونه که اولاد یعقوب مرتکب گناه شدند، بدین معنا که هرگز نمی توان ادعا کرد اولاد انبیا واوصیا همانند خود آنها از گناه معصومند، بلکه همان گونه که فرزندان یعقوب مرتکب گناه شدند، فرزند امام نیز ممکن است مرتکب گناه شود. در حقیقت، هدف امام از تمثیل رفع استبعاد از این جهت است.

آیا مهدی علیه السلام از اولاد ونسل عباس است؟

پرسش

آیا مهدی علیه السلام از اولاد ونسل عباس است؟

پاسخ

عباسیان برای تثبیت موقعیت سیاسی خود دست به جعل احادیث زده واز احادیث متواتر مهدویت به نفع خود استفاده کرده اند.

اینک به نقد برخی از این احادیث می پردازیم:

۱ - احمد بن حنبل به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "هر گاه مشاهده نمودید که پرچم های سیاه از طرف خراسان می آید به آنها ملحق شوید؛ زیرا در میان آنها خلیفه خدا مهدی است".

{پاورقی . مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۷. پاورقی}

این حدیث را ابن قیم جوزیه در کتاب خود "المنارالمنیف" تضعیف کرده است، زیرا در سند آن علی بن زید وجود دارد که منفرداتش یعنی روایاتی که تنها او نقل کرده، قابل احتجاج نیست.

{پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۳۷، ذیل حدیث ۳۳۸. پاورقی}

۲ - ابن ماجه در سُننش همین مضمون را نیز نقل کرده است. ولی ابن قیّم نیز آن را{پاورقی . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ح ۴۰۸۲. پاورقی}

به خاطر وجود یزید بن ابی زیاد در سلسله سند آن تضعیف نموده است. آن گاه می گوید: "این حدیث وحدیث قبلی بر فرض صحّت نمی تواند دلیل بر این باشد که متولّی سلطنت وحکومت جهانی مهدی از اولاد عباس است که در آخرالزمان خروج خواهد نمود...".

{پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۳۷ـ۱۳۸. پاورقی}

خصوصاً آنکه مهدی عباسی در آخرالزمان نبوده وبا او بین رکن ومقام بیعت نشده است، ودجال را نکشته ونیز حضرت عیسی (ع) برای مساعدت او از آسمان فرود نیامده است، خصوصیاتی که در روایات برای حضرت مهدی (ع) آمده است.

به تعبیر دیگر هیچ یک از علایم وخصوصیات حضرت مهدی موعود (ع) بر او صادق نبوده است.

- عثمان بن عفان از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "مهدی از فرزندان عباس عموی من است".

{پاورقی . کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴، ح ۳۸۶۶۳. پاورقی}

اولاً: ابن الجوزی پی به وضع این حدیث برده ولذا آن را در کتاب "الموضوعات" آورده است، کتابی که در آن احادیث جعلی جمع آوری شده است.

ثانیاً: این حدیث توسط سه نفر از صحابه: کعب الاحبار، عثمان بن عفّان وعبداللّٰه بن عمر نقل شده است. سند حدیث کعب که ابن حماد آن را نقل کرده منقطع بوده وحکم این نوع حدیث، حکم حدیث مرسل است که نزد شیعه وسنی اعتباری ندارد مگر مراسیل برخی از افراد خاص. وحدیث عثمان بن عفان را که محب الدین طبری نقل کرده در سندش محمّد بن ولید واقع است که علمای رجال او را تضعیف نموده اند. وسند روایت عبداللّٰه بن عمر نیز ضعیف است.

آیا مهدی، همان عیسی بن مریم است؟

پرسش

آیا مهدی، همان عیسی بن مریم است؟

پاسخ

از جمله ادلّه منکرین مهدویت واعتقاد به ظهور حضرت مهدی (ع) در آخرالزمان حدیث ابن ماجه است که به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "ولا مهدیّ إلّا عیسی بن مریم"؛ ومهدی جز عیسی بن مریم نیست.

{پاورقی . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۰، ح ۴۰۳۹. پاورقی}

پاسخ:

۱ - بسیاری از صحابه که احادیث مهدویت را از رسول خدا (ص) نقل کرده اند مهدیّ را از ذرّیه رسول خدا (ص) می دانند.

۲ - این حدیث مورد اعراض علمای حدیث ومتکلّمین بوده وهیچ کسی به آن استناد نکرده است.

۳ - خود ابن ماجه در سنن خود حدیث "المهدیّ حقّ وهو من ولد فاطمه" را نیز نقل کرده است.

{پاورقی . همان، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶. پاورقی}

۴ - ابن قیّم جوزیه این حدیث را در "المنارالمنیف" نقل کرده وبه طور مبسوط آن را تضعیف نموده است. حاکم نیشابوری نیز که این حدیث را نقل کرده از روی {پاورقی . المنار المنیف، ص ۱۳۰، ح ۳۲۵. پاورقی}

تعجب بوده نه آنکه به جهت مطابقتش با شروط شیخین آن را نقل کرده باشد.

{پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۴۱. پاورقی}

ذهبی می گوید: "...حدیث (ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم) خبری است منکر که ابن ماجه آن را نقل کرده است".

{پاورقی . تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۲۵، رقم ۲۰۲، ترجمه محمّد بن خالد جندی. پاورقی}

قرطبی می گوید: "حدیث -ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم- معارض با احادیث این باب است. آن گاه می گوید: احادیثی که نصّ بر خروج مهدی از عترت پیامبر واز اولاد فاطمه: است ثابت بوده واصحّ از این حدیث است، پس حکم، مطابق

احادیث خروج مهدی از اولاد فاطمه است نه احادیث دیگر".

{پاورقی . التذکره، قرطبی، ج ۲، ص ۷۰۱. پاورقی}

۵ - این حدیث را طبرانی نیز با سند خود از ابی امامه نقل کرده ولی در متن آن جمله (ولا مهدی الاّ عیسی بن مریم) نیامده است.

{پاورقی . المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۲۱۴، ح ۷۷۵۷. پاورقی}

۶ - روایات خروج مهدی از اولاد فاطمه: متواتر است، وهمان گونه که در جای خود اشاره شد عده زیادی به تواتر آن تصریح کرده اند، ولی حدیث (ولامهدی الاّ عیسی بن مریم) بر فرض صحّت سند، خبر واحد است، وهنگام تعارض، خبر متواتر مقدم است. ونیز مشهور بین مسلمین در طول تاریخ اسلام، ظهور شخصی از اهل بیت رسول خدا (ص) واز اولاد ...ŗÅ١X است، این شهرت می تواند مرجّح احادیث مهدویت اسلامی باشد.

ابوالفیض غماری نیز درصدد پاسخ به حدیث فوق برآمده وبا هشت اشکال به آن پاسخ گفته است.

{پاورقی . ابراز الوهم المکنون، ص ۵۳۸. پاورقی}

–امام زمان (عج) چه کاره حضرت رضا« علیه السلام » می شوند ؟

پرسش

– امام زمان (عج) چه کاره حضرت رضا« علیه السلام » می شوند ؟

پاسخ

۳– حضرت مهدی (عج) چهاردهمین معصوم ودوازدهمین اخترتابناک آسمان ولایت وامامت می باشند امام مهدی (عج) فرزند امام حسن عسکری « علیه السلام »وامام حسن عسکری فرزند امام هادی « علیه السلام » و امام هادی فرزند امام جواد « علیه السلام » وامام جواد فرزند امام هشتم امام رضا« علیه السلام » می باشد .

امام رضا« علیه السلام » درمورد این امام می فرمایند :

پدر ومادرم فدای حضرت مهدی(عج) که هم نام جدم رسول خدا « صلی الله علیه واله » وشبیه من وشبیه موسی بن عمران «علیه السلام » می باشد درهنگام ظهورش ندایی بلند می شود که انسانها را از راه دور همانطور می شنوند که اشخاص نزà......می شنوند وآن ندا این است که حض...ĵبقیت الله روحی له الفداء بر......مؤمنین رحمت وبرای کفار عذاب است.

آیا امام زمان(عج) مثل ما خداوند را عبادت می کنند؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) مثل ما خداوند را عبادت می کنند؟

پاسخ

امام زمان هم خدا را عبادت و پرستش می کند بهمان گونه که شریعت اسلام دستور داده است و فقط غیبت امام زمان به این معنی است که از انظار مردم غائب است. و هنگام ظهور آن حضرت انشاء الله شیعیان مخلص تحت لوای ایشان گرد آمده است و با آن وجود مقدس نماز جماعت بر گزار می کنند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

چرا درباره نام حقیقی مادر حضرت ولی عصر(عج) و سایر خصوصیاتشان تحقیق کاملی انجام نمی گیرد با آنکه اصول عقاید مان بر اینگونه مطالب استوار است؟

پرسش

چرا درباره نام حقیقی مادر حضرت ولی عصر(عج) و سایر خصوصیاتشان تحقیق کاملی انجام نمی گیرد با آنکه اصول عقاید مان بر اینگونه مطالب استوار است؟

پاسخ

قبل از ورود در هر مسئله ای باید درجه اهمیت آن کاملاً ـ شخص گرد دو معلوم شود که تا چه اندازه ای سزاوار است که درباره آن وقت و نیرو صرف گردد.

با توجه به این حقیقت به خوبی روشن می شود که موضوع نام حقیقی مادر حضرت ولی عصر(عج) و تحقیق درباره ی سایر خصوصیاتشان به آن درجه از اهمیت که شما تصور نموده اید (با که اصول عقایدمان بر روی این پایه استوار نمی باشد و خیلی جای شگفتی است که نوشته اید (بسا که اصول عقاید مان بر روی این پایه استوار است). ما نمی دانیم کدام اصل از اصول عقایدمان بر نام حقیقی نرجس خاتون استوار شده است. مهم این است که خود امام علیه السلام و عظمت و مقام رهبری او را دلیلهای روشن اثبات نمائیم و بدانیم که تمام امام علیهم السلام از پدر و مادرانی پاك و منزه و با توقی به دنیا آمده اند اما اینکه نام اصلی شان چه بوده و از چه سر زمینی بودند و دارای چه خصوصیاتی بوده اند اینها همه مربوط به تاریخ است و ارتباط چندانی با اصول عقاید ندارد و بسیاری از این موضوعات اصلاً قابل تحقیق نیز نمی باشد زیرا که مدارك کافی برای اثبات آنها در دست نیست درباره ی مادر حضرت علیه السلام چند روایت مختلف وجود دارد و در این روایات به نامهای صیقل و ملیکه و مریم و ریحانه و امثال آنها یاد شده است و در یکی از این روایات به نام ملیکه دختر یشوعا

پسـر قیصـر روم یـاد شـده است و طبق این روایات مادر حضـرت نواده ی قیصـر روم بوده انـد و نام اصـلی خویش را ملیکه یاد نموده ولی به برده فروشان نامش را نرجس گفته است.

طبق این روایت حضـرت هادی علیه السلام (جد حضرت) شخصی را در سالهای بین ۲۵۲ تا ۲۵۴ از سامرا به بغداد فرستادند تا کنیزکی را با علائم و خصوصـیات مشخصـی برای حضرت عسکری(عج) خریداری نماید آن شخص به بغداد رفت و آن کنیز را خریـد و آن کنیر به او گفت که من ملیکه دختر یشوعـا پسـر قیصـر روم و ضـمن جریانـات مفصـلی که نقـل می کنـد علت اسارت خویش را چنین ذکر می کنـد که حضـرت عسـکری(عج) را در خواب دیدم و ایشان به من فرمودند که بزودی جنگی بین مسـلمانان و رومیان شـروع می شود تو بطور ناشـناس خود را در میان لشـکریان قرار ده تا از طرف مسلمانان اسیر شده و به سرزمینهـای اسـلامی منتقـل شوی اگر این داسـتان و رومیان همیشه جریان داشت مثلاً در تواریـخ آمـده است که در سال ۲۵۳ مسـلمانان به سـرزمین مشـرکان حمله کردنـد ولی چون از نوع جنگهای پراکنده بود لذا تفصـیلات آن در تاریخ نیامده است و نظر به اینکه سـال آن هم بطور دقیق روشن نیست لـذا نام امپراطور روم را به طور دقیق نمی توان مشـخص نمود و همانطور که عرض کردیم مطلب اهمیت چنـدانی نـدارد که اینهمه دربـاره آن وقت صـرف شود و تحقیق کامـل انجـام گیرد و اصـل چنین داسـتانی صـحتش قطحی نیست و موضوعی که در آن تردیـدی نیست این است که مـادر حضـرت یکی از کنیزهـای حضـرت عسکری بوده و چه بسا

به علت اینکه تولد حضرت به طور پنهانی و خیلی سری انجام گرفت و آثار حمل هم بر مادرشان ظاهر نگشته بود لذا درست معلوم نگشت که مادر حضرت کدامیک از کنیزان حضرت عسکری بوده است و از همین روی در تاریخ به نامهای متعددی یاد شده است.

امامت حضرت

می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد معنی آن اینست که اگر حجت خدا (مثل کتاب آسمانی) در میان مردم نباشد در آنوقت باید جهان بپایان رسد زیرا خداوند از آفرینش م

پرسش

می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد معنی آن اینست که اگر حجت خدا (مثل کتاب آسمانی) در میان مردم نباشد در آنوقت باید جهان بپایان رسد زیرا خداوند از آفرینش مردم غرضی دارد که آن هدایت شایستگان مردم و تکامل آنها است و اگر راهنمای خدائی میان مردم نباشد این غرض حاصل نمی شود پس خلقت باید منتفی باشد اما اگر مراد از حجت امام غیبی بود در پنهان بودن او چه هدایت و راهنمائی هست که با نبودن آن هدایت زمین و زمان برهم خورد .

پاسخ

این اشکال مشترک الورود و بعینه بخود نویسنده وارد است زیرا اگر معنی حدیث این باشد که حجت نگهبان و حافظ کسانی است که به آن ایمان آورده و از آن پیروی می نماید فرق نمی کند مراد از حجت امام غائب علیه السلام باشد یا قرآن و کتاب آسمانی می گوید اکر حجت خدا که نگهبان اهل زمین است در حدیث امام غائب بود اهل خراسان و قزوین را از غائله زلزله منهدم کننده خراسان و قزوین که علاقه مندان وپیروان وی بودند حفظ می کرد بالمقابله بایشان گفته می شود : اگر حجت خدا که نگهبان اهل زمین است در حدیث قرآن کریم بود و قطعا حین زلزله صدها و هزارهاقرآن کریم در منازل و خانه های اهل خراسان و قزوین بود آنان را از بلای نابودکننده زلزله حفظ و حراست می کرد . از اینجا معلوم می شود که فرو

بردن زمین اهـل خودش را کنـایه از انقراض بنی نوع بشـر و برچیـده شـدن بساط انسانیت است و اتفاقا خود نویسـنده هم ابتـدا بهمین معنی تفسیر کرده ولی ذیلا از تفسیر اولی خود غفلت کرده است .

آیا نظام امامت با پایان یافتن غیبت صـغری پایان یافته و پس از ظهور حضرت مهدی از نو برقرار میشود و یا اینکه نظام امامت استمرار دارد

پرسش

آیا نظام امامت با پایان یافتن غیبت صـغری پایان یافته و پس از ظهور حضـرت مهدی از نو برقرار میشود و یا اینکه نظام امامت استمرار دارد

پاسخ

رژیم امـامت، رژیمی است الهی و انقطـاع ناپـذیر و دوره فترت نـدارد و در هر زمان و هر عصـر وجود دارد؛ از عصـر حضـرت رسول اعظم(ص) تشکیل شده و تا به حال برقرار بوده و هست و تا دنیا باقی است، برقرار خواهد ماند؛ چنانکه امیرالمؤمنین(ع) فرمود:

«لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ لِلّهِ بِحُجَّهٍ؛ إِمّا ظاهِراً مَشْهُوراً، وَ اِمّا خائِفاً مَغْمُوراً، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَیِّناتُهُ»

(نهـج البلاغه، حکمت ۱۴۷؛ و به تـذکره الحفـاظ ذهبی، ج ۱، ص ۱۲، نیز مراجعه شود) [زمین از قـائمی که برای خـدا حجت باشد خالی نخواهد ماند (و این حجت) یا ظاهر و مشهور است و یا بیمناك و مستور، برای اینکه حجتهای خدا و بینات او باطل نگردد و از بین نرود.]

چگونه توحید در امامت حضرت مهدی تجلی میابد؟

پرسش

چگونه توحید در امامت حضرت مهدی تجلی میابد؟

پاسخ

هنگام ظهور حضرت بقیه الله(عج)، اسماء حسنای الهی، مثل: «الولیّ» و «العادل» و «الحاکم» و «السلطان» و «المنتقم» و «المبیر» و «القـاهر» و «الظـاهر» بطور بیسابقهـای متجلی خواهـد شـد و به عبارت دیگر، آن حضـرت مظهر این اسـماء و کارگـذار و عامل خداوند متعال میباشد و مقام خلیفه الهی او در این ابعاد، ظهور عملی و فعلی خواهد یافت.

همه این شوؤن الهی که امام (ع) تجسّم ظهور آن خواهـد بود و خـدا به حکمت بالغه خود توسط آن حضـرت تحقّق میبخشـد، اصـالت توحیـدی دارد و به اذن خـدای یکتـا و فرمان او انجام میشود. و از جمله اموری که تجلّی توحیـد را در ظهور حضـرت

مهدی(ع) روشن میسازد این است که اهداف توحیدی اسلام مثل وحدت حکومت و نظام ، وحدت قانون ، وحدت دین و وحدت جامعه به وسیله آن حضرت تحقّق میابد و همانگونه که در احادیث وارد شده است، خدا خاور و باختر جهان را به دست آن حضرت فتح مینماید.

با توجّه به اینکه امام زمان((علیه السلام)) موقع وفات پدر بزرگوارش ۵ ساله بود آیا صحیح است که رهبری جامعه به دست کودک ۵ ساله بیفتد؟

پرسش

با توجّه به اینکه امام زمان((علیه السلام)) موقع وفات پدر بزرگوارش ۵ ساله بود آیا صحیح است که رهبری جامعه به دست کودک ۵ ساله بیفتد؟

پاسخ

آنچه در امامت لازم است داشتن آگاهی و تدبیر و قدرت اداره است و خداوند متعال امامان معصوم((علیهم السلام)) را از علم و آگاهی و قدرت گسترده ای برخوردار ساخته است و بودن آنان در سن کودکی منافاتی با این مقام ندارد چنانکه امام جواد((علیه السلام)) در سن هفت سالگی به امامت رسید.

(بخش پاسخ به سؤالات)

چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار سال یا دوهزار سال نگهداری می کند تا در موقع لزوم از آن استفاده کند تا افرادی که منتظر فرصت می باشند بهانه گیری کنند؟

پرسش

چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار سال یا دوهزار سال نگهداری می کند تا در موقع لزوم از آن استفاده کند تا افرادی که منتظر فرصت می باشند بهانه گیری کنند؟

پاسخ

اولاً اعتقاد به امامت از دید اسلام پس از اعتقاد به علم گسترده و غیر محدود حکمت خداوند است و خداوند براساس حکمتی که دارد امام زمان(عج) را زنده نگاه داشته است هر موقع صلاح بداند وی را ظاهر می سازد و حکومت عدل جهانی را به دست وی در جهان مستقر می سازد ثانیاً اگر ظهور مصلح به گونه ای دیگر انجام شود چون ما احاطه در راه به کمت و مصلحت الهی نداریم باز ممکن است گفته شود چرا به این گونه است به صورت دیگری نیست.

ثانیاً: امام(عج) تنها برای این زنده نیست که زمانی خداوند وی را ظاهر سازد و جهان را پر عدل و داد کند بل که در حال حاضر (حال غیبت) نیز امام نقش بزرگی را در جهان از نظر تکوینی از نظر تربیتها معنوی نسبت به افراد مستعد و لایق به عهده دارد چه اینکه او واسطه ی فیض در جهان است و اگر گفته شود چرا خداوند با این روش به افرادی که منتظر فرصت هستند میدان داده است یادآور می شویم که خداوند این جهان را اصولاً وسیله ی تکامل و آزمایش انسانها قرار داده است و تکامل انسانها از این طریق به وجود می آید بنابراین غیبت امام(عج) چنانکه در احادیث آمده وسیله ای برای

امتحان و آزمایش الهی می باشد.

وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام چگونه بوده است؟

پرسش

وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام چگونه بوده است؟

پاسخ

پاسخ اول

از آنجا که حاکمان ظلم وجور شنیده بودند که فرزند امام عسکری (ع) مهدی موعود، ذخیره الهی برای رفع ظلم وجور از عالم است، لذا درصدد برآمدند تا به هر نحو ممکن او را دستگیر کرده وبه قتل برسانند. سه بار طرح ترور وقتل حضرت مهدی (ع) ریخته شد ولی در هیچ مرتبه آنان به این عمل شوم موفّق نشدند. یک بار توسط معتمد عباسی، چند روز بعد از شهادت امام عسکری (ع)، ودو بار دیگر توسط معتضد عباسی که بعد از معتمد حکومت را به دست گرفته بود. وخلفای دیگر بعد از آنکه از دستگیری وترور حضرت مأیوس شدند، اقدامی بر ضدّ او انجام ندادند.

شیخ طوسی؛ یکی از این موارد را در کتاب "الغیبه" از رشیق نقل کرده که می گوید: "معتضد عباسی، من ودو نفر دیگر را به جهت دستگیری هر کسی که در خانه امام عسکری (ع) است فرستاد، ما با دیدن معجزه ای نتوانستیم حضرت را دستگیر کنیم ولذا از تصمیم خود منصرف شدیم...".

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۴۸، با تلخیص. پاورقی}

پاسخ دوم

۱ - اگر چه دولت عباسی در آن عصر نسبت به اوّل تأسیس آن از قوت آن چنانی برخوردار نبود ولی فی نفسه دولت مقتدری به حساب می آمد.

۲ - از آنجا که کفر همگی یک ملت واحد است، لذا گرچه حکومت عباسی با معارضین داخلی از قبیل اتراک درگیر بودند ولی همگی بر این اتفاق داشتند که باید با اهل بیت: وعلویین مقابله ومبارزه نمود.

۳ - دولت بنی عباس گرچه مشغول مبارزه با معارضین داخلی بوده است ولی همان گونه که

قبلًا اشاره شد هرگز از مبارزه با اهل بیت غافل نبودند.

آیا برخی از شیعیان بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام قائل به توقّف شدند؟

پرسش

آیا برخی از شیعیان بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام قائل به توقّف شدند؟

پاسخ

احمد کاتب می گوید: "برخی از مورخین نقل کرده اند که بعضی از شیعیان قائل به توقف وانقطاع امامت شدند، آن گونه که بین رسل توقف بود. واز برخی روایات نیز استفاده می شود که ممکن است در صورتی که مردم مورد غضب الهی واقع شوند، امامت وامام مرتفع شده ومنقطع گردد...".

پاسخ:

۱ - همان گونه که از کتب تواریخ وملل ونحل استفاده می شود اکثر جامعه شیعی در آن زمان، معتقد به ولادت امام زمان (ع) بودند.

۲ - آن گونه که شیخ مفید؛ ودیگران اشاره کرده اند، گرچه بعد از وفات امام عسکری (ع) شیعیان در ابتدا به چهارده فرقه متفرق شدند ولی بعد از مدتی کوتاه با ارشادات علما واصحاب، همگی بر اعتقاد به ولادت ووجود امام خود اتفاق نمودند.

{پاورقی . ر.ك: الفصول المختاره، ص ۳۲۵. پاورقی}

۳ - در مورد روایتی که ادعا کرده دلالت بر تحقق فترت وانقطاع امامت دارد، با دقت در آن، خلاف آنچه ادعا شده استفاده می شود، زیرا در آن روایت از امام باقر (ع) نقل است که فرمود: "إذا غضب اللّٰه تبارك وتعالى على خلقه نحّانا عن جوارهم"؛ "هر گاه{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۱. پاورقی}

خداوند تبارك وتعالی بر خلقش غضب کند ما را از جوارشان دور خواهد گرداند." این حدیث به خوبی دلالت بر وجود وغیبت امام زمان (ع) دارد.

۴ - اگر مجرد اختلاف، دلیل بر بطلان است، باید اختلاف در هر امری از جمله اصل امامت وخلافت ونبوت را نیز دلیل بر بطلان آن دانست، در حالی که هیچ کس چنین ادعایی نکرده است.آیا پیامبر اکرم

(ص) خبر نداده که امتش بعد از او به ۷۳ فرقه متفرق خواهند شد؟!

آیا بعد از وفات امام عسکری علیه السلام عصر حیرت بوده است؟

پرسش

آیا بعد از وفات امام عسکری علیه السلام عصر حیرت بوده است؟

پاسخ

احمد کاتب می گوید: "بعد از وفات امام عسکری (ع) حیرت وشک وتردید در جامعه شیعه در امر امامت بعد از آن حضرت وولادت فرزند او پدید آمد". او درصدد آن است که از این موضوع بهره برداری کرده واثبات کند که موضوع ولادت حضرت اجماعی نبوده است.

اولاً: مسأله حیرت وتردید در بین عوام مردم همان گونه که تشریح شد امری طبیعی به نظر می رسید، زیرا جوّ خاص سیاسی واحتمال قتل حضرت اقتضا داشت که امر ولادت حضرت مستور باشد، وتنها عده ای خاص از اصحاب امام عسکری (ع) از آن مطلع گردند، وتوسط آنها این موضوع منتشر شود.

ثانیاً: وجود حیرت وغموض در امر ولادت حضرت، دلیل بر وجود اوست نه عدم آن. یعنی ولادتی بوده ولی از آنجا که مخفی واقع شد، عده ای را در حیرت فروبرد.

ثالثاً: همان گونه که مکرّراً اشاره شد، گرچه در ابتدای غیبت برخی از عوام مردم در حیرت به سر می بردند، ولی بعد از مدتی نه چندان دور به واسطه کوشش فراوانی که بزرگان امامیه در روشن ساختن عموم مردم در امر ولادت وامامت حضرت مهدی (ع) داشتند، تمام جامعه شیعی از حیرت خارج شده وهمگی به امامت آن حضرت معتقد شدند.

آیا شیعیان بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام به جعفر تعزیت وتهنیت گفتند؟

پرسش

آیا شیعیان بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام به جعفر تعزیت وتهنیت گفتند؟

پاسخ

جمهور شیعه امامیه ومشهور بلکه متواتر نزد آنان قبل از ولادت امام مهدی (ع)، قول به عدم جواز انتقال امامت به دو برادر بعد از امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) است.

اسماعیل بن علی نوبختی می گوید: "از اخبار متواتر از امامان صادق علم پیدا نمودیم که امامت بعد از حسن وحسین (علیهما

السلام) تنها در اولاد امام خواهد بود نه در برادر یا اقوام".

{پاورقی . کمال الدین، ص ۹۲. پاورقی}

اشعری قمی وعلی بن حسن نوبختی نیز همین اعتقاد را داشته اند.

{پاورقی . المقالات والفرق، ص ۱۰۲. پاورقی}

{پاورقی . فرق الشیعه، ص ۱۱۰. پاورقی}

از برخی روایات نیز این مطالب به خوبی استفاده می شود:

کلینی به سند صحیح از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "لاتعودُ الإمامه فی الأخوین بعد الحسن والحسین أبداً"؛ "بعد از حسن وحسین هرگز امامت در دو برادر نخواهد بود."

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱. پاورقی}

ونیز به سند دیگر از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "لا‌تجتمع الإمامه فی أخوین بعد الحسن والحسین إنّما هی فی الأعقاب وأعقاب الأعقاب."؛ "امامت در دو برادر بعد از حسن {پاورقی . همان، ص ۲۸۶، ح ۴. پاورقی}

وحسین جمع نخواهد شد. همانا امامت در نسل ها ونسل های نسل هاست."

ونیز از اسماعیل بن بزیع نقل شده که از امام رضا (ع) سؤال شد: "أنّه سُئل: أتکون الإمامه فی عمٍّ أوخالٍ؟ فقال: لا. فقلتُ: ففی أخٍ، قال: لا..."؛ " آیا امامت در عمو یا دایی قرار {پاورقی . همان، ح ۳. پاورقی}

خواهد گرفت؟ فرمود: خیر. عرض کردم: دو برادر چطور؟ فرمود: خیر...".

احمد کاتب می گوید: "مطابق حدیث ابوالأدیان

عموم شیعه که در ضمن آنها نایب اول وجود داشت به جعفر در سوگ امام عسکری (ع) تعزیت گفته ونیز به جهت امامت او، تهنیت گفتند.

پاسخ:

۱ - با مراجعه به حدیث ابوالأدیان پی می بریم که برداشت احمد کاتب به طور {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۶Ù۴۷۵ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳. پاورقی}

عموم صحیح نیست. بلکه آنچه در آن حدیث آمده این است که ابوالأدیان می گوید: "... وإذا أنا بجعفر بن علی أخیه بباب الدار والشیعه حوله یعزّونه ویهنّئونه..."؛ "... ناگهان جعفر بن علی برادر امام عسکری (ع) را کنار درب خانه دیدم در حالی که شیعیانی که دور او بودند به او تعزیت وتبریک می گفتند." از این تعبیر استفاده می شود که برخی از شیعیان که هنوز امر امامت حضرت مهدی (ع) به جهت اختفای ولادت روشن نشده بود به گمان اینکه او امام است درصدد تهنیت او برآمدند.

۲ - در این روایت اثری از نایب اول عثمان بن سعید که به جعفر تعزیت وتبریک بگوید وجود ندارد. واین نسبتی دروغ است که کاتب به نایب اول داده است.

۳ - با مراجعه به مجموعه روایت ابوالأدیان استفاده می شود که جعفر در ادعای خود دروغ گو بوده است.

ابوالادیان می گوید: "فلمّا صرنا فی الدار إذا نحن بالحسن بن علی صلوات اللّٰه علیه علی نعشه مکفّنا فتقدم جعفر بن علی لیصلّی علی أخیه، فلمّا همّ بالتکبیر خرج صبیّ بوجهه سمره، بشعره قطط، بأسنانه تفلیج، فجبذ برداء جعفر بن علی وقال: تأخّر یا عمّ فأنا أحق بالصلاه علی أبی، فتأخر جعفر، وقد اربد وجهه واصفر فتقدّم الصبی وصلّی علیه ودفن إلی جانب قبر أبیه علیهما السلام ثمّ قال: یا

بصری هات جوابات الکتب التی معک، فدفعتها إلیه"؛ "...هنگامی که به خانه {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۶ù۴۷۵ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳. پاورقی}

حضرت رسیدم مشاهده کردم که نعش حسن بن علی (ع) کفن پیچ است. جعفر جلو آمد تا بر جنازه برادرش نماز بگذارد، همین که خواست تکبیر نماز میّت بگوید، کودکی گندم گون، با موهایی فری، دندان هایی باز، از پشت پرده بیرون آمد وردای جعفر بن علی را کشید وفرمود: "کنار بروای عمو، زیرا من سزاوارترم که بر پدرم نماز گذارم". جعفر در حالی که رنگ صورتش تغییر کرده بود کنار رفت. این کودک جلو آمد وبر جنازه امام عسکری (ع) نماز گزارد وجنازه کنار قبر پدرش(ع) به خاک سپرده شد. آن گاه فرمود: ای بصری! جواب نامه هایی که با توست به من بده. من هم آنها را به حضرت دادم...".

ونیز ابوالادیان می گوید: "هنگامی که جعفر را چنین دیدم با خود گفتم: اگر این مرد امام است پس در حقیقت امامت باطل شده است، زیرا من او را آن گونه که می شناسم شخصی است که شرب نبیذ (مسکر) می کند ونیز با جوسق قمار کرده وبا طنبور بازی می کند...".

{پاورقی . همان. پاورقی}

موضوع: امامت در سنین کودکی

چه کسانی در امامت در سنین کودکی شک کرده اند؟

پرسش

چه کسانی در امامت در سنین کودکی شک کرده اند؟

پاسخ

۱ - با مراجعه به حدیث ابوالأدیان پی می بریم که برداشت احمد کاتب به طور {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۶ù۴۷۵ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳. پاورقی}

عموم صحیح نیست. بلکه آنچه در آن حدیث آمده این است که ابوالأدیان می گوید: "... وإذا أنا بجعفر بن علی أخیه بباب الدار والشیعه حوله یعزّونه ویهنّئونه..."؛ "... ناگهان جعفر بن علی برادر امام عسکری (ع) را کنار درب خانه دیدم در حالی که شیعیانی که دور او بودند به او تعزیت وتبریک می گفتند." از این تعبیر استفاده می شود که برخی از شیعیان که هنوز امر امامت حضرت مهدی (ع) به جهت اختفای ولادت روشن نشده بود به گمان اینکه او امام است درصدد تهنیت او برآمدند.

۲ - در این روایت اثری از نایب اول عثمان بن سعید که به جعفر تعزیت وتبریک بگوید وجود ندارد. واین نسبتی دروغ است که کاتب به نایب اول داده است.

۳ - با مراجعه به مجموعه روایت ابوالأدیان استفاده می شود که جعفر در ادعای خود دروغ گو بوده است.

ابوالادیـان می گویـد: "فلمّـا صـرنا فی الـدار إذا نحن بـالحسن بن علی صـلوات اللّه علیه علی نعشه مکفّنا فتقـدم جعفر بن علی لیصـلّی علی أخیه، فلمّا همّ بالتکبیر خرج صبیّ بوجهه سمره، بشعره قطط، بأسنانه تفلیج، فجبذ برداء جعفر بن علی وقال: تأخّر یا عمّ فأنا أحق بالصـلاه علی أبی، فتأخر جعفر، وقـد اربـد وجهه واصـفر فتقدّم الصبی وصـلّی علیه ودفن إلی جانب قبر أبیه علیهما السلام ثمّ قال: یا بصری هات جوابات الکتب التی معک، فدفعتها إلیه"؛ "...هنگامی که به خانه {پاورقی . کمال الدین، ص

۴۷۶ù۴۷۵ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳. پاورقی}

حضرت رسیدم مشاهده کردم که نعش حسن بن علی (ع) کفن پیچ است. جعفر جلو آمد تا بر جنازه برادرش نماز بگذارد، همین که خواست تکبیر نماز میّت بگوید، کودکی گندم گون، با موهایی فری، دندان هایی باز، از پشت پرده بیرون آمد وردای جعفر بن علی را کشید وفرمود: "کنار بروای عمو، زیرا من سزاوارترم که بر پدرم نماز گذارم". جعفر در حالی که رنگ صورتش تغییر کرده بود کنار رفت. این کودک جلو آمد وبر جنازه امام عسکری (ع) نماز گزارد وجنازه کنار قبر پدرش(ع) به خاک سپرده شد. آن گاه فرمود: ای بصری! جواب نامه هایی که با توست به من بده. من هم آنها را به حضرت دادم...".

ونیز ابوالادیان می گوید: "هنگامی که جعفر را چنین دیدم با خود گفتم: اگر این مرد امام است پس در حقیقت امامت باطل شده است، زیرا من او را آن گونه که می شناسم شخصی است که شرب نبیذ (مسکر) می کند ونیز با جوسق قمار کرده وبا طنبور بازی می کند...".

{پاورقی . همان. پاورقی}

موضوع: امامت در سنین کودکی

از جمله سؤال های مطرح در مورد امام زمان (ع) این است که آیا کسی می تواند در سنین کودکی به مقام امامت وخلافت برسد.

ابن حجر هیتمی از علمای اهل سنّت می گوید: "آنچه در شریعت مطهّر ثابت شده این است که ولایت طفل صغیر صحیح نیست، پس چگونه شیعیان به خود اجازه داده وگمان بر امامت کسی دارند که عمر او هنگام رسیدن به امامت، بیش از پنج سال نبوده است".

{پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۱۶۶. پاورقی}

احمد کاتب می نویسد: "معقول نیست که خداوند طفل صغیری را

به رهبری مسلمین منصوب کند".

{پاورقی . تطوّر الفکر السیاسی، ص ۱۰۲. پاورقی}

آیا اعتقاد به امامت وولایت امامان در کودکی با تهدید وتحمیل بزرگان شیعه بوده است؟

پرسش

آیا اعتقاد به امامت وولایت امامان در کودکی با تهدید وتحمیل بزرگان شیعه بوده است؟

پاسخ

این فرضیه به طور حتم باطل است؛ زیرا با ورع وقداست بزرگان طایفه امامیه سازگاری ندارد. هیچ گاه نمی توان باور کرد که آنان با تهدید وزور مردم را به اطاعت امامان دعوت کرده باشند. به ویژه آنکه آنان در طول مدت امامت اهل بیت: در شدیدترین وضع -به جهت پذیرش دعوت آنها- به سر می بردند.

پذیرش دعوت اهل بیت ودعوت به آنان، سود مادی ومقام ظاهری نداشته است تا توهّم طمع به آن امور باعث شود که چنین دعوتی را داشته باشند. پذیرفتنی نیست که علمای امامیه به نادرستی بر امامت شخصی در کودکی تبانی واتفاق داشته باشند در حالی که این کار سبب ایجاد انواع محرومیّت ها برای آنان بود. این نیست مگر آنکه دعوت آنها ناشی از اعتقاد به امامت امامان در سنین کودکی بوده است.

آیا خلفا بر امامت امامان در سنین کودکی اذعان داشتند؟

پرسش

آیا خلفا بر امامت امامان در سنین کودکی اذعان داشتند؟

پاسخ

خلفای معاصر، به فضایل اخلاقی وکمالات معنوی وعلمی امامانی که در سن کودکی بودند اذعان داشتند ولذا آن را زنگ خطری برای خود وخلافت غاصبانه خویش می دانستند. بر این اساس، تمام توان خود را برای از بین بردن امامان وفضایلشان به کار می گرفتند.

با توجه به این مطلب به خوبی روشن می شود که مسأله امامت شخص -هر چند در سنین کودکی- امری ثابت بوده است؛ خصوصاً آنکه به طور مکرّر آنها را امتحان کرده، به فضل وکمالاتشان پی برده بودند.

آیا از امامان قبل، نصّی بر امامت امامان کودک بوده است؟

پرسش

آیا از امامان قبل، نصّی بر امامت امامان کودک بوده است؟

پاسخ

در مورد هر یک از امامان که در سنین کودکی به امامت رسیده اند از امام قبل خود به طور صریح وضمنی بر امامت آنها اشاره شده است.

الف. نصّ بر امام جواد (ع)

محمد بن ابی نصر می گوید: فرزند نجاشی به من گفت: امام بعد از صاحبت کیست؟ دوست دارم پاسخ آن را بدانم. محمّد بن ابی نصر می گوید: نزد امام رضا (ع) رفتم وسؤال فرزند نجاشی را به امام عرض کردم. حضرت فرمود: "الإمام ابنی"؛ "امام،{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۵. پاورقی}

فرزند من است."

ب. نصّ بر امام مهدی (ع)

محمّد بن علی بن بلال می گوید: "از ناحیه امام عسکری -دو سال قبل از وفاتش- نامه ای به دستم رسید که در آن، خبر از جانشین بعد از خود داده بود، ونیز سه روز قبل از وفاتش نامه ای دیگر برای من فرستاد ودر آن از جانشین بعد از خود خبر داد".

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱. پاورقی}

عمرواهوازی می گوید: امام عسکری (ع) فرزند خود را به من نشان داد وفرمود: "هذا صاحبکم من بعدی"؛ "این صاحب وامام شما بعد از من است."

{پاورقی . همان، ح ۳. پاورقی}

حمدان قلانسی می گوید: "به عَمْری عرض کردم: آیا امام عسکری (ع) از دنیا رحلت نمود؟ فرمود: آری، ولی کسی را به جانشینی خود قرار داد که گردنش مثل این بود. اشاره به دست خود نمود".

{پاورقی . همان، ح ۴. پاورقی}

آیا اهل بیت علیهم السلام در زمینه سازی برای امامت کودک اقدامی انجام داده اند؟

پرسش

آیا اهل بیت علیهم السلام در زمینه سازی برای امامت کودك اقدامی انجام داده اند؟

پاسخ

بـا مراجعه به روایات پی می بریم که اهل بیت: برای هموار کردن وزمینه سازی برای امامت کودك، از هیـچ نوع اقـدام ممکن فروگذار نکردند که از آن جمله تذکّر به تحقق پیدا کردن امامت در سنین کودکی است.

مقدسـی شافعی در کتاب "عقـد الـدرر" از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود: "یکون هـذا الأمر فی اصـغرنا سـنّا"؛ "امر امامت وخلافت در اشخاصـی خواهـد بود که کمترین سنّ را در{پاورقی . عقـد الـدرر، ص ۱۸۸، باب ۶ ؛ الغیبه، نعمـانی، ص ۱۸۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۸، ح ۱۵. پاورقی}

میان ما دارند."

آیا حضرت مهدی علیه السلام برای اثبات امامتش در کودکی

اشاره

اقدامی انجام داده است؟

پرسش

آیا حضرت مهدی علیه السلام برای اثبات امامتش در کودکی

اقدامی انجام داده است؟

پاسخ

حضرت مهدی (ع) در راستای تثبیت امامت ورهبری خود نسبت به جامعه شیعی اقداماتی را انجام داد:

۱ - اقامه معجزات وکرامات

در قضـیه ابوالادیان -که قبلاً به آن اشاره شد- آمده است: "...کودك جلو آمد وبر حضرت عسکری (ع) نماز گزارد وبعد در کنار قبر پـدرش به خاك سپرده شد. کودك -حضـرت مهدی (ع)- به من فرمود: ای بصـری! جواب نامه هایی که با تو اسـت نزد من آر. آنها را به حضـرت تقـدیم نمودم. در دلم گفتم: این دو نشانه از نشانه های امامت است که در این کودك مشاهده کردم. تنها باقی می ماند یک نشانه وآن اینکه از آنچه در همیان است خبر دهد... .

ابوالادیان می گویـد: خادم خارج شد وفرمود: نزد شـما نامه های فلان شـخص وفلان شـخص است، ودر خورجین او هزار وده

دینـار وجود دارد که از آن جمله دینارهـایی زرکوب است. آن جماعت نیز نامه ها ومال را به او داده وگفتنـد: کسـی که تو را برای گرفتن اینها فرستاده همان امام است...".

{پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۲ù۵۰۳، ح ۲۴. پاورقی}

۲ – جواب مسائل

یکی دیگر از راه هـای اثبـات امـامت خـود، پاسـخ به سؤال هـایی بـود که توسـط نـوّاب اربعه به آن حضـرت ارسـال می شـد وحضـرت نیز جواب آنها را به صورت توقیع مرقوم می داشـتند، هماننـد: جواب به مسائل احمـد بن اسـحاق اشـعری، جواب به مسائل اسـحاق بن یعقوب، جواب سؤال های حمیری، جواب به مسائل محمّد بن ابراهیم مهزیاری، جواب به مسائل ابی الحسین بن محمّد اسدی ودیگران.

موضوع: ولایت امام مهدی علیه السلام

آیا خداوند برای امامت حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی کرده است؟

پرسش

آیا خداوند برای امامت حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی کرده است؟

پاسخ

آری، از جمله موضوعاتی که قبل از ولادت امام مهدی (ع) اتفاق افتاد که آن را می توان زمینه ساز امامت حضرت مهدی (ع) در کودکی دانست، ولادت امام جواد وامام هادی۸ است؛ زیرا امام جواد در هشت سالگی یا هفت سالگی،وامام هادی در سنّ شش سالگی به امامت رسـیدند. ولـذا بعـد از آنکه شـیعه به امامت این دو امام اعتقاد پیـدا نمود، این مسأله زمینه ساز اعتقاد به امامت حضرت مهدی (ع) ورفع استبعاد از امامت او در سنین پنج سالگی شد.

کدام آیه از آیات قرآن کریم امامت حضرت مهدی غ در سن کودکی را امری ممکن می داند؟

پرسش

کدام آیه از آیات قرآن کریم امامت حضرت مهدی غ در سن کودکی را امری ممکن می داند؟

پاسخ

قرآن کریم به یکی از مواهب بزرگ الهی یعنی موهبت بزرگ نبوت حضرت عیسـی در سن کودکی چنین اشاره نموده است "فَاَشـارَت اِلَیه ِقـالوا کَیف َنُکَلِّم ُمَن کـان َفِی المَهـدِ صَبِیّا قـال َاِنّی عَبـدُ اللّه ِءاتغ نِی َالکِتَب َوجَعَلَنی نَبِیّا...; (مریم ۲۹ ۳۲)

]مریم اشاره به او کرد، گفتند: چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم !]ناگهان عیسی زبان به سخن گشود[گفت من بنده خدایم به من کتاب]آسمانی داده و مرا پیامبر قرار داده است و مرا وجودی پربرکت قرار داده و در هر کجا باشم و مرا توصیه به نماز و زکات مادام که زنده ام کرده است مرا نسبت به مادرم نکیوکار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است " همین موهبت و تأیید الهی بود که باعث شد امام محمدتقی در سن کودکی با دانش و علم خدا دادی خود به تمام مشکلات دینی مردم پاسخ دهد، و از جانب خدا به مقام امامت منصوب شود، به طوری که علم و فضیلت آن حضرت برای عموم طبقات روشن بود و از قدرت علمی او در سن کودکی همه در تعجب بودند. امام زمان غ نیز از همین نور برخوردار هستند.(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۳، ص ۵۶، دارالکتب الاسلامیه)

چرا انبیای بزرگ الهی در سن چهل سالگی به پیامبری برگزیده می شدند، با این که آن ها نیز امام بودند، ولی حضرت حجت بن الحسن در سن پنج سالگی به امامت رسید؟

پرسش

چرا انبیای بزرگ الهی در سن چهل سالگی به پیامبری برگزیده می شدند، با این که آن ها نیز امام بودند، ولی حضرت حجت بن الحسن در سن پنج سالگی به امامت رسید؟

پاسخ

ولایت الهی که در دو جریان نبوت و امامت تبلور می یابد، به سن بستگی ندارد. و این که گفته اید پیامبران در سن چهل سالگی به نبوت می رسیدند نیز، به تصریح قرآن مجید، صحیح نیست که در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود:

الف حضرت یحیی قرآن مجید می فرماید: "یَیَحیی َخُذِ الکِتَب َبِقُوَّه ٍوءاتَینَه ُالحُکم َصَبیّا; (مریم ۱۲) ای یحیی کتاب]خدا[را با قوّت بگیر و ما فرمان نبوت را در کودکی به او دادیم " قوّت معنای وسیعی دارد، که قدرت مادّی و معنوی را شامل می شود. نکته ای که آیه شریفه بیان می کند، نبوت در خردسالی است درست است که دوران شکوفایی عقل معمولاً حدّ و مرز خاصّی دارد، ولی همیشه در انسان ها، افراد استثنایی وجود داشته اند. چه اشکالی دارد که خدا این دوران را برای بعضی از بندگانش به خاطر مصالحی فشرده تر کند، چنان که برای سخن گفتن معمولاً ـ یکی دو سال عمر لازم است در حالی که حضرت عیسی در همان دوران نخست زندگی سخن گفت از این جا روشن می شود اشکالی که برخی افراد به امامت بعضی از امامان شیعه می گیرند بی اساس است در روایتی عیسی بن اسباط از یاران امام جواد۷ نقل می کند: خدمت حضرت جواد۷ رسیدیم در حالی که سن امام کم بوده درست در همین هنگام که در چنین فکری

بودم حضرت فرمود: ای علی بن اسباط! خداوند، کاری که در مسئله امامت کرده همانند کاری است که در نبوّت کرده است گاهی می فرماید: "وءاتَینَه ُالحُکم َصَبیّا; (مریم ۱۲) به یحیی در کودکی فرمان نبوت دادیم " و گاهی می فرماید: "اِذا بَلَغ َاَشُدَّه ُوبَلَغ َاَربَعین َسَنَه ً; (احقاف ۱۵) هنگامی که انسان به حدّ بلوغ کامل عقل به چهل سال رسید." بنابراین همان گونه که ممکن است خدا، حکمت را به انسانی در دوران کودکی بدهد، قادر است که آن را در چهل سالگی نیز بدهد.(تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۳، ص ۲۸، دارالکتب الاسلامیه به نقل از نورالثقلین ج ۳، آیه ۱۳۲۵.)

ب حضرت عیسی نیز چنین وصفی دارد; قرآن در این باره می فرماید: "قالوا کَیف َنُکَلِّم ُمَن کان َفِی المَهدِ صَبیّا; (مریم ۲۹) گفتند: چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم گفت من بنده خدایم به من کتاب آسمانی داده و مرا پیامبر قرار داده است "

ما شاهدیم که حضرت عیسی در گهواره نبوت خویش را اعلام می دارد.(همان ص ۵۳.)

فخر رازی از دانشمندان اهل سنّت نیز در تفسیر آیه شریفه درباره حضرت یحیی گفته است مراد از حکم در آیه شریفه همان نبوّت است زیرا خداوند متعال عقل او را در سنین کودکی محکم و کامل کرد و به او وحی فرستاد; این بدان جهت است که خداوند متعال حضرت یحیی و عیسی را در سنین کودکی به رسالت مبعوث

کرد، بر خلاف حضرت موسی و محمد۹ که آنان را در سنین بزرگ سالی مبعوث کرد.(تفسیر کبیر، فخررازی ج ۷، ص ۵۱۶، داراحیأ التراث العربی) بر این اساس از لحاظ عقلی و عادّی هیچ مشکلی وجود ندارد که شخص در سنین کودکی شایستگی و توانایی های بالایی کسب نماید، چنان که نمونه هایی از نوابغ خردسال را، در زندگی مشاهده می کنیم و افزون بر این باید دانست که امامت عهد الهی است و در عهده داری این منصب سن خاص شرط نیست بکله لیاقت مهم است و نکته دیگر این که تاریخ گواه بوده امامانی که در سن خردسالی به امامت رسیده اند، به بهترین صورت از عهده آن برآمدند و شاهد صدقی بر امکان این جریان شدند.(ر.ک مجله تخصصی انتظار، ش ۳، مقاله ای با عنوان امامت کودک نوشته علی اصغر رضوانی)

از چه راهی امامت امام زمان«علیه السلام» قابل اثبات است؟

پرسش

از چه راهی امامت امام زمان«علیه السلام» قابل اثبات است؟

پاسخ

برای اثبات مسئله اعتقادی مانند امامت دوازدهم و غیبت آن حضرت به روایات استناد می شود از این لحاظ که روایاتی که در این موضوع وارد شده به قدری زیاد است که مضمون آنها بیشتر از حدّ تواتر است توضیح اینکه خبر برد و قسم است خبر واحد و خبر متواتر، خبر واحد این است که خبر دهنده یکی باشد و خبر واحد در صورتی که تمام راویان آن ثقه و مورد اعتماد باشند در احکام شرعی حجت است و قسم دوم خبر متواتر و آن خبری است که راویان آن آنقدر بسیار باشند که به طوری عادی به هیچ وجه این احتمال در کار نباشد که راویان آن با یکدیگر توطئه کرده و مضمون خبر را به دروغ ساخته باشند چنین خبری را خبر متواتر می نامند و این خبر موجب یقین است و در اثبات مسائل اعتقادی خبر واحد کافی نیست هر چند تمام راویان آن مورد اعتماد باشند بلکه برای معتقد شدن به یک اصل اعتقادی یا باید برهان عقلی بر آن اقامه شود و یا خبر متواتر که دلالت آن قطعی است و درباره مسئله امامت امامان دوازده گانه مخصوصاً امامت امام دوازدهم و غیبت آن حضرت روایات و احادیث از پیامبر و امامان آن چنان بسیار است که از حدّ تواتر هم افزون است و حتّی در کتب اهل سنّت اخبار زیادی از رسول اکرم«صلی الله علیه وآله» وجود دارد که آن حضرت از وجود امام زمان«علیه السلام» و غیبت ایشان و نحوه ظهور ایشان و جهان در عصر ایشان خبر داده است.

ازدواج

پرسش: ایا حضرت مهدی فرزند و همسری دارد؟

پرسش

پرسش: ایا حضرت مهدی فرزند و همسری دارد؟

پاسخ

پاسخ را با ذکر چند نکته بیان می داریم:

اوّل: چون امام زمان(عج) از دیده ها پنهان است و در پشت پرده غیبت قرار دارد، نمی توان از راه حس و مشاهده و به صورت عادی به پاسخ سؤال نایل شد؛ نیز چون سؤال از مباحث عقلی و انتزاعی نیست، از راه برهان عقلی نیز نمی توان پاسخ را دریافت نمود. تنها راه پاسخ گویی، روایات پیشوایان معصوم(ع) است که چون آنان از علم برتری بهره مند می باشند، می توانند از آینده خبر دهند که از آن جمله حوادث و مسائل مربوط به مهدی منتظر(ع) است.

دوم: حال که پاسخ را می بایست از اخبار پیشوایان معصوم(ع) جستجو نمود، به سراغ روایات می رویم. در روایات صحیح و معتبر، پاسخ روشنی به پرسش وجود ندارد؛ بلکه در برخی روایات با ایهام و اشاره در این زمینه سخن به میان آمده است، از جمله:

۱- مفضل بن عمر گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که در مورد امام مهدی(عج) فرمود: "صاحب الزمان را دوغیبت است. یکی از آن دو به اندازه ای طولانی شود که برخی گویند: حضرت از دنیا رفته و برخی گویند کشته شده است اما کسی جز آنانی که امور حضرت را پی گیری می کنند، از مکان و فرزندان وی آگاه نیستند".(۱)

۲- از امام صادق(ع) آمده است: "گویا می بینم حضرت مهدی(عج) با اهل و عیالش در مسجد سهله است".(۲)

۳- از امام هشتم(ع) در دعایی نقل شده است: "اللّهم اعطه فی نفسه و أهله و ولده و ذریته و جمیع رعیته ما تقرّ به عینه و تسرّ به نفسه؛(۳) خدایا، مایه چشم روشنی

و خوشحالی امام زمان(عج) را در او و خانواده و فرزندان و ذریه و تمام پیروانش فراهم فرما!".

۴- نیز از آن حضرت در مورد امام زمان(عج) این دعا نقل شده است: "اللهم صل علی ولاه عهده و الائمه من ولده؛(۴) خدایا، بر والیان و فرزندان وی که امامند، درود فرست!".

ظاهر این این روایات دلالت بر زن و فرزند داشتن است.

این روایات به فرض پذیرش و درستی سند و صحت انتساب آن به امام معصوم، از نظر دلالت به روشنی گویا نیست که امام مهدی(عج) در دوره غیبت همسر و فرزند دارد.

در برخی احادیث مشکل سندی و در برخی دیگر مشکل دلالت وجود دارد.

افزون بر این روایاتی وجود دارد که با صراحت وجود فرزند را برای حضرت نفی می کند.(۵)

سوم: با توجه به روایات مذکور می گوییم:

در مورد زن و فرزند امام مهدی(ع) سه احتمال وجود دارد:

أ) حضرت ازدواج نکرده است.

لازمه این احتمال آن است که امام(ع) یکی از سنت های مهم اسلامی را ترک کرده باشد، که با شأن امام سازگار نیست. امّا از سوی دیگر چون غیبت از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ به ناچار امام از سنت چشم پوشی می کند، که اشکالی ندارد. برای حفظ مصلحت بالاتر، از مصلحت پایین تر چشم پوشی می گردد.

ب) حضرت ازدواج نموده امّا فرزندی ندارد. نداشتن فرزند به سبب غیبت است. پذیرش این فرض، سؤالی را با خود می آورد که آیا همسرش هم از عمر طولانی بهره مند است یا این که مدّتی با حضرت زندگی کرده و بعد از دنیا رفته است؟ در این صورت حضرت به سنت ازدواج عمل کرده و بعد بدون زن و فرزند زندگیش

را ادامه می دهد.

پ) حضرت زن و فرزند دارد. با پذیرش این فرض، این سؤالات مطرح است: آیا آنان نیز عمری طولانی دارند؟ فرزندان حضرت نیز فرزندانی دارند؟ اگر دارند، این همه اولاد، در پی اصل خویش می افتند و همین کنجکاوی، مسئله را به جایی می رساند که با فلسفه غیبت منافات دارد.

با توجه به مطالب مذکور، نمی توان یکی از این سه احتمال را قاطعانه پذیرفت و این به مقتضای خرد ورزی است که در جایی که دلیل کافی برای اثبات یا انکار چیزی وجود ندارد، از ابراز حکم قطعی خودداری گردد.

بنابراین از راه هایی که پیش روی ما است، نمی توان وجود زن و فرزندی را برای حضرت مهدی(عج) ثابت نمود. نیز به دیگر پرسش هایی که در مورد زن و فرزند حضرت مهدی(عج) هست، نمی توان پاسخ قطعی داد.(۶)

پی نوشت ها:

۱. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۳. سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۱۰.

۴. همان، ص ۵۱۰.

۵. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۱.

۶. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان.

آیا امام زمان ۷ازدواج کرده اند و دارای زن و بچه هستند آیا داستان جزیره خضرا واقعیت داشته و حضرت حجت ۷در میان آب زندگی می کنند؟

پرسش

آیا امام زمان ۷ازدواج کرده اند و دارای زن و بچه هستند آیا داستان جزیره خضرا واقعیت داشته و حضرت حجت ۷در میان آب زندگی می کنند؟

پاسخ

دوست عزیز, ضمن تشکر از ارتباط مجدّد شما با این مرکز نکاتی تقدیم می گردد:

۱ حضرت امام زمان ۷نیز مانند اجداد طاهرین خویش ازدواج کرده و به سنت رسول اکرم ۶عمل نموده اند و دارای اولاد و اهل و عیال هستند, دلیل این مدعاعلاوه بر اهتمام معصومان : به سنّت رسول خدا۶روایاتی است که در منابع ما آمده است . در دعاها می خوانیم : سلام بر تو و ذریه و نسل تو;

۲ داستان جزیرهء خضرا در جوامع روایی شیعه به طور مبسوط آمده است , برای مثال علامه مجلسی درجلد ۵۲بحارالانوار, صفحه ۱۵۹ باب مفصّلی تحت عنوان شرح رساله مشهور به جزیره خضراء آورده اند ومی فرمایند:

; یعنی من رساله ای مشهور به داستان جزیره خضرا در دریای سفید یافتم , دوست دارم آن را وارد کنم , چون مشتمل بر ذکر کسی که حضرت حجت را دیده و مطالب عجیبی در آن رساله وجود راد, امااین رساله و اخبار مربوط به جزیره خضرا از اعتبار برخوردار نیست ;

۳ کتاب جزیرهء خضرا که شما به آن اشاره کردید در واقع ترجمه ای است از روایات کتاب بحارالانوار, جلد۵۲ صفحه ۱۵۹ ۱۸۰

۴ برای آشنایی بهتر شما, چکیده داستان جزیره خضرا را به صورت جزوه تقدیم می نماییم .

آیا امام زمان ۷دارای همسر و فرزند هستند؟

پرسش

آیا امام زمان ۷دارای همسر و فرزند هستند؟

پاسخ

یکی از مسائلی که مورد کنجکاوری و پرس و جوی افراد مختلف قرار می گیرد و با توجه به غیبت طولانی حضرت , جای سؤال فراوانی را به جا می گذارد, همسر و فرزندان حضرت است . آیا با توجه به فلسفهء غیبت و این که حضرت , ناشناس زندگی می کند و کسی که از امکان وی آگاه نیست و نمی تواند مطلع شود, مگر کارگزاران ایشان , ازدواج و داشتن فرزند, با این مسئله سازگار است ؟ مضافاً بر این که ازدواج سنت پیامبر و نیاز جنسی است ونمی شود سنت را شکست و مبارزه کرد. منابع و مآخذی که در اختیار است , از نظر سند مورد شکّ است یا از جهت دلالت نمی تواند موضع روشنی داشته باشد. در عین حال این موضوع دارای سه احتمال است :

۱ اساساً حضرت صاحب الزمان (عج) همسری اختیار نکرده باشند.

۲ همسر داشته , ولی فرزند نداشته باشند.

۳ ازدواج کرده باشند و فرزندانی دارند, اما پدر را به عنوان قائم آل محمد نشناسند.

اگر احتمـال اوّل را قبول کنیم , لازمه اش این می شود که حضـرت یکی از سـنت های مهم اسـلامی را ترک کرده باشـند, که این با منزلت امام سازگار نیست , مگر با توجیه اهمیت غیبت که در مقابل مهم قرار گرفته باشد.

اصـل ازدواج را بپـذیریم , بـدون داشـتن فرزنـد, که باز هم جای اشـکال باقی است که آیا همسـر ایشانماننـد حضـرت دارای عمری طولانی هستند که همپای امام تا وقت موعود باقی باشند و یا به عمر طبیعی از دنیا رفته

اند و حضرت دربقیهء عمر تنها زندگی می کنند. وانگهی بدون اجازهء همسر جلوگیری جائز نیست , مگر این که حضرت از زن های عقیم استفاده کند, که آن هم بر خلاف سنت و مستحبات است .

۴ حضرت ازدواج کرده و دارای فرزند نیز هستند.

در این صورت اشکالی پیش نمی آید, چرا که آن ها پدر را به عنوان امام زمان نمی شناسند و پس از این که به کمال مطلوب رسیدند و زندگی آن ها سامان گرفت و مادرشان مُرد, حضرت غیبت می کند و گمان می کنند ایشان پدرشان مفقود یا شهید شده است . سپس حضرت همسر دیگری خواهند گرفت و بعضی از اولاد ایشان جزء یاران حضرت خواهند بود. به همین منوال تداوم پیدا می کند و هر کدام ممکن است در کشوری باشند. و از هم مطلع نباشندو هرگز به هم نرسند. مفقود بودن پدر در دنیا زیاد است , مثلاً هواپیما سقوط کرده و همگی مرده اند و امام از قدرت وعلم خدادادی استفاده کرده و از مرگ نجات یافته است دلیل مطلب این است که در دعا می خوانیم : سلام بر تو و ذریه است و نسل شریفت .(۱)

(پاورقی ۱.مجلهء حوزه , ش ۷۰ ۷۱ ص ۵۴ مهدی موعود, علی دوانی ; دعای عهد.

آیا قصه جزیره خضرا دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟

پرسش

آیا قصه جزیره خضرا دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟

پاسخ

مرحوم مجلسی در "بحارالأنوار" از علی بن فاضل روایتی مفصّل نقل کرده ودر آن اشاره به جزیره ای دارد که نسل حضرت در آن زندگی می کنند.

پاسخ:

۱ - از عبارت مجلسی استفاده می شود که روایت اعتبار چندانی نزد او نداشته است. او می گوید: "چون در کتاب های معتبر به این حدیث دست نیافتم آن را در فصلی جداگانه آوردم".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹. پاورقی}

۲ - شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز این داستان را تخیلی برشمرده است.

{پاورقی . الذریعه، ج ۵، ص ۱۰۸. پاورقی}

۳ - در متن تناقضاتی وجود دارد.

۴ – سخنان بی اساس در آن مشاهده می شود.

۵ – در سند آن افرادی ناشناخته وجود دارد.

{پاورقی . ر.ك: دراسه فی علامات الظهور، جعفر مرتضی عاملی. پاورقی}

در برخی از روایات بر اهل وعیال حضرت اشاره شده،آیا این دلالت بر ازدواج دارد؟

پرسش

در برخی از روایات بر اهل وعیال حضرت اشاره شده،آیا این دلالت بر ازدواج دارد؟

پاسخ

۱پاسخ اول

– از عبارت مجلسی استفاده می شود که روایت اعتبار چندانی نزد او نداشته است. او می گوید: "چون در کتاب های معتبر به این حدیث دست نیافتم آن را در فصلی جداگانه آوردم".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹. پاورقی}

۲ – شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز این داستان را تخیلی برشمرده است.

{پاورقی . الذریعه، ج ۵، ص ۱۰۸. پاورقی}

۳ – در متن تناقضاتی وجود دارد.

۴ – سخنان بی اساس در آن مشاهده می شود.

۵ – در سند آن افرادی ناشناخته وجود دارد.

{پاورقی . ر.ك: دراسه فی علامات الظهور، جعفر مرتضی عاملی. پاورقی}

پاسخ دوم

محمّد بن مشهدی در مزار از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "گویا نزول قائم در مسجد سهله را با اهل وعیالش مشاهده می کنم".

{پاورقی . نجم الثاقب، ص ۲۲۵. پاورقی}

پاسخ:

۱ – دعاها وروایات قابل جمع با اولاد حضرت هنگام ظهور یا بعد از آن است.

سید جعفر مرتضی عاملی می گوید: "چه بسا مراد، اولاد حضرت بعد از ظهور باشد آن گونه که از سیاق کلام در اکثر روایات استفاده می شود.

{پاورقی . دراسه فی علائم الظهور، ص ۲۳۲. پاورقی}

۲. تعبیر به آل بیت امام زمان (ع) که در برخی از ادعیه وارد شده با آباء واجداد آن حضرت نیز سازگاری دارد.

آیا کنیه "اباصالح" دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟

پرسش

آیا کنیه "اباصالح" دلالت بر ازدواج حضرت دارد؟

پاسخ

۱پاسخ اول

– دعاها وروایات قابل جمع با اولاد حضرت هنگام ظهور یا بعد از آن است.

سید جعفر مرتضی عاملی می گوید: "چه بسا مراد، اولاد حضرت بعد از ظهور باشد آن گونه که از سیاق کلام در اکثر روایات استفاده می شود.

{پاورقی . دراسه فی علائم الظهور، ص ۲۳۲. پاورقی}

۲. تعبیر به آل بیت امام زمان (ع) که در برخی از ادعیه وارد شده با آباء واجداد آن حضرت نیز سازگاری دارد.

پاسخ دوم

برخی ممکن است برای اثبات ازدواج واولاددار بودن حضرت مهدی (ع) به کنیه "اباصالح" استدلال کنند یعنی پدر صالح، که این، دلالت بر وجود فرزندی به نام صالح برای حضرت دارد.

اولاً: ممکن است که تکنّی حضرت به این کنیه به جهت آن باشد که امام زمان (ع) پدر ومجری اصلاح جامعه است، او تنها کسی است که به اذن واراده الهی جامعه بشری را در سطح کره زمین اصلاح خواهد کرد. همان گونه که در روایتی پیامبر (ص) درباره خود علی بن ابی طالب (ع) فرمود: "من وعلی دو پدر این امّتیم". ثانیاً: کلمه "اَب" در لغت عرب تنها به معنای

پدر نیست بلکه به معنای "صاحب" نیز آمده است. "اباصالح" یعنی کسی که صُلحایی در اختیار دارد.

ثالثاً: ممکن است که این کنیه از آیه {وَلَقَدْ کَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ} گرفته شده باشد.

{پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. پاورقی}

۲- آیا امام زمان"ع" ما که تا به حال هزار وچندی سال ازعمرایشان می گذرد آیا همسر ویا فرزند ویا نوه ای هم دارند؟

پرسش

۲- آیا امام زمان"ع" ما که تا به حال هزار وچندی سال ازعمرایشان می گذرد آیا همسر ویا فرزند ویا نوه ای هم دارند؟

پاسخ

۲) اما سؤال دومی که پرسیدید این بود آیا امام زمان"ع" دارای همسر وفرزند هستند یا نه؟

جواب شما : مانمی توانیم با نظر محکمی بگوئیم که امام زمان"عج" دارای همسر وفرزند هستند یا نه، اگر چه چند تا حدیث ازامامان معصوم"ع" دراین زمینه وارد شده اما نمی توان به آنها تکیه کرد چون معلوم نیست که این احادیث صحیح باشد یا نه؟

اما برای اینکه مسأله برای شما روشن شود چند احتمال را درنظر می گیریم :

اول اینکه بگوییم اساساً حضرت مهدی"عج" ازدواج نکرده اند ودوم اینکه بگوییم ازدواج کرده اند ولی فرزندندارند. سوم اینکه هم ازدواج کرده اند وهم فرزند دارند.

حالا درمورد احتمال اول اینکه بگوییم اصلاً حضرت مهدی"عج" ازدواج نکرده اند، باعث می شود که امام زمان"عج" یکی ازسنت های مهم اسلامی که ازدواج می باشد را ترک کرده باشد چون می دانی که ازدواج یکی از کارهای بسیار خوب است که پیامبر اکرم"ص" فرموده است "ازدواج سنت من است وهر کس ازسنت من دوری کند ازمن نیست". پس حضرت مهدی"عج" که امام معصوم است باید به سنت عمل کند واگر ازدواج راترک کند درشأن ومقام آن حضرت نمی باشد.

اما احتمال دوم اینکه امام ازدواج کرده ولی دارای فرزند نیست، ولی می توان سؤال کرد که آیا همسر امام زمان"عج" مثل خودحضرت هم عمر طولانی دارد یا نه. واین خودش یک اشکال است زیرا که فقط امام زمان خودش به تنهایی ونیز چند تا از پیامبران مثل حضرت عیسی"ع" وحضرت

خضـر زنـده هسـتند وعمر طولانی دارنـد، نه کسانی دیگر واگر همسـر امام هم عمر طولانی داشت بایـد اسم ونام پدرومادرش مشخص بود.

واگر بگوییم که امـام زمـان ازدواج کرده انـد وهمسـرشان ازدنیـا رفته است این احتمـال خوب است، زیرا امـام زمـان به سـنت ازدواج عمل کرده اند وپس ازآن بدون همسر وفرزند زندگی را ادامه داده اند.

واحتمـال سوم اینکه بگوییم هم امـام زمان"عـج" ازدواج کرده وهم فرزنـد داردواین چنـد احتمال اشـکال دارد اول اینکه دلیلی محکم دراین زمینه نـداریم، ودوم اینکه اگر امام زمان دارای فرزنـداست وآن فرزنـدان هم فرزنـد دارند وهمین طور این باعث می شود که امـام زمـان"عـج" دارای خانه ومنزل باشـد وبچه ها دوست دارنـد با پـدر ومادرشان باشـند واین با غیبت حضـرت سازگاری ندارد وباعث می شود مردم امام زمان"عج" را بشناسند ومحل زندگی آن حضرت معلوم بشود.

منابع(۲)

۱. پرسش هاوپاسخ ها،دفتر سوم،راهنماشناسی، ص۶۳ومجله با معارف اسلامی آشنا نشویم،شماره ۴۹

آیا امام زمان زن وفرزند دارد؟ درصورتی که ندارد آیا خداوند غریزه جنسی را درهمه قرار نداده وآیا ازروایات استفاده نمی شود که مردم بایـد ازدواج کننـد وثواب زیادی دارد ودرمذمتش احادیث فراوان داریم. اگر ازدواج کرده چند تا فرزند دارد وکجا زندگی می کنند؟

پرسش

آیا امام زمان زن وفرزند دارد؟ درصورتی که ندارد آیا خداوند غریزه جنسـی را درهمه قرار نداده وآیا ازروایات اسـتفاده نمی شود که مردم بایـد ازدواج کننـد وثواب زیادی دارد ودرمـذمتش احادیث فراوان داریم. اگر ازدواج کرده چنـد تا فرزنـد دارد وکجا زندگی می کنند؟

پاسخ

خداونـد غریزه جنسـی را دروجود همه انسانها بلکه حیوانات قرار داده است اما بعضـی انسانها با کسب معرفت به حقیقت خود وخـالق خود درمی یابنـد که همه وجود انسـان درغریزه جنسـی وبرآورده کردن نیازهـای جنسـی خلاصه نمی شود بلکه غریزه جنسـی وسـیله ای است برای رسـیدن به هـدف عالی خلقت انسان که عبادت ومعرفت خداونـد است"وما خلقت الجن والانس الالیعبدون" (خلق نکردم جن و انس را مگر که عبادت کنند) ائمه"ع" انسانهایی هستند دراوج معرفت که غریزه جنسی ومادی را بسـیار محـدود کرده انـد، چنانچه امیرالمؤمنین علی"ع" به قرص نانی ازدنیا قناعت می نمود. امام زمان"ع" نیز ماننـد اجـداد بزرگوارشـان عمل می کننـد واز مادیات درحـد وجوب بهره منـد می شونـد ودرخصوص ازدواج ایشان سه احتمال را بیان می کنیم که اصل جواب شما درقسمت آخر احتمال دوم می باشد.

اما سؤالی که پرسیدید این بود آیا امام زمان"ع" دارای همسر وفرزند هستند یا نه؟

جواب شـما : مانمی توانیم با نظر محکمی بگوئیم که امام زمان"عج" دارای همسـر وفرزند هستند یا نه، اگر چه چند تا حدیث ازامامـان معصوم"ع" دراین زمینه وارد شـده اما نمی توان به آنها تکیه کرد چون معلوم نیست که این احادیث صـحیح باشـد یا نه؟

اما برای اینکه مسأله برای شما روشن شود چند احتمال را درنظر می گیریم :

اول اینکه بگوییم اساساً حضرت مهدی"عج" ازدواج نکرده

اند .

دوم اینکه بگوییم ازدواج کرده اند ولی فرزند ندارند.

سوم اینکه هم ازدواج کرده اند وهم فرزند دارند.

حالا درمورد احتمال اول اینکه بگوییم اصلاً حضرت مهدی"عج" ازدواج نکرده اند، باعث می شود که امام زمان"عج" یکی

ازسنت های مهم اسلامی که ازدواج می باشد را ترک کرده باشد چون می داند که ازدواج یکی از کارهای بسیار خوب است که پیامبر اکرم"ص" فرموده است "ازدواج سنت من است وهر کس ازسنت من دوری کند ازمن نیست". پس حضرت مهدی"عج" که امام معصوم است باید به سنت عمل کند واگر ازدواج راترک کند درشأن ومقام آن حضرت نمی باشد.

اما احتمال دوم اینکه امام ازدواج کرده ولی دارای فرزند نیست، ولی می توان سؤال کرد که آیا همسر امام زمان"عج" مثل خودحضرت هم عمر طولانی دارد یا نه. واین خودش یک اشکال است زیرا که فقط امام زمان خودش به تنهایی ونیز چند تا از پیامبران مثل حضرت عیسی"ع" وحضرت خضر زنده هستند وعمر طولانی دارند، نه کسانی دیگر واگر همسر امام هم عمر طولانی داشت باید اسم ونام پدرومادرش مشخص بود.

واگر بگوییم که امام زمان ازدواج کرده اند وهمسرشان ازدنیا رفته است این احتمال خوب است، زیرا امام زمان به سنت ازدواج عمل کرده اند وپس ازآن بدون همسر وفرزند زندگی را ادامه داده اند.

واحتمال سوم اینکه بگوییم هم امام زمان"عج" ازدواج کرده وهم فرزند دارداین چند احتمال اشکال دارد اول اینکه دلیلی محکم دراین زمینه نداریم، ودوم اینکه اگر امام زمان دارای فرزنداست وآن فرزندان هم فرزند دارند وهمین طور این باعث می شود که امام زمان"عج" دارای خانه ومنزل باشد وبچه ها دوست دارند با

پدر ومادرشان باشند واین با غیبت حضرت سازگاری ندارد وباعث می شود مردم امام زمان"عج" را بشناسند ومحل زندگی آن حضرت معلوم بشود.

آیا حضرت مهدی"ع" همسر وفرزند دارد؟چند تا وچگونه؟

پرسش

آیا حضرت مهدی"ع" همسر وفرزند دارد؟چند تا وچگونه؟

پاسخ

مانمی توانیم با نظر محکمی بگوئیم که امام زمان"عج" دارای همسر وفرزند هستند یا نه، اگر چه چند تا حدیث ازامامان معصوم"ع" دراین زمینه وارد شده اما نمی توان به آنها تکیه کرد چون معلوم نیست که این احادیث صحیح باشد یا نه؟

اما برای اینکه مسأله برای شما روشن شود چند احتمال را درنظر می گیریم :

اول اینکه بگوییم اساساً حضرت مهدی"عج" ازدواج نکرده اند .

دوم اینکه بگوییم ازدواج کرده اند ولی فرزند ندارند.

سوم اینکه هم ازدواج کرده اند وهم فرزند دارند.

حالا درمورد احتمال اول اینکه بگوییم اصلاً حضرت مهدی"عج" ازدواج نکرده اند، باعث می شود که امام زمان"عج" یکی

ازسنت های مهم اسلامی که ازدواج می باشد را ترک کرده باشد چون می داند که ازدواج یکی از کارهای بسیار خوب است که پیامبر اکرم"ص" فرموده است "ازدواج سنت من است وهر کس ازسنت من دوری کند ازمن نیست". پس حضرت مهدی"عج" که امام معصوم است باید به سنت عمل کند واگر ازدواج راترک کند درشأن ومقام آن حضرت نمی باشد.

اما احتمال دوم اینکه امام ازدواج کرده ولی دارای فرزند نیست، ولی می توان سؤال کرد که آیا همسر امام زمان"عج" مثل خودحضرت هم عمر طولانی دارد یا نه. واین خودش یک اشکال است زیرا که فقط امام زمان خودش به تنهایی ونیز چند تا از پیامبران مثل حضرت عیسی"ع" وحضرت خضر زنده هستند وعمر طولانی دارند، نه کسانی دیگر واگر همسر امام هم عمر طولانی داشت باید اسم ونام پدرومادرش مشخص بود.

واگر بگوییم که امام زمان ازدواج کرده اند وهمسرشان ازدنیا رفته است این احتمال خوب

است، زیرا امام زمان به سنت ازدواج عمل کرده اند وپس ازآن بدون همسر وفرزند زندگی را ادامه داده اند.

واحتمال سوم اینکه بگوییم هم امام زمان"عج" ازدواج کرده وهم فرزند دارداین احتمال چند اشکال دارد اول اینکه دلیلی محکم دراین زمینه نداریم، ودوم اینکه اگر امام زمان دارای فرزنداست وآن فرزندان هم فرزند دارند وهمین طور این باعث می شود که امام زمان"عج" دارای خانه ومنزل باشد وبچه ها دوست دارند با پدر ومادرشان باشند واین با غیبت حضرت سازگاری ندارد وباعث می شود مردم امام زمان"عج" را بشناسند ومحل زندگی آن حضرت معلوم بشود.

آیا اطلاعاتی در مورد نحوه زندگی ابا صالح عج و جود دارد اینکه چگونه زندگی می کنند، تنهاست یا با خانواده ای زندگی میکند خود را و خوراکش ر ازکجا تأمین میکند یا از آسمان برای او میرسد توضیح فرمائید ؟

پرسش

آیا اطلاعاتی در مورد نحوه زندگی ابا صالح عج و جود دارد اینکه چگونه زندگی می کنند، تنهاست یا با خانواده ای زندگی میکند خود را و خوراکش ر ازکجا تأمین میکند یا از آسمان برای او میرسد توضیح فرمائید ؟

پاسخ

بلی : امام زمان (عج) مانند سایر مردم زندگی می کند ولی پنهان از مردم مثل خورشیدی که در پشت ابر می باشد امام (عج) مردم را می بیند وقتی مشکلی بر خورد کنند به فریادشان می رسد و مشکلات مردم را حل می کند همانطور که مقدس اردبیلی و علامه حلی ره) داشتند حل نمودند ولی بعضی امام را می شناسند و اکثریت مردم نمی شناسند و در بین مردم زندگی می کند. بعنوان مثال و از جمله حکایتی است که جماعتی از علماء بمن خبر دادند و آنها از جماعت دیگر و آنها از سید سند فاضل کامل میرزا محمد استرآباد ی نور الله مرقده نقل کرده اند که گفت : من یک شب دور خانه خدا طواف می کردم ناگاه دیدم جوانی خوش سیما آمد شروع بطواف کرد .

وقتی بمن نزدیک شد یک دسته گل سرخ که موسم آن نبود بمن داد . من هم از وی گرفتم و آن را بو ئیدم و گفتم آقا ! این گل از کجاست ، گفت: از خرابات است . سپس از نظرم غایب شد و من او را ندیدم .

بحث مفصل در کتاب مهدی موعود جلد ۱۳ بحار علامه مجلسی ترجمه علی دوانی

اما در مورد امام زمان عج) به کتابهای مهدی موعود (عج

) و کتابهای دیگر مراجعه شود .

۱–آیا امام زمان «عج» دارای زن و فرزند می باشند ؟ اگر جواب مثبت است آیا آنها می دانند که ایشان(حضرت مهدی) صاحب الزمان است ؟

اشاره

۲–زن و فرزندانشان در بین ما زندگی می کنند یا در جای خاصی زندگی می کنند ؟

۳–آیا امام زمان(علیه السلام)هم به آنها(زن و فرزندا

پرسش

۱–آیا امام زمان «عج» دارای زن و فرزند می باشند ؟ اگر جواب مثبت است آیا آنها می دانند که ایشان(حضرت مهدی) صاحب الزمان است ؟

۲–زن و فرزندانشان در بین ما زندگی می کنند یا در جای خاصی زندگی می کنند ؟

۳–آیا امام زمان(علیه السلام)هم به آنها(زن و فرزندان) زندگی می کنند ؟

پاسخ

همه سوالات شما چوابش خلاصه می شود در مطالبی که در ذیل می آید :

دلیل قطعی بر وجود یا عدم وجود آن نداریم لکن شواهدی هست که وجود همسر و فرزندان را اثبات می نماید .

۱–قواعد کلی

۲–روایات

۳–دعاها

قواعد کلی شریعت، محمدی ایجاب می کند که حضرت بقیه الله نیز مانند دیگر پیشوایان معصوم «علیهم السلام » تشکیل خانواده داده است ، و از جد بزرگوارش حضرت محمّد مصطفی پیروی نموده .

مرحوم محدث نوری« ره » می فرماید: چگونه ترک خواهد نمود چنین سنت عظیمه جدبزگوار خود را با آن همه ترغیب و تحریص که در انجام آن شده . و نکوهشی که در ترک تهدید و آن شده است. سزوار ترین کس در انجام سنت پیامبر امام هر عصر است و تا کنون کسی ترک آن را از خصایص آن جناب نشمرده است .

روایات در رابطه با همسر و همسران حضرت بقیه الله تنها یک روایت است که سرنخی به دست میدهد و آن روایتی است که، مرحوم کفعمی در کتاب شریف مصباح نقل کرده است . بر اساس این روایت همسر حضرت از نسل عبدالعُزّی پسر عبدالمطلب می باشد. در رابطه با اولاد آن حضرت روایاتی هست که وجود آنها را به روشنی اثبات می کند و این روایات ضمنا

وجود همسر را اثبات می کنند .

الف)- سیدبن طاووس در جمال الاسبوع می فرماید : روایتی با سندهای متصل یافتم که حضرت ولی عصر عج » را اولاد بسیاری هست .

ب) مرحوم مجلسی «ره» نیز بابی را به خلفاء و اولاد حضرت مهدی اختصاص داده است .

روایت بسیاری دلیل بروجود فرزند برای حضرت مهدی هستند الا یک روایت که منافی و معارض با این روایات است و آن روایت این است ، هر امامی باید فرزند داشته باشد به جز حضرت مهدی که فرزند ندارد ، ولی علماء و برزگان شیعه مانند مرحوم محدث نوری و شیخ طوسی و میر محمد میر لوحی معاصر علامه مجلسی این تنافی را رفع کردند، بدین بیان که امام زمان مانند سایر ائمه پسر امام ندارد، نه آنکه اصلا پسر ندارد و بنابراین از مجموع احادیث استفاده می شود که، برای حضرت مهدی فرزندان بسیاری هست که همه از اولیا ء و صلحاء شرفا هستند ولی سمت امامت ندارند، چرا که امام منحصر در دوازده نفر است .

۳- دعاها، علاوه بر روایات و قواعد کلی برخی دعاها نیز از معصومین« علیهم السلام » صادر شده و یا از ناحیه مقدسه رسیده دلالت دارند بر اینکه برای حضرت اهل و عیالی و فرزندانی هست و در دعاها نامی از آنها برده نشده و در حق آنها دعا شده است . در این دعا وجود همسر و فرزندان را برای حضرت اثبات می کند و در این مورد دعا بسیار است .

واینکه آیا حضرت مهدی با فرزند و همسران خود ظهور می کنند، چون ما بشریم و اطلاعات

بشر محدود است اطلاعات و دلیل قطعی و یقین محکم به آن تصریح نشده است .

منابع:

۱-سیمای آفتاب , دکتر حبیب الله مظاهری

۲- تجسم امید و نجات , عزیز الله حیدری

۳-سیمای مصلح جهان , مراد فیضی

۴-ارتباط معنوی با حضرت مهدی «عج » , حسین گنجی

آیا امام زمان ازدواج نموده اند چون ازدواج سنت پیامبر است .

پرسش

آیا امام زمان ازدواج نموده اند چون ازدواج سنت پیامبر است .

پاسخ

چنانکه خود شما نیز گفتید ازدواج سنت و مستحب است و ممکن است در مواجهه با امر مهمتری ترک شود.

اما درباره ازدواج امام زمان(عج) روایاتی داریم مبنی بر این که حضرت ازدواج کرده است در این روایات احتمالات متعددی مطرح است. ممکن است در دوران غیبت صغری، امام(ع) ازدواج کرده اند ولی همسر آن حضرت عمر طولانی نداشته و وفات نموده است و ممکن است حضرت در طول سال های غیبت ازدواج های متعددی انجام داده باشند. در هر صورت کیفیت دقیق این موارد بر ما معلوم نیست چنان که اصل ازدواج آن حضرت تنها به دلیل سنّت ازدواج عمل آن حضرت به سنّت است هر چند ممکن است به دلیل همان حکمت غیبت این سنت ترک شود و گرنه دلیل قطعی مبرهنی در دست نیست ؛ بنابراین به طور قاطع نمی شود در این مورد سخن گفت، چون منابعی که در اختیار است در این باره اطلاعات دقیقی به ما ارائه نداده اند. بنابراین با توجه به روایات، نمی شود بطور قاطع در مورد ازدواج آنحضرت و داشتن فرزند نظر داد و چنان که گفته شد حکمت غیبت که باعث شد انسانها از نعمت بزرگ حضور امام محروم گردند شاید همان حکمت باعث شود که حضرت سنت ازدواج را به عمل نیاورد (و الله اعلم).

اما مسأله مهمتر درباره شناخت امام زمان(عج) شناخت نورانیت و مقام شامخ امامت آن حضرت و طریقه ارتباط ما با ایشان است وگرنه ازدواج و عدم ازدواج ایشان، مشکلی را از ما حل نمی کند به ویژه این که ایشان در شرایط استثنایی

و خاصی هستند که به حکمت الهی از ما پنهان است.

برای آگاهی بیشتر رجوع شود:

۱. گفتمان مهدویت جمعی / ۱ / ص ۱۱۸، مؤسسه فرهنگی انتظار نور

۲. چشم به راه مهدی(ع) / جمعی از نویسندگان مجلّه حوزه، ص ۳۵۱ تا ۳۵۶

۳. دادگستر جهان / ابراهیم امینی، ص ۲۰۵ الی ۲۱۶.

آیا همسر ایشان (امام زمان) از انس است یا جن.

پرسش

آیا همسر ایشان (امام زمان) از انس است یا جن.

پاسخ

در رابطه با این سؤال چنانچه در سؤال ۴ توضیح داده شد روایات محدودی داریم که به نحو کلی دلالت بر ازدواج حضرت و این که فرزندانی دارد می کنند. چنانچه در کتاب غیبت شیخ طوسی مفضل ابن عمر از امام صادق(ع) نقل کرده که حضرت فرمود: «لایطلع علی موضعه احد من ولده ولا غیره؛ هیچ کس بر مکان ایشان حتی فرزندی از فرزندانش اطلاع ندارد» (کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۰۲).

لکن گرچه ظاهر این روایت دلالت بر داشتن فرزند و به تبع ازدواج حضرت دارد لکن؛ اولا، این روایت و مانند آن از جهت سند و راویان قابل اعتماد نیستند و ثانیا، در خصوص این روایت در کتاب منتخب الاثر از کتاب غیبت نعمانی روایت را این گونه نقل کرده :«من ولی ولا غیره» (منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۲۵۲).

با وجود این اختلاف در نقل، دیگر روایت قابل استناد نخواهد بود و برفرض هم که این روایات قابل استناد باشند، این روایات به هیچ یک از جزئیات ازدواج و خصوصیات فرزندان اشاره ای ندارند و چون اینها مسائل جزئی و تاریخی هستند و در تاریخ و روایات معتبر در این رابطه چیزی که موجب اطمینان شود نیامده بنحو یقین و جزم نمی توان حکمی کرد نه به نفی و نه به اثبات و جواب این پرسش در هاله قدس غیبت امام قرار دارد و خفاء امر امام که یکی از نشانه ها وخصائص آن حضرت است در پاسخ این سؤال نیز اثر می گذارد، لکن در اینجا چند نکته مسلم است:

۱. اینکه بر فرض

که حضرت ازدواج کرده باشند مسلما همسر ایشان از انس بوده یا هست چنانچه سایر ائمه با انسان ازدواج کرده اند واساسا ازدواج انسان که موجودی جسمانی است با جن که جسم لطیف است ممکن نیست و آیات قرآن کریم به نحو کلی دلالت دارد به این که ازدواج انسانها با موجودی از نفس خود آنهاست و آن را از آیات قرار می دهد و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا؛ از نشانه ها و آیات الهی این است که از نفس های شما برای شما زوج هایی آفرید» (روم، آیه ۲۱).

لذا این که همسر ایشان از جنس جن بوده باشد یقینا منتفی است.

۲. چنانچه از بعضی روایات استفاده می شود غرض خداوند به این تعلق گرفته که زندگی حضرت در زمان غیبت در هاله ای از ابهام باشد چنانچه زندگی حضرت تشبیه به زندگی حضرت خضر(ع) و حضرت عیسی(ع) شده که زنده اند لکن چگونگی حیات و این که ازدواج کرده اند یا خیر، فرزندانی دارند یا خیر مبهم است.

۳. دانستن این مسائل گرچه خوب است، کمال محسوب نمی شود ولکن ندانستن آنها هم ماند هزاران مسأله جزئی تاریخی که ما خبر نداریم به چیزی ضرر نمی زند چون این امور نه از اصول دین هستند و نه از فروع و نه اعتقاد به آنها لازم و نه حکمت آنها بر ما معلوم. انشاءالله حضرت با ظهورش پرده ابهام از این حقایق بزداید.

با توضیحاتی که داده شد جواب سؤال ۶ نیز روشن می شود چون وقتی اصل ازدواج حضرت مسجل و معلوم نباشد اصل فرزند داشتن و خصوصیات آنها به طریق اولی

در پرده خفا خواهد بود.

برای مطالعه بیشتر در این رابطه علاوه بر منابع فوق می توانید به آثار ذیل مراجعه فرمایید:

- پاسخ ده پرسش پیرامون حضرت مهدی(عج)، آیت الله صافی گلپایگانی

- دادگستر جهان، ابراهیم امینی

- مهدی موعود، علی دوانی

برای اینکه فردی به همســری امام زمانش درآید باید چگونه باشد.با توجه به اینکه علاوه بر روح عالی امام جسم ایشان نیز جسم ویژه ای است.

پرسش

برای اینکه فردی به همسری امام زمانش درآید باید چگونه باشد.با توجه به اینکه علاوه بر روح عالی امام جسم ایشان نیز جسم ویژه ای است.

پاسخ

۱. از نگاه قواعد کلی، موضوع ازدواج امام زمان«عج» به یکی از انگاره های زیر تصور شدنی است:

الف - به دلایل امنیتی و زندگی مخفی، ایشان ازدواج نکرده است، زیرا این اقدام ممکن است به آشکار شدن اسرار وی بیانجامد.

ب - در هر دوره زمانی، با زنی که از نظر رازداری، کاملا مورد اطمینان می باشد، ازدواج می کند به دلیل یافت نشدن چنین فرد صد در صد مطمئن، آن هم در هر نسلی به گونه مکرر، این فرضیه پذیرفتنی نیست.

ج - از آنجا که ازدواج، سنتی دینی به شمار رفته و امام معصوم نیز پایبندترین انسان به آداب دینی می باشد، از این رو امام در طول غیبت کبری، ازدواج کرده ولی به عنوان فردی معمولی بوده و موقعیت او حتی برای همسرش شناخته شده نیست. البته با توجه به خطرهایی برای آشکار شدن راز غیبت امام زمان(عج) وجود فرزند از آن حضرت منتفی است. از جمله خطرهای مزبور، مسأله پیر شدن فرزندان و جوان ماندن حضرت و یا در صورت حل این مشکل از سوی خداوند، دنبال پدر گشتن در صورت رها کردن آنها از سوی امام زمان و اشکالاتی از این دست می باشد که در کل، زندگی مخفیانه حضرت را با دشواری جدی روبرو می کند. این دشواری با همسر وی پیدا نمی شود زیرا در صورت احساس خطر از آشکار شدن خود، ایشان از همسر جدا می شود (محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ص

۶۳ – ۶۱ ، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی(ع)، اصفهان).

۲. با رویکرد به مطالب پیش گفته، پاسخ پرسش شما روشن می شود؛ چرا که اولاـ با فرض ازدواج کردن حضرت ولی عصر(عج) ایشان به صورت انسانی کاملا معمولی به زندگی خانوادگی خود ادامه می دهد. از نظر ویژگی های جسمانی نیز گرچه بر پایه روایات و مطالب نقل شده از سوی نمایندگان خاص آن حضرت در غیبت صغری، ایشان ظاهری زیبا و جذاب دارند، ولی ویژگی مزبور تا آن اندازه استثنایی و چشمگیر نیست که موجب بازشناسی امام زمان(عج) از دیگران شده و یا به گفته شما زندگی با چنین فردی با چنان زیبایی و جذابیت را ناممکن سازد.

موقع شروع غیبت کبری، حضرت مهدی(عج) مجرد بود یا متأهل؟

پرسش

موقع شروع غیبت کبری، حضرت مهدی(عج) مجرد بود یا متأهل؟

پاسخ

پاسخ اول

نظر به اینکه امام زمان(عج) در حال غیبت بسر می برد خصوصیات زندگی خانوادگی آن گرامی از همان مراحل نخستین روشن نیست و یکی از بحثهایی که در مورد آن حضرت مطرح است این است که آیا حضرت ازدواج کرده اند یا خیر؟ ولی با توجه به قسمتی از عبارات که در زیارت آن حضرت وارد شده استفاده می شود که آن حضرت ازدواج کرده و دارای فرزندان می باشند ولی در اسناد بعضی از آن روایات و در دلالت آنها بر فرض صحت سند آنها مشکلاتی وجود دارد. برای اطلاع بیشتر به کتاب جزیره خضراء افسانه یا واقعیت صفحه ۱۷۵ مراجعه شود.

پاسخ دوم

دلیل معتبری وجود ندارد که آن حضرت (عج) در دوران غیبت ازدواج کرده باشند، گرچه اصل ازدواج در دوره غیبت امری ممکن به نظر می رسد ولکن با توجه به محذوراتی که ازدواج با غیبت آن حضرت دارد مانند پوشیده بودن و مخفی بودن شرایط خاص خود حضرت، وقوع آن امری بعید می باشد.

البته هم در دعا و هم در چند روایت آمده است که حضرت را با اهل و عیالش دعا کرده اند لکن سند بعضی از روایات قطعی نیست و بعضی از روایات و ادعیه هم مشعر به ازدواج حضرت بعد از ظهور ایشان است.

در هر صورت اصل مسئله بسیار پوشیده و غامض است و قضاوت صریح در این مورد بسیار مشکل است و نیز از اموری است که تفحص از آن هیچ ضرورت و وجهی ندارد چرا که یک شیعه باید وظیفه خود را در زمان غیبت بشناسد و حقی را که ولی او به

گردن او دارد در صدد انجام آن باشد. و سعی کند یک ولی شناسی واقعی و یار مخلص امام خود شود.

آیا امام زمان ازدواج کرده و فرزند دارد؟

پرسش

آیا امام زمان ازدواج کرده و فرزند دارد؟

پاسخ

غیبت امام زمان(ع) یکی از نشانه ها و ویژگی های آن حضرت است سبب پوشیده ماندن چگونگی آن حضرت است. از این رو، نمی توان پاسخ روشنی به سؤال شما داد، زیرا احادیث اطمینان آوری در این مورد در دست نداریم/

روایاتی هم که در دسترس است، از نظر سند و متن آن، یا از جهت اختلاف نسخه یا از جهت غرابت متن، ضعیف هستند؛ مانند این روایت که از امام صادق(ع) نقل شده است: «لا یطلع علی موضع احد من ولده و لا غیره»;{۱} که دلالت بر ازدواج فرزند آن حضرت دارد. در کتاب غیبت نعمانی این روایت چنین آمده است: «لا یطلع علی موضعه احد من ولی و لا غیره». {۲} این روایت از بعضی جهات مانند علو سند و لفظ حدیث، معتبر تر است.

احتمال دارد حضرت محمد(ص) دارای همسر و فرزند باشد؛ ولی در این باره حدیث معتبری که موجب اطمینان باشد وجود ندارد.

[۱]. غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۰۲/

[۲]. منتخب الاثر، ص ۲۵۲/

آیا حضرت ولی عصر۷دارای زن و فرزند می باشد؟

پرسش

آیا حضرت ولی عصر۷دارای زن و فرزند می باشد؟

پاسخ

سلام خدا بر شما, از این که با ما مکاتبه کرده و پرسش های خود را باما در میان گذاشتید,سپاسگزاریم .

درباره زن و فرزند حضرت مهدی ۷سه احتمال وجود دارد:

۱ اساساً حضرا ازدواج نکرده اند و مشیت الهی بر آن تعلق نگرفته است .

۲ ازدواج کرده و یکی از سنت های مهم اسلامی را انجام داده , ولی اولاد ندادند.

۳ ازدواج کرده و صاحب فرزندانی نیز می باشد, ولی بچه ها او را به عنوان مهدی موعود نمی شناسند.

برای قول سوم دلایلی ذکر شده است :

الف) مفضل بن عمر گوید: از امام باقر۷شنیدم که فرمود: .(۱)

استدلال برای اثبات زن و فرزند برای آن بزرگوار, به جملهء اخیر روایت است : .(۲)

ب) ابن طاووس از حضرت رضا۷نقل کرده است : .(۳)

ج) روایت دیگری نیز از حضرت رضا۷نقل شده که فرمود: .(۴)

د) امام صادق ۷می فرماید: .(۵)

البته آن هایی که معتقدند حضرت ازدواج کرده , اما اولاد ندارد, برای عقیده اش دلایلی ذکر کرده اند. برای اطلاع بیش تر مراجعه شود به کتاب تألیف جمعی از نویسندگان , مجلهء حوزه , از ص ۳۵۲ ۳۵۵

یکی از محققان می نویسد: .(۶)

(پاورقی ۱.کتاب الغیبه,

(پاورقی ۲.کتاب الغیبه, شیخ طوسی , ص ۱۶۲ طبق نقل چشم به راه مهدی ۷ ص ۳۵۳

(پاورقی ۳.جمال الاءسبوع , ابن طاووس , ص ۵۲۰ به نقل از همان , ص ۳۵۴

(پاورقی ۴ .ابن طاووس , جمال الاءسبوع ,ص ۵۱۰

(پاورقی ۵.بحارالاءنوار, محمد تقی مجلسی , ج ۵۲ ص ۳۱۷

(پاورقی ۶.ابراهیم امینی , دادگستر جهان , ص ۲۱۶

آیا امام زمان ۷ازدواج نموده اند و دارای فرزند هستند؟

پرسش

آیا امام زمان ۷ازدواج نموده اند و دارای فرزند هستند؟

پاسخ

در خصوص این که حضرت مهدی ۷ازدواج کرده و فرزندانی دارد یا نه , منابع و مستندات قطعی وجود ندارد. منابعی که در اختیار است , یا اشکال سندی دارند و یا ابهام دلایلی , و نظر قاطعی ارایه نمی دهند. در این جا سه احتمال وجود دارد:

۱ حضرت مهدی ۷ازدواج نکرده است ;

۲ ازدواج انجام گرفته , ولی اولاد ندارد;

۳ ازدواج کرده و دارای فرزندانی است .

اگر احتمال اول را بپذیریم , لازمه اش این است که امام معصوم ۷یکی از سنت های مهم اسلامی را ترک کرده باشد و این با شأن امام سازگار نیست . اما از طرفی دیگر چون غیبت , اهم است و ازدواج مهم , ترک ازدواج , با توجه به امر مهم تر, اشکالی ایجاد نمی کند و گاهی برای مصلحت بالاتر, لازم و واجب است .(۱)

امام احتمال دوم که اصل ازدواج را بپذیریم بدون داشتن اولاد, جمع می کند بین انجام سنت اسلامی و عدم فاش شدن مکان و موقعیت حضرت .

اما باز این اشکال باقی است که اگر قرار باشد حضرت شخصی را به عنوان همسر برگزیند, یا باید بگوییم که عمراو نیز مانند عمر حضرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم , یا اینکه بگوییم مدتی با حضرت زندگی کرده و ازدنیا رفته است که در این صورت , حضرت به سنت حسنه ازدواج عمل کرده و پس از آن , تنها و بدون زن و فرزندزندگی را ادامه می دهد.

احتمال سوم آن است که حضرت ازدواج کرده و دارای اولاد است و

اولاد حضرت نیز فرزندانی دارند. این مطلب مستند و دلیل محکمی ندارد و نمی شود ادعای درستی در این مورد مطرح نمود.(۲)

نتیجه این که با توجه به ضعف ادله و مدارک , نمی توان ادعای قاطعی در خصوص ازدواج و فرزند داشتن حضرت مهدی ۷مطرح نمود.

(پاورقی ۱.مجله حوزه , ویره بقیه اللّه الاعظم , شماره ۷۰ ۷۱ ص ۵۵

(پاورقی ۲.مجله حوزه , همان , ص ۵۸

در خصوص ازدواج یا عدم ازدواج امام زمان(عج) توضیح دهید.

پرسش

در خصوص ازدواج یا عدم ازدواج امام زمان(عج) توضیح دهید.

پاسخ

درباره ازدواج و عدم ازدواج امام زمان (عج) دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: حضرت ازدواج نکرده است،

اگر این احتمال را بپذیریم، این مشکل مطرح می گردد که چرا امام معصوم(ع) به یکی از سنت های اسلامی که ازدواج باشد عمل نکرده است؟!

پاسخ غیبت امام زمان(ع)از سنت ازدواج اهمیت بیشتری دارد که ترک سنت ازدواج، از سوی امام معصوم(ع) با مقام عصمت منافات نداشته، مشکل ایجاد نمی کند.(۱)

احتمال دوم: امام زمان(عج) ازدواج نموده است.

در این جا این مشکل پیش می آید که همسر آن حضرت نیزمانند امام عمر طولانی داشته باشد که دلیلی بر آن وجود ندارد، مگر این که بگوییم همسر حضرت بعد از مدتی از دنیا رفته است.

برخی احتمال دوم را تقویت نموده اند، در برخی روایات تصریح شده است که امام، همسر و فرزند دارد. امام رضا(ع) فرمود: "بارالها! مایه چشم روشنی و خوشحالی امام زمان(ع) را در او و خانواده و فرزند و ذریه و تمام پیروانش عنایت فرما".(۲)

برخی دیگر درصدد هستند ثابت کنند که امام زمان(عج) ازدواج نکرده و روایاتی راکه دلالت بر ازدواج امام(ع) دارند

ضعیف و قابل استناد ندانسته اند. از سوی دیگر رایاتی که دلالت بر همسر داشتن امام زمان(عج) دارد، دلالت ندارند که امام زمان(ع) قبل از ظهور ازدواج نموده است؛ از این رو می توان گفت: روایاتی که بر ازدواج امام دلالت دارند، حمل بر بعد از ظهور امام(ع) می شوند که بعد از ظهور ازدواج خواهند نمود. هم چنین آن دسته از روایاتی که دلالت بر همسر داشتن امام زمان(ع) دلالت دارند، با آن دسته از روایاتی که ازدواج امام زمان(ع) را نفی

می کننـد، تعارض دارنـد. مسـعودی نقل می کنـد: علی بن حمزه ابن سـراج و ابن سـعید مکاری بر امام رضا(ع) وارد شـد و به حضـرت عرض کرد: از پدرانت نقل کرده ایم که هیچ سـراج و ابن سعید مکاری بر امام رضا(ع) وارد شد و به حضرت عرض کرد: از پـدرانت نقـل کرده ایم که هیـچ امامی از دنیا نمی رود، تا فرزنـدش را ببینـد. امام رضا(ع) فرمود: "آیا در این حـدیث روایت کرده اید، مگر قائم؟"(۳)

واقعیت آن است که به طور قـاطع نمی توان گفت: امـام زمـان(عـج) همسـر دارد. شایـد بر همین اساس سیره و تاریـخ نگاران نتوانسته اند در خصوص داشتن یا نداشتن همسر امام زمان(عج) اظهار نظر کنند.

پی نوشت ها:

۱ – ر. ک: مجله حوزه ویژه امام زمان(عج)، ص ۵۴ – ۵۵.

۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۲.

۳ – اثبات الوصیه، ص ۲۲۱.

با وجودی که پیامبر اسـلام(ص) فرمود: "النکاح سـنتی"، و مردم را به این سـنت حسنه تشویق نمود، چرا حضرت مهدی (عج) به این فرمایش پیامبر(ص) عمل نکرده؟ اگر عمل کرده است، نام همسر و پدرزنش چیست؟

پرسش

با وجودی که پیامبر اسلام(ص) فرمود: "النکاح سنتی"، و مردم را به این سنت حسنه تشویق نمود، چرا حضرت مهدی (عج) به این فرمایش پیامبر(ص) عمل نکرده؟ اگر عمل کرده است، نام همسر و پدرزنش چیست؟

پاسخ

پیامبر اسـلام(ص) مسـلمانان را به ازدواج تشویق نمود و فرمود: "ازدواج سـنت من است. هر که از آن روی بگرداند، از سـنت من روی گردانیده است".[۱] اما چرا امام زمان(عج) ازدواج نکرده است؟

به چه دلیل به طور مسلّم بیان داشـته اید که امام زمان(عج) ازدواج نکرده است؟ آن گاه از چرایی این امر پرسـیده اید؟ اصـل این سـخن معلوم نیست. نمی توان قضـاوت کرد که امـام زمـان(عـج) ازدواج کرده یـا نکرده است. البته طبق دعاهایی که وارد شـده، باید ازدواج کرده باشـند، اما کسـی نمی داند. دلیلش هم امر غیبت امام زمان است. از این که حضـرت از دیده ها پنهان است، اطلاعی از چگونگی زندگی حضرت در دست نیست.

ممکـن است حضـرت ازدواج کرده باشـند، چـون او پیرو سـنت پیـامبر(ص) است و در سـنت پیـامبر ازدواج از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بنابراین می توان از این جهت حدس زد که حضـرت ازدواج کرده باشد، لیکن همسـرش چه کسـی می باشـد

پـدر زنش چه شـخص است. به جهت امر غیبت، بر مـا پوشـیده است. مـاهیّت غیبت حضـرت این است که زنـدگی او پنهـان و ناشناس باشد. ازدواج مانع پنهان و ناشناس زیستن حضرت است.[۲]

امـا شواهـد ازدواج کردن حضـرت، دعاهایی است که به ما رسـیده است. به چنـد نمونه اشاره می شود: "اللّهم أعطه فی نفسـه وولده و ذریته و امته و جمیع رعیته ما تقربه عینه و تسرّ به

نفسه؛[۳] خدایا، به وی و فرزندانش و خاندانش و امتش و تمامی زیردستانش، آنچه باعث شادی و سرور می شود، عطا بفرماید".

دوم: حدیث مفصل "ولا یطّلع علی موضعه أحد من ولده و لا غیره؛[۴] نه فرزندانش و نه کسی دیگر، جای وی را نمی داند".

[۱] وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۹.

[۲] برای توضیح بیشتر رجوع شود به مجله حوزه شماره ۷۰ - ۷۱، ص ۲۳ تا ۶۴.

[۳] بحار، ج ۹۲، ص ۳۳۲.

[۴] بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۲.

آیا امام زمان دارای زن و فرزند و نوه می باشد؟

پرسش

آیا امام زمان دارای زن و فرزند و نوه می باشد؟

پاسخ

درباره این که آیا حضرت مهدی(ع) زن و فرزندی دارد، نظر قاطعی نمی توان ارائه نمود. سه احتمال وجود دارد:

۱- اساساً حضرت مهدی ازدواج نکرده است.

۲- ازدواج کرده، ولی فرزندی ندارد.

۳- ازدواج کرده و فرزند و نوه دارد.

احتمال اوّل با استحباب ازدواج و این که از سنّت های پیامبر اسلام ازدواج بوده، منافات دارد.

احتمال دوّم که اصل ازدواج را بپذیریم. بدون داشتن اولاد، عمل به سنّت پیامبر شده است، ولی این اشکال باقی است که اگر قرار باشد حضرت همسری داشته باشد، یا باید همسرش مانند حضرت، عمرش طولانی باشد یا پس از مدتی بمیرد.

احتمال سوم که حضرت ازدواج کرده و اولاد داشته باشد، باید فرزندانش از هزار سال پیش تا کنون اطلاعی از اوضاع پدر یا پدربزرگ خود نداشته باشند یا اگر اطلاع داشته باشند، در جایگاهی دور از دسترس مردم زندگی کنند.

برای اثبات و قطعیت هیچ کدام از احتمالات بالا دلیل متقنی در دست نیست.[۱]

در دعاهایی که درباره امام زمان(عج) رسیده، به ذریه و نسل او اشاره شده است.

[۱] مجله، حوزه، ش ۷۰ - ۷۱، ص ۵۴.

آیا امام زمان(عج) در طول دوران غیبت همسری انتخاب کرده و فرزندی دارند؟ نام آنان چیست؟ آیا آنان هم از نظرها غایبند؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) در طول دوران غیبت همسری انتخاب کرده و فرزندی دارند؟ نام آنان چیست؟ آیا آنان هم از نظرها غایبند؟

پاسخ

درباره امام زمان(ع) پرسش های متعددی مطرح است، مانند مدت عمر، فلسفه غیبت، زمان ظهور و ... یکی از پرسش ها این است که حضرت ازدواج نموده و فرزند دارد.

درباره ازدواج امام و فرزند داشتن حضرت، سه احتمال قابل طرح است:

۱) حضرت ازدواج نکرده است. اگر حضرت ازدواج نکرده باشد، فرزند و ذریه نخواهد داشت. اگر این احتمال را بپذیریم، این مشکل مطرح می گردد که چرا امام معصوم(ع) به یکی از سنت های مهم اسلامی که ازدواج باشد، عمل نکرده است؟

در جواب می توان گفت: غیبت امام زمان(ع) از سنت ازدواج اهمیت بیشتری دارد و ترک سنت ازدواج با مقام عصمت منافات ندارد.[۳۳]

۲) امام ازدواج نموده؛ از این رو به سنت ازدواج عمل کرده است، ولی اولاد و فرزند ندارد.

در این جا این مشکل پیش می آید که همسر حضرت مانند حضرت باید عمر طولانی داشته باشد، که بر عمر طولانی همسر حضرت دلیلی نداریم و یا این که بگوییم همسر حضرت بعد از مدتی از دنیا رفته است.[۳۴]

۳) حضرت ازدواج کرده و دارای اولاد بوده و فرزندان او نیز اولاد داشته اند و حضرت ذریه داشته است.[۳۵] بر اساس این مبنا این مشکل وجود دارد که فرزندان و ذریه های امام کجا هستند؟

برخی خواسته اند احتمال سوم را تقویت کنند و از برخی روایات استفاده کنند که امام همسر و فرزند دارد. امام رضا(ع) فرمود: "الها! مایه چشم روشنی و خوشحالی امام زمان(ع) را در او و خانواده و فرزندان و

ذرّیه و تمام پیروانش عطا فرما".[۳۶]

امام صادق(ع) فرمود: "کأنّی أری نزول القائم فی مسجد السهله بأهله و عیاله".[۳۷]

برخی دیگر در صدد آن هستند ثابت کنند که امام زمان(ع) ازدواج نکرده و فرزندی نیز ندارد. این عده، روایاتی را که بر ازدواج و فرزند داشتن امام(ع) دلالت دارند، ضعیف می شمرند و قابل استناد ندانسته اند. از سوی دیگر روایات فوق که بیان شد، دلالت بر بودن فرزند و همسر امام زمان(ع) دارد، ولی این دسته از روایات دلالت ندارند امام زمان(ع) قبل از ظهور ازدواج نموده و فرزند دارد؛ یعنی این دسته روایات تنها دلالت بر همسر و فرزند داشتن امام زمان(ع) دارند، ولی اثبات نمی کنند امام قبل از ظهور زن و فرزند دارد. از سوی دیگر این طیف از روایات با آن دسته از روایات که داشتن فرزند و همسر را از امام زمان(ع) نفی می کنند، تعارض دارد.

برخی از روایات هستند که تصریح دارد امام زمان(ع) همسر و فرزند ندارد. مسعودی نقل می کند: علی بن حمزه، ابن سراج و ابن سعید مکاری بر امام رضا(ع) وارد شدند. علی بن حمزه به حضرت عرض کرد: از پدرانت نقل کرده ایم که هیچ امامی از دنیا نمی رود، تا فرزندش را ببیند. امام رضا فرمود: "آیا در این حدیث روایت کرده اید: مگر قائم؟".[۳۸]

این گونه روایات که بدان اشارت کردیم، در صدد نیستند وجود زن و فرزند را برای امام(ع) پیش از ظهور اثبات کنند. از سوی دیگر، روایاتی داریم که با صراحت وجود فرزند را از حضرت نفی می کند. برخی خواسته اند با تمسک به داستان "جزیره خضرا" بگویند امام عصر(ع)

فرزندانی دارد و بر آن جزیره، زیر نظر وی، جامعه نمونه و تمام عیار اسلامی را تشکیل داده اند، لیکن با بررسی های گسترده ای که انجام گرفته، جزیره خضرا افسانه بیش نیست.[۳۹]

نمی توان به طور قطع گفت: امام زمان(ع) همسر و فرزند داشته است. شاید بر همین اساس باشد که صاحبان اندیشه و تاریخ نگاران به طور قطع در خصوص داشتن و نداشتن همسر و فرزند امام زمان(ع) اظهار نظر نکرده اند.

[۳۳] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۵۴، ۵۵، با تلخیص.

[۳۴] همان.

[۳۵] همان.

[۳۶] همان، ص ۵۶، به نقل از جمال الاسبوع، ابن طاووس، ص ۵۱۰.

[۳۷] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۵۲.

[۳۸] مسعودی، اثبات الوصیّه، ص ۲۲۱.

[۳۹] مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۵۷، با تلخیص.

آیا زن امام زمان(عج) هم طول عمر دارد؟

پرسش

آیا زن امام زمان(عج) هم طول عمر دارد؟

پاسخ

در مورد زن و فرزند داشتن امام زمان(عج) نظر قاطعی نمی توان داد، زیرا منبع اثبات این گونه مسایل یا نقل است یعنی روایات معتبر از امامان معصوم (ع) که در اثبات مانعی مسئله به ما رسیده باشد، که چنین روایاتی در خصوص ازدواج حضرت ولی عصر(ع) نرسیده است؛ یا تشرف بحضور حضرت و سؤال از آن وجود مبارك درباره ازدواج حضرتش، که در این خصوص چیزی نقل نشده است. بنابراین به طور صددرصد نمی توان گفت حضرت ازدواج کرده و زن و فرزند دارد، نیز نمی توان گفت زن و فرزند ندارد. می ماند احتمالات ذیل:

۱ـ احتمال دارد حضرت فقط در دوره غیبت صغری ازدواج کرده و زن و اولادش (اگر بوده باشد) از دنیا رفته اند، زیرا لازم نیست حکم طول عمر حضرت درباره خانواده اش اجرا شود.

۲ــ ازدواج کرده ولی اولاد ندارد.

۳ــ ازدواج نکرده، زیرا حکمت الهی مقتضی است که امام عصر (ع) مخفیانه زندگی نماید و داشتن زن و فرزند باعث می شود که مکان حضرت معلوم باشد و این با حکمت غیبت منافات دارد و مسئله غیبت مهم تر از ازدواج است. حضرت ب...خاط رمصلحت مهم تر ازدواج را ترک کرده اند.

به هر ترتیب در صورتی که حضرت ازدواج کرده باشد، حکم حضرت در طول عمر و غیر آن برای خانواده اش جاری نیست. هیچ اشکالی ندارد که قانون زندگی طبیعی و مرگ طبیعی بر خانواده حضرت جاری شود.۱[۱] ضمناً باید توجه داشت که دانستن این گونه مسایل بر ما ضرورت ندارد.

[۱]مجله حوزه، سال ۷۰ ۷۱ (مهر ــ دی) ص ۵۴؛

گفتمان مهدویت (مؤسسه فرهنگیانتظار نور)، ج ۱، ص ۱۱۸.

آیا امام زمان (عج) ازدواج نموده است، آیا فرزندی دارد؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) ازدواج نموده است، آیا فرزندی دارد؟

پاسخ

از این که امام زمان(ع) بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع) تا کنون از دیده ها پنهان است و اطلاع چندانی از زنگی حضرت در دوره غیبت صغری و کبری و جود ندارد، نمی توان با قاطعیت نظر داد حضرت همسر و فرزندانی دارد. در برخی از روایات امامان پیشین به گونه ای به همسر و فرزندان حضرت اشاره شده است، از جمله امام باقر(ع) به مفضل بن عمر فرمود: "إنّ لصاحب هذا الامر غیبتنی أحدهما تطول حتی یقول بعضُهم مات و یقول بعضهم ذهب حتی لا یبقی علی أمره مِن أصحابه إلاّ نفرٌ یسیرٌ و لا یطّلع علی موضعه أحدٌ مِن ولده و لا غیره إلا المولی الّذی یلی امره؛[۴] صاحب الزمان(ع) را دو غیبت است: یکی از آن دو، به اندازه ای طولانی می شود که برخی گویند: حضرت از دنیا رفته است و برخی گویند: کشته شده است، و برخی بر این بار......Ṣکه جز اندکی از یاران بر امامت وی نمانند و کسی هم از مکان و جایگاه زندگی حضرت آگاه نیست؛ نه از فرزندان ...نه دیگری، جز کسی که امور وی را پی می گیرد".

در روایتی امام هشتم(ع) بیان نمود: "... اللهم اعطه فی نفسه و أهله و ولده و ذریته و جمیع رعیته ما تقرّبه عینه و تسّربه نفسه ...؛[۵] خداوندا! مایه چشم روشنی و خوشحالی امام زمان(عج) را در او و خانواده و فرزندان و ذریه و تمام پیروانش فراهم فرما!".

در این روایت به زنان و فرزندان حضرت اشاره شده است و به گونه ای دلالت دارد که حضرت همسر

و فرزند دارد. البته در این دو روایت و مانند آن از نظر سند و دلالت یک سری کاستی هایی وجود دارد، که به جهت رعایت اختصار از بیان آن ها خودداری می کنیم.۲[۶]

[۴]شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲.

[۵]سید بن طاووس، جماع الاسبوع، ص ۵۱۰؛ مجله حوزه، ش ۷۰ و ۷۱، ص ۵۶.

[۶]برای اطلاع بیشتر رجوع شود به فصلنامه حوزه، ش ۷۰ و ۷۱، مقاله نگاهیبه تولد و زندگی امام زمان.

آیا زندگی حضرت ولی عصر فرشته گونه است یا طبیعی و تجربی (ازدواج و تولید مثل)؟

پرسش

آیا زندگی حضرت ولی عصر فرشته گونه است یا طبیعی و تجربی (ازدواج و تولید مثل)؟

پاسخ

در زمینه حضرت ولی عصر(عج) دو بحث وجود دارد:

۱ – بحث هایی که مربوط به اعتقادات و مبانی اعتقادی شیعه می باشد و حیات فکری شیعه به آن بستگی دارد و دانستن آنها نقشی اساسی در اعتقادات دارد. این دو دسته از مسائل را معصومان علیهم السلام کاملاً بیان نموده و کوچک ترین ابهامی در این مسائل وجود ندارد، چرا که ابهام در این گونه موارد باعث عدم تحکیم مبانی اعتقادی و سست شدن ایمان می شود، مانند مسائل مربوط به توصیه، نبوت، معاد، امامت ائمه علیهم السلام، و امامت حضرت حجت (عج) و مسائل دیگر.

۲ – بحث هایی که برخلاف دسته اول دخالتی در مبانی اعتقادی نداشته و دانستن آنها، جنبه اطلاعات عمومی دارد.

سؤال شما از قسم دوم است که خدا و ائمه علیهم السلام به دلیل مطالح و حکمت هایی، کم و کیف آنها را مردم

مخفی داشته اند. در مورد وجود مقدس امام زمان(عج) اصل وجود مدای و زندگی دنیوی حضرت امری مسلّم و حتمی است و حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه' ق از پدر و مادری معیّن متولد شدند و بعد از پدر بزرگوار خویش، زعامت امت را برعهده گرفتند که تا به حال که در زمان غیبت کبری قرار داریم، و وجود دارد. هیچ دلیلی وجود ندارد که از زمان خاصی حیات مادی حضرت به حیات معنوی مبدّل گردیده است. پس همان

زندگی مادی تا زمان حاضر ادامه دارد و بسان سایر آدمیان، حیات مادی و انسانی دارند و زندگی ایشان فرشته گونه نمی باشد.

اصلاً یکی از جهات معجزه بودن وجود مقدس امام زمان، همین است

که ایشان ۱۱۶۹ سال زنـده می باشـند که این نشانه عظمت و حکمتی است که اراده الهی به آن تعلّق گرفته است. اما در مورد مسئله ازدواج و فرزنـد دلیل کاملا. معتبری در اثبات یا نفی قطعی این مسائل وجود ندارد. مسئله اساسـی در زمینه زن و فرزند حضـرت این است که با توجه به فلسـفه غیبت و این که حضرت به شیوه ناشناس زندگی می کند و کسی از مکان ایشان آگاه نیست، آیا ازدواج و داشتن فرزند، با این مسئله سازگار است؟

در اینجا سه احتمال وجود دارد:

۱ – حضرت مهدی علیه السلام ازدواج نکرده اند.

۲ – حضرت ازدواج کرده، ولی اولاد ندارند.

۳ – ازدواج کرده اند و دارای فرزند می باشند.

اگر احتمال اوّل را بپذیریم، لازمه اش این است که امام معصوم علیه السـلام یکی از سـنت های اسلامی را ترک کرده باشند و این بـا شـأن امام سازگار نیست، ولی شایـد بتوان گفت امر غیبت اهم است و ازدواج مهم، و ترک ازدواج به خاطر آن امر اهم اشکال ندارد.

اما در احتمال دوم هم سـنت الهی ازدواج حفظ شـده و هم تا حـدی با مسـئله غیبت و علنی نبودن آن سازگار است، ولی برای اثبات احتمال سوم، دلیل محکمی نیست.

البته برخی خواسـته انـد از روایـات و ادعیه بر این احتمال دلیل اقامه کننـد، ولی روایات آن طبق نظر برخی از علما دارای سـند معتبری نمی باشد.

برخی خواسـته اند به وسـیله داسـتان جزیره خضـرا، اثبات کنند که حضـرت حجت(عج) دارای فرزند می باشند و جزیره خضرا نمونه جامعه نمونه و مدینه فاضله اسلامی است.

نجم الثاقب یا زندگی مهدی موعود، محدث نوری، ص ۲۵۲ – ۲۶۰.

علامه مجلسی ضمن نقل این داستان می گوید: "چون در کتاب های معتبر بر آن دست

نیافتم، آن را در فصلی جداگانه آوردم". بنابراین داستان جزیره خضرا سند معتبر ندارد.

بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

آیا امام زمان (عج) ازدواج کرده است و در صورت ازدواج فرزندی دارد و آنان میان مردم هستند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) ازدواج کرده است و در صورت ازدواج فرزندی دارد و آنان میان مردم هستند؟

پاسخ

درباره امام زمان (عج) پرسش های متعددی مطرح است، مانند مدت عمر، فلسفه غیبت، زمان ظهور و... یکی از پرسش ها این است که حضرت ازدواج نموده و فرزند دارد؟

درباره ازدواج امام و فرزند داشتن حضرت، سه احتمال قابل مطرح است:

۱. حضرت ازدواج نکرده است. اگر حضرت ازدواج نکرده باشد، فرزند و ذریه نخواهد داشت. اگر این احتمال را بپذیریم، این مشکل مطرح می گردد که چرا امام معصوم (ع) به یکی از سنت های مهم اسلامی که ازدواج باشد، عمل نکرده است؟

در جواب می توان گفت: غیبت امام زمان (عج) از سنت ازدواج اهمیت بیشتری دارد و ترک سنت ازدواج با مقام عصمت منافات دارد.

مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان (عج)، ص ۵۴ - ۵۵، با تلخیص.

۲. امام ازدواج نموده؛ از این رو به سنت ازدواج عمل کرده است، ولی اولاد و فرزند ندارد. در این جا این مشکل پیش می آید که همسر حضرت مانند ایشان باید عمر طولانی داشته باشد، که بر عمر طولانی همسر حضرت دلیلی نداریم و یا این که بگوییم همسر حضرت بعد از مدت از دنیا رفته است.

همان.

۳. حضرت ازدواج کرده و دارای اولاد بوده و فرزندان او نیز اولاد داشته اند و حضرت ذریه داشته است. همان.

براساس این مبنا این مشکل وجود دارد که فرزندان و ذریه های امام کجا هستند؟

برخی خواسته اند احتمال سوم را تقویت کنند و از برخی روایات استفاده کنند که امام همسر و فرزند دارد. امام رضا (ع) فرمود: "الها! مایه چشم روشنی و خوشحالی امام زمان (عج) را در او و خانواده و

فرزندان و ذریه و تمام پیروانش عطا فرما".

همان، ص ۵۶، به نقل از جمال الاسبوع ابن طاووس، ص ۵۱۰.

امام صادق(ع) فرمود: "کأنی أری نزول القائم فی مسجد السهله بأهله و عیاله".

بحارالانوار، ج ۵۲،ص ۵۲.

برخی دیگر درصدد آن هستند ثابت کنند که امام زمان (عج) ازدواج نکرده و فرزندی نیز ندارد. این عده، روایاتی را که بر ازدواج و فرزند داشتن امام (عج) دلالت دارند، ضعیف می شمرند و قابل استناد ندانسته اند. از سوی دیگر روایات فوق که بیان شد، دلالت بر وجود فرزند و همسر امام زمان (عج) دارد، ولی این دسته از روایات دلالت ندارند امام زمان قبل از ظهور ازدواج نموده و فرزند دارد؛ یعنی این دسته روایات تنها دلالت بر همسر و فرزند داشتن امام زمان دارند، ولی اثبات نمیکنند امام قبل از ظهور زن و فرزند دارد. از سوی دیگر این روایات با آن دسته از روایات که داشتن فرزند و همسر را از امام نفی می کنند، تعارض دارد.

برخی از روایات هستند که تصریح دارد امام زمان(ع) همسر و فرزند ندارد. مسعودی نقل می کند: علی بن حمزه، ابن سراج و ابن سعید مکاری بر امام رضا (ع) وارد شدند. علی بن حمزه به حضرت عرض کرد: از پدرانت نقل کرده ایم که هیچ امامی از دنیا نمی رود، تا فرزندش را ببیند. امام رضا فرمود: "آیا در این حدیث، روایت کرده اید: مگر قائم؟".

مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۱.

این گونه روایات که بدان اشارت کردیم، درصدد نیستند وجود زن و فرزند را برای امام (ع) پیش از ظهور اثبات کنند. از سوی دیگر، روایاتی داریم که با صراحت وجود فرزند را از حضرت نفی می کند. برخی

خواسته اند با تمسک به داستان "جزیره خضرا" بگویند امام عصر فرزندانی دارد و بر آن جزیره، زیر نظر وی، جامعه نمونه و تمام عیار اسلامی را تشکیل داده اند، لیکن با بررسی های گسترده ای که انجام گرفته، جزیره خضرا افسانه ای بیش نیست.

مجله حوزه، ویژه امام زمان (ع)، ص ۵۷، با تلخیص.

واقعیت آن است که نمی توان به طور قاطع گفت: امام زمان (ع) همسر و فرزند داشته است. شاید بر همین اساس باشد که صاحبان اندیشه و تاریخ نگاران به طور قطع درخصوص داشتن و نداشتن همسر و فرزند امام زمان اظهار نظر نکرده اند.

آیا حضرت مهدی(ع) ازدواج کرده و همسر و بچه دارد؟ اگر چنین است، با چه خانواده ای ازدواج کرده است؟

پرسش

آیا حضرت مهدی(ع) ازدواج کرده و همسر و بچه دارد؟ اگر چنین است، با چه خانواده ای ازدواج کرده است؟

پاسخ

در مورد ازدواج حضرت مهدی(ع) و فرزند داشتن دو نظریه وجود دارد و این دو رأی براساس برداشت از روایات مختلف است. بعضی با استفاده از قرائن و شواهد و روایات معصومین(ع) ازدواج حضرت را تأیید کرده اند، مثلاً- روایتی از امام رضا(ع) نقل شده که: "اللهم صل علی ولاه عهده و الائمه من ولده؛ خداوندا! بر حاکمان زمان او و فرزندان فرمانروایش درود بفرست".(۱) ولی بعضی از صاحب نظران روایت فوق را ضعیف دانسته و بر فرض صحت سند بر دلالتش خدشه وارد کرده اند، به جهت این که روایت، زمان تولد فرزندان امام را مطرح نمی کند.(۲)

روایت دیگری از امام صادق(ع) نقل شده که "هیچ کس از فرزندان او و غیر آن ها بر جایگاهش آگاه نمی شوند مگر خادمی که به کارهای او می پردازد".(۳) اما همین روایت را نعمانی نقل کرده، ولی در آن کلمه فرزند نیامده است.(۴)

از طرفی روایاتی بر عدم وجود فرزند برای امام زمان(ع) دلالت دارد. علی بن ابی حمزه به امام رضا(ع) عرض کرد: روایت کرده ایم از پدران شما که هیچ امامی فوت نمی کند تا این که فرزند خود را ببیند. حضرت رضا(ع) فرمود: "آیا در این حدیث قید کرده اید: غیر از قائم؟".(۵) در روایت دیگر حضرت فرمود: "هیچ امامی نیست مگر این که پس از او فرزندی است، غیر از امامی که حسین بن علی(ع) بر او (از قبر) بیرون می آید. پس آن امام فرزند نخواهد داشت".(۶) واضح است که مقصود اشاره به رجعت امام حسین(ع) و خروج حضرت از قبر در زمان

امام مهـدی(ع) است. برخی خواسته اند با تمسک به داستان جزیره خضـرا بگویند امام زمان(ع) فرزندانی دارد، ولی اصل آن داستان، افسانه ای بیش نیست و واقعیت ندارد. شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را تخیلی و رمانتیک شمرده است.(۷) بنابراین نمی توان به طور قاطع درباره ازدواج امام زمان(ع) و داشتن فرزند نظر داد.

پی نوشت ها:

۱ – ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۱۲.

۲ – علامه مرتضی عاملی، جزیره خضراء، ترجمه ابوالفضل طریقه دار، ص ۱۷۸.

۳ – شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۰۲.

۴ – نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۲.

۵ – مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۰۱.

۶ – شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۳۴.

۷ – الذریعه، ج ۵، ص ۱۰۸.

مسئله ازدواج امام زمان (عج) را توضیح دهید؟

پرسش

مسئله ازدواج امام زمان (عج) را توضیح دهید؟

پاسخ

در این مسئله سه احتمال وجود دارد و هیچ یک از این احتمالات قطعی نیست:

۱ – حضرت مهدی (عج) ازدواج نکرده است.

۲ – ازدواج صورت گرفته است، ولی اولاد ندارند.

۳ – ازدواج صورت گرفته و دارای فرزندانی می باشند.

با وجود این سه احتمال، نمی تواند به طور قاطع در مورد ازدواج امام زمان (عج) سخن گفت.

لازمه پـذیرش احتمال اول این است که امام معصوم (ع) یکی از سـنت های مهم اسـلامی را ترک کرده باشـد، که با شأن امام

سازگـار نیست، ولی از سوی دیگر اگر چه ازدواج امر مهمی است امـا بـا مسـئله غیبت و زنـدگی مخفیـانه امام، ظاهراً سازگار نیست، پس اشکالی ندارد که سنت مستحبی ازدواج ترک شود. حتی گاهی مواقع لازم باشد انسان طبق واجب اهم عمل نماید و ازدواج را ترک کند.

احتمال دوم می توانـد جمع بین سـنت اسـلامی ازدواج و مصـلحت غیبت حضـرت و مخفی بودن ایشان باشد، اما در این فرض سؤالات متعـددی طرح می شـود، یـا ایـن که آن زن نیز هماننـد حضـرتش دارای عمری طولانی است که بر این سـخن دلیلی نداریم، یا این که بعد از مدتی رحلت نموده و حضرت بدون زن و فرزند زندگی می نمایند.

احتمال سوم این که حضـرت ازدواج کرده و دارای اولاد هسـتند و اولاد حضـرت نیز دارای فرزندانی است و... بعضـی خواسته انـد از دعاهـا و روایات بر امر سوم دلیل اقامه نماینـد که سـند بعضـی از این روایات صـحیح نمی باشـد. از سوی دیگر مشـکل اساسی این است که بالاخره روزی این فرزندان و نوادگان، به جست و جوی اصل و نسب خویش می پردازند و این مسئله با

فلسفه غیبت سازگار نیست؛ مگر این که از ابتدا بگوییم اراده الهی بر عدم افشای اسرار زندگی و خانواده حضرت قرار گرفته است و کیفیت آن طبق اراده الهی بر همگان مجهول بوده و خواهد ماند.(۱)

پی نوشت ها:

۱ – مجله حوزه، شماره ۷۱ – ۷۰، سال ۱۳۷۴، صفحه ۲۳.

آیا امام زمان(عج) ازدواج نموده و زن و فرزند دارد؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) ازدواج نموده و زن و فرزند دارد؟

پاسخ

پاسخ را با ذکر چند نکته بیان می داریم:

اوّل: چون امام زمان(عج) از دیده ها پنهان است و در پشت پرده غیبت قرار دارد، نمی توان از راه حس و مشاهده و به صورت عادی به پاسخ سؤال نایل شد؛ نیز چون سؤال از مباحث عقلی و انتزاعی نیست، از راه برهان عقلی نیز نمی توان پاسخ را دریافت نمود. تنها راه پاسخ گویی، روایات پیشوایان معصوم(ع) است که چون آنان از علم برتری بهره مند می باشند، می توانند از آینده خبر دهند که از آن جمله حوادث و مسائل مربوط به مهدی منتظر(ع) است.

دوم: حال که پاسخ را می بایست از اخبار پیشوایان معصوم(ع) جستجو نمود، به سراغ روایات می رویم. در روایات صحیح و معتبر، پاسخ روشنی به پرسش وجود ندارد؛ بلکه در برخی روایات با ایهام و اشاره در این زمینه سخن به میان آمده است، از جمله:

۱- مفضل بن عمر گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که در مورد امام مهدی(عج) فرمود: "صاحب الزمان را دوغیبت است. یکی از آن دو به اندازه ای طولانی شود که برخی گویند: حضرت از دنیا رفته و برخی گویند کشته شده است اما کسی جز آنانی که امور حضرت را پی گیری می کنند، از مکان و فرزندان وی آگاه نیستند".(۱)

۲- از امام صادق(ع) آمده است: "گویا می بینم حضرت مهدی(عج) با اهل و عیالش در مسجد سهله است".(۲)

۳- از امام هشتم(ع) در دعایی نقل شده است: "اللّهم اعطه فی نفسه و أهله و ولده و ذریته و جمیع معصیته ما تقرّ به عنیه و تسرّ به نفسه؛(۳) خدایا، مایه

چشم روشنی و خوشحالی امام زمان(عج) را در او و خانواده و فرزندان و ذریه و تمام پیروانش فراهم فرما!".

۴- نیز از آن حضرت در مورد امام زمان(عج) این دعا نقل شده است: "اللهم صل علی ولاه عهده و الائمه من ولده؛(۴) خدایا، بر والیان و فرزندان وی که امامند، درود فرست!".

ظاهر این این روایات دلالت بر زن و فرزند داشتن است.

این روایات به فرض پذیرش و درستی سند و صحت انتساب آن به امام معصوم، از نظر دلالت به روشنی گویا نیست که امام مهدی(عج) در دوره غیبت همسر و فرزند دارد.

در برخی احادیث مشکل سندی و در برخی دیگر مشکل دلالت وجود دارد.

افزون بر این روایاتی وجود دارد که با صراحت وجود فرزند را برای حضرت نفی می کند.(۵)

سوم: با توجه به روایات مذکور می گوییم:

در مورد زن و فرزند امام مهدی(ع) سه احتمال وجود دارد:

أ) حضرت ازدواج نکرده است.

لازمه این احتمال آن است که امام(ع) یکی از سنت های مهم اسلامی را ترک کرده باشد، که با شأن امام سازگار نیست. امّا از سوی دیگر چون غیبت از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ به ناچار امام از سنت چشم پوشی می کند، که اشکالی ندارد. برای حفظ مصلحت بالاتر، از مصلحت پایین تر چشم پوشی می گردد.

ب) حضرت ازدواج نموده امّا فرزندی ندارد. نداشتن فرزند به سبب غیبت است. پذیرش این فرض، سؤالی را با خود می آورد که آیا همسرش هم از عمر طولانی بهره مند است یا این که مدّتی با حضرت زندگی کرده و بعد از دنیا رفته است؟ در این صورت حضرت به سنت ازدواج عمل کرده و بعد بدون زن و

فرزند زندگیش را ادامه می دهد.

پ) حضرت زن و فرزند دارد. با پذیرش این فرض، این سؤالات مطرح است: آیا آنان نیز عمری طولانی دارند؟ فرزندان حضرت نیز فرزندانی دارند؟ اگر دارند، این همه اولاد، در پی اصل خویش می افتند و همین کنجکاوی، مسئله را به جایی می رساند که با فلسفه غیبت منافات دارد.

با توجه به مطالب مذکور، نمی توان یکی از این سه احتمال را قاطعانه پذیرفت و این به مقتضای خرد ورزی است که در جایی که دلیل کافی برای اثبات یا انکار چیزی وجود ندارد، از ابراز حکم قطعی خودداری گردد.

بنابراین از راه هایی که پیش روی ما است، نمی توان وجود زن و فرزندی را برای حضرت مهدی(عج) ثابت نمود. نیز به دیگر پرسش هایی که در مورد زن و فرزند حضرت مهدی(عج) هست، نمی توان پاسخ قطعی داد.(۶)

پی نوشت ها:

۱. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۳. سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۵۱۰.

۴. همان، ص ۵۱۰.

۵. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۱.

۶. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان.

آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟

پرسش

آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟

پاسخ

در مورد زن و فرزند داشتن امام زمان(عج) نظر قاطعی نمی توان داد، زیرا منبع اثبات این گونه مسایل یا نقل است یعنی روایات معتبر از امامان معصوم (ع) که در اثبات مانعی مسئله به ما رسیده باشد، که چنین روایاتی در خصوص ازدواج حضرت ولی عصر(ع) نرسیده است؛ یا تشرف بهحضور حضرت و سؤال از آن وجود مبارک درباره ازدواج حضرتش، که در این

خصوص چیزی نقل نشده است. بنابراین به طور صددرصد نمی توان گفت حضرت ازدواج کرده و زن و فرزند دارد، نیز نمی توان گفت زن و فرزند ندارد. می ماند احتمالات ذیل:

۱ احتمال دارد حضرت فقط در دوره غیبت صغری ازدواج کرده و زن و اولادش (اگر بوده باشد) از دنیا رفته اند، زیرا لازم نیست حکم طول عمر حضرت درباره خانواده اش اجرا شود.

۲ ازدواج کرده ولی اولاد ندارد.

۳ ازدواج نکرده، زیرا حکمت الهی مقتضی است که امام عصر (ع) مخفیانه زندگی نماید و داشتن زن و فزند باعث می شود که مکان حضرت معلوم باشد و این با حکمت غیبت منافات دارد و مسئله غیبت مهم تر از ازدواج است. حضرت به خاط رمصلحت مهم تر ازدواج را ترک کرده اند.

به هر ترتیب در صورتی که حضرت ازدواج کرده باشد، حکم حضرت در طول عمر و غیر آن برای خانواده اش جاری نیست. هیچ اشکالی ندارد که قانون زندگی طبیعی و مرگ طبیعی بر خانواده حضرت جاری شود.(۱) ضمناً باید توجه داشت که دانستن این گونه مسایل بر ما ضرورت ندارد.

پی نوشت ها:

۱. مجله حوزه، سال ۷۰ ۷۱ (مهر دی)

ص ۵۴؛ گفتمان مهدویت (مؤسسه فرهنگی انتظار نور)،ج ۱، ص ۱۱۸.

آیا حضرت صاحب الامر(ع) همسر دارند و صاحب عائله و فرزند می باشند؟ اگر دارند کجا اقامت دارند و آیا آنها شناخته شده اند یا به طور ناشناس زندگی می کنند و کسی آنها را نمی شناسد؟

پرسش

آیا حضرت صاحب الامر(ع) همسر دارند و صاحب عائله و فرزند می باشند؟ اگر دارند کجا اقامت دارند و آیا آنها شناخته شده اند یا به طور ناشناس زندگی می کنند و کسی آنها را نمی شناسد؟

پاسخ

باید متذکر بود که جواب این پرسش، در هاله قدس غیبت امام (ع) قرار دارد و خفاء امر امام (ع) که یکی از نشانه ها و خصایص آن حضرت است، در پاسخ این سؤال نیز اثر می گذارد، لذا بطور تحقیق و یقین نمی توان به آن پاسخ داد، چون در این زمینه احادیث و روایات اطمینان بخشی در دست نداریم، یا اینکه به نظر حقیر نرسیده است؛ و اگر در عصر ائمه (ع) و در وقت صدور سایر روایات، اینگونه پرسش ها مطرح شده باشد شاید بعضی از روات احادیث، برای اینکه در جوهر مطلب دخالت نداشته اند، به حفظ و ضبط احادیث آن همّت نگماشته اند.

بعضی از روایاتی هم که در دسترس است با چشم پوشی از وضع سند و متون آنها یا از جهت اختلاف نسخه یا غرابت متن، ضعف دارند. مانند روایت شیخ الطائفه (شیخ طوسی(ره)) در کتاب «غیبت» از «مفضل بن عمر» از حضرت صادق(ع) روایت کرده که اگر چه این جمله آن:

«لایَطَّلِعُ عَلی مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وُلْدِهِ وَلا غَیْرِهِ» (غیبت شیخ، ص ۱۰۲)

[بر مکان ایشان هیچ کس، حتی فرزندی از فرزندانش اطلاع ندارد]

که با قطع نظر از مناقشه بعضی در آن، که بر وجود فرزند برای آن حضرت دلالت دارد. اما «غیبت نعمانی» این جمله را چنین روایت کرده است:

«لایَطَّلِعُ عَلی مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِیٍّ وَلاغَیْرِهِ» (منتخب الاثر، ص ۲۵۲)

[ازمکان ایشان هیچ کس حتی دوستدارانشان نیز خبر ندارند]

با وجود این

اختلاف، استناد به نقل «غیبت شیخ» اطمینان بخش نیست؛ بلکه نقل «غیبت نعمانی» از برخی جهات، مانند علوّ سند و لفظ حدیث، معتبرتر به نظر می رسد.

بعضی از روایات، مثل خبر «کمال الدین انباری» و خبر«زین الدین مازندرانی» از جهت غرابت و ضعف ظاهری که در متن آنها است، قابل استناد نمی باشند.

و بعضی دیگر، همچون فقرات برخی از «ادعیه و زیارات» نیز صراحت ندارند؛ و قابل حمل بر عصر ظهور می باشند. علاوه بر این با فرض قبول دلالت، متعرض خصوصیت و تفصیلات نبوده، فقط بطور اجمال، اصل متزوج بودن و فرزند داشتن آن حضرت را بیان می کنند.

خلاصه سخن اینکه:

اگر چه همسر و فرزند داشتن آن حضرت محتمل است، اما در بررسی اخبار و احادیث به حدیث معتبری که موجب اطمینان باشد، و خصوصاًمتضمن تفاصیل این موضوع باشد، نرسیدیم، و دنبال کردن و تعقیب این موضوع هم لزومی ندارد.

آیا امام عصر(عج) زندگی جمعی و خانوادگی دارند؟ در صورت مثبت بودن جواب، همسر ایشان چه قشر از مردم هستند؟

پرسش

آیا امام عصر(عج) زندگی جمعی و خانوادگی دارند؟ در صورت مثبت بودن جواب، همسر ایشان چه قشر از مردم هستند؟

پاسخ

اگرچه از ظاهر بعضی روایات و ادعیه معصومین، چنین استنباط شده که آن حضرت دارای همسر و اولاد می باشد، اما همان طور که خواهد آمد، برخی روایات نیز که از درجه اعتبار زیادی برخوردارند، به فرزند نداشتن آن حضرت تصریح دارند.

و اما ابتدا روایاتی که بوسیله آنها می توان به فرزند داشتن حضرت مهدی(عج) استدلال نمود، بیان و بررسی می شود:

۱ – شیخ طوسی از مفضل بن عمر روایت می کند که امام صادق(ع) فرمود: »هیچ یک از فرزندان او و دیگری از محل وی اطلاع ندارند، مگر خدایی که اختیار او را در دست دارد«

{P – »لا يَطَّلعُ علی موضعه احدٌ من وُلده و لا غيره الا المولی الذی يلی امره« (شيخ طوسی، الغيبه، ص ۱۰۲) P}

استدلال بر این روایت از چند جهت صحیح نیست: الف) نعمانی همین جمله را چنین روایت کرده است: »لا يُطّلعُ علی موضعه احدٌ من وليّ و لا غيره...«

{P – محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، باب دهم، ص ۲۵۰. P}

ب) گفته می شود در روایت شیخ طوسی تحریف واقع شده است. زیرا در روایت ضمیر مفرد به جای ضمیر

جمع استفاده شده و می گوید «از فرزندان او و دیگری»، در حالی که صحیح این بود که بگوید: «از فرزندان او و دیگران»

ج) بر فرض که بپـذیریم، باز هم چیزی در روایت وجود ندارد که حاکی از زنان و فرزندان امام(عج) باشد و شاید پس از چند قرن فرزندانش متولد شوند.

۲ - روایت جزیره خضراء را مرحوم مجلسی در بحارالانوار نقل کرده است در صورتی

که این روایت دارای سند معتبر {P - علامه مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۱۷۴ - ۱۵۹. P}

و قابل اعتماد نیست و بیشتر شبیه یک افسانه و رمان است تا واقعیت.

۳ - روایت »پنج شهر« احمد بن محمد بن یحیی انباری مبنی بر این که امام زمان(عج) فرزندانی دارد که پنج تن از آنان حکومت پنج شهر و پایتخت را بر عهده دارند. این روایت نیز به یک افسانه می ماند. ضمن این که سند این داستان بسیار سست و بی اساس است.

{P - ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۰۷. P}

۴ - روایتی که سید بن طاووس نقل کرده است که امام رضا(ع) در مقام دعا عرض کرد: »اللّهم صلِّ علی وُلاهِ عهدِهِ و الائمه من وُلدِهِ«؛ این روایت نیز قابل اعتماد نیست، زیرا سند آن ضعیف است. ضمناً بنا بر تصریح خود سید بن طاووس دارای {P - سید بن طاووس، جمال الاسبوغ، ص ۵۱۲. P}

متن دیگری نیز می باشد که به این شکل است: »اللّهم صلّ علی وُلاهِ عهده و الائمّه مِن بعدِهِ«

{P - همان، ص ۵۱۲. P}

اگر صحت روایت را بپذیریم، باز هم در آن نکته ای که حاکی از زمان ولادت فرزندان امام باشد وجود ندارد.

روایاتی که در بحث پیش آوردیم نمی تواند ثابت کند که امام زمان(عج) فرزند داشته باشد. دلایلی هم وجود دارد که می رساند امام زمان(عج) لااقل در حال حاضر فرزند ندارد. از جمله:

۱ - مسعودی روایت کرده است: »علی بن حمزه، ابن السراج و ابن سعید مکاری بر امام رضا(ع) وارد شدند. علی بن حمزه، به آن حضرت عرض کرد: از پدرانت روایت کرده ایم،... که امام از دنیا نمی رود تا فرزندش را ببیند؟

حضرت فرمود: آیا در این حدیث روایت کرده اید »الا القائم« عرض کردند: بلی. حضرت فرمود: آری، روایت کرده اید، شما نمی دانید که چرا گفته شده و معنای آن چیست؟ ابن ابی حمزه گفت: این مطلب در حدیث چیست؟ حضرت به او فرمود: وای بر تو، چگونه جرأت کردی با چیزی بر من استدلال کنی که بعضی از آن با بعضی دیگر در هم آمیخته است و فرمود: خداوند متعال به زودی فرزندم را به من نشان خواهد داد.«

{P - مسعودی، اثبات الوصیّه، ترجمه نجفی، ص ۲۰۱. P}

۲ - از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن سلیمان بن رشید، از حسن بن علی خزاز نقل کند که گفت: »علی بن حمزه بر حضرت رضا(ع) وارد شد و عرض کرد: آیا شما امام هستی؟ فرمود: آری، عرض کرد: من از جدت، جعفر بن محمد(ع) شنیدم که فرمود:

امامی وجود ندارد مگر این که فرزندی داشته باشد و از خود نسلی بر جای بگذارد. فرمود: ای پیر، فراموش کردی یا خود را به فراموشی زدی؟

جعفر این گونه نگفت، بلکه فرمود: امامی وجود ندارد مگر این که فرزندی دارد، جز امامی که حسین(ع) برای او از قبر بیرون آید؛ او فرزند ندارد. عرض کرد: فدایت شوم، درست فرمودی، شنیدم که جدت چنین گفت.«

{P - شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۳۴. P}

روایات دیگری که بر فرزند نداشتن امام تصریح دارد، نیز موجود است که می توان برای آگاهی بیشتر به کتاب های مربوطه مراجعه کرد.

{P - از جمله کتاب: جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت، علامه سید مرتضی جعفر عاملی، ترجمه سپهری، ص ۲۲۱. P}

به هر تقدیر، اگر چه همسر

و فرزند داشتن آن حضرت محتمل است، اما در بررسی اخبار و احادیث وارده، به روایت معتبری که موجب اطمینان باشد، نرسیدیم و دنبال نمودن این موضوع لزومی هم ندارد.

{P - ر.ك: لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت (قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵) ص ۴۶۸. P}

آیا امام زمان(ازدواج کرده اند یا خیر؟ لطفاً در صورت امکان توضیح دهید.

پرسش

آیا امام زمان(ازدواج کرده اند یا خیر؟ لطفاً در صورت امکان توضیح دهید.

پاسخ

مسأله ای که پیرامون زندگی شخصی و کیفیت معیشت امام عصر(نیاز به بررسی دارد، مسأله زن و فرزند آن حضرت است، که آیا با توجه به فلسفه غیبت و اینکه آن حضرت به شیوه ناشناس زندگی می کنند و کسی از مکان وی آگاه نیست، ازدواج و داشتن فرزند با این مسأله سازگار است؟

منابعی که در اختیار است، یا اشکال سندی دارد و یا ابهام دلیلی و نظر قاطعی را ارائه نمی دهند، در اینجا سه احتمال وجود دارد :

۱-اساساً حضرت مهدی(ازدواج نکرده است.

۲- ازدواج انجام گرفته، ولی اولاد ندارند.

۳- ازدواج کرده اند و دارای فرزندانی نیز می باشند.

اگر احتمال اول را بپذیریم، لازمه اش اینست که امام معصوم (یکی از سنتهای مهم اسلامی را ترک کرده باشد و این با شأن امام سازگار نیست. اما از طرفی دیگر چون مسأله غیبت، اهم است، ترک ازدواج، با توجه به آن امر مهمتر، اشکالی را ایجاد نمی کند و گاهی برای مصلحت بالاتر، لازم و واجب نیز هست.

اما احتمال دوم که اصل ازدواج را بپذیریم بدون داشتن اولاد، جمع می کند بین انجام سنت اسلامی و عدم انتشار مکان و موقعیت حضرت. اما باز این اشکال باقی است که اگر قرار باشد، آن حضرت شخصی را به عنوان همسر برگزیند، یا باید بگوییم که عمر او نیز مانند عمر حضرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم، یا این که بگوییم مدتی از آن، تنها و بدون زن و فرزند زندگی را ادامه می دهد.

احتمال سوم آن است که آن

حضرت ازدواج کرده، و دارای اولاد نیز هست و اولاد آن حضرت نیز فرزندانی دارند. و ... این مسأله افزون بر آن که دلیل محکمی ندارد، اشکال اساسی آن اینست که این همه اولاد و اعتاب بالاخره روزی در جست وجوی اصل خویش می افتند و همین کنجکاوی و جست و جو، مسأله را به جایی باریک می کشاند که با فلسفه غیبت حضرت نمی سازد.(۱)

البته برخی خواسته اند از روایات و بعضی از ادعیه بر این احتمال اقامه دلیل کنند که در اینجا به دو مورد آن اشاره می کنیم.

۱.مفضل بن عمر گوید از امام باقر(شنیدم که فرمود : "صاحب الزمان(را دو غیبت است : یکی از آن دو به اندازه ای

طولانی شود که بعضی گویند آن حضرت از دنیا رفته و برخی گویند کشته شده است، و بعضی نیز بر این باور باشند که جز اندکی از یاران بر امامت وی ماندگار نماندند و کسی هم از مکان و جایگاه زندگی آن حضرت، آگاه نیست؛ نه از فرزندان و نه چیز دیگری، جز آن کسی که امور وی را پی می گیرد."(۲) استدلال برای اثبات زن و فرزند قسمت آخر روایت است، اما این استدلال از چند جهت اشکال دارد.

الف : این روایت را نعمائی در کتاب غیبت خود نقل کرده و به جای کلمه ولد (فرزند) کلمه ولی(۳) آورده است. بنابراین اعتمادی بر آن روایت با توجه به این نقل نیست...

ب : در روایت نیامده که الآن امام زمان (دارای زن و فرزند است و از این جهت اجمالی دارد، شاید به فرزندانی که بعداً در آستانه ظهور و یا

بعد از آن به دنیا خواهد آمد، اشاره داشته باشد.

ج : شایـد از باب مبالغه در خفا باشد. یعنی اگر بر فرض آن حضـرت اولاد هم می داشت، از جایگاه و سـرّ غیبت او آگاه نمی شدند. با این احتمال نیز استدلال به روایت برای اثبات اولاد برای امام زمان (ناتمام است.

۲. روایت ابن طاووس از امام رضا(که ایشان می فرمایند : "الها! مایه چشم روشـنی و خوشـحالی امام زمان(را در او و خانواده و فرزندان و ذریه و تمام پیروانش فراهم فرما"(۴) این روایت نیز نمی توان استدلال کرد چون :

الف : از جهت سند قابل اعتماد نیست.

ب : به زمان ولادت فرزندان اشاره ندارد که پیش از ظهور است یا بعد از آن.

منابع و مآخذ :

۱. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۳۵۲

۲. کتاب الغیبه، شیخ طوسی،ص۱۶۲

۳. کتاب الغیبه، نعمانی،ص۱۷۲

تاریخ الغیبه الکبری، محمد صدر، ج۲، ص۶۵، مکتبه الأم امیرالمؤمنین(، العامه، اصفهان

آیا امام عصر (عج) دارای زن و فرزند است اگر هست چرا تاکنون کسی خود رافرزند امام معرفی نکرده و اگر نیس

پرسش

آیا امام عصر (عج) دارای زن و فرزند است اگر هست چرا تاکنون کسی خود رافرزند امام معرفی نکرده و اگر نیس

پاسخ

جواب این سئوال همچون مسئله غیبت در هاله ابهام قرار دارد و بطور تحقیق

نمی توان به آن پاسخ داد چون در این رابطه ما احادیث و روایات اطمینان بخشی در

دست نداریم. و یا بنظر ما نرسیده است.

چنانکه حدیثی را مفضل بن عمر از امام صادق(ع) نقل نموده که آن بزرگوار فرمود:

کسی از محل زندگی و اولاد و خانواده اش اطلاع ندارد.

((غیبت شیخ طوسی ص:۱۰۲))

خلاصه سخن با توجه به اینکه احتمال دارد آن بزرگوار دارای همسر و فرزندانی باشد

ولیکن چون در روایات و کتب و ادعیه و زیارات خصوصیات و محل زندگی و جزئیات آن را

بیان ننموده اند لذا به طور یقین نمی شود پاسخ داد. چنانکه در اصل زنده بودن حضرت

خضر و حضرت عیسی(ع) همه متفق القولند ولی از محل اقامت و نحوه زندگی و

جزئیات آنها کسی بحث ننموده است و اگر هم بحث نموده اند ما بی خبریم.

شخصی یکی از نوادگان امام زمان(عج) را دیده که او گفته من نه صدای امام را شنیده ام و نه خود ایشان را دیده ام. به نظر شما دلیل اینکه نواده ای از امام نیز محروم از این قضیه باشد چیست؟

پرسش

شخصی یکی از نوادگان امام زمان(عج) را دیده که او گفته من نه صدای امام را شنیده ام و نه خود ایشان را دیده ام. به نظر شما دلیل اینکه نواده ای از امام نیز محروم از این قضیه باشد چیست؟

پاسخ

نخست باید دانست درباره اینکه امام زمان (عج)دارای زن و فرزند باشد یا نباشد اختلاف وجود دارد .در صحت چنین ادعایی باید تردید کرد .نکته بعد بر فرض صحت این گفته، به همان دلایلی که دیگر مومنان از مشاهده حضرت محرومند نوادگان ایشان نیز محروم خواهند بود .زیرا از حکمتهای دوران غیبت است و تفاوتی میان افراد وجود ندارد .

البته روایاتی داریم مبنی بر این که حضرت ازدواج کرده است در این روایات احتمالات متعددی مطرح است. ممکن است در دوران غیبت صغری، امام(ع) ازدواج کرده اند ولی همسر آن حضرت عمر طولانی نداشته و وفات نموده است و ممکن است حضرت در طول سال های غیبت ازدواج های متعددی انجام داده باشند. در هر صورت کیفیت دقیق این موارد بر ما معلوم نیست چنان که اصل ازدواج آن حضرت تنها به دلیل سنّت ازدواج عمل آن حضرت به سنّت است هر چند ممکن است به دلیل همان حکمت غیبت این سنت ترک شود و گرنه دلیل قطعی مبرهنی در دست نیست ؛ بنابراین به طور قاطع نمی شود در این مورد سخن گفت، چون منابعی که در اختیار است یا ابهام دلالی دارد یا از نظر سند مشکل دارد.

بنابراین با توجه به روایات که بعضی اشکال سندی دارند و بعضی از نظر دلالت مبهم می باشند، نمی شود بطور قاطع در مورد ازدواج آنحضرت و داشتن فرزند نظر داد

و چنان که گفته شد حکمت غیبت که باعث شد انسانها از نعمت بزرگ حضور امام محروم گردند شاید همان حکمت باعث شود که حضرت سنت ازدواج را به عمل نیاورد (و الله اعلم).

برای آگاهی بیشتر رجوع شود:

۱. گفتمان مهدویت جمعی / ۱ / ص ۱۱۸، مؤسسه فرهنگی انتظار نور

۲. چشم به راه مهدی(ع) / جمعی از نویسندگان مجلّه حوزه، ص ۳۵۱ تا ۳۵۶

۳. دادگستر جهان / ابراهیم امینی، ص ۲۰۵ الی ۲۱۶.

آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟تعداد فرزندان آنها را بنویسید؟

پرسش

آیا امام زمان ازدواج کرده اند؟تعداد فرزندان آنها را بنویسید؟

پاسخ

برخی صاحب نظران در این باره گفته اند؛ ممکن است که ایشان دارای همسر و فرزندانی باشند. اما روایات معتبری در این باره موجود نیست، (پاسخ ده پرسش. آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۵۳ - ۵۶). اگر ایشان همسری هم اختیار نکرده باشند، امر استثنایی است ، چنانچه طول عمر حضرت امر خلاف عادت است، عدم اختیار همسر هم اینگونه می باشد و ازدواج جزو مستحبات مورد تاکید اسلام است و واجب نیست و امکان دارد که این امر مستحب از آن حضرت برداشته شده باشد. و روایت نبوی(ص) که هر کس ازدواج نکند از من نیست، بیان حکم غالبی مسئله است و امکان دارد که درباره حضرت استثناء شده باشد.

البته از برخی روایات استفاده می شود که حضرت مهدی- عجل الله فرجه الشریف- دارای اهل و فرزند می باشند. مثلا در روایتی آمده است که حضرت صادق- علیه السلام- می فرماید: « کانی اری نزول القائم- علیه السلام-فی مسجد السهله باهله و عیال» گویا فرود آمدن حضرت قائم-علیه السلام- را در مسجد سهله به همراه خانواده و اهلش می بینم (الشموس المضیئه، علی سعادت پرور، ص۹۷، خ ۵ و۶).

در برخی زیارات آن حضرت نیز عباراتی وجود دارد که دلالت بر خانواده داشتن آن عزیز است. مثلا در صلوات معروف به ابوالحسن ضراب اصفهانی که خود حضرت آن را بیان فرموده اند و در مفاتیح الجنان در اعمال روز جمعه آمده است، چنین می خوانیم: " و صل علی ولیک و ولاه عهدک و الائمه من ولده و مد فی اعمارهم و زد فی

آجالهم ... " خدایا بر ولی خود و بر والیان امور عهد خود و امامان و پیشوایان از فرزندان مهدی – علیه السلام– درود فرست و عمرشان طولانی و اجلشان را دور گردان... . و در زیارت روز جمعه درباره آن حضرت چنین آمده است: "یا مولای صاحب الزمان صلوات الله علیك و علی آل بیك... . ای مولای من! ای مالك عصر و روزگار! درود خداوند برشما و برخانواده شما باد" که این ظهور دارد که ایشان دارای خانواده و اهل بیت می باشد.

علما بر این باورند که حضرت ولی عصر (ع) فرزند و همسر ندارند؛ ولی کنیه ایشان ابالقاسم(پدر قاسم) می باشد. توجیه کنید.

پرسش

علما بر این باورند که حضرت ولی عصر (ع) فرزند و همسر ندارند؛ ولی کنیه ایشان اباالقاسم(پدر قاسم) می باشد. توجیه کنید.

پاسخ

روایاتی داریم مبنی بر این که حضرت ازدواج کرده است در این روایات احتمالات متعددی مطرح است. ممکن است در دوران غیبت صغری، امام(ع) ازدواج کرده اند ولی همسر آن حضرت عمر طولانی نداشته و وفات نموده است و ممکن است حضرت در طول سال های غیبتازدواج های متعددی انجام داده باشند. در هر صورت کیفیت دقیق این موارد بر ما معلوم نیست چنان که اصل ازدواج آن حضرت تنها به دلیل سنّت ازدواج عمل آن حضرت به سنّت است هر چند ممکن است به دلیل همان حکمت غیبت این سنت ترک شود و گرنه دلیل قطعی مبرهنی دردست نیست ؛ بنابراین به طور قاطع نمی شود در این مورد سخن گفت، چون منابعی که در اختیار است یا ابهام دلالی دارد یا از نظر سند مشکل دارد.

بنابراین با توجه به روایات که بعضی اشکال سندی دارند و بعضی از نظر دلالت مبهم می باشند، نمی شود بطور قاطع در مورد ازدواج آنحضرت و داشتن فرزند نظر داد و چنان که گفته شد حکمت غیبت که باعث شد انسانها از نعمت بزرگ حضور امام محروم گردند شاید همانحکمت باعث شود که حضرت سنت ازدواج را به عمل نیاورد (و الله اعلم).

برای آگاهی بیشتر رجوع شود:

۱. گفتمان مهدویت جمعی / ۱ / ص ۱۱۸، مؤسسه فرهنگی انتظار نور

۲. چشم به راه مهدی(ع) / جمعی از نویسندگان مجلّه حوزه، ص ۳۵۱ تا ۳۵۶

۳. دادگستر جهان / ابراهیم امینی، ص ۲۰۵ الی ۲۱۶.

درباره کنیه «اباالقاسم» می توان گفت که چه بسا کنایه

باشد و منظور از «قاسم» تقسیم کننده مردم به بهشتی و جهنمی است همان طور که درباره امام علی علیه السلام گفته شده است: «قسیم النار و الجنه». لذا این کنیه برای پیامبر صلی الله علیه و آله و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به این مناسبت نیز بکار رود.

ر.ک: معانی الاخبار، ص ۵۲، عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۹۱

آیا امام زمان دارای زن و فرزند می باشند؟ ایشان چگونه وفات می یابند؟

پرسش

آیا امام زمان دارای زن و فرزند می باشند؟ ایشان چگونه وفات می یابند؟

پاسخ

در مورد مسأله زن و فرزند آن حضرت که با توجه به منابعی که در اختیار ما هست - که یا اشکال سندی دارند یا از لحاظ محتوا دارای ابهام اند - نمی توان نظر قاطعی را ارائه کرد. دراین جا سه احتمال مطرح شده است:

۱. اساساً حضرت مهدی(عج) ازدواج نکرده است.

۲. ازدواج انجام گرفته، ولی اولاد ندارد.

۳. ازدواج کرده و دارای فرزندانی نیز هست.

لازمه پذیرش احتمال اول، آن است که امام معصوم یکی از سنت های مهم اسلامی را ترک کرده باشد که این، با شأن امام سازگاری ندارد. اما می توان گفت چون مسأله غیبت مهم تر از ازدواج است، می توان برای مصلحت بالاتر، مسأله مهم را ترک کرد و اهم را انجام داد.

اما احتمال دوم، اشکالش آن است که عمر همسر حضرت نیز مانند عمر خود حضرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم و یا این که بگوییم مدتی با حضرت زندگی کرده و از دنیا رفته است. در این صورت حضرت به سنت حسنه ازدواج عمل کرده و پس از آن بدون زن و فرزند زندگی را ادامه داده است.

اما بر احتمال سوم دلیل محکمی نداریم. علاوه بر آن که اگر حضرت دارای اولاد می بود، بالاخره آنها دارای اولاد واعقابی بودند و روزی به دنبال اصل خویش می افتادند و همین کنجکاوی و جست و جو، موجب می گردد که مکان و منزل حضرت مشخص گردد که این با راز و فلسفه غیبت سازگاری ندارد.

اما اگر شنیده اید که در پاره ای روایات یا برخی از دعاها، کلماتی وجود دارد که دلالت بر وجود اولاد برای

آن حضـرت می کنـد، باید بگوییم در نقل خود آن واژه ها میان اندیشـمندان اختلاف است؛ مثلاً در قسـمتی از دعایی که امام رضا(ع) امر فرموده در عصـر غیبت برای حضـرت ولی عصـر(عـج) خوانـده شود، چنین آمـده است: اللهم صل علی ولاه عهده والائمه من ولـده ؛ «خـدایا درود و سـلام فرست بر اولیای عهد او و پیشوایان از اولادش» ولی در متن دیگری آمده: اللهم صـل علی ولاه عهده والائمه من بعده . در این متن واژه «اولاد» ندارد؛ بلکه پیشوایان پس از او روایت شده است.

به هر حـال، این مسـأله اختلافی است؛ چه این که در پاره ای از دعاهای دیگر واژه «من وُلـده» وارد شـده است که اختلافی در آن مطرح نشده است. مثل آخرین عبارت از صـلواتی که از ناحیه مقدسه صادر شده است؛ یا دعایی که به هنگام وداع سرداب مقدس وارد شده که عبارت «والائمه مِنْ وُلْدِهِ» دارد. احتمال دیگر این است که فرزندان پس از ظهور و ازدواج آن حضرت به دنیـا بیاینـد و این واژه دلالـت بر فرزنـدان زمـان ظهـور کنـد، نه زمـان غیبت. بنـابراین از این راه نمی تـوان زن و اولادی برای حضرت مهدی(عج) ثابت کرد.

اما درمورد چگونگی وفات آن حضـرت نیز اختلاف هست. از برخی روایات استفاده می شود که ایشان به مرگ طبیعی از دنیا خواهنـد رفت و بعضـی از احادیث می گویند که وفات آن حضـرت، طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکارانی با مشـخصاتی مذکور در روایات، به شهادت خواهند رسید.

البته اگر نظر برخی از علمای بزرگ (ماننـد شـیخ صـدوق) را بپـذیریم که «هر یک از ائمه مسـموم یا مقتول خواهند شد»؛ باید بگوییم امام زمان(عج) نیز به

شهادت خواهند رسید. اما اگر بر طبق نظر عده ای دیگر از علما (همچون شیخ مفید)، کلّیت این روایت را برای همه ائمه قائل نباشیم؛ حداقل باید بگوییم که چگونگی وفات آن عزیز روشن نیست.

با توجه به این دو دیدگاه، به نظر می رسد که طرح خصوصیات قاتل آن حضرت فایده چندانی ندارد. برای آگاهی بیشتر نگا: چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان.

آیا طبق قاعده، امام زمان علیه السلام ازدواج کرده است؟

پرسش

آیا طبق قاعده، امام زمان علیه السلام ازدواج کرده است؟

پاسخ

مطابق نظریه "خفای شخص"، باید ملتزم به عدم ازدواج شد؛ زیرا طبق این نظریه او از همه افراد مخفی است، وازدواج احتیاج به ارتباط با مردم دارد واین به نوبه خود با حکمت وفلسفه غیبت سازگاری ندارد. ومطابق نظریه "خفای عنوان"، می توان ملتزم به ازدواج حضرت شد، خصوصاً آنکه مطابق با سنّت اسلامی است. آنچه به نظر می رسد ترجیح قول اول است، به جهت:

۱ - روایات بسیار بر خفای شخص.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ و ج ۵۱، ص ۳۲. پاورقی}

۲ - گر چه در روایت عَمْری اشاره شده که مردم حضرت را در موسم حج می بینند ولی نمی شناسند، امّا این روایت از امام نقل نشده ونیز اختصاص به موسم حج دارد.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۰. پاورقی}

۳ - قرار است که حضرت در غیبت تام به سر برد.

۴ - اگر ازدواج صورت گرفته بود باید در یک مورد هم که شده سفرا ووکلای ناحیه مقدّسه به آن اشاره می کردند.

۵ - مسعودی از علی بن ابی حمزه نقل کرده که فرمود: ما به امام رضا (ع) عرض کردیم: برای ما روایت شده که امام از دنیا نمی رود تا آنکه نسل خود را ببیند؟ امام رضا (ع) به او فرمود: "آیا در خصوص این حدیث برای شما روایت نشده: "إلّا القآئم"؛ به جز قائم.

{پاورقی . اثبات الوصیه، ص ۲۰۱. پاورقی}

در صورت قول به عدم ازدواج، به روایت مفضّل بن عمر چگونه پاسخ می دهید؟

پرسش

در صورت قول به عدم ازدواج، به روایت مفضّل بن عمر چگونه پاسخ می دهید؟

پاسخ

پاسخ اول

کسانی که قائل به ازدواج حضرتند به روایت مفضل بن عمر تمسّک کرده اند. او از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: "...از مکان او هیچ یک از اولاد وغیر اولادش اطلاع نمی یابد مگر مولایی که متولّی امر اوست".

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۱۰۲. پاورقی}

پاسخ:

۱ - این روایت را به همین مضمون نعمانی در کتاب "الغیبه" نقل کرده ولی به جای کلمه "ولد" کلمه "ولی" آورده است، به این شکل: "ولایطّلع علی موضعه أحد من ولیّ ولا غیره"؛ "وبر موضع او کسی از ولی وغیر ولی اطلاع نمی یابد."

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۷. پاورقی}

۲ - در روایت نیامده که الأن امام زمان دارای همسر وفرزند است، ولذا از این جهت اجمال دارد، ممکن است که مراد فرزندانی باشند که در آستانه ظهور یا بعد از آن به دنیا می آیند.

۳ - ممکن است که این گونه تعبیر از باب مبالغه در خفای شخص باشد، یعنی حتی در صورتی که حضرت فرزند می داشت کسی از جایگاه او اطّلاع نداشت.

پاسخ دوم

برخی برای اثبات ازدواج واولاد حضرت ومکان دائمی او به روایت احمد بن محمد بن یحیی انباری استدلال کرده اند. در این روایت که مفصّل است اشاره به پنج شهر شده که محل اقامت فرزندان ونسل امام زمان (ع) است.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۲۱-۲۱۳. پاورقی}

روایت انباری را عده زیادی تضعیف نموده وبه صورت جزم ردّ کرده اند، از آن جمله می توان به این افراد اشاره کرد:

۱. آقا بزرگ تهرانی.

{پاورقی . الذریعه، ج ۵، ص ۱۰۷ù۱۰۸ در حاشیه. پاورقی}

۲. سید نعمت اللّٰه جزایری.

{پاورقی .

الأنوار النعمانيّه، ج ۲، ص ۶۴ù۶۵. پاورقی}

۳. شیخ محمّد تقی شوشتری.

{پاورقی . الأخبار الدخیله، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۴۶. پاورقی}

شیخ آقا بزرگ تهرانی می گوید: "این حکایت تنها از طریق وجادت به دست ما رسیده وما حکایت کننده قصّه را نمی شناسیم جز آنکه او مرد محترمی در آن مجلس بوده است. سند ومتن آن مشتمل بر تناقضات وامور عجیب وغریب است که می توان آنها را انکار نمود... وغرض علما در نقل این حکایات مجرد انس گرفتن به یاد حبیب وذکر دیار وشنیدن آثار اوست...".

{پاورقی . الذریعه، ج ۵، ص ۱۰۸. پاورقی}

لقب و کنیه

یازده لقب از لقب های حضرت مهدی ۷را نام ببرید.

پرسش

یازده لقب از لقب های حضرت مهدی ۷را نام ببرید.

پاسخ

القاب حضرت مهدی ۷که در روایات آمده : قائم , مهدی , صاحب الامر, بقیّه اللّه , صاحب الزمان ,الحجّه من آل محمد, منصور, منتظر, خلف صالح , ابوالقاسم , جولیّ عصرج , صاحب الرایات .(۱) ولی عصر و اباصالح درروایات بحارالانوار یافت نشد.

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۲۸ ۴۳

یا أباصالح، گل نرگس و گل زهرا یعنی چه و به چه کسی گفته می شود؟

پرسش

یا أباصالح، گل نرگس و گل زهرا یعنی چه و به چه کسی گفته می شود؟

پاسخ

این جملات هر سه خطاب به صاحب العصر و الزمان(ع) است. جمله "اباصالح" به عنوان یکی از کنیه های حضرت به کار می

رود.

گل زهرا به این عنوان که جدّه اش حضرت زهرا(س) است و گل نرگس به این عنوان که در دامن نرگس متولد شده است. نرگس در اصل "ملیکا" است و مادر امام زمان(ع) به حساب می آید.

البته غیر از خطاب به أباصالح دو خطاب دیگر "گل نرگس، گل زهرا" بر زبان مشتاقان حضرت رایج گشته و حضرت به گُل تشبیه شده است.

با توجه به این که پیغمبر اسلام(ص) به آیات وحی نزدیک تر است هم چنین خدمات و نزول قرآن از پیامبر(ص) می باشد، چطور حضرت صاحب الزمان (عج را شریک القرآن می خوانند؟

پرسش

با توجه به این که پیغمبر اسلام(ص) به آیات وحی نزدیک تر است هم چنین خدمات و نزول قرآن از پیامبر(ص) می باشد، چطور حضرت صاحب الزمان (عج را شریک القرآن می خوانند؟

پاسخ

پاسخ اول

تعبیر "شریک القرآن اشاره به حدیث معروف "ثقلین است که میان شیعه و اهل سنت متواتر است که پیامبر(ص) فرمود: "من از میان شما می روم و دو چیز گرانمایه به یادگار می گذارم که اگر دست به دامن آن ها بزنید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و عترتم "[1] پس بنابراین ائمه أطهار(ع) خصوصاً حضرت ولی عصر(عج در هدایت عامه الهی با قرآن مجید شریک می باشند.

[1]آیه الله مکارم شیرازی استفتائات ج اول بخش چهل و هفتم مسائل متفرقه ص ۴۸۶، سؤال ۱۵۸۲.

پاسخ دوم

احتمالا اینکه آن حضرت به این وصف یاد شده نظر به حدیث ثقلین دارد و چون امام زمان((علیه السلام)) در این زمان امام معصوم و از عترت پیامبر و مبین و همسنگ و عدل قرآن است در این جمله زیارت شریک القرآن خوانده شده است. حدیثی از رسول اکرم((صلی الله علیه وآله)) در کتب شیعه و اهل سنّت نقل شده است که آن حضرت فرمود: «انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتم بهما لن تفلوا لم تقیرتا حتی یورا علّی الحوض; من در میان شما دو چیز گرانبها بجا می گذارم کتاب خداوند و عترتم اهل بیتم را». اگر به آن دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید. و آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.

این حدیث شریف عدل

بودن و قرین بودن اهل بیت با قرآن را می رساند که همان معنای شریک بودن است زیرا که هدایت کامل و نجات از ضلالت در تمسّـك به هر دو است و با تمسك به هر دو و بهره گیری از هـدایت هر دو می توان به رسـتگاری و سـعادت کامل دسـت یافت.

لقب قائم منسوب به کدام یک از معصومین است؟

پرسش

لقب قائم منسوب به کدام یک از معصومین است؟

پاسخ

یکی از القـاب یـا اوصـاف ائمه(ع) کلمه قـائم یـا قائم بالحق یعنی قیام کننـده به حق است. به تصـریح امامان این کلمه یکی از القاب حضرت مهدی(ع) است که قیام به حق می کند.

قیام او چون جهانگیر و فراگیر است و به نتیجه می رسد، قیام کننده حقیقی آن حضرت خواهد بود.

یونس به عبـدالرحمن می گوید: به امام موسـی بن جعفر(ع) گفتم: آیا شـما قائم بالحق هستید، فرمود: "من قائم به حق هسـتم، ولی قـائمی که زمین را از دشـمنان و ظالمـان پاکیزه می گردانـد و آن را پر از عـدل می کنـد (همان طور که پر از جور و ظلم شـده بود) پنجمین فرزنـد از نسل من و امام دوازدهم خواهد بود. خداوند هر دشواری را بر او آسان خواهد گردانید و هر جبار ستمگری را ذلیل خواهد کرد... او فرزند بهترین بانوان خواهد بود که ولادت او بر مردم مخفی خواهد بود".(۱)

پی نوشت ها:

۱ - مستدرك الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۲.

چرا برای امام مهدی اسم و لقب هایی گذاشته اند؟

پرسش

چرا برای امام مهدی اسم و لقب هایی گذاشته اند؟

پاسخ

انتخـاب اسم و القاب برای انسان ها از سـنت های پـذیرفته شـده همه جوامع است، زیرا اسم و لقب از ابزار و نشانه های معرفی انسان و هویت یابی است. اگر انسان اسم نداشـته باشد، چگونه می توان او را شناخت و زندگینامه اش را در تاریخ ثبت کرد؟! افزون بر این که انتخاب نام برای رهبران جهان و چهره های علمی و سیاسـی ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا متعلق به همه انسـان هـا بوده و بایـد با ویژگی ها و مشـخصات شـناخته شونـد، تا شخصـیت آنان تحریف نشـده و از نام و موقعیت آنان

سوءاستفاده نگردد.

گزینش اسم و لقب برای امام زمان (ع) از این قاعده مستثنا نبوده و انتخاب نام و لقب برای حضرت، امری معقول و منطقی است . حضرت علاوه بر آنکه از افراد جامعه است و باید اسم و لقب داشته باشد، رهبر و مصلح جهان نیز است، که باید اسم و لقب معلوم و مشخص داشته باشد، تا برخی از شخصیت و مقام او سوء استفاده نکنند، از این رو در روایات متعددی اسامی و القاب حضرت به طور کامل بیان شده است.(۱) متأسفانه به رغم آن که حضرت با نام و مشخصات کامل معرفی شده است؛ برخی از عنوان او سوء استفاده کرده و ادعای بابیت نموده و خود را امام زمان (ع) معرفی می نمایند.

پی نوشت ها :

۱ – بحارالانوار، ج۵۱، ص ۲۸ – ۳۱ ؛ مهدی موعود، ص ۲۲۷.

منظور از این جمله که «السلام علیک یا حجه الله التی لاتخفی» چیست؟

پرسش

منظور از این جمله که «السلام علیك یا حجه الله التی لاتخفی» چیست؟

پاسخ

در این جمله که «السلام علیك یا حجه الله التی لاتخفی» ممکن است مقصود این باشد که امام زمان((علیه السلام)) حجّت خداست و حجّت بودن او به خاطر ادّله قاطعی که بر وجود او و امامت او است روشن است و پوشیده نمی باشد.

مانند آفتابی است گرچه در زیر ابر غایب باشد.

چرا امام زمان((علیه السلام)) را صاحب الزمان می گویند در صورتی که صاحب اصلی زمان خداست؟

پرسش

چرا امام زمان((علیه السلام)) را صاحب الزمان می گویند در صورتی که صاحب اصلی زمان خداست؟

پاسخ

صاحب الزمان یعنی کسی که صاحب اختیار و دارای ولایت از طرف خدا در این زمان است و منافات ندارد خداوند که خود صاحب اختیار و ولیّ حقیقی تمام موجودات است به افرادی سرپرستی و صاحب اختیار بودن و ولایت بدهد و امام زمان((علیه السلام)) در این زمان دارای چنین سرپرستی و ولایت از جانب خداوند است.

معنی کلمه ی «بقیه الله» چیست؟

پرسش

معنی کلمه ی «بقیه الله» چیست؟

پاسخ

پاسخ اول

«بقیه الله» یعنی باقی گذارده ی خدا(کسی که خداوند او را باقی گذاشته است برای اینکه واسطه ی بین خدا و خلق و حجت از جانب خدا باشد).

در کتاب کمال الدین از امام باقر((علیه السلام)) نقل شده است: «اوّل ما ینطق به القائم((علیه السلام)) حین خرج هذه الآیه بقیه الله خر لکم ان کنتم مؤمنین ثم یقول انا بقیه الله و حجته...; نخستین سخنی که مهدی((علیه السلام)) پس از قیام خود می گوید این آیه است «بقیه الله...» سپس می گوید من «بقیه الله» و حجت او هستیم...».

«بقیه الله» یعنی موجودی که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و یا یک رکعت و خیر و سعادت او گردد.

و از آنجا که مهدی موعود((علیه السلام)) آخرین پیشوا است که خداوند او را برای اصلاح کلّی جهان و ایجاد حکومت عدل جهانی ذخیره ......Øjو باقی گذاشته است از وی به لقب «بقیه الله» تعبیر می شود.

پاسخ دوم

"بقیه" از بقای ضد فنا ونیستی است ودر لغت به معنای ثبات ودوام آمده است. و"بقیه اللَّه" یعنی باقی مانده خدا که در روی زمین ثابت است.

در دعای ندبه می خوانیم: "أین بقیّه اللَّه التی لا تخلو من العتره الهادیه"؛ "کجاست باقی مانده خدا که از غیر عترت طاهره نیست."

در مقصود از این کلمه دو احتمال است:

۱ - اینکه مقصود از "بقیه اللَّه" عنوان کلّی بوده واشاره به حجت خدا در روی زمین است که هرگز زمین از آن خالی نبوده ونخواهد بود ودائماً باید در آن ثابت باشد. وانطباق آن بر امام زمان (ع) از باب انطباق کلّی بر یک فرد آن در این

زمان است.

۲ – اینکه مقصود از "بقیه اللَّه" لقبی برای امام زمان (ع) باشد به اعتبار اینکه در روی زمین ثابت بوده ودوام وجودی دارد.

"ابن سکیت" می گوید: "این جمله در جایی گفته می شود که انسان کسی را مراعات کرده وبه انتظار ا...نشسته است". با در نظر گرفتن این ......Ř حضرت مهدی (ع) را "بقیه {پاورقی . معجم مقاییس اللغه، ص ۱۲۸. پاورقی}

اللَّه" می گویند از آن جهت که تحت رعایت خداوند بوده وبه او مقام وشأنی داده که مردم، انتظار فرج او را در کارهای خود داشته باشند.

چرا امام زمان((علیه السلام)) به خورشید تشبیه شده است؟

پرسش

چرا امام زمان((علیه السلام)) به خورشید تشبیه شده است؟

پاسخ

منظور از تشبیهی که در مورد امام زمان((علیه السلام)) نسبت به خورشید صورت گرفته احتمالاـ این است که همانگونه که خورشید در زیر ابر با اینکه از نظر افراد غائب است نور و حرارت خویش را به موجودات می دهد امام زمان((علیه السلام)) نیز با اینکه از نظرها غائب است موجودات جهان از فیض وجود آن جناب بهره مند می شوند چون امام واسطه ی فیض خداوند است.

چرا اسم امام مهدی را (صاحب الزمان) نامیده اند؟

پرسش

چرا اسم امام مهدی را (صاحب الزمان) نامیده اند؟

پاسخ

اول اینکه صاحب الزمان، لقب امام مهدی است نه اسم ایشان، و گذاردن چنین لقبی برای ایشان شاید به دلیل زیر باشد :

اینکه معنای زمان یعنی دوران و عصر و روزگار و اینکه ایشان را صاحب زمان نامیده اند این است که گردش روزگار و پدید آمدن شب و روز و گذر زمان بواسطه وجود مقدس امام مهدی(است. همان طور که در دعاها می خوانیم به یُمن وجود امام مهدی(زمین سرسبز است و رزق و روزی به مردم می رسد.

دیگر اینکه : حجت خدا باعث برقرار شدن آسمان ها و زمین است.

چرا کنیه امام زمان (عج) ابوالقاسم است ؟

پرسش

چرا کنیه امام زمان (عج) ابوالقاسم است ؟

پاسخ

چون پیامبر خدا(ص) فرمود: کنیه او مانند کنیه من است، از کنیه های مشهور آن حضرت «ابوالقاسم» است؛ اینبدان معناست که آن حضرت فرزندی به نام «قاسم» خواهند داشت و یا آن که قبلاً داشته اند.

چرا به حضرت مهدی (عج)ابا صالح می گویند ؟لطفا با استدلال و به تفصیل پاسخ دهید ؟

پرسش

چرا به حضرت مهدی (عج)ابا صالح می گویند ؟لطفا با استدلال و به تفصیل پاسخ دهید ؟

پاسخ

پاسخ اول

برای به دست آمدن پاسخ تفصیلی این سوال باید به این چند مطلب توجه کنید.

۱- در این تردیدی نیست که برخی از مردم به هنگام گرفتاری، حضرت امام زمان علیه السلام را با کنیه «اباصالح» به فریادرسی خوانده اند. نویسنده کتاب «النجم الثاقب» می گوید: در بین مردم عرب شهری و بیابانی، امام زمان را در هنگام گرفتاری با «اباصالح» صدا می زدند.(النجم الثاقب، ج ۲ ص۴۲۵، باب نهم، چاپ اول، انتشارات انوار المهدی قم، ۱۴۱۵ هجری قمری، تحقیق سید یاسین موسوی)

۲- توجه داشته باشیم که «اباصالح» را در وقت گرفتاری و به خصوص گم کردن راه و کالا به کار می برند نه در همه حالات و می توان از اسم «صاحب الزمان» اسم مغیث و اسم غوث هم استفاده کرد و در وقت گرفتاری با این نامها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را به فریادرسی خواند.

۳- بر پایه برخی از روایات، موکّل بیابانها «صالح» نام دارد و موکل دریاها حمزه.(فقیه، ج۲، از چهار مجلدیها، کتاب الحج، باب دعا الضال عن الطریق، ص۲۹۸، وسائل الشیعه، چاپ آخوندی، ج۸ ص۳۲۵، کتاب الحج، ابواب آداب السفر، باب ۵۳، باب استحباب التیامن لمن ضل عن الطریق و ان ینادی یا صالح ارشدونا و فی البحر یا حمزه، ح۳، بحار الانوار، چاپ بیروت، ج۷۳ ص۲۵۳) اگر کسی در بیابانها گم شود، بهتر است همین «صالح» را با عبارت «یا صالح» به فریادرسی بخواهد و اگر در دریا گم شود فریاد بزند «یا حمزه». افرادی در طول تاریخ چنین کرده اند

و موکل بیابانها به فریاد آنها رسیده است.(در النجم الثاقب، بحار الانوار و مآخذ دیگر مواردی از گم گشتگان نجات یافته را آورده اند.) شیخ صدوق در خصال، در ضمن حدیث اربعماه آورده است: «... و من ضل منکم فی سفر او خاف علی نفسه، فلیناد یا صالح! اغثنی ...»(خصال، ص۶۱۸ س۱۳، چاپ اعلمی، بیروت، یک مجلدی، ۱۴۱۰ قمری، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ اول) این حدیث را در وسایل الشیعه ج۸ ص۳۲۵ ح۴ و بحارالانوار ج۷۳ ص۲۴۳ نیز آورده است.

این حدیث می گوید اگر کسی از شما در مسافرت راه را گم کند و یا خطری او را تهدید کند باید فریاد بزند «یا صالح کمکم کن» چون در میان جن های مومن که برادران شما هستند یک نفر به نام «صالح» وجود دارد که در شهرها و کشورها گردش می کند و او خود را وقف شما کرده است و هنگامی که صدای کمک خواهی کسی را بشنود پاسخ می دهد و کسی را که از شما گم شده، راهنمائی می کند و اگر مرکب کسی رم کند آن را می گیرد و برای صاحبش نگه می دارد.

۴- نویسنده کتاب محاسن می گوید: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: «اذا ضللت فی الطریق فناد یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکما الله» هنگامی که راه را گم کردی صدابزن: ای صالح! ای اباصالح! راه را به ما نشان بدهید.(محاسن برقی، ج۲، چاپ دوم، ص۱۱۰، باب ارشاد الضال عن الطریق، حدیث ۱۰۰، انتشارات المجمع العلمی لاهل البیت، قم، ۱۴۱۶، شماره مسلسل حدیث ۱۳۰۰)

در محاسن چاپ مجمع

علمی آمـده است: «یا صالح یا ابا صالح» همین حدیث را صاحب النجم الثاقب در جلد اول باب دوم، ص ۱۶۳، از محاسن نقل کرده و آورده است: «یا صالـح و یا ابا صالـح» و در بررسـی متن حدیث گفته است تردید از راوی است. این سـخن می فهماند که بایـد عبارت النجم چنین باشـد: «یا صالـح او یا اباصالـح» بر این اساس در چاپ النجم الثاقب، الف افتاده است و بایـد «او یا اباصالح» باشد نه «و یا اباصالح».

می توان گفت به قرینه روایـاتی که گـذشت، عبـارت روایت محـاسن برقی بایـد یا صالـح باشـد و بر این اساس، گم گشـتگان بیابانها می تواننـد موکل بیابانها را که صالـح است صـدا بزننـد و به لطف خدا، صالح به فریاد می رسد. به این نکته توجه شود که همه این روایات به گم گشته ها و موکل بیابان مربوط است و ارتباطی به امام زمان علیه السلام ندارد.

۵- آیا حضـرت مهدی علیه السـلام، کنیه ای به عنوان اباصالح دارد؟ در جواب این سوال باید گفت شیخ عباس قمی در منتهی الآمال برای حضـرت مهدی علیه السـلام نامهائی را ذکر کرده ولی سـخنی از اباصالح به میان نیاورده است.(منتهی الآمال، ج۲، چاپ هجرت، ص۷۵۷ س۱۲) همین شـیخ عباس قمی در سـفینه البحار ج۲، کلمه هـدی، چاپ سـنگی دو جلدی، ص۷۰۰ که درباره امام زمان بحث می کند، از اباصالح سـخنی به میان نیاورده است. و در همین سـفینه البحار در کلمه اب، کلمه صحب و صلح هم اشاره ای به اباصالح نکرده است. در اصول کافی، ج۱ ص۳۲۸ باب الاشاره و النص الی صاحب الدار روایات زیادی

آورده ولی به اباصالح اشاره ای نکرده است. نویسنده منتخب التواریخ، جاپ قدیم، ص۸۵۵ هم اشاره ای به اباصالح ندارد. در بحار الانوار چاپ بیروت، ج۵۱ ص۲۸ باب دوم، اسماء و القاب و کنیه های امام زمان، اشاره ای به اباصالح نشده است. در این کتابها بر اساس روایات به این نامها اشاره کرده انـد: بقیه الله، حجه الله، خلف صالح، قائم، مهدی، صاحب الامر، صاحب الدار، صاحب الزمان، صاحب، ابوالقاسم، صاحب العصـر، منتظر. ممکن است برخی چنین فکر کننـد که حضـرت مهدی علیه السـلام فرزنـدی به نام صالـح دارد و برای همین آن حضـرت را اباصالـح نامیده اند ولی باید در جواب این گفت: نمی توان گفت که حضـرت مهدی ازدواج کرده و صاحب اولاد است و اگر فرض کنیم که آن حضرت دارای اولاد است همانطوری که برخی بر این باورنـد، در این صورت می گوئیم در میـان اولاـدی که برای آن حضـرت ذکر کرده انـد کسـی به نـام صالـح نیست.(انوار نعمانیه، چاپ تبریز، چهار مجلدی، ج۲ ص۶۳. منتخب التواریخ، یک مجلدی، ص۸۶۱. تاریخ غیبت کبری، نوشته سید محمد صدر، ترجمه دکتر افتخار زاده، چاپ اول ص۹۱) به CD جامع الاحادیث و CD المهدی هم مراجعه کردیم و درباره اباصالح بودن امام زمان علیه السلام چیزی نیافتیم. صاحب النجم الثاقب در ص۴۲۵ ج۲ باب نهم می گوید: «ولم نجد مصدرا ذلک فی الاخبار الخاصه الا مارواه البرقی فی المحاسن» ما برای کنیه بودن اباصالح برای امام زمان علیه السلام روایتی نیافتیم مگر روایت محاسن برقی. و ما در بررسی های گذشته نشان دادیم که متن محاسن یا صالح است نه یا اباصالح.

۶- به

این حقیقت بایـد توجه کرد که در جهان هستی، همه عوامل دست انـدرکار، در خدمت حضـرت صاحب الامر است. این یک مطلب عرفانی است و اگر کسـی به توحیـد عرفانی رسـیده باشـد این حقیقت را می یابـد که همه حرکات و فعالیت ها در نظام هستی، زیر نظر حضـرت صاحب الامر است و از این نظر آن حضرت اصل همه چیز است و فرمان همه به دست او است. بر این پایه، موکل بیابانها، موکل دریاها و عوامل دیگر در اطاعت او هسـتند. حال اگر گم شـدی و یا به خطر افتادی می توانی موکل بیابان یا دریا را صـدا بزنی و می توانی سـرور همه کائنات و سـرور همین صالح را صدا بزنی و اگر دارای ادب بیشتری باشـی، صاحب موکل را صـدا می زنی و می گوئی: یا اباصالـح اغثنی. اگر یا صالح بگوئی یا یا اباصالح بگوئی، به فریاد تو می رسـند گرچه یـا اباصالـح گفتن زیباتر است و با وجود او، مأمورانی از مأموران او را صـدا زدن خوب نیست ولی آنکه به فریاد تو می رسـد همین صالـح است و او از سوی امام زمان مأمور است و ممکن است برای برخی اشـخاص، خود حضـرت ظاهر شود ولی این امر بسیار کم است.

۷- از آنچه گـذشت معلوم شـد که کنیه اباصالـح را خود مردم گرفتـار ابـداع کرده انـد و از سوی امامان سفارشـی در این باره نرسـیده است و کلمه صالح به معنای موکل بیابانها است و اب در این عبارت به معنای سـرور، پدر، فرمانده و امام است و علت اینکه شیعیان یا صالح نگفته اند و یا اباصالح

گفته اند این است که خواسته اند ادب را مراعات کنند و از خود حضرت کمک بخواهند نه از مأموری از مأموران او. بنابراین یا اباصالح همان یا صاحب الامر است.

پاسخ دوم

کنیه "اباصالح" برای امام زمان(ع) در روایات ذکر نشده است. در کتاب الزام الناصب آمده: کنیه نهم برای آن حضرت "ابوصالح" است، که پیش عرب ها معروف است. در موقع توسل و حاجت خواستن، با این کنیه آقا را صدا می کنند.

پی نوشت ها:

۱ - علی حایری، یزدی، الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۸۱.

پاسخ سوم

اما این که چرا به او اباصالح می گویند وجهی نیافتیم اصلا چنین اسمی بین اسم ها و کنیه ها و لقب های آن حضرت یافت نشد و تنها بین عرب ها مشهور است و شاید به خاطر آن است که در زمان آن حضرت مردم صالح وارث حکومت زمین می شوند و این ها در حکم فرزندان حضرت اند چنان که پیامبر اکرم(ص) درباره خودش و علی(ع) می فرمود: من و علی(ع) پدر این امتیم و یا به جهت روایاتی است که می گویند پس از حضرت چندتن از فرزندان صالحش حکومت می کنند در هر حال این کنیه بین عرب ها متداول است و لازمه اش فرزندی به آن نام داشتن نیست.

در یکی از دعاهای امام عصر آمده : السلام علیک یا باب الله و دیان دینه در این باره بفرمایید: کلمه باب الله به چه معنی است؟ امام زمان علیه السلام باب خدا است؟ مگر خدا خانه محسوس دارد و او در آن است؟! دیان دارای چه معنی است؟چرا به امام مهدی به عبارت دیان دین

پرسش

در یکی از دعاهای امام عصر آمده : السلام علیک یا باب الله و دیان دینه در این باره بفرمایید: کلمه باب الله به چه معنی است؟ امام زمان علیه السلام باب خدا است؟ مگر خدا خانه محسوس دارد و او در آن است؟! دیان دارای چه معنی است؟چرا به امام مهدی به عبارت دیان دین خدا سلام می کنیم؟ زیرا می دانیم در لغت دیان از نام های خدا است و به معنای قهار است

/ توضیح بفرمایید.

پاسخ

باب به معنای در و یا درگاه می باشد، باب و یا درگاه وسیله و راه ارتباط بین بیرون و درون هر چیزی است اختصاصی هم به خانه، کارخانه و شهر و یا چیزهائی از این قبیل ندارد درب هر چیزی مناسب با همان چیز است، همان گونه که خانه های دارای درب می باشند و راه ورودی و خروجچی و دست یابی به خانه ها و یا هر چیز دیگری درب آنها می باشد.

انبیاء و اوصیای الهی درگاه و باب به سوی خداوند هستند برای رسیدن خلق به خداوند و از سوی دیگر فیض هائی که از خداوند به خلق می رسد از طریق آنان به خلق می رسد به همین جهت آنان درگاه خداوند هستند برای رسیدن خلق به خداوند و رسانیدن آنچه خداوند می خواهد به مردم برساند به آنان. از آنجا که بین همگان و خداوند مناسبت وجود ندارد به همین جهت آیات و مظاهر خداوند ابواب خداوند و یا به دیگر تعبیرها که در روایات و ادعیه آمده وجه خداوند، طریق به سوی خداوند و یا سبب متصل بین خلق و خداوند می باشند، و به جهت تقریب مطلب شاید بتوان مثال روح و بدن را زد، بدن باب برای ارتباط با روح است. کسانی که با روح شخص می خواهند ارتباط برقرار کنند باید از طریق بدن او ارتباط برقرار کنند، از سوی دیگر روح خواسته های خودش را از راه بدن به دیگران منتقل می کند.

دیان به معنای قهار، حاکم، قاضی، سائس، محاسب، جزا دهنده و کسی که خداوند را به دین حق می پرستد

آمده است.

بنابراین دیان در این زیارت می تواند به معنای حاکم دین الهی، متکفل امور دین، جزا دهنده و یا متعبد به دین الهی می باشد و تمام این معانی بر امام زمان(عج) صادق است.

«یا عین اللّه فی خلقه» درباره امام زمان«علیه السلام» چه معنی دارد؟

پرسش

«یا عین اللّه فی خلقه» درباره امام زمان«علیه السلام» چه معنی دارد؟

پاسخ

آیات آیه قرآن و احادیث پیامبر و امامان«علیهم السلام» استفاده می شود که وجود مقدّس امام بر اعمال انسانها نظارت دارد. اعمال آنان را می بیند و کارهای آنان به حضورش عرضه می شود. بدین جهت به حضرت ولی عصر«علیه السلام» «عین اله» گفته می شود. یعنی دیدگاه پروردگار جهان.

البته سایر ائمه«علیهم السلام» هم «عین اله» هستند. هر امامی در زمان خویش شاهد اعمال پیروانش بوده است. و وجود این مقام(این آگاهی گسترده) برای امام استفاده ندارد قرآن کریم درباره حضرت عیسی«علیه السلام» می فرماید: «انبتکم بما تأکلون و ماتدّخرون فی بیوتکم؛(۱) به آنچه می خورید و در خانه های خود ذخیره می کنید». به شما خبر می دهم و این نشان دهنده مقام شهود پیامبران و پیشوایان الهی است. بر این اساس امام زمان«علیه السلام» «عین اله» شاهد بر باطن و ظاهر اعمال ما می باشد.

۱) سوره آل عمران، آیه ۴۹.

لقب شریف مهدی به چه معناست؟

پرسش

لقب شریف مهدی به چه معناست؟

پاسخ

یکی از القاب امام زمان«علیه السلام» مهدی است. و احتمالاً این لقب به خاطر این است که همواره آن گرامی از هدایتهای ویژه خداوند برخوردار است و به نظر می رسد که ایشان به ارتباط ملکوتی آن حضرت با جهان غیب است. و این لقب در حدیث حضرت رسول«صلی الله علیه وآله» است که فرموند: مهدی موعود از اهل بیت من می باشد و خدا اسباب قیامش را در یک شب فراهم می سازد.

و این که فرمودنـد: مهـدی موعود از عترت من و اولاـد فاطمه می باشـد - بنابراین -(حجه بن الحسن المهـدی) یعنی که فرزند امام حسن عسکری است و دارای لقب مهدی می باشد در روایتی که از امام باقر«علیه السلام» نقل شده است حضرت فرمودند: «انّما سُـمّی المهـدی مهدیاً لانه یهدی الی امر خفی...؛ او به این علّت مهدی نامیده شده است که همواره به امور پنهان و مخفی هدایت می شود».

و این امر مخفی ممکن است همان زمان ظهور آن حضرت باشد که مخفی و پنهان قرار داده شده است.

منع از ذکر نام خاص

چرا نام مبارک حضـرت حجت عجل اللّه تعالی فرجه الشریف به صورت نوشته می شود؟ در صورت امکات کتاب یا جزوه هایی دربارهء موضوع سؤالات معرفی نمایید.

پرسش

چرا نـام مبـارک حضـرت حجت عجل اللّه تعالی فرجه الشـریف به صورت نوشـته می شود؟ در صورت امکات کتاب یا جزوه هایی دربارهء موضوع سؤالات معرفی نمایید.

پاسخ

مقدمه :

سؤالات شـما نشان می دهد که معلمی دارای طرح درس هستید که با تلاش و جهاد علمی خویش , مصـمم به آموزش صحیح معارف الهی و تبیین درست مطالب می باشید. موفقیت شما را در امر تعلیم و تربیت و هدایت دانش آموزان از خداوند مسئلت داریم .

نکتهء دیگری از باب دل سوزی : عوامل موفقیت معلم چند چیز است , از جمله :

۱ قدرت علمی و پاسخ گویی به سؤالات , که شما با مطالعات و طرح سؤالات خویش قدرت و بال پرواز را پیدا می کنید.

۲ قدرت بیان و تفهیم مطالب .

۳ در پایان ترم یا سال برآورد کنید که نتیجهء آموزش چه شد؟

اگر تغییراتی در اخلاق و رفتار دانش آموزان ایجاد شده باشد, آن معلم موفق است .

پاسخ سؤال یک :

در برخی روایـات از ذکر نام امام زمان ۷نهی شده است (۱)و حتی در توقعی و نامه ای که از ناحیهء مقدسه وارد شده , کسـی

که نـام حضـرت را ذکر می کنـد, مورد لعنت قرار گرفته است .() البته از مجموع روایاتی که از ائمه : در مورد نهی از ذکر نام امام (پاورقی ۲.همان , ص ۲۳۵

زمان ۷فرجه نقل شـده , اسـتفاده می شـد که این ممنوعیت مربوط به زمان بعد از ولادت امام زمان ۷تا آغاز غیبت کبری بوده که هم امام حسن عسکری ۷و هم خود آن حضرت سعی بلیغ داشتند که حتی شیعیان از ولادت و محل و چگونگی

زندگی حضرت مطلع نگردند, زیرا می دانستند خلیفهء وقت کاملاً مراقب است که قائم آل محمد۷به دنیا نیاید. مبادا حکومت های جابر را سرنگون گرداند و بساط عدل و دال را در سراسر جهان بگستراند, وگرنه در دوران بعدی مثلاً عصر ما هیچ گونه حکمتی در منع ذکر نام آن حضرت به نظر نمی رسد.(۲)

(پاورقی ۱ً.علی دوانی , مهدی موعود, ص ۲۳۳ ۲۳۶(ترجمهء ج ۱۳بحارالانوار مجلسی).

(پاورقی ۲.همان , ص ۲۳۶

در عصر پیشوایان معصوم علیهم السلام آوردن نام حضرت ولی عصر۷کفر محسوب می شد آیا الاءن هم چنین است اگر دلیل مخفی نمودن نام آن بزرگوار ترس از جان حضرت بوده چرا امروز هم باید مخفی باشد؟

پرسش

در عصر پیشوایان معصوم علیهم السلام آوردن نام حضرت ولی عصر۷کفر محسوب می شد آیا الاءن هم چنین است اگر دلیل مخفی نمودن نام آن بزرگوار ترس از جان حضرت بوده چرا امروز هم باید مخفی باشد؟

پاسخ

اولاً: در عصر ائمه : اگر کسی نام آن بزرگوار را به زبان می آورد کافر خوانده نمی شد, بلکه به عنوان خاطی , عاصی و بی فرهنگ نامیده می شد.

ثانیاً: از مجموع روایات و اخباری که در آن از نام بردن امام ۷منع شده استفاده می شود که این ممنوعیت مخصوص عصر حضور و غیبت صغرای آن بزرگوار بوده است نه در هر عصری .

بنابراین , امروز نام بردن از آن بزرگوار منعی ندارد.()

(پاورقی ۱.علی دوانی , مهدی موعود .

اما برای این که به ظاهر روایات عمل شود, بهتر است از باب احتیاط از نام بردن آقا۷خودداری کند.

علت این که جائز نیست نام مبارک امام زمان(ع) را بر زبان جاری کنیم چیست؟

پرسش

علت این که جائز نیست نام مبارک امام زمان(ع) را بر زبان جاری کنیم چیست؟

پاسخ

در اصول کافی۱ روایاتی آمده که از بردن نام حضرت و مشخص کردن مکان ایشان نهی کرده است. امام هادی(ع) فرمود:

"با جانشین فرزندم حسن، چگونه خواهید بود؟ شما او را نخواهید دید و نام بردن او جائز نیست. پرسیدند : پس چگونه از او یاد کنیم؟ حضرت فرمود: بگویید: حجّت آل محمد(ص) ".

ابوعبدالله صالحی می گوید: دوستان ما بعد از شهادت امام عسکری(ع) از من درخواست کردن از اسم و مکان حضرت سؤال کنم. جواب آمد: اگر آنان را بر اسم او راهنمایی کنی، آن را پخش می کنندو اگر مکان او را معیّن کنی، دشمنان رابه آن جا راهنمایی می کنند.

از امام رضا(ع) درباره حضرت قائم(ع) سؤال شد، فرمود "دیده نمی شودو نام برده نمی شود".

این روایات از نام بردن حضرت منع کرده است، ولی آیا نام بردن حضرت فقط در آن زمان ممنوع بود یا بعد از آن نیز ممنوع است؟ اصولاً وقتی نام نبردن حضرت برای حفظ جان ایشان از دشمنان باشد با غایب شدن حضرت دیگر دسترسی به ایشان ندارند که او را دستگیر کرده و به قتل برسانند. پس وجه ممنوعیّت نام بردن او چیست؟ از این رو برخی از علما می گویند نام بردن حضرت اشکالی ندارد.

برخی از عالمان دینی این احادیث را مخصوص دوران غیبت صغری می دانند و یاد نام ایشان را در غیبت کبری جائز می دانند.

اکنون نیز برخی ذکر نام حضرت را جائز نمی دانند زیرا در این روایات از جمله در توقیعی (نامه ای) حضرت حجّت (ع) می

فرماید: " هر کس مرا نام ببرد، بین مردم ملعون است".

چون امروزه تمامی افراد نام حضرت را می دانند حتّی علمای اهل سنّت نام ایشان را در کتابهایشان آورده اند نوشتن و گفتن نام حضرت چه به طور خصوصی یا در محافل عمومی اشکالی ندارد.۲ به نظر می رسد روایاتی که از نام بردن حضرت منع کرده، همین طور روایاتی از پیامبر که فرمود: "اسمه اسمی و کنیته کنیتی"(نام حضرت را نبرده) به جهت احترام و عظم دادن به آن مقام رفیع باشد که تمام بشریت در انتظار او لحظه شماری می کنند.

۱ کلینی، کافی ج ۲، مترجم، ص ۱۲۶.

۲ مجله حوزه، شماره ۷۰ – ۷۱، ص ۹۰، با تلخیص و اضافات.

چرا نباید تا ظهور امام زمان نام ایشان (م، ح، م، د) را صدا بزنیم و نام ببریم؟

پرسش

چرا نباید تا ظهور امام زمان نام ایشان (م، ح، م، د) را صدا بزنیم و نام ببریم؟

پاسخ

درباره ذکر نام حضرت مهدی(عج) بین فقیهان دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. برخی گفته اند: با تمسک به روایاتی که وارد شده است، ذکر نام خاص حضرت مهدی(عج) جایز نیست، حتی در دوره غیبت کبری.

عالِمانی همانند علامه مجلسی، شیخ صدوق، شیخ مفید، طبرسی، میرداماد، محدّث جزایری، محدّث نوری، میرزای شیرازی و میرزا محمد تقی اصفهانی این نظر را برگزیده اند.

دلیل این عده روایاتی است که وارد شده است. ده ها روایت از امام علی(ع) تا امام مهدی(عج) رسیده است مبنی بر این که ذکر نام خاص حضرت جایز نیست.[۱]

برخی دیگر از فقیهان بر این دیدگاه خرده گرفته و گفته اند: روایاتی که درباره حرمت ذکر نام خاص حضرت مهدی(عج) وارد شده، مربوط به دوره تقیه و خوف است. فقیهانی همانند خواجه نصیر الدین طوسی، فیض کاشانی، شیخ حر عاملی، شیخ بهائی و ناصر مکارم شیرازی گفته اند: ذکر نام خاص حضرت مهدی (عج) در دوره غیبت کبری جایز است.

کوتاه سخن: حکم حرمت ذکر نامِ مخصوص حضرت مهدی(عج) مورد اتفاق فقیهان نیست. برخی جایز و برخی حرام می دانند. آنان که حرام می دانند دلیلشان روایات است. آنان که جایز می دانند می گویند: روایات، مربوط به دوره تقیه و خوف است.[۲]

[۱] مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱ تا ۳۴.

[۲] برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب نجم الثاقب، اثر میرزا حسین طبرسی نوری و فصلنامه انتظار، شماره ۳، ص ۲۰۳ تا ۲۲۶.

علت نهی از نام بردن امام زمان(ع) چیست و آن کدام اسم است؟

پرسش

علت نهی از نام بردن امام زمان(ع) چیست و آن کدام اسم است؟

پاسخ

حضرت مهدی(عج) همنام پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) می باشد و در اخبار از بردن همین نام نهی شده است. اما این که جایز نبودن بردن نام امام عصر(ع) مخصوص به دوران غیبت صغری است یا شامل دوران غیبت کبری هم می شود، اختلاف است.(۱)

برخی بر این باورند که در دوران غیبت کبری نیز بردن نام حضرت ممنوع است، لیکن پس از مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی عده ای معتقدند که از آن جایی که علت نهی از بردن اسم مبارک آن وجود مقدس برای تقیه و ترس از این بود که مبادا به وسیله اسم بردن، حضرت شناخته شود و مکانش معلوم گردد و از طرف خلفای جور مورد تعقیب واقع گردد، اما در دوران غیبت کبری این مسئله منتفی است، نهی از بردن نام حضرت مهدی(عج) تنها در زمان غیبت صغری بوده است و در دوران غیبت کبری اشکال ندارد.(۲)

پی نوشت ها:

۱. مجله حوزه، ۷۰ – ۷۱، مهر – دی ۱۳۷۴، ویژه امام زمان(ع)، ص ۸۹؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۲۴.

۲. آیت اللّه فاضل لنکرانی، استفتائات، ج ۲، ص ص ۵۷۴، سؤال ۱۶۱۸.

چرا نام امام زمان((علیه السلام)) در وصیّت نامه امام حسن عسگری((علیه السلام)) نیامده است؟

پرسش

چرا نام امام زمان((علیه السلام)) در وصیّت نامه امام حسن عسگری((علیه السلام)) نیامده است؟

پاسخ

حضرت امام حسن عسگری((علیه السلام)) از ناحیه ی خلفای زمان خویش سخت در محاصره و فشار بود خلفای عبّاسی که شنیده بودند که از امام حسن عسگری فرزندی متولّد می شود که از، بین رفتن طاغوتها و ستمگران به دست او خواهد بود در صدد برآمده بودند که وی را پیدا کرده دستگیر و شهید نمایند از این رو امام حسن عسگری((علیه السلام)) وصی و جانشین

خویش امام زمان را جز به افراد خاص از اصحاب خویش نشان نمی داد بنابراین اگر در وصیتنامه ی آن حضرت نامی از امام زمان برده نشده باشد ممکن است در رابطه با شرائط سیاسی خفقان آمیز زمان آن حضرت باشد.

و اصحابی که مورد اعتماد آن حضرت بودند مانند ابی الادیان و احمد بن اسحق بدیدن امام زمان و معرّفی وی به عنوان جانشین امام عسگری((علیه السلام)) موفق شدند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۸

ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟

پرسش

ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟

پاسخ

از امام رضا(علیه السلام) درباره حضرت قائم(عج) سؤال شد. در پاسخ فرمودند: لایری جسمه ولایسمی باسمه:حضرت دیده نمی شود و نام وی برده نمی شود.

و از امام حسن عسکری(علیه السلام) است که می فرماید: انکم لاترون شخصه ولایحل لکم ذکره باسمه: شما شخص او را نمی بینید و برای شما جایز نیست که نام او را ذکر کنید.

و جمله ایست در توقیع حضرت حجت(عج) که می فرمایند: ملعون ملعون من سمانی فی محفل من الناس; ملعون است، ملعون است کسی که مرا در محفلی از محافل مردم (عامه) نام ببرد». که شاید منظور محافضل دشمنان حضرت بوده است.

شاید، نهی از حرمت یاد نام حضرت در بین عموم مردم، به خاطر خوف و تقیه بوده. که البته امروز خوفی وجود ندارد. مرحوم فیض کاشانی در وافی، چهار روایت از کافی در باب نهی از ذکر نام حضرت آورده است، در روایت دوم آن آمده: ان دللتهم علی الاسم اذاعوه و ان عرّفتهم المکان دلوا علیه;اگر اسم را به آنان بگویید، فاش می کنند و اگر مکان حضرت را به آنان بشناسانید، به آن راهنمایی می شوند.

این مطلب ظهور دارد در مسأله تقیه و حفظ جان آن حضرت از شرّ دشمنان.

خلاصه این که علت واقعی و حقیقتی و نبردن نام حضرت قائم(عج) برای ما معلوم نیست، به همین جهت بر ما لازم است که به ظواهر روایات عمل کنیم و از نوشتن و بردن نام حضرت که همان نام پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) است، خودداری کنیم.

چرا نباید نام اصلی حضرت مهدی (عج) که هم نام حضرت محمد (ص) است را به کار برد آیا دارای اشکال شرعی است؟

پرسش

چرا نباید نام اصلی حضرت مهدی (عج) که هم نام حضرت محمد (ص) است را به کار برد آیا دارای

اشکال شرعی است؟

پاسخ

مهدی (عج) از ذریه و خاندان پیامبر اسلام است همنام و هم کنیه پیامبر و شبیه ترین به آن حضرت است، نام مقدس او محمد، کنیه اش ابوالقاسم و القابش مهدی، حجت، قائم، صاحب الزمان و... می باشد.

" لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یبعث الله رجلا من ولدی اسمه اسمی و کنیته لحنیتی یملا الارض قسطاً وعدلاً کما ملیت ظلماً و جوراً)

اگر از روزگار دنیا فقط یک روز باقی بمانده باشد خداوند بزرگ آن روز را طولانی می گرداند تا در آن روز خداوند ظهور مردمی را مسجل سازد که از خاندان من است نامش هم نام من، (محمد) و کنیه اش هم کنیه من (ابولقاسم). تا عدل و داد در زمین بر قرار ساخته و ظلم و ستم را از بین ببرد.

به مقتضای اخبار کثیره معتبره قریب به تواتر، به حسب معنی حرمت بودن این اسم مبارک است در مجالس و محافل تا ظهور با سرور آن حضرت. و این حکم از حضایص آن حضرت است و مسلم در نزد قدمای امامیه از فقهاء و متکلمین و محدثین می باشد. حتی آنکه شیخ اقدم، ابو محمد حسن بن موسی نوبختی از علماء غیبت صغری در کتاب "فرق و مقالات" در ذکر فرقه دوازدهم شیعه بعد از وفات امام حسن عسکری(ع) فرموده است که: (ایشان امیامیه اند) آنگاه مذهب و عقیده ایشان را نقل می کند می فرماید: " لایجوز ذکر اسمه و لا السؤال عن مکانه حتی یؤمن بذلک"

از این کلام در این مقام معلوم می شود که این حکم از خصایص مذهب امامیه است و از احدی از ایشان

خلافی نقل نشده. دلیل سید نعمت الله جزایری درباره حرمت بردن نام مخصوص آن حضرت که ایشان در شرح "عیون الاخبار" قول به حرمت را نسبت به اکثر علماء داده و دلیل آن نیز اخبار معتبره کثیره است. که ما در اینجا به دو نمونه از آن اشاره می نمائیم.

۱ حدیث سیزدهم از باب پنجم از نصوص خاصه که شیخ جلیل فضل بن شاذان در کتاب "غیبت" خود روایات کرده از جابر انصاری که جندل بن جناده که از یهودیان خیبر بود خدمت رسول اکرم (ص) رسید و بعد از چند سؤال از اسامی و اوصیای آن جناب پرسید یک یک را اسم بردند تا به نام امام حسن عسکری (ع) آنگاه فرمود: بعد از آن غایب گردد از مردمان امامی از ایشان. جندل گفت: یا رسول الله حسن از ایشان غایب گردد؟ فرمود: نه، ولیکن پسر او، حجت غایب گردد و غیبتی طولانی. جندل گفت: نام او چه باشد؟ رسول خدا (ص) فرمود: نام برده نشود تا زمانی که خداوند او را ظاهر سازد.

۲ حدیث بیست و هفتم، آنجا که از ابراهیم بن فارسی نیشابوری روایت کرده که چون خدمت حسن عسکری (ع) رسید و حضرت حجت (عج) در پهلوی پدر بزرگوارش نشسته بود و از ضمیر او خبر داد پس از حالات آن جناب پرسید. حضرت فرمود: او فرزند من و خلیفه بعد از من است بعد از من. تا آن که گفت از نام آن حضرت پرسیدم. فرمود: هم نام و هم کنیه پیامبر (ص) است و حلال نیست کسی را که او را به نام او یا به کنیه او ذکر کند

تا زمانی که ظاهر سازد.

منابع و مآخذ:

– امام مهدی و نوابع اربعه، مؤلف: حمید رضا کفاش

– نجم الثاقب، تألیف ثقه المحدثین مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری دره

– از فرمایشات پیامبر اکرم به نقل از سنن ترمذی

علت منع از ذکر اسم خاص امام زمان چیست

پرسش

علت منع از ذکر اسم خاص امام زمان چیست

پاسخ

روایات متعددی داریم که از ذکر اسم خاص حضرت نهی فرموده و عده ای از علما گفته اند این روایات مربوط به زمان خوف قتل

حضرت و زمان تقیه می باشد لذا در زمان غیبت کبری ذکر نام آن حضرت حرمت ندارد عده ای دیگر فرموده اند این روایات به خاطر

حفظ حرمت واحترام به آن حضرت است و در زمان غیبت هم برای احترام آن حضرت نباید نام خاص (م.ح.م.د) ایشان برده شود.

به هرحال احتیاط واجب یا مستحب در ترک ذکر نام آن حضرت است.

آیا این روایت (هر که مرا نام برد در مجمعی از مردم به اسم من پس بر او باد لعنت خدا) که از امام زمان (عج) نقل شده صحیح است ؟

پرسش

آیا این روایت (هر که مرا نام برد در مجمعی از مردم به اسم من پس بر او باد لعنت خدا) که از امام زمان (عج) نقل شده صحیح است ؟

پاسخ

در روایات متعددی بردن نام شخص ایشان منع گردیده و از همین رو سنت بر این است که آن را به صورت مقطع (مح م د) ادأ می کنند. دلیل این منع آن است که نام امام زمان(عج) هم نام پیامبر(ص) است و اگر نام امام زمان(عج) برده شود دستاویزی برای مسیحیان خواهدشد که پیامبر موعود در انجیل هنوز ظهور نکرده است و باقی ماندن بر شریعت مسیح را برای خود توجیه می کنند.{J

آیا نام بردن اسم حضرت (محمّد) جایز است؟

پرسش

آیا نام بردن اسم حضرت (محمّد) جایز است؟

پاسخ

در مورد حکم نام بردن اسم شریف حضرت (ع) بیش از صد روایت وجود دارد که می توان آنها را به چهار دسته تقسیم کرد:

۱ - روایاتی که به طور مطلق وبدون هیچ قید وشرطی از ذکر نام حضرت نهی کرده است.

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۳۲. پاورقی}

۲ - روایاتی که از ذکر نام شریف آن حضرت تا زمان ظهور نهی کرده است.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۲۱۴. پاورقی}

۳ - روایاتی که علت نهی از ذکر نام شریف آن حضرت را خوف وتقیه وعلل دیگر دانسته است.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۱. پاورقی}

۴ - روایاتی که در آنها به اسم شریف حضرت چه از سوی امام یا راوی تصریح شده است.

{پاورقی . همان، ص ۵۰۰. پاورقی}

دسته اول ودوم بیانگر یک معناست. برخی با استناد این روایات به حرمت فتوا داده وذکر نام شریف حضرت را تا زمان ظهور حرام دانسته اند، از آن جمله می توان از علامه مجلسی، شیخ صدوق، شیخ مفید، طبرسی، میرداماد، محدّث جزایری، محدّث نوری، میرزای شیرازی، میرزا محمّد تقی اصفهانی -رضوان اللّه علیهم- نام برد.

وبرخی نیز حرمت ذکر نام شریف آن حضرت را مقیّد به صورت خوف وتقیه دانسته اند که از آن جمله می توان از اربلی، شیخ حرّ عاملی، خواجه نصیرالدین طوسی وفیض کاشانی ودیگران -رضوان اللّه علیهم- نام برد.

برخی نیز این حکم را به عصر غیبت صغرا اختصاص داده اند.

به نظر می رسد که حق با قول دوم باشد؛ یعنی حرمت مختص به صورت خوف وتقیه است به دلیل:

۱ - در باب تلقین محتضر در حدیثی چنین آمده است: "تلقین کن به محتضر کلمات فرج وشهادتین

واسم هر یک از امامان را تا هنگام فوتش". معلوم است که {پاورقی . کافی، ج ۳، ص ۱۳۴. پاورقی}

هنگام تلقین به اسم حضرت تصریح می شود.

۲ - در مورد تلقین میّت نیز همین دستور آمده که نام هر یک از امامان را بر او ببر وتلقین کن، که از آن جمله نام امام زمان (ع) است.

{پاورقی . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۷۴. پاورقی}

۳ - محمّد بن ابراهیم کوفی می گوید: امام عسکری (ع) برای کسی که اسمش را برد به توسط من پولی فرستاد تا گوسفندی از طرف حضرت قربانی کند وفرمود: "این به جهت عقیقه برای فرزندم محمّد (ص) است".

{پاورقی . همان، ج ۲۱، ص ۴۴۸. پاورقی}

۴ - کنیه معروف حضرت عسکری (ع) ابومحمّد است ودر این کنیه تصریح به اسم حضرت مهدی (ع) می باشد.

۵ - از امام رضا (ع) در مورد زیارت قبر امام حسین (ع) سؤال شد، حضرت فرمود: "... وبسیار بر محمّد وآل او درود می فرستی ونام هریک از آنها را می بری وبه سوی خدا از دشمنانشان پناه می بری".

{پاورقی . همان، ج ۱۴، ص ۵۴۹. پاورقی}

محقق اربلی می گوید: "نظر من چنین است که منع از ذکر نام شریف حضرت به جهت تقیه در دوران خوف وتحت تعقیب بودن وسؤال از نام ومحلّ ایشان بوده است، ولی الآن که خوف وتقیه ای نیست منع وحرمتی از ذکر نام شریفش وجود ندارد".

{پاورقی . کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۰. پاورقی}

۶ - جابر بن عبداللّه انصاری به امام باقر (ع) می گوید: "وارد بر فاطمه زهرا (ع) شدم تا در ولادت امام حسن (ع) به حضرتش تهنیت بگویم، صحیفه ای از درّ سفید در دست مبارکش یافتم، سؤال

کردم: ای بهترین زنان عالم! این صحیفه که در دستان شما می بینم چیست؟ حضرت فرمود: در آن اسامی امامان از فرزندانم هست... جابر می گوید: نگاه کردم واسامی هر یک از امامان را در آن صحیفه مشاهده کردم...".

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۰۷. پاورقی}

۷ - در احادیث زیادی از رسول اکرم (ص) وارد شده که حضرت مهدی همنام رسول خداست، واین تصریح ضمنی به نام مبارك امام زمان (ع) است.

علت نهی در بردن نام امام زمان (عج) مربوط به عصر خاصی است یا زمان حاضر را نیز شامل می شود؟

پرسش

علت نهی در بردن نام امام زمان (عج) مربوط به عصر خاصی است یا زمان حاضر را نیز شامل می شود؟

پاسخ

از مجموع روایاتی که در رابطه با حرمت، بردن نام حضرت مهدی(ع) از معصومین(ع) نقل شده استفاده می شود که نهی از ذکر نام آن حضرت و تأکیدی که در این مورد شده است مربوط به همان زمان غیبت صغری و ایام بعد از ولادت امام تا آغاز غیبت کبری بوده که هم امام حسن عسکری(ع) و هم خود آن حضرت سعی بلیغ داشتند که حتی شیعیان نیز از ولادت و محل و چگونگی زندگی حضرت مطلع نگردند. زیرا می دانستند خلیفه وقت کاملاً مراقب است که امام دوازدهم شیعیان بوجود نیاید، مبادا حکومت های جابر را سرنگون کند و بساط عدل را در جهان بگستراند. اما در دوران بعد مانند عصر ما، هیچگونه حکمتی در منع از ذکر نام آن حضرت به نظر نمی رسد، (کتاب مهدی موعود، ص ۲۳۶).

در سؤالی که در این رابطه از بعضی فقهاء موجود شده است فرموده اند: ظاهرا حکم (حرمت) مخصوص زمان تقیّه بوده است و احتیاط در زمان حاضر این است که با القاب نام آن حضرت برده شود.

البته بنا بر نظر برخی محققان مانند آیت الله معرفت اسمی که ذکر آن ممنوع شد -ا ح م د - است زیرا در انجیل بشارت به بعثت پیامبری احمد شده است و لذا اگر شیعیان این وصف حضرت حجت(عج) را به کار ببرند چه بسا دست آویز مسیحیان شود که پیامبر آخر الزمان هنوز مبعوث نشده است.

در زمان حاضر بردن نام مخصوص آن حضرت کراهت دارد(طبق سؤال از دفتر آیت الله

بهجت)

نهی از ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟

پرسش

نهی از ذکر نام حضرت مهدی(عج)؟

پاسخ

از امام رضاعلیه السلام درباره حضرت قائم(عج) سؤال شد. در پاسخ فرمودند: لایری جسمه ولایسمی باسمه:حضرت دیده نمی شود و نام وی برده نمی شود.

و از امام حسن عسکری علیه السلام است که می فرماید: انکم لاترون شخصه ولایحل لکم ذکره باسمه: شما شخص او را نمی بینید و برای شما جایز نیست که نام او را ذکر کنید.

و جمله ایست در توقیع حضرت حجت(عج) که می فرمایند: ملعون ملعون من سمانی فی محفل من الناس؛ ملعون است، ملعون است کسی که مرا در محفلی از محافل مردم (عامه) نام ببرد». که شاید منظور محافضل دشمنان حضرت بوده است.

شاید، نهی از حرمت یاد نام حضرت در بین عموم مردم، به خاطر خوف و تقیه بوده. که البته امروز خوفی وجود ندارد. مرحوم فیض کاشانی در وافی، چهار روایت از کافی در باب نهی از ذکر نام حضرت آورده است، در روایت دوم آن آمده: ان دللتهم علی الاسم اذاعوه و ان عرّفتهم المکان دلوا علیه؛اگر اسم را به آنان بگویید، فاش می کنند و اگر مکان حضرت را به آنان بشناسانید، به آن راهنمایی می شوند.

این مطلب ظهور دارد در مسأله تقیه و حفظ جان آن حضرت از شرّ دشمنان.

خلاصه این که علت واقعی و حقیقتی و نبردن نام حضرت قائم(عج) برای ما معلوم نیست، به همین جهت بر ما لازم است که به ظواهر روایات عمل کنیم و از نوشتن و بردن نام حضرت که همان نام پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است، خودداری کنیم.

چرا در کتاب ها نام حضرت مهدی را به صورت «م ح م د» می نویسند و از بردن نام آن حضرت پرهیز می نمایند؟

پرسش

چرا در کتاب ها نام حضرت مهدی را به صورت «م ح م د» می نویسند و از بردن نام آن حضرت پرهیز می نمایند؟

پاسخ

جمعی از علما مانند شیخ طوسی و شیخ مفید و شیخ طبرسی و میرداماد و علامه مجلسی صریحاً فتوا داده اند که حرام است نام

آن حضرت را در میان اجتماع مردم ببرند، زیرا روایات متواتری بر نهی از این عمل وارد شده است که از جمله روایات این است:

۱. امام حسن عسکری(ع) فرمود: «لا یحل لکم ذکره باسمه»، برای شما حلال نیست که او را به اسمش یاد کنید.{۱}

۲. امام صادق(ع) فرمود: «صاحب این امر (قیام جهانی) مردی است که اسمش را کسی نمی برد مگر آنکه آن شخص کافر باشد».{۲}

۳. امام رضا(ع) فرمود: «حضرت قائم مهدی کسی است که جسمش دیده نمی شود و اسمش بعد از غیبت برده نمی شود». {۳}

۴. در توقیع شریفی خود حضرت فرموده اند: «ملعون است کسی مرا در میان محفلی از مردم اسم ببرد».{۴}

برخی از علما تصریح کرده اند که به خاطر رعایت ادب مؤمنین نباید اسم آن حضرت را در مجالس خود ببرند، بلکه باید به القابی مثل بقیْ الله، حجت، مهدی، صاحب الامر و العصر و الزمان از او یاد کنند و در کتاب نجم الثاقب بحث بسیار مفصلی پیرامون این قضیه آمده است.

[۱].بحارالانوار، ج ۵۰، باب ۲، روایت ۵، ص ۲۴۰/

[۲].همان، ج ۵۱، باب ۳، روایت ۱۱، ص ۳۳/

[۳].همان/

[۴].همان، ج ۵۱، ص ۱۵، باب ۱۸، روایت ۱۳/

پی نوشتها

۱- شیخ مفید، الارشاد، قم مکتبه بصیرتی،، ص ۳۴۶ - فتّال نیشابوری، روضه الواعظین، الطبعه الاولی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ه'. ق، ص ۲۹۲ - کلینی،، اصول کافی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ه - ق، ج ۱، ص ۵۱۴ - طوسی، الغیبه، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، ص ۱۴۱ - طبرسی،، اعلام الوری، الطبعه

الثالثه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ص ۴۱۸ - ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمه، ط قدیم (بی تا)، ص ۳۱۰.

در بعضی از مآخذ، تاریخ تولد حضرت، سال ۲۵۶ هجری ضبط شده است (صدوق، کمال الدین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۰۵ ه- ق، ص ۴۳۲ - طوسی،، الغیبه، ص ۱۳۹ و ۱۴۷) و در برخی دیگر، سال ۲۵۸ (علی بن عیسی الاربلی، کشف الغمّه، تبریز مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ه-ق، ص ۲۲۷ - ابن ابی الثلج بغدای، تاریخ الائمه، قم، مکتبه بصیرتی، (ضمن مجموعه نفیسه)، ص ۱۵) ذکر شده است و ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری آن را در سال ۲۵۷ می داند (دلائل الامامه، الطبعه الثالثه، قم، منشورات الرضی،، ص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۲- شیخ مفید، همان کتاب، ص ۳۴۶ - طبرسی،، همان کتاب، ص ۴۱۷ - اربلی، همان کتاب، ص ۲۲۷ - ابن صبّاغ، همان کتاب، ص ۳۱۰.

۳- صدوق، همان کتاب، ص ۶۴۸ - کلینی،، همان کتاب، ص ۳۳۲ - مجلسی،، بحارالأنوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۳۹۳ ه-. ق، ج ۵۱، ص ۳۱ - .۳۴ ولی آیا نهی ائمه از ذکر نام مخصوص آن حضرت، یک اقدام سیاسی مقطعی و مربوط به دوران غیبت صغری بوده یا اینکه حرمت ذکر نام آن حضرت تا هنگام ظهور و قیامش باقی است؟ در میان علمای شیعه مورد اختلاف است (ر. ک به: حاج میرزا حسین طبرسی نوری، النجم الثاقب، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، باب ۲، ص ۴۸ و ۴۹.

۴- مسعودی، همان کتاب، ص ۴۱۸ - ابن صباغ، همان کتاب، ص ۳۱۰.

۵ -مسعودی، اثبات الوصیه، الطبعه الرابعه، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۴ ه'. ق،

ص .۲۴۸

۶ – ابن صبّاغ، همان کتاب، ص .۳۱۰

۷– شیخ مفید، همان کتاب، ص ۳۴۶ – صدوق، همان کتاب، ص ۴۳۲ – طبرسی، همان کتاب، ص ۴۱۸ مسعودی، همان کتاب، ص ۲۴۸ – فتّیال نیشابوری،، همان کتاب، ص ۲۸۳ – طوسی، همان کتاب، ص ۱۴۳ محمد بن جریر بن رستم طبری، همان کتاب، ص ۲۶۸ – ابن صبّاغ، همان کتاب، ص .۳۱۰

۸– صدوق، همان کتاب، ص ۴۳۲ و ر. ك به: روضه الواعظین، ص .۲۹۲ برخی از محققان معاصر، احتمال داده اند که نام او همان نرجس باشد، و اسامی دیگر به جز صقیل را بانوی پیشین او حکیمه دختر امام جواد – علیه السلام – به وی داده باشد (بنابر روایاتی، او قبلاً کنیز حکیمه بوده است). مردم آن زمان کنیزان خویش را برای خوشامد گویی، به اسامی گوناگون می خواندند و نرجس، ریحانه و سوسن همه اسامی گلها هستند (دکتر حسین جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه دکتر سید محمد تقی آیت اللّهی، چاپ اوّل، تهران، مؤسسه انتشارا امیرکبیر، ۱۳۶۷ ه'. ش، ص ۱۱۴).

۹– فتّال نیشابوری، همان کتاب، ص ۲۸۳ – صدوق، همان کتاب، ص ۴۲۷ – مجلسی، همان کتاب، ج ۵۱، ص .۱۲

۱۰– شیخ مفید، همان کتاب، ص .۳۴۶

۱۱– ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره، دار احیاالکتب العربیه، ۱۹۶۰ م، ج ۷، ص ۹۴ و ج ۱۰، ص .۹۶

۱۲– فقیه ایمانی، مهدی، مهدی، منتظر در نهج البلاغه، اصفهان، کتابخانه عمومی امیر المؤمنین علی – علیه السلام –، ص ۲۳، .۳۹ تعدادی از این منابع که در دسترس نگارنده است و تولد حضرت مهدی به صراحت در آنها بیان شده، به قرار زیر

است:

ابـن حجر هیتمی، الصواعـق المحرقـه، ط ۲، قـاهره، ۱۳۸۵ ه'. ق، ص ۲۰۸ - شـبراوی، الاتحـاف بحبّ الأشـراف، ط ۲، قم، منشورات الرضـی،، ۱۳۶۳ ه'. ش، ص ۱۷۹ - محمـد امیـن بغـدادی سویـدی، سبائک الـذهب فی معرفه قبائـل العرب،بیروت دارصـعب، ص ۷۸ - مـؤمن شـبلنجی، نور الأبصـار، قـاهره، مکتبه المشـهد الحسـینی ،، ص ۱۶۸ - شـیخ محمد صبّان، اسعاف الراغبین، (در حاشـیه نور الأبصـار)، ص ۱۴۱ - ابن أثیر، الکامـل فی التاریـخ، بیروت، دارصـادر، ج ۷، ص ۲۷۴ (حوادث سال ۲۶۰) حمـدالله مسـتوفی، تاریسخ برگزیده، چاپ دوّم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲ ه'. ش، ص ۲۰۷ - ابن طولون، الأئمه الأثنی عشـر، قم، منشورات الرضی،، ص ۱۱۷ - ابن صـبّاغ مـالکی، الفصول المهمه، (بی تا)، ص ۳۱۰ - شیخ سلیمان قندوزی، ینابیع الموده، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۳۶.

۱۳- صـدوق، همان کتاب، ص ۴۳۴ - ۴۷۸. شـیخ مفید، همان کتاب، ص ۳۵۰ و ۳۵۱ - شـیخ سلیمان قندوزی، ینابیع المودّه، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۱۲۳ - ۱۲۵.

۱۴- چنانکه در سیره امام هادی - علیه السلام - نوشتیم، ایوب بن نوح یکی از وکلای آن حضرت بوده است.

۱۵- طوسی، همان کتاب، ص ۲۰۴ ور.ک به: صدوق، همان کتاب، ص ۴۳۵ - مجلسی، همان کتاب، ج ۵۱، ص ۳۴۶ - شیخ سلیمان قنـدوزی، همان کتاب، ج ۳، ص ۱۲۳ - (آیت الله) صـافی، لطف الله، منتخب الأثر، تهران، مرکز نشـر کتاب، ۱۳۷۳ ه'. ق، ص ۳۵۵.

۱۶- شـیخ طوسـی، همان کتاب، ص ۲۰۴ - نعمـانی، الغیبه، تهران، مکتبه الصـدوق، ص ۱۵۴ - مجلسـی، بحار الأنوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۳ ه'. ق، ج ۵۱،

ص ۱۵۰ ور.ک به: اصول کافی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ه'. ق، ج ۱، ص .۳۳۷

۱۷- طوسی، همان کتاب، ص ۲۰۳ - ۲۰۷ - صافی، همان کتاب، باب ۴۷، ص ۳۱۴ و .۳۱۵

۱۸- صافی، همان کتاب، فصل ۱، باب ۸، ص ۱۰۱، ح .۴

۱۹- (آیت الله) صافی، لطف الله، نوید امن و امان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ص ۱۷۷ و .۱۷۸

۲۰- کلینی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۳۷ - طوسی، همان کتاب، ص ۲۰۲ - صدوق، همان کتاب، ص ۴۸۱ صافی، منتخب الأثر، فصل ۲، باب ۲۸، ص ۲۶۹ - نعمانی، همان کتاب، ص .۱۶۶

۲۱- صدوق، کمال الدین، باب ۴۴، ص ۴۸۰، ح ۴ - مجلسی، همان کتاب، ج ۵۱، ص ۱۵۲ - صافی، منتخب الأثر، فصل ۲، باب ۲۵، ص ۲۶۸، ح .۳

۲۲- مرحوم شیخ مفید آغاز غیبت صغری را از سال تولد آن حضرت (سال ۲۵۵) حساب کرده است (الاًرشاد، ص ۳۴۶) و با این محاسبه، دوران غیبت صغری، ۷۵ سال می شود. طبعاً نظریه مرحوم مفید از این لحاظ بوده است که حضرت مهدی در زمان حیات پدر نیز حضور و معاشرت چندانی با دیگران نداشته و از نظر کلی غایت محسوب می شده است.

گویا بر اساس همین ملاحظه است که محققانی مانند: طبرسی، سید محسن امین، و آیت الله سید صدر الدین صدر نیز آغاز غیبت صغری را از سال میلاد آن حضرت، و مدّت آن را ۷۴ سال دانسته اند (اًعلام الوری، ص ۴۴۴ - اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ج ۲، ص ۴۶ - المهدی،، بیروت، دار الزهرأ، ۱۳۹۸ ه'. ق، ص ۱۸۱).

۲۳- صدر، سید صدر الدین، المهدی،، بیروت، دار الزهرأ،

۱۳۹۸ ه'. ق، ص ۱۸۳ - پیشوای دوازدهم امام زمان، نشریه مؤسسه در راه حق، ص ۳۸.

۲۴- شیخ سلیمان قندوزی، ینابیع المودّه، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۳، باب ۷۱، ص ۸۲.

۲۵- نعمانی، همان کتاب، ص ۱۷۳.

۲۶- نعمانی، همان کتاب، ص ۱۷۳.

۲۷- نعمانی، همان کتاب، ص ۱۷۰. نیز ر.ک به: منتخب الأثر، فصل ۲، باب ۲۶، ص ۲۵۱ - ۲۵۳.

۲۸- در آن روزگار، به جای "نیابت" و "نواب" بیشتر تعبیر "سفارت" و "سفرأ" به کار برده می شد.

۲۹- چنانکه طبق نقل شیخ طوسی، حدود ده نفر در بغداد به نمایندگی از طرف محمد بن عثمان فعالیّت می کردند (الغیبه، ص ۲۲۵).

۳۰- توقیع به معنای حاشیه نویسی است و در اصطلاح علمای شیعه به نامه ها و فرمانهایی که در زمان غیبت صغری از طرف امام به شیعیان می رسیده توقیع گفته می شود.

۳۱- صدر، المهدی،، ص ۱۸۹.

۳۲- امین، سید محسن، أعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۸.

۳۳- طوسی،، الغیبه، ص ۲۵۷، ۲۵۸.

۳۴- کلینی،، اصول کافی،، ج ۱، ص ۵۱۸، ح ۵.

۳۵- کلینی، همان کتاب، ص ۵۲۱، ح ۱۴ و ۱۵.

۳۶- طبرسی،، اًعلام الوری، ص ۴۴۴.

۳۷- طوسی،، الغیبه، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه ص ۲۱۴.

۳۸- طوسی، همان کتاب، ص ۲۱۶.

۳۹- طوسی،، الغیبه، ص ۲۱۵.

۴۰- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۱۶.

۴۱- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۱۶.

۴۲- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۱۷

۴۳- دکـتر حسـین، جـاسم، تاریـخ سیاسـی غیبت امـام دوازدهم، ترجمه دکتر سـید محمـد تقی آیت اللّهی، چـاپ اوّل، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷ ه'. ش، ص ۱۵۵ و .۱۵۶

۴۴- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۲۱

۴۵- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۱۹

۴۶- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۱۹ - .۲۲۰

۴۷- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۰ - بحار الأنوار،

ج ۵۱، ص .۳۴۹

۴۸- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۰ - مجلسی،، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰ - طبرسی أعلام الوری، الطبعه الثالثه، ص ۴۵۲ - علی بن عیسی اربلی،، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی،، ۱۳۸۱ ه'. ق، ج ۳، ص .۳۲۲

۴۹- طوسی، الغیبه، ص .۲۲۱

۵۰- طوسی،، الغیبه، ص .۲۲۳

۵۱- طوسی، الغیبه، ص ۲۲۲ - بحار الأنوار، ج ۵۱، ص .۳۵۱

۵۲- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۶ و ۲۲۷ - بحار الأنوار، ج ۵۱، ص .۳۵۵

۵۳- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۴ و ۲۲۵ و .۲۲۷

۵۴- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۴۰

۵۵- مجلسی،، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۶، ور.ک به: طوسی،، همان کتاب، ص .۲۳۶

۵۶- دکتر حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، چاپ اوّل، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷ ه'. ش، ص .۱۹۹

۵۷- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۳۸

۵۸- سَیمَری و صَیْمَری نیز گفته شده است (صدر، محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ط ۱، بیروت دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۲ ه'. ق، ص ۴۱۲).

۵۹- طوسی،، همان کتاب، ص .۴۴۵

۶۰- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۴۲

۶۱- صدر، همان کتاب ص .۴۱۲

۶۲- چنانکه در بحث علائم ظهور گفته شده، قیام شخصی به نام سفیانی و صدای آسمانی از علامتهایی هستند که در آستانه ظهور امام رخ خواهد داد.

۶۳- طوسی،، الغیبه، ص ۲۴۲ و ۲۴۳ - مجلسی،، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱ - طبرسی،، همان کتاب، ص ۴۴۵ - صدر همان کتاب، ص- .۱۵

۶۴- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۴۳

۶۵- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۴۲

۶۶- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۲ و ۲۴۶ - صدوق، کمال ادین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۰۵ ه'. ق، ص .۴۴

۶۷- طوسی،، همان

کتاب، ص .۲۲۲

۶۸- طوسی،، همان کتاب، ص ۱۴۶ و .۲۱۹

۶۹- طوسی،، الغیبه، ص ۲۴۰ – مجلسی،، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص .۳۵۹

۷۰ مرحوم طبرسی،، فهرست جالبی از این دسته وکلا، با ذکر محل مأموریتشان، ذکر کرده است (أعلام الوری، ص ۴).

۷۱- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۲۵

۷۲- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۵ و .۲۲۶

۷۳- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۵ و .۲۲۶

۷۴- صدوق، کمال الدین، رقم، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۰۵ ه'. ق، ص ۴۴۰ – .۴۴۱

۷۵- طوسی،، همان کتاب، ص ۱۷۶ – .۱۷۷

۷۶- طبرسی،، همان کتاب، ص ۴۵۲ – .۴۵۳

۷۷- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۲۹ – .۲۳۶

۷۸- طوسی،، همان کتاب، ص ۱۹۸ – .۱۹۹

۷۹- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۳۸ – .۲۳۹

۸۰- طوسی،، همان کتاب، ص .۲۴۴

۸۱- طوسی،، همان کتاب، ص ۲۴۸ – ۲۵۴ ور. ک به: دکتر حسین، جاسم، تارخی سیاسی غیبت امام دوزادهم، ص ۲۰۰ – .۲۰۵ مسعودی، قتل او را در سال ۳۲۲ دانسته است (التنبیه والاشراف، قاهره، دار الصاوی للطبع والنشر و التألیف ص ۳۴۳).

۸۲- طاغوت کسی است که بر خلاف حق حکومت کند و بر اساس موازین اسلامی سزاوار آن مقام نباشد. لفظ "طاغوت" صیغه مبالغه از طغیان است، تو گویی این افراد در طغیان و مرز نشناسی، در بالاترین حدّ قرار گرفته اند.

۸۳- نسأ: .۶۰

۸۴- ینظران من کان منکم ممن روی حدیثنا ونظر فی حلالنا وحرامنا و عرف أحکامنا فارضوا به حکما فانّی قد جعلته علیکم حاکماً فأذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فأنّما استخفّ بحکم الله وعلینا ردّ، والرّاد علینا الرّاد علی الله، وهو علی حدّ الشرک بالله

(کلینی، اصول کافی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ه'. ق،

ج ۱ ص ۶۷، کتاب فضل العلم، باب اختلاف الحدیث، ح ۱۰ - شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیأ التراث العربی،، ج ۱۸ ،باب ۱۱ من أبواب صفات القاضی،، ص ۹۹).

۸۵- وأمّا الحوادث الواقعه فارجعوا فیا الی رواه حدیثنا فأنّهم حجتی علیکم وأنا حجه الله (طوسی،، همان کتاب، ص ۱۷۷ - طبرسی،، همان کتاب، ص ۴۵۲ - شیخ حرّ عاملی، همان کتاب، ج ۱۸، ص ۱۰۱، کتاب القضأ، ابواب صفات القاضی،، باب ۱۱، ج ۹ - طبرسی،، احتجاج، نجف، المطبعه المرتضویه، ج ۲، ص ۱۶۳).

۸۶- امینی،، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ چهارم، قم، انتشارات دار الفکر، ۱۳۵۲ ه'. ش، ص ۷۴ - .۸۲ این آمار از روی احادیث منقول در کتاب "منتخب الأثر" تهیه شده است و اگر تتبع بیشتری صورت گیرد، طبعاً تعداد احادیث بیش از این خواهد بود.

) درباره روایات منقول از پیامبر اسلام، در بخش روایات اهل سنت توضیح خواهیم داد.

۸۸- محمد بن جریر بن رستم طبری،، دلائل الامامه، الطبعه الثالثه، قم، منشورات الرضی،، ص .۲۴۰

۸۹- ر.ك به: مهدی فقیه ایمانی، مهدی منتظر در نهج البلاغه، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علی - علیه السلام -.

۹۰- لتعطفنّ الدنیا علینا عطف الضروس علی ولدها (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره، دار احیأ الکتب العربیه، ۱۹۶۰ م، ج ۱۹، ص ۲۹، حکمت ۲۰۵).

۹۱- ونرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض ونجعلهم أئمّه ونجعلهم الوارثین (قصص: ۶).

۹۲- صدوق، کمال الدین، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۰۵ ه'. ق، ج ۱، ص .۳۱۸

۹۳- صدوق، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۷۷ - مجلسی،، بحار الأنوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۳ ه'.

ق، ج ۵۱، ص ۱۵۶.

۹۴- طبرسی،، اًعلام الوری، الطبعه الثالثه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ص ۴۴۳ - ۴۴۴.

۹۵- طبرسی،، همان کتاب، ص ۴۴۳.

۹۶- شیخ طوسی،، فهرست، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱ ه'. ش، ص ۱۴، شماره ۱۹ - نجاشی،، فهرست اسمأ مصنفی الشیعه، قم، مکتبه الداوری،، ص ۱۱ - ابن داود، رجال، قم، منشورات الرضی،، ص ۳۲، شماره ۲۳.

۹۷- نجاشی،، همان کتاب، ص ۲۹ - طوسی،، فهرست، ص ۹۸، شماره ۲۰۵.

۹۸- نجاشی،، همان کتاب، ص ۲۹ - طوسی،، فهرست، ص ۹۸، شماره ۲۰۵.

۹۹- نجاشی،، همان کتاب، ص ۱۷۸.

۱۰۰- نجاشی،، همان کتاب، ص ۱۷ - (آیت الله) صافی،، منتخب الأثر، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۳ ه'. ق، ص ۴۶۶ و ۴۶۷.

۱۰۱- البته ابراهیم انماطی و حسن بن محمد بن سماعه واقفی بودند و هدفشان از نوشتن چنین کتابی، اثبات دیدگاههای خودشان بوده است، اما رد هر حال این موضوع نشان می دهد که غیبت یک موضوع مسلّم بوده است. (دکتر حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، چاپ اوّل، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷ ه'. ش، ص ۲۱ و ۲۲).

۱۰۲ صافی، لطف ا-لله، نوید امن و امان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ص ۹۱ - ۹۲.

۱۰۳- صافی، همان کتاب، ص ۹۲ - ۹۵.

۱۰۴ صافی، همان کتاب، ص ۹۵ - ۹۹.

۱۰۵- ر.ک به: صحیح بخاری، ط ۱، با شرح و تحقیق شیخ قاسم شمّاعی رفاعی، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۷ ه'. ق، ج ۴، باب ۹۴۵ (نزول عیسی بن مریم)، ص ۶۳۳ و مسند احمد حنبل ،بیروت، دار الفکر (بی تا) ج ۱، ص ۸۴ و ۹۹ و ۴۴۸ و ج ۳، ص ۲۷ و ۳۷. ور.ک به: سنن ابن ماجه

(۲۰۷ – ۲۷۵ ه'. ق) تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی،، بیروت، دار احیأ التراث العربی،، ج ۲، ص ۱۳۶۶ – ۱۳۶۸، کتاب الفتن، باب ۳۴، باب خروج المهدی،، حدیث ۴۰۸۲ – .۴۰۸۸

۱۰۶– لو لم یبق من الدنیا الا یوم لبعث الله عزّوجلّ رجلاً منّا یملأها عدلاً کما ملئت جوراً (مسند احمد حنبل، بیروت، دار الفکر (بی تا)، ج ۱، ص ۹۹).

۱۰۷– تواتر و متواتر، از اصطلاحات علم الحدیث است و منظور از خبر متواتر، خبر جماعتی است که (فی حدّ نفسه، نه به ضمیمه قرائن) اتفاق آنان بر کذب، محال و در نتیجه موجب علم به مضمون خبر باشد. (ر.ك به: مدیر شانه چی، کاظم، علم الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۳، ۱۳۶۲ -. ش، ص ۱۴۴) بدین گونه "تواتر" را می توان "ثبوت قطعی" تعبیر کرده و "حدیث متواتر" را "حدیث ثابت و قطعی" خواند؛ حدیثی که راویان بسیار داشته، و در کتابهای بسیار روایت شده است و به وسیله محدثان و مشایخ روایت، سینهبه سینه، و ضبط به ضبط، از نسلی به نسل دیگر رسیده است و ثبوت و صدور آن از پیامبر اکرم، با ائمه طاهرین – علیهم السلام – قطعی است (حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ه'. ش، ص ۹۹).

۱۰۸– صافی، همان کتاب، ص ۹۰ – .۹۱

۱۰۹– صافی، همان کتاب، ص .۹۱

۱۱۰– وجمیع ما سقناه بالغ حدّ التواتر کما لایخفی علی من له فضل اطّلاع. فتقّرر بجمیع ما سقناه أنّ الأحادیث الوارده فی المهدی المنتظر متواتره... و هذا یکفی لمن کان عنده ذرّه من أیمان و قلیل من انصاف.

(نقـل از غایه المأمول فی شـرح التاج الجامع للأصول، تألیف شـیخ منصور علی ناصف، در حاشـیه التاج، ط ۲، قاهره، دار احیأ الکتب العربیه، ج ۵، ص ۳۲۷).

۱۱۱- حافظ، کسـی است که بر سنن رسول اکرم احاطه داشته باشد و موارد اتفاق و اختلاف آن را بدان د و به احوال راویان و طبقات مشایخ حدیث کاملاً مطّلع باشد (مدیر شانه چی، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۲).

۱۱۲- تواترت الأخبار و استفاضت بکثره رواتها عن المصطفی(ص)فی أمر المهدی (منتخب الأثر، ص، پاورقی).

۱۱۳- تواترت الأخبار بأنّ المهدی من هذه الامه وانّ عیسـی - علیه السـلام - سـینزل و یصـلّی خلفه (فتح الباری بشـرح صـحیح البخاری،، بیروت، دار المعرفه، ج ۶، ص ۴۹۳ - ۴۹۴).

۱۱۴- تواترت الأخبار عن النبی (ص)انّه من أهل بیته وانّه یملأ الأرض عدلاً (نور الأبصار، قاهره، مکتبه المشـهد الحسـینی،، ص ۱۷۱).

۱۱۵- تـواترت الأخبـار عن النـبی (ص)بخروجه و انّه من أهـل بیته وانّه یملأـ الاـرض عـدلاً (اسـعاف الراغـبین، در حاشـیه نـور الأبصار، ص ۱۴۰).

۱۱۶- این کتـاب، چنـانکه در مقـدمه اش ذکر شـده است، به منظور جمع آوری مجموعه قابـل اطمینـانی از "اصول پنجگـانه" حـدیث که مهمترین کتب حدیث اهل سـنت است، تألیف گردیده و در پنج جلد چاپ شده است. مؤلف کتاب شـرحی به نام "غایه المأمول" در شرح آن نوشته که در حاشیه اش چاپ شده است.

۱۱۷- التاج الجامع للأصول، قاهره، ط ۲، دار احیأ الکتب العربیه، ج ۵، ص ۳۱۰.

۱۱۸- قـد وقع اتفاق الفرق من المسـلمین أجمعین علی انّ الـدنیا و التکلیف لاینقضـی الاّ علیه (المهـدی)) (شـرح نهـج البلاغه، قاهره، دار احیأ الکتب العربیه، ۱۹۶۰ م، ج ۱۰ ص ۹۶).

۱۱۹- درصفحات آینده، قسمتهایی از

مطالب این مجله را نقل خواهیم کرد.

۱۲۰- متن کامل عربی این بیانیه درک کتاب: مهدی انقلابی بزرگ، از صفحه ۱۵۱ تا ۱۵۵، نقل شده است و ترجمه آن با تغییرات اندکی از این کتاب گرفته شده است.

۱۲۱- در بیانیه یاد شده نیز این منابع پیروی شده است.

۱۲۲- سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، ج ۴، ص ۱۰۶، کتاب الفتن و الماحم، کتاب المهدی ،، حدیث ۴۲۸۲ - سیوطی، تاریخ الخلفأ، بغداد مکتبه المثنی، ص ۲۷۲.

۱۲۳- محمد بن عیسی بن سوره ترمذی متوفای ۲۷۹ ه'، مؤلف یکی از شش کتاب مشهور و معتبر نزد اهل سنت است.

۱۲۴- متن حدیث جنین است: قال رسول الله۹: لاتذهب الدنیا حتی یملك العرب رجل من أهل بیتی یواطئ اسمه اسمی (سنن ترمذی،، بیروت، دار احیأ التراث العربی،، ج ۴، ص ۵۰۵، باب ۵۲ (ماجأ فی الهدی))، ح ۲۲۳۰ و ۲۲۳۱).

۱۲۵- ر. ك به: مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۴۴۸.

۱۲۶- صافی، ممنتخب الأثر، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۳ ه'. ق، ص ۲۳۱ - ۲۳۵ - و موسوعه الامام المهدی،، اصفهان، مکتبه الامام أمیر المؤمنین العامّه، ج ۱، ص ۱۳ - ۱۶. در این باره احتمالات دیگری نیز داه اند که جهت رعایت اختصار از نقل آنها خود داری شد.

۱۲۷- عبد الرحمان بن محمد بن خلدون مغربی ۷۳۲ - ۸۰۸ ه'.

۱۲۸- جر و تعدیل از اصطلاحات علم حدیث شناسی است. مقصود از جرح این است که راوی یا راویان یك حدیث از طرف حدیث شناسان با تعبیراتی از قبیل: دروغگو، جاعل حدیث، اهل غلّو و تعبیرات دیگری که در این علم مطرح شده، معرفی شود که طبعاً آن حدیث فاقد اعتبار خواهد بود.

و

مقصود از تعـدیل، این است که راوی به عنوان: شـخص عـادل، موثق وماننـد اینهـا معرفی شود که طبعاً حـدیث او مورد قبول خواهد بود. البته اینها معیارهای جرح و تعدیل از دیدگاه دانشـمندان شـیعه است. دانشمندان اهل سنت نیز معیارهایی دارند که همه جا با معیارهای شیعه یکسان نیست.

۱۲۹- مقدمه، الطبعه الرابعه، بیروت، دار احیائ التراث العربی،، ص ۳۱۱ - ۳۱۲.

۱۳۰- مقدمه، ص ۳۲۲.

۱۳۱- ر. ک به: دادگستر جهان، ص ۳۰ - ۴۹، مهدی انقلابی بزرگ، ص ۱۵۹ - ۱۶۵، منتخب الأثر، ص ۵ - ۶، پاورقی.

۱۳۲- ص ۳۱۱.

۱۳۳ ص ۳۲۷.

۱۳۴- سـخنان مبسوط شـیخ عبد المحسن عباد، در مجله الجامعه الاسلامیه چاپ "مدینه" مورخ ذیقعده ۱۳۸۸ ه'. ق، شماره ۳، سال اوّل منتشر شده و ما آن را از: "موسوعه الامام المهدی"" ج ۱ نقل کردیم.

۱۳۵- نوبختی، فرق الشیعه، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۵۵ ه'. ق، ص ۲۷ - شهرستانی، الملل و النحل، قم، منشورات الرضی،، ج ۱، ص ۱۳۲.

۱۳۶- نوبختی، همان کتاب، ص ۶۷ - ۶۸.

۱۳۷- ابن طقطقا، الفخری،، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۶ ه'. ق، ص ۱۶۵ - ۱۶۶.

۱۳۸- ابو الفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبیین، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ -. ق، ص ۱۹۳.

۱۳۹- ابو الفرج الاصفهانی، همان کتاب، ص ۱۹۵.

۱۴۰- ابو الفرج، همان کتاب، ص ۱۶۲.

۱۴۱- شهرستانی، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۴۸.

۱۴۲- شهرستانی، همان کتاب، ص ۱۵۰.

۱۴۳- نوبختی، همان کتاب، ص ۸۰ و ۸۳.

۱۴۴- نوبختی، همان کتاب، ص ۹۶.

۱۴۵- حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ه'. ش، ص ۱۴۰ - ۱۵۱.

۱۴۶- انبیأ: ۱۰۶.

۱۴۷- (آیت الله) مکارم، ناصر، مهدی انقلابی بزرگ، چاپ دوم، قم، مطبوعاتی هدف، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۱۴۸-

الارشاد، قم، مکتبه بصیرتی،، ص .۳۴۶

۱۴۹- طبرسی،، مجمع البیان، تهران، شرکه المعارف الاسلامیه، ۱۳۷۹ ه'. ق، ج ۷، ص .۶۶

۱۵۰- طبرسی،، همان کتاب، ص .۶۷

۱۵۱- تورات، ترجمه فارسی توسط وِلیَم کِلِن فسّیس اِکِسّی به دستور مجمع مشهور بِرِتِش فاین بَیبَل سُسَیتی، چاپ لندن، ۱۸۵۶ م، ص .۱۰۳۰

۱۵۲- قصص: .۶

۱۵۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۹، حکمت .۲۰۵

۱۵۴- ابو الفرج، همان کتاب، ص .۳۵۹

۱۵۵- نور: .۵۵

۱۵۶- مجمع البیان، ج ۷، ص .۱۵۲

۱۵۷- (آیت الله) مکارم، ناصر، مهدی انقلابی بزرگ، چاپ دوم، قم، مطبوعاتی هدف، ص .۲۵۰

۱۵۸- کلینی، اصول کافی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ه'. ق، ج ۱، ص .۳۳۸

۱۵۹- مجلسی، بحار الأنوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۳ ه'. ق، ج ۵۲، ص ۹۳ و ج ۳۶، ص .۲۵۰

۱۶۰- مجلسی، همان کتاب، ص .۹۲

۱۶۱- طوسی، الغیبه، ص ۱۷۷ - مجلسی، همان کتاب، ص ۹۲ - اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی،، ۱۳۸۱ ه'. ق، ج ۳، ص .۲۲

۱۶۲- لو بقیت الأرض بغیر امام لساخت (کلینی، همان کتاب، ج ۱، ص ۱۷۹ ور. ک به: صدوق، کمال الدین، قم مؤسسه النشر الاسلامی التابعه) لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۰۵ ه'. ق، ج ۱ ص ۲۰۱ - .۲۱۰

۱۶۳- صدوق، أمالی، قم، مطبعه الحکمه، ص ۱۱۲، مجلس ۳۵ - صدوق، کمال الدین، ص ۲۰۷، باب ۲۱، ح ۲۲ - جوینی خراسانی،، فرائد السمطین، ط ۱، بیروت، مؤسسه المحمودی للطباعه والنشر، ۱۴۰۰ ه'. ق، ص ۴۵ - .۴۶

۱۶۴- اللّهمّ بلی لا-تخلو الأرض من قائم لله بحجد امّیا ظاهراً مشهوراً و خائفاً مغموراً لئلّا تبطل حجج الله و بیّناته (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، قاهره،

دار احیا الکتب العربیه، ۱۹۶۰ م، ج ۱۸، حکمت ۱۴۳، ص ۳۴۷ – المناقب، اخطب خوارزم، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۵ ه'. ق، ص ۲۶۴).

۱۶۵ -(آیت الله) مکارم، ناصر، مهدی انقلابی بزگر، چاپ دوم، قم، مطبوعاتی هدف، ص ۲۵۸ -.۲۵۹

۱۶۶- فتح الباری بشرح صحیح البخاری،، بیروت، دار المعرفه، ج ۶، ص .۴۹۴

۱۶۷- سالنامه ۲ مکتب تشیّع (مصاحبات استاد علامه طباطبایی با پروفسور هانری کربن درباره شیعه) ۱۳۳۰ ه'. ش، ص ۲۰. ازسیره پیشوایان

دلایل وجود

ادله عقلی

آیا دلیل عقلی بر وجود امام زمان(عج) وجود دارد؟

پرسش

آیا دلیل عقلی بر وجود امام زمان(عج) وجود دارد؟

پاسخ

امامت امام زمان(ع) و وجود حضرت از مباحث امامت خاصه است.

در امامت خاصه، بر خلاف امامت عامه مستقیماً نمی توان از دلیل عقلی بهره گرفت، بلکه می توان از دلیل عقلی برای اثبات امامت عامه و ضرورت وجود امام بهره گرفت. سپس با بهره گیری از روایات و نقل های تاریخی آن را در وجود حضرت مهدی(عج) منحصر کرد.

دانشمند عالی قدر، استاد جعفر سبحانی در این باره می گوید:

"مبانی کلامی مهدویت گاهی مبانی نقلی و گاهی مبانی عقلی است... امّا مبانی کلامی عقلانی، شما می دانید که عقل نمی تواند هیچ وقت فرد مشخصی را برساند. ما نمی توانیم روی فرد برهان عقلی اقامه کنیم. یکی از مبانی برهان عقلی این است که نبوت و امامت یک فیض معنوی است... مسلمانان هم می گویند که این فیض تا وجود پیغمبر اکرم(ص) باقی است. اهل سنت می گویند که این فیض معنوی که در لباس نبوت و امامت بود، با فوت پیغمبر(ص) قطع شد. پس ارتباط بشر با عالَم بالا قطع شد. حال سؤال این است که مگر خَلَف بدتر از سَلَف است؟ آیا خلف از نظر کمالات، از سلف کمتر است؟ چرا خدا چنین فیضی را به آن ها داده، اما این فیض را به ما نداده است؟ مگر ما از آن ها کم تر هستیم؟ شیعه امامیه این مشکل را حل کرده است. ارتباط به صورت نبوت نیست، که رسالت، تکالیف و دین جدیدی باشد، بلکه فیض الهی به واسطه انسان کاملی

برقرار است و از طریق این انسان کامل به بشر می رسد، و

امروزه آن واسطه حضرت حجّت (عج) است". ایشان سپس می افزایند: این برهان را علامه طباطبایی از پروفسور کربُن بیان داشته است.۳

۳ فصلنامه انتظار، ج ۱، ص ۶۶ - ۷۰.

دلیل عقلی بر زنده بودن حضرت ولی عصر چیست؟

پرسش

دلیل عقلی بر زنده بودن حضرت ولی عصر چیست؟

پاسخ

دلیل عقلی این مسئله، ضرورت وجود انسان معصوم و حجت الهی روی زمین است و با فرض پذیرش تولد امام دوازدهم و آخرین امام و حجت خداوند، این دلیل تکمیل می شود. تنها مسئله ای که باقی می ماند، پذیرش طول عمر یک انسان از نظر عقل است. برای فهم این مسئله باید توجه داشت که مسئله طول عمر، از شاخه های مسئله عمومی تری به نام حیات است. حقیقت و ماهیت حیات بر بشر مجهول است و شاید بشر، هیچ گاه از این راز سر در نیاورد.

اگر پیری را عارض بر حیات بدانیم و یا آن را قانون طبیعی بشناسیم که بر بافت و اندام موجود زنده، از درون، عامل نیستی را نهفته دادن و به مرور زمان، موجود زنده را به مرحله فرسودگی و مرگ می رساند، ولی معنایش این نیست که این پدیده، قابل انعطاف پذیری و در نتیجه تأخیر نباشد. بر همین اساس دانش بشری، گام های مؤثری درباره درمان پیری برداشته است. در اواخر قرن نوزدهم بر اثر پیشرفت های علمی، امید به زندگی طولانی تر رونق بیشتری یافت و شاید در آینده نه چندان دور این رؤیای شیرین به واقعیت بپیوندد. درباره عمر طولانی مهدی موعود (عج) هیچ گونه شگفتی باقی نمانده و امکان علمی و نظری آن جای تردید ندارد. حضرت حجت با دانش خدادادی و با استفاده از روش های طبیعی و علمی می تواند مدتی دراز در دنیا بماند و آثار فرسودگی و پیری در او پدیدار نگردد.

از سوی دیگر اگر مسئله کوتاهی عمر را قانون عمومی یا غالبی بدانیم، وجود استثناها در هر امری، از جمله

امور طبیعی این عالم، مسئله ای روشن و انکارناپذیر است. گیاهان، درختان و جاندارانی که در دامن طبیعت از سابقه ای کهن و عمری طولانی برخوردار می باشند، حال چه استبعادی دارد که در عالم انسانی هم برای نگهداری حجت خدا به عنوان ذخیره و پشتوانه اجرای عدالت و نفی و طرد ظلم و ظالمان، قائل به استثناء شویم و او را موجودی فراتر از عوامل طبیعی و اسباب و علل ظاهری بدانیم که قوانین طبیعت در برابرش انعطاف پذیری دارند و او بر آنها برتری دارد؟ این امری ممکن است گرچه عادی و معمولی نباشد. به گفته علامه طباطبائی "نوع زندگی امام غائب را به طریق خرق عادت می توان پذیرفت. البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم هرگز نمی توان خرق عادت را نفی کرد، زیرا هرگز نمی توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می کنند، تنها همان ها هستند که ما آنها را دیده ایم و می شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم یا آثار و اعمال آنها را ندیده ایم یا نفهمیده ایم، وجود ندارد، از این رو ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عوامل به وجود آید که عمری بسیار طولانی، هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید.(۱)

از سوی دیگر معمرین زیادی در تاریخ وجود داشته اند که مستندترین آنان، حضرت نوح (ع) است. قرآن تصریح می کند که ۹۵۰ سال فقط پیامبر بوده (۲) و حتماً عمر وی بیشتر از این بوده است. عمر طولانی حضرت خضر نیز مصداقی از آن می باشد. (۳) و (۴) براساس این مسائل می توان عمر طولانی حضرت را پذیرفت

و هیچ گونه استبعادی از نظر عقلی در آن راه ندارد.

پی نوشت ها:

۱ – شیعه در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۱۵۱.

۲ – عنکبوت، (۱۴).

۳ – کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۵.

۴ – مجله حوزه، شماره ۷۱ – ۷۰، ویژه بقیه الله الاعظم (ع)، ص ۴۶ به بعد.

وجود امام زمان"عج" و عمر طولانی حضرت آیا عقلاً ممکن است؟

پرسش

وجود امام زمان"عج" و عمر طولانی حضرت آیا عقلاً ممکن است؟

پاسخ

وجود حجت خدا و امام معصوم(ع) روی زمین واجب است و طبق عقیده شیعه، زمین بدون وجود حجّت الهی نابود می شود: "لولاـ الحجه لساخت الأرض بأهلها".(۱) بر اساس قاعده لطف نیز وجود حجت خدا واجب است اما این که چطور می شود یک انسان دارای عمری بسیار طولانی باشد و سالیان سال زندگی کند و آیا عقلاً ممکن است، باید عرض شود: اوّلاً اگر چه آنچه در نظام عادی خلقت مشاهده می شود عمر حداکثر صد یا صد و چند سال است، ولی بشر، تمامی سنّت ها و قوانین آفرینش را نمی شناسد و همین که چیزی بر ضدّ قانون و سنتی که آگاهی دارد مشاهده می کند، آن را بر خلاف عقل و قانون خلقت تلقی می کند. در بسیاری از موارد آنچه را که به عنوان قانون و سنّت می شناسد، ظاهر و قشر قانون است، نه قانون و تمام قانون. مردم می پندارند همواره موجود زنده از ازدواج پدر و مادر به وجود می آید، ولی این قشر و پوسته قانون است، نه خود قانون و سنّت.

آفرینش حضرت عیسی بن مریم(ع) این پوسته را بر هم زده است و به بشر قانون حقیقی را نشان می دهد، حال این مسئله در مورد توجیه عقلی طولانی بودن عمر حضرتش صادق است.

هم چنین به تصریح قرآن حضرت نوح ۹۵۰ سال فقط پیامبر بوده و یقیناً عمری بیش از این داشته است.(۲)

داستان خضر پیغمبر و زنده بودن وی نیز مؤید این اصل کلی است.(۳) از نظر علم زیست شناسی و علوم تجربی نیز، امکان چنین مسئله ای ثابت شده است.

پس عمر نمودن حدّ و مرز

خاصـی ندارد، ولی به طور عادی، مردم بیشتر از صد سال زندگی نمی کنند، ولی عقلاً ممکن است بیشتر از این زندگی کنند، همـان طور که واقع شـده است. مرحوم طباطبایی (ره) بعـد از این که از روایات چنین اسـتنباط نموده که زنـدگی امام غایب به طریق "خرق عادت"(۴) اسـت می فرمایـد: "البتـه خرق عـادت غیر از محـال است و از راه علم نمی تـوان خرق عـادت را نفی نمود، زیرا هرگز نمی توان اثبـات کرد که اسـباب و عواملی که در جهـان کـار می کننـد، تنها همان ها هسـتند که ما آن ها را دیـده ایم و دیگر اسـبابی که ما از آن ها خبر نـداریم یا آثار و اعمال آن ها را ندیـده ایم، یا نفهمیـده ایم، وجود ندارد، از این روی ممکن است در فردی یا افرادی از بشـر اسـباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی، هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان فراهم نماید".(۵) از دیگر سو پیری عبارت است از قانونی طبیعی که بر بافت و انـدام های موجودات زنـده عارض شده و به مرور موجود زنده را به مرحله فرسودگی و مرگ می رساند. حال می توان با توجه به پیشـرفت علم پزشکی و تغذیه، جلو پیری را سدّ نمود و یا حرکت آن را کند نمود. هم چنان که دانش بشـر گام های مؤثری در این راه برداشـته و در اثر رشد علم پزشکی و درمان بیماری ها، افراد عمر بیشتری می کنند. دانش تغذیه نیز به کمک علم پزشکی شتافته است.

این مسئله در بین جانداران دیگر غیر از انسان که از نظر ساختار بدنی همسان هستند نیز وجود دارد. حیواناتی هستند که عمری طولانی دارند.

سخن آخر این که اراده الهی در رأس

امور است و پس از این که اثبات کردیم این مسئله امری محال نیست، می توان گفت: اراده الهی به بقای حضرت ولی عصر(عج) تعلق گرفته است. اراده خداوند به وقوع هر چیزی تعلق بگیرد، یقیناً محقق خواهد شد. اراده الهی بر این استوار گردیده است که حجت او سالیان سال زنده باشد و در زمان خاصی ظهور نموده و اوامر الهی را در زمین اجرا نماید و قبل از ظهور نیز زمین از حجت خدا خالی نباشد.

پی نوشت ها:

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲. عنکبوت آیه ۱۴.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۵.

۴. "خرق عادت" بدین معنا است که عملی غیر عقلی و ناممکن نیست، بلکه فقط بر خلاف مجرای عادت است که معنایش در اوّل بحث توضیح داده شده است.

۵. علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۵۱.

از کجا می توان اثبات کرد که امام زمان(عج) وجود دارد؟

پرسش

از کجا می توان اثبات کرد که امام زمان(عج) وجود دارد؟

پاسخ(قسمت اول)

عقیده به مهدویت، از امور مسلّم و قطعی تاریخ و کلام اسلامی است. مسلمانان اعم از شیعه و سنی به "مهدی موعود" باور دارند. نقطه اصطکاک شیعه و سنی در "مهدویت" تولد حضرت است.

اکثر عالِمان اهل سنت بر این باورند که "مهدی موعود" هنوز متولد نشده است، لیکن همه شیعیان امامیه می گویند: مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری(ع) است و در سامراء در سال ۲۵۵ هجری متولد شده است و در پس پرده غیبت زندگی می کند و روزی به امر خداوند ظهور خواهد کرد. این سخن را افزون بر شیعیان، بسیاری از دانشمندان نامدار اهل سنت پذیرفته اند و در کتاب هایشان متذکر شده اند، مانند محمد بن طلحه شافعی در مطالب السؤل؛ ابن صباغ مالکی در الفصول المهمه؛ ابن حجر شافعی در الصواعق المحرقه؛ و ابن خلکان در وفیات الاعیان.

برخی از پژوهشگران بیش از صد نفر از دانشمندان اهل سنت را نام برده اند که در تألیفاتشان ولادت امام مهدی(عج) را متذکر شده اند(۱)

به طور کلی همه قبول دارند که مهدی موعودی خواهد آمد و جهان را از عدل پر می کند. محل بحث در مهدویت خاصه است؛ یعنی آن مهدی موعود، فرزند امام حسن عسکری(ع) که متولد شده است.

سخنی در این زمینه:

دلایل ولادت و امامت امام مهدی(عج):

بعد از بیان مبانی مهدویت خاصه، به اصل بحث بر می گردیم و آن این است که از چه راهی و چگونه می توان وجود امام مهدی(عج) را اثبات نمود؟

همان گونه که بیان شد، مسلمانان جملگی مهدویت عامه را پذیرفته اند.

تنها سخن در

مهدویت خاصه است. مهدویت خاصه از جمله باورهای شیعه امامیه است و گروهی از عالمان اهل سنت همانند حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی نیز آن را پذیرفته اند(۲)

مهدویت خاصه یک مشکل دارد و آن این است که به جهت رعایت تقیه، تولد حضرت مهدی(عج) آشکار نشد و حضرت از ولادت مانند موسی بن عمران در خفا و دور از دیدگان عموم زندگی کرد. این امر موجب شد که بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع) شک و حیرت بی سابقه ای بین شیعیان باشد؛ این وضع به قدری خطرناک بود که حتی برخی از پیروان امام حسن عسکری(ع) در امامت آن حضرت شک و تردید روا داشتند، چرا که طبق پیش گویی های امامان(ع) می بایست امام حسن عسکری(ع) پسری می داشت تا او وارث امامت و هادی امت و مهدی موعود و منتظر گردد.

اختفای ولادت امام مهدی(عج) سبب شد که به نوشته مسعودی، پیروان امام حسن عسکری(ع) بعد از شهادت حضرت، به بیست فرقه منشعب شدند(۳)

برای اولین بار شیعیان با چنین بحرانی رو به رو شدند ستم حاکمان اجازه نمی داد ولادت امام دوازدهم برای همگان آشکار شود، بلکه به ناچار باید در خفا بماند، چون خوف از کشته شدن حضرت وجود داشت. از سوی دیگر شناخته نشدن امام دوازدهم، به تزلزل اعتقادی شیعیان منجر می شد.

این مشکل با اقدامات، معجزات، کرامت ها و شواهد، درکم ترین زمان زدوده شد و تمامی پیروان امام حسن عسکری(ع) ولادت امام مهدی(عج) را پذیرفتند.

چگونه این امر محقق شد؟

برای تحقق این امر، پیامبر(ص) و امامان(ع) از پیش برنامه ریزی کردند و با راهکارهای مناسب ارائه شده، تمامی شیعیان به ولادت

و امامت امام غایب معتقد شدند. راهکارها بدین شرح است:

۱. پیشگویی امامان پیشین:

پیامبر اسلام(ص) و هر یک از امامان پیشین درباره امام مهدی(عج) ویژگی های حضرت، رهنمودهایی به شیعیان داده و از پیش زمینه سازی کرده بودند که شیعیان بدانند از امام حسن عسکری(ع) پسری متولد خواهد شد اما ولادتش به جهت وضع دشوار سیاسی، در خفا صورت می گیرد.

امام سجاد (ع) فرمود: "القائم منایخفی علی النّاس ولادته حتی یقولوا لم یولد بعد؛(۴) قائم ما [مهدی موعود] ولادتش بر مردم مخفی است؛ این موجب می شود که [برخی] بگویند: او هنوز متولد نشده است.

- عبدالله بن عطا گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: شیعیان شما در عراق بسیارند، تا کنون سابقه نداشته که فردی از شما اهل اللبیت این اندازه پیرو داشته باشد [،خوب است که شما دست به شمشیر ببری و قیام کنی]. حضرت فرمود: "انظروا من تحفی علی النّاس ولادته فهو صاحبکم؛(۵) آن مهدی موعود و قائم منتظر من نیستم. بنگرید آن کسی که ولادتش بر مردم مخفی است. او صاحب الأمر و مهدی موعود است".

- امام صادق(ع) فرمود: "صاحب هذاالامر تخفی ولادته عن هذاالخلق؛(۶) ولادت مهدی بر مردم پوشیده است".

- ایوب بن نوح به امام هشتم(ع) عرضه می دارد: امیدوارم که صاحب الامر و مهدی موعود شما باشید. حضرت در پاسخ می فرماید: "نه آن مهدی موعود من نیستم؛ او یکی از فرزندان من است که ولادتش مخفی است".(۷)

- عبدالعظیم حسنی گوید: به امام جواد(ع) عرض کردم: امیدوارم که آن مهدی موعودی که جهان را پر از عدل و داد می کند، شما باشید. حضرت فرمود: "همه ما قائم به امر خدا هستیم

و همه ما هادی و راهنمای دین خدا هستیم، لیکن آن قائم و مهدی موعودی که جهان را پر از عدل خواهد کرد، ولادتش مخفی است. وجودش از مردم غایب است. او همنام و هم کنیه رسول خدا است".(۸)

۲ بشارت امام حسن عسکری(ع):

امام عسکری(ع) قبل از ولادت فرزندش امام مهدی(عج) از ولادت حضرت خبر داده بود، از جمله به عمه اش "حکیمه خاتون" فرمود: "در شب پانزدهم شعبان فرزندم مهدی از نرگس خاتون متولد می شود".(۹)

احمد بن اسحاق می گوید: از امام ابو محمد حسن عسکری(ع) شنیدم که فرمود: "حمد و سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا این که جانشین من و مهدی موعود را به من نشان داد. او از حیث ویژگی های جسمانی و اخلاقی و رفتاری شبیه ترین انسان ها به پیامبر خدا(ص) است. خدا مدتی وی را در حالت غیبت نگهداری می کند و سپس ظاهر می شود و جهان را از عدل و داد پر می کند".(۱۰)

نیز حضرت عسکری(ع) بعد از ولادت فرزندش، خواص و نزدیکان را از تولد امام مهدی(عج) آگاه نمود.

محمد بن علی بن حمزه گوید: از امام عسکری(ع) شنیدم :"حجت خدا بر بندگان و امام و جانشین من در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ در هنگامه طلوع فجر متولد شد".(۱۱)

احمد بن حسن بن اسحاق قمی می گوید: وقتی که امام مهدی(عج) متولد شد، نامه ای از امام عسکری(ع) به من رسید که حضرت مرقوم فرموده بود: فرزندی برایم متولد شده است. این موضوع را مخفی بدار، زیرا جز برای دوستان و نزدیکان ما آن را اظهار نخواهم کرد".(۱۲)

ابراهیم بن ادریس می گوید: امام ابو محمد عسکری(ع) گوسفندی را برای من

فرستاد و فرمود: "این را به جهت ولادت فرزندم "مهدی" عقیقه کن و به خود و خانواده ات بخوران".(۱۳)

۳ نشان دادن فرزند به خواص:

امـام عسـکری(ع) افزون بر این که قبـل از ولاـدت امام مهـدی بشارت داد و بعـد از تولـد به خواص خبر داد که مهـدی موعود ولاـدت یـافته است، گـام دیگری برداشت، و آن این بود که برای افزایش ایمان و اطمینان شـیعیان، فرزنـدش امام مهـدی را به تعدادی نشان داد.

احمـد بن اسـحاق می گویـد: امـام عسـکری(ع) کودک سه سـاله ای را به من نشان داد و فرمود: ای احمـد، اگر تو نزد خـدا و امامان گرامی نبودی، فرزنـدم را به تو نشان نمی دادم. بـدان که این کودک همنام و هم کنیه رسول خـدا است و همان کسـی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.(۱۴)

معاویه بن حکیم، محمـد بن ایوب و محمـد بن عثمان بن سـعید عمری می گویند: ما یک گروه چهل نفره در خانه امام حسـن عسـکری(ع) جمع شـده بودیم، حضـرت فرزنـدش امام مهدی را به ما نشان داد و فرمود: "این امام شـما و جانشـین من است". (۱۵)

علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب می گویند: ما تعدادی از شیعیان در خانه امام حسن عسـکری(ع) تجمع نمودیم. و از حضرت درباره جانشین وی پرسش نمودیم، پس از ساعتی حضرت کودکی را به ما نشان داد و گفت: "بعد از من این امام شما است".(۱۶)

عمر اهوازی می گویـد: امام حسن عسـکری(ع) فرزنـدش را به من نشان داد و فرمود: "بعد از من این فرزندم امام شـما است". (۱۷)

ابراهیم بن محمد

گویـد: در خانه عسـکری کودک زیبایی رادیـدم، از حضـرت پرسـیدم: یا ابن رسول الله، این کودک کیست؟ حضـرت فرمود: "این کودک من است. این جانشین من است".(۱۸)

یعقوب بن منفوس می گویـد: خـدمت امـام عسـکری(ع) رسـیدم و از حضـرت دربـاره امام بعـدی و صاحب الامر جویا شـدم. حضـرت فرمود: پرده را کنار بزرن؛ کنار زدم، در این هنگام کودک پنـج ساله ای را دیدم که به سوی ما می آید. آمد و روی زانوی حضرت عسکری(ع) نشست. حضرت فرمود: "این امام شما است".(۱۹)

۴ تبیین خواص:

بعـد از زمینه سـازی هـا و بشارت های امام عسـکری(ع)، نیز نشان دادن فرزنـدش، مهـدی، اینک نوبت خواص است که اقـدام نمایند و وجود امام مهدی را به اطلاع دیگر شیعیان برسانند تا آنان را از شک و حیرت نجات دهند.

افرادی همانند حکیمه خاتون، دختر محمد بن علی بن موسـی الرضا(ع)، عثمان بن سعید عمری، حسن بن حسین علوی، عبدالله بن عباس علوی، حسن بن منـذر، حمزه بن ابی الفتح، محمد بن عثمان بن سـعید عمری، معاویه بن حکیم، محمد بن معاویه بن حکیم، محمد بن ایوب بن نوح، حسن بن ایوب بن نوح، علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، یعقوب بن منفوس، عمر اهوازی، خادم فارسـی، ابوعلی بن مطهر، ابی نصـر طریف خادم، کامل بن ابراهیم، احمـد بن اسـحاق، عبدالله مستوری، عبدالله جعفر حمیری، علی بن ابراهیم مهزیار، ابوغانم خادم، کوشـیدند و ولادت امام مهدی(عج) را به اطلاع شیعیان رساندند.

حکیمه خاتون می گوید: امام حسن عسـکری(ع) کسی را دنبال من فرستاد که امشب (شب نیمه شعبان) برای افطار نزد من بیا، چون خداوند امشب حجت خود

را آشکار می کند. پرسیدم: این مولود از چه کسی است؟ فرمود: از نرجس. گفتم: در نرجس اثر حمل مشاهده نمی شود. فرمود: موضوع همین است که گفتم. من در حالی که نشسته بودم، نرجس آمد و کفش مرا از پایم در آورد و فرمود: بانوی من، حالت چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و خانواده ام هستی. او از سخن من تعجب کرد و ناراحت شد و فرمود: این چه سخنی است؟ گفتم: خداوند در این شب به تو فرزندی عنایت می کند که سرور دنیا و آخرت است. نرجس از سخن من خجالت کشید. سپس بعد از افطار نماز عشا را به جا آوردم و به بستر رفتم. بعد از نیمه شب برخاستم و نماز شب خواندم. بعد از تعقیب نماز به خواب رفتم و دوباره بیدار شدم، دیدم نرجس نیز بیدار شد و نماز شب به جا آورد. از اتاق بیرون رفتم تا از طلوع فجر با خبر شوم. دیدم فجر اوّل طلوع کرده و نرجس در خواب است. در این هنگام این سؤال به ذهنم خطور کرد که چرا حجت خدا متولد نشد. ناگهان امام عسکری(ع) از اطاق مجاور صدا زد: عمّه جان، شتاب مکن که موعد نزدیک است. من نشستم و قرآن خواندم. در هنگامی که مشغول خواندن قرآن بودم، ناگهان نرجس خاتون با ناراحتی از خواب بیدار شد. من با شتاب خودم را به او رساندم و پرسیدم: چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری. گفتم: نام خدا را بر زبان جاری کن، این همان است که در آغاز شب به تو خبر دادم، مضطرب نباش، دلت را آرام کن. در

این هنگام پرده نوری میان من و او حائل شد، ناگهان متوجه شدم که کودك ولادت یافته است. چون جامه را از روی نرجس برداشتم، دیدم که آن مولود سر به سجده گذاشته و به ذکر خدا مشغول است.

در این هنگام امام حسن عسکری(ع) صدا زد: عمه! فرزندم را نزد من بیاور.

نوزاد را خدمت حضرت بردم، حضرت او را در آغوش گرفت و بر دست و چشم و مفاصل کودک دست کشید و در گوش راست اذان و در گوش چپ اقامه گفت: و فرمود: فرزندم، سخن بگو. نوزاد لب به سخن گشود و شهادتین بر زبان جاری کرد و سپس به امام علی(ع) و دیگر امامان(ع) به ترتیب درود فرستاد تا رسید به نام پدرش و بر او هم درود فرستاد. سپس امام عسکری(ع) به من فرمود: عمه، فرزند را نزد مادر ببر تا به او سلام کند و بعد نزد من بیاورد. نوزاد را نزد مادر بردم و به مادر سلام گفت، و سپس نزد حضرت برگرداندم. حضرت فرمود: روز هفتم نزد ما بیا، روز هفتم آمدم. حضرت فرمود: عمه جان، فرزندم را بیاور، آوردم. همانند روز اوّل شهادتین و سلام بر امامان را بر زبان جاری کرد. سپس این آیه را تلاوت نمود: "و نرید أن نمنّ علی الّذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین".

حکیمه خاتون می گوید: بعد از این روزی خدمت رسیدم. پرده را کنار زدم و امام مهدی را ندیدم، گفتم: فدایت شوم امام مهدی چه شد؟ فرمود: عمه جان، او همانند حضرت موسی(ع) در خفا نگهداری می شود.(۲۰)

۵ کرامت ها و شواهد زنده:

بعد از شهادت امام عسکری(ع)،

امام مهدی (عج) از طریق نشان دادن کرامت ها و شواهد صدق معجزه یا شبه معجزه) وجود و امامت خویش را برای شیعیان امام عسکری(ع) نمایاند و حجت را بر آنان تمام کرد.

در آغاز غیبت صغری، سازمان مخفی وکالت که از زمان امام صادق(ع) برای چنین دوره ای پایه ریزی شده بود، از مهم ترین وظایفش این بود که شک و حیرت شیعیان را بزداید و آنان را به امام غایب و نیابت نواب اربعه مطمئن نماید. نائبان و وکیلان حضرت با ارائه شواهد صدق، کرامت ها و علوم برتر اعطایی از ناحیه مقدسه به این امر اقدام نمودند.

کرامت ها و شواهد صدق در برخی موارد مستقیماً توسط امام مهدی(عج) و در برخی موارد با واسطه سفیران به شیعیان عرض می شد. تا شیعیان افزون بر این که به وجود امام مهدی(ع) ایمان داشته باشند، به نیابت نواب اربعه نیز مطمئن شوند. نشان دادن کرامت ها و شواهد صدق عمدتاً در زمان سفارت اولین سفیر ناحیه مقدسه، عثمان بن سعید عمری صورت گرفت، چون که در این دوره هنوز شیعیان در حیرت بودند و به وجود امام مهدی (عج) پی نبرده بودند.

پاسخ(قسمت دوم)

سید بن طاووس می نویسد: "امام زمان(ع) را بسیاری از اصحاب پسرش امام حسن عسکری(ع) دیده و از وی اخبار واحکام شرعی روایت کرده اند. از این گذشته حضرت وکیل هایی داشت که اسم، نسب و وطن آنان معلوم بود و آنان معجزات، کرامات، پاسخ مسائل مشکل و بسیاری از اخبار غیبی را که حضرت از جدش پیامبر(ص) روایت کرده بود، نقل کرده اند. (۲۱)

نمونه ها:

در این جا به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم:

۱ روایت

سعد بن عبدالله اشعری قمی: وی می گوید: "حسن بن نضر" که در میان شیعیان قم جایگاه ویژه ای داشت، بعد از رحلت امام عسکری(ع) در حیرت بود. او و "ابوصدام" و عده ای دیگر تصمیم گرفتند که از امام بعدی جویا شوند. حسن بن نضر نزد ابو صدام رفت و گفت: امسال می خواهم به حج بروم. ابو صدام از او خواست که این سفر را به تعویق اندازد، ولی حسن بن نضر گفت: نه، من خوابی دیده ام و بیمناکم.

بنابراین باید بروم. قبل از حرکت به احمد بن یعلی بن حماد درباره اموال متعلق به (امام) وصیت کرد که این اموال را نگه دارد تا این که جانشین امام عسکری(ع) مشخص شود. به بغداد رفت و در آن جا از سوی ناحیه مقدسه توقیعی به دستش رسید و به امامت امام مهدی(عج) نیز به وکالت خاصه عثمان بن سعید عمری مطمئن شد.(۲۲)

۲ روایت محمد بن ابراهیم بن مهزیار: می گوید پس از وفات امام حسن عسکری(ع) در مورد جانشین آن حضرت به شک افتادم. پدرم وکیل حضرت بود و اموال زیادی نزدش بود. پدرم اموال را برداشت و من را به همراهی طلبید و به راه افتادیم، پدرم بین راه مریض شد و به من در مورد اموال وصیت نمود و گفت: از خدا بترس و این اموال را به صاحبش برگردان هر که این نشانه را گفت، اموال را به او بسپار. سپس وفات کرد.

چند روزی در عراق ماندم، سپس نامه ای از سوی عثمان بن سعید به من رسید که در آن نامه همه علائم و نشانه های اموال بیان شده بود، نشانه

هایی که جز من و پدرم کسی آن را نمی دانست.(۲۳)

محمد بن ابراهیم بن مهزیار با این کرامت و شاهد صدق هم به امامت امام مهدی وهم به نیابت عثمان بن سعید مطمئن شد.

۳ روایت احمد دینوری سراج: می گوید: یکی دو سال بعد از درگذشت امام حسن عسکری(ع) به قصد حج از اردبیل حرکت کردم و به دینور رسیدم، مردم در خصوص جانشین امام عسکری(ع) متحیر بودند، اهل دینور از آمدن من خشنود شدند. شیعیان آن جا سیزده هزار دینار سهم امام، به من دادند که به سامرا ببرم و به جانشین حضرت بسپارم. گفتم: هنوز جانشین حضرت حتی برای خودم روشن نیست. گفتند: تو مورد اعتماد ما هستی. هر وقت جانشین حضرت را پیدا کردی، به او بده. سیزده هزار دینار را گرفتم و با خود بردم. در کرمانشاه با احمد بن حسن بن حسن ملاقات کردم، او هم هزار دینار و چند بقچه پارچه به من داد تا به "ناحیه مقدسه" برسانم. در بغداد در پی نایب حضرت می گشتم. به من گفتند که سه نفر مدعی نیابت هستند. یکی باقطانی است. رفتم نزدش و امتحانش کردم و از او شاهد صدق خواستم، چیزی نداشت که مرا قانع کند. سپس رفتم نزد دومی به نام اسحاق احمر، او را هم به حق نیافتم. رفتم نزد سومی، ابوجعفر یا عثمان بن سعید عمری، بعد از احوال پرسی به او گفتم: اموالی از مردم نزد من است و باید به جانشین امام عسکری(ع) تحویل دهم. در حیرتم و نمی دانم چه کنم. او گفت: برو در سامرا به خانه ابن الرضا (امام حسن عسکری(ع)) در

آن جـا وکیل امام را خواهی یافت. به سامرا رفتم و در خانه حضـرت سـراغ وکیل امام را گرفتم. دربان گفت: منتظر باش، الآن بیرون می آید. لحظه ای بعد فردی آمد و دست مرا گرفت و درون خانه برد. بعد از احوال پرسـی به او گفتم: مقداری اموال از ناحیه جبل آوردم و به دنبال دلیل هستم. ناچارم از هر کس دلیلی برای اثبات نیابت وی یافتم، اموال را به او تسلیم کنم. در این وقت برای من غذا آوردند، گفت غذایت را بخور و کمی استراحت کن، سـپس به کار تو رسـیدگی می شود. بعد از گذشـت پاسـی از شب آن مرد نامه ای به من داد که در آن آمـده بود: احمـد بن محمـد دینوری آمده و این مقدار پول و کیسه و بقچه آورده و درون آن کیسه این مقـدار پول در آن است، و تمامی جزئیات را بیان داشت. از جمله نوشـته بود: در کیسه پسـر فلان شخص زره سـاز شـانزده دینار است. از کرمانشاه نیز یک کیسه از فلان شـخص است، و فلان بقچه از احمـد بن حسن مادرانی است که برادرش پشم فروش است و ... با این نامه شک و تردیدم بر طرف شد و مشـخص شد که عثمان بن سعید عمری نایب حضـرت است. حضـرت در این نـامه به من دسـتور داد که اموال را به بغـداد بـبرم و نزد همـان فردی که بـا او ملاقـات داشـتم، تحویل دهم.(۲۴)

۴ روایت محمد بن علی اسود: وی می گوید: در آغاز غیبت صغری پیرزنی پارچه ای به من داد و گفت آن را به ناحیه مقدسه برسان. من آن را

با پارچه های بسیاری دیگر همراه خود آوردم. چون به بغـداد رسـیدم و نزد عثمان بن سـعید رفتم، وی گفت: همه اموال را به محمد بن عباس قمی بده. من همه را به او سپردم، جز پارچه پیر زن را. پس از آن عثمان بن سـعید از ناحیه مقدسه این پیغام را فرستاد که پارچه پیرزن را نیز به وی تسلیم کن... .(۲۵)

۵ روایت اسحاق بن یعقوب: می گوید: از عثمان بن سعید شنیدم که می گفت: مردی از اهل عراق نزد من آمد و مالی را برای امـام(ع) آورد، حضـرت آن را پس داد و فرمود حق پسـر عمویت را که چهارصـد درهم است، از آن بپرداز! آن مرد مبهوت و متعجّب شد و حساب اموال خود را بررسی کرد و معلوم شد که پسر عمویش چهارصد درهم از او طلب دارد.

آن را برگرداند، سپس مبلغ باقی مانده را تسلیم حضرت نمود و حضرت پذیرفت.(۲۶)

۶ روایت محمد بن علی بن شازان: می گوید: اموالی از مردم نزد من جمع شده بود، برای این که به ناحیه مقدسه برسانم، دیدم بیست درهم کمتر از پانصد درهم است. این مقدار را افزودم و با نامه برای عثمان بن سعید نائب امام مهدی(ع) فرستادم. چیزی هم در این نامه قید نکرده بودم، وی در پاسخ نوشت: پانصد درهم رسید. بیست درهم از آن مال تو بود.(۲۷)

با این خبرهای برتر، کرامت ها و شواهـد صـدقی که در آغاز غیبت صـغری ارائه شـد، شـیعیان امام حسن عسـکری(ع) تماماً به امامت امام مهدی(ع) و نیابت عثمان بن سعید پی بردند.

شک و حیرت شیعیان در امر امامت که ناشی از خفای ولادت و

غیبت امام مهـدی (عج) بود، با تلاش های خالصانه کارگزاران حضـرت در سازمان مخفی وکالت، در چند ساله آغازین دوره غیبت صغری کاملاً برطرف شد.

شیعیان با بهره منـدی از کرامت ها و علوم غیبیه حضـرت مهـدی(عج) به دو نکته پی بردند: یکی این که دانسـتند مسـیر اصـلی امـامت ترسـیم شـده از زمـان پیـامبر(ص) و علی(ع) به درستی طی شـده و امـامت از امـام حسن عسـکری(ع) به فرزنـدش امام مهدی(عج) منتقل شده است و در این دوره غیبت صغری، حضرت مهدی(عج) از پشت پرده شیعیان را رهبری می کند.

دوم این که سازمان مخفی وکالت که از قبل با رهبری امامان(ع) فعالیت می کرد، اینک در دوره غیبت صـغری نیز فعال اسـت و "عثمان بن سعید عمری" از ناحیه مقدسه، مسئولیت و تولیت این سازمان را عهده دار است. بنابراین شیعیان هم به امامت امام مهدی پی بردند و هم به نیابت خاصه مطمئن شدند.

بعـد از درگذشت عثمان بن سـعید عمری، به دسـتور حضـرت مهدی(ع)، پسـرش محمد بن عثمان مسـئولیت و تولیت آن را بر عهده گرفت، در این هنگام برخی از شیعیان، نه در وجود امام زمان(عج) بلکه در نیابت محمد بن عثمان شک کردند، که امام مهدی(عج) با در اختیار قرار دادن برخی از کرامت ها و شواهد صدق، موجب شد شـیعیان به نیابت محمد بن عثمان بن سـعید عمری مطمئن شدنـد و تنها چنـد نفر به جهت ریاست طلبی و هواپرستی با محمد به مخالفت برخاسـتند. این ها به دروغ ادعای نیابت کردند، و محمد بن عثمان با بهره گیری از کرامت ها و شواهد صدق، ادعای آنان را باطل کرد و شیعیان بیشتر

به حقانیت محمد بن عثمان پی بردند.(۲۸)

سپس در دوره نیابت حسین بن روح هم برخی از خواص با وی به مخالفت برخاستند، ولی با مشاهده کرامت، از مخالفت دست برداشتند و عذر خواهی نمودند.(۲۹)

بعد از حسین بن روح نیابت به ابوالحسن علی بن محمد سمری رسید و آخرین توقیع که در دوره غیبت صغری صادر شد، نیز کرامتی دیگر محسوب می شود. امام مهدی(عج) در نهم شعبان سال ۳۲۹ هجری توقیعی صادر می کند و به ابوالحسن علی بن محمد سمری متذکر می شود که: "تو شش روز بعد می میری. امور سازمان وکالت را سر و سامان بده و اموال مردم را برگردان بعد از این دیگر نیابت خاصه منتفی است". راوی می گوید: رفتم نزد ابوالحسن علی بن محمد سمری. او این توقیع را به من نشان داد و در روز موعود رفتم و دیدم ابوالحسن علی بن محمد سمری در حال جان دادن است.(۳۰)

این نامه دلیل دیگری است برای حقانیت شیعه و وجود امام زمان(ع).

پی نوشت ها:

۱. رک: الزام الناصب، علی یزدی حائری، ج ۱، ص۳۲۱ تا ۳۴۰؛ دادگستر جهان، ابراهیمی امینی، ص ۱۱۸ تا ۱۲۰؛ سیره پیشوایان، مهدیپیشوایی، ص ۶۶۷.

۲. رک: ینابیع الموده، ص ۴۴۰ به بعد.

۳. مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص۵۷۲.

۴. منتخب الاثر، ص ۳۵۵.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

۸. همان، ص ۳۵۳ - ۳۵۴.

۹. منتخب الاثر، ص ۳۹۸ و ۳۹۹.

۱۰. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱.

۱۱. همان، ص ۳۹۷.

۱۲. اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۶؛ دادگستر جهان، ص۱۰۳.

۱۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲.

۱۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴.

۱۵. ینابیع الموده، ص ۴۶۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص۲۶.

۱۶. اثبات الهداه، ج ۶، ص ۳۱۱؛

دادگستر جهان ص۱۰۷.

۱۷. ینابیع الموده، ص ۴۶۱.

۱۸. دادگستر جهان ص ۱۰۷.

۱۹. بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۵.

۲۰. ینابیع الموده، ص ۴۴۹ و ۴۵۰.

۲۱. الطرائف فی معرفه مذهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۸۳ ۱۸۴؛ زندگانی نواب خاص امام زمان(عج)، ص ۹۳ و ۹۴.

۲۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱۷ - ۵۱۸، ح۴.

۲۳. همان، ص ۵۱۸، ح ۵؛ رجال کشی، ج ۲، ص۸۱۳.

۲۴. بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۳۰۰ - ۳۰۲.

۲۵. همان، ص ۳۳۵.

۲۶. همان، ص ۳۲۶.

۲۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۳ و ۵۲۴.

۲۸. ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۶ و ۳۳۶؛کمالالدین ، ص ۳۹۸.

۲۹. ر.ک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)،جاسم حسینی، ص ۱۹۷.

۳۰. کمال الدین، ص ۵۱۶، بحارالانوار، ج ۵۱، ص۳۶۱.

کدام دلایل عقلی و نقلی لزوم وجود حجّت الهی را اثبات می کند؟

پرسش

کدام دلایل عقلی و نقلی لزوم وجود حجّت الهی را اثبات می کند؟

پاسخ

دلیل عقلی آن قاعده لطف است که می گوید کسی که انسان را برای سعادت و تکامل آفریده ، و تکالیفی بر دوش او افکنده

، لازم است مقدمات هدایت و تربیت انسان را فراهم سازد و وسائل کافی برای رسیدن به این هدف در اختیار او بگذارد ، زیرا اگر چنین نکند نقض غرض کرده است، و خداوند حکیم هرگز چنین کاری نمی کند.

شک نیست که وجود عقل برای انسان ، یا وجود رهبران عادی به تنهایی او را از خطاها و اشتباهات و گناهان حفظ نمی کند، و به تعبیر دیگر علم انسان به تنهایی نمی تواند وصول او را به سر منزل مقصود، یعنی اطاعت الهی و سعادت همیشگی رهنمون شود، بلکه علاوه بر این، نیاز به وجود کسی دارد که با علم الهی ارتباط داشته باشد و از خطا و اشتباه و گناه مصون باشد، تا بتواند به خوبی اتمام حجت کند و راه را بی کم و کاست به انسانها نشان دهد.

این دلیل در هر عصر و زمان و برای هر جامعه بزرگ و کوچک حتی یک جامعه دو نفری نیز صادق است ، بنابراین اگر در روی زمین جز دو نفر نباشد، باید یکی از آن دو پیامبر الهی یا امام معصوم باشد.

در پاره ای از آیات قرآنی نیز اشاراتی به این معنی دیده می شود. آیه شریفه«اِنَّما اَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» رعد/۷ نشان می دهد که هر قومی در هر عصر و زمانی هدایتگری دارند (هدایتگر به معنی واقعی کلمه که هدایت کامل و خالی از هر گونه خطا را ارائه می دهد)

به همین دلیل در حدیثی از امام باقر (ع) می خوانیم که در تفسیر این آیه فرمود «... وَ فی کُلِّ زَمانٍ اِمامٌ مِنّا یَهْدیهِمْ اِلی ما جاءَ بِهِ رَسُولُ اللّه (ص)» (بحارالانوار ۲۳/۵)

[در هر زمانی امامی از ما است که مردم را هدایت می کند به سوی چیزی که رسول خدا (ص) آورده است].

و نیز یکی از وظائف امام حفظ آثار نبوت و تعلیمات الهی از هر گونه تحریف است ، و به تعبیر دیگر اگر فرضاً تمام مردم روی زمین کافر شوند باز باید کسی باشد که تعلیمات و آثار نبوت را حفظ کند و به اقوام آینده که می خواهند راه هدایت را بپویند منتقل سازد، در غیر این صورت حجتهای الهی محو و نابود می شود ، و دلائل روشن و بیّنات او از میان می رود.

اگر دلیل قطعی به وجود امام زمان((علیه السلام)) وجود دارد چرا سعی می شود از حیث علمی طول عمر آن حضرت ثابت شود؟

پرسش

اگر دلیل قطعی به وجود امام زمان((علیه السلام)) وجود دارد چرا سعی می شود از حیث علمی طول عمر آن حضرت ثابت شود؟

پاسخ

در مسئله ی طول عمر امام زمان((علیه السلام))، چون ما دلیل قطعی بر وجو آن حضرت داریم اگر طول عمر به عنوان یک مسئله ی علمی مطرح می شود تنها به خاطر این است که امکان آن از نظر علمی و قوانین طبیعی نیز روشن و توضیح داده شود و استبعادی که از نظر علمی هست از بین برود تا طول عمر امام زمان((علیه السلام)) به عنوان یک مسئله ی صرفاً تعبدی مطرح نباشد; والاّـ با اعتقاد به قدرت مطلق الهی و اینکه هر چیز که ممکن است در حیطه قدرت خداوند محقق گردد جایی برای شک در طول عمر و حیات طولانی آن حضرت و افراد بسیار دیگری وجود ندارد چنان که در مورد حضرت خضر((علیه السلام)) و حضرت ادریس((علیه السلام)) این امر اتّفاق افتاده است.

چطور می توان وجود حضرت مهدی (عج) را اثبات کرد؟

پرسش

چطور می توان وجود حضرت مهدی (عج) را اثبات کرد؟

پاسخ

یکی از اصول اساسی مکتب تشیع، این است که جهان هستی هرگز بی امام نخواهد بود. بدون وجود امام جریان فیض الهی در قلمرو تکوین و تشریع امکان ندارد، تا جهان باشد و انسان باشد امام نیز خواهد بود. این مسأله بقدری حائز اهمیت است که امام صادق(ع) فرمود: و لو کان الناس رجلین لکان احدهما الامام... انّ آخر من یموت الامام ؛ اگر تنها دو نفر انسان داشته

باشیم یک از آن دو امام خواهدبود و آخرین کسی که می میرد امام است{M، (اصول کافی، ترجمه حاج سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، شماره حدیث۴۵۷).

این اصل بر مبنای زیر استوار است:

۱. امام واسطه فیض تکوین است؛ اگر امام نباشد، فیض هستی قطع شده، جهان هستی فرو می پاشد، محمد بن فضیل می گوید از حضرت رضا(ع) پرسیدم آیا روزی روی زمین بی امام خواهد بود؟ فرمود: نه، گفتم از امام صادق(ع) روایت شده که اگر روی زمین بی امام باشد، زمینیا بندگان مورد خشم خداوند قرار می گیرند. فرمود: لا، لا تبقی اذا لساخت ؛ نه اصلاً زمینی و بشری نمی ماند، همه از بین می رفتند{M، (همان، حدیث۴۵۲).

از این رو بی وجود امام کائنات بی امداد فیض الهی خواهند بود و بدون این امداد همه چیز عدم محض خواهند بود.

به نیم غمزه توانی که قتل عام کنی خدا نکرده اگر غمزه را تمام کنی

۲. امام مخاطب و حامل قرآن و الهام است، چون قرآن کتاب همیشگی و زنده انسانهاست پس مخاطب حقیقی آن نیز باید همیشه وجود داشته باشد و این مخاطب حقیقی که قلب و روحش

بستر و جایگاه وحی است، بعد از پیامبر اکرم(ص) جز ائمه و امام نمی تواند باشد.جریان زنده و مستمر وحی و الهام و بقای استمرار قرآن و شب با برکت قدر جز با پذیرش وجود کسی که حامل و مهبط و مخاطب آنها باشد، قابل تصور نیست و چنین شخصی همان امام زمان خویش است.

۳. امام واسطه دائمی و عامل دوام فیض معرفت است، چنانکه حضرت حق که فیض بخش مطلق است، هرگز فیض هستی را دریغ نمی دارد فیض معرفت را هم هرگز دریغ نخواهد داشت، بنابراین استمرار و دوام فیض معرفت، مستلزم آن است که در هر عصری، کسی که ازبالاترین درجه کمالات بهره مند است، گیرنده و واسطه این امر باشد و این واسطه همان وجود امام در هر عصری است، (در باب این موارد نگا: فلسفه امامت، دکتر سید یحیی یثربی، قم، وثوق، چاپ اوّل، ۱۳۷۸ ش،صص ۱۱۲ – ۱۲۷).

بر این اساس وجود امام در هر زمانی لازم است، امّا از آنجا که بنابر دلایل موثق تاریخی یازده امام از این جهان رخت بربسته اند، و بنابر دلایل معتبر و مستند تاریخی امام دوازدهم پا به عرصه وجود نهاده است، حضور و وجودشان لازم و ضروری است و لو در پردهغیبت.{J

چه دلایل عقلی صرف نظر از بحث کلامی و احادیث می توان برای اثبات وجود امام و حجت اقامه کرد و این را اثبات کرد که انسان ها به امام و حجت نیاز دارند.

پرسش

چه دلایل عقلی صرف نظر از بحث کلامی و احادیث می توان برای اثبات وجود امام و حجت اقامه کرد و این را اثبات کرد که انسان ها به امام و حجت نیاز دارند.

پاسخ

اعتقاد به امام مهدی موعود(عج) از آرای مسلم نزد مسلمانان است. همه مسلمین بر آنند که مهدی(عج) که همنام پیامبر اکرم(ص) است در آخرالزمان ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند.

دلیل عقلی بر لزوم وجود حضرت مهدی(عج) و ظهور ایشان: از زمان رحلت پیامبر اسلام(ص) که خاتم الانبیاء است تا قیامت، آخرین دین، دین اسلام است. و تا زمانی که دنیا بر پا است، تکلیف وجود دارد و مکلفان باید طبق حجت هایی که خدای متعال بر آنان قرار داده است، دستورات او را اطاعت کنند؛ از طرفی این مکلفان باید احکام خود را از امام و پیشوایی بگیرند که معصوم(ع) باشد و زمین هیچوقت خالی از این حجت معصوم نمی باشد. پس آفرینش انسان مکلف بدون وجود انسان کامل معنا ندارد. چه این که امام علی(ع) نیز می فرماید: «زمین هیچ گاه از حجت خالی نیست. حجت خدا یا ظاهر است و آشکارا و یا خائف است و پنهان؛ تا حجت ها و برهان های خدا باطل نگردد.»(۱)

از این رو همواره باید انسان کامل در زمین وجود داشته باشد و از آن جا که شرایط جهان به جایی رسید که حاکمان و

مردمـان، حضور امام معصوم در جامعه را برنتافتنـد، تنها راه وجود انسان کامل در زمین و کشـته نشـدن وی، غیبت او بود. و با آماده شدن شرایط و انسانهای منتظر، امام غایب ظهور خواهد نمود تا مردم را به کمال

برساند.

استدلال بر ظهور امام زمان از قرآن کریم: در پاره ای از آیه های قرآن بشارت هایی درباره آینده تاریخ و سرنوشت زمین داده شده است که در تفسیر، امامان معصوم(ع) آن زمان را زمان ظهور امام مهدی(عج) می دانند. در برخی آیه ها وعده تشکیل حکومت جهانی،(۲) بسط دین اسلام و غلبه آن بر دیگر ادیان(۳)، زمام داری صالحان و شایستگان(۴) داده شده است. اما در روایت های زیادی نیز بشارت به ظهور امام مهدی(عج) داده شده است که به حدّ تواتر می رسد. به طور کلی معتبرترین روایت ها از عصر رسول خدا(ص) تا امام حسن عسکری(ع) درباره ظهور امام زمان(عج)، شرایط وعلایم آن و هنگامه تشکیل حکومت جهانی آن امام روایت شده است که حتی در برخی کتاب های نوشته شده در قرن اول و دوم هجری ضبط شده و موجود است. مثلاًـ کتاب مشیخه حسن بن محبوب(۵) یا کتاب سلیم بن قیس هلالی(۶). این روایت ها قرن به قرن در کتاب های دانشمندان بزرگ نقل شده تا به قرن حاضر رسیده است. مانند قرن ۳ هجری: کتاب المهدی تألیف عیسی بن مهران مستعطف؛ قرن ۴: ذکر القائم(ع) اثر ابن اخی طاهر(۷)؛ قرن ۵: کتاب الغیبه شیخ مفید(۸) و...

حضرت ولی عصر(ع)، تا سال ۲۶۰ هجری قمری تحت تربیت و سرپرستی پدر بزرگوارش می زیست و در همان زمان از مردم پنهان نگه داشته می شد و جز خواصی از شیعیان امام حسن عسکری(ع)، کسی با آن حضرت ملاقات نداشت. حتی امثال ابو هاشم جعفری که از خواصّ امام حسن عسکری است از وجود آن حضرت بی خبر بودند. ابو هاشم می گوید: به ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع) گفتم: جلالت تو مانع پرسش من است. آیا می توانم

سؤالی بکنم؟ امام فرمود: بپرس. گفتم: سرورم! آیا شمافرزندی دارید؟ فرمود: دارم. گفتم: اگر حادثه ای پیش آمد، او را در کجا ببینم؟ فرمود: در مدینه، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲ ، باب الاشاره و النص الی صاحب الدار(ع)).

یکی از کسانی که حضرت ولی عصر را دیده است، ابو عمرو عثمان بن سعید است. عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: من و ابو عمرو نزد احمد بن اسحاق رفتیم. وقتی همه اجتماع کردیم، احمد بن اسحاق به من اشاره کرد که درباره جانشین حضرت ابا محمد امام حسن عسکری(ع) از ابو عمرو بپرسم. به ابو عمرو گفتم: ای ابا عمرو! می خواهم از چیزی سؤال بکنم که در آن شکی ندارم چون اعتقاد من و دین من این است که کره زمین از حجّت خدا خالی نمی ماند مگر چهل روز مانده به روز قیامت و چون آن روز برسد حجّت برداشته می شود و راه توبه بسته می شود و اگر کسی پیش از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمانش به او سودی نخواهد بخشید و آن افراد بدترین خلق خواهند بود. گرچه ایمان به این دارم ولی می خواهم اطمینان خاطر پیدا کنم و یقینم بیشتر گردد همان طوری که حضرت ابراهیم از خداو.....خواست که به او کیفیت زنده کردن مرده ها را نشان بدهد و خداوند به او گفت: مگر ایمان نیاوردی و او جواب داد: چرا، می خواهم قلبم مطمئن شود و احمد بن اسحاق به من گفته است که روزی از حضرت اباالحسن امام هادی(ع) پرسیدم: با چه کسی رفت و آمد کنم و دینم را از او بگیرم و حضرت امام هادی(ع) گفته است ابو عمرو

مورد اعتماد من است و هر چه او گفته من گفته ام و همچنین احمد بن اسحاق گفت: از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم: از چه کسی احکام دین خود را بگیرم و آن حضرت فرمود: ابو عمرو و پسرش مورد اعتماد من است. آنان از من هر چه برای شماگفتند، درست گفته اند. تو پیرو آنان باش و هر چه می گویند اطاعت کن که هر دو مورد اعتماد من هستند. این، گفتار دو امام درباره توست. وقتی ابوعمرو حرفهای مرا شنید به سجده افتاد و گریست. پس از آن گفت: سؤالت را بگو. گفتم: آیا شما جانشین حضرت امام حسن عسکری(ع)را دیده ای؟ فرمود: به خدا قسم دیده ام گفتم: یک سؤال دیگر مانده است. گفت: بگو. گفتم: نامش چیست؟ گفت: سؤال از نام او بر شما تحریم شده است و این دستور خود حضرت است نه دستور من زیرا خلیفه چنین می پندارد که حضرت امام حسن عسکری وفات یافته و فرزندی ازخود به جای نگذاشته است و میراثش تقسیم شده است. او می پندارد خانواده امام حسن عسکری(ع) در بدر شده اند و کسی را ندارند. اگر اسم حضرت به زبانها بیفتد، تعقیبش می کنند. پس از خدا بترسید و از این موضوع دست بردارید، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۹باب فی تسمیه من رآه(ع)، ح ۱).

این ابو عمرو و پسرش هر دو از جا..........های مخصوص حضرت ولی عصر(ع) هستند.

حضرت ولی عصر(ع) پس از شهادت پدرش، دیگر جز نوّاب خاصّه کسی با او ملاقات ن...۲کرد مگر در موارد استثنائی. و از آن زمان که حضرت امام حسن عسکری(ع) به شهادت رسیدند، غیبت امام زمان(ع) شروع شد.

حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: برای

قائم آل محمد(ص) دو غیبت در پیش است. یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه مدت، فقط خواص شیعه از جای آن حضرت آگاهند و در غیبت طولانی خواصّ موالی از جای آن حضرت باخبر هستند،(کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹).

آن حضرت در غیبت صغری چهار نفر جانشین داشتند که به «نواب اربعه» معروفند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری.

غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و در سال ۳۲۹ خاتمه یافت. و غیبت کبری از ۳۲۹ شروع و تا وقتی که خداوند بخواهد ادامه خواهد یافت، (شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۱۴۸، چاپ اول) در غیبت کبری، حضرت ولی عصر نایب خاصّ ندارد و هر کس ادعای نیابت خاص کند، در ادعای خود کاذب است.

در روایات زیادی آمده است که حضرت ولی عصر(ع) پس از پایان غیبت کبری ظهور و جهان را پر از عدل خواهد کرد. برای ملاحظه روایات مربوط به این موضوع به کتاب «منتخب الاثر» نوشته آیه الله صافی مراجعه کنید. در ص ۲۴۷ باب ۲۵ از مآخذ گوناگون روایات راآورده است.

هم پیامبر اسلام(ص)، هم فاطمه زهرا(س) و هم امامان معصوم(ع) به وجود حضرت مهدی بشارت داده اند. به علاوه شیعه و اهل سنّت هم به وجود حضرت مهدی(ع) معتقد هستند. برخی از روایات اهل سنت به این صورت است:

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «لا تذهب الدنیا حتی یملك العرب رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی ؛ جهان به پایان نمی رسد تا مردیاز اهلبیتم که همنام من است بر عرب حکومت کند» (سنن ترمذی، ج

۳، ص ۳۴۳، چاپ مدنیه، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶).

پیامبر اکرم فرمود: «المهدی منّا اهل البیت یصلحه الله فی لیله ؛ مهدی از خاندان ما است و خداوند کار او را یک شبه روبراه می کند» (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸).

ام سلمه گفت: از رسول خدا شنیدم که فرمود: «المهدی من ولد فاطمه ؛ مهدی از فرزندان فاطمه است» (همان، ص ۱۳۶۸).

پیامبر خدا فرمود: «یخرج فی آخر امتی المهدی ؛ در پایان امت من، مهدی خروج می کند» (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص۵۵۸).

در حدیثی آمده است که پیامبر اسلام فرمود: «یکون فی امّتی المهدی ؛ مهدی، در امت من است»(همان).

ام سلمه می گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: «المهدی من عترتی، من فاطمه ؛ مهدی از خاندان من و از نسل فاطمه است» (سنن ابی داود، ج ۴،ص ۱۰۷).

رسول خدا فرمود: «افضل العباده انتظار الفرج ؛ (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید).

نکته مهم در پاسخ سؤال شما این است که دلیل وجود هر چیزی دیدن آن توسط عموم مردم نیست. خدا را هم هیچ کس ندیده ولی با ادله عقلی وجود او را می پذیریم - همچنین روز قیامت - بهشت و جهنم و خیلی از امور دیگر.

راجع به وجود امام زمان(عج) صدها حدیث از رسول خدا صادر گشته و مسأله را برای ما یقینی می کند.

ثانیا، اگر کسی بگوید تا حضرت دیده نشود باور نمی کنیم در پاسخ او می گوییم آیا بعضی ایشان را ببینند کافی است یا باید همه او را ببیند - اگر بعضی ببینند باز هم می توان در صدق ادعای آنها شک کرد و دیدن تعدادی

محدود هیچ گاه برای دیگران علم آور نیست و اگر همه ببینند با فلسفه غیبت کبری سازگار نیست پس باید برای علم پیدا کردن به هر چیزی از راه مناسب خودش وارد شد.

پیرامون شخصیت امام زمان (عج) و دوران ظهور کتاب های بسیار زیادی نگاشته شده است و کتابهای معرفی شده در ذیل از کتابهای بسیار خوب در این زمینه می باشد:

۱- دادگستر جهان , ابراهیم امینی , انتشارات شفق

۲- عصر ظهور, علی کورانی , چاپ و نشر بین الملل , سازمان تبلیغات اسلامی

۳- در انتظار ققنوس , سید ثامر هاشم العمیدی، مترجم: مهدی علیزاده،, مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۴. مهدی موعود(ع)، علی دوانی، ترجمه ج ۵۲ بحارالانوار

پی نوشت ها:

۱. اصول کافی، ج ۱، باب أن الأرض لاتخلو من حجه.

۲. «وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه ویکون الدین کلّه للّه؛ با کافران جهاد کنید تا هیچ فتنه ای در زمین باقی نماند و آیین همه دین خدا گردد.» (سوره انفال، آیه ۳۹)

۳. «هوالذی أرسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کلّه؛ اوست خدایی که فرستاده اش را با دین حق به هدایت آفریدگان فرستاد تا بر همه ادیان عالم برتری و غلبه دهد.» (سوره توبه، آیه ۳۳)

۴. «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون؛ همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من زمین را به ارث می برند.» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵)

و نیز «وعدالله الذین آمنوا منکم وعملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الارض؛ خدا وعده داده به کسانی که از شما نیکوکار شود در زمین خلافت دهد.» (سوره نور، آیه ۵۵)

۵. وفات: ۲۲۴ ه . ق.

۶. وفات: ۷۰ یا ۹۰

ه . ق.

۷. وفات: ۳۵۸ ه . ق.

۸. وفات: ۴۱۳ ه . ق.

آیا ایمان به وجود امام زمان علیه السلام وولادت او فرضیه ای فلسفی وظنّی است؟

پرسش

آیا ایمان به وجود امام زمان علیه السلام وولادت او فرضیه ای فلسفی وظنّی است؟

پاسخ

خیر، مسأله ایمان به وجود وولادت حضرت مهدی (ع) گرچه پشتوانه عقلی وفلسفی قطعی دارد، ولی ادلّه نقلی قرآنی وحدیثی نیز بر آن دلالت دارد.

نه تنها روایات فراوانی در حدّ تواتر بر ولادت حضرت دلالت دارد، بلکه احادیث صحیح السند نیز این موضوع را تأیید می نماید. ونیز ادله نقلی فراوانی در حدّ تواتر بر وجود حضرت دلالت دارد که در موضع خود به آنها اشاره خواهیم کرد.

آیا ممکن است که ولادت ووجود شخصی را در خارج با دلیل فلسفی اثبات نمود؟

پرسش

آیا ممکن است که ولادت ووجود شخصی را در خارج با دلیل فلسفی اثبات نمود؟

پاسخ

۱ - همان گونه که از کتب تواریخ وملل ونحل استفاده می شود اکثر جامعه شیعی در آن زمان، معتقد به ولادت امام زمان (ع) بودند.

۲ - آن گونه که شیخ مفید؛ ودیگران اشاره کرده اند، گرچه بعد از وفات امام عسکری (ع) شیعیان در ابتدا به چهارده فرقه متفرق شدند ولی بعد از مدتی کوتاه با ارشادات علما واصحاب، همگی بر اعتقاد به ولادت ووجود امام خود اتفاق نمودند.

{پاورقی . ر.ک: الفصول المختاره، ص ۳۲۵. پاورقی}

۳ - در مورد روایتی که ادعا کرده دلالت بر تحقق فترت وانقطاع امامت دارد، با دقت در آن، خلاف آنچه ادعا شده استفاده می شود، زیرا در آن روایت از امام باقر (ع) نقل است که فرمود: "إذا غضب اللّٰه تبارك وتعالى على خلقه نحّانا عن جوارهم"؛

"هر گاه{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۱. پاورقی}

خداوند تبارک وتعالی بر خلقش غضب کند ما را از جوارشان دور خواهد گرداند." این حدیث به خوبی دلالت بر وجود وغیبت امام زمان (ع) دارد.

۴ - اگر مجرد اختلاف، دلیل بر بطلان است، باید اختلاف در هر امری از جمله اصل امامت وخلافت ونبوت را نیز دلیل بر بطلان آن دانست، در حالی که هیچ کس چنین ادعایی نکرده است.آیا پیامبر اکرم (ص) خبر نداده که امتش بعد از او به ۷۳ فرقه متفرق خواهند شد؟!

برهان لطف چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان لطف چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

در تقریر برهان لطف بر وجود امام زمان (ع) ابتدا به مقدماتی اشاره می کنیم:

۱ - به یک جهت لطف به دو قسم تقسیم می شود:

الف. لطف محصّل: لطفی که با آن، مکلّف به اختیار خویش طاعت را بر می گزینند.

ب. لطف مقرّب: لطفی که مکلف با آن، به انجام واجبات نزدیک تر واز ارتکاب محرمات دور می شود.

۲ - متکلمان عدلیّه اعم از امامیه و معتزله، لطف را بر خداوند واجب می دانند، زیرا او بندگان خود را عبث وبیهوده نیافریده است، لذا هر چه را که در رسیدن آنها به هدف مؤثّر است باید انجام دهد که از آن جمله لطف است.

قاعده لطف مقرّب ایجاب می کند که در میان جامعه امامی باشد که محور حقّ بوده وجامعه را از خطای مطلق باز دارد. از همین رو است که می گوییم: اجماع حجّت است. قاعده لطف اقتضا می کند که رئیسی در میان مردم باشد، رئیسی که نمی تواند نسبت به جامعه بی تفاوت باشد، تا اگر همه جامعه به بیراهه رفتند آنها را هدایت کند ونگذارد که امت، اجتماع بر باطل کنند.

صفّار به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "إنّ اللّه جلّ وعزّ أجلّ وأعظم من أن يترك الأرض بغير إمام"؛ "همانا خداوند عزّوجلّ جلیل تر وعظیم تر از آن است که{پاورقی . بصائر الدرجات، ص ۴۸۵، باب ۱۰، ح ۳. پاورقی}

زمین را بدون امام رها کند."

الطاف وجود امام غایب

۱ - حراست از دین خداوند در سطح کلّی؛

مرحوم شریف العلماء می فرماید: "به طور حتم وجود امام در زمان غیبت لطف است، واز جمله لطف آن حفظ شریعت ونفی اتفاق بر باطل وارشاد

مردم به حق است".

{پاورقی . کشف القناع، ص ۱۴۸. پاورقی}

۲ - تربیت نفوس مستعد؛

برخلاف تصور برخی که گمان کرده اند رابطه امام با مردم در زمان غیبت به طور کلّی قطع می شود، ولی حق این است که این چنین نیست بلکه مطابق برخی روایات گروهی از افراد قابل ونفوس مستعدّ از نور وجود آن حضرت بهره مند می شوند.

۳ - وجود امام، سبب بقای مذهب؛

جامعه شناسان وروانکاوان معتقدند که اعتقاد به وجود امام ورهبر هر چند غایب می تواند اثر عمیقی در جوامع دینی وغیر دینی داشته باشد. در جنگ احد برای تضعیف روحیه مردم شایعه قتل پیامبر را منتشر کردند.

۴ - تأثیر وجود الگو در پیشرفت بشر؛

از امتیازات اساسی ادیان الهی آن است که اگر بشارت به امری می دهند در ابتدا برای آن الگویی معرفی می کنند تا مردم با توجه به او، خود را به کمال مطلق نزدیک کنند ومی دانیم که بهترین الگو، امام ومقتدای کامل وزنده است.

برهان عنایت چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان عنایت چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

یکی از براهینی که بر وجود امام زمان (ع) استدلال می شود برهان عنایت است.

عنایت در لغت به معنای اراده وقصد است ودر اصطلاح، تعریفات گوناگونی برای آن شده است.

شیخ اشراق می گوید: "عنایت، احاطه حق تعالی به چگونگی نظام کلی وبه آنچه که تمام این مجموعه بر آن است می باشد...".

{پاورقی . اللمحات، سهروردی، ص ۱۶۶. پاورقی}

فخر رازی می گوید: "عنایت، یعنی علم خداوند به اینکه اشیا به چه حالتی باشند تا بر بهترین وکامل ترین وجه واقع شوند".

{پاورقی . المباحث المشرقیه، ج ۲، ص ۵۱۶. پاورقی}

صدرالمتألهین می گوید: "نظام معقول که نزد حکما عنایت نام دارد، مصدر همین نظام موجود است، پس این عالم موجود، در نهایت خیر وفضیلت ممکن است".

{پاورقی . الحکمه المتعالیه، ج ۷، ص ۱۱۱. پاورقی}

وجوب وجود امام را از طریق برهان عنایت به دو بیان می توان تقریر کرد:

۱ – آفرینش هستی بهترین ونیکوترین نظام ممکن است. لازمه این گفتار، لزوم وجود امام در آفرینش است، وگرنه نظام، احسن نخواهد بود. لذا به همان دلیل وبرهانی که تکلیف وبعثت ضرورت دارد، وجود مستمر امام نیز ضرورت دارد.

۲ – خداوند برای کمال یابی هر موجودی که در این عالم رنگ هستی می گیرد همه نوع ابزار ضروری وغیرضروری را در اختیارش گذاشته تا به کمال برسد، چگونه ممکن است انسانی که در دامان همین طبیعت است از این قانون استثنا شده وارتقای معنوی او نادیده گرفته شود.

برهان فطرت بر وجود امام زمان علیه السلام را چگونه تقریر می کنید؟

پرسش

برهان فطرت بر وجود امام زمان علیه السلام را چگونه تقریر می کنید؟

پاسخ

این برهان را با ذکر مقدماتی تقریر خواهیم نمود:

۱ – روان شناسان تمایلات غریزی وفطری انسان را به سه نوع تقسیم کرده اند:

الف. تمایلات شخصی از قبیل دوستی و.... .

ب. تمایلات اجتماعی از قبیل همنوع دوستی.

ج. تمایلات عالی از قبیل حقیقت جویی وحسّ دینی وپرستش ورسیدن به کمال مطلق و....

۲ – برای رسیدن به کمال مطلق ومعبود حقیقی، احتیاج به واسطه ای دارد که خود سفر کرده، تا بتواند انسان را دستگیری کند. تمایل به این واسطه نیز در وجود انسان احساس می شود.

۳ – اگر تمایل وکشش به چیزی در انسان وجود دارد، باید آن چیز در خارج وجود داشته باشد، وگرنه وجودش در انسان لغو

است. وبه عبارت دیگر، کشش وعشق انسان به کامل مطلق وانسان کامل معصوم که واسطه او در عالم خلقت است، از امور ذات الاضافه است، وتحقّق این امور بدون تحقّق مضاف الیه امکان پذیر نیست. نتیجه اینکه وجود امام به عنوان واسطه وصول به کمال مطلق ضروری است.

حال اگر کسی سؤال کند که این کشش چگونه در انسان به وجود می آید؟ در جواب می گوییم هرگاه با عقل وفکر به این نتیجه رسیدیم که در عالم وجود، باید "واسطه فیض" موجود باشد که وجودش دارای آثار وبرکات چندی است انسان فطرتاً به او گرایش پیدا می کند وبه همین جهت است که باید همیشه این انسان کامل، وجود خارجی داشته باشد.

برهان واسطه در فیض چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان واسطه در فیض چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

فلاسفه برای عالم، چهار مرحله ذکر کرده اند: عالم ربوبی، عالم عقل، عالم مثال، وعالم طبیعت. ونیز آنان به عقول ده گانه معتقدند که خداوند علت فاعلی وقریب عقل اول وعقل دوّم معلول عقل اوّل وهمچنین... ودر نهایت عقل دهم، علت فاعلی بر عالم مثال، وعالم مثال نیز علت عالم طبیعت وماده است، زیرا عالم، عالم اسباب ومسبّبات است وخداوند این نظام را بر اساس آن بنا نهاده است.

حال اگر کسی سؤال کند که چرا خداوند مستقیماً وبدون واسطه، عالم طبیعت را ایجاد نکرده است؟ در جواب می گوییم به جهت آنکه بین عالم ربوبی وعالم مادّه سنخیّت وجود ندارد ولذا عوالم مختلف را به جهت برقراری سنخیّت بین عالم ربوبی وعالم ماده وطبیعت، آفرید. از میان موجودات عالم مادّه، تنها انسان است که با عالم مثال سنخیّت دارد، وبرای ایجاد سنخیّت کامل، احتیاج به انسان کامل است، زیرا او واسطه فیض بر مجموعه انسان های دیگر است. ودر این زمینه فرقی بین فیض تکوین وتشریع نیست.

به عبارت دیگر همان گونه که قانون سنخیّت بین علت ومعلول ونیز نظام اسباب ومسبّبات در عالم تکوین اقتضا می کند که بین عالم ربوبی وعالم طبیعت عوالم دیگری باشد تا فیض وجود از راه آنها کانالیزه شده وبه عالم طبیعت برسد، در مورد فیض معنوی خداوند وتصرّفات او در قلوب انسان نیز با واسطه انجام خواهد گرفت که همان وجود امام معصوم کامل است. البته فیض تشریع نیز از این کانال به انسان می رسد.

از این بیان به خوبی معنای حدیث: "لولاك لما خلقت الأفلاك ولولا عليّ لما خلقتك ولولا فاطمه لما خلقتكما"؛

"[ای پیامبر!] اگر تو نبودی هرگز افلاک را خلق نمی کردم، و اگر علی نبود هرگز تو را خلق نمی کردم، و اگر فاطمه نبود هرگز شما دو نفر را خلق نمی کردم." روشن می شود؛ زیرا وجود این انسان های از همه جهت کامل، سبب فیض الهی بر عالم ماده وافلاکند، وحضرت زهرا (ع) نیز حلقه وصل بین عالم عقل ونبوت با عالم امامت وانسان کامل است.

برهان علت غایی چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان علت غایی چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

در علم کلام در مبحث افعال الهی به این نکته اشاره شده که افعال خداوند دارای هدف وغرض است، ولی هدف وغرض الهی همانند هدف انسان نیست؛ زیرا غایت افعال خداوند رسیدن به کمال نیست، خداوند کامل مطلق است ونقص ندارد تا بخواهد از طریق فعل خود آن را برطرف سازد، بلکه غایت افعال الهی به مخلوقات باز می گردد وبه جهت استکمال مخلوقات است.

دلیل غایت مندی افعال خداوند آن است که فعل بدون هدف، عبث ولغو است وانجام چنین کاری از خداوند قبیح می باشد. قرآن کریم نیز در تأیید هدفمند بودن افعال خداوند می فرماید: {وَما خَلَقْنَا السَّمواتِ وَالأَرْضَ وَما بَیْنَهُما لاعِبِینَ}؛ {پاورقی . سوره دخان، آیه ۳۸. پاورقی}

"وآسمان ها وزمین وآنچه را میان آن دو است به بازی نیافریدیم."

حکما وفلاسفه الهی می گویند: "در قوس صعود از هیولی تا وجود محض، هر مرتبه عالی، غایت وثمره برای مرتبه دانی وپایین تر است. ونیز به اثبات رسیده که نتیجه، علت فاعلیت فاعل است. بنابراین، هر گاه در عالم خلقت، انسانی نباشد خلقت حیوان ووجود او لغو است و...".

از طرفی دیگر می دانیم که هر فردی از افراد انسان ولو در صورت با افراد دیگر از انسان ها شبیه بوده، وهمگی از افراد نوع واحد منطقی به حساب می آیند، ولی در واقع با یکدیگر اختلاف دارند. ولذا در روایتی از پیامبر (ص) می خوانیم: "الناس معادن کمعادن الذهب والفضّه"؛ "جوهر انسان ها به مانند معادن طلا ونقره با یکدیگر متفاوت است."

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۶۱، ص ۶۵، ح ۵۱. پاورقی}

بنابر این، انسان به مانند درختی است که میوه آن وجود انسان کامل است، واو کسی غیر

از حجّت معصوم خدا در روی زمین نیست. ولذا در روایات می خوانیم: "... لو بقیت الأرض بغیر إمام لساخت"؛ "اگر زمین بدون امام شود دگرگون خواهد شد."

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰. پاورقی}

خلاصه اینکه انسان کامل -که از او به حجت خدا تعبیر می شود- از آن جهت که علت غایی وجود انسان و... است، وجودش همیشه ضروری است.

با برهان امکان اشرف چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام

اشاره

استدلال می شود؟

پرسش

با برهان امکان اشرف چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام

استدلال می شود؟

پاسخ

حکما می گویند: وجود، حیات، علم، قدرت، رحمت وسایر کمالات از مبدأ فیّاض بر موجودات پایین نمی رسد مگر آنکه در مرتبه سابق، بر موجود اشرف رسیده باشد، همانند چراغی که نزد ما روشن است، ابتدا مکانی که نزدیک به اوست روشن می شود، سپس دورتر از آن استفاده می کند و... .

در امور غیر حسّی از قبیل وجود وحیات وعلم وقدرت وتمام کمالات که از ذات اقدس الهی تراوش نموده وبر ماهیّات امکانی تجلّی می یابد، در ابتدا ماهیّاتی بهره مند می شوند که در رتبه، اشرف واقدم از سایر ماهیّات هستند.

علامه طباطبایی؛ می گوید: "معنا ومفهوم قاعده امکان اشرف آن است که ممکن اشرف باید در مراتب وجود اقدم از ممکن اخسّ باشد، لذا باید ممکنی که اشرف از اوست قبل از او موجود باشد...".

ملاصدرا در استدلال بر این قاعده می گوید: "اگر ممکن اخسّ از طرف خداوند موجود شد باید قبل از او ممکن اشرف موجود باشد وگرنه در صورت تحقق، هم زمانی اشرف واخسّ لازم می آید که دو چیز در یک مرتبه برای یک ذات از یک جهت از واجب لذاته صادر شود، که محال است. ودر صورتی که موجود اشرف بعد از موجود اخس وبه واسطه موجود شود لازم می آید که معلول، اشرف از علت واقدم از او باشد، که این نیز محال است...".

{پاورقی . نهایه الحکمه، ص ۳۲۰ـ۳۱۹. پاورقی}

می دانیم که انسان، اشرف مخلوقات است، زیرا او اشرف از حیوان، وحیوان اشرف از گیاه وگیاه اشرف از جماد است. وبه حکم قاعده امکان اشرف، محال است وجود از مبدأ فیاض به جماد برسد قبل از آنکه در رتبه سابق، به

حیوان رسیده باشد، وهمچنین به حیوان برسد قبل از آنکه در رتبه سابق به انسان رسیده باشد. ونیز محال است که وجود، حیات، علم، قدرت وجمال وجلال و... از مبدأ فیّاض بر افراد انسان برسد قبل از آنکه این کمالات به انسان کاملی که حجت خدا روی زمین است رسیده باشد.

بنابراین قاعده، مادامی که فردی از افراد بشر در خارج موجود است باید فردی به نام انسان کامل که از او به حجت خدا تعبیر می شود روی زمین موجود باشد.

کلینی به سندش از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "الحجّه قبل الخلق ومع الخلق وبعد الخلق"؛ "حجت، قبل از خلق وبا خلق وبعد از خلق خواهد بود."

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۴. پاورقی}

ونیز می فرماید: "لو لم یبق فی الأرض إلّا اثنان، لکان أحدهما الحجّه"؛ "اگر در روی زمین {پاورقی . همان، ص ۱۷۹، ح ۱. پاورقی}

جز دو نفر کسی نباشد حتماً یکی از آن دو امام خواهد بود."

برهان مظهر جامع بر وجود امام زمان علیه السلام را چگونه تقریر می نمایید؟

پرسش

برهان مظهر جامع بر وجود امام زمان علیه السلام را چگونه تقریر می نمایید؟

پاسخ

ابن ترکه در "تمهید القواعد" بر ضرورت وجود امام حیّ در هر زمان، به دلیلی به نام "برهان مظهر جامع" تمسّک کرده است که ما آن را به طور خلاصه در ضمن مقدماتی این گونه تقریر می کنیم:

۱ - انسان کامل دارای مقامی است که هیچ موجودی از موجودات جهانِ امکان هم وزن آن نیست.

۲ - ذات واجب، به هیچ وصفی حتّی وصف اطلاق محدود نمی باشد، لذا اطلاق، وصف ذات نبوده بلکه عنوان آن می باشد. وامّا اوّلین تعیّن وظهور او همان وحدت حقیقی است که دارای دو چهره واحدیت واحدیّت می باشد.

۳ - هویّت مطلقه خداوند چون در مقام ظهور، احکام وحدت بر آن غلبه دارد، لذا کثرت نه تنها مقهور بلکه محو می گردد.

نتیجه: چون در وحدت ذاتی، مجالی برای اسمای تفصیلی نیست، زیرا که تفصیل نحوه ای از کثرت است وهر گونه کثرتی در آنجا مقهور است، ودر مظاهر تفصیلی ای که در عالم خارج ظاهر می شوند واز اجزای عالم اکبر شمرده می شوند، احکام

کثرت، غالب بر وحدت واحکام آن است، یعنی وحدت ذاتی در این مظاهر، ظهوری ندارد، پس فرمان الهی مقتضی صورتی اعتدالی است که در آن وحدت، ذاتی ویا کثرت امکانی بر یکدیگر غلبه نداشته باشد، تا آنکه بتواند برای حق، مظهری از جهت اسمای تفصیلیه ووحدت حقیقیه آن باشد. وآن صورت اعتدال که از عدالت کبرا برخوردار است همان انسان کامل است که احاطه بر جمیع مراتب مطلقه ذاتی ومقیّده کونی دارد، واز یک سو به واحدیّت که در دایره عالم الوهیّت وفوق آن است مرتبط است واز دیگر سو به عالم طبیعت وابسته

است.

{پاورقی . تمهید القواعد، ص ۱۷۲ ؛ تحریر تمهید القواعد، آیت اللّه جوادی آملی، ص ۵۵۵-۵۴۸. پاورقی}

برهان تجلّی اعظم چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان تجلّی اعظم چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

از جمله ادلّه عقلی که بر وجود امام زمان (ع) استدلال کرده اند برهان تجلّی اعظم است. وتقریر آن چنین است:

الف. تجلیّات که همان ظهورات است در قرآن وروایات به آن اشاره شده است، آنجا که خداوند می فرماید: {كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ}؛ "هر روز خداوند در شأنی است."

{پاورقی . سوره الرحمن، آیه ۳۱. پاورقی}

ب. این تجلیات وظهورات، انفطار موجودات از ذات واجب الوجود است که همگی به نحو قیام فعل به فاعل به او قائمند.

ج. اسمای الهی معرّف صفات جمالی وجلالی ذات اقدس حقّند، واین اسما به اعتبار جامعیّت برخی بر برخی دیگر، فضیلت وبرتری دارند.

د. وجود اسم اعظم خداوند تجلّی اعظم لازم دارد که همان انسان کامل است که فردی از او شایسته تر نیست. وآن مظهر اَتَمّ وکعبه کلّ ومظهر اسم اعظم الهی در این زمان، خاتم اولیا حضرت مهدی (ع) است، ودیگر ابدال واوتاد کُمّل وآحاد وافراد غیر کمّل به فراخور حظّ ونصیبشان از تحقّق به اسمای حُسنا وصفات علیای الهیه، به آن مرکز دایره کمال، قرب معنوی انسانی دارند.

برهان تقابل قطبین چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان تقابل قطبین چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

این برهان را با دو مقدمه بیان می کنیم:

الف. خداوند متعال تجلیّات جمالی وجلالی دارد، ودر الوهیّت وتجلیّات وصفات خود کامل است.

ب. به مقتضای تقابل بین قطبین ومحاذات بین قطب الوهیّت وتجلّی تام، وبین قطب عبودیّت ومتجلّی ومجلای تام ولزوم سنخیّت بین این دو، لازم است که در روی زمین انسان کامل در عبودیّت ومتجلّیات الهی موجود باشد تا تجلّی اَتَمّ بدون مجلای اَتَمّ لازم نیاید. واین انسان کامل کسی غیر از حجت خدا وخلیفه وولیّ او نیست که در اصطلاح فلسفه اشراقیون از او به "کلمه قدسیه الهیه" تعبیر شده ودر فلسفه مشّائیون از او به "عقل دهم" تعبیر می شود. واوست که چگونگی خضوع وعبادت مناسب با شأن ومرتبه خداوند را می داند وبه آن عمل می کند، وچنین کسی جز حضرت حجه بن الحسن المهدی (ع) در این زمان نیست.

قانون عدم تبعیض در فیض چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام

اشاره

دلالت دارد؟

پرسش

قانون عدم تبعیض در فیض چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام

دلالت دارد؟

پاسخ

نبوّت وامامت فیض معنوی است. از دیدگاه کلیمیان با مرگ حضرت موسی (ع) این فیض وارتباط بشر با عالم لاهوت قطع شد. ونیز پروتستان های مسیحی معتقدند که با به دار آویخته شدن حضرت مسیح (ع) ارتباط بشر با عالم لاهوت قطع شد.

اهل سنّت از فرقه های اسلامی نیز خود را از این فیض محروم کرده ومعتقدند که با فوت پیامبر (ص) این فیض قطع شده است. حال جای این سؤال است که چرا امت اسلامی بعد از پیامبر اسلام (ص) از این فیض محروم باشد؟ مگر از امت های پیشین کمتر است؟ چرا خداوند متعال چنین فیضی -که همان ارتباط با عالم ربوبی توسط امام است- را به آنها نداده باشد.

شیعه امامیه این مشکل را حلّ کرده وبه این سؤال پاسخ داده است. امامیه می گوید: این فیض از طریق وحی ونبوت گر چه با فوت پیامبر (ص) قطع شد ولی از طریق انسان کامل برقرار است که امروزه در وجود نازنین حضرت مهدی (ع) متبلور است.

پروفسور هانری کربن استاد دانشگاه سوربن پاریس می گوید: "به عقیده من مذهب تشیّع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی بین عالم انسانیّت وخداوند را به طور مداوم حفظ نموده وولایت را به صورت زنده تا قیامت ثابت ومستمرّ نگاه داشته است...".

{پاورقی . الشیعه، علامه طباطبایی؛، ص ۱۵. پاورقی}

برهان لزوم عقل بالفعل چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

برهان لزوم عقل بالفعل چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

فارابی برهانی را اقامه کرده که قابل انطباق بر وجود امام زمان (ع) است. او می گوید: "هر عضوی از اعضای مدینه فاضله را صلاحیّت آن نیست که ریاست مدینه فاضله را بر عهده گیرد. رئیس مدینه فاضله نمی تواند هر کسی باشد، زیرا ریاست به دو چیز است: یکی آنکه شخص از حیث سرشت وطبیعت آماده آن مقام باشد. دیگر آنکه ملکه وهیئت ارادی چنان کاری را داشته باشد. چنین انسانی، انسان کامل است که بالفعل هم عقل است وهم معقول... . این رئیس هم معلّم است وهم مرشد وهم مدبّر...". فارابی {پاورقی . تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ص ۴۳۸. پاورقی}

برای برپایی اجتماع، وجود معلّم را که همان امام است ضروری می داند. واین یکی از عقاید شیعه است که باید امام بر اجتماع، اشراف کامل داشته باشد.

این فیلسوف بزرگ، امام را عقل بالفعل می داند، یعنی انسانی که همه امکانات عقلی، طبعی وکسبی در وجود او در مرتبه کمال ونهایی به فعلیّت رسیده ودائم الاتصال به عقل فعّال است، بلکه خود به گونه ای عقل فعّال است. فارابی چنین شخصی را شایسته آن می داند که در رأس جامعه قرار گیرد ومعلّم ومربّی وامام ورئیس باشد. در نظر او این گونه رئیسی در جامعه به منزله قلب است در بدن انسان.

{پاورقی . ر.ك: آراء اهل المدینه الفاضله، فارابی، ص ۸۹. پاورقی}

آیا می توان از راه حساب احتمالات، وجود امام زمان علیه السلام را به اثبات رساند؟

پرسش

آیا می توان از راه حساب احتمالات، وجود امام زمان علیه السلام را به اثبات رساند؟

پاسخ

مرحوم شهید صدر؛ در این باره می فرماید: "قضیّه مهدی (ع) حقیقتی است که امت اسلامی در طول قرن ها با آن زندگی نموده است، وخصوصاً در طول هفتاد سال سُفرا ونوّاب خاص حضرت (ع) در خلال معاشرتشان با مردم به آن تذکّر داده اند،

در حالی که هیـچ کس در این مدت حرف خلافی از آنها نشـنیده است. آیا انسان می تواند باور کند که دروغی بتواند نه تنها در مدت هفتاد سال بلکه قرن ها دوام آورد، ویا چهار نفر به عنوان نایب آن حضـرت (ع) بر او اتفاق داشـته باشـند بدون آنکه هیـچ گونه شکّ وتردیـدی برای کسـی پدیـد آیـد، وبـدون آنکه بین آن چهار نایب کمتر علاقه خاصـی وجود داشـته باشد تا مجوّز توافق بر کـذب شود. از قدیم الایام گفته شده که ریسـمان دروغ کوتاه است. ونیز منطق حیات وزندگانی ثابت می کند که از جهت علمی وبه حسـاب احتمالاـت محـال است که دروغی به این شـکل بتوانـد دوام آورده واطمینان تمام امت را جلب نمایـد".

{پاورقی . بحث حول المهدی (ع)، ص ۱۰۹ù۱۱۰. پاورقی}

آیا ادله عقلی، وجود امام زمان معینی را اثبات می کند؟

پرسش

آیا ادله عقلی، وجود امام زمان معینی را اثبات می کند؟

پاسخ

در پاسخ باید گفت:

۱ – ادلّه عقلی، تنها دلالت بر ضرورت ولزوم وجود امام کامل وقطب عالم امکان دارد، وبر امام زمان شخصـی که همان مهدی موعود (ع) است دلاـلتی نـدارد، ولی این ادله نظریه شـیعه امامیه را در اعتقاد به وجود امام کامل ومعصوم، مورد تأییـد قرار می دهد، ولذا این ادله تنها بر نظر شیعه انطباق دارد.

۲ – اسـتاد حسن زاده آملی می فرمایـد: "در این مقـام دو نـوع بحث لاـزم است: یکی کلّی ودیگری شخصـی. مقصود از کلّی اینکه براهین قطعی عقلی، بر وجوب وجود حجّتی قـائم به طور دائم قائمنـد، وبه امتنـاع خلوّ عـالم امکـان از لزوم چنین واسـطه فیض الهی حاکمنـد کـه "الامـام اصـله قـائم ونسـله دائـم". ومراد از بحث شخصـی اینکه برهـان معرّف فرد نیست که جزئی نه کـاسب است ونه مکتسب. لـذا بایـد آن را از طریق دیگر شـناخت، چنـان که احادیث متظافر بلکه متواتر اهل عصـمت ووحی، معرف شخص آن حضرتند".

{پاورقی . نهج الولایه، ص ۷و۸. پاورقی}

۳ – عرفای اسـلامی یکی از شـرایط حتمی سـلوک را، داشـتن شـیخ واسـتاد می دانند، وآن بر دو قسم است: اسـتاد عام واسـتاد خاص.

استاد عام آن است که به طور خصوص مأمور به هدایت نباشد ورجوع به او از باب رجوع به اهل خبره بوده باشد.

وامّا اسـتاد خاص آن است که به طور خصوص منصوص به ارشاد وهـدايت است وسالك را در هيچ حالى از احوال از مرافقت وهمراهى استاد خاص گريزى نيست.

{پاورقى . رساله لب اللباب، ص ۱۳۴ù۱۳۳. پاورقى}

اين مطلب حتى نزد عرفاى اهل سنّت نيز ثابت است، زيرا آنها نيز به دو استاد

یکی عام که از آن به قطب ومرشد ودیگری خاص که همان واسطه فیض الهی وقطب عالم وجود امکانی است، تعبیر می کنند. که اگر در عالم نباشد، عالم دگرگون می شود، زیرا ثبوت ووجود عالم وابسته به اوست. از این رو است که می بینیم عده ای از عرفای اهل سنّت با آنکه معتقد به استاد عام ومرشد وپیر مرادند به وجود امام مهدی (ع) به عنوان قطب عالم امکان که انسان، با گذشتن از حقیقت نوریه ولائیه او به مقام کمال مطلق می رسد اعتراف دارند از قبیل:

۱ - عبدالوهاب شعرانی.

{پاورقی . الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۱۲۷. پاورقی}

۲ - محیی الدین بن عربی.

{پاورقی . فتوحات مکیه. پاورقی}

۳ - جامی حنفی.

{پاورقی . شواهد النبوه، ص ۴۰۴. پاورقی}

۴ - عطار نیشابوری.

{پاورقی . ر.ک: ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۵۰ù۳۵۱. پاورقی}

۵ - ملای رومی.

{پاورقی . همان. پاورقی}

ودیگران.

به تعبیر دیگر: ادله ای که ذکر شد بیانگر ضرورت وجود امام معصومی است که نزد عرفا از او به قطب دایره امکان تعبیر می شود. وقطب، در عرفان در هر زمان یکی بیش نیست، واجتماع قطبین محال است. وچون جامع جمیع نشآت ومصداق اسم شریف "یا من لایشغله شأن عن شأن" می باشد از خطا وسهو ونسیان مبرّاست چه رسد به گناه وعصیان. وچون حجاب اقرب است ومتحقق به حقیقت محمدیّه، همه ماسوی از مشکات نور او اقتباس می کنند.

{پاورقی . ر.ک: مقدمه قیصری، فصل ۱۲، رساله فی التوحید والنبوه والولایه. پاورقی}

لازم به ذکر است که این اصطلاحات از متونآیات وروایات استفاده شده است. واژه قطب می تواند یکی از این اصطلاحات باشد، امیرالمؤمنین (ع) در خطبه شقشقیّه برای خود تعبیر "قطب" را به کار برده است، آنجا که

می فرماید: "أما واللّه لقد تقمّصها ابن أبی قحافه وإنّه لیعلم أنّ محلّی منها محلّ القطب من الرحی"؛ "هان! به خدا قسم - ابوبکر- پسر {پاورقی . نهج البلاغه، خطبه سوم. پاورقی}

ابی قحافه ردای خلافت را پوشید در حالی که می دانست جایگاه من در خلافت چون محور سنگ آسیا به آسیاست."

آیا باید اعتقاد به وجود امام زمان«علیه السلام» را با عقل بررسی کرد یا با روایت و احادیث؟

پرسش

آیا باید اعتقاد به وجود امام زمان«علیه السلام» را با عقل بررسی کرد یا با روایت و احادیث؟

پاسخ

مسأله اعتقاد به امام زمان«علیه السلام» از دو نظر مورد بررسی واقع می شود:

۱. از نظر اصل امامت و اینکه لازم است در هر زمان امام و حجّتی باشد این مسئله از این لحاظ عقلی است و دارای ادله عقلی و جای بررسی این مسأله در مسأله امامت است.

۲. از نظر اثابت اینکه امام پس از حضرت عسکری«علیه السلام» از نظر نام و خصوصیّات امام زمان«علیه السلام» است و دیگری نیست و ویژگیهای وی در این خصوص دلیل عقلی به کار نمی آید و باید مطلب را از نظر مدارک نقلی محکم ساخت و بدین ترتیب این مسأله به روایات متواتر اثبات گردیده است.

که می توان در این مورد به منابع حدیثی شیعه که این احادیث در آنها آمده است رجوع کرد.

ادله نقلی

دلیل وجود امام زمان ۷چیست ؟

پرسش

دلیل وجود امام زمان ۷چیست ؟

پاسخ

دلایل عقلی و نقلی بر وجود امام زمان ۷وجود دارد;

دلائل نقلی عبارتند از:

۱ آیات قرآن ; آیات زیادی در قرآن دربارهء آن حضرت وارد شده است . دراین جا تنها به یک آیه اکتفا می کنیم : .(۱)

امام باقر۷می فرماید: .(۲)

اجماع مسلمانان ; سنی و شیعی بر ظهور آن حضرت اتفاق نظر دارند. ابن ابی الحدید می گوید: .(۳)

۳ احادیث اهل سنت ; حافظ ابوعبدالله گنجی شافعی می گوید: .(۴)

۴ اخبار شیعه ; احادیثی که از طُرُق شیعه روایت شده , معتبرترین روایات است , که در کتب حدیث , مفصلاً ذکر شده است .

۵ روایاتی که بر لزوم وجود امام معصوم در تمام اعصار دلالت دارد, مانند:.(۵)

اما دلیل عقلی ; خواجه نصیرالدین طوسی می گوید: .(۶)

(پاورقی ۱.انبیا (۲۱ آیه ۱۰۵

(پاورقی ۲.مجمع البیان , ج ۷ ص ۶۶

(پاورقی ۳.محمد رضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۷۰

(پاورقی ۴.همان , ص ۲۸۵

(پاورقی ۵.اصول کافی , ج ۱ ص ۲۵۲

(پاورقی ۶.کشف المراد, ص ۲۸۵

چه دلایلی بر وجود امامت حضرت مهدی(ع) اقامه شده است؟

پرسش

چه دلایلی بر وجود امامت حضرت مهدی(ع) اقامه شده است؟

پاسخ

ادلّه وجود آن حضرت و امامت ایشان در چند دلیل خلاصه شده است:

۱ خبر شخص امام حسن عسکری(ع) و خواص آن حضرت، و اعلامیه های ایشان به بعضی از نقاط شیعه نشین مثل قم.

۲ تشرّف صدها نفر به زیارت حضرت مهدی (ع) در عصر پدر بزرگوارش و عصر غیبت صغری و عصر غیبت کبری(عصر

حاضر).

۳ صدور معجزات و کرامات بسیار از آن حضرت در اثر توسّلات، یا ضمن تشرّف افراد و به گونه های دیگر.

۴ اخبار متواتر و بشارتهای حضرت رسول(ص) و ائمّه (ع) در ضمن صدها حدیث معتبر که در کتابهائی که قبل از ولادت آن حضرت و قبل از غیبت صغری تألیف شده، ضبط و روایت شده است.

۵ و بالأخره نقل تواریخ معتمد و کتابهای أنساب، تا آنجا که بعضی از علمای عامه، تشرّف به زیارت آن حضرت را ادعا کرده و در اظهار اشتیاق به سعادت دیدار و ظهور آن رهبر عدالت گستر، اشعار سروده و بعضی از خلفای بنی عباس چون الناصرلدین الله، که از دانشمندان این سلسله و اهل حدیث و روایت بوده است، چنان در ایمان به آن حضرت محکم بوده است، که «سرداب غیبت» به امر او تعمیر شد و کتیبه در سرداب که از آثار عتیقه و نفیسه بوده و هم اکنون نیز باقی و منصوب است، شاهد این عقیده او است.

همانطوری که مستحضرید یکی از دلایل مهدویت و وجود حجت خدا در حال حاضر روایت زیر است "لو لا الحجه لساخت الارض باهلها" گذشته از اینکه این یک حدیث موفق و معتبر است و مورد پذیرش صد درصدی ماست خواهشمندیم اینکه زمین اهلش را فرو خواهد برد چگونه قابل توجیه و توضیح

پرسش

همانطوری که مستحضرید یکی از دلایل مهدویت و وجود حجت خدا در حال حاضر روایت زیر است "لو لا الحجه لساخت الارض باهلها" گذشته از اینکه این یک حدیث موفق و معتبر است و مورد پذیرش صد درصدی ماست خواهشمندیم اینکه زمین اهلش را فرو خواهد برد

چگونه قابل توجیه و توضیح است و از نظر عقلی قابل اثبات؟

پاسخ

آنچه مسلم است آنست که اگر واسطه فیضی وجود نداشته باشد تمامی موجوداتی که از مجرای واسطه فیض استفاده می کنند از هستی محروم خواهند ماند و جایگاه امام معصوم و هادی الهی در نظام هستی "حلقه واسطه فیض بین خالق و مخلوق" است چرا که خلیفه ا... است. بنابراین عقل می گوید اگر واسطه فیض از میان برداشته شود نه تنها انسان که هیچ موجود دیگری برقرار نخواهد بود، بنابراین هر چند جمله "لولا ـ الحجه لساحت الارض باهلها" هنوز بعنوان روایت مشاهده نشده است ولی مطلب و مفاد آن به لحاظ عقلی و شرعی صحیح و کامل است که با تعابیر دیگر از آیات و روایات قابل استفاده می باشد : بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض والسماء (۱)، لولاک لما خلقت الافلاک ۲) و ...

بکم فتح ا... و بکم بختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه. (۳)

(پاسخ در مسجد مفصلاً ارائه گردید به نوار مراجعه شود)

منابع و مآخذ :

۱. (به برکت شما است که روزی نمایان می گردد و به وجود شما است تثبیت آسمان و زمین) مفاتیح الجنان، شیخ طوسی

۲. اگر تو نبودی، افلاک را نمی آفریدم، "حدیث قدسی"، علم الیقین، ج۱، ص۳۸۱

۳. به شما گشوده خدا و به شما پایان دهد و به شما فرو فرستد باران را و به شما نگه دارد آسمان را که به زمین نیافتد جز به اذنش، زیارت جامعه کبیره، مفاتیح الجنان.

دلیل شیعه بر اینکه امام دوازدهم آن ها هنوز زنده است چیست؟ در حالیکه در همان سردابی که مدعی اند غیبت صغری از آن جا شروع شده است از دنیا رفته است.

پرسش

دلیل شیعه بر اینکه امام دوازدهم آن ها هنوز زنده است چیست؟ در حالیکه در همان سردابی که مدعی اند غیبت صغری از آن جا شروع شده است

از دنیا رفته است.

پاسخ

دلایل فراوانی را می توان از قرآن و سنّت اقامه کرد که بخشی از آنها عبارتند از:

الف- قرآن

۱- یکی از دلایل حیات حضرت حجت(عج) در عصر غیبت، آیات سوره قدر است آنجا که خداوند می فرماید: «فرشتگان و روح به اذن خدا، همه فرمان ها و سرنوشتها را فرود می آورند». نکته مهم، واژه «تنزل الملائکه و الروح» است که فعل مضارع معنای استمرار را می رساند و قیدی برای آن معین نشده تا بگوییم نزول در سال خاصی بوده و تمام شده، بلکه هر سال شب قدری دارد(۱) و هر شب قدر ملائکه و روح، امر پروردگار را نازل می کنند و جایگاه نزول امر و مهبط مطهر قلب مقدس ولی عصر(عج) می باشد.

امام جواد علیه السلام می فرماید: «امر خداوند بر همه پیامبرانی که پس از آدم مبعوث شده اند در شب قدر، نازل می گشت و هر پیامبری، این مرتبت را، به وصی خویش می سپرد»(۲)

۲- اِنّا انزلناه فی لیله مبارکه، انّا کنّا منذرین فیها یفرق کلّ امر حکیم امراً من عندنا، اِنّا کنّا مرسلین(۳)

«ما قرآن را در شبی با برکت فرو فرستادیم تا هشدار دهنده باشیم(مردم را) در این شب، هر کاری، بر طبق حکمت، پایان یافته و تعیین می گردد این همه به فرمان ماست و ما فرشتگان را می فرستیم.»

در این آیه نیز واژه «یفرق» به صورت مضارع و به معنای استمرار به کار رفته است یعنی این جدا ساختن و تحکیم کارها همواره در شب خاصی تحقق می پذیرد.

امام جواد (ع) به شیعیان چنین توصیه کرده اند که بوسیله این آیه با آنها (مخالفان امامت) استدلال کنید. «ای شیعیان به آیه انا انزلناه فی لیله مبارکه استدلال کنید:

این سوره (دخان) پس از رسول خدا، خاصّ ولی امر در هر عصری است.»(۴)

آیات دیگری نیز وجود دارد که دلالت بر زنده بودن امام زمان(عج) می کند «مائده / ۵۶، مجادله / ۲۲، صافات / ۱۷۳، انفال / ۷، قصص/ ۵، نور/ ۵۵، توبه / ۳۲ – ۳۳، فتح / ۲۸ ، صف / ۸ – ۹ و .... (۵)،

ب: سنّت

از نظر روایات و برای شیعیان قطعی و یقینی است که امام زمان زنده است و جای کوچک ترین شبهه ای نیست و از ضروریات مذهب شیعه می باشد. امّا نظر اهل سنت نیز در این خصوص قابل تأمل است: حافظ ابو نعیم در کتاب حلیهالاولیاء دوازده حدیث، به اسناد صحیحه معتبره از رسول خدا(ص) در نص بر امامت و خلافت حضرت مهدی(عج) روایت کرده که سید انبیاء (ص) به امت خود اخبار فرموده است. ابن اثیر در جامع الاصول ده حدیث در خصوص خروج مهدی، و اوصاف او ذکر کرده است و شافعی نیز گفته است که اخبار در خصوص مهدی(عج)، از رسول خدا(ص) به حدّ تواتر رسیده است. و ثعلبی اخبار در خصوص مهدی(ع) را به پنج سند و روایت نقل کرده است. ابو نعیم در کتاب «اربعین» و «عوالی» و «فوائد» قریب به چهل روایت، درباب خروج مهدی(عج) و اوصاف آن بزرگوار روایت کرده است.(۶)

نتیجه اخبار و آیات همه نشان دهنده ریشه کن شدن ظلم و جور به وسیله حضرت مهدی(عج) است که با قدرت الهی پس از تولد زنده نگاه داشته می شود(۷) تا بشریت طعم شیرین عدالت و انسانیت را بچشد گرچه از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد.

پی نوشتها:

۱– در

بعضی از روایات تصریح شده که شب قدر هر سال هست و پس از در گذشت پیامبر(ص) نیز این شب، صاحبانی دارد، حدیث(۱) – اصول کافی، کتاب الحجه، باب فی شأن انا انزلناه فی الیله القدر و تفسیرها ، حدیث (۲) – مجمع البیان، ج ۱۰ / ۵۱۸.

حدیث (۳) – کشف الاسرار، ج ۱۰/ ۵۵۹، به نقل از خورشید مغرب محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی زمستان ۶۰، ص ۱۵۹–۱۶۰.

۲– اصول کافی، پیشین، ج ۲.

۳– دخان/ ۳ – ۵ .

۴– اصول کافی همان حدیث ۶.

۵– ر.ک: امامت و مهدویت، ج ۲ – ۱، ج ۲، لصف ا... صافی گلپایگانی انتشارات جامعه مدرسین، ص ۱۵۶ – ۱۶۰

۶ به نقل از کتاب: کفایه الموحدین، طبرسی نوری، سید اسماعیل، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران ، بی تا، (ج ۳، ص ۲۸۱ – ۲۹۷)

۷– در بحث زنده بودن حضرت و غیبت طولانی وی رجوع کنید به همان، ص ۲۸۷ – ۲۸۸.

اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم:

اشاره

چه دلیلی برای اثبات وجود حضرت و همچنین صفات حضرت حجت وجود دارد؟ چگو

پرسش

اینجانب دانشجوی دکترای رشته مهندسی عمران میباشم و بخاطر ارتباط زیاد با قشر دانشگاهی در معرض سوالات زیادی هستم که تاکنون نتوانسته ام به برخی از آنها که در ذیل می آید پاسخ قانع کننده بدهم:

چه دلیلی برای اثبات وجود حضرت و همچنین صفات حضرت حجت وجود دارد؟ چگونه میتوان صفات مذکور در دعای جامعه کبیره را در مورد حضرت عج الله تعال فرجه اثبات نمود؟

پاسخ

اعتقـاد به امام مهـدی موعود(عـج) از آرای مسـلم نزد مسـلمانان است. همه مسـلمین بر آننـد که مهـدی(عـج) که همنام پیامبر اکرم(ص) است در آخرالزمان ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند.

دلیل عقلی بر لزوم وجود حضرت مهدی(عج) و ظهور ایشان: از زمان رحلت پیامبر اسلام(ص) که خاتم الانبیاء است تا قیامت، آخرین دین، دین اسـلام است. و تـا زمـانی که دنیا بر پا است، تکلیف وجود دارد و مکلفان بایـد طبق حجت هایی که خـدای متعال بر آنان قرار داده است، دسـتورات او را اطاعت کننـد؛ از طرفی این مکلفان بایـد احکام خود را از امام و پیشوایی بگیرند که معصوم(ع) باشـد و زمین هیچوقت خـالی از این حجت معصوم نمی باشـد. پس آفرینش انسـان مکلف بـدون وجود انسـان کامـل معنـا نـدارد. چه این که امام علی(ع) نیز می فرمایـد: «زمین هیـچ گاه از حجت خالی نیست. حجت خـدا یا ظاهر است و آشکارا و یا خائف است و پنهان؛ تا حجت ها و برهان های خدا باطل نگردد.»(۱)

از این رو همواره بایـد انسـان کامـل در زمین وجود داشـته باشـد و از آن جـا که شـرایط جهـان به جـایی رسـید که حاکمان و مردمان، حضور امام معصوم در جامعه را برنتافتند،

تنها راه وجود انسان کامل در زمین و کشته نشدن وی، غیبت او بود. و با آماده شدن شرایط و انسانهای منتظر، امام غایب ظهور خواهد نمود تا مردم را به کمال برساند.

استدلال بر ظهور امام زمان از قرآن کریم: در پاره ای از آیه های قرآن بشارت هایی درباره آینده تاریخ و سرنوشت زمین داده شده است که در تفسیر، امامان معصوم(ع) آن زمان را زمان ظهور امام مهدی(عج) می دانند. در برخی آیه ها وعده تشکیل حکومت جهانی،(۲) بسط دین اسلام و غلبه آن بر دیگر ادیان(۳)، زمام داری صالحان و شایستگان(۴) داده شده است. اما در روایت های زیادی نیز بشارت به ظهور امام مهدی(عج) داده شده است که به حدّ تواتر می رسد. به طور کلی معتبرترین روایت ها از عصر رسول خدا(ص) تا امام حسن عسکری(ع) درباره ظهور امام زمان(عج)، شرایط وعلایم آن و هنگامه تشکیل حکومت جهانی آن امام روایت شده است که حتی در برخی کتاب های نوشته شده در قرن اول و دوم هجری ضبط شده و موجود است. مثلاً- کتاب مشیخه حسن بن محبوب(۵) یا کتاب سلیم بن قیس هلالی(۶). این روایت ها قرن به قرن در کتاب های دانشمندان بزرگ نقل شده تا به قرن حاضر رسیده است. مانند قرن ۳ هجری: کتاب المهدی تألیف عیسی بن مهران مستعطف؛ قرن ۴: ذکر القائم(ع) اثر ابن اخی طاهر(۷)؛ قرن ۵: کتاب الغیبه شیخ مفید(۸) و...

پی نوشت ها:

۱. اصول کافی، ج ۱، باب أن الأرض لاتخلو من حجه.

۲. «وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه ویکون الدین کلّه للّه؛ با کافران جهاد کنید تا هیچ فتنه ای در زمین باقی نماند و آیین همه دین خدا گردد.» (سوره انفال، آیه ۳۹)

۳. «هوالذی أرسل رسوله بالهدی

ودین الحق لیظهره علی الـدین کلّه؛ اوست خـدایی که فرسـتاده اش را با دین حق به هـدایت آفریدگان فرسـتاد تا بر همه ادیان عالم برتری و غلبه دهد.» (سوره توبه، آیه ۳۳)

۴. «ولقـد کتبنـا فی الزبور من بعـد الـذکر أن الأرض یرثهـا عبـادی الصـالحون؛ همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من زمین را به ارث می برند.» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵)

و نیز «وعدالله الذین آمنوا منکم وعملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الارض؛ خدا وعده داده به کسانی که از شـما نیکوکار شود در زمین خلافت دهد.» (سوره نور، آیه ۵۵)

۵. وفات: ۲۲۴ ه . ق.

۶. وفات: ۷۰ یا ۹۰ ه . ق.

۷. وفات: ۳۵۸ ه . ق.

۸. وفات: ۴۱۳ ه . ق.

آیا ممکن است با سرّی بودن ولادت حضرت، ادعای تواتر واجماع در موضوع ولادت نمود؟

پرسش

آیا ممکن است با سرّی بودن ولادت حضرت، ادعای تواتر واجماع در موضوع ولادت نمود؟

پاسخ

تواتر عبارت است از خبر دادن عدّه زیادی تا به آن حد که توافق آنها بر دروغ ممتنع باشد. وولادت سـرّی حضـرت مهدی (ع) نمی تواند مانع از حصول خبر متواتر بر آن شود، زیرا هم اخبار زیادی از امام عسـکری (ع) ودیگران بر ولادت حضـرت وجود داشت، وهمچنین عده فراوانی که توانستند حضرت را ملاقات نمایند.

اختلاف برخی از شـیعیان نیز هرگز نمی تواند به این تواتر ضـرری برساند؛ زیرا اصل این اختلاف به جهت سـرّی بودن ولادت امری طبیعی است، خصوصاً آنکه تمام کسانی که در مسأله ولادت حضـرت مخالف بودنـد –به تعبیر شـیخ مفیـد؛– با ارشادات علما واصحاب ونیز با بررسی دقیق موضوع ودیدن معجزات از طرف حضرت، ولادت او را پذیرفتند.

{پاورقی . الفصول المختاره. پاورقی}

ازآیات سوره "قدر" چگونه وجود امام زمان علیه السلام استفاده می شود؟

پرسش

ازآیات سوره "قدر" چگونه وجود امام زمان علیه السلام استفاده می شود؟

پاسخ

از سوره قدر به خوبی استفاده می شود که ملائکه، شب قدر در هر سال به جهت هر کاری بر زمین فرود می آیند.

{إِنّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ القَدْرِ × وَما أَدْریکَ ما لَیْلَهُ القَدْرِ × لَیْلَهُ القَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ × تَنَزَّلُ المَلآئِکَهُ وَالرُّوحُ فِیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ × سَلامٌ هِیَ حَتّی مَطْلَعِ الفَجْرِ}؛ {پاورقی . سوره قدر، آیه ۵-۱. پاورقی}

"ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم. وتو چه می دانی شب قدر چیست؟! شب قدر بهتر از هزار ماه است. فرشتگان وروح در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقدیر] هر کاری نازل می شوند. شبی است سرشار از سلامت [و برکت ورحمت] تا طلوع سپیده."

در سوره دخان نیز به این موضوع اشاره شده است. آنجا که می فرماید:

{حم × وَالکِتابِ المُبِینِ × إِنّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهٍ مُبارَکَهٍ إنّا کُنّا مُنْذِرِینَ × فِیها یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ}؛

{پاورقی . سوره دخان، آیه ۴-۱. پاورقی}

"حم. سوگند به این کتاب روشنگر. که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم. ما همواره انذار کننده بوده ایم. در آن شب هر امری بر اساس حکمت [الهی] تدبیر وجدا می گردد."

ماه رمضان تا روز قیامت تکرار می شود، ودر نتیجه لیلهالقدر نیز تا روز قیامت استمرار دارد. پس نزول ملائکه وروح نیز در هر شب قدر تکرار می شود. سؤال این است: ملائکه وروح که در هر سال، شب قدر بر زمین فرود می آیند، بعد از رسول خدا (ص) بر چه کسی وارد می شوند؟ با تأمل ودقّت پی می بریم که در هر زمان باید امامی کامل ومعصوم وجود داشته باشد تا محلّ

نزول ملائکه وروح گردد.

امام باقر (ع) فرمود: "یا معشر الشیعه! خاصموا بسوره {إِنّا أَنْزَلْناهُ} تفلجوا، فواللّه أنّها لحجّه اللّه تبارک وتعالی علی الخلق بعد رسول اللّه (ص) وأنّها لسیّده دینکم وأنّها لغایه علمنا. یا معشر الشیعه! خاصموا ب'{حم × وَالکِتابِ المُبِینِ...} فإنّها لولاه الأمر خاصّه بعد رسول اللّه..."؛ {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۴۹. پاورقی}

"ای جماعت شیعه! با خصم خود به سوره "انا انزلناه" محاجّه کنید که پیروز خواهید شد، پس سوگند به خدا که این سوره از برای حجت خداوند تبارک وتعالی بعد از رسول است. این سوره همانا مدرک دین شما ونهایت علم ما است. ای جماعت شیعه! با آیه "حم. والکتاب المبین..." بحث کنید؛ زیرا اینآیات اختصاص به والیان امر بعد رسول خدا دارد...".

ونیز فرمود: "وأیم اللّه! إنّ من صدّق بلیله القدر، لیعلم أنّها لنا خاصّه..."؛{پاورقی . همان، ص ۲۵۳ù۲۵۲، ح ۹. پاورقی}

"به خدا سوگند، همانا هر کس تصدیق کند لیله القدر را، علم پیدا می کند که از برای ما است...".

امام امیرالمؤمنین (ع) به ابن عباس فرمود: "إنّ لیله القدر فی کلّ سنه، وأنّه ینزل فی تلک اللیله أمر السنه وأنّ لذلک الأمر ولاه بعد رسول اللّه (ص) فقلت: من هم؟ فقال: أنا وأحدعشر من ،صلبی أئمّه محدّثون..."؛

{پاورقی . همان، ج ۱، ص ۲۴۸ù۲۴۷، ص ۲. پاورقی}

"همانا در هر سال لیله القدر است، در آن شب امر یک سال نازل می شود. برای آن والیانی است بعد از رسول خدا (ص). ابن عباس می گوید عرض کردم: آنان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: من ویازده نفر از صلب من که همگی امام ومحدثند."

رسول خدا (ص) به اصحاب خود فرمود: "آمنوا بلیله القدر، إنّها تکون لعلیّ

بن أبی طالب ولولده الأحدعشر من بعده"؛

{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰ù۲۸۱، ح ۳. پاورقی}

"به لیله القدر ایمان آوردید؛ زیرا برای علی بن ابی طالب ویازده فرزند بعد از اوست."

از آیه "امام" چگونه وجود امام زمان علیه السلام استفاده می شود؟

پرسش

از آیه "امام" چگونه وجود امام زمان علیه السلام استفاده می شود؟

پاسخ

خداونـد متعـال در سوره اسراء می فرمایـد: {یَوْمَ نَـدْعُوا کُـلَّ أُنـاسٍ بِإِمـامِهِمْ فَمَنْ أُوتِیَ کِتـابَهُ بِیَمِینِهِ فَأُولئِـکَ یَقْرَؤُونَ کِتـابَهُمْ وَلایُظْلَمُونَ فَتِیلًا}؛ "روزی که هر گروهی را به توسط امامشان می خوانیم. کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود آن را با [شادی وسرور] می خوانند وبه قدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی شود."

{پاورقی . سوره اسراء، آیه ۷۱. پاورقی}

مفاد آیه این است که از هر کس در روز قیامت، از امام به حق سؤال می شود، اگر معترف ومعتقد به آن بوده رستگار خواهد شد، ونامه عملش را به دست راست او می دهند. لذا باید در هر زمانی امامی واجب الاطاعه وجود داشته باشد، امامی که بدون معرفت ومتـابعت از او فلاـح ورستگاری هرگز در قیامت برای انسان نخواهـد بود. ولـذا در روایات می خوانیم که پیامبر (ص) فرمود: "من مـات لاـیعرف إمـامه مات میته جاهلیّه"؛ "هر کس بمیرد در حالی که امامش را نشـناخته، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است." {پاورقی . کافی، ج ۲، ص ۱۹. پاورقی}

از آنجا که وظیفه هر شخصی متابعت از حق وحقیقت است، پس باید در هر زمانی امام به حق وحقیقت موجود باشد تا مردم با اراده واختیار، او را به عنوان رهبر خود برگزینند وبا پیروی از او از جمله اصحاب یمین گردند.

از آنجـا که "لوح محفوظ" یکی است واختصاص به طایفه ای دون طایفه ای دیگر نـدارد لـذا نمی توان لفظ "امامهم" در آیه را حمل بر "لوح محفوظ" نمود.

ونیز ممکن نیست که مقصود به کلمه "امام" در آیه، کتاب هر قوم باشد، زیرا آیه شامل همه انسان ها از اول

خلقت تا آخر خلقت است، در حالى كه اولين كتاب مشتمل بر شريعت، كتاب نوح است، وقبل از او كتابى اين چنين بر مردم نازل نشده است.

سيوطى به سندش از رسول خدا (ص) در ذيل آيه فوق نقل كرده كه فرمود: "يدعى كلّ قوم بإمام زمانهم وكتاب ربّهم وسنّه نبيّهم"؛ "هر قومى به امام زمانش وكتاب پروردگارش وسنت پيامبرش محشور خواهد شد."

{پاورقى . درالمنثور، ج ۴، ص ۱۹۴. پاورقى}

ونيز از ابن عباس نقل كرده كه مقصود به امام در آيه شريفه فوق امام هدايت وامام ضلالت است.

{پاورقى . همان. پاورقى}

كلينى از امام باقر (ع) نقل كرده كه فرمود: "لمّا نزلت هذه الآيه: {يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ} قال المسلمون: يا رسول اللّه! ألست إمام الناس كلّهم أجمعين؟ قال: فقال رسول اللّه (ص): أنا رسول اللّه إلى الناس أجمعين ولكن سيكون من بعدى أئمّه على الناس من اللّه من أهل بيتى، يقومون فى الناس فيكذّبون"؛ "زمانى كه آيه (يوم ندعو كلّ اُناسٍ بإمامهم) نازل شد،

مسلمانان عرض كردند: اى رسول خدا! آيا شما امام همه مردم نيستى؟ حضرت فرمود: "من فرستاده خدا به سوى همه مردمم، ولى زود است كه بعد از من امامانى از اهل بيتم بيايند، آنان در بين مردم قيام خواهند نمود ولى تكذيب مى شوند..."

{پاورقى . كافى، ج ۱، ص ۲۱۵. پاورقى}

بشر بن غالب از امام صادق (ع) درباره آيه {يَوْمَ نَدْعُو...} سؤال كرد؟ حضرت فرمود: "إمام دعا إلى هدىً فأجابوه، وإمام دعا إلى ضلاله فأجابوا إليها، هؤلاء فى الجنه وهؤلاء فى النار، وهو قوله عزّوجلّ: {فَرِيقٌ فِى الجَنّهِ وَفَرِيقٌ فِى السَّعِيرِ}"؛ "امامى است كه مردم را به هدايت دعوت كرده، ومردم نيز

او را اجابت نموده اند. وامامی است که مردم را به ضلالت دعوت کرده واو را اجابت نموده اند. آنان در بهشت وایشان در دوزخند. واین است قول خداوند عزّوجلّ: (فریقٌ فی الجنّه وفریقٌ فی السّعیر)."

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۴۴، ص ۳۱۳ ؛ تفسیر کنزالدقائق، ج ۵، ص ۵۶۹. پاورقی}

آیه "انذار" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه "انذار" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال خطاب به پیامبرش کرده، می فرماید: {إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ}؛ "همانا تو بیم دهنده ای وبرای هر قومی هدایت گری است."

{پاورقی . سوره رعد، آیه ۷. پاورقی}

از آیه فوق به طور وضوح استفاده می شود که برای هر قومی در هر عصر وزمان هدایت کننده ای است به حقّ وحقیقت. واین مقتضای ربوبیت خداوند است. ونیز استفاده می شود که زمین هیچ گاه از هادی به حقّ خالی نمی گردد، خواه نبی باشد یا غیر نبی، زیرا اطلاق آیه حصر مصداق هادی در انبیا را نفی می کند، همان گونه که زمخشری در ذیل آیه شریفه فوق به آن اشاره کرده است، در غیر این صورت لازم می آید در عصرهایی که از نبی خالی است حجّت وهادی بشر وجود نداشته باشد.

طبری در تفسیر خود در ذیل آیه فوق از ابن عباس به سند صحیح نقل کرده: "لمّا نزلت {إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ} وضع۹ یده علی صدره، فقال: أنا المنذر ولكل قوم هاد، وأومأ بیده إلی منكب علیّ، فقال: أنت الهادی یا علیّ، بك یهتدی المهتدون بعدی"؛ "هنگامی که آیه {إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ} نازل شد، پیامبر (ص) دست خود را بر سینه گذاشت وفرمود: من منذرم وبرای هر قومی هادی است. آن گاه اشاره به شانه علی (ع) نمود وفرمود: تنها به واسطه تو است که هدایت شوندگان، بعد از من هدایت می گردند." {پاورقی . جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۴۲. پاورقی}

حاکم نیشابوری به سند صحیح از امام علی (ع) در ذیل آیه فوق نقل کرده که فرمود: "رسول اللّه المنذر و أنا الهادی"؛ "رسول خدا

منذر ومن هادی ام." {پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۹. پاورقی}

کلینی به سند صحیح از امام باقر (ع) در تفسیر آیه فوق نقل کرده که فرمود: "رسول اللّه (ص) المنذر ولکلّ زمان هادٍ یهدیهم إلی ما جآء به نبیّ اللّه..."؛ "رسول خدا (ص) منذر وبرای هر زمانی امام وهادی ای است که مردم را به آنچه پیامبر خدا (ص) آورده دعوت می کند..." .{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۹۱. پاورقی}

ونیز از امام باقر (ع) نقل کرده که در ذیل آیه فوق فرمود: "رسول اللّه (ص) المنذر وعلیّ الهادی، أما واللّه ما ذهبت منّا وما زالت فینا إلی الساعه"؛ "رسول خدا (ص) منذر وعلی هادی است. آگاه باش! به خدا سوگند که آیه از ما بیرون نخواهد رفت ودائماً در بین ما است تا روز قیامت." {پاورقی . همان، ص ۱۹۲. پاورقی}

آیات "شهادت" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیات "شهادت" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

درآیات بسیاری اشاره شده که خداوند در میان هر امّتی کسی را به عنوان "شاهد" قرار داده تا در روز قیامت بر آنها احتجاج کند. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) {فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ بِشَهِیدٍ وَجِئْنا بِکَ عَلی هؤُلآءِ شَهِیداً}؛ "چگونه {پاورقی . سوره نساء، آیه ۴۱. پاورقی}

است حال "در روز محشر" آن گاه که از هر طایفه ای گواهی آوریم وتو را "ای پیامبر" بر آنان گواه خواهیم."

ب) {وَیَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ شَهِیداً ثُمَّ لایُؤْذَنُ لِلَّذِینَ کَفَرُوا وَلا هُمْ یُسْتَعْتَبُونَ}؛{پاورقی . سوره نحل، آیه ۸۴. پاورقی}

"وآن روز را که ما از هر امّتی شاهدی برانگیزیم، آن گاه به کافران اجازه سخن داده نشود وتوبه آنان نیز پذیرفته نگردد."

ج) {وَیَوْمَ نَبْعَثُ فِی کُلِّ أُمَّهٍ شَهِیداً عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنا بِکَ شَهِیداً عَلی هؤُلآءِ}؛ "روزی که ما در هر امّتی از میان خودشان گواهی بر آنان برانگیزیم وتو را "ای {پاورقی . نحل، آیه ۸۹. پاورقی}

محمّد" بر این امت گواه آوریم."

از این آیات به خوبی استفاده می شود که در هر زمان وبرای هر امّتی خداوند افرادی معصوم از خطا واشتباه قرار داده است تا در روز قیامت به اعمال آنان گواهی دهند. کسی که قرار است شاهد بر اعمال امّت باشد نباید در شهادتش اشتباه کند، ونیز باید احاطه علمی بر همه اعمال امت داشته باشد. اینان کسانی اند که در امر هدایت بشر حجت خدا در روی زمینند.

فخر رازی در ذیل آیه {وَنَزَعْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً}؛ "و[در آن روز] از هر امتی {پاورقی . سوره قصص، آیه ۷۵. پاورقی}

گواهی برمی گزینیم." می گوید: "آنان شاهدانی هستند که

در هر زمان بر مردم شهادت می دهند که از جمله آنها انبیا هستند".

{پاورقی . تفسیر فخررازی، ج ۲۵، ص ۱۳ù۱۲. پاورقی}

ونیز در ذیل آیه {یَوْمَ نَبْعَثُ فِی کُلِّ أُمَّهٍ شَهِیداً}؛"روزی را که از هر امّتی گواهی بر {پاورقی . سوره نحل، آیه ۸۴. پاورقی}

آنان برمی انگیزیم." می گوید: "هر جمعی که در دنیا به وجود می آید لازم است که کسی به عنوان شاهد در میان آنها وجود داشته باشد". شاهد در زمان رسول خدا (ص) خود حضرت بود به دلیل آیه: {وَکَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً}، ونیز لازم است که در هر زمان بعد از رسول، شاهدی {پاورقی . سوره بقره، آیه ۱۴۳، "همان گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید، و پیامبر هم بر شما گواه است". پاورقی}

در میان امت باشد.

از اینجا به خوبی روشن می شود که هر عصری خالی از شاهد بر امت نیست، وآن شهید باید از خطا مصون باشد، وگرنه احتیاج به شاهد دیگری است ودر نتیجه به بی نهایت منتهی خواهد شد که این باطل است".

{پاورقی . همان، ج ۲۰، ص ۹۸. پاورقی}

آیه "نذیر" چگونه دلالت بر وجود امام زمان علیه السلام دارد؟

پرسش

آیه "نذیر" چگونه دلالت بر وجود امام زمان علیه السلام دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: {وَإِنْ مِنْ أُمَّهٍ إِلّا خَلا فِیها نَذِیرٌ}؛ "وهر امّتی در گذشته {پاورقی . سوره فاطر، آیه ۲۴. پاورقی}

انذار کننده ای داشته است."

از آیه فوق به خوبی استفاده می شود که در هر زمانی باید در میان مردم حجت خدا وهادی علی الاطلاق موجود باشد.

امام باقر (ع) فرمود: "ای گروه شیعه! خداوند تبارک وتعالی می فرماید: {وَإِنْ مِنْ أُمَّهٍ إِلّا خَلا فِیها نَذِیرٌ}. عرض شد: ای اباجعفر! مگر نذیر بر این امت، محمّد نیست؟ حضرت فرمود: "... صدقت فهل کان نذیر وهو حیّ من البعثه فی أقطار الأرض..."؛ "آری {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۴۹. پاورقی}

راست می گویی،آیا محمّد در زمان حیاتش انذار کننده از زمان بعث برای همه مناطق نبود؟...".

در تفسیر علی بن ابراهیم در ذیل آیه فوق می خوانیم: "...لکلّ زمان إمام..."؛{پاورقی . تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۲۰۹. پاورقی}

"...وبرای هر زمانی امامی است."

آیه "هدایت" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه "هدایت" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: {وَمِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ}؛ "واز{پاورقی . سوره اعراف، آیه ۱۸۱. پاورقی}

جمله کسانی که آفریدیم فرقه ای به حقّ هدایت می یابند وبه حق بر می گردند."

فخر رازی در ذیل آیه فوق در تفسیرش از جبائی نقل کرده که: "این آیه دلالت دارد بر اینکه هیچ زمانی خالی از کسی که قیام وعمل به حق کرده ومردم را به آن هدایت کند نیست".

{پاورقی . تفسیر فخر رازی، ج ۱۵، ص ۷۲. پاورقی}

میرزا محمّد مشهدی در تفسیر "کنز الدقائق" می گوید: "آیه دلالت دارد بر اینکه در هر قرنی یک نفر معصوم وجود دارد؛ زیرا مفاد آن این است که هادین وعادلین بعضی از خلقند نه تمام آنها، وهر کسی که معصوم نیست هادی وعادل کلّی نیست".

{پاورقی . تفسیر کنز الدقائق، ج ۳، ص ۶۵۷. پاورقی}

عبداللّه بن سنان می گوید از امام صادق (ع) درباره آیه {وَمِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ...} سؤال کردم؟ حضرت فرمود: "هم الأئمه"؛ "مقصود از آیه ائمّه است."

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۴۱۴. پاورقی}

آیه "صادقین" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه "صادقین" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: {یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکُونُوا مَعَ الصّادِقِینَ}؛{پاورقی . سوره توبه، آیه ۱۱۹. پاورقی}

"ای مؤمنین! تقوا پیشه کرده وهمراه با صادقین باشید."

مقصود از "صادقین" در آیه برخی از مؤمنین است نه جمیع آنان، حال این بعض چه خصوصیاتی باید داشته باشد.

از خود آیه استفاده می شود که مقصود به صادقین کسانی هستند که صادق علی الاطلاق هستند، ولذا علی الاطلاق امر به اطاعت آنها شده است، تا افراد مطیع با اقتدا وهدایت از آنها به حقّ وحقیقت وسعادت نایل آیند. نتیجه اینکه: "صادقین" در آیه همان حاملان وحی وخلفای رسول وامینان شرع وحامیان دین وائمه هدایت وچراغ های هدایتند، کسانی که خداوند رجس وپلیدی را از آنان دور کرده واز هر عیب ونقصی پاکشان کرده است. واینان کسانی غیر از اهل بیت عصمت وطهارت پیامبر: نیستند، که اوّل آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) وآخر آنها مهدی (ع) است.

فخر رازی از آیه فوق استفاده عصمت کرده ومی گوید: "از این آیه استفاده می شود که در هر زمان باید صادقین معصوم موجود باشند...".

{پاورقی . تفسیر فخررازی، ج ۱۶، ص ۲۲۰. پاورقی}

کلینی به سند خود از برید بن معاویه عجلی نقل کرده که از امام باقر (ع) درباره آیه {اِتَّقُوا اللَّهَ وَکُونُوا مَعَ الصّادِقِینَ} سؤال کردم؟ حضرت فرمود: " آیانا عنی"؛ "ما را قصد{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۰۸. پاورقی}

کرده است."

ونیز به سند خود از امام رضا (ع) در ذیل آیه فوق نقل کرده که فرمود: "الصادقون هم الأئمّه"؛ "صادقین همان ائمه اند...".

{پاورقی . همان. پاورقی}

حاکم حسکانی حنفی به سند خود از عبداللّه بن عمر در تفسیر آیه فوق

نقل کرده که مقصود از آن، محمّد واهل بیت اوست.

{پاورقی . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۴۵. پاورقی}

سبط بن جوزی از قول علما در تفسیر آیه فوق نقل کرده که مقصود از آیه این است که با علی واهل بیتش باشید.

{پاورقی . تذکره الخواص، ص ۱۶. پاورقی}

آیه "اولی الامر" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

آیه "اولی الامر" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

خداوند متعال می فرماید: {أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الأَمْرِ مِنْکُمْ}؛ "خدا{پاورقی . سوره نساء، آیه ۵۹. پاورقی}

ورسول وصاحبان امری را که از میان خود شماست اطاعت کنید."

از آیه فوق به خوبی استفاده می شود که در هر عصر وزمانی باید امام معصومی در قید حیات باشد تا او را اطاعت نماییم، اطاعتی که همانند اطاعت خداوند است.

مقصود از "اولی الامر" در آیه فوق، همان صاحبان شأن وامر ونهی است، کسانی که امور مردم در اختیار آنان است وآنان غیر از معصومین کسانی دیگر نیستند، زیرا آیه دلالت بر وجوب اطاعت به طور مطلق وبدون هیچ قید وشرطی دارد، واین مستلزم عصمت آنان است، وگرنه منجرّ به تناقض می شود، به جهت آنکه اطاعت خدا ورسول بدون هیچ قید وشرطی واجب است، حال اگر اولی الامر معصوم نباشند ودر برخی از موارد اشتباه یا سهو ونسیان داشته باشند ودر عین حال اطاعت آنها به طور مطلق واجب باشد، مستلزم تناقض در وجوب اطاعت است. نتیجه اینکه مقصود از "اولی الامر" در آیه، معصومین است که در هر زمان باید فردی از آنها باشد تا اطاعت گردد، ودر این زمان کسی جز امام زمان (ع) نیست.

از جمله روایات متواتری که انطباق آیه فوق را بر اهل بیت: تأیید می کند، حدیث معروف "ثقلین" است؛ زیرا پیامبر (ص) در آن حدیث امر به اطاعت از کتاب وعترت واهل بیت معصوم خود کرده که همان "اولواالامر" در آیه فوق هستند، ودر آن نیز امر به اطاعت مطلق کرده است.

ونیز آیه شریفه {إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ}، واحادیث "دوازده خلیفه" نیز بر {پاورقی .

سوره رعد، آیه ۷. پاورقی}

این برداشت از آیه فوق دلالت دارد. به همین جهت است که برخی از علمای اهل سنّت نیز قائل به نزول آیه فوق در شأن اهل بیت: شده اند از قبیل:

۱ - ابن حیان اندلسی. {پاورقی . البحر المحیط، ج ۳، ص ۲۷۸. پاورقی}

۲ - نیشابوری. {پاورقی . حاشیه جامع البیان طبری، ج ۵، ص ۲۰۸. پاورقی}

۳ - محمد صالح کشفی ترمذی. {پاورقی . المناقب المرتضوی، ص ۵۶. پاورقی}

۴ - قندوزی حنفی. {پاورقی . ینابیع الموده، ص ۱۳۴. پاورقی}

۵ - حموینی شافعی. {پاورقی . فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۴. پاورقی}

۶ - حاکم حسکانی. {پاورقی . شواهد التنزیل، ج ۳، ص ۱۲۰۰. پاورقی}

حاکم حسکانی به سندش از مجاهد در تفسیر آیه فوق نقل کرده که این آیه در شأن امیرالمؤمنین (ع) نازل شد هنگامی که پیامبر (ص) او را جانشین خود در مدینه قرار داد.

موضوع: وجود امام مهدی علیه السلام در روایات شیعه

وجود امام مهدی علیه السلام را از روایات شیعه چگونه می توان به اثبات رسانید؟

پرسش

وجود امام مهدی علیه السلام را از روایات شیعه چگونه می توان به اثبات رسانید؟

پاسخ

وجود حضرت مهدی (ع) همانند ولادت آن حضرت را از راه های مختلف می توان به اثبات رسانید که یکی از آنها، راه تواتر است. این راه را با ذکر مقدماتی به اثبات می رسانیم:

مقدّمه اوّل: در منطق ارسطویی خبر متواتر به خبر جماعت کثیر با کیفیتی تفسیر شده که محال است بر کذب ودروغ توافق کرده باشند. از این تعریف استفاده می شود که خبر متواتر دو رکن دارد:

۱ - اخبار جماعت بسیار.

۲ – جماعت به حدّی باشد که اجتماعشان بر کذب محال باشد.

در مورد احادیثی که دلالت بر وجود امام مهدی (ع) دارد، رکن اوّل به حس ووجدان ثابت است، زیرا به گوش خود شنیده وبه چشم خود اخبار بسیاری که دلالت بر وجود حضرت مهدی (ع) دارد دیده ایم.

در مورد رکن دوم نیز ادعای بداهت بر آن شده است، ولذا در منطق ارسطویی خبر متواتر، یکی از قضایای شش گانه بدیهی شمرده شده است.

مرحوم شهید صدر؛ معتقد است که سبب پدید آمدن یقین در قضیه متواتر وتجربی، حساب احتمالات است، نه آنچه منطق ارسطویی می گوید، که قضیه متواتر از بدیهیات اولیه همانند "کل اعظم از جزء" است. در مورد یک خبر اولین شخصی که شناخته شده نیست از آن خبر می دهد درصدی از احتمال مطابقت با واقع در آن است وهمینطور نفر دوم وسوم و... تا به حدی خبرها می رسد که احتمال مطابقت با واقع به حدی قوی می شود که احتمال مخالفت با واقع، ضعیف یا معدوم می گردد ولذا انسان در مفاد آن خبر به یقین می رسد.

مقدّمه دوم: در مورد خبر متواتر لازم نیست که هر

یک از خبردهندگان ثقه وعادل باشند بلکه همین که کذب وتعمّد آنها بر دروغ ثابت نشود کافی است در حصول علم ویقین به خبر از راه تواتر.

مقدّمه سوم: تواتر بر سه قسم است:

۱ - تواتر لفظی: که محور مشترک در تمام خبرها لفظ خاصی است. همانند حدیث: "من فسّر القرآن برأیه فلیتبوّء مقعده من النار".

۲ - تواتر معنوی: که محور مشترک تمام خبرها قضیه ای معنوی ومحدود است، همانند حدیث کساء.

۳ - تواتر اجمالی: که محور مشترک در تمام خبرها ولازمه التزامی قضیه است، همانند خبر از شجاعت امیرالمؤمنین (ع)، که گر چه قضایا مختلف است ولی همگی در یک لازمه مشترک هستند وآن شجاعت امام امیرالمؤمنین (ع) است. در مورد موضوع وجود وولادت امام مهدی (ع) نیز می توانیم از این طریق به یقین برسیم. ولذا جای این نیست که روایات این موضوع مورد بررسی سندی قرار گیرد، زیرا با مراجعه به ابواب مختلف مناسب با موضوع می توان یقین به ولادت ووجود امام مهدی (ع) از راه حساب تراکم احتمالات پیدا کرد، به جهت اینکه همگی در یک خبر اشتراک نظر دارند که همان ولادت ووجود امام مهدی (ع) است.

ابواب حدیثی که دلالت بر وجود امام مهدی علیه السلام دارد کدام است؟

پرسش

ابواب حدیثی که دلالت بر وجود امام مهدی علیه السلام دارد کدام است؟

پاسخ

در مصادر حدیثی شیعه ابوابی به چشم می خورد با روایات فراوان که هر کدام دلالت صریح یا ضمنی یا التزامی بر ولادت ووجود امام مهدی (ع) دارد وتعداد زیادی از آنها صحیح السند است. اینک تنها به این ابواب به صورت فهرست وار اشاره می کنیم:

۱ - حجت بر خلق تنها توسط امام قائم است. در ذیل این باب ده ها روایات وجود دارد که برخی از سندها صحیح است.

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۱و۲و۴و... ؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۰ ؛ و... . پاورقی}

۲ - ائمه ارکان زمین هستند. {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۲. پاورقی}

۳ - برای هر زمانی هدایت گری است. {پاورقی . همان، ص ۱۹۱ù۱۹۲، ح ۱و۲و۳. پاورقی}

۴ – ائمه والیان امر خدایند. {پاورقی . همان، ص ۱۹۳، ح ۶. پاورقی}

۵ – امام مایه حیات مردم است. {پاورقی . همان، ص ۲۰۳، ح ۲. پاورقی}

۶ – احادیث غیبت: ده ها روایت در مصادر حدیثی وجود دارد که دلالت بر اصل غیبت دارد وتعداد بسیاری از آنها صحیح السند است. روایاتی که کلینی ودیگران در کتاب های حدیثی خود نقل کرده اند.

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۴و۸و۱۰ù۱۵ù۱۸ ؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۰ ؛ و... . پاورقی}

ابن فارس می گوید: "ماده (غیب) اصل صحیحی است که دلالت بر مستور بودن شئ از چشم ها دارد".

{پاورقی . معجم مقاییس اللغه، ماده غیب. پاورقی}

فیومی می گوید: "ماده غیبت به معنای دور شدن شئ است...".

{پاورقی . مصباح المنیر، ماده غیب. پاورقی}

۷ – احادیثی که دلالت بر وجود دو غیبت برای حضرت مهدی (ع) دارد (ده

حدیث).

۸ - احادیثی که دلالت دارد بر اینکه غیبت او طولانی است (نود ویک حدیث).

۹ - روایاتی که دلالت بر علّت غیبت دارد (هفت حدیث).

۱۰ - روایاتی که دلالت بر فواید وجود او وانتفاع مردم در عصر غیبت از حضرت دارد (هفت حدیث).

۱۱ - روایاتی که دلالت بر طول عمر او دارد (سیصد وهیجده حدیث).

۱۲ - روایاتی که دلالت دارد بر اینکه او دائماً در سنّ جوانی است (هشت حدیث).

۱۳ - روایاتی که بر فضیلت ایمان به آن حضرت در عصر غیبت دلالت دارد. (بیست وسه حدیث).

موضوع: وجود امام مهدی علیه السلام در روایات فریقین

حدیث "ثقلین" چگونه دلالت بر وجود امام زمان علیه السلام دارد؟

پرسش

حدیث "ثقلین" چگونه دلالت بر وجود امام زمان علیه السلام دارد؟

پاسخ

پیامبر اکرم (ص) مطابق حدیثی فرمود: "إنّی تارک فیکم خلیفتین کتاب اللَّه حبل ممدود ما بین السمآء والأرض أوما بین السمآء إلی الأرض، وعترتی أهل بیتی، وإنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض"؛ "همانا من دو جانشین را در میان شما می گذارم: کتاب خدا، ریسمان کشیده {پاورقی . مسند احمد، ج ۵، ص ۱۸۱. پاورقی}

شد مابین آسمان وزمین یا مابین آسمان تا زمین، وعترتم اهل بیتم، وهمانا این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند."

در این حدیث پیامبر اکرم (ص) می فرماید: "کتاب وعترت تا قیامت از یکدیگر جدا نمی شوند"، مطابق این گفتار اگر زمانی عدلِ کتاب که همان عترت است در روی زمین نباشد لازم می آید که این دو از یکدیگر جدا شده باشند، واین با ظاهر حدیث مخالف است.

ابن حجر مکّی می گوید: "در احادیثی که سفارش به اهل بیت شده به این نکته اشاره دارد که تا روز قیامت زمین خالی از اهل بیتی که اهلیّت هدایت دارند نخواهد بود، همان گونه که کتاب عزیز چنین است. ولذا اهل بیت اَمان برای اهل زمین

معرفی شده اند. ونیز در روایات آمده است: "در هر قوم ودسته ای عدولی از اهل بیت من است".

{پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۹۰. پاورقی}

حافظ سمهودی می گوید: از این حدیث "ثقلین" استفاده می شود که هر زمان باید فردی از اهل بیت که سزاوار تمسک به اوست تا روز قیامت موجود باشد، تا امر به تمسکی که در روایت به آنها شده معنا پیدا کند، همان گونه که کتاب عزیز چنین است، ولذا اهل بیت اَمان اهل زمین معرفی

شده اند که هر گاه از روی زمین بروند زمین نیز نابود خواهد شد".

{پاورقی . جواهر العقدین. پاورقی}

همین معنا از علامه مناوی در شرح جامع الصغیر سیوطی رسیده است. نتیجه {پاورقی . فیض القدیر، ج ۳، ص ۱۵. پاورقی}

اینکه از حدیث ثقلین که مورد اتفاق بین شیعه وسنی بوده واز احادیث متواتر است به خوبی استفاده می شود که در هر زمان، امام معصومی از عترت پیامبر (ص) واهل بیت معصوم او باید موجود باشد، امامی که اهلیّت برای اقتدا وتمسک را داشته باشد، کسی که خود به هدایت مطلق رسیده واز ضلالت به دور است ولذا می تواند دیگران را نیز به هدایت مطلق رساننده واز مطلق ضلالت وگمراهی دور کند. چنین شخصی در این زمان غیر از حضرت مهدی (ع) نیست.

چگونه احادیث وجوب معرفت امام بروجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

چگونه احادیث وجوب معرفت امام بروجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

مطابق روایات شیعه وسنی، پیامبر اکرم (ص) فرمود: "من مات ولم یعرف إمام زمانه مات میته جاهلیّه"؛ "هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ {پاورقی . شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹. پاورقی}

جاهلیت از دنیا رفته است."

با کمترین تأمّل در این روایت ونظایر آن به مصداق واقعی امام در روایت پی خواهیم برد. این کدامین امام است که اگر به او معرفت پیدا نکنی به مرگ جاهلیت از دنیا رفته ای؟ مگر نه این است که باید بین حکم وموضوع تناسب باشد؟ چه تناسبی بین عدم معرفت امام ومرگ جاهلیت است؟آیا اگر من طاغوتِ فاسق وفاجر زمان خود را نشناسم به مرگ جاهلیّت از دنیا رفته ام؟ قطعاً چنین نیست، بلکه مراد همان امام معصوم در هر زمان است که از آن در روایت به "امام" تعبیر شده است که اگر او را نشناسم واطاعت او را ننمایم به مرگ جاهلیت از دنیا رفته ام.

حدیث "امان" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

حدیث "امان" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

مطابق روایات فریقین، اهل بیت پیامبر: به عنوان امان اهل زمین معرفی شده اند. ابن حجر از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که فرمود: "اهل بیت من امان برای اهل زمین هستند، پس هرگاه اهل بیتم هلاک شوند اهل زمین را آنچه خداوند وعده داده خواهد رسید".

{پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۱۵۰. پاورقی}

سمهودی بعد از نقل این حدیث می گوید: "محتمل است که مراد از اهل بیتی که امان امت هستند همان علمای از آنها باشند که مردم را هدایت می نمایند، آن گونه که مردم به ستارگان هدایت می یابند".

{پاورقی . رشفه الصادی، ص ۷۸. پاورقی}

این حدیث به خوبی دلالت بر این نکته دارد که باید در هر زمانی فردی از اهل بیت عصمت وطهارت که اهلیّت برای تمسک دارد موجود باشد واو غیر از معصوم نیست. ودر این زمان غیر از مهدی موعود کسی دیگر نیست، پس باید موجود باشد وگرنه زمین وآنچه در آن است نابود خواهد شد.

حدیث "سفینه" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

حدیث "سفینه" چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

مطابق روایات فریقین پیامبر اکرم (ص) از اهل بیت خود، به کشتی نوح تعبیر کرده است.

ابن حجر مکی از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "مثل أهل بیتی کسفینه نوح، من رکبها نجی"؛ "همانا مثل اهل بیتم همانند کشتی نوح است، هر کس سوار بر آن شود نجات {پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۲۳۴. پاورقی}

یافته است."

این حدیث به طرق مختلف وتعبیرات گوناگون از رسول خدا (ص) رسیده است. با تأمل در معنای آن به خوبی استفاده می شود که لازم است در هر زمانی تا روز قیامت امام معصومی از اهل بیت عصمت وطهارت وجود داشته باشد تا برای امت اسلامی امکان داشته باشد که با سوار شدن بر کشتی نجات او از غرق شدن در منجلاب فساد وتباهی نجات یافته وبه ساحل نجات وبهشت رضوان رهنمون شوند.

حدیث (عدم خلو زمان از امام قرشی) چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

پرسش

حدیث (عدم خلو زمان از امام قرشی) چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

بخاری ومسلم ودیگران به سندهای خود از رسول خدا (ص) نقل کرده اند که فرمود: "لایزال هذا الأمر فی قریش ما بقی من الناس اثنان"؛ "این امر خلافت در قریش ثابت {پاورقی . صحیح بخاری، ج ۹، ص ۷۸ ؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۲ ؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹. پاورقی}

است مادامی که دو نفر از مردم باقی باشد."

در این حدیث خبر از واقعیتی خارجی می دهد که واجب است تحقق یابد ووظیفه مسلمین است که خلافت رسول خدا (ص) را در هر زمان به دست یک نفر شایسته از قریش قرار دهند. مقصود از "هذاالامر" چیست؟ همان امری است که در آیه "اولی الامر" به آن اشاره شده است: {أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الأَمْرِ مِنْکُمْ}.{پاورقی . سوره نساء، آیه ۵۹. پاورقی}

مطابق بیان فخر رازی ودیگران، مقصود از "اولی الامر" در این آیه معصومین هستند.

{پاورقی . تفسیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۱۴۴ ؛ تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۴۰۱-۳۸۷. پاورقی}

پس باید در هر زمانی امام معصومی از قریش باشد مادامی که عمر دنیا به سر نیامده واز مردم روی زمین دو نفر باقی مانده است، واو در این زمان، غیر از حضرت مهدی (ع) نیست.

به بیان دیگر: مقصود از "الامر" در روایت وآیه، امر زعامت وولایت ورهبری ظاهری وباطنی وهدایت مطلق مردم به حق وحقیقت است، شخصی که به تمام معنا دارای صفات وخصوصیات پیامبر است تا بتواند امر خلافت وجانشینی او را در تمام شؤونات به جز وحی ادامه دهد، چنین شخصی در هر زمان باید موجود باشد، ودر

این زمان کسی جز حضرت مهدی (ع) نیست.

ابن حجر عسقلانی می گوید: "نماز خواندن عیسی (ع) پشت سر مردی از این امت در آخرالزمان ونزدیک به برپایی قیامت، دلالت صحیح بر این قول دارد که: زمین هیچ گاه از حجتی که قائم باللّه است خالی نخواهد بود".

{پاورقی . فتح الباری، ج ۶، ص ۳۸۵. پاورقی}

موضوع: وجود امام مهدی علیه السلام در احادیث "دوازده خلیفه"

احادیث دوازده خلیفه، چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پرسش

احادیث دوازده خلیفه، چگونه بر وجود امام زمان علیه السلام دلالت دارد؟

پاسخ

۱ - روایاتی که دلالت بر دوازده امام بعد از رسول خدا (ص) دارد از حدّ تواتر فراتر رفته است. ومی دانیم که حدیث متواتر فی حدّ نفسه مفید یقین است واحتیاجی به بررسی سندی ندارد.

۲ - اصحاب ورجال شیعه همگی این احادیث را مورد قبول قرار داده وبر عمل به آنها اتفاق کرده اند، واین خود دلیل بر صحّت این روایات واعتماد اصحاب بر صدور آنها از امام است.

شهید صدر؛ می فرماید: "این روایات با کثرت احتیاط از جانب امامان در نقل آنها به جهت حفظ امام، به درجه بالایی از کثرت وانتشار رسیده است. وکثرت عددی در این روایات تنها اساس برای قبول آنها نیست، بلکه اضافه بر آن مزایا وقرائنی در اینها وجود دارد که دلیل بر صحت احادیث خواهد بود... مشاهده می کنیم بخاری که معاصر امام جواد وهادی وعسکری: است این حدیث را نقل کرده است، واین نکته مهمی است. این خود دلیل بر آن است که این حدیث از پیامبر ثابت شده است قبل از آنکه مضمون آن تحقّق یافته وفکر دوازده امام به کمال برسد".

{پاورقی . بحث حول المهدی (ع)، ص۶۵ù۶۶. پاورقی}

۳ - با ملاحظه مجموعه روایات، به تعداد بی شماری از احادیث صحیح السند برمی خوریم که اگر به حدّ تواتر نباشد لااقل در حد استفاضه است. خصوصاً آنکه {پاورقی . ر.ك: اصول کافی. پاورقی}

کلینی در قبول روایات منهج روش خاصّی را دنبال می کرده است. او به روایاتی اخذ می کرده که قطع یا اطمینان به صدور آنها از معصومین داشته است. خبر صحیح نزد کلینی ودیگران از قدما، خبری بوده که قرائن داخلی وخارجی آن

را تأیید می کرده است، واعتماد آنها بر وثاقت اشخاص نبوده است، بلکه وثاقت تنها راهی برای صحت صدور روایت نزد او بوده است. از جمله قرائن نزد او بر قبول خبر، وجود حدیث در بسیاری از اصول چهارصدگانه حدیثی بوده که در عصر امامان تألیف شده است، ویا آنکه حدیث در کتاب معروفی بوده که مورد تأیید بزرگان از اصحاب قرار گرفته است.

واز جمله قرائن خارجی، وجود حدیث در کتاب هایی بوده که بر امامان عرضه شده وآن حضرات مؤلفین آنها را تمجید نموده اند، همانند کتاب سلیم که مورد تمجید امام صادق (ع) قرار گرفته است.

ونیز از جمله قرائن آن است که حدیث از کتاب هایی اخذ شده که نزد متقدمین مورد وثوق واعتماد بوده است، شیخ کلینی این گونه روایات را هم مورد توجه قرار داده وقبول کرده است، وتنها به روایاتی که راویانش ثقه اند توجه نداشته است بلکه این قسم از روایات بخشی از احادیث او را تشکیل داده است.

۴ – کاتب در تضعیف برخی روایات به تضعیفات ابن الغضائری استناد کرده، با آنکه اصل کتابش به اثبات نرسیده ونیز تضعیفاتش مورد قبول علما قرار نگرفته است. ونیز برخی را همچون علی بن ابراهیم وسهل بن زیاد تضعیف کرده که در جای خود توثیق شده اند.

امام مهدی علیه السلام برای اثبات وجود خود در عصر غیبت صغرا

اشاره

چه تدابیری اندیشید؟

پرسش

امام مهدی علیه السلام برای اثبات وجود خود در عصر غیبت صغرا

چه تدابیری اندیشید؟

پاسخ

حضرت (ع) با قطع نظر از زمینه سازی هایی که امامان قبل برای تثبیت مسأله ولادت وامامت وغیبت او داشتند، خود نیز به شخصه در این مسأله دخالت کرده واز راه های مختلف درصدد اثبات ولادت وامامت خود برآمدند.

اینک به برخی از این راه ها اشاره می کنیم:

۱ – حضرت کاری کردند که گروهی از بزرگان شیعه بتوانند به ملاقاتش شرفیاب شوند.

۲ – در مواقع ضروری اقدام به انجام کرامت ومعجزه می نمود. این معجزات بعضاً توسط سفرا ودر برخی موارد نیز توسّط خود

حضرت انجام می گرفت.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۵، ح ۴۴. پاورقی}

۳ – آن حضرت شخصاً درصدد پاسخ به سؤال های مختلف مردم بر می آمد تا اعتقاد ویقینشان نسبت به او بیشتر گردد.

۴ – خطّ خاصّ حضرت نیز از جمله قرائن ودلایلی بود که می توانست بر وجود امام عصر (ع) دلالت کند؛ زیرا این خطّ در زمان پدرش امام عسکری (ع) بین مردم مأنوس بوده است، ولذا از جمله راه هایی بود که با رسیدن توقیعات از ناحیّه مقدّسه، شیعیان به وجود امام زمان خود یقین واطمینان پیدا می نمودند.

دیـدگاه قرآن و نهـج البلاغه درباره حجت های مخفی و پنهان خداوند چیست و این دیدگاها چگونه ما را به وجود امام مهدی(عج) رهنمون می کند؟

پرسش

دیـدگاه قرآن و نهـج البلاـغه دربـاره حجت هـای مخفی و پنهـان خداونـد چیست و این دیـدگاهها چگونه مـا را به وجود امام مهدی(عج) رهنمون می کند؟

پاسخ

امام امیرمومنان علیه السلام در نهج البلاغه، برای خدا دو نوع حجت معرفی می کند:

یک حاضر و آشکار، و دیگری غایب و ناپیدا، آنجا که می فرماید:

«اَللّهمَّ بلی لاـ تَخْلُو اْلاَـرْضُ مِنْ قـائِم لِله بِحُجّهٍ اِمّـا ظـاهِراً مَشْـهوراً اَو خائِفـاً مَغْموراً لِئَلاّـ تَبْطُلَ حجـج اللهِ وَبَيّناتُه » (نهـج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۷)

[بلی، خدایا، روی زمین هیچگاه از حجتهای توخالی نمی ماند، حجتهائی که گاهی مرئی و آشکار، و گاهی از بیم مردم پنهان هستند، تا دلایل آئین الهی محو و نابود نشود].

جمله «لِئَلاّـ تَبْطُلَ حجـج اللهِ وَبَيّناتُه» بسـیار قابل ملاحظه است و می رسانـد که رهبران الهی در پنهان و آشـکار، وظیفه سـنگین رهبری را انجام می دهند. و در همه حال، در راهنمائی مردم می کوشند.

مقصود امام از «حجت خائف و مغمور» کیست؟ آیا جز آن پیشوای معصوم است که بر اثر نبودن شـرایط مساعـد، در پس پرده غیبت بسر می برد، تا روزی جهان برای نهضت او آماده گردد؟

پس از آگـاهی از این دو نوع حجت که در کلاـم امیر مومنـان به چشم می خورد، نظر خواننـدگان را به گروهی از اولیاء الهی

جلب می کنیم که آنان غایب و پنهان بودنـد، و با این حال جامعه را هدایت می کردند و یا اینکه بصورت اسـتتار و با پوشـش خاصـی به سازنـدگی افراد اشـتغال داشـتند، و یا اینکه نبی و ولی بودند ولی منتظر آن بودند که فرمان حق برسد، سـپس انجام وظیفه کنند. برخی از افراد این گروه، عبارتند از:

الف معلم موسی که در اخبار بنام «خِضْر» معرفی

شده است.سلام الله علیهما.

ب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که سه سال از طرق سازندگی فردی هدایت می کرد.

ج حضرت موسی (ع) در مدت غیبت چهل روزه خود.

د حضرت یونس علیه السلام که مدتها در شکم ماهی پنهان از دیدگان بسر می برد.

ه حضرت مسیح علیه السلام که در دوران کودکی نبی بود، ولی پس از سی سال به امر هدایت قیام نمود.

الف ولی غایب که معلم حضرت موسی بود

قرآن مجید، ما را به مقام والای ولایت، و شئون و نحوه هدایتهای اولیاء رهبری نموده و به روشنی ثابت نموده که ممکن است یکی از مردان الهی، در عین اینکه از نظرها پنهان باشد، به امر و هدایت و ارشاد بپردازد.

قرآن، رهبری را معرفی می کند که ناشناخته بود و آنها او را نمی شناختند. حتّی رسول آن زمان نیز، با او آشنائی نداشت. و اگر آشنائی پیدا کرد، تنها بر اثر معرفی الهی بود. این ولیّ و رهبر، همان است که خدای سبحان درباره او در قرآن چنین می فرماید:

[موسی و همرا او، بنده ای از بندگان ما را یافتند که مورد رحمت ما بوده و از پیش خود به او علومی داده بودیم].

کسی که دارای چنین علم وسیع و گسترده ای است، و بصریح قرآن، نبیّ زمان و وصیّ وی از علم او بهره مند می شوند، قطعاً از اولیاء خدا بوده، و نه تنها از نظر علم و دانش وسیع تر بوده است، بلکه آنچنان روح قوی و نیرومندی داشته است که وقتی موسی به او می گوید: «اجازه می دهی که من تو را همراهی کنم تا از علومی که بتو داده شده است به

من بیاموزی؟». وی در پاسخ می گوید:«تو نمی توانی با من صبر کنی، چگونه می توانی کارهائی را که از اسرار آنها خبر نداری تحمل نمائی؟» کهف/ ۶۶ ۶۸ بی شک، این فرد از اولیاء خدا و از شخصیتهای والای الهی بوده است. بررسی حالات این «ولیّ زمان» و این فرزانه ناشنـ....Θ...در همان چند لحظه کوتاه از زندگی حساس او که با حضرت موسی گذرانده است، ما را به نکاتی رهبری می کند. از جمله:

۱ این ولی زمان، به صورت ناشناس زندگی می کرد. کسی او را نمی شناخت. و اگر خدا او را معرفی نمی کرد، کسی با او آشنا نمی شد. بنابراین، شرط ولی، این نیست که حتماً مردم او را بشناسند.

۲ این ولی الهی، با اینکه از دیدکان غایب و پنهان بود، هرگز از حوادث و اوضاع زمان غفلت نداشت. و روی ولایت و اختیاراتی که از جانب خدا به او داده شده بود، در اموال و نفوس تصرف می کرد، و اوضاع را طبق مصالحی رهبری می نمود. او در رهبری حوادث، بقدری دقیق بود که راضی نشد کشتی بینوایان که مایه زندگی آنان بود به دست فرمانروای ستمگری بیفتد، و با معیوب ساختن آن، از تصرف کشتی جلوگیری کرد. اختیارات او به اندازه ای بود که روی مصالحی توانست انسانی را بکشد، و دیواری را برای صیانت مال یتیم بپا دارد.

۳ نکته جالب اینکه نه تنها خود او ناشناخته بود، بلکه تصرفات او نیز از دیدگاه مردم عادی پنهان بود. اگر مردم و صاحب کشتی از تصرف او آگاه بودند، هرگز اجازه نمی دادند که او کشتی را سوراخ کند، زیرا از هدف مقدس او آگاهی نداشتند.

اگر مردم شاهـد قتل نفس او بودند، هرگز رهایش نمی کردند و... از اینکه او همه این کارهای شـگفت آور را در دل اجتماع انجام داد واحـدی متوجه کار او نشـد، می توان فهمید که نه تنها خود او پنهان بود، بلکه تصـرف او در اوضاع و حوادث نیز بر مردم پنهان بود. آنها تنها اثر فعل او را می دیدند نه کار او را.

۴ مهمتر از همه، هـدایت و رهبری او بود. او با داشـتن مقام ولایت، وظایف خود را انجام می داد. گاهی با تصـرف در اموال و نفوس یـا ضـبط و حراست اموال یتیمـان، اثر ولایت خود را ابراز می داشت. و گاهی از طریق فردسازی و تعلیم افراد، به وظیفه خط........ȘĘعمل می نمود، و افرادیماننـد موسـی و همراه او را هدایت و رهبری می کرد. از زند......حسّاس و تکان دهنده این ولی الهی، بخوبی می فهمیم که «ولی زمان» گاهی عیان و پیدا؛ و زمانی مخفی و پنهان خواهد بود. و این امر بستگی به مصالح وقت و اوضاع زمان دارد.

همچنانکه می فهمیم هـدایت و رهبری که وظیفه امام و ولی است می تواند به دو صورت آشـکار و پنهان انجام گیرد، و هرگز لازم نیست که امام شناخته شود تا هدایت کند، بلکه در حال اختفاء و پنهانی نیز به این وظیفه خطیر قیام می نماید.

روشـنتر از همه اینکه: هـدایت و رهبری که از شـئون اولیـاء الهی است گـاهی به صورت «فرد سازی» و گاهی بصورت «جامعه سازی» انجام می گیرد. و در صورت فردسازی، هرگز لزومی ندارد همه افراد، ولی الله را بشناسـند و یا پیوسـته عموم را رهبری کند. بلکه در شرایط خاصی که

«جامعه سازی» مقدور نباشد، باید به «فرد سازی» بپردازد.

وظیفه امـام علیه السـلام در دوران غیبت، شبیه وظیفه «ولی دوران موسـی» است. امام در حال اختفاء، در امور زنـدگی دنیوی و دینی مردم تصرفاتی دارد، با افراد شایسته و لایق در حال تماس بوده و به فردسازی و تربیت شخصیتها اشتغال دارد.

خدای تعالی می فرماید:

«وَجَعَلْناهُمْ اَئِمَّه یَهْدُونَ بِاَمْرِنا» انبیاء/۷۳

[آنان را پیشوایان قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند].

این آیه نه تنها می رسانـد که هـدایت آنان به فرمان خداست، بلکه می رساند که شـیوه هدایتشان نیز بفرمان الهی است. گاهی اراده و مشـیت خدا بر آن تعلق می گیرد که آنان در حال اختفاء به هدایت اشـتغال ورزند. و گاهی مصالح ایجاب می کند که از پس پرده غیب برون آیند، و شـیوه هدایت جمعی را پیش گیرند. در هر حال، همه هدایتها و همه شـیوه های هدایت آنان به فرمان خدا است.

ب دعوت پنهان پیامبر اسلام

در روزگاری که پیامبر در زمینه فردسازی انجام وظیفه می کرد، مضمون آیه شریفه «یَهْدُونَ بَاَمْرِنا» را در محدوده فرد اجرا می نمود. این شیوه هدایت، کار او بود، تا اینکه فرمان خدا فرا رسید و او را به هدایت جمع دعوت کرد. این تنها پیامبر اسلام(ص) نیست که ابتـداء در حـال سـر و پنهانی، و بعـداً بطور آشـکار مردم را هـدایت می کرد، بلکه این سـنت کلی الهی است. گاهی فرمان خدای عزوجل بر این تعلق می گیرد که آنان آشکارا رهبری کنند و گاهی مشیت او ایجاب می کند که به صورت خفاء و پنهانی به فرد سازی اشـتغال ورزند. هر دو نمونه در زندگی حضرت نوح پیامبر صلوات الله علیه موجود است. وی نحوه تبلیغ خود را

چنین بیان می کند:

[دعوت خود را آشکار ساختم و در پنهان نیز آنان را فرا خواندم]

حضرت نوح علیه السلام در فراز نخست، دعوتِ آشکار خود را یاد آوری می شود، همچنانکه در فراز دوم از دعوت پنهان خود سخن می گوید. هر دو گونه تبلیغ بفرمان خدا و برای هدایت افراد بشر بوده است. با توجه به این حقایق، قرآن و احادیث مافوق تواتر، به وجود و حیات چنین رهبر گواهی می دهد. تنها سؤال این است که امام باید هادی و رهبر جامعه باشد، و این با غیبت چگونه سازگار است؟

پاسخ، این است که امام باید هادی و رهبر باشد، ولی چه لزومی دارد شیوه هدایت او عمومی و علنی و آشکار باشد؟. مگر نه این است که هدایت او به فرمان خدا و امر اوست: «یَهْدُونَ بِاَمْرِنا». اگر فرمان خدا این باشد که وی مدتی —یعنی تا وقتی که زمینه نهضت و قیام آماده گردد- به فرد سازی گراید تا زمینه برای سازندگی جامعه فراهم گردد، باز می توان گفت: این امام چگونه هادی و رهبر است؟. اگر او در خفا گروهی را با روشهای مختلف، و با تماسهای گوناگون به حقیقت و حق دعوت کند و روی دعوت کند و روز افراد اثر بگذارد، آیا به وظیفه رهبری خود در حد امکان عمل نکرده است؟. چگونه درباره حضرت نوح و پیامبر اسلام، این شیوه کافی است، وی در مورد حضرت ولی عصر علیه السلام کفایت نمی کند؟!

خلاصه، معنی «یَهْدُونَ بِاَمْرِنا» این نیست که پیوسته به طور علنی هدایت می کنند، بلکه مفاد آن، این است که هرطور خدای عزوجل امر فرموده، وظیفه هدایت را انجام می دهند چه پنهان و چه آشکار، آری

ولی زمـان از انظار غایب و پنهان است و تبلیغات و تبلیغات و هـدایتها و تصـرّفهای او نیز از دیـده ها پنهان می باشـد، ولی تبلیغات سـری دارد و فیض و افاده او نیز سری و نهانی است.

ج- حضرت موسی علیه السلام، چهل روز از دیدگان پنهان و غایب بود.

اگر امـام و پیشوا، پیوسـته بایـد در دل اجتماع باشـد و غیبت امام با مقام هـدایت و سودبخشـی او منافات دارد، درباره حضـرت موسـی چه باید گفت؟ آیا این پیامبر الهی که طبق تصـریح قرآن، چهل روز تمام از بنی اسرائیل دوری گزید، (سوره بقره، آیه ۵۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۲) در این مـدت رهبر بود یـا نه؟ امـام بود یا نه؟ اگر بگوئیم مقام نبوت و رهبری را بر عهـده داشت، این سؤال پیش می آیـد که، فایـده وجود چنین امـامی چیست؟ و اگر بگوئیم در این زمـان، مقام رهبری از او سـلب شـده بود، سخن بی اساسی گفته ایم، زیرا همگی می دانیم که وی با داشتن این سمت، برای اَخذ تورات، از دیده ها غایب شده بود.

اگر امام باید روشـنی بخش و الهام دهنده باشد، مدت کم و زیاد در نظر عقل یکسان است. و فقط آن مقدار از غیبت مسـتثنی است که ضرورت زندگی مانند خواب، آن را ایجاب می کند.

ممکن است گفته شود غیبت حضرت موسی با حضرت قائم فرق دارد. اگر موسی غیبت برگزید بخاطر این بود که وصیّ او در میان مردم، حضور داشت، ولی جریان درباره حضرت قائم چنین نیست.

پاسـخ این گفتـار روشن است، زیرا هـدف از تشبیه، تنها این جهت است که «ولی» زمان بنابر علل و مصالحی از دیـدگاه پنهان گردد و همان مصلحتی که مُجَوِّز غیبت

حضـرت موسی گردید، می تواند مجوّز حضرت قائم نیز باشد. اگر از این سخن چشم بپوشیم، داشتن وصی، مجوز غیبت پیامبر نمی گردد، زیرا او نیز امـام و رهبر است. اگر او افـاضه ای داشت، بخـاطر این بود که امـام بود و در واقع کار خود را انجام می داد، نه اینکه هم بار خود و هم بار موسـی را بر دوش می کشـید. از این گذشته ولی عصر نیز نایِبانی در میان امت دارد که می توانند رهبر امت را در دوران غیبت بر عهده بگیرند.

د- «یونس» زندانی در شکم ماهی

قرآن مجید در مواضع مختلف به سـر گذشت یونس اشاره نموده است (سوره انبیاء آیه ۷۸. سوره صافات، آیه ۱۴۰به بعد) طبق تصـریح قرآن، یونس مـدتی در شـکم ماهی محبوس و از دیـدگان امت خود پنهان بود صافات/۱۴۴ این «ولیّ» الهی با داشـتن مقـام ولایـت، خود دور بود. حـال اگر پیشوای الهی بایـد پیوسـته مفیض و نور بخش باشـد، غیبت او را چگونه می توان توجیه کرد؟

قرآن صـریحاً می گویـد: یونس پس از خروج از شـکم ماهی، باز بسوی جمعیتی اعزام گردیـد صافات/۱۴۷ از اینکه بـار دیگر خداونـد او را برای هـدایت مردم اعزام داشت، می توان حـدس زد که وی در مـدت حبس دارای مقام ولایت الهی بوده است. چیزی که هست، در این مـدت روی مصـالحی از تبلیغ و هـدایت بازمانـده بود. این حقیقت در صورتی بخوبی روشن می شود که بـدانیم مقصود از جمعیت صـدهزار نفری و یـا بیشـتر، همـان قوم پیشـین یونس است که بر اثر توبه، خود را از عـذاب الهی نجات داده بودند.

ه - نمونه دیگر این مطلب، حضرت مسیح است.

میان نبوت و وقت تبلیغ حضرت مسیح، فاصله زمانی

وجود داشت. قرآن مجید از پیامبری سخن می گوید که در دوران کودکی و شیرخوارگی به مقام نبوت مفتخر گردیده است، اما تبلیغ و هدایت او پس از سالیان درازی آغاز شده است. مگر نه این است که قرآن درباره حضرت مسیح چنین می گوید: «من بنده خدا هستم کتاب بمن داده و مرا از پیامبران قرار داده است» مریم/۳۰

حضرت مسیح، این سخن را در نخستین ایام زندگی خود گفت، ولی نفع عمومی و هدایت همگانی او در سی سالگی آغاز گردید. هر فرد بی غرضی لازم است شیوه های هدایت نوح، «ولی» زمانِ حضرت موسی و حضرت مسیح را در زندگی امام زمان پیاده کند.

گروهی اعتقاد دارند امام زمان(ظهور کرده و سپس کشته شده، با چند دلیل سعی در قانع کردن ما داشتند.

اشاره

دلایل آنها به شرح زیر می باشد :

۱. آنها می گفتند روایتی هست که می گوید هرگاه امام(ظهور کند بوسیله پیرزنی که او را زهر می دهد به شهادت می رسد.
۲. آنها عدم

پرسش

گروهی اعتقاد دارند امام زمان(ظهور کرده و سپس کشته شده، با چند دلیل سعی در قانع کردن ما داشتند.

دلایل آنها به شرح زیر می باشد :

۱. آنها می گفتند روایتی هست که می گوید هرگاه امام(ظهور کند بوسیله پیرزنی که او را زهر می دهد به شهادت می رسد.
۲. آنها عدم وجود عدل جهانی پس از شهادت بدین علت می دانند که امام زمان(را بشارت دهنده ی دین جدیدی می دانند آنها با استناد به روایتی از پیامبر که فرمودند : اگر دین من کامل ترویج شود یک روز و اگر ناقص نیم روز عمر می کند، آنها هر روز را ۱۰۰۰ سال می دانند و معتقدند که ۱۰۰۰ سال بعد از هجرت شخصی (امام() آمده و نوین دین جدیدی را می دهد.

آیا این اعتقاد آنان که امام زمان ظهور کرده و در ایجاد عدالت سعی کرده و این عدالت به طور تدریجی مثلاً چندصد سال دیگر با کمک پیامبر جدیدی به وجود می آید می تواند منطقی باشد؟ دلایل محکمی که می توان در مورد ظهور امام زمان و عدل سریع ایشان گفت با توجه به روایات چیست؟

پاسخ

آنچه که مسلّم است باتوجه به آیات قرآن مجید و روایات معتبر پیامبر گرامی، حضرت محمد(آخرین پیامبر می باشند و پس از ایشان پیامبری دیگر ظهور نخواهد کرد. از جمله این آیه شریفه : "ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و

خاتم النبیین" (سوره مبارکه احزاب / آیه ۴۰)

و بعضی از آیات قرآن مجید، به ظهور حضرت مهدی (و برپایی حکومت ایشان اشاره دارد، از جمله

: "و نریـد ان نمن علی الذین استضـعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین" (ما می خواهیم بر مستضـفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.)(سوره مبارکه قصص / آیه۵) در این آیه شریفه، کلمه "نرید" اشاره به اراده استمرار الهی است، بنابراین در بسیاری از روایات، به حضرت مهدی (تطبیق شده است.

و آیات شـریفه ای چون آیه ۱۰۵ سوره مبـارکه انبیاء(، و آیه شـریفه ۵۵ سوره مبارکه نور، که خداونـد وعـده تحقق حکومت صالحان را داده است و در روایات است که مصداق کامل این وعده زمان ظهور حضرت ولی عصر(می باشد.

اهل سنّت روایت کرده انـد که : "رسول الله (فرمود : اگر یک روز از عمر جهان بیشتر نمانـده باشـد، خدای متعال آن روز را چنان طولانی خواهـد کرد، تا مردی ازاهل بیت من و همنام من به حکومت برسد و زمین را پر از عدل و داد کند، چنانچه پر از ظلم و جور است."(صحیح ترمزی، ج۲،ص۴۶)

از ابن عباس نقل کرده انـد که : "رسول الله (فرمود : همانا علی(امام امّت بعد از من است و از فرزندان او قائم منتظری باشد و هنگامی که ظهور کند، زمین را پر از عدل و داد می سازد، چنانکه پُر از ظلم و ستم شده است."(نیابیع المودّه، ص۴۹۴)

و جناب عبـدالعظیم حسـنی (، از حضـرت امام محمـد تقی(، از پدرانش، از علی(نقل کرده است : "قائم ما غیبتی دراز مدّت دارد، گویا شیعیان را می بینم که در زمان غیبت او، همانند حیوان گرسنه ای که دنبال چراگاه

می گردد، در جستجوی اوینـد، ولی او را نمی یابند. آگاه باشید که هر کس از ایشان، که بر دینش ثابت بماند و در اثر طول غیبت امامش، دچار قساوت قلب نگردد، در روز قیامت، با من در درجه من خواهد بود..." سپس فرمود : "هنگامی که قائم ما قیام کند، بیعتی از هیچکس گردن او نخواهد بود،(و هیچ حاکم ستمگری تسلّطی بر او نخواهد داشت.) و بدین منظور، مخفیانه متولد می شود و از چشم مردم غایب می گردد."(منتخب الاثر، ص۲۵۵)

از حضرت سجّاد(روایت شده که فرمودند : "قائم ما دو غیبت دارد که یکی طولانی تر از دیگری است و تنها کسی که یقین قوی و معرفت صحیح داشته باشند، بر امامت او ثابت می مانند. (منتخت الاثر، ص۲۵۱)

و راز اصلی غیبت آن حضرت، فراهم نبودن شرایط ظهور و محفوظ ماندن از شر جبّاران و ستمگران است و در بعضی از روایات، حکمتهای دیگری، از جمله آزمایش مردم و اندازه پایداری و استوار ماندن آنها، بیان شده است.

آنچه مسلّم است، عقل مردم در زمان ظهور حضرت مهدی (به کمال رسیده، رفتار آنان سنجیده و براساس تدبیر صورت می پذیرد. بدین ترتیب، تنها حکومت جهانی، بر اساس اسلام و عدالت اسلامی و به رسالت حضرت مهدی(تأسیس شده، حکومتهای باطل همه نابود می شوند. البته بدین معنا نیست که هیچ انسان شریر و فاسد نیز یافت نشود، بلکه غلبه با مؤمنان و افراد نیکوکار است، و گرنه قاتل آن حضرت نیز از میان همان افراد پست و بی ایمان است.

البته دشمن از صدر اسلام تاکنون، سعی در انحراف کشیدن جریان مهدویّت داشته، که

تاکنون چندین مهدی جعلی ظهور کرده اند و آخرین آنها مهدی سودانی بوده، که با هوشیاری ولایت فقیه در سراسر جهان خنثی شده است و نتوانسته اند از این حرکات شوم نتیجه ای بگیرند. همچنین از جمله تلاشهای دشمنان، ساختن روایات جعلی در این مورد است، که نباید به آنها اعتنا کرد و تنها باید به روایاتی متکی بود که دارای سند و مدرک معتبری است و بزرگان شیعه و سنّی آن را تأیید می کنند.

به امید این که از یاران حضرت مهدی"عجل الله تعالی فرجه الشریف" باشیم.

آمین.

منابع و مآخذ :

آموزش عقاید، استاد مصباح یزدی با "۳۰۰ پرسش و پاسخ" ، کاری از استاد سید احمد فاطمی، صفحات ۱۷۰ و ۱۷۱ ؛ و "آموزش عقاید، ج۲، از آقای غرویان ، ص۳۹۶

دلایل وجود حضرت مهدی (ع) چیست و آیا آیه ای درباره حضرت مهدی (ع) وجود دارد؟

پرسش

دلایل وجود حضرت مهدی (ع) چیست و آیا آیه ای درباره حضرت مهدی (ع) وجود دارد؟

پاسخ

آیات مربوط به حضرت مهدی(عج) در قران مجید فراوان است که از بین آنها به ذکر دو آیه اکتفا می شود.

آیه اول: ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون ان فی هذالبلاغا لقوم عابدین به تحقیق در زبور از پس تورات نوشتیم که مسلما زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد، به یقین در این سخن پیام رسایی است برای قومی که بندگان خدایند{M، (انبیا، آیه ۱۰۵).

آیه شریفه از سرنوشت نهایی زمین خبر می دهد که بندگان صالح، آن را به ارث خواهند برد. قابل تأمل در آیه بالا این است که در تورات حضرت موسی و زبور حضرت داوود از این حکومت یاد شده است، در حالی که این دو پیامبر الهی خودشان از انبیایی بوده اند که حکومت داشتند؛ با این حال به آنها خبر از حکومت صالحان بر روی زمین داده شده است (آن هم با این همه تأکید). مطلب یاد شده، این حقیقت را روشن می کند که این وعده الهی، حکومتدیگری است و آن حکومت بر کل زمین می باشد. کلمه الارض هم اشاره به همین معنا دارد. گفتنی است که برای همین در کتاب این دو پیامبر، وعده تحقق حکومت جهانی داده شده است و چنین حکومتی تا این زمان نبوده و مخصوص به زمان ظهور امام زمان(عج) است. اختصاص ذکر این وعده جهانی در تورات و زبور (از میان کتاب های آسمانی دیگر)، ظاهرا به جهت تجربه حکومت مؤمنان بر بخشی از زمین در زمان حضرت موسی و داوود

بودهاست.

آیه دوم: وعـدالله الـذین آمنوا منکم و عملوا الصالحـات لیسـتخلفنهم فی الارض کما اسـتخلف الـذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضـی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشـرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند و صالحات را انجام دادند، وعده فرمود که آنان را قطعا در زمین به خلافت خواهد گمارد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودنـدبه خلافت گمارد و قطعا برایشان دینشان را مسـتقر خواهد نمود؛ دینی که آن را برایشان پذیرفت و قطعا آنان را از پس خوفشان به حالت امنیت، دگرگون می کند، به جهت آن که مرا عبادت کنند [و] چیزی را با من شریک نگردانند و هر که بعد از آن کفر ورزد پس قطعا آنان فاسقانند{M، (نور، آیه ۵۵).

در این آیه شـریفه، خداوند وعده اسـتقرار حکومت الهی بر روی زمین را به مسـلمانان می دهد؛ حکومتی که در سایه آن هیچ گونه ترسـی نیست و در آن عبادت خداونـد بـدون شـرک انجام می شود؛ یعنی، حکومتی صـد در صـد اسـلامی که در آن از شرک و نفاق اثری نیست. کاملاً روشن است که حکومتی با این خصوصـیات، تا به حال نبوده و تنها حضـرت حجت است که حکومت جهانی خواهد داشت و دنیا را پر از عدل و داد نموده و ریشه کفر و نفاق راخواهد کند.

تشبیه این حکومت به حکومت پیامبران گذشـته، در نوع حکومت (یعنی الهی بودن آن) است؛ نه در خصوصـیات آن از جهت جهانی بودن و برچیده شدن کفر و شرک از سراسر جهان.

اما دلایل وجود حضرت مهدی غیر

از دلیل عقل که حکم می کند به این که در هر زمان باید حجتی زنده از طرف خداوند بر مردم باشد، روایات متواتر و فراوانی هست که از شیعه و سنی نقل شده است. حتی چند نفر از علمای اهل سنت کتاب هایی در مورد حضرت مهدی و اثبات وجود آن حضرت و این که خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و... نوشته اند.

برای مطالعه بیشتر ر.ك: صفه المهدی، حافظ ابی نعیم اصفهانی والعرف الوردی فی اخبار المهدی، سیوطی.

اطلاعاتی به صورت آماری از روایات در مورد امام زمان(عج) - که از کتب شیعه و سنی استخراج شده است - برای شما ذکر می شود:

۱- روایات بشارت به ظهور حضرت مهدی(عج) ۶۷۵ مورد

۲- روایاتی که می رساند از اهل بیت پیامبر(ص) است ۳۸۹ مورد

۳- روایاتی که دلالت می کند از اولاد علی(ع) است ۲۱۴ مورد

۴- روایاتی که دلالت می کند از اولاد فاطمه(س) است ۱۹۲ مورد

۵- روایاتی که دلالت می کند نهمین فرزند امام حسین(ع) است ۱۴۸ مورد

۶- روایاتی که دلالت می کند از اولاد امام زین العابدین(ع) است ۱۸۵ مورد

۷- روایاتی که دلالت می کند از اولاد امام حسن عسکری(ع) است ۱۴۷ مورد

۸- روایاتی که دلالت می کند زمین را پر از عدل و داد می کند ۱۳۲ مورد

۹- روایاتی که دلالت می کند عمر حضرت طولانی است ۳۱۸ مورد

۱۰- روایاتی که دلالت می کند حکومت حضرت جهانی است ۴۷ مورد

۱۱- روایاتی که دلالت می کند امام دوازدهمین است ۱۳۶ مورد

در پایان روایتی از یکی از کتاب های معتبر اهل سنت ذکر می شود. رسول خدا(ص) می فرماید: «اگر از زمانه و روزگار باقی نماند مگر یک روز، خداوند مبعوث خواهد کرد مردی از اهل بیت مرا

که زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده بود»، (مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۹۹ – ج ۳، ص ۱۷ و ۷۰).

سایر موارد

وعده ی ظهور امام مهدی(ع) حقیقت دارد یا فقط برای امید آفرینی است؟

پرسش

وعده ی ظهور امام مهدی(ع) حقیقت دارد یا فقط برای امید آفرینی است؟

پاسخ

"موعود" و "داستان مصلح" در آخرالزمان، اصلی اساسی است. پیشینیان پیوسته آن را به یادها آورده اند. اکنون نیز پس از ظهور قرن ها در یادگارهای انسانهای قدیم آثاری هست که به ظهور مصلح کل بشارت می دهد. در کتاب ها و اثار زردشت درباره آخرالزمان و ظهور موعود مطالب بسیاری آمده است.

در آیین های هندوان و کتاب های آنان نیز سخن از نجات دهنده و "موعود" آمده است. از جمله در کتاب "مهابهاراتا" در این باره گفته اند: همه ادیان معتقدند که در پایان هر دوره ای از تاریخ بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می رود... و نمی تواند به خودی خود این سیرنزولی خاتمه یابد. پس ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلند پایه که از مبدأ و الحام سرچشمه می گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد. در این مورد تعالیم هر دینی به صورت رمزی به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آیین های دیگر هماهنگی کامل دارد".(۱)

در دین بودایی هم مسئله انتظار مطرح است. در آثار دینی یهود و اسفار تورات و دیگر کتاب های انبیا همواره به "موعود" اشاره شده است. در آیین مسیحیت و کتاب های مقدس این آیین هم بشارت های بیشتر و روشن تری درباره موعود آخرالزمان رسیده است.

به دلیل همین حضور و بشارت ها در فرهنگ های گوناگون و در عقاید و کتاب های امت ها و ملت ها در یکی از زیارت های حضرت امام زمان (ع) آمده است: "السلام

علی مهدی الأم؛ سلام بر مهدی که امت ها از او سخن گفته اند".(۲)

پس مسئله ظهور منجی عالم بشریت از روزگاران بس قدیم، از سده های پیش از ظهور اسلام مطرح بوده است و در کتاب های پیامبران و نوشته ها و آثار گوناگون بر جای مانده از حکیمان و فرزانگان پیشین به ظهور منجی بزرگ جهانی در آخرالزمان تصریح اشاره شده است.(۳)

مسئله "مصلح کل" و ظهور حضرت امام عصر از مسلمات و قطعیات دین اسلام است و قضای حتمی پروردگار می باشد. همه فرقه های اسلامی معتقدند در آخرالزمان که تاریکی های ظلم و ستم جهان را فرا گرفته باشد، مردی از نسل حضرت علی و فاطمه علیهماالسلام ظهور می کند و عدالت جهانی را میان جهانیان می گستراند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: "اگر از عمر جهان یک روز باقی نماند، خداوند همان یک روز را چنان دراز کند تا مردی از اهل بیت من بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند".(۴) مسئله مهدی و ظهور حضرتش منحصر به مذهب شیعه نیست، بلکه همه مذاهب اسلامی احادیث نبوی در این مورد را به حد تواتر نقل کرده و کتاب های فراوان در این موضوع نوشته اند. پس عقید ه به حضرت امام زمان علیه السلام یک اعتقاد مسلم و یقینی است و ظهور حضرت واقعیت است، نه صرف امید دادن. حضرت مهدی در ۲۵۵ هجری در سامرا متولد شد و هم اکنون همه ما به برکت وجود نازنین و پر فیض آن بزرگوار از نعمات الهی بهره مند می شویم. هر وقت خدا مصلحت بداند و

مردم جهان شایستگی و رشد و آمادگی داشته باشند، ظهور محقق خواهد شد. این که گفتیم شایستگی مردم بدین جهت است که خداوند یازده امام به مردم معرفی کرد و مردم همه آنان را به شهادت رساندند و وقتی بر خودشان هم ثابت شد که لیاقت زندگی در حضور معصوم را ندارند، خدا امام دوازدهم را از دیده ه ها پنهان کرد تا هنگامی که مصلحت بداند. از این جا معلوم می شود که غیبت امام علیه السلام با عدالت الهی منافات ندارد، زیرا خدا امام را خلق و برای مردم معرفی فرمود، ولی مردم با کشتن یازده امام منع فیض نمودند. اگر امام دوازدهم غایب نمی گشت، به سرنوشت امامان گذشته گرفتار می شد.

پی نوشت ها :

۱ – معارف اسلامی در جهان معاصر، ص ۲۴۵.

۲ – مفاتیح الجنان ، ص ۱۰۴۰ (زیارت صاحب الأمر (ع).

۳ – خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی ، ص ۶۶ و ۹۶.

۴ – لطف الله صافی، منتخب الأثر ، ص ۱۹۲ ، حدیث ۴.

آیا حقیقت دارد که امام زمان(ع) به دنیا نیامده و زمانی به دنیا می آید که ظهور کند؟

پرسش

آیا حقیقت دارد که امام زمان(ع) به دنیا نیامده و زمانی به دنیا می آید که ظهور کند؟

پاسخ

می توان در خصوص ولادت و یا عدم ولادت امام زمان(ع) در دو حوزه تفکر سنّی و شیعی بحث کرد اهل سنت در خصوص ولادت و عدم ولادت امام زمان(ع) دو مبنا دارند: برخی عقیده دارند که جهان نیاز به مصلح دارد که پیامبر(ص) برخی از ویژگی های او را بیان کرده، ولی این مصلح هنوز متولد نشده است.[۱۱] برخی ازدانشمندان اهل سنت باور دارند که مصلح جهان متولد شده است،[۱۲] پس اگر مقصود از مصلح جهان، امام زمان(ع) باشد، روی مبنای برخی از اهل سنت متولد شده است.

شیعیان بر این عقیده هستند که امام زمان(ع) به دنیا آمده است. از این رو تاریخ ولادت[۱۳] و نحوه ولادت امام زمان(ع) را نیز بیان کرده اند.[۱۴]

از سوی دیگر در روایات برای امام زمان(ع) دو غیبت صغری و غیبت کبری بیان شده،[۱۵] همچنین در برخی متون نحوه انتفاع مردم از وجود مقدس امام زمان(ع) بیان شده و وجود مقدس امام زمان(ع) به خورشید تشبیه شده است؛[۱۶] یعنی همان گونه که خورشید در پشت ابر به مردم نفع می رساند، امام زمان(ع) در غیبت نیز به هدایت و ارشاد مردم پرداخته و مردم به

شکل های مختلف از حضرت بهره مند می شوند. در برخی روایات تصریح شده است که زمین از حجت خدا خالی نیست[۱۷] و بعد از شهادت ائمه(ع) امام زمان(ع) تنها حجت خداوند بر مردم است.

نکته قابل دقت آن است که در زمان غیبت صغری نواب اربعه امام زمان(ع) به وظایف خود عمل نموده و مردم از

طریق آن ها با امام ارتباط بر قرار می کنند و در زمان غیب کبری فقیهان واجد شرایط به عنوان نایب عام انجام وظیفه می کنند. بزرگان در خصوص مکان امام زمان و ازدواج یا عدم ازدواج[۱۸] امام زمان(ع) بحث کرده اند.[۱۹]

طبیعی است همه این مباحث فرع بر آن است که امام زمان(ع) متولد شده باشد.

در تفکر شیعی تولد امام زمان قبل از ظهور تردیدی ندارد.

[۱۱] شرح نهج البلاغه ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۹۶.

[۱۲] ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۷۳؛ الفصول المهمه، ص ۳۱۰، ینابیع الموده ،ج ۲، ص ۳۶.

[۱۳] ارشاد، ص ۳۴۶؛ روضه الواعظین، ۲۹۲؛ اعلام الوری، ص ۴۱۸؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۳۹.

[۱۴] صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۹۷.

[۱۵] همان، ص ۳۱۲، کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۶۲.

[۱۶] بحارالانوار ج ۵۲، ص ۹۲.

[۱۷] همان.

[۱۸] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع) از ص ۵۰ به بعد.

[۱۹] همان، ص ۴۶.

آیا واقعاً امام زمان (عج) وجود دارد؟(پ)

پرسش

آیا واقعاً امام زمان (عج) وجود دارد؟(پ)

پاسخ(قسمت اول)

عقیده به مهدویت، از امور مسلّم و قطعی تاریخ و کلام اسلامی است. مسلمانان اعم از شیعه و سنی به "مهدی موعود" باور دارند. نقطه اصطکاک شیعه و سنی در "مهدویت" تولد حضرت است.

اکثر عالِمان اهل سنت بر این باورند که "مهدی موعود" هنوز متولد نشده است، لیکن همه شیعیان امامیه می گویند: مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری(ع) است و در سامراء در سال ۲۵۵ هجری متولد شده است و در پس پرده غیبت زندگی می

کند و روزی به امر خداوند ظهور خواهد کرد. این سخن را افزون بر شیعیان، بسیاری از دانشمندان نامدار اهل سنت پذیرفته اند و در کتاب هایشان متذکر شده اند، مانند محمد بن طلحه شافعی در مطالب السؤل؛ ابن صباغ مالکی در الفصول المهمه؛ ابن حجر شافعی در الصواعق المحرقه؛ و ابن خلکان در وفیات الاعیان.

برخی از پژوهشگران بیش از صد نفر از دانشمندان اهل سنت را نام برده اند که در تألیفاتشان ولادت امام مهدی(عج) را متذکر شده اند.[۱۶]

به طور کلی همه قبول دارند که مهدی موعودی خواهد آمد و جهان را از عدل پر می کند. محل بحث در مهدویت خاصه است؛ یعنی آن مهدی موعود، فرزند امام حسن عسکری(ع) که متولد شده است.

سخنی در این زمینه:

دلایل ولادت و امامت امام مهدی(عج):

بعد از بیان مبانی مهدویت خاصه، به اصل بحث بر می گردیم و آن این است که از چه راهی و چگونه می توان وجود امام مهدی(عج) را اثبات نمود؟

همان گونه که بیان شد، مسلمانان جملگی مهدویت عامه را پذیرفته اند.

تنها سخن در مهدویت خاصه است. مهدویت

خاصه از جمله باورهای شیعه امامیه است و گروهی از عالمان اهل سنت همانند حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی نیز آن را پذیرفته اند.[۱۷]

مهدویت خاصه یک مشکل دارد و آن این است که به جهت رعایت تقیه، تولد حضرت مهدی(عج) آشکار نشد و حضرت از ولادت مانند موسی بن عمران در خفا و دور از دیدگان عموم زندگی کرد. این امر موجب شد که بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع) شک و حیرت بی سابقه ای بین شیعیان باشد؛ این وضع به قدری خطرناک بود که حتی برخی از پیروان امام حسن عسکری(ع) در امامت آن حضرت شک و تردید روا داشتند، چرا که طبق پیش گویی های امامان(ع) می بایست امام حسن عسکری(ع) پسری می داشت تا او وارث امامت و هادی امت و مهدی موعود و منتظر گردد.

اختفای ولادت امام مهدی(عج) سبب شد که به نوشته مسعودی، پیروان امام حسن عسکری(ع) بعد از شهادت حضرت، به بیست فرقه منشعب شدند.[۱۸]

برای اولین بار شیعیان با چنین بحرانی رو به رو شدند ستم حاکمان اجازه نمی داد ولادت امام دوازدهم برای همگان آشکار شود، بلکه به ناچار باید در خفا بماند، چون خوف از کشته شدن حضرت وجود داشت. از سوی دیگر شناخته نشدن امام دوازدهم، به تزلزل اعتقادی شیعیان منجر می شد.

این مشکل با اقدامات، معجزات، کرامت ها و شواهد، درکم ترین زمان زدوده شد و تمامی پیروان امام حسن عسکری(ع) ولادت امام مهدی(عج) را پذیرفتند.

چگونه این امر محقق شد؟

برای تحقق این امر، پیامبر(ص) و امامان(ع) از پیش برنامه ریزی کردند و با راهکارهای مناسب ارائه شده، تمامی شیعیان به ولادت و امامت امام غایب

معتقد شدند. راهکارها بدین شرح است:

۱ پیش گویی امامان پیشین:

پیامبر اسلام(ص) و هر یک از امامان پیشین درباره امام مهدی(عج) ویژگی های حضرت، رهنمودهایی به شیعیان داده و از پیش زمینه سازی کرده بودند که شیعیان بدانند از امام حسن عسکری(ع) پسری متولد خواهد شد اما ولادتش به جهت وضع

دشوار سیاسی، در خفا صورت می گیرد.

- امام سجاد (ع) فرمود: "القائم منایخفی علی النّاس ولادته حتی یقولوا لم یولد بعد؛[۱۹] قائم ما [مهدی موعود] ولادتش بر مردم مخفی است؛ این موجب می شود که [برخی] بگویند: او هنوز متولد نشده است.

- عبدالله بن عطا گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: شیعیان شما در عراق بسیارند، تا کنون سابقه نداشته که فردی از شما اهل اللبیت این اندازه پیرو داشته باشد [،خوب است که شما دست به شمشیر ببری و قیام کنی]. حضرت فرمود: "انظروا من تحفی علی النّاس ولادته فهو صاحبکم؛[۲۰] آن مهدی موعود و قائم منتظر من نیستم. بنگرید آن کسی که ولادتش بر مردم مخفی است. او صاحب الأمر و مهدی موعود است".

- امام صادق(ع) فرمود: "صاحب هذاالامر تخفی ولادته عن هذاالخلق؛[۲۱] ولادت مهدی بر مردم پوشیده است".

- ایوب بن نوح به امام هشتم(ع) عرضه می دارد: امیدوارم که صاحب الامر و مهدی موعود شما باشید. حضرت در پاسخ می فرماید: "نه آن مهدی موعود من نیستم؛ او یکی از فرزندان من است که ولادتش مخفی است".[۲۲]

- عبدالعظیم حسنی گوید: به امام جواد(ع) عرض کردم: امیدوارم که آن مهدی موعودی که جهان را پر از عدل و داد می کند، شما باشید. حضرت فرمود: "همه ما قائم به امر خدا هستیم و همه ما هادی

و راهنمای دین خدا هستیم، لیکن آن قائم و مهدی موعودی که جهان را پر از عدل خواهد کرد، ولادتش مخفی است. وجودش از مردم غایب است. او همنام و هم کنیه رسول خدا است".[۲۳]

۲ بشارت امام حسن عسکری(ع):

امام عسکری(ع) قبل از ولادت فرزندش امام مهدی(عج) از ولادت حضرت خبر داده بود، از جمله به عمه اش "حکیمه خاتون" فرمود: "در شب پانزدهم شعبان فرزندم مهدی از نرگس خاتون متولد می شود".[۲۴]

احمد بن اسحاق می گوید: از امام ابو محمد حسن عسکری(ع) شنیدم که فرمود: "حمد و سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا این که جانشین من و مهدی موعود را به من نشان داد. او از حیث ویژگی های جسمانی و اخلاقی و رفتاری شبیه ترین انسان ها به پیامبر خدا(ص) است. خدا مدتی وی را در حالت غیبت نگهداری می کند و سپس ظاهر می شود و جهان را از عدل و داد پر می کند".[۲۵]

نیز حضرت عسکری(ع) بعد از ولادت فرزندش، خواص و نزدیکان را از تولد امام مهدی(عج) آگاه نمود.

محمد بن علی بن حمزه گوید: از امام عسکری(ع) شنیدم :"حجت خدا بر بندگان و امام و جانشین من در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ در هنگامه طلوع فجر متولد شد".[۲۶]

احمد بن حسن بن اسحاق قمی می گوید: وقتی که امام مهدی(عج) متولد شد، نامه ای از امام عسکری(ع) به من رسید که حضرت مرقوم فرموده بود: فرزندی برایم متولد شده است. این موضوع را مخفی بدار، زیرا جز برای دوستان و نزدیکان ما آن را اظهار نخواهم کرد".[۲۷]

ابراهیم بن ادریس می گوید: امام ابو محمد عسکری(ع) گوسفندی را برای من فرستاد و فرمود:

"این را به جهت ولادت فرزندم "مهدی" عقیقه کن و به خود و خانواده ات بخوران".[۲۸]

۳ نشان دادن فرزند به خواص:

امام عسکری(ع) افزون بر این که قبل از ولادت امام مهدی بشارت داد و بعد از تولد به خواص خبر داد که مهدی موعود ولادت یافته است، گام دیگری برداشت، و آن این بود که برای افزایش ایمان و اطمینان شیعیان، فرزندش امام مهدی را به تعدادی نشان داد.

احمد بن اسحاق می گوید: امام عسکری(ع) کودک سه ساله ای را به من نشان داد و فرمود: ای احمد، اگر تو نزد خدا و امامان گرامی نبودی، فرزندم را به تو نشان نمی دادم. بدان که این کودک همنام و هم کنیه رسول خدا است و همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.[۲۹]

معاویه بن حکیم، محمد بن ایوب و محمد بن عثمان بن سعید عمری می گویند: ما یک گروه چهل نفره در خانه امام حسن عسکری(ع) جمع شده بودیم، حضرت فرزندش امام مهدی را به ما نشان داد و فرمود: "این امام شما و جانشین من است".[۳۰]

علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب می گویند: ما تعدادی از شیعیان در خانه امام حسن عسکری(ع) تجمع نمودیم. و از حضرت درباره جانشین وی پرسش نمودیم، پس از ساعتی حضرت کودکی را به ما نشان داد و گفت: "بعد از من این امام شما است".[۳۱]

عمر اهوازی می گوید: امام حسن عسکری(ع) فرزندش را به من نشان داد و فرمود: "بعد از من این فرزندم امام شما است". [۳۲]

ابراهیم بن محمد گوید: در خانه

عسکری کودک زیبایی رادیدم، از حضرت پرسیدم: یا ابن رسول الله، این کودک کیست؟ حضرت فرمود: "این کودک من است. این جانشین من است".[۳۳]

یعقوب بن منفوس می گوید: خدمت امام عسکری(ع) رسیدم و از حضرت درباره امام بعدی و صاحب الامر جویا شدم. حضرت فرمود: پرده را کنار بزرن؛ کنار زدم، در این هنگام کودک پنج ساله ای را دیدم که به سوی ما می آید. آمد و روی زانوی حضرت عسکری(ع) نشست. حضرت فرمود: "این امام شما است".[۳۴]

۴ تبیین خواص:

بعد از زمینه سازی ها و بشارت های امام عسکری(ع)، نیز نشان دادن فرزندش، مهدی، اینک نوبت خواص است که اقدام نمایند و وجود امام مهدی را به اطلاع دیگر شیعیان برسانند تا آنان را از شک و حیرت نجات دهند.

افرادی همانند حکیمه خاتون، دختر محمد بن علی بن موسی الرضا(ع)، عثمان بن سعید عمری، حسن بن حسین علوی، عبدالله بن عباس علوی، حسن بن منذر، حمزه بن ابی الفتح، محمد بن عثمان بن سعید عمری، معاویه بن حکیم، محمد بن معاویه بن حکیم، محمد بن ایوب بن نوح، حسن بن ایوب بن نوح، علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، یعقوب بن منفوس، عمر اهوازی، خادم فارسی، ابوعلی بن مطهر، ابی نصر طریف خادم، کامل بن ابراهیم، احمد بن اسحاق، عبدالله مستوری، عبدالله جعفر حمیری، علی بن ابراهیم مهزیار، ابوغانم خادم، کوشیدند و ولادت امام مهدی(عج) را به اطلاع شیعیان رساندند.

حکیمه خاتون می گوید: امام حسن عسکری(ع) کسی را دنبال من فرستاد که امشب (شب نیمه شعبان) برای افطار نزد من بیا، چون خداوند امشب حجت خود را آشکار می کند.

پرسیدم: این مولود از چه کسی است؟ فرمود: از نرجس. گفتم: در نرجس اثر حمل مشاهده نمی شود. فرمود: موضوع همین است که گفتم. من در حالی که نشسته بودم، نرجس آمد و کفش مرا از پایم در آورد و فرمود: بانوی من، حالت چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و خانواده ام هستی. او از سخن من تعجب کرد و ناراحت شد و فرمود: این چه سخنی است؟ گفتم: خداوند در این شب به تو فرزندی عنایت می کند که سرور دنیا و آخرت است. نرجس از سخن من خجالت کشید. سپس بعد از افطار نماز عشا را به جا آوردم و به بستر رفتم. بعد از نیمه شب برخاستم و نماز شب خواندم. بعد از تعقیب نماز به خواب رفتم و دوباره بیدار شدم، دیدم نرجس نیز بیدار شد و نماز شب به جا آورد. از اتاق بیرون رفتم تا از طلوع فجر با خبر شوم. دیدم فجر اوّل طلوع کرده و نرجس در خواب است. در این هنگام این سؤال به ذهنم خطور کرد که چرا حجت خدا متولد نشد. ناگهان امام عسکری(ع) از اطاق مجاور صدا زد: عمّه جان، شتاب مکن که موعد نزدیک است. من نشستم و قرآن خواندم. در هنگامی که مشغول خواندن قرآن بودم، ناگهان نرجس خاتون با ناراحتی از خواب بیدار شد. من با شتاب خودم را به او رساندم و پرسیدم: چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری. گفتم: نام خدا را بر زبان جاری کن، این همان است که در آغاز شب به تو خبر دادم، مضطرب نباش، دلت را آرام کن. در این هنگام پرده

نوری میان من و او حائل شـد، ناگهان متوجه شدم که کودک ولادت یافته است. چون جامه را از روی نرجس برداشـتم، دیدم که آن مولود سر به سجده گذاشته و به ذکر خدا مشغول است.

در این هنگام امام حسن عسکری(ع) صدا زد: عمه! فرزندم را نزد من بیاور.

نوزاد را خدمت حضـرت بردم، حضـرت او را در آغوش گرفت و بر دست و چشم و مفاصل کودک دست کشـید و در گوش راست اذان و در گوش چپ اقامه گفت: و فرمود: فرزندم، سخن بگو. نوزاد لب به سخن گشود و شهادتین بر زبان جاری کرد و سـپس به امـام علی(ع) و دیگر امامان(ع) به ترتیب درود فرسـتاد تا رسـید به نام پـدرش و بر او هم درود فرسـتاد. سـپس امام عسـکری(ع) به من فرمود: عمه، فرزنـد را نزد مادر ببر تا به او سـلام کند و بعد نزد من بیاورد. نوزاد را نزد مادر بردم و به مادر سلام گفت، و سـپس نزد حضـرت برگرداندم. حضرت فرمود: روز هفتم نزد ما بیا، روز هفتم آمدم. حضرت فرمود: عمه جان، فرزنـدم را بیاور، آوردم. همانند روز اوّل شـهادتین و سـلام بر امامان را بر زبان جاری کرد. سـپس این آیه را تلاوت نمود: "و نرید أن نمنّ علی الّذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین".

پاسخ(قسمت دوم)

حکیمه خاتون می گویـد: بعـد از این روزی خـدمت رسـیدم. پرده را کنار زدم و امام مهدی را ندیدم، گفتم: فدایت شوم امام مهدی چه شد؟ فرمود: عمه جان، او همانند حضرت موسی(ع) در خفا نگهداری می شود.[۳۵]

۵ کرامت ها و شواهد زنده:

بعد از شهادت امام عسکری(ع)، امام مهدی

(عـج) از طریـق نشـان دادن کرامت هـا و شواهـد صـدق معجزه یـا شبـه معجزه) وجـود و امـامت خـویش را برای شـیعیان امـام عسکری(ع) نمایاند و حجت را بر آنان تمام کرد.

در آغاز غیبت صـغری، سازمان مخفی وکالت که از زمان امام صادق(ع) برای چنین دوره ای پایه ریزی شده بود، از مهم ترین وظایفش این بود که شكك و حیرت شـیعیان را بزداید و آنان را به امام غایب و نیابت نواب اربعه مطمئن نماید. نائبان و وکیلان حضرت با ارائه شواهد صدق، کرامت ها و علوم برتر اعطایی از ناحیه مقدسه به این امر اقدام نمودند.

کرامت ها و شواهد صدق در برخی موارد مستقیماً توسط امام مهدی(عج) و در برخی موارد با واسطه سفیران به شیعیان عرض می شد. تا شیعیان افزون بر این که به وجود امام مهدی(ع) ایمان داشته باشند، به نیابت نواب اربعه نیز مطمئن شوند. نشان دادن کرامت ها و شواهد صدق عمدتاً در زمان سـفارت اولین سـفیر ناحیه مقدسه، عثمان بن سـعید عمری صورت گرفت، چون که در این دوره هنوز شیعیان در حیرت بودند و به وجود امام مهدی (عج) پی نبرده بودند.

سید بن طاووس می نویسد: "امام زمان(ع) را بسـیاری از اصـحاب پسـرش امام حسن عسـکری(ع) دیده و از وی اخبار واحکام شرعی روایت کرده انـد. از این گذشـته حضـرت وکیـل هـایی داشت که اسم، نسب و وطن آنـان معلوم بود و آنـان معجزات، کرامات، جواب مسائل مشـکل و بسـیاری از اخبار غیبی را که حضـرت از جـدش پیامبر(ص) روایت کرده بود، نقل کرده انـد. [۳۶]

نمونه ها:

در این جا به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم:

۱ روایت سعد بن عبدالله

اشعری قمی: وی می گوید: "حسن بن نضر" که در میان شیعیان قم جایگاه ویژه ای داشت، بعد از رحلت امام عسکری(ع) در حیرت بود. او و "ابوصدام" و عده ای دیگر تصمیم گرفتند که از امام بعدی جویا شوند. حسن بن نضر نزد ابو صدام رفت و گفت: امسال می خواهم به حج بروم. ابو صدام از او خواست که این سفر را به تعویق اندازد، ولی حسن بن نضر گفت: نه، من خوابی دیده ام و بیمناکم.

بنابراین باید بروم. قبل از حرکت به احمد بن یعلی بن حماد درباره اموال متعلق به (امام) وصیت کرد که این اموال را نگه دارد تا این که جانشین امام عسکری(ع) مشخص شود. به بغداد رفت و در آن جا از سوی ناحیه مقدسه توقیعی به دستش رسید و به امامت امام مهدی(عج) نیز به وکالت خاصه عثمان بن سعید عمری مطمئن شد.[۳۷]

۲ روایت محمد بن ابراهیم بن مهزیار: می گوید پس از وفات امام حسن عسکری(ع) در مورد جانشین آن حضرت به شک افتادم. پدرم وکیل حضرت بود و اموال زیادی نزدش بود. پدرم اموال را برداشت و من را به همراهی طلبید و به راه افتادیم، پدرم بین راه مریض شد و به من در مورد اموال وصیت نمود و گفت: از خدا بترس و این اموال را به صاحبش برگردان هر که این نشانه را گفت، اموال را به او بسپار. سپس وفات کرد.

چند روزی در عراق ماندم، سپس نامه ای از سوی عثمان بن سعید به من رسید که در آن نامه همه علائم و نشانه های اموال بیان شده بود، نشانه هایی که جز

من و پدرم کسی آن را نمی دانست.[۳۸]

محمد بن ابراهیم بن مهزیار با این کرامت و شاهد صدق هم به امامت امام مهدی وهم به نیابت عثمان بن سعید مطمئن شد.

۳ روایت احمد دینوری سراج: می گوید: یکی دو سال بعد از درگذشت امام حسن عسکری(ع) به قصد حج از اردبیل حرکت کردم و به دینور رسیدم، مردم در خصوص جانشین امام عسکری(ع) متحیر بودند، اهل دینور از آمدن من خشنود شدند. شیعیان آن جا سیزده هزار دینا سهم امام، به من دادند که به سامرا ببرم و به جانشین حضرت بسپارم. گفتم: هنوز جانشین حضرت حتی برای خودم روشن نیست. گفتند: تو مورد اعتماد ما هستی. هر وقت جانشین حضرت را پیدا کردی، به او بده. سیزده هزار دینار را گرفتم و با خود بردم. در کرمانشاه با احمد بن حسن بن حسن ملاقات کردم، او هم هزار دینار و چند بقچه پارچه به من داد تا به "ناحیه مقدسه" برسانم. در بغداد در پی نایب حضرت می گشتم. به من گفتند که سه نفر مدعی نیابت هستند. یکی باقطانی است. رفتم نزدش و امتحانش کردم و از او شاهد صدق خواستم، چیزی نداشت که مرا قانع کند. سپس رفتم نزد دومی به نام اسحاق احمر، او را هم به حق نیافتم. رفتم نزد سومی، ابوجعفر یا عثمان بن سعید عمری، بعد از احوال پرسی به او گفتم: اموالی از مردم نزد من است و باید به جانشین امام عسکری(ع) تحویل دهم. در حیرتم و نمی دانم چه کنم. او گفت: برو در سامرا به خانه ابن الرضا (امام حسن عسکری(ع)) در آن جا وکیل

امام را خواهی یافت. به سامرا رفتم و در خانه حضرت سراغ وکیل امام را گرفتم. دربان گفت: منتظر باش، الآن بیرون می آید. لحظه ای بعد فردی آمد و دست مرا گرفت و درون خانه برد. بعد از احوال پرسی به او گفتم: مقداری اموال از ناحیه جبل آوردم و به دنبال دلیل هستم. ناچارم از هر کس دلیلی برای اثبات نیابت وی یافتم، اموال را به او تسلیم کنم. در این وقت برای من غذا آوردند، گفت غذایت را بخور و کمی استراحت کن، سپس به کار تو رسیدگی می شود. بعد از گذشت پاسی از شب آن مرد نامه ای به من داد که در آن آمده بود: احمد بن محمد دینوری آمده و این مقدار پول و کیسه و بقچه آورده و درون آن کیسه این مقدار پول در آن است، و تمامی جزئیات را بیان داشت. از جمله نوشته بود: در کیسه پسر فلان شخص زره ساز شانزده دینار است. از کرمانشاه نیز یک کیسه از فلان شخص است، و فلان بقچه از احمد بن حسن مادرانی است که برادرش پشم فروش است و ... با این نامه شک و تردیدم بر طرف شد و مشخص شد که عثمان بن سعید عمری نایب حضرت است. حضرت در این نامه به من دستور داد که اموال را به بغداد ببرم و نزد همان فردی که با او ملاقات داشتم، تحویل دهم. [۳۹]

۴ روایت محمد بن علی اسود: وی می گوید: در آغاز غیبت صغری پیرزنی پارچه ای به من داد و گفت آن را به ناحیه مقدسه برسان. من آن را با پارچه های

بسیاری دیگر همراه خود آوردم. چون به بغداد رسیدم و نزد عثمان بن سعید رفتم، وی گفت: همه اموال را به محمد بن عباس قمی بده. من همه را به او سپردم، جز پارچه پیر زن را. پس از آن عثمان بن سعید از ناحیه مقدسه این پیغام را فرستاد که پارچه پیرزن را نیز به وی تسلیم کن... .[۴۰]

۵ روایت اسحاق بن یعقوب: می گوید: از عثمان بن سعید شنیدم که می گفت: مردی از اهل عراق نزد من آمد و مالی را برای امام(ع) آورد، حضرت آن را پس داد و فرمود حق پسر عمویت را که چهارصد درهم است، از آن بپرداز! آن مرد مبهوت و متعجّب شد و حساب اموال خود را بررسی کرد و معلوم شد که پسر عمویش چهارصد درهم از او طلب دارد.

آن را برگرداند، سپس مبلغ باقی مانده را تسلیم حضرت نمود و حضرت پذیرفت.[۴۱]

۶ روایت محمد بن علی بن شازان: می گوید: اموالی از مردم نزد من جمع شده بود، برای این که به ناحیه مقدسه برسانم، دیدم بیست درهم کمتر از پانصد درهم است. این مقدار را افزودم و با نامه برای عثمان بن سعید نائب امام مهدی(ع) فرستادم. چیزی هم در این نامه قید نکرده بودم، وی در پاسخ نوشت: پانصد درهم رسید. بیست درهم از آن مال تو بود.[۴۲]

با این خبرهای برتر، کرامت ها و شواهد صدقی که در آغاز غیبت صغری ارائه شد، شیعیان امام حسن عسکری(ع) تماماً به امامت امام مهدی(ع) و نیابت عثمان بن سعید پی بردند.

شک و حیرت شیعیان در امر امامت که ناشی از خفای ولادت و غیبت امام مهدی

(عج) بود، با تلاش های خالصانه کارگزاران حضرت در سازمان مخفی وکالت، در چند ساله آغازین دوره غیبت صغری کاملاً برطرف شد.

شیعیان با بهره مندی از کرامت ها و علوم غیبیه حضرت مهدی(عج) به دو نکته پی بردند: یکی این که دانستند مسیر اصلی امامت ترسیم شده از زمان پیامبر(ص) و علی(ع) به درستی طی شده و امامت از امام حسن عسکری(ع) به فرزندش امام مهدی(عج) منتقل شده است و در این دوره غیبت صغری، حضرت مهدی(عج) از پشت پرده شیعیان را رهبری می کند.

دوم این که سازمان مخفی وکالت که از قبل با رهبری امامان(ع) فعالیت می کرد، اینک در دوره غیبت صغری نیز فعال است و "عثمان بن سعید عمری" از ناحیه مقدسه، مسئولیت و تولیت این سازمان را عهده دار است. بنابراین شیعیان هم به امامت امام مهدی پی بردند و هم به نیابت خاصه مطمئن شدند.

بعد از درگذشت عثمان بن سعید عمری، به دستور حضرت مهدی(ع)، پسرش محمد بن عثمان مسئولیت و تولیت آن را بر عهده گرفت، در این هنگام برخی از شیعیان، نه در وجود امام زمان(عج) بلکه در نیابت محمد بن عثمان شک کردند، که امام مهدی(عج) با در اختیار قرار دادن برخی از کرامت ها و شواهد صدق، موجب شد شیعیان به نیابت محمد بن عثمان بن سعید عمری مطمئن شدند و تنها چند نفر به جهت ریاست طلبی و هواپرستی با محمد به مخالفت برخاستند. این ها به دروغ ادعای نیابت کردند، و محمد بن عثمان با بهره گیری از کرامت ها و شواهد صدق، ادعای آنان را باطل کرد و شیعیان بیشتر به حقانیت محمد

بن عثمان پی بردند.[۴۳]

سپس در دوره نیابت حسین بن روح هم برخی از خواص با وی به مخالفت برخاستند، ولی با مشاهده کرامت، از مخالفت دست برداشتند و عذر خواهی نمودند.[۴۴]

بعد از حسین بن روح نیابت به ابوالحسن علی بن محمد سمری رسید و آخرین توقیع که در دوره غیبت صغری صادر شد، نیز کرامتی دیگر محسوب می شود. امام مهدی(عج) در نهم شعبان سال ۳۲۹ هجری توقیعی صادر می کند و به ابوالحسن علی بن محمد سمری متذکر می شود که: "تو شش روز بعد می میری. امور سازمان وکالت را سر و سامان بده و اموال مردم را برگردان بعد از این دیگر نیابت خاصه منتفی است". راوی می گوید: رفتم نزد ابوالحسن علی بن محمد سمری. او این توقیع را به من نشان داد و در روز موعود رفتم و دیدم ابوالحسن علی بن محمد سمری در حال جان دادن است.[۴۵]

این نامه دلیل دیگری است برای حقانیت شیعه و وجود امام زمان(ع).

پی نوشت ها :

[۱۶]رک: الزام الناصب، علی یزدی حائری، ج ۱، ص ۳۲۱ تا ۳۴۰؛ دادگستر جهان،ابراهیمی امینی، ص ۱۱۸ تا ۱۲۰؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۶۶۷.

[۱۷]رک: ینابیع الموده، ص ۴۴۰ به بعد.

[۱۸]مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۵۷۲.

[۱۹]منتخب الاثر، ص ۳۵۵.

[۲۰]همان.

[۲۱]همان.

[۲۲]همان.

[۲۳]همان، ص ۳۵۳ - ۳۵۴.

[۲۴]منتخب الاثر، ص ۳۹۸ و ۳۹۹.

[۲۵]بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱.

[۲۶]همان، ص ۳۹۷.

[۲۷]اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۶؛ دادگستر جهان، ص ۱۰۳.

[۲۸]بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲.

[۲۹]بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴.

[۳۰]ینابیع الموده، ص ۴۶۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶.

[۳۱]اثبات الهداه، ج ۶، ص ۳۱۱؛ دادگستر جهان ص ۱۰۷.

[۳۲]ینابیع الموده، ص ۴۶۱.

[۳۳]دادگستر جهان ص ۱۰۷.

[۳۴]بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۵.

[۳۵]ینابیع

الموده، ص ۴۴۹ و ۴۵۰.

[۳۶]الطرائف فی معرفه مذهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۸۳ ۱۸۴؛ زندگانی نواب خاصامام زمان(عج)، ص ۹۳ و ۹۴.

[۳۷]کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱۷ – ۵۱۸، ح ۴.

[۳۸]همان، ص ۵۱۸، ح ۵؛ رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۳.

[۳۹]بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۳۰۰ – ۳۰۲.

[۴۰]همان، ص ۳۳۵.

[۴۱]همان، ص ۳۲۶.

[۴۲]کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۳ و ۵۲۴.

[۴۳]ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۶ و ۳۳۶؛کمال الدین ، ص ۳۹۸.

[۴۴]ر.ک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، جاسم حسینی، ص ۱۹۷.

[۴۵]کمال الدین، ص ۵۱۶، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

آیا زمین از حجّت الهی خالی می ماند؟

پرسش

آیا زمین از حجّت الهی خالی می ماند؟

پاسخ

از مسائل مهمی که در روایات اسلامی روی ان تکیه شده این است که زمین از نماینده الهی خالی نمی شود ، در روایات فراوانی که از منابع اهل بیت (ع) به ما رسیده است ، این مضمون به طور مکرر آمده است که صفحه روی زمین از امام (یا پیامبر) یا به طور کلی حجت الهی، خالی نمی ماند، و در کتاب شریف کافی دو باب در این زمینه منعقد شده است ، در یک باب تحت عنوان «اِنَّ الاَرْضَ لاتَخْلُو مِنْ حُجَهٍ» سیزده روایت از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و امام علی بن موسی الرضا (ع) و بعضی از ائمه دیگر نقل شده ، و در باب دیگر تحت عنوان «اِنَّهُ لَوْ لَمْ یَبْقَ فِی الَارضِ رَجُلانِ اَحِدُهُما الحُجَّهُ» [اگر در روی زمین تنها دو نفر باقی بمانند یکی از آنها حجت الهی است]، و در آن پنج روایت به همین مضمون آمده است (اصول کافی ۱/۱۷۸ و ۱۷۹) که ذیلاً به بعضی از روایات هر دو باب اشاره می شود.

در یکی از این احادیث از امام صادق(ع) می خوانیم که «اِنَّ الاَرْضَ لاتَخْلُو اِلاّ وَ فیها اِمامٌ کَیْما اِنْ زادَ المُؤمِنُونَ شَیْئاً رَدَّهُمْ وَ اِنْ نَقَصُوا شَـیْئاً اَتَمَّهُ لَهُمْ» [زمین هرگز خـالی نمی شود، مگر اینکه در آن امـامی است تـا اگر مؤمنان چیزی (ناآگاهانه بر تعلیمات الهی) بیفزایند آنها را بازگرداند و اگر چیزی کم کنند آن را تکمیل نماید]. (همان مدرک حدیث ۲ و ۶ از باب اول).

باز در حدیث دیگری از همان حضرت می خوانیم «اِنَّ اللّهَ اَجَلُّ وَ اَعْظَمُ مِنْ اَنْ یَتْرُکَ الاَرْضَ بِغَیْرِ

اِمامٍ عادلٍ» [خداوند بزرگوارتر از آن است که زمین را بدون امام عادلی رها سازد] (همان مدرک حدیث ۲ و ۶ از باب اول) حتی در بعضی از این احادیث آمده است که اگر امام و حجت الهی ساعتی در زمین نباشد، زمین متزلزل می شود، و اهلش را فرو می برد. (همان مدرک حدیث ۱۱ و ۱۲ و ۱۳)

و در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می خوانیم که می فرمود «لَوْ کانَ النّاسُ رَجُلَیْنِ لَکانَ اَحدُهُما الاِمامُ» [اگر مردم (جهان)تنها دو نفر باشند یکی از آنها امام است]، و در ذیل همین حدیث آمده است

«وَ اِنَّ آخِرُ مَنْ یَمُوتُ الاِمامُ» [آخرین کسی که در جهان از دنیا می رود امام است]. (همان مدرک، حدیث ۳)

در نهج البلاغه نیز با صراحت به این معنی اشاره شده است ، در بیانات مهمی که علی (ع) به کمیل بن زیاد فرمود، چنین می گوید «اَللّهُمَ بَلی لا تَخْلُو الاَرْضُ مِنْ قائِمٍ لِلّه بِحُجَهٍ ، اِمّا ظاهِراً مَشْهوراً وَ اِمّا خائِفاً مَغْمُوراً ، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللّهِ وَ بَیناتُهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷) [آری هرگز روی زمین خالی نمی شود از کسی که با حجت الهی قیام کند، خواه ظاهر باشد و آشکار و یا ترسان و پنهان ، تا دلائل خداوند و نشانه های روشن او از میان نرود].

به این ترتیب مسأله وجود یک حجت الهی در هر عصر و زمانی در روی زمین یکی از مسائل مسلم در مکتب اهل بیت(ع) است، تا آنجا که در حدیثی از امام موسی بن جعفر(ع) می خوانیم که زمین حتی برای یک چشم بر هم زدن از حجت خدا خالی نمی شود یا ظاهر است و یا پنهان «اِنَّ

اللّهَ لایُخلِی اَرْضَهُ مَنْ حُجَّهِ طَرْفَهَ عَیْنٍ ، اِمّا ظاهِرٌ وَ اِمّا باطِن.» (بحارالانوار ۴۷/۴۱)

اگر امام زمان (عج) حضور دارند چرا به داد فقرا و بیچارگان نمی رسند؟

پرسش

اگر امام زمان (عج) حضور دارند چرا به داد فقرا و بیچارگان نمی رسند؟

پاسخ

در این که امام زمان(عج) حضور داشته و ناظر بر اعمال ما هستند و فعلاً طبق مصلحتی غایبند شکی نیست؛ اماآنچه در ذهن بعضی از ما در رابطه با فلسفه وجود آن حضرت متصور است که کار آن حضرت رسیدگی به فقیران وبیچارگان و مظلومان و شفای مریضان و ادای قرض ها می باشد، به صورت کلی صحیح نیست؛ گرچه ما منکر این نیستیم که حضرت به اذن خدا، قادر به انجام همه این کارها هستند؛ ولی بنا نیست امور عالم بر اساس کرامات ومعجزات حل شود؛ زیرا با قانون علیّت و اسباب سازگار نیست. تسلط ظالم نیز در اثر عملکرد خود مردم است و بایدعلل و عواملی را که باعث شده ستم کاران بر آنها مسلط شوند در خود آنان جست وجو کرد. آری در مواردی که مردم وظیفه خود را انجام دادند، اما نیاز به امداد غیبی نیز داشتند، خداوند عالم از طریق حضرت ولی عصر(عج) یا ازراه های دیگر مؤمنان را یاری خواهد کرد؛ چه این که شواهد تاریخی دلیل زنده ای بر این مدعا است. با مطالعه جنگ های زمان صدر اسلام، خواهید دید که قدم های اولیه را خود رسول خدا(ص) و مسلمانان بر می داشتند و به میدان مبارزه می رفتند؛ آن گاه که کار از راه عادی قابل حل نبود، امداد الهی نصیب آنان می شد. در انقلاب خودمان نیزدر ابتدا مردم با تظاهرات و تحمل شداید و زندان و شکنجه، کار را شروع کردند و وقتی خداوند دید که واقعا مردم ازظلم متنفّر شده و تشنه عدالتند، امدادهای خودش را در مقاطع مختلف

نصیب آنان کرد. در ثانی شیوه و سیره عملی امام عصر(عج) مانند سایر ائمه اطهار(ع) است؛ یعنی، همان طور که در زمان آن بزرگواران این طور نبود که مردم ستمدیده، فقیر و یا مریض فورا نزد ائمه بیایند و حل مشکل را از آنان بخواهند؛ بلکه اگر می آمدند ائمه آنها را امر به جهاد و مبارزه و یا صبر در مقابل شداید می کردند و به طور کلی امام زمان و سایر ائمه(ع) طبق برنامه تنظیم شده ازناحیه خداوند عالم عمل کرده اند و سر مویی خارج از فرمان های او و خلاف قانون علیت رفتار ننموده اند. با این حال آن بزرگواران به خصوص امام زمان(عج)، در موارد فراوانی به نیازمندان کمک کرده و از آنها دستگیری نموده اند و یانسبت به افراد مشتاق و شایسته، نظر لطف خود را بروز داده اند و... .

آیا اختلاف در امر ولادت حضرت سبب وهن در آن می شود؟

پرسش

آیا اختلاف در امر ولادت حضرت سبب وهن در آن می شود؟

پاسخ

احمد کاتب درصدد آن است که از اختلافی که در مسأله ولادت حضرت مهدی (ع) پدید آمد بهره برداری کرده و از آن برای سست جلوه دادن مسأله ولادت حضرت استفاده نماید.

اولاً: اختلاف در موضوع وقضیه ای هرگز مستلزم نبود آن موضوع نیست، بلکه بر وجود آن دلالت دارد، وگرنه هیچ قضیه ای را نمی توان به اثبات رسانید؛ زیرا در هر قضیه وموضوعی از جهات مختلف اختلاف شده است.

آیا امت اسلامی بعد از پیامبر مطابق احادیث، به ۷۳ فرقه تقسیم نشدند؟آیا این افتراق وتفرّق باعث می شود که اصل اسلام زیر سؤال رفته ودر گزاره های دینی شک نماییم؟

ثانیاً: همان گونه که از وضعیت سیاسی آن زمان ومخفی بودن امر ولادت به جهت آن وضعیّت استفاده می شود، اختلاف امری طبیعی به نظر می رسد.

ثالثاً: مطابق نقل شیخ مفید؛ جامعه شیعی بعد از مدتی نه چندان دور به وحدت نظر در امر ولادت حضرت مهدی (ع) رسیدند. او می گوید: "از این فرقه ها که ذکر شد در این زمان که سال ۳۷۳ است به جز فرقه دوازده امامی که قائل به امامت فرزند امام حسن (ع) است، وجود ندارد...".

{پاورقی . الفصول المختاره، ص ۳۲۱؛ بحارالأنوار، ج ۳۷، ص ۲۳. پاورقی}

جالب توجه اینکه، انکار برخی بر ولادت امام مهدی (ع) از دید اهل بیت: مخفی نمانده ولذا در روایاتی به آن اشاره کرده اند. شیخ صدوق؛ به سند صحیح از امام موسی بن جعفر (ع) نقل کرده که فرمود:

"صاحب هذا الأمر من يقول الناس لم يوجد بعد"؛

{پاورقی . کمال الدین ص ۳۶۰ ، بحارالأنوار ج ۵۱ ص ۱۵۹ ح ۳. پاورقی}

"صاحب این امر کسی است

که [بعضی از] مردم می گویند: هنوز متولد نشده است."

آیا ممکن است گروهی، اخباری را در موضوع ولادت حضرت جعل کرده باشند؟

پرسش

آیا ممکن است گروهی، اخباری را در موضوع ولادت حضرت جعل کرده باشند؟

پاسخ

درباره روایات امام مهدی (ع) وولادت ووجود آن حضرت ممکن است کسی بگوید: جماعتی این روایات را جعل کرده آن گاه شیعیان آنها را نقل کرده اند، در حالی که به جعل آن علم نداشته اند.

۱ - این احتمال در تمام اخبار متواتر وارد است واگر این راه به اخبار باز شود، همه شرایع باطل شده وهیچ خبری قابل اثبات نیست.

۲ - اگر امر چنین بود، باید در طول زمان برای دشمنان شیعه آشکار می گشت، وآنها از این طریق، شیعه را مورد هجوم قرار می دادند، در حالی که چنین هجومی را از آنها مشاهده نمی کنیم.

چه اشکالاتی نسبت به اعتقاد شیخیه درباره کیفیت وجود امام زمان علیه السلام در عصر غیبت وجود دارد؟

پرسش

چه اشکالاتی نسبت به اعتقاد شیخیه درباره کیفیت وجود امام زمان علیه السلام در عصر غیبت وجود دارد؟

پاسخ

عقیده ونظر "شیخیه" به سرکردگی شیخ احمد احسائی درباره کیفیت وجود امام زمان (ع) در عصر غیبت وکیفیت بدن او ومکان او، از اشکالات بسیاری برخوردار است. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - تحلیل این بدن هورقلیایی واعتقاد به حیات امام زمان (ع) با بدن "هورقلیایی" در واقع به معنای انکار امام زمان (ع) در روی زمین است؛ زیرا اگر مراد آن است که حضرت مهدی (ع) در عالم مثال وبرزخ، چه برزخ اول یا برزخ دوم زندگی می کند، یا آن چنان که قبر را آنان از عالم هورقلیا می دانند، پس آن حضرت حیات با بدن عنصری ندارد وحیات او مثل حیات مردگان در عالم برزخ است. واین با احادیث متواتر "عدم خلوّ زمین از حجت" سازگاری ندارد.

۲ - این اعتقاد با ادلّه عقلی که قبلاً اشاره شد بر ضرورت وجود امام زمان (ع) در این عالم، مناسبت ندارد.

۳ – "شیخ احمد احسائی"، عالم هورقلیا را حد وسط بین دنیا وملکوت معرفی می کند در حالی که عالم ملکوت همان عالم مثال است.

۴ – این سخن که حضرت مهدی (ع) با بدن هورقلیایی زندگی می کند، صرفاً یک ادعای بدون دلیل است وهیچ دلیل عقلی ونقلی بر آن اقامه نشده است.

۵ – در قرن سیزدهم، گزاف گویی وبه کار بردن واژه های نامأنوس والفاظ مهمل، بسیار رایج شد وحتی عوام مردم اینها را نشانه علم ودانش می پنداشتند وبعید نیست که شیخ احمد احسائی ونیز سید کاظم رشتی به جهت خوشایند جاهلان وعوام به این واژه ها وکلمات روی آورده باشند.

نتیجه سخنان

شیـخ احمـد، پیـدایش مـذاهب ضالّه بابیّت وبهائیّت وسـرانجام بی دینی به اسم آیین پاک به وسـیله کسـروی بوده، واین میدان عمل ونتایج اسفبار سخنان شیخیه، خود محک وملاک خوبی بر ضعف وسستی این سخنان است.

حکم کسی که منکر امام زمان علیه السلام است چیست؟

پرسش

حکم کسی که منکر امام زمان علیه السلام است چیست؟

پاسخ

امـام زمان (ع) در بخشـی از جواب های خود به پرسـش های اسـحاق بن یعقوب می فرمایـد: "لیس بین اللَّه عزّوجلّ وبین أحد قرابه، ومن أنکرنی فلیس منّی وسبیله سبیل ابن نوح"؛ "بین خداونـد عزّوجلّ وهیـچ کس قرابت وخویشاونـدی نیست، هر کس مرا انکار کند از من نیست، وراهِ او راه فرزند نوح است." {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۸۴، ح ۳. پاورقی}

این حدیث را روایتی که شیعه وسـنی در کتب روایی خود آورده اند، تأیید می کند؛ وآن اینکه پیامبر (ص) فرمود: "مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح است، هر کس سوار بر آن شود نجات می یابد وکسی که از آن تخلف کند غرق خواهد شد".

{پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۱ ؛ بصائر الدرجات، ص ۳۱۷، ح ۴. پاورقی}

دلایل وجود یک منجی برای عالم بشریت چیست.

پرسش

دلایل وجود یک منجی برای عالم بشریت چیست.

پاسخ

پاسخ گویی کامل به پرسش های شما نیاز به چندین مجلد کتاب دارد لذا آنچه در حد یک پاسخ نامه می توانیم عرضه نماییم پاسخی کوتاه و دقیق به هر یک از این پرسش ها همراه با معرفی و ارجاع به منابع مفید جهت مطالعه بیشتر می باشد.

اعتقاد به امام مهدی(عج) در اسـلام مسـتند به آیات و مجموعه وسـیعی از روایات است که شـیعه و سنی نقل کرده و اعتقاد به امـام منجی را مسـلم نزد فریقین کرده است. پس اساس اعتقاد ما به منجی مسـتند به ادله نقلی است (در این زمینه مطالعه کتاب «منتخب الاثر»، آیت الله صافی گلپایگانی که مجموعه عظیمی از روایات منقول توسط شـیعه و سـنی در این زمینه را به صورت منظم و دسته بندی شده گردآوری کرده است بسیار مفید است).

اما با بررسـی تاریخ بشریت و ادیان می بینیم اعتقاد به منجی در ادیان و مکاتب مختلف مطرح گشته که در پاسخ به سؤال ۳ به

آن اشاره شده است. پس نیاز به منجی بر اثر تجربه بشر در طول تاریخ با جان انسانها عجین گشته است.

چرا نام امام زمان«علیه السلام» در وصیّت نامه امام حسن عسگری«علیه السلام» نیامده است؟

پرسش

چرا نام امام زمان«علیه السلام» در وصیّت نامه امام حسن عسگری«علیه السلام» نیامده است؟

پاسخ

حضرت امام حسن عسگری«علیه السلام» از ناحیه ی خلفای زمان خویش سخت در محاصره و فشار بود خلفای عبّاسی که شنیده بودند که از امام حسن عسگری فرزندی متولّد می شود که از، بین رفتن طاغوتها و ستمگران به دست او خواهد بود در صدد برآمده بودند که وی را پیدا کرده دستگیر و شهید نمایند از این رو امام حسن عسگری«علیه السلام» وصی و جانشین خویش امام زمان را جز به افراد خاص از اصحاب خویش نشان نمی داد بنابراین اگر در وصیتنامه ی آن حضرت نامی از امام زمان برده نشده باشد ممکن است در رابطه با شرائط سیاسی خفقان آمیز زمان آن حضرت باشد.

و اصحابی که مورد اعتماد آن حضرت بودند مانند ابی الادیان و احمد بن اسحق بدیدن امام زمان و معرّفی وی به عنوان جانشین امام عسگری«علیه السلام» موفق شدند.

محل اقامت

در روایات

مکان حضرت مهدی ۷کجا است ؟

پرسش

مکان حضرت مهدی ۷کجا است ؟

پاسخ

مکان آن حضرت معلوم نیست و کسی آن را نمی داند و در منابع تاریخی و روایی جای خاصی برای حضرت نقل نکرده اند. بعضی از مخلصان توفیق دیدار آن حضرت را یافته و مثلاً در کنار قبر مولاامیرالمؤمنین ۷یا در مسجد سهله یا در مکان های دیگر آن حضرت را دیده اند, ولی مکان خاصی نمی توان برای حضرت معیّن کرد.

مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج نقل کرده است : این نامه از ناحیهء مقدسهء حضرت مهدی ۷به نائب چهارم (ابوالحسن سمری) آن حضرت نوشته شد:

(۱).

البته این حدیث جلوی مدعیان دیدن حضرت را می گیرد و مانع مدعیان دروغین می شود. در ضمن احتمال دارد بعضی در حال مکاشفه امام زمان را دیده باشند و یا یکی از اصحاب خاص را, و فکر کنند امام زمان است ; در هر صورت در غیبت کبری دیدار مشکل است ; البته به دیدن و نشناختن مانعی ندارد. محمد بن عثمان , سفیر دیگر حضرت مهدی ۷فرمود: (۲)

مرحوم علاّمهء مجلسی جریان جزیرهء خضرا (مثلث برمودا) را معتبر نمی داند و می فرماید: .(۳)

بنابراین , تعیین مکان خاصی برای حضرت مهدی ۷ممکن نیست و تجسس نیز جایز نمی باشد.

(پاورقی ۱.علی دوانی , مهدی موعود, ص ۹۲۹ با تلخیص .

(پاورقی ۲.همان , ص ۹۳۰

(پاورقی ۳.همان , ص ۹۳۴

امام زمان(ع) هم اکنون در کجا می باشد؟

پرسش

امام زمان(ع) هم اکنون در کجا می باشد؟

پاسخ

از مسائلی که درباره امام زمان(ع) مورد بحث و گفت و گو است، مکان و محل سکونت آن حضرت است، که آیا آن حضرت در مکان خاصی سکونت دارد یا نه؟ و اگر در مکان ویژه ای است آن مکان کجا است؟

روایاتی که درباره مکان امام زمان(ع) وجود دارند چند دسته اند:

۱ - برخی از روایات محل خاصی را تعیین نکرده و جایگاه آن حضرت را در بیابان ها و کوه ها معرفی می کند. از آن جمله حضرت مهدی(ع) به پسر مهزیار فرمود: "فرزند مهزیار! پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکونت کوهای سخت و سرزمین های خشک و دور دست را برگزینیم".(۱)

از این روایت استفاده می شود که حضرت از دسترسی مردم دور است و کسی که از محل سکونت وی آگاه نیست.

۲ - برخی روایات خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت یاد نموده اند، مثلا در برخی از روایات در مدینه و پیرامون آن اشاره شده است. ابوبصیر می گوید از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود: "لابد لصاحب هذا الامر من عزله و لابد فی عزلته من

قوه و ما بثلاثین من وحشته، و نعم المنزل طیبه"(۲)، صاحب زمان(ع) را عزلت و غیبتی است که در آن، غیبت، نیرومند است به سی نفری که با حضرت هستند وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند (و به قوت وی می افزاید) و خوب جایگاهی است (مدینه) طیبه.

از این روایات استفاده می شود که حضرت در مدینه منوره منزل دارد و افرادی همواره با ایشان به صورت ناشناس هستند.

برخی روایات مکان امام زمان(ع) را کوه "رضوان" که در اطراف مدینه

است، بیـان کرده انـد، عبـدالاعلی آل سام می گویـد: "با امام صادق(ع) از مـدینه خارج شـدیم، به روحاء (اطراف مـدینه) که رسـیدیم حضـرت نگـاهش را به کوهی دوخت و مـدت زمـانی ادامه داد، و فرمود: این کوه رضوان نام دارد، خوب پناهگاهی است برای خائف(امام غائب) در غیب صغرا و غیبت کبری.(۳)

از روایات دیگر استفاده می شود که امام زمان(ع) در مکانی به نام "ذی طوی" که در اطراف مکه است، زندگی می کند و از همان جا نیز یاران خود قیام می کننـد. امام باقر(ع) فرمود: "امام زمان را غیبتی است در بعضـی از دره ها و اشاره کرد به منطقه "ذی طوی. (۴)

۳ - برخی روایات جایگاه خاصـی را برای امام زمان(ع) نام نمی برد، ولی از حضـرت به عنوان فردی یاد می کند که با مردم و در میان مردم و با آنان حشـر و نشـر داردو به گونه ای ناشـناس زندگی می کند. امام صادق(ع) فرمود: "صاحب الامر شـباهتی نیز به حضـرت یوسف پیامبر(ع) دارد جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد. صـاحب الزمـان(ع)، آن مظلوم حق از دست داده، در میان مردم رفت و آمـد می کنـد و در بازار قـدم می نهـد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لیکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند، آن گونه که یوسف(ع) اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم".(۵)

از این روایت اسـتفاده می شود که امـام زمـان(ع) مکـان معین نداشـته در میان جمع و جامع است، با مردم حشـر و نشـر دارد و زندگی طبیعی و معمولی

دارد. در مراسم مذهبی و مناسک حج شرکت می جوید، ولی شناخته شده نیست و این امری است که سابقه داشته و دارد. عنایت امام(ع) به مردم و هدایت و رهبری مردم از سوی دیگر نشان از آن دارد که آن حضرت در همه جا بوده و در همه جا حضور دارد.

از جمع بین روایات نیز می توان استفاده کرد که امام زمان(ع) در همه جا حضور دارد و این منافات ندارد به آن دسته از روایت که مکان معین مانند مدینه و مکه را بیان کرده اند؛ زیرا آن دسته روایات ناظر بر آن است که در برخی از زمان ها و مکان های خاص حضور پیدا می کند. آن دسته از روایات که مکان مشخصی را برای امام بیان نکرده ناظر بر آن است که حضرت در همه جا حضور دارد. بی تردید یکی از مصادیق حضور امام در همه جا، همان مکان های خاصی می باشد.

پی نوشت ها:

۱ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶.

۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۳ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲.

۴ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۵ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

مکان و مسکن امام زمان(ع) کجاست؟

پرسش

مکان و مسکن امام زمان(ع) کجاست؟

پاسخ

محل سکونت حضرت مهدی(ع) بر کسی معلوم نیست و نمی توان گفت در جای مخصوصی زندگی می کند گر چه آن حضرت در جایگاه هایی ممکن است مسکن کرده باشد، اما از حوزه دسترسی مردم به دواست و کسی از محل سکونت وی آگاه نیست. از برخی از روایان استفاده می شود که در کوه ها و شهرهای گمنام و دور دست زندگی می کند. خود آن حضرت به پسر مهزیار فرمود: "ای فرزند مهزیار! پدرم امام حسن عسکری از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکونت، کوه های سخت و سرزمین های خشک و دور دست را بر گزینم.(۱)

در برخی روایات، مسکن آن حضرت شهر مدینه و اطراف آن و در برخی دیگر مکه و پیرامون آن نام برده شده است.(۲)

در برخی روایات هم جایگاه خاصی برای آن حضرت معین نکرده و در میان مردم رفت و آمد می کند، در بازار قدم می نهد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لیکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند.(۳)

پی نوشت ها:

۱ – مجله حوزه، شماره ۷۰ – ۷۱، ص ۵۰ به بعد با تلخیص.

۲ – همان.

۳ – همان.

امام زمان(عج) بر اساس احادیث، در کجا زندگی می کند؟

پرسش

امام زمان(عج) بر اساس احادیث، در کجا زندگی می کند؟

پاسخ

درباره مکان و محل زندگی امام مهدی(عج) در دوره غیبت صغری و کبری، روایات با صراحت سخن نگفته اند و از دلالت ضمنی و فحوایی هم نمی توان نتیجه گیری مشخصی نمود، بلکه فحوای روایات گوناگون و گاه با یک دیگر مخالف اشت. بدین شرح:

۱ــ از برخی روایات استفاده می شود که امام مهدی(عج) به صورت ناشناس بین مردم زندگی می کند. امام صادق(ع) فرمود: "صاحب الامر [امام زمان] شباهتی به یوسف پیامبر دارد... جای انکار نیست کحه خداوند با حجّت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام دادم. "صاحب الامر"، آن مظلوم حق از دست داده، میان مردم رفت و آمد می کند، در بازار قدم می نهد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لیکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد و خود را معرفی کند، آن گونه که حضرت یوسف را اجازه داد هنگامی که برادران وی گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم.۱

۲ــ از برخی روایات به دست می آید که محل زندگی حضرت در کوه ها و بیابان ها است.

این سخن از روایت امام مهدی(عج) خطاب به "علی بن مهزیار" دانسته می شود، حضرت فرمود: "یابن المازیار، أبی، أبو محمد عهد إلیّ ... و أمرنی أن لا أسکن من الجبال إلاّ وعرها و من البلاد إلاّ عفرها ...؛ای پسر مهزیار، پدرم ابومحمد [امام حسن عسکری(ع)] از من پیمان گرفت... و فرمان داد که برای سکونت کوه های سخت و سرزمین های خشک و دور دست را برگزینم".۲

۳ــ برخی روایات

دلالت دارد که حضرت مهدی(عج) به صورت ناشناس در مدینه زندگی می کند. امام باقر(ع) فرمود: " لا بد لصاحب الأمر من عزله و لابد فی عزلته من قوّه و ما بثلاثین من وحشه و نعم المنزل طیبه؛ صاحب الامر [امام مهدی(عج)] را عزلت و غیبتی است که در آن، غیبت، نیرومند است به سی نفری که با حضرت هستند و وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند [و به قوّت وی می افزایند] و خوب جایگاهی است [مدینه] طیبه".۳

۴ــ از برخی روایات فهمیده می شود که حضرت در اطراف مکه، در مکانی به نام "ذی طوی" زندگی می کند و از همان جا به همراه یارانش قیام خواهد کرد.۴

۵ــ در روایتی دیگر آمده است که حضرت مهدی(عج) در اطراف مدینه، در کوه رضوی زندگی می کند. عبدالاعلی آل سام گوید: با امام صادق(ع) از مدینه خارج شدیم و به [اطراف مدینه]، روحاء، رسیدیم. حضرت نگاهش را به کوهی دوخت... و فرمود: "این کوه "رضوی" نام دارد، خوب پناهگاهی است برای خائف [امام زمان] در غیبت صغری و کبری".۵

علامه شوشتری می گوید: در نصوص معتبر همین نظر تأیید شدهاست که جایگاه حضرت در غیبت صغری و کبری کوه "رضوی" است.۶

در دعای ندبه هم با تردید آمده است: " أبرضوی أو غیرها أم ذی طوی؛ آیا حضرت در کوه رضوی است، یا غیر آن یا در ذی طوی؟!".

امام زمان(عج) درچه مکانی زندگی می کند؟

پرسش

امام زمان(عج) درچه مکانی زندگی می کند؟

پاسخ

از مسائلی که درباره امام زمان(ع) مورد بحث و گفت و گو است، مکان و محل سکونت آن حضرت است، که آیا آن حضرت در مکان خاصی سکونت دارد یا نه؟ و اگر در مکان ویژه ای است آن مکان کجا است؟

روایاتی که درباره مکان امام زمان(ع) وجود دارند چند دسته اند:

۱ - برخی از روایات محل خاصی را تعیین نکرده و جایگاه آن حضرت را در بیابان ها و کوه ها معرفی می کند. از آن جمله حضرت مهدی(ع) به پسر مهزیار فرمود: "فرزند مهزیارا! پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکونت کوهای سخت و سرزمین های خشک و دور دست را برگزینیم".(۱)

از این روایت استفاده می شود که حضرت از دسترسی مردم دور است و کسی که از محل سکونت وی آگاه نیست.

۲ - برخی روایات مکان خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت یاد نموده اند، مثلاً در برخی از روایات در مدینه و پیرامون آن اشاره شده است. ابوبصیر می گوید از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود: "لابد لصاحب هذا الامر من عزلته و لابد فی عزلته من قوه و ما بثلاثین من وحشته، و نعم المنزل طیبه"(۲)، صاحب زمان(ع) را عزلت و غیبتی است که در آن، غیبت، نیرومند است به سی نفری که با حضرت هستند وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند (و به قوت وی می افزاید) و خوب جایگاهی است (مدینه) طیبه.

از این روایات استفاده می شود که حضرت در مدینه منوره منزل دارد و افرادی همواره با ایشان به صورت ناشناس هستند.

برخی روایات مکان امام زمان(ع) را کوه"رضوان" که در اطراف

مـدینه است، بیان کرده انـد، عبـدالاعلی آل سام می گویـد: "با امام صادق(ع) از مدینه خارج شدیم، به روحاء (اطراف مدینه) که رسیدیم حضرت نگاهش را به کوهی دوخت و مدت زمانی ادامه داد، و فرمود: این کوه رضوان نام دارد، خوب پناهگاهی است برای خائف(امام غائب) در غیب صغرا و غیبت کبری.(۳)

از روایات دیگر استفاده می شود که امام زمان(ع) در مکانی به نام "ذی طوی" که در اطراف مکه است، زندگی می کند و از همان جا نیز یاران خود قیام می کننـد. امام باقر(ع) فرمود: "امام زمان را غیبتی است در بعضـی از دره ها و اشاره کرد به منطقه "ذی طوی". (۴)

۳ - برخی روایات جایگاه خاصـی را برای امام زمان(ع) نام نمی برد، ولی از حضـرت به عنوان فردی یاد می کند که با مردم و در میان مردم و با آنان حشـر و نشـر داردو به گونه ای ناشـناس زندگی می کند. امام صادق(ع) فرمود: "صاحب الامر شـباهتی نیز به حضـرت یوسف پیامبر(ع) دارد جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد. صـاحب الزمـان(ع)، آن مظلوم حق از دست داده، در میان مردم رفت و آمـد می کنـد و در بازار قـدم می نهـد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لیکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند، آن گونه که یوسف(ع) اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم".(۵)

از این روایت اسـتفاده می شود که امـام زمـان(ع) مکان معین نداشـته در میان جمع و جامعه است، با مردم حشـر و نشـر دارد و زندگی طبیعی و

معمولی دارد. در مراسم مذهبی و مناسک حج شرکت می جوید، ولی شناخته شده نیست و این امری است که سابقه داشته و دارد. عنایت امام(ع) به مردم و هدایت و رهبری مردم از سوی دیگر نشان از آن دارد که آن حضرت در همه جا بوده و در همه جا حضور دارد.

از جمع بین روایات نیز می توان استفاده کرد که امام زمان(ع) در همه جا حضور دارد و این منافات ندارد به آن دسته از روایت که مکان معین مانند مدینه و مکه را بیان کرده اند؛ زیرا آن دسته روایات ناظر بر آن است که در برخی از زمان ها و مکان های خاص حضور پیدا می کند. آن دسته از روایات که مکان مشخصی را برای امام بیان نکرده ناظر بر آن است که حضرت در همه جا حضور دارد. بی تردید یکی از مصادیق حضور امام در همه جا، همان مکان های خاص می باشد.

پی نوشت ها:

۱ - شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۳ - شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲.

۴ - نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۵ - نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

ارتباط امام زمان(ع) با ذی طوی و رضوی چیست؟ و چرا این دو مکان بالخصوص در دعا ذکر شده است؟

پرسش

ارتباط امام زمان(ع) با ذی طوی و رضوی چیست؟ و چرا این دو مکان بالخصوص در دعا ذکر شده است؟

پاسخ

ارتباط آن حضرت با این دو مکان مانند ارتباط ایشان با سایر اماکن مقدسه و متبرکه دیگر است که پرستش و عبادت خدا در آن اماکن فضیلت دارد، مثل مسجدالحرام و مسجد مدینه طیّبه و مشهد غروی حسینی و مسجد کوفه و سهله که معلوم شده است حضرت در این اماکن رفت و آمد دارند و این دو مکان را نیز بواسطه این دو خصوصیت در دعا نام میبرند زیرا چنانچه از بعضی اخبار استفاده میشود، در غیبت صغری و کبری کوه رضوی نیز یکی از مقامات آن حضرت و از اماکنی است که گاهی آنجا تشریف میبردند. (غیبت شیخ، ص ۱۰۳ بحاالانوار ج ۲۲، ص ۲۶۷ مصابیح الانوار، ج ۲، ص ۳۴۵.)

و نکته این که، این دو مکان در این دعا نام برده شده علاوه بر اینکه ممکن است اشاره به اشتباه کیسانیّه در تعیین مهدی باشد و اینکه آن موعودی که همه در انتظار ظهور او با هم شریکند از عترت پیامبر و از اولاد علی و فاطمه و فرزند امامان و

حجّتهـای الهی است نکتهـای ادبی است؛ زیرا در مقـام نـدبه و اظهـار تـأثر از بیاطلاعی از جا و مکان آن حضـرت ذکر این دو مکان مناسبتر و در قلوب نافذتر است تا اماکن دیگر، مانند خانه آن حضرت در سامرا یا مسجدالحرام یا مسجد پیامبر(ص) مثل اینکه محبوب سفر کردهای را اگر بخواهیم یاد کنیم و از سوزش آتش هجران و فراق او بنالیم و از بیخبری از

حال و جا و مکان و آسایشگاهش اظهار نگرانی کنیم، سراغ آن مسافر عزیز را در کوه و بیابان و دریا و هوا میگیریم نمیگوئیم «نمیدانیم اکنون در کجائی، به منزل رسیدهای، یا در بستر خواب آرمیدهای یا در اطاق کنار جویبار و سبزه نشستهای؟» زیرا این مضمونها ندبه را تسکین میدهد بلکه مناسب این است که بگوئیم «نمیدانیم اکنون در کجایی، در حال حرکتی یا در بیابان و در کوه و دور از آبادی ناراحت و تنها هستی؟» بر حسب بلاغت و تکلّم به مقتضای حال، بایـد اینگونه جملهها، در حال ندبه آورده شود و ذوق سلیم و طبع مستقیم و مأنوس با ادب این نکات را درك میکنند و ممکن است که ذکر اماکنی مثل رضوی و ذی طوی برای اشاره به این باشد که همه مکانهای مقدس، حتی ذی طوی و رضوی هم که مورد نظر کیسانیّه بوده، تحت تصرف امام و آمد و شد آن حضرت هستند. و احتمال دیگری نیز بعد از این سه احتمال هست و آن این است که مراد از ذی طوی چنانچه از «اخبار مکّه المشرفه» هم نقل شده خود مکه معظمه ومراد از رضوی مدینه طیّبه است. به هر حال، ذکر این دو مکان در مثل این دعا به رعایت اینگونه نکات ادبی یا معنایی است و به هیچ وجه متن آن را سست نمیسازد.

اینکه در دعای ندبه اشاره به کوه رضوی یا ذی طوی شده است. آیا امام(عج) در آنجا استقرار دارند؟

پرسش

اینکه در دعای ندبه اشاره به کوه رضوی یا ذی طوی شده است. آیا امام(عج) در آنجا استقرار دارند؟

پاسخ

از این جمله دعای ندبه: ابرضوی اوغیرها ام ذی طوی استفاده نمی شود که امام زمان در جای مخصوصی که کوه رضوی یاذی طوی است ناپدید شده اند و یا اکنون برای همیشه در آن جاها، هستند زیرا اولاً: جمله قبل آن دعا این است: لیت شعری این استقرت بك النوی بل ای ارض تقلك اوثری ابرضوی اوغیرها ام ذی طوی، و مضمون این جمله این است که ای کاش ما می دانستیم تو در کجا قرار داری در کوه رضوی یا غیر آن در ذی طوی و این جمله ربطی به جای ناپدید شدن امام ندارد.

ثانیاً: در این جمله کلمه غیرها آمده است به وضوح می رساند که منظور این است که در کدام نقطه زمین هستی در کوه رضوی یا در ذی طوی یا در جای دیگر از امین.

ثالثاً: بعد از این جمله آمده: بنفسی انتمن مغیب لم یخل منا، که دلالت دارد بر اینکه امام زمان در میان ماست و، چنین نیست در میان ما نباشد.

اما اینکه چرا اصولاًـ به کوه رضوی و ذی طوی اشاره شده است از کتب لغت و حدیث استفاده می شود که ذی طوی و رضوی، دو مکان مقدس می باشند و اما زمان گاهی در آنجا می رود چنان که در مکان های دیگر نیز می رود.

برای آگاهی بیشتر می توانید به کتاب تحقیقی درباره ندبه تألیف آقای استادی مراجعه فرمائید.

محل زندگی امام (ع) کجاست ؟

پرسش

محل زندگی امام (ع) کجاست ؟

پاسخ

قبل از جواب، لازم است این نکته بیان شود که آیا منظور از غیبت حضرت حجت(ع) غیبت شخصی است، یعنی آن حضرت به گونه ای زندگی می کند، هیچ گاه با مردم در تماس نیست و امکان ندارد کسی مکان ایشان را پیدا کند یا اینکه منظور از غیبت امام، غیبت عنوانیاست، بدین معنا که حضرت با مردم حشر و نشر دارد با آنان زندگی می کند لکن به گونه ناشناس، او مردم را می شناسد ولی مردم ایشان را نمی شناسند. در عین حال مکانی را برای سکونت برگزیده است.

روایاتی که در این مورد وجود دارد چند دسته است.

۱. برخی از روایات محل خاصی را تعیین نمی کند و جایگاه آن حضرت را در بیابانها و کوهها معرفی می کند.

که از آن جمله حدیثی است که امام(ع) به پسر مهزیار می فرماید: «... پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت... و فرمان داد که برای سکونت کوه های سخت و سرزمینهای خشك و دور دست را برگزینیم»، (کتاب الغیبه / شیخ طوسی / صفحه۲۶۶ / نقل از کتاب چشم به راه مهدی(ع) / جمعی از نویسندگان حوزه، ص ۳۵۰).

۲. دسته ای روایات است که منطقه خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت نام می برند.

الف: مدینه طیبه؛ «ابی بصیر می گوید از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود: صاحب الزمان را عزلت و غیبتی است... که خوب جایگاهی است مدینه طیبه»

ب: کوه رضوی؛ در بعضی از روایات جایگاه آنحضرت را در غیبت صغری و کبری کوه رضوی دانسته است.

ج: کوه ذی طوی ؛ (جائی است در پیرامون مکه)، (همان).

۳. در بعضی از روایات برای آن حضرت جایگاه خاصی را

نام نمی برد، ولی وی را به عنوان فردی که با مردم حشر و نشر دارد و به گونه ناشناس زندگی می کند معرفی می نماید.

بنابراین بین این روایات تضاد و تنافی نیست؛ و نام بردن مکان خاص با زندگی به شکل ناشناس قابل جمع است و در حال ضرورت و نیاز امری است طبیعی و موافق با اصل تقیه.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ك شود:

۱. چشم به راه مهدی(ع)، جمعی از نویسندگان مجله حوزه

۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.

در پایان سؤالات شما پیرامون امام مهدی(عج) متذکر باید شد:

۱. دانستن مکان سکونت حضرت(عج) یا مسئله ازدواج و فرزندان آن حضرت در سعادت آدمی مؤثر نیست.

۲. معلوم شدن مکان حضرت و حتی فرزندان و همسران حضرت با فلسفه غیبت منافات دارد پس حکمت غیبت اقتضا می کند که مسئله سکونت، ازدواج و فرزندان حضرت در ابهام باشد.

۳. آنچه بر مؤمن لازم است، تلاش در جهت پالایش روحی و فکری خود برای آمادگی درك فیض حضور آن وجود مبارك است.

مکان حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت کبرا کجا است؟

پرسش

مکان حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت کبرا کجا است؟

پاسخ

از روایات بسیاری استفاده می شود که امام زمان (ع) نه تنها در سرداب مقدس مخفی نیست بلکه هیچ مکان معیّنی ندارد.

امام زمان (ع) در خطاب خود به ابراهیم بن مهزیار فرمود: "پدرم مرا وصیّت کرده که در سرزمین های مخفی ودور سکنی گزینم تا امرم از مردم مخفی بماند ومحلّم از کیدهای اهل ضلالت وارتداد واز حوادث امتّ های گمراه محفوظ بماند. لذا این سفارش، مرا به تپه های بلند کشانده است".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸. پاورقی}

آری، مطابق برخی از روایات، مکان خاصی برای حضرت وجود دارد که تنها خواص از شیعیانش از آن اطلاع دارند.

اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: "للقآئم غیبتان: إحداهما قصیره والأخری طویله، الغیبه الأولی لایعلم بمکانه فیها إلّا خاصّه شیعته، والأخری لایعلم بمکانه فیها إلاّ خاصّه موالیه"؛ "برای قائم دو غیبت است: یکی کوتاه ودیگری طولانی. در غیبت کوتاه {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹. پاورقی}

کسی غیر از خواص از شیعیانش از مکان او اطّلاع ندارند. ودر غیبت طولانی نیز تنها خواص از دوستدارانش از مکان او آگاهند."

۱–امام زمان کجا هستند ؟

پرسش

۱–امام زمان کجا هستند ؟

پاسخ

ج۱– آنچه از روایات و حکایات معتبر استفاده می شود این است ،که امام در ایام غیبت کبری درمکان خاصی در شهر معینی استقرار ندارند که از آنجا خارج نشوند و محل سکونت دائمی ایشان باشد، بلکه حضرت برای انجام وظایف و تکالیفی که دارد به اماکن مختلف مسافرت می کند و از جمله شهرهایی که مسلما حضرت به آنجا می روند و آن شهرها با قدوم او مزین میگردد، مکه معظمه ، مدینه منوره نجف اشرف، کوفه ، کربلا ، کاظمین ، سامرا ء، مشهد ، قم ، بغداد ، است. اماکن و مقاماتی که آن حضرت در آنجا تشریف فرما شدند متعدد است . مانند مسجد جمکران ،قم ،مسجد کوفه، مسجد سهله ، مقام حضرت مهدی در وادی السلام نجف و درحله بعید نیست که اقامتگاه اصلی حضرت و یا جاهایی که بیشتر در آنجا رفت و آمد دارند، مکه ، مدینه و عتبات عالیه باشد.

موضو ع سکونت حضرت در کوه « رضوی » یا « ذی طوی » که سراغ حضرت در آن دو مکان گرفته شد که در دعای ندبه چنین آمده است.

{ لیت شعری این استقرت بک النوی ، بل ای ارض تجد ك او تری ابرضوی او غیرها ام ذی طوی }

دلالت ندارد، که اقامتگاه امام در آنجاست ،بلکه طبق کتب معاجم و تواریخ این دو مکان از اماکن مقدس به شمار می آیند و ممکن است حضرت همانند سایر مکانها مقدس سری هم به این دو مکان بزنند ولی عبارت دعای ندبه هرگز دلالت ندارد،که حضرت دریکی دومکان زندگی می کند.

۱–زیرا، اولا؛ این

یک استفهام حقیقی نیست،بلکه به انگیزه بیان سوز و هجران و اظهارتأسف از فراق و حرمان از فیض حضور گفته شده است.

۲–از بعضی از عبارات دعای ندبه استفاده می شود ،که حضرت در بین مردم است و همه جا هست و مکان خاصی ندارد مانند این جمله { بنفسی انت من مغیب لم یخل عنا ، بنفسی انت من نازح ما نزح عنا }

بنابر این نمی توانیم برای حضرت مکان خاصی را مشخص نمائیم که حضرت در آنجا زندگی می کند،بلکه حضرت در بین مردم بوده و از مردم جدا و کنار نیست و او با ماست این ما هستیم که او را نمی بینیم .

منابع :

۱–سیمای آفتاب ، دکتر حبیب الله طاهری

۲–تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری

۳–سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

امام زمان – عجل الله تعالی فرجه الشریف – کجا زندگی می کند؟

پرسش

امام زمان – عجل الله تعالی فرجه الشریف – کجا زندگی می کند؟

پاسخ

در زمان غیبت امام زمان – عجل الله تعالی فرجه الشریف – مکان و سرزمین خاصّی که محلّ اسکان حضرت باشد، مشخّص نشده است؛ بنابراین می توان گفت: آن حضرت به طور ناشناس میان مردم زندگی و رفت و آمد می کند یا ممکن است در نقاط دور افتاده ای زندگی کند/

در روایات آمده است که حضرت در موسم حج به انجام اعمال حج می پردازد؛ مردم را نمی شناسند؛ امّا وی مردم را می شناسد. ابن متوکّل از حمیری از محمد بن عثمان عمری آورده است:«قال سمعته یقول و الله ان صاحب هذا الامر یحضر الموسم کل سنْ سیری الناس و یعرفهم و لا یرونه و لا یعرفونه;{۱} حمیری گفته است: از محمد بن عثمان شنیدم که می گفت: سوگند به خدا! امام زمان – عجل الله تعالی فرجه الشریف – هر سال در موسم حج حاضر می شود. وی بین مردم است و مردم او را می بینند امّا او را نمی شناسد/

[۱].بحارالانوار، علّامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۵۲، ح ۴، مؤسسْ الوفأ، لبنان، ۱۴۰۳ ه' ق/

اکنون امام زمان(عج) کجا زندگی می کنند؟ آیا آن حضرت زن و بچه دارد؟

پرسش

اکنون امام زمان(عج) کجا زندگی می کنند؟ آیا آن حضرت زن و بچه دارد؟

پاسخ

از برخی از روایات معتبر چنین استفاده می شود که امام زمان(عج) در عصر غیبت، در مکان خاصی و شهر معینی استقرار دایمی ندارد و به طور ناشناس در بین مردم زندگی می کند و رفت و آمد دارد، چنان که امام صادق(ع) فرمود: «آن حضرت در بین مردم تردد می کند و در بازارشان راه می رود و بر فرشتگان قدم می گذارد ولی او را نمی شناسند و به همین وضع زندگی می کند تا هنگامی که خداوند به او اذن معرفی خود را به مردم می دهد».{۱}

شهرهای مکه، مدینه، نجف اشرف، کوفه، کربلا، کاظمین، سامرا، مشهد و قم و بغداد از جمله شهرهایی هستند که به طور مسلم تاکنون به قدم امام زمان(عج) مزیّن شده اند.{۲} هم چنین آن حضرت در مکانهای متعددی مانند مسجد جمکران، مسجد کوفه، مسجد سهله، مقام حضرت الامر در وادی السلام نجف و در حلّه حضور یافته اند/

بنابراین، نمی توان مکانی را به عنوان محل سکونت دائمی آن حضرت بیان کرد، اگر چه عده ای گفته اند محل سکونت دائمی امام زمان(عج) همان سرداب منزل ایشان در سامرا است. این قول را به شیعه نسبت می دهند اما به طور مسلم شیعه هیچ گاه چنین سخنی نگفته و این دروغ محض است؛ زیرا مستندات شیعه در این زمینه روایات است که در هیچ روایتی از روایات شیعه چنین مطلبی اشاره نشده است/

بعضی ......X... اند منزل دائمی آن حضرت در «کوه رضوی» یا «ذی طوی» است و به این فراز از دعای شریفه ندبه استدلال می نمایند: «لیت شعری أین استقرت بک النوی بل أی أرض تقلك أوی ثری أبری

ضوی أو غیرها أم ذی طوی» ای کاش می دانستم که در کـدامین زمین قرار داری. آیا بر کوه رضوی یا ذی طوی یا نه این جا و نه آن جـا؛ در صورتی که امام زمان(ع) نه در کوه رضوی هسـتند و نه در منطقه ذی طوی، در واقع، منظور از این فراز از دعا پرسـش از قرارگاه دائمی آن حضرت نیست، زیرا به اعتقاد شیعیان کسی از محل سکونت آن حضرت اطلاعی ندارد، چنان که امام صادق(ع) می فرماید: «هیچ کس از دوست و بیگانه، از جایگاه او آگاهی ندارد، مگر آن خدایی که اختیار او را در دست دارد». {۳}

از ظاهر بعضی روایات استفاده می شود که آن حضرت همسر و اولاد دارند. در مقابل هم روایات معتبری هست که این مطلب را انکار می کند که دو نمونه از این روایات را در این جا ذکر می کنیم:

۱. روایت مسـعودی: روی علی بن حمزْ بن السـراج و ابن سـعید مکـاری نزد امام رضا(ع) رفتنـد. علی بن حمزه به آن حضـرت عرض کرد: از پـدرانت روایت کرده ایم... تـا بـدین جـا رسـید که روایت کرده ایم امـام از دنیا نمی رود تا فرزنـدش را ببینـد. حضـرت فرمود: آیا در این حـدیث روایت کرده اید «الا القائم»؟ عرض کردند: بلی. حضـرت فرمود: آری روایت کرده اید اما شمـا نمی دانیـد که چرا گفته شـده و معنای آن چیست؟ ابن حمزه گفت: این مطلب در حـدیث چیست؟ حضـرت به او فرمود: وای بر تو چگونه جرأت کردی با چیزی بر من اسـتدلال می کنی که بعضـی از آن با بعضی دیگر درهم آمیخته است. خداوند متعال به زودی فرزندم را به من نشان خواهد داد. {۴}

۲. محمد بن عبدالله

بـن جعفر حمیری از پـدرش علی بن سـلیمان رشـد از حسـین بن علی فزاز نقـل می کنـد که گفت: علی بن حمزه نزد حضـرت رضا(ع) رفت و عرض کرد: آیا شـما امام هستی؟ فرمود: آری. عرض کرد: من از جـدت جعفر بن محمد(ع) شـنیدم که فرمود: امامی وجود نـدارد مگر این که فرزندی داشـته باشد و از خود نəe...بر جای بگـذارد. فرمود: این پیر، فراموش ک.....jیا خود را بـه فراموشـی زدی؟ جعفر ایـن گـونه نگفت، بلکه فرمـود: امـامی وجـود نـدارد مگر این که ....Xjداشـته باشد، جز امامی که حسـین(ع) برای او از قبر بیرون آیـد که او فرزنـد نـدارد، یعنی امام زمان(عـج). عرض کردم فـدایت شوم درست فرمودی، شنیدم که جدت چنین گفت.{۵}

[۱]. بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۵۴ و حق الیقین، ص ۲۴۶/

[۲]. پاسخ به ده پرسش، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۲۸/

[۳]. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، ص ۱۴۳ - ۱۴۴. به نقل از: غیبت نعمانی، باب دهم، ص ۲۵۰/

[۴]. همان، به نقل از: اثبات الوحید، مسعودی، ص ۲۰۱/

[۵]. همان. به نقل از: کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۳۴/

دردوره غیبت صغری

اقامتگاه حضرت مهدی (عج در زمان غیب کجا است ؟

پرسش

اقامتگاه حضرت مهدی (عج در زمان غیب کجا است ؟

پاسخ

اقامتگـاه حضـرت مهـدی (عـج معلوم نیست اگر معلوم بود، دیگر غیبت معنـا نـداشت گرچه برخی خواسـته انـد ادعا کننـد که جایگاه حضرت در جزیره خضرا است ولی این ادعا دلیل معتبری ندارد.

بخشـی از روایات تصریح دارند که حضرت میان مردم است و آنان را می بیند و می شناسد ولی مردم حضرت را نمی شناسند. امیرالمؤمنین (ع فرمود: "ولکن الجنه یعرف الناس ولا یعرفونه حجت مردم را می شناسد، لیکن مردم او را نمی شناسند".

از این روایت استفاده می شود که حضرت بسان دیگر انسان ها بین مردم زندگی می کند. او را می بینند ولی نمی شناسند.

برخی روایات جایگاه حضـرت را در بیابان ها و کوه ها می دانـد، از آن جمله حضـرت به پسـر مهزیار می فرمایـد: "پدرم امام حسن عسـکری (ع از من پیمـان گرفت .. و فرمـان داد برای سـکونت کوه های سـخت و سـرزمین های خشک و دور دست را

برگزینم "

برخی دیگر از روایات مکان حضرت را مدینه و اطراف آن می داند. ابوبصیر می گوید: از امام باقر (ع شنیدم "صاحب الزما را عزلت و غیبتی است و در زمان غیبت سی نفر همراه او هستند که تنهایی را از او دور می سازند و به قوت او می فزایند و خوب جایگاهی است مدینه .

در برخی روایات کوه رضوی در اطراف مدینه را جایگاه حضرت دانسته است روایات دیگر جایگاه حضرت را کوه "ذی طوی در اطراف مکه دانسته است

یاران حضرت مهدی (عج هنگام ظهور چه کسانی خواهند بود؟

پاسخ: فضیل بن یسار از امام صادق (ع نقل کرده "گنجی در

طالقان هست که از طلا و نقره نیست و پرچمی است که از روزی که آن را پیچیده اند، برافراشته نشده است و مردانی هستند که دل های آن ها مانند پاره های آهن است شکی در ایمان به خدا در آن ها راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم ترند. اگر آن ها را وا دارند که کوه ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان بر می دارند. لشکر آنان قصد هر شهری را بکنند آن را فتح می نمایند.

آن ها در جنگ ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند و هر کاری داشته باشد برایش انجام می دهند، مردانی میان آن ها است که شب ها نمی خوابند. زمزمه آن ها در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره بر دشمن حمله می کنند. آنان مانند چراغ های درخشنده اند و از خوف خدا خشنود می باشند. تمنای شهادت می کنند. شعار آنان این است یا لثارات الحسین (ای خون خواهان حسین از هر کجا می گذرند، رعب آن ها پیشاپیش به اندازه یک ماه راه در دل ها جای می گیرد. بدین گونه پیشروی می کنند و خداوند آنان را پیروز می گرداند".

یاران خاص حضرت ۳۱۳ نفر ذکر شده اند امام صادق (ع فرمود: "گویا می نگرم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش که پیرامون او گرد آمده اند، به تعداد رزمندگان جنگ بدر"

کم کم یاران حضرت زیاد می شوند حتی ده یا ۱۵ هزار نفر یاران مهدی (عج از صنف و نژاد خاصی نیستند بلکه از گروه ها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند ولی در این حرکت

عظیم مردمان عجم نقش پر اهمیتی در خدمتگزاری امام بر عهده دارند.

ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج :

۱ خداجویی و توحید

۲ بصیرت و آگاهی و تشخیص دقیق دوست و دشمن

۳ عبادت و بندگی

۴ شجاعت و توانمندی

۵ فرمان بری و اطاعت از فرمانده

۶ زهد و ساده زیستی

۷ نظم و انضباط

آیا امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، در سرداب خانه خود مخفی وغایب شده است؟

پرسش

آیا امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، در سرداب خانه خود مخفی وغایب شده است؟

پاسخ

اهل سنّت به جهت استهزای عقاید شیعه می گویند: شیعه قائل است که مهدی موعود بعد از تولّدش در سردابی مخفی شد وغیبت خود را از آنجا شروع کرده وتاکنون نیز در آن سرداب به سر می برد، وظهورش نیز از همان سرداب خواهد بود. ولذا شیعیان هر روز از صبح تا غروب در آن سرداب به انتظار ظهورش می نشینند واشک ماتم می ریزند.

{پاورقی . سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹ ؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۹۹، فصل ۲۷ ؛ المهدّیه فی الاسلام، ص ۱۳۰Ù۱۲۹ ؛ الصراع بین الاسلام والوثنیه، ص ۴۲. پاورقی}

اولاً: سرداب عبارت است از طبقه پایین ساختمان خانه که در مناطق گرمسیر به جهت حفاظت از گرمای شدید می سازند، واین نوع ساختمان در غالب خانه های عراق مشاهده می شود، وسامرّا نیز از آن مستثنی نبوده است. امام هادی (ع) در خانه خود به جهت آسایش اهل بیتش ومحافظت از گرما، چنین سردابی را ساخته بودند که بعد از شهادتش به ارث، منتقل به امام عسکری (ع) شد.

مطابق تاریخ، حضرت مهدی (ع) از زمان ولادت از دیدگان مردم خصوصاً حکّام مخفی بود. وبعد از شهادت پدرش بر جسد او نماز گزارد ورسماً غیبت خود را از آن خانه آغاز نمود. واز آنجا که سکونت حضرت وسایر اعضای خانواده در آن سرداب بوده است، لذا مکان غیبت را به آن سرداب مقدّس نسبت می دهند. این سرداب برای شیعیان اهل بیت: از آن جهت مقدّس شمرده شده است که امام زمان وپدر وجدّش: در آن سرداب به سر برده وعبادت به جای

آورده اند واز همان مکان نیز حضرت مهدی (ع) غایب شده است. نسبت غیبت حضرت به سرداب همانند نسبت غیبت به تمام خانه وهر مکانی است که امام زمان در آن دیـده شده وزندگی کرده است. واین نهایت جهل ونادانی است که کسـی به شـیعه نسبت دهـد که آنـان معتقدنـد که امـام زمـان (ع) در سـرداب خانه خود غایب شـده وتا هنگام خروج در آن باقی است!! زیرا مطـابق روایـات فراوان، امـام زمان (ع) در سـرزمین های مختلف بر موالیان خود وارد می شونـد ودر مناطق مختلف گردش می کنند.

حضـرت در موسم های دینی همچون حجّ حاضر شده واقامه شعائر دینی می نمایند وگواه بر زنده ها ومرده ها خواهند بود. لذا بهترین تعبیری که می توان درباره سـرداب مقدس وزیارت مردم از آنجا داشت این است که حضرت مکان خاصّی ندارند، لذا شیعیان در محل های اختصاصـی آن حضـرت همچون مسـجد سـهله و مسـجد جمکران و... دور هم جمع می شوند وبه یاد آن حضـرت ندبه کرده واز او درخواست ظهورش را می نمایند. ودر حقیقت، سرداب مقدس از آن جهت که شروع غیبت از آنجا بوده جنبه رمزی داشته، در آنجا شیعیان گرد هم جمع می شوند واز خداوند طلب خروج او را می نمایند.

علامه امینی؛ می فرماید: "...شـیعه اعتقاد ندارد که غیبت امام در سـرداب است وخودشان او را در سرداب مخفی کرده اند واز همان جا نیز ظهور خواهـد کرد، بلکه اعتقاد شـیعه -که با احادیث تأییـد شـده- آن است که او از مکه معظمه، مقابل خانه خدا ظهور خواهـد کرد. هرگز کسـی قائل نشـده که سـرداب مقدّس، آن نور را در خود مخفی کرده است. بلکه آن سـرداب، خانه امامان در سامرّا بوده است. واین مسأله ای

همگـانی در خـانه های عراق است که به جهت حفاظت از گرما می سازنـد. این سـرداب به طور خصوص از آن جهت شـرف پیـدا نموده که به سه نفر از امامان دین منسوب است، خانه ای که خداونـد متعال اذن داده که ارتفاع معنوی یافته ودر آن اسـم وذکر خدا برده شود".

{پاورقی . الغدیر، ج ۳، ص ۳۰۹Ù۳۰۸. پاورقی}

ثانیاً: عقیده هر مذهب یا دینی را می توان از لابلای کتاب های علمای آن مذهب یا دین یافت. با مراجعه به کتاب های علمای شیعه، قبـل از ولاـدت امـام مهـدی (ع) تا این زمان -که در دسترس همه است- پی خواهیم برد که هیـچ یک از آنان حتّی نزد عوام از آنها چنین اعتقادی وجود ندارد که دشمنان شیعه به آنها نسبت می دهند.

جزیره خضراء

آیا جزیرهء خضرا صحّت دارد؟

پرسش

آیا جزیرهء خضرا صحّت دارد؟

پاسخ

متن این داستان در بحارالانوار, جلد ۵۲ ص ۱۵۹ تا ۱۸۰آمده است . علامهء مجلسی (ره)می فرماید: . مرحوم آیت اللّه خویی نیز این روایت را غیر معتبر می داند(۱)

و مرحوم آیت اللّه شـعرانی این داسـتان را جعلی دانسـته است و سـند آن غیر معتبر و افراد راوی غیر موثّق و مجهول می باشند. عالمـانی هم چون علامه محمـد تقی شوشتری , سـید محمـد صـدر, ابراهیم امینی , اسـتاد حسن زادهء آملی ,اسـتاد محمـد باقر بهبودی , شـیخ آغاز بزرگ تهرانی , شـهید قاضـی طباطبایی و علامه جعفر مرتضـی عاملی بر این داستان نقد و اشکال کرده و آن را صحیح و معتبر نمی دانند.(۲)

(پاورقی ۱.جزیرهء خضراء, افسانه یا واقعیت , ص ۱۳۲

(پاورقی ۲.جزیرهء خضراء افسانه یا واقعیت , ص ۱۳۲

جزیره خضرا در چه محلّی می باشد؟

پرسش

جزیره خضرا در چه محلّی می باشد؟

پاسخ

در لسان آیات و روایات سخنی از جزیره خضرا به میان نیامده است؛ تنها در برخی از کتاب های تاریخی در ضمن حکایتی از جزیره خضرا ذکری به میان آمده است. مردی به نام علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۹ قمری ادعا نمود که به جزیره ای رفتم و حضرت مهدی (عج) به همراه یاران و فرزندانش در آن جزیره سکونت داشته اند و نام آن جزیره هم جزیره خضرا است.

وی چگونگی مسافرت خویش به آن جزیره را برای شخصی به نام فضل بن یحیی طیبی کوفی شرح داد و فضل هم این داستان را برای دیگران نقل نمود و در کتاب های متأخران از جمله در بحارالانوار مجلسی ذکر شده است.[۳]

از همان زمان تا کنون برخی این داستان را واقعی خوانده اند، مانند " ناجی نجار" در کتاب " جزیرةْ الخضراء و قضیةْ مثلث برمودا " و در این کتاب او کشیده است تا داستان جزیره خضرا را بر "مثلث برمودا" واقع در دریای کارائیب در آمریکار مرکزی منطبق کند، و بگوید که این جزیره احتمالاً همان " مثلث برمودا" است.

و برخی هم این داستان را ساختگی و افسانه خوانده اند. همانند علّامه تستری و سید جعفر مرتضی عاملی.[۴]

۱[۳] ر.ک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹ ۱۷۴.

۱[۴] ر.ک: جزیره خضرا، افسانه یا واقعیت، به قلم جمعی از دانشمندان معاصر، ترجمه و تدوین از ابوالفضل طریقه دار.

آیا همان طور که در کتاب های نوشته شده است امام زمان(ع) در جزیره خضرا زندگی می کند و هیچ کس نمی تواند به آن جا نزدیک شود؟

پرسش

آیا همان طور که در کتاب های نوشته شده است امام زمان(ع) در جزیره خضرا زندگی می کند و هیچ کس نمی تواند به آن جا نزدیک شود؟

پاسخ

از مسئلی که درباره امام زمان(ع) مورد بحث و گفت و گو است، مکان و محل سکونت آن حضرت(عج) است که آیا آن حضرت(عج) در مکان خاصی سکونت دارد یا نه؟ و اگر در مکان ویژه ای است آن مکان کجا است؟

روایاتی که درباره مکان امام زمان(عج) وجود دارند چند دسته اند:

۱ - برخی از روایات محل خاصی را تعیین نکرده و جایگاه آن حضرت را در بیابان ها و کوه ها معرفی می کند. از آن جمله حضرت مهدی(عج) به پسر مهزیار فرمود: "فرزند مهزیار! پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای

سکونت کوه های سخت و سرزمین های خشک و دور دست را برگزینم".(۱)

از این روایت استفاده می شود که حضرت(عج) از دسترسی مردم دور است و کسی که از محل سکونت وی آگاه نیست.

۲ - برخی روایات منطقه خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت(ع) یاد نموده اند؛ مثلا در برخی از روایات در مدینه و پیرامون آن اشاره شده است. ابوبصیر می گوید از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود:

"لا بد لصاحب هذا الامر من عزله و لابد فی عزلته من قوه و ما بثلاثین من وحشته، و نعم المنزل طیبه"(۲)؛ صاحب الزمان(ع) را عزلت و غیبتی است که در آن به غیبت نیرومند است به سی نفری که با حضرت هستند وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند (و به قوت وی می افزاید) و خوب جایگاهی است (مدینه) طیّبه.

از این روایات استفاده می شود که حضرت(عج) در مدینه منوره منزل

دارد و افرادی هم همواره با ایشان به صورت ناشناس هستند.

برخی روایات مکان امام زمان(عج) را کوه "رضوان" که در اطراف مدینه است، بیان کرده اند. عبدالاعلی آل سام می گوید: "با امام صادق(ع) از مدینه خارج شدیم، به روحاء (اطراف مدینه) که رسیدیم حضرت نگاهش را به کوهی دوخت و مدت زمانی ادامه داد و فرمود: این کوه رضوان نام دارد. خوب پناهگاهی است، برای خائف (امام غائب) در غیب صغرا و غیبت کبری.(۳)

از روایات دیگر استفاده می شود که امام زمان(ع) در مکانی به نام"ذی طوی که در اطراف مکه است، زندگی می کند از همان جا نیز همراه یاران خود قیام می کنند. امام باقر(ع) فرمود: "امام زمان(عج) را غیبتی است در بعضی از دره ها و اشاره کرد به منطقه "ذی طو".(۴)

۳ - برخی روایات جایگاه خاصی را برای امام زمان (ع) نام نمی برد، ولی حضرت(عج) به عنوان فردی یاد می کند که با مردم و در میان مردم و با آنان حشر و نشر دارد و به گونه ای ناشناس زندگی می کند. امام صادق(ع) فرمود: "صاحب الامر شباهتی نیز به حضرت یوسف پیامبر(ع) دارد. جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف(ع) انجام داد. صاحب الزمان(ع)، آن مظلوم حق از دست داده، در میان مردم رفت و آمد می کند و در بازار قدم می نهد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لیکن اورا نمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند، آن گونه که یوسف(ع) اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم".(۵)

از این روایت استفاده می شود که

امام زمان(ع) مکان معین نداشته در میان جمع و جامع است، با مردم حشر و نشر دارد و زندگی طبیعی و معمولی دارد، در مراسم مذهبی و مناسک حج شرکت می جوید، ولی شناخته شده نیست و این امری است که سابقه داشته و دارد. عنایت امام(ع) به مردم و هدایت و رهبری مردم از سوی دیگر نشان از آن دارد که آن حضرت (ع) در همه جا بوده و در همه جا حضور دارد.

در جمع بین روایات نیز می توان استفاده کرد که امام زمان(ع) در همه جا حضور دارد و این منافات ندارد با آن دسته از روایات که مکان معین مانند مدینه و مکه را بیان کرده اند؛ زیرا آن دسته روایات ناظر بر آن است که در برخی از زمان ها و مکان های خاص حضور پیدا می کند. آن دسته از روایات که مکان مشخصی را برای امام بیان نکرده ناظر بر آن است که حضرت(ع) در همه جا حضور دارد. بی تردید یکی از مصادیق حضور امام(ع) در همه جا، همان مکان های خاص می باشد.

پی نوشت ها:

۱ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶.

۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۳ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲.

۴ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۵ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

مثلث برمودا چیست؟ آیا حرف هایی که مطرح است، صحت دارد؟

پرسش

مثلث برمودا چیست؟ آیا حرف هایی که مطرح است، صحت دارد؟

پاسخ

اقیانوس اطلس که مساحت آن بیش از ۸۲ میلیون کیلومتر می باشد، بعد از اقیانوس آرام، بزرگ ترین اقیانوس جهان است. در غربی ترین نقطه اقیانوس اطلس منطقه اعجاب انگیزی هست که مدت زیادی توجه خبرگزاری ها و رسانه های گروهی جهان را به خود جلب کرده و اخبار پر شور آن مدتی تیترهای روزنامه های علمی جهان را به خود اختصاص داد.

این منطقه در زبان علمی جهان به مثلث برمودا شهرت یافته است. این منطقه را می توانیم به صورتی مثلثی فرض کنیم که رأس مثلث در جزایر برمودا و قاعده آن در جزایر پورتوریکو و شبه جزیره فلوریدا قرار بگیرد.(۱)

اکنون با پیشرفت های علمی بیشتر ابهام های این منطقه روشن شده است. برای اطلاع بیشتر به کتابی که در پاورقی یک آمده مراجعه شود.

بعضی خواسته اند بگویند مثلث برمودا جزیره خضرا است، ولی این گفته صحیح نیست. چون ماجرای جزیره خضرا درست نیست و سند و مدرک قابل قبول ندارد.(۲)

جزیره خضرا سابقه هفتصد ساله دارد. برای نخستین بار مردی به نام علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۶۹ قمری ادعا کرد به جزیره خضرا سفر کرده و آنجا سرزمین خوش آب و هوا محل زندگی امام زمان(ع) و فرزندان و یاوران ایشان است، و حکومت و اداره این جزیرد به دست فرزندان امام عصر(ع) است و نعمت در آن جا به وفور یافت می شود، و هیچ کس اجازه ورود به محدوده جزیره را ندارد، مگر این که از دوستداران حضرت باشد. اگر دشمنی قصد ورود به آن جا را داشته باشد، به قدرت خدا دچار طوفان شده و نابود می گردد.

دور جزیره را آب های

سفید و شیرین فرا گرفته است. (۳)

جزیره خضـرا ثـابت نیست و افسـانه می باشـد. افزون بر این اطلاعـات تـازه به دست آمـده از مثلث برمودا انطبقاق آن با جزیره خضرا را منتفی می سازد.(۴)

پی نوشت ها:

۱ – ابوالفضل طریقه دار، جزیره خضرا، ص ۴۶ و ۴۸ و ۴۹.

۲ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ۲۱۴.

۳ – دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری، پاسخ به پرسش ها (۲)، ص ۳۶.

۴ – ابوالفضل طریقه دار، جزیره خضرا، ص ۱۸۸ – ۱۹۵.

این که امام زمان (عج در جزیره خضرا زندگی می کنند صحت دارد ؟

پرسش

این که امام زمان (عج در جزیره خضرا زندگی می کنند صحت دارد ؟

پاسخ

مکان و مسکن حضرت مشخص نیست روایاتی که در زمینه مکان حضرت آمده است

۱ بیابان ها و کوه ها

۲ مدینه و پیرامون آن

۳ کوه رضوی در اطراف مکه

۴ مکه و اطراف آن (کوه ذی طوئی

۵ بین مردم به طور ناشناس !

داستان جزیره خضرا را مرحوم علامه مجلسی در بحار جلد ۵۲ نقل کرده ولی فرموده است داستان مشهور جزیره خضرا در آب های سفید که خواستم آن را در این کتاب نقل کنم با این که در کتاب های معتبر نبود، آن را در بخش جداگانه ای آوردم

رابطه جزیره خضرا با مثلث برمودا چیست اگر مباحثی وجود دارد بیان کنید؟

پرسش

رابطه جزیره خضرا با مثلث برمودا چیست اگر مباحثی وجود دارد بیان کنید؟

پاسخ

راوی جزیره خضرا "علی بن فاضل مازندرانی است و می گوید: من به جزیره خضرا، محل سکونت ولی عصر (ع و یاران و فرزندانش رفتم اطراف آن را آب های سفید احاطه کرده بود.

علی بن فاضل مازندرانی حدود هفتصد سال پیش بوده و این ادعا از نظر فقها معتبر نیست و صرف ادعا است .

برخی از نویسندگان ماندن "ناجی نجار" در کتاب "جزیره الخضراء، قضیه مثلث برمودا"

مسئله بشقاب پرنده ها که چند سالی برای بشر به صورت امر مجهولی درآمده یا حوادثی را که برای کشتی ها و هواپیماها در مثلث برمودا رخ داده با جزیره خضرا مرتبط دانسته است

همه مطالب کتاب "ناجی نجار" ادعا است که هیچ کدام دلیل ندارد. ولی ادعا کرده مثلث برمودا جزیره خضرا است و صاحبان بشقاب پرنده ها ساکنان این جزیره اند .

ایشان گفته جزیره خضرایی که علی بن فاضل حدود هفتصد سال پیش به آن سفر کرد، احتمالاً منطقه وحشتناک مثلث برمودا است که امروزه خبرگزاری ها از آن سخن می گویند و بشقاب پرنده ها در اختیار ساکنان جزیره خضرا است .

مرحوم مجلسی در کتاب بحار جلد ۵۲ می فرماید: رساله ای یافتم مشتمل بر داستان مشهور جزیره خضرا در آب های سفید که خواستم آن را در این کتاب نقل کنم زیرا مشتمل بر داستان کسی بود که به خدمت حضرت مهدی (ع رسیده است و چون این داستان در کتاب های معتبر نبود، آن را در بخش جداگانه ای آوردم بنابراین ارتباط جزیره خضرا، با مثلث برمودا ادعایی بدون دلیل است همین طور ادعای

ارتباط بشقاب پرنده و... با مثلث برمودا.

آیا قرار گرفتن حضرت مهدی(عج) در جزیره خضراء یا مثلث برمودا حقیقت دارد؟ لطفاً در این زمینه توضیح دهید.

پرسش

آیا قرار گرفتن حضرت مهدی(عج) در جزیره خضراء یا مثلث برمودا حقیقت دارد؟ لطفاً در این زمینه توضیح دهید.

پاسخ

ظاهراً این سخن حقیقت ندارد، چون با توجه به غیبت امام مهدی(عج) محل سکونت آن حضرت بر ما پوشیده است.

حال سخنی درباره جزیره خضراء و مثلث برمودا:

در سال ۶۹۹هجری قمری(بیش از هفت صد سال پیش) فردی به نام علی بن فاضل مازندرانی ادعا کرد که من به جزیره ای رفتم که حضرت ولی عصر(عج) و یاران و فرزندانش در آن جا سکونت دارند. نام آن جزیره "خضراء" است. ولی چگونگی مسافرت خویش به این جزیره و حوادثی را که با آن رو به رو شده بود را برای شخصی به نام فضل بن یحیی طیبی کوفی شرح داد.[۱]

سپس دیگران به نقل و نقد آن پرداختند؛ برخی پذیرفتند و برخی آن را به دلایلی چند مردود دانستند.[۲]

برخی از نویسندگان مانند ناجی نجار در کتاب "جزیره الخضراء" قضیه "مثلث برمودا"، مسئله بشقاب پرنده ها که از چند دهه گذشته مطرح شده و برای بشر ناشناخته مانده است، نیز حوادثی که برای کشتی ها و هواپیماها در "مثلث برمودا" در دریای کارائیب واقع در اقیانوس اطلس رخ داده را با جزیره خضرای مورد ادعای علی بن فاضل مازندرانی پیوند دارده و ادعا کرده که جزیره خضراء همان مثلث برمودا است.

بعد از این ادعا عالمان اسلامی همانند علامه محمد تقی شوشتری، جعفر مرتضی عاملی، ابراهیم امینی و شهید صدر به نقد آن پرداختند و آن را مردود و افسانه دانستند.[۳]

[۱] مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹ – ۱۷۴.

[۲] برای اطلاع بیشتر ر.ك: جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟، به قلم جمعی

از دانشمندان معاصر ترجمع و تدوین ابوالفضل طریقه دار.

[۳] رجوع شود به همان کتاب.

منظور از مثلث برمودا چیست؟ می گوینـد این مثلث در اقیـانوس اطلس قرار دارد و هیـچ کس مگر افرادی خاص اجازه ورود به این محدوده را ندارند و این جزیره محل زندگی امام زمان و فرزندانش است. آیا این سخن درست است؟

پرسش

منظور از مثلث برمودا چیست؟ می گوینـد این مثلث در اقیانوس اطلس قرار دارد و هیچ کس مگر افرادی خاص اجازه ورود به این محدوده را ندارند و این جزیره محل زندگی امام زمان و فرزندانش است. آیا این سخن درست است؟

پاسخ

مثلث برمودا منطقه ای است در شـرق آمریکای مرکزی در اقیانوس اطلس شمالی که چندین کشور مانند کوبا، هاوایی و ده ها جزیره دیگر در آن قرار دارنـد. این مطنقه دارای آثـار و جاذبه های متعـددی است. از ویژگی های این منطقه طوفان خیز بودن آن است. هر ساله در اثر طوفان خساراتی به کشورهای این منطقه وارد می شود. روزنامه ها و مجلات امریکایی در قرن بیستم، دهه ۵۰ – ۶۰ میلادی برای انحراف افکـار مردم امریکـا و پنهان کاری عملیات نظامی خود علیه کوبا ده ها افسانه و داسـتان را دربـاره این مثلث سـاخته و اسـرارآمیز بودن منطقه را مطرح کردنـد. چون در همـان زمـان امریکا با تقویت ضـد انقلابیون کوبا سعی در سـرنگونی دولت کوبا داشت و این داسـتان ها پوشـش خوبی برای عملیات انهدام کشتی ها و ضـربه زدن به انقلابیون بود؛(۱) بنابراین بسیاری از داستان ها که ساخته اند، جعلی است.

برخی ادعـا کرده انـد کـه مثلث برمـودا، جزیره خضـرا است که امـام زمـان(ع) در آن زنـدگی می کنـد.(۲) ایـن ادعـا مبنی بر گزارش های علی بن فاضل مازندارنی است. وی مدعی شده که به جزیره خضـرا رفته و آن را محل زندگی امام زمان(ع) یافته است. برخی دیگر ماننـد ناجی نجّار گفته که مثلث برمودا جزیره خضـرا است که علی بن فاضل مازندرانی حدود هفتصد سال پیش به آن جا سفر کرده است. صحت این ادعا مبتنی بر دو پیش

فرض است که هر دو منتفی است:

یک: جزیره خضرا واقعیت داشته باشد و امام زمان(ع) در آن زندگی کند. اکثر اندیشمندان وجود جزیره خضرا را انکار نموده و آن را افسانه خوانده اند.(۳) علامه جعفر مرتضی می نویسد: داستان جزیره خضرا نه از نظر سند درست است و نه از نظر متن و به هیچ وجه مجالی برای قبول یا اعتماد و اطمینان بدان وجود ندارد.(۴)

دو: امام زمان(عج) مکان معیّن داشته باشد که در آن جا زندگی کند، حال آن که – بر اساس روایات – امام زمان مکان معیّن ندارد، در برخی روایات آمده است که حضرت در مدینه واطراف آن زندگی می کند.(۵)

در بعضی روایات دیگر به حضور حضرت در مکّه و اطراف آن اشاره شده است.(۶) دسته دیگری از روایات دلالت دارند که امام زمان(عج) به گونه ناشناس با مردم حشر و نشر داشته و مکان معیّنی ندارد و مردم او را نمی شناسند.(۷) از مجموع این روایت استفاده می شود که حضرت مکان معیّن ندارد. بر این اساس باید گفت این ادعا که امام زمان(عج) در مثلث برمودا زندگی می کند، قابل قبول نیست. رفت و آمد در جزیره برمودا برای دیگران امکان پذیر است و اختصاص به گروه و افراد خاصی ندارد.

پی نوشت ها:

۱. ابوالفضل طریقه دار، جزیره خضرا – افسانه یا واقعیت، از ص ۴۵ به بعد.

۲. جعفر مرتضی، دراسه فی علامات الظهور والجزیره الخضراء، ص ۲۷۳.

۳. ابوالفضل طریقه دار، همان، ص ۲۱۱ به بعد.

۴. جعفر مرتضی، همان، ص ۲۷۳.

۵. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶.

۶. ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۷. همان، ص ۱۶۴.

منظور از جزیره خضراء چیست؟ آیا چنین مکانی در کره خاکی وجود دارد؟

پرسش

منظور از جزیره خضراء چیست؟ آیا چنین مکانی در

کره خاکی وجود دارد؟

پاسخ

در سال ۶۹۹ هجری قمری (بیش از هفتصد سال پیش) فردی به نام علی بن فاضل مازندرانی ادعا کرد که به جزیره ای رفتم که حضرت ولی عصر(عج) و یاران و فرزندانش در آن جا سکونت دارند. نام آن جزیره "خضراء" است. او چگونگی مسافرت خویش به این جزیره و حوادثی را که با آن روبرو شده بود، برای شخصی به نام فضل بن یحیی طیبی کوفی شرح داد. (۱)

سپس دیگران به نقل و نقد آن پرداختند؛ برخی پذیرفتند و برخی آن را به دلایلی چند مردود دانستند.(۲) برخی از نویسندگان مانند ناجی نجار در کتاب "جزیره الخضراء" قضیه "مثلث برمودا"، مسئله بشقاب پرنده ها که از چند دهه گذشته مطرح شده و برای بشر ناشناخته مانده است، نیز حوادثی را که برای کشتی ها و هواپیماها در "مثلث برمودا" در دریای کارائیب واقع در اقیانوس اطلس رخ داد، با جزیره خضرای مورد ادعای علی بن فاضل مازندرانی پیوند داده و ادعا کرده که جزیره خضرا، مثلث برمودا است.

بعد از این ادعا عالمان اسلامی همانند علامه محمد تقی شوشتری، جعفر مرتضی عاملی، ابراهیم امینی و شهید صدر به نقد آن پرداختند و آن را مردود و افسانه دانستند.(۳)

پی نوشت ها:

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹ - ۱۷۴.

۲. برای اطلاع بیشتر ر.ك: جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟، به قلم جمعی از دانشمندا معاصر ترجمه و تدوین ابوالفضل طریقه دارد.

۳. همان.

منظور از قبه سفید که به امام زمان(عج) نسبت می دهند چیست؟ آیا امکان عکس برداری از این قبه وجود دارد؟

پرسش

منظور از قبه سفید که به امام زمان(عج) نسبت می دهند چیست؟ آیا امکان عکس برداری از این قبه وجود دارد؟

پاسخ

برخی ادعا کرده اند که در جزیره خضرا کوه بلندی است که در وسط آن محل با شکوهی بوده و در آن جا قبه ای از آجر

هست و در آن امام زمان(ع) زندگی می کند.(۱)

عکس برداری از این قبه مبتنی بر این است که جزیره خضـرا وجود داشـته و امام زمان(عج) در آن جا سکنی داشته باشد، حال آن که اکثر محققان وجود جزیره خضرا را انکار نموده و آن را افسانه خوانده اند.(۲) اگر جزیره خضرا وجود نداشته باشد، قبه ای وجود ندارد، تا بتوان از آن عکس برداری کرد.(۳)

پی نوشت ها:

۱. ابوالفضل طریقه دار، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت، ص ۳۱ – ۳۲.

۲. همان، ص ۲۱۱ به بعد.

۳. برای آگاهی از مکان امام زمان(عج) ر.ک: مجله حوزه، شماره ۷۲ – ۷۱ ویژه نامه امام زمان، ص ۵۴ – ۵۱.

در مورد جزیره الخضــراه و ارتباط احتمالی آن با آقا بقیه الله (عج) توضیح فرمایید. و اینکه در مورد ازدواج و فرزندان آقا امام زمان (عج) در زمان کنونی مطالبی را برایم بنویسید؟

پرسش

در مورد جزیره الخضـراه و ارتباط احتمالی آن با آقا بقیه الله (عج) توضیح فرمایید. و اینکه در مورد ازدواج و فرزندان آقا امام زمان (عج) در زمان کنونی مطالبی را برایم بنویسید؟

پاسخ

در مورد قسمت اول سؤال درباره جزیره خضراء:

باید به این نکته توجه داشـته باشـید که همواره در تاریخ، عده ای طمع ورز و هوا پرست بوده اند که می کوشیده اند تا با سوء اسـتفاده از اعتقادات و عواطف مردم، قضایا را به سود خود تفسـیر و تبیین کننـد. این مسأله در مورد عقایـد مـذهبی و باورهای دینی مردم مضاعف است وجود افراد بی نام و یا بد نام و یا حداقل معمولی در میان برخی از سندهای روایی یا وجود محتوایی به دور از فهم و متنـاقض، نشان دهنـده همین انحراف می باشـد. این موضوع بحثی دردناک دارد که بایـد در جای خود مطرح شود.

در ایـن راسـتا گفتنی اسـت که اولاًـ در سـند روایت "جزیره خضـراء" و ثانیـاً در محتویـات این روایت و ثالثـاً در بـاب وثـاقت شخصـی که این داسـتان را نقل کرده (علی بن فاضل مازنـدرانی) بحث و نظرهای متفاوتی وجود دارد و اکثر علمای طراز اول شیعی چه در دوران گذشـته و چه در عصـر اخیر این روایت را صـحیح وموثق نمی دانند. پس اصل روایت جزیره خضـرا محل تردید جدی است.(۱)

اما در مورد سؤال دوم شما درباره زن و فرزند امام زمان (عج):

در مورد مسأله زن و فرزند آن حضرت که با توجه به منابعی که در اختیار ما هست که یا اشکال سندی دارند یا از لحاظ محتوا دارای ابهام اند نمی توان نظر قاطعی را ارائه

کرد. در این جا سه احتمال مطرح شده است.

۱ اساساً حضرت مهدی (عج) ازدواج نکرده است. ۲ ازدواج انجام گرفته ولی اولاد نـدارد. ۳ ازدواج کرده و دارای فرزندانی نیز هست.

لازمه پذیرش احتمال اول، آن است که امام معصوم یکی از سنتهای مهم اسلامی را ترک کرده باشد که این با شأن امام سازگاری ندارد اما می توان گفت چون مسأله غیبت مهم تر از ازدواج است. می توان برای مصلحت بالاتر مسأله مهم را ترک کرد و اهم را انجام داد.

اما احتمال دوم، اشکالش آن است که عمر همسر حضرت نیز مانند عمر خود حضرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم و یا اینکه بگویم مدتی با حضرت زندگی کرده و از دنیا رفته است. در این صورت حضرت به سنت حسنه ازدواج عمل کرده و پس از آن بدون زن و فرزند زندگی را ادامه داده است.

اما بر احتمال سوم دلیل محکمی نداریم. علاوه بر آن که اگر حضرت دارای اولاد می بوده بالاخره آنها دارای اولاد و اعقابی بودند و روزی به دنبال اصل خویش می افتادند و همین کنجکاوی و جست و جو، موجب می گردد که مکان و منزل حضرت مشخص گردد که این با راز فلسفه غیبت سازگاری ندارد.

و احتمال دیگر این است که فرزندان پس از ظهور و ازدواج آن حضرت به دنیا بیایند و این مطلب مربوط به زمان ظهور است نه زمان غیبت.(۲)

منابع و مآخذ:

۱ برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به کتاب سید جعفر مرتضی عاملی، جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؛ ترجمه محمد سپهری، بخش سوم.

۲ به کتاب چشم به راه مهدی، جمعی از

نویسندگان.

چه رازهایی در مثلث برمودا نهفته است ؟

پرسش

چه رازهایی در مثلث برمودا نهفته است ؟

پاسخ

در مثلث برمودا نه جاذبه ای قوی وجود دارد و نه نقاط اسرارآمیز و ناشناخته؛ مثلث برمودا منطقه ای است در شرقآمریکای مرکزی که چندین کشور مانند: کوبا، هاوایی و دهها جزیره دیگر در آن قرار دارد. از ویژگی های این منطقهطوفان خیز بودن آن است. هر ساله در اثر طوفان خساراتی به این کشورها وارد می شود.

روزنامه ها و مجلات آمریکایی در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی برای انحراف افکار مردم آمریکا و پوشش بر روی عملیاتنظامی خود بر علیه کوبا دهها افسانه و داستان را در اطراف این مثلث ساخته و پرداخته کردند، اسرارآمیز بودن منطقهرا طرح ساختند. چون در همان زمان آمریکا با تقویت ضد انقلابیون کوبا سعی در سرنگونی دولت کوبا داشت و ایند‌استان ها پوشش خوبی برای عملیات انهدام کشتی ها و ضربه زدن به انقلابیون کوبا بود.

مثلث برمودا هم اکنون روزانه شاهد عبور و مرور هزارها کشتی و قایق و دیگر ترددها است و هیچ خطر ناشناخته ایآنها را تهدیدی نمی کند.{

آیا امام زمان (عج) در جزیره برمودا زندگی می کند؟ تا چه حد می توان به کتاب های آقای ابطحی در این مو

پرسش

آیا امام زمان (عج) در جزیره برمودا زندگی می کند؟ تا چه حد می توان به کتاب های آقای ابطحی در این مو

پاسخ

الف) در مورد زندگی حضرت در مثلث برمودا یا جزیره ی خضراء:

برخی افراد، به داستان جزیره ی خضراء تمسک کرده انـد و آن را بر مثلث برمودا تطبیق کرده اند و بر اساس آن گفته اند که امام

عصر(ع) با خانواده و فرزندانشان در این جزیره زندگی می کنند.

اولاً: مثلث برمودا، منطقه ای است از دریای کارائیب در شرق آمریکا مرکزی که کشور کوبا و هاوانا و دهها جزیره دیگر در نزدیکی

آن قرار دارد. در دهه ی پنجاه و شصت قرن بیستم روزنامه ها و مجلات آمریکایی در راستای سیاست های دولت آمریکا، دهها داستان

و افسانه پیرامون این مثلث ساختند و آن را منطقه ای اسرارآمیز معرفی کردند که هر موجود زنده ای در این منطقه وارد شود با نیروی

ناشناخته ای در کام مرگ فرو خواهد رفت و هر وسیله ای چون هواپیما و کشتی و قایق وارد این منطقه شود توسط نیروی ناشناخته ای

منهدم خواهد شد. این داستانها به منظور ایجاد یک پایگاه نظامی مطمئن در نزدیکی کشور کوبا متحد اتحاد جماهیر شوروی در دل

قاره آمریکا و پوشش نهادن بر انجام عملیات نظامی و انهدام کشتی ها و هواپیماهای کوبایی بود.

ثانیا: داستان جزیره خضرا، یک داستان خیالی و افسانه ای بیش نیست. علامه مجلسی این داستان را جداگانه در نوادر بحار نقل

کرده و می نویسد: «چون در کتاب های معتبر بر آن دست نیافتم، آن را در فصلی جداگانه آوردم»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹). بررسی

گسترده محققین نیز افسانه بودن آن را اثبات می کند. دراین زمینه رجوع کنید به:

۱. جزیره خضرا در ترازوی نقد، علامه جعفر مرتضی عاملی، ترجمه محمد

سپهری، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم

۲. جزیره خضرا افسانه یا واقعیت، جمعی از نویسندگان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.

ب) کتب نویسنده ی مذکور را هرگز نمی توان به طور کامل تأیید کرد به ویژه اینکه مشتمل بر مطالبی است که قابل تأیید نیست

(مثل اعتراف به گناه در نزد دیگران،...) و مطالعه ی آن برای افرادی که شخصیت آنها در ناحیه معارف دینی شکل نگرفته است حتی

ممکن است در مواردی مضرّ باشد و اثرات نامطلوبی را در آنها به جای بگذارد در صورت نیاز به معرفی کتاب در زمینه های مختلف

مربوط به وجود مقدس امام زمان(عج) مکاتبه کنید تا کتب مفید در این زمینه را برای شما معرفی کنیم.

داستان جزیره خضرا تا چه حد صحت دارد نظر علماء امروزی چیست؟

پرسش

داستان جزیره خضرا تا چه حد صحت دارد نظر علماء امروزی چیست؟

پاسخ(قسمت اول)

برای روشن شدن جواب، اول باید خود داستان را بیاوریم.

اصل داستان

شیخ زین الدین علیّ بن فاضل مازندرانی می گوید: سالیان درازی در دمشق به تحصیل علوم دینی اشتغال داشتم. شیخ عبدالرحیم حنفی و شیخ زین الدّین علی مغربی اندلسی مالکی اساتید من بودند. زین الدین علی مغربی استادی بود خوش اخلاق و بدور از جدال و بدبینی به شیعه. او هر وقت در تدریس، نظر شیعه را می گفت، کلمات مناسب به کار می برد و می گفت: «علمای امامیّه چنین می گویند» در حالی که اساتید دیگر می گفتند: «رافضی ها چنین می گویند». ویژگی اخلاقی زین الدین علی مغربی سنّی مذهب باعث شد که من به درس اساتید دیگر نرفتم و تنها به درس او رفتم. مدتها در خدمت این استاد بودم تا اینکه برای او مسافرتی پیش آمد و آماده سفر به کشور مصر شد. جدایی او برایم سخت بود و برای او نیز جدایی من سخت بود. خود استاد پیشنهاد کرد که من هم به همراه او به مصر بروم. گروه دیگری هم از طلّاب به همراه او راه افتادند. همه با هم به سوی مصر رفتیم و به قاهره رسیدیم.

استاد مدت نه ماه در مصر ماند. ما هم در مصر ماندیم. آن روزها بسیار خوش می گذشت. روزی کاروانی از اندلس رسید.

این کاروان نامه ای برای استاد آورد. در نامه نوشته شده بود: حال پدرت بسیار بد است.

می خواهـد پیش از مرگ تو را ببینـد. هر چه زودتر برگردیـد. اسـتاد زین الـدین علی مغربی با خواندن نامه پدرش متأثر شد و گریه کرد.

استاد پس از خواندن نامه تصمیم گرفت که به اندلس برگردد.

من و بعضی از شاگردان تصمیم گرفتیم با استاد به اندلس برویم. همه با هم به سوی اندلس راه افتادیم. به اندلس رسیدیم. در اولین آبادی اندلس، من به شدّت تب کردم و دیگر نتوانستم راه بروم. استاد بسیار متأثر شد و گفت: جدایی تو برایم سخت است. استاد مرا به واعظ آن آبادی سپرد و ده درهم به او داد و گفت: اگر این طلبه شفا یافت، به شهر من بفرست. از من هم قول گرفت که اگر شفا یافتم به شهر او بروم. استاد و همراهان رفتند و من در آن آبادی ماندم. پس از سه روز خوب شدم. از آن آبادی تا شهر استاد پنج روز راه بود. پس از اینکه خوب شدم، از خانه بیرون آمدم و در کوچه های آن آبادی می گشتم که با کاروانی روبرو شدم. از حال آنان سؤال کردم. در جوابم گفتند: از سرزمین بربر آمده ایم. گفتم: سرزمین بربر کجاست؟ گفتند: نزدیک جزایر رافضی ها. وقتی که کلمه جزایر رافضی ها را شنیدم، به فکر رفتن به آنجا افتادم. از آن جزایر سؤالاتی

کردم و گفتند: از اینجا تا جزایر رافضی ها ۲۵ روز راه است و دو روز باید در بیابان بی آب و علف بروی و پس از آن راهها خوب است و آبادیها به یکدیگر پیوسته هستند. مرکبی را به سه درهم کرایه کردم. منطقه بی آب و علف را با آن رفتم. وقتی که به اولین آبادی رسیدم، مرکب را به صاحبش ردم کردم. با پای پیاده از این آبادی به آن آبادی و از آن آبادی به دیگری رفتم تا به سرزمین صاحبان کاروان رسیدم. سه روز

دیگر هم رفتم تـا به جزایر رافضـی هـا رسـیدم. به جزیره ای رسـیدم که دارای چهـار قلعه و برجهای بلنـد و محکمی داشت. از دروازه بزرگ وارد شدم نام این دروازه دروازه بربر بود، در کوچه می کشـتم. از مسـجد شـهر پرسـیدم. آنان راهنمایی کردند. داخل مسـجد شدم. مسجد با شـکوهی بود و در کنار دریا قرار داشت. در گوشه ای از مسجد نشستم تا استراحت کنم. صدای مؤذن بلنـد شد. اذان نماز ظهر را گفت. در اذان جمله ی «حی علی خیرالعمل» را بر زبان آورد و در پایان اذان برای ظهور امام زمان دعا کرد. من به گریه افتادم. مردم گروه گروه آمدنـد و وضو گرفتنـد. دیدم همه شان مانند شـیعیان وضو می گیرند. مرد خوش سیمائی وارد مسجد شد و در محراب ایستاد. صفها مرتب گردید. همه نماز ظهر را خواندن ولی من خسته بودم نتوانستم با آنان نماز بخوانم. وقتی که مرا اینچنین دیدند پرسـیدند: اهل کجائی؟ گفتم: از عراق هستم. گفتند: چه مذهبی داری؟ گفتم: ایمان به خدا و حضـرت محمد(ص) دارم. گفتند: چرا سوّمی را نمی گویی؟! گفتم: سومی چیست؟ گفتند: شـهادت به ولایت امیر مؤمنان علی و اولاد علی.

وقتی چنین دیدم بسیار خوشحال شدم و شیعه بودنم را به آنان گفتم. آنان توجه ویژه ای در حق من کردند. و در مسجد جایی را در نظر گرفتنـد و گفتنـد: در اینجا می توانی استراحت کنی. آنان هر روز در آنجا به دیـدن من می آمدند. امام جماعت آن مسـجد شب و روز بـا من بود و از من جـدا نمی شود. روزی از امـام جماعت پرسـیدم: در این شـهر زراعتی نمی بینم، پس این مردم از کجا آذوقه تهیه می کنند؟ گفت:

آذوقه ما از جزیره خضراء می آید که از جزایر اولاد امام زمان است. گفتم: سالی چند بار آذوقه می آورند؟ گفت: دوبار.

یک بار آورده اند و چهار ماه دیگر هم خواهند آورد. از طولانی بودن مدت آمدن آنان، غمگین شدم و دلم می خواست زودتر از چهار ماه می آمدند.

چهل روز در آنجا ماندم، در آن چهل روز آنان مرا بسیار گرامی می داشتند. عصر روز چهلم احساس دلتنگی کردم. کنار دریا رفتم و به مغرب نگاه می کردم، جایی که آذوقه ها از آن سو می آمد. از دور چیزی را در حرکت دیدم. پرسیدم: آیا در این دریا مرغهای سفید وجود دارد؟ گفتند: نه. گفتم: پس آنچه من می بینم چیست؟ نگاه کردند و گفتند: آنها کشتی هایی است که از شهرهای فرزندان امام زمان می آیند و آذوقه های ما را می آورند. کشتیها رسیدند. آن مردم که با من بودند گفتند: امسال کشتی ها زودتر از موعد آمده اند. اول یک کشتی بزرگ لنگر انداخت. پس از آن شش کشتی دیگر هم پهلو گرفتند. از کشتی بزرگ مرد بلند قد و زیبا پیاده شد و به طرف مسجد رفت. ما هم رفتیم. پس از اینکه نماز را خواند رو به من کرد و گفت: سلام علیکم، نامت چیست؟ باید نام تو علی باشد؟!

گفتم: آری نامم علی است. گفت: نام پدرت چیست؟ باید نام پدرت فاضل باشد؟! گفتم: فاضل است. به او گفتم: شما مرا از کجا می شناسید؟ گفت: مشخصات تو را به من داده اند و من باید تو را به جزیره خضراء ببرم. بسیار خوشحال شدم و از خوشحالی در پوست نمی گنجیدم. آذوقه ها را تحویل دادند و عازم حرکت شدند و مرا هم با خود بردند.

۱۶ روز راه رفتیم و در این مدت من در خدمت آن پیرمرد بودم. نام او محمد بود. روز ۱۶ به منطقه ای در دریا رسیدیم که آبش سفید بود. من به آب سفید خیره شدم و گفتم:

این آب چرا سفید است؟ آن مرد گفت: اینجا آبهای سفید است و آنجا جزیره خضراء است، آبهای سفید جزیره را از هر طرف احاطه کرده است و هر کشتی به این آبها برخورد کند غرق می شود. دشمنان نمی توانند از این آبهای سفید رد شوند. کمی از آن خوردم. مزه آب شیرین بود. آبهای سفید را پشت سر گذاشتیم و به جزیره خضراء رسیدیم. کشتی در کنار جزیره پهلو گرفت، پیاده شدیم و وارد شهر شدیم. آن شهر میان هفت قلعه ی استوار با دیوارهای محکم و برجهای بلند بود. آبشارها و میوه های فراوان داشت. آن شهر زیباترین شهری بود که تا آن زمان دیده بودم. این شهر بازارهای وسیع و حمامهای فراوان داشت و بیشتر ساختمانهای آن از مرمر شفّاف بود. اهالی شهر قیافه های جذّاب داشتند. به منزل آن پیرمرد رفتیم. کمی استراحت کردم و پس از آن به مسجد رفتیم. در مسجد جمعیت زیادی بود. در میان مردم مردی بود که از وصف او ناتوانم. او را سید شمس الدین محمد عالم می گفتند: آنان که در مسجد با او بودند. از او درس می گرفتند و او استاد آنها بود. وقتی که من خدمت سید شمس الدین محمد عالم رسیدم، به من خوش آمد گفت و در کنار خود مرا نشاند و حالات مرا پرسید و گفت که شیخ محمد را من برای آوردن تو فرستاده بودم. سید شمس الدین دستور

داد اطاقی در گوشه ای از مسجد برای من در نظر گرفتند و گفت: این اطلاق از آن تو است. هر وقت خواستی تنها باش و هر وقت خواستی بیرون برو. از خدمت سید شمس الدین مرخّص شدم و به اطاقم رفتم. تا عصر استراحت کردم. عصر برایم پیام

آوردند که شمس الدین با گروهی می آیند و شام را در اطاق تو خواهند بود. طولی نکشید که سید شمس الدین و همراهان آمدند.

وقت خوردن شام رسید، سفره ها باز شد و غذا چیده شد. آن شب در محضر سید شمس الدین شام را خوردیم. برای نماز مغرب و عشا به مسجد رفتیم. پس از نماز سید شمس الدین به منزلش رفت و من هم به اطاقم برگشتم. هیجده روز به این ترتیب گذشت و من هر روز خدمت سید شمس الدین می رسیدم و از محضر او استفاده های علمی می کردم. در نخستین جمعه که پشت سر سید شمس الدین نماز جمعه را خواندم دیدم سید نماز جمعه را به عنوان دو رکعت واجب خواند. من پرسیدم: نماز جمعه را به عنوان دو رکعت نماز واجب اقامه کردید؟ گفت: آری چون تمام شرایط اقامه نماز جمعه فراهم است. با خود گفتم: شاید خود حضرت امام زمان در نماز جمعه شرکت داشت. چون مردم رفتند، از سید شمس الدین پرسیدم: آیا امام زمان در نماز جمعه شرکت داشتند؟ گفت: نه ولی من نایب خاصّ آن حضرت!! هستم. گفتم: آیا امام زمان را دیده ای؟ گفت: نه ولی پدر بزرگم او را دیده است. گفتم: چگونه

است که یکی می بیند و یکی نمی بیند؟ گفت: بندگان خدا یکسان نیستند و مراتب قرب و کمال در آنها متفاوت است...

پس از آن سید شمس الدین دست مرا گرفت و به بیرون شهر برد. بیرون شهر، بستانها، رودها و باغهای زیادی داشت و انواع میوه ها وجود داشت. در حال قدم زدن بودیم که مرد خوش قیافه ای از نزدیکی ما گذشت. گفتم: این مرد کیست؟ سید شمس الدین گفت: آن کوه بلند را می بینی؟ گفتم: آری. گفت: در وسط آن کوه محلّ با شکوهی است. در آن جا قبّه ای هست از آجر. این مرد با یک مرد دیگر

خادم آن قبّه هستند. من هر صبح به آنجا می روم و امام زمان را زیارت می کنم. در آنجا دو رکعت نماز می خوانم. و ورقه ای می یابم که در آن هر چه به آن نیاز دارم نوشته شده است. تو هم بهتر است به آنجا بروی و امام زمان را زیارت بکنی. من به بالاـ یکوه رفتم و به آن قبّه رسیدم. یکی از آن خادمها مرا شناخت و احترام کرد و ولی دیگری نشناخت و اعتراض کرد. خادمی که مرا می شناخت به آن یکی گفت: این شخص را به همراه سید شمس الدین دیده ام. پس از آن هر دو خادم مرا احترام کردند. برایم نان و انگور آوردند. از خادمها پرسیدم: رؤیت امام زمان چگونه میسّر است؟ گفتند: ما اجازه نداریم به کسی خبر بدهیم. از آنها خواستم در حق من دعا کنند. با آنان خداحافظی کردم و آمدم. به منزل سید شمس الدین رفتم ولی در منزل نبود. به منزل شیخ محمد رفتم که مرا آورده بود.

با شیخ محمد درباره آن دو خادم گفتگو کردم. شیخ محمد گفت: جز سید شمس الدین کسی حق ندارد به آن قبّه برود و برای

همین مورد اعتراض واقع شده ای. از شیخ محمد درباره سید شمس الدین سؤالاتی کردم. شیخ محمد گفت: سید شمس الدین از اولاد امام زمان است و میان او و امام زمان پنج نفر واسطه است...

شیخ زین الدین علی بن فاضل مازندرانی در ادامه داستان می گوید: از سید شمس الدین اجازه خواستم تا در محضر او باشم و استفاده علمی بکنم. سید شمس الدین گفت: اگر ضرورتی هست اشکالی ندارد و اول از قرآن آغاز کن. از آن پس در خدمت سید شمس الدین به فرا گرفتن علوم قرآنی پرداختم. من هر روز قرآن را می خواندم و هر آیه ای که مورد اختلاف بود، توضیح داده می شد. سید شمس الدین درباره آیات قرآن گفت، قرآن به تدریج بر پیامبر نازل شد و جبرئیل در حجه الوداع بر پیامبر نازل شد و گفت: یا

محمد! قرآن را بخوان تا آغاز و انجام هر سوره را برایت بگویم. پیامبر قرآن را می خواند و گروهی هم می نوشتند. آیاتی که مورد اختلاف بود جبرئیل تفسیر آن را هم می گفت و حضرت علی هم می نوشت. به سید شمس الدین گفتم: ای سرور من! ما بعضی آیات را غیر مرتبط با بعضی دیگر می بینیم سرّ این چیست؟ سید شمس الدین گفت: علتش این است پس از غصب خلافت، حضرت علی(ع) قرآن را جمع آوری کرد و به مسجد آورد و گفت: ای مردم! این، قرآن است و پیامبر دستور داده که به شما عرضه کنم. ابوبکر و عمر گفتند: ما به قرآن تو نیاز نداریم. علی(ع) گفت: قبلاً پیامبر مرا از همین سخن شما آگاه ساخته بود. آنگاه علی(ع) قرآن را به خانه باز گردانید و می گفت:

خـدایا! تو بر آنچه گفتم، در قیامت گواه باش. وقتی که بعدها ابوبکر تصـمیم به جمع آوری قرآن گرفت، گفت: هر کس آیه یا سوره ای در اختیار دارد بیاورد. عده ای مثل ابو عبیده جرّاح، عثمان، سعد بن ابی وقاص، معاویه این قرآن را که در میان

مردم است جمع آوری کردنـد و در هنگـام جمع آوری، آیاتی را که به ضـرر آنها بود انداختنـد. از این جهت، برخی آیات را غیر مرتبـط بـا بعضـی دیگر می بینـد. قرآنی حضـرت علی(ع) جمع کرده، در نزد امام زمان(ع) موجود است و در آن همه چیز آمـده است حتی دیه خراش. و این قرآنی که در دست مردم است. کلام خـداست و چیزی بر او اضافه نکرده اند ولی از او کم کرده اند. این سخن از سوی امام زمان(ع) نازل شده است.

از سـید شـمس الدین مسائل زیادی پرسـیدم و آنها را نوشـتم و به نام فوائد شمسـیه نامیدم که فقط به شـیعیان خالص نشان می دهم. جمعه دوم به نمـاز جمعه رفتم. پس از پایـان نماز جمعه، سـید شـمس الـدین به تـدریس مشـغول شـد. من هم گوش می کردم. ناگهان سر و صدا از بیرون مسجد شنیده شد. پرسیدم: این سر و صدا چیست؟ گفتند: هر جمعه در وسط ماه لشکریان ما سوار بر اسـبها می شوند و انتظار فرج می کشـند. از سید شمس الدین اجازه خواستم که به بیرون بروم. از مسجد بیرون آمدم و جمعیت زیادی را دیـدم که برای ظهور امام زمان دعا می کنند. به مسـجد بازگشـتم. سـید شـمس الدین گفت: لشـکریان ما را دیدی؟ گفتم: آری. گفت: اُمرای آنها را شمردی؟ گفتم: نه. گفت: امرای آنها ۳۰۰ نفر هستند و تنها ۱۳ نفر

مانـده که امرا کامل شونـد و با کامل شـدن امرا، عدد یاران حضـرت امام زمان کامل می شود. پرسـیدم: فرج کی خواهد بود؟ گفت: خدا می داند. سـید شـمس الدین گفت: فرج امام زمان چند علامت دارد: یکی این است که شمشـیر ذوالفقار از غلاف بیرون بیایـد و سـخن بگوید. آن شمشـیر خواهد گفت: ای ولی خدا! برخیز و به وسـیله من دشـمنان خود را نابود کن. نشانه ی دیگر سه صدا است که همه مردم آن سه صدا را می شنوند. این سه صدا عبارتند از:

الف. ای مؤمنان وقت ظهور رسیده است.

ب. لعنت خدا بر کسانی که بر محمد و آل محمد ستم کردند.

ج. خداوند حضرت امام زمان را ظاهر ساخته است، به سخنان او گوش بدهید.

به سید شمس الدین گفتم: اساتید ما می گویند: در عصر غیبت کبرا هر کس ادعای رؤیت امام زمان را بکند، کاذب است. آیا این روایت صـحیح است؟ سـید گفت: این مربوط به زمانی بود که دشـمنان زیاد بودند ولی اکنون دشـمنان ناامید گشـته اند و سرزمین مـا دور از دسترس آنهـا است. گفتم: علمای شـیعه می گوینـد: امام زمان خمس را بخشـیده و لازم نیست مردم خمس بدهنـد. سـید شـمس الـدین گفت: درست است. گفتم: آیا شـیعیان می تواننـد از برده هایی که اهل سـنت دارند بخرند؟ سـید شمس الدین گفت: آری می توانند...

پاسخ(قسمت دوم)

سید شـمس الدین درباره خود امام زمان گفت: امام زمان در یکسال فرد و نه زوج، بین رکن و مقام در مکه ظاهر خواهد شد. مؤمنان باید در انتظار آن روز باشند. گفتم: علاقه مندم در وقت ظهور امام زمان با شما باشم. سید گفت: به من دستور داده اند که به تو بگویم: به وطن خود

برگرد زیرا که اهل وعیال داریـد. از شـنیدن این خبر گریه کردم و غمگین شـدم. به سـید گفتم: آیا اجازه می فرماییـد آنچه از شما استفاده کردم به مردم بگویم؟ گفت: اشکال ندارد جز فلان مطلب ها. به سید شمس الدین گفتم.

آیـا می توان جمـال امام زمان را مشاهـده کرد؟ گفت: نه. بعـد اضافه کرد: مؤمنان جمال آقا را می تواننـد ببیننـد. گفتم: من از بندگان با اخلاص آقا هسـتم ولی آن حضـرت را ندیده ام. سـید شمس الدین گفت: نه، تو هم دیده ای. تو دوبار جمال آقا را زیـارت کرده ای. یکی هنگـامی که اولین بـار به سـامرا رفتی. تو از قـافله عقب مانـده بودی. به رودخـانه ای رسـیدی. در آنجا کسی را دیدی. آن کس به تو گفت: نترس و با شتاب برو تا به قافله برسی. آن واقعه یادم آمد و گفتم: آری چنین اتفاقی پیش آمـده بود. بار دوم وقتی بود که با اسـتادت از دمشق به مصـر می رفتی و در راه از قافله عقب مانـدی و وحشت بر تو غلبه کرد. سواری را دیـدی که بتو گفت: نترس و تو را راهنمـایی کرد. به سـید گفتم: آری آن حـادثه هم برایم پیش آمـده بود. به سـید شمس الدین گفتم: آیا امام زمان خانه خدا را زیارت می کند؟ گفت: آری هر سال در موسم حج شرکت می کند.

پس از این سـید شـمس الدین دستور داد که زودتر برگردم. مرا با همان کشتی که برده بودند آوردند، (از بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹ آوردم).

بررسی این داستان

این داستان، داستان ساختگی است و حقیقت ندارد.

علامه مجلسی درباره این داستان می گوید: «لم اظفر به فی الأُصول المعتبره»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹).

این حکایت را

در کتابهای مورد اعتماد و معتبر نیافتیم.

آیت الله شعرانی می گوید: حکایت جزیره خضراء جعلی است و هیچ شکی در جعلی بودن آن نیست، (جزیره خضراء افسانه یا واقعیت به نقل از هشت رساله ی عربی آیت الله حسن زاده).

آیت الله حسن زاده آملی می گوید: این داستان ساختگی است و در ساختگی بودن آن هیچ شکی نیست و اصل قضیه چنین است که مردی از مشرق به مغرب رفته است و حاکم آن دیار مهدی فاطمی بود و پس از او فرزندان او بودند و نام یکی از سرزمینهای آنان جزیره خضراء بود این مسافر پس از بازگشت حکایت دولت اولاد مهدی فاطمی نقل کرده است. بعدها مردم به خاطر تشابه اسمی او را امام زمان پنداشته اند. و حقیقت آن مسافرت به این صورت تحریف شده است، (جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، نوشته ابوالفضل طریقه دار به نقل از هزار و یک نکته، نکته ۹۹۰).

یکی از دلایل ساختگی بودن این داستان، این است که می گوید: این قرآن که در دست مردم است، تحریف شده است. در حالی که قرآن تحریف نشده است و علمای شیعه و سنی به تحریف قرآن معتقد نیستند. قرآنی که همین الآن در دست مسلمانان است، همان است که بر پیامبر اکرم نازل شده است.

اکثر علمای طراز اول شیعه درعصر حاضر و گذشته این روایت را صحیح ندانسته اند.

برای مطالعه بیشتر ر.ک: جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت؟، سید جعفر مرتضی عاملی، ترجمه: محمد سپهری.

۱–آیا حقیقت دارد که امام زمان «عج» در منطقه ای به نام« خضراء» در حوالی «مثلث برمودا » زندگی می کنند و اتفاقاتی در آنجا می افتد و افرادیکه میخواهند آنجا را ببینند ، دچار حوادثی می شوند. به چه صورت است؟

پرسش

۱–آیا حقیقت دارد که امام زمان «عج» در منطقه ای به نام« خضراء» در حوالی «مثلث برمودا » زندگی می کنند و اتفاقاتی در آنجا می افتد و افرادیکه میخواهند آنجا را

ببیندند ، دچار حوادثی می شوند. به چه صورت است؟

پاسخ

ج۱- در مورد جزیزه خضراء در مجموع دونظر مختلف وجود دارد.

•برخی آن را صحیح و معتبر و قابل استناد می دانند.

• بعضی دیگر آن را مجعول و شبیه به افسانه می دانند و می گویند ،استناد به آن درست نیست .

دلایل صحت داستان جزیره خضرا ء طرفداران، صحت این داستان می گویند؛ اگر این داستان ، داستان ساختگی ،رمانی و افسانه ای بود هیچ گاه بزرگان ، مفاخر شیعه به آن توجه نمی کردند و در کتابهایشان آن را نقل نمودند .

کسانی که این داستان را نقل کرده اند :

۱-«فضل بن یحیی» از علمای قرن هفتم که او داستان را بلاواسطه در حله در منزل سید فخر الدین حسن بن علی موسوی مازندرانی ، از زبان زین الدین ، علی بن فاضل مازندرانی شنید، سپس آنرا در کتابی به نام «الجزیره الخضراء » نگاشت و همین کتاب در آینده مأخذ و منبع کتب سایرین شد و اولین کتابی که در این مورد نوشته شده همین کتاب است.

۲- قاضی نور الله شوشتری درکتاب پر ارج مجالس المؤمنین آن را آورده است.

۳- محقق کرکی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

۴- علامه مجلسی آن را در کتاب بحار الانوار درج کرده است.

۵- شیخ حر عاملی آن را در کتاب اثبات الهدی درج کرده است. و دهها نفر دیگر که این داستان را در کتابهای خود آوردند.

طرفداران صحت این داستان می گویند ،اگر این داستان یک موضوع جعلی و افسانه ای بود این همه برزگان بر آن استناد نمی کردند و آن را در کتاب خود درج نمی کردند

.

•دلایل جعلی و افسانه ای بودن داستان جزیزه خضرا ء :

اولا : درست است که این داستان را بسیاری از بزرگان نقل کرده اند،ولی وقتی دقت شود،آن یک داستان و از یک شخص بیشتر نیست و قهرمان داستان تنها علی بن فاضل مازندرانی و منبع همه آنها کتاب فضل بن یحیی است .

ثانیا : این داستان سند معتبری ندارد،زیرا داستان از یک کتاب خطی نا شناخته نقل شده که خود مرحوم مجلسی در باره اش می نویسد ، چون من این داستان را در کتب معتبر نیافتم ،باب جداگانه ای را به آن اختصاص دادم تا با مطالب کتاب مخلوط نشود.

ثالثا : در متن داستان تناقضاتی دیده میشود ،چنانکه ملاحظه فرمودید در یک جا سید شمس الدین به راوی داستان گفت :من نایب خاص امام هستم و خودم آن حضرت را تا کنون ندیده ام و پدرم نیز آنجناب را ندیده ، لیکن سخنش را شنیده است، اما جدم هم خودش را دیده ، و هم حدیثش را شنیده است، اما همین سید شمس الدین در جای دیگر به راوی داستان گفت: من هر روز صبح جمعه برای زیارت امام به آن کوه می رویم و خوب است تو هم بروی و شفیع محمد هم به راوای داستان گفت: فقط سید شمس الدین و امثالش می توانند خدمت امام زمان مشرف شوند چنانکه ملاحظه می فرمایید این مطالب با هم تناقض دارند .

رابعا : در داستان مذکور به تحریف قرآن تصریح شده که قابل قبول نیست و مورد انکار شدید علمای اسلام است.

خامسا : موضوع اباحه خمس در زمان غیبت مطرح شده و مورد تأیید

قرار گرفته ، که آن هم از نظر فقها مردود است .

به هر حال داستان به طور رمانتیک تهیه شده که خیلی عجیب و غریب به نظر می رسد، یک نفر به نام زین الدین ازعراق به قصد تحصیل علوم به شام و از آنجا به همراه استادش به مصر و از آنجا به همراه استادش به اندلس (اسپانیا) سفر می کند، پس از طی این مسافت طولانی مریض می شود. استادش او را رها می کند و بعد از یهودی با شنیدن نام جزیزه روافض آن چنان به دیدن آن مشتاق می شود که استادش را فراموش می کند به پیمودن راه و دور خطر ناک به جزیره را فضیها می رسد، در آن جا نام جزیزه خضراء را می شنود ، با اینکه بنابود پس از چهارماه کشتی بیاید ،پس از چهل روز آمد و پس از یک هفته توقف او را به همراه خوددریا می برند و در وسط بحر ابیض آبهای سفیدی را می بیند که شیرین و گورا است.

در انجام بر فرض چشم پوشی از همه این اشکالات نمی توانیم بپذیریم که سکونت حضرت دائما در آن جزیره هست ، اگر اصل این جزیره و داستان صحت داشته باشد ممکن است حضرت مدتی در آنجا مانده باشد و گرنه حضرت به طور نا شناس در بین مردم زندگی می کنند، لذا او را در جاهای مختلف دیده اند کما اینکه امام صادق «علیه السلام » فرموده اند.

پس انحصار زندگی حضرت در جزیزه خضرا ء صحیح نیست .

منابع :

۱-تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری

۲-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

۳-سیمای

آفتاب ، دکتر حبیب الله طاهری

۴-ارتباط معنوی با حضرت مهدی ، حسین گنجی

درباره زندگانی حضرت مهدی (عج) و محل سکونت ایشان و جزیره خضرا توضیح دهید.

پرسش

درباره زندگانی حضرت مهدی (عج) و محل سکونت ایشان و جزیره خضرا توضیح دهید.

پاسخ

این که حضرت مهدی (عج) ازدواج کرده و زن و فرزندی دارند یا نه , به طور قطعی روشن نیست . بود و نبود آن هم هیچ دلالتی بر طبیعی یا غیرطبیعی بودن زندگی ایشان ندارد. مکان زندگی ایشان نیز به طور دقیق معلوم نیست و احتمال دارد در اماکن مختلفی زندگی کنند. منابعی که در مورد فرزند داشتن امام زمان (ع) مورد استفاده قرار می گیرد; یا اشکال سندی دارند و یا ابهام دلالی و نظر قاطعی را ارائه نمی دهند, لذا در این مورد سه احتمال وجود دارد. الف . اساسا" حضرت مهدی (ع) ازدواج نکرده است . ب . ازدواج کرده ولی اولاد ندارد. ج . ازدواج کرده و دارای فرزندانی نیز هست . اگر احتمال اول را بپذیریم لازمه اش این است که امام معصوم (ع) سنت اسلامی (ازدواج) را ترک کرده است , و این مسئله با مقام امام سازگار نیست اما چون مسائله غیبت اهمیت دارد و مسئله ازدواج , امری مهم است ترک ازدواج اشکالی را ایجاد نمی کند. اما اگر احتمال دوم را بپذیریم با اینکه ازدواج کرده ولی اولاد ندارد, باید بگوئیم عمر او نیز (همسرش) مانند عمر حضرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم یا این که بگوییم مدتی با امام (ع) زندگی کرده و از دنیا رفته است . و احتمال سوم اینکه ازدواج کرده و دارای اولاد نیز هست , این مسئله دلیل محکمی ندارد. روایات یا ادعیه ای

که با تمسک به آنها, احتمال زن و فرزند داشتن به آن حضرت می دهند. یا اشکال دلالی دارند یعنی روایات از نظر دلالت به این موضوع اشکال دارد, یا ضعف سند دارند. برخی خواسته اند با تمسک به داستان ((جزیره خضرائ)) بگویند که امام عصر(ع) فرزندانی دارد و بر آن جزیره , زیر نظر وی , جامعه نمونه و تمام اعیار اسلامی را تشکیل داده اند. ولی این مسائله صحیح نیست , و مورخ شهید سید جعفر مرتضی عاملی در این مورد می گوید: با بررسی های گسترده ای که انجام گرفته جزیره خضرائ افسانه ای بیش نیست و هیچ واقعیتی ندارد, (((دراسته فی علامات الظهور و الجزیره الخضرائ, سید جعفر مرتضی عاملی , ۲۶۳) و علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه نیز این داستان را جداگانه در نوادر بحار الانوار نقل کرده و می نویسد: ((چون در کتابهای معتبر به آن (داستان جزیره خضرائ) دست نیافتم , آن را در فصلی جداگانه آوردم)), (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۱۵۹, نشر المکتبه الاسلامیه) بنابراین قضیه جزیره خضرائ داستان تخیلی و ساختگی است و به صورت رمانتیک می باشد. برای آگاهی بیشتر در زمینه رجوع شود: ۱. جزیره خضرائ افسانه یا واقعیت . ۲. چشم به راه مهدی , جمعی از نویسندگان مجله حوزه , دفتر تبلیغات اسلامی قم .

آیا مثلث برمودا همان جزیره خضراء است.

پرسش

آیا مثلث برمودا همان جزیره خضراء است.

پاسخ

در مورد زندگی حضرت در مثلث برمودا یا جزیره ی خضراء:

برخی افراد، به داستان جزیره ی خضراء تمسک کرده اند و آن را بر مثلث برمودا تطبیق کرده اند و بر اساس آن گفته اند که امام عصر(ع) با خانواده و فرزندانشان در این جزیره زندگی می کنند.

اولاً: مثلث برمودا، منطقه ای است از دریای کارائیب در شرق آمریکا مرکزی که کشور کوبا و هاوانا و دهها جزیره دیگر در نزدیکی آن قرار دارد. در دهه ی پنجاه و شصت قرن بیستم روزنامه ها و مجلات آمریکایی در راستای سیاست های دولت آمریکا، دهها داستان و افسانه پیرامون این مثلث ساختند و آن را منطقه ای اسرارآمیز معرفی کردند که هر موجود زنده ای در این منطقه وارد شود با نیروی ناشناخته ای در کام مرگ فرو خواهد رفت و هر وسیله ای چون هواپیما و کشتی و قایق وارد این منطقه شود توسط نیروی ناشناخته ای منهدم خواهد شد. این داستانها به منظور ایجاد یک پایگاه نظامی مطمئن در نزدیکی کشور کوبا متحد اتحاد جماهیر شوروی در دل قاره آمریکا و پوشش نهادن بر انجام عملیات نظامی و انهدام کشتی ها و هواپیماهای کوبایی بود.

ثانیاً: داستان جزیره خضرا، یک داستان خیالی و افسانه ای بیش نیست. علامه مجلسی این داستان را جداگانه در نوادر بحار نقل کرده و می نویسد: «چون در کتاب های معتبر بر آن دست نیافتم، آن را در فصلی جداگانه آوردم»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹). بررسی گسترده محققین نیز افسانه بودن آن را اثبات می کند.

چنـانکه در پاسـخ به پرسـش هـای پیشـین عرض شـد، اصـل اساسـی و مهم برای مـا شـناخت نورانیت و مقام شامـخ امامت آن حضرت است، توجه کردن به

این گونه افسانه ها و داستان های بی پایه و اساس دردی را از ما دوا نمی کند. امام زمان(عج) در زندگی ما حضوری فعال دارند و در کنار ما و با ما هستند منتها ما لیاقت دیدار ایشان را نداریم و اگر هم ببینیم ایشان را نمی شناسیم. سعی کنید ارتباط خود را با آن وجود مقدس قوی تر کنید.

دراین زمینه رجوع کنید به:

۱. جزیره خضرا در ترازوی نقد، علامه جعفر مرتضی عاملی، ترجمه محمد سپهری، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم

۲. جزیره خضرا افسانه یا واقعیت، جمعی از نویسندگان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.

آیا مثلث برمودا که یک جزیزه اسرارآمیزی است و نیز اینکه گفته می شود محل اقامت امام زمان(عج) در آنجا وجود دارد، صحت دارد یا خیر؟

پرسش

آیا مثلث برمودا که یک جزیزه اسرارآمیزی است و نیز اینکه گفته می شود محل اقامت امام زمان(عج) در آنجا وجود دارد، صحت دارد یا خیر؟

پاسخ

اشاره

جزیره و یا مثلث برمودا، تا چند سال قبل پنداشته می شد محل اسرارآمیزی و یا جزیره وحشتناک است که هر چه کشتی و زیر دریایی در آن و یا هواپیما بر فراز آن پرواز کرده است همه نابود شده و غرق گشته نهد و هیچ اثری از آنها بدست نیامده است. و بعضی ها نیز مانند آقای دناجی نجار نویسنده غرب سعی کرده است تا این جزیره اسرارآمیز را با داستانی که از بحارالانوار مطرح شده است تطبیق داده و بگوید که محل اقامت امام زمان(عج) در آنجاست بنابراین هر وسیله ای اعم از کشتی و یا زیر دریایی و یا هواپیما به آنجا نزدیک شده نابود می شود و سالم برنمی گردند.

در حالی که با پیشرفت علوم و ساخت دارهای قومی و ماهواره های فضایی به تحقیق در مورد منطقه مثلث پرداختند و طبق فیلمی که از قمر مصنوعی ارسال شد وجود خشکی را در آن منطقه در دل اقیانوس ارسال کرده بود که دانشمندان وجود چنین خشکی را محال می دانستند لذا گروهی از پژوهشگران جهت کشف این توده خشکی به تحقیق پرداختند اما آن ها غیر از تلاطم امواج چیز دیگری را نیافتند. و در نتیجه این محققان وارد این منطقه شده و غرق نشدند و بعد معلوم شد که این منطقه محل گردباد و امواج و بسیاری از عملیات و اکتشاف جهت کشتی های غرق شده در آن منطقه انجام شد که هیچکدام از کشتی ها و ناوبرها غرق نگشتند و این نشان می دهد که

با پیشرفت علوم و تجهیزات قوی تر، بشر به نقطه ای که به نظر می آمد اسرارآمیز باشد فائق آمده و دیگری برای او وجه اسرارآمیزی ندارد، بعلاوه بیشتر این مسائل، جنبه سرگرمی داشته که در مجلات و روزنامه ها و یا کتاب «چارلز برلیتز» نقل شده و جنبه علمی قوی ندارد.

و نیز استانی که در کتاب بحارالانوار ذکر شده است بسیاری از علمای حدیث در سند آن خدشه کرده اند و صحت آنها را مورد تردید قرار داده اند.

در پایان یادآور شویم در جهان مناطق دیگری هم وجود دارد که مانند مثلث برمودا اسرار آمیز تلقی می شود و این به خاطر جریانات کشف نشده ای است که بشر مشغول تحقیق درباره آن است و یا اینکه تحقیق شده است و علت آن آشکار شده است ولی بیشتر جنبه افسانه بخودش گرفته است مناطقی مانند منطقه ای نزدیک ژاپن که به اسم دریای شیطان معروف است و یا منطقه ای در نزدیکی اسپانیا که تمام به محل های اسرارآمیز و وحشتناک معروف شده اند و سابقه غرق شدن کشتی و سقوط هواپیما بر فراز آن، را دارا می باشند.

برای اطلاع بیشتر به کتاب جزیره خضراء افسانه یا واقعیت مراجعه فرمائید.

« بخش پاسخ به سؤالات »

جریان جزیره خضراء چیست؟ آیا این جزیره در مورد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صحت دارد و اگر صحت دارد خلاصه ای از قضایای مربوط به آن را بیان فرمائید؟

پرسش

جریان جزیره خضراء چیست؟ آیا این جزیره در مورد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صحت دارد و اگر صحت دارد خلاصه ای از قضایای مربوط به آن را بیان فرمائید؟

پاسخ

جریان جزیره خضراء برگشت به چیزی حدود ۷۰۰ سال پیش دارد، یعنی شروع این داستان برای اوّلین بار از مردی بنام علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۹ قمری بوده است که وی ادعا می کند من به جزیره خضراء رفتم و آنجا سرزمین خوش آب و هوا و محل زندگی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فرزندان و یاران ایشان است و حکومت و اداره این جزیره نیز به دست فرزندان امام عصر(عج) است و نعمت در آنجا به وفور یافت می شود و همگی در آسایش و راحتی به سر می برند و هیچکس اجازه ورود به محدوده این جزیره و سرزمین را ندارد مگر اینکه از محبان و موالیان آن حضرت باشد. و اگر دشمنی قصد ورود به آنجا را داشته باشد به قدرت خدای متعال دچار طوفان شده و نابود می گردد و دور تا دور جزیره را آبهای سفید و شیرین فراگرفته است، ایشان بیشتر از مطالب ذکر شده درباره موقعیت جغرافیائی جزیره خضراء و سایر مناطقی که در کنار این جزیره و یا مسیر این جزیره قرار دارند به مطلبی اشاره نکرده اند و به همین علت عده ای با استفاده از آخرین نقطه ای

که ایشان در مسیر حرکت خود ذکر کرده اند چنین استنباط کرده اند که این جزیره در دریای مدیترانه قرار دارد و عده ای نیز آنرا در اقیانوس اطلس پنداشته اند.

البته این داستان را مرحوم مجلسی در بحارالانوار و در بابی جداگانه آورده اند و گفته اند که من

دلیل معتبری بر آن نیافتم.

اما در این اواخر حوادث واقع در مثلث برمودا با مشخصات جغرافیائی غرب اقیانوس اطلس و بین جزایر بر موارد و جزایر پورتوریکو و شبه جزیره فلوریدا، نیز تا اندازه ای با مشخصات جزیره خضراء تطبیق دارد و کسانی که در این محدوده جغرافیائی دچار حادثه شده اند در آخرین لحظات عمر و آخرین تماسهای خود با مراکز کنترل هوائی یا دریائی از جزیره ای که تا به حال با آن روبرو نشده اند و یا اینکه دور تا دور را آبهای سفید فراگرفته خبر داده اند، به همین علت بعضی جزیره خضراء را در این مشخصات جغرافیائی می دانند و تا حدی اطلاعات داده شده از علی بن فاضل مازندرانی با اطلاعات افراد دچار حادثه شده در این نقطه مطابقت دارد، امّا کسی به غیر از علی بن فاضل با میل و اراده خود به آنجا نرفته تا برگردد و کسانی که نیز در مثلث برمودا قرار گرفته اند و این موارد را دیده اند دیگر برای آنها برگشتی در کار نبوده است.

امّا در رابطه با اینکه آیا داستان جزیره خضراء و سفر علی بن فاضل مازندارانی صحت دارد یا خیر؟ عدّه ای از علماء آنرا تأیید کرده و عده ای نیز آنرا نپذیرفته اند. در هیچ کجا از احادیث به آن اشاره نشده است و از لحاظ سندی نیز گفته اند محل اشکال است زیرا این فرد یعنی علی بن فاضل ناشناخته است و علاوه چرا این داستان به این مهمی را کسانیکه هم عصر وی بوده اند نیاورده اند و بسیار چراهای دیگر، که در مجموع این داستان را یک افسانه پنداشته و علامه مجلسی نیز آنرا در قسمت نو در آورده اند

و می گوید: چون که بر آن دلیل معتبری نیافتیم برای آن بابی جداگانه آوردم.

بنابراین طبق نظر کثیری از علماء داستان جزیره خضراء افسانه بوده و هیچ واقعیتی ندارد و نیز هیچ ارتباطی بین جزیره خضراء و مثلث برمودا وجود ندارد.

منابع

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۵۹، باب۲۴،داراحیاء التراث العربی، بیروت لبنان، چاپ سوم، ۱۴۰۳ٍ۱۹۸۳ه'

۲- ناجی النجار، جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، ترجمه و تحقیق علی اکبر مهدی پور

۳- علامه سید جعفر مرتضی عاملی، جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، ترجمه محمد سپهری

۴- جزیره خضراء افسانه یا واقعیت به قلم: علامه آیت الله محمد تقی شوشتری و ابراهیم امینی و سید جعفر مرتضی عاملی، ترجمه ابوالفضل طریق دار.

پاسخ

امام زمان بنا به مصلحتی که خدا می داند, از دیدگان منتظران و مشتاقانش پنهان گشته و تقدیر چنین است که تا وقت ظهور, دیده ای او را نبیند مگر آن که رازداری کند یعنی از فیض دیدار خبر نمی دهد وگرنه به گفته حضرت و نیز احادیث مشهور, مدعی دیدار, تکذیب خواهد شد: .()

(پاورقی)) - آخرین توقیع شریف حضرت , خطاب به آخرین نماینده خاص خود برگرفته از مجله حوزه ویژهء امام زمان , شماره ۷۱- ۷ ص ۷۶

نظریات علما و فقها بنا به تفاسیر و تحلیل هایی که از توقیعات شریف دارند, دربارهء مشاهدهء سیمای نورانی حضرت , متفاوت است . بعضی مشاهدهء حضوری همراه با شناخت را ممکن نمی دانند, ولی عده ای دیگر بر این عقیده اند که در موارد خاصی حضرت در مقابل دیدگان بعضی از خواص ظاهر می شوند و چنین دیداری مکتوم و مخفی می ماند.

شیعیان اکنون در موقعیتی هستند که

جمال آفتاب گون حضرت را مشاهده نمی کنند. آن نور چون خورشیددر روز ابری در حجاب مستور است اما از گرما و نور آن , استفاده لازم را می برند. هر کس فراخور حال خود ازقلب خویش می تواند معبری باز کند و هر چه بیشتر در کسب تقوای الهی کوشش کند و یک قدم به ساحت مقدس آن امام بزرگوار نزدیک تر شود. به یقین آن چه دیدهء دل بیند, اشتیاق و لذتش با دیدن به چشم ظاهر غیرقابل قیاس می باشد.

مهم ترین وظیفهء انسان ها در عصر غیبت , شناخت و در انتظار فرج حضرت است . این برترین و بافضیلت ترین عمل در عصر غیبت است .

پیامبر فرمود: .() باید به دنبال این که چگونه می توان جمال (پاورقی)) - بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۱۲۸

نورانی امام زمان (عج) را مشاهده کرد نباشیم , بلکه باید ببینم وظیفهء ما در عصر غیبت چیست و چگونه می توان یار حضرت بود.

بر فرض امکان , دیدار, به داشتن شرایطی مقید می شود که مهم ترین آن انجام واجبات و ترک محرمات ورسیدن به مقامی از خلوص است که بتوان به حریم او راه یافت .

طول عمر

امکان عمر طولانی

آیا طول عمر در حد هزار سال و بیش از آن عقلاً ممکن است ؟

پرسش

آیا طول عمر در حد هزار سال و بیش از آن عقلاً ممکن است ؟

پاسخ

به نظر متخصصان طول عمر انسان به هر اندازه باشد, بر خلاف اصول علمی نیست و علم آن را تأیید می کند.

دانشمند آلمانی می گوید: نه مردود عقل است و نه مردود علم . در دورهء ما میزان طول عمر بالارفته است و دلیلی ندارد از این بالاتر نرود و یک روز نیاید که بشر به عمر نهصدساله برسد>.(۱) دکتر الکیس کارل در سال ۱۹۱۲میلادی موفق به نگه داری یک

مرغ به مدت سی سال شد, در حالی که زندگی مرغ از ده سال تجاوز نمی کند.(۲)

آزمایش هایی که بر روی بعضی از حیوانات ریز آبی انجام شد, دانشمندان رابه امکان تغییر دوران حیات امیدوار نمود. هم

چنین دانشـمندان بر روی مگس هـای میوه هـا آزمایش هایی نمودنـد که در نتیجه عمر آن ها نهصـد برابر عمرطبیعی گردیـد; بنـابراین اگر این امتحـان بر روی انسـان بـا موفقیت عملی شود وعمر طبیعی انسـان را هشـتاد سـال فرض کنیم , امکـان طولانی کردن عمر تـا هفتـاد ودو هزار سال ثابت می شود.(۳) از طرفی هنوز انسـان , اسـرار زیست انسانی و علل بقای سـلامت و دراز زیستن و عوامل انحلال جسم و مرگ را کشف نکرده است .قرآن مجید می فرماید: .(۴)

خواجه نصیرالدین طوسی درازی عمر را قابل تحقق و انکار آن را جهل محض خوانده است .(۵)

نکتهء دیگر تجربهء تاریخ طولانی بشـریت است . اگر دراز عمری در تاریخ زندگی بشر اتفاق افتاده باشد, اگر چه در مواردی نه چندان بسیار, تکرار یافتن موارد یا مورد مشابه آن امری طبیعی خواهد بود.

فلاسفه می گویند: بهترین دلیل برای امکان چیزی , واقع شدن آن است .

قرآن مجید عمر طولانی حضرت نوح ۷را به صراحت ذکر کرده است وکتب تاریخ نام بسیاری از معمران را (کسانی که بسیار زیسته اند) ذکر نموده اند.در کتاب اثر علی محمد علی دخیل , ۲۲۳تن از معمران براساس مأخذ تاریخ شناسانده شده است . (۶)

شهید صدر می گوید: .(۷)

علاوه بر این در عالم آفرینش استثنا وجود دارد; از کرات آسمان و ستارگان تا ذره و اتم یک سری استثناهایی وجود دارد. در جهان اتم مزون هایی یافت می شوند که یکی پس از رهایی از مرکز, عمرش یک هزارم ثانیه است و مزونی دیگر به نام عمرش ده میلیاردیم ثانیه است .(۸) در عالم نبات نیز استثنادیده می شود; درخت در شهر اورتاوا, در جزیره تنزیف محیطش به قدری است که اگر ده نفر دور آن , دست های خود را باز کنند, باز به تمام تنهء آن احاطه نمی نمایند. صاحب می گوید: حال که سال ۱۸۸۲م است , ۴۸۲سال می باشد که جزیرهء مذبور کشف شده و آن درخت عظیم دروقت کشف جزیره به همین حال بوده است که حالا هست . در این صورت خدامی داند چقدر قرون و دهور گذشته تا درخت اورتاوا به این عظمت وقطر رسیده است .(۹)

اگر بر فرض امکان طبیعی طول عمر ممکن نباشد, تکیهء ما بر قدرت خدا واراده‌ء الهی است . خداوند همان گونه که به کسی هفتاد سال عمر می دهد,می تواند هزار سال عمر دهد. بر همه چیز توانا است (انّ الله علی کل شی قدیر)حکمت کلی عالم اقتضا می کند

به کسی یا کسانی عمری دراز داده شود.

(پاورقی ۱.محمد رضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۱۹۳ با تلخیص .

(پاورقی ۲.لطف الله صافی , امامت و مهدویت , ص ۱۶۸

(پاورقی ۳.همان , ص ۱۷۰

(پاورقی ۴.اسراء (۱۷ آیه ۸۵

(پاورقی ۵.محمد رضا حکیمی , همان , ص ۲۱۴

(پاورقی ۶.همان , ص ۱۹۹

(پاورقی ۷.همان , ص ۲۰۲

(پاورقی ۸.لطف الله صافی , همان , ص ۱۸۱

(پاورقی ۹.همان , ص ۱۸۲ ۱۸۳

امکان طول عمر از نظر دین اسلام چگونه است؟

پرسش

امکان طول عمر از نظر دین اسلام چگونه است؟

پاسخ

در دین اسلام امکان عمر طولانی یکی از مسائل مورد اتفاق می باشدو قرآن مجید در نهایت صراحت از عمر طولانی نوح در سوره عنکبوت آیه ۱۴ خبر می دهد:

«فَلَبِثَ فيهِمْ أَلْفَ سَنَهٍ اِلّا خَمْسينَ عاماً»

که فقط مدت اشتغال نوح پیغمبر(ع) به دعوت قوم، پیش از طوفان به صریح این آیه نهصد و پنجاه سال بوده است و اگر سالهای پیش از دعوت و سالهای بعد از دعوت را به حساب بیاوریم چه مقدار می شود، خدا عالم است.

و عموم مسلمانان اتفاق دارند که عیسی و بلکه خضر و ادریس و الیاس زنده هستند و عیسی در آخرالزمان به زمین خواهد آمد و به حضرت مهدی(ع) در نماز اقتدا خواهد کرد.

امکان طول عمر از نظر تاریخی چگونه است؟

پرسش

امکان طول عمر از نظر تاریخی چگونه است؟

پاسخ

از نظر تاریخ عمر طولانی مورد تأیید است و تواریخی که در دست داریم، اشخاص بسیاری را نشان می دهند که از عمر طولانی و زندگی بلند برخوردار شده اند.

یکی از کتابهائی که به خصوص در تاریخ زندگی و شرح احوال معمّرین نگاشته شده و یکی از مآخذ و مصادر و کتب مهم تراجم و رجال به شمار می رود کتابی است که ابو حاتم سجستانی (متوفی ۳۵۰) به نام «المعمّرون» تألیف کرده است، این کتاب که اخیراً هم با فهرست و اسلوب عالی طبع شده سوابق تاریخی طول عمر را به طور کامل و مبسوط روشن می سازد.

آیا داشتن طول عمر زیاد برای حضرت مهدی (عج) امکان دارد؟

پرسش

آیا داشتن طول عمر زیاد برای حضرت مهدی (عج) امکان دارد؟

پاسخ

طول عمر ایشان اگر چند هزار سال دیگر و بلکه بیشتر نیز بر آن افزوده شود نباید مورد حرف و محل شبهه باشد؛ زیرا امکان ذاتی و امکان وقوعی طول عمر ثابت و مسلّم است، حال ما چه امکان طبیعی طول عمر و وقوع آن را ثابت کنیم(چنانچه ثابت است) و چه امکان آن را ثابت ندانیم و عمر طولانی را یک امر خارق العاده و معجزه بشماریم، در مورد طول عمر ایشان اگر ایمان به خدا و قدرت و توانائی و صحت نبوات داریم نباید تردید کنیم.

مسأله طول عمر آن حضرت مسأله ای است که صدها حدیث بر آن دلالت دارد و مشیّت ازلی الهی بر آن تعلق گرفته است.

هر کس خدا را قادر و توانا می شناسد، باید آن را باور کند و هر کس العیاذ بالله خدا را عاجز می شمارد و عجز را نقص و از صفات سلبیه حق نمی داند، هرچه دلش می خواهد بگوید؛ اما می گوئیم عجز، نقص است و ناقص، محتاج است و محتاج واجب الوجود نمی باشد.

حضرت صاحب الامر (عج) را در این دوران عمر طولانی، مکرّر مردمان بزرگ که از صفای باطن و استعداد خاص بهره مند بوده اند، زیارت و مشرف به ملاقات و نعمت دیدارش شده اند.

در این موضوع سخن از امکان طول عمر و عدم امکان بی مورد است و به نظر ما اصلاً از ابتدا بی جهت جواب این سؤال را در مباحث راجع به طول عمر آن حضرت وارد کرده اند.

امکان طول عمر از نظر ادیان آسمانی چگونه است؟

پرسش

امکان طول عمر از نظر ادیان آسمانی چگونه است؟

پاسخ

ادیان، همه به اتفاق از عمر بسیار طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده اند.

تورات، کتابی که با همین وضع تحریف شده مورد اعتماد یهود و نصاری است، در سفر تکوین اصحاح۵، آیه ۵ و ۸ و ۱۱ و۱۴ و۱۷ و ۲۰ و۲۷ و۳۱ و در اصحاح ۹، آیه ۲۹و اصحاح۱۱ آیه ۱۰ تا ۱۷ و در موارد دیگر، افرادی را از پیغمبران و دیگران نام برده و عمرهای طولانی هریک را که متجاوز از چهارصد و ششصد و هفتصد و هشتصد و نهصد بوده، به صراحت بیان داشته است.

علاوه بر این معتقدند که «ایلیا» برای اینکه اَلَم مرگ را نبینند زنده به آسمان مرفوع شد و «آدام کلارک» مفسر می گوید: شکی نیست در اینکه ایلیا زنده به آسمان مرفوع شد.

ادیان باستانی دیگر (اگر چه صحت بعضی از آنها در اصل معلوم نیست یا معلوم البطلان است) مثل زرتشتی و بودائی نیز از عمرهای طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده اند و همه قائل به طول عمر، بلکه بقای حیات اشخاصی تا این زمان هستند.

طول عمر از نظر دانش و علم امروزی چگونه است؟

پرسش

طول عمر از نظر دانش و علم امروزی چگونه است؟

پاسخ

از نظر علوم امروز باید دانست که علم، امکان طول عمر را کاملاً تأیید کرده و کوشش بشر را در این راه کوشش نتیجه بخش و موفقیّت آمیز و لازم می شناسد و برای طول عمر حدّ و اندازه ای معلوم نمی کند.

علم می گوید: تقلیل متوفیّات و مرگ و میرها، و طولانی ساختن عمر وارد یک مرحله عملی شده و با کمال سرعت رو به تکامل است و حدّ متوسط عمر در کمی بیشتر از یک قرن از ۴۷ به ۷۴ رسیده است.

دکتر«الکسیس کارل» در سال ۱۹۱۲ میلادی موفق به نگهداری یک مرغ به مدّت سی سال شد، در حالی که زندگی مرغ حداکثر از ده سال تجاوز نمی کند.

نظر بعضی از دانشمندان غربی درباره امکان طول عمر را بیان کنید؟

پرسش

نظر بعضی از دانشمندان غربی درباره امکان طول عمر را بیان کنید؟

پاسخ

دکتر «هنری الحیس» می گوید: باید حدّ متوسط مرگ و میر عمومی را به حدّ مرگ و میر اطفال کمتر از ده سال رسانید و اگر این مسأله عملی شود انسان آینده، هشتصد سال زندگی خواهد کرد.

دانشمندان هنوز در تعیین مرز قاطع (زندگی طبیعی) بشر به موفقیّتی نرسیده اند.

مرز منطقی زندگی به نظر دانشمندان تفاوت دارد«پاولوف» مرز طبیعی حیات انسان را ۱۰۰ سال می دانست «مچنیکوف» آن را۱۵۰ تا ۱۶۰ قلمداد می کرد.

پزشک و دانشمند مشهور آلمانی موسوم به «گوفلاند» معتقد بود که مدّت عادی زندگی بشر ۲۰۰ سال است.

فیزیولوژیست مشهور قرن نوزدهم «فلوگر» آن را تا ۶۰۰ سال و «روجربیکن» انگلیسی تا ۱۰۰۰ سال قلمداد کرده اند. ولی هیچیک دلیلی بر اینکه این مرزها مرز قاطع باشد که از آن تجاوز نکند ارائه نمی دهند.

به عقیده دانشمند روسی «الیا مچنیکوف»پزشک و فیزیولوژیست، یاخته ها و سلولهای بدن انسان که تقریباً شصت تریلیون می باشد از سموم ترشح شده توسط باکتریهای سمی روده مخصوصاً روده بزرگ (که درآن روزانه ۱۳۰ تریلیون میکروب زاده می شو) مسموم می شوند.

بسیاری از این باکتریها زیانی به بدن نمی رساند ولی بعضی از آنها سمّی هستند.

اینها بدن را از داخل توسط سمهائی که تولید می کنند(مانند گازهای فنل و اندل) مسموم می سازند؛ احتمالاً یاخته ها و بافتهای سازنده بدن در اثر این مسمومیّت به پیری زود رس دچار می شوند، وقتی یاخته پیر شد، به سختی می تواند نیازهای حیاتی را رفع نماید و در تکثیر آن اختلال پدید آمده و سپس می میرد.

پروفسور «اسمیس» استاد دانشگاه کلمبیا می گوید: حدّ و حصر سن، مثل دیوار صوتی است، همانطور که دیوار صوتی امروزه شکسته

شده، این دیوار سن نیز روزی خواهد شکست.

آیا امکان دارد انسانی حداقل ۱۲ قرن عمر نماید؟

پرسش

آیا امکان دارد انسانی حداقل ۱۲ قرن عمر نماید؟

پاسخ

بنای اعتراض به استبعاد است و البته عمر به این درازی و بیشتر از این قابل استبعاد می باشد و لی کسی که به اخباری که در خصوص امام غایب (روحی لک فداه) از پیغمبراکرم(ص) و سائر ائمه اهل بیت (ع) وارد شده مراجعه نماید, خواهد دید نوع زندگی امام غایب را به طریق خرق عادت معرفی می کنند.

البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم هرگز نمی توان خرق عادت را نفی کرد؛ زیرا هرگز نمی توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می کنند تنها همانها هستند که ما آنها را دیده ایم و می شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم, یا آثار و اعمال آنها را ندیده ایم, یا نفهمیده ایم , وجود ندارد. از این روی ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید و از اینجاست که جهان پزشکی تاکنون از پیدا کردن راهی برای عمرهای بسیار طولانی, نومید و مأیوس نشده است.

طول عمر یک انسان به این اندازه چگونه ممکن است؟

پرسش

طول عمر یک انسان به این اندازه چگونه ممکن است؟

پاسخ

در مورد حضرت حجت(عج) باید توجه داشت که آن چه را خداوند در مورد ولی خودش تقدیر کرده است چون بازگشت تمام این امور به قدرت لایزال الهی است پس همه چیز ممکن است، همانطوری که خداوند متعال حضرت خضر(عج) را تاکنون زنده نگاه داشته است و یا حضرت عیسی(علیه السلام) را بدون اینکه بمیراند به آسمانها برده است «و ما قتلوه و ما صلبوه ولکن شبه لهم و ان الذین اختلفوا فیه لفی شک منه مالهم به من علم الااتباع الظن...

یعنی: حال آنکه او را نکشتند و مصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد، و کسانی که درباره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده اند و هیچ علمی بدان ندارند.

می بینیم که خداوند متعال بهر امری قادر است و آن چنان که خود ایشان در کتاب کریمش خبر داده است حضرت نوح(علیه السلام) فقط مدت ۹۵۰ سال قوم خودش را دعوت به امر حق کرد. پس وقوع سن طولانی چون بازگشت خواست و اراده خداوند متعال دارد امری است ممکن و معقول وقوع یافته مضافاً بر اینکه این امر نیز از نظر دانشمندان زیست شناس امری ممکن تلقی شده است.

پاورقی

(۱)۱ – سوره نساء آیه ۱۵۷.

راز طولانی شدن عمر امام زمان (ع) چیست؟ و آیا از افراد عادی کسی می تواند چنین عمری طولانی داشته باشد؟

پرسش

راز طولانی شدن عمر امام زمان (ع) چیست؟ و آیا از افراد عادی کسی می تواند چنین عمری طولانی داشته باشد؟

پاسخ

سؤال مبهم است. اگر منظور از بخش اول سؤال، راز غیبت امام (ع) است که آن را خداوند می داند. اما بر اساس روایات هرگاه زمینه ظهور آن حضرت فراهم گردد غیبت آن امام بزرگوار به پایان می رسد. و اگر منظور سؤال کننده این است که چطور ممکن است امام زمان (ع) عمرشان این قدر طولانی باشد و آیا این امر امکان پذیر است یا نه؟ در این صورت باید بگوییم از نظر علوم و دانش امروزی این امر کاملاً تأیید شده است. زیرا دانشمندان معتقدند مرگ از بیماری است نه پیری. بنابراین می توان با رعایت قواعد علمی و پزشکی، یک عمر بسیار طولانی داشت. همچنین طول عمر در ادیان امری مسلم {P – امامت و مهدویت، لطف الله صافی، ج ۲، ص ۳۶۸ – ۴۱۰ P}

و مورد تأیید همه ادیان است. و در حقیقت همه ادیان الهی از عمر بسیار طولانی بشر خبر داده اند. در تورات در «سفر تکوین» نام تعدادی از پیامبران و افراد عادی را که عمر طولانی داشته اند، ذکر کرده ازجمله «ذوالقرنین» ۳۰۰۰ سال؛ «نوح (ع)» {P – المهدی الموعود المنتظر، الشیخ نجم الدین جعفر بن محمد العسکری، ج ۲، ص ۳۳۸ – ۳۶۰؛ المهدی سید صدر الدین صدر ۱۶۷ – ۱۷۵ P}

۱۴۵۰ سال؛ «آدم (ع)» ۹۳۰ سال.

{P – ترجمه اعیان الشیعه، بخش امام مهدی (ع)، السید محسن امین، ص ۲۰۴ P}

در ادیان باستانی مانند بودا نیز از عمر طولانی افراد بشر خبر داده است.

{P – امامت و مهدویت. P}

عمر طولانی در دین اسلام

در دین

اسلام عمر طولانی یکی از مسائل مورد اتفاق همه است و قرآن کریم با صراحت از عمر طولانی نوح (ع) خبر داده است: «فَلَبِثَ فیهم اَلفَ سَنَه اِلاـ خمسینَ عاما» که تنها مدت پیامبری نوح (ع) را ۹۵۰ سال می داند. و داستان اصحاب کهف {P - عنکبوت (۲۹) آیه ۱۴ P}

تأیید دیگری بر این مدعاست.

همچنین عموم مسلمانان نسبت به زنده بودن عیسی (ع)، خضر و ادریس و الیاس اعتقاد دارند. اینها انسان هایی هستند {P - المهدی، ص ۱۶۷ - ۱۷۵ P}

که قرنها از عمر آنها می گذرد و هنوز هم به زندگی خود ادامه می دهند.

علاوه بر این با مطالعه تاریخ در می یابیم که افراد بسیار زیادی از مردم عادی نیز از عمر طولانی برخوردار بوده اند.

عمر طولانی امام زمان

با توجه به آنچه گفته شد، طولانی بودن عمر آن حضرت، عمری کاملاً بدیهی و طبیعی است. اما علاوه بر آن، روایات متعددی داریم که بیانگر تعلق گرفتن اراده و مشیّت خداوند به این امر است که در اینجا به چند روایت بسنده می شود:

۱. صدوق (ره) از حضرت امام حسن مجتبی (ع) در ضمن حدیثی روایت کرده که: خداوند عمر فرزند نهم از فرزندان برادرم حسین (ع) را در غیبتش طولانی می گرداند و سپس به قدرت خود او را آشکار سازد به صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد.

{P و ۸ - امامت و مهدویت. P}

۲. همچنین شیخ صدوق در روایت دیگری از امام رضا (ع) روایت کرده که: «قائم آن کسی است که وقتی ظاهر شود، در سن پیران و منظر و سیمای جوانان باشد.(۸)

لطفاً افرادی را که از دیده ها غایب هستند نام ببرید؟

پرسش

لطفاً افرادی را که از دیده ها غایب هستند نام ببرید؟

پاسخ

از میان پیامبران حضرت خضر، حضرت الیاس و حضرت عیسی زنده بوده و از دیده ها پنهانند و از میان امامان حضرت مهدی غ غایب می باشند.

حیات حضرت ولی عصر چگونه با قوانین علمی توجیه می شود.

پرسش

حیات حضرت ولی عصر چگونه با قوانین علمی توجیه می شود.

پاسخ

در حوزه «ژن شناسی» اثبات شده است که می توان با شیوه هایی جوانی، عمر، امراض و... را کنترل و حفظ کرد واز نظر علمی هیچ بعدی ندارد، بسیاری از زیست شناسان معتقدند که علل مرگ و میرها، موانعی و یا ابتلائات و امراض و کمبودهایی است که برای تداوم زیست یک موجود زنده به وجود می آید و اگر بشر می توانست به اکثر یا تمامی آنان واقف شود قادر بود که عمر حیوانات و انسان ها را به چندین برابر افزایش دهد.

به هر شکل تداوم و طولانی بودن عمر بشری در ارکان وجودی انسان وجود دارد و این تنها موانع است که نمی گذارد سلول های آدمی سیر تدریجی و عادی خویش را طی نمایند. این مسأله با نظریه های ژن شناسی اخیر نیز مؤکد گشته است و بسیاری از ژن شناسان بر این باورند که با دست کاری ها و بررسی های لازم در یک ژن می توان طول عمر و دوری از بلایا و امراض را برای بشر تضمین نمود.

با توجه به اذعان اندیشمندان حوزه علوم تجربی و زیست شناسی، می توان به خوبی اعتقاد به طول عمر حضرت داشت چرا که خداوند متعال که خالق عوالم و قوانین و سنن آن است، به خوبی قادر خواهد بود که علل طبیعی و مادی در وجود حضرت را به صورتی قرار دهد که آن وجود شریف سالیان سال زندگی کنند و هیچ نیازی به وارد کردن علل فرامادی و غیر طبیعی ندارند.

آیا خداوند می تواند عمر کسی را به این حدّ طولانی کند؟

پرسش

آیا خداوند می تواند عمر کسی را به این حدّ طولانی کند؟

پاسخ

در علم کلام به اثبات رسیده که خداوند قادر بر هر امری است همان گونه که عالم به هر چیزی است. هر امری که قابلیّت تعلق قدرت الهی را داشته باشد ومحال ذاتی ووقوعی نباشد، گرچه بر خلاف عادت عمومی است. لذا محال نیست که خداوند به جهت مصالحی عمر شخصی را طولانی کرده واز آفات مرگ او را نگه دارد. طبیعت آتش، سوزاندن است ولی خداوند برای حضرت ابراهیم (ع) سرد وسلامت گردانید. واین همان اعجازی است که در علم کلام به آن اشاره شده است. علامه طباطبایی می فرماید: "کسی که روایات وارد شده از رسول اعظم وامامان اهل بیت: در خصوص امام غایب را مطالعه کرده

باشد، به این نتیجه می رسد که نوع حیات آن حضرت با معجزه وخرق عادت است. وطبیعی است که خرق عادت امری محال نیست. ونمی توان خرق عادت را از طریق علم به طور مطلق نفی کرد. عوامل واسبابی که در عالم تأثیر گذارند هرگز منحصر در حدود دید ما وشناخت ظاهری ما نیست. ما نمی توانیم عوامل دیگر را از ماوراء طبیعت نفی کنیم ... لذا ممکن است که عواملی در فرد یا افرادی از بشر وجود داشته باشد که بتواند انسان را بهره مند از عمر طولانی کند به حدّی که گاه به هزار یا هزاران سال برسد. بنابراین علم طبّ هرگز از کشف راز طول عمر انسان مطلع نشده است".

{پاورقی . شیعه در اسلام، ص ۱۹۸. پاورقی}

شهید صدر؛ می گوید: "...ما فرض می کنیم که عمر طولانی از حیث علمی ممکن نیست... نتیجه چیست؟ مقصود شما این است که

بگوییـد: طولانی شـدن عمر انسان تا چند قرن بر خلاف قوانین طبیعی است که علم با وسایل تجربی وپیشـرفته به اثبات رسانده است. تازه به این نتیجه می رسـیم که این حالت معجز...بوده که قانون طبیعی را در حالتی معین به جهاتی خاص معطّل گذاشـته وخرق کرده است... .

این معج......برای کسـی که از نصوصات قرآن وسنّت استمداد جسـته واسـتفاده می کند، چیز تازه یا غریبی نیست. ونیز عجیب تر از نقض قـانون انتقـال حرارت از جسـم پرحرارت به جسم کم حرارت نیست، که در مـورد حضـرت ابراهیم (ع) نقض شـده است تا جان او محفوظ بماند. خداوند متعال می فرماید: {قُلْنا یا نارُ کُونِی بَرْداً وَسَلاماً عَلی اِبْراهِیمَ}.

{پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۶۹. پاورقی}

آن گـاه نمـونه هـایی از معجزات وخوارق عـادات به جهت مصـالحی اهمّ را مثـال می زنـد که اگر از مسـأله طول عمر در حدّ اعجاز مهمّ تر نباشد در اهمیت کمتر نیست...".

{پاورقی . بحث حول المهدی (ع)، ص ۸۰-۷۷. پاورقی}

لذا خداوند متعال درباره حضرت یونس (ذوالنون) می فرماید:

{فَلَوْلا أَنَّهُ کانَ مِنَ الْمُسَبِّحِینَ × لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ}؛

"اگر او از تسبیـح گویـان نبـود بـه طـور حتم در شـکم مـاهی تـا روز قیـامت بـاقی می مانـد." {پـاورقی . سـوره صافـات، ص ۱۴۴ù۱۴۳. پاورقی}

پس ممکن است کسی عمری طولانی تا روز قیامت به طریق اعجاز داشته باشد.

آیا طول عمر به این حد، از حیث علمی امکان دارد؟

پرسش

آیا طول عمر به این حد، از حیث علمی امکان دارد؟

پاسخ

پاسخ اول

مقصود از امکان علمی آن است که ادعا کنیم برخی از امور که امکان علمی نداشته ونمی توان با وسایل مدرن وپیشرفته امروز آن را عملی ساخت، به لحاظ قوانین علمی هیچ گونه قاعده وقانونی که مانع وقوع وتحقق آن باشد وجود ندارد. در مورد طول عمر انسان نیز چنین است.

برنارد شو می گوید: "از اصول علمی ثابت نزد تمام علمای بیولوژی آن است که عمر انسان ممکن نیست که برای او حدّ ثابتی باشد، طول عمر مسأله ای است که حدّ نمی پذیرد".

{پاورقی . عمر المهدی بین العلم والأدیان، ص ۶. پاورقی}

وایزمن دانشمند معروف آلمانی می گوید: "هیچ تلازمی بین مرگ وقوانین طبیعی نیست؛ زیرا ما در عالم طبیعت، عمری می بینیم که بین یک لحظه تا خلود علی الدوام پایین وبالا می رود...".

{پاورقی . همان. پاورقی}

فلوکر فیزیکدان معروف می گوید: "حدّ طبیعی عمر انسان ۶۰۰ سال است".

روجر پیکن دانشمند انگلیسی آن را به ۱۰۰۰ سال رسانده است.

{پاورقی . مجله دانشمند، سال ۶، شماره ۱، ص ۴۳. پاورقی}

دکتر کیلور دهاوز آمریکایی می گوید: "علم طبّ می تواند قیدها وحدودی را که مانع از طول عمر انسان است با کمک دانش تغذیه از بین ببرد. ما امروز امیدواریم که بر خلاف عمر پدران واجدادمان به چنین طول عمری دست یابیم".

{پاورقی . راهی به سوی حیات نو، ص ۱۴. پاورقی}

پروفسور اتینگر می گوید: "نسل جدید همان گونه که به سفرهای فضایی ایمان آورد، در آینده ای نه چندان دور ایمان خواهد آورد که خلود انسان در حیات دنیوی امر بعیدی نیست؛ زیرا با پیشرفت تکنولوژی که امروز مشاهده می کنیم می توان عمر انسان را در قرن آینده

به هزاران سال رساند".

{پاورقی . مجله دانشمند، سال ششم، شماره ۶. پاورقی}

دیمند وبرل از اساتید دانشگاه جونس هبکنس می گوید: "تمام اجزای اصلی انسان بدون استثنا با امتحان به اثبات رسیده که قابل خلود است، ویا حدّ اقلّ قابل عمری طولانی تر از این مقدار است...".

{پاورقی . مجلّه المقتطف، جزء سوم از سال ۵۹. پاورقی}

پاسخ دوم

فلاسفه ومتکلمین می گویند: قوی ترین دلیل بر امکان شئ وقوع آن در خارج است. در مورد طول عمر همین قانون جاری است. بهترین دلیل بر امکان آن، رجوع به تاریخ گذشته است. چه بسیار افرادی که در طول تاریخ عمرهای بسیار طولانی داشته اند که طول عمر حضرت مهدی (ع) نیز یکی از آنها است.

خداوند متعال درباره حضرت نوح (ع) می فرماید: {وَلَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلی قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِیهِمْ أَلْفَ سَنَهٍ إِلّا خَمْسِینَ عاماً}؛ "وهر آینه ما نوح را به سوی قومش فرستادیم {پاورقی . سوره عنکبوت، آیه ۱۴. پاورقی}

پس او در میان آنها هزار سال به جز پنجاه سال [نُه صد وپنجاه سال] درنگ کرد."

مطابق نظر مسلمانان ومسیحیان، حضرت مسیح (ع) تاکنون زنده بوده ودر آخرالزمان از آسمان فرود خواهد آمد. ومطابق نظر اسلامی پشت سر امام زمان (ع) نماز به جای خواهد آورد.

آیا طول عمر امکان فلسفی ومنطقی دارد؟

پرسش

آیا طول عمر امکان فلسفی ومنطقی دارد؟

پاسخ

مقصود از امکان فلسفی یا منطقی آن است که با مراجعه به عقل هیچ گونه مشکل عقلی وفلسفی که مخالف با نظریه طول عمر باشد وجود نداشته باشد.

شکی نیست که طولانی شدن عمر انسان به هزاران سال از جنبه عقلی ومنطقی ممکن است وهیچ گونه اشکال عقلی ندارد وهیچ گاه مستلزم تناقض نخواهد شد، زیرا در مفهوم حیات وزندگی، مرگ سریع نهفته نشده است.

فخر رازی در توجیه طول عمر انسان در ذیل آیه شریفه: {فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلاّ خَمْسِينَ عاماً...}، می گوید: "برخی از اطبا گویند: عمر انسان بیش از ۱۲۰ سال{پاورقی . سوره عنکبوت، آیه ۱۴. پاورقی}

نمی شود، ولی آیه بر خلاف آن دلالت داشته وعقل نیز بیش از این را تأیید می کند؛ زیرا بقا بر ترکیبی که در انسان است ذاتاً ممکن است وگرنه باقی نمی ماند. دوام تأثیر مؤثر در او ممکن است؛ زیرا مؤثّر در وجود انسان اگر واجب الوجود است که دوام دارد، واگر غیر واجب الوجود باشد برای او مؤثّری است، وبالاخره به واجب الوجود باز می گردد که دوام دارد. لذا ممکن است که تأثیر واجب الوجود دائمی شود که در نتیجه بقا ذاتاً ممکن می گردد، وچنانچه بقا نداشته باشد به جهت امر عارض است، وعارض هم ممکن العدم است. واگر وجود عارض مانع واجب بود به همین مقدار عمر هم نمی توانست باقی بماند. نتیجه اینکه حرف برخی از اطبا که گفته اند: عمر انسان از ۱۲۰ سال فراتر نمی رود، باطل است".

{پاورقی . تفسیر فخر رازی، ج ۲۵، ص ۴۲. پاورقی}

شیخ مجتبی قزوینی خراسانی در استدلال عقلی وفلسفی بر ضرورت وجود شخص طویل العمر در خارج می گوید: "طبق قواعد فلسفی وحِکَمی،

هر طبیعتی که قابل زیاده ونقصان در عالم وجود است، باید فرد کامل آن طبیعت در خارج موجود گردد؛ زیرا هر طبیعتی طالب کمال نهایی خود است. مطابق این قاعده تعدادی از مسائل فلسفی پایه گذاری شده است که از جمله آنها وجود فرد کامل در بین بشر به اسم نبی یا حکیم است. ومطابق این قانون که با برهان به اثبات رسیده قابلیّت زندگی وعمر بیشتر دارای مراتب متعددی در خارج است. عمر ۱۰۰۰ سال یا ۲۰۰۰ سال را نمی توان نهایت مرتبه امکان زندگی به طور یقین دانست؛ بلکه ممکن است که بیش از این مقدار نیز باشد...".

{پاورقی . بیان القرآن، ج ۵، ص ۱۲ù۱۱. پاورقی}

موضوع: علایم ظهور

از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی(عج) چه مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این همه عمر کند؟

پرسش

از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی(عج) چه مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این همه عمر کند؟

پاسخ

از دیدگاه شیعه تولد حضرت مهدی(عج) درنیمه شعبان سال ۲۵۵ه' . ق - بوده است. بنابراین تا امسال که سال ۱۴۲۰ ه' . ق است ۵(ص)۱۱ سال از عمر ایشان می گذرد/

اما در رابطه با قسمت دوم سؤال چند مطلب را بیان می کنیم:

۱ - با در نظر گرفتن قدرت بی پایان الهی هیچ مسلمانی شک نمی کند که اگر خداوند بخواهد یکی از بندگانش را در این دنیا هزاران سال هم نگه دارد می تواند چنان که در قیامت بندگان صالحش را برای ابد در بهشت زنده نگه می دارد و اهل جهنم را نیز برای همیشه زنده نگه می دارد/

۲ - به عقیده ما مسلمانان حضرت عیسی(ع) زنده تا امروز دو هزار سال از عمر شریفش می گذرد، هنگام قیام حضرت مهدی(ع) به زمین فرود می آید و به آن حضرت کمک می کند و در نماز به او اقتدا می نماید. بنابراین هنگامی که ما به زنده بودن حضرت عیسی(ع) که حدود ۸۰۰ سال قبل از حضرت مهدی به دنیا آمده است معتقد هستیم، اعتقاد به زنده بودن حضرت مهدی(ع) و عمر ایشان چه مشکلی خواهد داشت؟

(س) - قرآن کریم در رابطه با حضرت نوح می فرماید:

"وَلَقَدْ اَرْسَلْنا نُوحَاً اِلی قَوْمِهِ فَلَبِثَ فیهِمْ اَلْفَ سِنٍ اِلاَّخَمْسینَ عاماً"{۱}

«و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، و او در میان آنان هزار سال به جز پنجاه سال درنگ کرد.»

بر اساس این آیه نوح(ع) پس از رسالت و قبل از توفان ۹۵۰ سال در میان قوم خویش مشغول تبلیغ و ارشاد بود، و در رابطه با عمر او اقوال مختلفی وجود دارد

که بعضی تا ۰۰۰(س) سال هم گفته اند/

۴ – همچنین از نظر بسیاری از مسلمانان حضرت خضر و ادریس زنده هستند

نووی از محدثان مشهور اهل سنت در کتاب خود «تهذیب الاسمأ» پیرامون خضر می گوید: {۲}

«در مورد طول عمر خضر و نبوت او اختلاف است. بیشتر علما معتقداند او از دانشمندان بوده نه از پیامبران و الان هم زنده است و به طور ناشناس در میان مردم زندگی می کند. این مطلب نزد جمعی از عرفا و اهل صلاح و معرفت نیز معروف است و حکایات فراوانی درباره مشاهده خضر و تماس با او و سؤال و جواب هایی که با او شده و مطالبی که از وی گرفته اند و حضور او در امکنه شریفه نقل می کنند که مشهور است.»

۵ – در طول تاریخ نیز افراد زیادی بوده اند که عمرهای طولانی داشته اند و ابوحاتم سجستانی (متوفای ۵۰(س» کتابی را با نام «المُعِمَّرون» تألیف کرده که اسامی و زندگی بسیاری از افرادی که عمر طولانی کرده اند، را به رشته تحریر در آورده است/

(ص) – از طرفی دانشمندان امروزه امکان طولانی شدن عمر را تأیید کرده اند و به دنبال راههایی برای افزایش عمر بشر می باشند که به موفقیت هایی هم دست یافته اند.

بنابراین طولانی شدن عمر امام زمان(ع) که ذخیره خداوند برای نجات بشریت از ظلم و جور است و از نظر مقام و منزلت به گونه ای است که پیامبری اولوالعزم همچون عیسی (ع) در نماز به او اقتدا می کند، از نظر یک مسلمان معتقد به قدرت خداوند، هیچ گونه بعدی نداشته، و کاملاً روشن و حل شده می باشد/

از طرفی اعتقاد به تولد امام مهدی(عج) و عمر طولانی او اختصاص به شیعه ندارد، بلکه جمع کثیری

از علمای اهل سنت نیز، می گویند که آن حضرت فرزند اما عسگری می باشد و متولد شده است.{۳}

[۱]. سوره عنکبوت، آیه ۱۴/

[۲].- به نقل از کتاب اصل الشیعْ و اصولها، ص ۱۵۰

[۳]. المهدی الموعود المنتظر، ج ۱ ص (س)۱۸/

موضوع: بشارت قرآن به ظهور حضرت مهدی(ع)

زنده ماندن امام زمان(عج) از لحاظ علمی چگونه است؟

پرسش

زنده ماندن امام زمان(عج) از لحاظ علمی چگونه است؟

پاسخ

در مجله «المقتطف» که یکی از معروف ترین مجلات علمی عربی است مقاله ای تحت عنوان «هل یخلد الانسان فی الدنیا؛ آیا انسان در دنیا جاودان می ماند» در شماره ۳ سال ۵۹ منتشر کرده است در آن مقاله می گوید: حیات چیست؟ مرگ چیست؟ و آیا مرگ برای هر زنده مقدر شده است؟

پس از روی تحقیق علمی شرحی نگاشته و از آن استنتاج می کند که جرایم و سلولهای زنده ای که نسل از آن بجا می ماند و نوع انسان و حیوان از حشرات و ماهی ها، پرندگان و درندگان اسب و استر، گاو گوسفند و کلیه جانداران و جنبندگان بلکه نباتات و درختان از آن سلولها محفوظ نباتی است، از چند هزار سال پیش بکله از صدها هزارسال پیش حیات داشته اند.

و تمام انساج رئیسی جسم حیوان بطور نامحدود قابلیّت بقاء دارند و ممکن است انسان نیز هزارها سال زندگی کند در صورتی که حوادث سبب قطع ریسمان حیات او نشود. و این اظهار نظر آنان یک اظهار نظر حدسی و ظنی نیست بکله نتیجه عملیاتی است که با آزمایش تأئید شده است. و طبیعی است که از نظر علمی اصل بقاء و عمر جاودانه و اقتضای او در سلولهای بدن وجود دارد و اگر خداوند متعال مانع را که قطع حیات باشد بر دارد عمر بسیار طولانی نصیب انسان می شود چنان که امر را در مورد حضرت امام زمان (عج) عملی کرده است.

ادله

طول عمر امام زمان ۷چگونه توجیه می شود؟

پرسش

طول عمر امام زمان ۷چگونه توجیه می شود؟

پاسخ

حضرت ولی عصر۷شاخه ای از شجرهء وحی و نبوّت و نمایندهء مستقیم خدا است و خدا, قادر بر همه چیز است که آتش را بر بت شکن تاریخ (حضرت ابراهیم ۷ گلستان کرده ,(۱) و حضرت عزیر پیامبر را به خواب صد ساله برد(۲) و عیسی را بی واسطهء پدر در رحِم مریم قرار داد و ظرف نُه ساعت آن را جنین کامل ساخت و به محض تولّد وی را به زبان فصیح گویا نمود(۳) و خاتم پیامبران را از زمین به عالم ملکوت به معراج برد(۴) و به حضرت نوح ,

متجاوز از ۹۵۰سال عمر داد(۵) و فرمود اگر حضرت یونس از تسبیح گویان نبود, تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند(۶) خدا قادر است حجّت بالغهء خود را در روی زمین در پرتو برکات و الطاف خود عمر طلاونی بخشد.

]خدایی که جهان پاینده داردتواند حجّتی را زنده دارد

]پس با توجه به قدرت گستردهء خداوند, طول عمر حضرت حجت ۷هیچ مشکلی ندارد.

گذشته از این با پیشرفت علم پزشکی و علم تغذیه , امکان طول عمر برای انسان بسیار روشن شده است .

دکتر گیلوردهاوزر می نویسد: امروز علم پزشکی به کمک علم تغذیه , قیود و حدود عمر را از سر راه بشربرداشته و ما امروز بر خلاف اجداد و پدرانمان می توانیم امیدوار باشیم عمر طولانی بکنیم . علم پزشکی مبحث بزرگی دربارهء جذب اغذیه داردکه به کمک آن هر کس می تواند به سرچشمهء جوانی و طول عمر دست یابد.(۷)

(پاورقی ۱.انبیاء (۲۱ آیهء ۶۹

(پاورقی ۲.بقره (۲ آیهء ۲۵۹

(پاورقی ۳.مریم (۱۹ آیهء ۱۶ ۳۳

(پاورقی ۴.اسراء (۱۷

آیه ۱

(پاورقی ۵.عنکبوت (۲۹ آیه ۱۴

(پاورقی ۶.صافات (۳۷ ۱۴۳ ۱۴۴

(پاورقی ۷.سید عبدالکریم هاشمی نژاد, پاسخ ما به مشکلات جوانان , ص ۱۷ با تلخیص ; جعفر سبحانی , منشور عقاید امامیه , اصل ۱۰۱ص ۱۸۰; مصطفی حسینی دشتی , معارف و معاریف , مادهء مهدی منتظر, ج ۹ ص ۷۱۶ تفسیر نمونه , ج ۱۳ ص ۳۱ ۵۹

چگونه امام زمان(ع) این همه عمر کرده است؟

پرسش

چگونه امام زمان(ع) این همه عمر کرده است؟

پاسخ

عمر انسان حد و مرز معیّنی ندارد تا تجاوز از آن حد غیر ممکن باشد. مرگ مانند سایر پدیده ها معلول عواملی است که اگر شناخته شوند، می توان از وقوع آن جلوگیری کرد و آن را به تأخیر انداخت، هر چند سرانجام هر انسانی مرگ است.

عوامل مختلفی در طول عمر نقش دارد مانند ارث، محیط، شغل و کیفیت تغذیه. قطعاً با شناخت علل و رعایت آن می توان به عمر طولانی دست یافت. البته بشر امروز اسرار زیست انسانی و علل بقای سلامت و عمر طولانی را نتوانسته است کشف کند. از این رو معمای مرگ برای بشر هنوز حل نشده است.

قرآن مجید علم انسان را بسیار اندک می داند،[۴۲] ولی امام زمان(ع) قطعاً به آن اسرار دست یافته است.

از طرفی فلاسفه گفته اند: بهترین دلیل برای امکان چیزی، واقع شدن آن است. اگر مسئله دراز عمری در تاریخ زندگی بشر اتفاق افتاده باشد، اگر چه در مواردی نه چندان بسیار تکرار یافتن موارد، یا مور مشابه آن امری خواهد بود طبیعی و معقول.[۴۳]

نقل تاریخی یکی از راه های حصول علم و یقین است و ما در تاریخ نام برخی از معمرین (انسان دراز عمر) را مشاهده می کنیم.

قرآن مجید درباره عمر نوح می فرماید: " او نهصد و پنجاه سال در بین قومش زندگی کرد".[۴۴]

یکی از مورخان، عمرهای طویل برای افرادی ذکر کرده است که عبارتند از: حضرت آدم: ۹۳۰ سال، شیت: ۹۱۲ سال، لوط:

۷۳۲ سال و ابراهیم: ۱۹۵ سال.[۴۵]

بنابراین عمر طولانی داشتن نه با عقل و علم منافات دارد و نه با تجربه

و هیـچ چیزی محال بودن آن را ثابت نمی کنـد. از سوی دیگر اگر قـدرت الهی را در نظر بگیریم و بـدانیم همه چیز در اختیار پروردگار است، این مسـئله بسـیار آسان خواهد شد. " إنّ الله علی کل شـیء قدیر" خداوندی که می تواند به کسی هفتاد سال عمر دهد، می تواند به کسی ۱۷۰ سال عمر دهد و به دیگری ۱۷۰۰ سـال. اراده الهی بر این تعلق گرفته است که امام زمان(ع) از عمر طولانی برخودار باشد.

[۴۲] اسراء (۱۷) آیه ۸۵.

[۴۳] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۴۵.

[۴۴] عنکبوت( ) آیه ۱۴.

[۴۵] ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۰۲.

مسئله طول عمر امام زمان را توضیح دهید.

پرسش

مسئله طول عمر امام زمان را توضیح دهید.

پاسخ

وجود حجت خدا و امام معصوم (ع) روی زمین واجب است و طبق عقیده شیعه، زمین بدون وجود حجت الهی نابود می شود: "لولا الحجه لساخت الأرض بأهلها"(۱) براساس قاعده لطف نیز وجود حجت خدا واجب است اما این که چطور می شود یک انسان دارای عمری بسیار طولانی باشـد و سالیان سال زنـدگی کند و آیا عقلاً ممکن است باید عرض شود: اولاً اگر چه آنچه در نظام عادی خلقت مشاهده می شود عمر حداکثر صد و یا صد و چند سال است، ولی بشر، تمامی سنت ها و قوانین آفرینش را نمی شـناسد و همین که چیزی بر ضد قانون و سـنتی که آگاهی دارد. مشاهده می کند، آن را برخلاف عقل و قانون خلقت تلقی می کنـد. در بسیاری از موارد آنچه را که به عنوان قانون و سـنت می شـناسد، ظاهر و قشر قانون است، نه قانون واقعی و تمام قانون مردم می پندارند همواره موجود زنده از ازدواج پدر و مادر به وجود می آید، ولی این قشـر و پوسته قانون است، نه خود قانون و سنت.

آفرینش حضـرت عیسـی بن مریم (ع) این پوسـته را برهم زده است و به بشر قانون حقیقی را نشان می دهد، حال این مسئله در مورد توجیه عقلی طولانی بودن عمر حضرتش صادق است.

هم چنین به تصریح قرآن حضرت نوح ۹۵۰ سال فقط پیامبر بوده و یقیناً عمری بیش از این داشته است.(۲)

داسـتان خضـر پیغمبر و زنـده بودن وی نیز مؤید این اصل کلی است (۳) از نظر علم زیست شناسـی و علوم تجربی نیز، امکـان

چنین مسئله ای ثابت شده است.

پس عمر نمودن حد و مرز خاصی ندارد،

ولی به طور عادی، مردم بیشتر از صـد سال زندگی نمی کنند، ولی عقلاً ممکن است بیشتر از این زندگی کنند، همان طور که واقع شـده است. مرحوم طباطبـایی (ره) بعـد از این که از روایـات چنین اسـتنباط نموده که زنـدگی امام غایب به طریق "خرق عادت" (۴) است می فرمایـد: "البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم نمی توان خرق عادت را نفی نمود، زیرا هرگز نمی توان اثبـات کرد که اسـباب و عواملی که در جهـان کـار می کننـد، تنهـا همـان ها هسـتند که ما آنها را دیـده ایم و دیگر اسـبابی که مـا از آنهـا خبر نـداریم یـا آثار و اعمال آنها را ندیـده ایم، نفهمیـده ایم، وجود نـدارد، از این روی ممکن است در فردی یـا افرادی از بشـر اسـباب و عـاملی به وجود آیـد که عمری بسـیار طولانـی، هزار یـا چنـدین هزار ساله برای ایشان فراهم نماید".(۵) از دیگر سو پیری عبـارت است از قـانونی طبیعی که بر بـافت و انـدام های موجودات زنـده عارض شـده و به مرور موجود زنـده را به مرحله فرسودگی و مرگ می رسانـد. حال می توان با توجه به پیشـرفت علم پزشـکی و تغذیه، جلو پیری را سـد نمـود و یـا حرکت آن را کُنـد نمود. هم چنـان که دانش بشـری گـام هـای مؤثری در این راه برداشـته و در اثر رشـد علم پزشکی و درمان بیماری ها، افراد عمر بیشتری می کنند. دانش تغذیه نیز به کمک علم پزشکی شتافته است.

این مسئله در بین جانداران دیگر غیر از انسان که از نظر ساختار بدنی همسان هستند نیز وجود دارد. حیواناتی هستند که عمری طولانی دارند. سخن آخر این که اراده الهی در رأس امور

است و پس از این که اثبات کردیم این مسئله امری محال نیست می توان گفت: اراده الهی به بقا حضرت ولی عصر (عج) تعلق گرفته است. اراده خداوند به وقوع هر چیزی تعلق بگیرد یقیناً در خارج محقق خواهد شد. اراده الهی برا این استوار گردیده است که حجت او سالیان سال زنده باشد و در زمان خاصی ظهور نموده و اوامر الهی را در زمین اجرا نماید و قبل از ظهور نیز زمین از حجت خدا خالی نباشد.

پی نوشت ها:

۱ - کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲ - عنکبوت، ۱۴.

۳ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۵.

۴ - "خرق عادت" بدین معناست که عملی غیر عقلی و ناممکن نیست، بلکه فقط برخلاف مجرای عادت است، که معنایش در اول بحث توضیح داده شده است.

۵ - علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۵۱.

خداوند در سوره یس آیه ۶۸ می فرماید : هر کس را طول عمر دهیم , در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم) آیا اندیشه نمی کنند ؟ این آیه با طول عمر امام زمان (عج) چگونه سازش دارد ؟

پرسش

خداوند در سوره یس آیه ۶۸ می فرماید : هر کس را طول عمر دهیم , در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم) آیا اندیشه نمی کنند ؟ این آیه با طول عمر امام زمان (عج) چگونه سازش دارد ؟

پاسخ

آیه مزبور در حقیقت یک ناموس طبیعی و قانون الهی را توضیح می دهد ; یعنی ,انسانها سیر طبیعی , پس از آن که به سر حد تکامل جسمی رسیدند , تدریجا نیروهای خود را یکی پس از دیگری از دست داده و به ضعف و ناتوانی روز اول بازگشت می کنند . این منحنی ضعف و قدرت یک قانون عمومی برای تمام موجودات زنده است و همگی روی سیر طبیعی و معمولی این سرنوشت را خواهند داشت ; ولی در موضوع طول عمر امام زمان (عج) با این که یک سلسله مطالعات علوم طبیعی چنین طول عمری را طبق موازین علمی امری کاملا ممکن معرفی می کند , در عین حال باید اعتراف کرد که این طول عمر فعلا جنبه استثنائی دارد . به عبارت دیگر : عمر هزار ساله و بیشتر برای انسان مطابق اصول علمی امروز به هیچ وجه محال نیست , به دلیل این که دانشمندان علوم طبیعی برای طولانی ساختن عمرانسان همواره مشغول مطالعات هستند به ما نوید می دهند که روزی موفق شوند از طرق علمی حداکثر طول عمر انسان را به مراتب افزایش دهند , این خود نشانه امکان ومعقول بودن چنین

طول عمری است . ولی نمی توان انکار کرد که فعلا چنین طول عمری جنبه استثنایی

دارد و هنوز انسان از طرق معمولی موفق به آن نشده است , بنابر این خداوند برای اصلاح جامعه بشریت یکی از بندگان برگزیده خود را طول عمر فوق العاده ای داده که در موقع معینی قیام کند و جهانی را مملو از عدالت گرداند . پر واضح است آیه مزبور که نظر به افرادمعمولی و عادی دارد شامل حال چنین فردی نخواهد شد که وضع او یک وضع فوق العاده است و از جریانهای معمولی برکنار می باشد . خلاصه , همان خدایی که بر خلاف وضع عادی چنین عمر طولانی را به آن حضرت داده و به صورت فوق العاده او را زنده نگاه داشته , از عوارض طول عمر که ضعف و ناتوانی وبازگشت به قهقراست نیز حفظ می نماید و این مطلب با آیه مزبور که نظر به افرادی عادی و معمولی دارد , هیچ گونه منافاتی نخواهد داشت .

آیا عمر طولانی خاص امام زمان((علیه السلام)) است یا خداوند به افراد دیگر هم اینرا عطا کرده است؟

پرسش

آیا عمر طولانی خاص امام زمان((علیه السلام)) است یا خداوند به افراد دیگر هم اینرا عطا کرده است؟

پاسخ

از افرادی که خداوندعمر طولانی به آنها موهبت کرده می توان پیامبر بزرگی مانند حضرت نوع((علیه السلام)) را نام برد که چنانکه از احادیث استفاده می شود وی ۲۵۰۰ سال عمر کرده است و نیز حضرت خضر از افرادی است که عمر طولانی کرده و اکنون نیز زنده است چون ایشان همزمان با حضرت موسی بن عمران بوده در حال حاضر زنده می باشد; و نیز حضرت ادریس((علیه السلام)).

چگونه حضرت مهدی غ می تواند دارای عمر طولانی باشد؟

پرسش

چگونه حضرت مهدی غ می تواند دارای عمر طولانی باشد؟

پاسخ

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که (در روایات معصومین) به حضرت ولی عصرغ و ظهور آن حضرت تفسیر یا تأویل شده است

علامه مجلسی ، بیش از شصت آیه از این آیات را در بحارالانوار(ج ۵۱، ص ۴۴ ۶۴، مؤسسه الوفأ، بیروت) گردآورده است از آن جمله

۱. "وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُور...;(انبیأ،۱۰۵) در "زبور" بعد از ذکر (تورات نوشتیم بندگان شایسته ام وارث (حکومت زمین خواهند شد."

در این آیه "عبادی الصَلحون به حضرت مهدی غ و یارانش تفسیر شده است

۲. آیه ای که آن حضرت بعد از تولد قرائت فرمود: "وَ نُرِیدُ أَن نَّمُن َعَلَی الَّذِین ِاسْتُضْ عِفُواْ فِی الاْ ?رْض ِوَ نَجْعَلَهُم ْأَغ مَّه ً وَنَجْعَلَهُم ُالْوَ رِثِین َ;(قصص ۵)

در روایتی از امیرالمؤمنین علی نقل شده است که فرمود: "اینان که در زمین ضعیف گشته اند، آل پیغمبرند که خداوند متعال مهدی آن ها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل گرداند."

۳. "أَمَّن یُجِیب ُالْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاه ُوَ یَکْشِف ُالسُّوَّءَ وَ یَجْعَلُکُم ْخُلَفَآءَ الاْ ?رْض .(نمل ۶۲)

از امام صادق روایت شده که فرمود: "این آیه درباره "قائم آل محمّد"غ نازل شده به خدا قسم "مضطر" اوست که دو رکعت نماز در مقام ابراهیم بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و آن ها را در زمین خلیفه خود گرداند.(ر.ک مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار (ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳، چاپ بیروت ، مترجم علی دوانی نشر دارالکتب الاسلامیه)"

از آن جا که خدای متعال بر

هر چیزی قادر است "إِن َاللَّه ِ عَلَی ِ کُل ِ شَی ءٍ قَدِیر "(نور،۴۵)، لذا می تواند بر اساس قدرت و مشیّت مطلقه اش مقدمات و عوامل زنده ماندن و حفظ و سلامتی آن حضرت را از حوادث طبیعی و... در این عالم فراهم سازد و به حجّت خود بر روی زمین عمر طولانی دهد: "إِن َرَبِّی عَلَی ِ کُل ِ شَی ءٍ حَفِیظ "(هود،۵۷); چنان که به حضرت نوح غ عمر طولانی عطا کرد که قرآن تصریح می کند حضرتش ۹۵۰ سال فقط قبل از طوفان پیامبر بوده است (عنکبوت ۱۴) و نیز حضرت خضرغ که هنوز زنده می باشد. در برخی روایات آمده است که چون در علم ازلی خداوند مقدار عمر امام زمان غ و طول غیبت او تقدیر شده بود و می دانست که بندگانش طول عمر او را انکار می کنند، از این رو عمر حضرت خضر را طولانی گردانید تا در اثبات طول عمر امام زمان غ به وسیله آن استدلال شود.(مهدی موعود، علی دوانی ص ۴۸۹ / بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۱، ص ۲۳۲، چاپ بیروت)

مطالعات و تحقیقات علوم طبیعی نیز نشان داده که چنین طول عمری امری ممکن و طبیعی بوده و نمونه کسانی که عمر طولانی داشته اند، در گذشته رخ داده است خداوند متعال برای اصلاح جامعه بشری و هدایت انسان به سوی کمال یکی از بندگان برگزیده خود را (امام زمان غ طول عمر غیرعادی داده و از برخی جریان های معمولی و طبیعی مانند ضعف پیری و... بر کنار داشته است (ر.ک عدالت گستر جهان آیت الله امینی / آداب الشریعه آیت الله محمدباقر فشارکی ص

۴۸ ۵۴، چاپ پروین / انتقاد و پاسخ شیخ مفید؛، مترجم محمدباقر خالصی ص ۵۴ ۶۹، نشر راه امام / او خواهد آمد، علامه طباطبایی ، ص ۳۴ ۶۵، نشر دفتر تبلیغات اسلامی / این است آیین ما، مرحوم کاشف الخطأ، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی ص ۱۹۰ ۱۹۴، مطبوعاتی هدف و... .

چه دلایل علمی حدیثی و قرآنی بر طول عمر حضرت ولی عصرغ وجود دارد؟

پرسش

چه دلایل علمی حدیثی و قرآنی بر طول عمر حضرت ولی عصرغ وجود دارد؟

پاسخ

بیش از هزار سال است که طول عمر حضرت امام زمان غ یکی از پرسش های پر مشتری هر مسلمانی است از همان روزگاران که حضرت هنوز ۸۰ سال بیش نداشتند زندگی نامه نویسان آن حضرت در کتاب های خود، فصلی را با عنوان طول عمر و معمّرین گشوده اند. نعمانی در کتاب "غیبت و شیخ صدوق در کتاب "اکمال الدین و اتمام النعمه از این افرادند.

بررسی همه جانبه ادله طول عمر آن حضرت با توجه به اختصار چنین پاسخ نامه هاو محدوده مسئولیت این واحد در زمینه پاسخ های قرآنی خارج از حوصله این پاسخ است از این رو، ابتدا به اختصار به امکان طول عمر حضرت از نظر علمی اشاره کرده و سپس کمی درباره طولانی بودن عمر از نظر قرآن می پردازیم

عمر طولانی و علم

از نظر علمی در دو بعد، درباره عمر طولانی داشتن می توان بحث کرد: امکان داشتن عمر طولانی و وقوع آن در خارج

محدود نبودن عمر:

همه دانشمندان زیست شناس تصریح کرده اند که عمر انسان حد و مرزی ندارد; بلکه آن نیز مانند سایر معلول ها و بیماری ها علت خاص خود را دارد که با کشف آن ها می توان عمر انسانی را طولانی کرد.

خوشبختانه در زمان ما، به روشنی به اثبات رسیده است که عمر هیچ جانداری آن چنان محدودیت ندارد که با رسیدن به آن وقت مرگ او به صورت قطعی فرا رسیده باشد و در علم پزشکی و زیست شناسی برای عمر انسان و یا هر جاندار دیگر حدّی تعیین نشده است که تجاوز

از آن محال باشد.

مطـالعه میـانگین عمر انسان از گذشـته که هیـچ گونه بهـداشتی در جوامع حاکم نبود و اکنون که میانگین سن آدمی را روز به روز بـا پیش گیری هـا و درمان ها بالا می برنـد، مؤیـد آن نکته است (ر.ک طول عمر امام زمان از دیـدگاه علوم و ادیان علی اکبر مهدوی پور، انتشارات کعبه / دادگستر جهان آیت اللّه ابراهیم امینی ص ۱۷۵۲۰۱، انتشارات شفق)

دراز عمران

بـا گشت و گـذاری در اخبـار و نوشـته هـای رسانه ها به هزاران مورد از موجوداتی که عمرهای طولانی داشـته و دارنـد بر می خوریم عجیب است که مطالعه این خبرها، آدمی را چنـدان شـگفت زده نمی کنـد; امّا هنگامی که از راه های موثق می شـنود فردی عمری طولانی دارد، قبول آن برایش مشکل است

در زنـدگی زنبور عسـل عمر کارگران بطور متوسط از چهل روز تا پنجاه روز است در صورتی که عمر ملکه هر کنـدو به طور متوسط چهار تا شـش سال است و شـما می توانید با مقایسه عمر این دو زنبور که از یک جنس می باشـند نسـبت عمر حضرت ولی عصـر را به انسان های عادی بسـنجید یعنی آن حضـرت می توانـد ۴۵ تا ۵۰ برابر عمر متوسـط انسان ها عمر طبیعی داشـته باشد.

قرآن و طول عمر

در آموزه های همه ادیان آسـمانی به امکان طول عمر انسان ها اشاره شده است از جمله تورات در بخش سـفر پیدایش ۱۰ نفر را نام می برد که میانگین عمر آن ها ۹۰۰ سال است

ادیان الهی با اعتقاد به قدرت مطلق خداوند، "إِن َّاللَّه َعَلَی َکُل ِّشَی ءٍ قَدِیرٌ ;(بقره ۱۴۸) دادن عمر طولانی را به افراد چندان بعید نمی دانند و معجزه ها را نمونه ای

از ظهور این قدرت دانسته و برآنند که خداوندی که کهکشان های با این عظمت را آفریده و نگه داشته نگهداری حجتی از حجت های خویش برایش چندان دشوار نیست

خدایی کین جهان پاینده داردتواند حجتی را زنده دارد

آیاتی از قرآن کریم از عمر طولانی درامت های پیشین خبر می دهد; "بَل مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَ ءَابَآءَهُم حَتَّى طَال عَلَيْهِمِ الْعُمُر; (انبیأ،۴۴)]نه بلکه این ها و پدرانشان را برخوردار کردیم تا عمرشان به درازا کشید."

افزون بر امکان طولانی بودن عمر از نظر قرآن کریم مصداق های متعددی از این افراد در قرآن کریم نام برده شده است

۱. حضرت نوح (عنکبوت ۱۴)

۲. حضرت عیسی (نسأ،۱۵۷)

۳. حضرت خضر; بر اساس روایت های فراوانی که اطمینان آور است هنوز زنده است و تا ظهور حضرت مهدی غ زنده خواهند ماند. هم اکنون عمر ایشان بالغ بر ۶۰۰۰ سال می باشد. در آیات ۶۰۸۲ سوره کهف داستان این پیامبر گرانقدر با حضرت موسی غ آمده است

از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی (عج) چه مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این همه عمر کند؟

پرسش

از نظر شیعیان عمر حضرت مهدی (عج) چه مقدار است؟ و آیا ممکن است کسی این همه عمر کند؟

پاسخ

از دیدگاه شیعه تولد حضرت مهدی (عج) درنیمه شعبان سال ۲۵۵ه . ق - بوده است. بنابراین تا امسال که سال ۱۴۲۰ ه . ق است ۱۱۶۵ سال از عمر ایشان می گذرد/

اما در رابطه با قسمت دوم سؤال چند مطلب را بیان می کنیم:

ا - در نظر گرفتن قدرت بی پایان الهی هیچ مسلمانی شک نمی کند که اگر خداوند بخواهد یکی از بندگانش را در این دنیا هزاران سال هم نگه دارد می تواند چنان که در قیامت بندگان صالحش را برای ابد در بهشت زنده نگه می دارد و اهل جهنم را نیز برای همیشه زنده نگه می دارد/

۲ - از نظر ما شیعیان حضرت عیسی زنده است وبه همراه امام زمان در زمان ظهور می آید و به آن حضرت کمک می کند و در نماز به او اقتدا می نماید. بنابراین هنگامیکه ما به زنده بودن حضرت عیسی (علیه السلام) که حدود ۸۰۰ سال قبل از

حضـرت مهـدی به دنیا آمـده است معتقد هستیم، اعتقاد به زنده بودن حضـرت مهدی (علیه السـلام) و عمر ایشان چه مشـکلی خواهد داشت؟

۳ - قرآن کریم در رابطه با حضرت نوح می فرماید:

"وَلَقَدْ اَرْسَلْنا نُوحاً اِلیقَوْمِهِ فَلَبِثَ فیهِمْ اَلْفَ سِنَه اِلّاخَمْسینَ عاماً"

«و ما نوح را به سویقومش فرستادیم، و او در میان آنان هزار سال به جز پنجاه سال درنگ کرد.»

بر اساس این آیه نوح(علیه السلام) پس از رسالت و قبل از توفان ۹۵۰ سال در میان قوم خویش مشغول تبلیغ و ارشاد بود، و

در رابطه با عمر او اقوال مختلفی وجود دارد که بعضی تا ۳۰۰۰ سال هم گفته اند/

۴ -همچنین از نظر بسیاری از مسلمانان حضرت خضر و ادریس زنده هستند

نووی از محدثان مشهور اهل سنت در کتاب خود «تهذیب الاسمأ» پیرامون خضر می گوید:

ناشناس در میان مردم زندگی می کند. این مطلب نزد جمعی از عرفا و اهل صلاح و معرفت نیز معروف است و حکایات فراوانی درباره مشاهده خضر و تماس با او و سؤال و جوابهایی که با او شده و مطالبی که از وی گرفته اند و حضور او در اماکن شریفه نقل می کنند که مشهور است.»

۵ – در طول تاریخ نیز افراد زیادی بوده اند که عمرهای طولانی داشته اند و ابوحاتم سجستانی(متوفای۳۵۰) کتابی را با نام «المُعِمَّرون» تألیف کرده که اسامی و زندگی بسیاری از افرادی که عمر طولانی کرده اند، را به رشته تحریر در آورده است/

۶ – از طرفی دانشمندان امروزه امکان طولانی شدن عمر را تأیید کرده اند و به دنبال راههایی برای افزایش عمر بشر می باشند که به موفقیت هایی هم دست یافته اند.

۷ – لازم به ذکر است حضرت مهدی که ذخیره خداوند برای نجات بشریت از ظلم و جور است و از نظر مقام و منزلت به گونه ای است که پیامبری اولوالعزم همچون عیسی(علیه السلام) در نماز به او اقتدا می کند، از نظر یک مسلمان معتقد به قدرت خداوند، هیچ گونه بعدی نداشته، و کاملا روشن و حل شده می باشد/

از طرفی اعتقاد به تولد امام مهدی (عج) و عمر طولانی او اختصاص به شیعه ندارد، بلکه جمع کثیری از علمای

اهل سنت نیز، می گویند که آن حضرت فرزند اما عسگری می باشد و متولد شده است/

متفرقات

امام زمان(ع) چند سال سن دارد؟

پرسش

امام زمان(ع) چند سال سن دارد؟

پاسخ

برخی از مورخان عقیده دارند که امام زمان(ع) در نیمه شعبان ۲۵۵ ه' ق در سامرا متولد شده است.(۱) برخی دیگر باور دارند که آن حضرت در نیمه شعبان ۲۵۶ ه' ق متولد شده است.(۲) هم اکنون که سال ۱۴۲۳ ه' ق است؛ از عمر آن حضرت ۱۲۳۲ سال گذشته است. با توجه بر این که مدت عمر آن حضرت در آینده مشخص نیست نمی توان مدت معینی را برای عمر آن حضرت بیان کرد.

یکی از پرسش های مهم درباره امام زمان(ع) طولانی بودن عمر آن حضرت است که اصولا طولانی بودن عمر امام زمان را علم تأیید می کند و چگونه امکان دارد یک انسان عمر طولانی داشته باشد که معمولا- این گونه عمرهای طولانی با علم همخوانی ندارد در جواب این پرسش می توان گفت: عمر طولانی بستگی به شناخت فورمول حیات دارد و حیات نیز پدیده ناشناخته بوده وعلم و خرد از شناخت آن عاجز است.

علم به گونه ای دقیق نمی تواند مدت مشخصی را برای عمر بیان کند، خیلی از انسان ها بوده اند که طولانی شدن عمر آن ها معمولا- با مسائل علمی همسویی نداشته است؛ مثلا حضرت نوح(ع) ۹۵۰ سال عمر کرد و یا حضرت خضر که عمر طولانی داشته است. از سویی دیگر وجود استثناها در هر امری ار جمله امور طبیعی امکان پذیر است و عمر طولانی امام زمان(ع) نیز از امور استثنایی است. از سوی دیگر چه استبعادی دارد که در عالم انسان هم برای نگهداری یک انسان و حجت خداوند، به عنوان ذخیره و پشتوانه اجرای عدالت و نفی ستم قائل به استثنا شویم و او را موجودی فراتر

از عوامل طبیعی و اسباب و علل ظاهری بدانیم و طولانی شدن عمر امام زمان(ع) را خارق عادت بدانیم. (۳) علامه طباطبایی می نویسد: "نوع زندگانی امام غائب را به طریق خرق عادت (می توان پذیرفت)، البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم، هرگز نمی توان خرق عادت را نفی کرد. زیرا هرگز نمی توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می کنند، تنها همان ها هستند که ما آن ها را دیده ایم و می شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آن ها خبر نداریم از این روی، ممکن است در فردی و یا افرادی از بشر، اسباب و عوامل به وجود آید که عمری بسیار طولانی، هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید.(۴)

در یکی از مجلات با توجه به عمر طولانی حضرت نوح و خضر(ع) آمده است:"با توجه به این نمونه ها است که می توان برخورداری حجت خدا را از عمر طولانی پذیرفت و دلیل امکان آن را وجود انسان های دراز عمر در تاریخ دانست که تا هزاران سال گفته شده است. از همه این ها گذشته، اگر از زاویه ایمان به غیب، به این پدیده بنگریم، پاسخ همه اعتراض ها و اشکال ها داده می شود و نیازی به فلسفه بافی و ارائه شواهد دیگر نیست. تأثیرگذاری علل و عوامل طبیعی، به دست خداوند است. و او است که اگر بخواهد شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد، چگونهاز حفاظت وجود نازنین حجت خدا و ذخیره عالم آفرینش ناتوان است.

کریمی که جهان پاینده دارد

تواند حجتی را زنده دارد(۵)

پی نوشت ها:

۱ - شیخ مفید، ارشاد ص ۳۴۶، فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۹۲، اصول کافی، ج ۱، ص

۵۱۴، شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۴۱ و طبرسی اعلام الوری، ص ۴۱۸.

۲ – کمال الدین، ص ۴۳۲.

۳ – مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۴۶.

۴ – شیعه در اسلام، ص ۱۵۱.

۵ – مجلد حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۴۸.

آیا مسأله طول عمر امام زمان علیه السلام مورد اعتراض اهل سنّت واقع شده است؟

پرسش

آیا مسأله طول عمر امام زمان علیه السلام مورد اعتراض اهل سنّت واقع شده است؟

پاسخ

شیعه امامیه به تبع ادله قطعی، معتقد به امامت امام زمان (ع) از سال **۲۵۵** هجری تاکنون است. این اعتقاد مستلزم آن است که امکان داشته باشد شخصی بیش از هزار سال عمر کرده باشد. این لازمه برای برخی از اهل سنّت گران آمده است. می گویند: چگونه ممکن است شخصی این مقدار عمر کند. اینان در حقیقت از آن جهت که اصل اعتقاد به امامت ومهدویت شیعه را قبول ندارند، مسأله طول عمر را بهانه قرار داده اند تا اصل عقیده به مهدویت شیعه را زیر سؤال ببرند.

سائح علی حسین مغربی می گوید: "اهل سنّت نظریه بقا وزنده ماندن مهدی (ع) بیش از هزار سال تا هر زمان که خدا بخواهد را مورد انتقاد قرار داده اند، و می گویند: عمری به این مقدار هرگز در بین بشر مرسوم نبوده ودلیلی نیز از شرع بر آن وجود ندارد".

{پاورقی . تراثنا وموازین النقد، ص ۲۰۳. پاورقی}

همان گونه که دکتر احمد محمود صبحی اعتقاد به طول عمر امام زمان (ع) را از قوی ترین اعتراض ها متوجّه بر عقیده به حضرت مهدی (ع) نزد شیعه امامی قرار داده است. او می گوید: "زنده ماندن مهدی بیش از هزار سال جای تردید دارد، واین خود موجب سست کردن عقیده به مهدویت از ریشه واساس است".

{پاورقی . نظریه الامامه لدی الشیعه الإثنی عشریه، ص ۴۱۱. پاورقی}

آیا در روایات اهل سنّت به طول عمر اشخاص اشاره شده است؟

پرسش

آیا در روایات اهل سنّت به طول عمر اشخاص اشاره شده است؟

پاسخ

عجب است که اهل سنّت اعتقاد به ولادت ووجود امام مهدی (ع) را به جهت طول عمر آن حضرت قبول نمی کنند، در حالی که در صحیح ترین مصادر حدیثی خود روایاتی را آورده اند که در آن به قضایا واشخاصی اشاره شده که عمرهای بسیار طولانی داشته ودارند. از آن جمله حدیث معروف به حدیث جسّاسه است که در "صحیح مسلم" به طور تفصیل از آن یاد شده است.

در آن حدیث به طور تفصیل اشاره به وجود شخصی به نام "دجّال" شده که با عمری بسیار طولانی غایب از دیدگان مردم در جزیره ای از دریا زندگی می کند ودر برهه ای از زمان به نهضتی باطل دست خواهد زد.

{پاورقی . صحیح مسلم ،ج ۸، ص ۲۰۵-۲۰۳، باب فی الدجال. پاورقی}

آیا کسانی در امت های پیشین عمر طولانی داشته اند؟

پرسش

آیا کسانی در امت های پیشین عمر طولانی داشته اند؟

پاسخ

آری، با مراجعه به تاریخ پی می بریم که کسانی عمرهای بسیار طولانی داشته اند از قبیل:

۱ - خضر نبی که هزاران سال عمر کرده و هنوز زنده است. {پاورقی . المستطرف، ج ۲، ص ۳۳. پاورقی}

۲ - لقمان بن عاد که ۳۵۰۰ سال عمر داشته است. {پاورقی . اخبار الدول. پاورقی}

۳ - لقمان حکیم با ۴۰۰۰ سال یا بنابر نقلی دیگر هزار سال.

۴ - نوح پیامبر با ۲۵۰۰ سال.

۵ - شیث فرزند آدم با ۹۱۲ سال. {پاورقی . کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۹. پاورقی}

۶ - حضرت آدم (ع) با ۹۳۰ سال. {پاورقی . همان. پاورقی}

۷ - ادریس نبی با ۸۶۲ سال. {پاورقی . همان، ج ۱، ص ۲۱. پاورقی}

۸ – سلیمان نبی با ۷۱۲ سال. {پاورقی . المستطرف، ج ۲، ص ۳۳. پاورقی}

۹ – سام پسر نوح با ۶۰۰ سال. {پاورقی . کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۴. پاورقی}

ودیگران.

۲–عمر شریف آقا امام زمان «عج» چند سال است ؟

پرسش

۲–عمر شریف آقا امام زمان «عج» چند سال است ؟

پاسخ

ج۲– روایت از امام صادق « علیه السلام »

{ما تنکرون ان یمد الله لصاحب هذا الامر فی العمر کما مد لنوح فی العمر }

انکار شماست که خداوند عمر صاحب این امر را طولانی گرداند، چنانکه عمر حضرت نوح را طولانی نموده است .

ما اگر عمر حضرت خضر را از زمان حضرت موسی به حساب بیاوریم او هم اکنون در حدود شش هزار ساله می باشد که بعد از پایان جهان زنده خواهد بود روی این بیان حضرت مهدی هر قدر عمر طولانی داشته باشد همواره بیش از چهار هزار و پانصد سال کوچکتر از حضرت خضر خواهد بود . هر کس در مورد عمر طولانی حضرت مهدی دچار حیرت شود باید در مورد حضرت خضر دچار شگفت گردد و در عین حال همه ادیان آسمانی زنده جاوید بودن او را به رسمیت شناخته اند،همه اقوام و مذاهب مختلف یهود و نصرانی و اسلام آنرا پذیرا شدند .

منابع :

۱–شناخت امام عصر ، مؤلف محمد جواد موسوی نیا

۲–سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری

۳– تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری

۴–سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

ملاقات

کسانی که در خردسالی حضرت را دیده اند

چه کسانی هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام او را زیارت کرده اند؟

پرسش

چه کسانی هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام او را زیارت کرده اند؟

پاسخ

اسامی پنج نفر را در این مورد می توان نام برد:

۱ – حکیمه دختر امام جواد (ع) . {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۲۴. پاورقی}

۲ – زن قابله. {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۴۲–۲۴۰. پاورقی}

۳و۴ – نسیم وماریه. {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۰. پاورقی}

۵ – کنیز امام عسکری (ع). {پاورقی . همان، ص ۴۳۱. پاورقی}

چه کسانی در مدت پنج سال آخر حیات امام عسکری علیه السلام، امام زمان علیه السلام را دیده اند؟

پرسش

چه کسانی در مدت پنج سال آخر حیات امام عسکری علیه السلام، امام زمان علیه السلام را دیده اند؟

پاسخ

در مورد این سؤال می توان به اسامی عده ای اشاره کرد:

۱ – محمّد بن عثمان عَمْری با چهل نفر. {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۵ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۹. پاورقی}

۲ – ابوهارون. {پاورقی . همان، ص ۴۳۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۸. پاورقی}

۳ – یعقوب بن منقوش. {پاورقی . همان، ص ۴۳۶ ؛ بحارالأنوار ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۷. پاورقی}

۴ – عمرواهوازی. {پاورقی . الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۳ ؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۲. پاورقی}

۵ – حکیمه دختر امام جواد (ع). {پاورقی . الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱. پاورقی}

۶ – محمّد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر. {پاورقی . همان. پاورقی}

۷ – ابو نصر ظریف خادم. {پاورقی . همان، ص ۳۵۴. پاورقی}

۸ – ابوعلی بن مطهر. {پاورقی . همان، ص ۳۵۲. پاورقی}

۹ – عقید خادم واسماعیل بن علی نوبختی.

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۷۳–۲۷۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۶. پاورقی}

۱۰ – نسیم، خادم امام عسکری (ع). {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۱. پاورقی}

۱۱ – اصحاب امام عسکری (ع). {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۳۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵. پاورقی}

۱۲ – مردی از فارس. {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۶. پاورقی}

۱۳ – ابوعمرو. {پاورقی . همان، ح ۱. پاورقی}

۱۴ – ابراهیم بن عبده نیشابوری وخادمش. {پاورقی . همان، ص ۳۳۱، ح ۶. پاورقی}

۱۵ – رشیق صاحب مادرای. {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۵۰–۲۴۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ح ۳۶. پاورقی}

۱۶ – کامل بن ابراهیم مدنی. {پاورقی . الغیبه،

طوسی، ص ۲۴۶. پاورقی}

۱۷ – احمد بن اسحاق قمّی. {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۸۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳. پاورقی}

چه کسانی در عصر غیبت صغرا حضرت را ملاقات نموده اند؟

پرسش

چه کسانی در عصر غیبت صغرا حضرت را ملاقات نموده اند؟

پاسخ

جماعت بسیاری در عصر غیبت صغرا به ملاقات حضرت شرفیاب شده اند که به اسامی برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – محمد بن عثمان عَمْری.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۰. پاورقی}

۲ – طریف وابونصر.{پاورقی . همان، ص ۴۴۱. پاورقی}

۳ – ازدی.{پاورقی . همان، ص ۴۴۴. پاورقی}

۴ – ابراهیم بن ادریس.{پاورقی . ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۲۴. پاورقی}

۵ – ابی عبداللّه بن صالح.{پاورقی . همان، ص ۲۲۹. پاورقی}

۶ – ابراهیم بن مهزیار.{پاورقی . همان، ص ۳۳۵. پاورقی}

۷ – محمّد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر.{پاورقی . الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱. پاورقی}

ودیگران.

مرحوم مجلسی در روایتی اسامی ۲۶۵ نفر از کسانی که در عصر غیبت صغرا به ملاقات حضرت شرفیاب شده اند را نام برده است.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۷۷-۱. پاورقی}

کسانی که حضرت را در خرد سالی مشاهده کرده اند.

پرسش

کسانی که حضرت را در خرد سالی مشاهده کرده اند.

پاسخ

حدیثی از امام حسن عسکری«علیه السلام» روایت شده است یادآور می شویم(۳):

شیخ صدوق از احمد بن اسحق روایت کرده که گفت رفتم به خدمت امام حسن عسکری«علیه السلام» و می خواستم از آن حضرت سوال کنم که امام بعد از او چه کسی می باشد حضرت پیش از آنکه سؤال کنم فرمود که ای احمد خدای عز و جل از روزی که آدم را خلق کرده است تا حال زمین را خالی از حجت نگردانید و تا روز قیامت هم از حجت خدا خالی نخواهد گذاشت و به برکت او بلاها را از اهل زمین دفع می کند و به سبب او باران را از آسمان نازل می کند و محصولات زمین را پر برکت سازد، گفتم یا بن رسول اللّه پس امام و خلیفه تو کیست؟

حضرت برخاست و داخل خانه شد و کودکی با خود آورد مانند ماه شب چهارده و سه ساله می نمود گفت ای احمد این است امام بعد از من و اگر نه این بود که تو گرامی هستی نزد خدا و حجتهای او این را به تو نمی نمودم این فرزند نام و کینت او موافق نام و کنیه حضرت رسول است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه پر از جور و ستم شده باشد، ای احمد مثل او در این امّت همانند خضر و ذوالقرنین است به خدا سوگند غایب خواهد شد غایب شدنی که نجات نیابد از غیبت او از هلاك شدن و گمراه گردیدن مگر کسی که خدا او را ثابت بدارد بر اعتقاد به امامت

او و توفیق دهد خدا او را که دعا کند برای تعجیل فرج او… .

در این حدیث نیز آمده که از زمانی که خدا زمین را خلق کرده زمین بدون حجت نبوده است که به برکت او بلاها را از اهل زمین دفع کند و به سبب او باران بفرستد و برکتهای زمین را برویاند و حجت زمان امام غایب است.

از پیغمبر اکرم و ائمه«علیهم السلام» در باب خصوصیّات و حالات و لزوم وجود آن حضرت روایت شده است.

۳) کتاب منتخب الاثر، ص ۳۴۵.

مکان و زمان تولد امام زمان(ع) و نیز افرادی را که شاهد تولد ایشان بوده اند، ذکر کنید.

پرسش

مکان و زمان تولد امام زمان(ع) و نیز افرادی را که شاهد تولد ایشان بوده اند، ذکر کنید.

پاسخ

طبق آنچه که مورخان شیعه و سنی در خصوص تاریخ و چگونگی ولادت حضرت مهدی(عج) نوشته اند، اصل ولادت خجسته آن حضرت از امور مسلم و قطعی تاریخ است. بر این اساس، شیخ سلیمان قندوزی می گوید: «خبر معلوم و مسلم نزد موثقان این است که ولادت قائم(عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا، واقع شده است».{۱}

اما از آنجا که خلفای بنی عباس می دانستند دوازدهمین امام شیعیان از فرزندان امام حسن عسکری(ع) و مهدی موعود(عج) است که زمین را پر از عدل و داد می کند و دژهای گمراهی و فساد را در هم می کوبد در صدد برآمدند این نور را خاموش کنند. از این رو، امام مهدی(عج) از نخستین روز ولادت همواره در نهان بوده اند و مردم به طور عموم ایشان را نمی دیدند، ولی با این وجود عده ای از جمله برخی از اصحاب امام حسن عسکری(ع) توفیق شرفیابی خدمت حضرت را داشته اند که بعضی از آنها عبارتند از:

۱. حکیمه خاتون (دختر امام جواد، خواهر امام هادی(ع) و عمه امام حسن عسکری(ع)» که حضرت مهدی(عج) را در شب تولدش زیارت کرد و نسیم و ماریه کنیزان آن حضرت به حکیمه خاتون گفتند: تا این کودک متولد شد به خاک سجده کرد و انگشت سبابه را رو به آسمان بلند نمود و عطسه کرد و گفت: الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله.{۲}

۲. ابوبصیر خادم می گوید: «بر صاحب الزمان(عج) وارد شدم در حالی که درون گهواره بود نزدیک رفتم و سلام کردم. حضرت فرمود: مرا

می شناسی؟ عرض کردم: آری تو بزرگ و سید من و فرزند امام من هستی. حضرت فرمود: «انا خاتم الأوصیأ و بی یرفع البلأ من اهلی و شیعتی»;{۳} من آخرین وصی هستم و به وسیله من بلا از شیعیانم برطرف می شود.

[۱].ینابیع الموده، قندوزی، ج ۳، ص ۱۱۴/

[۲].الزام الناصب، شیخ حائری یزدی، ج ۱، ص ۳۴۰/

[۳].کشف الغمّه، علامه اربی، ج ۲، ص ۴۹۹، به نقل از: یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، ص ۴۶/

امکان تشرف

آیا حضرت مهدی ۷در زمان غیبت با افراد خاصّی رابطه دارد؟ این افراد چگونه به این درجه رسیده اند؟

پرسش

آیا حضرت مهدی ۷در زمان غیبت با افراد خاصّی رابطه دارد؟ این افراد چگونه به این درجه رسیده اند؟

پاسخ

ادعای این مسئله که حضرت مهدی ۷در زمان غیبت با افراد خاصّی رابطه داشته باشد, یا افرادخاصی با آن حضرت در ارتباط باشند, مشکل است . بر اساس روایاتی که به ما رسیده , در زمان غیبت کبراارتباط مستقیم به کلی قطع شده و در نامهء آن حضرت به نائب چهارمش (ابوالحسن سمری) آمده است : ای علی بن محمد سمری ! بشنو; خداوند پاداش برادران دینی تو را در مرگ تو بزرگ گرداند! تو تا شش روز دیگر خواهی مرد;پس به کارهای خود رسیدگی کن و هیچ کس را به عنوان جانشین خود معرفی نکن که غیبت کامل واقع شده است و دیگرظهوری نیست مگر بعد از آن که خداوند اجازه دهد; آن هم بعد از گذشت زمان ها و قساوت دل ها و پر شدن زمین ازستم , خواهد بود. به زودی در میان شیعیان کسانی پیدا می شوند که ادّعا می کنند مرا دیده اند ; آگاه باش هر کس پیش ازخروج سفیانی و صیحهء آسمانی ادعا کند مرا دیده است , دروغ می گوید و بر من افترا می بندد.(۱)

البته ممکن است افراد پاک سرشت و نیکان شیعه و دوستان خالص آن حضرت به دیدار ایشان نایل شوند,اما به کسی بازگو نکنند.(۲) احتمال دیگر این است که در حال مکاشفه ببینند و مابقی تشرف به محضر یاران امام زمان است که گمانه می زنند امام زمان باشد.

آن حضرت در بین مردم حضور پیدا می کند, ولی کسی او را نمی شناسد

و در مراسمی مانند موسم حج هرساله شرکت می کند. از محمد بن عثمان , یکی از نوّاب آن حضرت نقل شده است : به خدا قسم ! حضرت مهدی ٧هر سال در مراسم حج شرکت می کند. او مردم را می بیند و می شناسد و مردم او را می بینند, ولی او رانمی شناسند.(٣)

امام صادق ٧فرمود: (۴)

(پاورقی ١.علی دوانی , مهدی موعود, ص ٩٢٨ با تلخیص .

(پاورقی ٢.همان , ص ٩٢٩

(پاورقی ٣.همان , ص ٩٣٠

(پاورقی ۴.همان .

آیا تشرف در دوران غیبت کبری امکان دارد؟

پرسش

آیا تشرف در دوران غیبت کبری امکان دارد؟

پاسخ

در مسئله ارتباط و دیدار با آن حضرت در دوران غیبت کبری دو دیدگاه وجود دارد.: گروهی معتقدند که تشرف امری ممکن و شدنی است و بهترین دلیل بر امکان آن را وقوعش می دانند و می گویند ملاقات و تشرف در این دوره مکرر اتفاق افتاده است. (٢)

عده ای دیگر، ملاقات را امری غیر ممکن می دانند و هر یک از آن دو گروه دلایلی برای اثبات عقیده خویش اقامه می کنند.

دلایل قائلین به عدم امکان ملاقات

این گروه چهار دلیل بر عدم امکان تشرف اقامه کرده اند که عبارتند از:

١ - توقیع آن حضرت به علی بن محمد سمری - آخرین نایب خاص.

٢ - روایاتی که دلالت دارند آن حضرت درمیان مردم زندگی می کند. او مردم را می بیند و می شناسد ولی مردم او را نمی شناسند.

٣ - روایاتی که دلالت دارند آن حضرت در موسم حج حضور دارند ولی مردم او را نمی شناسند.

۴ – روایاتی که دلالت دارند، دوران غیبت، دوران امتحان شیعه است.

اما مهم ترین دلیل آن ها نامه یا توقیع شریفی است که از ناحیه مقدسه آن حضرت به دست ابوالحسن سمری رسیده است و حاوی معجزه ای می باشد. بقیه دلایل ادعایی آنان دلالتی روشن ندارد و قابل توجیه است؛ زیرا آن روایات بر نفی رؤیت و مشاهده عموم مردم دلالت دارد. کسی نیست که مدعی باشد همه مردم در هر وضعیتی می توانند به فیض زیارت آن حضرت در موسم حج یا غیر آن نایل گردند و از فیض وجودش به طور مستقیم بهره ببرند.

برای روشن شدن مفهوم و مصداق "فمن ادعی المشاهده فهو کاذب مفتر" و تبیین نکات مندرج در توقیع که مورد

استناد هر دو گروه قرار گرفته، می طلبد که متن توقیع مبارک ذکر شود.

"بسم الله الرحمن الرحیم" یا علی بن محمد السمری اعظم الله اجر اخوانک فیک، فانک میت ما بینک و بین سته ایام، فاجمع امرک و لا توص الی احد یقوم مقامک بعد وفاتک، فقد وقعت الغیبه الثانیه (التامه) فلا ظهور الا بعد اذن الله عزوجل و ذلک بعد طول الامد و قسوه القلوب و امتلاء الارض جورا و سیأتی من یدعی المشاهده. الا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کاذب مفتر و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم؛(۳) کسانی که ملاقات با امام زمان (ع) را در دوران غیبت کبری غیر ممکن می دانند، حرفشان را مستند می کنند به ذیل این توقیع و می گویند حضرت به صراحت فرموده، به زودی افرادی از شیعیان من ادعای مشاهده و دیدن مرا می کنند. آگاه باشید، هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعا کند که مرا دیده است، او دروغگوی افترازننده است.

نکات مندرج در توقیع

۱ - حضرت به سمری - از طریق علم امامت - خبر می دهد که شما شش روز دیگر می میری پس کارهای خود را جمع و جور کن و امر همان گونه واقع می شود که حضرت فرمود.

۲ - مقام نیابت خاص بعد از فوت علی بن محمد سمری نفی شده. چه این که دوره غیبت اولی یا صغری سپری شد و زمان غیبت دوم (کبری) فرا رسید، لذا به سمری دستور می دهد. به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو، جانشینت باشد.

۳ - حضرت پیش گویی می کند و خبر می دهد، با این که دوران غیبت کبری

فرا رسیده و شما مأموریت خویش را به خوبی انجام می دهی و کسی را به عنوان جانشین خود معرفی نمی کنی، ولی به زودی کسانی پیدا می شوند که ادعای مشاهده و رؤیت می کنند.

۴ – زمان دقیق ظهور نامشخص است و به فرمان الهی بستگی دارد. آن چه مسلم و قطعی است. دوران غیبت طولانی است و ظهور وقتی واقع می شود که دل ها قساوت و سختی پیدا کرده و زمین پر از ظلم و ستم شده باشد.

ملاقات امام زمان(عج)

اشاره

حقیقت درباره نیابت امام زمان (ع) چیست؟

پرسش

ملاقات امام زمان(عج)

حقیقت درباره نیابت امام زمان (ع) چیست؟

پاسخ

برخی از قائلین به امکان تشرف، از راه ایجاد خدشه برسند و عدم توان معارضه آن با برخی روایات و حکایات و تشرفاتی که برای برخی شیعیان از علما و غیر آن ها، همراه با معجزه و کرامات واقع شده و از مجموع آن ها قطع حاصل می شود، وارد بحث شده اند، یا گفته اند برخی از علمای ناقل توقیع از بزرگان و اجلای علمای شیعه به صراحت یا با ذکر حکایت و ملاقات های زیادی برای اشخاص، عملا از آن توقیع اعراض نموده اند یا از جمله "من ادعی المشاهده" مفهوم و مصداق دیگری می فهمیدند، غیر از آن چه را که مخالفان ملاقات و تشرف اظهار می دارند.

حقیقت این است که ذکر شد. مقام نیابت خاص، مقام مقدس و والایی است، آن حضرت ابتدا امر می کند که اعلام شود نیابتی بعد از علی بن محمد سمری وجود ندارد، ولی به علم امامت می داند که با این وصف، برخی افراد درصدد سوء استفاده برمی آیند و ادعا خواهند کرد که حضرت را مشاهده نموده اند، لذا با پیش گویی خویش خواستند جلوی این سوء استفاده را بگیرند تا هر کسی نتواند با ادعاهای کاذب، باطل را به نام حق جا زند و به این وسیله حلال خدا را حرام و حرام حلال نشود و معروف، به نام منکر و به عکس معرفی نگردد.

– مثل سید مرتضی علم الهدی در کتاب های تنزیه الانبیاء – رساله غیبت – شافی و المقنع.

– شیخ طوسی در کتاب های "الغیبه – تلخیص الشافی".

- محقق کراجکی - در کنز الفوائد.

سدید الدین حمصی درالمنقذ من التقلید.

- ملا صفر علی در قصص العلماء.

- قاضی

نور الله شوشتری در مجالس المؤمنین.

- علی بن عسی اربلی در کشف الغمه.

- طبرسی در اعلام الوری.

- محدث نوری در نجم الثاقب و جنه المأوی.

حقیقت این است که چه که در توقیع نفی شده، ادعای رؤیت و مشاهده است نه امکان رؤیت و مشاهده.

به بیان دیگر، مطابق صریح و توقیع، دیدار کنندگان حق اظهار آن را ندارند و کسی که امام را ببیند و ادعایی نداشته باشد و آن را اظهار نکند.

مشمول توقیع واقع نمی گردد، لذا برخی علما در عین این که توقیع مبارک را در کتابشان ذکر می کنند و آن را مورد تأیید قرار می دهند. امکان ملاقات و تشرف خدمت حضرت را هم نفی نمی کنند. به چند نمونه از کلمات بزرگان توجه کنید:

۱ - علامه مجلسی هم توقیع مبارک را ذکر می کند و هم داستان هایی ازملاقات عده کثیری از علما را با امام زمان (ع) بیان می کند. او متوجه این تناقض ظاهری است، لذا برای رفع تناقض و تأویل توقیع می نویسد:

شاید توقیع بر کسانی حمل شود که مدعی مشاهده یا نیابت خاص از آن بزرگواراند و اخبار را همانند سفیران و نواب اربعه بخواهند از جانب آن حضرت برای مردم بیان کنند.(۴)

۲ - علی بن عیسی اربلی توقیع را ذکر کرده و بعد می نویسد: ما قطع نداریم که کسی به خدمت امام زمان (عج) نمی رسد. سپس تناقض ظاهری بین مفاد توقیع و امکان تشرف را مطرح می سازد و پاسخ می دهد، بین مفاد توقیع و ملاقات با آن حضرت تناقض وجود ندارد زیرا اگر شخصی آن حضرت را ببیند، او می داند که نباید ادعای رؤیت و مشاهده کند و اگر کسی چنین ادعایی کند

دروغگو است. (۵)

۳ – شیخ طوسی (ره) توقیع را ذکر می کند، اما می نویسد: ما قطع نداریم که حضرت از تمام اولیای خود پنهان باشد، بلکه جایز است که برای بیشتر آنان ظاهر گردد و نمی داند هر انسانی مگر حال خود را.

۴ – سید مرتضی (ره) که یکی از قائلین به امکان تشرف است می نویسد: ما جایز می دانیم که گروه زیادی از اولیا و معتقدان به امامت ایشان، شرفیاب محضرشان شوند و بهره گیرند.(۶)

نتیجه بحث:

از روایات امکان تشرف و ملاقات در دوران غیبت کبری و از کلمات اصحاب و بزرگان علمای شیعه حتی کسانی که براساس "من ادعی المشاهده فهو کاذب مفتر" معتقدند که تشرف در زمان غیبت امکان ندارد، به دست می آید که:

اولاـ ملاقات و تشرف را به طور مطلق نفی نمی کنند، بلکه آن را برای خواص و شیعیان مخلص و شخصیت های وارسته و ابدال ممکن می دانند و صریحاً می گویند این (عدم امکان مشاهده) منافاتی ندارد با این که برخی از اولیای الهی غیر مستقیم از وجود امام بهره ببرند یا اگر دیداری رخ دهد، چنین ادعای نداشته باشند.(۷)

به بیان دیگر:

آن که از اسرار حق اموختند مهر کردند و دهانش دوختند

تشرف و مشاهده حضرت ممکن است اما برای کسانی که حافظ اسرارند و آن را افشاء نمی کنند و مدعی مشاهده نمی گردند زیرا در غیر این صورت به تصریح توقیع مورد تکذیب قرار خواهند گرفت.

ثانیاً: برخی از مخالفان مشاهده و ملاقات می گویند، در صورتی که مشاهده با معجزه ای رخ نماید که اثبات آن نیاز به دلیل نداشته باشد، ظاهراً توقیع با آن مخالفتی ندارد. (۸)

پاسخ یک شبهه

اگر مشاهده و ملاقات بدون اظهار و ابراز و ادعای

مشاهده با توقیع منافاتی ندارد. در غیر این صورت باید مدعی را تکذیب نمود پس این همه حکایت و داستان هایی که از ملاقات و تشرف برخی شخصیت ها همانند علامه بحر العلوم، علامه حلی، مقدس اردبیلی و شیخ انصاری و غیر آنها در کتاب ها آمده، از چه طریقی فهمیده شد و آیا نباید براساس توقیع گفت: همه این ها دروغ و افتراء است؟

پاسخ: تمام علما و فقهای بزرگواری کهب ه آن ها نسبت دیدار و ارتباط به حضرت را داده اند نه در کتاب های خود، چنین ادعایی را مطرح کرده اند و نه در جای دیگر.

آنان براساس حکمتی که در عدم ادعای مشاهده نهفته حتی مسائل فقهی و احکام دینی را که مستقیم یا غیر مستقیم از حضرت سؤال کردند و پاسخ دریافت نمودند اظهار نکردند تا مشمول توقیع قرار نگیرند و موضوع تشرف و دیدار هیچ یک از آنان در زمان حیات آنان آشکار نگشت، بلکه بعد از رحلت آنان مسئله ملاقات توسط برخی از افراد مورد وثوق و اعتماد که محرم اسرار آن بزرگواران بودند افشاء شده است. به این طریق که افراد مورد اعتماد آنان گاهی از واقعه ای رایحه ملاقات را استشمام می کردند و با اصرار و ابرام از آنان می خواستند چیزی از اخبار ملاقات را بیان کنند یا با طرح سؤالی آنان را در وضعیتی قرار می دادند که مجبور می شدند یا دروغ بگویند یا گوشه ای از واقعیت را ابراز کنند، لذا با گرفتن میثاق و تعهد شرعی - که تا زنده هستند این مسایل نباید آشکار گردد و در صورت اظهار و آشکار شدن، تکذیب می گردد و دروغگو معرفی خواهند شد، مطالبی را از ملاقات

علیرغم خواست قلبی خود بیان می کردند. بنابراین آن چه در کتاب های معتبر آمده اولاً: بعد از وفات ملاقات کننده گان آشکار شده.

ثانیاً: پرتوی از حقایق گسترده ملاقات ها بیان گشته است.

پایان سخن.

در پایان مقال دو تذکر را جهت تنبه حال لازم می بینم:

۱ - جمله "هر کسی از ما نمی داند مگر حال خود را اما حال دیگران برای او معلوم نیست".

تعبیری است که در کلام دو نفر از علمای بزرگ شیعه یعنی سید مرتضی و شیخ طوسی (ره) آمده است.

این کلام می رساند که امکان تشرف خدمت حضرت وجود دارد، ولی کسی مشرف می شود حق اظهار به دیگران را ندارد. در غیر این صورت دروغ گوی افترا زننده معرفی می شود.

۲ - برای نتیجه گیری و تنبه حال درونی لازم است عبارت شیخ طوسی (ره) را به طور کامل ذکر کنیم او می نویسد: "ما قطع نداریم که حضرت از تمام اولیای خود، پنهان باشد، بلکه جایز است که برای بیشتر آنان ظاهر گردد و نمی داند هر انسانی مگر حال خود را. پس اگر برای او ظاهر گردد. علت نهان شدن، زایل گردیده و اگر ظاهر نشود می داند که برای وی ظاهر نشده، به خاطر اشکالی که به او باز می گردد. اگر چه به تفصیل نداند تقصیرش چه بوده است".

از عبارت فوق استفاده می شود، هر کسی می خواهد بداند که جزو یاران و اصحاب آن حضرت است یا نه؟ به حال درون خویش بنگرد. اگر رابطه اش را با آن حضرت و خدایش اصلاح کرده باشد، ارتباط و تشرف تحقق می گردد و خود می فهمد که علت غیبت در او زایل شده است و در این صورت از اصحاب آن حضرت محسوب می شود، اما نباید

اظهار کند و می داند که اگر اظهار کند از محور اصحاب خارج می گردد.

اگر بین او و مولایش ملاقات و تشرفی صورت نگرفته، باز خود می داند. پس در گفتار و رفتار و کارهای خویش تجدید نظر کند بنگرد چه امور مانع است. توبه کند. خود را اصلاح کند تا لیاقت تشرف حاصل گردد.

ممکن است برای افرادی این لیاقت و شایستگی حاصل گردد، اما مصلحت آنان اقتضاء کند این ملاقات تا لحظه احتضار و جان دادن به تأخیر بیفتد؛ یعنی آن لحظه ای که انسان نیاز شدید به وجود مبارک آن حضرت و دل جویی و عنایت ویژه اش دارد.

اللهم الرزقنا. با توجه به توضیحات ذکر شده نیازی به تجزیه و ترکیب آن حدیث نیست.

پی نوشت ها:

۱ - محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷ - ۳۸۰.

۲ - جهت آشنایی و مطالعه به کتاب "جنه المأموی" محدث نوری (ره) که به ج ۵۳ بحارالانوار، ص ۲۰۰ ضمیمه شده یا مهدی موعود "علی دوانی" مراجعه شود.

۳ - محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۱.

۵ - کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۸، به نقل از مجله حوزه، شماره ۶۰ - ۷۱ ویژه نامه امام زمان.

۶ - رسایل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۲۹۷، به نقل از همان، ص ۹۸.

۷ - همان، ص ۸۶.

چگونه می توانیم امام زمان(ع) را ببینیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟

پرسش

چگونه می توانیم امام زمان(ع) را ببینیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟

پاسخ

درباره مشاهده و ارتباط با قطب عالم امکان حضرت مهدی(ع) دودیدگاه وجود دارد:

۱ در زمان غیبت کبری، امکان ارتباط و مشاهده و ملاقات حضرت وجود ندارد.

۲ برای برخی از اولیاءالله امکان دارد.

گروهی از علمای شیعه بر این باورند که در زمان غیبت، امکان ارتباط با امام زمان(ع) برای شیعیان وجود ندارد و بر اساس دستور حضرت، کسی که ادعای مشاهده و ملاقات کند، باید او را تکذیب کرد. در آخرین نامه حضرت به آخرین نائب خاصش (علی بن محمد سمری) آمده است: "بسم الله الرحمن الرحیم، ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش برادرانت را درباره تو بزرگ نماید. تو تا شش روز دیگر می میری. کارهای خود را جمع و جور کن و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد، زیرا که غیبت تامّه و کبری واقع شد و دیگر ظهوری نیست مگر پس از اذن خدا که بعد از مدتی طولانی خواهد بود. آن وقت که دل ها پرقساوت و سخت شود و زمین از ستم پر گردد. به زودی بعضی از شیعیان ادعای مشاهده و دیدار با من را خواهند کرد. هر کس چنین ادعایی بکند، او را تکذیب کنید. "و لا حول ولا قوه الاّ بالله العلی العظیم".

گرچه از این نامه استفاده می شود که ملاقات با حضرت ممکن نیست، ولی امکان دارد افرادی به طور ناشناس آن حضرت را ببینند. شخصیت هایی مانند علامه بحرالعلوم حضرت را دیده اند، ولی در بسیاری از موارد بعد از دیدار کشف کرده یا حدس زده اند که امام زمان(ع)

بوده است. مسلّم است که کسی نباید ادعای مشاهده امام زمان را کند. اگر کسی ادعا کرد باید او را تکذیب کنیم، ولی منافاتی ندارد با این که برخی از اولیای الهی، غیر مستقیم از وجود امام(ع) بهره برده باشند یا بهره ببرند یا اگر دیداری رخ دهد، چنین ادعایی نداشته باشند.۶[۱۳]

وظیفه ما در زمان غیبت این است که از گناهان دوری کنیم و تقوا را در همه حال مراعات کنیم. در تهذیب نفس و رسیدن به کمالات انسانی کوشا باشیم. همواره برای تعجیل در فرج حضرت دعا کنیم. در کمک به مستضعفان و بیچارگان کوشا باشیم. سعی کنیم از ناحیه ما به کسی ظلم نشود. کسب ها و درآمدهایمان حلال باشد. اگر پاک و با تقوا باشیم، شاید حضرت به دیدار ما بیآید و ما را مورد توجه قرار دهد.

خداوند توفیق دیدن و خدمت گزاری در رکاب حضرت را به همه ما عطا فرماید.

۱ – مجله حوزه، شماره ۷۰ – ۷۱، ص ۷۲ به بعد، با تلخیص.

آیا در دوره غیبت کبری می توان امام زمان رامشاهــده کرد؟ در آخرین توقیع صادره از ناحیه مقدسه آمده است: از این پس مشاهده امکان ندارد. معنای مشاهده در این توقیع چیست؟

پرسش

آیا در دوره غیبت کبری می توان امام زمان رامشاهده کرد؟ در آخرین توقیع صادره از ناحیه مقدسه آمده است: از این پس مشاهده امکان ندارد. معنای مشاهده در این توقیع چیست؟

پاسخ

قبل از پاسخ گویی، ابتدا می بایست معنای مشاهده را دانست. مشاهده حضرت، یعنی دیدن با چشم ظاهری توأم با شناخت ایشان.

در دوره غیبت کبری واین که مشاهده حضرت امکان دارد یا نه، علمای بزرگ دارای دو دیدگاه هستند: بعضی به سبب استناد به توقیع شریف، هرگونه ارتباط و دیدار با امام مهدی(عجل الله تعال فرجه الشریف) را در عصر غیبت ناممکن دانسته و میگویند: مدّعی آن کذّاب مفتر است. اما بعضی از علما، دیدار و تشرف اولیای خاصل الهی را ممکن دانسته و در این باره دلایلی را ارائه کرده اند، ولی شنیده نشده است کسی که محضر امام عصر را در دوره غیبت درک کرده، دیگران را مطلع ساخته باشد. در عین حال اولیای الهی و افرادی که به مقامات عالیه معنوی رسیده اند، از مشاهده جمال نورانی و فیض حضور امامی که در ظاهر غایب می باشد، ولی ناظر است، بی بهره نیستند:

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند.

طبق توقیع شریف و روایات مستند به معصوم، دیدن حضرت از مجاری عادی و مشاهده حضوری امکان پذیر نیست، و نیز

امکـان دارد افرادی خـاص هر گـاه بخواهنـد بتواننـد امام را ملاقات کننـد، آن گونه که در غیبت صـغری شایـد منظور از توقیع شریف همین باشـد. ولی فیض بردن از محضـرش از راه هـای غیر عـادی و هر گـاه امـام اراده کنـد، برای علمـا و اولیای بزرگ ممکن است. سیّد

مرتضی از فقها و علمای بزرگ که نزدیک به هزار سال پیش می زیسته، می نویسد: " ما جایز می دانیم که گروه زیادی از اولیا و معتقدان به امامت ایشان، شرفیاب محضرشان شوند و بهره گیرند. ما قطع نداریم امام بر برخی از اولیا و شیعیان خود ظاهر نشود، بلکه این جایز است و نیز جایز خواهد بود که برای هیچ یک از آنان ظاهر نگردد. هر کس از ما نمی داند مگر حال خود را اما حال دیگران برای ما معلوم نیست".[۱]

با توجه به جمله "هر کس از ما نمی داند مگر حال خود را" اشاره ای اجمالی و نوعی تأیید ضمنی نسبت به تشرف است.

مطالعه مجله "حوزه" ویژه امام زمان شماره ۷۰ و ۷۱ مقاله "ارتباط با امام زمان" مفید است.

[۱] مجله حوزه، ویژه امام زمان، شماره ۷۰- ۷۱، ص ۹۸.

در مورد دیدن امام زمان(عج) و صحبت کردن با ایشان چه نظری دارید؟ آیا این درست است که ایشان به یکی از نوّاب خود گفته "اگر کسی بگوید که مرا دیده دروغ گفته است"؟

پرسش

در مورد دیدن امام زمان(عج) و صحبت کردن با ایشان چه نظری دارید؟ آیا این درست است که ایشان به یکی از نوّاب خود گفته "اگر کسی بگوید که مرا دیده دروغ گفته است"؟

پاسخ

درباره دیدن حضرت مهدی(ع) باید به چند مطلب توجه کرد:

۱ دیدن حضرت بدون شناخت:

شکی نیست که حضرت در مجامع مختلف حضور پیدا می کند و بین مردم احیاناً رفت و آمد دارد و در مشاهد مشرفه مخصوصاً در ایام حج در مکّه و عرفات حضور دارد. او مردم را مشاهده می کندو مردم نیز ایشان را می بینند امّا او را نمی شناسند. در کتاب های روایی و در شرح حال برخی از اولیای خدا نقل شده که بسیار اتفاق افتاده که حضرت را دیده اند، ولی نشناخته اند، اما بعداً حدس زده اند که حضرت مهدی(عج) بوده است.

۲ دیدن حضرت با شناخت:

دیدار حضرت همراه با توجه و با شناخت از این که ایشان حضرت مهدی(عج) هستند، گرچه امکان دارد و شاید برای برخی از اولیای خدا اتفاق افتاده باشد، ولی به نظر می رسد این نوع دیدار کم اتفاق افتاد[ه است.

دیدار حضرت بدون ادعای دیدار: در دو فرض یک و دو مخصوصاً در فرض دوم کسی که موفق به دیدار حضرت شده، هیچگونه ادعایی ندارد و خود را به عنوان این که من کسی هستم که با حضرت [مهدی(عج) ملاقات کرده ام، مطرح نمی

کند. و اگر مدعی باشد و خود را ملاقات کننده معرفی کند، باید تکذیب شود.

در روایات از ادعای رؤیت و مشاهد و ارتباط با حضرت مهدی(ع) به شدت جلوگیری شده و مدعی دیدار و ارتباط

را کذّاب و دروغگو انگاشته است.

حضرت به آخرین سفیر خود (علی بن محمد سمری) نوشت: "تو تا شش روز دیگر می میری. کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد. غیبت دوم و تامّ واقع شد و ظهوری نیست مگر پس از اذن خداوند. اجازه ظهور پس از مدتی طولانی واقع می شود که دل ها پرقساوت و سخت می شود و زمین از ستم پر می گردد. به زودی کسانی از شیعیان من خواهند آمد که ادعای مشاهده و دیدن مرا بکنند. آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند که مرا دیده، دروغگوی افترا زننده است".

آیا می شود روزی چشمان گناهکارم به جمال نورانی مولا اباصالح المهدی (ع) روشن شود؟ چه مراحلی را باید طی نمود؟ خواهشمند است راهنمایی کنید.

پرسش

آیا می شود روزی چشمان گناهکارم به جمال نورانی مولا اباصالح المهدی (ع) روشن شود؟ چه مراحلی را باید طی نمود؟ خواهشمند است راهنمایی کنید.

پاسخ

پاسخ شما را با اشعاری از فیلسوف عارف , و محدث فقیه , فیض کاشانی , آن دل سوخته‏ء شیدای امام عصرارواحنا فداه شروع می کنیم .

به کوی مهدی هادی گذر توانی کرد ز سر گر به در توانی کرد

تو غرق معصیتی در مقام آسایش به کوی عصمت او کی گذر توانی کرد؟!

به عزم دیدن رویش به راه تقوا پوی که سودها کنی از این سفر گر توانی کرد(۱

تنها تقوا پیشگان صالح یا گناهکارانی که راه توبه و تهذیب نفس و تزکیه روح را در پیش گرفته اند و خویش را جبران کرده اند یا درصدد جبران آن برآمده اند, می توانند عطر رااستشمام کنند و با حضرت اباصالح , امام زمان (ع) ارتباط برقرار کنند. البته مراتبی دارد و آن را از جهتی می توان گفت دو گونه است :

مستقیم و غیر مستقیم :

ارتباط مستقیم , ملاقات با رؤیت و مشاهده‏ء حسی است که کلید خزانه‏ء آن در ارتباط غیر مستقیم قرار دارد.ارتباط غیر مستقیم مقدمه‏ء لازم و جداناپذیر, ارتباط مستقیم است و تنها نردبانی است که می توان با آن از مُلك به ملكوت وارد شد در آستان آسمان قدم گذاشت و از شعاع مهرانگیز خورشید بلندترین آسمان هستی بهره برد.

ارتباط غیر مستقیم , قلبی و عاطفی و علمی و عملی است .

از منظر دیگر می توان گفت که ملاقات و ارتباط با امام زمان (عج) به چهار نحو ممکن است :

۱- ارتباط روحی و

قلبی .

۲- رؤیت خورشید هستی و نور حق تعالی در خواب .

۳- زیارت آن حضرت در عالم مکاشفه .

۴- لحظه وصل و ملاقات مستقیم و مشاهدهء آن وجود مقدس با چشم ظاهری .

ارتباط روحی و قلبی , بهترین نحوهء ارتباط است که رشتهء رؤیت و زیارت و ملاقات و وصل به وجود مقدس آن حضرت را می آفریند و محقق می سازد. اگر این ارتباط پیوسته و مستمر باشد, او را شیفته و عاشق حضرت می سازد و در شمار انصار الله و انصار المهدی (ع) قرارش می دهد.

نخستین گام در برقراری ارتباط قلبی , شناخت مقام و منزلت و معرفت به نحوهء غیر قابل انفکاک و جدا ناپذیری آن از و دریافت این حقیقت است که شمس نبوت ختمیه , همراه قمر و اختران ولایت , آیینهء اسماء الحسنی و تجلی گاه و حق تعالی است تا شوق و علاقه و محبت دیدار پدید آید و از مرحلهء که ریشه در دارد,بگذرد و به مرز عشق که مرحلهء فنای در معشوق و نقطهء آغازین است برسد. سپس از پله های نردبان عشق و مراتب اربعهء آن , صعود کند و به قلهء (۲ که مرحلهء بی قراری مطلق است و عاشق را بی اختیار و بدون علت خواهی و چون و چرا جویی , به هر سو دنبال معشوق می کشاند برساند تا به نایل گردد.(۳

به بیانی روان تر: کسی که می خواهد عاشق امام زمان (ع) شود و از راه ارتباط قلبی به ملاقات حضرتش نایل گردد, باید امام خویش را بشناسد و از عقاید و اخلاق و افکارش آگاه گردد

و با خواسته ها و مطلوب ها و راه روش حضرت در عبادات , سیاسات و امور فردی و اجتماعی آشنا شود و آن را الگوی فکر و عمل خویش قراردهد و دوستان و نمایندگان , نیز دشمنان و موانع ظهورش را بشناسد و به مقتضای تکلیف عمل کند, چه این که حرکت در مسیر خواسته های آن است که فاصله ها را کم می کند و حصار هجران را فرو می ریزد وعاشق را به وصال معشوق می رساند.

عاشق آیینهء صفات معشوق و جلوهء اخلاق و اوصاف او است . پس چگونه می توان با چشمان گناهکار وانواع آلودگی ها, عاشق آن جان جانان و گل عصمت شد؟ تا زمانی که از بت و بیرون نیامدیم و دل و جان خود را مسخر مولا نساختیم , ناصواب لاف دوستی می زنیم . (۴

تا تو در بند خویشتن باشی عشق بازی دروغزن باشی

امام صادق (ع) فرمود: .(۵

منتظر مصلح مهذب (که تندیش تقوا و تهجد و بندگی حق است) باید خود صالح و حق گرا باشد و به اصلاح و تهذیب نفس و تزکیهء روح خویش بپردازد تا بتواند در زمان ظهورش افتخار سربازی و خدمت گزاری حضرتش را به دست آورد.

فقیه عارف , فیض کاشانی می گوید: اگر چو نسیم سحر پاک و مهذب و خالص گردی , خورشید جان ها نقاب بگشاید>.

گل مراد تو آنگه نقاب بگشاید که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد

زمخلصان حقیقی نهفته نیست رُخَش غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد(۶

امام باقر (ع) می فرماید: .(۷

یک تذکر:

هرگز مپندار که این درماندهء پاسخگو ره به دیار دارد

گر به

کوی اما هم بود مجال وصول رسد به دولت وصلش نوای من به حصول

من شکستهء بی دست و پا به درگه او به هیچ باب ندارم ره خروج و دخول

پی نوشت ها:

۱- ملا محسن فیض کاشانی , شوق مهدی (عج), تصحیح علی دوانی , ص ۹۸

۲- دوستی و محبت درجات و مراتبی دارد. صاحب تفسیر روح المعانی درج ۱۲ص ۲۳عشق را در مرتبهء چهارم محبت قرار می دهد. حب و علاقه وقتی شدت پیدا کرد و همانند گل و پیچک بر جان و روح عاشق پیچید و آن را در تسخیر خود درآوردو بر آن حکومت مطلق داشت , مرحلهء عشق نام دارد و پس از آن را مراتبی است که به ترتیب : شعف , لوعه , شغف و تدیه نام دارد و قلهء اوج که مرتبهء پنجم آن است نام دارد.

۳- ٪اگر طالب لقای امامی به علم کوش

اهل نظر معامله با آشنا کنند

به معرفت نرسی تا به او نرسی

که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد

دانش اندوز و ادب ورز که در مجلس او

هر که را نیست ادب , لایق صحبت نبود

۴- توبه تقصیر خود افتادی از این در محروم

از چه می نالی و فریاد چرا می داری ؟!

خویش را قابل خدمت کن و آنگه بطلب

مستحق ناشده امید عطا می داری ؟!

۵- میکال , ج ۱ ص ۱۵۱

۶- شوق مهدی , ص ۹۸

۷- روزگار رهایی , ص ۳۶۵

آیا ملاقات با امام زمان (ع) امکان دارد؟ و اگر امکان دارد برای توفیق تشرف چه باید کرد؟

پرسش

آیا ملاقات با امام زمان (ع) امکان دارد؟ و اگر امکان دارد برای توفیق تشرف چه باید کرد؟

پاسخ

در مورد ارتباط و دیدار حضرت امام زمان (ع) در دوران غیبت کبری دو نظر وجود دارد:

۱ - عدم امکان ارتباط، این گروه معتقدند در زمان غیبت کبری امکان ارتباط حضور و تشرف به محضر حضرت وجود ندارد، و کسی را که ادعای دیدار کند، باید تکذیب کرد. مهم ترین و معتبرترین دلیل این گروه بر نفی رؤیت و مشاهده امام عصر (ع) توقیعی است که شش روز پیش از مرگ "علی بن محمد سمری" آخرین سفیر خاص امام (ع) از ناحیه حضرت صادر شده است.

برابر این توقیع مدعی مشاهده دروغگو است و ادعای وی قابل پذیرش نیست. متن نوشته حضرت چنین است: "و به زودی از شیعیان من کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهده مرا بکنند. آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند که مرا دیده، دروغگو ای افترازننده است". (۱)

۲ - امکان ارتباط، عده ای از علمای شیعه بر این باورند که در غیبت کبری امکان ارتباط امام زمان (ع) وجود دارد. دلیل این نظر را داستان های مشاهده حضرت و چند روایت ذکر می کنند. یکی از آن روایات (سه گانه) این است: امام صادق (ع) فرمود: "صاحب این امر "امام زمان (ع)" ناگزیر غیبتی دارد و در دوران غیبت از مردم کناره می گیرد، اما نیکو منزلی است مدینه طیبه (و امام آن جا) با سی نفر (زندگی می کند و) وحشتی نیست.(۲)

صاحب نظران امکان ارتباط می گویند: مراد توقیع شریف که می فرماید: مدعی دیدار دروغگو است، شخصی است که ادعای تشرف و نیابت

از طرف حضرت را نماید، نه کسی که صرفاً توفیق تشرف یابد، نیز کسانی که توفیق تشرف دارند، ادعای تشرف نمی کنند، بلکه دیگران از اوضاع و احوال به این مسئله پی می برند.

بر فرض امکان ارتباط طالب تشرف باید با سرلوحه قرار دادن تقوا برای زندگی خود و عشق به امام زمان و شوق دیدار او، در خود آمادگی تشرف ایجاد کند تا اگر مصلحت شد به دیدار حضرت نایل آید.

پی نوشت ها:

۱ - بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ و ج ۵۳، ص ۳۱۸.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، حدیث ۱۸.

آیا درست است که می گویند: ما انسان ها روزی چند مرتبه امام زمان(عج) را ملاقات می کنیم و او را نمی شناسیم؟

پرسش

آیا درست است که می گویند: ما انسان ها روزی چند مرتبه امام زمان(عج) را ملاقات می کنیم و او را نمی شناسیم؟

پاسخ

از این که با ما مکاتبه نموده اید سپاسگذاریم.

این نگرش که همه انسان ها روزی چند مرتبه امام زمان(عج) را به گونه ناشناس می بینند، قابل قبول نبوده و صحت ندارد، زیرا در روایات بدین مطلب اشاره نشده است.

در روایات آمده است که امام زمان در مکان های مختلف حضور می یابند و میان مردم بوده اما وی را نمی شناسند: امام صادق(ع) فرمود: اگر زمین یک ساعت از حجت خدا خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد. مردم را می شناسد، لیکن مردم او را نمی شناسند، همان گونه که یوسف، مردم را می شناخت و آنان او را نمی شناختند. (۱)

در روایتی دیگر از علی(ع) آمده است: "حجت حق بر زمین استوار است، در جاده ها حرکت می کند، در خانه ها وارد می شود و در شرق و غرب زمین به گردش می پردازد."(۲)

از این روایات استفاده می شود که امام به گونه ناشناس میان مردم حضور می یابد اما روایات دلالت ندارد که انسان ها حتماً هر روز چند بار امام را به طور ناشناس ملاقات می کنند.

پاورقی:

۱ - کتاب الغیبه نعمانی، ص ۱۴۱

. همان، ص ۱۴۴ ۲ -

آیا می توانیم در زمان غیبت، امام زمان را ببینیم؟

اشاره

امام زمان(عج) فرمود: هر کس ادعای دیدار مرا داشته باشد، دروغگو است، پس این همه کتاب ها برای دیدار نوشته می شود، چگونه توصیه می شود؟

پرسش

آیا می توانیم در زمان غیبت، امام زمان را ببینیم؟

امام زمان(عج) فرمود: هر کس ادعای دیدار مرا داشته باشد، دروغگو است، پس این همه کتاب ها برای دیدار نوشته می شود، چگونه توصیه می شود؟

پاسخ

در مورد ارتباط و دیدار حضرت امام زمان(ع) در دوران غیبت کبری دو نظر وجود دارد:

۱ عدم امکان ارتباط

این گروه معتقدند در زمان غیبت کبری امکان ارتباط حضوری و تشرّف به محضر حضرت وجود ندارد، و کسی را که ادعای دیدار کند، باید تکذیب کرد. مهم ترین و معتبرترین دلیل این گروه بر نفی رؤیت و مشاهده امام عصر(ع) توقیعی است که شش روز پیش از مرگ علی بن محمد سمری، آخرین سفیر خاص امام زمان(ع) از ناحیه حضرت صادر شده است. برابر این توقیع مدّعی مشاهده، دروغگو است و ادعای وی قابل پذیرش نیست. متن نوشته حضرت چنین است: "به زودی از شیعیان من خواهند آمد کسانی که ادعای مشاهده و دیدن مرا بکنند. آگاه باشید هر کسی قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعا کند که مرا دیده است، دروغگوی افترا زننده است".(۱)

۲ امکان ارتباط

عده ای از علمای شیعه بر این باورند که در غیبت کبری امکان ارتباط با امام زمان(ع) وجود دارد. دلیل این نظر را داستان های مشاهده حضرت و چند روایت ذکر می کنند. یکی از آن روایات این است: امام صادق(ع) فرمود: "صاحب این امر (امام زمان) به ناگزیر غیبتی دارد، و در دوران غیبت از مردم کناره میگیرد، و نیکو منزلی است مدینه طیبه و با سی نفر وحشتی

نیست".(۲)

این حدیث دلالت دارد که حضرت بیشتر در مدینه و اطراف مدینه است

و سی تناز خواص با حضرت همراهند که اگر یکی بمیرد، دیگری به جای او می نشیند.

حال اگر کسی این نظر را بپذیرد، چاره ای جز توجیه توقیع مذکور نیست.

صاحبان نظر امکان ارتباط می گویند: مراد توقیع شریف که می فرماید: مدعی دیدار دروغگو است، شخصی می باشد که ادعای تشرف و نیابت از طرف حضرت را نماید. نه کسی که صرفاً توفیق تشرف یابد. نیز کسانی که توفیق تشرف یابند، ادعای تشرف نمی کنند، بلکه دیگران از اوضاع و احوال به این مسئله پی می برند. بنابراین، اصل دیدن امکان دارد، اما نقل آن جایز نیست یا اگ نقل شد، آن را باید تکذیب کرد، شاید برای این که هر کس نیاید و ادعای دیدار با امام زمان(ع) و ارتباط با او را کند.

پی نوشت ها:

۱. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ و ۵۳ و ص ۳۱۸.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، حدیث ۱۸.

به نظر من همه حق دارند امام زمان (ع) را ببینند، پس چرا در دنیای امروز فقط نیکوکاران واقعی امام زمان (ع) را می بینند؟ در زمان امامان دیگر همه مردم حتی ملعونین و بدسرشتان هم امامان را می دیدند. پس چرا ما نمی توانیم ایشان را ببینیم ؟

پرسش

به نظر من همه حق دارند امام زمان (ع) را ببینند، پس چرا در دنیای امروز فقط نیکوکاران واقعی امام زمان (ع) را می بینند؟ در زمان امامان دیگر همه مردم حتی ملعونین و بدسرشتان هم امامان را می دیدند. پس چرا ما نمی توانیم ایشان را ببینیم ؟

پاسخ

وجود دوازده ولی و حجت خدا بعد از پیامبر اسلام (ص) تا پایان جهان از جمله مقدرات خداوندی می باشد.

اگر امام زمان (ع) مانند ائمه دیگر میان مردم بود، او را نیز به شهادت می رساندند. اگر امام زمان (ع) به شهادت می رسید، زمین از حجت خدا خالی می شد. خالی شدن زمین از حجت خدا پیامدهای منفی در پی دارد . یکی از نویسندگان می نویسد، خداوند، به وسیله غیبت، امام دوازدهم را از قتل حفظ کرد ، زیر اگر حضرت از آغاز زندگی میان مردم ظاهر می شد، او را می کشتند".(۱)

فلسفه اصلی وجود امام و حجت خدا واسطه فیض الهی و هدایت و رهبری مردم است. امام زمان (عج) اگر چه به حسب ظاهر غایب است، ولی مانند سایر ائمه (ع) دیگر به رهبری و هدایت مردم می پردازند، زیرا امام در قالب های مختلف، مشکلات مردم را رفع می کند و به آنان نفع می رساند.

در برخی از روایات وجود مقدس امام زمان (ع) به خورشید تشبیه شده است.(۲) خورشید چه پشت ابر باشد و چه نباشد، به موجودات نفع رسانده و زندگی موجودات به آن بستگی دارد. فلسفه وجودی امام و حجت خدا این نیست که انسان ها تنها او را ببینند تا جای این پرسش باشد که چرا پیشینیان

موفق شدند امام معصوم را مشاهده کنند، اما ما از آن محروم شده ایم اما این که چرا در دوره غیبت کبری تنها برخی از نیکوکاران می توانند باحضرت مهدی (عج) ملاقات و ارتباط داشته باشند ، پاسخ روشن است، زیرا امام (ع) مصلح کل و با تقوا است . طبیعی است کسانی می توانند با امام پارسا و مصلح ارتباط برقرار کنند که خود پارسا باشند . هر کسی لیاقت و شایستگی را پیدا کرد، می تواند با امام ارتباط برقرار کند. این ارتباط اختصاص به قشر خاصی ندارد.

داده های تاریخی نشان از آن دارد : آن دسته از مردم با امام ارتباط برقرار کردند که لیاقت و شایستگی داشتند، مانند علامه بحرالعلوم و مقدس اردبیلی . شما هم با ایجاد لیاقت و شایستگی در خود، با امام ارتباط برقرار کنید.

اگر در زمان حضور ائمه (ع) همگان می توانستند با آنان ارتباط برقرار کنند، بدان جهت بود که غایب نبودند، ولی امام زمان (ع) به خاطر برخی علل غایب شده است.

نحوه ارتباط با امامی که غایب است، با امامی که غایب نیست، تفاوت دارد. اگر تفاوت نداشت که دیگر غیبت معنا نداشت. پس ملاقات با امام زمان نباید با فلسفه غیبت آن امام که برای دیگر امامان وجود نداشته است، منافات داشته باشد.

در عین حال برقراری ارتباط با امام زمان تنها با دیدن ظاهری نیست، بلکه ارتباط درونی و معنوی نیز می تواند برقرار باشد که برتر از ارتباط ظاهری است. چه بسیار انسان هایی که مورد توجه و عنایت امام زمان (عج) بوده اند، بی آنکه ملاقات یا ارتباط برقرار شده باشد. آن

چه باید به دنبال آن باشیم، فراتر از ملاقات حضوری، یعنی ارتباط معنوی با امام زمان (ع) است.

پی نوشت ها :

۱ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۴.

۲ – مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان ، ص ۶۷۱ – ۶۷۲.

۳ – بحار الانوار، ج۵۲، ص ۹۲.

با توجه به قطعیّت این امر که عده ای از اشخاص جلیل القدر شرفیاب حضور امام مهدی(عج) شده اند، توقیع صادر شده به نام «علی بن محمد سـمری» (از نوّاب اربعه) مبنی بر «آغاز غیبت کامل و اینکه مدعی مشاهده حضرت کذّاب و مفتری است،» را چگونه باید تفسیر کرد؟

پرسش

با توجه به قطعیّت این امر که عده ای از اشخاص جلیل القدر شرفیاب حضور امام مهدی(عج) شده اند، توقیع صادر شده به نام «علی بن محمد سمری» (از نوّاب اربعه) مبنی بر «آغاز غیبت کامل و اینکه مدعی مشاهده حضرت کذّاب و مفتری است،» را چگونه باید تفسیر کرد؟

پاسخ

این توقیع، اعلام پایان یافتن«غیبت صغری» و شروع«غیبت کبری» است ودر آن به جناب «علی بن محمد سمری» رضوان الله علیه امر شده است که به احدی وصیت ننماید که بعد از او قائم مقام او و نایب خاص باشد.

و نیز اعلام صریح بطلان ادعای افرادی است که در غیبت کبری، ادعای نیابت و سفارت خاصه و وساطت بین امام(ع) و مردم می نمایند.

بنابراین، چنانکه بعضی بزرگان هم فرموده اند، ممکن است مراد از اینکه «مدعی مشاهده» کذاب و مفتری خوانده شده است، کسانی باشند که ادعای نیابت کنند و بخواهند با دعوی مشاهده و شرفیابی، خود را واسطه بین امام و مردم معرفی نمایند؛ و همین حکایات و وقوع تشرف اشخاص به خدمت آن حضرت هم، قرینه و دلیل است بر اینکه در این توقیع، نفی مطلق مشاهده و شرفیابی مراد نیست، بلکه مقصود نفی ادعائی است که دلیل بر تعیین شخص خاصی به نیابت باشد.

و ممکن است مراد از توقیع مذکور نفی ادعای اختیاری بودن مشاهده و ارتباط باشد؛ یعنی اگر کسی مشاهده و ارتباط را به اختیار خود ادعا کند، به این صورت که هر وقت بخواهد خدمت امام(ع) شرفیاب می شود، یا ارتباط پیدا می کند، کذّاب و مُفتری است و این ادعا از احدی در غیبت کبری پذیرفته نیست، یا اینکه

چنین کسی که این سمت را به راستی داشته باشد، پیدا نخواهد شد؛ و اگر هم کسی آن را دارا باشد، از دیگران مکتوم می دارد، و به کسی اظهار و افشا نمی نماید. علاوه بر این، پیرامون این توقیع، توضیحات دیگری نیز علمای اعلام داده اند و در کتابهائی مثل «جنه المأوی» مرحوم محدث نوری نقل شده است.

اجمالاً ـ با این توقیع، در آن همه حکایات و وقایع مشهور و متواتر نمی توان خدشه نمود، و بر حسب سند نیز، ترجیح با این حکایات است.

اگر خواننده عزیز، خود به کتابهائی مثل نجم الثاقب رجوع نماید، می بیند که در این حکایات، وقایعی است که هرگز شخص عاقل در صحت آنها نمی تواند شک کند.

بنابراین، هم شرفیابی اشخاص به حضور آن حضرت ثابت است و هم کذب و بطلان ادعای کسانی که در غیبت کبری ادعای سفارت و نیابت خاصّه و وساطت بین آن حضرت و مردم را می نمایند، معلوم است.

آیا در زمان غیبت ارتباط با حضرت مهدی امام زمان((صلی الله علیه وآله)) ممکن است با این که در پایان آخرین توقیعی که شش روز پیش از مرگ آخرین سفیرش ابوالحسن علی ابن محمد سمری صادر می شود امام((علیه السلام)) می فرماید: «و به زودی از شیعیان من می آیند کسانی که

پرسش

آیا در زمان غیبت ارتباط با حضرت مهدی امام زمان((صلی الله علیه وآله)) ممکن است با این که در پایان آخرین توقیعی که شش روز پیش از مرگ آخرین سفیرش ابوالحسن علی ابن محمد سمری صادر می شود امام((علیه السلام)) می فرماید: «و به زودی از شیعیان من می آیند کسانی که

پاسخ

دیدار حضرت حجت((علیه السلام)) در غیبت کبیر امتناع عقلی ندارد و اŌ…ØŘدیدار هست. شاید برای اولیاء و افرادی که از خواص مؤمنین و متقین هستند و یا برخی علمایی در شرایط ضروری دیدار با آن حضرت((علیه السلام)) حاصل شود. ولی دیدار به نحو عام و برای هر کس ممکن نیست. و چنانچه آن حضرت مدعی دیدار را دروغگو نخوانده بودند و باب امکان دیدار با آن حضرت((علیه السلام)) باز می شد، دشمنان دیانت و تشیع در چهره ایمان و نقاب دوستی خود را به آن حضرت((علیه السلام)) نسبت می دادند. و یا برای اخاذی از مردم به عنوان ملاقات حضرت حجّت((علیه السلام)) به فریب مردم می پرداختند و... و چه فسادی از این ناحیه در میان امّت اسلام به وجود می آمد. بنابراین مصلحت شدید در همین بوده که مدعی ملاقات با امام زمان((علیه السلام))تکذیب شود. ولی این منافات با ملاقات اولیاء و خواص با آن حضرت((علیه السلام)) ندارد. و حکایت که در زمینه ملاقات اشخاص با آن حضرت در کتب آورده شده، شاید بعضی از آنها تشرف به خدمت نزدیکان امام زمان((علیه السلام)) بوده است نه خود امام زمان((علیه السلام)) و باید توجه داشت که تشرف به محضر آن حضرت امری نیست که به راحتی برای افراد میسر شود هر چند که

امکان آن نیز عقلا و شرعاً ضروری ندارد.

بحث دیدن امام زمان و میزان واقعی بودن آن؟

پرسش

بحث دیدن امام زمان و میزان واقعی بودن آن؟

پاسخ

سئوال اگر این گونه مطرح شود که آیا دیدار حضرت در عصر غیبت ممکن است و اگر هست واقع شده یا نه و از آنچه نقل شده چقدر به واقعیت نزدیک است؟ باید گفت منشأ اینگونه سئوالات به روایت امام عصر(بر می گردد که علمای شیعه آن را از چهارمین نائب خاص امام(نقل کرده اند.امام زمان(در فرمایشی به آخرین نائب خود فرمودند که پس از غیبت کبری، دیگر کسی مرا نخواهد دید و اگر کسی بگوید مرا دیده دروغ گفته است.

ما بر اساس این روایت می توانیم مدعیان رؤیت را تکذیب کنیم. البته منظور دیداری است که در غیبت صغری انجام می شده است. چنین رؤیتی خاص دوران غیبت صغری بوده و بعد از آن نفی شده است. پس مراد حضرت این نبود که چشم هیچ انسانی به ایشان نمی افتد بلکه روایت داریم که حضرت در بین مردم هستند و مردم را می بینند اما آنها محروم از رؤیت حضرت اند.

گاهی دیدار چنین حاصل می شده که فرد بعد ازدیدار و خروج از آن حالت یقین پیدا می کرده که امام را دیده است، اما رؤیت رسمی حضرت چنانچه در غیبت صغری بوده تکذیب می شود. نمونه کسانی که قبلاً علم داشته و با علم به دیدار حضرت رفته باشد بسیار کم بوده و معمولاً پس از مرگ دیدار کنندگان این موضع مکشوف شده است و آنها مدعی دیدار نبوده اند.

آیت ا...مصباح در پاسخ به سئوال که آیا مواردی که نقل می شود افرادی آن حضرت را مشاهده کرده اند واقعیت دارد یا

نـه؟ می فرماینـد : "فرق بیـن عصـر غیبـت صـغری و غیبت کـبری این است که در زمـان غیبت صـغری، کسـانی بودنـد که می توانستند رسماً خدمت اما زمان (برسند، حرفهای مردم را نقل کنند و جوابش را هم بگیرند و به مردم اطلاع دهند. یا وجوهات را بپردازنـد و رسـید بگیرنـد. گویی امام عصـر(حاضـر بودنـد و مردم با ایشان ملاقات می کردنـد با این تفاوت که این روابط خصوصی بود و فقط چند نفر یا یک نفر با آن حضرت رابطه داشتند.

این نوع رابطه پس از آخرین نماینده قطع شد و پس از آن دیگر چنین رابطه ای وجود ندارد که کسـی باشد تا مردم بوسـیله او با ایشان ارتباط پیدا کنند. اینکه آن حضرت فرمودند پس از این، کسی مرا نخواهد دید، منظور همان رؤیتی است که در عصر غیبت صـغری وجود داشـته است و نواب به خواست خود هر وقت می خواسـتند خدمت امام (می رسـیدند، لذا در زمان غیبت کبری، رؤیتی که توأم بـا آن نیـابت بوده باشـد وجود نـدارد و آن حضـرت این موضوع را نفی می نماینـد. امـا در زمان غیبت کبری، ممکن است کسانی خدمت امام زمان(شرفیاب شوند ولی آن حضرت را نشناسند، یا در خواب، ایشان را ببینند یا آنکه خود امام(خواسـته باشند که خود را به کسی نشان دهند. دلیلی بر عدم امکان این موضوع نداریم. خلاصه آنکه ظرف گفت و گویی که محل بحث بوده، رؤیتی است که در زمان غیبت صغری میسر بوده و آن را در زمان غیبت کبری نفی می کنند نه هر رؤیتی را." "۱"

بنابراین با قاطعیت می توانیم کسانی را

که ادعای دیـدار می کننـد (به معنایی که توضـیح داده شـد) تکـذیب کنیم و از آن طرف برخی ملاقاتها را که به صورت ادعا نبوده، مثل دیدار سید بحرالعلوم، شیخ بها، علی بن مهزیار و ...مورد تصدیق قرار دهیم.

آقای علیرضا رجالی تهرانی در این باره می فرمایند : "دیدار و رویارویی با آن حضرت به سه صورت ممکن است پیش آید :

۱- دیدار حضرت مهدی(با عنوان غیر واقعی ایشان، به طوری که کاملاً برای دیدار کننده ناشناس باشند. این گونه دیدار، و به فراوانی دایم برای کسانی که در محل زنـدگی ایشان سـکونت دارنـد یا افرادی که با ایشان برخورد می نماینـد در هر نقطه ای که باشد روی می دهد.

۲- دیـدار با آن حضـرت در عنوان حقیقی ایشان، بدون اینکه این امر را ملاقات کننده، مگر پس از پایان گرفتن دیدار، متوجه باشد. این همان حالتی است که اکثر دیدارهای نقل شده را شامل می شود.

۳- دیـدار با آن حضـرت با عنوان حقیقی ایشان ، در حالی که دیدار کننده نیز در اثنای ملاقات متوجه این امر باشد. این گونه دیدار در اخبار مشاهده و دیدار بسیار کم نقل شده است، زیرا غالباً مخالف مصلحت می باشد و با غیبت تامه و کامل حضرت مهدی(منافات دارد .

راجع به این که : آیـا در غیبت کـبری ممکن است کسـی خـدمت آن حضـرت مشـرف شود؟ بایـد گفت : آری، و این که در بعضـی روایات گفته شـده که مـدعیان دیـدن حضـرت را تکـذیب کنید، منظور کسانی است که ادعای دیدن آن امام و نیابت دارند. باری هر شیعه پاک سرشتی می تواند آن حضرت

را ملاقات کند." "۲"

تقویت مبانی اعتقادی، آیت ا...مصباح،ص۵۱-۵۰

یکصد پرسش پیرامون امام زمان(، علیرضا رجالی تهرانی،ص۱۵۵و۱۵۴و۱۵۳

آیا هر کســی می تواند امام زمان "ع" را ببیند (به غیر از افراد صالح و پرهیزگار) مثلاً در خواب می تواند با امام ملاقات کند و حقیقت دارد؟

پرسش

آیا هر کسی می تواند امام زمان "ع" را ببیند (به غیر از افراد صالح و پرهیزگار) مثلاً در خواب می تواند با امام ملاقات کند و حقیقت دارد؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما دوست خوبم، عرض می شود که بزرگان و علما شیوه های مختلفی برای رؤیت امام زمان(ع) در خواب ذکر کرده اند، که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.

شیخ ابراهیم کفعمی در "جنه الواقیه" فرموده است : "دیـدم در بعضـی از کتب اصـحاب خود، که هر کس اراده کرده رؤیت یکی از انبیاء و ائمه "۱۲گانه"، یا سایر مردم، یا فرزندان خود را در خواب، پس بخواند سوره والشمس، و اناانزلناه، وقل یا ایها الکافرون، و قل هو ا... احـد، و معوذتین؛ آنگاه بخواند اخلاص، یعنی قل هوا... احد را صد مرتبه، و صـلوات بفرسـتد به پیغمبر صـد مرتبه، و بخوابـد بر طرف راست؛ پس به درسـتی که خواهـد دیـد آن را که قصـد دارد، ان شاءا...تعـالی، و سـخن خواهد گفت به آنچه می خواهد از سؤال و جواب." (۱)

دعـای دیگری که برای رؤیت امـام (ع) در خواب ذکر شـده اینست : "اللّهمَ إنّی أسـئَلکَ یـا مَنْ لُطْفَهُ خَفیّ و اَیـادیهِ باسِـطَهٌ لا تَنْقَضـی أسـئَلکَ بِلُطْفِکَ الْخَفیَّ الَّذی ما لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْـدٍ اِلا کَفی أنْ تُرِیَنی مولای علیّ بن ابیطالب" که گفته شده بجای عبارت "علی ابن ابیطالب" هر امامی را که می خواهد در خواب ببیند، نام ببرد.

همچنین کسـی که دو رکعت نماز بعد از نماز عشاء، با هر سوره ای که می خواهد بخواند، و بعد این دعا را صد مرتبه بخواند، پیامبر اکرم(ص) و یا هر

یک از ائمه اطهار (ع) را که بخواهـد، در خواب خواهد دید : "بسم الله الرحمن الرحیم یا نُورَ النُورِ یا مُدَبِّرَ الامور بَلِّغ مِنی رُوحَ محمدٍ و ارواحَ آل محمدٍ تَحیهً و سلاماً" (۲)

عمل دیگری که برای دیدن امام(ع) در خواب توصـیه شده، آن است که شـیخ مفید آن را در کتاب اختصاص روایت کرده از ابی المعزی، از حضـرت موسـی بن جعفر(ع) که گفت : "شـنیدم از آن حضرت که می فرماید : "هر کسی که برای او حاجتی است به سوی خداونـد تبـارک و تعـالی، و اراده کرده که ما را ببینـد، و مقام و رتبه خود را بدانـد، پس غسل کنـد سه شب، و مناجات کنـد به ما، یعنی "والله العالم" که با خدای عالم مناجات کند به توسط ما، به اینکه قسم دهد او را به حق ما، و متوسـل شود به حضـرت او به وسـیله ما، که ما را به او بنمایانـد، و مقام او را در نزد ما به او نشان دهد." فرمود : "پس به درستی که او خواهد دید ما را، و می آمرزد خداوند او را به سبب ما، و پوشیده نمی شود بر او موضع و محل او." "(۳)

فرق بین عصـر غیبت صـغری و غیبت کبری این است که در زمان غیبت صـغری، کسانی بودند که می توانسـتند رسـماً خدمت امام زمان برسـند. حرفهای مردم را نقل کننـد، و جوابش را هم بگیرند و به مردم اطلاع دهند. این رابطه پس از آخرین نماینده قطع شد، و پس از آن دیگر چنین رابطه ای وجود ندارد، که کسی باشد تا مردم به وسیله او

با ایشان ارتباط پیدا کنند. اینکه آن حضرت فرمودند : "پس از این، کسی مرا نخواهد دید."، منظور همان رؤیتی است که در عصر غیبت صغری وجود داشته است و نوّاب هر وقت که می خواستند، خدمت امام(ع) می رسیدند. لذا در زمان غیبت کبری، رؤیتی که توأم با آن نیابت بوده باشد، وجودندارد؛ و آن حضرت این موضوع را نفی می نمایند.

امـا در زمان غیبت کبری، ممکن است کسانی خـدمت امام زمان(ع) شـرفیاب شونـد، و یا اینکه ایشان را در خواب ببیننـد، و با ایشان سخن بگویند؛ که یا آن حضرت را نمی شناسند و یا می شناسند.

و این طور نیست که بـا خوانـدن دعاهـایی که اشاره شـد، و یا انجام دادن اعمالی، حتماً به حضور امام زمان(ع) مشـرف شویم؛ بلکه باید ظرفیت های بالایی در وجودمان باشد، که در این صورت خود امام(ع) به دیدار ما می آیند.

منابع و مآخذ:

۱. نجم الثاقب/مرحوم حاج میرزا حسین طبری نوری/ ص۸۴۷

۲. ملاقات با امام عصر(ع) / سید جعفر رفیعی/ص۳۴۷

نجم الثاقب/مرحوم حاج میرزا حسین طبری نوری/ ص ۸۴۸ و ۸۴۹

آیا می توان امام زمان غ را دید و با ایشان رابطه برقرار کرد؟

پرسش

آیا می توان امام زمان غ را دید و با ایشان رابطه برقرار کرد؟

پاسخ

انسان با سعی و کوشـش و ایجاد شـرایط لازم می تواند به هدف و خواست خود برسد، لکن برای رسیدن به هر هدف و آرزو مراحلی بایـد طی شود و مقدماتی فراهم گردد. ملاقات با امام زمان غ امر ساده ای نیست که به آسانی بتوان به آن رسـید; البته از شـروع غیبت کبرا تا این زمان افرادی سـعادت تشـرف به حضور امام زمان غ را پیـدا کرده اند، لکن این سـعادت نصـیب هر کسـی نمی شود; در ضـمن بایـد توجه داشت که چه بسـا انسـان امـام زمـان غ را دیـده باشـد، ولی او را نشـناسد، چنان چه در روایات آمده وقتی امام زمان غ ظهور می کند، افرادی می گویند ما این آقا را دیده بودیم ولی نمی شناختیم

برای تشرّف به حضور امام زمان غ نخستین شرط، بندگی خدا به معنای واقعی آن است همان چیزی که هدف از خلقت انسان است قرآن در این بـاره می فرمایـد: "وَ مَا خَلَقْت ُالْجِن َّوَ الا ?نس َإِلاّ لِیَعْبُدُون ِ ;(ذاریات ۵۶) من جن ّو انس نیافریـدم مگر برای این که مرا عبادت و بنـدگی کننـد." اگر انسان بتوانـد، به طور واقعی بنده خدا باشد و از بندگی هوا و هوس و طاغوت و شیطان خود را برهانـد، لیاقت پیـدا می کنـد که حُجّت خـدا را زیارت کند و با او ارتباط برقرار سازد، در حدیث قدسـی آمده

است "یابن آدم اَنا اقول للشـئ فیکون اطعمنی فیما امرتک اجعلک تقول للشـی کن فیکون ای فرزند آدم من به هر چیزی اراده کنم و فرمان دهم اراده و فرمان من تحقق

پیـدا می کنـد، اطاعت کن مرا در آن چه به تو دسـتور داده ام تا تو را آن چنان قرار دهم که هر چه اراده کنی فوری به اراده و خواست خود برسی "(میزان الحکمه محمد محمدی ری شهری ج ۶، ص ۱۳، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی)

بنابراین انسان با پیروی از دسـتورهای الهی می تواند به عالی ترین درجه قرب خدا نائل گردد و در این صورت است که لیاقت تشرّف به حضور جانشین خدا در روی زمین پیدا خواهد کرد.

برای درک حضور امام زمان غ شوق شدید لازم است شوق به چیزی سـبب می شود، انسان برای رسیدن به هدف سختی ها را تحمل کند; کسی که عاشق دیدار حضرت مهدی غ است برای رسیدن به آرزوی خود، از هر وسیله ای استفاده می کند که به چندمورد اشاره می کنیم ۱. به اعمالی که می داند موجب خشـنودی آن حضرت است مبادرت می ورزد; توجه به خدا، راز و نیـاز با ذات الهی نماز با حضور قلب تلاوت قرآن و دعاها، انفاق خـدمت به خلق صـله رحم و همه اعمالی که اسـلام به عنوان واجب یامسـتحب به آن دسـتور داده به انـدازه توان انجام می دهد و از همه اعمالی که می داند انجام آن موجب رنجش خاطر امام زمان غ است به شدّت دوری می کند، هرگز امام زمان غ را فراموش نمی کند و همیشه به یاد آن حضرت است و با یاد او زنـدگی را سـپری می کنـد; در چنین شـرایطی است که زمینه فراهم می شود تـا بتوانـد به محضـر آن حضـرت شـرفیاب شود; بنابراین فردی که آرزوی دیدار آن حضرت را

دارد، باید با تمام وجود برای رسیدن به این هدف تلاش کند; موانع را از سر راه بردارد و با بندگی خدا و قرب به حق شرایط درک حضور را فراهم نماید.

برخی به زبان آرزوی ملاقات امام زمان را دارند، ولی برای رسیدن به این آرزو عملی انجام نمی دهند; بدیهی است چنین افرادی به خواسته خود نمی رسند. نقل می کنند که فردی بارها اظهار شوق تشرّف به محضر امام زمان غ می نمود، می گفت ای کاش آن حضرت را در خواب می دیدم عارفی به او گفت شب آب گوشت شوری درست کن و میل نما، امام زمان را در خواب می بینی به آن دستور عمل نمود، لکن آن شب آب دریا و جوی بارها را در خواب دید، صبح به نزد آن عارف رفت وقتی جریان را تعریف کرد، عارف گفت مقصود من همین بود که به تو بفهمانم اگر عاشق دیدار امام زمان هستی باید تمام وجودت خواست و طلب گردد. کسی که آبگوشت شور بخورد، تشنگی بر او غلبه کند، در خواب هم آب می بیند. اگر شوق درک حضور حضرت حجت داشته باشی باید با تمام وجود، برای رسیدن به این هدف تلاش کنی و همه محرمات را ترک کنی واجبات و مستحبات به اندازهتوان انجام دهی و سراسر وجودت لبریز از عشق به حضرت مهدی غ گردد; در این صورت است که به فیض حضور نائل می گردی

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

منظور از جمله (فمن ادعی المشاهده ...) در توضیح شریف چیست ؟

پرسش

منظور از جمله (فمن ادعی المشاهده ...) در توضیح شریف چیست ؟

پاسخ

با توجه به این که این توقیع شریف هنگام فوت آخرین نایب امام زمان صادر شده و قرائتی که در خود توقیع است مراد از دروغ گو بودن مدعی مشاهده بعد از صدور توقیع. ادعای ارتباط و نیابت داشتن از جانب حضرت است به عبارت دیگر امام در این توقیع می فرماید با ازدنیا رفتن تو ای علی بن محمد سمری نیابت خاصه تمام شد و غیبت کبری آغاز شد ودیگر بعد از این اگر کسی بگوید من حضرت را می بینم و با او مرتبط هستم و نیابت خاصه از جانب حضرت دارم دروغ گو است.

به متن توقیع و قرائن آن دقت کنید: «بسم الله الرحمن الرحیم، ای علی بن محمد سمری خداوند به برادران دینی تو در مصیبت به تو اجر دهد تو تا شش روز دیگر از دینا خواهی رفت به کارهایت رسیدگی کن و به کسی بعد از خودت [جهت نیابت [وصیت نکن چرا کهغیبت طولانی آغاز شد و ظهور نخواهد بود مگر بعد از اذن خداوند... و به زودی خواهد آمد کسی که مدعی مشاهده من باشد ولی آگاه باش کسی که مدعی مشاهده باشد قبل از خروج سفانی و صیحه دروغ گو خواهد بود»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰).

گویا حضرت با دادن این توقیع راه را بر مدعیان دروغین ادعای نیابت بسته اند و این جمله که مدعی مشاهده دروغ گو است

به این معنی نیست که در غیبت کبری دیگر کسی حضرت را نخواهد دید. بسیاری از صالحین و بزرگان شیعه در طول تاریخ غیبت حضرت را دیده اند وقطعا اکثریت آنها اهل دروغ نبوده اند

و حداقل یک مورد آن هم که راست باشد باید حدیث به گونه ای دقیق معنا شود.

مسأله ادبی روایت: امام(ع) در این حدیث به دو نکته اشاره می کنند. یکی اخبار از آینده که پس از من عده ای پیدا می شوند و مشاهده و ارتباط با من را ادعا می کنند و دوم مسأله دروغ گو بودن مدعی است. امام(ع) در حدیث دو تعبیر دارد: ۱- ادعا، ۲- مشاهده. و کسی را کهادعای مشاهده نماید کاذب معرفی کرده است.

مشاهده به معنای دیدن امام(ع) و ارتباط با او است و ادعا به معنای اعلان و انتشار آن و با خبر کردن مردم از مسأله است، ممکن است کسی با امام(ع) ملاقات داشته باشد همان گونه که برای برخی علماء و غیر آنان نقل می کنند ولی آن را میان مردم بازگو نکرده و در سینه خودپنهان کرده باشد و اطرافیان از قراین و یا در زمان های بعد متوجه ارتباط او با امام زمان(عج) شوند. چنین کسانی مشمول حدیث نخواهد بود چون او مدعی نیست، بنابراین بین مضمون حدیث با داستان ملاقات برخی صالحان با امام زمان(عج) هیچ تعارض و ناسازگاری وجودندارد.{J

چگونه می توان دیدار صالحان با امام مهدی علیه السلام را اثبات نمود؟

پرسش

چگونه می توان دیدار صالحان با امام مهدی علیه السلام را اثبات نمود؟

پاسخ

سؤال فوق در حقیقت از دو جزء تشکیل شده است:

۱ - چگونه می توان ادعای کسانی که می گویند ما حضرت را ملاقات کرده ایم را به اثبات رساند.

۲ - از کجا معلوم در ملاقاتی که با حضرت داشته اند خود ایشان را دیده اند.

در مورد سؤال اول می گوییم: هر کسی که مدّعی ملاقات است، ما حرف او را نمی پذیریم مگر آنکه برای ما قرائن معتبر بر صدق قول او وجود داشته باشد.

یکی اینکه او فردی صدّیق بوده وتاکنون هیچ گونه دروغ وعمل خلاف شرع وبی عدالتی از او دیده یا شنیده نشده است.

ودیگر اینکه: خبرهایی که می دهد همگی مطابق با واقع بوده وهمراه با اخبار غیبی است.

در مورد سؤال دوم می گوییم: مدّعیان راستین ملاقات با حضرت خود شواهد وقرائنی را ذکر کرده اند ومعجزه وخبرهای غیبی را شنیده اند که همراه با ادعای اثبات وجود حضرت بوده ولذا یقین به ملاقات با حضرت پیدا کرده، آن گاه خبر تشرّف خود را برای ما نقل کرده اند.

آیا تشرف به لقای امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبرا ممکن است؟

پرسش

آیا تشرف به لقای امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبرا ممکن است؟

پاسخ

۱ - در مقابل این حدیث ده ها روایت دیگر وجود دارد که دلالت دارد بر اینکه مهدی از اولاد ونسل امام حسین (ع) است.

۲ - به یک معنا مهدی از ذریه امام حسن (ع) نیز هست، زیرا مادر امام باقر (ع) فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) است ولذا با جمع بین دو دسته روایات، حضرت مهدی (ع) هم حسنی وهم حسینی است. ودر حدیثی پیامبر (ص) فرمود: "از این دو - حسن وحسین- مهدی امت است".

{پاورقی . مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۵. پاورقی}

۳ - صاحب کتاب "عقد الدرر" همین حدیث را نقل کرده ولی در آن آمده که امام علی (ع) به فرزندش حسین (ع) نظر کرد... ونیز در صحیح ترمذی وسنن نسائی وسنن بیهقی این گونه آمده است. خصوصاً که احتمال تصحیف و جابجایی نیز داده {پاورقی . عقد الدرر، ص ۴۵، باب ۱. پاورقی}

می شود.

۴ - این نکته قابل توجه است که سادات حسنی به رهبری محمّد بن عبداللّه حسنی که با او در منطقه ابواء بیعت شد بی تأثیر در پیدایش این گونه احادیث نبوده اند. واز آنجا که سادات حسنی درصدد شورش وقیام بر علیه دولت بنی امیه بوده اند احتیاج به پشتوانه معنوی داشتند، لذا از روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر وارد شده، بهره برداری سیاسی کرده وآن را بر عبداللّه بن حسن منطبق کردند. آنان با جعل روایتی ونسبت آن به پیامبر (ص) مهدی را از نسل امام حسن مجتبی (ع) معرفی کردند.

{پاورقی . ر.ک: مجموعه آثار، شهید مطهری؛، ج ۱۸، ص ۱۷۳. پاورقی}

موضوع: ملاقات با امام مهدی علیه السلام در غیبت

کبرا

چه کسانی از علما قائل به جواز وامکان تشرّف بوده اند؟

پرسش

چه کسانی از علما قائل به جواز وامکان تشرّف بوده اند؟

پاسخ

عموم علمای شیعه از قدما ومتأخرین قائل به امکان رؤیت وتشرف به لقای حضرت مهدی (ع) در عصر غیبت کبرا بوده اند. اینک به برخی از کلمات آنها اشاره می کنیم:

۱ – سید مرتضی؛

"ما قطع نداریم که دست کسی به امام نمی رسد وبشر نمی تواند او را ملاقات کند، این امری غیر معلوم است که راهی بر قطع به آن نیست". آن گاه می گوید: "اگر گفته شود که علت استتار امام، خوف از ظالمین وتقیه از معاندین است، در جواب می گوییم: این علت در حقّ اولیا وشیعیانش نیست، پس واجب است که برای آنها ظاهر گردد...".

{پاورقی . تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۴–۱۸۲. پاورقی}

۲ – شیخ طوسی؛

"ما تجویز می کنیم که بسیاری از اولیا وقائلین به امامت او به خدمتش رسیده واز او نفع ببرند". {پاورقی . کلمات المحققین، ص ۵۳۳. پاورقی}

۳ – سید بن طاووس؛

وی خطاب به فرزندش می گوید: "راه به سوی امامت باز است برای کسی که خداوند –جلّ شأنه– اراده کرده تا به او عنایت ونهایت احسان کند".

{پاورقی . کشف المحجه، ص ۱۴۳ù۱۵۴. پاورقی}

ونیز در جایی دیگر می گوید: "گر چه امام الآن از جمیع شیعیان غایب است ولی ممتنع نیست که جماعتی از آنان به ملاقات حضرت مشرّف شده، از گفتار وکردار ایشان استفاده کنند واز دیگران کتمان نمایند...". {پاورقی . الطرائف، ص ۱۸۵. پاورقی}

۴ - آخوند خراسانی؛

او در مبحث اجماع می گوید : "...گرچه احتمال تشرف برخی از افراد صالح واوحدی به خدمتش، داده می شود، واحیاناً او را نیز می شناسند".

{پاورقی . کفایه الاصول، ج ۲، ص ۲۹۱. پاورقی}

۵ - محقّق نائینی؛

او نیز در مبحث اجماع می گوید: "وامّا در

زمان غیبت، عادتاً رؤیت حضرت ممکن نیست. آری، گاهی در زمان غیبت برای اوحدی وافراد صالح، تشرّف به خدمت حضرت وگرفتن حکم از ایشان امکان پذیر است". {پاورقی . فرائد الاصول، ج ۲، مبحث اجماع. پاورقی}

مطابق توقیع امام زمان علیه السلام به علی بن محمد سمری،آیا در عصر غیبت کبرا ملاقات حضرت ممنوع است؟

پرسش

مطابق توقیع امام زمان علیه السلام به علی بن محمد سمری،آیا در عصر غیبت کبرا ملاقات حضرت ممنوع است؟

پاسخ

برخی در استدلال بر عدم امکان تشرف به ملاقات حضرت مهدی (ع) در عصر غیبت، به توقیع حضرت به علی بن محمّد سمری تمسّک کرده اند، زیرا در ذیل آن چنین آمده است: "ألا فمن ادّعی المشاهده قبل خروج السفیانی والصیحه فهو كذّاب مفترٍ..."؛{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱. پاورقی}

"...آگاه باش! پس هر کس قبل از خروج سفیانی وصیحه، ادعای مشاهده کند پس او بسیار دروغگو وتهمت زننده است...".

پاسخ:

۱ - کسی اطلاق این روایت را قبول نکرده ولذا جماعت بسیاری از علما وصلحا قضیه تشرف خود را بر دیگران نقل کرده اند.

۲ - درتوقیع، ادّعای مشاهده تکذیب شده ومشاهده عبارت است از دیدن با شناخت،{پاورقی . مفردات راغب، ص ۲۶۷. پاورقی}

در حالی که می دانیم: غالب دیدارها با شناخت در مرحله اوّل همراه نبوده است.

۳ - ممکن است که مقصود از ادعای مشاهده خصوصاً با وجود مدعیان دروغین نیابت وسفارت در عصر صدور این روایت، ادعای مشاهده ورؤیت وملاقات با حضرت به عنوان نایب خاص باشد، که حضرت به طور اکید در عصر غیبت کبرا نیابت خاص را نفی می کند، خصوصاً به قرینه آنکه در توقیع شریف آمده است: "وزود است که در میان شیعیانم کسانی پیدا شوند که ادعای مشاهده نمایند...".

۴ - شیخ طوسی؛ با آنکه این توقیع را نقل کرده ولی خودش به عموم آن عمل نکرده وقائل به امکان رؤیت برای افراد صالح امّت است.

۵ - ممکن است که مراد از مشاهده، دیداری باشد که بر آن آثار مترتب گردد. ودر حقیقت، حضرت درصدد آن است که ترتّب

اثر را از این ملاقات ها وسخن هایی که در آنها بوده برطرف نماید.

همان گونه که در روایتی می خوانیم: "اگر پنجاه نفر نزد تو قسم بر ضدّ کسی خوردند، ولی آن شخص خلاف آن را گفت، او را تصدیق کرده وآن پنجاه نفر را تکذیب کن" این به معنای عدم ترتّب اثر بر قسم پنجاه نفر است.

۶ - روایت، بر فرض صحّت سند، مفید ظن است، در حالی که قضایای تشرفات به حدّی است که انسان را به یقین می رساند.

۷ - ممکن است که مقصود از مشاهده در توقیع شریف، ادعای مشاهده اختیاری باشد، به این معنا که رؤیت در عصر غیبت کبرا اختیاری نیست، بلکه هر کس را که ما صلاح دانستیم او را به شرف لقای خود مفتخر می سازیم.

۸ - توقیع، خبر مرسل است ولذا از حیث سند ضعیف می باشد.

آیا می توان طبق قاعده سدّ ذرایع، ادعای ملاقات با حضرت را دروغ دانست؟

پرسش

آیا می توان طبق قاعده سدّ ذرایع، ادعای ملاقات با حضرت را دروغ دانست؟

پاسخ

اهل سنّت معتقدند راه هایی که به حرام منجر می شود را باید به طور مطلق مسدود نمود. وبه تعبیر دیگر، مقدمه حرام مطلقاً وبه طور کلّی حرام است، این را قاعده سدّ ذرایع می گویند.

ولی در جای خود به اثبات رسیده که مقدمه حرام همیشه حرام نیست، بلکه برای کسی حرام ودر مواردی حرام است که به طور حتم وقطع، امری منجر به حرام گردد.

در مورد ادّعای ملاقات، اگر در جایی این ادعا منجر به انحراف برخی گردد، نقل آن حرام است. ولی در عموم خبرها چنین نیست، بلکه نقل آنها باعث تقویت ایمان مردم به حضرت خواهد شد، اگر چه ممکن است برخی سوءاستفاده کرده وهوس چنین ادعاهایی نمایند، ولی وظیفه علما است که در مقابل این گونه افراد ایستاده ومردم را از مقاصد شوم آنها مطلع سازند.

مطابق برخی از روایات، حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت شناخته نمی شود، پس آیا رؤیت ممکن نیست؟

پرسش

مطابق برخی از روایات، حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت شناخته نمی شود، پس آیا رؤیت ممکن نیست؟

پاسخ

برخی برای استدلال بر عدم امکان رؤیت در عصر غیبت کبرا به روایات خاصی تمسک کرده اند از جمله آنکه در روایت آمده است: "ولکن حجت مردم را می شناسد ولی آنان او را نمی شناسند". ونیز در روایتی آمده است: "او مردم را می بینند ولی مردم او را نمی بینند".

پاسخ:

۱ - نفی در این گونه روایات نسبت به عموم مردم است ولذا منافاتی با رؤیت ومعرفت برخی از افراد ممتاز ندارد.

۲ - روایت دوّم در مورد حجّ است ولذا عمومیت ندارد.

۳ - مقصود از عدم رؤیت در روایت دوم به قرینه "لاـ یعرفونه" که در روایت اوّل آمده، نشناختن است، خصوصاً آنکه در روایت، حضرت مهدی (ع) به حضرت یوسف تشبیه شده است که مردم او را می دیدند ولی نمی شناختند.

ببخشید آیا درست است که ما هر روز امام زمان"عج" را می بینیم اما نمی شناسیم؟

پرسش

ببخشید آیا درست است که ما هر روز امام زمان"عج" را می بینیم اما نمی شناسیم؟

پاسخ

طبق روایاتی از ائمه هدی (ما گاهی امام زمان"عج" را می بینیم اما وجود مقدس ایشان را نمی شناسیم.

از آن جمله روایت امام صادق(که از امیر المؤمنین (نقل می کند : "اگر زمین یک ساعت از حجت خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد . حجت مردم را می شناسد، لیکن مردم او را نمی شناسند همان گونه که یوسف، مردم را می شناخت وآنان، او را نمی شناختند." "۱"

از این روایت استفاده می شود که امام زمان"عج" همچون دیگر انسانها در بین مردم زندگی می کند. او را می بینند و نمی شناسند ولی آن حضرت مردم را می شناسد همانند یوسف("۲"

ونیز علی(می فرماید : "حجت حق بر زمین استوار است. در جاده ها حرکت می کند، در خانه ها و قصرها وارد می شود و در شرق و غرب زمین به گردش می پردازد. سخن مردم را می شنود وبر جماعت مردم سلام می کند. می بیند و دیده نمی شود، تا زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی، هان!آن روز، روز شادی فرزندان علی و شیعیان اوست."۳" ونیز روایتی از امام صادق(که فرمود : "برای قائم دو غیبت باشد در یکی از آنها در موسم حج شرکت کند و مردم را ببیند و مردم او را نبینند." "۴"

(۱) کتاب الغیبه پنهانی،ص۱۴

(۲) همان،ص ۱۴۴

(۳) چشم به راه مهدی،تألیف جمعی از نویسندگان محله حوزه،ص ۶۱و۶۲

اصول کافی،با ترجمه و شرح فارسی،ج۲،ص ۵۷۱

آیا ما در این جهان در بین مردم امام زمان(را می بینیم؟ او به چه شکل است؟

پرسش

آیا ما در این جهان در بین مردم امام زمان(را می بینیم؟ او به چه شکل است؟

پاسخ

داستانها و اخبار ملاقات و مشاهده حضرت مهدی(، بسیار فراوان است؛ و به تواتر می رسد. (خبر متواتر، خبری است که حجت باشد و یقین آورد.) بیشتر از صد روایت در این باره وجود دارد. برخی از آنها را علامه مجلسی در بحارالانوار(۱) ذکر کرده؛ و محدث بزرگوار، حاج میرزا حسین نوری، نیز در کتاب نجم ثاقب صد داستان در این زمینه نقل کرده است.

امام (در دوران غیبت صغری با افرادی دیدار داشته اند، که از درجه ایمان و تقوا و یقین بالایی برخوردار بودند، به طوری که امام حسن عسگری(نیز جز به کسانی که اخلاص و تقوایشان مسلم بود، از خصوصیات حضرت چیزی نمی فرمود. خود حضرت هم بعد از رحلت پدر بزرگوارش، همین رویه را داشتند. (۲)

ولی در دوران غیبت کبری با اشخاص مختلفی دیدارهایی داشته اند، و این دیدارها نوعاً به چند صورت بوده است :

۱.دیدار حضرت مهدی(با عنوان غیرواقعی ایشان، بطوری که کاملاً برای دیدار کننده ناشناس باشند. این گونه دیدارها به فراوانی صورت گرفته است.(۳)

۲. دیدار و رویارویی با آن حضرت در عنوان حقیقی ایشان، بطوری که در حین ملاقات کاملاً برای دیدار کننده ناشناس بوده، ولی پس از آن شخص متوجه واقعیت امر گردیده است. اکثر دیدارهایی که نقل شده این گونه بوده است.(۴)

۳. دیدار آن حضرت با عنوان حقیقی ایشان، در حالی که دیدار کننده نیز در حین ملاقات متوجه این مهم بوده است. این گونه دیدارها در اخبار مربوط به مشاهده بسیار کم نقل شده

است. (۵)نمونه آن مرحوم محقق اردبیلی است، که از علمای بزرگ و پرهیزگار شیعه بوده است، و ملقب به مقدس اردبیلی است. مسایلی برای او مشکل شده بود، و در پاسخ آنها مانده بود. در نیمه شبی از نجف به مسجدکوفه می رود، و حضرت (را در محراب امیرالمؤمنین(، ملاقات می کند. و سؤالات خود را از آن حضرت پرسیده، جوابش را گرفته، بر می گردد. (۶)

طبق اخبار وارده، امام(با حالات گوناگون آشکار شده اند، گاهی به صورت یک عرب بیابانی، گاهی با حالتی از ابهّت و مهربانی، گاهی در لباس کشاورزی که ابزار کشاورزی خود را همراه دارد، و گاهی در هیبت علما و رجال دینی. (۷)

در روایتی که علی بن ابراهیم بن مهزیار از حضرت نقل می کند، حضرت چنین می فرماید : "ای فرزند مازیار پدرم، حضرت ابومحمد(، از من تعهّد گرفته که با مردمی که مورد خشم خداوند قرار گرفته اند، و پستی و خواری دنیا نصیبشان شده، همسایگی نکنم؛ و در محله آنها سکنی نگزینم." (۸)

محدثان معتبر از شیعه بنابر احادیث از پیامبر اکرم(و امام علی(، شمایل و اوصاف امام مهدی(را در کتابهای خویش چنین آورده اند : "او دارای چهره ای گندمگون، ابروانی هلالی و کشیده، چشمانی درشت و سیاه و جذاب، شانه ای پهن، قامتی کشیده، نه بلند و نه کوتاه، بینی کشیده و زیبا، پیشانی بلند و نورانی، گونه هایی کم گوشت و عضلاتی پیچیده و محکم، خوش منظر و رباینده و نگاهش دگرگون کننده می باشد. بر بازوی راستش دو آیه قرآن ذکر شده، و برگونه راستش خالی مشاهده می گردد."

(۹)

رسول خدا(فرمود : "مهدی(شبیه ترین مردم به من است. او در شمایل و اقوال و افعال به من شباهت دارد، و نام او همانند نام من است." (۱۰)

منابع و مآخذ :

۱. بحارالانوار،علامه مجلسی،جلد۱۳،ص۱۴۳

۲. تاریخ الغیبه الصغری، به نقل از تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر

۳و۴و۵ . همان

۶. نجم ثاقب، ص۳۳۴ / منتهی الآمال، ص۳۱۹

۷. نجم ثاقب

۸. غیب طوسی به نقل از غیبت کبری، محمد صدر

۹. سیری کوتاه در زندگی چهارده معصوم، امام مهدی، عبدا... طاهرخانی

۱۰. همان

ما شیعیان می گوییم امام زمان غ تنها با پنج نفر در زمان غیبت صغری ارتباط داشته است و پیش از مرگ نفر پنج به او می فرمایند: برای خود جای گزینی تعیین کن زیرا غیبت کبری شـــروع می شود و دیگر کسی مرا نخواهد دید تا هنگامی که خدا اراده کند و به من اجازه دهد... حال

پرسش

ما شیعیان می گوییم امام زمان غ تنها با پنج نفر در زمان غیبت صغری ارتباط داشته است و پیش از مرگ نفر پنج به او می فرمایند: برای خود جای گزینی تعیین کن زیرا غیبت کبری شروع می شود و دیگر کسی مرا نخواهد دید تا هنگامی که خدا اراده کند و به من اجازه دهد... حالا گاهی می شنویم که در برخی مجالس مذهبی امام دست بعضی افراد را گرفته شفا داده اند و یا فلان شخصی حضرت را در حال نماز و... دیده است و این سخنان از زبان علما و روحانیان تعجب آور است زیرا این ها با سخن حضرت درباره غیبت کبری ناسازگار است آیا در قرآن درباره این ملاقات های کوتاه مطلبی آمده است

پاسخ

مسئله غیبت و ظهور در مورد امام زمان غ فقط به معنای دیده شدن و دیده نشدن نیست بلکه معنای به خصوصی دارد، و آن

این است که غیبت امـام زمـان غ به این معنـاست که امـام و سـرپرست و هادی آنان در اجتماع به طور رسـمی حضور نـدارد و کسی نیز ایشان را نمی شناسد، مگر آن که از طرف خودشان معرّفی شوند؛ بنابراین غیبت به این معنا نیست که امام نباید دیده شود و در میان مردم رفت و آمـد داشـته باشد و حتی زندگی کند، زیرا هیچ یک از این ها مادام که امام شـناخته شده نباشد با غیبت منافات ندارد. و مقصود از "ظهور" هم همان است که علاماتی برای آن بیان کرده اند و امام با تشـریفات مخصوصـی به طور رسمی به عنوان پیشوای مؤمنان وارد جامعه می شود و

زمـام امـور اجتمـاع را به دست می گیرد; پس ظهور هم به این معنـا نیست که شـخص موفق شود چهره ایشـان را ببینـد و یـا با ایشان ملاقات کنـد. و امّا این ها که عـده ای مدعی هسـتند امام زمان غ را ملاقات کرده اند گاهی اوقات فرسـتادگان امام را با خود امـام اشـتباه می گیرنـد و البته برخی اوقات هم برخی اشـخاص بنا به مصالحی یا انجام دسـتور العمل هایی موفق به دیـدار خود حضرت می شوند که البته برای خودشان توفیقی است ولی بر ما واجب نیست که آن ها را تأیید کنیم و چه بسا گاهی نیز اصل ادعا، باطل و دروغ می باشد.

شرایط تشرف

افرادی که به خدمت امام زمان ۷رسیدند, بیش تر چه اعمالی را انجام دادند؟

پرسش

افرادی که به خدمت امام زمان ۷رسیدند, بیش تر چه اعمالی را انجام دادند؟

پاسخ

اگر کسانی موفق به دیدار جمال حضرت مهدی ۷شده اند, به خاطر صفای دل و پاکی باطن وتقوا و ریاضت های نفسانی بوده است , زیرا توفیق دیـدار, سـنخیّت لازم دارد. انسان هایی که هزاران فرسـنگ با آن جمال ملکوتی و قلّه مرتفع انسانیت فاصـله دارنـد و در حضـیض بـدبختی و گناه انـد, چگونه می توانند توفیق دیدارداشـته باشـند؟! پس باید بکوشـیم خود را هم گون و مشـابه آن حضـرت سـازیم و یا لااقل قـدمی به سوی کمالات برداریم , تا اگر در اثر تقوا و پاکی باطن , توفیق زیارت حاصـل شد, بدان افتخار کنیم . اللّهم ارزقنا رؤیته و اجعلنا من اعوانه و انصاره والذبّین برحمتك یا ارحم الراحمین !

برای دیدن امام زمان ۷چه باید کرد؟

پرسش

برای دیدن امام زمان ۷چه باید کرد؟

پاسخ

اگر دیدن همراه با شـناخت و معرفت امام زمان ۷در دوران غیبت کبری برای کسـی ممکن و میسّرباشد, بهترین راه تشرّف این است که انسان دو کار انجام بدهد:

اول این که وجود خود را از عواملی پاك کنـد آن عوامل منجرّ به غیبت و پنهان شـدن حضـرت از دیـد مردم شـده است . آن عوامـل عبارتنـد از: خوی سـتمگری و ظلم , یاری نکردن مظلوم , عـدم پیروی از حق , قدرنشناسـی از وجود پربرکت امامان :, پیروی از باطل و در یك کلمه آلودگی به گناه و معصیت و سرپیچی از دستورهای الهی . چنان که می دانیم بر اثر قدرنشناسی

مردم , حقّ ائمّه اطهار: غصب شد و در نهایت سبب غیبت امام عصر۷شد.

بنابراین ابتداءً باید انسان مانع را برطرف کرده و از گناهان اجتناب نموده و زمینه را آماده نماید. به قول سعدی :

]باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس ()

(پاورقی ۱.سعدی , گلستان , باب اوّل , ص ۲۲

]مولای متّقیان امیرالمؤمنین ۷می فرماید:

نمی شود مگر به واسطهء گناهی که مرتکب شده است >.

دوم اینکه موجبات قرب و نزدیکی به حضرت امام زمان ۷را فراهم نماید. از آن جایی که رضایت امام زمان (۷ در رضایت خداوند است , عوامل مقرّب به پروردگار عالم موجب تقرّب به امام زمان ۷خواهد بود.

در این زمینه سرلوحهء عوامل قرب به خدای جهان برای انسان مؤمن , انجام واجبات الهی است . نبیّ گرامی اسلام ۶فرمود:

مؤمنم به مانند ادای چیزی که بر او واجب کردم , تقرّب به من پیدا

نکرد>. امام علی ۷می فرماید: .()

(پاورقی ۴.همان , شماره‌ء ۱۶۶۱۷.

انسان با ترک معاصی و انجام فرائض و داشتن قلب سلیم و به دور از غلّ و غش , به حضرت حجه بن الحسن العسکری (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) نزدیک شده و قرب پیدا می کند. هر چه قرب زیاد شد, معرفت بیشتر می شودو با زیادتی معرفت , حبّ افزون می گردد. حبّ که بالا گرفت , عشق و شوق سرشار شده و زمینه‌ء تشرّف به محضر مولاحاصل می شود. اساس همین است که انسان در خودش لیاقت تشرّف را فراهم نماید و وقتی لیاقت تحصیل گردید ومولا صلاح دید, اذن دیدار خواهد داد.

بهتر است بدانیم از وظایف ما در دوران غیبت کبری نسبت به مولایمان امام زمان ۷انتظار فرج , دعای برای فرج و سلامتی حضرت و صدقه دادن برای سلامتی آن وجود شریف است .()

(پاورقی ۱.عباس قمی , منتهی الآمال , ص ۴۸۵ ۴۸۸

ضمناً شما می توانید به کتاب هایی که درباره‌ء حضرت مهدی ۷نگارش یافته است , مراجعه نمایید, مانند درانتظار خورشید ولایت , اثر عبدالرحمن انصاری و ستارگان درخشان , ج ۱۴از محمد جواد نجفی .

.۱- آقا امام زمان (عج) به چشم چه کسانی می آید و ما باید چکار کنیم تا حداقل بوی خوش محمدی او را که رایحه بهشتی است حس کنیم ؟

پرسش

.۱- آقا امام زمان (عج) به چشم چه کسانی می آید و ما باید چکار کنیم تا حداقل بوی خوش محمدی او را که رایحه بهشتی است حس کنیم ؟

پاسخ

علامه مجلسی درکتاب بحار الانوار نقل می کند که شیخ بزرگوار دانشمند فاضل شمس الدین قارون نقل کرد؛مردی در دهکده معروف به «قوسا»(که واقع در کنار فرات بزرگ بود زندگی می کرد) بنام نجم و ملقب به« اسوه» وی مردی خیر خواه و نیکوکار بود و زنی به نام فاطمه داشت و او نیز زنی صالحه بود و دو فرزند، یکی پسر بنام علی و دیگری دختر به نام زینب داشت ، از اتفاق مرد و زن هر دو نا بینا شده و سخت نا توان گشتند و این قضیه درسال ۷۱۲ اتفاق افتاد و زن و مرد مدت مدیدی را بدینگونه گذرانیدند تا اینکه در یکی از شبها زن حس کرد که دستی روی صورتش کشیده و گوینده ای گفت : خداوند نا بینایی تو را برطرف ساخت برخیز و برو نزد شوهرت« ابو علی» و در خدمت گذاری او کوتاهی مکن، زن هم چشمهای خود را گشود، دید خانه پر از نور است و دانست او قائم آل محمد(صلی الله علیه واله) بوده است و عده ای امام زمان را می بیند اما نمی شناسند.

قسمت دوم سوال شما خواهر گرامی :

۱-دینداری در زمان غیبت

۲- معرفت امام جز با تسلیم به دست نمی آید،حالت تسلیم وقتی حاصل می شود که شخصی در دل نسبت به آنچه اهل بیت انجام داده یا فرموده اند: کاملا راضی و خشنود باشد و پذیرفتن آن

هیچگونه سختی برای او نداشته باشد و این حقیقت ایمان و روح دین است .

•امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند :« همانا دین خدای عزوجل با عقلهای ناقص و اندیشه های باطل و معیارهای نادرست به دست نمی آید و فقط از طریق تسلیم حاصل می گردد ، پس هر که تسلیم ما گردد سالم می ماند و هرکه به ما اقتدا کند هدایت می شود و هر کس به تشخیص و فهم خود عمل کند، هلاک می شود و هر که نسبت به احادیث ما یا احکام ما عمل نکند زیان کرده است.

اهمیت معرفت امام عصر (علیه السلام) تنها راه بندگی خداست

۳-محبت تسلیم، محبت لازمه ایمان و عمل صالح است.

۴- گریه برای امام در اثر شدت محبت و دوستی با دوستان امام و دشمنی با دشمنان ایشان رفع گرفتار ی از دوستان.

۵-ذکر پیوسته به یاد امام بودن و شرکت در مجالس ذکر ائمه (علیهم السلام)

۶-انتظار، اینکه منتظر واقعی آقا باشیم .

۷- دعا برای تعجیل، به عبارتی دیگر کارها و اعمال و رفتار و کردار ازروی اخلاص باشد ازمادیات فاصله بگیریم هرکاری که ازدستمان بر می آید کوتاهی نکنیم کاری که برای غیرخدا صورت بگیرد منت را در بر خواهد داشت و آن عمل صالحه را فاسدخواهد کرد، وقتی کارها برای خدا باشد خداوند نیز انشاء الله اخلاص در آن کارها نصیبمان می کند .

منابع :

۱-خورشید مغرب ، محمد رضا حکیمی

۲- شناخت امام عصر ، محمد جواد مولوی

۳- معرفت امام عصر ، سید محمد بنی هاشمی

۴- ملاقات با امام عصر ، جلد دوم ، سید جعفر رفیعی

۵- کتاب داستانی ملاقات

با توجه با این که به دیدن امام عصر۷بســیار علاقه مند هستم و بارها دعاهای موجود در مفاتیح الجنان را خوانده ام , حتی شایستگی نیافته ام که حضرت را در خواب ببینم , به نظر شما چه علتی دارد؟

پرسش

بـا توجه با این که به دیـدن امام عصـر۷بسیار علاقه منـد هسـتم و بارها دعاهای موجود در مفاتیـح الجنان را خوانـده ام , حتی شایستگی نیافته ام که حضرت را در خواب ببینم , به نظر شما چه علتی دارد؟

پاسخ

دیدن امام عصر۷برای ما بسـیار سـخت ومشـکل است و مفیـد هم ممکن است نباشد, چون عمل ماحجاب است و حال آن که امام زمان ۷حاضـر است , اما مانع و حجاب از ناحیه خود ما و عمل ماست . عاشق ودلداده واقعی کوی مهدی فاطمه , سـختی ها و رنج ها راتحمل می کند تا خود را به مرحله ای برساند که لیاقت دیدارمهدی ۷را داشته باشد. برای این که انسان بتواند به مراحل بالای کمال روحی و معنوی برسد باید, قبلاً خود رامتصف به صفت منتظر واقعی حضرت بنماید. چند وظیفه از وظایف منتظر واقعی عباتند از:

۱ محزون و ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی ۷

۲ انتظار فرج و دعا کردن برای آن حضرت

۳ انجام حج به نیابت از حضرت مهدی ۷

۴ دعا برای حفظ ایمان خود در زمان غیبت

۵ استمداد از حضرت مهدی ۷در سختی ها و مشکلات

۶ خودسازی و تزکیه نفس

۷ اصـلاح جـامعه چشم هـایی می توانـد آن حضـرت را ببیننـد که از همه محـارم اعراض کرده باشـد و وجـودی می توانـد آن حضـرت را درک کند که پاک از همه زنگارها باشد. برخی از علما که به این مرحله رسیدند, از زهاد وعباد عصر خود بودند. باید سعی کنیم اعمال ما موجبات رضایت امام زمان ۷را فراهم کند و اگر عشق حضرت به مهدی ۷عشقی حقیقی است , باید

از تنسیات نفسانی بگذریم و گرنه با ادعا و انجام چند عمل عبادی نمی توان متوقع بود که حضرت را دیدار کرد. از همه مهمتر تفاهم فرهنگی با حضرت مهدی است .

می خواهم امام زمان(ع) را ببینم چه باید بکنم؟

پرسش

می خواهم امام زمان(ع) را ببینم چه باید بکنم؟

پاسخ

یکی از آرزوهای مهم هر یک از شیعیان امام عصر عجل ا لله تعالی فرجه الشریف تشرف به محضر ناموس دهر حضرت بقیهْ ا لله الأعظم ارواح العالمین له الفدا می باشد. البته شدت و ضعف شوق دیدار به معرفت مقام والای آن وجود نازنین بستگی دارد، که انسان هر چه بیشتر بداند که هر خیری که برایش فراهم می شود به برکت وجود پر فیض امامش می باشد و هر شری از وی دور می گردد با عنایت حضرت مهدی(ع) است. مهم ترین وظیفه عاشق دیدار، آمادگی روحی و رفع موانع راه می باشد. فردی که امامش را ناظر بر اعمال خود می داند واجباتش را انجام داده و محرمات را ترک می نماید و با تزکیه نفس آلودگی های روحی وسیئات اخلاقی که از مهم ترین علل محرومیت از فیض تشرف است را پاک می کند و با پیدا کردن اخلاص در عمل و پاکی معنوی که خلوص نیست اثر معجزه آسا در سیر معنوی داردد آمادگی و شایستگی خود را عملاً اعلام می دارد.

صدقه دادن برای سلامیت امام زمان(ع) و دعا نمودن برای حضرتش از جمله وظایف شیعه در عصر غیبت است. مرحوم حاجی نوری می نویسد: یک عمل را مثل صدقه دادن دعا نمودن، نماز مستحبی یا روزه مستحبی انجام دادن و...) چهل روز مداوم مخلصانه به جا بیاورد به نسبت دیدار حضرت امید است که مؤثر واقع شود.([۴] مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان از امام صادق(ع) نقل فرمود: که هر کس دعای عهد را چهل صباح بخواند از یاوران امام زمان(ع) می باشدو اگر پیش از ظهور بمیرد خداوند او را از قبر می آورد که در خدمت حضرت باشد.([۵])

نتیجه این که مؤمن باید به وظیفه خود

که عبارت از انجام واجبات و ترک محرمات و زدودن زنگار گناهان قلبی مانند کبر و حسد و پیدا کردن صفای باطن و ابراز عشق و محبت واقعی به امام عصر عجل ا لله تعالی فرجه الشریفه عمل نماید و شایستگی دیدار را کسب کند تا اگر مولایش صلاح دانست پذیرا باشد.

[۴]. نجم الناقب، باب ۹ و ۱۲.

[۵]. مفاتیح الجنان، ص ۱۰۶۱.

اگر بخاطر دیدار با امام زمان(ع) بخواهیم گوشه نشینی اختیار کنیم آیا رفتن به مسجد و رفت و آمد دوستان لازم است؟

پرسش

اگر بخاطر دیدار با امام زمان(ع) بخواهیم گوشه نشینی اختیار کنیم آیا رفتن به مسجد و رفت و آمد دوستان لازم است؟

پاسخ

گوشه نشینی و رهبانیت از بدعت های زشت مسیحیان تحریف گر می باشد و دین مقدس اسلام که عهده دارد تکامل و سعادت انسان است به شدت آن را محکوم کرده است و رسول گرامی اسلام در حدیث معروف خود فرمود: لا ـ رهبانیةْ فی الاسلام، در اسلام رهبانیت وجود ندارد([۶])". صراط مستقیم راهی است که اولیای گرامی اسلام به ما نشان داده اند اگر از آن راه رفتیم خوشبخت می شویم والا ـ در دام شیطان و وسوسه های او گرفتار خواهیم شد. امام باقر(ع) فرمود: از ما نیست کسی که دنیا را به خاطر آخرت و یا آخرت را برای دنیا ترک کند.([۷] ابن ابی یعقور خدمت حضرت صادق(ع) عرض کرد: ما دنیار را دوست داریم حضرت فرمود: مثلاً چه می کنید عرش کرد: ازدواج می کنیم، مکه می رویم، به خانواده انفاق می کنیم، با برادران ایمانی دیدار می کنیم، و نصدق می دهیم، حضرت فرمود: این ها دنیا نیستند، بلکه آخرت هستند."([۸]) ما باید ببینیم امامان ما که چراغ راه هدایت و کشتی نجات بشریتند رفتار و کردار و گفتارشان چگونه بوده است. روشن است هیچ یک از امامان ما حتی در دوران خفقان و ظلم و ستم گوشه نشینی اختیار نکرده اند و چنین توصیه ای هم نفرموده اند. بلکه بر عکس تأکید فراوان در خصوص رفتن به مسجد و صله رحم و احسان به برادارن دینی و رفت و آمد با آنان نموده اند.

عثمان بن مظعون فرزندش از دنیا رفته بود، بسیار غمگین شد تا آن جا که خانه اش را مسجد قرار داد و مشغول عبادت شد و هر کارجز عبادت را شرک کرد این خبر به

رسول خدا(ص) رسید او را احضار کرد فرمود: یا عثمان خدای متعال رهبانیت را برای امت من مقرر نداشته است. رهبانیت امت من جهاد در راه خدا است ای عثمان کسی نماز صبح را با جماعت بخواند و تا طلوع خورشید مشغول ذکر باشد در بهشت) فردوس دارای هفتاد درجه می شود که بین هر درجه هفتاد سال راه است و هر کس ظهر را با جماعت بخواند پنجاه درجه در بهشت عدن دارا می شود و...."([۹])

حضرت در حدیث دیگر فرمود: با فضیلت ترین اعمال پس از نماز شادکردن قلب مؤمن است."([۱۰]) بنابراین شرع انور و اولیای اطهر گوشه نشینی را به هیچ وجه توصیه نمی کند و راه تشرف به محضر دادگستر جهان گوشه نشینی نیست، بلکه طهارت ظاهر و باطن در عین حضور در اجتماع و خدمت به مردم می باشد.

[۶]. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۸۵.

[۷]. محمدنقی فلسفی، کودک، ج ۱،ص ۵۴.

[۸]. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمهْ ، ماده دنیا، شماره ۵۸۲۵.

[۹]. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۱۱۴.

[۱۰]. همان، ج ۴۴، ص ۱۹۴.

چگونه می توان امام زمان (عج) را دیدارنمود؟

پرسش

چگونه می توان امام زمان (عج) را دیدارنمود؟

پاسخ

عموم شیعیان جهان و کسانی که با نام امام مهدی (عج) آشنایی دارند، با عشق دیدار آن امام عزیز زندگی می کنند، و از صمیم قلب آرزویشان این است حداقل برای یکبار توفیق زیادت آن وجود سراسر نور و آن چهره ملکوتی را داشته باشند. عشق به ساحت مولاـ به ویژه برای جوانان پاکی مانند شما مایه سعادت و خوش بختی است، و مطمئناً از طرف منجی عالم بشریت که سرآمد مهر و عطوفت است، بی پاسخ نمی ماند. البته در آثار و روایات ما دعا و ذکر و ریاضتی در خصوص دیدار امام عصر (ع) نرسیده، حتی تجسس از مکان امام زمان نهی شده است. بهتراست در تمام موارد برای سیر مسیر تکامل و صعود به قله ترقی ، دو کار را انجام داد: یکی فراهم نمودن ابزار ترقی و دیگری رفع موانع راه، آدمی در سیر الی الله با تسلیم به حق و انجام واجبات و اعمال صالح، وسایل تکامل را فراهم کرده و با ترک منهیّات و گناهان ، موانع آن را برطرف می نماید. کسی که می خواهد از فیض تشرف به محضر آقا و صاحبش بهره مند شود، باید با ابراز محبت واقعی و عشق حقیقی که دل را پر از مهر مولا کند، و انجام واجبات و اعمال نیک و دادن خیرات و صدقات ، شایستگی خود را ثابت کند. نیز با خواندن دعا ها و

زیارت های امام عصر علیه السلام خصوصاً دعای عهد، و زیارت آل یاسین، و ترک گناهان و محرّمات الهی و پرهیز از کارهای بیهوده و

لغـو و دوری از آلـودگی هـای روحی و سـیئات اخلاـقی و تزکیـه نفس به ویژه اجتنـاب از غیبت ، تهمت، افـترا، دروغ و مردم آزاری، تا اگر مشیت الهی تعلق گیرد، ممکن است تشرف حاصل گردد.

وقتی انسان صـفای باطن و طهارت روح و اخلاص در عمل پیـدا کرد، اگر حضـرت صـلاح بداند، عاشق دل سوخته اش را در خواهد یافت و اگر مصـلحت نداند، انسان به ثواب عظیم محبت و شوق دیدار نایل می گردد. در عصـر غیبت کبری که جامعه بشـری از فیض حضور حجت خـدا در زمین محروم است، آن چه اصل اسـتک مسـئله انتظار است؛ یعنی انسان همواره در حال انتظـار ظهور حضـرت باشـد و خود را آمـاده نگه دارد که در هر لحظه اگر خـبر ظهور امـامش را بشـنود، فوراً آمـاده جانبـازی گردد. رسول خدا(ص) فرمود: " افضل اعمال امت من، انتظار فرج است".[۸]

امام صادق(ع) فرمود: " هر کس در حال انتظار امام مهدی (عج) بمیرد، مانند کسی است که در خیمه حضرت باشد، بلکه مثل کسی است که در پیش روی رسول (ص) در حال جهاد است".۲[۹]

پروردگارا ! همه ما را از منتظران واقعی قرار بده.

۲[۸] محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمهْ، ج ۱، ص ۱۸۱، ماده: امامهْ ، شماره ۱۲۰۰.

۲[۹] همان، شماره ۱۲۰۵.

چگونه می توانیم با امام زمان(ع) ملاقات کنیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟

پرسش

چگونه می توانیم با امام زمان(ع) ملاقات کنیم؟ آیا این مسئله امکان دارد؟

پاسخ

درباره مشاهده و ارتباط با قطب عالم امکان حضرت مهدی(ع) دو دیدگاه و نظریه وجود دارد:

۱ – در زمان غیبت کبری امان ارتباط و مشاهده و ملاقات با حضرت وجود ندارد.

۲ – برای برخی زا اولیاء اللَّه امکان دارد.

گروهی از بزرگان علمای شـیعه بی این باورند که در زمان غیبت، امکان ارتباط با امام زمان(ع) برای شـیعیان وجود ندارد و بر اساس دستور آن حضرت کسی را که ادعای مشاهده و ملاقات کند، باید تکذیب کرد.

در آخرین نامه حضـرت به آخرین نائب خاصـش (علی بن محمد سمری) آمده است: "تو تا شش روز دیگر می میری. کاهای خود را جمع و جور کن و به هیـچ کس وصـیت نکن که پس از تو جانشـینت باشـد، زیرا غیبت تامه و کبری واقع شده و دیگر

ظهوری نیست مگر پس از اذن خدا که بعد از مدتی طولانی خواهد بود. آن وقت که دل های پر قسوت و سخت شود و زمین از ستم پر گردد. به زودی بعضی از شیعیان من ادعای مشاهده و دیدار با من راخواهند کرد. هر کس چنین ادعایی بکند، او را تکذیب کنید".

گر چه ازاین نـامه استفاده می شود که ملاقات با حضرت ممکن نیست، ولی امکان دارد افرادی به طور ناشناس حضرت را ببینند، شخصیت هایی مانند علامه بحر العلوم و دیگران حضرت را دیده اند، ولی باید گفت در بسیاری از موارد منقوله بعد از دیدار کشف کرده یا حدس زده اند آن آقا، امام زمان(ع) بوده است. مسلم است کسی نباید ادعای مشاهده بکند و اگر کسی ادعا کرد، باید او

را تکذیب کنیم، ولی منافاتی ندارد با این که برخی از اولیای الهی، غیر مستقیم از جود امام(ع) بهره برده باشند یا بهره ببرند یا اگر دیداری رخ دهد، چنین ادعایی نداشته باشند.(۱)

در زمان غیبت وظیفه ما است از گناهان دوری کنیم و تقوا را در همه حال مراعات کنیم. در تهذیب نفس و رسیدن به کمالات انسانی کوشا باشیم، نیز همواره برای تعجیل در فرج حضرت دعا کنیم، در کمک به مستضعفان و بیچارگان کوشا باشیم. سعی کنیم از ناحیه ما به کسی ظلم نشود، کسب ها و درآمد هایمان حال باشد اگر پاک و با تقوا باشیم، شاید حضرت به دیدار ما بیاید و ما را مورد توجه قرار دهد.

خداوند توفیق دیدن و خدمت گذاری در رکاب حضرت را به همه ما عطا فرماید.

پی نوشت ها:

۱ - با استفاده از مجله حوزه، شماره ۷۰ - ۷۱، ص ۷۲ به بعد، با تلخیص.

ما عقیده داریم که امام زمان(ع) در زمان غیبت صـغری با چهار نایب خود ارتباط مستقیم داشته و بعد از غیبت صغری این ارتباط قطع می شود. پس چگونه صدها نفر ادعای ملاقات با او را می کنند؟ آیا عمل صالح باعث دیدار با حضـرت می شود و آن گاه معنای انتظار چه می شود؟

پرسش

ما عقیده داریم که امام زمان(ع) در زمان غیبت صغری با چهار نایب خود ارتباط مستقیم داشته و بعد از غیبت صغری این ارتباط قطع می شود. پس چگونه صدها نفر ادعای ملاقات با او را می کنند؟ آیا عمل صالح باعث دیدار با حضرت می شود و آن گاه معنای انتظار چه می شود؟

پاسخ

برای امام زمان(ع) دو غیبت وجود دارد:

الف) زمان غیبت صغری.

ب) غیبت کبری.

در زمان غیبت صغری که از سال ۲۶۰ و یا ۲۵۵ ه.ق آغاز شد و در سال ۳۲۹ پایان یافت[۱۲] مردم پرسش های عقیدتی، اجتماعی و مشکلات خویش را به وسیله نواب خاص - که بعداً اسامی آن ها بیان خواهد شد - با امام زمان(ع) در میان گذاشته و آن حضرت مسائل و پرسش های مردم را پاسخ می گفتند. گاهی گروهی از مردم به وسیله نواب خاص امام زمان(ع) به دیدار امام دوازدهم(ع) می رفتند؛ از این رو در این مدت امام هم غایب بود و هم نبود.[۱۳]

نواب خاص امام زمان(ع) که نقش بنیادی در بر قراری ارتباط مردم با امام زمان(ع) داشته اند عبارتند از:

۱- ابوعمرو عثمان بن سعید عمری؛

۲- ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری؛

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمری.

در این جا لازم است به بخشی از وظایف و فعالیت های نواب خاص

امام زمان(ع) اشاره شود که چگونه مردم با امام زمان(ع) ارتباط برقرار می کردند:

الف) پنهان داشتن نام و مکان امام:

گرچه امکان رؤیت امام زمان(ع) در غیبت صغری برای مردم و نواب خاص وجود داشت، ولی به دلیل مشکلات سیاسی، هر یک از نواب موظف بودند که نام

و مکـان امـام را افشا نکننـد؛ زیرا امام از سوی حکومت تهدیـد می شـد. البته این پنهان کاری به دسـتور امام زمان(ع) صورت گرفته بود. ارتباط شیعیان نیز بدون این که مکان امام را بدانند بر قرار می شد.

ب) پاسخ گویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی:

نواب خاص علاوه بر وظیفه فوق وظیفه پاسخگویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی را نیز بر عهده داشته اند. نواب خاص به دلیل این که از دانش بسـیار بالایی برخوردار بوده اند، به بهترین وجه شـبهه زدایی نموده و پرسـش های مردم را جواب می دادند. از سوی دیگر سؤالات فقهی و شـرعی شـیعیان را به عرض امام رسانده و پاسخ ها را دریافت می کردند و به مردم ابلاغ می نمودند.

ج) اخذ و توزیع اموال متعلق به امام زمان(ع):

نواب خاص اموال متعلق به امام (مانند بیت المال و سهم امام) را از شیعیان گرفته به هر طریقی به امام زمان(ع) می رساندند.

در زمان غیبت کبری نحوه ارتباط با امام زمان ممکن است با طرق زیر امکان پذیر باشد:

۱- ملاقات حضوری:

در خصوص امکـان و عـدم امکـان ملاقـات حضوری با امام زمان(ع) اختلاف است. برخی عقیـده دارنـد که ملاقات حضوری امکان داشـته و انسان با رعایت تقوا و ایجاد شایسـتگی، می تواند به حضور امام زمان(ع) برسد. چنان که شخصیت هایی مانند مقدس اردبیلی،[۱۴] علامه حلی[۱۵] و علامه بحرالعلوم[۱۶] به حضور حضرت رسیده اند. سید مرتضی،[۱۷] شیخ طوسی و ... از طرفداران این نگرش هستند. شیخ طوسی می نویسد: "ما قطع نداریم که حضرت از تمام اولیای خود، پنهان باشد، بلکه جایز است که برای بیشتر آنان ظاهر گردد".

برخی

دیگر عقیده دارند که ملاقات حضوری با امام زمان(ع) امکان ندارد. محمد بن ابراهیم، معروف به نعمانی،[۱۸] فیض کاشانی،[۱۹] و کاشف الغطا،[۲۰] و از طرفداران این نگرش هستند. اینان به برخی از روایات تمسک نموده اند که هر گونه ارتباط حضوری با امام زمان(ع) را منع کرده اند.[۲۱] امام زمان(ع) در توقیع شریف خطاب به آخرین نایب خاص آن حضرت، یعنی علی بن محمد سمری فرمود: "به زودی از شیعیان من کسانی خواهند آمد که ادعای دیدن مرا می کنند. آگاه باشید، هر کس قبل از خروج سفیانی، و صیحه آسمانی، ادعا کند که مرا دیده دروغگوی افترا زننده است".[۲۲]

واقعیت آن است که با تقوا و معنویت و قابلیت می توان به حضرت آن امام همام رسید، چنان که برخی از بزرگان به حضور او رسیده اند. به نظر می رسد روایاتی که دلالت بر منع ملاقات دارند، ناظر بر این است که جلوی هر گونه سوء استفاده از ادعای دیدن امام زمان گرفته شودو هر کس ادعای رؤیت امام زمان (ع) را نکند. برخی از بزرگان به حضور امام رسیده اند و مرحوم آخوند خراسانی ملاقات امام زمان(ع) را برای افراد خاصی ممکن دانسته است.

۲- ارتباط معنوی:

بی تردید می توان با امام زمان(ع) ارتباط معنوی بر قرار کرد. البته این ارتباط با بهره گیری از تقوا، دعا خواندن و توسل به ائمه(ع)، به ویژه به ساحت مقدس امام زمان(ع) امکان پذیر است. شاید بر همین اساس باشد که یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت، دعا کردن برای امام زمان(ع) و توسلات بیان شده است.[۲۳] ارتباط معنوی بدان معنا نیست که انسان امام زمان(ع)

را ملاقات حضوری کند، بلکه باید با آن امام ارتباط برقرار کند و همیشه به یاد او بوده و او را در تمام اعمال ناظر بداند. هر گاه چنین لیاقت و شایستگی ای حاصل شد حضرت به انسان عنایت نموده و به رفع مشکلات انسان می پردازد؛ از این رو امام زمان(ع) در توقیعی که برای شیخ مفید صادر نمود فرمود: "فإنّما علماً بأنبائکم و لا یعزب عنا شیءٌ مِن أخبارکم؛[۲۴] ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نمی ماند".

باز حضرت درهمان توقیع فرمود: "ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم. اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشته کن می کردند".[۲۵]

ارتباط معنوی انسان با امام زمان(ع) سبب می شود که حضرت میان مردم حضور پیدا کند، اگر چه مردم او را نشناسند. امام علی(ع) فرمود: "سوگند به خدای علی، حجت خدا میان آنان هست و در کوچه و بازار گام بر می دارد و بر خانه های آنان وارد می شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می پردازد و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده سلام می دهد. او مردمان را می بیند".[۲۶]

در دعای ندبه می خوانیم: "جانم فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی. جانم فدایت! تو آن دور شده از وطن هستی که از ما دور نیستی".[۲۷]

۳- ارتباط از طریق نامه:

یکی از راه های ارتباط با امام زمان(ع) نامه نگاری است. مرحوم

شیخ عباس قمی به نقل از تحفه الزایر مجلسی و مفاتیح النجاه سبزواری می نویسد: هر کسی حاجتی داشته باشد و این را در نامه ای بنویسد و در یکی از قبور ائمه(ع) بیندازد و یا مهر کند و خاک پاکی را گل سازد و آن را میان آن گذارد و در چاهی عمیق و یا نهری اندازد، آن گاه امام زمان(ع) شخصاً متولی بر آوردن حاجت می شود.[۲۸]

[۱۲] صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۶۸.

[۱۳] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۳.

[۱۴] منتهی الآمال، ج۲، ص ۴۷۰؛ مهدی موعود، ص ۹۳۴.

[۱۵] تنکابنی، قصص العلما، ص ۲۵۹.

[۱۶] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴.

[۱۷] تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۲، به نقل از مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۹۹.

[۱۸] کتاب الغیبه، ص ۹۹.

[۱۹] وافی، ج ۲، ص ۴۱۴.

[۲۰] حق المبین، ص ۸۷.

[۲۱] شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵.

[۲۲] شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۵۱۶.

[۲۳] منتهی الآمال، ص ۵۵۹و ۵۶۲.

[۲۴] احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

[۲۵] همان.

[۲۶] جباری، عاشوری و حکیم، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۲۶، به نقل از الغیبه نعمانی، ص ۷۲.

[۲۷] مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

[۲۸] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۹۱.

چه شاخاصی لایق دیدار امام زمان(ع) می باشند؟

پرسش

چه شاخاصی لایق دیدار امام زمان(ع) می باشند؟

پاسخ

لیاقت دیدار حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه) برای همه کس حاصل نمی شود، اگر چه او معشوق همه صالحان است و همه چشم به راه اویند و در فراق او اشک می ریزند و از خدا طلب دیدار آن طلعت زیبا را دارند :"اللّهم أرنی الطلعه الرشیده و العزّه الحمیده وکحل ناظری بنظره منّی الیه و عجّل فرجه و سهل مخرجه؛[۳] خدایا! آن طلعت شریف و آن درخشنده زیبا را به من نشان بده و چشم را به دیدنش زینت بخش و در فرج او تعجیل کن و راه او را هموار ساز".

مقصود اصلی از دیدار حضرت، مسلّماً زمان حضور حضرت است که از خدا درخواست می کنیم هر چه زودتر ظهور کند و موفق به دیدار او شویم. امّا دیدار او در زمان غیبت گرچه مطلوب همه عاشقان است ولی قرار بر این نیست که دیدار به صورت آشکار صورت بگیرد، وگرنه غایب شدن و رفتن پس پرده غیبت معنا نداشت، گرچه ممکن است بسیاری از پاکان آن حضرت را دیده وموفق به زیارت آن جناب شده باشند امّا غالباً به صورت ناشناس صورت گرفته و آنان بعد از دیدار متوجه شده اند حضرت مهدی(ع) بوده است.

بزرگانی مانند شیخ مفید، فیض کاشانی، شیخ جعفر کاشف الغطا و نعمانی ارتباط با امام زمان(ع) را برای شیعیان در غیبت کبری ممکن نمی دانند.[۴]

دلیلی که بر عدم امکان رؤیت حضرت در زمان غیبت کبری آورده اند، توقیع شریف حضرت به آخرین نائب خاصش(علی بن محمد سمری) است: "از شیعیان من، کسانی خواهند آمد کسانی که ادعای دیدن مرا

بکنند. آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا بکند مرا دیده، دروغگوی افترا زننده است".[۵]

بر اساس این روایت باید کسانی را که ادعای دین حضرت می کنند، تکذیب کرد.

نظریه دیگری هست که در زمان غیبت امکان دارد حضرت را مشاهده کنند. عالمانی همچون سید مرتضی، محدّث نوری، شیخ طوسی و ... بر این نظریه اند. اینان امکان ارتباط خوبان واولیای الهی را با حضرت ممکن می دانند.[۶]

طبق نظریه دوم کسانی توفیق دیدار جمال ملکوتی حضرت را پیدا می کنند که از گناهان و آلودگی ها پاک باشند و حضرت از آنان راضی باشد.

[۳] مفاتیح الجنان، دعای عهد.

[۴] مجلّه حوزه، شماره ۷۰ - ۷۱، ص ۶۶.

[۵] همان، ص ۷۶.

[۶] همان، ص ۹۷.

لیاقت حضور در محضر امام زمان(ع) چه شرایطی دارد؟

پرسش

لیاقت حضور در محضر امام زمان(ع) چه شرایطی دارد؟

پاسخ

تشرف به محضر پر فیض حضرت بقیهالله الاعظم(عج) آرزوی هر عاشق دل سوخته است. اگر تشرف در دوران غیبت کبری به محضر یوسف فاطمه امکان داشته باشد (چون عده ای معتقدند در دوران غیبت کبری ارتباط حضوری با حضرت امکان ندارد)[۱] و حضرت ولی عصر صلاح بدانند (زیرا ممکن است کسی لیاقت تشرف داشته باشد، لیکن حضرت مصلحت ندانند و نقاب از چهره غیبت بر ندارد) و شاید بتوان با به کار بستن راه های زیر توفیق تشرف حاصل نمود:

الف انجام وظایف دوره غیبت:

۱ اطاعت از دستورهای دینی و پرهیز از گناه و تقوا را سرلوحه زندگی قرار دادن، و عملی را بر خلاف رضای خدا انجام ندادن. حضرت در این زمینه می فرماید: "هر یک از شما باید به آنچه که به وسیله آن به دوستی ما نزدیک می شود، عمل کند و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب ما می شود، پرهیز نماید".[۲]

۲ انتظار فرج؛ پیامبر(ص(فرمود: "افضل اعمال امتم انتظار فرج است".[۳]

۳ دعا برای سلامتی و فرج حضرت (مثل دعای فرج، ندبه و عهد).

۴ صدقه برای حفظ وجود مبارک حضرت.

۵ غمگین شدن به خاطر غیبت آن جناب.

۶ انجام حج و عمره به نیابت حضرت.

۷ برخاستن برای تعظیم به هنگام شنیدن اسم مبارک (قائم).

۸ دعا برای خود که از شرّ فتنه ها در امان باشیم.

۹ استغاثه به آن جناب و استمداد از وجود نازنینش به هنگام گرفتاری ها.[۴]

ب عشق و محبت به حضرت حجت(عج):

راه اساسی تزکیه نفس و طریق نیل به مکارم اخلاق و توفیق یافتن بر انجام واجبات و ترک محرّمات، محبت و دوستی

حضرت ولی عصر(ع) است که به مقتضای "من أحبّکم فقد أحبّ الله؛[۵] هر که شما را دوست دارد، خدا را دوست داشته است". حبّ او حبّ خدا است. هر چه مهر آن بزرگوار در دل انسان بیشتر شود، صفای باطن و کمال معنوی اش فزون تر گردد. مسلمانی که گرفتار گناه و آلوده به رذایل اخلاقی است، قطعاً امام زمانش را چنان که باید و شاید دوست ندارد، زیرا اگر محبت محبوب در جان محبّ ریخت، اولین نشانه اش اطاعت از وی و پرهیز از ناخوشایندی های او است.

محبت از مقوله تشکیک و دارای مراتب و درجات مختلف است، شدت و ضعف دارد. چنان که نور نیز این گونه است. روشنایی یک شمع، نور برق، تابندگی خورشید، همه نور هستند، اما یکی از دیگری قوی تر است. هر چه نور شدیدتر باشد، محدوده بیشتری را روشن می کند. محبت امام زمان(ع) نیز هر چه بیشتر در دل انسان پیدا شود او را به مرحله عالی تری از اخلاق و فضیلت می رساند. بیشتر مردم گمان می کنند که واقعاً خدا و پیغمبر و اهل بیت عصمت و طهارت را دوست دارند، و به راستی به امام زمان شان محبت دارند، امّا اگر به عمق دل آن ها بِرِسی و زوایای قلب شان را بنگری، می یابی که حبّ خدا و پیغمبر و ائمه(ع) سرپوشی است روی حبّ نفس و خود خواهی آنها؛ یعنی چون خود را دوست دارند و می خواهند خویشتن را از عذاب و گرفتاری برهانند و به بهشت و رفاه برسانند، خدا را عبادت می کنند، به پیغمبر و اهل بیتش توسل می جویند و

سخن از مهر آنان می گویند. البته این خوب است و نتیجه بخش است، زیرا خدای مهربان و حضرات معصومین(ع) بزرگوارند و به همین محبت هم پاسخ می دهند، ولی محبت واقعی، دوستی کامل عیار و حقیقی نشانه اش این است که محبّ خود را برای محبوب بخواهد و جان خویش را فدای او سازد، نه آن که او را برای خود بخواهد و وسیله رسیدن به منافع خویش قرار دهد. بیماری که در بستر افتاده و پزشک معالج را بر بالین خود می بیند، احساس می کند طبیب را دوست دارد و به او علاقه مند است، اما این، دوستی واقعی به پزشک نیست و در حقیقت دوستی خود است؛ یعنی مریض بر اساس غریزه حبّ ذات ، به سلامتی خویش علاقه مند است، از این رو احساس می کند پزشک را که وسیله درمان او است، دوست دارد. پس در واقع وسیله معالجه و بازیافتن سلامت خویش را دوست دارد، نه طبیب را.

آن ها که ادعای محبت به امام عصر(ع) دارند و خود را دوستدار آن وجود مبارک می دانند، باید انگیزه دوست داشتن را در خود بیابند.

اگر دیدند مهر و محبت حقیقی حضرتش در دل شان خیمه زده، بدانند که توفیق بزرگی نصیبشان شده است.[۶]

با توجه به کلامی از مولای متقیان امیر مؤمنان علی(ع) فرق عبادت واقعی و عشق حقیقی روشن می شود. حضرت به ساحت قدس خدا عرضه می دارد: "خدایا، تو را به خاطر ترس از آتش یا برای رسیدن به بهشت عبادت نمی کنم، بلکه تو را شایسته و لایق عبادت و پرستش یافتم".[۷]

تمثیل سعدی در مورد عشق و محبت حقیقی و مجازی:

چه عالی آورده

است سعدی این داستان را! از عشق های تمثیلی عشق سلطان محمود و ایاز است. می گوید به سلطان محمود عیب می گرفتند که آخر این ایاز چه حسنی دارد؟ چه زیبایی دارد؟ این که شکل و قیافه ندارد. چرا این قدر نسبت به او عشق و محبت می ورزی؟! سلطان محمود می خواست یک وقتی عملاً نشان بدهد که چرا چنین است و بنده واقعی و خالص او است که مرا به خاطر خودم دوست می دارد. سعدی در بوستان می گوید:

یکی خُرده بر شاه غزنین گرفتکه حسنی ندارد"ایاز" ای شگفت

گلی را که نه رنگ باشد نه بو دریغ است سودای بلبل بر او

به محمود گفت این حکایت کسی بپیچید ز اندیشه بر خود بسی

که عشق من ای خواجه بر خوی اوست نه بر قد و بالای دلجوی اوست

شنیدم که در تنگنای شتر بیفتاد و بشکست صندوق دُر

می گوید در یک سفری که می رفت، دستور داد عمداً بارها را شل ببندند و به یک درّه ای که می رسند، آن جا تعمداً صندوق جواهرات را از روی شتر بیندازند که این صندوق بشکند و دُرّ و مرجان و جواهر قیمتی ته درّه بریزد.

به یغما ملک آستین بر فشاندوز آن جا به تعجیل مرکب براند

گفت هر که هر چه برداشت، مال خودش. این را گفت و به اسبش شلاق زد و رفت.

سواران پی دُرّ و مرجان شدندزسلطان به یغما پریشان شدند

یک چنین یغمایی را اعلام کردند، همه ریختند ته درّه که یک گوهر قیمتی به دست آورند.

نماند از وشاقان گردن فرازکسی در قفای ملک جز "ایاز"

یک وقت سلطان محمود نگاه کرد پشت سرش. دید فقط یک نفر مانده و

او ایاز است. همه رفتند سراغ نعمت.

بگفتا که از سنبلت پیچ پیچزیغما چه آورده ای؟ گفت هیچ

من اندر قفای تو می تاختم زخدمت به نعمت نپرداختم

من خدمت را بر نعمت ترجیح دادم. تا اینجا مَثَل بود. سعدی به این جا که می رسد، گریزش را می زند و می گوید: خلاف طریقت بود که اولیا تمنّا کنند از خدا جز خدا.

گر از دوست چشمت به احسان او استتو در بند خویشی، نه در بند دوست۱[۸]

محبت حقیقی این است. پس راز بزرگ تشرف در دوران غیبت به محضرت حضرت ولی عصر (عج) همین یک کلمه است: "محبت حقیقی". باید شوق شدید پیدا کرد و دوستی واقعی به دست آورد تا به وصال یار رسید و از فیض محضر پربرکتش بهره مند شد، زیرا محبت واقعی منشأ قرب روحی می شود، و نزدیک شدن روحی، موجب دیدار محبوب می گردد.

۱ – ر.ک: مجله حوزه، شماره ۷۰ – ۷۱؛ مهر – دی ۱۳۷۴، سال ۱۲، ص ۶۵.

۲ – بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۷۶.

۳ – لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵.

۴ – شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ص ۴۸۳.

۵ – مفاتیح الجنان ، زیارت جامعه کبیره.

۶ – ر.ک: سید جمال الدین حجازی، پیام امام زمان، ص ۴۹.

۷ – بحارالانوار، ج۴۱، ص ۱۴.

۸ – مرتضی مطهری، مجموعه اثار (فطرات) ، ج۳، ص ۵۷۳.

چطور می توان یک بار هم که شده، موفق به دیدار صاحب الزمان(عج) شویم؟

پرسش

چطور می توان یک بار هم که شده، موفق به دیدار صاحب الزمان(عج) شویم؟

پاسخ

ارتباط با امام زمان(ع) دو گونه است: مستقیم و غیر مستقیم. ارتباط مستقیم. رؤیت جمال نیکو و مشاهده حس وجود مبارک حضرت است، که کلید آن در ارتباط غیر مستقیم قرار دارد.

ارتباط غیر مستقیم، مقدمه لازم و جدا ناپذیر ارتباط مستقیم است و تنها نردبانی است که می توان با آن از مُلک به ملکوت وارد شد و بر آستان آسمان انسانیت قدم گذاشت و از شعاع مهر انگیز خورشید بلندترین آسمان هستی بهره برد. ارتباط غیر مستقیم، ارتباطی علمی، عملی، قلبی و عاطفی است.

فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی. از تدبّر و تأمل در آیه فوق شاید بتوانید تا حدودی متوجه گردید که برای دیدار "دلدار" حقیقت پرستان چه لازم است و برای سفر به کوی "محبوب" چه باید همراه داشت؟

مقرر شد که حضرت موسی(ع) در سرزمین مقدس و از طریق درختی با حق تعالی سخن بگوید و به ملاقات معنوی خدا برود. فرمان رسید: ای موسی! در سرزمین مقدسی گام نهاده ای. سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه گر است. پیام خدا را در آن جا می شنوی (پس) با نهایت خضوع و تواضع در این سرزمین گام گذار و کفش هایت را بیرون آر که در سرزمین مقدس طوی هستی.

برادر: به موسای کلیم گفته شد: می دانی که در چه مکان و سرزمین مقدسی هستی؟ این جا حضیره قرب خدا و محل حضور و مناجات به درگاه او است. پس شرط ادب به جای آور، کفشت را بکن. شما نیز درخواست دیدار با جلوه کمال مطلق و نگاه به نور

الهی را داریـد. البته این امر شـدنی و ممکن است. امـا شـرایط و شایسـتگی ویژه ای می طلبـد. چشم و دل لایق، گوش و زبان محبوب پسـند می خواهد تا مطلوب محبوب گردی و زیارتش ممکن شود. آن شـرایط و ویژگی ها را در کلام خدا با کلیمش می توان جست؟

۱ بازگشت به حق

برای دیـدار امـامی که مظهر اسم اعظم حق است ضـروری ترین و بـدیهی ترین شـرط، بازگشت به "حق تعالی" است: "فاخلع نعلیك" کفش های دل بسـتگی به غیر خـدا را از دل در آور و از خود دور کن. پا برهنه یعنی صاف و بی آلایش از هر قیـد و بند و رنگی شو.

فقـط رنـگ خـدایی داشـته بـاش. بـازگشت کن به وضـعی که به دنیـا آمـدیم، آن موقع که دلی صـاف و دور از ریا و غرور و خودخواهی داشتیم و دل مان از غبار گناه ها و معصیت ها و از زنگار غفلت ها پاك بود. تا بتوانید خورشید خدا را در آسمان انسانیت رؤیت نمایید.

پس گام اوّل بازگشت به خـدا و توبه از گناهان و تهذیب و پاك کردن نفس از صـفات ناپسـند است تا زمینه خروج عملی از غفلت را فراهم سازد.

چون عزم بر توبه کردیـد غسل کنیـد و وضو بگیریـد و چهار رکعت نماز بخوانیـد؛ در هر رکعت یك مرتبه سوره حمـد و سـه مرتبه توحید و یك مرتبه سوره ناس و فلق را بخوانید و بعد از نماز هفتاد مرتبه "استغفرالله ربّی و اتوب الیه" بگویید، سپس "لا حول و لا قوّه إلاّ بالله العلی العظیم" و در پایان بگویید: "یا عزیز یا غفّار اغفرلی ذنونی و ذنوب

جمیع المؤمنین و المؤمنات فإنّه لا یغفر الذنوب إلاّ أنت".

۲ تقویت معرفت:

آیا می دانید هوای زیارت چه کسی را در سر دارید؟ او را شناخته اید؟ به مقام و منزلتش معرفت پیدا کرده اید؟ کسی را که هوای دیدار دلدار است، باید دلدار شناس گردد. از کمالات و ویژگی هایش، از مقام و منزلتش نزد خدا معرفت لازم را کسب کند و با کرامات و معجزات و سیره و اخلاق و معارف او آشنا شود و دوستانش را بشناسد و توجه داشته باشد که به دیدار چه کسی می خواهد نایل گردد. با معرفت و شناخت، اوّلا توبه حقیقی تحقق می یابد، ثانیاً، محبت و دوستی ریشه دار می گردد، زیرا محبت، درجات و مراتبی دارد. برخی تا نُه مرتبه برای آن شمرده اند، و عشق را در مرتبه چهارم قرار داده اند. عشق آغاز راه رسیدن به مقصد و سرآغاز جاده ای است که به ملاقات معشوق- امام زمان(ع)- منتهی می شود.

تا علاقه و محبت به امام زمان(عج) به مرحله عشق و ارادت نرسد، دیدار آن یار حاضر وغایب، ممکن نیست. حافظ شیرازی می گوید:

نشوی واقف یک نقطه ز اسرار وجود تا نه سرگشته شوی دایره امکان را

شهید مطهری(ره) در توضیح می فرماید: "ای سرگشتگی همان سرگشتگی عشق است، یعنی جنون عشق است. تا از این راه وارد نشوی، امکان ندارد به نقطه ای برسی".

۳ عشق به خدا و تبعیت از امام زمان(عج):

اثر طبیعی محبّت آن است که "محبّ" را با "محبوب" پیوندی می دهد و در مسیر

خواسته های او به تلاش و فعالیت پرثمر وا می دارد.

آن ها که شب و روز دم از عشق

پروردگـار یـا ائمه اطهار(ع) و امام زمان(عـج) می زننـد، بایـد صـداقتِ محبت و عشق خود را در پیروی نشان دهنـد. در کتاب معـانی الاخبـار از امـام صـادق(ع) نقل شـده :"ما احبّ الله من عصاه کسـی که گناه و نافرمانی خـدا می کنـد، خـدا را دوسـت ندارد".

دوستی و محبت در عمـل ظهور می کنـد. سـپس فرمود: "چه شـگفت انگیز است معصـیت پروردگـار کنی، بـا این حال اظهار محبت او نمـایی! به جـان خودم سوگنـد، این کـار عجیبی است! اگر محبت تو صادقـانه بود، اطـاعت فرمان او می کردی، زیرا کسـی که دیگری را دوست می دارد. از فرمـان او پیروی می کنـد". قرآن کریم می فرمایـد: " قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله...؛ پیـامبر! بگو (به مردم) اگر خـدا را دوست داریـد، از من (پیـامبر) پیروی کنیـد تا خـدا هم شـما را دوست داشـته باشد". بنابراین محبت تنها یک علاقه قلبی نیست، بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد.

کسـی که می خواهـد امام زمان(ع) را زیارت کند باید بررسـی نماید چه اموری باعث خشـنودی حضـرت می گردد، تا به آن کار مبادرت ورزد و از هر کاری که موجبات ناخشنودی آن عزیز را فراهم می سازد، اجتناب کند.

۴- تقویت ارتباط قلبی وعاطفی

می توان ارتباط قلبی و عاطفی با آن محبوب و معشوق عشاق حقیقت طلب را از راه های ذیل تقویت نمود:

از طریق خواندن برخی دعاها و زیارت ها و توجه و تأمل در معانی آن ها، نیز خواندن بعضی از نمازها مانند نماز امام زمان(ع) یا حضور در برخی از مکان ها مانند مسجد سهله در کوفه و مسجد جمکران در

قم، نایب الزیاره آن حضرت شدن در زیارت خانه خدا (حج و عمره) و زیارت قبور و حرم پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز شریک کردن حضرت در ثواب تلاوت قرآن، و دعاها و نمازهای مستحبی، بلکه همه ثواب را به حضرت هدیه نمودن، و در حق حضرت دعا کردن و دعای فرج خواندن.

۵- مطالعه زندگینامه کسانی که به ملاقات آن حضرت مشرّف شدند.

مطالعه زندگینامه اشخاصی که توانستند به زیارت آن حضرت نایل گردند، هم راه را نشان می دهد، هم شوق ملاقات را افزایش می دهد و آتش عشق و ارادت را شعله ور می سازد و هم این حقیقت را بازگو می کنند که آنان، چه ویژگی هایی داشتند و چه عاملی موجب شد تا امام(ع) آنان را مورد عنایت و لطف خود قرار دهند.

چگونه می توان صورت زیبای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زیارت نمود؟

پرسش

چگونه می توان صورت زیبای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زیارت نمود؟

ملاقات با امام زمان"عج" در نتیجه پرهیز و دوری از گناهان و انجام اعمال خاص امکان پذیر است. ما که شیعه گناهکاری هستیم، آیا حقی بر وجود مقدس ایشان نداریم تا بتوانیم حضرت را زیارت کنیم؟ منظورم سخن حضرت علی"ع" در مورد حقوق امام بر مردم و بالعکس می باشد.

پرسش

ملاقات با امام زمان"عج" در نتیجه پرهیز و دوری از گناهان و انجام اعمال خاص امکان پذیر است. ما که شیعه گناهکاری هستیم، آیا حقی بر وجود مقدس ایشان نداریم تا بتوانیم حضرت را زیارت کنیم؟ منظورم سخن حضرت علی"ع" در مورد حقوق امام بر مردم و بالعکس می باشد.

پاسخ

الف) امکان ملاقات با امام زمان(عج) و عدم آن

بحث را در سه محور مطرح می کنیم:

۱- امکان ملاقات با امام زمان(عج) و عدم آن.

۲- بیان کلام أمیرالمؤمنین(ع) در موضوع حقوق امام بر مردم و بالعکس.

۳- ایجاد زمینه های مناسب برای فیض دیدار امام زمان(عج).

ملاقات با امام زمان(عج) از موضوعات اختلافی است. برخی بر این باورند که در دوران غیبت کبری ملاقات با حضرت ممکن نیست و برخی دیگر قائلند که انسان های خود ساخته و فرهیخته می توانند افتخار شرفیابی به محضر آن بزرگوار را به دست آورند.

دلیل گروه اوّل توقیعی است که منتسب به حضرت می باشد، در آن جا آمده است:

"ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش برادرانت را در (مصیبت مرگ) تو بزرگ گرداند! ظرف شش روز آینده فوت خواهی کرد. امر خود را جمع کن و به هیچ کس وصیت نکن که پس از مرگت قائم مقام تو باشد. غیبت ثانیه (تامّه) آغاز گردید... در آینده برخی از شیعیان ادّعای دیدار با من را می کنند. آگاه باشید که پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی هر کس چنین ادّعایی کند، دروغگو است".(۱)

روایات دیگری نیز به این مضمون وارد شده است.

دلیل گروه دوم ملاقات هایی است، که در دوران غیبت کبری صورت گرفته و بزرگانی از اولیا و اوتاد همانند سید بحرالعلوم(ره) و محقّق اردبیلی(ره) افتخار دیدار با

حضرت را کسب کرده اند. با توجه به کثرت دیدارها نمی شود در مقام تکذیب آن ها بر آمد.(۲)

در چگونگی جمع بین دو دیدگاه راه حل هایی ارائه شده که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- این توقیع در سطح یک خبر واحد بیشتر نیست و تنها مفید ظنّ است و حتی شیخ صدوق و شیخ طوسی که خودشان ناقل آن هستند، به محتوای آن معتقد نیستند و حکایت های متعدّدی را که حاوی ملاقات بزرگانی با امام زمان(عج) است، در کتاب های خود آورده اند.(۳)

حال اگر توقیع شریف را معتبر دانستیم، راه حل های بعدی را برای جمع بین دو دیدگاه انتخاب می کنیم:

۲- مرحوم مجلسی می فرماید: "محتمل است که مقصود از تکذیب مشاهده، تکذیب کسانی باشد که افزون بر مشاهده، ادّعای نیابت همانند نواب اربعه در زمان غیبت صغری را دارند".(۴)

۳- احتمال دیگر این که: منظور از تکذیب مشاهده، ترتیب اثر ندادن باشد.

اگر مدّعی مشاهده راست بگوید، ملاقات فضیلتی برای او محسوب می شود و اگر دروغگو باشد، وقتی کسی به او اعتنا نکرد، مفسده ای ندارد.(۵)

ب) بیان کلام أمیر المؤمنین(ع) در موضوع حقوق امام بر مردم و بالعکس

در این قسمت لازم است به تشریح بیان نورانی حضرت بپردازیم تا مقصود از حقوق امام بر مردم و عکس آن روشن شود.

حضرت علی(ع) فرمود: "بزرگترین حقی که خدا آن را واجب کرده، حق والی بر رعیت و حق رعیّت بر والی است. خداوند آن را واجب کرده و حق هر یک را به عهده دیگری گذاشته است. رعایت این حقوق موجب پیوند آنان و عزّت دینشان خواهد بود. رعیّت به سامان نرسد مگر با رفتار نیکوی والی و والیان نیکو رفتار نگردند مگر

با درستکاری رعیّت".(۶)

به نظر می رسد مراد أمیرالمؤمنین(ع) از "والی" و حقوقی که به گردن او دارند، امام و رهبری است که: اوّلاً غایب نباشد؛ ثانیاً بسط یدداشته و دارای حکومت ظاهری باشد، که هر دو ویژگی در دوران غیبت حضرت ولی عصر(عج) نسبت به حضرت منتفی است.

شاهد این مدعی کلام دیگری از حضرت است که فرمود: "ای مردم! مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. امّا حق شما بر من خیرخواهی شما و ادای حقّتان از بیت المال، بر من است که شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید". (۷)

روشن است که این بیان در هنگامی ایراد شده که حضرت علاوه بر منصب امامت، بر کرسی خلافت نیز تکیه زده و مردم برای رفتن به شام و جنگ صفین آماده می شدند و ادای این حقوق در زمان غیبت متصور نیست.

ناگفته نماند که قدرت ظاهری نداشتن امام زمان(عج) غیر از واسطه فیض بودن امام(ع) میان خدا و خلق است؛ زیرا همه نعمت هایی که از ناحیه خدا به انسان و سایر مخلوقات می رسد، به برکت وجود حجّت خدا است. در دعای ندبه می خوانیم: "خدایا! نماز ما را به واسطه او قبول فرما، گناهان ما را به خاطر او ببخش، دعاهای ما را به واسطه او مستجاب گردان و روزی ما را به وسیله او فراوان فرما".(۸)

با دقّت در سخنان حضرت علی(ع) به این نتیجه می رسیم: ملاقات و دیدار امام زمان(عج) موضوعی نیست که یکی از حقوق شیعیان بر وجود مقدّس حضرت به حساب آید.

ج) ایجاد زمینه های مناسب برای فیض دیدار امام زمان(عج)

در عرف همه ملّت ها روشن است که

دیـدار با بزرگان به تناسب شخصیّت هر بزرگی دارای شـرایط ویژه ای است و تا آن شـرایط پدیـد نیایـد، عرف مردمی اجازه دیـدار با آن شخصیّت را به هیـچ فردی نمی دهـد؛ دیـدار و ارتباط با امام زمان(عج) نیز از این گردونه خارج نیست، بلکه می توان گفت: با توجه به موقعیّت اختصاصـی حضـرت یعنی موضوع "غیبت" و سوء اسـتفاده هایی که ممکن است برخی از افراد از مطرح کردن ارتباط و دیدار با حضـرت داشته باشند، ملاقات با امام زمان(عج) برای همگان میسور نیست و هر فردی تنها به این عنوان که شیعه امام است، نمی تواند لیاقت فیض حضور حضرتش را کسب کند.

قـدم گذاشـتن در این مسـیر به کسب لیاقت و شایسـتگی نیازمنـد است و هر کس به انـدازه تلاش خود بهره می برد؛ بعضـی از افراد همانند سـید بحرالعلوم و پسـر مهزیار حضـرت را می بینند و می شناسـند؛ برخی امام را می بینند ولی نمی شناسـند؛ برخی دیگر از لیـاقت کمتری بهره دارنـد و ممکن است در عـالم خواب آن عزیز را زیـارت کننـد؛ خلاـصه این که: ملاقـات بـا امـام زمان(عج) به "لیاقت" نیاز دارد.

در عین حال باید توجه داشـته باشـیم که اگر چه ملاقات حضـرت تا رسـیدن به آن مقام نمی تواند صورت گیرد، اما این بدین معنا نیست که ما در امر دین و معارف دینی و احکام و... سرگردان باشیم؛ زیرا بسیاری از معارف دینی از طریق امامان معصوم و پیامبر اسلام و قران کریم که مصون از خطا و اشتباه است، هم چنین با پرسش از عالمان دین برای ما روشن و آشکار است و اگر ما بتوانیم به آنچه که می دانیم و می توانیم بدانیم عمل کنیم،

به آنچه که نمی دانیم و خواستار دانش و فهم آن هستیم، آگاه شده و خواهیم رسید.

پی نوشت ها:

۱. کمال الدّین و تمام النعمه، صدوق، جزء ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴؛ کتاب الغیبه، طوسی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ص ۳۹۵، ح ۳۶۵.

۲. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱ – ۸۹.

۳. کمال الدین، ص ۴۳۷ – ۴۷۳؛ کتاب الغیبه، ص ۲۵۳ – ۲۸۰.

۴. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱.

۵. سپیده امید، سید حسین اسحاقی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ص ۳۸.

۶. نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، خطبه ۲۱۶، ص ۲۴۸.

۷. همان، خطبه ۳۴، ص ۳۵.

۸. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

مهم ترین کارهایی که می توان انجام داد تا در زمان کوتاه به امام زمان (ع) رسید، چیست؟

پرسش

مهم ترین کارهایی که می توان انجام داد تا در زمان کوتاه به امام زمان (ع) رسید، چیست؟

پاسخ

امام صادق ع می فرماید: " هر کس میل دارد از اصحاب و یاران قائم ما باشد، باید در انتظار فرج باشد. پرهیزگاری را شیوه خویش کند. به اخلاق نیک آراسته گردد و در همان حال در انتظار قائم ما به سر برد. اگر چنین بود و پیش از قیامِ قائم مرگش فرا رسید، به اجر و ثواب کسانی که قائم را درک می کنند، نائل خواهد گشت ای شیعیان جدیت و کوشش نمایید و منتظر ظهور آن جناب باشید ".(۱)

حضرت در جای دیگر می فرماید: " هرگاه زمان غیبت فرا رسید، به دستور امامانِ پیشین چنگ زنید تا امامِ آخرین ظهور کند... هر گاه روزی رسید که امامی از آل محمد میان خود نداشتید، همان امامانی را که دوست می داشتید، دوست بدارید و همان کسان را که دشمن می داشتید، دشمن بدارید و همواره در خط رهبری و ولایت حقه جای داشته باشید و صبح و شام در

حالت انتظار به سر ببرید ".(۲)

اگر در بُعد فکری و اخلاقی به وظایف خود عمل کردیم می توانیم ادعا کنیم منتظر حضرت هستیم

در بُعد فکری شناخت خود را از امام زمان ع بیش تر کنیم و در بُعد عملی واجبات را انجام دهیم و محرّمات را ترک کنیم در این صورت به حضرت تقرب جسته و رضایت ایشان را تحصیل کرده ایم

پی نوشت:

۱- ابراهیم امینی دادگستر جهان ص ۲۵۳، به نقل از غیبت نعمانی ص ۱۰۶.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲.

آیا شخصی که گناه کرده ، می تواند با امام زمان (عج) ارتباط داشته باشد؟

پرسش

آیا شخصی که گناه کرده ، می تواند با امام زمان (عج) ارتباط داشته باشد؟

پاسخ

الف) ماپرسش را در قالب کلی تر بیان کرده و بدان پاسخ می دهیم تا در ضمن آن شبهه حضرتعالی برطرف گردد.در زمانی که حضرت صاحب (عج) در پرده غیبت کبری به سر می برد این پرسشها مطرح می شود آیا ارتباط با آن حضرت امکان دارد یا خیر؟ آیا شیعیان و پیروان حضرت می توانند از محضر آن بزرگواربهره مند گردند یا نه ؟ بر اساس روایاتی که در این زمینه وجود دارد دودیدگاه مطرح شده است : الف) دیدگاهی که امکان ارتباط را تایید نمی کند ولزومی برای آن نمی بیند عالمانی چون شیخ مفید، فیض کاشانی ، شیخ جعفرکاشف الغطا و نعمانی ارتباط با امام زمان (عج) و دیدن ایشان را برای شیعیان حال چه عابد چه متقی و چه فرد متوسط در غیبت کبری ممکن نمی دانند .ب) دیدگاهی که بر امکان ارتباط و وقوع آن اصرار می ورزد عالمانی چون سید مرتضی ، محدث نوری ، کراجکی و شیخ طوسی بر این عقیده اند البته این امکان را تنها برای اولیای الهی و افراد ویژه می دانند غیر از آنها یعنی حتی کسی که چندان گناه نداشته ولی بدلایلی در زمره اولیا الهی قرارنمی گیرد از این دیدار محروم است. ما در اینجا نمی توانیم به تحلیل ادله یکی از دو گروه پردازیم با توجه به دلایل مستقل می توان نکات ذیل را در این باب شمارش کرد :

۱- مقصود از دیدن آن حضرت چند معنا

و مرتبه است :

۱-۱-در هنگام مشاهده حضرت متوجه نباشند ولی بعد متوجه و یا معتقد گردندشخصی را که دیده اند حضرت حجت بوده است .

۲-۱- دیدن با شناخت یعنی کسی حضرت را ببیند و معتقد شود شخصی را که دیده امام عصر است وبه این امر اطمینان داشته باشد .

۳-۱- فیض حضور یعنی دیدن حضرت و شناخت ایشان همراه با سوال و جواب یعنی افزون بر اینکه حضرت را دیده و شناخته واز ایشان سوال کرده و با وی به گفت و گو بپردازد .بنابراین رویت درخواب یا دیدن بدون شناخت و شهود بر اساس سیر و سلوک مقصود نظر ما وهمچنین شما نیست .

۲- از مجموع روایات متقن استفاده می شود که امکان ارتباطات به معانی که در شماره قبل مطرح شد در غیبت کبری وجودندارد دربرخی روایات تصریح شده که حضرت مثلا" در مراسم حج شرکت می کند مردم رامی بیند ولی مردم حضرت را نمی بینند و نمی شناسند گاهی در جمع مردم حضورمی یابد و ...Ṣآنان سلام می کند اما مردم نه ان هنگام و نه پس از آن او رانمی شناسند .

۳ - بزرگانی که مساله امکƠ...ارتباط و مشاهده را مطرح کرده اند آن را به ص...Ṣjاحتمال بیان فرموده اند نه قطع و یقین .

۴- تنها یک دسته ازروایات امکان دیدار با حضرت را برای خادمان ایشان (موالی خاصه) اثبات می کند و دلیلی بر امکان ملاقات و ارتباط دیگران وجود ندارد .

۵- بزرگانی که از آنان حکایت دیدار با حضرت حجت نقل شده خود در این باره ادعایی نکرده اند .

۶- اگر فرض بر امکان مشاهده و

ارتباط با حضرت باشد برابر توقیع شریفی که شش روز پیش از مرگ سمری آخرین نایب خاص ایشان در غیبت صغری از طرف امام عصر (عج) صادر شده و از جهت سند و دلالت هیچ اشکالی

در این باره منابع زیادی در دست داریم بخشی از آنها عربی است وبخشی فارسی .

ما به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم :

۱- حجتی ، محمدباقر،اسباب نزول .

۲- واحدی ، ابوالحسن علی بن احمد نیشابوری ، اسباب النزول ،طبع دار الکتب العلمیه ، بیروت ، ۱۴۰۲ ه.ق

۳- نسفی ، حافظ الدین عبدالله بن احمد، مدارک التنزیل و حقایق التاویل ، طبع افست دارالمعرفه ، بیروت.

۴- زمخشری ، جار الله محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل ، طبع افست ، نشر ادب الحوزه. ;

برای رسیدن به درجه یقین و ملاقات با امام زمان (عج) چه کار کنیم ؟

پرسش

برای رسیدن به درجه یقین و ملاقات با امام زمان (عج) چه کار کنیم ؟

پاسخ

هر گمان تشنه یقین است ای پسر= می زند اندر تزاید بال و پر=

چون رسد در علم پس بر پاشود= مریقین را علم او بویا شود=

علم جویای یقین باشد بدان = وآن یقین جویای دید است و عیان =

جویای یقین بودن هدفی والاـ است که به دنبال آن هستی ولی باید دانست که هر قدر گوهر مطلوب گران قیمت تر باشددسترسی به آن نیز دشوارتر است .

خداوند به پیامبر خویش چنین فرمان می دهد : ((واعبد ربک حتی یاتیک الیقین ؛ عبادت پروردگار راپیشه ساز تا یقین نزد تو آید))

و امام صادق (ع) فرمود : ((چیزی کمتر ازیقین در بین مردم تقسیم نشده است)) ،

(تحف العقول ، ص ۳۵۸) .

همان گونه که در آیه ۹۹ سوره حجر آمده است ، حرکت در مسیر خداوند و عبادت او و هموار کننده راه یقین است . پالایش درون از رذایل و آراستن آن به فضایل و عبادت خداوند و ذکر او در همه احوال مسیر به دست آوردن یقین است . تقوا؛ یعنی ، قدرت کنترل نفس به گونه ای که محرمات را ترک کرده و به واجبات عمل نماید .برای تقویت تقوا باید در دو بعد نظری و عملی اقدام نمود .در بعد نظری با تقویت مبانی عقیدتی ، به ساختمان وچهارچوب عقاید استحکام بخشید و سپس با عمل ، در راسخ ترشدن آنها کوشید .در این زمینه مطالعه منظم کتاب های زیر توصیه می شود :

-۱

گناهان کبیره شهید دستغیب

۲- جهان بینی اسلامی شهیدمطهری

۳- نامه ها و برنامه هاحسن زاده آملی

۴- نقطه های آغاز دراخلاق عملی مهدوی کنی

آنچه در بعد عملی می توان ارایه نمود آن است که : عمل به تکالیف دینی ، بهترین و کامل ترین راه برای نیل به درجه تقوا است . قرآن مجید درباره روزه می فرماید : ((روزه بر شماواجب شد چنان که بر پیشینیان شما واجب گشت ، باشد که تحصیل تقوا کنید)) . و در آیه دیگر فرموده است : ((از صبر و نماز کمک بگیرید)). تقویت ایمان و اعتقاد قلبی و عشق الهی بر آیند تقوا و پرهیزگاری است . هم چنان که در بهاران نهال ناخشکیده شکوفه می زند تقوای الهی ، انجام واجبات ، ترک محرمات و تهذیب نفس نیز بوستان دل راخرم و سرسبز نگه می دارد و جوانه عشق الهی را در آن شکوفامی سازد .بنابراین درگام اول باید بر انجام واجبات و ترک گناهان استواری نمود و در گام دوم به پالودن نفس از رذایل و آراستن به فضایل پرداخت و حب دنیا و تعلقات دنیوی را از ژرفای ضمیر بیرون راند آن گاه دل کانون عشق خدا می شود و با اخراج شیطان نفسانیت ودنیا پرستی که خانه دل را غصب نموده صاحب خانه در آن لانه می گزینند .ملاقات با امام زمان (عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد .به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقق دو بعد؛ یعنی ، معرفت و عمل دارد .اگر کسی خود را

به اولیـای الهی شبیه نمود، به لقـای آنـان نیز واصل خواهـد شـد .نوریان مرنوریان را طالبنـد=ناریان مرناریان را جاذبنـد= نشانه تحقق این دو بعـد، زمانی است که فرد محرمات را کاملاً ترک و به واجبات و وظایف خویش عمل نماید .التبه نکته ای نیز در اینجا حایز اهمیت است و آن اینکه گرچه ملاقات اولیای الهی هـدفی والا و بس قیمتی است ، ولی اگر کسـی بـدان نایل نشـد نبایستی دچار روحیه یاس و ناامیدی گردد .علاوه برآن که سـعی در ملاقات با امام زمان و یا دیگر اولیای الهی (مانندخضـر) یک وظیفه و دستور دینی نیست . آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است. ;

چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان((علیه السلام)) را پیدا کنیم؟

پرسش

چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان((علیه السلام)) را پیدا کنیم؟

پاسخ

توفیق ملاقات امام زمان((علیه السـلام)) تنها برای کسانی است که آن حضـرت صلاح بدانند و به نظر می رسد که در دو مورد تحقق می یابد:

۱. کسانی که در شدّت و گرفتاری و بحرانهای زندگی قرار می گیرند و به آن حضـرت توسّل پیدا می کنند.(توسـعه مصرانه و پیگیر)

۲.کسانی که در راه تهدید نفس و پیمودن صـراط عبودیّت و بندگی خدا مجاهد و تلاشی پیگیر و خالص داشته باشند. به ویژه این که عشق به لقاء آن حضرت و دیدار وی و سعی و تلاش در این راه هم با آن ضمیمه شود.

کسی که بخواهد در این راستا قرار گیرد لازم است به نکات زیر توجّه کند:

۱. در راه تحصـیل عقایـد و معارف حقّه اهل بیت عصـمت و طهارت تلاش کنـد. و سـعی کنـد تنها به معارف دینی از رهگذر ارشادها و رهنمودها و احادیث آنان توجّه کند و از راههایی که دشمنان آنان ارائه کرده اند بر حذر باشد.

۲. در تهذیب نفس و تزکیه اخلاق سخت کوشا باشد.

۳. در احکام فرعی عملی همواره جدیّت کند بر اساس محبّت شرعی عمل کند و از گناه و معصیّت سخت پرهیز کند.

۴. به نماز اوّل وقت اهمیّت بدهد و سعی کند نماز را با حضور قلب بخواند.

۵. توسّل به چهارده معصوم مخصوصاً امام زمان((علیه السلام)) همواره در زندگی مورد توجّه وی باشد.

۶. دعای ندبه را با توجّه به مضامین آن با وضعی که تناسب با آن مضامین است بخواند.

۷. زیارات آن حضرت را مخصوصاً زیارت آل یسن و دعای عهد در صبحها همواره بخواند.

۸. دعا برای

تعجیل فرج آن حضرت و درخواست توفیق ملاقات آن حضرت از خداوند مصرانه و پیگیر داشته باشد.

چرا عده افرادی که امام زمان را دیده اند تا این اندازه کم است؟ آیا واقعاً تا این اندازه چشمهای ما آلوده اند که شایستگی دیدن ایشان را ندارند؟ اصلاً آیا واقعاً این دلیل محروم بودن از دیدار و صحبت با کسی است که معتقدیم امام زمان ماست؟

پرسش

چرا عده افرادی که امام زمان را دیده اند تا این اندازه کم است؟ آیا واقعاً تا این اندازه چشمهای ما آلوده اند که شایستگی دیدن ایشان را ندارند؟ اصلاً آیا واقعاً این دلیل محروم بودن از دیدار و صحبت با کسی است که معتقدیم امام زمان ماست؟

پاسخ

ملاقات با امام زمان (عج) برای بسیاری رخ داده و می دهد و شاید خود شما بارها توفیق ملاقات با آن بزرگوار را داشته اید ولی آن بزرگوار را نشناخته اید و گروهی نیز ملاقاتشان با آن حضرت همراه با شناخت و توجه بوده و هست ولی چنین افرادی اهل پرگویی و بیهودگی نبوده و اسرار را هویدا نمی سازد بلکه کم گو و گزیده گویند که همین از رموز موفقیت آنان است.

از این رو تعداد شرف یافتگان به محضر آن محبوب دلها اندک نیستند ولی خبر تعداد کمی از آن به ما رسیده است و عدم اطلاع ما دلیل بر عدم وجود نمی باشد اما دلیل محرومیت از دیدار همیشگی و همگانی آن بزرگوار عبارتست از:

۱. عدم آمادگی و شایستگی جامعه جهانی برای عدل علوی توسط آن دادگستر جهان.

۲. امتحان و آزمایش مؤمنین در پیچ و خمهای غیبت ناصف دینمداران و دین باوران و اهل استقامت در راه ارزشهای دینی از منافقین و بی دینان جدا گردد.

۳. تأمین امنیت جانی آن ذخیره الهی برای اصلاحات گسترده جهانی در شرایط خاص و دلایل دیگر.

برای اطلاع بیشتر به کتابهای ذیل مراجعه نمایید.

۱. سخنی پیرامون حضرت مهدی(ع)، شهید صدر.

۲. قیام و انقلاب مهدی(ع)، شهید مطهری.

۳. دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی.

۴. روزگار رهایی

دیدار با امام زمان(عج) چگونه ممکن است و چه تأثیری در مسیر زندگی انسان دارد؟

پرسش

پرسش

دیدار با امام زمان(عج) چگونه ممکن است و چه تأثیری در مسیر زندگی انسان دارد؟

پاسخ

ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد.

نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند

نشانه تحقّق این دو بعد، زمانی است که فرد محرمات را کاملاً ترک و به واجبات و وظایف خویش عمل نماید. التبه نکته ای نیز در اینجا حائز اهمیت است و آن اینکه گر چه ملاقات اولیای الهی هدفی والا و بس قیمتی است، ولی اگر کسی بدان نائل نشد نبایستی دچار روحیه یأس و ناامیدی گردد.

علاوه بر آن که سعی در ملاقات با امام زمان و یا دیگر اولیای الهی (مانند خضر) یک وظیفه و دستور دینی نیست. آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است.

به عبارتی ما موظف به ارتباط به معنای ملاقات نیستیم وظیفه ما جلب رضایت آن حضرت است. ارتباط معنوی ما با حضرت از طریق عمل به دستورات دین و سفارشات معصومین و انتظار فرج به معنای ثبات قدم و استمرار در این امر است.

تأثیر عمیقی که دیدن حجت الهی و ولی زمان و امام معصوم(ع) و آخرین در صدف امامت و آرزوی همه قلب های مشتاق در زندگی انسان دارد، امری واضح و بدیهی است. حضور در محضر آن امام همام و بهره مندی از صفات و کمالات و انوار تابناک سخنان و کلمات نورانی ایشان و برخورداری از اشراقات

و عنایات باطنی ایشان، درون انسان را متحول و مسِ وجودِ انسان را به طلای ناب تبدیل می کند و در درون انسانی انقلاب و دگرگونی اساسی و عمیق ایجاد می کند.

اگر شما پیامبر بزرگوار اسلام(ص) را می دیدید و فیض حضور ایشان را درک کرده و در محضر ایشان بودید و از بیانات و هدایت ها و راهنمایی های ایشان استفاده می کردید، چه تغییری در شما صورت می گرفت؟

اگر انسان در جلسه یکی از شاگردان امام زمان(عج) که تنها بهره ای اندک از دریای فضایل و کمالات و اخلاق آن سرور را دارد و تنها بویی از آن گلستان همیشه بهار با خود دارد، حضور یابد، آیا خود حضور در آن مجلس حتی اگر سخنی رد و بدل نشود و ایشان سخنی نفرمایند، در روح و روان و درون انسان اثری ندارد؟ تا چه رسد به امام معصومی که آینه دار همه کمالات و خوبی ها و نیکی هاست و آنچه خوبان همه دارند، یکجا دارد و اقیانوس همه اوصاف زیبا و اخلاق پسندیده و خدایی است.

ما چگونه می توانیم به فیض زیارت امام مهدی(عج) برسیم؟

پرسش

ما چگونه می توانیم به فیض زیارت امام مهدی(عج) برسیم؟

پاسخ

ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد.

نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند

آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید».

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیه، شیخ مفید، ص۱۰۵)

مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن

حضرت و اصحابشان انجاممی دهند.

قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می فرماید: الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نَهَوْ

عن المنکر کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند{M،(حج، آیه ۴۱).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتماموررزیم.

خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعا می کنند. از آن حضرت نقل شده است: اناغیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم ؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم{M،(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴).

ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار می باشد. ارتباط با امام زمان یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود رابه امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از اینرو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت

مهدی(عج) را بدانید و سپس آن را در خود عملی کنید پس بحث زیر ضروری به نظر می رسد.

منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد:

۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد.

۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی... ؛ بر من گراناست که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم{M، (دعای ندبه).

۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم.

۴- انتظار فرج آن حضرت در دل و ظاهر جلوه گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع) بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزیحکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجتخدا و تاسیس حکومت عدل گستر اوست

زنـدگی خود را بر پایه عدل و داد اسـتوار می سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفـاوتی نـدارد و قبـل از تشـکیل حکومت عـدل او چنین حکومتی را در زنـدگی خود پایـدار سـاخته است بنـابراین انتظارفرج حقیقی ریشه در معرفت به حـق و عـدل و ایمـان و عشـق به آن دارد و آثـار آن نیز در عمـل نمایـان می گردد و چنین حقیقت اصـیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت های انسانی در تعـارض و تنـاقض است از این جانـادرستی یـک تفسـیر از انتظار فرج روشن می شود زیرا بعضـی بر این تصور خام هسـتند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسـبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصـلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز اسـتو با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی:

الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت.

ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه.

ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی.

ه) امید به آینده ای روشن و نوید بخش.

ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر.

ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی.

خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری.

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج)

زنـده و تحت فرمـان او در راه خـدا جهاد می کننـد، (بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵ - ره توشه راهیـان نور، دفتر تبلیغات اسـلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف).

۵- داستان های واقعی بزرگانی که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند را بخوانیم.

در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی عصر» بر اعمال و رفتار ما آگاهی دارد و خود را در محضـر ایشان ببینیم و برای گره گشایی های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسـطه فیض الهی درخواست داشته باشیم.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجالی تهرانی

۲- ترجمه منتخب الاثر، آیت الله صافی

۳- مهدی موعود، ترجمه: علی دوانی

۴- وابستگی جهان به امام زمان(عج)، لطف الله صافی

۵- امام زمان در گفتار دیگران، علی دوانی

چه کنیم تا بتوانیم با امام زمان(عج) ملاقات کنیم؟

پرسش

چه کنیم تا بتوانیم با امام زمان(عج) ملاقات کنیم؟

پاسخ

ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سـنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقق دو بعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد.

نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند

ولی ناگفته نمانـد ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان نیستیم، آنچه وظیفه ماست تشـبه به آن حضـرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیـان فرموده: «یا ایها الـذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده ایـد،

صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید».

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیه، شیخ مفید، ص۱۰۵)

مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می دهند.

قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می فرماید: «الذین

ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهو عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را به پا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند» (حج، آیه ۴۱).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم.

خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. ایشان همواره برای شیعیان خود دعا می کنند. از آن حضرت نقل شده است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم»(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴).

آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار است. پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از اینرو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانیم و سپس آن را در خود عملی کنیم.

رسول خدا فرمود: «افضل العباده انتظار الفرج» ؛ (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید)

وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان

حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می کند، وسایل پذیرایی را آماده می کند و با لباس مرتب و چهره ای شاداب در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه گویی او خواهند خندید.

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند

بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده می شود. نمی توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید».

با چنین توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نموده و خود را در راه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی تواند از وابستگی ها و دلبستگی ها و آلودگی ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس

امام زمان(ع) باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد:

۱. معرفت: اولین شرط انتظار معرفت است؛ تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی کشند اما کسانی که او را می شناسند و ارزش و مقام او را می دانند منتظر او می مانند.

کسانی که امام زمان را نمی شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱).

بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد ارزش او را بیشتر درک کرده و به عظمت او بیش از پیش پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس ایشان نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند. آری

وصل خورشید به

شب پره ی اعمی نرسد که در این آینه صاحب نظران حیرانند

البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می شود.

همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد.

۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله ور نشده باشد نمی تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳).

۳. ایجاد سنخیت

با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضـعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه ای سامان می دهند که سنخیت کاملی با امام زمـان(ع) داشـته باشـند. آیـا می توان منتظر قـدوم کسـی بود و با او مشابهت و سـنخیت نـداشت؟ آیا می توان محبت کسـی را داشت امـا با او هیـچ سـنخیت و مشابهتی نـداشت؟ ایجاد سـنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجـات معنوی حاصـل می شود. و تنهـا در این صورت است که می توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شـعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشـید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت.

طبیعی است که هر چقـدر سـنخیت با امام زمان بیشتر باشـد محبت آن حضـرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون تر خواهد گشت. پس منتظر واقعی باید سعی کند تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد.

۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می داند که برنامه آن حضـرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشـته باشـد تـا حرکتش پیروز شود. بنـابراین به فکر گسترش یـاران و منتظران آن حضـرت خواهـد افتـاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیـات ایمـانی خود و دیگران خواهـد پرداخت تـا بر اسـاس تعـاونوا علی البر و التقوی به کمـک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید.

۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می کشد و از خدا می خواهد

که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می باشد.

۶. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشقی است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می دارند.

۷. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا هدیه نمودن ثواب هایی به حضرت مهدی(عج).

۸. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران.

۹. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶).

از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می باشد.

۱۰. محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک «عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی...؛ بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم» (دعای ندبه).

۱۱. اصلاح جامعه: زیرا فرج یعنی، نصرت، پیروزی، گشایش و مقصود از نصرت پیروزیحکومت عدل

علوی بر حکومت هـای کفر و شـرک و بی داد است پیروزی عـدل گسـتری که به رهـبری امـام عصـر(عـج) صورت می گیرد بنـابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی و منتظر حقیقی کسـی است که حقیقتا خواهان تشـکیل چنین حکومتی باشدو این خواسـته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شـعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسـی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد اسـتوار می سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سـیر و سـلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشـکیل حکومت عـدل او چنین حکومتی را در زنـدگی خود پایـدار سـاخته است بنـابراین انتظارفرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عـدل و ایمـان و عشق به آن دارد و آثـار آن نیز در عمـل نمایـان می گردد و چنین حقیقت اصـیل و عمیقی بـا لفظ و شـعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدسات دینی و رسالت های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسـیر از انتظار فرج روشن می شود که بعضـی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد، دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. در حالی

که انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز است و با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی:

الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت.

ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه.

ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی.

ه) امید به آینده ای روشن و نوید بخش.

ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر.

ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی.

خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری.

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند، (بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵ - ره توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف).

یادآوری مهم:

درست است که وظیفه ما تلاش برای ملاقات با امام زمان(عج) نیست و حتی بنا بر نظر بعضی از بزرگان تحقق این مسأله خیلی بعید و نادر می باشد و اگر هم ممکن باشد برای امثال مقدس اردبیلی و علامه حلی قابل تصور است نه انسان های عادی هر چند مؤمن و خوب، ولی بحث ملاقات، با بحث ارتباط نباید خلط شود - مسلما وظیفه ما ایجاد ارتباط با امام عصر(عج) می باشد - منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد، نماز امام زمان که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است و نیز از طریق رفتن به مسجد

جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ نماید و برای گره گشایی مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته و خود را در محضر ایشان می بیند.

پاسخ ۵ – منظور دیدن همراه آگاهی و آگاهانه است. اگر سند دارید لطفاً بنویسید این موضوع برای چه کسانی رخ داده است.

پرسش

پاسخ ۵ – منظور دیدن همراه آگاهی و آگاهانه است. اگر سند دارید لطفاً بنویسید این موضوع برای چه کسانی رخ داده است.

پاسخ

ظاهرا مقصود شما ملاقات و دیدن امام زمان علیه السلام است که انشاءالله خداوند متعال با ظهورش این سعادت را نصیب همه ما بفرماید. سوال فوق دو قسمت دارد:

الف) مقصود از دیدن آگاهانه چیست؟

ب) این مسئله برای چه کسانی اتفاق افتاده است؟

در رابطه با سوال اول و اینکه چرا بزرگان به روی معرفت و دیدن آگاهانه تاکید دارند باید گفت این مسئله مستفاد از آیات قرآن کریم و روایات است. می دانیم که در آیات و روایات بر مسئله محبت اهل بیت بسیار تاکید شده حتی قرآن کریم پاداش زحمات ۲۳ ساله پیامبر را مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام قرار می دهد. «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، ۲۳) و در روایات بسیاری حب و بغض ائمه اطهار ملاک ایمان و کفر قرار داده شده.(میزان الحکمه، محمدی ری شهری، جلسه ۲ ص۲۳۷ به بعد) حتی فخر رازی و زمخشری که به قول استاد مطهری در بحث خلافت به جنگ شیعه می آید،(مجموعه آثار، ج۳ ص۲۷۳) ناقل این حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند که فرمود: «الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمنا مستکمل الایمان» (تفسیر کبیر، فخر رازی، ج۲۷، ص۱۶۶، و کشاف زمخشری ج۴ ذیل آیه ۲۳ سوره شوری) هر کس با دوستی آل محمد بمیرد او مؤمن و با ایمان کامل از دنیا رفته؛ و حتی امام شافعی یکی از ائمه چهارگانه اهل سنت در این زمینه ابیات

زیبائی دارد که به یک بیت اشاره می کنم، می گوید: یا آل بیت رسول الله حبکم، فرض من الله فی القرآن انزله. ای اهل بیت رسول دوستی شما فریضه ای است از جانب خداوند که در قرآن فرود آمده است. لیکن باید دانست که صرف ادعا محبت کافی نیست. در محبت هر که او دعوا کند، صد هزاران امتحان بر وی زنند.

محبت واقعی نشانه هائی دارد که یکی از مهمترین آنها پیروی و تبعیت است. قرآن کریم می فرماید: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی»(آل عمران، آیه ۳۱) یعنی محک صدق ادعای محبت، پیروی و تبعیت است. و روشن است که مراد این است که انسان از خداوند و رسول و اولی الامر که ائمه باشند با اختیار و اشتیاق پیروی کند نه جبر و این منوط به شناخت آنهاست به اینکه سزاوار پیروی هستند نه دیدن آنها لهذا آنچه در روایات باعث هدایت داشته شده شناخت حجت خدا و آنچه موجب ضلالت است نشناختن حجت است. اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی (اصول کافی، محمد ابن یعقوب کلینی، ج۱ ص۳۹۶) و اگر صرف دیدن معصوم باعث نجات می شد باید ابوجهل، ابولهب، ابن ملجم و شمر و دشمنان امام زمان علیه السلام، که در زمان حیاتش او را دیدند از اهل ایمان محسوب و نجات می یافتند و حال آنکه قطعا اینگونه نیست. پس میزان قرب ما به معصومین علیهم السلام تابع میزان شناخت ما از آنها است. سلمان، ابوذر، ابو موسی اشعری و ... همه پیامبر را دیدند و ایمان هم به او داشتند لیکن درجه قرب

آنها به حضرت تابع درجه معرفتشان نسبت به مقام رسالت بود. به همین علت در روایات به نسبت به شناخت ائمه تاکید شده نه دیدن آنها. «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه» (همان، ص۴۳۹، حدیث۳) کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است و روشن است که مراد شناخت شناسنامه ای ائمه علیهم السلام نیست و الا دشمنان آنها هم به این نحوه آنها را می شناختند، بلکه مراد شناخت مقام امامت و نقش ائمه در عالم تکوین و اینکه آنها وسائط فیض هستند و غرض غائی از خلقت می باشند و اینکه آنها حجت خدا بر روی زمین هستند و نجات ما در گرو پیروی مطلق و شناخت آنها است که علی علیه السلام، خود فرمود: «لا یدخل الجنه الا من عرفهم ... و لا یدخل النار الا من انکرهم» (نهج البلاغه، فیض، خطبه ۱۵۲)

خلاصه کلام، آنچه مهم است پیوند معنوی و روحی با ساحت قدسی ائمه، علیهم السلام، است که با این شرط در عصر غیبت امکان ملاقات و دیدن هم هست و بر اساس شهادت تاریخ کسانی که به تکامل معنوی رسیدند، به این سعادت نائل شدند.

در رابطه با سوال دوم باید گفت ملاقات با حضرت حجت علیه السلام، به چند نحو ممکن است انجام شود.

اول- ملاقات و ارتباط روحی با حضرت که این نحوه از ارتباط بهترین نحوه ارتباط و دائمی است.

دوم- حضرت را در عالم خواب ببینیم.

سوم- آن حضرت را در عالم مکاشفه زیارت کنیم.

چهارم- وجود مقدسش را با بدن ظاهری ملاقات کنیم.

که ظاهرا مراد شما قسم آخر است

که بایـد در این رابطه گفت این مسـئله برای افراد زیـادی در طول تاریـخ اتفـاق افتـاده که به این سـعادت نائل شـده انـد که به بعضی از آنها اشاره می کنم.

علامه بحر العلوم، مقـدس اردبیلی، علامه حلی، شـیخ انصـاری، و شـیخ عبـد النبی اراکی و افرادی دیگر که در این زمینه می توانیـد به کتـاب رخسـار آفتاب تألیف سـید مجتبی غیوری مراجعه فرمائیـد، و در رابطه با سوال اول به سلسـله مباحث امامت و مهـدویت تـألیف آیت الله صـافی و یـا کتـاب خورشـید تابـان تـألیف عـده ای از اساتیـد حوزه علمیه قم و یا آثار دیگر مراجعه فرمایید.

راه رسیدن به لقای حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

پرسش

راه رسیدن به لقای حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

پاسخ

انسان از دو طریق می تواند به ملاقات حضرت شرفیاب شود:

۱ – از راه تحصـیل کمالات روحی؛ زیرا انسـان از این راه، رذایـل اخلاقی را از خود دور کرده، با عمل به دسـتورات شـرع به درجه ای می رسد که قابلیت شرفیاب شدن به محضر آن حضرت را پیدا می کند.

۲ – از راه عمل به برخی از دستورات وارده که در برخی روایات به آن اشاره شده است. از آن جمله اینکه هر کس چهل شب در طول چهل هفته به مسـجد سـهله برود وبا حضور قلب به حضـرت توجه پیدا کرده، از خداوند طلب رؤیت ایشان را نماید به ملاقات آن حضرت شرفیاب می شود.

چرا وقتی عدّه ای امام زمان علیه السلام را می بینند از ابتدا او را نمی شناسند؟

پرسش

چرا وقتی عدّه ای امام زمان علیه السلام را می بینند از ابتدا او را نمی شناسند؟

پاسخ

در پاسخ این سؤال می گوییم:

اولاً: این طور نیست که تمام کسانی که به ملاقات حضـرت مشرّف شده اند در ابتدا حضرت را نشناخته اند، چه بسا افرادی که از همان ابتدا حضرت را شناخته وبا او انس داشته اند، همانند سید بحرالعلوم ومقدس اردبیلی و... .

ثانیاً: هدف حضرت از ملاقات ها به طور عمده رفع گرفتاری از شیعیان است که این هدف با ملاقات ولو بدون شناخت، حاصل می شود.

ثالثاً: شناخته نشدن حضرت (ع) به جهت عدم انس است ومعمولاً در ملاقات های اول بوده که حضرت را نمی شناختند، زیرا قبلاً او را ندیده بودند.

رابعاً: گاهی انسان به جهت شوق زیاد ویا بی توجّهی ویا توجه زیاد به کار خود است که از مخاطب خود غافل می شود وبعد از برآورده شدن حاجتش به فکر می افتد که این شخص چه کسی بود.

خامساً: شناخته نشدن حضرت در عصر غیبت کبرا طبق مقتضای اصل اوّلی است، زیرا غیبت حضرت کلّی است، وقرار است که به جهت مصالحی حضرت ناشناخته بمانند.

چرا ما نمی توانیم خدمت امام خود برسیم؟

پرسش

چرا ما نمی توانیم خدمت امام خود برسیم؟

پاسخ

اولاً: ما باید ملاحظه کنیم که وظیفه ما در این عصر وزمان چیست وبرای رسیدن به کمالی که هدف از خلقت ما قرار گرفته چه باید بکنیم.

وظیفه ما جز عمل به دستورات ووظایفی که از ناحیه امامان معصوم: به ما ابلاغ شده ورسیده چیز دیگری نیست. اگر چه مجرّد ملاقات حضوری خود نیز شرفی خاص است.

ثانیاً: منشأ محرومیّت از ملاقات حضرت (ع) وغیبت ایشان خود ما بوده ایم. وخود ما نیز می توانیم با برداشتن موانع ظهور، در رفع این محرومیّت ها سهیم باشیم.

ثالثاً: برای هر امّتی، در هر عصر وزمانی یک نوع امتحان است، ومسأله غیبت امام زمان (ع) در این دوره برای جامعه شیعی یک نوع امتحان بزرگ محسوب می شود.

رابعاً: کسی نگفته ما نمی توانیم خدمت آقا امام زمان (ع) مشرّف شویم. این امر برای هر کس مقدور است، ولی مقداری سنخیّت لازم دارد، باید غبار وزنگار را از چشم ودل زدود تا قابلیّت لقای حضرت را پیدا کرد. وبه طور کلّی احتیاج به دویدن نیست بلکه اگر خود را اصلاح کنیم آن حضرت خود به دیدارمان خواهد آمد.

۲–برای دیدار امام زمان « عج » چه کارهایی را باید انجام داد ؟

پرسش

۲-برای دیدار امام زمان « عج » چه کارهایی را باید انجام داد ؟

پاسخ

ج ۲- اولا در اصلاح نفوس خودمان بکوشیم و به اخلاق نیک آراسته شویم و به وظایف فردی خودمان عمل کنیم و احکام و دستورات قرآن را به کار ببندیم طهارت و پاکدامنی یعنی : در اثر نگاه داشتن نفس از شهوات حرام روح طاهر و پاک گردد به این معنا که هر گاه نفس خواست سرکش شود و به طرف محرمات روی آورد باید در مقابل او مقاومت نمود و خود را حفظ کرد، چنانکه حضرت امیر المومنین« علیه السلام » می فرماید : { الصبر علی الشهوت عفّه } یعنی : «مقاومت در برابر شهوتها عفت و پاکدامنی است »

کلید سعادت و خوشبختی عبارت است :

۱- تقوی و تزکیه نفس مهمترین دستوروعمل برای رسیدن به هدف متعالی تحصیل تقوی و تزکیه نفس است، که تمامی انبیاء علیه السلام » برای عملی ساختن آن در میان امتها فرستاده شدند ، چنانکه قرآن می فرمایند: « پروردگارا در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیزتا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و تزکیه شان کند. زیرا؛ تو توانا و حکیم هستی .

در محضر پروردگار هر گاه انسان حقیقتا دانست که خداوند متعال حاضر و ناضر او است و در هر لحظه در منظر دید خداوند و در محضر پروردگار قرار دارد تمام کردار و گفتارش در جهت صحیح قرار می گیرد .

۳- توجه به حیات ابدی . بدان زندگی در دنیا همانند راهی است که حتما از آن عبور خواهد کرد و بعد از

آن وارد منازل و عقبه هائی خواهد شد که مقدمه برای حیات ابدی توست.

۴- نماز و عبادت

۵- کنترل فکر

۶- ازدواج

۷- اهمیت دادن به محیط خانواده

۸- دوری از گناه

۹- حفظ حجاب

۱۰ – مرابطه و توسل

منابع :

۱-سیمای آفتاب , حبیب الله طاهری

۲- قص الظهور , قاسم میرخلف زاده

۳- خورشید غایب , رضا استادی

۴-خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی

اثر تشرف

مگر امام زمان نگفته که هر کس بگوید با امام زمان ارتباط دارم، کذب است، پس چگونه امام خمینی با امام زمان ارتباط داشت؟

پرسش

مگر امام زمان نگفته که هر کس بگوید با امام زمان ارتباط دارم، کذب است، پس چگونه امام خمینی با امام زمان ارتباط داشت؟

پاسخ

در آخرین توقیع و نامه ای که از امام زمان (عج) رسید، آمده است: "الا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کاذب مفتر؛ بدان هر که پیش از خروج سفیانی و برآمدن صیحه (و بانکی از آسمان) ادعای دیدن من را تاریخ عصر

غیبت، ۲۱۹؛ بحار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

نماید، دروغگو است".

با صدور این توقیع از ناحیه مقدسه، دوره غیبت صغری که از ویژگی هایش نیابت خاصه است (که از ۲۶۰ تا ۳۲۹ ه' ق بود)؟ به پایان رسید و دوره غیبت کبری آغاز گردید که از ویژگی هایش نیابت عامه برای فقیهان داری این شرایط ویژه رهبری و تدبیر است.

در دوره غیبت کبری ارتباط با امام زمان به گونه ای که در دوره قبل وجود داشت، قطع گردید، لیکن ارتباط به صورتی دیگر برقرار است.

نیابت خاصه در عصر غیبت کبری منتفی گردید، و هر که ادعا کند نایب خاص حضرت هستم، می بایست او را تکذیب نمود. مقتضای روایت مذکور همین سخن است و این منافاتی ندارد که برخی از اولیاء الله، بدون هیچ ادعایی، با حضرت مهدی (عج) رابطه داشته باشند.

این که امام خمینی با امام زمان (عج) ارتباط داشت یا نه، اثبات و نفی اش برای ما مشکل است و شاید بتوان گفت که ممکن نیست. می توان حدس زد که رهبری انقلاب اسلامی ایران و خنثی نمودن آن همه توطئه ها از عنایات ویژه امام زمان (عج) نشأت گرفته است، چرا که از بعضی احادیث و روایات برمی آید که امام زمان، امت

اسلامی را تنها نمی گذارد و همانند آفتاب پشت ابر انسان ها می توانند از او بهره مند شوند و کسانی را که به او نزدیک شوند، مورد عنایت خود قرار می دهد، البته توجه داشته باشید که امام خمینی هیچ گاه ادعای مشاهده نکرده است. اگر هم با حضرت در ارتباط بودند، آن را برای مردم بیان نکردند. چرا که:

هر که را اسرار حق آموختند

مهر کردند و دهانش دوختند

آیا امام خمینی (ره) با امام زمان (ع) ارتباط داشته است؟

پرسش

آیا امام خمینی (ره) با امام زمان (ع) ارتباط داشته است؟

پاسخ

درباره ارتباط و عدم ارتباط امام خمینی (ره) با امام زمان (ع) نمی توان قضاوت قطعی نمود، زیرا این مسایل از اموری است که ما نمی دانیم. ممکن است شخصیت های الهی مانند امام خمینی (ره) که از قابلیت و شایستگی برخوردارند، با امام زمان (ع) ارتباط مستقیم داشته و در هدایت و رهبری مردم و مبارزه علیه ظالمان، از وجود مقدس امام زمان (ع) بهره گیرند.

برخی عقیده دارند که انسان های لایق در زمان غیبت کبری می توانند با امام زمان (ع) ارتباط داشته باشند، مانند ارتباط علامه حلی با امام زمان (ع). از سوی دیگر به نحوه دیگر از عنایت امام زمان (ع) برخوردار شد، زیرا تنها راه ارتباط با امام (ع) ارتباط مستقیم نیست، بلکه را ه های دیگر نیز وجود دارد.

امام (ع) از راه های دیگر به بزرگان دین کمک نموده و به هدایت و رهبری آنان می پردازد. در برخی روایات آمده است که امام به گونه ناشناس در میان مردم آمده و به هدایت آنان می پردازد و مردم امام خویش را نمی شناسند. بنابراین می تواند امام خمینی نیز به طور غیر مستقیم مورد عنایت امام زمان قرار گرفته باشد.

همان گونه که امکان دارد با امام (ع) ارتباط مستقیم داشته و از حضرت دستور مستقیم گرفته و امام (ع) وظایف او را تعیین می کرده است.

اما به نحو کلی می توان گفت که با توجه به اعتقاد ما شیعیان به امام زمان (ع) و اینکه انسان ها و شیعیان را مورد عنایت و توجه قرار می دهد،

دوران سخت انقلاب و پس از آن و در دوران جنگ تحمیلی که شرایط بر مسلمانان و شیعیان ایران بسیار دشوار بود، مطمئناً کشور و مردم و رهبر انقلاب مورد توجه و عنایت امام عصر (عج) قرار داشته اند.

در زمان غیبت، امام زمان((علیه السلام)) با چه کسی تماس دارد؟

پرسش

در زمان غیبت، امام زمان((علیه السلام)) با چه کسی تماس دارد؟

پاسخ

همانگونه که از عنوان «زمان غیبت» به دست می آید در این زمان کسی نمی تواند با امام زمان((علیه السلام)) تماس پیدا کند ولی ارتباط معنوی بین آن حضرت و شیعیانش برقرار است و شیعیان و دوستان وی از عنایات و الطاف ویژه ی آن حضرت برخوردار می باشند.

گذشته از این که امام زمان((علیه السلام)) واسطه ی فیض الهی است و به خاطر آن حضرت است که تمام موجودات عالم از خدای جهان کسب فیض می نمایند.

و در حدیثی که در کتاب احتجاج، ص ۳۲۳، ج ۲ نقل شده است امام((علیه السلام))می فرمایند: ما در مراعات شما کوتاهی نمی کنیم و شما را فراموش نمی کنیم و اگر این نبود شر و بدی بر شما نازل می گشت و دشمنان بر شما مستولی می گردیدند.

(بخش پاسخ به سؤالات)

در رابطه با امام زمان (ع) در زمان غیبت در حدیث موثقی آمده هرکسی ادعای رؤیت کند تکذیب کنید در حالی که علمای طراز اولی بوده اند که ملاقات داشته اند و در همان حال بیداری توانستند امام را بشناسند و برای دیگران هم نقل کردند. برنامه صبح امید کانال صدا و سیما در

پرسش

در رابطه با امام زمان (ع) در زمان غیبت در حدیث موثقی آمده هرکسی ادعای رؤیت کند تکذیب کنید در حالی که علمای طراز اولی بوده اند که ملاقات داشته اند و در همان حال بیداری توانستند امام را بشناسند و برای دیگران هم نقل کردند. برنامه صبح امید کانال صدا و سیما در همه هفته نمونه های زیادی را ذکر می کند. این مطالب چگونه با آن احادیث قابل توجیه است و از طرفی از قول آقای جوادی آملی نقل شده که گفت اگر چشمان ما لیاقت دیدار شاگرد شاگرد امام زمان (ع) را داشته باشد خیلی کار کردیم چه رسد به امام زمان.

پاسخ

آنچه در روایات آمده است و همچنین مراجع معظم تقلید برآن تاکید نموده اند. لزوم تکذیب کسی است که ادعای رؤیت ونیابت وواسطه گری کند.

همانگونه که در عهد غیبت صغری بوده است و گرنه ملاقات ودیدار باحضرت نه امتناع عقلی دارد و نه منع شرعی .

تشرف بزرگان هم به محضر حضرت که بدون ادعای واسطه گری و نیابت بوده صحیح و غیر قابل انکار و احوال حضرت همچون خورشید پشت ابر است و هر کس که بتواند از ابر نفس و حجاب انانیت بگذرد در محضر خورشید خواهد بود همانگونه که مرحوم حَدّاد رضوان الله علیه بنابرنقل علامه طهرانی اعلی الله مقامه در "روح مجرد" فرمودند: کور است هر چشمی که هر صبح به جمال امام زمان (ع) ارواحنا له الفداه نیفتد . و جمله ای که از استاد ما آیت الله جوادی آملی حفظه الله نقل شده نشانه شرط رسیدن به محضر حضرت است نه امتناع آن که البته شرط سخت است و

در عین حال شیرین، عبور از نفس و رسیدن به طهارت. ولی مهم تشرفِ با معرفت است البته کم هستند کسانی که به حقیقت محضر حضرت رسیده اند و عمده تجلی نفس خود را دریافت کرده اند .

آیا گفته کسانی که ادعایی ملاقات با امام زمان را دارند صحیح است ؟

پرسش

آیا گفته کسانی که ادعایی ملاقات با امام زمان را دارند صحیح است ؟

پاسخ

این که در این زمان افراد زیادی امام عج را دیده اند، سخن بدون دلیلی است زیرا دیدن امام مهدی عج به دو صورت است

۱. در حال اضطرار؛ یعنی برای کسی مشکلی پیش بیاید (مثلاً در بیابان گم شود یا جانش در خطر باشد) و امام برای کمک او حاضر شود.

۲. دیدن امام ع در حال اختیار و بدون وجود ضرورت

برای دسته اول نمونه های فراوانی وجود دارد که کسی در حال اضطرار به فرد یا افرادی کمک کرده و آنان را از خطر و مرگ نجات داده است این مطلب واقعیت دارد؛ لیکن این که آن شخص خود امام مهدی ع باشد معلوم نیست زیرا در روایات و احادیث آمده است که امام ع دستیاران و یاورانی دارد که آن حضرت را در انجام دادن کارها کمک می کنند، گمشدگان را نجات می دهندو... در برخی از موارد احتمال دارد کسی که به فریاد مردم رسیده است یکی ازدستیاران امام باشد نه خود امام ع . هر چند که ممکن است در برخی ازموارد هم خود آن حضرت این کار را کرده باشد .

درباره دیدن امام در حال اختیار گفتنی است که موارد آن مواردش بسیار کم است و کسانی که چنین توفیقی داشته باشند، معمولاً ـ آن را ابراز نمی کنند و ازشهرت فراری هستند. داستان های زیادی از علما نقل شده که اگر جریان ملاقات خود را برای کسی نقل کرده اند از او خواسته اند که پیش از مرگشان آن را برای کسی نقل نکند، درباره این که خود امام زمان (ع

فرموده اند: «به زودی کسانی ادعای مشاهده ...» گفتنی است

ما از یک سو می دانیم واقعاً بزرگان و علمایی هر چند کم به خدمت امام ع رسیده اند. این افراد به هیچ وجه دروغ گو و فریب کار نبوده اند؛ بنابر این مامطمئن هستیم که اگر گفته اند ما امام را دیده ایم راست گفته اند؛ لیکن از سوی دیگر خود امام زمان ع فرموده است کسانی که ادعای مشاهده مرا می کنند،دروغ می گویند. علما و بزرگانی مثل علامه مجلسی محدث نوری و... برای توجیه این مطلب جواب هایی را ذکر کرده اند. یکی از آن پاسخ ها این است که سخن امام مهدی ع به این معنا است که کسانی که ادعا می کنند، از طرف من وکیل یا نایب یا واسطه هستند، دروغ می گویند؛ وگرنه ادعای دیدن حضرت بدون ادعای وکالت نیابت و... اگر از سوی انسان های با تقواوعادل باشد ایرادی ندارد.

چند مورد از ملاقات های آقا با امام زمان را بیان کنید؟

پرسش

چند مورد از ملاقات های آقا با امام زمان را بیان کنید؟

پاسخ

قابل ذکر است افراد وارسته اگر ملاقاتهایی با فرستادگان امام زمان(عج) و یا خود امام زمان(عج) داشته باشند به طور معمول در زمان حیات خود اعلام نمی کنند. اما از برخی تصمیم گیریها در مواقع حساس و یا برخی امدادهای غیبی در بحرانها، لطف امام زمان(عج) نسبت به آنان بسیار محسوس است. چنان که از امام راحل(ره) از چندین منبع موثق به طور مستقیم گفته شده است. که در بعد از ظهر ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، رژیم شاه حکومت نظامی اعلام کرد. و وضعیت بسیار بحرانی بود و تصمیم گیری بسیار مشکل بود. چون اگر مردم به خیابانها می آمدند، چه بسا بر اساس قانون حکومت نظامی کشتار فراوانی رخ می داد. اما در آن لحظات حساس امام راحل(ره) اتاق را خلوت کردند و پس از مدتی اعلام کردند مردم به خیابانها بریزند. آقای طالقانی(ره) به جهت خیرخواهی تلفنی با امام تماس گرفتند. که امام از تصمیم خود صرف نظر کنند. پس از چندین تماس امام راحل(ره) فرمودند اگر دستور امام زمان(عج) باشد باز هم شما حرفی دارید؟!! در این هنگام آقای طالقانی(ره) بهت زده تسلیم می شود و همگی راضی می شوند. و اتفاقا در همان شب انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

علی بن مهزیار در کجا امام زمان را ملاقات کرد؟

پرسش

علی بن مهزیار در کجا امام زمان را ملاقات کرد؟

پاسخ

علی بن مهزیار در سفر حج و در مکه معظمه توفیق شرفیابی و ملاقات با امام زمان (عج) را پیدا کردند.

برای آگاهی بیشتر به کتاب هایی که جریان دیدارهای مشتاقان حضرت را بیان کرده اند مراجعه کنید.

با سلام با توجه به اینکه برخی از بزرگان ما با امام زمان ارتباط داشتند ... پس چرا از ایشان سؤوالاتی را که شبهه برانگیز است را از ایشان نمیپرسند ؟ مثل ازدواج عمر با ام کلثوم .... یا بسیاری از مسائل دیگر ؟ تا شک همه برطرف بشود.. مانند مطمئن شدن عالمی از بودن

پرسش

با سلام با توجه به اینکه برخی از بزرگان ما با امام زمان ارتباط داشتند ... پس چرا از ایشان سئوالاتی را که شبهه برانگیز است را از ایشان نمیپرسند ؟ مثل ازدواج عمر با ام کلثوم .... یا بسیاری از مسائل دیگر ؟ تا شک همه برطرف بشود.. مانند مطمئن شدن عالمی از بودن قبر حضرت زینب در دمشق توسط حضرت قائم

پاسخ

۱. آخرین نایب خاص امام زمان علیه السلام ابوالحسن علی بن محمد سمری است. چند روز مانده به مرگش این نامه از سوی امام زمان برای ایشان رسید:

«بسم الله الرحمن الرحیم. ای علی بن محمد سمری! خداوند به برادران دینی تو اجر عظیم عطا کند زیرا که تو در این شش روز خواهی مرد پس کارهای خود را مرتب کن و کسی را جانشین خودت قرار مده. وقت غیبت تام فرا رسیده و جز به اذن خدا ظهوری نخواهد بود و این ظهور پس از طولانی شدن مدت و سخت شدن دلها و پر از ظلم شدن کرده زمین تحقق یافت. به زودی برخی از شیعیان من ادعای مشاهده می کنند، بدانید، هر کس قبل از خروج سفیانی و صحیحه آسمانی ادعای مشاهده مرا بکند کذاب است.» (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۸ و منتهی آلامال، ج ۲، ص ۸۹۴ چاپ هجرت)

بر اساس این توقیع شریف، هر کس در میان شیعیان اعلام کنده که من امام زمان را مشاهده می کنم و با او ارتباط دارم، کذاب و دروغگو است و برای همین کسانی که توفیق زیارت امام زمان نصیب آنها شده، هیچوقت اعلام نمی کنند که ما امام زمان را ملاقات و مشاهده کردیم و

پس از مرگ آنهـا برخی از خواص، این حادثه را نقل کرده انـد. پس چنین نیست که ارتباط با امام زمان، یک ارتباط عادی و خودمانی باشـد و شـخص مشاهـده کننـد بتواند با او خودمانی و عادی ملاقات کند بلکه این ملاقات، یک ملاقات غیر عادی و غیر متعارف است و ما نباید توقع داشـته باشـیم که شخص مشاهده کنند از امام زمان هر سوالی را بکند و جوان آن حضرت را برای ما اعلام کند و اگر چنین کاری پیش بیاید، در این صورت این شـخص به عنوان نایب و سفیر آن حضرت خواهد بود گر چه در رسانـد جـواب ای سوالاـت و چنین نیـابتی بر اسـاس آن توقیـع نفی شـده و هیچکس چنین نیـابتی از سوی آن حضـرت ندارد.

البته شخص مشاهده کنند ممکن است جواب سؤالاتی را از امام زمان علیه السلام دریافت بکند ولی این جواب فقط برای خود اوست و او حق ندارد به دیگران اعلام بکند و اگر اعلام کند، همه ما او را تکذیب خواهیم کرد.

۲. یکی از سؤالاتی که جوابش معلوم نیست این سوال است: «قبر حضـرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در کجاست؟» پدر آیهالله نجفی مرعشـی مدتی ریاضت کشید و به امامان توسل کرد تا محل قبر فاطمه زهرا سلام الله علیها را بشناسد. پس از توسل های زیاد به او الهام شده که تو کاری نداشـته باش که قبر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در کجاست و هر وقت خواستی فاطمه زهرا سلام الله علیها را زیارت کنی در قم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها را زیارت کن.

از این داستان معلوم می شود که جواب برخی

از سوالات نباید مشخص باشد و مصلحت در مبهم ماندن آن جواب است، به عنوان مثال، قبر حضرت زینب کبری بطور یقین معلوم نیست در کجاست؟ آیا در مصر است؟ یا در شام است؟ و یا در مدینه است؟ در حال حاضر سه مرکز، محل زیارت حضرت زینب کبری است آنهم در سه کشور و هر سه مرکز پایگاه تبلیغات شیعهه است و مردم به هر سه مرکز روی می آورند و پیام نهضت کربلا از این مرکز به گوش جهانیان می رسد.

۳. الان عصر غیبت است و اگر بنا باشد جواب سوالات را از امام زمان دریافت کنیم در این صورت، دیگر عصر غیبت نخواهد بود بلکه عصر حضور خواهد بود در حالی که عصرر ماه عصر غیبت است آنهم غیبت تام و در عصر غیبت تام نمی توان از امام عصر مانند عصر حضور بهره مند شد. در عصر غیبت تام ما مؤظف هستیم در امر دین و دنیای خود به فقهای عادل و جامع شرائط مراجعه کنیم و این فقها هم با اجتهاد و تلاش خود احکام اسلامی را به دست می آورند.

اگر فقیهی و یا شخصی دیگری دارای مقامات معنوی بلندی شد و به خدمت حضرت صاحب الامر تشرف یافت، نمی پرسد که آقاجان! قبر حضرت زینب کبری کجاست؟ بلکه اگر بخواهد سوالی بکند، سوالی می کند که از اینها اساسی تر و کارسازتر است. اینکه عمر بن خطاب با دختر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها ازدواج کرده یا نکرده، مسأله اساسی و کارساز نیست و می توان آن را از راههای دیگر به دست آورد و نیازی نیست که از امام بپرسیم.

۴. کسانی که با حضرت صاحب الامر

ملاقات داشته اند، بسیاری از آنها پس از جدایی از امام زمان فهمیده اند که امام زمان را دیده اند نه اینکه از همان اول متوجه باشند و بیشتر این افراد، ناگهان متوجه حضور حضرت امام عصر شده اند نه اینکه قبلاً برنامه ریزی کرده باشند. بنابراین کسی که ناگهان متوجه حضرت حضرت صاحب الامر باشد، نمی تواند هر چه می خواهد برسد بلکه محو تماشای جمال او می شود و خود غیر خود را فراموش می کند و برخی از علمای بزرگ مانند مقدس اردبیلی با حضرت صاحب الامر ارتباط قوی داشتند و گاهی این ارتباط قبلاً پیشبینی می شد و ایشان هم با برنامه ریزی خدمت امام عصر می رسیدند و سؤالاتی هم از آن حضرت می کردند ولی ایشان هیچوقت این راز را فاش نکرد و پس از مرگ او برخی از شاگردانش این راز را فاش کردند.

افرادی مانند مقدس اردبیلی که شایستگی درک محضر حضرت ولی عصر را داشتند، حق نداشتند این سر را به کسی بگویند. به این نکته هم توجه داشته باشیم برخی افراد گرفتار که امام زمان را به فریاد رسی می خوانند و کسی هم ظاهر می شود و به او کمک می کند، نمی توان گفت که این خود حضرت صاحب الامر است بلکه در مواردی خود امام نمی آید بلکه دیگری را می فرستد.

چه کسانی به ملاقات حضرت در غیبت کبرا مشرّف شده اند؟

پرسش

چه کسانی به ملاقات حضرت در غیبت کبرا مشرّف شده اند؟

پاسخ

کسانی که در غیبت کبرا به لقای حضرت مشرف شده اند را نمی توان شمارش کرد، زیرا برخی از آنها ناشناخته مانده وکسانی هم که شناخته شده اند چندان زیاد هستند که شمارش آنها دشوار است، ولی از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – سید بن طاووس؛.{پاورقی . مهج الدعوات، ص ۲۹۶. پاورقی}

۲ – علامه حلّی؛.{پاورقی . مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۷۳ ؛ جنه المأوی مطبوع با بحار، ج ۵۳، ص ۲۵۲ ؛ قصص العلماء ص ۳۵۹. پاورقی}

۳ – شیخ قطیفی.{پاورقی . ریاض العلماء، ج ۱، ص ۱۸ ؛ الکنی والالقاب، ج ۳، ص ۶۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۵۵. پاورقی}

۴ – مقدس اردبیلی؛.{پاورقی . الانوار النعمانیه، ج ۲، ص ۳۰۳. پاورقی}

۵ – محمّد تقی مجلسی؛.{پاورقی . روضه المتقین، ج ۵، ص ۴۵۰ ؛ ج ۱۴ ص ۴۱۹ù۴۲۰. پاورقی}

۶ – سید مهدی بحرالعلوم؛.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۶ù۲۳۴. پاورقی}

۷ – شیخ مفید؛.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲ ؛ قصص العلماء، ص ۳۹۹. پاورقی}

۸ – شیخ انصاری؛.{پاورقی . دارالسلام ؛ حیات وشخصیت شیخ انصاری، ص ۱۰۶. پاورقی}

۹ – میرزای شیرازی؛.{پاورقی . مذاکرات آیت اللّه حائری، ص ۳۰. پاورقی}

۱۰ – شیخ حرّ عاملی؛.{پاورقی . اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۱۰، باب ۳۳. پاورقی}

۱۱ – اسماعیل هرقلی.{پاورقی . کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۹۳ ؛ تبصره الولی، ص ۲۳۴. پاورقی}

ودیگران.{پاورقی . ر.ك: "جنه المأوی" و"نجم الثاقب" از حاجی نوری ودیگر کتب. پاورقی}

کیفیت ملاقات مردم با حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟

پرسش

کیفیت ملاقات مردم با حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟

پاسخ

در مورد کیفیّت ملاقات حضرت مهدی (ع) با افراد در صورت ضرورت احتمالاتی وجود دارد:

۱ – کسی که به ملاقات حضرت شرفیاب شده از حضرت دور نبوده بلکه در بین جامعه ای زندگی می کرده است که امام زمان (ع) نیز در آن جامعه بوده است.

۲ – ملاقات، به صورت اتفاقی بوده است، به این صورت که حضرت از محلّی عبور می کرده از قضا کسی گرفتار وحاجتمند بوده وبا او ملاقات داشته است.

۳ – اینکه امام (ع) هرگاه ملاحظه می کرد که شخصی گرفتار است ویا حاجتی دارد ورفع گرفتاری وحاجت او ضروری به نظر می رسید شخصاً از مکان خود به طریق طبیعی حرکت کرده وخود را به او می رسانده تا حاجت او را برآورده کند.

۴ – احتمال دارد که ملاقات ها برای قضای حاجت، یا هدایت شخص یا گروه، یا دفع ظلم وغیره، از راه معجزه باشد، به اینکه حضرت با طیّ الأرض از مکان خود حرکت کرده وسریع خود را به مقصد می رساند. همه این احتمالات متصوّر است، به این معنا که حضرت از همه راه ها برای برآوردن حاجات استفاده می کند.

امام زمان علیه السلام چه اهداف کلی و عمومیخاصی از ملاقات با مردم داشته است؟

پرسش

امام زمان علیه السلام چه اهداف کلی و عمومیخاصی از ملاقات با مردم داشته است؟

پاسخ

در مورد اهداف کلی وعمومی ملاقات ها به چند هدف اساسی می توان اشاره نمود:

۱ – نجات مسلمانان از ظلم برخی از حاکمان منحرف، که از آن جمله می توان به نجات مردم بحرین اشاره کرد.

{پاورقی . نجم الثاقب، ص ۳۶۷. پاورقی}

۲ – نجات مسلمانان از دست دزدان وجنایتکاران.{پاورقی . همان، ص ۳۷۰. پاورقی}

۳ – توجه دادن مردم به عدم تحقق شرط ظهور وتأکید بر اینکه امّت به شعور وقابلیّتی نرسیده که بتواند عهده دار حکومت عدل جهانی گردد.{پاورقی . تاریخ الغیبه الکبری، ص ۱۳۵ùّ۱۳۶. پاورقی}

اهداف خصوصی برای ملاقات ها فراوان است، ولی می توان به برخی از این اهداف اشاره نمود:

۱ – هدایت شخص وامانده در راه وملحق کردن او به قافله.

۲ – یاری دادن یکی از دو طرف مباحثه که بر طریق حقّ بوده به جهت مصلحتی که اقتضا کرده است.

۳ – حلّ برخی از مسائل که بر علما دشوار می شود، همان گونه که مقدّس اردبیلی برای حل مسائل دشوار خدمت حضرت مشرّف می شد.

۴ – خبر دادن از برخی مسائل سیاسی مهم زمان قبل از آنکه به وقوع بپیوندد، به جهت حفظ مصالح شیعیان.

۵ – بالا بردن سطح علمی ومعیشتی شیعیان.

۶ – مساعدت مالی به شیعیان گرفتار.

۷ – شفای مریضانی که زمین گیر شده وپزشکان آنها را جواب کرده اند.

۸ – تعلیم ادعیه واذکار به جماعتی از مردم، همانند تعلیم دعای فرج.

۹ – تحریص بر تلاوت ادعیه به جهت رفع گرفتاری ها.

ودیگر اهداف خاص.

آیا ممکن است کسی در ملاقاتش باحضرت مهدی علیه السلام او را بشناسد؟

پرسش

آیا ممکن است کسی در ملاقاتش باحضرت مهدی علیه السلام او را بشناسد؟

پاسخ

مطابق قواعد عامّه در مورد غیبت حضرت مهدی (ع) که قرار است از دشمنان محفوظ باشد تا کسی او را به قتل نرساند، باید بر کسی شناخته شده نباشد جز افراد ممتاز از مردم که از اولیای آن حضرت به شمار می آیند، همان گونه که مطابق برخی از روایات، سی نفر همیشه در رکاب حضرت بوده وبا حضرت به سر می برند.

همچنین از برخی روایات استفاده می شود که حضرت (ع) یا دیده نمی شوند و یا در صورت دیده شدن کسی او را نمی شناسد.

در روایتی از امام رضا (ع) می خوانیم که فرمود:

"لا یری جسمه"؛ "جسم او مشاهده {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۰. پاورقی}

نمی شود."

و نیز از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود:

"الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه..."؛ "پنجمین از اولاد هفتمین [امام] شخصش از شما غایب می گردد." {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲. پاورقی}

و نیز روایت شده که فرمود:

"یفقد الناس امامهم، فیشهد الموسم فیراهم ولایرونه"؛{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱. پاورقی}

"مردم امامشان را مفقود و گم می کنند، پس او در موسم [حج] حاضر می شود و مردم را می بیند ولی آنان او را مشاهده نمی کنند."

و نیز در خبر محمّد بن عثمان عَمْری می خوانیم که فرمود:

"واللَّه انّ صاحب هذا الأمر لیحضر الموسم کلّ سنه یری الناس و یعرفهم و یرونه و لایعرفونه"؛ "به خدا سوگند! همانا {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۰. پاورقی}

صاحب این امر هر سال در موسم [حج] حاضر می شود، مردم را می بیند و آنان را می شناسد و مردم نیز حضرت (ع) را می

بینند ولی او را نمی شناسند."

آیا جدیداً کسی حضرت مهدی"عج" را دیده است که پیامی از جانب ایشان داشته باشد؟

پرسش

آیا جدیداً کسی حضرت مهدی"عج" را دیده است که پیامی از جانب ایشان داشته باشد؟

پاسخ

مسلم است که عده ای از بزرگان و علما دین همانند شیخ مفید،مقدس اردبیلی، فیض کاشانی .ارتباط ظاهری و ملاقات با امام زمان(عج) داشتند و ممکن است انسان با ایمانی امام زمان را ببیند امّا اگر کسی موفق به دیدار آن حضرت بشود وآن حضرت را بشناسد نباید ادعای ارتباط با امام زمان (عج) داشته باشد و آن دیدار را از روی قرار قبلی بقصد نیابت خاصهآن حضرت اعلام نماید. اگر فردی چنین مطلبی را وانمودکرد مردم موظفند که او را تکذبب کنند. و همچنین روایاتی از اهل بیت (ع) و خود امام عصر ارواحنا فداء به ما رسیده است که هر کس ادعای دیدار حضرت قائم (عج) را بکند بسیار دروغگو است و او را تکذیب کنید .

و برای روشن شدن مطلب سخنان برخی از مراجع بزرگوار تقلید را بیان می کنیم.

حضرت آیت ا...صافی گلپایگانی می فر ماید : "ادعای ارتباط خاص باحضرت حجت"عج" در زمان غیبت آن بزرگوار دروغ است وشرکت درمجالسی که در آن چنین ادعاها می شود حرام است و مؤمنین باید بی اساس بودن چنین ادعا را برای مردم بیان کنند که گمراه نشوند."۱"

وحضرت آیت ا...فاضل لنکرانی می فرماید : "ما فعلاً موظف هستیم به تکلیف خود در زمان غیبت که فقهای عظام برای ما معین می کنند عمل کنیم (وکسانی که ادعای دیدار می کنند) معمولاً انگیزه های مادی وگاهی سیاسی دارندو لذا مؤمنین باید مواظب این توطئه ها باشند ودر دامان این افراد سودجو ومغرض نیفتند."۲"

ولذا همانطور که عرض کردیم ممکن است

انسان با تقوا ومؤمن خالصی با امام عصر دیدار کند (یا دیدار کند وشخص ایشان را نشناسد) اما نمی تواند ازاین دیدار ویا سخنانی که حضرت با ایشان گفتند به کسی بازگو کند.وگرنه باید او را تکذیب کرد."۳"

هرکه را اسرار حق آموختندمهر کردند ودهانش دوختند

(۱) مسائل جدید،ج۳،ص۲۲۳

(۲) جامع مسائل،ج۱،ص۴۹۳

مجله با معارف اسلامی آشنا شویم،شماره ۳۵،ص۷۵

بعضی ها می گویند ما امام زمان"عج" را دیده ایم فلان عالم یا فلان مرجع، پس دستور غیبت کبری چه می شود؟

پرسش

بعضی ها می گویند ما امام زمان"عج" را دیده ایم فلان عالم یا فلان مرجع، پس دستور غیبت کبری چه می شود؟

پاسخ

از این که ما را مورد وثوق واعتماد دانسته وابهامات خودتان را درمورد چند مسأله مطرح کرده اید سپاسگزاریم، امیدواریم بتوانیم پاسخگوی حسن اعتماد شما باشیم.

همانطور که خوتان اشاره کرده اید دوران غیبت امام عصر"عج" به دو دوره غیبت صغری و غیبت کبری تقسیم می شود وما در حال حاضر در دوارن غیبت کبری بسر می بریم. در این دوران امام"ع" برخلاف دوره غیبت صغری افراد مشخصی را برای پاسخگویی به مسائل مردم و راهنمایی آنها مشخص نفرموده اند، بلکه علمای واجد شرایط، از سوی ایشان نیابت عامه دارند. امام"ع" شرایط و ضوابط کلی را بیان فرموده تا درطول زمان هر فردی که آن ضوابط را دارا باشد، به نیابت ازامام، درامر دین و دنیا، راهنما و مرجع شیعیان باشد.

دراین دوران مردم باید مسائل موردنظر خودرا با نواب عام درمیان بگذارند و مردم ازآنان که از پیروان صادق وراهیان حق اند و به حکم تخصصی که دارند و نیز بنا به روایات وارده حجت می باشند، پاسخ سؤالات خودشان را دریافت خواهند کرد.

مرحوم کشی می نویسد : "امام زمان"ع" فرمودند : عذر وبهانه ای برای هیچ کس از دوستان ما در تشکیک نسبت به آنچه افراد مورد اطمینان ازما نقل می نمایند نیست. اینان بدانند که ما اسرار خود را به آنان واگذار کردیم وبه ایشان دادیم."""۱"

مرحوم شیخ طوسی، شیخ صدوق وشیخ طبرسی از اسحاق بن عمار نقل می نمایند که او گفت : "مولایمان حضرت مهدی"ع" درمورد وظایف شیعیان درزمان غیبت فرموده اند

: هر گاه حوادث و پیشامدهایی که برای شما واقع شد به روایت کنندگان حدیث ما مراجعه کنید، که آنان حجت من بر شما هستند ومن حجت خدا برآنان می باشم""۲"

مرحوم طبرسی درکتاب احتجاج خود ازامام صادق"ع" نقل می کند که حضرت ضمن حدیثی می فرماید : "هریک از فقها که

مراقب نفس ونگهبان دین ومخالف هوا وهوس و مطیع فرمان مولایش (ائمه اطهار"ع") باشد، برهمه مردم وشیعیان لازم است از بنابراین درعصر غیبت کبری تمام امور مسلمانان دردست ولی فقیه جامع الشرایط قرارگرفته است و تمام کارها باید با نظر اوانجام گیرند. لذا دراین دوران برهمگان فرض و واجب است درامور خود به احکام و دستورات ولی فقیه رجوع کنند وازاو اطاعت کنند.

برادرعزیز اگر آنچه شما ذکر کرده اید تأیید ولی فقیه و مراجع عظام می باشد، هیچگونه خللی وارد نمی شود ولی اگر افرادی ادعای ملاقات با امام زمان"ع" را بنمایند واز سوی ایشان پیامهایی را القا کنند که با دستورات مراجع بزرگوار و ولی فقیه جامع الشرایط درتعارض وتضاد باشد هیچگونه حجیت وسندیتی ندارد وبرخلاف دستور صریح امام "ع" می باشد و باید از پیروی آنان خود داری ورزید، آنچه برای ما دردوران حاضر حجت است اطاعت از فرامین علمای اعلام، بخصوص ولی فقیه ورهبر عالیقدر جمهوری اسلامی است. هر آنچه مؤید ایشان باشد صحیح است و جزآن حجیت ندارد ونباید اعتنا کرد.

(۱) بحارالانوار،جلد۵،ص ۳۶۲

(۲) علی محمد علی دخیل،کتاب الامام المهدی،ص ۱۸۳۱۸۲

همان

در مورد ارتباط امام زمان"عج" با آیت ا... کشمیری، آقای مجتهدی تهرانی توضیح دهید؟

پرسش

در مورد ارتباط امام زمان"عج" با آیت ا... کشمیری، آقای مجتهدی تهرانی توضیح دهید؟

پاسخ

در مورد ارتباط امام زمان "عج" با اشخاص نامبرده بحث زیاد و مفصل است فقط به طور اجمال عرض کنم که امکان ندارد عارفی مراتب سلوک را خالصانه طی کند واز نعمت دیدار و هدایت آن دردانه هستی بهره مند نشود.

ولی هیچوقت این بزرگواران در زمان حیاتشان عنوان نکردند که ما وجود امام زمان"عج" را دیده ایم مگر در مواقعی برای برخی از اشخاص صاحب سر وخواصشان.

و چه بسا بارها امام زمان"عج" را دیده اند و وجود مقدسشان را نشناختند و بعداً ایشان را شناختند. و برای اینکه شما برادر عزیز با زندگی و روش عرفانی و سلوك این دو بزرگوار آشنا شوید کتب زیر را مطالعه کنید تا خودتان در مورد ابعاد ارتباط این بزرگواران با امام عصر"عج" آشنا شوید :

۱- آفتاب خوبان و روح و ریجان، شرح احوال آیت الحق عارف ربانی آیت ... کشمیری،نوشته سید علی اکبر صداقت

۲- صحبت جانان، ج۱و۲، گذری ب راندیشه عرفانی و شیوه سلوکی آیت الحق سید عبد الکریم کشمیری، نوشته سید علی اکبر صداقت

۳- سیری در آفاق، تألیف حجه الاسلام شیخ حسین حیدری کاشانی.

آیا ملاقات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری با امام زمان (عج) صحت دارد؟

پرسش

آیا ملاقات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری با امام زمان (عج) صحت دارد؟

پاسخ

در طول تاریخ غیبت کبری، مسلما کسانی خدمت حضرت بقیه اللّه الاعظم رسیده اند. گرچه به همه نقل هایی که دراین موارد شده، نمی توان اعتماد کرد؛ ولی از بین این همه موارد، به صحّت بعضی از آنها یقین حاصل می شود.

آنچه که درباره مقام معظم رهبری نقل کرده اید، ظاهرا از آقای صدیقی - که از خطبا و مشاهیر تهران هستند - نقلشده و صحّت و سقم آن بر عهده گوینده است. بنابراین، می توانید درباره این موضوع، از خود ایشان تحقیقکنید.

درباره حضرت امام(ره) نیز آنچه که ما به دست آوردیم، به نقل از آقای مرتضوی (مکبر نمازجمعه تهران) است که در مورد اعلامیه حضرت امام(ره)، در عدم اعتنا به حکومت نظامی رژیم طاغوت در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ می باشدکه ایشان در پاسخ به این که چرا چنین دستوری داده اید، فرمودند: اگر این دستور از ناحیه امام زمان باشد، چه می گویید؟

آنچه مسلم است تأییدات الهی، از مسیر اولیای خداوند و حضرت بقیه اللّه شامل حال این مردم بوده و خواهدبود. حوادث انقلاب و جنگ تحمیلی و... گواه زنده ای بر این مدعا است. حال این تأیید چه با ارتباط مستقیم باشد، یابا هدایت به امور مکنون دیگر.{J

ما در حدیث داریم که امام مهدی (عج) می فرماید هر کس بگوید که مرا دیده است دروغ گفته است در حالی که در آن طرف دیگر می بینیم که بسیاری از شخصیت های بزرگ معتقدند که امام زمان را دیده اند تناقض را توجیه بفرمایید؟

پرسش

ما در حـدیث داریم که امام مهـدی (عـج) می فرمایـد هر کس بگویـد که مرا دیده است دروغ گفته است در حالی که در آن طرف دیگر می بینیم که بسیاری از شخصیت های بزرگ معتقدند که امام زمان را دیده اند تناقض را توجیه بفرمایید؟

پاسخ

بـا توجه به این که این توقیع شـریف هنگـام فوت آخرین نـایب امـام زمان صادر شـده و قرائنی که در خود توقیع است مراد از دروغ گو بودن مـدعی مشاهده بعد از صدور توقیع. ادعای ارتباط و نیابت داشـتن از جانب حضـرت است به عبارت دیگر امام در این توقیع می فرماید با ازدنیا رفتن تو ای علی بن محمد سـمری نیابت خاصه تمام شد و غیبت کبری آغاز شد ودیگر بعد از این اگر کسی بگوید من حضرت را می بینم و با او مرتبط هستم و نیابت خاصه از جانب حضرت دارم دروغ گو است.

به متن توقیع و قرائن آن دقت کنید: «بسم الله الرحمن الرحیم، ای علی بن محمد سـمری خداوند به برادران دینی تو در مصیبت به تو اجر دهـد تو تـا شـش روز دیگر از دنیا خواهی رفت به کارهایت رسـیدگی کن و به کسـی بعـد از خودت [جهت نیابت] وصـیت نکن چرا که غیبت طولانی آغاز شـد و ظهور نخواهد بود مگر بعد از اذن خداوند... و به زودی خواهد آمد کسـی که مـدعی مشاهـده من باشد ولی آگاه باش کسـی که مدعی مشاهده باشد قبل از خروج سـفانی و صـیحه دروغ گو خواهد بود»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰).

گویا حضرت با دادن این توقیع راه را بر مدعیان دروغین ادعای نیابت بسته اند و این جمله که مدعی مشاهده

دروغ گو است به این معنی نیست که در غیبت کبری دیگر کسی حضرت را نخواهد دید. بسیاری از صالحین و بزرگان شیعه در طول تاریخ غیبت حضرت را دیده اند و قطعا اکثریت آنها اهل دروغ نبوده اند و حداقل یک مورد آن هم که راست باشد باید حدیث به گونه ای دقیق معنا شود.

مسأله ادبی روایت: امام(ع) در این حدیث به دو نکته اشاره می کنند. یکی اخبار از آینده که پس از من عده ای پیدا می شوند و مشاهده و ارتباط با من را ادعا می کنند و دوم مسأله دروغ گو بودن مدعی است. امام(ع) در حدیث دو تعبیر دارد: ۱- ادعا، ۲- مشاهده. و کسی را که ادعای مشاهده نماید کاذب معرفی کرده است.

مشاهده به معنای دیدن امام(ع) و ارتباط با او است و ادعا به معنای اعلان و انتشار آن و با خبر کردن مردم از مسأله است، ممکن است کسی با امام(ع) ملاقات داشته باشد همان گونه که برای برخی علماء و غیر آنان نقل می کنند ولی آن را میان مردم بازگو نکرده و در سینه خودپنهان کرده باشد و اطرافیان از قراین و یا در زمان های بعد متوجه ارتباط او با امام زمان(عج) شوند. چنین کسانی مشمول حدیث نخواهد بود چون او مدعی نیست، بنابراین بین مضمون حدیث با داستان ملاقات برخی صالحان با امام زمان(عج) هیچ تعارض و ناسازگاری وجود ندارد.

آیا کسی از فقها، و مراجع تقلید ارتباط خاص با امام زمان«علیه السلام» دارند؟

پرسش

آیا کسی از فقها، و مراجع تقلید ارتباط خاص با امام زمان«علیه السلام» دارند؟

پاسخ

امام زمان«علیه السلام» امروز در حال غیبت به سر می برند و نائب خاص ندارند چون نیابت خاصه با گذشتن دوران غیبت صغری حدود هفتاد سال طول کشید پایان یافت و در دوران غیبت کبیر فقها شیعه نائبان عام امام زمان«علیه السلام» می باشند بر این اساس در این زمان کسی به طور رسمی با آن حضرت ارتباط ویژه یی ندارد و تا دلیل قاطعی در کار نباشد نمی توان به وجود ارتباط خاص برای کسی عقیده داشت.

آیا آنان که در این جهان نیستند به دیدار امام زمان«علیه السلام» نایل می شوند؟

پرسش

آیا آنان که در این جهان نیستند به دیدار امام زمان«علیه السلام» نایل می شوند؟

پاسخ

به طوری که در روایات آمده است خداوند متعال برای ظهور امام زمان«علیه السلام» افرادی را زنده می کند تا هنگام ظهور در

رکاب امام زمان«علیه السلام» باشند و در دعای عهد از امام صادق«علیه السلام» روایت شده است که هر که چهل روز صبح آن را بخواند از یاوران حضرت قائم«علیه السلام» باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد(۳). و در این دعا این جمله آمده است: «اللهم ان حال بینی و بینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتماً مقضیافاخرجنی من قبری...؛ خدایا اگر میان من و امام زمان«علیه السلام» مرگی که آن را بر بندگانت حتمی قراردادی حایل شد مرا(زنده کن و) از قبر بیرون آور».

بر این اساس، ممکن است انسان دعا کند ا زخدا بخواهد که هنگامی که خداوند آن حضرت را ظاهر می سازد و او را زنده کند تا در رکاب امام زمان«علیه السلام» باشد.

۳) مفاتیح الجنان، ص ۷۰۱.

اگر امام زمان«علیه السلام» در زمان غیبت نائب ندارند پس چگونه بعضی ها بدیدن ایشان مشرّف می شوند؟

پرسش

اگر امام زمان«علیه السلام» در زمان غیبت نائب ندارند پس چگونه بعضی ها بدیدن ایشان مشرّف می شوند؟

پاسخ

اینکه در زمان غیبت کبری هیچ کس به عنوان نائب خاص برای امام زمان«علیه السلام»، تعیین نشده منافات ندارد که افرادی، امام زمان«علیه السلام» را دیده و مشکلاتشان از این رهگذر حل شده باشد آری آنان که ادعای مهدویّت یا ادعای نیابت خاصّه کرده اند دروغ گفته و در این ادعا کاذب بوده اند.

آداب و اعمال جهت ملاقات

دختری هستم ۱۷ ساله. دلم می خواهد با امام زمان(ع) ملاقات کنم اما میسر نمی شود. مرا راهنمایی کنید که چه کار هایی انجام دهم تا او را ببینم؟

پرسش

دختری هستم ۱۷ ساله. دلم می خواهد با امام زمان(ع) ملاقات کنم اما میسر نمی شود. مرا راهنمایی کنید که چه کار هایی انجام دهم تا او را ببینم؟

پاسخ

پاسخ: ارتباط با امام زمان(ع) دو گونه است: مستقیم و غیر مستقیم. ارتباط مستقیم. رؤیت جمال نیکو و مشاهده حس وجود مبارک حضرت است، که کلید آن در ارتباط غیر مستقیم قرار دارد.

ارتباط غیر مستقیم، مقدمه لازم و جدا ناپذیر ارتباط مستقیم است و تنها نردبانی است که می توان با آن از مُلک به ملکوت وارد شد و بر آستان آسمان انسانیت قدم گذاشت و از شعاع مهر انگیز خورشید بلندترین آسمان هستی بهره برد. ارتباط غیر مستقیم، ارتباطی علمی، عملی، قلبی و عاطفی است.

فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی.(۱) از تدبّر و تأمل در آیه فوق شاید بتوانید تا حدودی متوجه گردید که برای دیدار "دلدار" حقیقت پرستان چه لازم است و برای سفر به کوی "محبوب" چه باید همراه داشت؟

مقرر شد که حضرت موسی(ع) در سرزمین مقدس و از طریق درختی(۲) با حق تعالی سخن بگوید و به ملاقات معنوی خدا برود. فرمان رسید: ای موسی! در سرزمین مقدسی گام نهاده ای. سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه گر است. پیام خدا را در آن جا می شنوی (پس) با نهایت خضوع و تواضع در این سرزمین گام گذار و کفش هایت را بیرون آر که در سرزمین مقدس طوی هستی.

برادر: به موسای کلیم گفته شد: می دانی که در چه مکان و سرزمین مقدسی هستی؟ این جا حضیره قرب خدا و محل حضور و مناجات به درگاه او است. پس شرط ادب به جای آور،

کفشت را بکن.(۳) شما نیز درخواست دیدار با جلوه کمال مطلق و نگاه به نور الهی را دارید. البته این امر شدنی و ممکن است. اما شرایط و شایستگی ویژه ای می طلبد. چشم و دل لایق، گوش و زبان محبوب پسند می خواهد تا مطلوب محبوب گردی و زیارتش ممکن شود. آن شرایط و ویژگی ها را در کلام خدا با کلیمش می توان جست؟

۱ بازگشت به حق

برای دیدار امامی که مظهر اسم اعظم حق است ضروری ترین و بدیهی ترین شرط، بازگشت به "حق تعالی" است: "فاخلع نعلیك" کفش های دل بستگی به غیر خدا را از دل در آور و از خود دور کن. پا برهنه یعنی صاف و بی آلایش از هر قید و بند و رنگی شو.

فقط رنگ خدایی داشته باش. بازگشت کن به وضعی که به دنیا آمدیم، آن موقع که دلی صاف و دور از ریا و غرور و خودخواهی داشتیم و دل مان از غبار گناه ها و معصیت ها و از زنگار غفلت ها پاک بود. تا بتوانید خورشید خدا را در آسمان انسانیت رؤیت نمایید.

پس گام اوّل بازگشت به خدا و توبه از گناهان و تهذیب و پاک کردن نفس از صفات ناپسند است تا زمینه خروج عملی از غفلت را فراهم سازد.

چون عزم بر توبه کردید غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه توحید و یک مرتبه سوره ناس و فلق را بخوانید و بعد از نماز هفتاد مرتبه "استغفرالله ربّی و اتوب الیه" بگویید، سپس "لا حول و لا قوّه إلاّ

بـالله العلی العظیم" و در پایان بگوییـد: "یا عزیز یا غفّار اغفرلی ذنونی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات فإنّه لا یغفر الـذنوب إلاّ أنت".(۴)

۲ تقویت معرفت:

آیا می دانید هوای زیارت چه کسـی را در سر دارید؟ او را شـناخته اید؟ به مقام و منزلتش معرفت پیدا کرده اید؟ کسی را که هوای دیـدار دلـدار است، بایـد دلـدار شـناس گردد. از کمالاـت و ویژگی هـایش، از مقـام و منزلتش نزد خـدا معرفت لازم را کسب کند و با کرامات و معجزات و سیره و اخلاق و معارف او آشـنا شود و دوسـتانش را بشـناسد و توجه داشـته باشد که به دیـدار چه کسـی می خواهد نایل گردد. با معرفت و شـناخت، اوّلا توبه حقیقی تحقق می یابد، ثانیاً، محبت و دوستی ریشه دار می گردد، زیرا محبت، درجـات و مراتبی دارد.(۵) برخی تا نُه مرتبه برای آن شـمرده انـد، و عشق را در مرتبه چهارم قرار داده اند. عشق آغاز راه رسیدن به مقصد و سرآغاز جاده ای است که به ملاقات معشوق- امام زمان(ع)- منتهی می شود.

تا علاقه و محبت به امام زمان(عـج) به مرحله عشق و ارادت نرسـد، دیدار آن یار حاضـر وغایب، ممکن نیست. حافظ شـیرازی می گوید:

نشـوی واقـف یـک نقطه ز اسـرار وجـود تـا نه سرگشـته شوی دایره امکـان را شـهید مطهری(ره) در توضـیح می فرمایـد: "ای سرگشتگی همان سرگشتگی عشق است، یعنی جنون عشق است. تا از این راه وارد نشوی، امکان ندارد به نقطه ای برسی".(۶)

۳ عشق به خدا و تبعیت از امام زمان(عج):

اثر طبیعی محبّت آن است که "محبّ" را با "محبوب" پیوندی می دهد و در مسیر

خواسته های او

به تلاش و فعالیت پرثمر وا می دارد.

آن ها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا ائمه اطهار(ع) و امام زمان(عج) می زنند، باید صداقتِ محبت و عشق خود را در پیروی نشان دهند. در کتاب معانی الاخبار از امام صادق(ع) نقل شده :"ما احبّ الله من عصاه کسی که گناه و نافرمانی خدا می کند، خدا را دوست ندارد".

دوستی و محبت در عمل ظهور می کند. سپس فرمود: "چه شگفت انگیز است معصیت پروردگار کنی، با این حال اظهار محبت او نمایی! به جان خودم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می کردی، زیرا کسی که دیگری را دوست می دارد. از فرمان او پیروی می کند".(۷) قرآن کریم می فرماید: " قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله...؛ پیامبر! بگو (به مردم) اگر خدا را دوست دارید، از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته باشد". بنابراین محبت تنها یک علاقه قلبی نیست، بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد.

کسی که می خواهد امام زمان(ع) را زیارت کند باید بررسی نماید چه اموری باعث خشنودی حضرت می گردد، تا به آن کار مبادرت ورزد و از هر کاری که موجبات ناخشنودی آن عزیز را فراهم می سازد، اجتناب کند.

۴- تقویت ارتباط قلبی وعاطفی

می توان ارتباط قلبی و عاطفی با آن محبوب و معشوق عشاق حقیقت طلب را از راه های ذیل تقویت نمود:

از طریق خواندن برخی دعاها و زیارت ها و توجه و تأمل در معانی آن ها، نیز خواندن بعضی از نمازها مانند نماز امام زمان(ع)

یا حضور در برخی از مکان ها مانند مسجد سهله در کوفه و مسجد جمکران در قم، نایب الزیاره آن حضرت شدن در زیارت خانه خدا (حج و عمره) و زیارت قبور و حرم پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز شریک کردن حضرت در ثواب تلاوت قرآن، و دعاها و نمازهای مستحبی، بلکه همه ثواب را به حضرت هدیه نمودن، و در حق حضرت دعا کردن و دعای فرج خواندن.

۵- مطالعه زندگینامه کسانی که به ملاقات آن حضرت مشرّف شدند.

مطالعه زندگینامه اشخاصی که توانستند به زیارت آن حضرت نایل گردند، هم راه را نشان می دهد، هم شوق ملاقات را افزایش می دهد و آتش عشق و ارادت را شعله ور می سازد و هم این حقیقت را بازگو می کنند که

آنان، چه ویژگی هایی داشتند و چه عاملی موجب شد تا امام(ع) آنان را مورد عنایت و لطف خود قرار دهند.

پاورقی:

(۱) طه (۲۰) آیه ۱۲.

(۲)قصص (۲۸) آیه ۳۰.

(۳)علامه محمد حسین طباطبایی، المیزان (مترجم) ج ۱۴، ص ۱۹۱.

(۴)میرزا جواد ملکی تبریزی، رساله لقاءالله، به نقل از توبه انقلابی درونی علیه خویش، چ سپاه، ص ۶۳.

(۵)تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۹۳، به نقل از تفسیر روح المعانی، ج ۱۲، ص ۲۰۳.

(۶)عرفان حافظ، تماشا گه راز، ص ۱۴۳.

(۷)تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸۶.

در زمان پیامبر۶با امامان : مردم در ارتباط با آنان بودند وبه دست آنان مشکلات خود را حلّ می کردند, ولی در عصر حاضر چرا امام زمان ۷با شیعیان چنین رابطه ای ندارند اگر این رابطه وجود دارد, دست یابی به آن چگونه است و با چه اذکار و آدابی است ؟

پرسش

در زمان پیامبر۶با امامان : مردم در ارتباط با آنان بودند وبه دست آنان مشکلات خود را حلّ می کردند, ولی در عصر حاضر چرا امام زمان ۷با شیعیان چنین رابطه ای ندارند اگر این رابطه وجود دارد, دست یابی به آن چگونه است و با چه اذکار و آدابی است ؟

پاسخ

بسیاری از مردم می پندارند که خداوند, پیامبر و امامان را خلق کرده است تا مثلاً مریض آنان را شفا دهد یا گرفتاری های دیگر زندگی به دست آنان حل شود. این ذهنیت باعث برخی از تناقضا و اشکالات , حتی تضعیف روحیهء دین واعتقادی بعضی مردم شده است .

شخصی به پندار این که امام رضا٧مثلاً فلان مشکل او را حلّ می کند, توسل پیدا می کند و بسیار دعا می کند و بعد به آن نمی رسد, در نتیجه در روحیهء و ایمان اوتأثیر بدی می ماند, در حالی که اصلاً وجود امام و پیامبر برای این نیست که مشکل گشای مردم باشد و احیاناً بعضی از کارهای اشتباه آنان را جبران کند. مثلاً آقای الف مراعات امور بهداشتی را نکرده یا خلافی کرده است و بر اساس سنّت الهی بایدمجازات شود, حالا می خواهد مشکل خود را از طریق فلان امام یا امام زاده حل ّکند. این برداشت های غلط, تالی فاسدهای فراوانی به دنبال دارد. ائمهء بزرگوار مادر زمان حیاتشان بعضی از مشکلات مردم را پاسخ نمی دادند. وجود پیامبر و امام اولاً برای هدایت مردم به راه راست است و ثانیاً برای اجرای حدود و احکام وسنّت الهی در جامعه است .

امام رضا٧فرمود:

عزّت مؤمنان باشد... به واسطهء امام نماز

و زکات و روزه و حج کامل می شود وامضای حدود و احکام الهی به دست او است (او دستور می دهد که بر جنایتکاران حدّ جاری کننـد). امام حافظ کشور اسـلامی است و کشور را از دست برد دشـمنان نگاه می دارد. امام حلال خدا را حلال و حرام خدا راحرام و بر متجاوزان حدّ الهی را جاری و از دین خدا حمایت می کند>.

هـدف ایـن که خـدا پیـامبر و امـام را برای انسـان هـا آورده , این است . اگر امـام برای کسـی دعـا کرد و صـلاح بـود آن دعا مستحاب شود, مستجاب می شود. توسل به روح پاک آنان که همواره زنده و شهید راه خدایند, مفید و لازم و اظهار محبت به آنـان است . ما پیروان ائمه , آنان را به جهاتی که امام هشـتم ۷فرمود, می خواهیم . به عبـارت دیگر: امام را می خواهیم که به دسـتورهای او گوش دهیم , نه برای چیزدیگری . اگر مـا برای ظهور حضـرت مهـدی ۷دعـا می کنیم , در حقیقت می خواهیم احکام و نظام الهی بر پا کند و ما در ......ЉЬØآن حضرت خدمتکار اسلام باشیم .

مـا امـام را نمی خواهیم که فقـط دست و پای او را ببوسـیم و برایش گریه کنیم وبعـد هم اگر دسـتوری داد, گوش به حرف و فرمان او نباشـیم . بعضـی ها امام رامی خواهند که امام گوش به حرف آنان بدهد, نه این که مطیع فرامین او باشـند. حال من و شما و همهء مسلمانان خود را در زمان ائمه فرض کنیم . اگر در آن زمان بودیم ,چه می کردیم ؟ الآن

هم فرض کنید امام ۷حضور دارد, چه می کنیم ؟ آیا راستگو وامانت دار هستیم ؟ آیا اهل نماز و تهجد و عبادت هستیم ؟ آیا به حقوق دیگر پای بند هستیم ؟ و...

مگر دستورهای آنان پیش روی ما نیست ؟ مگر اهداف آنان را نمی دانیم ؟ مگرعلمای دین و فقها به منزلهء جانشین آنان نیستند؟ مگر حجّت برای ما وجود ندارد؟

بله از نظر تکوینی وجود امام برای عالم وجود فوایدی دارد که الآن هم آن فوایدرا به عالم می رساند و برای مؤمنان دعا می کند و از اعمال زشت بعضی از ما غصّه می خورد و احیاناً به صورت غیر مستقیم یا مستقیم از کسانی دستگیری می کند. امام زمان در پشت حجاب غیبت مانند وجود خورشید از پس ابر است و جود او برای ما مفید است .(۱)

البته ما باید به عنوان اظهار محبّت و علاقه , به وجود آن حضرت و هم برای ظهورش دعا کنیم .

اگر ما با آن حضرت و با اصحاب او همراه باشیم , مثل این است که در عمل باآنان هستیم . علی ۷می فرماید: .(۲)

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۹۲

(پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۳۵۸

چه کاری انجام دهیم تا مثل علما و افراد خوب بتوانیم با امام زمان ملاقاتی یا ارتباط داشته باشیم؟

پرسش

چه کاری انجام دهیم تا مثل علما و افراد خوب بتوانیم با امام زمان ملاقاتی یا ارتباط داشته باشیم؟

پاسخ

انسان مؤمن و عاشق اهل بیت عصمت و طهارت به جای این که به فکر ملاقات و رؤیت امام زمان(ع) باشد، باید سعی کند منتظر واقعی آن حضرت باشد. بر اساس بینش الهی، منتظران واقعی علاوه بر این که خود را از نظر فکری، علمی و اخلاقی اصلاح می کنند و قلب و دل خود را به صفات پسندیده زینت می دهند، در برابر نابسامانی های اجتماعی نیز ایستادگی می کنند و به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه مهم الهی می نگرند.

مهم ترین وظایفی که در زمان غیبت برای شیعیان در نظر گرفته شده، عبارت است از:

۱- محزون و ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی(ع).

۲- انتظار فرج آل محمد(ص).

۳- انجام حج به نیابت حضرت مهدی(ع).

۴- انجام حج به نیابت حضرت مهدی(ع).

۵- حفظ ایمان در زمان غیبت.

۶- استمداد از حضرت مهدی(ع) در سختی ها و مشکلات.

۷- خودسازی و تزکیه نفس.

۸- اصلاح جامعه.(۱)

امام مهم ترین وظیفه ما در عصر غیبت این است که خود را از طریق انجام دستورهای الهی و ترک گناهان و تزکیه نفس و آراسته شدن به صفات پسندیده اصلاح کنیم و برای یاری دین حق با چشم پوشی از دنیا و لذایذ آن و تحمّل سختی ها، در خود آمادگی ایجاد کنیم.

پی نوشت ها:

۱. عبدالرّحمن انصاری، در انتظاری خورشید ولایت، ص ۱۲۷ تا ۱۳۴.

دعایی که رزق و روزی را زیاد می کند و دعای معتبری که برای نزدیک شدن به آقا امام عصر(ع) و رؤیت ایشان داریم، بنویسید.

پرسش

دعایی که رزق و روزی را زیاد می کند و دعای معتبری که برای نزدیک شدن به آقا امام عصر(ع) و رؤیت ایشان داریم، بنویسید.

پاسخ

دعاهای فراوانی در مورد وسعت رزق و روزی وارد شده ، از جمله آن ها دعایی در تعقیبات نماز صبح است:

اللّهم انی اسئلک بحق محمّد و ال محمّدٍ علیک، صلّ علی محمّد و آل محمّد واجعل النور فی بصری و البصیرهْ فی دینی ...

هم چنین دعای حضرت مهدی(ع) : اللّهم ارزقنا توفیق الطاعهْ و بعد المعصیه .... که قبل از مناجات خمسهْ عشر در مفاتیح آمده است.

هم چنین دعای " یا من تحلّ به عقد المکاره ..." باز قبل از آن مناجات است.

نیز در حواشی مفاتیح الجنان دعاهایی برای وسعت رزق ذکر شده که می توانید آن ها را حوالی زیارات امیرالمؤمنین یا از فهرست مفاتیح پیدا کنید.

و بهترین دعا برای حضرت مهدی(ع) و در خواست رؤیت حضرت ، دعای عهد است که بعد از دعای ندبه در مفاتیح الجنان آمده است(اللّهم ربّ النّور العظیم و ربّ الکرسی الرفیع ...) و دعاهای دیگری که به دنبال دعای عهد آمده است.

از امام صادق(ع) روایت شده اگر کسی چهل صباح دعای عهد را بخواند در رکاب او و از یاران امام زمان(ع) خواهد بود. شرایط آن چیست، آیا فقط با این دعا می توان به این درجه رسید؟

پرسش

از امام صادق(ع) روایت شده اگر کسی چهل صباح دعای عهد را بخواند در رکاب او و از یاران امام زمان(ع) خواهد بود. شرایط آن چیست، آیا فقط با این دعا می توان به این درجه رسید؟

پاسخ

این دعا نیز مانند سایر دعاها باید شرایط استجابت را داشته باشد و باید آداب دعا در آن رعایت شود.

در مواردی دعا مستجاب نمی شود:

۱- انسانی که قلبش در اثر گناه تاریک و سیاه شده است. امام صادق(ع) فرمود: "خداوند دعای کسی که قلبش غافل از خدا است نمی پذیرد".۱

۲- کسی که اصرار بر گناه دارد. امام صادق(ع) فرمود: "مردی در بنی اسرائیل به مدت سه سال دعا می کرد که خدایا به من پسری عطا کن تا این که در خواب دید به او می گویند: تو سه سال است دعا می کنی امّا به خاطر این که بدزبان هستی و نیتت خالص نیست دعایت مستجاب نمی شود. از بدزبانی پرهیز کن و قلبت را پاکیزه بگردان و نیتت را خالص کن دعایت مستجاب می شود".۲

۳- حرام خواری مانع استجابت دعا می شود. پیامبر(ص) فرمود: "هرکس می خواهد دعایش مستجاب شود غذایش را حلال گرداند. و از خوردن حرام دوری کند".۳

۴- "کسانی که به دیگران ظلم کرده اند و حق آنان را پایمال کرده اند دعایشان مستجاب نمی شود".۴

البته در بحث دعا و استجابت آن باید متذکر شویم که دعا فی نفسه مطلوب است و از بهترین عبادت ها محسوب می شود. دعا اگر از حد لقلقه زبان بگذرد و دل با زبان هماهنگی کند، روح انسان به اهتزاز در می آید و روحانیت بسیار عالی نصیب انسان

می شود، مثل این که انسان خود را غرق در نور می یابد. راز و نیاز با خدا انسان را به فراسوی عالم ماده سوق می دهد و با روح هستی مرتبط می کند و به تعبیر امیرالمؤمنین(ع) روح به محلّ اعل معلّق می شود (ارواحها معلّقه بالمحلّ الاعلی).

بنابراین، دعا از همه افراد حتی از گناه کاران مطلوب است، حتّی شقی ترین افراد نباید از درگاه خدا نا امید شوند.

دعای عهد از این گونه دعاها است که دارای مضامین بسیار عالی است و اگر کسی آن را بخواند احساس می کند که در زمره بهترین افراد در رکاب امام عصر(ع) قرار دارد. ایجاد چنین احساسی از ارزش خاصّی برخوردار است، لذا بر آن تأکید شده است.

۱ ابن فهد حلی، عده الداعی، ص ۱۲۶.

۲ همان، ص ۱۲۷.

۳ همان، ص ۱۲۸.

۴ همان، ص ۱۲۹.

بعضی از امامان(ع) یا پیامبر(ص) در مورد درک امام زمان(ع) روایاتی فرموده اند، مثلاً با انجام فلان عمل مستحب و خواندن سوره ای مخصوص. این در حالی است که در زمان صدور این روایات، امام زمان(ع) متولد نشده بود و امامی که این روایت را فرموده، قاعدتاً خطاب به مرد

پرسش

بعضی از امامان(ع) یا پیامبر(ص) در مورد درک امام زمان(ع) روایاتی فرموده اند، مثلاً با انجام فلان عمل مستحب و خواندن سوره ای مخصوص. این در حالی است که در زمان صدور این روایات، امام زمان(ع) متولد نشده بود و امامی که این روایت را فرموده، قاعدتاً خطاب به مردم عصر خود فرموده اند. این مسئله را توضیح دهید.

پاسخ

بشارت به ظهور حضرت مهدی(ع) در روایات بسیاری از پیامبر(ص) و ائمه(ع) وارد شده و روایاتی در فضیلت درک زمان حضور آن حضرت وارد شده اما روایتی که دلالت کند فلان عمل مستحبی را انجام بدهید تا امام زمان(ع) را درک کنید نیافتیم، به جز دعای عهد که از امام صادق(ع) نقل شده که: "هر کس چهل صبح آن را بخواند، از یاوران مهدی(ع) خواهد بود و اگر پیش از ظهور او از دنیا برود، هنگام ظهور آن حضرت زنده خواهد شد و در رکاب حضرت خواهد بود".[۲۳]

البته سخن در باب این گونه روایات بسیار است. این روایت و احیاناً روایات نظیر این روایت که از امامان صادر شده، گرچه خطاب به مردم زمان خودشان بوده، ولی سخنان معصومان برای تمام زمان ها حجّت است، مگر قرینه خاصی باشد که فقط اختصاص به مخاطبان زمان خودشان داشته باشد. اصطلاحاً می گویند: خطابات شارع هم برای مشافهین است و هم برای غیر

مشافهین؛ یعنی هم برای حاضران در آن زمان و هم برای غائبان و برای زمان های بعد حجّت است.

در هر صورت صـدور چنین روایـاتی از امامـان(ع) دلیـل بر توجه دادن مردم زمـان خویش به مهـدی موعود(ع) و خبر دادن از آینده و بشارت به ظهور ولایت جهانی

بوده است. همـان طور که این بشـارت را پیامبر(ص) و هر یک از امامان(ع) بیان کرده انـد و در کتاب های روایی از آنان نقل شده است.

امـام بـاقر(ع) از پیـامبر(ص) نقـل می فرمایـد: "خوشـا به حـال کسـی که قائم از اهل بیتم را درک کنـد، در حالی که در زمان غیبتش او را اسوه خود می داند و با دوستان او دوست است و با دشمنان او دشمن است".[۲۴]

۱ – مفاتیح الجنان.

۲ – صافی گلپایگانی، منتخب الاثر ، ص ۶۶۶، به نقل از کمال الدین.

کســی که در دوران زندگی انسانی متدین بوده و نســبت به امام زمان((علیه السلام))علاقه بسیار داشته و آرزویش این بود که هنگام ظهور آن حضرت شرکت کند ولی مرگ به وی مهلت ندهد بهره ی وی چگونه خواهد بود؟

پرسش

کسـی که در دوران زندگی انسانی متدین بوده و نسـبت به امام زمان((علیه السـلام))علاقه بسیار داشته و آرزویش این بود که هنگام ظهور آن حضرت شرکت کند ولی مرگ به وی مهلت ندهد بهره ی وی چگونه خواهد بود؟

پاسخ

اوّلا براساس آنچه در روایات آمده چنین کسی از ثواب آنان که در رکاب امام زمان((علیه السلام)) شمشیر می زنند برخوردار خواهد بود زیرا در بسیاری احادیث آمده کسی که راضی به کار قومی باشد از انا خوهد بود با توجّه با اینکه این شخص انجام وظیفه می کرده و تلاش و فداکاری لازم را انجام می داده است.

ثانیـاً دربـاره ی دعایعهـد که از امام صادق((علیه السـلام)) نقل شـده چنین آمـده که هر که چهل روز آن را بخوانـد از یاوران حضـرت قائم((علیه السـلام)) خواهـد بود و اگر پیش از ظهور آن حضت بمیرد خـدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضـرت باشد... و دعای عهد را می توانید در زیارات امام زمان((علیه السـلام)) در فهرست کتاب مفاتیح شـماره ی صـفحه ی آن را پیدا کنید.

چگونه می توانیم امام زمان را در همین دنیا دیدار کنیم؟

پرسش

چگونه می توانیم امام زمان را در همین دنیا دیدار کنیم؟

پاسخ

از آنجائی که حقیقت غیبت امام زمان (عج) غیبت و پنهان شدن جسمانی و فیزیکی نیست بلکه ناشناخته بودن آن بزرگوار برای مردم است و به عبارت دیگر آن حضرت حضور مؤثر و پیوسته ای در جهان و بین مردم دارند ولی گمنام، بر این اساس ممکن است بارها آن حضرت را دیده باشید ولی نشناخته باشید و آنکه در حجاب است مائیم نه آن بزرگوار. البته ملاقات همراه با شناخت و معرفت و تصحیح عملکرد و همگون شدن با آن حضرت در زندگی روزمره ممکن است چنانکه خود آن حضرت فرموده است شما خوب باشید ما خود شما را پیدا می کنیم.

حضرت استاد علامه طباطبائی (ره) در این باره فرموده اند :

"منظور از غیبت امام (ع) غیبت شخص و جسم نیست، بلکه " غیبت عنوان" است که در این صورت، دیدار و رویارویی با آن حضرت به سه صورت ممکن است پیش آید:

دیدار حضرت مهدی(ع) با عنوان غیر واقعی ایشان، به طوری که کاملا برای دیدار کننده، ناشناس باشند، این گونه دیدار، و به فراوانی به طور دایم، برای کسانی که در محل زندگی ایشان سکونت دارند، و یا افرادی که با ایشان برخورد می نمایند در هر نقطه ای که باشد روی می دهد.

دیدار با آن حضرت در عنوان حقیقی ایشان، بدون اینکه این امر را ملاقات کننده مگر پس از پایان گرفتن دیدار متوجه باشد. این همان حالتی است که اکثر دیدارهای نقل شده را شامل می شود.

دیدار با آن حضرت با عنوان حقیقی ایشان، در حالی که

دیدار کننده نیز در اثنای ملاقات متوجه این امر باشد. این گونه دیدار در اخبار مشاهده و دیدار بسیار کم نقل شده است، زیرا غالباً مخالف مصلحت می باشد و با غیبت تامه و کامل حضرت مهدی (عج) منافات دارد.

اما در رابطه با کیفیت رویارویی با آن حضرت، کافی است آن جناب با فرد مورد نظر، مانند سایر انسانها روبه رو شود و منظور خود را از دیدار برآورده سازد و شخصیت حقیقی خود را به او اگرچه به گونه ای که پس از اتمام رویارویی متوجه شود بشناساند. بلکه آن حضرت، به طور عادی، پس از پایان دیدار، ملاقات کننده را ترک می کند.

البته، در صورتی که هنگام ملاقات، امام "ع" به گونه ای در تنگنا قرار گیرد که بیم از میان رفتن و انتفای غیبت عامّه ایشان برود، چاره ای از پنهان شدن به طریق اعجاز نیست. و این معجزه در این شرایط با قانون معجزات مطابقت دارد، زیرا بر قراری غیبت ایشان برای تحقّق روز موعود لازم است.

راجع به اینکه: آیا در غیبت کبری، ممکن است کسی خدمت آن حضرت مشرّف شود؟ باید گفت: آری، و اینکه در بعضی روایات گفته شده که مدعیان دیدن حضرت را تکذیب کنید؛ منظور کسانی هستند که ادعای دیدن آن امام و نیابت دارند. باری، هر شیعه پاک سرشتی می تواند آن حضرت را ملاقات کند، ولی باید توفیق رفیقش شود، از گناهان و موارد شبهه و مشکوک پرهیز کرده و درون خویش را از خفاشها پاک کند و از طرفی به ایمان و یقین و صفات پسندیده، انجام واجبات و مستحبات و ذکر حق تعالی جان خود را آراسته

کرده و در رفع نیازمندیهای مردم و اصلاح جامعه کوشا باشد، تا نور ولایت او در دل، و جمال او در چشمش تابیدن گیرد.

گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است؟گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است! (۱)

منابع و مآخذ:

۱ در محضر علامه طباطبائی، هادی خسروشاهی، ص ۱۵۴ ۱۵۵

چطور می توان ایشـان را ملاقـات کرد آیا می توان نامه ای به ایشان نوشت و جوابش را دریافت کرد دلم می خواهـد موضوعی را به ایشان عرض کنم و بدانم نظر ایشان چیست؟

پرسش

چطور می توان ایشان را ملاقات کرد آیا می توان نامه ای به ایشان نوشت و جوابش را دریافت کرد دلم می خواهد موضوعی را به ایشان عرض کنم و بدانم نظر ایشان چیست؟

پاسخ

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان می فرماید در کتاب تحفهالزائر از حضرت صادق(ع) نقل شده است که هرگاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد یا از امری خائف باشی در کاغذی این عبارات را بنویس «بسم اللّٰه الرحمن الرحیم اللهم انی اتوجه الیك» تا آخر که در مفاتیح هست و در آخر آن حاجت خود را بنویس و آن را پیچیده در گلوله ای از گِل قرار بده و در آب جاری (مثل آب رودخانه) یا در چاهی بینداز (انشاءاللّٰه) خداوند به زودی گشایش در کارت ایجاد می کند، (مفاتیح الجنان، ص ۹۷۴)

ولی در روایات صحبت از چاه خاصی مثل چاه جمکران نشده است و در این خصوص مستندی نداریم.

ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقق دو بعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد.

نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند

ولی ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان نیستیم، آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا

و رابطوا و اتقوالله لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید».

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیه، شیخ مفید، ص۱۰۵)

مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می دهند.

قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می فرماید: «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهو عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را به پا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند» (حج، آیه ۴۱).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم.

خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. ایشان

همواره برای شیعیان خود دعا می کنند. از آن حضرت نقل شده است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم»(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴).

آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار است. پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از اینرو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانیم و سپس آن را در خود عملی کنیم.

رسول خدا فرمود: «افضل العباده انتظار الفرج» ؛ (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید)

وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می کند، وسایل پذیرایی را آماده می کند و با لباس مرتب و چهره ای شاداب در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه گویی او خواهند خندید.

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند

بنابراین انتظار قبل از

آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده می شود. نمی توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید».

با چنین توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نموده و خود را در راه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی تواند از وابستگی ها و دلبستگی ها و آلودگی ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد:

۱. معرفت: اولین شرط انتظار معرفت است؛ تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی کشند اما کسانی که او را می شناسند و ارزش و مقام او را می دانند منتظر او می مانند.

کسانی که امام زمان

را نمی شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱).

بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد ارزش او را بیشتر درک کرده و به عظمت او بیش از پیش پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس ایشان نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند. آری

وصل خورشید به شب پره ی اعمی نرسد که در این آینه صاحب نظران حیرانند

البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می شود.

همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می تواند انسان را تا حدی به مقام

و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد.

۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضـرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی تواند واقعا منتظر آمـدن او باشـد اگر انسان از میهمان خود بـدش بیایـد چگونه می توانـد منتظر قـدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شـکل نگرفته و شعله ور نشده باشد نمی تواند به وظایف منتظران واقعی عمـل نمایـد.محبت به امـام زمان وظیفه ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دسـتور خـدا از ما خواسـته است. آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳).

۳. ایجـاد سـنخیت بـا امـام زمـان(ع)؛ منتظران واقعی وضـعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه ای سامـان می دهنـد که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می توان محبت کسـی را داشت امـا بـا او هیـچ سـنخیت و مشـابهتی نـداشت؟ ایجاد سـنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می شود. و تنها در این صورت است که می توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شـعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشـید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری اش را بر او سخت

و ناگوار خواهد ساخت.

طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون تر خواهد گشت. پس منتظر واقعی باید سعی کند تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد.

۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البر و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید.

۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می کشد و از خدا می خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می باشد.

۶. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشقی است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می دارند.

۷. دادن صدقه برای سلامتی آن

عزیز و یا هدیه نمودن ثواب هایی به حضرت مهدی(عج).

۸. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران.

۹. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶).

از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می باشد.

۱۰. محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک «عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی...؛ بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم» (دعای ندبه).

۱۱. اصلاح جامعه: زیرا فرج یعنی، نصرت، پیروزی، گشایش و مقصود از نصرت پیروزیحکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) صورت می گیرد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد و او انسانی است

که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظارفرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدسات دینی و رسالت های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می شود که بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد، دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. در حالی که انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز است و با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی:

الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت.

ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه.

ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی.

ه) امید به آینده ای روشن و نوید بخش.

ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر.

ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی.

خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری.

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند،

(بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵ - ره توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف).

یادآوری مهم:

درست است که وظیفه ما تلاش برای ملاقات با امام زمان(عج) نیست و حتی بنا بر نظر بعضی از بزرگان تحقق این مسأله خیلی بعید و نادر می باشد و اگر هم ممکن باشد برای امثال مقدس اردبیلی و علامه حلی قابل تصور است نه انسان های عادی هر چند مؤمن و خوب، ولی بحث ملاقات، با بحث ارتباط نباید خلط شود - مسلما وظیفه ما ایجاد ارتباط با امام عصر(عج) می باشد - منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد، نماز امام زمان که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ نماید و برای گره گشایی مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته و خود را در محضر ایشان می بیند.

در روایتی از یک بزرگوار که موفق شده بودند چندین بار امام زمان"عج" را ملاقات کنند فرموده بودند چهل شبانه روز اعمال مشخصی انجام داده اند که حضرت به دیدارشان آمده اند آن اعمال را بنویسید؟

پرسش

در روایتی از یک بزرگوار که موفق شده بودند چندین بار امام زمان"عج" را ملاقات کنند فرموده بودند چهل شبانه روز اعمال مشخصی انجام داده اند که حضرت به دیدارشان آمده اند آن اعمال را بنویسید؟

پاسخ

قبل از پاسخ به شما دوست گرامی، اگر می خواهید روایات مربوط به اشخاصی که امام زمان"عج" رادیده اند را مطالعه کنید به کتاب شریف اصول کافی، ج۲ ،ترجمه و شرح آیت ا... محمد باقر کمره ای، نشر اسوه،ص۵۴۸ ۵۳۹ و کتاب بحارالانوار،ج۱۳،ترجمه علی دوانی مراجعه کنید.

واما پاسخ شما :

بوده اند بزرگوارانی که با انجام اعمال مخصوص در زمانهای مخصوص به دیدار حضرت "عج" رسیده اند. مثل بیتوته کردن در مسجد سهله یا مسجد جمکران، چهل شب چهارشنبه، وحضرت آیت ا...العظمی نجفی مرعشی فرمودند : "حقیر خودم کراماتی در مسجد جمکران مشاهده کرده ام، چهل شب چهارشنبه مکرر موفق شدم که درآن مسجد بیتوته کنم و جای تردید نیست که از امکنه ای که مورد توجه ونزول برکات الهی می باشد و بعد از مسجد سهله که از مساجدی است که منتسب به وجود مبارک ولی عصر"عج" می باشد(مسجد جمکران) بهترین جائی است که منتسب به حضرت است." "۱"

اما اعمالی که باید در این چهل شب انجام داد روایاتی از ائمه هدی وارد نشده است که هرکس طبق نیت خود که همراه با

اخلاص و پاکی باشد اعمالی انجام می دهد که در این زمینه به کتب مربوطه از جمله مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان"عج"، نوشته سید جعفر میرعظیمی که در مورد تشرفات علماء و مراجع واعمالی که انجام داده اند بحث کرده است.

و نکته مهمی که باید

توجه داشت این است که ما اگر حضرت را حقیقتا بشناسیم کافی است که در این صورت حضرت ما را ببیند نه ما حضرت را ببینیم زیرا در زمان پیامبر(کم نبودند کسانی که وجود مبارك حضرت را می دیدند اما خداوند سبحان درباره آنها در قرآن فرمود : "وتراهم ینظرون الیك و هم لا یبصرون ""۲" یعنی آنها را می بینی که به تو نگاه می کنند ولی تو را

نمی بینند اهل نظرند ولی اهل بصیرت نیستند. حال اگر ما سعی کنیم وجود مبارك. امام زمان"عج" را ببینیم هنر ببینیم هنراست. در قرآن کریم آمده است : خدا که به کل شیء بصیراست روز قیامت به یک عده نگاه نمی کند "ولایکلمهم الله و لا ینظر الیهم یوم القیامه و لا یزکیهم" "۳" یعنی خداوند با آنها سخن نمی گوید و روز قیامت به آنها نگاه نمی کند و پاکشان نمی گرداند. پس خداوند روز قیامت به عده ای نگاه تشریفی ندارد. ولذا اگرما واقعاً در مسیر صیحیح حرکت کنیم، حضرت ما را می بیند و دیدن ونظر تشریفی ایشان برای ما شرف است و گرنه دیدن فیزیکی خیلی کارساز نیست همچنانکه خیلی ها پیامبر اکرم(وعلی(و حضرت زهرا(را می دیدند ولی بصیرت نداشتند و لذا دیدن از روی بصیرت مهم است."۴"

و حضرت علامه طباطبایی در جواب سؤالی که از ایشان پرسیدند راه رسیدن به امام زمان "عج" چیست؟ جواب دادند : امام زمان"عج" خود فرموده است : شما خوب باشید ما خودمان شما را پیدا می کنیم."۵"

(۱) مسجدمقدس جمکران تجلیگاه حضرت صاحب الزمان"عج"،سید جعفر میرعظیمی،ص۵۷

(۲) سوره اعراف/۱۹۸

(۳) سوره آل عمران/۷۷

(۴) توصیه ها،

پرسش ها و پاسخ ها، حضرت آیت ا... جوادی آملی،ص۷۴

در محضر علامه طباطبایی، محمد حسین رخ شاد،ص۱۱۶

آقا امام زمان"عج" در چه صورتی از دعاها حتماً مشرف می شوند؟منظورم این است که چه دعایی را بخوانیم که حتماً ایشان را ببینیم؟

پرسش

آقا امام زمان"عج" در چه صورتی از دعاها حتماً مشرف می شوند؟منظورم این است که چه دعایی را بخوانیم که حتماً ایشان را ببینیم؟

پاسخ

دوست گرامی جواب سؤال دوم شما از جواب سؤال اول بخوبی فهمیده می شود اما جهت توضیح بیشتر عرض کنیم که : دربعضی روایات ائمه هدی(آمده است که با خواندن فلان دعا ویا سوره قرآن می توانید پیامبر اکرم(و یا امامی را در خواب دیده و یا از یاوران آن حضرت باشید.

مثلاً به روایات ذیل توجه کنید :

امام صادق(می فرمایند : "هرکس چهل صباح دعای عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد واگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند متعال او را برای یاری آن حضرت زنده کند و به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید وهزار گناه از او محو کند."""۱"

و شیخ کفعمی در مصباح و محدث فیض در خلاصه اذکار فرموده "که دیدم در بعضی کتب اصحاب امامیه که هر کس خواسته باشد درخواب ببیند یکی از پیامبران واامامان(را یکی از مردمان یا والدین خود را بخواند سوره شمس و لیل و قدر و قل یا ایها الکافرون و سوره اخلاص و معوذتین(سوره ناس و فلق) وسپس صد مرتبه سوره اخلاص و صلوات بفرستد برپیامبر وآل او صد مرتبه و با وضو بجانب راست بخوابد که خواهد دید هر که را اراده کرده انشاء ا..." "۲"

و نیز ادعیه ای جهت زیارت حضرت صاحب الأمر وارد شده است از آن جمله زیارت مقدس آل یاسین."۳"

و از حضرت آیت ا... بهجت سؤال کردند : که مشتاق زیارت امام عصر ارواحنا فداه هستم از حضرت

عالی تقاضا دارم که مرا دعا کنید که به این سعادت نائل شوم.

در جواب فرمودند : "زیاد صلوات اهداء وجود مقدسش نمائید. مقرون با دعا در تعجیل فرجش و زیاد به مسجدجمکران مشرف شوید با اداء نمازهایش." "۴"

اما در پایان باید این نکته را یادآور شد که مهمترین چیز این است که ما در عصر غیبت باید به وظیفه شرعی وآنچه که اهل بیت(فرموده اند عمل کنیم که در این صورت یکی از برکات آن توفیق زیارت امامان(است.

از جمله وظایف ما شیعیان ۱.شناخت و معرفت کامل آن حضرت ۲.منتظر ظهور آن حضرت و آماده کردن خود جهت ظهور ایشان با انجام واجبات و ترک محرمات ۳.صدقه جهت سلامتی آن حضرت ۴.توسل به آن حضرت در مشکلات ۵.مداومت نمودن بر خواندن این دعا که امام صادق(روایت فرموده : "یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینك"، ۶.صبر کردن به سختی ها و سرزنش دشمنان در زمان غیبت ۷.هدیه عبادات و ثواب اعمال نیك به حضرتش ۸.استواری در دین واعتقادات."۵"

(۱) بحار الانوار،ج۱۰۲،ص۱۱۱ مصباح الزائر،ص ۲۳۵و۲۳۶

(۲) مفاتیح الجنان،شیخ عباس قمی،ص۸۸۸

(۳) همان

(۴) فریادگر توحید

مسجدمقدس جمگران تجلیگاه صاحب الزمان"عج"،ص۱۹۲،سید جعفر میرعظیمی

خیلی سعی کرده ام تا گناه را به کنار بگذارم و خوشبختانه خیلی موفق شده ام تا حدی که گاهی اوقات خداوند را احساس می کنم و حس می کنم که وقتی با او سخن می گویم او را می بینم حال سؤال من این است مگر امام زمان"عج" نگفته اند که شما گناه را کنار بگذارید من می آیم،

پرسش

خیلی سعی کرده ام تا گناه را به کنار بگذارم و خوشبختانه خیلی موفق شده ام تا حدی که گاهی اوقات خداوند را احساس می کنم و حس می کنم که وقتی با او سخن می گویم او را می بینم حال سؤال من این است مگر امام زمان"عج" نگفته اند که شما گناه را کنار بگذارید من می آیم، ولی تاکنون موفق نشده ام ایشان را ملاقات کنم حال چه

کنم تا بتوانم روی دلربای مهدی فاطمه را ببینم؟آیا ذکر ودعایی وجود دارد؟

پاسخ

در ارتباط با سؤالی که مطرح کرده اید توجهتان را به فرازی از سخن امام مهدی "عج" جلب می کنم، ایشان روحی فداء در نامه ای که به شیخ مفید نوشته اند، اینگونه می فرمایند : "انا غیر مهملین لمراعاتکم و لاناسین لذکرکم ولولا ذلک لترل بکم البلاء واصطلمتکم الاعداء" یعنی (ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شمارا از خاطر خود نمی بریم که اگر جز این بود گرفتاریها به شما روی می آورد و دشمنان شما را در هم می شکستند""۱"

امام "عج" در این دعا می فرمایند ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و این گفته یک معصوم است که در گفتار و کردار خود صداقت دارد بنابراین اگر با مواظبت در اعمال و کردارتان باز هم موفق به دیدار حضرت نشده اید حتماً مصلحتی در کار بوده است که ما از آن بی خبریم و شاید لازم است مراقبتهای بیشتری در اعمال خود داشته باشید.چه بسا آنچه انجام داده اید خالص نبوده و لازم باشد دوباره انجام دهید. اگر عملی خالص باشدحتماً به نتیجه می رسد.

و اینکه پرسیده بودید آیا ذکر و دعایی برای دیدار حضرت وجود دارد عرض می شودیکی از روایاتی که به بشارت بر دیدار حضرت دلالت دارد فرمایش امام صادق(است که می فرمایند : "هرکس در هر شب جمعه سوره بنی اسرائیل را قرائت نماید نمیرد مگر با درک حضرت قائم(و از یاران آن بزرگوار خواهد بود."

اما دوست عزیز آیا بهتر نیست بجای آنکه در فکر این باشید که

خود به دیدار جضرت نائل شوید مشتاق ظهور حضرت و حضور عادی ایشان در بین مردم باشید ؟ آیا فکر نمی کنید که حضرت مهدی"عج" نیز از این غیبت و مخفیانه زیستن خسته شده اند و قلب رئوفشان مشتاق خدمت آشکار به مردمی است که شدیداً محتاج به ایشانند؟ "عزیز علی ان اری الخلق ولاتری ولا اسمع لک حسیسا

ولا نجوی عزیز علی ان تحیط بک دونی البلوی" سخت است بر من که مردم را ببینم و ترا نبینم ونشنوم ازتو نفسی و نه رازی سخت است بر من تو تنها گرفتار باشی بی جهت نیست که بر دعا برای فرج حضرت این قدر تأکید شده است که زیاد درباره فرج حضرت زیاد درباره فرج حضرت مهدی"عج" دعا کنید زیرا فرج و گشایش کار شما در همین دعای شماست.آقای پناهیان در این باره صحبتی دارند می فرمایند : "دعای ما دل ما سوز ما سرمایه دست مهدی فاطمه است گریه های با عیار ما (اگر برای غربت حضرت صورت بگیرد تبدیل به سرمایه هایی می شوند که اگر تا به حال حضرت پشت پرده غیبت بوده اند بخاطر کمبود این سرمایه است وتمام توسلات و حاجت گرفتنها و محبت ها بهانه است تا ما آشنا با صاحب خانه شویم وآن ارتباط حقیقی را پیدا کنیم و وقتی ارتباط حقیقی را پیدا کردیم یک آهی از نبودن حضرت خواهیم کشید که آن آه برطرف کننده ابرهای غیبت است."

متی ترانا ونراک... کی باشد ما را ببینی و ما نیز ترا ببینیم که پرچم نصرت برافراشته ای وآیا روزی می رسد که ما گرد تو جمع شویم و تو

امام ما باشی. زکعبه عزم سفر کن به این دیار بیا! چوعطر غنچه نهان تا کی؟! آشکاربیا !

حریم دامن نرجس شد از تو اشگ بهار گل یگانه گلزار روزگار بیا !

تویی تو نور محمد(تو جلوه ای زعلی(تو سیف منتقمی عدل پایدار بیا !

میان شعله غم سوخت هجر نامه ما بیا که گویمت آن رنج بیشمار بیا !

زلال چشمه تویی، روح سبز، رمز بهار بیا که با تو شود فصلها بهار بیا !

برای آمدنت گرچه زود هم دیر است شتاب کن که برآری زشب دماربیا !

بتاب از پس دندانه های قصر سحر بزن حجاب به یک سو و سپیدوار بیا !

نشسته دیده درماندگان دهر به راه همای ساحل دریای انتظار بیا !

به انتظار تو تاکی طلایه دار بهار تو ای قرار به دلهای بیقرار بیا !

خوش آن زمان که تو باشی خطیب جمعه ما خوش آن زمان که تو شویی زدل غبار بیا !

قسم به عصمت کوثر!هلا طلیعه صبح! قسم به سوختگان امید وار بیا قسم به اشک یتیمان بیا بیا مهدی"عج" قسم به حسرت دلهای داغدار بیا ! "سپیده کاشانی"

در پایان این نکته رامتذکر می شویم که آن عزیز در پرتو غیبت نیست بلکه ماییم که در حجاب گناه خویش مستوریم. ما ازگناهان خویش چاهیسسس حفر نموده ایم و پنداشته ایم که یوسف مه روی درآن افتاده است در حالیکه خود میان چاه افتاده و آن نگار بیرون چاه و عیان است.

گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است گفتار تو خود حجابی و رنه رخم عیان است

گفتم فراق تا کی گفتا که تا تو هستی گفتم نفس همین است گفتا سخن

همان است.

پس آنچه وظیفه من وشماست این است که به عزم و اراده و همت حجابهای ظلمانی روح خود را کنار بزنیم تا شرفیاب محضر قدس آن

لیلی یگانه شویم. ان شاء ا...

چگونه می توان امام زمان? را در خواب دید و با او حرف زد؟

پرسش

چگونه می توان امام زمان? را در خواب دید و با او حرف زد؟

پاسخ

با سلام حضور شما دوست گرامی؛

در پاسخ به سؤال شما دوست خوبم، عرض می شود که بزرگان و علما شیوه های مختلفی برای رؤیت امام زمان(در خواب ذکر کرده اند، که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.

شیخ ابراهیم کفعمی در "جنه الواقیه" فرموده است : "دیدم در بعضی از کتب اصحاب خود، که هر کس اراده کرده رؤیت یکی از انبیاء و ائمه "۱۲گانه"، یا سایر مردم، یا فرزندان خود را در خواب، پس بخواند سوره والشمس، و اناانزلناه، وقل یا ایها الکافرون، و قل هو ا... احد، و معوذتین؛ آنگاه بخواند اخلاص، یعنی قل هوا... احد را صد مرتبه، و صلوات بفرستد به پیغمبر صد مرتبه، و بخوابد بر طرف راست؛ پس به درستی که خواهد دید آن را که قصد دارد، ان شاءا...تعالی، و سخن خواهد گفت به آنچه می خواهد از سؤال و جواب." (۱)

دعای دیگری که برای رؤیت امام (در خواب ذکر شده اینست : "اللّهمَ إنّی أسئَلکَ یا مَنْ لُطْفَهُ خَفیّ و اَیادیهِ باسِطَهٌ لا تَنْقَضی أسئَلکَ بِلُطْفِـکَ الْخَفیَّ الَّذی ما لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْـدٍ اِلا کَفی أنْ تُرِیَنی مولای علیّ بن ابیطالب" که گفته شده بجای عبارت "علی ابن ابیطالب" هر امامی را که می خواهد در خواب ببیند، نام ببرد.

همچنین کسی که دو رکعت نماز بعد از نماز عشاء، با هر سوره ای که می خواهد بخواند، و بعد این دعا را صد مرتبه بخواند، پیامبر اکرم(و یا هر یک از ائمه اطهار (را که بخواهد، در خواب

خواهد دید : "بسم الله الرحمن الرحیم یا نُورَ النُورِ یا مُدَبِّرَ الامور بَلِّغ مِنِی رُوحَ محمدٍ و ارواحَ آل محمدٍ تَحیهً و سلاماً" (۲)

عمل دیگری که برای دیدن امام(در خواب توصیه شده، آن است که شیخ مفید آن را در کتاب اختصاص روایت کرده از ابی المعزی، از حضرت موسی بن جعفر(که گفت : "شنیدم از آن حضرت که می فرماید : "هر کسی که برای او حاجتی است به سوی خداوند تبارك و تعالی، و اراده کرده که ما را ببیند، و مقام و رتبه خود را بداند، پس غسل کند سه شب، و مناجات کند به ما، یعنی "والله العالم" که با خدای عالم مناجات کند به توسط ما، به اینکه قسم دهد او را به حق ما، و متوسل شود به حضرت او به وسیله ما، که ما را به او بنمایاند، و مقام او

۱ برای ملاقات با امام عصر (عج) ما جوانان چه برنامه هایی و اعمالی را باید رعایت کنیم و چگونه باشیم؟

پرسش

۱ برای ملاقات با امام عصر (عج) ما جوانان چه برنامه هایی و اعمالی را باید رعایت کنیم و چگونه باشیم؟

پاسخ

مرادتان از ملاقات چیست؟ آیا ملاقات حضوری در نظر است یا نه ، توجه و عنایت حضرت را می طلبید.

گاه انسان تنها مرادش دیدن روی حضرت است که این زیاد مطلوب نمی رسد چرا که آن اصل است که ما بدانیم مطلوب حضرتیم و یا منتظر واقعی او هستیم و از صحابه حضرت به حساب می آییم.

و اما در زمان پیامبر اکرم هم کسانی بودند که هر روز حضرت را می دیدند ولی عملا این دیدن نه به درد دنیا و نه آخرت آن ها خورد لذا من گمان می کنم منظور شما از ملاقات با امام عصر در خط حضرت بودن است.

پس باید منتظر باشید یعنی انتظار با جوش و خروش همراه است و با خمودگی انتظار معنی نمی دهد. خود را آراسته کنید به صفاتی که حضرت را خوش می آید، شیعه باشید و مثل شیعه زندگی کنید حسن خلق داشته باشید بر امور مردم رسیدگی کنید تواضع داشته باشید. و نسبت به کفار متکبر باشید. جهاد در راه خدا داشته باشید(بااموال وانفس). از خدا بترسید و سرزنش هیچ کس شما را از راهتان باز ندارد. شریعت اصیل اسلام را بیاموزید و مسلمان واقعی باشید. بگذارید اعمال شما آیینه تمام نمایه اسلام اصیل باشد. سعی کنید طوری زیست کنید که حتما مطمئن باشید که مرضی آقا امام زمان است. ساده زیست باشید و عمیق و زیرکانه فکر کنید. اگر شما در طول زندگی خودتان به وظایفی که بر عهده شما است درست

عمل کنید آنگونه که ائمه خواسته اند بدانید که مورد رضایت ایشان واقع شده اید و خود حضرت (عج) به دیدن شما خواهند آمد. نیازی نیست که ریاضت های خاصی بکشید یا اعمال خارق العاده انجام دهید تا بتوانید حضرت را ببینید. بلکه به وظیفه خودتان که در سه بخش خلاصه می شود احکام، اخلاق، عقاید عمل کنید، مطمئن باشید که حضرت خودشان به دیدن شما خواهند آمد.

۱– چه باید انجام دهیم تا امام زمان عج» را ملاقات کنیم ؟

پرسش

۱– چه باید انجام دهیم تا امام زمان عج» را ملاقات کنیم ؟

پاسخ

اولاً در اصلاح کردن ،نفس خودمان بکوشیم و به اخلاق نیک آراسته شویم و به وظایف فردی خودمان عمل کنیم، احکام و دستورات قرآن را به کار ببندیم. طهارت و پکدامنی را پیشه کنیم؛ یعنی در اثر نگاه داشتن نفس از شهوات حرام روح طاهر و پاک گردد، و به این معنا که هر گاه نفس خواست سرکش شود و به طرف محرمات روی آورد باید در مقابل او مقاومت نمود و خود را حفظ کرد چنانکه حضرت امیر المؤمنین « علیه السلام » می فرماید :{ العبر علی الشهوه عفه} یعنی : مقاومت در برابر شهوت ها عفت و پاکدامنی است .

کلید سعادت و خوشبختی عبارت است از :

۱–تقوی و تزکیه نفس، مهمترین دستوروالعمل برای رسیدن به هدف متعالی تحصیل تقوی و تزکیه نفس است که، تمامی انبیاء علیهم السلام » برای عملی ساختن آن در میان امتها فرستاده شدند؛ چنانکه قرآن می فرمایند :پروردگارا در میان آنها پیامبری از خودشان بر انگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند ،آنها را کتاب و حکمت بیاموز و تزکیه شان کند زیرا تو توانا و حکیم هستی .

در محضر پروردگار هر گاه انسان حقیقتاً دانست که خداوند متعال حاضر و ناضر او است و در هر لحظه در منظرو دید خداوند و در محضر پروردگار قرار دارد تمام کردار و گفتارش در جهت صحیح قرار می گیرد.

۲– توجه به حیات ابدی : بدان زندگی در دنیا همانند راهی است که حتما از آن عبور خواهی کرد و بعد از آن

وارد منازل و عقبه های خواهی شد که مقدمه برای حیات ابدی تو است.

۳-نماز و عبادت

۴- کنترل فکر.

۵- ازدواج.

۶-اهمیت دادن به محیط خانواده.

۷- دوری از گناه .

۸- حفظ حجاب.

۹- مرابطه و توسل

دنیا دائماً در حال تغییر و دگرگونی می باشد و شیطان نیز در این راستا طبق نیاز زمانی از راههای متعددی برای انسان مشغول فعالیت میشود ،لذا در هر شب و روز باید مرابطه و توسل به دامان اهل بیت پیامبر« صلی الله علیه واله » که حافظ دین خداوند هستند و بلاخص حضرت بقیه الله که امام این زمان است داشته باشیم. چنانکه قرآن به این عمل امر می نماید و می فرماید :

«رابطه روحی و معنوی با ساحت مقدس امام « علیه السلام »

۱۰ – استقامت و صبر در مقابل نا ملایمات مادی و معنوی

۱۱- تزکیه نفس

منابع :

۱-سیمای آفتاب , دکتر حبیب الله مظاهری

۲- ملاقات با امام عصر , سید جعفررفیعی

۳-دوازده همین برج ولایت , حاج شیخ محمد تقی گلی

۴-خورشید غایب , رضا استادی

چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان«علیه السلام» را پیدا کنیم؟

پرسش

چه کنیم تا توفیق ملاقات امام زمان«علیه السلام» را پیدا کنیم؟

پاسخ

توفیق ملاقات امام زمان«علیه السلام» تنها برای کسانی است که آن حضرت صلاح بدانند و به نظر می رسد که در دو مورد تحقق می یابد:

۱. کسانی که در شدّت و گرفتاری و بحرانهای زندگی قرار می گیرند و به آن حضرت توسّل پیدا می کنند.(توسعه مصرانه و پیگیر)

۲.کسانی که در راه تهدید نفس و پیمودن صراط عبودیّت و بندگی خدا مجاهد و تلاشی پیگیر و خالص داشته باشند. به ویژه این که عشق به لقاء آن حضرت و دیدار وی و سعی و تلاش در این راه هم با آن ضمیمه شود.

کسی که بخواهد در این راستا قرار گیرد لازم است به نکات زیر توجّه کند:

۱. در راه تحصیل عقاید و معارف حقّه اهل بیت عصمت و طهارت تلاش کند. و سعی کند تنها به معارف دینی از رهگذر ارشادها و رهنمودها و احادیث آنان توجّه کند و از راههایی که دشمنان آنان ارائه کرده اند بر حذر باشد.

۲. در تهذیب نفس و تزکیه اخلاق سخت کوشا باشد.

۳. در احکام فرعی عملی همواره جدیّت کند بر اساس محبّت شرعی عمل کند و از گناه و معصیّت سخت پرهیز کند.

۴. به نماز اوّل وقت اهمیّت بدهد و سعی کند نماز را با حضور قلب بخواند.

۵. توسّل به چهارده معصوم مخصوصاً امام زمان«علیه السلام» همواره در زندگی مورد توجّه وی باشد.

۶. دعای ندبه را با توجّه به مضامین آن با وضعی که تناسب با آن مضامین است بخواند.

۷. زیارات آن حضرت را مخصوصاً زیارت آل یسن و دعای عهد در صبحها همواره بخواند.

۸. دعا برای تعجیل فرج آن حضرت و

درخواست توفیق ملاقات آن حضرت از خداوند مصرانه و پیگیر داشته باشد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

کدام دعا را اگر چهل روز بخوانیم با امام زمان ملاقات می کنیم و در زمان ظهور آن حضـرت، زنده می شویم؟ اگر کسی ترجمه آن را بخواند صحیح است؟

پرسش

کدام دعا را اگر چهل روز بخوانیم با امام زمان ملاقات می کنیم و در زمان ظهور آن حضرت، زنده می شویم؟ اگر کسی ترجمه آن را بخواند صحیح است؟

پاسخ

در کتب ادعیه، دعایی با این خاصیت از زبان ائمه(علیهم السلام) وارد شده است که به دعای عهد مشهور است. مقصود از عهد، پیمان با امام زمان است. بر هر مسلمانی لازم است با امام خویش عهد و پیمان ببندد. در روایات آمده است: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتْ الجاهلیْ»;{۱} هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.{۲}

امام صادق(ع) فرمود: هر که چهل صبح، دعای عهد را بخواند از یاوران حضرت ولی عصر(ع) است و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدا او را از قبر بیرون آورد؛ تا در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه از دعا هزار حسنه به او کرامت می فرماید و هزار گناه از او محو می کند.{۳}

مهم این است که دعا کننده بهفمد که چه می گوید که اگر همراه با گفتن کلمات عربی دعا باشد خیلی خوب است و الّاترجمه دعا هم خوب است/

[۱].کنزالعمال، حدیث ۱۴۸۱/

[۲].همان/

[۳].مفاتیح الجنان، دعای عهد/

شهادت

آیا قاتل امام زمان(ع) زن است؟

پرسش

آیا قاتل امام زمان(ع) زن است؟

پاسخ

این که قاتل حضـرت مهدی مرد است یا زن و یا آن قاتل اهل کجاست؟ یاآن که آن حضرت به مرگ طبیعی از دنیا می رود؟ محل بحث و گفتگو است. روایتی از پیامبر(ص) نقل شـده است که فرمود:... فیمکث فی الارض اربعین سـنه ثم یتوفی فیصـلی علیهاالمسلمون؛(۱)

مدت چهل سال حکومت می کند و بعد از دنیا می رود و مسـلمانان بر آن حضـرت نماز می خوانند" و مرحوم طبرسی در این باره می فرمایـد: "و الله اعلم بحقیقه ذلک؛ خداوند بهتر می داند که آیا تمامی ائمه کشـته می شوند یا بعضـی از آنان به مرگ طبیعی از دنیا می روند."

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳.

پایان کار امام زمان ۷چه خواهد شد؟

پرسش

پایان کار امام زمان ۷چه خواهد شد؟

پاسخ

در حدیثی مدت حکومت حضرت مهدی ۷هفتاد سال ذکر شده است .(۱)

در حدیث دیگر از امام صادق ۷نقل شده است که مدت حکومت حضرت , نوزده سال و چند ماه خواهد بود.(۲)

جابربن یزید جعفی می گوید: از امام باقر۷ شنیدم که فرمود: واللّه ! مردی از ما اهل بیت ۳۰۹سال حکومت خواهد کرد.

به حضرت عرض کردم : در چه زمانی ؟

فرمود: بعد از فوت حضرت مهدی ۷

حضرت مهدی ۷چند سال حکومت خواهد کرد؟

فرمود: از روزی که قیام می کند تا روزی که فوت می کند, نوزده سال طول خواهد کشید.(۳)

از این روایت اسـتفاده می شود بعد از فوت یا شـهادت حضـرت مهدی ۷حکومت او توسط بعضـی از اهل بیت پیامبر تا حـدود سیصد و اندی سال ادامه خواهد داشت و جهان پر از عدل و داد خواهد شد.

حذیفه بن یمان می گوید: از پیامبر۶شنیدم که فرمود: هنگامی که وقت قیام حضرت مهدی ۷بشود, منادی ندا خواهد داد: ای مردم ! مدت کار ظالمان و جبّاران تمام شد و بهترین شخص از امّت محمد, ولی امر شما شده است .پس به او در مکّه بپیوندید. عده ای از بزرگان مصر و تعدادی از شام و گروهی از عراق که راهبان شب و شیران روزخواهند بود و قلوب آنان مانند بُراده های آهن محکم و استوار خواهد بود, با آن حضرت بین رکن و مقام (مکه) بیعت خواهند کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهند نمود.(۴)

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۲۹۱

(پاورقی ۲.همان , ص ۲۹۸

(پاورقی ۳.همان .

(پاورقی ۴.همان , ص ۳۰۴

حضرت مهدی ۷پس از ظهور چگونه از دنیا می رود؟

پرسش

حضرت مهدی ۷پس از ظهور چگونه از دنیا می رود؟

پاسخ

در مدت حکومت آن حضرت پس از ظهور اختلاف است . منابع اهل سنت این مدت را به اختلاف پنج , بیست , سی , و چهل سال ذکر کرده اند(۱). و منابع شیعه نوزده , بیست , سی صد و نه سال آورده اند(۲). اما این که حضرت چگونه از این جهان خواهد رفت , به مرگ طبیعی یا غیر طبیعی و به چه کیفیتی ؟ اخلافات در مورد آن فراوان و مسلمانان بر او نماز خواهند گذارد(۳). بعضی نماز خواندن بر آن حضرت را به امام حسین ۷نسبت می دهند(۴). از برخی روایات استفاده می شود که مرگ حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکارانی که مشخصات آنها به اختلاف در روایات آمده است به شهادت خواهدرسید(۵). علمای دین از دیر باز در این مورد تحقیق کرده و نظریات مختلفی ارائه نموده اند, اما این مسئله هم چنان اختلافی است و حقیقت امر جزء خدا بر دیگری واضح نیست ,

(پاورقی ۱ سنن ابی داود, ج ۴ ص ۱۱۶

(پاورقی ۲ اعلام الوری باعلام مهدی , طبرسی , ص ۴۳۴, کتاب الغیبه , شیخ طوسی , ص ۴۷۱و ۴۷۲; بحار الانوار, ج ۵۲, ص ۳۸۳

(پاورقی ۳ بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۸۳

(پاورقی ۴ بحارالانوار, ج ۱۳ ص ۲۲۹ الزام الناصب , ص ۱۹۰

(پاورقی ۵ تاریخ مابعد الظهور, سید محمد صدر, ص ۸۸۱

آیا امام زمان (عج) به مرگ طبیعی از دنیا می رود یا کسی او را می کشد؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) به مرگ طبیعی از دنیا می رود یا کسی او را می کشد؟

پاسخ

دربارهنحوه مردن یا شهادت حضرت مهدی (عج) اختلاف هایی در روایات به چشم می خورد. برخی از روایات می گویند که حضرت مدتی حکومت می کند، سپس وفات می نماید و از برخی استفاده می شود که مرگ حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران به شهادت خواهد رسید. بررسی و قضاوت در این امر مبتنی بر دو مسئله است:

۱ آیا همه امامان معصوم(ع) شهید می شوند یا امکان دارد که به مرگ طبیعی از دنیا بروند؟

۲ آیا درباره امام زمان (ع) مدرکی بر شهادت او داریم؟

شیخ صدوق بر این باور است که همه معصومان(ع) به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند.

شیخ مفید فرمود: شهادت امام علی (ع) و امام حسن و امام حسین (ع) به قتل حتمی و قطعی است. پس از ایشان مسمومیت امام موسی بن جعفر (ع) نیز قطعی است. درباره امام رضا(ع) نیز قول قوی به مسمومیّت و شهادت ایشان است، گرچه جای تردید هست. امّا در دیگر ائمه راهی برای اثبات این که آنان به وسیله سمّ یا قتل به شهادت رسیده اند، در دست نیست.[۵]

از امام رضا(ع) نقل شده است که : " ما منّا الّا مقتول؛ هیچیک از امامان نیست مگر این که کشته می شود".

یا از امام حسن مجتبی (ع) نقل شده است: "ما منّا إلّا مسموم او مقتول؛ هر کدام از ما امامان مسموم یا کشته می شویم".

اگر به این روایات تکیه کنیم باید بگوییم: حضرت مهدی(ع) نیز به دست جنایتکاران به شهادت خواهد رسید. در برخی منابع

نقل شده که حضرت به وسیله یک زن که سنگی از پشت بام براو می زند، شهید می شود. اگر نظر شیخ مفید را بپذیریم، باید بگوییم چگونگی مرگ آن عزیز روشن نیست.[۶]

اما این نکته قابل توجه است که رسیدن به مقام شهادت اختصاص به کشته شدن با شمشیر یا سمّ ندارد. پیامبر یا امام حتی اگر کشته یا مسموم نشود، شهید است، چون رسیدن به مقام شهادت به وسیله تهذیب نفس و دوری از گناهان و پاکی و صداقت انسان حاصل می شود.

۱[۵] مجله حوزه ، شماره ۷۰ ۷۱، ص ۶۰.

۱[۶] همان، با تخلیص و اضافات.

آیا امام زمان تا پایان زنده می ماند؟

پرسش

آیا امام زمان تا پایان زنده می ماند؟

پاسخ

امام زمان(ع) پس از پایان و مدت حکومتش از دنیا می رود. روایاتی که درباره مدت حکومت و ایام دولت امام عصر(ع) رسیده، مختلف است. به ترتیب: پنج، هفت، هشت، نه، نوزده، بیست، چهل، هفتاد و سیصد و نه سال ذکر شده است.(۱) اختلاف ر روایات به خاطر این است که امامان ایام دقیق دولت حضرت را نمی دانستند، بلکه بدین خاطر است که مدعیان مهدوین و بابیت نتوانستند سوء استفاده نمایند و کسانی به نام مهدی قیام کنند و پس از مدتی کشته شوند و پیروان او همان تاریخ قیام و شهادت را تحریف کرده و نام مهدی ثبت نمایند. وقتی تارح حاکمیت مختلف شد، امکان سوء استفاده اندک است، چنان که اسم و پدر و مادر نیز چنین است. او فرزند امام عسکری و مادرش نرجس خاتون است و هزار سال از عمر شریفش می گذرد.

تمام این ها برای مبارزه با "مهدویت" نوعیه است. مهدویت در اسلام شخصی است، نه نوعی.

پی نوشت ها:

۱ - علی دوانی، مهدی موعود، ص ۱۲۴۱؛ لطف اللّه صافی، منتخب الاثر، ص ۶۱۸؛ مجله حوزه، سال ۷۰ - ۷۱، مهر - دی، ۱۳۷۴.

گفته شده بعد از آنکه حضرت ولی عصر(عج) ظهور نمود ایشان شهید می شوند. آیا این سخن صحیح است؟ چگونه بعد از ظهور حضرت جهان پر از عدل و داد می شود؟ شهادت حضرت چگونه اتفاق می افتد و چگونه قیامت آغاز می شود؟ آیا شهادت حضرت آغاز قیامت است؟ توضیح دهید.

پرسش

گفته شده بعد از آنکه حضرت ولی عصر(عج) ظهور نمود ایشان شهید می شوند. آیا این سخن صحیح است؟ چگونه بعد از ظهور حضرت جهان پر از عدل و داد می شود؟ شهادت حضرت چگونه اتفاق می افتد و چگونه قیامت آغاز می شود؟ آیا شهادت حضرت آغاز قیامت است؟ توضیح دهید.

پاسخ

واقعیت آن است که به گونه ای معیّن نمی توان گفت که امام زمان(ع) چگونه از دنیا می رود. آیا به مرگ طبیعی از دنیا می رود و یا به شهادت می رسد.[۵] از برخی روایات استفاده می شود که مرگ حضرت طبیعی نخواهد بود.[۶]

آیا همه امامان (ع) به شهادت رسیده اند؟ از برخی روایات استفاده می شود که همه امامان و معصومان(ع) به شهادت رسیده اند. امام رضا(ع) فرمود: "ما منّا إلاّ مقتول"[۷] امام حسن مجتبی(ع) نیز فرمود: "به خداوند سوگند! پیامبر(ص) به ما این عهد و وعده را داده است که امامت را دوازده تن از فرزندان علی(ع) و فاطمه(ع) به دست خواهند گرفت و هر یک از آن ها، مسموم و یا مقتول خواهند شد".[۸]

بسیاری از بزرگان شیعه همین عقیده را دارند که همه امامان(ع) به مرگ طبیعی از دنیا نرفته اند. مرحوم شیخ صدوق نیز بر این باور است: "همه معصومان(ع) به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند... کسی که چنین عقیده نداشته باشد از ما نیست".[۹]

اگر طبق این دسته از روایات عمل شود باید گفت که امام زمان(ع) نیز مانند دیگر معصومان به شهادت می رسد، اگر چه نحوه شهادت او مشخص نیست. البته برخی از بزرگان دیگر شیعه مانند مرحوم شیخ مفید عقیده دارد که همه

معصومان(ع) به شهادت نرسیده اند.[۱۰]

مرحوم علامه مجلسی به نقد و بررسی مبنای شیخ مفید پرداخته و عقیده دارد روایاتی که دلالت دارند معصومان(ع) به شهادت می رسند، به حد تواتر است.[۱۱]

با توجه به مطالب مذکور، اگر روایاتی مانند :"ما منا إلا مسموم أو مقتول" را مدرک قرار دهیم، باید گفت امام زمان(ع) مانند دیگر امامان به دست جنایتکاران به شهادت می رسد. اگر کلیات این دسته روایات را بپذیریم و مانند شیخ مفید معقتد باشیم، دقیقاً نمی توان گفت که مرگ امام زمان(ع) چگونه است؟

امام زمان(ع) بعد از ظهور با بهره گیری از عنایت خداوند، حکومت عدالت ایجاد می کند. آنجا که در روایات آمده است: "یملأ الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً".[۱۲]

امام زمان(ع) برای تشکیل حکومت جهانی و برقراری عدالت، نخست به هدایت مردم پرداخته و با مخالفان عدالت و حکومت جهانی برخورد می کند. در برخی از روایات تصریح شده است که امام زمان به پیامبر شباهت دارد. معنای شباهت آن است که امام زمان با شمشیر به ایجاد جامعه عدالت گرا می پردازد.[۱۳] البته شمشیر کنایه از ابزار جنگی است که به حسب شرایط زمان و مکان فرق دارد و امام زمان(ع) از همان اسلحه بهره می گیرد که در زمان ظهور حضرت رایج است.

بعد از ظهور و تشکیل حکومت امام زمان(ع) قیامت آغاز نشده و به گونه ای معیّن نیز نمی توان گفت که بین حکومت امام زمان و قیامت چه قدر فاصله است و بین قیامت و حکومت امام زمان(ع) چه رابطه ای وجود دارد. از روایات و مبانی بزرگان استفاده می شود که در زمان حکومت

امام زمان رجعت صورت می گیرد.[۱۴] البته درباره رجعت اختلاف نظر وجود دارد و مورد اتفاق آن است که رجعت صورت می گیرد.[۱۵]

برخی عقیده دارند که بعد از تشکیل حکومت امام زمان(ع) برخی از بزرگان دین و مؤمنان زنده می شوند تا نحوه حکومت و گسترش عـدالت در حکومت امام زمان را ببیننـد و برخی از مشـرکان و گناهکاران نیز زنـده می شوند، تا جزای اعمال خود را ببینند.[۱۶]

در برخی روایات آمده است: اولین کسـی که از بزرگان دین زنده می شود، امام حسین(ع) است که از دشمنان خود انتقام می گیرد.[۱۷] از متون دیگر استفاده می شود که ائمه(ع) زنده شده، هر کدام حکومت می کنند.

در برخی روایات آمده است که بعد از امام زمان(ع) دوازده نفر حکومت می کنند. شـیخ طوسـی از ابوحمزه ثمالی روایت می کند که حضرت صادق(ع) – ضمن حدیث طولانی – فرمود: "ای ابوحمزه! ما را بعد از قائم یازده مهدی خواهد بود که همه از اولاد حسین(ع) می باشند".[۱۸]

[۴] توضیح المسائل مراجع، ج۱، مسئله ۱۱۱ و ۱۱۵ و ج۲، مسئله ۲۶۳۳.

[۵] ر.ک: مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۶۰.

[۶] سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۸۱، به نقل از مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۵۹.

[۷] بحارالانوار، ج۲۷، ص ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷.

[۸] همان.

[۹] اعتقادات، چاپ شد، در مصنفات شیخ مفید، ج ۵، ص ۹۹.

[۱۰] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۵۹، ۶۰.

[۱۱] بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۳ و ۲۱۶.

[۱۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۴.

[۱۳] همان، ص ۵۱، ص ۲۱۸.

[۱۴] مهدی موعود، ص ۱۱۸۶ به بعد؛ معارف و معاریف، ج ۵، ص ۶۳۰؛ سفینه البحار،

ج ۱، ص ۵۱۱؛ تفسیر نمونه ج ۱۵، ص ۵۵۵.

[۱۵] همان.

[۱۶] سفینه البحار، ج۱، ص ۵۱۱؛ مهدی موعود، ص ۱۱۹۰.

[۱۷] تفسیر نمونه، ج۱۵، ص ۵۵۶؛ بحارالانوار ، ج ۵۳، ص ۴۳.

[۱۸] مهدی موعود، ص ۱۲۳۸.

آیا کشته شدن امام زمان(ع) به دست زنی که مانند مردها ریش دارد است، صورت می گیرد و نام زن سعیده است؟ حدیثی معتبر در این باره وجود دارد؟

پرسش

آیا کشته شدن امام زمان(ع) به دست زنی که مانند مردها ریش دارد است، صورت می گیرد و نام زن سعیده است؟ حدیثی معتبر در این باره وجود دارد؟

پاسخ

در خصوص به شهادت رسیدن امام زمان(ع) توسط یک زن به دلیل معتبری برخورد نکردیم. یکی از نویسندگان می گوید: "من در لبنان شنیدم خانمی از اهل کوفه، در نجف شنیدم خانمی از اهل کوفه، در مسجد کوفه و این جا (ایران) شنیدم خانمی از ایران آقا را به شهادت می رساند. تتبع کردم، هیچ روایتی را ندیدم و اصلاً این روایت هیچ منبعی ندارد".[۱]

[۱]گفتمان مهدویت (پرسش و پاسخ) کورانی، ص ۱۲۵.

در مورد قاتل امام زمان(ع) که یک خانم است، توضیحاتی بدهید و کتاب هایی را معرفی کنید:

پرسش

در مورد قاتل امام زمان(ع) که یک خانم است، توضیحاتی بدهید و کتاب هایی را معرفی کنید:

پاسخ

درباره این که آیا امام زمان(ع) کشته می شود یا به مرگ طبیعی از دنیا می رود و اگر کشته می شود، آیا کشنده او مرد است یا زن؟ مسلمان است یا غیر مسلمان؟ اصفهانی است یا غیر اصفهانی؟ اگر چه سخنانی گفته شده و چه بسا روایاتی نقل شده باشد، اما دلیل معتبری در دست نیست. از حدیث معروف "ما منّا إلاّ مقتول أو مسموم؛[۵] تمامی ما امامان با شمشیر کشته می

شویم یا با زهر" استفاده می شود که امام زمان نیز مانند بقیه ائمه، کشته یا مسموم می شود.

اما اصل مسئله این که آیا همه آن بزرگواران به شهادت رسیده یا برخی به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند، بین علمای شیعی اختلاف است. شیخ صدوق(ره) بر این باور است که همه معصومین(ع) به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند. شیخ مفید(ره) فرموده تمامی آنان با قتل یا با سم از دنیا نرفته اند، بلکه شهادت برخی از آنان مشکوک است. شهادت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین(ع) قطعی و حتمی است. پس از ایشان مسمومیت و شهادت امام موسی بن جعفر(ع) نیز قطعی و مسلّم است. درباره امام رضا(ع) نیز قول قوی به مسمومیّت ایشان است. امّا در دیگر امامان دلیل قطعی برای اثبات این که آنان به وسیله سمّ کشته شده باشند، جای تردید است.[۶]

بنابراین دلیلی بر کیفیت مردن یا شهادت امام زمان(ع) نداریم، امّا تذکّر این نکته ضروری است که پیامبر و امامان به مقام شهادت که مقامی بس بالا و

والاـ است رسیده اند و رسیدن به این مقام اسبابی دارد. ممکن است فردی با مرگ طبیعی از دنیا برود، ولی در اثر این که دارای تقوا و عمل صالح است، به مقام شهادت برسد. البته یکی از مهم ترین اسباب رسیدن به این مقام، کشته شدن در راه خدا است.

برای اطلاع بیشتر به کتاب های مهدی موعود ترجمه علی دوانی، در انتظار خورشید از عبدالرحمن انصاری، امام در عینیت جامعه نویسنده محمد رضا حکیمی، دادگستر جهان نوشته ابراهیم امینی و منتهی الآمال نوشته حاج شیخ عباس قمی مراجعه شود.

[۵] مجله حوزه، شماره ۷۰ – ۷۱، ص ۵۹۰، به نقل از بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۳ و ۲۱۶ و ۲۱۷.

[۶] همان، ص ۶۰، به نقل از اعتقادات شیخ صدوق، ج ۵، ص ۹۹، چاپ کنگره شیخ مفید.

امام زمان(ع) به دست چه کسی به شهادت می رسند؟

پرسش

امام زمان(ع) به دست چه کسی به شهادت می رسند؟

پاسخ

این که حضرت امام زمان(عج) چگونه از این جهان خواهد رفت، به مرگ طبیعی یا با شهادت خیلی روشن نیست. نیز اگر با شهادت باشد،توسط چه کسی شهید می شود، معلوم نیست.(۱)

در برخی کتاب ها آمده است: "هفتاد سال بعد از ظهور، امام زمان(ع) را زنی از طایفه بنی تمیم به نام سعید، که مانند مردان ریش دارد، با انداختن سنگی از پشت بام به شهادت می رساند".(۲)

پی نوشت ها:

۱. مجله حوزه سال ۷۰ – ۷۱– مهر – دی ۱۳۷۴، ص ۵۸.

۲. سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۸۱.

قاتل امام زمان(ع) کیست؟ آیا او به دنیا آمده است؟

پرسش

قاتل امام زمان(ع) کیست؟ آیا او به دنیا آمده است؟

پاسخ

درباره کیفیت مرگ امام زمان(ع) نمی توان قاطعانه داوری کرد، زیرامعلوم نیست حضرت به مرگ طبیعی از دنیا می رود و یا به شهادت می رسد. درباره چگونگی مرگ ائمه(ع) اختلاف نظر وجود دارد: برخی عقیده دارند همه امامان معصوم(ع) به شهادت می رسند.(۱) از برخی روایات نیز استفاده می شود که همه ائمه به شهادت می رسند.(۲) امام رضا(ع) فرمود: "ما منا إلا مقتول أو مسموم".(۳) اگر این مبنا را در خصوص کیفیت مرگ امامان معصوم(ع) بپذیریم، امام زمان(ع) نیز به شهادت می رسد، ولی این که توسط چه کسی به شهادت می رسد، مشخص نیست. در خصوص این که قاتل امام زمان(ع) به دنیا آمده است یا نه، باید گفت: بر فرض این که امام به شهادت برسد، قاتل حضرت به دنیا نیامده است؛ زیرا اگر قاتل حضرت به دنیا آمده بود، باید عمر طولانی داشته باشد، زیرا مدت ها از غیبت حضرت می گذرد و باز معلوم نیست حضرت کی ظهور خواهد نمود.

برخی دیگر عقیده دارند که همه امامان معصوم(ع) به شهادت نمی رسند.(۴) اگر این نگرش را بپذیریم، نمی توان قاطعانه گفت که امام زمان(ع) به شهادت می رسد. شاید امام زمان(ع) به مرگ طبیعی از دنیا برود.

پی نوشت ها:

۱. مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۵۹.

۲. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۳.

۳. همان.

۴. مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۶۰.

چگونگی کشته شدن امام زمان را بیان کنید؟

اشاره

آیا این مطلب صحیح است که قاتل امام زمان، زنی است که متولد شده است؟

پرسش

چگونگی کشته شدن امام زمان را بیان کنید؟

آیا این مطلب صحیح است که قاتل امام زمان، زنی است که متولد شده است؟

پاسخ

درباره این که آیا امام زمان(ع) کشته می شود یا به مرگ طبیعی از دنیا می رود و اگر کشته می شود، آیا کشنده او مرد است یا زن؟ مسلمان است یا غیر مسلمان؟ اصفهانی است یا غیر اصفهانی؟ اگر چه سخنانی گفته شده و چه بسا روایاتی نقل شده باشد، اما دلیل معتبری در دست نیست. از حدیث معروف "ما منّا إلاّ مقتول أو مسموم؛(۱) تمامی ما امامان با شمشیر کشته می شویم یا با زهر" استفاده می شود که امام زمان نیز مانند بقیه ائمه، کشته یا مسموم می شود.

اما اصل مسئله این که آیا همه آن بزرگواران به شهادت رسیده یا برخی به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند، بین علمای شیعی اختلاف است. شیخ صدوق(ره) بر این باور است که همه معصومین(ع) به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند. شیخ مفید(ره) فرموده تمامی آنان با قتل یا با سم از دنیا نرفته اند، بلکه شهادت برخی از آنان مشکوک است. شهادت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین(ع) قطعی و حتمی است. پس از ایشان مسمومیت و شهادت امام موسی بن جعفر(ع) نیز قطعی و مسلّم است. درباره امام رضا(ع) نیز قول قوی به مسمومیّت ایشان است. امّا در دیگر امامان دلیل قطعی برای اثبات این که آنان به وسیله سمّ کشته شده باشند، جای تردید است.(۲)

بنابراین دلیلی بر کیفیت مردن یا شهادت امام زمان(ع) نداریم، امّا تذکّر این نکته ضروری است که پیامبر و امامان به مقام شهادت

که مقامی بس بالا و والا است رسیده اند و رسیدن به این مقام اسبابی دارد. ممکن است فردی با مرگ طبیعی از دنیا برود، ولی در اثر این که دارای تقوا و عمل صالح است، به مقام شهادت برسد. البته یکی از مهم ترین اسباب رسیدن به این مقام، کشته شدن در راه خدا است.

برای اطلاع بیشتر به کتاب های مهدی موعود ترجمه علی دوانی، در انتظار خورشید از عبدالرحمن انصاری، امام در عینیت جامعه نویسنده محمد رضا حکیمی، دادگستر جهان نوشته ابراهیم امینی و منتهی الآمال نوشته حاج شیخ عباس قمی مراجعه شود.

پی نوشت ها:

۱. مجله حوزه، شماره ۷۰ – ۷۱، ص ۵۹۰، به نقل از بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۳ و ۲۱۶ و ۲۱۷.

۲. همان، ص ۶۰، به نقل از اعتقادات شیخ صدوق، ج ۵، ص ۹۹، چاپ کنگره شیخ مفید.

روایات قطعی و متواتری درباره شهادت یا درگذشت امام زمان (عج) وجود ندارد. برخی روایات شهادت آن حضرت را تأیید می کنند از جمله:

امام حسین (ع) می فرماید: هیچ یک از ما امامان نیست جز آنکه مسموم یا شهید می شود. روایتی هم شهادت امام زمان (عج) توسط یک زن را بیان می کند. برخی روایات دیگر در گذشتن آن حضرت را تأیید می کند از جمله روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است که در تفسیر آیه »ثم رددنا لکم الکرّه علیهم« می فرماید: مقصود زنده شدن دوباره امام حسین (ع) و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان (عج) است در حالی که کلاهخودهای طلایی بر سر دارند، به مردم رجعت و زنده شدن دوباره حضرت امام حسین (ع) را اطلاع می دهند، تا مؤمنان

به شک و شبهه نیفتند و این در حالی است که حضرت مهدی (عج) در میان مردم است.

هنگامی که همه مؤمنان امام حسین (ع) را شناخته و تأیید کردند که او حسین (ع) است، مرگ حضرت مهدی (عج) فرا خواهد رسید و دیده از جهان فرو می بندد. آن گاه امام حسین (ع) وی را غسل و کفن و حنوط می کند و به خاک می سپارد که هرگز امام را جز امام غسل نمی دهد.

{P - صافی گلپایگانی، پیشین، ص ۴۸۲. P}

بنابر پاره ای از روایات حضرت ولی عصر (عج) هم بعد از رحلت یا شهادت رجعت می کنند و آن چه در روایات آمده است که قیام قیامت ۴۰ روز بعد از رحلت حضرت ولی عصر (عج) است مربوط به رحلت آن حضرت در رجعت است.

{P - محمد خادمی شیرازی، رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی (ع)، ج ۲، (قم: ناشر، ۱۴۱۱ ق) ص ۱۹۲. P}

در صورت صحت شهادت آن حضرت این امر نشان می دهد که حکومت جهانی آن حضرت هم هنوز افراد اصلاح نشده ای هستند که گرچه دستشان از حکومت کوتاه است اما از توطئه دست برنداشته اند.

حضرت مهدی(را چه کسی به قتل خواهد رسانید؟

پرسش

حضرت مهدی(را چه کسی به قتل خواهد رسانید؟

پاسخ

مسأله کشته شدن حضرت مهدی(مسأله ای قطعی نیست، و بزرگان در این زمینه نظرات متفاوتی ابراز داشته اند و علت این مسأله روایاتی است که در این زمینه رسیده است. برخی روایات می گویند که آن حضرت مدتی حکومت خواهد کرد و سپس وفات می کند و مسلمانان بر او نماز می گذارند.(۱) و از بعضی روایات استفاده می شود که مرگ آن حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران با مشخصاتی که برای آنان در روایات ذکر شده به شهادت می رسند.(۲)

شیخ صدوق از بین نظرات، نظر دوم را پذیرفته و روایاتی را به عنوان دلیل ادعایشان بیان می فرمایند که عبارتند از روایت امام رضا(که می فرمایند : "ما منّا الامقتول"(۳) یعنی "از ما ائمه کسی نیست مگر آنکه کشته می شود" و روایت امام حسن مجتبی(که می فرمایند : "به خدا سوگند پیامبر(به ما این عهد و وعده را داد که امر امامت را یازده تن از فرزندان علی و فاطمه(به دست خواهند گرفت و هر یک از آنان مسموم یا مقتول خواهند شد."(۴) اما بزرگانی دیگر چون شیخ مفید کلیت این احادیث "ما منا الامسموم او مقتول" را نپذیرفته اند.

حال با توجه به نکات یاد شده روشن شد که اگر نظر شیخ صدوق را بپذیریم و به روایات "ما منا الامسموم او مقتول" پایبند

باشیم و آنها را از نظر سند بپذیریم امام زمان (به دست جنایتکاران به شهادت می رسند، ولی اگر قول شیخ مفید را بپذیریم و به روایات " ما منا الا

مسموم او مقتول" پایبند نباشیم، باید بگوییم که چگونگی مرگ آن عزیز روشن نیست،(۵) گرچه نظر و استدلال مرحوم شیخ صدوق مبنی بر شهادت حضرت، قوی تر به نظر می رسد و این نظر بیشتر موافق علمای وارسته عصر حاضر است. والله اعلم.

منابع و مآخذ :

۱. بحارالانوار، ج۵۲ / ۳۸۳

۲. تاریخ ما بعدالظهور، سید محمد صدر/ ۸۸، مکتبه الام امیرالمؤمنین، اصفهان

۳و۴ بحار الانوار، ج۲۱۷،۲۱۶،۲۱۳/۲۷

۵. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۳۵۹، ۳۶۰

آیا امام زمان (عج)بعد از ظهور به شهادت می رسند چرا و چگونه و در صورت مثبت بودن پاسخ بعد از آن قیامت برپا خواهد شد یا نه؟

پرسش

آیا امام زمان (عج)بعد از ظهور به شهادت می رسند چرا و چگونه و در صورت مثبت بودن پاسخ بعد از آن قیامت برپا خواهد شد یا نه؟

پاسخ

راجع به شهادت حضرت مهدی(عج) و کیفیت آن، مدرک معتبری وجود ندارد. در برخی از کتاب های اهل سنت نقلی آمده است که زنی ریش دار به نام سعیده، با انداختن هاونی از روی بلندی بر سر آن حضرت، ایشان را به شهادت خواهد رساند.

این مسأله که آیا بعد از شهادت امام زمان کسی حکومت خواهد کرد یا خیر و در صورت اول، چه کسانی حکومت خواهند کرد، محل بحث و اختلاف آراء است و این ناشی از اختلاف مضمون روایات است. در مورد حکومت بعد از حضرت دو نظر عمده وجود دارد:

۱. بعد از شهادت امام زمان، ائمه معصومین، یکی پس از دیگری به دنیا رجعت خواهند کرد و حکومت می کنند، (امام مهدی از ولادت تا ظهور، سید کاظم قزوینی، ترجمه فریدونی، ص ۶۷۲).

۲. بعد از شهادت امام زمان، و تأسیس حکومت عدل و رشد فکری و دینی مردم و ایجاد مدینه ی فاضله، انسانهای صالح که تربیت یافته ی مکتب امام زمانند، یکی پس از دیگری این حکومت را اداره می کنند تا روز قیامت، (تاریخ ما بعد الظهور، محمد صدر، ص ۶۵۳ ۶۳۹).

برای اطلاع تخصصی و عمیق مراجعه کنید به کتاب: تاریخ ما بعد الظهور، محمد صدر، ص ۶۲۷.

اگر حکومت حضرت، حکومت عدل جهانی است،پس چرا به شهادت می رسد؟

پرسش

اگر حکومت حضرت، حکومت عدل جهانی است،پس چرا به شهادت می رسد؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق می گوییم:

دلیل قطعی یا متواتری بر شهادت حضرت مهدی (ع) در دست نیست. آری، کسانی که قائل به شهادت حضرت شده اند به دو دلیل تمسّک کرده اند:

الف. روایات عام که دلالت دارد بر اینکه تمام امامان به مرگ غیر طبیعی از دنیا خواهند رفت.

از امـام حسن (ع) نقـل شـده که فرمود: "ما منّا إلّا مسـمومٌ أومقتولٌ"؛ "هیـچ یک از ما{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷. پاورقی}

امامان نیست جز آنکه مسموم یا شهید می شود."

ب. روایـات خاص که مربوط به شـهادت امام زمان (ع) است، که مطابق روایتی، زنی به نام سـعیده از طایفه بنی تمیم ایشان را به شـهادت می رساند، به این نحو که از بالای بام، به هنگامی که حضرت در حال عبور است، سنگی به سوی ایشان پرتاب می کند وبا آن، حضرت را به شهادت می رساند.

{پاورقی . الزام الناصب، ص ۱۹۰. پاورقی}

ولی در پاسخ می گوییم:

اولاً: مسأله شهادت حضرت مهدی (ع) با روایاتی که دلالت بر اصلاح عموم مردم در عصر ظهور دارد سازگاری ندارد.

ثانیاً: روایت عام را که دلالت بر مرگ غیر طبیعی عموم اهل بیت: دارد، می توان به مورد امام مهدی (ع) تخصیص زد.

ثالثاً: روایت شهادت حضرت مهدی (ع) به دست زن تمیمی از حیث سند تمام نیست.

رابعاً: روایاتی وجود دارد که حضرت مهدی (ع) به مرگ طبیعی از دنیا رحلت می کنند:

کلینی؛ به سـندش از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "...چون معرفت وایمان به حضرتش در دل های مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد. پس امام حسین (ع) متولّی غسل وکفن وحنوط ودفن ایشان خواهد شد".

{پاورقی

. کافی، ج ۸، ص ۲۰۶. پاورقی}

زهری می گوید: "حضرت مهدی (ع) چهارده سال زندگی می کند سپس به مرگ طبیعی از دنیا رحلت می کند".

{پاورقی . البرهان، متقی هندی، ص ۱۶۳ ؛ الفتن، ابن حمّاد، ص ۱۰۴. پاورقی}

ارطاه می گوید: "به من خبر رسیده است که حضرت مهدی (ع) چهل سال زندگی می کند، سپس به مرگ طبیعی در بستر خود می میرد".

{پاورقی . البرهان، متقی هندی، ص ۱۵۷ ؛ الفتن، ابن حمّاد، ص ۹۹ ؛ عقدالدُرر، ص ۱۴۷. پاورقی}

۱- آیا حقیقت دارد که امام زمان (عج) پس از ظهور و بعد از مدتی به دست زنی حیله گر کشته می شود؟

اشاره

۲- آیا امام زمان (عج) در روز جمعه ظهور می کند؟ چرا؟

پرسش

۱- آیا حقیقت دارد که امام زمان (عج) پس از ظهور و بعد از مدتی به دست زنی حیله گر کشته می شود؟

۲- آیا امام زمان (عج) در روز جمعه ظهور می کند؟ چرا؟

پاسخ

در مورد سوال اول شما باید عرض کرد که، بنابر تتبع و جستجوئی که در مورد این مطلب شده مطابق حدیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمودند: ما منا الا مقتول او مسموم (۱) امام زمان علیه السلام نیز شهید خواهند شد و در کتاب الزام الناهب آمده که زنی امام (علیه السلام) را شهید خواهد کرد.

۱- در مورد سوال دوم شما نیز باید عرض کرد که بله از بعضی از روایات استفاده می شود که امام زمان (عجل ا... تعالی فرجه الشریف) در روز جمعه ظهور می کنند (۲) و شاید علت آن این باشد که چون روز جمعه مصادف می شود با روز عاشورا و ایشان منتقم واقعی خون امام حسین می باشد لذا در دعا می خوانیم که این الطالب بدم المقتول بکربلا (۳) در زیارت عاشورا هم نیز همین فرامین آمده است.

۲- برای مطالعه بیشتر در این خصوص می توانید به کتاب روزگار رهایی (ترجمه کتاب یوم الخلاص) از کامل سلیمان مراجعه نمایید.بحار الانوار ج ۲۷ ص ۳۱۷

۳- مهدی منتظر (عجل ا... تعالی فرجه شریف)- حجه الاسلام محمد جواد خراسانی رحمه الله علیه. ص ۱۸۹

۴- دعای ندبه- مفاتیح الجنان

آیا این که وقتی امام زمان ظهور می کنـد یک زن او را خواهد کشت خرافات است و آیا بعد از ظهور امام زمان مردم عمر طبیعی خود را سپری خواهند کرد و همین طور امام زمان نیز؟

پرسش

آیـا این که وقتی امـام زمـان ظهور می کنـد یک زن او را خواهـد کشت خرافات است و آیا بعـد از ظهور امام زمان مردم عمر طبیعی خود را سپری خواهند کرد و همین طور امام زمان نیز؟

پاسخ

۱. گمـانه زنی دربـاره چگـونگی رحلت امـام زمـان(عـج) بر دو رویکرد اسـتوار می باشـد: شـهادت و مرگ طبیعی. مستند رویکردهای یاد شده نیز، روایاتی از معصومین(ع) است.

۲. کسانی که به شهادت حضرت مهدی(عج) باور دارند، به روایاتی از جمله موارد زیر استناد کرده اند.

الف) «فاذا تمت السبعون سنه اتی الحجه الموت فتقتله امرأه من بنی تمیم اسـمها سـعیده و لها لحیه کلحیه الرجل بجاون صـخر من فوق سـطح و هو متجاوز فی الطریق. فاذا مات تولی تجهیزه الحسـین(ع)؛ با پایان یافتن هفتاد سال از آمـدن امام زمان(عـج) زنی از قبیله بنی تمیم به نـام سـعیده او را شـهید می کنـد. وی همچون ریش مردان، دارای ریش می باشـد و در حـالی که امام زمـان(عـج) از راهی می گـذرد، بـا هونگی از جنس سـنگ امـام را به شـهادت می رسانـد. پس از فوت امـام زمان(عـج)، امام حسـین(ع) غسل، تکفین و تـدفین او را انجام می دهـد» (محمـد الصـدر، موسوعه الامام المهـدی، الکتاب الثالث، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۸۱، دارالتعارف للمطبوعات).

ب) روایت مرسلی از امام صادق(ع) که فرمود: «ما منا الا مقتول او شهید؛ هیچ یک از ما نیست؛ مگر آن که کشته یا شهید می شود» (الطبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۴۹، المکتبه العلمیه الاسلامیه).

ج) افزون بر روایات، دلیل دیگر این گروه آن است که امام(ع) با وجود چندهزار سال در عمر طبیعی خود

در سطح یک انسان چهل ساله که در آستانه پایان جوانی خود قرار داشته و نیز دارای نیروی بدنی بسیاری است، ظاهر می شود. وانگهی به دلیل روایاتی که برخلاف روایت مذکور در بند الف، مدت زمان حکومت او را هفت الی ده سال مطرح کرده اند، از این رو ایشان به هنگام مرگ، وارد سن کهولت نشده و نیروی بدنی و سن میان سالیشان، هم چنان پابرجاست. حال با توجه بر این، نمی توان گفت که مرگ امام(ع) در چنین شرایط سنی و نیروی بدنی، مرگی طبیعی و بدون نقش آفرینی رویدادی خارجی باشد.

۳. با وجود روایاتی از این دست، برخی بر این باورند که همچون سایر مردم، امام زمان(عج) به مرگ طبیعی از دنیا خواهد رفت. دلیل آنان، وجود اشکالاتی در روایات یاد شده است که برخی از آنها به قرار زیرند.

الف) روایت دوم مرسل بوده و سلسله سند آن ذکر نشده است، از این رو نمی توان بدان تکیه نمود.

ب) مستند نخست نیز، روایتی از یکی از معصومین(ع) نبوده بلکه سخنی منقول از یکی از علماست، آن هم عالمی ناشناخته. اگر هم عبارت یاد شده به مضمون روایات اشاره داشته باشد، در این صورت هم به دلیل ناشناخته بودن سند، هم چون روایت نخست مرسل به حساب آمده و به دلیل ضعیف بودن از ناحیه سند، پذیرفته نیست، از این رو نمی تواند بیانگر رویدادی تاریخی باشد.

ج) پس از بالندگی بشر در پرتو شخصیت متعالی حضرت مهدی(عج) که بیشترین زمینه های اقدام به آن حضرت را در پی دارد، روی دادن چنین حادثه ای دور از ذهن است.

د) در

روزگار حاکمیت امام زمان(عج) که تمدن بشری در پیشرفت ژرفی به سر می برد، بهره گیری از ابزاری قدیمی به نام هاونگ به عنوان وسیله قتل، امری غیر محتمل است.

ه) ریش دار بودن قاتل که خود یک زن است، روایت را با اشکالات فراوانی روبرو می کند از جمله:

– هر چند به گونه ای نادر، برخی از زنان، ریش بسیار مختصری در می آورند، ولی هیچ گاه میزان آن به اندازه ریش یک مرد نمی رسد، آن گونه که در روایت بدان اشاره شده است.

– در تاریخ سابقه ندارد که حتی یک زن به صورت ریش کامل یک مرد، ریش درآورده باشد ولی در روایت بدان تصریح شده است. اگر هم گفته شود چنین چیزی به عنوان یک استثناء و به قدرت الهی موجود شده تا با قاتل ولی عصر(عج) قرار گیرد پاسخ آن است که اگر چنین زنی مدتی در میان مردم آن زمان زندگی کند، با توجه به سخن گفته شده از او در کتاب ها به عنوان قاتل امام زمان(عج)، در این صورت حکومت حضرت مهدی(عج) درباره آن تصمیمی خاص می گرفت.

– ممکن است گفته شود ریش مزبور، نه ریشی طبیعی بلکه از گونه مصنوعی آن می باشد که زن به عنوان تشبه به مرد از آن استفاده می کند. در این باره نیز پاسخ هایی گفته شده از جمله آن که چنین رفتاری، یعنی تشبه زنان به مردان رفتاری انحرافی و به جامعه ظلم آلود و فاسد پیش از ظهور مربوط بوده و وقوع آن در نظام عادلانه امام زمان(عج) بی معناست؛ وانگهی چنین زنی به دلیل منحصر به فرد

و یگانه بودن با نمایش خود در جامعه به عنوان قاتل امام زمان(عج) خود را در ورطه ای خطرناک قرار دهد از این رو لازم است از چنین وضعیتی اجتناب نماید.

۴. این که آیا پس از ظهور امام زمان(عج) مردم نیز عمر طبیعی خود را سپری خواهند کرد باید گفت: با ظهور ولی عصر(عج) نظام طبیعی عالم که از جمله آنها قانونمندی های حاکم بر مرگ است، به هم نمی خورد بلکه آن چه که روی می دهد، برچیده شدن ساختار غیر انسانی حاکم بر آن و تبدیل شدن آن به وضعیتی که در آن انسان ها به سعادت و کمال حقیقی خود برسند.

سرانجام زندگی امام زمان چه خواهد شد و چه کس آن حضرت را به شهادت می رساند؟

پرسش

سرانجام زندگی امام زمان چه خواهد شد و چه کس آن حضرت را به شهادت می رساند؟

پاسخ

پیرامون شهادت یا رحلت امام زمان(عج) روایات متعددی نقل شده است ولی با توجه به روایتی از امام حسن(ع) که می فرماید: «هیچ یک از امامان نیست جز آنکه مسموم یا شهید می شود». و روایاتی که بر شهادت امام مهدی (عج) دلالت دارد می توان گفت که سرانجام آن حضرت به شهادت خواهد رسید.

درباره شهادت امام زمان(عج) و چگونگی آن نیز روایت شده است هنگامی که سال ۷۱ حکومت ایشان به پایان آید و مرگ حضرت فرا رسد زنی به نام سعیده از طایفه بنی تمیم ایشان را به شهادت می رساند. ویژگی آن زن این است که مانند مردان محاسن دارد و از بالای بام به هنگامی که حضرت در حال عبور است سنگی به سوی ایشان پرتاب می کند و حضرت را به شهادت می رساند.{۱}

[۱].تاریخ بعد الظهور، تعریف سیدمحمد صدر، ص ۸۸۱، به نقل از یکصد پرسش و پاسخ پیرامون (امام زمان(عج)، ص ۲۳۹، مؤلف علی رضا رجایی تهرانی)/

ویژگیها

سیرت وصورت

شباهت حضرت به انبیاء

طبق حدیثی از امام سجاد (ع) امام زمان (عج) شباهت هایی با تنی چند از پیامبران الهی داشته است. کدام پیامبران با چه شباهت هایی با امام عصر (عج) در اشتراکند؟

پرسش

طبق حدیثی از امام سجاد (ع) امام زمان (عج) شباهت هایی با تنی چند از پیامبران الهی داشته است. کدام پیامبران با چه شباهت هایی با امام عصر (عج) در اشتراکند؟

پاسخ

اعتقاد به وجود مصلح جهان و نجات دهنده مستضعفان را همه ادیان اشاره نموده اند ، (۱)و این امرعقیده الشیعه، دونالدسن، ص ۲۳۱، به نقل از در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، ص ۴۵؛ چاپ اول، ۱۳۷۹.

مورد قبول همگان است، اگر چه در مصداق آن اختلاف نظر دارند، لیکن اعتقاد به وجود امام زمان و حجت حق (عج) از ضروریات مذهب شیعه است. درباره امام زمان (علیه السلام) روایاتی وارد شده و یکی از آن احادیث درباره شباهت های حضرت است با تنی چند از پیامبران الهی، که امام زین العابدین (علیه السلام) در حدیثی آن شباهت ها را بیان نموده است: "منا سنن من سنن الأنبیاءعلیهماالسلام سنه من آدم و سنه من نوح و سنه من ابراهیم و سنه من موسی و سنه من عیسی و سنه من أیوب و سنه من محمد صلی الله علیه و آله و سلم فأما من آدم و نوح فطول العمر، و أما من ابراهیم فخفاء الولاده و اعتزال الناس و أما من موسی فالخوف و الغیبه و أما من عیسی فاختلاف الناس فیه و أما من أ...Ș...فالفرج بعد البلوی، و أما من محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فالخروج بالسیف؛

در حضرت قائم از ما (خاندان) سنت هایی از سنت های پیامبران است. از آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و ایوب علیهم السلام و نیز سنتی از حضرت محمد صلی الله وعلیه وآله. اما سنتی که از آدم و

نوح علیهم السلام (در حضرت) است، عمر طولانی می باشد، و سنتی که از ابراهیم (در او) وجود دارد، ولادت پنهانی و گوشه گیری از مردم است.

سنتی که از موسی است، بیم (از کشته شدن) و پنهان زیستن است و سنتی که از حضرت عیسی است، اختلاف نمودن مردم درباره او است و سنتی که از ایوب (در حضرت) است، فرج و گشایش پس از ابتلا (به مصیبت ها و رنج ها) می باشد و سنتی که از پیامبر گرامی صلی الله وعلیه وآله است قیام با شمشیر می باشد(۲). بنابراین محمد باقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۴.

شباهت های امام زمان با پیامبران الهی بدین گونه است:

۱ - در عمر طولانی به آدم و نوح علیهم السلام

۲ - در ولادت و انزوا زیستن به ابراهیم علیه السلام

۳ - در پنهان زیستن به موسی علیه السلام

۴ - در اختلاف نمودن مردم درباره او به حضرت عیسی علیه السلام

۵ - در گشایش پس از ابتلا به ایوب علیه السلام

۶ - در قیام با شمشیر (اسلحه) به پیامبر گرامی اسلام صلی الله وعلیه وآله

پی نوشت ها:

۱ . عقیده الشیعه, دونالدسن, ص ۲۳۱, به نقل از در انتظار ققنوس, ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده, ص ۴۵؛ چاپ اول, ۱۳۷۹.

۲. محمد باقر, مجلسی, بحارالانوار, ج ۵۱, ص ۲۱۷, ح ۴.

درباره حضرت مهدی(عج) امام حسن عسکری فرمود: "قائم ما به خضر نبی و ذوالقرنین شباهت دارد" شباهتش را توضیح دهید.

پرسش

درباره حضرت مهدی(عج) امام حسن عسکری فرمود: "قائم ما به خضر نبی و ذوالقرنین شباهت دارد" شباهتش را توضیح دهید.

پاسخ

امام حسن عسکری(ع) خطاب به احمد بن اسحاق - که آمده بود تا از جانشین او سؤال کند - فرمود: "مَثَل او (امام زمان) مثل خضر، نیز مثل ذوالقرنین است. خضر از آب حیات نوشید، از این رو زنده است و نمی میرد تا در صور دمیده شود. وی (خضر) هر ساله در موسم حج حضور دارد و در عرفه می ایستد و بر دعای مؤمنان، آمین می گوید. خداوند او را مونس قائم ما در غیبتش قرار می دهد و تنهایی او را التیام می بخشد. خضر در دنیا باقی خواهد ماند و از یاران حضرت خواهد بود".(۱)

در این روایت وجه شباهت امام زمان(ع) به خضر از جهت طول عمر می باشد. در روایت دیگر نیز وجه شباهت امام زمان(ع) به خضر طول عمر بیان شده است که ناظر بر همین روایت است.

امام صادق(ع) فرمود: "خداوند متعال سه چیز را که در مورد پیامبران عملی ساخت، در خصوص قائم ما نیز عملی می سازد. ولادت او مانند موسی و غیبتش را چون غیبت عیسی و طول عمرش را به سان نوح مقدّر فرموده، طول عمر بنده صالح خدا، خضر را دلیل طول عمر آن حضرت قرار داده است، زیرا خداوند می دانست بندگانش طول عمر او را انکار می کنند، از این رو عمر خضر را طولانی گردانید، تا در اثبات عمر قائم ما به وسیله آن استدلال شود و بدین وسیله ایراد دشمنان از بین برود و مردŠبر خدا حجت و ایرادی نداشته باشند".(۲)

در روایت امام حسن عسکری(ع) وجه شباهت امام زمان(ع)

به ذوالقرنین بیان نشده، ولی در روایتی که از پیامبر(ص) آمده، وجه شباهت امام زمان(ع) به ذوالقرنین از جهت حکومت بیان شده است، یعنی همان ......Ş...که حکومت ذوالقرنین گسترش یافت، حکومت امام زمان(ع) نیز جهانی خواهد شد و شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت. پیامبر(ص) فرمود: "ذوالقرنین بنده شایسته ای بود... بدانید که میان شما کسی همانند او وجود دارد و خداوند متعال در زمین به او قدرت بخشیده و علت و سبب و رمز هر چیزی را در اختیار او قرار داده است و به مغرب و مشرق دست می یابد.

خداوند متعال به زودی این سنت خود را در مورد قائم(از فرزندان من) جاری خواهد ساخت واو را بر شرق و غرب عالم مسلّط خواهد ساخت، به گونه ای که هر دشت و کوهی که ذوالقرنین در آن جا گام نهاد، او نیز گام خواهد گذاشت. خداوند گنج ها و معادن زمین را بر او آشکار خواهد ساخت و با ابزار رُعْب و ترس (که در دل دشمنان می افکند) او را یاری خواهد کرد و پس از آن که زمین پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد خواهد کرد".(۳)

پی نوشت ها:

۱. منتخب الاثر، ص ۲۷۷ - ۲۷۸.

۲. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۲ - ۲۲۳؛ مهدی موعود، ص ۴۸۴ - ۴۸۹؛ رسالت جهانی حضرت مهدی(عج)، ص ۱۴۱.

۳. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲ - ۳۲۳.

آیا امام عصر (عج) از هر رسول و نبی , نشانه ای با خود دارد؟ آنها را نام ببرید.

پرسش

آیا امام عصر (عج) از هر رسول و نبی , نشانه ای با خود دارد؟ آنها را نام ببرید.

پاسخ

بر اساس روایات، تمام معجزات و ودائع انبیاء و اوصیاء(ع) همراه حضرت مهدی(ع) است، یعنی حضرت مهدی(ع) وارث انبیاء و اوصیاء می باشد و خداوند معجزات انبیاء را در اختیار ایشان قرار می دهد.

خلاصه این که آن حضرت میراث دار تراث نبوت و حاصل همه ذخایر انبیاء(ع) می باشد. از جمله: عصای موسی و پیراهن یوسف، عمّامه و شمشیر رسول اکرم، مصحف فاطمه و... همراه آن حضرت است.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: سیره امامان معصوم، عبدوس، تدوین، محمد مهدی اشتهاردی.

و حضرت حجت(ع) به همه انبیاء شباهت دارد؛ چنانکه در روایت وارد شده است، هنگامی آنحضرت(ع) ظهور می کنند به کعبه تکیه می زنند و خروش می آورد: «هلا ای فرزندان آدم، ای مردم عالم! هر که می خواهد آدم و شیث را بنگرد، اکنون این منم آدم و شیث. هر که می خواهد نوح و فرزندش سام را بنگرد، این منم نوح و سام؛... هر که می خواهد محمد و علی را بنگرد این منم محمد و علی. هر که می خواهد حسن و حسین را بنگرد اینک این منم حسن و حسین. هر که می خواهد پیشوایان از نسل حسین را بنگرد این منم آن پیشوایان از نسل حسین...»، (بحارالانوار / ۵۳/۹). بنابراین با توجه به شباهت حضرت حجت بن الحسن(ع) به انبیاء و اوصیاء(ع) می توان گفت که آن حضرت نشانه ها و معجزات آنان را نیز به همراه دارد .

امام زمان(عج) شبیه کدام پیامبرند و شمه ای از اخلاق و رفتار ایشان را بیان کنید/

پرسش

امام زمان(عج) شبیه کدام پیامبرند و شمه ای از اخلاق و رفتار ایشان را بیان کنید/

پاسخ

طبق آنچه که در روایات آمده است امام زمان(عج) از جهات مختلفی به پیامبران شباهت دارند.

امام زین العابدین(ع) در این رابطه فرموده است: «در قائم ما چند سنت از سنت های پیامبران است. یک سنت از آدم و یک سنت از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و ایوب و سنتی از محمد(ص)/

اما سنت حضرت آدم و نوح، طول عمر آن حضرت است و از ابراهیم پنهان بودن ولادتش و دوری گزیدن او از مردم است و از موسی ترس و غیبت از مردم و از عیسی اختلافی که مردم درباره او دارند و از ایوب فرج بعد از شدت و از محمد(ص) قیام و شمشیر است. و همچنین شباهتی به یونس دارد و همان طور که یونس بعد از غیبت و پیری در حالت جوانی به سوی قریش بازگشت قائم ما نیز بعد از غیبت به صورت جوانی ظهور می کند».{۱}

همچنین امام زمان(عج) از جهت صورت و سیرت شبیه پیامبر اکرم(ص) است. شبلنجی در این زمینه می نویسد: «امام مهدی(عج) از چشمانی سیاه و ابروهای پیوسته، بینی بلند و قلمی، ریش انبوه و خال هاشمی در گونه راست، برخوردار است». {۲}

جابر جعفی می گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود: عمو از امام علی(ع) پرسید نام حضرت مهدی چیست؟ حضرت فرمود: راجع به نام او حبیبم پیامبر(ص) با من عهد کرده که تا مبعوث نشود نامش را بیان نکنم. پرسید صفت و نشانه اش چیست؟ فرمود: جوانی میانه قامت، خوش رو و خوش مو است که موهایش بر شانه ریخته و نور صورتش بر سیاهی محاسن و

سرش احاطه کرده است.{۳}

در روایتی دیگر می خوانیم که امیر المؤمنین(ع) در بالای منبر فرمود: «در آخر الزمان مردی از نسل من با صورتی سرخ و سفید، فرخ شکم، ران قوی و شانه ای سترگ خروج می نماید که در پشتش دو خال، یک رنگ پوست و دیگری شبیه خال و پیامبر است».{۴}

اما اینکه حضرت مهدی(عج) با چه خصوصیاتی ظهور می کند، پاسخ آن را در حدیثی که امام رضا(ع) فرموده است جویا می شویم، ایشان می فرماید: «نشانه قائم ما این است که در سن یک پیرمرد و به صورت یک جوان است به طوری که هر کس حضرتش را ببیند او را چهل ساله یا کمتر می پندارد و تا هنگام مرگ اثر پیری در او ظاهر نشود».{۵}

از دیگر خصوصیات آن حضرت این است که «طی الأرض» کرده و سایه ندارد. امام رضا(ع) در این رابطه می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی(عج) ظهور می کند زمین از نور خدا روشن می شود، حضرت مهدی است که زمین در زیر پایش به سرعت حرکت می کند و اوست که سایه نخواهد داشت».{۶}

[۱].کمال الدین و تمام النعمْ، شیخ صدوق، ص ۳۲۲/

[۲].چهارده معصوم، عمادزاده، ج ۲، ص ۶۰۶/

[۳].اثبات الهداْ، شیخ حرعاملی، ج ۷، ص ۴۱۴/

[۴].همان، ص ۴۰۰/

[۵].کمال الدین و تمام النعمْ، شیخ صدوق، ص ۶۵۲/

[۶].همان، ص ۳۷۲/

اوصاف ظاهری

آیا امام زمان (عج) نیز مانند سایر مردم بیمار می شوند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) نیز مانند سایر مردم بیمار می شوند؟

پاسخ

بنا بر آنچه در اخبار و روایات آمـده است، امام زمان(عـج) به سان مردم دیگر در میان آنان زنـدگی می کننـد. و همان طوری که پیـامبران الهی و دیگر ائمه(ع) به بیمـاری و یـا مشـکلات دیگر دچـار می شدنـد، امـام زمان(عـج) نیز ممکن است به همین صورت باشند. بنابراین دعا برای سلامتی آن حضرت و یا صدقه دادن برای ایشان، بی مورد نیست.

گذشـته از این که صـدقه دهنـده، به هر نیتی که صـدقه دهـد، اثر کـارش به خود او نیز بـاز می گردد. و زمـانی هم که به نیت سلامـتی امـام زمـان (عـج) صـدقه می دهـد، عمـل شایسـته دیگری نیز انجام داده است؛ چرا که به یاد ولی خـدا بوده و باعمل خویش، یاد و نام آن حضـرت را ترویج کرده است. مضـمون دعای فرج (اللهم کن لولیك) نیز دعا برای نصـرت وحفاظت آن حضرت از گزندهای روزگار است.

آیا امام زمان ۷از لحاظ جسمی شبیه به ما است , یعنی نوع گوشت , پوست و خون و بدنش به ماشباهت دارد؟

پرسش

آیا امام زمان ۷از لحاظ جسمی شبیه به ما است , یعنی نوع گوشت , پوست و خون و بدنش به ماشباهت دارد؟

پاسخ

تمام معصومین : و نیز اولیای دیگر الهی چون سایر پیامبران از جنس خود آدمیان هستند.

آیـات بسـیاری از قرآن اشـارت و دلالـت مسـتقیمی بر بعثت و برانگیخته شـدن انبیا و رسولان الهی از میان قبایل وعشـیره های خودشان دارد که به عنوان نمونه به برخی از تراجم آیات اشاره می شود:

۱ خداوند متعال بر مؤمنین انعام فرمود آن گاه که از خودشان به میان خودشان پیامبری معبوث کرد... .()

(پاورقی ۴.آل عمران (۳ آیهء ۱۶۴

۲ اوست خدایی که به میان مردمی بی کتاب , پیامبری از خودشان برانگیخت ... .()

(پاورقی ۱.جمعه (۲ آیهء ۲

و دیگر آیات الهی نشان دهنـده این مطلب است که خداوند متعال رهبران و هدایت کنندگان مردم را از میان خودشان انتخاب می کند تا واسـطه ای در امر هدایت پیش نیاید و مردم به طور مسـتقیم از فیض حضورشان بهره ببرندو این مسـئله با وجود ائمه اطهار: تا زمان حضور قائم آل محمد امری طبیعی می نمود, ولی از این پس جای سؤال باقی می ماند که اگر حضـرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چون انسانهای دیگر زندگی می کنند این مسئله با عمر طولانی حضرت سازگار نمی شود جز آن که بگوییم حضـرت از زندگی نباتی چون ما بهره مند نیسـتند وبه طوری دیگر به حیات ادامه می دهند. و اما پاسخ این

است که خداوند متعال با معجزه و اسبابی که با آن موجودات عالم را کُن فیکون می کنند می توانند موجود پاک عزیزی

چون صاحب الزمان را نیز محافظت نماید همان گونه که درداستان اصحاب کهف آمده است که ایشان سیصد و اندی سال در غار به خواب مشغول بودند و بعد از آن که برخواستند گمان می کردند که مدتی کوتاه شاید کمتر از یک روز در خواب بسر بردند که داستان مفصل آن در قرآن موجود است .()

(پاورقی ۲.ر.ك : کهف (۱۸ آیهء ۲

به هر حال , ائمه اطهار: اوصاف جسمانی حضرت را چنین بیان کردند که حضرت رنگشان سفید مایل به سرخی ... استخوان شانه اش درشت و در پشت حضرت دو خال وجود دارد.

کتاب غیبت شیخ مفید از امام باقر۷نقل کرده که فرمود: مهدی ۷مردی از فرزندان فاطمه ۳است و درفصول المهمّه می نویسد: مهدی موعود جوانی متوسط القامه (با قدی متوسط) نیکو روی و خوش روی است ...بینی اش باریک و پیشانی اش باز است ... .()

(پاورقی ۳.علی دوانی , مهدی موعود, ص ۲۳۸ ۲۴۵

در هر صورت , حضرت از نظر جسمانی هیچ مغایرتی با انسان های دیگر ندارند و چیزی که باعث تعجب وامتیاز در نظر افراد شود در وجود مقدس حضرت راه ندارد.

و در جایی دیگر شمایل جسمانی حضرت چنین بیان شده است : چهره اش گندمگون , ابروانش هلالی و کشیده ,چشمانش سیاه و درشت و جذاب , شانه اش پهن ... پیشانی اش بلند و تابنده , استخوان بندی اش استوار وصخره سان ... گونه هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی که از بیداری شب عارض شده بر گونه راستش خالی مشکین و...() است .

(پاورقی ۱.خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی , ص ۳۲

می گویند امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف، در گونه راست خود خال هاشمی دارند، آیا این مطلب صحیح است؟

پرسش

می گویند امام

زمان عج الله تعالی فرجه الشریف، در گونه راست خود خال هاشمی دارند، آیا این مطلب صحیح است؟

پاسخ

اوصاف وجود مقدس حجت خدا که اکنون در پس پرده غیب غایب است را، نمی توان به درستی و صحت، گمانه زد. چهره شناسی و توصیف آن؛ آن گاه میسّر و ممکن است که صاحب چهره در پشت پرده غیب به سر نبرد. مگر که معصوم (ع) به آن خبر داده باشد. امروزه هزار و اندی سال از حجاب حضرتش می گذرد که در نقاب مصلحت پنهان است و اگر بر شخصی بزرگ ظاهر شود، به کتمان و پنهان می رود و آن شخص را نشاید که تفسیری از آن آفتاب مغرب به نمود و نقش ظاهر کند.

اکنون، غیبت، سرّ مستتری است که چون صدف، گوهری گران بها در خود دارد و این از زیبایی اسرار عالم خلقت و عصر غیبت است.

در عین حال و در بعضی از روایات منسوب به معسومین توصیف خال سیاه بر گونه راست آن حضرت بیان شده است. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: "مهدی(ع) مردی از نسل من است ... و بر گونه راستش خالی چون ستاره درخشان نورافشانی می کند..."۷.

و اما احادیث دیگری نیز وجود دارد که چهره قائم آل محمّد (ص) را می نمایاند که می توان به کتاب شریف بحارالأنوار علامه مجلسی ره جلد ۵۱ مراجعه کرد.

۷ عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۲۶۸، به نقل از کتاب اثبات الهداه، ج ۷، ص ۲۳۰.

اگر در خواب یا بیداری امام زمان(عج) را مشاهده کردیم، حضرت را با چه علائمی بشناسیم؟

پرسش

اگر در خواب یا بیداری امام زمان(عج) را مشاهده کردیم، حضرت را با چه علائمی بشناسیم؟

پاسخ

علائم خاصی برای شناخت امام زمان(ع) در خواب یا بیداری ذکر نشده است، چون چه بسا افرادی که حضرت را در خواب مشاهده کرده اند، به شکل واحد و یکسانی ندیده اند و یا حتی افرادی که امام زمان(ع) را در بیداری احیاناً ملاقات کرده اند، در زمان ملاقات حضرت را نشناخته اند و بعد متوجه شده اند، ولی در خواب یا بیداری به انسان الهام می شود که آن شخص امام زمان(ع) است و یا از این که از نظر پنهان می شود و اثری از ایشان یافت نمی گردد، پی می برند که شخص ملاقات شونده حضرت ولی عصر(ع) بوده اند. البته قطعاً امام زمان(ع) مانند هر بشر دیگری دارای صفات و علائم مشخصی هستند

که از دیگران متمایز می گردد ولی از آن جا که تقدیر الهی بر مخفی بودن حضرت است، به امر الهی ممکن است آن علائم به چشم افراد، تغییر کند.

امامان همه چشم و ابرو مشکی هستند، غیر از امام زمان(عج) که چشم آبی است. چرا؟

پرسش

امامان همه چشم و ابرو مشکی هستند، غیر از امام زمان(عج) که چشم آبی است. چرا؟

پاسخ

در مورد رنگ چشم امام زمان(ع) آمده که سیاه چشم است.

مرحوم آیت الله سید محسن امین از کتاب اسعاف الراغبین نقل نموده: " امام زمان(عج) جوانی، سیاه چشم".[۱] ولی مدرک قاطعی بر این امر نمی باشد.

[۱] سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۹۳.

حتماً امام زمان(ع) در میان مردم راه می رود و زندگی می کند. آیا با همان ویژگی هایی که نام برده شد، مثلاً با خال هاشمی و با موهای فِرّ ظاهر می شود.

پرسش

حتماً امام زمان(ع) در میان مردم راه می رود و زندگی می کند. آیا با همان ویژگی هایی که نام برده شد، مثلاً با خال هاشمی و با موهای فِرّ ظاهر می شود.

پاسخ

از برخی روایات استفاده می شود که امام زمان از نظر شکل و قیافه شبیه ترین انسان ها به پیامبر اسلام(ص) می باشد،[۱] همان گونه که حضرت همنام پیامبر(ص) است.[۲]

امام زمان(ع) جوان[۳] خوش سیمایی است که صورت او مانند ماه می باشد.[۴]

روی راست صورتش، خالی است که پنداری ستاره درخشان است و قد متوسط و موهای بلندی دارد که موهای سر او به دو

قسمت تقسیم شده است. [۵] امـام علی(ع) فرمود: هو شـابّ مربوع حسن الوجه، یسـیل شـعره علی منکبه، یعلو نور وجهه سواد شعر لحیته وراسه؛۱[۶] امـام زمـان(ع) جوان، نیکو صورت است، متوسـط القامه که موهای سـر بلنـد دارد (که بر لاله گوش او ریخته) و نور از صورت او می درخشد و موهای سر و ریش او سیاه می باشد".

بر این اساس در برخی متون از امام زمان(ع) به عنوان طاووس اهل بهشت یاد شده است.[۷]

این که امام زمان(ع) با خصوصـیات مـذکور میان مردم ظاهر شـده و زنـدگی می کنـد، دقیقاً مشـخص و معلوم نیست. از متون دینی اسـتفاده می شود که امـام میـان مردم بـا چهره و قیـافه هـای مختلف ظـاهر شـده، به هـدایت و رهبری آن ها پرداخته و به مشکلات مردم رسیدگی می کند.[۸]

گـاهی حضـرت به صورت جوان و گاهی به صورت انسان نیمه سال و گاهی به صورت انسانی معمولی و گاهی به عنوان یک عرب و ... ظاهر می شود؛ از این رو مردم معمولاً او را نمی شناسند و اصولاً معنای غیبت نیز همین

است که این گونه ظاهر شود. به رغم آن که میان مردم و با مردم است مردم او را نشناسند، تا حضرت بهتر بتواند به هدایت آنان پرداخته و به مشکلات علمی، فرهنگی و ... آنان رسیدگی نماید؛ چنانکه وجود امام زمان جهت نفع رساندن به مردم به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. امام زمان(ع) در توقیع مبارک فرمود: "همان طور که از خورشید در وقتی که پشت ابرها پنهان شده، سود برده می شود، از من نیز در حال غیبتم به همان صورت بهره می بَرَند".[۹]

به نظر می رسد امام زمان(ع) با ویژگی های مذکور ظاهر نشده و یا کمتر ظاهر می شود؛ از این رو مردم، حتی بزرگان دین که امام را می دیدند، نمی شناختند.

البته دیدن امام با ویژگی های ظاهری او بستگی به لیاقت و شایستگی افراد دارد. برخی از اولیای خدا به خاطر لیاقت و تقوایی که داشتند، امام پارسایان را می دیدند و ملاقات می کردند[۱۰] و همین که حضرت را می دیدند می شناختند، ولی برخی امام را می دیدند و نمی شناختند و بعد از رفتن امام متوجه می شدند که امام زمان(ع) بود.

امام زمان(ع) میان مردم بوده و لحظه ای از آنان غافل نیست، گرچه نحوه حضور و خصوصیات ظاهری او دقیقاً او معلوم نیست.

پاورقی

[۱]منتهی الامال، ج ۱-۲ ص ۴۲۹.

[۲]ارشاد، ص ۲۴۶؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۱۷؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۲۷؛اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۹۲.

[۳]لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۴۱.

[۴]منتهی الامال، ج ۱ – ۲، ص ۴۲۹.

[۵]همان.

[۶]لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۲۴۱.

[۷]منتهی الامال، ج ۱ – ۲، ص

۴۳۱؛ خورشید مغرب، ص ۳۲.

[۸]بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

[۹]همان.

[۱۰]بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴.

سرّ خال چیست و اگر در سینه باشد، نشانه چیست؟

اشاره

خال هاشمی چیست؟ آیا با وجود خال در بدن فال نیک بزنیم؟

پرسش

سرّ خال چیست و اگر در سینه باشد، نشانه چیست؟

خال هاشمی چیست؟ آیا با وجود خال در بدن فال نیک بزنیم؟

پاسخ

خال در لغت به معنای نقطه سیاه یا قهوه ای بر صورت یا جاهای دیگر بدن گویند و در اصطلاح عرفانی اشاره به نقطه وحدت است که تمامی امور به او بر می گردد (لا یری الاّ اللّه و لا یعرف اللّه الاّ اللّه). صوفیان وجود محمّدی(ص) یعنی هستی عالم را "خال" گویند.(۱)

وجود خال و لکه های سیاه یا قرمز یا قهوه ای بر بدن در هر کجای بدن باشد، نشانه چیزی نیست و نباید آن را به فال بد یا نیک تعبیر کرد و فال زدن به آن جائز نیست.

این که می گویند خال هاشمی مربوط است به خالی که در صورت راست حضرت مهدی(ع) وجود دارد و باعث زیبایی آن حضرت است، در این زمینه روایتی نقل شده است: "فی خدّه الایمن خال اسود؛(۲) در قسمت راست صورت او خالی سیاه وجود دارد".

البته وجود خال های فراوان بر بدن ممکن است علامت بیماری کبدی و غیر آن باشد که باید به پزشک مراجعه کرد.

پی نوشت ها:

۱. دهخدا، لغت نامه، کلمه خال.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۰.

چرا شناخت ویژگیهای حضرت مهدی برای ما لازم است و منابع شناخت ما در این زمینه چیست؟

پرسش

چرا شناخت ویژگیهای حضرت مهدی برای ما لازم است و منابع شناخت ما در این زمینه چیست؟

پاسخ

راجع به حضرت مهدی(ع) و اوصاف آن بزرگوار باید بدانیم که شناختن مشخصات آن حضرت از دو جهت اهمیّت بخصوص دارد:

یکی از نظر تکلیف، زیرا شناختن امام شرعاً و عقلاً واجب است و به حکم حدیث معروف:

«مَنْ ماتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ اِمامَ زَمانِهِ ماتَ مَیْتَهَ الجاهِلِیَّهِ»

[هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، مرده است (همانند) مردن جاهلیت.]

و دیگر از جهت شناختن دروغ و باطل بودن دعاوی کسانی که به دروغ ادعای مهدویّت کرده یا بنمایند، زیرا با ملاحظه این مشخصات، کذب و بطلان دعوای این افراد روشن و واضح می شود چون فاقد این صفات و خصائص بوده اند.

صفات و مشخصات حضرت مهدی(ع) که در احادیث و روایات ذکر شده مشخصاتی است که هر کس آن مشخصات را در نظر بگیرد هرگز آن حضرت را با افراد دیگر اشتباه نخواهد کرد و اگر دیده می شود پاره ای فریب خورده و دعوای مهدویّت را از شیادانی پذیرفته اند، به دلیل غفلت یا بی اطلاعی از این مشخصات و خصائص بوده، و یا آنکه بعضی مشخصات را که تمام مشخّص نبوده و وصف عام آن حضرت و دیگران بوده، تمام مشخّص شمرده و صاحبان وصف عام را با صاحب وصف خاص اشتباه کرده اند. بسیاری هم دانسته و عمداً این دعاوی را برای یک سلسله اغراض مادّی و سیاسی و حبّ جاه و ریاست، به ظاهر پذیرفته و ترویج می نمایند.

وگرنه خصوصیات و اوصافی که برای آن حضرت بیان شده مشخصاتی است که جز بر آن شخص خاص و موصوف به آن صفات خاص(یعنی

امام دوازدهم، یگانه فرزند امام حسن عسکری(ع)) بر احدی از کسانی که ادعای مهدویّت کرده اند قابل انطباق نیست و بطلان دعاوی آنها با توجه به این نشانیها و علامات مانند آفتاب آشکار و هویدا است.

علماء و دانشمندان متتبع و محیط به احادیث که وثاقت آنان مورد تأیید علم رجال و تراجم است، در کتابهای معتبر و مستند به نحو کافی و وافی این مشخصات را تعیین و توضیح داده اند.

آیا امام زمان "ع" هم اکنون با پوشش قدیمی یعنی لباسهای قدیم عرب را می پوشد؟

پرسش

آیا امام زمان "ع" هم اکنون با پوشش قدیمی یعنی لباسهای قدیم عرب را می پوشد؟

پاسخ

از اخبار و داستانهایی که دلالت بر دیدار افراد با حضرت بقیه ا... "عج" دارند، استفاده می گردد که امام "ع" با حالات و پوششهای گوناگونی آشکار شده اند، گاهی به صورت یک عرب بیابانی و گاهی در لباس کشاورزی که ابزار کشاورزی را به همراه دارد و بعضی اوقات به صورت علما و در هیبت یک رجال دینی مشاهده شده اند. (۱)

مسلماً امام "ع" به منظور تردد میان مردم و حل مشکلات آنان و یا شرکت در مجالس آنان باید با حالتی ظاهر شوند که جلب نظر عموم را نکنند، بنابراین اگر پوشش امام "ع" به گونه ای غیر معمول باشد و یا همواره از یک نوع پوشش استفاده کند، براحتی شناخته می گردند. لذا حضرت بقیه ا..."عج" برای پنهان نگه داشتن خود باید در پوششهای گوناگون ظاهر گردند.

البته طبق روایت نحوه پوشش امام در زندگی همان است که اجداد بزرگوارش از آن برخوردار بوده اند، جامه ای درشت و خشن. امام صادق "ع" می فرماید: "به خدا سوگند جز لباس خشن و درشت نمی پوشد و غذایی جز غذای سخت و ناگوار نمی خورد." (۲)

منابع و مآخذ :

۱. تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ص ۱۴۱-۱۴۰

غیبت نعمانی، ص۲۳۳، بنقل از تاریخ غیبت کبری، ص ۳۷۲

امام زمان دارای چه صفاتی هستند؟

پرسش

امام زمان دارای چه صفاتی هستند؟

پاسخ

خلق و خوی امام زمان شبیه رسول خدا(ص است و خلق و خوی رسول خدا قرآن است یعنی تمام صفاتی که برای انسان های کامل در قرآن آمده در وجود حضرت متجلی است و صفات زشتی که از آن نکوهش شده درحضرت وجود ندارد.

اخلاق و منش بزرگوارانه شجاعت بی نظیر و علم گسترده گوشه ای ازصفات آن حضرت است

سیمای ظاهری حضرت

اشاره

آیا در زمان غیبت امکان ارتباط با امام زمان (عج) وجود دارد و شیعیان چگونه از محضر او بهره می برند؟

پرسش

سیمای ظاهری حضرت

آیا در زمان غیبت امکان ارتباط با امام زمان (عج) وجود دارد و شیعیان چگونه از محضر او بهره می برند؟

پاسخ

درباره شمایل حضرت مهدی(عج) روایات بسیار زیادی به دست رسیده است ما به گزیده ای از آن اوصاف اشاره می نماییم: «شبیه ترین مردم در سیرت و صورت به رسول خدا(ص) می باشد. جوانی با قامتی معتدل، پیشانی مبارکش فراخ است. ابروان به هم پیوسته و بینی باریک دارند. روی ماه آن عزیز بسیار نیکو بوده و نور رخسارش چنان درخشان است که بر سیاهی ریش مبارکش غلبه می کند. بر گونه راست آن حضرت خالی است که همچون ستاره ای درخشان است. میان دندان های مبارکش گشاده است. موهای نیکویی داشته که بر دو کتف مبارکش ریخته. میان دو کتف مبارکش عریض است. بر کتف مبارکش علامتی است شبیه علامتی که بر کتف پیامبر(ص) بود.

برای مطالعه روایات پیرامون سیمای یوسف زهرا(س) نگاه کنید:

۱- منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۷۶۲، هجرت قم

۲- نجم الثاقب یا زندگانی مهدی(عج)، میرزا حسین طبرسی نوری، جاویدان تهران

آنچه که منشأ خفا و غیبت حضرت ولی عصر(عج) شده است، موجب مخفی ماندن بسیاری از امور مربوط به زندگی شخصی آن حضرت نیز شده است.

روایاتی هم که در این زمینه اشاره ای دارد، با قطع نظر از اشکال سندی، از نظر دلالت نیز ضعیف است. به همین جهت، نمی توان به نتیجه ای یقینی در این زمینه رسید به طور کلی سه احتمال در این زمینه وجود دارد:

۱. اساسا حضرت مهدی ازدواج نکرده باشند. اشکالی که به این احتمال می شود این است که امام معصوم(ع) یکی از سنّت های مهم اسلامی را ترک کرده باشد اما از آنجا که

مسأله غیبت، اهم از ازدواج است، ترک این سنت مهم به خاطر آن امر مهم تر، اشکالی ندارد بلکه لازم است.

۲. ازدواج کرده اند ولی اولاد ندارند.

۳. ازدواج کرده اند و دارای فرزندانی هم هستند.

این احتمال علاوه بر آنکه دلیل محکمی ندارد، اشکال اساسی آن این است که این همه اولاد و نسلها، بالاخره روزی در جست وجوی اصل خویش می افتند و این امر با فلسفه غیبت سازگار نیست.

عده ای برای اثبات فرزند داشتن حضرت، به ادله ای تمسک کرده اند که هیچکدام دلالت قطعی بر این امر ندارند، (رجوع کنید: چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ص ۳۵۳ تا ۳۵۵). برخی هم به داستان جزیره خضراء تمسک کرده اند، (النجم الثاقب، محدث نوری، ص ۲۵۲ تا ۲۶۰) و بر اساس آن گفته اند که امام عصر(ع) فرزندانی دارند که در آن جزیره و زیر نظر ایشان، جامعه ی نمونه اسلامی تشکیل داده اند. لکن با بررسی های گسترده اثبات شده که جزیره خضراء افسانه ای بیش نیست، (جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، جمعی از نویسندگان دفتر تبلیغات اسلامی قم - جزیره خضرا در ترازوی نقد، جعفر مرتضی عاملی، ترجمه محمد سپهری، دفتر تبلیغات اسلامی قم).

نکته ای که تذکر آن لازم است این است که تعقیب کردن این موضوع، لزومی ندارد و تأثیری در سعادت ما ندارد همچنان که مسأله موضوع همسر و فرزندان، در مورد برخی از افراد دیگر همچون حضرت خضر نبی که در قرآن ضمن بیان سرگذشت حضرت موسی به آن اشاره شده است، (سوره کهف / آیات ۶۵ تا ۸۲) و همه مسلمین به عمر طولانی ایشان معتقدند، نیز وجود دارد.

برای مطالعه در این زمینه رجوع کنید به:

۱. چشم به

راه مهدی، جمعی از نویسندگان، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ص ۳۵۱ تا ۳۵۶

۲. امامت و مهدویت، آیت الله صافی گلپایگانی، چاپ بهمن قم، پاسخ ده پرسش، ص ۵۳.

ما پرسش را در قالب کلی تر بیان کرده و بدان پاسخ می دهیم تا در ضمن آن سؤال شما پاسخ داده شود. در زمانی که حضرت صاحب (عج) در پرده غیبت کبری به سر می برد این پرسشها مطرح می شود آیا ارتباط با آن حضرت امکان دارد یا خیر؟ آیا شیعیان و پیروان حضرت می توانند از محضر آن بزرگوار بهره مند گردند یا نه؟ بر اساس روایاتی که در این زمینه وجود دارد دو دیدگاه مطرح شده است:

الف) دیدگاهی که امکان ارتباط را تأیید نمی کند و لزومی برای آن نمی بیند عالمانی چون شیخ مفید، فیض کاشانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و نعمانی ارتباط با امام زمان (عج) و دیدن ایشان را برای شیعیان حال چه عابد چه متقی و چه فرد متوسط در غیبت کبری ممکن نمی دانند.

ب) دیدگاهی که بر امکان ارتباط و وقوع آن اصرار می ورزد عالمانی چون سید مرتضی، محدث نوری، کراجکی و شیخ طوسی بر این عقیده اند البته این امکان را تنها برای اولیای الهی و افراد ویژه می دانند غیر از آنها یعنی حتی کسی که چندان گناه نداشته ولی بدلایلی در زمره اولیاء الهی قرار نمی گیرد از این دیدار محروم است.ما در اینجا نمی توانیم به تحلیل ادله یکی از دو گروه پردازیم با توجه به دلایل مستقل می توان نکات ذیل را در این باب شمارش کرد:

۱- مقصود از دیدن آن حضرت چند معنا و مرتبه است:

۱-۱- در هنگام مشاهده حضرت متوجه نباشند ولی بعد متوجه و یا معتقد

گردند شخصی را که دیده اند حضرت حجت بوده است.

۲-۱- دیدن با شناخت یعنی کسی حضرت را ببیند و معتقد شود شخصی را که دیده امام عصر است وبه این امر اطمینان داشته باشد.

۳-۱- فیض حضور یعنی دیدن حضرت و شناخت ایشان همراه با سؤال و جواب یعنی افزون بر اینکه حضرت را دیده و شناخته و از ایشان سؤال کرده و با وی به گفت وگو بپردازد.

۲- از مجموع روایات متقن استفاده می شود که امکان ارتباطات به معانی که در شماره قبل مطرح شد در غیبت کبری وجودندارد در برخی روایات تصریح شده که حضرت مثلاً در مراسم حج شرکت می کند مردم را می بیند ولی مردم حضرت را نمی بینند و نمی شناسند گاهی در جمع مردم حضور می یابد و به آنان سلام می کند اما مردم نه ان هنگام و نه پس از آن او را نمی شناسند.

۳- بزرگانی که مسأله امکان ارتباط و مشاهده را مطرح کرده اند آن را به صورت احتمال بیان فرموده اند نه قطع و یقین.

۴- تنها یک دسته از روایات امکان دیدار با حضرت را برای خادمان ایشان (موالی خاصه) اثبات می کند و دلیلی بر امکان ملاقات و ارتباط دیگران وجود ندارد.

۵- بزرگانی که از آنان حکایت دیدار با حضرت حجت نقل شده خود در این باره ادعایی نکرده اند.

۶- اگر فرض بر امکان مشاهده و ارتباط با حضرت باشد برابر توقیع شریفی که شش روز پیش از مرگ سمری آخرین نایب خاص ایشان در غیبت صغری از طرف امام عصر (عج) صادر شده و از جهت سند و دلالت هیچ اشکالی ندارد دیدار کنندگان حق اظهار را ندارند و به تعبیر شیخ طوسی خود می دانند

و نفس خویش و از این روی اگر کسی ادعای رؤیت و مشاهده کند باید تکذیب شود چرا که امام عصر (عج) در این توضیح چنین شخصی را «کذاب مفتر» معرفی کرده است [برای آشنایی اجمالی با این نکات و دیدگاهها نکا: چشم به راه مهدی جمعی از نویسندگان. دفتر تبلیغات اسلامی. قم. چاپ اول زمستان ۱۳۷۵ ش، صص ۱۰۴-۳۳] بنابراین وقتی امکان دیدار به دلایل روایی برای هیچکس و فقط برای اولیاء خاص وجود دارد دیگر برای کسانی که افراد نسبتا خوبی هستند ولو گناه کار امکان ندارد.

اما این مطلب مختص به زمان غیبت است نه زمان حضور حکمت آن گناهکار بودن یا نبودن نیست بلکه از آن جا که حضرت حضور ندارد اگر باب دیدار با آن امام همام مفتوح شود ممکن است هر مدعی پیدا شود و مطالبی را بر اساس رؤیت کذب خود مطرح سازد آن گاه چگونه می توان به صدق گفتارش اطمینان یافت به همین دلیل است که حضرت در توقیع شریف امر فرموده اند که اگر کسی با شرایط ویژه خود توفیق چنین ملاقاتی را یافت نباید آن را اظهار نماید بلکه باید مکتوم باشد تا مسیر سوء استفاده کنندگان مسدود شود. برخی از لوازم مفتوح بودن باب حضور و ملاقات چنین است:

۱- نشر کتابهای نادرست و برخاسته از تصورات و خیال بافی های نویسندگان آن.

۲- مخلوط کردن عقاید صحیح و درست با اندیشه های خرافی وغیر مستدل و ناصحیح .

۳- بدبین شدن اهل تعقل و اندیشه به سبب آموزه های خرافی که به عنوان عقاید شیعی مطرح می شوند و در نتیجه مخالفان تشیع امکان رشد و گسترش می یابند.

ازاین رو حکمت عدم ملاقات گناهکار بودن یا نبودن

نیست هر چند بی تأثیر نمی باشد ولی علت اصلی و اساسی عدم امکان ارتباط سوء استفاده مؤمنان، مرید بازان و مقام پرستان از این فضای لطیف و عطر آگین است.

البته نوع دیگر مشاهده، دیدن آن عزیز در خواب یا مشاهده شهودی آن حضرات از طریق سیر و سلوک است که مسلما مشاهده جسم مادی آن حضرت نمی باشد پس اجمالاً ـ ارتباط معنوی با حضرت ممکن است ولی دیدار جسم آن عزیز زهرا(س) برای همگان براساس روایات ممکن نیست.

مشخصات ظاهری حضرت چیست و آیا کسی می تواند خودش رابه صورت حضرت درآورد؟

پرسش

مشخصات ظاهری حضرت چیست و آیا کسی می تواند خودش رابه صورت حضرت درآورد؟

پاسخ

امام زمان (ع) بعد از شهادت پدرش هنگامی که برای نماز بر جنازه او حاضر شد مردم او را مشاهده کردند در حالی که طفلی گندم گون بود، با موهای فری وبین دندان های جلو او باز بود.

{پاورقی . تاریخ الغیبه الصغری، ص ۵۴۰. پاورقی}

شیخ طوسی؛ از برخی کسانی که حضرت را در خلال غیبت صغرا مشاهده کردند نقل می کند که آن حضرت جوانی زیبارو، با بویی معطّر، وهیبتی عظیم بود. راوی می گوید: "هنگامی که سخن می گفت، کسی را بهتر از او در سخن گفتن ندیدم".

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۱۵۲. پاورقی}

در روایتی دیگر می خوانیم که راوی گفت: "حضرت جوانی گندم گون بود وهرگز کسی را به مانند او در زیبایی واعتدال قامت ندیدم".

{پاورقی . همان، ص ۱۵۳. پاورقی}

ودر روایتی دیگر آمده است: "قد او نه طولانی است ونه کوتاه، بلکه معتدل القامه است. سر مبارکش گرد وپیشانی اش پهن است. بینی او کشیده وگونه های او صاف وبر گونه راستش خالی است".

{پاورقی . همان، ص ۱۵۶. پاورقی}

در مورد ذیل سؤال که آیا کسی می تواند خودش را به شکل وشمایل حضرت (ع) درآورد یا خیر؟ می گوییم: اگر چه به

حسب ظاهری کسی بتواند خودش را به مانند حضرت در اوصافی که ذکر شد درآورد، ولی با علایم ظهور که در جای خود ثابت شده ونیز با اعجازی که حضرت از خود نشان می دهند هرگز کسی در امامت او شک نخواهد کرد. واین مقتضای لطف خداوند است. ولطف بر او واجب است، و لذا به طور حتم کاری خواهد کرد که وجود حضرت در عصر ظهور به کسی مشتبه

نخواهد شد.

۲–کمی در مورد خصوصیات اخلاقی حضرت مهدی توضیح دهید ؟

پرسش

۲–کمی در مورد خصوصیات اخلاقی حضرت مهدی توضیح دهید ؟

پاسخ

ج۲– در کتاب عیون اخبار الرضا از «علی بن عاصم » از امام محمد تقی از پدر بزرگوارش روایت کرده که پیغمبر قائم را برای ابی ابن کعب بدینگونه توصیف فرمود : خداوند نطفه با برکت و پا ك و پاکیزه را در صلب حسین « علیه السلام » به وجود آورد ،که هر مؤمنی که خداوند از وی در خصوص دوستی اهلبیت پیمان گرفته است از آن نطفه خشنود است و هر منکری از آن دوری می جوید. او امام پرهیز کار، ستوده خصائل پسندیده و هادی و مهدی است ،که حکم عدل میکندو دستور بدان می دهد و در گفتارش خدا را تصدیق می کند، خداوند هم او راتصدیق می نماید و چون دلائل و علائم آن آشکار شود از سرزمین تهامه (۱) بیرون می آید . او گنجهائی داردکه نه طلا‌ـ و نه نقره است , بلکه اسبهای نیرومند و مردانی است بعدد اصحاب بدر یعنی: « سیصدو سیزده» نفر که از اقطار جهان بدور وی گرد آیند، صحیفه مهر کرده ای با اوست که تعداد یارانش با اسامی و شهرها و طبایع و اوصاف و کنیه ها آنها در آن نوشته شده است و آنها همه سعی در هر فرمانبرادری او« مهدی» دارند.

ابن ابی کعب عرضکرد یا رسول الله دلائل و علائم آمدن او چیست ؟ فرمود :

او از این پرده غیبت بیرون می آید، و هر جا دشمن خدا ببیند بقتل میرساند و احکام خدا را جاری می سازد و طبق دستور الهی حکم می کند .

حضرت مهدی دوازده همین

امام هستند .

حضرت مهدی « عج » امامی معصوم، مدیر، مدبر , شجاع و مهربان ,دلسوز . شیخ صدوق در کتاب خصال از اصول اربعماء از امیرالمؤمنین روایت نموده که فرموده : خداوند دین را بوسیله ما گشود و هم بوسیله ما ختم میکند (۲) بوسیله ما خدا آنچه را بخواهد محو میکند و آنچه باقی می گذارد ، بوسیله ما سختی زمانه را برطرف میسازد و باران فرو میفرستد اگر قائم قیام کند آسمان باران خود را فرو میریزد و زمین نباتات خود را بیرون می دهد و کینه ها از دل بندگان خدا زایل می شود و درندگان و حیوانات با هم ساخته از یگدیگر رم نمی کنند تا جائیکه زنی که می خواهد راه عراق و شام را بپیماید همه جا قدم بر روی سبزه و گیاهان می گذارد و زینتهای خود را بر سر دارد و کسی طمع به آن نمی کند.

هر صفت و فضائلی را که همه انبیاء و سایر ائمه «علیهم السلام » دارند حضرت مهدی همه آنها را دارا میباشد .

مشخصات ظاهری امام زمان چیست.

پرسش

مشخصات ظاهری امام زمان چیست.

پاسخ

برخی از ویژگی های ظاهری آن حضرت به قرار زیر برشمرده شده است:

الف) هنگام نمازگزاردن بر پدر بزرگوار خود امام حسن عسکری(ع) بچه ای با صورتی به رنگ میان سیاهی و سفیدی، موهایی پرپشت و کوتاه و دندانهایی با فاصله اندک از سوی مردم دیده شده است.

ب) پس از آن؛ در طول غیبت صغری، به صورت جوانی زیباروی، خوش بو، باوقار و نیکوسخن از سوی بینندگان، شناسانده شده است.

ج) در روایتی دیگر در این باره آمده است: آن حضرت، سبزه گون، راست قامت، خوش اندام، با قدی نه چندان بلند و نه خیلی کوتاه (متوسط) چهارشانه، با سری گرد، گشاده پیشانی، بینی ای با سوراخ های تنگ و وسطی کشیده و بلند، گونه هایی کم گوشت و گشاده با خالی در سمت راست آن و ویژگی های دیگر (محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۵۴ - ۵۴۰).

د) به گفته نمایندگان خاص آن حضرت به ویژه محمد بن عثمان، آن حضرت با حفظ ویژگی های یاد شده از حالت خردسالی و نوجوانی، به جوانی برومند و قوی تغییر شکل یافته است.

در روز ظهور

آیا امام زمان(ع) جوان هستند یا پیر؟

پرسش

آیا امام زمان(ع) جوان هستند یا پیر؟

پاسخ

عمر امـام زمـان(ع) طولانی است، لیکن از لحاظ نیروی بـدنی و قیافه ظاهری نیرومنـد و به صورت جوانی که چهل سال داشـته باشد، ظهور می کند.

امـام حسن مجتبی(ع) فرمود: "خداونـد عمر حضـرت مهـدی(ع) را طولاـنی می کنـد آن گـاه با قـدرت کامله خود به صورت جوانی که چهل سال داشته باشد آشکار می سازد(ظهور می کند) تا مردم بدانند که خداوند بر همه چیز قدرت دارد".۴

۱ مجله حوزه، سال ۷۰ – ۷۱، ۱۳۷۴، ص ۵۰ و لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۶۱۹.

۲ تفسیر نمونه ج۲، ص ۴۳۰؛ تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۱۰؛ عماد زاده، قصـص الانبیا، ص ۷۳۵، صدر الدین بلاغی، قصـص قرآن ص ۲۵۳ و بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

۳ ر.ک: مجله حوزه، سال ۷۰– ۷۱، مهر – دی ۱۳۷۴، ص ۹۷.

۴ علامه مجلسی، مهدی موعود، ص ۱۰۶۷ و ۱۱۱۱.

زمانی که حضرت مهدی(عج) ظهور کند، چه نشانه هایی در چهره ایشان وجود دارد تا شناخته شود؟

پرسش

زمانی که حضرت مهدی(عج) ظهور کند، چه نشانه هایی در چهره ایشان وجود دارد تا شناخته شود؟

پاسخ

در روایت آمده است که صورتش چون ستاره تابناک می درخشد و در سمت راست رخسارش خال سیاهی قرار دارد.(۱)

پی نوشت ها:

۱. مهدی موعود (ترجمه بحارالانوار، ج ۱۳)، ص ۲۹۴.

آیا پیری و کهولت در حضرت مهدی(عج) ظاهر می شود؟

پرسش

آیا پیری و کهولت در حضرت مهدی(عج) ظاهر می شود؟

پاسخ

یکی از خصوصیات و اوصاف امام عصر(عج) این است که به مرور روزگار، پیری و کهولت در آن حضرت ظاهر نشود و باید هم اینطور باشد. زیرا با سن زیاد اگر کهولت آور و پیری زا باشد آن حضرت نخواهد توانست مصدر آن همه اصلاحات و اقدامات و فعالیتهای بزرگ اصلاحی گردد.

پس همانطور که آن حضرت به امر خدا از یک عمر بسیار بلند برخوردار است، جوانی و نشاط و نیرومندی آن رهبر جهانیان نیز به امر خدا محفوظ خواهد ماند.

آیا در روایات، اخباری که دلالت بر عدم کهولت و پیری حضرت مهدی در هنگام ظهور داشته باشد وجود دارد؟

پرسش

آیا در روایات، اخباری که دلالت بر عدم کهولت و پیری حضرت مهدی در هنگام ظهور داشته باشد وجود دارد؟

پاسخ

صدوق در«کمال الدین» و علی بن محمد خزار رازی در«کفایه الاثر» از حضرت امام حسن مجتبی (ع) در ضمن حدیثی روایت کرده اند که فرمود: فرزند نهم از فرزندان برادرم حسین(ع) را خدا عمرش را در غیبتش طولانی نماید، سپس به قدرت خود او را آشکار سازد، در صورت جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد:

«وَ ذلِکَ لِیَعْلَمَ أَنَّ اللهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ» (منتخب الاثر، ص ۲۰۶، ف ۲، ب ۱۰، ح ۶)

و نیز صدوق از حضرت رضا(ع) د رضمن حدیثی چنین روایت کرده است:

«اَلقائِمُ هُوَ الَّذی اِذا خَرَجَ کانَ فی سِنِّ الشُّیُوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبّانِ قَوِیٌّ فی بَدَنِهِ» (منتخب الاثر، باب ۱۷، ف ۲، ح ۲، ص ۲۲۱)

[قائم آن کسی است که وقتی ظاهر شود در سن پیران و منظر و سیمای جوانان و با قوت بدن باشد.]

و از ابی الصلت هروی منقول است که گفتم به حضرت رضا(ع) علامت قائم چیست وقتی ظاهر شود؟

فرمود: علامتش این است که در سن پیران و منظر و قیافه جوانان است. بطوری که کسی که او را ببیند چهل ساله یا کمتر گمان می کند. و از علامات او این است که به گذشت شب و روز پیر نمی شود تا آنکه از این دنیا رحلت کند.

آیا امام زمان (عج) در موقع ظهور جوان می باشند یا پیر؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) در موقع ظهور جوان می باشند یا پیر؟

پاسخ

به طوری که در روایات آمده پیری به سراغ امام زمان (عج) نمی آید و آن گرامی وقتی هم ظاهر گردد به صورت جوان ۴۰ ساله یا کمتر دیده می شود و این یکی از نشانه های آن حضرت به حساب آمده است.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۱۰

امام زمان(عج) چطور با عمر طولانی به شکل ۴۰ ساله ظاهر می شود؟

پرسش

امام زمان(عج) چطور با عمر طولانی به شکل ۴۰ ساله ظاهر می شود؟

پاسخ

بعد از اثبات اصل وجود غیبت و لزوم آن که تماماً تحت قدرت الهی و با خواست او انجام می شود، تمامی این پرسش ها جواب می گیرد چون ثابت شد که تحت قدرت و اراده الهی نه طول عمر انسانی منع عقلی دارد و نه اینکه اگر طول عمر داشت به شکل جوان باقی بماند مشکلی دارد زیرا با اراده و خواست خداوند این امور واقع می شود چنان که حضرت نوح(علیه السلام) قریب به هزار سال فقط به تبلیغ در میان قوم خود پرداخت و یا عُزیر یکصد سال فوت کرد و مجدداً خداوند

او را احیاء کرد در حالی که الاغ او پوشیده شده بود ولی آب و طعام او به همین صورت بدون هیچ گونه تغییر رنگ و طعمی باقی مانده بود. پس آن چه که به خواست و قدرت حق بازگشت می کند هیچ بُعد عقلی ندارد.

امام زمان علیه السلام در ظاهر با چه سنّی ظهور می کنند؟

پرسش

امام زمان علیه السلام در ظاهر با چه سنّی ظهور می کنند؟

پاسخ

مطابق روایات شیعه وسنّی، امام زمان (ع) در حالی که ظاهر او جوان وبه سنّ چهل سالگی است ظهور خواهند کرد. اینک به برخی از روایات اشاره می کنیم:

۱ – ابن صباغ مالکی به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که در حدیثی فرمود: "مهدی از اولاد من با سن چهل سال است...".

{پاورقی . الفصول المهّمه، ص ۲۱۷. پاورقی}

۲ – شیخ صدوق؛ به سندش از اباصلت هروی نقل می کند که گفت: به امام رضا (ع) عرض کردم: قائم شما هنگام خروج چه علامتی دارد؟ حضرت فرمود: "علامت او این است که او از حیث سنّ پیر است ولی در ظاهر جوان نشان داده می شود، به حدی که هر گاه کسی به او نظر می افکند گمان می کند که او سی ساله یا کمتر است. واز جمله علامات او آن است که به مرور ایام وشب ها پیر نمی شود تا آنکه مرگ او فرا رسد".

{پاورقی . کمال الدین، ص ۶۵۲، ح ۱۲. پاورقی}

نعمانی به سندش از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "اگر قائم قیام کند مردم او را انکار خواهند کرد؛ زیرا در حالی که جوان رشیدی است به سوی آنها باز می گردد...".

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۸. پاورقی}

ممکن است روایاتی که اشاره به سن چهل سالگی دارد مقصود آن باشد که جسد وجسم او در حدّ کمال است؛ زیرا بدن تا چهل سالگی به کمال رشد خود می رسد. گر چه برخی روایات نیز به سنّ ۱۸ سالگی و۵۱ سالگی اشاره کرده است ولی روایت اوّل از محمّد بن حمیر نقل شده نه از یکی از معصومین:.

وروايت

دوّم گر چه از پیامبر اکرم (ص) نقل شده ولی از صحت سند برخوردار نیست، خصوصاً آنکه هر دو روایت با روایات مستفیضی که دلالت بر ظاهر چهل سالگی دارد مخالف است.

خصوصیات جسمی امام زمان علیه السلام هنگام ظهور چگونه است؟

پرسش

خصوصیات جسمی امام زمان علیه السلام هنگام ظهور چگونه است؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات سنّی وشیعی، امام زمان (ع) هنگام ظهور دارای صفات وخصوصیات جسمی خاص است از قبیل:

۱ – أجلی الجبهه: یعنی پیشانی وسیع وعریض.{پاورقی . سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۴۲۲. پاورقی}

۲ – اقنی الأنف: وسط بینی او برآمده ولی دو سوراخ آن تنگ است.{پاورقی . همان. پاورقی}

۳ – کأنّ وجهه کوکب درّی: گویا صورت او همانند ستاره ای درخشان است.{پاورقی . الفصول المهمه، ص ۳۱۷. پاورقی}

۴ – اللون لون عربی: با چهره ای گندم گون.{پاورقی . البیان، ص ۹۴. پاورقی}

۵ – افرق الثنایا: ما بین دندان های او باز است.{پاورقی . همان، ص ۹۶. پاورقی}

۶ – اکحل العینین: مژه های او سیاه است.{پاورقی . همان. پاورقی}

۷ – براق الثنایا: با دندان های سفید.{پاورقی . همان. پاورقی}

۸ – أزج الحاجبین: با ابروانی کشیده وباریک.{پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۷. پاورقی}

۹ – مربوع القامه: قامتش متوسط.{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۱ ؛ ارشاد مفید، ص ۳۴۲. پاورقی}

۱۰ – الجسم جسم اسرائیلی: جسم او تنومند است.{پاورقی . البیان، ص ۹۴. پاورقی}

۱۱ – علی خدّه الایمن خال اسود: بر گونه راست او خالی سیاه است.{پاورقی . الفصول المهمه، ص ۳۱۷. پاورقی}

شکل و شمایل حضرت مهدی(عج)، موقع ظهور مثل انسان چند ساله است؟

پرسش

شکل و شمایل حضرت مهدی(عج)، موقع ظهور مثل انسان چند ساله است؟

پاسخ

در مورد قیافه و شکل و شمایل حضرت موقع ظهور به طور کلی دو دسته روایت وجود دارد:

الف. روایاتی که مطلق است و سنی را بیان نمی کند و فقط جوان بودن حضرت را متذکر می شود.

۱. «شابٌ بعد کبر السن»۱ جوان است با اینکه سن اش زیاد است.

۲. «رجوعه من غیبته بشرخ الشباب»۲ در بهترین مرحله ی جوانی ظهور می کند.

۳. «فی سن الشیوخ و منظر الشباب»۳ در سن کهن سالان و سیمای جوانان.

ب. روایاتی که علاوه بر تأکید بر جوانی، سن و سال را هم مشخص می کند.

۱. «فی صوره فتیَ موفق ابن ثلاثین سنه»۴ با چهره ی جوانی کامل به سن سی سالگی.

۲. «فی صوره شاب دون اربعین سنه»۵ با چهره ی جوانی کمتر از چهل سالگی.

۳. سن اش زیاد و چهره اش جوان است به گونه ای که در نظر بیننده چهل ساله یا کمتر می نماید و از نشانه های ایشان آن است که تا زمان وفات پیر نمی شود.۶

نکات:

۱. می دانیم که سن حضرت بیش از هزار سال است و روایاتی که سن ایشان را بین ۳۰ تا ۴۰ سال بیان کرده منظور این است که در زمان ظهور چهره و سیمای نورانی حضرت در این سن است و اختلاف سن در این موضوع موجب تضاد نمی باشد. زیرا این اعداد نشانگر سن انسان کامل و جوان است.

۲. البته عمر طولانی مثل نوح (۹۵۰ سال) در قرآن آمده و یا حضرت خضر و عیسی(ع) سابقه دارد و در عالم حیوانات نیز عمر طولانی مشابه دارد و پیری و مرگ در اثر عوامل فرسایشی است که اگر آن عوامل نباشد شخص جوان می ماند.۷

۳. بی شک

شناخت و معرفت امام اهمیت و ارزش فراوانی دارد و این اهمیت به قدری است که در روایات نشناختن امام برابر با بی دینی و جهالت شمرده شده.

«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیةً»۸

«کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

و بدیهی است که «معرفت امام»، عمیق تر و فراتر از مباحث ظاهری است که در این مجموعه گذشت.

۱ . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲ . غیبت طوسی، ص ۴۲۱.

۳ . کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۶.

۴ . غیبت طوسی، ص ۴۲۰.

۵ . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۶.

۶ . کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲.

۷ . ر.ک: عدالت گستر جهان، ابراهیم امینی.

۸ . الصوارم المعرفه، ص ۲۶۳.

کرامات حضرت

خاطراتی از کرامات امام زمان(ع) را بنویسید.

پرسش

خاطراتی از کرامات امام زمان(ع) را بنویسید.

پاسخ

محدّث بزرگ شیخ حر عاملی نوشته است: زمانی که ده سال بیش نداشتم به مرض سختی مبتلا شدم به طوری که پدر و مادر و خویشاوندانم جمع شده گریه می کردند و برای عزاداری آماده می شدند. آن ها یقین کرده بودند که من خواهم مرد. در آن شب پیغمبر و دوازده امام(ع) را میان خواب و بیداری دیدم، پس به آنها سلام کردم. با امام زمان(ع) مصافحه نموده و در

آن حال گریستم و گفتم: ای مولای من! می ترسم که با این مرض بمیرم وب ه مقصود خود از علم و عمل نرسم. ایشان فرمود: نترس زیرا تو با این مرض نخواهی مرد و خداوند تو را شفا می دهد و عمر طولانی خواهی یافت. آن گاه قدحی که در دست مبارکش بود به من داد و از آن آشامیدم و بهبودی یافتم و مرض به کلی از من زایل شد، پس از آن بلند شدم. پدر و مادر و خویشاوندانم تعجب کردند. چند روزی که گذشت آن چه که دیده بودم برای آن ها تعریف کردم.۱۵

۱۵ منتهی الآمال، ج۲، ص ۴۷۰.

چند معجزه از امام زمان(ع) بنویسید.

پرسش

چند معجزه از امام زمان(ع) بنویسید.

پاسخ

محمد بن یوسف گوید: به مرضی مبتلا شدم و به طبیب مراجعه کردم و خرج های زیاد نمودم، ولی خوب نشدم. نامه ای به حضور امام عصر(ع) نوشتم واز حضرت تقاضا کردم برایم دعا کند. در جواب مرقوم فرمود: خداوند به تو سلامتی دهد و تو را در دنیا و آخرت با ما قرار دهد. هنوز جمله دیگر نرسیده بود که بهبودی یافتم. طبیبی از شیعیان را خواستم و جای مرض را به او نشان دادم، گفت: از نظر طبی دارویی سراغ نداریم که این مرض را خوب کند. به طور مسلّم خدا تو را شفا داده است.۱[۵]

۲ــ مرحوم شیخ حرعاملی که از بزرگان علمای شیعه است می گوید: ده ساله بودم که به مرض سختی مبتلا شدم، به گونه ای که پدر و مادر و خویشاوندانم جمع شده، گریه می کردند و برای عزاداری آماده می شدند. آن ها یقین کرده بودند که خواهم مرد. در آن شب پیغمبر و دوازه امام صلوات الله علیهم را در خواب و بیداری دیدم. پس به آن ها سلام کردم، و با یک یک مصافحه نمودم. میان من و حضرت صادق(ع) سخنی گذشت که در خاطرم نماند، جز آن که ایشان در حق من دعا کرد سپس بر حضرت صاحب الامر (عج) سلام کردم و با آن جناب دست دادم و در آن حال گریستم و گفتم: ای مولای من، می ترسم که با این مرض بمیرم و به مقصود خود (علم و عمل) نرسم ایشان فرمود: نترس، زیرا تو با این مرض نخواهی مرد و خداوند تو را شفا می

دهـد و عمر طولانـی خواهی یـافت، آن گـاه ظرفی که در دست مبـارکش بود، به من داد و از آن آشامیـدم، و بهبودی یافتم و مرض به کلی از من زائل شـد. پس از آن بلند شدم. پدر و مادر و خویشاوندانم تعجب کردند. چند روزی که گذشت، آن چه که دیده بودم، برای آن ها تعریف کردم.[۶]

۳ــ پسـر مرحوم حـاج ابوالقاسم پابنـده قمی گویـد: مرحوم پـدرم گفت: من نـذر کرده بودم که چهل شب جمعه یا چهارشـنبه (تردید از گوینده) به خاطر مسایل اقتصادی و ا فاتی که به زراعت رسیده بود، به مسجد جمکران مشرف شوم. ۳۹ شب مشرف شدم، شب آخر که به مسـجد رفتم و اعمال مسجد و نماز حضرت ولی عصر(عج) را خوانده و بیرون آمدم، هوس چای کردم، به همین خاطر گشـتم تا آشـنایی پیـدا کنم و یک چای بخورم. به عده ای از آشـنایان که اسـباب چای داشـتند، برخورد کردم، لیکن آب نداشـتند. ظرف آب را گرفتم تـا بروم از آب انبـار نزدیـک مسـجد آب بیـاورم. وسـط راهِ پله آب انبـار، چراغ نفتی نصب کرده بودند. از نصف پله ها که پایین رفتم، ناگهان متوجه شدم که آقایی دارد بالا می آید، سـلام کردم، ایشان به گونه محبت آمیز جواب داد و از من احوال پرسـی کرد، درست مثل کسـی که سال ها است با من رفیق و آشـنا است. بعـد فرمود: به مسـجد آمـدی؟ گفتـم: آری. پرسـید: چنـد هفتـه اسـت؟ گفتم: هفته چهلم است. پرسـید: حـاجت داری؟ گفتم: آری. فرمـود: برآورده شد؟ گفتم: نه. فرمود از کدام راه می آیی؟ عرض کردم، از جاده قدیم و آسیاب

لتون. فرمود: بین باغ آقا و آسیاب، دو سه پل وجود دارد. شما وقتی از پل اوّل بالا رفتی، شیخ محمد تقی بافقی را می بینی که می آید، در حالی که عبایش را زیر بغل کرده و سنگ ها را از جاده به کنار می ریزد. این برخورد را بگو و سلام مرا به او برسان و بگو: از آن چه نزد تو داریم، یک مقدار به تو بدهد. وقت بازگشت از همان راه برگشتم و در همان مکان به شیخ محمد تقی بافقی برخورد کردم. دیدم که عبا را زیر بغل گذاشته و خم می شود سنگ ها را از جاده به کناری می ریزد. چون به او رسیدم، جریان را تعریف کردم و گفتم: آقا به تو سلام رسانید. همین که این را گفتم، روی زمین نشست و خیلی گریه کرد، بعد گفت آقا دیگر چه فرمود؟ گفتم: فرمود از آن چه از ما نزد شما است، مقداری به من بدهید. کیسه ای در آورد و مقداری پول خرد که داخل کیسه بود، کف دستش ریخت و چند قرانی به من داد و گفت: آقا دیگر مطلبی نفرمود؟ گفتم: نه. ایشان گفت: خداوند به شما خیر و برکت دهد. و رفت. پدرم می گفت: بعد از این ماجرا وضعم خوب و اوضاع کارم رو به راه شد.[۷] [۵]علامه مجلسی، مهدی موعود، ص ۶۰۲.

[۶]شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۷۰.

[۷]عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت ص ۱۹۹، حکایت ۲۰.

چگونه ماجرای قرآنی انتقال تخت بلقیس، پذیرش قدرت فوق العاده حضرت صاحب الزمان (ع) را آسان می کنند.

پرسش

چگونه ماجرای قرآنی انتقال تخت بلقیس، پذیرش قدرت فوق العاده حضرت صاحب الزمان (ع) را آسان می کنند.

پاسخ

در قرآن می خوانیم که در ماجرای انتقال تخت بلقیس یکی از مشاوران حضرت سلیمان، تخت ملکه سبأ را در یک چشم بر هم زدن از مملکت سبأبه نزد سلیمان حاضر کرد. این امر خبر از قدرت فوق العاده می دهد که انسان های عادی نمی توانند چنین قدرتی داشته باشند.

بنابراین می تواند کسی به تأیید الهی دارای قدرتی باشد که انسان های عادی آن را نداشته باشند. با این مسئله هنگامی که کسی به روایات اثبات کننده قدرت فوق العاده حضرت مهدی (عج) نگاه کند، تعجب نکرده، قرآن را قبول می کند. به ویژه با توجه به این که "آصف بن برخیا" (آورنده تخت بلقیس) تنها بخشی از علم کتاب آسمانی را دارا بود، ولی امامان معصوم علیهم السلام همه علم کتاب الهی را دارند.

در حدیثی از ابوسعید خدری از پیامبرصلی الله وعلیه وآله آمده است. من از معنای "الذی عنده علم من الکتاب (که آورنده تخت بلقیس است) از محضرش سؤال کردم، فرمود: "او وصی حضرت سلیمان بن داود بود. عرض کردم "من عنده علم الکتاب" از چه کسی سخن می گوید، فرمود: این برادرم علی بن ابی طالب است. با توجه به تفاوت "علم من الکتاب" که علم جزئی را می گوید: و "علم الکتاب" که علم کلی را بیان می کنند، روشن می شود که میان آصف و علی علیه السلام چه

انـدازه تفاوت است. علم امیرالمؤمنین از طریق فرزنـد به تمام امامان علیهم السـلام و در نهایت به حضـرت مهدی(عج) رسـیده است. در روایات بسیاری می خوانیم که اسم اعظم اللهی هفتاد و سه حرف است که یک حرف آن نزد آصف بن

برخیا بود و چنان کار خارق عادتی را انجام داد. نزد امامان اهل بیت علیهم السلام هفتاد و دو حرف آن است، و یک حرف آن مخصوص به ذات پاک خدا است.

تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۴۷۳.

آیا حضرت مهدی (عج) بعد از ظهور اعمال خارق العاده انجام می دهد؟

پرسش

آیا حضرت مهدی (عج) بعد از ظهور اعمال خارق العاده انجام می دهد؟

پاسخ

پاسخ : غالب پیشوایان دینی، برای اثبات امامت خویش، کارهایی انجام می دادند که برای مردم عادی، انجام آن ها امکان نداشت. این اعمال را می توان خارق العاده نامید.اعمالی که به عنوان کرامات از امامان نقل شده است، می تواند این کرامت از نوع آشکار نمودن حقایق علمی باشد.

در مورد امام زمان نیز اگر معرفی امامت امام و گسترش حکومت حضرت، نیاز به اعجاز و کارهای خارق العاده داشته باشد، می تواند از آن بهره گیرد.

البته در برخی از روایات از بعضی سیاست ها و فعالیت های امام زمان(عج) سخن به میان آمده است که شبیه معجزه (خارق العاده) هستند.

یکی از سیاست های امام زمان(عج) گسترش و پیشرفت علم و صنعت است.پیشرفت علم به گونه ای است که برخی تصور می کنند امام زمان(عج) اعمال خارق العاده انجام می دهد، مانند روایاتی که می گویند: شخصی در شرق برادرش را در مغرب می بیند. حضرت هنگام سخنرانی همه جهانیان را می بینند، نیز یاران حضرت از فاصله دور با هم سخن می گویند و سخن یکدیگر را می شنوند. در عصر ظهور امام زمان(عج) تمدن به اوج خود می رسد. امام صادق(ع) فرمود: "دانش بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با دو حرف]با حرف های دیگر [آشنایی ندارند. هنگامی که قائم ما قیام می کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، و آن را بین مردم نشر و گسترش می دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و مجموع بیست و هفت حرف را میان مردم منتشر

می سازد"(۲)

پیامبر (ص) فرمود: "پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای شان پیموده می شود و درهای جهان به روی شان باز می گردد.... زمین در کم تر از یک چشم به هم زدن پیموده می گردد، به گونه ای که اگر کسی از آنان بخواهد. شرق تا غرب زمین را در ساعتی بپیمایند، این کار را انجام می دهند".(۳)

در برخی از روایات سخنی از رشد خِرد جمع به میان آمده است. رشد خود جمعی به گونه ای است که می توان از آن به عنوان یکی از شاخصه های مهم جامعه آرمانی امام زمان (عج) یاد کرد. امام صادق(ع) فرمود: "هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقل آن ها را کامل و افکار شان را پرورش داده، تکمیل می کند".(۴)

دربعضی از روایات دیگر سخنی از رشد اقتصادی و امنیت جهانی و گسترش عدالت سخن گفته شده که بیانگر کارهای بسیار مهم است که امام زمان(عج) انجام می دهد.

پی نوشت:

۱ – نجم الدین طبسی، چشم انداز به حکومت حضرت مهدی، ص ۱۷۶ – ۱۷۷.

۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

۳ – احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۱.

۴ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

علم حضرت

امام زمان ۷در زمینهء دین اسلام و استنباط احکام اسلامی از چه نوع کتاب هایی استفاده می کند؟

پرسش

امام زمان ۷در زمینهء دین اسلام و استنباط احکام اسلامی از چه نوع کتاب هایی استفاده می کند؟

پاسخ

امام ۷دارای علم لدّنی است . برای فهم قوانین و احکام اسلامی , نیاز به کتاب های معمولی جهت استنباط احکام ندارد. در عین حال منابع علم امام ۷چند چیز است :

۱ قرآن و کلام اللّه مجید, زیرا منشأ تمام احکام دین , قرآن کریم است .

۲ صحیفه ها و کتاب هایی که از پیامبر۶به طور ارث به دستشان رسیده است . از جمله کتاب علی ۷که به دست علی ۷و املای رسول خدا۶نوشته شده است .

۳ ارتباط با عالم غیب و الهام . افضل عولم آنان از این راه به دست می آید.(۱)

(پاورقی ۱.ابراهیم امینی , مسایل کلی امامت , ص ۲۴۱ ۲۵۲

آیا امام زمان ۷دارای علم لدنی است و دیگر نیاز به مطالعه ندارد؟

پرسش

آیا امام زمان ۷دارای علم لدنی است و دیگر نیاز به مطالعه ندارد؟

پاسخ

همان طور در پاسخ سؤال شش گفته شد, امام ۷واجد علم لدنّی است و جهت استنباط و فهم احکام و معارف اسلامی , نیاز به کتاب های معمولی و مرسوم حوزه های علمیه نـدارد. او برای اسـتنباط احکام از سه منبع اسـتفاده می کنـد: یکی صـحیفه های پیامبر۶که به دست علی نوشته شده است . دیگری استفاده از قرآن , و سومی الهام گرفتن از عالم غیب .

آیا امام زمان عج) اطلاعات کامل درخصوص دنیای مردم مظلوم افغانستان، فلسطین و لبنان دارند؟

پرسش

آیا امام زمان عج) اطلاعات کامل درخصوص دنیای مردم مظلوم افغانستان، فلسطین و لبنان دارند؟

پاسخ

امـام زمـان عـج)، امـام حاضـر و آخرین امـام شـیعیان است که واسـطه فیض عـالم و آفریـدگار عالم و قطب عالم امکان است. امـام(ع) جـان جهـان است و جهـان به وجود او بسـتگی دارد. امـام(ع) هم واسـطه در فیض تکوین است و هم واسـطه در فیض تشـریعی است. هر گونه فیضـی، که از مبـدأ فیاض می رسـد، از طریق واسـطه فیض افاضه می گردد. در واقع فیض اعظم، خود واسـطه وجود و خلقت است. او نخستین خلق است و سـبب پدیـد آمدن دیگر مخلوقات است. همواره فیض الهی از طریق او و امتدادات وجودی او به کاینات ایصال می گردد. کسب فیض از مبدأ افاضه کننده، نیازمند به واسطه قابل است. واسطه قابل، به

قابلیت خود فیض را کسب می کند و به مستفیض می رساند. حقیقت ولایت مطلقه، همان فیض است و واسطه رسیدن فیض به دیگر کاینـات است. نفس ولی مطلق مبـدأ سـریان فیض الهی است و سرچشـمه فیضـان جود و وجود به دیگر موجودات اسـت بنابراین، نفس ولی پیامبر یا امام) صاحب چنین محوریتی در مرکز جهان هستی است.[۱۳]

در بعد تشریع قوانین و تعیین احکام نیز نفوس قابل، وحی و هدایت های الهی را دریافت کنند و به بشریت

برساننـد و بیاموزنـد و بشـر به تنهایی نمی تواند شـکل اعمال تکاملی و حکمت و اسـرار آن ها را بیابد و راه حرکت صـحیح و مسـتقیم را کشف کند. عقل نیز برای وصول به این مقاصد عالی کافی نیست و نیاز به مددرسان و راهنمای بصـیر دارد. واسـطه فیض تکوینی و تشریعی در مصداق خارجی، یکیاست: پیامبر، و به نیابت از پیامبر، امام(ع) است که

هدایت انسان ها را نیز عهده دارند.[۱۴]

امام زمان عج) حاضر و ناظر بر اعمال مسلمانان است و اعمال مسلمانان بر ایشان عرضه می گردد و از حقایق عالم وجود آگاهی دارند و بر سراسر جهان سیطره دارند و ملائک الهی یعنی جبرئیل و میکائیل و دیگر ملائکه به فرمان ایشان هستند و اعمال شیعیان بر ایشان عرضه می شود و حضرت از احوال امت اسلامی مطّلع اند[۱۵] آن وجودی که عالم کون و مکان در خدمت او است، قطعاً بر وقایع و حوادث عالم اطلاع دارند.

([۱۳] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۲۲ تا ۲۲۴، با تلخیص.

([۱۴] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۲۵ و ۲۲۶، با تلخیص.

([۱۵] آیت الله حسین مظاهری، جهاد با نفس، ص ۲۲۶ با تلخیص.

آیا امام زمان (عج) از هنگام برپایی قیامت و تاریخ آن آگاهی دارد؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) از هنگام برپایی قیامت و تاریخ آن آگاهی دارد؟

پاسخ

علم به زمان وقوع قیامت از غیبت های مختص خدا است و هیچ دلیلی در تعیین وقت آن نیست و قیامت ناگهانی بر پا می شود. قرآن کریم می فرماید: " از تو درباره رستاخیز می پرسند که کی بر پا می شود، بگو: آن علم نزد پروردگار من است که جز وی آن را به موقع آشکار نمی کند".[۱۸]

در شأن نزول این آیه بعضی از مفسران مانند مرحوم طبرسی در مجمع البیان نقل کرده اند که حضرت رسول (ص) در جواب اهل مکه این مطلب را فرمود.۲[۱۹]

اظهار بی اطلاعی رسول الله(ص) از امر قیامت جهل نیست ، بلکه علم به عالی ترین معارف است و علم به قیامت را جز خدا کسی طاقت تحمّلش را ندارد.۳[۲۰] وقتی علم به قیامت منحضر در خدا شد، رسول الله و سایر معصومان علیهم السلام از جمله امام زمان (عج) از هنگام وقوع قیامت اطلاعی ندارند و تنها خداوند متعال از موقع موقوع قیامت آگاه است.

۱[۱۵] روم (۳۰) آیه ۳۰.

۱[۱۶] استاد شهید مرتضی مطهری، فطرت، ص ۲۲۴.

۱[۱۷] علامه محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان ، ج ۱۶، ص ۲۸۳، با تلخیص.

۲[۱۸] اعراف (۷) آیه ۱۸۷.

۲[۱۹] تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۴۲.

۳[۲۰] تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۵۵۳.

آیا امام زمان می داند کی ظهور خواهد کرد؟

پرسش

آیا امام زمان می داند کی ظهور خواهد کرد؟

پاسخ

هر گاه از ائمه (ع) درباره تعیین وقت ظهور سؤال می کردند، آن بزرگواران از تعیین وقت خودداری می کردند. از طرفی بیان نمی کردند خودمان هم نمی دانیم. فقط از حوادث و نشانه ها سخن می گفتند و کسانی را که وقت تعیین می کردند، دروغگو اعلام می کردند.

جابر جعفی می گوید: به امام باقر (ع) گفتم. فرج شما چه زمانی خواهد بود، حضرت فرمود: "هیهات هیهات لا یکون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا ثم تغربلوا حتی یذهب الکدر و یبقی الصفو؛ (۱) فرج ما حاصل نمی شود تا این که شما مردم غربال شوید، دوباره غربال شوید و سه باره غربال شوید، تا افراد گنه کار بروند و پاکان بمانند".

محمد بن مسلم گفت: امام صادق (ع) به من فرمود: "ای محمد! هر کس وقت فرج ما را مشخص و تعیین کرد، او را تکذیب کن. ما وقتی را برای این فرج تعیین نمی کنیم".(۲)

در توقیعی از جانب حضرت مهدی (ع) به "محمد بن عثمان عمر وی" رسید، آمده است: "اما ظهور الفرج فانه الی الله و کذب الوقاتون؛(۳) زمان ظهور به دست خدا است و تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگو هستند".

براساس این روایت شاید گفته شود حضرت مهدی(ع) نیز وقت ظهور را نمی داند و شاید منظور حضرت این باشد که قرآن به دست خدا است.

در باب علوم ائمه(ع) آمده است:

عن ابی جعفر(ع) قال: "ان لله لعلماً لا یعلمه غیره و علماً یعلمه ملائکته المقربون و أنبیاؤه المرسلول و نحن نعلمه؛(۴)

بخشی از علوم مخصوص خدا است و هیچ کسی حتی ملائکه از آن ها مطلع نیستند اما علومی هست که فرشتگان و انبیا از آنها مطلع اند. ما اهل بیت

از این دسته علوم آگاهی داریم".

مستفاد روایات این است که امر ظهور به دست خدا و به اراده او است، اما علم به زمان ظهور به طور صریح و مشخص در روایت ذکر نشده است.

پی نوشت ها:

۱ – بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.

۲ – همان، ص ۱۱۷.

۳ – همان، ص ۱۱۱.

۴ – همان، ج ۲۶، ص ۱۵۹.

در روایات آمده که امام زمان(عج) در هنگام ظهورشان مامور به غیب می باشند.

اشاره

پرسش: محدوده ماموریت ایشان به غیب چقدر است؟ کمی توضیح بفرمایید؟ بطور مثال ایشان مامور به آشکار کردن گناهان و خطاهایی که در خلوت انجام می شود هستند یا خیر؟ منابعی که پاسخ سوال را می

پرسش

در روایات آمده که امام زمان(عج) در هنگام ظهورشان مامور به غیب می باشند.

پرسش: محدوده ماموریت ایشان به غیب چقدر است؟ کمی توضیح بفرمایید؟ بطور مثال ایشان مامور به آشکار کردن گناهان و خطاهایی که در خلوت انجام می شود هستند یا خیر؟ منابعی که پاسخ سوال را می دهید ذکر فرمایید.

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما دوست عزیز عرض می شود، از روایاتی که در این زمینه نقل شده چنین استنباط می شود، که از اختصاصات حضرت مهدی موعود ، قضاوت اوست که به علم امامت و وحی قضاوت می فرمایند. و مانند حضرت داود و سلیمان، برای حکم خود نیاز به شاهد و بیّنه ندارند. (۱) امام صادق(می فرمایند :"چون قائم قیام کند، خداوند او را علم سیما عطا کند؛ پس امر می کند بر کافر، سپس موهای پیشانی ایشان را می گیرند، و به پاهای ایشان می چسبند، و می کشانند ایشان

را به سوی شمشیر، و شمشیر در میان ایشان می نهند." (۲)

و در ارتباط میزان دلالت روایات بر این مطلب باید گفت، روایات تا همین اندازه دلالت می کنند، که امام (به مقتضای علم امامت بدون شاهد و بیّنه، کافران را محاکمه کرده، از دم شمشیر می گذرانند. اما اینکه آیا این مسأله در ارتباط با یکایک کافران، یا انسانهای پلید است، از روایات و آیات، این مسأله قابل اثبات نمی باشد.

و چیزی که از طریق اسناد اسلامی استفاده می شود، آن است که در عصر ظهور، آزادی انسانها از بین نمی رود، و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند. (اگرچه اکثریت قاطع مردم جهان، راه حق می پیمایند،

و بـه آن می گرونـد. و حکـومت روی زمین، یـک حکـومت اسـلامی است.) (۳) و حـتی ادیـان یهـود و مسـیحیت، اگر چه به صورت اقلیت بسیار ضعیف، باقی مانده، دین حق مورد پذیرش این گروه واقع نمی شود.

امـا در ارتبـاط بـا این مسأله که حضـرت مهـدی(مأمور به آشـکار کردن گناهان پنهانی مردم باشـند بایـدگفت، از اسامی روز قیامت، "یوم تبلی السرائر" است، یعنی روزی که همه امور پنهانی آشکار می شود. و ما در دعا می گوییم : "و لا تفضهنی یوم القیامه علی رؤس الاشهاد" (۴) اما چنین امری درباره دوران ظهور حضرت مهدی(نیامده است.

در پایان با بیان نظر اسـتاد مطهری، در خصوص این مسأله سـخن را کوتاه می کنیم. ایشان می فرمایند : "ما حدود تصرف و یا ولاـیت تکوینی یک انسان کامل، و یا نسـبتاً کامل را نمی توانیم دقیقاً تعیین کنیم. یعنی مجموع قرائن قرآنی و قرائن علمی که نزد ماست، اجمالاً وصول انسان را به مرتبه ای که اراده اش بر جهان حاکم باشـد، ثابت می کننـد... و اینکه انبعاث اراده انسان کامل(امام)، با تحریکی درونی و اشاره ای عینی است. اما اینکه این تحریک و اشاره به چه نحو است، و چگونه است، محـدود است یا نامحـدود، ما نمی دانیم؛ و مطلبی است که از عهده ما خارج است. و لهذا چنین کسانی، گاهی بر طارم اعلی نشـینند، و گهی تا پشت پای خود بینند." (۵)

منابع و مآخذ:

۱.معجم الاحادیث امام مهدی(،۴/۱۱/ح ۱۰۹۰

۲.بحارالانوار،ج ۵۲/۳۲۰ ۲۷ح۲۶

۳.تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی،ج۴،ص۳۱۹

۴. مناجات شعبانیه

۵. ولاء و ولایتها، استاد مطهری،ص ۶۰ و ۶۱

چرا به امام وحی نمی شود و اگر وحی نمی شود پس چگونه امام زمان (ع) می خواهد ظهور کند؟

پرسش

چرا به امام وحی نمی شود و اگر وحی نمی شود پس چگونه امام زمان

(ع) می خواهد ظهور کند؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرمودید نکات زیر قابل توجه و دقت می باشد:

۱ اگر منظور شما از امامان، دوازده امام بعد از پیغمبر اکرم (ص) می باشد، درست است والا قبل از پیغمبر (ص) امام هم بوده که به او وحی شود مانند حضرت ابراهیم (ع).

۲ سؤال شما که چرا به امام وحی نمی شود برمیگردد به راز ختم نبوت، زیرا هنگامی که مسائل دین آنقدر کامل شودکه دیگر نیازی به وحی نباشد به طوری که تمام پیش بینیها تا روز قیامت در این دین شده دیگر چه نیازی به وحی خواهد بود، فقط نیاز به کسی است که این دین کامل و جامع را از تحریف حفظ کند و با علم خدادادی و قوه عصمت آن را بدون کم و زیاد برای مردم بیان نماید و آنها را هدایت کرده و به خدای متعال برساند که آن هم امام می باشد.

حضرت آیت الله مصباح یزدی می فرمایند (در شرایطی که تبلیغ رسالت الهی در همه جهان به وسیله یک پیامبر و به کمک یاران و جانشبنان وی میسر باشد و احکام و قوانین یک شریعت، پاسخگوی نیازهای حال و آینده جامعه باشد و پیش بینی های لازم برای مسائل نوظهور در آن شریعت شده باشد و نیز تضمینی برای بقاء و مصونیت آن از تحریفات، وجود داشته باشد. دیگر موجبی برای مبعوث شدن پیامبر دیگری نخواهد بود اما دانشهای عادی انسان توان تشخیص چنین شرائطی را ندارد و خدای متعال است که با علم نامتناهی خود، زمان تحقق این شرایط را می داند و اوست که می تواند

ختم نبوت را اعلام کند چنانکه این کار را در آخرین کتاب آسمانی اش انجام داده است ولی ختم نبوت به معنای قطع رابطه هدایت بین خدا و بندگان نیست بلکه هر گاه خدای متعال صلاح بداند از علوم غیبی، به بندگان شایسته اش افاضه می فرماید هر چند به صورت (وحی نبوت) نباشد، چنانکه به عقیده شیعه چنین علومی را به امامان معصوم (ع) عطا کرده است.) (۱)

۳ جواب قسمت دوم را نیز به سه صورت می توان عرض کرد که: اولاً ـ همانطور که اشاره شد او توسط علوم غیبی الهی از ظهور خود آگاه خواهد شد . ثانیاً یکی از خصایص امامان معصوم (ع) محدث بودن آنهاست یعنی ملائکه با آنها سخن می گویند. (۲) و ثالثاً در احادیث به اموری اشاره شد که بعضی از آنها عبارتند از: امام صادق (ع) می فرمایند: (ندا می شود به اسم او در شب بیست و سوم (یعنی رمضان) و قیام می کند در روز عاشورا) (۳)

حضرت صادق (ع) در آیه: (إذا نقر فی الناقور) فرمود: (از ماست امامیکه مستقر خواهد شد, پس هر گاه خداوند عزوجل اراده کند اظهار امر او را در قلب او بیندازد پس ظاهر شود) (۴)

حضرت امیر المؤمنین (ع) از پیغمبر اکرم (ص) نقل می کنند که آن حضرت فرمود: (هرگاه وقت خروج او برسد او را شمشیری هست در قلاف پس آن شمشیر او را ندا کند که برخیز ای ولی خدا و بکش دشمنان خدا را) (۵)

برای بررسی و مطالعه بیشتر می توانید به آدرس اشاره شده مراجعه بفرمایید.

خداوند متعال همه ما را از منتظرین واقعی اش قرار

بدهد ان شاء الله.

موفق باشید.

منابع و مآخذ:

۱ آموزش عقاید، ص ۲۹۰، آیت الله مصباح یزدی

۲ کتاب مهدی منتظر (عج) ص ۱۹۰،۱۸۹،۱۹

۳ کتاب مهدی منتظر (عج) ص ۱۹۰،۱۸۹،۱۹

۴ کتاب مهدی منتظر (عج) ص ۱۹۰،۱۸۹،۱۹

۵ کتاب مهدی منتظر (عج) ص ۱۹۰،۱۸۹،۱۹

پرسش: چرا سوره قدر، بعد از تولّد "امام زمان غ خوانده شد؟

پرسش

پرسش: چرا سوره قدر، بعد از تولّد "امام زمان غ خوانده شد؟

پاسخ

بین امام معصوم و علم او در هر عصری با سوره "قدر" رابطه ای است که با کشف آن در می یابیم که چرا به هنگام تولدِ امام زمان غ سوره "قدر" خوانده شد، لطفاً به روایات زیر توجه کنید:

۱. امام باقر۷ می فرماید: "در هر شب قدری تفصیل امور حقّه از جانب خدا مقرّر و ابلاغ می گردد; و باید امام معصومی در هر زمان باشد که آن را دریافت کند."(اصول کافی کلینی ترجمه ج ۲، ص ۲۵۱، انتشارات اسوه)

۲. و نیز می فرماید: "خداوند، در آغاز آفرینش دنیا، شب قدر را آفرید، و پیامبر۹ و وصی او را نیز آفرید، و حکم کرد که در هر سال شبی که در آن شب تفسیر و بیان همه امور تا سال آینده روشن می شود مقرر گردد. رسولان و امامان به واسطه چنین شبی از تمامی امور می توانند (آگاه شوند) و حجت داشته باشند... شکی نیست که از اول ِ آفرینش دنیا تا پایان آن باید بر اهل زمین حجتی باشد که در این شب به محبوب ترین بندگان حق نازل شود."(همان ص ۲۷۱ ۲۷۴.)

۳. و در جای دیگر می فرماید: "خداوند، در شب معراج به رسولش علم هر چه بوده و هر چه خواهد بود را آموخت که بیش

تر این علم کلی و اجمالی بود و تفسیر و شرحش در شب قدر می آمد; و هم چنین علی بن ابی طالب کلیات علوم را می دانست و شرح و تفسیر آن در شب قدر برای او (به طور بخش نامه می آمد... هیچ

پیامبری یا وصی ِ پیامبری نمیرد، جز آن که وصی ّوی (دانش او را می داند."(همان ص ۲۷۵ ۲۷۸.)

۴. خداونـد در شب معراج به پیامبر اکرم فرمود: "ای محمـد! سوره حمد را بخوان و من خواندم سـپس فرمود: سوره "انا انزلناه را بخوان زیرا نزدیکی تو و نزدیکی اهل بیت تو نسبت به من تا روز قیامت به سبب این سوره است "(علل الشرائع شیخ صدوق ج ۲، ص ۳۱۶، انتشارات مکتبه الداوری)

از روایات بالا چند اصل کلی و یک نتیجه به دست می آید:

۱. خداوند، در هر عصری برای بشر، حجتی از پیامبر یا امام قرار داده است

۲. خداوند، علوم بسیاری را به پیامبران و امامان خود داده است

۳. خداوند، شب قدر را مقرّر کرده است که تمام امور سال را برای پیامبران و امامان بیان کند؛

۴. در هر زمانی بعد از پیامبران امامی باید باشد تا در شب قدر، امور برایشان بیان گردد؛

۵. امام زمان غ آخرین امام از این قاعده مستثنا نیست زیرا آن حضرت آخرین حجت خدا تا روز قیامت است در نتیجه در شب قدرِ هر سال تمام امور برای آن امام همام روشن و بازگو می شود؛ از این رو، این ارتباط (بین امامت امام و شب قدر)، به طور کامل روشن است و این می تواند جهت قرائت این سوره به هنگام تولد آن حضرت باشد.

آیا امام زمان (عج) از کارهای خوب و بدی که ما انجام می دهیم آگاهی دارد؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) از کارهای خوب و بدی که ما انجام می دهیم آگاهی دارد؟

پاسخ

۱) تردیدی نیست که امام زمان(عج)، تمام قابلیت های ائمه معصومین را داراست.

۲) در آیات متعـددی از قرآن کریم، مسأله شـهادت بر اعمال انسان ها مطرح شـده است. برخی از این آیات عبارتند از: نساء / ۴۱، مائده / ۱۱۷، بقره / ۲۲۵، زخرف / ۸۶، زمر / ۶۹، بقره / ۱۴۳، نحل / ۸۹.

۳) از میـان آیات فوق، به توضـیح مختصر آیه ۸۹ از سـوره نحـل می پردازیم. آیه فـوق عبـارتست از: و یوم نبعث فی کـل امه شهیدا علیهم من انفسهم، و جئنابک شهیدا علی هؤلاءو نزّلنا علیک الکتاب تبیانا لکلّ شی ء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین به خاطر بیاوریـد آن روز را که ما از میان هر امتی،گواهی از خود آن ها بر آن ها مبعوث می کنیم و تو را گواه آن ها قرار می

دهیم. و ما این کتاب آسمانی را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است ومایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

۴) نکاتی در تحلیل آیه شریفه مذکور قابل تأمل است. بخشی از نکات فوق که به پاسخ سؤال مربوط می شود عبارتند از:

الف) عبارت و یوم نبعث فی کل امه شهیدا علیهم حاکی از این است که خداوند در هر امتی، یک نفر را مبعوث می کند تا درباره عمل امت شهادت دهد و این بعث، غیر از بعث به معنای زنده کردن مردگان برایحساب است؛ بلکه بعثی است بعد از آن بعث و برانگیختگی انسان ها.

ب) از تعبیر «من انفسهم» که بیان گر آن است که شاهد از خود آن هاست، نکاتی قابل برداشت است:

ب

۱. شهادت، شهادت زور، کذب و تحکم آمیز نیست که بازی با حقیقت باشد. چرا که شاهد، خود در دنیا حاضر بوده و از فرد فرد بشر، آنچه شهادت می دهد، دیده است. یعنی شهادت، به رؤیت حسی، مستندات.

ب ۲. چون شهادت، به گونه ای است که در ب ۱ بدان اشاره گردید، لذا، حجت بر انسان ها، تمام و کامل است و عذری را برای آنان باقی نمی گذارد. چرا که شهادت و سایر اموری که آیات روز قیامت آن ها را توصیف می کنند، حجت هائی هستند که در آن روز علیه انساناقامه می گردند تا هر عملی از خیر و شر که از انسان ها سر زده است، تثبیت شده تلقی شوند به طوری که مجال ردّ و تردید در آن ها باقی نمی ماند. بنابراین، شهادتی که در آن روز به اذن خدای متعال اقامه می گردد، مشتمل بر حقیقتی است غیر قابل مناقشه.

ب ۳. قید «من انفسهم» این معنی را نیز می فهماند که شاهد بر اعمال لزوما پیغمبر هر عصر نیست، چرا که پیامبر هر امتی، همیشه معاصر آنان نیست. بنابراین پیامبر، شاهد بر شهداست نه شاهد براعمال همه مردم در همه عصرها.

ج) از آنجا که در روز قیامت جز از حق و حقیقت اثری نیست، لذا شاهد باید معصوم به عصمت الهی باشد و دروغ و گزاف از او سر نزند. نیز به حقائق اعمالی که به آن ها شهادت می دهد، عالم باشد، نه این که صرفا صورت ظاهری آن ها را ببیند و همان را مبنای شهادت قراردهد. بلکه باید نیت درونی و انگیزه های قلبی عامل هر عملی را بداند. حاضر و غایب برایش فرقی نکند. چنین ویژگی، جز

از معصوم ساخته نیست.

د) در تفسیر قمی، در ذیل آیه مورد بحث، از امام صادق(ع)، روایت شده است که فرمود: برای هر عصری و امتی، شهیدی است، و هر امتی با امامش محشور می شود.

ه) در سوره اسراء، آیه ۱۷ نیز آمده است: یوم ندعوا کل اناس بامامهم

و) با این که علم خدا به همه چیز احاطه دارد، اما وجود این گواهان، مخصوصا از کسانی که از میان خود امتها برخاسته اند، تأکید بیشتری است بر نظارت دائمی بر اعمال انسان ها و هشداری است بر این مراقبت قطعی و همیشگی.

ز) از آنجا که قرار دادن شهید و گواه، فرع بر این است که قبلاً برنامه کامل و جامعی در اختیار افراد قرار داده شده باشد، به طوری که حجت برهمگی تمام شود، تا به دنبال آن مسأله نظارت و مراقبت مفهوم صحیحی پیدا کند، لذا بلا فاصله در ادامه آیه متذکر می شود: ما اینکتاب آسمانی (قرآن) را بر تو نازل کردیم که بیان همه چیز در آن است.

آیا اکنون حضرت مهدی(علیه السلام) به زمان ظهورشان علم دارند؟ یعنی آیا از آغاز غیبت، حضرت می دانستند چه زمانی ظهور خواهند فرمود؟

پرسش

آیا اکنون حضرت مهدی(علیه السلام) به زمان ظهورشان علم دارند؟ یعنی آیا از آغاز غیبت، حضرت می دانستند چه زمانی ظهور خواهند فرمود؟

پاسخ

۱. درباره زمان ظهور حضرت مهدی(عج)، دو گونه نشانه بیان شدنی است؛ تعیین دقیق زمان ظهور از نظر سال، ماه، روز و ساعت ونیز بیان نشانه های کلی.

۲. در روایات به ذکر نشانه های کلی، بسنده شده و از گونه نخست بیان زمان ظهور، سخنی به میان نیامده است.

۳. افزون بر سخن گفته نشدن به گونه یاد شده درباره ظهور ولی عصر(عج)، در روایات دست کم دو جهت گیری در این باره دیده می شود.

الف. بر شمرده شدن زمان دقیق ظهور از اسرار و تنها در قلمرو علم الهی نمونه ای از این دست روایات بیان می شود:

......: عن علی بن الحسین علیهما السلام قال: ان امر القائم حتم من الله ... و لایکون القائم الا بسفیانی، قلت جعلت فداک فیکون

فی هذه السنه؟ قال: ما شاء الله. قلت: یکون فی التی تلیها؟ قال: یفعل الله ما یشاء؛ ؛ امام سجاد(ع) [در پاسخ به پرسشی از زمان ظهور] فرمودند: «موضوع قیام حضرت مهدی(عج)، امری حتمی الوقوع از جانب خداوند است... و بدون رویداد خروج سفیانی، واقع نمی شود. [پرسش گر می گوید] به امام گفتم فدایت شوم. آیا در همین سال در پیش است، روی می دهد؟ امام فرمود: خداوند هر گونه که بخواهد، اقدام می کند». (معجم احادیث المهدی، ج ۳، ص ۱۹۹)

ملاحظه می شود که در این روایت، امام سجاد(ع)، زمان ظهور را، به خواست و اراده الهی پیوند می دهد.

ب. روایاتی که با شدت تمام هر گونه تعیین زمان را ،

حتی از سوی اهل بیت(ع)، نکوهش می کند. نمونه ای از این دست روایت:

«عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله(ع) قال: قلت له جعلت فداک متی خروج القائم(ع) فقال: یا ابا محمد انا اهل البیت لانوقت و قد قال محمد(ص) کذب الوقاتون» ؛ ابی بصیر می گوید از امام صادق(ع) درباره زمان ظهور حضرت مهدی(عج) پرسیدم، ایشان فرمود: ای ابا محمد، ما اهل بیت برای آن، زمان تعیین نمی کنیم چرا که پیامبر(ص) فرموده است: هر کس درباره قیام حضرت حجت(عج) زمان تعیین کند، دروغ گفته است». (غیبت نعمانی، ص ۲۸۸) روایتی مشابه این روایت از همین امام معصوم(ع)؛ یعنی امام صادق(ع) آمده است که: «یا مهزم کذب الوقاتون، و هلک المستعجلون، و نجا المسلمون»؛ ای مهزم، تعیین کنندگان زمان برای ظهور حضرت مهدی(عج)، دروغ می گویند، کسانی که در این باره شتاب می کنند، هلاک می شوند و تسلیم شوندگان تقدیر الهی درباره ظهور، نجات می یابند». (معجم احادیث المهدی، همان، ص ۳۷۹)

اما اینکه آیا خود حضرت امام زمان سلام الله علیه به زمان ظهور علم دارند یا نه، از جمع روایات فهمیده می شود که علم به زمان قطعی ظهور، جزء علوم غیبی است که منحصرا نزد خداوند است و به امام(ع) تفویض نشده است. به عبارت دیگر امام(ع) به علم غیب، آگاهی دارند. اما این علم به اذن و اجازه خداوند است. و به دلیل حکمت الهی، علم به زمان ظهور، به آن حضرت تفویض نشده است.

امام زمان علیه السلام چگونه از زمان مناسب ظهور خود آگاهی می یابد؟

پرسش

امام زمان علیه السلام چگونه از زمان مناسب ظهور خود آگاهی می یابد؟

پاسخ

این سؤال گاه از دیدگاه شخص غیرشیعی مطرح گشته وگاه نیز از شخص شیعه امامی مطرح می گردد. در صورتی که سؤال از شخص غیر امامی مطرح گردد دو گونه می توان به او پاسخ داد:

الف. اینکه این موضوع را باید همانند سایر مسائل اجتماعی بررسی کرد، به این معنا که هر گاه مصلحت اسلام وبشریّت اقتضای ظهور حضرت را داشته باشد، به طور حتم امام زمان (ع) ظهور خواهد کرد.

ب. اینکه امام (ع) از آنجا که از جانب خداوند متعال مورد تأیید است دستور ظهورش را مستقیماً از جانب او خواهد گرفت.

ودر صورتی که سؤال از شخصی امامی است در جواب سؤال او چند طرح ونظر داده شده است:

۱ – اینکه آن حضرت به زمان ظهور خود به جهت روایاتی که از آباء واجدادش رسیده آگاهی دارد. این احتمال در ادله نقلی

به آن اشاره نشده است.

۲ - اینکه امام (ع) به طور اعجاز از زمان ظهورش آگاهی دارد به این نحو که خداوند هنگام رسیدن وقت ظهورش معجزه ای ایجاد خواهد کرد و با آن، حضرت به وظیفه اش که همان ظهور است التفات پیدا می کند. در روایات اشاره به این احتمال شده است:

راوندی مرسلاً از امام کاظم (ع) در حدیثی راجع به حضرت مهدی (ع) نقل کرده که فرمود: "... إذا حان وقت خروجه انتشر ذلک العلم من نفسه، وأنطقه اللَّه عزّوجلّ فناداه: أُخرج يا وليّ اللَّه! فاقتل أعدآء اللَّه، وله سيف مغمّد إذا حان وقت خروجه اقتلع ذلک السيف من غمده وأنطقه اللَّه عزّوجلّ فناداه السيف: أُخرج يا وليّ اللَّه! فلايحلّ لک أن تقعد عن

أعدآء اللّه..."؛ "هر گاه وقت {پاورقی . خرائج وجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۷، ح ۶۴ ؛ کمال الدین، ص ۱۵۵ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱، ح ۴. پاورقی}

خروج حضرت رسید علم به خروج در نفس او منتشر خواهد شد. آن علم او را ندا داده که ای ولّی خدا! خروج کن ودشمنان خدا را به قتل برسان. وبرای او شمشیری است، هنگامی که وقت خروج او فرا رسد از غلافش بیرون می آید وحضرت را ندا داده، می گوید: ای ولیّ خدا! خروج کن، که برای تو حلال نیست که از دشمنان خدا صرف نظر کنی."

صدوق نیز از مفضّل بن عمر نقل کرده که از امام صادق (ع) درباره تفسیر جابر سؤال کردم؟ حضرت فرمود: "... إنّ منّا إماماً مستتراً، فإذا أراد اللّه عزّوجلّ إظهار أمده نکت فی قلبه نکته وأمر بأمر اللّه عزّوجلّ"؛ "همانا از ما امامی است پنهان، هر گاه خداوند اراده {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۴۹، ح ۴۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵۷، ح ۴۹ ؛ کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰. پاورقی}

کند تا او را از پرده غیبت به در آورد، در قلب او علامتی می نهد، آن گاه به امر خدا سفارش خواهد کرد."

در حدیثی از امام زمان (ع) رسیده که فرمود: "علمنا علی ثلاثه أوجه: ماضٍ وغابر وحادث، أمّا الماضی فتفسیر، وأمّا الغابر فموقوف، وأمّا الحادث فقذف فی القلوب ونقر فی الأسماع وهو أفضل علمنا..."؛ "علم ما اهل بیت بر سه نوع است: علم به گذشته وآینده {پاورقی . دلائل الامامه، ص ۵۲۴، ح ۴۹۵. پاورقی}

وحادث. علم گذشته، تفسیر است. علم آینده، موقوف است. وعلم حادث، انداختن در قلوب وزمزمه در گوش هاست.

این بخش بهترین علم ماست...".

۳ - اینکه حضرت مهدی (ع) با آن ذکاوت وخُبْرَوِیّتی که دارد وقت ظهور را دریابد.

احتمال دوّم مطابق روایات وعقل است.

در روایات آمده که امام زمان(در زمان ظهورشان مأمور به غیب می باشند، محدوده مأموریت ایشان به غیب چقدر است؟(کمی توضیح دهید) به طور مثال ایشان مأمور به آشکار کردن گناهانی و خطاهائی که در خلوت نیز انجام می شود هستند یا خیر؟منابعی را که پاسخ سؤال را می دهید ذک

پرسش

در روایات آمده که امام زمان(در زمان ظهورشان مأمور به غیب می باشند، محدوده مأموریت ایشان به غیب چقدر است؟(کمی توضیح دهید) به طور مثال ایشان مأمور به آشکار کردن گناهانی و خطاهائی که در خلوت نیز انجام می شود هستند یا خیر؟منابعی را که پاسخ سؤال را می دهید ذکر فرمایید.

پاسخ

روایاتی که در این زمینه نقل شده چنین استنباط می شود، که از اختصاصات حضرت مهدی موعود(، قضاوت اوست. که به علم امامت و وحی قضاوت می فرمایند. و مانند حضرت داود و سلیمان، برای حکم خود نیاز به شاهد و بیّنه ندارند. (۱) امام صادق(می فرمایند :"چون قائم قیام کند، خداوند او را علم سیما عطا کند؛ پس امر می کند بر کافر، سپس موهای پیشانی ایشان را می گیرند، و به پاهای ایشان می چسبند، و می کشانند ایشان را به سوی شمشیر، و شمشیر در میان ایشان می نهند." (۲)

و در ارتباط میزان دلالت روایات بر این مطلب باید گفت، روایات تا همین اندازه دلالت می کنند، که امام (به مقتضای علم امامت بدون شاهد و بیّنه، کافران را محاکمه کرده، از دم شمشیر می گذرانند. اما اینکه آیا این مسأله در ارتباط با یکایک کافران، یا انسانهای پلید است، از روایات و آیات، این مسأله قابل اثبات نمی باشد.

و چیزی که از طریق اسناد اسلامی استفاده می شود، آن است که در عصر ظهور، آزادی انسانها از بین نمی رود، و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند. (اگرچه اکثریت قاطع مردم جهان، راه حق می پیمایند، و به آن می گروند. و حکومت روی زمین، یک حکومت

اسلامی است.) (۳) و حتی ادیان یهود و مسیحیت، اگر چه به صورت اقلیت بسیار ضعیف، باقی مانده، دین حق مورد پذیرش این گروه واقع نمی شود.

اما در ارتباط با این مسأله که حضرت مهدی(مأمور به آشکار کردن گناهان پنهانی مردم باشند بایدگفت، از اسامی روز قیامت، "یوم تبلی السرائر" است، یعنی روزی که همه امور پنهانی آشکار می شود. و ما در دعا می گوییم : "و لا تفضهنی یوم القیامه علی رؤس الاشهاد" (۴) اما چنین امری درباره دوران ظهور حضرت مهدی(نیامده است.

در پایان با بیان نظر استاد مطهری، در خصوص این مسأله سخن را کوتاه می کنیم. ایشان می فرمایند : "ما حدود تصرف و یا ولایت تکوینی یک انسان کامل، و یا نسبتاً کامل را نمی توانیم دقیقاً تعیین کنیم. یعنی مجموع قرائن قرآنی و قرائن علمی که نزد ماست اجمالاً وصول انسان را به مرتبه ای که اراده اش بر جهان حاکم باشد، ثابت می کنند... و اینکه انبعاث اراده انسان کامل(امام)، با تحریکی درونی و اشاره ای عینی است. اما اینکه این تحریک و اشاره به چه نحو است، و چگونه است، محدود است یا نامحدود، ما نمی دانیم؛ و مطلبی است که از عهده ما خارج است. و لهذا چنین کسانی، گاهی بر طارم اعلی نشینند، و گهی تا پشت پای خود بینند." (۵)

منابع و مآخذ :

۱. معجم الاحادیث امام مهدی(،۴/۱۱/ح ۱۰۹۰

۲. بحارالانوار،ج ۵۲/۳۲۰ ۲۷ح۲۶

۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی،ج۴،ص۳۱۹

۴. مناجات شعبانیه

ولاء و ولایتها، استاد مطهری،ص ۶۰ و ۶۱

آیا امام زمان (عج) از زمان ظهور اطلاع دارند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) از زمان ظهور اطلاع دارند؟

پاسخ

خیر. چنان که امام(ع) در پاسخ نامه ای (توقیع) که به اسحاق بن یعقوب نوشته اند فرموده است: وَ امّا ظُهُورُ الْفَرَجِفَاِنَّهُ اِلیَ اللّهِ

وَ كَذِبَ الْوَقّاتُونَ ، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱، ح ۱۹ و ج ۵۳، ص ۱۸۱).

امامـان دیگر نیز هیـچ وقتی برای ظهور امـام(ع) معلوم نکرده انـد. چنـان کـه امـام صـادق(ع) می فرمایـد: اِنّا لا ـ نُـوَقِتُ هذاالاْمЂП... (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۸، ح ۴۷).

ائمه طـاهرین و خود امـام عصـر(عـج)، علم به وقت ظهور را ماننـد علم ساعت (زمان وقوع قیامت) خاص خداوندداننسـته انـد و وقتگـذاران و وقتگویان را تکـذیب کرده انـد. و علّت این که چرا این علم اختصاص به خـدا دارد شایـد بتوانـدر مقایسه با علم قیامت فهمید چنانکه در پاسخ سؤال قبل بیان شد.

جهت اطلاع بیشتر، ر. ک: خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.{J

آیا امام زمان«علیه السلام» از وضع ما انسانها آگاه است؟

پرسش

آیا امام زمان«علیه السلام» از وضع ما انسانها آگاه است؟

پاسخ

آری امام زمان«علیه السلام» از طرف خداوند دارای علم گسترده ای است و آن جناب از اعمال و رفتار ما آگاه است.

و این مطلب در روایات بسیاری وارد شده که امام به کارها و رفتار مردم عالم است. در اصول کافی باب الحجه احادیثی وارد شده است که نامه اعمال شیعیان بر آن حضرت عرضه می شود و آن حضرت از احوالات مؤمنین و شیعیان آگاه می گردند.

و بالاـتر از آگـاهی توجه خـاص ایشان به شـیعیان است چنانکه از آن گرامی روایت شـده است: «انّا غیر مهملین مراعاتکم و لا ناسین لذکر کم و لولا ذلک لتزل بکم اللاواءُ و اصطلمکم الاعداءُ؛(۱) ما در مراعات شما کوتاهی نمی کنیم و شما را فراموش نمی نمائیم و اگر این نبودند، شر و بدی بر شما نازل می گشت و دشمنان بر شما مستولی می گردیدند».

« بخش پاسخ به سؤالات »

۱) احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳.

قدرت حضرت

آیا امام زمان در همه جا هستند یا در مکان های خاص؟

پرسش

آیا امام زمان در همه جا هستند یا در مکان های خاص؟

پاسخ

از مسائلی که درباره امام زمان(ع) مورد بحث و گفت و گو است، مکان و محل سکونت آن حضرت است، که آیا آن حضرت در مکان خاصی سکونت دارد یا نه؟ و اگر در مکان ویژه ای است آن مکان کجا است؟

روایاتی که درباره مکان امام زمان(ع) وجود دارند چند دسته اند:

۱ - برخی از روایات محل خاصی را تعیین نکرده و جایگاه آن حضرت را در بیابان ها و کوه ها معرفی می کند. از آن جمله حضرت مهدی(ع) به پسر مهزیار فرمود: "فرزند مهزیار! پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکونت کوه های سخت و سرزمین های خشك و دور دست را برگزینیم".(۱)

از این روایت استفاده می شود که حضرت از دسترسی مردم دور است و کسی از محل سکونت وی آگاه نیست.

۲ - برخی روایات خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت یاد نموده اند، مثلا در برخی از روایات در مدینه و پیرامون آن اشاره شده است.

ابوبصیر می گوید از امام باقر(ع) شنیدم که فرمود: "لابد لصاحب هذا الامر من عزله و لابد فی عزلته من قوه و ما بثلاثین من وحشته، و نعم المنزل طیبه"(۲)، صاحب زمان(ع) را عزلت و غیبتی است که در آن، غیبت، نیرومند است به سی نفری که با حضرت هستند وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند (و به قوت وی می افزاید) و خوب جایگاهی است (مدینه) طیبه. از این روایات استفاده می شود که حضرت در مدینه منوره منزل دارد و افرادی همواره با ایشان به صورت ناشناس هستند.

برخی روایات مکان امام زمان(ع) را

کوه"رضوان" که در اطراف مـدینه است، بیـان کرده انـد، عبـدالاعلی آل سـام می گویـد: "بـا امام صادق(ع) از مـدینه خارج شـدیم، به روحاء (اطراف مدینه) که رسـیدیم حضـرت نگاهش را به کوهی دوخت و مدت زمانی ادامه داد، و فرمود: این کوه رضوان نام دارد، خوب پناهگاهی است برای خائف(امام غائب) در غیبت صغرا و غیبت کبری.(۳)

از روایات دیگر استفاده می شود که امام زمان(ع) در مکانی به نام "ذی طوی" که در اطراف مکه است، زندگی می کند و از همان جا نیز یاران خو...قیام می کننـد. امام باقر(ع) فرمود: "امام زمان ر...غیبتی است در بعضـی از دره ها و اشاره کرد به منطقه "ذی طوی. (۴)

۳ - برخی روایات جایگاه خاصـی را برای امام زمان(ع) نام نمی برد، ولی از حضـرت به عنوان فردی یاد می کند که با مردم و در میان مردم و با آنان حشـر و نشـر داردو به گونه ای ناشـناس زندگی می کند. امام صادق(ع) فرمود: "صاحب الامر شـباهتی نیز به حضـرت یوسف پیامبر(ع) دارد جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد. صـاحب الزمـان(ع)، آن مظلوم حق از دست داده، در میان مردم رفت و آمـد می کنـد و در بازار قـدم می نهـد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لیکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند، آن گونه که یوسف(ع) اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم".(۵)

از این روایت اسـتفاده می شود که امـام زمـان(ع) مکان معین نداشـته در میان جمع و جامعه است، با مردم حشـر و نشـر دارد و زندگی

طبیعی و معمولی دارد. در مراسم مذهبی و مناسک حج شرکت می جوید، ولی شناخته شده نیست و این امری است که سابقه داشته و دارد. عنایت امام(ع) به مردم و هدایت و رهبری مردم از سوی دیگر نشان از آن دارد که آن حضرت در همه جا بوده و در همه جا حضور دارد.

از جمع بین روایات نیز می توان استفاه کرد که امام زمان(ع) در همه جا حضور دارد و این منافات ندارد به آن دسته از روایت که مکان معین مانند مدینه و مکه را بیان کرده اند؛ زیرا آن دسته روایات ناظر بر آن است که در برخی از زمان ها و مکان های خاص حضور پیدا می کند. آن دسته از روایات که مکان مشخصی را برای امام بیان نکرده ناظر بر آن است که حضرت در همه جا حضور دارد. بی تردید یکی از مصادیق حضور امام در همه جا، همان مکان های خاصی می باشد.

پی نوشت ها:

۱ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۶۶.

۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۳ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۲.

۴ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۵ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

آیا امام زمان می تواند در یک زمان خاص در چند مکان مختلف باشند؟

پرسش

آیا امام زمان می تواند در یک زمان خاص در چند مکان مختلف باشند؟

پاسخ

اگر انسان دارای کمالات معنوی والایی باشد و بخواهد، می تواند همانند خود را انشاء کند و به هر کجا بخواهد بفرستد. این بدن مثالی دوم و سوم به اراده این شخص قائم است. عرفای الهی و بندگان مخلص خداوند چنین قدرتی دارند و هر وقت ضرورتی پیش بیاید از چنینقدرتی استفاده می کنند.[PRG] در شرح فصوص الحکم قیصری، چاپ سنگی، ص ۱۹۶، ستون دوم، سطر آخر، در متن می گوید: و العارف یخلق بهمّته ما یکون له وجود من خارج الهمه[PRG] قیصری در شرح این جمله می گوید: ... انّ العارف یخلق بتوجّهه و قوته الروحانیه صورا خارجه عن الخیال، موجودةً فی الاعیان الخارجیه کماهو مشهور من البدلاء بانّهم یحضرون فی آنٍ واحدٍ فی امکان مختلفه... . وقتی عرفا و بدلا چنین باشند، حضرت ولی عصر(ع) به مراتب از

این بالاـتر خواهد بود چون او انسان کامل است. او خلیفه‌الله است.[PRG] برای آگاهی بیشتر می توانی به جلد سوم شرح اشارات، ص ۳۹۷، س ۲۱، فصل ۵ مراجعه کنید. در این فصل، بو علی سینا در یکهزار سالپیش به این مسأله اشاره می کند.{J

درباره اینکه امام زمان می توانند در هر لحظه در چند جای مختلف حضور داشته باشند با ذکر دلیل عقلی توضیح دهید. (سنت خداست که هر بدن یکی باشد و نه بیشتر)

پرسش

درباره اینکه امام زمان می توانند در هر لحظه در چند جای مختلف حضور داشته باشند با ذکر دلیل عقلی توضیح دهید. (سنت خداست که هر بدن یکی باشد و نه بیشتر)

پاسخ

امام با بدن مادی خودشان در یک جا ظهور دارند و حضور امام در همه جا با بدن مادی نیست بلکه با روح یا به تعبیر عرفانی نفس علی است و این مقامی است که انسان کامل بدان می رسد زیرا او اسمی از اسماء حسنای الهی است و دارای نفس علی است که احاطه قیودی بر جهان ما سوا دارد. ضمن اینکه روایات فراوانی وجود دارد که اهل بیت عصمت و طهارت –سلام الله علیهم– امان اهل زمین هستند و آنها واسطه فیض بین الله و ما سوا الله هستند و بناچار باید برهمه اهل زمین احاطه داشته باشند.

از این مطلب در عرفان به نظریه ابدال یا بدلاء تعبیر می شود.

انسان که اشرف موجودات است قدرتی دارد که می تواند امثال متعددی از نفس خود را انشا کند و به مکانهای مختلف در یک زمان ارسال نماید. این مطلب درباره فرشتگان مسلم است که به هر شکلی که اراده کنند در می آیند و به هر عالمی که بخواهند داخل می شوند. البته با اذن و اجازه الهی. و انسان اشرف و افضل از آنهاست و فرشتگان مأمور به سجده بر انسانند و باید فرمانبردار او باشند و لاجرم انسانی که چنان شرافتی را دارد که از او به انسان کامل تعبیر می شود نیز دارای چنین قدرت و اقتداری است.

شیخ اکبر محی الدین ابن عربی در فتوحات مکیه درباره این مقام

می گوید: به انسان ابدال می گویند زیرا به ایشان نیروئی داده شده که بدن خود را به واسطه امری که قائم به ذات ایشان است هر کجا که خواهند ترک نمایند در حالی که به آن علم دارند.(فتوحات مکیه، ج۱ ص۱۹۷ بیروت) به عبارت دیگر دلیل اینکه آنهـا را ابـدال می گوینـد این موضوع است که آنها به اراده خود بـدن خویش را هر کجا که لازم بداننـد ترک می کننـد و به جای دیگر می روند.

بدن در اصطلاح چند اطلاق و اصطلاح دارد:

۱- بدن عنصری و دنیوی که عین بدن مادی ما است.

۲- بدن برزخی که متناسب با جهان و عالم برزخ است.

۳- بـدن اخروی. این بدنها در طول هم هسـتند و تفاوت آنها به کمال و نقص است. منظور ابن عربی از اینکه آنها بدن خویش را هر جا که لازم بداننـد ترک می کننـد این است که آنها از بدن مادی و دنیوی خویش جدا می شوند در عین حال که بر آن تـدبیر دارنـد و بـا بـدن مثالی و برزخی به رسیدگی و تـدبیر امور می پردازنـد. بـدلاء این گونه هسـتند که در یـک زمـان در مکانهای مختلف حضور دارند و نیازهای بندگان را برآورده می کنند.(شرح قیصری بر فصوص الحکم، ص۱۹۷)

اینها انسانهای کاملی هستند که امکان می یابند که بدن عنصری و مادی خویش را ترک کنند و در حالی که در دنیا و مشغول تدبیر زندگی مادی هستند چنان قوتی دارند که می توانند از ابدان خود انسلاخ یابند و در مکانهای مختلف حضور یابند.

این مطلب پس از مرگ آنها نیز صادق است بلکه آنها پس از مرگ

دارای قـدرت و قوت بیشتری می شونـد زیرا مانع بـدنی که در دنیا بوده به کلی مرتفع می شود. انسان های کامل می تواننـد با قدرت و توان بیشتری به تدبیر امور بندگان بپردازند. اما حضـرت ختمی مرتبت –صـلی الله علیه و آله و سلم– و خاندان پاکش –سـلام الله علیهم اجمعین– و امـام زمـان –عجل الله تعالی فرجه– که خاتم اوصـیا و ائمه هسـتند به دلیل اینکه مقام و مرتبه آنها محیط به روح انسانها و موجودات است و مرتبه و رتبه آنها از لحاظ نبوت و ولایت برتر از همه انبیاء و اولیاء و فرشـتگان اسـت دارای نفس و روح علی هستند که توان و قدرت کارهای بسیاری را دارند چرا چنین نباشد؟ آنها نمایندگان خدا بر روی زمین و حجت های الهی بر مردمان و راهنما و هادی خلق الله هستند آنها اسم جامع و مظهر اتم حضرت حق سبحانه و تعالی هستند و بنابراین بهره ای از شأن مولایشان حضـرت حق جل و علی را دارنـد و در این حال بـدون قید و انحصار در می آیند و از بدن و آنچه از لوازم امور دنیوی است خلاصـی می یابنـد و با هدایت و راهنمائی و رسـیدگی به امور بندگان می پردازند این همانند علم آنها است که به اذن و اجازه خداوند سبحان به همه امور علم دارند. پس حضور امام زمان با نفس خویش نه با بدن مادی در مکانهـای متعـدد محال نیست بلکه ما نیز اگر تلاش کنیم و به مقامات معنوی نائل شویم می توانیم به چنین کارهائی دسـت بزنیم. قدرت نفس انسان بیش از چیزی است

که ما تصور می کنیم و انجام این کارها برای ائمه چه امام زمان -سلام الله علیه- که در قید حیاتند و چه برای دیگران که جسمشان در خاک است امری عادی است و هیچ سختی ندارد. چگونه ما می توانیم با خیال خود به همه جا برویم و هیچ محدودیتی در آن نداریم آنها می توانند با نفس خود به طریق انشاء نفس و با بدن مثالی و برزخی به همه جا بروند و به تدبیر و اداره امور و راهنمائی مردم بپردازند.

برای اطلاع بیشتر به آثار حضرت آیت الله حسن زاده آملی مراجعه فرمائید:

۱- عیون مسائل نفس و شرح آن، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۷۱، ج۱و۲ عین ۵-۷-۸-۱۸-۱۹-۲۹-۵۴-۵۷-۵۹-۶۱-۶۴ و به ویژه ۵۰ که اختصاصا مربوط به این موضوع است.

۲- هزار و یک نکته، مرکز نشر فرهنگی رجاء، نکته ۱۵-۵۴-۱۰۵-۳۰۷-۶۵۸-۹۹۶-۹۹۸

طبق عقیده شیعه امام زمان(عج) زنده است و بر روی کره زمین زندگی می کند. پس قاعدتاً مانند انسان های دیگر نیازهایی از قبیل خواب و غیره دارد. حال چگونه می شود ایشان در سرزمینی که در آن شب فرا رسیده، خواب باشد امّا در طرف دیگر کره زمین شیعه ای و یا حتّی بخشی از

پرسش

طبق عقیده شیعه امام زمان(عج) زنده است و بر روی کره زمین زندگی می کند. پس قاعدتاً مانند انسان های دیگر نیازهایی از قبیل خواب و غیره دارد. حال چگونه می شود ایشان در سرزمینی که در آن شب فرا رسیده، خواب باشد امّا در طرف دیگر کره زمین شیعه ای و یا حتّی بخشی از امور عالم به ایشان محتاج باشد؟ (این شبهه را می توان برای پیامبر و ائمّه نیز در زمان خود مطرح کرد.)

پاسخ

همه موجودات عالم امکان، آیات و نشانه های حضرت حق اند. هر کدام به قدر وسعت وجودی خود اسما و صفات خدای سبحان را نشان می دهند. در آیینه وجودی هر موجودی می توان جلال و جمال حضرت پروردگار را مشاهده کرد: هر که را حسنی بود آیینه دار روی او است.

بعضی موجودات آیت و نشانه بودنشان بسیار محدود و ضعیف و بعضی دیگر بسیار گسترده و وسیع است. حضرات معصومان(ع) چون واسطه فیض و رابطه عام غیب و شهودند، آیینه تمام نمای اسما و صفات حضرت حق اند. در زیارت جامعه کبیره می خوانی: « من والا کم فقد و الی الله و من عاداکم فقد عادی الله ؛ هر که شما را دوست دارد، خدا را دوست داشته و هر که با شما دشمنی ورزد، با خدا دشمنی کرده است.»

همان گونه که در آیینه می توان صورت اشیا را مشاهده کرد، در آیینه وجود معصوم(ع) می توان جلوه اسما و صفات خداوند متعال را نگریست. البته منظور از مشاهده حضرت حق رؤیت حسی و بصری نیست؛ زیرا پروردگار نه جسمانی است و نه محسوس. غرض این است که انسان کامل (معصوم) جلوه و مظهر جلال و جمال پروردگار

است؛ آن هم به کامل ترین وجه. از این رو، در هیچ آیینه ای بهتر از آیینه انسان کامل نمی توان حق را مشاهده کرد. بر این اساس امام علی(ع) فرمود: «برای خداوند هیچ آیت و نشانه ای بزرگ تر از من نیست».۱ و چون حضرات معصومان(ع) نور واحدند - و به تعبیر بلند زیارت جامعه کبیره « انّ ارواحکم و نورکم و طینتکم واحده ؛ به درستی که ارواح شما و نور و طینت شما یکی است.» - این حکم حضرت امیرالمؤمنین(ع) درباره بقیه حضرات معصومان(ع) نیز جاری است. از این رو، وجود تابناک و مقدس حضرت ولی عصر(ع) عظیم ترین آیت و نشانه پروردگار است.

شخصی برای دیدار با امام باقر(ع) به خانه وی مراجعه کرد و پیش از اجازه ورود، به کار ناروا دست یازید. حضرت امام باقر(ع) از درون اتاق بر او بانگ زد و با سرزنش اجازه ورودش داد. مرد در محضر امام عرضه داشت: به خدا سوگند، نظر گناه آلود نداشتم؛ تنها می خواستم بر یقین خود درباره علم و آگاهی شما بیفزایم. امام باقر(ع) پس از تصدیق سخن او فرمود: آیا می پندارید دیوارها، چنان که مانع دید شما است، از مشاهده ما نیز جلوگیری می کند؟! اگر چنین باشد، تفاوتی میان ما و شما نخواهد بود. آنگاه امام آن شخص را از تکرار چنان عملی برحذر داشت.۲

امام علی(ع) فرمود: دین و امام دو برادر و همتای یکدیگرند که هیچ یک بدون دیگری سامان نمی یابد. اسلام پایه و اساس نظام حکومتی و امام پاسدار آن است. پس اگر اسلام نباشد، هرگونه بنیادی از اساس ویران است و اگر اسلام باشد و نگاهبان و پاسدار نداشته باشد، ضایع و

نابود می شود. از این رو، وقتی واپسین حجت خدا و پاسدار دین، قائم آل محمد(ص) رحلت می کند، اثری از اسلام باقی نمی ماند و آنگاه که از اسلام اثری نماند، بساط دنیا به کلی برچیده می شود.۳

امام، محوری است که حق در همه زمینه ها بر مدار او می گردد و آن حق محوری که درباره امام علی(ع) آمده است، وصف مشترک همه انبیا، اولیا و اهل بیت رسول خدا(ص) است.۴

در مورد امام علی(ع) وارد شده است: « علیّ عمود الدّین ؛ علی ستون دین است».۵ اگر دین باقی است، به دلیل این است که ستون و عمود آن زنده است و هیچ گونه غفلت و سهو و فراموشی بر آن وجود مبارک عارض نمی گردد؛ چرا که اضطراب و تزلزل در عمود دین مساوی است با درهم ریخته شدن شیرازه دین. در زیارت روز جمعه خطاب به امام زمان(ع) می خوانیم: « السلام علیك یا عین الحیوه ؛ سلام بر تو ای چشمه حیات و زندگی». آیا ممکن است چشمه حیات همه موجودات عالم امکان به خاطر غفلت و فراموشی دچار خشکی گردد؟ و باز در زیارت روز جمعه می خوانیم: « السلام علیك یا عین الله فی خلقه ؛ سلام بر تو ای دیده الاهی در میان خلق». آیا ممکن است دیده حضرت حق را خواب فرا گیرد؟!

در نهایت می گوییم: حقیقت ائمه همان ارواح مطهر آنان است که حقیقت هر انسانی به روح او است. پس کمالات مطرح شده نیز به ارواح آن حضرات تعلق دارد. جسم مادی آن بزرگان به خواب می رود؛ ولی روح ارجمندشان بیدار است و به اشیای مختلف علم الاهی دارد.

پی نوشت:

۱. ر. ك: نورالثقلین، ج

۵، ص ۴۹۱.

۲. ر. ك: بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۹، ح ۴۰.

۳. ر. ك: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر،آیت اللّه صافی گلپایگانی ، ص ۲۷۳.

۴. ر. ك: صورت و سیرت انسان در قرآن، آیت الله جوادی آملی، ص ۳۶۸.

۵. ر. ك: كافی، ج ۱، ص ۲۹۴.

آیا امام زمان«علیه السلام» می تواند در یک زمان در چند جای مختلف حضور یابد؟ اگر به چطور؟ و آیا وجه مشترکی بین او و بین خداوند وجود ندارد؟

پرسش

آیا امام زمان«علیه السلام» می تواند در یک زمان در چند جای مختلف حضور یابد؟ اگر به چطور؟ و آیا وجه مشتركی بین او و بین خداوند وجود ندارد؟

پاسخ

امام زمان«علیه السلام» دارای قدرتی است از جانب خدا كه براساس آن می تواند به طور سریع در جاهای مختلف حضور یابد و این با توجّه ولایتی كه امام از جانب خداوند بر جهان دارد چیزی نیست و این مطلب گذشته از اینكه امكان پذیر است برای افراد برگزیده ای حتّی غیر از امام زمان«علیه السلام» نیز تحقیق یافته كه با طی الارض از جایی به محل دوردستی نقل مكان می كردند.

و اگر از طرف خداوند قدرت گسترده ای داشته باشد لازمه اش این نیست كه نعوذباللّه با خدا شریك شود زیرا امام هیچ چیز ندارد جز از ناحیه ی خدا و امام ذاتاً نیازمند و محتاج است و هر چه دارد از خداست گذشته از اینكه خداوند یك هستی مطلق و غیر محدود است و احاطه به همه زمانها و مكانها دارد و امام چنین نیست از این رو می گوئیم امام در مكانی حاضر می شود نه اینكه همواره حاضر است.

نكته ای كه در این زمینه توجّه به آن لازم است این است كه آن حضرت با وجود فقر ذاتی كه یادآوری شد از ناحیه خداوند كمالات وجودی گسترده ای به او افاضه شده است كه بر اساس آن به اذن خدا می تواند در آفرینش تصرّف كند و این كه بتواند در دقائقی در چند نقطه دور دست در جهان حضور یابد در جنب قدرت وی چیزی نیست.

« بخش پاسخ به سؤالات »

توقیعات حضرت

راجع به توقیع مارک حضرت مهدی ۷به علی بن محمد سمری و همین طور راجع به تأیید کتاب کافی از طرف آن حضرت توضیح دهید.

پرسش

راجع به توقیع مارک حضرت مهدی ۷به علی بن محمد سمری و همین طور راجع به تأیید کتاب کافی از طرف آن حضرت توضیح دهید.

پاسخ

توقیع مبارک حضرت مهدی ۷به علی بن محمد سمری , آخرین سفیر خود را شیخ طوسی در کتاب () و شیخ صدوق در کتاب روایت کرده اند. چون وفات شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری (پاورقی ۱.شیخ طوسی , کتاب الغیبه, ص ۲۴۲ کمال الدین , ج ۲ ص ۵۱۶

نزدیک شد, توقیعی بیرون آمد به این مضمون :

کسانی از شیعیان من ادعای مشاهدهء مرا خواهند کرد. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و رسیدن صیحه ءآسمانی , ادعای مشاهده نماید, کذّاب و دروغگو خواهد بود>.

شش روز بعد از این توقیع علی بن محمد سمری در سال ۳۲۹هجری وفات یافت .

یکی از کتاب های معروف روایی , کتاب کافی است , که مؤلد آن محمد بن یعقوب کلینی , متوفای ۳۲۸یا ۳۲۹ست . وی این کتاب را به درخواست بعضی از شیعیان نوشته است . وی از بزرگ ترین علما و فقهای عصر خویش بودکه شاگردان فراوانی در درس او حاضر می شدند. او ریاست علمای امامیه در ایام مقتدر عباسی را بر عهده داشت وزمان نوّاب خاص حضرت مهدی ۷را درک کرد. بعضی از علما گفته اند: این کتاب بر حضرت مهدی ۷عرضه شده و امام ۷آن را نیکو شمرده و فرموده است : .()

(پاورقی ۱.مقدمهء اصول کافی به نقل از روضات الجنّات , ص ۵۵۳ به نقل از منیه المرتاد.

اما در مورد سفارش حضرت مهدی ۷راجع به فقها و ولایت آنان در توقیعی که به جناب محمد

بن عثمان عمری , ناپب خاص دیگرش ارسال شد, چنین آمده است :

حوادثی که برای شما مسلمانان پیش می آید, به راویان احادیث (فقها) مراجعه کنید. آنان بر شما حجّت الهی هستدن ومن بر آنان حجّت هستم >.

از مجموعهء آن چه ذکر شد, به این نتایج می رسیم :

۱ توقیع شریف حضرت به علی بن محمد سمری , منقول از کتاب الغیبه شیخ طوسی و کتاب کمال الدین شیخ مفید نقل شده و مرحوم شیح عباس قمی در منتهی الآمال آورده است .

۲ کسانی که ادعای رؤیت حضرت را می کنند, کذّاب و دروغگو هستند, همان طور که در این توقیع آمده بود. درتوقیع دیگری به محمد بن عثمان عمری آمده است :

دروغ می گویند>.

البته ممکن است کسانی آن حضرت را ببینند, ولی او را نشناسند و بعد متوجه شوند یا حدس بزنند که حضرت مهدی ۷بوده است .

۳ ولایت فقیهان به صورت عالم از طرف آن حضرت در توقیع محمد بن عثمان عمری و در روایات دیگر ازدیگر امامان وارد شده است , مانند روایت عمر بن حنظله از امام صادق ۷که در آن به ولایت فقیه در امر قضاوت وغیر آن اشاره , بلکه تصریح دارد:

دادم . حکم آنان مانند حکم ما است و کسی که حکم آنان را قبول نکند و ردّ کند, در حد شرک به خدا است >.

پیامبر۶سه مرتبه فرمود: . گفتند: خلفا و جانشینان تو کیانند؟ فرمود: .()

(پاورقی ۱.همان , ص ۱۰۱

غیر از روایات , از نظر عقلی نیز واضح است حاکم مسلمانان باید شخصی باشد که اسلام را خوب می شناسد واحکام الهی را با بصیرت کامل می

داند.

روایتی از حضرت مهدی(ع) را برایم بنویسید.

پرسش

روایتی از حضرت مهدی(ع) را برایم بنویسید.

پاسخ

در دوره غیبت صغری ، آخرین توقیعی که از ناحیه مقدسه، شش روز قبل از درگذشت " علی بن محمد سمری" صادر شد، چنین است:

" بسم الله الرحمان الرحیم، یا علی بن محمد السمری اعظم الله اجر اخوانك فیك فانّك میت ما بینك و بین ستّهْ ایام فاجمع أمرك و لا ـ توص الی احد یقوم مقامک بعد وفاتك ، فقد وقعت الغیبهْ الثانیهْ فلاظهور الّا بعد اذن الله عزّ و جلّ و ذلك بعد طول الامد و قسوهْ القلوب و امتلاء الرض جوراً و سیأتی شیعتی من یدّعی المشاهدهْ ؛ الا ـ فمن ادّعی المشاهدهْ قبل خروج السفیانی و الصیحهْ فهو كاذب مفتر و لا حول و لا قوهْ الّا بالله العلیّ العظیم.(۱)

: " به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد. تا شش روز دیگر خواهی مرد؛ پس امر حساب و کتاب خود را مرتب کن و در باره جانشینی این مقام نیابت، به هیچ کس وصیت مکن تا به جای تو بنشیند؛ زیرا غیبت دومی فرا رسیده است. تا آن روزی که خداوند عزّ و جلّ بخواهد، ظهوری نخواهد بود و آن پس از مدت درازی خواهد بود که دل ها را سختی و قساوت فراگیرد و زمین از ستم پر گردد. به زودی کسانی برای شیعیان من ادّعای مشاهده خواهند نمود. بدان که هر که پیش از خروج سفیانی و بر آمدن صیحه ای از آسمان، ادعای دیدن من را نماید، دروغگو است. قدرت و توانمندی از آنِ خداوند

بلند مرتبت است."

در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: " و امّا الحوادث الواقعهْ فارجعوا فیها الی رواهْ حدیثنا فانّهم حجّتی علیکم و انا حجهْ الله؛ امّا حوادثی که جدید پیش می آید، شما به روات حدیث ما رجوع کنید [به فقها مراجعه کنید] ، آنان حجت من بر شما و من هم حجت خدا هستم.".(۲)

۱. شیخ صدوق ، کمال الدین و تمام النعمهْ، ج ۲، ص ۵۱۶؛ شیخ طوسی، الغیبهْ، ص ۲۴۲ ، ۲۴۳ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱، ح ۹.

اگر ممکن است در مورد "دعای عهد" شرحی بنویسید، و فهرستی از دعاهای نقل شده از حضرت مهدی(عج) را بیان کنید.

پرسش

اگر ممکن است در مورد "دعای عهد" شرحی بنویسید، و فهرستی از دعاهای نقل شده از حضرت مهدی(عج) را بیان کنید.

پاسخ

معروف است که دعای عهد دعایی است که اگر انسان در چهل صُبح آن را بخواند، از یاران امام زمان محسوب شده و اگر پیش از ظهور حضرت بمیرد، خداوند او را هنگام ظهور زنده می گرداند و از یاران حضرت خواهد بود.

سید بن طاووس از حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت کرده که فرمود: "هر کس چهل بامداد دعای عهد را بخواند، از یاورن قائم خواهد بود و اگر پیش از ظهور حضرت بمیرد، خداوند (هنگام ظهور) او را از قبر بیرون آورد، و با هر کلمه این دعا ثواب فراوان به او عطا فرماید و گناهان فراوان از نامه عمل او محو کند".[۲]

در کتاب شریف مفاتیح الجنان نیز تحت عنوان دعای عهد چنین نقلی بیان شده است. در این کتاب چند دعا از حضرت صاحب(عج) نقل شده است که ابتدای هر کدام چنین است:

۱- الهی عظم البلا و برح الخفاء... .

۲- اللهم ارزقنا توفیق الطاعه و بُعد المعصیه... .

۳- الهی بحقّ من ناجاك و بحقّ من دعاك... .

۴- اللهم إنّی أسئلك بمعانی جمیع ما یدعوك به ولاه أمرك... .

[۲] علی دوانی، مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار)، ص ۱۲۱۵.

چه دعاهایی منسوب به امام مهدی(ع) است؟ چگونه می توان از طریق دعا با حضرت رابطه برقرار کرد؟

پرسش

چه دعاهایی منسوب به امام مهدی(ع) است؟ چگونه می توان از طریق دعا با حضرت رابطه برقرار کرد؟

پاسخ

دعاهای متعددی به امام زمان(ع) نسبت داده شده اند. می توان این دعاها را در کتاب هایی مانند مفاتیح الجنان و زاد المعاد مجلسی، اقبال الاعمال سید بن طاووس، مهج الدعوات و بلد الامین کفعمی یافت.

برخی از بزرگان به جمع آوری ادعیه معصومان(ع) پرداخته اند.

از جمله کتاب هایی که در این راستا سامان یافته، موسوعه الأدعیه اثرآقای جواد قیومی اصفهانی است که در شش جلد ادعیه و زیارات معصومان(ع) را جمع آوری، موضوع بندی و فهرست نگاری نموده است. در جلد پنج، دعاها و مناجات و... امام زمان(ع) با عنوان: "الصحیفه المهدیه" جمع آوری شده است که جهت آگاهی بیشتر می توانید به این اثر مراجعه نمایید.

در این جا به بعضی از دعاهای حضرت اشاره می شود:

۱ - "اللهم عظم البلاء و برح الخفا، وانقطع الرّجا و انکشف الغطاء و ضاقت الارض و منعت السّماء و انت المستعان و الیک المشتکی...؛(۱) خدایا، بلا و مصائب ما بزرگ شده و بیچارگی ما بس روشن گردید و پرده از روی کار برداشته شد و امیدها ناامید شد و زمین بر ما تنگ آمد و رحمت آسمان از ما منع گردید و تویی تنها یاور و معین...".

۲ - "اللهم ارزقنا توفیق الطاعه و بعد المعصیه و صدق النّیه و عرفان الحرمه...و علی الشّباب بالأنابه و التوبه و علی النساء بالحیاء و العفه...؛(۲) خدایا، ما را توفیق اطاعت و دوری از معصیت روزی گردان و نیت با خلوص و حقیقت و معرفت به آنچه نزد تو محترم است، عطا فرما... و بر جوانان ما توبه و بر زنان

ما حیا و عفت عنایت فرما...".

۳ - "الهی بحقّ من ناجاک و بحق من دعاک فی البرّ و البحر، صلّ علی محمد و آله تفضّل علی فقراء المؤمنین و المؤمنات بالغنی و الثّروه، و علی مرض المؤمنین و المؤمنات بالشّفاء و الصّحّه و...؛(۳)

خدایا به حق هر کس که با تو مناجات می کند و هر که تو را در بیابان ها و دریاها به دعا می خواند، بر محمد و آلش درود فرست: در حق فقیران اهل ایمان، توانگری و ثروت تفضل فرما و بر بیماران اهل ایمان شفا و صحت عنایت فرما و...".

این دعاها همان گونه که بیان شد، منقول و منسوب به امام زمان(ع) است، اما باید به طور کلی توجه داشت که دعا به معنای خواندن و راز و نیاز و ارتباط با خدا است، نه ارتباط با امام زمان(عج) بنابراین از راه دعا نمی توان باحضرت مهدی (عج) ارتباط برقرار نمود؛ بله می توان از خدا خواست توفیق پاکی و تقوا را به ما مرحمت کند تا لیاقت و شایستگی نحوه ای از ارتباط با حضرت را به ما عنایت نماید.

با این وجود می گوییم: دعا و مناجات با خدا زمینه ساز ارتباط با امام زمان(عج) است.

هر چه درجه تقوا و ارتباط انسان با خدا بیش تر باشد، همگونی چنین فردی با حضرت مهدی بیش تر می شود و این باعث ارتباط و توجه بیش تر حضرت به شخص می گردد.

پی نوشت ها:

۱ - جواد قیومی، اصفهانی، موسوعه الادعیه، ج ۵، ص ۵۴۹.

۲ - مفاتیح الجنان، ص ۲۱۴.

۳ - جواد قیومی اصفهانی، پیشین، ص ۱۶۶.

اگر بخواهیم اندیشه مهدویت را حفظ کنیم، ضروری است آسیب های آن را بشناسیم. آسیب های آن کدام است؟

اندیشه مهدویت شاخه ای از اندیشه دینی مسلمانان

است. هر آسیبی که متوجه پیکره دین باشد، متوجه اندیشه مهدویت نیز می گردد؛ بنابراین بخشی از آسیب شناسی مهدویت، از آسیب شناسی دینی ناشی می شود.

درخصوص آسیب های اندیشه مهدویت به برخی از آسیب هایی که کم و بیش در جامعه وجود دارد اشاره می کنیم.

۱ - جهود اندیشی و سطحی نگری

قشری گری و جموداندیشی در دین مانع فهم عمیق معارف دینی می گردد، از این رو بستری برای کج فهمی و انحراف و بدعت بوده است. نمونه بارز این امر در زمان حکومت امام علی(ع) توسط خوارج آشکار شد؛ کسانی که حاضر شدند به ورق های کاغذین قرآن تعرض کنند، سرانجام برآن شدند تا قرآن ناطق را خاموش کنند.(۱)

این آسیب اندیشه مهدویت را نیز تهدید می کند. بعضی تنها با استفاده از روایات و با نگاه جمودگرایانه، مفاهیم مهدویت، مانند انتظار و وقت ظهور و نشانه های ظهور امام زمان(ع) را معنا کرده اند، حال آن که تفسیر اندیشه مهدویت نیاز به تعقل و فهم صحیح و تفسیر روایات نیز دارد. قشری گری آن چنان در کج فهمی ها از مهدویت مؤثر است که در هنگام ظهور امام زمان(ع) بعضی تصور می کنند حضرت دین جدیدی ارائه خواهد داد .

۲ - عقل گرایی افراطی

یکی از آسیب های اندیشه مهدویت عقل گرایی است، بدین معنا که بعضی همه مفاهیم مهدویت را با استفاده از عقل و بدون بهره گیری از سنت، معنا و تفسیر کرده اند حال آن که برخی از مفاهیم اندیشه مهدویت را بدون بهره گیری از آموزه های دینی نمی توان تفسیر کرد، زیرا برخی از آنها از اسرار الهی می باشد و عقل ناقص انسانی از درک آن عاجز است. عبدالله بن فضل می گوید که امام صادق(ع) فرمود:

"همانا

برای صاحب امر، غیبتی است چاره ناپـذیر که هر فرد گمراهی در آن تردید می کند... حکمت غیبت وی چون حکمتی است که در غیبت های حجت های پیشین خدا وجود داشت. به راستی که حکمت آن آشکار نمی گردد مگر بعد از ظهورش، چنان که حکمت کارهای خضـر در سوراخ کردن کشتی و کشـتن پسـر بچه و بالا بردن دیوار، برای موسـی آشـکار نگردیـد مگر به هنگام جدایی آن دو... به راستی این امر از امور الهی سـری از اسـرار خدا و غیبی از غیب های الهی است. هنگامی که دانستیم او حکیم است، تصدیق می کنیم که کارها و سخنان او همه حکمت است، هر چند دلیل آن برای ما آشکار نباشد".(۲)

تقابل قشـری گری و عقل گرایی افراطی در اندیشه مهدویت، موجب برداشت های متفاوت و مختلف شده است. برداشت های متفـاوت قابل قبول نبوده و باور مهـدویت را آسـیب پـذیر کرده است. برای رفع این آسـیب بایسـته است که در تفسـیر اندیشـه مهدویت از عقل و سنت بهره گرفته شود.

۳ – آمیخته شدن اندیشه مهدویت با خرافات و تحریف:

مانند این گونه سـخنان که امام زمان همه را می کشد؛ ما باید ساکت باشـیم تا امام زمان(ع) بیاید و همه کارها را درست کند؛ نباید در امور سیاسی به مقتضای انتظار ظهور دخالت نمود و...

توضیح این که:

بعضـی انتظار را به معنای کناره گیری از مسایل سیاسـی و اجتماعی تفسـیر کرده و باور دارند که در زمان غیبت باید به عبادت پرداخت و تنها برای تعجیل در ظهور امام زمان(ع) دعا کرد.

امام راحل در بیان این رویکرد می نویسد: "بعضـی ها انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد و حسینیه یا در منزل بنشینند و دعا

کنند و فرج امام زمان(ع) را بخواهند".(۳)

بعضـی دیگر باور دارنـد که در زمان غیبت نه تنها امر به معروف و نهی از منکر لازم نیست، بلکه باید به گناه دامن زد تا زمینه ظهور امـام زمان فراهم شود، زیرا در روایات یکی از علایم ظهور، گسترش گناه و ظلم بیان شـده است. برخی با بهره گیری از روایات وانمود می کنند که امام زمان(ع) در هنگام ظهور به خشونت متوسل شده و به قتل عام می پردازد.

همچنین بعضـی با بهره گیری از برخی روایات جعلی یا تحریف شـده بر این عقیده اند که هرگونه قیام و اصـلاحات و تشـکیل حکومت قبل از ظهور حضرت محکوم به شکست خواهد بود.

این گونه اندیشه ها آفتی است که به باورهای مهدویت آسیب می رساند.

خرافه پردازی، در زمینه مهـدویت همچون سایر معارف دینی قابل گسترش است، به ویژه، از آن جا که امام زمان(ع) در غیبت به سر می برد.

مطـامع سوداگران و خـامی عامیان و عوام زدگان، بستر مناسبی برای خرافه پردازی را فراهم می آورد. نمونه هایی از این امر را می توان در داعیه های این و آن، بر رؤیت امام زمان یا رؤیاهای مربوط به حضرت ملاحظه نمود. هر چند امکان این امر منتفی نیست، ولی انـدک نیست قصه هـای بی بنیـادی که در این زمینه بـدان پرداخته انـد. از این رو در برخی روایـات آمـده که: هر کس ادعا کند امام زمان را دیده است، او را کاذب بدانید.(۴)

۴ - شکل گیری گروهای انحرافی

ظهور این گروه ها که معمولا. با انگیزه های دنیاطلبی و سیاسـی صورت می گیرد، انـدیشه مهـدویت را آسـیب پذیر می کنند، زیرا این گروه ها به گونه ای خود را به امام زمان منسوب می نمایند، حال آن که عملکرد و عقاید آنها با

انـدیشه مهـدویت همسویی ندارد. مضافاً بر این که بعضـی از رهبران آنها حتی ادعای مهدویت یا بابیت و وکالت کرده و خود را نماینده امام معرفی می کنند.

شکل گیری گروه های انحرافی از یک سو و ظهور مدعیان مهدویت از جانب دیگر موجب شده است که بعضـی در تشخیص اندیشه صـحیح مهدویت دچار مشـکل شوند. این تأثیر گذاری به حدی است که اگر کسی به عنوان امام زمان(ع) ظهورکند و یا خود را نماینده حضرت معرفی نماید، مردم جذب او می شوند.

۵ – القائات و شبهات از سوی دشمنان:

القای شبهات که در قالب های مختلف ظهور می کنند، موجب تضعیف باورهای دینی شده و مردم در تشخیص واقعیات دچار مشکل می شوند.

اندیشه مهدویت از این آفت مصون نمانده است. در طول تاریخ ده ها شبهه و اشکال توسط دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه القا شـده است. شـبهاتی مانند این که مهدی وجود خارجی ندارد، بلکه نماد کلی و اشاره به چیرگی حق و عدالت در برابر باطل و بیـدادگری است و این نمـاد می توانـد هر کس باشـد و یـا مسـئله طول عمر امام و فلسـفه وجودی حضـرت در حالی که غایب است.

در عصـر حاضـر، دشـمنان و منحرفان، به القای شـبهه پرداخته، درصدد تضـعیف این باور عمومی هستند امروزه صدها کتاب و فیلم علیه مهدویت تدوین و ساخته شده اند. انتشار برخی از شبهه ها در شبکه های اطلاع رسانی مانند اینترنت و... شاهد بر این مدعا است.

شاید به خاطر القای شـبهات بوده است که معصومان (ع) سعی کرده اند امام زمان(ع) را با نام و مشخصات بیان کنند و به بیان ویژگی های حکومت حضرت و دیگر مسایل مربوط بپردازند.

پی نوشت ها:

۱ – فصلنامه علمی و تخصصی انتظار، ش ۲،

ص ۲۸۴.

۲ – لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۳۳۰.

۳ – مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و احیا تفکر دینی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۴ – فصلنامه علمی و تخصصی مهدویت، ش ۲، ص ۲۸۷ – ۲۸۸.

توقیعات یعنی چه ، آیا در این مورد می توانید مرا راهنمایی کنید تا درباره این مطلب تحقیق کنم آیا در قرآن و تفسیرها مطالبی در این باره آمده است

پرسش

"توقیعات یعنی چه ، آیا در این مورد می توانید مرا راهنمایی کنید تا درباره این مطلب تحقیق کنم آیا در قرآن و تفسیرها مطالبی در این باره آمده است

پاسخ

"توقیع به معنای امضا کردن نامه و فرمان مهر کردن برنامه و منشور می باشد، و نیز به پاسخ هایی که بزرگان و دولت مردان زیر پرسش ها و درخواست های کتبی می نویسند، گفته می شود. توقیع نویسی از دیر باز وجود داشته و در کتاب های روایی فقهی و تاریخی شیعه قسمتی از نوشته های امامان معصوم به عنوان "توقیعات آمده است که اغلب آن ها از نظر کمیّت و کیفیّت توقیعاتی است که از سوی امام زمان غ صادرگردیده است به گونه ای که برخی علما "توقیع را، به "نوشته های امام مهدی غ تعریف کرده اند(علم الفقه شیخ علی خازم ص ۳۲، نشر دارالعزبه بیروت)، البته از برخی امامان معصوم ، هیچ گونه توقیعی که ما از آن اطلاع داشته باشیم به دست ما نرسیده است

اکنون به طور خلاصه به چند ویژگی درباره توقیعات حضرت مهدی غ اشاره می کنیم

۱. اعجاز: در برخی توقیعات نشانه های اعجاز یافت می شود، برای نمونه "محمد بن فضل موصلی ، شیعه بود، ولی نیابت جناب "حسین بن روح که به عنوان یکی از نوّاب خاص امام زمان غ در عصر غیبت صغری مطرح بود را قبول نداشت روزی هنگام بحث با یکی از دوستانش به نام "حسن بن علی وجنأ"، و به پیشنهاد او، برای امتحان نایب امام مطلبی را کاملاً محرمانه با هم توافق کردند، و

حسن بن علی کاغذ سفیدی از دفتر موصلی جدا کرد، و قلمی تراشید و با آن بدون مرکب مطالبی را بر روی آن ورقه نوشت سپس آن را مهر کرد و به وسیله خدمتکار، نزدحسین بن روح فرستاد. ظهر همان روز جواب نامه در همان ورقه ارسالی آمد، در حالی که فصل به فصل با مرکب نوشته شده بود.(الغیبه شیخ طوسی ص ۳۱۵۳۱۷، نشر مؤسسه معارف اسلامی)

۲. استدلال علمای شیعه در رشته های مختلف اعتقادی فقهی اخلاقی به توقیعات استناد و استدلال می کنند.

۳. خط توقیعات راویان به چندین مورد تصریح کرده اند که توقیعات مقدس حضرت مهدی غ به دست خط شریف خودآن حضرت صدور می یافته و جمعی از بزرگان محدثان و وکلای شریف آن حضرت با آن خط آشنا بوده آن را می شناختند.

۴. واسطه توقیعات همه توقیعات حضرت مهدی غ به وسیله نواب خاص ِ آن جناب برای افراد ظاهر می گشت

۵. مدت خروج توقیع توقیعات ابتدایی یعنی توقیعاتی که در آن حضرت مطالبی را بنا به مصلحت به شیعیان اعلام فرمودند و توقیعاتی که در پاسخ پرسش ها صدور می یافت اغلب در مدت دو تا سه روز می رسید.

۶. مطالب مطرح شده در توقیعات موضوعات گوناگونی در توقیعات مطرح می شد که شامل معارف و حقایق دینی امور تربیتی برنامه های زندگی فردی و اجتماعی و... بود.

۷. دفع خطر از شیعیان گاهی حاکمان ستمگر، برای نابودی شیعیان نقشه می کشیدند که گاهی به وسیله این توقیعات از آن نقشه ها آگاه می شدند و نجات می یافتند.

۸. بیزاری از منحرفان

در عصر غیبت صغری افرادی به عنوان های مختلف و هدف های گوناگون به دروغ ادعاهایی می کردند و سعی می نمودند دوستان و پیروان امامان معصوم را به سوی خود جلب کنند; از همین رو، توقیعات مهمی درباره این اشخاص صادر می شد.

برای اطلاع بیش تر شما به برخی از منابع توقیعات اشاره می کنیم

اصول کافی مرحوم کلینی / کمال الدین صدوق / توقیعات مقدسه جعفر وجدانی / مجموعه سخنان توقیعات و دعاهای حضرت بقیه اللّه خادمی شیرازی / نواب اربعه راسخی نجفی / هم چنین کتاب های بزرگ حدیث مانند بحارالانوار، وسائل الشیعه وافی مستدرک الوسائل و... یا فصل هایی به این منظور اختصاص داده اند و یا به طور پراکنده از توقیعات سخن گفته اند.(ر.ک دائره المعارف تشیّع زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی ج ۵، ص ۱۵۰۱۵۳، نشر شهید سعید محبّی)

امّا "توقیع به معنایی که توضیح آن گذشت در قرآن کریم وارد نشده است البته آیاتی در صدور فرمان الهی وارد شده که بی شباهت به معنای توقیع نه به معنای اصطلاحی که گفته شد، بلکه به معنای عامّی که در ابتدای پاسخ گذشت نیست (نمل ۸۲۸۵) البته توقیع به معنای اصطلاحی آن در تفاسیر وجود دارد، آن هم تنها به جهت آمدن توقیعاتی که با تفسیر آیات در ارتباط بوده است مانند تفسیر عیاشی محمد بن مسعود عیاشی ج ۱، ص ۱۶، نشر المکتبه العلمیه الاسلامیه تهران / نورالثقلین شیخ حویزی ج ۱، ص ۶۸۲، نشر مؤسسه اسماعیلیان

چه پیامهایی در دعاها و نامه های رسیده از حضرت حجت(عج) برای ما منظور شده؟

پرسش

چه پیامهایی در دعاها و نامه های رسیده از حضرت حجت(عج) برای ما منظور شده؟

پاسخ

در توقیعات و نامه های امام عصر(عج) موضوعات مختلفی مطرح شده است:

الف) گاه امام عصر(عج) برای این که مردم اطمینان قلبی به آن حضرت پیدا کنند امور پنهان و رازهای نهانی را در توقیعات مطرح می کردند و از آنچه در دل مردمان می گذشت خبر می دادند.

ب) تعدادی از توقیعات مستقیما در اطراف مسایل مطرح شده راجع به غیبت است مانند: نهی از بردن نام امام غایب، عدم تعیین وقت ظهور، سبب غیبت، کیفیت بهره بردن از امام عصر در زمان غیبت، دعا برای تعجیل فرج و اموری از این قبیل.

ج) شماری از توقیعاتی که از ناحیه مقدس امام غایب صادر شده، در پاسخ به پرسش هایی راجع به مسائل عقیدتی و ایمانی است.

د) تعیین وظایف شیعیان مانند رجوع به فقها در زمان غیبت.

ز) ارشاد و راهنمایی بعضی فقها و مراجع معظم تقلید.

س) تعلیم بعضی دعاها و زیارت ها به شیعیان تا در زمان غیبت به وسیله آنها به خداوند تقرب جویند و...

اما دعا: بی تردید هر انسان آزاده ای از مشکلاتی که گریبان بشریت را گرفته، آزرده خاطر است. منتظر واقعی امام زمان از نابسامانی ها رنج می برد و بهترین زمینه سازی برای شتاب در ظهور امام زمان(عج) را تربیت انسان های صالح و وارسته می داند.

برای رسیدن به این هدف والا، راه های روشنی پیش روی ماست. راه هایی که آن بزرگوار و پدران گرامی اش پیش روی ما نهاده اند.

یکی از بهترین رهنمودهای امام عصر(عج) دعای زیبایی است که از آن حضرت نقل شده است. مضامین عمیق و معانی ژرف این دعا، هم به بخشی از مشکلات

جامعه ی بشری، به خصوص جوامع مسلمان اختصاص دارد وهم راه حل آنها را بیان می دارد.

هر مسلمانی که دوست دارد در دوره ای که به سر می برد از آسیب ها محفوظ بماند می بایست خود را در پناه امام زمان(عج) قرار دهد و این دعا را همراه با آن عزیز زمزمه کند:

«اللهم ارزقنا توفیق الطاعه و بعد المعصیه و صدق النیه و عرفان الحرمه؛ بارالها به ما توفیق بده تا تو را اطاعت کنیم و از گناهان دوری گزینیم و نیت و اندیشه ای پاک و صادق داشته باشیم و حرمت تو را پاس داریم».

واکرمنا بالهدی والاستقامه و... (مفاتیح الجنان).

یکی از زیارت های مشهور امام عصر، موسوم به «زیارت آل یاسین» است. علامه مجلسی در بحارالانوار آورده از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر(عج) به محمد حمیری آمده هرگاه اراده نمودید به وسیله ما به سوی حق تعالی و به سوی ما توجه نمایید بگویید چنان که خدای تعالی فرموده: «سلام علی آل یس، السلام علیك یا داعی الله و ربانی آیاته...»

این زیارت را با تأمل و تدبر در معانی عمیق آن بخوانید. برخی بزرگان اسرار عجیبی از این زیارت بیان کرده اند. از جمله درباره «السلام علیك حین تصبح و حین تمسی» می فرمایند اگر می خواهید به امام تقرب پیدا کنند راهش همین است که هر صبح و شب امام را یاد نمایید. صبح با دعای عهد و شب با زیارت آل یاسین (مفاتیح الجنان).

توقیع به چه معناست؟

پرسش

توقیع به چه معناست؟

پاسخ

توقیع در لسان روایات، مطابق با مفهومی است که عرف آن را به کار گرفته است، وآن عبارت است از کلمات کوتاه که بزرگان، ذیل نامه های رسیده وعریضه ها مکتوب می داشتند، وبا آن خواسته سائل را برآورده می نمودند. در نتیجه توقیعات حضرت مهدی (ع) همان مطالبی بود که حضرت به خطّ مبارك خود در جواب سؤال ها وعریضه ها ذیل نامه ها مرقوم می داشتند وتوسط یکی از سفرا به صاحبان نامه ها باز می گرداندند.

اگر چه به لحاظ معنای اصطلاحی، "توقیع" در معنا ومفهوم آن سؤال از مسأله ای نهفته است ولی در برخی موارد بر بیانات حضرت که به صورت ابتدایی صادر می شد -اگر چه از آن سؤال نشده بود- نیز توقیع اطلاق شده است.

در چه مدت زمانی توقیع از طرف حضرت صادر می شده است؟

پرسش

در چه مدت زمانی توقیع از طرف حضرت صادر می شده است؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می شود که مدت زمان خروج توقیع در جواب سؤال معینی دو یا سه روز بوده است، همان گونه که راوی در برخی روایات می گوید: بعد از چند روز صاحب من گفت که به سوی ابوجعفر بازگردم تا از جواب سؤال ها بپرسم. {پاورقی . بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۱، ح ۴۲. پاورقی}

در روایتی دیگر آمده است: آن گاه سفیر بعد از سه روز، مرا از جواب حضرت خبر داد.

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۲۰. پاورقی}

در برخی موارد نیز جواب، شفاهی بوده است که سفیر از حضرت می گرفته وبرای سائل می آورده است. مثل اینکه حسین بن روح نوبختی به عده ای می گوید: "شما امر شدید که به حائر روید".{پاورقی . همان، ص ۳۰۹. پاورقی}

ودر برخی از موارد نیز جواب سؤال کننده به جهت مصالحی داده نمی شد. از باب نمونه در موردی سائل از امام خواست که برای او دعا کند که خدا به او فرزندی دهد، ولی به جهت مصالحی جواب نیامد.{پاورقی . همان، ص ۳۲۰. پاورقی}

وگاه کسی سؤالی را برای حضرت فرستاد که جواب نیامد، وبعد از چند روزی مشاهده شد که جزء قرامطه درآمده است. گرچه در برخی از موارد نیز جواب سؤال ها ظرف چند ساعت داده شده است.{پاورقی . ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۵۹. پاورقی}

ودر برخی دیگر از روایات می خوانیم که جواب آمد در حالی که هنوز مرکب بر روی کاغذ خشک نشده بود {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۱۶. پاورقی}

ونیز در برخی جواب آمد در حالی که هنوز مرکب بر روی کاغذ خشک نشده بود {پاورقی . همان، ص ۴۱۰. پاورقی}

جواب

آمد در حالی که هنوز مرکب بر روی کاغذ خشک نشده بود ولی این موارد زیاد نبوده است.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۳. پاورقی}

آیا توقیعات به خطّ خود حضرت مهدی علیه السلام بوده است؟

پرسش

آیا توقیعات به خطّ خود حضرت مهدی علیه السلام بوده است؟

پاسخ

از مجموعه روایات استفاده می شود که برخی توقیعات به خطّ خود حضرت بوده، وبرخی نیز به خطّ سفرا با دستور امام (ع) بوده است.

اسحاق بن یعقوب می گوید: "توسط محمّد بن عثمان عَمْری مسائل مشکلی را به ناحیه مقدسه فرستادم وجوابش را به دست خطّ مبارک امام زمان (ع) دریافت داشتم".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹. پاورقی}

محمّد بن عثمان عَمْری می گوید: "از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطّش را خوب می شناختم".

{پاورقی . همان، ص ۳۳. پاورقی}

شیخ صدوق؛ می فرماید: "توقیعی که به خطّ امام زمان (ع) برای پدرم صادر شد اکنون نزد من موجود است".

{پاورقی . انوار النعمانیه، ج ۳، ص ۲۴. پاورقی}

شیخ ابوعمروعامری می گوید: "ابن ابی غانم قزوینی با جماعتی از شیعیان در موضوعی اختلاف ومشاجره نمودند وبرای رفع نزاع، نامه ای به ناحیه مقدسه نوشته وجریان را به عرض رساندند. پس جواب نامه آنان به خطّ مبارک امام (ع) صادر شد".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸. پاورقی}

از این روایات معلوم می شود که توقیعات، قرائن وشواهد صدق به همراه داشته ویا اصحاب حضرت، دست خط او را می شناختند، ولذا مورد قبول آنان قرار می گرفته است. لیکن در مقابل، روایاتی وجود دارد که برخی توقیعات به خطّ حضرت نبوده بلکه به خطّ سفیران وبه امر حضرت نوشته شده است.

ابو نصر هبه اللّه می گوید: توقیعات صاحب الامر (ع) به همان خطّی که در زمان امام حسن عسکری (ع) صادر می شد به وسیله عثمان بن سعید ومحمّد بن عثمان برای شیعیان صادر می گشت.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶. پاورقی}

چه مقدار توقیع از ناحیه مقدسه صادر شده است؟

پرسش

چه مقدار توقیع از ناحیه مقدسه صادر شده است؟

پاسخ

حدود هفتاد توقیع یا بیشتر در مصادر مهدویت موجود است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – توقیع به علی بن محمّد سَمَری.{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۱۶. پاورقی}

۲ – توقیع به ابی جعفر عَمْری در سوگ پدرش.{پاورقی . همان، ص ۵۱۰. پاورقی}

۳ – توقیع به سعد بن عبداللّه قمی.{پاورقی . همان، ص ۴۶۳–۴۵۹. پاورقی}

۴ – توقیع به اسحاق بن یعقوب.{پاورقی . همان، ص ۴۸۳. پاورقی}

۵ – توقیع به محمّد بن عبداللّه بن جعفر حمیری در جواب مسائلش.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۰–۱۵۱. پاورقی}

۶ – توقیع دیگری به حمیری درباره زیارت حضرت.{پاورقی . همان، ج ۹۹، ص ۸۱، ح ۱. پاورقی}

۷ – توقیع به احمد بن خضر بن ابی صالح خجندی.{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۰۹. پاورقی}

۸ – توقیع به حسن بن فضل یمانی.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۰. پاورقی}

۹ – توقیع به ابوعمرو وفرزندش ابوجعفر محمّد.{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۱۰. پاورقی}

۱۰ – توقیع به محمّد بن ابراهیم مهزیاری.{پاورقی . همان، ص ۴۸۶. پاورقی}

۱۱ – توقیع در ردّ جعفر کذّاب.{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۸۷. پاورقی}

۱۲ – توقیع به احمد بن حسن مادرایی.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳، ح ۱۹. پاورقی}

۱۳ – توقیع درباره قصه احمد بن ابی روح.{پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۲۹۵. پاورقی}

۱۴ – توقیع به حاجز وشا.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۳. پاورقی}

۱۵ – توقیع به محمّد بن جعفر.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۴. پاورقی}

۱۶ – توقیع به محمّد بن صالح بعد از مرگ عبرتایی.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۸. پاورقی}

۱۷ – توقیع در جواب نامه

سَمَری.{پاورقی . دلائل الامامه، ص ۲۸۶. پاورقی}

۱۸ - توقیع در جواب سؤال مردی از اهل فانیم.{پاورقی . اثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۹۹. پاورقی}

۱۹ - توقیع در جواب نامه محمّد بن حسن مروزی.{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۴۱۵. پاورقی}

۲۰ - توقیع در جواب نامه محمّد بن یوسف.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۱۹. پاورقی}

۲۱ - توقیع در جواب سؤال های محمّد بن جعفر اسدی.{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۲۰. پاورقی}

۲۲ - توقیع در ردّ غلات به محمّد بن علی بن هلال کرخی.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۶. پاورقی}

۲۳ - توقیع به محمّد بن شاذان.{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۰۹. پاورقی}

۲۴ - توقیع برای احمد بن حسن خازن.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۳. پاورقی}

۲۵ - توقیع برای علی بن محمّد بن اسحاق اشعری.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۷. پاورقی}

۲۶ - توقیع در خبر دادن از ضمیر عبیداللّٰه بن سلیمان.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۵. پاورقی}

۲۷ - توقیع در جواب نامه ابن ابی غانم قزوینی.{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۸۵. پاورقی}

۲۸ - توقیع در کیفیت تعلیم نماز.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲-۲۰. پاورقی}

۲۹ - توقیع در جواب آنچه محمّد بن شاذان برای حضرت فرستاد.{پاورقی . جامع الرواه، ج ۲، ص ۶۳. پاورقی}

۳۰ - توقیع در جواب نامه محمّد بن یزداذ.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۳. پاورقی}

۳۱ - توقیع در جواب خواست قاسم بن علا.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۱۹. پاورقی}

۳۲ - توقیع در جواب نامه مردی از اهل ربض.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۴. پاورقی}

۳۳ - توقیع در جواب سائلی که از قم رسیده بود.{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۷۳. پاورقی}

۳۴ - توقیع به

حسن بن عبدالحمید.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۱. پاورقی}

۳۵ – توقیع در توثیق محمّد بن جعفر عربی.{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۴۱۵. پاورقی}

۳۶ – توقیع در جواب سؤال ابوالحسن خضر بن محمّد.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۷. پاورقی}

۳۷ – توقیع اول به شیخ مفید؛.{پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷. پاورقی}

۳۸ – توقیع دوم به شیخ مفید؛.{پاورقی . همان، ج ۲، ص ۴۹۸. پاورقی}

۳۹ – توقیع در جواب نامه علی بن بابویه.{پاورقی . رجال علامه، ص ۹۴. پاورقی}

۴۰ – توقیع در جواب نامه محمّد بن کشمر.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۵. پاورقی}

۴۱ – توقیع در جواب نامه جعفر بن حمدان.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۶. پاورقی}

۴۲ – توقیع در جواب نامه علی بن زیاد.{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۵۲۴. پاورقی}

۴۳ – توقیع به حسن بن قاسم بن علاء.{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۱۵. پاورقی}

۴۴ – توقیع به ابی القاسم بن ابی حلیس.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۹۳. پاورقی}

۴۵ – توقیع در جواب رقعه بلخی.{پاورقی . همان، ص ۴۸۸. پاورقی}

۴۶ – توقیع بر احمد بن حسن.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳. پاورقی}

۴۷ – توقیع به محمّد بن همّام.{پاورقی . همان، ج ۵۳، ص ۱۸۴. پاورقی}

ودیگر توقیعات.

موضوع: غیبت کبرا

آیا در عصر غیبت کبرا نیز نامه ای از ناحیه مقدّسه صادر شده است؟

پرسش

آیا در عصر غیبت کبرا نیز نامه ای از ناحیه مقدّسه صادر شده است؟

پاسخ

شیخ طبرسی؛ در کتاب "الاحتجاج" دو نامه ای را که از ناحیه مقدسه حضرت مهدی (ع) برای شیخ مفید؛ فرستاده شده نقل کرده است. در این دو نامه اشاره به برخی مطالب صحیح وعالی شده ونیز از برخی مسائل به طور رمز واشاره خبر داده است.

{پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۶۰۲-۵۹۷. پاورقی}

نامه اوّل در اواخر ماه صفر سال ۴۱۰ هجری سه سال قبل از وفات شیخ مفید؛ به دست او رسیده است. ونامه دوم در سال ۴۱۲ هجری یعنی یک سال قبل از وفات شیخ به دست او رسیده است. واین در حقیقت بعد از گذشت هشتاد سال از وفات شیخ علی بن محمّد سمری سفیر چهارم است که همان انتهای غیبت صغرا وشروع غیبت کبرا در سال ۳۲۹ هجری است.

فرستنده نامه اوّل می گوید: این نامه را از منطقه ای که متصل به حجاز است آورده است. واز این کلام استفاده می شود که امام در آن هنگام در نواحی حجاز ساکن بوده است، واین نامه را به توسط برخی از خواص به شیخ مفید؛ فرستاده اند.

نامه دوم نیز در اول ماه شوال سال ۴۱۲ از ناحیه مقدسه برای شیخ فرستاده شد. ودر روز پنجشنبه ۲۳ ماه ذی حجه همان سال به دست شیخ رسیده است. یعنی سه ماه وهفت روز کم در بین راه در دست قاصد بوده است.

هر دو خطاب به املای حضرت مهدی (ع) وخطّ برخی از ثقات ومعتمدین نزد امام زمان (ع) بوده همان گونه که از ظاهر رساله اولی ونصّ رساله دوم استفاده می شود. وآخر هر دو نامه مزیّن به چند

سطری کم از خطّ خود امام است که شهادت و گواهی بر صحت نامه است. امام در آن کلمات به شیخ مفید؛ امر می کند تا این رساله را از هر کس مخفی بدارد، ولی نسخه ای از آن را بردارد تا موثقین از اصحابش بر آن مطلّع شده یا شفاهاً به اطلاع آنها برساند.

{پاورقی . تاریخ الغیبه الکبری، ص ۱۴۰ù۱۴۱. پاورقی}

سند دو توقیع صادر شده از امام مهدی علیه السلام بر

اشاره

شیخ مفیدرحمه الله چگونه قابل اثبات است؟

پرسش

سند دو توقیع صادر شده از امام مهدی علیه السلام بر

شیخ مفیدرحمه الله چگونه قابل اثبات است؟

پاسخ

سند این دو توقیع را از جهاتی می توان مورد توجه قرار داده وبرای اعتبار آن چاره ای اندیشید، گر چه شیخ طبرسی که تنها ناقل این دو توقیع است آنها را مرسلاً وبدون سند نقل کرده است.

۱ - طبرسی این دو روایت را از مسلّمات به حساب آورده که این به نوبه خود دلالت بر اعتقاد به صحت سند نزد او دارد. وممکن است که طبرسی به جهت شهرت ووضوح این دو توقیع، سند آنها را حذف کرده است، همان گونه که سند بسیاری از روایات را حذف کرده است.

۲ - مضامین عالی که در این دو روایت است ونیز خبرهای صادقی که در آن دو به آنها اشاره شده نیز از جمله شواهد صدق این دو توقیع وانتساب به حضرت مهدی (ع) است.

وامری که موجب ازدیاد اطمینان به این دو توقیع است اینکه محدّث بحرانی بعد از آنکه اشعار منسوب به امام زمان (ع) در رثای شیخ مفید را نقل می کند که بر قبر او نوشته شده بود، می فرماید: "این اشعار از امام زمان (ع) نسبت به شیخ مفید بعید نیست، بعد از آنکه توقیعاتی از ناحیه حضرت (ع) برای شیخ فرستاده شد، توقیعاتی که مشتمل بر تعظیم واجلال فراوانی بوده است...". آن گاه می گوید: "شیخ یحیی بن بطریق حلّی در رساله نهج العلوم الی نفی المعدوم معروف به "سؤال اهل حلب"

دو طریق در تزکیه شیخ مفید ذکر کرده است:

الف) صحت نقل او از ائمه طاهرین:، آن طوری که در تصانیف او از مقنعه ودیگر کتب ذکر شده است.

ب)

آنچه را که عموم شیعه روایت کرده ومورد قبول قرار داده است که صاحب الامر -صلوات اللّٰه وسلامه علیه وعلی آبائه- دو نامه به او نوشته است به این نحو که در هر سال یک نامه، وعنوان نامه "به سوی برادر سدید..." است، واین بالاترین تعبیر در مدح وتزکیه وثنای شیخ مفید در گفتار امام امت وجانشین ائمه است.

گفتار ابن بطریق دلالت دارد بر اینکه این دو توقیع مورد اجماع است. ونیز از کلام طبرسی در مقدمه "احتجاج" استفاده می شود که این دو توقیع از قسم احادیثی است که مورد اجماع علما بوده ولذا سند آن دو را ذکر نکرده است.

ابن شهر آشوب در "معالم العلماء" در ترجمه شیخ مفید می گوید: "صاحب الزمان (ع) او را شیخ مفید نامید...". ظاهراً مراد او همان چیزی است که در {پاورقی . معالم العلماء، ص ۱۱۳، رقم ۷۶۵. پاورقی}

توقیع حضرت به شیخ مفید آمده است که فرمود: "للأخ السدید والولیّ الرشید، الشیخ المفید...".

۳ - طبرسی در مقدمه کتاب "احتجاج" می گوید: "بیشتر روایاتی را که نقل می کنیم سند آنها را نمی آوریم یا به جهت وجود اجماع بر آن روایت است، ویا به جهت موافقت آن با دلیل عقل ویا شهرت آن در سیره ها وکتاب ها بین مخالف وموافق...".

{پاورقی . مقدمه احتجاج، ص ۱۴. پاورقی}

این دو توقیع نیز از یکی از این سه احتمال خالی نیست.

۴ - مصلحت عمومی نیز اقتضای صدور چنین نامه ها وتوقیعاتی را در اوایل عصر غیبت کبرا داشته است.

یکی اینکه حضرت با این نامه ها به جماعت شیعیانش دستورات لازم را برساند.

ودیگر اینکه با فرستادن این نامه ها به دست علمای صالح امثال شیخ مفید؛ ریاست وزعامت او را تثبیت کرده، مردم را

به اطاعت از او در عصر غیبت کبرا تشویق کند. همان گونه که در نامه خود به ابن بابویه خطاب به او فرمود: "یا شیخی! یا اباالحسن".

اینکه حضرت زهراعلیهاالسلام الگوی حضرت مهدی علیه السلام است، یعنی چه؟

پرسش

اینکه حضرت زهراعلیهاالسلام الگوی حضرت مهدی علیه السلام است، یعنی چه؟

پاسخ

امام زمان (ع) در توقیعی به خط مبارک خود، بعد از دعا برای عافیت شیعیان از ضلالت وفتنه ها ودرخواست روح یقین وعاقبت به خیری آنها وتذکر به اموری چند می فرماید: "وفی ابنه رسول اللّه (ص) لی أسوه حسنه"؛ "فاطمه دختر رسول خدا (ص) برای من {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵. پاورقی}

اسوه والگویی نیکوست."

در اینکه حضرت مهدی (ع)، کدام گفتار یا رفتار حضرت فاطمه (س) را سرمشق خویش قرار داده اند، احتمالات فراوانی بیان شده است که در این جا به سه مورد آن اشاره می کنیم:

۱ - حضرت زهرا (ع) تا پایان عمر شریفش با هیچ حاکم ظالمی بیعت نکرد. حضرت مهدی (ع) هم بیعت هیچ سلطان ستمگری را بر گردن ندارد.

۲ - شأن صدور این نامه این است که برخی از شیعیان، امامت ایشان را نپذیرفتند. حضرت در جواب عملکرد آنها فرمود: "اگر می توانستم ومجاز بودم آن چنان می کردم که حق بر شما آشکار گردد به گونه ای که هیچ شکی بر شما باقی نماند، ولی مقتدای من حضرت زهرا (ع) است. ایشان با اینکه حق حکومت از حضرت علی (ع) سلب شد، هیچ گاه برای باز گرداندن خلافت، از اسباب غیر عادی استفاده نکرد، من نیز از ایشان پیروی می کنم وبرای احقاق حقّم در این دوران، راه های غیر عادی را نمی پیمایم".

۳ - حضرت در پاسخ نامه فرموده اند: "اگر علاقه واشتیاق ما به هدایت ودستگیری از شما نبود به سبب ظلم هایی که دیده ایم، از شما مردمان روی گردان می شدیم". امام، با اشاره به حضرت زهرا (ع) می خواهد بفرماید: همان طوری که دشمنان به حضرت زهرا (ع)

آزار واذیت روا داشتند وسکوتی که مسلمانان پیشه کردند، هیچ کدام سبب نشد که ایشان از دعا برای مسلمانان دست بکشند، بلکه دیگران را بر خود مقدم می داشتند، من نیز این ظلم ها وانکارها را تحمل می کنم واز دل سوزی ودعا وراهنمایی و... برای شما چیزی فرونمی گذارم.

این سخن امام زمان«علیه السلام» درباره امام حسین«علیه السلام» که، «برایت گریه می کنم و اگر اشکم تمام شود خون می گریم»، در کدام زیارت نقل شده است؟

پرسش

این سخن امام زمان«علیه السلام» درباره امام حسین«علیه السلام» که، «برایت گریه می کنم و اگر اشکم تمام شود خون می گریم»، در کدام زیارت نقل شده است؟

پاسخ

این جمله که: «اگر روزگار مرا تأخیر انداخت نبودم تا در کربلا تو را یاری کنم... صبح و شام برایت گریه می کنم و به جای اشک خون از دیدگانم جاری می کنم»، ترجمه جملاتی از زیارت ناحیه مقدّسه است که از امام زمان«علیه السلام» درباره امام حسین«علیه السلام» نقل شده است(۳).

۳) بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴، ح ۱، باب ۱۹.

حضرت و مساجد

مسجد جمکران

دختری ۲۸ ساله هستم در ازدواج خیلی سخت پسند هستم و به قیافه راضی نمی شوم هر چه دعا می کنم قبول نمی شود. می فرمایند در قم (جمکران جایی است که اگر برای امام نامه بیندازند، از امام مراد می گیرند نظر شما در این مورد چیست

پرسش

دختری ۲۸ ساله هستم در ازدواج خیلی سخت پسند هستم و به قیافه راضی نمی شوم هر چه دعا می کنم قبول نمی شود. می فرمایند در قم (جمکران جایی است که اگر برای امام نامه بیندازند، از امام مراد می گیرند نظر شما در این مورد چیست

پاسخ

مرحوم محدث قمی (؛) در مفاتیح الجنان نقل می کنند: در زمان غیبت کبری اگر حاجتی داشتید آن را بر کاغذ نوشته و در آب روان بیندازید تا به دست مبارک ایشان برسد. در جمکران نیز چاهی قرار دارد که دارای آب روان است و نامه ها را در آن می اندازند به امید این که حضرت حجت (۷) مراد ایشان را بدهد؛ البته این امر مخصوص چاه جمکران نمی باشد و می توان نامه را در هر آب روانی انداخت

رفتن به مسجد جمکران، جهت دیدن امام زمان(عج) در شب های چهارشنبه توصیه شده یا شبهای جمعه؟

پرسش

رفتن به مسجد جمکران، جهت دیدن امام زمان(عج) در شب های چهارشنبه توصیه شده یا شبهای جمعه؟

پاسخ

هیچ کدام. زیرا اولاً- مقصود اصلی از رفتن به مسجد جمکران، دیدن حضرت امام زمان (عج) نیست بلکه مقصود، انجام عبادت و خواندن نماز تحیّت و نماز امام زمان(عج) است، همانطور که امام زمان(عج) به حسن بن مثله جمکرانی فرمود: به مردم بگویید این قطعه از زمین مبارک است، در این مکان عبادت خدا انجام دهید. برای انجام این عبادت بعضی از بزرگان شب های چهارشنبه و جمعه را توصیه کرده اند. و آن بدین معناست که انسان در چنین شب هایی در جمکران به دیدن صاحب الزمان(عج) ممکن است موفق شود.

ثانیاً آنچه برای ما بسیار مهم و هدف نهایی است، خودسازی و تربیت دینی و کسب رضایت الهی است. وقتی که ما تربیت مهدی پسند یافتیم و پیرو راستین آن حضرت شدیم، آن وقت دیدار با امام زمان(عج) به آسانی ممکن می شود، بلکه خود امام(عج) به یاری ما می شتابد و از ما سرکشی می نماید. چون امامان(ع)، شیعیان واقعی خود را بسیار دوست می دارند و در مشکلات به فریاد آنها می رسند و از آنان دلجویی می کنند.

آیا معیار قرار دادن چهل چهارشنبه برای رؤیت امام زمان در مسجد جمکران و... سندیت دارد؟

پرسش

آیا معیار قرار دادن چهل چهارشنبه برای رؤیت امام زمان در مسجد جمکران و... سندیت دارد؟

پاسخ

چله گرفتن در مسجد جمکران سیره عالمان بزرگی چون آیت الله نجفی مرعشی و دیگران بوده است. و به دلیل فرمایشی که

از امام زمان (عـج) نقل شده مبنی بر این که هر کس ۲ رکعت نماز مخصوص را در مسـجد جمکران بجا آورد مانند آن است که دو رکعت نمـاز در کعبه معظمه خوانـده باشـد، همه علما نسـبت به حضور در این مکان مقـدس اهمیت فوق العاده ای قائل بوده اند. بخش هایی از عنایت ویژه علما نسبت به این مسـجد به علاوه مطالبی پیرامون تاریخچه مسـجد جمکران در کتابی به نام «مسجد مقدس جمکران، تجلیگاه صاحب الزمان (عج) جمع آوری شده است.

{P – سید جعفر میر عظیمی، مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان (عج) (قم: انتشارات رسالت، ۱۴۱۵ ق) P}

عده ای می گویند رفتن به مســجدجمکران شب های چهارشــنبه ارجحیت بیشتری دارد آیا این گفته صحت دارد,کی وقت خواندن نماز شب است اول شب یاآخرآن ؟

پرسش

عـده ای می گوینـد رفتن به مسـجدجمکران شب هـای چهارشـنبه ارجحیت بیشتری دارد آیـا این گفته صـحت دارد,کی وقت خواندن نماز شب است اول شب یاآخرآن ؟

پاسخ

در خبری هست که اگر کسی چهل شب چهارشنبه در مسجد سهله کوفه نماز امام زمان (عج) را بخواند حضرت راملاقات می کند لذا در مسـجد جمکران هم مومنینی می گوین در شب چهارشـنبه عنایت خاصـی از طرف حضـرت به متوسـلین ایشان می شود. در رابطه نماز شب وقت آن از نیمه شب می باشد تا اذان صبح. نیمه شب را باید از غروبخورشید و طلوع آن حساب کرد که حدودا ساعت دوازده شب و به وقت رسم نیمه اول سال ساعت یک بامدادمی باشد و اگر نماز شفع و وتر هم در اذان واقع شود اشکالی ندارد {J

در مورد نامه هایی که در مسجد جمکران نوشته می شود, توضیح دهید.

پرسش

در مورد نامه هایی که در مسجد جمکران نوشته می شود, توضیح دهید.

پاسخ

اصـل نوشتن نـامهء حـاجت و انـداختن آن در آب جـاری یـا چاه , یک دسـتور اسـلامی است و روایاتی ازائمهء اطهار در این خصوص وارد شده است , از جمله در تحفه الزایر آمده که حضرت امام صادق ۷فرمود: .(۱)

در مسـجد مقـدس جمکران هم چون یک حلقه چاه وجود دارد, لـذا حاجتمندان نامهء حاجت می نویسـند و در چاه مزبور می اندازند.

(پاورقی ۱.محدث قمی , مفاتیح الجنان , ذیل عنوان رقعه حاجت .

این جانب معاون پرورشی یکی از هنرستان های شهرضا هستم , خواهشمندم بفرمایید آیا خبر مربوطه مسجد مقدس جمکران موثق است یا خیر؟

پرسش

این جانب معاون پرورشـی یکی از هنرستان های شهرضا هستم , خواهشمندم بفرمایید آیا خبر مربوطه مسجد مقدس جمکران موثق است یا خیر؟

پاسخ

برادر عزیز فرهنگی ! از جنابعـالی که در پرورش معنوی و فکری جوانان تلاش می کنیـد و آنان را به راه حق هـدایت می کنید تشکر می کنیم و برای شما آرزوی موفقیّت داریم . هدایت جوانان و نوجوانان در زمان حساس کنونی که کشور عزیز ما مورد هجوم لشکر عظیم القائات شیطانی از سوی دنیای استکبار قرار گرفته , لازم و ضروری است .

پیامبر۶به علی ۷فرمود: اگر یک نفر به دست تو هدایت شود با ارزش تر است از آن چه آفتاب بر آن بتابد.()

(پاورقی ۳.محمدی ری شهری , میزان الحکمه, ج ۴ ص ۳۴۴۳

شکی نیست که مسـجد یکی از بهترین مراکز عبـادت و بنـدگی خـدا است و در مورد مسـجد جمکران بایـد گفت که یکی از مساجد مقدس است . هجوم زائران و ارادتمندان حضرت ولی عصر۷فضای معنوی خاصی بدان بخشیده است .

دربارهء این مسـجد حضـرت آیت اللّه مکارم شـیرازی می فرمایـد: داسـتان مسـجد مقـدس جمکران در بیداری بوده (حضـرت مهـدی یـا وکیـل آن حضـرت به حسن مثلهء جمکرانی در بیـداری به او فرموده که در این جـا مسـجد بنا کن) وروایت آن در کتب معروف نقـل شـده است و علمـای بزرگ اهمیّت خاصّی برای این مسـجد قائل بوده انـد() و مرحوم (پاورقی ۱.آیت اللّه مکارم شیرازی , استفتائات جدید, ص ۴۹۶

علامهء مجلسی در مورد مسجد جمکران می فرماید: بنای مسجد جمکران به امر امام مهدی ۷انجام شده و شیخ عفیف و صالح حسن بن مثلهء جمکرانی آن را

نقل کرده اند.()

(پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۲۳۰

البته درباره این حدیث , بحث علمی و اجتهادی لازم است , ولی توجه عام و خاص مخصوصاً علمای بزرگ ومراجع بزرگی که بارها حضور آنان را در آن جا مشاهده کرده ایم , به اضافهء این که حضور و نماز خواندن در آن مسجدبه انسان معنویت خاصی می دهد و نماز خواند و توسل در هر زمانی و مکانی مطلوب است : منتها باید توجه داشته باشیدکه اعمال این مکان مقدس نباید با شائبه های باطل همراه شود, بلکه از افراط گرایی و امور بدعت گونه بایدجداً پرهیز شود و راه سوء استفاده برای کسانی که به شکل های گوناگون از مکان های مقدس برای رسیدن به اهداف نادرست خویش بهره می جویند بسته شود.

آیا اگر کسی چهل شب چهارشنبه به جمکران مشرّف شود به زیارت آقا نایل می گردد؟

پرسش

آیا اگر کسی چهل شب چهارشنبه به جمکران مشرّف شود به زیارت آقا نایل می گردد؟

پاسخ

در مورد مسجد جمکران دلیل خاصّی نداریم که اگر کسی چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران برود به زیارت حضرت مهدی (ع) مشرّف می شود. ولی این مطلب را می توان از راه دیگری به اثبات رسانید، وآن اینکه: مطابق برخی از روایات عدد چهل اثری تکوینی در بروز استعدادها وبه فعلیّت رسیدن آنها دارد. حال اگر کسی به نیّت تشرّف به محضر مبارک حضرت بقیه اللّه الاعظم به این مکان مقدّس شرفیاب شود وجداً از خدا ملاقات را بخواهد. واز طرف دیگر خود را برای ملاقات با آن انسان کامل آماده کند وقابلیّت ملاقات را نیز با اعمال صالحه تحصیل نماید، امید است که به ملاقات آن حضرت شرفیاب گردد، همان گونه که افراد بسیاری به این نتیجه رسیده اند.

اگر امام زمان علیه السلام به همه جا احاطه دارد،پس چرا به جمکران می رویم؟

پرسش

اگر امام زمان علیه السلام به همه جا احاطه دارد،پس چرا به جمکران می رویم؟

پاسخ

آری ما معتقدیم که امام زمان (ع) احاطه علمی دارد وهر کجا که مصلحت ببیند می رود، ولی مسجد جمکران از ویژگی خاصّی برخوردار است:

اولاًـ مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی، این مکان مقدس به امر مبارک امام زمان (ع) ساخته شده وحضرت از مردم خواسته اند تا در این مکان حاضر شده وچهار رکعت نماز با طرز مخصوص آن بخوانند.

ثانیاً: این مکان مقدس در طول قرن ها محلّ اجتماع عشّاق ودلسوختگان حضرت است که از اطراف وبلاد مختلف به آن مکان می آیند، ولذا ما نیز می توانیم از برکات آن مکان مقدس بهره مند شده واز نفوس دیگران نیز استفاده نماییم. ولذا گفته اند که دست خدا با جماعت است.

ثالثاً: نفس حرکت به سوی محبوب از راه دور برای رسیدن به او آثار وبرکات عجیبی دارد. از یک طرف باعث توجّه بیشتر او به انسان شده واز طرف دیگر انسان را در توجّه بیشتر به آن حضرت ترغیب می نماید.

۱– آیا اینکه می گویند مسجد جمکران را خود آقا امام زمان (عج) کُلنگ آن را به زمین زده و دستور ساخت آن را داده اند صحت کامل دارد یا نه ؟

پرسش

۱- آیا اینکه می گویند مسجد جمکران را خود آقا امام زمان (عج) کُلنگ آن را به زمین زده و دستور ساخت آن را داده اند صحت کامل دارد یا نه ؟

پاسخ

خواهرمحترم، زائر با معرفت حضرت رضا (علیه السلام)،قبل از پاسخ به سؤال شما چند بیت از غزل مرحوم فیض کاشانی را تقدیم می نماییم.

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر،دگر باره جوان خواهد شد

یعنی ای تیره شب غیبت مهدی روزی از دم صبح حضورش نمایان خواهد شد

عالم پر شد از جور و ستم، باکی نیست از قدوم شه دین امن و امان خواهد شد

این اباطیل و اکاذیب که شایع شده است همه را حضرت او محو کنان خواهد شد

در شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان ۳۹۳ حسن بن مثله در خانه خود بود که گروهی به منزل او آمده و او را به منطقه

فعلی مسجد جمکران برده اند در آنجا دیداری، رخ می دهد و حضرت می فرماید که به نزد حسن مسلم که در این زمین کشاورزی می کند ، برو و بگو این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمینهای دیگر برگزیده و دیگر نباید در آن کشاورزی کند .

همچنین آقا فرموده اند؛ که بر نزد سید ابو الحسن برو و به او بگو حسن مسلم را احضار کند و سود چندین ساله را از زمین بدست آورد .و وصول کند و با آن مسجد را بنا کند . و بزی نیز در گله جعفر کاشانی است آن را خریداری کن و هر بیماری که از آن گوشت بخورد ، حق تعالی

او را شفا میدهد .

حسن بن مثله می گوید: شب به خانه رفتم و صبحگاه با اتفاق علی تنذر به همان موضع برگشتیم و در آنجا زنجیرهایی دیدیم که طبق فرموده امام (علیه السلام) حدود بنای مسجد جمکران را نشان می دهد . پس نزد سید ابو الحسن در قم رفتیم که ایشان طبق خوابی که دیدند منتظر بودند .

پس با هم راهی جمکران شدند ،در گله جعفر کاشانی بزی را با همان نشانی دیدند و خریدند و جعفر سوگند یادکردند که این بز در گله حسن نبوده است، آن را به جایگاه مسجد آورده و کشتند و هر بیماری آن را می خورد شفا می گرفت.

حسن مسلم را احضار کردند منافع زمینی را از او گرفتند و مسجد جمکران را با چوب و دیوار پوشاندند، سید زنجیرها و میخها را با خود به منزل برد و هر بیمار درد مندی که خود را به آن می مالید شفا می گرفت .

ولی پس از فوت سید ابو الحسن آن زنجیرها نیز پنهان شدند و کسی آنها را ندید .

مسجد شریف جمکران در شش کیلو متری قم واقع شده و همواره پذیرای مشتاقان و شیفتگان حضرتش از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد .

این مسجد در طول قرون چندین بار تعمیر شده است از جمله در زمان حسن نبی مثله ، زمان مرحوم صدوق ، زمان صفویه و در زعامت حضرت آیه الله حائری و بدست مرحوم محمد تقی بافقی

این مسجد را مسجد جمکران نامیدند ، بخاطر قرار گرفتن در قریه جمکران و مسجد حسن مثله چون بنای اولیه بدست او بوده و مسجد

صاحب الزمان (عج)چون به امر حضرت بناشد و حضرت مکرر در آنجا دیده شده.

منابع :

۱-نجم الثاقب ، مرحوم نوری

۲- بحار،ج ۵۳ ، علامه مجلسی

۳-دیدار یار ، استاد کرمی

۴-الزمام ناصب ، مرحوم شیخ علی یزدی حائری ،ج ۲

۵-تاریخ قم ، ج ۱و۲،مرحوم محمد علی کچوی

مختصری در مورد مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پرسش

مختصری در مورد مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پاسخ

مسجد مقدّس جمکران در ۶ کیلومتری استان مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد. این مکان مقدّس، تحت توجهات و عنایات خاصه حضرت بقیهاللّٰه الاعظم«علیه السلام» قرار دارد و آن حضرت از شیعیانشان خواسته اند که به این مکان مقدّس روی آورند، زیرا این مکان مقدّس، دارای زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است.

لذا سزاوار است که زائران عزیز، از برکات این مکان مقدّس، حداکثر استفاده را ببرند و مراقب باشند که مسائل فرعی توجّه شان را به خود جلب نکند و خود را در برابر حضرت مهدی«علیه السلام» حاضر ببینند و از انجام اعمالی که قلب مبارك آن حضرت را آزرده می سازد خودداری کنند.

شایان توجه است ه علماء و شیفتگان آن حضرت استفاده های فراوان از این مسجد مقدّس برده اند. بنابراین سعی کنید در این مکان مقدّس، لحظاتی را با آن عزیز خلوت کرده و خالصانه برای ظهور مقدّس حضرتش دعا کنید؛ چرا که برطرف شدن گرفتاریها تنها با ظهور آقا امکان پذیر است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پرسش

در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پاسخ

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارك رمضان سال ۳۹۳(و به قولی ۳۷۳) در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه، جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: «برخیز و مولای خود حضرت مهدی«علیه السلام» را اجابت کن که تو را طلب نموه است.»

آنها مرا به محلی که اکنون مسجد جمکران است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است. آن پیر، حضرت خضر«علیه السلام» بود. که مرا امر به نشستن نمود.

حضرت مهدی«علیه السلام» مرا به نام خودم خواند و فرمود: «برو به حسن مسلم - که در این زمین کشاورزی می کند - بگو: این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است، و دیگر نباید در آن کشاورزی کند».

عرض کردم یا سیّدی و مولای! لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم وگرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند!

آقا فرمودند: «تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما نشانه هایی برای آن قرار می دهیم، و همچنین نزد سیدابوالحسن - یکی از علمای قم - برو و به او بگو: حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است، وصل کند و با آن پول در این زمین مسجدی بنا نماید.

« بخش پاسخ به سؤالات »

بنیاد مسجد جمکران بر چه اساسی است؟

پرسش

بنیاد مسجد جمکران بر چه اساسی است؟

پاسخ

در کتاب مونس الخرین فی معرفهْ الحق و الیقین، از تألیفات شیخ صدوق آمده است که شیخ حسن بن مثله جمکرانی گوید: شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان سال ۳۷۳ در خانه خود بودم که ناگهان جماعتی آمدند و مرا صدا زدند و گفتند که حضرت مهدی (عج) شما را طلبیده اند.

به همراه جماعت به مکانی که هم اکنون مسجد مقدس جمکران در آن واقع شده است.

رفتیم. در آن جا حضرت به من فرمود: " به صاحب این زمین(حسن بن مسلم) بگو که این این زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده است.

برو نزد سید ابوالحسن و به او بگو که این زمین را از حسن بن مسلم بگیرد و با همکاری مردم در این زمین مسجدی بنا کنند و به مردم بگو تا به این مکان توجه کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در این جا به جا آورند" .

سپس حضرت دستور خواندن نماز را به وی داد. حسن بن مثله می گوید: به حضرت عرض کردم: برای این که دیگران حرف من را بپذیرند، احتیاج به دلیل و نشانه است، چون که مردم حرف بی دلیل را نمی پذیرند. حضرت فرمود: ما نشانه ای و علامتی می گذاریم تا قول تو تصدیق شود. برو نزد سید ابی الحسن الرضا و به او بگو که این کارها را انجام دهد... .

من به خانه آمدم و فردا صبح به همراه "علی المنذر" نزد سید ابوالحسن الرضا رفتیم و سید ابوالحسن گفت: از سحر تا کنون من در

انتظار شما بودم. تو اهل جمکرانی؟ گفتم آری . گفت: این حسن مثله! من خوابیده بودم . در خواب شخص به من گفت: بامداد مردی از جمکران به نام حسن مثله پیش تو می آید. باید سخنش را تصدیق کنی. سخن او سخن ما است. من هم ماجرا را گفتم و به فرمان ناحیه مقدسه این مسجد ساخته شد.[۱]

البته این مسئله صرفاً نقل قول است و قابل اعتماد نمی باشد، ولی فعلاً مسجد جمکران مسجد با برکتی است و بعید نیست مورد نظر امام زمان قرار گرفته باشد.

۱[۱] ر.ك: بحار، ج ۵۳، ص ۲۳۰ ۲۳۴.

لطفاً به طور مختصر تاریخچه مسجد جمکران و حوزه علمیه قم را بنویسید.

پرسش

لطفاً به طور مختصر تاریخچه مسجد جمکران و حوزه علمیه قم را بنویسید.

پاسخ

۱ - تاریخ بنای مسجد جمکران مستند به دیدار شخصی عالم به نام شیخ عفیف صالح (حسن بن مثله جمکرانی "ره") در سال ۳۹۳ هجری قمری با حضرت صاحب العصر (عج) و اجرای امر حضرت مبنی بر ساختن مسجدی در مکان فعلی است که شیعیان حضرت در آن اجتماع کرده و برای ظهور حضرتش دعا کنند.(۱)

۲ - حوزه علمیه قم در زمان مرحوم آیت الله حایری یزدی با شکوه شد. البته قم به دلیل موقعیت خاص دینی و تاریخی و علمی، از قبل دارای سابقه درخشانی بوده است. علمای بسیاری بزرگی در این شهر درخشیدند. در زمان معصومان (ع)، بسیاری از راویان، محدثان و علمای بزرگ در این شهر زندگی می کردند.

۱ - شیخ محمد حسین ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص ۱۴۹.

در مورد مسجد جمکران و ارتباط آن با امام زمان(عج) و تاریخ تأسیس و مؤسس آن توضیحاتی ارائه نمایید.

پرسش

در مورد مسجد جمکران و ارتباط آن با امام زمان(عج) و تاریخ تأسیس و مؤسس آن توضیحاتی ارائه نمایید.

پاسخ

شیخ صدوق در کتاب "مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین" نوشته است: شیخ حسن بن مثله جمکرانی گوید: شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در خانه خود بودم که ناگهان جماعتی آمدند و من را صدا زدند و گفتند که حضرت مهدی(عج) شما را طلبیدهاست.

به همراه جماعت به مکانی که هم اکنون مسجد مقدس جمکران در آن واقع شده است، رفتیم؛ در آن جا حضرت به من فرمود: به صاحب این زمین (حسن بن مسلم) بگو که این زمین، زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده است. نزد سید ابوالحسن برو و به او بگو که این زمین را از حسن بن مسلم بگیرد و با همکاری مردم در این زمین مسجدی بنا گردد و به مردم بگو تا به این مکان توجه کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در این جا به جا آورند.

سپس حضرت خواندن نماز مخصوص در این مکان را به وی آموخت.

حسن بن مثله جمکرانی می گوید: به حضرت عرض کردم: برای این که دیگران حرف من را بپذیرند، به دلیل و نشانه نیاز دارد، چون که مردم حرف بی دلیل را نمی پذیرند. حضرت فرمود: ما نشانه ای و علامتی قرار می دهیم تا سخن تو تصدیق شود. برو نزد سید ابوالحسن الرضا و به او بگو که این کارها را انجام دهد... .

من به خانه ام بازگشتم و فردا صبح به همراه "علی

المنذر" به خانه سید ابوالحسن الرضا رهسپار شدیم. وقتی که به منطلش رسیدیم، دیدیم که خدمت گزاران سید می گیوند: آقا از سپیده دم تا کنون منتظر شما است. آیا از جمکران آمده اید. گفتم: آری. پس نزد سید رفتیم و بعد از سلام و احوالپرسی به من گفت: ای حسن بن مثله! من خوبیده بودم. در خواب شخصی به من گفت: بامداد مردی از جمکران به نام حسن بن مثله پیش تو می آید. باید سخنش را تصدیق کنی. سخن او سخن ما است.

من هم ماجرا را گفتم و به فرمان ناحیه مقدسه این مسجد ساخته شد.۱

در خصوص چاه مقدس مسجد جمکران توضیح دهید و این که با وجود خشک بودن این چاه نامه هایی که در آن انداخته می شود اعتبار دارد؟ این نامه ها چگونه به دست حضرت مهدی (عج) می رسد؟

پرسش

در خصوص چاه مقدس مسجد جمکران توضیح دهید و این که با وجود خشك بودن این چاه نامه هایی که در آن انداخته می شود اعتبار دارد؟ این نامه ها چگونه به دست حضرت مهدی (عج) می رسد؟

پاسخ

آنچه که اهمیت دارد و اکنون مکان مقدس به حساب می آید مسجد جمکران است و چاه آبی که در آن قرار دارد اهمیت ندارد، زیرا آنچه در برخی متون دینی بدان سفارش شده، آن است که انسان نیازها و خواسته های خویش را در نامه ای نوشته و آن را در یکی از قبور ائمه(ع) و یا در نهر و یا چاهی عمیق بیاندازد که حضرت امام زمان(ع) متصدی پاسخ گویی خواسته و نیاز ها خواهد بود.۴

در خصوص چگونه رسیدن نامه به امام زمان(ع) و نحوه پاسخگویی حضرت، اطلاعات دقیقی وجود ندارد، از این رو نمی توان راهکارهای معیّنی را در این خصوص بیان نمود. البته چگونه رسیدن نامه به امام زمان(ع) و نحوه رسیدگی حضرت به نامه ها چندان اهمیت ندارد، آنچه اهمیت دارد و باید دانست آن است که حضرت به مشکلات مردم رسیدگی نموده و ناظر بر اعمال انسان ها است. از برخی روایات استفاده می شود که امام زمان(ع) به مشکلات مردم رسیدگی نموده و او حجت خدا بر زمین است و به شکل های مختلف پاسخگویِ خواسته های مشروع مردم است.

۴ شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۹۱.

درباره بنای مبارک مسجد جمکران توضیح مختصری دهید.

پرسش

درباره بنای مبارک مسجد جمکران توضیح مختری دهید.

پاسخ

شیخ صدوق در کتاب "یونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین" نوشته است: شیخ حسن بن مثله جمکرانی گوید: شب سه شنبه هفدهم ماه مرضان سال ۳۷۳ هجری قمری در خانه خود بودم که ناگهان جماعتی آمدند و مرا صدا زدند و گفتند که حضرت مهدی(عج) شما را طلبیده است.

به همراه جماعت به مکانی که هم اکنون مسجد مقدس جمکران در آن واقع شده است. رفتیم در آن جا حضرت به من فرمود: به صاحب این زمین (حسن بن مسلم) بگو که این زمین، زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده است. نزد سید ابوالحسن برو و به او بگو که این زمین را از حسن بن مسلم بگیرد و با همکاری مردم در این زمین مسجدی بنا گردد و به مردم بگو تا به این مکان توجه کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در این جا به جا آورند.

سپس حضرت خواندن نماز مخصوص در این مکان را به وی آموخت.

حسن بن مثله جمکرانی می گوید: به حضرت عرض کردم: برایاین که دیگران حرف من را بپذیرند، به دلیل و نشانه نیاز دارد. چون که مردم حرف بی دلیل را نمی پذیرند. حضرت فرمود: ما نشانه ای و علامتی قرار می دهیم تا سخن تو تصدیق شود. برو نزد سید ابوالحسن الرضا و به او بگو که این کارها را انجام دهد... .

من به خانه ام باز گشتم و فردا صبح به همراه "علی المنذر" به خانه سید ابوالحسن رهسپار شدیم. وقتی که به منزلش رسیدیم،

دیدیم که خدمت گزاران سید می گویند: آقا از سپیده دم تا کنون منتظر شما است. آیا از جمکران آمده اید؟ گفتم: آری. پس نزد سید رفتیم و بعد از سلام و احوال پرسی به من گفت: ای حسن بن مثله! من خوابیده بودم. در خواب شخصی به من گفت: بامداد مردی از جمکران به نام حسن بن مثله پیش تو می آید. باید سخنش را تصدیق کنی. سخن او سخن ما است.

من هم ماجرا را گفتم و به فرمان ناحیه مقدسه این مسجد ساخته شد.[۱]

[۱] مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۰ – ۲۳۴.

آیا صحت دارد امام زمان(ع) در مسجد جمکران ظاهر شده و افراد مریضی شفا گرفته اند؟

پرسش

آیا صحت دارد امام زمان(ع) در مسجد جمکران ظاهر شده و افراد مریضی شفا گرفته اند؟

پاسخ

در این مورد داستان هایی نقل شده که عنایت امام زمان(ع) به این مسجد و حتی شفای بعضی بیماران را ثابت می کند. در این باره می توانید به کتاب شیفتگان مهدی(ع) اثر آقای قاضی زاهدی مراجعه فرمایید.

چگونه نامه هایی که در مسجد جمکران به چاه می اندازند، به دست امام زمان(ع) می رسد؟ آیا این چاه پر نمی شود؟

پرسش

اشاره

چگونه نامه هایی که در مسجد جمکران به چاه می اندازند، به دست امام زمان(ع) می رسد؟ آیا این چاه پر نمی شود؟

پاسخ

از روایتی که در مورد نوشتن حاجت خود در نامه و انداختن آن به قبر یکی از امامان(ع) و یا به چاه یا به جوی آب نقل شده و چگونگی آن در منتهی الأمال مرحوم شیخ عباس قمی آمده،[۱] استفاده می شود که نامه حاجت توسط یکی از نواب خاص امام زمان(ع) (عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری) به دست حضرت می رسد. البته شاید این مسئله از روایات معتبر نباشد و اعتبار و عدم اعتبار این گونه روایات و معنای آن ها مورد بحث جدی است.

باید توجه داشت لازم نیست نامه حاجت به دست امام عصر(ع) برسد. مهم اصل، ارتباط با حضرت است که به راه های

مختلف می تواند صورت گیرد و نوشتن نامه و درخواست حاجت از امام زمان(عج) یکی از راه های ارتباط با حضرت است و ارتباط با آن وجود مقدس و استغاثه به آن جناب و درخواست حل مشکلات از بقیه الله الأعظم حضرت ولی عصر(ع) یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت کبری است. همین که انسان به وسیله دعا یا نامه با حضرت ارتباط برقرار کرد، حضرت آگاه می گردد، زیرا امامان دارای علم لدنی هستند و اگر بخواهند، از افکار و خواست های باطنی انسان آگاه می شوند. امام صادق(ع) فرمود: "هرگاه امام بخواهد چیزی را بداند، خداوند آن را به وی اعلام می کند".[۲]

پس کسی که نامه حاجت نوشت، امام زمان(ع) آگاه می شود و لازم نیست نامه به دست حضرت برسد،

بلکه مقصود توجه به امام زمان است که شخص را واداشته قلمی بردارد و برای امام درد دل و حاجتی بنویسد.

در مورد چاه مسجد مقدس جمکران، مسئول پاسخ به سؤالات آن مسجد در تماس تلفنی گفت: با توجه به این که در داخل تعدادی از نامه ها نذورات گذاشته می شود، نامه ها از داخل چاه بیرون آورده می شود، ولی محتویات آن خوانده نمی شود، و پس از برداشتن نذورات نامه ها در آب جاری ریخته شده یا خمیر می گردد. [۱]شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۴۹۲ – ۴۹۱ (حالات امام زمان(ع))، نیز،رک: مفاتیح الجنان، ص ۱۱۴۳ (کیفیت رقعه حاجت).

[۲]اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۳.

آیا در کنار مسجد جمگران چاهی است که نامه حاجت در آن بیندازند که به دست امام زمان(ع) برسد؟

پرسش

آیا در کنار مسجد جمگران چاهی است که نامه حاجت در آن بیندازند که به دست امام زمان(ع) برسد؟

پاسخ

در کنار مسجد جمکران چاهی است که توسط مسئولین آن مسجد کنده شده تا مراجعه کنندگان و زائران در صورت نیاز، نامه حاجت در آن چاه بیندازند، اما

این که هر نامه ای به دست امام زمان می رسد، بحث دیگری است. البته امام زمان به لطف خداوند و اذن او از بسیاری از اسرار و انسان ها آگاه است، خواه در نامه ای ذکر شود، یا نشود.

مسجد جمکران چه ارتباطی با حضرت مهدی (عج) دارد؟

پرسش

مسجد جمکران چه ارتباطی با حضرت مهدی (عج) دارد؟

پاسخ

از دو جهت مسجد مقدس جمکران با امام زمان (عج) ارتباط دارد:

یکم: از برخی کتب تاریخی و دینی استفاده می شود که مسجد جمکران به دستور امام زمان (عج) تأسیس شده که شرح به

وجود آمدن آن چنین است: شیخ عفیف صالح بن حسن مثله جمکرانی گزارش داده است: محمد حسین ناصر الشریعه، تاریخ قم، ص ۱۴۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۰.

در خواب دیدم که جماعتی آمدند و گفتند که از خواب برخیز و دستور امام زمان (عج) را اجابت و اطاعت کن. من بیدار شده و آماده شدم.

در این هنگام آوازی شنیدم که گفت: این پیراهن را نپوش که از تو نیست و پیراهن دیگری که از تو است بپوش... مرا بیاورند به جائی که الان مسجد است، دیدم در آن جا تختی نهاده شده و روی آن فرشی گسترده و بالش های نیکو نهاده و جوانی سی ساله بر آن تکیه زده است و کنار او پیرمردی نشسته و بر او کتاب می خواند و پیش از شصت نفر در این زمین گرد او نماز می خوانند.

بعضی ها لباس های سفید و برخی لباس های بر تن دارند و آن پیرمرد حضرت خضر بود. حضرت به من دستور داد که برو به "حسن مسلم" بگو که چند سال است در این زمین عمارت و کشاورزی می کنی، و از این به بعد اجازه زراعت و عمارت نداری. اگر از این به بعد زراعت و عمارت کردی، باید با منافع آن مسجد بنا کنی. به حسن مسلم بگو: این زمین شریفی است که خدای تعالی این زمین را بر زمین های دیگر برتری داده

و آن را بر گزیده است.

پس حضرت فرمود: حسن مثله باید به حضور سید ابوالحسن رفته و همراه او نزد حسن مسلم بروید و انتفاع چند ساله مسجد را گرفته، به دیگران دهید تا مسجد را بنا کنند من همراه سید ابوالحسن الرضا به خدمت حسن مسلم رفته و منافع زمین را از او گرفته و مسجد جمکران بنا گردید و از چوب پوشانده شد.

تاریخ قم، ص ۱۴۹ - ۱۵۲؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۰ - ۱۳۲.

برخی از بزرگان معاصر باور دارند که دستور ساختن مسجد مقدس جمکران در بیداری بوده است. آیت الله ناصر مکارم شیرازی در جواب این

مسجد جمکران ÔÚŠÓKKĀاش چیست؟ در این باره اطلاعاتی در اختیار ما بگذارید.

پرسش

مسجد جمکران تاریخچه اش چیست؟ در این باره اطلاعاتی در اختیار ما بگذارید.

پاسخ

شیخ صدوق در کتاب "مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین" نوشته است: شیخ حسن بن مثله جمکرانی گوید: شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در خانه خود بودم که ناگهان جماعتی آمدند و من را صدا زدند و گفتند که حضرت مهدی(عج) شما را طلبیده است.

به همراه جماعت به مکانی که هم اکنون مسجد مقدس جمکران در آن واقع شده است، رفتیم؛ در آن جا حضرت به من فرمود: به صاحب این زمین (حسن بن مسلم) بگو که این زمین، زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده است. نزد سید ابوالحسن برو و به او بگو که این زمین را از حسن بن مسلم بگیرد و با همکاری مردم در این زمین مسجدی بنا گردد و به مردم بگو تا به این مکان توجه کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در این جا به جا آورند.

سپس حضرت خواندن نماز مخصوص در این مکان را به وی آموخت.

حسن بن مثله جمکرانی می گوید: به حضرت عرض کردم: برای این که دیگران حرف من را بپذیرند، به دلیل و نشانه نیاز است، چون که مردم حرف بی دلیل را نمی پذیرند. حضرت فرمود: ما نشانه ای و علامتی قرار می دهیم تا سخن تو تصدیق شود. برو نزد سید ابوالحسن الرضا و به او بگو که این کارها را انجام دهد... .

من به خانه ام بازگشتم و فردا صبح به همراه "علی المنذر" به خانه سید ابوالحسن الرّضا

رهسپار شدیم. وقتی که به منزلش رسیدیم، دیدیم که خدمت گزاران سید می گویند: آقا از سپیده دم تا کنون منتظر شما است. آیا از جمکران آمده اید؟ گفتم: آری. پس نزد سید رفتیم و بعد از سلام و احوالپرسی به من گفت: ای حسن بن مثله! من خوابیده بودم. در خواب شخصی به من گفت: بامداد مردی از جمکران به نام حسن بن مثله پیش تو می آید. باید سخنش را تصدیق کنی. سخن او سخن ما است.

من هم ماجرا را گفتم و به فرمان ناحیه مقدسه این مسجد ساخته شد.(۱)

پی نوشت ها:

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ۲۳۰ ۲۳۴.

در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پرسش

در مورد تاریخچه مسجد مقدّس جمکران توضیح دهید.؟

پاسخ

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳(و به قولی ۳۷۳) در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه، جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: «برخیز و مولای خود حضرت مهدی((علیه السلام)) را اجابت کن که تو را طلب نموه است.»

آنها مرا به محلی که اکنون مسجد جمکران است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است. آن پیر، حضرت خضر((علیه السلام)) بود. که مرا امر به نشستن نمود.

حضرت مهدی((علیه السلام)) مرا به نام خودم خواند و فرمود: «برو به حسن مسلم - که در این زمین کشاورزی می کند - بگو: این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است، و دیگر نباید در آن کشاورزی کند».

عرض کردم یا سیّدی و مولای! لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم وگرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند!

آقا فرمودند: «تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما نشانه هایی برای آن قرار می دهیم، و همچنین نزد سیدابوالحسن - یکی از علمای قم - برو و به او بگو: حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است، وصل کند و با آن پول در این زمین مسجد...بنا نماید.

درباره مسجد جمکران توضیح بدهید مگر مسجد جای ذکر و عبادت خدا نیست پس مسجد امام زمان"ع" چیست و چه کسی و چه زمانی و به چه نیتی ساخته شده است؟

پرسش

درباره مسجد جمکران تَ̃...□Ṣِبدهید مگر مسجد جای ذکر و عبادت خدا نیست پس مسجد امام زمان"ع"

چیست و چه کسی و چه زمانی و به چه نیتی ساخته شده است؟

پاسخ

مسجد صاحب الزمان عجل الله فرجه الشریف در ۶ کیلومتری شهر مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد. این مکان مقدس، تحت توجهات و عنایات خاصه حضرت بقیه ا... قرار دارد و خود آقا از شیعیانشان خواسته اند که به این مکان مقدس روی آورند، زیرا این مکان مقدس دارای زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است. لذا سزاوار است که زائرین عزیز از برکات این مکان مقدس، حداکثر استفاده را ببرند و مراقب باشند که مسائل فرعی توجهشان را به خود جلب نکند و خود را در برابر حضرت مهدی (ارواحنا فداه) حاضر ببینند و از انجام اعمالی که قلب مبارك آن حضرت را آزرده می سازد خودداری کنند. متذکر می گردد که علماء و شفیتگان آقا استفاده های فراوان از این مسجد مقدس برده اند. سعی کنید در این مکان مقدس، لحظاتی را با آقای خود خلوت کرده و خالصانه برای ظهور مقدس حضرتش دعا کنید. زیرا بهبود هر چیز، تنها در سایه قیام شکوهمند آقا امکان پذیر است.

فراموش نکنیم که حق امام زمان ما غصب شده و آقا در نهایت غریبی زندگی می کند و حقیقتاً دل آقا خون است. آقا شاهد تمام مصیبت هایی است که بر شیعیانش وارد می شود. پس ظهور آقا را از درگاه احدیت سبحانه و تعالی بخواهید و چه مکانی بهتر از مسجد شریف جمکران برای دعا کردن جهت ظهور آقا امام زمان "ع".

تاریخچه

مسجد صاحب الزمان "ع"

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ قمری در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه، جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند برخیز و طلب امام مهدی "ع" را اجابت کن که تو را می خواند.

آنها مرا به محلی که اکنون مسجد (جمکران) است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سه ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیری هم پیش او نشسته است، آن پیر حضرت خضر "ع" بود. پس آن پیر مرا بنشاند.

حضرت مهدی "ع" مرا به نام خود خواند و فرمود: برو به حسن مسلم، که در این زمین کشاورزی می کرد، بگو که این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمینهای دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کنند.

حسن بن مثله گفت: یا سیدی و مولای، لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم و الا مردم حرف مرا قبول نمی کنند. آقا فرمودند: تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما خودمان نشانه ایی برای آن قرار می دهیم و پیش سیدابوالحسن برو و به او بگو حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین بدست آورده است وصول کند و با آن پول مسجد را بنا کند.

نماز امام زمان "ع" در مسجد جمکران

امام زمان "ع" به حسن بن مثله جمکرانی فرمود: و به مردم بگو: بدین مکان رغبت کنند و آن

را عزیز دارنـد. و چهـار رکعت نماز در آن گذارنـد. دو رکعت اول به نیت نماز تحیت مسـجد است که در هر رکعت آن یک حمد و هفت قل هو الله احد خوانده می شود و در حالت رکوع و سـجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند. دو رکعت دوم به نیت نمـاز صـاحب الزمـان"ع" خوانـده می شود، بـدین صورت که سوره حمـد را شـروع می کنیم و چون به آیه ایاک نعبـد و ایاک نستعین می رسـیم این آیه شـریفه را صـد مرتبه تکرار می کنیم و بعـد از آن بقیه سوره حمد را می خوانیم، بعد از پایان حمـد سوره قـل هو الله احـد را فقط یکبار می خوانیم و به رکوع می رویم و ذکر سـبحان ربی العظیم و بحمـده را هفت مرتبه، پشت سـر هم تکرار می کنیم و ذکر هر کدام از سجده ها نیز، هفت مرتبه است. رکعت دوم نیز به همین گونه است. چون نماز به پایان برسـد و سـلام داده شود، یکبار گفته می شود: لااله الاالله و به دنبال آن تسبیحات حضـرت زهرا "س" خوانـده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد.

فضیلت خواندن نماز در مسجد جمکران

آنگـاه امـام مهـدی "ع" فرمودنـد: هر کس این دو رکعت نمـاز (نمـاز امـام صـاحب الزمـان) را در این مکان (مسـجد مقـدس جمکران) بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.

حسن بن مثله می گوید: چون من پاره ای راه آمدم، دوباره مرا بازخواندند و فرمودند: بزی در گله جعفر کاشانی است، آن را

خریـداری کن و بـدین موضـع آور و آن را بکش و بر بیمـاران انفـاق کن، هر بیمـار و مریضـی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد.

وی می گویـد: من سـپس به خانه باز گشـتم و تمام شب را در انـدیشه بودم تا اینکه نماز صـبح خوانـده و سـپس به سـراغ علی المنـذر رفتـم و مـاجرای شـب گذشـته را برای او نقـل کردم و بـا او بـه همـان موضـع شـب گذشـته رفتـم. وقـتی که رسـیدیم، زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام "ع" حدود بنای مسجد را نشان می داد، سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتیم و چون به در خـانه او رسـیدیم، خادمـان او گفتنـد که سـید از سـحر در انتظـار تست و تو از جمکران هستی، به او گفتم: بلی، به درون خانه رفتم و سـید مرا گرامی داشت و گفت: ای حسن بن مثله، من در خواب دیدم که شخصی به من گفت که حسن بن مثله نام از جمکران پیش تو می آیـد، هر چه گویـد تصدیق کن و بر قول او اعتماد کن که سـخن او سـخن ماست، و قول او را رد نکن و از هنگـام بیـدار شـدن از خواب تـا این سـاعت منتظر تو بودم و آنگاه بود که ماجرای شب گذشـته را بر وی تعریف کرد.

سید بلافاصله فرمود تا اسبها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدند. چون به نزدیک روستای جمکران رسیدند گله جعفر کاشانی را دیدند، حسن بن مثله به میان گله رفت و آن بز که از پس همه گوسفندان می آمد پیش حسن بن مثله دوید، جعفر

سوگند یاد کرد این بز در گله من نبوده و تاکنون آن را ندیده بودم، به هر حال آن بز را در مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن خورد با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) شفا یافت. حسن مسلم را احضار کرده و منافع زمین را از او گرفتند و مسجد جمکران را با چوب و دیوار پوشانیدند، سید زنجیرها و میخ ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را بدان زنجیر می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می فرمود. ولی پس از فوت سیدابوالحسن، آن زنجیرها پنهان گشته و دیگر کسی آنها را ندید.

این بود تاریخ مختصری از مسجد مقدس جمکران و چگونگی بنای آن و نماز حضرت صاحب الزمان "ع".

مشروح فرمان مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه برای تأسیس مسجد مقدس جمکران را علامه نوری در کتاب شریف نجم ثاقب، صفحه ۲۹۴ و جنه المأوی، صفحه ۲۳۰ از کتاب گرانقدر "مونس الحزین" تألیف شیخ صدوق نقل کرده است.

منابع و مآخذ:

برگرفته از کتاب: مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان، مؤلف: سید جعفر میر عظیمی، ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران

شفا یافتن بیماران در مسجد جمکران و کراماتی که به این مسجد نسبت داده می شود آیا حقیقت دارد؟

پرسش

شفا یافتن بیماران در مسجد جمکران و کراماتی که به این مسجد نسبت داده می شود آیا حقیقت دارد؟

پاسخ

در این رابطه مطالب بسیاری نقل شده که حداقل برخی از آنها قابل اعتماد است. البته ما به طور قطعی نمی توانیم دراین رابطه چیزی بگوییم و پذیرش یا عدم پذیرش قطعی آن هم خللی به اعتقادات وارد نمی سازد. لیکن در عین حالبرخی از آنچه در این باره نقل شده قابل وثوق است.{J

کمی درباره ء تاریخچه ء مسجد جمکران , شرح دهید؟

پرسش

کمی درباره ء تاریخچه ء مسجد جمکران , شرح دهید؟

پاسخ

}در کتاب تاریخ قم آمده است از حسن بن مُثله جمکرانی نقل کرده که وی شبی در ماه رمضان سال ۳۹۳ در خانهخود خوابیده بوده که نیمه های شب جماعتی در خانه او را می زنند ومی گویند برخیز امام زمان تو را می خوانند. ازخواب برخاسته و همراه آنان به موضعی که الآن مسجد جمکران است رفتم. تختی در آنجا دیدم. جوانی در سن ۳۰سالگی بر آن نشسته بود و عده ای نیز در اطراف آن حضرت بودند.

آن حضرت مرا به اسم صدا زدند و فرمودند به حسن بن مسلم بگو این زمین را به مسجد اختصاص دهد و آن را اززمین خود جدا کند (متعلق به او نیست) وی نیز به این امر اقدام کرده و مسجد بنا می گردد.

در هر صورت در حال حاضر مسجد جمکران محل اجتماع و تردد علاقه مندان به امام زمان است و در آنجا مردم بهنماز و دعا مشغول هستند.{

اخیرا بنـده در جهت بازسازی معنوی بار فرهنگی اردوهای زیارتی امان را بیشتر کرده ام فقط راجع به موردی اطلاعات کمتری دارم و آنهم چاه مجاور مسجد مقدس جمکران است که داخل آن عریضه می اندازیم در صورت آگاهی بیشتر لطفا من را مستفیض نمایید.

پرسش

اخیرا بنده در جهت بازسازی معنوی بار فرهنگی اردوهای زیارتی امان را بیشتر کرده ام فقط راجع به موردی اطلاعات کمتری دارم و آنهم چاه مجاور مسجد مقدس جمکران است که داخل آن عریضه می اندازیم در صورت آگاهی بیشتر لطفا من را مستفیض نمایید.

پاسخ

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان می فرماید در کتاب تحفه الزائر از حضرت صادق(ع) نقل شده است که هرگاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد یا از امری خائف باشی در کاغذی این عبارات را بنویس «بسم اللّٰه الرحمن الرحیم اللهم انی اتوجه الیك» تا آخر که در مفاتیح هست و در آخر آن حاجت خود را بنویس و آن را پیچیده در گلوله ای از گِل قرار بده و در آب جاری (مثل آب رودخانه) یا در چاهی بینداز (انشاءاللّٰه) خداوند به زودی گشایش در کارت ایجاد می کند، (مفاتیح الجنان، ص ۹۷۴)

ولی در روایات صحبت از چاه خاصی مثل چاه جمکران نشده است و در این خصوص مستندی نداریم.

قضیه چاه مسجد جمکران چیست. شنیده ام آمریکاییها برای یافتن نفت آن را کنده اند؟ آیا درست است؟

پرسش

قضیه چاه مسجد جمکران چیست. شنیده ام آمریکاییها برای یافتن نفت آن را کنده اند؟ آیا درست است؟

پاسخ

آنچه ما مطلع هستیم از چاه آن است که در ذیل آورده می شود و غیر از آن اطلاعی نداریم:

قضیه چاه امام زمان(ع) در مسجد مقدس جمکران و شهرهای دیگر، از این قرار است که شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان از تحفه الزائر از امام صادق(ع) روایتی نقل می کند که: «هر گاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی، باشد یا از امری خائف و ترسان باشی. در کاغذی بنویس و در آب جاری یا چاه بینداز...». این یک نوع ارتباط و سخن گفتن با خدا است.

در بحارالانوار (ج ۱۰۲، ص ۲۳۴) نیز روایتی هست که می فرماید: «اگر حاجت و گرفتاری داشتی با حضرت حجت (عج) چنین مکاتبه کن و حاجت خود را بنویس و در چاه یا نهر بینداز».

البته معنای عریضه نویسی این نیست که حضرت حجت آن نوشته را باز می کند یا می خواند؛ بلکه خدا و رسول او و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) از نیت های ما و آنچه در ذهن و دل ما می گذرد، آگاهند؛ چه رسد به نوشته های ما، آن هم در صورت گرفتاری و توسّل به آن عزیزان. در واقع خواسته اند به ما یاد دهند که با محبوب و صاحب خود ارتباط برقرار کنیم و همان طور که برای محبوب های دنیوی ابراز علاقه و محبت می نماییم، بتوانیم با مولای خود هم نامه نگاری کنیم.

حال از آنجا که چاه و آب روان در دسترس همه نیست، مؤمنان در بعضی از شهرها و در مسجد جمکران، چاهی حفر نموده اند که مردم عریضه های خود را درون آن

بیندازند.

با سلام، در مورد جمکران و صحت آن چه دلایلی مطرح است؟ با تشکر

پرسش

با سلام، در مورد جمکران و صحت آن چه دلایلی مطرح است؟ با تشکر

پاسخ(قسمت اول)

الف. تاریخچه مسجد

«شیخ عفیف صالح حسن بن مثله جمکرانی می گوید:

شب سه شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان ۳۹۳هجری، در سرای خود خفته بودم که جماعتی به در سرای من آمدند. نصفی از شب گذشته بود، مرا بیدار کردند و گفتند: «برخیز و امر امام محمد مهدی صاحب الزمان، را اجابت کن که تو را می خواند».

حسن بن مثله می گوید: «من، برخاستم و آماده شدم». چون به در سرای رسیدم، جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم. جواب دادند و خوشامد گفتند و مرا به آن جایگاه - که اکنون مسجد (جمکران) است - آوردند.

حضرت امام(ع) مرا به نام خود خواند و فرمود: «برو به حسن بن مسلم بگو: «تو، چند سال است که این زمین را عمارت می کنی و ما خراب می کنیم. پنج سال زراعت کردی و امسال دیگرباره شروع کردی، عمارت می کنی. رخصت نیست که تو دیگر در این زمین زراعت کنی، باید هر چه از این زمین منفعت برده ای، برگردانی تا در این موضع مسجد بنا کنند.»

به حسن بن مسلم بگو: «اینجا، زمین شریفی است و حق تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده و شریف کرده است.

حسن بن مثله می گوید عرض کردم: «سید و مولای من! مرا در این باره، نشانی لازم است؛ زیرا مردم سخن مرا بدون نشانه و دلیل نمی پذیرند».

امام(ع) فرمود: «تو برو رسالت خود را انجام بده. ما در اینجا، علامتی می گذاریم که گواه گفتار تو باشد».

ب. کیفیت نماز تحیّت مسجد

«مردم را بگو تا به این موضع رغبت کنند و عزیز بدارند و چهار رکعت نماز

در این جا بگذارنـد: دو رکعت تحیت مسـجد، در هر رکعتی، یک بار «سوره حمد» و هفت بار سوره «قل هو الله احد» [خوانند]و تسبیح رکوع و سجود را هفت بار بگویند».

ج. کیفیت نماز امام زمان (عج)

«و دو رکعت نمـاز صـاحب الزمـان بگذارنـد، بر این نسق که در [هنگـام خوانـدن سوره «حمـد» چون به «ایـاک نعبـد و ایـاک نسـتعین» برسـند، آن را صـد بار بگوینـد و بعـد از آن، «فاتحه» را تا آخر بخوانند. رکعت دوم را نیز به همین طریق انجام دهند. تسبیـح رکوع و سـجود را نیز هفت بـار بگوینـد. هنگـامی که نمـاز تمـام شـد، تهلیل (لا اله الاالله) و تسبیـح فاطمه زهرا(س) را بگویند. آن گاه سر بر سجده نهاده، صد بار صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستند».

این نقل، از لفظ مبارک امام(ع) است که فرمود:

«فمن صلّا هما، فکانما صلی فی البیت العتیق» ؛ «هر کس، این دو رکعت (یا این دو نماز) را بخواند، گویی در خانه کعبه آن را خوانده است...»

د. ساخت مسجد

حسن بن مثله می گویـد: «در دل خود گفتم که تو اینجـا را یـک زمین عـادی خیـال می کنی، اینجـا مسـجد حضـرت صـاحب الزمان(ع) است».

پس آن حضرت به من اشاره کردند که برو!

چون مقـداری راه پیمودم، بار دیگر مرا صـدا کرده، فرمودنـد: «در گله جعفر کاشانی (چوپان) بزی است، باید آن بز را بخری. اگر مردم پولش را دادند، با پول آنان خریداری کن، وگرنه پول آن را خودت پرداخت کن. فردا شب (شب چهارشـنبه) آن بز را بیاور و در این موضع ذبح کن. آن گاه روز چهارشنبه هجدهم ماه مبارک رمضان، گوشت آن بز را

بر بیماران و کسانی که مرض صعب العلاج دارند، انفاق کن که حق تعالی همه را شفا دهد. آن بز، ابلق است. موهای بسیار دارد. هفت نشان سفید و سیاه، هر یکی به اندازه یک درهم، در دو طرف آن است که سه نشان در یک طرف و چهار نشان در طرف دیگر آن است».

آن گاه به راه افتادم. یک بار دیگر مرا فرا خواند و فرمود: «هفت روز یا هفتاد روز در این محل اقامت کن».

حسن بن مثله می گوید: «من، به خانه رفتم و همه شب را دراندیشه بودم تا صبح طلوع کرد. نماز صبح خواندم و به نزد علی منذر رفتم و آن داستان را با او در میان نهادم. همراه علی منذر، به جایگاه دیشب رفتیم. پس او گفت: «به خدا سوگند که نشان و علامتی که امام(ع) فرموده بود، اینجا نهاده است و آن، اینکه حدود مسجد، با میخ ها و زنجیرها مشخص شده است».

دیدگاه آیه الله مرتضی حائری ؛ فرزند آیهالله حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم.

«مسجد جمکران، یکی از آیات باهرات آن حضرت است. توضیح این مطلب، در ضمن چند جهت - که شاید خیلی ها از آن غافل باشند - بیان می گردد:

۱. داستان مسجد جمکران - که در بیداری واقع شده - در کتاب تاریخ قم از صدوق، نقل شده است.

مرحوم آقای بروجردی که مرد دقیق و ملا-یی بود، می فرمود: «این داستان، در زمان صدوق واقع شده و اینکه او نقل کرده است، دلالت بر کمال صحت آن دارد».

۲. داستان، مشتمل بر جریانی است که مربوط به یک نفر نیست؛ زیرا وقتی صبح مردم بیدار می شوند، می بینند با

زنجیر، علامت گذاشته شده است که مردم باور کنند و این زنجیر، مدتی در منزل سید محترمی (ظاهراً به نام سید ابوالحسن الرضا) بوده است و مردم به آن استشفا می کرده اند و بعداً، بدون هیچ جهت طبیعی، مفقود می شود.

۳. متن دستور [نمازهای مسجد]، موافق با ادله دیگر است؛ برای اینکه هم نماز تحیت مسجد وارد شده است و هم نماز امام زمان(عج) با صد بار «ایاک نعبد و ایاک نستعین» و هم تهلیل و تسبیح فاطمه زهرا(س).کریمه اهل بیت، ص ۴۸۴؛ سر دلبران، ص ۲۴۸-۲۵۰.

پیش گویی امیر المؤمنین(ع)

از امیرمؤمنان(ع) روایت شده که خطاب به حذیفه فرمود: «ای پسر یمانی! در اول ظهور، خروج نماید قائم آل محمد(عج) از شهری که آن را قم گویندتردیدی نیست که قیام نخستین حضرت بقیه الله، أرواحنا له الفداء، از مکه معظمه و کنار خانه خدا است. این حدیث و احادیث مشابه، به حرکت های بعدی آن کعبه مقصود، نظر دارد یا اینکه منشا ظهور حضرت و فراهم شدن شرایط ظهور از شهرقم و مسجد جمکران است. و مردم را دعوت به حق می کند، همه خلایق از شرق و غرب، به آن شهر روی آورند و اسلام، تازه شود... ای پسر یمانی! این زمین، مقدس است، از همه لوث ها، پاک است... عمارت آن، هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد. رایت وی بر این کوه سفید بزنند، به نزد دهی کهن، که در جنب مسجد است، و قصری کهن - که قصر مجوس است - و آن را «جمکران» خوانند. از زیر یک مناره آن مسجد بیرون آید، نزدیک آنجا که آتش خانه گبران بوده...». انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۵۳. به نقل از مونس الحزین (از

تصنیفات شیخ صدوق).

از این حدیث شریف، استفاده می شود به طوری که مسجد سهله در دوران ظهور حضرت بقیه الله، پایگاه آن حضرت خواهد بود. مسجد مقدس جمکران نیز در عصر ظهور، جایگاه خاصی دارد و پایگاه دیگری برای آن حضرت خواهد بود.

ختم زیارت عاشورا

در عصر زعامت مرحوم آیه الله حاج سید محمد حجت، قحطی و گرانی سختی پدید آمد؛ به طوری که نان سنگک دانه ای یک تومان شد، در حالی که شهریه طلاب در ماه فقط ده تومان بود.

مرحوم آیت الله حجت، به چهل تن از طلاب مهذّب و متدین دستور داد که به مسجد مقدس جمکران مشرف شوند و در پشت بام مسجد، به صورت دسته جمعی، زیارت عاشورا را با صد سلام و لعن و دعای صفوان بخوانند و به حضرت موسی بن جعفر(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) و حضرت علی اصغر(ع) متوسل شوند و رفع گرانی و نزول باران را از خداوند متعال بخواهند.

چهل طلبه مهذب و متدین، طبق فرمان مرجعیت اعلای تشیع، به میعادگاه عاشقان شرف یاب شدند. بعد از ادای نماز تحیت و نماز حضرت بقیه الله - أرواحنا له الفداء - و توسّل به ذیل عنایت فرمانروای جهان هستی، به پشت بام مسجد رفتند، ختم زیارت عاشورا را، طبق دستور آن مرجع وارسته، انجام دادند و حوایج خود را با شفیع قرار دادن سه تن باب الحوائج، به درگاه حضرت احدیت، عرضه داشتند و مسجد را به قصد قم ترک کردند.

راه قدیمی مسجد جمکران، از طرف روستای جمکران بود. گروه چهل نفری طلاب، هنوز به ده جمکران نرسیده بودند که دریای رحمت گشوده شد و باران رحمت، سیل آسا فرو ریخت.

دعا

در جمکران

در اینجا یاد آوری این نکته لازم است که در مسجد مقدس جمکران، از دعاهای مربوط به حضرت بقیهالله – أرواحنا له الفداء – «دعای نـدبه»، «دعای سـلام الله الکامل»، «زیارت آل یاسـین» و «دعای عهد»... به ویژه از دعای «اللهم عظم البلاء..» – که بعد از نماز حضرت صاحب الزمان(عج) به آن امر شده است – غفلت نشود». فصل نامه انتظار، ش ۵.

نکته ای مهم

از تاریـخ مسـجد قبـا که ثواب یک نماز در آن برابر انجام یک عمره است و اولین مسـجد مهمی بود که پیامبر(ص) بنا فرمود، نکته مهمی اسـتفاده می شود که برای مسـجد مقـدس جمکران نیز مفیـد است و آن اینکه مسـجد قبـا بـا وجودی که افتخارات زیادی دارد از قبیل اینکه پیامبر اکرم(ص) دسـتور ساخت آن را دادند، و خود آن حضـرت در ساخت آن مشارکت نمودند، با دست های خود کارگری و بنایی کردند و در آن نماز خواندند و هر هفته نیز دوشنبه ها برای اقامه نماز به آنجا می رفتند؛ ولی با وجود این همه فضـیلت وقتی خداونـد در قرآن از مسـجد قبا تعریف و تمجید می کند، به دو نکته اشاره می نماید که هر دو نکته در مسجد جمکران موجود است:

۱. اساس آن از روز اول بر تقوا نهاده شده است: صـلی الله علیه وسـلم لمسـجد اسـس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه رحمهما الله توبه (۹)، آیه ۱۰۸.

۲. در آن کسـانی هسـتند که دوست دارنـد پـاک گردنـد: «فیه رجـال یحبون ان یتطهروا» . در نتیجه این دو ملاـک در هر کجا باشد دیگر نیازی به جست و جوی ادله دیگر و سند و شجره نامه آن مکان نداریم.

مسجد جمکران

مکانی است که بیش از هزار سال مؤمنان در آن به نماز و توبه و تضرّع مشغول و نـدای «یا صاحب الزمان» دل شکستگان در آن مکان مقدس همه را به یاد قطب عالم امکان بقیه اللّه الاعظم انداخته و یاد حضرت را همیشه در دل ها زنده نگه می دارد.

چاه امام زمان

سؤال. قضیه و تاریخچه چاهی که در مسجد مقدس جمکران است چیست؟

پاسخ. در پاسخ باید گفت نه تنها در جمکران؛ بلکه در بعضـی از شـهرها معمولاً محلی به نام چاه صاحب الزمان موجود است که برخی گمان می کنند حضـرت دسـتور حفر آن را داده یا ایشان در آنجا دیده شده اند و یا از آب آن چاه نوشیده اند؛ ولی هیچ یک از این نکات صحیح به نظر نمی رسد.

قضـیه چاه امام زمان(ع) در مسجد مقدس جمکران و شهرهای دیگر، از این قرار است که شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان از تحفه الزائر از امـام صـادق(ع) روایتی نقل می کنـد که: «هر گاه تو را حاجتی به سوی خـدای تعالی، باشـد یا از امری خائف و ترسان باشی. در کاغذی بنویس و در آب جاری یا چاه بینداز...». این یک نوع ارتباط و سخن گفتن با خدا است.

در بحارالانوار (ج ۱۰۲، ص ۲۳۴) نیز روایتی هست که می فرمایـد: «اگر حـاجت و گرفتاری داشتی با حضـرت حجت (عـج) چنین مکاتبه کن و حاجت خود را بنویس و در چاه یا نهر بینداز».

البته معنای عریضه نویسی این نیست که حضرت حجت آن نوشته را باز می کند یا می خواند؛ بلکه خدا و رسول او و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) از نیت های ما و آنچه در ذهن و دل ما می گذرد، آگاهند؛

چه رسد به نوشته های ما، آن هم در صورت گرفتاری و توسّل به آن عزیزان. در واقع خواسته اند به ما یاد دهند که با محبوب و صاحب خود ارتباط برقرار کنیم و همان طور که برای محبوب های دنیوی ابراز علاقه و محبت می نماییم، بتوانیم با مولای خود هم نامه نگاری کنیم.

حال از آنجا که چاه و آب روان در دسترس همه نیست، مؤمنان در بعضی از شهرها و در مسجد جمکران، چاهی حفر نموده اند که مردم عریضه های خود را درون آن بیندازند.

ملاقات با امام زمان(عج)

سوال. چه کنیم تا بتوانیم با امام زمان(عج) ملاقات کنیم؟

پاسخ. ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی، نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی، نیاز به تحقق دو بعد (معرفت و عمل) دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد.

نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند

ناگفته نماند که ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات و رؤیت امام زمان(عج) نیستیم. آنچه وظیفه ما است، تشبه به آن بزرگواران و پیمودن راه آنان است. ما باید در همه حال سرباز آماده آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: صلی الله علیه وسلم یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقوالله لعلکم تفلحون رحمهما الله «ای کسانی که ایمان آورده اید! صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید».

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: «صبر کنید بر ادای فرایض (در انجام تکالیف

الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید». کتاب الغیبه، شیخ مفید، ص ۱۰۵.

مرابطه با امام زمان(عج)؛ یعنی، خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن. این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. همچنین باید کارهایی انجام داد که آن حضرت و اصحاب شان انجام می دهند.

قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می فرماید: صلی الله علیه وسلم الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهو عن المنکررحمهما الله «کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را به پا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند».حج، آیه ۴۱.

پاسخ(قسمت دوم)

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرماید: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او».تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷. در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به امور مذکور اهتمام ورزیم.

وظیفه منتظران

خوب است بدانیم که امام زمان(عج) شدیداً به شیعیان خود عشق می ورزد؛ بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. ایشان همواره برای شیعیان خود دعا می کنند. از آن حضرت نقل شده است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم» ؛ «ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم». بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

آنچه بر ما بایسته است،

جلب رضایت آن بزرگوار است. پیوستگی با او، یعنی، مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده، انتظار فرج است. ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از این رو بسیار بجا است که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانیم و سپس آن را در خود عملی کنیم.

رسول خدا(ص) فرمود: «افضل العباده انتظار الفرج» ؛ «برترین عبادات، انتظار ظهور و فرج است». فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید.

وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد. تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد، حتما خانه را تمیز و مرتب وسایل پذیرایی را آماده می نماید و با لباس مرتب و چهره ای شاداب در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده و نه اصلاً به فکر میهمان است؛ اگر ادعا کند که در انتظار میهمان بوده، همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه گویی او خواهند خندید!

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند

بنابراین، انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود، از رفتار و کردار او فهمیده می شود. نمی توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد، در شمار دوستان و منتظران او قلمداد

نمود! آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید».

بـا چنین توضـیحی، روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان(عـج) بایـد رفتارش به گونه ای باشـد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشـد، یعنی، در هر لحظه که این خبر را به او بدهنـد، خوشـحال شود و آماده یاری آن حضـرت باشـد و با مال و جان خویش جهاد کنـد و خود را در راه آن حضـرت فـدا نماید. یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبسـتگی به دنیا نیست؛ چرا که چنین کسی نمی تواند از وابستگی ها، دلبستگی ها و آلودگی ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می توان بعضی از وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد:

۱. معرفت: اولین شـرط انتظـار معرفت است؛ تـا انسان میهمان خود را نشـناسد و از خصوصـیات خوب او مطلع نباشـد، منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسـی می نشـیند که او را خوب بشـناسد، اما اگر انسان کسـی را نشناسد و بداند که آن شـخص خواهـد آمد، برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان(عج) هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی شناسند (مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر)، هرگز انتظار او را نمی کشند؛ اما کسانی که او را می شناسند و ارزش و مقام او را می دانند، منتظر او می مانند.

کسـانی که امـام زمان را نمی شناسـند – اگر چه به ظاهر مسـلمان باشـند – چنانچه در این حال بمیرنـد در حال جاهلیت از دنیا رفته اند؛ چنان که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته

الجاهلیه» ؛ «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است». بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱.

بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان(عج) است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به آن حضرت بیشتر باشد، ارزش او را بیشتر درک کرده و به عظمت او بیش از پیش پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت، هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس ایشان نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند!

وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد که در این آینه صاحب نظران حیرانند

شناخت امام زمان دو گونه است: ۱. شناخت تاریخی وجود آن حضرت؛ مانند اینکه او امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. ۲. شناخت مقام نورانیت آن حضرت؛ که این شناخت کار هر کسی نیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می خواهد. در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی اند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته اند.

برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می شود.

همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد.

۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند دوستی و محبت امام عصر(عج) است. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و

نسبت به او محبت نداشته باشد - هر چند هم که او رابشناسد - نمی تواند واقعا منتظر آمدن او باشد؛ اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید، چگونه می تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان(عج) در وجود انسان شکل نگرفته و شعله ور نشده باشد، نمی تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید. محبت به امام زمان(عج) وظیفه ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است؛ آنجا که در قرآن کریم می فرماید: صلی الله علیه وسلم قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی رحمهما الله شوری، آیه ۲۳.

۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه ای سامان می دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می توان منتظر قدوم کسی بود؛ ولی با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می توان محبت کسی را داشت، اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می شود. تنها در این صورت است که می توان ادعای محبت به آن حضرت را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان(عج) باشد، شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت.

طبیعی است که هر چقدر سنخیت با ولی عصر(عج) بیشتر باشد، محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون تر خواهد

گشت. پس منتظر واقعی باید سعی کند تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد.

۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان(عج) می داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت بوده و با ارتباط با آنها، به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس «تعاونوا علی البر و التقوی» به کمک مؤمنان منتظر، خود را آماده ظهور حضرت بنماید.

۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می کشد و از خدا می خواهد که هر چه زودتر او را برساند. بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان(عج) مورد توصیه آن حضرت نیز می باشد.

۶. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب، عادت دیرینه منتظران عاشقی است که چندی منتظر محبوب خویش هستند؛ اما نتوانسته اند پس از مدت ها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می کنند. به یاد آوردن امام عصر(عج) و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام و عنایت امام به شیعیان، وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می دارند.

۷. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا هدیه نمودن ثواب هایی به حضرت مهدی(عج).

۸. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران.

۹. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت؛ چنان که در روایت

آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما» ؛ «هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد». بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶.

از این رو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می باشد.

۱۰. محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک؛ «عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی...»؛ «بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم». دعای ندبه.

۱۱. اصلاح جامعه؛ فرج یعنی، نصرت، پیروزی، گشایش و مقصود، پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک و بیداد است؛ بنابراین انتظار فرج؛ یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد؛ و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود. ازاین رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است؛ زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گستر او است، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او، چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است. بنابراین انتظار فرج حقیقی، ریشه در معرفت به حق و عدل و

ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی، با لفظ و شعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدسات دینی و رسالت های انسانی در تعارض و تناقض است.

انتظار فرج یعنی:

الف. معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت،

ب. ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه،

ج. عشق به عدالت وارزش های انسانی،

ه. امید به آینده ای روشن و نوید بخش،

ک. تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر،

ح. رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی،

خ. داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری.

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵؛ ره توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۰-۱۹۳ با تصرف.

یادآوری مهم:

درست است که وظیفه ما تلاش برای ملاقات با امام زمان(عج) نیست و حتی بنا بر نظر بعضی از بزرگان تحقق این مسأله خیلی بعید و نادر می باشد و اگر هم ممکن باشد، برای امثال مقدس اردبیلی و علامه حلی قابل تصور است؛ نه انسان های عادی هر چند مؤمن و خوب، البته بحث ملاقات، با بحث ارتباط نباید خلط شود؛ زیرا وظیفه ما ایجاد ارتباط با امام عصر(عج) می باشد. منتظر امام زمان(عج) وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود، از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد،

نماز امام زمان و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران، ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می نماید و برای گره گشایی مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست می کند و خود را در محضر ایشان می بیند.

سؤال. چرا برای سلامتی امام زمان(عج) دعا کنیم؟ در حالی که خداوند اراده نموده ایشان زنده و سلامت بمانند آیا اصلاً امکان دارد آن وجود مبارک دچار کسالت شوند؟

آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

دیوان حافظ، ص ۲۲۳.

دعا برای سلامتی امام زمان(عج) آثار و برکات فراوانی دارد از جمله:

۱. نشانگر علاقه و محبت مسلمانان به ایشان است. اگر چه دوستی تمام ائمه معصومین بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است، در عین حال دعا کردن در حق امام زمان(عج) موجب ازدیاد محبت آن حضرت در دل و در نتیجه موجب تقویت ایمان می گردد.

۲. اظهار تجدید عهد و پیمان با آن حضرت است و محتوای پیمان با آن حضرت را دین داری و شریعت محوری و تصمیم قلبی بر اطاعت امر امام(ع) و یاری رساندن او با نثار جان و مال تشکیل می دهد.

تجدید بیعت با آن حضرت(ع) کاری است که بعد از هر نماز از فرایض پنجگانه، یا در هر روز و یا در هر جمعه مستحب است.

دعای عهد مفاتیح الجنان، ص ۸۹۱ و ۸۹۲. شاهدی برای این سخن است.

۳. سبب زنده نگه داشتن یاد امام غایب در دل منتظران می گردد. یاد امام زمان(عج) توجه به ارزش های دین و اصول اخلاقی را در دلها جوانه می زند و برعکس غفلت از یاد و

خاطره امام یکی از دلایل عمده پژمردگی و سستی ارزش های الهی وانسانی در جوامع مسلمان است.

۴. کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم است، مسلما آزردن آن حضرت برایش سخت است در نتیجه دعا برای سلامتی آن حضرت، انسان را بر انجام کارهایی وامی دارد که موجب خشنودی آن حضرت و در نتیجه سبب رسیدن به مقام رضوان الهی می گردد.

۵. دعا بسیار مؤثر است و موجب فرج آن حضرت و نیز فرج و گشایش در زندگی مؤمنان می شود.

۶. موجب قرب الهی است. امام مهدی(عج) در خصوص زیارت آل یس می فرمایند: «هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند و به ما توجه کنید این زیارت را که از جانب خداوند انشاء شده است بخوانید» مفاتیح الجنان، ص ۸۶۳.

این زیارت که از جهات مختلف، محتوایی عمیق دارد بسیار مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است. از جمله سلام هایی که در این زیارت ادا می شود، از ابتدا تا انتها، دعای برای سلامتی و تندرستی و بهروزی امام زمان(عج) است. «السلام علیك یا خلیفه الله و ناصر حقه... السلام علیك حین تصبح و تمسی، السلام علیك فی الیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی ... السلام علیك بجوامع السلام...» ؛ «سلام بر تو ای جانشین خدا و یاری کننده حق... درود و سلام بر تو هنگامی که بامداد و شام کنی، درود و تهیت الهی بر تو در شب که همه جا را فراگیرد و در روز، در وقتی که نور دهد (یعنی سلام بر تو در هر صبح و شام)...، درود بر تو درودی همه جانبه...».

در دعای بعد از این زیارت نیز معانی

بلندی نهفته است. از جمله عرض می کنیم: خدایا او «امام زمان(عج)» را از شر هر متجاوز و سرکشی و از شر همه خلق خود پناه ده و او را از حوادث یومیه، از پیش رو، و از پشت سر و از طرف چپ، حفظ و نگهداری کن و از این که آسیب و گزندی به او برسد جلوگیری کن و در خصوص او، رسولت و خاندان رسولت را حفظ نما و به دست مبارکش عدل و داد را پدیدار نما! «اللهم اعذه من شر کل باغ و طاغ و من شر جمیع خلقك و احفظه من بین یدیه و من خلقه و عن یمینه و عن شماله و احرسه و امنعه من ان یوصل الیه بسوء واحفظ فیه رسولك و آل رسولك واظهر به العدل...» .

در پایان سخن لازم است یادآور شویم که دعا کردن برای سلامتی و فرج آن حضرت، اطاعت از امر خداوند و نیز اهل بیت پیامبر اکرم(ص) است.

«و هر که خدا و رسولش را اطاعت کند و خداترس و پرهیزکار باشد چنین کسی به فوز و سعادت خواهد رسید». نور، آیه ۵۲.

مستند ساختمان مسجد جمکران چیست؟

پرسش

مستند ساختمان مسجد جمکران چیست؟

پاسخ

مستند مسجد جمکران قضیه ای است که مرحوم حاجی نوری در کتاب "نجم الثاقب" و"جنّه المأوی" و"الکلمه الطیّبه" ونیز میرزا محمّد تقی ارباب قمی در کتاب "تاریخ دارالایمان" ودیگران از کتاب "تاریخ قم" تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی، به نقل از کتاب "مونس الحزین" محمّد بن بابویه معروف به شیخ صدوق نقل کرده اند.

این نقل مشتمل بر قضیّه ای از حسن بن مثله جمکرانی؛ است که در آن اشاره به ملاقاتی شده که او در سال **۲۹۳** هجری در بیداری با امام زمان (ع) داشته است. در این دیدار حضرت به او دستور می دهد که با عالم جلیل القدر سید ابی الحسن الرضا از علمای قم ارتباط پیدا کرده وبا کمک او مسجدی را در این مکان موجود بنا نماید... .

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۰. پاورقی}

قابل توجه اینکه کتاب "انوار المشعشعین" از کتاب "تاریخ قم" واو نیز از کتاب "مونس الحزین" از امیرالمؤمنین (ع)، قضیه به اهتزاز در آمدن پرچم امام زمان (ع) از مسجد جمکران را نقل کرده است.

مدرک نماز خاصّ مستحبی در مسجد جمکران چیست؟

پرسش

مدرك نماز خاصّ مستحبی در مسجد جمکران چیست؟

پاسخ

در قضیّه ای که حسن بن مثله جمکرانی نقل می کند، آمده است: حضرت فرمود: "...در این مکان هفت روز اقامت کن ودر آن چهار رکعت نماز گزار، دو رکعت نماز تحیّت مسجد، در هر رکعت یك بار سوره حمد وهفت بار سوره اخلاص، وتسبیح رکوع وسجود را نیز هفت بار تکرار کن. ودو رکعت نیز نماز به نیّت نماز صاحب الزمان به جای آور، در رکعت اوّل سوره حمد، وهنگامی که به "ایاك نعبد و ایاك نستعین" رسیدی این جمله را صدبار تکرار کن، وبعد از اکمال سوره حمد، یك بار سوره اخلاص را می خوانی، آن گاه ذکر رکوع وسجود را هر کدام هفت بار می گویی، ودر رکعت دوم نیز همین عمل را تکرار می کنی.

بعد از اتمام نماز یك بار ذکر "لا إله الاّ اللّه" می گویی وبعد از تسبیحات حضرت زهرا (ع) صد بار صلوات در سجده می فرستی. آن گاه فرمود: بر تو باد به مواظبت بر این نماز وهر کس در آن مسجد حاضر شود واین نماز را به جای آورد مثل آن است که در بیت العتیق (خانه خدا) نماز گزارده است".

آیا سند قضیه بنای مسجد جمکران معتبر است؟

پرسش

آیا سند قضیه بنای مسجد جمکران معتبر است؟

پاسخ

در مورد بنای مسجد مقدس جمکران وخواندن نماز در آن، احتیاج به بررسی سند این قضیه نیست، زیرا مطابق احادیث صحیح السند که در مورد اعمال مستحب رسیده هرکس به گمان رسیدن به ثواب، عمل مستحبی را انجام دهد به او ثواب داده می شود گر چه آن حدیث واقعیت نداشته باشد.

کلینی به سند صحیح از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "هر کس چیزی از ثواب بر عملی بشنود وآن را انجام دهد، به او پاداش داده خواهد شد گر چه مطابق آنچه به او رسیده نباشد".

برقی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "هرکس از پیامبر (ص) چیزی از ثواب به او برسد ومطابق آن عمل

کند، پاداش آن به او داده می شود گر چه پیامبر آن را نفرموده باشد".

چرا در کتاب "تاریخ قم" که پنج باب دارد اثری از قضیه جمکران نیست؟

پرسش

چرا در کتاب "تاریخ قم" که پنج باب دارد اثری از قضیه جمکران نیست؟

پاسخ

کتاب "تاریخ قم" که الآن در دسترس محقّقین است یک چهارم اصل کتاب می باشد؛ زیرا مطابق آنچه در کتاب آمده این کتاب مشتمل بر بیست باب بوده که تنها پنج باب آن به دست رسیده وچاپ شده است. ولذا احتمال قوی است که قضیه جمکران در آن بخشی از "تاریخ قم" بوده که مفقود شده است. ومرحوم محدّث نوری ومشایخ او بر اصل کتاب دسترسی پیدا نکرده اند. ولذا او این قضیه را از سید نعمت اللّه جزایری نقل کرده که اصل نسخه "تاریخ قم" در دسترس او بوده است.

مسجد جمکران از چه اهمیّت ویژه ای برخوردار است؟

پرسش

مسجد جمکران از چه اهمیّت ویژه ای برخوردار است؟

پاسخ

این مسجد از اهمیّت خاص برخوردار است:

۱ - مسجد، در مکانی بنا شده که مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی از امام زمان (ع)، از مکان هایی است که خداوند متعال از قبل مورد توجه قرار داده است.

۲ - مسجد به امر ودستور حضرت حجت (ع) بنا شده است، وهمین جهت در شرافت وقداست آن کافی است.

۳ - ثواب خاصی که برای نماز در آن مسجد ذکر شده است، زیرا حضرت فرمود: "هر کس آن دو نماز را در این مکان بخواند به مانند آن است که در بیت العتیق نماز به جای آورده است".

۴ - مسجد مقدس جمکران محلّ اجتماع عشّاق وموالیان اهل بیت: خصوصاً امام زمان (ع) است ولذا از جاذبه خاصّی

برخوردار می باشد. چه بسا کسانی که هر هفته از راه های دور به عشق حضرت مهدی (ع) به این مکان آمده واز فیوضات حضرت بهره مند می شوند. طبق آماری که داده شده برخی از شب ها تا حدود یک میلیون نیز در این مکان مقدس از عشّاق امام زمان جمع شده اند.

۵ – این مکان از اماکن مقدس است که بسیاری از گرفتاران وبیماران صعب العلاج بلکه کسانی که محال بوده از راه طبیعی علاج شوند در این مکان مقدّس شفا یافته اند.

۶ – این مکان مقدّس از جمله مکان هایی است که بسیاری از عشّاق وموالیان حضرت به لقای ایشان شرفیاب شده اند.

۷ – این مکان از چنان قداست واحترامی برخوردار است که بزرگان علما در طول تاریخ آن با پای پیاده یا سواره برای توسل به حضرت ونماز گزاردن در آن، از راه های دور ونزدیک، مشرّف شده اند.

آیا چهل بار رفتن به جمکران برای قضای حاجت مدرکی دارد؟

پرسش

آیا چهل بار رفتن به جمکران برای قضای حاجت مدرکی دارد؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق دلیل خاصی وجود ندارد بلکه از سه طریق می توان مشروعیّت آن را به اثبات رسانید:

۱ – سیره متشرّعه از علما وصلحا واتقیا بر مداومت رفتن چهل بار به مسجد جمکران است همان گونه که این عمل در مسجد سهله نیز انجام می شود.

۲ – در روایات بسیاری به این مطلب اشاره شده که هرکس چهل روز خود را برای خدا خالص کند چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می گردد.

{پاورقی . کافی، ج ۲، ص ۱۶ ؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ص ۲۵۸. پاورقی}

۳ – از مجموعه روایات استفاده می شود که عدد چهل در شکوفایی قابلیّت های مادّی ومعنوی تأثیر بسزایی دارد، از آن جمله:

– تأثیر عدد چهل در رشد فرزند در رحم.

– تأثیر شراب خوردن در عدم قبولی نماز تا چهل روز.

- قبولی توبه بهلول نبّاش بعد از چهل روز.

- کناره گیری پیامبر (ص) از خدیجه به جهت انعقاد نطفه حضرت زهرا (س) به مدّت چهل روز.

- چهل روز دعای عهد را خواندن باعث می شود که انسان از یاران امام زمان (ع) باشد.

- امام زمان (ع) هم چهل روز تحت تربیت ملائکه بود.

- طینت حضرت آدم (ع) در چهل روز خمیر شد.

- حضرت موسی (ع) تا چهل روز با خداوند در کوه طور ملاقات داشت.

- پیامبر اکرم (ص) بعد از چهل سالگی به نبوّت مبعوث شد.

- عقل انسان تا چهل سال قابل رشد است.

- شهادت چهل مؤمن بر میّت موجب مغفرت او از جانب خداوند می شود.

- حفظ چهل حدیث انسان را در قیامت، فقیه محشور می کند.

- حدّ همسایه تا چهل خانه است.

-

حریم مسجد تا چهل خانه است.

وسایر موارد.

از این احادیث وموارد دیگر استفاده می شود که عدد چهل در قابلیت بخشیدن ورساندن انسان به کمالات وشکوفا شدن او تأثیر بسزایی دارد، ولذا می توانیم از این موارد الغای خصوصیّت کرده، عدد چهل وچلّه گیری را در تمام موارد کارهای خیر تعمیم دهیم.

سیّد بحرالعلوم می گوید: "ما بالعیان مشاهده کرده ایم وبه بیان دانسته ایم که برای این رقم از عدد "چهل" خاصیّت وتأثیر مخصوصی در ظهور استعدادها وتکمیل ملکات انسانی در طیّ منازل وپیمودن مراحل است".

{پاورقی . رساله سیر وسلوك، ص ۲۳. پاورقی}

آیا شب چهارشنبه به مسجد جمکران رفتن مدرکی دارد؟

پرسش

آیا شب چهارشنبه به مسجد جمکران رفتن مدرکی دارد؟

پاسخ

مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی، که خدمت حضرت مشرّف شد، ملاقات در شب سه شنبه بوده است. حضرت به او دستور می دهد که در میان گله جعفر کاشانی بزی است، بر تو است که آن را خریده ودر این موضع ببری وآن را در شب آینده "شب چهارشنبه" ذبح کنی وگوشت آن را در روز چهارشنبه توزیع نمایی... .

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۲. پاورقی}

از تعبیر ودستور امام (ع) که فرمود: شب چهارشنبه بز را ذبح کن استفاده شده که این شب از ارزش خاصّی برخوردار است، ولذا مخلصین حضرت در این شب مبارك دور هم جمع می شوند وبا استمداد از خداوند متعال وتوسل به آن حضرت درصدد ذبح نفس اماره خویش برآمده وحاجات خود را از آن حضرت طلب می کنند.

مساجد دیگر

اگر می شود نام چندمسجد را نام ببرید که امام زمان(موقع ظهور خود خراب می کند. آیا همین مسجد ما هم احتمال دارد؟ ما می توانیم بحث را به شاید بگیریم و علت اینکه چرا مسجد را خراب می کنند؟

پرسش

اگر می شود نام چندمسجد را نام ببرید که امام زمان(موقع ظهور خود خراب می کند. آیا همین مسجد ما هم احتمال دارد؟ ما می توانیم بحث را به شاید بگیریم و علت اینکه چرا مسجد را خراب می کنند؟

پاسخ

در روایات آمده است که حضرت مهدی(مسجدی را که یزیدبن معاویه بعد از شهادت امام حسین(بنا کرده خراب می کند و هر مسجدی را که برای خدا ساخته نشده ویران می سازد.(۱)

علامه مجلسی در ذیل این روایت می گوید : "مسجد یا مساجدی که امام زمان(دستور می دهد ویران می کنند، شاید مساجدی باشد که بعد از شهادت امام حسین، جنایتکاران بنی امیه به شکرانه کشتن آن حضرت ساختند. و هر مسجدی که آن را برای توطئه با اسلام و مرکز نفاق و ضربه زدن به اسلام بسازند. درست همان کاری که پیامبر اکرم(در مورد مسجد ضرار انجام داد زیرا مسجد را به جهت از بین بردن اسلام ساختند".

و بعلاوه در بعضی روایات آمده است که امام زمان(هنگام ظهور، مساجد و بعضی از اماکن دینی و غیردینی را خراب می کنند زیرا یا آنها را برخلاف شرع ساخته اند و یا در ملك غصبی و یا بر خلاف قبله مسجدی را ساخته اند که مردم از آن اطلاع نداشته اند، ولی چون امام از باطن هر چیزی مطلع هستند آن را ویران می کنند و بر اساس صحیح و مشروع تجدید بنا می کنند.

تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی موجب تکامل و پویایی کارماست.

طرح گفتمان دینی در مساجد

منابع و مآخذ :

۱. ر.ك : بحارالانوار، ج۱۳، کتاب مهدی موعود ،

ترجمه علی دوانی.

مسجد سهله چه ارتباطی با حضرت مهدی علیه السلام دارد؟

پرسش

مسجد سهله چه ارتباطی با حضرت مهدی علیه السلام دارد؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات این مسجد اقامتگاه شخصی حضرت بقیه اللّه -ارواحنا فداه- در دوران ظهور خواهد بود.

۱ - روزی نزد امام صادق (ع) سخن از مسجد سهله به میان آمد، حضرت فرمود: "اما انّه منزل صاحبنا اذا قام بأهله"؛ "آگاه باشید! همانا آن مکان اقامتگاه صاحب ما است،{پاورقی . کافی، جلد ۳، ص ۴۹۵. پاورقی}

هنگامی که با اهلش قیام کند."

۲ - و نیز از حضرت (ع) نقل شده که خطاب به ابوبصیر فرمود: "یا ابامحمّد! کأنّی اری نزول القائم (ع) فی مسجد السهله بأهله وعیاله"؛ "ای ابامحمّد! گویا فرود آمدن قائم (ع) را با{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶. پاورقی}

اهل و عیالش در مسجد سهله با چشم خود می بینم."

در مورد حضور در مسجد سهله چه سفارشی شده است؟

پرسش

در مورد حضور در مسجد سهله چه سفارشی شده است؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، حضور در این مسجد و نماز به جای آوردن در آن سفارش بسیار شده است:

۱ - امام صادق (ع) خطاب به علاء بن رزین فرمود: "در نزدیکی شما مسجدی هست که شما آن را "مسجد سهله" نامیده و ما آن را "مسجد شری" می نامیم. آیا در آن مسجد نماز به جا می آوری؟ علاء گفت: آری، جانم به فدایت، من در آن جا نماز

می خوانم. آن گاه حضرت فرمود: "ائته، فانّه لم یأته مکروب الاّ فرّج اللّه کربته – او قال: قضی اللّه حاجته..."؛ "آن جا برو؛ زیرا هرگز اندوهناکی به آن جا نمی رود جز این که خداوند{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۷. پاورقی}

اندوهش را می زداید. –یا فرمود: حاجتش را برآورده می کند–...".

۲ – و نیز از حضرت صادق (ع) نقل شده که فرمود: "ما من مکروب یأتی مسجد السهله فیصلّی فیه رکعتین بین العشائین و یدعو اللّه تعالی الاّ فرّج اللّه کربه"؛ "هیچ غم زده ای نیست که{پاورقی . وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۶. پاورقی}

به مسجد سهله برود و در آن دو رکعت نماز بین مغرب و عشاء به جای آورد و خدا را بخواند، جز آن که خداوند غم هایش را زایل می گرداند."

۳ – و نیز فرمود: "اذا دخلت الکوفه، فأت مسجد السهله، فصلّ فیه و اسأل اللّه حاجتک لدینک و دنیاک"؛ "هر گاه وارد کوفه شدی به مسجد سهله برو و در آن جا نماز بگذار، آن گاه{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۴. پاورقی}

حاجت های مادّی و معنوی خود را از خداوند طلب کن."

آیا در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه مدرکی وجود دارد؟

پرسش

آیا در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه مدرکی وجود دارد؟

پاسخ

در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه، مدرکی از ناحیه اهل بیت (ع) به دست ما نرسیده است، جز این که سید بن طاووس فرموده: "اگر خواستی به مسجد سهله بروی، آن را در میان مغرب و عشای شب چهارشنبه قرار بده که این وقت از دیگر وقت ها برتر است".

{پاورقی . مصباح الزائر، ص ۱۰۵. پاورقی}

محدّث نوری در این مورد می گوید: "امّا مستند چهل شب همان عمومات است".

{پاورقی . النجم الثاقب، ص ۸۴۵. پاورقی}

مقصود ایشان از عمومات، روایاتی است که بر عدد چهل و عمل چله گیری آثار مترتّب کرده است.

موضوع: ازدواج امام مهدی علیه السلام

در زمان ظهور حضرت با مساجد نفاق چه می کنند؟

پرسش

در زمان ظهور حضرت با مساجد نفاق چه می کنند؟

پاسخ

حضرت مهدی«علیه السلام» مساجدی که به ضرار باشند خراب خواهد کرد چنانکه رسول گرامی اسلام«صلی الله علیه وآله» در مجسد ضرار در مدینه را که منافقین ساخته بودند خراب کرد(۱).

« بخش پاسخ به سؤالات »

۱) به سوره توبه آیه ۱۰۷ و ۱۰۸ مراجعه فرمائید.

سایر موارد

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم بر می خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می خیزند، چرا ؟

پرسش

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم بر می خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می خیزند، چرا ؟

پاسخ

ایستادن به موقع شنیدن نام مبارک امام زمان(عج) خصوصاً اسم مبارک "قائم" مستحب است و از وظایف شیعیان در دوران غیبت امام زمان(ع) می باشد.(۱) بهتر است انسان همزمان با شنیدن نام مبارک حضرت قیام نماید ، نه زودتر ، ولی مقداری زودتر ایستادن اشکال ندارد، چون معلوم است که مردم به خاطر احترام به امام دوازدهم (عج) برمی خیزند.

پی نوشت:

۱ - منتهی الامال ، ج ۲، (وظایف شیعیان در دوران غیبت) ص ۴۸۸.

سؤال : اکثر اوقات بعد از خطبه اوّل در نماز جمعه شرکت می کنم، اشکال دارد؟

پاسخ: چون در خطبه های نماز جمعه امام در مورد مصالح دین و دنیای مسلمانان صحبت می کند و آنان را به رعایت تقوا و شئون اسلامی دعوت می کند. نمازگزاران باید سعی کنند به خطبه های نماز برسند، ولی اگر نرسیدند، اشکال ندارد و نماز جمعه آنان صحیح است. (۱)

پی نوشت:

۱ - آیت الله مکارم شیرازی، استفتاآت، ج ۲ ، ص ۱۴۱، سؤال ۴۰۲، آیت الله فاضل لنکرانی، جامع المسائل ، ج ۱ ، ص ۱۲۲، سؤال ۴۴۳.

می گویند یزید بعد از به شهادت رساندن امام حسین ۷به شکل سگ در آمد و تا ظهور امام مهدی ۷زنده است . آیا این مطلب حقیقت دارد؟

پرسش

می گویند یزید بعد از به شهادت رساندن امام حسین ۷به شکل سگ در آمد و تا ظهور امام مهدی ۷زنده است . آیا این مطلب حقیقت دارد؟

پاسخ

یزید زنده نیست . و در سال ۶۴هجری مُرد.() دربارهء یزید نوشته اند: عاشق دختری بود و اصرار(پاورقی ۲.علی اکبر فیاض , تاریخ اسلام , ص ۱۸۱

بر گرفتن او داشت . دختر منزل مستقلی خواست و در آن , منزل سگی داشت که اسمش را یزید گذاشته بود, به طوری که وقتی صدا می زد: یزید,سگ می آمد و دُمش را تکان می داد. شبی به یزید گفت : باید کسی نفهمد وغچ تنها باید پیش من بیایی . یزید نصف شب وارد شد و دختر او را کشت و بدنش را در چاهی انداخت . صبح که مأموران آمدند, زن گفت : دیشب به سگ تبدیل شد و اگر می خواهید او را صدا بزنید.

البته نظر دیگری هم گفته اند که یزید برای شکار به صحرا رفت و در تعقیب شکار, از لشگرش دور افتاد وبسیار تشنه شد. خیمهء پیرمردی را در بیابان دید. آمد از او آب طلبید. پیرمرد آب اندکی به وی داد, ولی یزیدسیراب نشد و گفت : اگر مرا می شناختی , بیش تر آب می دادی . پیرمرد گفت : تو که هستی ؟ گفت : من یزید بن معاویه ام . پیرمرد وارد خمیه شد و شمشیری برداشت و غافلگیرانه به او زد. اسب رم کرد و بدن یزید بر اثرسقوط از روی اسب , قطعه قطعه شد.

می خواستم بدانم اگر توفیق داشتیم که در عصر آقا(امام زمان) زندگی کنیم، آیا ایشان به سید ها محرم هستند؟

پرسش

می خواستم بدانم اگر توفیق داشتیم که در عصر آقا(امام زمان) زندگی کنیم، آیا ایشان به سید ها محرم هستند؟

پاسخ

تمامی سادات به یکدیگر محرم نیستند، حتی در زمان ائمه(ع) برخی از سادات بر برخی دیگر محرم نبودند. احکام محرمیت آنان مانند احکام محرمیت دیگران است، مثلاً پسر عمو و دختر عمو با هم محرم نیستند، حتی اگر پدرشان سید باشد.

خویشاوندی علّت محرمیّت نیست. پسر عمو و دخت عمو، پسر خاله و دختر خاله و ... با هم خویشاوند هستند، ولی با یکدیگر محرم نیستند. در زمان حضور حضرت مهدی(ع) نیز احکام شرعی مذکو مراعات خواهد شد.

چرا می گویند ایران کشور امام زمان(عج) است؟

پرسش

چرا می گویند ایران کشور امام زمان(عج) است؟

پاسخ

بعضی از جوامع دارای مؤلفه و شاخصه هایی هستند که به خاطر آن ها شهرت می یابند. یکی از شاخصه های جامعه اسلامی ایران، اهل بیت(ع) محوری است؛ بدین معنا که گوشت و پوست مردم ایران با محبت پیامبر(ص) و خاندان او در هم آمیخته است و مردم ایران سخت به پیامبر و اهل بیت او احترام گذاشته و به آنان عشق می ورزند.

عزاداری مردم ایران برای اهل بیت(ع) و برگزاری مراسم جشن به مناسب ولادت آنان، بیانگر اهل بیت محوری آنان است.

یکی از مصادیق بارز اهل بیت محوری مردم ایران در اعتقاد آنان به امام زمان(عج) ظهور می کند. مردم ایران با عشق امام زمان زندگی نموده و او را تنها منجی عالم می دانند. آنان باور دارند که امام زمان(ع) حکومت جهانی تشکیل داده و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. البته اعتقاد به مصلح کل از باورهای عمومی تمام ادیان و مذاهب است. همه جهانیان بدان اعتقاد دارند، ولی فرهنگ مهدویت باوری در ایران اسلامی به گونه ای پر رنگ است که جهانیان، جامعه اسلامی ایران را به عنوان جامعه امام زمانی می شناسند. در واقع تنها کشور که اکثر جمعیت آن شیعه بوده و بر اساس فقه شیعه و اصول اعتقادات و باورهای شیعه پی ریزی شده، طبعاً اعتقاد به امامان و از جمله امام زمان(عج) به صورت اکثریت قاطع در آن وجود دارد، تنها ایران است.

هم چنین مردم ایران عقیده دارند امام زمان آنان را در پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت یاری کرده، امروز نیز حضرت، آنان را در

صحنه های مختلف حمایت می کندو مردم ایران مورد عنایت خاص امام زمان(ع) هستند. از سوی دیگر آنان عقیده دارند انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز انقلاب مهدی(عج) است و امیدوارند که حکومت ایران به حکومت امام زمان متصل گردد.

امروزه محبت مردم ایران به ویژه جوانان به امام زمان(عج) افزایش یافته است. محبت مردم ایران آن چنان به امام زمان(ع) گسترش یافته که یاد و خاطره حضرت در مجالس، دعاها و زیارتنامه ها جلوه خاصی گرفته است.

جوانان به امید ظهور او زندگی می کنند. گسترش فرهنگ مهدویت و محبت مردم ایران به امام زمان(ع) موجب شده است که کشور ایران را، به عنوان کشور امام زمان بشناسد.

پیدایش مؤمنان از صُلْب کفار یعنی چه و چه ربطی با ظهور حضرت مهدی دارد؟

پرسش

پیدایش مؤمنان از صُلْب کفار یعنی چه و چه ربطی با ظهور حضرت مهدی دارد؟

پاسخ

چنانچه در اخبار و احادیث است خداوند نطفه های بسیاری از مؤمنان را در اَصلاب کفار به ودیعه گذارده و این ودایع باید ظاهر شود و پیش از ظهور این ودایع، قیام امام با شمشیر و قتل کفار و رفع جزیه، عملی نخواهد شد زیرا مانع از خروج این ودایع می شود.

آیا کسی پیش بینی می کرد از صلب حجاج خونخوار ستمکار که در بین دشمنان اهل بیت مانند او در شرارت کم یافت شده، مردی چون حسین بن احمد بن الحجاج معروف به ابن الحجاج شاعر و سخنور معروف شیعه و دوستدار خاندان رسالت(ع) پیدا شود که آن قصائد غرّا و اشعار شیوا را در مدح و مناقب علی(ع) و اهل بیت آن حضرت و در نکوهش و سرزنش دشمنان آنها بگوید و مذهب شیعه را ترویج نماید؟

آیا کسی گمان می کرد از فرزندان سندی بن شاهک، قاتل حضرت موسی بن جعفر (ع) یکی از مشاهیر شعرا و ستارگان جهان ادب (کشاجم) پیدا شود که تحت تأثیر جلوه حقیقت و ولایت علی(ع) و خاندانش عمرش را به مدیحه سرائی و نشر فضایل اهل بیت به پایان رساند.

پس این موضوع (خروج نطفه های مؤمنان از اصلاب کفار)، موضوع مهمی است که ظهور نباید مانع از آن شود و باید ظهور در موقعی واقع شود که در اصلاب کفار ودیعه ای باقی نمانده باشد، چنانچه در سرگذشت نوح پیامبر علی نبینا و آله و علیه السلام قرآن مجید از سخن او در مقام دعا خبر داده:

«وَلا يَلِدُو ا اِلّا فاجِراً کَفّاراً» نوح/۲۷

[و فرزندی هم

جز بدکار و کافر از آنان به ظهور نمی رسد.]

ظهور جهانی حضرت ولی عصر (عج) نیز در چنین موقعیتی واقع می شود.

و به همین معنی آیه شریفه:

«لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذاباً أَليماً»نوح/۲۵

[اگر شما عناصر کفر و ایمان از یکدیگر جدا می گشتید همانا آنان که کافرند را به عذاب دردناک معذب می ساختیم]

در روایات متعددی که در تفسیر برهان و صافی و بعضی تفاسیر دیگر و کتب حدیث روایت شده تفسیر گردیده است.

و مضمون آن روایات این است که: قائم(ع) هرگز ظاهر نشود تا ودایع خدا خارج شود، پس وقتی خارج شد، دشمنان خدا بر هر کس ظاهر شود و آنها را به قتل رساند.

در زمان غیبت اگر فقیهی با اشکال روبرو شد تکلیفش چیست؟

پرسش

در زمان غیبت اگر فقیهی با اشکال روبرو شد تکلیفش چیست؟

پاسخ

فقیه یعنی کسی که قدرت دارد احکام را از ادله ی آن براساس معیارهایی که در دست دارد استنباط کند و چنین فقیهی هیچگاه در تعیین وظیفه دچار اشکال نمی شود زیرا منابع فقهی یک فقیه برای استنباط حکم شرعی عبارت است از کتاب و سنّت و عقل و اجماع که بعد از مباحث علم اصول و مقدّمات دیگر به سراغ این منابع می روند و به استنباط حکم می پردازند با این وصف مجتهدی که اجتهاد او مطلق نیست و متجزی نیست با تلاش و زحمتی که در راه اسباط احکام متحمّل می شود می تواند همه احکام را از منابع آنها استخراج کند.

مجله ای در کشور منتشر می شود به نام "خورشید مکه" که مختص امام زمان "ع" است و بعضی از مسائل ارتباط با امام را طوری مطرح می کنند که تقریباً غیر عقلایی بنظر می رسد؟! این مجله آیا مورد اطمینان است؟

پرسش

مجله ای در کشور منتشر می شود به نام "خورشید مکه" که مختص امام زمان "ع" است و بعضی از مسائل ارتباط با امام را

طوری مطرح می کنند که تقریباً غیر عقلایی بنظر می رسد؟! این مجله آیا مورد اطمینان است؟

پاسخ

آنچه به نظر می رسد این است که دور جدید فعالیتهای انجمن حجّتیه باسبک وسیاق جدیدی آغاز شده است و با توجه به اینکه از گذشته یکی از مراکز اصلی فعالیت انجمن مشهد بوده است در دور جدید فعالیت خود با برگزاری جلسات مذهبی در بعضی نقاط شهر و انتشار مجله خورشید مکه به نوعی دنبال تشکل بخشیدن دوباره و جذب نیروهای جدید می باشد لذا در این مجله بیشتر به تبلیغ کتب آقای ابطحی پرداخته است اگر چه برای رد گم کردن اشعاری از مقام معظم رهبری نیز بعضاً در این مجله به چشم می خورد.

پیشنهاد می شود به جای این مجله، از فصلنامه علمی تخصصی "انتظار" که صاحب امتیاز آن "مرکز تخصصی مهدویت" و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود "عج" و به مدیر مسؤولی حجه الاسلام محسن قرائتی می باشد، استفاده کنید. برگه اشتراک فصلنامه و نشانی مرکز به پیوست برای شما فرستاده می شود.

علت تفضیل حضرت قائم (ع) بر سایر ائمه چه می باشد؟

پرسش

علت تفضیل حضرت قائم (ع) بر سایر ائمه چه می باشد؟

پاسخ

بر اساس روایات تمامی ائمه نور واحد هستند و نمی توان امامی را بر امام دیگر افضل دانست، این مسأله بقدری حائز اهمیت است که حضرت رضا(ع) می فرمایند که وجود دو امام در یک زمان ممکن نیست مگر اینکه صامت باشد یعنی آن وجود شایسته ای که هنوز به مقامامامت نرسیده وی بعد از امام او شایسته ترین فرد برای عهده دار شدن این مقام است، (نگا: فلسفه امامت دکتر سید یحیی یثربی، قم، وثوق، چاپ اوّل، تابستان ۱۳۷۸ ش، ص ۱۲۰). از این رو؛ تفضیل امامزمان(عج) بر دیگر امامان قابل بررسی نیست.{J

چرا عدالت موجود در زمان امام زمان (عج) در زمان صدر اسلام برقرار نشد؟

پرسش

چرا عدالت موجود در زمان امام زمان (عج) در زمان صدر اسلام برقرار نشد؟

پاسخ

می دانیم که یکی از اغراض اصلی بعثت انبیاء تشکیل جامعه ایده ال بر اساس خداپرستی و ارزشهای الهی و گسترش عدل و داد در سراسر زمین بوده و هر کدام در حد امکان قدمی در این راه برداشته اند و بعضی از آن ها توانسته اند در محدوده جغرافیایی و زمانی خاصی حکومتالهی را برقرار سازند ولی برای هیچیک از ایشان شرایط تشکیل حکومت جهانی فراهم نگشت. البته فراهم نشدن چنین شرایطی به معنای نارسایی تعالیم و برنامه های انبیاء و یا نقص مدیریت و رهبری ایشان نبوده و نیز به معنای تحقق نیافتن هدف الهی از بعثت ایشان نمی باشد زیراهدف الهی فراهم شدن زمینه و شرایط برای سیر و حرکت اختیاری انسانهاست لئلا یکون للناس علی الله حجه بعد الرسل »، (نساء ۱۶۵). نه الزام و اجبار مردم بر پذیرفتن این حق و پیروی ازرهبران الهی و این هدف تا این اندازه تحقق یافته است.

اما در عین حال خداوند متعال وعده تحقق حکومت الهی را در تمامی کره زمین داده است که می توان آن را نوعی پیشگویی نسبت به فراهم شدن زمینه پذیرش حق در سطح وسیعی از جامعه انسانی به حساب آورد که با استفاده از افراد و گروههای بسیار ممتاز و مددهای غیبیالهی، موانع تشکیل حکومت جهانی از سر راه برداشته شده عدل و داد بر توده های ستمدیده مردم که از بیداد ستمگران بستوه آمده و از همه مکتبها و رژیمها ناامید شده اند گسترش خواهد یافت.

امّا این شرایط نه در زمان رسول اکرم(ص) حاصل بود و نه در زمان ائمه دیگر و

نه حتی اکنون؛ در عصر رسول اکرم، ایشان نهایت تلاششان این بود که دین تازه را تبیین و ارکان آن را تقویم بخشند، علاوه بر آن که مخالفت مخالفان نگذاشت حتی الگوی مدینه النبی فراتر از اینشهر رفته و عدالت حتی در جزیره العرب مستقر گردد چه رسد به ممالک دیگر و همه کره زمین.

بعد از رسول اکرم(ص) نیز علاوه بر آن که تلاش ایشان در بدنه حکومت تداوم نیافت تا شرایط تبلیغ اسلام در سرزمینهای گسترده ای فراهم آید بلکه حکومت از مجرای حق خود خارج گشت و نابسامانی های فراوانی در ممالک اسلامی پدیدار شد که نمی توان در این مجالاندک حتی آنها را شمارش کرد. حضرت علی(ع) نیز که بالاجبار مسئولیت حکومت را پذیرفتند، چنان با مشکلات داخلی و تحریفات و تبعیضات و انحرافات مواجه گشتند که در دوران حکومت چند ساله اندک خود نتوانستند آنطور که خود می خواستند عدالت را در محدوده قلمروحکومت خود محقق سازند چه رسد به ممالک دیگر.

دوران ائمه(ع) دیگر نیز واضح است، به هر روی همین نبود شرایط و فقدان زمینه های لازم بود که حتی امام عصر(عج) نیز از مرئی و منظر غایب گشتند تا با فراهم آمدن بسترهای امیدبخش، این هدف نهایی اسلام و ادیان الهی را در روی زمین مستقر سازند.{J

گفته می شود (بر اساس احادیث اسلامی) که ظرفیت انسان ۲۷ حرف است که در زمان ظهور امام زمان(عــج) انسانها بهتدریج به آنها خواهند رسید، آیا امکان دارد که در قبل از این زمان هم انسانی به این درجه شکوفایی استعدادها برسد یا نه؟

پرسش

گفته می شود (بر اساس احادیث اسلامی) که ظرفیت انسان ۲۷ حرف است که در زمان ظهور امام زمان(عج) انسانها بهتدریج به آنها خواهند رسید، آیا امکان دارد که در قبل از این زمان هم انسانی به این درجه شکوفایی استعدادها برسد یا نه؟

پاسخ

بسیاری از تعابیر روایات مخصوصا در باب حقیقت وجودی انسان به صورت رمز بیان شده است که اهل فهم و صاحبان استعداد آن را دریابند از جمله واژه حرف و کلمه و امثال آن. در ارتباط با انسان و انسان کامل این که وارد شده ظرفیت انسان ۲۷ حرف است. منظور حقایق وجودی در نردبان رشد و کمال می باشد. همان طور که کلمات از حروف تشکیل می گردد.

حروف و قابلیت های وجودی و مراحل تکامل در انسان نیز کلمه هویت او را تشکیل می دهد و لذا این حروف همچون حروف الفبا نمی باشد که با گویشی خاص ادا شود. همانگونه که اسم اعظم نیز همچون اسم و کلمه مجتمع از حروف هجایی نمی باشد بله ماجرای اسم وکلمه و حرف و عدد در علوم حقیقی بحثی عمیق و مفصل را به خود تخصیص داده است.

مصدر به مثل هستی مطلق باشد عالم همه اسم و فعل مشتق باشد

چون هیچ مثال خالی از مصدر نیست پس هر چه در او نظر کنی حق باشد

از این رو حضرات معصومین(ع) در برخی ادعیه و روایات خود را کلمه یا کلمات تامات معرفی کرده اند و یا آن بزرگواران اسم اعظم الهی می باشند.

در روایات وارد شده که اسم اعظم هفتاد و سه حرف است یک حرف از آن را آصف بن برخیا داشت.

و دو حرف را عیسی(ع) و چهار حرف را موسی(ع) و هشت حرف را ابراهیم(ع) و پانزده حرف را نوح(ع) و بیست و پنج حرف را آدم(ع) و هفتاد و دو حرف را محمد(ص) که از یک حرف محجوب است (اصول کافی (معرب)، ج ۱، ص ۱۷۹ - انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، آیت الله حسن زاده آملی، ص ۱۵۴ و ۱۵۵).

و همچنین به حضرات ائمه هدی(س) اجمعین بعد از حضرت رسول(ص) همان هفتاد و دو حرف داده شد (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۰).

در قرآن کریم خدای بزرگ می فرماید: «و علم آدم الاسماء» (بقره، آیه ۳۲) خداوند به آدم اسماء را تعلیم داد. منظور از الاسماء جمیع حقایق هستی است و این حقایق در هر کس که بالفعل انسان باشد وجود دارد. مثل حضرات معصومین(ع) ولی در ما چون بالقوه انسانیم و بالفعل انسان نیستیم این علم به اسماء وجود ندارد (در محضر استاد حسن زاده آملی، محسن غرویان، ص ۱۵).

و لذا بدون توجه انسان کامل (حضرات معصومین) انسان های عادی نمی توانند به مدارج کامل الاسماء دست پیدا کنند. در مدرسه رشد و کمال معصومین معلم اند و بقیه افرادی که جویای کمال می باشند. شاگرد و دانش آموز و بدون راهبری آن بزرگواران امکان رسیدن به درجات والای از رشد و وارستگی ممکن نمی باشد و لذا فعلیت بسیاری از استعدادهای وجودی انسان ها در زمان ظهور قطب عالم امکان حضرت ولی عصر(ع) تحقق پیدا می کند.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. نصوص الحکم بر فصوص الحکم، استاد حسن زاده آملی، ص ۵۶۸

۲. کلمه علیا در توقیفیت اسما، علامه حسن زاده آملی

این نکته خیلی برایم مهم است چراکه هرچه فکر می کنم دربـــاره غربت وتنهایی امام زمان (عـــج) آنطور که دلم می خواهـــد نمی فهم ودرک نمی کنم . لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

این نکته خیلی برایم مهم است چراکه هرچه فکر می کنم دربـاره غربت وتنهـایی امـام زمـان (عـج) آنطـور که دلم می خواهد نمی فهم ودرك نمی کنم . لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

زائر گرامی :

ما در جهانی زندگی می کنیم که بیش از هفت میلیارد انسان درآن زیست می کنند از مجموع این هفت میلیارد انسان تنها سـه میلیارد آنها متدین وموحد هسـتند واز این سه میلیارد مسـلمان فقط بیش از یک میلیارد از دویست میلیون آنها شـیعه می باشـند واز مجموع این دویست میلیون شـیعه که بصورت پراکنـده دراقصـی نقـاط جهـان زنـدگی کننـد تنها شـصت وپنـج میلیون آن درایران ساکن هستند.

از طرفی خداونـد انسانهـا را خلق نموده تـا درپرتو تعـالیم انبیـاء الهی به کمـال واقعی وبه مقـام قرب وانسان کامل برسـند وطبق اعتقادات شـیعه تنها فرقه ومـذهبی که می توانـد انسان را به مقام عبودیت وتکامل انسانی والهی برساند مذهب شـیعه می باشـد وامامان معصوم بعنوان منادیان راه حق سالهای متمادی در راه تبلیغ وترو یـج دین متین اسـلام کوشـیدند وجانهای مقـدس خود رادراین راه فدا کردند.

حال باتوجه به مطالب فوق از خود می پرسـیم آیا از مجموع ۷ میلیارد انسان روی کره زمین تنها باید دویست میلیون آنها شیعه باشـند آنهم بـاتوجه به زحمـات وفـداکاریهایی که انبیـاء الهی وامامان معصوم برای ترویـج دین انجام دادنـد جریانات جانسوز وصـحنه های ایثار وجانبازی از قبیل ، شـهادت حضـرت فاطمه ، شـهادت امام علی وصـحنه عاشورا و۰۰۰ گویـای این زحمات است.

آیا از مجموع شیعیان ، چند نفر به وظایف شرعی ودینی خود عمل می کنند ؟!

آیا اگر دربین شیعیان تنها ۳۱۳ نفر به وظایف شرعی

ودینی خود بطور کامل عمل کنند امام زمان ظهور نخواهندکرد؟

آنچه بیان گردید بلحاظ سیر اجتماعی وفرهنگی انسانها بود، اما برای درک بیشتر غربت ولی الله الاعظم امام زمان باید برمعلومات علمی وعمل به آنها معلومات بیفزاییم تا آنکه بتوانیم مقدار اندکی از غربت آن حضرت را درک کنیم.

امام زمان و غیبت

پرسش

امام زمان و غیبت

پاسخ

۱ ـ چرا اهل تسنن وجود حضرت امام زمان را قبول ندارند و می گویند امام زمان وجود ندارد.

۲- می گویند که در زمان ظهور امام زمان چیزهای زیادی می باشند که تکامل می یابند از جمله علم به حد اعلای خودش می رسد و بعضی ها می گویند که و همچنین در کتابها نوشته شده که امام زمان با شمشیر قیام می کند، سؤال من این است که با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاحهای مدرن آیا جنگ امام زمان باز هم با سلاحهای سرد خواهد بود؟

۳-فرد یهودی که دین یهود دارد اما سرشار از انسانیت می باشد یعنی فردی متعادل و خوب باشد و تنها اشکال آن این است که دین یهود دارد در زمان امام زمان چه برخوردی با او می شود؟ چون شنیده ام که امام زمان با یهودیان جنگ می کند و آنها را از بین می برد.

۴ ـ ما در حدیث داریم که امام مهدی (عج) می فرماید هر کس بگوید که مرا دیده است دروغ گفته است در حالی که در آنطرف دیگر می بینیم که بسیاری از شخصیت های بزرگ معتقدند که امام زمان را دیده اند تناقض را توجیه بفرمایید؟

۵ ـ آیا تعداد ۳۱۳ نفر یاران امام زمان(عج) مشخص است؟ توضیح دهید.

۶ ـ آیا این عقیده درست است که وقتی امام زمان از غیبت بیرون آمده و ظهور کنند تمام امامان از اول تا یازدهم زنده شده و به حکومت می رسند و سالهای زیادی حکومت می کنند مثلا می گویند امام حسین تا زمانی حکومت می کند که می ابروی

ایشان از بلندی جلوی چشمان ایشان را می گیرد و ایشان با دست ابروها را بالا گرفته و به هر طرف نظر می کنند؟

۷ ـ نشانه های ظهور امام زمان را ذکر کنید تا حالا چند تا علائم و نشانه های مشاهده شده است و نظر علما و مراجع دینی را در این رابطه بنویسد.

۸ ـ علت اینکه امام زمان ظاهر نمی شود چیست علتی بیشتر از اینکه در این دوره زمانه فساد و بدبختی و ..... زیاد است.

۹ ـ چرا امام زمان از دیده ها غایب شد یعنی اگر بین مردم بود و مردم را به را راست راهنمای می کرد بهتر نبود و خداوند بر همه چیز قادر است و می تواند او را ز کافران حفظ کند.

۱۰ ـ امام زمان (عج) دو مسجد مقدس دارند که به نام مسجد جمکران در قم و مسجد سهله در کوفه، عراق شناخته می شود لطفا بفرمایید این مساجد چگونه به نام امام زمان معروف شده اند و چگونگی پیدایش آنها بر اساس چه معیارهایی بوده است.

آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان«علیه السلام» در زمان ظهور هم وجود دارد؟

پرسش

آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان«علیه السلام» در زمان ظهور هم وجود دارد؟

پاسخ

آزمایش انسانها توسط خداوند منان از سنّت های الهی می باشد که تخلف ناپذیر است و در هر برهه ای از زمان وجود دارد. آیاتی که در قرآن مجید می باشد و صراحت در این امر دارد که خلقت انسانها برای امتحان و آزمایش الهی است و می فرماید: «لنبلونکم حتّی نعلم المجاهدین منکم و الصابرین و نبلوا خبارکم؛(۱) ما همه شما را قطعاً می آزمائیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند و اخبار شما را بیازمائیم».

و نیز آیات بسیار زیاد دیگری که دلالت صریح بر امتحان الهی دارد که مخصوص هر فردی در هر زمان و دوره ای است و هیچ گاه این امر جدا از نظام الهی نمی باشد.

حتّی در دوره حضرت حجّه«علیه السلام» این سنّت الهی جراین دارد تا روز قیامت که دیگر روز حساب است نه روز عمل و امتحان.

« بخش پاسخ به سؤالات »

۱) سوره محمّد«صلی الله علیه وآله»، آیه ۳۱.

انتظار

چیستی انتظار

مفهوم انتظار

آیا عقیده به مهدویت معقول است؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت معقول است؟

پاسخ

اصالت عقیده به مهدویت از جهت معقول بودن نیاز به بحث ندارد زیرا هر عاقلی امکان آن را تصدیق میکند و هیچ خردمندی آن را رد نمیکنـد و اظهار شک و تردیـد را در آن جایز نمیداند. هرچه بیندیشـیم و هر اندیشـمندی، آنچه بیندیشد نمیتواند در اصالت مهدویّت، ایرادی بگیرد یا حرفی بزند. همیشه این اصالت برای مسأله مهدویّت و ظهور مصلح آخرالزمان در بین ملل و امم و مسـلمین و حتی آنان که به آن معتقـد نیسـتند مسلّم و ثابت بوده است و حتی از بسـیاری از عقاید دینی دیگر امکان آن اگر به ذهن نزدیکتر نباشـد دورتر نیست و لذا از قرن دوّم به بعد که بعضـی مجادلات و بحثها در بین مسـلمانان رواج گرفت و پیرامون بسیاری از مسائل اسلامی سخن گفته و رد و قبول داشتند،

این موضوع اصـلاً مورد شـبهه و ایرادی قرار نگرفت. چون به هیچ وجه شـبهه و یا آنچه شبیه شـبهه باشد در آن راه ندارد. پس اصالت مهدویّت از این جهت صد در صد معتبر و عقلایی و منطقی است و بیش از این نیاز به توضیح ندارد.

بحسن خلق و وفا کس به یار ما نرسدتو را در این سخن انکار کار ما نرسد

اگر چه حسن فروشان به جلوه آمدهاندکسی به حسن و ملاحت به یار ما نرسد

هزار نقش بر آید ز کلک صنع و یکیبه دل پذیری نقش نگار ما نرسد

آیا معنی انتظار حضرت حجت، سقوط تکالیف فردی و اجتماعی است؟

پرسش

آیا معنی انتظار حضرت حجت، سقوط تکالیف فردی و اجتماعی است؟

پاسخ

خیر، این بـدون شک بر خلاف یک اصل قطعی اسـلامی است؛ یعنی به انتظار ظهور حضـرت حجت، هیـچ تکلیفی از ما ساقط نمیشود، نه تکلیف فردی و نه تکلیف اجتماعی. شـما در شیعه که اساساً این اعتقاد از یک نظر اختصاص به دنیای تشیع دارد تا چه رسـد به اهـل تسـنن، یـک عالِم پیـدا نمیکنیـد که بگویـد انتظار ظهور حضـرت حجت یک تکلیف کوچک را از ما ساقط میکند.

مفهوم انتظار چیست؟

پرسش

مفهوم انتظار چیست؟

پاسخ

انتظار معمولاً به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند.

فی المثل بیماری که انتظار بهبودی می کشـد، یا پـدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سـفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می کوشند.

همچنیـن تـاجری کـه از بـازار آشـفته نـاراحت است و در انتظـار فرو نشسـتن بحران اقتصـادی می باشـد این دو حـالت را دارد «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر».

بنـابراین مسـئله انتظـار حکومت حق و عـدالت «مهـدی» و قیام مصـلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصـر است عنصـر «نفی» و عنصر «اثبات» عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهترین بودن است.

و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد.

این دو رشـته اعمـال عبارتنـد از ترک هرگونه همکـاری و همـاهنگی بـا عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگیهای جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر .

و خوب که دقت کنیم می بینم هر دو قسمت آن سازنده و عامل تحرّک و آگاهی و بیداری است.

بـا توجّه به مفهوم اصـلی «انتظـار» معنی روایـات متعـددی که در بالاـ دربـاره پـاداش و نتیجه کار منتظران نقل کردیم به خوبی

درک می شود. اکنون می فهمیم چرا منتظران واقعی گاهی همانند کسانی شـمرده شده اند که در خیمه حضـرت مهدی (ع) یا زیر پرچم او هستند یا کسی که در راه

خدا شمشیر می زند، یا به خون خود آغشته شده، یا شهید گشته است.

آیـا اینهـا اشاره به مراحل مختلف و درجات مجاهـده در راه حق و عـدالت نیست که متناسب با مقـدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟

یعنی همـانطور که میزان فـداکاری مجاهـدان راه خـدا و نقش آنهـا بـا هم متفـاوت است ، انتظـار و خودسـازی و آمـادگی نیز درجات کاملاً متفاوتی دارد که هر کـدام از اینها با یکی از آنها از نظر «مقـدمات» و «نتیجه» شـباهت دارد، هر دو جهادند و هر دو آمادگی می خواهند و خود سازی ، کسی که در خیمه رهبر چنان حکومتی قرار گرفته، یعنی در مرکز ستاد فرماندهی یک حکومت جهانی است، نمی تواند یک فرد غافل و بیخبر و بی تفاوت بوده باشد، آنجا جای هر کس نیست، جای افرادی اسـت که به حق شایستگی چنان موقعیت و اهمیتی را دارند.

همچنین کسـی که سـلاح در دست دارد و در برابر رهبر این انقلاب با مخالفان حکومت صـلح و عدالتش می جنگد، آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی باید داشته باشد.

انتظار در زمان غیبت امام زمان (عج) چه معنایی دارد و مقصود از انتظارفرج چیست ؟

پرسش

انتظار در زمان غیبت امام زمان (عج) چه معنایی دارد و مقصود از انتظارفرج چیست ؟

پاسخ

درک دقیـق معنـای انتظـار مبتنی بر فهـم جـامع انـدیشه مهـدویت است وانـدیشه مهـدویت را بایـد بـا توجه به مجموعه معـارف اسلامی و در راستای هدف کلی دین اسلام د ید . بنا بر آموزه های دینی ، مهدی (عج) روزی ظهور کرده و وعده های الهی را به اجرا درمی آورداو برپا کننـده حکومت صالحان می باشـد و مومنان به میزان ایمان وعمل صالحشان در حکومت مهدی (عج) قرب و منزلت دارند .این اندیشه پایانی زیبا و نورانی برای جریان زندگی انسان تصویر میکندو عامل شـعله ور شدن امید در دل های مومنین است . امیـد به ظهور مهـدی (عـج) همان امیـد به خـداست . امید موتور حرکت انسان در زندگی است و امید به مهدی (عج) عامل حرکت اسـتوارتر انسان در مسیر خوبی ها یعنی همان هدف اصلی دین می باشد .مقصود از انتظار فرج ، امیـد ودلبسـتگی به مهـدی (عـج) است. بنابراین انتظار فرج مقصود دین به تعبیر شـهید مطهری ، انتظاری سازنـده ونگه دارنـده ، تعهـدآور، نیروآفرین و تحرک بخش است . به گونه ای که خودنوعی عبـادت و حق پرستی است . برخی به خطـا به گونه ای انـدیشه مهـدویت را تصویر می کننـد که انتظار براساس آن به معنای کمک به رشد ظلم و فساد وپرشدن دنیا از گناه می باشد در حالی که بی شک چنین اموری با هدف دین بیگانه است ، بنابراین انتظار و عشق به مهدی ؛ یعنی

، عشق به همه خوبی هاو امیـد اقامه همه خوبی ها در دنیا این عشق و امیـد عاملی است که انسان راوامی دارد تا هر چه بیشتر و محکم تر در راه خوبی ها قدم بردارد، پس انتظارفرج مسئولیت آفرین است . بحث در این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری دارد .

منابع زیر بسیار مفید است :

۱- قیام و انقلاب مهدی ، شهید مطهری ،صدرا، تهران (این کتاب اساسا" به معنای انتظار پرداخته است) .

۲- امامت ومهدویت ، آیت الله صافی ، انتشارات اسـلامی قم ، ۱۳۷۵ (این اثر به مجموعه ای از بحث ها پیرامون امام مهـدی (عج) پرداخته و خصوص بحث انتظار نیز یکی از فصلهای کتاب است ، ج ۱، ص ۳۵۱ - ۳۹۸) . ;

انتظار چیست؟ انتظار یعنی چه؟

پرسش

انتظار چیست؟ انتظار یعنی چه؟

پاسخ

پاسخ سوال اول

انتظـار در واقـع به معنـای چشم به راه کسـی یـا امری بودن، و در معنـای خـاص شـیعی به معنـای منتظر ظهور امـام زمـان((علیه السلام)) و قیام ایشان بودن است. که آن را انتظار فرج نامیده اند.

در روایـاتی که از ائمه معصومین((علیهم السـلام)) نقل شـده است فرمودنـد: بهترین عبادتها انتظار فرج است، کسـی که حقیقهً منتظر است آماده است تا در رکاب حضـرت((علیه السـلام)) با دشـمنان دین و دشمنان آن حضرت نبرد کد و طبیعی است که بـدون مهیا شـدن و نفس را تزکیه کردن و یار امام زمان((علیه السـلام)) شـدن، انتظار هم معنا نـدارد چه اینکه بین دین و دنیا، اگر کسـی دین را انتخاب کرد در انتظار صاحب شـریعت می باشـد تا بیایـد و کجی ها و انحرافها و بدعتها را از بین ببرد. ولی کسی که دنیا را انتخاب کرد طبیعی است که منتظر نمی باشد.

در حدیثی که از امام رضا((علیه السـلام)) نقل شده است فرمودند: «او لیس تعلم ان انتظار الفرج من الفرج، ان الله یقول انتظروا انّی ملکم من المنتظرین;(۱) آیا نمی دانی که انتظار فرج از فرج]مایه گشایش [است».

خداوند فرموده است; منتظر باشید، من هم با شما از منتظران خواهم بود.

پاورقی

۱ – تفسیرالعیاش، ج ۲، ص ۱۳۸، ح ۵۰.

پاسخ سوال دوم

«انتظار» یا «آیندهنگری» به حالت کسی گفته میشود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش میکند.

فیالمثل، بیماری که انتظار بهبودی میکشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری میکوشند.

همچنین تاجری که از بازار آشفته

ناراحت است و در انتظار فرونشستن بحران اقتصادی میباشد این دو حالت را دارد

«بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر».

بنـابراین، مسأله انتظار حکومت حق و عـدالت «مهـدی» و قیام مصـلح جهانی در واقع مرکّب از دو عنصـر است؛ عنصـر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود؛ و عنصر اثبات خواهان وضع بهتر بودن است.

آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان((علیه الســلام))پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در افزایش ظلم و ستم کمک کرد تا زودتر زمانه پر از ظلم و جور شود و آن حضرت ظاهر گردد؟

پرسش

آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان((علیه السلام))پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در افزایش ظلم و ستم کمک کرد تا زودتر زمانه پر از ظلم و جور شود و آن حضرت ظاهر گردد؟

پاسخ

از ظاهر بسـیاری از احادیث اسـتفاده می شود که امام زمان((علیه السلام)) وقتی ظاهر می شود که ظلم و جور تمام عالم را فرا گرفته است که به دست وی جهـان پر از عـدل و داد می شود بایـد توجّه داشت که مـا از برخی دیگر از احـادیث نیز چنین می آموزیم که ظهور امام زمان موقعی صورت می گیرد که آمادگی برای پـذیرش حکومت آن حضـرت به وجود آمده باشد و ما مکلفیم که این آمـادگی را به وجود آوریم و اساساً معنـای انتظـار فرج همین است که آنچه از دست ما در رابطه با ظهور امام زمان((علیه السلام)) برمی آید و کاری را که از ما در این زمینه ساخته است انجام دهیم.

و مـا امروز شاهـد پر شـدن زمین از ظلم و جـور به دست قـدرتهای بزرگ و مزدوران آنهـا می باشـیم شایـد منطقه ای از زمین نباشـد که اکنون چنگال سـتم این ابرقـدرتها و عمّال آنها در آن فرو نرفته باشد و کشور ایران هم که برای آزادی و اسـتقلال و پیاده کردن حکومت اسلامی انقلاب کرده هنوز مورد تجاوز و ستم آناناست بنابراین پر شدن زمین از ظلم و جور یک واقعیّتی است که در حال حاضر لمس می شود.

از سویی می دانیم که برای مبارزه با این وضع آمادگی ملّتهای مستضعف جهان لازم است

و این انقلاب اسلامی ما عامل مؤثّری برای بیداری و هشیاری ملّتهای مستضعف بود بنابراین باید برای بیدار کردن ملّتها در سطح گسترده تر اقدامات وسیع به عمل آید تا انشاءالله زمینه برای ظهور آن مصلح بزرگ جهانی فراهم گردد. و از جمله مسائلی که برای تسریع ظهور مؤثّر است دعا کردن برای تعجیل فرج امام زمان است ما ملّت

مسلمان ایران همواره باید برای تعجیل فرج امام زمان دعا کنیم و از تلاش و مجاهده به جهت مساعد کردن زمینه برای ظهور آن گرامی باز نایستیم.

بر این اساس گسترش ظلم و ستم نه تنها موجب تسریع در ظهور امام زمان((علیه السلام))نیست بلکه نقض غرض از ظهور و ایجاد مانع بیشتر برای گسترش عدل توسط آن حضرت است.

انتظار فرج یعنی چه ؟ مقصود از انتظار فرج چیست ؟

پرسش

انتظار فرج یعنی چه ؟ مقصود از انتظار فرج چیست ؟

پاسخ

پاسخ سوال اول

انتظار فرج در واقع، انتظار حکومت جهانی اسلام است، انتظار تشکیل حکومت توحیدی در سطح جامعه انسانی است، انتظار تحقق عدالت در اجتماع است، انتظار وراثت زمین و دولت مؤمنان و موحدان است. بنابراین «انتظار» نه به معنای «نشستن و دعا کردن» است،«انتظار» یعنی «برخاستن و دعا کردن»، انتظار یعنی بکوشیم هر چه بهتر دین اسلام را به عنوان یک دین توحیدی فراگیر بشناسیم، بفهمیم و بسازیم، این همان زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی(عج) است و برای ارتباط بیشتر با حضرت ولی عصر(عج) به طور کلی هر انسانی دارایسه مرتبه وجودی است، افکارش، صفاتش و اعمالش و هیچ انسانی از این قاعده مستثنی نیست، حتی حضرات معصومین(ع).

ارتباط و نزدیکی به هر انسانی هم تنها از همین طریق ممکن است؛ یعنی، اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره ای ندارد جز این که بکوشد ابتدا افکار، باورها و طرز تفکر آن شخص را شناسایی نماید و خویش را از جهت فکری با آن شخص هماهنگ نماید وسپس بکوشد که قرب صفاتی پیدا نماید؛ یعنی، از جهت صفات و کمالات اخلاقی میان خود و آن شخص محبوب همانندسازی نماید و در نهایت نزدیکی در رفتار، نوع و روش زندگی بهترین طریقی است که انسان طالب کمال را به یک انسان کامل الگو نزدیکمی نماید.

در مورد نزدیکی به امام عصر(عج) هم وضع به همین منوال است. ما به عنوان یک شیعه و پیرو اهل بیت عصمت و طهارت(ع)

وظیفه داریم ابتدا کیفیت اعتقاد، باورها، صفات، کمالات، نوع منش و کنش آن حضرات را شناسایی نماییم

و در مرتبه بعد بکوشیم زندگی، صفات وباورهای خود را به ایشان نزدیک نماییم تا از Ơ.....طریق هم شیعه و پیرو واقعی آنها باشیم.

برای ارتباط بیشتر با امام زمان(عج) به موارد ذیل عمل کنید:

الف) قرار گذاشتن با دوست؛ ابتدا باید کاری کرد که در شبانه روز حتما برای چند مرتبه هم که شده به یاد ایشان افتاد؛ مثلاً انسان تصمیم بگیردبعد از هر نماز به آن حضرت سلام دهد. سپس شرح حال خود و درد دلی را با آن حضرت درمیان بگذارد. تکرار این برنامه موجب می شود ذهن آدمیبیشتر متوجه این مسأله مهم گردد،

ب) صحبت کردن و سخن گفتن زیاد با ایشان مانند خواندن دعای عهد، هر روز،

ج) جلب محبت وی؛ با هدیه به آن حضرت (صلوات، اهدای ثواب ختم قرآن و زیارت ها و...)،

د) دوری از رنجاندن وی با کارهایی که می دانیم ایشان را آزرده می کند،

ه) وفاداری و ثابت قدمی در دوستی با او،

و) مقدم کردن خواسته او بر خواسته های خود.{J

پاسخ سوال دوم

منتظر به کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است وبرای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند.

بر این اساس می توان گفت : انتظار حکومت حق و عدالت مهدی ۷از دوعنصر تشکیل شده است ; عنصر نفی و عنصر اثبات . عنصر نفی , بیگانگی باوضع موجود و عنصر اثبات , خواهان وضع بهتری بودن است .(۱)

نتیجهء این ا نتظار مبارزه با عوامل ظلم و بیداد و فساد و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی جسمی و روحی برای شکل گیری حکومت جهانی است .در این صورت انتظار یعنی آماده باش کامل . انتظار تمرین و ریاضت

است . انتظاریک بسیج عمومی است .

انتظاری که به اندازهء فرج اهمیت دارد و پاره و بخشی از فرج کلی الهی خوانده شده است , نمی تواند امری ساده و حالتی بی اعتنا و روزگاری خالی ازتعهد و شور باشد... جامعه ای که از نظر اعتقاد و بصیرت و عمل و اخلاق وحضور و اقدام و آمادگی و ثبات و طهارت و زهد و شعور و شناخت و عدل واحسان , آن چنان که پیشوایان گفته و خواسته اند نباشد, چگونه منتظر محسوب خواهد گشت ؟!.. خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می برد, باید خود صالح باشد>.(۲)

منتظران واقعی علاوه بر این که بر اصلاح خویش می کوشند, وظیفهء خودمی دانند دیگران را نیز اصلاح کنند. مقصود از انتظار فرج , حفظ آمادگی واصلاح فردی و ا جتماعی و زمینه سازی برای ظهور حضرت بقیهالله ۷است .

(پاورقی ۱.مکارم شیرازی , مهدی انقلابی بزرگ , ص ۱۰۱ ۱۰۲

(پاورقی ۲.محمد رضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۲۵۷ ۳۳۴ با تلخیص .

حقیقت انتظار چیست؟ حقیقت انتظار فرج چیست؟

پرسش

حقیقت انتظار چیست؟ حقیقت انتظار فرج چیست؟

پاسخ

پاسخ سوال اول

انتظار، کیفیتی روحی است که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی است برای آنچه انتظار دارند، وضدّ آن یأس وناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد آمادگی بیشتر است. اگر انسان، مسافری داشته باشد که چشم به راه آمدن او است، هر چه زمان رسیدن او نزدیک تر گردد آمادگی برای آمدنش فزونی می یابد. حالت انتظار، گاهی به پایه ای می رسد که خواب را از چشم می گیرد، چنان که درجات انتظار از این نظر تفاوت می کند، همچنین از نظر حبّ ودوستی نسبت به آنچه را انتظار دارد تفاوت دارد. هر چه عشق به "منتظر" افزون باشد آمادگی برای فرا رسیدن محبوب افزون می گردد ودیر آمدن وفراق محبوب دردناک می گردد، تا بدانجا که انسان منتظر از خود بی خود می شود ودردها وسختی های دردآور ومشکلات سخت خود را در راه محبوب حس نمی کند.

پاسخ سوال دوم

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حقّ وصلح وعدالت، بر نیروی باطل وستیز وظلم، استقرار کامل وهمه جانبه ارزش های انسانی،

تشـکیل مـدینه فاضـله وجامعه ایـده آل وبالاخره اجرای این ایـده عمومی وانسانی به وسـیله شخصـی مقدس وعالی قدر که در روایـات اسـلامی از او به عنوان "مهـدی" نـام برده شـده است، انـدیشه ای است که کم وبیش همه فِرق ومـذاهب اسـلامی -با اختلافاتی- بدان مؤمن ومعتقدند.

این اندیشه بیش از هر چیز مشـتمل بر عنصـر خوشبینی نسـبت به جریان کلّی نظام طبیعت وسیر تکامل تاریخ واطمینان به آینده وطرد عنصـر بدبینی نسـبت به پایان کار بشـر است (که طبق بسـیاری از نظریه ها وفرضـیه های غیر اسـلامی، پایان نظام طبیعت، تاریک وابتر است).

امید وآرزوی تحقق این نوید کلّی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی "انتظار

فرج" خوانده شده است.

انتظار چه ویژگی های خاصی دارد؟

پرسش

انتظار چه ویژگی های خاصی دارد؟

پاسخ

انتظار، در درجه نخست ویژه حیات وزنـدگی است. ماهیّت زندگی انسان با انتظار وامید به آینده عجین شده است به گونه ای که بـدون انتظار، زندگی مفهومی ندارد وشور ونشاط لازم برای تداوم آن در کار نیست. حیات حاضـر وکنونی ظرف پویایی، تلاش وحرکت به سوی فردا وفرداهاست، واین چنین پویایی وحرکتی بـدون عنصـر "انتظار" ممکن نیست؛ زیرا احتمال معقول بقا وپایـداری وامیـد به تـداوم حیات است که به زندگی کنونی معنا ومفهوم می بخشد، وپویایی ونیروی لازم برای ادامه آن را تأمین می کند. از این رو است که ماهیّت زندگی با انتظار پیوستگی ناگسستنی دارد.

هر انسـان زنـده ای که در انتظارهای خویش، به تـداوم حیات می اندیشـد وبقای خویش را انتظار دارد، تمام حرکت وسـکون خود را در راستای این انتظار ودر جهت متناسب با تداوم حیات قرار می دهد.

ولذا در روایات اسـلامی می بینیم که انتظار فرج از افضل اعمال امت پیامبر شـمرده شده است. یعنی ویژگی انتظار در عمل در راه رسـیدن به حیات است. شاید یکی از علل این گونه آموزش ها این بوده است که پیروان امام مهدی (ع) بکوشند تا خود را به امامشان نزدیک کنند ومانند او بیندیشند وامت با امام در انتظار به سر برند، زیرا امام نیز در انتظار ظهور خود به سر می برد.

در حالت انتظار، بهترین شیوه پیوند وهمسویی وهمدلی با امام نهفته است، وغفلت از انتظار ومعنای صحیح آن باعث بی خبری وبی احساسـی نسـبت به سوزهـا وشورهای امام موعود است. شایـد در دوران غیبت، انتظار راستین برای فرج، یعنی حضور امام در جامعه انسانی، نخستین راه بیعت وهم پیمانی با امام موعود باشد؛ زیرا انتظار حضور در متن

جریان ها وحوادث پیش از ظهور است ومایه یادآوری هدف ها وآرمان های امام موعود وزمینه آگاهی وهوشیاری همیشگی است. ودر حال انتظار نبودن به معنای غفلت وبی خبری وبی احساسی وبی تفاوتی نسبت به حوادث پیش از ظهور واصل ظهور است.

جامعه منتظر، هر حادثه ای هر چند عظیم وویرانگر، وهر عاملی هر چند بازدارنده ویأس آفرین، او را از تحقق هدف های مورد انتظار مأیوس نمی کند ودر راه آن هدف ها از پویایی وتلاش باز نمی ایستد، وهمواره به امام خود اقتدا می کند.

امامی که در برابر مشکلات شکننده وحوادث کوبنده قرن ها وعصرها استوار ونستوه ایستاده است وذره ای در اصالت راه وکار خود تردید نکرده است.

حضرت مهدی (ع) فرمود: "...لأنّ اللّه معنا ولا فاقه بنا إلی غیره، والحق معنا فلن یوحشنا من قعد عنّا"؛ "...چون خدا با ما است، نیازی به دیگری نیست، حقّانیت با ما می باشد و {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۸۵، ح ۲۴۵ ؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، ح ۹. پاورقی}

کناره گیری عده ای از ما هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد."

آری! امام مهدی (ع) در چنین انتظاری به سر می برد وبا چنین ایمانی در این شب یلدای زندگی، استوار وتزلزل ناپذیر ایستاده است وجامعه "منتظر" وامت چشم به راه نیز باید این ویژگی ها را در امام موعود و"منتظر" خویش، نیک بشناسد، وتا حدّ امکان مانند خود او در انتظار باشد.

عناصر تشکیل دهنده انتظار چیست؟

پرسش

عناصر تشکیل دهنده انتظار چیست؟

پاسخ

انتظار ظهور منجی هیچ گاه به حقیقت نمی پیوندد مگر در صورتی که سه عنصر اساسی در آن محقّق گردد:

۱ - عنصر عقیدتی: شخص منتظر باید ایمان راسخی به حتمی بودن ظهور منجی ونجات بخشی او داشته باشد.

۲ - عنصر نفسانی: زیرا شخص منتظر باید در حالت آمادگی دائمی به سر ببرد.

۳ - عنصر عملی وسلوکی: شخص منتظر باید به قدر استطاعت خود در سلوک ورفتارش زمینه های اجتماعی وفردی را برای

ظهور منجی فراهم نماید.

با نبود هر یک از این سه عنصر اساسی، انتظار حقیقتاً معنا پیدا نمی کند.

مقصود از روایات مطلق در باب انتظار فرج چیست؟

پرسش

مقصود از روایات مطلق در باب انتظار فرج چیست؟

پاسخ

در برخی از روایاتی که از طرق شیعه واهل سنّت رسیده به صورت مطلق به انتظار فرج اشاره شده است بدون آنکه مقید به فرج حضرت مهدی (ع) در آن شده باشد. در حدیثی از رسول خدا (ص) می خوانیم: "أفضل العباده انتظار الفرج"؛ "برترین عبادت، انتظار {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۱ ؛ کمال الدین، ص ۲۸۷، ح ۶. پاورقی}

فرج است."

ونیز از آن حضرت می خوانیم: "انتظار الفرج عباده"؛ "انتظار فرج عبادت است."

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۳ ؛ جامع الصغیر، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۲۷۱۷ ؛ کنزالعمال، ح ۶۵۰۹. پاورقی}

وهمچنین در روایت دیگری از آن حضرت می خوانیم: "أفضل أعمال امّتی انتظار فرج اللّه عزّوجلّ"؛ "افضل اعمال امّت من انتظار فرج خداوند عزّوجلّ است."

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۲. پاورقی}

شیخ صدوق به سندش از امام رضا (ع) نقل می کند که فرمود: "ما أحسن الصبر وانتظار الفرج، أما سمعت قول اللّه عزّوجلّ: {وَارْتَقِبُوا إِنِّی مَعَکُمْ رَقِیبٌ}، {فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ {پاورقی . سوره هود، آیه ۹۳. پاورقی}

مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ} فعلیکم بالصبر فإنّه إنّما یجی ء الفرج علی الیأس، فقد کان الذین من قبلکم {پاورقی . سوره اعراف، آیه ۷۱. پاورقی}

أصبر منکم"؛ "چقدر نیکوست صبر وانتظار فرج، آیا نشنیده ای گفتار خداوند عزّوجلّ را که {پاورقی . کمال الدین، ص ۶۴۵، ح ۵. پاورقی}

فرمود: (شـما انتظار بکشید، من هم در انتظارم) و(پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می کشم) پس بر شما باد به صبر؛ زیرا فرج بعد از یأس وناامیدی است. به راستی کسانی که قبل از شما زندگی می کردند از شما صبورتر بودند."

مرحوم

مجلسی از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: "من دین الأئمّه الورع والعفّه والصلاح... وانتظار الفرج بالصبر"؛ "از دین ائمه پرهیزکاری، عفّت، رستگاری... وانتظار فرج {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۱. پاورقی}

به صبر است."

ترمذی نیز به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "...وأفضل العباده انتظار الفرج"؛ "...وبرترین عبادت انتظار فرج است."

{پاورقی . سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۲۵، ح ۳۶۴۲. پاورقی}

درظاهر مراد از انتظار فرج همان انتظار فرج حضرت مهدی (ع) است که در این روایات متعلق آن یعنی حضرت مهدی (ع) به جهت وضوح، بیان نشده است؟ چون در احادیث فریقین آن حضرت به عنوان نجات دهنده مردم از ظلم وبی عدالتی معرّفی شده است.

شیخ صدوق؛ به سندش از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: "طوبی لشیعه قآئمنا المنتظرین لظهوره فی غیبته"؛ "خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که منتظر ظهور او در {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۵۷، ح ۵۴. پاورقی}

عصر غیبت اویند."

این معنا برای روایات مطلق با نظر اهل سنّت نیز موافقت دارد؛ زیرا آنان گرچه عموماً به ولادت مهدی موعود (ع) اعتقادی ندارند ولی او را منجی بشریّت از ظلم وبی عدالتی می دانند که باید مستضعفین انتظار او را بکشند.

ونیز از جمله قرائنی که می تواند مصداق احادیث مطلق را مشخّص کرده وبر حضرت مهدی (ع) وقیام او تطبیق دهد مسأله لزوم تناسب بین حکم وموضوع است؛ زیرا انتظار فرجی که تا این حدّ مهم برشمرده شده وتا این حدّ مورد تأکید واقع شده است به طور حتم همان انتظار روز موعود است، از آن جهت که در آن روز وعده الهی به نصرت مظلومین در سرتاسر عالم

تحقق می یابـد وحکومت عـدل توحیـدی در روی کره زمین گسترش خواهد یافت. انتظار با آن آثار وبرکاتی که دارد تنها در انتظـار چنین فرجی قابـل پیـاده شـدن است. ونیز چنین انتظاری است که می توانـد از اساس دین شـمرده شود، نه انتظار رفع هر گرفتاری ولو جزئی وبا هر سبب باشد.

آیا این تحلیل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان«علیه السلام» پس از پر شدن زمین از ظلم و جور است بنابراین باید در افزایش ظلم و ستم کمک کرد تا زودتر زمانه پر از ظلم و جور شود و آن حضرت ظاهر گردد؟

پرسش

آیـا این تحلیـل در معنای انتظار درست است که چون ظهور امام زمان«علیه السـلام» پس از پر شـدن زمین از ظلم و جور اسـت بنابراین باید در افزایش ظلم و ستم کمک کرد تا زودتر زمانه پر از ظلم و جور شود و آن حضرت ظاهر گردد؟

پاسخ

از ظـاهر بسـیاری از احـادیث اسـتفاده می شود که امـام زمان«علیه السـلام» وقتی ظاهر می شود که ظلم و جور تمام عالم را فرا گرفته است که به دست وی جهـان پر از عـدل و داد می شود بایـد توجّه داشت که مـا از برخی دیگر از احـادیث نیز چنین می آموزیم که ظهور امام زمان موقعی صورت می گیرد که آمادگی برای پـذیرش حکومت آن حضـرت به وجود آمده باشد و ما مکلفیم که این آمـادگی را به وجود آوریم و اساساً معنـای انتظـار فرج همین است که آنچه از دست ما در رابطه با ظهور امام زمان«علیه السلام» برمی آید و کاری را که از ما در این زمینه ساخته است انجام دهیم.

و مـا امروز شاهـد پر شـدن زمین از ظلم و جـور به دست قـدرتهای بزرگ و مزدوران آنهـا می باشـیم شایـد منطقه ای از زمین نباشـد که اکنون چنگال سـتم این ابرقـدرتها و عمّال آنها در آن فرو نرفته باشد و کشور ایران هم که برای آزادی و اسـتقلال و پیاده کردن حکومت اسلامی انقلاب کرده هنوز مورد تجاوز و ستم آناناست بنابراین پر شدن زمین از ظلم و جور یک واقعیّتی است که در حال حاضر لمس می شود.

از سویی می دانیم که برای مبـارزه بـا این وضع آمـادگی ملّتهـای مستضـعف جهـان لازم است و این انقلاب اسـلامی ما عامل مؤثّری برای بیداری

و هشیاری ملّتهای مستضعف بود بنابراین باید برای بیدار کردن ملّتها در سطح گسترده تر اقدامات وسیع به عمل آید تا انشاءاللّه زمینه برای ظهور آن مصلح بزرگ جهانی فراهم گردد. و از جمله مسائلی که برای تسریع ظهور مؤثّر است دعا کردن برای تعجیل فرج امام زمان است ما ملّت مسلمان ایران همواره باید برای تعجیل فرج امام زمان دعا کنیم و از تلاش و مجاهده به جهت مساعد کردن زمینه برای ظهور آن گرامی باز نایستیم.

بر این اساس گسترش ظلم و ستم نه تنها موجب تسریع در ظهور امام زمان«علیه السلام» نیست بلکه نقض غرض از ظهور و ایجاد مانع بیشتر برای گسترش عدل توسط آن حضرت است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

اقسام انتظار

چه نوع انتظاری برترین عبادت و مصداق کامل جهاد فی سبیل اللّه است؟

پرسش

چه نوع انتظاری برترین عبادت و مصداق کامل جهاد فی سبیل اللّه است؟

پاسخ

از روایات حضرات معصومین(ع) استفاده می شود که انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) برترین اعمال امت پیامبر عظیم الشأن اسلام است.(۱) انتظاری که این همه ارزشمند است، عبارت است از انتظار سازنده در مقابل انتظار تخدیر کننده و منفی می باشد.

انتظار سازنده دارای ویژگی هایی است، از جمله:

۱- دین داری. از خصوصیات انسان منتظر، دینداری و دیانت پیشگی است، چرا که او منتظر پیاده شدن دین در جامعه است و چنین انتظاری باید همراه، با عمل به دین باشد. امام صادق(ع) فرمود: "برای صاحب الأمر غیبتی است طولانی. در این دوران هر کسی باید به دین خود چنگ زند".(۲)

۲- پارسایی. منتظر حکومت مهدی موعود(عج) باید با تقوا باشد و خود را چنان که آن پیشوا دوست دارد بسازد، تا به لطف خدا در شمار یاران آن بزرگوار به حساب آید.

امام صادق(ع) فرمود: "هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیشه کند".(۳)

۳- عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر. انتظار واقعی موجب می شود که منتظر، رضایت و خشنودی امام زمان(عج) را

فراهم کند. مسلّم است که پیاده شدن معروف زدودن منکر از جامعه، رضایت آن امام را جلب می کند و هدف اساسی قیام حضرت مهدی(عج) است.

پیامبر اسلام(ص) فرمود: "خوشا به حال کسی که قبل از قیام مهدی(ع) به او اقتدا کند".(۴) معلوم است که شاخص مهم این اقتدا امر به معروف و نهی از منکر است.

۴- آراسته شدن به اخلاق اسلامی. انسان منتظر باید دارای اخلاق اسلامی باشد، و جامعه منتظر باید مظهر اخلاق

محمـد(ص) گردد. امام صادق(ع) فرمود: "آن که دوست دارد در شـمار اصـحاب قائم(ع) باشـد، در عصـر انتظار بایـد اخلاق نیکو داشته باشد".(۵)

۵- آمـادگی نظـامی. انسـانی که منتظر قیـام بزرگ، و یـک انقلاـب حقیقی به تمام معنا، نیز جنبش عظیم جهانی است، ممکن نیست آمـادگی برای حضور در قیـام و کمـک به آن را نداشـته باشـد. منتظر قیام قائم(ع) بایـد همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری داشته باشد تا به هنگام طلوع خورشید ظهور، به صف پیکارگران رکاب آن حضرت بپیوندد. امام صادق(ع) فرمود: "هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کند، اگر چه یک نیزه".(۶)

در گذشـته شـیعیان به این امر توجه بیشتر داشـتند تـا جـایی که برخی در روزهای جمعه لباس رزم بر تن می کردنـد و سوار بر اسب در بیرون شهر به حالت آماده باش به سر می بردند.

در شرایط کنونی این آمادگی ممکن است با شرکت در برنامه بسیج سپاه پاسداران عملی گردد.

به طور خلاصه می توان گفت منتظرانی که ثواب شهادت در رکاب حضرت قائم(ع) را دارند، عبارتند از کسانی که در دوران غیبت به مکتب تشیع عمـل می کننـد و از نظر قـدرت های ایمانی و روحی، نیز پرورش های اخلاقی و اجتماعی، سازمانـدهی های سیاسـی و نظامی همیشه آماده و همواره در سـنگر مبارزه با تمایلات نفسانی، ذلّت پـذیری، اسـتعمار زدگی، ظلم پذیری، ناهنجاری های اجتماعی و مفاسـد اخلاقی، مقاوم و اسـتوارند. اینان هر چه در توان دارنـد، به کار می برند تا زمینه ظهور عدل گستر جهان و منجی عالم بشریت فراهم نشده و با ظهور حضرتش چشم مستضعفان، روشن و عدل کل در عالم پیاده گردد.

پی نوشت ها:

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، واژه

الامامه، شماره ۱۲۰۰.

۲. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

۳. همان، ص ۱۴۰.

۴. محمّد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۴۹.

۵. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

چه نوع انتظاری راجح است؟

پرسش

چه نوع انتظاری راجح است؟

پاسخ

انتظار فرج بر دو گونه است:

۱ - انتظاری که سازنده است، تحّرک بخش است، تعهّدآور است، عبادت بلکه با فضیلت ترین عبادات است.

از مجموعه آیات وروایات اسلامی استفاده می شود که ظهور مهدی موعود (ع) حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق واهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حقّ باشد. امامان ورهبران معصوم الهی به طور روشن وصریح با ارائه تصویری مناسب از انتظار، روی برداشت درست وصحیح از مفهوم آن تکیه داشته اند وانتظار را از مقوله عمل به حساب آورده اند، ولذا پیامبر (ص) می فرماید: "أفضل أعمال أُمّتی انتظار الفرج"؛ "افضل اعمال امت من انتظار فرج است."

{پاورقی . کمال الدین، ص ۶۴۴، ح ۳. پاورقی}

ونیز در روایتی دیگر از امام صادق (ع) می خوانیم: "أفضل الأعمال انتظار الفرج من اللَّه"؛ "بزرگ ترین اعمال انتظار فرج از خداست."

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸، ح ۷۷. پاورقی}

اهمیت آمادگی وزمینه سازی را می توان در پیام امام صادق (ع) یافت که فرمود: "لیعدنّ أحدکم لخروج القآئم ولو سهماً"؛

"باید هرکدام از شما برای خروج قائم آمادگی پیدا {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶. پاورقی}

کند اگرچه با تهیه کردن یک تیر باشد."

۲ - انتظاری که ویرانگر است، بازدارنـده است، فلـج کننـده است ونوعی اباحی گری است. برداشت قشـری مردم از مهـدویت وقیـام وانقلاـب مهـدی (ع) این است که صـرفاً ماهیت انفجاری دارد. فقط وفقط از گسترش واشاعه ورواج ظلم ها وتبعیض ها واختناق ها وحق کشی ها ناشی می شود، آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد و حقّ وحقیقت هیچ

طرفداری نداشته باشد.

این نوع برداشت، از آن جهت که با اصلاحات مخالف است وفسادها وتباهی ها را به عنوان مقدمه یک انفجار مقدّس وموجّه می شمارد، باید "شبه دیالکتیکی" خوانده شود، با این تفاوت که در تفکر دیالکتیکی با اصلاحات از آن جهت مخالفت می شود وتشدید نابسامانی ها از آن جهت داده می شود که شکاف وسیع تر شود و مبارزه پیگیرتر وداغ تر گردد. ولی این تفکّر عامیانه فاقد این مزیّت است، فقط به فساد وتباهی فتوا می دهد که خود به خود منجرّ به نتیجه مطلوب بشود.

این نوع برداشت از ظهور وقیام مهدی موعود، واین نوع انتظار فرج که منجرّ به نوعی تعطیل در حدود ومقرّرات اسلامی می شود ونوعی اباحی گری باید شمرده شود به هیچ وجه با موازین اسلامی وقرآنی وفق نمی دهد.

تاریخچه انتظار

درباره مهدویت توضیح دهید.

پرسش

درباره مهدویت توضیح دهید.

پاسخ

براساس معتقدات مذهب شیعه امامیه و نیز طبق روایات بسیاری که در کتاب های اهل سنت آمده است، در آخرالزمان مهدی از آل محمد(ص) ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. بازتاب نهضت مهدی عج) جهان را فرا خواهد گرفت. آرمان های بلند، شرک ستیزی و عدالت گستری بی مرز و جهان شمول آن، شور در دل مردمان محروم خواهد آفرید و دشمنان توحید و عدل را برخواهد انگیخت. یاران مهدی(ع)، از صنف و نژاد ویژه ای نیستند، بلکه از گروه ها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند. مردمی که به یاری امام می شتابند، افرادی من اقالیم الارض" من اقصی البلاد" هستند، حضرت در سن جوانان ظاهری می شود. یاران وی را نیز، بیش تر جوانانِ پر تحرک و پرنشاط تشکیل می دهند و پیران در میان شان اندک اند.[۸]

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی در ضمیر تشیع، اعتقاد به انسان کاملی است که به جامعه آرمانی اسلام جامه عمل می پوشاند و از این راه، به همه آرمان های مردان خدا تحقق می بخشد و مظاهر و نمودهای کفر و شرک و نفاق را از بین می برد. براساس روایات شیعی و نیز طبق روایت هایی از اهل تسنن، مهدی از نسل علی بن ابی طالب است و در آخر الزمان ظهور خواهد کرد.[۹]

بر همین اساس در طول تاریخ اسلام کسان بسیاری ادعای مهدویت کرد، و خود را امام منتظر دانسته اند. از جمله زید بن علی

بن حسین(ع) علیه امویان خروج کرد و پیروان او وی را مهدی خواندند. محمد بن الحسن

معروف به نفس زکیه را که در آغاز حکومت عباسیان خروج کرد، نیز مهدی دانسته اند. در طول دولت عباسیان نیز چند تن ادعای مهدویت کرده اند

که از جمله آنان مهدیان افریقا هستند. در شمال افریقا و مغرب دو تن از مهدیان ادعای مهدویت کنندگان) معروف تر هستند. اوّلی عبیداللّه است که سلسله عبیدیان یا فاطمیان را بنیان نهاد و دومی سلسله الموحدین را تأسیس کرد که بر اسپانیا استلا یافت. از جمله کسانی که در ایران دعوی مهدویت کردند، یکی سید علی محمد شیرازی است که پیروان او به نام بابیه معروف گردیدند.[۱۰] اما حق این است که سرانجام مهدی حقیقی مهدی فاطمه) ظهور خواهد کرد و حکومت حق را مستقر خواهد ساخت.

([۸] مجله حوزه، ش ۷۱ ۷۰، ویژه امام زمان عج)، ص ۲۹۶.

([۹] ر.ک: مهدی موعود.

([۱۰] لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۹۳۳۱.

اساس عقیده به مهدویّت و نتیجه آن چیست؟

پرسش

اساس عقیده به مهدویّت و نتیجه آن چیست؟

پاسخ

اساس در عقیده به مهدویّت و غلبه اسلام بر تمامی ادیان و منتهی شدن سیر طبیعی دنیا، به حاکمیّت اسلام و فرامین الهی و یگانه شدن قوانین و نظام های موجود و خلافت مؤمنان و شایستگان در زمین و تبدیل ترس و هراس بشریّت به أمان و امنیت و نابودی همه مظاهر استضعاف واستکبار، همگی در همان نیروی اوّلیه ای است ک به طرزی شگفت، برای نابودی همه مظاهر شرك و استکبار و آزادسازی انسان از سلطه طواغیت و خارج ساختن بشریّت از ذلّت بندگی مردم به عزّت بندگی خداوند، در نهاد دعوت اسلام و باور توحیدی و کلمه اخلاص به ودیعت نهاده شده است.

اینکه می بینیم دنیا در سیر خویش به سوی جامعه ای یگانه و بین المللی و ادغام بعضی جوامع در بعضی دیگر و کاستن امتیازات سیاسی و نظامی و نژادی در حرکت است و دانش و پیشرفت صنعتی؛ یگانه شدن بشریت و یکی شدن اقوام وملیّت های مختلف را میسّر ساخته است و توسعه ارتباطات و پیوندهای بین ملّت ها و قومیّت های گوناگون، آن را مانند اهل شهری بلکه محلّه ای واحد قرار داده است؛ همگی زمینه ساز آینده ای درخشان، بر اساس تعالیم اسلام و قرآن به شمار می رود. یعنی همانطور که بشریّت جامعه های قبیله ای را پشت سر نهاده و در حرکت خویش، به تأسیس جوامع شهر نشین، بر اساس وحدت منطقه، یا منافع سیاسی، یا اقتصادی، یا نژادی رسیده است که هر کدام خواستار غلبه و تسلّط بر دیگری است، یقیناً در همین سیرِ رو به رشد، روزی از این حکومت های جزئی و وحدت های ناچیز رهایی یافته و

به وحدتی بزرگ و حکومتی الهی و جهانگیر که هیچ اختصاصی به فرد یا طائفه یا منطقه یا نژادی مخصوص نخواهد داشت، دست پیدا خواهد کرد، که همانا حکومت اسلام و قرآن است، حکومتی که همگان را شامل می شود و همه در آن مساویند.

فلسفه انتظار جامعه شیعه چیست؟

پرسش

فلسفه انتظار جامعه شیعه چیست؟

پاسخ

مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً منتظرند که سراسر کَیتی را عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری فراگیرد و آن رهبری که وعده ظهور او در قرآن و صدها حدیث معتبر وارد شده است ظاهر شود و آئین توحیدی اسلام را که در شرق و غرب جهان وارد شده است گسترش دهد و امت واحد حکومت واحد، قانون واحد، نظام واحد، تمام افراد بشر را متحد، همصدا، همقدم و به هم پیوسته سازد. این عقیده به ظهور مصلح منتظر، حضرت مهدی موعود چنانکه در روایات به آن اشاره شده است شیعه را در جریان زمان برای مقاومت در برابر صدمات و لطماتی که بر هر دعوتی وارد میشد و آن را متلاشی میکرد پرورش داد و فکر شیعه را که فکر خالص اسلامی است و جامعه شیعه را از زوال و انقراض نگاه داشت و تا امروز این فکر و این عقیده و ایمان عامل بقای شیعه و پایداری و استقامت اوست.

آن شیعیانی که با آن وضع جانگزای حکومت بنی امیه و بنی عباس روبرو شده بودند که تمام حیثیات و شؤون ظاهری و اجتماعی آنها الغا شده و از همه مشاغل محروم و در همهجا مورد تعقیب و زیر نظر جاسوسان حکومت قرار گرفته و کمترین مجازات آنها زندان بود تا مجازاتهای شدید از بریدن دست، پا، زبان و بینی و شکنجههای غیر قابل تحمّل دیگر، اگر منتظر و آینده بین نبودند و اعتقاد به پیروزی حق و عدالت و شکست باطل و ستم نداشتند با این که همهچیز را از دست رفته میدیدند هرگز

برایشان حال مقاومت باقی نمیمانـد و همه حتی در دل شـکست خورده و تسـلیم میگشـتند و از دگرگون شدن اوضاع و عوض شـدن و ورق خوردن صـفحه تاریـخ نا امید میگردیدند و ریشه هر نهضت و حرکت و پایداری در آنها خشک میشد. اما پیامبر اکرم و حضـرت علی(ع) وعده داده و قرآن مجید نیز بشارت داده است که این دین پایدار میماند و این راه بسـته نمیشود و این نزاع و نبرد حق و باطل با غلبه ظاهری جبّاران تاریخ مانند یزید و ولید و زیاد و حجاج و هارون و دیگران پایان نمیپذیرد.

این است فلسفه بزرگ اجتماعی انتظار ظهور و این است یکی از اسرار غیبت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه) و از ایـن جهـت است که ثـواب منتظرین ماننـد ثـواب مجاهـدین و بلکه شـهیدان بـدر و احـد است و این است که از نظر یـک فرد مسـلمان در هر شـرایط و اوضاع نا مساعد و ناگواری که جلو بیاید کار اسـلام خاتمه یافته تلقی نمیشود و روز این دین به آخر نمیرسد و در حقیقت انتظار فلسـفه محکم و استواری است که در تمام ادیان مورد توجه بوده و به آن عقیده داشتهاند و از سنن و نوامیس ثابتی است که همه ادیان آسمانی در بقای خود از آن مایه گرفتهاند و همه در انتظار آینده عالیتر و بهتر بودهاند.

منشاء اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ، چیست؟

پرسش

منشاء اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ، چیست؟

پاسخ

برخلاف گفته کسانی که فکر میکنند بذر اصـلی انتظار ظهور یک مصـلح بزرگ را شکسـتها و ناکامیها و نابسامانیها در سطح افکار میپاشد، عشق به این موضوع مربوط به اعماق وجود آدمی است؛ گاهی به گونه پررنگ، . گاهی کم رنگ.

ایمان به ظهور مصـلح جهانی جزئی از «عشق به آگاهی» و «عشق به زیبایی» و «عشق به نیکی» (سه بعـد از ابعاد چهارگانه روح انسان) است که بدون چنان ظهوری این عشقها به ناکامی میگراید و به شکست محکوم میشود.

خلاصه، علاقه انسان به پیشـرفت و تکامل، به دانایی و زیبایی، به نیکی و عدالت، علاقهای است اصیل، همیشگی و جاودانی و انتظـار ظهور یـک مصـلح بزرگ جهـانی آخرین نقطه اوج این علاـقه است. چگونه ممکن است عشق به تکامـل همه جانبه در درون جان انسان باشد و چنان انتظاری نداشته باشد! مگر پیاده شدن تکامل جامعه انسانی بدون آن امکان پذیر است!

بنابراین، کسانی که در زندگی گرفتار شکست و بحرانی نبودهاند چنین احساسی را در درون جان خود دارند... این از یکسو.

از سوی دیگر، همانطور که اعضای پیکر انسان به تکامل و پیشرفت وجود او کمک میکند و عضوی در بدن نمییابیم که مطلقاً نقشـی در این حرکت تکاملی نداشته باشد، خصایص روانی انسان نیز چنینانـد؛ یعنی، هرکدام نقش مؤثری در پیشرفت هدفهای اصـیل او دارند. عشق به تکامل، عشق به صـلح و عدالت، نیز وسـیلهای است برای رسیدن به این هدف بزرگ و به منزله موتور

نیرومندی است که چرخهای وجود انسان را در این راه به حرکت دائمی وا میدارد؛ و او را برای رسیدن

به جهانی مملو از صلح و عدالت کمک میکند.

ازسوی دیگر، احساسات و دستگاههایی که در جسم و جان وجود دارد نمیتواند هماهنگ با مجموعه عالم هستی نباشد؛زیرا همه جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است، و وجود ما نمیتواند از بقیه جهان جدا باشد.

از این به هم پیوستگی بخوبی میتوانیم نتیجه گیری کنیم که هر عشق و علاقه اصیلی در وجود ما هست دلیل بر آن است که «معشوق» و «هدف» آن نیز در جهان وجود دارد و این عشق وسیلهای است که ما را به او نزدیک میسازد.

و از اینجا به آسانی نتیجه میگیریم که اگر انسانها انتظار مصلح بزرگی را میکشند که جهان را پر از صلح و عدالت و نیکی و داد کند، دلیل بر آن است که چنان نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی امکان پذیر و عملی است که عشق و انتظارش در درون جان ماست.

عمومیّت این اعتقاد در همه مذاهب نیز نشانه دیگری بر اصالت و واقعیّت آن است، زیرا چیزی که زاییده شرایط خاص و محدودی است نمیتواند اینچنین عمومی باشد. تنها مسائل فطری هستند که از چنین عمومیّتی برخوردارند و اینها همه نشانه آن است که از زبان عواطف و سرشت آدمی این نغمه در جان او سرداده شده که سرانجام مصلحی بزرگ جهان را زیر پرچم صلح و عدالت قرار خواهد داد.

در مورد فلسفه انتظار توضیحاتی بفرمایید؟

پرسش

در مورد فلسفه انتظار توضیحاتی بفرمایید؟

پاسخ

ابتدا به بررسی مفهوم گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزشهای انسانی، تشکیل مدینه فاضله، و جامعه ایده آل و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی، بوسیله شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی از او به "مهدی" تعبیر شده است. اندیشه ای است که کم وبیش همه فرق و مذاهب اسلامی با تفاوتها و اختلافاتی بدان معتقدند. این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است، که طبق بسیاری از نظریه ها و فرضیه ها امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی و انسانی، در زبان روایات اسلامی "انتظار فرج" خوانده شد، و عبادت بلکه افضل عبادات شمرده شده است. اصل "انتظار فرج" از یک اصل کلّی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن اصل حرمت یأس از روح ا... است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی گردند، چیزی که هست این انتظار فرج و این عدم یأس از روح ا... در مورد یک عنایت عمومی و بشری است نه شخصی یا

گروهی، و بعلاوه توأم است با نویدهای خاص و مشخصی که به آن نظمیّت داده است. (۱)

اما انتظار فرج و امید و دل بستن به آینده دو گونه است : انتظاری که سازنده است، تحرک بخش است، تعهدآور است، عبادت بلکه با

فضیلت ترین عبادت است، و انتظاری که ویرانگر است بازدارنده است، فلج کننده است و نوعی اباحه گری محسوب می شود. و مسلماً منظور از انتظار فرج و فلسفه آن انتظار از نوع اول آن می باشد، نه انتظار ویرانگر و فلج کننده.

استاد مطهری"ره" در توضیح این دو نوع انتظار می فرمایند : "برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود(اینست که، صرفاً ماهیّت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق کشی ها، تباهیها ناشی می شود؛ نوعی سامان یافتن است، که معلول پریشان شدن است. آنگاه که صلاح به نقطه صفر برسد حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد ... این انفجار رخ می دهد، و دست غیب برای نجات حقیقت نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرفداری ندارد از آستین بیرون می آید. علیهذا هر اصلاحی محکوم است ... بر عکس هر گناه و هر فساد و هر ظلم و تبعیضی و هر حق کشی و هر پلیدی به حکم اینکه مقدمه صلاح کلی است... پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد دانست... این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود، به هیچ وجه با موازین اسلامی وفق نمی دهد.

آن عده از آیات قرآن کریم همچنانکه گفتیم ریشه این اندیشه است و در روایات اسلامی بدانها استناد شده است در جهت عکس برداشت بالاست. از این آیات استفاده می شود که ظهور مهدی موعود، حلقه ای است از حلقه های مبارزه

اهـل حق و اهل باطل، که به پیروزی نهایی اهل حق منجر می شود. سـهیم بودن یک فرد در این سـعادت موقوف به اینست که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشـد. آیاتی که بـدانها در روایات اسـلامی اسـتناد داده شـده است، نشان می دهـد که مهـدی موعود(مظهر نویـدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است. "وعدا...الذین امنوا منک وعملوا الصالحات لیستخلفنکم فی الارض..." یعنی : خداوند به مؤمنان و شایسته کاران (شما) وعده داده است که آنان را جانشـینان زمین قرار دهد (همچنانکه پیشینیان را قرار داد) دینی که برای آنها پسندیده است مستقر سازد، دوران خوف آنان را تبـدیل به دوران امنیّت نمایـد (دشـمنان آنان را نابود کند) بدون ترس و واهمه خدای خویش را بپرسـتند و اطاعت غیر خدا را گردن ننهند و چیزی را در عبادت یا اطاعت شـریک حق نسازند. در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام، به آن حضـرت ملحق می شونـد، بـدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی شوند... معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد زمینه های عالی برای پرورش اینگونه افراد هست.

بنابراین کسـی منتظر و یاور مهـدی (است که در زنـدگی منتظرانه خود، دوره آمادگی را گذرانـده و به مرتبه ایثار جان و مال در راه خدا رسیده باشد، برای شرکت در استقرار عدل بزرگ و نجات بشرمظلوم و انسانیّت محروم، گامهای خود را به ایمان و ایثار استوار سازد، و آن گاه برای یاری کردن نهضتی که می خواهد

ریشه ظلم را در جهان بکند، و عدل و قسط را به جای آن بنشاند، بی صبرانه منتظر جهاد باشد. (۳)

منابع و مآخذ :

۱. قیام وانقلاب مهدی(، استاد مطهری، ص۱۴-۱۳

۲. همان، ص۵۴-۵۸ (با اندکی تلخیص)

چشم به راهی مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۲۲۴

مقصود از انتظار مسیحا چیست؟

پرسش

مقصود از انتظار مسیحا چیست؟

پاسخ

یهودیان در سراسر تاریخ محنت بار خود هر گونه خواری وشکنجه را به این امید بر خود هموار کرده اند که روزی "مسیحا" بیاید وآنان را از گرداب ذلّت ودرد ورنج رهانده، فرمانروای جهان گرداند. هم اکنون صهیونیست های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعاهای مسیحایی مرسوم در پایان مراسم سالگرد بنیان گذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه آیار عبری) پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می کنند: "اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم ونفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد".

{پاورقی . انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۶۵. پاورقی}

بسیار طبیعی است که قوم بنی اسرائیل با گذشته تیره وتار خود در انتظار آینده بهتری باشد. به همین علت که حضرت موسی (ع) به عنوان یک منجی میان ایشان برخاست آنان در پذیرفتن او درنگ نکردند. این آرمان در دوران ابتلا پا گرفت وهرگز از ایشان جدا نشد، وتنها با انتخاب داوود به پادشاهی بود که آرزوی قوم، برای قیام یک منجی کاملاً برآورده شد. داوود نمونه یک پادشاه یهودی والگوی جاودانی شخص مسیحا گردید. ودر واقع، برخی از انبیا وحکیمان هم او را مسیحا می دانستند.

{پاورقی . هوشع، ۵/۳ ؛ إرمیا، ۹/۳۰ ؛ حزقیال، ۲۵ù۲۴/۳۷. پاورقی}

عصر داوود وسلیمان را می توان دوران شکوفا شدن آرمان مسیحایی در اذهان قوم یهود دانست. امید مسیحایی با دو نیم شدن حکومت بنی اسرائیل پس از حضرت سلیمان جدیّ تر شد.

انبیا نه تنها آتش شوق را در دل ها روشن نگه می داشتند، بلکه به توسعه دادن مفهوم مسیحا ودوران مسیحایی می پرداختند. آنان معتقد بودند که شخص مسیحا که خدا به وسیله او جهان

را مبارک خواهد ساخت، در اذهان بیشتر انبیا حاضر بود.

اندیشه مسیحایی در پیشگویی های "إشَعیا" به طور وضوح آمده است. مسیحای آرامش آفرین وتسلّی بخش قوم یهود در یکی از پیشگویی های او تصویر شده است. او حکومت آرمانی عادلانه ای را پی می افکند که در آن زمان "جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد مثل آب هایی که دریا را می پوشاند" و آن، پس از گسترش دین بنی اسرائیل در سراسر گیتی است که همچون پرچم قوم ها برپا خواهد شد وامت ها آن را خواهند طلبید.

{پاورقی . إشَعیا، ۱۰/۱۱ ؛ صَفَنیا، ۹/۳. پاورقی}

ونیز می خوانیم: "ودر آیام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قلّه کوه ها ثابت خواهد شد وفوق تلّ ها برافراشته خواهد گردید وجمیع امت ها به سوی آن روان خواهند شد...".

{پاورقی . صَفَنیا، ۴-۲/۲. پاورقی}

برخی از پیشگویی های "صَفنیا" حتی از پیشگویی های اشعیا جهان شمول ترند. از دید او عصر مسیحایی زمان اصلاح کلّی جهان است؛ زیرا که در آن زمان، زبان پاک به امت ها خواهد داد تا جمیع ایشان اسم یَهْوَه را بخوانند وبه یک دل او را عبادت کنند. تصور تَلمود پیرامون شخص مسیحا به قرار زیر است: "یک انسان که نهالی از خاندان سلطنتی داوود است وقداست او تنها به سبب موهبت های طبیعی وی خواهد بود، امتّ های مشرک به دست او نابود خواهند گشت وبنی اسرائیل قوّت خواهد گرفت".

{پاورقی . انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۶۵. پاورقی}

آیا اعتقاد به مهدویت در جامعه اسلامی نتیجه فشارهای سیاسی بوده است؟

پرسش

آیا اعتقاد به مهدویت در جامعه اسلامی نتیجه فشارهای سیاسی بوده است؟

پاسخ

برخی از مستشرقین وبه تبع آنها برخی از روشنفکران غرب زده اسلامی معتقدند که اعتقاد به مهدویت در نتیجه فشارهای سیاسی بوده که بر مستضعفین جامعه اسلامی وارد شده است.

فان فلوتن می گوید: "جور وستم دولت عباسیان از هنگام به حکومت رسیدن، کمتر از دولت امویان نبوده است. این جور وستم ها به حدّی بود که مستضعفین ومظلومین را بر این وا داشت که خود را امیدوار کنند، لذا چاره ای جز این ندیدند که به

عقیده به مهدی وانتظار ظهورش دل ببندند، تا بتوانند از شدّت تألّمات روحی خود بکاهند...".

{پاورقی . السیاده العربیه، ص ۱۳۲. پاورقی}

"دونالد سن" می گوید: "احتمال جدّی است که اختناق وفشارهای سیاسی که در مملکت اسلامی از طرف حاکمان بنی امیّه پدید آمده از اسباب ظهور نظریه مهدویت در آخرالزمان بوده است".

{پاورقی . عقیده الشیعه، ص ۲۳۱. پاورقی}

احمد امین مصری می گوید: "عامل اساسی در پیدایش عقیده مهدویت نزد شیعه واصرار بر آن، فشارهای سیاسی ومصائبی بود که بعد از شهادت امام علی[۷] وبه حکومت رسیدن معاویه با آن روبه رو شدند. این مصائب با بیعت با حسن بن علی[۸] وپس از آن شهادت حسین بن علی[۸] واز هم پاشیدن حرکت های ضدّ اموی وقوت گرفتن حکومت امویان شدت گرفت. لذا درصدد برآمدند تا تاکتیک خود را تغییر داده از دعوت آشکار صرف نظر کرده، به دعوت سرّی برای ریشه کن کردن ظلم روی آورند...".

{پاورقی . ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۴۱. پاورقی}

محمّد عبدالکریم عتوم می گوید: "واقع آن است که عقیده به مهدی قبل از وقوع غیبت امام پدید آمده وپرورش پیدا کرد. واین به صورت دقیق بعد

از واقعه کربلا وبعد از تفرّق شیعه توسط دولت اموی بوده است. این وضعیّت نابهنجار برای شیعه زمینه را برای پذیرش عقیده مهدویت فراهم ساخت تا آنان را از وضعیّت موجود نجات دهد. در نتیجه مهدویت آرزویی شیعی بود که اثری منفی در زندگی شیعیان داشت اگرچه آنان را از وضعیّت موجود نجات داد".

{پاورقی . النظریه السیاسیه المعاصره للشیعه الامامیه، ص ۸۶. پاورقی}

پاسخ:

۱ - گرچه در طول تاریخ، مستضعفین ومظلومان اعم از مسلمان وغیرمسلمان، شیعه وغیر شیعه تحت فشارهای سیاسی بوده اند، ولی این به آن معنا نیست که این فشارها باعث شد تا مستضعفان اعتقاد به منجی ومهدی را از خود جعل کنند، بلکه خداوند متعال مطابق مصلحت وحکمتی که ملاحظه کرده موضوع منجی وظهور حضرت مهدی (ع) را به جهت اقامه عدل وعدالت در سطح گسترده مطرح کرده است.

۲ - همان گونه که در جای خود بحث کرده ایم موضوع مهدویت مقتضای خواست فطری بشر بوده وعقل، قرآن وروایات نیز به طور صریح بر آن اتفاق کرده اند ونیز اجماع مسلمین به جز برخی اندك از روشنفکران غرب زده معتقد به مهدویت شده اند.

۳ - مهدویت وانتظار ظهور مهدی موعود (ع) در صورتی که معنا ومفهوم صحیح آن در نظر گرفته شود نه تنها آثار منفی به بار نخواهد آورد بلکه آثار مثبتی داشته، در ایجاد روحیه امید در جامعه وفراهم کردن زمینه مناسب برای ظهور حضرت مهدی (ع) تأثیر بسزایی داشته ودارد.

آیا عقیده به مهدویت ناشی از پیاده نشدن حکومت جهانی اسلام بوده است؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت ناشی از پیاده نشدن حکومت جهانی اسلام بوده است؟

پاسخ

پاسخ اول

دکتر "سلمان بدور" -رئیس بخش فلسفه در دانشگاه اردن- درباره منشأ رواج پیدا کردن عقیده مهدویت در تاریخ مسلمین می گوید: "حکومت پیامبر اسلام (ص) صورت مجسم مدینه فاضله ای بود که اسلام وادیان ومکاتب نوید آن را داده بودند. آرزوی بسیاری از مسلمانان این بود که در همان عصر، این مدینه فاضله در سرتاسر عالم گسترش پیدا کند، ولی این آرزو

تحقق نیافت، امّا هرگز از ذهن متفکّرین اسلامی خصوصاً جامعه شیعه امامی بیرون نرفت".

{پاورقی . دراسه عن الفرق فی تاریخ المسلمین، احمد محمّد جلّی، ص ۲۲۲. پاورقی}

پاسخ: گرچه اسلام در عصر رسول اکرم (ص) بر تمام عالم گسترش پیدا نکرد، ولی؛

اولاً: خبر اسلام ودعوت آن به گوش غالب بلاد اسلامی رسید وشخص رسول اکرم (ص) مردم عالم را به اسلام دعوت نمود.

ثانیاً: خود قرآن وشخص پیامبر اکرم (ص) خبر از تحقق اسلام در سطح گسترده ودر تمام روی زمین داده است، نه اینکه مسلمانان بعد از یأس از فراگیری اسلام به این عقیده روی آورده باشند.

دکتر عبدالجبار شراره می گوید: "آنچه جای تعجب است اینکه برخی از مدعیان علم ومعرفت از قدیم الایام ودر این زمان درصدد ایجاد تشکیك در جامعه اسلامی برآمده وموجبات تشویش افکار جامعه را فراهم کرده اند، واین تنها به جهت قصور فهم آنان از درک اسرار این عقیده (مهدویت) ومقاصد عالی آن است، ویا اینکه اسباب واغراض دیگری دارند که ما از آن آگاهی نداریم. از جمله این افراد، مستشرقین وشاگردان آنانند از قبیل: "جولد زیهر"، "فلهاوزن"، "فان فلوتن"، "مك دونالد"، "برنارد لویس"، "مونتگری"، "وات وماسینیون" ودیگران از کسانی

که از افکار مستشرقین پیروی کرده اند، با وجود آنکه ادعای مسلمان بودن دارند. وخوشبختانه هیچ گونه دلیل بر مدعای خود ندارند، بلکه دلیل بر خلاف مدعای آنان دلالت دارد. ونیز برهان آشکار وقطعی بر صحت عقیده مهدویت قائم است، زیرا به طور متواتر ثابت شده که در آخرالزمان، مهدی (ع) ظهور خواهد کرد، همان گونه که جماعتی از اهل سنّت از قبیل برزنجی وشوکانی ودیگران بر تواتر آن تأکید دارند...".

{پاورقی . بحث حول المهدی، ص ۱۶ù۱۷. پاورقی}

پاسخ دوم

۱ – مطابق آنچه در قرآن وروایات متواتر اسلامی وارد شده، عقیده به ظهور مهدی موعود عقیده ای اصیل واسلامی است که در ادیان دیگر نیز به آن اشاره شده است ولذا هرگز نمی توان آن را اسطوره واز عقاید ساختگی قرار داد.

۲ – این عقیده اختصاص به شیعه ندارد بلکه صحابه به تبع آیات قرآن وروایات نبوی معتقد به این عقیده بوده ودر طول تاریخ اسلام عموم علمای اسلامی اعم از شیعی وسنّی به این عقیده معتقد بوده اند.

۳ – اشتراک این عقیده بین یهود ونصارا ومسلمین دلیل بر آن نیست که مسلمانان از ادیان دیگر گرفته اند، بلکه دلالت بر آن دارد که موضوع انتظار منجی حقیقی مقتضای فطرت بشر بوده ولذا در هر دین وآیینی به آن اشاره شده است.

۴ – این کعب الاحبار نبوده که عقیده به مهدویت را در بین جامعه اسلامی منتشر ساخته است بلکه خدا ورسولان او خصوصاً پیامبر اسلام (ص) واهل بیت معصومش این عقیده را در جامعه منتشر ساخته اند.

فرجام اندیشی چه ضرورتی دارد؟

پرسش

فرجام اندیشی چه ضرورتی دارد؟

پاسخ

انسان به عنوان موجودی از موجودات هستی دائم در حال سیر، حرکت، تکاپو بوده و رو به مقصد دارد؛ چرا که انسان در هر کار خود یک «برای» دارد. چرا درس می خوانی؟ برای اینکه دانا و توانا بشوم. چرا کار می کنی؟ برای اینکه تحصیل در آمد و معیشت کنم. چرا تحصیل معیشت می کنی؟ برای آنکه غذا تهیه کنم و همینطور در مقابل هر «چرا؟» یک «برای» وجود دارد.

و همین «برای» هاست که کار انسان را معنا دار می کند و اگر کاری که انجام می دهد در مقابل «چرا؟» «برای» نداشته باشد

آن کار لغو، عبث و بیهوده تلقی می گردد. بزرگان حکمت اثبات کرده انـد هیچگاه از انسان کاری که فاقد هرگونه غرض و هـدف باشـد صـادر نمی شود. بلکه عبث ها نسبی است، یعنی مثلا فعلی که از یک شوق خیالی و یک ادراک خیالی است، به تناسب خودش عبث نخواهـد بود، ولی با توجه به این که هدف عقلانی ندارد آن را عبث می خوانیم.ر.ک: مطهری، مرتضـی، عدل الهی، صص ۱۹ – ۱۸.

از طرفی انسان به طور فطری کمال جو است یعنی می خواهـد سـعه وجودی هر چه بیشتری بیابد و علمش، قدرتش، اراده اش، حیاتش همه و همه نا محـدود و مطلق باشد و در یک کلمه طالب و خواسـتار و جویای کمال مطلق است به صورتی که اگر به تعبیر حضـرت امام(ره) قـدرت مطلق جهان باشد و عالم را در اختیار داشـته باشدو به او بگویند که جهان دیگری هم هست، به طور فطری مایل است آن جهان را در اختیار داشته باشد. یا مثلا هر اندازه دانشمند باشد و گفته شود علوم دیگری

هم هست به طور فطری مایل است که آن علوم را هم بیاموزد. در حقیقت انسان به هیچ حدی از کمال قانع نیست. و هر چه داشته باشد، بیش از آن می خواهد و این امر واضح و غیر قابل تردید است.

اگر به تمام دوره های زندگانی بشر توجه کنیم و اگر تاریخ زندگانی بشر را ورق بزنیم، این کمال جویی، کمال طلبی، کمال خواهی و عشق به کمال مطلق را خواهیم یافت. کمتر دین و مذهبی را در جهان می توان یافت که در این باب سخن نگفته باشد، هر چند در تحلیل کمال و تعلق کمال و تشخیص کمال و راه رسیدن به آن اختلاف نظر هست، ولی همه در این اصل متفق اند که آدمی به طور فطری کمال جوست.برای آگاهی بیش تر ر.ك: امام خمینی، روح اللّه، چهل حدیث، صص ۱۶۳-۱۵۵.

با توجه به این دو اصل یعنی حرکت و تحول دائمی انسان و کمال جویی فطری او - که پیشینه ای به اندازه حیات بشری دارند - اذعان خواهیم کرد که فرجام اندیشی، غایت نگری، دور اندیشی و تفکر در مقصود نهایی یکی از دغدغه های پایا و دیرپای آدمی بوده، هست و خواهد بود.

مگر می شود انسان در سیطره این دو مسأله، خود را بیابد و عاقبت اندیش نباشد؟ آیا می توان گفت: آدمی در طول زندگی خود، هیچ گاه به هدف و مقصود خود نیندیشیده و نمی اندیشد؟ کمترین توجه و دقت به زندگی روزمره خود که نمایانگر کوشش و سعی انسان بر دست یابی به هدف و هدف هایی است - و لو آن مقصود مطلوب نهایی نباشد - نشان دهنده آخر اندیشی او است.

کدام انسان را می توان یافت که در فعالیت های روزمره، سالیانه و

در طول عمر خود، بدون هدف، مقصود و پایان کار بوده است؟!

حتی انسانی که عملکردی ناپسند، نا خوشایند و غیر عقلانی دارد، برای اعمال خود توجیه ارائه کرده، آنها را برای مقصود و یا مقصودهایی تدلیل می کند. احساس مسؤولیت در برابر حرکت جهان هستی و کمال جویی، انسان را وادار می سازد که فرجام اندیش و عاقبت نگر باشد و این خود یکی از افتخارات بزرگ و یکی از نشانه های عظیم و گران قدر اشرف بودن انسان بر موجودات دیگر است.

آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟

پرسش

آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟

پاسخ

نخیر، صحیح نیست زیرا که اندیشه و اعتقاد به مهدویت نشأت گرفته از اصل وحی و ارسال رسل است، و مهدویت یعنی حافظ شریعت و نگهبان او و چون شریعت اسلام شریعت خاتم است مهدویت نیز برای حفظ این شریعت می باشد تا زمانی که اراده خداوند تعلق بگیرد. و چون مهدویت بدون اصل نبوت مفهوم نیست باید دانست که هدف انبیاء و پیامبر خاتم اسلام همان رشد دادن به انسانها و پرورش استعدادهای عظیم او و مهیا کردن و تربیت نمودن انسانهایی برای بهشت خداوند بوده است و بااین نگاه مؤمن حتی در متن رنجها و مشکلات به سازندگی و تربیت خودش تحت برنامه وحی می پردازد و اگر فرض کنیم در زندگی هیچ مشکلی وجود نداشته باشد باز نیاز به مهدی(عج) وجود دارد، زیر تربیت استعدادهای عظیم و ساخته شدن انسان برای منازل متعددی که در معاد در پیش دارد، ضرورت وجود یک معلمی که از غیب می داند و حافظ وحی و مربی انسانها و تکامل دهنده نفس انسانی می باشد و تکویناً بر من و نفس من احاطه دارد و از من به من نزدیک تر است (النبی اولی باالمومنین من انفسهم...) یعنی پیامبر از نفس مؤمنین بخودشان نزدیک تر است پس ضرورت وجود حضرت مهدی(عج) یک نیاز تربیتی و اعتقادی است و چون راه طولانی است (معاد) ضرورت وجود راهبر (نبی و وصی نبی) امری عقلی است زیرا که نشان دادن راه های طولانی تر و بزرگتر از سزح این جهان را وحی به عهده دارد و کسانی که وحی به آنها سپرده شده

است عهده دار تربیت نفوص و ایجاد زمینه های مناسب برای این تربیت می باشد.

فضیلت و آثار انتظار

انتظار وآثار آن

پرسش

انتظار وآثار آن

پاسخ

انتظار, یعنی آمادگیِ همیشگی . نشانه های انتظارعبارت اند از:

۱ ترک معصیت در عقاید و باورها;

۲ ترک معصیت در رفتار و کردار و گفتار;

۳ انجام واجبات و ترک محرّمات ;

۴ تهذیب نفس و پیراسته و پاک زیستن ;

۵ صداقت در عقیده و عمل و افکار و نیّات ;

۶ دارا بودن توان روحی برای جهاد و مبارزه در رکاب امام مهدی ۷

۷ رسیدگی به محرومان و مستضعفان ;

۸ تقویت روح ولایی و توسل به حضرات معصومان : به ویژه حضرت ولی عصر۷

امام صادق ۷می فرماید:

(پاورقی ۱.موسوی اصفهانی , مکیال المکارم , ج ۲ ص ۲۱۰ (دفتر تحقیقات و انتشارات بدر). برای آشنایی با مهدی شناسی , ر.ک به : مجله ءحوزه ء, ش ۷۰ ۷۱

از قرآن و روایات استفاده می شود در آستانهء قیامت می شود; یعنی گروهی از بدکاران و(پاورقی ۲.ر.ک : مجمع البیان , ذیل آیهء ۸۲ ۸۵ سورهء نمل .

نیکوکاران به دنیا بازگشت می کنند.

رجعت از عقاید معروف شیعه و بیانگر این است که بعد از ظهور مهدی ۷و در آستانهء رستاخیز, گروهی از و به این جهان باز می گردند. گروه اول مدارجی از کمال را طی می کنند و گروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند.

مرحوم سید مرتضی که از بزرگان شیعه است می گوید:

دلیل صحت این عقیده عبارت است از:

۱ هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند و این مسئله عقلاً محال نیست ;

۲ اجماع امامیه ; احوی از دانشمندان شیعه با این عقیده مخالفت ندارد.

(پاورقی ۳.سفینه البحار, ج ۱ ص ۵۱۱ مادهء رجع .

بنابراین , بعد از ظهور حضرت حجت ۷برخی از

مؤمنان خالص مثل حضرت امیرالمؤمنان ۷و امام حسین ۷و یارانشان , جهت انتقام از ظالمان , رجعت و حکومت می کنند. دلیل این مدعی روایاتی است که علامهء مجلسی در بحارالانوار با سند معتبر از امام صادق ۷نقل می کند. در برخی از این روایات آمده است :.()

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۵۲

احادیث رجعت متواتر است و شمارهء روایات آن به حدود دویست حدیث می رسد که چهل و چند نفر ازراویان ثقات و علمای اعلام در بیش از پنجاه کتاب آن ها را آورده اند.()

(پاورقی ۲.بحارانوالار, ج ۵۳ ص ۱۲۲

به هر حال در روایت می خوانیم : رجعت عمومی نیست , بلکه جنبهء خصوصی دارد و تنها گروهی بازگشت می کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند.

(پاورقی ۳.بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۳۹

رجعت از ضروریات مذهب شیعه است , نه از ضروریات اسلام ; بنابراین از منظر شیعه منکران رجعت ,کافر به شمار نمی آیند و رشتهء اخوت اسلامی با دیگران از بین نمی رود, بلکه شیعه به دفاع عقلی و منطقی ازعقیدهء خود ادامه می دهد.()

(پاورقی ۴له .تفسیر نمونه , ج ۱۵ ص ۵۴۶ ۵۶۲

در مورد شهادت حضرت حجت ۷در برخی از منابع آمده است که حضرت به دست زنی فاسد به شهادت می رسد.

(پاورقی ۵.ر.ک : مجلهء حوزه , ش ۷۰ ۷۱ ص ۲۳ ۶۵و ص ۲۹۳

چرا بـا وجود این که معتقدیم در زمان ظهور امام زمان"ع" ظلم و ستم جهان را فرا می گیرد، همیشه تعجیل در فرج حضرت را از خداوند برای پایان دادن به ظلم خواهانیم و برای از بین بردن آن کوشش می کنیم؟ چطور از طرفی اعتقاد داریم با ظهور آقا دنیا گلستان می شود و از طرفی

پرسش

چرا با وجود این که معتقدیم در زمان ظهور امام زمان"ع" ظلم و ستم جهان را فرا می گیرد، همیشه تعجیل در فرج حضرت را از خداوند برای پایان دادن به ظلم خواهانیم و برای از بین بردن آن کوشش می کنیم؟ چطور از طرفی اعتقاد داریم

با ظهور آقا دنیا گلستان می شود و از طرفی می گویند وقتی آقا ظهور کرد، دنیا به پایان می رسد؟

پاسخ

دعا برای تعجیل در فرج امام زمان(عج) نیز سعی و کوشش برای از بین بردن ظلم و ستم با اعتقاد به این که حضرت هنگامی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و ستم باشد، منافات ندارند، زیرا پر شدن دنیا از ظلم و جور در وقت ظهور معنایش این نیست که مسلمانان و منتظران ظهور برای اصلاح جامعه وامر به معروف و نهی از منکر و برچیدن ظلم و حکومت ظالمان تلاش نکنند. مبارزه با ظلم و ستم و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه هر مسلمان است. افزون بر این یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت، انتظار است. رسول خدا(ص) فرمود: "بالاترین اعمال امّتم انتظار فرج است".(۱) منتظر بودن مصلح کل یعنی انسان از وضع موجود ناراضی باشد و خواهان وضع بهتر باشد. ناراضی شدن از وضع موجود می طلبد که با آن مبارزه شود وگرنه معلوم می شود که نارضایتی واقعی نیست.

پسی انتظار حکومت حق و عدالت حضرت مهدی(عج) و قیام مصلح جهانی در واقع مرکّب از دو عنصر است: عنصر نفی و عنصر اثبات. عنصر نفی، بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است. این گونه انتظار سرچشمه آن می شود که منتظر حضرت هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد را ترک نماید و حتی با آن مبارزه کند، نیز خود را از نظر روحی و جسمی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن حکومت جهانی مهدی موعود(عج) و شرکت در آن آماده نماید.

انتظار یعنی

آمـاده بـاش کامل. پس برای اساس احادیث رسـیده از پیامبر گرامی اسـلام(ص) اعتقاد داریم که امام زمان(ع) وقتی ظهور می کنند که دنیا را ظلم و سـتم فرا گرفته باشد. چون زندگی در محضـر حضـرت ولی عصـر(عج) و در جهانی که عدل فراگیر در آن حاکم باشد، آرزوی همه مسلمانان و مستضعفان است، برای تعجیل در فرج حضرت دعا می کنیم.

نیز چـون وظیفه هر مسـلمان در عصـر غیبت، انتظـار و آمـادگی کامـل و مبـارزه بـا سـتم و ظلم است، برای سـتم سـوزی و ظلم براندازی مبارزه می کنیم.

از روایات استفاده می شود که در زمان ظهور، غلبه با ستمگران است، نه آن که بیشتر مردم ستمگر و خواهان فساد باشند، بلکه بیشتر مردم خواهان عدالت اند، اما نیروی کافی برای تحقّق عدالت ندارند و غلبه با ظالمان و ستمگران و فاسدان است و آن ها فساد و تباهی را در همه جا گسترش داده اند. نکته پایانی این که آگاهی ما از آنچه اتفاق می افتد، ما را از انجام وظیفه خود و واجبـات دینی که در دین اسـلام واجب و لازم شـده است، بـاز نیم دارد، ماننـد مبـارزه بـا سـتم، امر به معروف، نهی از منکر، عدالت خواهی و....

اگر چه مـا نمی توانیم تمام ریشه های فساد و ظلم را از بین ببریم و معتقـدیم که با ظهور حضـرت تنها از بین خواهـد رفت، اما حـداقل می توانیم محیـط زنـدگی خود را از آلودگی و فسـاد حفـظ کرده، حـداقل خود را نجـات دهیم، و این نه تنها در دین اسـلام آمـده، بلکه عقل انسان بر آن حکم می کند، مانند این که بدانیم نمی توانیم جامعه ای را که در آن زندگی می کنیم و فاسد است اصلاح

کنیم، اما آیا نباید خودمان را اصلاح کرده یا خانواده خودمان را اصلاح کنیم؟ به این دلیل که جامعه را نمی توانیم درست کنیم، یا در راه اصلاح کشور و جامعه خودمان حرکت نکنیم، چون جهان را نمی توانیم اصلاح کنیم. در نهایت این که باید انسان های نیکوکار و شایسته در زمان ظهور به اندازه کافی وجود داشته باشند تا در کنار حضرت برای ریشه کن کردن ظلم باشند و راه آن ایجاد آمادگی در انسان ها است.

این که گفته اید دنیا پس از ظهور مهدی موعود (عج) گلستان می شود و بعد از ظهور آن جناب به پایان می رسد، هر دو درست است، ولی منافات با هم ندارند، زیرا به پایان رسیدن دنیا بلافاصله پس از ظهور محقق نیم شود، بلکه حضرت ظهور می کند و ظلم را بر می چیند و یاغیان و طاغیان و گردن کشان و ظالمان را به خاك ذلت می نشاند. نیز پرچم عدالت را برافراشته می کند و جهان را پر از عدل و داد می کند و مزه زندگی با صفا و شیرین در سایه حکومت عدل را به جهانیان به ویژه مستضعفان می چشاند و سالیان سال حکومت می کند،(۲) و پس از حضرت حکومت عدل ادامه پیدا می کند. از این جا روشن می گردد این که گفته می شود دنیا پس از ظهور امام زمان(عج) به پایان می رسد، معنایش این است که تا حضرت ظهور نکند، دنیا به آخر نمی رسد. پایان دنیا پس از ظهور است، ولی چه مدت پس از ظهور، دقیقاً معلوم نیست.

پی نوشت ها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۸۱؛ بحارالأنوار، ج ۱۳، ص ۱۳۷.

۲. لطف اللّٰه صافی، منتخب الأثر، ص ۴۸۷.

آیا پدید آمدن مدعیان مهدویت از آثار سوء اعتقاد به مهدویت است؟

پرسش

آیا پدید آمدن مدعیان مهدویت

از آثار سوء اعتقاد به مهدویت است؟

پاسخ

احمد امین می گوید: "از آثار سوء اعتقاد به مهدویت، انقلاب های پیاپی در طول تاریخ مسلمانان است. در هر عصری شخص یا اشخاصی پیدا شده وبا یدک کشیدن نام مهدی منتظر، مردم را به سوی خود دعوت نموده وگروهی نیز دعوت آنها را پذیرفته اند، واز این جهت باعث مشکلات در جامعه اسلامی شده اند...".

{پاورقی . ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۴۴. پاورقی}

پاسخ: اوّلاً: شکی نیست که مشکلاتی از ناحیه مدعیان دروغین مهدویت در جامعه اسلامی پدید آمده است، ولی گناه آن به عهده علما بوده که درست حضرت را تعریف نکرده وعلائم وشرایط ظهور را معین نکرده اند. ونیز گناه از مردم است که بدون تفحص از اصل قضیه، فریب این گونه افراد را خورده اند. وگرنه اصل قضیه مهدویت از برکات شایانی برخوردار است.

ثانیاً: راه مقابله با این گونه انحراف ها، انکار عقیده ای مسلّم نیست، وگرنه به جهت مقابله با مدعیان نبوت نیز باید با اصل نبوت انبیا مقابله کرد.

ثالثاً: گرچه مدعیان مهدویت چند روزی جولان داده ومردم را فریب داده اند، ولی به لطف خداوند وعنایات حضرت مهدی (ع) وکوشش فراوان علما، مکر وحیله آنها برملا شده واز جامعه طرد شده اند.

آیا اعتقاد به مهدویت انسان را از عمل باز می دارد؟

پرسش

آیا اعتقاد به مهدویت انسان را از عمل باز می دارد؟

پاسخ

پاسخ اول

برخی می گویند: "از آثار سوء اعتقاد به مهدویت وانتظار ظهور مهدی (ع) در جامعه اسلامی آن است که مردم را مایل به توکل به خدا نموده واز عمل ومبارزه باز می دارد...".

پاسخ: معنای صحیح انتظار مهدی موعود (ع) این نیست که مسلمانان دست بر روی دست گذاشته وبه انتظار مهدی (ع) به سر

برند، بدون آنکه به وظایف دینی خود عمل کرده وزمینه ساز ظهور او باشند.

ولذا در روایات اسلامی "انتظار فرج" از بهترین اعمال برشمرده شده است. معلوم می شود که انتظار جنبه عملی دارد وشخص منتظر خودش را از حیث عمل نیز آماده ظهور منجی می گرداند.

پاسخ دوم

اوّلاً: شکی نیست که مشکلاتی از ناحیه مدعیان دروغین مهدویت در جامعه اسلامی پدید آمده است، ولی گناه آن به عهده علما بوده که درست حضرت را تعریف نکرده وعلائم وشرایط ظهور را معین نکرده اند. ونیز گناه از مردم است که بدون تفحص از اصل قضیه، فریب این گونه افراد را خورده اند. وگرنه اصل قضیه مهدویت از برکات شایانی برخوردار است.

ثانیاً: راه مقابله با این گونه انحراف ها، انکار عقیده ای مسلّم نیست، وگرنه به جهت مقابله با مدعیان نبوت نیز باید با اصل نبوت انبیا مقابله کرد.

ثالثاً: گرچه مدعیان مهدویت چند روزی جولان داده ومردم را فریب داده اند، ولی به لطف خداوند وعنایات حضرت مهدی (ع) وکوشش فراوان علما، مکر وحیله آنها برملا شده واز جامعه طرد شده اند.

آیا اعتقاد به ولادت حضرت مهدی علیه السلام ووجود او تا این زمان از ضروریات ایمان است؟

پرسش

آیا اعتقاد به ولادت حضرت مهدی علیه السلام ووجود او تا این زمان از ضروریات ایمان است؟

پاسخ

اعتقاد به ولادت ووجود امام مهدی (ع) بر اساس ایمان واعتقاد به امامت در هر زمان، وضرورت وجود حجت در هر زمان است. شیعه معتقد است که امامت از اصول دین است وزمین هیچ زمانی خالی از حجت نیست، کسی که چنین عقیده ای دارد معتقد به ولادت حضرت مهدی (ع) است. زیرا مطابق نصّ پیامبر اکرم (ص) امامان بعد از ایشان دوازده نفرند که پیاپی تا روز قیامت خواهند بود. واز طرفی دیگر هر یک از امامان بر امام بعد از خود نصّ وتصریح نموده اند.

واز حیث تاریخ نیز جامعه شیعی، امامت امام مهدی (ع) را پذیرفته اند. از طرفی دیگر می دانیم که هر کس وظیفه دارد امام زمان خود را بشناسد وبیعت او را بر گردن داشته باشد. در نتیجه اعتقاد به ولادت ووجود امام زمان، حضرت مهدی (ع) ضروری است، گرچه به جهت شرایط وموانعی در غیبت به سر می برد.

دعا برای تعجیل فرج چه تأثیری در فرج شیعیان دارد؟

پرسش

دعا برای تعجیل فرج چه تأثیری در فرج شیعیان دارد؟

پاسخ

امام زمان (ع) در جواب سؤال های اسحاق بن یعقوب می نویسد: "أکثروا الدعاء بتعجیل الفرج، فإنّ ذلک فرجکم"؛ "برای شتاب در گشایش حقیقی وکامل، بسیار دعا کنید؛{پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۴. پاورقی}

همانا فرج شما در آن است."

می دانیم که فرج وگشایش شیعیان از تمام گرفتاری ها وفتنه ها در سایه ظهور حضرت مهدی (ع) محقق می گردد، وتا زمانی که حضرت در غیبت به سر می برد شیعه تحت فشار وظلم وتعدّی حاکمان ظلم وجور است.

از این حدیث استفاده می شود که زمان ظهور حضرت مهدی (ع) متعلق "بداء" واقع می شود یعنی قابل تقدیم وتأخیر است، ویکی از عوامل تعجیل در فرج آن حضرت (ع)، دعا است. می دانیم که دعا بدون درخواست قلبی وزمینه سازی برای تحقق آن، مؤثر نخواهد بود. انسان باید با زبان وقلب بطلبد، ودر عمل هم زمینه ساز خواسته خود باشد.

جشن های میلاد چه آثاری دارد؟

پرسش

جشن های میلاد چه آثاری دارد؟

پاسخ

برپایی مراسم ویادبود میلاد حضرت مهدی (ع) آثار وبرکاتی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - هر ساله شیعیان در روزی خاص به یاد حضرت مهدی (ع) دور هم جمع شده با ابراز ارادتشان نسبت به حضرت یاد او را در دل ها زنده می کنند.

۲ - برپایی جشن ها در روح وروان انسان اثر خاصی گذاشته واعتقاد به وجود وظهور حضرت را تثبیت خواهد کرد.

۳ - در جشن هایی که برگزار می گردد کمالات وفضایل آن حضرت تشریح وتوضیح داده می شود ودر نتیجه مردم با تأسّی

به حضرت به خدا نزدیک تر می شوند.

۴ – در آن مجالس، با اطعام وپخش شیرینی دل مردم را خشنود کرده وبه ثواب اطعام می رسند وگروهی از این ضعفا از این مجالس بهره مادی نیز می برند.

۵ – این مراسم فرصت مناسبی است که مردم را به خدا ودستورات او دعوت نماییم.

چه آثار و نتایج قابل مشاهده ای در شخصی که منتظر امام زمان عج است دیده می شود.

پرسش

چه آثار و نتایج قابل مشاهده ای در شخصی که منتظر امام زمان عج است دیده می شود.

پاسخ

انتظار فرج در واقع، انتظار حکومت جهانی اسلام است، انتظار تشکیل حکومت توحیدی در سطح جامعه انسانی است، انتظار تحقق عدالت در اجتماع است، انتظار وراثت زمین و دولت مؤمنان و موحدان است. بنابراین «انتظار» نه به معنای «نشستن و دعا کردن» است، «انتظار» یعنی «برخاستن و دعا کردن»، انتظار یعنی بکوشیم هر چه بهتر دین اسلام را به عنوان یک دین توحیدی فراگیر بشناسیم، بفهمیم و بسازیم، این همان زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) است

آثار و نتایج قابل مشاهده در انسان منتظر آمادگی او برای ظهور است و این آمادگی میسر نمی شود مگر از طریق نزدیکی، سنخیت، و همانند سازی شخصیت و ترتیب دادن زندگی خود آنچنان که مورد رضایت آن حضرت(عج) باشد. به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی است، افکارش، صفاتش و اعمالش و هیچ انسانی از این قاعده مستثنی نیست، حتی حضرات معصومین (ع).

ارتباط و نزدیکی به هر انسانی هم تنها از همین طریق ممکن است یعنی، اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره ای ندارد جز این که بکوشد ابتدا افکار، باورها و طرز تفکر آن شخص را شناسایی نماید و خویش را از جهت فکری با آن شخص هماهنگ نماید و سپس بکوشد که قرب صفاتی پیدا نماید یعنی، از جهت صفات و کمالات اخلاقی میان خود و آن شخص محبوب همانندسازی نماید و این بهترین طریقی است که انسان طالب کمال را به یک انسان کامل الگو نزدیک می نماید.

در مورد نزدیکی به امام عصر (عج)

هم وضع به همین منوال است. ما به عنوان یک شیعه و پیرو اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وظیفه داریم ابتدا کیفیت اعتقاد، باورها، صفات، کمالات، نوع منش و کنش آن حضرات را شناسایی نماییم و در مرتبه بعد بکوشیم زندگی، صفات و باورهای خود را به ایشان نزدیک نماییم تا از این طریق شیعه و پیرو واقعی آنها باشیم .

مقصود از انتظار فرج، امید ودلبستگی به مهدی (عج) است. بنابراین انتظار فرج مقصود دین به تعبیر شهید مطهری، انتظاری سازنده و نگه دارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک بخش است. به گونه ای که خود نوعی عبادت و حق پرستی است.

برخی به خطا اندیشه مهدویت را به گونه ای تصویر می کنند که انتظار به معنای کمک به رشد ظلم و فساد و پرشدن دنیا از گناه می باشد در حالی که بی شک چنین اموری با هدف دین بیگانه است، بنابراین انتظار و عشق به مهدی یعنی، عشق به همه خوبی ها و امید اقامه همه خوبی ها در دنیا این عشق و امید عاملی است که انسان را وامی دارد تا هر چه بیشتر و محکم تر در راه خوبی ها قدم بردارد، پس انتظار فرج مسؤولیت آفرین است .

بحث در این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری دارد. منابع زیر بسیار مفید است:

۱- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، صدرا، تهران (این کتاب اساساً به معنای انتظار پرداخته است).

۲- امامت و مهدویت، آیت الله صافی، انتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۵ (این اثر به مجموعه ای از بحث ها پیرامون امام مهدی (عج) پرداخته و خصوص بحث انتظار نیز یکی از فصلهای کتاب است، ج ۱، صص ۳۵۱- ۳۹۸)

۳- خورشید مغرب استاد محمد رضا حکیمی

فواید فرجام اندیشی چیست؟

پرسش

فواید فرجام اندیشی چیست؟

پاسخ

«فرجام اندیشی»، فواید متعددی دارد که شمارش و شرح تفصیلی آن، در این نوشتار نمی گنجد. از این رو تنها به بعضی از این فواید اشاره می کنیم:

۱. فرجام اندیشی موجب دور اندیشی خواهد شد؛ زیرا کسی که به عاقبت و فرجام خود بیندیشد، می کوشد جانب احتیاط را مراعات کند تا دچار خسران و ضرر نگردد. این اندیشه و دغدغه فکری در باره آخر و پایان کار، انسان را وادار می کند تا در جوانب کار، بیشتر بیندیشد و این مطالعه و احتیاط، قهراً پیروزی و شیرین کامی را برای او به ارمغان می آورد. چنان که

حضرت علی(ع) فرموده اند: «پیروزی به دوراندیشی است و دور اندیشی در به کار انداختن رأی».نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، کلمات قصار ۴۸، ص ۳۶۹.

۲. فرجام اندیشی باعث می گردد که آدمی با نگرش جدی و جدیدی به نظام هستی، طبیعت، خود و رابطه خدا، انسان و طبیعت بیندیشد. به بیان دیگر، عاقبت اندیشی انسان را به خود آگاهی، جهان آگاهی و خدا آگاهی می کشاند؛ چرا که در پرتو خودشناسی و آگاهی به خود، در رابطه اش با جهان - که از کجا آمده، در کجا قرار گرفته و به کجا می رود؟ درد حقیقت جویی در انسان زنده می شود؛ - همان طور که حضرت علی(ع) فرموده اند: «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده؟ در کجا است؟ به کجا می رود؟»غررالحکم.

۳. فرجام اندیشی انسان را به فرجام شناسی سوق می دهد. وقتی که انسان به عاقبت خود اندیشید و آن را با دوراندیشی و خود آگاهی مقرون ساخت؛ به طور طبیعی به سوی شناخت هدف نهایی کشیده می شود. در حقیقت با

توجّه به دغدغه فرجام و پایان زندگی، انسان با احتیاط، حزم و دورنگری توأم با نوعی خود آگاهی، جهان آگاهی و خدا آگاهی، به سمت شناخت کمال نهایی خود، چگونه زیستن، چگونه حرکت کردن، به کدام سو رفتن، در چه مسیری قرار گرفتن و چه چیزهایی را به کار بردن، برانگیخته می شود.

شناخت هدف، نقش اساسی در جهت دادن به فعالیت ها و انتخاب و گزینش کارها ایفا می کند. کسی که هدفی، جز لذت دنیا و کمالی را فراتر از زندگی مادی نمی شناسد، کردار و رفتارهای خود را به گونه ای تنظیم می کند که تنها نیازهای مادی و خواسته های این سویی اش تأمین گردد.

اما کسی که هدف و مقصود نهایی خود را فوق این جهان مادی جست وجو می کند، قهراً برنامه زندگی اش را به گونه ای طراحی و اجرا می کند که هر چه بهتر و بیشتر، برای مقصود نهایی و آن سویی اش سودمند باشد. حضرت علی(ع) فرموده اند: «بینا از دنیا توشه گیرد و نا بینا برای دنیا توشه فراهم آورد».نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳، ص ۱۳۲.

هر که پایان بین تر او مسعودتر جدتر او کارد که افزون دید بر

زانکه داند کاین جهان کاشتن هست بهر محشر و برداشتن

مثنوی، دفتر چهارم، ابیات ۲۹۸۹-۲۹۸۸.

عقیده ی به امام زمان«علیه السلام» باید چه اثری در ما بگذارد؟

پرسش

عقیده ی به امام زمان«علیه السلام» باید چه اثری در ما بگذارد؟

پاسخ

اعتقاد به وجود امام زمان«علیه السلام» مخصوصاً با این ویژگی که خدا آن حضرت را برای از بین بردن ظلم ها و ستم ها و تشکیل حکومت عدل واحد در جهان ذخیره کرده است می تواند نتایج و آثار درخشانی در زندگی انسان از نظر عدلی داشته باشد.

یکی از آن نتایج / انتظار فرج است شیعه ای که عقیده دارد روزی فرا می رسد که امام زمان«علیه السلام» قیام می کند در پرتو ظهور وی دنیا پر از عدل و داد می گردد و خویشتن را منتظر ظهور آن گرامی می داند با این اعتقاد راستین نسبت به ظلم ها و ستم ها بی تفاوت نیست او از گناه و معصیّت و ناپاکی و ستم رنج می برد و نه تنها خود را از انحراف و ستم برکنار می دارد بلکه تا سرحدّ توانایی برا دفع ظلم ستم و از بین بدن ناپاکیها و فسادها و انحراف ها تلاش و مبارزه می کند و پشتوانه این

تلاشها و فداکاری های وی امید به ظهور حکومت امام زمان«علیه السلام» و قیام آن مصلح بزرگ است.

چرا خداوند مردم را منتظر ظهور امام زمان نگه داشته است؟

پرسش

چرا خداوند مردم را منتظر ظهور امام زمان نگه داشته است؟

پاسخ

انتظار باوری است بارور به عمل، که در زندگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص تجسّم می یابد، انتظار اعتقادی است در گرو عمل، عمل کردن به آنچه که فرهنگ انتظار ایجاب می کند. رسول اکرم (ص) می فرماید: افضل الاعمال احمزها برترین عملها، سخت ترین آن هاست،(۱). و در جای دیگر فرموده اند: افضل اعمال امتی، انتظار الفرج برترین عملها، انتظار فرج است،(۲). نتیجه این دو مقدمه و یا دو روایت آن است که انتظار از دشوارترین تکالیف شرعی محسوب می شود. کشف ویژگی "انتظار" هضم چرایی عظمت پاداش منتظران را آسان تر می کند.

علی (ع) می فرماید: المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله منتظر امر ما بسان کسی است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد،(۳).

آمادگی همیشه جوهر اصلی انتظار است و وظیفه قطعی منتظران، انتظار قیام و ظهور مهدی (عج) را در سر داشتن، آمادگی پیشین می خواهد، آمادگی در: ۱- آراستگی به عدالت و تقوا: فرد منتظر باید به زیور عدالت، تقوا و پارسایی آراسته باشد پیرو واقعی و صدیق حضرت ولی عصر (عج) کسی است که رفتار و مکتب آن جناب را الگوی عملی خود قرار دهد. رسول خدا (ص) در توصیف اوج مجاهدت و تدین منتظران مهدی می فرماید: لاحدهم اشدّ بقیه علی دینه من خرط القتاد فی اللیله الظلماء، او کالقابص علی جمر الغضا، اولئک مصابیح الدجی. هر یک از ایشان بیش از کسی که بر زجر پوست کندن درخت خار با دست خالی در شب تاریک یا نگاهداری آتش سوزان چوب درخت تاغ در کف دست صبر می کند در دینداری خود استقامت و پایداری می ورزد،

به راستی که آنان چراغ هدایت در شب های ظلمانی اند،(۴).

اگر فردی بتواند با اجتناب از معاصی و رعایت پروای الهی، ملکه عدالت را در خود پدید آورد و با ایجاد تعادل در میان قوای نفسانی خود، ارکان حیات اخلاقی را در وجود خود نهادینه سازد، آنگاه می تواند در عصر ظهور که عصر استقرار عدل ناب و مطلق است، خویشتن را با شرایط نوین تمدن توحیدی مهدوی هماهنگ سازد.

۲- آراستگی به بردباری و پایداری: فرد منتظر باید استقامت بورزد و صبر و حلم پیشه سازد زیرا، با توجه به گزارش تاریخی از عصر ظهور،(۵). در دوران ظهور فشار زاید الوصفی بر منتظران مخلص و صدیق مهدی موعود وارد می شود، که مقاومت و پایداری در چنین شرایطی به توان بالای روحی نیازمند است. منتظران باید بکوشند تا به درجات بالای صبر نایل آیند.

رسول خدا (ص) به اصحاب خویش فرمودند: "پس از شما کسانی می آیند که به هر یک از آنان اجر پنجاه نفر از شما را خواهند داد، اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا ما در غزوات بدر، احد و حنین با شما بودیم و درباره ما آیاتی از قرآن کریم نازل شده است پس چرا به آنان پنجاه برابر ما ثواب داده می شود؟ حضرت پاسخ گفتند: آنان در شرایطی [بس دشوار] خواهند بود که اگر شما در آن شرایط به سر برید، تحمّل و استقامت آنان را نخواهید داشت،(۶).

از این رو رسول گرامی اسلام می فرماید: انتظار الفرج بالصبر عباده چشم به راه فرج داشتن، همراه صبر و استقامت، عبادت است،(۷).

۳- بهره مندی از دین شناسی بنیادین: فرد منتظر باید فهم و تلقی صحیحی از دین داشته باشد، مطالعه تاریخ ادیان

بیـانگر این واقعیت است که ادیـان بر اثر عوامـل مختلف و بـا گـذشت زمـان هـای متمادی، آرام آرام از خلوص نخستین خود فاصـله می گیرنـد و خطوط اصـلی و فرعی آن ها هر یک به نوعی حـذف و اضافه، شدیـد و ضـعیف، تبدیل و تغییر و تأویل و تفسیر می شوند از همین رو، امام زمان (ع) با بدعت ها مبارزه سختی خواهد کرد،(۸).

چنانکه امیر مؤمنان می فرمایـد: "یعطف الهوی علی الهـدی، اذا عطفوا الهدی علی الهوی و یعطف الرأی علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرأی [مهدی موعود] هواهای نفسانی مردمان را به هدایت تبدیل خواهد کرد، آن زمان که مردم هوای نفس را بر هدایت غالب سازند و آراء و نظریات را به قرآن باز خواهد گردانید هنگامی که قرآن را به آرای خود باز گردانند،(۹).

۴- اصـلاح طلبی فرد منتظر باید به سـهم خود در راه اصـلاح جامعه و استقرار عدالت و رفع ظلم و تعدی بکوشد، آن که منتظر مصلح جهـانی است، خـود نیز بایـد صالـح و مصـلح باشـد، امر به معروف و نهی از منکر، مبـارزه فردی و اجتمـاعی خصوصـاً باحکام جور و سلاطین نقطه بارز مصلح بودن است.

امام صادق (ع) می فرماید: " لیعد احدکم لخروج القائم و لوسـهماً حتماً هر یک از شـما منتظران برای قیام حضـرت قائم سلاح فراهم سازد هر چند یک تیر،(۱۰).

به هر روی، منتظر مهدی (عج) در برابر فساد و ستم حکومت های جور بی تفاوت نیست و مؤید آنان نیز نمی باشد پیامبر اکرم (ص) در خصوص وظـایف منتظران مهـدی می فرمایـد: طوبی لمن ادرک قـائم اهل بیتی و هو مقتـد به قبل قیامه، یتولی ولیه و یتبرأ من عدوه و یتولی الائمه الهادیه من

قبله، اولئک رفقـائی و ذوو ودّی و مودّتی و اکرم امتی علیّ خوشا به حال کسـی که به حضور قائم برسـد و حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد، آن که با دوست او دوست و با دشـمن او دشـمن و مخالف است و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست است، اینان همنشین و دوستان من و گرامی ترین امت در نزد من هستند،(۱۱))

پی نوشت

(۱) (مجمع البحرین فخر الدین طریحی، مقدمه و تصحیح آیهالله شهاب الدین مرعشی نجفی (ره)، ص ۲۹۷)

(۲) (همان، ص ۵۷)

(۳) (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳)

(۴) (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴)

(۵) (نگا: اکمال الدین، ج ۱، ب ۲۳، حدیث ۱، الارشاد مفید، ص ۳۱۸ و الاحتجاج الطبرسی، ج ۲، ص ۳۱۸)

(۶) (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۱)

(۷) (همان، ج ۵۲، ص ۱۴۵)

(۸) (نگا: الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸)

(۹) (نهج البلاغه، خ ۱۸۳ و بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۱، شارحان شیعه و سنی نهج البلاغه این عبارت را ناظر به مهدی موعود دانسته اند)

(۱۰) (بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۶)

(۱۱) (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰).

باور داشتن مهدویّت چه ثمراتی را در پی دارد؟

پرسش

باور داشتن مهدویّت چه ثمراتی را در پی دارد؟

پاسخ

بر کسی پوشیده نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی(ع) عقیده ای است که امید می آفریند و نشاط و تلاش ایجاد میکند. سستی و ناامیدی و کسالت را از بین می برد. حرکت های اصلاحگرانه و اسلام خواهانه را تشویق می کند، و جانهای شورنده، بر استکبار و استضعاف را تقویت می نماید.

[دین] اسلام هنوز به کمال اهداف خویش نرسیده و به مرحله تحقّق همه آرمان هایی که برای جامه عمل پوشاندن به آنها، آمده است، دست نیافته، آینده از آن اسلام است و ناگزیر باید روزی فرا برسد که اسلام عزیز بر همه گیتی حکمروا باشد و همه ستمگری ها و حقّ کشی ها را از بین ببرد.

دنیا به زودی به دامن اسلام پناه خواهد آورد و نیاز دنیا به اسلام هر روز ظاهرتر از روز پیش به چشم می خورد. نور اسلام هر روز روشن تر و پرتوش هر روز درخشان تر از قبل در همه دنیا احساس می شود.

شکست نظام های استکباری رایج و فروپاشی احزاب شرک آلود غیر انسانی و عدم موفقیّت برنامه های اقتصادی و سیاسی آنان در گسترش امنیّت و آسایش مردمی و ناکام ماندن این سیاست ها در تحقّق اهداف انسانی و از بین بردن جهل و ستم و کینه جوئی ها و نژاد پرستی ها، روز به روز، دل ها را برای قبول اسلام آماده تر ساخته و مردم دنیا را برای پذیرش برنامه های الهی آن که یگانه راه حلّ مشکلات بشریّت است مشتاق تر می سازد.

بشریّتِ سرگردان امروز، هرگز گمشده خود را در نظام های شرقی و غربی نیافته و نخواهد یافت. بلکه این نظام ها و مکتب های غیر الهی، برای انسانِ امروز دست آوردی جز فروماندگی بیشتر

و دشوارتر شدن کارها و مشکلات و فزونی فحشاء، منکرات، فساد، گردنفرازی و استکبار، نداشته است.

«اعتقاد به مهدوّیت» درک ما را نسبت به «کرامت انسان» بیدار می کند و این باور را که زمین، نه از آنِ ستم پیشگان و استعمارگران، بلکه از آن خداست، و فرجام کار برای تقوا پیشگان است و خداوند آخرین پیامبر و رسول گرامیش حضرت محمّد(ص) را با هدایت و آیین حقّ برای غلبه بر تمامی ادیان تاریخ فرستاده است، تقویت می کند و دوستی حقیقت و عدالت و نیکوکاری را در دل های ما جای می دهد و ما را برای برتری بخشیدن به کلمه توحید و بر پا داشتن حدود الهی و اجرای حکم و قانون اسلام، به نهضت و قیام وا می دارد و پیوند ما را با مبادی و اصول اسلامی پایدار می سازد و در عمل به مسئولیتهایی که بر عهده داریم مورد بازخواست قرار می دهد.

نقش عملی مهدویت در پاسداری از اسلام چیست؟

پرسش

نقش عملی مهدویت در پاسداری از اسلام چیست؟

پاسخ

مهدویت نیز مانند سایر عقاید اسلامی نقش عملی خود را داشته و اگر تأثیر آن از سایر عقاید اسلامی بیشتر نبوده کمتر نمیباشد مهدویّت نقش موجود اسلام را در عمل حفظ کرده است و از این که بر مسلمانان یاس و ناامیدی مسلط شود جلوگیری میکند و ضامن بقای نقش عملی اسلام است این نهاد اسلامی همیشه نقش اسلام را بیشتر در عمل خواهان بوده و مسلمانان را به پیاده شدن نقش اساسی و کلی اسلام امیدوار ساخته و بر خلاف آنان که نقش اسلام را پایان یافته گرفتهاند، مهدویّت آن را همچنان در آغاز کار و در بین راه میداند و اسلام را بیش از آنکه دین چهارده قرن پیش باشد دین حال و آینده و قرنهای بعد و چهارده قرن بعد هم اگر جهان ادامه یابد میداند. پس نقش عملی مهدویّت در پاسداری از اسلام و نقش عملی اسلام موجود و گسترش و توسعه آن بسیار حساس و قابل توجه است و این اندیشه و عقیدهای است که مسلمان را از اینکه عمر اسلام را تمام بداند و تسلیم کفار و مکتبهای الحاد و کفر شود یا جهان را از اسلام بینیاز بشمارد مصونیّت میبخشد.

ایمان مسلمانان به اینکه این دین باید پیش برود و جهانگیر شود و دنیا را به زیر پرچم توحید در آورد، آنها را در برابر امواج حوادث ثبات بخشید و در مقابل دشمنان پایداری و استقامت داد، به گونهای که مسلمانان صدر اسلام گوشهگیری و انزوا و ترک مداخله در امور را شعار خود نساختند و این ایمان به آینده مشوق

و محرّک آنها به جهاد و تلاش بیشتر بود.

عقیده مهدویّت محتوایش عقیده به بقای اسلام است و این که، دین، مانند کوه و زمین و آسمان استوار است و در برابر حوادث پایدار. این عقیده محتوایش این است که آینده برای این دین است و آخرین ابر مرد که خلاصه دودمان رسالت است مروج و زنده کننده آن است.

انتظار در زندگی اجتماعی و فردی انسان چه جایگاهی دارد؟

پرسش

انتظار در زندگی اجتماعی و فردی انسان چه جایگاهی دارد؟

پاسخ

بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار است؛ و اگر از انتظار بیرون بیاید و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت و بی هدف و بی مقصد می شود.

حرکت و انتظار در کنار هم می باشند و از هم جدا نمی شوند؛ انتظار علت حرکت و تحرک بخش است. آنچه مورد انتظار است، هر چه مقدّس تر و عالی تر باشد، انتظارش نیز ارزنده تر و مقدس تر خواهد بود و ارزش مردم را باید از انتظاری که دارند شناخت:

یکی انتظارش این است که پایان سال تحصیلی برسد، گواهی نامه و مدرکی بگیرد و به وسیله آن کار و شغل مناسبی تهیه نماید.

یکی منتظر است وضعش روبراه شود، تا خانواده تشکیل دهد و همسری اختیار کند و از تجرد و تنهائی خود را خلاص سازد.

اگر انتظار در این دنیا که عامل تدریج و تدرّج، تأثیر و تأثّر، فعل و انفعال، و گذشت زمان است، از بشر گرفته شود، دیگر ادامه حیات برایش بی لذت و بی معنی است.

انتظار است که زندگی را لذت بخش وبا روح و با معنی می سازد و شخص را به زندگی علاقه مند می نماید.

دیدگاه اسلام نسبت به انتظار چیست؟

پرسش

دیدگاه اسلام نسبت به انتظار چیست؟

پاسخ

اسلام که تعلیمات و هدایتهایش بر اساس فلسفه های عمیق و صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را، پشتوانه بقای جامعه ای مسلمان و محرک احساسات و مهیّج روح فعالیّت و اقدام قرار داده است؛ و انتظار آینده بهتر، و عصر فتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است و رهبر عظیم الشأن آن در حدیث شریف:

«أَفْضَلُ أَعْمالِ أُمَّتی اِنْتِظارُ الْفَرَجِ» (تحف العقول عن الرسول،۳۷)

[برترین کارهای امّتم انتظار است.]

انتظار فرج را افضل اعمال امت خود معرفی فرموده است.

قرآن مجید در آیات متعدّدی، مسلمانان را به انتظار آینده گذارده و آینده بهتر را به این امت نوید داده است و آینده گرائی را تعلیم می فرماید.

از جمله در این آیه نوید می دهد که هرگاه خطر ارتجاع پیش آید و از مسلمانان، افرادی مرتد و بی دین شوند و از دین برگردند، خدا قوم و گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنها خدا را دوست می دارند، نسبت به مؤمنان فروتن هستند، نسبت به کفار، عزیز و غالب و خوددار و غیر قابل انعطاف می باشند، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت و سرزنش ملامت کنندگان بیم ندارند؛ که آیه ذیل مشعر بر این مطلب است؛

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ مِنْکُمْ عَنْ دینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ أَذِلَّهٍ عَلَی الْمُؤْمِنینَ أَعِزَّهٍ عَلَی الْکافِرینَ یُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللهِ، وَ لا یَخافُونَ لَوْمَهَ لائِمٍ ذلِکَ فَضْلُ اللهِ یُؤْتیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللهُ واسع عَلیمٌ» مائده/۵۴

عقیده به ظهور حضرت مهدی چه تأثیری در فکر و اندیشه دارد؟

پرسش

عقیده به ظهور حضرت مهدی چه تأثیری در فکر و اندیشه دارد؟

پاسخ

فکر و اندیشه را وسیع و جهان اندیش می سازد که به دور ترین نقاط جهان بنگرد و خیر و رفاه مردم تمام مناطق گیتی را

بخواهد و عالم را مملکت خدا بداند؛ که عاقبت و پیروزی با پرهیز کاران و شایستگان است که خدای متعال در «قرآن» چنین بشارت داده است:

«وَ لَقَدْ کَتَبنا فی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ» انبیا/۱۰۵

[ما بعد از تورات، در زبور داود نوŘ.......که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.]

از اخبار استفاده می شود که در زمان ظهور آن حضرت، خردها و اندیشه ها کامل می گردد، این نه فقط در عصر ظهور است، بلکه در عصر غیبت نیز چنین است که مؤمنان واقعی، روشنگرانه حقایق را درک می نمایند و عالم و مسائل جهانی را با نگرش دوربین مطالعه می کنند.

عقیده به ظهور حضرت مهدی(عج) با عدل و قسط چه رابطه ای دارد؟

پرسش

عقیده به ظهور حضرت مهدی(عج) با عدل و قسط چه رابطه ای دارد؟

پاسخ

در احادیث و اخبار بسیاری که شیعه و سنی در کتابهای مورد اعتماد و معتبر حدیث، راجع به اوصاف و علائم و مشخصات حضرت صاحب الامر، مهدی منتظر(ع) روایت کرده اند، این نشانه و علامت، مشهور و معروف و متواتر است که: زمین را پر از قسط و عدل می فرماید، چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد.

از جمله «احمدبن حنبل» د ر«مسند» و «ابو داود» د ر«سنن»، این علامت را که از اوصاف فعلی و برنامه حکومتی آن حضرت است، از رسول خدا(ص) به این لفظ روایت کرده اند.

«یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً»(منتخب الاثر ب ۱ ف ۲ ص ۱۴۲ ح ۵)

[زمین را از قسط وعدل پر می کند چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد.]

و در حدیث دیگر است که فرمود:

«اُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدی، یَبْعَثُ فی اُمَّتی عَلَی اخْتِلافٍ مِنَ النّاسِ وَ زَلازِلٍ، فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، یَرْضی عَنْهُ ساکِنُ السَّماءِ وَ ساکِنُ الارْضِ، یُقَسِّمُ الْمالَ صِحاحاً.

فَقالَ لَهُ رَجُلٌ: ما صِحاحاً؟ قالَ: بِالسَّوِیَّهِ بَیْنَ النّاسِ قالَ: وَ یَمْلَأُ اللهُ قُلُوبَ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ(ص) غِنیً، وَ یَسَعُهُمْ عَدْلَهُ...» (منتخب الاثر،

ب ۱، ف ۲، ص ۱۴۷، ح ۱۴)

[مژده می دهم شما را به مهدی که او در امت من، به هنگام اختلاف و سختیها برانگیخته می شود. پس زمین را از قسط و عدل پر می کنـد، همـانطوری که از جور و ظلم پر شـده باشـد. از او راضـی می گردد ساکنـان آسـمان و زمین، مال را در بین مردم بطور مساوی و برابر تقسیم می نماید، و خدا دلهای امت محمد(ص)

را از بی نیازی پر می کند و ایشان را عدل او فرا می گیرد.]

و در روایت دیگر است:

«یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتی یُواطی اِسْمُهُ اِسْمی وَ خُلْقُهُ خُلْقی فَیَمْلَأُها عَدْلاً وَ قِسْطاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً» (منتخب الاثر، ف ۲، ب ۲، ح ۳، ص ۱۷۹)

[بیرون می آید مردی از هل بیت من که اسمش، اسم من و خلقش خلق من است، پس زمین را از عدل و قسط پر می کند، چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد.]

و در حدیث دیگر از پیغمبر اکرم(ص) نقل شده است:

«لَوْ لَمْ یَبْقِ مِنَ الدُّنْیا اِلّا یَوْمٌ واحِدٌ، لَطَوَلَ اللهُ ذلِکَ الْیَوْمَ حَتَّی یَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدی، فِملَأُها عَدْلاً وَ قِسْطاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً»

[اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن روز را طولانی و دراز گرداند، تا بیرون آید مردی از فرزندان من، پس پر کند دنیا را از عدل و قسط، مثل آنکه از جور و ظلم پر شده باشد.]

اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه دار حلول کند، چه واکنشی به دنبال خواهد داشت؟

پرسش

اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه دار حلول کند، چه واکنشی به دنبال خواهد داشت؟

پاسخ

اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه‌دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنهدار خواهد شد (زیرا اعتقادات سطحی ممکن است اثر آن از گفتار و سخن تجاوز نکند، امّا اعتقادات عمیق همیشه آثار عملی گسترده‌ای به دنبال خو........داشت)؛ این دو رشته اعمال عبارتند از

ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد، و حتّی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو؛ و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگیهای جسمی و روحی و مادّی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی، از س...Ṣدیگر.

منتظران واقعی اگر در دعوی خود صادق باشند چه آثاری در آنها آشکار خواهد شد؟

پرسش

منتظران واقعی اگر در دعوی خود صادق باشند چه آثاری در آنها آشکار خواهد شد؟

پاسخ

۱ خودسازی فردی

حکومت جهانی مهدی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند؛ و این در درجه اوّل محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است؛ تنگ نظریها، کوتهبینیها، کج فکریها، حسادتها، اختلافات کودکانه و نابخردانه، و بطور کلّی هر گونه نفاق و پراکندگی با موقعیّت منتظران واقعی سازگار نیست.

نکته مهم اینجاست که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمّی هرگز نمیتواند نقش تماشاچی را داشته باشد؛ باید حتماً در صف اصلاحطلبان واقعی قرار گیرد.

ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل هرگز به او اجازه نمیدهد که در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن اعمالی پاك و روحی پاکتر، برخورداری از شهامت و آگاهی کافی است. من اگر ناپاك و آلودهام چگونه میتوانم منتظر تحوّل و انقلابی باشم که شعله اوّلش دامان مرا میگیرد!

من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی بنشینم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است و من اگر فاسد و نادرستم چگونه میتوانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچ گونه نقشی ندارند، بلکه مطرود و منفور خواهند بود، روز شماری کنم! آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان من از لوث آلودگیها کافی نیست!

۲ خودیاریهای اجتماعی

منتظران راستین در عین حال، وظیفه دارند که علاوه

بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را میکشند یک برنامه فردی نیست؛ برنامهای است که تمام عناصر تحوّل باید در آن شرکت جوید؛ باید کار به صورت دستجمعی و همگانی باشد؛ کوششها و تلاشها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

۳ حل نشدن در فساد محیط

هنگامی که فساد فراگیر میشود، و اکثریّت و یا جمع کثیری را به آلودگی میکشاند، گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار میگیرند، بن بستی که از یأس از اصلاحات سرچشمه میگیرد.

گاهی انها فکر میکنند، کار از کار گذشته و دیگر امیدی برای اصلاح نیست، و تلاش و کوشش برای پاک نگهداشتن خویش بیهوده است؛ این نومیدی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند، و نتوانند خود را به صورت یک اقلّیّت صالح در برابر اکثریّت ناسالم حفظ کنند، و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند.

تنها چیزی که میتواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است؛ تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و حتّی برای اصلاح دیگران برنخواهند داشت.

در چه صورت انتظار ظهور ارزشمند است؟

پرسش

در چه صورت انتظار ظهور ارزشمند است؟

پاسخ

درباره انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) و علاقه به برپایی دولت ایشان، افراد دارای انگیزه های گوناگونی هستند، مثلاً، در بین عوام مشهور است که در زمان حضور آن حضرت، نیازمندیها و ما یحتاج روزمره انسان به صورت رایگان و به اصطلاح به صورت صلواتی تأمین می شود. به عبارت دیگر، نیازهایی که تأمین آنها مستلزم زحمت است، تنها با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) تأمین می گردد. بنا بر این، ممکن است عده ای به این دلیل یا دلایلی مانند این به ظهور امام عصر(عج) علاقمند باشند و اساساً، به همین دلیل، در انتظار ظهور ایشان باشند.

عده ای منتظر ظهور اویند تا بیاید و امور آنها را اصلاح کند و بار مشکلات را از دوش انسان بردارد. حقیقت این است که انجام برخی وظایف شرعی به خصوص وظایف اجتماعی، مانند امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و فساد، کار

مشـکلی است. ممکن است عده ای با این تصور که با آمدن آن حضـرت این زحمات از گردن انسان برداشـته می شود، منتظر ظهور آن حضرت باشند.

ممکن است کسانی به دلیل این که از ظلم و سـتم رنج می برند، منتظر بر پا شدن دولتی باشـند که ریشه سـتمگران را بر کند و هر کس به حق خود دست یابد (طرفداران عدالت، مساوات و برابری).

بالاـخره، گروهی نیز برای پیروزی اسـلام و دین حق، پیـاده شـدن احکـام خـدا، عملی شـدن احکامی که متروک مانـده است، احیای سنتهای پیامبر و نابودی آثار کفر و شرک، در انتظار ظهور حضرت مهدی به سر می برند.

اگر انگیزه

مـا یکی از سه مورد اول باشـد، در واقع، دل مـا به حال خودمان سوخته است، نه دیگران! در واقع، ما انتظار راحتی خود را می کشیم نه ظهور حجت(عـج) را! اگر کس دیگری، غیر از امـام عصـر (علیه السـلام)، خواسـته های ما را تأمین کنـد، ما مریـد و علاقمند به او خواهیم شد. بنا بر این، امام زمان و ظهور ایشان برای ما موضوعیتی نخواهد داشت و مقصود اصـلی تأمین راحتی خودمان است، نه چیز دیگر. انتظاری که ناشی از راحت طلبی و تنبلی باشد، چه ارزشی دارد؟

با اینکه اسلام انسان را به تحقیق در مسائل رهنمون ساخته چرا خواسته شده بدون دلیل غیبت امام زمان را قبول گردد؟

پرسش

با اینکه اسلام انسان را به تحقیق در مسائل رهنمون ساخته چرا خواسته شده بدون دلیل غیبت امام زمان را قبول گردد؟

پاسخ

اسـلام افراد را به تحقیق در مسائـل ترغیب نموده ولی این در مسـائلی است که خـارج از قلمرو فکر و انـدیشه انسـان نباشـد اما برخی از مسائـل که ممکن است فکر انسـان دسـتخوش انحراف واقع شود تفکر در آنها را جلوگیری کرده است مثلاً در برخی روایات از اندیشـیدن درباره مسائل قضا و قدر جلوگیری شده و همچنین درباره برخی دیگر از مسائل مانند اندیشـیدن در ذات خداوند بنابراین چنین نیست که اندیشیدن در هر مسئله بدون استثناء از ناحیه اسلام مورد تشویق و ترغیب باشد.

ثانیاً: آن چه در درس آمده این است که جستجو کردن در علت غیبت امام زمان(عج) لزومی ندارد و ندانستن فلسفه غیبت امام زیانی به وجود نمی آورد و این ماننـد اعتقاد به اصل وجود امام زمان و اصل غیبت آن حضـرت نیست که لازم باشـد زیرا پس از اینکه حکمت خداوند براساس دلیل برای ما روشن گشت و دانستیم اما غایب است می دانیم غیبت امام زمان دارای حکمتی است اما حکمت آن چیست ماننـد بسـیاری از فلسـفه احکام برای ما مجهول است بنابراین بیان شـده است که بدون دلیل غیبت امام زمان را قبول کنیم بلکه آنچه بیان شده است این است که دانستن فلسفه غیبت لازم نیست.

عقیده ی به امام زمان((علیه السلام)) باید چه اثری در ما بگذارد؟

پرسش

عقیده ی به امام زمان((علیه السلام)) باید چه اثری در ما بگذارد؟

پاسخ

اعتقاد به وجود امام زمان((علیه السـلام)) مخصوصاً با این ویژ گی که خدا آن حضـرت را برای از بین بردن ظلم ها و ستم ها و

تشکیل حکومت عدل واحد در جهان ذخیره کرده است می تواند نتایج و آثار درخشانی در زندگی انسان از نظر عدلی داشته باشد.

یکی از آن نتایج / انتظار فرج است شیعه ای که عقیده دارد روزی فرا می رسد که امام زمان((علیه السلام)) قیام می کند در پرتو ظهور وی دنیا پر از عدل و داد می گردد و خویشتن را منتظر ظهور آن گرامی می داند با این اعتقاد راستین نسبت به ظلم ها و ستم ها بی تفاوت نیست او از گناه و معصیّت و ناپاکی و ستم رنج می برد و نه تنها خود را از انحراف و ستم برکنار می دارد بلکه تا سرحدّ توانایی برا دفع ظلم ستم و از بین بدن ناپاکیها و فسادها و انحراف ها تلاش و مبارزه می کند و پشتوانه این تلاشها و فداکاری های وی امید به ظهور حکومت امام زمان((علیه السلام)) و قیام آن مصلح بزرگ است.

چرا انتظار فرج افضل اعمال است ؟

پرسش

چرا انتظار فرج افضل اعمال است ؟

پاسخ

تعبیرهایی همانند آنچه در انتظار فرج (افضل اعمال) و در برخی موارد دیگر آمده است. برای نمونه درباره قرائتقرآن، توحید، صلوات، آب دادن به تشنگان، حب علی(ع)، ورع، ادخال سُرور، جهاد، ایمان، کسب حلال، حب فیاللّه و بغض فی اللّه نماز اول وقت، نیکی به والدین، توکل، رضا، اطعام طعام و... مطلق نیستند.

با نگرش به مجموع آنچه که افضل اعمال دانسته شده چنین برمی آید که هر کدام از این موارد به مقتضای حالمخاطب و شرایط خاص او ایراد شده است. بنابراین نمی توانند اموری مطلق باشند. در مورد انتظار فرج نیز چنیناست. در شرایطی که مسلمانان در سختی های مبارزات صدر اسلام قرار داشتند و یا آن زمان که شیعیان در شرایطدشواری فرا می گرفتند مأیوس نشدن و منتظر فرج بودن بالاترین عبادت بود، چرا که در صورت یأس همه چیز آنان درمعرض زوال قرار می گرفت ولی با انتظار فرج روحیه امید و مقاومت در آنان زنده مانده و راه برای پیروزی و غلبه برمشکلات فراهم می گشت.

باید توجه داشت که انتظار فرج معنایی گسترده دارد و شامل همه عنایات الهی می گردد و از جمله مصادیق آنانتظار ظهور حضرت مهدی(عج) است.{J

درباره انتظار فرج امام زمان (عج) و دلیل دعا برای تعجیل فرج ایشان توضیح دهید.

پرسش

درباره انتظار فرج امام زمان (عج) و دلیل دعا برای تعجیل فرج ایشان توضیح دهید.

پاسخ

دلیل دعا برای تعجیل فرج ایشان، همان عـدالت خواهی و حقیقت جویی است که در فطرت همه ما نهاده شـده است؛ زیرا، آن حضـرت با ظهور خویش، حق را احیا و عـدالت را در جامعه حاکم و مسـتقر خواهـد ساخت. دعا برای ظهور زودتر و سـریع تر ایشان، رسیدن به آرمان هاییاست که بشر تشنه نیل به آن بوده است.

امّـا انتظـار؛ بـاوری است بـارور به عمـل، که در زنـدگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص تجسّم می یابـد، انتظار اعتقادی است در گرو عمل، عمل کردن به آنچه که فرهنگ انتظار ایجاب می کنـد. رسول اکرم(ص) می فرماید: افضل الاعمالاحمزها ؛ برتریـن عملهـا، سـخت ترین آن هـاست{M، (مجمـع البحریـن فخر الـدین طریحی، مقـدمه و تصـحیح آیه الله شـهاب الـدین مرعشینجفی(ره)، ص ۲۹۷). و در جای دیگر فرموده اند: افضل اعمال امتی، انتظار الفرج ؛ برترین عملها، انتظار فرج است{M، (همان، ص ۵۷).نتیجه این دو مقدمه و یا دو روایت آن است که انتظار از دشوارترین تکالیف شرعی محسوب می شود. کشف ویژگی «انتظار» هضم چرایی عظمت پاداش منتظران را آسان تر می کند.

علی(ع) می فرمایـد: المنتظر لامرنا کالمتشـحط بـدمه فی سبیل الله ؛ منتظر امر ما بسان کسـی است که در راه خـدا به خون خود غلتیدهباشد{M، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳).

آمـادگی همیشه جوهر اصـلی انتظار است و وظیفه قطعی منتظران، انتظار قیام و ظهور مهـدی(عـج) را در سـر داشـتن، آمادگی پیشین می خواهد، آمادگی در:

۱ آراسـتگی به عـدالت و تقوا: فرد منتظر باید به زیور عدالت، تقوا و پارسایی آراسـته باشد؛ پیرو واقعی و صدیق حضـرت ولی عصر(عج) کسی است که رفتار و

مکتب آن جناب را الگوی عملی خود قرار دهد. رسول خدا(ص) در توصیف اوج مجاهدت و تدین منتظران مهدیمی فرماید: لاحدهم اشدّ بقیه علی دینه من خرط القتاد فی اللیله الظلماء، او کالقابص علی جمر الغضا، اولئک مصابیح الدجی ؛ ... هریک از ایشان بیش از کسی که بر زجر پوست کندن درخت خار با دست خالی در شب تاریک یا نگاهداری آتش سوزان چوب درخت تاغ در کفدست صبر می کند در دینداری خود استقامت و پایداری می ورزد، به راستی که آنان چراغ هدایت در شب های ظلمانی اند{M،(بحارالانوار، ج ۵۲،ص ۱۲۴).

اگر فردی بتواند با اجتناب از معاصی و رعایت پروای الهی، ملکه عدالت را در خود پدید آورد و با ایجاد تعادل در میان قوای نفسانی خود، ارکان حیات اخلاقی را در وجود خود نهادینه سازد، آنگاه می تواند در عصر ظهور که عصر استقرار عدل ناب و مطلق است، خویشتن رابا شرایط نوین تمدن توحیدی مهدوی هماهنگ سازد.

۲ آراستگی به بردباری و پایداری: فرد منتظر باید استقامت بورزد و صبر و حلم پیشه سازد؛ زیرا، با توجه به گزارش تاریخی از عصر ظهور، (نگا: اکمال الدین، ج ۱، ب ۲۳، حدیث ۱، الارشاد مفید، ص ۳۱۸ والاحتجاج الطبرسی، ج ۲، ص ۳۱۸). در دوران ظهور فشار زاید الوصفی بر منتظران مخلص و صدیق مهدی موعود وارد می شود، که مقاومت و پایداری در چنین شرایطی به توان بالای روحی نیازمند است. منتظران باید بکوشند تا به درجات بالای صبرنایل آیند.

رسول خدا(ص) به اصحاب خویش فرمودند: «پس از شما کسانی می آیند که به هر یک از آنان اجر پنجاه نفر از شما را خواهند داد، اصحاب پرسیدند: ای رسول

خدا ما در غزوات بدر، احد و حنین با شما بودیم و درباره ما آیاتی از قرآن کریم نازل شده است؛ پس چرا به آنانپنجاه برابر ما ثواب داده می شود؟ حضرت پاسخ گفتند: آنان در شرایطی [بس دشوار [خواهند بود که اگر شما در آن شرایط به سر برید، تحمّل و استقامت آنان را نخواهید داشت، (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۱).

از این رو؛ رسول گرامی اسلام می فرماید: انتظار الفرج بالصبر عباده ؛ چشم به راه فرج داشتن، همراه صبر و استقامت، عبادت است{M، (همان،ج ۵۲، ص ۱۴۵).

۳ بهره مندی از دین شناسی بنیادین: فرد منتظر باید فهم و تلقی صحیحی از دین داشته باشد، مطالعه تاریخ ادیان بیانگر این واقعیت است که ادیان بر اثر عوامل مختلف و با گذشت زمان های متمادی، آرام آرام از خلوص نخستین خود فاصله می گیرند و خطوط اصلی و فرعیآن ها هر یک به نوعی حذف و اضافه، شدید و ضعیف، تبدیل و تغییر و تأویل و تفسیر می شوند؛ از همین رو، امام زمان(ع) با بدعت ها مبارزه سختی خواهد کرد، (نگا: الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸).

چنانکه امیر مؤمنان می فرماید: «یعطف الهوی علی الهدی، اذا عطفوا الهدی علی الهوی و یعطف الرأی علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرأی؛ [مهدی موعود] هواهای نفسانی مردمان را به هدایت تبدیل خواهد کرد، آن زمان که مردم هوای نفس را بر هدایت غالب سازند وآراء و نظریات را به قرآن باز خواهد گردانید هنگامی که قرآن را به آرای خود باز گردانند، (نهج البلاغه، خ ۱۸۳ و بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۱، شارحان شیعه و سنی نهج البلاغه این عبارت را

ناظر بهمهدی موعود دانسته اند).

۴ اصلاح طلبی؛ فرد منتظر باید به سهم خود در راه اصلاح جامعه و استقرار عدالت و رفع ظلم و تعدی بکوشد، آن که منتظر مصلح جهانی است، خود نیز باید صالح و مصلح باشد، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه فردی و اجتماعی خصوصا باحکام جور و سلاطین نقطهبارز مصلح بودن است.

امام صادق(ع) می فرماید: « لیعد احدکم لخروج القائم و لوسهما ؛ حتما هر یک از شما منتظران برای قیام حضرت قائم سلاح فراهم سازد هرچند یک تیر {M، (بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۶).

به هر روی، منتظر مهدی(عج) در برابر فساد و ستم حکومت های جور بی تفاوت نیست و مؤید آنان نیز نمی باشد پیامبر اکرم(ص) در خصوص وظایف منتظران مهدی می فرماید:

طوبی لمن ادرک قائم اهل بیتی و هو مقتد به قبل قیامه، یتولی ولیه و یتبرأ من عدوه و یتولی الائمه الهادیه من قبله، اولئکرفقائی و ذوو ودّی و مودّتی و اکرم امتی علیّ ؛ خوشا به حال کسی که به حضور قائم برسد و حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد، آنکه با دوست او دوست و با دشمن او دشمن و مخالف است و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست است، اینان همنشین و دوستان من وگرامی ترین امت در نزد من هستند {M، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰).

توصیه می کنیم در باب مهدی شناسی و مباحث پیرامون آن کتاب: در انتظار ققنوس، نوشته سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده) را که از سوی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)قم در سال ۱۳۷۹ برای نخستین بار به چاپ رسیده است مطالعه فرمایید.

ای

مهر طلوع کن که خوابیم همه در هجر رخت در تب و تابیم همه هر بر زن و بام از رخت روشن و ما خفاش وشیم و در حجابیم همه (امام خمینی)

چه تناسبی میان انتظار موعود و حیات پویا، کسب علم، ظلم ستیزی و مبارزه با فساد وجود دارد؟

پرسش

چه تناسبی میان انتظار موعود و حیات پویا، کسب علم، ظلم ستیزی و مبارزه با فساد وجود دارد؟

پاسخ

درک دقیق معنای انتظار مبتنی بر فهم جامع اندیشه مهدویت است و اندیشه مهدویت را باید با توجه به مجموعه معارف اسلامی و در راستای هدف کلی دین اسلام دید.

بنا بر آموزه های دینی، مهدی(عج) روزی ظهور کرده و وعده های الهی را به اجرا درمی آورد او برپا کننده حکومت صالحان می باشد و مؤمنان به میزان ایمان وعمل صالحشان در حکومت مهدی(عج) قرب و منزلت دارند. این اندیشه پایانی زیبا و نورانی برای جریان زندگی انسان تصویر می کند و عامل شعله ور شدن امید در دل های مؤمنین است.

امید به ظهور مهدی(عج) همان امید به خداست. امید موتور حرکت انسان در زندگی است و امید به مهدی(عج)عامل حرکت استوارتر انسان در مسیر خوبی ها یعنی همان هدف اصلی دین می باشد.

مقصود از انتظار فرج، امید ودلبستگی به مهدی(عج) است. بنابراین انتظار فرج مقصود دین به تعبیر شهید مطهری، انتظاری سازنده و نگه دارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک بخش است. به گونه ای که خود نوعی عبادت و حق پرستیاست.

برخی به خطا به گونه ای اندیشه مهدویت را تصویر می کنند که انتظار براساس آن به معنای کمک به رشد ظلم و فساد و پرشدن دنیا از گناه می باشد در حالی که بی شک چنین اموری با هدف دین بیگانه است، بنابراین انتظار و عشقبه مهدی؛ یعنی، عشق به همه خوبی ها و امید اقامه همه خوبی ها در دنیا این عشق و امید عاملی است که انسان راوامی دارد تا هر چه بیشتر و محکم تر در راه خوبی ها قدم بردارد، پس انتظار فرج مسؤولیت آفرین است.

بحث در این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری

دارد. منابع زیر بسیار مفید است:

۱- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، صدرا، تهران (این کتاب اساسا به معنای انتظار پرداخته است).

۲- امامت و مهدویت، آیت الله صافی، انتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۵ (این اثر به مجموعه ای از بحث ها پیرامون امام مهدی(عج) پرداخته وخصوص بحث انتظار نیز یکی از فصلهای کتاب است، ج ۱، صص ۳۵۱ - ۳۹۸).

آیا بدون ظهور امام زمان مردم می توانند خود متحد شوند چیزی شبیه گفتگوی جهانی ؟

پرسش

آیا بدون ظهور امام زمان مردم می توانند خود متحد شوند چیزی شبیه گفتگوی جهانی ؟

پاسخ

۱. از آیات قرآن به دست می آید که خاستگاه اختلاف، جدایی از نظر عقیده است؛ همانگونه که منشأ تفرق، پراکندگی فیزیکی و بدنی است: «ولا تکونوا کالذین تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البینات و اولئك لهم عذاب عظیم؛ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف نمودند (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آنان مجازات سنگینی دارند» (آل عمران، آیه ۱۰۵).

پیشی گرفتن تفرق بر اختلاف در آیه شریفه نیز، بدان معناست که این نوع از جدایی و فاصله گرفتن از اجتماع، زمینه ساز اختلاف در عقیده است (علامه طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۳۷۴، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات).

۲. افزون بر نقش تفرق در اختلاف آفرینی، در قرآن کریم، پیدایش این امر به ستمگری و انحراف از حق نسبت داده شده است: «کان الناس امه واحده فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه و ما اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد ماجاءتهم البینت بغیا بینهم...؛ مردم (در آغاز) یك دسته بودند (و در میان آنان، هیچگونه ناسازگاری وجود نداشت به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در آنان پیدا شد، در این حال) خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می کرد؛ به آنها نازل نمود تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند (افراد با ایمان در آن اختلاف نکردند،

بلکه) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب دریافت داشته بودند و نشانه های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر ستمگری و انحراف از حق، در آن اختلاف کردند» (بقره، آیه ۲۱۳).

حال که به تعبیر این آیه شریف «بغی» یا ستمگری و حق گریزی، عامل اختلاف است، راه از میان بردن آن نیز ایمان و حق گروی است؛ همان که در ادامه آیه بدان تصریح شده است.

۳. با توجه به عوامل اختلاف آفرین، و راهکارهای زدایش آن که به مواردی از آنها اشاره گردید، این نتیجه به دست می آید که اتحاد و هم گرایی انسان ها وامدار عقیده واحد و ایمان به حق یا حرکت عملی در بستر آن عقیده بوده و به زمان خاصی وابسته نیست. این عقیده واحد نیز، توحید است؛ وانگهی در زمان ظهور ولی عصر(عج) نیز در سایه همین توحید نظری و عملی، یکپارچگی جامعه مسلمانان به دست می آید. پیداست گفت و گوی جهانی، یا به اصطلاحی گفت و گوی تمدن ها نیز، زمانی اتحاد را نتیجه می دهد که بر پایه های عقیده واحد توحید و پای بندی عملی به آموزه های آن، استوار شود؛ وگرنه یک تعارف سیاسی بیش نیست.

البته از آنجا که قدرت مداران و خودکامگان سیاسی و صاحبان زر و زور و تزویر، وحدت بر محور توحید را مخالف منافع خود می بیند لذا بدون ظهور امام زمان(عج) وحدت جهانی ممکن نمی شود. اگرچه تلاش هایی به عنوان زمینه ساز قابل توجه می باشد.

چه آثار وفوایدی بر بحث از مهدویت در این زمان مترتّب است؟

پرسش

چه آثار وفوایدی بر بحث از مهدویت در این زمان مترتّب است؟

پاسخ

برخی بر این گمان اند که طرح وبررسی موضوع مهدویت در این زمان امری بی فایده است، زیرا این موضوع مربوط به آینده بشریت است وآینده واتفاقات آن امری است مجمل ومبهم، امّا آنچه وظیفه ماست اینکه به تکالیف خود در عصر وزمان خود عمل کنیم؛ زیرا هر عصر وزمانی مقتضیات خود را می طلبد... .

{پاورقی . المهدی المنتظر، دکتر عداب محمود محش، ص ۲۱۴. پاورقی}

پاسخ: بحث از مهدویت در این عصر وزمان آثار وفوایدی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – آرمان قیام وانقلاب مهدی (ع) یک فلسفه بزرگ اجتماعی، اسلامی است. این آرمان بزرگ گذشته از اینکه الهام بخش

ایده وراه گشای به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان های اسلامی.

{پاورقی . قیام وانقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، شهید مطهری؛، ص ۵۷. پاورقی}

۲ - نوید به برپایی حکومتی جهانی واسلامی ارکان وعناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی وجهانی است وجزئی از جهان بینی اسلامی است، وبرخی فرهنگی وتربیتی است، برخی سیاسی است وبرخی اقتصادی وبرخی اجتماعی است. وبرخی انسانی یا انسانی، طبیعی می باشد.

{پاورقی . همان. پاورقی}

انسان می تواند با الگوپذیری از برنامه های جامع وفراگیر حضرت در عصر ظهور به آرمان های واقعی اسلام نزدیک شود.

۳ - در طول تاریخ ودر سطح جهان، انقلاب های گوناگونی از قبیل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... صورت گرفته است، ولی اکثر این انقلاب ها یا در شروع موفق نبوده ویا اینکه در مواجهه با مشکلات فراوان ومقابله با دشمنان خود نتوانسته است دوام بیاورد... وتنها نگاه سبزی که شیعه به مهدویت دارد می تواند با ایجاد روحیه امید در

جامعه، مردم را از ناامیـدی ویأس برهانـد. شیعه معتقد به امام زمانی زنده وحاضـر وناظر بر اعمال خود است که او را در مواقع حساس کمک کار خواهد بود. این اعتقاد از جهت روان شناسی آثار عمیقی را در روحیه شیعیان خواهد گذاشت.

۴ - از آن جهت که وقت تشکیل حکومت امـام زمـان (ع) مشـخص نیست وهر لحظه می توانـد زمان ظهور باشـد، لـذا وظیفه داریم که نظری به مباحث مهدویت وظهور کرده وخصوصیات عصر ظهور ووظایف خود در آن عصر را بدانیم.

۵ - رسیدن به حکومت جهانی توحیدی در عصـر ظهور، شـرایطی دارد که برخی از آنها به دست خود بشر حاصل می گردد، از آن جمله رسـیدن بشر به تکامل همه جانبه ورسیدن به مستوای عالی فکری است. لذا بر ماست که آرمان های اصیل اسلامی در عصر ظهور را بدانیم تا بتوانیم هر چه بهتر در نزدیک شدن آن سهیم بوده وزمینه ساز ظهور حضرت باشیم.

۶ - بحث از مهدویت تنها بحث از اموری نیست که مربوط به آینده بشـریّت باشد، بلکه بحث از امامت ومهدویت است، بحث از اینکه در هر زمانی بایـد امام معصومی موجود باشـد، خواه حاضـر ومشـهور وخواه غایب وپنهان تا حجت ها وبینات خداوند باطل نگردد.

ولـذا در روایـات اسـلامی از رسول خـدا (ص) می خوانیم: "من مات ولم یعرف إمام زمانه مات میته جاهلیّه"؛ "هر کس بمیرد وپیشوای زمان خود را نشناسد مرده است از نوع {پاورقی . شرح مقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹. پاورقی}

مردن زمان جاهلیت."

بحث از مهدویت، بحث از غیبت وفلسفه آن وآثار وبرکات وجود امام در این عصر غیبت است.

ولذا بحث از مهدویت از وظایف وتکالیف شیعه در عصر غیبت است.

موضوع: فلسفه

بحث از مهدویت در این عصر وزمان دارای چه آثار وفوایدی م با شد؟

پرسش

بحث از مهدویت در این عصر وزمان دارای چه آثار وفوایدی م با شد؟

پاسخ

بحث از مهدویت در این عصر وزمان آثار وفوایدی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - آرمان قیام وانقلاب مهدی (ع) یک فلسفه بزرگ اجتماعی، اسلامی است. این آرمان بزرگ گذشته از اینکه الهام بخش ایده وراه گشای به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان های اسلامی.

{پاورقی . قیام وانقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، شهید مطهری؛، ص ۵۷. پاورقی}

۲ - نوید به برپایی حکومتی جهانی واسلامی ارکان وعناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی وجهانی است وجزئی از جهان بینی اسلامی است، وبرخی فرهنگی وتربیتی است، برخی سیاسی است وبرخی اقتصادی وبرخی اجتماعی است. وبرخی انسانی یا انسانی، طبیعی می باشد.

{پاورقی . همان. پاورقی}

انسان می تواند با الگوپذیری از برنامه های جامع وفراگیر حضرت در عصر ظهور به آرمان های واقعی اسلام نزدیک شود.

۳ - در طول تاریخ ودر سطح جهان، انقلاب های گوناگونی از قبیل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... صورت گرفته است، ولی اکثر این انقلاب ها یا در شروع موفق نبوده ویا اینکه در مواجهه با مشکلات فراوان ومقابله با دشمنان خود نتوانسته است دوام بیاورد... وتنها نگاه سبزی که شیعه به مهدویت دارد می تواند با ایجاد روحیه امید در جامعه، مردم را از ناامیدی ویأس برهاند. شیعه معتقد به امام زمانی زنده وحاضر وناظر بر اعمال خود است که او را در مواقع حساس کمک کار خواهد بود. این اعتقاد از جهت روان شناسی آثار عمیقی را در روحیه شیعیان خواهد گذاشت.

۴ - از آن جهت که وقت تشکیل حکومت امام زمان (ع) مشخص نیست وهر لحظه می تواند زمان ظهور باشد،

لذا وظیفه داریم که نظری به مباحث مهدویت وظهور کرده وخصوصیات عصر ظهور ووظایف خود در آن عصر را بدانیم.

۵ – رسیدن به حکومت جهانی توحیدی در عصر ظهور، شرایطی دارد که برخی از آنها به دست خود بشر حاصل می گردد، از آن جمله رسیدن بشر به تکامل همه جانبه ورسیدن به مستوای عالی فکری است. لذا بر ماست که آرمان های اصیل اسلامی در عصر ظهور را بدانیم تا بتوانیم هر چه بهتر در نزدیک شدن آن سهیم بوده وزمینه ساز ظهور حضرت باشیم.

۶ – بحث از مهدویت تنها بحث از اموری نیست که مربوط به آینده بشریّت باشد، بلکه بحث از امامت ومهدویت است، بحث از اینکه در هر زمانی بایـد امام معصومی موجود باشـد، خواه حاضـر ومشـهور وخواه غایب وپنهان تا حجت ها وبینات خداوند باطل نگردد.

ولـذا در روایـات اسـلامی از رسول خـدا (ص) می خوانیم: "من مات ولم یعرف إمام زمانه مات میته جاهلیّه"؛ "هر کس بمیرد وپیشوای زمان خود را نشناسد مرده است از نوع {پاورقی . شرح مقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹. پاورقی}

مردن زمان جاهلیت."

بحث از مهدویت، بحث از غیبت وفلسفه آن وآثار وبرکات وجود امام در این عصر غیبت است.

ولذا بحث از مهدویت از وظایف وتکالیف شیعه در عصر غیبت است.

موضوع: فلسفه حکومت عدل جهانی

انتظار، چه تأثیری در بعد اجتماعی دارد؟

پرسش

انتظار، چه تأثیری در بعد اجتماعی دارد؟

پاسخ

انتظار در ابعاد گوناگون حیات انسانی آثار ژرف می گذارد، وبیشترین اثرگذاری آن در بعد تعهدها ومسئولیّت های اجتماعی واحساس دیگرخواهی واحسان دوستی عینیت می یابد؛ زیرا که در مفهوم انتظار، انسان گرایی نهفته است. انسان منتظر پیوندی ناگسستنی با هدف ها وآرمان های امام منتظَر وموعود خود دارد ودر آن راستا گام بر می دارد وهمسان وهمسوی آن اهداف وآرمـان هـا حرکت می کنـد وهمه جهت گیری هـا وگرایش ها وگزینش هایش در آن چارچوب قرار می گیرد. امام موعود، غمگسار راستین غمزدگان ویار ویاور واقعی مظلومان وحامی حقیقی مستضعفان است.

پس جامعه منتظر وانسان های دارای خصلت انتظار بایـد در زمینه خواست ها وهـدف های امامشان عمل کنند وبه یاری انسان های مظلوم ومحروم بشتابند ودل آزردگان را مرهم نهنـد ودشواری ها ومشـکلات مردم را تا حـدّ توان، طبق خواسته ورضای امامشان برطرف سازند. واگر چنین شد در قلمروجامعه منتظر، محروم وتهیدست وبیمار بی درمان ودلتنگ وافسرده واندوهگین وگرفتار باقی نخواهد ماند.

شایـد یکی از معانی برخی از احادیث درباره انتظار فرج که گفته انـد: "انتظار فرج خود فرج است" همین معنا باشد که جامعه منتظر اگر انتظاری راستین وصادقانه داشـته باشـد دست کم در حوزه خود، مشـکلات ونابسامانی های مردم را برطرف می کند وخواسته هـا وآرمـان هـای امـام موعود را در محیـط خویش تحقق می بخشـد؛ لـذا امـام رضا (ع) فرمود: "... انتظار الفرج من الفرج"؛ "...انتظار فرج جزء فرج است."

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱، ح ۲۹. پاورقی}

عنصر انتظار چگونه در آمادگی نظامی منتظران تأثیر دارد؟

پرسش

عنصر انتظار چگونه در آمادگی نظامی منتظران تأثیر دارد؟

پاسخ

انتظار، نخست یک آرمان وعقیده است وسپس در عمل وعینیت آشکار می گردد وانسان منتظر به مرزبانی وپاسداری از حوزه جغرافیـایی وفرهنگی وایـدئولوژی خـود وهمکیشـان وهـم مسـلکان خـویش می پردازد وهمـواره در موضـع دیـده بـانی اسـت وهوشـیارانه وتیزنگرانه به افق هـای دور ونزدیـک می نگرد وهر تحرّک وتحول ونقـل وانتقالی را در اردوگاه های دشـمن زیر نظر می گیرد ودر سـنگر دفـاع ایـدئولوژیکی وزمینی وجغرافیایی، دشـمن را از پیشـروی باز می دارد، ودر صورت فراهم بودن زمینه به تهاجم نیز دست می یازد.

این است که جـامعه منتظر همواره به آمادگی نظامی ودفاعی فرا خوانـده شـده است وتهیه ابزار جنگ وقـدرت از هر مقوله وبا هر کیفیت، تکلیف گشـته است. فقهـا در کتـاب جهـاد بحثی را تحت عنوان "مرابطه" و"رباط" ذکر کرده انـد، به این معنا که مؤمنان در مرزها اقامت گزینند وآمادگی کامل داشـته باشـند تا در هنگام حمله وتهاجم ناگهانی دشـمن، دفاع کنند وکشور را نجات دهند.

معنای دیگر مرابطه ورباط، پیوند ورابطه با امام ودر خدمت امام زیستن ومرزبان دستورها وخواسته های امام بودن است. به این معنـا که جامعه مؤمنان با امام خویش ارتباط برقرار کننـد وبه ریسـمان ولایت امام چنگ زننـد وبا او هم پیمان شونـد وبه یاری امـام متعهـد گردنـد. این قسم از "مرابطه" بر هر فرد واجب عینی است، نیـابت بردار نیست، وپـایه ای از پـایه هـای ایمان اسـت

وعملی بدون آن پذیرفته نمی شود.

{پاورقی . مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۲۵. پاورقی}

امام صادق (ع) در تفسیر آیه: {یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصابِرُوا وَرابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ}، فرمود: "اصبروا علی المصآئب وصابروا علی الفرآئض ورابطوا علی {پاورقی . سوره آل عمران، آیه ۲۰۰. پاورقی}

الأئمّه:"؛ "در

برابر مشـکلات شـکیبایی ورزیـد ودر انجام تکلیف ها ومسـئولیت ها پایـدار {پاورقی . تفسـیر علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۱۲۹. پاورقی}

باشید، وبا امامان رابطه برقرار کنید."

ودر روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده است که "رابطوا" به معنای حضور نزد امام است.

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۹. پاورقی}

عنصر صبر در تحقّق انتظار تا چه مقدار مؤثّر است؟

پرسش

عنصر صبر در تحقّق انتظار تا چه مقدار مؤثّر است؟

پاسخ

روح وجوهر اصلی انتظار، مقاومت وصبر است. کسی که منتظر تحقق یافتن هدف آرمانی است باید تا فرا رسیدن زمان پیدایی هـدف وشـکل گرفتن آرمان، پایـداری وشـکیبایی کند وتاب وتوان از دست ندهد، وهر ناملایمی را در آن با بردباری بپذیرد، وچون صـبر وپایـداری را از دست داد وبی شـکیب گردیـد وتـاب وتوان بر زمین نهـاد، انتظـار نیز از دست داده است؛ زیرا که پایداری وصبر، تحقق بخش جوهر انتظار است. لذا در احادیث از انتظار فرج همراه با صبر سخن گفته اند.

امـام رضـا (ع) فرمود: "ما أحسن الصبر وانتظار الفرج..."؛ "چه نیکو است شـکیبایی {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹، ح ۲۳. پاورقی}

وانتظار فرج."

برای ظهور، وقت تعیین نشـده است وهمواره وقوع آن را "امری ناگهـانی" توصـیف کرده انـد ولـذا بایـد انتظار لحظه به لحظه باشد.

آیا تأخیر در فرج موجب قساوت قلب می شود؟

پرسش

آیا تأخیر در فرج موجب قساوت قلب می شود؟

پاسخ

آنچه که بر هر مؤمنی بلکه بر هر انسانی لازم است، اینکه هیچ گاه از تأخیر فرج وظهور منجی ناامید نباشد، بلکه باید به ریسمان صبر چنگ زده تا به سر منزل مقصود رهنمون شود. واین تنها از راه ایمان قلبی به خداوند متعال واینکه او خُلف نمی کند، میسّر است ونیز با سیر وبررسی سرگذشت امت های پیشین که چگونه بعد از هر عسر وگرفتاری شدید، خداوند آخرالأمر برای آنها یسر وفرجی حاصل نمود، به دست می آید. وهمچنین با مراجعه به فطرت ومیل درونی خود که چگونه به ظهور منجی بشریت متمایل است می تواند خود را از یأس وناامیدی رهانیده وبه ظهور منجی امیدوار باشد.

در ذیل آیه شریفه {وَلايَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الكِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَيْهِمُ الأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ}؛ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: "تأويل هذه الآيه جاء في أهل {پاورقی . سوره حدید، آیه ۱۶. پاورقی}

زمان الغيبه وآيامها دون غيرهم من أهل الأزمنه وإنّ اللَّه تعالى نهى الشيعه عن الشك في حجه اللَّه تعالى، أو أن يظنّوا أنّ اللَّه تعالى يخلي أرضه منها طرفه عين"؛ "تأویل این آیه برای مردم عصر {پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۴ ؛ المحجه، ص ۲۱۹ـ۲۲۰. پاورقی}

غیبت است، و روزهای زمان غیبت غیر از روزهای اهل زمان های دیگر است. خداوند متعال شیعیان را از شک در حجّت خود نهی کرده است ونیز نهی کرده از اینکه گمان کنند که خداوند زمین را یک چشم برهم زدن از حجت خالی می گرداند."

آیا انتظار طولانی فرج، خسته کننده وملالت آور است؟

پرسش

آیا انتظار طولانی فرج، خسته کننده وملالت آور است؟

پاسخ

انتظار اگر از قسم مثبت آن باشد که همراه با آمادگی کامل منتظر برای ظهور حضرت مهدی (ع) است نه تنها ملالت آور نیست بلکه دائماً در انسان روحیه امید را شعله ور کرده واو را سرحال وزنده نگه می دارد. شخص منتظر دائماً در فکر آمدن محبوب خود است واین بهترین حالتی است که به او دست می دهد، او دائماً به عشق رسیدن محبوب خود شب را به روز وروز را به شب می رساند.

از طرفی دیگر، از آنجا که انتظار منجی حقیقی یعنی امام زمان (ع) در حقیقت یک نوع توسل وارتباط باطن با او نیز هست لذا با این ارتباط هر لحظه فیوضاتی از ناحیه آن حضرت به انسان می رسد که او را از خستگی وملالت بیرون می آورد.

بر انتظار موعود حقیقی آثار وبرکاتی بسیار مترتّب است که در جای خود به آن اشاره می نماییم.

چه آثاری بر انتظار منجی مترتّب است؟

پرسش

چه آثاری بر انتظار منجی مترتّب است؟

پاسخ

ضرورت واهمیّت انتظار را می توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد:

۱ - انتظار، دوره آماده سازی وزمینه سازی برای یک نهضت به شمار می آید وهر انقلاب وحرکتی که این دوره را پشت سر نگذاشته باشد ناقص وبی ثمر است.

۲ - در اهمیّت انتظار همین بس که دشمنان، آن را مانع تسلّط خود بر مسلمانان برشمرده اند. میشل فوکر، کلر بریر در بحث مبارزه با تفکّر مهدی باوری، ابتدا قیام امام حسین (ع) وبعد انتظار امام زمان (ع) را دو عامل پایداری شیعه معرفی می کنند. در کنفرانس تل آویو نیز افرادی مثل برنارد لوییس، مایکل ام جی، جنشر، برونبرگ ومارتین کرامر بر این نکته تکیه فراوان داشتند. آنان در توصیف شیعه گفته اند: "شیعیان به نام امام حسین قیام می کنند وبه اسم امام زمان قیامشان را حفظ می نمایند".

{پاورقی . مجله بازتاب اندیشه، خرداد ۸۰، ص ۱۹۳. پاورقی}

ماربین، محقق آلمانی می گوید: "از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمّی که موجب امیدواری ورستگاری شیعه می باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر وانتظار ظهور است".

{پاورقی . سیاست اسلام، اثر ماربین، ص ۴۹ù۵۰. پاورقی}

پتروشفسکی، تاریخدان وایران شناس علوم شوروی سابق در این زمینه می نویسد: "چشم به راه مهدی بودن در عقاید عمومی مردمی که نهضت های قرن سیزدهم را در ایران بر پا داشتند، مقام بلندی را داشته است".

{پاورقی . نهضت سربداران خراسان، اثر پتروشفسکی. پاورقی}

۳ - دوران انتظار، دوران هجوم فتنه ها ومشکلات وگرفتاری ها است وآنچه می تواند آرامش قلبی وقدرت روحی به شیعه منتظر بدهد، یاد منجی حیّ وحاضر است.

۴ – پیراستن از خصایص ناپسند وآراستن خود به اخلاق نیکو از فواید دیگر انتظار است. امام صادق (ع) فرمود: "من سرّ أن یکون

من أصحاب القآئم فلینتظر ولیعمل بالورع ومحاسن الأخلاق"؛ "...هر کس دوست دارد که از یاران حضرت قائم (ع) گردد باید که {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰. پاورقی}

منتظر باشد ودر عین حال به پرهیزکاری واخلاق نیکو مشغول گردد."

۵ - از نتایج انتظار، تلاش فکری مؤمن منتظر وبصیرت وآگاهی اوست. فتنه ها علاوه بر آنکه غفلت می آورد، شبهه وتردید وتزلزل را نیز در افکار جامعه ایجاد می کند، واین منتظر واقعی است که چون به هوشیاری فکری رسیده، بیدار است وبه شبهات پاسخ می گوید.

امام صادق (ع) فرمود: "طوبی لمن تمسّک بأمرنا فی غیبه قآئمنا فلم یزغ قلبه بعد الهدایه..."؛ "خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به فرمان ما تمسک جوید که در {پاورقی . همان، ص ۱۲۳، ح۶. پاورقی}

نتیجه قلب او هرگز به طرف باطل متمایل نخواهد شد."

۶ - انتظار از آنجا که انسان را به عمل وا می دارد ودر جامعه ای که حالت انتظار منجی الهی حاکم است، تحّرک وپویایی حکم فرماست وبشر را به زمینه سازی واصلاح فردی واجتماعی وا می دارد، عاملی ارزشمند برای حفظ وبقای شریعت است.

۷ - انتظار از آن جهت که محّرک عمل است، زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریّت خواهد بود.

موضوع: ظهور منجی از دیدگاه ادیان

منتظران

ویژگیها

منتظران واقعی حضـرت مهدی(ع)چه کسانی هستند؟ چه نشانه ها وخصوصیاتی دارند؟ آیاسربازان حضرت اکنون وجود دارند یا بعداً خواهند آمد؟

پرسش

منتظران واقعی حضرت مهدی(ع)چه کسانی هستند؟ چه نشانه ها وخصوصیاتی دارند؟ آیاسربازان حضرت اکنون وجود دارند یا بعداً خواهند آمد؟

پاسخ

انتظار واژه ای مقدس است و منتظر شخصی است که از ره آور انتظار بهره می برد.

انتظار آن هنگام مقدس و عبادت شد که آخرین حجت خدا به دستور خداوند غیبت خود را آغاز کرد، که اکنون بعد از هزار و اندی سال ادامه دارد.

کسی منتظر واقعی است که خود را از هر جهت آماده ظهور حضرت کند و پیروان سالک که در سلک و طریق دینند و در این مسیر از تعبد به حق منحرف نمی شوند.

انتظار دست رد زدن بر سینه باطل و ردّ هر چه ظلم است. انتظار برترین و بزرگ ترین عمل است. در سایه انتظار چشمه حق جاری است و عطش طلبان انسانیت فرو می نشیند.

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: "أفضل أعمل أمتی انتظار الفرج من اللّٰه عزّ و جلّ؛ بهترین اعمال امّت من انتظار رسیدن فرج است از طرف خداوند بزرگ".(۱) و جز این نباید باشد که انتظار فرج از بهترین اعمال است، زیرا در صورت تحقق ظهور حضرت و به پایان رسیدن انتظار، جامعه اسلامی روی آبادی و آسایش و امنیت را خواهد دید و این بالا-ترین و بهترین آرزویی است که هر فرد می تواند آن را داشته باشد.

پس دین داری شرط اصلی شخص منتظر است.

"از ویژگی های انتظار منتظر، دین داری است و دیانت پیشگی جز این نمی توان تصور کرد. انسان در دوران غیبت، باید مواظبت بیشتر، به امر دین خود و دین داری و صحت اعمال خود بپردازد و از هرگونه سستی، انحراف و فتور دوری گزیند. انسان منتظر حکومت علی وار مهدی موعود(ع)

علاوه بر تـدین و تقوا، بایـد پارسا باشـد و خود را چناکه آن پیشوا دوست دارد، بسازد و بدارد امام صادق(ع) می فرماید: "هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و کردار باورع داشته باشد".(۲)

آیا سربازان حضرت اکنون وجود دارند؟

از جمله بحث های مهم مربوط به زمان قبل و بعد از ظهور حضـرت صاحب(ع) شناخت کمیّت و کیفیت یاران حضرت است و این سؤال در خصوص کمیّت و تعدا افراد بیشتر از کیفیت مطرح است و دو گونه جواب دارد:

۱ - پاسـخی کلّی و غیر تفصـیلی از این که هنگام ظهور بر گِرد حضـرت یارانی جمع خواهند شد که قطعاً یا از قبل و یا هنگام ظهور مأمور بوده اند. اما این که زمان قبل و یا هنگام ظهور یعنی چه و چه مقطعی را شامل می شود، کسی اطلاعی ندارد. امام صـادق(ع) در توصـیف یـاران حضـرت می فرمایـد: "مردانی که گویـا دل هایشـان پـاره هـای آهن است. غبار تردیـد در ذات مقدس خدا خاطر نشان را نمی آیاد. همانند چراغ های فروزانند، گویا دل هایشان نور باران است".(۳)

۲ - پاسـخ دیگری که از احـادیث می توان بر گرفت، متفاوت است. بعضـی از احادیث، خاسـتگاه یاران حضـرت را مکان های خاص دانسته و به تعداد اولیه یاران اشاره دارد که البته آن نیز متفاوت است.

امیرمؤمنان علی(ع) اشاره به مکان یاران حضـرت کرده و می فرماید: "خوشا به حال طالقان (۱) که خدای بزرگ در آن گنج های نهفته دارد برتر از طلا و نقره. آن گنج ها مردانی مؤمن هستند که خدای را به شایستگی شناخته اند. آنان یاران مهدی در آخر الزمان هستند".(۴)

امام باقر(ع) اشاره به تعدا یاران

حضرت کرده می فرماید: "گویا آنان را می نگرم، سیصد و اندی مرد بر بلندای نجف (کوفه) ایستاده اند. دل هایی چون پولاد دارند. در هر سو تا مسافت یک ماه را، ترس بر دل های دشمنان سایه می افکند".(۵)

در حدیثی دیگر از امام باقر(ع) اشاره به وجود تعدادی زن میان یاران حضرت شده است: "به خدا سوگند! سیصد و سزیده تن که پنجاه تن از بانوان نیز میانشان حضور دارند، بدون هیچ قرار قبلی در مکه گرد هم جمع خواهند شد".(۶)

البته توصیف های انجام شده در زبان مبارک معصوم(ع) نیز اشاره به مکان ها و تعداد یاران حضرت به طور قطعیّت قابل گفتن نیست و شاید نیاز به تفسیر و تأویل داشته باشد. بنابر این هر گونه اظهار نظر قطعی در مورد صاحب العصر و الزمان(ع) و مسائل و اتفاقات قبل و بعد از ظهور، ناصواب است، زیرا تا هنگامی که وجود مقدس قائم آل محمد(عج) در پشت پرده غیبت قرار گرفته، پرداختن به مواردی که مربوط به وجود ایشان و نیز مسائل جانبی است، نمی تواند متقن و مستحکم باشد.

البته مسلّم است که روزی حضرت ظاهر خواهد شد و بر گِرد او یارانی جمع شده که یا از قبل آماده بودند و یا در آن هنگام این لیاقت را پیدا کرده اند. در هر دو صورت برای فردی که بخواهد جزء یاران حضرت باشد، آمادگی روحی و روانی و معنوی لازم است، اگر چه قبل از ظهور حضرت بمیرد. امام صادق(ع) فرمود:

"هر کسی از شما در انتظار در حالی که منتظر حضرت باشد، از دنیا برود، مثل کسی است که در خیمه قائم بوده است".(۷)

خیمه کنایه از حضور در لشکر و در

زمره یار حضرت است.

پی نوشت ها:

۱ - تطبیق طالقان بر شهری که اینک در اطراف تهران و قزوین وجود دارد، قطعیت ندارد.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸، حدیث ۲۱.

۲ - محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۴۶.

۳ - بحار الانوار ،ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴ - مجله حوزه، ویژه امام زمان، ج ۷۰ - ۷۱، ص ۳۰۰.

۵ - بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۴۲.

۶ - همان، ص ۲۲۳.

۷ - همان، ج ۵۲، ص ۱۲۵، حدیث ۱۵.

ویژگیهای منتظران

اشاره

اگر بخواهیم مورد توجه امام مهدی(عج) قرار بگیریم و از منتظران ایشان باشیم، چه باید بکنیم؟

پرسش

ویژگیهای منتظران

اگر بخواهیم مورد توجه امام مهدی(عج) قرار بگیریم و از منتظران ایشان باشیم، چه باید بکنیم؟

پاسخ

در برخی روایات وظایفی برای شیعیان بیان شده است(۱) که بـا انجـام و رعایت آنها می توان از منتظران واقعی امام زمان(ع) بود و حضرت به انسان توجه خواهند کرد.

در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- تقوا گرایی:

یکی از وظایف مهم شیعیان در عصر غیبت، خودسازی و رعایت تقوا است؛ زیرا برقراری ارتباط با امام پارسا، پارسایی می طلبد بر این اساس یکی از ویژگی های یاران امام زمان(ع) تقوا گرایی بیان شده است.(۲) امام صادق(ع) فرمود: "هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و کردار باورع داشته باشد".(۳)

۲- تکلیف گرایی:

یکی از عواملی که زمینه توجه امام زمان(ع) را به انسان ها فراهم می کند، دین مداری و تکلیف گرایی است. انسان باید در عصر غیبت بیشتر به دستورهای الهی توجه نموده و مقید به انجام تکلیف خدایی باشد؛ زیرا در عصر غیبت انسان ها بیشتر در معرض آسیب ها و آفات قرار می گیرند و نیاز به پشتوانه قوی دارند. این پشتوانه قوی تقویت باورهای دینی و پاسداری از دین است. از سوی دیگر با انجام تکالیف الهی می توان به آسیب زدایی پرداخت.

امام صادق(ع) فرمود: "برای صاحب الامر غیبت طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه سازد، و به دین چنگ زند".(۴)

۳- انتظار فرج:

یکی از وظایف شیعیان انتظار فرج است. پیامبر اسلام(ص) فرمود: "افضل اعمال امتی انتظار الفرج مِن اللّٰه عزّوجلّ".(۵)

انتظار کشیدن ظهور یک مصلح، در انسان آمادگی برای انجام کارهای نیک و اصلاح گرایانه ایجاد می کند.

۴- اصلاح جامعه:

یکی از

وظایف شیعیان اصلاح جامعه است. همان گونه که انسان وظیفه دارد به تقوا و خودسازی بپردازد، وظیفه دارد که با ناهنجاری ها مبارزه نماید. در آموزه های دینی این نگرش که در عصر غیبت باید در برابر ناهنجاری ها و بی عدالتی ها بی اعتنا بود، پذیرفته شده نیست، و این تحریف مفهوم انتظار است، بلکه از منظر اسلام همگان وظیفه دارند که با بهره گیری از دو عنصر امر به معروف و نهی از منکر در صدد ایجاد جامعه ای مبتنی بر شایستگی، خدامحوری و عدالت باشند، یعنی همان هدفی که امام زمان می خواهند اجرا کنند.

چنین شخصی هدفی را دنبال می کند که امام زمان می خواهد.

۵- شناخت امام و حجت خدا:

شناخت امام و جایگاه او در اسلام یکی از مهم ترین عامل است که باعث می شود امام زمان(ع) به انسان توجه نماید، از این رو در اسلام به شناخت امام(ع) و اطاعت از او سفارش شده است: "مَن مات و لم یعرف امام زمانه، مات میتةً جاهلیه؛(۶) کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، مانند دوران جاهلیت مرده است".

۶- استمداد از امام زمان(ع):

انسان باید تلاش نماید تا جایی که امکان دارد از فیض وجود امام زمان بهره مند باشد. همان گونه که از آفتاب پشت ابر می توان بهره مند شد.

به هر طریقی که امکان دارد باید با او ارتباط برقرار نمود که حداقل آن خواندن دعاهای وارد شده مانند ندبه و فرج است.

اگر خواهی که دوست نگسلد پیوند

سر رشته نگه دار تا نگهدارد

۷- دعا برای امام زمان(ع):

یکی از عواملی که می تواند در جلب توجه امام زمان(ع) مؤثر باشد دعا کردن برای حفظ حضرت و تعجیل در فرج او است.

در روایات متعدّد سفارش

شده که برای سلامتی امام زمان(ع) دعا کنید. از جمله دعاهایی که امام رضا(ع) سفارش نمود برای امام زمان(ع) خوانده شود، این است: "اللّهمّ ادّفع عن ولیّک و خلیفتک و حجّتک...". دعای دیگری که به علاقه مندان امام زمان(ع) سفارش شده، دعای مشهوری است که در مجالس و نمازها خوانده می شود: "اللّهمّ کن لولیّک الحجّه ابن الحسن...".(۷)

انجام وظایف هم چنین موجب می شود که امام زمان انسان را مورد عنایت قرار دهد. آن حضرت در میان مردم حضور پیدا کرده و مشکلات مردم را رفع و به هدایت آن ها می پردازد. اگر چه مردم او را نشناسند. امام علی(ع) فرمود: "سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان آنان هست و در کوچه و بازار آن ها گام بر می دارد و بر خانه های آن ها وارد می شود و در شرق و غرب جهان رفته و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده سلام می دهد. او مردمان را می بیند". (۸)

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲؛ منتهی الامال، ص ۵۵۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۳. همان، ص ۱۴۰.

۴. همان، ص ۱۳۵.

۵. همان، ج ۵۱، ص ۴۴.

۶. نجم الثاقب، ص ۶۱۳.

۷. منتهی الامال، ص ۵۶۲.

۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

منتظران واقعی چه خصوصیاتی باید داشته باشند؟

پرسش

منتظران واقعی چه خصوصیاتی باید داشته باشند؟

پاسخ

اول خودسازی فردی

چنین تحوّلی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند، و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است . تنگ نظریها، کوته بینیها، کج فکریها، حسادتها اختلافات کودکانه و نابخردانه و بطور کلی هرگونه نفاق و پراکندگی با موقعیت «منتظران واقعی» سازگار نیست.

نکته مهم این است که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی تواند نقش تماشاچی را داشته باشد باید از هم اکنون حتماً در صف انقلابیون قرار گیرد.

ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل هرگز به او اجازه نمی دهد که در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن «اعمالی پاک» و روحی پاکتر و برخورداری از «شهامت» و «آگاهی» کافی است.

من اگر فاسد و نادرستم چگونه می توانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در ان هیچگونه نقشی ندارند، بلکه مطرود و منفور خواهند بود، روزشماری کنم .

آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان از لوث آلودگیها کافی نیست؟

ارتشی که در انتظار جهاد آزادی بخش به سر می برد حتماً به حالت آماده باشد کامل درمی آید، سلاحی را که برای چنین میدان نبردی شایسته است بدست می آورد، سنگرهای لازم را می سازد . آمادگی رزمی افراد خود را بالا می برد.

روحیه افراد خود را تقویت می کند و شعله عشق و شوق برای چنین مبارزه ای را در دل

فرد فرد سربازانش زنده نگه می دارد. ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سر نمی برد و اگر بگوید دروغ می گوید.

انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری و اخلاقی ، مادی و معنوی، برای اصلاح همه جهان است . فکر کنید چنین آماده باشی چقدر سازنده است.

و خود سازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق ترین برنامه های اخلاقی و فکری و اجتماعی است، این است معنای انتظار واقعی آیا هیچکس می تواند بگوید چنین انتظاری سازنده نیست؟

دوّم – خودیاریهای اجتماعی

منتظران راستین در عین حال وظیفه دارند تنها به خویشتن نپردازند، بلکه مراقب حال یکدیگر باشند، و علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران نیز بکوشند زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند یک برنامه فردی نیست، برنامه ای است که تمام عناصر انقلاب باید در آن شرکت جویند، باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد، کوششها و تلاشها باید هماهنگ گردد، و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

در یک میدان وسیع مبارزه دسته جمعی هیچ فردی نمی تواند از حال دیگران غافل بماند، بلکه موظف است هر نقطه ضعفی را در هر کجا ببیند اصلاح کند و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم نماید، و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند، زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین ، پیاده کردن چنان برنامه ای امکان پذیر نیست.

بنابراین منتظران واقعی علاوه بر اینکه به اصلاح خویش می کوشند وظیفه خود می دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند.

این است اثر سازنده دیگری برای انتظار قیام یک مصلح جهانی،

و این است فلسفه آن همه فضیلتها که برای منتظران راستین شمرده شده است.

سوم منتظران راستین در فساد محیط حل نمی شوند

اثر مهم دیگری که انتظار مهدی دارد حل نشدن در مفاسد محیط و عدم تسلیم در برابر آلودگیها است.

توضیح این که هنگامی که فساد فراگیر می شود و اکثریت یا جمع کثیری را به آلودگی می کشاند گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می گیرند، بن بستی که از یأس اصلاحات سرچشمه می گیرد.

گاهی آنها فکر می کنند کار از کار گذشته و دیگر امیدی به اصلاح نیست ، و تلاش و کوشش برای پاک نگاهداشتن خویش بیهوده است ، این نومیدی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند!

تنها چیزی که می تواند در آنها «امید» بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند امید به اصلاح نهایی است، تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران برنخواهند داشت.

و اگر می بینیم در دستورات اسلامی یأس از آمرزش یکی از بزرگترین گناهان شمرده شده است و ممکن است افراد ناوارد تعجب کنند که چرا یأس از رحمت خدا اینقدر مهم تلقی شده، حتی مهمتر از بسیاری از گناهان، فلسفه اش در حقیقت همین است که گناهکار مأیوس از رحمت، هیچ دلیلی نمی بیند که به فکر جبران بیفتد و یا لااقل دست از ادامه گناه بردارد، و منطق او این

است اکنون که آب از سر من گذشته است چه یک قامت چه صد قامت ! من که رسوای جهانم غم دنیا هیچ است ! ، بالاتر از سیاهی رنگ دیگر نباشد، آخرش جهنم است ، من که هم اکنون آنرا برای خود خریده ام دیگر از چه می ترسم؟! و مانند این منطقها...

امّا هنگامی که روزنه امید برای او گشوده شود، امید به عفو پروردگار ، امید به تغییر وضع موجود، نقطه عطفی در زندگی او خواهد شد و او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می کند.

به همین دلیل امید را می توان همواره به عنوان یک عامل مؤثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت همچنین افراد صالحی که در محیطهای فاسد گرفتارند، بدون امید نمی توانند خویشتن را حفظ کنند.

نتیجه این که انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می شود امید ظهورش بیشتر می گردد اثر فزاینده روانی در معتقدان دارد، و آنها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می کند ؛ آنها نه تنها با گسترش دامنه فساد محیط مأیوس نمی شوند بلکه به مقتضای «وعده وصل چون شود نزدیک – آتش عشق تیزتر گردد» وصول به هدف را در برابر خویش می بینند و کوشش آنها برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویشتن با شوق و عشق زیادتری تعقیب می گردد.

<body/>

<html/>

روایات، منتظران ظهور مهدی(عج) را به چه افرادی تشبیه کرده اند؟

پرسش

روایات، منتظران ظهور مهدی(عج) را به چه افرادی تشبیه کرده اند؟

پاسخ

کسی از امام صادق (ع) پرسید چه میگویید درباره کسی که دارای ولایت امامان است و انتظار ظهور حکومت حق را میکشد و در این حال از دنیا میرود؟

امام (ع) در پاسخ فرمود

«هُوَ بِمَنْزِلَهِ مَنْ کانَ مَعَ الْقائِمِ فِی فُسْطاطِهِ ثُمَّ سَکَتَ هَنیئَهً ثُمَّ قالَ هُوَ کَمَنْ کانَ مَعَ رَسُولِ اللهِ (ص)» [او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد سپس کمی سکوت کرد و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام (در مبارزاتش) همراه بوده است.]

این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است

در بعضی «بِمَنْزَلَهِ الضّارِبِ بِسَیْفِهِ فِی سَبیلِ اللهِ» [همانند شمشیر زنی در راه خدا.]

و در بعضی دیگر «کَمَنْ قارَعَ مَعَ رَسُولِ اللهِ بِسَیْفِهِ» [همانند کسی است که در خدمت پیامبر با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد.]

در بعضی دیگر «بِمَنْزِلَهِ مَنْ کانَ قاعِداً تَحْتَ لِواءِ الْقائِمِ» [همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد.]

و در بعضی دیگر «بِمَنْزِلَهِ الْمُجاهِدِ بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللهِ» [همانند کسی است که پیش روی پیامبر (ص) جهاد کند.]

و در بعضی دیگر «بِمَنْزِلَهِ مَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللهِ (ص)» [همانند کسی است که با پیامبر شهید شود.]

منتظر واقعی حضرت مهدی غ دارای چه خصوصیاتی است

پرسش

منتظر واقعی حضرت مهدی غ دارای چه خصوصیاتی است

پاسخ

برای آشنایی بیش تر با چهره یک منتظر حقیقی به این روایات توجه کنید.

۱. رسول خدا۹ فرمود: انتظار فرج بهترین عبادت است

۲. علی بن حسین فرمود:ای اباخالد: خداوند اهل زمان غیبت را کسانی که به امامتش اعتقاد دارند و منتظر ظهورش هستند در آن زمان به منزله مجاهد، با شمشیر، پیش روی رسول الله قرار داد. اینان مخلص حقیقی و شیعه واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکارند.

۳. علی بن حسین فرمود: کسی که در عصر غیبت قائم ما، بر ولایت ما ثابت و پایدار باشد، خداوند پاداش هزار شهید، همچون شهدای بدر و اُحُد را به او اعطا خواهد کرد.

۴. امام صادق منتظر امام دوازدهم همچون کسی است که پیشاپیش رسول خدا۹ شمشیرش را کشیده است و از او حمایت می کند.(بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۲، ص ۱۲۲ ۱۵۰، داراحیاألتراث العربی)

تعبیراتی که در این روایات به چشم می خورد، حاکی از این است که انتظار ظهور و انقلاب جهانی حضرت مهدی غ توأم با مرحله ای ویژه از جهاد وسیع و دامنه دار است این نوع انتظار، آخرین شکل از مبارزه با دشمن است در این روایات از انتظار

به ریخته شدن خون در راه خدا، جنگیدن زیر خیمه رسول الله و حضرت ولی عصر، و بالاترین عبادت تعبیر شده است ولی اگر انتظار را به معنای تحریف شده اش بگیریم هر انسان سست ایمان و ضعیفی می توانست در صف منتظران باشد و حال آنکه سیمای منتظران در قرآن به گونه ای دیگر توصیف شده است

قرآن می فرماید: "وعد الله الذین

ءامنوا منکم و عملوا الصَلحَت لیستخلفنّهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکّنن ّلهم .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمناً...; (نور، ۵۵) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را (حکم ران و) جانشین روی زمین قرار دهد; همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید; و دین و آیینی را که برای آنان پسندید، به سودشان مستقر خواهد ساخت و ترسشان را به ایمنی و آرامش مبدل می کند..."

در روایات آمده است که این آیه درباره حضرت مهدی غ نازل شده است (بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۱، ص ۵۴.)

آیه فوق مهدی و یارانش را به عنوان کسانی که دارای ایمانی مستحکم و عمل صالح هستند، معرفی می کند.

با این تعریف ها و توصیف هایی که در قرآن و روایات از شخص منتظر شده است می فهمیم که او فردی دارای ایمان راسخ و استوار است و به گناه و فساد روی نمی آورد. اکنون به معانی استنباط شده از منتظر در روایات توجه کنید:

۱. صبر و تحمل حزن و اندوه ِ دوری از آن وجود مقدس و نازنین

۲. آمادگی و فراهم کردن امکانات به گونه ای که هرگاه از ظهور حضرت آگاهی یافت فوراً بتواند خود را به آن حضرت برساند و به ایشان خدمت و فرمانبرداری کند;

۳. ناامید نشدن از تحقق ظهور آن حضرت

۴. منتظر فرمان جهاد امام عصر برای جنگیدن با دشمنان اسلام و حمایت از دین خدا بودن

۵. اقتدا کردن به آن حضرت قبل از ظهور و قیامش با بیزاری جستن از دشمنانش

و اظهـار مودت و دوستی به امامـان شـیعه و دوسـتانشان (ر.ك بحارالانوار، علامه مجلسـی ج ۵۲، بـاب فضل انتظار الفرج ص ۱۲۲ ۱۵۰، داراحیأ التراث العربی)

شخص ِ منتظر دارای چنین حالات و روحیاتی است و هرچه زمان فرج و ظهور نزدیک تر شود، کوشـش خود را برای مبارزه با فساد و تباهی و یا حفظ خویشتن از آلودگی با شوق و اشتیاق بیش تری دنبال می کند.

وعده وصل چون شود نزدیک آتش عشق تیزتر گردد.(جهت آگاهی بیشتر ر.ك پیام قرآن آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۹، ص ۴۴۱ ۴۵۰، نشر مدرسه الامام امیرالمؤمنین)

کتاب های زیادی در این زمینه نوشته شده است که ما تعدادی را نام می بریم

۱. مهدی انقلابی ِ بزرگ آیت الله مکارم شیرازی

۲. چشم به راه مهدی عج ، جمعی از نویسندگان مجله حوزه

۳. مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار علامه مجلسی ، مترجم علی دوانی

۴. جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت محمّد خادمی شیرازی

۵. مهدی منتظر، حاج شیخ محمدجواد خراسانی

پیرو امام زمان غ شدن چه شرایطی دارد؟

پرسش

پیرو امام زمان غ شدن چه شرایطی دارد؟

پاسخ

از آیـاتی که دربـاره اطـاعت از رسول اکرم و به تبع ایشان اطاعت از امامان معصوم وارد شـده چنین می توان اسـتفاده کرد که برای پیروی از این بزرگواران باید به نکاتی توجه کامل داشت

۱. دوری از گناهـان و برطرف نمـودن زنگـار گناهـان از قلب ۲. از دسـتورات آن هـا پیروی کردن ۳. در برابر آن هـا خضوع داشتن ۴. ایمان داشتن به خداوند متعال ۵. پرهیزگار و متقی بودن ۶. با هم دوستی و اتحاد داشتن و...

آیاتی که در این زمینه ها وارد شده عبارتند از: "آل عمران ۳۲و۱۳۲ / نسأ، ۵۹ / مائده ۹۲ / انفال ۱ / نور، ۵۶ و..." همچنین در

روایتی از امام باقر۷ می خوانیم

"شیعه ما نیست مگر کسی که تقوا و اطاعت خداوند را کند و نمی توان این شیعیان را شناخت مگر به وسیله تواضع و خشوع و ادای امانت و زیادی ذکر خداوند متعال در وجود آن ها".

در روایتی دیگر امام صادق می فرماید: "شیعیان ما اهل ورع و اجتهاد و کوشش و اهل وفا و امانت و اهل زهد و عبادتند، در شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز به جای می آورند، شب]برای راز و نیاز و نماز شب بیدار می شوند، در روز روزه می گیرند و زکات اموالشان را می پردازند و حج خانه خدا را بجا می آورند و از هر فعل حرامی اجتناب می کنند."(میزان الحکمه محمّد ری شهری ج ۲، ص ۱۵۳۸، ح ۹۹۳۱۹۹۳۳، دارالحدیث / تفسیر المیزان ج ۳، ص ۱۵۷.)

مسأله صبر و انتظار برای ظهور و انقلاب جهانی حضرت

مهدی غ از جمله مسائلی است که دشمنان و مخالفان آن گاه در صدد تحریف آن برمی آیند و آن را به عکس ِ مفهوم حقیقی نشان می دهند; برای رهایی از دام چنین شبهاتی نخست لازم است با مفهوم حقیقی انتظار آشنا شویم

انتظار، معمولاً ـ به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت و برای ایجاد وضع بهتر و مطلوبی در تلاش است مانند تاجری که از وضع آشفته و نابسامان بازار، ناراحت و ناراضی و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی و بهبود بازار است در انتظار، دو حالت مثبت و منفی وجود دارد: ۱. عدم رضایت و بیگانه بودن با وضع موجود;

۲. تلاش برای ایجاد وضعی بهتر و مطلوب

مسأله انتظارِ انقلاب و حکومت عدل حضرت مهدی غ نیز از همین قبیل است فردی که ظهور را انتظار می کشد، از وضع موجود ناراحت و ناراضی و خواهان وضعی بهتر است این دو حالت سرچشمه دو عملکرد است یکی این که هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و تباهی را ترک کند و دیگر این که از نظر جسمی و روحی مادّی و معنوی خود را برای شکل گرفتن وضع و انقلابی جدید آماده کند.

انتظار نه تنها موجب خمودی و خاموشی تحمل فساد و آلودگی در جامعه نمی شود; بلکه عاملی محرک است در حقیقت در این مفهوم نوعی مبارزه با وضع موجود و نوعی تغییر تاکتیک در مبارزه با دشمن نهفته است (پیام قرآن آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۹، ص ۴۴۴ ۴۵۲، نشر مدرسه الامام امیرالمؤمنین)

برای آشنایی

بیش تر با چهره یک منتظر حقیقی به این روایات توجه کنید.

۱. رسول خدا۹ فرمود: انتظار فرج بهترین عبادت است

۲. علی بن حسین فرمود:ای اباخالد: خداوند اهل زمان غیبت را کسانی که به امامتش اعتقاد دارند و منتظر ظهورش هستند در آن زمان به منزله مجاهد، با شمشیر، پیش روی رسول الله قرار داد. اینان مخلص حقیقی و شیعه واقعی و دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکارند.

۳. علی بن حسین فرمود: کسی که در عصر غیبت قائم ما، بر ولایت ما ثابت و پایدار باشد، خداوند پاداش هزار شهید، همچون شهدای بدر و اُحُد را به او اعطا خواهد کرد.

۴. امام صادق منتظر امام دوازدهم همچون کسی است که پیشاپیش رسول خدا۹ شمشیرش را کشیده است و از او حمایت می کند.(بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۲، ص ۱۲۲ ۱۵۰، داراحیأالتراث العربی)

تعبیراتی که در این روایات به چشم می خورد، حاکی از این است که انتظار ظهور و انقلاب جهانی حضرت مهدی غ توأم با مرحله ای ویژه از جهاد وسیع و دامنه دار است این نوع انتظار، آخرین شکل از مبارزه با دشمن است در این روایات از انتظار به ریخته شدن خون در راه خدا، جنگیدن زیر خیمه رسول الله و حضرت ولی عصر، و بالاترین عبادت تعبیر شده است ولی اگر انتظار را به معنای تحریف شده اش بگیریم هر انسان سست ایمان و ضعیفی می توانست در صف منتظران باشد و حال آنکه سیمای منتظران در قرآن به گونه ای دیگر توصیف شده است

قرآن می فرماید: "وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصَلحَت لیستخلفنّهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم

و لیمکّنن ّلهم .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمناً...; (نور، ۵۵) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را (حکم ران و) جانشین روی زمین قرار دهد; همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید; و دین و آیینی را که برای آنان پسندید، به سودشان مستقر خواهد ساخت و ترسشان را به ایمنی و آرامش مبدل می کند..."

در روایات آمده است که این آیه درباره حضرت مهدی غ نازل شده است (بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۱، ص ۵۴.)

آیه فوق مهدی و یارانش را به عنوان کسانی که دارای ایمانی مستحکم و عمل صالح هستند، معرفی می کند.

با این تعریف ها و توصیف هایی که در قرآن و روایات از شخص منتظر شده است می فهمیم که او فردی دارای ایمان راسخ و استوار است و هرگز از کنار گناه و فساد به راحتی نمی گذرد. (نور، ۵۵) اکنون به معانی استنباط شده از منتظر در روایات توجه کنید:

۱. صبر و تحمل حزن و اندوه ِ دوری از آن وجود مقدس و نازنین

۲. آمادگی و فراهم کردن امکانات به گونه ای که هرگاه از ظهور حضرت آگاهی یافت فوراً بتواند خود را به آن حضرت برساند و به ایشان خدمت و فرمانبرداری کند;

۳. ناامید نشدن از تحقق ظهور آن حضرت

۴. منتظر فرمان جهاد امام عصر برای جنگیدن با دشمنان اسلام و حمایت از دین خدا بودن

۵. اقتدا کردن به آن حضرت قبل از ظهور و قیامش با بیزاری جستن از دشمنانش و اظهار مودت و دوستی به امامان شیعه و دوستانشان

ر.ك بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۲، باب فضل انتظار الفرج ص ۱۲۲ ۱۵۰، داراحیأ التراث العربی) و پیرو و نایب امام زمان غ یعنی فقیه جامع الشرایط زمان شدن

شخص ِمنتظر دارای چنین حالات و روحیاتی است و هرچه زمان فرج و ظهور نزدیک تر شود، کوشش خود را برای مبارزه با فساد و تباهی و یا حفظ خویشتن از آلودگی با شوق و اشتیاق بیش تری دنبال می کند.

وعده وصل چون شود نزدیک آتش عشق تیزتر گردد.(جهت آگاهی بیشتر ر.ك پیام قرآن آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۹، ص ۴۴۱ ۴۵۰، نشر مدرسه الامام امیرالمؤمنین)

خصوصیات منتظر واقعی و بهترین عمل در زمان غیبت چیست ؟

پرسش

خصوصیات منتظر واقعی و بهترین عمل در زمان غیبت چیست ؟

پاسخ

منتظر واقعی مهدی (عج)باید چندین خصوصیت داشته باشد:

۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را نجام دهد در مرحله اول نه یک واجب از او ترک شود و نه یک حرام از او صادر شود.

۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک ((عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا" و لا نجوی ...;بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم)), (دعای ندبه).

۳- انتظار فرج آن حضرت , در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان (ع) بهترین اعمال انتظار فرج است ((سفینه البحار شیخ عباس قمی، ماده نظر)).

اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است . فرج ; یعنی , نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود، نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرك و بی داد است پیروزی حکومت عدلی که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا" خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یك ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین رو در روایات آمده است که انتظار فرج،

خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا" منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تا"سیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظار فرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می شود زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز است و با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد.

انتظار فرج یعنی :

الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت .

ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه .

ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی .

ه) امید به آینده ای روشن و نوید بخش .

ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر.

ح) رعایت موازین و قوانین

دینی و اخلاقی .

خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری .

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری , مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت (عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند, (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵ - ره توشه راهیان نور, دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف).

۴- دعا برای حفظ وجود مبارک آن حضرت و تعجیل در ظهور او مثل همان دعای مشهور فرج و موارد دیگر.

این که می گویند ظهور امام زمان (عج) نزدیک است , وظیفه ما چیست ؟ آیا باید اقدام به یادگیری معارف اسلامی بکنیم ؟

پرسش

این که می گویند ظهور امام زمان (عج) نزدیک است , وظیفه ما چیست ؟ آیا باید اقدام به یادگیری معارف اسلامی بکنیم ؟

پاسخ

« در ابتدا گفتنی است که زمان ظهور حضرت ولی عصر(عج) و زود یا دیر بودن آن را کسی جز ذات اقدس الهی نمی داند; گرچه با مراجعه به روایات , می توان به بعضی از نشانه های آن پی برد. البته آنچه بیان شد, فقط یک نشانه است نه علت ظهور امام زمان (عج). نکته دیگر این که دیر یا زود بودن زمان ظهور امام زمان (عج), ارتباطی با چگونگی وظیفه من و شما ندارد و نباید در شناخت وظیفه یا انجام دادن فعالیت های مطابق آن تاثیری بگذارد و یا تغییری ایجاد کند; زیرا هر کس در هر موقعیت و شرایطی که قرار دارد و با توجه به امکانات , توانایی ها و آگاهی هایش , وظیفه ای خاص و متناسب با توانمندی های خود دارد. حال هر شخصی دارای توانمندی ها, استعدادها و علایق ویژه ای است که او را از دیگران متمایز می سازد و او باید براساس آنها و نیز تکلیف شرعی , زمینه فعالیت های شغل , علمی و تحصیلی خویش را تشخیص دهد و بر طبق آن عمل کند. خداوند نیز تنها متناسب با توانایی ها و استعدادهایی که به افراد عطا فرموده است , از آنها مسوئولیت می خواهد و نه بیشتر; مثلا" کسی که ذوق علمی و یا توانایی تحصیل علم در رشته ای خاص را دارد, اید در آن زمینه تلاش کند و کسی که توان علمی

بالایی ندارد و فقط دارای نیروی جسمانی زیادی است , خداوند نیز در همان محدوده و به همان اندازه از او تکلیف خواسته و فرد نیز در آن زمینه بایـد به فعالیت بپردازد و... لازم به ذکر است یادگیری معارف الهی برای شـناخت کلی جهان (خدا, انسان و طبیعت) و فهم دسـتورات دین و وظـایف عملی خویش و حلاـل و حرام خداونـد, برای هر انسـانی لاـزم و ضـروری است و شخص بایـد اصول دین و اعتقادات را متناسب با سـطح آگاهی و درک خویش و به طور اسـتدلالی بشـناسد و در فروع دین و دسـتورات عملی آن به کارشـناسان دین و فقهای اسـلامی مراجعه کنـد. اما اگر کسـی بخواهد به یادگیری معارف الهی از راه ورود به حوزه های علمیه و در سطح یک کارشناس و متخصص بپردازد; لازم است در ابتدا هدف , توانایی , استعداد و علاقه خود را ارزیابی کند و متناسب با آن تصمیم بگیرد. در واقع جامعه امروز ما, هم به روحانیان روشنفکر و با سواد نیاز دارد و هم به کارشـناسان در دیگر حوزه های تخصصی و فنی . هم باید دین , فرهنگ , ارزش های اخلاقی و دینی جامعه به وسیله انسان های وارسـته و کارشـناس حفظ و نگه داری شود و هم باید با پیشـرفت های تجربی و علمی روز آشنا شد تا از قافله پیشرفت و تکنولوژی امروزی عقب نماند. آنچه که وظیفه شما و دیگران را تعیین می کند, میزان توانایی است ; یعنی , مشخص کنید که استعداد شما در چه زمینه ای است ; ذوق و علاقه شما به چه حوزه

و دایره ای تعلق دارد; زمینه های خانوادگی , اجتماعی شما چگونه است و... سپس براساس این مطالب , هدف و راه خود را تشخیص داده , با جدیت آن را طی نمایید. برای رسیدن به این تشخیص چه خوب است علاوه بر فکر کردن با برخی از افراد با تجربه و دلسوز – از جمله با یکی از روحانیان مورد اعتماد خود – به مشورت بپردازید تا با بصیرتی بیشتر از وضعیت کنونی و آینده , به یک تصمیم خوبی دست یابید.

J}

می خواهم از منتظران فرج باشم و فعالیت های غیر رسمی و مخفیانه بر آن انجام دهم به نظر شما چگونه باشم ؟

پرسش

می خواهم از منتظران فرج باشم و فعالیت های غیر رسمی و مخفیانه بر آن انجام دهم به نظر شما چگونه باشم ؟

پاسخ

دانشجوی محترم سرکار خانم جاودان علاقه شما به مسائل معنوی خودسازی و دیگرسازی و ایجاد زمینه برای ظهور حضرت ولی عصر(ع) امری است بسیار پسندیده و ارزشمند و هر انسان حقیقت طلبی آرزوی ظهور آن سفر کرده که صد غافله همراه اوست را دارد و درروایات انتظار چنین ظهوری را از بهترین عبادات بر شمرده اند افضل العباد انتظار الفرج انتظار فرج یک آرمان بزرگ بشری است و در واقع همه بشریت می تواند از چشمه سار زلال ظهور تجلی کمال را مشاهده کنند و کویر تفتیده جانخویش طراوت بخشند اما آنچه برای منتظران مهم است درک حقیقت انتظار است. آیا تاکنون فکر کرده اید که حقیقت انتظار چیست و منتظر واقعی کیست؟ درک این معنا نیازمند تأمل، تفکر و زانوزدن در پیشگاه قرآن و معارف الهی است و بدون راهنما و راهبر دلسوز طی این راهپرمخاطره است و بسیار بوده اند کسانیکه با عشق و علاقه و سوز دل در این مسیر گام نهاده اند اما چون بدون راهنما راهبر بودند طعمه شیطان و شیطان صفتان شدند و با دست خویش خود را به هلاکت و نابودی کشاندند قرآن به همه ما توصیه می کند که مواظب باشید با دست خودموجبات هلاکت خود را فراهم نکنید و خود را به هلاکت نیندازید همواره سه عامل مهم به عنوان عوامل کلی سقوط انسان را تهدید می کنند: ۱– هواهای نفسانی، ۲– شیطان، ۳– دنیا.

شیطان به عنوان مدیر اجرایی همواره با به خدمت گرفتن هواهای نفسانی و دنیا بزرگترین دشمن قسم

خورده انسان است که از طریق وسوسه، زیبا جلوه دادن اعمال انسان و وعده و وعید تلاش می کند انسانها را تحت هر عنوانی به گمراهی بکشاند شیطان برای گمراهی انسانهااز ترفندهای زیادی استفاده می کند گاهی از طریق شعله ور کردن شهوات و برخی اوقات از زیبا جلوه دادن اعمال انسان و زمانی از طریق غضب ناک کردن انسان و بعضی اوقات نیز از راه معنویت و ارزشها شاید تعجب کنید که چگونه از طریق مسائل معنوی شیطان باعث گمراهیانسان می شود مصداق بارز آن ریا و خودنمایی است شیطان گاهی اوقات از طریق ریا موجبات گمراهی انسان را فراهم می کند و موجب حبط اعمال او می شود و گاهی از طریق ضد ریا به او می گوید مواظب باش که ریا نکنی اما می خواهد به جای سرنگون شدن انسان از روبرو او را بهصورتی خطرناکتر سرنگون کند (و آن سرنگونی از پشت سر می باشد) مانند کسی که در یک ارتفاع بلند ساختمانی چند طبقه قرار گرفته و به صورت ناخود آگاه آن قدر عقب عقب می رود که ناگهان از پشت سرنگون می شود و دیگر هیچ چیزی برای او باقی نمی ماند.

بنابراین دانشجوی محترم: شما که در سر شور و عشق نخل سبز زیبای ولایت را دارید چرا این نعمت بزرگ عشق پاک را در بیراهه های مخفی کاری سرگردان می کنید؟ چرا صراط مستقیم که هرروز بیش از ده بار در نماز تکرار می کنید و از خداوند هدایت به آن راه صحیح رامی طلبد حرکت نکنید؟ راستی صراط مستقیم کدام راه است آیا تشکیل گروههای مخفی بدون راهبری مطمئن (یعنی کسی که هم دارای تجربه عملی باشد و هم به حدود و

ثغور معارف الهی آشنا باشد) سرانجام شما را به کجا رهنمون خواهد کرد؟ فکر نمی کنید اینها در واقع دامی است کهشیطان برای انحراف افراد عاشق و معنویت فراهم کرده است؟ قران برای نجات انسان از خسران می فرماید: ایمان خود را تقویت کنید و عمل صالح انجام دهید و همدیگر را توصیه به حق نمایید و با امر به معروف و نهی از منکر موانع را از سر راه خود بردارید و در مسیر حق حرکتکنید تا به سرمنزل مقصود رسید و منتظر واقعی کسی که این مسیر قرآنی را طی می کند و هر راهی جز این مسیری که قرآن و اهل بیت برای ما ترسیم می کنند راه شیطانی است ولو این که به ظاهر تحت عناوین مقدس باشد.

دانشجوی محترم: شما در انتهای نامه خود فرموده اید که من در هیچ تشکلی فعالیت نمی کنم چون من هنوز خودم را قبول ندارم!! این جمله اخیر شما (چون من هنوز خودم را قبول ندارم) قابل تأمل است چه اینکه شما از طرفی اعتماد به نفس را نسبت به خود انکار می کنید و ازطرف دیگر می خواهید به صورت مخفی گروه تشکیل دهید و خود و دیگران را آماده ظهور کنید نفس این کار یعنی تشکل و فعالیت در تشکل منتها تشکلی مخفی!! برای ما این سؤال مطرح است که چرا مخفی؟ مگر شما در یک جامعه ضد دین و ضد ظهور حضرت زندگی می کنید کهمی خواهید مخفیانه زمینه ظهور را فراهم کنید و مگر مخفی بودن حکمتی دارد؟ چرا؟! به نظر می آید دین ما بجز در موارد استثنایی و در جاهایی که اجازه فعالیت دینی به ما نمی دهند در بقیه جاها

و زمـان هـا از مـا رفتـار مخفیـانه و زیر زمینی آن هم برای ظهـور حضـرت ولی عصـر(ع)نخواسـته است بهـترین راه برای ظهور حضـرت، خودسازی و تقوبت ایمان و انجام عمل صالح است و این کار فقط از طریق انجام واجبات الهی و ترک محرمات می باشد و راه دیگری جز این راه وجود ندارد و خود حضـرت ولی عصـر(ع) نیز ما را به انجام همین وظایف الهی توصیهمی کند.
J}

چگونه می شود منتظر و پیرو واقعی برای امام زمان(بود؟

پرسش

چگونه می شود منتظر و پیرو واقعی برای امام زمان(بود؟

پاسخ

از مهمـترین تکـالیف اسـلامی در دوارن غیبت، اعـتراف به وجـود حضـرت بقیه ا...(است که می بـایست او را پیشوایی واجب الاطـاعه بـدانیم. و با اینکه وجود شـریفش از نظرها پنهان است، و ظاهراً کسـی او را نمی شـناسد، در عین حال لازم است مقام رهبری و پیشوایی را از آن ایشان بدانیم؛ و این از ضروریّات مذهب شیعه، و از بدیهیّات عقاید امامیّه است. برای انسان مسلمان همین نکته بس، که بداند امام و پیشوای او از کارهایش آگاه، از گفته هایش با خبر، از کارهای نیک و شایسته اش شادان، از اعمال و رفتار زشتش غمگین می شود، و در ناراحتیها به کمکش می شتابد. بنابراین همین عقیده برای درک موقعیّت خویش، و کنترل اعمال و رفتار خود در محضـر امامش، برای او کافی است، که به طور مـدام، مراقب افکار و اعمال خویش باشـد. چرا که منتظر واقعی می دانـد که امـام عصـر(، مظهر عـدالت است، و خشـنودی او خشـنودی خـدا و رسول خـدا(است، و خشم و غضب او موجب خشم و غضب خداوند و پیامبر(می باشد.

از دیگر وظایف هر مؤمنی در زمان غیبت حضـرت حجه(، مسأله انتظار فرج آن حضرت است. و این بدان معناست که همواره چشم به راه روزی باشـد، که هـدف و مقصود نهایی خداونـد برآورده شود، و بشـریّت از یک زندگانی عادلانه، تحت رهبری مهـدی موعود(، برخوردار گردد. انتظـار فرج خود بهـترین انگیزه، برای تربیت و تهـذیب نفوس پیروان و معتقـدان واقعی امـام عصر(است. در سایه تربیت و تهذیب نفس است

که نیروی اراده و ایمـان تقویت، و اخلاق اسـلامی در فرد تجلی می یابـد. و اینها خود مقـدماتی است، در جهت آمادگی فرد، برای ظهور آن حضرت.

از دیگر نکات قابل توجه برای هر منتظر راستینی، پایبندی به تعالیم و احکام و حدود اسلامی است تا از لغزشها و انحرافاتی که در عصر غیبت در کمین تک تک افراد جامعه است، دراامان بماند. لذا بر هر مؤمنی لازم، بلکه واجب است، تا احکام و حدود الهی را عمیقاً فراگرفته، و بدانها عمل کند.

از جمله امور مهمّی که باید در عصر غیبت مورد توجّه عموم منتظرین قرار گیرد، و به عنوان یک فریضه تلقّی گردد، مسؤولیّت فرد در قبـال فسـاد و انحرافات جامعه است، و یا به عبارت دیگر، پایبنـدی به اصل امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن در ایـن بـاره می فرمایــد : "بایــد از میـان شــما جمعی دعـوت بـه نیکی کننــد، و امر بـه معروف و نهی از منکر نماینــد، و آنها رستگارنند."(۱)

امیرالمؤمنین علی(می فرماید : "تمام کارهای نیک، و حتی جهاد در راه خدا، در برابر امربه معروف و نهی از منکر، چون آب دهـان است در برابر دریای پهناور."(۲) امـام باقر(می فرمایـد : "امربه معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است، که بقیه فرائض با آنها برپا می شوند، و بوسـیله این دو راهها امن، و کسب و کار مردم حلال، و حقوق افراد تأمین می گردد، و نیز در سایه آندو است که زمینها آباد، و از دشمنان انتقام گرفته می شود."(۳)

امر مهم دیگری که منتظران حقیقی باید باید بداند عنایت خاصّی داشته باشند،

موضوع صبر و استقامت و پایداری در برابر مشکلات و سختیهایی است، که نوعاً مردم و بخصوص مؤمنین درعصر غیبت با آنها مواجهند. امام حسین(می فرماید : "برای آن حضرت غیبتی است، که در آن غیبت گروهی از دین خدا برمی گردند، و گروهی ثابت قدم خواهند بود، که آنها مورد آزار و اذیّت قرار می گیرند. به آنان گفته می شود این وعده چه وقت سر می رسد، اگر شما راست می گویید؟! آگاه باشید که صابر و پایدار بر اذیّت و آزار و تکذیب و افترا، همچون کسی است که شمشیر به دست گرفته، و در پیشگاه رسول خدا(پیکار می کند."(۴)

خلاصه مطلب اینکه هر مؤمن و هر منتظر راستینی باید بداند، که کارهای نیک و شایسته او، درک درجات اخلاقی و معنوی، تلاش در رسیدن به موقعیّت عالی تر از حیث معنا، اخلاص درعمل، احساس مسؤولیّت در قبال اسلام و مسلمین، و استقامت و پایداری و صبر در برابر شدائد و سختیها، می تواند در آمادگی فرد و ایجاد شرایط ظهور، و نزدیک سازی روز موعود، سهم بسزایی داشته باشد.

منابع و مآخذ :

۱. سوره مبارکه آل عمران/ آیه ۱۰۴

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۷۴، بنقل از تفسیر نمونه، جلد۳،ص ۴۰

۳. وسائل الشیعه، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، باب۱، ج ۱۱، ص۳۹۵، حدیث۶

کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص۳۱۷

۱– چگونه می توان منتظر واقعی حضرت ولی عصر «عج » بود ؟

پرسش

۱– چگونه می توان منتظر واقعی حضرت ولی عصر «عج » بود ؟

پاسخ

اولاـ در اصلاح نفوس خودمان بکوشیم و به اخلاق نیک آراسته شویم و به وظایف فردی خودمان عمل کنیم و احکام و دستورات قرآن را به کار ببندیم طهارت و پاکدامنی یعنی : در اثر نگاه داشتن نفس از شهوات حرام روح طاهر و پاک گردد به این معنا که هر گاه نفس خواست سرکش شود و به طرف محرمات روی آورد باید در مقابل او مقاومت نمود و خود را حفظ کرد، چنانکه حضرت امیر المومنین« علیه السلام » می فرماید : { الصبر علی الشهوت عفّه } یعنی : «مقاومت در برابر شهوتها عفت و پاکدامنی است »

کلید سعادت و خوشبختی عبارت است :

۱- تقوی و تزکیه نفس مهمترین دستوروعمل برای رسیدن به هدف متعالی تحصیل تقوی و تزکیه نفس است، که تمامی انبیاء علیه السلام » برای عملی ساختن آن در میان امتها فرستاده شدند ، چنانکه قرآن می فرمایند: « پروردگارا در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیزتا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و تزکیه شان کند. زیرا؛ تو توانا و حکیم هستی .

در محضر پروردگار هر گاه انسان حقیقتا دانست که خداوند متعال حاضر و ناضر او است و در هر لحظه در منظر دید خداوند و در محضر پروردگار قرار دارد تمام کردار و گفتارش در جهت صحیح قرار می گیرد .

۳- توجه به حیات ابدی . بدان زندگی در دنیا همانند راهی است که حتما از آن عبور خواهد کرد و بعد از آن وارد منازل

و عقبه هائی خواهد شد که مقدمه برای حیات ابدی توست.

۴- نماز و عبادت

۵- کنترل فکر

۶- ازدواج

۷- اهمیت دادن به محیط خانواده

۸- دوری از گناه

۹- حفظ حجاب

۱۰ – مرابطه و توسل

منابع :

۱-سیمای آفتاب , حبیب الله طاهری

۲- قص الظهور , قاسم میرخلف زاد...

۳- خورشید غایب , رضا استادی

۴-خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی

۱- آیا عمل به واجبات و دوری از محرمات، برای درک زمان ظهور آقا امام زمان (علیه السلام) کافی است ؟

پرسش

۱- آیا عمل به واجبات و دوری از محرمات، برای درک زمان ظهور آقا امام زمان (علیه السلام) کافی است ؟

پاسخ

عمل به واجبات و دوری از محرمات درحد دوری از گناهان کبیره کافی نیست، گناهان صغیره وقتی بر آنها اصرار ورزیم جز گناهان کبیره خواهند شد، اگر درک زمان از دل باشد و آقا امام زمان توفیق دهند .

انشاء الله حد المقدور سعی خود را در رفع گناهان صغیره کنیم ،خودمان را آماده سازی کنیم و پا روی هوای نفس گذاشته و کارهایمان روح خدایی و اخلاص داشته باشد کارهایمان به خاطر ریا و خوب جلوه دادنمان نباشد ، بلکه هدف رضای الهی و رسیدن به محبوب باشد و در راه رسیدن به محبوب توفیق و در ذیل سایه حضرت مهدی «عج» بودن لازم است و خداوند در آیه قرآن می فرماید : {ادعونی استجب لکم }

« بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را » در این موقع انسان هر مراد و آرزویی داشته باشد بر آورده می شود و خداوند به مؤمنین وعده داده است ،در هر کاری که رضای خدا در آن باشد و در آن راه تلاش و کوشش کند.

و دیگر اینکه انسان پاروی هوای نفسانی خود گذاشته و کبائر را انجام ندهد و سعی در بر طرف کردن نقص در خود و به تقویت ایمان بپردازد.

اول باید زمینه مساعد باشد، پس باید دل را پاکسازی کرد از گناه و رذایل اخلاقی وفکر را همین طورباید پاک کرد از رذایل اخلاقی . آنگاه حکمت پاسخ می دهد، آنگاه قرآن جواب میدهد، آنگاه با قرآن و روایات می توان تماس

باطنی و معنوی بر قرار کنیم { لایمسه الاالمطهرون } بروبرگرد هم ندارد.

حال ما دو قرآن داریم :

•یکی قرآن صامت ،همین قرآنی که در محضرش هستیم .

• قرآن دوم قرآن ناطق{ السلام علیك یا شریك القرآن } « سلام بر توای شریک قرآن» معنایش این است ،که همانطوری که قرآن امانت حضرت رسول خدا است ،مهدی جان شما هم نیز امانت و سفارش شده حضرت رسول الله الاعظم (صلی الله علیه واله) هستید .

همانطوری که دل مرده نمی تواند با قرآن صامت انس و رابطه برقرار کند، دل مرده با قرآن ناطق(حضرت مهدی) هم نمی تواند ارتباط برقرار کند ،ارتباط لازمه اش طهارت است.

مطلب دوم: تقوی و تقویت آن است. فاید تقوی { یجعل لکم نورا} تقوا ایجاد نور میکند . »

تقوایی که مولد نور است . این نور چیست؟ که با این نور راه می رویم و سخن می گوییم و با این نور تصمیم گیری میکنیم .

منابع :

۱-گناهان کبیره ، شهید آیه الله دستغیب

۲-سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری

۳-تجسم امید ونجات ، عزیز الله حیدری

۴-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

۱-. چگونه باشیم تا بتوانیم از منتظران واقعی آن وجود پربرکت(امام زمان) باشیم ؟

پرسش

۱-. چگونه باشیم تا بتوانیم از منتظران واقعی آن وجود پربرکت(امام زمان) باشیم ؟

پاسخ

ج۱- اول باید زمینه مساعد باشد پس باید دل را پاکسازی کرد از گناه و رذایل اخلاقی فکر را همین طور. آنگاه حکمت

پاسخ می دهد، آنگاه قرآن جواب میدهد، آنگاه با قرآن و روایات می توان تماس باطنی و معنوی بر قرار کنیم { لایمسه الاالمطهرون } بروبرگرد هم ندارد ،حال ما دو قرآن درایم یکی قرآن صامت همین قرآنی که در محضرش هستیم , قرآن دوم قرآن ناطق{ اسلام علیك یا شریك القرآن } « سلام بر توای شریك قرآن» معنایش این است ،که همانطوری که قرآن امانت حضرت رسول خدا است مهدی هم شما نیز امانت و سفارش شده حضرت رسول الله الاعظم هستید ،همانطوری که دل مرده نمی تواند با قرآن صامت انس و رابطه برقرار کند دل مرده با قرآن ناطق حضرت مهدی هم نمی تواند ارتباط برقرار کند .ارتباط لازمه اش طهارت است.

مطلب دوم؛ تقوی و تقویت آن است. فاید تقوی { یجعل لکم نورا} تقوا ایجاد نور میکند .

تقوایی که مولد نور است این نور چیست که با این نور راه می رویم و سخن می گوییم و با این نور تصمیم گیری میکنیم .

فرمودند ؛ { یجعل لکم اماما تأتون } به این نور نور امام زمان در این زمان است دور........گناه و اخلاق رذیله تا حد امکان دعا و توفیق خواستن از خداوند منان شکر و سپاسگذاری از نعمت احترام به والدین قطع نکردن صله رحم و انجام دادن نماز در اول وقت آن نماز شب اگر خداوند توفیق

آن را بدهد هر چه برخود می پسندیم بر دیگران بپسندیم ، برای ظهور آقا امام زمان دعا کنیم

تبلیغ برای امام عصر ، نزدیک دانستن ظهور یکپارچگی شیعیان دعا برای فرج , صله رحم , توسل و زیارات اظهار محبت به ولی عصر , گریه بر سید الشهداء نقل تشرفات , گریه خالصانه بر مظلومیت امام زمان.

تزکیه نفس ،یکی از سالکینی الی الله که در حال تلاش برای رسیدن به مقام بندگی بود و از این راه موفق شده بود می گفت: یک روز درحال خواندن دعای ندبه بودم که به این جمله رسیده بودم که خطاب به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می گویم «ای فرزند پیامبر آیا راهی هست که به فیض ملاقاتت برسم فرمودند : بله مراحل تزکیه نفس زودودن صفات رذیله از روح از بعد دیگر مانند مراحل درمان و معالجات جسمی است هم چنانکه شخص مریض از برقراری ارتباط با افراد دیگر محروم است اگر انسان حتی یک صفت رذیله در خود داشته باشد مریضی است که نمی تواند با انسانهای سالم خصوصا امام زمان ارتباط مطلوب داشته باشد.

قرآن ملاک منتظر را معرفی کرده : { یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون } ای اهل ایمان , در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت , سفارش کنید و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید شاید رستگار شوید (آل عمران , آیه ۲۰۰)

منابع :

۱–راهی به سوی نور , علی رضا نعمتی

۲–سیمای آفتاب , حبیب الله مظاهری

۳–معرفت امام عصر «علیه السلام » سید محمد

بنی هاشمی

۴-شناخت امام عصر ,محمد جواد مولوی نیا

خورشید غایب , رضا استادی

منتظران حضرت مهدی«علیه السلام» چه کسانی هستند؟

پرسش

منتظران حضرت مهدی«علیه السلام» چه کسانی هستند؟

پاسخ

منتظران حضـرت مهدی«علیه السلام» در این انتظار عظیم و شکوهمند توجّه به ابعاد عقیدتی و ابعاد عملی دارند که در اینجا به بیان آنها اشاره می کنیم.

ابعاد عقیدتی

۱. بُعد توحید

انسان منتظر همواره چشم به راه فرجی است که به قدرت مطلقه الهی تحقق خواهد یافت.

منتظران بایـد همیشه متوجّه درگاه کبریای الهی باشـند و روی دل به سوی خـدا کنند و از پیشـگاه لایزال طلب گشایش و فرج نمایند. «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من اللَّه؛(۱۵) بهترین اعمال امّت من انتظار فرج است از نزد خدای عزیز و جلیل».

۲. بُعد نبوّت

مهدی«علیه السلام» از اهل بیت پیامبر«صلی الله علیه وآله» است، او دوازدهمین وصی و جانشین پیامبر«صلی الله علیه وآله» است آنگاه که ظاهر گردد پرچم پیامبر اسـلام«صـلی الله علیه وآله» را در دست گیرد و به سنّت پیامبر«صلی الله علیه وآله» عمل کند، و شـخص منتظر خود را مسئول عمل به سـنّت پیامبر اسـلام«صلی الله علیه وآله» از طریق اهل بیت«علیهم السلام» می داند. و در حاکمیّت سنّت رسول«صلی الله علیه وآله» تلاش می کند.

امام صادق«علیه السـلام» می فرمایـد: هر کسـی از شـما در حال انتظار ظهور حاکمیّت دین خدا درگذرد مانند کسـی است که خدمت قائم باشد و در خیمه او... نه بلکه مانند کسی است که در رکاب قائم بجنگد نه به خدا سوگند بلکه مانند کسی که در رکاب پیامبر«صلی الله علیه وآله» شهید شده باشد(۱۶).

۳. بُعد قرآن

امر مهم دیگری که هر منتظری بایـد متوجّه آن باشـد کتاب خـدا قرآن کریم است مهدی«علیه السـلام» زنده کننده همه احکام قرآن است. و منتظران در احیاء احکام قرآن و علوم

قرآنی در ابعاد مختلف تلاش می کنند. و خود عمل کننده به آن هستند.

۴. بُعد امامت

همچنین در احادیث و تعالیم ائمه طاهرین«علیهم السلام» تأکید شده است بر این که در عصر غیبت راه امامان را بپیمائید و از تعالیم و احکام آن پیروی کنید و از قرار گرفتن در خط مخالفان تبرا و بیزاری جویید و اصل تولی و تبری را در شئون زندگی حاکم کنید تا از منتظران واقعی باشید.

۵. بُعد عدل

انتظار یعنی چشم به راه امامی داشتن که تصمیم دارد جهان را از عدل و داد مملو سازد. پس از آن که ظلم و جور همه امور را فرا گرفته است. و شخصی که در انتظار عدل است، به عدل روی می آورد و به رعایت آن مقیّد بوده و برای حاکمیّت آن جهاد می کند.

۶. بُعد معاد

انتظار موعود روابطی بسیار عمیق با اصل اعتقادی معاد دارد و بدینسان می نگریم که انتظار شاخص منوّر ابعاد عقاید حقّه است تا او نیاید و حکومت عدل را در جهان برپا ندارد عمر جهان به سرنمی رسد و قیامت برپا نمی گردد.

ابعاد عملی مکتب

۱. بُعد دینداری

از ویژگیهای انسان منتظر دینداری است انسان در دوران غیبت باید مواظب دین خود و دینداری و صحت اعمال خود باشد.

امام صادق«علیه السلام» می فرماید: برای صاحب الامر غیبتی طولانی است در این دوران هر کسی باید تقوی پیشه سازد و به دین حق تمسک بجوید(۱۷).

۲. بُعد پارسایی

منتظر علاوه بر تدین و تقوی باید پارسا باشد و خود را چنان که آن پیشوا دوست دارد بسازد.

امام صادق«علیه السلام» می فرماید: هر کس در شمار اصحاب قائم باشد باید چشم به راه باشد و پارسایی

پیش گیرد و کردار با ورع داشته باشد(۱۸).

۳. بُعد تقیّد مکتبی

انسانیّت و رعایت ارزش انسان تنها و تنها در تعالیم علی«علیه السلام» و آل علی«علیه السلام» جلوه گر است انسان منتظر مهدی آل محمّد«صلی الله علیه وآله» چنین است در خط آنان و بلکه خصم هر راه غیر آل محمّد است پیامبر«صلی الله علیه وآله» می فرماید: خوشا به حال منتظرانی که به حضور قائم برسند آنان که پیش از قیام او نیز پیرو اویند با دوست او عاشقانه دوستند و موافق و با دشمن او خصمانه دشمنند و مخالف(۱۹).

۴. بُعد امر به معروف و نهی از منکر

یکی از تکالیف عمده دینی امر به معروف و نهی از منکر است با این دو عمل است که احکام و فرائض الهی برقرار می ماند. انسان منتظر نمی تواند در این باره بی تفاوت باشد و در حدیثی پیامبر اکرم«صلی الله علیه وآله» فرموده است: «طوبی لمن ادرک قائم اهل بیتی و هو مقتدٍ به قبل قیامه» شاخص مهم این اقتداء انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است.

۵. بُعد اخلاق اسلامی

انسان منتظر باید دارای اخلاق اسلامی باشد و جامعه اسلامی باید مظهر اخلاق اسلامی باشد امام صادق«علیه السلام» فرموده است: هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد باید در عصر انتظار مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد چنین کسی اگر پیش از قیام قائم«علیه السلام» در گذرد پاداش او مانند کسانی باشد که قائم را درک کنند و به حضور او برسند پس در دینداری و تخلق به اخلاق اسلامی بکوشید و در حال انتظار ظهور حق به سر برید این(کردار پاک و افکار تابناک) گوارا

باد بر شما ای گروهی که رحمت خدا شامل حال شماست(۲۰).

۶. بُعد آمادگی نظامی

مسلمان باید همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری داشته باشد تا به هنگام طلایع حق به صف پیکار گران مهدی«علیه السلام» بپیوندد.

امام صادق«علیه السلام» فرموده است: هر که از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کنید اگر چه یک نیزه چون وقتی که خداوند متعال ببیند کسی به نیّت یاری مهدی«علیه السلام» اسلحه تهیه کرده است امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی«علیه السلام» باشد(۲۱).

۷. نگهبان ایمان

در روزگار غیبت امام«علیه السلام» و طولانی شدن عصر انتظار ممکن است شبهه هائی در ذهن برخی بیاید با شیاطین پنهان و آشکار به سست کردن پایه های اعتقادی کسانی به ویژه جوانان برخیزند انسان منتظر باید در رفع شبهات و روشن کردن پوچی آنها بکوشد در احادیث و تعالیم از اهمیّت ایمان در عصر غیبت به گونه هایی عجیب یاد شده است و منتظران مؤمن دارای مقام و منزلت شمشیر زنان در رکاب پیامبر«صلی الله علیه وآله» دانسته شده اند از این بالاتر پیامبر اکرم«صلی الله علیه وآله» آنان را برادران خود خوانده است.

۸. انتظار، تمرین و ریاضت

منتظران با اخلاص در مرحله تربیت نفس و خودسازی به امر دیگر پرداخته و آن دور بودن از رفاه و تن پروری است امام صادق«علیه السلام» می فرماید درباره خروج قائم خیلی عجله دارید هان! به خدا سوگند او جامه مویین می پوشد و نان جوین می خوردو روزگار قیام او روزگار به کار بردن شمشیر است و(جنگ با فاسدان و مفسدان و جباران) و نیز مرگ در سایه شمشیر.

او شبانگاهان به دردمندان

و نیازمندان سرمی زند و روزها به نبرد در راه دین می پردازد(۲۲).

۹. انتظار عدل و احسان

انسـان منتظر بایـد در گسترش عـدل و احسـان بکوشـد و در معاملات و حقوق و قوانین خود عـدالت را عملی سازد اگر چنین نباشد صدق اینگونه مردم در انتظار از کجا نمودار خواهد گشت.

۱۰. انتظار شناخت و موضع

هر عقیده ای که انسان در هر باره ای دارد باید از روی شناخت و بصیرت باشد این مسئله در عصر غیبت بیشتر از وقتهای دیگر اهمیّت پیدا می کند. دختر رُشید هَجَری شیعه معروف می گوید: به پدرم گفتم: ای پدر چه بسیار در عبادت خدا رنج می بری و کوشـش می کنی؟ در پاسخ گفت دخترم بعد از ما مردمی می آیند که بصـیرت و شناختی که در دین دارند از این کوششها و رنجها افضل است(۲۳).

۱۱. تحمّل و پایداری

انسان به درستی حق و راه حق را شـناخت در راه آن پایـداری می کنـد امام جعفر صادق«علیه السـلام» از پیامبر اکرم«صـلی الله علیه وآله» روایت کرده: پس از شـما مردمی خواهنـد آمد که به یک تن از آنان اجر پنجاه تن از شـما را خواهند داد اصـحاب گفتنـد: ای پیـامبر! ما در جنگهای بـدر و اُحُـد و حُنیَن با تو بوده ایم و درباره ما آیاتی نازل شـده است این چگونه خواهـد بود پیامبر«صـلی الله علیه وآله» فرمود: شما اگر شرایطی که آنان قرار می گیرند قرار بگیرید آن تحمّل و شکیبائی را که آنان دارند نخواهید داشت(۲۴).

انسان در عصر غیبت باید دارای شناختی درست و بصیرتی درخشان باشد تا بتواند اعتقاد حق را حفظ کند.

۱۲. پیروی از خط رهبر

هنگام غیبت امام باید از آداب و احکام امامان پیشین

پیروی کرد و راه را چنانکه آنان فرموده اند بپیمایید امام صادق«علیه السلام» می فرماید: هرگاه زمان غیبت فرا رسید به دستور امامان پیشین چنگ زنید تا امام آخرین ظهور کند هرگاه روزی رسید که امامی از آل محمّد«صلی الله علیه وآله» در میان خود نداشتید همان امامانی را که دوست می داشتید دوست بدارید و همان کسان را که دشمن می داشتید دشن بدارید و همواره در خط رهبری و ولایت حقه جای داشته باشید و صبح و شام در حالت انتظار به سر ببرید تا خداوند ستاره هدایت شما را طالع سازد تا خداوند صاحب دین را برساند(۲۵).

۱۳. انتظار بسیج عمومی

انتظار یک بسیج عمومی است مکتب تشیع علوی در عصر انتظار پیروانی می خواهد همیشه آماده از نظر قدرتهای ایمانی و روحی و نیروهای بدنی و سلاحی و تمرینهای عملی و نظامی، پرورشهای اخلاقی و اجتماعی و سازماندهیهای سیاسی و مرامی داشته باشد.

۱۴. انتظار و ضد انتظار

نمی توان پذیرفت که دین اسلام و ائمه طاهرین«علیهم السلام» صبر بر ظلم و ترک امر به معروف و نهی از منکر را برای مسلمین تجویز کرده باشند. دینی که می گوید همه کارهای خیر و جنگ در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر مانند آب دهانی است در برابر دریایی موج خیز امر به معروف و نهی از منکر کردن نه اجل کسی را نزدیک می کند و نه روزی کسی را می کاهد و از همه اینها افضل و برتر گفتن سخن درباره عدل است در نزد حاکم جابر و ستمگر.

۱۵. نقش نیروهای مردمی

حضور نیروهای مردمی در تشکیل حکومت مهدی«علیه السلام» از احادیث و تعالیم دین

گرفته شده است و این امر قابل توجّه است. و منتظران در تلاشند تا نیروهای مردمی را برای حاکمیّت حکومت مهدی«علیه السلام» آماده کرده و خود در صف مقدّم مبارزه باشند.

مهدی«علیه السلام» از مردم یاری می طلبد. یکی از یاران خود را می خواهد به او می فرماید به نزد مردم مکّه برو و بگو: ای مکیان؛ من فرستاده مهدی ام.

مهدی می گوید: ما خاندان رحمت هستیم.

ما ذریه محمّد«صلی الله علیه وآله» از سلاله پیامبرانیم ظالمان به ما ستم کردند و بر ما جفا روا داشتند و از هنگام درگذشت پیامبر«صلی الله علیه وآله» تا امروز حق ما را از ما ستاندند اکنون من از شما یاری می طلبم به یاری من بشتابید(۲۶).

۱۶. حضور شیعه در صحنه

شیعه باید همواره حضور اعتقادی و اجتماعی خویش را تشکیلات سیاسی و نظامی یعنی در واقع حضور شیعی خویش را در صحنه تاریخ نگاه دارد تا سرانجام به هنگام ظهور در محل جریان اصلی خود قرار گیرد.

هنگامی که قائم قیام کند خداوند شیعیان را از همه شهرها نزد او گرد می آورد(۲۷). هنگامی که قائم قیام کند خداوند هر عیبی و نقصی را از شیعیان برطرف می کند و دلهای آنان را چنان پاره های فولاد می گرداند قدرت هر مرد از آنان را به اندازه قدرت چهل مرد قرار می دهد و آنگاه آنان حاکمان و فرمانروایان زمین خواهند بود و سران بزرگوار جهان(۲۸).

۱۷. پرهیز از یأس و مبارزه با آن

لازم است که منتظران حکومت توحید و عدل از هیچ امری و عاملی به ویژه از طول کشیدن عصر غیبت و فزون شدن قدرت کاذب قدرتمندان جهان یأس به دل راه ندهند. «انتظروا الفرج و لاتیاسوا من

روح اللّٰه فـان احب الاعمـال الی اللّٰه انتظار الفرج؛(۲۹) چشم به راه رسـیدن فرج باشـید و از کارکشـایی و آسایش رسانی الهی نومید مباشید زیرا که بهترین اعمال انتظار رسیدن فرج و گشایش است از سوی خدا».

۱۸. استقامت و شکیبائی

توصـیه بـه صـبر برای انسـان منتظر به معنـای لزوم شـکیبائی است در مـورد غیبت امـام و برای رفـع دغـدغه خـاطر و نفی تزلزل است(۳۰). «انتظار الفرج بالصبر عباده؛(۳۱) چشم به راه فرج داشتن با صبر و بردباری عبادت است».

« بخش پاسخ به سؤالات »

۱۵) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۱۲۸.

۱۶) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۱۲۶.

۱۷) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۱۳۵.

۱۸) ۵۲ – ۱۴۰.

۱۹) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۱۳۰.

۲۰) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۱۴۰.

۲۱) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۳۶۶.

۲۲) بحارالانوار، ج ۵۲ – ۳۵۴.

۲۳) بحارالانوار، ۵۲ – ۱۳۰.

۲۴) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

۲۵) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳.

۲۶) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲۷) بحارالانوارج ۵۲، ص ۲۹۱.

۲۸) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷.

۲۹) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۳۰) خلاصه ای بود از کتاب جناب آقای محمّدرضا حکیمی به نام «خورشید مغرب» از ص ۳۳۸ تا ۳۹۸.

۳۱) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵.

چگونه می توانیم از منتظران واقعی حضرت ولی عصر باشیم؟

پرسش

چگونه می توانیم از منتظران واقعی حضرت ولی عصر باشیم؟

پاسخ

درباره انتظار فرج و در آرزوی حکومت عدل ولی عصر بودن، روایات زیادی وارد شده است، به عنوان نمونه پیامبر اسلام می فرمایند: «افضل الاعمال امتی انتظار الفرج»، بهترین عمل پیروان من انتظار فرج است.{۱}

و امام صادق(ع) می فرماید: «هر شیعه ای بمیرد در حالی که منتظر ظهور امام دوازدهم باشد مانند کسی است که در خیمه حضرت بوده است».{۲}

بنابراین انتظار ظهور و منتظر حضرت بودن فضیلت و ثواب دارد، اما باید دید معنی صحیح و واقعی انتظار فرج چیست؟ و منتظر واقعی کیست؟

آیا معنای انتظار فرج این است که مردم مسلمان دست روی دست بگذارند و در برابر ظلم و جور و ناپاکی ها و آلودگی های فردی و اجتماعی دیگران، بی تفاوت باشند؟ قطعاً این چنین نیست. مکتب انتظار و ظهور، مکتب تربیتی و اصلاحی است، از این رو منتظر واقعی به کسی می گویند که آلوده به ستم و گناه نباشد و در برابر گناه و انحراف مقاومت کند. کسی که منتظر آمدن مهمان عزیزی است، خانه را آب و جارو و تمیز می کند و خود را آماده پذیرایی از مهمان می نماید.

منتظر واقعی کسی است که به دستورات اسلام عمل می کند و به عبارت دیگر منتظر مصلح، خود باید صالح باشد و دستوراتی را که در زمان غیبت برای منتظران رسیده عمل نماید. بنابراین با به کار بستن اوامر الهی و اعمالی که زمینه ساز حکومت حضرت مهدی می باشد، می توانیم از منتظران واقعی حضرت باشیم و آن کارها عبارتند از:

۱. کاری برخلاف رضای خدا و امام زمان(عج) از ما سر نزند و پیوسته در فکر این باشیم که گفتار و رفتار ما

مورد رضایت آن حضرت باشد که رضای خدا در آن است.

۲. از طرفی چون عالمان پارسای دینی و فقیهان عادل نمایندگان امام زمان به شمار می روند، راه تحصیل رضایت آن حضرت پیروی از آنان است. در حقیقت رساله های توضیح المسائل و کتب تفسیر و اخلاق و عقائد راه و رسم فکری، عملی ما را ترسیم کرده اند و به کار بستن آنها مایه جلب نظر و رضایت خاطر ولی عصر است.

۳. محزون بودن از محروم شدن از زیارت آن وجود مبارک، چنان که در دعای ندبه آم ده «عزیز علی ان اری الخلق و لا تری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی»، بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم/

۴. دعا کردن برای حفظ وجود مبارک آن حضرت و شتاب در فرجش، مثل دعای «اللهم کل لولیک الحجْ بن الحسن...»/

۵. صدقه دادن برای حفظ وجود مبارک امام عصر، اگر به حفظ وجود مقدس به اراده و مشیت خداوند است ولی اسباب یاد شده نیز به اذن و اراده خداوند است و به اصطلاح در طول آن هستند نه در عرض آن و ثانیاً نتیجه عمل به خود انسان باز می گردد که باعث پیوند معنوی انسان با حجت خدا می شود و مایه سلامتی خود و دفع ناگواری ها و شداید خواهد بود.

۶. زمینه سازی برای ظهور از طریق امر به معروف و نهی از منکر و پاکسازی زمین از ظلم و جنایت.

۷. معرفی حضرت و قیام ایشان برای مردم/

[۱].بحار، ج ۱۲، ص ۱۳۷/

[۲].بحار، ج ۱۳، ص ۱۳۶/

چگونه خود را برای ظهور آماده کنیم؟

پرسش

چگونه خود را برای ظهور آماده کنیم؟

پاسخ

این سوال بسیار مهم و در واقع سوال همه ی شیعیان و محبین اهل بیت می باشد. به نظر می رسد اگر ما وظیفه ی خود را در زمان و دوران انتظار بدانیم و بدان وظایف عمل کنیم در واقع خود را برای زمان ظهور آماده کرده ایم.

«آمادگی برای ظهور مستلزم انتظاری خوب و شایسته است.»

در این نوشتار به صورت کلی و مختصر به چند نمونه از وظایف منتظران حضرت اشاره می کنیم. برای مطالعه بیشتر به کتاب هایی که به طور مفصل به این موضوع پرداخته اند که بعضی از آنها را در این نوشته نام می بریم مراجعه فرمایید.

۱. شناخت:

یکی از ویژگی های منتظر، شناخت و معرفت به امام زمان است نه فقط یادگیری نام ها و القاب و تاریخ ولادت و غیبت؛ بلکه معرفت داشتن به ویژگی ها و ابعاد وجودی حضرت و اندیشیدن در کلمات و اوامر حضرت و تأمل در حکمت نام ها و نشانه ها و علائم ظهور و شگفتی ولادت و حیات او، همچنین دانستن سبب و حکمت غیبت پر رمز و راز حضرت که به یقین وقتی انسان معرفت به این موارد پیدا کرد و اهداف و آرمان های او را فهمید خود را برای عملی کردن اهداف امام زمان آماده می سازد و خشنودی او را به خشنودی خودش ترجیح می دهد و سعی می کند سرباز خوبی برای آن حضرت باشد.

از رسول اکرم(ص) حکایت شده:

«من مات و هو لایعرف امامَهُ ماتَ میتةً جاهلیةً»؛۱

«کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

راه های شناخت امام زمان:

از جمله راه های شناخت امام زمان عبارتند از:

۱. تلاش برای آگاهی بیشتر از حضرت یا از طریق

شنیدن از بزرگان و یا مطالعه ی کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده است، مانند کتاب مکیال المکارم که مرحوم آیت الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی تالیف کرده اند و طبق گفته نویسنده به فرمان خود امام زمان(عج) نوشته شده است این کتاب یکدوره امام شناسی که ترجمه فارسی هم شده است.۲

۲. راه دوم بوسیله ارتباط روحی و معنوی با دعا و توسل است: همانطور که در زیارت جامعه می فرماید: «خدایا از تو می خواهم که مرا از آشنایان به امامان و به حق و حقوق آنان قرار دهی!»۳

راه اول: راه معرفت علمی است ولی راه دوم: راه شناخت قلبی و روحی است.

۲. اطاعت:

اگر چه امام زمان غایب است ولی اراده و فرمانش در میان همه ی خلایق جاری است. دستوراتش را باید شناخت و فرمان هایش را باید اطاعت کرد.

از امام صادق(ع) حکایت شده که می فرماید:

خوشا به حال شیعیان مهدی قائم(ع) آنان که در دوران غیبت او چشم انتظار ظهور اویند و در دوران ظهورش سرسپردگان اوامر او.»۴

حال سوال این است چگونه او امر و دستورات امام زمان(عج) را در زمان غیبت ایشان بدانیم و به آنها عمل کنیم؟

در جواب این سوال باید گفت که اگر چه در خصوص امام زمان ارتباط محسوس بین امام و مردم وجود ندارد ولی در هیچ یک از دو غیبت صغری و کبری امام زمان، پیوند امام با مردم به طور کلی قطع و گسسته نشده است زیرا در هر دو غیبت، امر سفارت و نیابت وجود داشته و دارد و از طریق نایبان، پیوند امام با مردم برقرار بوده و هست. در زمان غیبت صغری نیابت نایبان خاص بوده و در زمان غیبت

کبری نیابت نایبان حضرت عام می باشد که با توجه به شرایط و ضوابطی که مطرح می کنند اطاعت فقهاء جامع الشرایط لازم و در ردیف اطاعت از امام زمان می باشد. و مخالفت با فقیه جامع الشرایط که نایب امام است، مخالفت با امام، و مخالفت با امام، مخالفت با خداوند می باشد.

توقیع حضرت ولی عصر(عج):

سوالاتی که برای مردم حاصل شده بود و برای خودش نیز «اسحاق بن یعقوب» مشکل بود در ذیل نامه ای به وسیله نایب دوم، یعنی محمد بن عثمان عمری به محضر حضرت مهدی(عج) فرستاد و پاسخ آنها را طلبید از جمله ی آن مسائل این بود که مردم در عصر غیبت در حوادث واقعه به چه کسی مراجعه کنند؟ حضرت پاسخ فرمودند:

«.... و امّا الحوادث الواقعه فارجعوا فیها إلی روات حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله»؛ «اما آنچه سوال کرده ای خدا تو را هدایت کند و ثابت قدم نماید... اما حوادثی که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنها حجت و نمایندگان من هستند بر شما و من حجت خدا بر شما....»۵

از این حدیث استفاده می شود که اطاعت از ائمه ی قبل، عین اطاعت از امام زمان است چون فقها با توجه به قرآن کریم و قول ائمه احکام شرعی را بیان می کنند.

۳. انتظار:

انسان منتظر، انسانی کوشا است، انسانی جهادگر و مبارز است که در مسیر اقامه ی توحید و استقرار ولایت از نثار هر چه دارد دریغ نمی ورزد.

چنانچه از حضرت علی(ع) حکایت شده:

«کسی که چشم انتظار حاکمیت ما باشد، مانند مجاهدی است که در راه خدا به خون خویش غلطیده باشد.»۶

و جامعه ی منتظر جامعه ای پویا است، جامعه ای متحرک و فعال است

که حاکمیت طاغوت را نمی پـذیرد و بی عـدالتی را بر نمی تابد. منتظر ظهور امام زمان بودن حرکت بسوی ظهور داشـتن و به آرمان های موعود عمل نمودن است.

انسان منتظر نفس اماره را کنترل و شـیطان را از خود دور می کند و خود را جهت اسـتقبال از آقا امام زمان(عج) مهیا می کند. جهت اسـتقبال از او لوح دل را از آلودگی ها و گناهان می شویـد و خانه دل را به یاد خـدا و با صـفات حمیـده و پسـندیده ی انسانی زینت می دهد و الا امام زمان(عج) که به هر جایی پا نمی گذارند. نمی توان یک گوشه ی دل را از محبت دنیا پر کرد گوشه ی دیگر گناهـان و ... بعـد به آقـا بگوییم بیـا بیـا که سوختم، زهجر روی ماه تو؟ چگونه سوخته است انسانی که خود را برای ظهور آماده نکرده است.

آیینه شو، جمال پری طلعتان طلبجاروب زن به خانه سپس میهمان طلب

۴. خدمت گذاری به حضرت:

از امام صادق(ع) نقل شـده که می فرماینـد: «اگر دوران او را درک می کردم همه ی روزهای زنـدگیم را در خدمت به او می گذراندم.»۷

وقتی پیامبران و امامان در خـدمت به امام زمان پیشـتاز هسـتند وقتی امام صادق(ع) آرزوی خدمت به ایشان را دارد و حضـرت عیسی(ع) از آسمان فرود می آید تا او را یاری کند وظیفه ی شیعیان منتظر در خدمت به ساحت مقدس او چقدر است؟

بی تردید خادمین دوران ظهور، همان خادمین دوران غیبت اند.

آنها که پس از ظهور شایسـتگی خـدمت می یابند، همان هایی هسـتند که در دوران غیبت، بر خدمت به امام و امت امام همت گماشته اند، و اهداف امام را سرلوحه ی زندگی خود قرار داده اند.

برخی دیگر از تکالیف و وظایف منتظران حضرت:

۵. محبت به امام زمان(عج): پیامبر اکرم: «خداوند

را دوست بدارید به جهت آنچه از نعمت های خویش به شما می دهد و مرا به جهت دوستی خدای عزوجل دوست بدارید و اهل بیتم را به خاطر دوستی من دوست بدارید.»۸

۶. اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار: نیک بدون اشتیاق به آن حضرت، امر واضح و روشنی است زیرا که این از لوازم محبت است.

۷. اندوهگین بودن مؤمن از فراق آن حضرت: اینکه مومن از فراق و دور ماندن از حضرت اندوهگین باشد از نشانه های دوستی و اشتیاق به حضرت است.

۸. حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت که از مصادیق «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»۹ است.

۹. سرودن و خواندن شعر در فضایل آن حضرت: امام صادق(ع): «هر کس درباره ی ما یک بیت شعر بگوید خداوند برای او خانه ای در بهشت خواهد ساخت.»۱۰

۱۰. شناختن علایم ظهور حضرت: مقدمه ی شناخت حضرت شناخت علائم ظهور به ویژه علائم حتمی مقارن با ظهور حضرت است.

۱۱. صدقه قراردادن به نیابت آن حضرت و برای سلامتی او: که نشان از مودت و دوستی آن جناب و ولایت اوست.

۱۲. حج و طواف به نیابت حضرت.

۱۳. تصمیم قلبی بر یاری کردن آن جناب در زمان حضور و ظهور او.

۱۴. تجربه بیعت با حضرت با خواندن دعاها از جمله دعای عهد و ... .۱۱

معرفی کتاب:

برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به:

۱. کتاب مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، ناشر مهر قائم اصفهان.

۲. نگین آفرینش، اثر جمعی از نویسندگان، ناشر بنیاد فرهنگی امام مهدی(عج).

۳. وظایف منتظران، واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران.

۴. سیمای آفتاب، حجت الاسلام دکتر طاهری.

۱ . محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۵۱ و بحارالانوار مرحوم مجلسی، ج ۲۳، ص ۷۶ و با

تعبیر «من مـات ولم یعرف امام زمانه فقـد مات میته جاهلیه» الصوارم المهرقه، شـهید نور الله التستری، ص ۲۶۳ این روایت را از صعمین نقل می کند.

۲ . مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، ناشر مهر قائم اصفهان می باشد.

۳ . «اسألك ان تجعلنی فی جمله العارفین بهم و بحقهم» و مفاتیح الجنان فرازی از زیارت جامعه کبیره.

۴ . طوبی الشیعه....، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۰.

۵ . شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۴. جهت مطالعه بیشتر به کتاب سیمای آفتاب سیری در زندگانی حضرت مهدی(عج) به قلم حجت الاسلام دکتر طاهری درس یازدهم (غیبت کبری و نواب عام حضرت مهدی(عج)) مراجعه شود.

۶ . امیرالمومنین(ع): «المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله»، کمال الدین صدوق، ص ۶۴۵.

۷ . «لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی»، بحار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۸ . مکیال المکارم، ترجمه فارسی، ص ۲۱۸، ج ۲، به نقل از امالی صدوق، ص ۲۱۹.

۹ . بقره / ۱۴۸.

۱۰ . مکیال المکارم، ص ۲۵۷، ج ۲، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۶۷، ح ۱.

۱۱ . برای مطالعه بیشتر به ترجمه کتاب مکیال المکارم، ج ۲، بخش هشتم: تکالیف بندگان نسبت به آن حضرت مراجعه شود.

وظایف

وظایف عمومی

وظیفه مادر عصر غیبت چیست وچه کنیم که امام زمان از ما راضی شوند و ما را مورد شفاعت خود قرار دهند ؟

پرسش

وظیفه مادر عصر غیبت چیست وچه کنیم که امام زمان از ما راضی شوند و ما را مورد شفاعت خود قرار دهند ؟

پاسخ

در پاسخ بایـد گفت : امـام زمـان (ع) ماننـد سایر معصومین پیام آور اسـلام ناب وبیانگر حقایق توحیـد ومعارف دین هسـتند .

بنابراین پیام ایشان در حقیقت همان پیام اسلام است . اما پیام اسلام دو هدف را دنبال می کند :

۱- تربیت انسانها در ابعاد مختلف وجودشان که مشتمل است بر اصلاح اعمال ، خلقیات ورسیدن به معرفت حقیقی نسبت به توحید ومعارف دین ، که این تربیت افراد ، الهی شدن ومصفّا شدن آنها هدف اسلام وهمه معصومین بوده است .

۲- اصلاح (تربیت) جامعه : در این باب ما مسلمانان وظیفه داریم جامعه ای اسلامی با حکومت اسلامی بسازیم .

به نظر می رسد اسلام زمانی ارائه خواهد شد که تربیت افراد انسانها به حکومت ضمیمه شود چرا که افراد چنانکه به غذا نیاز دارند برای اصلاح خود به حکومت بیت المال واخذ وجوه ومالیاتها (برای رفع فقر واحتیاجات جامعه) نیازمند هستند . خلاصه اصلاح این دو در گرو یکدیگر است . این دو محور اساسی است که پیام همه ائمه معصومین (ع) بوده است .

امام حسن عسگری (ع) در وصیت خود ، درباره وظایف فردی واجتماعی مؤمنین چنین می فرمایند :

" قال لشیعته اوصیکم بتقوی الله والورع فی دینکم والاجتهاد لله وصدق الحدیث واداء الامانه الی من ائتمنکم من برأو فاجر و طول السجود وحسن الجوار فبهذا جاء محمد (ص) صلّوا فی عشائرهم واشهدوا جنائزهم وعودوا مرضاهم وادّوا حقوقهم . فَاِنَّ الرجل منکم اذا ورع فی دینه وصدق

فی حدیثه وادی الامانه وحسّن خلقه مع الناس قیل هذا شیعی ، فیسرنی ذلک ، اتقوا الله وکونوا زیناً ولا تکونوا شیناً، جرّوا الینا کلّ موده وادفعوا عنا کل قبیح... اکثروا ذکرالله وذکر الموت وتلاوه القرآن والصلاه علی النبی (ص).. احفظوا ما وصیتکم به... "

ترجمه :] حضرت به پیروان خود فرمودند : وصیت می کنم شما را به تقوای الهی و ورع در دینتان وتلاش برای خدا وراستی در گفتار واداء امانت به کسی که شما را امین قرار داده چه نیکوکار باشد چه بدکار وطولانی کردن سجود ونیکویی وحسن هم جواری پس به خاطر اینها پیامبر مبعوث شد . در جماعتها نماز بخوانید وتشییع جنازه همدیگر بروید وعیادت از مریضان کنید وحقوق یکدیگر را پرداخت کنید . پس هر کس از شما ورع در دینش داشته باشد ودر گفتارش صادق باشد وامانت را ادا کند وبا مردم حسن خلق داشته باشد گفته می شود این فرد شیعه است پس این امر مرا خوشحال می کند . تقوای الهی داشته باشید وزینت اسلام باشید و باعث زشتی وآبرو ریزی نباشید.محبتها را به سوی ماجذب کنید وزشتیهارا ازما دورکنید(یعنی بدرفتار نکنید تا به سبب رفتار بد شما چیزهایی را به ما نسبت دهند .) ذکر خدا ومرگ وتلاوت قرآن وصلوات بر پیامبر (ص) را بسیار داشته باشید چیزهایی را که به شما وصیت کردم حفظ کنید .[(۱۹

چنانچه ملاحظه می شود امام وظایف فردی مؤمنین را تقوای الهی ، ورع در دین ، اجتهاد برای خدا ، صدق در گفتار ، اداء امانت ، طولانی کردن سجده ، حسن همجواری مداومت بر ذکر

خدا وياد مرگ وتلاوت قرآن وصلوات بر پيامبر دانسته و وظايف اجتماعی آنها را چنين مشخص می کنند که عبارتند از : شرکت در نماز جماعت ، شرکت در تشييع جنازه همديگر ، عيادت از مريضان ، اداء حقوق ديگران ، جذب محبتها به سوی ائمه ودور کردن زشتيها از آنها .

مواردی که در وصيت نامه ذکر شد از وظايف ماست وامام برای تربيت انسانها آمده وهدف همه امامان ساختن انسانها است مگر اينکه يک ويژگی درباره صاحب العصر والزمان هست که ايشان در بر پايی حکومتی که در پناه آن انسانها به اين تربيت می رسند به اذن الهی نقش اساسی ايفا می کنند . با حکومتهای طاغوتی مقابله کرده وحکومت عدل جهانی را مستقر می نمايند .

با توجه به وصيت نامه امام حسن عسگری (ع) وظيفه ما اين است که اولاً : خود را تربيت کنيم و صفاتی را که در وصيت امام حسن عسگری (ع) آمده تحصيل نماييم . ثانياً : در حفاظت از حکومت اسلامی ايران ودفاع از آرمانهای آن تلاش نماييم وسربازان واقعی آن حضرت باشيم . برای حفظ حکومت دو چيز را از ما خواسته اند .

۱- گسترش عدل و داد که در اين زمينه حضرت امام (ره) می فرمايند : " ما منتظران مقدم مبارکش ، مکلف هستيم تا با تمام توان کوشش کنيم تا قانون عدل الهی را ، در اين کشور ولی عصر (عج) حاکم کنيم " (۲)

و آيت الله خامنه ای نيز می فرمايند : " غايت ما جامعه آرمانی مهدوی است با همان خصوصياتی که گفتيم . پس ما بايد مقدمات را همانگونه فراهم

بکنیم ما باید با ظلم نسازیم وباید بر علیه ظلم حرکت قاطع بکنیم . هر نوع ظلمی واز هر کس ما باید جهت خود را ، جهت اقامه حدود اسلامی قرار دهیم ." (۳)

۲-پیاده کردن احکام دین واسلام وصدوراین آرمان وپیام به کشورهای دیگر : چنانچه مقام معظم رهبری می فرمایند :" هر چه شما بتوانید دایره این مقدار از اسلامی که من و شما در ایران داریم ، مبالغه نمی کنیم اسلام کامل البته نیست ، اما بخشی از اسلام را این ملت توانسته است در ایران پیاده کند ، همین مقدار از اسلام را هر چه شما بتوانید در آفاق دیگر عالم ، در کشورهای دیگر ، در نقاط تاریک ومظلم دیگر ، گسترش دهید ، همان مقدار به ظهور ولی امر و حجت عصر کمک کرده اید ونزدیک شده اید اگر بتوانید در درون خود وجامعه تان ، جامعه انقلابی ، تقوا وفضیلت واخلاق ودینداری و زهد ونزدیکی معنوی به خود وخدا را در خود تأمین کنید پایه وقاعده ظهور ولی عصر (ع) را مستحکم ترکرده اید وهرچه بتوانید از لحاظ کمیت وکیفیت مقدار مسلمانان مؤمن ومخلص را افزایش دهید باز به امام زمان وزمان ظهور ولی عصر ، نزدیک تر شده اید . پس ما می توانیم قدم به قدم جامعه خود وزمان وتاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر صلوات الله علیه نزدیک کنیم . " (۴)

) بحارالانوار ، جلد ۷۵ ،ص ۳۷۲ .

۲) امام خمینی (ره) ، کلمات قصار وندها وحکمت ها ، مؤسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی .

۳) دیدگاهها ، مصاحبه با آیت الله خامنه ای ، ص۲۱۷ .

(۴

دیدگاهها ، مصاحبه با آیت الله خامنه ای ، ص ۲۱۷ ، ۲۱۶ .

آیت الله امینی نیز می فرمایند : " در زمانی که به امام معصوم دسترسی ندارند باید در بین فقها فرد شایسته ای را که نسبت به مسائل اسلامی بالاخص مسائل سیاسی واجتماعی کاملاً آشنا باشد وازمقام تقوا ومدیریت وبینش سیاسی نیز برخوردار باشد شناسایی وبه رهبری وامامت برگزینند هم چنین ... مسلمین موظفند برای تأسیس حکومت اسلامی و اجرای قوانین وبرنامه های سیاسی واجتماعی اسلام تلاش وجدیت نمایند چون اسلام حتی در چنین زمانی هم از احکام خویش دست بردار نیست وعمل به آنها را از مسلمین خواستار است ." (۱)

این پاسخ بخش اول سؤال بود واما در پاسخ به قسمت دوم سؤال حضرت امام (ره) می فرمایند : " جلوه شفاعت شافعان در این عالم هدایت آنها است ودر آن عالم باطن هدایت شفاعت است تو از هدایت اگر بی بهره شده ای از شفاعت بی بهره ای به هر قدر هدایت شدی شفاعت شوی .... شفاعت در آن عالم امری گزاف نیست و از روی تناسب بین شافع ومشفوع له است . از این جهت کسانی که از نور هدایت و ولایت بی بهره اند ممکن نیست به نور شفاعت نائل شوند واهل معاصی نیز اگر کدورت معاصی آنها را زیاد گرفته باشد ممکن است پس از مدتهای مدیدی به شفاعت نائل شوند . انسان اگر طمع شفاعت داردباید در این عالم با سعی و کوشش رابطه بین خود و شفعای خود را حفظ کند و قدری تفکر در حال شافعان محشر نماید که حال آنها در عبادت و ریاضت

به کجا رسیده بود . برای اینکه شفاعت از شفع است ومراداز شفع جفت شدن نورین است ولذا لازم است یک ارتباط اخلاقی و وصفی با یکی از ائمه (ع) حاصل نمود تا نور ولایت آنها موجب شفاعت شود . ذکر خیر اصحاب ولایت ومعرفت موجب محبت وتواصل و تناسب شود واین تناسب باعث تجاذب شود واین تجاذب باعث تشافع شود که ظاهرش اخراج از ظلمتهای جهل به انوار هدایت وعلم است وباطنش ظهور به شفاعت است درعالم آخرت ،چه که شفاعت شفعا بی تناسب وتجاذب باطنی صورت نگیرد واز روی گزاف وباطل نخواهد بود."(۲)

پاورقی

۱) ابراهیم امینی ، دادگستر جهان ، ص ۲۶۹ - ۲۶۴

۲) امام خمینی ، عدل الهی ، مؤسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی ، ص ۲۱۱ ، ۲۱۰

در این دنیای نا بسامان تکلیف ما چیست ؟

پرسش

در این دنیای نا بسامان تکلیف ما چیست ؟

پاسخ

مشابه همین پرسشی که شما برادر گرامی مطرح کرده اید ، فردی از امام صادق (ع) سؤال کرد. دقت و توجه در پاسخی که امام (ع) فرمودند ، ابهام موجود را بر طرف می سازد.

فردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد : تکلیف ما در دوران غیبت هنگامی که فتنه ها و دعوت به گمراهی و انتشار شبهات زیاد می گردد ، چیست ؟ امام صادق (ع) به نور آفتابی که داخل اتاق تابیده بود نگاه کردند و فرمودند : آیا این آفتاب را می بینی ؟ آن مرد گفت : آری. امام فرمودند :به خدا سوگند (در آن زمان) امر ما از این آفتاب روشن تر و آشکار تر است.(۱)

طبق این روایات تکلیف ما روشن است ، آنچه اسلام از ما می خواهد آن است که از خط و راه امامان که بهترین نمونه و الگوهای هدایتند ، پیروی کنیم. زیرا درستی راه آنان همچون آفتاب تابان ، روشن است ، و حجت و دلیل در این مورد برای عموم مردم موجود است. از این رو یک مسلمان باید دست به دامان آنان زده و در طول دوران غیبت کبری ، راه آنان را پیش گیرد تا از فتنه ها و آشوبها در امان باشد و از لغزشگاههای انحراف دور ماند. وجود مقدس ائمه علیهم السلام دراین زمینه حجّت را بر همه مسلمانان تمام نموده اند وبا ارجاع مردم به فقها و مراجع معظم دینی احتمال هرگونه انحراف و کجروی درامر دین را از بین برده اند . وظیفه من وشما و

همه مسلمانان جهان در این دنیای نابسامان یک چیز است و آن حمایت از ولایت فقیه و عمل به دستورات و فرامین ایشان است و این محوراساسی و اصلی دین در دوران غیبت، بر هم زننده تمام نقشه های جبهه کفر بر علیه اسلام است و کشتی نجاتی است در طوفان شبهات و بلاها که هر کس به آن تمسک جوید نجات خواهد یافت و هر کس از آن رو بر گرداند سر نوشتی جز سرنوشت قوم لجباز و نادان نوح علیه السلام نخواهد داشت. هر مؤمنی باید بداند سختیهای این زمان ، خود آزمایشی است از سوی پروردگار برای اینکه مؤمنین راستین و حقیقی از سایر مردم شناخته شوند و این خود سنت الهی است که در تمام دورانها وجود داشته و پا به پای بشر حرکت کرده و هیچگاه از او جدا نشده است.

قرآن می فرماید : بدینگونه نیست که خدا مؤمنین را به همین حالتی که هم اکنون شما در آن هستید ، رها کند ، (آنان را آزمایش می کند) تا اینکه نا پاک را از پاک جدا سازد.(۲) رسول خدا (ص) می فرماید : پیش روی شما دوران صبر و پایداری است ، صبر در این زمانه همچون گرفتن پاره های آتش در دست است. و نیز می فرماید : عبادت در دوران هرج (دوران ، آشفتگی) همچون هجرت به سوی من است . همچنین پیامبر (ص) می فرماید: به زودی مردمی بعد از شما خواهند آمد که یک مرد آنان پاداش پنجاه نفر از شما را خواهد داشت. اصحاب گفتند : ای رسول خدا

ما با تو در بـدر و احـد و حنین بوده ایم و قرآن در بین ما نازل شده است. فرمود : اگر شـما آنچه را که آنان متحمل می شوند بخواهید تحمیل کنید ، نمی توانید همچون آنان پایدار و بردبار باشید.

طبق این روایـات که همه اشـاره به دوران غیبت ولی عصـر (عـج) است ، بر هر یـک از مـا واجب است که ایمانمـان را تقویت کنیم و به شـناخت و معرفت حقیقی در مورد مسائـل اعتقـادی دست یـابیم و از پیروی کور کورانه و بـدون دلیـل و منطق خود رارهایی بخشیم.

فضـیلتی را که پیامبر (ص) بـدان اشاره می کنـد ، برای کسانی است که از سـطح آگاهی مطلوبی بر خوردارند ، دل و جانشان مملو از ایمان و اعتقاد و توکل به خـداست. در قبال جامعه احساس مسؤولیت می کننـد و در برابر معصـیت ، عفت و پاکدامنی را پیشه می سازند. در برابر دشواریها و سـختیها و فتنه های زمانه صابر و بردبار و پر استقامتند. هر جا منکری ببینند ، بی تفاوت نمی گذرند و تا آنجا که در توان دارند در پی اصـلاح خود و دیگرانند. این چنین افرادی در سـخت ترین شرایط هم از میدان بـدر نمی رونـد و به بیراهه نمی افتنـد ، چرا که از روشن بینی خاصـی برخوردارند که می توانند در هر برهه ای حق را از باطل باز شناسند ، و بخاطر این نوع عملکرد شان در زندگی است که خداوند آنان را تحت حمایت خویش قرار می دهد و امورشان را سرپرستی می کند.

قرآن مجید در این باره می فرماید : هر کس از

خدا بپرهیزد وترک گناه کند خداوند برای او راه نجاتی قرار می دهد و مشکلات زندگی او را حل می کند واز جایی که گمان ندارد به او روزی می دهد و هر کس بر خدا توکل کند و کار خود را به او واگذارد ، خدا امرش را کفایت کند.

و نیز می فرماید : اگر تقوی پیشه کنید و از مخالفت فرمان الهی بپرهیزید ، خدا به شما نورانیت خاصی می بخشد که بتوانید حق را از باطل تشخیص دهید.

از اینرو ایمان به خدا و تقوای الهی شفای تمام دردها ی بشر امروز است.

منابع و مآخذ :

١_ اصول کافی _ ج ١ ص ٣٣۶ بنقل از تاریخ غیبت کبری _ محمد صدر ص ٣٨٨

٢_ آل عمران _ ١٧٩

٣_ تاریخ غیبت کبرای ص ۴۶٠

۴_ همان منبع ص ۴۵٨

۵_ الغیبه شیخ طوسی ٢٧۵

۶_ طلاق _ ٢ و ٣

٨_ انفال _ ٢٩

١- آیا اینکه ما ساکت بنشینیم و درون خود تحولی ایجاد نکنیم و از خود حرکتی در زمینه مبارزه با این ظلم وجور شروع نکنیم تا دنیا پر از ظلم وجور شود وامام زمان(عج) ظهور کنند درست است؟

پرسش

١- آیا اینکه ما ساکت بنشینیم و درون خود تحولی ایجاد نکنیم و از خود حرکتی در زمینه مبارزه با این ظلم وجور شروع نکنیم تا دنیا پر از ظلم وجور شود وامام زمان(عج) ظهور کنند درست است؟

پاسخ

خیر درست نیست. باید بدانیم که برای ظهور مهدی(عج) زمینه سازی لازم است واگر زمینه وشرایط مناسب باشد امام حتما از پس پرده غیبت خارج شده ودر میان مردم ظاهر خواهد شد، در روایات اسلامی این مطلب به وضوح بیان شده که سبب

محرومیت از دیدار امام زمان «علیه السلام» خود مردم هستند. باید منتظر واقعی امام زمان باشیم. انتظار یعنی: استقامت وپایداری ومبارزه با طاغوت وتواضع در برابر حق و تکبر در برابر باطل.

کسی از امام صادق (ع)پرسید: چه می گویید درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است وانتظار ظهور حکومت حق را می کشد ودر این حال از دنیا می رود؟ امام فرمودند: او همانند کسی است که با قائم در خیمه او بوده. سپس کمی سکوت کردند وفرمودند: مانند کسی است که با پیامبر اسلام در مبارزاتش همراه بوده است.

منابع:

۱-با کاروان مهدی ، علی کیالما.

۲- سیمای آفتاب ، دکتر حبیب الله طاهری.

وظایف منتظران در عصر غیبت را بیان کنید.

پرسش

وظایف منتظران در عصر غیبت را بیان کنید.

پاسخ

از وظایف ما در زمان غیبت حضرت مهدی ۷

۱ حفظ ایمان از شبهات و مشکوک است و از خدای متعال بخواهیم و خود همت کنیم در آخر الزمان دینمان حفظ شود و در بازار آشفتهء دنیاپرستی و تجملات باور مذهبی خود را از دست ندهیم .

۲ وظیفه دیگر ما این است که برای ظهور حضرت و سلامتی و حفظ جان ایشان دعا کنیم . دعاهایی در این زمینه وارد شده است , از جمله که در آخر مفاتیح الجنان آمده است . همین طور دعای شریف خواندن دعای عهد نیز بسیار مناسب است .

۳ وظیفهء دیگر, انتظار فرج و ظهور حضرت مهدی ۷است ; به این معنا که با تهذیب نفس و کسب اخلاق حسنه , خود را برای حضور در صف لشکریان حضرت , تربیت و سعی کنیم طوری نباشیم که از مخالفان ومطرودان حضرت باشیم .

این گونه انتظار ثواب فراوانی دارد و حتّی از افضل عبادات محسوب شده است . پیامبر۶فرمود: . البته انتظار فرج غیر از آمادگی شخصی است . باید سعی کنیم جامعه و بشریت را نیز برای ظهور مصلح جهانی آماده کنیم . از امیرالمؤمنین ۷نقل است که فرمود: چرا که با جهاد همه جانبه , زمینهء را برای قیام فراهم می سازند.

۴ صـدقه دادن و خیرات کردن برای وجـود حضـرت مهـدی ۷که رابطه را بـا آن حضـرت قـوی تر می کنـد وموجب عنـایت و محبّت ذات شریف می شود.(۱)

انس و تفاهم با حضرت مهدی , تفاهم فرهنگی و مکتبی است .

(پاورقی ۱.شیخ عباس قمی , منتهی الآمال , ج ۲ ص

۴۸۳ با تلخیص .

اکنون که امام عصر۷از نظرهــا غــایب است و نمی توان با ایشان مســتقیماً رابطه برقرار کرد, وظیفه ءمردم به خصوص جوان ها برای تعجیل ظهور حضرت چیست ؟ اگر دعایی در این مورد برای تحکیم ایمان و فرج ایشان وجود دارد, بیان کنید.

پرسش

اکنون که امام عصر۷از نظرهـا غـایب است و نمی توان بـا ایشان مستقیماً رابطه برقرار کرد, وظیفه ءمردم به خصوص جوان ها برای تعجیل ظهور حضرت چیست ؟ اگر دعایی در این مورد برای تحکیم ایمان و فرج ایشان وجود دارد, بیان کنید.

پاسخ

رابطهء بین افرادی که به یـک دیگر عشـق می ورزنـد, به دو نحـو امکـان پـذیر است . شخصـی که کسـی رادوست می دارد و عاشقش شده است , یا مستقیماً به دیدارش می رود و یا اگر نتوانست او را از نزدیک ببیند, در دل به او عشق ورزیده و همیشه در خـاطر و قلبش حاضـر است . جمله معروفی وجـود دارد که : گر در یمنی , چو بـا منی , پیش منی ; اگر پیش منی , چو بی منی , در عینی .

عـاشق از فراق معشوقش می سوزد و با اشک خود نهال عشـقی را که در دل پروردانـده است , سیراب می کنـد. آن چه برای عـاشث مهم است , حضور معشوق نزد و یـا در دل او است . هنگامی حضور معنی دارد که هاشق با یاد معشوق بخوابـد, بیـدار شود و تمام لحظاتش را با او زندگی کند. و گرمی حضورش را با تمام وجود احساس کند.

اینک جهان هستی به برکت حضورش هر چند غیب از میان می باشد, مفتخر است . حضور پر صـلابت معصومی که می تواند عـدالت گستر گیتی باشد صاحب عصـر و زمان است . اگر کسـی عاشق امام مهدی ۷اسـت , او را در دل زنـده نگه می دارد و می داند اگر چشمایش به جمال نورانی اش منور شود و

عصر ظهورش را درک کند, چیزی جزانجام تکلیف و مسلمانی از او خواسته نخواهد شد. حضرت از یاران خودش می خواهد که برای تعجیل در ظهورش دعا کنند تا با آمدنش جهان را پر از عدل و داد کند.

(۱).

رایان امام عصر۷افرادی هستند که از گناه دوری کرده و بر انجام تکلیف گردن می نهند و در انتظار فرج لحظه شماری می کنند.

انتظار فرج بهترین و برترین عبادت امت است .

به انتظار زیستن و منتظرانه دین داشتن , وظیفه ای است که شریعت اسلام از مؤمنان خواسته است . چشم داشتن به ظهور منجی و حاکمیت دوازدهمین امام از سلسلهء امامان معصوم : باور به تداوم امامت و عینیت رهبری دینی در نهایت تاریخ زندگی است ; نهایتی دور, ولی در پیش , بسا امروز, فردا یا فردای دیگر.

عالمان دین بر پایهء احادیث معصومان ۷انتظار فرج را شاخص بزرگ انسان دنیدار در عصر غیبت دانسته اند وهمواره دینداران را به داشتن و دانستن این فهم فرا خوانده اند.

پیامبر گرامی اسلام ۶می فرماید: .(۲)

معلوم است کسی می تواند منتظر باشد که خود را از همه جهت آماده کرده باشد.

شخصی که منتظر عزیزی است که از سفر دور بیاید و مهمان او بشود, خود را آماده کرده و از قبل اسباب پذیرایی و راحتی و آسایش او را فراهم می کند و هر لحظه در انتظار مقدمش بی صبرانه به پا می ایستند. پس چگونه است که در انتظار مصلح بزرگ و عدالت گستر بی نظیری چون حضرت قائم آل محمد به انتظار ننشیند! به همین جهت پیامبرگرامی بهترین اعمال مسلمانان را انتظار فرج می داند, زیرا در

پی ظهور حضرت , جهان از عدل و داد پُر خواهد شد.

امام صادق ۷در وصف یاران حضرت مهدی ۷می فرماید: .

پس ما مسلمانان خصوصاً شیعیان می بایست زمینهء ظهور حضرت را فراهم کرده و اگر سعادت دیدارش رانداشته و از گرمی فیض حضورش محروم هستیم , دل خود را به او معطوف کرده و و از منتظران امام قائم به قسط وعدالت باشیم .

از جمله دعاهایی که سفارش به خواندن آن شده است , دعای فرج , معروف به دعای (۳) می باشد.

(پاورقی ۱.قصص (۲۸ آیهء ۵

(پاورقی ۲.مجله حوزه , ویژه نامهء امام زمان , ص ۳۳۳

(پاورقی ۳.مفاتیح الجنان , چاپ انتشارات علمی , ص ۲۴۰ دعای فرج .

وظایف یک فرد مسلمان در زمان غیبت امام زمان(ع) چیست؟

پرسش

وظایف یک فرد مسلمان در زمان غیبت امام زمان(ع) چیست؟

پاسخ

وظایف ما در عصر غیبت عبارت است از:

۱- اطاعت از دستورهای دینی و پرهیز از گناهان و تقوا را سرلوحه زندگی قرار دادن و عملی را بر خلاف رضای امام زمان(ع) انجام ندادن.

حضرت در این زمینه می فرماید: " هر یک از شما باید به آن چه که به وسیله آن به دوستی ما نزدیک می شود عمل کند، و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب ما می شود، پرهیز نماید".۱

۲- انتظار فرج. پیامبر اکرم(ص) فرمود: "با فضیلت ترین اعمال امتم انتظار فرج است".۲

۳- دعا برای سلامتی و فرج حضرت ولی عصر(ع)، مانند خواندن دعای فرج و دعای عهد و ندبه.

۴- صدقه برای حفظ وجودحضرت.

۵- غمگین شدن به خاطر غیبت آن جناب.

۶- انجام حج و عمره به نیابت حضرت.

۷- برخاستن به جهت تعظیم هنگام شنیدن اسم مبارک "قائم"(ع).

۸- دعا برای خود که از شرّ فتنه ها در امان باشیم، نیز خواندن دعای "اللهم عرّفنی نفسک...".

۹- استغاثه به آن جناب و استمداد از وجودش به هنگام گرفتاری ها.۳

۱۰- تأسیس حکومت اسلامی و حفظ آن، چرا که اجرای دستور و احکام نورانی اسلام در زمان غیبت از مسلمانان خواسته شده است و پیاده نمودن برنامه های اجتماعی اسلام بدون تشکیل حکومت اسلامی ممکن نمی باشد.۴

۱۱- عمل به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر، که با رعایت آن ریشه های فساد قطع شده و زمینه حکومت جهانی دادگستر جهان فراهم می گردد.

پروردگارا! همه ما را از یاران حضرت مهدی(ع) قرار ده و با ظهور حضرتش چشم مستضعفان جهان را روشن گردان.

۱ بحارالانوار، ج ۵۳،

ص ۱۷۶.

۲ لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵.

۳ شیخ عباس قمی، منتهی الأمال ، ص ۴۸۳.

۴ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۶۴.

در عصر غیبت کبری امام زمان(عج) چه وظیفه ای بر عهده دارد و شیعیان و مریدان حضرت چه وظایفی بر عهده دارند؟

پرسش

در عصر غیبت کبری امام زمان(عج) چه وظیفه ای بر عهده دارد و شیعیان و مریدان حضرت چه وظایفی بر عهده دارند؟

پاسخ

برادر گرامی! امام زمان(عـج) در دوران غیبت کبری وظایفی را که از طرف خدا مأمور به انجامش است انجام می دهد، مانند: حل و فصل امور ضـروری مردم، گره گشایی مشـکلات مسـلمانان، دادرسی از گرفتاران، مخصوصاً دفاع از اسلام و جلوگیری از مضـمحل شـدن این دین جـاودان و بر هم زدن اجتماعـاتی که به منظور بر هم زدن اسـاس اسـلام برگزار می گردد و فراهم نمودن شرایط دفاع از دین.

امیرمؤمنـان (ع) در خطبه ای که از حوادث آینـده پیشـگویی کرد، فرمود: "مردم! بدانیـد (در زمـان فتنه هـا) آن که از مـا (امام زمان(ع)) که آن فتنه ها را دریابـد، با چراغی روشـنگر در آن گام می نهـد، تا گره ها را بگشاید؛ بردگان و ملت های اسـیر را آزاد سازد؛ جمعیت های گمراه و ستمگر را پراکند و حق جویان پراکنده را گرد هم آورد".۱

وظایف ما در عصر غیبت:

۱- اطاعت از دسـتورهای دینی و پرهیز از گناه و تقوا را سـرلوحه زندگی قرار دادن، و عملی را بر خلاف رضای امام عصر(ع) انجام ندادن. حضـرت در این زمینه می فرماید: "هر یک از شـما باید به آن چه که به وسـیله آن به دوستی ما نزدیک می شود عمل کند و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب ما می شود پرهیز نماید".۲

۲- انتظار فرج: پیامبر(ص) فرمود: "افضل اعمال امتم انتظار فرج است".۳

۳- دعا برای سلامتی و فرج حضرت.

۴- صدقه برای حفظ وجود مبارک حضرت.

۵- غمگین شدن به خاطر غیبت آن جناب.

۶- انجام

حج و عمره به نیابت حضرت.

۷- برخاستن برای تعظیم به هنگام شنیدن اسم مبارک (قائم).

۸- دعا برای خود که از شر فتنه ها در امام باشیم.

۹- استغاثه به آن جناب و استمداد از وجود نازنیش به هنگام گرفتاری ها.۴

۱ نهج البلاغه(فیض الاسلام)، ص ۴۴۸، خطبه ۱۵۰.

۲ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۳ لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵.

۴ شیخ عباس قمی منتهی الآمال، ص ۴۸۳.

تکلیف یک منتظر امام زمان (عج) در عصر حاضر چه می باشد؟

پرسش

تکلیف یک منتظر امام زمان (عج) در عصر حاضر چه می باشد؟

پاسخ

وظایف ما در عصر غیبت عبارت است از:

۱- اطاعت از دستور های دینی و پرهیز از گناهان و تقوا را سرلوحه زندگی قرار دادن و عملی را بر خلاف رضای امام زمان(ع) انجام ندادن.

حضرت این زمینه می فرماید: "هر یک از شما باید به آن چه که به وسیله آن به دوستی ما نزدیک می شود عمل کند، و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب ما می شود، پرهیز نماید".۵

۲- انتظار فرج؛ پیامبر اکرم(ص) فرمود: "با فضیلت ترین اعمال امتم انتظار فرج است".۶

۳- دعا برای سلامتی و فرج حضرت ولی عصر(ع) مانند خواندن دعای فرج و دعای عهد و ندبه.

۴- صدقه برای حفظ وجود حضرت.

۵- غمگین شدن به خاطر غیبت آن جناب.

۶- انجام حج و عمره به نیابت حضرت.

۷- برخاستن به جهت تعظیم، هنگام شنیدن اسم مبارک "قائم"(ع).

۸- دعا برای خود که از شرّ فتنه ها در امان باشیم، نیز خواندن دعای "اللّهم عرّفنی نفسک...".

۹- استغاثه به آن جناب و استمداد از وجودش به هنگام گرفتاری ها.۷

۱۰- تأسیس حکومت اسلامی و حفظ آن، چرا که اجرای دستور و احکام نورانی اسلام در زمان غیبت از مسلمانان خواسته شده است. پیاده نمودن برنامه های اجتماعی اسلام بدون تشکیل حکومت اسلامی ممکن نمی باشد.۸

۱۱- عمل به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که با رعایت آن ریشه های فساد قطع شده و زمینه حکومت جهانی دادگستر جهان فراهم می گردد.

پروردگارا! همه ما را از یاران حضرت مهدی(ع) قرار ده و با ظهور حضرتش چشم مستضعفان جهان رو روشن گردان.

۵ بحارالانوار، ج

۵۳ص ۱۷۶.

۶ لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵.

۷ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۴۸۳.

۸ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۶۴.

مهم ترین وظایف و مسئولیت های جوانان در عصر غیبت چیست؟

پرسش

مهم ترین وظایف و مسئولیت های جوانان در عصر غیبت چیست؟

پاسخ

وظایف و مسئولیت های زیادی را در عصر غیبت، در کتاب های حدیثی برای شیعیان ذکر کرده اند، که به اختصار به بعضی اشاره می کنیم. ضمن این که می توانید به کتاب های مربوطه دراین زمینه مراجعه بفرمایید.

۱- محزون و ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی(ع)، زیرا تبلیغات گمراه کننده بیگانگان و شبهاتی که آن ها در اذهان مردم به وجود می آورند، هر انسان پاکدامنی را متأثر و ناراحت می کند. امام جعفر صادق(ع) از این که شیعیان در زمان غیبت سرگردانند و از طرف مخالفان در دل آنها شبهه ایجاد می شود، اشک می ریزند و شب ها به خواب نمی روند.۱

۲- انتظار فرج آل محمد(ع). شیعه باید همیشه منتظر ظهور دولت قاهره و سلطنت ظاهره مهدی آل محمّد (ع) و پر شدن زمین از عدل و داد و غالب شدن دین اسلام بر سایر ادیان باشد، همانطور که خدا در قرآن به نبیّ اکرم(ص)، بلکه به تمام پیغمبران و امّت های گذشته وعده داده که روزی خواهد آمد که جز خدای تعالی را پرستش نکنند و چیزی از دین نباشد که از بیم دشمنان در پرده حجاب بماند و بلا و سختی از زندگی حقّ پرستان برود.

در زیارت حضرت مهدی(عج) آمده است: السّلام علی المهدیّ الّذی وعد الله به الامم ان یجمع به الکلم و یلمّ به الشّعث و یملاء به الارض عدلاً و قسطاً و ینجز به وعد المؤمنین.۲

۳- دعا کردن برای حضرت (عج). لازم است برای حفظ وجود مبارک امام (عج) از شرور و شیاطین إنسی

و جنّی و تعجیل ظهور ایشان و غلبه بر کافران و منافقان دعا شود، خصوصاً دعاهای وارد شـده از ائمه معصومین(ع) در این باره بسیار است، که این نوعی اظهار بندگی و شوق و ابراز محبّت نسبت به حضرت (عج) است.

۴- صدقه دادن برای حفظ وجود حضـرت (عج)، زیرا هر اندازه که انسان به خاطر وجود مبارک امام عصـر(عج) صدقه بدهد، نشـان از محبّت و ارادت وی نسـبت بـه حضـرت اسـت و مـوجب نزدیکی به این خانـدان می شـود. به جـا است برای سـلامتی حضرت (عج) صدقه داده شود.

۵- انجام حـجّ به نیابت حضـرت مهدی(عج)، انسان ها سـعی می کنند اعمال حجّ را به نیابت از طرف محبوب ترین افراد انجام دهند.

حال نیابت به خاط رقرابت و خویشاونـدی است مانند پدر و مادر و فرزند یا به خاطر علاقه دینی و مذهبی است. چنان بزرگان و دانشمندان و صالحان به نیابت از حضرت (عج)، حجّ به جا می آوردند.

۶- برخاسـتن به هنگام شـنیدن اسم مبارک حضـرت (عـج) به قصد تعظیم، به خصوص اگر لفظ "قائم" گفته شود. در این باره روایاتی در کتابهای معتبر شـیعه ثبت است، نظیر که: حضـرت امام رضا(ع) هنگامی که کلمه "قائم" گفته شد، ایسـتاد و دست مبارکش را بر سر نهاد و فرمود: "اللّهم عجّل فرجه و سهّل مخرجه"، این عمل در زمان امام جعفر صادق(ع) نیز معمول بود.۳

سزاوار است به خاطر احترام ایشان به پا خیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد.

۷- دعـا برای حفظ ایمان خود در زمان غیبت. چون در این زمان خطرات فراوانی مردم را احاطه می کنـد، لازم است که انسان ضمن توجه کامل

به خداوند، با حالت تضرّع و خضوع از امام عصر(عج) بخواهد که عقیده و ایمانش را از وسوسه های شیطانی و شبهات مخالفان حفظ کند. دعاهایی نیز در این زمینه وارد شده است، خصوصاً این دعا را بخواند: "اللّهم عرّفنی نفسک فإنّک إن لم تعرّفنی نفسک لم أعرف نبیّک اللّهم عرّفنی رسولک فإنّک إن لم تعرّفنی رسولک لم اعرف حجتک اللّهم عرّفنی حجّتک فإنّک إن لم تعرّفنی حجّتک ضللت عن دینی".۴

۸- استمداد از حضرت مهدی(عج) در سختیها و مشکلات. انسان به هنگام سختی و گرفتاری ها، نیاز به پناهگاه روانی دارد.

بسیاری از علما و صالحان به هنگام گرفتاری و ناراحتی که تمام راه ها به روی آن ها بسته می شد، از حضرت (عج) کمک می طلبیدند و مشکل آن ها حل می شد. وجود مقدّس حضرت صاحب الامر(عج) واسطه فیض عالم مادّه و ملکوت و حجّت خدا بر خلق می باشد.

حضرت (عج) در توقیعی به شیخ مفید (ره) فرمود: "اخبار و بلایی که به شما می رسد از علم ما پوشیده نیست".۵

۹- خودسازی و تزکیه نفس. از وظایف مهمّ دیگری که مشتاقان حکومت عدل پرور حضرت مهدی (عج) عهده دارند، این است که خود را از طریق انجام دستورهای الهی و ترک گناهان و تزکیه نفس و آراسته شدن به صفات پسندیده، اصلاح کنند و برای یاری دین حقّ با چشم پوشی از دنیا و لذایذ آن و تحمّل سختی ها، در خود آمادگی ایجاد نمایند، زیرا منتظران مصلح، خود نیز باید صالح باشند.

۱۰- اصلاح جامعه. از دیگر وظایف مهمّ عاشقان حضرت(عج)، بعد از اصلاح خود، سعی و تلاش فراوان در راه اصلاح دیگران

و مبارزه با کج روی ها و فساد ها و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، به همراه رعایت شرایط آن به منظور اصلاح جامعه و تربیت انسان های صالح و شایسته است. مسلمان باید به مشکلات و گرفتاری های مسلمان اهمیّت بدهد. هدف انبیا و اولیای الهی و ائمه معصومین(ع)، اصلاح جامعه و مبارزه با فساد و ترک گناه است. آیا می توان تصوّر کرد که انسانی خود را مسلمان و عاشق حضرت مهدی(عج) بداند و برای اصلاح جامعه تلاش نکند؟

این ها خلاصه ای از وظایف ما در زمان غیبت حضرت (عج)، البته ممکن است چیز هایی دیگر نیز وجود داشته باشد که گاهی خود انسان متوجه شود.۶

۱ منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ص ۵۵۸ ، چ سازمان انتشارات جاویدان.

۲ همان، ص ۵۵۹.

۳ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۹۳ .

۴ منتهی الآمال، ص ۴۸۹.

۵ نجم الثاقب، ص ۶۱۳.

۶ تلخیص و اقتباس از: شیخ عباسی قمی، منتهی الآمال، آخر کتاب ذکر تکالیف عباد و بندگان نسبت به امام عصر(عج)؛ عبدالله انصاری خورشید ولایت، ص ۱۲۶ – ۱۳۷؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان؛ مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار، ص ۹۱۳ – ۹۲۲.

چگونه نسل جوان را با امام زمان(ع) بیشتر آشنا کنیم؟

پرسش

چگونه نسل جوان را با امام زمان(ع) بیشتر آشنا کنیم؟

پاسخ

آشنا ساختن جوانان با امام زمان(ع) از راه های مختلف می تواند انجام گیرد مانند:

۱ تبلیغ گفتاری: متأسفانه بسیاری از جوانان از ویژگی ها و صفات امام زمان(ع) آگاهی ندارند. وظیفه مربیان و مبلّغان اسلامی آن است که با استفاده از روش های جذاب و زیبا، امام زمان(ع) را (که تماشاگه همه کمالات و زیبایی ها است) معرفی نمایند. اگر این کار درست انجام گیرد، قطعاً نسلی که به دنبال زیبایی است، هرگز از کنار چهره زیبا و دلربای مهدی(ع)

نخواهـد گـذشت. بر این اساس، لازم است بر ویژ گی هاییماننـد: محبت، زیبایی، عدالت گستری، مهربانی و کمالات اخلاقی آن حضـرت تأکیـد شود و از ترسـیم چهره خشن و جنگ طلب پرهیز گردد. از پیامبر (ص) روایت شـده: "مهدی (ع) طاووس اهل بهشت است".[۱]

مهدی است آن که از نظری بر جمال اوهردردمند غم زده کسب شفا کند

البته لازمنیست در این راسـتا مجلس وعظ و خطابه ای برقرار گردد بلکه می توان با برقراری رابطهنزدیک و صمیمانه و نشست های ساده و دوستانه در کنار صحبت های دیگر، آن حضرت را معرفی کند.

به نظر می رسداین شیوه از روش های رسمی و رائج مؤثرتر باشد.

۲ اسـتفاده ازشـیوه های هنری: به تجربه ثابت شده که زبان هنر از زبان کلام مؤثرتر است. از آن جاکه جوانان به هنر مانند فیلم و تئاتر علاقه خاصـی دارند، باید از این ابزار مهمپیام رسانی جهت معرفی الگوها از جمله امام زمان(ع) به طور شایسـته استفاده کرد.میزان تأثیر گذاری فیلم هایی همچون محمد رسول الله(ص) و یا امام (علی) بر همگانروشن است. سال

هـای سال است که رمان در جهان معاصـر، زبان تبلیغ و تشـریح فلسـفه شـدهاست. در عصـر رسانه ها، سازمان های فرهنگی و سیاسـی، با تولیـد زیباترین فیلم های کارتونی پروژه انـدیشه پردازی را از دوران کودکی به اجرا در آورده اند. آن ها آدمزمان مـا را از دوره خردسالی تا پیری مخاطب قرار داده انـد و با جادوی فیلم های کارتونی، در اختیار خویش گرفته انـد، ولی ما در عرصه هنر ضـعیف برخود کرده ایم. باتـدوین زندگی نامه منتظران واقعی و حکایات انتظار و فیلم نامه ها و نمایشـنامه درمقوله مهدویت و سرودن اشعار درباره آن حضرت و نقاشی و طراحی و تهیه داستان و رمانباید این خلأ برطرف شود.

۳ تلطیفاحساسـات جـوان: شور و هیجـان مـذهبی و گرایش جوانـان به مـذهب یکی از ویژگی هـای دورانبلوغ است. "به گفته "دبس" در دوران بلوغ نوعی بیداری مذهبی حتی نزد کسانی کهسابقاً نسبت به مسائل مذهبی لاقید بودند دیده می شود".[۲]

برای شـناساییامام زمان(ع) بایـد از این فرصت و گرایش اسـتفاده کرد و با برگزاری مراسم مذهبی و سـمینارها وکنفرانس ها و زیـارت آل یاسـین و غیره زمینه ارتباط جوانان با حضـرت را فراهم نمود.روان شـناس ها بهترین راه برای ایجاد محبت را رابطه می دانند. اسـلام نیز بر ایننکته تأکید دارد و به منظور تحکیم روابط محبت آمیز، به زیارت یکدیگر، عیادت مریض،هدیه دادن و سـلام کردن توصـیه نموده است. این قاعـده را می توان دربـاره امامـان(ع)نیز سـرایت داد. زیـارت امـام زمـان(ع) و توسل به حضرت موجب ارتباط بیشتر می شود وهمین امر مقدمات آشنایی را فراهم می سازد.

امام خمینی(ره)در مورد زیارت امامان می فرمود: "دانه می ریزند تا کبوتر

بگیرند".[۳]ثوابها و ترغیب ها برای آن است که رفت و آمد با ائمه طاهرین بیشتر شود.

جوان دوست دارددر جامعه مقبولیت و مسئولیت داشته باشد. باید به جوان میدان داد تا با سلیقه وذوق خویش در مجالس متعلق به امامان ایفای نقش کنند و از این طریق هم حسن تشخص طلبیجوان ارضا شده و هم رابطه عاشقانه جوان با امام زمان(ع) که مقدمه آشنایی است،فراهم گردیده است.

[۱]بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۹۱.

[۲]دکتر سید احمد احمدی، روان شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۶۰.

[۳]حسین مظاهری، جهاد با نفس، ج ۳، ص ۵۰.

وظیفه جوانان نسبت به آماده کردن زمینه ظهور امام زمان (عج) چیست؟

پرسش

وظیفه جوانان نسبت به آماده کردن زمینه ظهور امام زمان (عج) چیست؟

پاسخ

وظایف شیعیان در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عج) عبارت است از:

۱ - خودسازی و اطاعت از دستورهای دینی و پرهیز از گناه، و تقوا را سرلوحه زندگی قرار دادن و عملی را برخلاف رضای امام زمان (عج) (که رضای الهی است) انجام ندادن.

حضرت در این زمینه می فرمایند: "هر یک از شما باید به آن چه که به وسیله آن به دوستی ما نزدیک می شود، عمل کند و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب ها می شود، پرهیز نماید".

بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۲ - امر به معروف و نهی از منکر، اگر همه ما به ویژه جوانان این فریضه الهی یعنی امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهیم، خیلی از مفاسد اجتماعی که جامعه را آلوده می کند و مردم را تشویق به گناه می کند و دل امام زمان (عج) را به درد می آورد، برچیده می شود، و جامعه امام زمان پسند به وجود می آید. امام باقرعلیه السلام در اهمیت فوق العاده امر به معروف و نهی از منکر می فرماید: "امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرایض با آن ها بر پا می شوند و به وسیله این دو راه ها امن می گردد و کسب و کار مردم حلال می شود، حقوق افراد تأمین می گردد و در سایه آن زمین

هـا آباد و از دشـمنان انتقام گرفته می شود. هم چنین در پرتو آن همه کارها رو به راه می گردد". البته امر به معروف و نهی از منکر شرایط و آدابی دارد که ابتدا باید تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸، به نقل

از وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵.

شخص از آنها آگاه شده و سپس به این فریضه مهم بپردازد.

۳ – انتظار فرج، پیامبرصلی الله وعلیه وآله فرمود: "افضل اعمال امتم انتظار فرج است".

لطف اله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵.

۴ – دعا برای سلامتی و فرج حضرت بقیهاله الاعظم (عج).

۵ – صدقه برای حفظ وجود مبارک حضرت.

۶ – غمگین شدن به خاطر غیبت آن جناب و غمگین بودن از ظلم و جنایاتی که در جهان انجام می شود.

۷ – انجام حج و عمره به نیابت از حضرت.

۸ – برخاستن برای تعظیم به هنگام شنیدن اسم مبارک (قائم).

۹ – استغاثه به آن جناب و استمداد از وجود نازنینش به هنگام گرفتاری ها.

۱۰ – دعا برای خود که از شر فتنه ها در امان باشیم.

شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ص ۴۸۳.

فراهم نمودن زمینه ظهور، این گونه ممکن است: خودسازی و مزین شدن به اخلاق اسلامی؛ پاک بودن از آلودگی های روحی و سیئات اخلاقی؛ حرکت در مسیری که امام زمان پسند است و آن عبارت است از: مسیر تقوا و پاکی؛ امر به معروف و نهی از منکر و رعایت سایر موارد دهگانه ای که ذکر شد.

وظیفه ما در عصر غیبت امام زمان (عج) مخصوصا. در این زمان چیست؟

پرسش

وظیفه ما در عصر غیبت امام زمان (عج) مخصوصا. در این زمان چیست؟

پاسخ

وظایف ما در عصر غیبت مولای مان حضرت حجه ابن الحسن العسکری (عج) عبارت است از:

۱ – اطاعت از دستورهای دینی و پرهیز از گناه و تقوا را سرلوحه زندگی قرار دادن و عملی را برخلاف رضای امام عصر (عج) انجام ندادن.

امام زمان (عج) در این زمینه می فرماید: "هر یک از شما (شیعیان) باید آن چه که به وسیله آن به دوستی ما نزدیک می شود، عمل کند و از آن چه موجب ناخشنودی و غضب ما می شود، پرهیز نماید".

بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۲ – انتظار فرج. پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله فرمود: "با فضیلت ترین اعمال امتم انتظار فرج است".

لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۶۲۹، حدیث ۵.

۳ – دعا برای سلامتی و فرج حضرت ولی عصر (عج) مانند خواندن دعای فرج و دعای عهد و ندبه.

۴ – صدقه برای حفظ وجود مبارک حضرت.

۵ – غمگین شدن به خاطر غیبت آن جناب.

۶ – انجام حج و عمره به نیابت حضرت.

۷ – برخاستن به جهت تعظیم، هنگام شنیدن اسم مبارک قائم (عج).

۸ – دعا برای خود که از شر فتنه ها در امان باشیم، نیز خواندن دعای "اللهم عرفنی نفسک...".

۹ – استغاثه به آن جناب و استمداد از وجودش به هنگام گرفتاری ها.

شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ص ۴۸۳.

۱۰ – عمل به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که با رعایت آن ریشه های فساد قطع شده و زمینه حکومت جهانی دادگستر جهان فراهم می گردد.

۱۱ – تأسیس حکومت اسلامی و حفظ آن که در عصر حاضر این از مهم ترین وظایف است، چرا که اجرای دستورها و احکام

نورانی اسلام در زمان غیبت از مسلمانان خواسته شده است و پیاده نمودن برنامه های اجتماعی اسلام بدون تشکیل حکومت اسلامی ممکن نمی باشد.

ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۶۴.

وظایف ما نسبت به امام زمان(ع) در دوران غیبت چیست؟

پرسش

وظایف ما نسبت به امام زمان(ع) در دوران غیبت چیست؟

پاسخ

وظایف مسلمانان در عصر غیبت عبارت است از:

۱- دینداری؛ امام صادق(ع) می فرماید: "برای صاحب الامر غیبتی طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه سازد و چنگ در دین خود زند".(۱)

۲- پارسایی؛ امام صادق(ع) می فرماید: "هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و کردار با ورع داشته باشد".(۲)

۳- در خط امام بودن؛ پیامبر اکرم(ص) می فرماید: "خوشا به حال منتظرانی که به حضور قائم برسند؛ آنان پیش از قیام او نیز پیرو اویند، با دوست او عاشقانه دوست و موافق اند و با دشمن او خصمانه دشمن و مخالف اند.(۳)

۴- تخلق به اخلاق اسلامی؛ امام صادق(ع) می فرماید: "هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید در عصر انتظار مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد. چنین کسی اگر پیش از قیام قائم در گذرد، پاداش او مانند کسانی باشد که قائم را درک کنند و به حضور او برسند؛ پس بکوشید و در حال انتظار ظهور حق به سر برید".(۴)

۵- آمادگی نظامی؛ امام صادق(ع) می فرماید: "باید هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کند، اگر چه یک نیزه باشد".(۵)

۶- حفظ ایمان، پیامبر اکرم(ص) می فرماید: "شما اصحاب من هستید، ولی برادران من مردمی اندکه در آخر الزمان می آیند. آنان به نبوت و دین من ایمان می آورند، با این که مرا ندیده اند. هر یک از آنان اعتقاد و دین خویش را با هر سختی نگاه می دارد، چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می کند یا آتش پردوام چوب داغ

را در دست نگاه می دارد.(۶)

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۱۴۰.

۳. همان، ص ۱۳۰.

۴. همان، ص ۱۴۰.

۵. همان، ص ۳۶۶.

۶. همان، ص ۱۲۴.

دوست دارم وظیفه ام را به عنوان یک زن مسلمان درباره زمان ظهور و انتظار فرج امام زمان(عج) بدانم.

پرسش

دوست دارم وظیفه ام را به عنوان یک زن مسلمان درباره زمان ظهور و انتظار فرج امام زمان(عج) بدانم.

پاسخ

سؤال به دو بخش تقسیم می شود:

بخش اوّل: زمان ظهور

اصل ظهور امام زمان(عج) امری مسلّم و قطعی است، ولی بنا به مصالحی زمان ظهور مشخّص نشده است و هیچ کس جز خداوند از وقت دقیق آن آگاه نیست. بارها اصحاب از ائمّه(ع) در مورد زمان ظهور پرسیده اند، امّا آنان از مشخّص کردن آن نهی کرده اند. فضیل از امام باقر(ع) پرسید: آیا برای ظهور وقتی معیّن شده است؟ امام سه بار فرمود: "کذب الوقاتون؛(۱) آنان که برای ظهور وقتی معیّن کنند دروغگویانند".

برای ظهور نشانه هایی بیان شده که تحقّق هر یک از آن ها نویدی برای نزدیک تر شدن ظهور حضرت مهدی(عج) است.

بخش دوم: انتظار فرج

تلاش دشمنان دین این است که تعهّد ما را به مسائل دینی (احکام و اعتقادات) کم رنگ سازند. آنان در راستای اهداف خویش همه را مورد هدف قرار داده و می خواهند سنگرهای فرهنگی و اعتقادی ما را (که از مهم ترین آن ها اعتقاد به ظهور حضرت مهدی و انتظار فرج حضرت است) به تصرّف در آورند و دست ما را از اسلام و افتخارات آن کوتاه سازند.

در میدان مبارزه فرقی بین زن و مرد نیست و همگی باید در مسیر اعتقادات خود ثابت قدم و استوار باشیم و دین خدا را یاری دهیم و در مسیر ایفای مسئولیت خویش پایداری و مقاومت کنیم.

بخشی از وظایفی که می تواند در رشد و بالندگی جامعه اسلامی و منتظران فرج مؤثر باشد به شرح زیر است:

۱- شناخت امام زمان(عج)

مهم ترین وظیفه شیعه شناخت امام خویش است. در اهمیّت این

مسئله همین بس که در روایات متواتر که شیعه و سنّی آن را نقل کرده اند، آمده است:

"من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه؛(۲) هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیّت مرده است". در روایات از ائمه معصومین آمده است که: شناخت امام آن است که انسان بداند که اطاعت از آن ها واجب است و انسان باید از آن ها پیروی کامل و خالص داشته باشد.

بدون تردید مراد از شناخت حضرت، شناختی است که شیعیان را از شبهه های ملحدان در امان نگه دارد و سبب نجات از اعمال گمراه کننده مدعیان دروغین مهدویّت یا مدعیان ارتباط با حضرت باشد.

۲- پیوند و ارتباط معنوی با امام عصر(عج)

دیگر وظیفه شیعه در دوران غیبت، حفظ و تقویتِ پیوند معنوی با امام زمان(ع) و تجدید دائمی عهد و پیمان با حضرت است.

منتظران واقعی ظهور هرگز نباید احساس کنند که در جامعه دارای مسئولیتی نیستند و هیچ گونه تکلیفی نسبت به امام خود ندارند. از شیعیان خواسته شده که در آغاز هر روز با یکی از دعاهایی که مخصوص امام زمان(عج) است، با مقتدای خود و مقام ولایت ارتباط برقرار کنند. شیعه منتظر اگر در آغاز هر روز با حضور قلب و توجه کامل با امام خود عهد و پیمان ببندد، هرگز تن به ذلّت و خواری، ظلم و بی عدالتی نمی دهد. نیز هرگز دچار بحران فکری و فرهنگی و از خود بیگانی و یأس و ناامیدی نمی شود.

یکی از دعاهایی که در این موضوع وارده شده "دعای عهد" است که از مضامین بسیار بالایی برخوردار می باشد. این دعا بهترین وسیله برای پیوند

منتظران با امام زمان(عج) است.(۳)

۳- خودسازی و کسب فضایل اخلاقی

یکی دیگر از وظایف منتظران مهدی(عج) تهذیب نفس و آراستگی به فضایل اخلاقی است. در توقیع (نوشته) شریفی که از سوی حضرت صاحب الزّمان(عج) خطاب به شیخ مفید نگاشته شده، آمده است: "از علل طولانی شدن غیبت و محروم ماندن شیعیان از ملاقاتشان با ما، اعمال ناشایستی است که آنان مرتکب می شوند و ما را ناراحت می کنند".(۴)

از توقیع شریف استفاده می شود که منتظر واقعی، از اعمالی که سبب طولانی شدن غیبت حضرت و ناراحتی آن بزرگوار می شود، اجتناب می کند. بر این اساس:

با شناخت امام زمان(عج) و پرهیز از گناهان و در نهایت با تهذیب نفس و ارتباط معنوی با حضرت می توانیم به بخشی از وظایفی که در قبال آن عزیز داریم، دست یابیم.

سخن آخر: امام صادق(ع) فرمود: "کسی که با این عقیده یعنی در حال انتظار بمیرد، همانند کسی است که در خیمه حضرت مهدی(عج) باشد".(۵)

پی نوشت ها:

۱. کتاب الغیبه، طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، ص ۴۲۶ - ۴۲۵، ح ۴۱۱؛ کتاب الغیبه، نعمانی، مکتبه الصدوق، ص ۲۹۴، ح ۱۳.

۲. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، دارالأضواء، بیروت، ج ۳، ص ۲۵۰؛ بحارالأنوار، ج ۸، ص ۳۶۸.

۳. مفاتیح الجنان.

۴. الاحتجاج، طبرسی، انتشارات اسوه، ج ۲، ص ۶۰۲.

۵. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد، برقی، المجمع العالمی لأهل البیت(ع)، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۱۴۹.

وظیفه نوجوانان در عصر غیبت چیست؟

پرسش

وظیفه نوجوانان در عصر غیبت چیست؟

پاسخ

یک نوجوان مسلمان، باید به وظیفه خود عمل کند.در زمان غیبت وظایف گوناگونی برای شیعه ذکر شده است، از جمله:

۱- تلاش در جهت شناخت هر چه بیشتر و بهتر امام زمان (عج).

۲- تکاپو و کوشش در جهت زمینه سازی ظهور آن حضرت، این مهم از راه های زیر میسر است:

الف) خودسازی و دیگر سازی.

ب) شناخت و شناساندن امام زمان(عج)، اهداف والای آن حضرت، نقش بزرگ تاریخی و ارمغان الهی ایشان به جهان بشریت.

ج) شناخت و معرفی هر چه بهتر اسلام به جهانیان.

۳- تلاش و جهاد در جهت دفاع از اسلام و حفظ کیان اسلامی.

۴- پیروی از نائبان امام عصر(عج) یعنی عالمان و فقیهان عادل و شایسته.

۵- دعا برای فرج آن حضرت.

۶- دعا و صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت.

۷- اهدای ثواب اعمال نیک مانند تلاوت قرآن و... برای آن حضرت نیز مستحب و ستوده است.

وظیفه منتظر امام زمان (عج) چیست ؟

پرسش

وظیفه منتظر امام زمان (عج) چیست ؟

پاسخ

وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می کند، وسایل پذیرایی را آماده می کند و با لباس مرتب و چهره ای شاداب در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر

میهمـان بـوده است. امـا کسـی که نه خـانه را مرتب کرده است و نه وسایـل پـذیرایی را آمـاده نموده است و نه لبـاس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه گویی او خواهند خندید.

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند

بنـابراین انتظـار بایـد قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیـده می شود از رفتار و کردار او فهمیـده شود. نمی توان هر کسـی را که ادعـای دوستی و ولاـیت امام زمان(عـج) را دارد در شـمار دوسـتان و منتظران او قلمـداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید».

بـا چنین توضـیحی روشن است که یـک منتظر واقعی امـام زمـان بایـد رفتارش به گونه ای باشـد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(عـج) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشـحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان(عج) با مال و جان خویش جهاد نماید و خود را درراه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی

به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی تواند از وابستگی ها و دلبستگی ها و آلودگی ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد:

۱. اولین شرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد ولو بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان(عج) هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی کشند اما کسانی که او را می شناسند و ارزش او را می شناسند و مقام او رامی دانند منتظر او می مانند.

کسانی که امام زمان(عج) را نمی شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱).

بنابراین اولین شرط انتظار، معرفت به امام زمان(عج) است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان(عج) بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت

هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران او بیرون هستند. آری:

وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد که در این آینه صاحب نظران حیرانند

البته شناخت امام زمان دو گونه است. اول، شناخت تاریخی وجود آن حضرت مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می شود.

همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد.

۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند؟ پس تا محبت به امام زمان(عج) در وجود انسان شکل نگرفته و شعله ور نشده باشد نمی تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید. محبت به امام زمان(عج) وظیفه ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا

از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳).

۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه ای سامان می دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان(عج) از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می شود. و تنها در این صورت است که می توان ادعای محبت به امام زمان(عج) را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان(عج) باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت.

طبیعی است که هر چقدر این سنخیت بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون تر خواهد گشت.

۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان(عج) می داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البرّ و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید.

۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب

را می کشد و از خدا می خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان(عج) مورد توصیه آن حضرت نیز می باشد.

۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل های مختلف؛ اگر انسان منتظر محبوب خویش را نیابد سعی می کند عدم دوری محبوب خویش را از طریق دیگری مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان(عج) وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می کند.

۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می کنند. به یاد آوردن امام عصر(عج) و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می دارند.

۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب هایی برای آن حضرت

۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران.

۱۰. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید

دادن به دیگران

۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶).

منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند؛ بنابراین برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرتشان، ما باید از خود آغاز کنیم و با اراده ای محکم، عزمی راسخ و برنامه ای دقیق به اصلاح افکار و اندیشه ها و نیز تغییر و اصلاح رفتار و کردارمان بپردازیم و با آگاهی ازوظایف عملی و گسترش شناخت خود از مبانی دینی و معرفتی، در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش کنیم. و در یک جمله با اجتناب از معاصی، لغزش ها و گناهان و انجام دادن واجبات و وظایف دینی در هر محیطی که هستیم به خودسازی اقدام کنیم و باتوبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلّی نور الهی آماده سازیم. بنابراین گناهان گذشته هر چند زیاد باشد نمی تواند مانع مهمی در راه رشد و کمال و پیوستن به جرگه منتظران و یاوران واقعی امام زمان(عج) باشد. پس با توبه واقعی، می توان سیئات و بدی های گذشته را به حسنه و نیکی تبدیل کرد و به اصلاح گذشته همت گماشت.

قرآن راجع به حضرت مهدی(ع) و اصحاب ایشان می فرماید: «الدین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه و آمرو بالمعروف و نَهوا عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پا داشته و زکات را [به مستحق] می بخشند و به

معروف امر نموده و از منکر نهیمی کنند (حج، آیه ۴۱).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرماید: «این آیه برای آل محمد و مهدی(ع) و اصحاب او است».

در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. در این رابطه به راه کارهای زیر توجه فرمایید:

۱. ارتباط معنوی خود را با خدای متعال تقویت کنید؛

۲. نمازهای یومیه را در اول وقت و حتی المقدور به جماعت بخوانید؛

۳. سعی کنید در نماز حضور قلب داشته باشید و همیشه خود را در محضر خداوند متعال بدانید؛

۴. از هر گونه گناه و معصیتی اجتناب کنید؛

۵. حجاب، متانت و وقار خود را کاملاً رعایت کنید؛

۶. بدانید که هر هفته، نامه اعمال شما به حضور امام زمان(عج) عرضه می شود و مورد بررسی قرار می گیرد؛

۷. اکنون که در دوران تحصیل علم هستید، بیشترین توجه خود را به درس و موفقیت تحصیلی داشته باشید؛

۸. با مطالعه کتاب هایی که درباره امام زمان(ع)، آگاهی و شناخت خود را در این زمینه تعمیق و گسترش بخشید؛

۹. برای اصلاح اوضاع فرهنگی دانشگاه، به تنهایی یا به کمک دیگر دانشجویان متدین و دلسوز و یا به کمک بعضی از تشکل های مذهبی دانشگاه، امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدین وسیله جلو بعضی اعمال خلاف را بگیرید. در این راه نهراسید و خجالت هم نکشید؛زیرا خشنودی و رضایت امام زمان(ع)، در گسترش ارزش های دینی و اخلاقی و اجتناب از گناه و خلاف است.

در حدیثی از حضرت صادق(ع) آمده است: «من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر، فان مات

و قام القائم(ع) بعده، کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه؛ هر کس دوست دارد از یاوران قائم(ع) باشد باید در انتظار بماند و تقوا بورزد و اخلاق نیکو را پیشه خود سازد اگر قبل از قیام آن حضرت(ع) از دنیا برود، همان پاداش اخروی که زمان حضور را درک کرده اند به آنها می دهند» (اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۳۶ ، ح ۴۸۸).

خواندن دعایی که از حضرت صادق(ع) وارد شده در زمان غیبت بسیار نافع است. حضرت صادق(ع) این دعا را به یکی از نزدیکترین یارانش یعنی «زراره» آموختند و آن دعا چنین است: «اللهم عرفنی نفسک، فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک. اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک، لم اعرف حجتک. الšeعرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی؛ خدایا! خودت را به من بشناسان، چون اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی شناسم. خدایا رسولت را به من بشناسان، چون اگر چنین نکنی، حجت تورا نمی شناسم. خدایا حجتت را به من بشناسان چون اگر حجتت را به من شناسایی از دینم منحرف و گمراه خواهم شد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، روایت ۷۰).

در مورد مساله مهدویت توضیحی دهید و علایم ظهور و ظایف منتظران را نیز بنویسید؟

پرسش

در مورد مساله مهدویت توضیحی دهید و علایم ظهور و ظایف منتظران را نیز بنویسید؟

پاسخ(قسمت اول)

شکی نیست هر آغازی را انجام و هر شروعی را پایانی است جز ذات بی پایان خداوندی که هم آغاز است و هم انجام. زمان نیز مانند تمام مخلوقات الاهی از این قاعده مستثنا نیست. روزگاری بر دنیا سپری شده که دیباچه زندگی دنیایی به شمار می آید و زمانی نیز خواهد گذشت که پایان این کتاب خواهد بود. برگه های پایانی کتاب زندگی انسان در زمین «آخرالزمان» خوانده می شود. «آخرالزمان» اصطلاحی است که در فرهنگ اغلب ادیان بزرگ دنیا به چشم می خورد و به ویژه در ادیان ابراهیمی از برجستگی و اهمیت خاص برخوردار است. این اصطلاح معمولاً ـ به روزگار پایانی دنیا و رویدادهایی که ممکن است در این بخش از زندگی دنیوی به وقوع پیوندد گفته می شود و ادیان بزرگ درباره آن پیشگویی هایی کرده اند؛ برای مثال در «انجیل» چنین آمده ست:«... و این را بدان که اوقاتِ صعب در زمان آخر خواهد رسید* زیرا که خواهند بود مردمِ خود دوست و زر پرست و مغرور و متکبر و کفر گو و نافرمان والدین و حق ناشناس و بی دین* و بی الفت و بی وفا و خبث کننده و بی پرهیز و بی حلم و با خوبان بی اعتنا* و خائن و کم حوصله و عبوس کننده و عیش را بر خدا ترجیح می دهند.»۱

قرآن مجید نیز در آیات فراوان به دوران آخرالزمان اشاره کرده است. در معارف ارزشمند اسلامی این اصطلاح در دومعنای کلی به کار رفته است:

۱. مدت زمانی طولانی که با ولادت پیامبر اسلام(ص) آغاز و با شروع رستاخیز بزرگ پایان می یابد. از این رو

آن پیامبر الاهی را پیامبر آخرالزمان نیز نامیده اند.

۲. مدت زمانی که باولادت واپسین جانشین پیامبر اسلام(ص) حضرت مهدی(ع) آغاز می شود، زمان غیبت و ظهور را در بر گرفته، با شروع قیامت به انجام می رسد.

روایات اهل بیت(ع) نشان می دهد:

الف) با سپری شدن این دوران بساط زندگی دنیوی برچیده می شود و مرحله ای جدید در نظام آفرینش آغاز می گردد.

ب) آخرالزمان خود به دو مرحله کاملاً متفاوت تقسیم می شود: دوران نخست که انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی رسیده، فساد اخلاقی و ستم همه جوامع بشری را فرا می گیرد و واپسین امیدهای بشری به ناامیدی می گراید؛ و دوران دوم که عصر تحقق وعده های الاهی به پیامبران و اولیای خدا است و با قیام مصلح جهانی آغاز می شود.

کلیات عقاید مربوط به آخرالزمان تقریباً از سوی همه فرقه های بزرگ اسلام پذیرفته شده است؛ ولی در خصوص وابستگی این تحولات به ظهور مهدی موعود و نیز هویت مهدی موعود اختلاف نظر وجود دارد. شیعیان دوازده امامی حضرت مهدی(ع) و حکومت جهانی او را حسن ختام حیات بشر در کره زمین و او را همان موعود امت ها می دانند. در نظر آنان، با ظهور حضرت مهدی(ع) برخی از ائمه و نیکان و صالحان و نیز بدان و تبهکاران تحت عنوان «رجعت» به دنیا باز می گردند و زندگی دنیایی پایان می یابد.

با گلگشتی در کلمات نورانی معصومان(ع) می توان واژه هایی را که بیانگر پیوند مهدویت و آخرالزمان است، یافت. این واژه ها عبارت است از:

۱. آخرالزمان (پایان زمان)

امام صادق(ع)، پیشوای ششم راستگویان، فرمود: «رسول گرامی اسلام(ص) به علی(ع) فرمود: آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟ عرض کرد: بله، یا رسول الله. آن حضرت فرمود: هم

اینک جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد قائمی که در آخرالزمان ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد – همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده – از نسل تو و از فرزندان حسین(ع) است.»۲

۲. «لا تذهب الدنیا » (دنیا به پایان نرسد)

این تعبیر بیانگر حتمی بودن تحقق حوادثی است که ﷺاز آن ذکر می شود. عبدالله بن مسعود می گوید: رəşĠگرامی اسلام(ص) فرمود: «دنیا به پایان نرسد مگر این که امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود.»

و روشن است دنیا به پایان نمی رسد مگر این که بخش پایانی اش (آخرالزمان) را پشت سرگذارد.

۳. « لا تقوم الساعه»(قیامت برپا نمی شود)

پیامبر گرامی اسلام(ص)فرمود: «قیامت برپا نمی شود تا این که قیام کننده ای به حق از خاندان ما قیام کند؛ و این هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید؛ و هر کس از او پیروی کند، نجات یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد... .»۴

۴. « لا تنقضی الایام » (روزها منقضی نگردد)

رسول خدا(ص) فرمود: «روزها منقضی نگردد تا این که مردی از اهل بیت من بر زمین حکومت کند که همنام من است.»۵

۵. «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد »(اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند)

امیرمؤمنان(ع) برفراز منبر در شهر کوفه چنین فرمود: «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد که مردی از خاندانم برانگیخته شود.»۶

۶. « عند انقطاع من الزمان »(در بخش پایانی زمان)

پیامبر اکرم(ص) فرمود: هنگام پایان زمان و آشکار شدن

فتنه ها، مردی هست که به او مهدی گفته می شود و بخشش بسیار دارد.»۷

نشانه های آخرالزمان این محدوده زمانی نشانه هایی دارد که اصطلاحاً «علائم آخرالزمان» خوانده می شود. علاوه بر اصطلاح رایج «علائم آخرالزمان» در فرهنگ مسلمانان اصطلاح مشابه دیگری به نام «اشراط الساعه» وجود دارد. این اصطلاح که بیش تر نزد اهل سنت رایج است، به نشانه های وقوع قیامت اختصاص دارد؛ ولی رواياتی که ذیل این عنوان ذکر شده نشان می دهد بسیاری از نشانه های آن چون نشانه های آخرالزمان است و می توان بسیاری از نشانه های آخرالزمان را نشانه های قیامت دانست.

همان گونه که اشاره شد آخرالزمان به دو بخش متفاوت تقسیم می شود. بر اساس روایات، بخش اول بسیار دشوار خواهد بود. بخشی از مشخصه های این عصر عبارت است از:

۱. گریز از دین

پیامبر گرامی اسلام(ص) ویژگی های انسان های این دوران را این گونه برشمرده است:

«زمانی بر مردم خواهد آمد که درهم های آن ها دینشان خواهد بود و همتشان شکم شان و قبله هاشان زنانشان. برای طلا و نقره رکوع و سجود به جای می آورند. آن ها همواره در حیرت و مستی خواهند بود؛ نه بر مذهب مسلمانی اند و نه بر مسلک نصرانی.»۸

۲. دنیا پرستی

رسول خدا فرمود:«زمانی بر امت من می آید که در آن زمان درون های مردم پلید می شود ولی ظواهرشان به طمع مال دنیا آراسته می گردد؛ به آنچه در پیشگاه خداوند است دل نمی بندند؛ کارشان ریا و تظاهر است؛ خوف از خدا به دلشان راه نیابد و خداوند آن ها را به عذابی فراگیر دچار سازد.

آن ها چون غریق خداوند را می خوانند؛ ولی خداوند دعایشان را مستجاب نمی کند.»۹

۳. آزمایش های بزرگ

یکی دیگر از ویژگی های دوران آخرالزمان امتحاناتی است که انسان ها در این دوران پشت سر می گذارند. با

این آزمون ها، مردم به دو گروه تقسیم می شوند: موفق ها و ناموفق ها.

پیامبر اکرم(ص)، وقتی از چهره های موفق این دوران یاد می کند، با شگفتی به علی(ع) چنین می فرماید: «ای علی، بدان شگفت آورترین مردم درایمان و بزرگ ترین آنان در یقین مردمی هستند که درآخرالزمان [با آن که پیامبر خود را ندیدند و از امام خود محجوبند، به نوشته که خطی سیاه بر صفحه ای سپید است، ایمان می آورند.» ۱۰

امیرمؤمنان علی(ع) نیز درباره نجات یافتگان این دوران می فرماید:«و آن زمانی است که از فتنه ها نجات نمی یابد مگر مؤمنانی که بی نام و نشانند. اگر در حضور باشند، شناخته نشوند؛ و اگر غایب گردند، کسی سراغ آن ها را نمی گیرد. آن ها برای سیرکنندگان در شب ظلمانی جامعه ها چراغ های هدایت و نشانه های روشنند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه انگیز. نه در پی اشاعه [فحشایند] و نه مردمی سفیه و لغو گو! اینانند که خداوند درهای رحمتش را به سوی شان باز می کند و سختی ها و مشکلاتی را از آن ها برطرف می سازد.» ۱۱

پی نوشت:

۱. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، نامه دوم پولس حواری به تیموثیوس، باب سوم.

۲. غیبت نعمانی، ابن ابی زینب، ص ۳۵۷.

۳.کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۸۲، ح ۱۴۱.

۴. عیون اخبار الرضا(ع)، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۹.

۵. بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، طبری آملی، ص ۲۵۸.

۶. کتاب الغیبه، ص ۴۶.

۷. کشف الغمه، اربلی، ج ۳، ص ۲۶۰.

۸. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

۹. کافی، شیخ کلینی، ج ۸، ص ۳۰۶.

۱۰. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۴، ص ۳۶۶.

۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

نشانه های ظهور را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نشانه های تغییر ناپذیر و تغییر پذیر

نشانه های تغییر ناپذیر را می توان به نشانه های حتمی و غیر حتمی تقسیم کرد.

علامت های

حتمی

نشانه های تغییر ناپذیر حتمی نشانه هایی هستند که یا متصل به ظهور هستند با فاصله (۱۵) روز یا چند ماه و یا متصل به ظهور نیستند و بعضی از آنها عبارتند از:

«خروج دجال»، «صیحه و ندای آسمانی»، «خروج سفیانی از وادی یابس»، «فرورفتن لشکر سفیانی در بیداء»، «قتل نفس زکیه بین رکن و مقام»، «خروج سید حسنی از دیلم و قزوین»، «کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در پایان آن»، « سه ندا در ماه رجب»، «خروج یمانی از یمن»، «انقراض بنی عباس» «جاری شدن نهری از فرات به غری»، «ظاهر شدن قحطی شدید»(۱).

علامت های غیر حتمی

این علامت ها گر چه تعداد زیادی از آنها به وقوع پیوسته و از نظر فلسفی حتمی و ضروری تلقی می شود ولی هنگامی که از آنها خبر داده می شده حتمیت آن مشخص نشده است از این رو غیر حتمی نامیده شده اند مانند «ظاهر شدن شصت مدعی دروغین نبوت»، «ظاهر شدن ۱۲ نفر از سادات مدعی امامت»، «بستن جسر بغداد»، «مسجد کردن قبرستان ها»، «خراب شدن بغداد»، «خراب شدن دیوار مسجد کوفه»، و...(۲)

این علامت ها تغییر نکرده اند و با آمدن آنها ظهور آقا مسلم محقق خواهدشد اما نشانه هایی وجود دارد که قابل تغییر می باشند.

نشانه های قابل تغییر

علی بن خنیس از امام صادق(ع) روایت می کند که شنیدم می فرمود: بعضی از علایم و امورات از محتومات است و جمله ای از آن علایم حتمی نخواهد بود یعنی احتمال تغییر و تبدیل در آن می رود شاید که خداوند آن بلاها و فتنه ها رابه فضل و کرم خود از مؤمنین دفع فرماید و شداید را بر ایشان آسان نماید و در ظهور آن بزرگوار تعجیل

فرماید»(۳).

تعـدادی از علاماتی که هنوز واقع نشده، و یا محتمل الوقوع است و اعلام به حتمیت آن نشده و احتمال تغییر و تبدیل در آنچه اراده خداونـد به آن تعلّق گرفته می رونـد عبارتند از: «ایسـتادن آفتاب در وسط آسـمان از اول زوال تا وقت عصـر بدون آنکه حرکت کند»، «طلوع نمودن خورشـید از مغرب»، «خروج یمانی از یمن»، «خروج خراسانی از خراسان»، «خروج مغربی به جانب مصـر و مالـک شـدن مصـر و نواحی آن»، «اختلاف بیرقها در شام به سـبب خروج سه نفر طالب سـلطنت» «خراب شـدن سـمت غربی مسـجد شام»، وقوع جنگ و جـدال در هر بلـد از نواحی مغرب تا یکسال که مردم به دلیل اختلاف رایات یکدیگر را می کشـند. به ویژه در شام که صد هزار نفر کشـته می شوند»، «خراب شدن شام از قتل و غارت و اقسام فتنه ها و بلاها»، «فرو رفتن قریه جـابیه در زمین در شـام»، «خروج زنـدیقی از شـهر قزوین به ریـاست»، «پایـان یـافتن سـلطنت بسـیاری از سـلاطین در اکثر کشورها»، «خروج عوف سـلمی در سـرزمین جزیره»، «خروج سـمرقندی بعد از عوف سلمی و بر پا شدن فتنه ای عظیم»، «وقوع زلزله ای عظیم در شام قبل از خروج سـفیانی که بیش از صد هزار نفر کشـته می دهد»، «ظاهر شدن آتشی تعجب آور و خوف انگیز و ترس آور، به مدت سه یا هفت روز در میان زمین و آسـمان در سـمت مشـرق زمین»، «ظاهر شدن سرخی شدید که در اطراف آسـمان پهن می شود گویا همه آسـمان را می گیرد» «کثرت قتل و خونریزی در کوفه از جهت رایات مختلف»، «کشته شدن نفس زکیه است در پشت

کوفه با هفتاد نفر از صلحا»(۴)، «وقوع جنگ عظیمی در میان آل مروان و بنی عباس در قرقیسا در کنار شط فرات»، «نزول ترک در جزیره و اهل روم در رمله»، «مسخ شدن طایفه ای به صورت میمون و خوک»، «حرکت کردن بیرقهای سیاه از خراسان»، «آمدن باران بی نظیر در ماه جمادی الثانیه و رجب» «باریدن تگرگ بسیار بزرگی در روم و جزایر که مانند آن دیده نشده»، «مطلق العنان شدن عرب در رفت و آمد و عملکرد»، «خروج سلاطین عجم از شان دو قار»، «طلوع ستاره از مشرق که مانند ماه درخشنده است»، «زنده شدن مردگان و سر برآوردن از قبرها»، بعضی از این حوادث مشروط به وجود شرطی است که اگر شرایط آن محقق شود موجود می شود و خداوند تعالی داناتر است به آن چیز هایی که باید بشود.

نتیجه

علایم بر دو قسم هستند تغییر پذیر و تغییر ناپذیر: علایم تغییر پذیر علایمی است که به اراده خداوند واقع می شود و چه بسا به جهت حکم و مصالح و مقتضیات و موانعی واقع نشود یا تغییر داده شود به نحوی که اصلح به حال بندگان خدا باشد و یا به ادعیه و طاعات بندگان ابتلاء به آن رفع شود. و از طرفی ممکن است به خاطر موانع یا مصالحی فرج به تأخیر افتد و در این باره بعضی از روایات گویا است.(۵) و این مطلب در اصطلاح«بداء» نامیده می شود و مسائلی مانند افشای راز به قتل رساندن امام معصوم و مانند آن از اموری است که تأخیر انداز فرج شمرده شده است.(۶)

توضیح بیشتر

روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی(عج)

بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی های منطقه ای و جهانی از مکه آغاز می گردد. آنگاه در سطح جهان نبردی سخت میان غربی ها و ترکان(۷) و یا هواداران آنها به وجود می آید تا جایی که منجر به جنگ جهانی می گردد. اما در سطح منطقه دو حکومت هوادار حضرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می شوند که سرانجام در آن پیروز می گردند. اندک زمانی پیش از ظهور آن بزرگوار در بین ایرانیان دو شخصیت با عنوان سید خراسانی، رهبر سیاسی و شعیب بن صالح رهبر نظامی ظاهر شده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا خواهند کرد.

پاسخ(قسمت دوم)

اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشیدن به خلاء سیاسی که در حجاز به وجود می آید همکاری می نماید.

از جمله نشانه های ظهور حادثه ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می دهد. در این هنگام نشانه های ظهور حضرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ ماه رمضان شنیده می شود پس از این ندای آسمانی حضرت مهدی(عج) به طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می نماید. درباره آن بزرگوار در سراسر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل ها جای می گیرد.

دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک شده و می کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند ازاین رو

سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشمی که دست یافته او را دستگیر و یا کشته و یا به زندان می اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیام خویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشاء از حرم شریف مکی آغاز می کند و پس از درگیری بر مکه تسلط می یابد. در صبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان های مختلف به تمام جهان ابلاغ می کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلام می دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه ای که جد گرامی اش حضرت رسول(ص) وعده فرموده محقق شود و آن فرو رفتن لشکریان سفیانی به زمین است که برای درهم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می شوند به وقوع بپیوندد(۸).

آن حضرت پس از این معجزه با سپاه خود که متشکل از ده و اندی هزار تن است از مکه رهسپار مدینه می شود و پس از نبردی با نیروهای دشمن مستقر در آنجا، مدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز و تسلط بر منطقه خاتمه می یابد. وی پس از پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می شود و در آنجا با سپاه ایران و توده های مردم آن سامان به رهبری خراسانی و شعیب بن صالح برمی خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکدیگر با قوای دشمن در بصره به پیکار می پردازند که سرانجام به پیروزی بزرگ و آشکاری دست می یابند. سپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می کند و با درگیری با بقایای

نیروهای سفیانی و گروه های متعدد شورش آنها را شکست داده و به قتل می رساند. آنگاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت خود قرار می دهد و بدین سان یمن، حجاز،ایران، عراق و کشورهای خلیج فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضرت درمی آید. بعد از آن جنگ هایی با ترکان و یهودیان صورت می پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضرت(عج) است. غربیان مسیحی از این وقایع سخت نگران شده و با حضرت اعلان جنگ می کنند ولی ناگاه حضرت عیسی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خویش جهان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می دهد. فرود آمدن حضرت عیسی(ع) برای جهان علامت و نشانه ای است که موجب شادی مسلمانان و ملت های مسیحی خواهد گردید.

به نظر می رسد که حضرت مسیح(ع) میان حضرت مهدی(ع) و غربی ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میان دو طرف بسته می شود. اما غربی ها بعد از دو سال پیمان صلح را می شکنند، لذا رومیان در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سرباز به سرزمین شام و فلسطین یورش می آورند. نیروهای اسلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضرت مهدی(عج) اعلام داشته و پشت سر وی در قدس نماز می گذارد. دراین جنگ مسلمانان پیروز می شوند. سپس غرب توسط امام فتح می گردد. پس ازفتح و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند. سپس پیکر پاک او را با پارچه ای که دست بافت مادرش مریم صدیقه(ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش در قدس به

خاک می سپارد.

پس از این فتوحات حضرت مهدی(عج) برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقدام می کند و برای تعالی بخشیدن و شکوفایی زندگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح آگاهی دینی و دنیایی مردم می کوشد.

یکی دیگر از علائم مهم ظهور پیدا شدن افراد یا جریانی به نام دجال و سفیانی است.

الف) دجال از ریشه دجل به معنای دروغگو است و بر اساس آنچه از ظاهر اخبار استفاده می شود دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام مهدی(ع) خروج می کند و انسان غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت انگیز جمع زیای از مردم را می فریبد و سرانجام به دست حضرت عیسی(ع) در منطقه شام به هلاکت می رسد. و اینکه آیا دجال شخص واحد با آن ویژگیها می باشد یا یک تفکر و جریان الحادی است در این مورد احتمالات مختلف و متعدد وجود دارد.

۱- دجال نام شخص معینی نیست بلکه هر کسی که با ادعای پوچ و بی اساس و حیله گری سعی در فریب مردم داشته باشد دجال است و از احادیث نیز این نکته قابل استفاده است. پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «لاتقوم الساعه حتی یخرج المهدی من ولدی و لا یخرج المهدی حتی یخرج ستون کذابا کلهم یقول انا نبی؛ قیامت بر پا نمی شود تا وقتی که مهدی(ع) ازفرزندانم ظهور کند و مهدی(ع) قیام نمی کند تا وقتی که شصت دروغگو خروج کند» (بحارالانوار، جلد ۵۲، ص ۲۰۹)

و در روایتی دیگر از پیامبر نقل شده است که:(پیش از خروج دجال بیش از هفتاد دجال

خروج خواهد کرد) (کنزل العمال، جلد ۱۴، ص ۲۰۰)

با توجه به روایات می توان گفت که دجال ها متعدد و متنوع است و دجال واقعی همان که در روایت از آن شخص معینی قصد شده است و دجال های دیگر که افراد شیاد و حیله گری که در پدیده های اجتماعی با ظاهر شدن سعی در فریب مردم دارند.

۲- دجال کنایه از کفر جهانی و فرهنگ مادی است که بر همه جهان سیطره دارد ؛ کشورهای مبتکری که از لحاظ قدرت مادی و صنعتی قوی هستند و مسلمانان را به نوع می فریبند و مرعوب خویش می سازند تا آن جا که مسلمانان خود را در برابر آنها خود باخته تلقی می کنندکشورهای مبتکر خصوصا استکبار جهانی با سیطره صنعتی و پیشرفت خود همه جای عالم سر می کشد و سعی در فریب مردم دارند.

ب) سفیانی از شخصیت های بنام در انقلاب حضرت مهدی(ع) است و از دشمنان سرسخت آن حضرت به شمار می رود و بنابه تصریح روایات خروج سفیانی از وعده های حتمی خداوند است امام زین العابدین می فرماید: «امر قائم از سوی خداوندحتمی است و امر سفیانی نیز از جانب خداوند قطعی می باشد و قائم ظهور نمی کند مگر پس از مرگ سفیانی» (بحارالانوار، ۵۳، ۱۸۲، نقل از کتاب عصر ظهور علی کورانی، ص ۱۱۵)

بین دانشمندان اسلامی اتفاق نظر است که وجه تسمیه او به سفیانی به خاطر نسبت داشتن با ابوسفیان است چراکه وی از تبار ابوسفیان بشمار می آید. (همان کتاب، ص ۱۱۶) و طبق روایات، فرهنگ و گرایش سیاسی سفیانی غربی است.سفیانی در حالیکه رهبری گروهی را به عهده دارد مانند شخص نصرانی صلیب بر گردن دارد و از سرزمین رومیان روی می آورد. (غیبت

طوسی، ص ۲۷۸، نقل از کتاب عصر ظهور، ص ۱۱۸)

خلاصه این که روایات سفیانی از تبار ابوسفیان است و از کینه توزترین فرد نسبت به اهل بیت(ع) می باشد با پرچم سرخ که نشانه خون آشامی او است قبل از ظهور امام(عج) خارج می شود و جنبش او بسیار خشن و در سه مرحله انجام می گیرد.

مرحله تثبیت سلطه که شش ماه طول می کشد مرحله دوم جنبش سفیانی که هجوم به عراق و حجاز می باشد، و مرحله سوم جنبش آن دفاع در برابر تحرک سپاه حضرت مهدی(ع) جهات حفظ متصرفات خود از سرزمین شام و اسرائیل و قدس و... و خروج او از آغاز تا انجام۱۵ ماه به طول می انجامد.

در کنار این دو علامت از چند علامت دیگر نیز نام برده شده است:

۱- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است.

علی(ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷).

۲- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند.

امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی کند، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می کند.

۳- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک.

امام باقر(ع) فرمود: «بین

ظهور مهدی(عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴).

۴- صیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می شود.

امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده ای از آسمان نام قائم را ندا می کند پس هر که در شرق و غرب است آن را می شنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

درباره تعداد یاران خاص آن حضرت کلیاتی وارد شده است مانند این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد واندی نفر بدون وعده پیشین گرد می آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳).

درباره ویژگی های یاران حضرت نیز طبق برخی از روایات خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است.

۵- از مهمترین علائم ظهور فراگیر شدن ظلم و جور در جهان است: این نشانه در روایات بسیار به چشم می خورد و در بعضی روایات به همین عنوان کلی مورد اشاره قرار گرفته، چنان که در روایات معروفی که با سندهای گوناگون نقل شده آمده: یملا اللّه به الارض قسطا و عدلاً بعد ما ملئت ظلما و جورا ؛ خداوند به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می سازد،پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد{M»، («سنن ابی داود»، ج ۴، ۱۰۷ و کنزل العمال، ج۱۴، ص ۲۶۴).

یا از حضرت مهدی(ع) نقل شده: علامه ظهوری کثره الهرج و المرج و الفتن... ؛ نشانه آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها وآشوبها است{M»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰).

زیاد شدن این فسادها در میان مردم، در

واقع نوعی از فراگیر شـدن ظلم و جور روی زمین است. البته فساد و گناه کم و بیش در میان مردم بوده، مهم فراگیر شـدن آن است به گونه ای که بـدی ها بر خوبی ها، ضدارزشـها بر ارزش ها غلبه می یابد. شـهید مطهری، روایتی را از شـیخ صدوق می آورد. این امر (قیام مهـدی(ع)) تحقق نمی پذیرد مگر اینکه هر یک از شـقی و سـعید به نهایت کار خود برسد. پس سـخن در این است که گروه سـعداء و گروه اشـقیا هر کدام به نهایت کار خود برسـند. سـخن در این نیست که سـعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوت برسند، (قیام و انقلاب مهدی، شهید استاد مطهری، ص ۵۷ و ۵۸).

و گسترش ظلم و فساد و فراگیر شـدن آن بـدین معنا نیست که صالحی و ظلم ستیزی وجود نخواهد داشت و هم چنین ملازم با این معنا نیست که بشـر دیگر از ظلم و فساد بر نمی گردد. با توجه به توضیحات فوق و اینکه بشر از هر نحله ای که باشد دنبال منجی و رسـیدن به عـدل وآرامش و آسایش است. این نویـد را می دهـد که جهان بشـری با توجه به ظلم و فساد و تبعیض که دامنگیرش شده در آینده خواسـتار حکومت ایده آل و موافق با فطرت الهی باشد. و اضافه بر آن رشد عقول و معارف بشر روز به بروز در ترقی می باشـد و از طرفی مکـاتب و اسم هـای مختلف امتحـان خود را در اداراه کرد جوامع پس داده انـد. بنابراین سیر بشـر به سوی گمشده ای است که بتواند با نفس مسیحای خود مرهمی بر زخم های آنان باشد و این یوسف گمشده همان مهدی(ع) است که

بشر در انتظارش می باشد. که به آمدن او هم در کتب تشریع الهی و هم در کتب تکوین و صحیفه دل ها خبرها و امیدهایی است. و موقع آمدن نیز خبرش در آسمان به گوش جهانیان از شرق و غرب می رسد. و روایات می گوید تمام انسانها در برابر این نشانه الهی وعده داده شده سر تسلیم فرود می آورند زیرا که تفسیر این گفته خداوند است. «اگر بخواهیم از آسمان معجزه ای بر آنها فرو می فرستیم که در برابر آن تسلیم فرود آوردند» (سوره شعرا، آیه ۴).

مردم از این صیحه آسمانی به ناله و فریاد درآمده و از خانه هایشان بیرون می آیند تا ببینند چه خبر است! آن ندا مردم را به خودداری از ظلم و کفر و درگیری و خونریزی و به پیروی از امام مهدی(ع) دعوت می کند.

خلاصه کلام زمان ظهور امام زمان(عج) برای هیچ کس حتی شخص امام(ع) نیز معلوم نیست و جزء مواردی است که فقط علمش نزد خداوند متعال است و در این معنا روایات متعددی داریم، در روایات ما زمان ظهور حضرت با زمان وقوع قیامت مقایسه شده است؛ یعنی، همان گونه که علم زمان وقوع قیامت منحصرا در اختیار حضرت حق - جل و علا - است، علم زمان ظهور حضرت نیز منحصرا در نزد خداوند متعال است، (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۰۷ به نقل از پیامبر گرامی اسلام(ص) مشابهاین روایت را از امام صادق(ع) در تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۱۳۷ ملاحظه فرمایید).

بنابراین کسی حق ندارد، زمانی برای حضور حضرت تعیین کند، اما متأسفانه هر از گاهی شایعاتی از این دست با استناد دروغ به برخی افراد موجه درست می شود.

مهم شناخت وظیفه است؛ ما چه بکنیم که بتوانیم به وظیفه خود در زمان غیبت عمل کنیم؟ و چه بکنیم به نزدیک تر شدن مهمان ظهور امام کمک کرده باشیم؟ و چه بکنیم که اگر امام در زمان ما ظهور کرد، ما نیز جزء یاران و یاوران آن حضرت باشیم؟ روایات ما وظیفه در زمان غیبت را معین فرموده اند، انتظار فرج و انتظار منجی. این انتظار حتما باید با ورع و عفت و صلاح همراه باشد. درروایات از انتظار فرج به عنوان برترین عبادت مؤمن در زمان غیبت نام برده شده است، (کمال الدین و تمام النقه، شیخ صدوق، صص ۶۴۷ - ۶۴۴، والشیعه والرجعه، محمدرضا الطیسی النجفی، ج ۱،صص ۲۰۰ و ۲۰۱، دارالکتب الاسلامیه).

پاسخ(قسمت سوم)

روشن است که تا زمینه قیام و ظهور آماده نشود، ظهور حضرت نیز میسر نیست و روایات ما به این نکته نیز اشاره دارند. این زمینه اولاً با کردارهای درست و به جا و خداپسندانه شیعیان و همپیمانی آنها در ایفای وظیفه الهی خود و ثانیا با دعای فراوان - از ته قلب و باخلوص نیت - حاصل می شود، (صحیفه المهدی، جواد قیدی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۳۵۰ و ۳۵۱).

برای مطالعه در زمینه ظهور امام زمان و نشانه های آن به کتابهای زیر مراجعه کنید:

۱- ظهور نور، علی سعادت پرور، نشر تشیع

۲- علائم ظهور امام زمان(عج)، محمد حسین همدانی، انتشارات صحفی

۳- نشانه های ظهور، سادات مدنی، نشر منیر

۴- از ولادت تا ظهور، کاظم قزوینی، ترجمه: فریدونی، نشر آفاق

۵- از ولادت تا ظهور، کربی، انتشارات الهادی

۶- کتابنامه امام زمان، محمدپور

۷- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، رجالی تهرانی

۸- ترجمه منتخب الاثر ، آیت

اللّه صافی

۹- مهدی موعود، ترجمه ج ۵۲ بحارالانوار، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دارالکتب الاسلامیه

۱۰- وابستگی جهان به امام زمان، لطف اللّه صافی

۱۱- امام زمان در گفتار دیگران ، علی دوانی

۱۲- علائم ظهور، محمد علی علمی

پی نوشت ها

۱. طبرسی نوری، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، علمیه اسلامیه، ج ۳، ص ۴۰۰ - ۴۰۵ و شیخ عباس قمی، منتهی الامال زندگی چهارده معصوم، فصل هفتم در علامات ظهور، بی تا، بی جا، ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۲ و حکیمی محمد رضا، خورشید مغرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی ص ۱۲۸.

۲. کفایه الموحدین، ص ۴۰۵ - ۴۱۵ و منتهی الامال ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۶.

۳. کفایه، الموحدین، ج ۳، ص ۴۲۲.

۴. ظاهراً این نفس زکیه غیر از آن نفس زکیه ای است که در علامات حتمی ذکر شده و بین رکن و مقام شهید می شود.

۵. ترجمه بحار الانوار، مهدی موعود، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دار الکتب الاسلامیه ص ۸۶۳ - ۸۶۵.

۶. همان

۷. ترکان در روایات بر غربیان تطبیق داده می شوند.

۸. چنانکه در پیش توضیح داده شد این تواریخ جزء علائم حتمی ظهور نیست.

دلیل دعا برای تعجیل فرج ایشان، همان عدالت خواهی و حقیقت جویی است که در فطرت همه ما نهاده شده است؛ زیرا، آن حضرت با ظهور خویش، حق را احیا و عدالت را در جامعه حاکم و مستقر خواهد ساخت. دعا برای ظهور زودتر و سریع تر ایشان، رسیدن به آرمان هاییاست که بشر تشنه نیل به آن بوده است.

امّا انتظار؛ باوری است بارور به عمل، که در زندگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص تجسّم می یابد، انتظار اعتقادی است در گرو عمل، عمل کردن به آنچه که فرهنگ انتظار ایجاب می کند.

رسول اکرم(ص) می فرمایـد: افضـل الاعمالاحمزهـا ؛ برترین عملهـا، سـخت ترین آن هاست{M، (مجمع البحرین فخر الـدین طریحی، مقدمه و تصـحیح آیه الله شـهاب الدین مرعشـینجفی(ره)، ص ۲۹۷). و در جـای دیگر فرموده انـد: افضل اعمال امتی، انتظـار الفرج ؛ برترین عملها، انتظار فرج است{M، (همان، ص ۵۷).نتیجه این دو مقـدمه و یـا دو روایت آن است که انتظار از دشوارترین تکالیف شرعی محسوب می شود. کشف ویژگی «انتظار» هضم چرایی عظمت پاداش منتظران را آسان تر می کند.

علی(ع) می فرمایـد: المنتظر لامرنا کالمتشـحط بـدمه فی سبیل الله ؛ منتظر امر ما بسان کسـی است که در راه خـدا به خون خود غلتیده باشد{M، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳).

آمـادگی همیشه جوهر اصـلی انتظار است و وظیفه قطعی منتظران، انتظار قیام و ظهور مهـدی(عـج) را در سـر داشـتن، آمادگی پیشین می خواهد، آمادگی در:

۱ آراسـتگی به عـدالت و تقوا: فرد منتظر باید به زیور عدالت، تقوا و پارسایی آراسـته باشد؛ پیرو واقعی و صدیق حضـرت ولی عصر(عج) کسی است که رفتار و مکتب آن جناب را الگوی عملی خود قرار دهد. رسول خدا(ص) در توصیف اوج مجاهدت و تـدین منتظران مهـدیمی فرمایـد: لاحـدهم اشـدّ بقیه علی دینه من خرط القتاد فی اللیله الظلماء، او کالقابض علی جمر الغضا، اولئک مصابیح الدجی ؛ ... هریک از ایشان بیش از کسـی که بر زجر پوست کندن درخت خار با دست خالی در شب تاریک یـا نگاهـداری آتش سوزان چوب درخت تاغ در کفـدست صبر می کنـد در دینـداری خود اسـتقامت و پایـداری می ورزد، به راستی که آنان چراغ هدایت در شب های ظلمانی اند{M،(بحارالانوار، ج ۵۲،ص ۱۲۴).

اگر فردی بتواند با اجتناب از معاصی و رعایت پروای الهی، ملکه عدالت را در خود

پدیـد آورد و بـا ایجـاد تعادل در میان قوای نفسانی خود، ارکان حیات اخلاقی را در وجود خود نهادینه سازد، آنگاه می تواند در عصر ظهور که عصر استقرار عدل ناب و مطلق است، خویشتن را با شرایط نوین تمدن توحیدی مهدوی هماهنگ سازد.

۲ آراستگی به بردباری و پایداری: فرد منتظر باید استقامت بورزد و صبر و حلم پیشه سازد؛ زیرا، با توجه به گزارش تاریخی از عصـر ظهور، (نگا: اکمال الـدین، ج ۱، ب ۲۳، حدیث ۱، الارشاد مفیـد، ص ۳۱۸ والاحتجاج الطبرسـی، ج ۲، ص ۳۱۸). در دوران ظهور فشـار زایـد الوصـفی بر منتظران مخلص و صـدیق مهـدی موعود وارد می شود، که مقـاومت و پایـداری در چنین شرایطی به توان بالای روحی نیازمند است. منتظران باید بکوشند تا به درجات بالای صبرنایل آیند.

رسول خـدا(ص) به اصـحاب خویش فرمودنـد: «پس از شـما کسـانی می آینـد که به هر یـک از آنان اجر پنجاه نفر از شـما را خواهنـد داد، اصـحاب پرسـیدند: ای رسول خـدا ما در غزوات بدر، احد و حنین با شـما بودیم و درباره ما آیاتی از قرآن کریم نـازل شـده است؛ پس چرا به آنـان پنجـاه برابر مـا ثواب داده می شود؟ حضـرت پاسـخ گفتنـد: آنـان در شـرایطی [بس دشوار خواهند بود که اگر شما در آن شرایط به سر برید، تحمّل و استقامت آنان را نخواهید داشت، (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۱).

از این رو؛ رسول گرامی اسـلام می فرماید: انتظار الفرج بالصبر عباده ؛ چشم به راه فرج داشـتن، همراه صبر و استقامت، عبادت است{M، (همان،ج ۵۲، ص ۱۴۵).

۳ بهره مندی از دین شناسی بنیادین: فرد منتظر باید فهم و تلقی صحیحی از دین داشته

باشـد، مطالعه تاریخ ادیان بیانگر این واقعیت است که ادیان بر اثر عوامل مختلف و با گذشت زمان های متمادی، آرام آرام از خلوص نخستین خود فاصـله می گیرند و خطوط اصلی و فرعیآن ها هر یک به نوعی حذف و اضافه، شدید و ضعیف، تبدیل و تغییر و تأویل و تفسـیر می شونـد؛ از همین رو، امام زمان(ع) با بـدعت ها مبارزه سـختی خواهـد کرد، (نگا: الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴، بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸).

چنانکه امیر مؤمنان می فرمایـد: «یعطف الهوی علی الهـدی، اذا عطفوا الهدی علی الهوی و یعطف الرأی علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرأی؛ [مهـدی موعود] هواهای نفسانی مردمان را به هـدایت تبـدیل خواهد کرد، آن زمان که مردم هوای نفس را بر هـدایت غالب سازنـد وآراء و نظریات را به قرآن باز خواهـد گردانیـد هنگامی که قرآن را به آرای خود باز گرداننـد، (نهج البلاغه، خ ۱۸۳ و بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۱، شارحان شیعه و سنی نهج البلاغه این عبارت را ناظر به مهدی موعود دانسته اند).

۴ اصـلاح طلبی؛ فرد منتظر باید به سـهم خود در راه اصـلاح جامعه و استقرار عدالت و رفع ظلم و تعدی بکوشد، آن که منتظر مصلح جهـانی است، خـود نیز بایـد صالـح و مصـلح باشـد، امر به معروف و نهی از منکر، مبـارزه فردی و اجتمـاعی خصوصـا باحکام جور و سلاطین نقطهبارز مصلح بودن است.

امام صادق(ع) می فرماید: « لیعد احدکم لخروج القائم و لوسـهما ؛ حتما هر یک از شـما منتظران برای قیام حضرت قائم سلاح فراهم سازد هرچند یک تیر{M، (بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۶).

به هر روی، منتظر مهدی(عج) در برابر فساد و ستم حکومت های جور بی تفاوت

نیست و مؤید آنان نیز نمی باشد پیامبر اکرم(ص) در خصوص وظایف منتظران مهدی می فرماید:

طوبی لمن ادرک قائم اهل بیتی و هو مقتد به قبل قیامه، یتولی ولیه و یتبرأ من عدوه و یتولی الائمه الهادیه من قبله، اولئك رفقائی و ذوو ودّی و مودّتی و اکرم امتی علیّ ؛ خوشا به حال کسی که به حضور قائم برسد و حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد، آنکه با دوست او دوست و با دشمن او دشمن و مخالف است و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست است، اینان همنشین و دوستان من و گرامی ترین امت در نزد من هستند{M، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰).

توصیه می کنیم در باب مهدی شناسی و مباحث پیرامون آن کتاب: در انتظار ققنوس، نوشته سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده) را که از سوی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)قم در سال ۱۳۷۹ برای نخستین بار به چاپ رسیده است مطالعه فرمایید.

ای مهر طلوع کن که خوابیم همه در هجر رخت در تب و تابیم همه

هر بر زن و بام از رخت روشن و ما خفاش وشیم و در حجابیم همه

(امام خمینی)

مؤمنین چه تکالیفی در عصر غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام دارند؟

پرسش

مؤمنین چه تکالیفی در عصر غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام دارند؟

پاسخ

در مورد حضرت مهدی (ع) وموقعیت او، شیعیان آن حضرت هر یک وظایف سنگینی بر عهده دارند، اینك به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - ایمان به حتمی بودن خروج مهدی (ع)

در روایات اهل سنّت می خوانیم که پیامبر (ص) فرمود: "من أنکر خروج المهدیّ فقد کفر بما أنزل علی محمّد"؛ "هر کس منکر خروج مهدی شود به آنچه بر محمّد (ص) نازل شده کفر {پاورقی . فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۵۸۵ و... . پاورقی}

ورزیده است."

۲ – صبوری وتمسّك به دین حق در فتنه ها

امـام صـادق (ع) فرمود: "طوبی لمن تمسّـك بأمرنـا فی غیبه قآئمنا، فلم یزغ قلبه بعـد الهـدایه..."؛ "خوشا به حال کسـی که در غیبت قائم ما متمسك به امر ما شده وقلب او بعد از {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۵۸. پاورقی}

هدایت منحرف نشود...".

۳ – تمسّك به ولایت امام غایب

امـام باقر (ع) از رسول خـدا (ص) نقل کرده که فرمود: "طوبی لمن أدرك قائم أهل بیتی وهو یأتمّ به فی غیبته قبل قیامه و..."؛ "خوشا به حال کسـی که قائم اهل بیت مرا درک کنـد و در {پاورقی . کمال الدین، ص ۲۸۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۲، ح ۱۴. پاورقی}

غیبت او قبل از قیامش به او اقتدا کند و...".

۴ – طلب معرفت امام زمان (ع) از خداوند متعال

کلینی؛ به سند خود از ابوبصیر نقل کرده که امام باقر (ع) به من فرمود: "هل عرفت إمامك؟ قال: قلت: إی واللّه، قبل أن أخرج من الکوفه. فقال: حسبك إذاً"؛ "آیا امامت را {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۲. پاورقی}

شناخته ای؟ عرض کردم: آری به

خدا سوگند قبل از آنکه از کوفه خارج شوم. فرمود: بس است تو را در این هنگام."

۵ – تجدید بیعت وثبات بر اطاعت

در دعای عهد از امام صادق (ع) می خوانیم: "اللّهمّ إنّی أجدّد له فی صبیحه یومی هذا وما عِشت فی ایامی عهداً وعقداً وبیعه له فی عنقی لاـ أحول عنها ولاـ أزول أبداً، اللّهمّ اجعلنی من أنصاره وأعوانه والذّابّین عنه..."؛ "بار خدایا! همانا من برای او [حضرت مهدی (ع)] در این {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱ ؛ مصباح الزائر، ص ۲۳۵. پاورقی}

روزم عهد وپیمان وبیعتی را در گردنم تجدید می کنم، بیعتی که از آن بازنگشته وهرگز آن را زایل نمی سازم. بار خدایا! مرا از یاران و کمک کاران ومدافعین از آن حضرت قرار بده...".

در این دعا سخن از تجدید عهد با امام خود در هر روز است.

۶ – مقابله با شبهات واشکالات

امام صادق (ع) در حدیثی فرمود: "آیاکم والشّك والارتیاب، انفوا عن نفوسکم الشکوك، وقد حذّرتم فاحذروا، ومن اللّٰه أسئل توفیقکم وإرشادکم"؛ "...خود را از شک وتردید دور کنید {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۷. پاورقی}

واز شک ها بپرهیزید، شما بر حذر داده شدید پس حذر کنید، ومن توفیق وارشاد شما را از خداوند خواستارم."

۷ – کمک ویاری برادران مؤمن

امام صادق (ع) در حدیثی جمله {وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ} در سوره "العصر" را بر مواسات وهم یاری برادران دینی منطبق ساخته اند.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۶۵۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۲۱۴، ح ۱. پاورقی}

در تفسیر امام عسکری (ع) آمده است: "هرکس متکفل یتیمی برای ما شود که محنت استتار ما او را وامانده کرده واز علوم ما که به دستش رسیده او را سرشار کند

تا اینکه ارشاد شـده وهـدایت یابـد، خداوند متعال در حقّ او می فرماید: "یا أیّها العبد الکریم المواسـی! أنا أولی بالکرم منک، اجعلوا له یا ملآئکتی فی الجنان بعـدد کلّ حرف علّمه ألف ألف قصـر..."؛ "ای بنده کریم که یاری کننده ای! من از او در این کرم اولی ترم، ای ملائکه {پاورقی . تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، ص ۳۴۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۲، ص ۴، ح ۵. پاورقی}

من برای او در بهشت به هر حرفی که تعلیم داده یک ملیون قصر دهید...".

۸ – فریب نخوردن از مدعیان دروغین مهدویت

امـام صـادق (ع) فرمود: "ولتعرفنّ اثنیعشـر رایه مشـتبهه، لایـدری أیّ من أیّ"؛ "...وبه طور {پـاورقی . کمال الـدین، ص ۳۴۷ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱، ح ۹. پاورقی}

حتم دوازده پرچم ودعوت مشتبه بر پا خواهد شد که از همدیگر تشخیص داده نمی شود...".

۹ – زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج

حضـرت مهدی (ع) در توقیعی که در جواب سؤال های اسحاق بن یعقوب فرستادند فرموده اند: "أکثروا الدعآء بتعجیل الفرج، فإنّ ذلک فرجکم"؛ "...زیاد برای تعجیل {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۸۳ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰. پاورقی}

فرج دعا کنید؛ زیرا فرج شما در آن است."

۱۰ – اجتناب از جزع

کلینی؛ به سـندش از امـام صـادق (ع) نقل کرده که فرمود: "إنّما هلک الناس من اسـتعجالهم لهـذا الأمر، إنّ اللّه لایعجل لعجله العباد. أنّ لهذا الأمر غایه ینتهی إلیها..."؛ "همانا {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۷. پاورقی}

مردم بـه جهـت عجله کردن در این امر هلا-ک شدنـد، خداونـد به خـاطر عجله بنـدگان عجله نخواهـد کرد، زیرا برای این امر نهایتی است...".

۱۱ – وقت معین نکردن برای ظهور

امام صادق (ع) فرمود: "إنّا

أهل بیت لانوقّت"؛ "...همانا ما اهل بیت وقت معین {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹، ح ۴۸. پاورقی}

نمی کنیم...".

۱۲ - دوست داشتن حضرت (ع)

در روایات فراوانی به دوستی اهل بیت عصمت و طهارت: و از آن جمله حضرت مهدی (ع) سفارش شده است، و این به نوبه خود می تواند در جلب توجه مردم به حضرت (ع) و پیروی از دستورات او و دیگر امامان تأثیر بسزایی داشته باشد.

موضوع: حسب ونسب امام مهدی علیه السلام

وظیفه ما در عصر غیبت نسبت به امام زمان(عج) چیست؟

پرسش

وظیفه ما در عصر غیبت نسبت به امام زمان(عج) چیست؟

پاسخ

بر اساس آن چه که در منابع شیعی آمده است برای پیروان مذهب امامیه در عصر غیبت آن حضرت وظایفی نقل شده، که برای نمونه، برخی از این وظایف یادآوری می شود/

۱- کسب رضایت امام عصر (عج)

رسالت اصلی شیعیان در عصر غیبت آن است که تلاش کنند عملی را بر خلاف رضای امام عصر (عج) انجام ندهند و پیوسته رفتار و سلوکی مورد تأیید و رضایت آن حضرت داشته باشند، زیرا خشنودی آن امام همام چیزی جز رضای ذات اقدس الهی نیست و رضای خداوند در عمل به فرمان ها و احکام نورانی اسلام است/

امام مهدی(عج) در این رابطه می فرماید: «فَلْيَعمَلْ لِكلِّ امرِئٍ مِنْكُم ما يُقَرِّبُ بِهِ مِن مَحَبَّتِنا و لْيَجتَنِبْ عمَّا يُدنيه مِنْ كِراهَتِنا و سَخَطِنا»; {۱} هر یک از شما باید به آن چه که به وسیله آن به دوستی ما نزدیک می شود عمل کند و از آن چه که موجب ناخشنودی و غضب ما می شود پرهیز نماید/

۲- شناخت امام زمان و معرفت به آن حضرت

وظیفه دیگر منتظران در عصر غیبت شناخت مقام والای آن امام بزرگوار است. امام صادق(ع) در این باره می فرماید: «به درستی بهترین و واجب ترین فرایض برای انسان، شناخت خداوند سبحان و اقرار به عبودیت اوست و پس از آن معرفت به

نبوت پیامبر اسلام(ص) و بعد از آن شناختن صفت و نام امامی است که در حال سختی و راحتی به او اقتدا می نماید».{۲}

۳- انتظار فرج

در روایتی از امام علی(ع) پرسیده شد که برترین اعمال چیست؟ آن حضرت فرمود: «انتظارُ الفرج». آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «و لا تَیْأَسُوا مِنْ رَوْح

الله فـاِنَّ أحبَّ الأعْمـالِ اِلَی الله عزّوجـل أَنتظارُ الفَرَجِ»;{۳} در انتظـار فرج باشـید و از رحمت الهی مـأیوس نشویـد زیرا بهترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است/

امام صادق(ع) در این زمینه می فرمایـد: «مَن ماتَ مِنکُم علی هذا الأمرِ مُنتظراً له کانَ کمَن کانَ فی فِسْـطاطِ القائِم»;{۴} فردی که منتظر ظهور امام دوازدهم باشد و در آن حال بمیرد همانند کسی است که در خیمه آن بزرگوار به سرمی برد/

۴- دعا برای حفظ وجود مبارک امام عصر(عج) و تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت

از دیگر وظایف منتظران آن حضـرت دعا برای سـلامتی ایشان است و از جمله ادعیه شـریف در این رابطه همان دعای معروف «اللهم کن لولیـک الحـجْ بن الحسن...» است. دعاهـای دیگری نیز در مفاتیـح الجنـان و سـایر کتب ادعیه در مورد آن حضـرت وجود دارد که می توان از آن استفاده نمود/

۵- صدقه برای حفظ وجود مقدس امام زمان(عج)

گر چه حفظ وجود مبارک آن بزرگوار به اراده و مشـیت الهی بسـتگی دارد ولی اسـباب یاد شـده نیز به اذن و مشـیت خداوند حکیم در این امر مؤثر است و دعـا کردن برای سـلامتی آن حضـرت ضـامن برقراری و اسـتحکام پیونـد معنوی انسان با حجت خداست و مایه سلامتی خود فرد و دفع ناگواری ها و شداید خواهد بود/

۶- استمداد و استغاثه در فتنه ها به آن حضرت

ائمه: نسـبت به شـیعیان عنایت خاصی دارند. امام علی(ع) در این زمینه می فرماید: «هر گاه مرد یا زن مؤمنی بیمار و اندوهگین باشد ما نیز محزون می شویم و هر گاه برای رفع حوایج خود دعا کند ما آمین می گوییم و هر زمانی او ساکت باشد ما برای او دعا می کنیم».{۵}

[۱].

بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۷۴/

[۲]. مکیال المکارم، موسوی اصفهانی، ج ۲، ص ۱۷۱/

[۳]. بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ۱۲۳/

[۴]. منتهی الآمال، عباس قمی، ج ۲، ص ۴۹۱ و منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۴۷۵/

[۵]. بحار الانوار، مجلسی، ج ۱۳، ص ۱۳۶/

موضوع: خواجه نصیرالدین طوسی و سقوط بغداد

وظائف اصلی یک مسلمان درزمان غیبت حضرت بقیه ا...وشرائط حساس کنونی کدامست؟(لطفاً بصورت خلاصه وتیتروار اشاره فرمائید)

پرسش

وظائف اصلی یک مسلمان درزمان غیبت حضرت بقیه ا...وشرائط حساس کنونی کدامست؟(لطفاً بصورت خلاصه وتیتروار اشاره فرمائید)

پاسخ

درخصوص سؤال شما هرچند کتب مختلف ازقبیل مکیال المکارم ونجم الثاقب آمده اما شاید بتوان آن را به دو صورت کلی تقسیم کرد :

الف : حقوق عامه یعنی حقوقی به لحاظ امامت آن بزرگوار باید رعایت شود واز این رو آن حضرت با امامان دیگر دراین حقوق مساوی بوده وهمه معصومین"علیهم السلام" درزمان خود ازآن برخوردارند :

۱. معرفت نسبت به مقام والای حضرت ولی عصر"ارواحنافداه"

۲. نصیحت، یعنی خیرخواهی کردن مثل دعوت به سوی او

۳. اطاعت خالص ودربست

۴. اقتداء وپیروی نمودن ازآن بزرگوار

۵. حفظ موقعیت آن حضرت که درجه مقامی می باشد

۶. جلب رضای آن حضرت

۷. یاد آن حضرت

۸. دلبستگی وتعلق قلب

اینها حقوق مستقیم آن حضرت بود.

ب : نوع دیگری از حقوق است که به طور غیر مستقیم وبا واسطه است :

۱. حقوق آن حضرت دررابطه با زمان مثل شب نیمه شعبان

۲. حقوق آن حضرت دررابطه با مکان، مثل مسجد جمکران

۳.حقوق آن حضرت دررابطه با اشخاص، مثل علماء ومراجع البته باید به یک نکته مهم نیز درآخر اشاره کرد و آن این است که آگاهی وبینش به مسائل روز ومسائل سیاسی ودینی یکی از وظایف خطیر منتظران می باشد.

۱) با استفاده ازکتاب حقوق فراموش شده امام زمان"عج" آیت ا...کریمی جهری"حفظه ا..."

– وظایف یک منتظر واقعی چیست ؟ مخصوصا یک زن.

پرسش

– وظایف یک منتظر واقعی چیست ؟ مخصوصا یک زن.

پاسخ

در پاسخ باید گفت افرادی که از زیر بار هر نوع مسولیت اجتماعی و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی می کنند، در مقابل انواع فساد و بیداد گری ساکت و بی اراده اند صحنه های رقت انگیز فساد ودیگر ظلم و ستم ها را تماشا می کنند، و در مقابل تمام این حوادث بیش از این عکس العملی نشان نمی دهند که می گویند،خدا فرج امام زمان«عج» را نزدیک کند تا جلو مفاسد را بگیرد گمان نمی کنم وجدان شما این مطلب را باور کند و این افراد سست عنصر را در دریف افرادی قرارد دهد که برای دفاع از دین دست از زن و بچه و مال و ثروت خودشان کشیده و در میدان جهاد ، جان گرامی خویش را سپر بلا قرار داده و در این راه شربت شهادت را نوشیده اند.

مهمترین وظایف مسلمانان در زمان غیبت:

اولا : در اصلاح نفوس خودشان کوشش وجدیت کنند به اخلاق نیک آراسته شوند به وظایف فردی خودشان عمل نمایند و احکام و دستورات قرآن را به کار ببندند.

ثانیا : احکام و برنامه های اجتماعی اسلام را استخراج کنند و در بین خودشان به طور کامل اجرا سازند، به واسطه اجرای برنامه های اقتصادی اسلام مشکلات اقتصادی خود را حل کنند و با فقر و بیکاری و تمرکز ثروتهای غیر مشروع مبارزه نمایند، و با به کار بستن قوانین نورانی اسلام جلوی ظلم و بیداد گری را حتی المقدور بگیرند، و به طور خلاصه احکام و برنامه های سیاسی اجتماعی اقتصادی حقوقی

و عبادی اسلام را به طور کامل در بین خودشان اجرا نمایند ، و نتایج درخشان آن را عملا در پیش جهانیان مجسم سازند .

در تحصیل دانش و صنایع جدیت نماینـد و غفلت و سستی و عقب افتادگی سابق شان را جبران کننـد نه تنها خودشان را به کاروان علم بشری برسانند، بلکه از هرجهت بر جهانیان تقدم جویند عملا به جهانیان بفهماند که احکام و قوانین نورانی اسلام می تواند ،مشکلاتشان راحل کند و سعادت دو جهانی آنان را تضمین نماید. بابه کار بستن قوانین و برنامه های نورانی اسلام یک دولت نیرومنـد و مقتـدر اسلامی بوجود آورند و به عنوان ملت متمدن و نیرومند . مستقل اسلامی در صحنه گیتی ظاهر شوند .

نیروی شرق و غرب را مهار کننـد و مقام رهبر جهانیان را اشغال نمایند در تقویت نیروی رفاهی و تصمیم قوای نظامی و تهیه سلاحهای جنگی تا سر حد قدرت بکوشند.

ثالثا: طرحهای و برنامه های سیاسی اقتصادی و اجتماعی اسلام را استخراج کنند و به سمع جهانیان برسانند و ارزش و مزایای برنامه های خدایی را برای بشر اثبات کننـد افکار جهانیان را برای پـذیرفتن قوانین خـدایی آماده سازنـد و اسباب و مقـدمات حکومت جهانی اسلام و مبارزه با ظلم و بیداد گری را مهیا نمایند .

اما افرادی که حل مشکلات را از قوانین موضوعه بشری انتظار دارند و قوانین اجتماعی و سیاسی اسلام را به طور کلی نادیده گرفته اند، احکام اسلام را در مساجد و معابد محصور کرده و در بازار و اجتماعشان اثری از اسلام دیده نمی شود انواع فساد و بیدادگری را مشاهده می کنند و به

جز تحقق خدا فرج امام زمان«عج» را نزدیک کند عکس العملی نشان نمی دهند . در علوم و صنایع کاسه لِیس دیگرانند، اختلافات داخلی و پراکندگی در بینشان حکفر ماست با اجانب می سارند .ولی با خودشان نمی سازند.

و یک زن منتظر وظیفه اش اینست که خوب شوهر داری کند و تربیت بچه و نسلی اسلامی و شاگرد امام زمان تربیت کند. وانشاء الله خداوند توفیق به همه مؤمنان بدهد.

امام صادق علیه السلام » فرمود : هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد . درعصر انتظار مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد ، در دینداری و تخلق به اخلاق اسلامی و دستورات حلال و حرام بکوشد .

منابع :

۱–سیمای آفتاب , دکتر حبیب الله طاهری

۲– تجسم امید و نجات , عزیز الله حیدری

۳–سیمای مصلح جهان , مراد فیض

۴–ارتباط مصلح جهان , مراد فیض

۵–ارتباط معنوی با حضرت مهدی , حسین گنجی

۶–خورشید مغرب , (فصل سیزدهم) ، محمد رضا حکیمی

نسبت به امام زمان

شناخت امام

چه اهمیتی دارد که بخواهیم حضور امام در جامعه را برای خود و دیگران ملموس تر و عینی تر سازیم ؟

پرسش

چه اهمیتی دارد که بخواهیم حضور امام در جامعه را برای خود و دیگران ملموس تر و عینی تر سازیم ؟

پاسخ

اعتقاد ما به حاضر بودن امام در جامعه و در نتیجه اطلاع او از اعمال ما سبب می شود که ما مواظب اعمال خود باشیم و خود را اصلاح کنیم و در محضر خدا و رسول و امام زمان(ع) معصیت نکنیم در تفسیر این آیه قرآن: «و قل اعملوا فسیری الله

عملکم و رسوله و المؤمنون؛ بگو هر عملی می خواهید انجام دهید پس آن را خدا و رسول و مؤمنین می بینند»۱

روایات۲ فراوانی وارد شده است که مراد از مؤمنین ائمه اطهار هستند و الان امام زمان در جامعه حضور دارد اگرچه ما شخص او را نمی شناسیم و از اعمال ما مطلع می شوند و از برخی اعمال ما ناراحت شده و از برخی اعمال ما خوشحال می شوند ودعای خیر می کنند. چه اینکه امام صادق(ع) گاهی به بعضی افراد می فرمودند این عملی که تو فلان مکان و در فلان وقت انجام دادی باعث خوشحالی من شد.۳ بنابراین، اعتقاد به حاضر بودن امام در جامعه یک اعتقاد مثبت و سازنده است.

پی نوشت ها:

۱.سوره‌ء توبه، آیه ۱۰۵.

۲.تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۶۳.

۳.عده الداعی ، ص ۱۹۳.

دعابرای شناخت امام زمان ۷یعنی چه ؟ این شناخت چگونه حاصل می شود؟ آیانشانه ای مبنی بر شناختن یا نشناختن امام عصر۷جود دارد؟

پرسش

دعابرای شناخت امام زمان ۷یعنی چه ؟ این شناخت چگونه حاصل می شود؟ آیانشانه ای مبنی بر شناختن یا نشناختن امام عصر۷جود دارد؟

پاسخ

این دعا در بحارالانوار, جلد ۵۲ صفحه‌ء ۱۴۶آمده است که زراره ازامام صادق ۷درباره‌ء حضرت مهدی ۷مطالبی را بیان می کند. زرازه گفت : .

مرحوم مجلسی این حدیث را از کتاب مرحوم صدوق نقل می فرماید.

عرفان و معرفت به معنای فهمیدن و ادراک هماره با تدبّر و تفکر است .(۱)

این واژه گر چه به معنای مطلق فهمیدن و ادراك است , امّا متعلقی می خواهد ;مثلاً شناخت خدا و پیامبر و حقّ او و حق امام .

از موارد استعمال درباره‌ء شناخت و عرفان نسبت به امامان : استفاده می شود: مراد از شناخت امامان , شناخت حقّ امامت آنان است . چند مورد به عنوان شاهد ذکر می شود:

من زار الحسین ۷عارفاً بحقّه کتب اللّه له ...; من اتی قبر الحسین ۷عارفاً بحقّه غفرالله له ; من جاء الی هذا البیت عارفاً بحقه ...; أُشهد کم أنّی ... بحقّکم عارف ;أُشهد کم أنّی ... مطیع لکم عارفٌ بحقّکم ; من مات لیله الجمعه عارفاً بحقّنا أُعتق من النار; من زار امیر المؤمنین عارفاً بحقّه ... کتب الله ....(۲) و موارد فراوان دیگری که در

روایات به چشم می خورد.

پس مراد از شناخت امام , شناخت اسم و رسم و قیافه نیست , بلکه شناخت مقام امامت و اعتراف و قبول امامت او است . در این صورت است که معنای جمله ء معلوم می گردد.

البته هر شناختی نیاز به مقدماتی دارد. ما اگر بخواهیم مقام امامت امیرالمؤمنین ۷یا سایر ائمه را بدانیم ,

باید اسم و رسم و مشخصات و صفات وخصوصیات او را بدانیم .

حضرت حجّت ۷درباره‌ء نام : محمّد و نام پدرش : حسن ۷و کنیه‌ء او: ابوالقاسم می باشد. ایشان فرزند نهم از نسل امام حسین ۷است : محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین و امام حسین هم فرزند امیرالمؤمنین ۷است که مادرش : فاطمه‌ء زهرا۳دخت پیامبر۶ی باشد.

پیامبر۶فرمود: . سلمان گفت : پیامبر۶فرمود: .(۳)

(پاورقی ۱.راغب اصفهانی , المفردات , ص ۳۳۱

(پاورقی ۲.معجم بحارالانوار, ماده‌ء عارف , ج ۹ ص ۱۹۵

(پاورقی ۳.بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۷۹

روایت هر کس بدون معرفت به امام زمانش بمیرد مرگ او مرگ جاهلی است , آیا در زمان غیبت در مورد ولی فقیه هم صدق می کند و یا مراد از اما,امام معصوم است ؟

پرسش

روایت هر کس بدون معرفت به امام زمانش بمیرد مرگ او مرگ جاهلی است , آیا در زمان غیبت در مورد ولی فقیه هم صدق می کند و یا مراد از اما,امام معصوم است ؟

پاسخ

می توان گفت : این است که رایت , امام معصوم را به طور قطع شامل می شود, لذا هر کس امام معصوم را معتقد نباشد و بمیرد, مردنش مانند مردن جاهلی است , ولی از روایات استفاده می شود که در زمان غیبت حجت شرعی و نائب مناسب حضرت مهدی ۷ فقیه جامع الشرائط می باشد و بر مردم حجّت است واجب است فتواها و دستورهای او را قبول کنند و اگر قبول نکنند مانند این است نظر امام معصوم را قبول نکرده و آن در حدّ شرک به خدا است .(۱) و کسی که مشرک بمیرد مردنش همان مردم زمان جاهلی است .

در حدیث دیگر از حضرت مهدی ۷آمده : فقها, (راویان حدیث) حجت من بر شمایند و من حجت خداهستم .(۲)

(پاورقی ۱.حرّعاملی , وسائل الشیعه , ج ۱۸ ص ۹۹

(پاورقی ۲.همان , ص ۱۰۱

با توجه به حدیث "من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه" مقصود از شناخت امام زمان(ع) چیست؟

پرسش

با توجه به حدیث "من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه" مقصود از شناخت امام زمان(ع) چیست؟

پاسخ

مقصود این است که معتقد باشیم امام زمان(ع) فرزند امام حسن عسکری(ع) و دوازدهمین و آخرن امام از ائمه معصوم(ع) هستند که منصب امامت را عهده دار هستند، و پس از وفات پدر بزرگوارشان تنها نماینده مستقیم بشری خدا و مظهر رحمت او روی زمین، تنها مایه امید مردم در تاریکی های ظلم و جور هستند و تا زمانی که فقط خدا می داند، از دیده عامه مردم پنهان خواهند بود و در پرده غیبت به سر خواهند برد.

اگر کسی چنین اعتقاد و شناختی نسبت به حضرت مهدی(ع) نداشته باشدو با این حال مرگش فرا رسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است، امام معصوم از نظر شیعه داری مناصب و شئونی است.(۱)

یکی از مناصب امام معصوم رهبریت جامعه است؛

یعنی زعامت و رهبری اجتماع مسلمانان به عهده امام است. در این اجتماع رهبر می خواهد، هیچ کس تردید ندارد. شیعه و سنی قبول دارند جامعه به یک زعیم و فرمانده عالی نیاز دارد. سنی می گوید: رسول اللّٰه (ص) بعد از خود کسی را به رهبری مشخص نفرمود، لیکن شیعه به دلایل قاطعی که داردمی گوید: این منصب پس از رسول اللّٰه (ص) توسط شخص پیامبر که او هم از طرف خدا مأمور بوده، به علی(ع) واگذار شده و یازده امام بعد ازعلی(ع) هم مشخصاً تعیین گردیده اند.

منصب دیگرامام جانشینی پیغمبر در بیان دین است؛

یعنی امام مرجعیت دینی جامعه را عهده دار است. همه دستورهای اسلام از طرف خدا به پیامبر(ص) وحی شد، لیکن زمان اجازه نمی داد، تمام قوانین اسلام

بیان شود. نیزآن چه بیان شده بود، بعضاً نیاز به توضیح و تبیین و تفسیر داشت. چنان که برای قرآن کریم تفاسیر متعدد نوشته شده است.

پیامبر(ص) علی(ع) را وصی و جانشین خود تعیین کرد و او را تعلیم داد، به طریق رمزی و غیبی همان گونه که خود از طرف خدا تعلیم یافته بود، به گونه ای که در گفته اش خطا و اشتباه نباشد به مردم گفت: بعد از من در مسایل دینی هر چه می خواهید از علی(ع) سوال کنید و از اوصیای بعد از او سؤال کنید. خطا و اشتباه گفته آنان نیست، و ناگفته ای از جانب خدا نیست مگر این که آنان می دانند، و هر چه آنان گفتند عین واقعیت و حق است.

در واقع امام کارشناس اسلام است. هر سؤال دینی از او سؤال شود و او جواب دهد، جوابش متن اسلام است و اشتباه در آن راه ندارد. امام مثل یک مجتهد نیست که گاه حرفش اشتباه دراید و تبدّل رأی پیدا کند. امام آن چه بگوید، حق و واقع است. بنابر این دین را باید از امام گرفت. کسی که می خواهد دین داشته باشد، باید مرجع دینی خودش را هم بشناسد و بداند دین را ازکجا بگیرد. این که انسان دین داشته باشد، ولی دینش را از مأخذی بگیرد که ضد آن است، عین جاهلیت است، مثل این است که به جای آب، سم بخوری. کسی که امام زمانش را نشناسد، قهراً دینش را هم از او اخذ نخواهد کرد، در این صورت مرگ او مرگ جاهلیت است که در زمان جاهلیت مردم در حال شرکت و بت پرستی مُردند.

منصب دیگر امامت

شأن ولایت امام است. این شأن اوج مفهوم امامت است؛ یعنی امام علاوه بر داشتن مقام رهبری امامت امت و مرجعیت دینی و علم لدنی به کلیات وجزئیات اسلام و مقام عصمت دارای یک روح کلی، محیط برهمه روح ها است. وحال معنویت کلی انسانیت است، او بر دل ها مسلط است و اعمال مردم بر او عرضه مس شود و بر همد مردم حاضر و ناظر است.

همان گونه که عالم محضر خدا است، محضر امام هم است، البته با عنایت الهی. چنین انسان کاملی همیشه باید بین مردم باشد و هیچ وقت نبوده و نخواهد بود که زمین از یک انسان کامل که امام است خالی باشد.

امام صادق(ع) فرمود: "اگر در زمین بیش از دو نفر نباشد، یکی از آنان حتماً امام خواهد بود".(۱)

امام رضا(ع) فرمود: "زمین بی امام نمی گردد و گر نه فرو خواهد رفت".(۲)

در زیارت نامه امامان می خوانیم: اشهد انک تشهد مقامی و تسمع کلامی و ترد سلامی؛ گواهی می دهم که تو الان وجود مرا در این جا حس می کنی، و سخن مرا می شنوی و جواب سلام مرا می دهی".(۳)

پس امام حجت خدا در زمین و واسطه فیض الهی بر مردم است و از مقام بسیار بالایی برخوردار است.

امامت بااین ویژگی ها از چنان اهمیتی برخوردار است که بدون آن اسلام، اسلام نخواهد شد، چنان که خداوند خطاب به پیغبر می فرماید: "آن چه بر تو نازل شده (امامت علی(ع)) را برسان و اگر نرسانی، رسالت الهی را تبلیغ نکرده ای."(۴)

نتیجه: مرا از شناخت امام زمان(ع) این است که بدانیم حضرت مهدی(ع) دوازدهمین اختر تابناک امامت (باشئون سه گانه: رهبری، مرجعیت دینی و ولایت مطلقه) است که از طرف

خدا منصوب و به مصالحی از دیدها غایب می باشدو ناظر بر اعمال ما است. در واقع ما از او غایبیم، نه او از ما؛ ما هستیم که شایستگی دیدارش را نداریم و گر نه او حاظر و ناظر است و ولایت کلیه دارد.

و در واقع اضطرار فریاد رس شیعیان است.

این که در زیارت نامه ها آمده:"عرفاً بحقك" یعنی به حق ولایت عارف باشیم و از ما به ما نزدیک تر است واز ما در به ما مهربان تر، چرا که عشق مادر غریزی است، ولی عشق آقا الهی و آسمانی است. او واسطه فیض الهی است و می خواهد آلودگی های نشسته بر بال روحمان را بزداید، و به اوج آسمان ها و کنکره عرش الهی پرواز دهد. او روزی که خدا می داند، ظهور خواهد کرد و سراسر زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود.

بارالها! همه ما را از منتظران واقعی و یاوران حقیقی حضرت قرار ده.

پی نوشت ها:

۱ - ابراهیم امینی، دادگستر جهان به نقل از اصول کافی. ج ۱، ص ۳۳۴ و ۳۳۵.

۲ - همان.

۳ - مفاتیح الجنان، ص ۸۳۳ و ۸۷۵.

۴ - مائده(۵) آیه ۶۷.

راه های آشنایی کودکان و نوجوانان و آشنا ساختن آنان با امام زمان(ع) چیست؟

پرسش

راه های آشنایی کودکان و نوجوانان و آشنا ساختن آنان با امام زمان(ع) چیست؟

پاسخ

درخصوص آشنایی کودکان با فرهنگ مهدویت و امام زمان(ع) می توان از عواملی که در روان شناسی تربیتی از آن سخن به میان آمده، استفاده کرد. البته با توجه به این نکته که مخاطبان ما در این مورد کودکان و نوجوانان هستند، از این رو شیوه های مورد استفاده باید متناسب با ظرفیت، قابلیت فهم و پذیرش کودکان و نوجوانان باشد.

این برنامه ها به صورت برنامه ریزی شده توسط مسئولان نظام اسلامی، در سطح مدرسه و اجتماع و به صورت خود جوش و از سر ایمان و اعتقاد در سطح خانواده باید به اجرا در آیند.(۱)

أ: محیط خانه (خانواده)

بی تردید نقش والدین و خانواده در تربیت کودکان و نوجوانان نقش بنیادی و مهمی است، زیرا کودکان آینه تمام نمای اعتقادات، باورها، ارزش ها، ایمان و تربیت والدین و بزرگ ترهای خانواده هستند و براساس نظام فکری و عملی خانواده تربیت می شوند. آن ها با آن چه در محیط خانواده می گذرد، انس پیدا می کنند و همین زمینه گرایش های آنان را فراهم می کند. مقید بودن والدین به انجام آداب دینی و مشاهده محبت و علاقه آنان به اهل بیت و به ویژه مهدی موعود، موجب می شود که کودکان با این نوع اندیشه مأنوس شوند.

به مرور زمان با رشد محبت و علایق درونی، زمینه های اعتقاد قلبی و عقلی نیز در آنان پدید آید. در نتیجه والدین بتوانند با رفتار و گفتار خود، فرهنگ انتظار و محبت به اهل بیت را انتقال دهند.

بر این اساس یکی از شیوه های مهم نهادینه نمودن اندیشه مهدویت، رفتار والدین است، که تأثیر آن بسیار فراتر از گفتار

است.

ب): مدرسه و اجتماع

پس از محیط خانه، محیط مدرسه و اجتماع نیز در شکل گیری شخصیت کودکان و باورهای آنان نقش مهمی دارد. مسئولان و نهادهای ذی ربط مانند آموزش و پرورشی آموزش عالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مراکز تربیتی، مؤسسات فرهنگی، مساجد، حسینیه ها و... همگی باید تلاش کنند ضمن آماده سازی اذهان عموم مردم درباره مهدی موعود، مفهوم انتظار را مفهومی ضروری و ارزشی قرار دهند و این تنها با یک برنامه ریزی منظم و حساب شده قابل دسترسی و پیگیری است.

امروزه دنیای غرب با توجه به خطری که از اشاعه این مفهوم و قدرت سازندگی آن در نسل های جوان و نوجوان احساس می کند، تلاش می نماید به شیوه های مختلف چهره مهدی موعود و وضعیت آخرالزمان را مخدوش و نگران کننده ارائه دهد. در اکثر فیلم هایی که با این هدف (یعنی لوث کردن اندیشه مهدویت و تخریب آن) ساخته شده، منجی فردی جنایت پیشه، جنگ افروز و مسلح به انواع سلاح های عجیب و غریب نشان داده می شود که دنیا را زیرورو کرده و ملت ها را در آستانه یک فاجعه فراگیر انسانی قرار می دهد. این نوع تبلیغات منفی که جراید و مجلات و پرده سینماها تا بازی های کامپیوتری را اشغال کرده، درصدد نابود ساختن فرهنگ مهدویت و تخطئه باور به آن است.

در نتیجه، در روزگار ما ضرورت آشناسازی اقشار مختلف جامعه با فرهنگ مهدویت، بیش از پیش احساس شده و وظیفه ای است که در پاسداری از این میراث الهی به عهده نظام اسلامی، نهادهای مسئول و خانواده ها نهاده شده است. در این میان، آشنا سازی کودکان و نوجوانان با این فرهنگ و اندیشه حائز اهمیت است. این

آشنایی در عرصه خانه، مدرسه و اجتماع می تواند از راه ها و روش های گوناگونی حاصل شود که به اختصار به توضیح بعضی آن ها بسنده می کنیم:

۱. الگو سازی

یکی از شیوه های کاربردی آموزش و تربیت، الگودهی است، زیرا الگو گرایی و قهرمان سازی از ویژگی های همه انسان ها است. این خصیصه درکودکان و جوانان بسیار قوی و پر رنگ می باشد، از این رو کودکان و نوجوانان در پی الگوها بوده و از رفتار و گفتار آنان پیروی می کنند. اگر مربیان و مسئولان امر تربیت بتوانند در الگو دهی موفق شوند به اهداف تعلیم و تربیت در این باره دست یافته اند.

برای آشنایی کودکان با اندیشه مهدویت، باید هم امام زمان(ع) را معرفی نمود و هم به ترسیم سیمای حکومت آرمانی او پرداخت.

بهتر است سیمای حکومت امام زمان(ع) در قالب داستان، شعر و تصویر بیان شود و به کودکان فهمانده شود در حکومت جهانی حضرت، عدالت و امنیت به گونه ای برقرار می گردد که گویا گرگ در کنار گوسفند زندگی می کند. از سوی دیگر درحکومت حضرت، ظلم و ستم از بین رفته و انسان های فقیر و مستضعف وجود ندارند؛ مضافاً بر این که علم و صنعت پیشرفت نموده و رهبر حکومت ،کودکان را دوست می دارد. او با خوشحالی مردم، خوشحال و با ناراحتی اینان ناراحت می شود.

در معرفی حکومت امام زمان(ع) باید از بیان قیام و جنگ های حضرت با مخالفان به طور مشروح پرهیز شود، زیرا کودکان قدرت تحلیل این گونه مطالب را ندارند و تفکر خشونت و جنگ در ضمیر ناخودآگاه آنان تأثیرات نامطلوبی می گذارد. البته با کنایه و غیر مستقیم و با نهایت ظرافت و دقت می توان از ستمکاری حکومت های پیش

از ظهور امام زمان(ع) سخن گفت تا کودکان با مقایسه اجمالی حکومت امام با حکومت های پیش از ظهور، جذب حکومت حضرت شوند.

۲. تعظیم و تکریم

تعظیم و تکریم اهل بیت(ع) به ویژه امام زمان(عج) از روش های دیگر است.

احترام گذاردن به خاندان پیامبر (مثلاً نام ائمه را با احترام یاد کردن؛ همراه اسم شان سلام و صلوات فرستادن؛ به احترام امام زمان(ع) برخاستن؛ روز میلاد ائمه و به خصوص نیمه شعبان را جشن گرفتن و پخش شکلات و شیرینی و امور جذاب کودکان سبب می شود که کودکان در درون خود نسبت به این خاندان احساس حرمت و بزرگی کنند.

بردن کودکان به زیارتگاه های اهل بیت مانند بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س)، مسجد جمکران و... در شکل گیری باور آنان به اهل بیت بسیار تأثیر گذار است.

۳. بیان فضایل و فرهنگ اهل بیت(ع)

یکی از راهکارهای کاربردی آشنایی کودکان با اندیشه مهدویت بیان و شناساندن فضایل و فرهنگ اهل بیت به ویژه امام زمان(ع) است.

چاپ و انتشار کتب مخصوص کودکان و نوجوانان، اختصاص بخشی از کتاب های درسی به اهل بیت و فرهنگ مهدویت، سبب می شود کودکان و نوجوانان از همان آغاز با برخی از مفاهیم مهدویت آشنا گردد.

از سوی دیگر، صدا و سیما و مطبوعات و... می توانند ابعاد زندگانی امام را در قالب داستان، شعر و نمایش و مسابقات مخصوص کودکان آموزش دهند.

اگر معارف اهل بیت(ع) به درستی آموزش داده شود، همگان جذب آنان می گردند، زیرا معارف آنها با فطرت انسان همسویی کامل دارد. در حدیثی آمده است:"ان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتّبعونا؛(۲) اگر مردم خوبی های سخنان و تعالیم ما را بشناسند، از ما پیروی می کنند".

۴. برگزاری

و شرکت در مجالس مذهبی

یکی از راهکارهای مهم دیگر برگزاری مجالس مذهبی و شرکت دادن کودکان در آن ها است. همراه بردن کودکان در مراسم جشن ولادت امام زمان(ع) و دیگرمناسبت های مذهبی که مورد علاقه کودکان است، برای پرورش عواطف دینی کودکان بسیار مفید است. البته باید دقت کرد که شرکت در این گونه مجالس فراتر از طاقت و حوصله آنان نباشد.(۳)

شرکت دادن کودکان در اردوهایی که با نام و یاد امام زمان(ع) برگزار می شود نیز یکی از شیوه های مفید در تقویت اندیشه مهدویت خواهد بود.

۵. تشویق و ترغیب

یکی از شیوه های مهم تربیتی استفاده از تشویق است. تشویق وسیله ای برای ایجاد شوق و انگیزه و رغبت به کارهای نیک است. اگر کودکان بعد از انجام کاری شایسته مورد تشویق قرار گیرند، شیرینی تشویق در خاطره آن ها باقی می ماند و انگیزه شان در تکرار آن عمل قوی تر می شود. مثلاً زمانی که کودک در جشن میلاد امام زمان(ع) شرکت کرد یا در مسابقه ای درباره اندیشه مهدویت برنده شد، باید مورد تشویق قرار گیرد.

تشویق روح او را تقویت کرده و احساس رضایت و خشنودی از انجام کار در او به وجود می آید. همین احساس خشنودی، کودک را به تکرار آن دعوت می کند.

۶. شبهه زدایی

متأسفانه امروزه برخی به القای شبهه پرداخته و باورهای دینی همگان و به تبع کودکان را تضعیف می کنند. علاوه بر ساخت فیلم ها و تبلیغات نظام یافته دنیای غرب که ذکر آن گذشت، در داخل کشور نیز افراط و تفریطهای در تعریف و تفسیر اندیشه مهدویت صورت می گیرد که موجب تضعیف باور مهدویت می شود. کودکان که تجربه و دانش نداشته و احساسات آنها بر اندیشه

و عقل حکومت می کنـد، زودتر تحت تأثیر این نوع آسـیب ها قرار می گیرند. بر این اساس یکی از شـیوه های مفید تقویت و حفـظ انـدیشه مهـدویت، شـبهه زدایی است. البته شـبهه زدایی بایـد با میزان معلومات، احساسات و عواطف کودکان همسویی داشته باشد؛ زیرا شبهه زدایی برای کودکان با شبهه زدایی برای دیگر اقشار جامعه تفاوت دارد.

پی نوشت ها:

۱ – محمد علی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۲، ص ۱۵۷ – ۱۵۸

۲ – بحارالانوار ج ۲، ص ۳۱.

۳ – محمد علی سادات، همان، ص ۱۶۲.

برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟

پرسش

برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟

پاسخ

منتظر واقعی کسی است که خود را از هر جهت آماده ظهور حضرت نماید. و باطل را از هر جهت از خود دور کند. شرط لازم برای این امر دینـداری و دیـانت پیشگی است. فرد منتظر می بـایست کاملاًـ بر اعمالش مراقبت و مواظبت نمایـد و از هر گونه سستی و انحراف دوری گزینه امام صادق(ع) فرمود: "هر که خوش دارد در شـمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و با ورع باشد".(۱)

امّا در مورد درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) می گوییم:

ارتباط با امام زمان(ع) دو گونه است: مسـتقیم و غیر مسـتقیم. ارتباط مستقیم. رؤیت جمال نیکو و مشاهده حس وجود مبارک حضرت است، که کلید آن در ارتباط غیر مستقیم قرار دارد.

ارتباط غیر مسـتقیم، مقـدمه لازم و جـدا ناپذیر ارتباط مسـتقیم است و تنها نردبانی است که می توان با آن از مُلک به ملکوت وارد شد و بر آسـتان آسـمان انسانیت قدم گذاشت و از شـعاع مهر انگیز خورشـید بلندترین آسمان هستی بهره برد. ارتباط غیر مستقیم، ارتباطی علمی، عملی، قلبی و عاطفی است.

فاخلع نعلیک انک بالواد المقـدس طوی.(۱) از تـدبّر و تأمل در آیه فوق شایـد بتوان تا حـدودی متوجه گردید که برای دیدار

"دلدار" حقیقت پرستان چه لازم است و برای سفر به کوی "محبوب" چه باید همراه داشت؟

مقرر شد که حضرت موسی(ع) در سرزمین مقدس و از طریق درختی(۲) با حق تعالی سخن بگوید و به ملاقات معنوی خدا برود. فرمان رسید: ای موسی! در

سرزمین مقدسی گام نهاده ای. سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه گر است. پیام خدا را در آن جا می شنوی (پس) با نهایت خضوع و تواضع در این سرزمین گام گذار و کفش هایت را بیرون آر که در سرزمین مقدس طوی هستی.

به موسای کلیم گفته شد: می دانی که در چه مکان و سرزمین مقدسی هستی؟ این جا حضیره قرب خدا و محل حضور و مناجات به درگاه او است. پس شرط ادب به جای آور، کفشت را بکن.(۳)

شما که درخواست دیدار با جلوه کمال مطلق و نگاه به نور الهی را دارید. این امر شدنی و ممکن است. اما شرایط و شایستگی ویژه ای می طلبد. چشم و دل لایق، گوش و زبان محبوب پسند می خواهد تا مطلوب محبوب گردی و زیارتش ممکن شود. آن شرایط و ویژگی ها را در کلام خدا با کلیمش می توان جست؟

۱ بازگشت به حق

برای دیدار امامی که مظهر اسم اعظم حق است ضروری ترین و بدیهی ترین شرط، بازگشت به "حق تعالی" است: "فاخلع نعلیک" کفش های دل بستگی به غیر خدا را از دل در آور و از خود دور کن. پا برهنه یعنی صاف و بی آلایش از هر قید و بند و رنگی شو.

فقط رنگ خدایی داشته باش. بازگشت کن به وضعی که به دنیا آمدیم، آن موقع که دلی صاف و دور از ریا و غرور و خودخواهی داشتیم و دل مان از غبار گناه ها و معصیت ها و از زنگار غفلت ها پاک بود. تا بتوانید خورشید خدا را در آسمان انسانیت رؤیت نمایید. پس گام اوّل بازگشت به

خدا و توبه از گناهان و تهذیب و پاک کردن نفس از صفات ناپسند است تا زمینه خروج عملی از غفلت را فراهم سازد.

چون عزم بر توبه کردید، غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه توحید و یک مرتبه سوره ناس و فلق را بخوانید و بعد از نماز هفتاد مرتبه "استغفرالله ربّی و اتوب الیه" بگویید، سپس "لا حول و لا قوّه إلاّ بالله العلی العظیم" و در پایان بگویید: "یا عزیز یا غفّار اغفرلی ذنونی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات فإنّه لا یغفر الذنوب إلاّ أنت".(۴)

۲ تقویت معرفت:

آیا می دانید هوای زیارت چه کسی را در سر دارید؟ او را شناخته اید؟ به مقام و منزلتش معرفت پیدا کرده اید؟

کسی را که هوای دیدار دلدار است، باید دلدار شناس گردد. از کمالات و ویژگی هایش، از مقام و منزلتش نزد خدا معرفت لازم را کسب کند و با کرامات و معجزات و سیره و اخلاق و معارف او آشنا شود و دوستانش را بشناسد و توجه داشته باشد که به دیدار چه کسی می خواهد نایل گردد. با معرفت و شناخت، اوّلا توبه حقیقی تحقق می یابد، ثانیاً، محبت و دوستی ریشه دار می گردد، زیرا محبت، درجات و مراتبی دارد.(۵) برخی تا نُه مرتبه برای آن شمرده اند، و عشق را در مرتبه چهارم قرار داده اند. عشق آغاز راه رسیدن به مقصد و سرآغاز جاده ای است که به ملاقات معشوق- امام زمان(ع)- منتهی می شود.

تا علاقه و محبت به امام زمان(عج) به مرحله عشق و ارادت نرسد، دیدار

آن یار حاضر وغایب، ممکن نیست. حافظ شیرازی می گوید:

نشوی واقف یک نقطه ز اسرار وجود تا نه سرگشته شوی دایره امکان را

شهید مطهری(ره) در توضیح می فرماید: "ای سرگشتگی همان سرگشتگی عشق است، یعنی جنون عشق است. تا از این راه وارد نشوی، امکان ندارد به نقطه ای برسی".(۶)

۳ عشق به خدا و تبعیت از امام زمان(عج):

اثر طبیعی محبّت آن است که "محبّ" را با "محبوب" پیوندی می دهد و در مسیر خواسته های او به تلاش و فعالیت پرثمر وا می دارد.

آن ها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا ائمه اطهار(ع) و امام زمان(عج) می زنند، باید صداقتِ محبت و عشق خود را در پیروی نشان دهند. در کتاب معانی الاخبار از امام صادق(ع) نقل شده :"ما احبّ الله من عصاه کسی که گناه و نافرمانی خدا می کند، خدا را دوست ندارد".

دوستی و محبت در عمل ظهور می کند. سپس فرمود: "چه شگفت انگیز است معصیت پروردگار کنی، با این حال اظهار محبت او نمایی! به جان خودم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می کردی، زیرا کسی که دیگری را دوست می دارد. از فرمان او پیروی می کند".(۷) قرآن کریم می فرماید: " قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله...؛ پیامبر! بگو (به مردم) اگر خدا را دوست دارید، از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته باشد". بنابراین محبت تنها یک علاقه قلبی نیست، بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد.

کسی که می خواهد امام زمان(ع) را زیارت کند باید بررسی نماید

چه اموری باعث خشنودی حضرت می گردد، تا به آن کار مبادرت ورزد و از هر کاری که موجبات ناخشنودی آن عزیز را فراهم می سازد، اجتناب کند.

۴- تقویت ارتباط قلبی و عاطفی

می توان ارتباط قلبی و عاطفی با آن محبوب و معشوق عشاق حقیقت طلب را از راه های ذیل تقویت نمود:

از طریق خواندن برخی دعاها و زیارت ها و توجه و تأمل در معانی آن ها، نیز خواندن بعضی از نمازها مانند نماز امام زمان(ع) یا حضور در برخی از مکان ها مانند مسجد سهله در کوفه و مسجد جمکران در قم، نایب الزیاره آن حضرت شدن در زیارت خانه خدا (حج و عمره) و زیارت قبور و حرم پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز شریک کردن حضرت در ثواب تلاوت قرآن، و دعاها و نمازهای مستحبی، بلکه همه ثواب را به حضرت هدیه نمودن، و در حق حضرت دعا کردن و دعای فرج خواندن.

۵- مطالعه زندگینامه کسانی که به ملاقات آن حضرت مشرّف شدند.

مطالعه زندگینامه اشخاصی که توانستند به زیارت آن حضرت نایل گردند، هم راه را نشان می دهد، هم شوق ملاقات را افزایش می دهد و آتش عشق و ارادت را شعله ور می سازد و هم این حقیقت را بازگو می کنند که آنان، چه ویژگی هایی داشتند و چه عاملی موجب شد تا امام(ع) آنان را مورد عنایت و لطف خود قرار دهند.

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ح ۵۲، ص ۱۲۸.

۲. طه (۲۰) آیه ۱۲.

۳. قصص (۲۸) آیه ۳۰.

۴. تفسیر المیزان (مترجم)، ج ۱۴، ص ۱۹۱.

۵. میرزا جواد ملکی تبریزی، رساله لقاء الله، ص ۶۳.

۶. تفسیر نمونه، ج ۹،

ص ۳۹۳؛ تفسیر روح المعانی، ج ۱۲، ص ۲۰۳.

۷. عرفان حافظ، تماشاگر راز، ص ۱۴۳.

۸. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸۶.

معرفت و شناخت امام زمان در چه صورت تحقق پیدا می کند؟

پرسش

معرفت و شناخت امام زمان در چه صورت تحقق پیدا می کند؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرمودید، مطالب بسیار زیادی می توان بیان کرد، لکن ما به کلیّات اشاره می کنیم تا انشاءا... برای شما راهگشا بوده، تا هم بتوانید بهتر عمل نمایید و هم راهی باشد برای تفکّر و تحقیق و شوق بیشتر شما دوست عزیز.

در مورد معرفت امام زمان(در ابتدا باید عرض شود که دو ویژگی مهم که هر انسانی باید نسبت به امام زمانش داشته باشد، عبارتند از :

۱.شناخت و معرفت

۲. عشق و محبت

همچنین باید به این نکته مهم توجه داشت که این دو، رابطه ای عمیق با هم دارند، هم شناخت و معرفت باعث ازدیاد عشق و محبت می شود و هم عشق و محبت باعث ازدیاد شناخت و معرفت و باعث توفیق بیشتر در کسب معرفت می شود لذا در هر دو مورد کمی توضیح داده می شود در سلسله مراتب محبت، ابتدا انسان ، عاشق او می شود برای رسیدن به لقائش، و سپس این محبت و عشق اوج می گیرد. عاشق به مرحله ای می رسد که او را می خواهد فقط به خاطر او، و وجود مقدّس او.

در سلسله مراتب معرفت، نیز انسان، امام را به ظلم ستیزی، عدالت گستری، آبادسازی، دانش گستری می شناسد، او را گسترش دهنده معرفت و عبودیت حق می داند، او را در بالاترین مراتب قرب حق و او را تجلی رحمت بی کران حق می داند و می شناسد.

افزون سازی معرفت نیز به دو چیز است :

۱.ادلّه حقانیّت و مقام های والای آن بزرگوار بررسی شود.

۲. دلمان را

برای پذیرش معرفت بیشتر حضرت (آماده سازیم.

مقامهای او عبارتند از :

۱. مقام تفسیر و تبیین قرآن

۲. مقام ولایت و حاکمیت

۳. مقام قضا

۴. مقام تزکیه و تربیت

راههای افزون سازی محبت نیز دو چیز است :

۱.ظاهر ساختن آثار محبت در عمل مثل صدقه دادن و دعا برای فرج

۲. احترام به آثار منسوب به حضرت (، مثل لباس روحانی در روایات و کتابهای روایی

راه وصول به اوج محبت و معرفت نیز دو چیز است :

۱.پالایش محبت و معرفت

۲. ورود به تجلی گاه محبت و معرفت

امام(تمام صفات خداوند را به طور محدود در حدّ و درک ما مجسم می کند، در زیارت جامعه کبیره می خوانیم :

"مَنْ أراد ا... بَدَءَ بِکُم" هر کس که خداشناسی را اراده کند، از شما آغاز می کند.

در دعای عدیله می خوانیم "بیمنه رزق الوری و بوجوده ثَبَتَتْ الارضُ والسماءُ" یعنی روزی و آرامش و همه چیز به خاطر او و به برکت وجود مقدس اوست او باب ا... است، کلید در خانه خداست، همه کاره عالم است، این مسائل و بسیاری از معارف دیگر را می توان در ادعیّه پیدا کرد.

برای توضیح بیشتر، می توانید به کتاب آفتاب ولایت نوشته آیت ا...مصباح یزدی"حفظه ا..." (که خیلی از این مطالب از آن کتاب استفاده شده است) و همچنین به فصلنامه های انتظار که بسیار عالی می باشد، مراجعه بفرمایید.

خداوند متعال همه ما را از عاشقان و اصل و عارفان کامل آن بزرگوار قرار بدهد انشاءا... تعالی.

"هر کس امام زمان خویش (رهبر) را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است با استناد به این حدیث ما چگونه می توانیم رهبر خود را بشناسیم و در صورت امکان درباره رهبر معظم انقلاب حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای توضیحاتی بنویسید.

پرسش

"هر کس امام زمان خویش (رهبر) را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است با استناد به این حدیث ما چگونه می توانیم رهبر خود

را بشناسیم و در صورت امکان درباره رهبر معظم انقلاب حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای توضیحاتی بنویسید.

پاسخ

امام علی می فرمایـد: "ان الحق لایعرف بالرجال اعرف الحق تعرف اهله حق به واسـطه مردم شـناخته نمی شود، حق را بشـناس اهل حق را خواهی شناخت .(میزان الحکمه ری شهری ج ۱، ص ۶۵۸، دارالحدیث)

شناخت حق و باطل همان شـناخت واقعیت ها از پندارهاست برای تمیز دادن واقعیت ها از پندارها، باید سراغ نشانه رفت برخی از نشانه ها عبارت است از:

۱. حق همیشه مفید و سودمند است (ر.ک رعد، ۱۷.)

۲. حق همیشه به نفس متکی است اما باطل از آبروی حق مدد می گیرد.

۳. حق معیار و ضابطه دارد.

۴. مبارزه حق با باطل همیشگی است و...

اینک شایسـته است به این اصل اساسـی اشاره کنیم که به دلایل نقلی و عقلی مقام نبوت و امامت و ولایت فقیه یک مقام الهی است رهبر معظم انقلاب مدظله العالی که در جایگاه ولایت امر امت اسـلامی قرار دارند به عنوان یک فرد مطرح نیسـتند; بلکه به عنوان یک منصب الهی در این مقام جای دارنـد; عقل و نقل می گوینـد: در زمان غیبت آقا امام زمان غ که ما دسترسـی به آن حضرت نداریم و از طرفی هم دین خدا تعطیل بردار نیست وجود حاکمانی که رضایت خداوند را در حکومت دینی احراز کنند و نزدیک ترین افراد به امام معصوم باشند، ضرورت دارد.

امام حسین می فرماید: "ما الامام الا الحاکم بالکتاب القائم بالقسط، الدائن بدین الحق الحابسن نفسه علی ذات الله; پیشوا و امام نیست مگر آن کسی

که حکومتش بر پایه قرآن باشد، قسط را بر پای دارد، به دین حق پای بند باشد و خود را وقف راه خدا کند".(بحارالانوار، مجلسی ، ج ۴۴، ص ۳۳۴، ح ۲.)

امام علی می فرماید: "ای مردم شایسته ترین فرد به حکومت و ولایت کسی است که بر آن تواناتر باشد و نسبت به فرمان خدا در امر حکومت داناتر باشد".(نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۲۴۷، خ ۱۷۲، انتشارات فیض الاسلام)

سه شرط دین شناس تر، پارساتر و تواناتر بر اداره جامعه اصلح را عقل نیز تأیید می کند.

پس حقانیت ولی فقیه که امروز مصداق آن مقام معظم رهبری مدظله العالی هستند، مانند امام معصوم و پیامبر: با دلایل قرآنی و به حکم عقل ثابت است بنابراین این موضوع پشتوانه شرعی و عقلی دارد و هر حاکمی که چنین پشتوانه ای نداشته باشد، دور از حق و جزء طاغوت است وقتی ولی فقیه مشروعیت عقلی و شرعی دارد و فردی است که واسطه اجرای احکام الهی در حکومت دینی است بر مردم واجب می شود، از او اطاعت نمایند و این اطاعت بر اساس شناخت و محبت است زیرا حکومت ولی فقیه حکومت فرد بر مردم نیست بلکه حکومت خدا بر مردم است لذا با آگاهی تمام و با عشق و علاقه او را می خواهند; چون می دانند او حجت خداست و در واقع مردم از خدا اطاعت می کنند.

خلاصه سخن آن که ولی فقیه و آن که رهبری اش حجت شرعی داشته و قاطبه امت اسلامی به انجام دادن دستورات او موظف می باشند، باید دارای صفاتی باشد

که بارزترین آن صفات توان استنباط احکام برخورداری از هوش سرشار، بهره مند بودن از تقوای الهی در حد اعلی مدیر، مدبر، عالم به زمان مخالف هوای نفس و اطاعت از امر مولا و... می باشد. به اقرار دوست و دشمن مقام معظم رهبری مدظله العالی از این ویژگی ها در حد کمال برخوردارند; "اللَّه ُأَعْلَم ُحَیْث ُیَجْعَل ُرِسَالَتَه (انعام ۱۲۴) خدا خوب می داند رسالت رهبری و امامتش را کجا قرار دهد".(ر.ك نظام رهبری و آئین رهروی در اسلام عزت الله دهقان ص ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۵۰، سازمان تبلیغات اسلامی / حکومت اسلامی و ولایت فقیه استاد محمد تقی مصباح ص ۱۵۰۱۶۶.)

راههای شناخت و انس با امام زمان (ع) چیست

پرسش

راههای شناخت و انس با امام زمان (ع) چیست

پاسخ

در رابطه با دوستی و انس با امام زمان مهمترین چیز آن است که وظایف

خودرا در برابر آن حضرت بشناسیم و به آن جامه عمل بپوشانیم در

این صورت است که آن حضرت نیز دوستدار ما خواهند بود و لطف و عنایت

افزون تری نسبت به ما خواهند داشت. آن چه بیش از همه آن وجود شریف

و مقدس از ما انتظار دارند این است که در همه امور رضای حق تعالی را در

نظر بگیریم و کوچك ترین قدمی برخلاف فرامین قرآن و اسلام برنداریم. از

طرف دیگر خود را همواره سرباز فداکار آن حضرت بدانیم و در همه جا برای

حفظ دین و آرمان مقدس آن حضرت تلاش و جانفشانی کنیم و در حد توان

محیط خانه مدرسه، دانشگاه، اداره و... را به فضایی دینی و معنوی تبدیل

نموده و کشور درون نفس و جامعه برون را مرکز حاکمیت تقوا کنیم. دعا برای

فرج آن حضرت و آماده سازی خود و جامعه در این راستا نیز از وظایف است.

خواندن دعاهایی مثل دعای عهد، زیارت آل یاسین و ... نیز خوب است.

چطور می توانم با امام زمانم بیشتر آشــنا بشوم نه آشنایی که سطحی باشد طوری که بشود به این حدیث پیامبر که فرموده اند هر کس امام زمان خود را نشــناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است رســید یعنی از جاهلیت خارج شد اصــلا آیا واقعا می شود روزی امام زمان(عج) را زیارت نما

پرسش

چطور می توانم با امام زمانم بیشتر آشـنا بشوم نه آشـنایی که سـطحی باشد طوری که بشود به این حدیث پیامبر که فرموده اند هر کس امـام زمان خود را نشـناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است رسـید یعنی از جاهلیت خارج شـد اصـلا آیا واقعا می شود روزی امام زمان(عج) را زیارت نمایم لطفا در این زمینه راهنماییهای اساسی و مؤثر را به من بنمایید.

پاسخ

درک دقیـق معنـای انتظـار مبتنی بر فهم جـامع انـدیشه مهـدویت است وانـدیشه مهـدویت را بایـد بـا توجه به مجموعه معـارف اسلامی و در راستای هدف کلی دین اسلام دید.

بنا بر آموزه های دینی، مهدی(عج) روزی ظهور کرده و وعده های الهی را به اجرا درمی آورد او برپا کننده حکومت صالحان می باشـد و مؤمنـان به میزان ایمـان وعمـل صالحشان در حکومت مهـدی(عـج) قرب و منزلت دارنـد. این انـدیشه پایانی زیبا و نورانی برای جریان زندگی انسان تصویر میکندو عامل شعله ور شدن امید در دل های مؤمنین است.

امیـد به ظهور مهـدی(عـج) همـان امیـد به خـداست. امیـد موتور حرکت انسان در زنـدگی است و امیـد به مهـدی(عـج) عامل حرکت استوارتر انسان در مسیر خوبی ها یعنی همان هدف اصلی دین می باشد.

مقصود از انتظار فرج، امیـد و دلبسـتگی به مهـدی(عـج) است. بنابراین انتظار فرج مقصود دین به تعبیر شـهید مطهری، انتظاری سازنـده و نگـه دارنـده، تعهـدآور، نیروآفرین و تحرک بخش است. به گـونه ای که خـود نـوعی عبـادت و حـق پرسـتی است. بنابراین انتظار و عشق به مهدی؛ یعنی، عشق به همه خوبی ها و امید اقامه همه خوبی ها در دنیا این عشق و امید عاملی است که انسان را وامی دارد تا هر چه بیشتر و محکم تر در راه خوبی ها قدم

بردارد، پس انتظار فرج مسؤولیت آفرین است.

بحث در این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری دارد. منابع زیر بسیار مفید است:

۱- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، صدرا، تهران (این کتاب اساساً به معنای انتظار پرداخته است).

۲- امامت و مهدویت، آیت الله صافی، انتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۵ (این اثر به مجموعه ای از بحث ها پیرامون امام مهدی(عج) پرداخته و خصوص بحث انتظار نیز یکی از فصلهای کتاب است، ج ۱، صص ۳۹۸ - ۳۵۱).

وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتاً منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتماً خانه را تمیز و مرتب می کند، وسایل پذیرایی را آماده می کند و با لباس مرتب و چهره ای شاداب در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظار میهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه گویی او خواهند خندید.

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند

بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده می شود. نمی توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید».

با چنین توضیحی روشن است

که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نماید و خود را در راه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی تواند از وابستگی ها و دلبستگی ها و آلودگی ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد:

۱. اولین شرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی کشند اما کسانی که او را می شناسند و ارزش او را می شناسند و مقام او را می دانند منتظر او می مانند.

کسانی که امام زمان را نمی شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا

رفته است»، (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱).

بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حای که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند. آری

وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد که در این آینه صاحب نظران حیرانند

البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسی نیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می شود.

همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد.

۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر

چند هم که او را بشناسد نمی تواند واقعاً منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله ور نشده باشد نمی تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید. محبت به امام زمان وظیفه ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجراً الا الموده فی القربی»، (شوری، ۲۳......).

۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود را به گونه ای سامان می ده......که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می شود. و تنها در این صورت است که می توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت.

طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون تر خواهد گشت.

۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می داند که برنامه آن حضرت

یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و با ارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس «تعاونوا علی البر و التقوی» به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید.

۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می کشد و از خدا می خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظر آن حضرتش می باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می باشد.

۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل های مختلف؛ اگر انسان منتظر محبوب خویش را نیابد سعی می کند عدم ورود محبوب خویش را از طرق دیگر مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می کند.

۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر

احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می دارند.

۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب هایی برای آن حضرت

۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران.

۱۰. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران

۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدنّ احدکم لخروج القائم و لو سهماً؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج) باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶). از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می باشد.

راه شناخت و نزدیکی به امام زمان(عج) چیست؟

پرسش

راه شناخت و نزدیکی به امام زمان(عج) چیست؟

پاسخ

امام رضا(ع) از پدرانش نقل نموده که علی(ع) فرمود: برادرم رسول خدا(ص) به من فرمود: هر آن کس دوست دارد خدای عزّ و جلّ را ملاقات کند، در حالی که به او روی نموده و از او اعراض نکرده باشد، باید که ولایت علی(ع) را دارا باشد؛

و هر کس مایل است خداوند را ملاقات نماید در حالی که از او راضی باشد، فرزندت حسن را دوست بدارد؛

و هر کس می خواهد خداوند را ملاقات کند در حالی که بر او ترسی نباشد، دوستدار فرزندت حسین گردد؛

و هر آن که مایل است در حالی خداوند را ملاقات نماید که گناهانش آمرزیده شده باشد، دوستدار علی بن الحسین سجّاد گردد؛

و هر کس دوست می دارد که خدای تعالی را با روشنی چشم ملاقات کند، دوستدار محمد بن علی باقر باشد؛

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که پرونده او را به دست راستش دهند، دوستدار جعفر بن محمد صادق باشد؛

و هر کس دوست دارد می دارد خدای تعالی را پاك و پاکیزه ملاقات نماید، دوستدار موسی کاظم باشد؛

و هر کس دوست می دارد خداوند را خندان و شادمان ملاقات کند، علیّ بن موسی الرّضا را دوست بدارد؛

و هر کس دوست دارد خدای را ملاقات کند در حالی که درجاتش بالا رفته و سیّئاتش به حسنات تبدیل گشته باشد، محمد جواد را همی دوست دارد؛

و هر کس دوست می دارد که خداوند را ملاقات کند و از او به آسانی حساب کشد، علیّ هادی را دوستدار باشد؛

و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات نماید در حالی که از رستگاران باشد، دوستدار

حسن عسگری شود؛

و هر کس دوست می دارد خدای را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، ولای حجّت صاحب الزّمان منتظر را پیشه کند.

اینان چراغ های تاریکی، و امامان هدایت، و نشانه های تقوی می باشند. هر آن که آنان را دوست بدارد و ولایتشان را دارا شود، برای او از خداوند تعالی ضمانت بهشت کنم»بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

.)

مراد از تولّی هر یک از امامان(ع) اظهار محبّت قلبی همراه با اعمال بدنی و کارهای پسندیده است، زیرا که ولایت قلبی نسبت به تمامی آن ها واجب است، و اظهار محبت نسبت به هر یک از ایشان، اثر به خصوصی دارد که در این حدیث بیان گردیده است. بدون تردید دعا در حق مولایمان صاحب الزمان(ع) و خواستن فرج و ظهور آن جناب از درگاه خداوند، اظهار محبّتی است که در دل ها نهفته، پس این اثر بر آن مترتّب می گردد.

امّا ریشه محبّت و دلدادگی به امام در معرفت ایشان نهفته است، هر چه معرفت خالص تر و عمیق تر باشد محبّت حاصله نیز شدیدتر و قوی تر خواهد بود.

برای معرفت امام هم دلیل عقلی هست و هم دلیل نقلی؛ دلیل عقلی: علت هایی که برای ضرورت وجود پیامبر ذکر شده، همان علّت ها برای ضرورت وجود جانشین و وصی پیامبر نیز صادق است، تا مردم بعد از پیامبر، به جانشین او درشئون مختلف زندگی خود مراجعه کنند (همان گونه که به پیامبر مراجعه می کردند) پس بر خداوند متعال واجب است که او را نصب نماید و بر مردم نیز واجب است آن امام را بشناسند، زیرا پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد.

دلیل نقلی: روایات بسیاری درباره لزوم شناخت امامان

در حدّ تواتر، رسیده است. از جمله امام صادق(ع) درباره آیه مبارکه: و لله الاسماء الحُسنی فادعوهُ بها (اعراف، آیه ی ۱۸۰: و برای خداوند نام های نیکی است، خدا را با آن بخوانید). فرمود: به خدا قسم ما آن اسماء حُسنااى هستیم که خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی پذیرد، مگر با شناخت و معرفت ما().

یکی از راه های شناصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۹.

اخت امام «درخواست معرفت امام عصر از خداوند عزّ و جل» است. دعاهای مختلفی از معصومین رسیده است. از جمله بعد از نماز صبح، توصیه شده، دعای عهد را بخوانید و شامگاهان زیارت «آل یس» را به صورت مداوم قرائت کنید، روزهای جمعه و در اعیاد اسلامی دعای ندبه را و... بعد از فرایض دعای: اللهم عرّفنی نفسک فانّک ان لم تعرّفنی نفسک لم أعرف نبیّک، اللهمّ عرّفنی رَسولک، فانّک اِنْ لَمْ تُعرفنی رسولک لم اعرف حجتک، اللهم عرّفنی حجّتک، فانّک اِنْ لم تُعرفنی حجّتک ضَللتُ عن دینی (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷ و مفاتیح الجنان). را به صورت مداوم قرائت کنید.

همزمان دل را از علایق و شوایق دیگر بشوئید، دل که از محبّت غیر شسته شد خود به خود محبّت اولیای الهی از آن جریان باید، آن گاه که محبّت لبریز شد، هر روز به محبوب خود راغب تر و جاذب تر شود تا آنجا که واله و شیدایش گردد و مجنون وار، در فراغش سر از پا نشناسد.

برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

۱. خورشید مغرب، علامه محمد رضا حکیمی

۲. ترجمه ی مکیال المکارم ۱ و ۲، سید محمد تقی موسوی اصفهانی

آیا غیبت امام(علیه السلام) دلیل و عذر بر عدم شناخت آن حضرت می تواند باشد ؟ نظر به حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه» مردم چگونه می توانند امامی که غایب است را بشناسند در حالی که با دلیل فطری، حضور امام در جامعه لازم و واجب است؟

پرسش

آیا غیبت امام(علیه السلام) دلیل و عذر بر عدم شناخت آن حضرت

می تواند باشد ? نظر به حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه» مردم چگونه می توانند امامی که غایب است را بشناسند در حالی که با دلیل فطری، حضور امام در جامعه لازم و واجب است؟

پاسخ

نظر به حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه» مردم چگونه می توانند امامی که غایب است را بشناسند در حالی که با دلیل فطری، حضور امام در جامعه لازم و واجب است؟

در پاسخ به این سؤال ذکر نکاتی لازم است:

۱- غائب بودن امام به معنی عدم حضور او در میان مردم و جامعه نیست بلکه به این معنی است که او را مشاهده می کنند ولی نمی شناسند. نظیر این که برادران حضرت یوسف او را مشاهده می کردند ولی نشناختند. لذا در روایت امام صادق(ع) می فرماید: مثل حضرت مهدی(عج) مثل یوسف(ع) است، او در میان مردم است و او را مشاهده می کنند ولی نمی شناسند تا اینکه خداوند به او اذن دهد و او خودش را معرفی کند(۱) و نیز عمری(یکی از نواب حضرت در عصر غیبت صغری) می فرماید به خدا قسم صاحب الامر هر سال در مراسم حج شرکت می کند و مردم را مشاهده می کند و آنها را می شناسد و مردم هم او را می بینند ولی او را نمی شناسند.(۲) بنابر این حضرت در جامعه حضور دارد و حضور او منشأ آثار و برکات فراوان است.

۲- غیبت امام مانع از معرفت و شناخت او نیست و عذر بر عدم شناخت آن حضرت نمی تواند باشد. در معرفت و شناخت لازم نیست حضرت را به صورت و قیافه بشناسد، بلکه شناخت او

به نـام و صـفات و فضائـل و ویژ گی هـا کـافی است. اُویس قرنی اهل یمن بود در زمان پیامبر زنـد گی می کرد او بسـیار علاقه داشت که پیـامبر را مشاهـده کنـد ولی به خـاطر اینکه مادر پیری داشت و از او نگاه داری می کرد نتوانست پیامبر را در مـدینه زیارت کنـد، ولی در عین حال بالاترین شـناخت و معرفت را نسـبت به پیامبر داشت و پیامبر به امیرالمؤمنین(ع) در مورد اویس قرنی سـفارش می کرد. لـذا شـناخت به صـفات و کمالات و فضائل لازم است. غیبت مختص به حضـرت حجت(عـج) نیست. حضـرت موسـی بن جعفر علیه السـلام مـدتها در زنـدان بودنـد و عده زیادی از شـیعیان موفق نشدند که حضـرت را به صورت وقیافه بشناسند ولی این مانع از معرفت و شناخت نسبت به مقام حضرت نبود.

۳- می دانیم هـدف اصل و اوّلی از بعثت پیامبران کامل کردن شـرایط برای رشـد و تکامل آزادانه انسانها می باشد که بوسـیله وحی این هدف تأمین شده است و مردم امکان رسـیدن به رشد عقلانی و تربیت روحی و معنوی رابه دست آورده اند. با توجه به این که امامت، متمّم و تکمیل کننده نبوت و تحقق بخش حکمت خاتمیّت است، این هدف بوسـیله سلسله امامان محقق می شود که آخرین آنها امام مهـدی(عـج) تحقق بخش این اراده خدا خواهد بود. چنان که در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء فرموده: «ولقد کتبنـا فی الزبور من بعـد الـذکر أنّ الأرض یرثهـا عبـادی الصـالحون» همانـا در زبور پس از ذکر (تورات) نوشـتیم که زمین را بندگان صالح من به ارث خواهد برد. و در روایتی از ابن عباس از رسول خدا(ص) نقل شده که فرمود:

همانا علی امام امّت پس از من می باشد و از فرزندانش، قائم منتظر می باشد و وقتی که ظهور کند زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و جور شده است.(۳)

پی نوشت ها:

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص۲۲۴ و ص ۱۴۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۳۵ ب ۴۶ ابواب وجوب حج.

۳- القندوزی، ینابیع المودّه، ص ۴۹۴.

با غیبت امام زمان علیه السلام چگونه می توان امام زمان خودرا شناخت؟

پرسش

با غیبت امام زمان علیه السلام چگونه می توان امام زمان خودرا شناخت؟

پاسخ

مطابق روایاتی که در کتب فریقین آمده، پیامبر اکرم (ص) فرمود: "من مات ولم یعرف إمام زمانه مات میته جاهلیّه"؛ "هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته به{پاورقی . شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵. پاورقی}

مرگ جاهلیت از دنیا رفته است." جای این سؤال باقی است که با وجود غیبت امام زمان (ع) چگونه می توان او را شناخت.

در جواب می گوییم: مقصود از شناخت ومعرفت حضرت، شناخت جسم وشکل وشمایل او نیست، بلکه مقصود معرفت به مقام ومنزلت وجایگاهی است که حضرت مهدی (ع) نزد خداوند متعال در این عالم دارد. او کسی است که حافظ کلّی شریعت است. واسطه فیض تکوینی وتشریعی الهی است. او کسی است که به اذن واراده الهی در "نفوس قابل" تصرف کرده وبه حقّ وحقیقت رهنمون می کند. او کسی است که جامع جمیع علوم اولین وآخرین است. واو کسی است که... .

این معرفت نسبت به حضرت مهدی (ع) که امام زمان ما است بدون دیدن شکل وشمایل ایشان هم قابل تحصیل است.

چه کنیم که ایمانمان به وجود حضرت مهدی علیه السلام بیشتر شود؟

پرسش

چه کنیم که ایمانمان به وجود حضرت مهدی علیه السلام بیشتر شود؟

پاسخ

برای تقویت ایمان به وجود حضرت مهدی (ع) از راه هایی می توان استفاده نمود:

۱ – بررسی ادلّه عقلی که می تواند عقل وفکر انسان را نسبت به وجود حضرت مهدی (ع) تقویت نماید.

۲ – بررسیآیات قرآنی وروایاتی که از آنها استفاده می شود که حضرت مهدی (ع) وجود دارد.

۳ – مطالعه احوال کسانی که به محضر مقدّس حضرت بقیّهاللّه الاعظم –ارواحنا له الفداء– مشرّف شده اند، که این می تواند نقش به سزایی در تقویت قلوب انسان نسبت به وجود حضرت (ع) داشته باشد.

۴ – قرائت دعاهایی که در آن، خطاب به حضرت شده وبا او نجوا دارد که می تواند تأثیر به سزایی در اعتقاد انسان به وجود حضرت (ع) داشته باشد.

چرا اگر امام زمان خود را نشناسیم، به مرگ جاهلی از دنیا رفته ایم؟

پرسش

چرا اگر امام زمان خود را نشناسیم، به مرگ جاهلی از دنیا رفته ایم؟

پاسخ

اولاً: شکی نیست که معرفت، تأثیر به سزایی در عملکرد انسان دارد، وهر چه معرفت انسان به کسی یا عقیده ای بیشتر وراسخ تر باشد، تأثیر آن در ناحیه عمل بیشتر خواهد بود. وبه طور کلّی انسان بدون معرفت نمی تواند در ناحیه عمل، حق مطلب را ادا کند. لذا علمای کلام از همین طریق وبه ملاک لزوم شکر منعم قائل به وجوب معرفت خداوند شده اند. امام زمان (ع) حجت خدا بر روی زمین است ومطابق نصوصات، اطاعت او واجب است، لذا باید به او در حدّ امکان معرفت حاصل کنیم، وگرنه با مرگ جاهلی از دنیا رفته ایم.

ثانیاً: ما وظیفه داریم امام زمان خود را بشناسیم تا دنباله رو هر کسی نباشیم. چه کسی را الگوی خود قرار دهیم ودین را از چه کسی اخذ کنیم؟

۱– لطفا در خصوص معرفت صحیح به مقام عظمای امام عصر « علیه السلام » و حضرت زهراء «سلام علیها » و سایر ائمه «علیهم السلام » تو ضیحات لازم را عنایت فرمایید.

پرسش

۱- لطفا در خصوص معرفت صحیح به مقام عظمای امام عصر« علیه السلام » و حضرت زهراء «سلام علیها » و سایر ائمه «علیهم السلام » تو ضیحات لازم را عنایت فرمایید.

پاسخ

دو قسم شناخت داریم:

۱ علم به مقام و مراتب امامت.

۲ معرفت به مقام امامت و حقیقت ولایت.

اما موضوع اعتقاد فکری داشتن به وجود امام لازمه اش مطالعه و تحقیق از مبانی علمی و عقاید حقه شیعه است.

اما قسم دوم، همراه با دانش اندوزی ، عبودیت و بندگی واخلاص، حقیقت و نورانیت امامت را در یافت می کنیم.

یعنی ؛با انجام دستورات واحکام الهی (واجبات و ترک محرمات) است که می شود عقاید را آبیاری کرد وغبار غفلت را از دل زدود.

در واقع توبه وعمل صالح است که عقاید حقه را آبیاری می کند وحقیقت حضور در محضر خدا و اولیاء خدا را درک می کنیم.{ ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن وُدا} (مریم/۹۶)

« کسانیکه ایمان بیاورند وعمل صالح انجام دهند خداوند محبت خود و اولیاء را به دل آنها می افکند(ایمان وعمل صالح باعث محبت به ائمه(ع) می شود) وخداوند محبت علی«علیه السلام » را به دل آنها می افکند. مفسرین مراد از محبت را در اینجا به محبت امیر المؤمنین« علیهم السلام » تفسیر نموده اند.

منابع جهت مطالعه:

۱-چهل حدیث امام خمینی(ره)حدیث۳۳

۲- جهاد با نفس آیت الله مظاهری

۳- خورشید مغرب محمد رضا حکیمی(تکالیف فردی واجتماعی ورسالت یک منتظر را در دوران غیبت نسبتا مفصل وبسیار عالی بیان می کند)

۴- قیام وانقلاب مهدی شهید مطهری وشهید دستغیب.

۱-چگونه می توان معرفت خود را نسبت به امام زمان «عج» زیاد کنیم ؟

پرسش

۱-چگونه می توان معرفت خود را نسبت به امام زمان «عج» زیاد کنیم ؟

پاسخ

برای شناخت امام زمان«عج» قدم اول شناخت نفس خود است، اینکه خودمان را بشناسیم با توجه به نیازهای مادی و معنوی و شکوفایی و رسیدن به رستگاری و سعادت اخروی

مهدی«عج» کسی است که ظلم و ستم را از جهان برکند وخاور باختر شرق و غرب را از عدل وداد برای همیشه آکنده سازد مهدی «علیه السلام » سمبل مبارزه با ظلم و بیدادگری بر انداختن ستمکاری از صحنه گیتی است و این از امید های اصلی و اجتماعی بشر بوده و هست و در کانون نهان هرکس چنین امیدی موجود است و حضرت مهدی «عج » نور این امید است.

همه ادیان و مذاهب بشری بدان خبر داده و کسی را نام برده اند که او مهدی خواهد بود .

ارمیای پیغمبر در تورات از جنگی عظیم و جهانی خبر میدهد ، که دوسوم مردم زمین را نابود می کند ، سپس پادشاه عادلی آید و جهان را اصلاح نماید .

از خواسته های طبیعی بشر،عدل عالم گیر و حکومت جهانی تحقق پذیر است و به یقیین روزی خواهد رسید که بشر بدین خواسته می رسد، چون خواسته همگانی است و امکان پذیر .

عدل ملت وقتی محقق می شود که ظلم و ستم از میان افراد ملت بیرون رود عدل ملت بر ملت برقراری راستگویی و درستکاری در میان خود افراد است، که هیچ از آنها در نهان و آشکار به دگری ظلمی نکند و ستمی روانـدارد. این است تکامل ملی و رشد افراد با توجه به چنین حکومتی که عدل مساوات راستگویی و

یگرنگی لازمه آن است ، پس باید تصمیمان را پرورش دهیم خواسته و امیال و هوی و هوس را کم ،کم کنار گذاشته و خصایص پلید را به تو کل به خداوند کنار گذاشته و خودمان را بسازیم آنطور که شایسته انسان کامل است و دیگران را هم کمک کنیم و اگر شخصا هر نفر منافع شخصی را کنار و حقوق دیگران را رعایت کند انشاء الله جامعه ای خواهد شد که مهدی خواستار آن است .

مراد از مرگ جاهلیت در صورت عدم شناخت امام چیست؟

پرسش

مراد از مرگ جاهلیت در صورت عدم شناخت امام چیست؟

پاسخ

کسی که امام زمان خویش را نشناسد از این لحاظ مردنش مانند مردن جاهلیّت است که مردم زمان جاهلیّت از آگاهیهای لازم در مسیر عقائد و اخلاق و رفتار صحیح برخوردار نبودند و به شیوه ی درست تربیت نمی شدند با این وصف چنانچه امام وجود داشته باشد انسان او را نشناسد زندگی چنین شخصی با نداشتن آگاهی و معرفت نسبت به امام مانند زندگی زمان جاهلیّت خواهد بود.

ارتباط امام زمان

در خیلی از احادیث اشاره شده است که هر کس امام زمان(خود را نشناسد هیچ یک از عباداتش قبول نیست، آیا منظور از این احادیث فقط دیدن و زیارت امام زمان(می باشد؟ یا دانستن نام و کنیه ایشان و اعتقاد به حضور ایشان کفایت می کند؟ خواهشمند است توضیح دهید.

پرسش

در خیلی از احادیث اشاره شده است که هر کس امام زمان(خود را نشناسد هیچ یک از عباداتش قبول نیست، آیا منظور از این احادیث فقط دیدن و زیارت امام زمان(می باشد؟ یا دانستن نام و کنیه ایشان و اعتقاد به حضور ایشان کفایت می کند؟ خواهشمند است توضیح دهید.

پاسخ

وظیفه ما در زمان غیبت امام زمان(در یک کلمه خلاصه می شود و آن چشم به راه ظهور آن حضرت بودن است که در

روایات از آن به انتظار فرج تعبیر شده و از نیکوترین و ارزشمندترین اعمال محسوب گشته است.

رسول اکرم(فرمودند : "با فضیلت ترین اعمال امت من انتظار فرج از سوی خداوند عزوجل است."

... اگر واقعاً منتظر کسی باشیم، درهمه حال و در همه جا به یاد او خواهیم بود ... آیا می توان کسانی را که روزها، هفته ها و ماه ها می گذرد و هرگز به یاد حضرت مهدی (و ظهور آن حضرت و آماده ساختن خویش برای شرکت در قیام ایشان نیستند، منتظر فرج دانست؟

از مظاهر یادکردن ایشان دعاهای فراوانی است که در زمان غیبت در رابطه با امام زمان(و ظهور آن حضرت و توفیق شرکت در قیام ایشان وارد شده است و پیشوایان معصوم(ما را به این دعاها توصیه فرموده اند(مانند دعای فرج و دعای عهد).

نکته ای که در اینجا حائز اهمیّت است آنکه این غیبت یک طرفی است بدین معنی که تنها ما از زیارت امام زمان(محروم هستیم اما آن حضرت ما را می بینند و شاهد رفتار و گفتار ما هستند.

یار نزدیک تر از من به من استاین عجب بین

که من از او دورم

چنانکه در روایات داشتیم آن حضرت در مراسم حج حاضر شده ناظر اعمال مردم هستند، ولی مردم آن حضرت را نمی بینند.

همچنین در روایات آمده است : "در هر هفته دو مرتبه، روزهای دوشنبه و پنج شنبه گزارش اعمال مردم به امام زمان همان عصر عرضه می گردد. بنابراین در این زمان که حضرت مهدی(امام زمان و ولی عصر هستند رفتار همه ما به آن حضرت عرضه می گردد و ایشان از چگونگی آنها آگاهند. پس بر ما لازم است سخت مراقب اعمال خود باشیم، مبادا که ادعای منتظر ظهور بودن با دروغ باشد.موفق باشید.

منابع و مآخذ :

* با استفاده از کتاب "آموزش عقاید"، ج۲،تألیف محسن غرویان، محمد رضا غلامی، سید محمد حسین میرباقری، صفحات ۳۸۹ و ۳۹۲

برای ارتباط قلبی با امام زمان (۷) چه باید کرد؟

پرسش

برای ارتباط قلبی با امام زمان (۷) چه باید کرد؟

پاسخ

باید دانست محبت و علاقه حضرت ولی عصر (عجل الله) نسبت به شیعیان بسیار زیاد است ولی از آن جایی که مسأله محبت و دوستی یک امر طرفینی می باشد و یک قانون کلی در محبت طرفینی این است که محّب کاری را انجام دهد که محبوب آن را می پسندد، بنابراین ما به عنوان محبان حضرت مهدی باید در صدد انجام کارهایی باشیم که مورد پسند و رضایت محبوب ما، حضرت ولی عصر (عجل الله) می باشد. مسلماً بهترین عملی که موجب شادمانی و رضایت امام زمان (۷) است بندگی واقعی و خالصانه ما نسبت به خدای تبارک و تعالی می باشد، و بندگی خالص یعنی انجام واجبات و ترک محرمات برای کسب رضایت خداوند متعال و اگر در این راه موفق شویم و خدا از ما راضی شود، در این صورت قطعاً امام زمان (۷) نیز از ما رضایت خواهند داشت و اگر قلب حضرت حجه بن الحسن (عجل الله) از ما خشنود باشد، احساس نزدیکی روحی به ایشان خواهیم کرد.پس مهم ترین عنصر در برخورداری از توجهات امام زمان (۷) انجام اوامر الهی و ترک گناه می باشد. البته امور دیگری نیز در نزدیکی و جلب توجه آن حضرت نسبت به شیعیان مؤثر می باشد از جمله دعا برای تعجیل در ظهور آن حضرت .

صلوات بر ایشان در هر صبح و شام

دعا برای سلامتی آن حضرت

تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه

....

از خداوند متعال خواهانیم که خشنودی حضرت ولی عصر (عجل الله) نصیب و بهره ما گرداند. «...

وَامْنُن ٭عَلَینا بِرِضاه « خدایا بر ما منت گذار به خشنودی او(۶۴»).

پاورقی:

۶۴- از فرازهای پایانی دعای ندبه

من ارادت ویژه ای به امام زمان دارم به گونه ای که در خیال خود تصور می کنم حضرت را می بینم و او با من حرف می زند، روزی در همین خیال غوطه ور بودم که گریه شدیدی به من دست داد. من برای رها کردن خود از پرســش های مکرر مشاور، گفتم خواب حضرت را دیدم از آن زمان اح

پرسش

من ارادت ویژه ای به امـام زمـان دارم به گـونه ای که در خیـال خود تصور می کنم حضـرت را می بینم و او بـا من حرف می زنـد، روزی در همین خیـال غوطه ور بودم که گریه شدیـدی به من دست داد. من برای رهـا کردن خود از پرســش های مکرر مشاور، گفتم خواب حضـرت را دیدم از آن زمان احساس می کنم حضرت مرا دوست ندارد و هنگامی که به نماز شب بر می خیزم به خاطر شدت شرمندگی از حضرت نماز نمی خوانم لطفاً مرا در این زمینه راهنمایی کنید؟

پاسخ

با تشکر از اعتماد شما پرسش گر گرامی به این مرکز، چند نکته درباره مسئله ای که مطرح کردید، شایان توجه است

۱. شـکی نیست که بهترین وسـیله ارتباط با خدا، ایمان به او و ارتباط عمیق و صـحیح با پیامبر بزرگوار اسلام و اهل بیت ایشان است چنـان که پیامبر اکرم می فرماینـد: "امامان از فرزنـدان حسـین هسـتند... و ایشان "عروه الوثقی و وسـیله به سوی خـداوند متعال می باشند."(نور الثقلین علامه حویزی ج ۱، ص ۳۱۸، مؤسسه التاریخ العربی)

۲. نکته مهم در محبت پیشوایـان معصـوم ، محبت و ارتبـاط صـحیح بـا آن حضـرات است برخی به علت احساسـات و عواطف پـاکی که دارنـد، گاهی راه افراط را پیش می گیرنـد و پا را از واقعیت و حقایق فراتر گذاشـته و بـدون مشورت با آگاهان راه انحرافی در پیش می گیرند. با ارایه راه صحیح ارتباط با حضرت مهدی غ در ذیل امیدواریم به مقصود واقعی خود برسید.

ارتباط با امام زمان غ دو قسم است الف ارتباط فیزیکی و جسمانی ب ارتباط

معنوی

ارتباط فیزیکی و جسمانی با امام زمان غ یعنی دیدن آن حضرت و با ایشان سخن گفتن به نظر اکثر علمای شیعه ممکن است ولی ما موظّف نیستیم در پی پیدا کردن راه برقراری چنین ارتباطی باشیم

وظیفه ما این است کارهایی که مورد رضایت آن حضرت است انجام دهیم و آن کارها، تکالیفی است که در قرآن و روایات بیان شده است و خلاصه آن را مراجع تقلید به صورت رساله توضیح المسائل نوشته اند.

اگر ما تکالیف شرعی خود را به طور صحیح و کامل و خالصانه انجام دهیم چنان چه امام زمان غ مصلحت بدانند، پرده را از روی چشم ما برداشته ما به رؤیت چهره دل ربای آن حضرت توفیق پیدا می کنیم پس آنچه از طرف ما، لازم است انجام گیرد، به جا آوردن تکالیف شرعی است دیدن آن حضرت بستگی به صلاح دید ایشان دارد.

ارتباط معنوی با امام زمان غ همیشه ممکن است راه های آن عبارت است از: انجام تکالیف شرعی چون پرونده کارهای ما به دست امام زمان می رسد.(ر.ک اصول کافی ثقه الاسلام کلینی ج ۱، ص ۲۱۹، دارالکتب الاسلامیه / مجله حوزه ش ۷۰۰۷، صص ۶۵۱۳۲.)

اگر تکالیف شرعی را انجام داده باشیم از ما خشنود می شود دعا کردن برای سلامتی و تعجیل ظهور آن حضرت رفتن به مکان های منسوب به آن حضرت مانند، مسجد جمکران مسجد سهله و... انجام کارهای مستحبی به نیابت آن حضرت مانند خواندن قرآن زیارت قبور امامان حج عمره و...

۳. در نامه از اظهار

خواب دیدن حضرت و سپس توبه از آن نوشتید، با تبریک به شما پرسش گر گرامی که فوری پی به اشتباه خود بردید و در پی جبران آن برآمدید، شایان ذکر است حقیقت توبه همان حالت ندامت و پشیمانی از معصیت و تصمیم بر ترک گناه در آینده است کشف المراد، علامه حلی ص ۴۱۷، جامعه مدرسین) اگر این حالت در خطاکار پدید آید به حتم خداوند توبه او را خواهد پذیرفت "یَاَیُّهَا الَّذین َءامَنوا توبوا اِلَی اللّه ِ تَوبَه ً نَصوحًا عَسی َ رَبُّکُم اَن یُکَفِّرَ عَنکُم سَیِّ ?اتِکُم ویُدخِلَکُم جَنَّت ٍ تَجری مِن تَحتِهَا الاَنهَرُ; (تحریم ۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! با اخلاص کامل توبه کنید، باشد که پروردگار از گناهان شما در گذرد و به باغ هایی واردتان کند که در آن جوی بارانی جاری است "

بنابراین با توبه و عمل به نکته هایی که در بخش دوم پاسخ آمد، یقین داشته باشید که حضرت از شما راضی خواهند بود.

۴. توفیق برخاستن به نماز شب از توقیقاتی است که نصیب هر کسی نمی شود، شما که گاهی موفق به این امر می شوید و از خواب خوش برمی خیزید، شایسته نیست به خاطر خیال های واهی خود را از این فیض محروم کنید، مسلّم بدانید که این خیال ها شیطانی است او از هر راهی وارد می شود تا ما را از عبادت خدا و سجده در مقابل او باز بدارد. با خواندن نماز شب خشنودی حضرت و رضایت ایشان انشأ اللّه جلب خواهد شد.

در پایان به برحی از راه کارهایی که ما را در مداومت به نماز شب کمک خواهد کرد اشاره می شود:

۱.

آگاهی از فضایل و فواید نماز شب

۲. پرهیز از پرخوری به خصوص هنگام شب

۳. استراحتی کوتاه در روز ;

۴. دوری گزیدن از گناه

۵. خواندن آخرین آیه سوره کهف

اگر آیاتی از قرآن قرائت کرده آن را به یکی از امامان مثلاً امام زمان غ هدیه نماییم آیا این کار اشکالی دارد؟

پرسش

اگر آیاتی از قرآن قرائت کرده آن را به یکی از امامان مثلاً امام زمان غ هدیه نماییم آیا این کار اشکالی دارد؟

پاسخ

۱. بی تردیـد هر گونه ارتباط با ائمه سـتودنی و مفید بوده راه را برای نزدیکی هر چه بیش تر انسان به خداوند متعال هموار می کنـد. قرائت قرآن و هدیه ثواب آن به ائمه ، خواه ارواح پاک آنان خواه به خود امام زنده ; یعنی امام زمان غ نیز، از جمله این ارتباطهای سازنده است

۲. گرچه در این باره به روایتی برخورد نشد، ولی از برخی دستورهای مشابه آن مانند حج ّمستحبی گزاردن برای امام زمان غ شایـد بتوان چنین اسـتنباط کرد که قرائت قرآن نیزماننـد آن حکمی برابر خواهـد داشت چرا که دلیلی وجود نـدارد که انجام اعمال عبادی برای ائمه را، در حج ّمستحبی منحصر کنیم

لطفا این سؤال هم از آقای خامنه ای و هم از آقای بهجت پرســیده شود :چگونه انسان می تواند در همه حال در محضر آقا امام زمان ،خود را ببینید ؟

پرسش

لطفا این سؤال هم از آقای خامنه ای و هم از آقای بهجت پرسیده شود :چگونه انسان می تواند در همه حال در محضر آقا امام زمان ،خود را ببینید ؟

پاسخ

اگر انسان زیاد به یاد چیزی باشد و به آن توجه مستمر و پی گیر داشته باشد و آن را از یاد نبرد، همیشه در محضر آن خواهد بود. افرادی که به محبوبی دل می بندند و پیوسته به یاد او هستند، گویا همیشه با او همراه هستند ودر بیداری و حتی خواب شاهد حضور او می باشند و با او مرتبط اند. اگر فردی مقام بلند امام معصوم(ع) را به اندازه ظرفیت خود درک کند و شناخت درستی از صفات و کمالات و جایگاه بلند امامت داشته باشد و درک کند که آنها آینه دار صفات جلال و جمال خداوند می باشند و عظمت و جلال و شکوه خداوند در آنها جلوه گر شده است و معنای خلافت و جانشینی امامان معصوم(ع) را بفهمد و متوجه شود کسی که جانشین و خلیفه خداوند است، امانتدار همه صفات و کمالات او می باشد و قلب پاکشان خزانه اسرار و علوم الهی است، نیاز به ارتباط و انس با آنها را با همه وجودش احساس می کند و این شناخت به دنبال خود، محبت و علاقه می آورد، چون هر محبتی و علاقه ای بر اثر وجود کمالی و صنعتی نیکو در محبوب است و هر چه این شناخت عمیق تر و درست تر باشد محبت و علاقه شدیدتر و ریشه دارتر است تا آنجا که در نزد او چیزی لذیذتر و شیرین تر از

یاد و ذکر محبوب نمی باشد و همه فکر و ذکر و غم و غصه و خواست او محبوب می شود و دراین صورت است که انسان خود را در محضر محبوبش می بیند و وجود و حضور او را با خود در همه حالات و ساعت ها و در همه مکان ها احساس می کند.

پس برای حضور در محضر مقدس امام زمان(ع) اولین کار شناخت درست عمیق آن بزرگوار با مطالعه کتاب های مناسب و روایات امامان معصوم(ع) است.

کار دوم که از اهمیت اساسی برخوردار است کسب رضایت و خشنودی آن سرور کائنات است که با عمل به وظایف الهی و شرعی و انجام واجبات و دوری از محرمات و کوشش در راه بندگی صادقانه به دست می آید.

کار سوم، تماس مستمر با آن بزرگوار و ایجاد ارتباط با او از طریق هدیه صلوات و نماز مستحب به روح پاکشان و دعا برای سلامتی وجود اقدس ایشان و نیز صدقه دادن برای سلامتی ایشان و به ویژه ارتباط از طریق دعاهای مخصوص آن بزرگوار می باشد.

چطور و چگونه با امام زمان(عج) رابطه بر قرار کنیم؟

پرسش

چطور و چگونه با امام زمان(عج) رابطه بر قرار کنیم؟

پاسخ

نحوه ارتباط با امام زمان(ع) ممکن است با طریق های زیر امکان پذیر باشد:

۱- ملاقات حضوری:

در خصوص امکان یا عدم امکان ملاقات حضوری امکان داشته و انسان با رعایت تقوا و ایجاد شایستگی می تواند به حضور امام زمان(ع) شرفیاب شود، چنان که شخصیت هایی مانند مقدس اردبیلی۱، علامه حلی۲ و علامه بحرالعلوم۳ به حضور حضرت رسیده اند. سید مرتضی۴، شیخ طوسی و ... از طرفداران این نگرش هستند.

شیخ طوسی می نویسد: ما یقین نداریم که حضرت از تمام اولیای خود پنهان باشد، بلکه جایز است که برای بیشتر آنان ظاهر گردد.

برخی دیگر عقیده دارند که ملاقات حضوری با امام زمان(ع) امکان ندارد. محمد بن ابراهیم، معروف به نعمانی۵ ، فیض کاشانی۶ و کاشف الغطا۷ از طرفداران این نگرش هستند. اینان به برخی از روایات تمسک نموده اند که هر گونه ارتباط

حضوری با امام زمان(ع) را منع کرده اند.۸ امام زمان(ع) در توقیع شریف خطاب به آخرین نایب خاص، یعنی علی بن محمد سمری فرمود: " به زودی از شیعیان من خواهند آمد کسانی که ادعای دیدن مرا بکنند. آگاه باشید، هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعا کند که مرا دیده، دروغگوی افترا زننده است".۹

واقعیت آن است که با تقوا و معنویت و قابلیت می توان به حضور آن امام همام رسید، چنان که برخی از بزرگان به حضور او رسیده اند.

به نظر می رسد روایاتی که دلالت بر منع ملاقات دارند، ناظر بر این است که جلوی هر گونه سوء استفاده از ادعای دیدن امام زمان گرفته شود و هر

کس ادعای رؤیت امام زمان(ع) را نکند.

برخی از بزرگـان به حضور امـام رسـیده انـد و مرحوم آخونـد خراسـانی نیز ملاقات امام زمان(ع) را برای افراد خاصـی ممکن دانسته است. البته امکان ملاقات در حال مکاشفه بلکه وقوع آن منافاتی با توقیع ندارد و غالب افراد خدمت یکی از کارگزاران امام غایب می رسـند ولی فکر می کنند امام زمان است، چون مشکل آن ها برطرف می شود و آنچه در دل دارند، آشکار می گردد.

۲- ارتباط معنوی:

۳- بی تردید می توان با امام زمان(ع) ارتباط معنوی برقرار کرد. البته این ارتباط با بهره گیری از تقوا، دعا و توسل به ائمه(ع)، به ویژه به سـاحت مقـدس امـام زمـان(ع) امکان پـذیر است. شایـد بر همین اساس یکی از وظایف شـیعیان در زمان غیبت، دعا کردن برای امام زمان(ع) و توسلات بیان شده است.۱۰

ارتبـاط معنوی بـدان معنـا نیست که انسـان امـام زمـان(ع) را ملاقات حضوری کنـد، بلکه بایـد با آن امام ارتباط برقرار کنـد و همیشه به یاد ایشان بوده و او را در تمام اعمال خود ناظر بدانـد. هرگاه چنین لیاقت و شایسـتگی حاصل شد، حضـرت به انسان عنـایت نموده و به رفع مشـکلات انسـان می پردازد؛ از این رو امام زمان(ع) در توقیعی که برای شـیخ مفیـد صادر نمود فرمود: "فإنّا نحیط علماً بأنبائکم و لا یعزب عنّا شیءٌ من أخبارکم؛۱۱ ما بر اخبار و احوال شـما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشـیده نمی ماند". باز حضـرت در همان توقیع فرمود: "ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این

بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می کردند".۱۲

ارتباط معنوی انسان با امام زمان(ع) سبب می شود که آن حضرت میان مردم حضور پیدا کند اگر چه مردم او را نشناسند. امام علی(ع) فرمود "سوگند به خدای علی، حجت خدا میان آنان هست و در کوچه و بازار آن ها گام بر می دارد و بر خانه های آنان وارد می شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می پردازد و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده سلام می دهد. او مردمان را می بیند".۱۳

در دعای ندبه می خوانیم: "جانم فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی. جانم فدایت! تو آن دور شده از وطن هستی که از ما دور نیستی".۱۴

۴- ارتباط از طریق نامه:

یکی از راه های ارتباط با امام زمان(ع) نامه نگاری است. مرحوم شیخ عباس قمی به نقل از تحفه الزایر مجلسی و مفاتیح النجاه سبزواری می نویسد: هر کسی حاجتی داشته باشد و این را در نامه ای بنویسد و در یکی از قبور ائمه(ع) بیندازد و یا مهر کند و خاک پاکی را گل سازد و آن را میان آن گذارد و در چاهی عمیق و یا نهری اندازد، آن گاه امام زمان(ع) خود شخصاً متولی بر آوردن حاجت می شود".۱۵

البته در این مسئله روایت و مستندی نداریم، شاید مجرّب باشد.

۱ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۷۰؛ مهدی موعود، ص ۹۳۴.

۲ تنکابنی، قصص العلما، ص ۲۵۹.

۳ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴.

۴ تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۲، به نقل از مجله

حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۹۹.

۵ کتاب الغیبه، ص ۱۶۰.

۶ وافی، ج ۲، ص ۴۱۴.

۷ حق المبین، ص ۸۷.

۸ شیخ طوسی، کتاب الغبه، ص ۳۹۵.

۹ شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۵۱۶.

۱۰ منتهی الآمال، ص ۵۵۹ و ۵۶۲.

۱۱ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

۱۲ همان.

۱۳ جباری، عاشوری و حکیم، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۲۶، به نقل از الغیبه نعمانی، ص ۷۲.

۱۴ مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۱۵ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۹۱.

چگونه می توان با امام زمان(ع) ارتباط بر قرار کرد؟

پرسش

چگونه می توان با امام زمان(ع) ارتباط بر قرار کرد؟

پاسخ

هر که را جامه زعشقی چاک شد او زحرض و عیب کلی پاک شد

ارتباط دو گونه است: مستقیم و غیر مستقیم. ارتباط مستقیم، ملاقات و رؤیت و مشاهده حسی است که کلید خزانه آن در ارتباط غیر مستقیم است. ارتباط غیر مستقیم مقدمه لازم و جدا ناپذیر ارتباط مستیم است و تنها نردبانی است که می توان با آن از ملک به ملکوت وارد شد و بر آستان آسمان انسانیت قدم گذاشت و از شعاع مهر انگیز خورشید بلند ترین آسمان

هستی بهره برد.

ارتبـاط غیر مسـتقیم، قلبی و عـاطفی و علمی و عملی است. به بیان دیگر: گاهی عاملی موجب می شود که ما فردی را دوسـت داشـته باشـیم مثلاًـ فردی را در مراتب عالی ایمان، تقوا، عـدالت خواهی، رأفت و رحمت می بینیم. فطرتِ حقیقت گرا و کمال طلبِ مـا او را به خـاطر ویژگی هـایش دوست دارد و به سوی او گرایش و تمایـل پیـدا می کنـد، بـدون آن که نیـاز یا طلب و درخواستی از او داشته باشد.

گـاهی ویژگی هـا و کمالاتِ آن فرد را عالی ترین و محبوب ترین می پنـدارد و او را نماد و تحقق عینی فضـیلت یا فضایل می بینـد. در نتیجه شـیفته و دلبـاخته او می گردد و او را الگو و اسوه می دانـد و می خواهـد به او نزدیک شود، با او ارتباط بر قرار کند، با او سخن بگوید و راه های رشد و کمال را از او بپرسد و راهنمایی بگیرد؛ یعنی رابطه مراد و مرید.

گاهی شیفتگی و دلباختگی برخاسته از عقل و

معرفت با احساسات و عواطف عالی انسانی آمیخته می گردد و به اوج می رسد و رابطه مرید و مراد به رابطه معشوق و عاشق تبدیل می گردد، در نتیجه عشق و علاقه، وجود معشوق را مسخّر و مطیع بی چون و چرای عاشق می سازد.

حبّ و علاقه وقتی شدت پیدا کرد و به حد عشق رسید همانند پیچک، بر جان و روح معشوق می پیچد و آن را در تسخیر خود در می آورد و بر آن حکومت مطلق و بی چون و چرا خواهد داشت. مرحله عشق و فنا از دو مرحله پیش حتی عقل و معرفت برتر است، زیرا مرتبه عقل و خرد، رتبه چون و چرا و علت خواهی و پرسش گری است، ولی عاشق به رتبه ای از معرفت و شناخت رسیده است که تسلیم محض معشوق می گردد و حق و عدالت و خوبی و فضیلت را آن می داند که معشوق می گوید و عمل می کند. جذبه و رابطه برخاسته از عشق را نمی توان با هیچ چیزی مقایسه کرد زیرا در آستان عشق، فرهنگ هایی چون سختی و مشکلات و شکست و پیروزی و غم و شادی و ... دگرگون می شود.

بوسه و دشنام را یک یک بده تا بدانم زان دو شیرین تر کدام

حضرت امام خمینی(ره) در غزل عارفانه ایکه شاید مخاطبش حضرت ولی عصر(عج) باشد می گوید:

درد خواهم، دوا نمی خواهم

عاشقم، عاشقم، مریض توام

من جفایت به جان خریدارم

از تو جانا جفا وفا باشد

غصه خواهم نوا نمی خواهم

زین مرض من شفا نمی خواهم

از تو ترک جفا نمی خواهم

پس دگر من وفا نمی خواهم

ظرف معرفت عاشق،

ذهن و عقـل او نیست، بلکه قلب و سراسـر وجود او است. ذهن و عقـل، ظرف معرفت ره یافتگانی است که تازه قـدم در کوی دوست گذاشـته اند و هنوز در شـعاع مغناطیس پر قدرت و پر جاذبه عشق وارد نشده اند. عاشق فانی معشوق است چون تصویر در آیینه. او می خواهد آیینه خواسته های محبوب خویش باشد تا بتواند نظر و وَجْه او را به خود معطوف سازد.

پس اگر طالب ارتباط با امام زمان(عج) هستی، عاشقش شو.

نخستین گام در عشق، شناخت معشوق و شناخت خاسته ها و مطلوب های او است.

کسـی که می خواهـد عـاشق امـام زمـان(ع) شود تـا از این راه غیر مسـتقیم، به ملاقـات حضوری معشوق نایل گردد، بایـد امام خویش را بشـناسد؛ از راه و سـیره و روش او آگـاه گردد؛ بـا اخلاـق و افکـار و عقایـد او آشـنا شود؛ دوسـتان و نماینـدگان، و دشمنان و موانع ظهورش را بشناسد.

به بیان دیگر: عشق ورزیماننـد همه امیال درونی، نیازمنـد فضای مناسب برای پرورش و پردازش است تا شـکوفه و گل دهـد. اگر بستر مناسبی برای ظهور این میل مقدس فراهم گردد عاشق به وصال معشوق خواهد رسید.

حرکت در مسـیر خواسته های آن فروغ حیات و معشوق عشاق حقیقت طلب و مخلصان حقیقت گام است، که فاصله ها را کم می کند وحصار هجران و دوری را بر می دارد و عاشق را به وصال معشوق می رساند. تا زمانی که از خود پرستی و هواپرستی بیرون نیامدیم و دل و جان خود را مسخّر مولا نساختیم، به ناحق لاف دوستی می زنیم.

تا تو در بند خویشتن باشی عشق بازی دورغ

زن باشی

عاشق آیینه صفات معشوق و جلوه اخلاق و اوصاف و روش های او است. پس چگونه می توان با گناه و انواع آلودگی ها عاشق آن جان جانان و گل عصمت شد؟

عاشق آن مصلح خود ساخته و مهذّب و مجسمه تقوا و تهجد و بندگی حق تعالی، به فکر اصلاح خویش و تهذیب نفس و تزکیه روح خویش است.

به راستی چگونه می توان ادعای عشق و محبت آن سمبل زهد و ورع، آن پاک تر از باران بهاری و لطیف تر از شبنم صبحگاهی را داشت، در حالی که دل و جان و زبان و چشم و گوش ها در تسخیر هوای نفس و شیطان است؟!

پاسخ را با پیام آن مایه حیات و روح هستی که همه جان ها فدای خاک پای آن جان جانان باد، به پایان می بریم!

حضرت در نامه ای به شیخ مفید (ره) می نویسد: "اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به عبادت و اطاعتشان موفق فرماید - با دل های متحد و قلب های هماهنگ و یکپارچه، به عهد و پیمانی که با ما دارند وفا می کردند - از ما اطاعت می کردند و فرمان ما را اجرا می کردند و فرمان ما را اجرا می نمودند و خود را به گناه و معصیت آلوده نمی ساختند- هرگز از فیض ملاقات ما محروم نمی شدند و غیبت ما این قدر طولانی نمی شد بلکه سعادت دیدار ما با معرفتی کامل و شناختی راستین، نصیبشان می شد".۵ خداوندا! قلب مبارکش را از ما راضی گردان.

۵ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۱۳۹۰ ه-

ق، ص ۴۰.

یک فرد چطور می تواند این شایســتگی را پیدا کند که در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) با او در ارتباط باشد و بتواند از وجود مبارک او بهره ببرد؟

پرسش

یک فرد چطور می توانـد این شایسـتگی را پیـدا کنـد که در زمان غیبت حضـرت مهدی (عج) با او در ارتباط باشد و بتواند از وجود مبارک او بهره ببرد؟

پاسخ

در دوره غیبت صـغری، شـیعیان می توانسـتند از طریق سازمـان مخفی وکـالت که توسـط چهار نایب خاص امام مهـدی (عـج) رهبری می شد، با حضرت در ارتباط باشند.

دوره غیبت کبری: در این دوره با انحلال سازمان مخفی وکالت، کانال شـناخته شده ای برای ارتباط حضوری و ظاهری با امام زمان (عـج) وجود نـدارد. ممکن است اولیاء اللّه با حضـرت در ارتباط باشـند، لیکن چگونگی ارتباط آنان بر ما روشن نیست، چون این از اسرار است و

هر که ا اسرار حق آموختند

مهر کردند و دهانش دوختند

می توان بـا حضـرت ارتبـاط معنوی بر قرار کرد و این بـا بهره گیری از تقوا، دعا و توسّل امکان پـذیر است، مثلاً درباره دعای عهد از امام صادق(ع) روایت شده است: "هر که در چهل سپیده دم این دعا را بخواند،

به برکت آن خداوند وی را از یاران امام مهدی (عج) قرار می دهد".(۱)

پاورقی:

۱ - این دعا را شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان، از مصباح الزایر سید بن طاووس نقل کرده است.

ارتباط با امام زمان(ع) از چه روش هایی امکان پذیر است؟

پرسش

ارتباط با امام زمان(ع) از چه روش هایی امکان پذیر است؟

پاسخ

نحوه ارتباط با امام زمان(ع) در دو مرحله قابل بررسی است:

الف) زمان غیبت صغری؛

ب) زمان غیبت کبری.

در زمان غیبت صغری که از سال ۲۶۰ و یا ۲۵۵ هجری قمری آغاز شد و در سال ۳۲۹ پایان یافت،۳ مردم پرسش های عقیدتی، اجتماعی و مشکلات خویش را به وسیله نواب خاص با امام زمان(ع) در میان می گذاشتند و آن حضرت مسائل و پرسش های مردم را پاسخ می گفتند. گاهی گروهی از مردم به وسیله نواب خاص به دیدار امام زمان(ع) می رفتند. در واقع می توان گفت که در این مد"ت امام هم غایب و هم غایب نبود.۴

نواب خاص امام زمان(ع) که نقش بنیاری در برقراری ارتباط مردم با امام زمان(ع) داشته اند، عبارتند از:

۱- ابوعمرو عثمان بن سعید عمری؛

۲- ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری؛

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمری.

در این جا لازم است به بخشی از وظایف و فعالیت های نواب خاص امام زمان(ع) اشاره شود که چگونه مردم با امام زمان(ع) ارتباط برقرار می کردند:

الف) پنهان داشتن نام و مکان امام: گرچه امکان رؤیت امام زمان(ع) در غیبت صغری برای مردم و نواب خاص وجود داشت، ولی به دلیل مشکلات سیاسی، هر یک از نواب موظف بودند که نام و مکان امام را افشا نکنند؛ زیرا جان امام از سوی حکومت تهدید می شد. البته این پنهان کاری به دستور خود امام زمان(ع) صورت گرفته بود. ارتباط شیعیان نیز بدون این که مکان امام را بدانند، برقرار می شده است.

ب) پاسخ گویی به سؤالات

فقهی و مشکلات عقیدتی:

نواب خاص علاوه بر وظیفه فوق، وظیفه پاسخگویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی مردم را نیر بر عهده داشتند نواب خاص به دلیل این که از دانش بسیار بالایی بهره مند بودند، به بهترین وجه شبهه زدایی نموده، پرسش های مردم را جواب می دادند. از سوی دیگر سؤالات فقهی و شرعی شیعیان را به عرض امام رسانده و پاسخ ها را دریافت و به مردم ابلاغ می کردند.

ج) اخذ و توزیع اموال متعلق به امام زمان(ع):

نواب خاص اموال متعلق به امام را از جمله بیت المال و سهم امام را از شیعیان می گرفتند به هر طریقی ممکن به امام زمان(ع) می رساندند.

در زمان غیبت کبری نیز نحوه ارتباط با امام زمان ممکن است با طرق زیر امکان پذیر باشد:

۱- ملاقات حضوری:

در خصوص امکان و عدم امکان ملاقات حضوری با امام زمان(ع) اختلاف است. برخی عقیده دارند که ملاقات حضوری امکان داشته و انسان با رعایت تقوا و ایجاد شایستگی، می تواند به حضور امام زمان(ع) برسد.

چنان که شخصیت هایی مانند مقدس اردبیلی،۵ علامه حلی،۶ و علامه بحرالعلوم۷ و ... به حضور آن حضرت رسیده اند. سید مرتضی،۸ شیخ طوسی و ... از طرفداران این نگرش هستند.

شیخ طوسی می نویسد: "ما قطع نداریم که حضرت از تمام اولیای خود، پنهان باشد، بلکه جایز است که برای بیشتر آنان ظاهر گردد و نمی داند هر انسانی مگر خود را..."۹.

برخی دیگر عقیده دارند که ملاقات حضوری با امام زمان(ع) امکان ندارد. محمد بن ابراهیم، معروف به نعمانی،۱۰ فیض کاشانی،۱۱ و کاشف الغطا،۱۲ و ... از طرفداران این نگرش هستند. اینان به برخی از

روایات تمسک کرده اند که در آن ها هر گونه ارتباط حضوری با امام زمان(ع) منع شده است.۱۳

امام زمان(ع) در توقیع شریفش خطاب به آخرین نایب خاص خود یعنی علی بن محمد سمری، فرمود: "به زودی از شیعیان من خواهد آمد کسانی که ادعای دیدن مرا بکنند. آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند که مرا دیده است، او دروغگوی افترا زننده است".۱۴

واقعیت این است که با تقوا و معنویت و قابلیت می توان به حضور آن امام همام رسید، چنان که برخی از بزرگان به حضور او رسیده اند. به نظر می رسد آن عده از روایاتی که دلالت بر منع ملاقات دارند، ناظر بر این است که جلوی هر گونه سوء استفاده از ادعای دیدن امام زمان گرفته شود و هر کس ادعای رویت امام زمان(ع) را نکند. برخی از بزرگان به حضور امام رسیده اند و مرحوم آخوند خراسانی نیز ملاقات امام زمان(ع) را برای افراد خاصی ممکن دانسته است. لیکن بعضی معتقدند که این نوع دیدار یا در حالت مکاشفه است و یا ملاقات با یاران خاص امام عصر(ع) می باشد، ولی طرف گمان می کند که شخص امام عصر را دیده است. بعضی از داستان ها در خواب بوده ولی علاقه مندان آن را در بیداری دانسته اند.والله العالم.

۳ شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۶۸.

۴ محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۳.

۵ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۷۰ و مهدی موعود، ص ۹۳۴.

۶ تنکابنی، قصص العلماء، ص ۲۵۹.

۷ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴.

۸ تنزیه الانبیاء،

ص ۱۸۲، به نقل از مجله حوزه، شماره ۷۰ _ ۷۱، ویژه نامه امام زمان، ص ۹۹.

۹ کتاب الغیبه، ص ۹۹.

۱۰ همان، ص ۱۶۰.

۱۱ وافی، ج ۲، ص ۴۱۴.

۱۲ حق المبین، ص ۸۷.

۱۳ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۹۵.

۱۴ شیخ صدوق، همان، ص ۵۱۶.

۲- ارتباط معنوی:

بی تردید می توان با امام زمان(ع) ارتباط معنوی برقرار کرد. البته این ارتباط با بهره گیری از تقوا، دعا و توسل به ائمه(ع)، به ویژه به ساحت مقدس امام زمان(ع) امکان پذیر است. شاید بر همین اساس باشد که یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت، دعا کردن برای امام زمان(ع) و توسلات بیان شده است.۱۵ ارتباط معنوی بدان معنا نیست که انسان امام زمان(ع) را حضوراً ملاقات کند، بلکه باید با آن امام ارتباط برقرار کند و همیشه به یاد او بوده و او را در تمام اعمال خود ناظر بداند و هرگاه چنین لیاقت و شایستگی ای حاصل شد آن حضرت نیز به انسان عنایت کرده، به رفع مشکلات انسان می پردازد؛ از این رو امام زمان(ع) در توقیعی که برای شیخ مفید صادر کرد، فرمود: "فانا نحیط علما بأنبائکم و لا یعزب عناشی من اخبارکم؛۱۶ ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز او اوضاع شما بر ما پوشیده نمی ماند". باز حضرت در همان توقیع فرمود: "ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می کردند".۱۷

ارتباط معنوی انسان با امام زمان(ع) سبب می شود که آن

حضرت در میان مردم حضور پیدا کند، اگرچه مردم او را نشناسند. امام علی(ع) فرمود: "سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان آنان هست و در کوچه و بازار آن ها گام بر می دارد و برخانه های آنان وارد می شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می پردازد و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده سلام می دهد. او مردمان را می بیند".۱۸

در دعای ندبه می خوانیم: "جانم فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی. جانم فدایت! تو آن دور شده از وطن هستی که از ما دور نیستی".۱۹

۳- ارتباط از طریق نامه:

یکی از راه های ارتباط با امام زمان(ع)، نامه نگاری است. مرحوم شیخ عباس قمی به نقل از تحفه الزایر مجلسی و مفاتیح النجاه سبزواری می نویسد: هر کسی حاجتی داشته باشد و این را در نامه ای بنویسد و در یکی از قبور ائمه(ع) بیندازد و یا مهر کند و خاك پاکی را گل سازد و آن را در میان آن گذارد و در چاهی عمیق و یا نهری اندازد، آن گاه امام زمان(ع) خود شخصاً متولی بر آوردن حاجت می شود.۲۰

۱۵ منتهی الآمال، ص ۵۵۹ و ۵۶۲.

۱۶ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۲.

۱۷ همان.

۱۸ جباری، عاشوری و حکیم، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۲۶؛ به نقل از الغیبه نعمانی، ص ۷۲.

۱۹ مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲۰ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۹۱.

این که گفته شده است که مرحوم علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیار به محضر امام زمان (ع) مشرف شده اند صحت دارد؟

پرسش

این که گفته شده است که مرحوم علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیار به محضر امام زمان (ع) مشرف شده اند صحت دارد؟

پاسخ

دربارهء امکان ملاقات با امام زمان (ع) در زمان غیبت کبرا دو دیدگاه وجود دارد.(۱

الف) علم امکان ملاقات

برخی از بزرگـان دین عقیـده دارنـد که در زمـان غیبت کبرا ملاقـات با امام زمان (ع) امکان نـدارد. البته عـدم امکان ملاقات حضوری بـدان معنا نیست که مردم از وجود مقدس امام زمان (ع) بهره نمی گیرند, بلکه حضـرت مانند خورشـید در پشت ابر به هدایت و رهبری مردم می پردازد, منتهی نفع رسانی و هدایت مردم بدون ملاقات حضوری شکل می گیرد.

طرفـداران این نگرش به برخی روایات اسـتدلال نموده اند.(۲ که در این روایـات ملاقـات با امام زمان (ع) درزمان غیبت نفی شده است .(۳

ب) امکان ملاقات

برخی از عالمان دینی عقیـده دارند که در زمان غیبت کبرا ملاقات حضوری امام زمان (ع) امکان دارد, زیرارسـیدن به حضور حضرت مبتنی بر لیاقت و شایستگی است و برخی از انسان ها چنین لیاقتی را دارند براین اساس حتی عده ای به محضر حضرت رسیده (۴ و از رهنمودهای او در زمینه های مختلف بهره گرفته اند.(۵مرحوم شیخ طوسی می نویسد: (۶

بـا توجه به اختلاـف مبـانی اندیشـمندان اسـلامی درخصوص امکـان و عـدم امکان ملاقات حضوری با امام زمان (ع) قضاوت دربارهء ملاقات علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیار کاری مشـکل است , لکن برخی از بزرگان دین مانند مرحوم علامه مجلسی جریان ملاقات مرحوم علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیار با امام زمان (ع) رابیان نموده و

آن را تأیید کرده اند. (۷

تأییـد ملاقات علامه بحرالعلوم و علی بن مهزیار با امام از سوی شخصـیتی مانند علامه مجلسـی حکایت ازآن دارد که در زمان غیبت کبرا ملاقات با امام زمان (ع) امکان پذیر است و ملاقات این دو شخص با حضرت امکان دارد.

پی نوشت ها:

۱- مجله حوزه , ویژه نامه امام زمان (ع) ص ۷۴

۲- ر. ك : كتاب الغيبه, ص ۳۹۵ اعلام الورى , ص ۴۱۷

۳- کتاب الغیبه, ص ۳۹۵

۴- بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۲۳- ۲۳۹

۵- همان .

۶- کتاب الغیبه, ص ۹۹ بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۳۱۳

۷- بحار, ج ۵۲ ص ۴۲- ۴۷ ج ۵۳ ص ۲۳- ۲۳۴

یک جوان مسـلمان که علاقه مند است با حضـرت مهدی(عج) رابطه داشـته باشد و در قیام حضرت، یکی از سربازان ایشان باشد، چه کارهایی باید انجام دهد؟

پرسش

یک جوان مسـلمان که علاقه منـد است با حضـرت مهـدی(عج) رابطه داشـته باشد و در قیام حضـرت، یکی از سـربازان ایشان باشد، چه کارهایی باید انجام دهد؟

پاسخ

در خصوص برقراری ارتباط با امام زمان(ع) و این که در قیام امام از یاران حضـرت باشد، وجود برخی از ویژگی ها و شـرایط لازم است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱ - پارسایی

برقراری بـا امـام پارسا، پارسایی یاران را می طلبـد، آن دسـته از بزرگان دین که با امام زمان(ع) ارتباط برقرار نموده انـد، از با

تقواترین انسان ها بوده اند. از این رو یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت تقوا گرایی بیان شده است، همچنین در برخی روایات یکی از ویژگی های یاران امام زمان(ع) خداجویی بیان شده است(۱) که بیانگر ضرورت پارسایی است. امام صادق (ع) درباره یاران امام زمان(ع) فرمود: "مردانی که گویا دل هایشان پاره های آهن است، غبار تردید ذات مقدس خدا خاطر شان را نمی آلاید... دل هایشان نور باران است. از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند. برای شهادت دعا می کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند..."(۲)

۲ - بصیرت

یکی از ویژگی های مهم که لازم است دوستان و یاران امام زمان(ع) داشته باشند، بصیرت و آگاهی است(۳) این ویژگی هم در زمان غیبت ضرورت دارد و هم در زمان حضور. چه بسا انسان هایی که در زمان غیبت به خاطر عدم بصیرت دچار مشکل شده اند، حق را در باطل تشخیص بدهند، ولی انسان های بصیر و آگاه در تشخیص حق از باطل دچار مشکل نشده و در بحران ها کمر خم نکرده و پیچ و خم های زندگی آنان را به بیراهه نمی کشاند. انسان های بصیر در زمان حضور امام زمان(ع) لحظه ای از یاری

حضرت دست بر نداشته و آسیب و آفات آن ها را تهدید نمی کند.

۳ - دین مداری

یکی از مؤلفه های مهم جامعه ی امام زمان(ع) حاکمیت دین است، از این رو افراد و یاران امام باید انسان های دین مدار باشند، از سوی دیگر در زمان غیبت انسان ها سخت دچار مشکل شده و حتی برخی غیبت امام زمان(ع) را منکر می شوند، همچنین برخی از انسان ها در زمان غیبت در معرفی سقوط اخلاقی قرار گرفته و باورهای دینی آنان ضعیف می شود. در چنین شرایط عمل کردن به دستورهای الهی و رعایت تکالیف یکی از ضروریات و بایسته ها محسوب می شود، زیرا عمل به دستورهای الهی هم زمینه لیاقت بهره گیری از فیض امام زمان(ع) را فراهم می نماید وهم انسان را از آسیب ها و آفات حفظ می کند، شاید بر همین اساس باشد که یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت "تکلیف گرایی" بیان شده است.

۴ - ولایت گرایی و فرمانبری

در برخی از روایات یکی از ویژگی های یاران امام زمان(ع) ولایت مداری و فرمانبری بیان شده است. پیامبر اسلام (ص) در خصوص فرمانبری یاران امام زمان(ع) فرمود: "کدّادون مجدّون فی طاعته،(۴) تلاشگر و کوشا در پیروی از اویند".

از این روایت استفاده می شود کسانی که در صدد هستند از یاران امام زمان(ع) باشند، باید ولایت مدار و فرمانبر باشند، در زمان غیبت از کسانی که اطاعت آنها را امام زمان واجب کرده است، اطاعت کنند و در زمان حضور از حضرت اطاعت کنند.

۵ - انتظار فرج

به انتظار زیستن، وظیفه ای است که شریعت از مؤمنان در زمان غیبت خواسته است. انتظار به معنای آمادگی بدان معنا است که انسان ها هر لحظه منتظر قیام امام زمان بوده و

باید شرایط پذیرایی از حضرت را در خود فراهم نمایند، از سوی دیگر با آسیب و عواملی که آن ها را از آمادگی برای قیام امام زمان باز می دارد، باید مبارزه نمایند، شاید بر اساس ایجاد این ویژگی در انسان های منتظر است که در زمان غیبت به انتظار فرج اهمیت خاص داده شده است. پیامبر اسلام(ص) فرمود: "أفضل أعمال أمّتی إنتظار الفرج(۵)، انتظار فرج داشتن برترین عمل امت من است". امام صادق(ع) نیز فرمود: "خبر دهم شما را به چیزی که خداوند عمل بندگان را جز با آن نمی پذیرد،... باور به خدای یکتا و بندگی و پیامبری محمد... وچشم داشتن به ظهور قائم"(۶)

۶ - عبادت

یاران مهدی، مردان عبادتند، شیران روز و نیایش گران شب اند. آنان روح بندگی و راز و نیاز با جانشان در هم آمیخته، همواره خود را در محضر می بینند و از یاد او لحظه ای غفلت نمی ورزند از ترس خداوند، نیمه شب، چون مادران فرزند مرده می گریند.(۷)

امام باقر(ع) یکی از ویژگی های مهم یاران امام زمان(ع) را عبادت دانست: "چون بر فراز نجف بر آید، به یاران خطاب کند: امشب را به عبادت به روز آورید. آنان برخی در رکوع و برخی در سجده، شب را به سحر می رسانند و به درگاه خدا تضرّع می کنند"(۸) بر این اساس کسانی که می خواهند مانند یاران امام زمان(ع) باشند و در قیام حضرت شرکت کنند، باید در زمان غیبت به عبادت بپردازند.

۷ - شجاعت

شجاعت و شهامت یکی دیگر از ویژگی های یاران امام زمان(ع) است. امام باقر(ع) در خصوص این ویژگی فرمود: "گویا آنان را می نگرم، سیصد و اندی مرد، بر بلندای نجف کوفه ایستاده اند دل هایی چون پولاد

دارند... در رزمگاه نشان از شجاعان بر تن دارند و چونان یاران پیامبر(ص) در نبرد بدر، نشانه ویژه بر سر نهاده اند".(۹)

در برخی از روایات دعا نمودن برای سلامتی امام زمان(ع)، صدقه دادن، متوسل شدن به امام زمان(ع) و... نیز از وظایف مؤمنان بیان شده است.(۱۰)

پی نوشت ها:

۱ – مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۲۹۹.

۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸

۳ – مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان (ع)، ص ۳۰۰.

۴ – شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ص ۶۳.

۵ – بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

۶ – الغیبه نعمانی، ص ۲۰۰.

۷ – مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان ص ۳۰۱.

۸ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۹ – همان، ص ۳۱۰.

۱۰ – منتهی الامال، ج ۲، ص ۸۶۳ به بعد.

برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟

پرسش

برای درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) و این که عاشق و منتظر واقعی حضرت باشیم، چه باید بکنیم؟

پاسخ

منتظر واقعی کسی است که خود را از هر جهت آماده ظهور حضرت نماید. و باطل را از هر جهت از خود دور کند. شرط لازم برای این امر دینداری و دیانت پیشگی است. فرد منتظر می بایست کاملاً بر اعمالش مراقبت و مواظبت نماید و از هر گونه

سستی و انحراف دوری گزینه امام صادق(ع) فرمود: "هر که خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و با ورع باشد".(۱)

امّا در مورد درک واقعی وجود مبارک امام عصر(عج) می گوییم:

ارتباط با امام زمان(ع) دو گونه است: مستقیم و غیر مستقیم. ارتباط مستقیم. رؤیت جمال نیکو و مشاهده حس وجود مبارک حضرت است، که کلید آن در ارتباط غیر مستقیم قرار دارد.

ارتباط غیر مستقیم، مقدمه لازم و جدا ناپذیر ارتباط مستقیم است و تنها نردبانی است که می توان با آن از مُلک به ملکوت وارد شد و بر آستان آسمان انسانیت قدم گذاشت و از شعاع مهر انگیز خورشید بلندترین آسمان هستی بهره برد. ارتباط غیر مستقیم، ارتباطی علمی، عملی، قلبی و عاطفی است.

فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی.(۱) از تدبّر و تأمل در آیه فوق شاید بتوان تا حدودی متوجه گردید که برای دیدار "دلدار" حقیقت پرستان چه لازم است و برای سفر به کوی "محبوب" چه باید همراه داشت؟

مقرر شد که حضرت موسی(ع) در سرزمین مقدس و از طریق درختی(۲) با حق تعالی سخن بگوید و به ملاقات معنوی خدا برود. فرمان رسید: ای موسی! در

سرزمین مقدسی گام نهاده ای. سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه گر است. پیام خدا را در آن جا می شنوی (پس) با نهایت خضوع و تواضع در این سرزمین گام گذار و کفش هایت را بیرون آر که در سرزمین مقدس طوی هستی.

به موسای کلیم گفته شد: می دانی که در چه مکان و سرزمین مقدسی هستی؟ این جا حضیره قرب خدا و محل حضور و مناجات به درگاه او است. پس شرط ادب به جای آور، کفشت را بکن.(۳)

شما که درخواست دیدار با جلوه کمال مطلق و نگاه به نور الهی را دارید. این امر شدنی و ممکن است. اما شرایط و شایستگی ویژه ای می طلبد. چشم و دل لایق، گوش و زبان محبوب پسند می خواهد تا مطلوب محبوب گردی و زیارتش ممکن شود. آن شرایط و ویژگی ها را در کلام خدا با کلیمش می توان جست؟

۱ بازگشت به حق

برای دیدار امامی که مظهر اسم اعظم حق است ضروری ترین و بدیهی ترین شرط، بازگشت به "حق تعالی" است: "فاخلع نعلیك" کفش های دل بستگی به غیر خدا را از دل در آور و از خود دور کن. پا برهنه یعنی صاف و بی آلایش از هر قید و بند و رنگی شو.

فقط رنگ خدایی داشته باش. بازگشت کن به وضعی که به دنیا آمدیم، آن موقع که دلی صاف و دور از ریا و غرور و خودخواهی داشتیم و دل مان از غبار گناه ها و معصیت ها و از زنگار غفلت ها پاك بود. تا بتوانید خورشید خدا را در آسمان انسانیت رؤیت نمایید. پس گام اوّل بازگشت به

خدا و توبه از گناهان و تهذیب و پاک کردن نفس از صفات ناپسند است تا زمینه خروج عملی از غفلت را فراهم سازد.

چون عزم بر توبه کردید، غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه توحید و یک مرتبه سوره ناس و فلق را بخوانید و بعد از نماز هفتاد مرتبه "استغفرالله ربّی و اتوب الیه" بگویید، سپس "لا حول و لا قوّه إلاّ بالله العلی العظیم" و در پایان بگویید: "یا عزیز یا غفّار اغفرلی ذنونی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات فإنّه لا یغفر الذنوب إلاّ أنت".(۴)

۲ تقویت معرفت:

آیا می دانید هوای زیارت چه کسی را در سر دارید؟ او را شناخته اید؟ به مقام و منزلتش معرفت پیدا کرده اید؟

کسی را که هوای دیدار دلدار است، باید دلدار شناس گردد. از کمالات و ویژگی هایش، از مقام و منزلتش نزد خدا معرفت لازم را کسب کند و با کرامات و معجزات و سیره و اخلاق و معارف او آشنا شود و دوستانش را بشناسد و توجه داشته باشد که به دیدار چه کسی می خواهد نایل گردد. با معرفت و شناخت، اوّلا توبه حقیقی تحقق می یابد، ثانیاً، محبت و دوستی ریشه دار می گردد، زیرا محبت، درجات و مراتبی دارد.(۵) برخی تا نُه مرتبه برای آن شمرده اند، و عشق را در مرتبه چهارم قرار داده اند. عشق آغاز راه رسیدن به مقصد و سرآغاز جاده ای است که به ملاقات معشوق- امام زمان(ع)- منتهی می شود.

تا علاقه و محبت به امام زمان(عج) به مرحله عشق و ارادت نرسد، دیدار

آن یار حاضر وغایب، ممکن نیست. حافظ شیرازی می گوید:

نشوی واقف یک نقطه ز اسرار وجود تا نه سرگشته شوی دایره امکان را

شهید مطهری(ره) در توضیح می فرماید: "ای سرگشتگی همان سرگشتگی عشق است، یعنی جنون عشق است. تا از این راه وارد نشوی، امکان ندارد به نقطه ای برسی".(۶)

۳ عشق به خدا و تبعیت از امام زمان(عج):

اثر طبیعی محبّت آن است که "محبّ" را با "محبوب" پیوندی می دهد و در مسیر خواسته های او به تلاش و فعالیت پرثمر وا می دارد.

آن ها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا ائمه اطهار(ع) و امام زمان(عج) می زنند، باید صداقتِ محبت و عشق خود را در پیروی نشان دهند. در کتاب معانی الاخبار از امام صادق(ع) نقل شده :"ما احبّ الله من عصاه کسی که گناه و نافرمانی خدا می کند، خدا را دوست ندارد".

دوستی و محبت در عمل ظهور می کند. سپس فرمود: "چه شگفت انگیز است معصیت پروردگار کنی، با این حال اظهار محبت او نمایی! به جان خودم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می کردی، زیرا کسی که دیگری را دوست می دارد. از فرمان او پیروی می کند".(۷) قرآن کریم می فرماید: " قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله...؛ پیامبر! بگو (به مردم) اگر خدا را دوست دارید، از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته باشد". بنابراین محبت تنها یک علاقه قلبی نیست، بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد.

کسی که می خواهد امام زمان(ع) را زیارت کند باید بررسی نماید

چه اموری باعث خشنودی حضرت می گردد، تا به آن کار مبادرت ورزد و از هر کاری که موجبات ناخشنودی آن عزیز را فراهم می سازد، اجتناب کند.

۴- تقویت ارتباط قلبی و عاطفی

می توان ارتباط قلبی و عاطفی با آن محبوب و معشوق عشاق حقیقت طلب را از راه های ذیل تقویت نمود:

از طریق خواندن برخی دعاها و زیارت ها و توجه و تأمل در معانی آن ها، نیز خواندن بعضی از نمازها مانند نماز امام زمان(ع) یا حضور در برخی از مکان ها مانند مسجد سهله در کوفه و مسجد جمکران در قم، نایب الزیاره آن حضرت شدن در زیارت خانه خدا (حج و عمره) و زیارت قبور و حرم پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز شریک کردن حضرت در ثواب تلاوت قرآن، و دعاها و نمازهای مستحبی، بلکه همه ثواب را به حضرت هدیه نمودن، و در حق حضرت دعا کردن و دعای فرج خواندن.

۵- مطالعه زندگینامه کسانی که به ملاقات آن حضرت مشرّف شدند.

مطالعه زندگینامه اشخاصی که توانستند به زیارت آن حضرت نایل گردند، هم راه را نشان می دهد، هم شوق ملاقات را افزایش می دهد و آتش عشق و ارادت را شعله ور می سازد و هم این حقیقت را بازگو می کنند که آنان، چه ویژگی هایی داشتند و چه عاملی موجب شد تا امام(ع) آنان را مورد عنایت و لطف خود قرار دهند.

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ح ۵۲، ص ۱۲۸.

۲. طه (۲۰) آیه ۱۲.

۳. قصص (۲۸) آیه ۳۰.

۴. تفسیر المیزان (مترجم)، ج ۱۴، ص ۱۹۱.

۵. میرزا جواد ملکی تبریزی، رساله لقاء الله، ص ۶۳.

۶. تفسیر نمونه، ج ۹،

ص ۳۹۳؛ تفسیر روح المعانی، ج ۱۲، ص ۲۰۳.

۷. عرفان حافظ، تماشاگر راز، ص ۱۴۳.

۸. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸۶.

چرا امام زمان (عج) با افرادی مثل من در ارتباط نیست ؟ علت غیبت امام زمان (عج) چیست ؟ وظیفه ما در زمان غیبت چیست ؟

پرسش

چرا امام زمان (عج) با افرادی مثل من در ارتباط نیست ؟ علت غیبت امام زمان (عج) چیست ؟ وظیفه ما در زمان غیبت چیست ؟

پاسخ

اصلا" بنا نیست امام زمان (عج) به طور مستقیم با شیعیان خودش اعم از خوب یا بد در ارتباط مستقیم باشد به این معنی که مستقیما" به حضور او برسند .به جز در مواردی استثنایی که خودحضرت این افتخار را برای لحظاتی به برخی از دوستان و شیعیان خودداده اند .هر چند همه مردم و به طور خاص محبین و شیعیان آن حضرت به نحو غیر مستقیم از الطاف و برکات و هدایت های آن حضرت بهره مندمی شود، (نهج البلاغه ، خطبه ۱۴۶، ینابیع الموده ، ج ۲، ص ۲۱۷) . اگر مانعی وجود نداشت قهرا" آن حضرت به طور مستقیم در ارتباط با مردم می بود لکن خداوند که افعالش بر طبق مصالح و در نهایت استحکام است ، آن حضرت رااز دیده ها پنهان نگه داشته است لذا غیبت حضرت علت و حکمت وفلسفه ای دارد .اگر چه فلسفه این غیبت و حکمت آن به طور کامل برای مامعلوم نمی شود مگر بعد از ظهور آن حضرت ، (الاحتجاج ، طبرسی ، ج ۲، ص ۳۷۶ و کمال الدین و تمام النعمه ، شیخ صدوق ، ج ۲، ص ۴۸۲، حدیث ۱۱).

اما در روایات ما، برخی از حکمت های غیبت بیان شده است :

۱- به سبب غیبت ، از خطر قتل نجات می یابد و بدین سان زمین خالی از حجت نمی ماند، (اثبات الهداه ، ج

۶، ص ۴۳۷) .

۲- به سبب غیبت ، از بیعت کردن با حاکمان ستمکار محفوظ می ماند، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲) . ۳- خداوند به سبب غیبت ، بندگان خود را آزمایش و امتحان می کند، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳) . از طرف دیگر به این نکته باید توجه داشت که ارتباط مستقیم سهل آن حضرت با افراد نیز زمینه ساز سو استفاده ها و ادعاهای دروغین بسیاری می شود و به این وسیله زمینه های فریب بسیاری از توده ها فراهم می گردد .ازاین رو این باب بسته نگاهداشته شده و وظیفه امت در پیروی از نایبان آن حضرت معرفی شده است . برای اطلاع بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به کتاب دادگستری جهان ، تالیف آیت الله ابراهیم امینی . ;

چگونه می توان با امام زمان (عج) صحبت کرد؟

پرسش

چگونه می توان با امام زمان (عج) صحبت کرد؟

پاسخ

به طور کلی باید توجه داشت که آنچه از ما خواسته شده و شارع مقدس به ما دستور داده است ، اعتقاد به امام زمان (عج) و دعا برای سلامتی و فرج آن بزرگوار و بعضی ادعیه و زیارات وارده است و از ما صحبت کردن با امام زمان (عج) ویا نامه نوشتن برای آن بزرگوار خواسته نشده است . در بعضی کتب دعا، دستوراتی برای خواب دیدن و یا نامه حاجت نوشتن ذکر شده است. در کتاب باقیات الصالحات که در حاشیه مفاتیحالجنان در باب ششم در خواص بعضی سور و آیات و غیره ، تحت عنوان ((جهت خواب دیدن پیغمبر (ص) و یا امام (عج) یا والدین یا یکی از مردگان خود)) دستوری را ذکر نموده است ولی سندمعتبری برای آن نقل ننموده است و نیز در تتمه ملحقات مفاتیحالجنان که در پایان مفاتیح چاپ شده است ، تحت عنوان رقعه ای که برای حاجت می نویسند و در آب جاری یا چاهی می اندازند، دستوری برای نامه حاجت نوشتن را ذکر نموده است که برای آن نیز سند معتبری نقل نموده است. شهید دستغیب در کتاب ((داستان های شگفت)) نقل می نماید که برای امام زمان (عج) نامه نوشته و آن را به آقای بهجت داده است که در آب روان بیاندازد .پس از این که آقای بهجت نامه را در آب روان می اندازد نامه در جای خود می ماند وحرکت نمی

کند .یکی دو بار این مطلب تکرار می شود و آقای بهجت نامه را گرفته و به آقای دستغیب برمی گردانند .آقای دستغیب این طور نتیجه گرفته است که مصلحت نبوده که آن حاجت برآورده شود.منظور این است که عمل به این دعاها و یا نوشتن نامه خدمت حضرت لزوماً به معنای برآمدن مقصود نیست و البته حضرت اشراف علمی به ما دارند و کارها و اعمال و رفتار ما برای آن بزگوار آشکار است و این که به یاد آقا باشیم و آن بزرگواردر نزد ما عزیز باشد به این معنا است که آقا به یاد ماست و در نزد ایشان عزیز هستیم. خداوند امام زمان (عج) را از همه ما راضی و خشنود قرار بدهد و در فرج آن بزرگوار تعجیل فرماید و همه ما را از شیعیان ودوستداران و موالی و یاران حضرتش قرار دهد.;

چه کنیم تا رابطه ما با امام زمان (عج) قوی تر شود و دوستدار واقعی ایشان شویم ؟

پرسش

چه کنیم تا رابطه ما با امام زمان (عج) قوی تر شود و دوستدار واقعی ایشان شویم ؟

پاسخ

مهمتر از همه چیز آن است که وظایف خودرا در برابر آن حضرت بشناسیم و به انها عمل بکنیم در این صورت است که آن حضرت نیز دوستدار ما خواهندبود و لطف و عنایت افزون تری نسبت به ما خواهند داشت . آن چه بیش ازهمه آن وجود شریف و مقدس از ما انتظار دارند این است که در همه اموررضای حق تعالی را در نظر بگیریم و کوچک ترین قدمی برخلاف فرامین قرآن و اسلام برنداریم . از طرف دیگر خود را همواره سرباز فداکار آن حضرت بدانیم و در همه جا برای حفظ دین و آرمان مقدس آن حضرت تلاش و جانفشانی کنیم و در حد توان محیط خانه مدرسه دانشگاه اداره و...را به فضایی دینی و معنوی تبدیل نموده و کشور درون نفس و جامعه برون رامرکز حاکمیت تقوا کنیم . دعا برای فرج آن حضرت و آماده سازی خود وجامعه در این راستا نیز از وظایف است . خواندن دعاهایی مثل دعای عهدزیارت آل یاسین و ...نیز خوب است . ;

چگونه می توان با امام زمان ارتباط برقرار کرد؟

پرسش

چگونه می توان با امام زمان ارتباط برقرار کرد؟

پاسخ

از آنجائی که حقیقت غیبت امام زمان (عج) غیبت و پنهان شدن جسمانی و فیزیکی نیست بلکه ناشناخته بودن آن بزرگوار برای مردم است و به عبارت دیگر آن حضرت حضور مؤثر و پیوسته ای در جهان و بین مردم دارند ولی گمنام، بر این اساس ممکن است بارها آن حضرت را دیده باشید ولی نشناخته باشید و آنکه در حجاب است مائیم نه آن بزرگوار. البته ملاقات همراه با شناخت و معرفت و تصحیح عملکرد و همگون شدن با آن حضرت در زندگی روزمره ممکن است چنانکه خود آن حضرت فرموده است شما خوب باشید ما خود شما را پیدا می کنیم.

حضرت استاد علامه طباطبائی (ره) در این باره فرموده اند :

"منظور از غیبت امام (ع) غیبت شخص و جسم نیست، بلکه " غیبت عنوان" است که در این صورت، دیدار و رویارویی با آن حضرت به سه صورت ممکن است پیش آید:

۱- دیدار حضرت مهدی(ع) با عنوان غیر واقعی ایشان، به طوری که کاملا برای ، باری، هر شیعه پاك سرشتی می تواند آن حضرت را ملاقات کند، ولی باید توفیق رفیقش شود از گناهان و موارد شبهه و مشکوك پرهیز کرده و درون خویش را از خفاشها پاك کند و از طرفی به ایمان و یقین و صفات پسندیده ، انجام واجبات و مستحبات و ذکر حق تعالی جان خود را آراسته کرده و در رفع نیازمندیهای مردم و اصلاح جامعه کوشا باشد، تا نور ولایت او در دل، و جمال او در چشمش تابیدن گیرد.

گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است؟

گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است!"(۱)

دیـدار کننـده، ناشـناس باشـند، این گونه دیـدار، و به فراوانی به طور دایم، برای کسـانی که در محـل زنـدگی ایشان سـکونت دارند، و یا افرادی که با ایشان برخورد می نمایند در هر نقطه ای که باشد روی می دهد.

دیدار با آن حضرت در عنوان حقیقی ایشان، بدون اینکه این امر را ملاقات کننده مگر پس از پایان گرفتن دیدار متوجه

مومن بایابکم و مصدق برجعتکم

مقصود همان رجعتی است که اول امام حسـین (ع) بعد حضـرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند .

(ره)

باشد. این همان حالتی است که اکثر دیدارهای نقل شده را شامل می شود.

دیدار با آن حضرت با عنوان حقیقی ایشان، در حالی که دیدار کننده نیز در اثنای ملاقات متوجه این امر باشد. این گونه دیدار در اخبار مشاهده و دیدار بسیار کم نقل شده است، زیرا غالباً مخالف مصلحت می باشد و با غیبت تامه و کامل حضرت مهدی (عج) منافات دارد.

اما در رابطه با کیفیت رویارویی با آن حضرت، کافی است آن جناب با فرد مورد نظر، مانند سایر انسانها روبه رو شود و منظور خـود را از دیـدار برآورده سـازد و شخصـیت حقیقی خـود را به او اگرچه به گونه ای که پس از اتمـام رویـارویی متوجه شود بشناساند. بلکه آن حضرت، به طور عادی، پس از پایان دیدار، ملاقات کننده را ترک می کند.

البته، در صورتی که هنگام ملاقات، امام (به گونه ای در تنگنا قرار گیرد که بیم از میان رفتن و انتفای غیبت عامّه ایشان برود، چاره ای از پنهان شدن به طریق اعجاز نیست. و

این معجزه در این شرایط با قانون معجزات مطابقت دارد، زیرا بر قراری غیبت ایشان برای تحقّق روز موعود لازم است.

راجع به اینکه: آیا در غیبت کبری، ممکن است کسی خدمت آن حضرت مشرّف شود؟ باید گفت: آری، و اینکه در بعضی روایات گفته شده که مدعیان دیدن حضرت را تکذیب کنید؛ منظور کسانی هستند که ادعای دیدن آن امام و نیابت دارند.

۱ در محضر علامه طباطبائی، هادی خسروشاهی، ص ۱۵۴ ۱۵۵

راه افزایش عشق به امام زمان غ و ارتباط با آن حضرت چیست

پرسش

راه افزایش عشق به امام زمان غ و ارتباط با آن حضرت چیست

پاسخ

الف افزایش عشق و محبت نسبت به آن حضرت

۱. امام زمان غ حجت زنده خداوند در میان انسان ها بوده کامل ترین و با فضیلت ترین مخلوقات است او تنها فرد از سلسله جانشینان الهی است که پس از پیامبر بزرگوار و یازده امام معصوم ، به عنوان نماینده آنان می باشد. عُصاره همه کرامت ها و ارزش های انسانی است عالی ترین شاخصه های کمال انسانی در وجود مقدس ایشان جمع شده است انسان که در تکاپوی یافتن بهترین راه برای بارور ساختن استعدادهای کمال طلبی در خود بوده تشنه ره یابی به مقصدهای متعالی است بدیهی است که آسان ترین شیوه رسیدن به آن و جهت دادن صحیح به رفتارهای خود، هم آهنگ ساختن آن ها با آیینه تمام نمای انسان کامل است و اساساً فلسفه امامت در ساختار اعتقادی شیعه همین است امام نه صرفاً یک سخن گوی راه هدایت بلکه عامل رساندن انسان به فضای ملکوتی هدایت است در وجود امام سازوکارهای هدایت عینیت پیدا کرده و او نه فقط ترسیم گر خط هدایت بلکه رساننده عمل انسان به منزلگاه هدایت و کمال است انسان که در درونش آتش کمال جویی شعله ور است باید این باور را همواره سویه ای دل خود قرار دهد که کامل ترین موجودات و مخلوقات خداوند، زنده و حاضر در میان ما است از این رو، سراسیمه و با تب و تاب مؤلفه های شخصیتی آن معصوم را هر چه بیش تر بشناسد; آن گوهری که در وجودش همه عناصر کمال عینیت

یافته است اگر ما او را بیش تر بشناسیم بیش تر رو به سویش خواهیم داشت و در دل و جانمان مأوی ٰخواهد گزید.

ب افزایش ارتباط

افزون بر، عنصر شناخت که در قسمت اوّل پاسخ بدان اشاره گردید; محزون بودن برای حضرت به دلیل غربت و تنهایی او از میان مردم انتظار فرج دعا جهت حفظ آن وجود مقدّس صدقه دادن برای سلامتی وی متوسّل شدن به ایشان در گرداب گناه و فساد نلغزیدن و پاک نگه داشتن خود و... از جمله راه کارهای افزایش ارتباط با ولی عصر، امام زمان غ می باشد.

از قرآن کریم نیز استفاده می شود که وظیفه ما اظهار دوستی و مودّت اهل بیت پیامبر: است "قُل لآ ٰأَسْ ?َلُکُم ْعَلَیْه ِ أَجْرًا إِلآ الْمَوَدَّه ِ فِی الْقُرْبَی ِ;(شوری ۲۳) بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم]=اهل بیتم ."، در کتاب شریف اصول کافی از امام باقر۷ روایتی نقل شده است که منظور از "قُربی ِ" در آیه شریفه یاد شده ائمه می باشند;(المیزان علامه طباطبایی ، ج ۱۸، ص ۵۱.) با توجه به چنین تفسیری سفارش آیه شریفه فوق آن است که ما دوستی و عشق و محبت خود را به اهل بیت افزون کنیم و حتّی اجر و مزد رسالت سنگین پیامبر۹ را همین مسئله قرار داده است روشن است راه افزایش این عشق و محبت گرچه به صورت آیه ای مستقل و صریح در قرآن نیامده است امّا از روایات معصومین استفاده می شود که راه کلّی آن حرکت در مسیر جهت گیری ها و عمل کردن به دستورات

آن ها است همان گونه که اشاره شد، ترک کارهای حرام تقویت معنویّت خدمت به مردم دعا در حق آن حضرت و متوسّل شدن به ایشان و خواندن دعاهای مربوط به آن وجود مقدس که یکی از آن ها زیارت نامه مخصوص عصر جمعه می باشد که در کتاب شریف مفاتیح الجنان آمده است

چگونه ارتباطم را با امام زمان (عج) بیشتر و عمیق تر کنم ؟

پرسش

چگونه ارتباطم را با امام زمان (عج) بیشتر و عمیق تر کنم ؟

پاسخ

ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد.

نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند

آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: « یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون » ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید ».

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»،}(کتاب الغنیه، شیخ مفید، ص ۱۰۵)

مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می دهند.

قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می فرماید: « الذین ان مکنّاهم فی الارض

اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه وامروا بالمعروف و نَهَوْ عن المنکر » کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند(حج، آیه ۴۱) .

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او» (تفسیرقمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم.

خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان ودوستانشان خیلی بیشتر از علاقه ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعامی کنند. از آن حضرت نقل شده است: « انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم » ما هرگز در رعایت احوال شماکوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم. (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴)

ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوارمی باشد. ارتباط با امام زمان یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. پیوستگی با او یعنی مطیع اوبودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم.

از این رو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانید و سپس آن را در خود عملی کنید پس بحث زیر ضروری به نظر می رسد.

منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد:

۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد.

۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک « عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی... » بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم(دعای ندبه).

۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم.

۴- انتظار فرج آن حضرت در دل و ظاهر جلوه گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع)بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت وپیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا

منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوارمی سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظار فرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ وشعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می شود زیرا بع□...بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کندو آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز است و با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشر وحقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی:

الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت.

ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه.

ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی.

ه) امید به آینده ای روشن و نوید بخش.

ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر.

ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی.

خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری.

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود

به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهادمی کنند(بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵ – ره توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳–۱۹۰ باتصرف).

۵– داستان های واقعی بزرگانی که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند را بخوانیم.

در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی عصر» بر اعمال و رفتار ماآگاهی دارد و خود را در محضر ایشان ببینیم و برای گره گشایی های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته باشیم.

برای نوشتن نامه به امام زمان(عج) شرایط خاصی لازم است؟

پرسش

برای نوشتن نامه به امام زمان(عج) شرایط خاصی لازم است؟

پاسخ

درخواست حاجت از اولیای الهی، وقتی با نیت خالصانه و صادقانه صورت بگیرد، قطعا سبب بذل توجه و عنایات خاص حضرات معصومین(ع) قرار خواهد گرفت چون هیچ ارتباطی با منابع رحمت و فیض بدون پاسخ و اثر نمی ماند. لکن این به معنای اجابت خواسته مطرح شده و برآمدن حاجت نیست. زیرا برآمدن یک خواسته گاهی به جهات مختلف مصلحت نیست. به عنوان مثال توسل به اولیای الهی برای شفای بیماری لاعلاجی که پزشکان آن را جواب کرده اند، عملی پسندیده و نیکوست و اثرات مطلوب و توجه و عنایات خاص آنان را در پی دارد اما به معنای برآمدن حتمی این خواسته نیست چرا که اولیاء الهی براساس حکمت عمل می کنند به هر حال یا دعای شخص اجابت می شود یا برکات و نعمت های دیگری در دنیا و آخرت برای او مقرر می شود. نفس ارتباط با امام زمان(عج) آثار سازنده روحی نیز دارد.

این درخواست به صورت سخن قلبی یا لفظی و حتی کتبی می تواند باشد نوشتن نامه کتبی برای حضرت راهی برای ایجاد ارتباط با آن عزیز دلها می باشد و شرایط خاصی ندارد و در وقت گرفتاری و حاجت می توان این کار را انجام داد.

مرحوم شیخ عباس قمی از کتاب های برخی بزرگان مثل تحفه الزائر مرحوم مجلسی نقل می کند که هر که حاجتی داشته باشد، آن را در رقعه و نامه ای بنویسد و در قبور یکی از امامان(ع) بیاندازد و یا آن را ببندد و مهر کند و از خاک پاک گل بسازد و نامه

را در میان آن بگذارد و در نهری یا چاهی عمیق یا گودال آبی بیاندازد و آن نامه به حضرت صاحب الزمان(عج) می رسد و آن حضرت عهده دار برآوردن حاجت او می گردد.

نامه ای که نوشته می شود با این عبارت است: «بسم الله الرحمن الرحیم، کتبت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا و شکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عزوجل ثم بک من امر قد دهمنی و اشغل قلبی و اطال فکری و سلبنی بعض لبی و غیر خطیر نعمه الله عندی اسلمنی عند تخیل وروده الخلیل و تبرء منی عند توائی اقباله الی الحمیم و عجزت عن دفاعه حیلتی و خاننی فی تحمله صبری و قوتی فلجأت فیه الیک و توکلت فی المسأله لله جل ثناءه علیه و علیک فی دفاعه عنی علما بمکانک من الله رب العالمین ولی التدبیر و مالک الامور واقفا بک فی المسارعه فی الشفاعه الیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لاجابته تبارک و تعالی ایاک باعطائی سؤلی و أنت یا مولای جدیر تبحقیق ظنی و تصدیق أملی فیک فی امر کذا و کذا (و به جای کلمه کذا و کذا، حاجت خود را نام می بری) فیما لا طاقه لی بحمله و لا صبرلی علیه و ان کنت مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی و تفریطی فی الواجبات التی لله عز وجل فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک عند اللهف و قدم المسأله لله عزوجل فی امری قبل حلول التلف و شماته الاعداء فبک بسطت النعمه علی و اسأل الله جل جلاله لی نصرا عزیزا و فتحا قریبا فیه بلوغ الامال و خیر المبادی و خواتیم الاعمال و

الأمن من المخاوف کلها فی کل حال انه جل ثناؤه لما یشاء فعال و هو حسبی و نعم الوکیل فی المبدأ والمال».

آن گاه بالای آن نهر جاری یا گودال آب می آید و بر یکی از وکلای حضرت اعتماد و توجه نماید (یعنی به عثمان بن سعید عمروی ی...فرزندش محمد بن عثمان یا حسین بن روح و یا علی بن محمد سمری که از وکلای خاص حضرت حجت(عج) بوده اند) و سپس نامه خ...Ṣِرا در آن نهر و یا چاه و یا گودال آب بیاندازد که انشاءالله حاجت او برآورده می گردد (منتهی الامال، ج ۲، ص ۸۶۹، انتشارات هجرت، چاپ چهاردهم، تابستان ۱۳۸۰).

راه های ارتباط با امام زمان (عج) چگونه است ؟

پرسش

راه های ارتباط با امام زمان (عج) چگونه است ؟

پاسخ

ملاقات و ارتباط با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد.

نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند

آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید».

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیه، شیخ مفید، ص۱۰۵)

مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می دهند.

قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می فرماید: «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و

امروا بالمعروف و نَهوْ عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند»(حج، آیه ۴۱).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم.

خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعا می کنند. از آن حضرت نقل شده است: «اناغیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم ؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم»(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴).

ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار است. ارتباط با امام زمان یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود رابه امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از اینرو بسیار بجاست

که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانید و سپس آن را در خود عملی کنید پس بحث زیر ضروری به نظر می رسد.

منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد:

۱- عمل به تکالیف دینی؛ منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد.

۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک «عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی... بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم» (دعای ندبه).

۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم.

۴- انتظار فرج آن حضرت را در دل و ظاهر جلوه گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع) بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزیحکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت

خـدا و تاسـیس حکومت عـدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد اسـتوار می سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سـیر و سـلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است. بنابراین انتظارفرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایـان می گردد و چنیـن حقیقت اصـیل و عمیقی بـا لفـظ و شـعار به دست نمی آیـد و بـا بی تفـاوتی و بی اعتنـایی نسـبت به مقـدمات دینی و رسـالت هـای انسـانی در تعارض و تناقض است. از این جانادرستی یک تفسـیر از انتظار فرج روشن می شود زیرا بعضـی بر این تصور خـام هسـتند که انتظـار فرج یعنی بی تفـاوتی نسـبت به آنچه در جوامع بشـر می گـذرد و دست روی دست گذاشـتن به امیـد این که امام زمان ظهور کنـد و آنها را اصـلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز است و با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی:

الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت.

ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه.

ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی.

ه) امید به آینده ای روشن و نوید بخش.

ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر.

ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی.

خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری.

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود

به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند، (بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵ – ره توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳–۱۹۰ با تصرف).

۵– داستان های واقعی بزرگانی که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند را بخوانیم.

در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی عصر» بر اعمال و رفتار ما آگاهی دارد و خود را در محضر ایشان ببینیم و برای گره گشایی های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته باشیم.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱– یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجالی تهرانی

۲– ترجمه منتخب الاثر، آیت الله صافی

۳– مهدی موعود، ترجمه: علی دوانی

۴– وابستگی جهان به امام زمان(عج)، لطف الله صافی

۵– امام زمان در گفتار دیگران، علی دوانی

اعتقاد ما شیعیان این است که هر گاه ائمه را صدا بزنیم و حاجت خود را با خلوص نیت از آنها بخواهیم به ما پاسخ می دهند پس فلسفه نوشتن عریضه چیست ؟

پرسش

اعتقاد ما شیعیان این است که هر گاه ائمه را صدا بزنیم و حاجت خود را با خلوص نیت از آنها بخواهیم به ما پاسخ می دهند پس فلسفه نوشتن عریضه چیست ؟

پاسخ

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان می فرماید در کتاب تحفه الزائر از حضرت صادق(ع) نقل شده است که هرگاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد یا از امری خائف باشی در کاغذی این عبارات را بنویس «بسم اللّه الرحمن الرحیم اللهم انی اتوجه الیك» تا آخر که در مفاتیح هست و در آخر آن حاجت خود را بنویس و آن را پیچیده در گلوله ای از گِل قرار بده و در آب جاری (مثل آب رودخانه) یا در چاهی بینداز (انشاءاللّه) خداوند به زودی گشایش در کارت ایجاد می

کند، (مفاتیح الجنان، ص ۹۷۴)

در مورد نوشتن عریضه , چون روایت معتبری در دست نیست , قضاوت درباره آن مشکل است و به هر حال شاید عریضه نویسی حاصل تجربیات بعضی از بزرگان است که در رفع حاجات اثراتی مشاهده کرده اند و بعد کم کم به صورت امری رایج و مرسوم درآمده است .

آیا اینکه کسی حرف دلش را بر روی کاغذی بیاورد و به امید آنکه به دست امام زمان وی خواهد رسید از نظر علمای ما چگونه است.آیا خرافه است.

پرسش

آیا اینکه کسی حرف دلش را بر روی کاغذی بیاورد و به امید آنکه به دست امام زمان وی خواهد رسید از نظر علمای ما چگونه است.آیا خرافه است.

پاسخ

در مورد نوشتن عریضه , چون روایت معتبری در دست نیست , قضاوت درباره آن مشکل است و به هر حال شاید عریضه نویسی حاصل تجربیات بعضی از بزرگان است که در رفع حاجات اثراتی مشاهده کرده اند و بعد کم کم به صورت امری رایج و مرسوم درآمده است .

اصل کار و نوشتن عرض حاجت برای حضرت ولی عصر(عج) منع شرعی ندارد ولی با راز و نیاز با خداوند و استمداد و توسل داشتن به امام زمان(عج) مطلب حاصل می شود چرا که به هر حال ائمه طاهرین(ع) با عنایت خاصه ای که از سوی پروردگار برخوردارند توجه آنان به اهل ایمان چه با حال گفتاری باشد یا مکتوب تفاوتی برایشان ندارد.

آیا سوال کردن از امام زمان و جواب شنیدن غیر ممکن است.

پرسش

آیا سوال کردن از امام زمان و جواب شنیدن غیر ممکن است.

پاسخ

با توجه به این که شیعه به ادله متعدد قائل است که زمین هرگز خالی از حجت نیست، چنانچه امام صادق(ع) فرمود اگر در

دنیا مردم به دو نفر تقلیل یابند یکی از آنها امام و حجت خدا بر خلق است (الزام الناصب، علامه حائری، ص ۴)

و حجت حق که امام باشد واسطه بین خلق و خالق است و تمام علماء امامیه به اتفاق و علماء اهل سنت بجز قلیلی با استناد به روایات کثیری که از جانب پیامبر اکرم (ص)و سایر معصومین(ع) وارد شده و با اتکاء به تاریخ و نقل هایی که به تواتر به دست ما رسیده معتقدند که امام زمان(عج) متولد شده و زنده است گرچه به خاطر عواملی دیدگان ما از جمال دلربایش محروم گشته [که این عوامل و اسرار غیبت در کتاب هایی که در این زمینه نگاشته شده مشروحا بیان شده] لکن با این حال باب ملاقات و صمیمیت و سؤال کردن از حضرت مسدود نیست و به قول بزرگان بهترین دلیل بر امکان یک چیز وقوع آن است و در طول تاریخ بسیار کسانی از علماء و دانشمندان به این سعادت بزرگ نائل شده و مسائل و مشکلات خود را مطرح کرده و جواب گرفته اند و در این رابطه بسیاری از بزرگان کتاب نوشته اند که در این رابطه می توانید به کتاب های زیر مراجعه نمایید:

– رخسار آفتاب، آیت الله سید مجتبی غیوری

زندگی حضرت صاحب الزمان، حسین عمادزاده

برای نمونه آیت الله غیوری در اثرخود، تشرف و صحبت کردن بزرگانی مانند علامه بحرالعلوم، مقدس

اردبیلی، علامه حلی، شیخ صدوق، شیخ انصاری، شیخ حر عاملی، آیت الله نجفی مرعشی، علی ابن مهزیار و... را نقل نموده که به محضرت حضرت نائل شده و بعضا سؤالاتی را مطرح و جواب گرفته اند (رخسار آفتاب، ص ۲۲۹ به بعد).

آیا عریضه نویسی به امام زمان علیه السلام مدرک معتبری دارد؟

پرسش

آیا عریضه نویسی به امام زمان علیه السلام مدرک معتبری دارد؟

پاسخ

در مورد جواز بلکه رجحان عریضه نویسی به امام زمان (ع) می توان به ادلّه ای تمسک کرد:

۱ - عریضه نویسی از انواع توسّلات واستغاثه های به امام عصر (ع) به شمار می آید، توسلی که اصل آن از مستحبات مسلّم در مصادر دینی به حساب می آید.

۲ - عریضه نویسی از کارهای مسلّمی است که عمل وسیره بزرگان بر آن بوده وآثار وبرکات شگفت انگیزی از آن برده شده است. محدّث نوری در کتاب "نجم الثاقب" قضایای عجیبی را در این رابطه نقل می کند.

{پاورقی . نجم الثاقب، ص ۴۲۱ ؛ جنّه المأوی، ص ۲۴۸ ؛ دارالسلام، ج ۲، ص ۲۶۴. پاورقی}

۳ - کفعمی در "المصباح" و"البلدالأمین" کیفیّت وچگونگی عریضه نویسی را نقل کرده واین خود دلیل بر آن است که عریضه نویسی از مشروعیت برخوردار است.

{پاورقی . المصباح، ص ۵۳۱ ؛ البلد الأمین، ص ۲۲۷. پاورقی}

مرحوم مجلسی نیز فرموده است: "هنگام انداختن عریضه چنین خیال کند که نامه را به نایب خاص تسلیم می کند".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۹۴، ص ۳۰. پاورقی}

شیخ الطائفه ابوجعفر طوسی؛ در کتاب "مصباح المتهجّد" می گوید: "عریضه ای به سوی خداوند متعال می نویسی وآن را می پیچی، سپس عریضه دیگری به محضر والای حضرت بقیه اللّه اروحنا فداه می نویسی..."، آن گاه کیفیّت نوشتن هر یک از {پاورقی . همان، ص ۲۷. پاورقی}

عریضه ها را بیان می دارد.

آیا این مطلب درست است که نامه هایی که در آب روان انداخته می شود به دست امام زمان (عج) می رسد؟

پرسش

آیا این مطلب درست است که نامه هایی که در آب روان انداخته می شود به دست امام زمان (عج) می رسد؟

پاسخ

در بعضــی از کتـاب هـا ماننـد کتـاب مفاتیـح الجنـان مرحـوم شـیخ عبـاس قمی آمـده است کـه از کتـاب تحفـه الزائر از حضـرتصادق(ع) نقـل شـده کـه هرگـاه حـاجتی داشـته باشـید و یـا از امری می ترسـید ایـن دعـا را در کاغـذی بنـویس و در آخرحـاجت خود را ذکر کرده و سـپس آن را در گلوله ای از گِـل قرار داده و در میـان آب جـاری یـا چاهی بینـداز. خـداوند بهزودی گشایش در کار شما ایجاد می کند، (مفاتیح الجنان، ص ۹۷۴).

اما در این که حتما به دست امام عصـر(عـج) می رسـد یا نه، خدا می داند و بر فرض که چنین باشد معلوم نیست هرنامه ای که نوشـته شود و در آب انداخته شود مورد نظر حضـرتش قرار گیرد. گرچه از نظر عقیده شیعه آن حضرت به اذنخدا از همه امور مطلع و واسطه فیض خدا به بندگانش می باشند، (اعلام الدین، ص ۲۷۰ - ۲۶۹).{J

چطور می توان با آقا صاحب الزمان ارتباط برقرار کرد و او را ببینیم و کلا چطور با اهل بیت ارتباط برقرار کنیم.

پرسش

چطور می توان با آقا صاحب الزمان ارتباط برقرار کرد و او را ببینیم و کلا چطور با اهل بیت ارتباط برقرار کنیم.

پاسخ

ارتباط با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سـنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد.

نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند

آنچه وظیفه مـاست تشبـه به آن حضـرات و پیمودن راه آنـان است ما بایـد در همه حال سـرباز آماده باش آن حضـرت بوده و همواره در خـدمت ایشـان باشـیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیـان فرموده: «یـا ایهـا الـذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید و تقوا

و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید».

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیه، شیخ مفید، ص ۱۰۵)

مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می دهند.

قرآن راجع به حضرت مهدی و

اصحاب ایشان می فرماید: «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نَهَوْ عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند»، (حج، آیه ۴۱).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم.

خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعا می کنند. از آن حضرت نقل شده است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم»، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴).

ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار می باشد. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از این رو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانیم و سپس آن را در خود عملی کنیم پس بحث زیر ضروری به نظر می رسد.

منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد:

۱- عمل به تکالیف

دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد. حتی اگر این وظیفه نماز نخواندن یا روزه نگرفتن باشد (همان گونه که برای خانم ها در اوقات خصوصی چنین قرار داده شده).

۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک «عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی...؛بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم»، (دعای ندبه).

۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم.

۴- انتظار فرج آن حضرت را در دل و ظاهر جلوه گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع) بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی است. منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد ماند. ازاین رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود

را بر پایه عدل و داد استوار می سازد. او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است، بنابراین انتظار فرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می شود زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز است و با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی:

الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت.

ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه.

ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی.

ه) امید به آینده ای روشن و نوید بخش.

ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر.

ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی.

خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری.

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج)

زنـده و تحت فرمـان او در راه خـدا جهاد می کننـد، (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵ - ره توشه راهیـان نور، دفتر تبلیغات اسـلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف).

۵- داستان های واقعی بزرگانی را که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند بخوانیم.

در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی عصر» بر اعمال و رفتار ما آگاهی دارد و بایـد خـود را در محضـر ایشـان ببینیم و برای گره گشـایی هـای مـادی و معنـوی از ایشـان به عنـوان واسـطه فیض الهی درخواست داشته باشیم.

بهترین دعاها در زمان غیبت: دعای عهد، زیارت آل یس و دعای ندبه است که در زمان های خاص در طول شبانه روز و هفته خوانده می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجالی تهرانی

۲- ترجمه منتخب الاثر، آیت الله صافی

۳- مهدی موعود، ترجمه: علی دوانی

۴- وابستگی جهان به امام زمان(عج)، لطف الله صافی

۵- امام زمان در گفتار دیگران، علی دوانی

و درباره ایجاد ارتباط با اهل بیت(ع) باید گفت: هرگونه ارتباط محبت آمیز و قلبی بر معرفت و شناخت مبتنی است. آشنایی و محبت اگر سـطحی و زودگـذر باشـد، سـریع مضـمحل و نـابود می گردد. ارتبـاط و علاقه و محبت به اهل بیت(ع) اگر پس از معرفت مقام و جایگاه ایشان(ع) به دست آید، هیچ گاه زایل نشده و هر لحظه فزونی می یابد و مؤمن را به فلاح و رستگاری و همنشینی با ائمه اطهار(ع) در دنیا و آخرت می رساند.

نخستین گـام در راه پیونـد بـا این بزرگـان، شـناخت جایگـاه آنـان در جهان هستی است. زیارت جامعه کبیره از امام هادی(ع) روایت شده،

یکی از بهترین متون درباره امام شناسی است. در فرازهایی از این زیارت عمیق و ارزشمند آمده است: سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا و راهنمایان به سوی آن چه رضایت خدا در آن است. کاملان در محبت الهی و اخلاص ورزندگان در توحید خدا و آشکار سازندگان امر و نهی خداوند. خداوند شما را برای علم خود برگزید و برای غیب و نهان خود پسندید و برای سرورانش انتخاب کرد. خداوند شما را از گناه و ناپاکی دور گردانید و از فتنه ها ایمنی بخشید، شما هم او را بزرگ داشتید و یاد و ذکرش را استمرار بخشیدید و به خاطر او در آشکار و نهان مردم را نصیحت کردید و به راه راست رهنمون شدید وجانتان را در راهش فدا کردید و بر مصائبی که در راه او بر شما فرود آمد بردباری ورزیدید. پس هر کس از شما روی گرداند از دین خارج شده و هر کس با شما همراه شد به مقصد رسید. حق همراه شما و در شما و از شما و به سوی شما است. بازگشت خلق به سوی شما و حساب آن بر عهده شما است. هر کس شما را دوست دارد، خدا را دوست داشته و هر کس با شما دشمنی ورزد با خدا دشمنی ورزیده است. شما صراط و راه قویم خدا هستید. هر کس به سوی شما آمد نجات پیدا کرد و هر کس روی گردانید هلاک شد. خوشبخت آن کسی که با شما دوست گردید و نگون بخت آن کسی که با شما دشمنی ورزید. هر کس پیرو شما شد بهشت جایگاه او

و هر کس بـا شـما مخـالفت کرد، دوزخ منزلگـاه او است. هر کس شـما را انکار کرد کافر و هر کس با شـما جنگیـد مشـرک است. کلام و سـخن شـما نور و امرتان رشد و هدایت و سـفارش شـما تقوا و کارتان خیر و عادت شما احسان و نیکی و روش شما کرم و بزرگواری است. هر کسی آهنگ خدا کند از شما آغاز می کند و هر کس متوجه خدا گردد شما را قصد می کند مـدح و ثنـا و وصف شـما از توان من بیرون است. به خـاطر شـما است که قطرات باران فرو می ریزد و به برکت و عنایت شـما غصه ها برطرف می گردد و مشکلات و خطرات زایل می گردد.

با رعایت توصیه های زیر، ارتباط بین ما و اهل بیت(ع) مستحکم می گردد:

۱. ایجـاد معرفت و شـناخت از طریق مطـالعه تاریـخ زنـدگی و معجزات و مقامـات و سـخنان حکمت آمیز ودعاهـا و زیارات و فضایل و مناقب آنها.

۲. توسل و توجه به بارگاه قدس آنان(ع) در زمان های مخصوص و شاد بودن و غمناک بودن در تولد و شهادت آنها.

۳. ایجاد سنخیت روحی بین خود و آنها از طریق تهذیب نفس، ترک معاصی، انجام واجبات و نزدیکی هر چه بیشتر به خداوند متعال.

می توان امام و رهبر خود را در حال حاضر بدون رابطه رو در رو از طریق رسانه ها شناخت(امام علی اکثرا با مردم تحت ولایتش رابطه مستقیم داشت) البته ما به همه اصول اسلام معتقدیم و فقط از باب تکمیل شدن این اصل طلایی و ناب اسلام است.

پرسش

می توان امـام و رهبر خود را در حـال حاضـر بـدون رابطه رو در رو از طریق رسـانه هـا شـناخت(امـام علی اکثرا بـا مردم تحت ولایتش رابطه مسـتقیم داشت) البته ما به همه اصول اسـلام معتقـدیم و فقط از باب تکمیل شدن این اصل طلایی و ناب اسـلام است.

پاسخ

(جهت استفاده)

ارتبـاط بـا امـام زمـان: ارتبـاط بـا امام زمان(عـج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سـنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سـنخیت با اولیـای الهی نیـاز به تحقّق دو بُعـد؛ یعنی، معرفت و عمـل دارد. اگر کسـی خود را به اولیـای الهی شبیه نمود، به لقـای آنان نیز واصل خواهد شد.

نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند

آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوالله لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید و تقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید».

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیه، شیخ مفید، ص ۱۰۵)

مرابطه با امام زمان(عج) یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است

که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می دهند.

قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می فرماید: «الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نَهَوْ عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند»، (حج، آیه ۴۱).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم.

خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعا می کنند. از آن حضرت نقل شده است: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم»، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴).

ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار می باشد. ارتباط با امام زمان یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود.

پیوستگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایات زیاد سفارش شده است انتظار فرج است ما باید ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عج) با عمل به دستورات آن حضرت و انتظار فرج به معنای واقعی ثابت و مستدام نگه داریم. از این رو بسیار بجاست که خصوصیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانید و سپس آن را در خود عملی کنید پس بحث زیر ضروری به نظر می رسد.

منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد:

۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد.

۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک «عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی...؛بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم»، (دعای ندبه).

۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم.

۴- انتظار فرج آن حضرت در دل و ظاهر جلوه گر کنیم. در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان(ع) بهترین اعمال انتظار فرج است اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج؛ یعنی، نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر(عج) تشکیل می گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته آن گاه جدی و راست است

که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتا منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظار فرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می شود زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز است و با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی:

الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت.

ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه.

ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی.

ه) امید به آینده ای روشن و

نوید بخش.

ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر.

ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی.

خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری.

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند، (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵ – ره توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳–۱۹۰ با تصرف).

۵– داستان های واقعی بزرگانی که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند را بخوانیم.

در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی عصر» بر اعمال و رفتار ما آگاهی دارد و خود را در محضر ایشان ببینیم و برای گره گشایی های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته باشیم.

بهترین دعاها در زمان غیبت: دعای عهد، زیارت آل یس و دعای ندبه است که در زمان های خاص در طول شبانه روز و هفته خوانده می شود.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱– یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجالی تهرانی

۲– ترجمه منتخب الاثر، آیت الله صافی

۳– مهدی موعود، ترجمه: علی دوانی

۴– وابستگی جهان به امام زمان(عج)، لطف الله صافی

۵– امام زمان در گفتار دیگران، علی دوانی

دعا برای امام

شنیـــده ام که برای برآورده شدن حاجات آقا امام زمان (عج دعا کنید یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده شود مگر نه این که ایشان اگر لب تر کنند خدا حاجتشان را برآورده می کند. پس دعای ما فایده ای ندارد؟ اگر خداوند صلاح

نداند که حاجت

پرسش

شنیـده ام که برای برآورده شدن حاجات آقا امام زمان (عج دعا کنید یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده شود مگر نه این که ایشان اگر لب تر کننـد خدا حاجتشان را برآورده می کند. پس دعای ما فایده ای ندارد؟ اگر

خداوند صلاح نداند که حاجت ایشان برآورده شود و ما دائم دعا کنیم آیا دعای ما مستجاب می شود یا خیر؟ و دیگر این که این چه ربطی به برآورده شدن حاجات خودمان دارد؟

پاسخ

الف آری خواهرم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفدأ مقربترین موجود روی زمین در پیشگاه خدا بوده و خواست ایشان خواست خداست ایشان هرچه از خدا بخواهد خدا عنایت می فرماید; ولی از آن جهت که حضرت مهدی (۷) مانند بقیه انسانها به صورت یک فرد عادی در زمین زندگی می کنند، احتمال دارد ایشان نیز از گرفتاریهای زمانه در امان نباشد; بنابراین لازم است به دلیل غم و اندوهی که وجود حضرت را از معصیتهای امت جدش فراگرفته یا گرفتاریهای زندگی شیعیان که بر قامت رعنایشان پرتو افکنده برای آن وجود مبارک دعای خیر نمود. ب باید دانست که منفعت اعظم دعا برای امام زمان (۷) متوجه خود ما می شود زیرا ما بدین وسیله تقرب و عرض ارادت و شیعه بودن خویش را به ساحت نورانی آن حضرت اعلام می داریم و خشنودی امام خشنودی و رضایت حق تعالی و در نتیجه فرج و گشایش برای اسلام و مسلمین خواهد بود. ان شأالله

آیا آنچه مرحوم آقای قوچانی در کتاب سیاحت غرب آورده واقعیت دارد؟ آیا اگر کسی در عالم برزخ آن مراحل را بگذراند، پاک شده و یک باره وارد بهشت می شود؟ و بالاخره مگر ظهور و فرج حضرت مهدی(ع) در دست خدا نیست؟ اگر هست پس چرا آن آقا در عالم برزخ آن عده را تحریک و ت

پرسش

آیا آنچه مرحوم آقای قوچانی در کتاب سیاحت غرب آورده واقعیت دارد؟ آیا اگر کسی در عالم برزخ آن مراحل را بگذراند، پاک شده و یک باره وارد بهشت می شود؟ و بالاخره مگر ظهور و فرج حضرت مهدی(ع) در دست خدا نیست؟ اگر هست پس چرا آن آقا در عالم برزخ آن عده را تحریک و ترغیب می کند، ظهور حضرت را از خداوند بخواهند تا آن بزرگوار ظهور کند؟

پاسخ

مؤلف محترم سیاحت غرب یک دانشمند فقیه، حکیم، ادیب، انسانی خداجو و زاهد بوده که در طول زندگی با همه مشکلات و سختی کم ترین لغزش را داشته است. کتاب ایشان در اصول عقاید قابل نقد و بررسی است. بر این اساس نمی توان گفت: آن چه در کتاب آمده بدون اشکال می باشد البته قسمت اعظم مطالب آن صحیح است. منتها آیا نوشتارش به صورت سمبلیک بوده یا واقعی و عینی، اختلافی است. برخی می گویند: به صورت سمبلیک بوده؛ ایشان واقعیات برزخی را به تصویر کشیده و به صورت فیلم مانندی که قهرمان فیلم خودش و دیگر گردانندگان فرشته ها، اعمال و عقاید و اخلاق که مجسم

شـده اند، است. گفتنی است چون برزخ از اصول اعتقادی است، نوشـته ها تا آن جا که با روایات معتبر انطباق دارد مورد قبول است و آن چه که با روایات معتبره سازش ندارد مردود است.

عده ای هم می گویند: به صورت واقعی بوده؛ یعنی برای شـخص ایشان حجاب ها کنار رفته و به طور شـهودی و مستقیم عالم برزخ و آن چه را که در آن جا می گذرد، مشاهده کرده است و بعد آن ها را به رشته تحریر درآورده است.

البته با چشم ظاهری عالم برزخ دیده

نمی شود و اگر مکاشفه ای حاصل شده اولاً برای صاحبش حجت است و ثانیاً اگر مطابق روایات باشد قابل پذیرش است.

در پاسخ قسمت دوم سؤال به طور سربسته می توان گفت: بلی، برای عده ای همین طور است. در عالم برزخ مراحلی را طی می کنند، ناراحتی هایی را تحمل می کنند، بستگان شان در دنیا خیراتی برای آن ها می فرستند که همه این ها سبب می شود از گناهان پاک شوند و بعد از قیام یک باره وارد بهشت شوند.

به این چند حدیث توجه فرمایید:

۱- رسول خدا(ص) فرمود: حضرت عیسی بر قبری گذر کرد که صاحبش معذب بود. سال بعد از کنار همان قبر گذشت دید صاحبش راحت است. از خداوند متعال علت را پرسید. خداوند به حضرت وحی فرستاد که از صاحب قبر فرزند صالحی مانده که جاده ای را اصلاح و یتیمی را پناه داد، من به خاطر همین کار، گناه پدرش را بخشیدم.(۱)

۲- و نیز رسول خدا(ص) فرمودند: وقتی انسان می میرد عملش منقطع می شود و چیزی بر کارهایش افزوده نمی شود مگر از سه راه: اول، آنکه از وی عملی به جای مانده باشد که جامعه از آن بهره مند شوند؛ دوم، صدقه ای به نیت او به جریان افتد، مثلاً جاده بسازد. چاهی حفر کند، بیمارستان، مدرسه ای

بنا کند و...، دوم از وی فرزند صالحی بماند که درباره اش دعا کند.(۲)

از دو حدیث فوق برداشت می شود که انسان در عالم برزخ کم کم از گناهان پاک می گردد و در صورت نداشتن گناه قهراً بدون حساب وارد بهشت خواهد شد. نه تنها در برزخ بلکه به گفته روایات برخی در دنیا نیز کاری می کنند که فردای قیامت بدون حساب وارد بهشت گردند؛ به عنوان

نمونه امام صادق(ع) فرمودند: خداوند متعال سه دسته را بدون حساب وارد بهشت می کند: یکی، پیشوا و امام عادل؛ دوم، تاجر راست گو؛ سوم، پیری که عمر خود را در اطاعت خدا سپری کرده باشد.(۳)

پاسخ قسمت آخر سؤال این است که هر چند ظهور و فرج حضرت امام زمان(ع) به دست خدا و بإ؛ح ح خواست او است، اما ظهور حضرت زمینه می خواهد که یکی از بهترین زمینه ها خواستن از خداوند است که فرجش را نزدیک نماید.

یکی از وظایف مردم در عصر غیبت دعا در تعجیل ظهور آن بزرگوار است.

حضرت رضا(ع) در یکی از مجالس خراسان حضور داشت، هنگامی که کلمه "قائم" گفته شد آن حضرت ایستادند و دست مبارک بر سر نهاد و فرمود: "اللّهم عجّل فرجه و سهل مخرجه؛ خداوندا در فرجش تعجیل کن و زمینه خروجش را آسان فرما".(۴)

در بعضی روایات آمده که خود امام زمان(ع) از مردم خواستند که برای فرج ما دعا کنید؛ زیرا فرج و گشایش امور شما در آن است.(۵)

برزخیان چون بهتر اطلاع دارند که حضور و ظهور حضرت چه برکات فوق العاده ای دارد و از غیبتش چه ضرر و خسارت های جبران ناپذیری متوجه مردم می شود، لذا با تمام وجود دعا می کنند و حتی دیگران را نیز تحریک می کنند که فرج حضرت را از خداوند متعال بخواهند.

ما هم از خداوند متعال می خواهیم به حق فاطمه اطهر(س) فرج آقا امام زمان(ع) را نزدیک بفرماید.

پی نوشت ها:

۱. سفینه البحار، ماده (یتیم).

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲، حدیث ۶۵.

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴، حدیث ۱۱.

۴. عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۱۳۳.

۵. شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، به نقل از برگزیدگان،

ج ۱۴، ص ۱۰۷.

علت عدم اســتجابت دعا از محضر مولا و آقا امام زمان ۷چیست ؟ هر چقدر حضــرت را صدامی زنم , پاســخی نمی شنوم و کم کم به مرحلهء ناامیدی نزدیک می شوم !

پرسش

علت عدم استجابت دعا از محضر مولا و آقا امام زمان ۷چیست ؟ هر چقدر حضرت را صدامی زنم , پاسخی نمی شنوم و کم کم به مرحلهء ناامیدی نزدیک می شوم !

پاسخ

دعا با شرایط خاصی به استجابت می رسد و اگر با تحقق شرایط باز به استجابت نرسید, حتماً مصلحت الهی چنین ایجاب می کند. استجابت دعا در کوتاه مدت ممکن است تأثیر مطلوبی بر شخص دعا کننده بگذارد و او راخشنود و راضی کند, ولی شاید در دراز مدت موجب به وجود آمدن مشکلات و دردسرهایی شود که از کنترل خارج گردد.

دعا و این که بندهء خدا همیشه از خدا طلب خیر و عافیت کند, بسیار خوب است .

در قرآن به این آیه بر می خوریم که : .(۱)

این که بر بعضی از حاجت ها اصرار ورزیم , اگر چه از مقولهء دعا است , اما عدم استجابت نمی بایست سبب رنج وناراحتی و یا ناامیدی بشود. امام سجاد۷فرمود:

۱ یا برای او ذخیره و پس انداز می شود;

۲ یا در دنیا برآورده می شود;

۳ یا بلایی را که می خواست به او برسد, از وی می گرداند>.(۲)

این کلام معصوم برای دعا و تأثیر آن است . پس اگر ما از خدای متعال به طور مستقیم و یا با واسطه ءمعصومین : تقاضایی داشته باشیم , بدانیم که اگر این تقاضا معقول و مطلوب عقل و عرف است , اصرار بر آن تأثیرمثبتی روی زندگی ما خواهد گذارد, اگر چه به ظاهر در مقام استجابت قرار نگیریم . شاید استجابت آن در دنیا به نفع ما نباشد, مثلاً فرزندی از پدرش وسیلهء نقلیه

می خواهد, ولی پدر تشخیص می دهد که اگر وسیلهء نقلیه ای مثل دوچرخه یا موتور را برای فرزندش تهیه کند او را به مخاطره افکنده است , و اگر چه با تهیه وسیله لبخند شادمانی ورضایت بر لبان فرزند نقش می بندد, ولی او را دچار خطر تصادف خواهد کرد, که این نتیجه به صلاح او نیست . پدرهرگز دوست ندارد این وسیله را برای فرزند بخرد. در عوض پول آن را به نفع او پس انداز کرده تا در آیندهء نه چندان دور جهت رفاهش هزینه شود. ذکر این مثال برای تقریب ذهن وفهم است .

نتیجه این که : اصرار در دعا مورد علاقهء خداوند متعال است و هرگز نمی بایست به خستگی یا نا امیدی کشیده شود. رسول گرامی اسلام ۶فرمود: .(۳)

در عین حال بحث دعا و مراتب استجابت یا عدم استجابت و شرایط آن بحثی گسترده است و برای دریافت پاسخ های مفصل تر به کتاب های مربوطه مراجعه شود.(۴)

(پاورقی ۱.بقره (۲ آیهء ۱۸۶

(پاورقی ۲.آثار الصادقی , ج ۶ ص ۶۶

(پاورقی ۳.آثار الصادقین , ج ۶ ص ۶۲

(پاورقی ۴.تفسیر موضوعی , نمونه , موضوع دعا.

برای سلامتی امام زمان(ع) چرا صدقه می دهیم؟ مگر ایشان در سلامت نیستند؟

پرسش

برای سلامتی امام زمان(ع) چرا صدقه می دهیم؟ مگر ایشان در سلامت نیستند؟

پاسخ

آنچه در روایات مربوطه از وظایف دوستان و شیعیان در زمان غیبت به چشم می خورد، دعا برای سلامتی حضرت است. در کتاب من لایحضرهُ الفقیه از امام صادق(ع) در تعقیب نمازهای واجب یومیه دین دعا آمده است: رضیت بالله ربّاً و بالاسلام دیناً... اللهم ولیک الحجته فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته و امدد له فی عمره([۷۳])...؛ خدایا!حضرت حجت را از جوانب مختلف، راست و چپ و بالاـ و پایین و جلو و پشت حفظ کن و عمر او را طولانی نما".

بعد از زیارت آل یاسین در دعایی آمده است: اللهم أعذه من شرت کل باغ و طاغ و من شر جمیع خلقک([۷۴])... خدایا! او را

از شر هر یاغی و طاغی حفظ کن".

در دعای عهـد آمـده است: و اجعله اللهم ممن حصّـنته من بأس المعتدین؛ خدایا! او را از غضب متجاوزان و دشـمنان محافظت کن".

در دعای دیگری که از امام رضا(ع) منقول می باشد، آمده است: و أعذه من شـرّ جمیع ما خلقت و برأت و انشأت و صورت و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن مشاله([۷۵])...

بنـابراین یکی از وظـایف محبان حضـرت در زمان غیبت، دعا کردن برای سـلامتی آن وجود شـریف است همان طور که برای کسانی که آنها را خیلی دوست داریم، دعا می کنیم. دعا کردن علامت و نشانه محبت ما نسـبت به ایشان است. ما با این دعاها ارادت و محبت خودمان را نسبت به آن بزرگوار ابراز می کنیم. صدقه دادن برای سلامتی

حضرت در جایی از روایات یافت نشد. اگر برخی از علما و بزرگان صدقه دادن برای حضرت را مطرح کرده اند، چون صدقه داده از مصادیق اظهار محبت است. در کتاب مکیال المکارم([۷۶]) در باب هشتم از تکالیف عباد نسبت به حضرت، و محدث معروف شیخ عباس قمی در اواخر منتهی الآمال، صدقه دادن برای حضرت را مطرح کرده اند، ولی روایتی و دلیلی بر آن ذکر نکرده اند. اما دعا کردن یا صدقه دادن برای سلامتی حضرت با این که حضرت نیازی به دعای ما ندارد، از باب اظهار محبت و دوستی نسبت به آن بزرگوار است.

[۷۳]. منتخب الاثر، ص ۶۴۶، به نقل از من لایحضرالفقیه.

[۷۴]. مفاتیح الجنان، بعد از زیارت آل یاسین.

[۷۵]. مفاتیح الجنان.

[۷۶]. منتخب الاثر، ص ۶۳۶، پاورقی.

همیشه می گویند برای سلامتی یا تعجیل در ظهور امام زمان(ع) دعا کنیم. با توجه به این که حضرت در حفاظت خداوند است و تا موعد مقرر ظهور نمی کند، آیا دعاهای ما ظاهرفریبی نیست؟

پرسش

همیشه می گویند برای سلامتی یا تعجیل در ظهور امام زمان(ع) دعا کنیم. با توجه به این که حضرت در حفاظت خداوند است و تا موعد مقرر ظهور نمی کند، آیا دعاهای ما ظاهرفریبی نیست؟

پاسخ

از منظرهای متفاوت می توان به پرسش پاسخ داد. در ذیل به چند مورد اشاره می شود. اگر چه برخی پاسخ ها مستقیم و صریح است، لیکن موارد دیگر به خاطر برخورداری از حیطه عاطفی و احساسی، نافذتر و مؤثرتر می باشد. از این رو پاسخ ها مکمّل هم اند.

۱ – دعا برای انسان کامل چون امام زمان(ع) ریشه در فطرت دارد.

جوهره اصلی روح و فطرت انسان، با "کمال طلبی و نیکی گرایی" آمیخته و سرشته شده است.

تعظیم و تکریم، دعا و ذکر و یاد "صاحبان کمال" لازمه عشق و ارادت به نیکی ها و کمالات است و ریشه در فطرت آدمی دارد.

اکنون در نظام خلقت، انسان کامل و صاحب کمال برتری جز امام زمان(ع) نیست. پس چگونه عاشق امام زمان(ع) می تواند لحظه ای از دعای حضرت غافل بماند؟

۲ – دعا اظهار ایمان، ارادت و عشق است

دعا برای امام زمان(ع) یعنی اظهار عشق و ارادت دوستدار به محبوب؛ دل دادن صمیمانه دل داده به دلدار؛ سر سپردن سرباز جان برکف در پیش پای سردار دعا برای امام یعنی اعلام وفاداری صادقانه مرید به مراد؛ ابراز علاقه مطیع به مطاع؛ و اعلام خودفراموشی نسبت به جان جانان. دعا یعنی ایستادن در برابر آیینه کمال و جمال و جلال حق تعالی و غم دوران دوری و رنج و محبت های ایام سیه روزی و هجران را بازگو کردن.

دعای عاشق تجدید پیمان و تأکید میثاق و تقویت تعهد است بر وفاداری، خویشتن سازی، اصلاح نقش

خویش و جامعه برای تداوم مبارک معشوق، دعا، نامه ای است که عاشق برای معشوقش می نویسد اما نامه ای که شاعر تفاوتش را با دیگر نامه ها چنین بیان کرده است:

قلم بتراشم از هر استخوانم

مرکب گیرم از خون رگانم

بگیرم کاغذی از پرده دل

نویسم بهر یار مهربانم

۳ – دعا برای امام(ع)، تمرین خودسازی و آماده سازی جامعه است

دعا که مخ عبادتش گفته اند، به معنای "خواستن از خدا است چه چیزی از خدا درخواست می کنیم؟

وجود مقدس "ولی و حجت خدا" را می خواهیم.

سلامتی و ظهورش را طلب می کنیم.

دعا یا طلب سخنی است که اگر از دل برآید، عمل را به دنبال خواهد داشت، تلقین و تکرار دعا، دعا کننده را وادار می کند هر کاری که در سلامتی روحی و قلبی امامش تأثیر منفی دارد، انجام ندهد. هر رفتار و گفتاری که مانع ظهور و عامل تداوم غیبت است، نه تنها مرتکب نشود، بلکه تعهد می بندد مانند هر عاشقی شب و روز تلاش کند تا موانعی را که دیگران ایجاد می کنند، برطرف سازد و محیط را آماده پذیرش "محبوب" گرداند.

۴ – دعا برای امام(ع) دعا برای خود و جامعه است

دعا برای سلامتی و تعجیل در ظهور امام زمان(ع) در واقع دعا برای خود و جامعه انسانی به خصوص مستضعفان جهان است. دعا برای رفع ظلم و ستم، فقر و فلاکت و کوه مصائبی است که برگُرده بیچارگان و درماندگان است.

امام زمان(ع) در توقیع شریفی که به نایب خاصش (جناب محمد بن عثمان) نوشته فرموده است: "برای تعجیل فرج من بسیار دعا کنید، زیرا که گشایش کارها و امور شما در فرج من است".(۱)

۵ – ظهور و فرج امام زمان به

امر و قضای الهی در موعد مقرر و زمان مقرر تحقق می یابد

در عین حال نقش دعا در تعیین مقدرات الهی و حتی تغییر آنها مانند دفع معصیت های مقدّر و تعجیل در زمان ظهور مقدّر بی هیچ تردیدی ثابت است.

عبارت دیگر: خداوند مقدر نموده با توجه به اموری که تحقق می یابد و علت هایی که تمام و کامل می شوند، امر فرج امام زمان در زمان یا دوره ای خاص تحقق یابد.

یکی از علت هایی که در تعیین و تقدیر زمان ظهور می تواند نقش داشته باشد و در روایات معصومین به صراحت از آن نام برده شده، تأثیر دعا در ظهور و تعجیل فرج امام زمان است. چون از یک طرف دعا، نشانه خواستن انسان ها است و خواستن انسان ها یکی از علت های تامه مبرای تحقق ظهور امام زمان است.

از طرف دیگر دعا یکی از اسباب و عللی است که در جهان هستی، تأثیر در تحقق یک چیز و یا رفع یک حادثه دارد، یعنی در مجموعه جهان هستی و قوانین و سنت های مقدر و معین آن، نیز در قضای الهی، دعا در تعیین حوادث و یا رفع آنها نقش دارد. خدایی که تقدیر حتمی و قطعی را معین نموده، مقدر کرده است که دعا و خواستن از خداوند، هم چنین کارهای نیک زمان تحقق سرنوشت و از جمله زمان ظهور را (که یکی از حوادث جهان و سرنوشت انسانی است) مقدّم سازد. بنابراین اصل "ظهور" امری حتمی و قطعی است، اما زمان تحقق آن از تقدیرات مشروط است که با افکار و عقاید و گفتار و افعال انسان ها، مقدّم یا مؤخّر می گردد.

پی نوشت ها:

۱ - محدث نوری، نجم الثاقب، ص

.۵۰۵

با توجه به حدیث : دنیا برای مؤمن زندان است دعا برای سلامتی امام زمان"عج" چه معنایی دارد؟

پرسش

با توجه به حدیث : دنیا برای مؤمن زندان است دعا برای سلامتی امام زمان"عج" چه معنایی دارد؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرموید باید عرض شود که هیچ منافاتی دیده نمی شود بین این دو مطلبی که ذکر فرموده اید زیرا (دینا زندان مؤمن است) به این معنا نیست که همیشه مریض یا ذلیل یا چیز دیگر است بلکه یکی از معانی مهم این حدیث آن است که چون مؤمن عاشق خداست و معشوق واقعی را فقط او می داند و به تعبیر حافظ"رحمه ا..." مرغ باغ ملکوت است، فلذا اینجا احساس دلتنگی می کند خودش را در کالبد تن اسیر می بیند و راحتی خود را رهایی از این تن می داند او آرزو و تمنایی جز رضا و دیدار معشوق واقعی ندارد و می داند که هر چه به این دنیا بیشتر توجه کند، از معشوقش دورتر خواهد شد فلذا چنان مجذوب معشوق واقعی می شود که دنیا برایش مثل زندان و منجلابی است که بوی تعفن آن، او را می آزارد. او راحتی خود را در زندگی ابدی و در جوار معشوق می بیند و بس. اما در مورد دعا برای سلامتی امام زمان (عجل ا... تعالی فرجه الشریف) باید عرض شود که هر عاشقی که در محبت چیزی غرق شود، متعلقات آن محبوب را هم دوست دارد مثلاً می گویند مجنون دیوار دیار لیلی را می بوسید به خاطر شدت محبتی که به لیلی داشت.

امام هم نیز مَثَل اعلای خداوند متعال و محبت او برروی زمین و وسیله خیر وبرکت زمین است. او از طرف خدا مأمور است

که ما بیچارگان را دستگیری کند و به آن معشوق واقعی که کسی جز خدای متعال نیست، برساند. او طبق روایاتی که آمده مانند پدر مهربان است(۱) رحمت واسعه خدا در او تجلی یافته است. او برای مردم خصوصاً شیعه دل می سوزاند و سعی و وظیفه او این است که مردم را به راه واقعی و هدایت برساند. فلذا همانطور که در روایات آمده(۲) چه بسا گناه یا غصه و درد و ناراحتی ما او را به رنج و دردی می اندازد و خاطر شریف او را پریشان می کند. الآن این وقایعی که در عراق و فلسطین و افغانستان و بسیاری از ملتهای مظلوم دیگر رخ می دهد، دل او را خون کرده است و غصه دار است، آیا کسی دلسوزتر از او در این جهان می توان یافت؟!

فلذا دعا برای سلامتی او، شاید یک وجهش این باشد که دعا کنیم اینقدر درد و رنج نکشد و سلامتی خاطر داشته باشد و شاید یک وجه دیگر آن این باشد که او نیز مانند امامان دیگر ممکن است مشکل و دردی داشته باشد و یا مریض شود فلذا برای سلامتی و ظهور او دعا می کنیم. پس اگر دقت بفرمایید می بینید هیچ منافاتی بین هر دو مطلب شما وجود ندارد، علاوه بر اینها که ذکر شد در روایت داریم که فرمودند : دنیا مزرعه آخرت است. پس دنیا به خاطر دنیا پست و مذموم است اما اگر دنیا را مقدمه آخرت قرار دهیم ارزش می یابد و مذموم نیست. البته به عقیده ما این و مطلب مورد سؤال شما، مورد بسیار خوبی برای

تحقیق و آگاهی بیشتر است چون بیشتر مفید به نظر می رسد. خداوند متعال همه ما را از سربازان و نوکران واقعی آن بزرگوار قرار بدهد انشاءا...

منابع و مآخذ :

۱. مکیال المکارم، آفتاب در غربت

الزام الناصب، مکیال المکارم، و کتب دیگر

شنیـــده ام که برای برآورده شدن حاجات آقا امام زمان (عج دعا کنید یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده شود مگر نه این که ایشان اگر لب تر کنند خدا حاجتشان را برآورده می کند. پس دعای ما فایده ای ندارد؟ اگر خداوند صلاح نداند که حاجت

پرسش

شنیـده ام که برای برآورده شدن حاجات آقا امام زمان (عج دعا کنید یا برای حاجات ایشان دو رکعت نماز بخوانید تا حاجات خودتان برآورده شود مگر نه این که ایشان اگر لب تر کننـد خدا حاجتشان را برآورده می کند. پس دعای ما فایده ای ندارد؟ اگر خداوند صلاح نداند که حاجت ایشان برآورده شود و ما دائم دعا کنیم آیا دعای ما مستجاب می شود یا خیر؟ و دیگر این که این چه ربطی به برآورده شدن حاجات خودمان دارد؟

پاسخ

الـف آری خـواهرم حضـرت ولی عصـر ارواحنـا له الفـدأ مقربـترین موجود روی زمین در پیشـگاه خـدا بوده و خواست ایشـان خواست خـداست ایشـان هرچه از خـدا بخواهـد خـدا عنایت می فرمایـد; ولی از آن جهت که حضـرت مهـدی (۷) مانند بقیه انسانهـا به صورت یـک فرد عـادی در زمین زنـدگی می کننـد، احتمـال دارد ایشـان نیز از گرفتاریهـای زمـانه در امان نباشـد; بنابراین لازم است به دلیل غم و اندوهی که وجود حضرت را از معصیتهای امت جدش فراگرفته یا گرفتاریهای زندگی شیعیان که بر قامت رعنایشان پرتو افکنده برای آن وجود مبارک دعای خیر نمود. ب باید دانست که منفعت اعظم دعا برای امام زمان (۷) متوجه خود مـا می شود زیرا مـا بـدین وسیله تقرب و عرض ارادت و شـیعه بودن خویش را به ساحت نورانی آن حضـرت اعلام می داریم و خشـنودی امام خشـنودی و رضایت حق تعالی و در نتیجه فرج و گشایش برای اسـلام و مسلمین خواهد بود. ان شأالله

برای عده ای این پرســش مطرح است که با گناهان بســیاری که تا کنون انجام داده اند و در درگاه خداوند شرمنده اند، با این وجود، نوعی ترس در دل آنان است که موجب می شود تا برای ظهور امام زمان غ دعا نکنند; ضمن آن که می دانند ان شأاللّه بعد از ظهور آن حضرت غ چه خو

پرسش

برای عده ای این پرسش مطرح است که با گناهان بسیاری که تا کنون انجام داده اند و در درگاه خداوند شرمنده اند، با این وجود، نوعی ترس در دل آنان است که موجب می شود تا برای ظهور امام زمان غ دعا نکنند; ضمن آن که می دانند ان شأاللّه بعد از ظهور آن حضرت غ چه خواهد شد. لطفاً بر اساس آیات و روایات به این پرسش پاسخ دهید؟

پاسخ

شخصی که به سبب گناهانی که انجام داده است برای ظهور امام زمان غ دعا نمی کند، فکر کرده امام زمان غ برای جزا دادن به گناه کاران می آید، پس اگر بیاید، مرا هم عذاب خواهد کرد و یا خواهد کُشت این پنداری نادرست است زیرا حساب رسی به گناهان و عقوبت کردن گناه کاران مخصوص روز قیامت است و شخص گناه کار، باید از مرگ هراس داشته باشد; زیرا با مرگ است که دست انسان از جبران گناهانش کوتاه می شود و با کوله باری از گناه به محکمه عدل الهی می رود و به نتایج اعمال خود می رسد; پس شخص گناه کار باید از "مرگ بترسد نه از ظهور امام زمان غ زیرا چه امام زمان غ ظهور کند و چه نکند; به هر حال مرگ برای او بد فرجامی بوده و اول عذاب و بدبختی او خواهد بود; پس شخص گناه کار باید توبه کند و از خداوند متعال طلب بخشش کرده رو به سوی اعمال صالح بیاورد; امّا امام زمان غ برای حساب رسی گناهان نمی آید، بلکه ایشان مصلح کل ّبوده و رسالت ایشان ایجاد حکومت عدل الهی و احیای اسلام و قرآن است به طوری که معارف اسلامی به

گـوش همه جهانیـان برسـد و هیـچ ظـالمی بر مردم حکـومت نکنـد: "وَ نُرِیـدُ أَن نَّمُن َّعَلَی الَّذِین َاسْتُضْـعِفُواْ فِی الاْـ ?رْض ِ وَ نَجْعَلَهُـم ْأَغ مَّه ًوَنَجْعَلَهُم ُالْوَ رِثِین َ;(قصـص ۵) اراده مـا بر این قرار گرفته است که به مستضـعفین نعمت بخشـیم و آن هـا را پیشوایـان و وارثین روی زمین قرار دهیم " خلاـصه آن که در عصـر ظهور حضـرت مهـدی غ نه قرار است به گناهان شخصـی افراد رسـیدگی شود و نه اراده مردم برای انجام گناه از بین می رود، بلکه مردم حتّی در انتخاب دین آزاد هسـتند، اگرچه بیش تر مردم جهان راه حق را می یابنـد و به آن می گروند; ولی مسـئله مهم در آن زمان آن است که دنیا دارای یک حکومت آن هم از نوع الهی آن است و احکـام اسـلام نیز بـدون هیـچ تغییری از سرچشـمه نور هـدایت به جامعه عرضه خواهـد شـد.(ر.ک تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۴، ص ۳۱۹، نشر دارالکتب الاسلامیه)

چرا برای سلامتی آقا امام زمان غ دعا می کنیم

پرسش

چرا برای سلامتی آقا امام زمان غ دعا می کنیم

پاسخ

علت این که برای سلامتی حضرت ولی عصرغ دعا می کنیم این است که

۱. دعا کردن نوعی اظهار محبّت و ارادت است و ما با دعا برای آن حضرت علاقه خودمان را در طبق اخلاص می گذاریم

۲. دعا کردن نوعی شـکرگزاری و سپاس محسوب می شود و وجود امام بهترین نعمت الهی است که خدا به ما عنایت فرموده است هم چنین بـا دعـا به آن حضـرت به او تـوجّه می کنیم و تـوجّه به نعمت نیز، از اقسـام شـکر است بر این اسـاس دعـا برای حضرت لازم است

ممکن است تصور شود که خـدای متعـال حضـرت را از آفـات محفوظ می دارد، و دعا برای سـلامتی او یا صـدقه دادن نیازی نیست پاسخ این است که چون حضـرت در دنیا زندگی می کند، عوارض طبیعی از قبیل کسالت و مریضی ها و... بر او عارض می شود و به همین خاطر بایـد برای او دعا کرد و به نیابت از ایشان صـدقه داد.(ر.ک مکیال المکارم سـید محمد تقی موسوی اصفهانی ج ۱، ص ۴۲۰، انتشارات برگ شقایق ۱۳۸۰.)

۳. دعـا کردن خـود عبـادتی بزرگ به حسـاب می آیـد که ضـمن آن که در رشـد معنـوی مـا مؤثر است در مـوفقیّت بیش تر حضرت نیز مؤثّر می باشد.

دعایی که برای امام زمان غ می کنیم اگر از صمیم قلب نباشد، قبول می شود؟

پرسش

دعایی که برای امام زمان غ می کنیم اگر از صمیم قلب نباشد، قبول می شود؟

پاسخ

چه خوب است که انسان هر دعایی می کند، از صمیم قلب باشد، زیرا دعا به معنای درخواست بنده ای فقیر و سراپا نیاز از مولایی کریم و غنی است که دستور دعا داده است "ادْعُونِی َ أَسْتَجِب ْلَکُم (غافر،۶۰) بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را" بدیهی است خدایی که امر می کند هر حاجتی دارید از من بخواهید که اگر از صمیم قلب حاجت خود را بخواهیم برآورده خواهد شد. شهید مطهری می فرماید: "اگر از حدّ لقلقه زبان بگذرد و دل با زبان هم آهنگی کند، یک روحانیت بسیار عالی دارد، مثل این است که انسان خود را غرق در نور می بیند، شرافت گوهر انسانیت را در آن وقت احساس می کند." سپس می فرماید: "یکی از شرایط دعا این است که خواستن و طلب در وجود انسان پیدا شود و تمام ذرّات وجود انسان مظهر خواستن گردد، واقعاً آن چه می خواهد، به صورت یک احتیاج و استدعا و حاجت درآید... . فرق است بین خواندن دعا و دعای واقعی تا دل انسان با زبان هم آهنگی نداشته باشد، دعای واقعی نیست باید در دل انسان جدّاً و واقعاً خواست و طلب پیدا شود، حقیقتاً احتیاج پدید آید."(بیست گفتار، شهید مطهری ص ۲۳۹، نشر شرکت افست سهامی عام)

دعا برای امام زمان غ چه دعاهای رسیده از امامان معصوم مانند دعای فرج عهد،... و یا دعایی که به فارسی برای تعجیل فرج آن حضرت می کنیم بیان کننده عشق و علاقه انسان نسبت به امام زمان غ است

و اگر از صمیم قلب هم نباشد، اجر دارد، لکن باید سعی کرد که با حضور قلب و توجه کامل دعا بخوانیم امام صادق در این باره فرمود: "بنده وقتی با نیّت صادق و قلبی پاک حاجت خود را از خدا طلب کند، در حالی که به عهدی که خدا در نزد او دارد نیز وفا کرده باشد، خداوند حاجت او را برآورده می کند، ولی اگر از ته دل و با اخلاص حاجت طلب ننماید، خداوند دعای او را اجابت نمی کند."(میزان الحکمه محمدی ری شهری ج ۳، ص ۲۵۶، نشر مکتب الاعلام الاسلامی)

دعا، سلاح مؤمن است و مهم ترین ثمره دعا این است که انسان در وقت دعا به خدا توجه پیدا می کند، و وابستگی خود را از دنیا کم می کند; به خصوص دعاهای وارد شده از امامان معصوم که به فرموده امام خمینی به منزله قرآن صاعد است و باید هر چه بیش تر به آن دعاها توجّه داشته باشیم

با توجه به اینکه آمدن امام زمان حتمی است فلسفه دعا کردن برای سلامتی آن حضرت چیست؟

پرسش

با توجه به اینکه آمدن امام زمان حتمی است فلسفه دعا کردن برای سلامتی آن حضرت چیست؟

پاسخ

دعا برای سلامتی امام زمان(عج) چندین اثر دارد:

الف) نشانگر علاقه و محبت مسلمانان به ایشان است و ازدیاد محبت امام در دل موجب تقویت ایمان می گردد.

ب) اظهار تجدید عهد و پیمان با حضرت است.

ج) سبب زنده نگه داشتن یاد امام غایب در دل منتظران می گردد.

د) کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم است، مسلما آزردن آن حضرت برایش سخت است. در نتیجه دعا برای سلامتی حضرت، انسان را بر انجام کارهایی وامی دارد که موجب خشنودی آن حضرت می گردد.

ه) دعا بسیار مؤثر است و موجب فرج آن حضرت و نیز فرج و گشایش در زندگی مؤمنان می شود

اگر علم ائمه (ع) مربوط به امور محتوم است , پس دستور دعا برای ظهور امام زمان (عج) چیست و آیا تذکر این امر دلیل دیگری می تواند داشته باشد؟

پرسش

اگر علم ائمه (ع) مربوط به امور محتوم است , پس دستور دعا برای ظهور امام زمان (عج) چیست و آیا تذکر این امر دلیل دیگری می تواند داشته باشد؟

پاسخ

این سوال خود به دو سوءال جداگانه تقسیم می شود:

الف) یکی مربوط به علوم اهل بیت است. منظور شما از این که آنان علم به امور غیر محتوم ندارند برای ما روشننیست و به نظر می رسد چندان با واقعیت مطابقت نداشته باشد. درواقع علم آنان هم به قضای حتمی الهی تعلقمی گیرد و هم به مقدرات معلقه و در هریک میزان آگاهی آنان در حدی است که خداوند خواسته باشد و علمش رادراختیارشان نهاده باشد. شاهد براینکه به مقدرات تعلیقی نیزآگاهی دارنداین است که در مواردی نقل شده کهپیامبر(ص) به کسی خبر مرگ او را درزمان معینی داده اند ولی بر اثر دادن صدقه مرگ وی به تأخیر افتاده است. بنابراینعلم به قضای محتوم یکی از مراتب علم غیب آنان است.

ب) اینکه دعا برای ظهور امام زمان (عج) چه اثری دارد در این باره باید گفت: براساس تفکر اسلامی دعا خودیکی از اسباب و علل بسیار مهم در جریان فیض الهی است و اسباب و علل منحصر به علل مادی نیست. سنتپروردگار بر این تعلق گرفته که بعضی از اموررامنحصرااز طریق دعا به انسان بدهد و در بعضی نیز دعا را جزءالعله وسبب بهتر یا سریع تر شدن بارش باران فیض الهی کند. بنابراین اصل ظهور حضرت قطعی و حتمی است. اما دعاهایبندگان در کیفیت و زمان آن و ایجاد شرایط بهتر و سریع تر ظهور نقش بسیار مؤثری دارد.{J

من امام زمان را دوست دارم ولی از آنجایی می دانم در صورت ظهور آن حضرت ایشان انتقام مظلومان را می گیرد و انسانهای بد را به سزای اعمالشان می رساند و چون من از وضعیت خود آگاه نیستم می ترسم جزء آن انسانها باشم به همین دلیل از ظهور ایشان می ترسم؟

پرسش

من امام زمان را دوست دارم ولی از آنجایی می دانم در صورت ظهور آن حضرت ایشان انتقام مظلومان را می گیرد و انسانهای بد را به سزای اعمالشان می رساند و چون من از وضعیت خود آگاه نیستم می ترسم

جزء آن انسانها باشم به همین دلیل از ظهور ایشان می ترسم؟

پاسخ

ای آفتاب حسن، برون آ دمی ز ابر کان چهره مشعشع تابانم آرزوست

اگر ما معرفت و بینش صحیح نسبت به فلسفه قیام امام مهدی(عج) پیدا کنیم، پی خواهیم برد که جهان تشنه وجود او است. در احادیث بسیار نقل شده است، زمانی که امام(ع) ظهور کند، همه موجودات استعدادهای نهانی و نهایی خود را بروز خواهند داد. از جماد و نبات گرفته تا انسان، چون زمین تشنه ای که باران را در خود جذب می کند، جوشان می شوند و استعدادهای واقعی خود را نشان می دهند. وجود مبارک امام عصر(عج) انسانی را که فقط ظاهری از او مانده به مانند گنجینه ای پر از دانش شکوفا می سازد و زمینه هایی را که چون زمین بی حاصل است سر سبز و بارور می کند؛ حتی زمین ها، کوه ها و طبیعت فشرده به برکت قدمش، با زیورها و گوهرها، به استقبالش خواهند شتافت و تمام قوای طبیعی به خدمت ایشان در خواهد آمد.

حکومت امام زمان(عج) عالم را فرا خواهد گرفت و سایر حکومت ها را تحت سلطه خود در خواهد آورد. حصارها و مرزها برچیده خواهد شد و قانون الاهی بر عرصه زمین جاری خواهد گشت. حکومتی بنا خواهد کرد که تکامل در همه جنبه های آن در جهان رخ می نماید.

پرچمدار عظیم تکامل در اولین قدم اصلاحی و تربیتی، عقل و دانش مردم را کامل خواهد ساخت؛ طوری که دوران ظهور مهدی(عج) دوران گسترش علم و آگاهی، تکامل عقل، تجدید سنت و کتاب و نوسازی فکری همه جانبه خواهد بود (علامه

مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۵۲ و ۳۴۹ – حر عاملی، اثبات الهدا، ج ۷، ص ۸۳).

در پرتو ارشاد و هدایت مهدی(عج) مغزها در مسیر کمال به حرکت در می آید و تمام کوته بینی ها و تنگ نظری ها وافکار پست و کوتاه که سرچشمه بسیاری از تزاحم ها و تضادها و برخوردهای خشونت آمیز اجتماعی است، برطرف می گردد (کورانی، موسوعه احادیث المهدی، ج ۴، ص ۵۳).

حضرت مهدی نجات دهنده بشریت از ظلم و کفر و جهل و بیداد است، او کلیه مردم عالم را زیر پرچم توحید گرد خواهد آورد و ندای موحدان بر عرصه زمین طنین خواهد افکند و در همه جا تنها قانون خدا اجرا خواهد شد و پذیرش اسلام امری باطنی می گردد و دل های شکفته به یمن وجودش، خواستار دریافت پیام های وحی می گردد.

ای عزیز! اکنون با این همه مژده و با این همه خبر مسرت بخش، چه جای بیم؟! بهره و نصیب ما خیر است و رحمت؛ آغوش باید گشود که:

باز آی و بر چشمم نشین ای گلعذار نازنین کآشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می رود

دهشت و بیم برای غیر مؤمنان است. «و ان رجعتکم حق لا ـ ریب فیها یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن امنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا؛ آنان که تا زمان ظهور آن بزرگوار ایمان نیاوردند و یا عمل خیری به سبب ایمان خود انجام ندادند، مشمول خشم و قهر حضرتند»(مفاتیح الجنان، زیارت آل یس) ولی بقیه مردم در امانند و گشایش.

صبح ها دعای «عهد» را و شامگاهان زیارت «آل یس» را با تأمل در معانی

و مفاهیم بخوانید. برای دلگرمی و امیدواری، گلی از باغسار سخنان حضرت حجت بن الحسن المهدی(عج) برای شما چیده ایم؛ هم خود از کلامش عطر آگین شوید و هم سایرین را از آن بهره رسانید: «پس پروای خدا پیشه سازید واز (اهداف آسمانی) ما پشتیبانی کنید تا شما را از فتنه ای که به سویتان رو آورده است و شما اینک در لبه پرتگاه آن قرار دارید نجات بخشیم».

دعا برای سلامتی حضرت ولی عصر (اللهم کن لولیک) را تفسیر کنید و توضیح دهید که چرا این شش صفت را از خدا می خواهیم برای ایشان .

پرسش

دعا برای سلامتی حضرت ولی عصر (اللهم کن لولیک) را تفسیر کنید و توضیح دهید که چرا این شش صفت را از خدا می خواهیم برای ایشان .

پاسخ

آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

(دیوان حافظ، ص ۲۲۳)

دعا از هر حیث مخصوصا برای سلامتی امام زمان(عج) آثار و برکات فراوانی دارد از جمله:

۱- نشانگر علاقه و محبت مسلمانان به ایشان است. اگر چه دوستی تمام ائمه معصومین (ع)بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است، در عین حال دعا کردن در حق امام زمان(عج) موجب ازدیاد محبت آن حضرت در دل و در نتیجه موجب تقویت ایمان می گردد.

۲- اظهار تجدید عهد و پیمان با آن حضرت است و محتوای پیمان با آن حضرت را دین داری و شریعت محوری و تصمیم قلبی بر اطاعت امر امام(ع) و یاری رساندن او با نثار جان و مال تشکیل می دهد.

تجدید بیعت با آن حضرت(ع) کاری است که بعد از هر نماز از فرایض پنجگانه، یا در هر روز و یا در هر جمعه انجام می شود مستحب است. هر روز بعد از نماز صبح دعاهایی که مربوط به وجود مبارک امام عصر(عج) است خوانده شود.

دعای شریف «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین...» و نیز «دعای عهد» (مفاتیح الجنان، ص۸۹۱ و ۸۹۲) شاهدی برای این سخن است.

۳- سبب زنده نگه داشتن یاد امام غایب در دل منتظران می گردد. یاد امام زمان(عج) توجه به ارزش های

دین و اصول اخلاقی را در دلها جوانه می زند و برعکس غفلت از یاد و خاطره امام

یکی از دلایل عمده پژمردگی و سستی ارزش های الهی وانسانی در جوامع مسلمان است.

دلت گر که یک لحظه غافل نشیند خدنگ بلا بر دل دل نشیند

۴- کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم است، مسلما آزردن آن حضرت برایش سخت است در نتیجه دعا برای سلامتی آن حضرت، انسان را بر انجام کارهایی وامی دارد که موجب خشنودی آن حضرت و در نتیجه سبب رسیدن به مقام رضوان الهی می گردد.

۵- دعا بسیار مؤثر است و موجب فرج آن حضرت و نیز فرج و گشایش در زندگی مؤمنان می شود.

۶- موجب قرب الهی است. امام مهدی (عج) در خصوص زیارت آل یس می فرمایند: «هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند و به ما توجه کنید این زیارت را که از جانب خداوند انشاء شده است بخوانید» (مفاتیح الجنان، ص ۸۶۳).

این زیارت که از جهات مختلف، محتوایی عمیق دارد بسیار مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است. از جمله سلام هایی که در این زیارت ادا می شود، از ابتدا تا انتها، دعای برای سلامتی و تندرستی و بهروزی امام زمان(عج) است. «السلام علیک یا خلیفه الله و ناصر حقه... السلام علیک حین تصبح و تمسی، السلام علیک فی الیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی ... السلام علیک بجوامع السلام... ؛ سلام بر تو ای جانشین خدا و یاری کننده حق... درود و سلام بر تو هنگامی که بامداد و شام کنی، درود و تهیت الهی بر تو در شب که همه جا را فراگیرد و در روز، در وقتی که نور دهد (یعنی سلام بر تو در هر صبح و شام)...، درود

بر تو درودی همه جانبه...».

در دعـای بعـد از این زیـارت نیز معـانی بلنـدی نهفته است. از جمله عرض می کنیم: خـدایا او (امـام زمان(عـج)) را از شـر هر متجاوز و سرکشـی و از شـر همه خلق خود پناه ده و او را از حوادث یومیه، از پیش رو، و از پشت سـر و از طرف چپ، حفظ و نگهداری کن و از این که آسیب و گزندی به او برسد جلوگیری کن و در خصوص او، رسولت و خاندان رسولت را حفظ نما و به دست مبارکش عدل و داد را پدیدار نما! «اللهم اعذه من شـر کل باغ و طاغ و من شـر جمیع خلقک و احفظه من بین یدیه و مـن خلقـه و عـن یمینـه و عن شـماله و احرسه و امنعه من ان یوصـل الیه بسـوء واحفـظ فیه رسولـک و آل رسولـک واظهر به العدل...

در پایان سـخن لازم است یادآور شویم که دعا کردن برای سـلامتی و فرج آن حضـرت، اطاعت از امر خداونـد و نیز اهل بیت پیامبر اکرم(ص) است.

«و هر که خـدا و رسولش را اطاعت کنـد و خـداترس و پرهیزکار باشد چنین کسـی به فوز و سـعادت خواهد رسـید» (نور، آیه ۵۲).

آخرین نکته این است که هر چنـد طبق وعـده الهی حضـرت زنـده و باقی هسـتند تا زمانی که پرچم توحیـد و عـدل را در همه جهان به اهتزاز درآورند ولی بالاخره بشر هستند ودر معرض آفات جسمانی و بلاهای طبیعی. مثلا حضرت ممکن است مریض شوند و دچار کسالت گردند و از این نظر دعای ما برای سلامتی حضرت و حفظ ایشان از این آفات و حوادث بدون

شک در سلامتی وجود آن عزیز عالم وجود و آخرین در صدف امامت و ولایت مؤثر و مفید است.

مضـمون کلی دعای فرج، دعا برای حفظ و سـلامتی آقا امام زمان(عج) می باشد که از جمله وظایف شـیعه در زمان غیبت دعا برای وجود نـازنین آن سـرور است. مـا در این دعا از خداونـد می خواهیم که ولی آن بزرگوار باشـد (ولی به معنی سرپرسـت است).

ولایتی که در این دعا برای آن حضـرت از خداونـد درخواست می کنیم ولایت عامی که خداوند بر تمام موجودات دارد نمی باشـد، بلکه ولایت خاصه می باشـد که در آیه شـریفه آمـده است الله ولی الـذین آمنوا خداوند ولی مؤمنان است{M. بنابراین درخواست ما در این دعا این است که خداونـد آن حضـرت را در تحت ولایت خاصه خودش که مخصوص مقربان درگاهش است قرار بدهـد و حافظ و نگهـدار آن حضـرت باشـد از جمیع بـدی ها. و قائـد برای آن حضـرت باشـد. قائـد به معنی رهبر و پیشواست. یعنی خداوند آن حضـرت را تحت قیادت و زعامت خودش قرار دهد و دلیل و راهنمای آن حضرت باشد به تمامی خوبی ها دلالت و راهنمایی خداونـد انبیاء و اولیاء خودش را می توانـد همان تأییـد خداونـد آنان را به روح القـدس باشـد. در ادامه این دعا از خداوند می خواهیم که عین یعنی نگهبان آن حضـرت باشد و آن حضـرت را تحت حراست و حمایت خاصـه خودش از هر گزندی حفظ کند تا این که آن حضـرت را به گونه ای در زمین مسـتقر کند که مردم با میل و رغبت ولایت آن حضرت را قبول کنند و سالیان سال حضرت بدین گونه بر مردم حکومت کند و زندگانی کند.

مضمون کلی دعای

فرج، دعا برای حفظ و سلامتی آقا امام زمان(عج) می باشد که از جمله وظایف شیعه در زمان غیبت دعا برای وجود نازنین آن سرور است. ما در این دعا از خداوند می خواهیم که ولی آن بزرگوار باشد (ولی به معنی سرپرست است).

ولایتی که در این دعا برای آن حضرت از خداوند درخواست می کنیم ولایت عامی که خداوند بر تمام موجودات دارد نمی باشد، بلکه ولایت خاصه می باشد که در آیه شریفه آمده است الله ولی الذین آمنوا خداوند ولی مؤمنان است{M. بنابراین درخواست ما در این دعا این است که خداوند آن حضرت را در تحت ولایت خاصه خودش که مخصوص مقربان درگاهش است قرار بدهد و حافظ و نگهدار آن حضرت باشد از جمیع بدی ها. و قائد برای آن حضرت باشد. قائد به معنی رهبر و پیشواست. یعنی خداوند آن حضرت را تحت قیادت و زعامت خودش قرار دهد و دلیل و راهنمای آن حضرت باشد به تمامی خوبی ها دلالت و راهنمایی خداوند انبیاء و اولیاء خودش را می تواند همان تأیید خداوند آنان را به روح القدس باشد. در ادامه این دعا از خداوند می خواهیم که عین یعنی نگهبان آن حضرت باشد و آن حضرت را تحت حراست و حمایت خاصه خودش از هر گزندی حفظ کند تا این که آن حضرت را به گونه ای در زمین مستقر کند که مردم با میل و رغبت ولایت آن حضرت را قبول کنند و سالیان سال حضرت بدین گونه بر مردم حکومت کند و زندگانی کند.

صدقه دادن به جهت سلامتی امام زمان علیه السلام چه حکمی دارد؟

پرسش

صدقه دادن به جهت سلامتی امام زمان علیه السلام چه حکمی دارد؟

پاسخ

اصل صدقه دادن دارای ارزش وثواب بسیاری است ومی تواند بلاها را از انسان دور کند. و اگر انسان از طرف امام زمان (ع) وبه وکالت از آن حضرت (ع) صدقه دهد، هم برای انسان مؤثر است وهم برای حضرت.

برای انسان تأثیر دارد؛ زیرا هدیه به مؤمن، آن هم بالاترین مؤمن روی زمین ثواب دارد.

برای حضرت نیز تأثیر دارد؛ زیرا موجب می شود که خداوند به او برکات بیشتری دهد وبر عنایاتش بیفزاید، زیرا عنایات خداوند حدّ وحصری ندارد. ونیز موجب دفع بلا از وجود حضرت می گردد، زیرا خداوند متعال حضرت را از راه هایی که از آن جمله صدقه دادن است حفظ می نماید.

در مورد دعا برای سلامتی امام زمان (ع) نیز همین جواب را خواهیم داد.

چه دعاهایی در عصر غیبت امام زمان علیه السلام درباره حضرت مستحب است؟

پرسش

چه دعاهایی در عصر غیبت امام زمان علیه السلام درباره حضرت مستحب است؟

پاسخ

ادعیه درباره امام زمان (ع) بسیار است، که می توان به برخی از آنها فهرست وار اشاره نمود:

۱ – دعایی از امام صادق (ع).{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۴۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۷۰. پاورقی}

۲ – دعای غریق.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۸، ح ۲۳. پاورقی}

۳ – دعای بعد از هر فریضه در ماه رمضان.

۴ – دعای عهد صغیر.{پاورقی . همان، ج ۸۶، ص ۶۱. پاورقی}

۵ – دعای عهد.{پاورقی . البلد الامین، ص ۸۲. پاورقی}

۶ – دعا بعد از نماز ظهر.{پاورقی . همان، ص ۱۳. پاورقی}

۷ – دعا بعد از نماز عصر.{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۷، ح ۱۸. پاورقی}

۸ – دعای شب نیمه شعبان.{پاورقی . مفاتیح الجنان، ص ۱۶۶. پاورقی}

در چه مکان هایی سفارش دعا برای امام زمان علیه السلام شده است؟

پرسش

در چه مکان هایی سفارش دعا برای امام زمان علیه السلام شده است؟

پاسخ

مطابق روایات در برخی از مکان های مقدس سفارش خاص به جهت دعا برای امام زمان (ع) شده است، از آن جمله:

۱ – مسجد الحرام.{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۰. پاورقی}

۲ – سرداب مقدس.

۳ – مقامات منسوب به حضرت از قبیل مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه ومسجد جمکران.

۴ – حرم امام حسین (ع).{پاورقی . کامل الزیارات، ص ۲۳۰، ح ۱۷. پاورقی}

۵ – حرم امام رضا (ع).{پاورقی . همان، ص ۳۳۱. پاورقی}

۶ – حرم عسکریین (علیهما السلام) در سامرا.{پاورقی . همان، ص ۳۱۳. پاورقی}

۷ – حرم هریک از امامان به طور عموم.{پاورقی . همان، ص ۳۱۵. پاورقی}

۸ – عرفات در محل وقوف.{پاورقی . زاد المعاد. پاورقی}

آیا دعا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام با نهی از عجله در ظهور منافات دارد؟

پرسش

آیا دعا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام با نهی از عجله در ظهور منافات دارد؟

پاسخ

در روایات فراوان به مسأله دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی (ع) اشاره شده است ودر برخی روایات دیگر از عجله کردن واستعجال نهی شده است. از جمله: "هلك المستعجلون"؛ "کسانی که عجله کردند هلاك شدند." آیا بین این دو دسته روایات اختلاف وتنافی وجود دارد؟ در جواب می گوییم: خیر؛ زیرا:

اولاً: استعجال در ظهور، اصرار زیاد بر فرج حضرت بدون تمهید مقدمات وشرایط وزمینه هاست، ولی دعا برای ظهور حضرت، با تمهید مقدمات وشروط است.

ثانیاً: نفس دعا برای تعجیل فرج در ظهور حضرت تأثیر به سزایی دارد، به این معنا که خود دعا می تواند به منزله جزء علت تامه در تسریع ظهور تأثیر به سزایی داشته باشد.

۱۰– معمولا می گویند برای فرج آقا امام زمان (عج) دعا کنید چطور دعا کنیم که با عقیده کامل و خالصانه باشدچطور از ته دل دوست داشته باشیم که آقا امام زمان (علیه السلام) ظهور کند ؟

پرسش

.۱- معمولا می گویند برای فرج آقا امام زمان (عج) دعا کنید چطور دعا کنیم که با عقیده کامل و خالصانه باشدچطور از ته دل دوست داشته باشیم که آقا امام زمان (علیه السلام) ظهور کند ؟

پاسخ

کسی که در انتظار ظهور حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرج الشریف) به سر میبرد بالاترین آرزویش در زندگی فرج و گشایش آن امام منتظر است و بیشترین چیزی که او را ناراحت می کند ،سختیهای و ناراحتیهایی است که درزمان غیبت به امام زمانش می رسد.

بنابراین وظیفه خود می داند که برای رفع غم و قصه ها و سختیها و بلایای آن حضرت تلاش نماید و برای این منظور،هرکاری که از دستش بر می آید نسبت به انجام آن کوتاهی نمیکند.

پس ما در دعای خود،برای تعجیل فرج نباید فقط راحتی و گشایش خود را مد نظر داشته باشیم و در واقع برای خود دعا کنیم بلکه، قصد ما باید خواستن فرج خود امام زمان(علیه السلام)که البته با فرج او برای همه مؤمنان نیز گشایش حاصل خواهد شد. اما مهمترین فایده دعا در تعجیل برای دعا کننده این است که اگر از روی اعتقاد که به امامت ایشان باشد او را از تباهی دینش در زمان غیبت حفظ می کند .

اینکه« دور کن» اعتقاد به امامت و دعا برای تعجیل مرهون توفیق الهی است و این نشان می دهد که اگر خداوند بخواهد کسی را در زمان غیبت ازخطر بی دینی حفظ کند او را موفق به دعا برای تعجیل فرج امام عصر می کند و کسانی که مشمول این لطف و عنایت الهی

قرار نگیرند می لغزند و ازصراط مستقیم دور می افتند.

پس باید از خداوند طلب هدایت و توفیق کرد و نباید بر خود اعتماد نمود زیرا؛ اگر خدا انسان را به حال خودش رها کند همین تنها وسیله نجات را هم از دست می دهد .

با دوری معاصی و کسب فضائل اخلاقی و ترک صفات رذیله (واجبات را خوب انجام دادن) انشاء الله خداوند توفیق دعا با اخلاص را نصیبمان می کند و اینکه هر کاری از دستمان بر می آید کوتاهی نکنیم، نسبت به مفاسد سکوت نکنیم هر وقت ازلحاظ روحی آرامش بیشتری داریم و حال معنوی به ما دست داد دعا کنیم و اینکه تکرار در دعا کنیم ،خداوند یاری کننده خود را یاری می کند در قرآن کریم می خوانیم «اگر خدا را یاری کنید او شما را یاری می کند و شما را ثابت قدم می دارد و خدا قطعا یاری کننده خود را یاری می کند .»

دعا در حقیقت وسیله تقرب بندگان است و امام واسطه فیض بین بندگان و خدا هستند و دو نکته در دعا دقت شود .

۱–از دعاهای وارده مثل دعای عهد کتاب مفاتیح استفاده شود .

۲– دعا برای حضرت ضمن اینکه اظهار محبت وادب است .

منابع :

۱–سیمای آفتاب ، دکتر حبیب الله طاهری

۲– شناخت امام عصر، محمد جواد مولوی نیا

۳– معرفت امام عصر (ع)، محمد بنی هاشمی

با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل در ظهور ولی عصر(عج) وارد شده را توجیه می کنید؟

پرسش

با توجه به آیه یک سوره نحل چگونه روایات و ادعیه که در مورد تعجیل در ظهور ولی عصر(عج) وارد شده را توجیه می کنید؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال توجه به نکاتی درباره آیه ضروری است:

۱ شأن نزول و یا به عبارتی اسباب النزول یکی از اموری است که باید در فهم و درک آیه بدان تمسک جست، البته به این شرط که شأن نزول نقل شده از نظر سند معتبر باشد و یا ناقل در رساندن شأن نزول به حدس و گمان تکیه نکند واز روی مشاهده و حس گزارش کند.

۲ آنچه که درباره شأن نزول آیات آغاز سوره نحل گفته شده است، این است که این آیه با آیات پس از آن در مکه نازل شده است، در همان ایام که پیامبر(ص) درگیری شدیدی با بت پرستان داشت، آنان هر روز به بهانه هایی متوسل می شدند. مثلاً اینکه هرگاه پیامبر(ص) آنها را به عذاب الهی تهدید می کرد برخی از آنان می گفتند اگر این راست پس چرا به سراغ ما نمی آید؟ و یا گاهی می گفتند که اگر فرضا عذابی در کار باشد ما به بتها متوسل می شویم تا درپیشگاه خدا شفاعت بکنند. برای آگاهی بیشتر می توان به کتاب کشف الاسرار... مراجعه نمود.

۳ از ظاهر سیاق آیه یعنی از منطوق آن برمی آید که خطاب در این آیه به مشرکین است، برای این که آیات بعدی همه در مقام احتجاج علیه ایشان است، و سیاق آنها تا آیه **۲۹** که می فرماید : « اِلهُکُم اِلهٌ واحد » چنین سیاقی است.لذا آیه بر بطلان پندارهای مشرکین و بی ثمر بودن مساعی ایشان و این که به زودی کیفر ایشان را

می دهد، استدلال واقامه صحبت می کند.

۴ درباره این که منظور از امر در این آیه چیست؟ بین مفسران اختلاف است:

الف) برخی گفته اند منظور، فرمان خدا در مورد عذاب مشرکان است مانند صاحب تفسیر نمونه و تفسیر فی ضلال القرآن و التبیان و مجمع البیان.

ب) بعضی نیز گفته اند منظور به «امر» مفرد کلمه «اوامر» است، یعنی امر به معنای حکم است معنای

« اَتی اَمْرالله » این است که در این سوره احکام خدا آمده است. مانند ضحّاک.

ج) برخی از مفسران نیز احتمال داده اند که «امر الله» اشاره به خود عذاب است نه فرمان عذاب مثل صاحب الکاشف و روح البیان.

د) بعضی نیز آن را به معنای روز قیامت گرفته اند مثل صاحب کشف الاسرار و عده الابرار. البته در همین کتاب کشف الاسرار اشاره شده که امر در قرآن بر سیزده وجه در معانی ذیل به کار می رود: دین، قول، عذاب، عیسی(ع)، قتل، فتح مکه، قتل بنی قریظه، قیامت، قضا، وحی، کار، نصرت و ذنب. مانند فخر رازی و زمخشری.

ه)برخی هم گفته اند مراد از آن وعده های خداوند بر پیامبر(ص) است اعم از عذاب کفار و نصرت مؤمنین مانندعلامه طباطبایی و صاحب تفسیر روح المعانی. در المیزان علامه طباطبایی چنین آمده است: مقصود از امر آینده در آیه همان وعده ایست که خدا به رسول گرامی خود و به مؤمنین داده بود، و همان تهدیدهایی است که یکی پس از دیگری به مشرکین داده بود.

۵ همچنین در باب این که مخاطب در آیه «فلا تستعجلوه» کیست؟ مفسران به سه احتمال اشاره نموده اند:

الف) خطاب به مشرکان و بت پرستان است.

ب) خطاب به مؤمنین تنهاست اگر به معنای حکم باشد.

ج) مؤمنین و مشرکین هر دو مورد خطاب

آیه هستند.

تقریبا می توان گفت اکثر مفسران احتمال اول را پذیرفته اند و دو احتمال دیگر را منتفی دانسته اند،زیرا:

اولاً امر به معنای حکم نمی باشد.

ثانیا در قرآن هیچ جا استعجال به مؤمنین نسبت داده نشده است.

ثالثا چنانکه گذشت مسأله اِتیان و استعجال متفرع بر نفی شرک است و چون نفی شرک خطاب به کافرین است استعجال هم خطاب به مشرکین خواهد بود.

عجله و نسبت آن با تعجیل در ظهور امام(عج):

استعجال از ریشه عجله است. راغب اصفهانی در معنای آن گوید: عجله طلب شی ء است پیش از وقت آن، و ازمقتضای شهوت است. استعجال: خواستن با عجله است: «اتی امر الله فلاتستعجلوه ».

عاجله هم داریم که در مقابل آجل است و مراد از آن در قرآن دنیا است « کلا بل تحبون العاجله و تذرون الاخره »(قیامت، آیه ۲۰).

عَجَلَ نیز آمده است « خلق الانسان من عَجَلٍ سأریکم آیاتی فلما تستعجلون »، عجل بر وزن فرس اسم است به معنای عجله. آیه فوق کنایه از مبالغه انسان در عجله است. آیه ۱۱ از سوره اسراء نیز در همین معنا آمده است. A «کان الانسان عجولا »(اسراء، آیه ۱۱).

در لسان العرب آمده عَجَل یعنی سرعت، برخلاف بطی ء. فراء گوید: «عجلتُ الشی ء» یعنی به او سبقت نمودم».

استعجال در قرآن:

درست است که عجله و استعجال در قرآن از مؤمنین صریحا نفی شده است. « یستعجل بها الذین لایؤمنون بها والذین امنوا مشفقون منها و یعلمون اَنَّها الحق » ؛ کسانی که به آخرت ایمان ندارند درباره عذاب آن استعجال می کنند و اما آنها که ایمان دارند در ترس از آنند، چون می دانند که حق است

(شوری، آیه ۱۸).

چیزی که باید بدان

توجه کرد این است که این نفی استعجال از مؤمنین در صورتی است که به عذاب و موارد شبیه به آن متعلق باشد و یا بر اساس جهل و نادانی بناشده باشد. مانند آیه ۱۰ سوره یونس می خوانیم: « لو یعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخیر »: اگر همانطوری که مردم با عجله می خواهند خوبی ها و نعمت ها بر ایشان فراهم آید خدا در فرستادن شر یعنی عذاب برای مردم عجله می کرد قطعا بر آنان عذاب نازل می شد.

در آیه فوق گر چه استعجال به خیر نسبت داده شده است اما چون طبعا شیوه آدمیان بر این تعلق گرفته است که مسببات و آثار، با عجله و سرعت به دنباله اسباب خود آورده شوند مسلما اگر سنت الهی از این سنت انسان ها که براساس جهل و نادانی بنا شده پیروی کند عذاب قطعا نازل می گردد.

اما در صورتی که متعلق عجله کار نیک باشد و بر اساس آگاهی و عشق صورت بگیرد در قرآن از مؤمنین نفی نشده وحتی در جریان داستان حضرت موسی(ع) می خوانیم « و ما اعجلك عن قومك یا موسی »؛ ای موسی چه چیز سبب شدکه پیش از قومت به اینجا بیایی و در این راه عجله کنی(طه، آیه ۸۴) . و موسی بلا فاصله عرض کرد: پروردگارا آنها به دنبالمنند، و من برای رسیدن به میعادگاه و محضر وحی تو، شتاب کردم تا از من خشنود شوی. « قال هم اولاء علی اثری وعَجلتُ الیكَ ربِ لتَرضی » یعنی نه تنها عشق مناجات تو و شنیدن سخنت مرا بی قرار ساخته بود، بلکه مشتاق بودم هرچه زودتر قوانین و احکام تو را بگیرم و

به بندگانت برسانم و از این راه رضایت تو را بهتر جلب کنم.

در تأیید این مدعا آیات ذیل را هم می توان شاهد آورد:« سارعوا الی مغفره من ربکم » (آل عمران، آیه ۱۳۳) , یا ,« فاستبقوا الخیرات »(بقره، آیه ۱۴۸ و مائده، آیه ۴۸) و آیات دیگر.

در راستای مباحث فوق نتیجه می گیریم که عبارت «لاتستعجلوه» اولاً خطاب به کفار است و ثانیا استعجال در کار بدکه همان عذاب باشد به کار رفته است. ثالثا چنانکه گذشت انتساب عجله به افراد مؤمن در صورت خوبی عمل وآگاهی در آن در قرآن داریم.

عجله در احادیث:

گفته اند عشق آتشین به یک موضوع و افکار سطحی، و گاه سیطره هوی و هوس، و خوش بینی بیش از حد از عوامل شتابزدگی است. تلخی هایی که بر اثر عجله دامنگیر انسان می شود قابل شمارش نیست. اما نقطه مقابل عجله تثبیت وتأنی یعنی درنگ کردن و با تفکر و تأمل و بررسی همه جوانب کاری را انجام دادن است. اولی مذموم است اما دومی شایسته و بایسته است به لحاظ این که هر دو در احادیث آمده است.

پیامبر(ص) می فرماید: مردم را عجله هلاک می کند، اگر مردم با تأمل کاری را انجام می دادند کسی هلاک نمی شد «انما اهلک الناس العجله و لو ان الناس تثبتوا لم یهلک احد » .

یا امام صادق(ع) می فرماید: « مع التثبیت تکون السلامُ و مع العجله تکون الندامه »؛ با درنگ کردن سلامت است و باعجله ندامت.

پیامبر(ص) می فرماید: « ان الاناه من الله و العجله من الشیطان »؛ درنگ از ناحیه خداست و عجله از شیطان است.

در احادیث اسلامی بابی تحت عنوان تعجیل فعل الخیر در زمینه تعجیل در

کـار خیر آمـده است: از جمله در حـدیثی از پیـامبر(ص) می خوانیم:« ان الله یحب من الخیر مـا یعجل »؛ خداونـد کار نیکی را دوست دارد که در آن شتاب شود.

امام صادق(ع) هم فرمود: «مِن هم به شـی ء من الخیر فلیعجله فان کان شـی ء فیه تأخیر فان للشیطان فیه نظره »؛کسی که تصمیم به کار خیری گرفت بایـد عجله کنـد زیرا هر کاری را که در آن تأخیر کنیـد شـیطان در آن حیله ای می کند(سـفینه البحار، ج ۱،ص ۱۲۹).

منظور از عجله در این روایات همان سـرعت است در مقابل اهمال کاری و تأخیرهای بیجا و امروز و فردا کردن که بیشتر سبب بروز مشکلات روحی و روانی و موانعی در کارها می گردد. از این رو باید گفت سرعت و جدیت در کارهای آری، اما عجله و ....Ș........نه.

از همین جا می توانیم ادعا کنیم که تقاضای تعجیل در ظهور امام عصر(عج) از ساحت حضرت حق هیچ منافاتی باظهور آیات به خصوص با آیه فوق ندارد. و با کلمƠ...șř□ Ř......هم هماهنگ است.

سنتی که ریشه در کلمـات آن حضـرات دارد و دعـایی است که می توانـد زمینه های ظهور آن حضـرت را ...șطور کامل مهیا بکند; یعنی , یکی از اموری که می تواند مساعد کننده ئ ظهور آن حضـرت باشد خود تقاضای تعجیل است . اگر زمینه های ظهور امام (عج) مقدمات متعددی داشته باشد این تقاضا و استمداد یکی از آن مقدمات به حساب می آید. کلام آخر این که اساسا می توان گفت که خود این خواست و طلب از نظر تاثیر روحی و روانی در میان مسـلمان ها, می تواند مقدمات لازمه ئ فوق را به فعلیت

برساند و یا حداقل کمک موثری در این راه ایفا بکند.

منابع و مآخذ:

۱- برای آگاهی بیشتر از شان نزول آیه فوق (در نکته اول سوال) می توان به کتاب کشف الاسرار و عده الابرار مراجعه نمود.

۲- برای آگاهی بیشتر درباره اسباب النزول به کتاب اسباب النزول تالیف دکترمحمدباقر حجتی مراجعه شود.

۳- ترجمه تفسیر المیزان , جلد ۱۲, ص ۲۹۳.

۴- تفسیر نمونه , جلد ۱۲, صفحه ۴۶ - ۴۳.

۵- سفین 2 البحار, جلد ۱, صفحه ۱۲۹.

۶- اصول کافی , جلد ۱, کتاب ایمان و کفر, باب تعجیل فعل الخیر.

۷- ترجمه ئ تفسیر المیزان , جلد ۱۲, صفحه ۲۹۳.

۸- ترجمه ئ تفسیر المیزان , جلد ۱۰, صفحه ۳۴ - ۳۱.

۹- تفسیر نمونه , جلد ۱۳, صفحه ۲۶۸ و ۲۶۷.

گزیده ای از منابع اهل تشیع :

۱۰- فی ضلال القرآن نوشته سید قطب ج ۴/۲۱۵۸انتشارات دارالشروق .

۱۱-التبیان نوشته شیخ طوسی ج ۶/۳۵۷انتشارات دارالاندلس .

۱۲- مجمع البیان نوشته طبرسی ج ۶/۱۳۷انتشارات موئسسه الاعلی بیروت .

۱۳- المیزان نوشته علامه طباطبایی ج ۱۲/۲۱۴انتشارات دارالکتب الاسلامیه ترجمه نوشته علامه طباطبایی ج ۱۲/۲۹۲

۱۴-کشف الاسرار و عده الابرارتالیف ابوالفضل رشیدالدین میبدی ج ۵/۳۵۲انتشارات امیرکبیر.

۱۵- التفسیر الکاشف تالیف محمدجواد مغنیه ج ۴/۴۹۶انتشارات دارالعلم بیروت .

۱۶- تفسیر نورالثقلین تالیف علامه حریزی ج ۳/۳۸انتشارات مطبع 2 الحکم , قم .

۱۷- تفسیر نمونه تالیف آقای مکارم شیرازی ج ۱۱/۱۵۸انتشارات دارالکتب الاسلامی 2.

گزیده ای از منابع اهل تسنن :

۱۸- تفسیر فخررازی ج ۲۰-۱۹/۲۱۸صحافی ناصر قم .

۱۹- تفسیر الکاشف تالیف زمخشری ج ۲/۵۹۲انتشارات دارالکتب العربی - بیروت .

۲۰-تفسیر روح المعانی تالیف آلوسی ج ۱۴/۹۰انتشارات داراحیائ الثرات العربی .

۲۱-تفسیر روح البیان تالیف بروسوی ج ۵/۳انتشارات داراحیائ الثرات العربی .

۲۲-تفسیر القرآن العظیم تالیف ابن کثیرج

۲/۵۸۱انتشارات دارالمعرفه - بیروت .

با آنکه می دانیم که خداوند امام زمان(عج) را از گزند دشـمنان و بلاها محفوظ نگه می دارد چرا در بسیاری از روایات آمده است که برای سلامتی او دعا کنیم؟

پرسش

با آنکه می دانیم که خداوند امام زمان(عج) را از گزند دشـمنان و بلاها محفوظ نگه می دارد چرا در بسیاری از روایات آمده است که برای سلامتی او دعا کنیم؟

پاسخ

آنچه مسـلم است این است که خداونـد امام زمان«علیه السـلام» را زنده نگه می دارد تا آن بزرگوار ظاهر شده و جهان را پر از عدل و داد کند، ولی همین اولیاء الهی که از این امر مسلم مطلع هستند به ما دستور داده اند تا برای ایشان دعا کنیم و قطعاً دعا کردن برای امام زمان(عـج) بی اثر نیم باشـد و آنچه شـخص و قطعی است اثرات این دعا برای خود دعا کننده است، زیرا خود این ادب توجه به آن وجود مقـدس و دعا برای سـلامتی ایشان و توجه به محفوظ بودن ایشان از شـر آنه که خداونـد آفریده و روان کرده و برآورده و ایجاد نموده و صورت کشیده...(۶) برای خود مـا اثر تربیتی زیادی دارد و ما را روحاً مهیا می سازد تا با توجه دائم و ذکر آن وجود مقدس اخلاق یاران و صفت شیعیان مخلص را در خود احیا کرده و پرورش دهیم.

گذشـته از اینهمه رحمتها و نعمتها از خداونـد است و با اینکه خداونـد متعال تخلف وعـده نمی کند ولی به ما دسـتور داده اند دعا کنیم که آنچه را برای انبیایش وعده داده به ما بدهد(۷).

« بخش پاسخ به سؤالات »

۶)اللهم اعـذه من شـرجمیع ما خلقت و ذرأت و برات و انشأت و صورت... دعا در غیبت امام زمان(عـج) مفاتیح الجنان مرحوم قمی.

۷)ربنا آتنا ما وعدتنا علی رسلک... انک لاتخلف المیعاد آل عمران ۱۹۴.

توسل به امام

برای اینکه در امر تحصیل و رسیدن به کمال و سعادت واقعی خودمان را به امام زمانمان نزدیکتر کنیم و بیشتر به ایشان توسل جوئیم چه پیشنهادی دارید؟

پرسش

برای اینکه در امر تحصیل و رسیدن به کمال و سعادت واقعی خودمان را به امام زمانمان نزدیکتر کنیم و بیشتر به ایشان توسل جوئیم چه پیشنهادی دارید؟

پاسخ

انسان آگاه و روشن برای رسیدن به کمال و بهره مندی کامل از سرمایه های ارزنده خود باید در دو جنبه رشد و کمال یابد:

۱) جنبه علمی و نظری:

امیر مؤمنان علی علیه السلام در یکی از سخنان کوتاه خود می فرماید: رحم الله امرء علم من این و فی این و الی این؛ خداوند رحمت کند انسانی را که بداند از کجا آمده و در کجا به سر می برد و به سوی چه مقصدی روان است.

بنابراین قدم اول آشنائی با مبدأ و معاد و وظایف انسان بین این شروع و آن انجام است که عبارت از آشنائی با همان اصول عقاید باشد. آشنائی با اصول عقاید و بصیرت نسبت به باورها و عقاید درست و صحیح است که نقش عمیقی در چگونگی زندگی و رفتار و برنامه ریزی و نگرش انسان به عالم و جهان هستی دارد.

کتاب های فراوان و خوبی در مورد اصول عقاید نوشته شده که به برخی از آنها که نیاز فوری تری می باشند اشاره می شود:

۱- مجموعه مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، تألیف استاد شهید مرتضی مطهری که شامل بخش های هفت گانه زیر است:

الف:انسان و ایمان

ب:جهان بینی توحیدی

ج:وحی و نبوت

د:انسان در قرآن

ه:جامعه و تاریخ

و:امامت و رهبری

ی:زندگی جاوید یا حیات اخروی

۲-همه کتاب های شهید آیت الله دستغیب به ویژه کتاب های:

الف:توحید

ب:معاد

ج:امامت

د:ایمان

دومین قدم آشنائی با فضایل و رذایل اخلاقی است، یعنی اموری که زمینه ساز سعادت یا بیچارگی و محرومیت انسان

می باشند و در ساختن شخصیت حقیقی انسان و شکل دادن به خود حقیقی او نقش اساسی دارند. مسئله خود شناسی که ثمره آن خداشناسی است و نیز آشنائی با گناهان و گناه شناسی از مباحث مهم این بخش است و در این قسمت کتابهای زیر توصیه می گردد:

۱- خود شناسی برای خود سازی، تألیف استاد مصباح یزدی

۲- گناهان کبیره، شهید دستغیب

۳- گناه شناسی، استاد قرائتی

۲) جنبه عملی:

شناخت و علم و آگاهی زمینه ساز عمل است و اگر آگاهی انسان به عمل تبدیل نگردد و بذر شناخت باعمل به نهال نیرومندی تبدیل نگردد به کمال خود نرسیده و ضایع می گردد.

در این مرحله باید اولاـ با احکام و وظایف شرعی کاملا آشنا بود و مسئله تقلید از یکی از مراجع عظیم الشأن که زمینه ساز عمل به وظایف شرعی و دستورات عملی دینی است باید کاملا برای انسان مؤمن متعهد توجیه شده و حل شده باشد.

گام عملی دوم، تهذیب و خود سازی عملی است. یعنی بعد از آشنائی با ضرورت تهذیب اخلاق و نفس و خود سازی در مرحله نظر و عمل نوبت به گام نهادن در میدان تهذیب می رسد که از ضروری ترین و اساسی ترین برنامه یک مؤمن خداترس است.

در این زمینه نیز کتاب های زیر به نظر مناسب می آیند:

۱- خودسازی (تهذیب و تزکیه نفس)، تألیف استاد ابراهیم امینی

۲- نقطه های آغاز در اخلاق اسلامی، استاد آیت الله محمد رضا مهدوی کنی

۳- معراج السعاده، مرحوم ملا احمد نراقی

مطالعه زندگی و سیره معصومین علیهم السلام و زندگی مردان بزرگ و خود ساخته در تشویق انسان به گام برداشتن در راه خود سازی

و تهذیب، بسیار موثر است و عامل مهمی در تقویت اراده و همت انسان می باشد. در این مورد نیز کتاب های فراوانی دارم که چند کتاب زیر را توصیه می کنیم:

۱- نردبان آسمان، زندگی و برخی سخنان مرحوم آیت الله بهاءالدینی

۲- فضیلت های فراموش شده، زندگی مرحوم ملا عباس تربتی (پدر مرحوم حسینعلی راشد) تألیف حسینعلی راشد

۳- فریادگر توحید، زندگی حضرت آیت الله بهجت (دام ظله)

۴- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی (ره) از انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

ملاقات با امام زمان(عج) و دیگر اولیای الهی نیاز به سنخیت با آنان دارد. به دست آوردن سنخیت با اولیای الهی نیاز به تحقّق دو بُعد؛ یعنی، معرفت و عمل دارد. اگر کسی خود را به اولیای الهی شبیه نمود، به لقای آنان نیز واصل خواهد شد.

نوریان مرنوریان را طالبند ناریان مرناریان را جاذبند

آنچه وظیفه ماست تشبه به آن حضرات و پیمودن راه آنان است ما باید در همه حال سرباز آماده باش آن حضرت بوده و همواره در خدمت ایشان باشیم. این مسأله را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: «یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقواللّه لعلّکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید وتقوا و خداترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید».

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند: «صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و در برابر دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید»، (کتاب الغنیه، شیخ مفید، ص۱۰۵)

مرابطه با امام زمان(عج)

یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجاممی دهند.

قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می فرماید: الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نَهَوْ عن المنکر کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکات (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند{M،(حج، آیه ۴۱).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرمایند: «این آیه برای آل محمد است؛ یعنی، مهدی(عج) و اصحاب او»، (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷). در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتماموروزیم.

خوب است بدانیم؛ امام زمان شدیدا به شیعیان خود عشق می ورزند. بلکه علاقه آن حضرت به شیعیان و دوستانشان خیلی بیشتر از علاقه ای است که ما نسبت به آن حضرت داریم. آن حضرت همواره به شیعیان خود دعا می کنند. از آن حضرت نقل شده است: اناغیر مهملین لمراعاتکم ولاناسین لذکرکم ؛ ما هرگز در رعایت احوال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم{M،(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴).

ناگفته نماند ما مکلف به ارتباط به معنای ملاقات با امام زمان(عج) نیستیم آنچه بر ماست جلب رضایت آن بزرگوار می باشد. ارتباط با امام زمان یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن

و این یکی از ارکـان ایمـان است که آدمی خود رابه امام خویش مربوط سازد و از او جـدا نشود. پیوسـتگی با او یعنی مطیع او بودن. آنچه در روایـات زیـاد سـفارش شـده است انتظـار فرج است مـا بایـد ارتباط معنوی خود را با امام زمان(عـج) با عمل به دسـتورات آن حضـرت و انتظـار فرج به معنای واقعی ثابت و مسـتدام نگه داریم. از اینرو بسـیار بجاست که خصوصـیات منتظر واقعی حضرت مهدی(عج) را بدانید و سپس آن را در خود عملی کنید پس بحث زیر ضروری به نظر می رسد.

منتظر واقعی مهدی(عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد:

۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد.

۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی... ؛ بر من گراناست که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم{M، (دعای ندبه).

۳- برای تقویت ارتباط هر روز صبح «دعای عهد» را بخوانیم.

۴- انتظـار فرج آن حضـرت در دل و ظـاهر جلوه گر کنیم. در روایـات متعـدد داریم که در زمـان غیبت امـام زمان(ع) بهترین اعمـال انتظـار فرج اسـت اینجـا نیـاز به توضـیح دارد که چرا بهـترین اعمـال انتظـار فرج است. فرج؛ یعنی، نصـرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزیحکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امـام عصـر(عـج) تشـکیل می گردد بنـابراین انتظـار فرج یعنی انتظار تحقق یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر

حقیقی کسی است که حقیقتا خواهان تشکیل چنین حکومتی باشدو این خواسته آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عـدل و گریزان از سـتم و تباهی باشـد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شـعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین رو در روایـات آمـده است که انتظـار فرج خود فرج است زیرا کسـی که حقیقتـا منتظر فرج و ظهور حجتخـدا و تاسـیس حکومت عدل گستر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظـارفرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عـدل و ایمـان و عشق به آن دارد و آثـار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی آیـد و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقـدمات دینی و رسالت های انسـانی در تعـارض و تنـاقض است از این جانـادرستی یـک تفسـیر از انتظار فرج روشن می شود زیرا بعضـی بر این تصور خام هسـتند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسـبت به آنچه در جوامع بشـر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز استو با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشر و حقیقت و فضلیت منافات دارد. انتظار فرج یعنی:

الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت.

ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری

الهی و عدالت پیشه.

ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی.

ه) امید به آینده ای روشن و نوید بخش.

ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر.

ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی.

خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری.

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت(عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند، (بحارالانوار ج۵۲ ص ۱۲۵ - ره توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف).

۵- داستان های واقعی بزرگانی که با امام زمان(عج) در ارتباط بودند را بخوانیم.

در پایان به این نکته مهم توجه داشته باشیم که امام زمان(عج) به عنوان «حجت خدا» و «ولی عصر» بر اعمال و رفتار ما آگاهی دارد و خود را در محضر ایشان ببینیم و برای گره گشایی های مادی و معنوی از ایشان به عنوان واسطه فیض الهی درخواست داشته باشیم.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجالی تهرانی

۲- ترجمه منتخب الاثر، آیت الله صافی

۳- مهدی موعود، ترجمه: علی دوانی

۴- وابستگی جهان به امام زمان(عج)، لطف الله صافی

۵- امام زمان در گفتار دیگران، علی دوانی

سرعت پاسخ دهی از انتظارات پرسشگران است. خواهشمند است با اولویت بندی و پیرایش سؤالات، ما را یاری کنید. بدیهی است با ارتباط مکرر، پاسخ گوی دیگر پرسش های شما خواهیم بود

نماز امام زمان (ع چگونه است

پرسش

نماز امام زمان (ع چگونه است

پاسخ

نماز امام زمان (ع دو رکعت است در هر رکعت سوره حمد را تا ایاك نعبد و ایاك نستعین می خوانی چون به این آیه رسیدی آن را صد مرتبه می گویی و بقیه سوره حمد را تمام می کنی و پس از آن قل هو اللّه احد

(سوره توحید) را یک بار می خوانی پس از نماز دعای اللهم عظم البلاء را

می خوانی این دعا در مفاتیح الجنان آمده است این نماز در هر جا می تواند خوانده شود.

۱ – مفاتیح الجنان، ص ۹۲.

برای سلام دادن به امام زمان (ع به چه دلیلی به طرف راست قبله کمی متمایل می شویم

پرسش

برای سلام دادن به امام زمان (ع به چه دلیلی به طرف راست قبله کمی متمایل می شویم

پاسخ

در زیارت حضرت ابا عبداللّه الحسین در روز عاشورا از راه دور چنین از امام باقر (ع نقل شده است "إذا کان ذلك الْیوم برز إلی الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً فی داره و أومأ إلیه بالسلام هرگاه روز عاشورا فرارسید به سوی صحرا روانه شود یا به پشت بام برود و به سوی حرم امام حسین اشاره کند و سلام دهد" .

زیارت از راه دور برای امام حسین به همین گونه روایت شده است در مورد سائر امامان از امام صادق (ع نقل شده است "اذا بعدت بأحدکم الشقّه و نَأَت به الدار فَلْیَعْلُ أعلی منزل له فیصلی رکعتین وَلْیَؤمَّ بالسلام إلی قبورنا فإنّ ذلک یصیر إلینا؛(۲) هرگاه فردی از شما از راه دورخواست ما را زیارت کند، پس بر جای بلندی از منزل برود دو رکعت نماز بخواند و رو به سوی قبر مانند و با اشاره سلام دهید"، ولی چون جای خاصی برای حضرت مهدی (ع معلوم نیست شیعیان برای توجه به آن حضرت روبه قبله می ایستند و سلام می دهند و شاید به این جهت باشد که آن حضرت از کعبه ظهور خواهد کرد یا به زیارت کعبه

می رود.

همـان طور که گفته شـد در مورد زیـارت امام حسـین (ع در روز عاشورا و سائر امامان ایسـتادن به سوی بر آنان و سـلام دادن وارد شده است و در مورد حضرت مهدی (ع هم از باب ذوق و سلیقه و احترام گذاشتن

چنین عمل می کنند. ظاهراً وجه و دلیل شرعی بر این کار نیست فقط در مورد امام رضا (ع نقل شده که وقتی لقب حضرت مهدی (ع به عنوان قائم برده شد، آن حضرت از جا بر خاست و به عنوان احترام دست برسرنهاد.(۳)

۱ – بحارالانوار؛ ج۹۸، ص ۲۹۰.

۲ – همان، ص ۳۶۵.

۳ – آیت الله تبریزی، استفتاءات جدید، س ۲۲۰۸؛ عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید، ص ۱۳۳، آیت الله امینی، دادگستر جهان، ص ۱۲۵، به نقل از الزام الناصب، ص ۸۱.

اگر بخواهم در کارهایم از مهدی (عج) کمک بگیرم، ایشان به من کمک می کند؟ آیا کمک ایشان شامل حال من می شود؟

پرسش

اگر بخواهم در کارهایم از مهدی (عج) کمک بگیرم، ایشان به من کمک می کند؟ آیا کمک ایشان شامل حال من می شود؟

پاسخ

برای برقراری رابطه با امام زمان(ع) و زمینه سازی ظهور حضرت باید برخی از شرایط و ویژگی ها را رعایت نمود و با رعایت آن ها می توان قابلیت ایجاد نمود که از امام زمان(ع) کمک گرفت و عنایت حضرت شامل حال انسان ها شود. از آن جا که امام معصوم فرد کامل انسانیت و حجت الهی روی زمین و واسطه فیض الهی می باشد؛ به واسطه وجود او برکات الهی بر مردم نازل می شود و عذاب الهی نیز به خاطر وجود او از مردم برداشته می شود. امام زمان(ع) واسطه فیض الهی بوده و در زمان غیبت به هدایت مردم پرداخته و به رفع مشکلات مردم می پردازند؛ از این رو امام زمان(ع) در توقیعی (و فرمایش مکتوبی) که از او صادر شده، نفع رسالت خویش به مردم را به خورشیدی تشبیه کرده که در پشت ابر قرار گرفته است. خورشید اگر چه پشت ابر بوده و مردم آن را نمی بینند، ولی نفع آن به طور غیر مستقیم همه عالم را فرا گرفته و همه از آن بهره مند هستند. امام زمان فرمود: "من سبب آرامش و امنیّت ساکنان زمین هستم، چنان که ستارگان سبب امنیّت اهل آسمانند. همان طور که از خورشید در وقتی که توسط ابرها پنهان شده، سود برده می شود، از من نیز در حال غیبتم، بهره می برند".(۱)

جابر بن عبداللّه انصاری از پیامبر اسلام(ص) گزارش نمود که حضرت فرمود: "قسم به کسی که مرا به پیامبری برگزید، آن ها از وی بهره می برند و از نور ولایت او کسب

فیض می کنند، همان طور که مردم از خورشید پنهان شده در پس ابر بهره می برند".(۲)

در برخی از روایات دیگر آمده است که امام زمان(ع) در مکان های مختلف حضور یافته و به مردم کمک می کند، اگر چه مردم او را نمی شناسند.(۳)

امام علی(ع) فرمود: "حجت حق بر زمین استوار است. در جاده ها حرکت می کند. در خانه ها و قصرها وارد می شود. در شرق و غرب زمین به گردش می پردازد. سخن مردم را می شنود و بر جماعت مردم سلام می کند. می بیند ودیده نمی شود، تا زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی.

هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و شیعیان او است".(۴)

نمونه های فراوانی وجود دارد که امام زمان(ع) برخی را مورد عنایت خود قرار داده به آن ها کمک نموده و مشکلات آن ها را رفع نموده است. بر این اساس اگر انسان ها بتوانند در خود قابلیت ایجاد نمایند که زمینه عنایت امام را فراهم کنند، امام زمان(ع) به آن ها کمک می کند.

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۲. همان، ص ۹۱۳؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۱۷.

۳. کتاب الغیبه نعمانی، ص ۱۴.

۴. همان، ص ۸۶.

آیا زمانی که جمله "یا قائم آل محمد" را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟

پرسش

آیا زمانی که جمله "یا قائم آل محمد" را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟

پاسخ

امام زمان(ع) از ما روی برنگردانده است تا با خواندن او با کلمات "یا قائم آل محمد" به سوی ما بیاید. از برخی روایات استفاده می شود که حضرت شاهد و ناظر اعمال شیعیان است و به آنان توجه دارد و لحظه ای از آن ها غافل نیست. در بعضی روایات آمده است که حضرت میان مردم رفت و آمد می کند، اما مردم او را نمی شناسند. امام صادق(ع) فرمود: "... جای

انکار نیست که خداونـد با حجت خود همان کار را انجام دهد که با یوسف(ع) انجام داد. صاحب الزّمان(ع) آن مظلوم حق از دست داده، میان مردم رفت و آمد می کند در بازار قدم می نهد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لکن او را نمی شناسـند تا زمانی که خداونـد به وی اجازه دهد که خود را معرفی کند، آن گونه که حضـرت یوسف(ع) را اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی، گفت: آری من یوسفم".(۱)

اگر انسان با صداقت و پاکی و با تمام توجه حضرت را صدا کند، خواه با لفظ "قائم آل محمد" یا هر اسم دیگر، مطمئناً توجه حضرت را به سوی خود جلب نموده است، اگر چه خود را برای شخص ظاهر نسازد.

پی نوشت ها:

۱. "رجال" سید بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۲۰، به نقل از مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۵۳.

مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت((علیه السلام)) توضیح دهید.؟

پرسش

مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت((علیه السلام)) توضیح دهید.؟

پاسخ

به مردم بگو: به این مکان(۱) رغبت کنند و آن را عزیز دارند و چها ررکعت نماز در آن گذارند.

در رکعت اوّل; به نیّت نماز تحیت مسجد است، درهر رکعت آن یک حمـد هفت بار «قل هو الله احـد» خوانده می شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند.

در رکعت دوّم; به نیژت نماز امام صاحب الزمان((علیه السـلام)) خوانده می شود، بدین صورت که سوره حمد را شروع کرده و آیه « ایاک نعبد و ایاک نستعین» صد مرتبه تکرار می شود و بعد از آن، بقیه سوره حمد خوانده می شود، و سپس سوره «قل هو الله احد» را فقط یک بار خوانده و به رکوع رفته و ذکر «سـبحان ربی العظیم و بحمده» هفت مرتبه، پشت سـر هم تکرار می شود. و پس از آن به سـجود رفته و ذکر «سـبحان ربی الاعلی و بحمده» را نیز هفت مرتبه، پشت سـرهم تکرار می شود. رکعت دوم را نیز به همین ترتیب خوانـده می خوانند. چون نماز به پایان برسد و سـلام داده شود، یکبار گفته می شود «لا اله الا الله» و به دنبال آن تسبیحات حضـرت زهرا((علیها السلام)) خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگویند: «اللهم صل علی محمّد و آل محمّد».

آنگاه امام((علیه السـلام)) فرمودنـد: هر که این دو رکعت نماز را در این مکان(۲) بخوانـد، مانند آن است که دو رکعت نماز

در کعبه خوانده باشد.

چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند

و فرمودند:

«بزی در گله جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن و بدین مکان آور و آن را بکش و بر بیماران انفاق کن; هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد».

حسن بن مثله می گوید: من به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا اینکه نماز صبح را خواندهو به سراغ «علی المنذر» رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همانمکان شب گذشته رفتیم. در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام((علیه السلام)) حدود بنای مسجد را نشان می داد.

سپس به قم نزد «سید ابوالحسن رضا» رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سیّد از سحر در انتظار تو است. آنگاه به درون خانه رفتیم و سیّد مرا گرامی داشت و گفت: ای حسن بی مثله! من در خواب بودم که شخصی به من گفت: «حسن بن مثله، از جمکران نزد تو می آید، هر چه او گوید، تصدیق کن و بر قول او اعتماد نما، که سخن او سخن ماست و قول او را رد نکن» از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم. آنگاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم.

سیّد بلافاصله فرمود تا اسبها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدیم. چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم، گلّه جعفر کاشانی را دیدیم، آن بُز از پس همه گوسفندان می آمد، به میان گلّه رفتم، همین که بُز مرا دید به طرف من

دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بُز در گلّه من نبوده و تا کنون آن را ندیده بودم. به هر حال آن بُز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که از گوشت آن خورد، با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیه الله((علیه السلام)) شفا یافت.

ابوالحسن رضا; حسن مسلم را احضا رکرده و منافع زمین را از او گرفت و مسجد

جمکران را رنا کرد و آن را چوب پوشانید. سیّد زنجیرها و میخ ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیرها می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می فرمود.

پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آنها را ندید(۳).

۱ - مسجد مقدّس جمکران.

۲ - مسجد مقدّس جمکران.

۳ - به نقل از کتاب نجم الثاقب.

در کرمان چاهی هست به نام چاه صاحب الزمان , آیا این امر حقیقت دارد؟ در ضمن نماز امام زمان (عج) چگونه است ؟

پرسش

در کرمان چاهی هست به نام چاه صاحب الزمان , آیا این امر حقیقت دارد؟ در ضمن نماز امام زمان (عج) چگونه است ؟

پاسخ

ما نسبت به این مکان و صدق مطالبی که پیرامون آن گفته می شود آگاهی نداریم. نسبت به این گونه موارد بهتر استاز علمای برجسته محل سوءال شود و توصیه می کنیم که نسبت به موارد مشکوک محتاطانه عمل نمایید. نماز امامزمان(عج) اقسام مختلفی دارد. یکی از آنها این است که شخص دو رکعت نماز گزارد و در آن «ایاک نعبد و ایاکنستعین» را صد مرتبه بگوید و پس از اتمام نماز دعای «الهی عظم البلا...» را بخواند.{J

آیا باید ذکر رکوع و سجود نماز امام زمان (عج) را هفت مرتبه بخوانیم عریضه نویسی به حضرت و انداختن در چاه مسجد جمکران چه حکمی دارد؟

پرسش

آیا باید ذکر رکوع و سجود نماز امام زمان (عج) را هفت مرتبه بخوانیم عریضه نویسی به حضرت و انداختن در چاه مسجد جمکران چه حکمی دارد؟

پاسخ

ذکرهای رکوع و سجود نماز امام زمان(ع) را همان گونه که در مفاتیح الجنان و غیره نقل شده است باید هفت مرتبهگفت. در مورد نوشتن عریضه، چون روایت معتبری در دست نیست، قضاوت درباره آن مشکل است و به هر حالشاید عریضه نویسی حاصل تجربیات بعضی از بزرگان است که در رفع حاجات اثراتی مشاهده کرده اند و بعد کم کم بهصورت امری رایج و مرسوم درآمده است.{J

در زیارت صبحگاهی و دعای عهد می خوانیم« انی اجدد له عهدا و عقدا و بیعتا له فی عنقی » مفهوم واضح و روشن از عهد و پیمان یاد شده چیست؟و این عهدی که هر روز صبح تجدید می شود سر چه مساله ای است.

پرسش

در زیارت صبحگاهی و دعای عهد می خوانیم« انی اجدد له عهدا و عقدا و بیعتا له فی عنقی » مفهوم واضح و روشن از عهد و پیمان یاد شده چیست؟و این عهدی که هر روز صبح تجدید می شود سر چه مساله ای است.

پاسخ

عهد و پیمانی که دردعای عهد با امام زمان(عج) تجدید می شود همان اعتقاد به امامت و ولایت امام زمان(عج) و تسلیم و مطیع محض بودن در برابر دستورات آن حضرت می باشد. در حقیقت شیعه و منتظر واقعی با خواندن دعای عهد اعلام آمادگی می کند برای نصرت و یاری آن حضرت و ایستادن تا پای جان در راه تحقق منویات آن بزرگوار.

فلسفه توسّل به امام زمان علیه السلام چیست؟

پرسش

فلسفه توسّل به امام زمان علیه السلام چیست؟

پاسخ

توسـل، وسـیله وواسـطه قرار دادن چیزی بین خود ومطلوب است. وسـیله بر دو نوع است: گـاهی از امور مـادی است، مثل آب وغـذا که وسـیله رفع تشـنگی و گرسـنگی است. وزمـانی نیز از امور معنوی است، مثـل گنـاه کـاری که خـدا را به مقام وجاه یا حقیقت پیامبر (ص) قسم می دهد تا از گناهش بگذرد. در هر دو صورت وسـیله لازم است؛ زیرا خداوند متعال جهان آفرینش را به بهترین صورت آفریده است، آنجا که می فرماید: {اَلَّذِی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ خَلْقَهُ}؛ "آن خدایی که همه چیز را به بهترین صورت {پاورقی . سوره سجده، آیه ۷. پاورقی}

آفرید."

جهان بر اساس نظم علت ومعلول واسـباب ومسـببات، برای هـدایت ورشـد وتکامل انسان ها آفریده شده است ونیازمندی های طبیعی بشر با عوامل واسباب عادی برآورده می گردد. فیوضات معنوی خداوند همچون هدایت، مغفرت وآمرزش نیز بر اساس نظامی خاص بر انسان ها نازل می شود واراده حکیمانه خداوند بر این تعلّق گرفته که امور از طریق اسباب خاص وعلل معین به انسان ها برسد.

بنابراین، همان گونه که در عالم ماده نمی توان پرسـید: چرا خداوند متعال زمین را با خورشید نورانی کرده وخود بی واسطه به چنین کـاری دست نزده است؟ در عـالم معنـا نیز نمی توان گفت: چرا خداونـد مغفرت خویش را به واسـطه اولیای الهی شامل حال بندگان می کند.

شهید مطهری؛ می فرماید: "فعل خداوند دارای نظام است. اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش اعتنا نداشته باشد گمراه است. به همین جهت است که خدای متعال گناه کاران را ارشاد فرموده است که درِ خانه رسول اکرم (ص) بروند وعلاوه بر اینکه خود طلب مغفرت کنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب

مغفرت کند. قرآن کریم می فرماید: {وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جآؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً}؛ "اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم {پاورقی . سوره نساء، آیه ۶۴. پاورقی}

کردند، نزد تو می آمدند واز خدا آمرزش می خواستند وپیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می کرد، خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند."

{پاورقی . مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۶۴. پاورقی}

از همین رو می بینیم که در قرآن وسنت تأکید فراوانی بر وسیله وتوسل شده است. خداوند متعال می فرماید: {يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الوَسِيلَةَ}؛{پاورقی . سوره مائده، آیه ۳۵. پاورقی}

"ای مؤمنین! تقوا پیشه کنید وبرای رسیدن به او وسیله طلب نمایید."

اثر وفایده دیگری که در توسل به اولیای الهی خصوصاً ذوات مقدسه اهل بیت: است اینکه مردم به جهت دریافت فیوضات الهی به واسطه آنان، نه تنها به مقام شامخ آنها از نبوت یا امامت یقین حاصل می کنند، بلکه از باب اینکه "الانسان عبید الاحسان" فرمان بردار دستورات آنها که همان دستورات خداوند است می شوند.

نحوه سلامی که به حضرت امام زمان«علیه السلام» داده می شود چگونه است؟

پرسش

نحوه سلامی که به حضرت امام زمان«علیه السلام» داده می شود چگونه است؟

پاسخ

نحوه سلام دادن به حضرت چنان که از روایات متعددی برمی آید به همان نحو است که در کتاب مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عبّاس قمی وارد شده است برای مثال دو نمونه در ذیل ذکر می شود.

۱. کتاب کمال الدین: نقل شده است که برای سلام بر قائم«علیه السلام» اینگونه بگو: «السلام علیک یا بقیّه اللّه فی ارضه».

۲. کتاب مصباح المتهجد: از امام حسن عسکری«علیه السلام» نقل شده است که برای سلام به حضرت حجّه«علیه السلام» اینگونه بگوئید: «اللّهم صل علی ولیّک و ابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم و اوجبت حقّهم و اذهب عنهم الرجس و طهّرتهم تطهیراً، اللّهم انصرهُ و انتصر به لدینک...».

و طبیعی است که حضرت حجه«علیه السلام» سلام را بدون پاسخ نمی گذارند، چنان که خداوند هیچ احسانی را بدون پاداش

نمی گذارد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت«علیه السلام» توضیح دهید.؟

پرسش

مختصری در مورد کیفیّت نماز حضرت حجّت«علیه السلام» توضیح دهید.؟

پاسخ

به مردم بگو: به این مکان(۳) رغبت کنند و آن را عزیز دارند و چها ررکعت نماز در آن گذارند.

در رکعت اوّل؛ به نیّت نماز تحیت مسجد است، درهر رکعت آن یک حمد هفت بار «قل هو اللّه احد» خوانده می شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند.

در رکعت دوّم؛ به نیژت نماز امام صاحب الزمان«علیه السلام» خوانده می شود، بدین صورت که سوره حمد را شروع کرده و آیه « ایاک نعبد و ایاک نستعین» صد مرتبه تکرار می شود و بعد از آن، بقیه سوره حمد خوانده می شود، و سپس سوره «قل هو اللّه احد» را فقط یک بار خوانده و به رکوع رفته و ذکر «سبحان ربی العظیم و بحمده» هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می شود. و پس از آن به سجود رفته و ذکر «سبحان ربی الاعلی و بحمده» را نیز هفت مرتبه، پشت سرهم تکرار می شود. رکعت دوم را نیز به همین ترتیب خوانده می خوانند. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود، یکبار گفته می شود «لا اله الا اللّه» و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا«علیها السلام» خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگویند: «اللهم صل علی محمّد و آل محمّد».

آنگاه امام«علیه السلام» فرمودند: هر که این دو رکعت نماز را در این مکان(۴) بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.

چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: «بزی در گله جعفر کاشانی است، آن

را خریـداری کن و بـدین مکـان آور و آن را بکش و بر بیمـاران انفاق کن؛ هر بیمار و مریضـی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد».

حسن بن مثله می گویـد: من به خـانه بازگشـتم و تمام شب را در انـدیشه بودم، تا اینکه نماز صـبح را خوانـدهو به سـراغ «علی المنذر» رفتم و ماجرای شب گذشـته را برای او نقل کردم و با او به همانمکان شب گذشته رفتیم. در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام«علیه السلام» حدود بنای مسجد را نشان می داد.

سپس به قم نزد «سـید ابوالحسن رضـا» رفـتیم و چون به در خـانه او رسـیدیم، خـادم او گفت: آیـا تو از جمکران هسـتی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سـیّد از سحر در انتظار تو است. آنگاه به درون خانه رفتیم و سیّد مرا گرامی داشت و گفت: ای حسن بی مثله! من در خواب بودم که شخصـی به من گفت: «حسن بن مثله، از جمکران نزد تو می آید، هر چه او گوید، تصدیق کن و بر قول او اعتماد نما، که سـخن او سـخن ماست و قول او را رد نکن» از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم. آنگاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم.

سیّـد بلافاصـله فرمود تا اسـبها را زین نهادنـد و بیرون آوردند و سوار شدیم. چون به نزدیک روسـتای جمکران رسـیدیم، گلّه جعفر کاشـانی را دیـدیم، آن بُز از پس همه گوسـفندان می آمـد، به میـان گلّه رفتم، همین که بُز مرا دیـد به طرف من دویـد، جعفر سوگند یاد کرد که این بُز در گلّه من نبوده

و تـا کنـون آن را ندیـده بودم. به هر حـال آن بُز را به محـل مسـجد آورده و آن را ذبـح کرده و هر بیمـاری که از گوشت آن خورد، با عنایت خداوند تبارك و تعالی و حضرت بقیهاللّٰه«علیه السلام» شفا یافت.

ابوالحسن رضا؛ حسن مسـلم را احضا رکرده و منافع زمین را از او گرفت و مسـجد جمکران را رنا کرد و آن را چوب پوشانید. سیِّـد زنجیرها و میـخ ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیرها می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل عنایت می فرمود.

پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آنها را ندید(۵).

« بخش پاسخ به سؤالات »

۳) مسجد مقدّس جمکران.

۴) مسجد مقدّس جمکران.

۵) به نقل از کتاب نجم الثاقب.

علت توسل به امام زمان چیست؟

پرسش

علت توسل به امام زمان چیست؟

پاسخ

انسـان موجودی است دو بعـدی که در خمیرمایه و سـرشت وی این دو بعـد به کار رفته است؛ یک بعـدش به «حیوانیت» و بعد دیگرش به «عالم قـدس و ملکوت» پیوسـته است. هر انسانی با اختیار خود یکی از این دو بعـد را در وجود خود تقویت کرده و آثـار آن در خـارج از محـدوده جسم و جـان او از وی تجلی می نمایـد، آن وقت است که می توانیم برای هر دسـته ای مطابق جلوه خود نـام گـذاری نمـاییم و آن هـایی که چهره ملکوتی به خود گرفته و صـفات عالی انسانیت از آن ها بروز کرده است، انسان های به کمال رسـیده و ملکوتی و آن هایی که چهره انسانیت خود را بروز نـداده و به بعد حیوانی خود تنها بسـنده کرده اند، چهره های انسان نما که به واقع به کمال نرسیده اند و به تعبیر قرآن (اولئک کالأنعام بل هم اضل سبیلًا). {۱}

بدیهی است که، هر دسته ای تحت رهبری عده ای به این سو و آن سو کشیده می شوند و برای خود راهبرانی را برمی گزینند. رهـبران این دو گروه از اول تاریـخ تـا کنـون در مقابـل هم صـف آرایی نموده و درگیر بوده و خواهنـد بود. رهـبران کـاروان انسانیت که به سوی کمال و سـعادت و نظم زندگی است، به نام رهبران نور، و در مقابل آن، سردمداران جهالت و گمراهی و

ویرانی که پیروان خود را به وادی حیوانیت و سبوعیت سوق می دهند، رهبران ظلمت نامیده می شوند.

از طرفی بشر برای نیل به کمال مطلق و دست یابی به سعادت ابدی و تجلی فطرت خدا خواهی خود نیاز به رهبران معنوی داشته و دارد. خداوند با خلقت انسان، همواره پیامبرانی را

به عنوان هـدایت گر برای انسان ها برانگیخته که اولین آن حضـرت آدم(ع) و آخرین آنان حضـرت رسول اکرم(ص) است. و بعـد از پیـامبر(ص) اصـل امـامت و وصـایت امامان معصوم(علیهم السـلام) پایه گـذاری شـد و به امر الهی حضـرت علی(ع) به جانشـینی نصب گردیـد و پس از او نیز یازده تن از اولاد معصوم آن بزرگوار(ص) عهـده دار امر امامت جامعه بشـری شدند و مشـیت الهی بر این تعلـق گرفت که دوازدهمین پیشـوای معصـوم مسـلمانان، حضـرت امـام مهـدی(ع) برای تحقـق بخشـیدن به آرزوی بشـریت در پرده غیب هـدایت گری نمایـد، و روزی که خداونـد بخواهـد، با ظهورش و تشـکیل حکومت فراگیر طعم شیرین عدالت را به ذائقه بشریت بچشاند.

اعتقاد به مهـدی موعود(ع) مسـئله ای است که در تمام ادیان و مـذاهب مختلف جهان اعم از، یهودیت و مسـیحیت و اسـلام و غیره مطرح بوده و خواهـد بود. بدین معنی که در آخر الزمان مصـلحی ظهور خواهد کرد و به جنایت ها و خیانت ها و تبعیض های بشر خاتمه خواهد داد.

در انجیل آمده: «کمرهای خویش را بسـته، چراغ های خود را افروخته بدارید و مانند کسانی باشید که انتظار آقای خودشان را می کشند که چه وقت از انتظار خواهد آمد، تا هر وقت که آید و درب را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنند». {۲}

فیلسوف شـهیر انگلیسـی «برتراند راسل» می گوید: «دنیا چشم به راه مصـلحی است که همگان را در سایه ی یک پرچم و یک شعـار متحـد سـازد» و پروفسور «آلـبرت انشتین» تئوری پرداز «نظریه ی نسبیت» می گویـد: «فرا رسـیدن آن روزی که در جـای جای جهان، صلح و صفا حکومت کند و همه اعضای جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند، دیری نخواهد پایید».

«برنارد شاو» نیز

سخنی قابل توجه دارد او در کتاب خود «بشر و ابرمرد» به ظهور یک مصلح بشارت می دهد. در این زمینه، عباس محمود العقاد می نویسد: «ظهور مصلح به نظر ابرمرد مورد نظر "شاو" یک فرضیه و امری ناشدنی نیست و فراخوانی بشر به سوی چنین مصلحی توسط شاو از حقیقتی ثابت و واقعیتی اصیل ریشه گرفته است».

حقیقت این است که یهودیان مانند مسیحیان به بازگشت عیسی(ع) معتقد بوده و به ظهور یک منجی می اندیشند و همان گونه که زرتشتیان در انتظار رجعت «بهرام شاه»اند، نصرانیان حبشی نیز چشم به راه ظهور پادشاه خود «تئودور موعود» هستند و هندوها نیز به خروج «ویشنو» دل بسته اند، مجوسی ها به زنده بودن «هوشیدر» اعتقاد راسخ دارند و بودایی ها منتظر بازآمدن «بودا» و اسپانیایی ها مترقب بزرگ خود «رودریک»اند و اقوام هم رهبر خود «چنگیز» را منجی بزرگ می شمارند.

همچنین ایده ی ظهور منجی در مصر باستان هم رواج داشته است. همان گونه که در متون کهن چینی نیز دیده شده است. و بالاخره همه فرقه های اسلامی به اتفاق کلمه معتقدند در آخرالزمان مردی از نسل حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) ظهور نموده، عدالت را در میان جهانیان می گستراند.{۳}

ابن عربی در «الفتوحات المکیه» در باب سیصد و شصت و شش می گوید: «مهدی(ع) که پیامبر(ص) به آن بشارت داده است، از اهل بیت(علیهم السلام) است»؛ و می افزاید: «همانا برای خداوند جانشینی است که وقتی زمین پر از جور و ستم می شود، ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود و اگر از جهان یک روز باقی نباشد خداوند آن را طولانی می کند تا این خلیفه از عترت پیامبر(ص) ظهور کند...».{۴}

همچنین

اشعاری از صدرالدین قونوی در شأن حضرت مهدی(ع) آورده است.{۵} که همگی این ها بیانگر وجود و انتظار مهدی موعود در تمام ملل و اقوام و زمان ها است، که اشاره به آن در اینجا از حوصله بحث خارج است، فقط ذکری گذرا شد برای این که بدانیم انتظار موعود از شیعه و اسلام نیست که این یک انتظار بین المللی و فراگیر است ولی در نام گذاری ها، گاهی اختلاف وجود دارد.

امام موسی بن جعفر(ع) فرمود: «حجت خدا بر خلقش بر پا نگردد خبر به وجود امام ناشناخته شود».{۶} یعنی خداوند در قیامتبه مردم بگوید چرا چنین کردید و چرا چنان نکردید، مگر این که در دنیا برای آن ها امام و پیشوایی فرستاده باشد، که با نصوص و معجزات امامت او، برای مردم ثابت شده باشد و او نیز وظایف مردم را به آن ها رسانده باشد، و خدا و دین را برای آن ها معرفی کرده باشد.{۷}

امام صادق(ع) فرمود: «خدا برتر و بزرگ تر از آنست که زمین را بدون امام عادل واگذارد».{۸}

ابوحمزه گوید: «امام محمد باقر(ع) به من فرمود: "ای اباحمزه هر یک از شما که خواهد چند فرسخی بپیماید برای خود راهنمایی گیرد. تو که به راه های آسمان نادان تری تا به راه های زمین، پس برای خود راهنمایی طلب کن (و آن راهنما غیر از اهل بیت پیغمبر(ص) نباشد زیرا از آسمان وحی در خانه آن ها نازل شده و راه بهشت و جهنم را آن ها دانند)"».{۹}

پس اولاً آدمی نمی تواند بدون راهنما باشد، و از طرفی هم خداوند انسان را بدون راهنما نگذاشته است. هم راهنما را خدا خلق کرده است و هم انسان نیازمند به آن است و از جمله وسیله های رهنمایی

توسل پیدا کردن است و امروز که حضرت مهدی(ع) یگانه منجی عالم بشریت است و مجرای فیض خداوند به خلق است، راه های رسیدن به او، توسل به او را بیان کرده اند. از جمله این که سید علی خان در کلم طیب فرموده است: «استغاثه به امام زمان(ع) این گونه است که، هر جا که باشی دو رکعت نماز به حمد و هر سوره که خواهی بخوان و بعد از نماز رو به قبله زیر آسمان می ایستی و دعای "سلام اللّه الکامل التام السائل العام و صلواته العدائمه و برکاته القائمه و... را تا آخر"بخوان». {۱۰}

و گاهی برای امام زمان(ع) زیارت هایی نقل شده است؛ مثل زیارت حضرت حجه(ع) بعد از نماز صبح {۱۱} و یا زیارت حضرت صاحب الامر(ع) و... {۱۲} و گاهی نماز آن حضرت ذکر شده است.

و اما کیفیت نماز آن حضرت طبق آن چه در مفاتیح نقل شده، این گونه است: «دو رکعت می باشد که در هر رکعت سوره حمد را تا (ایاک نعبد و ایاک نستعین) و چون به این آیه رسیدی آن را صد مرتبه می گویی و در مرتبه آخر سوره تمام می کنی و سوره توحید خوانده رکوع و دو سجده و در رکعت دوم باز به همین شکل و بعد از اتمام و سلام نماز، دعای شریف اللهم عظم البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء... را تا آخر می خوانی». {۱۳}

ولی آن چه مشهور شده و به خصوص در مسجد جمکران به آن تأسی می کنند و بیشتر خوانده می شود، دو رکعت نماز به همین شکل، یعنی آیه (ایاک نعبد و ایاک نستعین) را صد بار تکرار و بعد سوره و رکعت دوم هم به همین شکل و سلام

نماز و بعد از نماز تسبیحات حضرت زهرا(س) گفته می شود و بعد به حالت سجده، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد(علیهم السلام) فرستاده می شود. البته بنده هر چه جستجو کردم، بیشتر از این مورد نیافتم.

و در اعمال روز پانزدهم شعبان، مواردی ذکر شده که فهرست وار ذکر می شود.

آداب شب ۱۵ شعبان

دعای شب پانزده ماه شعبان، دعای شب پانزده ماه شعبان بعد از نماز شفع، دعای کمیل، تسبیحات در شب ۱۵ شعبان، دعای پیامبر اسلام(ص) در شب ۱۵ شعبان، زیارت امام حسین(ع) در آن شب، صلوات شعبانیه در وقت زوال ۱۵ ماه شعبان، نماز جعفر طیار، نماز مستحبی چهار رکعتی در شب، نماز مستحبی شب ۱۵ شعبان، نماز مستحبی شش رکعتی در شب ۱۵ ماه شعبان.

آداب روز پانزدهم شعبان

زیارت امام حسین(ع) و دعای فرج و.... {۱۴}

والسلام

[۱].اعراف / ۱۷۹.

[۲].انجیل لوقا، فصل ۱۲، بندی ۳۵ - ۳۶.

[۳].مجله تخصصی کلام اسلامی، شماره ۴۱، ص ۱۰۸. برای اطلاع بیشتر به این مقاله رجوع شود.

[۴].ینابیع الموده لذوی القربی، الشیخ سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، چاپ اول، ۱۴۱۶ه‌ق، چاپ اسوه، ۳۳۹.

[۵].همان، ص ۳۴.

[۶].اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۰، باب حجت خدا بر خلقش.

[۷].همان.

[۸].همان.

[۹].اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۱.

[۱۰].مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی(ره)، فهرست متن، استغاثه به امام زمان(ع) سلام اللّه الکامل التام، ص ۱۵۹.

[۱۱].همان، ص ۷۰۰.

[۱۲].همان، صص ۶۷۸ تا ۶۹۱.

[۱۳].همان، ص ۶۱ / کتاب المتقین، علی شهرضایی نجفی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۱، ص ۹.

[۱۴].ر.ک مفاتیح الجنان، قسمت ۱۵ شعبان.

سایر موارد

چه کنیم که امام زمان(ع) از دست ما راضی و خرسند باشد؟

پرسش

چه کنیم که امام زمان(ع) از دست ما راضی و خرسند باشد؟

پاسخ

آیات ۳۱ و ۳۲ سوره آل عمران، ملاک محبّت و خرسندی و آثار و لوازم آن را چنین بیان فرموده است: "قل إن کنتم تحبّون الله فاتّبعونی یحببکم الله".

بر اساس این آیه لازمه محبت واقعی، تبعیت است، زیرا هر محبتی، دارنده آن را دعوت می کند که عملاً در راه خواسته های "محبوب" گام بردارد. در چنین حالی به طور قطع "محبوب" نیز به او علاقه پیدا می کند.

در مورد شأن نزول آیه مذکور آمده است که جمعی در حضور پیامبر(ص) ادعای محبّت و علاقه به پروردگار را می کردند، در حالی که عمل به برنامه ها و احکام الهی کمتر در آن ها دیده می شد. نزول آیه فوق، روشن ساخت که محبّت خداوند، آثار و نشانه هایی دارد. نخستین اثر آن، این استکه از پیامبر و فرستاده او پیروی کنند. اگر کسی به خداوند محبت داشت، به هر آنچه از طرف او آمده نیز باید محبت داشته باشد و اطاعت کند. اثر طبیعی "محبت" آن است که "محبّ" را با "محبوب" پیوند می دهد و مجذوب او می سازد و در مسیر خواسته های او به تلاش و فعالیت پر ثمر وا می دارد.

آن ها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا عشق و محبتِ مجاهدان راه خدا و صالحان و ائمه اطهار(ع) می زنند و خود را سرباز و فدایی امام زمان(ع) می دانند، اما در عمل کمترین شباهتی به آنان ندارند، مدّعیان دروغینی بیش نیستند. در معانی الاخبار از امام صادق(ع) نقل شده: "ما أحبّ الله من عصاه؛

کسی که گناه می کند خدا را دوست ندارد". سپس در ضمن اشعاری فرمود: "چه شگفت انگیز است معصیت پروردگار می کنی، با این حال اظهار محبّت او را می نمایی! به جان خودم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می کردی، زیرا کسی که دیگری را دوست دارد، از فرمان او پیروی می کند".[۱]

آن ها که سر تا پا آلوده گناهند، با این حال قلب خود را مملو از عشق خدا، پیامبر یا امام زمان(ع) می دانند یا عقیده دارند که ایمان و عشق و محبت تنها به قلب است و ارتباطی با عمل ندارد، و می گویند: دل باید پاک باشد و کاری به عمل نداریم، از منطق اسلام و عقل به کلی بیگانه اند.

اگر رضایت قلبی و محبت امام زمان(ع) مقصد و هدف است، باید دانست که ائمه(ع) "آیینه خدا نمایند". رضایت و محبت و اطاعت خدا، در رضایت و محبت اطاعت ائمه اطهار(ع) تجلّی و ظهور پیدا کرده است. پس باید نسبت به مقام و منزلت و جایگاه ائمه نزد خدا و نظام آفرینش معرفت لازم را تحصیل نمود و احکام و دستورهای آنان را در همه عرصه های فکری، عقیدتی و عملی شناخت و به هر چیزی که موجب ناخشنودی و خشنودی آنان است، علم پیدا کرد و با اجتناب از آن چه که موجب ناخشنودی حضرتش است و با انجام هر آن چه که تکلیف است و مورد رضایتش می باشد، در زمره نزدیکان و مقرّبان و سربازانش قرار گرفت. خشنودی آن ها، رضایت و خشنودی خداوند است. در یک کلمه آن گاه

می توان رضایت امام زمان(ع) را جلب کرد که در قدم اوّل از محرّمات الهی پرهیز نموده و به واجبات عمل کنیم. هم چنین باید این نکته را بدانیم اگر چه ما حضرتش را نمی بینیم، اما او به قدرت الهی ما را می بیند و نه تنها از همه گفته ها و کارکردهای ما با خبر است، بلکه از آن چه در عمق جان و حاشیه قلب ما خطور می کند نیز آگاه است.

در آیه بعد[۲] بحث پیروی و اطاعت از خدا و پیامبر را که از لوازم محبت و دوستی آنان است، با تأکید بیشتر دنبال می کند و در پایان می فرماید: "فإن تولّوا فإنّ الله لا یحب الکافرین؛ آن هایی که از فرمان خدا و پیامبر، سرپیچی می کنند و به لوازم و آثار دوستی و محبت عمل نمی کنند، در اظهار دوستی صادق نیستند و در حقیقت از عمق جان به خدا ایمان نیاورده اند".

پی نوشت ها :

۱. تفسیر نمونه، ج۲، ص ۳۸۶.

۲. قل اطیعو الله و الرسول فان تولوا...

چه کاری باید انجام دهم تا بتوانم سربازی امام زمان(عج)را به خوبی به پایان برسانم؟ (لطفاً توصیه آیت ا... خامنه ای و امام خمینی(را قید بفرمایید.)

پرسش

چه کاری باید انجام دهم تا بتوانم سربازی امام زمان(عج)را به خوبی به پایان برسانم؟ (لطفاً توصیه آیت ا... خامنه ای و امام خمینی(را قید بفرمایید.)

پاسخ

خصوصیات و ویژگی های اصحاب و یاران، و کسانی که محبوب و مرضیّ وجود نازنین "بقیه ا... الاعظم" می باشند، در ادعیه و زیارات مربوط به ایشان بیان شده؛ که علاوه بر نشانه های اصحاب، هر کدام طریق وصول به این مقام را در آئینه خویش روشن می نماید. اما بطور کلی طریقی که سالک و رونده این راه باید در پیش بگیرد، دائر مدار دو محور اساسی در بحث تربیت معنوی انسان است :

الف) سیر نظری، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت علمی، یعنی شناخت صحیح و اساسی دین، و پیراستن از آنچه غیردین است، این کار با تدبّر عالمانه در قرآن و روایات مأثور از اهل بیت(، حاصل می گردد. همچنین با مطالعه دقیق و برنامه ریزی شده کتابهایی، که اهل فن و اسلام شناسان در مورد اسلام نوشته اند (مانند کتابهای شهید مطهری، علامه طباطبایی و ...) در این گام ما به احکام و تکالیف خویش، در ابعاد مختلف وجودمان، معرفت پیدا می کنیم. و برنامه ریزی دقیقی را برای اصلاح افکار و اندیشه ها، خلقیات و صفات، و رفتار و کردارمان بعمل می آوریم. و در واقع با آگاهی از وظائف عملی، و گسترش

شناخت خود از مبانی و معارف در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش می کنیم.

ب) سیر عملی، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت عملی، این کار با تقلید از احکام ظاهری شریعت، و به

جا آوردن آداب انجام می پذیرد. اهتمام به واجبات و وظائف دینی، و پرهیز از معاصی، لغزشها و گناهان، دو رکن این حرکت است. مراعات تقوا در همه شؤون فردی و اجتماعی، بزرگترین عامل قرب انسان به خداوند و اولیای اوست. در واقع در هر محیطی که هستیم، به خودسازی اقدام می کنیم، و با توبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلی و ورود نور الهی آماده می سازیم، و سیّئات را به حسنات تبدیل می نماییم. "ان الحسنات یذهبن السیّئات" (۱)

قرآن کریم راجع به حضرت مهدی(و اصحاب ایشان می فرماید : "الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه او آتوا الزکاه وآمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر" (۲) (کسانی که اگر در زمین به ایشان قدرت و توانایی دهیم، نماز را به پا داشته، و زکات را به مستحق می بخشند، و به معروف امر نموده، و از منکر نهی می کنند.)

امام باقر(پیرامون این آیه شریفه فرمودند : "این آیه برای آل محمد(، و مهدی (و اصحاب اوست."

اگر دقت بفرمایید، در واقع ما برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرت، از خود آغاز نمودیم، و در جهت سنخیّت خویش با حضرت مهدی(، حرکت نمودیم. نسخه ای که مقام معظم رهبری نیز تأکیدی زیبا بر آن داشتند، منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند.

به برخی از خصوصیات یاران امام عصر "ارواحنا لتراب مقدمه الفداه" توجه فرمایید امید است که مشعل راه باشد، و فراسوی ما را روشن سازد، تا از گردابهای ضلالت و گمراهی نجات یابیم.

در روایات متعدد داریم که انتظار فرج در زمان غیبت، از بهترین اعمال

است. (۳)

فرج یعنی نصرت و پیروزی و گشایش، و مقصود عدل گستری که به رهبری امام عصر(شکل می گردد. بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. و این خواستگاه، آنگاه جدی و راست است، که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد، و اگر نه، این انتظار شعار بی محتوایی خواهد شد. از این رو در روایات آمده است که انتظار فرج، خود فرج است. زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا، و تأسیس حکومت عدل گستر اوست، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد. و او انسانی است که در حضور و غیبت امام نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد. و قبل از تشکیل حکومت عدل، او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است. بنابراین انتظار فرج حقیقی، ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان، و عشق به آن دارد. و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد. و در واقع این انتظار، ظهور فرجِ سینه او به سوی معدن ارزشها و زیباییها است. چنین شخصی، فضایل انسانی را در نفس خویش شکوفا نموده، و به ثمر رسانده است. و در واقع در قلب خود، ظهور سلطنت مطلقه قائم المهدی(را شهود نموده، و طعم آنرا چشیده و رائحه آن را بوییده است. چنین منتظری هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت زنده اند، و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند.

۲. در زیارت شریف آن حضرت

در روز جمعه، می خوانیم : "ان یجعلنی من المنتظرین لک و التابعین و الناصرین لک علی اعدائک" (از کسانی باشم که در انتظار مهدی(هستند، و از پیروان و یاری کنندگان تو علیه دشمن تو قرار گیرم.)

حالت انتظار که بحثش رفت، و اما مرحله دوم تبعیّت است؛ تبعیّت از آرمانهای موعود، و تخلق به آن اخلاق پسندیده و صفات مورد نظر امام(، که در تعلیمات ائمه(دیده می شود. مؤمن منتظر، تابع فرمانده است؛ نه آنکه به هواهای خویش اقتدا کند. و چنین است که در دعای غیبت می خوانیم : "و قونا علی طاعته و ثبِّتنا علی متابعته..." (خدایا مرا بر اطاعت وی توانا، و بر پیروزیش ثابت قدم بدار، و مرا بر این امر (انتظار)، شکیبا گردان؛ تا آنکهشتاب در آنچه تو تأخیرش را می خواهی، و تأخیر در آنچه تو شتاب کرده ای، نخواهم. و از آنچه پوشیده ای، جستجو نکنم. و بحثی در آنچه پنهان نموده ای، نداشته باشم. و با تو در تدبیرت منازعه نکرده، و نگویم چگونه و چرا ولی امر ظهور نمی کند؟)

مرحله سوم نصرت است. عاشق راحتی معشوق را می خواهد، نه راحتی خویش را. و برای این است که عاشق منتظر، تلاشگر است. در این مشکلات موجود نیز منتظران واقعی بی تفاوت نیستند. و به اندازه توان خوبش در دعوت به حق می کوشند. تا شاید همراهانی برای این راه طولانی پیدا کنند.

صفات نیکو و ارزنده بسیار دیگری نیز در زیارات و ادعیه، در مناجات با صاحبان وجود دارد، که با مراجعه به کتاب ارزشمند مفایتح الجنان (اثر شیخ عباس قمی "طاب ثراه")، می

توانید تأمّل و تعمّل نمایید.

برای بالا بردن معلومات خویش می توانید به کتب زیر مراجعه نمایید :

۱. دادگستر جهان، آیت ا...امینی

۲. سیمای امام زمان، سید مهدی شمس الدین

۳. مهدی موعود، "ترجمه جلد ۱۳بحارالانوار"، علی دوانی

۴. سیمای حضرت مهدی در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی

(برگرفته از سایت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، www.nahad.net)

منابع و مآخذ :

۱. سوره مبارکه هود/آیه ۱۱۴

۲. سوره مبارکه حج/آیه ۴۱

سفینه البحار،شیخ عباس قمی، ماده نظر

فلسفه دست گذاشتن بر سر هنگام ایستادن برای امام زمان (ع) چیست؟ فلسفه صلوات چیست؟ آیا قبل از پیامبر اسلام صلوات وجود داشت؟

پرسش

فلسفه دست گذاشتن بر سر هنگام ایستادن برای امام زمان (ع) چیست؟ فلسفه صلوات چیست؟ آیا قبل از پیامبر اسلام صلوات وجود داشت؟

پاسخ

در تفکر شیعی، امامان معصوم (ع) جایگاه بس بلند دارند، از این رو هر گاه اسامی و برخی از القاب آن ها ذکر می شود، پسوند "علیه السلام" به کار برده می شود. و این نشان از مقام رفیع آنان داشته و نوعی احترام به ساحت مقدس آن ها تلقی می گردد.

دست بالای سر گذاشتن در هنگامی که اسم امام زمان (ع) ذکر می شود، در راستای احترامی است که به ساحت مقدس امام

زمان (ع) شکل می گیرد. البته به گونه ای مشخص نمی توان علت یا علل خاصی را در این خصوص بیان نمود. در برخی از روایات تصریح شده است که جهت احترام به ساحت مقدس امام زمان (ع) معصومان این کار را می نمودند.

همان گونه که هر گاه اسم حضرت حجت برده می شد، بزرگان قیام می نمودند. (۱)

مرحوم شیخ عباس قمی می نویسد: "روایت شده که دعبل خزانی وقتی که انشاد کرد قصیده تأییّه خود را برای حضرت امام رضا (ع) چون رسید به این شعر:

خروج امام لا کحاله خارج

یقوم علی اسم اللّه بالبکات

حضرت امام رضا (ع) برخاست و بر روی پای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را خم کرد و به سوی زمین، پس از آن که کف دست راست خود را بر سر گذاشته بود گفت: اللهم عجل فرجه و مخرجه و انصرنا به نصراً عزیزاً". (۲)

در خصوص صلوات بر پیامبر (ص) و پیشینه آن باید گفت: صلوات هر گاه به خدا نسبت داده شود، به معنای فرستادن رحمت است، و هر گاه به فرشتگان و

مؤمنان منسوب گردد، به معنای طلب رحمت است. (۳) در قرآن آمده است:

"ان اللّه و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما ؛ (۴)

خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود فرستید و سلام گویید و تسلیم فرمانش باشید".

پیامبر اسلام(ص) برای یاد دادن چگونگی صلوات فرستادن فرمود بگویید: "اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم..." (۵)

از آیه و گفتار پیامبر (ص) استفاده می شود که درود و صلوات فرستادن اختصاص به زمان پیامبر نداشته و پیشینه طولانی دارد، زیرا پیامبر (ص) فرمود: آن گونه بر من صلوات بفرستید که بر ابراهیم فرستادید. در خصوص فلسفه فرستادن صلوات بر پیامبران به ویژه پیامبر اسلام باید گفت: به گونه ای مشخص نمی توان علت و فلسفه خاصی را بیان نمود، ولی صلوات فرستادن بر پیامبر همسویی با فرشتگان و نظام هستی است؛ یعنی همان گونه که فرشتگان درود می فرستند، انسان ها باید درود بفرستند بر فرستادن درود بر پیامبر آثار مهم مترتب است که شاید علت درود فرستادن به خاط همان فواید است که به خود انسان بر می گردد. در برخی روایات آمده است که پیامبر (ص) فرمود: "هر کس بر من درود فرستد و خداوند بر وی درود می فرستد و ده گناه از او ریخته و ده درجه برای او بالا برده می شود". (۶) همچنین حضرت فرمود: "هر کس یک صد بار بر محمد و آل محمد (ع) درود بفرستد، خداوند یکصد حاجت او را برآورده سازد". (۷)

در حدیثی دیگری پیامبر (ص) فرمود: "هر که آخر سخنش "به هنگام مرگ" صلوات بر من

و علی (ع) باشد داخل بهشت می گردد". (۸) بر اساس همین فواید به فرستادن درود بر پیامبر و خاندان او تأکید شده است. امام باقر (ع) فرمود: "در میزان عمل چیزی سنگین تر از درود فرستادن بر محمد آل محمد نیست".(۹)

پاورقی ها:

۱ – منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۸۸ – ۴۸۹.

۲ – همان، ص ۴۹۰.

۳ – تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۱۶.

۴ – احزاب (۳۳) آیه ۵۶.

۵ – تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۱۸، به نقل از مجمع البیان، ذیل آیه ۵۶ احزاب.

۶ – فرائد السمطین، ج ۱، ص ۲۴، با اقتباس از آثار الصادقین، ج ۱۱، ص ۲۰۹.

۷ – همان، ص ۲۸.

۸ – عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۴.

۹ – تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۶۷.

تلفن مستقیم: ۷۷۴۳۱۸۳ و ۷۷۳۴۵۳۰ و ۹۴ – ۷۷۴۳۱۸۹ داخلی ۰۲

چرا روز جمعه را متعلق به امام زمان می نامند؟

پرسش

چرا روز جمعه را متعلق به امام زمان می نامند؟

پاسخ

روز جمعه از چند جهت اختصاص و تعلق به امام عصر(ع) دارد:

۱– ولادت با سعادت آن حضرت در روز جمعه بوده است.

۲- ظهور آن حضرت در روز جمعه خواهد بود.

۳- انتظار فرج در روز جمعه بیش از روزهای دیگر سفارش شده است و در زیارت حضرت مهدی(ع) در روز جمعه آمده است: "هذا یوم الجمعه و هو یومک المتوقّع فیه ظهورک والفرج فیه للمؤمنین علی یدک"، این روز جمعه، روز تو است که انتظار ظهور تو در آن داریم و انتظار فرج و گشایش امور مؤمنان در این روز بر دست تو را انتظار می کشیم.

۴- شاید عید بودن روز جمعه به جهت ظهور حضرت مهدی(ع) در این روز و پاک کردن زمین از ظلم و فساد باشد، لذا شایسته است زیارت آن حضرت در این روز خوانده شود.

صقر بنابی دلف می گوید هنگامی که متوکل عباسی، حضرت امام علی النقی(ع) را به سامرّا آورد و در آن جا تحت نظر قرارداد روزی خدمت آن حضرت رسیدم از وضعیت او گریه ام گرفته حضرت مرا ساکت کرد و ساعتی با هم نشستیم، سپس از حضرت پرسیدم حدیثی از پیامبر(ص) نقل شده که فرموده: "لا تعادوا الایام فتعادیکم؛ با روزها دشمنی نکنید که آن ها با شما دشمنی خواهند کرد". معنای این حدیث را نمی فهمم، آن حضرت فرمود: مراد از (ایام) ما اهل بیت هستیم؛ یعنی با ما اهل بیت دشمنی نکنید تا مورد دشمنی قرار گیرید؛ زیرا مرا از روز شنبه، رسول خدا(ص) و یکشنبه امیرالمؤمنین(ع) و دوشنبه، حسن و حسین(ع) و سه شنبه

علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد(ع) و چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و پنج شنبه فرزندم حسن و جمعه فرزند فرزندم(حضرت مهدی(ع)) است. پس با این ایام دشمنی نکنید تا آنان در آخرت با شما دشمنی نکنند.۵

روزهای جمعه که دلمان می گیرد برای این است که امام زمان(عــج) آن هفته از دست ما ناراحت بوده و در آن هفته گناه زیاد انجام داده ایم. آیا این صحیح است؟

پرسش

روزهای جمعه که دلمان می گیرد برای این است که امام زمان(عج) آن هفته از دست ما ناراحت بوده و در آن هفته گناه زیاد انجام داده ایم. آیا این صحیح است؟

پاسخ

در روایات اسلامی در مورد غمگین شدن در روز جمعه و علت آن مطلبی مشاهده نشد.

بلی درباره این که پیامبر و امامان(ع) از اعمال همه امت آگاه می شوند، اخبار فراوانی از حضرات معصوم(ع) رسیده است.

امام صادق(ع) فرمود: "همانا کارها در هر پنج شنبه و در آغاز هر ماه (در پیشگاه ولی خدا) گزارش و عرضه می شود و کارهای سال در نیمه شعبان گزارش می گردد".۱[۲]

حضرت رضا(ع) فرمود: "کارهای شبانه روزی شیعیان به ما امامان عرضه و گزارش می شود".[۳]

رسول خدا(ص) فرمود: "کارهای مردم در هر هفته دوبار، روز دوشنبه و پنجشنبه و برای هر بنده مؤمن آمرزیده می شود، به جز دشمنی و خصومتی که با برادر دینی خویش دارد. فرمان می رسد این دو را واگذارید تا آشتی کنند".[۴]

امام باقر(ع) فرمود: "تمامی اعمال شما بر پیامبرتان هر عصر پنجشنبه عرضه می شود، بنابراین باید از این که عمل زشتی از شما بر پیامبر(ص) عرضه شود شرک کنید".۲[۵]

توجه وایمان به این حقیقت که افزون بر این که خداوند همه جا با انساناست و حتی از نیات او آگاه است، رسول خدا(ص) و امام زمان(ع) هم همه روزه یا همه هفته از هر عملی که انجام می دهیم، اعم از خوب و بد آگاه می شوند، اثر عمیق و فوق العاده ای در پاکسازی اعمال و نیات دارد و باعث می شود که بیشتر رعایت کنیم و مراقب اعمال خود باشیم ـ

درست مثل این که کارکنان مؤسسه ای بدانند همه روزه یا همه هفته گزارش تمام جزئیات اعمال ان ها به مقامات بالاتر داده می شود و آن ها از همه آن ها با خبر می گردند. معمولاً ـ اگر انسان حس کند حتی یک نفر مراقب او است، وضع خود را چنان می کند که مورد ایراد نباشد تا چه رسد به این که احساس نماید که خدا و پیامبر و امامان(ع) از اعمال او آگاه می شوند.

[۲] صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۱۵، ص ۱۴۲، حدیث ۲۸، ۳۰ و ۳۱.

[۳] همان.

[۴] همان.

[۵] تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۲۵.

ما برای نیمه شعبان جشنی در شهرمان برگزار می کنیم. بنده قصد دارم با دوستانم برنامه نمایشی و تئاتر برای خوشحالی مردم ترتیب بدهم. آیا انجام آن و انجام حرکات نمایشی به این مناسبت اشکالی دارد؟

پرسش

ما برای نیمه شعبان جشنی در شهرمان برگزار می کنیم. بنده قصد دارم با دوستانم برنامه نمایشی و تئاتر برای خوشحالی مردم ترتیب بدهم. آیا انجام آن و انجام حرکات نمایشی به این مناسبت اشکالی دارد؟

پاسخ

اجرای برنامه های شاد مذهبی به مناسبت نیمه شعبان (سالروز تولد حضرت مهدی(عج)) بسیار خوب است. اجرای نمایش و تئاتر بدین مناسبت اگر مشتمل بر گناهی نباشد و باعث وَهْن و سبک شدن مقام آن حضرت نشود، اشکالی ندارد. و چه بسا مفید و ارزشمند است.

همه ما باید از منتظران ظهور حضرت باشیم و برای ظهور باید آماده باشیم. آمادگی به این است که از حضرت اطاعت کرده و تقوا و پاکی و اخلاص در عمل را سرلوحه کارهای خود قرار دهیم و برای ظهور حضرت دعا کنیم و دیگران را نیز با آن حضرت از روش های مختلف و مناسب آشنا کنیم.

چرا وقتی نام امام زمان(ع) می آید بلند می شوند؟

پرسش

چرا وقتی نام امام زمان(ع) می آید بلند می شوند؟

پاسخ

یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت امام زمان(ع) این است که وقتی اسم مبارک حضرت خصوصاً لقب مبارک "قائم" را بشنوند، به عنوان احترام و تعظیم از جا بلند شوند . همان گونه که با حضور بزرگی، انسان برای احترام از جای خود برمی خیزد. پس به خاطر انجام وظیفه احترام است که مردم به هنگام شنیدن "قائم" بلند می شوند.

روایت شده که دعبل خزاعی وقتی قصیده نائیه خود را برای امام رضا(ع) خواند، چون رسید به این شعر "خروج إمام لامحاله خارج، یقوم علی اسم الله بالبرکات؛ امامی حتماً ظهور می کند و قیام او با نام خدا و موجبات برکات است" حضرت امام رضا(ع) برخاست و سر نازنین خود را خم کرد به سوی زمین، پس از آن که کف دست راست خود را بر سر گذاشته بود و گفت: "اللهم عجّل فرجه و مخرجه و انصرنا به نصراً عزیزاً ".

برخی گفته اند: شهربانو بعد از شهادت امام حسین(ع) خود را در آب انداخت و غرق نمود. این هم نادرست و ساختگی است.

درس این است که شاه زنان یا شهربانو، مادر امام سجاد(ع) در جریان وضع حمل و بعد از ولادت امام سجاد(ع) در گذشت. اما این که آیا زنان امام حسین(ع) در زندگی حضرت نقشی داشتند، پاسخش مثبت است.

طبیعی است که در روابط زن و شوهری، هر یک در زندگی دیگری نقش داشته باشند. در زندگی حضرت هم زنانش نقش داشتند، که به جهت پرهیز از طولانی شدن پاسخ از ذکر جزئیات خودداری می کنیم.

درباره زندگی امام حسین(ع) می توانید این

دو کتاب را مطالعه نمایید:

۱ حسین کیست، نویسنده فضل الله کمپانی؛

۲ زندگینامه امام حسین(ع)، نویسنده رسولی محلاتی.

امام عصر سلام اللَّه علیه شیعیان و محبّان خود را دعا می فرمایند، مثلاً برای ما از خدا توفیق طاعت و ترک معصیت را خواستارند و دعای امام مستجاب است، با این حال چگونه است که معصیت کاریم؟ آیا دعای ایشان به استجابت نرسیده یا اصلاً دعا نفرموده اند؟

پرسش

امام عصر سلام اللَّه علیه شیعیان و محبّان خود را دعا می فرمایند، مثلاً ـ برای ما از خدا توفیق طاعت و ترک معصیت را خواستارند و دعای امام مستجاب است، با این حال چگونه است که معصیت کاریم؟ آیا دعای ایشان به استجابت نرسیده یا اصلاً دعا نفرموده اند؟

پاسخ

تمام معصومان(ع) خصوصاً امام عصر(عج) به پیروان و شیعیان خود دعا می کنند و راضی نیستند که در سرای دیگر آنان به عذاب و عقوبت دچار شوند، اما هر کسی به اندازه قابلیت و ظرفیتی که دارد، از دعای اولیای الهی بهره می برد.

هم چنین تمام حوادث و افعال جهان بر اساس اسباب و علل خود جریان می یابد و خداوند سرنوشت هیچ انسان یا قومی را تغییر نمی دهد مگر آن که خود بخواهند و در مسیر آن گام بردارند. از طرفی چون انسان مختار است و با اختیار، عمل نیک و یا زشت انجام می دهد، ممکن است با انجام عملی ناروا مسیر فیض و لطف خدا را بر خود مسدود کند، مثل انسانی که بخواهد برای فرار از نور خورشید به غاری مخوف و تاریک پناه ببرد، حال آن که خورشید هست، اما شخص اسباب محرومیت را فراهم کرده و از نور خورشید گریزان شده است.

پس عصیان و گناه به خاطر تمرّد و عدم قابلیت است. او با گناه، خود را از قابلیت و پذیرش فیض الهی و مشمول دعای امام عصر(عج) دور می کند و چون بنا نیست اختیار انسان سلب شود، و هر چیزی بنابر علل و اسباب خود جریان می یابد.

اگر چه پیامبر و اهل بیت و امام زمان(ع) برای نجات انسان ها دعا می کنند، با این حال عده ای کفران

نعمت می کنند.

این مسئله در موارد مشابه همین گونه است، مانند نفرین و لعن و درخواست نابودی ظالمان و دعاهای دیگر ائمه(ع) که این دعاها یا نفرین ها، قوانین و سنّت های الهی را برطرف نمی کند.

چرا بعد از آمدن نام حضرت مهدی(عج) بر می خیزیم و دست را روی سر می گذاریم؟ اگر برای احترام است، چرا برای بقیه امامان چنین نمی کنیم؟

پرسش

چرا بعد از آمدن نام حضرت مهدی(عج) بر می خیزیم و دست را روی سر می گذاریم؟ اگر برای احترام است، چرا برای بقیه امامان چنین نمی کنیم؟

پاسخ

در تفکر شیعی، امامان معصوم(ع) جایگاه بس بلند دارند، از این رو هر گاه اسامی و برخی از القاب آن ها ذکر می شود، پسوند "علیه السلام" به کار برده می شود. این نشان از مقام رفیع آنان داشته و نوعی احترام به ساحت مقدس ایشان تلقی می گردد.

دست بالای سر گذاشتن هنگامی که اسم امام زمان(ع) ذکر می شود، در راستای احترامی است که به ساحت مقدس امام زمان(ع) شکل می گیرد. البته به گونه ای مشخص نمی توان علت یا علل خاصی را در این خصوص بیان نمود. در برخی از روایات تصریح شده است که جهت احترام به ساحت مقدس امام زمان(ع) معصومان این کار را می نمودند.(۱)

مرحوم شیخ عباس قمی می نویسد: "روایت شده که دعبل خزاعی وقتی که قصیده تأییه خود را برای حضرت امام رضا(ع) خواند، چون به این شعر رسید:

خروج امام لا محاله خارجٌ

یقوم علی اسم اللّٰه بالبرکات

حضرت امام رضا(ع) برخاست و سر خود را به سوی زمین خم کرد، پس از آن کف دست راست خود را بر سر گذشته و گفت: "اللّهم عجّل فرجه و مخرجه و انصرنا به نصراً عزیزا".(۲)

اگر در مورد بقیه امامان این کار را نمی کنیم، به جهت این است که در مورد آنان چنین روایتی نقل نشدهاست. در مورد امام زمان(ع) برای توجه دادن مردم به قیام حضرت و این که مردم امیدوار به برپایی عدل جهانی توسط حضرت باشند و از وضع

اسف بار فساد وبی عدالتی

در جهـان نـا امیـد نشونـد و همواره حـالت انتظـار فرج داشـته باشـند، بر این تأکیـد شـده است. البته قیـام و ایسـتادن و دست بر سرگذاشتن هنگام بردن نام امام زمان(ع) واجب نیست.

پی نوشت ها:

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۸۸ و ۴۸۹.

۲. همان، ص ۴۸۹.

آیا زمانی که جمله "یا قائم آل محمد" را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟

پرسش

آیا زمانی که جمله "یا قائم آل محمد" را بر زبان بیاوریم، امام زمان(عج) به سمت ما بر می گردد؟

پاسخ

امـام زمـان(ع) از مـا روی برنگردانـده است تـا با خوانـدن او با کلمات "یا قائم آل محمـد" به سوی ما بیایـد. از برخی روایات اسـتفاده می شود که حضرت شاهد و ناظر اعمال شیعیان است و به آنان توجه دارد و لحظه ای از آن ها غافل نیست. در بعضی روایات آمـده است که حضـرت میان مردم رفت و آمـد می کنـد، اما مردم او را نمی شناسـند. امام صادق(ع) فرمود: "... جای انکار نیست که خداونـد با حجت خود همان کار را انجام دهد که با یوسف(ع) انجام داد. صاحب الزّمان(ع) آن مظلوم حق از دست داده، میان مردم رفت و آمد می کند در بازار قدم می نهد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لکن او را نمی شناسـند تا زمانی که خداونـد به وی اجازه دهد که خود را معرفی کند، آن گونه که حضـرت یوسف(ع) را اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی، گفت: آری من یوسفم".(۱)

اگر انسان با صداقت و پاکی و با تمام توجه حضرت را صدا کند، خواه با لفظ "قائم آل محمد" یا هر اسم دیگر، مطمئناً توجه حضرت را به سوی خود جلب نموده است، اگر چه خود را برای شخص ظاهر نسازد.

پی نوشت ها:

۱. "رجال" سید بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۲۰، به نقل از مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۵۳.

چرا موقعی که نام امام زمان(عج) برده می شود بلند می شویم؟

پرسش

چرا موقعی که نام امام زمان(عج) برده می شود بلند می شویم؟

پاسخ

برخاستن و بلند شدن در موقع شنیدن نام امام زمان (عج) اختصاص به نام «قائم» دارد و در روایتی آمده است، که از امام صادق(علیه السلام) سؤال شد علت چیست؟

که در موقع ذکر قائم باید قیام کرد در جواب فرمود صاحب الامرعج غیبتی دارد بسیار طولانی و از کثرت لطف و مهری که به دوستانش دارد هر کس وی را به لقب قائم که دلالت دارد بر دولت و حکومت او و اظهار تأثری است از غربت او یاد کند که جناب هم نظر لطفی به او خواهد نمود و چون در این حال مورد توجه امام واقع می شود سزاوار است که از باب احترام برخیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد.

و نیز در روایتی درباره امام رضا(علیه السلام) نقل شده است آن حضرت زمانی که نام (القائم) در مقابل ایشان برده می شد از جا برمی خواستند و دست شریف خود را روی سرشان می گذاشتند و می فرمودند: اللهم عجل و فرجه و مهل مخرجه و چون فعل معصوم(علیها السلام)برای ما حجت است باید اقتداء به ائمه(علیهم السلام) کنیم.

آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟

پاسخ

حضرت حجه(عج) قطعاً حضور جسمی دارند ولی چنان که قرآن کریم نسبت به پیامبر اکرم فرمودند و اذا قرأت القرآن و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالآخره حجاباً مستوراً(۱) ترجمه: زمانی که قرآن قرأئت می نمایی ما در میان تو و کسانی که ایمان به آخرت ندارند پرده ای پوشیده و پنهانی قرار می دهیم.

یعنی وجود مبارک رسول(صلی الله علیه وآله) حضور داشتند ولی دیگران حضرت را نمی دیدند پس این اصل که کسی باشد ولی به امر حق از انظار پنهان باشد امری ممکن بوده و واقع نیز شده است.

و در صورت دیگر آن همان است که در روایات بیان شده است که حضرت حجه اروحناه فداه در ایام حج حاضر می شوند مردم ایشان را می بینند ولی نمی شناسند.

پس به هر دو صورت حضرت حجه(عج) حضور جسمی دارند منتهی یک بار اصلاً دیده نمی شوند یکبار هم دیده می شوند ولی شناخته نمی شوند.

پاورقی

۱ – بنی اسرائیل، آیه ۴۵.

فلسفه اینکه در مواقعی که زیارتنامه امام زمان(را می خوانند، بعضی ها دستشان را روی سر می گذارند چیست؟

پرسش

فلسفه اینکه در مواقعی که زیارتنامه امام زمان(را می خوانند، بعضی ها دستشان را روی سر می گذارند چیست؟

پاسخ

چنانکه اطلاع دارید در میان مردم مرسوم است : وقتی که کلمه قائم بر زبان جاری شد، بلند می شوند و دست بر سر می گذارند. این رفتار در بین تمام شیعیان بلاد معمول بوده و هست. نقل شده که امام رضا(در یکی از مجالس خراسان حضور داشت، کلمه قائم که گفته شد پس آنجناب ایستاد و دست مبارکش را بر سر نهاده فرمود : "اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه" (۱)

این عمل در عصر امام صادق(ع)نیز معمول بوده است. خدمت آنجناب عرض شد : علت چیست که در موقع ذکر قائم باید قیام کرد؟ در جواب فرمودند : "صاحب الامر غیبتی دارد بسیار طولانی، و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد هر کس که وی را به لقب قائم؛ که مشعر است به دولت او و اظهار تأثری است از غربت او، یاد کند آنجناب هم نظر لطفی به او خواهد نمود. چون در این حال، مورد توجه امام واقع می شود، سزاوار است از باب احترام به پا خیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد."(۲)

پس این رفتار شیعیان ریشه مذهبی دارد و اظهار ادب و شعاری است، گر چه وجوبش معلوم نیست.

آنچه شما در سؤال خود فرموده اید نیز از همین جهت است. مفهوم انتظار که حقیقت بسیار عمیقی دارد ظواهری دارد که شخص منتظر واقعی خود را به آن آداب مقیّد می کند و یکی از این آداب همین است که شما فرمودید.

منابع و مآخذ :

١. كتاب الزام

الناصب ط سال، ۱۳۵۱،ص ۸۱

۲. همان، ص ۸۱

* دادگستر جهان، تألیف ابراهیم امینی

از دعاهای اکثر مردم درخواست آمادگی برای فرج آقا امان زمان(عــج) از خداونــد می باشد؛ از طرفی در موقع ظهور آقا فساد در خشکی و دریا فرا می گیرد پس ما باید چگونه آماده شویم؟ لطفاً توضیح فرمایید (بنده بیشتر تأکید در مورد چگونگی آمادگی می باشد و کاملاً با نظر حجتی

پرسش

از دعاهای اکثر مردم درخواست آمادگی برای فرج آقا امان زمان(عـج) از خداونـد می باشد؛ از طرفی در موقع ظهور آقا فساد در خشـکی و دریا فرا می گیرد پس ما بایـد چگونه آماده شویم؟ لطفاً توضـیح فرماییـد (بنـده بیشتر تأکیـد در مورد چگونگی آمادگی می باشد و کاملاً با نظر حجتیه مخالفم)

پاسخ

بین آمادگی برای ظهور و فساد سراسری در آخر الزمان تباینی نیست بلکه بر حسب روایات در آخر الزمان سراسر زمین را ظلم و سـتم و فساد در بر می گیرد و در عین حال گروهی از شیعیان و مؤمنان چون کوهی استوار هستند که آماده ظهور امام را می کشـند تا در زیر لوای ایشان عـدالت و معنویت و صـلاح در سراسـر گیتی گسترش یابد. بلکه بر شـما بشارت باد که بر حسـب روایات فراوان ایرانیان همان گروه مؤمنی هستند که برای آمادگی و زمینه سازی ظهور تلاش می کنند.

برای اطلاع بیشتر نگا: عصـر ظهور، کورانی، علی، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی تهران، چاپ دوم ۱۳۷۹ (همه کتاب خواندنی است اما بحث ایرانیان و نقش آنان در ظهور و زمینه سازی ظهور را در صفحات ۲۷۵ – ۲۱۱ مطالعه کنید)

برای تیمن و تبرک چندین روایت برای توضیح بیشتر مطلب را نقل می کنیم:

۱– از طریق اهـل سـنت: قـال رسول الله(ص): « ابشـروا بالمهـدیرجل من قریش من عترتی یخرج فی اختلاف من النّاس و زلزال فیملأـ الاـرض عـدلاً و قسـطا کما ملئت ظلما و جورا و یرضـی عنه ساکن السـماء وساکن الارض...؛ پیامبر اکرم(ص) فرمود: به [حضرت] مهدی بشارت دهید [که او] شخصی از عترت

من و از قریش است وظاهر می شود در حالی که مردم در تزلزل و اختلاف بسر می برند. آنگاه او زمین را از عدل و قسط پُر می کند آنچنان که از ظلم و جور پر شده است [و به دنبال آن] ساکنان آسمان و زمین [از این وضعیت] راضی می شوند» (ینابیع الموده، القنذوری الحنفی، ص ۵۶۲)

۲- از طریق شیعه: «عن رسول الله(ص) یصیب هذه الامه بلاءً حتّی لا یجد الرجل ملجأ یلجأ الیه من الظلم فیبعث الیه رجلًا من عترتی فیملاء به الارض قسطا و عدلاً کما ملئت ظلما و جورا...؛ از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که فرمود این امت [اسلام] با بلاـ مواجه می شود به طوری که انسان پناهگاهی را نمی یابد که از ظلم بدان پناه برد آن گاه به سوی چنین انسانهائی شخصی از عترت من برانگیخته می شود و زمین را از عدل و داد پُر می کند همان طورکه از ظلم و جور پُر شده است...» (الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب، الیزدی الحائری، ج ۱، ص ۱۶۶)

۳- امام علی(ع در وصف مردم در آخر الزمان می فرمایند: «تکون له حیره و غیبه تضل فیها اقوام و یهتدی فیها اخری؛ برای (مهدی ما) سرگردانی (در زمان ظهور است که وقت ظهور چه زمانی فرا می رسد) و غیبتی است که در آن زمان مللی گمراه می شوند و گروهی دیگر بر هدایت ثابت قدم می مانند...»

بعد امام(ع) در وصف گروه هدایت شدگان می فرمایند: «اولئک خیار هذه الامه مع ابرار هذه العتره؛ آنها بهترین این امت هستند که با خوبان این خاندان (پیامبر اکرم(ص)) به سر می برند» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۸).

روایت

شریف صریح است در این که مردم آخر الزمان دو گروه هستند گروهی به بیراهه گمراهی کشانده می شوند اما بهترین این امت در شاهراه خیر و صلاح و هدایت ثابت قدم می مانند. در این دوران هر چه اهل باطل و شر و ستم در رفاه و آسایش هستند اهل حق در سختی به سر می برند زیرا حاکمیت با ظلم و ستم است و اهل حق در اقلیت به سر می برند.

۴- امام سجاد(ع) می فرمایند: «ان اهل زمان غیبته القائلین بامامته والمنتظرین لظهوره... الدعاه الی دین الله عزوجل سرا و جهرا؛ معتقدان به مهدی و منتظران ظهور او در عصر غیبت .... (دارای چنین صفاتی هستند که) در پنهان و آشکار مردم را به دین خدا فرا می خوانند» (کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۳۲۰).

۵- امام صادق(ع) می فرمایند: «... و رایت اصحاب الایات یحقرون و یحتقر من یحبهم؛ مردمان حق را می نگری که خار شمرده می شوند و هر کس به آنها علاقه داشته باشد نیز کوچک شمرده می شود» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶)

برخورد امروز دولت مستکبر آمریکا و دنباله روان آن با مردم ایران و مسلمانان نمونه ای از تحقق این روایت است. آری در این زمان حفظ دین بسیار سخت است.

۶- پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «لاحدهم اشد بقیه علی دینه من خرط القتاد فی اللیله الظلماء او کالقابض علی جمر الغضاء؛ هر یک از آن (مؤمنان) دین خویش را به سختی نگاه می دارد چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می کند یا آتش پر دوام را در دست نگاه

می دارد» (همان، ص ۱۲۴).

آری حفظ و نگهداری دین، بسیار سخت است و به این دلیل است که انتظار فرج بهترین عبادت است.

۷- پیامبر اسلام(ص) می فرماید: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عز وجل؛ انتظار فرج از جانب خداوند متعال برترین عمل امت من است (همان، ص ۱۲۸).

۸- امام علی(ع) می فرماید: «المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله؛ منتظر امر ما، بسان کسی است که در راه خدا به خون خود غلطیده است» (همان، ص ۱۲۳).

در چنین زمان پر فتنه ای است که به ما دستور داده اند که هوشیار باشیم و مواظب دین خود باشیم زیرا از هر طرف برای گمراهی ما تلاش می شود.

زور و زر و تزویر و تبلیغات و سیاست بازی ها و تهدیدها و هزار و یک اقدام دیگر بر سر راه ماست تا ما را از دین حق جدا کند.

۹- امام صادق(ع) می فرمایند: «فکن علی حذر و اطلب من الله عزوجل النجاه... فکن مترقبا و اجتهد لیراک الله عزوجل فی خلاف ماهم علیه؛ خود را نگاه دار! و از خدا رهایی و نجات بخواه... هوشیار باش و بکوش تا خدا تو را در راهی غیر از گمراهی هایی که مردمان در آنند، ببیند» (همان، ص ۲۶۰).

خلاصه کلام این که در برابر ظلم و فساد سراسری که جهان را پر کرده است گروهی مؤمن واقعی هستند که انتظار عدالت گستر را می کشند و زمینه ساز ظهورند.

« آنها پولاد دل اند و همه وجودشان را یقین به خدا پر کرده است. مردمانی سخت تر از صخره ها» (به نقل از امام صادق(ع) همان، ص ۳۰۸).

«آنها در

حالی که پیامبر را ندیده اند و امامشان هم پنهان است به سبب یقین قلبی، دارای ایمانی مستحکم هستند» (از پیامبر اکرم(ص)، همان، ص ۱۲۵).

«آنها برادران پیامبر(ص) هستند که او را ندیده اند، اما به او ایمان دارند و او را از صمیم قلب دوست می دارند و با تمام وجود او و دین او را یاری می رسانند» (از پیامبر اکرم(ص)، همان، ص ۱۳۲).

«آری چنین مردمانی برترین مردم همه زمان ها هستند زیرا خداوند عقل ها و فهم ها و شناخت آنها را قوت بخشیده است به حدی که امام غائب نزد آنها همچون امام حاضر است و به نهایت درجه اخلاص رسیده اند (کمال الدین، ص ۳۲۰).

چقدر مقام آنها بالاست که پاداش یک نفر این گروه همانند پاداش پنجاه صحابه پیامبر(ص) است که در رکاب آن حضرت در جنگ های بدر و احد و حنین جنگیده اند، زیرا سختی ها و آزار ها و رنج هایی که بر آنان وارد می شود، فوق طاقت اصحاب پیامبر(ص) است و اگر چنین رنج ها و آزارهایی به اصحاب پیامبر(ص) می رسید شکیبایی نمی داشتند (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰).

پس بکوشید جزء این گروه باشید تا نامتان را در فهرست یاران با اخلاص امام مهدی حضرت بقیه الله الاعظم(عج) ثبت کنند و جزء برادران ودوستان پیامبر بزرگوار اسلام(ص) و شهدا در رکابش شمرده شوید.

ما را نیز دعا کنید که جزء این گروه باشیم.

چه کنیم که در غروب جمعه دلمان بگیرد و به فکر مولایمان امام زمان(عج) باشیم؟

پرسش

چه کنیم که در غروب جمعه دلمان بگیرد و به فکر مولایمان امام زمان(عج) باشیم؟

پاسخ

یکی از تکالیف دوران غیبت کبری این است که مؤمن از فراق و دور ماندن از حضرت مهدی (عج) اندهگین باشد، و این از نشانه های دوستی و اشتیاق به آن حضرت است. روایاتی است دایر بر این که از جمله نشانه های یک فرد شیعه آن است که در اندوه و حُزن امامان(ع) محزون باشد و تردیدی در این نیست که غیبت مولایمان حضرت حجت(ع) و آن چه از محنت ها بر آن حضرت و بر شیعیانش وارد می گردد. از بزرگترین و مهم ترین علل اندوه امامان(ع) است. چنان چه امام صادق(ع) می فرماید: شخص غمگینی که غم و اندوهش از جهت ظلمی است که بر ما رفته است نفس کشیدنش تسبیح گویی است و همّ او به خاطر امر ما عبادت است، و پنهان داشتنش سرّ ما را جهاد در راه خداوند است(اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۶).

آری یکی از حقوق شخص مؤمن بر مؤمن دیگر آن است که به خاطر اندوه او اندوهگین گردد، که بدون تردید این حق برای مولایمـان امـام زمان(ع) بر تمامی افراد با ایمان ثابت است. حال هر گاه افراد عادی از مؤمنین چنین حقّی را دارا باشـند، امام و مولایمان حضرت مهدی(ع) که پیشوای آنان و رکن ایمان است به طور قطع این حق برایش ثابت می باشد.

در دیوان منسوب به مولایمان حضرت علی(ع) در بیان نشانه های دوستی راستین چنین آمده:

و من الدَّلائل ان یُری من شوقه مثلُ السّـِقیمِ و فی الفؤادِ غلائلُ... و از نشانه ها این است که از شدّت شوقش دیده شود همچون بیماری که

دلش از شـدّت درد می جوشـد و دیگر این که از فرط انس گرفتن با محبوب، از هر چه او را از آن مشـغول می دارد وحشـت کنـد. و دیگر از نشـانه هـا این است: در میـان مردم می خنـدد، در حالی که دلش مالامال از انـدوه است. همچون زن جوان از دست داده» مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۳۵).

مشـکل مـا این است که از معرفت حضـرت کوتاهی کرده ایم. قهراً وقتی انسان موضوع غیبت و حجّت زمان(ع) را آن طور که شایسته است نشناخت، نه از جهت قلبی وظیفه اش را انجام می دهد و نه از جهت بدنی. این که خداوند می فرماید: انّما یخشی الله من عباده العُلماء یعنی خـداترسان از بین بنـدگان دانشـمندان می باشـند{M(سوره فـاطره، آیه ی ۲۸). این واقعیت را بـاید فهمیـد که نور و هـدایت و حکمت فقط در قرآن و سـنت است.، لذا شـناخت و معرفت امام(ع) از واجبات و ضـروریات اسـت (این مطلب اول).

یکی از خصوصـیاتی که برای آشـنایی با آن مقام پرعظمت لازم است، پیوسته به یاد او بودن و توجه به آن حضرت است. اگر شمـا روح را به یـک طرف متوجه کردیـد ممکن نیست رابطه برقرار نشود. توجه زیاد نسـبت به امام عصـر(ع)، مقابله روحی را ایجاد می کنـد. البته با حفظ اسـتعداد و ظرفیت و شـرایط... هر چه توجه بیشتر باشـد رابطه عمیق تر و در نتیجه اثر بخش زیادی خواهـد داشت(امام اگر در نظر ما غایب است به خاطر این است که ما توان و ظرفیت درک حضورش را نداریم. امام ما منتظر اجازه ظهور است و نگران و غمگین نسبت به مسلمانان و مردم دنیاست. پس جا دارد که ما نیز نگران

او باشیم). لااقل دو موعد در شبانه روز، یکی صبح و یکی شب به حضرت توجّه کنید السلام علیک فی اللّیل اذا یغشی و النّهار اذا تجلّی... السلام علیک حین تُصبّحُ و تمسی درود بر تو در هر صبحگاهان و شامگاهان...{M(حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین). بعد از نماز صبح دعای عهد و زیارت مخصوص حضرت را، و در هنگام غروب و شب هنگام زیارت آل یاسین را بخوانید همه این زیارت ها و دعاها درس و بیان راه و معرفت است (این هم مطلب دوم).

مطلب سوّم این است که انسان باید کاری کند و به اصطلاح تحرک و تحوّلی در خودش به وجود آورد. به طور حتم به قدر تحوّلی که در وجودش ایجاد کرده اثر می گیرد. یعنی بعد از کسب شناخت، باید به تکالیف دوران غیبت جامه ی عمل پوشید.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: خورشید مغرب، علامه محمد رضا حکیمی

قسمت دوّم سؤال ۱ درباره راز و نیاز و انس با خدا است. یا من ذکرُ حُلوٌ ای که یاد او شیرین است{M(همان، دعای جوشن کبیر).

گاهی با خدا آهسته و آرام سخن می گوییم. گاهی زمزمه و ترنّمی میانه داریم، و گاهی به آواز بلند او را می خوانیم و با تمام توان، ناله و فغان برمی آوریم، از او استمداد می جوییم و «یا ربّ، یا ربّ» می گوییم. درست است که در گفتگو با خداوند باید آداب صحبت و وظایف خود بدانیم و رعایت کنیم، اما مهمّ راهیابی به آستان پاک ربوبی، اُنس با او و شکفتن گل های عشق و اندیشه بر ذهن و زبان ماست. فرشتگان خدا، سرودهای جاوید نیایش را می خوانند و هیچ گاه احساس خستگی نمی کنند.

پیامبران خـدا و امامان معصوم(ع)، آموزگاران بزرگ این نغمه های قدسـی و غزل های ملکوتی انـد. و شـهیدان، آنانی اند که ترانه ی تسبیـح سـرداده انـد. چرا انسان، این سـرودهای زیبای زنـدگی را نیاموزد و شـیرین ترین و خوش بوترین مایه «آرامش روح» را درنیابد؟

یـاد خـدا، هم آوایی انسـان بـا نظام آفرینش و کارگزاران هستی، و پاسـخگویی به فراخوانی پیام آوران توحیـد، و هم گامی با فرشتگان پاک الهی است. شـروع کارها با یاد خـدا و پایان تلاش ها با سـپاس و سـتایش او، پناه بردن به خـدا در برابر همه ی آسـیب هـا و آفت هـای برونی و درونی است و آمرزش خـواهی و اسـتغفار از لغزش هـا و خطاهـای فکری و عملی و تـوجه به عظمت، قـداست، نعمت‌ها و آیات لطف و عنایت های الهی، زمینه ها و عوامĠانس و یاد و پیوند روحی انسان به آستان قدس ربوبی است.

این گونه ...Əکه انسان به تهـذیب و پاکسازی درون می پردازد. وقتی درون پاک شـد خود به خود آن چه از آدمی بروز می کنـد اصـلاح شـده و پاک خواهـد بود و حـداقل می توان گفت اشـتباه و خطا به حداقل خود می رسد. واذکروالله کثیراً لعلّکم تُفلحون خدا را زیاد یاد کنید شاید که رستگار شوید{M(سوره جمعه، آیه ی ۱۰). فلاح و رستگاری به معنی رهیدن و رستن و به آسـایش و آرامش رسـیدن و از رنـج هـا آسوده شـدن است. به طور قطع کسـی که یاد خـدا سـرلوحه کارهای او است از آرامش و آسایش در هر دو حیات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی برخوردار خواهـد شد. برعکس کسـی که از یاد خدا روی می گرداند، به راستی او را زندگی دشواری است» سوره طه، آیه ی ۲۴).

به طور خلاصه می توانیم نتیجه بگیریم ۱. یاد خدا

موجب توفیقات و کسب فضایل بی شماری است.

۲. بهترین الگوی ما برای ذکر و یاد خدا، قرآن و سنت پیامبر(ص) است تا از اشتباه و خطا محفوظ بمانیم

چرا با شنیدن نام "قائم" از جا بر می خیزیم؟

پرسش

چرا با شنیدن نام "قائم" از جا بر می خیزیم؟

پاسخ

حاجی نوری می نویسد: در خبری از امام صادق (ع) نقل شده است: روزی در مجلس امام صادق (ع) نام مبارک حضرت مهدی (ع) برده شد، امام صادق (ع) به جهت تعظیم واحترام از جای برخاست.

{پاورقی . نجم الثاقب، ص ۴۴۴. پاورقی}

ونیز در روایت آمده که دعبل خزاعی بعد از آنکه ابیاتی راجع به حضرت مهدی (ع) نزد امام رضا (ع) قرائت کرد، حضرت از جای برخاست....

{پاورقی . منتخب الأثر، ص ۵۰۵. پاورقی}

میرزای نوری می گوید: وقتی نام حضرت حجه بن الحسن (ع) در مجلس امام رضا (ع) برده شد، آن حضرت از جای برخاست ودو دست مبارکش را روی سر گذاشت وفرمود: "اللّهمّ عجّل فرجه وسهّل مخرجه".

{پاورقی . همان. پاورقی}

از امام صادق (ع) سؤال شد: چرا هنگام شنیدن نام امام زمان (ع) از جای خود برمی خیزیم؟ حضرت فرمود: چون غیبت حضرت مهدی طولانی است. وامام از شدّت محبّتی که به دوستان خود دارد هر زمانی که شخصی او را یاد کند نگاهی به او می نماید وسزاوار است که یاد کننده به جهت احترام وتعظیم، از جای خود برخیزد. هنگامی که مولای خویش او را به نظر مهر وعطوفت نگاه می کند، پس از جای خود برخیزد واز خدای تبارک وتعالی تعجیل فرج ایشان را بخواهد.

{پاورقی . همان. پاورقی}

منتظران وامام زمان

ما که در جامعه امام زمان (عج) هستیم چرا برنامه های ما به ســمت ظهور امام زمان (عج) نیست و مجالس مداحی و مولودی ما برای اهل بیت مجالسی قاعدانه است و حرکت زا نیست آیا شما با اینگونه غزاداری و مولودی ها که در جامعه مرسوم است موافقید یا خیر؟

پرسش

ما که در جامعه امام زمان (عج) هستیم چرا برنامه های ما به سمت ظهور امام زمان (عج) نیست و مجالس مداحی و مولودی ما برای اهل بیت مجالسی قاعدانه است و حرکت زا نیست آیا شما با اینگونه غزاداری و مولودی ها که در جامعه مرسوم است موافقید یا خیر؟

پاسخ

در اینکه ما موظفیم به سمت جامعه مهدوی و مدینه فاضله ای که در راس آن امام معصومی چون حضرت حجت (ع) است حرکت کنیم، شکی نیست. اما مسؤلان و عالمان جامعه وظیفه سنگین تری دارند.

تعبیر شما که به "سمت ظهور حرکت کنیم" را بدین وسیله تغییر می دهیم که "به سمت رضایت امام زمان (عج) حرکت کنیم" اگر درصدد انجام وظیفه و کسب رضایتمندی خداوند عالم و حضرت حجت (ع) باشیم، بسیاری از رفتارها و گفتارهای ما دگرگون خواهد شد. می دانیم که طبیعت بشر عوض شده است، همین انسانها بودند که یازده امام را یاری نکردند و خانه نشین نموده و شهید کردند. اکنون چون حضرت حجت را نمی بینیم ممکن است با صدای بلند وی را فریاد کنیم و به قول خودمان وی را به یاری طلبیده و اظهار آمادگی نماییم تا در رکابش خدمت کنیم، اما کمتر اندیشیده ایم که او کیست؟ چه میکند؟ چه می خواهد؟ چه یار و یاوری را دوست دارد و می طلبد؟

برخی از مجالس مداحی و مولودی و عزاداری ما نیز با شأن اهلبیت سازگاری ندارد. و به تعبیر شما به جای حرکت زا بودن قاعدانه است. اما این از اصل ارزش مجالس مفید در این زمینه نمی کاهد. بسیار کسان دیده شده اندکه خود

مجالس غیر محرک و تعهد آفرین را رها کرده و به سمت منابر و مجالس شور آفرین شعورزا گراییده اند. تلاش مستمر و مضاعفی می خواهد تا به علاقمندان اهلبیت (ع) و شیعیان مخلص تفهیم شود که قبل از شعار، درک و شعور خود را نسبت به مکتب تشیع افزایش دهیم، مسئولیت فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی خود را بشناسیم.

نگاه نقادانه به پدیده های اجتماعی از جمله نحوه تعزیه داری ها و مولودی خوانی ها بسیار مهم و ارزشمند است. هیچ منطقی با پخش و اشاعه خرافات به نام دین موافق نیست. اراده قوی می خواهد که میدان را از دست برخی میدان داران عزا و مدح که ضربه به پیکر تشیع می زنند بگیرد.

اما کاملاً باید مواظب بود که اصل بحث عزاداری، مولودی و مدح خوانی زیر سؤال نرود.

آگاهان جامعه از گذشته تا به حال و همواره بر این مسأله تأکید داشته تا تحریفها را از چهره مقدس دین و پیشوایان دینی بزداید.

رهنمودهای مقام معظم رهبری در این زمینه بسیار رهگشا است و بخصوص جلوگیری ایشان از عمل وهن آمیز قمه زنی.

دراین زمینه همچنین حماسه حسینی مرحوم شهید مطهری بسیار ارزشمند است که عالمانه به نقد همین گونه مسائل پرداخته اند.

چگونه عشق به امام زمان(ع) و اولیای خدا را به دور از ریا در زندگیم اثر دهم و رضایت خاطر آنان را جلب نمایم؟

پرسش

چگونه عشق به امام زمان(ع) و اولیای خدا را به دور از ریا در زندگیم اثر دهم و رضایت خاطر آنان را جلب نمایم؟

پاسخ

خواهر گرامی! از این که مجددا با ما مکاتبه کردید و اعتماد نمودید، تقدیر می کنیم.

نوشته اید: حقیقتا که مشکلات مرا با راهنمایی به جا و به موقع حل نمودید. خداوند را بسیار شکر و سپاس می گزاریم که توفیق خدمت گزاری و حل مشکلات بندگانش را به ما عنایت فرمود:

پیش از پرداختن به پاسخ پرسش ها لازم می دانیم از برخی اخلاق پسندیده و صفات نیکویی که در شما هست. یاد کنیم و از خداوند برای شما توفیق افزون تر آن را همراه با صبوری و مقاومت بیشتر طلب نماییم.

نوشته اید: از دروغ تنفر دارید و حتی به شوخی هم تاکنون دروغ نگفتید. امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: "بنده مزه ایمان را نمی

چشد تا آن که دروغ را ترک کند، خواه از روی شوخی و مزاح باشد، یا جدی".(۱)

پیامبر اکرم(ص) فرمود: "شما شش کار را به من قول دهید و انجام دهید تا من بهشت را برای شما تضمین کنم". سپس اولین آن را ترک دروغ ذکر فرمودند.(۲)

نوشته اید: با وجود این که پدرم بد زبان و فحاش و بی ارتباط با خدا است، حق پدری را رعایت نموده و کوچک ترین حرف نامربوط به او نزده اید. این شیوه یکی از صفات مؤمنان است.

نوشته اید: جهت حفظ ایمان و معنویت و آلوده نگشتن به گناه، در عروسی های آلوده به گناه که در جامعه رواج پیدا؛ٍّپ کرده، شرکت نمی کنید. امام صادق(ع) فرمود: "کسی که نفس خویش را به خاطر خدا کنترل کند، در آن هنگام که به کاری و گناهی تمایل و

علاقه دارد، خداوند بدن او را بر آتش حرام می گرداند."

از خداوند می خواهیم این اخلاق و رفتار نیکو و ایمان و اعتقاد پسندیده را در شما و همه جوانان افزون تر گرداند و اسباب ازدواج و عروسی و زندگی خوش همراه با نشاط و سرور و معنویت را برای شما جوانان فراهم سازد.

عشق به اهل البیت(ع) در نامه شما تراوش می کند. امیدواریم که خداوند این عشق و محبت را با شناخت و معرفت و اخلاص در مورد چهارده معصوم هر لحظه زیادتر کند و آن را ابدی سازد.

عشق به امام زمان(ع) و...

هر که را جامه ز عشقی چاک شد

او ز حرص و عیب کلی پاک شد

پیش از آن که راه و رسم عاشقی را بیان کنیم لازم است "عشق" را تعریف نماییم و علت پیدایش آن را بدانیم و رمز بقا و دوان آن را دریابیم، آن گاه ویژگی های "عاشق حقیقی" را بشناسیم.

تعریف عشق

حب و علاقه به شخص یا شی ء، وقتی با احساسات و عواطف عالی انسان آمیخته گشت و به اوج رسید و وجود انسان را مسخر و مطیع بی چون و چرای خویش ساخت و بر کشور وجود آدمی حاکمیت مطلق یافت،

"عشق" نامیده می شود.

علت پیدایش عشق و رمز بقا و دوام آن

عشق هایی کز پی رنگی بود

عشق نبود، عاقبت ننگی بود

زانکه عشق مردگان پاینده نیست

چون که مرده سوی ما آینده نیست

عشق زنده در روان و در بصر

هر دو می باشد ز غنچه تازه تر

عشق آن زنده گزین کو باقی است

وز شراب جان فزایت ساقی است

عشق آن بگزین که جمله انبیا

یافتند از عشق او کار و کیا

علاقه های مفرط فردی به فرد دیگر که از آن

به مجاز تعبیر به "عشق" می شود، هنامی که ریشه و اصالت نداشت، عمرش کوتاه و کم دوام است. گاهی به هم نرسیده، به قهر و غضب و بلکه به خون می نشیند.

گاهی به وصال هم می رسند، لیکن چند صباحی بیش سپری نشده، به نفرت و جدایی کشیده می شود.

عشقی بقا و دوام دارد که "اصیل" باشد. عشقی اصیل است و ریشه در ابدیت دارد که کمال معشوقش ازلی و ابدی باشد. از لیت و ابدیت ویژه خدا است و هر چیزی یا هر کسی که متصل به خدا است و پرتوی از آن نور مطلق است، به اعتبار موصول متصف به ابدی و ازلی می باشد، چه این که "کل شی ء هالک إلا وجهه". انبیا و اولیای الهی و امامان معصوم صلوات اللّه علیهم "وجوه اللّه" اند.(۳)

به همین جهت شیفتگان و دلباختگان شان، آنان را مرده احساس نمی کنند.

"وجه اللّه" بودن حضرت علی و فاطمه(سلام اللّه علیهما) است که عشق را برانگیخته و دل ها را شیفته خود ساخته و رنگ جاودانی و ابدی گرفته است. این گونه عشق ها است که محو نمی شود. هر چه زمان بیشر می گذرد، آتش عشق افروخته تر می گردد.

شهید مطهری می گوید: دل های ما به طور ناخود آگاه در اعماق خویش با حق سَر و سِرّ و پیوستگی دارد و چون علی(ع) را آیت بزرگ حق و مظهر صفات حق می یابند، به او عشق می ورزند. در حقیقت پشتوانه عشق علی(ع) پیوند جان ها با حضرت حق است که برای همیشه در فطرت ها نهاده شده و چون فطرت ها جاودانی است، مهر علی نیز جاودان است.(۴)

نتیجه این که: انسان به گونه ای آفریده شده که عاشق خدا و عاشق هر چیزی و هر

کسی باشد که تعلق و ارتباط با خدا دارد.

حقیقت عشق و عشق حقیقی در همه هستی جریـان دارد. حقیقت عشق و متعلق آن و محبوب همه عشـاق جهان یک چیز بیش نیست. اگر چه شعور ظاهری اکثر انسان ها، از آن آگاهی ندارد و به اشـتباه چون تشـنه در پی سراب، به دنبال معشوق نمایانی رفته اند که اصل و بقا ندارند، اما شعور باطنی و جان آنان با جان جانان آشنا است.

راه و رسم عاشقی اولیای الهی امام زمان(عج)

هیچ پدیده ای بدون علت نیست و هیچ چیزی بدون زمینه و مقدمات لازم، لباس هستی نمی پوشد.

عشق ورزی نیز ماننـد همه امیـال درونی، نیازمنـد فضای مناسب برای پرورش و پردازش است تا شـکوفه و گل دهـد. اگر بستر منـاسبی برای ظهـور این میـل مقـدس فراهم گردد، عـاشق به وصـال معشوق واقعی خواهـد رسـید. در غیر این صورت معشوق نمایان بدلی جا خوش خواهند کرد.

از این رو است که در جهان به جای یک "معشوق" معشوق ها وجود دارد و هر گروهی به چیزی یا کسی می نازد و عشق می ورزد، که برای گروه دیگر جذبه ای ندارد، بلکه گاهی با آن سر جنگ دارند.

عاشق امام زمان(ع) و اولیای الهی شدن، نیازمند وجود شرایط و فراهم ساختن زمینه های مناسب است.

باید ویژگی ها و شایستگی های لازم لا در خود ایجاد نمود تا مورد عنایت معشوق قرار گرفت.

به بیان دیگر: راه عاشق شـدن و وظیفه عاشق امام زمان(ع) را از مفهوم اصـیل عشق می توان فهمیـد. عشق در اصل از "عشـقه" (نـام گیـاهی که در فارسـی به آن پیچـک می گوینـد) گرفته شـده است. این گیـاه به هر چیزی برسـد، دور آن می پیچـد و به تدریج آن را

احاطه می کند.

وقتی "حب و علاقه" شدت پیدا کند و همانند پیچک جان و روح مُحِبّ را به تسخیر خویش در آورد، آن را عشق می نامند و آن فرد را عاشق گویند.

جالینوس می گوید: در مغز انسان سه جایگاه ویژه قرار دارد:

یکی مخزن تخیل است. دومی جایگاه فکر و سومی ظرف ذکر و یادآوری است.

عاشق به کسی گویند که لحظه ای خیال و فکر و ذکرش (همه مغز فعّالش) از معشوق جدا نباشد. عشق و محبت و هجران معشوق آن چنان قلب و جان و روح عاشق را مسخر نموده که آب و خواب و غذا را از او گرفته و او به چیزی جز معشوق نمی اندیشد و کسی جز او را نمی بیند. هر کس چنین نیست، عاشق نیست.(۵)

آیا ما این چنین هستیم؟ آیا وصف عاشقی در ما هست؟ اگر ما شیعه چون پیچک گرد وجود مقدس آن خورشید محبت بودیم، این همه دشمنی و کینه و عداوت و نامهربانی ها برای چیست؟ اگر عشق آن جان جانان و آن گل عصمت را در سر داشتیم ، چرا جان خویش را به انواع گناهان آلوده ساخته ایم؟!

قلب و جان عاشق، مسخر و مطیع معشوق است. پس چرا دل و جان و زبان و چشم و گوش ما تابع و در تسخیر هوای نفس و شیطان است؟ آیا کارهای ما به عاشق شیطان و هوای نفس بیشتر شباهت ندارد تا عاشق آن سمبل زهد و ورع، آن پاک تر از باران بهاری و لطیف تر از شبنم صبحگاهی؟!

اگر معشوق و محبوب ما آن "شمس عدالت" است، چرا این همه ظلم و بی عدالتی؟!

اگر ما عاشق آن مصلح خود ساخته و مهذب و مجسمه

تقوا و تهجد هستیم، پس نشانه عشق ما کو؟ چرا به فکر اصلاح خویش و تهذیب نفس و تزکیه روح خویشتن نیستیم؟

تا زمانی که از خودپرستی و هواپرستی بیرون نیامدیم و دل و جان خود را مسخر مولا نساختیم، به ناحق لاف دوستی می زنیم، شاعر چه زیبا گفته است:

تا تو در بند خویشتن باشی

عشق بازی دروغ زن باشی

عاشق آیینه صاف معشوق و جلوه اخلاق اوصاف و روش های او است:

عاشقان در سیل تند افتاده اند

بر قضای عشق، دل بنهاده اند

همچ سنگ آسیا اندر مدار

روز و شب گردان و نالان، بی قرار!

عاشق امام زمان(ع) باید او را بشناسد و بنگرد خواسته حضرت چیست؟ حرکت در مسیر خواسته محبوب است که فاصله ها را کم می کند و حصار هجران و دوری را بر می دارد و عاشق را به وصال معشوقش می رساند.

عشق قهار است و من مقهور عشق

چون قمر روشن شدم از نور عشق

برگ کاهم در کفت ای تند باد

من چه دانم تا کجا خواهم فتاد

معشوق، خود عاشق و سجاده نشین عشق است

یکی از عاشقان آن حضرت، امام صادق(ع) است که می فرمود: "چه شتاب می ورزید برای ظهور قائم(ع)؟ پیش از آن که خود را اصلاح کنید و ایمان وعمل و اخلاق خود را نیکو گردانید! به خدا قسم! شدت زهد و بی رغبتی اش به دنیا به پایه ای است که در اوج قدرت و توان مندی، از فقیرترین مردم مملکت خویش هم بی آلایش تر زندگی می کند و ساده تر می پوشد و غذا می خورد".(۶)

امام هفتم(ع) یکی دیگر از عشاق آن حضرت می فرمود: "امام قائم(ع) رخسارش گندمگون است. در اثر بیداری شب ها

جهت عبادت، رنگ چهره اش با زردی به هم آمیخته است.

سپس فرمود: پدرم به قربان آن امامی که شبش را با مراقبت ستارگان، در حال رکوع و سجود به سر می برد.(۷)

ای عزیز! آن چه لازم بود به تصریح و اشاره بیان گشت. این مقال را با پیام آن فروغ حیات و معشوق و عشاق حقیقت طلب و مخلصان حقیقت گام، به یکی از شیفتگان دلباخته اش یعنی شیخ مفید به اتمام می رسانیم، بین عاشق و معشوق چه عبارات لطیفی رد و بدل می شود. آن معشوق که صد قافله جان فدای خاك قدمش باد، در نامه اش به عاشق خود می نویسد: "ای رفیق مخلص و ای دوست مجاهد ما - که خداوند با نصرت خاص خویش تو را بر دشمنانت پیروز گرداند - هر گاه برادران و خواهران شیعه تو، تقوای پروردگار پیشه کنند و حقوق مال را که بر ذمه دارند، از فتنه های نابود کننده در امان خواهند بود. آنان که بخل بورزند و وظایف خود را در قبال مستمندان انجام ندهند، در دنیا و آخرت به زیان و خسران دچار خواهند شد.

اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به عبادت و طاعتش توفیق دهد - با دل های متحد و قلب هایی هماهنگ و یکپارچه، به عهد و پیمانی که با دارند، وفا می کردند. (یعنی ازما اطاعت می کردند و فرمان ما را اجرا می نمودند و خود را به گناه و معصیت آلوده نمی ساختند) هرگز از فیض ملاقات ما محروم نمی شدند و غیبت ما این قدر طولانی نمی شد، بلکه سعادت دیدار ما با معرفتی کامل و شناختی راستین، نصیب شان می شد.

پس ما را از شیعیان غایب نساخته و پنهان ننموده است مگر آن دسته از کارهای آنان

که مطلوب و خوشایند مانیست. کاهایی که ما از دوستان خود توقع نداریم".(۸)

پی نوشت ها:

۱ – محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۳۷، ترجمه سید جواد مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامیه.

۲ – پنج کار دیگر عبارتند از: وقتی به کسی قول و وعده ای می دهید، تخلق نکنید؛ وقتی امانتی به شما سپردند، خیانت نکنید؛ چشم هایتان را از نگاه به نامحرم بپوشانید؛ خودتان را از گناه غرایز جنسی و شهوت ها حفظ کنید؛ دست و زبان خود را از آزار و اذیت مردم و گناه پروردگار حفظ کنید.

۳ – در دعای توسل هر یک از چهارده معصوم را به "وجه اللّه" می خوانیم.

۴ – شهید مطهری(ره) جاذبه و دافعه علی(ع)، ص ۱۰۱، موسسه اسلامی حسینیه ارشاد – اسفندماه ۱۳۴۹ شمسی.

۵ – مجمع البحرین، ماده عشق.

۶ – صافی، منتخب الاثر، ص ۳۰۷، ترجمه آزاد.

۷ – فلاح السائل، ص ۲۰۰، به نقل از پیام امام زمان(ع)، ص ۱۲۷، اثر سید جمال الدین حجازی.

۸ – شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۹، ناشر، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تاریخ انتشار، ۱۳۶۵.

محبت امام زمان علیه السلام به شیعیان طبق چه معیاری است؟

پرسش

محبت امام زمان علیه السلام به شیعیان طبق چه معیاری است؟

پاسخ

درجه محبت و ارادت ائمه(ع) مخصوصاً حضرت ولی عصر(ع) نسبت به شیعیان بستگی به درجه تقوا و پاکی و قرب آنان به درگاه خدا دارد. ملاک محبّت نزد آنان همان است که در قرآن آمده است: " إنّ أکرمکم عندالله اتقاکم؛ گرامی ترین شما نزد خدا باتقوا ترین شما است".

در بحارالانوار، جلد ۶۸ روایاتی درباره خصوصیات و صفاتش یعه آمده است که برای توضیح مطلب بالا به چند تا از آن ها اشاره می کنیم:

۱ـ امام صادق(ع) فرمود: " هر کس به زبان بگوید من شیعه هستم ولی اعمالش مانند اعمال ما نباشد، از شیعیان ما نیست. شیعیان ما کسانی هستند که هم در گفتار و هم در عمل شیعه باشند و از ما پیروی کنند".[۹]

۲ـ ابوصباح کنانی می گوید که به امام صادق(ع) گفتم: ما در کوفه معروف به جعفریه هستیم و ما را سرزنش می کنند و به ما بد می گویند. حضرت غضبناک شد و فرمود: "پیروان جعفر (امام صادق(ع)) در میان شما کم است. اصحاب جعفر کسی است که با تقوا باشد و کارهایش را برای خدا انجام دهد".[۱۰]

۳ـ باز امام صادق(ع) فرمود: "بعضی که خود را شیعه می دانند بدتر از یهود و نصارا و مشرکان هستند".[۱۱]

۴ـ باز فرمود: "شیعیان ما اهل ورع و اجتهاد و معروف به وفاداری وامانت داری هستند. اهل زهد و عبادت اند. در شبانه روز ۵۱ رکعت نماز می خوانند؛ شب زنده دارند؛ از روزه دارانند؛ زکات اموالشان را می پردازند؛ حج خانه خدا را انجام می دهند و از هر کار حرامی دوری

می کنند".[۱۲]

۵- امام باقر(ع) فرمود " ای شیعیان آل محمد! بین ما و خدا قرابت و خویشاوندی نیست (بدانید) قرب الهی حاصل نمی شود مگر به اطاعت از خدا. هر کس مطیع دستور خدا باشد ولایت ما به درد او می خورد و برای او نافع است و هر کس عاصی و گناهکار باشد ولایت ما به حال او مفید نیست". سپس به ما رو کرد و فرمود: "به خود مغرور نشوید (به شیعه بودن خود مغرور نشوید و در عمل به دستور خدا کوتاهی نکنید)".[۱۳]

اگر بخواهیم محبّت ائمه مخصوصاً حضرت مهدی(ع) را جلب بکنیم باید از گناهان ریز و درشت دوری کنیم و به وظایف دینی واجتماعی خود به طور کامل عمل کنیم، آن وقت عشق و محبّت خود را به آن بزرگواران ابراز کنیم.

[۶] آل عمران (۳) آیه ۱۰۱.

[۷] یونس(۱۰) آیه ۹.

[۸] حج (۲۲) آیه ۵۴.

[۹] بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۶۴.

[۱۰] همان، ص ۱۶۶.

[۱۱] همان.

[۱۲] همان، ص ۱۶۷.

[۱۳] همان، ص ۱۷۸.

برای انس و الفت با امام زمان(ع) چه باید کرد؟

پرسش

برای انس و الفت با امام زمان(ع) چه باید کرد؟

پاسخ

برای برقراری ارتباط و انس با امام زمان(ع) به رعایت برخی از شرایط و ایجاد برخی از عوامل نیاز است که با رعایت و ایجاد آنها می توان با آن امام همام ارتباط برقرار نمود که به برخی اشاره می شود:

۱) عشق.

عشق و اظهار محبت به ساحت مقدس امام زمان(ع) مهم ترین شرط مأنوس شدن با امام زمان(ع) است. عشق بدان معنا است که عاشق از همه قد و بند های خود محوری و دنیاگرایی رهایی یافته، حجاب زدایی کند. آنانی که نتوانسته اند در حریم محبوب راه یابند، خود حجاب بوده اند:

گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است؟

گفتا تو خود حجابی، ورنه رُخَم عیان است

گفتم فراق تا کی؟ گفتا که تا تو هستی

گفتم نفس همین است؟ گفتا سخن همان است

۲) پارسایی.

برای ارتباط با امام پارسا، پارسایی لازم است؛ تا نوعی همگونی بین مراد و مرید به وجود آید. بر همین اساس یکی از اوصاف ۳۱۳ نفر یاران امام، معنویت و تقوا گرایی بیان شده است. امام صادق(ع) فرمود: "هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و کردار باورع داشته باشد".[۱۲]

در برخی روایات دیگر نیز تصریح شده که امام زمان(ع) دیگران را دعوت به تقوا نموده است.

۳) دین مداری و تکلیف گرایی.

یکی از عوامل مهم انس با امام زمان(ع) دین داری است. انسان در عصر غیبت باید بیشتر به دستورهای الهی توجه نموده، از محرّمات پرهیز کند و مقید به انجام تکلیف خدایی باشد، زیرا انسان ها در عصر غیبت بیشتر در معرض

آفات و آسیب ها قرار گرفته، نیاز به پشتوانه قوی دارد، و انجام وظایف دینی کارآمد ترین عامل آیب زدایی است. شاید بر همین اساس پیشوایان دین مردم را به دین مداری، صحت اعمال، دعا و توسل به اهل بیت(ع) فراخوانده است. امام صادق(ع) فرمود: "برای صاحب الامر غیبتی طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه سازد، و چنگ در دین زند".[۱۳]

بی تردید یکی از مصادیق مهم دین داری، رعایت حقوق انسان های دیگر و رعایت عدالت در تمام ابعاد آن می باشد؛ از این رو یکی از شاخصه های حکومت امام زمان(ع) گسترش عدالت بیان شده است.

۴) انتظار فرج.

انسان منتظر همیشه آماده پذیرایی از مهمانی است که انتظار او را می کشد. طبیعی است چنین حالتی آمادگی بیشتری را جهت ارتباط معنوی با امام زمان(ع) فراهم می کند؛ از این رو در بعضی روایات یکی از وظایف شیعیان انتظار فرج بیان شده است. پیامبر اسلام(ص) فرمود: "أفضل أعمال أمتی أنتظار الفرج مِن الله عزّوجلّ".[۱۴]

۵) دعا و توسل به اهل بیت(ع).

یکی از راه های ارتباط معنوی با امام زمان(ع) دعا و توسل به اهل بیت(ع) به ویژه ساحت مقدس امام زمان (ع) است. از این رو یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت دعا کردن برای امام زمان(ع) و توسلات بیان شده است.۴[۱۵] البته برخی دعاها، مانند عهد و دعای فرج از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

بی تردید شخصیت هایی مانند مقدس اردبیلی۵[۱۶] علامه حلی[۱۷] و علامه بحرالعلوم۶[۱۸] با بهره گیری از عوامل مذکور توانستند با امام زمان(ع) ارتباط برقرار نموده و با ایشان مأنوس شوند.

در نمازجمعه با آمدن نام امام دوازدهم مردم بر می خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می خیزند، چرا ؟

پرسش

در نمازجمعه با آمدن نام امام

دوازدهم مردم بر می خیزند، ولی بیشتر افراد زودتر بر می خیزند، چرا ؟

پاسخ

ایستادن به موقع شنیدن نام مبارک امام زمان(عج) خصوصاً اسم مبارک "قائم" مستحب است و از وظایف شیعیان در دوران غیبت امام زمان(ع) می باشد.(۱) بهتر است انسان همزمان با شنیدن نام مبارک حضرت قیام نماید ، نه زودتر ، ولی مقداری زودتر ایستادن اشکال ندارد، چون معلوم است که مردم به خاطر احترام به امام دوازدهم (عج) برمی خیزند.

پی نوشت:

۱ – منتهی الامال ، ج ۲، (وظایف شیعیان در دوران غیبت) ص ۴۸۸.

چگونه می توان رضایت امام زمان(عج) را جلب نمود؟

پرسش

چگونه می توان رضایت امام زمان(عج) را جلب نمود؟

پاسخ

از آن جایی که رضایت و خشنودی خداوند تبارک و تعالی همان رضایت و خشنودی حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان(ع) است، بهترین راه تحصیل رضایت ایشان، عبودیت و بندگی خالص خداوند است. انسان باید واجبات شرعی را انجام دهد و از منهیات دینی پرهیز کند و به گونه ای رفتار کند که بندگان الهی اعم از اقوام، همسایه ها و دیگران از وی راضی باشند و سعی کند که دلی را شاد کند و کوشش کند که دلش خالی از حق و کینه و حسد باشد و قلبش سلیم شود. وقتی انسان کردارش را نیک کرد و از اوامر و نواهی الهی سرپیچی نکرد و از آلودگی های ظاهری و باطنی خود را پاکیزه کرد، انسانی امام زمان پسند می شود و هنگامی که پرونده اعمالش را به خدمت ولی عصر(ع) عرضه می دارند، حضرت خوش حال می شود.

امام صادق(ع) فرمود: "در هر پنج شنبه اعمال بندگان به رسول خدا(ص) و امامان(ع) عرضه می شود".(۱) حضرت در حدیثی دیگر فرمود: چرا رسول الله(ص) را ناراحت می کنید؟ مردی عرض کرد: چگونه ناراحتش می کنیم؟ حضرت فرمود: آیا نمی دانید اعمال شما بر حضرتش عرضه می شود؟ که اگر گناهی ببیند ناراحت می شود، پس رسول خدا را ناراحت نکنید، بلکه خوشحالش کنید.(۲) بنابراین، انسان با بندگی و خودسازی و عمل به وظیفه خود در زمان غیبت که بعضی از وظایف زمان غیبت عبارتند از: انتظار فرج، خواندن دعای فرج و دعای ندبه و دعای عهد و صدقه دادن برای سلامتی حضرت و انجام حج و

زیارت به نیابت از ایشان و کارهای خیر دیگر می تواند قدمی در جهت خشنودی حضرت ولی عصر(عج) بردارد.

ایمان و عمل صالح دو رکن اساسی در زندگی انسان به شمار می رود و برای کسب رضایت امام مهدی(عج) باید هر چه بیشتر آن دو را تقویت کرد. گفته اند در دوره آخر الزمان مردم لباس اسلام را وارونه به تن می کنند؛ این سخن ممکن است به این معنا باشد که برخی از ارزش های اسلامی جایگاه خود را از دست می دهد و برخی از امور بی ارزش یا ضد ارزش، ارزشمند می گردد. یکی از اموری که موجب می شود فرد از این آسیب تا حد زیادی در امان بماند، این است که باید تلاش کند اسلام را درست بفهمد و به آثار دانشمندان اسلامی مورد اعتماد مراجعه نماید. بعد از شناخت اسلام صحیح آن را به بهترین وجه ممکن در زندگیش پیاده کند. این بهترین راه جلب رضایت امام زمان(عج) است.

پی نوشت ها:

۱. بحار، ج ۲۳، ص ۳۴۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

می دانید، دلم می خواهد امام زمان(ع) را از دست خودم راضـــی کنم. ولی فکر می کنم برخی از رفتارهایم درست نیست (ولی خودم نمی دانم کجای کار ایراد دارد؟) و ایشان را ناراحت می کند.

اشاره

فکر می کنم فکر کردن به حقیقت امور خیلی مهم است، حقیقت همه چیز، ولی برای دسترسی به ح

پرسش

می دانید، دلم می خواهد امام زمان(ع) را از دست خودم راضی کنم. ولی فکر می کنم برخی از رفتارهایم درست نیست (ولی خودم نمی دانم کجای کار ایراد دارد؟) و ایشان را ناراحت می کند.

فکر می کنم فکر کردن به حقیقت امور خیلی مهم است، حقیقت همه چیز، ولی برای دسترسی به حقیقت باید کم کم پرده ها کنار رود و ضخیم ترین این پرده ها، پرده جهالت است، و امام زمان(عج) عصاره حقیقت هستی است، و اگر انسان به عصاره حقیقت هستی برسد، پرده های دیگر را نیز می تواند کنار بزند. ولی چگونه می توان به ایشان رسید، و حقیقتاً ایشان را شناخت؟ خیلی دلم می خواهد پاسخ این سؤال برایم مسجل شود، و قلبم آرامش یابد، و البته می دانید، زبان قدیمی ترها این آرامش را در دل بنده ایجاد نمی کند. من خود فکر می کنم امام زمان(عج) عصاره حقیقت است که در هر زمانی پایدار است یعنی حالا نیز این حقیقت را می توان کشف کرد. نمی دانم توانسته ام منظور خود را برسانم یا خیر؟

پاسخ

پ ـ

امام زمان(عج)، عصاره هستی و مجموعه همه فضایل و خوبی ها و زیبایی ها و وارث همه کمالات و صفات نیک و الهی همه انبیا و اولیا(ع) می باشد. چیزی که مهم است معرفت عمیق نسبت به آن بزرگوار و کسب رضایت و خشنودی آن سرور کائنات است که عین رضایت و خشنودی خداوند متعال است و هیچ گونه فاصله و گسستگی بین این دو نمی باشد.

برای شناخت و پیوند با امام زمان علیه السلام باید در دو وادی سیر و حرکت کرد:

-۱

سیر نظری و علمی: تا انسان محبوب و مقصود خود را خوب نشناسد و تصویر واضح و شفافی از او نداشته باشد و با ویژگی ها و خصوصیات او آشنا نباشد، نمی داند باید در جستجوی چه کسی باشد و چه مقدار باید در این راه هزینه نماید و مقصد و هدف و محبوبش دارای چه ارزش و قیمتی است. بنابراین در اولین گام باید از طریق کتاب هائی که در مورد آن مولا و سرور نوشته شده با زندگانی و شخصیت و شرح حال آن بزرگوار از قبل از تولد و هنگام تولد و بعد از آن و سخنانی که از ایشان نقل شده و اهداف و خواسته ها و آرمانهای ایشان آشنا شد و در این فضا و جو مدتی تنفس کرد تا آمادگی برای تحصیل رضایت و خواست و اطاعت آن مولا فراهم گردد.

۲- سیر عملی: پس از شناخت نسبی امام زمان(عج) و آشنائی با خواسته ها و اهداف و آرمان های والای آن عصاره خلقت و کعبه امید و آمال همه پیامبران و اولیا و نیکان در طول تاریخ، باید در جهت گام برداشتن در مسیر خواسته ها و کسب رضایت و خشنودی ایشان قدم برداشت و این سیر و حرکت عملی نقش عظیمی در انس و ارتباط نزدیک و آشنائی عمیق با ایشان دارد.

مطالعه در زندگانی کسانی که به شرف دیدار آن ماه کنعانی نائل شدند، این نکته را به ما می آموزد که آن سعادتمندان نوعا از کسانی بوده اند که مطیع خداوند و پیرو حقیقی دین و آئین و عامل به دستورات و خواسته ها ی ایشان بوده

انـد و در اطاعت و پیروی از ایشان در جایگاه رفیعی بوده انـد. اطاعت ایشان همان اطاعت خداوند است و خواسـته های ایشان عیـن خواسـته هـای خداونـد اسـت و در ایـن آسـتان جز پیروی کامـل و عمـل به دسـتورات الهی و انجـام واجبـات و دوری از محرمات از کسـی چیزی نمی خرند. توسل حقیقی همراه با اضطرار و دلشکستگی در کوی آن سرور زمینه ساز لطف و عنایت آن بزرگـوار و مـورد رحمت قرار گرفتن در بارگـاه ملکـوتی او می گردد. دوری از گنـاه و محرمـات و آلودگی هـا در جلب توجه آن سـرور و پـذیرفته شـدن در بارگاه ایشان نقش عمیق و تأثیر به سـزائی دارد. البته باید توجه داشت که ما وظیفه ای در رابطه با ملاقات و دیدار آن امام همام و یار سفر کرده ای که صد قافله دل همره اوست نداریم. بلکه وظیفه ما عمل به خواست ایشان وکوتاهی نکردن نسـبت به وظایفی است که در قبال ایشان داریم و مهم آشـنائی عمیق و معرفت شایسـته نسبت به ایشان است و ملاقات و رابطه با ایشان از اموری است که ما به درستی نمی دانیم چه شـرایط و زمینه هائی لازم دارد، هر چنـد اجمالا می دانیم اطـاعت و پیروی و بنـدگی خالصـانه و صادقانه و توسل و یاد و توجه به آن عزیز زهرا(س)، در این امر نقش ویژه ای دارد.

در هر صورت این کار امری تدریجی است و باید با رفق و مدارا و صبر و حوصـله باشد و کم کم زمینه اطاعت و خشنودی آن سرور را فراهم آورد. اگر انسان طالب محبوب و مطلوبی باشد باید

دائما به یاد او باشد و نام و یاد او را از یاد نبرد:

گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

این راه، راه مقدسی است که هیچ انسانی دست خالی از آن بر نمی گردد و معامله پرسودی است که کسی در آن دچار خسران و زیان نمی گردد.

دل بستن به کسی بخاطر رفتار و کردارش آیا با این سخن منافات دارد اگر می خواهی محبت آقا امام زمان(ع) را بدست بیاوری محبت دیگری را از دل خارج کن؟

پرسش

دل بستن به کسی بخاطر رفتار و کردارش آیا با این سخن منافات دارد اگر می خواهی محبت آقا امام زمان(ع) را بدست بیاوری محبت دیگری را از دل خارج کن؟

پاسخ

همه عالم پرتوی از ذات پاک ذوالجلال است و همه موجودات نشانه ای ازآن بی نشان می باشند. قرآن کریم همه عالم را آیت خداوند و آینه ای که آن جمال جمیل در آن هویدا است می داند. موجودات هر کدام با زبان خاص خود می گویند ما از خود هیچ نداریم وجود و صفات و زیبایی و کمال ما از ما نیست ما موجودات مستقلی نمی باشیم. همه ما به وجودی که علم و قدرت بی انتها است تکیه زده ایم و اگر عنایت و فیض و لطف او نباشد آنی بقا و ماندگاری برای ما مقدور نیست.

هر گیاهی که از زمین دوید وحده لا شریک له گوید

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

خداوند متعال انسان را به گونه ای آفریده که باید محبت بورزد و دوست داشته باشد و دل ببندد ولی جان سخن در این است که باید به هیچ محبوبی و معشوقی با دیده استقلال ننگرد و صفات و زیبایی و خوبی و کمال را از خود او نداند. علاقه به پدر و مادر و همسر و فرزندان و دوستان علاقه ای به حق و به جا و مطابق با فطرت انسانی است. اگر کسی اهل محبت ورزی و دوستی و رحمت نسبت به انسان ها و حتی حیوانات و گیاهان نباشد. از این فطرت پاک خدایی فاصله

گرفته و انسـانی بیمـار است که بایـد به معالجه و درمان بپردازد. پیامبران و اولیای الهی(ع) که در محبت ورزی و عشق به ذات پاک احدیت از همه سرآمد بودند و در این میدان گوی سبقت را از همه ربوده بودند، در محبت ورزی به فرزندان و خانواده خود بی نظیر بودنـد. آنهـا به همه موجودات عشق می ورزیدنـد و در آینه آنهـا جمال الهی را می دیدنـد. در روایت آمـده که مردی به پیـامبر(ص) عرض کرد: یـا رسول الله من دارای ده فرزنـد هسـتم و تـا به حـال حتی یـک بـار هم آنهـا را نبوسـیده ام. حضـرت فرمـود: تـو انسـانی هسـتی کـه از رحمت الهی به دوری «من لاـ یرحم لاـ یرحم؛ آن کس که به دیگران رحم نکنـد و مهربانی نورزد مورد لطف و رحمت خداوند قرار نمی گیرد».

دل بسـتن به کسی به خاطر اعمال و رفتار خویش نه تنها با محبت امام زمان(ع) منافات ندارد بلکه مورد تأکید و سفارش ایشان است چون خواسـته امام زمان(عـج) رشـد و تعالی و بندگی و قدم برداشـتن در راه مسـتقیم الهی است و اگر انسان شایسـته ای باشد که اعمال و کردارش هماهنگ با تعالیم دین و احکام شـرع مقدس است علاقه به او باعث می شود اخلاق و کردارش در ما تأثیر کند و ما را متخلق به آن اخلاق کند. البته در صورتی که به او استقلالی نداد و توجه داشت که کمال و خوبی و اعمال نیک او در پرتو الطاف ولی عصر(عـج) و لطف خداونـد حاصل شده و در واقع علاقه به او علاقه به کمال و فضـیلتی است که در

او جمع گشته است. پس در دلبستگی ها، باید رعایت موازین و حد اعتدال را نمود و به کسی و چیزی استقلال نداد و او را مجرا و کانال فیض و عنایت الهی دانست.

آیا با توبه های پی در پی ما حرمت امام زمان پائین نمی اید؟

پرسش

آیا با توبه های پی در پی ما حرمت امام زمان پائین نمی اید؟

پاسخ

انسان همواره باید در راه رسیدن به کمال در سعی و تلاش باشد و طی این مسیر با سختی ها و فراز و نشیب های گوناگونی همراه است.

خصوصیت اختیار آدمی طلب می کند که از آنجا که مجبور به انجام کارهای خوب نیست گاهی مرتکب خطا و معصیت گردد.

و در چنین مواقعی وظیفهء انسان توبه و بازگشت به سوی خدا است و امام زمان(عج) دلسوزترین انسان ها به حال ما است. در نتیجه از گناه ما ناراحت و از توبهء ما خرسند می گردند.

آری توبه شکستن تلخ است ولی نباید آن تلخی موجب ترک توبه در آینده گردد و امام عصر(ع) مایلند بندگان خدا به درگاه او توبه نمایند حتی اگر قبلا بارها توبه خویش را شکسته باشند.

چگونه می توان با دل و جان حضور حضرت مهدی (عج) را درک کرد؟

پرسش

چگونه می توان با دل و جان حضور حضرت مهدی (عج) را درک کرد؟

پاسخ

برای دست یافتن به این هدف والا به موارد ذیل عمل کنید:

الف) قرار گذاشتن با دوست؛ ابتدا باید کاری کرد که در شبانه روز حتما برای چند مرتبه هم که شده به یاد ایشان افتاد؛ مثلاً

انسان تصمیم بگیرد بعد از هر نماز به آن حضرت سلام دهد. سپس شرح حال خود و درد دلی را با آن حضرت درمیان بگذارد. تکرار این برنامه موجب می شود ذهن آدمی بیشتر متوجه این مسأله مهم گردد،

ب) صحبت کردن و سخن گفتن زیاد با ایشان مانند خواندن دعای عهد، هر روز،

ج) جلب محبت وی؛ با هدیه به آن حضرت (صلوات، اهدای ثواب ختم قرآن و زیارت ها و...)،

د) دوری از رنجاندن وی با کارهایی که می دانیم ایشان را آزرده می کند،

ه) وفاداری و ثابت قدمی در دوستی با او،

و) مقدم کردن خواسته او بر خواسته های خود.{J

بهترین هدیه برای امام زمان (عج) چیست ؟

پرسش

بهترین هدیه برای امام زمان (عج) چیست ؟

پاسخ

بهترین هدیه برای امام زمان(عج) عبارت است از: هدایت نمودن انسان ها و نجات آنان از گمراهی، به یاد آن حضرت بودن، توجه و توسل به ایشان در طول زندگی و پرهیز از انجام کارهایی که مورد رضایت آن حضرت نیست، خواندن دعای ندبه و دعای عهد نیز انسان را درتوجه دائمی به حضرت صاحب الامر مدد خواهد رساند.

توجه به معانی دعای ندبه معرفت انسان را نسبت به آن حضرت بیشتر خواهد کرد.{J

می خواهم عاشق ائمه مخصوصا حضرت مهدی (عج) شوم و در رثای حضرت ابا عبدالله الحسین زار زار بگریم لطفا مرا راهنمایی کنید؟

پرسش

می خواهم عاشق ائمه مخصوصا حضرت مهدی (عج) شوم و در رثای حضرت ابا عبدالله الحسین زار زار بگریم لطفا مرا راهنمایی کنید؟

پاسخ

محبت و عشق از راه آگـاهی و انس و برطرف سـاختن موانع به دست می آیـد؛ مثـل کسـی که اگر به طعم و خـواص عسـل آگاهی یابد، بدان علاقه مند می شود و اگر آن را بچشد علاقه اش نسبت به آن افزون می گردد. حب خدا و اولیای او نیز، از طریق شـناخت و معرفت پدیـد می آیـد.هر انـدازه آدمی معرفت خـودش را افزون کنـد و در عمـل نیز انس و الفت خـود را با خداونـد و مقربـان درگاهش بیشتر سازد و موانع راه را – که علایق و وابسـتگی های مادی و دنیایی است – از دل بیرون کنـد، عشق الهی در دلش افزون تر خواهد شد.

عشق به امام زمان(عـج) بسـیار ارزنده و سازنده است. تقویت این عشق تنها با عمل میسر است. کسـی که واقعا به احکام الهی مقید گردد، سنخیت پیدا کرده و در این صورت حتی ممکن است مورد نظر حضرت واقع گردد.

خواندن دعای عهد با توجه به مضامین آن در هر روز، هم چنین به نیابت حضـرت کارهای خیر انجام دادن، از اموری است که این ارتباط را مستحکم تر خواهد نمود.

در پایان نیز توصـیه می کنیم رؤیاهای خود را در این زمینه ها برای کسی بازگو نکنید، چرا که در صورت بازگو کردن ممکن است توفیقات از دست برود.{J

چگونه می توان به صورت عملی به امام عصر(عج) نزدیک شده و حضور ایشان را بیشتر درک کرد؟

پرسش

چگونه می توان به صورت عملی به امام عصر(عج) نزدیک شده و حضور ایشان را بیشتر درک کرد؟

پاسخ

به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی است، افکارش، صـفاتش و اعمالش و هیچ انسانی از این قاعده مسـتثنی نیست، حتی حضرات معصومین(ع).

ارتبـاط و نزدیکی به هر انسـانی هم تنهـا از همین طریق ممکن است؛ یعنی،اگر کسـی بخواهـد به انسـان دیگری نزدیک شود، چاره ای ندارد جز این که بکوشد ابتدا افکار، باورها و طرز تفکر آن شـخص را شـناسایی نماید و خویش را از جهت فکری با آن شـخص هماهنگ نماید وسـپس بکوشد که قرب صـفاتی پیدا نماید؛ یعنی، از جهت صفات و کمالات اخلاقی میان خود و آن شخص محبوب همانندسازی نماید و در نهایت نزدیکی در رفتار، نوع و روش زندگی بهترین طریقی است که انسان طالب کمال را به یک انسان کامل الگو نزدیکمی نماید.

در مورد نزدیکی به امام عصر(عج) هم وضع به همین منوال است. ما به عنوان یک شیعه و پیرو اهل بیت عصمت و طهارت(ع) وظیفه داریم ابتـدا کیفیت اعتقاد، باورها، صـفات، کمالات، نوع منش و کنش آن حضـرات را شـناسایی نماییم و در مرتبه بعد

بکوشیم زندگی، صفات وباورهای خود را به ایشان نزدیک نماییم تا از این طریق هم شیعه و پیرو واقعی آنها باشیم.

برای ارتباط بیشتر با امام زمان(عج) به موارد ذیل عمل کنید:

الف) قرار گذاشتن با دوست؛ ابتدا باید کاری کرد که در شبانه روز حتما برای چند مرتبه هم که شده به یاد ایشان افتاد؛ مثلاً انسان تصمیم بگیردبعد از هر نماز به آن حضرت سلام دهد. سپس شرح حال خود و درد دلی را

با آن حضرت درمیان بگذارد. تکرار این برنامه موجب می شود ذهن آدمیبیشتر متوجه این مسأله مهم گردد،

ب) صحبت کردن و سخن گفتن زیاد با ایشان مانند خواندن دعای عهد، هر روز،

ج) جلب محبت وی؛ با هدیه به آن حضرت (صلوات، اهدای ثواب ختم قرآن و زیارت ها و...)،

د) دوری از رنجاندن وی با کارهایی که می دانیم ایشان را آزرده می کند،

ه) وفاداری و ثابت قدمی در دوستی با او،

و) مقدم کردن خواسته او بر خواسته های خود.{J

عشق امام زمان « علیه السلام » یعنی چه ؟

پرسش

عشق امام زمان « علیه السلام » یعنی چه ؟

پاسخ

عشق آن موهبتی است که از سر آن خدا عالم را آفرید. فطرت عالی در تمام مخلوقات از عشق سرشته شده است . عشق پیوند دهند قلبهاست ؛ پیام آور حسن و کمال است ؛ جاذبه ای است روحی که دل و فکر و جسم را بسوی محبوب مورد علاقه می کشاند سخن گفتن درباره عشق گزاف است , امریست چشیدنی . اما آنکه مورد عشق است و محبوب درباره او بگوئیم تا معلوم شود جزوء عشق یعنی چه ؟ و چگونه پس از شناخت و معارفه عزیزی که صاحب تمام خوبی ها است دل آدمی اسیر و بیدار می شود ؟

چنانکه می دانیم و خداوند در قرآن درجای جای آیات اشاره کرده خداوند آدمی را آفرید و از میان آدمیان کسانی را برگزید و آنان را مظهر کامل صفات خویش قرار داد و آنان را برای مردم به عنوان حجت و الگو معرفی کرد و اگر درجائی از آنها مستقلا اسم نبرده است , یکسره به خصائل ایشان که برگزیده خود اوست , اشاره کرده و فرمان داده است . تفکری که لحظه ای از آن برتر از هفتاد سال عبادت است هیمن جاست که بیندیشم ازچه کسانی باید پیروی کنیم ؟ ریشه این احکام و پیروی ها و این اخلاقیات وارسته را کجا بابیم ؟

اما خیمنی« ره» در تفسیر (اقرأ)درباره آیه{ و العصر ان الانسان لفی خسر } میفرماید : عصر همان انسان کامل است که خداوند متعال آیه و نشانه عالی خود قرار داده است .

مگر عشق ریشه در بدست آوردن

زیبائی ندارد ؟ مگر عشق ریشه در بدست آوردن معدن جوشان عاطفه و دوستی ندارد ؟

مگر عشق ریشه در رسیدن به معدن تمام خوبی ها ندارد ؟ چگونه می توان عشق نورزید به کسانی که خداوند رحمت و بهشت ممتاز خویش را در گروه و دلدادگی به ایشان قرار داده است ؟

حتما زیارت جامعه را بخوانید و به معنایی جمله , جمله آن فکر کنید و به خاطر بسپرید ما گفتیم عشق ورزیدن بر امام زمان علیه السلام » یعنی چه ؟

حالا شما باید راجع به هر کدام از این کلمات کلیدی فکر کنید ؛ حتما تا کنون طعم خوش مهربانی را چشیده اید اینک به معدن آن فکر کنید که پیشوای شما نیز هست . لابد طعم خوش دوستی و سخاوت را تا کنون تجربه کرده اید اینك به کمال کامل آن توجه کنید که فقط با دستگیری او به رستگاری دنیا و آخرت خواهید رسید . درباره صفات مختلف کمالات انسانی فکر کنید و در نظر بیاورید پیشوایان معصوم « علیهم السلام » ما سر حلقه تمام این کمالاتند بویژه امام زمان حضرت مهدی « عج» که درعصر ایشان ما به این دنیا آمده ایم حالا بعد از تمام این فکر ها بخود بگوئید عشق ورزیدن به امام زمان یعنی چه ؟

عشق به امام زمان یعنی { افضل العباده انتظار الفرج } انتظار بقیه الله برترین عبادت است عشق به امام زمان انتظار را در پی خواهد داشت : و سپس علاماتی و نشانه های اول اینکه شخصی منتظر همانند منتظران فکر و ذکرش متوجه معشوق باشد و او را از یاد

نبرد.

دوم اینکه : کسیکه انتظار و عشق حضرت را دارد قبل از ظهور آن گرامی خود را اصلاح کند از گناه توبه نماید و به اعمال صالح و رفتار پسندیده خود را زینت دهد تا لیاقت و شایستگی مصاحبت و درک حضور آن حضرت را پیدا کند.

سوم : اینکه انتظار و عشق به آن حضرت این نیست که دست روی دست گذاردن و احساس مسئولیت نکند و بگوید آقا خودشان تشریف می آورند و کارها را درست می کنند , بلکه باید اول خود را اصلاح و سپس امر به معروف و نهی ازمنکر و جلوی بد حجابی و فساد و ظلم و تباهی رابگیرید و جهاد در راه سازندگی خود , جامعه کوتاهی نکنید و امام را دعا نماید .

منابع :

۱-اشتیاق جمال, علی شاد

۲- نشانه های یار و چکامه انتظار , مهدی علی آبادی .

۱.– امام زمان(عج) از چه کارهای غصه می خورند ؟ لطفا بطور کامل توضیح دهید ؟

پرسش

۱.– امام زمان(عج) از چه کارهای غصه می خورند ؟ لطفا بطور کامل توضیح دهید ؟

پاسخ

امام زمان (علیه السلام) غصه می خورند زمانی که ما به آنچه که خداوند امر کرده عمل نکنیم و از آنچه که خداوند نهی کرده دوری ، و جای دیگری که امام زمان غصه می خورند اینکه ما انسانها آنقدر به فکر مادیات وزرق و برق دنیا هستیم و اینکه از ۲۴ ساعت وقت در شبانه روز ، یک چهارم را صرف عبادت نمی کنیم، امام زمان غصه می خورند از زورگویی ظالمان به مظلومان، اگر همه ملتهای مسلمان هم پیمان شوند وراه خدا را درپیش بگیرند، دیگر هیچ کس جرأت زور گویی به دیگران را هم نخواهد داشت ، خداوند به هر فردی استعداد و ویژگی منحصر به فرد داده است و از این استعداد توقعاتی دارد نه اینکه استعداد خود را در راه خلاف شرع مصرف کند .

امام زمان در روزهای دوشنبه نامه اعمالمان را ورق می زند و هفته ای یک بار امضاء می کنند.

وقتی نامه اعمال ما را به امام زمان (عج) می دهند امام زمان آنقدر گریه می کنند که از شدت گریه امام زمان(علیه السلام) فر شته ها به گریه می افتند .

یکی دیگر از جاهایی که امام زمان غصه می خورند ، احترام نگذاشتن به والدین

، انجام نـدادن صـله رحم، تهمت، غیبت وکلا تمام رذایل و صـفات اخلاقی و اینکه خداونـد به خاطر رحمت خود نعمتی به ما عرضه کرده ، عوض اینکه به شکر گذاری بپردازیم بگوییم حقمان است لیاقتش را داشتیم تکبر بورزیم با یک حرف زدن

خدشه در ایمان و اعتقاد و ... به وجود بیاوریم .

خداوند فرمودند : امت آخر زمان از همه امتها بهترند و به خاطر اینکه آنها نه امامی را دیدندو نه معجز اتشان ،اما اعتقاد در آن ها خیلی قوی تر است . انشاء الله که سعی کنیم رذایل و صفات اخلاقی نکوهیده را کنار گذاشته و به دنبال روزی حلال و اینکه توکل برحق کرده و هر کاری را که می کنیم فقط برای رضای خدا باشد انشاء الله خداوند به توفیق امام زمان(علیه السلام) راه را برای ما هموار خواهند کرد ، اینکه خودمان آماده کنیم و بخواهیم پا روی نفس و هواههای نفسانی گذاشته و دنیا محل آزمایش است، آیا از این آزمایش الهی چگونه بیرون می آئیم وقتی مهدی فاطمه از ما بیشتر به فکر هستند، پس چرا ما به فکر خودمان نیستیم. و شما می توانید به کتابهای اخلاقی مراجعه کنید .

منابع :

۱-خورشید مغرب ، محمد رضا حکیمی

۲-سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری

۳- تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری

۴-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

۵- ارتباط معنوی با حضرت مهدی ، حسین گنجی

چگونه می توان رضایت امام زمان (عج) را جلب کرد؟

پرسش

چگونه می توان رضایت امام زمان (عج) را جلب کرد؟

پاسخ

ائمه اطهار(ع) هدایت کنندگان انسان ها به سوی خدا هستند و مانند مشعلی راه را فراسوی انسان روشن می کنند واو را از گرداب های ضلالت و گمراهی نجات می دهند.

نکته ای که باید به آن خیلی توجه کرد این است که کانون و محور دین مبین اسلام، توحید است و همه انبیا و اولیاآمده اند که ما را به آن هدایت کنند و بزرگ ترین افتخار آنان این بوده که بنده خدا بوده اند. پس رضای خدا، رضای آنان‌است و هر چه موجب خشنودی خدا باشد، ائمه اطهار و امام زمان(عج) را خشنود می سازد. ازاین رو برای کسبرضایت امام زمان(عج)

بایـد در جست و جوی کسب رضـایت خـدا بود و برای رسـیدن به این امر مهم بایـد تلاـش کردودین را آن چنـان که هسـت شناخت و به آن عمل کرد.

علم و ایمان دو رکن اساسـی در زنـدگی انسان به شـما می رود و برای کسب رضایت امام زمان(عـج) باید هر چه بیشترآنها را تقویت کرد.

این که شـنیده ایـد در دوره آخر الزمان مردم لباس اسـلام را وارونه به تن می کنند؛ ممکن است به این معنا باشد کهبعضـی از ارزش های اسلامی، جایگاه خود را از دست می دهد و برخی از امور بی ارزش یا ضد ارزش ارزشمندمی شود.

یکی از اموری که موجب می شود فرد از این آسیب تا حد زیادی مصون بماند، این است که او باید سعی کند اسلامرا درست بفهمد و به آثار اندیشمندانی که مورد اعتماد هستند و دین را صحیح درک کرده اند، مراجعه کند.{

سایر مباحث

دلایل دلتنگی در عصرهای روز جمعه چیست

پرسش

دلایل دلتنگی در عصرهای روز جمعه چیست

پاسخ

این سؤال شـما دلائل مختلفی می توانـد داشـته باشـد. ممکن است به خاطر تلقین زیاد ویا مانـدن در خانه و یا ازدیادفعالیت در روز جمعه باعث اینگونه افکار گردد. نظر دیگر اینکه با یکی از علمای عصـر حاضـر همین سؤال مطرح شـد وایشان در جواب فرمودند: روز جمعه متعلق به ولی عصـر(عج امام زمان (ع می باشد و در احادیث است که آن حضـرت صـبح روز جمعه ظهور می فرماینـد و از طرفی بیـن مردم و آن حضـرت یـک رابطه فطری و روحی وجـود دارد و به صـورت غریزی و روحی مـؤمنین خوشحالند به خاطر انتظاری که برای ظهور آقایشان می کشند ولی همینکه بعد از ظهر فرا رسید وظهور آن حضرت محقق نشد به طور طبیعی غم و اندوه دل های آنها را فرا می گیرد.

چرا در موقع سلام به امام زمان(عج)،دست خود را برروی سر می گیریم؟

پرسش

چرا در موقع سلام به امام زمان(عج)،دست خود را برروی سر می گیریم؟

پاسخ

به هنگـام یادآوری وجود مبارک حضـرت و ذکر و یاد او و دعای برای آن حضـرت این عمل برای ابراز احترام و بزرگداشـت انجـام می گیرد و نقـل شـده است که در حضور امـام رضـا(ع) اسم مبـارك امـام زمان(ع) برده شـد، آن حضـرت برای احترام برخاستند و دست بر سر نهادند. ضمن آن که این عمل مستلزم اعلام تذلل و احتیاج شدید و استغاثه به آن حضرت است.

آیا عقیده به مهدویت با فطرت و سنن عالم خلقت سازگار است؟

پرسش

آیا عقیده به مهدویت با فطرت و سنن عالم خلقت سازگار است؟

پاسخ

خلاـصه و حقیقت مهـدویت منتهی شـدن سیر جوامع جهـان به سوی جـامعه واحـد، و سـعادت عمومی، امنیّت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی، حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنود الله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان بر مسـتکبران و خلاـفت مؤمنـان و شایسـتگان به رهبری یـک رجـل و ابر مرد الهی است که موعود انبیـا و ادیـان و دوازدهمین اوصـیا و خلفـای پیامبر آخرالزمان است. این محتوا و این هـدف و این پایان و عاقبت، مطلوب هر فطرت و خواسـته وجـدان هر انسان است.

حکومت عـدل و نظـام الهی، قـانون واحـد و لغو تبعیضـات برداشـته شـدن مرزهـا و آزادی انسانها برچیـده شـدن این رژیمها و نظامهای طاغوت پرور مطلوب بشـر است. کدام انسان است که با این همه مظالم و سـتمگریها موافق باشد؟ و کدام انسان است که بـا صـرف این بودجههـای تسـلیحاتی سـنگین و کمر شـکن که برای حفظ رژیمها و مرزهایی است که در اثر تقسـیم دنیا و مناطق سلطه و نفوذ طاغوتها و حزبها و گروههای طاغوتی برقرار شده است موافق باشد؟ و کدام انسان است که تقسیم ملل دنیا را به غالب و مغلوب و سـلطهگر و زیر سـلطه و استضـعافگر و استضعاف شده و پیشرفته و عقب مانده وجداناً قبول داشته باشد؟ فطرت بشـر همه اینها را محکوم میکند و ندا و نهضتی را که بخواهد به این نظامها پایان دهد و پیامبرگونه و علی وار زمام امور را به دست بگیرد تأیید مینماید.

بنابراین، اجماع ملل و امم بر اینکه پایان جهان سعادت عمومی

است و در دنبال این تاریکیها روشنایی است و مقاومت در برابر حق سرانجامش شکست و نابودی است یک اصل است. اصل فطری است که با سنت جهان و حرکت عالم و یا بنیاد جهان که بر حق استوار است موافق میباشند.

تفاوت رفتارهای سیاسی امامان (ع) و اختلاف روش های آنان را چگونه می توان تحلیل کرد؟

پرسش

تفاوت رفتارهای سیاسی امامان (ع) و اختلاف روش های آنان را چگونه می توان تحلیل کرد؟

پاسخ

۱ : ایمه (ع) رهبران الهی و سیاسی بندگان خدایند و این مطلب در زیارت جامعه کبیره آمده است . [ساسه العباد] (ساسه) جمع سایس است بمعنی مدبر و کسی که امورمملکتی را از روی عقل و تدبیر اداره کند و در هر کار بصیر و دانا و کار آزموده باشد .ایمه هدی (ع) هر یک در دوران زمامداری خود با دقت و کاردانی مصالح امور اجتماعی و انفرادی بندگان خدا را سنجیده و بر طبق آن عمل نموده اند، در مسیله زمامداری خلق بخصوص در ماموریتهای الهی چیزی مهم تراز حسن تدبیر و کاردانی برای نظم و برقراری حکومت عدل و داد در میان مردم نیست و از این جهت کسی که از طرف خدای سبحان به این سمت منصوب می شود، باید بهترین سیاستمدار و داناترین فرد در هر دوران باشد، هم چنانکه انبیا (ع) بخصوص رسول اکرم (ص) عالیترین مقام وکاردانی و سیاست را دارا بوده چون این امر لازمه مقام نبوت و ولایت است و جز از طریق تدبیر و دانایی و سیاست و کاردانی امکان راهنمایی وهدایت بندگان میسر نیست و باید گفت که امر سیاست یکی از مراتب مقام نبوت است که در نصب خلافت به اوصیا (ع) تفویض شده است و ازهمین جهت است که اسلام را دین سیاست خوانده اند .چون تمام پیشوایان و زمامدارا آن در هر دو ران با تد بیر و سیاستمدار

بودنـد .و اگر توجه کنیم بعـد از رسول خـدا (ص) ، ایمه (ع) چقـدر مواجه با مخالفتها و خلافکاریها و نفاق و دسـته بندیها بوده و از همه بالاتر، با طاغوتیان و حکام به ناحق زمان خوددر ستیز و پیکار بوده اند، و اگر کوچکترین غفلتی در امر سیاسـت و نگهـداری دین بوجود میآمـد و اگر تدبیر و کاردانی آنان در راه قرآن و حفظ اسـلام نبود، چگونه دین خدا در مسـیر تکامل راه خـود را طی می نمود، نگـاه بتاریـخ اسـلام و ایمه (ع) این معنـا روشن می سـازد، بعـد از رسول اکرم (ص) که سیاسـت نگهداری اسلام بدست توانای امام علی (ع) افتاد و امام چگونه به انواع تدبیر در برابر مشکلات و طوفانهای شد ید ایستادگی کرد گـاهی در میـدان مبـارزه در مقام جنگ با اهل کفر و نفاق و سـتم بود و گاهی در مقابل بعضـی از حوادث بخاطر مصالح عمـومی صـلح می کرد و اسـلحه را به زمین می گـذاشت تـا مبـادا لطمه ای به دین خـدا وارد شـود . و زمـانی هم سـیاست آن بزرگوار چنین اقتضا می کرد که در گوشه ای آرام به تفسـیر آیات الهی وسـنت پیامبر بپردازد .کافی است در امر سـیاست امام علی (ع) به همـان دسـتوری که به مالـک اشـتر در امر حکـومت مصـر داده است تـوجه شـود (عهـدنامه مالـک اشـتر) و این سیـاست جهـانی اسـلام مختص امـام علی (ع) نیست ، بلکه امامـان معصوم (ع) همگی در این امر بر وجوه گوناگون وشـیوه های

مختلـف در دوران خلافت و امـامت خـود سیاسـتهای خاصـی بکـاربرده انـد .مثلاـ" امـام حسن (ع) در برابر آنهمه نـاروایيها بردبـاری کرد، گویاسـیاست امـام (ع) در آن ایـام چنین اقتضا می کرد که برای تحکیم و حفظاسـلام در آن دوران پر هرج و مرج و پر آشـوب ، خونسـردی و بردبـاری را پیش بگیرد و برای نگاهـداری اسـلام و دیـن خـدا راه مسـالمت و صـلح را در برابرمنـافقین و مخـالفین اختیـار کنـد .(امـام حسن (ع) در مورد صـلح خودش بامعـاویه می گویـد : ((انی رايت هوی اعظم النـاس فی الصـلح و کرهوا الحرب فلم احب ان احملهم علی مـا یکرهون ؛ به درستی دیـدم میـل بیشتر مردم درصـلح است و از جنـگ کراهت دارنـد پس میل نداشـتم که آنچه را اکراه دارنـد برآنها تحمیل کنم زیرا جنگ چیزی نیست که با بی میلی و نا باوری سپاه قابل دوام باشد و پیروزی حاصل گردد .) ، (نقل از تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام ، ج ۱، ص ۴۶۵، دکتر علی اکبر حسـنی) . بنـابراین شـناخت زمـان درحرکت و جهت گیری ایمه (ع) مهم است و صـلح امـام حسن (ع) اگر برای مصـلحت اسـلام نبود هرگز تن به این صلح نمی داد .و یا اینکه امام حسین (ع) برای برقراری و استقامت دین خدا بهترین سیاست را راه مبـارزه و مجاهـده دربرابر کفر و الحاد دانسـته وارد میـدان کارزار شـده است همچنان که سـیاست امام حسن (ع) صـلح را بر جنگ ترجیح داد سیاست امام حسین (ع

) نیز جنگ وپیکار را بر صلح و سازش مقدم داشت اما هر یک بنوبه خود برای نگاهداری دین خدا بهترین سیاست را بکار بردند .۲ : امام رضا (ع) در زمان امامت خودش سیاست خاص خودش را داشت ، در عصر امام کاظم (ع) شیعه دارای شبکه سری منظمی بود بعد از شهادت امام کاظم (ع) ، امام رضا (ع) درب خانه اش را بست و به شیعیان پیام فرستاد که به خانه اش نیایند، پس ازهفته ای در برابر انظار ماموران سری از خانه بیرون آمد و به بازار رفت وسگی و قوچی و خروسی خرید ...و به خانه برگشت ، و با این کارش دستگاه عباسی هارون الرشید را غافلگیر کرد آنها تصور کردند امام اهل سیاست نیست و خطری از طرف امام متوجه آنها نیست و از طرف امام مطمین شد ند،ولی بعد زبیری به هارون الرشید نوشت علی بن موسی مردم را دعوت کرده است ، (بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۴، ۱۵، ۱۶، انتشارات مکتبه الاسلامیه) امام رضا (ع) با موضع گیریهای سیاسی خودش هم عرصه را بر مامون تنگ می کرد و هم مکتب تشیع و اسلام ناب را به مردم معرفی می کرد.برای نمونه می توان به مواردی از آنها اشاره کرد .الف : اولین مخالفت امام و برخورد او رد پیشنهاد خلافت از طرف مامون بود که سرانجام با تهدید مامون امام ولایتعهدی را با شرایط ویژه ای پذیرفت . ب : ترویج امامت به عنوان یک اصل و یک منصب الهی . ج :

بیرون آوردن تشیع از حالت یک حزب مخفی و زیر زمینی و مطرح نمودن در سطح مملکت و در بین ملل و نحل به عنوان برترین مکتب ، و این امر با مناظره امام با سران مذاهب و مغلوب ساختن آنها تحقق می یافت . د : امام رضا (ع) با به خطر انداختن جانش پذیرای دعوت مامون شد و حرکت سیاسی احیا گرانه امام صادق و شهادت سبز عمش امام حسن و راه شهادت سرخ جد بزرگوارش امام حسین (ع) رادنبال کرد منتهی در لباس دیگر و به سبک خاص به همین دلیل درخداحافظی با اقوام به آنان توصیه کرد که گریه کنند که سفری است که امید بازگشت ندارد، (نقل از تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام ، ج ۱، ص ۲۲۶و ۲۲۵ و ۲۲۳، دکتر علی اکبر حسنی) ۳ : و سوال از اینکه چرا امام به قیام اشاره نکرد؟ بطور خلاصه می توان گفت که موقعیت زمانی و مصلحت مسلمین اگر ایجاب می کرد و نیز مردم اگر از نظر رشد سیاسی و امام شناسی در حدی می بودند که امام را درک کنند بعید نبود که امام قیام بکند، امابطور کلی مسیله زمان و اقتضا زمان را در حرکت امامان (ع) باید در نظرگرفت . همانطوری که امام صادق (ع) بر سران عباسی موقع قیامشان پاسخ رد داد و رهبری نهضت را قبول نکرد هر چند که شروع نهضت عباسیان باشعار [الرضا من آل محمد] بود، با این همه امام صادق (ع) نامه های سران نهضت را

قبول نمی کردند .((ابو مسلم پس از مرگ ابراهیم ، امام به حضرت صادق (ع) چنین نوشت : من مردم را به دوستی اهل بیت دعوت می کنم اگرمایل هستید کسی برای خلافت بهتر از شما نیست . امام (ع) در پاسخ نوشت [ما انت من رجالی و لا الزمان زمانی] نه تو از یاران منی و نه زمانه ، زمانه من است ، (الملل و النحل ، ج ۱، ص ۱۵۴، شهرستانی ، تحقیق محمد سیدگیلانی ،چاپ بیروت ، دار المعرفه ، نقل از سیره پیشوایان ، مهدی پیشوایی ،ص ۳۸۴) و هم چنین فضل کاتب گوید روزی نزد امام صادق (ع) بودم که نامه ای از ابو مسلم رسید، حضرت به پیک فرمود نامه تو را جوابی نیست ازنزد ما بیرون شو، (بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۹۷، انتشارات المکتبه اسلامیه) در مورد امام رضا (ع) نیز باید مسیله زمان را در نظر گرفت هر چند که در زمان امام رضا (ع) در اکثر سرزمینهای اسلامی و قلمرو خلافت اسلامی عباسی شورشی علیه مامون ، توسط یکی از علویان و زیدیان حال یا به ابتکار خودشخص یا به تقاضای مردم به راه افتاده بود؛ اما مهم این است که این قیام ها و شورش ها متصل به امام رضا (ع) نبود و به امر هدایت آن حضرت شروع نشده بود و آخر از کجا سر در می آورد معلوم نبوده (شاید مثل عباسیان یا بدتر از آنان می شدند) و امام معصوم

هم مثل سایر سیاستمداران معمولی و ابن الوقت نیست که از هر فرصت بدست آمده برای رسیدن به هدف مقدس استفاده کنند، در پیش معصومین (ع) تنها پاکی هدف مطرح نیست باید وسیله هم پاک باشد .۴ : الف در ملاک قرار دادن سیره امامان (ع) ، داشتن بینش به وسعت دید ایمه (ع) لازم و ممکن نیست ، چون حد معرفت هر کس باندازه درک و استعداد او است ، و کمتر کسی می تواندبطور کلی بتمام شیون آن بزرگواران پی برده باشد مگر خود امام و اولیاخاص الهی ؛ ولی این دلیل نمی شود که دیگر کسی برای شناخت امامش وصفات رهبر واجب الطاعه کوشش ننماید .ائمه (ع) معدن رحمت و برکات الهی ، خزاین علم و حکمت الهی ، حجت خدا بر خلق عالم ، حافظ اسرار الهی ، ووارث انبیا، نور خدا و راهنمای طریق هدایت هستند .و با این اوصافی که دارند تمام موضعگیرهایشان به حق و به نفع اسلام و مسلمین است ؛ و اگر درمواردی نمی توانیم موضع ایمه (ع) را هضم کرده و درست تحلیل کنیم ضعف به خود ما بر می گردد و باید با تلاش و مطالعه در سیره و روش آنها این نقیصه را جبران کنیم بدون چشم مسلح به خورشید نگاه کردن به ضرر چشم تمام می شود .و دید انسان را تاریک می کند، برای نجات از ظلمات باید ازنور مشعلی که ایمه افروخته اند قبسی گرفت .... برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به : ۱- سیره پیشوایان (نگرشی بر زندگانی

اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم (ع) ، مهدی پیشوایی ، نشر، موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع) ۲- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع) ، رسول جعفریان ،ناشر : انصاریان ۳- زیارت جامعه کبیره ، مفاتیح الجنان ب : نوع برخورد وزندگی و چگونگی موضعگیریهای سیاسی ، اجتماعی ایمه (ع) زمانی برای ماقابل فهم و بهتر روشن می شود که اولا- " از شرایط خاص اجتماعی و سیاسی وفرهنگی زمان آن بزرگواران آگاه باشیم ، مادام که با شرایط و اوضاع ویژه آن روزگار - ایمه (ع) - آشنا نباشیم ، طرز برخورد ایمه با مسایل اجتماعی و سیره ایمه برای ما معنی و مفهوم دقیق و واقعی خود را نخواهد داشت حتی درمواردی که از تاریخ زندگانی امامان را مطالعه می کنیم ، میان مواضع گوناگون آنان نوعی تضاد و تعارض احساس می کنیم زیرا می بینیم برخی صلح کرده و برخی تا آخرین نفس جنگیده برخی مدرسه و دانشگاه علمی تاسیس کرده بعضی ولایت عهدی را پذیرفته و . ...لذا برای جمع بندی ونتیجه گرفتن از حرکتها و زندگی امامان معصوم (ع) باید شرایط آن دوران رابررسی کنیم تا دچار تضاد نشده و پیش داوری نکنیم ، بنابراین چیزی که در این مورد باید از معصومین (ع) یاد گرفت اصل آگاهی به زمان است. پیامبر اسلام (ص) فرموده است : ((رحم الله من حفظ لسانه و عرف زمانه واستقامت طریقته ؛ خداوند رحمت کند کسی را که زبان خود را حفظ کند

وزمان خود را بشناسد و از روش مستقیم برخوردار باشد)) ، (نهج الفصاحه ، ج ۱، حرف را) . امام صادق (ع) فرموده است : ((و العالم بزمانه لاـ تهجم علیه اللوابس ؛ کسی که از زمان خود آگاه است از طرف شبهات و اشکالات موردحمله واقع نمی شود)) ، (اصول کافی ، ج ۲، ص ۲۶). ;

آیا انتظار فرج و مصلح حقیقی انسان برای نجات انسان از شر و پلیدی ها و ترسیمی که از بعد فرج حضرت داریم را می توان مساوی ایام زمام داری حضرت رسول دانست یا بالاتر و بهتر ؟ اگر بالاتر و برتر است چرا در زمان حضرت رسول"ص" و زمام داری ایشان ، به آنجا جامعه نرسیده

پرسش

آیا انتظار فرج و مصلح حقیقی انسان برای نجات انسان از شر و پلیدی ها و ترسیمی که از بعد فرج حضرت داریم را می توان مساوی ایام زمام داری حضرت رسول دانست یا بالاتر و بهتر ؟ اگر بالاتر و برتر است چرا در زمان حضرت رسول"ص" و زمام داری ایشان ، به آنجا جامعه نرسیده

پاسخ

؛

آنچه مسلم است محبت و دوستی نسبت به این خاندان پاك موجب نزدیکی ما به آنان در نتیجه بهره مندی از تعالیم متعالی و سعادت بخش آنان خواهد شد اما جای بسی تأسف است که پس از رحلت رسول اکرم"ص" علی رغم سفارشات پی در پی آن حضرت مبنی بر پیروی از عترت ایشان و مودت و دوستی اهل بیت "ع" و با وجود تأکیدات فراوان آن حضرت بر خلافت و ولایت حضرت علی"ع" و تمسك جستن به اهل بیت "ع" که قرین قرآن و یکی از دو گوهر به یاد مانده از رسول خدا "ص" محسوب می شوند طولی نکشیدکه خاندان آن حضرت از صحنه اجتماع کنار گذاشته شده با بی اعتنایی و بی توجهی کامل روبرو شدند در این شرایط به سادگی می توان سرنوشت اندوهبار این کشتی سرگشته در میان امواج و این نهال نو رسته محروم مانده از باغبان را پیش بینی نمود .

در زمان رسالت پیامبر گرامی "ص" تمام سعی و تلاش ایشان به ارشاد دیگران و دعوت آنها به اسلام یا جنگ با مشرکان گذشت و آنچنانکه باید ایشان به اهدافشان نرسیدند پس از ایشان نیز تا زمان حضرت مهدی "عج" حکومت واقعی به امامان معصوم "ع" واگذار نشد تا

اینکه در زمان ظهور حضرت مهدی "عج" حکومت واقعی ایشان و نجات محرومان تحقق می یابد به طوری که در روایت آمده است :

" خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان ما پای بند هستند و بر دوستی ما استوار و از دشمنان بیزار ، ما از آنها هستیم و آنها از ما ، آنها ما را بعنوان امام پذیرفته اند و ما ایشان را به عنوان شیعیان خود پذیرفته ایم، خوشا به حال آنها و باز هم خوشا به حال آنها و به خدا سوگند آنها در روز قیامت ، هم مرتبه ما خواهند بود.

" امام موسی ابن جعفر(ع) "

و از امام رضا"ع" نقل شده است که :

" . . . خداوند بوسیله او زمین را از ستم پاک می کند و از هر ظلمی منزه می سازد و هم اوست که مردمش در

ولایت او تردید می کنند و پیش از ظهور غیبت دارد و وقتی ظاهر شود زمین ، نور و روشنایی می یابد و عدل و داد در همه جا فراگیر می شود و هیچ کس به دیگری ستم نمی کند . . . "

و پس از ظهور حضرت مهدی "ع" از پیامبران صلوات الله علیهم و بعضی از امامان معصوم علیه اسلام ، به دنیا رجعت می کنند و دوباره حکومت خواهند داشت از جمله پیامبر گرامی اسلام"ص" ، حضرت علی "ع" امام حسن و امام حسین"ع" و . . . که این امور فقط به خاطر بالا رفتن سطح ایمان و فهم مردم آخرالزمان ممکن می باشد .

به امید اینکه ما نیز چنین

روزی را شاهد باشیم و از منتظران واقعی حضرت مهدی "عج" به شمار آئیم .

برای بدست آوردن اطلاعات بیشتر در این مورد می توانید به کتابهایی که در مورد زندگانی امامان معصوم "ع" و رسول گرامی اسلام "ص" نوشته شده است مراجعه کنید .

۱) کتاب زندگی دوازده امام "ع" نوشته هاشم معرف الحسینی جلد دوم ص ۵۵۵ و ۵۵۶

۲) کتاب آموزش عقاید ، جلد دوم نوشته آقایان محسن غرویان محمد رضا غلامی و سید محمد حسین میرباقری ص ۳۹۹

۳)

برایم از وجود مقــدس آقا امام زمان(عــج) بگوییــد و کتاب یا کتابهایی را که در این مورد لازم می دانید تا بهتر پی به وجودشان ببرم معرفی کنید و اینکه چگونه باید یک منتظر واقعی باشم.

پرسش

برایم از وجود مقدس آقا امام زمان(عج) بگویید و کتاب یا کتابهایی را که در این مورد لازم می دانید تا بهتر پی به وجودشان ببرم معرفی کنید و اینکه چگونه باید یک منتظر واقعی باشم.

پاسخ

حضرت ولی عصر(عج) روز پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمد، (اصول کافی، چاپ آخوندی، عربی، ج اول، ص ۵۱۴، باب مولد الصاحب(ع)). پدرش ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع)است که در سال ۲۶۰ هجری قمری به شهادت رسید، (همان، ص ۵۰۳). مادر حضرت ولی عصر(ع) بانوئی است بنام ریحانه که به او «نرگس»، «سوسن» و «صیقل» گفته می شود، (جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۴، فائده ثالثه به نقل از خلاصه علّامه). حضرت ولی عصر(ع)، تا سال ۲۶۰ هجری قمری تحت تربیت و سرپرستی پدر بزرگوارش می زیست و در همان زمان از مردم پنهان نگه داشته می شد و جز خواصّی از شیعیان امام حسن عسکری(ع)، کسی با آن حضرت ملاقات نداشت. حتی امثال ابو هاشم جعفری که از خواصّ امام حسن عسکری است از وجود آن حضرت بی خبر بودند. ابو هاشم می گوید: به ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع) گفتم: جلالت تو مانع پرسش من است. آیا می توانم سؤالی بکنم؟ امام فرمود: بپرس. گفتم: سرورم! آیا شمافرزندی دارید؟ فرمود: دارم. گفتم: اگر حادثه ای پیش آمد، او را در کجا ببینم؟ فرمود: در مدینه، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، باب الاشاره و النص الی صاحب الدار(ع)).

یکی از کسانی که حضرت ولی عصر را دیده است، ابو عمرو عثمان بن سعید است. عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: من و ابو عمرو نزد احمدبن اسحاق رفتیم. وقتی

همه اجتماع کردیم، احمد بن اسحاق به من اشاره کرد که درباره جانشین حضرت ابا محمد امام حسن عسکری(ع) از ابو عمرو بپرسم. به ابو عمرو گفتم: ای ابا عمرو! می خواهم از چیزی سؤال بکنم که در آن شکی ندارم چون اعتقاد من و دین من این است که کره زمین از حجت خدا خالی نمی ماند مگر چهل روز مانده به روز قیامت و چون آن روز برسد حجت برداشته می شود و راه توبه بسته می شود و اگر کسی پیش از آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمانش به او سودی نخواهد بخشید و آن افراد بدترین خلق خواهند بود. گرچه ایمان به این دارم ولی می خواهم اطمینان خاطر پیدا کنم و یقینم بیشتر گردد همانطوری که حضرت ابراهیم از خداوند خواست که به او کیفیت زنده کردن مرده ها را نشان بدهد و خداوند به او گفت: مگر ایمان نیاوردی و او جواب داد: چرا، می خواهم قلبم مطمئن شود و احمد بن اسحاق به من گفته است که روزی از حضرت اباالحسن امام هادی(ع) پرسیدم: با چه کسی رفت و آمد کنم و دینم را از او بگیرم و حضرت امام هادی(ع) گفته است ابو عمرو مورد اعتماد من است و هر چه او گفته من گفته ام و همچنین احمد بن اسحاق گفت: از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم: از چه کسی احکام دین خود را بگیرم و آن حضرت فرمود: ابو عمرو و پسرش مورد اعتماد من است. آنان از من هر چه برای شماگفتند، درست گفته اند. تو پیرو آنان باش و هر چه می گویند اطاعت کن که هر دو مورد اعتماد من هستند. این،

گفتـار دو امـام دربـاره توست. وقـتی ابوعمرو حرفهـای مرا شـنید به سـجده افتـاد و گریست. پس از آن گفت: سؤالت را بگو. گفتم: آیا شـما جانشـین حضـرت امام حسن عسـکری(ع)را دیده ای؟ فرمود: به خدا قسم دیده ام گفتم: یک سؤال دیگر مانده است. گفت: بگو. گفتم: نـامش چیست؟ گفت: سؤال از نـام او بر شـما تحریم شـده است و این دسـتور خود حضـرت است نه دسـتور من زیرا خلیفه چنین می پندارد که حضـرت امام حسن عسـکری وفات یافته و فرزندی ازخود به جای نگذاشـته است و میراثش تقسـیم شده است. او می پندارد خانواده امام حسن عسکری(ع) در بدر شده اند و کسی را ندارند. اگر اسم حضرت به زبانها بیفتـد، تعقیبش می کننـد. پس از خدا بترسـید و از این موضوع دست بردارید، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۹باب فی تسمیه من رآه(ع)، ح ۱).

این ابو عمرو و پسرش هر دو از جانشین های مخصوص حضرت ولی عصر(ع) هستند.

حضـرت ولی عصر(ع) پس از شهادت پدرش، دیگر جز نواب خاصه کسی با او ملاقات نمی کرد مگر در موارد استثنائی. و از آن زمان که حضرت امام حسن عسکری(ع) به شهادت رسیدند، غیبت امام زمان(ع) شروع شد.

حضـرت امـام جعفر صادق(ع) فرمود: برای قائم آل محمـد(ص) دو غیبت در پیش است. یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه مدت، فقط خواص شیعه از جای آن حضرت آگاهند و در غیبت طولانی خواصّ موالی از جای آن حضرت باخبر هستند،(کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹).

آن حضـرت در غیبت صـغری چهار نفر جانشـین داشتند که به «نواب اربعه» معروفند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن

روح نوبختی و علی بن محمد سمری.

غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و در سال ۳۲۹ خاتمه یافت. و غیبت کبری از ۳۲۹ شروع و تا وقتی که خداوند بخواهد ادامه خواهد یافت، (شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۱۴۸، چاپ اول) در غیبت کبری، حضرت ولی عصر نایب خاصّ ندارد و هر کس ادعای نیابت خاص کند، در ادعای خود کاذب است.

در روایات زیادی آمده است که حضرت ولی عصر(ع) پس از پایان غیبت کبری ظهور و جهان را پر از عدل خواهد کرد. برای ملاحظه روایات مربوط به این موضوع به کتاب «منتخب الاثر» نوشته آیه الله صافی مراجعه کنید. در ص ۲۴۷ باب ۲۵ از مآخذ گوناگون روایات راآورده است.

هم پیامبر اسلام(ص)، هم فاطمه زهرا(س) و هم امامان معصوم(ع) به وجود حضرت مهدی بشارت داده اند. به علاوه شیعه و اهل سنّت هم به وجود حضرت مهدی(ع) معتقد هستند. برخی از روایات اهل سنت به این صورت است:

پیامبر اکرم(ص) فرمود: لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطی ء اسمه اسمی ؛ جهان به پایان نمی رسد تا مردیاز اهلبیتم که همنام من است بر عرب حکومت کند{M»، (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، چاپ مدنیه، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶).

پیامبر اکرم فرمود: المهدی منّا اهل البیت یصلحه الله فی لیله ؛ مهدی از خاندان ما است و خداوند کار او را یک شبه روبراه می کند{M»، (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸).

ام سلمه گفت: از رسول خدا شنیدم که فرمود: المهدی من ولد فاطمه ؛ مهدی از فرزندان فاطمه است{M»، (همان، ص ۱۳۶۸).

پیامبر خدا فرمود: یخرج فی آخر امتی

المهدی ؛ در پایان امت من، مهدی خروج می کند{M»، (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص۵۵۸).

در حدیثی آمده است که پیامبر اسلام فرمود: یکون فی امتی المهدی ؛ مهدی، در امت من است{M»، (همان).

ام سلمه می گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: المهدی من عترتی، من فاطمه ؛ مهدی از خاندان من و از نسل فاطمه است{M»، (سنن ابی داود، ج ۴،ص ۱۰۷).

رسول خدا فرمود: افضل العباده انتظار الفرج ، (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید).{J

وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می کند، وسایل پذیرایی را آماده می کند و با لباس مرتب و چهره ای شاداب در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه گویی او خواهند خندید.

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند

بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیده شود از رفتار و کردار او فهمیده می شود. نمی توان هر کسی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شمار دوستان و منتظران او قلمداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید».

با چنین

توضیحی روشن است که یک منتظر واقعی امام زمان باید رفتارش به گونه ای باشد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(ع) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نماید و خود را درراه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی تواند از وابستگی ها و دلبستگی ها و آلودگی ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد:

۱. اولین شرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی کشند اما کسانی که او را می شناسند و ارزش او را می شناسند و مقام او رامی دانند منتظر او می مانند.

کسانی که امام زمان را نمی شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از

دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱).

بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران بیرون هستند. آری

وصل خورشید به شب بره اعمی نرسد که در این آینه صاحب نظران حیرانند

البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می شود.

همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد.

۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر

چند هم که او رابشناسد نمی تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله ور نشده باشد نمی تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳).

۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود با به گونه ای سامان می دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می شود. و تنها در این صورت است که می توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت.

طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون تر خواهد گشت.

۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می داند که برنامه آن حضرت یک

برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البرّ و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید.

۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می کشد و از خدا می خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می باشد.

۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل های مختلف؛ اگر انسان منتظر، محبوب خویش را نیابد، سعی می کند عدم ورود محبوب خویش را از طرق دیگر مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می کند.

۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام

امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می دارند.

۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب هایی برای آن حضرت

۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران.

۱۰. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران

۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶).

از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می باشد.

در این زمینه به کتابهای زیر مراجعه کنید:

۱- کتابنامه امام زمان محمدپور

۲- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان رجالی تهرانی

۳- ترجمه منتخب الاثر آیت اللّه صافی

۴- مهدی موعود ترجمه علی دوانی

۵- وابستگی جهان به امام زمان لطف اللّه صافی

۶- امام زمان در گفتار دیگران علی دوانی

۷- علائم ظهور محمد علی علمی

عده ای از یهودیان برای رهائی از حمله رومی ها به قدس به حرّه غربی طائف مهاجرت و در آنجا ساکن شدند (قبل از بعثت پیامبر) به هنگام نزاع با خضرجیان به آنان می گفتند پیامبری ظهور می کند که ما به او می پیوندیم و شما را از بین می بریم. چرا پس از دعوت پیامبر هیچ ی

پرسش

عده ای از یهودیان برای رهائی از حمله رومی ها به قدس به حرّه غربی طائف مهاجرت و در آنجا ساکن شدند (قبل از بعثت پیامبر) به هنگام نزاع با خضرجیان به آنان می گفتند پیامبری ظهور می کند که ما به او می پیوندیم و شما را از بین می بریم.

چرا پس از دعوت پیامبر هیچ یک از آنان اسلام را نپذیرفتند؟ با وجود اینکه خود توسط تورات از این مسئله آگاهی و تأکید نیز داشتند. آیا چنین مصادقی را

زمان ظهور حضرت مهدی(می توان یافت؟ در میان مأکدین ومنتظرین؟

پاسخ

انسان مشتاق گاهی به دنبال حقیقتی می گردد، ولی هنگامی که به آن رسید، و آن را مخالف منافع شخصی خویش دید، بر اثر هوی پرستی به آن پشت می کند، و گاه حتی به مخالفت به آن نیز برمی خیزد. وضعیّت قوم یهود در برخورد با حقانیّت رسول مکرم اسلام(و دین او، چنین بود. قرآن در این باره می فرماید : "بِئسَما اشْتَرَوا به اَنفُسَهُمْ اَنْ یَکْفُرُوا بما اَنزل اللهُ بَغْیاً اَنْ یُنَزِّلَ اللهُ مِنْ فَضْله عَلی مَنْ یشاءُ مِنْ عباده، فباؤُ بغَضَبٍ عَلی غَضَبٍ و للکافرینِ عذابٌ مُهینٌ" (۱) یعنی (آنها (قوم یهود) در مقابل بدیهایی خود را فروختند، ناروا به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند، و معترض بودند که چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگان خود که بخواهد، آیات خود را نازل می کند، لذا خشم خداوند یکی پس از دیگری آنها را فرو گرفت، و برای کافران مجازاتی خوار کننده است.) طبق این آیه شریفه، قوم یهود انتظار داشتند پیامبر موعود از بنی اسرائیل و از میان خود آنان باشد، و از نزول قرآن بر دیگری ناراحت بودند. لذا زمانی که دریافتند پیامبر(از بنی اسرائیل نیست، و نیز ترس از اینکه مبادا منافع شخصیشان به خطر افتد، به او کافر شدند. و پشت کردند، و حتی به مقابله به او برخاستند.

در جایی دیگر قرآن در این باره می فرماید : "هنگامی که به آنها گفته شود به آنچه خداوند نازل فرموده ایمان آورید، می گویند به چیزی ایمان می آوریم که بر خود ما

نازل شده باشد، و به غیر آن کافر می شوند." (۲) و این نشان از تعصّبات نژادی قوم یهود دارد، که در همه حال به منافع قومی و نژادی خود می اندیشند. قوم یهود گرچه به ظاهر در انتظار پیامبر موعود حضرت محمد(بودند، ولی از درون نیز گرفتار نوعی خودخواهی و خودپرستی بودند، که مانع ایمان و اعتقاد همه جانبه آنها به او می گشت. و سرانجام همین خودپرستی و خودخواهی، آنان را به ورطه ضلالت و هلاکت افکند.

به اعتراف قرآن کریم، قوم یهود آنچنان به مال اندوزی و قبضه دنیا و انحصار طلبی تامّ و تمام علاقه مند و حریصند، که هر یک از آنان دوست دارد هزار سال عمر کند.(۳) و حتی می فرماید اینان از این جهت از مشرکین که طبعاً می بایست در جمع آوری اموال

از همه حریصتر باشند و در راه بدست آوردن آن از هر راهی باکی نداشته باشند، حریصترند. به فرموده قرآن کریم، آنچه عدم اینان اکثریت یهودیان را به پیامبر اسلام(سبب گشت، علاوه بر خودخواهی و خودپرستی و لجاجت در برابر حکم و فرمان پروردگار، حرص و ولع زائدالوصف آنها به امور مادی و منافع شخصی بود.

اینکه آیا ممکن است عملکرد یهودیان در قبال پیامبر(، در مورد منتظرین امام عصر، حضرت بقیها... نیز مصداق پیدا کند یا خیر ابتدا باید به توصیف ویژگیها و خصوصیات منتظرین حضرت حجه پرداخت، تا ابهام برطرف گردد.

طبق روایات اسلامی، منتظران حقیقی آن حضرت کسانی هستند که علاوه بر موحّد بودن، به غیب و امدادهای غیبی ایمان و اعتقاد دارند. در اصول اعتقادی نیز ایمانشان توأم با یقین است،

و از هرگونه تقلید کورکورانه و ناآگاهانه پرهیز می کنند، و در برابر همه فریبها و نیرنگها پایدار و مقاومند. و اسیر هوی و هوسهای نفسانی نمی گردند، و از هرگونه دنیاپرستی و زراندوزی که دیانت آنها را خدشه دار کند، و نیز هر نوع سستی و تنبلی بدورند، و در همه حال رضایت پروردگار را می جویند، اخلاصِ در عمل در اعماق جانشان ریشه زده.

موضوع ایمان و صبر و پایداری در عصر غیبت، طبق رویات، از خصوصیات بارز و در غین حال بسیار مشکل و دشوار منتظران حضرت مهدی(می باشد. آنگونه که پیامبر (می فرماید : "و پیش روی شما دوران صبر و پایداری است، صبر در این زمانه همچون گرفتن پاره های آتش در مشت است، آن کس که در این زمانه عمل کند و بکوشد، پاداش پنجاه نفر از شما را دارد. اصحاب گفتند : ای رسول خدا، ما با تو در بدر و احد و حنین بوده ایم، و قرآن بین ما نازل شده است! فرمود : اگر شما آنچه را که آنان متحمّل می شوند، بخواهید تحمّل کنید، نمی توانید چون آنان پایدار و بردبار باشید."(۴) منتظری که چنین ویژگی داشته باشد، و از هر نوع نفاق و دورویی و خیانت و لجاجت بدور باشد، و روح و جانش مملو از عشق به پروردگار عالم و مطیع اوامر او باشد، مسلّم اگر ظهور امام عصر(را درک کند، به آن امام عزیز پشت نمی کند، و یا در برابر او شمشیر نمی کشد، بلکه همراه و همگام و متحد با او، به ستیز باظلم و ستم برخواهد خواست.

اما کسانی که به زبان ادعای دوستی و انتظار می کننـد، و همچون یهود صدر اسـلام، از درون گرفتار حبّ و بُغضـهای نفسانی باشـند، ولو اینکه مسـلمانند، با ظهور امام(، آنان نیز منافع خود را در خطر خواهنـد دیـد، و ممکن است همان عملی را در پیش گیرند، که اکثریّت یهود در قبال پیامبر(انجام دادند.

در این باره بجاست که به کلام حضـرت بقیها... اشاره کنیم، می فرماینـد : "هر یكٔ از شـما باید کاری انجام دهد، که او را به ما نزدیكٔ می کند، و مورد محبت و دوستی ما قرار می دهد، و از هر کاری که ناخوشایند ما است، و خشم ما را برمی انگیزد، دوری کند، زیرا امر ما به صورت ناگهانی خواهد رسید." (۵)

منابع و مآخذ :

سوره مبارکه بقره/آیه ۹۰

۱. سوره مبارکه بقره/آیه۹۱

۲. سوره مبارکه بقره/آیه۹۶

۳. تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ۴۶۷

همان، مربوط به نامه حضرت بقیه ا... ، که به شیخ مفید مرقوم فرمودند.

زمان ظهور حضــرت حجت(عج) قضای الهی محسوب می شود یا قدر؟ چون چندی پیش از یکی از علمای شــهرمان شنیدم که فرموده بودند: «ظهور حضــرت قضای الهی محسوب می شود و با دعای ما عقب یا جلو نمی افتد و این که بزرگان دین بر امر تعجیل فرج اصرار دارند و گفته می شود بسیار دعا کن

پرسش

زمان ظهور حضـرت حجت(عج) قضای الهی محسوب می شود یا قدر؟ چون چندی پیش از یکی از علمای شهرمان شنیدم که فرموده بودنـد: «ظهور حضـرت قضای الهی محسوب می شود و با دعای ما عقب یا جلو نمی افتـد و این که بزرگان دین بر امر تعجیل فرج اصرار دارند و گفته می شود بسیار دعا کنید، تنها به خاطر ایجاد محبت بین فرد و آقا امام زمان(عج) است. و علت خواندن دعای ندبه، عهد و... تنها عدم دوری ما از آن حضرت است که اگر این امر صورت نگیرد به مرور زمان مردم فراموش می کنند که منتظر جانشین خدا بر روی زمین بوده اند؟»

این موضوع فکر مرا مغشوش کرده و بعد از هر نماز تنها ذکر «اللهم عجل لولیک الفرج» را به نیت ۵ تن آل عبا تکرار می کردم ولی طی این مدت تنها «دعای الهم کل لولیک» و «الهی عظم البلاء...» و «آل یاسین» و از این قبیل را می خوانم، یعنی با دید دیگری به مسأله ظهور امام زمانم می اندیشم. خواهشمندم در این زمینه مرا راهنمایی فرمایید.

پاسخ

به فرموده امام علی(ع): خداوند کارها را به حسب قضایش انجام می دهد نه رضایت شما، (میزان الحکمه، روایت شماره ۱۶۴۵۶)

و مقدمه قضای الهی قدر الهی است. چرا که هر کار بر اساس اندازه و هندسه خاص خود انجام می گیرد. به فرموده امام صادق(ع): چون که خداوند چیزی را اراده کند مقدر می نماید آنرا (اندازه و مقدار آنرا معین می نماید) و پس از تقدیر قضایض به آن تعلق می گیرد، (همان مصدر، روایت شماره ۱۶۴۶۱)

قدر عبارت است از هندسه و اندازه وجودی هر چیز و قضاء به معنای گذراندن و یکسره کردن و به پایان رساندن است تقدیر الهی موجودات عالم مشهود را بسوی آنچه در مسیر وجودشان برای آنها تقدیر و قالب گیری کرد، هدایت می کند همچنانکه خدای بزرگ فرمود: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» یعنی آنچه را که خلق کرده بسوی آنچه که برایش مقدر نموده هدایت فرمود. و سپس همین تقدیر و هدایت را با امضاء قضاء تمام و تکمیل می کند، {M؛ (سوره اعلی، آیه ۳؛ ر.ک: تفسیر المیزان، مرحوم علامه Ս...ՍṢ̱.......Ṣترجمه ج ۳۷، ص ۱۸۵).

و بسیار می شود که خدا چیزی را ....می کند ولی به

دنبال تقدیر قضائش را نمی راند مانند قدری ک...بعضی از علل و شرائط خارج آنرا اقتضاء داشته ولی به ...ΘƱ...مزاحمت مانعی آن اقتضاء باطل می شود و یا سببی دیگر و یا اقتضایی دیگر جای سبب قبلی را می گیرد و چه بسا چیزی مقدر بشود و قضاء آن نیز رانده شده باشد مثل این که از جمیع جهات یعنی هم از جهت وجود علل و شرایط و هم از جهت نبودن مانع تقدیر شده باشد که در این صورت آن چیز محقق می شود و در بعضی از روایات نیز آمده که قدر ممکن است تخلف کند اما برای قضاء برگشتی نیست. البته تغییر در تقدیر مربوط به عالم ماده می باشد، (ر.ک: همان مصدر، ص ۱۸۵)

با توجه به این مقدمه قضاء به معنای اجتماع جمیع علل و شرائط و فقدان هر گونه مانعی است که مسلماً انجام می گیرد و هیچ گونه برگشتی در آن نیست. اما این بدان معنی نیست که قصد کنیم دعا کردن با قضاء الهی منافات دارد. چه بسا همین قضایی که مجموعه شروط متعدد است یکی از آن شروط دعای بندگان باشد.

و آمیختگی و همسویی دعا و قضاء در روایات بخوبی مشهود است. امیرالمؤمنین علی(ع) در انتهای نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزندشان امام مجتبی(ع) می فرماید: دین و دنیای تو را به خدا می سپارم «و اسأله خیر القضاء لک» و بهترین خواسته الهی را در آینده و هم اکنون در دنیا و آخرت برای تو می خواهم. و این اجتماع درخواست از خدا (سؤال) و قضاء. بسیار زیباست.

در روایت آمده که حضرت امیر(ع) از زیر دیواری

که در شرف خراب شدن بود حرکت کردند و به جای دیگر رفتند از آن جناب سؤال شد آیا از قضای الهی (حکم حتمی الهی) فرار می کنید آن امام بزرگوار فرمودند از قضای الهی به سوی قدر الهی فرار می کنم!، (ر.ك: میزان الحکمه، ج ۸، ص ۱۶۲)

به این معنی که در صورت توقف تمام مقدمات لازم برای زیر آوار ماندن مهیا می گردد و قضای الهی تحقق می پذیرد. اما با حرکت به سوی مکانی دیگر مقدمه ای از آن مقدمات ناقص می گردد و هندسه ای دیگر شکل می گیرد و آن تحقق سلامت و امنیت است.

و لذا منافات ندارد که حتی دعا، قضای الهی را متبدل سازد. دعایی که از جمله مقدمات و شروط حکم حتمی الهی است. در روایت از رسول اکرم(ص) وارد شده که: «لا یرد القضاء الا الدعاء» ؛ قضای الهی را رد نمی کند مگر دعا (ر.ك: منتخب میزان الحکمه، روایت شماره ۲۱۰۱)

بنابراین در عین حال که همه امور به قضای الهی تحقق می پذیرد.

منافات ندارد که ما موظف به دعا کردن باشیم. نه صرفاً به علت یک امری صوری و ظاهری بلکه چون دعا خود در سلسله طولی تحقق اشیاء تأثیر جوهری دارد.

و این تأثیر به اذن و اراده الهی انجام می گیرد. خود حضرت حق ما را مأمور به دعا کردن نموده است و برای این دعا تأثیر قائل شده است.

نتیجه این که آری زمان ظهور حضرت حجت(ع) مثل بقیه امور و اسرار به قضای الهی است. در عین حالی که ما موظف به دعای در جهت تعجیل فرج آن بزرگوار می باشیم. و دعای

ما می تواند در مجموعه علل ظهور مؤثر باشد.

غیبت

چیستی غیبت

معنای غیبت

کیفیّت غیبت حضــرت صاحب الامر چگونه است؟ آیا جسم شــریف ایشان از نظرها پنهان است یا اینکه جسم آن حضرت دیده میشود ولی کسی ایشان را نمیشناسد؟

پرسش

کیفیّت غیبت حضرت صاحب الامر چگونه است؟ آیا جسم شریف ایشان از نظرها پنهان است یا اینکه جسم آن حضرت دیده میشود ولی کسی ایشان را نمیشناسد؟

پاسخ

اگر چه فلسفه و صحت و فائده غیبت، به هر یک از دو نحو (غایب شدن جسم و ناشناس بودن) حاصل میشود و این جهات که امر امام(ع) مخفی باشد و کسی او را نشناسد، یا نتواند متعرض ایشان گردد و سائر هدفها و مقاصدی که در غیبت آن حضرت است، در هر دو حـال حاصـل است؛ اما از جمع بین روایات و حکایات تشـرف افراد به خـدمت آن حضـرت و اسـتفاده تفسـیر بعضـی از آنها از برخی دیگر، دانسـته میشود که غیبت آن حضرت به هر دو شکل (نا پیدا شدن و ناشناس بودن) وقوع دارد. و بلکه گاهی در زمان واحـد هر دو شـکل واقع شده است؛ یک نفر ایشان را دیده و نشـناخته و دیگری در همان حال، اصـلاً آن حضرت را ندیده است. چنانکه پیغمبر اکرم(ص) را در بعضی از وقایع بعضی میدیدند و بعضی نمیدیدند.

معنای غیبت چیست و ایا تمام پیروزیهای حضرت حجه((علیه السلام)) با امداد غیبی است؟

پرسش

معنای غیبت چیست و ایا تمام پیروزیهای حضرت حجه((علیه السلام)) با امداد غیبی است؟

پاسخ

معنای غیبت امام این است که مردم آن حضرت را نمی شناسند ولی ممکن است وی را مشاهده کنند و قیام امام زمان گرچه با

ویژه گیهایی همراه است و آن گرامی از نیروهایی که غیر عادی است، برخوردار است که در پیشرفت خویش از آنها هم استفاده می کند ولی چنین نیست که تنها پیشرفت وی براساس نیروهای غیبی باشد او، نیز از طریق جنگ و پیکار با دشمنان خدا و از بین بردن آنان اقدام می کند. آری وی از امدادهای غیبی الهی هم برخوردار است که در پیشرفت وی و تشکیل حکومت جهانی وی مؤثّر می باشد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

غیبت حضرت مهدی علیه السلام به چه کیفیتی است؟

پرسش

غیبت حضرت مهدی علیه السلام به چه کیفیتی است؟

پاسخ

در رابطه با کیفیت غیبت حضرت دو نظریه است:

۱ – نظریه خفای شخص: یعنی اینکه وجود حضرت از دید مردم مخفی است. دلیل این نظریه روایاتی است که از طرق اهل بیت: رسیده است.

امام رضا (ع) فرمود: "لایری جسمه..."؛ "... جسم او دیده نمی شود...".

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۷۰. پاورقی}

امام صادق (ع) فرمود: "...الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه..."؛ "...پنجمین از {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲. پاورقی}

اولاد هفتمین، شخصش از شما غایب خواهد شد...".

۲ – نظریه خفای عنوان: به این معنا که مردم او را می بینند ولی هرگز به عنوان مهدی موعود به او آشنایی پیدا نمی کنند. دلیل بر این نظریه نیز روایت محمّد بن عثمان عَمْری است که فرمود: "واللَّه إنّ صاحب هذا الأمر لیحضر الموسم کلّ سنه فیری الناس ویعرفهم ویرونه ولایعرفونه"؛ "به خدا سوگند! همانا صاحب این امر در موسم حجّ هر سال {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۴۰. پاورقی}

حاضر می شود، مردم را می بیند وآنها را نیز می شناسد، ونیز مردم او را می بینند ولی نمی شناسند."

فلسفه و علل غیبت

چرا باید پیامبراکرم ۶زود از دنیا برود و قرن ها مسلمانان ازفیض وجودش محروم باشند؟ چرا باید شیعه از فیض وجود حضرت امام زمان ۷بی نصیب بماند؟ در حالی که خداوند قدرت دارد وجودش را ظاهرکند و از شرّ دشمنان حفظش نماید؟

پرسش

چرا باید پیامبراکرم ۶زود از دنیا برود و قرن ها مسلمانان ازفیض وجودش محروم باشند؟ چرا باید شیعه از فیض وجود حضرت امام زمان ۷بی نصیب بماند؟ در حالی که خداوند قدرت دارد وجودش را ظاهرکند و از شرّ دشمنان حفظش نماید؟

پاسخ

در پاسخ به این سؤال باید گفت : اولاً: باید بدانیم پیامبر و امام ازنظر مادی و عنصری مثل سایر مردم هستند و غذا می خورند و استراحت می کنند و مریض می شوند و زن می گیرند و تشکیل خانواده می دهند. خداوندبه پیامبر۶فرمان می دهد: .(۱)

پیامبر۶هم مثل دیگران مسموم و پیر می شود و بالاءخره می میرد: .(۲)

بنابراین نباید انتظار داشته باشیم پیامبر۶همیشه زنده باشد یا بیش ازدیگران عمر کند.

ثانیاً: پیامبر اکرم ۶زمانی رحلت کرد که مأموریت خود را به نحو احسن به پایان رساند. خداوند تمام احکام و قوانین دین را بر او نازل کرد و دینش راکامل نمود: .(۳)

پیامبر اکرم ۶ احکام و قوانین را تا آن جا که مردم نیاز داشتند و اوضاع به او اجازه می داد, به مردم ابلاغ کرد و همهء آن ها را به حضرت علی بن ابی طالب ۷و ایشان به امام بعد از خود و همین طور تا امام زمان تعلیم داد; بنابراین ائمهء اطهار: در احکام و قوانین هر چه دارند, از رسول خدا۶ارند; از این رو می توانیم بگوییم : گرچه جسم پیامبر۶به حسب ظاهر ازمیان ما رفته است , اما جان و روحش تا ابد زنده است .

اما راجع به امام زمان ۷باید بگویی : کلًا سه فایده بر وجود امام مترتب است :

۱ فرد کاملی است که همهء

فضائل و کمالات انسانیت در او تبلور یافته وصحبت خدا است که اگر نباشد, زمین اهلش را فرو می برد و عذاب نازل می شود و فیوضات الهی به یُمن وجود او به مردم و اهل زمین و آسمان می رسد.

۲ حافظ و مروج احکام الهی و واسطهء فیض است و فیوضان الهی به یمن وجود او به موجودات می رسد.

۳ زمامدار و اداره کنندهء امور مسلمان ها است .

فایده اول یقیناً حاصل است , زیرا واسطهء فیض بودن , فرق بین حضور وغیاب ندارد. فایدهء دوم نیز فعلیت دارد, زیرا او لنگر زمین و آسمان و قلب عالم امکان است ; اما فایدهء سوم , ما هم قبول داریم مردم از فیض وجودش محرومند, اما باید دید عامل حرمان کیست ؟ خدا, امام یا مردم ؟

به طور حتم خداوند متعال نیست , چون وظیفه اش آفریدن امام ۷و معرفی کردن به مردم است و این کار را هم کرد. امام هم نیست , چون حضرت برای هرگونه فداکاری و افاضهء فیض آمادگی دارد; پس یقیناً مردم مقصرند و باید زمینه ءظهور حضرت را فراهم کنند تا حضرت ظهور کنند. خداوند متعال هم بدون اسباب و علل و به طور مستقیم در امور مردم دخالت نمی کند و تا مردم زمینه ءظهور را فراهم نکنند, خداوند کاری انجام نخواهد داد.

سرنوشت آنان را تغییر نخواهد داد>.()خواجه نصیر الدین طوسی در

الاعتقاد> می گوید: والغیبه منّا ; علت غیبت ماییم >.

(پاورقی ۱.کهف (۱۸ آیهء ۱۱۰

(پاورقی ۲.زمر (۳۹ آیهء ۳۰

(پاورقی ۳.مائده (۵ آیهء ۳

علّت و ریشهء غیبت امام زمان را بیان کنید.

پرسش

علّت و ریشهء غیبت امام زمان را بیان کنید.

پاسخ

علّت غیبت حضرت ولی عصر۷یکی از رازهای الهی بوده و ممکن است ما نتوانیم به کنه آن واقف شویم , ولی از آن جائی که وجود امام نعمت و برکت و فیض الهی است و زمین از حجّت خدا خالی نمی ماند و اداره ءامور توسط امام و زندگی

آشکار وی فیض مضاعف است , و از طرفی منع فیض از طرف خدا و امام با وجود شرایطاستفاده از فیض , متصور نیست , می توان گفت یکی از مهم ترین انگیزه های پنهان زیستی و رازهای غیبت حضرت این است که مردم به حمایت و اطاعت از حضرت بر نخواستند و در وفای پیمان ولایت همداستان و یک دل نگشتندو به استقبال این مظهر لطف الهی نرفتند. خدای منّان یازده امام معصوم را برای رهبری جامعه و رساندن آن به سعادت دنیا و آخرت معیّن کرد, لیکن مردم از آن ها اطاعت نکردند و به استقبال آنان نرفتند. آخرین امام از طرف خدای متعال برای گسترش عدل کلّی و به اهتزاز درآوردن پرچم توحید در جهان در نظر گرفته شده است , اگر آشکارازندگی می کرد, به سرنوشتی همانند امامان گرفتار می شد و قبل از تحقق آن آرمان بزرگ , دیده از جهان فرو می بست .بنابراین مهم ترین عامل محرومیّت جوامع بشری از همهء آثار و برکات وجود حضرت , خود مردمند. امام علی ۷رمود: .(۱)ا

(پاورقی ۱.لطف الله صافی گلپایگانی , منتخب الاءثر فی الامام الثانی عشر, باب ۲۸ ص ۳۳۰ ۳۳۴ جعفر سبحانی , منشور عقاید امامیه , اصل ۹۹و ۱۰۰ سید

جمال الدین حجازی , پیام امام زمان ۷ ص ۲۲ مجله حوزه , سال ۷۰ ۷۱ ص ۳۵۳ ۳۸۰

چرا امام زمان علیه السلام از همان کودکی در اختفا به سر بردند؟

پرسش

چرا امام زمان علیه السلام از همان کودکی در اختفا به سر بردند؟

پاسخ

برخی سؤال می کننـد که چرا امام زمان (ع) از همان ابتدای کودکی در اختفا به سر بردند در حالی که وظیفه امام، حضور در میان مردم وارشاد آنان است؟ وبه تعبیر دیگر: چرا امام عسکری (ع) فرزند خود را از هنگام ولادت از مردم مخفی داشت؟

شکّی نیست که فشار سیاسی بر امام عسکری (ع) وکنترل آن حضرت برای دسترسی به فرزندش حضرت مهدی (ع) به حدّی شدیـد بود که به شیعیان واصحاب خود سفارش نموده بود حتی کسی در ملأ عام بر او سلام نکنـد یا با دست به او اشاره ننماید؛ زیرا در این صورت در امان نخواهد بود.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹، ح ۳۴. پاورقی}

کار به جایی رسیده بود که امام عسکری (ع) برای ملاقات با اصحاب خود کسی را به سراغ آنها می فرستاد ومی فرمود: "صیروا إلی موضع کذا وکذا، وإلی دار فلان بن فلان العشاء والعتمه فی لیله کذا فانّکم تجدونی هناك"؛ "بعد از وقت عشا در فلان موضع وفلان خانه، در {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۳۰۴، ح ۸۰. پاورقی}

فلان شب جمع شوید که مرا در آنجا خواهید دید."

با وجود همین فشارهای سیاسی بود که حضرت نظام وکالت را دنبال نمود تا هم بتواند به نیازهای مردم رسیدگی کند وهم از گرفتاری هایی که از ناحیه ملاقات ها برای مردم حاصل می شد، بکاهد.

در این موقعیت حسّاس، امام زمان (ع) متولّد شد. کسی که حجت خدا در روی زمین بعد از امام عسکری (ع) خواهد بود. او دوازدهمین امامی خواهد بود که رسول خدا (ص) وعده تولدش را داده که با

ظهورش در آخرالزمان زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. کسی که به جهت قیام غیرمترقّبه اش نمی تواند بیعت کسی را بر گردن داشته باشد. آیا چنین امامی نباید از ابتدای ولادت وحتّی از هنگام به امامت رسیدن، از دید عموم مردم وخصوصاً سلاطین جور که درصدد قتل او بودند مخفی باشد؟ هر چند که در میان مردم است وبا آنان زندگی می کند قطعاً باید این چنین باشد وگرنه برخلاف مصالح کلّی عالم خواهد بود.

فلسفه غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

پرسش

فلسفه غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

پاسخ

یکی از سؤال هایی که در طول تاریخ عصر غیبت مطرح بوده وهست این است که چرا امام زمان (ع) غایب شد، وچرا ما با آن حضرت ارتباط نداریم.

سؤال مورد نظر را با بیان مقدماتی که خود آنها ما را به نتیجه قطعی می رساند جواب خواهیم داد:

۱ - خداوند متعال در قرآن کریمش ونیز پیامبر اسلام (ص) خبر از پیروزی وغلبه دین اسلام بر جمیع ادیان در پایان تاریخ بشریّت داده است.

خداوند می فرماید: {هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدی وَدِینِ الحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ}؛ "اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق {پاورقی . سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹. پاورقی}

فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلّط وبرتری دهد، گر چه مشرکان کراهت داشته باشند."

۲ - مصالح بندگان با اختلاف حالات آنها متغیّر می شود. خداوند متعال امر تدبیر بندگان ومصلحت آنها را بر عهده گرفته است. عقلشان را کامل کرده وآنها را به انجام اعمال صالح وادار نموده است تا از این طریق به سعادت برسند. حال اگر مردم به دستورهای خداوند تمسک کرده وانجام وظیفه کنند، بر خداوند است که آنها را یاری کند وبا اضافه کردن عنایت هایش بر بندگان، راه را بر آنها تسهیل وهموار نماید، ولی در صورتی که مخالف دستورهایش عمل کنند ومرتکب نافرمانی شوند، مصلحت بندگان تغییر می کند، ودر نتیجه، موقعیّت ووضعیّت نیز تغییر خواهد کرد، خداوند توفیق را از آنان سلب خواهد نمود، ودر این هنگام مستحقّ ملامت وسرزنش می شوند.

خداوند متعال امامان را یکی پس از دیگری به سوی مردم فرستاد ولی هنگامی که آنان را

نافرمانی کرده وبه طور وسیع خونشان را ریختند، قضیه برعکس شد ومصلحت بر این تعلق گرفت که امام مردم، غایب ومستور گردد.

۳ - بی شک هر کار اجتماعی -بزرگ یا کوچک- احتیاج به آماده شدن شرایط مناسب دارد. لذا باید برای قیامی جهانی وفراگیر آمادگی خاصی صورت گیرد.

۴ - بی تردید، دین غالب در عصر ظهور، احتیاج به رهبر وامامی غالب دارد که دارای شرایطی از قبیل: قدرت فوق العاده، علم جامع وعصمت باشد.

۵ - مطابق روایات متواتر بین شیعه وسنّی پیامبر (ص) امامان بعد از خود تا روز قیامت را دوازده نفر برشمرده است که بعد از او پیاپی خواهند آمد.

{پاورقی . صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۷. پاورقی}

۶ - از مجموعه روایات وادله عقلی استفاده می شود که بقای امام معصوم وحجّت خدا بر روی زمین تا روز قیامت امری ضروری است.

مرحوم کلینی به سند صحیح از ابی حمزه نقل می کند که از امام صادق (ع) سؤال کردم: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود: "لو بقیت الأرض بغیر إمام لساخت"؛ "اگر زمین بدون امام باقی بماند دگرگون خواهد شد."

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰. پاورقی}

۷ - یکی از اسباب گوشه نشین شدن انبیا ورسل، خوف از قتل به جهت حفظ جان وبه امید نشر شرایعشان بوده است. امام مهدی (ع) نیز با نبود اسباب عادی برای نصرت ویاری اش وخوف از کشته شدن، به امر خداوند مأمور به غیبت ودوری از مردم شدند.

امام صادق (ع) به زراره فرمود: "للقآئم غیبه قبل قیامه. قلت: ولِمَ؟ قال: یخاف علی نفسه الذبح"؛ "برای قائم غیبتی است قبل از قیامش. زراره می گوید: به حضرت عرض کردم: به {پاورقی .

کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۱، ح ۱۰. پاورقی}

چه جهت؟ فرمود: زیرا از قتل بر خود می ترسد."

۸ – یکی از اسباب وعوامل غیبت امام زمان (ع) که در روایات به آن اشاره شده، بیعت نکردن آن حضرت با حاکمان عصر خود است.

شیخ صدوق به سندش از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: "یقوم القائم (ع) ولیس لأحد فی عنقه بیعه"؛ "قائم (ع) قیام خواهد کرد در حالی که بیعت کسی بر گردن او نخواهد {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۸۰. پاورقی}

بود."

۹ – هدایت بر چند قسم است:

الف. هدایت فطری: که همان هدایت از راه فطرت است.

{فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها لا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَلکِنَّ أَکْثَرَ النّاسِ لایَعْلَمُونَ}؛ "پس روی خود را متوجّه آیین خالص {پاورقی . سوره روم، آیه ۳۰. پاورقی}

پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسان ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی دانند."

ب. هدایت تشریعی: که متفرّع بر حضور امام در میان جامعه است تا مردم را از نزدیک راهنمایی کند.

{کانَ النّاسُ أُمَّهً واحِدَهً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَمُنْذِرِینَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الکِتابَ بِالحَقِّ لِیَحْکُمَ بَیْنَ النّاسِ فِیمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ...}؛ "مردم [در آغاز] یک دسته بودند، [و {پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۱۳. پاورقی}

تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال] خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می کرد، با آنها نازل نمود، تا در میان مردم، در آنچه

اختلاف داشتند، داوری کند...".

ج. هدایت تکوینی: که همان تصرف وتدبیر در نظام آفرینش است.

{قالَ الَّذِی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الکِتابِ أَنَا آتِیکَ بِهِ قَبْلَ أَنْ یَرْتَدَّ إِلَیْکَ طَرْفُکَ فَلَمّا رَءآهُ مُسْتَقَرّاً عِنْدَهُ قالَ هذا مِنْ فَضْلِ رَبِّی لِیَبْلُوَنِی أَ أَشْکُرُ أَمْ أَکْفُرُ...}؛ "[امّا] کسی که دانشی {پاورقی . سوره نمل، آیه ۴۰. پاورقی}

از کتاب [آسمانی] داشت گفت: "پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد". و هنگامی که [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: "این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می آورم یا کفران می کنم؟!"...".

د. هدایت باطنی: که شعبه ای است از ولایت تکوینی وبه معنای ایصال به مطلوب است.

{وَجَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا وَأَوْحَیْنا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الخَیْراتِ وَإِقامَ الصَّلوهِ وَإِیتآءَ الزَّکوهِ وَکانُوا لَنا عابِدِینَ}؛ "وآنان را پیشوای مردم ساختیم تا خلق را به امر ما هدایت {پاورقی . سوره انبیاء، آیه ۷۳. پاورقی}

کنند وهر کار نیکو را [از انواع عبادات وخیرات] وخصوص اقامه نماز وادای زکات را به آنها وحی کردیم وآنها هم به عبادت ما پرداختند."

با نظر وتأمّل در مجموع مقدمات فوق به این نتیجه خواهیم رسید که وجود نازنین امام زمان (ع) به عنوان دوازدهمین امام، باید برای روز موعود در پس پرده غیبت بوده، تا در آن هنگام به اذن خداوند برای هدایت بشر ظهور کند.

چرا برای امامان دیگر، غیبت مقرّر نگردیده است؟

پرسش

چرا برای امامان دیگر، غیبت مقرّر نگردیده است؟

پاسخ

برای امام زمان (ع) شرایط خاصی پیدا شد که هرگز برای امامان دیگر مقرّر نشده بود، این شرایط باعث شد که تنها امام زمان (ع) از دید مردم غایب باشند نه دیگر امامان. از جمله آن شرایط وظرفیّت ها عبارتند از:

الف.حضرت مهدی (ع) آخرین امام از دوازده امامی است که پیامبر (ص) از آمدن آنان خبر داده است. امامانی که هرگز نباید زمین از وجودشان خالی باشد.

ب.از آنجا که حضرت (ع) هر لحظه ممکن است به اذن خداوند مأمور به خروج وقیام شود لذا نمی تواند ظاهر باشد وتحت بیعت یکی از حاکمان ظلم وجور قرار گیرد.

ج.در صورت عدم غیبت امام زمان (ع) به طور حتم لازم می آمد که تنها باقی مانده از حجت های الهی تا روز قیامت، از طرف دشمنان کشته شود.

در نتیجه مصلحت الهی بر این تعلّق گرفت که حضرت در پشت پرده غیبت تا زمان معیّنی باقی بمانند.

۱–چرا آنقدر امام زمان « عج » خود را پنهان می کند !!؟

پرسش

۱–چرا آنقدر امام زمان « عج » خود را پنهان می کند !!؟

پاسخ

ج۱– آزمایش وامتحان در اثر این غیبت طولانی.

گروهی که ایمان کافی ندارند ،باطنشان ظاهر می شود و کسانی که ایمان در اعماق دلشان ریشه کرده و به واسطه انتظار فرج صبر بر شرائط و ایمان به غیبت ارزششان معلوم می شود و به درجاتی از ثواب نایل می شوند .

۲– بیعت نکردن با ستمکاران , یکی از فؤاید و حکمتی که برای غیبت آن حضرت در روایات نقل شده، موضوع محفوظ ماندن از معاهده و بیعت با ستمکاران است .

۳– نجات ازقتل . یکی از حکمت ها موضوع نجات از قتل معرفی شد چون، دستگاه حاکم به شدت در تعقیب و جستجوی آن حضرت بود تا او را به جنگ آورده و به قتل برساند چاره ای جز غیبت نیست.

۵– آمادگی پذیرش . برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان تنها وجود یک رهبر شایسته کافی نیست بلکه؛ آمادگی عمومی نیز لازم است و متأسفانه دنیا هنوز آماده پذیرش حکومت حضرت مهدی «عج» نشده است . زیرا صرف اینکه ظلم و ستم عالم را فرا گرفته کافی نیست که امام ظهور کند . چرا که ظلم ،یکی از اسباب آمادگی مردم است و یقینا هرگاه چنان آمادگی فراهم آید ، ظهور نیز قطعی و حتمی خواهد شد .

حداقل چند نوع آمادگی لازم است ،تا آن حضرت ظهور کند :

الف)– آمادگی روانی

ب) آمادگی فرهنگی و صنعتی

ج) آمادگی ازحیث یک نیروی ضربتی انقلابی

مگر نمی گوییم خداونـد بر همه چیز قادر است با این وجود می توانـد از وجود مبارک امام زمان هم محافظت نماید به طوری که هیچ صدمه ای نبینند پس چرا امام زمان ظهور نمی فرمایند؟

پرسش

مگر نمی گوییم خداونـد بر همه چیز قادر است با این وجود می توانـد از وجود مبارک امام زمان هم محافظت نماید به طوری که هیچ صدمه ای نبینند

پس چرا امام زمان ظهور نمی فرمایند؟

پاسخ

در ابتدا باید یک نکته را متذکر شوم که با توجه به بعضی آیات قرآن کریم و روایات بسیاری از اسرار آفرینش برای ما مجهول است و هیچ کس هم مدعی نیست که واقف به تمام رموز آفرینش است. چنانچه خداوند متعال می فرماید اگر تمام درختان قلم بشود و آب دریا به اضافه هفت دریای دیگر مرکب گردد باز نگارش کلمات خداوند تمام نگردد (لقمان، آیه ۲۷).

حضرت علی(ع) می فرماید: چه بزرگ است آنچه از آفرینش تو می بینم لکن در کناره آنچه از قدرت تو از ما پنهان است بسیار کوچک است و مسأله غیبت حضرت و سِر و علل آن هم یکی از کلمات الهی است که خود معصومین(ع) تصریح کرده اند که علت غیبت و موانع ظهورش معلوم نخواهد شد مگر بعد از ظهور حضرت چنانچه حکمت کارهای حضرت خضر معلوم نشد در زمان مصاحبت با موسی(ع) مگر بعد از مفارقت (مضمون روایت امام صادق در کتاب منتخب الاثر آیت الله صافی گلپایگانی، باب ۲۸، فصل ۲).

با این حال خود این بزرگان گاهی پرده را کنار زده و به بعضی از علل غیبت و موانع ظهور اشاره کرده که با هم سر سفره معرفت آنها نشسته و بهره می بریم. لکن مقدمتا اشاره می کنیم که در روایات بسیاری برای ظهور امام زمان(عج) شرایطی ذکر شده که تا آن شرایط محقق نشوند حضرت ظهور نمی فرمایند که نبود آن شرایط می شود از موانع ظهور مثلاً در روایات متعددی - قیام سفیانی و قیام سید حسنی و قیام دجال و حوادث دیگر که در

روایات مشروحا بیان شده است باید محقق شوند تا حضرت ظهور فرمایند پس مادام که این شرایط و مقدمات حاصل نباشند ظهور محقق نمی شود.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک:

۱. جهان آینده، محمد حسن موسوی کاشانی

۲. نوید امن و امان، آیت الله صافی

آنچه از روایات درباره موانع ظهور حضرت استفاده می شود به صورت خلاصه عبارتند از:

۱- به حکومت رسیدن همه اقشار؛ یعنی غیبت حضرت آن قدر طول می کشد همه اصناف مردم از هر قشر و طبقه ای به حاکمیت برسند تا حجت بر همه تمام گردد و به همه معلوم شود که قادر به اجرای عدالت نیستند. چنانچه امام صادق(ع) می فرمایند نخواهد بود این امر [ظهور حضرت] تا آن که نماند هیچ صنفی از مردم مگر این که ولایت پیدا کنند تا این که کسی نگوید که اگر ما ولایت می یافتیم عدالت می ورزیدیم سپس حضرت قائم به حق و عدالت قیام کند (غیبت نعمانی، محمد ابن ابراهیم نعمانی، باب ۱۴، ش ۵۳).

۲- علت دیگری که امام باقر(ع) اشاره می فرمایند برای طولانی شدن غیبت امتحان است می فرمایند «لیعلم الله من یطیعه بالغیب و یؤمن به» (جهان در آینده، محمد حسن موسوی کاشانی، ص ۱۳). و از روایات دیگر استفاده می شود که امتحان به غیبت از ۲ جهت از شدیدترین امتحانات است:

الف) چون اصل غیبت که بسیار طولانی می شود بیشتر مردم در شک و ریب می افتند و جز اشخاص مخلص و دارای معرفت کامل کسی بر عقیده به امامت باقی نخواهد ماند چنانچه پیامبر(ص) فرمود «لا یثبت فیها الامن امتحن الله قلبه للایمان» (منتخب الاثر، آیت

الله صافی گلپایگانی، فصل ۱، باب ۸، حدیث ۴۵).

جهت دوم ناگواری ها و سختی هایی که در زمان غیبت رخ می دهد که امام صادق(ع) فرمود که هر کس بخواهد در عصر غیبت به دینش ملتزم باشد مثل کسی است که خارهای درخت خرما را با دست کنار بزند و غیبت طول می کشد تا سیه رویان در این محک معلوم شوند (کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۶).

۳- پیدا شدن قابلیت در منتظران یعنی مردم به این سطح از معرفت برسند که قوانین بشری در اجرای عدالت کافی نیست پیشرفت ها ولو در همه زمین ها به نابسمانانی ها و بی عدالتی ها پایان نمی دهد بلکه روز به روز بیشتر می شوند و بفهمند که فقط در پرتو ظهور حضرت عدالت کامل پیاده می شود و مردم استعداد و آمادگی برای اجرای عدالت توسط حضرت را داشته باشند نه مانند زمان علی(ع) که مردم قابلیت و تحمل اجرای عدالت او را نداشتند که «قتل لشده عدله» و این زمانی است که ظلم و تعدی همه عالم را فرا گیرد و تلخی ظلم به کام همه برسد تا همگان تشنه عدالت شوند چون تا انسان تلخی ظلم را نچشیده باشد نسیم عدالت را تشخیص نمی دهد. «یملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا؛ زمین را پر از عدل و قسط می نماید بعد از این که پر از ظلم و جور شد» (کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۸۹).

در روایات علل دیگری برای طولانی شدن غیبت ذکر شده مانند بیعت کردن با ظالمان برای حفظ

جان از گزند دشمنان، کردار بد بعضی شیعیان، مهلت دادن به کافران و ظالمان، نبودن ناصر و یاری کننده.

در این زمینه ر.ک:

۱. رخسار آفتاب، سید مجتبی غیوری

۲. نوید امن و امان، آیت الله صافی

۳. جهان در آینده، محمد حسن موسوی

۴. مهدی موعود، علی دوانی

۵. روزگار رهایی، علی اکبر مهدی پور

لکن مهمترین علتی که در بسیاری از روایات بر آن تأکید شده این که طولانی شدن غیبت حضرت به حکمت الهی است و دارای مصالح و حکمت هایی است که تنها خداوند و آنها که محرم اسرار الهی هستند از آن با خبرند چنانچه امام صادق در جواب عبدالله بن فضل هاشمی وقتی در این مورد سؤال می کنند می فرماید ای پسر فضل همانا این مسأله سری از اسرار الهی است و غیبی از غیب های الهی است و وقتی ما خداوند را حکیم بدانیم همه افعال او را مطابق حکمت و مصلحت خواهیم دانست گرچه علت آنها برای ما روشن نباشد (رخسار آفتاب، سید مجتبی غیوری، ص ۵۴ نقل از الاحتجاج طبری، ج ۲، ص ۳۰۳).

پس ولو علت و سر طولانی شدن غیبت حضرت برای ما معلوم نباشد باید بدانیم از آن مصلحت و حکمتی است و آنچه مهم است این که به وظایف یک منتظر واقعی حضرت عمل کنیم و به فرموده خود حضرت که فرمود برای فرج من بسیار دعا کنید. عمل کنیم. انشاءالله که چشمانمان به جمالش منور گردد. «اللهم عجل لولیک الفرج».

می دانیم حضرت مهدی حجت بن الحسن العسکری«علیه السلام» به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شده است هم اکنون بیش از یک هزار سال است که در پشت پرده غیبت به سر می برد می خواهیم بدانیم فلسفه این غیبت طولانی چیست؟

پرسش

می دانیم حضرت مهدی حجت بن الحسن العسکری«علیه السلام» به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شده است هم اکنون بیش از یک هزار سال است که در

پشت پرده غیبت به سر می برد می خواهیم بدانیم فلسفه این غیبت طولانی چیست؟

پاسخ

نخست بایـد توجّه نمود که غیبت امام از دیدگان ما، به این معنی نیست که او در جهان دیگری جز این جهان زندگی می کند و یا وجود جسـمانی او به وجود ناپیدائی مانند امواج «اتر» تبدیل گردیده است بلکه معنی غیبت امام«علیه السـلام» این است که او در میان مردم زندگی می کند و مردم وی را می بینند ولی نمی شناسند و از یک زندگی طبیعی، برخوردار است.

امّا چرا غیبت او طولانی است؟

فلسـفه این غیبت ممتـد چیست در برابر این پرسـش بایـد گفت: برنـامه حضـرت مهـدی«علیه السـلام» بـا برنـامه پیامبران و سایر پیشوایـان یـک تفـاوت کلّی دارد، و آن این است که برنـامه وی، یک برنامه ی به تمام معنی اجرائی است نه قانون گزاری آن هم نه در یـک قمت از جهـان بلکه در تمـام جهـان، به این معنی که او مـأموریت دارد تمام اصول تعلیمات اسـلام را در جهان پیاده کند و اصول عدالت و حق و حقیقت را در میان همه افراد بشر، بسط و گسترش دهد.

درست است که پیـامبران و امامـان نیز قسـمت هـائی از این برنـامه را اجراء کرده انـد، ولی بر اثر نبودن آمادگی در بسـیاری از مردم جهـان این موضوع جنبه جهـانی و عمومی به خود نگرفت، و پس از نفوذ در شـعاع معینی از جـامعه های انسانی، متوقّف ماند.

روشن است که پیاده شدن یک چنین برنامه شدن یک چنین برنامه انقلابی جهانی، که به وسـیله آن، اصول عدالت و دادگری و حق و حقیقت، در میان همه مردم جهان گسترش یابد شرائط و مقدّماتی لازم دارد که در زیر به آنها

اشاره می شود و این شرائط و امکانات جز با مرور زمان و تکامل همه جانبه اجتماع ممکن نیست، از جمله:

۱. آمادگی روحی

در درجه نخست بایـد مردم جهان برای اجرای این اصول، تشـنه و آماده گردنـد و تا در مردم جهان تقاضائی نباشد «عرضه» هر نوع برنامه مادی و معنوی مؤثر نخواهد بود قانون عرضه و تقاضا نه تنها در نظام زندگی اقتصادی حکم فرما است و تا تقاضائی از مردم نسبت به کالائی نباشد عرضه آن کالا ـ کم اثر خواهد بود، بلکه عین این نظام در عرضه برنامه های معنوی و اصول اخلاقی و مکتبهای سیاسی و انقلابی نیز حکمفرما می باشد و تا در اعماق دل مردم، برای این نوع امور، تقاضا و درخواستی نباشد عرضه آن با شکست روبرو شده و کاری از پیش نخواهد رفت.

البته گذشت زمان و شکست قوانین مادّی و پدید آمدن بن بستهای جهانی، و کشیده شدن بشریت بر لب پرتگاه جنگ مردم جهان را خسته خواهد کرد و آنان را به این حقیقت واقف خواهد ساخت که اصول قوانین مادّی و سازمانهای به اصطلاح بین المللی نه تنها نمی توانند مشکلات زندگی را حل کنند و عدالت را در جهان حکمفرما سازند، بلکه همین خستگی و یاس، مردم دنیا را برای پذیرش یک انقلاب بنیادین مهیا و آمده می سازد و می دانیم که این موضوع نیاز به گذشت زمان دارد، تا تجربه های تلخ زندگی ثابت کند که تمام نظامات مادی و سازمانهای بشری در اجرای اصول عدالت و احقاق حق و برقراری امنّیت و آرامش عاجز و ناتوان می باشند و سرانجام، بر اثر یاس و نومیدی این تقاضا در مردم گیتی برای تحقق

چنـان آرمـان الهی پدیـد آیـد و زمینـه برای عرضـه یـک انقلاـب جهـانی وسـیله یـک مرد الهی و آسـمانی از هر نظر مسـاعد گردد(۱۲).

۲. تکامل علوم و فرهنگهای انسانی

از سـوی دیگر برای برقرار سـاختن یـک حکـومت جهـانی، براسـاس عـدل و داد، نیـاز فراوانی بـه پیشـرفت علـوم و دانشـها و فرهنگهای اجتماعی و مردمی وجود دارد که آن نیز بدون پیشرفت فکری و گذشت زمان، ممکن و میسّر نمی گردد.

برقراری حکومت جهـانی که در سراسـر جهان، عـدل و داد و قانون حکومت کنـد، و همه مردم جهان، از کلیه مزایای فردی و اجتماعی اسـلام بهره مند گردند بدون وجود یک فرهنگ پیشـرفته در کلیه شئون بشری، امکان پذیر نیست و هرگز بدون یک فرهنگ کامل، جامه عمل به خود نمی پوشد، این نیز احتیاج به گذشت زمان دارد.

۳. تکامل وسائل ارتباط عمومی

از دیگر سو، چنین حکومـتی نیـاز به وجود وسائـل کامـل ارتبـاط جمعی دارد تـا در پرتو آن بتوانـد مقررات و احکـام و اصول انسانی را از طرق مختلف در مـدّت کوتاهی به مردم جهان اعلام کنـد این موضوع بدون تکامل صـنایع انسانی و گذشت زمان نیز انجام نمی گیرد.

۴. پرورش نیروی انسانی

از همه اینهـا گذشـته پیشبرد چنین هـدفی و پی ریزی چنـان انقلاـبی به یک نیروی فعّال و سازنـده انسانی نیاز دارد که در واقع ارتش انقلاـب جهانی را تشـکیل می دهـد و تشـکیل چنین ارتشـی، و به وجود آمـدن چنین افراد جانباز و فـداکاری که در راه هدف و حقیقت از همه چیز بگذرند نیاز به گذشت زمان دارد.

اگر در برخی از روایات می خوانیم که فلسفه طولانی شدن غیبت امام زمان، همان امتحان و آزمایش مردم است ممکن است

نـاظر به همین قسـمت باشـد زیرا امتحـان و آزمایش در منطق اسـلام نه به معنی آزمونهای معمولی و کشف امور پنهانی است، بلکه مقصود از آن پرورش روحیات پاک و پدید آوردن حداکثر ورزیدگی در افراد می باشد(۱۳).

مجوع این جهات چهارگانه(۱۴) نیاز به این دارد که زمان قابل ملاحظه ای یگـذرد و جهان از بسیاری از جهات پیش برود، و آمادگی روحی و فکری برای پـذیرض حکومت چهانی بر اساس حق و عدالت در مردم پدید آید. آنگاه این برنامه با وسائل و امکانات خاصی در سطح جهانی وسیله حضرت مهدی«علیه السلام» پیاده گردد... این است فلسفه غیبت طولانی امام.

تنها چیزی که در اینجا گفته می شود این است که همه این مطالب صحیح است امّا با این حال چرا امام در میان مردم شناخته نمی شود و به طور ناشناس زندگی می کنند در صورتی که برای او ممکن است که به طور شناخته در میان مردم به سر ببرد تا روزی که فرمان الهی درباره انقلاب جهانی او فرا رسد؟

درباره این سؤال بایـد گفت: امام همچون انسانهای دیگر، طبق سـنن عادی انسانی، زنـدگی می کند تنها تفاوتی که دارد او از یک عمر طولانی برخوردار است، اگر شناخته می شد هرگز از گزند نیروهای اهریمنی که در هر عصر و زمانی تعداد و شماره های آنها کم نیست مصون و محفوظ نمی ماند و به دست آنان از بین می رفت، چنانکه تاریخ این مطلب را درباره تمام امامان و پیشوایان گذشـته به روشنی ثابت کرده است، تنها تفاوتی که این جا هست این است که اگر آفتاب عمر امامی از پیشینیان به وسیله اهریمنان بدخواه غروب می کرد امام و پیشوای دیگری جای

او را می گرفت در صورتی که این موضوع درباره حضرت مهدی«علیه السلام» چنین نیست، او آخرین حجت خدا است و باید برنامه به دست او اجرا گردد.

البته آنچه گفتیم درباره فلسفه غیبت امام«علیه السلام» بود و اینکه چرا او به طور ناشناخته زندگی می کنند و اما اینکه وجود امام در پشت پرده غیبت چه منافعی برای مردم دارد و هم اکنون جامعه انسانی از وجود امام چه سودی می برد خود موضوع دیگریست که باید جداگانه درباره آن بحث نمود و از موشوع سؤال بالا بیرون است.

با وجود آنچه گفته شد توجه به دو نکته دیگر لازم است:

۱. برخی از شخصیتهای کلامی عقیده شناس(مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی) در باب امام زمان«علیه السلام» این گونه تعبیر کرده اند: «وحوده لطف و تصرفه لطف آخر وعدمه منا» که از این سخن استفاده می شود که محرومیّت ما از فیض حضور آن گرامی در اثر(آمده نبودن) خود ما است. بر این اساس یکی از عوامل اساسی غیبت را می توان در رابطه با خود، جستجو کرد.

۲. از پاره یی احادیث که درباره غیبت امام زمان دارد شده است استفاده می شود که در غیبت آن حضرت سری یا اسراری نهفته است که تا ظهور آن حضرت این راز کشف نخواهد شد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

۱۲) یکی از نشانه های روشن قیام امام زمان که در احادیث اسلامی همگی بر آن اتّفاق دارند این است که سراسر اجتماع بشری را جور و ستم و تعدی و بیدادگری، فرا می گیرد و ابرهای یاس و نومیدی زندگی جامعه انسانی را تیره می سازد و در حقیقت فشار ظلم و تعدی آن چنان بر دوش آنان سنگینی می کند که

انسان را برای پذیرش انقلاب دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی به دست توانا و نیرومند یک مرد الهی آماده می سازد.

۱۳) تمام آزمونهای الهی که درباره پیامبران و اولیاء وی انجام می گیرد برای همین منظور است اگر خدا ابراهیم را با تکالیف و وظائف سنگینی آزمود چنانکه می فرماید: «و اذا بتکلی ابراهیم ربه به کلمات فاتمهن«سوره بقره، آیه ۱۲۴» برای همین هدف بوده است تا این راد مرد الهی به قدری در کوران حوادث قرار گیرد تا در صلابت و استقامت به صورت فولاد آب دیده درآید.

۱۴) مجوع این جهات چهارگانه را می توان در امور زیر خلاصه نمود:

۱. تکامل روحی؛

۲. تکامل فرهنگی؛

۳. تکامل وسائل ارتباط جمعی؛

۴. تشکیل یک ارتش انقلاب جهانی از یک جمعیّت جانباز و فداکار.

علل و حکمت های غیبت امام مهدی(ع) چیست؟

پرسش

علل و حکمت های غیبت امام مهدی(ع) چیست؟

پاسخ

در روایات به حکمت هایی اشاره شده که به برخی از آنها به گونه فشرده می پردازیم:

۱. راز بزرگ الهی

با توجه به این که مسأله غیبت امام زمان(ع) مسأله غیبی است و معنای غیب پوشیده ماندن و مستور بودن می باشد، بدین جهت علت آن هم چنان پوشیده خواهد ماند.

البته خداوند این علم را به اولیاو حجت های خود کرامت فرموده است و بر اساس سخن آن بزرگواران، علت غیبت امام زمان را می دانستند اما اجازه پرده برداشتن از آن را نداشته اند و تاکنون هم این راز را فاش نکرده اند ولی به برخی از حکمت های آن پرداخته اند که حکمت آن را تشبیه به کارهای حضرت خضر کرده اند و کارهای حضرت خضر روشن نشد مگر پس از جدا شدن موسی و خضر.

شیخ صدوق از عبداللّه بن فضل هاشـمی نقل می کند که گوید از امام جعفر صادق(ع) شنیدم که می فرمود: برای صاحب این امر غیبتی است که می بایـد رخ دهـد که هر ناخالصـی دچار شک و تردیـد خواهـد شد گوید عرضه داشـتم فدایت گردم چرا چنین خواهد شد؟

امام فرمود: به جهتی که به ما اجازه آشکار کردن آن را نداده اند.

گویـد عرض کردم حکمت آن چیست؟ امـام فرمود: به همـان حکمتی که در غیبت های حجت های پیشـین بوده است سـپس فرمود: وجه حکمت روشن نمی شود مگر پس از ظهور آن امام همان گونه که وجه حکمت کارهای خضر برای موسی روشن نگردید مگر پس از جدایی آن دو.

سپس امام به عبـداللّه بن فضل فرمود: ای فرزنـد فضل این امری است که از سوی پروردگار است و راز و سـری است از اسـرار الهی و غیبی

است از غیب های خداونـد هر گاه دانستیم که خداونـد حکیم است تصـدیق خواهیم کرد که تمام کارهای او از روی حکمت است گر چه دلیل آن برای ما روشن نباشد.{۱}

۲. شناختن مقام سترگ و منزلت امام

پس از بعثت پیـامبر بزرگوار اسـلام تـا سال دویست و شـصت هجری، مردم نسـبت به این گوهرهای ناشـناخته بی حرمتی های فراوانی کردند و تاریخ اگر چه همه آنها را نیاورده اما به برخی از این موارد اشاره کرده است اما نسـبت به شـخص پیامبرصلی الله وعلیه وآله که روشن است قرآن و نیز در کتاب های تاریخی به برخی اهانت های مردم به پیامبر رحمت اشاره کرده که آن حضـرت در راه تبلیغ چـه رنـج هـایی متحمـل گردیـد و حـتی در مـدینه از یـاران خـود بسـیار رنـج می برد و در آخر دو چیز پیامبرصـلی الله وعلیه وآله را بسـیار نگران و متـأثر کرد یکی عمـل نکردن به فرمان او مبنی بر حرکت با لشـکر اسامه بود که نه اسامه رفت و نه مسـلمانان – که دسـتور خالی کردن مدینه و رفتن به محل شهادت زید بن حارثه را داشتند – رفتند و علی رغم سفـارش های آن حضـرت هیـچ یک از مسـلمانان به خواست پیامبر خـدا جامه عمل نپوشاندنـد و مسأله دوم، نزاعی بود که در لحظات واپسـین عمر در محضـر رسول خـدا بوجود آوردند آن هم زمانی بود که رسول خداصـلی الله وعلیه وآله فرمود: قلم و دواتی بیاورید تا چیزی بنویسم که پس از من گمراه نشوید آری این نزاعی بود که دل هر مسلمان و آزاده را از شنیدنش بدرد می آورد که می توانید به صحیح مسلم جلد ۵ صفحه ۷۵ و ۷۶ مراجعه

کنید و از همه مهم تر این که به تمام سفارش های پیامبرصلی الله وعلیه وآله نسبت به اهل بیت مکرمش خط بطلان کشیده و بیتشرین اهانت ها را به خاندان او روا داشتند که شرح آن نیاز به وقت طولانی دارد واما اهانت ها و بی حرمتی هایی که نسبت به حجت های خدا پس از رسول خدا شد فراوان است از جمله شهادت فاطمه زهرا و شهادت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و همچنین سایر امامان معصوم علیهم السلام که همین بی حرمتی ها سبب شد که خدای تعالی برای مدت نامعلومی حجت خود را از دید مردم دور نگه دارد و همین دور نگه داشتن زنگ خطری برای تنبیه مردم و به جهت حفظ آخرین ذخیره خود بوده که در نهایت مردم بیش از پیش به قدر و منزلت امام معصوم پی ببرند.

مروان اتباری گوید: امام ابو جعفر فرمود: اگر خداوند حضور ما را در نزد مردمی کراهت داشته باشند ما را از آنها جدا می سازد. {۲}

اگر گفته شود که در حال حاضر با شناختی که مردم از امام خویش دارند بسیار بعید است که دست به چنین اهانت هایی بزنند.

پاسخ می دهیم که تکرار این گونه مسایل در هر دورانی ممکن است و هیچ بعدی ندارد و روایات نیز بر این مسأله به وضوح دلالت دارند چنان چه امام صادق(ع) به سدیر صیرفی فرمود:

برادران یوسف با این که از نوادگان پیامبر بودند با یوسف تجارت کردند یعنی او را فروختند در حالی که آنان برادرانش بودند و او برادرشان بود حال چه انتظاری داری که این امت با حجت خدا چنین نکنند در صورتی که او ظاهر بوده باشد. {۳}

۳. به خاطر ظلم

و جور ستمگران

و از دیگر حکمت هایی که در روایات بدان اشاره شده همانا ظلم و جور و گناهانی است که در بیشتر مردم در جامعه انجام می دهند و همین گناهان است که باعث شده خداوند حجت خود را در پس پرده غیب نگه دارد امام صادق(ع) به مفضل بن عمر فرمود: بدانید که زمین لحظه ای از حجت خدا خالی نمی ماند اما در آینده بندگان خود را به وسیله ظلم و جور و گناهانی که می کنند از داشتن این حجت محروم خواهد کرد،{۴} و از این روایت استفاده می شود که مردم به خاطر ظلمی که بر یکدیگر روا می دارند خود را از چنین نعمتی محروم کرده که در نتیجه خداوند اسباب فرج و ظهور حجت خویش را فراهم نسازد.

۴. امتحان الهی

خداوند منان راه های بسیاری را برای آزمایش بشر قرار داده است مثلاً آفریدن مرگ و زندگی آزمایش به گرسنگی و ترس و کمبود اموال و تشریع واجبات مالی، دستور به جهاد در راه خدا و بسیاری از آزمایشهای الهی که برای آزمودن انسان ها و بالأخص مسلمانان آمده است تا خوب و بد، خالص و ناخالص مؤمن و غیر مؤمن از یکدیگر جدا شوند.

و در این راستا پیامبران و اولیای الهی در ردیف نخست قرار گرفته که آنها را با آزمایش های سختی آزموده که پیروز و سرفراز از این گذرگاه سخت بیرون آمده اند همانند حضرت ابراهیم و ایوب و... و در مرحله دوم آن مؤمنانی که درجه ایمانشان بالا می باشد و بویژه هر که ایمانش به خدا زیادتر باشد از آزمایش های سخت تری برخوردار خواهد بود و مسأله امتحان شیعه در دوران غیبت امام زمان(ع) یکی از همان آزمایش های

بزرگ و سختی است که در ده ها روایت بدان اشاره شده است امام صادق(ع) در این باره فرمود: به خدا سوگند آن چه را که گردن های خود را به سوی او کشیدید نخواهد بود تا این که مورد آزمایش قرار بگیرد واز هم جدا شوید.{۵}

و نیز امام باقر(ع) در پاسخ جابر جعفی که پرسیده بود چه وقت فرج شما خواهد بود؟ فرمود: هیهات هیهات فرج ما نخواهد بود تا آن که تصفیه شوید پس تصفیه شوید تصفیه شوید و سه مرتبه این جمله را تکرار نمود و فرمود: تا آن که خوب و بد از هم جدا شوند.{۶}

و در روایت دیگری از امیرالمومنین نقل شده که فرمود: «و لیبعثن اللّه رجلاً من ولدی فی آخر الزمان یطلب بدمائنا و لیغیبن عنهم تمییزاً لأهل الضلاله»؛{۷} خداوند مردی را از فرزندانم در آخرالزمان برای خون خواهی ما برمی انگیزد و این شخص بیش از ظهورش غیبتی خواهد داشت تا اهل ضلالت و گمراهان مشخص شوند.

۵. تا در سلطه کسی نباشد

از آن جایی که امام مهدی(ع) خلیفهاللّه است و وی مأمور به تشکیل حکومت جهانی است. از این روی مسأله غیبت برای آن حضرت مقدر شده است و باید منتظر آن روز باشد که تمام برنامه ها برای او مهیا شده و موانع برطرف گردیده باشد و در صورتی که ظاهر شود در حالی که هنوز وقت آن نرسیده باشد یا باید تحت نفوذ و سلطه دیگران باشد و یا باید در پیش از وقت موعود اعلام حکومت جهانی کند و چون فرا نرسیدن وقت آن اعلام حکومت محکوم به شکست است پس باید برای مدت نامعلومی تحت نفوذ و سلطه جباران قرار

گیرد که در نهایت یا کشته و یا در سیاهچال های زندان های طاغوت قرار گیرد.

و از این که حجت دیگری پس از او نیست، چنین تقدیر شده است که او برای مدت نامعلومی در پس پرده غیبت بماند و در غیر این صورت به یقین نقض غرض خواهد بود امام حسن مجتبی(ع) به ابوسعید عقیصا فرمود: «أما علمتم أنه مامّنا أحد إلّا و یقع فی عنقه بیعه لطاغیه زمانه إلّا القائم الذی یصلی روح اللَّه عیسی بن مریم خلفه فان اللَّه عزوجل یخفی ولادته و یغیب شخصه لئلا یکون لأحد فی عنقه بیعه اذا خرج»؛ {۸} آیا نمی دانید که هر یک از ما در زمان خود مبتلا به طاغوت زمان خویش می باشد مگر آن قائمی که حضرت عیسی بن مریم در پشت سرش نماز می گذارد پس خداوند ولادت او را مخفی کرده و شخص او را غایب می گرداند تا به هنگام ظهور از هیچ حاکم طاغوتی بر عهده اش بیعتی نباشد.

۶. بیم از کشته شدن

ششمین موردی که در روایات بدان اشاره شده است مسأله ترس از کشته شدن است بر اساس برخی از روایات، معصومین فرموده اند که برای امام مهدی(ع) غیبتی پیش از ظهورش می باشد گفته شد برای چه؟ فرمودند:بیم از کشته شدن چنان چه زراره همین سؤال را از امام داشت و امام همین پاسخ را به او فرمود. {۹}

و این مسأله واقعیتی است غیر قابل انکار چرا که جباران و صاحبان قدرت از همان نخست در پی دستگیری و کشتن این وجودمقدس بوده و هم اکنون شرایط که فرقی نکرده بلکه به خون حضرت تشنه تر شده اند.

پس با فرا نرسیدن وقت ظهورش یا می باید امام زمان هم چنان غایب بماند

تـا از خطر کشـته شـدن مصون باشـد و یا اگر در ظاهر بود و هماننـد سایر امامان در بین مردم رفت و آمـد کنـد به یقین کشـته خواهد شد.

امـام بـاقر به خالـد کـابلی بر همین مسأله تکیه کرده و ایشـان بین فرزنـدان فـاطمه و غیر آنها را در اقـدام به چنین جنایتی فرق نگذاشـتند چرا که در بین فرزندان فاطمه که یا داعیه رهبری و یا بخاطر ضعف ایمان فریب قدرت های بزرگ را خورده حاضر به چنین کاری خواهند بود.

امام فرمود: ای ابوخالد اگر فرزندان فاطمه او را بشناسند بر کشتن و قطعه قطعه شدنش حریص خواهند بود.{۱۰}

[۱].کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۱.

[۲].بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۹۰.

[۳].کافی، جلد ۱، صفحه ۳۳۶.

[۴].غیبه، نعمانی، ص ۱۴۱.

[۵].بامداد بشریت، ص ۶۰.

[۶].غیبه شیخ طوسی،ص ۲۶.

[۷].غیبه نعمانی، ص ۱۴۰.

[۸].اعلام الهدی، ص ۴۰۱.

[۹].غیبه نعمانی، ص ۱۷۶.

[۱۰].غیبه شیخ طوسی، ص ۲۰۲.

دلیل غیبت حضرت (عج) را بیان کنید، حال که دوستان زیادی دارد، چرا ظهور نمی کند؟

پرسش

دلیل غیبت حضرت (عج) را بیان کنید، حال که دوستان زیادی دارد، چرا ظهور نمی کند؟

پاسخ

این سؤال شامل دو بخش است که هر کدام را جداگانه پاسخ می دهیم.

الف) علت غیبت امام زمان(عج)

از روایات چنین استفاده می شود که علت و فلسفه واقعی غیبت آن امام بر بشر پوشیده است و به غیر از خداوند متعال و پشوایان معصوم(ع) کسی از آن اطلاع کافی و کامل ندارد، چنان که عبدالله بن فضل هاشمی روایت کرده از حضرت صادق(ع) شنیدم، فرمود: «صاحب الأمر غیبتی دارد که ناچار از آن است به طوری که اهل باطل در آن تردید می کنند»/

عرض کردم: یابن رسول الله(ص) چرا غیبت می کند؟ فرمود: «به علتی که به ما اجازه نداده اند آشکاز سازیم».

عرض کردم: چه حکمتی در غیبت اوست؟ فرمود: «همان حکمتی که در غیبت سفیران و حجت های پیش از او بوده است، حکمت قائم ظاهر نمی شود مگر بعد از آمدن خود او، چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی توسط خضر و کشتن آن بچه و تعمیر دیوار برای حضرت موسی ظاهر نگشت مگر موقعی که خواستند از هم جدا بشوند».{۱}

این روایت و روایاتی دیگر از این قبیل اشاره دارند که علت واقعی غیبت حضرت را نمی توان کشف کرد. از این رو، هر سببی و علتی که بیان می گردد علت حقیقی نیست. با این همه برخی از علل غیبت حضرت مهدی(عج) را می توان با استفاده از روایات، به دست آورد که عبارتند از:

۱. امتحان و آزمایش: غیبت آن حضرت سبب می شود تا نفاق پنهان عده ای آشکار شود و ایمان حقیقی محبان و شیعیان واقعی امام(ع) در کوره ولایت امام غایب(عج) از ناخالصی ها و دورویی ها و سست مایه ها جدا

و پاک شود و در یک کلام مؤمن از منافق معلوم گردد.

جعفر جعفی می گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: فرج شما کی خواهد رسید؟ فرمود: «هیهات هیهات فرج نخواهد رسید تا شما غربال شوید (و سه بار تکرار کرد) و افراد آلوده بروند و افراد پاک و مخلص باقی بمانند». {۲}

۲. بیعت نکردن با ستمکاران: در روایات متعددی، یکی از علل غیبت امام زمان(عج) عدم بیعت با دیگران (ستمکاران) بیان شده است. حسن بن فضال می گوید: علی بن موسی الرضا(ع) فرمود: «گویا شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام عسکری(ع» در جست و جوی امام خود همه جا را می گردند اما او را نمی یابند». عرض کردم: به چه دلیل؟

فرمود: «زیرا امامشان غایب می شود». عرض کردم: چرا غایب می شود؟ فرمود: «برای اینکه وقتی با شمشیر قیام نمود بیعت کسی بر گردنش نباشد». {۳}

۳. ترس از گزند دشمنان: گفته شده با تولد مهدی موعود(عج) همه ستمگران و ظالمان به وحشت افتادند، چرا که مرگ و انقراض حکومت ظالمانه و از بین رفتن اعمال غیر انسانی خود را در دست پر توان امام(ع) می دانستند. از این رو، جان حضرت مهدی(عج) همواره از سوی آنها مورد تهدید است. شیخ طوسی در این زمینه می نویسد: «هیچ علتی مانع از ظهور آن حضرت نیست، جز اینکه می ترسد کشته شود، زیرا اگر جز این بود جایز نبود که پنهان شود، بلکه ظاهر می گشت و هر گونه ناراحتی و آزاری را متحمل می شد، زیرا مقام رفیع امامان و همچنین انبیای عظام و بزرگواری آنها به واسطه ناملایماتی بود که در این راه، یعنی راه دین خدا متحمل می شدند». {۴}

ب) چرا حضرت ظهور نمی کند؟

به طور کلی

پیروزی هر انقلاب و فعالیت اجتماعی به یک سلسله شرایط و موقعیت های عینی و خارجی بستگی دارد که بدون تحقق آن شرایط رسیدن به اهداف غیر ممکن است. بدون شک قیام حضرت مهدی(عج) نیز که رسالتی الهی است و برای دگرگون ساختن همه جانبه گیتی و نجات افراد بشر از ظلمت ها و تاریکی های ستم به فروغ گیتی است، وابسته به شرایطی است و تا یک محیط جهانی مساعد فراهم نشود و فضای عمومی آمادگی لازم را نداشته باشد، این فرج آل محمد و نصرت الهی محقق نخواهد شد.

از جمله شرایط ظهور حضرت این است که در درون انسان ها یک انگیزه اساسی پدیدار گردد که خواهان رسالت سراسر عدل حضرت مهدی(عج) باشند و این امر تنها با گذشت زمان و تجربه های گوناگون اجتماعی، سیاسی و مدنی میسر خواهد شد.

به امید روزی که شاهد انقلاب سراسر عدل میوه دل زهرا(س) حضرت مهدی(عج) و از جمله یاران و سربازان آن بزرگوار باشیم. انشأالله

[۱].کمال الدین و اتمام النعمْ، شیخ صدوق، ص ۴۸۲ به نقل از: یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، ص ۸۳/

[۲].بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۱۱۳/

[۳].همان، ص ۱۵۲/

[۴].مهدی موعود، علی دوانی، ص ۸۵۲/

علت غیبت امام زمان ۷در زمان خود و حال را توضیح دهید؟

پرسش

علت غیبت امام زمان ۷در زمان خود و حال را توضیح دهید؟

پاسخ

پیامبر اکرم و ائمه : نخستین کسانی هستند که به منظور رفع شبهات , از علت غیبت سخن گفته اند ودر کتاب های روایی احادیث زیادی در این باب جمع آوری شده است :

نعمانی از علی ۷نقل می کند که ایشان دلیل غیبت را, غربال انسان های صالح از گمراه و دانایان از نادانان می داند.(۱)

در روایت دیگر امیرالمؤمنین در منبر کوفه فرمود: زمین از حجت الهی خالی نمی ماند, ولی خداوند به دلیل ستم پیشه بودن

خلق و زیاده روی آنان در گناه , آن ها را از وجود حجّت بی بهره می سازد.(۲)

در دوران امامت امام باقر۷(۹۵تا ۱۱۴هجری قمری) و حضرت صادق (۱۱۴تا ۱۴۸هجری قمری) با توجه به نهضت های دینی و بازار گرم مناظره های مذهبی و ضرورت نقد عقاید کیسانیه , زیدیّه , غلات و اسماعیلیه , درخصوص غیبت اما زمان به فلسفهء غیبت توجه بیشتری صورت گرفت .

امام صادق ۷فرمود: .(۳)

در روایت دیگر امام صادق ۷علت غیبت را امتحان الهی می داند.(۴)

در روایت دیگر امام صادق به عمار ساباطی می فرماید: .(۵) از این روایات که همراه با تقیه بوده است , استفاده می شود که علت غیبت این است

که مردم در ظلم کردن و ستم کاران بر ستم پیشگی خود ادامه می دهند, همان طوری که امامان گذشته را دچارسختی ها کردند. کوشش خلفای عباسی برای زیر نظر گرفتن امامان شیعه که پیش از رحلت امام رضا آغاز شده بود وبازداشتن امامان شیعی از هر تلاش فرهنگی و سیاسی , سبب شد با شهادت امام

حسن عسکری ۷بیشترین انشعاب به شیعه راه یابد و گروه های شیعی گوناگونی به وجود آید. از این جهت عصر عباسیان عصر آشفتگی و حیرت برای شیعیان محسوب می شود. این ظلم ها و ستم کاری ها و امام کسی ها علّت غیبت در زمان آن حضرت و در زمان کنونی است .

(پاورقی ۱.مجلهء حوزه , شماره ۷۰ ۷۱ ص ۳۵۴ به نقل از غیبت نعمانی , ص ۲۰۲

(پاورقی ۲.همان .

(پاورقی ۳.همان , ص ۳۵۵

(پاورقی ۴.همان .

(پاورقی ۵.همان , ص ۳۵۶

در اعصار گذشته با این که اکثر مردم و سردمداران آن ها با امام ۷دشمنی داشتند و او رانمی خواستند; امام ۷بین آن ها بود و مردم از فیض وجودش محروم نبودند, اما امروز که علاقه مند و خواهان اوهستیم , باید از فیض وجودش محروم باشیم و برای زیارتش حسرت بخوریم !

پرسش

در اعصار گذشته با این که اکثر مردم و سردمداران آن ها با امام ۷دشمنی داشتند و او رانمی خواستند; امام ۷بین آن ها بود و مردم از فیض وجودش محروم نبودند, اما امروز که علاقه مند و خواهان اوهستیم , باید از فیض وجودش محروم باشیم و برای زیارتش حسرت بخوریم !

پاسخ

برادر گرامی از این که با ما مکاتبه کرده و شبههء خود را با ما در میان گذاشتید, سپاس گزاریم .

اولاًـ هرپیامبر و امامی , می بایست در یک دوره و عصر و زمانی متولد شده , به ارشاد خلق و تبیین احکام و قوانین الهی بپردازد. این حادثه در هر عصری رخ می داد, مردم عصر بعد می گفتند: چرا امام در عصر ما ظهور نکرده است ؟مگر ما چه گناهی مرتکب شده ایم ؟ مثلاً اگر بر فرض امام امیرالمؤمنین ۷در عصر ما می بود, مردم عصر دیگر اظهارمی داشتند: چرا حضرت در عصر ما ظهور نکردند؟ بنابراین چاره نبود که امامان معصوم : عصری متولّد شوند و درعصر دیگر مردم از فیض وجود مستقیم آنان بی نصیب باشند.

ثانیاً: اگر نگوییم : امروز دشمنان امام ۷بیش تر از دشمنان آن عصر هستند, یقیناً کم تر نخواهند بود, زیرا ازپیامبر اکرم ۶و ائمه

اطهار: و علمای دین کراراً شـنیده اید که دسـتگاه ظلم و جور, عاقبت به دست حضرت مهدی موعود۷بر چیده می شود و کاخ های بیـداد گری را واژگون خواهـد ساخت . از این جهت , زورگویان وخونخواران که بر ملّت محروم تسلّط یافته انـد, در راه رسیدن به منافع شخصی و حفظ مقام خود, از هیچ عمل زشتی

پروا ندارند و حاضرند تمام مردم را فدای مطالع خویش کنند.

آنان چون وجود مقدس امام ۷را سد راه منافع شوم خود می دانند, ناچارند آن بزرگوار را از میان بردارند. ازطرفی چون هنوز زمینهء ظهور حضرت فراهم نشده , لذا لازم است در پشت پرده بماند و قهراً مردم از فیض وجودش بی نصیب خواهند شد.

ثالثاً: گرچه امروز مردم از فیض حضرت محرومند, اما به طور کلی از افاضهء وجودش بی بهره نمی باشند, زیرافواید وجود امام ۷تنها پاسخ به شبهات مخالفان و امر به معروف و نهی از منکر و حمایت از مظلومان و اجرای حدود الهی و بیان مسایل حلال و حرام نیست , بلکه فواید دیگری بر وجودش مترتب است , از جمله : ۱ امام غایت خلقت و رابطهء میان عالم مادی و عالم ربوبی است .

اگر امام روی زمین نباشد, بشر منقرض خواهد شد: .

افاضات عوالم غیبی اوّلاً بر آینهء قلب امام زمان ۷نازل می شود و سپس به وسیلهء او بر دل های سایر افراد فرودمی آید. این طور نیست که از امام ۷در پس پردهء غیب , فیض و بهره ای به مردم نرسد. امام همانند خورشیدی است که اگر پشت ابرها قرار بگیرد یا در شب ها پنهان شود, این طور نیست که موجودات از نور و حرارت آن بی نصیب شوند.

گفتنی است گرچه مردم در بعضی جهات از فیض مستقیم حضرت بی بهره هستند, امّا باید دانست منع فیض ازناحیهء امام ۷نیست , بلکه مقصر مردمند که زمینهء ظهور حضرت را فراهم نمی کنند.

۲ دومین فایدهء وجود امام ۷این است که مردم به انتظار مصلح کل

و منجی عالم بشریتند, که انتظار مایه ءامیدواری و آرام بخش دل های مسلمانان است .

به علاوه منتظر واقعی همیشه خود را آمادهء ظهور حضرت می داند و چشم به راه او است و دامن خود را به گناه آلوده نمی سازد.

رابعاً: برنامهء حضرت مهدی موعود۷با دیگر امامان تفاوت دارد; سایر ائمه ۷مأمور بودند در ترویج دین وامر به معروف و نهی از منکر تا سر حد امکان کوشش نمایند, امّا مأمور به جنگ ابتدایی نبودند, لذا می توانستندمدّت ها بین مردم زندگی کنند و در ظاهر و خفا, به ارشاد خلق بپردازند, گرچه منجر به شهادت آنان بشود, ولی حضرت ولی عصر۷از اوّل مأمور است در مقابل ظلم و جور و باطل سکوت نکند و با قیام به سیف , جور و باطل راریشه کن کند و ستمکاران را سرنگون سازد.

بدیهی است مأمور این چنینی باید در پشت پردهء غیبت بماند تا زمینهء ظهور پیدا شود.(۱)

خامساً: می شود در اثر عمل به واجبات و ترک محرمات و عمل به فرامین اسلام , به جایی رسید که حضوراًخدمت حضرت شرفیات شد و مشکلات خود را مستقیماً با او در میان گذاشت .

(پاورقی ۱.دادگستر جهان , ص ۱۵۴ ۱۵۷ با تلخیص .

آیا در کتاب اصول کافی , باب امامت آمده که خداوند ظهور حضـرت مهدی ۷را در سال ۷۰ه. ق قرار داده بود, ولی به علت شهادت امام حسین ۷ ظهور حضرت به تأخیر افتاد؟ آیا این مطلب صحیح است ؟

پرسش

آیا در کتاب اصول کافی , باب امامت آمده که خداوند ظهور حضرت مهدی ۷را در سال ۷۰ه. ق قرار داده بود, ولی به علت شهادت امام حسین ۷ ظهور حضرت به تأخیر افتاد؟ آیا این مطلب صحیح است ؟

پاسخ

حدیثی در این خصوص , در اصول کافی یافت نشد. اما در بحارالاءنوار, جلد ۵۲ صفحه ۱۰۵روایت یازدهم این مطلب را ذکر نموده است . با توجه به مطالبی که در روایت مذکور بیان شده , همان طوری که می توان تعجیل در فرج حضرت را طلب نمود, از آن طرف ممکن است وقایعی موجب شود ظهور حضرت با تأخیر همراه شود.

البته از جهت دلالت , روایت محل بحث و اشکال قرار گرفته , چون شهادت حضرت سیدالشهداء۷در سال ۶۱. ق اتفاق افتاد, حال آن که سال ظهور حضرت ۷۷۰ه. ق پیش بینی شده بود.

از این رو, برداشت های مختلفی از محتوای روایت توسط صاحبنظران ارایه شده است و بعضی در دلالت آن خدشه کرده اند

و مطابق با شواهد و مستندات تاریخی ندانستند.(۱)

(پاورقی ۱.علامه محمد باقر مجلسی , بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۱۰۵و ۱۰۶

برای این که امام دوازدهم را مردم نکشند، خداوند وی را از دیده ها پنهان کرد. آیا خدا تحت تأثیر کار مردم قرار نگرفته است؟

پرسش

برای این که امـام دوازدهم را مردم نکشـند، خداونـد وی را از دیـده هـا پنهـان کرد. آیا خـدا تحت تأثیر کار مردم قرار نگرفته است؟

پاسخ

اوامر و فرامین الهی یـا تکـوینی است ماننـد امر به ایجـاد و آفرینش موجـودات. این گـونه دسـتورها غیر قابـل تخلف است و به محض صدور فرمان، مأمور به انجام می شود:

"فرمـان او چنین است که هرگـاه چیزی را اراده کنـد، تنها به آن می گویـد: موجود باش، آن نیز بی درنگ موجود می شود". (۱)

یا تشـریعی است مانند امر به نماز، روزه، حج، جهاد، اطاعت از امام معصوم(ع) و... در این گونه دسـتورها خداوند خواسته که مردم با اختیار خودشان از اوامر الهی پیروی نمایند و بدین وسـیله صراط مستقیم را پیموده و به تکامل برسند. چون مردم اختیار دارند، با سوء اختیار خود می توانند از اوامر تشریعی سرپیچی کنند، چنان که عده ای نماز نمی خوانند.

یکی از تخلفـان مسـلمانان عـدم اطـاعت از امـام معصوم(ع) است که بر اثر این سوء اختیـار از حضور امـام معصوم(ع) بی بهره شدنـد و خود را در معرض گرفتـاری های گوناگون قرار دادنـد. از سوی دیگر از آن جایی که وجود امام معصوم(ع) در روی زمین شـرط ادامه فیض بر بشـر است و بدون وجود پربرکت حضرت بقیه اللّٰه الاعظم نظامات زمین به هم می خورد، خداوند با قدرت خودش حضـرتش را در پرده غیب محفوظ نگه داشته است. ابوحمزه گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: زمین بدون امام می ماند؟ فرمود: "اگر زمین بدون امام باشد، فرو رود و نظمش از هم بپاشد".(۲) نتیجه این که مردم با سوء اختیار خود از نعمت حضور امام عصر(عج) بی بهره شده اند. چون وجود امام در

زمین لازم و ضروری است و همچون آفتاب پشت ابر، مردم را از برکاتش بهره مند می کند، خدای مهربان ایشان را در پرده غیبت کبری نگه داشته و محافظت می نماید. بنابر این در مسئله غیبت امام زمان(عج) متأثر شدن خدا از مردم مطرح نیست. بلکه عکس العمل اعمال و رفتار مردم است. چنان که در سلب نعمت های الهی همین مسئله مطرح است. قرآن می فرماید: "خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است، تغییر دهند".(۲)

پی نوشت ها:

۱ - یس (۳۶)، آیه ۸۲.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۲، حدیث ۱۰.

۳ - رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

فایده غیبت امام زمان(ع) چیست؟ آیا فقط برای امتحان انسان ها است، در صورتی که می توان امتحانات بسیاری را در نظر گرفت؟ آیا هنوز زمینه ظهور فراهم نشده، در صورتی که جهان پر از ظلم و ستم و خونریزی است؟

پرسش

فایده غیبت امام زمان(ع) چیست؟ آیا فقط برای امتحان انسان ها است، در صورتی که می توان امتحانات بسیاری را در نظر گرفت؟ آیا هنوز زمینه ظهور فراهم نشده، در صورتی که جهان پر از ظلم و ستم و خونریزی است؟

پاسخ

پرسش شما به دو سؤال مجزّا قابل تقسیم است:

۱- فوائد غیبت حضرت حجت(عج) چیست؟

۲- آیا زمان ظهور فرا رسیده است؟

فوائد غیبت:

قبل از پرداختن به این مسئله، این نکته را خاطر نشان می کنیم که اصل غیبت امام معصوم، یک فقدان و کمبود برای انسان ها است که از این جهت به خداوند شِکْوه می کنیم: "اللّهم انا نشکو الیک فقد نبینا و غیبه ولیّنا" عامل اساسی آن به خود ما انسان ها بر می گردد، اما با صرف از مسئله غیبت، اصل وجود او فواید و برکات بسیار دارد.

در مورد فوائد وجود امام زمان در حال غیبت، روایات زیادی از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده است که به دو مورد

آن اشاره می شود:

۱- از امام صادق(ع) سؤال شد: مردم از امام غائب چگونه بهره می برند؟

حضرت فرمود: "همان طور که مردم از خورشید پشت ابر بهره می برند".(۱)

مرحوم علامه مجلسی هشت وجه در مورد تشبیه به خورشید پشت ابر ذکر فرموده اند که به دو مورد آن ها اشاره می کنیم:

الف) منکر وجود حضرت ولی عصر(عج) با وجود این همه علائم و آثار وجود حضرت مانند منکر وجود خورشید پشت ابر است (و همان گونه که نمی توان خورشید پشت ابر را به خاطر شدّت ظهورش منکر شد، همین طور نمی توان در مورد حضرت حجت راه انکار را پیش گرفت).

ب) همان طوری که گرما و نور به وسیله خورشید بر جهانیان می تابد، انوار وجودی حق تعالی

و نور علم و هدایت الهی به واسطه این بزرگواران به خلق می رسد، چرا که در روایات وارد گردیده است که ائمه(ع) علت نهای یاجاد خلق می باشند.

اگر آن ها نبودند، خلقی به وجود نمی آمد و بلاها به سبب آن ها دفع می شود.(۲)

اگر این بزرگواران نبودند، خلائق به سبب ارتکاب اعمال قبیح، مستحق انواع عذاب بودند، چنان که خدا می فرماید: "ولی (ای پیامبر!) تا تو میان آن ها هستی، خداوند آن ها را مجازات نخواهد کرد".(۳)

در توقیعی، امام زمان همین فائده را برای غیبت ذکر فرموده اند.(۴)

۲- غیبت آزمایشی الهی است که سبب آزمون بندگان است تا سره از ناسره تمیز یابد و کسانی که دارای ایمان راسخی نیستند، باطن آن ها و حقیقت وجودشان آشکار گردد.

ای خوش آن روز که محک تجربه آید به میان

تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

جعفر جعفی می گوید: به امام باقر عرض کردم: فَرَج شما کی خواهد رسید؟ فرمود: "هیهات، هیهات! فرج ما نخواهد رسید مگر این که شما غربال شوید! (و حضرت این جمله را سه بار تکرار نمود) و افراد آلوده بودند و افراد پاک و مخلص باقی بمانند".(۵)

برای غیبت حضرت حجت فوائد دیگری نیز ذکر شده که به اختصار معروض می داریم، باشد که با مطالعه کتب پیشهادی ما ضمن افزایش سطح اطلاعات خود زمینه پاسخگویی بیشتر و بهتر ایجاد شود.

۱- بیعت نکردن حضرت با هیچ کس. حضرت در حدیثی فرمود: "همانا بیعت ستمگران زمان بر گردن تمام پدرانم بوده است، ولی من هنگامی که ظهور می کنم، بیعت هیچ کدام از ستمگران زمان بر گردنم نخواهد بود".(۶)

۲- حفظ وجود قطب عالم امکان از گزند حوادث.

۳- ایجاد آمادگی جهانی و بستر

سازی جهت ظهور حجت(عج).

کتب پیشنهادی جهت مطالعه:

۱- منتخب الاثر، تألیف آیت اللّه صافی گلپایگانی.

۲- دادگستر جهان، تألیف آیت اللّه امینی.

۳- مجله حوزه، شماره ۷۰ - ۷۱، ویژه امام زمان.

۴- در انتظار خورشید ولایت، تألیف عبدالرحمان انصاری.

ساعت دقیق و زمان ظهور را فقط ذات مقدس الهی آگاه است. در توقیع شریفی حضرت فرمود: "امّا ظهور الفرج فإنّه إلی اللّه و کذب الوقّاتون؛ اما زمان ظهور، پس علم آن نزد کردگار است و کسانی که وقت تعیین می کنند، دروغگویند".(۷)

زمان دقیق ظهور از جمله اسرار ازلی است.

در احادیث نشانه هایی برای ظهور حضرت نقل شده است که از آن جمله اند:

۱- خروج سفیانی،

۲- خروج فردی به نام دجّال،

۳- صیحه آسمانی،

۴- درآمدن پرچم های سیاه از خراسان،

۵- خسوف و کسوف،

۶- فراگیر شدن جهان از ظلم و جور و....

مورد اخیر در کلام شما به چشم می خورد که در آیت و روایت به آن اشارت رفته است. در حدیث معروفی وارد است: "خداوند به وسیله ظهور مهدی(عج) زمین را پر از عدل و داد می سازد، پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده باشد".(۸)

علامه مجلسی در باب نشانه های ظهور روایتی از امام صادق آورده که در آن، بیش از یکصد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و... را که در دوران غیبت، دامنگیر جوامع اسلامی می شود، پیش گویی کرده است، از جمله: رشوه خواری، قمار بازی، شراب خواری، زیاد شدن زنا و لواط و قطع صله رحم و....(۹)

همه این ها به عنوان نشانه های ظهور است و زمان دقیق آن را خـدا می دانـد. بین این نشانه ها برخی حتمی هسـتند، بدین معنا که حتماً قبل از ظهور واقع خواهند شد. برخی از نشانه ها غیر

محتوم هستند و امکان واقع نشدنشان می رود. از روی دیگر در این روایت آمده است که جهان پر از ظلم و جور شده باشد و معلوم نیست که الان جهان پر از ظلم و جور شده باشد، بلکه وضع بدتر از زمان حاضر نیز قابل پیش بینی و وقوع می باشد.

پی نوشت ها:

۱. منتخب الاثر، ص ۳۳۷.

۲. این مضامین در ادعیه وارد شده است، از جمله در زیارت جامعه کبیره ائمه را به چنین صفاتی، توصیف می کنیم.

۳. انفال (۸) آیه ۳۳؛ آیت اللّه صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، الفصل ۲، باب ۲۹، ص ۳۳۶.

۴. همان، ص ۳۳۸.

۵. بحار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.

۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۷. آیت اللّه صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۳۷، ح ۴.

۸. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷؛ کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

۹. بحار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ - ۲۶۰.

چرا نباید ما همانند گذشتگان از وجود امامی که راهنمای بشریت باشد، برخوردار باشیم؟

پرسش

چرا نباید ما همانند گذشتگان از وجود امامی که راهنمای بشریت باشد، برخوردار باشیم؟

پاسخ

یکی از اصول اساسی مکتب تشیع این است که جهان هستی هرگز بی امام نخواهد بود.(۱) حال با این وجود چگونه غیبت امام مهدی(ع) توجیه می گردد؟ در این باره می گوییم: نخست می بایست توجه کرد به این نکته که از چه جهت وجود امام ضرورت دارد.

وجوه ضرورت وجود امام:

۱ واسطه فیض و هدایت تکوینی الهی: وجود امام ضرورت دارد، چون واسطه فیض و هدایت تکوینی الهی است. اگر امام نباشد، فیض هستی قطع می گردد و جهان کائنات فرو می پاشد. محمد بن فضیل گوید: از امام هشتم(ع) پرسیدم: آیا روزی می رسد که مردم بدون امام باشند؟

حضرت فرمود: نه. گفتم: از امام صادق(ع) روایت شده است که اگر روزی زمین از وجود امام خالی باشد، زمین و بندگان مورد خشم خداوند قرار می گیرند، حضرت فرمود: نه، در این هنگام اصلاً زمین و بشری باقی نمی ماند، همه از بین می روند. (۲)

بنابراین بدون وجود امام، واسطه فیض و هدایت تکوینی الهی باقی نمی ماند و در این صورت همه چیز نابود خواهد شد.

حال در دوره غیبت امام مهدی(ع) اگرچه حضرت از دیده ها پنهان است، لیکن وجود پرفیض او برقرار است و ما از این فیض بهره مندیم.

امام صادق(ع) فرمود: "همان طور که مردم از خورشید در پشت ابر بهره می برند، و وجود ابر نمی تواند مانع از فیض رسانی خورشید گردد، مردم در دوره غیب امام مهدی(عج) از وجود او بهره می برند و غیبت نمی تواند مانع از فیض رسانی و واسطه فیض و هدایت

الهی گردد".(۳)

۲ زعامت و رهبری سیاسی اجتماعی: وجود امام ضرورت دارد، از این جهت که می بایست رهبری سیاسی جامعه را در دست داشته باشد.

امروز در دوره غیبت کبری از این وجه ضرورت امام محروم هستیم. نه تنها ما محروم هستیم، بلکه آنانی که در دوره حضور امامان(ع) بودند. نیز از این نعمت محروم بودند، چون بهره مندی از این نعمت به اوضاع اجتماعی بستگی دارد. تنها امام علی(ع) آن هم به مدت پنج سال و امام حسن(ع) به مدت شش ماه توانستند رهبری سیاسی را بر عهده بگیرند.

بنابراین از این جهت فرقی بین زمان غیبت و حضور امام نیست. غیبت امام مهدی(عج) اگر مانع می شود تا مردم از رهبری سیاسی حضرت محروم گردند، اوّلاً این جریان مختص زمان غیبت نیست و ثانیاً به اوضاع اجتماعی بستگی دارد. اگر جامعه از این جهت پذیرا باشد، یکی از شرایط ظهور امام محقق شده است.

۳ تفسیر معصومانه از دین: وجود امام ضرورت دارد، به این جهت که مفسِّر و مبیِّن دین است؛ تفسیری که در آن خطایی وجود ندارد. او باید احکام دین را برای مردم بیان کند، چون تبیین و تفسیر او معصومانه است و مردم با توجه به آن بدون دغدغه رهنمودهای او را پذیرا می شوند.

بعد از پیامبر(ص) مسلمانان به مدت ۲۵۰ سال از این نعمت بهره مند بودند؛ یعنی تا هنگام شهادت امام حسن عسکری(ع) یازده امام در صدد تبیین و تفسیر معصومانه از دین برآمدند و طرح اساسی از اسلام ناب محمدی (و مذهب تشیع) را پیایه ریزی کردند و احادیثی که در قالب چهارصد کتاب (اصول اربع مأه) توسط شاگردان

آنان نوشته شده بودند، جمع آوری شد. افزون بر این کتاب ها امامان(ع) توانستند شاگردانی مبرز و توانا برای دفاع از کیان عقیدتی و فقهی شیعه تربیت کنند.

می توان گفت که در این دوره ۲۵۰ ساله تقریباً مسئولیت تبیین و تفسیر دین یا بیان هدایت تشریعی به پایان راه خود رسید. آن چه گفتنی بود، گفته شد و اصول احکام بیان شد و آنان به شاگردان خود یاد دادند که در فروع و فرعیات احکام چگونه از اصول بهره گیرند و در حوادث واقعه (مسائل جدید) به اجتهاد و استنباط احکام بپردازند. حال اگر احیاناً جایی نیاز به تبیین و تفسیر دین باقی باشد، مسئولیت این امور بر عهده شاگردان امامان؛ یعنی عالمان با تقوا نهاده شده است. همان گونه که از امام مهدی(عج) روایت شده است. "و أمّا الحوادث الواقعه فارْجعوا فیها إلی رُواه حدیثنا فإنّهم حجتی علیکم و أنا حجه الله علیکم؛ (۴) در حوادث واقعه به روات احادیث و عالمان دین رجوع کنید، چون آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان می باشم".

اکنون در دوره غیبت امام مهدی(عج) می توان گفت که:

مسئولیت و وظیفه امام در بُعد تفسیر دین و هدایت تشریعی به اتمام رسیده است و اگر با توجه به مقتضات زمان نیازی به تفسیر دین باشد، عالمان با تقوا با بهره گیری از اصول و کلیاتی که امامان(ع) بیان داشته اند و در قالب اصول اربع مأه موجود است، این مسئولیت را عهده دار می گردند.

البته اگر چه در این جهت، بعضی از خلأها وجود دارد یا احساس می شود، می تواند با ارتباط امام زمان با

افراد شایسته و خاص برای عامه مردم ناشناخته است، این خلأ تا حدی جبران شود.

عنایات و توجهات حضرت را نیز نباید نادیده گرفت.

اما در مورد حکمت و فلسفه غیبت امام مهدی(عج) می گوییم:

غیبت حضرت ولی عصر(عج) یکی از رازهای الهی بوده و ممکن است ما نتوانیم به کنه آن آگاه شویم و حکمت آن پس از ظهور روشن گردد. امام صادق(ع) فرمود: "صاحب الامر غیبتی دارد که تخلف ناپذیر است، اجازه نداریم علت آن را بیان کنیم. حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت های پیشین وجود داشته و پس از ظهور روشن خواهد شد، چنان چه حکمت کارهای خضر از شکستن کشتی و کشتن پسربچه و برپا داشتن دیوار شکسته، وقتی برای موسی روشن شد که آن دو خواستند از هم جدا شوند،(۵) غیبت سرّی از اسرار الهی است".(۶)

پس غیبت امام زمان(عج) از امور الهی است و ممکن است رمز اصلی آن تا پیش از ظهور آن وجود مقدس و نورانی برای بشریت روشن نگردد.

در عین حال می توان فلسفه غیبت را در حد فکر بشری فهمید و آن این که: این آخرین حجت معصوم الهی برای تحقق بخشیدن به آرمانی بزرگ (گسترش عدل کلی و به اهتزاز در آوردن پرچم توحید در جهان) در نظر گرفته شده است، و این آرمان نیاز به گذشت زمان و شکوفایی عقل و دانش بشر و آمادگی روحی و عقیدتی بشریت دارد، تا جهان به استقبال موکب آن امام عدل و آزادی رود. طبیعی است، چنان چه آن حضرت بیش از فراهم شدن مقدمات، در میان مردم ظاهر شود، سرنوشتی (شهادت) چونان دیگر حجت

های الهی یافته و قبل از تحقق آن آرمان بزرگ، دیده از جهان فرو خواهد بست. به این حکمت در روایات اشاره شده است.

امام باقر(ع) فرمود: "برای حضرت قائم (غیبتی است قبل از ظهور، برای جلوگیری از کشته شدن".(۷)

در برخی از روایات، مسئله امتحان خلق مطرح شده است، بدین معنی که مردم در عصر غیبت در بوته آزمایش الهی قرار می گیرند و مراتب و استواری آنان در ایمان و اعتقاد سنجیده می شود.(۸)

پی نوشت ها:

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. منتخب الاثر، ص ۳۳۷.

۴. احتجاج، ص ۲۸.

۵. در مورد جریان حضرت موسی و خضر رجوع شود به قرآن، سوره کهف، آیات ۶۶ ۸۳.

۶. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۱۵۸.

۷. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۳.

۸. غیبت نعمانی، ص ۱۴۱.

چرا در زمان گذشته که امام زمان در غیبت صغری به سر می برد و مردم می توانند با حضرت ارتباط داشته باشند، امّا الآن؛ یعنی در دوره غیبت کبری از آن محروم هستند؟ آیا مردم امروز استحقاق دیدار حضرت را ندارند؟

پرسش

چرا در زمان گذشته که امام زمان در غیبت صغری به سر می برد و مردم می توانند با حضرت ارتباط داشته باشند، امّا الآن؛ یعنی در دوره غیبت کبری از آن محروم هستند؟ آیا مردم امروز استحقاق دیدار حضرت را ندارند؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می شود که یکی از علل غیبت امام زمان(ع) حفظ جان حضرت است؛(۱) بدین معنا که خداوند به وسیله غیبت امام(ع) حضرت را از قتل حفظ کرده است؛ زیرا اگر حضرت از آغاز زندگی میان مردم ظاهر بود، ظالمان او را

مانند سایر ائمه(ع) به شهادت می رساندند.

"زراره" (که یکی از یاران امام صادق(ع) است) می گوید: امام فرمود: "امام منتظر، پیش از قیام خویش مدّتی از چشم ها غایب خواهد شد... زیرا بر جان خویش بیمناک خواهد بود".(۲)

این فلسفه غیبت امام اقتضا می کند که ارتباط با ایشان محدود بوده و با شیوه های خاصی صورت گیرد. اگر همه مردم با امام ارتباط برقرار می کردند، با فلسفه غیبت همسویی نداشت. بر این اساس در زمان غیبت صغری نیز همه مردم با امام ارتباط نداشتند، بلکه ارتباط با حضرت از طریق نواب اربعه که انسان های عالم و پارسا بودند، صورت می گرفت. این افراد عبارت بودند از:

۱ ابوعمر و عثمان بن سعید عمری: وی از نمایندگان امام علی النقی(ع) و امام حسن عسکری(ع) و مورد اطمینان بود که احتمالاً در سال ۲۶۵ هجری فوت کرده است.

۲ ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، متوفای ۳۰۵ هجری.

۳ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، متوفای ۳۲۶ هجری.

۴ ابوالحسن علی بن محمد سمری، متوفای ۳۲۹.(۳)

بر اساس محدودیت ارتباط با امام زمان(ع)

بود که برخی از وکلای دیگر امام که در مناطق مختلف مانند بغداد، کوفه، اهواز، همدان، قم، ری و ... حضور داشتند، با نواب اربعه ارتباط داشته و این چهار نفر که در رأس سلسله مراتب وکلای امام قرار داشتند، امور مردم را به عرض حضرت می رساندند.(۴) در زمان غیبت کبری نیز ارتباط مردم با امام قطع نشده و شیوه برقراری ارتباط با حضرت فرق کرده است؛ بدین معنا که در زمان غیبت کبری مردم با نائبان عام امام که علمای واجد شرایط هستند، ارتباط برقرار می کنند. آنان نیز مؤظف هستند که به پرسش های مردم پاسخ داده و به مشکلات آنان رسیدگی نمایند. از سوی دیگر نیز مردم وظیفه دارند که به نائبان عام رجوع نمایند؛ زیرا که حجت امام هستند. در توقیعی از حضرت آمده است: "در حوادثی که رخ می دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. آن ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا (بر آنان) هستم".(۵) برخی از اندیشمندان شیعی باور دارند کسانی که لیاقت و شایستگی داشته باشند، می توانند با امام ارتباط برقرار نمایند. این دیدگاه در بین دانشمندان شیعی شهرت دارد و افرادی چون محدث نوری، کراجکی و شیخ طوسی و ... از طرفداران این نگرش هستند.(۶)

سید مرتضی در پاسخ این اشکال که امام غائبی که هیچ کس به وی دسترسی نداشته باشد، چه فایده ای دارد و تفاوت بود و نبود وی چیست می نویسد: "نخستین چیزی که به آن معترفیم، این است که قطع نداریم هیچ کس به خدمت امام نمی رسد و هیچ بشری او را ملاقات نمی کند.

این امر معلوم نیست".(۷)

مرحوم علامه مجلسی تعدادی از عالمان وارسته را ذکر کرده که حضور امام رسیده و از آن وجود مقدس بهره ها برده اند، عالمانی مانند علامه بحرالعلوم.(۸) از بعضی روایات استفاده می شود که امام میان مردم حضور دارد، ولی مردم او را نمی شناسند و این خود نیز نوعی ارتباطی است که در زمان غیبت شکل می گیرد؛ مضافاً آنچه که گذشت می توان گفت: همان گونه که در زمان غیبت صغری ارتباط با امام زمان محدودیت داشته و بر اساس شرایط خاص صورت گرفته است، در زمان غیبت کبری نیز ارتباط با حضرت بر اساس شرایط خاصی امکان پذیر است.

امام صادق(ع) فرمود: "اگر زمینی، یک ساعت از جهت خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد. حجت خدا مردم را می شناسد، ولی مردم او را نمی شناسند، همان گونه که یوسف مردم را می شناخت و آنان او را نمی شناختند".(۹)

پی نوشت ها:

۱. لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۲۶۹.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۲.

۳. مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع) ص ۷۰ ۷۱؛ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۷۸ ۶۸۱.

۴. محمد بن ابراهیم بغدادی، کتاب الغیبه، ص ۲۲۵.

۵. شیخ طوسی، همان، ص ۱۷۷.

۶. مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(عج)، ص ۹۷.

۷. سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۱۸۲، با اقتباس از مجله حوزه، ویژه اما زمان(عج)، ص ۹۸.

۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷ ۲۳۸.

۹. مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(عج)، ص ۸۷.

فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج) را توضیح دهید .

پرسش

فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج) را توضیح دهید .

پاسخ

نخست بایـد توجه نمود که غیبت امام از دیـدگان ما به این معنی نیست که او در جهان دیگری جز این جهان زندگی می کند و یـا وجود جسـمانی او به وجود ناپیـداییماننـدامواج اتر تبـدیل گردیـده است ; بلکه معنی غیبت امام (عـج) این است که او درمیان مردم زندگی می کند و مردم وی را می بینند ولی نمی شناسند و از یک زندگی طبیعی برخوردار است . اما چرا غیبت او طولاـنی است و فلسـفه این غیبت ممتـد چیست ؟ در برابر این پرسـش بایـد گفت : برنـامه حضـرت مهـدی (عـج) بـا برنامه پیـامبران و سـایر پیشوایـان یـک تفـاوت کلی دارد و آن این است که برنـامه وی قانونگـذاری نیست ; بلکه یک برنامه به تمام معنی اجرایی در تمام جهان است ; به این معنی که او ماموریت دارد تمام اصول تعلیمات اسلام را در جهان پیاده کند و اصول عـدالت و داد و حق و حقیقت را در میـان همه افراد بشـر بسـط و گسترش دهـد . درست است که پیامبران و امامان نیز قسـمت هایی از این برنامه را اجرا کرده اند ,ولی بر اثر نبودن آمادگی در بسیاری از مردم جهان , این موضوع جنبه جهانی وعمومی به خود نگرفت و پس از نفوذ در شـعاع معینی از جـامعه هـای انسانی متوقف مانـد . روشن است که پیاده شـدن یک چنین برنامه انقلابی جهانی که به وسیله آن اصول عدالت و دادگری و حق و حقیقت در میان همه مردم جهان گسترش یابد , شرایط و

مقدماتی لازم دارد که در زیر به آنها اشاره می شود و این شرایط و امکانات جز با مرور زمان وتکامل همه جانبه اجتماع ممکن نیست ; از جمله :

۱ - آمادگی روحی در درجه نخست باید مردم جهان برای اجرای این اصول , تشنه و آماده گردند و تا درمردم جهان تقاضایی نباشد عرضه هر نوع برنامه مادی و معنوی موثر نخواهدبود . قانون عرضه و تقاضا نه تنها در نظام زندگی اقتصادی حکمفرماست و تاتقاضایی از مردم نسبت به کالایی نباشد عرضه آن کالا کم اثر خواهد بود , بلکه عین این نظام در عرضه برنامه های معنوی و اصول اخلاقی و مکتبهای سیاسی و انقلابی نیزحکمفرما می باشد و تا در اعماق دل مردم - برای این نوع امور - تقاضا و درخواستی نباشد عرضه آن با شکست روبه رو شده و کاری از پیش نخواهد رفت . البته گذشت زمان و شکست قوانین مادی و پدید آمدن بن بستهای جهانی و کشیده شدن بشریت بر لب پرتگاه جنگ , مردم جهان را خسته خواهد کرد و آنان را به این حقیقت واقف خواهد ساخت که اصول قوانین مادی و سازمانهای به اصطلاح بین المللی , نه تنهانمی توانند مشکلات زندگی را حل کنند و عدالت را در جهان حکمفرما سازند , بلکه همین خستگی و یاس , مردم دنیا را برای پذیرش یک انقلاب بنیادی مهیا و آماده می سازد و می دانیم که این موضوع نیاز به گذشت زمان دارد تا تجربه های تلخ زندگی ثابت کند که تمام نظامات مادی و سازمانهای بشری در اجرای اصول عدالت و احقاق

حق و برقراری امنیت و آرامش , عاجز و ناتوان می باشند و سرانجام بر اثر یاس ونومیدی , این تقاضا در مردم گیتی برای تحقق چنان آرمان الهی پدید آید و زمینه برای عرضه یک انقلاب جهانی به وسیله یک مرد الهی و آسمانی از هر نظر مساعدگردد . (۱)

۲ - تکامل علوم و فرهنگهای انسانی از سوی دیگر برای برقرار ساختن یک حکومت جهانی , بر اساس عدل و داد , نیازفراوانی به پیشرفت علوم و دانشها و فرهنگهای اجتماعی و مردمی دارد که آن نیزبدون پیشرفت فکری و گذشت زمان ممکن و میسر نمی گردد . برقراری حکومت جهانی که در سراسر جهان , عدل و داد و قانون حکومت کند و همه مردم جهان از کلیه مزایای فردی و اجتماعی اسلام بهره مند گردند بدون وجود یک فرهنگ پیشرفته در کلیه شوون بشری امکان پذیر نیست و هرگز بدون یک فرهنگ کامل ,جامه عمل به خود نمی پوشد . این نیز احتیاج به گذشت زمان دارد .

۳ - تکامل وسایل ارتباط جمعی از سوی دیگر , چنین حکومتی نیاز به وجود وسایل کامل ارتباط جمعی دارد تا درپرتو آن بتواند مقررات و احکام و اصول انسانی را از طرق مختلف در مدت کوتاهی به مردم جهان اعلام کند . این موضوع بدون تکامل صنایع انسانی و گذشت زمان نیز انجام نمی گیرد .

۴ - پرورش نیروی انسانی از همه اینها گذشته , پیشبرد چنین هدفی و پی ریزی چنان انقلابی به یک نیروی فعال و سازنده انسانی نیاز دارد که در واقع ارتش انقلاب جهانی را تشکیل می دهد و تشکیل

چنین ارتشی و به وجود آمدن چنین افراد پاکباخته و فداکاری که در راه هدف وحقیقت از همه چیز بگذرند نیاز به گذشت زمان دارد . اگر در برخی از روایات می خوانیم که فلسفه طولانی شدن غیبت امام زمان , همان امتحان و آزمایش مردم است , ممکن است ناظر به همین قسمت باشد ; زیرا امتحان وآزمایش در منطق اسلام نه به معنی آزمونهای معمولی و کشف امور پنهانی است ; بلکه مقصود از آن پرورش روحیات پاک و پدید آوردن حداکثر ورزیدگی در افرادمی باشد . (۲)مجموع این جهات چهارگانه (۳) نیاز به این دارد که زمان قابل ملاحظه ای بگذرد وجهان از بسیاری از جهات پیش برود ; و آمادگی روحی و فکری برای پذیرش حکومت جهانی بر اساس حق و عدالت در مردم پدید آید ; آنگاه این برنامه با وسایل وامکانات خاصی در سطح جهانی بوسیله حضرت مهدی (عج) پیاده گردد ۰۰۰ این است فلسفه غیبت طولانی امام . اما با این حال چرا امام در میان مردم شناخته نمی شود و بطور ناشناس زندگی می کند ; در صورتی که برای او ممکن است که بطور شناخته شده در میان مردم به سربرد تا روزی که فرمان الهی درباره انقلاب جهانی او فرا رسد . درباره این سوال باید گفت : امام همچون انسانهای دیگر طبق سنن عادی انسانی زندگی می کند , ولی او از یک عمر طولانی برخوردار است , اگر شناخته می شد هرگز ازگزند نیروهای اهریمنی که در هر عصر و زمانی تعداد و شماره های آنها کم نیست مصون و محفوظ نمی

ماند و به دست آنان از بین می رفت , چنان که تاریخ این مطلب رادرباره تمام امامان و پیشوایان گذشته به روشنی ثابت کرده است ; و اگر آفتاب عمرامامی از پیشینیان به وسیله اهریمنان بدخواه غروب می کرد امام و پیشوای دیگری جای او را می گرفت , در صورتی که این موضوع درباره حضرت مهدی (عج) چنین نیست ;او آخرین حجت خداست و باید برنامه به دست او اجرا گردد . در این صورت , ناچار باید بطور ناشناس زندگی کند تا روزی که ماموریت اجرای این برنامه به او محول گردد . البته آنچه گفتیم درباره فلسفه غیبت امام (عج) و علت زندگی کردن او بطور ناشناس بود و اما این که وجود امام در پشت پرده غیبت چه منافعی برای مردم دارد و هم اکنون جامعه انسانی از وجود امام چه سودی می برد , خود موضوع دیگری است که بایدجداگانه درباره آن بحث نمود و از موضوع سوال بالا خارج است .

چرا حضرت مهدی(عج) غیبت مینمایند و فایده این غیبت چیست؟

پرسش

چرا حضرت مهدی(عج) غیبت مینمایند و فایده این غیبت چیست؟

پاسخ

۱ علت عمده و حقیقی غیبت معلوم نخواهد شد مگر بعد از ظهور آن حضرت همانطور که حکمت کارهای خضر در موقعی که موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) با او مصاحبت داشت، معلوم نشد مگر در وقت مفارقت آنها.

همانطور که فایده و ثمره خلقت هر موجودی اعمّ از جماد و نبات و حیوان و انسان بعد از گذشت ماهها و سالها ظاهر شده و میشود.

۲ حکمتها و اسرار معلومی در این غیبت است که از آن جمله، امتحان بندگان است زیرا به واسطه غیبت، مخصوصاً اگر سرّ آن نامعلوم باشد مرتبه ایمان و تسلیم افراد در برابر تقدیر الهی ظاهر میشود و قوت تدیّن و تصدیق آنان معلوم و آشکار میگردد. همچنین در زمان غیبت به واسطه حوادث و فتنههائی که روی میدهد، شدیدترین امتحانات از مردم به عمل میآید که شرح آن در اینجا میسّر نیست.

و از جمله آن اسرار، این است که در دوره غیبت، ملل جهان به تدریج برای ظهور آن مصلح حقیقی و سامان دهنده وضع بشر، آمادگی علمی و اخلاقی و عملی پیدا کنند؛ زیرا ظهور آن حضرت مانند ظهور انبیاء و سایر حجج نیست که مبتنی بر اسباب و علل عادی و ظاهری باشد بلکه روش آن سرور در رهبری جهانیان مبنی بر حقایق و حکم به واقعیات و ترک تقیّه، شدت در امر به معروف و نهی از منکر و مؤاخذه سخت از عُمّال و ارباب مناصب و رسیدگی به کارهای آنها است که انجام این امور نیاز به تکامل علوم و معارف و

ترقّی و رشد فکری و اخلاقی بشر دارد بطوری که استعداد عالمگیر شدن تعالیم اسلام و جهانی شدن حکومتِ احکام قرآن فراهم باشد.

آیا خوف از قتل و بیم از کشته شدن میتواند یکی از موجبات غیبت امام زمان(عج) باشد؟ و آیا با بقاء غیبت ارتباطی دارد؟

پرسش

آیا خوف از قتل و بیم از کشته شدن میتواند یکی از موجبات غیبت امام زمان(عج) باشد؟ و آیا با بقاء غیبت ارتباطی دارد؟

پاسخ

بله، بیم از قتل و نداشتن تأمین جانی میتواند سبب غیبت شده باشد و این مطلب از مراجعه به کتابهای مورد اعتماد و تواریخ و احادیث معلوم میشود. زیرا بنی عباس به ملاحظه آنکه شنیده بودند و میدانستند در خاندان پیغمبر و از فرزندان علی و فاطمه (علیهما السلام) شخصیتی پیدا خواهد شد که حکومت جباران و مستبدان به دست او بر چیده میشود و آن کس فرزند حضرت امام حسن عسکری(ع) است، در مقام کشتن او برآمدند و همانطور که فرعون نسبت به حضرت موسی(ع) رفتار کرد برای آنکه از ولادت آن حضرت مطلع شوند نخست جاسوسان و کارآگاهان گماشتند؛ و بعد هم خواستند شخص او را بیابند و دستگیر سازند، ولی خدا آن حضرت را حفظ کرد و دشمنان او را نا امید ساخت و بر حسب ظاهر نیز جنگهای داخلی بزرگ و ابتلای بنی عباس به شورش و انقلاب «صاحب الزنج» آنها را از تعقیب این موضوع بازداشت، چنانچه کلینی و شیخ طوسی در کتاب «کافی» و «غیبت» به سند خود از زراره روایت کردهاند که گفت: شنیدم حضرت صادق(ع) فرمود:

برای قائم(ع) پیش از آنکه قیام فرماید غیبتی است، عرض کردم: برای چه؟

فرمود: ......Ṣjآنکه از کشته شدن بیم دارد.

اما بیان ارتباط بقای غیبت با خوف از قتل این است که اگر چه خداوند متعال، قادر و توانا است که ......هر زمان و هر ساعت آن حضرت را ظاهر و بطور قهر و غلبه ...Ṣِت...ŠŘملل و حکومتها پیش از

فراهم شدن اسباب، غالب سازد ولی چون جریان این جهان را خداوند بر مجرای اسباب و مسبّبات قرار داده، تا اسباب چنان ظهوری فراهم نشود، قیام آن حضرت به تأخیر خواهد افتاد و اگر پیش از فراهم شدن اسباب و مقدمات ظاهر شود از خطر قتل مصون نخواهد ماند.

چرا امام زمان مانند پدران بزرگوارش از راه تقیه با خلفاء و زمامداران وقت بیعت نمینماید؟

پرسش

چرا امام زمان مانند پدران بزرگوارش از راه تقیه با خلفاء و زمامداران وقت بیعت نمینماید؟

پاسخ

چرا امام زمان مانند پدران بزرگوارش از راه تقیه با خلفاء و زمامداران وقت بیعت نمینماید؟

ج: یکی از علائم و مشخصات امام منتظر و مهدی آخرالزمان(ع) این است که بیعت هیچکس و هیچ حکومت غاصب و ستمگری حتی به عنوان تقیه بر گردن او نیست و ظاهر میشود در حالی که نسبت به احدی از جبابره و حکومتهای مختلف تمکین و تسلیمی نداشته و از راه تقیه هم، حکومتهای غیر اسلامی و حکومتهائی را که تمام اسلامی نیست در ظاهر امضا نکرده است. او اکمل مظاهر اسم «العادل» و «السلطان» و «الغالب» و «الحاکم» است و چنان شخصیت و مقامی، از اینکه تحت سلطنت غیر خدا واقع شود یا به حکومتی از حکومتهای جائر به تقیه رأی داده باشد، بر حسب اخبار محفوظ و محروس است و چنانچه از اخبار کثیر استفاده میشود، آن حضرت به تقیه عمل نخواهد کرد و حق را آشکار و باطل را از صفحه روزگار بر خواهد انداخت. از جمله در حدیث هشام بن سالم، حضرت صادق(ع) میفرماید: «یَقُومُ الْقائِمُ وَ لَیْسَ فی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ لِأَحَدٍ»، [قائم(ع) قیام میکند در حالی که در گردن او بیعت برای احدی نیست.]

چرا حضـــرت مهدی برای رفع ظلم و ارشاد مردم تا حدودی که ممکن است ظاهر نمیشوند و هر زمان که خطری برای ایشان پیش آمد و یا مصلحتی اقتضا کرد غایب شوند و به همین صورت ظهورهائی جزئی داشته باشند تا آن ظهور کلی فرا رسد؟

پرسش

چرا حضرت مهدی برای رفع ظلم و ارشاد مردم تا حدودی که ممکن است ظاهر نمیشوند و هر زمان که خطری برای ایشان پیش آمد و یا مصلحتی اقتضا کرد غایب شوند و به همین صورت ظهورهائی جزئی داشته باشند تا آن ظهور کلی فرا رسد؟

پاسخ

این نحو ظهور و غیبت، خلاف مصلحت نبوات و خلاف مصالح تربیتی جامعه است و مانند مداخله یک قوه مستمر غیبی در کادر اختیار بشر و سلب اختیار از انسان میباشد و بالأخره با هدف خلقت انسان، تکامل عادی و اختیاری و سیر ارادی و تدریجی او بسوی کمالی که آیه: «اِنّا خَلَقْنَا الْاِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَليهِ فَجَعْلْناهُسَميعاًبَصيراً» دهر/ ۲ [ما او را از آب نطفه مختلط خلق کردیم و دارای قوای چشم و گوش گردانیدیم.] آن را بیان میدارد، سازگار نیست و موجب وقوف و بازماندن بشر از سیر ترقی و کمال است و مانند آن است که همه چیز، وابسته به معجزه گردد و جریان طبیعی و عادی که سنّت خدا بر آن قرار دارد، متروک شود.

خواجه نصیرالدین طوسی در مورد سبب غیبت امام دوازدهم چه گفته است؟

پرسش

خواجه نصیرالدین طوسی در مورد سبب غیبت امام دوازدهم چه گفته است؟

پاسخ

خواجه نصیر الدین طوسی در رساله فیلسوفانه و محققانه ای که در امامت تألیف فرموده، فصلی کامل راجع به غیبت امام دوازدهم و طول مدت و رفع استبعاد آن مرقوم داشته است و در پایان آن راجع به «سبب غیبت» چنین فرموده است:

«و أما سبب غيبته فلا يجوز أن يكون من الله سبحانه ولا منه كما عرفت فيكون معى المكلفين، وهوالخوف الغالب وعدم التمكين والظهور يجب عند زوال السبب»

[اما سبب غیبت امام دوازدهم، پس جایز نیست که از جانب خدای سبحان و یا از جانب خود آن حضرت باشد؛ بلکه همانگونه که شناختی از مردم و مکلفین است و آن خوف غالب و تمکین نداشتن مردم از امام است و هر موقع این سبب زایل شود یعنی مردم تمکین و اطاعت از امام نمایند ظهور واجب می شود.]

چنانچه دقت و ملاحظه شود کلام این استاد بزرگ که در روشنائی عقل و حکمت این موضوع را بررسی و مورد تحلیل قرار داده، مؤید بعضی وجوهی است که در جای دیگر بطور مفصل شرح دادیم و آن بیم از قتل و تمکین نکردن مردم است و اگر این سبب برطرف شود، آن حضرت ظاهر می شود پس سزاوار نیست بندگان با آنکه سبب غیبت خود آنها هستند اشکال و ایراد نمایند. مع ذلک چنانچه آنها رفع سبب نکنند اراده خدا بر آن تعلق گرفته که در زمان مقتضی او را به قهر و غلبه تمکن دهد و وعده ای را که در قرآن شریف در آیه کریمه:

(«وَعَدَ اللهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى الاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ

الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً» نور/۵۷

[خدا به کسانی که از شما بندگان ایمان آورده و نیکوکار گردد وعده فرموده که در زمین خلافت دهد چنانکه امت های صالح پیرامون گذشته، جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد.])

به مؤمنین داده، منجّز فرماید و آن حضرت ظاهر و آشکار شود و اگر یک روز از دنیا باقی نمانده باشد آنقدر آن روز را طولانی سازد تا مهدی(عج) ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

چرا امتحان به «غیبت حضرت مهدی» از شدیدترین امتحانات است؟

پرسش

چرا امتحان به «غیبت حضرت مهدی» از شدیدترین امتحانات است؟

پاسخ

بطوری که از اخبار استفاده می شود به دو جهت امتحان به غیبت حضرت مهدی(ع) از شدیدترین امتحانات است.:

جهت اول: چون اصل غیبت بسیار طولانی می شود، بیشتر مردم در ریب و شک می افتند و برخی در اصل ولادت و بعضی در بقای آن حضرت شک می نمایند و جز اشخاص مخلص و با معرفت و آزموده، کسی بر ایمان و عقیده به امامت آن حضرت باقی نخواهد ماند. چنانچه پیغمبر اعظم(ص) در ضمن روایت معروفی که جابر روایت کرده است فرمود:

«ذلِکَ الَّذی یَغیبُ عَنْ شیعَتِهِ وَ اَوْلیائِهِ غَیْبَهً لا یثبتْ فیها عَلَی الْقَوْلِ بِاِمامَتِهِ الاّ مَنِ امْتَحَنَ اللهُ قَلْبَهُ لِلْایمانِ»

و معلوم است که ایمان به بقاء، حیات، عمر، غیبت طولانی و انتظارظهور در دوران بسیار طولانی غیبت، دلیل حسن اعتقاد و اعتماد به خبرهای غیبی پیغمبر(ص) وائمه (ع) و نشانه ایمان به قدرت الهی، و علامت قوّت تسلیم و تمکین از برنامه های دین است. برای اینکه ایمان کامل و صادق به امور غیبی حاصل نمی شود مگر برای اهل یقین و پرهیزکاران و کسانی که از تاریکی وساوس نجات یافته وبه سر منزل اطمینان نفس و ثبات عقیده رسیده و دلشان از انوار هدایت منوّر و روشن شده باشد و به استبعادات و شبهاتِ واهی اعتنا نکرده در راه دینداری و ولایت، لغزش قدم و تزلزل نیابند.

جهت دوم: شدتها و پیش آمدهای ناگوار و تغییرات و تحولاـتی است که در دوره غیبت، روی داده و مردم را زیر و رو می سازد بطوری که حفظ ایمان و استقامت، بسیار دشوار می گردد وایمان افراد در مخاطرات سخت واقع می شود چنانچه

از حضرت صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن کس که بخواهد در عصر غیبت به دینش متمسک و ملتزم باشد، مثل کسی است که شاخه درخت خار را بادست بزند تا خارهایش قطع گردد سپس امام بادست خود به این کار اشاره کرده آنگاه فرمود: به درستی که برای صاحب این امر غیبتی است پس باید هر بنده خدای بپرهیزد و باید به دینش متمسک گردد.

در دوران غیبت، جمال ظاهر دنیا هر چه بیشتر و بهتر جلوه گر و دل فریب می شود، اسباب معاصی و گناهان و لذائذ حیوانی بیش از همه وقت فراهم و در دسترس عموم قرار می گیرد، بساط لهو و لعب و غنا و خوانندگی و طرب همهجا گسترده میشود زنها و مردهای بیگانه با هم امتزاج و اختلاطهای نامشروع و خلاف عفت و نجابت پیدا کنند، کسبهای حرام متداول و رسمی و معاش اکثر مردم از راههای حرام باشد و برای اختلاطهای مؤمن ضربت شمشیر از به دست آوردن یک درهم حلال آسان تر باشد، مادّیات و دنیا پرستی بر مردم غالب و مقامات و مناصب به دست کسانی افتد که به احکام خدا پایبند و ملتزم نباشند، زنان را در رتق وفتق امور عامه و کارهائی که به عهده مردها است دخالت دهند ربا و میگساری و فروش شراب و قمار و بی عفتی و فحشاء علنی گردد.

اهل دین و امانت و ایمان ذلیل؛ و نابکاران و اراذل و بی دینان، به ظاهر عزیز گردند. امر به معروف و نهی از منکر ترک و عکس آن رایج شود. معروف را منکر و منکر را معروف شناسند، به معصیت

و گناه و هم کاری با ستمگران افتخار نمایند، امانت را غنیمت و صدقه را غرامت شمارند.

شعائر و آداب اسلام را ترک و آداب و شعائر کفار را رسمی کنند. اهل حق خانه نشین و ناپاکان و خدانشناسان مصدر امور گردند. زنها با گستاخی تمام آداب و سنن اسلامی را ترک و به وضع دوران جاهلیّت برگردند. به واسطه تسلط و غلبه کفار و استبداد اشرار، آن چنان مؤمنان در فشار واقع و از آزادی محروم شوند که کسی را جرأت آن نباشد که نام خدا را ببرد مگر در پنهانی و بطوری کار حفظ ایمان سخت شود ک شخص صبح کند درحالی که در شمار مؤمنان و مسلمانان است و شب کند درحالی که از اسلام بیرون رفته و کافر شده باشد.

از حضرت صادق(ع) روایت شده است که فرمود: این امر برای شما واقع نخواهد شد مگر پس از ناامیدی، نه، به خدا نمی آید تا شما (مؤمن و منافق) از هم جدا شوید. نه، به خدا نخواهد آمد تا شقی شود هر کس شقی می گردد و سعید گردد هر کس سعید می گردد. (کمال الدین ۲/باب ۳۴ ص ۱۵، ح ۳۱)

و در روایت ابن عباس است که پیامبر اعظم(ص) فرمود: کسانی که در زمان غیبت اوبر عقیده به امامت او ثابت باشند از کبریت احمر کمیاب ترند.

پس جابر به پا خاست و عرض کرد: یا رسول الله برای قائم از فرزندان تو غیبت است؟

فرمود: آری سوگند به پروردگارم و باید خدا گروندگان را تخلیص کند و کفار را محو سازد. ای جابر، این امری است (کار بزرگی است) از کارهای خدا و سرّی است از

اسـرار خدا که از بندگان خدا پوشـیده است پس بر حذر باش از شک در آن پس به درستی که شک در کار خداوند عزوجل کفر است.

آیا با جستجو و کاوش به حکمت و فلسفه غیبت می رسیم و آیا نرسیدن به این امر دلیل نفی آن است؟

پرسش

آیا با جستجو و کاوش به حکمت و فلسفه غیبت می رسیم و آیا نرسیدن به این امر دلیل نفی آن است؟

پاسخ

خیر. این قـدر دنباله فلسـفه غیبت و پرسـش از آن نباشـید غیبت امری است حاصل شـده و واقع شده. سـرّ غیبت دانسـته شود یا نشود، غیبت واقع شده است و ندانستن شما هیچگاه برهان نفی و رد آن نیست.

مـا بـه قضـاء و قـدر معتقـدیم و فی الجملـه هـم کـم و بیش بر حسب اطلاعـات فلسـفی و راهنمائیهـای قرآن و اهـل بیت از آن چیزهائی می دانیم اما آیا کسـی می تواند از تمام تفاصیل قضاء و قدر اظهار علم و اطلاع کند. لذا از تفکر در قضاء و قدر نهی شده و فرمودند:

«وادٍ مُظْلِمٌ فَلا تَسْلُکُوهُ»

[وادی تاریکی است در آ ن سلوك نکنید و اسب طلب را اینجا نرانید که خسته و مانده می شوید.]

در این وادی مران زنهار زنهارکه در اول قدم گردی گرفتار

شکار کس نشد عنقا بدورانرا دام افکنی ای مرد نادان

امور تکوین و تشریع از همه جهات تحت احاطه فکر بشر در نخواهد آمد و بشر نمی تواند تمام نواحی این امور را بررسی و به جمیع اطراف آن برسد.

اینجـا دیگر مقـام، مقـام تسـلیم و ایمـان است امـا در عین حـال نه ایمـان بی دلیل و نه ایمان تعبـدی خالص، بلکه ایمانی که از راهنمائی عقل و وجدان آگاه بشـر سرچشـمه گرفته و زبان وحی و آیات قرآن مجید و احادیث متواتر و معجزات و شرفیابیهای جمعی از خواص، ما را به آن دلالت و راهنمائی کرده است.

پس آنچه بگوییم راجع به اسرار غیبت، بیشتر مربوط به فواید و آثار آن است، و الّا علت اصلی آن

بر ما مجهول است.

و این است معنای احادیث شریفه ای که در آنها تصریح شده به اینک سرّغیبت آشکار نشود مگر بعد از ظهور چنانچه سرّ آفرینش درختها ظاهر نمی شود مگر بعد از ظهور ثمره و میوه، و حکمت باران آشکار نشود مگر بعد از زنده شدن زمین و سبز و خرم شدن بوستانها و مزارع.

صدوق در کتاب کمال الدین و کتاب علفل الشرایع به سند خود از عبدالله بن فضل هاشمی روایت کرده است که گفت: شنیدم حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: البته برای صاحب این امر غیبتی است که چاره ای از آ ن نیست در آن هر باطل جو، به ریب و شک می افتد.

عرض کردم: چرا؟ فدایت شوم.

فرمود: برای امری که به ما اذن در فاش کردن آن داده نشده است.

گفتم: پس وجه حکمت در غیبت او چیست؟

فرمود: وجه حکمتی که در غیبت حجتهای خدا پیش از آن حضرت بود.

به درستی که وجه حکمت غیبت کشف نمی شود مگر بعد از ظهور او، چنانچه وجه حکمت کارهای حضرت خضر (از سوراخ کردن کشتی، کشتن غلام و به پا داشتن دیوار،) برای حضرت موسی(ع) کشف نشد مگر در همگام مفارقت آنها از یکدیگر.

ای پسر فضل این «غیبت» امری است از امر خدای تعالی و سرّی است از سرّ خدا و غیبی است از علوم غیبی خدا و پس از آنکه ما دانستیم خداوند حکیم است، گواهی داده ایم به اینکه کار و گفتارهای او همه موافق حکمت است هر چند وجه آن بر ما روشن نشده باشد.

می دانیم حضرت مهدی حجت بن الحسن العسکری((علیه السلام)) به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شده است هم اکنون بیش از یک هزار سال است که در پشت پرده غیبت به سر می برد می خواهیم بدانیم فلسفه این غیبت طولانی چیست؟

پرسش

می دانیم حضرت مهدی حجت بن الحسن العسکری((علیه السلام)) به سال ۲۶۰ از نظرها غائب و پنهان شده است

هم اکنون بیش از یک هزار سال است که در پشت پرده غیبت به سر می برد می خواهیم بدانیم فلسفه این غیبت طولانی چیست؟

پاسخ

نخست باید توجّه نمود که غیبت امام از دیدگان ما، به این معنی نیست که او در جهان دیگری جز این جهان زندگی می کند و یا وجود جسمانی او به وجود ناپیدائی مانند امواج «اتر» تبدیل گردیده است بلکه معنی غیبت امام((علیه السلام)) این است که او در میان مردم زندگی می کند و مردم وی را می بینند ولی نمی شناسند و از یک زندگی طبیعی، برخوردار است.

امّا چرا غیبت او طولانی است؟

فلسفه این غیبت ممتد چیست در برابر این پرسش باید گفت: برنامه حضرت مهدی((علیه السلام)) با برنامه پیامبران و سایر پیشوایان یک تفاوت کلّی دارد، و آن این است که برنامه وی، یک برنامه ی به تمام معنی اجرائی است نه قانون گزاری آن هم نه در یک قمت از جهان بلکه در تمام جهان، به این معنی که او مأموریت دارد تمام اصول تعلیمات اسلام را در جهان پیاده کند و اصول عدالت و حق و حقیقت را در میان همه افراد بشر، بسط و گسترش دهد.

درست است که پیامبران و امامان نیز قسمت هائی از این برنامه را اجراء کرده اند، ولی بر اثر نبودن آمادگی در بسیاری از مردم جهان این موضوع جنبه جهانی و عمومی به خود نگرفت، و پس از نفوذ در شعاع معینی از جامعه های انسانی، متوقّف ماند.

روشن است که پیاده شدن یک چنین برنامه شدن یک چنین برنامه انقلابی جهانی، که به وسیله آن، اصول عدالت و دادگری

و حق و حقیقت، در میان همه مردم جهان

۲۰

گسترش یابد شرائط و مقدّماتی لازم دارد که در زیر به آنها اشاره می شود و این شرائط و امکانات جز با مرور زمان و تکامل همه جانبه اجتماع ممکن نیست، از جمله:

۱. آمادگی روحی

در درجه نخست باید مردم جهان برای اجرای این اصول، تشنه و آماده گردند و تا در مردم جهان تقاضائی نباشد «عرضه» هر نوع برنامه مادی و معنوی مؤثر نخواهد بود قانون عرضه و تقاضا نه تنها در نظام زندگی اقتصادی حکم فرما است و تا تقاضائی از مردم نسبت به کالائی نباشد عرضه آن کالا کم اثر خواهد بود، بلکه عین این نظام در عرضه برنامه های معنوی و اصول اخلاقی و مکتبهای سیاسی و انقلابی نیز حکمفرما می باشد و تا در اعماق دل مردم، برای این نوع امور، تقاضا و درخواستی نباشد عرضه آن با شکست روبرو شده و کاری از پیش نخواهد رفت.

البته گذشت زمان و شکست قوانین مادّی و پدید آمدن بن بستهای جهانی، و کشیده شدن بشریت بر لب پرتگاه جنگ مردم جهان را خسته خواهد کرد و آنان را به این حقیقت واقف خواهد ساخت که اصول قوانین مادّی و سازمانهای به اصطلاح بین المللی نه تنها نمی توانند مشکلات زندگی را حل کنند و عدالت را در جهان حکمفرما سازند، بلکه همین خستگی و یاس، مردم دنیا را برای پذیرش یک انقلاب بنیادین مهیا و آمده می سازد و می دانیم که این موضوع نیاز به گذشت زمان دارد، تا تجربه های تلخ زندگی ثابت کند که تمام نظامات مادی و سازمانهای بشری در اجرای

اصول عدالت و احقاق حق و برقراری امینّت و آرامش عاجز و ناتوان می باشند و سرانجام، بر اثر یاس و نومیدی این تقاضا در مردم گیتی برای تحقق چنان آرمان الهی پدید آید و زمینه برای عرضه

یک انقلاب جهانی وسیله یک مرد الهی و آسمانی از هر نظر مساعد گردد(۱).

۲. تکامل علوم و فرهنگهای انسانی

از سوی دیگر برای برقرار ساختن یک حکومت جهانی، براساس عدل و داد، نیاز فراوانی به پیشرفت علوم و دانشها و فرهنگهای اجتماعی و مردمی وجود دارد که آن نیز بدون پیشرفت فکری و گذشت زمان، ممکن و میسّر نمی گردد.

برقراری حکومت جهانی که در سراسر جهان، عدل و داد و قانون حکومت کند، و همه مردم جهان، از کلیه مزایای فردی و اجتماعی اسلام بهره مند گردند بدون وجود یک فرهنگ پیشرفته در کلیه شئون بشری، امکان پذیر نیست و هرگز بدون یک فرهنگ کامل، جامه عمل به خود نمی پوشد، این نیز احتیاج به گذشت زمان دارد.

۳. تکامل وسائل ارتباط عمومی

از دیگر سو، چنین حکومتی نیاز به وجود وسائل کامل ارتباط جمعی دارد تا در پرتو آن بتواند مقررات و احکام و اصول انسانی را از طرق مختلف در مدّت کوتاهی به مردم جهان اعلام کند این موضوع بدون تکامل صنایع انسانی و گذشت زمان نیز انجام نمی گیرد.

۴. پرورش نیروی انسانی

از همه اینها گذشته پیشبرد چنین هدفی و پی ریزی چنان انقلابی به یک نیروی فعّال و سازنده انسانی نیاز دارد که در واقع ارتش انقلاب جهانی را تشکیل می دهد و

۱ - یکی از نشانه های روشن قیام امام زمان که در احادیث اسلامی همگی بر

آن اتّفاق دارند این است که سراسر اجتماع بشری را جور و ستم و تعدی و بیدادگری، فرا می گیرد و ابرهای یاس و نومیدی زندگی جامعه انسانی را تیره می سازد و در حقیقت فشار ظلم و تعدی آن چنان بر دوش آنان سنگینی می کند که انسان را برای پذیرش انقلاب دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی به دست توانا و نیرومند یک مرد الهی آماده می سازد.

تشکیل چنین ارتشی، و به وجود آمدن چنین افراد جانباز و فداکاری که در راه هدف و حقیقت از همه چیز بگذرند نیاز به گذشت زمان دارد.

اگر در برخی از روایات می خوانیم که فلسفه طولانی شدن غیبت امام زمان، همان امتحان و آزمایش مردم است ممکن است ناظر به همین قسمت باشد زیرا امتحان و آزمایش در منطق اسلام نه به معنی آزمونهای معمولی و کشف امور پنهانی است، بلکه مقصود از آن پرورش روحیات پاک و پدید آوردن حداکثر ورزیدگی در افراد می باشد(۱).

مجوع این جهات چهارگانه(۲) نیاز به این دارد که زمان قابل ملاحظه ای بگذرد و جهان از بسیاری از جهات پیش برود، و آمادگی روحی و فکری برای پذیرش حکومت چهانی بر اساس حق و عدالت در مردم پدید آید. آنگاه این برنامه با وسائل و امکانات خاصی در سطح جهانی وسیله حضرت مهدی((علیه السلام)) پیاده گردد... این است فلسفه غیبت طولانی امام.

تنها چیزی که در اینجا گفته می شود این است که همه این مطالب صحیح است امّا با این حال چرا امام در میان مردم شناخته نمی شود و به طور ناشناس زندگی می کنند در

۱ - تمام آزمونهای الهی

که درباره پیامبران و اولیاء وی انجام می گیرد برای همین منظور است اگر خدا ابراهیم را با تکالیف و وظائف سنگینی آزمود چنانکه می فرماید: «و اذا بتکلی ابراهیم ربه به کلمات فاتمهن(سوره بقره، آیه ۱۲۴) برای همین هدف بوده است تا این راد مرد الهی به قدری در کوران حوادث قرار گیرد تا در صلابت و استقامت به صورت فولاد آب دیده درآید.

۲ – مجوع این جهات چهارگانه را می توان در امور زیر خلاصه نمود:

۱. تکامل روحی;

۲. تکامل فرهنگی;

۳. تکامل وسائل ارتباط جمعی;

۴. تشکیل یک ارتش انقلاب جهانی از یک جمعیّت جانباز و فداکار.

۲۳

صورتی که برای او ممکن است که به طور شناخته در میان مردم به سر ببرد تا روزی که فرمان الهی درباره انقلاب جهانی او فرا رسد؟

درباره این سؤال باید گفت: امام همچون انسانهای دیگر، طبق سنن عادی انسانی، زندگی می کند تنها تفاوتی که دارد او از یک عمر طولانی برخوردار است، اگر شناخته می شد هرگز از گزند نیروهای اهریمنی که در هر عصر و زمانی تعداد و شماره های آنها کم نیست مصون و محفوظ نمی ماند و به دست آنان از بین می رفت، چنانکه تاریخ این مطلب را درباره تمام امامان و پیشوایان گذشته به روشنی ثابت کرده است، تنها تفاوتی که این جا هست این است که اگر آفتاب عمر امامی از پیشینیان به وسیله اهریمنان بدخواه غروب می کرد امام و پیشوای دیگری جای او را می گرفت در صورتی که این موضوع درباره حضرت مهدی((علیه السلام)) چنین نیست، او آخرین حجت خدا است و باید برنامه به دست او اجرا گردد.

البته

آنچه گفتیم درباره فلسفه غیبت امام((علیه السلام)) بود و اینکه چرا او به طور ناشناخته زندگی می کنند و اما اینکه وجود امام در پشت پرده غیبت چه منافعی برای مردم دارد و هم اکنون جامعه انسانی از وجود امام چه سودی می برد خود موضوع دیگریست که باید جداگانه درباره آن بحث نمود و از موشوع سؤال بالا بیرون است.

با وجود آنچه گفته شد توجه به دو نکته دیگر لازم است:

۱. برخی از شخصیتهای کلامی عقیده شناس(مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی) در باب امام زمان((علیه السلام)) این گونه تعبیر کرده اند: «وحوده لطف و تصرفه لطف آخر وعدمه منا» که از این سخن استفاده می شود که محرومیّت ما از فیض حضور آن گرامی در اثر(آمده نبودن) خود ما است. بر این اساس یکی از عوامل اساسی غیبت را می توان در

رابطه با خود، جستجو کرد.

۲. از پاره یی احادیث که درباره غیبت امام زمان دارد شده است استفاده می شود که در غیبت آن حضرت سری یا اسراری نهفته است که تا ظهور آن حضرت این راز کشف نخواهد شد.

غیبت امام زمان(عج) چه سودی دارد؟

پرسش

غیبت امام زمان(عج) چه سودی دارد؟

پاسخ

باید توجه داشت که اصل وجود امامت از ضروریات نظام احسن است که اگر حجه وجود نداشته باشد زمین اهلش را فرو می برد.

اما غیبت امام زمان(عج) گر چه در پرتو عضو را یشان مسلمین بهره مندتر بودند اما اصل غیبت و فلسفه آن خالی از حکمت و مصالحی نیست چنانچه که راجع به خود غیبت احادیثی وارد شده است از ائمه معصومین که فرمودند حکمت غیبت بعد از ظهور امام زمان(عج) معلوم خواهد شد هم چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی بدست حضرت خضر(عج) بعد از فراغت از موسی(علیه السلام) روشن شد.

اما در مجموع احادیث وارده سه فایده برای غیبت آن بزرگوار ذکر شده است:

فائده اول: امتحان و آزمایش گروهی که ایمان محکمی ندارند باطنشان ظاهر شود و کسانیکه ایمان در اعماق دلشان ریشه کرده است بواسطه انتظار فرج و صبر بر شدائد و ایمان به غیبت ارزش آنها معلوم خواهد شد(۱).

۱ - بحا الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱; اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲; اثبات الهداه، ج ۶ ص ۴۳۶.

۳ - اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۷.

پروردگار بدون استحکام و بدون مصالح و فائده صادر نمی شود. که تمام اینها انشاء الله بعد از ظهور آن بزرگوار معلوم خواهد شد.

ما معتقدیم که امام عصر (عج) مانند خورشیده پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می رسد اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی ندارد. گیاهان و نباتات خشک می شوند، فتوسنتز نمی کنند و در نتیجه جانوران دیگر نیز همین طور. خوب حضرت هم چون غیبتش طولانی شده مس

پرسش

ما معتقدیم که امام عصر (عج) مانند خورشیده پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می رسد اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی ندارد. گیاهان و نباتات خشک می شوند، فتوسنتز نمی کنند و در نتیجه جانوران دیگر نیز همین طور. خوب حضرت هم چون غیبتش طولانی شده مسلماً به مرگ عقائد و مرگ

اسلام واقعی خواهد رسید این چه منفعتی دارد؟

پاسخ

هیچ خورشیدی برای همیشه پشت ابر نمی ماند و روزی از پسِ ابرها برون خواهد آمد. ولی گاهی اوقات آن ابرها آنقدر حجیم و درهم است که ظاهر شدن خورشید قدری طول می کشد.

این را بدانید که هیچ کس برای بیرون آوردن خورشید از پس ابرها نمی تواند به ما کمک کند، مگر اینکه خود ما برای ظاهر شدن خورشید حقیقت تلاش کنیم.

در جهت تلاش برای کنار زدن ابرها ابتدا باید سه چیز را بفهمیم؛ آن ابرها چیستند؟ چرا خورشید پس ابر است؟ آیا خورشید پشت ابر کارایی ندارد و فقط ظاهر شدن می تواند حیات ببخشد؟ ابرها همان عواملی هستند که باعث شدند امام در میان مردم حاضر نباشد و خورشید ظاهر نمی شود، مگر آنکه این عوامل کنار بروند.

الف)- ابر اول: حفظ جان امام زمان (عج)

خدای بزرگ پس از وجود مقدس پیامبر}ص{ جانشینان بسیاری را در میان مردم فرستاد تا وظایف ناتمام رسالت او را بر روی زمین به اتمام برسانند. تفسیر آیات، بیان حقایق قرآن، رهبری جامعه اسلامی و تربیت نفوس از وظایفی است که پس از پیامبر، به جانشین او واگذار می شود. خدا چنین کسی را که ویژگیهایش مثل آفتاب روشن است، به مردم معرفی کرده تا جانشین پیامبر شود، اما کسانی از ناآگاهی و غفلت مردم سوء استفاده کردند و کوشیدند تا مسیر جانشینی پیامبر(ص) را عوض کنند. پیش از پیامبر اسلام هم پیامبران بسیاری مبعوث شدند که مورد تکذیب مردم ناآگاه قرار گرفتند. پس از ظهور پیامبر اسلام نیز بیشتر مردم آمادگی پذیرش عمومی اسلام و برقراری نظام عدل جهانی

را نداشـتند. به همین سـبب بود که امیرمؤمنان علی(ع) را پس از چند سال حکومت، به شـهادت رساندند و بعد از او، آن بلاها را به سـر امام حسن(ع)و امام حسـین(ع) و سایر امامان آوردند. همان طور که می دانید، اگر وجود مقدس ولی عصـر(عج) که واپسـین ذخیره خـدای متعال برای امت مسـلمان است، از نظرها پنهان نمی شـد، او را نیز مانند اجدادش به ظلم و جور حاکمان جبّار، به شهادت می رساندند.

ب)- فراهم آمدن زمینه پذیرش حق در جهان

از آن جا که خـدای بزرگ می دانـد که در آینـده، زمانی فرا خواهـد رسـید که بیشتر مردم، لیاقت حکومت عـدل الهی را می یابند، با غایب ساختن امام زمان(عج)، حضرت را از بلاها حفظ فرموده است، تا شرایط لازم برای جهانی سازی عدل و معرفت و عبودیّت فراهم آید.

حالاـ می پردازیم به این سوال که آیـا خورشـید پشت ابر کارایی نـدارد؟ و ثمر بخش نیست؟ امام(ع) برای خود وظایفی دارند که به بهترین وجه به آنها اقدام می کنند و جز آن چه با غیبت ناسازگار باشد، تماماً مورد عنایت آن حضـرت می باشد. اصولاً آن حضرت را غایب نامیده اند، چون ظاهر نیست، نه آن که حاضرنیست، غیبت به معنای حاضر نبودن تهمت ناروایی است که به آن حضـرت زده انـد. آمدن آن حضـرت به معنای "ظهور" است، نه "حضور" و شـیفتگان آن حضـرت، ظهورش را از خدا می طلبنـد و نه حضورش را. همین است که وقتی ظاهر می شود همه انگشت حیرت به دنـدان می گزنـد و با تعجب می گویند که او را پیش از این هم دیده اند. برای اینکه بفهمیم امام در

دورانی کـه غایبنـد به عبـارتی، زمـانی که خورشـید حقیقت در پس ابرهـا پنهـان است چه وظـایفی دارنـد و به چه امـوری می پردازند، به دعاها، زیارت نامه ها، توقیعات و نامه های آن حضرت به بعضی شیعیان رجوع می کنیم.

الف)- آگاهی از وضـعیّت و احوال شـیعیان : در توقیع برای شـیخ مفید آمده است : (ما بر اخبار و احوال شـما آگاهیم، و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند.)

ب)- حفظ و نجات شـیعیان از گرفتاری ها و شر دشمنان : در همان توقیع نیز این گونه آمده : ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شـما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بود، دشواری ها و مصـیبت ها بر شـما فرود می آمد و دشـمنان شـما را ریشه کن می نمودنـد. از جمله این مـوارد، نجـات مردم بحرین از دست نـوکران و دست نشانـدگان اسـتعمار است؛ آنجـا که نخست وزیر این کشور حیله و نقشه ای ریخت که قرار شـد بـا شـیعیان همچون کافر حربی از اهل کتاب رفتار شود؛ یا جزیه پرداخته و ذلت پرداخت آن را تحمل کننـد و یا مردانشان کشـته و زنان و کودکانشان به اسارت گرفته شونـد، و حضرت در خنثی ساختن این توطئه نقش بزرگی داشت.

ج)- حضور در میـان مردم : امیرالمؤمنین می فرمایـد (سوگنـد به خـدای علی، حجت خـدا در میان آنهاست، در کوچه و بازار آنهـا گـام برمی دارد و بر خـانه های آنان وارد می شود و در شـرق و غرب جهان به سـیاحت می پردازدو گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات

آنها وارد شده، سلام می دهد.و مردمان را می بیند)

د)- حضور همیشگی در مراسم حج.

ه)- دست گیری درماندگان

ر)- راهیابی گمشدگان

ز)- شفای بیماران لاعلاج

ح)- خیرخواهی و نصیحت و دعا برای مؤمنان

خ)- شرکت در تشییع برخی از آنان

س)- حل بعضی از مشکلات علمی علماء

ش)- خبردادن از پاره ای رویدادهای مهم

ص)- دستگیری باطنی از افراد از جمله کارهای آن حضرت در این دوران است. چه او را بشناسند و چه نشناسند، چه پشت پرده های غیبت باشد یا نباشد.

با تأمل و دقت در این موارد ملاحظه می فرمایید که امام(ع)در دوران غیبت، شیعیان را رها نکرده است و چه بسیار اتفاق افتاده است که ایشان در مواقع اضطرار شیعیان و در مواقعی که مشکلات عقیدتی و روحی سراغ شیعیان آمده است به کمک آنها شتافته اند بدون اینکه ردّ پایی از خود به جای بگذارند.

۱.آیا نمی شد امام علی(غایب شوند تا بعد از آمدنشان جهان را از ظالمان و گنهکاران پاک کند؟

اشاره

۲. چرا نیت در نماز را می توان فارسی خواند ولی بقیه را باید عربی خواند آیا نمی شود نماز را فارسی خواند آیا ما اجباریم در عربی خواندن؟

پرسش

۱. آیا نمی شد امام علی(غایب شوند تا بعد از آمدنشان جهان را از ظالمان و گنهکاران پاک کند؟

۲. چرا نیت در نماز را می توان فارسی خواند ولی بقیه را باید عربی خواند آیا نمی شود نماز را فارسی خواند آیا ما اجباریم در عربی خواندن؟

پاسخ

با بیان دو نکته در مورد غیبت و فلسفه آن به پاسخ این سؤال می پردازیم :

۱.خداوند کسی را به حقیقت امر غیبت آگاه نمی کند و این امر از حکمتهای الهی است. پس بهتر است که در فهم حقیقت امر "غیبت" خیلی تلاش نکنیم.

وجود مقدس امام زمان (در جواب سؤالی که اسحق بن یعقوب از حضرتش پرسیده بود نوشتند :

"وَ اَمّا عِلَّهُ ما وَقَعَ مِنَ الغیبَتهِ فَاِنَّ ا... عَزَّوَجَلّ یقولُ : یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا لا تَسْأَلُوا عَنْ اَشْیاءِ اِنْ تُبْدَلَکُمْ تَسُؤکُمْ"، (در خصوص علت غیبت سؤال کرده بودید. خداوند متعال در قرآن کریمش می فرماید : "ای اهل ایمان! از چیزهایی که جواب آنها را نمی توانید تحمّل کنید و ناراحت می شوید، سؤال نکنید.)(۱)

۲. اما آنچه به فهم بشر عادی در این مورد خطور می کند این است که : شرایط و موقعیت "غیبت امام" موقعیتی خاص بوده و این شرایط در مورد سایر ائمه (نبوده است و به خاطر همان شرایط امام زمان(از نظر ها غایب شده اند و اگر این شرایط در عصر حضرت علی(هم می بود یقیناً آن حضرت هم در پرده غیبت قرار می گرفتند. در این زمینه حضرت آیت ا...مصباح یزدی می فرمایند : "برای روشن شدن راز غیبت، باید نظری به سرگذشت ائمه(بیفکنیم.

چنانکه می دانیم

بعد از رسول خدا(اکثریت مردم با ابوبکر و بعد با عمر و سپس عثمان بیعت کردند، و در اواخر حکومت وی که نابسامانیهای فراوانی در اثر تبعیضات ناروا پدید آمد، دست به شورش زده او را به قتل رسانیدند و با امیرالمؤمنین علی(بیعت کردند. آن حضرت که خلیفه منصوب از طرف خدا و رسول (بود در طول حکومت خلفاء سه گانه برای رعایت مصالح جامعه نو بنیاد اسلامی، دم فروبست و جز از سر اتمام حجّت، سخنی نگفت و در عین حال از هیچ اقدامی به نفع اسلام و مسلمین دریغ نورزید ... وسرانجام بدست یکی از خوارج به شهادت رسید.

امام حسن مجتبی(نیز به دستور معاویه مسموم شد و پس از مرگ معاویه فرزند او یزید که اعتنایی به ظواهر اسلام هم نداشت بر اریکه سلطنت اموی تکیه زد. از این روی، امام حسین(چاره ای جز قیام ندید و با شهادت مظلومانه اش مسلمانان را تا اندازه ای هشیار و بیدار کرد، ولی شرایط اجتماعی برای تشکیل حکومت عدل اسلامی فراهم نگردید. و از این جهت سایر ائمه(به تحکیم مبانی عقیدتی و نشر معارف و احکام اسلام و تربیت و تهذیب نفوس مستعد پرداختند و بالاخره یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند.

آنچه وحشت و اضطراب حاکمان خود کامه را بر می انگیخت وعده ظهور حضرت مهدی (بود که هستی آنان را تهدید می کرد. از این روی معاصرین امام حسن عسگری (بشدّت ایشان را تحت نظر قرار دادند که اگر فرزندی برای آن حضرت متولد شد او را به قتل برسانند و خود آن بزرگوار را در

عنفوان جوانی به شهادت رساندند... "(۲)

از آنچه خدمت شما دوست عزیز عرض شد چنین نتیجه می گیریم که : اگر یکی از اولیای الهی قرار باشد از نظرها غایب شود، حتماً باید در شرایط خاصّی باشد این شرایط در مورد امام زمان(و حضرت مسیح (پیش آمد و این بزرگواران از نظرها غایب شدند. اما چنین شرایطی برای حضرت علی(پیش نیامد، و از جهتی دیگر باید گفت در زمان حضرت علی(کارهای مهمی باید انجام می شد که حضور حضرت را در بین مردم ایجاب می کرد، مثل تربت شاگردانی چون سلمان و ابوذر و مقداد و بلال و مالك و محمد بن ابابکر و ... و تفسیر و تبیین یا جمع آوری قرآن و روایات حضرت رسول (و هدایت خلفای غاصب در مسیر صحیح، تا اسلام را خیلی از راه حقیقی آن منحرف نکنند، و بیان معارف الهی در مبارزه با عقاید انحرافی بعضی فرقه ها و سایر وظایفی که حضرت علی (خود را موظف به انجام آن می دانستند. اما در عصر ما که دوران امام زمان(است، مکتب شیعه با تمسک و تقلید از علمای وارسته ای که سینه خود را گنجینه معارف اهل بیت قرار داده اند و در راه بیان و تبلیغ دین و دفاع از عقاید حقه شیعه از مال و جان و تمام دنیا گذشته اند با خطرات آن دوران مواجه نیست و این نکته هم قابل تأمل است که اگر در مراتب امامت، زمان این دو بزرگوار عوض می شد و قرار بر این می شد که حضرت علی(در آخرالزمان به امامت

و خلافت برسند حتماً تحت شرایط موجود ایشان از نظرها غایب می شدند.

آنچه بیـان شـد احتمالاـتی در مسـأله "غیبت" است امـا حقیقت این مسـأله به فرموده امـام زمان(بسـی فراتر از اینهاست و عقل ناقص بشر عادّی راهی جز تعبّد و اطمینان به اقوال پیامبر و ائمه(ندارد.

اما در پاسخ سؤال دوم شما باید عرض کنم :

طبق فتوای تمام مراجع عظام تقلیـد لازم نیست نیّت نماز را به زبان بگوید یا حتی از قلب بگذراند بلکه همینکه متوجه باشد که مثلاًـ نمـاز ظهر می خوانـد نه نماز دیگر، کافی است. و در مورد تکبیره الاحرام و قرائت نماز که حتماً بایـد به زبان جاری شود فتوای تمام فقهای بزرگوار این است که بایـد به عربی صـحیح بخواند و اگر عربی صـحیح را نمی داند باید یاد بگیرد ولی اگر نمی تواند یاد بگیرد باید به هر طوری که می تواند بخواند.(۳)

ولی آنچه مسلّم است؛ نمی شود ترجمه آن را به فارسی بگوید و آنچه در مورد علت این امر می شود گفت این است که اگر کلمه ای را در نمـاز اشـتباه بخوانیم معنای آن کلمه عوض می شود و نماز را باطل می کنـد، و لـذا به همان صورتی که مراجع عظام تقلید از احادیث ائمه(برداشت کرده اند، باید خوانده شود.Kآوکمکششنئی

منابع و مآخذ :

۱. کتاب غیبت، شیخ طوسی، ص۱۷۶

۲. آموزش عقاید، آیت ا...مصباح یزدی، ص۳۳۳

توضیح المسائل مراجع، ج۱، ص۵۷۲و۵۵۳

چرا امام زمان(عج) غایب هستند؟

پرسش

چرا امام زمان(عج) غایب هستند؟

پاسخ

در پاسخ به پرسش شما بحث های مفصلی هست که به طور مختصر و مفید بدان پرداخته می شود.این که امام زمان چرا غایبند و علت اصـلی غیبت آن حضـرت چیست مسأله ای است که بر همگان پوشیده است. بر طبق روایات اگر غیبت از اسرار الهی و از امور غیبی است و همچون سـایر امور مربوط به عوالم غیب، برای مـا معلوم نیست. از آن جا که خداونـد حکیم است و تمام

کارهایش بر اس حکمت و مصلحت بنا شده امر غیبت نیز چنین است و تصدیق و اعتقاد به آن بر ما امری واجب است.

شایسته و بایسته است در این رابطه از نامه صاحب غیبت (امام زمان ارواحنا فداه) که در پاسخ اسحاق بن یعقوب کلینی نوشته شده است. بهره بگیریم. در پایان نامه آمده است: "از علت غیبت نپرسید چرا که خداوند در قران می فرماید: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَسْئَلوا عَنْ أَشْیاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ ای مؤمنان از چیزهایی که ظرفیت درک آن را ندارید نپرسید.

در روایت است که امام صادق (ع) فرمود: علت غیبت آن حضرت پس از ظهورش کشف خواهد شد. اما علت ظاهری غیبت و مصالح و فواید آن اموری است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- امتحان مردم: فلسفه خلقت و مرگ و زندگی آزمایش انسان ها معرفی شده است. یکی از شدیدترین و سخت ترین امتحان الهی مسأله غیبت است که انسان می توانـد در این زمان ایمانش را محک بزند. امام باقر (ع) در پاسخ جابر جعفی- که از فرج و نصرت ائمه (ع) پرسیده بود- فرمود: "هرگز، هرگز فرج و نصرت ما وقتی می رسد

که شما غربال شوید، غربال شوید تا خالصان از ناخالصان جدا گند."

هر گاه امام معصومی مورد حمایت یاران و اصحاب خویش قرار گرفته است قیام نموده است نظیر قیام سید الشهدا(ع) در واقعه کربلا، اما اگر یاران و اصحابی نداشته قیام نکرده است نظیر امام صادق (ع) بسیاری از امامان ما "غیبت" داشته اند، ۲۵ سال سکوت حضرت علی (ع) به معنای غایب بودن آن حضرت است، خانه نشین شدن حضرت امام حسن(ع) به معنای غایب شدن بود و سایر ائمه (ع) البته خصوصیتی که غیبت امام زمان(عج) دارد این است که بسیار طولانی است و چون حضرت تحقق بخش حکومت الهی است، قیام حضرتش موقعیت خاصی می خواهد که آن لحظه و ساعت در نزد خداست و هیچ کس اطلاعی از آن لحظه ندارد.

اما علت اصلی غیبت آن حضرت به نظر حقیر کمبود یاران و آماده نبودن موقعیت جهانی برای قیام است.

منابع و مآخذ:

- ینابیع الموده، قندوزی، ج ۳، ص ۱۷۰

- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص ۴۸۵

- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷

- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۶

- بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۶۳

چرا خداوند حضرت مهدی(عج) را غایب کرد و چرا یکی دیگر از امامها را غایب نکرد؟

پرسش

چرا خداوند حضرت مهدی(عج) را غایب کرد و چرا یکی دیگر از امامها را غایب نکرد؟

پاسخ

می توان گفت که سؤال شما دو مرحله دارد اول سؤال از فلسفه غیبت و دوم اینکه چرا بقیه امامان غیبت نداشته اند.

برای پاسخگویی به این سؤال لازم است ابتدا غیبت را معنا کنیم .

منظور ما از غیبت ، نهان زیستی امام زمان (عج) است یعنی گرچه در جامعه حضور دارند اما، ما ایشان را نمی بینیم یا اگر

ببینیم ، نمی شناسیم.

در مورد علت غیبت ، در روایات اهل بیت (ع) نکات فراوانی اشاره شده است که به چند مورد آن اشاره می کنم .

نکته قابل توجه این است که اهل بیت(ع) بسته به میزان درک و فهم مخاطبان خود، پاسخهای متنوعی داده اند(۱) و به این ترتیب مراتب مختلف غیبت را نیز اشاره کرده اند .

۱. امام صادق (ع) می فرمایند: "اجازه نداریم علت آن را بیان کنیم. حکمت غیبت او ، همان حکمتی است که در غیبت حجتهای پیشین وجود داشته است و پس از ظهور روشن خواهد شد."

چنانکه حکمت کارهای خضر از شکستن کشتی و کشتن پسر بچه و . . . وقتی برای موسی روشن شد که آن دو از هم جدا شدند .

۲. آزمایش مردم

۳. عدم آمادگی مردم درآن دوران

شیخ طوسی در توضیح این مطلب می فرماید: " خدا با ایجاد امام به لطف خود [نسبت به بندگان] جامه عمل پوشاند و حجت را بر مردم تمام کرد . بسط ید [و قدرت] امام لطف دیگری است که به کوشش ما مربوط می شود. تقویت قدرت امام در مواردی در توان ماست. بنا براین ما مکلف به آن هستیم و قدرت ندیدن امام

را باید از چشم خود ببینیم. یعنی غیبت امام تقصیر خود ماست .

" گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است "

در مورد قسمت دوم سؤال شما که فرمودید چرا بقیه اهل بیت غیبت نداشته اند نکاتی قابل توجه است . -اهل بیت برای تبلیغ دین و هدایت مردم منتظر شرایط زمانی و مکانی مناسب بودند، از این رو گاهی تقیه می کردند و گاهی که شرایط مناسب بود ، تبلیغ می نمودند. پس در اصل مطلب بین آنان و امام زمان(عج) تفاوتی نیست و چون امام زمان(ع) در شرایط فعلی امکان تشکیل حکومت عدل جهانی را ندارند ظهور نمی کنند .

۲-امام زمان(عج) آخرین امام است بنابراین حفظ جان ایشان از واجبترین امور است. در مورد هیچکدام از امامان اینگونه نبود که از قبل تولد ایشان دشمنان منتظر تولد و قتل ایشان باشند اما حتی قبل از تولد امام زمان (عج) منتظر تولد و قتل امام بودند، بنابراین خداوند تا مهیا شدن زمان مناسب ایشان را در حال غیبت قرار دادند.

منابع و مآخذ:

۱. چشم به راه مهدی ، مقاله فلسفه غیبت ، ص ۴۰۸ تا ۴۳

چرا امام زمان (عج) غایب است؟

پرسش

چرا امام زمان (عج) غایب است؟

پاسخ

غیبت امام زمان (عج) از اموری است که بشر از کشف آن ناتوان است و پیوسته مورد سؤال او قرار گرفته و فکرها را مشغول نموده است، ولی باید توجه داشت که بر اساس برخی روایات علت و فلسفه واقعی غیبت امام مهدی (عج) سرّی از اسرار الهی است که حکمت آن بر بندگان پوشیده است و جز خدا و به اذن معصوم (عج) کسی نسبت به آن اطلاع کافی و کامل ندارد و تنها بعد از ظهور آن حضرت این مطلب روشن خواهد شد. لذا پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

"ای جابر! (غیبت امام زمان) سری از اسرار الهی می باشد که بر بندگان پوشیده است، مبادا در امر خدا شک کنی، چرا که تردید در امر خدا کفر است" (۱)

و چنانکه عبد الله بن فضل هاشمی روایت کرده که از امام صادق (ع) شنیدم می فرمود:

"همانا برای "صاحب الامر" غیبتی تخلف ناپذیر است، به طوریکه اهل باطل در آن تردید می کنند".

عرض کردم: یا بن رسول الله! چرا غیبت می کند؟

فرمود: به علتی که به ما اجازه نداده اند آشکار سازیم.

عرض کردم: چه حکمتی در غیبت اوست؟

فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجتهای پیش از او بوده است، حکمت غیبت قائم بعد از آمدن خود او ظاهر می شود، چنانکه حکمت سوراخ کردن کشتی توسط خضر، و کشتن آن بچه، و تعمیر دیوار، برای حضرت موسی ۷ ظاهر نگشت، مگر موقعی که خواستند از هم جدا شوند" (۲)

بنابراین هر چند نمی توان به همه اسرار غیبت آن حضرت پی برد، اما با استفاده از روایات معصومین (ع) به

برخی از این علل و حکمتها اشاره می کنیم:

الف) آزمایش مردم

چنان که می دانیم یکی از سنتهای ثابت الهی آزمایش بندگان و گزینش صالحان و پاکان است، به طوری که صحنه زندگی همواره صحنه امتحان و آزمایش است، تا بندگان از این راه در پرتو ایمان، استقامت و تسلیم خویش در پیروی از اوامر خداوند تربیت یافته و به کمال برسند، و استعدادهای نهفته آنان شکوفا گردد. لذا در برخی از روایات آمده است که فلسفه غیبت امام زمان (عج) آزمایش مردم است، در این زمینه به چند روایت توجه فرمایید:

۱ رسول اکرم می فرماید:

"او (امام زمان (عج)" کسی است که از (نظر) یاران و شیعیانش غایب می شود، که در آن غیبت جز آنکه خداوند قلبش را به ایمان آزموده باشد در اعتقاد به امامت حضرت ثابت قدم نمی ماند (۳)

۲ امام حسین (ع) می فرماید:

"برای امام مهدی (عج) غیبتی است. در این غیبت برخی از دین برمی گردند و برخی ثابت قدم میمانند، هر کس در این غیبت صبر کند و بر مشکلاتی که از سوی دشمنان ایجاد می شود استقامت کند، به قدری از اجر خداوند بهره مند می گردد که انگار در کنار پیامبر (ص) با شمشیر با دشمنان جنگیده است" (۴)

۳ امام موسی بن جعفر می فرماید:

"هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد مواظب دین خود باشید، مبادا کسی شما را از دین خارج کند. او ناگزیر غیبتی خواهد داشت، به طوری که گروهی از مؤمنان از عقیده خویش بر می گردند. خداوند به وسیله غیبت، بندگان خویش را آزمایش می کند..." (۵)

شیخ طوسی می گوید: از سخنان پیشوایان اسلام بر

می آید که آزمایش به وسیله غیبت حضرت مهدی (عج) از سخت ترین آزمایش های الهی است. (۶)

ب) آزادی از بیعت طاغوتهای زمان

در برخی از روایات اسلامی آمده است که علت و حکمت غیبت امام مهدی (ع) این است که آن حضرت بوسیله غیبت از یوغ بیعت با طاغوتهای زمان آزاد می شود و تعهد و بیعت با هیچ حاکمی را بر عهده ندارد، تا بتواند در زمان قیام خود، آزادانه تلاش کند. دیگر امامان از روی تقیه حکومتها را به رسمیت می شناختند، ولی امام مهدی (عج) مأمور به تقیه نیست و به همین جهت با حکومت ها و طاغوت های زمان بیعت نمی کند، اگر غیبت آن حضرت نباشد، این امر شدنی نیست.

امام حسن مجتبی (ع) در این باره فرمود:

"هر کدام از ما (امامان اهل بیت (ع) در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوتهای زمان را از روی تقیه به عهده گرفته ایم، مگر امام مهدی (عج) که عیسی بن مریم به امامت آن حضرت نماز می گذارد. خداوند ولادت او را مخفی نگه داشت و برای او غیبتی در نظر گرفت، تا زمانی که قیام می کند بر گردنش بیعت حاکمی نباشد" (۷)

ج) آمادگی جهان

ظهور حضرت مهدی (عج) به عنوان خاتم الاوصیا ومنجی بشریت و کسی که در کره زمین دین اسلام را بر تمامی دین ها پیروز گرداند، قطعاً زمینه و آمادگی جهانی نیازمند است. زیرا روش و سیره آن حضرت مبنی بر رعایت امور ظاهری و حکم به ظاهر نیست بلکه مبنی بر رعایت حقایق و حکم به واقعیات و ترک تقیه و مصامحه نکردن در امور دینی و احقاق

حقوق و برقراری عدالت واقعی و اجرای تمام احکام اسلامی است.

معلوم است که انجام این برنامه و انقلاب بزرگ و همه جانبه نیازمند ترقی و رشد بشر در ناحیه علوم، معارف، فکر، اخلاق و آمادگی جامعه برای پذیرش اسقبال این نهضت و لیاقت زمامداری آن رهبر الهی می باشد. از این رو جهان باید زمینه این پذیرش را داشته باشد تا این هدف محقق شود. بنابراین می توان فقدان آمادگی جهان را یکی از فلسفه و حکمت های غیبت امام مهدی (عج) بر شمرد. (۸)

نتیجه: علت و فلسفه واقعی غیبت حضرت ولی عصر (عج) یکی از رازهای الهی است، جز خداوند و پیشوایان معصوم (ع) کسی نسبت به آن اطلاع کامل کافی ندارد.

با این حال طبق بیان معصومین (ع) راز غیبت آن حضرت عبارت است از:

۱ فراهم نبودن شرایط ظهور، برای تحقق بخشیدن به آرمانی بزرگ (گسترش عدل و قسط جهانی و به اهتزار در آوردن پرچم توحید در تمام کره خاکی) این آرمان بزرگ نیاز به گذشت زمان و شکوفایی عقل و دانش بشر و آمادگی روحی بشریت دارد، تا جهان به استقبال آن امام عدل و آزادی رود. طبیعی است اگر حضرت پیش از فراهم شدن مقدمات در میان مردم ظاهر شود، سرنوشتی مانند دیگر امامان (شهادت) یافته و قبل ار تحقق آن آرمان بزرگ دیده از جهان برخواهد بست.

۲ در بعضی از روایات حکمتهای دیگری از جمله آزمایش مردم و اندازه پایبندی و پایداری آنان به دین وولایت بیان شده است. غیبت آن حضرت سبب می شود تا نفاق پنهان عده ای آشکار شود ایمان حقیقی محبان و شیعیان واقعی امام (ع)

از افراد ناخالص و سست ایمان جدا و پاک شود و در یک جمله مؤمن از منافق معلوم گردد.

منابع و مآخذ:

۱ "یا جابر! ان هذا الامر من امر الله و سر من الله مطوی عن عباده فایاک و الشک فی امر الله فهو کفر" محمد باقرمجلسی، ج۱، ص۷۳، باب ۱، حدیث ۱۸

۲ "ان لصاحب هذا الامر غیبه لابد منها یرتاب فیها کل مبطل، فقلت: و لم جعلت فداک؟ قال: لامر لم یؤذن لنا فی کشفه لکم قلت. فما وجه الحکمه فی غیبه؟ قال وجه الحکمه فی غیبه وجه الحکمه فی غیبات من تقدمه من حجج الله تعالی ذکره ان وجه الحکمه فی ذلک لاینکشف الا بعد ظهوره کما لم ینکشف وجه الحکمه فیما آتاه الخضر (ع) من خرق السفینه و قتل الغلام و اقامه الجدار لموسی (ع) الی وقت افتراقهما"

۳ "ذاک الذی یغیب عن شیعته و اؤلیاته غیبه، لا یثبت فیها علی القول بامامته الا من امتحن الله قلبه للایمان". معجم احادیث الامام المهدی (عج)، ج۳، ص۴۲۱ و بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۰۱

۴ "له غیبه یرتد فیها اقوام و یثبت علی الدین فیها آخرون ... اما ان الصابر فی غیبته علی الاذی و التکذیب بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله (ص) بحار الانوار، ج۵۱، ص۱۳۳، باب ۳، حدیث ۴

۵عن موسی بن جعفر (ع) قال: "اذا فقد الخامس من ولد فالله الله فی أدیانکم لایزیلکم أحد عنها یا بنی انه لا بد لصاحب هذا الامر غیبه حتی یرجع عن هذا الامر من کان یقول به، انما هی محنه من الله عزوجل امتحن بها خلقه..." شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص۲۰۴، نعمانی، الغیبه،

ص ۱۵۴، مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰، باب ۷، حدیث ۱

۶ شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص۲۰۳۲۰۷

۷ "ما منا احد الا و یقع فی عنقه بیعه لطاغیه زمانه الا القائم الذی یصلی روح الله عیسی بن مریم خلفه فان الله عزوجل یخفی ولادته و یغیب شخصه لئلایکون لاحد فی عنقه بیعه اذا خرج ذاک التاسع من ولد اخی الحسین ..." محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ص۱۳۲

۸ ر.ک اطف الله صافی، امامت و مهدویت، ج۳، ص۱۴۳ ۱۵۰

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱ مجموعه مقالات و گفتارها، آثار جمعی از محققین

۲ خورشید پنهان، ستاد برگزاری جشنهای میلاد حضرت مهدی (عج)

۳ آخرین سفر، ذبیح الله محسنی کبیر

برگرفته از کتاب: در ساحل اندیشه، اکبر اسد علیزاده، زیر نظر آیت الله جعفر سبحانی، موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع)

فلسفه غیبت امام زمان (عج) چیست ؟

پرسش

فلسفه غیبت امام زمان (عج) چیست ؟

پاسخ

در پاسخ به پرسش شما بحث های مفصلی هست که به طور مختصر و مفید بدان پرداخته می شود.

این که امام زمان چرا غایبند و علت اصلی غیبت آن حضرت چیست مسأله ای است که بر همگان پوشیده است.برطبق روایات اگر غیبت از اسرار الهی و از امور غیبی است و همچون سایر امور مربوط به عوالم غیب، برای ما معلوم نیست. از آن جا که خداوند حکیم است و تمام کارهایش بر اساس حکمت و مصلحت بنا شده امر غیبت نیز چنین است و تصدیق و اعتقاد به آن بر ما امری واجب است.

شایسته و بایسته است در این رابطه از نامه صاحب غیبت (امام زمان ارواحنا فداه) که در پاسخ اسحاق بن یعقوب کلینی نوشته شده است. بهره بگیریم. در پایان نامه آمده است: «از علت غیبت نپرسید چرا که خداوند در قران می فرماید: « یا ایها الذین آمنو لاـ تسئلوا عن اشیاء إن تبد لکم تسؤ کم » ای مؤمنان از چیزهایی که ظرفیت درک آن را نداریدنپرسید... پس درب پرسش از چیزهای فوق ظرفیت خویش را ببندید و خود را در آگاهی از چنین چیزهایی به زحمت نیندازید و هر چه بیشتر برای تعجیل در فرج دعا کنید.

در روایت دیگری است که امام صادق(ع) فرمود: علت غیبت آن حضرت پس از ظهورش کشف خواهد شد. اماعلت ظاهری غیبت و مصالح و فواید آن اموری است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱ امتحان مردم: فلسفه خلقت و مرگ و زندگی آزمایش انسان ها معرفی شده است. یکی از شدیدترین و سخت ترین امتحان الهی مسأله غیبت است که انسان می تواند

در این زمان ایمانش را محک بزند. امام باقر (ع) در پاسخ جابرجعفی که از فرج و نصرت ائمه(ع) پرسیده بود فرمود: «هرگز، هرگز فرج و نصرت ما وقتی می رسد که شما غربال شوید، غربال شوید تا خالصان از ناخالصان جدا گردند».

برادر عزیز! توجه دارید که ظهور امام زمان (عج) فرج و نصرت خداوند برای بشریت است و نصرت خدا وقتی فرومی آید که دلها از غیر خدا پاک گردد و تنها متوجه او شود و فضای یاس و ناامیدی از نصرت غیر او حاکم گردد.

۲ آمادگی افکار و اندیشه ها؛ برای پذیرش اصلاحات توسط حضرت: قابل توجه است که ظهور آن حضرت همانندظهور پیامبران و سایر ائمه نیست بلکه با امداد الهی و به صورت غیر عادی و اعجازآمیز است. اقدامات و اصلاحات حضرت، نیازمند به درک بالاـ و شعور مترقی از سوی مردم است. بنابر این شعور و درک بالا باید در ما ایجاد شود تازمینه ظهور فراهم گردد. در روایتی نیز آمده است – در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) مردم از درک بالا و استعدادژرفی بر خوردار خواهند بود.

نوشته اید خداوند چرا ما را در این زمان آفرید نه در زمان پیامبر (ص) یا ائمه (ع)؟ باید گفت که از ابتدای آفرینش انسان تا برپائی قیامت، همواره انسان هائی می آیند و می روند و جای خود را به نسل دیگر می دهند و امکان این نیستکه همه در یک زمان زندگی کنند. در هر زمان نسلی زندگی می کند که در گذشته نبودو در آینده نیز نخواهد آمد. این قانون آفرینش است.

درباره این که مردم در زمان ائمه (ع) لیاقت داشتند و اکنون ندارند گفتنی است

که این سخن کلیت ندارد چه بسیارافرادی که در آن زمان بودند و لیاقت نداشتند و چه بسیار افرادی که در این زمان هستند و بسیار لایقند.

یکی از زمینه های غیبت همین نکته است که عقول مردم آخرالزمان و معرفت آنها نسبت به گذشتگان بیشتر است.از همین رو بدون حضور پیامبر(ص) و یا امام معصوم (ع) نیز می توانند راه را بیابند و در آن طی مسیر کنند.

به مضمون این آیات و روایات دقت کنید: پیامبر خدا(ص) به حضرت علی(ع) فرمود: « شگفت ترین مردم از نظرایمان و بالاترین آنان از نظر یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان پدیدار می شوند. آنان پیامبر(ص) را درک نکرده و حجت خدا نیز از آنان محجوب است، ولی آنان به مدد سیاهی بر سفیدی (قرآن و نوشته ها) ایمان می آورند (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۶).

در روایت دیگری آمده است که از امام سجاد(ع) درباره توحید سؤال شد، حضرت فرمود: خداوند می دانست که در آخرالزمان مردمی ژرف نگر پدیدار می شوند، ازاین رو سوره «قل هواللّه احد» و آیات سوره حدید را نازل کرد»(بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۶۳).

بنابراین نه مردم زمان ائمه به جهت امتیاز و برتری خاص خود، حضور آنان را درک کرده اند و نه مردم آخر الزمان به جهت نداشتن لیاقت از فیض حضور آنان باز مانده اند. این مسأله فلسفه های ناشناخته بسیاری دارد که به بعضی از آنهااشاره شد.

درباره بهره بردن از امام زمان(عج) نیز گفتنی است که فیض وجود آن حضرت به همه می رسد؛ چرا که انسان کامل فلسفه آفرینش است و اگر جهان به پا است، به جهت وجود «انسان کامل» است.

فیض خاص آن حضرت (هدایت به امر) نیز به خواص می رسد

و شرط درک این فیض، سنخیت است نه ادعا وسخن و قیل و قال و اگر کسی وجودش با آن حضرت سنخیت پیدا کند، مشمول دستگیری های آن حضرت خواهدشد؛ ولی باید دانست که رسیدن به این سنخیت کاری است بس دشوار. از سوی دیگر در زمان غیبت، وظایف خاصی برای ما مشخص شده که بایستی بدان عمل کنیم چه امام زمان(عج) را ببینیم یا نبینیم. قرآن و سنت راه ها را برای ماباز گو کرده اند و اگر کسی مرد عمل می باشد، راه روشن است.

درباره ملاقات حضرت نیز گفتنی است که چون اصل در زمان غیبت بر حاضر نبودن است، بنابراین کسی به سادگی به خدمت آن حضرت نمی رسد؛ چه لیاقت داشته باشد یا نداشته باشد. اساسا چنین وظیفه ای نیز در زمان غیبت برای ما ترسیم نشده است که دنبال امام زمان(عج) بگردیم تا آن حضرت را بیابیم. البته عشق به آن حضرت، عشق مقدس و گران بها است؛ ولی مقوله وظیفه، مقوله ای دیگر است.

با وجود ضعف دولت عباسی، چگونه مسأله خوف بر جان حضرت مهدی علیه السلام توجیه می شود؟

پرسش

با وجود ضعف دولت عباسی، چگونه مسأله خوف بر جان حضرت مهدی علیه السلام توجیه می شود؟

پاسخ

برخی می گویند: در دولت عباسی از آنجا که اتراک در شؤون خلافت سیطره پیدا کرده بودند وعزل ونصب ها به دست آنها افتاده بود، لذا حکومت عباسیان به ضعف وسستی گراییده بود ونمی توانستند زمام حکومت را به دست داشته باشند، لذا موقعیّت سیاسی که در عصر غیبت امام زمان (ع) به وجود آمد توجیه گر خوف وتقیّه بر آن حضرت نبود تا امام عسکری (ع) او را مخفی بدارد.

پاسخ:

۱ - اگر چه دولت عباسی در آن عصر نسبت به اوّل تأسیس آن از قوت آن چنانی برخوردار نبود ولی فی نفسه دولت مقتدری به حساب می آمد.

۲ - از آنجا که کفر همگی یک ملت واحد است، لذا گرچه حکومت عباسی با معارضین داخلی از قبیل اتراک درگیر بودند ولی همگی بر این اتفاق داشتند که باید با اهل بیت: وعلویین مقابله ومبارزه نمود.

۳ - دولت بنی عباس گرچه مشغول مبارزه با معارضین داخلی بوده است ولی همان گونه که قبلاً اشاره شد هرگز از مبارزه با اهل بیت غافل نبودند.

کارکردهای امامت در زمان غیبت

فوائد وجودی امام

علت تولد امام قرنها قبل از ظهور چه بود و فایده امام غائب چیست؟

پرسش

علت تولد امام قرنها قبل از ظهور چه بود و فایده امام غائب چیست؟

پاسخ

فایده وجود امام، منحصر به ظهور و قیام او در آخر الزمان و اینکه به صورت ظاهری در کارها تصرف و دخالت داشته باشد نیست، بلکه یکی از فوائد وجود امام، امان خلق از فنا و زوال به اذن خدا و همچنین بقای شرع و حفظ حجتها و بیّنات خدا است. چنانچه اخبار معتبر ما و بعضی احادیث مشهور ائمه اثنا عشر و احادیث دیگر که از طرق اهل سنّت و شیعه روایت شده بر آن دلالت دارد و همچنین احادیث بسیاری که دلالت دارند بر آنکه زمین هیچگاه خالی از حجت نمیشود. و فایده دیگر این است که چنانچه از اخبار هم استفاده میشود، وجود مؤمن در بین مردم منشأ خیرات و برکات و سبب نزول رحمت و جلب کننده عنایات خاص و دافع کثیری از بلیات است پس وقتی مؤمن وجودش این فوائد و برکات را داشته باشد، معلوم است که وجود امام و ولّی الله اعظم، فوائد و برکاتش بسیار عظیم تر و با اهمیّت تر است و به عبارت دیگر امام حجت واسطه اخذ و ایصال فیوض و برکاتی است که دیگران استعداد و لیاقت آنکه مستقیماً آن برکات و افاضات را تلقی و اخذ نمایند ندارند لذا وجود و عمر طولانی و ولادت آن حضرت در قرنها پیش یک مصلحتش همین است که فیوض ربانی در این مدّت از عباد قطع نشود و خلق الله از برکاتی که بر اصل وجود امام مترتب است محروم نگردند.

امام مهدی(ع) در غیبت کبری چه مسؤولیتهایی را بر عهده دارند و این عمر طولانی را در چه شغل و عملی میگذرانند؟

پرسش

امام مهدی(ع) در غیبت کبری چه مسؤولیتهایی را بر عهده دارند و این عمر طولانی را در چه شغل و عملی میگذرانند؟

پاسخ

در غیبت کبری کارها و مشاغل و مسؤولیتهای امام(ع) بسیار حسّاس و مهم است و اگر چه تصرف و بسط ید و حکومت ظاهری بر اوضاع ندارند و رتق و فتق امور را دیگران در اختیار گرفته و نظام حکم و اداره را به خود اختصاص داده و بندگان

خدا را استضعاف و استعباد میکنند، مع ذلک امام(ع) ناظر بر اوضاع میباشند و عنایتهائی دارند و تصرفاتی مینمایند.

و بـالجمله شؤون امـامت و رهبری و زعـامت را در حـدود امکان متصـدی شـده و وظایف خود را به نحو احسن و اکمل انجام میدهنـد؛ خلاـصه، عمر طولاـنی ایشـان در اطـاعت خـدا میگـذرد، هم تکـالیف فردی خویش را انجام میدهنـد و هم بر حسـب حکایات متواتر، تکالیف اجتماعی را، آنچه مقتضی و مصلحت باشد، انجام میدهند؛ مانند هدایت اشخاص، یاری دادن مؤمنین بر مخالفین در بحث و احتجاج، حل مسائل مشـکل، نصیحت و موعظه افراد، شفای امراض، هدایت گم شدگان و رساندن آنها به مقصـد، تعلیم ادعیه، کمک مالی به نیازمنـدان، فریادرسـی گرفتاران و درماندگان و زندانیان، یاری بیچارگان. که بیشتر این اعمـال در ضـمن ظهـور معجزات، از آن حضـرت صـادر شـده اسـت. (رجـوع شـود بـه «دارالسـلام» عراقی، «نجم ثـاقب»، «جنه المأوی»، «العبقری الحسان» و بحار و غیره)

وجود نامرئی امام(ع) هنگامی که در پشت ابرهای غیبت پنهان است دارای چه آثاری است؟

پرسش

وجود نامرئی امام(ع) هنگامی که در پشت ابرهای غیبت پنهان است دارای چه آثاری است؟

پاسخ

۱ اثر امید بخشی

در میدانهای نبرد تمام کوشـش گروهی از سـربازان زبده و فداکار این است که پرچم، در برابر حملات دشـمن همچنان سر پا در اهتزاز باشد؛ در حالی که سـربازان دشمن دائماً میکوشند پرچم مخالفان را سرنگون سازند، چرا که بر قرار بودن پرچم مایه دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمرّ آنها است.

همچنیـن وجـود فرمانـده لشـکر در مقرّ فرمانـدهی هر چنـد ظـاهراً خـاموش و سـاکت باشـد خـون گرم و پر حرارتی در عروق سربازان به حرکت در میآورد، و آنها را به تلاش بیشتر وامیدارد که فرمانده ما زنده است و پرچممان در اهتزاز!

امّا هر گاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود یک لشکر عظیم باکارائی فوق العاده یکمرتبه متلاشی میگردد، گوئی آب سردی بر سر همه ریختهاند، نه، بلکه روح از تنشان بیرون رفته!

رئیس یـک جمعیّت یـا یـک کشور مـادام که زنـده است، هر چنـد مثلاًـ در سـفر یـا فرضاً در بستر بیماری باشـد، مایه حیات و حرکت و نظم و آرامش آنها است؛ ولی شنیدن خبر از دست رفتن او گرد و غبار یأس و نومیدی را بر همه میپاشد.

۲ پاسداری آئین خدا

«علی» آن ابر مرد تاریخ بشر در یکی از سخنان کوتاه خود که در آن اشاره به لزوم وجود رهبران الهی در هر عصر و زمان میکند میگوید

«اللّهمَّ بَلی لا تَخْلُوا اَلْاَرْضَ مِنْ قائِمٍ لِلّهِ بِحُجَّهٍ اِمّا ظاهِراً مَشْهُوراً وَ اِمّا خائِفاً مَغْمُوراً لِئَلّا تَبْطُلُ حُجَجَ اللهِ وَ بَیِّناتِهِ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۴۷.) [اری هیچ گاه

صفحه روی زمین، از قیام کننده با حجت و دلیل خالی نمیماند؛ خواه ظاهر و آشکار باشد، یا مخفی و پنهان، تا دلائل و اسناد روشن الهی ضایع نگردد، و به فراموشی نگراید (و مسخ و تحریف نشود).]

اکنون به توضیح این سخن توجّه کنید

با گذشت زمان و آمیختن سلیقهها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گرایشهای مختلف به سوی برنامههای ظاهر فریب و مکتبهای انحرافی، و دراز شدن دست مفسده جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پارهای از این قوانین از دست میرود و دستخوش تغییرات زیانبخشی میگردد. این آب زلال که از آسمان وحی نازل شده با عبور از مغزهای این و آن تدریجاً تیره و تار گشته، صفای نخستین خود را از دست میدهد. این نور پرفروغ با عبور از شیشههای ظلمانی افکار تاریک، کمرنگ و کمرنگتر میگردد.

خلاصه، با آرایشها و پیرایشهای کوته بینانه افراد و افزودن شاخ و برگهای تازه به آن، چنان میشود که گاهی باز شناسی مسائل اصلی دچار اشکال میگردد!

۳ تربیت یک گروه انقلابی آگاه

بر خلاف آنچه بعضی فکر میکنند، رابطه امام در زمان غیبت بکلّی از مردم بریده نیست؛ بلکه آن گونه که از روایات اسلامی برمیآید گروه کوچکی از آمادهترین افراد که سری پرشور از عشق خدا، و دلی پرایمان، و اخلاصی فوقالعاده برای تحقّق بخشیدن به آرمان اصلاح جهان دارند، با او در ارتباطند و از طریق این پیوند تدریجاً ساخته میشوند؛ و روح انقلابی بیشتری کسب میکنند؛ انقلابی سازنده و بارور برای ریشهکن ساختن هر گونه ظلم و بیدادگری در جهان!

ممکن است آنها خودشان پیش از این قیام از دنیا بروند، ولی به

هر حال آمادگی و تعلیمات انقلابی را به نسلهای آیندهشان، و به دیگران منتقل میسازند، و در پرورش گروه نهایی سهیم و شریکند.

۴ نفوذ روحانی و ناآگاه

میدانیم خورشید یک سلسله اشعّه مرئی دارد که از ترکیب آنها با هم، هفت رنگ معروف، پیدا میشود؛ و یک سلسله اشعّه نامرئی که به نام «اشعّه فوق بنفش» و «اشعّه مادون قرمز» نامیده شده است.

همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریعی که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت میگیرد، یک نوع تربیت روحانی و از راه نفوذ معنوی در دلها و فکرها دارد که میتوان آن را تربیت تکوینی نام گذارد؛ در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار کار نمیکند بلکه تنها جاذبه و کشش درونی کار میکند.

در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی میخوانیم که گاه بعضی از افراد منحرف و آلوده با یک تماس مختصر با آنها بکلّی تغییر مسیر میدادند، و سرنوشتشان یکباره دگرگون میشد، و به قول معروف با ۱۸۰ درجه انحراف راه کاملاً تازهای را انتخاب میکردند؛ یکمرتبه فردی پاک و مؤمن و فداکار از آب در میآمدند که از بذل همه وجود خود نیز مضایقه نداشتند!

این دگرگونیهای تند و سریع و همه جانبه، این انقلابهای جهش آسا و فراگیر، آنهم با یک نگاه یا یک تماس مختصر (البتّه برای آنها که در عین آلودگی یک نوع آمادگی نیز دارند) نمیتواند نتیجه تعلیم و تربیت عادی باشد، بلکه معلول یک اثر روانی نامرئی و یک جذبه ناخودآگاه است که گاهی از آن تعبیر به «نفوذ شخصیّت» نیز میشود.

۵

ترسیم هدف آفرینش

هیچ عاقلی بیهدف گام برنمیدارد، و هر حرکتی که در پرتو عقل و علم انجام گیرد در مسیر هدفی قرار خواهد داشت. با این تفاوت که هدف در کار انسانها معمولاً رفع نیازمندی خویش و برطرف ساختن کمبودهاست، ولی در کار خدا هدف متوجّه دیگران و رفع نیازهای آنهاست؛ چرا که ذات او از هر نظر بیپایان است و عاری از هر گونه کمبود و بااین حال انجام دادن کاری به نفع خود، درباره او مفهوم ندارد.

جهان آفرینش بمانند همان باغ پرطراوت است و انسانها درختان و بوتههای این باغند. آنها که در مسیر تکاملند درختان و شاخههای پربرند. و آنها که به پستی گرائیده و منحرف و آلودهاند، علف هرزههای این باغند.

مسلماً این آفتاب درخشان، این مولکولهای حیاتبخش هوا، اینهمه برکات زمین و آسمان، برای ان آفریده نشده است که مشتی فاسد و هرزه به جان یکدیگر بیفتند و به خوردن یکدیگر مشغول شوند و جز ظلم و ستم و جهل و فساد محصولی برای اجتماع آنها نباشد؛ نه! هرگز هدف آفرینش نمیتواند اینها باشد!

این جهان و تمام مواهب آن از دیدگاه یک فرد خداپرست که با مفاهیمی چون علم و حکمت خدا آشناست برای صالحان و پاکان آفریده شده است؛ همانگونه که سرانجام نیز بطور کامل از دست غاصبان در خواهد آمد و در اختیار آنان قرار خواهد گرفت. (ان الارض یرثها عبادی الصالحون).

فواید گوناگون امام زمان(عج) در زمان غیبت برای امت اسلامی چیست؟

پرسش

فواید گوناگون امام زمان(عج) در زمان غیبت برای امت اسلامی چیست؟

پاسخ(قسمت اول)

ما این فوائد را تحت عنوان کلی «او بسان خورشید در پس ابر است»، می آوریم و این فوائد همگی بیانگر حقیقت این تشبیه است. در احادیث متعدد و گوناگونی که در زمینه حکمت و فایده وجود امام علیه السلام در دوارن غیبت به ما رسیده، تعبیر بسیار پر معنی و جالبی در یک عبارت کوتاه دیده می شود که می تواند کلیدی باشد برای گشودن این رمز بزرگ. و آن اینکه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ این پرسش که وجود حضرت بقیهالله ارواحنا فداه در عصر غیبت، چه فایده ای دارد، فرمود:

«ایْ وَالـذی بَعَثنی بِالنبوه اِنَّهُمْ لَیَنْتَفِعُونَ به وَ یَستَضـیئونَ بِنُور و لایَتِهِ فی غَیْبَتِهِ کَاْنتفاع الناسِ بالشَّمسِ وَ اِنْ جَلّلَهَا السـحاب» (بجار الانوار، ۵۲/۹۳، به نقل از کمال الدین شیخ صدوق)

[آری سوگند بخدائی که مرا به نبوت برگزید، مردم از او منتفع می شوند، و از نور ولایتش در دوران غیبتش بهره می گیرند، همانگونه که از خورشید بهنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره می برند]

برای فهم این کلید رمز، نخست باید نقش خورشید را بطور کلی، و به هنگامی که چهره تابناکش پشت ابرها پنهان می گردد، دریابیم.

خورشید دارای دو نوع نورافشانی است: نور افشانی آشکار و نورافشانی مخفی، یا به تعبیر دیگر نورافشانی مستقیم و نورافشانی غیر مستقیم.

در نور افشانی آشکار، اشعه آفتاب به خوبی دیده می شود، هر چند قشر ضخیم هوا که اطراف کره زمین را پوشانیده، همانند یک شیشه ضخیم کار می کند، شیشه ای که از شدت تابش آفتاب می کاهد و آن را قابل تحمل می سازد، نور آفتاب را تصفیه می کند و شعاعهای مرگبارش را خنثی

و بی اثر می سازد، ولی به هر حال مانع از تابش مستقیم آفتاب نیست. ولی در تابش غیر مستقیم، ابرها همانند یک شیشه مات، نور مستقیم خورشید را گرفته پخش می کنند.

گاهی اوقات وارد اطاقی می شویم که با لامپهای مات روشن شده، اطاق را روشن می بینیم، اما خود لامپ و شعاع اصلی و مستقیم آن بهیچوجه دیده نمی شوند ....

از سوی دیگر، نور آفتاب مهمترین نقش را در دنیای حیات و موجودات زنده دارد. نور و حرارتی که از خورشید به هر سو پاشیده می شود، تنها انرژی زندگی بخش در گیاهان و حیوانات و انسان است.

رشد و نمو موجودات زنده، تغذیه و تولید مثل آنها، حس و حرکت و جنبش، آبیاری زمینهای مرده، غرش امواج دریا، وزش حیات بخش بادها، ریزش دانه های زندگی آفرین باران و برف ، صدای زمزه آبشارها، نغمه های مرغان، زیبائی خیره کننده گلها، گردش خون در عروق انسان و طپش قلبها، عبور برق آسای اندیشه ازلابلای پرده های مغز، و لبخند شیرینی که بر لب گلبرگ مانند یک کودک شیر خوار نقش می بندد ... همه و همه بطور مستقیم یا غیر مستقیم به نور آفتاب بستگی دارد و بدون آن، همه اینها به خاموشی خواهند گرائید. این موضوع را با کمی دقت می توان دریافت. حال این سؤال پیش می آید که آیا این برکات و آثار زندگی بخش، مخصوص زمانی نیست که نور بطور مستقیم می تابد؟.

پاسخ این سؤال روشن است: نه؛ بسیاری از این آثار در نور مات خورشید از پشت ابرها نیز وجود دارد. مثلاً در کشورها یا شهرهائی که چندین ماه از سال ابرها سراسر آسمان را پوشانیده اند، آفتاب دیده نمی شود، ولی گرما، نمو

و رویش گیاهان، تولید انرژی لازم برای حیات، رسیدن غلات و میوه ها خندیدن گلها و شکوفه ها وجود دارند.

بنـابراین تابش خورشـید از پشت پرده ابرها، قسـمت مهمی از برکات خود را در بردارد. و تنها قسـمتی از آثار که نیاز به تابش مسـتقیم دارد موجود نیست. مثلاًـ می دانیم تـابش آفتاب، اثر حیاتی خاصـی روی پوست و سایر جهاز بـدن انسان و موجودات زنده دارد. به همین دلیل، در کشورهائی که از این نظر در محرومیت بسر می برند، در روزهای آفتابی، بسیاری از مردم «حمام آفتاب» می گیرنـد و در برابر این نور حیات بخش برهنه می گردنـد و با تمام ذرات وجود خود —که تشـنه این هـدیه آسـمانی است– ذرات این نور را می مکنـد. تابش مسـتقیم آفتاب، علاوه بر اینکه روشـنائی و گرمای بیشتری می آفریند، اثر خاصـی به خاطر همان اشعه ماورای بنفش در کشـتن انواع میکروبها و سالم سازی محیط دارد که در نور غیر مسـتقیم دیـده نمی شود. از مجمـوع بحث قبـل نـتیجه می گیریم که: هر چنـد پرده هـای ابر، بعضـی از آثـار آفتـاب را می گیرد، ولی قسـمت مهمی از آن همچنان باقی می ماند.

این بود حال «مُشَبَّهٌ بِهِ» یعنی آفتاب. اکنون باز می گردیم به وضع «مُشَـبَّه» یعنی وجود رهبران الهی در حال غیبت. اشعه معنوی وجود امـام علیه السـلام در حـالی که درپشت غیبت نهـان است، دارای آثـار قابل ملاحظه ای است که علی رغم تعطیل مسـئله تعلیم و تربیت و رهبری مسـتقیم، حکمت وجود او را آشـکار می سـازد. به ملاـحظه اجمـال این نوشـته، برخی از این آثـار، در اینجا بیان می شود.

الف– پاسداری از آئین الهی

با گذشت زمان و آمیختن سلیقه ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گرایشهای مختلف به

سوی برنامه های ظاهر فریب مکتبهای انحرافی، و دراز شدن دست مَفْسَدِه جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالتِ پاره ای از این قوانین از دست می رود و دستخوش تغییرات زیانبخشی می گردد.

این آب زلال که از آسمان وحی نازل شده، با عبور از مغزهای این و آن تدریجاً تیره و تار گشته، صفای نخستین خود را از دست می دهد.

این نور پر فروغ با عبور از شیشه های ظلمانی افکار تاریک، کمرنگ تر می گردد. خلاصه با آرایشها و پیرایشهای کوته بینانه افراد و افزودن شاخ و برگهای تازه به آن چنان می شود که گاهی بازشناسی مسائل اصلی، دچار اشکال می گردد. آن شاعر خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:

شرع تو را در پی آرایشند دین تو را از پی پیرایشند

بس که فزودند بر آن برگ و بر گر تو بینی نشاسی دگر

با این حال، آیا ضروری نیست که در میان جمع مسلمانان کسی باشد که مفاهیم فناناپذیر تعالیم اسلامی را در شکل اصلیش حفظ و برای آیندگان نگهداری کند؟

می دانیم در هر مؤسسه مهمی، صندوق نسوزی وجود دارد که اسناد مهم آن مؤسسه را در آن نگهداری می کنند، تا از دستبرد دزدان محفوظ بماند. بعلاوه هرگاه مثلاً آتش سوزی در آنجا روی دهد، از خطر حریق مصون باشد که اعتبار و حیثیت آن مؤسسه نزدیکی پیوند با حفظ آن اسناد و مدارک دارد.

سینه امام و روح بلندش، صندوق نسوز حفظ اسناد آئین الهی است که همه اصالتهای نخستین و ویژگیهای آسمانی این تعلیمات را در خود نگاهداری می کند، «تا دلائل الهی و نشانه های روشن پروردگار باطل نگردد و به خاموشی نگراید» و این یکی دیگر از آثار وجود او، گذشته از

آثار دیگر است.

ب- تربیت گروه منتظر آگاه

برخلاف آنچه بعضی فکر می کنند، رابطه امام در زمان غیبت به کلی از مردم بریده نیست. بلکه آن گونه که از روایات اسلامی برمی آید، گروه کوچکی از آماده ترین افراد —که سری پرشور از عشق خدا، و دلی پر ایمان و اخلاصی فوق العاده برای تحقق بخشیدن به آرمان اصلاح جهان دارند- با حضرتش در ارتباطند.

معنی غیبت امام صلوات الله علیه، این نیست که آن حضرت به شکل یک روح نامرئی و یا شعاعی ناپیدا درمی آید. بلکه او از یک زندگی طبیعی آرام برخوردار است، بطور ناشناخته در میان همین انسانها رفت و آمد دارد، دلهای بسیار آماده را برمی گزیند و در اختیار می گیرد، بیش از پیش آماده می کند و می سازد. افراد مستعد، به تفاوت میزان استعداد و شایستگی خود، توفیق درک این سعادت را پیدا می کنند. بعضی چند لحظه و برخی چند ساعت یا چند روز، و جمعی سالها با حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در تماس هستند.

آنها کسانی هستند که آنچان بر بال و پر دانش و تقوی قرار گرفته و بالا رفته اند که همچون مسافران هواپیماهای دور پرواز، بر فراز ابرها قرار می گیرند، آنجا که هیچگاه حجاب و مانعی بر سر راه تابش جهانبخش آفتاب نیست، در حالی که دیگران در زیر ابرها و در تاریکی و نور ضعیف بسر می برند.

بدرستی حساب صحیح نیز همین است. من نباید انتظار داشته باشم که آفتاب را به پائین ابرها بکشم تا چهره او را ببینم. چنین انتظاری، اشتباه بزرگ و خیال خام است. این منم که باید بالاتر از ابرها پرواز کنم، تا شعاع جاودانه آفتاب را جرعه جرعه

بنوشم و سیراب گردم.

بهر حال، تربیت این گروه یکی دیگر از حکمت های وجود آن حضرت در این دوران است.

ج- نفوذ روحانی و ناآگاه

می دانیم خورشید، یک سلسله اشعه مرئی دارد که از ترکیب آنها با هم، هفت رنگ معروف پیدا می شود و یک سلسله اشعه نامرئی که به نام «اشعه ماوراءبنفش» و «اشعه مادون قرمز» نامیده شده است. همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی، خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریعی —که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می گیرد- یکنوع تربیت روحانی دارد، که از راه نفوذ معنوی در دلها و فکرها اعمال می شود. و می توان آن را تربیت تکوینی نام گذارد. در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار کار نمی کند، بلکه تنها جاذبه و کشش دورنی مؤثر است.

در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می خوانیم که گاه بعضی از افراد منحرف و آلوده، با یک تماس مختصر با آنها بکلی تغییر مسیر می دادند، و سرنوشتشان یکباره دگرگون می شد و به قول معروف با صدوهشتاد درجه بازگشت، راه کاملا تازه ای را انتخاب می کردند، یک مرتبه فردی پاک و مؤمن و فداکار از آب در می آمدند که از بذل همه وجود خود نیز مضایقه نداشتند.

این دگرگونیهای تند و سریع و همه جانبه، این تحولات جهش آسا و فراگیر، آنهم با یک نگاه و برخورد- البته برای آنها که در عین آلودگی، یک نوع آمادگی نیز دارند- نتیجه جذبه ناخودآگاه است که گاهی از آن تعبیر به «نفوذ شخصیت» نیز می شود.

بسیاری این موضوع را در زندگی خود تجربه کرده اند که به هنگام برخورد با افرادی که روحهای بزرگ و عالی دارند، چنان

بی اختیار و ناخودآگاه تحت تأثیر آنان قرار می گیرند که حتی سخن گفتن در برابر آنها برایشان مشکل می شود، و خود را در میان هاله ای مرموز و غیر قابل توصیف از عظمت و بزرگی می بینند.

البته ممکن است گاهی اینگونه امور را با تلقین و امثال آن توجیه کرد، ولی مسلماً این تفسیر برای همه موارد صحیح نیست. بلکه راهی جز این ندارد که بپذیریم این آثار، نتیجه شعاع اسرارآمیزی است که از درون ذات انسانهای بزرگ برمی خیزد.

سرگذشتهای فراوانی در تاریخ پیشوایان بزرگ می بینیم که جز از این راه نمی توان آنها را تفسیر کرد، که در اینجا چند نمونه ذکر می کنیم.

برخورد اَسْعَد بن زُرارَه بت پرست به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار خانه کعبه و تغییر جهش آسای طرز تفکر او، و یا آنچه دشمنان سر سخت پیامبر(ص) نام آن را سحر می گذاردند و مردم را به خاطر آن از نزدیک شدن به او باز می داشتند. (اعلام الوری، ۳۵-۴۰)

تأثیر پیام امام حسین صلوات الله علیه روی فکر «زُهَیر» در مسیر کربلا نقل شده، تا آنجا که با شنیدن پیام امام حتی نتوانست لقمه ای را که در دست داشت به دهان بگذارد، و آنرا به زمین نهاد و حرکت کرد.

کشش عجیب و فوق العاده ای که «حُرِّبن یَزید ریاحی» در خود احساس می کرد، و با تمام شجاعتش همچون بید می لرزید، و همین کشش سرانجام او را به صف مجاهدان کربلا کشید و به افتخار بزرگ شهادت نائل آمد.

پاسخ(قسمت دوم)

داستان جوانی که در همسایگی «اَبوبَصیر» زندگی داشت، و با ثروت سرشار خود –که از خوش خدمتی بدستگاه بنی امیه فراهم ساخته بود- به عیش و نوش و بی بندوباری پرداخته بود. و سرانجام با

یک پیام امام صادق علیه السلام بکلی دگرگون شد، و همه کارهای خود را کناری نهاد و تمامی اموالی را که از طریق نامشروع گرد آورده بود، یا به صاحبش داد و یا در راه خدا انفاق کرد.

سرگذشت کنیز خواننده و زیبا و عشوه گری که هارون به گمان خام خود برای منحرف ساختن ذِهن امام کاظم صلوات الله علیه به زندان اعزام داشته بود، و منقلب شدن روحیه او در یک مدت کوتاه، تا آنجا که قیافه و طرز سخن و منطق او هارون را به حیرت و و حشت افکند...

همه و همه نشانه و نمونه هائی از همین تأثیر ناخودآگاه است که می توان آنرا شعبه ای از ولایت تکوینی معصومین-اعم از پیامبر و امام(ع)- دانست، چرا که عامل تربیت و تکامل در اینجا الفاظ و جمله ها و راههای معمولی و عادی نیست، بلکه جذبه معنوی و نفوذ روحانی، عامل اصلی محسوب می شود. همانگونه که گفتیم، پیامبران و امامان —بر اساس فضائل موهبتی- و رجال راستین و شخصیتهای بزرگ الهی بر اساس فضائل اکتسابی به تناسب میزان شخصیت خود هاله ای از این نفوذ ناخودآگاه در پیرامون خود ترسیم می کنند. و البته قلمرو گروه اول با گروه دوم از نظر ابعاد و گستردگی قابل مقایسه نیست.

وجود مبارک امام علیه السلام در پشت ابرهای غیبت نیز، این اثر را دارد که از طریق شعاع نیرومند و پردامنه «نفوذ شخصیت» خود، دلهای آماده را در نزدیک و دور، تحت تأثیر جذبه مخصوص قرار داده، به تربیت و تکامل آنها می پردازد و از آنها انسانهائی کامل تر می سازد. ما قطبهای مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی بینیم، ولی اثر آنها روی عقربه های قطب نما، در دریاها راهنمای کشتیهاست و

در صحراها و آسمانها راهنمای هواپیماها و وسائل دیگر است. در سرتاسر کره زمین، از برکت این امواج، میلیون ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا کرده، با وسائل نقلیه بزرگ و کوچک بفرمان همین عقربه ظاهراً کوچک از سرگردانی رهائی می یابند.

آیا تعجب دارد اگر وجود مبارک امام —صلوات الله علیه- در زمان غیبت، با امواج جاذبه معنوی خود، افکار و و جانهای زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند، هدایت کند، و از سرگردانی رهائی بخشد؟ البته نباید فراموش کرد که امواج مغناطیسی زمین، روی هر آهن پاره بی ارزشی اثر نمی گذارد، بلکه روی عقربه های ظریف و حساسی که خاصیت آهنربائی یافته اند و یک نوع سنخیت و شباهت با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده اند، اثر می گذارند. همینطور دلهائی که راهی با امام علیه السلام دارند و شباهتی را در خود ذخیره نموده اند، تحت تأثیر آن جذبه روحانی قرار می گیرند.

با در نظر گرفتن آنچه گفتیم، یکی دیگر از آثار و حکمتهای وجود امام عجل الله تعالی فرجه در چنین دورانی آشکار می گردد.

د- ترسیم هدف آفرینش

هیچ عاقلی بی هدف گام برنمی دارد. هر حرکتی که در پرتو عقل و علم انجام گیرد، در مسیر هدفی قرار خواهد داشت. با این تفاوت که هدف در کار انسانها معمولاً رفع نیازمندی خویش و برطرف ساختن کمبودهاست، ولی در کار خدا، هدف متوجه دیگران و رفع نیازهای آنهاست، چرا که ذات او از هر نظری کامل است و عاری از هرگونه کمبود. و با این حال، انجام دادن کاری به نفع خود، درباره او مفهوم ندارد. حال به مثال زیر توجه کنید.

در زمینی مستعد و آماده، باغی پر گل و میوه احداث می کنیم.

در لابلای درختان و بوته های گل، علف هرزه های می رویند. هر وقت به آبیاری آن درختان برومند می پردازیم، علف هرزه ها نیز از پرتو آنها سیراب می شوند.

در اینجا ما دو هـدف پیدا می کنیم: هدف اصـلی که آب دادن درختان میوه و بوته های گل است، و هدف تبعی یعنی آبیاری علف های هرزه های بی مصرف.

بـدون شک، هدف تبعی نمی تواند انگیزه عمل گردد، و یا حکیمانه بودن آن را توجیه کند. مهم همان هدف اصـلی است که جنبه منطقی دارد.

حال فرض می کنیم بیشتر درختان باغ خشک شونـد و تنها یک درخت باقی بمانـد، اما درختی که به تنهائی گلها و میوه هائی را که از هزاران درخت انتظـار داریم، به مـا می دهـد. بـدون تردیـد، برای آبیـاری همـان یـک درخت هم که باشـد آبیـاری و باغبـانی را ادامه خواهیم داد، گواینکه علف هرزه هـای زیـادی نیز از آن بهره گیرنـد. و اگر یک روز آن درخت نیز بخشـکد، آنجاست که دست از آبیاری باغ می کشیم، هر چند علف هرزه ها بمیرند.

آنها که در مسـیر تکاملند، درختان و شاخه های پربار هستند. آنها که به پستی گرائیده و منحرف و آلوده اند، علف هرزه های این باغند، مسـلماً این آفتاب درخشان، این مولکولهای حیات بخش هوا، این همه برکات زمین و آسمان برای آن آفریده نشده است که مشتی فاسـد و هرزه به جـان یکـدیگر بیفتنـد و به خوردن یکـدیگر مشـغول شونـد، و جز ظلم و سـتم و جهـل و فساد محصولی برای اجتماع آنها نباشد. نه، هرگز، هدف آفرینش نمی تواند اینها باشد.

این جهـان و تمـام مـواهب آن، از دیـدگاه یـک فرد خـداپرست –که بـا مفـاهیمی چـون علم و حکمت خـدا آشـناست- برای صالحان و پاکان آفریده شده است، همانگونه

که سرانجام نیز بطور کامل از دست غاصبان به درآمده، و در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.

«اِنَّ اْلاَرْضَ یَرِثُها عبادِی الصّالِحُونَ» انبیاء/۱۰۵

[روزی زمین از آن صالحان خواه بود].

باغبان آفرینش، بخاطر همین گروه، فیض و مواهب خود را همچنان ادامه می دهد. هر چند علف هرزه ها نیز به عنوان یک هدف تبعی سیراب گردند و بهره مند شوند، ولی بی شک هدف اصلی، آنها نیستند. و اگر –به فرض محال- روزی فرا رسید که آخرین نسل گروه صالحان از روی زمین برچیده شوند، آن روز دلیلی بر ادامه جریان این مواهب وجود نخواهد داشت.

آن روز، آرامش زمین به هم می خورد و آسمان برکات خود را قطع می نماید و زمین از دادن بهره به انسانها مضایقه خواهد کرد. از طرفی پیامبر و امام، حجت خدا و مقصد مهم از خلقت جهان و انسان هستند، یعنی همان گروهی که هدف اصلی آفرینش را تشکیل می دهند. به همین دلیل وجود امام علیه السلام به تنهائی یا در رأس گروه صالحان، توجیه کننده هدف آفرینش و مایه نزول هر خیر و برکت است، ریزش باران فیض و رحمت خدا است، اعم از اینکه در میان مردم آشکارا زندگی کند یا مخفی و ناشناس بماند.

درست است که افراد صالح دیگر نیز، هر کدام –در حدّ خود- هدفی هستند برای آفرینش، و یا به تعبیر دیگر بخشی از آن هدف بزرگ. ولی نمونه کامل این هدف. همین انسانهای نمونه و مردان آسمانی می باشند، هر چند سهم دیگراΌنیز محفوظ است. و از اینجا این معنی روشن می شود که در پاره ای از روایات به این مضمون وار شده که:

«بِیُمْنِهِ رُزِقَ الْوری وَ بوُجُودِهِ ثبتت اْلاَرْضُ وَ السَّماء»

[از برکات

وجود او (یعنی حجت و نماینده الهی) مردم روزی می برند و بخاطر هستی او آسمان و زمین بر پاست].

با توضیحاتی که دادیم، معلوم می شود، که این موضوع، یک موضوعِ اِغراق آمیز، دور از منطق، و یا شرکت آلود نمی باشد. همچنین عبارتی که به عنوان یک حدیث قدسی از خداوند متعال در کتب مشهور نقل شده که خطاب به پیامبرش می فرماید:

«لَو لا کَ لَما خَلَقْتُ ٱلاَفْلاکَ».

[اگر تو نبودی آسمانها را نمی آفریدم].

بیان یک واقعیت است نه مبالغه، اما پیامبر، شاهکار هدف آفرینش است و صالحان دیگر هر کدام بخشی از این هدف بزرگ را تشکیل می دهند. از مجموع آنچه در این فصل، تحت چهار عنوان گفته شد، نتایج زیر عاید می گردد:

آنها که دور نشسته اند و وجود امام را در عصر غیبت، یک وجود شخصی و بدون بازده اجتماعی دانسته اند، و بر عقیده شیعه در این زمینه تاخت و تاز کرده اند که وجود چنین امامی چه نفعی برای رهبری و امامت خلق می تواند داشته باشد، آنچنان که آنها گفته اند نیست، و آثار وجودی امام در این حال نیز فراوان است.

نقش و فائده امام غائب در بقاء مکتب چیست؟

پرسش

نقش و فائده امام غائب در بقاء مکتب چیست؟

پاسخ

محاسبات عقلی و تجارب اجتماعی به روشنی ثابت می کند که اعتقاد به وجود رهبر زنده، اثر عمیقی در حفظ نظام و بقاء مکتب دارد. خواه این رهبر در دسترس مردم باشد، و یا به عللی دسترسی به او آسان نباشد. در هر دو حال اعتقاد به وجود رهبر حیّ، برای خود فوائدی دارد.

اما آن جا که رهبر در دل جامعه قرار گیرد و به طور مستقیم بار قیادت و رهبری را به دوش بکشد، جای سخن نیست. مهم آن جا است که رهبر به عللی از جامعه کناره گیری کند، ولی جامعه به حیات او، و بازگشت مجدد او اعتقاد داشته باشد. در این صورت نیز، اعتقاد به وجود چنین رهبر، اثر عظیمی دارد که به آن اشاره می کنیم:

در تاریخ ملل زنده جهان که مبارزات و نهضتهائی داشته اند، برای این مطلب نمونه های فراوانی وجود دارد که نشان می دهد تا آن رهبر از حیات و زندگی برخوردار بوده است، هر چند از نزدیک موّفق برهبری نمی شده، اما تشکیلاتِ این گروه باقی و پایدار می مانده است. امّا لحظه ای که حیات و زندگی او به پایان می رسیده، تفرقه و دودستگی، تشتّتِ قوا، پراکندگی و

نابسامانی در میان جمعیت حکمفرما می گردیده است.

بهترین گواه برای این که وجود رهبر، حافظ و نگاهدارنـده مکتب و مـایه تشـکّل پیروان آن است، سـر گذشت نبرد«اُحُـدْ» می باشد. در جنگ اُحُدْ بر اثر اشتباه و یا از روی غرض ورزی، ندائی در قلب لشکر بلند شد که:

«اَلا قَدْ قُتِلَ مُحَمَّدٌ» [محمد کشـته شد].این خبر ناگوار، موقعی در میان مسـلمانان منتشـر شد که آنان مشـغول مقابله با تجاوز و تعدّی

مهاجمان بودنـد. وقتی برای مسـلمانان، مرگ رهبر قطعی شد، نظام و سازمان آنان چنان گسسـته شد که هر کدام به گوشه ای می کشید. انتظار سازنده و اثر بخش او، هر روز نوید ظهور را می دهد.

اثر روانی این طرز فکر در زنده نگهداشـتن امید در دلها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای آن انقلاب بزرگ، کاملاً قابل درک است.

اما اگر این رهبر اصـلاً وجود خارجی نداشـته باشد، و علاقه مندان مکتبش در انتظار تولّد و پرورش او در آینده باشـند، وضـع بسیار فرق می کند.

اگر یک نکته دیگر به این موضوع بیفزائیم، پاسخ شـکل جدّی تری به خود می گیرد و آن اینکه: طبق اعتقاد عمومی شیعه که در روایات بسـیار زیادی در منابع مـذهبی آمـده است امام به طور مـداوم، در دوران غیبت، مراقب حال پیروان خویش است، و طبق یک الهام الهی از وضع اعمال آنها آگاه می گردد. و به تعبیر روایات، همه هفته برنامه اعمال آنها به نظر او می رسـد و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آنها آگاه می گردد.

این فکر سـبب می شـود که همه معتقـدان در حـالت آمـاده بـاش دائمی فرو رونـد. و به هنگـام ورود در هر کـار، تـوجه به آن «نظارت عالی» داشته باشند، اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست.

اکنون درباره امام زمان علیه السلام این اصل را در نظر می گیریم. آیا اعتقاد به وجود امام حیّ و زنده و حاضر و ناظر و مستعد و آماده برای نهضت در حفظ وحـدت جمعیت و تشـکیلات بالا خص آماده کردن افراد برای نهضت و قیام بر ضد ظلم وجور، بر ضد استبداد و خودکامگی مؤثر نیست؟.

هرگاه جمعیتی معتقد شود که

رهبر آنان در قیـد حیات و زندگی بوده و پیوسـته مترقب فرمان الهی است که از پس پرده غیب بیرون آید، بطور مسـلم نا امید نمی شود، وحـدت کلمه خود را از دست نمی دهـد، در حفظ مکتب خویش می کوشـد، و پیوسـته برای هدف، به تهیه نیرو و انجام مقّدمات می پردازد.

ولی هرگاه به این جمعیت بگویند: «شما فعلاً بی رهبرید، رهبر شما در آینده دیده به جهان خواهد گشود، آن هم معلوم نیست کی متولد خواهد شد، نه تنها خود او متولد نگشـته بلکه نیاکان او نیز هنوز دیده بجهان نگشوده اند»، آیا در این جمعیت، روح انتظار سازنـده، و نیرو و ساز و برگ لازم پیـدا می شود؟ آیا با چنین عقیـده ای، نظامات مادی و معنوی آنان بکار می افتد و یا اینکه این کار به قیمت از هم پاشیدگی افراد و محو و نابودی مکتب تمام می شود؟

برای توضـیح بیشتر درباره اینکه «امام زمان غایب» چه نقشـی می تواند در جامعه و در اندیشه های معتقد بشـر داشته باشد، می گوئیم: ایمـان به پیروزی نهایی و انتظار یک مصـلح جهانی، اگر به مرحله شـناخت و آگاهی سازنـده برسـد، منبع و سرچشـمه حرکتها و نهضتها خواهد گشت.

رهبر یک جنبش عدالت خواهی، حتی اگر در میان پیروان خویش نباشد، می تواند موجب فشـردگی و Š...ṣپیوستگی صفوف معتقـدان بـه نهضـت باشـد. می بینیـم که در نهضت اسـتقلال هندوسـتان، بـا وجـود آنکه «گانـدی» از طرف دولت اسـتعماری دستگ......شـده و به زنـدان فرسـتاده می شود، نهضت «عـدم همکاری با دول...اسـتعماری» با شـدت ادامه می یابد. مردم هند با اینکه «گانـدی» را ......میـان خود نمی دیدنـد، ولی دنبـاله نهضت وی را ادامه دادنـد، زیرا که گانـدی هنوز زنـده بود و قـدرت معنوی

وی همچنان مردم هند را بهم پیوند می داد.

در جنگ داخلی اسپانیا، قبل از جنگ دوم جهانی، تا زمانی که رهبران جمهوری خواهان در زندان «فرانکو» بسر می بردند، نبرد در سراسر جبهه های جنگ ادامه داشت. ولی زمانی که چند تنی از آنان به جوخه اعدام سپرده شدند، شکست در لشکر جمهوری خواهان پدید آمد.

در جنگ دوم جهانی، هنگام محاصره شهر «لنینگراد» توسط ارتش نازی، سرما و قحطی، به حدی رسید که روزانه هزاران نفر می مردند و گرسنگی بیداد می کرد اما مردم «لنینگراد» همچنان مقاومت می کردند. محاصره چهار سال تمام ادامه یافت. در این مدت، رادیو «لنینگراد» دائماً پیامهائی از طرف شورای مقاومت می خواند و مردم را به پایداری دعوت می کرد. روزهای آخر، بیش از دو سوم اعضای شورا از گرسنگی مرده بودند، اما رادیو بدون آنکه خبر مرگ آنا را بمردم برساند، همچنان نام آنان را در پایان اعلامیه ها می خواند. جالب اینجاست که به علت خاموشی برق، دو روز رادیو «لنینگراد» از کار افتار، مردم بسیاری در اطراف اداره رادیو جمع شدند و می گفتند: ما آذوقه نمی خواهیم، فقط یکبار دیگر رادیو را بکار اندازیم، تا ما بازهم اعلامیه های شورای مقاومت را بشنو یم.

این مدارک و شواهد نشان می دهد که حتی اگر رهبر جنبش و مقاومتی در میان مردم نباشد، وجود واقعی او می تواند الهام بخش معنوی و مایه امید و تحرک و یادآوری گردد.

اما در مورد اینکه چرا خداوند امام را در موقع ظهور نیافرید، باید گفت که اگر چنین بود، اصولاً عنوان انتظار ظهور مصلح، واقعیت خارجی پیدا نمی کرد، زیرا انسانها می توانند در انتظار فردی باشند که به زنده بودن او معتقدند و هرگز نمی توان انسانی

را به این دلخوش داشت که چند سال بعد ممکن است کسی بدنیا آید که نقش منجی را ایفاء خواهد کرد.

در جهان متلاطم و پر اضطراب، در حالیکه انسان به یأس مطلق می رسد و «فلسفه پوچی» را بعنوان راه زندگی خویش می شناسد، چگونه می توان انسانها را به وجود نجات دهنده ای دلخوش داشت که سالها بعد تازه متولد خواهد شد؟ آیا اصولاً اعتقاد به وجود رهبری که سالهائی بعد متولد می گردد، می تواند موجب تبلور روح انتظار سازنده انسانها گردد؟ انسان در شناخت دقایق و ظرایف حیات و برای آنکه در مسیر تکاملی به پیکار برخیزد، لازم است که از وجود رهبر زنده حتی اگر غایب باشد الهام گیرد.

فلسفه وجود امام (ع) در زمان غیبت چیست ؟

پرسش

فلسفه وجود امام (ع)در زمان غیبت چیست ؟

پاسخ

در احادیث معتبری که پیرامون فلسفه و فایده ی وجودامام (ع) در دوران غیبت به ما رسیده است ، فواید گوناگونی را عنوان فرموده اند، از جمله :

۱- امام غایب (ع) ، واسطه ی فیض و امان اهل زمین است. امامان معصوم (ع) و امام زمان (عج) امان اهل زمین می باشند و اگر زمین از این حجت های الهی خالی بماند، دنیا و اهلش نابود خواهند شد؛ لذا وجودامام (ع) موجب برکات بسیاری می باشد .پیامبر اسلام (ص) هم در این موردفرموده است : ((ای والذی بعثنی بالنبوه ، انهم لینتفعون به و یستضییون بنور ولایته فی غیبته کانتفاع الناس بالشمس و ان جللها السحاب ؛ آری خداوندی که مرا به پیغمبری مبعوث گردانیده است ، آن ها از وجود او منتفع می شوند و از نور ولایتش در طول غیبت بهره می گیرند، چنان که از آفتاب پشت پرده استفاده می برند .)) ، (ینابیع الموده ، قندوزی ، ج ۳، ص ۱۷۰). خود امام زمان (ع) در این باره فرموده است : ((همان طور که از خورشید دروقتی که توسط ابرها پنهان شده است ، بهره گیری می شود، از من نیز در زمان غیبتم به همان صورت بهره می برند و همانا من سبب آرامش و امنیت مردم روی زمین هستم ، چنان که ستارگان امان اهل آسمانند، (کمال الدین و تمام النعمه ، شیخ صدوق ، ص ۴۸۵

. (

۲-دیگر این که سینه ی امام و روح بلندش ،صندوق حفظ آیین الهی است که همه اصالت های نخستین و ویژگی های آسمانی دین تعلیمات را در خود نگاهداری می کند، تا دلایل الهی ونشانه های روشن پروردگار، باطل نگردد و به خاموشی نگراید .

۳- اثر امیدبخشی به مسلمین و تربیت گروه منتظر و آگاه : ایمان و اعتقاد به امام غایب (عج) سبب امیدواری مسلمانان نسبت به آینده ی پر مهر و صفای خویش در عصر ظهور امامشان می گردد .جامعه ی تشیع به اعتقاد خویش به وجود امام شاهد و زنده ، هر لحظه انتظار بازگشت آن بزرگوار (ع) را می کشد .شیعه هر چندامام زمان (ع) را در میان خود نمی بیند، اما خود را جدا از آن وجود نازنین نمی داند .امام غایب (عج) هم همواره مراقب حال شیعیان خویش می باشد؛چنان که خود فرموده است : ((ما در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم ؛ پس تقوای الهی پیشه کنید تا از فتنه ای که به شما رو می آورد، شما را نجات بخشیم)) ، (احتجاج طبرسی ، ج ۲، ص ۴۹۷). ;

ما معتقدیم که امام عصر(مانند خورشید پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می رسد. اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی ندارد. گیاهان و نباتات خشک می شوند، فتوسنتز نمی کنند و در نتیجه جانوران دیگر نیز همین طور. خوب حضرت هم چون غیبتش طولانی شده مسلماً

پرسش

ما معتقدیم که امام عصر(مانند خورشید پشت ابر است و نور ولایت ایشان به مردم می رسد. اما خورشید اگر همیشه پشت ابر باشد که سودی ندارد. گیاهان و نباتات خشک می شوند، فتوسنتز نمی کنند و در نتیجه جانوران دیگر نیز همین طور. خوب حضرت هم چون غیبتش طولانی شده مسلماً به

مرگ عقاید و مرگ اسلام واقعی خواهد رسید، این چه منفعتی دارد؟

پاسخ

هیچ خورشیدی برای همیشه پشت ابر نمی ماند و روزی از پسِ ابرها برون خواهد آمد. ولی گاهی اوقات آن ابرها آنقدر حجیم و درهم است که ظاهر شدن خورشید قدری طول می کشد.

این را بدانید که هیچ کس برای بیرون آوردن خورشید از پس ابرها نمی تواند به ما کمک کند، مگر اینکه خود ما برای ظاهر شدن خورشید حقیقت تلاش کنیم.

در جهت تلاش برای کنار زدن ابرها ابتدا باید سه چیز را بفهمیم؛ آن ابرها چیستند؟ چرا خورشید پس ابر است؟ آیا خورشید پشت ابر کارایی ندارد و فقط ظاهر شدن می تواند حیات ببخشد؟ ابرها همان عواملی هستند که باعث شدند امام در میان مردم حاضر نباشد و خورشید ظاهر نمی شود، مگر آنکه این عوامل کنار بروند.

۱. ابر اول : حفظ جان امام زمان (

خدای بزرگ پس از وجود مقدس پیامبر(جانشینان بسیاری را در میان مردم فرستاد تا وظایف ناتمام رسالت او را بر روی زمین به اتمام برسانند. تفسیر آیات، بیان حقایق قرآن، رهبری جامعه اسلامی و تربیت نفوس از وظایفی است که پس از پیامبر، به جانشین او واگذار می شود. خدا چنین کسی را که ویژگیهایش مثل آفتاب روشن است، به مردم معرفی کرده تا جانشین پیامبر شود، اما کسانی از ناآگاهی و غفلت مردم سوء استفاده کردند و کوش یدند تا مسیر جانشینی پیامبر(را عوض کنند. پیش از پیامبر اسلام هم پیامبران بسیاری مبعوث شدند که مورد تکذیب مردم ناآگاه قرار گرفتند. پس از ظهور پیامبر اسلام نیز بیشتر مردم آمادگی پذیرش عمومی

اسلام و برقراری نظام عدل جهانی را نداشتند. به همین سبب بود که امیرمؤمنان علی(را پس از چند سال حکومت، به شهادت رساندند و بعد از او، آن بلاها را به سر امام حسن(و امام حسین(و سایر امامان آوردند. همان طور که می دانید، اگر وجود مقدس ولی عصر(که واپسین ذخیره خدای متعال برای امت مسلمان است، از نظرها پنهان نمی شد، او را نیز مانند اجدادش به ظلم و جور حاکمان جبّار، به شهادت می رساندند.

۲. فراهم آمدن زمینه پذیرش حق در جهان

از آن جا که خدای بزرگ می داند که در آینده، زمانی فرا خواهد رسید که بیشتر مردم، لیاقت حکومت عدل الهی را می یابند، با غایب ساختن امام زمان(، حضرت را از بلاها حفظ فرموده است، تا شرایط لازم برای جهانی سازی عدل و معرفت و عبودیّت فراهم آید. حالا ـ می پردازیم به این سوال که آیا خورشید پشت ابر کارایی ندارد؟ و ثمر بخش نیست؟ امام(برای خود وظایفی دارند که به بهترین وجه به آنها اقدام می کنند و جز آن چه با غیبت ناسازگار باشد، تماماً مورد عنایت آن حضرت می باشد. اصولاً آن حضرت را غایب نامیده اند، چون ظاهر نیست، نه آن که (حاضر)نیست، غیبت به معنای (حاضر نبودن) تهمت ناروایی است که به آن حضرت زده اند. آمدن آن حضرت به معنای "ظهور" است، نه "حضور" و شیفتگان آن حضرت، ظهورش را از خدا می طلبند و نه حضورش را. همین است که وقتی ظاهر می شود همه انگشت حیرت به دندان می گزند و با تعجب می گویند که او را پیش

از این هم دیده اند. برای اینکه بفهمیم امام در دورانی که غایبند (به عبارتی، زمانی که خورشید حقیقت در پس ابرها پنهان است) چه وظایفی دارند و به چه اموری می پردازند، به دعاها، زیارت نامه ها، توقیعات و نامه های آن حضرت به بعضی شیعیان رجوع می کنیم.

۱.آگاهی از وضعیّت و احوال شیعیان : در توقیع برای شیخ مفید آمده است : "ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم، و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند."

۲. حفظ و نجات شیعیان از گرفتاری ها و شر دشمنان : در همان توقیع نیز این گونه آمده : ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می نمودند. از جمله این موارد، نجات مردم (بحرین) از دست نوکران و دست نشاندگان استعمار است؛ آنجا که نخست وزیر این کشور حیله و نقشه ای ریخت که قرار شد با شیعیان همچون کافر حربی از اهل کتاب رفتار شود؛ یا جزیه پرداخته و ذلت پرداخت آن را تحمل کنند و یا مردانشان کشته و زنان و کودکانشان به اسارت گرفته شوند، و حضرت در خنثی ساختن این توطئه نقش بزرگی داشت.

۳. حضور در میان مردم : امیرالمؤمنین می فرماید : "سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان آنهاست، در کوچه و بازار آنها گام برمی دارد و بر خانه های آنان وارد می شود و در شرق و غرب جهان به

سیاحت می پردازد و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنها وارد شده، سلام می دهد.(و مردمان را می بیند..."

۴. حضور همیشگی در مراسم حج.

۵. دست گیری درماندگان

۶. راهیابی گمشدگان

۷. شفای بیماران لاعلاج

۸. خیرخواهی و نصیحت و دعا برای مؤمنان

۹. شرکت در تشییع برخی از آنان

۱۰. حل بعضی از مشکلات علمی علماء

۱۱. خبردادن از پاره ای رویدادهای مهم

۱۲. دستگیری باطنی از افراد از جمله کارهای آن حضرت در این دوران است. چه او را بشناسند و چه نشناسند، چه پشت پرده های غیبت باشد یا نباشد.

با تأمل و دقت در این موارد ملاحظه می فرمایید که امام(در دوران غیبت، شیعیان را رها نکرده است و چه بسیار اتفاق افتاده است که ایشان در مواقع اضطرار شیعیان و در مواقعی که مشکلات عقیدتی و روحی سراغ شیعیان آمده است به کمک آنها شتافته اند بدون اینکه ردّ پایی از خود به جای بگذارند.

فوائد امام غایب را توضیح دهید در غیبت که کسی نمی توانند خدمت حضرت برسند؟

پرسش

فوائد امام غایب را توضیح دهید در غیبت که کسی نمی توانند خدمت حضرت برسند؟

پاسخ

در احادیث معتبری که پیرامون فلسفه و فایده ی وجود امام (ع) در دوران غیبت به ما رسیده است، فواید گوناگونی را عنوان فرموده اند،از جمله:

الف)- امام غایب (ع)، واسطه ی فیض و امان اهل زمین است.

امامـان معصوم (ع) و امام زمان (عـج) امان اهل زمین می باشـند و اگر زمین از این حجت های الهی خالی بمانـد، دنیا و اهلش نابود خواهند شد لذا وجود امام (ع) موجب برکات بسیاری می باشپیامبر اسلام (ص) هم در این مورد فرموده است: ای والّذی بَعثنی بالنبوه، انهم لینتفعون به وَ یستضـیئون بنور ولایته فی غیبته کانتفاع الناس بالشـمس و ان جللها السـحاب آری به خداوندی که مرا به پیغمبری مبعوث گردانیـده است، آن ها از وجود او منتفع می شونـد و از نور ولایتش در طول غیبت بهره می گیرنـد، چنان که از آفتاب پشت پرده استفاده می برند."(۱)

خود امام زمان (ع) در این باره فرموده است: "همان طور که از خورشـید در وقتی که توسط ابرها پنهان شده است، بهره گیری می شود، از من نیز در زمـان غیبتم به همـان صورت بهره می برنـد و همانـا من سـبب آرامش و امنیّت مردم روی زمین هسـتم، چنان که ستارگان امان اهل آسمانند.(۲)

ب)- دیگر این که سـینه ی امـام و روح بلنـدش، صـندوق حفـظ آیین الهی است که همه اصـالت های نخستین و ویژگی های آسـمانی دین تعلیمات را در خود نگاهداری می کند، تا دلایل الهی و نشانه های روشن پروردگار، باطل نگردد و به خاموشـی نگراید.

ج)- اثر امید بخشی به مسلمین و تربیت گروه منتظر و آگاه: ایمان و اعتقاد به امام غائب (عج) سبب امیدواری مسلمانان

نسبت به آینده ی پر مهر و صفای خویش در عصر ظهور امامشان می گردد. جامعه ی تشیع به اعتقاد خویش به وجود امام شاهد و زنده، هر لحظه انتظار بازگشت آن گوار (ع) را می کشد. شیعه هر چند امام زمان (ع) را در میان خود نمی بیند، اما خود را جدا از آن وجود نازنین نمی داند. امام غایب (عج) هم همواره مراقب حال شیعیان خویش می باشد چنان که خود فرموده است: "ما در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی نکرده و یاد شما را از خنبرده ایم پس تقوای الهی پیشه کنید تا از فتنه ای که به شما رو می آورد، شما را نجات بخشیم"(۳)

درباره غیبت امام زمان (عج) ر. ک: امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام، مرتضی علم ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی (ع)، محمدباقر خالص نور مهدی (ع)، چند تن از نویسندگان، نشر آنان مهدی موعود، علی اکبر قرشی مهدی در قرآن، رضا فیروز کتابنامه حضرت مهدی (ع)، عل اکبر مهدی پور دانشمندان عامه و مهدی موعود، علی دوانی امام مهدی و منتظران ج و ۲۱، محمدحسین صفارزاده فلسفه غیبت و علائم ظهور، میرزاخلیل کمره ای هفت سؤال پیرامون حضرت مهدی (عج)، عباس فجر دزفولی حکومت عدل گستر، حسین حیدری کاشانی دادگستر جهان، ابراهیم امینی، همه در انتظار اویند حسین سعید امامت و مهدویت ج و ۲۱، لطف الله صافی گلپایگانی.

در پاسخ به پرسش شما بحث های مفصلی هست که به طور مختصر و مفید بدان پرداخته می شود.این که امام زمان چرا غایبند و علت اصلی غیبت آن حضرت چیست مسأله ای است که بر همگان پوشیده است. بر طبق روایات اگر

غیبت از اسرار الهی و از امور غیبی است و همچون سایر امور مربوط به عوالم غیب، برای ما معلوم نیست. از آن جا که خداوند حکیم است و تمام کارهایش بر اس حکمت و مصلحت بنا شده امر غیبت نیز چنین است و تصدیق و اعتقاد به آن بر ما امری واجب است.

شایسته و بایسته است در این رابطه از نامه صاحب غیبت (امام زمان ارواحنا فداه) که در پاسخ اسحاق بن یعقوب کلینی نوشته شده است. بهره بگیریم. در پایان نامه آمده است: "از علت غیبت نپرسید چرا که خداوند در قران می فرماید: یا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا لا تَسْئَلوا عَنْ أَشْیاءِ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ ای مؤمنان از چیزهایی که ظرفیت درک آن را ندارید نپرسید. پس درب پرسش از چیزهای فوق ظرفیت خویش را ببندید و خود را در آگاهی از چنین چیزهایی به زحمت نیندازید و هر چه بیشتر برای تعجیل در فرج دعا کنید".

در روایت دیگری است که امام صادق (ع) فرمود: علت غیبت آن حضرت پس از ظهورش کشف خواهد شد. اما علت ظاهری غیبت و مصالح و فواید آن اموری است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- امتحان مردم: فلسفه خلقت و مرگ و زندگی آزمایش انسان ها معرفی شده است. یکی از شدیدترین سخت ترین امتحان الهی مسأله غیبت است که انسان می تواند در این زمان ایمانش را محک بزند. امام باقر (ع) در پاسخ جابر جعفی- که از فرج و نصرت ائمه (ع) پرسیده بود- فرمود: "هرگز، هرگز فرج و نصرت ما وقتی می رسد که شما غربال شوید، غربال شوید تا خالصان از ناخالص جدا گردند".

برادر عزیز توجه دارید

که ظهور امام زمان (عج) فرج و نصرت خداوند برای بشریت است و نصرت خدا وقتی فرو می آید که دلها از غیر خدا پاک گردد و تنها متوجه او شود و فضای یاس و ناامیدی از نصرت غیر او حاکم گردد.

۲- آمادگی افکار و اندیشه ها برای پذیرش اصلاحات توسط حضرت: قابل توجه است که ظهور آن حضرت همانند ظهور پیامبران و سایر ائمه نیست بلکه با امداد الهی و به صورت غیر عادی و اعجازآمیز است. اقدامات و اصلاحات حضرت، نیازمند به درک بالاـ و شعور مترقی از سوی مردم است. نایر این شعور و درک بالا باید در ما ایجاد شود تا زمینه ظهور فراهم گردد. در روایتی نیز آمده است- در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) مردم از درک بالا و استعداد ژرفی بر خوردار خواهند بود.

نوشته اید خداوند چرا ما را در این زمان آفرید نه در زمان پیامبر (ص) یا ائمه (ع)؟ باید گفت که از ابتدای آفرینش انسان تا برپائی قیامت، همواره انسان هائی می آیند و می روند و جای خود را به نسل دیگر می دهند و امکان این نیست که همه در یک زمان زندگی کنند. در ان نسلی زندگی می کند که در گذشته نبودو در آینده نیز نخواهد آمد. این قانون آفرینش است. درباره این که مردم در زمان ائمه (ع) لیاقت داشتند و اکنون ندارند گفتنی است که این سخن کلیت ندارد چه بسیار افرادی که در آن زمان بودند و لیاقت نداشتند و چه بسیار افرادی که در این زمان هستند و بسیار لایقند.

یکی از زمینه های غیبت همین نکته است که عقول مردم آخرالزمان و معرفت آنها نسبت به

گذشتگان بیشتر است. از همین رو بدون حضور پیامبر (ص) و یا امام معصوم (ع) نیز می توانند راه را بیابند و در آن طی مسیر کنند.به مضمون این آیات و روایات دقت کنید: پیامبر خدا (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: "شگفت ترین مردم از نظر ایمان و بالاترین آنان از نظر یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان پدیدار می شوند. آنان پیامبر (ص) را درک نکرده و حجت خدا نیز از آنان محجوب است، ولی آنان به مددیاهی بر سفیدی (قرآن و نوشته ها) ایمان می آورند"(۴)

در روایت دیگری آمده است که از امام سجاد (ع) درباره توحید سؤال شد، حضرت فرمود: خداوند می دانست که در آخرالزمان مردمی ژرف نگر پدیدار می شوند، ازاین رو سوره "قُلْ هُوَ اَللَّهُ أَحَدٌ" و آیات سوره حدید را نازل کرد"(۵)

بنابراین نه مردم زمان ائمه به جهت امتیاز و برتری خاص خود، حضور آنان را درک کرده اند و نه مردم آخر الزمان به جهت نداشتن لیاقت از فیض حضور آنان باز مانده اند. این مسأله فلسفه های ناشناخته بسیاری دارد که به بعضی از آنها اشاره شد.

درباره بهره بردن از امام زمان (عج) نیز گفتنی است که فیض وجود آن حضرت به همه می رسد چرا که انسان کامل فلسفه آفرینش است و اگر جهان به پا است، به جهت وجود "انسان کامل" است. فیض خاص آن حضرت (هدایت به امر) نیز به خواص می رسد و شرط درک این فیض، سنخیت است نه ادعا و سخن و قیل و قال و اگر کسی وجودش با آن حضرت سنخیت پیدا کند، مشمول دستگیری های آن حضرت خواهد شد ولی باید دانست که رسیدن به این سنخیت کاری است بس دشوار.

از سوی دیگر در ان غیبت، وظایف خاصی برای ما مشخص شده که بایستی بدان عمل کنیم چه امام زمان (عج) را ببینیم یا نبینیم. قرآن و سنت راه ها را برای ما بازگو کرده اند و اگر کسی مرد عمل می باشد، راه روشن است درباره ملاقات حضرت نیز گفتنی است که چون اصل در زمان غیبت بر حاضر نبودن است، بنابراین کسی به سادگی به خدمت آن حضرت نمی رسد چه لیاقت داشته باشد یا نداشته باشد. اساساً چنین وظیفه ای نیز در زمان غیبت برای ما ترسیم نشده است که دنبال امام زمان (عج) بگردیم تا آن حضرت را بیابیم. البته عشق به آن حضرت، عشق مقدس و گران بها است ولی مقوله وظیفه، مقوله ای دیگر است.

منابع و مآخذ:

۱)ینابیع الموده، قندوزی، ج ۳، ص ۱۷۰

۲)کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص ۴۸۵

۳)احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷

۴)بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۶

۵)بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۶۳

حضرت حجّت(عج) چه سودی برای جهان هستی دارند؟ ایشان که غایبند و حکومتی هم که تشکیل نداده اند؛ درست است که در آینده حکومت تشکیل می دهند. پس فعلاً نقش آن حضرت در جهان هستی چیست، آیا وجودشان فایده ای دارد؟

پرسش

حضرت حجّت(عج) چه سودی برای جهان هستی دارند؟ ایشان که غایبند و حکومتی هم که تشکیل نداده اند؛ درست است که در آینده حکومت تشکیل می دهند. پس فعلاً نقش آن حضرت در جهان هستی چیست، آیا وجودشان فایده ای دارد؟

پاسخ

پاسخ از :: ایت الله جوادی آملی

برای پاسخ به این پرسش ذکر مطالبی چند ضرورت دارد:

۱. انسان، طبق فرموده قرآن کریم، به سوی خدای سبحان در حرکت است و پایان سفرش ملاقات با خداست؛ «یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ.» (۱)

بشر، برای رسیدن به این هدف، به دو محور اصلی مُلکی)ظاهری(و ملکوتی)باطنی(نیاز دارد. انسان در محور مُلکی و ظاهری به رهبری نیازمند است که همان مسأله امامت، اداره جامعه و کشورداری و رهبری نظام است. محور دوم که بسیار مهم تر از اولی است و تکیه گاه آن به شمار می رود، رهبری باطنی و ملکوتی است. این سیر، سیری عمودی و طولی است که «صیرورت» نیز خوانده می شود؛ یعنی انسان در درون خود سفری با مراتب و منازل متعدد دارد و برای پیمودن این منازل نیاز به رهبر انکارناپذیر است. «سیر» یعنی حرکتی)ظاهری(که در همه اجرام زمینی و آسمانی وجود دارد؛ امّا «صیرورت» یعنی تحول و شدن و از نوعی به نوعی دیگر و از منزلتی به منزلت دیگر تکامل یافتن. یک خودرو که شتابان در بزرگراه پیش می رود و میوه ای که مرحله های گوناگون را پشت سر می گذارد، هر دو حرکت دارند؛ امّا اولی به نحو «سیر» و دومی به نحو «صیرورت»؛ یعنی میوه از خاک حرکت کرده و به مرحله شکوفه رسیده و پس از آن به میوه

خام و پخته تبـدیل شـده است. این «شـدن» را که حرکتی درونی است، «صـیرورت» می خواننـد. انسان ها نیز بـدون اسـتثنا، در تحول درونی و صیرورتی به سر می برند که نهایت آن «لقای حق» تبارک و تعالی است.

۲. وقتی معلوم شد انسان در صیرورت است و به سوی خدا حرکت می کند، ناگزیر باید حرکت دهنده ای داشته باشد؛ زیرا در هر حرکتی وجود متحرک، محرّک و مسیر و ابتدا و انتها)هدف(ضرورت دارد؛ و مهم تر از همه وجود رهبری که متحرک را به هدف نهایی هدایت کند.

۳. افزون بر امور عـادی و مـادّی انسـان)زنـد گی روزمره(تمـام اعمـال عبـادی و باطنی انسان نیز به رهبر نیاز دارد؛ یعنی همان گونه که تأمین معاش و امور ظاهری و زنـد گی اجتماعی انسان نیازمنـد رهبر است، تمام عبادت ها و اعمال باطنی وی نیز که با صیرورت و تحول درونی همراه است، به محرک و رهبری نیـاز دارد تـا آن هـا را هـدایت و به سـرمنزل مقصود)قرب الی اللّه(برساند.

۴. امامان معصوم علاوه بر رهبری ظاهری و اداره ملکی جامعه، رهبری ملکوتی جامعه بشری را نیز بر عهده داشتند. همان گونه که گذشت، سیر باطنی انسان)صیرورت او(از نظر اهمیّت با سیر ظاهری و ملکی و دنیایی قابل مقایسه نیست.

۵. گرچه بیگانگان رهبری ظاهری را از ائمّه اطهار – علیهم السـلام – گرفتنـد و آنان را خانه نشـین کردنـد؛ امّا رهبری ملکوتی انسان ها و جوامع بشری حقیقتی است که از وجود مقدس آنان جدا نمی شود.

۶. نماز، روزه، زکات، حـج و دیگر عبادات هر کـدام نوعی صـعود و تقرب به سوی خـدای سـبحان دارنـد. «إِلَیْهِ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ یَرْفَعُهُ» (۲)

این صـعود، حرکتی به نحو صـیرورت است و مسـلماً به محرک و رهبر نیاز دارد؛ یعنی بایـد انسان کاملی باشد که عمل صالح اش اعمال بنـدگان را بالا ببرد و رهبری کنـد تا به درگاه قبول حضـرت حق برسد. این انسان کامل همان امام معصوم است که نمازش نماز هر متقی را امامت می کنـد و حـج و زکات و تمام اعمالش، اعمال بنـدگان صالح را تا وصول به بارگاه حضـرت حق رهنمون می شود. بر این اسـاس، هر که اول وقت نمـاز به پا دارد، به امام زمان خویش اقتـدا کرده است. چون امام زمان - علیه السـلام - همـاره اول وقت نمـاز می گزارد و هر کس در هر اقلیمی که باشـد، اگر اول وقت نمـاز بخوانـد، در این عمل با فضـیلت به امـام خود اقتـدا کرده است؛ یعنی نماز او به کاروان نمازهایی پیوسـته که با امامت نماز ولیّ خـدا، به سوی خـدا در حال صعود است.

۷. از آنچه ذکر شد در می یابیم وجود مقدس حضرت مهدی - علیه السلام - رهبری ملکوتی تمام انسان ها را و هر چه دارای صیرورت و تحول است، به عهـده دارد. او به اذن خـدا، مدبر امور است و خلقت و هدایت و تدبیر و درمان و حیات و مرگ به واسطه او تحقق می یابد. به همین سبب امامان معصوم)ع(را وسائط فیض حق و مجاری روزی خلایق می دانیم.(۳)

وجود آن هـا همچون دو دستی است که بـا یکی ارزاق و مقـدرات خلایق از درگاه ربوبی دریافت و در عالم هستی توزیع می شود و با دیگری اعمال صالح بندگان تاعرش الاهی رهبری و هدایت می گردد. اگر ولی اللّه الاعظم عملی را امضا

کنـد، قطعاً مورد قبول خداونـد متعال است و گرنه هیـچ یک از اعمال انسان پـذیرفته نمی شود. بـدین سـبب، در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

بِکُمْ فَتَحَ اللّهُ وَ بِکُمْ یَخْتِمُ، وَ بِکُمْ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ، وَ بِکُمْ یُمْسِکُ السَّمآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْاَرْضِ اِلّاَبِاِذْنِهِ، وَ بِکُمْ یُنَفِّسُ الْهَمَّ، وَ یَکْشِفُ الضُّرَّ؛ (۴) خدا به وسـیله شما آغاز کرد و به شما ختم می کند و به خاطر شما باران را فرو می فرستد و به وسیله شما آسمان را از این که بر زمین افتد نگه داشته است. مگر به اجازه او و به خاطر شما اندوه را بیرون برد و سختی را برطرف کند.

اِنْ ذُکِرَ الْخَیْرُ کُنْتُمْ اَوَّلَهُ، وَ اَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ، وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْویهُ وَمُنْتَهاهُ؛ (۵) هر گاه خیر و خوبی ها یاد شود، شـما اول و اصل و فرع ها و معدن و جایگاه و سر حدّ نهایی اش هستید.

و شاید راز بعضی از روایات و دعاهای ائمّه معصوم)ع(در همین امر نهفته است:

- اگر زمین بدون امام باشد، نظمش از هم بپاشد و در هم فرو ریزد.(۶)

- کجاست آن وسیله ای که فیوضات آسمان را به اهل زمین می رساند.(۷)

- به ماندن او است که دنیا باقی مانده است و به خیر و برکت او تمام مخلوقات روزی داده می شوند.(۸)

و شاید سرّ خواندن دعای فرج در شب قدر نیز همین امر است.

..................(منابع)................

۱) سوره انشقاق، آیه ۶.

۲) سوره فاطر، آیه ۱۰.

۳) تفسیر موضوعی قرآن کریم، آیت اللّه جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۱۲۰ – ۹۷، با تصرف و تلخیص.

۴) مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۵) مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۶) لَوْبَقِیَتِ الْاَرْضُ بِغَیْرِ اِمامٍ لَساخَتْ.»)اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹)

۷) اَیْنَ

السَّبَبُ الْمَتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَ السَّماء؟»)مفاتیح الجنان، دعای ندبه(

۸) بِبَقائِهِ بَقیَتِ الدُّنیا وَ بِیُمْنِهِ رُزِقَ الْوَری.»

چه فایده ای در وجود امامی است که حافظ شرع وملّت نبوده واجرای احکام الهی نمی کند؟

پرسش

چه فایده ای در وجود امامی است که حافظ شرع وملّت نبوده واجرای احکام الهی نمی کند؟

پاسخ

گاهی سؤال می شود: اگر قرار است که امام در پشت پرده غیبت باشد وبر کسی ظاهر نگردد ونیز متولی اقامه حدّ وتنفیذ حکم نگردد ومردم را به حقّ وجهاد با دشمن دعوت نکند، چه فایده ای در وجود اوست.

۱ – غیبت امام به جهتی از ناحیه ما می باشد، ولذا در ظهور او نیز عملکرد ما دخیل است.

۲ – در عصر غیبت هرگز حدود الهی وتنفیذ احکام ودعوت به حق وجهاد با دشمنان تعطیل نمی گردد، بلکه بنابر توکیل عام از جانب امام زمان (ع) این امور به فقها واگذار شده است.

۳ – امام گرچه غایب است ولی نسبت به احکام کلّی جنبه نظارتی داشته وحافظ مجموعه شریعت است. ولذا در صورتی که اجماعی بر خلاف حق تشکیل شود دخالت کرده والقای خلاف می نماید.

۴ – وجود امام آن گونه که در جای خود گفته شد واسطه فیض الهی وعلت غایی خلقت است، وبدون او زمین مضطرب خواهد شد، ولذا او واسطه تکوین نیز می باشد.

۵ – امام، گرچه از انظار عموم مردم غایب است ولی نسبت به نفوس قابل هدایت باطنی دارد، او هر نفسی را که قابل هدایت ببیند از راه باطن او را به حقّ وحقیقت رهنمون خواهد ساخت.

موضوع: وجود امام مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن

وجود امام زمان علیه السلام در رفع بلا چه تأثیری دارد؟

پرسش

وجود امام زمان علیه السلام در رفع بلا چه تأثیری دارد؟

پاسخ

امام زمان (ع) در توقیع اول خود به شیخ مفید؛ می فرماید: "إنّا غیر مهملین لمراعاتکم، ولا ناسین لذکرکم، ولولا ذلک لنزل بکم الأوآء واصطلمکم الأعدآء"؛ "ما در رسیدگی {پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳. پاورقی}

وسرپرستی شما کوتاهی واهمال نکرده ویاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود، دشواری ها ومصیبت ها بر شما فرود می آمد ودشمنان، شما را ریشه کن می نمودند."

شیعه به جهت پیروی از حق وحقیقت، دائماً مورد تعرّض حکّام جور ومعاندان ومخالفان بوده است، لذا به کسی نیاز دارد که در سختی ها وگرفتاری ها او را یاری کند واز نابودی نجاتش دهد. حضرت در این توقیع به شیعیانش این بشارت را می دهد که با وجود غیبتم، شما را حمایت می کنم وهرگز نمی گذارم نقشه های دشمنان حق وحقیقت به ثمر نشیند ومذهب شیعه نابود شود.

ودر حدیث دیگر حضرت می فرماید: "أنا خاتم الأوصیآء، وبی یدفع اللّه عزّوجلّ البلآء عن أهلی وشیعتی"؛ "من خاتم اوصیایم. خداوند به سبب من بلا را از اهل وشیعیانم دفع {پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲. پاورقی}

می کند."

چه تناسبی بین خورشید پشت ابر و غیبت امام زمان علیه السلام وجود دارد؟

پرسش

چه تناسبی بین خورشید پشت ابر و غیبت امام زمان علیه السلام وجود دارد؟

پاسخ

در روایتی از امام زمان (ع) در پاسخ به پرسش های اسحاق بن یعقوب چنین آمده است: "... وأمّا وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس إذا غیّبها عن الأبصار السحاب"؛ {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰. پاورقی}

"...واما کیفیت نفع بردن به وسیله من در زمان غیبتم به مانند نفع بردن به واسطه خورشید است هنگامی که ابرها او را از دیدگان مستور می نمایند."

از این حدیث شریف وجوهی از شباهت ها بین خورشید در پشت ابر وامام زمان (ع) در عصر غیبت استفاده می شود که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – همان گونه که مردم، هر آن، انتظار خارج شدن خورشید از پس ابرها را دارند تا تمام وکامل از وجود وظهورش استفاده ببرند، در ایام غیبت آن حضرت نیز مردم منتظر ظهور وخروج اویند واز ظهورش مأیوس نمی گردند.

۲ – منکر وجود حضرت (ع) در عصر غیبت، همانند منکر وجود خورشید است هنگامی که در پشت ابرها از دیده ها پنهان گردد.

۳ – همان گونه که ابر کاملاً خورشید را نمی پوشاند ونور خورشید به زمین وزمانیان می رسد، غیبت هم مانع کامل وتمامی برای بهره دهی حضرت نیست، مردم در زمان غیبت، حضرت را نمی بینند امّا از وجود او بهره می برند. توّسل یکی از راه های بهره بردن از آن امام است.

۴ – همان گونه که در مناطقی که هوا غالباً ابری است، گاهی خورشید ابرها را می شکافد وخود را از لابلای آنها بیرون می آورد وبه عدّه ای از مردم نشان می دهد، هر از چند گاهی نیز، عده ای به محضر امام زمان (ع) شرفیاب می شوند واز وجودش

استفاده می برند واز این راه وجود آن حضرت برای مردم به اثبات می رسد.

۵ - همـان گونه که ابرهـا خورشـید را نـابود نمی کننـد وتنها مانع رؤیت اوینـد، غیبت امام زمان (ع) هم تنها مانع رؤیت ایشان است.

آیا موضوع غیبت با وظیفه هدایت گری امام علیه السلام سازگاری دارد؟

پرسش

آیا موضوع غیبت با وظیفه هدایت گری امام علیه السلام سازگاری دارد؟

پاسخ

با مراجعه به کتاب های کلامی وفلسفی وعرفانی به وجود دو تفسیر بر امامت پی می بریم:

۱ - تعریف کلامی: مطابق این تعریف، امامت ریاستی است بر عموم توسط یکی از اشخاص در امور دین ودنیا.

{پاورقی . نهج المسترشدین، ص ۶۲. پاورقی}

۲ - تعریف فلسـفی - عرفـانی: مطـابق این تعریف، امـامت منصبی است الهی هماننـد نبوت، وبین این دو (امـامت ونبوت) هیچ فرقی جز وحی نیست. امامت اسـتمرار تمام وظایف نبوّت جز تحمّل وحی الهی است، ونیز نوعی تصرف است در باطن ونفوس افراد برای رساندن آنها به کمال مطلوب.

مطـابق این تعریف، ریاست در امور دین ودنیا، شأنی از شؤون امامت به این معناست. واین همان معنایی است که شـیعه دوازده امامی به آن ملتزم است، لذا امامت را به همین جهت جزء اصول دین به حساب آورده وآن را از نبوّت بالاتر می داند.

علامه طباطبایی؛ می فرمایـد: "امامت حقیقتی ورای مقام اطاعت یا ریاست دین ودنیا یا وصایت وخلافت وجانشـینی در روی زمین به معنای حکومت بین مردم است".

{پاورقی . المیزان، ج ۱، ص ۲۷۱. پاورقی}

عمق معنـای امـامت نزد ایشـان به این است که امـامت، هـدایت بـاطنی بوده که همـان ولایـت بر مردم وکردار آنان است واین هدایت باطنی جز ایصال به مطلوب نیست.

متکلمین بر ضـرورت معنـایی که برای امـامت ذکر کرده انـد به ادلّه ای از قبیـل: قاعـده لطف، لزوم حفـظ شـریعت وتبیین دین خداوند استدلال کرده اند، که عمدتاً با حضور امام در بین مردم تأمین می شود.

حال اگر اشکال شود که این لطف چگونه با غیبت حضرت سازگاری دارد؟ در جواب باید بگوییم:

اولاً: امام زمان (ع) حافظ کلّی شریعت است واز

اتّفاق بر باطل جلوگیری می کند.

ثانیاً: الطاف خداوند درجات مختلفی دارد که هنگام تزاحم، آنچه که لطف بیشتری دارد مقدّم می گردد. ولذا اگر چه با حضور امام، مردم به الطافی خواهند رسید واز حضور او بهره مند خواهند شد، ولی لطف غیبت او مهم تر است، همان گونه که در بحث فلسفه غیبت به آن اشاره کردیم.

در مورد تفسیر دوم برای امامت که همان تفسیر عرفا است، جای هیچ نوع اشکالی در مورد غیبت امام نیست؛ زیرا بنا بر آن تعریف، امامت حقیقتی است که امام به جهت قابلیّت هایی که پیدا کرده، می تواند در نفوس انسان ها تصرّف کرده وآنها را به سرمنزل مقصود برساند.

این معنا برای امامت، با غیبت او نیز سازگاری دارد، وامام در عصر غیبت نیز این تصرّفات را می تواند انجام دهد که در طول عصر غیبت چنین هدایت هایی را فراوان داشته است.

{پاورقی . ر.ک: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۰۴. پاورقی}

امام زمان علیه السلام چگونه در عصر غیبت، مردم را هدایت می کند؟

پرسش

امام زمان علیه السلام چگونه در عصر غیبت، مردم را هدایت می کند؟

پاسخ

۱ - هدایت تشریعی: که به بیان احکام شرع ومعارف الهی برای مردم است. این نوع هدایت غالباً با حضور امام در میان مردم تحصیل می گردد.

۲ - هدایت باطنی: که همان دستگیری از راه باطن وهدایت انسان از راه درون است. این نوع هدایت از آن جهت که نوعی تکوینی است، احتیاج به حضور حضرت وملاقات مردم با او ندارد، بلکه با غیبت حضرت نیز امکان پذیر است، وتمام کسانی که در آنها تحوّل ودگرگونی پیدا می شود واز راه درون به حقّ وحقیقت رهنمون می شوند با تصرّفاتی است که از ناحیه امام زمان (ع) وبه اراده ومشیّت خداوند انجام می پذیرد.

۳ - برخی از انواع هدایت ها نیز هست که حضرت مهدی (ع) در حقّ شیعیانش انجام می دهد که متوقّف بر حضور وملاقات های مقطعی است، مثل هدایت گمشدگان وشفای بیماران و... .

راههای کسب معرفت و تشنه شدن چیست ما امام زمان را برای چه می خواهیم .

پرسش

راههای کسب معرفت و تشنه شدن چیست ما امام زمان را برای چه می خواهیم .

پاسخ(قسمت اول)

اگر منظورتان از کسب معرفت، معرفت به خداوند باشد باید گفت:

پرسش شما ناظر به روایت مشهوری از حضرت علی(ع) است که فرمودند: «من عرف نفسه فقد عرف ربّه؛ هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است» (عبدالواحد بن محمد تمیمی، شرح غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۲.)

این حدیث شریف و روایات دیگری از این دست که حاکی از ملازمه اکید میان شناخت انسان و شناخت خداوند است، تفسیرهای فراوانی را در بر داشته و بحث های دامنه داری را فراروی اندیشمندان نهاده است که طرح تفصیلی آن خارج از حوصله این مقال می باشد؛ ولی در عین حال می کوشیم نقاط اساسی را در حد پرسش حضرتعالی، روشن سازیم.

در یک نگاه کلی، شناخت انسان نسبت به خداوند سبحان دوگونه است:

۱. شناخت حصولی؛ که مقصود از آن شناخت از راه عقل، تفکر، اندیشه و استدلال و برهان است.

۲. شناخت حضوری؛ که خود دوگونه است:

یکم. درک فطری یا خداشناسی فطری؛ که یک علم حضوری غیراکتسابی در نهاد انسان و بیرون از محدوده اختیار او است. این شناخت فطری - که در قلمرو اخلاق قرار نمی گیرد - در بیشتر انسانها تنها استعداد و مایه ای است که آدمی با تلاش خود می توانـد آن را از استعداد به فعلیت واز حالت ابهام به مرحله درک حضوری آگاهانه برسانـد. این دو آیه از قرآن شریف به این نوع معرفت ناظر است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها...؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن با همان سرشتی

که خدا مردم را بر آن سرشته است» » (روم (۳۰)، آیه ۳۰.)

«وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنَّا کُنَّا عَنْ هذا غافِلِینَ * أَوْ تَقُولُوا إِنَّما أَشْرَکَ آباؤُنا مِنْ قَبْلُ وَ کُنَّا ذُرِّیَّهً مِنْ بَعْدِهِمْ أَ فَتُهْلِکُنا بِما فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ؛ و چون پروردگارت فرزندان بنی آدم را از پشت های ایشان برگرفت و آنان را بر خودشان گواه گرفت [و پرسید] آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا شهادت می دهیم تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [حقیقت]بی خبر بودیم. یا مبادا بگویید همانا پدران ما در گذشته شرک آورده بودند و ما فرزندانی از پی ایشان بودیم، آیا ما را به خاطر کاری که باطل اندیشان کردند هلاک می کنی» (اعراف (۷)، آیه ۱۷۲ و ۱۷۳.)

آن ندایی کَاصْل هر بانگ و نواست خود ندا آن است و این باقی صداست

ترک و کرد و پارسی گو و عرب فهم کرده آن ندا بی گوش و لب

خود چه جای ترک و تاجیک است و زنگ فهم کردست آن ندا را چوب و سنگ

(مولوی، جلال الدین، مثنوی، دفتر اوّل، ابیات ۲۱۰۷ – ۲۱۰۹.)

دوّم. علم حضوری اکتسابی؛ که یک علم حضوری روشن و آگاهانه است و آدمی با تلاش و پس از پیمودن مراحل تکامل، این شایستگی را می یابد که خداوند آن را به او افاضه نماید. این نوع معرفت، دارای مراتب گوناگونِ شدید و ضعیف است که آخرین مرحله آن همان هدف نهایی آفرینش و بالا-ترین مرتبه کمال انسانی می باشد. هر چند دریافت این معرفت حضوری، مانند گونه قبل، مستقیماً

در اختیـار آدمی نیست؛ مقـدمات دستیـابی به آن، از افعال اختیاری است. در حقیقت، افاضه این کمال – معرفت به خداونـد – پـاداش بخشـی از افعـال اختیـاری انسان است که به صورت تام و کامل در آخرت به او داده می شود؛ گرچه مراتب دیگری از این معرفت حضوری برای برخی از اولیای خـدا در این دنیا فراهم می آیـد. در قرآن مجیـد از این معرفت به «رؤیت»، «شـهود»، «نظر» وماننـد آن یـاد شـده است: «وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ ناضِرَةٌ * إِلی رَبِّهـا ناظِرَةٌ؛ رخسارهایی در آن روز برافروخته [و به چشم دل به سوی [جمال]پروردگارشان نظر کننده اند»(قیامت (۷۵)، آیه ۲۲ و ۲۳.)

«وَ کَذلِکَ نُرِی إِبْراهِیمَ مَلَکُوتَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِیَکُونَ مِنَ الْمُوقِنِینَ؛ و این گونه ملکوت آسـمان ها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم تا از جمله یقین کنندگان باشد» (انعام (۶)، آیه ۷۵.)

با توجه به اینکه شـناخت خـدا از راه خودشناسـی، در قلمرو علم حضوری مذکور قرار می گیرد، پاسخ به این دو پرسـش شـما که: ۱. مقصـود از معرفت نفس چیست؟ ۲. چطور می توان به آن دست پیـدا کرد؟ متفاوت خواهـد بود؛ هر چنـد میان آن دو، تمایز کامل نباشد.

شناخت نفس

امـا مراد از شـناخت نفس در گونه اول درک حضوری، معرفت به فطرت و سـرشت انسان است. اینکه بدانـد و بفهمـد: فطرت چیسـت؟ بینش و گرایش هـای فطری کدامنـد؟ فطرت در منظر قرآن چگـونه تحلیـل می شـود؟ آیـا اساسـاً میـان همـه انسـانها مشترکـاتی یـافت می شـود؟ چـه ضـابطه و ملاـکی برای تشـخیص آنهـا وجـود دارد؟ آیـا بهره وری آغـازین انسـان هـا از این مشترکات یکسان است؟ فطری بودن خداشناسی به چه معناست؟ آیا خدا در نهاد انسان هست؟

اگر هست، پس چگونه پاره ای از انسان ها خدا را انکار کرده، از او اعراض می کنند؟ و...

(برای آگاهی بیشتر در این زمینه، نگا: شیروانی، علی، سرشت انسان.)

دست یابی به این معرفت و به عبارت دیگر بازشناسی امور فطری، از روش های گوناگون میسّر خواهد شد:

۱. روش تجربی یا تاریخی؛ در این روش با مراجعه به جامعه و تاریخ و تحولات گوناگون آن، عناصری که در همه جا بوده و همیشه حضور داشته اند ولو با شدت و ضعف [شاخص ها و نشان های امور فطری]کشف می شود. البته این عناصر، باید عناصری باشد که در قلمرو انسانیت انسان قرار داشته باشد، از این رو، روحیه استخدام دیگران در جهت منافع خود، تجاوز به غیر، ظلم و عدالت ستیزی که همواره در طول تاریخ ظهور کرده، در این عناصر جای نمی گیرند.

۲. روش تعقلی؛ در این روش کوشش می شود تا به مدد برهان اصالت عموم، گرایش های انسانی (مانند علم دوستی، فضیلت خواهی و...) اثبات گردد؛ یا گرایش به خدا و حس پرستش یا فطری بودن دین مبرهن شود.

۳. روش شهودی؛ در این روش، با مراجعه به وجدان و شهود، گرایش ها و بینش های فطری شناخته می گردد. اگر انسان در درون خود، فارغ از همه ویژگی ها و شرایط، احساس کرد که زیبایی را دوست دارد، علم را دوست دارد، به فضایل اخلاقی عشق می ورزد ودارنده آنها را می ستاید و در پی آن است که آنها را در خود احیاء نماید، می تواند به گرایش های فطری انسان دست یازد.

۴. روش نقلی؛ در این روش با مراجعه به کتاب و سنت (منابع روایی) اموری که به عنوان گرایش ها و بینش های فطری انسان طرح شده، شناسایی و طبقه بندی می شود.

اما منظور از

معرفت نفس در گونه دوم معرفت حضوری، معرفت به نفس و شناخت شخصیت و انسانیت انسان است. اینکه دریابد و علم پیدا کند: نفس چیست؟ خصوصیات آن کدام است؟ مراتب آن چگونه است و به چه شکل با یکدیگر در ارتباطند؟ رابطه نفس و بدن به چه کیفیتی است؟ نفس، عقل و قلب آیا یکی هستند و اگر خیر، وجه تمایز آنها از یکدیگر چیست؟ نفس از دیدگاه قرآن و روایات چگونه تفسیر می شود؟ هبوط و عروج نفس چیست؟ مراد از تهذیب نفس چیست؟ ارتباط نفس و عمل چگونه است؟ نفس دارای چه استعدادها و قابلیت هایی است؟ تجرد نفس به چه معنا است؟ قوای آن کدام است؟ آیا می توان از راه شناخت نفس به شناخت و معرفت خدا دست یازید؟ این معرفت در چه حد و مراتبی است؟ و در یک کلام آدمی باید «نفس» یا «روح» یا «حقیقت» خود را بشناسد تا بداند که چه بوده و چه شده و چه می تواند باشد؟

(برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر . ک : حسن زاده آملی، حسن، دروس معرفت نفس؛ شجاعی، محمد، مقالات، ج ۱.)

خداوند متعال در این آیه شریفه با لحنی تأمل برانگیز به این معرفت تأکید فرموده است: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ إِلَی اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ جَمِیعاً فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به خود و حقیقت خود توجه داشته باشید و خود و حقیقت خود را بیابید. اگر شما به صراط مستقیم هدایت یافتید، منحرف شدن دیگران به شما ضرر نمی رساند و برگشت همه شما به سوی اللّه است و در آن روز خداوند

متعال شما را از اعمال و راه و روش تان آگاه خواهد کرد» (مائده (۵)، آیه ۱۰۵.)

بـا توجه به اینکه آخر آیه از برگشتِ همه به سوی حضـرت حق و نایـل گشـتن همه به نتایـج حرکـات و اعمالشان در روز لقاء پروردگار خبر می دهد، توصـیه به معرفت نفس و شناخت حقیقت خود معنای عمیق تری می یابد. با این دیدگاه معنای روایت «مـن عرف نفسـه فقـد عرف ربه» این خواهـد شـد که هر کس خـود را آن چنـان که هست و مظهر و مجلای وجه حـق اسـت بشناسد، پروردگار خود را خواهد شناخت و ناظر وجه او خواهد بود.

قبل از بررسی چگونگی دست یابی به معرفت نفس به گونه دوّم، تذکر چند نکته ضروری است:

۱. تهذیب نفس و حصول کمال آن، متوقف بر معرفت نفس و شناخت عوامل انحطاط و سعادت است.

۲. شـناخت نفس در حقیقت شـناخت «راه» و «راهرو» می باشـد، چرا که نفس انسـانی است که به سـوی خـدا سـلوک می کند (رهرو) و راهی را که آدمی باید در رسیدن به خدا طی کند نیز همان مراتب نفس خویش است که با گذر از هر مرتبه از آن، به مرتبه بالاتر صعود می کند (راه). مهم تر آنکه بر طبق آیه شریفه ای که پیش تر نقل شد، غایت این راه خداوند متعال است. پس بایـد آدمی مـدام در یـاد خـدا باشـد؛ چرا که اگر آدمی غـایت راه را فراموش کنـد خود راه را نیز فراموش می کنـد. پس فراموشی خدا، فراموشی نفس را به دنبال خواهد داشت.

۳. اصل معرفت نفسـی که مورد تأکید منابع اصیل اسلامی قرار گرفته، معرفتی است که وسیله ای برای معرفت خداوند قرار می گیرد، نه شناختی که برای ترتب

آثار دیگر مقصود باشد.

۴. براساس منابع قرآنی و روایی، این شناخت باید به عنوان یک اصل عملی تلقی شود؛ یعنی، حرکت به سوی کمال باشد وگرنه، صرف شناخت نفس از جهت علمی و نظری تنها آشنایی با مفاهیم است، نه عین واقع در مرحله عمل و کمال (طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ج ۶، ص ۱۶۳ – ۱۶۹.)

در حقیقت، امری که انسان را به شهود وجه حق می رساند، شناخت حقیقت خود و حرکت به سوی مقام اصلی خود است و این امر، جز با تحصیل تقوا میسر نخواهد بود.

برای آگاهی بیشتر نگا: شجاعی، محمد، مقالات، ج ۲ و ۳.

عطار خیلی زیبا در چند بیت، شرایط تحصیل تقوا را بیان کرده است:

چون فرود آیی به وادیّ طلب پیشت آید هر زمانی صد تعب

صد بلا در هر نفس اینجا بود طوطیِ گردون مگس اینجا بود

جدّ و جهد اینجات باید سالها زانکه اینجا قلب گردد حالها

مِلک اینجا بایدت انداختن مُلک اینجا بایدت در باختن

در میان خونْت باید آمدن وزهمه بیرونْت باید آمدن

چون نماند هیچ معلومت به دست دل بباید پاک کرد از هر چه هست

چون دل تو پاک گردد از صفات تافتن گیرد ز حضرت نورِ ذات

چون شود آن نور بر دل آشکار در دل تو یک طلب گردد هزار

(عطار، منطق الطیر، صص ۱۸۰ – ۱۸۱.)

علاوه بر آنچه گفته شد، معرفت نفس از دو سو می تواند به معرفت ربّ بیانجامد نخست آن که بدانیم:

پاسخ(قسمت دوم)

حقیقت وجودی انسان عین ربط، وابستگی و نیازمندی محض به خدای متعال است و از خود هیچ استقلالی ندارد، از این رو تمام وجود ما و متعلقات آن از خدا و

متعلق به خداست «انّا للّه» (بقره (۲)، آیه ۱۵۶.) و او حقیقت پایـداری است که هستی بخش مطلق و عطاکننده همه کمالات به موجودات از جمله انسـان هاست «هو الحیّ القیّوم» (بقره (۲)، آیه ۲۵۵؛ آل عمران (۳)، آیه ۲؛ طه (۲۰)، آیه ۱۱۱.) بدون آن که نیازی به کسی یا چیزی داشته باشد «یا ایهاالناس انتم الفقراء الی اللّه و اللّه هو الغنی الحمید» (فاطر (۳۵)، آیه ۱۵.)

اینها حقایقی است که با دریافت حضوری و شـهودی با رفع موانع معرفت از قبیل غفلت ناشـی از سرمستی و غوطه ور شدن در شهوات و دنیاطلبی و دنیادوستی، قابل وصول است. (اعراف (۷)، آیه ۱۷۹.)

دوم آن که با شناخت توانمندی های ظاهر و باطن آدمی و اعتراف به ناشناخته ماندن گستره توانمندی های او و سرگشگی در درک حقیقت روح او، می توان به جلوه ای از شـناخت خداونـد دست یـافت زیرا در انسان نفخه ای از روح خـدا دمیـده شـده است و می تواند خلیفه خداوند در روی زمین باشد.

و اگر مرادتان کسب معرفت به امام زمان(عج) باشد، به پاسخ سؤال ۱ مراجعه نمایید.

در احادیث معتبری که پیرامون فلسـفه و فایده ی وجود امام (ع) در دوران غیبت به ما رسیده است , فواید گوناگونی را عنوان فرموده اند, از جمله :

۱- امام غایب (ع), واسـطه ی فیض و امان اهل زمین است . امامان معصوم (ع) و امام زمان (عج) امان اهل زمین می باشند و اگر زمین از این حجت های الهی خالی بمانـد, دنیا و اهلش نابود خواهند شد; لذا وجود امام (ع) موجب برکات بسیاری می باشد. پیامبر اسلام (ص) هم در این مورد فرموده است

: ((ای والـذی بعثنی بـالنبوه , انهم لینتفعون به و یستضـیئون بنور ولایته فی غیبته کانتفاع الناس بالشـمس و ان جللها السـحاب ; آری خداونـدی که مرا به پیغمبری مبعوث گردانیـده است , آن ها از وجود او منتفع می شونـد و از نور ولایتش در طول غیبت بهره می گیرنـد, چنان که از آفتاب پشت پرده اسـتفاده می برنـد.)), (ینابیع الموده , قندوزی , ج ۳, ص ۱۷۰). خود امام زمان (ع) در این باره فرموده است : ((همان طور که از خورشـید در وقتی که توسط ابرها پنهان شده است , بهره گیری می شود, از مـن نیز در زمـان غیبتم به همـان صـورت بهره می برنـد و همانـا من سـبب آرامش و امنیت مردم روی زمین هسـتم , چنـان که ستارگان امان اهل آسمانند, (کمال الدین و تمام النعمه , شیخ صدوق , ص ۴۸۵).

۲-دیگر این که سـینه ی امـام و روح بلنـدش , صـندوق حفـظ آیین الهی است که همه اصـالت هـای نخسـتین و ویژگی هـای آسمانی دین را در خود نگاهداری می کند, تا دلایل الهی و نشانه های روشن پروردگار, باطل نگردد و به خاموشی نگراید.

۳- اثر امید بخشـی به مسلمین و تربیت گروه منتظر و آگاه : ایمان و اعتقاد به امام غائب (عج) سبب امیدواری مسلمانان نسبت به آینـده ی پر مهر و صـفای خویش در عصـر ظهور امامشان می گردد. جامعه ی تشـیع به اعتقاد خویش به وجود امام شاهد و زنده , هر لحظه انتظار بازگشت آن بزرگوار(ع) را می کشد.

شیعه هر چند امام زمان (ع) را در میان خود نمی

بیند, اما خود را جدا از آن وجود نازنین نمی داند. امام غایب (عج) هم همواره مراقب حال شیعیان خویش می باشد; چنان که خود فرموده است : ((ما در رسیدگی و سرپرستی شما, کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم ; پس تقوای الهی پیشه کنید تا از فتنه ای که به شما رو می آورد, شما را نجات بخشیم)), (احتجاج طبرسی , ج ۲, ص ۴۹۷).

وجودمقدس امام زمان(عج) فرد کامل انسانیت و واسطه بینعالم ماده و عالم معناست. اگر امام(ع) نباشد ارتباط جهان ماده با عالم ربوبی بریده و گسسته است. قلب و روح پاک امام زمان(عج) به منزله کارخانه برقی است که به هزاران لامپ و وسیله، برق می رساند و به همگی حرکت و فروغ می بخشد. اشراقات و افاضات و عنایات عالم غیب در آغاز بر آینه قلب امام(ع) و توسط تو بر دل های مردم نازل می گردد. اگر امام(ع) نباشد نظام آفرینش و نوع انسان منقرض و نابود می گردد. اگر حجت خدا و امام زمان(عج) بر روی زمین نباشد، خداوند در حد کمال شناخته و عبادت نمی گردد و روشن است که در حصول این آثار تفاوتی بین حضور وغیبت امام(ع) وجود ندارد.

علامه بزرگوار طباطبایی در کاب ارزشمند شیعه در اسلام در بخش امام دوازدهم می فرماید: وظیفه امام تنها بیان ظاهری معارف و راهنمایی صوری مردم نمی باشد بلکه امام(ع) ولایت و رهبری باطنی اعمال را نیز بر عهده دارد و او است که حیات معنوی مردم را تنظیم می کند وحقایق اعمال را به سوی خدا می کشاند. امام(ع) از

راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشـراف و اتصال دارد گرچه از چشم ظاهری ایشان مسـتور است و وجودش همراه لازم اسـت هر چند موقع ظهور و اصلاح جهانی اش نرسیده باشد.

اصل وجود امام(ع) موجب دلگرمی و قوت روح بندگان خدا و سالکان راه هدایت و سـعادت می باشد و به عبارت دیگر نقطه اتکایی برای رهپویان راه حقیقت است. اگر چه خداوند متعال تکیه گاه همه است و همه به او اتکال و اعتماد دارند ولی وجود امـام زنـده ای که پناهگـاه و پشتیبـان وحافظ شـریعت است موجب قوت قلب و اسـتحکام روح و مانع از تسـلط اهریمن یأس و نومیدی بر پاکان و مجاهدان و رهروان راه بندگی است و همواره از او کمک می گیرند و همت می طلبند.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. دادگستر جهان، استاد ابراهیم امینی

۲. ولاء و ولایت ها، استاد شهید مطهری

آیا نیازهای فیزیولوژیک امام زمان(عج)نظیر خواب ،مانع از فیض بخشی ایشان نمی شود؟

پرسش

آیا نیازهای فیزیولوژیک امام زمان(عج)نظیر خواب ،مانع از فیض بخشی ایشان نمی شود؟

پاسخ

همه موجودات عـالم امکـان آیـات و نشانه های حضـرت حق انـد. و هر کـدام به قـدر وسـعت وجودی ایشان نشانگر اسـماء و صفات خـدای سـبحان می باشـند و در آئینه وجودی هر موجودی می توان جلال و جمال حضـرت پروردگار را مشاهده نمود. هر که را حسـنی بود آئینه دار روی اوست اما بعضـی موجودات آیت و نشانه بودنشان بسـیار محدود و ضـعیف و بعضـی دیگر بسـیار گسترده و وسـیع. و حضـرات معصومین(ع) چون واسـطه فیض انـد و رابطه بین عالم غیب و شـهود و لذا آئینه تمام نمای اسماء و صفات حضرت حق اند

«من والاکم فقد والی الله و من عاداکم فقد عادی الله؛ هر که شـما را دوست دارد خدا را دوست داشـته و هر که با شما دشمنی ورزد بـا خـدا دشـمنی کرده»، (ر.ک: زیـارت جامعه کبیره). همانگونه که در آئینه می توان صورت اشـیاء را مشاهـده نمود در آئینه وجود معصوم می توان جلوه اسـماء و صفات خداوند متعال را نگریست. البته منظور از مشاهده حضرت حق رؤیت حسی و بصـری نیست چرا که پروردگار نه جسمانی است و نه محسوس بلکه غرض این است که انسان کامل (معصوم) جلوه و مظهر جلال و جمال پروردگار است آنهم به کاملترین وجه از اینرو در هیچ آینه و مرآتی بهتر از مرآت انسان کامل نمی توان حق را

مشاهده کرد. از این رو امام علی(ع) فرمود: «برای خداوند هیچ آیت و نشانه ای بزرگتر از من نیست»، (ر.ك: نورالثقلین ۵/۴۹۱/۵). و چون حضرات معصومین(ع) نور واحدند و به تعبیر بلند زیارت جامعه کبیره «انّ ارواحکم و نورکم و طینتکم واحده؛ بدرستیکه

ارواح شما و نور و طینت شما یکی است». این حکم حضرت امیرالمؤمنین(ع) نسبت به بقیه حضرات معصومین نیز جاری است. ازاین رو جود

تابناک و مقدس حضرت ولی عصر(ع) عظیم ترین آیت و نشانه پروردگار است. شخصی برای دیدار با امام باقر(ع) به منزل ایشان مراجعه کرد و پیش از اجازه ورود به کاری نامحرمانه اقدام نمود. حضرت امام باقر(ع) از درون اتاق خویش بر او بانگ زدند و با سرزنش اجازه ورودش دادند. این شخص دست و پای خود را گم کرد و در محضر امام عرضه داشت: به خدا سوگند نظر گناه آلودی نداشتم و تنها می خواستم بر یقین خود نسبت به علم و آگاهی شما بیفزایم. امام باقر(ع) پس از تصدیق سخن او فرمودند: آیا می پندارید که این دیوارها چنانکه مانع دید شماست. از مشاهده ما نیز جلوگیری

می کند؟! اگر چنین باشد تفاوتی میان ما و شما نخواهد بود. آنگاه امام آن شخص را از تکرار چنان عملی برحذر داشتند، (ر.ک: بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۹، ح ۴۰). امام صادق(ع) از پدران بزرگوار خویش نقل می کنند که امام علی(ع) فرموده اند: دین و امام دو برادر و همتای هم اند که هیچ یک بدون دیگری سامان نمی یابد. اسلام پایه و اساس نظام حکومتی و امام پاسدار آن است. پس اگر اسلام نباشد هرگونه بنیان و بنیادی از اساس ویران است و اگر اسلام باشد و نگاهبان و پاسدار نداشته باشد ضایع و نابود

می شود. هم از این روست که وقتی آخرین حجت خدا و پاسدار دین. قائم آل محمد(ص) رحلت کرده و رخت بسوی دوست می کشد اثری از اسلام باقی نمی ماند و آنگاه که از اسلام اثری

نماند بساط دنیا به کلی برچیده می شود، (ر.ك: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، فصل دوم، باب ۲۹، ص ۲۷۳).

و اصولاً ـ امام، محوری است که حق در همه زمینه ها بر مدار او می گردد و آن حق محوری که درباره ی امام علی(ع) آمده است و صف مشترك همه انبیاء، اولیاء و اهل بیت رسول خدا(ص) است، (ر.ك: صورت و سیرت انسان در قرآن، آیت الله جوادی آملی، ص ۳۶۸). حال در مورد امام علی(ع) وارد شده است که: «علی عمود الدین؛ علی ستون دین است»، (ر.ك: کافی، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۳). و اینکه دین باقی است بدلیل این است که ستون و عمود آن زنده و حی است و هیچگونه غفلت و سهو و فراموشی برای آن وجود مبارك عارض نمی گردد. چرا که اضطراب و تزلزل در عمود دین مساوی است با درهم ریخته شدن شیرازه دین. در زیارت روز جمعه خطاب به امام زمان(ع) می خوانیم «السلام علیك یا عین الحیوه؛

سلام بر تو ای چشمه حیات و زندگی». آیا ممکن است چشمه حیات همه موجودات عالم امکان بخاطر غفلت و فراموشی دچار خشکی گردد؟ و باز در زیارت روز جمعه می خوانیم: «السلام علیك یا عین الله فی خلقه؛ سلام بر تو ای دیده ی الهی در میان خلق». آیا ممکن است دیده ی حضرت حق را خواب فرا گیرد؟! در نهایت می گوییم: حقیقت ائمه همان ارواح مطهر آنان است (که حقیقت هر انسانی

به روح اوست) پس کمالات مطرح شده نیز متعلق به اوج آن حضرات است و جسم مادی هر چند به خواب می رود ولی روح آنان بیدار است و علم الهی به اشیاء مختلف

دارند.

اگر جهان به سوی جامعه انسانی تکامل می یابد پس چه نیازی به وجود امام زمان«علیه السلام» است؟

پرسش

اگر جهان به سوی جامعه انسانی تکامل می یابد پس چه نیازی به وجود امام زمان«علیه السلام» است؟

پاسخ

اینکه جامعه انسانی به سوی تکامل و رشد و سعادت می رود در پرتو فهم درست از دین و اجرای دستورات و فرامین الهی است و لذا شاهد هستیم که جوامع غربی با وجود اختراعات و اکتشافات فراوان، به خاطر دور شدن از تعالیم دینی و اخلاق الهی، دچار فساد شدید و گسستگی در خانواده و عدم ثبات روحی و روانی شده اند به طور که آمار فحشا و خودکشی و آدم کشی و اعتیاد و دزدی روز به روز بیشتر می شود.

مشاهده می کنیم که به جای این که علم در خدمت ارزشهای والای انسانی و تکامل انسانها قرار گیرد ابزار دست قدرتهای استکباری برای دستیابی به اهداف شیطانی و کشتار انسانهای ضعیف و محروم و غارت منافع اقتصادی آنان است.

بنابراین جامعه اگر بخواهد به کمال و سعادت برسد باید به آیت الهی که اسلام است گرایش پیدا کند و تنها در پرتو گرایش به این دین بزرگ و اجرای تعالیم آن در سطح جهان جامعه جایی به کمال خواهد رسید و اجرای این تعالیم در سطح گسترده ی جهانی تنها به دست توانای منجی جهان بشریت اما زمان«علیه السلام» صورت خواهد گرفت و از احادیث و روایاتی که در مورد ظهور حضرت مهدی«علیه السلام» وارد شده استفاده می کنیم که ظهور آن حضرت وقتی است که جهان پر از ظلم و جور است که به دست آن حضرت ظلم و ستم از بین رفته و عدل و داد جایگزین آن خواهد شد بنابراین، تشکیل حکومت عدل جهانی اسلام به دست امام زمان«علیه السلام»

صورت خواهد گرفت ولی باید توجّه داشت که ظهور امام زمان«علیه السلام» نیاز به آمادگی زمینه، خواهد داشت امید است این انقلاب اسلامی ما که مستضعفان جهان را آگاه و بیدار ساخته در ایجاد این زمینه ی مساعد سهم مؤثّری داشته باشد و خداوند این انقلاب اسلامی را به انقلاب جهانی اسلام که به دست امام زمان«علیه السلام» در جهان استقرار و گسترش می یابد متصل فرماید.

« بخش پاسخ به سؤالات »

در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی آید؟

پرسش

در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی آید؟

پاسخ

باید گفت جواب منفی است، زیرا که معصومین علیهم السلام که عدل قرآن و ثقل اصغر می باشند، آنچه که مورد نیاز بشر بوده است بیان فرموده اند و ثانیاً امام زمان علیه السلام که اکنون در غیبت بسر می برند این گونه نیست که هیچ نظارت و توجه و تصرفی در امور نداشته باشند بلکه آن بزرگوار علاوه بر تصرف ظاهری تصرف باطنی نیز دارد و حال که به حکمت الهی و خواست و مشیت خداوند آن وجود عزیز از نظرها پنهان می باشد ولی توجه و نظارت بر حفظ شریعت و حفظ قرآن و مصون ماندن دین حق از تحریف و بدعت و دفع شبهات و آنچه که امور مردم منوط به آن است را دارا می باشند و چون دین اسلام آخرین دین جهانی تا روز قیامت است مشیت حق تعلق گرفته است به اینکه ختم اوصیاء تا زمانی که اراده حق باشد در پرده پنهان مجری احکام و فرامین الهی و حافظ دین پیامبر و کتاب خداوند باشد و در این مدت طبق نقل بعضی از وقایع حتی در نحوه استنباط حکم و ریاست و زعامت مجتهدین و علمای بزرگ و ارشاد و توجه به بعض شئون مسلمین مستقیماً عنایاتی داشته و دارند. چنان که خودشان در پاسخ به بعض نواب خودشان فرمودند: «و امّا وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکا لإنتفاع با لشمس إذا غیبها عن الابصارِ السحاف؛ نحوه و کیفیت استفاده و انتفاع از من، مانند نحوه استفاده از خورشید است

زمانی که ابر آن را از دیده ها پنهان کرده باشد»(۳۵).

« بخش پاسخ به سؤالات »

۳۵) کتاب کمال الدین مرحوم صدوق، باب ۴۵، حدیث ۴.

چگونگی بهره وری از امام

با یک مثال توضیح دهید این جمله در بعضی روایات که "وقتی حضرت مهدی(عج) در غیبت به سر می برد مثل ماه پشت ابر می توان از وجود ایشان بهره برد" یعنی چه؟

پرسش

با یک مثال توضیح دهید این جمله در بعضی روایات که "وقتی حضرت مهدی(عج) در غیبت به سر می برد مثل ماه پشت ابر می توان از وجود ایشان بهره برد" یعنی چه؟

پاسخ

جابر انصاری از پیامبر اسلام(ص) پرسید: آیا در زمان غیبت امام زمان شیعیان از او بهره مند می شوند؟ حضرت فرمود: بلی، قسم به آن کس که مرا به پیامبری برگزید؟ آن ها از وی بهره می برند و از نور ولایت او کسب فیض می کنند، همان طور که مردم از خورشید پنهان شده در پس ابر، بهره می برند.(۱)

امام زمان(ع) در توقیعی فرمود: "همان طور که خورشید در وقتی که توسط ابرها پنهان شده، سود برده می شود، از من نیز در حال غیبتم به همان صورت بهره می برند".(۲)

بهره گیری از وجود مقدس امام زمان (عج)راه های مختلف دارد و امام زمان از طریق های مختلف به رهبری و هدایت مردم می پردازند. اصولاً اگر حجت خدا بر زمین نباشد نظام هستی به هم می خورد. وجود مقدس معصومان (ع) واسطه فیض الهی است و به خاطر آنان است که باران رحمت می بارد. امام صادق(ع) فرمود: "به خاطر وجود ماست که آسمان به روی زمین فرود نمی آید مگر زمانی که بخواهد باران رحمت حق به واسطه ما می بارد و زمین برکات خود را بیرون می دهد. اگر ما روی زمین نباشیم، زمین اهلش را فرو می برد... در زمانی که خداوند آدم را آفرید، تاکنون هیچ گاه زمینی از حجت خدا خالی نبوده است، گاهی آشکار و مشهود و زمانی پنهان و مستور بوده و تا قیامت نیز چنین است..."(۳)

از این روایت – به گونه ای صریح – استفاده می شود که وجود امام معصوم(ع) واسطه فیض بوده

و در زمان غیبت وجود مقدس امام زمان(ع) واسطه فیض الهی است.

وجود مقدس حضرت گر چه مستور است، ولی وجود او واسطه فیض است، همان گونه که خورشید در پشت پرده است، اما فایده خویش را می رساند.

فایده خورشید محدود می شود که این محدودیت را ابر ایجاد کرده است.

در زمان غیبت، امام زمان (ع) نورافشانی می کند؛ با واسطه و بدون واسطه به هدایت و ارشاد مردم می پردازند، اگر چه بهره گیری از وجود مقدس امام محدود می شود که این محدودیت را ستمکاران ایجاد کرده اند، در برخی از روایات تصور شده است که یکی از علل عمده غیبت امام زمان (ع) مردم هستند.

باید دانست که تشبیه وجود اقدس امام زمان (ع) به آفتاب پنهان در اشاره به اموری چند است:

اول - این که نور عالم هستی و علم و هدایت بتوسط آن حضرت به خلق خدا می رسد ؛ زیرا با اخبار مستفیضه ثابت شده که ذات مقدسه (ائمه اطهار) علت غائی ایجاد مخلوق عالمند ؛ و اگر آن ها نبودند، نور عالم، بغیر آن ها نمی رسید و هم ثابت شده که به برکت و وساطیت و توسل به آن ها، علوم و معارف حقه برای مردم آشکار می گردد، و گرفتاریها از آن ها برطرف می شود. و اگر آن ها نبودند مردم به وسیله اعمال زشت مستحق انواع عذاب الهی بودند چنانکه خداوند فرموده است.

ما پس از تجربه زیاد به این نتیجه رسیده ایم که در امور پیچیده و مسائل مشکله و هنگام دوری از ذات حق و بسته شدن درهای فیض الهی بروی خلق، هر وقت ائمه اطهار (ع) را واسطه قرار داده ایم و متوسل به آن ها شده ایم، به میزانی که در آن وقت

ارتباط معنوی با آن ها پیدا کرده ایم، آن ها کارهای پیچیده و مشکل برای ما حل شده و به مقصود رسیده ایم. چنان که این موضوع برای کسانی که خداوند چشم دل آن ها را به نور ایمان روشن کرده است. معلوم و مشهور است.

دوم - این که همان طور که آفتاب پوشیده در ابر با همه انتفاعی که مردم از آن منتفع گردند، همین طور در ایام غیبت امام زمان نیز شیعیان با اخلاص در همه اوقات انتظار آمدن و ظهور او را دارند و از این نظر مأیوس نمی گردند.

سوم - این که کسانی که وجود آن حضرت را با همه آثار و علائمی که دارد، انکار را از دل های خود بکنار می زنند از انوار هدایت و راهنمائی ائمه طاهرین (ع) می کنند، مثل انکار کنندگان وجود خورشیدن به وقت ناپدید شدن در ابرها، می باشند.

چهارم - این که گاهی پنهان گشتن خورشید در میان ابرها، از آشکار بودنش برای بندگان خدا روی مصالحی بهتر است، همچنین غیبت امام زمان (ع) برای مردم در طول غیبت، نظر به مصالحی بهتر است، همچنین و به همین جهت هم از نظرها غائب گردید.

پهجم - این که هر کس به خورشید می نگرد، قادر نیست آن را بیرون از ابرها ببیند بلکه گاهی ممکن است بواسطه ضعف قوه دید، اگر در قرض آفتاب نگاه کند، بینائی خود را که نمی تواند خورشید را احاطه کند هم از دست بدهد. همین طور آفتات وجود مقدس امام زمان (ع) نیز، بسا هست که اگر همه او را ببینند، زیانبخش وبه حال مردم باشد و موجب کوری دل آن ها از دین آفتاب حقیقت گردد. در صورتی که

در غیبت آن حضرت چشم بصیرتشان قادر است متحمل ایمان به او گردد. چنان که انسان می تواند از لابه لای ابر نگاه به خورشید کند و ضرری هم نبیند!

ششم - این که اصولاً ـ ائمه اطهار از لحاظ نفعی که برای عام وجود دارند همانند خورشید می باشند، و تنها آن ها که کور دلند نمی توانند از اشعه جمال آن ها بهره مند گردند چنان که در اخبار آیه شریفه "من کان فی هذه اعمی فهو فی الاخره اعمرو اضل سبیلًا". تفسیر باین معنی شده است.

هشتم - این که همان طور که شعاع خورشید به میزان روزنه ها و شبکه های خانه ها وارد آن می شود و بقدر ارتفاع موانع خانه ها، در آن می تابند، همچنین مردم نیز به اندازه موانع حواس و مشاعرشان که عبارتست از شهوات نفسانی و علائق جسمانی و خود روزنه ها و شبکه های دل های آن هاست، و هم به قدی که پرده های کثیف هیولائی را از دل های خود بکنار می زند از انوار هدایت و راهنمائی ائمه طاهرین استفاده می کنند. (۴)

پاورقی ها:

۱ - بحار الانوار، ج ۵، ص ۹۲ - ۹۳.

۲ - همان.

۳ - ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۱۷.

۴ - مهدی موعود، ص ۸۴۷ - ۸۴۹.

در زمان غیبت , مردم چه بهره هایی می توانند از آن حضرت ببرند ؟

پرسش

در زمان غیبت , مردم چه بهره هایی می توانند از آن حضرت ببرند ؟

پاسخ

آن حضرت مثل خورشیدی پشت ابر است و کمابیش مردم از نور او استفاده می کنندچنانچه افراد بی شماری هر چند بصورت ناشناس به زیارت ایشان مشرف شده و برای رفع گرفتاریهای مادی و معنوی از آن بزرگوار بهره مند شده اند و اساسا حیات آن حضرت عامل مهمی برای دلگرمی و امیدواری مردم است , تا خود را اصلاح و آماده ظهورکنند . همچنانکه خورشید پشت ابر با اصل نبود خورشید بسیار تفاوت دارد زیرااگر خورشیدنباشد تمام منظومه شمسی منهدم و منهزم می گردد , همچنین اگر امام نباشد , زمین لحظه ای آرام نمی گیرد و همچنان که این عدم رسیدن نور به زمین از جانب خورشیدنیست

بلکه از تغییر و تحولات جو خود زمین است , همینطور غیبت امام از ضعف مردم است و همچنانکه ابر اگر جلوی نور خورشید را می گیرد اما منافع بسیاری هم دارد ,همچنین غیبت هم حکمتها و منافع عدیده دربر دارد و الی آخر ۰۰۰

اکنون که زمان غیبت امام است چگونه می توان از امام برای تفسیر قرآن استفاده نمود؟

پرسش

اکنون که زمان غیبت امام است چگونه می توان از امام برای تفسیر قرآن استفاده نمود؟

پاسخ

چنانکه می دانیم یکی از فواید وجود امام تفسیر راستین قرآن است این فائده در صورتی بر وجود امم مترتب است که دسترسی به او به طور عادّی میسر باشد و در زمان غیبت که افراد به طور عادی تمکن از رسیدن به آن گرامی ندارند روشن است که نمی توانند از آموزشهای آن حضرت استفاده کنند ولی فایده ی وجود امام تنها آموزش احکام به طور ظاهر نیست امام واسطه ی فیض الهی است امام دارای هدایت باطنی است یعنی عناصر لایق و شایسته را به سوی کمالات روحی و معنوی هدایت می کند و در زمان غیبت این ویژگیها برای امام هست آری مردم از آموزشهای راستین آن گرامی در ظاهر برخوردار نمی شوند ولی در عین حال در ره گذار تأمل و تدبر در قرآن و در پرتو احدیت رهبران معصومین تفسیر قرآن در این زمان نیز عملی است و هر کسی فراخور استعداد و ظرفیّت خود می تواند از قرآن مجید بهره برداری و استفاده نماید و در سایر احکام دینی هم باید به مراجع تقلید که نائبان عام آن گرامی هستند مراجعه کرد.

وجود مبارک امام زمان غ به خورشید پشت ابر تشبیه شده است لطفاً مصداق عملی این مثال را در مورد "هدایت به امر" توضیح دهید.

پرسش

وجود مبارك امام زمان غ به خورشید پشت ابر تشبیه شده است لطفاً مصداق عملی این مثال را در مورد "هدایت به امر" توضیح دهید.

پاسخ

در توجیه شباهت وجود مبارك ولی عصرغ به خورشید، لازم است قبلاً به آثار وجودی خورشید ونقشی که در زندگی موجودات دارد، اشاره ای داشته باشیم برکات و منافع خورشید.

۱. زندگی انسان و همه موجودات زنده به حرارت و نور نیاز دارد و این دو به وسیله خورشید تأمین می شود.

۲. همه مواد غـذایی به وسـیله نور آفتاب تأمین می گردد، حتی موجوداتی که در اعماق دریاها زنـدگی می کننـد، از گیاهانی استفاده می کنند که در سطح اقیانوس ها در پرتو نور آفتاب پرورش یافته اند.

۳. باران از ابر تولید می شود و ابر، همان بخاری است که از تابش خورشید به اقیانوس ها، به وجود می آید.

۴. بادها که سبب تعدیل هوا و جابه جا کردن ابرها و تلقیح گیاهان می باشند، بر اثر تابش نور خورشید به وجود می آیند.

۵. منابع نفت و معادن ذغال سنگ نیز، بر اثر نور خورشید به وجود می آیند.

۶. بقـای منظومه شمسـی به علت تعـادل جاذبه و دافعه ای است که میان خورشـید از یک طرف و سـیاره هایی که دور آن می گردنـد از طرف دیگر، وجـود دارد.(ر.ک تفسـیر نمـونه آیـت اللّه مکـارم شـیرازی و دیگران ج ۲۷، ص ۵۱، نشـر دارالکتب الاسلامیه)

در این جا به روایاتی که در مورد آثار وجودی ائمه اطهار: آمده است توجه فرمایید.

امام سجاد۷ می فرماید: ما پیشوای مسلمانان هستیم و حُجّت خدا بر همه عالمیان و ما سرور مؤمنان می باشیم ما برای اهل زمین امان هستیم همان گونه که ستارگان برای اهل آسمان

امان می باشند; به واسطه ما خداوند آسمان را از این که بر زمین فرود اید حفظ کرده به برکت وجود ما است که خداوند باران به زمین می فرستد. و رحمت خود را در بین مردم منتشر می کند; اگر وجود ما در روی زمین نبود، زمین اهل خود را در خود فرو می برد، و زمین هیچ زمان از حجّت خدا خالی نشده ،چه حجت ظاهر باشد، یا غایب و تا روز قیامت زمین از حجت خدا خالی نمی ماند. راوی می گوید، به امام عرض کردم چگونه مردم از امام غائب نفع می برند؟ فرمود: همان گونه که از خورشید وقتی که در پشت ابر قرار گیرد، نفع می برند. از این حدیث و ده ها حدیث شبیه این استفاده می شود که همه برکت ها خیرها که به انسان و همه موجودات می رسد، به واسطه وجود امام است

علامه مجلسی در مورد تشبیه وجود مقدس امام زمان غ به خورشید پشت ابر هشت وجه بیان کرده اند که در این جا به دو مورد آن اشاره می شود: الف نور وجود و علم و هدایت به وسیله آن حضرت به آفریده ها افاضه می شود، زیرا با توجه به اخبار فراوانی که به ما رسیده ائمه اطهار: علّت ایجاد خلق هستند و خداوند به خاطر وجود آن ها، جهان و انسان را آفرید; اگر این ها نبودند، هیچ فیضی به عالم نمی رسید، به برکت وجود این ها، علوم و معارف برای انسان آشکار می شود. اگر وجود پربرکت ائمه اطهار: نبود، با توجّه به کارهای زشت و گناه فراوانی که انجام می دهیم مستحق انواع عذاب می شدیم خداوند در این باره می فرماید: "وَمَا کَانَ

اللَّه ُ لِيُعَذِّبَهُم ْ وَأَنت َ فِيهِم (انفال ۳۳) تا تو در میان آن ها هستی خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد."(منتخب الاثر، آیت اللّه صافی گلپایگانی ص ۳۳۶، نشر مؤسسه سیده المعصومه)

امام تشبیه به خورشید پشت ابر شده نه ماه زیرا نور خورشید از ذات خویش است در حالی که نور ماه و دیگر سیاره ها از خورشید می باشد، و باید توجّه داشت که ابر از منافع و آثار وجودی خورشید جلوگیری نمی کند، بلکه تنها مانع از دیدن آن است بدیهی است که وجود ابر نیز بر اثر نور خورشید است که به دریا می تابد و بخار می شود، و بخار به صورت ابر متراکم در می آید پس اگر خورشید نبود، ابر هم نبود؛ بنابراین همه برکت ها و خیرها و لطف های پنهانی الهی به واسطه وجود آن حضرت است (بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۲، ص ۹۴، نشر مؤسسه وفا / الامام المهدی من المهد الی الظهور، علامه سید محمد کاظم قزوینی ص ۲۱۵، نشر مؤسسه نور للمطبوعات بیروت لبنان)

آیا امام زمان (عج) در زمان غیبت امر به معروف و نهی از منکر می کند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) در زمان غیبت امر به معروف و نهی از منکر می کند؟

پاسخ

۱- غیبت در مقابل ظهور است نه حضور. امام زمان(عج) غایبند به این معنی که در میان مردم آشکار و شناختنی نیست نه این که حاضر نیستند. امام(ع) در دوران غیبت در میان مردم حاضرند و مردم از ثمرات وجودی ایشان بهره مند و منتفع هستند اما ایشان را نمی شناسند. به تعبیر روایات «مردم در زمان غیبت از امام بهره مند می شوند همانند بهره بردن از خورشید آن هنگامی که در پس ابرها نهان است»، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱).

۲- غیبت و عدم ظهور ایشان در عین فلسفه و حکمتی که در آن است، منشأ و سبب محروم شدن ما از بسیاری از آثار و نعمت هایی است که در صورت ظهور حضرت، از آن بهره مند می شدیم. یعنی مردم در دوران غیبت از آن دسته آثار حضرت که متوقف بر ظهور ایشان است، محرومند. مانند بهره مند شدن از حکومت عدالت گستر جهانی، و ایجاد مدینیه فاضله ای که علم و فضیلت و کرامت های انسانی در آن به اوج شکوفایی می رسد.

۳- نتیجه دو مطلب فوق این است که: در دوران غیبت، انتفاع مردم از امام و ثمرات وجودی ایشان تا حدی است که با غیبت ایشان منافاتی نداشته باشد. خورشید پنهان در پشت ابرها، هر چند ظلمت شب را می درد و آثار وجودی زیادی می گذارد، اما به هر حال در پس ابرها نهان و برخی دیگر از آثار وجودی اش به عرصه ظهور نمی رسد. امام(ع) در عصر غیبت منشأ آثار زیادی هستند اما آثاری که در عین غایب بودن ممکن است صادر شود آثاری که منافات

با غایب بودن ایشان و متوقف بر ظهور باشد، مترتب نمی گردد.

۴- امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایط و مراتبی است که در یک تقسیم کلی به دو مرحله زبانی و عملی تقسیم می شود که هر یک به نوبه خود، دارای مراتبی است. طبق نتیجه ای که در بند ۳ بیان شد، امر به معروف و نهی از منکر امام زمان، به شکلی که منافات با غیبت داشته باشد، از آن دسته از آثار وجودی ایشان خواهد بود که در عصر غیبت از آن محرومیم. مانند مراتبی از امر به معروف و نهی از منکر عملی که اقدام برای سرکوب کردن طواغیت و برانداختن حکومت ظالمان و برپا داشتن عدالت را می طلبد.

نهضت امام حسین(ع) نمونه ای از مصادیق مرتبه عملی امر به معروف و نهی از منکر است.

اما امر به معروف و نهی از منکر به صورتی که با غیبت ایشان سازگار باشد مانند برخی از مراتب زبانی، امری ممکن است. مثلاً ممکن است امام زمان(عج) با زبان نرم و بیان دلنشین خود در چهره یک فرد عادی برخی را به معروف هدایت کنند و یا از منکر بازدارند. اما این امری ممکن است نه لازم، یعنی لازم نیست که هر انسانی در هر کجای عالم منکری انجام می دهد، امام زمان او را از منکر باز دارند و یا اگر معروف ترک می کند به آن امر کنند.

پیرامون درسهائیکه از عاشورای حسینی می گیریم درسهای بسیاری است . لطفاً در خصوص درسهائیکه در دوران غیبت امام زمان (عج) می شود برای ما پیدا شود چیست؟

پرسش

پیرامون درسهائیکه از عاشورای حسینی می گیریم درسهای بسیاری است . لطفاً در خصوص درسهائیکه در دوران غیبت امام زمان (عج) می شود برای ما پیدا شود چیست؟

پاسخ

پیامبران وامامان علیهم االسلام عصاره انساههای حقیقی هستند وامام عصر علیه السلام عصاره تمام انبیاء وائمه وعاشورا ، تجدید حیات وتجسم عینی اسلام بود . درسهای عاشورا همیشگی است ومکانش جان بشریت تا ابدیت است ، درسهای دوران غیبت تعلیم کتاب عاشورا است ومدیر مدرسه حضرت مهدی (عج) است ومعلمان آن علمای ربانی وشاگردان آن هم. مؤمنان سرافراز عامل به کتاب خدا هستند. درسهای غیبت یعنی تربیت بر طبق موازین قرآنی ، عمل به تکالیف فردی ، اجتماعی وسیاسی بنا به تعلیمنامه پیامبر واجرای حدود اسلامی واحکام محمدی به هدایت مرجعیت دینی.

یاایها الذین آمنوا اِصبروا وصابروا ورابطوا واتقوالله لعلکم تفلحون (۱)

ویژگی منتظران : مواظبت بر امر دین ودینداری وصحت اعمال وعقاید حقه.

عصر شکیبایی ، عصر مقاومت وعصر نصر یالثارات الحسین است وعصر نگهبانی از ایمان خود جامعه .

امام محمد باقر علیه السلام میفر مایند : تقوی وطهارت پیشه سازید وباکوشش در اطاعت خدا وعبادت او ، بار سنگین انتظار را به منزل برسانید. (۲)

بنابراین درس غیبت در چهار اصل بزرگ از آیه ترسیم می شود:

۱- بعد خود سازی ۲- جامعه پردازی

۳- حماسه آفرینی۴- پرواپیشگی تا شاید رستگار شوید

لذا فرقی بین عاشورا و دوران غیبت نیست چون یک بعد مهم انتظار یعنی انتظار یعنی چشم براه کسی که در او صفات پیامبران وحسین جمع شده است . بنابراین او صالح است وحکومت او حکومت صالحان . انّ االارض یّرِثُها عبادی الصّالحون (۳)

فردی که در انتظار ظهور مصلح است

باید خود صالح باشد. وخلاصه انتظار یعنی عمل بر طبق خواسته آنکس که امید به آن داری.

کتاب خورشید مغرب از محمدرضا حکیمی برای مطالعه مفید است.

۱–ال عمران /ایه ۱۹۰.

۲–کتاب غیبت شیخ طوسی به نقل از خورشید مغرب ص ۲۷۱.

۳–انبیاء آیه ۱۰۵.

چگونه می توان از امامی که (بنا به جهات و مصالحی) فعلا از نظرها غائب است استفاده کرد؟

پرسش

چگونه می توان از امامی که (بنا به جهات و مصالحی) فعلا از نظرها غائب است استفاده کرد؟

پاسخ

امام زمان(عج) گرچه غایب است و ما در ظاهر نمی توانیم از وجود آن حضرت برخوردار گردیم ولی همانگونه که خورشید با اینکه در زیر ابر پنهان است و ابرهای تاریک جلو اشعه ی تابناک او را می گیرد ولی از روشنایی او صفحه ی گیتی روشن است و فیض خویش را همچنان به موجودات می رساند امام زمان (عج) هم در زمان غیبت چنین است امام زمان (عج) دین را از تحریف و تغییر محافظت می کند و خداوند تعالیم دین را بوسیله ی آن حضرت از اینکه دستخوش هوسهای مغرضین و دشمنان اسلام واقع شود و از بین ببرند، نگهداری می کند.

علاوه بر این روایات زیادی وارد شده است که وجود امام در بقاء زندگی مؤثر است اگر امام نباشد زمین اهل خودش را در کام خویش فرو می برد و بواسطه ی آن حضرت است که مردم روزی می خورند و زمین و آسمان به هستی خویش ادامه می دهد و در حقیقت نقشی را که نیروی جاذبه در نگهداری کرات و جلوگیری آنها از تصادم با یکدیگر دارد مهم تر از آن را وجود امام در ادامه ی حیات و هستی جهان آفرینش ایفاء می کند.

سایر مباحث

امام زمان ۷شبانه روز چه فعالیتی دارد؟

پرسش

امام زمان ۷شبانه روز چه فعالیتی دارد؟

پاسخ

کارهای گوناگونی انجام می دهد, از جمله :

۱ عبادت خدا, و نیایش به درگاه حق , برای رفع گرفتاری مردم به خصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان وتعجیل در ظهور خود.

۲ بررسی اَعمال مردم که به صورت پرونده خدمت امام عرضه می شود که اصطلاحاً به آن می گویند.

۳ رفتن به زیارت قبور ائمه و حضرت رسول خدا۶و زهرای مرضیه و زیارت کعبه و در ایام حج رفتن به منی و عرفات .

۴ شرکت در مجالس عزاداری و تشییع جناره .

۵ دستگیری از ایتام و مستضعفان به وسیلهء دوستان مخلص .

۶ بنابر قولی حضرت , فرزند و نوه دارند. قهراً قسمتی از اوقات خود را صرف تربیت آنان می کند.

۷ تصرّف در افکار و تصمیماتِ ابرقدرت ها و انصراف آنان از اِعمال تصمیمات خطرناك علیه مستضعفان ومسلمانان . هم چنین تصرف در آرای سران کشورهای اسلامی .

۸ ایجاد شبهه در اذهان بعضی علما تا در مسئلهء ناصوابی اجماع نکنند و فردا به عنوان مدرکی برای متأخران محسوب نشود.

امام زمان ۷بیش تر وقت خود را صرف چه می کند؟

پرسش

امام زمان ۷بیش تر وقت خود را صرف چه می کند؟

پاسخ

حتماً بیش تر اوقات خود را صرف مسایل مهم و ضروری می کنند, از قبیل : عبادت , نیایش , دعا برای رفع گرفتاری مسلمانان و بررسی پروندهء اعمال مردم , تصرف در نفوس مؤمنان و مستکبران , کمک و یاری رساندن به جوامع مسلمانان , نجات گرفتاران , زن داری و تربیت اولاد, سامان دادن زندگی مادی و معنوی خانواده ها و...

وضعیت لباس، غذا، و خوابگاه امام زمان(عج) چگونه است؟

پرسش

وضعیت لباس، غذا، و خوابگاه امام زمان(عج) چگونه است؟

پاسخ

آنچه مسلم است این است که در امور و کارهای عادی، حضرت ملتزم به توجیهات و تکالیف شرعی می باشند و آداب و برنامه های واجب و مستحب این کارها را مو به مو رعایت می نمایند و محرّمات و مکروهات را ترک می فرمایند.

بلکه در مورد مباحات نیز، ترک و فعل ایشان ،بر اساس دواعی عالی و مقدس است و برای دواعی نفسانی، کاری از آن حضرت، اگر چه فائده آن جسمانی و اشباع غرائز جسمی باشد، صادر نمی شود، به عبارت دیگر هر یک از اعمال و افعال، برای آن حضرت وسیله است نه هدف.

و اما اینکه امور معاش و تهیه غذا و پوشاك برای امام در عصر غیبت بطور عادی است یا به نحو اعجاز؟ جوابش این است که: بطور عادی بودن این امور، امکان دارد و مانعی ندارد، چنانکه بر حسب بعضی از حکایات در برخی از موارد نیز به نحو اعجاز جریان یافته است.

درحالی که خداوند متعال، حضرت مریم مادر حضرت عیسی(ع) را مخصوص به عنایت خود قرار دهد و از عالم غیب او را روزی دهد، چنانکه قرآن مجید صریحاً می فرماید:

«كُلَّما دَخَلَ عَلَيْها زَكَرِيَّا الْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقاً، قال يا مَرْيَمُ أَنّى لَكِ هذا قالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِاللهِ اِنَّ اللهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ» آل عمراه/۳۷

[هر وقت زکریا به عبادتگاه می آمد، روزی شگفت آوری می یافت، می گفت: ای مریم، این روزی از کجا برای تو می رسد. پاسخ داد: این از جانب خداست که همانا خدا به هر که خواهد روزی بی حساب می دهد.] استبعادی ندارد که وصی اوصیاء و خاتم اولیاء و وارث انبیاء را

از خزانه غیبت خود رزق و روزی دهد و تمام وسایل معاش او را به هر نحوی که مصلحت باشد فراهم سازد.

امام زمان علیه السلام چه تدابیری برای اختفای خود از دشمنان داشته است؟

پرسش

امام زمان علیه السلام چه تدابیری برای اختفای خود از دشمنان داشته است؟

پاسخ

از آنجا که بعد از شهادت امام عسکری (ع)، حاکمان ظلم وجور نیز درصدد نابودی حضرت بودند، لذا حضرت تدابیری برای اختفای خود از آنها داشت. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – حضرت خود را جز به کسانی که مخلص وفدایی بودند، نشان نمی داد.

۲ – بعد از آنکه شخصی به حضور حضرت شرفیاب می شد، به او سفارش زیاد می شد که این امر را کتمان بدارد ودر خبر دادن به شیعیان نهایت احتیاط را داشته باشد.

۳ – تحریم نام بردن از اسم مخصوص امام زمان (ع) یعنی "محمّد". از این رو مشاهده می کنیم که در آن عصر در مورد امام (ع) از تعبیراتی همچون: قائم، غریم، حجت، ناحیه، صاحب الزمان ودیگر تعبیرات مبهم استفاده می شد.

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۶۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۱، ح ۳. پاورقی}

۴ – مخفی شدن از دستگاه خلافت وهر کس که از موالیان آن حضرت به شمار نمی آمد.

۵ – تغییر دادن مکان وخانه حضرت از جایی به جایی دیگر به نحوی که نظرها را به خود جلب نکند، ونیز کسی به آن حضرت مشکوک نشود. ولذا روایاتی را که در تعیین مکان وخانه حضرت اختلاف دارند به همین معنا توجیه می کنیم.

۶ – کیفیّت ارتباط وکیل یا سفیر به قدری مخفیانه بود که هیچ کس از آن اطّلاعی پیدا نمی کرد.

۷ – حضرت وکالت یا سفارت خود را به کسانی واگذار می کرد که نهایت اخلاص وفداکاری را به حضرت داشتند، به حدّی که محال بود از مکان حضرت وخصوصّیات او اطلاع دهند. لذا هنگامی که به ابوسهل نوبختی گفتند:

چرا سفارت به حسین بن روح واگذار شد نه به شما؟ در جواب گفت: "...او کسی است که اگر حجت در زیر عبایش باشد وبدنش را قطعه قطعه کنند تا عبایش را از روی او بردارد هرگز چنین نخواهد کرد".

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۹۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۸، ح ۶. پاورقی}

موضوع: سفیران

حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت چه کارهایی را انجام می دهند؟

پرسش

حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت چه کارهایی را انجام می دهند؟

پاسخ

در عصر غیبت کبرا، کارها ومشاغل حضرت مهدی (ع) بسیار حسّاس ومهمّ است، واگر چه تصرف وبسط ید وحکومت ظاهری بر اوضاع ندارند، ولی مع ذلک ناظر بر اوضاع بوده وتصرفاتی می نمایند.

شؤون امامت ورهبری وزعامت را در حدّ امکان متصدی شده ووظایف خود را به نحو احسن انجام می دهند. عمر ایشان در راه اطاعت خدا می گذرد. تکالیف اجتماعی را، آنچه مقتضی ومصلحت باشد انجام می دهند؛ مانند هدایت اشخاص، یاری دادن مؤمنین بر مخالفین، حلّ مسائل مشکل، نصیحت وموعظه افراد، شفای امراض، هدایت گمشدگان ورساندن آنها به مقصد، تعلیم معارف، کمک مالی به نیازمندان، فریادرسی گرفتاران و... .

در نتیجه می توان یکی از تصرّفات اساسی حضرت را همین نظام دادن به جامعه شیعی وحوزه های آن در طول تاریخ دانست که با عدم سازماندهی ظاهری، مشاهده می کنیم که دست غیبی حضرت حافظ آن بوده وآن را تحت کنترل خود دارد.

چگونه ممکن است که امام در میان ما باشد ولی او را نشناسیم؟

پرسش

چگونه ممکن است که امام در میان ما باشد ولی او را نشناسیم؟

پاسخ

درباره کیفیت خفای مهدی (ع) در عصر غیبت کبرا دو نظریه است:

یکی اینکه شخص حضرت مخفی است (خفای شخص)، به این معنا که حضرت مهدی (ع) از ما دور بوده ودر مکانی زندگی می کنند که هیچ کس به آن دسترسی ندارد.

دیگر اینکه شخص حضرت از ما مخفی نیست، بلکه او در میان ما به سر می برد ولی عنوان او برای ما مخفی است (خفای عنوان)، به این معنا که او را می بینیم ولی به جا نمی آوریم ونمی توانیم تطبیق کنیم که این شخصی که ما تاکنون او را دیده ایم همان امام زمان است. فعلاً بحث در این جهت نداریم که قول حقّ کدام است، ولی بنا بر نظر "خفای عنوان" ممکن است که انسان اوصاف کسی را شنیده باشد واو را مکرّر مشاهده کرده باشد، ولی به جا نیاورده وتطبیق نکرده باشد. موضوع غیبت امام زمان (ع) نیز از همین قبیل است.

آیا امام زمان علیه السلام به تمام نقاط جهان سر می زنند؟

پرسش

آیا امام زمان علیه السلام به تمام نقاط جهان سر می زنند؟

پاسخ

اصولاً امام زمان (ع) از آن جهت که مظهر علم غیب خداوند است از همه جا وهمه چیز اطّلاع دارد. وبه عبارت دیگر امام زمان (ع) هر گاه که بخواهد همه چیز نزد او حاضر است. وبه تمام موضوعات خارجی اطلاع داشته واز آنها آگاهی دارد.

از طرفی دیگر حضرت (ع) مطابق مصالح خاص وعامی که هست گاهی از طرف خداوند متعال مأمور به ملاقات ودستگیری از گرفتاری ها می شوند. گاهی احساس می کنند که باید به فلان مکان ونزد فلان شخص رفته وگرفتاری او را بر طرف سازند، وگاهی در فلان سرزمین حاضر شده تا از اهالی آن دفع بلا گردد، وگاهی شخص توجیه شده وهدایت گردد. لذا هر مکان وزمانی که مصلحت ببینند خود را در آنجا حاضر می کنند.

۱– درمورد کیفیت زندگی امام زمان«عج » و اینکه آیا در بین مردم هستند یا نه ؟ و در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیح دهید ؟

پرسش

۱– درمورد کیفیت زندگی امام زمان«عج » و اینکه آیا در بین مردم هستند یا نه ؟ و در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیح دهید ؟

پاسخ

غیبت آن بزرگوار ،خواست الهی است تا ما نتوانیم ایشان را ببینیم و صدایشان را بشنویم و یا اگر دیدیم نشناسیم و درک نکنیم ؛ همانند شبی که حضرت رسول «صلی الله علیه واله » برای هجرت به مدینه از خانه تحت محاصره بیرون آمدند و هیچیک از منافقین و کافرین ایشان را ندیدند .

کیفیت غیبت به اینصورت است که خداوند چشم و گوش و دل را محجوب می نماید .

از امام صادق «علیه السلام » نقل شده است که، مردم امام خودشان را نایاب می کنند و از ایشان غایب می شود و در ایام غیبتش به موسم حج ظاهر می شود و مردم را می بیند ولی مردم اورا نمی بیند .

{ اکمال الدین ، ج۲، ص ۴۴۰ }

همچنین جناب محمدبن عثمان عمری (رحمه الله علیه) که آخرین نایب امام مهدی «عج» بود ، می گوید : « به خدا سوگند یاد می کنم که صاحب این امر هر سال به موسم حج حاضر میشود و خلایق را می بیند و می شناسد و ایشان (مردم)هم او را می بیند ولی نمی شناسند .

{ اکمال الدین ، ج۲ ،ص ۴۴۰ }

آنحضرت خدمه ای مخلص دارد . از جمله مخلصین درگاه آن امام غایب «علیه السلام » خضر «علیه السلام» است، خضر «علیه السلام» پیامبری است که رسالاتش با سایر پیامبران متفاوت است .

عمری بیشتر از حضرت مهدی(علیه السلام) دارد و یکی از رسالاتش حجیت بر

عمر طولانی است تا بر منکرین در انبیا ء حجت کامل باشد.

آنحضرت همچون پدران بزرگوارشان اهل زهد و ساده زیستی می باشند، و به رغم قدرت خاص الهی و علم بیکران ربانی ، در هر عصری زاهد ترین و ساده زیست ترین ب.......خدا می باشند ،تصورکنیم امام رضا «علیه السلام» در سفر چگونه بودند. تصورکنیم، امام صادق «علیه السلام » در سفر هستند ، یا سایر ائمه در سفر هستند ، کیفیت زندگی آنحضرت نیز چنین است .

امام معصوم «علیه السلام » امیر، امر خداست و برای خدا کار می کند . زمان و مکان برای او معنا ندارد . امام پیوسته در عبادت و لحظه ای از تعبد او به سستی نمی گذرد . چه بسیار کمک ها که آن امام کریم به بندگان خدا می رساند و مردم از درک آن محجوبند .

•اما چگونگی ظهور آنحضرت ؛ امام صادق «علیه السلام» می فرماید : هنگامیکه خداوند به قائم «علیه السلام » فرمان ظهور می دهد، آن حضرت در مکه ظاهر می شود و درکنار کعبه .مردم را بسوی خود و اهداف بلند انسانی و آسمانی خویش فرا می خواند . آنان را سوگند می دهد و به حقوق خویش فرا می خواند و از مردم ،می خواهد تا حقوق او را رعایت کنند تا آن گرامی بر اساس سنت رسول خدا (صلی الله علیه واله) امور جامعه را تدبیر فرماید و با دانش خویش کارها را به سامان رساند.

{ ارشاد مفید ،ص ۳۶۷۴ }

همچنین می فرماید : آزاری را که قائم «علیه السلام » به هنگام قیام خویش از جاهلان آخر الزمان

می بیند، بسی سخت تر است از آنهمه آزاری است که پیامبر «صلی الله علیه واله » از مردم جاهلیت دیدند.

{ بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۶۲ }

قبل از ظهور آن بزرگوار ، جنایات دین ستیزان در منتطه فلسطین تا عراق غوغا می کند و فساد و بی عدالتی چنان در دنیا سایه انداخته است، که کسی قدرت پایان دادن به این همه جنایات را ندارد . نظام تک قطبی دنیا روز بروز مردم را بیشتر شیفته غفلت و جاهلیت می نماید. و عامل مشترک میان توده مردم دیگر دین نیست بلکه فساد و جاهلیت نوین فرمانروای دنیا ست. (دجال)

امام علی «علیه السلام » در باره اوضاع قبل از ظهور می فرماید : اهل شام و فلسطین دچار دلهره می شوند و بسوی سردمداران شام و مصر روی می آورند و به آنان گفته می شودکه، از سفیانی کمک بخواهید او مدتی کوتاه با مردم خوش رفتار می کند آنگاه نخستین جنایات او آغاز می شود .

دلها از خشونت و شقاوت او لبریز می گردد . سفیانی جایی را برای مرکزیت خویش انتخاب می کند و در آنجا بر مسند گناه و جنایت می نشیند و یاران خودش را دستور به انجام جنایات می دهد . با ناموسها،زشت ترین تجاوزها می شود ،تا آنجا که کودکان را از شکم مادرانشان بیرون می کشند ،و هیچ کس توان باز داشتن آنها را ندارد ،اینجاست که حتی فرشتگان آسمان پریشان حال می شوند و خدا فرمان ظهور آن قائم را می دهد بی درنگ خبر ظهور او در تمام دنیا پخش می شود .

}

الزام الناصب ، ج ۲، ص ۱۸۰ }

همچنین قبل از ظهور امام مهـدی« علیه السـلام » بزرگمردی (ملقب به نفس زکیه در احادیث) را برای دعوت مردم به عدالت بسوی مردم مکه می فرستد ولی مردم او را در کنار کعبه به شهادت می رسانند .

پس از این رخـداد است که حضـرت در روز عـاشورا در مسـجد الحرام حاضـر می شـود و درمقـام ابراهیم نمـاز می گـذارد و درحالیکه یارانش پروانه وار او را محافظت می کنند ، نخستین خطبه جهانی خویش را آغاز می نماید .

با توجه به زبان نمادین احادیث بویژه احادیث آخر الزمان و ظهور به این نگرش می رسیم که نامهای همچون رجال ، سفیانی ، یمانی ، خراسانی شایـد واقعا مصـداق مشـخص فردی نداشـته باشـند ، بلکه کنایه از قومی و لقب ملتی باشد . چنانکه ازفتنه هر آیین و هر پیامبر در احادیث به رجال تعبیر شده است .

بنابر این به راحتی می توانیم با نگاه به عصر حاضر و روند و سیر قضایا دوست و دشمن آنحضرت را بشناسم .

رسول گرامی اسـلام «صـلی الله علیه واله » فرموده انـد : مردمی از مشـرق قیام می کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی حضـرت مهدی«علیه السلام » فراهم می سازد.

{ کنز العمال ،ص ۳۸۶ }

مردم مشرق می تواند کنایه از حق جویان شیعه باشد که، بویژه در ایران جمعند و خورشید امام خواهی از ایران طلوع می کند .

بنابراین «خراسانی» می توانـد کنایه از ملت ایران باشـد که منتظر حقیقتی هسـتند. سـفیانی می توانـد مظهر گروهی باشد که، از دین و آیین فطرت روی گردانند و به

همین خاطر به هر جنایتی روی می آورند؛ زیرا سفیانی مشرک بود و از ترس هلاکت و برای رفاه و امنیت، اسلام را پذیرفت و تا آخر منافق بود و هرگز ایمان نیاورد و فرزندانش عامل شهادت ائمه «علیهم السلام » بودند .

اگر چه احادیث ظهور مربوط به قرنها پیش هستند، ولی با زبان رمز و اشاره میتوان مسائل عصر ظهور را از آنجا فهمید، که البته نیاز به دلی آگاه و تحقیقی جامع دارد .

اما قبل از ظهور پنج علامت حتمی معرفی شده است که نشانه های حتم به شمار می روند .

امام صادق «علیه السلام » می فرماید: قیام یمانی ، خروج سفیانی ، ندای آسمانی ، به قتل رسیدن نفس زکیه و فرو رفتن زمین در البیراء عربستان حتما پیش از قیام قائم «علیه السلام» رخ می دهد.

{ اکمال الدین ،ج۲،ص ۶۷۵۰ }

یاران مهدی «علیه السلام » مردانی هستند پولاد دل و همه وجودشان یقین به خداست ؛ مردانی سخت تر از صخره ها ، اگر به کوه ها روی آورند، آنها را از جای بر میکنند ، پرچم پیروزگر آنان به هر شهر و پایتختی که روی آورد ، آنجا را وادار به سقوط می سازد .

{ بحار ، ج ۵۲ ، ص ۳۰۸ }

و آنگاه حضرت مهدی «علیه السلام » به بیت المقدس می روند چند روزی با مردم نماز می خوانند تا جمعه فرا می رسد و عیسی «علیه السلام » از آسمان به زمین باز می گردد و به آنحضرت نوید پیروزی می دهد ،و پشت سر امام عصر به نماز می ایستد.

{ تفسیر نمونه ، ج ۲۲

، ص ۴۹۷ }

پایتخت آن بزرگوار کوفه است . امام رضا «علیه السلام » می فرمایند : آنگاه امام مهدی «علیه السلام » به کوفه می آید و در آن شهر منزل می کند.

{ ترجمه اعیان الشیعه ،ص ۳۴۱ }

مسلما ظهور آنحضرت با تحمل رنجها و مشقتها بهمراه است و از همه بیشتر همان ۳۱۳ یار ویژه امام دچار مشقت می شوند، چنانکه در احادیث نیز ایشان به عنوان سر لشکران امام معرفی شده اند که پیشتازند .

منابع :

۱-جهانی حضرت مهدی ، فریده گل محمدی

۲-ملاقات با طاووس بهشت حضرت مهدی «علیه السلام » ، رحمت الله ابراهیمی .

آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) در اجتماعات ما حضور جسمی دارند یا خیر؟

پاسخ

حضرت حجه(عج) قطعاً حضور جسمی دارند ولی چنان که قرآن کریم نسبت به پیامبر اکرم فرمودند و اذا قرأت القرآن و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالآخره حجاباً مستوراً(۱) ترجمه: زمانی که قرآن قرأئت می نمایی ما در میان تو و کسانی که ایمان به آخرت ندارند پرده ای پوشیده و پنهانی قرار می دهیم.

یعنی وجود مبارک رسول صلی الله علیه وآله حضور داشتند ولی دیگران حضرت را نمی دیدند پس این اصل که کسی باشد ولی به امر حق از انظار پنهان باشد امری ممکن بوده و واقع نیز شده است.

و در صورت دیگر آن همان است که در روایات بیان شده است که حضرت حجه اروحناه فداه در ایام حج حاضر می شوند مردم ایشان را می بینند ولی نمی شناسند.

پس به هر دو صورت حضرت حجه(عج) حضور جسمی دارند منتهی یک بار اصلاً دیده نمی شوند یکبار هم دیده می شوند ولی شناخته نمی شوند.

۱) بنی اسرائیل، آیه ۴۵.

غیبت صغری

مقصود از غیبت صغری و کبری چیست ؟ آیا غیبت درگذشته سابقه دارد؟ علت و فلسفهء غیبت امام زمان ۷چیست ؟ آیا مردم درعصر غیبت از امام بهره می برند؟

پرسش

مقصود از غیبت صغری و کبری چیست ؟ آیا غیبت درگذشته سابقه دارد؟ علت و فلسفهء غیبت امام زمان ۷چیست ؟ آیا مردم درعصر غیبت از امام بهره می برند؟

پاسخ

غایب شدن امام زمان ۷به دو مرحله تقسیم شده است :

۱ مرحلهء کوتاه مدت یا غیبت صغری .

در این مرحله غیبت از جهت زمانی و شعاعی محدود بود و از نظر زمانی بیش از هفتاد سال به طور نیانجامید; یعنی از سال ۲۶۰تا ۳۲۹ از نظر شعاعی نیز این غیبت , همه جانبه نبود; یعنی نسبت به همه کس نبود, بلکه کسانی بودندکه با امام در تماس بودند که آن ها را می نامیدند. آن ها واسطهء بین مردم و امام ۷بودند.

۲ مرحلهء دراز مدت (غیبت کبری) که تا کنون ادامه دارد.

غیبت در گذشته نیز سابقه داشته است . قرآن از میقات حضرت موسی ۷ه چهل شب طول کشید, خبر می دهد که در این مدت حضرت موسی از نظرمردم غائب بود. در زمان امام هادی ۷و امام عسکری ۷که زمان غیبت نزدیک می شد, این غیبت دیده می شود. امام هادی اقدامات خود را توسطنمایندگان انجام می داد و کم تر با افراد تماس می گرفت . امام عسکری ۷ازطریق نامه یا توسط نمایندگان خویش , به مسائل شیعیان پاسخ می داد و بدین ترتیب مردم را برای تحمل اوضاع و تکالیف عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم باامام آماده می کرد.

در مورد فلسفهء غیبت باید گفت : در روایات ما بر سه موضوع تکیه شده است :

۱ آزمایش مردم ; از نظر اصل غیبت و طولانی شدن آن و از نظر سختی

ها ومشکلات دوران غیبت , مردم آزمایش می شوند.

۲ حفظ جان امام ; امام صادق ۷می فرماید: .(۱)

۳ به گردن نداشتن بیعت ; امام زمان ۷هیچ رژیمی را به رسمیت نمی شناسد. آن حضرت پیش از رسیدن وقت ظهور و مأمور شدن به قیام , ناچارنمی شود مانند پدران بزرگوارش , به سبب تقیه با خلفای وقت بیعت نماید.وقتی ظاهر شود, هیچ بیعتی بر عهدهء او نیست . این معنا از چند حدیث استفاده می شود. امام رضا۷می فرماید: .(۲)

در این باره جزوه ای ارسال می شود.

در مورد بهرهء مردم از امام زمان ۷در عصر غیبت باید گفت : این موضوع درروایات آمده است . پیامبر اکرم ۶در پاسخ این پرسش که آیا شیعه در زمان غیبت , از وجود قائم فایده ای می برد, فرمود: .(۳) اشعهء معنوی وجود امام دارای

آثار گوناگونی است . امام سجاد۷می فرماید: .(۴)

از طرفی وجود امام , قدرت روح و قوّت قلب مردم را افزایش می دهد, چون مردم با اعتقاد به وجود امام از یأس و نا امیدی در امان می مانند و ملجأ وپناهگاهی برای خود پیدا می کنند.

از سوی دیگر امام از نظر مردم پنهان است , اما مردم از نظر آن حضرت پنهان نیستند. از بعضی از اخبار استفاده می شود آن حضرت در ایام حج حاضرمی شود و از بیچارگان فریادرسی می کند.

(پاورقی ۱.اصول کافی , ج ۲ ص ۱۳۵

(پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۱۵۲

(پاورقی ۳.همان , ج ۵۲ ص ۹۳

(پاورقی ۴.شیخ صدوق , کمال الدین , ص ۲۰۷ باب ۲۱ ح ۲۲

مراحل مختلف زندگی امام زمان ۷و نحوهء زندگی حضرت را در زمان غیبت بیان کنید.

پرسش

مراحل مختلف زندگی امام زمان ۷و نحوهء زندگی حضرت را در

زمان غیبت بیان کنید.

پاسخ

مهـدی موعود, مصـلح کل ّ, دادگستر جهان , امید آیندهء مردم , دوازدهمین پیشوای شـیعیان , عترت پاك رسول خدا۶ مظهر رحمت خـدا, ولی عصـر و فرزند امام حسن عسـكری ۷و نرجس خـاتون , شب نیمهء شـعبان سال ۲۵۵قمری در سامرا متولّـد و جهان با نور پاكش منوّر شد و با میلاد مسعودش نوید امامت مستضعفان و حاكمیّت صالحان را به ارمغان آورد.

دوران زندگی حضرت به چهار بخش تقسیم می شود:

۱ دوران حیات پـدر. این دوران از زمان تولّـد حضـرت تا شـهادت پـدر بزرگوارش امام حسن عسـكری ۷است . دراین مـدّت صاحب الاءمر۷بر اثر فشارها و سخت گیری هایی كه از طرف حكومت وقت برای قطع امامت و نابودی حضرت حجّت ۷انجام می گرفت , به دور از چشم دیگران به سر می برنـد, و تـدبیر و دوراندیشـی پـدر ارجمنـدش موجب شد دشـمن از رسـیدن به اهداف شوم خود ناكام مانده و وجود شریف حضرت از گزند حوادث و آفات مصون بماند.

۲ دوران غیبت صغری . برههء دوم زندگی حضرت از هشتم ربیع الاءوّل ۲۶۰كه پدر بزرگوارش به شهادت رسید وخود عهده دار منصب امامت گردید, شروع شد و تا سال ۳۲۹قمری ادامه داشت .

پس از شـهادت امـام عسـكری ۷مـأموران دسـتگاه عباسـی به خانهء امام هجوم برده و در جسـتجوی فرزنـد وجانشـین حضـرت برآمدنـد و تصـمیم گرفته بودنـد به هر قیمتی باشـد به زنـدگی او خاتمه دهنـد. حضـرت به فرمان خـدا ازدیـدگان مردم غایب گردید. در این دوران گرچه تودهء مردم با حضرت ارتباط نداشته و نمی توانستند خدمت شریفش برسند, ولی رابطهء آن ها با امامشان به طور كامل قطع

نبود, بلکه نوّاب خاصّ حضرت (عثمان بن سعید عمری , محمدبن عثمان بن سعید عمری , حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد بن سمری) خدمتش می رسیدند و احتیاجات ومشکلات مردم را بیان می کردند و پاسخ آن را دریافت می نمودند. این دوران با رحلت آخرین نمایندهء خاص حضرت در سال ۳۲۹ قمری خاتمه یافت .

این دوران را به علّت این که زمانش کوتاه و نمایندگان حضرت مستقیماً با وی در تماس بودند, غیبت صغری می نامند.

۳ دوران غیبت کبری . پس از آن که شیعه در دوران غیبت صغری که مقدمه ای بر غیبت کبری بود, با غیبت امام عصر۷مأنوس شد و زمینهء غیبتِ دراز مدّت فراهم آمد, حضرت از نظرها ناپدید شد و دوران فراغ ظاهری شیعیان از امامشان آغاز گشت . ابتدای این بخش از زندگی امام ثانی عشر با رحلت آخرین سفیر از سفرای چهارگانه در سال ۳۲۹شروع شد و پایان آن را کسی جز خدا آگاه نیست .

در این دوره از غیبت فقهای شیعه به عنوان نایب عام و مرجع رسمی در امور دینی و دنیوی معرفی شدند و اداره ءامور شیعیان و بیان حلال و حرام و رسیدگی به خصومات و اختلافات و کلیهء شئون زندگی مردم به آنان واگذارگردید.

اما این که نحوهء زندگی و محل سکونت حضرت در غیبت کبری چگونه است , اخبار و روایات در این مورداختلاف دارند. برخی از آن ها محل خاصی را تعیین نمی کند و جایگاه حضرت را در بیابان ها و کوه ها معرفی می کند.دسته ای منطقهء خاصی را به نام کوه رضوی , بین مکه

و مـدینه یا کوه ذی طوی در اطراف مکه مطرح می کند, و بعضـی می گوید: حضـرت به گونهء ناشـناس در بین مردم زندگی می کند. ممکن است گفته شود حضرت زندگی ای به شکل ناشناس دارد و در مواقع خاص و یا مواقع ضروری در مکان های مخصوص مانند مکه و مدینه و اطراف این دوحاضر می شود.

دربارهء ازدواج و صاحب فرزند شدن حضرت نظریات مختلف هست .

۴ دوران ظهور و حکومت . وقتی حضـرت ولی عصر۷به مشـیت و امر پروردگار خروج کرد, بین رکن و مقام درمکه ظهورش را اعلام می فرمایـد و پس از کوبیـدن ظالمـان و سـتمگران و مخالفان , عـدل و داد را در اطراف و اکناف گیتی گسترش می دهد.

در مدّت حکومت حضـرت که حداکثر چهل سال ذکر کرده اند, مردم در کمال آرامش و نعمت به سر می برند. دراین برهه , نعمت هـا فراوان شـده و پیشـرفت علم و دانش به اوج می رسـد و دوسـتی و برادری زایـد الوصـف بین مردم برقرار می شود و اخلاق و افکـار انسـان هـا بر اثر تربیت و راهنمـایی حضـرت به کمال می رسـد و امنیت و آبادانی درجهان حاکم می گردد و بالاخره دادگستر جهان بنا به قول بزرگانی مانند شیخ صدوق همانند سایر امامان : به شهادت خواهد رسید.(۱)

(پاورقی ۱.لطف الله صافی گلپایگانی , منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر, ص ۵۷۴ ۶۱۸; جعفر سبحانی , پاسخ به پرسش های مـذهبی , ص ۲۱۸ سؤال ۱۰; محمـد جواد نجفی , سـتارگان درخشان , ج ۱۴ ص ۴۲ ۷۴ مجلهء حوزه , سـال ۷۰ ۷۱ ص ۲۳ ۶۱اللهم عجّل

فرجه و سهّل مخرجه و ارنا الطلعه الرّشیده و الغرّه الحمیده واجعلنا من اعوانه و انصاره بحق محمد وآله الطاهرین .

چرا حضرت مهدی (عج) از اوّل غیبت کبری را شروع نکرد و بعد غیبت صغری را شروع کند؟

پرسش

چرا حضرت مهدی (عج) از اوّل غیبت کبری را شروع نکرد و بعد غیبت صغری را شروع کند؟

پاسخ

از هنگام شهادت امام حسن عسکری(ع) امامت امام مهدی(عج) آغاز شد. به جهت خاصی حضرت مهدی(عج) از دیده ها پنهان شد که فعلاً درصدد و بیان فلسفه غیبت آن حضرت نیستیم، از این تاریخ به بعد دوره غیبت است. غیبت حضرت شامل دو دوره می شود:

۱ دوره غیبت صغری از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری.

۲ دوره غیبت کبری از سال ۳۲۹ هجری تا هنگام ظهور حضرت.

دوره غیبت صغرای حضرت چند ویژگی دارد:

اوّلاً : از نظر زمانی محدود است؛ یعنی قریب به هفتاد سال (۳۲۹ ۲۶۰)

ثانیاً: در این دوره امام مهدی به کلی از دیده ها پنهان نیست، بلکه با وکلا، سفیران و برخی از خواص، نیز از طریق نامه با مردم تماس دارد.

ثالثاً : امام چهار نایب دارد و این ها سازمان مخفی وکالت را رهبری می کنند.

با توجه به این ویژگی ها، ترتیب منطقی چنین اقتضا می کند که اوّل غیبت صغری باشد و سپس غیبت کبری چرا که غیبت صغری مقدمه غیب کبری است.

توضیح این که : از زمان پیامبر(ص به بعد مدام پیشوایان دین در پی زمینه سازی برای ورود شیعه به عصر غیبت بودند، چون که در دوره غیبت، شیعه با یک مشکل بی سابقه روبرو می شود و آن فقدان امام معصوم(ع) است. از زمان پیامبر تا زمان امام جعفر صادق(ع) همگی دوره غیبت را به شیعیان متذکر شدند. از زمان امام صادق(ع) سازمان مخفی وکالت تشکیل شد و این مدام گسترش می یافت تا در دوره غیبت صغری رهبری شیعیان را

در دست گیرد. از زمان امام هادی(ع) ارتباط مستقیم شیعیان با آن حضرت تقلیل یافت و دو امام هادی و عسکری (ع) از راه مکاتبه با شیعیان در در تماس بودند که این همه زمینه ای که در دوره غیبت صغری ارتباط امام با شیعیان تنها از طریق مکاتبه و با پا درمیانی هرم رهبری سازمان وکالت قرار گیرد.

همگی این امور نقش زمینه سازی برای ورود شیعه به دور ه غیبت صغری دارد و خود غیبت صغری هم نقش زمینه سازی برای ورود شیعیان به دوره غیبت کبری را دارد. بنابراین، ترتیب منطقی اقتضا می کند که اوّل دوره غیبت صغری باشد و سپس غیبت کبری.[۱]

[۱] برای اطلاع بیشتر ر.ك: تاریخ عصر غیبت، فصل پنجم.

غیبت صغری چند سال به طول انجامید، و رسالت حضرت در آن زمان چه بود، و بعد از آن در چه سرزمینی فرود آمد؟

پرسش

غیبت صغری چند سال به طول انجامید، و رسالت حضرت در آن زمان چه بود، و بعد از آن در چه سرزمینی فرود آمد؟

پاسخ

غیبت صغری، ۶۹ یا ۷۴ سال طول کشید، علت اختلاف این است که بعضی از بزرگان غیبت صغری را از سال میلاد حضرت ولی عصر (عج) تا (۲۵۵) تا سال (۳۲۹) حساب کرده اند، بدین خاطر حضرت در زمان حیات پدر نیز حضور و معاشرت چندانی با دیگران نداشته و از نظر کلی، غایب محسوب می شد، ولی عده ای از دانشمندان شیعه غیبت صغری را از سال ۲۶۰ هجری که سال شهادت امام یازدهم است تا ۱۳۲۹ (آغاز غیبت کبری) محاسبه نموده اند. به این دلیل که غیبت صغری مربوط به عصر امامت آن وجود مقدس است و امامتش پس از شهادت پدر بزرگوارش آغاز گردیده است. (۱)

رسالت حضرت در عصر غیبت صغری رسیدگی به احتیاجات دینی حوائج و مشکلات مردم از طریق نواب خاصش (ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ابوالحسن علی بن محمد سمری) بوده است. امام زمان علیه السلام گرچه در این مدت از نظر عامه مردم پنهان بود، لیکن ارتباطات کاملاً قطع نبود، بلکه نواب خاصی به خدمتش می رسیدند و احتیاجات مردم را برآورده می کردند. اینان از طرف مردم سؤال دریافت کرده و به خدمت امام رسیده و پاسخ دریافت نموده و به مردم می رساندند. در مورد محل زندگی امام زمان علیه السلام در دوران غیبت کبری سه گونه روایت وجود دارد: طبق بعضی از روایات حضرت در مدینه منوره و اطراف آن است و طبق بعضی دیگر در

مکه مکرمه و اطراف آن زندگی می کنند و طبق بعضی مکان مشخص ندارد.(۲)

معنی غایب شدن این نیست که امام زمان در هیچ جا حضور نداشته باشد، بلکه بدین معنی است که امام از دیده ها پنهان شود یا بـدین صورت که در دیـده و چشم دیگران تصرف کند و آنان امام را نبینند (در صورتی که امام بین شان باشد) و یا ببینند، ولی نشناسند، و یا حضرت با طی الارض از آن مکان دور شود.

پی نوشت ها :

۱. ابراهیم امینی، دادگستر جهـان، ص ۱۳۱؛ مهدی پیشوایی، سـیره پیشوایان، ص ۶۷۳؛ تاریخ عصـر غیبت، آقایی و عاشوری، ص ۲۵۵.)

۲. مجله حوزه، شماره ۷۱ – ۷۰، سال دوازدهم، ص ۵۰).

چرا امام عصر غیبت صغری داشته اند؟

پرسش

چرا امام عصر غیبت صغری داشته اند؟

پاسخ

در مورد غیبت امام مهدی(عج) یکسری عوامل سیاسی – اجتماعی نقش داشته، حکمت هایی در آن نهفته است که بعدها (آن گونه که در روایات آمده) روشن تر خواهد شد.

تنها از منظر عوامل سیاسی – اجتماعی اشاره ای می کنیم:

از سـال ۲۲۰ هجری قمری که امـام جواد(ع) توسـط معتصم عباسـی به شـهادت رسـید، ظلم عباسـیان بر خانـدان پیـامبر(ص) و علویان افزایش یافت؛ به ویژه آن گاه که متوکل بر مسند خلافت تکیه زد. متوکل که دلی پرکینه از علی(ع) و اولادش داشت، بـا نهایت شـدت سـختگیری آل رسول(ص) و آل علی(ع) را از حقوق مـدنی و اجتماعیشان محروم ساخت. این دشـمنی ها در سال ۲۵۴ به شهادت امام هادی و در سال ۲۶۰ به شـهادت امام عسکری(ع) منجر شد، در حالی که آنها در هنگام حیات خود، تحت محاصـره و مراقبت شدید بودند و عملاً آن گونه که لازم بود، مردم نمی توانستند از وجود و حضور آنها بهره مند باشند آن ها نیز نمی توانستند با مردم آن گونه که برای امام و پیشوا لازم است، ارتباط داشته باشند.

طبعاً با وجود چنین وضـعیتی که هر چه به زمان امام زمان نزدیک تر می شود، شدیـدتر و سـخت تر می شود، مشیّت خـداوند اقتضـا نمود که امـام دوازدهم، را به گونه ای حفـظ نمایـد تـا در وقت موعود به پـا خیزد و بشـریت را از منجلاـب بـدبختی ها

برهاند.

شکی نیست که رهبری پیشوایان الهی به منظور هدایت مردم به سرمنزل کمال مطلوب است و این در صورتی ممکن است که آنان آمادگی بهره برداری از هدایت الهی را داشته باشند. حال اگر چنین زمینه مساعدی در مردم وجود نداشته باشد، یا حکمرانان موانع

متعـدد برای بهره منـدی مردم از وجود امـام، یا فیض رسانـدن امام به مردم ایجاد کننـد. حضور پیشوایان آسـمانی در بین مردم ثمری نخواهد داشت.

فشارها و سـختگیری هایی که بر پیشوایان اهل بیت(ع) وارد شد، فعالیت های آنان را به حداقل رساند و این نشان داد که زمینه مساعـد جهت بهره وری از هـدایت هـا و راهبری های آنان در جامعه در حـدّ لازم وجود نـدارد؛ از این رو حکمت خداونـدی اقتضا نمود که پیشوای دوازدهم و مهدی موعود غیبت اختیار کند تا موقعی که آمادگی لازم در جامعه به وجود آید.

غیبت دو مرحله دارد: یکی غیبت صغرا که دوره ۶۹ ساله را به خود اختصاص داده است. در این دوره امام مهدی(عج) با چهار نـایب خـاص بـا مردم ارتبـاط داشت و سازمـان مخفی وکـالت را رهبری می کرد و سؤال های مردم را از طریق نامه پاسـخ می گفت و گاهی با مردم ملاقات می کرد. بعد از آن دوره غیبت کبری است که ارتباط مذکور قطع شده است.

چرا یکباره از سال ۲۶۰ دوره غیبت کبری آغاز نشد؟

پاسخ: همان گونه که کم شدن ارتباطات با شیعه توسط امام هادی و امام عسکری(ع) جنبه زمینه سازی برای ورود پیروان اهل بیت به دوره غیبت صغری است، خود دوره غیبت صغری نیز جنبه آمادگی و زمینه سازی برای ورود پیروان مکتب اهل بیت به دوره غیبت کبری است؛ یعنی پرده نشـینی امامـان اهـل بیت(ع) تـدریجی صورت گرفته تـا بـا این تحوّلات انحرافـاتی صورت نگیرد.

اگر غیبت کبری یکبـاره و ناگهـانی رخ می داد، ممکن بود موجب انحراف افکـار شود و ذهن هـا آماده پـذیرش آن نباشـند و وجود امام زمان به کلی انکار شود.

نیز دوره غیبت صغری دوره تثبیت امامت،

ولادت و حیات امام مهدی(عج) است. به جهت ظلم عباسیان.

چون ولادت امام مهـدی(عـج) در خفا صورت گرفت و چنـدان آفتابی نشـد، برای برخی ثابت نشـده، در دوره غیبت صـغری، ارتباطاتی که پیروان امام حسن عسـکری(ع) از طریق سازمان مخفی وکالت با حضـرت مهـدی(عج) برقرار کردند، این مشـکل زدوده شد.(۱)

پی نوشت ها:

۱ - برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به سیره پیشوایان، اثر مهدی پیشوایی، ص ۶۶۵ - ۷۲۲.

چرا مدت غیبت صغرای امام زمان(عج) نسبت به غیبت کبرای ایشان کم تر است؟

پرسش

چرا مدت غیبت صغرای امام زمان(عج) نسبت به غیبت کبرای ایشان کم تر است؟

پاسخ

در مورد کوتاه بودن زمان غیبت صغری نسبت به غیبت کبری بیان می داریم:

چون غیبت کامـل و تام، غیبت کبرا است و غیبت صـغرا حالت مقـدّمی و گـذری دارد، آن چه که از پیش در مورد غیبت خبر داده شـده بود، عمـدتاً غیبت کبرا بود، چون که در این دوره است که امام مهدی(عج) به کلی از دیده ها پنهان است؛ در دوره غیبت صغرا وکیلان و نائبان حضرت می توانستند با ایشان ملاقات نمایند، حتی با واسطه کارگزاران حضرت در سازمان مخفی وکـالت، برخی از شـیعیان به حضور حضـرت امام مهـدی(عـج) مشـرف می شدنـد تا به ولادت، امامت و حقانیت امام بیش تر ایمان آورند و شیعیان با ایمان مستحکم در دوره غیبت کبرا قدم بگذارند. اصولاً همان گونه که از نام این دو غیبت برمی آید، صغرا به معنـای زمـان کوتاه و کبرا به معنای زمان طولانی است و نام صـغرا و کبرا بر این دو نوع غیبت با توجه به همین مسـئله (زمـان کوتاه و طولانی) اطلاق شـده است. اما در توضیـح مقـدمه بودن غیبت صـغری برای کبرا قـدری به گذشـته برگردیم از زمـان پیـامبر(ص) تـا زمان امام حسن عسـکری(ص) هر یک از سـیزده گوهر عصـمت و طهارت(ع) در مورد غیبت بسترسازی نمودند. شـیخ طوسـی در این باره می گوید: "اخبار شایع و رایج رسیده از پدران مهدی (عج) که مدت ها قبل از وقوع غیبت، صادر شده اند، دلالت بر امامت وی دارند. اخباری که گویای آن است که صاحب این امر، غیبتی خواهد داشت و توضیح می دهد که این غیبت چگونه خواهد بود، و چه

اختلافاتی در آن واقع خواهد شد و چه حوادثی رخ خواهد داد و خبر می دهد که او دو غیبت خواهد داشت و یکی از آن ها طولانی تر از دیگری است". (۱)

این زمینه سازی برای ورود شیعه به عصر غیبت در زمان دو امام هادی و عسکری(ع) تقویت شد تا جایی که امام هادی(ع) ارتباط مستقیم خویش را با بسیاری قطع کرد و یا کاهش داد و امام عسکری(ع) از پس پرده با خواص و دیگران سخن می گفت.(۲) چون که احتجاب و غیبت ناگهانی امام معصوم(ع) می توانست وضع دشوار و غیر قابل تحملی را برای شیعه پدید آورد، می بایست شیعه از پیش آمادگی پذیرش این زمان را کسب نماید.

کاهش ارتباط مستقیم دو امام هادی و عسکری(ع) با شیعیان، نیز سازمان دهی و تقویت سازمان وکالت (سازمانی مخفی که از زمان امام صادق(ع) پایه گذاری شد و تا پایان دوره غیبت صغرا فعالیت داشت) بستر را آماده می کند تا شیعه در مواجهه با پدیده غیبت به گمراهی و اعوجاج نغلتند، و اگر مشکلی پیش آید، با سازمان مخفی وکالت مرتفع گردد. با این همه تلاش، در آغاز غیبت صغرا مشکلاتی برای شیعیان پدید آمد. وجود دوره غیبت که نوعی حالت برزخی و بینابین بودن دارد، این اعوجاج ها را زدود. در آغاز غیبت صغرا با تلاش های صادقانه و خالصانه کارگزاران امام مهدی (عج) در سازمان وکالت، تمامی شک و شبهه شیعیان درباره ولادت و امامت امام مهدی (عج) مرتفع شد. این ها از آثار درخشان غیبت صغرا است. بنابراین غیبت صغرا مقدمه و زمینه ساز غیبت معهود الهی است؛ یعنی غیبتی که دیگر امام مهدی (عج) از دیده ها به کلی پنهان می شود و

شیعه در آزمایش بزرگ قرار می گیرد و مدام در حالت انتظار و آمادگی برای یاری دولت عدل مهدوی به سر می برد.

غیبتی که به صورت کامل و تمام برای امام مهدی (عج) خدا مقدّر نموده، غیبت کبرا است. لیکن به جهت کاسته شدن مشکلات، غیبت صغرا به عنوان مقدمه قرار گرفته بود. بدین جهت است که زمان غیبت صغرا محدود و کوتاه بود. برای آگاهی بیش تر می توانید به کتاب تاریخ عصر غیبت ، نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم (عج) مؤلفان پور سید آقایی، جباری، عاشوری و حکیم رجوع نمایید.

پی نوشت ها:

۱ - شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۰۱.

۲ - اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۲۶۲؛ سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۲۲۲.

مقصود از غیبت صغری و غیبت کبری چیست ؟

پرسش

مقصود از غیبت صغری و غیبت کبری چیست ؟

پاسخ

یازدهمین پیشوای شیعه , حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در سال دویست و شصت هجری قمری دیده از دنیا بربست و مقام امامت و رهبری امت به فرمان خداوند بزرگ به فرزند ارجمند وی حضرت مهدی (عج) , موعود جهانیان انتقال یافت . روزی که امام پدر ارجمند خود را از دست داد , سن مبارك او از شش سال تجاوز نمی کرد , چون دشمنان امام در هر لحظه در کمین او بودند و تصمیم گرفته بودند که به هر قیمتی که باشد به زندگی او خاتمه دهند , وی به فرمان خداوند از دیدگان مردم غایب گردید . این غیبت تا مدتی طوری بود که شیعیان خاص آن حضرت می توانستند مسائل مورد نیازخود را به وسیله چهار نماینده خاص وی از حضرتش سوال کنند و پاسخ آنها را بطورکتبی دریافت نمایند . این جریان تا سال سیصد و بیست و نه هجری قمری ادامه داشت و نمایندگان چهارگانه آن حضرت , یکی پس از دیگری این مقام و منصب را حفظ نموده و با درگذشت آخرین نماینده وی , نیابت و نمایندگی خصوصی پایان یافت و اداره امور شیعیان و بیان حلال و حرام و رسیدگی به خصومات و اختلافات و کلیه شوون زندگی مردم به فقهای بزرگ شیعه که نمایندگان عام آن حضرت هستند واگذار گردید و به نیابت خصوصی که فردی بطور معین نماینده امام گردد , خاتمه داده شد . غیبت صغری از سال دویست و شصت که سال وفات امام عسکری علیه السلام است , آغازگردید و

در سال سیصد و بیست و نه که سال وفات آخرین نماینده اوست پایان یافت واز آن به بعد تا امروز , دوران غیبت کبری می باشد و علت این نامگذاری روشن است ;زیرا در قسمت اول از غیبت , اگر چه شیعیان از شرفیابی به حضور امام محروم بودندولی نمایندگان خصوصی امام می توانستند با او تماس بگیرند و مطالب و وقایع را به عرض امام برسانند و بعلاوه دوران آن نیز کوتاه بود ; از این نظر , این غیبت را غیبت صغری می گفتند ولی پس از درگذشت آخرین سفیر خصوصی آن حضرت , این راه نیز به روی مردم بسته شد و فقهای اسلام به عنوان مرجع رسمی در امور دینی و دنیوی معرفی شدند و بر اثر بسته شدن همه نوع تماسهای خصوصی و طولانی بودن زمان غیبت ,نام آن را غیبت کبری نهادند .

چرا برای امام مهدی(ع) دو گونه غیبت معیّن شده و از همان اول غیبت کبری آغاز نشد؟

پرسش

چرا برای امام مهدی(ع) دو گونه غیبت معیّن شده و از همان اول غیبت کبری آغاز نشد؟

پاسخ

غیبت صغری، مقدمه غیبت کبری و زمینهسازی برای آن بوده، چون ابتدای غیبت بود و اذهان، اُنس به غیبت نداشت اگرچه در زمان حضرت امام علی نقی و حضرت امام حسن عسکری(ع) فی الجمله آن دو امام برای آماده کردن اذهان از نظرها احتجاب میکردند مع ذلک غیبت تامّه اگر به طور دفعه و ناگهانی واقع میگردید مورد استغراب و استعجاب، بلکه استیحاش و استنکار و اسباب انحراف افکار میشد و قبول قطع ارتباط با امام چنانچه در غیبت کبری واقع شد، برای اکثر مردم دشوار و ناراحت کننده بود.

لذا قریب هفتاد سال رابطه مردم با امام به وسیله نوّاب خاص حفظ شد و توسط آنان عرایض و مشکلات و مسائل خود را عرض میکردند و جواب میگرفتند و توقیعات به وسیله آنها میرسید و بسیاری هم به شرفیابی حضور نایل میشدند تا در این مدّت مردم آشنا و مأنوس شدند.

پس از آنکه غیبت صغری پیش آمد و نائبان خاص تعیین شدند، چرا دوران غیبت صغری پایان یافت و اگر همان برنامه غیبت صغری ادامه میبافت چه اشکالی داشت؟

پرسش

پس از آنکه غیبت صغری پیش آمد و نائبان خاص تعیین شدند، چرا دوران غیبت صغری پایان یافت و اگر همان برنامه غیبت صغری ادامه مییافت چه اشکالی داشت؟

پاسخ

۱ علّت اینکه غیبت صغرا ادامه نیافت این بود که برنامه اصلی کار آن حضرت غیبت کبری بود و غیبت صغرا مقدمه آن بود و برای آماده کردن زمینه انجام شد.

۲ وقتی بنا باشد نایب خاص نافذ الحکم و صاحب قدرت ظاهری نباشد و نتواند رسماً در کارها مداخله کند بلکه قدرتهای ظاهری به واسطه تمرکز توجهات در او با او معارضه و مزاحمت داشته باشند، شیّادان و جاه طلبان هم ادعای نیابت خاصه می نمایند و اسباب تفرقه و گمراهی فراهم می سازند چنانچه در همان مدّت کوتاه غیبت صغرا دیده شد چه دعاوی باطلی آغاز گردید و این خود یک مفسده ای است که اهمیّت دفعش از حفظ مصلحت تعیین نایب خاص اگر بیشتر نباشد کمتر نیست و خلاصه آنکه ادامه روش نیابت خاصه با صرف نظر از مصالحی که فقط در همان آغاز کار و ابتدای امر داشته بااینکه نوّاب مبسوط الید و نافذ الکلمه نباشند و تحت سیطره زمامداران وقت مأمور به تقیّه باشند از نظر عقل مصلحت ملزمه ای ندارد بلکه از آن مفاسدی هم ظاهر می گردید.

تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت((علیه السلام)) را مرقوم دارید؟

پرسش

تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت((علیه السلام)) را مرقوم دارید؟

پاسخ

یکی از ویژگیهای زندگی امام داوازدهم حضرت حجت((علیه السلام)) پنهان بودن وی از نظر عامّه مردم بود به گونه ای که از آغاز تولدش(سال ۲۵۵ هجری قمری) جز خواص اصحاب پدر بزرگوارش امام حسن عسگری((علیه السلام)) کسی آن حضرت را نمی دید و از سال وفات امام عسگری((علیه السلام)) تا حدود ۷۰ سال دوران غیبت خخوی بود که تنها نواب خاص آن حضرت که ۴ نفر بودند یکی پس از دیگری را بوامیان مردم و آن جناب بودند و از آن به بعد در طول این مدّت گرچه از نظر عامه مردم غایب بود لکن ارتباط با وی کاملا منقطع نبود بلکه نواب خاص خدمتش رسیده و احتیاجات مردم را مرتفع می نمودند غایب بودن در این ۷۴ سال غیبت صغری(پنهان شدن کوتاه) گویند.

(از سال ۳۲۹) یعنی از سال انقراض نیابت خاصه غیبت کبری آغاز شد که تا زمان ظهور آن حضرت ادامه دارد.

چرا امام زمان((علیه السلام)) به غیبت صغری ادامه نداد و پس از گذشتن غیبت صغری غیبت کبری واقع شد؟

پرسش

چرا امام زمان((علیه السلام)) به غیبت صغری ادامه نداد و پس از گذشتن غیبت صغری غیبت کبری واقع شد؟

پاسخ

اصولا علّت و سبب اساسی غیبت چه صغری و چه کبری چنانچه در برخی از روایات آمده برای مردم بیان نشده و به جز ائمه ی اطهار((علیهم السلام)) کسی از آن اطّلاع ندارد.

عبداله بن فضل هاشمی می گوید امام صادق((علیه السلام)) فرمود: حضرت صاحب الامر((علیه السلام)) ناچار غیبتی خواهد داشت به طوری که گمراهان در شک واقع می شوند، عرض کردم چرا؟

فرمود: ماماءذون نیستیم علّتش را بیان کنیم، گفتم حکمتش چیست؟

فرمود همان حکمتی که در غیبت حجت های گذشته وجود داشت در غیبت آن جناب نیز وجود دارد لکن حکمتش ظاهر نمی شود مگر بعد از ظهور وی چنانکه حکمت سوارخ کردن کشتی و کشتن جوان و اصلاح دیوار به دست خضر((علیه السلام)) برای حضرت موسی((علیه السلام)) آشکار نشد جز هنگامی که می خواستند ازهم جدا شوند.

ای پسر فضل: موضوع غیبت سریست از اسرار خدا و غیبی است از غیوب الهی و چون خدا را حکیم می دانیم باید اعتراف کنیم که کارهایش از روی حکمت صادر می شود گرچه تفصیلش برای ما مجهول باشد(۱). و غیبت صغری در حدود هفتاد سال طول کشیده است.

پاورقی

۱ – بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

در مورد غیبت صغری و کبری امام مهدی(عج) بیشتر می خواهم بدانم.

پرسش

در مورد غیبت صغری و کبری امام مهدی(عج) بیشتر می خواهم بدانم.

پاسخ

بعد از شهادت امام عسکری (در سال ۲۶۰ ه .ق امامت به فرمان خداوند متعال به حضرت مهدی (منتقل گردید و ایشان با توجه به جو آن روزگار که ناشی از عدم آمادگی و شناخت جایگاه امامت و رهبری الهی از سوی جامعه انسانی بود به فرمان

الهی بعد از خاکسپاری امام یازدهم، از نظرها غایب گردیدند و این غیبت به مدت حدود ۷۰ سال را غیبت صغری (کوچک) نامیده شد با ویژگیهای:

۱. در مدت ۷۰ سال امام (چهار نفر را به عنوان نماینده خویش جهت مراجعات مردم و پاسخگویی و ارتباط مشخص فرمودند.

۲. دیدار و ارتباط از طریق نایبانشان در آن عصر ممکن بوده

۳. غیبت صغری پیش درآمد و بسترساز غیبت کبری بوده است و از سال ۳۲۹ ه .ق تا زمان ظهور ایشان غیبت کبری (بزرگ) نامیده شده در این عصر آن حضرت ویژگیهائی را برای نائبان و جانشینان خویش معرفی فرمودند در این عصر نیز ایشان حضور فعال در جامعه دارند و با مردم جامعه در ارتباط اند ولی معمولاً افراد ایشان را نمی شناسند.

برای اطلاع بیشتر به کتاب خورشید مغرب نوشته استاد محمدرضا حکیمی و روزگار رهائی نوشته کامل سلیمان مراجعه فرمائید.

مبدأ غیبت صغرا از چه زمانی به حساب می آید؟

پرسش

مبدأ غیبت صغرا از چه زمانی به حساب می آید؟

پاسخ

در اینجا دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول اینکه: غیبت صغرا از زمان ولادت حضرت مهدی (ع) بوده؛ زیرا ولادت حضرت در اختفا وپنهانی بوده است. ولی این نظریه مورد مناقشه واقع شده، زیرا بحث در غیبت امام است ودر آن هنگام حضرت به مقام امامت نرسیده بود. خصوصاً آنکه جماعت زیادی از شیعیان، حضرت را در آن پنج سال قبل از شهادت حضرت عسکری (ع) مشاهده کرده اند.

نظریه دوم اینکه: غیبت حضرت از زمان شهادت پدرش امام عسکری (ع) بوده است. وبه طور دقیق می توان گفت که بعد از نماز خواندن بر جنازه پدرش، در آن قضیه ای که ابوالادیان بصری نقل می کند.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۶-۴۷۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۳۳۲. پاورقی}

حکمت غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا چه بوده است؟

پرسش

حکمت غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا چه بوده است؟

پاسخ

غیبت صغرا نشانگر اولین مرحله از امامت حضرت مهدی (ع) است، که خداوند متعال تقدیر نمود تا در مدتی نه چندان دور از عموم مردم مخفی بماند وامور شیعه را توسط سفرا انجام دهد.

امّا اینکه چرا غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا قرار گرفت ممکن است که جهت آن این باشد که عادت شیعیان در طول عمر امامت بر این بوده که هر زمان اراده می کردند خدمت امام خود رسیده واز محضر او استفاده می بردند، وبا غیبت کلّی وتام وتمام هرگز انس نداشتند. لذا برای جا افتادن این موضوع ابتدا غیبت صغرا تحقق پیدا کرد که در آن تا اندازه ای ارتباط قطع شد. ومردم اگر چه در ابتدا به شک وتردید وتشویش خاطر افتادند ولی بعد از مدّتی نه چندان دور شک وتردیدها زایل شده وبا مشاهده دلایل قطعی، به وجود حضرت مهدی (ع) یقین پیدا کردند. وبعد از مدتی نه چندان طولانی غیبت کبرا شروع شد.

امتیاز عصر غیبت صغرا بر غیبت کبرا چیست؟

پرسش

امتیاز عصر غیبت صغرا بر غیبت کبرا چیست؟

پاسخ

بنا بر قولی شروع غیبت صغرا از زمان شهادت امام عسکری (ع) بوده است، که از همان زمان امام (ع) متولّی امر امامت می شوند. حضرت خلافت خود را با نصب وکیل اوّلش هنگام مقابله با جماعت قمّیین آغاز نمودند. عصر غیبت صغرا از امتیازات ویژه ای برخوردار است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – در این عصر امام مهدی (ع) متصدی امامت وخلافت شد.

۲ – در این عصر امام (ع) استتار کامل نداشتند، بلکه به جهت مصالح کلّی با برخی از خواص یارانش ملاقات برقرار می کردند.

۳ – در این عصر چهار سفیر وجود داشت که از طرف حضرت به طور خصوص مأمور به رسیدگی امور مردم بوده ورابط بین آنان وحضرت به شمار می آمدند.

در صورت امکان رؤیت در عصر غیبت کبرا، چه فرقی بین این غیبت با غیبت صغرا است؟

پرسش

در صورت امکان رؤیت در عصر غیبت کبرا، چه فرقی بین این غیبت با غیبت صغرا است؟

پاسخ

در دوره غیبت صغرا امام زمان (ع) به کلّی از دیده ها پنهان نبود، بلکه با وکلا وسفیران خاصّ‌ش در تماس بوده، وگاهی سفیران آن حضرت ملاقات برخی از افراد را با امام مهدی (ع) ترتیب می دادند. ولی در عصر غیبت کبرا ملاقات ها به این نحو {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۱۶. پاورقی}

سازماندهی نشده است، بلکه در صورت ضرورت، خود حضرت به دیدار برخی آمده واز وجود حضرت بهره مند می شوند.

تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت«علیه السلام» را مرقوم دارید؟

پرسش

تاریخ دقیق غائب شدن حضرت حجّت«علیه السلام» را مرقوم دارید؟

پاسخ

یکی از ویژگیهای زندگی امام داوازدهم حضرت حجت«علیه السلام» پنهان بودن وی از نظر عامّه مردم بود به گونه ای که از آغاز تولدش(سال ۲۵۵ هجری قمری) جز خواص اصحاب پدر بزرگوارش امام حسن عسگری«علیه السلام» کسی آن حضرت را نمی دید و از سال وقات امام عسگری«علیه السلام» تا حدود ۷۰ سال دوران غیبت خخوی بود که تنها نواب خاص آن حضرت که ۴ نفر بودند یکی پس از دیگری را بوامیان مردم و آن جناب بودند و از آن به بعد در طول این مدّت گرچه از نظر عامه مردم غایب بود لکن ارتباط با وی کاملاً منقطع نبود بلکه نواب خاص خدمتش رسیده و احتیاجات مردم را مرتفع می نمودند غایب بودن در این ۷۴ سال غیبت صغری(پنهان شدن کوتاه) گویند.

(از سال ۳۲۹) یعنی از سال انقراض نیابت خاصه غیبت کبری آغاز شد که تا زمان ظهور آن حضرت ادامه دارد.

غیبت کبری

با استناد به روایات صحیح توضیح دهید غیبت کبرای امام زمان ۷چگونه آغاز گشت ؟

پرسش

با استناد به روایات صحیح توضیح دهید غیبت کبرای امام زمان ۷چگونه آغاز گشت ؟

پاسخ

امامت حضرت ولی عصر۷بعد از شهادت پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری ۷از سال ۲۶۰ه. ق آغاز گشت . از همان نخستین روز امامت یعنی بعد از اقامهء نماز میت و کفن و دفن والد ماجد و مظلومش ,از انظار عمومی مخفی گشت . هر چند آن حجت خدا به صورت علنی در میان مردم ظاهر نمی شد, اما افراد موثق ومورد اعتماد مرتب خدمت آن حضرت می رسیدند و مسائل و مشکلات شیعیان را عرضه می نمودند و راهنمایی ودستورهای آن نور الهی را به مردم ابلاغ می کردند و به این طریق میان مردم و خلق خدا با واسطهء اخذ فیض الهی وخاخلق هستی ارتباط و اتصال برقرار بود. آن افراد موثق که وکیل و نمایندهء خاص حضرت بقیهاللّه بودند, چهار نفربودند و به معروفند. اولین نایب خاص آن حضرت که پیش تر, وکیل خاص امام هادی ۷و سپس درتمام دورانِ امامت امام عسکری ۷وکیل مخصوص آن حضرت بود, جناب است . در جلالت ومنزلت اولین نایب خاص آن حضرت اولاً کافی است که نمایندهء سه امام ۷بود. ثانیاً امام هادی ۷خطاب به شیعیان فرمود: شخصی موثق و امین است . هر چه برای شما بگوید, از من می گوید. امام عسکری ۷یز فرمود: عثمان بن سعید موثق و امین است . او مورد وثوق پدرم بود و در حیات و ممات من , مورد اعتماد من است . آن چه برای شما بگوید از من گفته است .

بعد از رحلت او, فرزنش ابوجعفر محمد بن عثمان به

مقام نیابت خاص از طرف حضرت ولی عصر۷انتخاب شد. امام عسکری ۷خطاب به شیعیان فرمود: محمد بن عثمان و پدرش , هر دو موثق و مورد اعتمادند. آن چه آن دوبه شما برسانند, از من رسانده اند و آن چه برای شما بگویند, از من گفته اند. پس حرف های او را گوش کنید و از اواطاعت نمایید.

محمد بن عثمان قبل از رحلت , به امر امام ۷ حسین بن روح نوبختی را به عنوان نمایندهء خاص امام زمان ۷به مردم معرفی کرد و گفت : او جانشین من و میان شما و حضرت صاحب الامر۷سفیر و وکیل و مورد وثوق و اطمینان آن حضرت است . پس شما در امور خود به وی مراجعه نمایید.

حسین بن روح نیز به امر حضرت بقیهالله ابوالحسن علی بن محمد سِمُری را به عنوان نایب خاص آن حضرت به شیعیان معرفی نمود. چهارمین نایب خاص حضرت صاحب الزمان ۷ در روز نیمه شعبان سال ۳۲۶رحلت نمودو از آن تاریخ دوران غیبت کبری ادامه دارد. امام عصر۷در آخرین توقیع و نامه ای که به دست علی بن محمدسیمری داد, به او فرمود: شما تا شش روز بیشتر زنده نیستی . بنابراین به شیعیان و دوستان من بگو که بعد از رحلت شمادوران غیبت کبری آغاز می گردد و من بعد از فوت شما, هیچ نماینده و وکیل خاصی ندارم . هر کس ادعای نیابت خاص نماید, دروغ می گوید.

آیا امام زمان ۷بیش تر به کارهای شخصی می پردازند یا عمومی و حل مسایل دینی و مذهبی ؟

پرسش

آیا امام زمان ۷بیش تر به کارهای شخصی می پردازند یا عمومی و حل مسایل دینی و مذهبی ؟

پاسخ

حضرت فاطمه ۳هرگاه دعا می کردند, همیشهء مؤمنان و مؤمنات را دعا می کردند و به خودش دعانمی کردند. شخصی معروض داشتند: چرا به مردم دعا می کنید و خود را فراموش می کنید؟ فرمود: .(۱)

امام زمان فرزند زهرا۳است . قهراً مشخث می شود بیشتر به رفع معضلات مردم و رفع شبهات دینی می پردازندیا به کارهای شخصی .

(پاورقی ۱.محمد باقر مجلسی , بحارالاءنوار, ج ۴۳ ص ۸۲ حدیث ۴

درباره زندگی نامه حضرت امام زمان(ع)و غیبت کبری و صغری توضیح دهید.

پرسش

درباره زندگی نامه حضرت امام زمان(ع)و غیبت کبری و صغری توضیح دهید.

پاسخ

دوازدهمین پیشوای معصوم حضرت حجه بن الحسن المهدی امام زمان(ع) در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا دیده به جهان گشود. او همنام پیامبر اسلام(م ح م د) و هم کنیه آن حضرت (ابوالقاسم) است. از جمله القاب حضرت(عج)، حجت، قائم، خلف صالح، صاحب الزمان و بقیه اللّه است و مشهورترین آن ها "مهدی(عج)" است. پدرش امام حسن عسکری(ع) و مادرش "نرجس" نام داشت. حکیمه خاتون، عمه حضرت عسکری(ع) از نزدیک شاهد تولد حضرت مهدی(ع) بود و افراد خاصی از شیعیان در فرصت های مناسب به دیدار حضرت(ع) نائل شدند، از جمله: حسن بن ایوین بن نوح که می گوید: ما برای پرسش درباره امام بعدی به محضر امام عسکری(ع) رفتیم. در آن مجلس چهل نفر حضور داشتند. عثمان بن سعید عمری به پا خاست و عرض کرد: می خواهم از موضوعی سؤال کنم که درباره آن از من داناتری. سپس حضرت فرمود: هیچ کس از مجلس بیرون نرود. مدتی گذشت. در این هنگام امام(ع) به عثمان خطاب کرد و فرمود: می خواهید به شما بگویم که برای چه به این جا آمده اید؟ همه گفتند: بفرمایید: حضرت(ع) فرمود: که از حجت و امام پس از من بپرسید. گفتند: آری. در این هنگام پسری نورانی و زیبا که شبیه ترین مردم به امام عسکری(ع) بود، وارد مجلس شد. حضرت(ع) با اشاره به او فرمود: "این امام شما بعد از من و جانشین من در میان شما است. فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نکنید که در این صورت هلاک می شوید و دینتان تباه

می گردد."(۱)

غیبت حضرت مهدی(ع)

فشارها و محدودیت هایی که بر امامان(ع) وارد کردند، زمینه غیبت را فراهم کرد. البته همه اسرار غیب بر ما روشن نیست. ولی در روایات روی سه موضوع تکیه شده است:

۱ - آزمایش مردم: امام موسی بن جعفر(ع) فرمود: "هنگامی که پنجمین فرزند من غایب شد، مواظب دین خود باشید، مبادا کسی شما را از دین خارج کند. او ناگزیر غیبتی خواهد داشت، به طوری که گروهی از مؤمنان از عقیده خویش بر می گردند. خداوند به وسیله غیبت، بندگان خویش را آزمایش می کند".

۲ - حفظ جان امام: زاره می گوید که امام صادق(ع) فرمود: "امام منتظر(ع) خواهد شد، چون بر جان خویش بیم ناک خواهد بود".

۳ - آزادی از یوغ بیعت با طاغوت های زمان: بدیهی است اگر او ظاهر باشد، باید تحت حکومت طاغوت باشد و با او بیعت کند. امام هشتم(ع) فرمود: "غیبت امام مهدی(ع) برای این است که بیعت کسی بر گردن وی نباشد".(۲)

امام زمان(ع) دو دوره غیبت دارد:

۱ - غیبت صغری که از سال ۲۶۰ هجری تا سال ۳۲۹ یعنی یعنی حدود ۶۹ سال بوده است در این دوران ارتباط شیعیان با حضرت(ع) به کلی قطع نبود، چون در این مدت مردم توسط چهار نائب خاص، با حضرت(ع) در ارتباط بودند. نام چهار نائب به ترتیب:

الف) ابو عمرو عثمان بن سعید عمری،

ب) ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری،

پ) ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی،

ت) ابواحسن علی بن محمد سمری،

غیر از این چهار نفر، وکلای دیگری در مناطق مختلف مانند بغداد، کوفه، اهواز، همدان، قم، ری، آذربایجان، نیشابور،... بودند که به وسیله این چهار نفر امور مردم را به عرض حضرت(ع) می رساندند.(۳)

- غیبت کبری:

در اواخر عمر نائب چهارم، نامه ای از طرف حضرت(ع) به او صادر شد که: "تا شش روز دیگر خواهی مرد. کسی را بعد از خود به عنوان نیابت تعیین نکن، غیبت کبری(تامه) واقع شد. مرا ظهوری نخوهد بود تا وقتی که قلب ها پر قساوت شود، و زمین پر از ظلم و جور شود. بدان هر کس ادعای دیدن مرا بکند، دروغگو و افترا زننده است".(۴)

پی نوشت ها:

۱ - مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۶۸، به نقل از بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶؛ منتخب الاثر، ص ۳۵۵.

۲ - همان، ص ۶۷۲.

۳ - همان.

۴ - منتهی الامال، ص ۵۰۸.

غیبت صغری چگونه تبدیل به غیبت کبری شد؟

پرسش

غیبت صغری چگونه تبدیل به غیبت کبری شد؟

پاسخ

غیبت امام زمان(ع) به غیبت صغری و کبری تقسیم می شود:(۱)

غیبت صغری به غیبتی گفته می شود که از نظر زمان و هم از نظر شعاع محدودیت دارد.(۲) در خصوص تاریخ شروع غیبت صغری اختلاف وجود دارد. برخی از سیره نویسان و تاریخ نگاران عقیده دارند که تاریخ غیبت صغری از سال ۲۶۰ ه' ق (یعنی روز شهادت امام حسن عسکری) آغاز و تا سال ۳۲۹ پایان یافته است.(۳) بر اساس این نگارش، مدت غیبت صغری ۷۰ سال طول کشیده است. برخی از مورخان عقیده دارند که غیبت صغری از سال تولد امام زمان(ع)، همین: سال ۲۵۵ آغاز شده است و تا سال ۳۲۹ طول کشیده است.(۴) بر اساس این دیدگاه تاریخ غیبت صغری ۷۵ سال طول کشیده است. مشهور ان است که غیبت صغری ۷۰ سال طول کشیده و مدت ۵ سال از دوران امامت امام زمان(ع)نبوده و رهبری مردم را امام حسن عسکری(ع) به عهده داشته است؛ از این رو جز زمان غیبت آن حضرت به عنوان رهبر مردم به شمار نمی آید.

برای غیبت صغری از نظر این که مثلاـ در فلان تاریخ آغاز شده است، تاریخ دقیق در دست نیست. در مدت غیبت صغری

ارتباط مردم با آن حضرت به وسیله نواب خاص آن حضرت (ابوعمرو عثمان بن سعید عمری، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمری) صورت می گرفت. در مدت ۷۰ سال به دلیل این همگان با امام زمان(ع) ارتباط نداشتند، بلکه ارتباط مردم با امام زمان(ع) از طریق نواب خاص صورت می گرفت، محدودیت ایجاد

شده است و یکی از علل نام گذاری غیبت صغری همین محدودیت ارتباط مردم با امام زمان(ع) می باشد.

در سال ۳۲۹ با درگذشت ابوالحسن علی بن محمد سمری غیبت صغری تمام و غیبت کبری آغاز شد و بر این اساس غیبت صغری به غیبت کبری تبدیل شد. در دوران غیبت کبری علمای واجد شرایط از سوی امام زمان(ع) نیابت عام دارد.(۵) و چنان که بیان شده نیابت خاصه عبارت از این است که افراد خاصی را امام زمان(ع) با نام و مشخصات به عنوان نائبان خود معرفی کرده است، ولی در غیبت کبری امام زمان(ع) شرایط و معیارهای کلی را برای نایب و یا نایبان خود بیان نموده است تا در طول زمان هر فردی که آن شرایط را داشته باشد به عنوان نایبت امام زمان(ع) شناخته می شود و این معیارها و ضوابط را فقیهان و مراجع شیعیان دارند.(۶)

بر این اساس بعد از تبدیل شدن غیبت صغری به غیبت کبری نیابت عامه شروع شده و تا رظهور امام زمان(ع) نیز ادامه دارد. در این جا بیان این نکته ضروری است که غیبت صغری با غیبت کبری تضاد نداشته، بلکه مکمل یکدیگرند؛ زیرا شکل گیری غیبت کبری بدون صغری نوعی تحیر و بحران برای شیعیان به وجود می آورد و مردم با غیبت کبری غیر مأنوس می شدند و غیبت صغری تحییر شیعیان را از بین برده و زمینه غیبت کبری را فراهم کرد.

با توجه به مطالب مذکور، در هیچ دوره ای از غیبت، پیوند امام زمان(ع) با مردم قطع نشده و در دوران غیبت نیابت خاصه وجود داشته و در دوران غیبت کبری فقیهان و عالمان وجود داشته اند.

"شب که خورشید

جهانتاب نهان از نظر است

قطع این مرحله با نور مهی باید کرد".(۷)

پی نوشت ها:

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰ و مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۷۳.

۲ - محمد رضا حکیمی، خورشی مغرب، ص ۵۲ - ۵۴ و ص ۶۰.

۳ - صدوق، کمال الدین، ص ۴۸۰، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲ و صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۶۸.

۴ - شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۴۶ و اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۶.

۵ - سیره پیشوایان، ص ۶۹۰ و خورشید مغرب، ص ۵۴.

۶ - همان.

۷ - خورشید مغرب، ص ۵۹.

غیبت کبری امام مهدی(عج) از چه سالی آغاز شد؟

پرسش

غیبت کبری امام مهدی(عج) از چه سالی آغاز شد؟

پاسخ

از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری قمری، دوره غیبت صغری بود و بعد از آن غیبت کبری است. آخرین نایب خاص حضرت مهدی(عج)، ابوالحسن علی بن محمد سمری در نهم شعبان ۳۲۹ هجری از ناحیه مقدسه توقیعی دریافت کرد بدین مضمون:

"به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن محمد سَمَری! خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد. تا شش روز دیگر خواهی مُرد، پس امر حساب و کتاب خود را مرتب کن و درباره جانشنی این مقام نیابت به هیچ کس وصیّت مکن تا به جای تو بنشیند؛ زیرا غیبت دومی [= غیبت کامل یا غیبت کبری] فرا رسیده است. تا روزی که خدا بخواهد، ظهوری نخواهد بود و آن پس از مدت درازی خواهد بود که دل ها را سختی و قساوت فرا گیرد و زمین از ستم و بیداد پُر گردد. به زودی کسانی از شیعیان من ادعای مشاهده خواهند نمود. بدان هر کسی که پیش از خروج سفیانی و برآمدن صیحه

[و بانگی] از آسمان، ادعای دیدن و ملاقات مرا نماید، بسیار دروغگو است. قدرت و توانمندی از آنِ خداوند بلند مرتبت است".۱

بعد از گذشت شش روز، یعنی پانزدهم شعبان ۳۲۹ علی بن محمد سمری درگذشت و از آن تاریخ به بعد، دوره غیبت کبری می باشد که دیدار با حضرت و مبادله پیام امکان ندارد.

ما پیوسته باید زمینه قیام و فرج حضرت را آماده سازیم و رابطه معنوی را با اعطای صدقه و دعای عهد و ندبه تقویت نماییم.

۱ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲،

ص ۵۱۶؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۲ – ۲۴۳.

امام زمان(ع) در چند سالگی غایب شد؟

پرسش

امام زمان(ع) در چند سالگی غایب شد؟

پاسخ

امـام زمـان(ع) بنابر قول مشـهور، در نیمه شـعبان ۲۵۵ ه.ق چشم به جهـان گشـود.[۱] پس از شـهادت امـام حسن عسـکری(ع) مأموران عباسـی به خانه امام (ع) هجوم برده و در جسـتجوی جانشین و فرزند آن حضرت برآمدند. از این حادثه معلوم گردید که خطر جدّی، جان امام را تهدید می کرد، از این رو لازم بود وجود مقدس امام زمان محفوظ بماند تا سلسـله امامت و سلاله نبوّت و مصلح جهان حفظ گردد، به این خاطر امام در پنج سالگی غایب گردید. البته برای امام زمان(ع) دو غیبت وجود دارد: صغری و کبری.[۲] غیبت صـغری از ۲۶۰ هجری – سـال شـهادت امام حسن عسـکری آغاز و تا ۳۲۹ طول کشـید و حدود ۶۹ سال بود. در برخی از متون مـدت غیبت صـغری ۷۰ و ۷۴ سال ذکر شـده است.[۳] البته برای آغاز غیبت صـغری، مبـدأ دقیقی نیست که بتوان گفت مثلاً در فلان روز، یا فلان ساعت آغاز شـده است. بعـد از غیبت صـغری، غیبت کبری آغاز شد که هنور ادامه دارد.

[۱] ارشاد، ص ۳۴۶؛ روضه الواعظین؛ ص ۲۸۲؛ اصول کافی، ج۱، ص ۵۱۴؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۴۱.

[۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۲۷.

[۳] اعلام الوری، ص ۴۱۶.

تا کنون از غیبت امام زمان(عج) چند سال می گذرد؟

پرسش

تا کنون از غیبت امام زمان(عج) چند سال می گذرد؟

پاسخ

دوره غیبت امـام زمان(عـج) از ۲۶۰ هجری آغـاز شـده است. اکنون که ۱۴۲۴ هجری قمری اسـت، ۱۱۶۶ سـال از آغاز غیبت

حضرت می گذرد. از ۲۶۰ تا ۳۲۹ به مدت ۶۹ سال دوره غیبت صغری و از ۳۲۹ تا کنون دوره غیبت کبرا است. این در صورتی است که آغاز غیبت امام را از هنگام شهادت امام حسن عسکری(ع) و از آغاز امامت آن حضرت بدانیم، همان گونه که اکثر علمای شیعه این نظر را بر گزیده اند.

حال اگر آغاز غیبت حضرت را از هنگام تولد؛ یعنی ۲۵۵ هجری در نظر بگیریم، پنج سال افزوده می شود.[۱]

[۱] اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۲، ص ۵۹۶.

امام زمان(عج) چند سال در حضور بود و در چه تاریخی به غیبت رفت و تا کنون حدود چند سال است که درغیبت است؟

پرسش

امام زمان(عج) چند سال در حضور بود و در چه تاریخی به غیبت رفت و تا کنون حدود چند سال است که درغیبت است؟

پاسخ

امام مهدی(عج) در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا دیده به جهان گشود[۲] و پدرش امام حسن عسکری(ع) در ربیع الاوّل سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسید[۳] که بعد از شهادت پدر دوره امامت امام زمان(عج) آغاز شد. از همین زمان حضرت بنا به حکمتی از دیده ها پنهان شد. از این تاریخ تا سال ۳۲۹ هجری به مدت ۶۹ سال در غیبت صغری به سر برد[۴] و از سال ۳۲۹ هجری تا کنون؛ یعنی سال ۱۴۲۴، به مدت ۱۰۹۵ سال است که حضرت در دوره غیبت کبری به سر می برد.

[۲] کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱۴.

[۳] شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۴۵.

[۴] سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۹۶ تا ۶۰۰.

چرا مدت غیبت صغرای امام زمان (عج) نسبت به غیبت کبرا کم تر بود؟

پرسش

چرا مدت غیبت صغرای امام زمان (عج) نسبت به غیبت کبرا کم تر بود؟

پاسخ

برادر گرامی جناب آقای عباس نظری , با سلام و احترام و ابراز تشکر از این که پرسش های خود را با مادرمیان گذاشته اید اینک پاسخ به سؤالات در مورد غیبت امام زمان (عج):

چون غیبت کامل و تام , غیبت کبرا است و غیبت صغرا حالت مقدّمی و گذری دارد, آن چه که از پیش در موردغیبت امام ثانی عشر خبر داده شده بود, عمدتاً غیبت کبرا بود, چون که در این دوره است که امام مهدی (عج) به کلی از دیده ها پنهان است ; در دوره‌ء غیبت صغرا وکیلان و نائبان حضرت می توانستند با ایشان ملاقات نمایند,حتی با واسطه کارگزاران حضرت در سازمان مخفی وکالت , برخی از شیعیان به حضور حضرت امام مهدی (عج) مشرف می شدند. تا به ولادت , امامت و حقانیت امام بیش تر ایمان آورند و شیعیان با ایمان مستحکم در دوره‌ء غیبت کبرا قدم بگذارند. اصولاً همان گونه که از نام این دو غیبت برمی آید, صغرا به معنای زمان کوتاه و کبرا به معنای زمان طولانی است و نام صغرا و کبرا بر این دو نوع غیبت با توجه به همین مسئله (زمان کوتاه و طولانی) اطلاق شده است و معنا نداشت که صغرا, طولانی شود و کبرا, کوتاه باشد. اما در توضیح مقدمه بودن غیبت صغری برای کبرا قدری به گذشته برگردیم از زمان پیامبر(ص) به بعد تا زمان امام حسن عسکری (ص) هر یک از سیزده گوهر عصمت و طهارت در

مورد غیبت امام ثانی عشر بستر سازی نمودند.شیخ طوسی در این باره می گوید: . (۱

این زمینه سازی برای ورود شیعه به عصر غیبت در زمان دو امام هادی و عسکری (ع) تقویت شد تا جایی که امام هادی (ص) ارتباط مستقیم خویش را با بسیاری قطع کرد و یا کاهش داد و امام عسکری (ص) از پس پرده باخواص و دیگران سخن می گفت .(۲ چون که احتجاب و غیبت ناگهانی امام معصوم (ص) می توانست وضع دشوار و غیر قابل تحملی را برای شیعه پدید آورد, می بایست شیعه از پیش آمادگی پذیرش این زمان را کسب نماید.

کاهش ارتباط مستقیم دو امام هادی و عسکری (ع) با شیعیان , نیز سازمان دهی و تقویت سازمان وکالت (سازمانی مخفی که از زمان امام صادق (ص) پایه گذاری شر و تا پایان دوره‌ء غیبت صغرا فعالیت داشت) بستر راآماده می کند تا شیعه در مواجهه با پدیده‌ء غیبت امام ثانی عشر به گمراهی و اعوجاج نغلتند, و اگر مشکلی پیش آید, با سازمان مخفی وکالت مرتفع گردد. با این همه تلاش , در آغاز غیبت صغرا مشکلاتی برای شیعیان پدیدآمد. وجود دوره‌ء غیبت که نوعی حالت برزخی و بینابین بودن دارد, این اعوجاج ها را زدود. در آغاز غیبت صغرابا تلاش های صادقانه و خالصانه‌ء کارگزاران امام مهدی (عج) در سازمان وکالت , تمامی شک و شبهه شیعیان درباره‌ء ولادت و امامت امام مهدی (عج) مرتفع شد. این ها از آثار درخشان غیبت صغرا است . بنابراین غیبت صغرا مقدمه و زمینه ساز غیبت معهود الهی

است ; یعنی غیبتی که دیگر امام مهدی (عج) از دیده ها به کلی پنهان می شود و شیعه در آزمایش بزرگ قرار می گیرد و مدام در حالت انتظار و آمادگی برای یاری دولت عدل مهدوی به سر می برد.

غیبتی که به صورت کامل و تمام برای امام مهدی (عج) خدا مقدّر نموده , غیبت کبرا است . لیکن به جهت کاسته شدن مشکلات , غیبت صغرا به عنوان مقدمه قرار گرفته بود. بدین جهت است که زمان غیبت صغرا محدود وکوتاه بود. برای آگاهی بیش تر می توانید به کتاب تاریخ عصر غیبت , نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم (عج) مؤلفان پور سید آقایی , جباری , عاشوری و حکیم رجوع نمایید.

آیا غیر از حضرت مهدی(عج) پیامبری هست که غایب باشد (به اعتقاد اسلام و شیعه)؟

پرسش

آیا غیر از حضرت مهدی(عج) پیامبری هست که غایب باشد (به اعتقاد اسلام و شیعه)؟

پاسخ

از متون دینی استفاده می شود که برخی از پیامبران همانند حضرت مسیح و خضر و الیاس و ادریس زنده اند.

تمام مورخان اتفاق نظر دارند که حضرت خضر آب زندگی خورده و عمر جاودانه دارد.

در برخی از احادیث آمده است که حضرت خضر به استقبال جنازه حضرت امیرالمؤمنین(ع) رفت و حسنین(ع) را تسلیت داد و آنان را به قبر ساخته نوح(ع) راهنمایی کرد و منزل او بیشتر مسجد صعصعه و مسجد سهله بوده و است.

سید بن طاووس روایت کرده است: خضر و الیاس همه ساله در موسم حج در مکه یکدیگر را ملاقات می کنند و از آن جا، جدا می شوند تا سال بعد که به هم می رسند.(۱)

در موضوع چگونگی رفع و عروج حضرت عیسی(ع) میان اهل نظر اختلاف است. برخی گویند: حضرت با همین جسم عنصری زنده است تا ظهور حضرت مهدی که فرود آید و با آن حضرت نماز خواند.

برخی دیگر معتقدند از کلمه "متوفیک"(۲) در آیه شریف استفاده می شود که حضرت عیسی(ع) قبض روح شده و روح او را به آسمان ها برده اند.(۳)

برخی از روایات دیدگاه اوّل را تأیید می کند و سفارش این است که حضرت عیسی(ع) زنده است و در زمان ظهور حضرت مهدی(عج) فرود می آید و پشت سر حضرت مطابق سنّت او نماز نمی خواند.(۴)

اهل سنّت نیز در این موضوع با شیعه اتفاق نظر دارند و گفته اند: آن گاه که عیسی(ع) فرود آید، هیچ یک از سنّت های حضرت محمّد(ص) را نسخ نخواهد کرد و در هنگام نماز، از امامی که از امّت محمّد(ص) است جلو نمی افتد، بلکه او را مقدّم

داشته و پشت سر او نماز می خواند.(۵)

برخی از مورخان با توجه به آیه شریفه "و رفعناه مکاناً علیّاً"(۶) معتقدند که حضرت ادریس(ع) نیز زنده است و گفته اند که بعد از ۳۵۶ سال زندگی در دنیا، او را همانند حضرت عیسی(ع) به آسمان ها برده اند.(۷)

در نتیجه ممکن است گفته شود: زنده بودن این پیامبران نوعی "غیب" محسوب می شود که خداوند از آن ها آگاهی داشته و ما با قاطعیت نمی توانیم در مورد آن ها اظهار نظر کنیم.

از نظر اسلام به نحو قطعی تنها غایبی که مصلح کل است و جهانیان منتظر ظهور او هستند که زمین پرشده از ظلم و جور را، پر از عدل و داد کند، حضرت مهدی (عج) است.

پی نوشت ها:

۱. قصص الأنبیاء، عمادزاده اصفهانی، انتشارات اسلام، جزء اوّل، ص ۳۴۳- ۳۴۲.

۲. آل عمران (۳) آیه ۴۹.

۳. قصص الأنبیاء، جزء دوم، ص ۷۳۶ – ۷۳۵.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، جزء ۱، ص ۲۸۰، ح ۲۷ و ص ۳۳۲- ۳۳۲، ح ۱۷.

۵. تأویل مختلف الحدیث، عبداللّٰه بن مسلم بن قتیبه، چ دارالجیل، بیروت، ص ۱۸۸.

۶. مریم(۱۹) آیه ۵۷.

۷. قصص الأنبیاء، جزء اوّل، ص ۱۹۰؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۹۸.

در روایت و تفاسیر آمده که حضرت مهدی در چاهی در بغداد و چاهی در جمکران غایب شده است. بالاخره حضرت در کجا پنهان شده است؟

پرسش

در روایت و تفاسیر آمده که حضرت مهدی در چاهی در بغداد و چاهی در جمکران غایب شده است. بالاخره حضرت در کجا پنهان شده است؟

پاسخ

این نگرش که امام زمان (ع) در چاهی در جمکران غایب شده است، قابل قبول نبوده و فاقد دلیل و روایت بوده و داده های تاریخی بر آن دلالت ندارد.

مسجد جمکران به دستور امام زمان ساخته شده ، حرمت و قداست آن از همان جهت است، نه بدان جهت که حضرت در مسجد جمکران پنهان شده است. مسجد جمکران در سال ۳۷۳ هجری ساخته شده است، یعنی در دوران غیبت امام زمان. بنابراین معنا ندارد که امام زمان از آنجا یا چاه آن (که بعد از ساختن مسجد، درست شده است) غایب شده باشند.

از بعضی متون استفاده می شود که یکی از راه های ارتباط با امام (ع) نوشتن نامه و انداختن آن در نهر آب و چاه است.(۱) چاه مسجد جمکران بر این مبنا ساخته شده تا مردم با انداختن نامه در آن مشکلات خویش را با امام درمیان می گذارند.

این نگرش که امام در چاهی که در بغداد است، غایب شده است، نیز دلیل معتبر نداشته و داده های تاریخی بر آن دلالت ندارد.

در این که امام زمان (ع) در کجا غایب شده ، اختلاف نظر است.(۲) آنچه که به واقع نزدیک تر است آن می باشد که حضرت بعد از نماز گزاردن بر بدن پدر و دفن حضرت، وارد منزل شد و دیگر حضرت را در اجتماع و جمع ندیدند. (۳) در ضمن منزل امام در سامراء بود، نه در بغداد.

پی نوشت ها :

۱ -

منتهی الآمال، ج۱ – ۲، ص ۴۹۱.

۲ – دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص ۲۳۵.

۳ – تاریخ عصرغیبت، ص ۱۷۷.

غیبت صغری و کبری و فرق میان آنها را بیان کنید ؟

پرسش

غیبت صغری و کبری و فرق میان آنها را بیان کنید ؟

پاسخ

زمان غیبت صغری کوتاه و در طول مدت آن تماس امام با مردم بوسیله چهار نفر(عثمان بن سعید – محمد بن عثمان بن سعید – حسین بن روح – علی بن محمد سمری)که یکی پس از دیگری به سمت نیابت خاص مفتخر می شدند , برقرار می گردید . ولی غیبت کبری مدتش طولانی است تا روزی که جامعه بشری آماده پذیرش حکومت الهی جهانی شود وبه امر خدای متعال ظهور فرماید .

آیا امام زمان(عج) در سن ۷۵ سالگی به شکل و هیأت یک فرد ۷۵ ساله، غیبت کبرای خویش را آغاز نموده اند؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) در سن ۷۵ سالگی به شکل و هیأت یک فرد ۷۵ ساله، غیبت کبرای خویش را آغاز نموده اند؟

پاسخ

در روایات اشاره ای به این مطلب نشده، و تنها گفته شده است که آن حضرت در قیافه شخص سی ساله یا چهل ساله ظهور می کند.

بلی، ثبوتاً ممکن است در موقع غیبت در قیافه شخص ۷۵ ساله غایب شده باشند، و نیز ممکن است در غیر این قیافه غایب شده باشند.

آیا موضوع غیبت امام زمان علیه السلام ساخته عثمان بن سعید است؟

پرسش

آیا موضوع غیبت امام زمان علیه السلام ساخته عثمان بن سعید است؟

پاسخ

برخی می گویند: موضوع غیبت امام زمان (ع) ساخته برخی از اصحاب خصوصاً عثمان بن سعید (نایب اول امام زمان (ع)) است.

اوّل کسی که به موضوع غیبت امام زمان (ع) اشاره کرد رسول گرامی اسلام (ص) وسپس امیرالمؤمنین (ع) وسایر امامان بوده است. آنان غیبت او را پیش بینی کرده ووقوع آن را به مردم گوشزد کرده اند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من بر طبق عهدی که به او می رسد غایب می شود، به طوری که بیشتر مردم خواهند گفت: خداوند به آل محمّد نیازی ندارد ودیگران در اصل تولّد او شک می کنند، پس هرکس زمان غیبت را درک کرد باید دینش را نگهداری کند...".

{پاورقی . اثباه الهداه، ج ۶، ص ۳۸۶. پاورقی}

اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده که فرمود: "آگاه باشید که آن جناب به طوری غایب می شود که شخص نادان خواهد گفت: خدا به آل محمّد احتیاجی ندارد".

{پاورقی . همان، ص ۳۹۳. پاورقی}

امام صادق (ع) فرمود: "اگر خبر غیبت امام خود را شنیدید انکار نکنید".

{پاورقی . همان، ص ۳۵۰. پاورقی}

لذا موضوع غیبت امام زمان (ع) آن چنان بین شیعیان شایع ورایج بود که شعرا در شعرهایشان ومؤلّفان در کتاب ها به آن پرداخته اند. از جمله کسانی که قبل از ولادت امام زمان (ع) در مورد غیبت حضرت مهدی (ع) تألیف داشته اند عبارتند از:

۱ - علی بن حسن بن محمّد طائی طاطری از اصحاب موسی بن جعفر (ع).

{پاورقی . رجال نجاشی، ص ۱۹۳. پاورقی}

۲ - علی بن عمر اعرج کوفی از اصحاب موسی بن جعفر (ع).

{پاورقی . همان،

ص ۱۹۴. پاورقی}

۳ – ابراهیم بن صالح از اصحاب حضرت موسی بن جعفر (ع).

{پاورقی . همان، ص ۲۸. پاورقی}

۴ – حسن بن علی بن ابی حمزه، معاصر امام رضا (ع).

{پاورقی . همان. پاورقی}

۵ – عباس بن هشام ناشری اسدی، از اصحاب امام رضا (ع).

{پاورقی . همان، ص ۲۱۵. پاورقی}

۶ – علی بن حسن بن فضال از اصحاب امام هادی وعسکری (علیهما السلام).

{پاورقی . همان، ص ۱۹۵. پاورقی}

۷ – فضل بن شاذان نیشابوری از اصحاب آن دو امام (علیهما السلام).

{پاورقی . همان، ص ۲۳۵. پاورقی}

عصر غیبت کبرا چه خصوصیات ویژه ای دارد؟

پرسش

عصر غیبت کبرا چه خصوصیات ویژه ای دارد؟

پاسخ

عصر غیبت کبرا زمانی است که با انتهای غیبت صغرا شروع شده است. انتهایی که توسط اعلان امام زمان (ع) در سال ۳۲۹ هجری صورت گرفت. حضرت در نامه ای به علی بن محمّد سَمَری از انتهای سفارت وشروع غیبت کبرا خبر داد.

عصر غیبت کبرا دارای شرایط وخصوصیاتی است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – مسلمانان در این عصر در ظاهر از رهبر وامام خود جدا شده اند، واو را نمی بینند ویا اگر می بینند او را نمی شناسند. واین حکم کلّی برای عموم شیعیان است، گر چه ممکن است برخی به جهت مصالحی، مشرف به لقای حضرت شوند.

۲ – گسترش ظلم وستم در روی زمین، نیز از ویژگی های عصر غیبت کبرا است. وبا این ویژگی، بین این زمان وعصر حکومت اسلامی در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) تمییز داده می شود.

۳ – تأکید الهی بر امتحان امّت اسلامی در عصر غیبت کبرا؛ زیرا در این عصر مردم با مشکلات بیشتری روبه رو خواهند بود از قبیل:

الف. گسترش فساد وفحشا در جامعه اسلامی و جهان.

ب. انواع فشارهای سیاسی ومشکلات که در راه پذیرش حقّ وایمان است.

ج. مواجهه انسان با انواع شبهات در وجود امام زمان (ع).

در نتیجه مشاهده می کنیم که امامان: تأکید فراوانی بر این موضوع مهم داشته اند. همان گونه که از حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت شده که فرمود: "إذا فقد الخامس من ولد السابع، فاللَّه اللَّه فی أدیانکم لایزیلکم عنها أحد، یا بنیّ! إنّه لابدّ لصاحب هذا الأمر من غیبه حتّی یرجع عن هذا الأمر من کان یقول به، إنّما هی محنه من اللَّه عزّوجلّ امتحن اللَّه بها خلقه

..."؛ "هر گاه پنجمین از اولاد هفتمین مفقود شـد، پس خدا را، خدا را در ادیانتان، مواظب {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۲. پاورقی}

باشـید که معتقـدات شـما را زایل نکنند، ای فرزندم! به طور حتم برای صاحب این امر غیبتی است به حدّی که معتقدان به آن، از این امر رجوع می کنند، واین محنتی است که خداوند به واسطه آن خلقش را امتحان می کند...".

آیا این گونه غیبت در بین انبیا هم سابقه داشته است؟

پرسش

آیا این گونه غیبت در بین انبیا هم سابقه داشته است؟

پاسخ

غیبت ودوری حجّت خـدا از بین مردم امری تـازه وجدیـد نیست که در این امّت آن هم در آخرین وصـیّ پیـامبر خـاتم (ص) تحقق پیـدا کرده باشـد، بلکه سـنتی الهی بوده که حتی در بین انبیا نیز پیـدا شـده است. اینك به اسامی برخی از آنها اشاره می کنیم: ۱ - حضرت ادریس(ع)

مطابق برخی روایات، ادریس پیامبر به جهت مشاجره ای که بین او وجبّاران زمانش ایجاد شـد، بیست سال از میان امتش غایب شـد ودر کوه هـا وغارهـا به سـر می برد. خداونـد ملکی را موکّل بر او نموده بود تـا هنگام غروب آفتاب افطاری او را حاضـر کند... .

{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳۰، ح ۱ ؛ سعد السعود، ص ۱۲۵. پاورقی}

۲ - حضرت صالح (ع)

صـدوق؛ به سـندش از امـام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "إنّ صالحا (ع) غاب عن قومه زمانا، وكان يوم غاب عنهم كهلا... فلمّا رجع إلى قومه لم يعرفوه بصورته..."؛ "همانا صالحپاورقی} . کمال الدین، ص ۱۳۶ù۱۳۷. پاورقی}

مدتی از قومش غایب شد. هنگام غیبت پیرمردی بود... ووقتی که به قومش بازگشت کسی او را به چهره نمی شناخت...".

۳ - حضرت ابراهیم (ع)

حضـرت ابراهیم (ع) نیز بنابر نقل روایات، مدّتی از ابتدای ولادت تا سال های زیادی مخفی بود وامر خود را کتمان می کرد تا آنکه خداوند او را مأمور به ابلاغ رسالتش نمود.{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳۸. پاورقی}

۴ – حضرت موسی (ع)

صدوق نقل می کند: "... حضرت موسی (ع) از شهر مصر به مدین فرار کرده، در آنجا مدّت زیادی نزد حضرت شعیب (ع) اقامت نمود...". {پاورقی . کمال الدین،

ج ۱، ص ۱۴۵. پاورقی}

۵ - حضرت شعیب (ع)

مجلسی به سندش از امام علی (ع) نقل کرده که فرمود: "إنّ شعیبا النبی (ع) دعا قومه إلی اللَّه حتی کبر سنّه، ودقّ عظمه، ثمّ غاب عنهم ما شاء اللَّه، ثمّ عاد إلیهم شابّا"؛ "شعیب پیغمبر {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۲، ص ۳۸۵، ح ۱۰. پاورقی}

قومش را به سوی خدا دعوت کرد تا پیر شد واستخوان هایش ضعیف شد. آن گاه تا مدّتی که خواستِ خدا بود از میان مردم غایب شد وسپس در حالی که جوان شده بود به سوی آنها بازگشت...".

۶ - حضرت الیاس (ع)

قطب راوندی نقل می کند که حضرت الیاس (ع) از میان قومش هفت سال غایب شد، در آن مدّت در صحراها وبیابان ها متواری بود. {پاورقی . قصص راوندی، ص ۲۴۸. پاورقی}

۷ - حضرت دانیال نبی (ع)

صدوق؛ می گوید: "دانیال نبی ۹۰ سال از میان قومش غایب واسیر دست بخت النصر بود وپیروانش همگی در این مدّت انتظارش را می کشیدند". {پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۰. پاورقی}

۸ - حضرت عیسی (ع)

حضرت عیسی (ع) دو نوع غیبت داشته است: یکی در مدّت ۱۲ سال در سرزمین های شام ومصر ودیگر از هنگامی که خواستند او را به دار آویزند، تا هم اکنون که بیش از دو هزار سال از عمر او می گذرد وهنوز زنده است. وی هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) برای تشکیل حکومت عدل جهانی ایشان را مساعدت خواهد نمود.

اداره جامعه در زمان غیبت

آیا راویان حدیث که درنامه امام زمان (عج) به نائب ایشان قید شده است وشرائط فقیه جامع الشرایط می تواند دریک زمان ویک مکان برچند نفر صدق کند واگر این چنین است این امر موجب تفرقه دربین مسلمین درقراردادهای اجتماعی نمی شود.

پرسش

آیا راویان حدیث که درنامه امام زمان (عج) به نائب ایشان قید شده است وشرایط فقیه جامع الشرایط می تواند دریک زمان ویک مکان برچند نفر صدق کند واگر این چنین است این امر موجب تفرقه

دربین مسلمین درقراردادهای اجتماعی نمی شود.

پاسخ

دراینکه آیا شرایط فقیه جامع الشرایط برچند نفر صدق کند یا خیر ؟ جواب مثبت است یعنی می شود که دریک زمان ویک مکان چند نفر دارای چنین شرایطی باشند واین هیچ مشکلی پدید نمی آورد وبلکه یک مسئله کاملاً عادی است مثل اینکه درجامعه ماچندین پزشک متخصص قلب ویا مغز و ... وجود دارد وهمه دارای مهارت خاصی هستند ومثل هم می باشند وهیچ مسئله ای پدید نمی آید چون اگر بگوئیم که یک نفرباشد کافی است این خلاف عقل است که بخواهیم تمام مردم جامعه را به سمت یک نفر هدایت کنیم وبگوئیم همه دراین بیماری به یک پزشک که موجود است مراجعه کنند وچون چنین فردی هست دیگر لازم نیست بقیه درس بخوانند وبه این مقام ورتبه برسند چون یک پزشک جوابگوی همه نیست واز طرف دیگر راه درس خواند وآموزش علمی برای همه باز است وهمه می توانند از این موقعیت استفاده کنند وبه این رتبه دست پیدا کنند درمورد مجتهدین وفقهاء نیز چنین است که همه مردم می توانند درس بخوانند وبه این مقام برسند ونمی توان گفت باوجود یک فقیه دیگر نیاز جامعه برطرف شده ودیگران نباید چنین کاری را انجام دهند .

اما مسئله مهم این است چنانچه شما درسؤال مطرح فرموده اید آیا این امر باعث تفرقه می شود یا خیر؟

جواب اینست که باعث تفرقه نخواهد شد چون درامور حکومتی ولی فقیه وجود دارد ودرجایی که فقهاء دریک حکم حکومتی نظراتشان متفاوت باشد نظر حاکم شرع (ولی فقیه) شرط است ، اما درمسائل دینی ، هرفردی وظیفه ای دارد وآن هم اینست

که از فقیه جامع الشرایط اعلم تبعیت وتقلید کند . پس باوجود این قید یعنی اعلم بودن فقط درواقع یک نفر است که باید از او تبعیت کرد. اما چرا مردم از افراد متفاوت تبعیت می کنند علت اینست که مردم درتشخیص اعلم آزاد هستند گاهی شخص با تحقیقاتی که انجام می دهد اعلم را شخصی ودیگری اعلم را شخص دیگر تشخیص می دهد ، اشکال که نداردبلکه دلیل برپویایی دین اسلام است که راه مسدود نیست ومختص به یک عصر وزمان خاص نیست بلکه با تحقیق ودرس خواندن وپژوش درکلام ائمه (ع به مطالب جدید ونوینی دست پیدا می کند . لذا احکام بیان مراجع متفاوت است واین اختلاف ضرری به اصل اسلام ودین نمی زند ، مثلاً درتعضی از احکام جزئی نماز ، دومرجع با هم تفاوت نظر دارند اما هیچ کدام دراصل آن شبه وشک وارد نکرده اند واین اختلاف باعث تفرقه بین مؤمنین نمی شود گرچه حقیقت یکی است وقطعاً یکی از این دو مرجع اشتباه کرده ولی برای افرادی که از آنها تقلید می کننند هیچ اشتباه وگناهی نیست چون آنها طبق وظیفه خودشان که درعصر غیبت باید به مرا جع رجوع کنند عمل کرده اند وآن مرجعی که درآن حکم اشتباه کرده طبق یک قاعده اصولی (درمطالب دینی) مجزی وثواب می برد چون او تفحص وتحقیق کرده وبه این نتیجه دست پیدا کرده است پس بخاطر این عمل او وتحقیق وبررسی کرده وخواسته که به حق برسد وبه نظر خودش هم به حق رسیده خداوند به او پاداش خواهد داد.

لذا این اختلافها هیچ کدام باعث تفرقه نخواهد

شـد ومهمترین جایی که امکان اختلاف باشد احکام حکومتی است که باوجود ولی فقیه این مشـکل هم حل خواهد شد . پس هیچ جایی هم برای اختلاف وتفرقه دربین مؤمنین باقی نخواهد ماند.

با توجه به احتمال خطای مراجع تقلید، چرا ما از داشتن امام حاضر در زمان غیبت محروم هستیم؟

پرسش

با توجه به احتمال خطای مراجع تقلید، چرا ما از داشتن امام حاضر در زمان غیبت محروم هستیم؟

پاسخ

به نظر می رسد توجه به چند مطلب برای پاسخ به سؤال شما لازم است:

مطلب اول) ائمه اطهـار(ع) یکی از مهمترین وظایف خود را در دوران حضور خود به انجام رساندنـد. و غیبت امام زمان(عـج) خللی به انجـام آن وظیفه وارد نکرده است. آن وظیفه عبـارت است از تبیین دین به گونه ای که دین را مصون از تحریف نگاه دارد. توضیح این که:

۱. دین خاتم بایـد به گونه ای تبلیغ شود و دارای ویژ گی هایی باشد که مانند ادیان پیشـین مصون از تحریف بماند. چرا که در غیر این صورت همان فلسفه ای که باعث تجدید ارسال انبیا شده است پس از دین خاتم نیز وجود خواهد داشت.

۲. ائمه اطهـار(ع) در طول تاریـخ حیـات طبیعی خود سه عمل را انجام دادنـد که باعث مصونیت دین از تحریف می شود: اول این که سـنت پیامبر اکرم(ص) را آن گونه که بود بیان کردند، دوم این که روش فهم دین از کتاب و سنت را که همان اجتهاد است آموزش دادند؛ و سوم این که کسانی را که صلاحیت چنین فهمی دارند به مردم معرفی کردند. و مردم را در زمان غیبت به آنها ارجاع دادند.

۳. ائمه اطهـار(ع) بـا انجـام این سه عمـل، یکی از شؤون و وظـایف خود را که تبیین دین است به اتمـام رساندنـد. شؤون دیگر آنـان عبـارت است از رهبری امت و ولاـیت تکوینی (یعنی واسـطه ی فیض بین خـالق و مخلوق). از این دو شـأن شـأن ولاـیت تکوینی ارتباطی به حضور و غیبت ندارد و امام

معصوم(ع) همان گونه که در زمان حضور ولایت تکوینی دارد و واسطه ی فیض خداوند به مخلوقات است در زمان غیبت هم چنین است. و شأن رهبری امت نیز به نواب عام آنان یعنی فقهای جامع الشرایط سپرده شده است.

مطلب دوم) از مطلب اول به دست آمد که فقهای امت، دو شأن از شؤون امامت را ادامه می دهند. یکی تبیین احکام دین که از طریق همان روش آموزش داده شده توسط معصومان(ع) انجام می شود و دیگری رهبری امت.

در هر دو شأن فقیه بر اساس آنچه از قرآن و سنت و عقل از اسلام برداشت می کند عمل می کند. تعالیم اسلام در این دو زمینه یقینا کامل است چرا که خاتمیت چنین کمالی را اقتضا می کند.

مشکلی که شاید در این زمینه پدید آید، و شاید سؤال شما نیز درباره ی همین مشکل باشد، این است که فقیه، معصوم از خطا نیست و ممکن است در استنباط حکم شرعی از قرآن و سنت و عقل و یا در رهبری امت خطا کند. آیا همین امکان خطای او باعث نمی شود وجود امام معصوم(ع) ضروری باشد و غیبت آنان خلاف فلسفه ی اصلی امامت باشد؟

مطلب سوم: امامان معصوم(ع) وظیفه خود را در تبیین دین و حتی آموزش روش های کلی رهبری امت انجام داده اند و بی شک اگر غیبت رخ نمی داد و امام معصوم(ع) خودش رهبری امت را نیز به دست می گرفت وضعیت مطلوبی بود اما دو نکته می تواند به سؤال یاد شده پاسخ دهد.

نکته اول: امامت از دیدگاه شیعه جزء اصول عقاید است نه فروع دین. از بین سه شأن امامت (یعنی تبیین دین، رهبری امت و ولایت تکوینی) کدام یک از آنها جزء

اصول عقایـد است؟ به نظر می رسـد شأن تبیین دین و ولایت تکوینی امام یقینا جزء اصول عقاید است چرا که از اموری اسـت که مستقیما به عقیـده ی انسـان مربوط است یعنی من بایـد معتقـد باشم که امام مبین این است و کلام او بر من حجت است و ولاـیت تکوینی امـام معصوم(ع) نیز از اموری نیست که مسـتقیما به عمل مکلفین مرتبط باشـد. ولی شأن رهبری او ماننـد امر به معروف و نهی از منکر از فروع دیـن اسـت. یعنی بر او واجـب است که امت را رهـبری کنـد و بر مردم تحت رهـبری او واجب است که رهبری او را بپذیرند.

پس تأکیـد شیعه بر مسأله امامت بـه عنـوان اصـول دین مربـوط به دو شـأن تـبیین دین و ولاـیت تکـوینی است. و غیبت امـام زمـان(عـج) هیـچ دخلی به این دو وظیفه نزده است. بله مسـأله ی امـامت به عنوان رهبری است اسـلام با غیبت امام زمان(عـج) دچـار لطمه ای بزرگ شـده است، امـا آنـان در این زمینه هم جانشـینانی را برای خـود معرفی کرده انـد و روش هـایی را برای رهبری امت آموزش داده اند. یعنی هم سؤال چگونه باید رهبری کرد و هم چه کسی باید رهبری کند را پاسخ گفته اند.

وظیفه ی بزرگ انسان در دوران غیبت تلاش همه جانبه در راه بهتر شناختن اسلام و بهتر عمل کردن به آن است.

نکته دوم: گفته شـد، شـأن رهبری امـامت، بـا غیبت امام زمان(عـج) از رهبری امام معصوم به رهبری فقیه جامع الشـرایط منتقل شده است. و انشاء الله با ظهور آن حضرت دوباره به رهبری امام معصوم(ع) باز گردد.

فلسفه ی غیبت امام زمان(عج) چه آزمایش انسان باشد، و چه عدم قابلیت امت

برای امامت معصوم، و چه هر دو، در این نکته فرقی نمی کند که وظیفه ما در زمان غیبت عمل به فرامین اسلام است و اسلام روش خاصی را در شناخت فروع دین که در غالب اجتهاد مصطلح متبلور است آموزش داده است. یعنی تنها مسیر شناخت احکام اسلام همین راه است و خود مجتهد و مقلدان او احکام اسلام را از همین راه می شناسند.

گرچه ممکن است مجتهد در عمل به این روشِ شناخت، در یک یا دو مورد خطا کند و حکم واقعی اسلام را در نیابد اما همگان به یقین می دانند چون اسلام را از همان روشی که خدا آموزش داده است دریافته اند، اولاً: احکام به دست آمده از آن، بیشترین و مهمترین احکامی از اسلام است که بشر در دوران غیبت امام معصوم(ع) امکان شناخت آن را دارد؛ و ثانیا اعتقاد به آن احکام و عمل به آنها می تواند در مجموع انسان را به سعادتی که مورد نظر خداوند است برساند و ثالثا: در مواردی که مجتهد خطا کرده است، نه تنها پاسخی عذر آور در برابر محاسبه ی اخروی الهی به شمار می رود، بلکه انقیاد او نسبت به احکام به دست آمده از روش اسلامی، برای او استحقاق پاداش را به ارمغان می آورد.

این مطلب که در علم اصول فقه در مباحث، منجزیت و معذریت حکم ظاهری، و جمع بین حکم ظاهری و واقعی، و حرمت تجری و استحقاق ثواب انقیاد مطرح می شود می تواند رهبری جامع الشرایط را با شیوه های رهبری به دست آمده از همین روش اجتهاد توجیه کند. یعنی اگر در جامعه ای فقیه جامع الشرایطی رهبری امت را

به دست گیرد و مردم نیز وظیفه ی خود را در قبال این رهبری (اطاعت و نصیحت) انجام دهند. و شیوه ی رهبری او برگرفته از تعالیم اسلام و از همین روش اجتهاد باشد، یقینا جامعه ای رو به سعادت خواهد بود و بیشترین و مهمترین اهداف اجتماعی اسلامی در آن محقق خواهد شد و خطاهای آنان نه تنها پاسخی عذرآور نزد خداوند متعال دارد، بلکه به دلیل روح انقیاد استحقاق ثواب را نیز به همراه دارد.

آیا روایات مستندی مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت داریم؟

پرسش

آیا روایات مستندی مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت داریم؟

پاسخ

ضرورت وجود حکومت در هر جامعه ای، امری بدیهی است و همواه مورد تأیید مکاتب و نظام های گوناگون بوده است. پژوهش های جامعه شناسان، نشان می دهد که تشکیل دولت و حکومت، همیشه و در همه شرایط یک ضرورت اجتناب ناپذیر عقلی و فطری بوده است و نمی توان از آن بی نیاز بود. بشر مدنی بالطبع است و تنها در سایه یک زندگی اجتماعی و تشکیلات منسجم سیاسی که در آن حقوق انسان ها محترم شمرده می شود می تواند به حیات خود ادامه دهد. در غیر این صورت زندگی

بشری، شکل انسانی و معقولی نخواهد داشت؛ بلکه هرج و مرج و بی نظمی، حفظ و بقای اجتماع و حقوق افراد را با خطر مواجه خواهد ساخت. اسلام، دین فطرت و عقل است و بر اساس خواسته ها و نیازهای فطری، معقول و منطقی انسان نازل شده است. در این دین این ضرورت عقلی و فطری به خوبی درک شده و وجود حکومت به عنوان یکی از ضروری ترین نیازهای انسان و جامعه ی انسانی مورد تصدیق و تأیید قرار گرفته و برای آن شرایط و ویژگی های مشخص شده است. بر اساس این نیاز فطری و عقلی پیامبر اسلام(ص) پس از هجرت به شهر مدینه، بلا فاصله شالوده تشکیل حکومت اسلامی را پی ریزی می کرد و تشکیلات سیاسی حکومتی ایجاد کرد. امام علی(ع) در سخن مشهور خویش این ضرورت را چنین گوشزد می نماید: H{لابد لناس من امیر برّ او فاجر...}H؛ M{مردم ناگزیر نیازمند به امید و حاکم اند؛ چه نیکوکار و چه زشتکار...}M.

در اندیشه سیاسی اسلام، برای اثبات ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، به

ادله ی متعدّد عقلی، آیات و روایات استناد شده است. اگر بخواهیم از منظر روایات این مسأله را بررسی کنیم، با دو دسته از روایات و احادیث رو به رو می شویم: یکم. روایاتی که بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در هر زمانی اعم از زمان حضور معصوم(ع) و یا غیبت تأکید دارد. برای آشنایی مفصل با این روایات، تصویر صفحاتی از کتاب حکومت اسلامی (عبدالمحمد حسنی، مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶) ارسال می گردد. دوم: روایاتی که به صورت خاص، در مورد شرایط و ویژگی های حاکم اسلامی در زمان غیبت صادر شده است. مجموع اینها دلالت بر نصب عام فقیه واجد الشرایط، در زمان غیبت معصوم(ع)، برای اداره و رهبری جامعه ی اسلامی از سوی امامان و لزوم قیام برای تشکیل حکومت از سوی فقیهان و ضرورت همکاری و اطاعت مردم از ایشان دارد. در این زمینه، تصویر صفحاتی از مأخذ یاد شده ارسال می گردد. این روایات معتبر بوده و از گذشته های بسیار دور، مورد استناد فقهای زیادی (مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، دیلمی، فاضل، شهیدین، محقق نراقی، صاحب جواهر و...) قرار گرفته است.

جهت اطلاع بیشتر ر.ك:

۱. ولایت فقیه، امام خمینی(ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره).

۲. دین و دولت در اندیشه اسلامی، محمد سروش، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۳. جعفر سبحانی، حکومت اسلامی، انتشارات توحید، انتشارات یاسر.

۴. انقلاب جهانی مهدی(ع)، محمدی ری شهری، ۱۳۶۰.

اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم«علیه السلام» در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم«علیه السلام» داشته باشیم؟

پرسش

اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم«علیه السلام» در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به

دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم«علیه السلام» داشته باشیم؟

پاسخ

دلیلی که نیازمندی جامعه را به امام اثبات می کند همان دلیلی است که لزوم وجود پیامبر را اثبات می کند و دلیل در این مورد قاعده لطف است بدین معنی که آفرینش آنان از روی لطف و عنایت وی سرچشمه گرفته است و لطف خدا ایجاب می کند که برنامه برای آنان بفرستد و آنان را در وظایف خویش سرگردان نگذارد.

و همانگونه که مردم بدون پیامبر از نظر برنامه سرگردان می مانند و نمی توانند عوامل سعادت و خوشبختی خویش را به درستی بفهمند بدون امام هم نمی توانند به درستی جزئیات سعادت خویش را در زندگی رهنمون گردند.

بنابراین لطف ایجاب می کند که خداوند شخصی را بنام پیشوا و زعیم و رهبر پس از پیامبر برای آنان برگزیند در اینجا این سخن پیش می آید که پس چرا خداوند امام را غایب قرار داده است و چگونه این با دلیل مذکور سازگار است؟

پاسخ این است که علّت غیبت امام زمان آمده نبودن زمینه برای حکومت آن حضرت است و به عبارت روشن تر خداوند باعث نشده که امام زمان غایب گردد تا با لطف وی ناسازگار باشد بلکه چنان که محققین یادآور شدند این ماییم که زمینه را برای غیبت وی آماده ساختیم و آنگاه که جهان خواستار حکومت وی گردد و آمادگی برای این مسئله در بشریّت به وجود آید وی به اذن خدا ظاهر گشته و عدالت و سایر دستورات الهی را در جامعه انسانی گسترش می دهد آن وقت این سخن پیش می آید که حال که اما زعیم کنونی به حسب ظاهر نیست چه کسی

باید متصدّی زعامت شود؟

روشن است که در این صورت شایستگی فقهای عادل برای این مسئله بیش از دیگرانست و بر این اساس از ناحیه آن حضرت دستور داده شده که مردم در تکالیف خویش به فقهاء و مراجع دینی توجّه کنند و در حل اختلافات خویش آنان را حاکم قرار دهند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

همان دلیلی که ایجاب می کرد خداونــد پس از پیامبر یک رهبر معصوم برای امّت اســلامی قرار دهد پس از غیبت امام زمان نیز ایجاب می کند بنابراین چرا امام زمان«علیه السلام» غایب است؟

پرسش

همان دلیلی که ایجاب می کرد خداوند پس از پیامبر یک رهبر معصوم برای امّت اسلامی قرار دهد پس از غیبت امام زمان نیز ایجاب می کند بنابراین چرا امام زمان«علیه السلام» غایب است؟

پاسخ

لزوم تعیین یک رهبر معصوم به اقتضای لطف و مهر گسترده ی خدا در مورد تربیت مردم به سوی کمالات آنان است و این برهان ایجاب می کند که خداوند رهبر معصوم را معرّفی و تعیین کند و اقتضای این دلیل این نیست که خداوند از تمام جهان یک رهبر را بر سرتاسر جهان مسلّط کرده و دیگران را به طور اجبار مقهور و مغلوب قرار دهد بلکه پذیرش رهبر و پیروی از وی و تسلیم در برابر حکومت وی باید از ناحیه ی مردم صورت گیرد.

پس از درگذشت پیامبر اسلام گرچه خداوند رهبر مسلمانان را معرّفی و تعیین کرده بود ولی آنان زیر بار حکومت وی نرفتند و بر خداوند هم دیگر لازم نبود که آن حضرت را به قهر و غلبه بر آنان مسلّط نماید.

در زمان غیبت هم خداوند رهبر شیعه را توسط پدر بزرگوارش حضرت عسکری و اجداد بزرگوارش معرّفی فرموده بود ولی مردم پذیرای حکومت و خلافت آن حضرت نبودند گذشته از مصالحی که در غیبت آن حضرت وجود داشت و آنگاه که ظلم و بیداد در جهان گسترش یابد و جهان بشریت خویشتن را نیازمند حکومت عدل وی ببیند و ناتوانی خویش را از اداره ی امور احساس نماید خداوند امام زمان را ظاهر می کند و حکومت عدل و داد را به دست توانای او در جهان مستقر می سازد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

با اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشکیل یک مدینه فاضله است چگونه امام زمان«علیه السلام» در این مدّت طولانی نقشی در این مسئله نداشته است؟

پرسش

بـا اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشـکیل یک مـدی.....فاضـله است چگونه امام زمان«علیه السـلام» در این مدّت طولانی نقشی در این مسئله نداشته است؟

پاسخ

اوّلاً مسـئله امامت تنها مربوط ب...جنبه های رهبری اجتماعی و بیان احکام و تشـکیل مدینه فاضـله ...Ə.....بلکه امام از نظر نظام آفرینش و تکوین هم در جهـان مؤثّر است و اساساً واسـطه فیض بین آفریـدگار و آفریـده ها است و جمله معروف «لولا الحجه لسـاخت الارض باهلها؛ اگر حجّت نباشـد زمین اهل خودش را فرو می برد» مربوط به همین مسـئله نقش تکوینی امام در جهان است.

ثانیـاً خداونـد امـام را برای تشـکیل مـدینه فاضـله و جـامعه ایـده آل قرار داده است و به اصـطلاح علم کلام امام لطفی است از جانب پروردگار و این در صورتی است که جامعه انسانی آماده پذیرائی این لطف باشد و از این هدف بزرگ استقبال کند امّا اگر انسانها خواهان حکومت صلـح وعـدلی که در پرتو وجود امام تشـکیل می شود نباشـند در این صورت لازم نیست که امام نقشه های خود را با زور و جبر به صورت اعجاز غیر طبیعی عملی ساخته و چنان حکومتی را در جامعه بشری مستقر سازد.

بنابراین غیبت امام زمان«علیه السلام» مربوط به خود ماست و در آن هنگام که جامعه بشر خواستار چنان حکومتی شود و زمینه برای ظهور امام فراهم گردد امام ظاهر خواهد شد و حکومت واحد جهانی را در جهان به وجود خواهد آورد.

ثالثاً غیبت امام مسـتلزم قرار دادن شـیعه در تخدیر نیست و اتّفاقاً مطلب به عکس است زیرا اگر جامعه در پرتو رهبری یک امام معصوم«علیه السلام» می تواند به درجات عالی تکامل نائل گردد

ولی در عین حال اگر امام غایب شد از نظر اینکه شیعه باید روی پای خویش بایستد می تواند با استفاده از تعالم درخشان اسلام که از کتاب و سنّت به دست آمده است چنان جامعه یی را به وجود آورد و باید تصدیق کرد که ما هم چنانکه شایسته است از این موقعیّت استفاده نمی کنیم و از ذخائری که در اختیار داریم به طور کامل بهره نمی گیریم گذشته از اینکه از روایات چنین به دست می آید که فلسفه غیبت امام تا خود حضرت ظاهر نگردد به درستی روشن نمی شود و وقتی ظاهر گردد معلوم خواهد گشت چرا غایب شده است و فلسفه غیبتش چه بوده است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا لازمه رهبریت جامعه اسلامی ارتباط با آقا امام زمان(عج) است. یعنی ولی فقیه و رهبر جامعه مسلمانان را خداوند از قبل منصوب کرده اند؟

پرسش

آیا لازمه رهبریت جامعه اسلامی ارتباط با آقا امام زمان(عج) است. یعنی ولی فقیه و رهبر جامعه مسلمانان را خداوند از قبل منصوب کرده اند؟

پاسخ

لازمه رهبریت جامعه اسلامی، ارتباط حضوری و تشرف به محضر امام زمان(عج) نیست، بلکه ممکن است رهبر جامعه مانند سایر شیعیان مخلص افتخار تشرف نصیبش نگردد و ممکن است به عللی از این فیض محروم شود. باید توجه داشت که فیض تشرف به حضور حضرت ولی عصر(ع) شرعاً و عرفاً و عقلاً از شرایط اجتهاد و رهبری نمی باشد. البته مسلّماً رهبر جامعه و فقهای عظام بلکه اکثر عموم شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت(ع) ارتباط معنوی به وسیله خواندن دعای عهد و دعای ندب و دعای دیگر و توسل و استغاثه از حجه بن الحسن العسکری(ع) با آن جناب دارند، و بدین وسیله عنایات امام عصر(ع) را به خود جلب می نمایند.

تعیین ولیّ امر و حاکم اسلامی و رهبر جامعه از جانب شرع انور به دوگونه است:

۱- تعیین بالتنصیص، که شخص معیّنی بالخصوص، برای مقام رهبری امت معرفی می شود، چنان که رسول خدا(ص) از سوی خدا و دوازده امام معصوم(ع) با نام و نشان از طرف رسول الله(ص) برای رهبری امت منصوب گردیدند. قرآن در مسئله ولایت امیرمؤمنان(ع) به پیامبر(ص) دستور مؤکد داد و پیامبر(ص) هم در غدیر خم در بین حدود صد هزار نفر دست علی(ع) را گرفت و فرمود: "هر کس من مولا و سرپرست او هستم، علی ولی و سرپرست او است".

۲- تعیین بالتوصیف، به گونه ای که شارع اوصافی را ارائه می دهد تا هر کس واجد آن شرایط باشد، شایستگی مقام ولایت را

داشته باشد. طبیعی است چنان چه واجدین شرایط متعدد باشند، باید صالح ترین آنها انتخاب شود.

امام صادق(ع) فرمود: "هر کس احادیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد و احکام ما را بشناسد، باید به حکمت او راضی باشید. پس من او را حاکم بر شما قرار دادم. هر کس حکم او را قبول نکند، به حکم خدا و به ما استخفاف نموده و رد کننده ما رد کننده خداوند است".[۵۷]

حضرت در حدیث دیگر فرمود: "هر یک از فقها صیانت نَفْس کند، دینش را حفظ نماید، مخالف هواهای نفسانی باشد، مطیع امر مولایش شود، پس عوام مردم باید از فقهای دارای این ویژگی ها تقلید نمایند".[۵۸]

امام زمان(ع) در توقیع شریفش فرمود: "در مسائل و حوادث پیش آمده به راویان احادیث ما مراجعه کنید، چون آن ها حجت من بر شمایند و من حجت خدا هستم".[۵۹]

نتیجه: رهبر جامعه اسلامی همچون سایر شیعیان در حد شایستگی های خود ارتباط معنوی با امام زمان(ع) دارد، ولی ارتباط حضوری و تشرف به محضر مولی، از شرایط رهبری در عصر غیبت نیست و برای هر کس حاصل شود، توفیق بزرگی نصیبش گردیده است. خداوند به همه آرزومندان نصیب فرماید. نصب ولی فقیه و رهبر جامعه اسلامی از طرف شارع مقدس است؛ بدین معنی که از طرف شارع شرایطی گفته شده که هر کس دارای آن شرایط باشد، شایسته رهبری است و مردم به واسطه خبرگان این شایستگی را در فرد معیّنی کشف می کنند و به جامعه اعلام می دارند و مردم هم با او بیعت کرده و پیروی از وی را واجب می شمارند.

ولایت

فقیه مراتبی دارد،ماننـد مرتبه افتـا که مجتهـد جـامع الشـرایط و صاحب رساله می باشـد که اعلم و یا مظنون الاعلمیه است، که ولایت به معنای مرجعیت را احراز می کنـد. تعـدد مراجع مانعی ندارد اما گاهی ولایت به معنای تشـکیل حکومت است. تعیین حـاکم عـادل و جـامع الشـرایط بـه وسـیله متخصـصان و خبرگـان صـورت می گیرد وگرنـه هرج و مرج ایجـاد می گردد. در جمهوری اسـلامی مردم بایـد خبرگان را انتخاب نمایند و خبرگان نیز ولی فقیه را که آگاه به مسایل سیاسـی و اجتماعی باشد، در اولویت قرار می دهند.

[۵۷] وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۸، حدیث ۱.

[۵۸] بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۸.

[۵۹] وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱، حدیث ۹.

در خصوص مهدویت و جنبش های اسلامی در جهان اسلام توضیح دهید.؟

پرسش

در خصوص مهدویت و جنبش های اسلامی در جهان اسلام توضیح دهید.؟

پاسخ

متأسـفانه پرسـش فاقـد شـفافیت است. اگر مقصود آن است که نهضت هـایی قبـل از ظهور امـام زمان(ع) زمینه ساز ظهور امام هسـتند، یعنی مصـلحان و آزادی خواهان با نهضت های اصـلاحی خویش زمینه ظهور حضـرت را فراهم می کننـد، باید گفت: درباره زمینه سازی و علم زمینه سازی قیام ها دو دیدگاه عمده وجود دارد.

الف) برخی عقیـده دارند که در زمان غیبت امام زمان(ع) قیام علیه فساد و ظلم واجب است،(۱) زیرا نهضت های مقدس یکی از عوامل مهم و زمینه ساز ظهور امام زمان(ع) محسوب می شونـد، از این رو در برخی روایات تصـریح شده است که برخی از قیام ها زمینه ساز ظهور حضرت هستند.

ب) در مقابل شـماری انـدک برآنند که قیام و تشـکیل حکومت در زمان غیبت جایز نیست.(۲) طرفداران این نگرش برخی از روایات را دسـتمایه خویش قرار داده انـد که در آن ها از گسترش فساد(۳) و شـکست قیام و ممنوعیت آن سخن به میان آمده است.(۴)

متون و آموزه های دینی، رویکرد اول را تأییـد می کننـد و مبنای دوم قابل قبول نیست، زیرا آن دسـته از روایات که طرفداران دیدگاه دوم بدان اسـتناد و اسـتدلال نموده اند، قابل توجیه است، چون گسترش ظلم بدان معنا نیست که نهضت های اصلاحی

در زمـان غیبت شـکل نگیرنـد. آن دسـته از روایات که از گسترش ظلم قبل از ظهور امام زمان(ع) گزارش می دهـد، به معنای خبر دادن از وضعیت جهان قبل از ظهور است.

آن دسـته از روایات که از شکست قیام و یا ممنوعیت آن گزارش می دهند، ناظر بر قیام هایی می باشد که با هدف نامقدس و در راستای تأمین اهداف غیر اسلامی

به وجود می آیند. قیام هایی که با انگیزه الهی و اصلاح امت اسلامی شکل می گیرند جایز است، از این رو قیام ها به مشروع و غیر مشروع تقسیم شده اند، امام باقر(ع) فرمود: "هنگامی که کسی برای قیام به سوی شما آمد، توجه کنید که برای چه هدفی قیام می کند".(۵)

یکی از نویسندگان در بررسی روایات می نویسد: "امام(ع) در این روایات قیام ها را به دو دسته تقسیم می کند. قیام هایی که رهبران آن ها به سوی خود دعوت می کنند و قیام هایی که برای مقابله با باطل و اقامه حق صورت می گیرد. امام(ع) قیام های دسته دوم را تأیید می کند".(۶)

مطلب قابل توجه آن است که در برخی روایاتی هم سخن از قیام های قبل از ظهور به میان آمده است و هم مردم به قیام فراخوانده شده اند. ائمه(ع) برخی از قیام ها مانند قیام شهید فَخ (۷) و قیام زید بن علی(ع) را تأیید نموده اند.(۸) و نیز پیامبر اسلام(ص) فرمود: "مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی(ع) را فراهم می نمایند" (۹) از سوی دیگر آن دسته از روایات که قیام های قبل از ظهور را جایز نمی دانند، با سیره معصومان(ع) و برخی از آیات نیز تضاد دارند، زیرا قرآن همگان را به قیام علیه ظلم فراخوانده و به امر به معروف و نهی از منکر سفارش نموده که این فراخونی شامل زمان غیبت هم می شود، مضافاً بر این که ائمه(ع) اقدام به قیام نموده و امر به معروف و نهی از منکر می کردند.

بر این اساس باید گفت: جنبش های اسلامی که در زمان غیبت با انگیزه هایی صورت می گیرد، زمینه ساز ظهور امام زمان(ع) می باشند.

پی نوشت ها:

۱ - مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع) ص ۱۸۵.

۲ - همان.

۳

- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۴ - فروع کافی، ج ۸، ص ۲۹۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۴.

۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵.

۶ - مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۱۹۵.

۷ - بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۶۵.

۸ - عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۵۲؛ بحارالأنوار، ج ۴۶، ص ۱۷۰.

۹ - مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع) ص ۲۱۳.

طبق روایات حکومت ایران قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) چگونه خواهد بود؟ آیا حکومت فعلی ایران تا ظهور امام زمان(ع) خواهد ماند؟

پرسش

طبق روایات حکومت ایران قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) چگونه خواهد بود؟ آیا حکومت فعلی ایران تا ظهور امام زمان(ع) خواهد ماند؟

پاسخ

دسته ای از روایات از وجود قیام و حکومت حق (که پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) در مشرق زمین پدیدار می گردد و تا زمان ظهور ادامه می یابد) خبر داده اند.

پیامبر اسلام(ص) فرمود: "یخرج أناس مِن المشرق فوطئون للمهدی سلطانه؛ مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی(ع) را فراهم می سازند".(۱)

حضرت باقر(ع) فرمود: "گویا می بینم مردمی را از مشرق که در طلب حق قیام کرده اند، ولی (حاکمان) به آنان پاسخ نمی دهند. پس از مدّتی دوباره قیام می کنند. این بار نیز به آنان پاسخی داده نمی شود، ولی این مرتبه که وضع را چنین می بینند، شمشیرهای خود را بر شانه هایشان می نهند. در این هنگام آن چه را می خواهند، به آنان می دهند اما نمی پذیرند و دست به قیام می زنند (و رژیم حاکم را ساقط و حکومتی بر اساس مبانی اسلام تشکیل می دهند) اینان این حکومت را جز به صاحب شما (حضرت مهدی) تسلیم نمی کنند. کشتگان این قیام، همه شهید به شمار می روند. اگر من آن زمان را درک کنم، خود

را برای خدمت مهدی(عج) نگه می دارم.(۲) ممکن است این احادیث بر قیام و نهضت امام خمینی(ره) حمل شود. در این صورت جمهوری اسلامی ایران زمینه ساز حکومت امام عصر(عج) خواهد شد و انشاءاللّه تا ظهور منجی عالم بشریت پایدار خواهد ماند. مقصود از شمشیرها در این روایات، می تواند اسلحه باشد که در هر زمانی مختلف است.

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۱،

ص ۸۷.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

آیا بر امام مهدی (ع) لازم است که بدون واسطه در امور دخالت نمایند؟

پرسش

آیا بر امام مهدی (ع) لازم است که بدون واسطه در امور دخالت نمایند؟

پاسخ

خیر، بر امام واجب نیست که شخصاً و بدون واسطه در امور دخالت نموده و راتق باشد، بلکه میتواند دیگران را به نحو خصوص یا به عنوان عموم از جانب خود بگمارد. همانطور که امیرالمؤمنین و ائمه(ع) از طرف خود، در شهرهائی که حاضر نبودند، دیگران را منصوب میفرمودند، امام هم در زمان غیبت صغری کسانی را به مقام نیابت خاصه نصب فرموده بود و در غیبت کبری بطور عموم، فقها و علمای عادل را که دانا به احکام هستند، برای قضای فصل خصومات و اجرای سیاسات و حفظ و نظر در مصالح عالی اسلامی نصب و تعیین کرده که مرجع امور خلق باشند. پس ایشان در عصر غیبت به نیابت از آن حضرت بر حسب ظاهر عهدهدار حفظ شریعت و به شرحی که در کتابهای فقه مذکور است دارای ولایت میباشند.

چگونه در بحث ولایت فقیه به توقیع شریف که از نظر سند مخدوش است تمسّک می شود؟

پرسش

چگونه در بحث ولایت فقیه به توقیع شریف که از نظر سند مخدوش است تمسّک می شود؟

پاسخ

راجع به توقیع شریف، اعتبار و حجیّت آن ثابت است؛ زیرا شیخ ما صدوق (ره) در کتاب «کمال الدین» از شیخ خود« محمد بن محمد بن عصام الکلینی» که از طبقه دهم است روایت کرده است. در اینجا با جمله«رحمه الله» و در موارد دیگر با جمله «رضی الله عنه» از او تجلیل و تعظیم کرده است.

در اینجا توقیع شریف را از « ثقه الاسلام کلینی» و او از «اسحاق بن یعقوب» روایت کرده؛ که او بوسیله جناب« محمد بن عثمان» رضوان الله تعالی علیه نایب دوّم از نوّاب اربعه، کتابی را که متضمّن سؤالاتی بوده، تقدیم کرده و به خط اشرف

حضرت صاحب الامر(ع) توقیعی در جواب دریافت نمود. همچنین «شیخ طوسی» در کتاب «غیبت» این توقیع رفیع را از جماعتی از «جعفر بن محمد بن قولویّه» که از ثقات و اجلاء در حدیث و فقه و صاحب تصنیفات بسیار و از طبقه دهم است، و از «ابی غالب زراری احمد بن محمّد بن سلیمان»، از طبقه دهم، که او نیز از مشایخ و اجلاء است و به جلالت قدر، و کثرت روایت، و «شیخ عصابه»، و القابی غیر از آن، تعظیم و توصیف شده، و از غیر این دو بزرگوار ، روایت فرموده و آن بزرگواران از جناب کلینی، و او از«اسحاق بن یعقوب» که به احتمال قوی برادر کلینی بوده روایت کرده است؛ و از اعتماد«کلینی» به او، و احتجاج «صدوق» و «شیخ طوسی» (محمدون ثلاثه) جلالت قدر وثاقت او نیز

معلوم می شود. بنابر این نه تنها سند ضعیف نیست، بلکه به نظر می رسد که در کمال قوّت و اعتبار است.

علاوه بر آن که متن آن که متضمّن جواب از مسایل مهم است نیز بر قوّت و اعتبار آن افزوده است، و اباحه خمس در آن، دلیل بر ضعف آن نمی شود، نهایت امر یکی از اخبار، تحلیل و اباحه است که با آن در فقه، مثل سایر روایات، معامله می شود.

مضافاً بر اینکه معلوم نیست سؤال از مطلق خمس بوده یا از خمس مبتلا به در مورد اماء، و جمله قبل از این جمله که می فرماید: «أمّا المُتَلَبّسُونَ بِأَمْوالِنا فَمَنْ اِسْتُحَلَ مِنْها شَيْئاً فَأَكَلَهَ فَإِنَّما يَأْكُلُ النّيرانَ»، (وسائل ج ۹/۵۵۰) نیز قرینه است بر این که سؤال از مطلق خمس نبوده است. بنابراین تعرّض توقیع به صورت اجمال به حکم خمس، شاهدی بر ضعف آن نیست و توقیع رفیع در کمال اعتبار است.

در تاریخ خوانده ایم که هر حکومت و تمدنی روزی سقوط می کند، آیا امکان ندارد که حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم روزی سقوط کند؟ یعنی مردم به آن عادت کنند و از آن دلزده شوند؟

پرسش

در تاریخ خوانده ایم که هر حکومت و تمدنی روزی سقوط می کند، آیا امکان ندارد که حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم روزی سقوط کند؟ یعنی مردم به آن عادت کنند و از آن دلزده شوند؟

پاسخ

چنین چیزی در زمان حکومت جهانی امام عصر "عجل الله تعالی فرجه الشریف " متصور نیست. زیرا حکومت ها یا به دلیل ظلم و ستم و انحراف از اصول عدالت سقوط می کنند و یا به دلیل فریب مردم و دلزدگی آنها از حکومت. و این عوامل در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی "سلام الله علیه" محال است

افول و سقوط یک حکومت از دو ناحیه امکان دارد:

الف: زوال ارکان حکومت به دلیل ظلم و ستم و دور شدن از طریقه ی صواب و عدالت، که نتیجه ی آن طغیان و قیام مردم علیه حکومت و یا هجوم بیگانگان و در نهایت سرنگونی حکومت است. بسیاری از حکومتها که در طول تاریخ سرنگون شده اند به همین دلیل بوده است. مثلا در دوره ی اسلامی حکومت بنی امیه به دلیل بی عدالتی، توسط عباسیون سقوط کرد و یا حکومت عباسیون که با هجوم مغول ها نابود شد و یا حکومت ساسانیان در ایران که با هجوم مسلمانان کاملا تسلیم شد، زیرا ظلم و ستم به حدی بود که مردم هیچ علاقه ای برای دفاع از این حکومت ها نداشتند، بلکه به دنبال منجی یی می گشتند. انقلاب اسلامی و سرنگونی حکومت شاهنشاهی نیز قیام مردم ایران علیه ظلم و ستم بود. تمام حکومت های ظالمانه با چنین وضعی مواجه شدند که یا از درون پاشیدند و

یا با هجوم بیگانگان به دلیل پاشیدگی درونی و دلزدگی مردم، تسلیم و نابود شدند.

ب: فریب مردم از راه تبلیغات و دلزده کردن آنها از حکومت، چنانکه در زمان حکومت امیرالمؤمنین "سلام الله علیه" واقع شد. تبلیغات سنگین مخالفین و جنگهایی که بر امام (علیه السلام) تحمیل شد اجازه ی فکر کردن را به مردم آن زمان نداد، گذشته از اینکه به دلیل انحرافاتی که در جامعه ی آن روز پیدا شده بود امام (علیه السلام) راضی به قبول حکومت نبودند زیرا می دانستند که خواص جامعه دچار انحرافات بسیاری شده اند و اجرای عدالت درباره ی آنها باعث دردسرهای فراوان برای حکومت می شود و مردم هم به دلیل دور

افتادن از حقیقت اسلام ناب، توان مقاومت در برابر هجوم انحرافات و تبلیغات منفی را ندارند،(۴) که در مجموع، نتیجه ای جز شهادت حضرت و پایان حکومت ایشان نبود. اما در حکومت جهانی حضرت ولی الله الاعظم "ارواح العاملین لتراب مقدمه الفدا"، مورد اول متصور نیست و به دلیل اینکه مردم آگاه و عاقل شده اند و سطح عقل و علم مردم پیشرفت کرده است و حکومت واحد جهانی، ارکان اصلی تبلیغاتی و رسانه ای را در دست دارد و تمامی احکام اسلام و از جمله امر به معروف و نهی از منکر اجرا می شود و چنین دلزدگی یی متصور نیست، مورد دوم نیز منتفی خواهد بود. البته درست است که شیطان در آن زمان هم فعال بوده و برخی را نیز فریب می دهد اما اکثریت مردم به دلایلی که بیان شد راه حق را شناخته و فریب نمی خورند و دلزده هم

نمی شوند.

اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم بایــد زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السـلام)) در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می توانـد حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم((علیه السلام)) داشته باشیم؟

پرسش

اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم((علیه السلام)) داشته باشیم؟

پاسخ

دلیلی که نیازمندی جامعه را به امام اثبات می کند همان دلیلی است که لزوم وجود پیامبر را اثبات می کند و دلیل در این مورد قاعده لطف است بدین معنی که آفرینش آنان از روی لطف و عنایت وی سرچشمه گرفته است و لطف خدا ایجاب می کند که برنامه برای آنان بفرستد و آنان را در وظایف خویش سرگردان نگذارد.

و همانگونه که مردم بدون پیامبر از نظر برنامه سرگردان می مانند و نمی توانند عوامل سعادت و خوشبختی خویش را به درستی بفهمند بدون امام هم نمی توانند به درستی جزئیات سعادت خویش را در زندگی رهنمون گردند.

بنابراین لطف ایجاب می کند که خداوند شخصی را بنام پیشوا و زعیم و رهبر پس از پیامبر برای آنان برگزیند در اینجا این سخن پیش می آید که پس چرا خداوند امام را غایب قرار داده است و چگونه این با دلیل مذکور سازگار است؟

پاسخ این است که علّت غیبت امام زمان آمده نبودن زمینه برای حکومت آن حضرت است و به عبارت روشن تر خداوند باعث نشده که امام زمان غایب گردد تا با لطف وی ناسازگار باشد بلکه چنان که محققین یادآور شدند این ماییم که زمینه را برای غیبت وی آماده ساختیم و آنگاه که جهان خواستار حکومت وی گردد و

آمادگی برای این مسئله در بشریّت به وجود آید وی به اذن خدا ظاهر گشته و عدالت و سایر دستورات الهی را در جامعه انسانی گسترش می دهد آن وقت این سخن پیش می آید که حال که اما زعیم کنونی به حسب ظاهر نیست چه کسی باید متصدّی زعامت شود؟

روشن است که در این صورت شایستگی فقهای عادل برای این مسئله بیش از دیگرانست و بر این اساس از ناحیه آن حضرت دستور داده شده که مردم در تکالیف خویش به فقهاء و مراجع دینی توجّه کنند و در حل اختلافات خویش آنان را حاکم قرار دهند.

با اینکه وظیفه یک رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشکیل یک مدینه فاضله است چگونه امام زمان((علیه السلام)) در این مدّت طولانی نقشی در این مسئله نداشته است؟

پرسش

با اینکه وظیفه یك رهبر و امام رهبری جامعه در راه تشکیل یك مدینه فاضله است چگونه امام زمان((علیه السلام)) در این مدّت طولانی نقشی در این مسئله نداشته است؟

پاسخ

اوّلا ـ مسئله امامت تنها مربوط به جنبه های رهبری اجتماعی و بیان احکام و تشکیل مدینه فاضله نیست بلکه امام از نظر نظام آفرینش و تکوین هم در جهان مؤثّر است و اساساً واسطه فیض بین آفریدگار و آفریده ها است و جمله معروف «لولا الحجه لساخت الارض باهلها; اگر حجّت نباشد زمین اهل خودش را فرو می برد» مربوط به همین مسئله نقش تکوینی امام در جهان است.

ثانیاً خداوند امام را برای تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل قرار داده است و به اصطلاح علم کلام امام لطفی است از جانب پروردگار و این در صورتی است که جامعه انسانی آماده پذیرائی این لطف باشد و از این هدف بزرگ استقبال کند امّا اگر انسانها خواهان حکومت صلح وعدلی که در پرتو وجود امام تشکیل می شود نباشند در این صورت لازم نیست که امام نقشه های خود را با زور و جبر به صورت اعجاز غیر طبیعی عملی ساخته و چنان حکومتی را در جامعه بشری مستقر سازد.

بنابراین غیبت امام زمان((علیه السلام)) مربوط به خود ماست و در آن هنگام که جامعه بشر خواستار چنان حکومتی شود و زمینه برای ظهور امام فراهم گردد امام ظاهر خواهد شد و حکومت واحد جهانی را در جهان به وجود خواهد آورد.

ثالثاً غیبت امام مستلزم قرار دادن شیعه در تخدیر نیست و اتّفاقاً مطلب به عکس است زیرا اگر جامعه در پرتو رهبری یك امام

معصوم((علیه السلام)) می تواند به درجات عالی تکامل نائل گردد ولی در عین حال اگر امام غایب شد از نظر اینکه شیعه باید روی پای خویش بایستد می تواند با استفاده از تعالم درخشان اسلام که از کتاب و سنّت به دست

آمـده است چنان جامعه یی را به وجود آورد و بایـد تصـدیق کرد که ما هم چنانکه شایسـته است از این موقعیّت اسـتفاده نمی کنیم و از ذخـائری که در اختیـار داریم به طور کامـل بهره نمی گیریم گذشـته از اینکه از روایـات چنین به دست می آیـد که فلسـفه غیبت امـام تا خود حضـرت ظاهر نگردد به درستی روشن نمی شود و وقتی ظاهر گردد معلوم خواهـد گشت چرا غایب شده است و فلسفه غیبتش چه بوده است.

با توج به احادیث که ظهور حضرت را در زمانی می دانند که جهان پر از ظلم و و ستم باشد حال آیا هدف انقلاب اسلامی (ریشه کنی ظلم) آب درهاون کوبیدن است

پرسش

با توج به احادیث که ظهور حضـرت را در زمانی می داننـد که جهان پر از ظلم و و سـتم باشد حال آیا هدف انقلاب اسـلامی (ریشه کنی ظلم) آب درهاون کوبیدن است

پاسخ

قبل از آن که به بررسی اصولی موضوع مطرح شده بپردازیم به نظر می رسد اشاره به سیر تاریخی این برداشت ازموضوع ظهور امام زمان و زمینه های آن، به عنوان مقدمه مفید باشد.

در طول تاریـخ غیبت به ویژه در قرون اخیر نوعی تفکر آسایش طلبانه در برخی پدیـد آمـده و آنان بهانه ای می طلبندتا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند! حال چه بهتر که این بهانه رنگ دینی داشته باشد.

از جمله این موارد آن است که ما نبایستی با ظلم مبارزه کنیم زیرا ظهور امام زمان به تأخیر می افتد و حتی برخیپنداشـته اند که باید به ظلم و فساد نیز کمک کرد و در گسترش آن کوشید تا اسباب ظهور بیشتر فراهم شود؟!

این تفکر ناشی از عدم شناخت مسئولیت و نشناختن دین الهی و برداشت غلط از موضوع ظهور است. زیرا:

اولاًـ - هیـچ یک از تکالیف شـرعی ماننـد نماز، روزه، حـج، امر به معروف، مبارزه با فساد و ... مشـروط به چنین شـرطینیست، یعنی تکلیف نماز و یا نهی از منکر تکالیفی مطلق هسـتند. یعنی آن که چه عمل به آنها الزامی است، چه موجبتسـریع در ظهور یا تأخیر آن شود.

ثانیـاً - هیـچ یک از آموزه های دین نمی توانـد ارکان واساس دین را معطل نمایـد. اگر فرض کنیم (به فرض محال)پی گیری تعالیم دین موجب تأخیر در ظهور شود، باز عمل به آن تعالیم واجب است.

ثالثاً – فساد نیازی به کمک ندارد. اگر بسیاری از

مردم جهان نیز با فساد به مبارزه برخیزند باز فساد ریشه کن نخواهدشد بلکه هر روز بر توسعه قلمرو خود خواهد افزود و زمینه برای ظهور فراهم خواهد شد.

رابعاً - آیا معقول است که ما در سراسر عمر خود که چه بسا به ظهور منجر نگردد دست روی دست بگذرایم و همهآیات و روایات را به کناری بگذرایم بدین بهانه که ما می خواهیم در ظهور تعجیل گردد آیا این عذری خدا پسندانهاست؟!{J

پیروی و اطاعت از ولی فقیه در عصر غیبت تا چه میزان است ؟

پرسش

پیروی و اطاعت از ولی فقیه در عصر غیبت تا چه میزان است ؟

پاسخ

در قسمت اول این سؤال باید گفت که در احکام شرعی فردی، هر شخص برای تعیین تکالیف و وظایف خود باید به مجتهد اعلم که در کشف و استنباط احکام تواناتر از دیگران است، مراجعه کند و فتوای مرجع تقلید خود را در این قبیل موضوعات انجام دهد و اگر ولی فقیه به عنوان مرجع تقلید آن شخص نباشد در این قبیل مسائل اطاعت از فتاوای او لازم نمی باشد. اما در مسائل اجتماعی آنجایی که به سیاست کلی نظام اسلامی برمی گردد و در احکام حکومتی باید از ولی فقیه و قانون رسمی مملکت اطاعت کرد. ولی برخی از مسائل اجتماعی که در عین اجتماعی بودن کاری به نظام ندارد، نظیر تعطیلی هایی که برای سنت مردم است، مثلاً مردم یک روزی را برای ولادت پیامبر و امام یا شهادت امام معصوم تعطیل کنند، مغازه هایشان را ببندند و در مراسم مذهبی شرکت کنند، در این موارد که مخل به نظام و سیاست های آن نیست لزومی به اطاعت نمی باشد، (جوادی آملی، ولایت فقیه، ص ۴۷۰).

در قسمت دوم سؤال باید گفت: که بر مبنای نصب که ولی امر از جانب معصوم منصوب شده است با توجه به تعابیر مختلفی که در بعضی آیات روایات نیز مذکور است مانند :

«اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامرمنکم»

«الراد علیهم کالراد علینا والراد علینا کالرّاد علی الله و هو علی حدالشرک علی الله»

اطاعت از ولی امر واجب شرعی است و مخالفت با آن نیز قطعا معصیت الهی است. اما این که از معاصی کبیره به شمار می آید یا نه باید به

چند نکته دقت شود:

اولاً: اگر موردی که مخالفت شده از احکام حکومتی باشد که ولی فقیه صادر کرده مثلاً فرمان جهاد یا تحریم استعمال تنباکو یا... نه هرگونه و توصیه و پیشنهادی.

ثانیا: شخص عالما و عامدا از حکم ولی فقیه تخلف کرده باشد.

ثالثا: مجموعه تخلف با شرایط فوق، عنوان رد بر ولی فقیه صدق کند که در این صورت همچنان که در روایت امام صادق(ع) ذکر شد، در حد شرک بر خداوند بوده که خود از بزرگترین گناهان و معاصی کبیره به شمار می رود، (کاظم، قاضی زاده، اندیشه های فقهی، سیاسی امام خمینی، ص ۲۲۶).

چرا رهبر انقلاب را نائب بر حق امام زمان (عج) می گویند؟

پرسش

چرا رهبر انقلاب را نائب بر حق امام زمان (عج) می گویند؟

پاسخ

بر اساس ادله نقلی (نصوص و روایات) و عقلی متعدد، فقیه جامع الشرایط در زمان غیبت از طرف امامان معصوم(ع) برای رهبری و اداره جامعه اسلامی منصوب گردیده و نایب واقعی آن بزرگواران می باشد.

الف. بررسی ادله نقلی:

در میان ادله نقلی به روایات متعدد و بسیاری برای اثبات ولایت فقیه تمسک شده است که ما در اینجا به برخی از آنان که صراحت در نیابت فقیه جامع الشرایط از امامان معصوم(ع) دارد، اشاره می نماییم:

۱. روایت امیرالمؤمنین از پیامبر اکرم(ص): «اللهم ارحم خلفائی قیل یا رسول الله و من خلفاؤك؟ قال الذین یأتون من بعدی یروون حدیثی و سنتی ؛ رسول خدا(ص) فرمود: خدایا، جانشینان مرا رحمت فرست، پرسیدند: یا رسول الله، جانشینان تو کیانند؟ فرمود: آنها که بعد از من می آیند و حدیث و سنت مرا نقل می کنند» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۸، ص ۶۵، ح ۵۰).

مفهوم خلافت، در بین مسلمین، امر روشن و شناخته شده ای بوده است و جانشینی، پیامبر عهده داری همه مسئولیتهای سیاسی و حکومتی آن حضرت است. بر این اساس، مفهوم روایت آنست که علماء جانشین پیامبرند و ولایتی که آن حضرت در زمینه حکومت داشته است، به جز آنچه از خصایص پیامبر(ص) بوده، برای فقهاء نیز ثابت می باشد. در عصر غیبت، تنها فقها تبلور شخصیت پیامبر اکرم(ص) هستند و عهده دار شئون جامعه می باشند.

نبی اکرم(ص) سه مقام و منصب عمده را دارا بودند:

یکم، تبلیغ آیات الهی و ابلاغ احکام و راهنمایی مردم. دوم، داوری و قضاوت بین مردم و رفع خصومت. سوم: زمامداری جامعه اسلامی، از این که روایت مطلق

است و در آن قیـد خاص برای جانشـین ذکر نشـده است و اطلاق اقتضاء عموم دارد. اسـتفاده می شود که فقها، در همه شـئون پیامبر اکرم(ص) چون جانشین آن حضرت می باشند.

۲. توقیع مبارک حضـرت ولی عصر(ع): «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله» ؛(وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۱۱، ص ۱۰۱، ح ۹)

امام زمان(عـج) در پاسـخ اسـحاق بن یعقوب، به خط مبارکشان چنین فرمودند: که در رخدادهایی که اتفاق می افتد به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند ومن حجت خدا بر آنان هستم».

مراد از حوادث واقعه در حـدیث احکام نیست، بلکه حوادث و پیشامـدهای اجتماعی است که مربوط به مصالح عمومی جامعه است و برای مردم اتفـاق می افتـد. زیرا رجوع به فقهـاء در احکـام، در عصـر غیبت، امری بـدیهی بوده است. بنابراین رجوع به فقهاء صرفا برای کسب تکلیف شرع در احکام نیست. از سوی دیگر، اینکه فقهاء حجت بر مردم هستند، منظور حجّت بودنشان در همه شئون جامعه است و با وجود آنان، برای اداره امور جامعه و قضاوت، نمی توان به دیگران مراجعه کرد.

۳. مقبوله عمر بن حنظه از حضـرت امام صادق(ع): «... ینظران من کان منکم ممن قـد روی حـدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکما فانی قد جعلته علیکم حاکما فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فانما اسـتخف بحکم الله و علینا ردّ و الراد علینا الراد علی الله وهو علی حـدّ الشـرک بالله ؛ مردم بایـد دقت کننـد و از بین فقهایی که راوی حـدیث ما هسـتند و در احکام حلال وحرام ما

صاحب نظرند وبا احکام اهل بیت(ع) آشـنایی دارند، فقیهی را انتخاب کنند و او را در میان خود حاکم قرار دهند که من او را بر شـما حاکم قرار دادم پس هرگاه حکمی کرد و از او قبول نکردند، حکم ما را سبک شـمرده اند و ما را رد کرده اند، و آن کس که ما را رد کنـد خدا را رد کرده است و رد کردن خدادر حد شـرک به خدا است» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۱۱، ص ۹۸، ح ۱ - اصول کافی، ج ۱، ص ۶۷).

مقصود از شـخص آگـاه به حلال و حرام، همان فقیه است به هنگام دسترسـی نداشـتن به معصوم، فقیه حاکم مردم است و این حاکمیت، از طرف معصوم(ع) به او رسـیده است. بدیهی است که امام(ع) شـخص معینی را به حاکمیت و نیابت از خود نصب نکرده است. بلکه به صورت عـام نصب نموده است. و همه فقهـا دارای چنین ولایـت و نیـابتی می باشـند اما از آنجا که اعمال ولایت از سوی تمامی فقهاء در مسائل اجتماعی و سیاسی مربوط به اداره جامعه، باعث هرج و مرج و اختلال می شود که عقلاً و شـرعا مردود می باشد بنابراین در مقام عمل تنها یک نفر فقیه جامع الشـرایط فتوی و زعامت که در رأس قرار داشـته به تمام مصالح و مفاسد جامعه آگاهی بیشتر دارد به اعمال ولایت و نیابت می پردازد.

۴. حـدیث امـام صادق(ع) از رسول الله(ص): «ان العلماء ورثه الانبیاء ؛ همانا علماء وارثان پیامبران هسـتند» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴).

بر اساس این حدیث آن چه انبیاء(ع) در شئون اجتماعی داشته اند به علمای دین منتقل شده است و تنها علمااند

که وارث آنانند و شئون اجتماعی انبیاء(ع) نیز همان سه منبعی است که در ذیل روایت اول بیان شد یعنی فتوا، قضاوت و زمامداری و اداره جامعه. بنابراین بر اساس روایات فوق و روایات متعدد دیگری که در این زمینه وارد شده است فقیه جامع الشرایط از طرف امامان معصوم(ع) نیابت و ولایت دارد.

البته روشن است که هر یک از این روایات توضیح فراوانی دارند که می توانید به کتاب های مفصل از جمله کتاب «شؤون و اختیارات ولی فقیه» ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع امام خمینی(ره) مراجعه کنید.

ب) و اما دلیل عقلی:

احکام اسلامی – اعم از قوانین اقتصادی، سیاسی و حقوقی – تا روز قیامت باقی و لازم الاجرا است و هیچ یک از احکام الهی نسخ نشده و از بین نرفته است. این بقا و دوامِ همیشگیِ احکام، نظامی را ایجاب می کند که اعتبار و سیادت این احکام را تضمین کرده، عهده دار اجرایآنها شود؛ چرا که اجرای احکام الهی جز از رهگذر برپایی حکومت اسلامی امکان پذیر نیست. در غیر این صورت جامعه مسلما به سوی هرج و مرج رفته و اختلال و بی نظمی بر همه امور آن مستولی خواهد شد. از آن جایی که حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی استو بی نظمی و هرج و مرج در امور مسلمانان امری نکوهیده و ناپسند می باشد، روشن است که حفظ نظام و سدّ طریق اختلال، جز به استقرار حکومت اسلامی در جامعه تحقق نمی پذیرد. ازاین رو هیچ تردیدی در لزوم اقامه حکومت باقی نمی ماند. علاوه بر آنچه گفتیم حفظ مرزهایکشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و

شرعا واجب است، تحقق این امر نیز جز به تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست. آنچه برشمردیم، جزو بدیهی ترین نیازهای مسلمانان است و از حکمت به دور است که خالق مدبّر و حکیم، آن نیازها رابه کلّی نادیده بگیرد و از ارایه راه حلی جهت رفع آنها غفلت کند.

آری، همان دلایلی که لزوم امامت پس از نبوت را اثبات می کند، عینا لزوم حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر(عج) را نیز ثابت می نماید؛ به ویژه پس از این همه مدت که از غیبت آن بزرگوار می گذرد و شاید این دوران هزارها سال دیگر نیز ادامه یابد. در این صورتآیا می توان تصور کرد که آفریدگار حکیم، امت اسلامی را به حال خود رها کرده و تکلیفی برای آنها معین نکرده باشد؟ و آیا خردمندانه است که بگوییم خداوند حکیم به هرج و مرج میان مسلمانان و پریشانی احوال آنان رضایت داده است؟ و آیا چنین گمانی به شارع مقدس روا است که بگوییم حکمی قاطع جهت رفع نیازهای اساسی بندگان خدا تشریع نکرده است تا حجت بر آنان تمام شده باشد؟ آری، لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی ترین اموراست؛ بی آن که بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد. گفتنی است که قدر متیقن از اشخاص برای تصدی منصب حکومت، فقیه عادل و آگاه به مسائل زمان خود است و تا چنین شخصی هست نوبت به غیر عادل یا غیر فقیه نمی رسد.

در روایت فضل بن شاذان - که در کتاب

علل الشرایع از امام رضا(ع) نقل شده - به همین دلیل عقلی اشاره شده است.

حضرت می فرماید: «اگر کسی بگوید که چرا خداوند اولی الامر برای مردم قرار داده و آنان را به پیروی از ایشان امر فرموده است، پاسخ داده می شود که این امر علل بسیار دارد از جمله این که خداوند حدود و قوانینی برای زندگی بشر تعیین فرموده و به مردم فرمان داده است که از آن حدود و قوانین تجاوز نکنند؛ چرا که برای آنان فساد و تباهی به ارمغان می آورد. اما اجرای این قوانین و رعایت حدود شرعی تحقق نمی پذیرد مگر آن که خداوند زمامداری امین برای آنان بگمارد تا آنان را از تعدی از حدود و ارتکاب محرمات باز دارد. در غیر این صورت چه بسا افرادی باشند که از لذت و منفعت شخصی خود به بهای تباه شدن امور دیگران صرف نظر نکنند. ازاین رو خداوند سرپرستی برای مردم تعیین فرموده است تا ایشان را از فساد و تباهی باز دارد و احکام و قوانین اسلامی را درمیان آنان اقامه کند.

دیگر آن که ما هیچ گروه یا ملتی را نمی یابیم که بدون زمامدار و سرپرست زندگی کرده و ادامه حیات داده باشد؛ زیرا اداره امور دینی و دنیوی آنان به زمامداری مدبّر نیازمند است و از حکمت باری تعالی به دور است که آفریدگان خود را بدون رهبر و زمامدار رها کند، حال آنکه خود به خوبی می داند که مردمان به ناچار باید حاکمی داشته باشند که جامه را قوام و پایداری بخشد و مردم را در نبرد با دشمنانشان رهبری کند و اموال عمومی را میان آنان تقسیم کند

و نماز جمعه و جماعات آنان را برپا دارد و از ستم ستمگران نسبت به مظلومان جلوگیری نماید و... گفتنی است که مردم دارای آرا و افکار و تمایلات مختلف اند. پس اگر حضرت حق زمامداری را که از ره آوردهای پیامبر پاسداری کند تعیین نمی فرمود, مردمان فاسد و تباه می شدند. آیین و سنت و احکام خداوندی تغییر می یافت و ایمان آنان متزلزل می شد و تمامی خلق به تباهی و ضلالت می افتادند» (بحارالانوار, چاپ جدید ۱۱۰ جلدی , ج ۶, ص ۶۰).

برای مطالعه و تحقیق بیشتر ر.ک :

۱- ولایت فقیه و جهاد اکبرامام خمینی

۲- ولایت فقیه از دیدگاه فقها و مراجع علی عطایی

۳- ولایت فقیه به زبان ساده شفیعی

۴- ولایت فقیه جوادی آملی

۵- حدود ولایت حاکم اسلامی احمد نراقی

۶- حکومت الهی و ولایت و زعامت مصطفی آیت اللهی

۷- ولایت فقیه و حاکمیت ملت طاهری خرم آبادی

۸- ولایت فقیه شهید هاشمی نژاد

۹- مجله حوزه شماره ۸۵ - ۸۶ بحثی درباره ولایت فقیه نجابت

۱۰- ولایت فقیه یا حکومت اسلامی در عصر غیبت محمد یزدی

۱۱- ولایت فقیه آیت الله معرفت

هر قیامی قبل از قائم باطل و هر بیعتی حیله و نیرنگ است. (امام باقر یا صادق(ع) / روزگار رهایی)

پرسش

هر قیامی قبل از قائم باطل و هر بیعتی حیله و نیرنگ است. (امام باقر یا صادق(ع) / روزگار رهایی)

پاسخ

تفسیر صحیح این روایت و روایاتی در ادامه سوالات بدانها اشاره کرده اید با چند مطلب چنین است:

۱- اگر روایات مذکور به معنای ظاهری آنها که برخی خیال کرده اند، گرفته شود، معنای آن و جوب سکوت در برابر همه ظلم ها و طاغوت ها و بی عدالتی ها است و این مخالفت نص صریح قرآن و روایات مکرر اهل بیت علیهم السلام است که اسلام دین عدالت است و مردم را به عدالت و زندگی عادلانه دعوت کرده و سکوت در برابر اهل ظلم و کفر را جایز ندانسته است. بنابراین قیام امام حسین علیه السلام تنها برای ایشان جایز بود و عملی نیست که بشود از آن پیروی کرد و کلام امام حسین علیه السلام خطاب به کوفیان که فرمود «فلکم فی اسوه» همانا من برای شما الگو هستم،(تحف العقول، ص۵۰۵) لغو می گردد و ما تنها موظفیم برای امام حسین عزاداری کنیم و پیروی از سنت و روش ایشان برای ما جایز نیست. ضمن اینکه قیام علیه طاغوت و ظلم مقدمه تشکیل حکومت عدل است و اگر ما پیش از ظهور دعوت به سکوت شده باشیم به آیاتی که دلالت بر جامعیت اسلام دارد (مائده، ۳۳-۳۸؛ نور، ۲؛ حجرات، ۹؛ انفال، ۳۹-۶۰) و همچنین روایات متعددی که بر این واقعیت دلالت دارند لغو می گردند. بنابراین معنای روایات چیز دیگری غیر از آن است که برخی از آنها با وجوب سکوت برداشت کرده اند.

پاسخی که می توان در تفسیر این روایات داد

چنین است:

الف- این روایات چنانچه از محتوا و علت هایی که در روایات آمده است روشن می شود، نظر به خلافت بنی امیه و بنی عباس و دیگر فتنه ها و مصیبت هایی که در آن زمان اتفاق می افتاده دارند.

ب- در آن زمان - و حتی زمان های بعدی - افرادی در مقابل حکومت های ظالم و باطل مردم را به اطاعت خویش فرا می خوانند، ائمه شیعیان را از پیوستن به این گروه نهی فرمودند تا به ظلم کمک نشود. امادر مقابل کسی که مردم را به اقامه حق و باز گرداندن حکومت به اهلش دعوت کند مورد حمایت ائمه بوده اند.

ج- بسیاری از روایات در قضایای مشخص و شخصی بیان شده است و فرد یا افراد خاصی را از قیام منع می کردند که نشان می دهد که در آن زمان خصوصیت و ویژگی اش بوده است که قیام آن افراد به ثمر نمی رسیده با این که قیام او دعوت به خود بوده نه حق. در مقابل دلیل عقلی و نقلی قائم است که قیام و تشکیل حکومت در هر زمانی مطلوب است.

روایتی که شما در این پرسش نقل کردید هم از همین دسته روایات است. زیرا در آن تأیید دارد که قیامها حیله و نیرنگ است و روشن است که پیوستن به چنین قیامی صحیح نیست و از آن نهی شده است. اما اگر قیام لله باشد آیا آن نیز نیرنگ و حیله است ؟ مسلما چنین نیست. (آقای منتظری ۱۷ روایت در نهی از قیام را بررسی کرده و به همه پاسخ داده اند. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی،

ترجمه: محمود صلواتی، ج۱ ص۳۳۳-۳۹۷)

۲- دلایل متعدد عقلی و نقلی بر این امر قائم است که لازم است در هر زمانی حکومت اسلامی تشکیل شود تا احکام اسلامی پیاده شود و مقدمه تشکیل حکومت قیام علیه ظلم و طاغوت است.

اما دلیل عقلی: احکام اسلام، برای یک زمانی خاص نیست. اسلام دین جهانی است که در همه زمان ها و مکان ها، برنامه برای هدایت و رستگاری و اقامه عدل دارد. در عین حال از ضروری ترین امور زندگانی بشر، وجود نظام اجتماعی و حکومتی است که پاسدار حقوق جامعه باشد. هیچ جامعه ای نمی تواند از تشکیل حکومت بی نیاز باشد. حال یا حکومت ظالمانه باشد یا عادلانه.

اما روشن است که حکومت عادلانه هدف اصلی زندگی بشری است و انسان ها باید تلاش کنند که حکومت عادلانه تشکیل دهند.

پس اولا: احکام اسلامی برای همه زمان ها و همه مکان هاست، حتی زمان غیبت نیز جاری و قابل اجرا است.

ثانیا: اسلام دارای احکام حکومتی است، چنانچه دارای احکام عبادی است و چنانچه لازم است احکام عبادی آن - چون نماز و روزه - پیاده شود و در هیچ زمان تعطیل نمی شود احکام حکومتی آن نیز در هیچ زمانی تعطیل بردار نیست.

ثالثا: در زمان حضور امام علیه السلام، احکام حکومتی را او اجرا می کند. اما در زمان غیبت کسانی که از جانب امام اجازه دارند باید جامعه را اداره کنند (مگر این که زمینه تشکیل حکومت موجود نباشد).

اما دلایل نقلی: روایات متعددی که فقها را بر مردم حاکم می داند و تشکیل حکومت بدون درگیری و قیام معنی ندارد. همچنین این روایات صفات ویژه ای

(چون عقـل و درایت، ایمان، عـدالت، علم و فقاهت، قـدرت و تـدبیر رهبری، آلوده نبودن به خصـلت های ناپسـند، مرد بودن، پاکزادی، ...) برای رهبر جامعه اسلامی و فقیهی که بنا است رهبری جامعه و قیام علیه طاغوت را بر عهده بگیرد بیان می فرماید تـا قیام وی بر اساس عـدل و داد باشـد نه حیله و نیرنگ دعوت به خود. ما چنـد روایت را که فقها را با عنوان حاکم معرفی می کند برای نمونه ذکر می کنیم:

۱) «... فـانی قـد جعلته علیکم حاکما» من او (فقیه) را بر شـما حاکم قرار دادم.(اصول کافی، ج۱ ص۶۷) این روایت که از امام صادق علیه السـلام است و به طور مطلق فقها را حاکم می داند و نصب عام امام برای همه زمانها جاری است. امام در ادامه می فرماید: پس آنگاه که به حکم ما حکم داد و از وی نپذیرفتند، بی گمان حکم خدا را سـبک شمرده اند و به ما پشت کرده اند و کسی که به ما پشت کند به خداوند پشت کرده و این در حد شرک به خداوند است.

و یکی از احکـام چنیـن فقیهی -هماننـد امـام خمینی- قیـام علیـه ظلـم و طـاغوت اسـت و بر طبـق ایـن روایت نمی تـوان از آن سرپیچی کرد. بنـابراین روایتی که شـما نقـل کردیـد اشاره به قیام برای خود و بر اساس حیله و نیرنگ است که شـرکت در آن حرام است، اما قیام بر پشت سر فقیه جامع الشرایط، عمل به دستور صریح امام است و شرکت در چنین قیامی واجب است.

۲) «ان المؤمنین الفقهاء حصون الاسلام کحصن سور المدینه لها» مؤمنان فقیه

دژهای اسلام هستند همانند دژ اطراف شهر برای شهر.(کافی، ج۱ ص۳۸) این روایت از امام کاظم علیه السلام است و آن را با روایت امام صادق علیه السلام از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یک جا بیاوریم معنائی که ما می خواهیم در می آید. زیرا بهترین مفسر کلام معصومان خود آنها هستند. «الفقهاء امناء الرسول ما لم یدخلوا فی دنیا. قیل یا رسول الله و ما دخلو هم فی الدنیا؟ قال اتباع السلطان، فاذا فعلوا ذلک فاحذروهم علی دینکم» فقها مادامی که در دنیا وارد نشده اند امین پیامبران هستند. پرسیده شد: ورود آنها به دنیا چگونه است؟ فرمود: با پیروی از سلطان، هر گاه اینگونه شدند از آنها نسبت به دینتان برحذر باشید.(کافی، ج۱ ص۴۶)

روشن است که عدم تبعیت از سلطان، در بسیاری از موارد موجب درگیری می شود و لازم است چنین فقیهی در مقابل زورگوئی های سلطان قیام کند، چنانکه در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده است.

احادیث از این دست بسیار است و نقل همه آنها ضروری نیست. گذشته از اینها روایات متعددی درباره آخر الزمان و علائم ظهور است که اشاره دارد پیش از قیام و ظهور مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، در ایران و بین حکومت های شیعی و مورد تأیید امام تشکیل می شود و در دنیای پر از ظلم و جور آن زمان، مردم را به حق و عدالت دعوت می کنند. در این روایات به قیام ایرانیان و حکومت آنها تأیید بسیاری شده است. آقای علی کورانی از علماء لبنانی مقیم ایران، روایات مربوطه را جمع آوری و دسته بندی کرده اند و

با توضیحاتی جامع درباره این روایات توضیح داده است. (کورانی علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ص ۲۱۷ – ۲۷۵، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم ۱۳۷۹، تهران).

پس نه تنها حکومت جمهوری اسلامی، مصداق روایاتی که نهی از قیام و احیانا تشکیل حکومت می کند نیست، بلکه به دلیل عقل و نقل مصداق واقعی حکومت زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است و همین امر نشان می دهد روایاتی که نهی از قیام می کنند بررسی دقیق تری شوند و درباره آنها بیشتر اندیشه شود. حداقل اینکه این روایات قیامهای برحق و مطابق برنامه ائمه را شامل نمی شوند.

آیا در روایات توصیه و سفارشی بوده است که در زمان غیبت کبری تشکیل حکومت اسلامی واجب است؟ آیا این روایات مستدل است؟

پرسش

آیا در روایات توصیه و سفارشی بوده است که در زمان غیبت کبری تشکیل حکومت اسلامی واجب است؟ آیا این روایات مستدل است؟

پاسخ

ضرورت وجود حکومت در هر جامعه ای، امری بدیهی است و همواه مورد تأیید مکاتب و اندیشه های گوناگون بوده است. پژوهش ها، نشان می دهد که تشکیل دولت و حکومت، همیشه و در همه شرایط، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

امام علی(ع) در سخن مشهور خویش این ضرورت را چنین گوشزد می فرماید: «لابد للناس من امیر برّ او فاجر...» ؛ «مردم ناگزیر نیازمند به امیر و حاکم اند؛ چه نیکوکار و چه زشتکار...»نهج البلاغه، خطبه ۴۰..

برای اثبات ضرورت تشکیل حکومت اسلامی نیز، به ادله متعدّد عقلی و آیات و روایات استناد شده است. اگر بخواهیم از منظر روایات این مسأله را بررسی کنیم، با دو دسته از روایات و احادیث رو به رو می شویم:

یکم. روایاتی که بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در هر زمان –اعم از عصر حضور معصوم(ع) و یا غیبت تأکید دارد. از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده است: «الواجب فی حکم الله و حکم الاسلام علی المسلمین بعد ما یموت امامهم او یقتل... ان لا یعملوا عملاً ولا یحدثوا حدثاً ولا یقوّموا یداً ولا رجلًا ولا یبدؤوا بشی ء قبل ان یختاروا لانفسهم اماماً عفیفاً عالماً ورعاً عارفاً بالقضاء والسنه یجمع امرهم و یأخذ للمظلوم من الظالم حقه و یحفظ اطرافهم و یجبی فیئهم و یقیم حجتهم و جمعتهم و...» ؛بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۱۹۶.

«یکی از واجبات بزرگ در احکام الهی و اسلامی بر مسلمانان این است که چون پیشوایشان در گذرد و یا کشته شود، پیش از هر کار امامی پاکدامن، عالم، پارسا و آگاه به احکام

قضایی و سنت پیامبر برگزینند تا جامعه را اداره کند و حق ستمدیده را از ستمگر بازستاند؛ مرزهای مسلمین را پاسداری کند؛ فی ء را گردآوری نماید؛ حج و نماز جمعه را برپا دارد و...».

بر این اساس امیرالمؤمنین(ع) برقراری حکومت عدل اسلامی و زمینه سازی جهت انتقال قدرت به امامی با کفایت را –که براساس هنجارهای دینی عمل کند از واجبات بزرگ دینی دانسته که بر هر کاری مقدم است.برای آگاهی بیشتر ر.ك: حسنی، عبدالمحمد، ولایت فقیه، صص ۳۷ ۴۶.

دوم. روایاتی که به صورت خاص، در مورد شرایط و ویژگی های حاکم اسلامی در زمان غیبت، صادر شده است.برای آگاهی بیشتر ر.ك: امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۸ – ۱۱۴. امام زمان(عج) در توقیع شریف می فرماید: «اما الحوادث الواقعه، فارجعوا الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله» ؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۶۷. «در حوادث و پیشامدهای اجتماعی به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدایم».جهت توضیح بیشتر ر.ك: بحث ادله نقلی ولایت فقیه و یا به کتاب: امام خمینی(ره)، ولایت فقیه، ص ۷۱.

این قبیل روایات، ضمن مسلّم دانستن ضرورت حکومت در اسلام، به بیان شرایط و ویژگی های حاکم اسلامی پرداخته است.

مجموع اینها دلالت بر لزوم قیام برای تشکیل حکومت دینی و لزوم پاسداری از آن دارد.

آیا این حدیث صحت دارد که زمان ظهور مهدی موعود حکومت ها همه ظالم هستند حتی مملکت ما باز هم پوزش می طلبم موفق باشین دوستدار همگی شما هادی

پرسش

آیا این حدیث صحت دارد که زمان ظهور مهدی موعود حکومت ها همه ظالم هستند حتی مملکت ما باز هم پوزش می طلبم موفق باشین دوستدار همگی شما هادی

پاسخ

آن چه در روایت ها در این باره آمده این است که در هنگامه و آستانه ظهور امام مهدی(عج) جهان آکنده از ظلم و جور است؛ «مُلِئَت ظُلماً وجَوراً»؛ از این تعبیر استفاده نمی شود که همه حکومت ها ظالم هستند بلکه تنها شیوع و گسترش ستم بدست می آید. از طرفی برخی روایت ها اشاره به وجود جمعیت های صالح و منتظران ظهور امام عصر(عج) در هنگامه پیش از ظهور دارند. در روایت هایی که از طریق شیه و سنی روایت شده است آمده است که مردمانی از مشرق قیام می کنند که مقدمه های قیام جهانی امام عصر(عج) را فراهم می سازند. حافظ ابوعبدالله گنجی شافعی از محدثان و عالمان به نام اهل سنت در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان که ویژه امام مهدی(عج) نگاشته است، بابی را مستقلاً به این مطلب اختصاص داده است: «الباب الخامس: فی ذکر نُصرهِ أهل الشرق للمهدی(عج)؛ باب پنجم: درباره یاری کردن مردمان شرق از مهدی(عج)».

در آن بـاب یکی از احـادیث چنین است: «مردمانی از شـرق بپا می خیزنـد پس زمینه (و مقـدمه) حکومت مهـدی را فراهم می کنند.»

در منابع روایی شیعی تعابیر زیادی از این دست دیده می شود. به نمونه هایی از آن توجه کنید:

۱. «شروع کار مهدی از جانب مشرق است.» (علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۲.)

۲. ابوخالـد کابلی از امام باقر(ع) نقل می کنـد: «گویی می نگرم مردمانی را از مشـرق زمین که حق جویند، آنها برای حق قیام می کنند اما پاسخی به

آنـان داده نمی شود؛ سپس دوبـاره بپـا می خیزنـد و باز پاسـخی به آنان داده نمی شود؛ چون چنین می شود به پیکار و مبارزه خونین بر می خیزنـد و این بار به حق خود می رسـند... اینان پرچمی حکومتی را که بـدست می آورنـد جز به صاحبش مهدی نمی دهند. کشتگان این قیام همگی شهید هستند.

اگر من زمـان آنـان را درک کنم خود را برای خـدمتِ مهـدی نگاه می دارم آماده می شوم ».(همان، ج ۵۱، ص ۹۳ و ج ۵۲، ص ۱۸۵.)

۳. در روایت هـای بسـیاری از علا‌یم ظهور، پرچم هـای سـیاهی است که از جـانب خراسـان می آیـد و مردمانی که همراه آن پرچم ها برای یاری امام مهـدی(عج) بپا خاسـته اند.(علاءالدین متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۱۴۷ تا ۱۵۲.)

در نتیجه دور نیست از روایت ها چنین اسـتفاده شود که پیش از ظهور، مردمانی در گوشه و کنار جهان از سـتم و ظلم به تنگ آمده و قیام خواهند کرد و حکومت آماده سازِ حکومت سراسری عدل فراهم خواهند ساخت.

باســمه تعالی ســلام علیکم با احترام به استحضار می رساند به تازگی بعضی ها شبهه ای را مطرح کرده اند و مطلب خود را به این گونه احادیث اســتناد می کنند و آن اینکه در حدیثی در ابتدای صحیفه سجادیه آمده است و در قسمت ۶۲ آن امام صادق فرموده اند : هر کس تا قیام قائم ما

پرسش

باسـمه تعالی سـلام علیکم با احترام به اسـتحضار می رساند به تازگی بعضـی ها شبهه ای را مطرح کرده اند و مطلب خود را به این گونه احادیث اسـتناد می کنند و آن اینکه در حدیثی در ابتدای صحیفه سجادیه آمده است و در قسمت ۶۲ آن امام صادق فرموده انـد : هر کس تـا قیـام قـائم مـا اگر قیـام نمایـد باطل است و در راه ما کشـته نشـده است . لـذا با این گونه احادیث می خواهند القا کنند که انقلاب ما و قیام مردم ما مردود است و شهدا نفعی از این کشته شدن ندارند و با

وضع فعلی جامعه و مسائل ومشکلات ایران به نتیجه می رسند که کار حضرت امام (قدس) و مردم باطل بوده و نباید قیام می کردند ! خواهشمند است جواب این سوال را به طور کامل بیان نموده و در رد این گونه احادیث و برداشتها نظر مراجع عظام را جویا بشوید . اگرچه می توان به این شبهه ها پاسخ مختصر و مفیدی داد اما می خواهیم جواب به صورت علمی و طلبه گونه باشد . باتشکر از شما ومن الله التوفیق

پاسخ

نخست باید دانست آمادگی مؤمنان راستین برای ظهور امام زمان(عج) منافات با فساد سراسری در آخر الزمان ندارد بلکه بر حسب روایات در آخر الزمان سراسر زمین را ظلم و ستم و فساد در بر می گیرد و در عین حال گروهی از شیعیان و مؤمنان چون کوهی استوار هستند که انتظار ظهور امام را می کشند تا در زیر پرچم ایشان عدالت و معنویت و صلاح در سراسر گیتی گسترش دهند.

علاوه بر این که لزوم تشکیل حکومت اسلامی امری مهم و آشکار است زیرا که بخش عظیمی از قوانین اسلامی، برنامه هایی سیاسی اجتماعی است که جز در سایه یک تشکیلات و حکومت قابل اجرا نیست. و چون این احکام دائمی است و در زمان غیبت هم لازم الاجرا است بنابراین هر گاه تشکیل حکومت امکان داشته باشد به عنوان مقدمه اجرای احکام الهی ، واجب است به آن اقدام گردد . (ر.ک به «حکومت اسلامی» از آثار امام خمینی)

ثانیا آنچه در روایات به عنوان نهی از قیام پیش از قیام حضرت مهدی(عج) آمده معنی و مفهوم خاصی دارد که

نیاز به تحقیق جامع دارد. روشن است که احادیث در هر موضوعی هم از حیث سند و راویان باید مورد بررسی قرار گیرند و هم از جهت محتوا و مضمون، در بحث قیام پیش از ظهور مهدی(عج) نیز چنین است . بسیاری از روایات این بخش غیر قابل اعتمادند و آنها که معتبرند تنها قیام هایی را مردود می شمارد که رهبر آن مدعی مهدویت باشد و به عنوان قائم آل محمد (ص) قیام کند (ر.ک. طاهری، حبیب الله ، سیمای آفتاب.) یا هدف غیر الهی داشته باشد یا بدون تهیه مقدمات و اسباب لازم و قبل از فرا رسیدن زمان مناسب اقدام شود. اما گر رهبر قیام نه به عنوان مهدویت و نه به منظور تأسیس حکومتی در برابر حاکمیت الله، بلکه به منظور دفاع از اسلام و قرآن و مبارزه با ظلم و استکبار و به قصد تأسیس حکومت اسلامی و اجرای کامل قوانین آسمانی قیام کرد و مقدمات نهضت را نیز پیش بینی نمود و مردم را به یاری طلبید، روایات مذکور چنین نهضت و انقلابی را مردود نمی شمارد و پرچم چنین نهضتی را پرچم طاغوت نمی شمارد. تأسیس چنین حکومتی به منظور حاکمیت الله و در مسیر حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) و زمینه ساز آن می باشد. بنابر این احادیث مذکور مخالف چنین قیام و نهضتی نخواهد بود. (ر.ک به دادگستر جهان نوشته ابراهیم امینی)

این احادیث(مخالف قیام) در شرائطی صادر شده است که عده ای از علویان و یا حتی از عباسیان ، برای مقابله با حکومت اموی و با استفاده از جهل مردم، خود را به عنوان مهدی موعود

که پیامبر(ص) وعده ظهور او را بشارت داده بود، قلمداد می کردند و از مردم برای خود بعنوان مهدی منتظر بیعت می گرفتند. در چنین اوضاعی ائمه(ع) با موضع گیری بجا جلوی سوء استفاده آنان را گرفتند . شاهد این قضیه این است که «مهدی عباسی» که یکی از خلفای ظالم عباسی است بهمین جهت لقب مهدی به خود داده و از مردم بیعت گرفت و نیز محمد بن عبدالله بن الحسن ــ معروف به نفس زکیه، به نام مهدی موعود برای خود از مردم بیعت می گرفت و حتی از امام صادق(ع) نیز خواست که بنام مهدی آل محمد (ص) با او بیعت کند و همراه او در جنگ با بنی امیه شرکت نماید! وقتی امام صادق(ع) حاضر به بیعت با این عنوان نشد «عبدالله» پدر محمد، سخت عصبانی شد و به حضرت، سخنانی ناروایی نیز گفت .(سیمای افتاب - ص ۱۴۲ ــ نوشته دکترحبیب الله طاهری «به نقل از ارشاد مفید ص ۲۶۰») و در این مناظره حضرت به عبدالله می فرماید: نه پسر تو آن مهدی موعود است و نه الان وقت قیام است و اگر می خواهید برای خدا غضب کرده و امر به معروف و نهی از منکر نمایید شما پدر محمد، شیخ ما هستی و بفرمایید رهبری قیام را بر عهده بگیرید ما نیز با شما بیعت می کنیم. (همان، ص ۱۴۳، به نقل از ارشاد مفید ص ۲۷۷) این روایت خود دلیل بر این است که از نظر ائمه هر قیامی محکوم نبوده بلکه امام(ع) برای شرکت در قیامی که برای امر به معروف و نهی از منکر باشد

اعلام همکاری نیز نموده است و این گونه قیام و انقلاب را امضا نموده و مشروع اعلام فرموده است. غالب روایات نهی از قیام که مخالفین به آن استناد نموده اند، از این نوع روایات و در چنین فضایی صادر شده است و منع از قیام مشروط و ناظر به افراد خاص است نه مطلق.

انقلاب اسلامی ایران نیز به رهبری فقیهی جامع شرایط و آگاه به شرایط زمان و مکان شکل گرفته است. رهبری که انگیزه الهی او و اخلاص او مورد اعتراف دوست و دشمن بود. همگان می دانستند که او جز برای اهداف الهی و اسلامی و اجرای قوانین الهی قیام نکرده و در راه نهضت نیز بر همه قوانین خدایی پایبند است. او در این مسیر پیوسته مورد تایید عالمان دینی و متفکران اسلامی شیعه و سنی بود و حتی علمایی که معتقد به تلاش برای تآسیس حکومت اسلامی نبودند نیز پس از تشکیل حکومت اسلامی تآیید و حمایت از حکومت اسلامی را لازم می دانند. تأییدات الهی همواره همراه این انقلاب بوده، از این رو در عرصه داخل و خارج به موفقیت های فراوان دست یافته است . بعضی ناکامی هایی که دیده می شود معلول کارشکنی ها و دشمنی های فراوان زورمداران شرق و غرب و مرتجعان منطقه بوده است. این انقلاب نقطه مقابل منافع شرق و غرب بوده و همیشه مورد هجوم دشمنان خدا و مسلمین بوده است و با این همه چون شجره ای طیبه و بارور ایستاده است و چون شمعی فراروی مسلمین عالم و آزادگان جهان است.

گذشته از اینها روایات متعددی درباره آخر الزمان و علائم

ظهور است که اشـاره دارد پیش از قیـام و ظهور مقـدس حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه، در ایران و بین حکومت های شیعی و مورد تأییـد امام تشـکیل می شود و در دنیای پر از ظلم و جور آن زمان، مردم را به حق و عـدالت دعوت می کنند. در این روایـات به قیـام ایرانیـان و حکومت آنهـا تأییـد بسیاری شـده است. آقای علی کورانی از علماء لبنانی مقیم ایران، روایات مربوطه را جمع آوری و دسته بندی کرده اند و با توضیحاتی جامع درباره این روایات توضیح داده است. (کورانی علی، عصر ظهـور، ترجمه عبـاس جلالـی، ص ۲۱۷ – ۲۷۵، شـرکت چـاپ و نشـر بین الملـل سازمـان تبلیغات اسـلامی، چاپ دوم ۱۳۷۹، تهران).

پس نه تنها حکومت جمهوری اسـلامی، مصداق روایاتی که نهی از قیام و احیانا تشکیل حکومت می کند نیست، بلکه به دلیل عقل و نقل مصداق واقعی حکومت زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است و همین امر نشان می دهـد روایـاتی که نهی از قیـام می کننـد بررسـی دقیق تری شونـد و دربـاره آنهـا بیشتر انـدیشه شود. حـداقل اینکه این روایات قیامهای برحق و مطابق برنامه ائمه را شامل نمی شوند.

تفسیر صحیح روایات باطل بودن قیام های قبل از ظهور چنین است:

۱- اگر روایـات مـذکور به معنای ظاهری آنها که برخی خیال کرده انـد، گرفته شود، معنای آن و جوب سـکوت در برابر همه ظلم هـا و طـاغوت ها و بی عـدالتی ها است و این مخالفت نص صـریح قرآن و روایات مکرر اهل بیت علیهم السـلام است که اسلام دین عدالت است و مردم را

به عدالت و زندگی عادلانه دعوت کرده و سکوت در برابر اهل ظلم و کفر را جایز ندانسته است. بنابراین قیام امام حسین علیه السلام تنها برای ایشان جایز بود و عملی نیست که بشود از آن پیروی کرد و کلام امام حسین علیه السلام خطاب به کوفیان که فرمود «فلکم فی اسوه» همانا من برای شما الگو هستم،(تحف العقول، ص۵۰۵) لغو می گردد و ما تنها موظفیم برای امام حسین عزاداری کنیم و پیروی از سنت و روش ایشان برای ما جایز نیست. ضمن اینکه قیام علیه طاغوت و ظلم مقدمه تشکیل حکومت عدل است و اگر ما پیش از ظهور دعوت به سکوت شده باشیم به آیاتی که دلالت بر جامعیت اسلام دارد (مائده، ۳۳-۳۸؛ نور، ۲؛ حجرات، ۹؛ انفال، ۳۹-۶۰) و همچنین روایات متعددی که بر این واقعیت دلالت دارند لغو می گردند. بنابراین معنای روایات غیر از آن است که برخی با وجوب سکوت برداشت کرده اند.

۲- امام علی(ع در وصف مردم در آخر الزمان می فرمایند: «... تضل فیها اقوام و یهتدی فیها اخری؛ در آن زمان گروههایی گمراه می شوند و گروهی دیگر بر هدایت ثابت قدم می مانند...»

بعد امام(ع) در وصف گروه هدایت شدگان می فرمایند: «اولئک خیار هذه الامه مع ابرار هذه العتره؛ آنها بهترین این امت هستند که با خوبان این خاندان (پیامبر اکرم(ص)) به سر می برند» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۸).

روایت شریف صریح است در این که مردم آخر الزمان دو گروه هستند گروهی به بیراهه گمراهی کشانده می شوند اما بهترین این امت در شاهراه خیر و صلاح و هدایت ثابت قدم می

مانند. در این دوران هر چه اهل باطل و شر و ستم در رفاه و آسایش هستند اهل حق در سختی به سر می برند زیرا حاکمیت با ظلم و ستم است و اهل حق در اقلیت به سر می برند.

۳- امام سجاد(ع) می فرمایند: «ان اهل زمان غیبته القائلین بامامته والمنتظرین لظهوره... الدعاه الی دین الله عزوجل سرا و جهرا» معتقدان به مهدی و منتظران ظهور او در عصر غیبت .... (دارای چنین صفاتی هستند که) در پنهان و آشکار مردم را به دین خدا فرا می خوانند. (کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۳۲۰)

۴- امام صادق(ع) می فرمایند: «... و رایت اصحاب الایات یحقرون و یحتقر من یحبهم» مردمان حق را می نگری که خوار شمرده می شوند و هر کس به آنها علاقه داشته باشد نیز کوچک شمرده می شود. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶)

برخورد امروز دولت مستکبر آمریکا و دنباله روان آن با مردم ایران و مسلمانان نمونه ای از تحقق این روایت است. آری در این زمان حفظ دین بسیار سخت است.

۵- پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «لاحدهم اشد بقیه علی دینه من خرط القتاد فی اللیله الظلماء او کالقابض علی جمر الغضاء» هر یک از آن (مؤمنان) دین خویش را به سختی نگاه می دارد چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می کند یا آتش پر دوام را در دست نگاه می دارد(همان، ص ۱۲۴).

آری حفظ و نگهداری دین، بسیار سخت است و به این دلیل است که انتظار فرج بهترین عبادت است.

۶- پیامبر اسلام(ص) می فرماید: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله

عز وجل» انتظار فرج از جانب خداوند متعال برترین عمل امت من است (همان، ص ۱۲۸).

۷- امام علی(ع) می فرماید: «المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله» منتظر امر ما، بسان کسی است که در راه خدا به خون خود غلطیده است (همان، ص ۱۲۳).

در چنین زمان پر فتنه ای است که به ما دستور داده اند که هوشیار باشیم و مواظب دین خود باشیم زیرا از هر طرف برای گمراهی ما تلاش می شود.

زور و زر و تزویر و تبلیغات و سیاست بازی ها و تهدیدها و هزار و یک اقدام دیگر در سر راه ماست تا ما را از دین حق جدا کند.

خلاصه کلام این که در برابر ظلم و فساد سراسری که جهان را پر کرده است گروهی مؤمن واقعی هستند که انتظار عدالت گستر را می کشند و زمینه ساز ظهورند.

«آنها پولاد دل اند و همه وجودشان را یقین به خدا پر کرده است. مردمانی سخت تر از صخره ها» (به نقل از امام صادق(ع) همان، ص ۳۰۸).

«آنها در حالی که پیامبر را ندیده اند و امامشان هم پنهان است به سبب یقین قلبی، دارای ایمانی مستحکم هستند» (از پیامبر اکرم(ص)، همان، ص ۱۲۵).

«آنها برادران پیامبر(ص) هستند که او را ندیده اند، اما به او ایمان دارند و او را از صمیم قلب دوست می دارند و با تمام وجود او و دین او را یاری می رسانند» (از پیامبر اکرم(ص)، همان، ص ۱۳۲).

«آری چنین مردمانی برترین مردم همه زمان ها هستند زیرا خداوند عقل ها و فهم ها و شناخت آنها را قوت بخشیده است به حدی که امام غائب

نزد آنها همچون امام حاضر است و به نهایت درجه اخلاص رسیده اند» (کمال الدین، ص ۳۲۰).

«چقدر مقام آنها بالاست که پاداش یک نفر این گروه همانند پاداش پنجاه صحابه پیامبر(ص) است که در رکاب آن حضرت در جنگ های بدر و احد و حنین جنگیده اند، زیرا سختی ها و آزار ها و رنج هایی که بر آنان وارد می شود، فوق طاقت اصحاب پیامبر(ص) است و اگر چنین رنج ها و آزارهایی به اصحاب پیامبر(ص) می رسید شکیبایی نمی داشتند» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰).

پس بکوشید جزء این گروه باشید تا نامتان را در فهرست یاران با اخلاص امام مهدی حضرت بقیه الله الاعظم(عج) ثبت کنند و جزء برادران ودوستان پیامبر بزرگوار اسلام(ص) و شهدا در رکابش شمرده شوید.

برای اطلاع بیشتر نگا: کورانی، علی؛ عصر ظهور؛ ترجمه عباس جلالی؛ شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی؛ تهران؛ چاپ دوم ۱۳۷۹ (همه کتاب خواندنی است اما بحث ایرانیان و نقش آنان در ظهور و زمینه سازی ظهور را در صفحات ۲۷۵ - ۲۱۱ مطالعه کنید)

آیا قیام قبل از ظهور حجّت صحیح است؟

پرسش

آیا قیام قبل از ظهور حجّت صحیح است؟

پاسخ

برخی معتقدند که قیام وانقلاب بر ضدّ هر حاکم ظالم وبی دین قبل از ظهور امام زمان (ع) حرام است. آنان به روایاتی در این باره استناد می کنند از قبیل آنکه امام صادق (ع) فرمود: "کلّ رایه ترفع قبل قیام القآئم فصاحبها طاغوت یعبد من دون اللّه عزّوجلّ"؛{پاورقی . کافی، ج ۸، ص ۲۹۵، ح ۴۵۲. پاورقی}

"هر پرچمی که قبل از قیام قائم بالا رود صاحب آن طاغوت بوده وغیر خداوند عزوجل را عبادت می کند."

در توجیه این روایات می گوییم:

۱ - این روایات با اصول کلّی شریعت ومبانی قطعی آن، که از جمله ادله امر به معروف ونهی از منکر وجهاد است منافات دارد، زیرا این سه، مراتبی دارد که یکی از آنها قیام است.

۲ - غالب روایات، مشکل سندی از قبیل ارسال وضعف راوی دارد. که در جای خود مورد بحث سندی وتضعیف قرار گرفته است.

۳ – از برخی روایات نیز استفاده می شود که امام درصدد خبر از غیب است به این معنا که امام می فرماید: این گونه انقلاب ها به پیروزی نهایی نمی رسد گر چه ممکن است آثار مثبتی بر آن مترتب شود، نه آنکه امام درصدد تخطئه اصل انقلاب باشد، آن گونه که در مورد قیام زید شهید ومختار فرمودند.

۴ – دعوت انقلابی وانقلاب کننده بر دو گونه است: یکی دعوت به حق که به هدف برپا داشتن حقّ وبازگرداندن زمام امور حکومت به دست اهل بیت: است که البته چنین حکومتی مورد تأیید امامان معصوم: است.

دیگری دعوت به باطل که به جهت مطرح کردن خود است. ومقصود از "کل رایه" گویا همین معنا است. بنابراین قیام هایی که

درصدد دفاع از حریم شریعت وامامت اهل بیت: است تخصصاً از این روایات خارج می باشد. ولذا هنگامی که درباره وظیفه شیعیان در مقابل قیام مختار از امام زین العابدین (ع) سؤال شد، حضرت فرمود: "لو أنّ عبداً زنجیّاً تعصّب لنا أهل البیت، لوجب علی الناس مؤازرته"؛ "هرگاه برده ای زنگی {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۳۶۵. پاورقی}

برای یاری ما، پیشانی بند به به پیشانی بست -کنایه از اینکه قیام کرد- بر مردم کمک ویاری او واجب است."

امام صادق (ع) فرمود: "یخرج القائم حتی یخرج اثنا عشر من بنی هاشم کلهم یدعو إلی نفسه"؛ "قائم خروج نخواهد کرد تا آنکه قبل از آن دوازده نفر از بنی هاشم خروج کنند {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۴۳۷. پاورقی}

وهمه آنها مردم را به خود دعوت می کنند."

موضوع: سرداب مقدّس

نیابت

مدعیان دروغین

اگر کسی توفیق پیدا کند برخوردی با امام زمان (ع) داشته باشد چه ایشان را ببیند یا صدای آقا را بشنود و در تشخیص خویش مطمئن باشد سپس این واقعه را به دیگران بگوید آیا می توان گفت بر اساس حدیث "من ادعی المشاهده فهو کاذب مفتر" دروغگو است؟ لطف کنید حدیث را بشکافی

پرسش

اگر کسی توفیق پیدا کند برخوردی با امام زمان (ع) داشته باشد چه ایشان را ببیند یا صدای آقا را بشنود و در تشخیص خویش مطمئن باشد سپس این واقعه را به دیگران بگوید آیا می توان گفت بر اساس حدیث "من ادعی المشاهده فهو کاذب مفتر" دروغگو است؟ لطف کنید حدیث را بشکافید تا شبهه ها برطرف شود.

پاسخ

غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو دوره اول و دوم یا صغری و کبری تقسیم شده است. شکی نیست که تشرف به خدمت حضرت بقیه الله (ع) در دوره اول ممکن بود و بسیار واقع شد تا اطمینان حاصل شود. از آغاز بین روزهای این دوره، آن حضرت نمایندگان ویژه ای میان شیعیان داشت که به "نواب اربعه" معروفند. شیعیان از طریق نواب می توانستند (به صورت مستقیم یا غیر مستقیم) شرفیاب حضور آن کعبه دل ها شوند و برای سؤالات خویش پاسخ دریافت کنند. ابتدا عثمان بن سعید، بعد محمد بن عثمان، سپس ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی مقام نیابت خاص آن حضرت را در این دوره به عهده داشتند و روابط میان مردم و امام زمان (ع) بودند. چهارمین و آخرین سفیر آن حضرت علی بن محمد سمری بود.

نیـابت خـاص، مقـام مقـدس و والا ـیی است. مردم در امور دینی – و بلکه غیر آن – هر آن چه را که از نواب می دیدنـد و می شنیدند، به عنوان پیام امام زمان (ع) یا مورد تأیید آن حضرت و فرمان الهی تلقی می کردند.

این امر بسـیاری از بیمار دلان قدرت گرا و ریاست طلب را به طمع واداشت و افرادی همانند شـلمعانی و حسن شـریعی، محمد بن نصیر

نمیری، احمد بن هلال کرخی، محمد بن علی بن بلال و حسین بن منصور حلاج، به دروغ ادعای نیابت خاص نمودند تا بلکه بتوانند هوس قدرت طلبی خویش را ارضا نمایند و در نتیجه مورد لعن و نفرین مکرر حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفدا قرار گرفتند.

نظر انجمن حجتیه و شاخه های آن را بیان کرده و آیا همه افکار آنها قابل رد است؟

پرسش

نظر انجمن حجتیه و شاخه های آن را بیان کرده و آیا همه افکار آنها قابل رد است؟

پاسخ

روشنفکران غرب زده از دوره های گذشته انجمن های گوناگونی برای رخنه در مراکز دینی، روحانی، پدیدآوردن کژراهه در آیین اسلام و تک بعدی کردن آن تشکیل داده بودند. یکی از این انجمن ها، انجمن حجتیه نام داشت و مهم ترین مأموریت آن دور نگه داشتن مسلمانان از فعّالیّت های اجتماعی و جا انداختن تز استعماری »جدایی دین از سیاست« بود.

در سال ۱۳۲۵ شیخ محمود تولایی معروف به حلبی که از اعضای انجمن تبلیغات اسلامی بود مأموریت یافت تا درباره فرقه ضالّه بهائیت تحقیق کند. بعدها در سال ۱۳۳۵ از انجمن تبلیغات اسلامی جدا شده و گروه جدیدی به نام »انجمن خیریه حجتیه مهدویه« را بنا نهاد که به اختصار »انجمن حجتیه« نامیده می شود. مؤسسین این انجمن عبارت بودند از:

۱ - شیخ محمود تولایی معروف به حلبی ۲ - سید رضا آل رسول ۳ - سید محمد حسین عصار ۴ - سید حسین سجادی ۵ - غلام حسین حاج محمد تقی تاجر

{P - رویدادها و تحلیل، شماره پنجاه و هفت، (مرداد۱۳۶۷)، ص ۳۸. P}

شیخ محمود حلبی به دلیل کهولت سن، سید حسن افتخارزاده را به سمت قائم مقام انجمن برگزید. وی در انجمن شاهنشاهی فلسفه زیر نظر فرح پهلوی مشغول به خدمت بود. یکی دیگر از سران انجمن حجتیه به نام سید حسن سجادی با ساواک در ارتباط بود.

انجمن ها پیش از کشاندن جوان ها به درون تشکیلات روی اندیشه آنها کار می کردند و می کوشیدند که نخست آنها را از هر گونه فعّالیّت های سیاسی بیزار و نسبت به آن بی تفاوت کنند و اساساً حرکت های سیاسی

را بیهوده جلوه دهند و سپس آنها را نسبت به علما و روحانیون بدبین و بی ارادت سازند.

سردمداران انجمن حجتیه در راستای پیاده کردن تز »اسلام منهای روحانیت« پیوسته تلاش می کردند که عالمان آگاه و وارسته را از عضویت و دخالت در تشکیلات انجمن بازدارند. از این رو افراد وابسته به خود رااز هرگونه ارتباط با روحانیون بر حذر می داشتند و تنها برای کشاندن نسل جوان و نوجوان مسلمان به درون انجمن چند تن عمامه به سر در کادر خود تربیت کرده بودند واز وجود آنان برای فریب جوانان مسلمان بهره می گرفتند.

{P - پانزره خرداد، شماره چهارم، (بهار ۱۳۷۳)، ص ۲۰ و ۲۳. P}

»عباد صالح« از گروه های منشعب از انجمن حجتیه بود که مسؤلیت آن را شخصی به نام طیّب بر عهده داشت وی تا قبل از این، مسؤولیت کنفرانس های انجمن حجتیه را دارا بود.

حضرت امام خمینی(ره) در پیامی چهره واقعی این انجمن و فعّالیّت های آن را برای مردم چنین بیان کرد:

»دیروز مقدس نماهای بی شعور می گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می گویند مسؤولین نظام کمونیست شده اند تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان مفید و راه گشا می دانستند. امروز از این که در گوشه ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسؤولین

نیست رخ می دهد، فریاد وا اسفاها سر می دهند. دیروز حجتیه ای ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تر از انقلابیون شده اند. ولایتی های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و

مسلمین را ریخته اند و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسّب و تعیّش نبوده است امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند.«

{P - صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۳. P}

برخی از نظریات و افکار انجمن حجتیه عبارتند از:

۱ - دین از سیاست جداست ۲ - اسلام تنها دین عبادت است ۳ - دخالت در سیاست زیبنده پیشوایان دینی نیست.

نظر شما در مورد انجمن حجتی چیست؟ آیا این گروه با گروه فرقان فرق می کند؟

پرسش

نظر شما در مورد انجمن حجتی چیست؟ آیا این گروه با گروه فرقان فرق می کند؟

پاسخ

انجمن حجتیه، افرادی هستند که معتقدند، باید دنیا را فساد بگیرد تا امام زمان"ع" ظهور نمایند. لذا امر به معروف و نهی از منکر را ترک نموده و مردم را از اعمال فساد و گناه نهی نمی کنند. هنوز هم وجود دارند و چند وقت پیش سران آنان دستگیر و محاکمه شدند.

اما گروه فرقان، گروهی بودند که قبل از انقلاب شکل گرفت و تفکر اینها این بود که باید قرآن و فرهنگ اسلامی را با محتوای مادی بیان کنیم و شروع به تفسیر مادی از قرآن کردند و بیان کردند تمام انقلابات انبیاء انقلاب شکم و ناشی از محرومیت و موضع طبقاتی بود. و این گروه با انجمن حجتی متفاوت بودند. و خیلی از بزرگان خطر گروه فرقان را بیشتر از انجمن حجتیه می دانستند و برای آن مبارزه می کردند. و جواب این بزرگان گلوله از طرف گروه فرقان بود از آن جمله استاد مطهری، شهید مفتح و ...

به مقدمه کتاب علل گرایش به مادیگری استاد شهید مطهری مراجعه شود.

اهداف انجمن حجتیه چه بود ؟

پرسش

اهداف انجمن حجتیه چه بود ؟

پاسخ

انجمن حجتیه سال ها پیش از انقلاب اسلامی توسط آقای حلبی درخراسان جهت مبارزه با بهائیت پایه گذاری و سپس در سراسر کشور گسترش یافت در آغاز برخی از علما آن را تأیید نمودند ولی چون بعدا روند آن راپشت کردن به حرکت های انقلابی یافتند گروهی از آنان به مخالفت برخاسته وموضع گیری های حضرت امام «ره تعطیلی انجمن توسط آقای حلبی اعلام گردید.

با توجه به حدیث تکذیب ملاقات کنندگان امام زمان (عج) چرا بعضی ادعای رویت حضرت را می نمایند؟

پرسش

با توجه به حدیث تکذیب ملاقات کنندگان امام زمان (عج) چرا بعضی ادعای رویت حضرت را می نمایند؟

پاسخ

مسلما در زمان غیبت، افرادی در خواب و بیداری خدمت امام عصر(عج) رسیده اند. آنچه که در حدیث یاد شدهدر مورد تکذیب ادعای مشاهده آمده است، در مورد کسانی است که مدعی نیابت خاص و ارتباط با آن حضرت اند؛یعنی، کسانی که با این کار برای خود دکانی درست کرده و مردم را به انحراف می کشانند. چنان که فرقه های گمراهبهائیت، وهابیت از همین راه استفاده کرده و فتنه ای برای عالم اسلام فراهم ساخته اند.{

در عصر غیبت می توان از خطر سامریان سخن راند؟

پرسش

در عصر غیبت می توان از خطر سامریان سخن راند؟

پاسخ

فرمود: «در حقیقت، ما قوم تو را پس از {عزیمت} تو آزمودیم و سامری آن ها را گمراه ساخت» پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قومش باز گشت]و [گفت: «ای قوم من، آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو نداد؟ آیا این مدّت بر شما طولانی می نمود یا خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید.»{(۱)M)

انحراف مردم پس از هدایت، از مهم ترین آفات و خطرهای ملّت ها به شمار می آید. هنگامی که موسی با گروهی از نخبگان

به میقات طور رفت و چهل روز از قومش غایب گردید، ظاهربینان و سطحی نگران بنی اسرائیل، راه سامری پیش گرفتند و به سادگی به پرستش گوساله طلایی وی روی آوردند. موسی، پس از بازگشت با آفت جدید ایمان و توحید مردم به مبارزه پرداخت. وی با استدلال و توجّه دادن مردم به فطرت توحیدی و نیز برخورد قهرآمیز در محو آثار شرک کوشید. غیبت موسی)ع(امتحانی الاهی برای بنی اسرائیل بود. آنان که در انتظار بازگشت موسی به سر می بردند و انتظارشان آگاهانه و بر مبنای آموزه های الاهی بود، هرگز در برابر دسیسه های شیطانی سامری فریب نخوردند.

مطالعه تاریخ ادیان بیانگر این واقعیت است که غیبت همواره زمینه ظهور سامریان فرصت طلب و انحراف مؤمنان را فراهم می آورد. در این موقعیت، تنها کسانی قافله اندیشه و دین خویش را به مقصد می رسانند، که انتظار را بر مبنای کتاب آسمانی و آموزه های پیامبر خویش تفسیر و تحلیل کنند. رمز این که در چهارده قرن گذشته، عوامل گوناگون در ایمان شیعیان خلل پدید نیاورده است،

تفسیر انتظار بر اساس «قرآن» و «عترت» است.

امروز نیز انتظار، چون گذشته، نسخه بدل های فراوان، مشابه و گمراه کننده دارد. معنای واقعی انتظار تنها به یاری توسل به وجود مقدس حجه بن الحسن)ع(و تأسی به سیره عالمان و روشنفکران متعهد و دلسوز مکتب تشیع درک می شود.

انتظار صحیح، حماسه تبر ابراهیم و ذوالفقار علی)ع(است نه سستی و خمودگی. انتظار تفسیر خون نامه نینوا و ضمانت نامه پیروزی هابیلیان است. انتظار دریچه ای به بستان ملکوت و بهانه ای برای تپیدن قلب تاریخ است. انتظار کشتی ای مطمئن دردریای شهوات و هواهای نفسانی است.

انتظار چکامه شورانگیز یکتاپرستی است. هر کس مفهوم «انتظار» را خارج از «دایره توحید» و وظایف «منتظر» را برون از دایره «شرع مقدس» معنا و تفسیر کند، سامری و بدعت گذار است. بدین سبب، وجود مقدس پیامبر اسلام فرمود: «أفضل اعمال أمتی انتظار الفرج» .

..................(منابع)..................

۱) سوره طه، آیات ۸۶ – ۸۵.

چه کسانی ادعای مهدویت کرده یا در حقّ آنها ادّعای مهدویت شده است؟

پرسش

چه کسانی ادعای مهدویت کرده یا در حقّ آنها ادّعای مهدویت شده است؟

پاسخ

این گونه افراد در طول تاریخ اسلام بسیار بوده اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱ – محمّد بن حنفیّه؛ که مختار در حق او ادعای مهدویت کرد.{پاورقی . وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۲. پاورقی}

۲ – موسی بن طلحه؛ که مردم در حق او ادعای مهدویت کردند.{پاورقی . طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۱۶۲. پاورقی}

۳ – ابوهاشم بن محمّد بن حنفیه؛ که گروهی معتقد به مهدویت او بودند.{پاورقی . فرق الشیعه، ص ۳۱. پاورقی}

۴ – عمر بن عبدالعزیز.{پاورقی . البدایه والنهایه، ج ۹، ص ۲۲۵. پاورقی}

۵ – عبداللّه بن معاویه بن عبداللّه بن جعفر.{پاورقی . الفِصَل، ج ۴، ص ۳۶. پاورقی}

۶ – اسماعیل فرزند امام صادق (ع)؛ گروهی مرگ او را انکار کرده وقائل به مهدویت او شدند.{پاورقی . همان. پاورقی}

۷ – محمّد بن عبداللّه بن حسن؛ او در سال صد هجری ادعای مهدویت نمود. بزرگان خط اعتزال مردم را به بیعت با او دعوت می نمودند. ابوالفرج اصفهانی {پاورقی . کافی، ج ۵، ص ۲۳، ح ۱. پاورقی}

می گوید: "کسی شک نداشت که او مهدی است، وحتّی گروهی از بنی هاشم نیز با او بیعت کردند".{پاورقی . مقاتل الطالبیین، ص ۱۵۸. پاورقی}

۸ – مهدی عباسی؛ منصور عباسی لقب فرزندش را مهدی گذاشت تا مردم را از این طریق اغفال کرده وبه اعتقاد مهدویت با او بیعت کنند.{پاورقی . همان، ص ۱۶۲. پاورقی}

چه عواملی باعث شد برخی ادعای سفارت دروغین از طرف حضرت نمایند؟

پرسش

چه عواملی باعث شد برخی ادعای سفارت دروغین از طرف حضرت نمایند؟

پاسخ

هنوز مدّتی از عهد سفارت ناحیه مقدسه نگذشته بود که این دستگاه مقدس مبتلا به مصیبت مدعیان دروغین سفارت گشت. آنان از این ادعای دروغین خود اهدافی را دنبال می نمودند که عبارت بود از:

۱ – از آنجا که ایمان ضعیفی داشتند با این ادعا درصدد انحراف مردم وجامعه شیعی بودند.

۲ – طمع به دست آوردن اموال مردم وحقوق شرعیه، زیرا از آنجا که امام زمان (ع) در غیبت به سر می بردند اینها می توانستند در اموال تصرّف نمایند.

۳ – گسترش موقعیت خود در جامعه، زیرا با این ادعا وانتساب خود به امام مهدی (ع) درصدد گسترش شهرت خود برمی آمدند.

مدعیان دروغین سفارت چه کسانی بوده اند؟

پرسش

مدعیان دروغین سفارت چه کسانی بوده اند؟

پاسخ

شروع تزویر در امر سفارت به عصر سفیر دوّم محمّد بن عثمان عَمْری باز می گردد؛ زیرا پدر او عثمان بن سعید به قدری معروف بود که هیچ کس جرأت معارضه با او را نداشت.

اول کسی که ادعای سفارت دروغین نمود ابومحمّد شریعی بود. وبعد از او {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷. پاورقی}

محمدبن نصیر نمیری واحمد بن هلال کرخی وابوطاهر محمد بن علی بن بلال {پاورقی . همان، ص ۳۶۷. پاورقی}

{پاورقی . همان، ص ۳۶۸. پاورقی}

بلالی وابوبکر محمّد بن احمد بن عثمان بغدادی واسحاق احمر ومردی معروف {پاورقی . همان، ص ۳۶۹. پاورقی}

{پاورقی . همان، ص ۳۰۱. پاورقی}

به باقطانی.

{پاورقی . همان. پاورقی}

برخی از آنان در ابتدا از مردان صالح بودند ولی به جهات مختلف راه انحراف را پیشه نمودند. سفیر دوم با تمام قدرت به مقابله با آنها پرداخت، ونیز از ناحیه مقدسه توقیعات وبیانات شدید در لعن وتبری از آنان صادر شد که دلالت بر دروغگویی وسوء باطن آنان داشت.

در زمان سفارت حسین بن روح -سفیر سوم- مصیبت در این زمینه بیشتر شد، زیرا شخصی به نام محمّد بن علی شلمغانی غزافری ادعای سفارت نمود وبیشترین تأثیر را در انحراف جامعه به جای گذاشت. او گر چه در ابتدای امر، مردی مؤمن به {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۰۳. پاورقی}

نظر می رسید ووکیل حسین بن روح بود، ولی عاقبت به انحراف کشیده شد. آخرین کسی که ادعای دروغین سفارت داشت ابودلف کاتب بود که بر این ادعای خود تا بعد از وفات سمری -سفیر چهارم- باقی بود.

وظیفه ما نسبت به کسانی که مدّعی دائمی یا غالبی رؤیتند چیست؟

پرسش

وظیفه ما نسبت به کسانی که مدّعی دائمی یا غالبی رؤیتند چیست؟

پاسخ

درباره سؤال فوق می گوییم:

اولاً: مسأله رؤیت این طور نیست که به اختیار انسان باشد وهر گاه که اراده ملاقات کند برای او حاصل گردد، بلکه وابسته به یک سری شرایط ومصالح خاصّی است که اگر آماده شود حضرت مقدّمات ملاقات را فراهم می سازد.

ثانیاً: اگر کسی مدّعی ملاقات دائمی است واین گونه خود را وانمود می کند که دائماً با حضرت ارتباط دارد وهر گاه که اراده کند می تواند خدمت حضرت ...Ṣjə وواسطه بین مردم وایشان باشد، او مطابق توقیعی که حضرت به علی بن محمّد سمری داشته اند کذّاب است. ولذا باید او را تکذیب کرد.

ثالثاً: باید مدّعی ملاقات را امتحان وآزمایش کرد،آیا از حیث عمل به موازین اسلامی پایبند است؟آیا هدفش ریا وجذب مردم وانحراف در جامعه نیست؟ و... ؛ زیرا برای ملاقات خوبان باید در ابتدا انسان خود با آنان سنخیّت پیدا کند.

گروه حجتیه رابرای ما تعریف کنید؟ چه عقائدی دارند، برحقند یاخیر،آیا در مشهد هم فعالیت دارند .ازکجا شروع به فعالیت کرده اند ؟

پرسش

گروه حجتیه رابرای ما تعریف کنید؟ چه عقائدی دارند، برحقند یاخیر،آیا در مشهد هم فعالیت دارند .ازکجا شروع به فعالیت کرده اند ؟

پاسخ

انجمن حجتیه به عنوان یکی از جریانهای ایستای مذهبی درخنثی سازی و سیاست گریزنمودن قشرمذهبی، خصوصاً نسل جوان، نقش موثری را ایفا نموده است .

انجمن حجتیه پس ازرکود چند ساله، از سال ۱۳۷۶ فعال شده تشکیلات خودرا دنبال نموده وعناصر وابسته به این فرقه در تهران وشهرستانها با پوشش هیأت های مذهبی و جلسات تفسیر قرآن مشغول فعالیت شده و توانسته اند افرادی از قشر جوان را جذب نمایند .

تاریخچه

الف) قبل ازانقلاب :

این انجمن بانام "انجمن خیریه حجتیه مهدویه" پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با رهبری محمد ذاکر تولایی(معروف به

حلبی) بـا هـدف مقـابله بـا بهـائیت تأسـیس شـد.لیکن درمبـارزه بـا بهائیت، هیـچ گاه اساس بهائیت (صـهیونیسم) و رؤوس آن درایران(هویـداها، هژبریزدانی هـا و رژیم بهـائی پرورشاهنشـاهی) را مـد نظر قرارنـداده، بلکه درمحیط اختناق رژیم شاهنشاهی درکمال آزادی، جلسات منظمی را درییلاق ها وباغ های بزرگ با صـرف هزینه های سـنگین برگزار می کردنـد. از افتخارات این انجمن در قبل از انقلاب عدم شرکت اعضایش در قضایای ۱۵ خرداد بود.

این جریان با پوشـش آماده نمودن شرایط برای ظهور حضرت حجت (عج) معتقد به اشاعه فساد بوده وبه این دلیل که برقراری حکومت ا سلامی مانع ظهور امام زمان (عج) می باشد، از هیچ مخالفتی با نظام اسلامی دریغ نکرد.

انجمن حجتیه به منظور ایجاد انحراف درنهضت اسـلامی، نظرات فقهی حضرت امام خمینی(قدس سره) را زیر سوال می برند واز هیچ تهمت و شایعه ای برای مخدوش نمودن افکار و اندیشه های امام عظیم الشأن

(قدس سره) دریغ نکردند. ب) پس از انقلاب :

درابتدای انقلاب با سوء استفاده از فضای باز به وجود آمده وبا پوشش دفاع از اسلام فقاهتی، به جنگ با ولایت فقیه برخاستند. پس از سخنرانی امام راحل درسال ۱۳۶۲ عده ای از اعضاء این جریان متوجه انحرافات خود شده واز انجمن جدا شدند .

حضرت امام خمینی (قدس سره) درخصوص انجمن حجتیه فرمودند :

یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید مصیبت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید حضرت صاحب مگربرای چی می آید ...این اعوجاجات را بردارید، این دسته بندی ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید بردارید وبرای خاطر کشورتان اگر ملی هستید، این دسته بندی ها را بردارید، دراین موجی که الان ملت رابه پیش می برد دراین موج خودتان را وارد کنید وبرخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست ."۱"

انجمن حجتیه علی رغم ادعای برکناری از سیاست، دقیقاً ریشه های سیاسی دارد واگر نگوئیم مؤسسین آن خود با جریانات سیاسی بیگانه پیوند داشته اند وعلت حدوث این جریان، استعمار بوده است ، اما یقیناً درایام پس ا زتأسیس به واسطه بعضی ا زافراد، انجمن به جریانات سیاسی پیوند خورد وگردانندگان ومدیران انجمن نیزاز این مسئله بی اطلاع نبوده اند چرا که کیفیت رابطه ودرهای باز انجمن به روی ساواک، به گونه ای بودکه ایجاد عوامل نفوذی به صورت علنی درآن سهل الوصول بوده است.

بنابراین مهم نیست که ایادی اجنبی در تکوین انجمن دخیل بوده اند یا نه، بلکه مهمتر آن است که مسلماً دشمنان اسلام از حیات و فعالیت های این انجمن، حظ لازم را برده و

می بردند.

مواضع انجمن حجتیه

الف) مخالفت با تشکیل حکومت ا سلامی :

از مواضع انجمن، می توان به مخالفت با تشکیل حکومت اسلامی خصوصاً بعد از انقلاب اشاره نمود. حضرت امیرالمومنین (ع) درباره نفس حکومت وفرماندهی به ابن عباس می فرماید :

فرماندهی به شما نزدمن از این کفش مندرس و پاره هم کم ارزش تراست مگر اینکه بوسیله فرماندهی و حکومت به شما، بتوانم حق را برقرار سازم و باطل را از میان بردارم.

حضرت امام خمینی(قدس سره) درباب حکومت می فرمایند :

لازم است که فقها اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود وثغور نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند . این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد واجب عینی است و گرنه واجب کفائی است .

بنابراین لازمه زمامداری، عصمت نیست بلکه شرط عدالت لازم است. انجمن معتقد است که استرداد حق مظلوم را باید به ظهور امام زمان (عج) واگذار نمود.لذا طبیعی است که براساس این عقیده امرتشکیل حکومت به خودی خود منتفی می گردد وبرپایی حکومت به منظور استرداد حق بی مورد شناخته می شود .

ب) عدم اعتقاد به ولایت فقیه :

ولایت فقیه جزء لاینفک حکومت ا سلامی است واصولاً مشروعیت حکومت بسته به حضور فقیه جامع الشرایط در رأس امور است، تا ناظر بر اجرای احکام اسلام به طرز صحیح باشد. با ظهور انقلاب وبرقراری نظام اسلامی درایران اصل ولایت فقیه به عنوان یکی از ارکان نظام به تصویب مجلس خبرگان قانون اساسی رسید.اما انجمن حجتیه قائل به ولایت عامه مراجع درمقابل ولایت فقیه است. به عبارت دیگر با تعمیم ولایت می خواهند که همه مجتهدین ولایت داشته باشند ودر بین آنها یک نفر به

عنوان فقیه اعلم شناخته شود ولی جایگاه فقیه اعلم درراس کلیه قوای حکومتی نیست . انجمن با جدا کردن رهبریت از مرجعیت که ناشی از جدا کردن دین از سیاست است هم تقلید خویش از مراجع خاص و هم عملکرد خود را توجیه می نماید .

ج) مهدویت وانتظار :

رهبر ومؤسس انجمن حجتیه درجلسه درس و سخنرانی خود چنین گفته است :

الان هم می گویی حکومت ا سلامی خوب است، شما آن مصداق حاÙŠاسلامی را نشان بدهید، آنی که معصوم از خطا باشد را نشان بدهید، آنی که هوی و هوس و حب ریاست و شهرت و غضب و تمایلات نفسی به هیچ وجه در او اثرنکند، نشان بدهید ، او بیاید توی میدان جلو بیافتد، ...ěĘم...افتد به خاک پایش، تمام مردم قربان خاک پایش می شوند .

بدین ترتیب اعضای انجمن برای توجیه رخوت و سازش کاری وتنبلی خود، قیام برای تشکیل حکومت شرعی را نفی می نمایند . نگرش انجمن در باب انتظار مبتنی است برنگرش عامه (باید امام زمان بیاید اشکالات رابرطرف کند وتا آن حضرت نیاید هیچ کاری انجام نمی گیرد ...)می باشد وسعی کرده اند این مسئله را به شکل استدلالی مدون نمایند .

د) انجمن ومخالفت با فلسفه و فلاسفه :

موضع ضد فلسفی انجمن حجتیه و سرپرست و شاخص فکری آن زبانزد خاص و عام است .انجمن، فلسفه و ترجمه فلسفه یونان به زبان عربی را برای نخستین بار، از طرح های استعمار می پندارد. لذا بدیهی است که این گروه با فلاسفه اسلامی از ابوعلی سینا گرفته تا ملاصدرا، میرداماد وعالم ربانی حضرت امام خمینی (قدس سره) نیز به شدت مخالف می

باشند . ریشه و سرمنشاء انکار فلسفی و ضدیت غلیظ با آن، به پیدایش اخباریگری درچهار قرن پیش برمی گردد. اینان منکر حجیت عقل شدند وگفتند هر چه مورد نیاز عوام باشد دراحادیث و قرآن وجود دارد وهمه می توانند مستقیماً به احادیث وجوع کرده وحکم مستند خود را بفهمند وبه هر آنچه که ظاهر حدیث حکم می کند عمل کنند .

ه) جدایی دیانت از سیاست :

دراساسنامه ای که مبنای خط مشی انجمن می باشد آماده است که، انجمن به هیچ وجه درامور سیاسی مداخله نخواهد داشت ومسئولیت هر نوع دخالت درمسائل سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن، برعهده خود آنان خواهدبود.

حضرت امام(قدس سره) دربیانی شیوا فرموده اند که :

جدا کردن سیاست ا زدین قیام برضد اسلام است"۲"

همچنین امام عظیم الشأن درجای دیگر فرموده اندکه :

ما مکلفیم به این که درامور دخالت کنیم ، ما مکلفیم درامور سیاسی دخالت کنیم، همان طور که پیغمبر (ص) دخالت می کرد."۳"

براین اساس به نظرمی رسد دو جریان متفاوت، با ظاهر اسلامی، از دو جهت تفکر اسلام ناب محمدی (ص) را مورد تهاجم قرارداده است. یکی جریان تحجر ودیگری جریان روشنفکری شبه مذهبی التقاطی، که در حقیقت هر دوجریان ریشه استعماری دارند.

بنابراین دشمنان انقلاب اسلامی همچنان که در استحاله فرهنگی، فرهنگ و ارزشهای اسلامی و به تعبیر صحیح تر ایمان مردمرا نشانه گرفته اند، در استحاله سیاسی مبتنی بر دین وولایت فقیه را مورد تعرض خود قرارداده اند .

(۱) سخنرانی حضرت امام خمینی(قدس سره)درسال ۱۳۶۲

(۲) کلمات قصار، پندها و حکمت ها

صحیفه نور ج۱۵، ص ۶۰

در موردگروه حجتیه اطلاعات کاملی می خواهم خواهشمندم اگر می شود نام سردمداران آنها را قید کنید ودلایل کامل آنها بر مبنای حجتی بودن، آیا ا زمراجع به طور مطلقاً کسی حجتیه را قبول دارد؟

پرسش

در موردگروه حجتیه اطلاعات کاملی می خواهم خواهشمندم اگر می شود نام سردمداران

آنها را قید کنید ودلایل کامل آنها بر مبنای حجتی بودن، آیا ا زمراجع به طور مطلقاً کسی حجتیه را قبول دارد؟

پاسخ

(انجمن حجتیه به عنوان یکی از جریانهای ایستای مذهبی درخنثی سازی و سیاست گریزنمودن قشرمذهبی، خصوصاً نسل جوان، نقش موثری را ایفا نموده است .

انجمن حجتیه پس ازرکود چند ساله، از سال ۱۳۷۶ فعال شده تشکیلات خودرا دنبال نموده وعناصر وابسته به این فرقه در تهران وشهرستانها با پوشش هیأت های مذهبی و جلسات تفسیر قرآن مشغول فعالیت شده و توانسته اند افرادی از قشر جوان را جذب نمایند .

تاریخچه

الف) قبل ازانقلاب :

این انجمن بانام "انجمن خیریه حجتیه مهدویه" پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با رهبری محمد ذاکر تولا‌یی(معروف به حلبی) با هدف مقابله با بهائیت تأسیس شد.لیکن درمبارزه با بهائیت، هیچ گاه اساس بهائیت (صهیونیسم) و رؤوس آن درایران(هویداها، هژبریزدانی ها و رژیم بهائی پرورشاهنشاهی) را مد نظر قرارنداده، بلکه درمحیط اختناق رژیم شاهنشاهی درکمال آزادی، جلسات منظمی را درییلاق ها وباغ های بزرگ با صرف هزینه های سنگین برگزار می کردند. از افتخارات این انجمن در قبل از انقلاب عدم شرکت اعضایش در قضایای ۱۵ خرداد بود.

این جریان با پوشش آماده نمودن شرایط برای ظهور حضرت حجت (عج) معتقد به اشاعه فساد بوده وبه این دلیل که برقراری حکومت ا سلامی مانع ظهور امام زمان (عج) می باشد، از هیچ مخالفتی با نظام اسلامی دریغ نکرد.

انجمن حجتیه به منظور ایجاد انحراف درنهضت اسلامی، نظرات فقهی حضرت امام خمینی(قدس سره) را زیر سوال می بردند واز هیچ تهمت و شایعه ای برای مخدوش نمودن افکار و اندیشه های امام عظیم الشأن (قدس

سره) دریغ نکردند.

ب) پس از انقلاب :

درابتدای انقلاب با سوء استفاده از فضای باز به وجود آمده وبا پوشش دفاع از اسلام فقاهتی، به جنگ با ولایت فقیه برخاستند. پس از سخنرانی امام راحل درسال ۱۳۶۲ عده ای از اعضاء این جریان متوجه انحرافات خود شده واز انجمن جدا شدند .

حضرت امام خمینی (قدس سره) درخصوص انجمن حجتیه فرمودند :

یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید حضرت صاحب مگربرای چی می آید ...این اعوجاجات را بردارید، این دسته بندی ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید بردارید وبرای خاطر کشورتان اگر ملی هستید، این دسته بندی ها را بردارید، دراین موجی که الان ملت رابه پیش می برد دراین موج خودتان را وارد کنید وبرخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست ."۱"

انجمن حجتیه علی رغم ادعای برکناری از سیاست، دقیقاً ریشه های سیاسی دارد واگر نگوئیم مؤسسین آن خود با جریانات سیاسی بیگانه پیوند داشته اند وعلت حدوث این جریان، استعمار بوده است ، اما یقیناً درایام پس ا زتأسیس به واسطه بعضی ا زافراد، انجمن به جریانات سیاسی پیوند خورد وگردانندگان ومدیران انجمن نیزاز این مسئله بی اطلاع نبوده اند چرا که کیفیت رابطه ودرهای باز انجمن به روی ساواک، به گونه ای بودکه ایجاد عوامل نفوذی به صورت علنی درآن سهل الوصول بوده است.

بنابراین مهم نیست که ایادی اجنبی در تکوین انجمن دخیل بوده اند یا نه، بلکه مهمتر آن است که مسلماً دشمنان اسلام از حیات و فعالیت های این انجمن، حظ لازم را برده و می بردند.

مواضع

انجمن حجتیه

الف) مخالفت با تشکیل حکومت ا سلامی :

از مواضع انجمن، می توان به مخالفت با تشکیل حکومت اسلامی خصوصاً بعد از انقلاب اشاره نمود. حضرت امیرالمومنین (ع) درباره نفس حکومت وفرماندهی به ابن عباس می فرماید :

فرماندهی به شما نزدمن از این کفش مندرس و پاره هم کم ارزش تراست مگر اینکه بوسیله فرماندهی و حکومت به شما، بتوانم حق را برقرار سازم و باطل را از میان بردارم.

حضرت امام خمینی(قدس سره) درباب حکومت می فرمایند :

لازم است که فقها اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود وثغور نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند . این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد واجب عینی است و گرنه واجب کفائی است .

بنابراین لازمه زمامداری، عصمت نیست بلکه شرط عدالت لازم است. انجمن معتقد است که استرداد حق مظلوم را باید به ظهور امام زمان (عج) واگذار نمود.لذا طبیعی است که براساس این عقیده امرتشکیل حکومت به خودی خود منتفی می گردد وبرپایی حکومت به منظور استرداد حق بی مورد شناخته می شود .

جدا کردن سیاست ا زدین قیام برضد اسلام است"۲"

همچنین امام عظیم الشأن درجای دیگر فرموده اندکه :

ما مکلفیم به این که درامور دخالت کنیم ، ما مکلفیم درامور سیاسی دخالت کنیم، همان طور که پیغمبر (ص) دخالت می کرد."۳"

براین اساس به نظرمی رسد دو جریان متفاوت، با ظاهر اسلامی، از دو جهت تفکر اسلام ناب محمدی (ص) را مورد تهاجم قرارداده است. یکی جریان تحجر ودیگری جریان روشنفکری شبه مذهبی التقاطی، که در حقیقت هر دوجریان ریشه استعماری دارند.

بنابراین دشمنان انقلاب اسلامی همچنان که در استحاله فرهنگی، فرهنگ و ارزشهای اسلامی و به

تعبیر صحیح تر ایمان مردمرا نشانه گرفته اند، در استحاله سیاسی مبتنی بر دین وولایت فقیه را مورد تعرض خود قرارداده اند .

درخصوص قسمت آخر سؤال شما باید بگوئیم که تا آن جائی که ما اطلاع داریم کسی از مراجع عالیقدرطرفداری صریحی ازآنها نداشته اند.

خداوند متعال ما را با اسلام ناب آشنا بفرماید ان شاءا...

(۱) سخنرانی حضرت امام خمینی(قدس سره)درسال ۱۳۶۲

(۲) کلمات قصار، پندها و حکمت ها

(۳) صحیفه نور ج۱۵، ص ۶۰

(۴) سخنرانی حضرت امام خمینی(قدس سره)درسال ۱۳۶۲

(۵) کلمات قصار، پندها و حکمت ها

صحیفه نور ج۱۵، ص ۶۰

آیا حضرت امام زمان(منصور حلاج را لعنت کرده اند؟ و اگر کرده اند از چه جهت بوده است؟

پرسش

آیا حضرت امام زمان(منصور حلاج را لعنت کرده اند؟ و اگر کرده اند از چه جهت بوده است؟

پاسخ

درباره منصور حلاج نظرهای متفاوتی بیان شده است، و گروهی او را برحقّ دانسته و گروهی بر بطلان عقاید او قلم فرسایی نموده اند. اما در میان دلایل مخالفان منصور حلاج، مخالفت حضرت حجه،صاحب العصر و الزمان، حضرت مهدی "روحی فداه"، با نظرات ایشان، به چشم نمی خورد.

البته اختلاف نظر پیرامون عرفا به منصور حلاج ختم نمی شود؛ اگر چه شاید بارزترین اختلاف نظر درباره حق یا باطل بودن مذهب حلاج مطرح شده است، اما عرفان از روزی که به عنوان راه رسمی خاصی شناخته شده، پیوسته در میان متفکران اسلامی مورد رد و قبول واقع شده است. عدّه ای چنان شیفته آن شده اند که تنها راه نجاتش دانسته اند، و گروهی دیگر آنرا بزرگترین عامل تحریف و انحراف به شما آورده اند. در این خصوص در یکی از متون قدیمی عرفان، یعنی "اللمع"، اثر "ابونصر سرّاج طوسی"، متوفی به سال ۳۷۸ ه ، چنین آمده است : "عدّه ای در فضیلت عرفان به راه افراط و غلو رفته و آنرا از

حدّ خود بالاـتر برده انـد، و گروهی آنرا نوعی لهو و لعب و بی مبالاـتی نسـبت به جهل و نادانی دانسـته انـد، و عـدّه ای دیگر عرفـان را ناشـی از تقـوا و پرهیز و پشـمینه پوشـی و سـخت گیری در روش سـخن گفتن و لبـاس پوشـیدن و غیره می داننـد، و جماعتی در طعن و بدگوئی زیاده روی کرده، تاحدی که عرفا را به زندقه و ضلالت نسبت داده اند."(۱)

ردّ و انکار و

تهاجم به عرفان و عرفا از طرف گروههایی چون متشرعان و علمای مذهبی، فلاسفه و متفکران مذهبی، دانشمندان مادی، و ... مطرح بوده است.(۲) که از میان همه آنها اختلاف نظر میان برخی علمای دین با عرفا و متصوفین به نحو شدیدتری به چشم می خورد. موارد اختلاف این دو گروه پیرامون مسائلی چون "وحدت وجود و توحید حق، وحدت ادیان، بی اعتنایی به نبوت و طرح مسأله ولایت، شطحیّات و سخنان اسرارآمیز، و تأویل می باشد"، که بررسی هر یک از این موارد در حوصله این اوراق نمی گنجد، و نیاز به تبحر و استعداد نویسنده و مخاطب دارد، و شاید علّت اصلی این اختلافات، به نداشتن تصوری درست از اصطلاحات و عقاید عرفا بازگردد.

استاد مطهری پیرامون پیچیده بودن مفهوم وحدت وجود می گوید : "وحدت وجود از آن اندیشه هایی است که کمتر کسی به عمق آن پی برده و می برد (اینرا بدون تعارف باید گفت) ... بسیار بسیار کمند افرادی که بتوانند تصور صحیحی از وحدت وجودی که عرفا دارند، داشته باشند، از مستشرقین گرفته تا غیر مستشرقین؛ شما ببینید همیشه مستشرقین و عدّه ای از غیرمستشرقین خودمان

این وحدت وجود را چیزی تعبیر می کنند به نام حلول و اتحاد ..."(۳)

ابن سینا در این باره می گوید : "اسرار تصوف و عرفان مورد انکار ناآشنایان و مورد اعتراف و تعظیم آشنایان می باشد." و در جای دیگر می گوید : "محتوی این فن (عرفان) برای غافلان مایه تمسخر و خنده است و برای آگاهان سرمایه عبرت؛ بنابراین هر که این مطلب را بشنود و ناخوش دارد، تنها به خود بدبین

باشد، و نقص را در خود ببیند."(۴)

در آخر خاطر نشان می کنیم که خود عرفا و صوفیه نیز به قدر کافی بر همه مسلکان خود تاخته اند؛ اما حمله اینان، چنانکه بدیهی است به عرفان و تصوف نبوده، بلکه به عرفا و صوفیه، و بلکه در حقیقت به عارف نمایان و مدعیان تصوف متوجّه است.

همانطور که بیان شد، درباره حلاج، از سوی دانشمندان و فقیهان شیعه، نظرات مختلفی ابراز گردیده است. مثلاً خواجه نصیر طوسی به دفاع از حلاج پرداخته است، و طریقه او را درست و عقیده اش را صحیح می داند. اما بسیاری دیگر از علماء مانند شیخ صدوق، شیخ طوسی، شیخ مفید و سید مرتضی هر کدام به گونه ای بر حلاج خرده گرفته اند. و او را ساحره و در نتیجه مستحق قتل دانسته اند. در مورد اینکه حضرت ولی عصر(او را لعنت کرده باشد، سند قطعی وجود ندارد. اما اینکه چرا علماء بزرگی که نام برده شد، از او بیزای جسته اند، بواسطه عقاید و سخنانی است که او مطرح کرده است. مثلاً شیخ طوسی در کتاب "الغیبه" صفحه (۴۰و۴۰۲) که به ذکر مذمومین و کسانی که ادعای نیابت از امام زمان کرده اند، پرداخته، از حلاج نیز نام برده، و از "هبها... بن محمد کاتب" روایت کرده است : "حلاج را خداوند رسوا و خوار کرده است، و او کسی است که اظهار وکالت حضرت صاحب الامر را کرده است، و نزد اسماعیل نوبختی از معتبران شیعه رفته، و ادعای خود را مطرح کرده، و او حلاج را امتحان کرد، و چون فهمید که ادعای کذب می کند، او

را رسوا کرد." و شیخ طوسی بعد از نقل این حدیث قصه بیرون کردن حلاج را از قم توسط علی بن بابویه، نقل نموده است : "و بر او لعنت فرستاد، و او را از قم به خواری و مذلّت اخراج نمود."

برای اطلاعات بیشتر به تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح ا...صفا و کتاب منصور حلاج از کلجان عباس و مصایب حلاج از لوئی ماسینون و دائره المعارف تشیع، ج۶، مراجعه شود.

منابع و مآخذ :

۱. کتاب اللّمع، ابونصر سرّاج طوسی ص۲۱

۲. فلسفه عرفان، دکتر سید یحی یثربی، ص۱۷۱

۳. عرفان حافظ، استاد مطهری، ص۸۸

۴. نمط ۹ انتشارات، ابن سینا

فلسفه عرفان، دکتر سید یحیی یثربی، ص۱۹۸

درباره (انجمن حجتیه) توضیح دهید.

پرسش

درباره (انجمن حجتیه) توضیح دهید.

پاسخ

حجتیه: انجمن حجتیه سال ها پیش از انقلاب اسلامی توسط آقای حلبی در خراسان جهت مبارزه با بهائیتپایه گذاری و سپس در سراسر کشور گسترش یافت. در آغاز برخی از علماء آن را تأیید نمودند ولی چون بعدا روند آن راپشت کردن به حرکت های انقلابی یافتند، گروهی از آنان به مخالفت برخاسته و تأییدات خود را ملغی کردند. پس ازپیروزی انقلاب اسلامی نیز انجمن حجتیه بنا به تصریح برخی از کسانی که قبلًا در آن فعالیت داشتند در جریان مخالفامام و انقلاب حرکت کرد، ازاین رو بسیاری از اعضاء از آن خارج شدند و در نهایت پس از موضع گیری های حضرتامام نسبت به نظرات این انجمن، تعطیلی آن توسط آقای حلبی اعلام گردید.

۱- استناد به روایاتی که از هرگونه قیامی در عصر غیبت نهی و به سکوت و سکون و صبر بر بلاها دعوت کرده است.

۲- تفسیر نادرست از امامت و رهبری و تصور این که تشکیل حکومت در زمان غیبت دخالت در قلمرو کار امام معصوم است.

در باب نقد این دیدگاه ها نگا: چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان، دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول ۱۳۷۵، صص ۱۰۹ - ۱۵۴.{J

اگر کسی ادعا کرد که صاحب الزمان«علیه السلام» است چگونه پی ببریم که راست می گوید یا دروغ؟

پرسش

اگر کسی ادعا کرد که صاحب الزمان«علیه السلام» است چگونه پی ببریم که راست می گوید یا دروغ؟

پاسخ

ظهور امام زمان«علیه السلام» مقارن با تحوّلات و دگرگونیهای بسیاری خواهد بود و از آنها در روایات ما به علائم ظهور تعبیر شده است که هم زمان با ظاهر شدن آن حضرت این نشانه ها به وقوع می پیوندد مانند خروج دجال و صدای آسمانی و خروج سفیانی و سایر نشانه های دیگر و اضافه بر اینها امام عصر«علیه السلام» که بیاید جهان را پر از عدل و داد می کند و در تمام نقاط جهان پرچم توحید و حکومت الهی را بر پا می سازد و به طور کلّی ظهور آن حضرت به طور عادّی و معمولی انجام نخواهد گرفت تا اگر فرد ناشناسی ادعای مهدویّت نمود برای انسانها مورد اشتباه واقع گردد. تاکنون افراد بسیاری به دروغ ادعای مهدویّت نموده اند و به دنبال آن رسوا گشته و کذب آنها آشکار شده است.

نیابت در دوره غیبت صغری

نواب اربعه

ماجرای درگذشت آخرین نائب امام زمان ۷چیست و نامش چه بود؟

پرسش

ماجرای درگذشت آخرین نائب امام زمان ۷چیست و نامش چه بود؟

پاسخ

چهارمین و آخرین وکیل و نائب خاص حضرت مهدی ۷ ابوالحسن علی بن محمد سمری بود.هنگامی که وفات ابوالقاسم حسین بن روح فرا رسید, به امر حضرت حجّت ۷او را قائم مقام خود قرار داد.

هنگامی که وفات وی نزدیک شد, شیعیان از او خواستند شخصی را برای نیابت معرفی کند. او در جواب گفت :من مأمور

نشـده ام کسـی را به عنوان نائب خاص حضـرت معرفی کنم و توقیعی از ناحیهء مقـدّسهء حضـرت مهدی ۷یرون آمـد که : ای علی بن محمد سـمری ! خداوند برادران دینی ات را در مصیبت تو اجر عظیم کرامت فرماید. به درستی که در شش روز آینده وفـات خواهی کرد; پس خود را آمـادهء مردن کن . بعـد از وفات تو غیبت کبری واقع خواهـد شـد وبرای من ظهوری نخواهد بود, مگر به اذن خـدای تعـالی و آن بعـد از غیبت طولانی خواهـد بود. هنگامی که دل ها راقساوت فرا گیرد و زمین از جور و ستم پر شود و به زودی بعضـی از شـیعیان من ادعا خواهنـد کرد مرا دیده اند. بدانید هرکس پیش از خروج سـفیانی و رسـیدن صیحهء آسمانی ادّعای مشاهدهء من را نماید, دروغ می گوید>.(۱)

راوی می گوید: این مطلب را یادداشت کردم و از نزد علی بن محمد سمری بیرون رفتم . چون روز ششم فرارسید, نزد او رفتم و دیـدم در حالت احتضار است . از او سؤال شـد: بعـد از شـما چه کسـی نائب حضـرت است ؟ گفت : بعداز من کسـی نیابت خاصی ندارد و برای خدا امری است که

باید آن را به اتمام برساند. این را گفت و وفات نمود. این واقعه در سال ۳۲۹هجری بود.(۲)

(پاورقی ۱.منتهی الآمال , ج ۲ ص ۵۰۸

(پاورقی ۲.حسین عمادزاده , چهارده معصوم , زندگانی امام زمان ۷ با تلخیص .

پس از وفات علی بن محمد سمری حضرت نایب خاص ندارد و کسی نمی تواند ادعا کند نایب خاص امام است. دوران ۷۴ ساله را غیبت صغری و دوران پس از آن را غیبت کبری می گویند. از زمان ظهور حضـــرت کسی جز خداوند خبر ندارد تا زمان ظهور با برکتش فقها و مجتهدان نایب عام حضرت هست

پرسش

پس از وفات علی بن محمد سمری حضرت نایب خاص ندارد و کسی نمی تواند ادعا کند نایب خاص امام است. دوران ۷۴ ساله را غیبت صغری و دوران پس از آن را غیبت کبری می گویند. از زمان ظهور حضرت کسی جز خداوند خبر ندارد تا زمان ظهور با برکتش فقها و مجتهدان نایب عام حضرت هستند و مردم در امور دیئنی باید از آنان پیروی کنند. می توانیم با خواندن دعای عهد و دعای ندبه و صدقه دادن برای سلامتی حضرت، به ساحت مقدسش عرض ادب کنیم. از خداوند منان می خواهیم شما را از یاران و شیعیان واقعی آن حضرت قرار داده و در زندگی موفقتان بدارد.

چگونه متواضع باشم؟

پاسخ

مهم ترین عاملی که می تواند در تواضع انسان مؤثر باشد، این است که انسان از عمق جان باور کند آن چه اسلام فرمود، به صلاح او است و عمل به آن خوش بختی را دنبال دارد از نظر اسلام تکبر و خود بزرگ بینی از گناهان بزرگ و از بیماری های خطرناك روانی است متکبر در نظر مردم پست و حقیر و در پیشگاه" خدا معذب و گرفتار است. امام صادق(ع) فرمود: "بزرگی جامه ای است مخصوص خداوند بی نیاز و شایسته آن ذات مقدس است. کسی که با خدا در این صفت به معارضه برخیزد و به مردم بزرگی بفروشد، خدا جز پستی و حقارت چیزی بر او نمی افزاید" تواضع و فروتنی از دیدگاه اسلام بسیار پسندیده و خوب است. مردم به کسانی که متواضعند و خود را کمتر از ارزش واقعی خویش به جامعه معرفی می کنند بیشتر احترام می گذارند.

پیامبر(ص) فرمود: "تواضع جز رفعت مقام نمی افزاید. تواضع کنید امید

است مشمول فیض و رحمت الهی واقع شوید" امام علی(ع) فرمود: "تواضع برایت سلامتی به دنبال دارد".(۱) و فرمود: "کسی برای رضای خدا تواضع کند، خداوند او را به مقام بلند می رساند".

پس با اعتقاد و باور این که تواضع مایه خوشبختی و سعادت و اعتبار و احترام و تکبر موجب بدبختی و پستی است، تواضع را انتخاب و در برخورد با بندگان الهی متواضع خواهیم بود. البته همیشه و در همه کارها از خدا باید کمک خواست.(۲)

تواضع کن، تواضع بر خلایق تکبر جز خدا را نیست لایق

هر آن کس کاو به خود مغرور باشد به فرسنگ از مروت دور باشد

تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اندر اندازدت.(۳)

پی نوشت ها:

۱ و ۲ – محمد ری شهری، میزان الحکمه، ماده تواضع، شماره ۲۱۸۶۱ و ۲۱۸۷۵.

۳ – محمد تقی فلسفی، کودک، ج ۱، ص ۴۲۱ و ۴۲۳.

۴ – احمد احمدی بیرجندی، شعر در زندگی، ص ۵۱ و ۵۲.

نواب خاص حضرت مهدی(ع) چه کسانی بودند؟

پرسش

نواب خاص حضرت مهدی(ع) چه کسانی بودند؟

پاسخ

نواب خاص حضرت مهدی(ع) چهار نفر بودند. بدین شرح :

۱ ابوعمرو عثمان بن سعید عمری: وی اولین نایب خاص امام مهدی(ع) بود که از زمان امام هادی(ع) و بلکه به نوشته برخی از بزرگان از زمان امام جواد(ع) در بیت عصت و رسالت خدمتگذار بود و در نهایت استتار و در قالب روغن فروشی نامه های شیعیان را نزد امام عسکری (ع) می برد و پاسخش را دریافت و به شیعیان می رساند.

عمری از زمان امام هادی رهبری سازمان مخفی وکالت را بر عهده داشت و بعد از شهادت امام عسکری (ع) از سال ۲۶۰ تا ۲۶۵ نیابت خاص را نیز بر عهده داشت.

۲ محمـد بن عثمان بن سـعید عمری: بعد ازدرگذشت عثمان بن سـعید، به امر امام مهدی فرزندش محمد این مقام را عهده دار بود. عثمان بن سعید تا سال ۳۰۵ عهده دار این مقام بود.

۳ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ایشان از سال ۳۰۵ تا ۳۲۶ عهده دار این مقام بود.

۴ ابـوالحسن علی بن محمـد سـمری . ایشـان چهـارمین و آخرین نـایب خـاص حضـرت مهـدی(ع) بود و از سـال ۳۲۶ تـا ۳۲۹ متصـدی این مقام بود که بعـد ازاین ، دوره غیبت کبری فرا رسـید و حضـرت مهدی(ع) نایب خاص ندارند، بلکه در این دوره فقهای جامع الشرایط به عنوان نوّاب عام آن حضرت فعالیت می کنند.(۱)

۱. برای توضیح بیش تر به کتاب تاریخ عصر غیبت مراجعه شود.

در مورد امام زمان (ع) بیشتر توضـیح دهیـد و بفرمایید اولین جایی که امام زمان(عج) ظهور می کند کجا است؟ تعدادی کتاب قابل دسترسی در خصوص امام زمان(عج) معرفی نمایید.

پرسش

در مورد امام زمان (ع) بیشتر توضـیح دهید و بفرمایید اولین جایی که امام زمان(عج) ظهور می کند کجا است؟ تعدادی کتاب قابل دسترسی در خصوص امام زمان(عج) معرفی نمایید.

پاسخ

امام زمان همنام است با پیغمبر اسلام(ص) که در روایات از بردن نامش نهی شده است.

از این رو حضـرتش با القاب مبارکش نام می برند، مانند صاحب الزمان، بقیه اللّه، مهدی و... حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شـهر سامرا متولد شد. نام پدرش امام حسن عسـکری و نام مادرش نرجس خاتون است. حکام جور و غصـب کننـدگان خلافت امامان معصوم(ع) احادیث رسول خـدا و امامان را شـنیده بودنـد که فرموده انـد: امام مهدی(ع) از بین برنده ظلم و سـتم و قلع و قمع کننـده طاغوطیان است. از این رو به طور جد مواظب و مراقب بودند هر وقت امام دوازدهم متولد شد، او را به شهادت برسانند.

از این رو از اول بنـا بود تولـد فرزنـد امام حسن عسـکری(ع) مخفی بمانـد، بـدین خاطر حتی در زمان حیات امام عسـکری(ع) تعـداد بسـیار کمی از شـیعیان خـاص توانسـتند امـام زمان(ع) را از نزدیک زیارت کننـد و ببیننـد. مهـدی منتظر به هنگام وفات پـدرش پنـج ساله بود. پس از این که امامت به حضـرتش منتقل شـد، محض تقیه و مصـلحت از دیـده عامه پنهان شـد و ظرف مدت هفتاد و چهار سال (غیبت صغری) ارتباط مردم با وی به وسیله چهار نماینده خاص بود، به ترتیب:

۱ – ابو عمرو عثمان بن سعید،

۲ - ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید،

۳ - ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی،

۴ - ابوالحسن علی بن محمد سمری،

در این مدت نواب خدمتش رسیده و

احتیاجات مردم را مرتفع می نمودند، با رحلت چهارمین نماینده در ۳۲۶ مدت غیبت صغری تمام شد و غیبت کبری شروع گردید. از این تاریخ به بعد هر کس ادعا کند به عنوان نماینده حضرت به خدمتش می رسد، دروغ گو است.

در زمان غیبت کبری مجتهد جامع الشرایط نماینده عام حضرت است که مردم در امور دینی به او رجوع می نمایند.

زمان ظهور حضرت را غیر از خدا هیچ کس نمی داند، لیکن وقتی ظهور کند از مکه بین رکن و مقام ظهور خواهد فرمود.(۱)

کتاب های زیادی درباره امام زمان(ع) نوشته شده است از جمله:

دادگستر جهان، اثر ابراهیم امینی، خورشید مغرب، از محمد رضا حکیمی، پیام امام زمان از سید جمال الدین حجازی، ستارگان درخشان از محمد جواد نجفی و حکومت جهانی امام زمان از آیت اللّٰه ناصر مکارم شیرازی.

پی نوشت ها:

۱ – علی دوانی، مهدی موعود، ص ۱۰۹۸؛ مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۹، ص ۷۱۶، ماده: مهدی منتظر.

می گویند حضرت ولی عصر((علیه السلام)) در غیبت صغری سفیران مخصوصی داشته که مطالب لازم و وقایع را حضور امام می رسانیدند، برای آشنائی خصوصیّات آنها را به طور فشرده بنویسد.؟

پرسش

می گویند حضرت ولی عصر((علیه السلام)) در غیبت صغری سفیران مخصوصی داشته که مطالب لازم و وقایع را حضور امام می رسانیدند، برای آشنائی خصوصیّات آنها را به طور فشرده بنویسد.؟

پاسخ

امام زمان((علیه السلام)) در غیبت صغری به وسیله چهار سفیر مخصوص خود با مردم مسلمان در حال تماس بود، و بسیاری از نیازمندیهای مردم را از طریق نمایندگان خود برطرف می نمود و مشخصات آنان به قرار زیر است:

۱. عثمان بن سعید عَمْری(بر وزن گرمی) که منسوب به قبیله «بنی عمر و بن عامر» است و از یازده سالگی افتخار خدمتگزاری به خاندان رسالت داشت واز اصحاب و یاران امام هادیو حضرت عسگری به شمار می رفت، و وکیل مخصوص امام عسگری بود او آنچنان مورد وثوق و اطمینان امام بود که حضرت عسگری درباره وی و فرزند او «محمد بن عثمان» که پس از درگذشت پدر افتخار نیابت از حضرت مهدی را پیدا نمود، چنین فرمد: عمری و فرزند او مورد وثوق من هستند هر چه از من برای شما نقل کنند حقیقتی است که از من شنیده اند و نقل می نمایند، هر دو نفر ثقه و مورد اعتماد من هستند به سخنان هر دو گوش فرا دهید و دستورات هر دو را اجرا نمائید(۱).

با مراقبت های شدیـدی که حضـرت عسـگری نسـبت به فرزند خود داشت کمتر کسـی را اجازه می داد که از حضـرت مهدی دیدن کند وی از افراد مخصوصـی بود که امام زمان را در دوران حیات حضرت عسگری در خانه اش کراراً زیارت کرده بود، شرح زندگی او در کتابهای رجال به طور گسترده بیان شده است(۲) و

تاریخ دقیق درگذشت وی به دست نیامده است(۳).

۲. محمد بن عثمان بن سعید، فرزند سفیر نخستین و خود دومین سفیر و وکیل امام زمان است که زمان امام عسگری را درک کرده و در حدیثی که قبلا نقل شده امام عسگری وی و پدر او را به بهترین وجهی توثیق نموده است دوران سفارت او طولانی و گسترده تر بود و همواره نامه های شیعیان را به حضور امام می رسانید و پاسخ کتبی را به شیعیان باز می گردانید وی در سال ۳۰۴ و یا ۳۰۵ درگذشته است(۴).

۳. حسین بن روح که در جامعه آن روز جهان شیعه به عقل و درایت اشتهار داشت و از نزدیکان محمد بن عثمان دومین سفیرذ امام و رازدار او بود وی موضوع سفارت را به فرمان امام به حسین بن روح واگذار نمود و در سال ۳۲۶ درگذشت(۵).

۴. علی بن محمد سمری آخرین سفیر امام((علیه السلام)) و امام به خود او نوشته و دستور داده است که تو آخرین سفیر مخصوص من هستی دیگر نباید کسی را به جای خود معرّفی کنی وی در نیمه شعبان سال ۳۲۹ درگذشت و با درگذشت او باب سفارت خصوصی بسته شد و غیبت کبری آغاز گردید(۶). و از آن به بعد هرگونه ادعای نیابت خاصه از طرف آن حضرت مردود شناخته شد.

پاورقی

۱ - العمری و ابنه ثقتان فما ادیا الیک عنی فعنی یؤدیان و ماقالاـ لک فعنی یقولاـن فاسمع لهما و واطعهما فهما الثقتان المامونان.

۲ - تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۴۵ - ۲۴۶، قاموس الرجال، ج ۶، ص ۲۳۵ - ۲، سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۸۵.

۳ - و

در ریحانه الادب، ج ۳، ص ۱۳۳ تاریخ وفات او را به نقل از تحیه الزائر مرحومنوری سال ۲۵۷ معین نموده است در صورتی که آن سال امام عسگری در قید حیات بود و چگونه می تواند نائب امام زمان((علیه السلام)) در میان مردم گردد.

۴ - کامل ابن اثر حوادث سال ۳۰۵ تنقیح المقال، ج ۲ ص ۱۴۹، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۲۶۷ - ۲۶۸، و در این مدارك می نویسند که وی قریب پنجاه سال افتخار نمایندگی از امام را داشته است در صورتی که در سال وفات او ۴۵ سال از آغاز غیبت صغری می گذشت و قبل از او پدر وی عهده دار مقام نیابت بود.

۵ - تنفیح المقال، ج ۲، ص ۳۰۸ و غیره.

۶ - قاموس الرجال، ج ۷، ص ۵۱.

سفیر اول امام مهدی علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پرسش

سفیر اول امام مهدی علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پاسخ

سفیر اول امام مهدی (ع) ابوعمروعثمان بن سعید عَمْری است. او به جهت شناخته نشدن، به شغل روغن فروشی روی آورد. در مصادر تاریخی سخن از سال ولادت ووفات او به میان نیامده است، وتنها اسم او برای اولین بار به عنوان وکیل خاص امام هادی (ع) برده شده است.

او بعد از شهادت امام هادی (ع) وکیل خاص از طرف امام عسکری (ع) شد. آن حضرت نیز او را در مناسبت های مختلف مورد مدح وستایش خود قرار می داد. از جمله آنکه در حق او فرمود: "هذا أبوعمروالثقه الأمین، ثقه الماضی وثقتی فی المحیی والممات، فما قاله لکم فعنّی یقوله، وما أدّی إلیکم فعنّی یؤدّیه"؛ "این ابوعمروثقه وامین است،{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۵۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴. پاورقی}

مورد اطمینان گذشتگان ومورد اطمینان من در حیات وبعد از حیات من است، هر آنچه برای شما می گوید از من است و آنچه به شما می رساند از جانب من می باشد."

در مجلسی که او با چهل نفر از شیعیان امام عسکری (ع) بودند، حضرت فرزند خود مهدی را به او نشان داد وبر امامت وغیبت او تصریح نمود، ودرباره وکالت او فرمود: "هر آنچه عثمان (بن سعید) می گوید قبول کنید...".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶، ح ۱. پاورقی}

هنگـام شـهادت امام عسـكرى (ع) در سال ۲۶۰ هجرى، در تغسـيل حضـرت حاضـر بود وتمـام امور ايشان را به عهـده داشت. {پاورقى . الغيبه، طوسى، ص ۳۵۶. پاورقى}

ممكن است كه اين عمل را اين گونه توجيه نماييم كه او در ظاهر، عمل تغسيل را انجام داده تا امر بر

حاکمان ظلم مشتبه گردد وگرنه مطابق برخی روایات، امر تغسیل وتکفین امام بر عهده امام است. عثمان بن سعید بعد از شهادت امام عسکری (ع) به تصریح آن حضرت ونصّ امام مهدی (ع) هنگام ورود قمّی ها به سامرّا، سفیر اوّل آن حضرت شد، واز آن موقع به انجام وظایف خود پرداخت، تا آنکه وقت وفاتش رسید. فرزندش ابوجعفر محمّد بن عثمان متولّی تجهیز او شد ودر جانب غربی بغداد به خاک سپرده شد.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰، ح ۳. پاورقی}

بعد از وفات عثمان بن سعید از ناحیه مقدسه نامه ای صادر شد وحضرت در آن نامه با تسلیت به فرزندش محمّد، او را به سفارت خود منصوب گردانید.

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۶۱ ؛ کمال الدین، ص ۵۱۰ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۸. پاورقی}

آیا روایتی که تصریح به سفارت عثمان بن سعید دارد، ضعیف السند نیست؟

پرسش

آیا روایتی که تصریح به سفارت عثمان بن سعید دارد، ضعیف السند نیست؟

پاسخ

احمد کاتب می گوید: روایتی که نصّ صریح در اعلام امام عسکری (ع) بر سفارت عثمان بن سعید از طرف امام مهدی (ع) است از حیث سند ضعیف می باشد؛ زیرا در سند آن، جعفر بن محمّد بن مالك فرازی است که نجاشی وابن الغضائری او را تکذیب نموده اند.

پاسخ:

۱ – جعفر بن محمّد بن مالك را شیخ طوسی؛ توثیق نموده است. وتضعیف او از کتاب ابن الغضائری منشأ شده که این کتاب نزد مشهور علمای امامیه به اثبات نرسیده است.

۲ – شیخ طوسی؛ در کتاب "الغیبه" به سند اعلایی از بزرگان طایفه از احمد بن اسحاق قمّی مسأله توکیل نایب دوم وپدرش را روایت کرده است.

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۵۹Ù۳۶۰. پاورقی}

۳ – شیعه در مسأله امامت وسفارت دقت زیادی به کار برده وبه مجرّد ادعای شخصی بر سفارت، حرف او را تصدیق نمی

کرده است، ولذا با مدّعیان دروغین سفارت شدیداً به مقابله پرداخته است.

سفیر دوم امام زمان علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پرسش

سفیر دوم امام زمان علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پاسخ

ابوجعفر محمّد بن عثمان بن سعید عَمْری بعد از وفات پدرش همان گونه که امام عسکری (ع) تصریح نموده بود، به مقام سفارت نایل شد. آن حضرت به جماعت قمی ها فرمود: "اشهدوا علیّ أنّ عثمان بن سعید وکیلی، وأنّ ابنه محمّد وکیل ابنی مهدیّکم"؛{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۵۵. پاورقی}

"شهادت دهید بر من که عثمان بن سعید وکیل من است. ونیز فرزند او محمّد وکیل فرزندم مهدی شماست."

ونیز سفارت او با نصّ وتصریح پدرش به امضا رسید.

{پاورقی . همان، ص ۳۵۹. پاورقی}

او نزد شیعیان عصر خود مورد وثوق ومعروف به امانت داری بود. وهیچ یک از امامیه در این مطلب شک نداشتند. چگونه شک کنند در حالی که امام عسکری (ع) در حق او وپدرش فرمود: "العمری وإبنه ثقتان"؛ "عَمْری وفرزندش مورد وثوقند...".

{پاورقی . همان، ص ۳۶۰ ؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۹. پاورقی}

ونیز امام مهدی (ع) او را مورد تأیید خود قرار داد وفرمود: "لم یزل ثقتنا فی حیاه الأب رضی اللَّه عنه"؛ "تو در زمان حیات پدر دائماً مورد وثوق ما بودی...".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹. پاورقی}

وی در حدود پنجاه سال به نحو احسن وظایف خود را به خوبی انجام داد تا آنکه در جمادی الاولی سال ۳۰۵ یا ۳۰۴ هجری به رحمت ایزدی پیوست.

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۳۶۶. پاورقی}

محمـد بن عثمـان بیشتر از دیگر سـفیران در این پست ومقـام به خـدمت پرداخت. کتـاب هـایی در فقه تـألیف کرده که از امام عسکری وحضرت مهدی (علیهما السلام) وپدرش عثمان بن سعید واز امام هادی (ع) اخذ نموده است. او به

ارشاد امام مهدی (ع) از زمان {پاورقی . همان، ص ۳۶۳. پاورقی}

مرگش اطلاع داشته است، ولذا برای خود قبری را آماده نموده بود. بعد از وفات در {پاورقی .همان، ص ۳۶۵. پاورقی}

کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد.

سفیر سوم امام زمان علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پرسش

سفیر سوم امام زمان علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پاسخ

سفیر سوم، شیخ جلیل ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است. او در ابتدای امر وکیل ابی جعفر محمّد بن عثمان عَمْری بود که بر املاک او نظارت داشت، تا آنکه وصیّت با نصّ به او منتهی شد وهیچ کس در این امر شک نداشت.

{پاورقی . همان، ص ۳۷۲. پاورقی}

برخی از شیعیان، مالی را برای ابوجعفر عَمْری به مقدار چهارصد دینار فرستادند تا به امام زمان (ع) برساند، ابوجعفر دستور داد تا آن را به حسین بن روح بدهند. او هنگامی که تردید وشک آن شخص را به جهت ثابت نشدن سفارتش دید، بار دیگر تأکید کرد که این مبلغ را به حسین بن روح برساند، زیرا این دستور امام زمان (ع) است.

بعد از آنکه وضع مزاجی ابوجعفر عَمْری بحرانی شد جماعتی از بزرگان شیعه از آن جمله ابوعلی بن همام، ابوعبداللَّه بن محمّد کاتب، ابوعبداللَّه باقطانی، ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، ابوعبداللَّه بن وجناء ودیگر بزرگان، بر او وارد شدند وعرض کردند که اگر بر شما اتفاقی افتاد چه کسی جانشین شما خواهد بود؟ ابوجعفر عَمْری فرمود: این ابوالقاسم حسین بن روح، قائم مقام من وسفیر بین شما وصاحب امر (ع) است. او وکیل وثقه و امین است، پس در امورتان به او مراجعه نموده ودر امور مهم بر او اعتماد نمایید، زیرا من به این مطلب امر شده ام تا بر شما ابلاغ نمایم.{پاورقی . همان، ص ۳۷۱. پاورقی}

ابوجعفر بن احمد متیل می گوید: هنگام وفات محمّد بن عثمان عَمْری من بالای سر او نشسته بودم واز او سؤال می کردم وحسین بن روح نیز بر پایین پای

او قرار داشت. محمّد بن عثمان روی به من نموده وفرمود: من امر شدم تا بر ابی القاسم بن روح وصیّت کنم. من با شنیدن این خبر از جای خود بلند شده، حسین بن علی روح را به جای خود بر بالای سر محمّد بن عثمان قرار دادم.{پاورقی . همان، ص ۳۷۰. پاورقی}

جهت این تأکیدات از ناحیه محمّد بن عثمان بر وصایت حسین بن روح این بود که او چندان جایگاه ویژه ای در بین شیعیان به جهت ارتباط با امامان: نداشته است، اگر چه از نزدیکان خاص محمّد بن عثمان بوده است. وسرّ سفارت دادن به او، به جهت اخلاص وفداکاری او بوده است. وی بعد از وفات ابوجعفر عَمْری به مدت ۲۱ سال سفارت را بر عهده داشت. اولین نامه ای را که از حضرت دریافت کرد مشتمل بر درود فراوان از جانب آن حضرت بر او بود.{پاورقی . همان، ص ۳۷۲. پاورقی}

از آن زمان به وظیفه خود مشغول شد. وروش او التزام به تقیّه شدید ومضاعف بود، به حیثی که اظهار اعتقاد به مذهب اهل سنّت می نمود تا از این طریق بتواند به وظایف خود عمل کند. او درایام سفارتش شدیداً با انحرافات وادعاهای انحرافی سفارت مبارزه می نمود، تا آنکه در سال ۳۲۶ هجری رحلت نمود.

سفیر چهارم امام زمان علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پرسش

سفیر چهارم امام زمان علیه السلام چه کسی بوده وچه موقعیتی داشته است؟

پاسخ

سفیر چهارم، شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمّد سَمَری است. تاریخ ولادت او مشخص نیست، ولی برای اولین بار به عنوان یکی از اصحاب امام عسکری (ع) شناخته شده است، که در بغداد با اشاره حسین بن روح از طرف امام زمان (ع) متصدّی{پاورقی . رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۰. پاورقی}

امر سفارت شد.

در مورد سفارت او خبر معیّنی نرسیده، وتنها این مطلب را می توان با تسالم واتفاقی که در بین شیعیان درباره سفارت او بوده کشف نمود، واین موضوع را می توان در نتیجه، کاشف از ابلاغی دانست که از طرف امام زمان (ع) به حسین بن روح شده است. او وظایف خود را در امر سفارت از هنگام وفات حسین بن روح به مدّت سه سال ادامه داد. وی گرچه همانند دیگران مورد وثوق واطمینان بود، ولی همانند آن سه سفیر فعّالیّت گسترده ای نداشته است. واین امر بعید به نظر نمی رسد؛ زیرا در آن سال ها مملکت اسلامی پر از ظلم وجور وخونریزی ها ودرگیری ها بوده است، اموری که با برنامه های فرهنگی واجتماعی منافات داشت. واین خود به تنهایی می تواند تأثیرگذار در انقطاع سفارت بعد از وفات او وعزم امام (ع) بر انقطاع وشروع غیبت کبرا نیز باشد. ولذا چند روز قبل از وفاتش توقیعی را از امام (ع) دریافت می کند که حضرت در آن، خبر از

انتهای غیبت صغرا وعهد سفارت با مرگ او می دهد واو را از وصیّت کردن به سفارت برای بعد از خودش منع می نماید.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۱۶ ؛ اعلام الوری، ص ۴۴۵. پاورقی}

راوی می گوید: بعد از شش روز از

صدور این توقیع به خدمت علی بن محمّد رسیدیم در حالی که در حال احتضار بود. به او عرض شد: وصیّ تو کیست؟ فرمود: "برای خدا امری است که او رساننده آن است". این را گفت واز دار دنیا رحلت نمود.

نیابت چهار سفیر حضرت علیه السلام چگونه اثبات می گردد؟

پرسش

نیابت چهار سفیر حضرت علیه السلام چگونه اثبات می گردد؟

پاسخ

۱ - در مورد عثمان بن سعید می گوییم: او مورد وثوق امام عسکری (ع) بوده وامام مهدی (ع) نیز بر منصبش تصریح نموده است.

در مورد فرزندش محمّد بن عثمان نیز می گوییم: او منصوب از طریق پدرش بوده وغیر از آنکه مورد وثوق امام عسکری بوده، از طرف امام زمان (ع) نیز بر این امر نیابت خاصّه داشته است.

حسین بن روح نیز از طرف محمّد بن عثمان به این سمت منصوب شد، واو نیز علی بن محمّد سَمَری را بر این مقام منصوب کرد.

۲ - راه دوّم برای اثبات نیابت این چهار بزرگوار این است که آنها خطّ امام را که معروف بود، به دیگران نشان داده، بازگو می کردند. خطّ حضرت در زمان پدرش امام عسکری (ع) نزد شیعیان معروف بود.

۳ - کرامات فراوانی که به دست مبارک این بزرگواران انجام می گرفت، می توانست اثبات کننده سفارت آنها باشد. این کرامات در برخی موارد به دست آنها انجام می گرفت وبرخی دیگر نیز منسوب به امام زمان (ع) بود که آنها به اطلاع شیعیان می رساندند، همان گونه که در قضیه معروف از ابوعلی بغدادی رسیده است.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۵۰۲ـ۵۱۸. پاورقی}

سید عبداللّه شبّر می گوید: "شیعه هرگز گفتار نوّاب را نمی پذیرفت مگر در صورتی که معجزه ای از طرف امام عصر (ع) بر دست آنها ظاهر می گشت که دلالت بر صدق گفتار وصحت نیابت آنها داشت".

{پاورقی . حقّ الیقین، ص ۲۴۲. پاورقی}

ملاک ومعیار انتصاب نوّاب اربعه چه بوده است؟

پرسش

ملاك ومعيار انتصاب نوّاب اربعه چه بوده است؟

پاسخ

امامان معصوم: بر اساس حکمت رفتار می کردند وقطعاً در نصب ها یک سری معیارها وملاك هایی را مد نظر داشتند از قبیل:

۱ – تقیّه ورازداری در حدّ بالا

سفیر اوّل حضرت، عثمان بن سعید برای رعایت تقیه می کوشید تا خود را از بازرسی های رژیم عباسی دور نگه دارد. او بدین منظور در هیچ بحث ومجادله مذهبی یا سیاسی به صورت آشکار درگیر نمی شد.

{پاورقی . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین، ص ۱۴۹. پاورقی}

حسین بن روح نیز در راستای رعایت وحفظ تقیه، یکی از خدمتگزاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن نمود عزل واخراج کرد.

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۳۷. پاورقی}

۲ – صبر واستقامت بسیار عالی وممتاز

عده ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند: چرا تو نایب خاص حضرت نشدی؟ او در جواب گفت : "آنان (امامان:) بهتر از همه می دانند که چه کسی لایق این مقام است. من آدمی هستم که با دشمنان رفت وآمد دارم وبا آنان مناظره می کنم. اگر آنچه را که ابوالقاسم حسین بن روح درباره امام مهدی (ع) می داند من می دانستم، شاید در بحث هایم با دشمنان، آن گاه که جدال ولجاجت آنان را می دیدم، می کوشیدم تا دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه دهم ودر نتیجه محل اقامت او را برملا می ساختم. اما اگر ابوالقاسم حسین بن روح، امام را زیر عبای خود پنهان داشته باشد، وبدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا امام مهدی (ع) را نشان دهد، هرگز عبای خود را کنار نمی زند وامام را نشان نمی دهد".

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۴۰ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۹. پاورقی}

۳ –

نسبت به دیگران فهمیده تر بودن

شیخ طوسی در کتاب "الغیبه" به فهم ودرایت آنان اشاره کرده است.

{پاورقی . همان، ص ۲۳۶. پاورقی}

۴ – حسّاس نبودن حکومت نسبت به آنان

امام مهدی (ع) در انتخاب نایبان خاص خود از افرادی استفاده می کرد که در دستگاه ظالمان عباسی نسبت به آنها حساسیتی نباشد، چون نیابت خاص، کاری بود بسیار مخفی ومبهم ومهم؛ ولذا هر یک از آنان دارای شغل بوده، کاسبی می کرده اند تا شناخته نشوند.

آیا امام زمان علیه السلام غیر از سفرا، وکیل نیز داشته است؟

پرسش

آیا امام زمان علیه السلام غیر از سفرا، وکیل نیز داشته است؟

پاسخ

از تاریخ به دست می آید که امام زمان (ع) به جز چهار سفیر معروف، وکلایی نیز داشته است که در اطراف ممالک وشهرهای اسلامی مشغول به انجام وظیفه بوده اند. ولی بین سفیران ووکیلان دو فرق اساسی وجود داشته است:

۱ – سفیر با امام زمان (ع) به طور مستقیم مواجهه داشته واو را به طور شخصی می شناخته است، در حالی که وکلا این چنین نبوده اند، وارتباطشان با حضرت از طریق سفیران انجام می گرفت.

۲ – مسئولیّت سفیر، عمومی بود وشامل تمام شیعیان می شد، ولی مسئولیّت وکیل در محدوده منطقه خودش بود.

چه مصلحتی در وجود وکلای ناحیه مقدسه بوده است؟

پرسش

چه مصلحتی در وجود وکلای ناحیه مقدسه بوده است؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق به دو مصلحت اساسی می توان اشاره کرد:

۱ - کار وکیل، سهیم شدن در تسهیل کارهای گسترده ای بوده که بر عهده سفیر قرار گرفته بود. خصوصاً با در نظر گرفتن این مطلب که قرار بر سرّی بودن وکتمان کردن امور شیعیان در ارتباط با حضرت بود.

۲ - عملکرد آنها در مخفی نمودن سفیر وکتمان اسم وشخص او تأثیر بسزایی داشته است.

در مورد نائبان حضرت مهدی(ع) در زمان غیبت صغرا و کبرا توضیح دهید؟

پرسش

در مورد نائبان حضرت مهدی(ع) در زمان غیبت صغرا و کبرا توضیح دهید؟

پاسخ

چنان که می دانیم غیبت امام مهدی(ع) به دو دوره تقسیم می شود: «غیبت صغرا» و «غیبت کبرا»، غیبت صغرا از سال ۲۶۰ هجری تا سال ۳۲۹ در حدود ۶۹ سال به طول انجامید در این دوران ارتباط شیعیان با امام(ع) به طور کلی قطع نبود، بلکه آنان به گونه ای با امام(ع) ارتباط داشتند؛ به این صورت که مردم می توانستند توسط نواب خاص سؤالات فقهی، کلامی و... و دیگر مشکلات خویش را با امام در میان گذارند و از طریق آنها پاسخ امام(ع) را دریافت نمایند.

نایبان خاص حضرت مهدی در دوران غیبت صغرا، چهار تن از اصحاب با سابقه و از علمای زاهد و بزرگ شیعه بودند که «نواب اربعه» نام گرفته اند و عبارت بودند از:

۱. ابو عمر و عثمان بن سعید عمری.

۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری/

۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی.

۴. ابوالحسن علی بن محمد سمری.

این چهار نفر در رأس سلسله مراتب وکلای امام(ع) قرار داشتند و امور مردم را به عرض حضرت می رساندند. همچنین امام مهدی(ع) وکلای دیگری در مناطق مختلف مانند: بغداد، کوفه، قم، همدان، اهواز، آذربایجان، نیشابور و... داشتند که آنان توسط این چهار نواب خاص امور مردم را به عرض حضرت می رساندند.{۱}

وظایف و فعالیت های نواب خاص

وظایف و فعالیت های نواب چهارگانه بسیار گسترده و وسیع بوده است، اما وظایف اصلی آنان را می توان در امور ذیل خلاصه کرد:

۱. پنهان داشتن نام و مکان

گرچه امکان دیدار حضرت مهدی(ع) در دوران غیبت صغرا برای نواب خاص و برخی از شیعیان وجود داشت و گاهی این دیدارها صورت می گرفت،{۲} اما به

دلیل مشکلات سیاسی و به خطر افتادن جانِ امام از سوی حکومت وقت هر کدام از نواب اربعه در زمان خود وظیفه داشتند که از افشای محل حضرت در سطح عمومی خودداری ورزند.

۲. ساماندهی وکلا

نمایندگان و وکلای محلی امام مهدی(ع) در عصر غیبت صغرا، در مناطق شیعیان مستقر بودند و امکان ارتباط مستقیم با خود امام را نداشتند، از این رو، آنان ناگزیر بودند که زیر نظر نایب خاص انجام وظیفه کنند و نامه ها و سؤالات و وجوهات شرعی شیعیان را توسط نایب خاص به محضر امام برسانند.

۳. اخذ و توزیع اموال امام

نواب خاص امام(ع) هر کدام در دوران وکالت و نیابت خود، وجود و اموال متعلق به آن حضرا را که شیعیان می پرداختند به هر طریقی ممکن، به امام(ع) می رساندند و در مواردی که امام(ع) دستور می داد مصرف می کردند.

۴. پاسخگویی به سؤالات فقهی و کلامی

از جمله فعالیت نواب اربعه، پاسخگویی به سؤالات فقهی و شرعی و حلّ مشکلات کلامی و عقیدتی بود که از جانب افراد مختلف مطرح می شد.

نواب چهارگانه این وظایف را با استفاده از آموزش های امام به صورت اساسی انجام می دادند.

از جمله فعالیت های نواب اربعه در زمینه مسائل فقهی و کلامی مباحثات و مناظرات علمی است. آنها ضمن محکوم کردن طرف مقابل تأکید داشتند که این علوم را از امام مهدی(ع) آموخته اند.

با درگذشت چهارمین نایب خاص امام مهدی(ع) دوران غیبت کبرا آغاز گردید و تا هر وقت خداوند مصلحت بداند ادامه خواهد یافت. در این دوران علمای واجد شرایط از سوی امام زمان(ع) نیابت عامه دارند که خود ائمه(علیهم السلام) ضوابط و شرایط کلی نیابت را بیان فرموده اند و در طول زمان هر

فردی که آن ضابطه با او تطبیق کند می تواند به عنوان نیابت از مهدی موعود(عج) در امر دین و دنیا، مرجع مردم باشد.

روایات متعددی مسلمانان را در دوران غیبت کبرا موظف کرده اند که به فقهای جامع الشرایط عادل رجوع نموده و طبق دستور آنان عمل کنند. چنان چه امام صادق(ع) می فرماید: «مردم باید بنگرند چه کسی حدیث ما را روایت نموده و در حلال و حرام ما نظر افکنده و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است او را به عنوان حاکم بپذیرند زیرا من او را حاکم قرار دادم». {۳}

این فرمان، فرمان کلی و عمومی است و مفاد آن شامل همه فقها و مجتهدین واجد شرایط می شود.

برخی از این شرایط عبارتند از:

۱. اجتهاد در فقه

۲. تقوا و صلاحیت اخلاقی

۳. آگاهی و اهتمام به مصالح اجتماعی

به امید آن روز که شاهد انقلاب جهانی و سراسر عدل امام زمان(عج) باشیم و چشم های گنهکار ما با دیدن جمال نورانی اش روشن و منور گردد.

[۱].المهدی، صدر، ص ۱۸۹/

[۲].الغیبْ، طوسی، ص ۲۲۲ – ۲۴۶، صدوق کمال الدین، قم، نشر اللامی، ص ۴۴/

[۳].اصول کافی، ج ۱، ص ۶۷/

کیفیت ارتباط نواب با حضرت

ارتباط نواب خاص با امام زمان(ع) چگونه بوده است؟

پرسش

ارتباط نواب خاص با امام زمان(ع) چگونه بوده است؟

پاسخ

امام زمان(ع) در غیبت صغری چهار نماینده داشت که آن ها را به صورت معین و مشخص انتخاب و تعیین فرموده بود:

۱ – ابوعمر عثمان بن سعید عمری،

۲ – ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری،

۳ – ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی،

۴ – ابوالحسن علی بن محمد سمری.

اینان موظف بودند بین امام(ع) و مردم ارتباط برقرار کنند. سؤالات و نامه های شیعیان را به خدمت امام می بردند و پاسخ امام را به آن ها می رساندند و وجوه را از مردم تحویل می گرفتند و به محضر امام می رساندند یا با اذن امام به مصرف می رساندند. گاهی هم امام(ع) توسط توقیعاتی (نامه) مطالب لازم را به نواب خاصش بیان می فرمودند. (۱) بنابر این ارتباط نواب خاص با امام زمان(ع) به وسیله تماس مستقیم با حضرت یا به وسیله نامه بوده است.

پی نوشت ها:

۱ – علی غفار زاده، زندگانی نواب خاص، ص ۲۷ – ۳۴؛ مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۸۳ – ۶۹۰.

نواب اربعه چگونه با امام زمان ارتباط داشتند؟ آیا ایشان را می دیدند؟

پرسش

نواب اربعه چگونه با امام زمان ارتباط داشتند؟ آیا ایشان را می دیدند؟

پاسخ

از بررسی متون تاریخی و روایی که در شرح حال نوّاب اربعه وارد شده است، برداشت می شود که آنان از نزدیک با حضرت ولی عصر(عج) در دوران غیبت صغری ارتباط داشته اند. برخی از روایات گویای این است که آنان با حضرت دیدار داشته و مفاد برخی دیگر این است که مکاتباتی هم بین امام و آنان بوده است؛ یادآور می شود که در اصطلاح علم حدیث از این گونه مکاتبات به "توقیع" تعبیر شده و بعید نیست که حکمت صدور توقیعات از جانب حضرت، حصول اطمینان قلبی برای شیعیان در راستای ارتباط آنان با امام باشد.

اینک به بررسی بخشی از روایاتی که در این زمینه رسیده می پردازیم:

۱– حدود چهل تن از شیعیان از جمله: علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب به محضر امام عسکری(ع) شرفیاب شدند و قصد داشتند از حضرت بخواهند امام پس از خود را به آنان معرّفی کند، امام فرمود: آیا

مایلیـد به شـما بگویم برای چه آمـده ایـد؟ عرض کردند: بله. امام فرمود: آمده اید از حجّت خدا پس از من بپرسـید. در همین حال حضرت مهدی(عج) وارد شد و در پی آن حضرت عسکری فرمود: پس از من این پسر امام شما است. از او فرمان ببرید و دچار تفرقه نشوید.

آگاه باشـید که از این پس دیگر او را نخواهید دید. هر چه را که عثمان بن سعید می گوید بپذیرید. او جانشین امام شما است. (۱) از این روایت می توان بهره گرفت که تنها برای عثمان بن سعید عَمری با حضرت امکان ارتباط

وجود داشت.

۲- عبداللّه بن جعفر حمیری از محمد بن عثمان بن سعید پرسید: آیا صاحب الأمر را دیده ای؟

گفت: بله، آخرین باری که حضرت را دیدم، کنار کعبه بود و می گفت: "اللّهم أنجزلی ما وعدتنی؛ خدایا! آنچه را که به من وعده داده ای برسان".(۲)

این روایت با صراحت می رساند که محمد بن عثمان با امام عصر(عج) دیدار داشت. مفاد برخی از عبارت ها همین مطلب است، گرچه به این صراحت نیست.

مرحوم طبرسی صاحب مجمع البیان می گوید: پاسخ سؤالات و توقیعات حضرت، توسّط سفرای چهارگانه به شیعیان می رسید و آنان خمس و صدقات را توسط این چهار نفر به امام می رساندند تا طبق نظر امام در جای خود مصرف شود.(۳)

حدیث دیگری که مرحوم شیخ طوسی آورده، چنین است: توقیعات حضرت صاحب الزمان(عج) توسّط عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان به خواص حضرت عسکری(ع) و سایر شیعیان می رسید و این توقیعات شامل امر و نهی ها و پاسخ سؤالات شیعیان بوده است.(۴)

نکته قابل توجه در دو عبارت فوق "وساطت" نواب اربعه بین امام و شیعیان است و در عرف بیشتر جوامع، شخص واسطه با دو طرف دیدار می کند؛ از این رو می توان گفت آنان با امام از نزدیک دیدار داشته اند.

نکات دیگری نیز مؤیّد همین مطلب است که سفرای چهارگانه با امام ملاقات داشته اند که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

الف) هنگامی که از محمّد بن عثمان درباره نایب خاصّ پس از او سؤال شد، در پاسخ گفت: حسین بن روح جانشین من و سفیر میان شما و صاحب الأمر(ع) است.(۵)

ب) از ابوسهل نوبختی پرسیدند: چرا مسئولیت سفارت خاص با وجود تو به حسین بن روح سپرده شد؟ گفت: من

با دشمنان حضرت دیدار و مناظره دارم و ممکن بود اگر من جای امام(ع) را می دانستم و آنان بر من سخت می گرفتند، به آن ها نشان می دادم، امّا حسین بن روح حتی اگر با قیچی پاره پاره شود، چنین نخواهد کرد.(۶)

ج) در آخرین توقیعی که از جانب حضرت صادر شده، خطاب به علی بن محمد سمری آمده است: به هیچ کس وصیّت نکن که پس از مرگت جانشین تو باشد. وقت غیبت تامّه فرا رسیده است. در آینده برخی از شیعیان ممکن است مدّعی دیدار با من باشند. هر کس چنین ادعایی کند، دروغ می گوید.(۷)

برخی از صاحب نظران پس از بیان این توقیع، اظهار داشته اند: این توقیع آخرین خطاب و آخرین ارتباط بی واسطه می باشد که بین امام و مردم در دوران غیبت صغری بوده است.(۸)

عبارت های سفیر، دانستن محلّ زندگی حضرت، ادّعای مشاهده در آینده و آخرین ارتباط بی واسطه، همه گویای ارتباط نزدیک است که بارزترین مصداق آن "دیدار و ملاقات" با حضرت است.

نکته آخر: مقصود از "ادعای مشاهده" که در روایت آخر آمده بود، ادّعای سفارت و وکالت می باشد وگرنه بزرگانی همچون سید بن طاووس، مفید و محقق اردبیلی با امام ملاقات کرده اند و در کتاب های مربوطه به ثبت رسیده است اگر چه خود به صراحت چنین ادعایی نداشته اند.

پی نوشت ها:

۱. کتاب الغیبه، طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ص ۳۵۷، ح ۳۱۹.

۲. همان، ص ۳۶۴، ح ۳۳۰.

۳. تاج المواليد (مجموعه نفیسه)، طبرسی، کتابخانه آیه اللّه مرعشی نجفی، قم، ص ۶۷ (۱۴۳).

۴. کتاب الغیبه، ص ۳۵۶، ح ۳۱۸.

۵. همان، ص ۳۷۱، ح ۳۴۲.

۶. همان، ص ۳۹۱، ح ۳۵۸.

۷. همان، ص ۳۹۵، ح ۳۶۵.

۸. تاریخ الغیبه الصغری،

سید محمّد صدر، مکتبه الأمام أمیر المؤمنین، اصفهان، ص ۴۱۵.

وظایف نواب

وقتی حسین بن روح نوبختی التادیب را نوشت به قم فرستاد جهت دیدن علماء در آن زمان علمای قم چه کسانی بودند آیا این کتاب قابل دسترسی است

پرسش

وقتی حسین بن روح نوبختی التادیب را نوشت به قم فرستاد جهت دیدن علماء در آن زمان علمای قم چه کسانی بودند آیا این کتاب قابل دسترسی است

پاسخ

در آن زمان قم پایگاه بسیاری از محدثان و فقهای نامدار شیعه بود، از جمله:

۱- علی بن حسین بن موسی بابویه قمی پدر شیخ صدوق.

۲- محمد بن حسن بن ولید

۳- ابو محمد الحجال

۴- حسین بن احمد ادریس

۵- حسین بن سعید اهوازی

۶- زکریا بن آدم

۷- خالد بن محمد برقی

۸- احمد بن محمد بن عیسی اشعری

۹- احمد بن محمد بن یحیی عطار

۱۰- اسحاق بن آدم برادر زکریای آدم

۱۱- جعفر بن حسین از اساتید شیخ صدوق

۱۲- جعفر بن علی بن احمد قمی

۱۳- جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه

۱۴- احمد بن اسحاق از خواص امام حسن عسگری(ع)

۱۵- احمد بن علی بن حسن بن شاذان

۱۶- محمد بن علی بن حسین معروف به شیخ صدوق

۱۷- و حسین بن علی بن محمد برادر شیخ صدوق و جمع دیگری از بزرگان که در آن زمان در قم سکونت داشتند.معلوم نیست که کتاب «التأدیب» که امروز در دسترس باشد.{J

ارتباط نوّاب اربعه با شیعیان چگونه بوده است؟

پرسش

ارتباط نوّاب اربعه با شیعیان چگونه بوده است؟

پاسخ

شیعیان با نوّاب اربعه دو نوع ارتباط داشتند:

۱ - ارتباط با واسطه وغیر مستقیم

ارتباط با واسطه یک اصل در سازمان سفارت بود، چرا که این سازمان به جهت ظلم عباسیان نمی توانست آشکارا وآزادانه فعالیت کند. بنابراین باید در ارتباط با مردم از راه های استتاری بهره می گرفت.

۲ - ارتباط مستقیم وبی واسطه

این ارتباط در آغاز فعّالیت نواب اربعه، در دوره غیبت صغرا وجود نداشت، زیرا بنا بود که مسأله نیابت خاصه مخفی بماند، تا حاکمان جور بازتاب وواکنشی از خود نشان ندهند. ولی کم کم شیعیان به صورت پنهانی نام ونشانی سفیر را از وکلا وخواص گرفتند وتوانستند با آنان مستقیماً تماس بگیرند. این کار عمدتاً از زمان سفارت دومین سفیر شروع شد وادامه یافت. شیخ طوسی درباره این نوع ارتباط می نویسد: "عده ای از افراد مورد اعتماد نزد سفرای امام مهدی (ع) می رفتند وبا دادن نامه ویا بیان داشتن خواسته های خود، پاسخ آن را از ناحیه مقدسه وتوسط سفرا دریافت می کردند".

{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۵۷. پاورقی}

وظایف ومسئولیت های نوّاب اربعه چه بوده است؟

پرسش

وظایف ومسئولیت های نوّاب اربعه چه بوده است؟

پاسخ

وظایف ومحور کلّی فعالیت های نواب اربعه بدین قرار است:

۱ - زدودن شک وحیرت مردم درباره وجود امام مهدی (ع)

مهم ترین وظیفه ای که نواب اربعه به ویژه سفیر اول یعنی عثمان بن سعید عَمْری بر عهده داشت این بود که برای شیعیان ثابت کند، امام عسکری (ع) فرزندی دارد که اکنون امام است واو نایب خاص آن حضرت می باشد.

۲ - حفظ امام مهدی (ع) از راه پنهان داشتن نام ومکان آن حضرت

امام مهدی (ع) در توقیعی به محمّد بن عثمان بن سعید عَمْری بیان داشت که از ذکر نام ونشان آن حضرت خودداری کند ودر جهت پنهان داشتن نام ومکان آن حضرت بکوشد.

{پاورقی . همان، ص ۲۲۲. پاورقی}

ابوسهل نوبختی در جواب این سؤال که چرا تو سفیر ناحیه مقدسه نشدی؟ فرمود: "من نمی توانم مانند حسین بن روح سرّ نگهدار باشم".

{پاورقی . همان، ص ۲۴۰. پاورقی}

۳ - سازماندهی وسرپرستی سازمان وکالت

از طریق این سازمان، شیعیان پرسش ها وشبهات دینی خود را با وکلا در میان می گذاشتند وآنان به واسطه سفیر از ناحیه مقدسه پاسخ را به شیعیان می رساندند، ونیز وجوه شرعی خود را به وکلا می دادند ووکلا آن را به مسئول سازمان تحویل می دادند.

۴ - پاسخ گویی به پرسش های فقهی ومشکلات عقیدتی

آنان گاهی پرسش های فقهی ومسائل مستحدثه شیعیان را به عرض امام مهدی (ع) می رساندند وپاسخ آن را دریافت وبه شیعیان ابلاغ می کردند.{پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۵۲. پاورقی}

۵ - اخذ وتوزیع اموال متعلق به امام مهدی (ع)

امام مهدی (ع) در روز بعد از رحلت امام حسن عسکری (ع) ویا در همان روز، بعد از مراسم خاک سپاری امام عسکری (ع) به هیئت قمی ها

دستور داد که از این به بعد، اموال متعلق به آن حضرت را به وکیلش در بغداد (ابوعمرو، عثمان بن سعید عَمْری) تحویل دهند. {پاورقی . کمال الدین، ص ۴۷۸. پاورقی}

۶ – مبارزه با غلات ومدعیان دروغین نیابت وبابیّت

در راستای همین وظیفه، در این دوره هفتاد ساله هر کسی که به دروغ ادعای بابیّت ووکالت نمود، مثل حلاج، شلمغانی ودیگران، با آنان به مبارزه برخاستند واز ناحیه مقدسه توقیعاتی به واسطه آنان صادر شد، وبا روشن شدن ماهیّت آنان، شیعیان امامیه از این نوع انحرافات مصون ماندند وبه سفارت نواب اربعه ووکالت بیشتر اعتماد نمودند.

۷ – مبارزه با وکلای خائن

گاهی برخی از وکلا منحرف می شدند واز وظایف اصلی خود عدول می کردند. در این صورت مشکلاتی را برای سازمان مخفی وکالت به وجود می آوردند، وگاهی وجوه شرعی را نزد خود نگه می داشتند، در این صورت نواب اربعه هر کدام به نوبه خود مسئولیت داشتند تا با آن وکیل خائن مبارزه کنند.

۸ – آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبرا

این وظیفه بیش از همه بر دوش ابوالحسن علی بن محمّد سَمَری آخرین سفیر امام مهدی (ع) سنگینی داشت. از این رو امام مهدی (ع) از راه اعجاز به او کمک کرد وشش روز قبل از مرگش توقیعی صادر نمود وزمان دقیق وفات وی را بیان داشت تا اینکه حجت بر همگان تمام شود واذهان، آماده پذیرش دوره دیگری از غیبت آن حضرت باشد.

سازمان وکالت چه وظایف ومسئولیت هایی را برعهده داشته است؟

پرسش

سازمان وکالت چه وظایف ومسئولیت هایی را برعهده داشته است؟

پاسخ

با بررسی شواهد تاریخی چنین به دست می آید که سازمان وکالت از آغاز تا پایان فعالیت آن، کارکردهای گوناگونی را دارا بوده است که از آن جمله عبارت است از:

۱ – دریافت، تحویل وتوزیع وجوه شرعی.

۲ – رسیدگی به اوقاف.

۳ – راهنمایی وارشاد شیعیان ومناظره با مخالفان.

۴ – ایفای نقش سیاسی سازمان وکالت.

۵ – ایفای نقش ارتباطی سازمان وکالت.

۶ – کمک به نیازمندان وحلّ مشکلات شیعیان.

موضوع: توقیعات

نقش سفیر در توقیعات چه بوده است؟

پرسش

نقش سفیر در توقیعات چه بوده است؟

پاسخ

اگر چه در صدور توقیعات حضرت مهدی (ع) جایگاه حضرت از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا اوست که ذیل نامه را به خطّ مبارکش تزیین کرده است، ولی نمی توان نقش سفیر را در پدید آمدن آن نادیده گرفت. این سفیر است که نامه را از سائل گرفته وبه دست امام رسانده ودر مدت اندک یا طولانی جواب آن را به سائل رسانده است، بلکه به تعبیری، سفیر واسطه در ایجاد توقیع نیز بوده است، زیرا اگر امام چنین سفیر امینی نمی داشت هرگز نامه رسیده را توقیع نمی فرمود.

نیابت دردوره غیبت کبری

چرا امام زمان ۷در حال حاضر نائبی ندارد؟ پس مردم چطوربا آن حضرت ارتباط برقرار کنند؟

پرسش

چرا امام زمان ۷در حال حاضر نائبی ندارد؟ پس مردم چطوربا آن حضرت ارتباط برقرار کنند؟

پاسخ

در زمان غیبت کبرا فقها و مراجع تقلیدی که با تقوا باشند, نائب حضرت مهدی ۷هستند و به این مطلب , در روایات اشاره و

تصریح شده است . درتوقیعی که به خط حضرت مهدی است , آمده است : .(۱)

از امام عسکری ۷نقل است : .(۲)

این شرایط در برخی از فقیهان شیعه ظهور دارد.

بنابراین , فقهای پارسا, به طور عام , نائب حضرت و مورد وثوق ایشان می باشندو برای مردم حجّت عقلی و شرعی هستند. اگر مردم از آنان تبعیت کنند, مانند این است که از امام ۷تبعیت کرده اند و اگر مخالفت کنند, گویا با امام ۷مخالفت کرده اند. توسط فقها و مراجع تقلید نمی توان با حضرت مهدی ۷ارتباط پیدا کرد.اصولاً ارتباط با آن حضرت در زمان غیبت کبرا ناممکن است و هر کس ادعای ارتباط با آن حضرت داشته باشد, طبق روایات باید تکذیب شود.

(پاورقی ۱.صدوق , اکمال الدین , ج ۲ ص ۴۸۳

(پاورقی ۲.صادق احسانبخش , آثار الصادقین , ج ۱۶ ص ۵۵۳

آیا امام زمان(عج) در میان ما نماینده ای دارد؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) در میان ما نماینده ای دارد؟

پاسخ

امام زمان(ع) در زمان غیبت کبری نماینده خاصی ندارد. در این دوره، علمای واجد شرایط، از سوی امام زمان(عج) نیابت عامه دارند. نیات عامه بدین معنا است که امام شرایط و ظوابطی کلی را بیان کرده است تا در طول غیبت هر فردی که آن ضابطه با او تطبیق کند مردم به او مراجعه نمایند و به نیابت امام، در امر دین و دنیا، مرجع شیعیان می باشد. شرایط و ضوابطی بیان شده بر فقیهان واجد شرایط تطبیق نموده و آنان در زمان غیبت موظف هستند که به پرسش های مردم پاسخ داده و به مشکلات آنان رسیدگی نمایند. در برخی از روایات نیز بدین مطلب تصریح شده است.

عمربن حنظله می گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: اگر بین دو نفر از شیعیان بر سر قرض یا ارث اختلافی پیش آید و به حکومت و قضات مراجعه کنند آیا این کار جایز است؟ امام فرمود: هر کس در مورد حق و باطل به آنان مراجعه کند، در حقیقت به طاغوت مراجعه کرده است و هر چه را به حکم آنان بگیرد به طور حرام گرفته است، هر چند حق ثابت او باشد، زیرا آن را به حکم طاغوت گرفته است که خداوند امر کرده است به او کفر ورزند و انکار کنند.

پرسیدم پس چه باید بکنم؟ فرمود: باید نگاه کنند ببینند چه کسی از شما حدیث ما را روایت نموده و در حلال و حرام ما نظر

افکنده و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است؛ او را به عنوان حاکم و صاحب

رأی بپذیرنـد، زیرا من او را حاکم بر شـما قرار داده ام. اگر او بر اساس حکم ما حکم کنـد و کسـی از او نپذیرد، حکم خدا را سبـک شـمرده و ما را رد کرده است و کسـی ما را ردّ کنـد، خـدا را ردّ کرده است و این ، به منزله شـرک ورزیـدن به خـدای متعال است.(۱)

این فرمـان امـام فرمـان کلی و عمومی است که مفـاد آن شامـل همه فقهای واجـد شـرایط می شود، یعنی در زمان غیبت کبری نماینـده امـام فقیه و یـا فقیهـان واجـد شـرایط بوده و مردم نیز موظف هسـتند که به آنـان رجوع نموده و از مراجعه به قضات و حکومت های طاغوت پرهیز کنند.

پی نوشت ها:

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۶۷، وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۹.

چرا امام زمان(عج) برای خود نایب تعیین نکرده است؟ آیا به جهت بالا رفتن سـطح و آگاهی مردم است یا این که اگر تعیین می کرد، مورد سوء قصد قرار می گرفت؟

پرسش

چرا امام زمان(عـج) برای خود نایب تعیین نکرده است؟ آیا به جهت بالا رفتن سـطح و آگاهی مردم است یا این که اگر تعیین می کرد، مورد سوء قصد قرار می گرفت؟

پاسخ

اگر چه امام زمان(عج) مانند زمان غیبت صـغری افراد خاصـی را به عنوان نایب خویش تعیین نکرده است، ولی در زمان غیبت نیز نایب دارد. با این تفاوت که در زمان غیبت صـغری نواب خاص داشـته(۱) ولی در زمان غیبت کبری نیابت عام تعیین شـده است؛ بـدین معنـا که امام، شـرایط و ضوابط کلِّی را بیان کرده تا در طول زمان هر فردی که شـرایط با او همخوان باشـد، نایب شنـاخته شـده و به نیابت از امام، در امر دین و دنیا، مرجع شـیعیان باشـد. در زمان غیبت کبری علمای واجـد شـرایط نائبان امام زمان(ع) هسـتند؛ زیرا شـرایط و ضوابطی که از سوی امام زمان(عـج) تعیین شـده، بر آنان تطبیق می کنـد. بر این اساس علمای دین و مجتهدان واجد شـرایط موظف هسـتند که به مشـکلات مردم رسـیدگی کنند. و پاسـخگوی مسایل دینی مردم بوده و به هـدایت و رهبری آنان بپرازنـد. از سوی دیگر مردم نیز وظیفه دارنـد که از مجتهـدان واجـد شـرایط پیروی نماینـد. اسـحاق بن یعقوب می گوید: از محمد بن عثمان (دومین نائب خاص حضـرت مهدی(عج)) خواسـتم نامه ام را به پیشـگاه امام برساند. در آن نامه مسائل مشـکلی را که داشتم پرسیده بودم. از جمله سؤالاتم این بودکه در پیشامدها در عصر غیبت به چه کسی مراجعه کنم؟ در پاسخ فرمود: "در حوادثی که رخ می دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. آن ها حجت من بر

شما هستند و من حجت خدا (بر شما) هستم".(۲)

بـا آن که اسـحاق بن یعقوب در این نامه در مورد وظیفه خود سؤال کرد، ولی امام به صورت عمومی پاسـخ داده و وظیفه همه شیعیان را معیّن نموده است.

بر این اساس امام زمان(عـج) در زمان غیبت کبری به طور عام نماینده تعیین کرده است. تعیین نیابت عام در زمان غیبت کبری بر اساس شـرایط زمان و مصالح عمومی بوده است. در ضـمن می توان گفت که با تعیین علمای واجد شرایط، به صورت نائب عـام، رشـد فکری مردم نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا مردم در صـدد یـافتن عالم ترین و با تقواترین عالمان دینی بر می آینـد و از این طریق قـدرت فهم و درک مردم هم نسـبت به اصل دین و هم عالمان دینی برای همخوانی با معیارها افزایش می یابد.

پی نوشت ها:

۱. سیره پیشوایان، ص ۶۷۵ ۶۸۲.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

آیا امام زمان (عج) در حال حاضر نوابی دارند که مستقیما با مردم در تماس باشند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) در حال حاضر نوابی دارند که مستقیما با مردم در تماس باشند؟

پاسخ

- برای امام زمان (عج) دو غیبت است :

۱- غیبت کوتـاه (غیبت صـغری) ؛ که آغـاز آن از فوت حضـرت عسـکری (ع) تا حـدودهفتاد و چهار سال بعـد از آن بوده است . در این مدت امام زمان (عج) به وسـیله نواب خاص خودشان ، با شـیعیان در ارتباط بوده اند .نواب خاص امام سوالات و مشکلات مردم را مستقیما" با خود حضرت مطرح می کردند وجواب آن را می گرفتند؛ به عبارتی واسطه میان مردم و امام (ع) بودند .

۲-غیبت بلنـد مـدت (غیبت کبری) ؛ از آن زمـان به بعـد که حـدود هزار و صـدسال تـا الا‌ن می گـذرد، زمان غیبت طولانی حضـرت آغاز شده است . در این مدت حضـرت نایب خاصی برای خود تعیین نکرده اند و به آخرین نایب خود فرمودند : بعد از فوت خودت به کسـی وصیت به نیابت نکن و اگر کسی بعد از این ادعای نیابت خاصه و ارتباط با من را داشته باشد، دروغ

گو است. امام زمان (عج) در زمان غیبت طولانی خود، مردم را در مسایل و مشکلات دینی به نواب عام خود رجوع داده اند که مسایل دین خود را از آنان فرابگیرند و آنها را حجت از طرف خود بر مردم معرفی کرده اند .این نواب عام علما و مجتهدان شیعه هستند ;

با اینکه امام زمان((علیه السلام))فرموده اند که نیابت به پایان رسیده پس چرا در کتابها نوشته که محمّد بن عیسی خدمت آن حضرت رسیده است؟

پرسش

با اینکه امام زمان((علیه السلام))فرموده اند که نیابت به پایان رسیده پس چرا در کتابها نوشته که محمّد بن عیسی خدمت آن حضرت رسیده است؟

پاسخ

در زمان غیبت کبری که نیابت خاصه در او نیست گرچه اصل بر این است که کسی خدمت آن حضرت نرسد ولی در برخی شرایط ضروری و استثنایی که خود آن حضرت صلاح بدانند افرادی خدمت آن حضرت می رسند که محمد بن عیسی((علیه السلام)) در داستان مربوط به انار در شرایطی که جان و مال شیعه به شدّت در معرض خطر بود خدمت امام زمان((علیه السلام)) رسید و مشکل بزرگ شیعیان به برکت رهنمود آن حضرت حل شد.

(بخش پاسخ به سؤالات)

مراد از(من مات ولم یعرف امام زمانه) امام (ع) است یا مجتهد جامع الشرایط؟ این حدیث چگونه دلالت بر وجوب تقلید از مجتهد جامع الشرایط می کند؟

پرسش

مراد از(من مات ولم یعرف امام زمانه) امام (ع) است یا مجتهد جامع الشرایط؟ این حدیث چگونه دلالت بر وجوب تقلید از مجتهد جامع الشرایط می کند؟

پاسخ

مسأله تقلید از مجتهد جامع الشرایط غیر از وجوب شناخت امام زمان «عج» است و هیچ یک از علما مسأله تقلید رامستند به روایت شریفه: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه» نمی دانند. زیرا همان طور که خود نیز اشاره فرموده اید این روایت مربوط به شناخت امام معصوم(ع) در هر عصر است و تقلید از مجتهد جامع الشرایط در مسائل دینی به عنوان مراجعه به کارشناس برجسته دینی است که بعد از غیبت کبرای حضرت ولی عصر«عج» و به دستورخود آن حضرت مورد عمل بوده و تبعیت از فقهای بزرگی همچون شیخ طوسی (شیخ الطائفه) علامه حلی مقدس اردبیلی و امام خمینی«ره» از این باب بوده است. و در نامه های امام زمان«عج» به علی بن محمد سمری آمده است که فرمود: «و اما من کان من الفقها صائنا لنفسه حافظا لدینه مخالفا لهواه مطیعا لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه. هر کدام ازفقیهان که بر نفس خود مسلط و پاسدار دین الهی و مخالف هوای نفس بود و در کارها فقط اطاعت از خدایش را ملاککار قرار داد بر مردم لازم است او را مرجع و مقلد خود قرار دهند و از او تقلید کنند». پس تقلید از مرجعی بیدار و آگاهکه حصن اسلام است و در مقابل دشمنان اسلام از دین پاسداری می کند ربطی به صفوی ها ندارد. البته در دوره حکومت صفوی ها مرجعیت شیعه از آزادی عمل بیشتری برخوردار شد و توانست در

رشد و گسترش فرهنگ غنی اسلام گام بلندتری بردارد.

برای آگاهی بیشتر ر . ک : «منابع فقه» محمد تقی جعفری و «وظایف شیعه در عصر غیبت»

بعــد از اینکه چهارمین نائب خاص امام زمان(عــج) رحلت فرمود، مردم در زمینه امور دینی باید به مجتهدین مراجعه فرمایند، ایشان مجتهد (ین) هم عصر خودش و بعد از خودش را معرفی فرمود. از آن زمان تاکنون مجتهدین، افراد مجتهد بعد از خودشان (یا هم عصر خودشان) را معرفی می

پرسش

بعد از اینکه چهارمین نائب خاص امام زمان(عج) رحلت فرمود، مردم در زمینه امور دینی باید به مجتهدین مراجعه فرمایند، ایشان مجتهد (ین) هم عصر خودش و بعد از خودش را معرفی فرمود. از آن زمان تاکنون مجتهدین، افراد مجتهد بعد از خودشان (یا هم عصر خودشان) را معرفی می نمایند. اگر ممکن است نام مجتهد زمان حیات آفرین نائب خاص امام زمان(عج) نام سلسله مجتهدین) تاکنون رانام ببرید.

پاسخ

فقه شیعه به دو دورهء حضور و غیبت امام(ع) تقسیم می شود، در دوره حضور امام(ع)، احکام فقهی، به لحاظ حضور امام(ع) که فهم او از دین کامل است و مطلق و مقید و ... و سنت رسول الله(ص) را خوب می شناسد، از قرآن و سنت اخذ می شد، اما در دوران غیبت، به لحاظ اینکه همه موارد احکام فقهی را نمی شود مستقیماً از قرآن و سنت گرفت، اصول فقهی خاصی در فقه شیعه مقرر شد، به نام اصول عملیه که فقیه جامع الشرایط با توجه به اصول القاء شده از طرف امامان شیعه(ع) با تحلیل و استدلالهای عقلی در چارچوب قرآن و سنت پیامبر اکرم(ص) احکام شرعی را بدست می آورند. البته امامان(ع در زمان حضور نیز پیوسته به ایجاد زمینهء تفکر و استدلال در بین شیعیان پرداخته و آنان را تشویق به تحلیل و استدلال عقلی می کردند و وظیفهء خود را بیان اصول و قواعد کلی دانسته و تفریع و استنتاج جزئی را به عهده فقها می گذاشتند، لذا برخی فقها مانند ابن براج (م/۴۸۱) و سلار بن عبدالعزیز دیلمی(م/ ۴۸۸) و ... تقسیم بندی ها و تحولات شگرفی در فقه

ایجاد کردند که مورد قبول و پیروی فقهای دیگر شد، به طوری که آنچه ما امروز به نام فقه شیعه می شناسیم، ادوار مختلفی را پشت سر گذاشته که به وسیلهء فقهای نامی شیعه سازمان یافته و تکمیل شده است. اینک ما نیز فقها را به دو قسمت ۱) فقهای دوران غیبت کبری و ۲) فقهای دوران بعد از غیبت کبری تقسیم می کنیم و برخی از آنان را نام می بریم.

۱) فقهای عصر غیبت کبری

۱. علی بن بـابویه قمی (م/ ۳۲۹) مورد عنایت خاصه حضـرت ولی عصـر(عج) بوده و نامه ای نیز از حضـرت توسط حسـین بن روح نوبختی به او نوشـته شد(رجال نجاشی/۲۶۱) البته قبـل از علی بن بـابویه قمی می توان به علی بن ابراهیم قمی (م/ ۳۰۸) و محمـد بن یعقوب کلینی و مشایـخ فراوان اشـاره کرد منتهی جنبه هـای حـدیثی آنان بیشتر است و غلبه بر جنبه های فقهی آنان دارد.

۲. محمد بن مسعود عیاشی (م/۳۲۰)

۳. ابن ابی عقیل عمانی (م/۳۲۹)

۴. ابن جنید اسکافی (م/۳۸۱)

۵. شیخ مفید (م/۴۱۳) که امام زمان(عـج) توقیع شـریفی به ایشان دارد و در وصف ایشان فرموده اند: «لاصوت الناعی بفقدك ان هو یوم علی آل رسول عظیما» (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳؛ المزار شیخ مفید، ص ۱۱).

۶. سید مرتضی (م/ ۴۳۶) که در عالم رؤیا از طرف امام علی(ع) لقب علم الهـدی یافت (روضات الجنات، ص ۵۷۵) این شش نفر فقهایی هستند که زمان غیبت کبری را درک کرده و دارای ویژگیهای برجسته ای بودند و مردم در مسایل فقهی و دینی به اینان رجوع می کردند.

اما فقهای بعد از غیبت کبری

عبارتند از:

۱. شیخ طوسی (م/۴۶۰) ۲. ابن براج (م/۴۸۱) ۳. شیخ ابوالصلاح حلبی (م/۴۴۷)

۴. سلار دیلمی (م/۴۶۳) ۵. ابن زهره سید ابوالمکارم (م/۵۸۵) ۶. ابن ادریس (م/۵۹۸)

۷. سید شمس الدین موسوی (م/۵۹۸ یا ۶۳۰) ۸. ابن حمزه طوسی (م/۵۸۵)

۹. ابوالقاسم جعفر سعید حلی (محقق حلی) (م/۶۷۶) ۱۰. یحیی بن سعید (م/۶۹۰)

۱۱. علامه حلی حسن بن یوسف (م/۷۲۶) ۱۲. سید عمید حسین (م/۷۵۴)

۱۳. فخرالمحققین محمد بن حسن بن یوسف (م/۷۷۱) ۱۴. شهید اول محمد بن مکی (م/۷۸۴)

۱۵. مقداد سیوری (م/۸۲۶) ۱۶. محقق ثانی علی بن عبدالعالی کرکی (م/۹۴۰)

۱۷. شهید دوم زیدالدین علی بن احمد (م/۹۶۶) ۱۸. شیخ حسن عبدالصمد پدر شیخ بهایی (م/۹۸۴)

۱۹. مقدس اردبیلی (م/۹۹۳) ۲۰. سید محمد عاملی (م/ ۱۰۰۹)

۲۱. ملاعبدالله شوشتری (م/۱۱۰۱) استاد شیخ بهایی ۲۲. شیخ بهایی (م/۱۰۳۱)

۲۳. علامه مجلسی اول (م/۱۰۷۰) ۲۴. وحید بهبهانی (م/۱۲۰۵) ۲۵. سید حسین خوانساری (م/۱۰۹۹)

۲۶. آقا جمال خوانساری (م/ ۱۱۲۵) ۲۷. سید محمد مهدی بحرالعلوم (م/ ۱۲۱۲)

۲۸. شیخ جعفر کاشف الغطا (م/۱۲۲۸) ۲۹. شیخ محمد حسن صاحب جواهر (م/۱۲۶۶)

۳۰. شیخ مرتضی انصاری (م/۱۲۸۱) ۳۱. میرزای شیرازی (م/۱۳۱۲) ۳۲. آخوند خراسانی (م/۱۳۲۹)

۳۳. میرزای دوم محمد تقی شیرازی (م/۱۳۳۸) ۳۴. سید کاظم طباطبایی یزدی (م/۱۳۳۷)

۳۵. آیت الله اصفهانی، نائینی، حائری بنیان گذار حوزه علمیه قم سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۵ هجری قمری

۳۶. سید ابوالحسن اصفهانی (م/۱۳۶۵) ۳۷. حاج آقا حسین قمی طباطبایی (م/۱۳۶۶)

۳۸. آیت الله خوانساری سید محمد تقی (م/۱۳۷۱)

۳۹. سید محمد حجت کوه کمره ای (م/۱۳۷۲) ۴۰. آیت الله بروجردی (م/۱۳۸۰)

۴۱. سید محسن حکیم (م/۱۳۹۰) ۴۲. سید احمد خوانساری (م/۱۴۰۵)

۴۳. آیت الله خویی (ره) (م/۱۴۱۳) ۴۴. امام خمینی(ره) (م/۱۴۰۹)

البته در بسیاری از زمانها دو یا چند فقیه در

یک زمان بودند منتهی گاهی دو فقیه در یک شهر یا کشور بودند گاهی در دو کشور مثل عراق و ایران.

منابعی که می شود رجوع کرد عبارتند از:

الکنی و الالقاب، شیخ عباس قمی

روضات الجنات مرحوم خوانساری

ریاض العلما میرزا عبدالله افندی

تاریخ فقه وفقها گرجی

فقهای نامدار شیعه عقیقی بخشایشی

ادوار فقه ابراهیم خباتی

تکمله امل آمل، سید حسن صدر

اعیان الشیعه مرحوم سید محسن امین.

آیا در حال حاضر و در عصر ما نایبان خاص امام عصر(ع) وجود دارند؟

پرسش

آیا در حال حاضر و در عصر ما نایبان خاص امام عصر(ع) وجود دارند؟

پاسخ

در عصر حاضر نایب خاص برای حضرت مهدی (عج) وجود ندارد و هر کس دعوی نیابت کند باید او را تکذیب کرد. البته میان غیبت صغری و غیبت کبری در این خصوص تفاوت وجود دارد. در زمان غیبت صغری مردم از طریق ۴ نایب با امام زمان (عج) در ارتباط بودند:

۱. عثمان بن سعید (ره)؛

۲. محمد بن عثمان (ره)؛

۳. حسین بن روح (ره)؛

۴. علی بن محمد سمری(ره).

آخرین نایب حضرت حجت(عج) ، (علی بن محمد سمری (ره)) نامه ای از جانب حضرت ولی عصر (عج) برای مردم آورد که در آن نامه نوشته شده بود به شیعیان خبر بده که تو (علی بن محمد سمری (ره)) تا ۶ روز دیگر از دنیا می روی و به هیچ کس درباره امر نیابت وصیت نکن و کسی را به عنوان نایب معرفی نکن. چون غیبت کبری شروع شده و این غیبت طولانی است و در زمانی که خدا اذن دهند ظهور صورت گیرد و هر کس ادعای مشاهده (همراه با دعوی نیابت) نماید دروغگو است (آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (عج)، ص ۴۹۴ و ۴۹۵).

متن این نامه در میان شیعیان در آن زمان خوانده و از آن نسخه برداری شده است. این مطلب نزد شیعیان قطعی است که پس از وفات علی بن محمد سمری (ره) در سال **۳۲۹** هجری قمری تا زمان ظهور، نایب خاص نداریم. البته بر اساس توقیعی که از طرف حضرت مهدی (عج) رسیده است فقیهان جامع الشرائط به عنوان وکیل عام حضرت حجت (عج) معرفی شده اند که جمله

معروف نـاظر به همين مطلب است: «امـا الحوادث الواقعه فـارجعوا الى رواه احاديثنـا» (شـيخ حر عـاملى، وسائل الشـيعه، ج ۱۱، دارالكتب الاسلاميه، ص ۱۴۰، باب ۳۷).

اما درباره رويدادهاى جديد پس به راويان احاديث ما مراجعه نماييد.

مقصود از نيابت عامّه در عصر غيبت كبرا چيست؟

پرسش

مقصود از نيابت عامّه در عصر غيبت كبرا چيست؟

پاسخ

مقصود از نيـابت عـامه اين است كه امام (ع) ضابطه اى كلّى به دست مى دهـد تا در هر عصـر، فرد شاخصـى كه آن ضابطه از همه جهات ودر همه ابعاد بر او صدق مى كند نايب امام شناخته شود ودر جامعه، نماينده او گردد.

بنابراين، كسانى كه در دوره غيبت صغرا نيابت داشتند وبا اسم ورسم معرفى شده بودند "نايب خاص" ناميده مى شوند.

بر اسـاس روايـات وارده در اين بـاب، مقـام نيابت عامه به وسـيله خود امامان: به ويژه حضـرت حجت (ع) به فقيه جامع شـرايط تفويض شده است، كه از آن جمله مى توان به اين دو روايت اشاره كرد:

۱ - عمر بن حنظله از امام صادق (ع) سؤال مى كند كه اگر در مشكلات ومنازعاتى كه معمولاً براى آنها به حاكم يا به قضات منصوب از طرف حاكم مراجعه مى كنند، بين دو نفر شيعه رخ داد چه كنند؟آيا مى توانند به حاكم وقت ويا قضات منصوب از طرف آنان مراجعه نمايند ومشكلشان را حل نمايند.

حضـرت در پاسـخ فرمـود: مراجعه به آنهـا حرام است، زيرا رجـوع به آنهـا رجوع به طـاغوت است وخـداى سـبحان مراجعه به طاغوت را نهى كرده است.

او دوباره سؤال كرد: پس چه كنند، زيرا در صورت عدم مراجعه، حقشان ضايع مى شود.

حضـرت بـا ذكر معيارهايى علماى واجـد شـرايط را براى آنها معرفى كرده، مى فرمايـد: "ينظران (إلى) من كان منكم ممّن قد روى حـديثنا ونظر فى حلالنـا وحرامنـا وعرف أحكامنـا فليرضوا به حكمـاً فإنّى قـد جعلته عليكم حاكماً، فإذا حكم بحكمنا فلم يقبله منه فإنّما استخفّ بحكم اللَّه وعلينا ردّ، والرآدّ علينا الرآدّ على اللَّه وهو على حدّ الشرك باللَّه..."؛ "در

بین {پاورقی . اصول کافی، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۰. پاورقی}

خودتـان از فقهـای شیعه کسـی را انتخـاب کنیـد که حـدیث ما را روایت کرده و در حلال و حرام ما نظر نموده و احکام ما را شناخته است ومشـکل خود را از طریق او حل نماییـد، زیرا آنان از طرف من منصوبند ومن نیز آنها را بر شـما حاکم قرار دادم. اگر پس از مراجعه به آنان وبیان حکم، طرفین دعوا حکم را نپذیرند، ما را ردّ کرده اند وحکم خدا را سـبک شـمرده اند، وردّ بر ما در حقیقت ردّ بر خداست وچنین شخصی در حدّ مشرك به خدا خواهد بود."

۲ - اسـحاق بن یعقوب بعد از طرح مسائلی از حضـرت مهدی (ع) جواب آنها را طلب می کند. امام در توقیعی که در ذیل آن نامه به وسـیله نایب دوم خود محمّد بن عثمان عَمْری می فرستد، از جمله مسائلی که در آن اشاره کرده اینکه: "...أمّا الحوادث الواقعه فـارجعوا فیهـا إلی رواه حـدیثنا فـإنّهم حجّتی علیکم..."؛ "امّا در حوادثی که پیش می آیـد {پاورقی . کمال الـدین، ص ۴۸۴ ؛ الغیبه، طوسی، ص ۱۷۷. پاورقی}

به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند...".

چگونه می توان نایب امام زمان (عج) را در زمان غیبت شناخت ؟

پرسش

چگونه می توان نایب امام زمان (عج) را در زمان غیبت شناخت ؟

پاسخ

برای شـناخت نـایب امـام زمـان(عـج) معیارهایی وجود دارد که با توجه به آنها می توان در هر زمان فرد یا افرادی را یافت که صلاحیت این مرتبه را داشته باشـند. البته بایـد دانست که این نیابت، نیابت خاص نیست؛ یعنی، امام زمان(عـج) شخصـی را به عنوان نایب خاص خود معرفی نمی کننـد؛ بلکه نیابت عام است؛ یعنی، هر کسـی که دارای صـفات خاصـی باشـد، به طور عام مجاز است که احکام الهی را بیان کنـد و شؤونی را که امام(ع) بر عهـده دارند، بر عهدهبگیرد. مجموعه این شـرایط از قرآن و سنت استفاده می شود که عبارت است از:

۱- عالم بودن و دارای قوه اجتهاد و استنباط احکام الهی از منابع آن،

۲- دارای زهد و تقوا و پرهیز کردن از دنیاپرستی و مفتون شدن به آن،

۳- داشتن بصیرت و عالم به زمان.

البته در هر زمان اگر چنـد نفر دارای این شـرایط بودنـد، بایـد اَعلَم آنان برگزیده شود و اگر مساوی بودند، انتخاب هر یک از

آنها مجاز است. البته در مسایل سیاسی و حکومتی به جهت آن که نظام جامعه مختل نشود، باید یک نفر (ولی فقیه) در رأس امور قرار گیرد و اختیارات حکومتی نیز در دست او متمرکز باشد وگرنه موجب به هم خوردن امور می گردد.{J

یاران

ویژگیهای یاران

در زندگی چگونه رفتار کنیم و چه اعمالی انجام دهیم که از یاران حضرت مهدی عج باشیم

پرسش

در زندگی چگونه رفتار کنیم و چه اعمالی انجام دهیم که از یاران حضرت مهدی عج باشیم

پاسخ

قرار گرفتن در صف یاوران حضرت مهدی عج فرمولی غیر از بندگی خدا ندارد، زیرا ایشان نماینده رسمی از جانب پیامبری است که خلاصه رسالتش دعوت به توحید و رها شدن از شرک و نفاق در تمام زوایای زندگی است همانگونه که در قرآن آمده است «ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله»(۳۹) یعنی اگر خدا را دوست دارید از من (پیامبر اکرم ۹» اطاعت کنید در نتیجه خداوند هم شما را دوست خواهد داشت پس اگر بندگی خدا تحقق یابد، انسان هم محبوب خدا خواهد شد و هم محبوب رسول ۹) او و هم محبوب ائمه اطهار(:) و روشن ترین راه وصول به این هدف ابتدا ترک محرمات و انجام واجبات است و در مرحله بعد توجه به مستحبات و ترک مکروهات همچنین باید از اعمالی که موجب دوری از درگاه خداوند و خشم الهی می شود پرهیز کنیم تا بتوانیم رضایت حضرت حجت عج را جلب نماییم همانگونه که امام صادق ۷) می فرمایند: «لا ....G

ُ ولایتنا اِلّا بالوَرع (۴۰) یعنی اگر بخواهیم جزء یاران آنها باشیم باید تقوی و ورع را پیشه خود سازیم در خاتمه مطالعه کتاب مکیال المکارم از سید محمدتقی موسوی اصفهانی را به شما توصیه می کنیم

پاورقی:

-۳۹ آل عمران / ۳۱.

-۴۰ بحار، ج ۷۵، ص ۲۸۱.

چگونه می توان از یاران حضرت ولی عصر(شد؟

پرسش

پرسش

چگونه می توان از یاران حضرت ولی عصر(شد؟

پاسخ

خصوصیات و ویژگی های اصحاب و یاران، و کسانی که محبوب و مرضیّ وجود نازنین "بقیه ا... الاعظم" می باشند، در ادعیه و زیارات مربوط به ایشان بیان شده؛ که علاوه بر نشانه های اصحاب، هر کدام طریق وصول به این مقام را در آئینه خویش روشن می نماید. اما بطور کلی طریقی که سالك و رونده این راه باید در پیش بگیرد، دائر مدار دو محور اساسی در بحث تربیت معنوی انسان است :

الف) سیر نظری، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت علمی، یعنی شناخت صحیح و اساسی دین، و پیراستن از آنچه غیردین است، این کار با تدبّر عالمانه در قرآن و روایات مأثور از اهل بیت(، حاصل می گردد. همچنین با مطالعه دقیق و برنامه ریزی شده کتابهایی، که اهل فن و اسلام شناسان در مورد اسلام نوشته اند (مانند کتابهای شهید مطهری، علامه طباطبایی و ...) در این گام ما به احکام و تکالیف خویش، در ابعاد مختلف وجودمان، معرفت پیدا می کنیم. و برنامه ریزی دقیقی را برای اصلاح افکار و اندیشه ها، خلقیات و صفات، و رفتار و کردارمان بعمل می آوریم. و در واقع با آگاهی از وظائف عملی، و گسترش شناخت خود از مبانی و معارف در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش می کنیم.

ب) سیر عملی، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت عملی، این کار با تقلید از احکام ظاهری شریعت، و به جا آوردن آداب انجام می پذیرد. اهتمام به واجبات و وظائف دینی، و پرهیز از معاصی، لغزشها و گناهان،

دو رکن این حرکت است. مراعات تقوا در همه شؤون فردی و اجتماعی، بزرگترین عامل قرب انسان به خداوند و اولیای اوست. در واقع در هر محیطی که هستیم، به خودسازی اقدام می کنیم، و با توبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلی و ورود نور الهی آماده می سازیم، و سیّئات را به حسنات تبدیل می نماییم. "ان الحسنات یذهبن السیّئات" (۱)

قرآن کریم راجع به حضرت مهدی(و اصحاب ایشان می فرماید : "الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه او آتوا الزکاه وآمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر" (۲) (کسانی که اگر در زمین به ایشان قدرت و توانایی دهیم، نماز را به پا داشته، و زکات را به مستحق می بخشند، و به معروف امر نموده، و از منکر نهی می کنند.)

امام باقر(پیرامون این آیه شریفه فرمودند : "این آیه برای آل محمد(، و مهدی (و اصحاب اوست."

اگر دقت بفرمایید، در واقع ما برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرت، از خود آغاز نمودیم، و در جهت سنخیّت خویش با حضرت مهدی(، حرکت نمودیم. نسخه ای که مقام معظم رهبری نیز تأکیدی زیبا بر آن داشتند، منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند.

به برخی از خصوصیات یاران امام عصر "ارواحنا لتراب مقدمه الفداه" توجه فرمایید امید است که مشعل راه باشد، و فراسوی ما را روشن سازد، تا از گردابهای ضلالت و گمراهی نجات یابیم.

در روایات متعدد داریم که انتظار فرج در زمان غیبت، از بهترین اعمال است. (۳)

فرج یعنی نصرت و پیروزی و گشایش، و مقصود عدل گستری که به رهبری امام عصر(شکل می

گردد. بنـابراین انتظـار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. و این خواسـتگاه، آنگاه جـدی و راست است، که شـخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از سـتم و تباهی باشد، و اگر نه، این انتظار شـعار بی محتوایی خواهد شد. از این رو در روایات آمده است که انتظار فرج، خود فرج است. زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا، و تأسیس حکومت عدل گستر اوست، زندگی خود را بر پایه عدل و داد اسـتوار می سازد. و او انسانی است که در حضور و غیبت امام نحوه رفتار و سیر و سـلوکش تفاوتی نـدارد. و قبل از تشـکیل حکومت عـدل، او چنین حکومتی را در زنـدگی خود پایـدار ساخته است. بنـابراین انتظـار فرج حقیقی، ریشه در معرفت به حـق و عـدل و ایمـان، و عشق به آن دارد. و آثـار آن نیز در عمـل نمایـان می گردد. و در واقع این انتظار، ظهور فرجِ سینه او به سوی معدن ارزشها و زیباییها است. چنین شخصی، فضایل انسانی را در نفس خویش شـکوفا نموده، و به ثمر رسانـده است. و در واقع در قلب خود، ظهور سـلطنت مطلقه قـائم المهـدی(را شـهود نموده، و طعم آنرا چشـیده و رائحه آن را بوییده است. چنین منتظری هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت زنده اند، و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند.

۲. در زیـارت شـریف آن حضـرت در روز جمعه، می خوانیم : "ان یجعلنی من المنتظرین لک و التابعین و الناصـرین لک علی اعدائک" (از

کسانی باشم که در انتظار مهدی(هستند، و از پیروان و یاری کنندگان تو علیه دشمن تو قرار گیرم.)

حالت انتظار که بحثش رفت، و اما مرحله دوم تبعیّت است؛ تبعیّت از آرمانهای موعود، و تخلق به آن اخلاق پسندیده و صفات مورد نظر امام(، که در تعلیمات ائمه(دیده می شود. مؤمن منتظر، تابع فرمانده است؛ نه آنکه به هواهای خویش اقتدا کند. و چنین است که در دعای غیبت می خوانیم : "و قونا علی طاعته و ثبِّتنا علی متابعته..." (خدایا مرا بر اطاعت وی توانا، و بر پیروزیش ثابت قدم بدار، و مرا بر این امر (انتظار)، شکیبا گردان؛ تا آنکه شتاب در آنچه تو تأخیرش را می خواهی، و تأخیر در آنچه تو شتاب کرده ای، نخواهم. و از آنچه پوشیده ای، جستجو نکنم. و بحثی در آنچه پنهان نموده ای، نداشته باشم. و با تو در تدبیرت منازعه نکرده، و نگویم چگونه و چرا ولی امر ظهور نمی کند؟)

مرحله سوم نصرت است. عاشق راحتی معشوق را می خواهد، نه راحتی خویش را. و برای این است که عاشق منتظر، تلاشگر است. در این مشکلات موجود نی منتظران واقعی بی تفاوت نیستند. و به اندازه توان خوبش در دعوت به حق می کوشند. تا شاید همراهانی برای نی راه طولانی پیدا کنند.

صفات نیکو و ارزنده بسیار دیگری نیز در زیارات و ادعیه، در مناجات با صاحبان وجود دارد، که با مراجعه به کتاب ارزشمنده مفایتح الجنان (اثر شیخ عباس قمی "طاب ثراه")، می توانید تأمّل و تعمّل نمایید.

برای بالا بردن معلومات خویش می توانید به کتب زیر مراج...نمایید :

۱. دادگستر جهان،

آیت ا...امینی

۲. سیمای امام زـ.....Řسید مهدی شمس الدین

۳. مهدی موعود، "ترجمه جلد ۱۳بحارالانوار"، علی دو.........

۴. سیمای حضرت مهدی در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی

(برگرفته از سایت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، www.nahad.net)

آیا یاران امام زمان الان می دانند جزء یاران امام ۷هستند و او را یاری خواهند کرد؟ چگونه ؟

پرسش

آیا یاران امام زمان الان می دانند جزء یاران امام ۷هستند و او را یاری خواهند کرد؟ چگونه ؟

پاسخ

تا جایی که ما اطلاع داریم در موردی به این مطلب تصریح نشده است . به حدیثی برخورد نکردیم که به طور واضح آمده باشد یاران امام الان می دانند جزء یاران حضرت می باشند, اما آنان اجمالاً می دانند, زیرا برای یاران حضرت ویگی هایی ذکر شده که ممکن است یاران حضرت آن را در خود بیابند و از این طریق به طور سربسته بدانند که جزء یاران هستند.

ویژگی های یاران حضرت عبارت است از:

۱ خداجویی ; آنان خدا را به شایستگی شناخته و همهء وجودشان غرق جلوهء نور ایزدی است .

۲ بصیرت و آگاهی ; شناخت مقصد, چراغ راه است و در دوراهی ها او را از سرگردانی رهایی می بخشد.

۳ عبادت و بندگی ; آنان مردان عبادت و نیایش اند. شیران روز و نیایش گران شب .

۴ حافظان حدود خدا; اسلام , دین مرزها است و همه چیز در آن قانون دارد. یاران مهدی مرزبان دین خدایند وحافظان حدود آن .

۵ شجاعت ; دل هایی چون پولاد دارند و از انبوه دشمن هراسی ندارند.

۶ فرمان بری ; یاران مهدی ۷عاشقان مولای خودند و پاك بازان راه اويند.

۷ ایثار و مواسات ; وحدت مقصد و اخلاص نیّت , دلهایشان را با هم پیوند داده و غم خوار یکدیگرند و برای دیگران خود را به رنج می افکنند.

۸ زهد و ساده زیستی ; غذایشان ساده , لباسشان بی پیرایه , زندگیشان از معیشت فراتر نمی رود و با دردهای جامعه آشنا می باشند.(۱)

۹ نظم و

نظباط.

کسی که دارای این صفات است و در روایات خوانده است یاران مهدی ۷این ویژگی ها را دارند, اجمالاًاحساس می کند که از یاران حضرت می باشد.

(پاورقی ۱.جمعی از نویسندگان , چشم به راه مهدی ۷ ص ۳۷۳ ۳۸۳

در مورد ویژگی های زنانی که از یاران امام زمان ۷محسوب می شوند, توضیح دهید. امام از یاوران زن برخوردار است ؟

پرسش

در مورد ویژگی های زنانی که از یاران امام زمان ۷محسوب می شوند, توضیح دهید. امام از یاوران زن برخوردار است ؟

پاسخ

زنان در نهضت جهانی حضرت مهدی ۷جایگاه شکوهمندی دارند و در همهء مراحل این نهضت حضور فعال خواهند داشت . زنان در تهیهء مقدمات حرکت , شرکت دارند و پس از پیروزی در ادارهء کارها به امام ۷مک می کنند.

امام محمد باقر۷می فرماید: (۱)

وجود زنان در میان خواص و یاران حضرت مهدی ۷نشانگر اوج و عظمت والای بانوان در انقلاب جهانی حضرت است .

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۲۲۳

آیا در میان یاران خاص امام زمان (عج) کسانی از ایران نیز هستند؟ تعداد آنها و محل زندگیشان را ذکر کنید.

پرسش

آیا در میان یاران خاص امام زمان (عج) کسانی از ایران نیز هستند؟ تعداد آنها و محل زندگیشان را ذکر کنید.

پاسخ

بنابر نقل روایات اصحاب و یاران خاص آن حضرت حدود ۳۱۳ نفر به تعداد یاران رسول خدا(ص) در غزوه بدر خواهد بود که تعداد آنان از شهرهای مختلف مشخص است و ما بعضی از آنها را ذکر می کنیم : ۲۴ نفر از طالقان , ۱۸ نفر از قم , ۱۴

نفر از کوفه , ۱۲ نفر از هرات , ۱۲ نفر از مرو, ۳ نفر از سجستان , ۳ نفر از رقه , (نزدیک مرز سوریه و ترکیه است), ۱۲ نفر از جرجان , ۹ نفر از بیروت , ۸ نفر از مدائن , ۸ نفر از نیشابور, ۳ نفر از بصره , ۳ نفر از خابور (نزدیک مرز عراق و سوریه در استان حسکه و دیرزور), ۷ نفر از ری , ۷ نفر از طبرستان (مازندران), ۶ نفر از یمن , ۵ نفر از طوس (مشهد), ۳ نفر از دمشق , ۲ نفر از مدینه منوره , ۵ نفر از تفلیس , ۴ نفر از همدان , ۴ نفر از دیلم , ۴ نفر از زنجار, ۴ نفر از فسطاط (در کشور عراق), ۲ نفر از سبزوار و بقیه از سایر شهرها و مناطق خواهند بود. در این مورد به کتاب ((منتخب التواریخ , ص ۱۱۱۹)) مراجعه کنید. کتاب های دیگر; مانند ((الزام الناصب)) از سوی اهل سنت نیز مطالب فوق را توضیح داده است)).

اصحاب امام زمان(ع) در هنگام ظهور شیعه اند یا سنی؟

پرسش

اصحاب امام زمان(ع) در هنگام ظهور شیعه اند یا سنی؟

پاسخ

همه مسلمانان اعتقاد به مهدی موعود و ظهور او دارند. اعتقاد به برقراری حکومت عدل از مسایل مشترک بین همه فرق اسلامی است و همه علما اعتقاد دارند که او از سلاله حضرت رسول اکرم(ص) و حضرت فاطمه(س) است.

شیعه و سنی در بعضی مسایل فقهی و اعتقادی با هم اختلافاتی دارند؛ مثلاً شیعیان معتقدند خلافت بعد از رسول اکرم(ص) به حضرت علی(ع) واگذار گردیده و پس از او، اولادش که آخرین آنان امام علی(ع) است، امام و خلیفه اند.

این اعتقاد برگرفته از تعداد بی شماری از آیات و روایات نبوی است. بر همین اساس، بعضی اختلافات در مسایل فقهی بین این دو مذهب صورت گرفته است، تفاوت های فقهی بین مسلمین نیز وجود دارد. اهل سنت دارای چهار مذهب مشهوراند.

سؤال شما به گونه دیگر از دیر باز مطرح بوده است و بزرگانی همچون امام نووی و سیوطی به آن پرداخته اند. بارها از علما سؤال شد حضرت عیسی(ع) و امام مهدی(ع) بر طبق کدام یک از مذاهب اربعه فتوی خواهند داد. سؤال کنندگان می خواستند بدانند کدام یك از مذاهب فقهی نزدیك تر به فقه رسول الله و فرقه ناجیه اند؟ سیوطی در پاسخ می گوید این سؤال عجیب است؛ چون به نظر علما، مجتهد نمی تواند از مجتهد دیگر تقلید کند و وقتی که یك مجتهد که از علمای امت است و شخصی عادی است که با تلاش به آن مرحله علمی رسیده نمی تواند از مجتهد و عالم دیگری از مذهب خود تقلید کند، چگونه می توان به امام مهدی(ع) و حضرت عیسی(ع) این مطلب را گفت که مقلد یکی از مجتهدان مذاهب اربعه باشند؟! {۱}

می توان

نتیجه گرفت که علمای اهل سنت، امام مهدی را مجتهد مطلق می دانند که احاطه کامل بر قرآن و سنت نبوی رد و علم او علم نبوی است. لـذا در زمان ظهور او، همه مقلـد او خواهند شد و اطاعتش طبق آیه (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) در تمام زمینه ها و همه فروعات و اصول خواهـد بود. امام مهدی(ع) همه مسـلمانان را به وحدت فکری، عملی و فقهی خواهد رسانید و هر گونه انحراف و کجروی را از دامن اسلام و مسلمانان خواهد زدود/

در زمان ظهور، دو گروه امام مهدی(ع) را یاری خواهند داد: ۱. انصار؛ ۲. اصحاب.

انصار{۲} امام مهدی(ع) را مردی با ایمان تشـکیل می دهند که با قیام امام مهدی(ع) به تدریج از مکه به لشکر او می پیوندند و بـا همه وجود در خـدمت اجرای برنـامه ها و گام های اصـلاحی آن حضـرت قرار می گیرنـد. اینان از میان مردم زمان ظهور خواهنـد بود و می توان در یک جمله گفت که مطیعان محض اوامر امام خواهند بود. آنان با اطاعت از امام، خیر دنیا و آخرت را برای خود تأمین می کنند. یاران حضـرت مهدی(ع) تا قبل از ظهور دارای هر گونه گرایش و مذهبی ف قهی و اعتقاید بوده باشـند، به محض ظهور امام جز انصار می شونـد و افتخار خواهنـد داشت در رکاب او باشـند و در زمان آن امام عادل زنـدگی کننـد و جهـاد نماینـد و از نظر فقهی و اعتقـادی، پیروِ او خواهنـد بود؛ همان طور که ابن عربی می گویـد: «یرفع المـذاهب من الارض فلا یبقی الا الدین الخالص»؛ توسط امام مهدی(ع) مذاهب از زمین رخت برمی بندند و دین خالص باقی می ماند.{۳}

اصحابِ

حضرت مهدی(ع) پرچمداران قیام آن حضرت هستند: «یدخل فیهم علی عدْ اصحاب بدر لم یبقهم الاولون و لما یدرکهم الاخرون و علی عدد الصحاب طالوت الذین جاوزوا معه النهر»؛ تعداد آنان به تعداد اصحاب جنگ بدر است. نه افرادی که قبل از آنان زندگی می کردند و نه افرادی که بعد از آنان زندگی می کنند، آنان از نظر کمالات روحی و معنوی سبقت نخواهند گرفت. آنان به تعداد اصحاب طالوت هستند که با او از نهر گذشتند.

در روایات، تعداد اصحاب امام زمان ۳۱۳ نفر بیان شده است. در خطبه معروف به بیان که منصوب به امیر المؤمنین(ع) است اسامی و محل زندگی آنها نقل گردیده است که برای شناخت بیشتر آنان می توانید به منابعی که در ذیل می آید مراجعه نمایید. از روایت اصحاب الکهف اعوان المهدی;{۴} اصحاب کهف از یاران امام مهدی اند، می توان پی برد که صالحان و برگزیدگانی همچون اصحاب کهف که در اخلاص و توحید به کمال خاص رسیده اند از اصحاب خاص امام خواهند بود. این عده دارای کارایی لازم جهت اداره جهان تحت رهبری امام مهدی(ع) خواهند بود/

[۱].الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۵/

[۲].تاریخ بعد از ظهور، محمد صدر/

[۳].فتوحات مکیه، محی الدین ابن عربی، ج ۳، ص ۳۲۷/

[۴].البرهان فی علامات مهدی الزمان، علی ابن سام معروف به متقی هندی/

ویژگی های یاران حضرت را هنگام ظهور بیان کنید/

پرسش

ویژگی های یاران حضرت را هنگام ظهور بیان کنید/

پاسخ

هنگامی که حضرت مهدی(عج)، مأمور تشکیل حکومت واحد جهانی می شوند، تعداد ۳۱۳ نفر از یاران خاص آن حضرت که همگی از تربیت یافتگان متکب ولایت و از عاشقان پاکباخته خاندان وحی هستند در اطراف شمع وجود مقدسش جمع می گردند.

آیات بسیاری از قرآن کریم توسط امام معصوم(ع) در مورد یاران حضرت مهدی(عج) تأویل و تفسیر شده اند از جمله آیات ذیل:

۱. خداوند متعال می فرماید: (أینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً);{۱} هر کجا باشید خدا شما را یک جا گرد می آورد. امام

صادق(ع) فرمود: «این آیه در حق یاران قائم(عج) نازل شده است».{۲}

۲. همچنین در قرآن آمده است: (و لأن أخرنا عنهم العذاب الی امّ معدودْ لیقولنّ ما یحبسه);{۳} اگر عذاب را از امت معدوده از آنها دور کنیم گویند چه چیز آن را باز می دارد. حضرت علی(ع) می فرماید: «مراد از امت معدوده ۳۱۳ نفر یاران حضرت قائم می باشند»/

خود امام زمان(عج) در مورد اوصاف و ویژگی های یاران خویش می فرماید: «آنها مردانی هستند که دل هایشان همانند قطعه های آهن است، هرگز دچار شک و تردید نمی شوند، در حق خدا از سنگ سخت تر هستند، اگر به کوه ها حمله ببرند از جای برمی کنند. با پرچم های خویش به هر شهری روی آورند تحت سیطره خود در می آورند. برفراز اسب ها چون عقاب چابک و چالاک اند، برای تیمن و تبرک زین اسب امام را مسح می کنند و پروانه وار دور شمع وجودش می گردند و خود را سپر جان امام قرار می دهند. شب ها را به شب زنده داری سپری می کنند و در سراسر شب نغمه های نماز و ذکر و عبادتشان چون صدای زنبور به گوش می رسد، آنها زاهدان شب

و شیران روزند و در برابر امام عزیزشان کاملاً مطیع و تسلیم هستند.{۴}

از برخی روایات استفاده می شود که اکثر یاران آن حضرت، غیر عرب هستند و عده بسیار اندکی از آنها عرب می باشند. چنان که ابوبصیر از امام صادق(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: آری، ولی به ناچار باید مردم آزمایش و غربال شوند و بسیاری از مردم از غربال خارج گردند.{۵}

همچنین در برخی از روایات آمده است که همه یا اکثر یاران امام مهدی(عج) جوان هستند و هر کدام از آنها قدرت چهل مرد را دارد، آنها عاشق شهادت اند.{۶}

[۱].سوره بقره، آیه ۱۴۸/

[۲].غیبت نعمانی، باب ۱۴، ص ۴۰۴/

[۳].سوره هود، آیه ۸/

[۴].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶ – ۳۰۸/

[۵].همان/

[۶].اثبات الهداْ، شیخ حرعاملی، ج ۷، ص ۷۳/

یاران امام زمان (ع) چند تا در کدام مناطق هستند؟ نشانه های آن ها را بنویسید.

پرسش

یاران امام زمان (ع) چند تا در کدام مناطق هستند؟ نشانه های آن ها را بنویسید.

پاسخ

درباره تعداد یاران امام زمان(ع) از چند جهت می توان بحث کرد: تعداد، ویژگی ها و مکان آنان، که در برخی از روایات به تعداد، ویژگی ها و مکان آنان اشاره شده است.

امام باقر(ع) فرمود: "به خدا قسم! سیصد و سیزده نفر که در میان آن ها پنجاه زن می باشد، همانند پاره های ابر پاییزی، بدون قرار قبلی در مکه معظمه جمع می شوندو با او میان رکن و مقام بیعت می کنند".(۱)

از این روایت تعداد و برخی از ویژگی های یاران امام استفاده می شود. همین طور محل بیعت یاران استفاده می شود که آنان

بین رکن و مقام با حضرت بیعت می کنند. در این روایت اشاره شده است که تعداد پنجاه نفر از یاران امام(ع) زنان هستند. در برخی روایات از ویژگی های آنان عدم ترس و قوت و قاطعیت بیان شده است. در خصوص این که یاران امام از کدام سرزمین هستند، نمی توان اظهار نظر قطعی نمود، ولی در بعضی روایان اشاره شده است که برخی یاران امام از طالقان هستند.

کتاب ینابیع الموده از ابن اعثم کوفی از حضرت علی(ع) روایت می کند: "مرحبا به مردم طالقان! زیرا خدای توانا گنج هایی بین آنان نهفته که طلا و نقره نیستند، ولی مردانی هستند که خدا را آن طور که باید و شاید شناخته اند. ایشان هستند که در آخر زمان از انصار مهدی به شمار می آیند."(۲)

در همان کتاب از امام صادق(ع) روایت شده است:"یاران مهدی قوی هستند. یک مرد از یاران قائم به قدر چهل مرد قوت و قدرت خواهد داشت! قلب یک نفر از اصحاب مهدی(ع) از قطعه آهن قوی تر و

محکم تر است. اگر یاران مهدی(ع) به کوه ها هجوم و حمله کنند، آن ها را متزلزل و خراب می کنند. آنان شمشیرهای خود را غلاف نمی کنند تا این که خدا را از خود راضی نمایند".(۳)

دقیقا نمی توان مکان یاران امام(ع)را بیان کرد، گرچه محل بیعت آنان با حضرت، مکه یاد شده است. همین طور برخی از ویژگی های یاران امام، شجاعت، قوت و قاطعیت ذکر شده است، ولی در برخی روایات آمده است که یاران حضرت جوان بوده(۴)و برخی از فقیهان، نجبا و قضات هستند.(۵) بی تردید بعضی از ویژگی های آنان تقوا، خداباوری و خودسازی است.

پی نوشت ها:

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۲ - ینابیع الموده، ص ۴۴۹، کنز العمال، ج ۶، ص ۳۴.

۳ - ینابیع الموده، ص ۴۲۴؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۱۳.

۴ - منتخب الاثر، ص ۶۱۱ - ۶۱۲.

۵ - همان، ص ۶۱۲.

اصحاب امام زمان(ع) بیشتر از کدام شهر خواهند بود؟

پرسش

اصحاب امام زمان(ع) بیشتر از کدام شهر خواهند بود؟

پاسخ

نمی توان منطقه و شهر خاصی را تعیین نمود، در برخی روایات به برخی از ویژگی های یاران امام زمان(ع)(۱) و تعداد آن ها اشاره شده است، (۲) ولی منطقه خاصی که همه روایات بر آن تأکید کند، وجود ندارد.

در برخی روایات آمده است که بعضی از اصحاب امام زمان(ع) از طالقان هستند. (۳)

مرحوم شیخ صدوق در کتاب خصال از عوام بن زبیر از حضرت امام صادق(ع) روایت نموده است: "قائم با چهل و پنج مرد که از نه قبیله اند، خواهد آمد: از یک قبیله یک مرد و از یک قبلیه دو مرد و از یک قبیله سه مرد و از یک قبیله چهار مرد و از یک قبیله پنج مرد و از یک قبیله شش مرد و از یک قبیله هفت مرد و از یک قبیله هشت مرد و از یک قبیله نه مرد تا آن گاه که تعداد یارانش تکمیل شود".(۴)

امام علی (ع) فرمود: "مرحبا به مردم طالقن، زیرا خداوند گنج هایی بین آن ها نهفته است که طلا و نقره نیستند، ولی مردانی هستند که خدا را آن طور که باید و شاید شناخته اند. ایشان هستند که در آخر زمان از انصار مهدی به شمار می روند".

در برخی روایات از یاران امام زمان(ع) به عنوان نجبا، حاکما، قضات و فقها یاد شده از مناطق مختلف هستند.(۶)

علامه مجلسی از کتاب تاریخ قم اثر حسن بم محمد قمی به اسناد از عفان از امام صادق(ع) روایت می کند: از حضرت از نام گذاری قم پرسش نمودم، فرمود: "قم را بدان جهت قم، نام نهادند که اهل آن اجتماع نمده و به

یاری و کمک آن حضرت می پردازند".(۷)

تنها روایتی که یافتیم و عدد یاران مهدی(ع) را از هر شهری ذکر کرده، محمد بن جریر طبری در دلائل الامامه، ص ۳۰۷ از امام صادق(ع) نقل کرده است که ضمن آن آمده است ۲۴ تن از یاران حضرت از طالقان هستند.(۸)

پی نوشت ها:

۱ – ینابیع الموده، ص ۴۲۱ و ۴۲۴.

۲ – لطف اللّٰه صافی، منتخب الاثر، ص ۵۹۵.

۳ – ینابیع الموده، ص ۴۴۹، به نقل از محمد جواد نجفی، ستارگان درخشان، ج ۱۴، ص ۵۵؛ مهدی موعود، ص ۱۰۹۹، منتخب الاثر، ص ۶۱۱.

۴ – مهدی موعود، ص ۱۱۰۲.

۵ – منتخب کنز العمال، ج ۶، ص ۳۶.

۶ – منتخب الاثر، ص ۶۱۲، به نقل از دلایل الامامه.

۷ – منتخب الاثر، ص ۶۱۲، به نقل از بحار الانوار.

۸ – دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، دار الزخائر للمطبوعات، قم ص ۳۰۷.

یاران امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه هایی خواهد داشت ؟

پرسش

یاران امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه هایی خواهد داشت ؟

پاسخ

فضیل بن یسار از امام صادق (ع نقل کرده "گنجی در طالقان هست که از طلا و نقره نیست و پرچمی است که از روزی که آن را پیچیده اند، برافراشته نشده است و مردانی هستند که دل های آن ها مانند پاره های آهن است شکی در ایمان به خدا در آن ها راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم ترند. اگر آن ها را وا دارند که کوه ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان بر می دارند. لشکر آنان قصد هر شهری را بکنند آن را فتح می نمایند.

آن ها در جنگ ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کننـد و هر کاری داشـته باشـد برایش انجام می دهنـد، مردانی میان آن ها است که شب ها نمی خوابنـد. زمزمه آن ها در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است تمام شب را به عبـادت مشغولند و روزها سواره بر دشـمن حمله می کننـد. آنانماننـد چراغ های درخشـنده انـد و از خوف خـدا خشـنود می باشـند. تمنای شـهادت می کنند. شـعار آنان این است یا لثارات الحسین (ای خون خواهان حسین از هر کجا می گذرند، رعب آن هـا پیشـاپیش به انـدازه یـک مـاه راه در دل ها جای می گیرد. بـدین گونه پیشـروی می کننـد و خداونـد آنان را پیروز می گرداند".

یاران خاص حضرت ۳۱۳ نفر ذکر شـده انـد امام صادق (ع فرمود: "گویا می نگرم قائم را بر منبر کوفه و سـیصد و سـیزده نفر یارانش که پیرامون او گرد آمده اند، به تعداد رزمندگان جنگ بدر"

کم کم یاران حضرت زیاد می شوند حتی ده یا ۱۵ هزار نفر

یاران مهدی (عج از صنف و نژاد خاصی نیستند بلکه از گروه ها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند ولی در این حرکت عظیم مردمان عجم نقش پر اهمیتی در خدمتگزاری امام بر عهده دارند.

ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج :

۱ خداجویی و توحید

۲ بصیرت و آگاهی و تشخیص دقیق دوست و دشمن

۳ عبادت و بندگی

۴ شجاعت و توانمندی

۵ فرمان بری و اطاعت از فرمانده

۶ زهد و ساده زیستی

۷ نظم و انضباط

یاران امام زمان چه کسانی هستند؟--خصوصیات

پرسش

یاران امام زمان چه کسانی هستند؟--خصوصیات

پاسخ

دو احتمال وود دارد:

۱) اسامی یاران امام زمان چیست؟

روایات در مورد اسامی یاران امام زمان(عج) چیزی نگفته اند و ما اسامی یک یک یاران امام را نمِی دانیم. اصولاً تعیین شدن نام هر یک شاید به مصلحت نباشد؛ زیرا راه برای تمام انسان ها که جزء یاران امام زمان قرار گیرند، باز است.

۲) یاران امام زمان چه ویژگی هایی دارند؟

در برخی روایات به بعضی از خصوصیات یاران امام زمان(ع) اشاره شده است که با بیان برخی احادیث، منش آنان مشخص

خواهد شد:

۱ – خداجویی:

خداجویی و توحید سرلوحه عقاید و خصال یاران مهدی است. آنان خدا را به شایستگی شناخته و همه وجودشان غرق جلوه نور ایزدی است و ایمانی خالصانه در سینه دارند که شک و تردید با آنان بیگانه است.(۱) امام صادق(ع) فرمود: "مردانی که گویا دل هایشان پاره های آهن است، غبار تردید در ذات مقدس خدای، خاطرشان را نمی آلاید... همانند چراغ های فروزانند، گویا دل هایشان نور باران است... برای شهادت دعا می کنند...".(۲)

۲ – بصیرت و آگاهی:

یکی از ویژگی های یاران امام بصیرت و آگاهی است. آنان در فرمانبری از امام و شناخت او و تشخیص حق و باطل دچار مشکل نشده و در فتنه ها هوشیارانه راه جویند. بصیرت آنان سبب می شود که در احیای سنت و مبارزه با بدعت درنگ نکنند و در رسالت شرک زدایی به همراه امام خود تبر بردارند و بت شکنی کنند. "چون فرمان خدا آزمایش را به سر آورد، شمشیرها را در راه حق آختند و بصیرتی را که در راه دین داشتند، آشکار کردند...".(۳)

۳ – عبادت و بندگی:

یکی از ویژگی های مهم یاران امام زمان(ع) عبادت و بندگی است.

یاران مهدی، شیران روز و نیایشگران شب هستند. عبادت از دیدگاه یاران امام، نوعی معامله و داد و ستد نیست، بلکه عبادت آنان، نیایش عارفانه و پاکبازانه، پیوند روح با ابدیت، عالی ترین واکنش سپاسگزارانه انسان در برابر خدا و عبادت آزادگان است. آنان چون مادران فرزند مرده می گریند.(۴)

امام باقر(ع) فرمود: "گویا قائم و یارانش را در نجف اشرف می نگرم، توشه هایشان به پایان رسیده و لباس های شان مندرس گشته است. جای سجده بر پیشانیشان نمایان است. شیران روزند و راهبان شب".(۵)

۴ – شجاعت:

یاران امام زمان(ع) دلیر مردند و جنگ آوران میدان های نبرد. ایمان به هدف، همه وجودشان را تسخیر کرده و هر کدام قوّت چهل مرد را دارند.(۶)

شجاعت بی بدیلشان، ترس را بر دل های مستکبران چیره ساخته و جان هاشان از سنگ خارا محکم تر

است. امام باقر(ع) فرمود: "گویا آنان را می نگرم... سیصد و اندی مرد بلند بر بلندای نجف و کوفه ایستاده اند، دل هایی چون پولاد دارند...".(۷)

۵ – فرمانبری:

یکی از ویژگی های یاران امام زمان(ع) اطاعت و فرمانبری از مولا ـ و مقتدای شان است. آنان عاشقان مولای خود و فرمانبرترین انسان ها هستند و در انجام دستورهای امام خویش بر یکدیگر پیشی می گیرند.(۸)

پیامبر اسلام(ص) فرمود: "کدّادون مجدّون فی طاعته؛(۹) تلاشگر و کوشا در پیروی از او هستند".

۶ – ایثار (از خود گذشتگی) و برابری

از خصوصیات بارز یاران مهدی ایثار و برابری است. وحدت مقصد و اخلاص نیّت، دل هایشان را به هم پیوند داده و یار و غمخوار یکدیگرند. آنان برای یکدیگر خود را به رنج افکنده و در بهره گیری از مواهب الهی، دیگران را بر خود پیش می دارند. یکی از شاخصه های حکومت امام زمان(عج) مواسات و برابری است.

در

برخی از روایات از یاران امام زمان(ع) به "رفقا" یاد شده که به معنای دوستان همدل، همراز، با لطف و صفا است، گویا برادران تنی اند: "كأنّها ربّا هم أبٌ واحد أو أمٌ واحدةٌ، قلوبهم مجتمعه بالمحبّه و النّصيحه؛(۱۰) گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده اند. دل های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است".

۷ - نظم:

یاران امام زمان(ع) دارای نظم و تشکیلات مناسب با حکومت جهانی اند. با مردم روابط گرم داشته، ولی کارهای خویش را بر اصولی محکم و روشن پیش می برند.

سپاهیان امام از لباس یکسان استفاده می کنند و منظم ترین نیروی رزمی جهان هستند. امام علی(ع) یاران امام زمان(ع) را این گونه می ستاید: "گویا آنان را می نگرم که زی و هیأتی یکسان، قد و قامت برابر، در جمال و برازندگی همانند و هم لباس اند".(۱۱)

۸ - زهد و ساده زیستی زینت یاران مهدی است. آنان خوشکامی و نیک بختی را در آرامش دیگران می جویند و بستر بهره گیری از مواهب الهی را برای دیگران فراهم کرده و خود با دنیا گرایی در ستیزند. غذایشان ساده و لباسشان بی پیرایه است. امام صادق(ع) در برابر پافشاری دوستان برای قیام و شتاب در خروج قائم(ع) فرمود: "چرا در خروج قائم شتاب می ورزید؟! به خدا سوگند، لباسش درشت و غذایش ناچیز است. زندگی در حکومت او جنگیدن و مرگ در سایه شمشیر است".(۱۲)

۹ - عدالت:

یکی از ویژگی های یاران امام زمان(ع) عدالت است. عدالت که در رعایت حقوق دیگران و پرهیز از هر گونه ستم ظهور می کند، زینت یاران مهدی(ع) است.

یکی از شاخصه های مهم حکومت جهانی عدالت است.(۱۳)

کارگزاران و سربازان او نیز باید عدالت گرا باشند. کسانی که در

صدد هستند از یاران امام زمان(ع) باشند باید با بهره گیری از دستورهای اسلامی و رعایت واجبات، ترک محرّمات و تقواگرایی، به تقویت ریشه عدالت در وجود خود اقدام کنند تا بتوانند قابلیت دیدن یار را پیدا کنند که امام عادل، یاران عادل را می طلبد.

پی نوشت ها:

۱ – کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸.

۲ – همان.

۳ – نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۵۰.

۴ – علی یزدی حایری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰.

۵ – بحالارانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۶ – خصال شیخ صدوق، ترجمه کمره ای، ج ۲، ص ۳۱۸.

۷ – بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۰.

۸ – عیون اخبار الرضا، ص ۶۳.

۹ –

۱۰ – . الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰.

۱۱ – الملاحن و الفتن، ص ۱۴۸.

۱۲ – نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۳.

۱۳ – کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ ینابیع الموّده، ج ۱ – ۲، ص ۴۶۹؛ نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۴۲۵.

آیا ۳۱۳ نفر یار امام زمان در زمان ظهور همه زنده اند و یا افرادی از آنان فوت کرده و زنده خواهد شد که مجموع ۳۱۳ نفر می شوند؟

پرسش

آیا ۳۱۳ نفر یار امام زمان در زمان ظهور همه زنده اند و یا افرادی از آنان فوت کرده و زنده خواهد شد که مجموع ۳۱۳ نفر

می شوند؟

پاسخ

از ظاهر روایات بر می آید که ۳۱۳ نفر در هنگام ظهور امام زمان(ع) زنده هستند، نه این که مرده باشند و در هنگام ظهور امام زمان زنده شوند. این عده از یاران اصلی امام زمان هستند، نه این که یاران او منحصر در این عِدّه باشد.

اینان نیروهای ویژه ای هستند که در آغاز قیامت همراه حضرت خواهند بود. وآنان اصحاب خاص امام زمان بوده و هسته مرکزی سپاه امام را تشکیل می دهند.(۱)

در برخی از روایات یاران مهدی(ع) ده هزار نفر یاد شده و تا آنان گرد نیایند، قیام صورت نمی گیرد.(۲)

امام علی (ع) فرمود: مهدی، میان دوازده تا پانزده هزار یاور قیام خواهد کرد.(۳) در برخی از روایات دیگر به توده های انبوهی اشاره شده است که از نقاط گوناگون، جهان به ویژه مشرق زمین به یاری امام می شتابند.(۴)

پی نوشت:

۱ - نجم الدین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۰۵.

۲ - نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۷.

۳ - مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان ص ۲۹۵.

۴ - بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۳۱۶.

چه کسانی از یاران امام زمان(می شوند؟ آیا کسی آن موقع می تواند توبه کند؟

پرسش

چه کسانی از یاران امام زمان(می شوند؟ آیا کسی آن موقع می تواند توبه کند؟

پاسخ

روایات بسیاری وجود دارد که یاران مهدی از مناطق مختلف جهان هستند. در میان آنان افراد شایسته ای از مصر و یمن، مؤمنان حقیقی از شام و عراق و مردان ایثارگر از طالقان و قم وجود دارد.(۱) امام صادق(درباره مردم طالقان چنین می فرماید

: "این خطه دارای مردانی است که قلبهای آنان مانند پاره های آهن محکم است، و نسبت به ذات مقدس خداوند تردیدی ندارند، شدیدتر از آتش اند، اگر بر کوه حمله ور شوند، آن را از جای بر کنند، با بدست داشتن پرچم توحید، آهنگ هر دیاری که (از دیار دشمنان) کنند آن را ویران و نابود کنند، بر اسبهایشان همچون عقاب سوارند، بر مرکب امام(به عنوان تبرک و تیمّن بوسه زنند، آن بزرگوار را پروانه وار در بردارند، و به هنگام خطر با جان خود از آن حضرت دفاع کنند... ، شیران روز و زاهدان شبند، در هر امری مطیع امر امام هستند، از بیم خدا در هراسند، شهادت طلبند و شعارشان خون خواهی سالار شهیدان حسین بن علی(است، گروه گروه به سوی آن حضرت روانه خواهند شد و بواسطه این رادمردان، خداوند امام بر حق را پیروز می گرداند."(۲) در روایات اهل سنت از این گروه به عنوان اصحاب خاص مهدی(نام برده شده. لازم به ذکر است که طالقان منطقه ای در رشته کوههای البرز در شمال ایران می باشد، با توجه به برخی روایات دیگر که ایرانیان را زمینه سازان قیام مهدی(معرفی می کنند، و یا

روایتی که می گوید بخش اعظم ارتش بقیه ا...(را ایرانیان تشکیل می دهند.(۳) شاید مراد از طالقان، خود کشور ایران باشد.

درباره اهل قم نیز ا مام رضا(می فرماید : "بهترین پیروان ما از بین شیعیان جهان، اهل قم هستند."(۴)

طبق روایت، دو بزرگوار از ایران، یکی سید خراسانی و دیگری فردی به نام شعیب بن صالح (ممکن است نام رمزی باشد)، از یاران صدیق امامند که هر دو قبل از ظهور در ایران دارای منصب هستند. و شعیب بن صالح فرماندهی کل نیروهای امام(را به هنگام ظهور بر عهده خواهد داشت.(۵)

اصحاب کهف برانگیخته شده و در زمره یاران حضرت قرار می گیرند. و نیز از جمله یاران حضرت سه پیامبر الهی، حضرت عیسی مسیح(، حضرت خضر(و حضرت الیاس(می باشند. برخی از مردگان به فرمان الهی زنده شده و به یاران مهدی(می پیوندند.(۶) طبق روایات متعددی، تعدادی از یاران امام(نیز زنان هستند که مجروحان را مداوا می کنند. ناگفته نماند که بیشتر یاران حضرت قائم جوان (و شاید این وصف قلب و روح آنان باشد) و تعداد بسیار اندکی میانسال در میان آنان وجود خواهد داشت.(۷) در پاسخ به بخش دوم پرسش شما باید به نکات زیر توجه داشت :

حضرت بقیها... (می فرماید : "هر یک از شما باید کاری انجام دهد که او را به ما نزدیکتر سازد و مورد محبت و دوستی ما قرار دهد، و از کارهایی که ناخوشایند ماست و خشم ما را برمی انگیزد، دوری کند. زیرا امرما به صورت ناگهانی خواهد رسید."(۸)

رسول اکرم(می فرماید : "مثل او همچون قیامت است، و این خداوند

است که باید سر وقتش آن را آشکار کند، حادثه ظهور او واقع نمی شود، مگر به صورت ناگهانی."(۹)

طبق آیه شریفه ۱۵۸ از سوره انعام خداوند می فرماید : "زمانی که آیات و نشانه ها تحقق پذیرد ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند، و یا عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت."

با توجه به این آیه کریمه و کلام رسول ا...(و امام مهدی(مبنی بر ناگهانی بودن امر ظهور، ممکن است شرایط و حوادث به گونه ای باشد که فرصت توبه برای گنهکاران و فاسقان پیش نیاید، و یا به علت کثرت گناهانشان توفیق توبه پیدا نکنند و در لابه لای حوادث آن زمان، قبل از توبه از بین بروند. بنابراین بفرموده امام(عج) هر کس باید مراقب اعمال خویش باشد و همواره اعمالی را انجام دهد که موجب خشنودی خداوند و پیشوایان دین است، نه اینکه از انجام هرگونه زشتکاری دریغ نورزد و توبه را به تأخیر اندازد تا هلاک گردد.

در پایان ذکر این نکته مهم و قابل توجه است که قرار گرفتن هر کسی در زمره یاران آن دلدار غیر ممکن نیست و هر کسی به میزان اخلاص و تهذیب نفس به او نزدیک می شود. مهم این است که قلب خویش را از رذایل اخلاق شستشو دهیم تا قابل تابش نور توجهات آن عزیز قرار گیرد و راهی از دل به محضر پاکش گشوده شود.

منابع و مآخذ :

۱. بحارالانوار، بنقل عصر ظهور، علی کورانی، ج۵۲. ص۳۳۴

۲. همان، ص۳۰۷

۳. نسخه خطی ابن حماد، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی

۴. بحارالنوار، ج۶۰، ص۲۱۶ (بنقل از همان منبع)

۵. عصر ظهور،

علی کورانی، ص۲۶۹

۶. همان، ص۳۰۶

۷. احتجاج طبرسی ، ج۲،ص۳۲۴، بنقل از تاریخ غیبت کبری ، سید محمد صدر، ص۴۴۶

کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص۳۷۳ ، بنقل از تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ص۴۴۷

پیروان و یا سربازان امام زمان(چه کسانی هستند؟ در مورد خصوصیاتشان توضیحاتی بدهید.

پرسش

پیروان و یا سربازان امام زمان(چه کسانی هستند؟ در مورد خصوصیاتشان توضیحاتی بدهید.

پاسخ

خصوصیات و ویژگی های اصحاب و یاران، و کسانی که محبوب و مرضیّ وجود نازنین "بقیه ا... الاعظم" می باشند، در ادعیه و زیارات مربوط به ایشان بیان شده؛ که علاوه بر نشانه های اصحاب، هر کدام طریق وصول به این مقام را در آئینه خویش روشن می نماید. اما بطور کلی طریقی که سالك و رونده این راه باید در پیش بگیرد، دائر مدار دو محور اساسی در بحث تربیت معنوی انسان است :

الف) سیر نظری، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت علمی، یعنی شناخت صحیح و اساسی دین، و پیراستن از آنچه غیردین است، این کار با تدبّر عالمانه در قرآن و روایات مأثور از اهل بیت(، حاصل می گردد. همچنین با مطالعه دقیق و برنامه ریزی شده کتابهایی، که اهل فن و اسلام شناسان در مورد اسلام نوشته اند (مانند کتابهای شهید مطهری، علامه طباطبایی و ...) در این گام ما به احکام و تکالیف خویش، در ابعاد مختلف وجودمان، معرفت پیدا می کنیم. و برنامه ریزی دقیقی را برای اصلاح افکار و اندیشه ها، خلقیات و صفات، و رفتار و کردارمان بعمل می آوریم. و در واقع با آگاهی از وظائف عملی، و گسترش شناخت خود از مبانی و معارف در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش می کنیم.

ب) سیر عملی، یا به فرمایش حضرت امام(مجاهدت عملی، این کار با تقلید از احکام ظاهری شریعت، و به جا آوردن آداب انجام می پذیرد. اهتمام به واجبات و وظائف دینی، و پرهیز

از معاصی، لغزشها و گناهان، دو رکن این حرکت است. مراعات تقوا در همه شؤون فردی و اجتماعی، بزرگترین عامل قرب انسان به خداوند و اولیای اوست. در واقع در هر محیطی که هستیم، به خودسازی اقدام می کنیم، و با توبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلی و ورود نور الهی آماده می سازیم، و سیّئات را به حسنات تبدیل می نماییم. "ان الحسنات یذهبن السیّئات" (۱)

قرآن کریم راجع به حضرت مهدی(و اصحاب ایشان می فرماید : "الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه او آتوا الزکاه و آمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر" (۲) (کسانی که اگر در زمین به ایشان قدرت و توانایی دهیم، نماز را به پا داشته، و زکات را به مستحق می بخشند، و به معروف امر نموده، و از منکر نهی می کنند.)

امام باقر(پیرامون این آیه شریفه فرمودند : "این آیه برای آل محمد(، و مهدی (و اصحاب اوست."

اگر دقت بفرمایید، در واقع ما برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرت، از خود آغاز نمودیم، و در جهت سنخیّت خویش با حضرت مهدی(، حرکت نمودیم. نسخه ای که مقام معظم رهبری نیز تأکیدی زیبا بر آن داشتند، منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند.

به برخی از خصوصیات یاران امام عصر "ارواحنا لتراب مقدمه الفداه" توجه فرمایید امید است که مشعل راه باشد، و فراسوی ما را روشن سازد، تا از گردابهای ضلالت و گمراهی نجات یابیم.

در روایات متعدد داریم که انتظار فرج در زمان غیبت، از بهترین اعمال است. (۳)

فرج یعنی نصرت و پیروزی و گشایش، و مقصود عدل گستری که به

رهبری امـام عصـر(شـکل می گردد. بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. و این خواسـتگاه، آنگـاه جـدی و راست است، که شـخص منتظر، عامل به عـدل و گریزان از سـتم و تباهی باشـد، و اگر نه، این انتظار شـعار بی محتوایی خواهد شد. از این رو در روایات آمده است که انتظار فرج، خود فرج است. زیرا کسـی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا، و تأسیس حکومت عدل گستر اوست، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد. و او انسانی است که در حضور و غیبت امـام نحوه رفتـار و سـیر و سـلوکش تفـاوتی نـدارد. و قبـل از تشـکیل حکومت عـدل، او چنین حکومـتی را در زنـدگی خود پایـدار سـاخته است. بنـابراین انتظـار فرج حقیقی، ریشه در معرفت به حق و عـدل و ایمان، و عشق به آن دارد. و آثـار آن نیز در عمـل نمایان می گردد. و در واقع این انتظار، ظهور فرجِ سـینه او به سوی معـدن ارزشـها و زیباییها است. چنین شخصـی، فضایل انسانی را در نفس خویش شکوفا نموده، و به ثمر رسانده است. و در واقع در قلب خود، ظهور سلطنت مطلقه قائم المهدی(را شـهود نموده، و طعم آنرا چشیده و رائحه آن را بوییده است. چنین منتظری هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت زنده اند، و تحت فرمان او و در راه خدا جهاد می کنند.

۲. در زیارت شریف آن حضرت در روز جمعه، می خوانیم : "ان یجعلنی من المنتظرین لک و التابعین و الناصرین

لکَ علی اعدائکَ" (از کسانی باشم که در انتظار مهدی(هستند، و از پیروان و یاری کنندگان تو علیه دشمن تو قرار گیرم.)

حالت انتظار که بحثش رفت، و اما مرحله دوم تبعیّت است؛ تبعیّت از آرمانهای موعود، و تخلق به آن اخلاق پسندیده و صفات مورد نظر امام(، که در تعلیمات ائمه(دیده می شود. مؤمن منتظر، تابع فرمانده است؛ نه آنکه به هواهای خویش اقتدا کند. و چنین است که در دعای غیبت می خوانیم : "و قونا علی طاعته و ثبِّتنا علی متابعته..." (خدایا مرا بر اطاعت وی توانا، و بر پیروزیش ثابت قدم بدار، و مرا بر این امر (انتظار)، شکیبا گردان؛ تا آنکه شتاب در آنچه تو تأخیرش را می خواهی، و تأخیر در آنچه تو شتاب کرده ای، نخواهم. و از آنچه پوشیده ای، جستجو نکنم. و بحثی در آنچه پنهان نموده ای، نداشته باشم. و با تو در تدبیرت منازعه نکرده، و نگویم چگونه و چرا ولی امر ظهور نمی کند؟)

مرحله سوم نصرت است. عاشق راحتی معشوق را می خواهد، نه راحتی خویش را. و برای این است که عاشق منتظر، تلاشگر است. در این مشکلات موجود نی منتظران واقعی بی تفاوت نیستند. و به اندازه توان خوبش در دعوت به حق می کوشند. تا شاید همراهانی برای نی راه طولانی پیدا کنند.

صفات نیکو و ارزنده بسیار دیگری نیز در زیارات و ادعیه، در مناجات با صاحبان وجود دارد، که با مراجعه به کتاب ارزشمنده مفایتح الجنان (اثر شیخ عباس قمی "طاب ثراه")، می توانید تأمّل و تعمّل نمایید.

برای بالا بردن معلومات خویش می توانید به کتب زیر مراجعه

نمایید :

۱. دادگستر جهان، آیت ا...امینی

۲. سیمای امام زمان، سید مهدی شمس الدین

۳. مهدی موعود، "ترجمه جلد ۱۳بحارالانوار"، علی دوانی

۴. سیمای حضرت مهدی در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی

(برگرفته از سایت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، www.nahad.net)

منابع و مآخذ:

۱. سوره مبارکه هود/آیه۱۱۴

۲. سوره مبارکه حج/آیه۴۱

سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ماده نظر

کسانی که جزء یاران امام زمان(عج) هستند چه کارهایی به غیر از واجبات انجام دادند که به این درجه رسیده اند؟

پرسش

کسانی که جزء یاران امام زمان(عج) هستند چه کارهایی به غیر از واجبات انجام دادند که به این درجه رسیده اند؟

پاسخ

در روایات عمده ترین خصال یاوران امام زمان (عج) چنین توصیف شده است: ۱- صلابت و استواری در ایمان، ۲- قوت عقلی، ۳- نیروی بدنی. چگونه می توان از یاران امام زمان(عج) بود؟پاسخ این سؤال را آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بیان فرموده: یا أَیُّهَا اَلَّذِینَ آمَنُوا اِصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اِتَّقُوا اَللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید و تقوا و خاترسی را پیشه سازید، باشد که رستگار شوید.

امام باقر (ع) در تفسیر این آیه شریفه می فرمایند: "صبر کنید بر ادای فرایض (یعنی در انجام تکالیف الهی استقامت داشته باشید) و با دشمنان پایداری کنید و با امامتان (که انتظارش را می کشید) مرابطه نمایید".(۱) و مرابطه با امام زمان (عج) یعنی خود را به رشته ولایتو بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به

امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود. هم چنین باید کارهایی انجام دهیم که آن حضرت و اصحابشان انجام می دهند.قرآن راجع به حضرت مهدی و اصحاب ایشان می فرماید: اَلَّذِینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی اَلْأَرْضِ أَقامُوا اَلصَّلاهَ وَ آتَوُا اَلزَّکاهَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ اَلْمُنْکَرِ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم نماز را بپا داشته و زکا (به مستحق) بخشیده و به معروف امر نموده و از منکر نهی کنند"،(۲).

امام باقر (ع) در تفسیر این آیه می فرمایند: "این

آیه برای آل محمد است، مهدی (عج) و اصحاب او"،(۳). در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیمبرای این که از یاران واقعی امام زمان (عج) باشیم، باید از رهنمودهایی که در زیارت حضرت مهدی (عج) در روز جمعه آمده استفاده کنیم. در آن زیارت شریف می خوانیم از خدا می خواهم که: ان یجعلنی من المنتظرین لک والتابعین والناصرین لک علی اعدائک از کسانی باشم که در اظار مهدی (عج) و پیروان و یاری کنندگان علیه دشمن تو قرار گیرم. در این فراز از زیارت سه عنوان آمده است: ۱- انتظار، ۲- تبعیت، ۳- نصرت.

حالت انتظار، حالت آمادگی است آمادگی فکری، روحی و داشتن برنامه برای رسیدن به هدف.

مرحله دوم تبعیّت است تبعیت از آرمان های موعود و تخلّق به آن اخلاق پسندیده و صفات مورد نظر امام (ع) که در تعلیمات ائمه (ع) دیده می شود. مؤمن منتظر تابع فرمانده است نه آن که به هواهای خویش اقتدا کند و چنین است که در دعای غیبت می خوانیم: و قوّنا علی طاعته بتنا علی متابعته. خدایا مرا بر اطاعت وی توانا و بر پیروی اش ثابت قدم بدار و مرا بر این امر (انتظار) شکیبا گردان تا آن که شتاب در آنچه تو تأخیرش را می خواهی و تأخیر در آنچه تو شتاب کرده ای نخواهم و از آنچه پوشیده ای جست وجو نکنم و بحثی در آنچه پنهان نی نداشته باشم و با تو در تدبیرت منازعه نکرده و نگویم چگونه و چرا ولی امر ظهور نمی کند؟. مرحله سوم نصرت است. عاشق راحتی معشوق را می خواهد نه راحتی خویش را و

برای این است که عاشق منتظر، تلاش گر است. در این مشکلات موجود نیز منتظران واقعی، بی تفاوت نیستند و به اندازه توان خویش، در دعوت به حق می کوشند تا شاید همراهانی برای این راه طولانی آمادهد.

مسائلی دیگر چون اُنس با ولی عصر (عج) و توسل به او و اهدای ثواب اعمال نیک به آن حضرت و دعا برای آن وجود عزیز، از روش هایی است که متحلّی کننده صفات یک منتظر خوب است. آنچه مهم است این که سطح درک و اندیشه خویش را در موارد یاد شده بالا ببریم و از موضع صحیح تربنگریم. برای مثال توسل نباید وسیله ای برای رسیدن به خواسته های محدود خودمان باشد گرچه آن مهربان از این خواسته ها نیز غافل نیست. خواندن گفتارهای آن امام (ع) که جمع آوری شده و ذکر دیدارهای شیرین معنوی آن عزیز ما را به مطلوبات موعود (عج) بیشتر آشنا می سازد الف) یاران امام سنگهای زیرین انقلاب جهانی اند همان گونه پیامبر (ص) با همراهی مهاجرین و انصار رسالت خود را به انجام رساند و علی (ع) با مجاهدت افسران رشیدش حماسه های بزرگ آفرید. حضرت مهدی (عج) نیز با همکاری مردان نمونه عدالت را به جهان باز خواهد آورد. و منع دینی ما، بر جایگاه والای آن جوانمردان اشارتها دارد. امامان (ع) همواره آرزومندی همراهی آن حضرت بودند و به این موضوع متذکر شده اند. "خدایا درود بفرست بر مولا و سرورم صاحب الزمان و مرا از یاران و پیروان و حامیان او قرار ده و از آنان که در رکابش، شربت شهادت می نوشند با شوق و رغبت بی هیچ گونه کراهت."،(۴). و در روایات عدد یاران مهدی (ع) سیصد و

سیزده نفر یاد شده است.

امام صادق (ع) می فرمایـد: کأنی أنظر الی القائم علی منبر الکوفه و حوله اصـحابه ثلاث مائه و ثلاث عشـر رجلاً علی عده اهل البدر گویا می نگرم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش، که پیرامونش گرد آمده اند، به شمار اهل بدر"،(۵)این روایات بطور مستفیض از ائمه ما رسیده است در متون عامه نیز در عدد یاران مهدی شمار یاد شده آمده است.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: ۱. بحارالانوار، جلد ۵۲، ص ۳۴۱.

۲. منتخب الا ـثر فی الامام الثانی عشـر، لطف الله صافی، ص ۱۶۶ ۳. کمال الـدین و تمام النعمه، ص ۶۷۲.۴. الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۷.

البته در برخی از روایات یاران مهـدی ده هزار نفر یاد شده و تا آنان گرد نیایند قیام صورت نمی گیرد. در این مورد ابی بصـیر از امام صادق (ع) نقل می کند: لا یخرج القائم (ع) حتی یکون تکمله الحلقه. قلت: کم تکمله الحلقه. قال: عشـره الآف تا حلقه کامل نگردد قائم خروج نمی کنـد گفتم: کامل شـدن حلقه به چنـد نفر است؟ فرمود: ده هزار نفر"ناگفته نماند که در روایات عدد یاران گاهی کمتر و در برخی فزونتر یاد شده است.

آنچه که بنظر می رسد ۳۱۳ نفر از یاران عادی حضرت نیستند، بلکه احتمال می رود این گروه اندک فرماندهان و وزیران امام باشـند که در آغـاز هسـته های اصـلی نیروها را بر عهـده دارنـد. از این گروه در روایت به نقباء و خواص و ذخر الله تعبیر شـده است،(۶). و این گروه از صـنف ژاد ویژه نیسـتند، بلکه از گروهها و نژادهـای گونـاگون می باشـند. از اقـالیم الا ـرض و " من اقصی البلاد ند.،(۷). و اینکه آیا

تا حال این عـدد از یاران بوجود نیامـده است. چنانکه قبلاً اشاره شد اولاً: کمیّت عدد یاران در روایات مختلف است. ثانیاً: این یاران که هسته اصلی هضت را تشکیل می دهند بعد از گزینش مختلف بوجود می آیند. طالوت که در روایات یاران مهدی به یاران او تشبیه شـده اند در نبرد با جالوت لشـکریانش را با تشـنگی آزمود. عدّه ای نتوانسـتند از امتحان سـربلند بیرون آیند. اما عده ای با ایمان فکری و بصیرت واقعی که داشتندستند صبورانه این آزمایش را تحمل کنند.

امتحان و گزینش برای یاران حضرت مهدی (ع) کمتر از آن امتحان نیست.

امـام صـادق (ع) می فرمایـد: "دوران غیبت قـائم چنـان به درازا خواهـد کشـید، تـا حق در خلوص خود رخ نمایـد و ایمانهـای خالص از ناخالص، جدا شود، کسانی که سـرشت ناپاک داشته و ترس آن است که به هنگام پیروزی دولت قائم، منافقانه خود را در صف مؤمنان جای دهند، پیش قیام مهدی (ع از آن جدا شوند."،(۸).

و به میزان درجـات ایمـان و گـذر از آزمونها منتظران متمایز می شونـد. باز امام صادق (ع) در این مورد می فرمایـد: "در وقت ظهور، برخی یـاران شب در بستر ناپدیـد می شونـد و فردای آن در مکه انـد. و گروهی، روز در آسـمان ره می سـپارند. گفتم فدایت شوم کدام یک ایمانشان بیشت؟ فرمود: آن که در آسمان حرکت می کند،(۹).

بنابراین یاران آنحضـرت دارای صفات و ویژگیهای خاصی دارند که بعد از گذر از آزمونهای مختلف و امتحان های سخت به این مراحـل می رسـند. به چنـد مورد از این ویژگیهای یاران امام اشاره می شود۱. بصـیرت و آگاهی: یاران امام مهدی (ع) در بصیرت و درایت سرآمدند در فتنه هایی که زیرکان در آن فرو می مانند

هوشیارانه راه جویند. حتی اذا وافق القضاء انقطاع مده البلاء حملوا بصائرهم علی اسیافهم و دانوا لربّهم بامر واعظهم چون فرمان خدا آزمایش را به سر آورد، شیرها در راه حق آختند و بصیرتی را که در کار دین داشتند آشکار کردند. طاعت پروردگارشان را پذیرفتند و فرمان واعظشان را شنیدند"،(۱۰).

۲. خداجوئی. توحید و خداجوئی سرلوحه عقاید و خصال یاران مهدی است.

"مردانی که گویا دلهایشان پاره های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدای، خاطرشان را نمی آلاید."،(۱۱).و اوصاف دیگر مانند، عبادت و بندگی، حافظان حدود الله، شجاعت، ایثار و مواسات، فرمانبری، که یاران حضرت مهدی (ع) دارا خواهند بود.

ب) ۳۱۳ نفر از یاران حضرت مهدی (ع) علّت تامه برای قیام آنحضرت نمی باشد بلکه سائر علل و شرایط را نیز باید در ظهور امام منظور داشت، که در کتب مربوط آمده است از جمله، اراده و خواست خداوند برای ظهور آن حضرت می باشد.برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: ۱. عصر ظهور، علی کورانی.

۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.

۳. امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی.

۴. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجلّه حوزه.

برای این که ان شأالله در زمره اصحاب امام زمان (عج) باشیم لازم است دو سیر را انجام دهیم: الف) سیر نظری یعنی شناخت صحیح و اساسی دین و پیراستن از آنچه غیردین است. ین کار با تدبیر عالمانه در قرآن و روایات مأثور از اهل بیت (ع) حاصل می گردد. هم چنین با مطالعیق و برنامه ریزی شده کتاب هایی که اهل فن و اسلام شناسان در مورد اسلام نوشته اند (مانند کتاب های شهید مطهری و علامه طباطبایی).) سیر عملی این کار با تقید به احکام ظاهری شریعت و به

جا آوردن آداب انجام می پذیرد. اهتمام به واجبات و پرهیز از محرمات بزرگترینایین حرکت است. عات تقوا در همه شؤون فردی و اجتماعی بزرگ ترین عامل قرب انسان به خداوند و اولیای او است. خواندن دعای عهد در هر روز و آماده بودن واقعی برای ظهور امام مان (عج) از جمله موجبات اتصال به آن عروهالوثقی است. مسلماً کسی که این چنین اصحاب آن حضرت خواه بود چرا که "من احب قوماً فهو منهم کسی که دوستدار مردمی باشد از جمله آنان محسوب خواهد شد".

عمل به دستورات دین اسلام یعنی انجام واجب، پرهیز از کارهای حرام، رعایت حجاب و. تأثیر زیادی در جلب عنایت حضرت ولی عصر (عج) دارد.

منتظر واقعی مهدی (عج) باید چندین خصوصیت داشته باشد: ۱- عمل به تکالیف دینی منتظر واقعی باید تمام وظایف دینی و احکام الهی را انجام دهد در مرحله اول نه یک واجب از او ترک شود و نه یک حرام از او صادر شود.

۲- محزون بودن به علت محروم بودن از زیارت آن وجود مبارک عزیز علی ان اری الخلق و لاتری و لا اسمع لک حسیساً و لا نجوی. بر من گران است که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و سخن آشکار و پنهان تو را نشنوم،(۱۲).

۳- انتظار فرج آن حضرت، در روایات متعدد داریم که در زمان غیبت امام زمان (ع) بهترین اعمال انتظار فرج است "سفینهالبحار شیخ عباس قمی ماده نظر" اینجا نیاز به توضیح دارد که چرا بهترین اعمال انتظار فرج است. فرج یعنی، نصرت و پیروزی و گشایش و مقصود نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت های کفر و شرک

و بی داد است پیروزی عدل گستری که به رهبری امام عصر (عج) تشکیل می گردد بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتنی این آرمان بزرگ و جهانی است و منتظر حقیقی کسی است که حقیقتاً خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد و این خواسته گاه جدی و راست است که شخص منتظر عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود ازاین رو در روایات آمده است که انتظار فرج خود فرج است زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گتر اوست زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می سازد و او انسانی است که حضور و غیبت امام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد و قبل از تشکیل حکومت عدل او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است بنابراین انتظار فرج حقیقی ریشه در معرفت به حق و عدلو ایمان و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می گردد و چنین حقیقت اصیل و عمیقی با لفظ و شعار به دست نمی آید و با بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به مقدمات دینی و رسالت های انسانی در تعارض و تناقض است از این جا نادرستی یک تفسیر از انتظار فرج روشن می زیرا بعضی بر این تصور خام هستند که انتظار فرج یعنی بی تفاوتی نسبت به آنچه در جوامع بشر می گذرد و دست روی دست گذاشتن به امید اینکه امام زمان ظهور کند و آنهارا اصلاح نماید. انتظار فرج تعهدآفرین و مسؤولیت ساز

است و با بی تفاوتی و بی اعتنایی به سرنوشت بشرقیقت و فضیلت منافات دارد. انتظار فرج یعنی: الف) معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت.

ب) ایمان به امامت و قیادت رهبری الهی و عدالت پیشه.

ج) عشق به عدالت وارزش های انسانی. ه) امید به آینده ای روشن و نوید بخش. ک) تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر.

ح) رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی.

خ) داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت پذیری. این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت (عج) زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می کنند،(۱۳). ۴- دعا برای حفظ وجود مبارک آن حضرت و تعجیل در ظهور او مثل همان دعای مشهور فرج و موارد دیگر.

منابع و مآخذ:

(۱) (کتاب الغنیه، شیخ مفید، ص ۱۰۵)

(۲) (حج، آیه ۴۱)

(۳) (تفسیر قمّی، ج ۲، ص ۸۷)

(۴) (مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ترجمه الهی قمشه ای، ص ۹۸۸، انتشارات علمی)

(۵) (کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، جلد ۲، ص ۶۷۲، انتشارات جامعه مدرسین)

(۶) (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷)

(۷) (همان)

(۸) (کمال الدین، ص ۳۵۶)

(۹) (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸)

(۱۰) (نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۵۰

(۱۱) (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸ نقل از کتاب چشم به راه مهدی، ص ۳۷۲)

(۱۲) (دعای ندبه)

(۱۳) (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۵- ره توشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ اول تیرماه ۱۳۷۴ ص ۱۹۳-۱۹۰ با تصرف)

ما برای اینکه انشاء الله از یاران امام زمان (عج) شویم چه کارهایی باید انجام دهیم؟

پرسش

ما برای اینکه انشاء الله از یاران امام زمان (عج) شویم چه کارهایی باید انجام دهیم؟

پاسخ

دردعای شریف عهد که معاهده ای است میان مؤمنین با امامشان حضرت مهدی سلام ا...علیه وسفارش شده مؤمنین صبحها با قرائت این دعا، با مولایشان تجدید عهد کنند، عبارات شریفی وارد شده که برای پاسخ به سؤال شما مناسب است .

"اللهم اجعلنی من اعوانه وانصاره والذابین عنه والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه والممتثلین لاوامره والمحامین عنه والسابقین الی ارادته والمستشهدین بین یدیه "

(خداوندا مرا از یاران مولایم مهدی "سلام ا...علیه" قرارده، درزمره کسانی که درمولای خویش ذوب گردید.ودر برآوردن حوائجش شتاب می گیرند.آنانکه فرمانبر اوامر اویند، حمایت کننده اویند و سبقت گیرنده در انجام اراده مولامی باشند آنانکه دررکاب مولاجانشان را نثارش می کنند وتوفیق شهادت نصیبشان می گردد.)

برادرم دراینجا توفیقی استمداد از خداوند متعال ضروی است . "وما توفیقی الا بالله" (تمام موفقیت ها از جانب حی متعال به انسان عطا می گردد) بویژه اینکه آرزوی نصرت ویاری امام زمان(عج) در رأس همه خوبیهاست وجز درخواست عاجزانه وازروی فقر وناچیزی واقرار به عدم قابلیتمان ودرنتیجه دستگیری خداوند مهربان میسر نمی باشد .

درابتدای این فراز دعای عهد درخواست مؤمنین توفیق دریاری کردن امام ونصرت دادن حضرت است ودرعبارات بعد این معنا توضیح داده شده است.

خدایا مرا درامام زمانم ذوب فرما. ذوب شدن درامام بدون معرفت وشناخت جایگاه وحقیقت امام میسر نمی باشد اینکه انسان بداند امام "علیه السلام" خلیفه خداوند درزمین است وتمامی کمالات و خوبیها در عالیترین وجه خود درامام موجود است . تمام اختیارات عالم دردست امام قرارگرفته واو آئینه تمام نمای صفات خداست (آنچه خوبان همه

دارند توتنها داری) مسلماً هرچه شناخت امام بیشتر باشد، امکان هم سنخ شدن با اهداف امام میسرتر است .

ذوب شدن در امام به این معناست که حرکتی به سوی تحصیل خوبیهای امام در وجود خویش حرکت کند تا کم کم با مولای خود هم فکر و هم احساس گردد (به اندازه ای که درظرفیت ما می گنجد) وامام قبله وجودمان گردد تا مجذوب و وعاشق وشیدای او شویم.

درعبارات بعد داریم که : خداوندا مرا تابع و پیرو اوامر مولایم قرارده ودرآنچه اراده اوست بردیگران سبقتم ده وبا تمامی اعضاءوجوارح و فکروخیال وتمامی قوای وجودیم مرا پشتیبان وهمراه با امامم قراربده تا جائی که وجودم وهستیم را نثار مکتب ومنش او کرده وتوفیق شهادت عایدم گردد. شاید سؤال کنید که چگونه می توانم به اوامرونواهی امام "علیه السلام" عالم گردم. پاسخ اینست که امام علیه السلام که آیت بزرگ الهی است درتمامی عرصه های عالم هستی حضور دارد ویکی از آن عرصه ها وجود خودماست.

درهر لحظه به امام عصر(عج) متوجه ومتوسل گردی، می فهمی حاجت امام ورضایت ایشان درآن موقعیت چیست و چگونه عمل کردن تومورد تأیید امام است . همین فهم را بگیر وبه آن عامل باش. این فرمان امام"علیه السلام"است به تو.بشرطی که واقعاً منافع خود راکنار گذاشته باشید ودرخواست واقعی تو فهم پیام امام باشد .

در توجه به این حقایق اگر مداومت وتکرار صورت دهید کم کم قلب شماآنها را باور کرده وزمینه سربازی وخدمت به امام عصر"علیه السلام " را فراهم خواهد ساخت. (انشاءا...)

آیا یاران امام زمان غ به علوم قرآن و تفسیر قرآن تسلط کامل دارند؟

پرسش

آیا یاران امام زمان غ به علوم قرآن و تفسیر قرآن تسلط کامل دارند؟

پاسخ

۱. درباره ویژگی های یاران حضرت مهدی غ در روایات تعابیری آمده است که از کمال برتر، نیروی بدنی فراوان زهد و مواردی از این دست اشاره دارند; در این جا نمونه هایی از تعابیر مزبور بیان شود:

الف "عن یونس بن ظبیان قال کنت عند ابی عبدالله فذکر اصحاب القائم فقال ثلاثمائه و ثلاثه عشر و کل واحد یری نفسه فی ثلاثمائه یونس بن ظبیان می گوید; نزد امام صادق بودم آن گاه ایشان از یاران حضرت مهدی غ سخن به میان آورده و فرمود: تعداد آن ها سی صد و سیزده نفر است و هر یک خود را در سی صد نفر می بیند."(معجم احادیث الامام المهدی (عج ، مؤسسه المعارف الاسلامیه ج ۴، ص ۱۲.) منظور روایت مزبور آن است که هر یک از یاران امام زمان غ آن چنان ویژگی

های برجسته ای دارند که گویی هر فرد از آن ها، خود سی صد نفر است افزون بر معنای مجازی مزبور، درباره تعبیر یاد شده احتمال دیگر نیز داده می شودو آن این که هر یک از یاران حضرت در رأس یک گروه سی صد نفره هستند.

ب "عن ابان بن تغلب قال قال ابوعبدالله سیأتی من مسجدکم هذا یعنی مکه ثلثمائه و ثلاثه عشر رجلاً یعلم اهل مکه انه لم یلد هم آبائهم ولااجدادهم علیهم السیوف مکتوب علی کل سیف کلمه تفتح الف کلمه ..; ابان بن تغلب از امام صادق نقل می کند که فرمود: به زودی از مسجد شما; یعنی مکه سی صد و سیزده مرد خواهند آمد

که اهل مکه می دانند، پدران و اجدادشان آن ها را متولد نکرده اند; این اشخاص شمشیرهایی بر دست دارند و بر هر شمشیری از آنان کلمه ای نوشته شده است که هزار کلمه در بر دارد."(همان)

۲. هرچند در روایت های یاد شده به علم یاران مهدی غ تصریح نشده ولی با ستایش کلی که درباره آنان آمده شاید بتوان فهمید این اشخاص از نظر علمی آن هم علوم مربوط به قرآن برجستگی ویژه ای دارند; نیز با توجه به سایر ویژگی های یاران حضرت مهدی غ که در کتاب های مربوط به بررسی قیام آن حضرت آمده چنین برداشتی دور از ذهن به نظر نمی رسد.

برای مطالعه بیش تر: ر.ك الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب علی یزدی حائری

اگر کســی بخواهد از اصحاب آقا امام زمان(ع) بشود چه کار باید بکند آیا در خودسازی نیاز به استاد دارد و آیا می تواند بدون استاد این راه را طی کند اگر نه پس تکلیف چیست؟

پرسش

اگر کسی بخواهد از اصحاب آقا امام زمان(ع) بشود چه کار باید بکند آیا در خودسازی نیاز به استاد دارد و آیا می تواند بدون استاد این راه را طی کند اگر نه پس تکلیف چیست؟

پاسخ

منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند؛ بنابراین برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرتشان، ما باید از خود آغاز کنیم و با اراده ای محکم، عزمی راسخ و برنامه ای دقیق به اصلاح افکار و اندیشه ها و نیز تغییر و اصلاح رفتار و کردارمان بپردازیم و با آگاهی ازوظایف عملی و گسترش شناخت خود از مبانی دینی و معرفتی، در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش کنیم. و در یک جمله با اجتناب از معاصی، لغزش ها و گناهان و انجام دادن واجبات و وظایف دینی در هر محیطی که هستیم به خودسازی اقدام کنیم و باتوبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلّی و ورود نور الهی آماده سازیم. بنابراین گناهان گذشته هر چند زیاد باشد نمی تواند مانع مهمی در راه رشد و کمال و پیوستن به جرگه منتظران و یاوران واقعی امام زمان(عج) باشد. پس با توبه واقعی، می توان سیئات و بدی های گذشته را به حسنه و نیکی تبدیل کرد و به اصلاح گذشته همت گماشت.

قرآن راجع به حضرت مهدی(ع) و اصحاب ایشان می فرماید: الذین ان مکناهم فی الأرض اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه و آمرو بالمعروف و نَهوا عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پا داشته و زکات را [به مستحق] می بخشند و به معروف امر نموده و از منکر

نهیمی کنند (حج، آیه ۴۱).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرماید: «این آیه برای آل محمد و مهدی(ع) و اصحاب او است».

در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. در این رابطه به راه کارهای زیر توجه فرمایید:

۱. ارتباط معنوی خود را با خدای متعال تقویت کنید؛

۲. نمازهای یومیه را در اول وقت و حتی المقدور به جماعت بخوانید؛

۳. سعی کنید در نماز حضور قلب داشته باشید و همیشه خود را در محضر خداوند متعال بدانید؛

۴. از هر گونه گناه و معصیتی اجتناب کنید؛

۵. بدانید که هر هفته، نامه اعمال شما به حضور امام زمان(عج) عرضه می شود و مورد بررسی قرار می گیرد؛

۶. اکنون که در دوران تحصیل علم هستید، بیشترین توجّه خود را به درس و موفقیت تحصیلی داشته باشید؛

۷. با مطالعه کتاب هایی که درباره امام زمان(ع)، آگاهی و شناخت خود را در این زمینه تعمیق و گسترش بخشید؛

۸. برای اصلاح اوضاع فرهنگی دانشگاه، به تنهایی یا به کمک دیگر دانشجویان متدین و دلسوز و یا به کمک بعضی از تشکل های مذهبی دانشگاه، امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدین وسیله جلو بعضی اعمال خلاف را بگیرید. در این راه نهراسید و خجالت هم نکشید؛زیرا خشنودی و رضایت امام زمان(ع)، در گسترش ارزش های دینی و اخلاقی و اجتناب از گناه و خلاف است.

داشتن استاد و راهنما در عرفان، اخلاق و مسیر کمال یک ضرورت است . استاد چندین نقش می تواند ایفا کند:

الف) در سیر و سلوک اخلاقی انسان با مسائل پیچیده و مشکلی روبه رو می شود که استاد پیوسته بیانگر

معضلات و مشکلات راه بوده و سالک را ارشاد می کند; وگرنه چه بسا به صورت عقده هایی در دل بماند و عدم حل آنها به تدریج باعث انحراف یا بی تفاوتی انسان گردد.

ب) اطلاعات وسیع و تجارب گسترده استاد, می تواند اطلاع و آگاهی انسان را افزون کند.

ج) وجود استاد و درک محضر او، می تواند ایجاد شوق و انگیزش نماید و هر از چندی انسان شور و نشاط تازه ای پیدا کند.

د) علاوه بر همه اینها وجود استاد می تواند برای اهداف کمالی انسان تجسم عینی داشته باشد و این موضوع نقش بسیار حساسی در پرورش و ترقی انسان خواهد داشت ; چون نفس انسان الهام پذیر است و خواه ناخواه رفتار دیگران در او اثر می گذارد; به ویژه اگر کسی مورد علاقه و محبت او باشد این اثر نافذتر است . بر همین اساس بر انتخاب استاد تأکید بسیار شده است .

امام صادق (ع) می فرماید: ((ایاک ان تنصب رجلا" دون الحجه فتصدقه فی کل ما قال ; مبادا بدون داشتن حجت و دلیل , کسی را برای خود شاخص گردانیده و آن گاه هر چه گفت , او را تصدیق کنید)) (وسائل الشیعه , ج ۲۷, ص ۱۲۶).

هم چنین در روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده است که : «ایاک ان تدین بما لاتعلم ; بر حذر باشید از این که دیانت خود را بر پایه جهالت قرار دهید» (کافی , ج ۱, ص ۴۲).

احادیث فراوانی در ضرورت وجود استاد و راهنما وجود دارد که قابل توجه و تأمل است :

الف) امام

سجاد(ع) می فرماید: ((هلك من لیس له حکیم یرشده ; کسی که حکیم فرزانه ای او را ارشاد نکند, در معرض هلاکت قرار خواهد داشت)).

ب) امام صادق (ع) می فرماید: ((من لم یکن له واعظ من قلبه و زاجر من نفسه و لم یکن له قرین مرشد استمکن عدوه من عنقه ; کسی که از قلب خویش واعظی و از نفس خویش بازدارنده ای نداشته باشد و هم چنین در کنار خود ارشاد کننده و راهنمایی نداشته باشد, دشمن خود را بر خویش مسلط ساخته است)) (من لا یحضره الفقیه , ج ۴, ص ۴۰۲).

«جالس اهل الورع والحکمه واکثر مناقشتهم فانك ان کنت جاهلا" علموك و ان کنت عالما" ازددت علما" ; با اهل ورع و حکمت مجالست داشته باش و بسیار با آنها به گفت و گو بپرداز که در آن صورت اگر جاهل باشی به تو آموزش خواهند داد و اگر عالم باشی بر میزان معلومات تو افزوده خواهد شد» (غرر الحکم , ص ۴۲۹).

اما نکته مهمی که باید به آن توجه داشت آن است که پیدا کردن استاد کاری بس مشکل است و شاید بتوان گفت پیگیری چنین کاری به ویژه برای جوانان به صلاح نباشد و حتی به تجربه ثابت شده که آفاتی نیز به دنبال داشته است. زیرا؛ جوانان آن گاه که به شخصی به طور کامل اعتماد می کنند دوست دارند از جهات مختلف رفتاری و سیر و سلوك معنوی همانند او شوند و از آن جا که آن شخص معصوم نیست اگر لغزشی حتی کوچك در زندگی آن شخص مشاهده کنند تمام آن

عظمت ها یکباره فرو خواهد ریخت و نه تنها دیگر به او اعتماد نمی کنند که چه بسا نسبت به هر ادعا کننده علم و معرفتی بدبین می شوند.

آفت دوم انتخاب استاد، محصور شدن در بهره مندی از اوست. در صورتی که چه بسا بسیاری از عالمان و وارستگان دیگر باشند که هر کدام در جهتی دارای ویژگی هایی باشند و محصور شدن در رفت و آمد با یک استاد، سالک راه را از دیگر عالمان وارسته محروم می کند، علاوه بر این که به طور معمول جلسات خصوصی دچار آفاتی نظیر عزلت نشینی و حساسیت دیگران می شود.

بنابراین راه مناسب آن است که انسان از عالمان مختلف استفاده کند و نه تنها از محضر وارستگان زنده بلکه از آثار مکتوب وارستگان گذشته نیز بهره ببرد.

در پایان سخن خود را با یک آیه و توصیه خاتمه می دهم و آن این که سیر و سلوک ملازمت به دستورات شرع مقدس اساس کار می باشد از آیه شریفه سوره عنکبوت استفاده می شود: هر کس در راه رسیدن به رضایت و خشنودی الهی تلاش کند، خداوند او را به راه های خود هدایت می نماید «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا ان الله لمع المحسنین» و کسانی که در ما مجاهده کنند ما به سوی راه های خود هدایتشان می کنیم و خدا همواره با نیکوکاران است.

قدم های نخستین این راه، عهد و پیمان و سپس مراقبت و محاسبه می باشد. وقتی از آیت الله بهجت (دامت برکاته) پرسیده شد استادی به ما معرفی کنید فرمودند: «به هر آنچه می دانید صحیح است عمل کنید اگر دیدید

در سیرتان وقفه ای رخ داده است بدانید از دانسته های خود عدول نموده اید».

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟ یاران ایشان چه ویژگیهایی دارند؟

پرسش

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟ یاران ایشان چه ویژگیهایی دارند؟

پاسخ

الف) یاران امام سنگهای زیرین انقلاب جهانی اند همان گونه پیامبر(ص) با همراهی مهاجرین و انصار رسالت خود را به انجام رساند و علی(ع) با مجاهدت افسران رشیدش حماسه های بزرگ آفرید. حضرت مهدی(عج) نیز با همکاری مردان نمونه عدالت را به جهان باز خواهدآورد. و منابع دینی ما، بر جایگاه والای آن جوانمردان اشارتها دارد. امامان(ع) همواره آرزومندی همراهی آن حضرت بودند و به این موضوع متذکر شده اند.

«خدایا درود بفرست بر مولا- و سرورم صاحب الزمان و مرا از یاران و پیروان و حامیان او قرار ده و از آنان که در رکابش، شربت شهادت می نوشند با شوق و رغبت بی هیچ گونه کراهت.»، (مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ترجمه الهیقمشه ای، ص ۹۸۸، انتشارات علمی).

و در روایات عدد یاران مهدی(ع) سیصد و سیزده نفر یاد شده است.

امام صادق(ع) می فرماید: کأنی أنظر الی القائم علی منبر الکوفه و حوله اصحابه ثلاث مائه و ثلاث عشر رجلًا علی عده اهل البدر ؛ گویا می نگرم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش، که پیرامونش گرد آمده اند، به شمار اهل بدر{M»، (کمال الدین و تمام النعمه، شیخصدوق، جلد ۲، ص ۶۷۲، انتشارات جامعه مدرسین).

این روایات بطور مستفیض از ائمه ما رسیده است در متون عامه نیز در عدد یاران مهدی شمار یاد شده آمده است.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک:

۱. بحارالانوار، جلد ۵۲، ص ۳۴۱.

۲. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، لطف الله صافی، ص ۱۶۶

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۲.

۴. الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۷.

البته در برخی از روایات یاران مهدی ده هزار

نفر یاد شده و تا آنان گرد نیایند قیام صورت نمی گیرد.

در این مورد ابی بصیر از امام صادق(ع) نقل می کند: لا یخرج القائم(ع) حتی یکون تکمله الحلقه. قلت: کم تکمله الحلقه. قال: عشره الآف ؛ تا حلقه کامل نگردد قائم خروج نمی کند گفتم: کامل شدن حلقه به چند نفر است؟ فرمود: ده هزار نفر {M».

ناگفته نماند که در روایات عدد یاران گاهی کمتر و در برخی فزونتر یاد شده است.

آنچه که بنظر می رسد ۳۱۳ نفر از یاران عادی حضرت نیستند، بلکه احتمال می رود این گروه اندک فرماندهان و وزیران امام باشند که در آغاز هسته های اصلی نیروها را بر عهده دارند. از این گروه در روایت به نقباء و خواص و ذخر الله تعبیر شده است،(بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷). و این گروه از صنف و نژاد ویژه نیستند، بلکه از گروهها و نژادهای گوناگون می باشند. از اقالیم الارض و « من اقصی البلاد نـد.،(همان). و اینکه آیا تا حال این عدد از یاران بوجود نیامده است. چنانکه قبلاً اشاره شد اولاً: کمیّت عدد یاران در روایات مختلف است. ثانیا: این یاران که هسته اصلی نهضت را تشکیل می دهند بعد از گزینش مختلف به وجود می آیند. طالوت که در روایات، یاران مهدی به یاران او تشبیه شده اند در نبرد با جالوت لشکریانش را با تشنگی آزمود. عدّه ای نتوانستند از امتحان سربلند بیرون آیند. اما عده ای با ایمان فکری و بصیرت واقعی که داشتند توانستند صبورانه این آزمایش را تحمل کنند.

امتحان و گزینش برای یاران حضرت مهدی(ع) کمتر از آن امتحان نیست.

امام صادق(ع) می فرماید: «دوران غیبت قائم چنان به درازا خواهد کشید، تا حق در خلوص خود رخ

نمایـد و ایمانهای خالص از ناخالص، جدا شود، کسانی که سـرشت ناپاک داشـته و ترس آن است که به هنگام پیروزی دولت قائم، منافقانه خود را در صف مؤمنان جای دهند،پیش قیام مهدی(ع) از آن جدا شوند.»، (کمال الدین، ص ۳۵۶).

و به میزان درجـات ایمـان و گـذر از آزمونهـا منتظران متمایز می شونـد. باز امام صادق(ع) در این مورد می فرمایـد: «در وقت ظهور، برخی یـاران شب در بستر ناپدیـد می شونـد و فردای آن در مکه انـد. و گروهی، روز در آسـمان ره می سـپارند. گفتم فدایت شوم کدام یک ایمانشان بیشتراست؟ فرمود: آن که در آسمان حرکت می کند، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸).

بنابراین یاران آنحضـرت دارای صفات و ویژگیهای خاصی دارند که بعد از گذر از آزمونهای مختلف و امتحان های سخت به این مراحل می رسند. به چند مورد از این ویژگیهای یاران امام اشاره می شود.

۱. بصـیرت و آگـاهی: یـاران امـام مهـدی(ع) در بصـیرت و درایـت سـرآمدند در فتنه هـایی که زیرکـان در آن فرو می مـانند هوشیارانه راه جویند. حتی اذا وافق القضاء انقطاع مده البلاء حملوا بصائرهم علیاسیافهم و دانوا لربّهم بامر واعظهم ؛ چون فرمان خـدا آزمـایش را بـه سر آورد، شمشـیرها در راه حق برداشـتند و بصـیرتی را کـه در کـار دینداشـتند آشـکار کردنـد. طـاعت پروردگارشان را پذیرفتند و فرمان واعظشان را شنیدند{M»، (نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۵۰).

۲. خداجوئی. توحید و خداجوئی سرلوحه عقاید و خصال یاران مهدی است.

«مردانی که گویا دلهایشان پاره های آهن است. غبار تردیـد در ذات مقـدس خـدای، خاطرشان را نمی آلاید...»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸ نقل از کتاب چشم به راه مهدی، ص ۳۷۲).

و اوصاف دیگر مانند، عبادت و بندگی، حافظان حدود الله، شجاعت، ایثار

و مواسات، فرمانبری، که یاران حضرت مهدی(ع) دارا خواهند بود.

ب) ۳۱۳ نفر از یاران حضرت مهـدی(ع) علّت تامه برای قیام آن حضـرت نمی باشـد بلکه سائر علل و شـرایط را نیز بایـد در ظهور امام منظور داشت، که در کتب مربوط آمده است از جمله، اراده و خواست خداوند برای ظهور آن حضرت می باشد.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک:

۱. عصر ظهور، علی کورانی.

۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.

۳. امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی.

۴. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجلّه حوزه.

۵. مهدی موعود، ترجمه ج ۵۲ بحار، مترجم: علی دوانی

آیا می توان با دعا به پیشگاه خداوند پس از مرگ به هنگام ظهور حضرت مهدی زنده شد و یا تا ظهور آن حضرت برای یاری ایشان زنده ماند همچنانکه خود آن حضرت و حضرت عیسی زنده مانده اند؟

اشاره

Could we by praying and asking Allah for it, be enlivened

out of death when Haz

پرسش

آیا می توان با دعا به پیشگاه خداونـد پس از مرگ به هنگام ظهور حضـرت مهـدی زنـده شـد و یا تا ظهور آن حضـرت برای یاری ایشان زنده ماند همچنانکه خود آن حضرت و حضرت عیسی زنده مانده اند؟

Could we by praying and asking Allah for it, be enlivened

out of death when Hazrate Mahdi comes to help him or should we also be taken off ?the ground without dying like Hazrate Eesa and Hazrate Mahdi to be able to do that

پاسخ

برخی افراد بخصوصه نامشان در روایات جزو رجعت کنندگان ذکر شده است. مانند سلمان فارسی[1] و جناب مقداد[2] و برخی دیگر افرادی هستند که صفت کلّی آنان در روایات بیان شده که هر که این صفت را داشته باشد رجعت می کند. مثلاً امام صادق (ع) فرمود: «رجعت امری عمومی نیست، بلکه اختصاصی است و تنها کسانی رجعت می کنند که به ایمان خالص یا شرک خالص رسیده باشند.»[3]

از روایات و برخی ادعیه استفاده می شود مؤمنان و پاک سرشتانی که چهل روز با ایمان دعای عهد را صبح هنگام بخوانند، اگر پیش از ظهور امام عصر (عج) بمیرند، خدا آنان را در زمان ظهور زنده می کند و از رجعت کنندگان خواهند بود.

در قسمتی از دعای عهد که در کتاب شریف مفاتیح الجنان ذکر شده است، چنین آمده است: «اللّهم إن حال بینی و بینه الموت الذی جعلته علی عبادك حتماً مقضیّاً فأخرجنی من قبری موتزراً کفنی شاهراً سیفی مجرّداً قناتی ملبّیا دعوه الدّاعی فی الحاضر والبادی؛ خدایا، اگر میان من و (ظهور) او (مهدی(عج)) مرگی که بر همه بندگانت مقرّر فرموده ای فاصله انداخت، با قدرت بی اندازه ات به گونه ای مرا

از قبر بیرون آور (و زنده بگردان) که کفنم را به خودم پیچیده، شمشیرم را از غلاف درآورده، نیزه ام را در دست گرفته باشم تا دعوت کننده ای را که در شهر و بیابان (مردم را به حق) دعوت می کند اجابت کنم.»

هم چنین در دیگر دعاها نیز این خواسته از خدای متعال مطرح می شود که مرا از رجعت کنندگان قرار ده.

در جمله ای از زیارت شریف جامعه کبیره چنین از امامان معصوم طلب می کنیم: «وجعلنی ممّن یقتص آثارکم ویسلک سبیلکم ویهتدی بهداکم ویحشر فی زمرتکم ویکرّ فی رجعتکم ویملّک دولتکم ویشرّف فی عافیتکم ویمکّن فی ایّامکم وتقرّ عینه غداً برویتکم؛ خدا مرا از آنانی قرار دهد که از راه شما پیروی می کنند و گام در جای پای شما می گذارند و از شما هدایت می گیرند و در زمره شما محشور می شوند و در رجعت شما باز می گردند و در دولت شما نصیبی دارند و در دولت امن و عافیت شما فضیلت می یابند و در روزگار شما به اقتدار می رسند و دیدگانشان به جمال شما روشن می گردد.»

در بخشی از زیارت حضرت ولی عصر (عج) که در روز نیمه شعبان در مفاتیح الجنان وارد شده است چنین آمده است: «فإن أدرکنی الموت قبل ظهورک فإنّی أتوسّل بک وبآبائک الطاهرین الی الله تعالی وأسئله أن یصلّی علی محمد وآل محمد وأن یجعل لی کرّةً فی ظهورک ورجعةً فی أیّامک لِأبلغ من طاعتک مرادی وأشفی من أعدائک فؤادی؛۴ اگر پیش از ظهورت بمیرم، به تو و پدران بزرگوارت متوسل می شوم که از خدا بخواهید و از خدا می خواهم که به محمد و دودمانش درود بفرستد و برای من بازگشتی در ظهور تو و رجعتی در روزگار تو

قرار دهد تا به مراد خود در زمینه اطاعت از تو نائل شوم و با انتقام از دشمنان تو آرام و قرار گیرم.»

این درخواست در زیارت های دیگری مانند زیارت مخصوص سرداب مقدس(۵)، زیارت رجبیّه۶ و... نیز آمده است.

پی نوشت ها:

۱. رسول خدا (ص) به سلمان فرمود: «ای سلمان، تو آنها را درك می کنی و هرکه مانند تو نیز که آنها را از روی معرفت بشناسد و دولت بدارد و پیروی کند، آنان را درك می کند». (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۳)

۲. امیرالمؤمنین فرمود: «۲۰ تن از یاران قائم (عج) از اهل یمن می باشند که یکی از آنان مقداد پسر اسود است». (همان، ص ۸۶)

۳. سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، آفتاب،ج ۲، ص ۴۰۸.

۴. ر.ك: تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی، مصباح کفعمی، تهران، ۱۳۴۹، ص ۴۹۶.

۵. ر.ك: شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان؛ علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۳.

۶. علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۴.

در برخی از روایات که زمان ظهور امام منتظر را بیان می دارد دارد: ۱. یصیر للرجل منهم (اصحاب المهدی) قوه اربعین رجلا ۲. لو قد قام قائمنا یجمع الیه شیعتنا من جمیع البلدان یملأ الارض عدلا کما ملئت ظلماً و جوراً این ها با عقل ناسازگارند. مراد از نیروی ۴۰ مرد دا

پرسش

در برخی از روایات که زمان ظهور امام منتظر را بیان می دارد دارد: ۱. یصیر للرجل منهم (اصحاب المهدی) قوه اربعین رجلا ۲. لو قد قام قائمنا یجمع الیه شیعتنا من جمیع البلدان یملأ الارض عدلا کما ملئت ظلماً و جوراً این ها با عقل ناسازگارند. مراد از نیروی ۴۰ مرد داشتن هر یک از اصحاب حضرت مهدی (عج) چیست؟ چگونه ممکن است همه شیعیان نزد امام زمان (عج) جمع شوند؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال فوق، نکاتی به طور مختصر بیان می شود تا بتواند به فهم درست معنای حدیث کمك نموده و استبعاد عقلی آن از میان برود.

در مورد حدیث اول می توان گفت: لزومی ندارد حدیث را اینگونه معنا کنیم که قدرت بدنی یاران حضرت مهدی(عج) با قدرت چهل تن از دشمنان برابری می کند (گرچه اگر هم چنین گفته شود بعدی ندارد). ممکن است مقصود این باشد که یاران امام قادرند بر چهل تن از دشمنان غلبه نمایند. روشن است که پیروزی در جنگ ها فقط از قدرت بدنی به دست نمی آید. به عبارت دیگر، قدرت نظامی غیر از قدرت بدنی است. آشنایی با فنون جنگی، برخورداری از تجهیزات مدرن، ایمان به هدف، شجاعت، فرماندهی آگاه و باتجربه صبر و بردباری و... عواملی هستند که پیروزی را به ارمغان خواهند آورد. قرآن کریم می گوید: «ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مئتین وان یکن منکم مئه یغلبوا الفاً من الذین کفرو بانهم قومٌ لایفقهون (انفال / ۶)». معنای این آیه این است که اگر از شما بیست نفر بردبار باشند، بر دویست نفر غلبه خواهد کرد و اگر از شما صد نفر باشند،

بر هزار نفر غلبه خواهند کرد.

علاوه بر آن، نقش امدادهای غیبی الهی را نباید نادیده گرفت. براساس روایات موجود، خداوند امام عصر(عج) را به سه نیرو مدد خواهد رساند: فرشتگان، مؤمنان و رعب و وحشت.(۱) منظور از نیروی رعب و وحشت این است که خدای سبحان ترس و وحشت در دل دشمنان ایجاد خواهد کرد. بدیهی است که لشکر زبون و ترسو و وحشت زده، توان رویارویی با سپاهی شجاع، مؤمن و مقاوم را نخواهد داشت.

امّا حدیث دوم؛ این حدیث نیز با عقل سرناسازگاری ندارد؛

اولاً، ما در دنیایی زندگی می کنیم که با وجود هواپیماهای سریع السیر، انسان قادر است در زمانی کم، مسافت طولانی را طی کند و بدون شک در آینده نیز ما شاهد اختراعات پیچیده تری خواهیم بود که سرعت سیر را افزایش می دهد.

با این وجود، اینکه یاران حضرت مهدی(عج) در عصر ظهور بتوانند در یک شب خود را به او برسانند هیچ استبعادی ندارد.

بعید نیست آنچه که در بعضی روایات آمده که «آنان بر ابرها راه می روند»(۲) نیز اشاره به همین مطلب باشد. ثانیاً، از آثار تقوا و پارسایی این است که انسان از این طریق می تواند به مقامی برسد که راه های طولانی را در زمان کم طی کند. این همان است که از آن به «طیّ الارض» تعبیر می شود و ما داستانهای بسیاری از طی الارض اولیاء خدا شنیده ایم. بدون شک، مقایسه یاران امام عصر(عج) و توانایی آنان با توانایی امثال ما موجب این استبعاد شده است.

ثالثاً، امام عصر(عج) به عنوان ولی خدا دارای ولایت تکوینی است و قادر است در عالم طبیعت تصرّف کند و یارانش را از گوشه و کنار جهان

در وقت ظهور جمع کند. اعتقاد به این مسأله از لوازم ایمان به امامت است. رابعاً، در متن حدیث آمده است که خدا آنان را جمع می کند «یجمع الله الیه». آیا اینکه خداوند بتواند یاران امام عصر(عج) را در نزد او شبانه حاضر کند، استبعادی دارد؟

به هر حال، این قبیل احادیث بسیارند و اگر فهم آن بر ما دشوار است، نباید انکار کنیم.

پی نوشت ها:

۱. «یؤیّده الله بثلاثه اجنادٍ: الملائکه، والمؤمنون، والرُّعب؛ محمد بن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، مکتبه الصدوق، تهران، [بی تا]، ص ۲۴۲.

۲. در قرآن می خوانیم: «اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً بقره: ۱۴۸ هر جا باشید، خداوند همه شما را حاضر می کند». امام صادق(ع) این حدیث را بر یاران حضرت مهدی(عج) تطبیق داده و راجع به آنان فرمود: «وبعضهم یسیر فی السحاب نهاراً»؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق، جلد ۵۲، ص ۲۸۶.

امام زمان علیه السلام با اصحاب خود بر سر چه اصولی پیمان می بندد؟

پرسش

امام زمان علیه السلام با اصحاب خود بر سر چه اصولی پیمان می بندد؟

پاسخ

از برنامه ها وروش های امام مهدی (ع) پیمان گیری از یاران خویش است. پیمان وبیعت در جامعه اسلامی از آغاز تشکیل حاکمیت اسلام رسم شد، وپایه گذاری نخستین مرکزیّت وحکومت اسلامی به دست مبارک پیامبر اسلام (ص) با آیین بیعت وپیمان گرفتن از یکایک مردم همراه بود.

امام مهدی (ع) نیز چون نیاکان خویش از یارانش بیعت می گیرد وبا آنان پیمان می بندد. پیمان امام بر سر اصولی است که راه ورسم وشیوه وروش امام را در حکومت تبیین می کند.

امام علی (ع) می فرماید: "همانا قائم با یارانش پیمان می بندد واز آنان بیعت می گیرد که: مسلمانی را دشنام ندهند... حریمی را هتک نکنند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا ونقره گنج نکنند، همچنین گندم وجو اندوخته نسازند. مال یتیمان را نخورند... لباس خزّ وحریر نپوشند. کمربند زرّین نبندند... در امور معاش به اندک بسنده کنند... لباس درشت بپوشند وصورت بر خاک بگذارند... ودر راه خدا به جهادی شایسته دست یازند.

خود (امام) نیز متعهد می شود که از همان راهی که آنان می روند برود، وچون آنان لباس بپوشد، وبر مرکوبی مانند مرکوب

آنان سوار شود وچنان باشد که آنان هستند. به اندک بسنده کند، وزمین را با یاری خدای دادگری پر کند پس از آنکه از ستم پر شده باشد... وصاحب ودربانی نگمارد".{پاورقی . منتخب الأثر، ص ۴۶۹. پاورقی}

اصحاب امام زمان علیه السلام در شجاعت چگونه اند؟

پرسش

اصحاب امام زمان علیه السلام در شجاعت چگونه اند؟

پاسخ

حاکم نیشابوری به سندش از محمّد بن حنفیه نقل می کند که گفت: ما نزد علی (ع) بودیم که شخصی از او درباره حضرت مهدی (ع) سؤال کرد؟ حضرت فرمود: "... یخرج فی آخر الزمان، إذا قال الرجل: اللّٰه اللّٰه قتل، فیجمع اللّٰه تعالی له قوماً قزع کقزع السحاب، یؤلّف اللّٰه بین قلوبهم لایستوحشون إلی أحد ولایفرحون بأحد یدخل فیهم..."؛ "او در آخرالزمان خروج {پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۴. پاورقی}

خواهد کرد، هنگامی که شخصی اعلان کند: خدا را خدا را! کشته شود. در آن هنگام خداوند برای او گروهی را جمع می کند که همانند ابرهای پراکنده متفرّق اند، قلب های آنها را هماهنگ می نماید. از کسی احساس وحشت نکرده وبه کسی که داخل در جماعت آنها شود شاد نمی گردد...".

آیا اصحاب حضرت مهدی علیه السلام از منطقه خاصی هستند؟

پرسش

آیا اصحاب حضرت مهدی علیه السلام از منطقه خاصی هستند؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، اصحاب حضرت از منطقه خاصّی نیستند بلکه در سرتاسر دنیا به سر می برند وخداوند متعال در وقتی بسیار اندک آنها را کنار بیت اللّٰه الحرام جمع خواهد کرد.

سید بن طاووس در حدیثی از امام علی (ع) درباره اصحاب امام زمان (ع) نقل می کند که فرمود: "آنها ۳۱۳ نفرند به عدد اصحاب بدر، خداوند آنها را از شرق وغرب عالم در کنار بیت اللّٰه الحرام جمع خواهد کرد...".

{پاورقی . التشریف بالمنن، ص۲۹۴-۲۸۸. پاورقی}

اصحاب حضرت مهدی علیه السلام چه ویژگی هایی دارند؟

پرسش

اصحاب حضرت مهدی علیه السلام چه ویژگی هایی دارند؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، اصحاب حضرت (ع) از صفات وویژگی هایی برخوردارند از قبیل:

۱ - اخلاص

در روایتی امام جواد (ع) به عبدالعظیم حسنی (ع) فرمود: "...وهنگامی که برای او این تعداد "۳۱۳ نفر" از اهل اخلاص جمع شد خداوند امر او را ظاهر خواهد کرد...".

{پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸ù۳۷۷. پاورقی}

۲ - یقین و استقامت

از امام صادق (ع) در حدیثی نقل شده که فرمود: "...گویا قلب های آنها به مانند تکّه های آهن است، شکی در قلوب آنها راجع به خدا وجود ندارد. محکم تر از سنگ است...".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲. پاورقی}

۳ - خداشناس واقعی

از امام علی (ع) در ضمن حدیثی نقل است که فرمود: "...ولکن در طالقان مردمانی مؤمن خواهند آمد که به خداوند معرفت واقعی دارند وآنان انصار مهدی در آخرالزمان می باشند".

{پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۸۷، ح ۸۳. پاورقی}

۴ - شیران روز وزاهدان شب

از امام صادق (ع) در حدیثی راجع به اصحاب قائم (ع) نقل است که فرمود: "گویا من نظر می کنم به قائم واصحاب او در

نجف کوفه... سجده ها به پیشانی های آنها اثر گذارده است، شیران در روز وراهبان در شب اند...".

{پاورقی . همان، ج ۵۲، ص ۳۸۶. پاورقی}

۵ - برخورداری از تأیید الهی

طبرسی در روایتی از امام علی (ع) نقل کرده که فرمود: "تا اینکه خداوند مردی را در آخرالزمان برمی انگیزاند... او را به ملائکه اش تأیید کرده وانصارش را حفظ خواهد نمود".

{پاورقی . همان، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶. پاورقی}

لطفاً بفرمائید چگونه می شود از یاران حضرت مهدی"عج" به حساب آمد وچگونه می شود از جذبات وجود مبارک ایشان بهره برد؟

پرسش

لطفاً بفرمائید چگونه می شود از یاران حضرت مهدی"عج" به حساب آمد وچگونه می شود از جذبات وجود مبارك ایشان بهره برد؟

پاسخ

هرگونه ارتباط ونزدیك شدن به شمس عالم امکان، امام عصر ارواح من سواه فداه، ریشه در دل دارد وبذر این قرب وانس باید در دل کاشته شود وسپس با مجاهده وآبیاری مستمر به آب معرفت واشك شب ثمر دهد. باید خانه دل را از معاصی کبیره و صغیره پاك نمود، لایق مهمانی حضرتش قرار گیرد.عشق حضرت مانند گُل است وگُل درگلستان می روید نه در زباله دان، لذا باید دل را از کثافات معصیت پاك نمود.

گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان استگفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

گفتم فراق تا کی؟ گفتا که تا تو هستیگفتم نفس همین است، گفتا سخن همان است

وعلاوه بر دل که بستر عشق واحساس است باید در تصفیه وتهذیب اندیشه نیز بکوشیم وتوجه نماییم که هیچ عملی بدون معرفت ناب خالص نمی شود وتا اندیشه ما ازجام معرفت آن عزیز ننوشد مقدمات مستی دل در بزم عشق حضرتش فراهم نمی گردد.

امر دیگری که باید به آن توجه شود استمرار یاد آن حضرت است. گاهی امور دنیوی چنان اندیشه ما راتسخیر می کنند که صبح تا شب به آن می اندیشیم وشبانگاه خوابی جز آن امور نمی بینیم. اگر دائماً در فکر آن نگار باشیم حتماً راهی به سر

منزل وصالش نمایان خواهد شد درب بارگاه عشقش گشوده خواهد شد.

نکته دیگری که در پاسخ به سؤال شما باید گفت این است که ورود در جرگه یاران حضرت آسان نیست ودرعمل مشابهتی با آن حضرت باید باشد. باید

مانند حضرت خیرخواه بشریت باشیم ودر مسیر هدایت گری امام زمان"عج"به میزان توان خود یار و یاور حضرت باشیم که توجه به فقرا، محرومان، ستمدیدگان وتمام مستضعفان مادی ومعنوی از این قبیل است. چگونه می توان خودرا به حضرت نزدیک کرد ومدعی سربازی آن عزیزشد درحالیکه نسبت به هدایت همنوعان خود بی توجه هستیم. درادامه همین مطلب عرض کنم که یاران حضرت دو نوع اند. برخی خواص هستند وانسانهای وارسته ای هستند که جرعه نوشان دائم الخمر از می صفای امام زمان"ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء"می باشد وجزء آن ۳۱۳ نفری هستند که در هنگام ظهور مشخص می شوند وبعضی یاران عام حضرتند. تمام شیعیان اگر به اقتضاء شیعه بودن خود عمل کنند واعمال خودرا مطابق اوامر اهل بیت "ع" قرار دهند ودر حد توان خود در طریق احیاء اسلام ناب وحفظ ارزشهای اسلامی بکوشند در زمره یاران عام حضرت هستند ودر صورت استمرار اعمال نیک خود وجان فدایی برای اسلام حتماً به محضر حضرتش راه می یابند وجزء یاران خاص محسوب می شوند.

برای نیل به آرزویی که فرمودید خواندن بعضی دعاها واذکار که از طرف معصومین"ع" توجیه شده است، بسیار مؤثراست. نظیر دعای عهد، زیارت آل یاسین، دعای ندبه وسایر دعاها ونمازهایی که در انتهای کتاب شریف مفاتیح الجنان آمده است. البته واضح است که صرف قرائت این دعاها تأثیر چندانی نخواهد داشت بلکه تفکر در معانی ومفاهیم این ادعیه وعمل کردن به بعضی فرامین موجود در این دعاها منظور حقیقی از این دعا ها می باشد.

مثلاً در معانی ندبه که به امام عصر ارواح من سواه فداه عرض می کنیم : "متی ترانا ونراک"

کی می شود که شما را ببینیم وشما ما راببینید.

بایـد تفکر نمود که چشـمی که نمی بینـد وکور است چشم مـاست والاـ حضـرت مـا را می بینـد وناظر بر اعمال وحتی نیات ما هستند پس این ندیدن فقط از جانب ماست و به خاطر کوری چشم دل ما می باشد "چشمی دگر بده که تماشا کنم تو را"

وسایر ادعیه ودعاها نیز چنین است. باید ضمن قرائت واشک وآه به کسب معرفت نیز توجه نمود.

تمام آنچه ذکر شد انسان را به مقام منتظر حقیقی می رساند وانسان را شایسته ولایق دیدار روی دوست می گرداند. در روایتی جعفربن محمد الصادق، امام به حق ناطق "ع" در این خصوص می فرمودند : "هرکس مشـتاق است از یاران قائم ما باشد، باید منتظر او باشد وپرهیزگاری بیشه سازد ودارای اخلاق نیکو باشد وبدینگونه انتظار آن روز را بکشد" "۱"

امـا اینکه چگـونه می تـوان از فیض وجـود آن حضـرت اسـتفاده نمـود، روایـتی از جنـاب سـلیمان اعمش، می گـویـد : از امـام صادق"ع" پرسـیدم : چگونه مردم می تواننـد از حجت غائب انتفاع برند؟ فرمودند : همان طور که از آفتابی که در ابرها پنهان است نفع می برند.

اولاً : اینکه نور عالم هستی وعلم وهـدایت به توسط آن حضـرت به خلق خـدا می رسـد، زیرا با اخبار مسـتفیضه ثابت شـده که ذوات مقـدسه (ائمه اطهار) علت غائی ایجاد مخلوق عالمند، واگر آنها نبودند نور عالم بغیر آنها نمی رسـید وهم ثابت شده که به برکت و وساطت وتوسل به آنها، علوم ومعارف حقه برای مردم آشکار می گردد وگرفتاریها از آنها برطرف می شود. واگر آنها نبودند مردم بوسیله

اعمال زشت مستحق انواع عذاب الهی بودند چنانکه خداوند فرموده است : "وکان الله لیعذبهم وانت فیهم" (مادامی که تو"پیغمبر" در میان آنها هستی، خدا آنها را عذاب نمی کند) "۲"

ثانیاً : همان طور که شعاع خورشید به میزان روزنه ها وشبکه های خانه ها وارد آن می شود و بقدر ارتفاع موانع خانه ها درآن می تابد، همچنین مردم نیز باندازه موانع حواس ومشاعر شان که عبارتست از: شهوات نفسانی وعلائق نفسانی که خود روزنه ها وشبکه های دلهای آنهاست، وهم بق...Љь...که پرده ای کثیف ها را از دلهای خود کنار زنند واز انواع هدایت و راهنمائی ائمه طاهرین"ع" استفاده می کنند.

در پایان پاسخ را به گلی از بوستان معرفت امام راحل، خمینی عزیز مزین می نمایŮ

آید آن روز که خاک سرکویش باشم ترک جان کرده وآشفته رویش باشم

ساغر روح فزا از کف لطفش گیرمغافل از هر دوجهان بسته مویش باشم

سرنهم برقدمش بوسه زنان تا دم مرگمست تا صبح قیامت زسبویش باشم

همچو پروانه بسوزم برشمعش همه عمرمحو چون می زده در روی نکویش باشم

رسد آن روز که در محفل رندان سرمستراز دار همه اسرار مگویش باشم

یوسفم گر نزند برسر بالینم سر همچو یعقوب دل آشفته بویش باشم."۳"

(۱) ترجمه بهار،ج۱۳،ص۹۱۳

(۲) سوره انفال/۳۳

دیوان امام،مجموعه اشعار امام خمینی"رضوان ا...تعالی علیه"

چگونه می توانیم ازیاران حضرت مهدی(عج) شویم؟

پرسش

چگونه می توانیم ازیاران حضرت مهدی(عج) شویم؟

پاسخ

دردعای شریف عهد که معاهده ای است میان مؤمنین با امامشان حضرت مهدی سلام ا...علیه وسفارش شده مؤمنین صبحها با قرائت این دعا، با مولایشان تجدید عهد کنند، عبارات شریفی وارد شده که برای پاسخ به سؤال شما مناسب است .

"اللهم اجعلنی من اعوانه وانصاره والذابین عنه والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه والممتثلین لاوامره والمحامین عنه والسابقین الی ارادته والمستشهدین بین یدیه "

(خداوندا مرا از یاران مولایم مهدی "سلام ا...علیه" قرارده، درزمره کسانی که درمولای خویش ذوب گردید.ودر برآوردن حوائجش شتاب می گیرند.آنانکه فرمانبر اوامر اویند، حمایت کننده اویند و سبقت گیرنده در انجام اراده مولامی باشند آنانکه درركاب مولاجانشان را نثارش می کنند وتوفیق شهادت نصیبشان می گردد.)

برادرم دراینجا توفیقی استمداد از خداوند متعال ضروی است . "وما توفیقی الا بالله" (تمام موفقیت ها از جانب حی متعال به انسان عطا می گردد) بویژه اینکه آرزوی نصرت ویاری امام زمان(عج) در رأس همه خوبیهاست وجز درخواست عاجزانه وازروی فقر وناچیزی واقرار به عدم قابلیتمان ودرنتیجه دستگیری خداوند مهربان میسر نمی باشد .

درابتدای این فراز دعای عهد درخواست مؤمنین توفیق درياری كردن امام ونصرت دادن حضرت است ودرعبارات بعد این معنا توضیح داده شده است.

خدایا مرا درامام زمانم ذوب فرما. ذوب شدن درامام بدون معرفت وشناخت جایگاه وحقیقت امام میسر نمی باشد اینکه انسان بداند امام "علیه السلام" خلیفه خداوند درزمین است وتمامی کمالات و خوبیها در عالیترین وجه خود درامام موجود است . تمام اختیارات عالم دردست امام قرارگرفته واو آئینه تمام نمای صفات خداست (آنچه خوبان همه دارند توتنها داری) مسلماً هرچه شناخت امام بیشتر باشد،

امکان هم سنخ شدن با اهداف امام میسرتر است . ذوب شدن در امام به این معناست که حرکتی به سوی تحصیل خوبیهای امام در وجود خویش حرکت کند تا کم کم با مولای

خود هم فکر و هم احساس گردد(به اندازه ای که درظرفیت ما می گنجد) وامام قبله وجودمان گردد تا مجذوب وعاشق وشیدای او شویم.

درعبارات بعد داریم که : خداوندا مرا تابع و پیرو اوامر مولایم قرارده ودرآنچه اراده اوست بردیگران سبقتم ده وبا تمامی اعضاءوجوارح و فکروخیال وتمامی قوای وجودیم مرا پشتیبان وهمراه با امامم قراربده تا جائی که وجودم وهستیم را نثار مکتب ومنش او کرده وتوفیق شهادت عایدم گردد. شاید سؤال کنید که چگونه می توانم به اوامرونواهی امام "علیه السلام" عالم گردم. پاسخ اینست که امام علیه السلام که آیت بزرگ الهی است درتمامی عرصه های عالم هستی حضور دارد ویکی از آن عرصه ها وجود خودماست.

درهر لحظه به امام عصر(عج) متوجه ومتوسل گردی، می فهمی حاجت امام ورضایت ایشان درآن موقعیت چیست و چگونه عمل کردن تومورد تأیید امام است . همین فهم را بگیر وبه آن عامل باش. این فرمان امام"علیه السلام"است به تو.بشرطی که واقعاً منافع خود راکنار گذاشته باشید ودرخواست واقعی تو فهم پیام امام باشد .

در توجه به این حقایق اگر مداومت وتکرار صورت دهید کم کم قلب شماآنها را باور کرده وزمینه سربازی وخدمت به امام عصر"علیه السلام " را فراهم خواهد ساخت. (انشاءا...)

– می گویند اگر ۴۰ تا مؤمن توی جهان باشــد آقا امام زمان «عج » ظهور می کند. با وجود این همه مؤمن ۴۰ تا توی این جهان وجود ندارد !؟

پرسش

– می گویند اگر ۴۰ تا مؤمن توی جهان باشد آقا امام زمان «عج » ظهور می کند. با وجود این همه مؤمن ۴۰ تا توی این جهان وجود

ندارد !؟

پاسخ

ج۲- در پاسخ پرسش دوم شما عرض می شود ،که آنچه از روایات درباره تعداد یاران حضرت ولی عصر عج » بدست می آید اینست که این تعداد متجاوز از ۴۰ نفر می باشد .

در روایتی چنین آمده است :«مردی از اهل کوفه از امام صادق علیه السلام » پرسید چقدر با قائم خروج خواهند کرد ؟ مردم می گویند: به عدد بدر است «سیصد و سیزده تن» , فرمود خروج نمی کند مگر در اولی قوه (۱) که مفسران « اولی قوه» را به کمتر نبودن از ده هزار نفر تفسیر کرده اند و نیز فرموده است : خروج نمی کند تا اینکه حلقه تمام شود « ابو بصیر» پرسید حلقه چقدر است ؟ فرمودند : « ده هزار نفر» اینکه آیا ده هزار نفر به علاوه سیصدو سیزده تن است یا با آنها ده هزار نفر است و به طور قطعی معلوم نیست اگر چه ظاهر آن است که به علاوه باشد (۲)

اما در روایت امام جواد «علیه السلام » چنین آمده است جمع میشوند به نزد حضرت اصحاب ایشان به عدد اهل بدر و سیصد و سیزده تن و اینست قول خداوند که { اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعا ان .... علی کل شی قدیر}

(۳) یعنی : «هر کجا باشید خداوند شما را جمیعا می آورد، زیرا که او بر هر چیزی قادر است.

و در حدیثی دیگر از امام باقر « علیه السلام » در باره تعداد یاران حضرت فرموده اند : سوگند به خدا سیصد سیزده و اندی و عده پیشین گرد می

آیند و در میان آنان پنجاه زن است. (۴)

البته تعداد یارانی که حضرت را در امر خطیر نبرد با باطل همراهی می کنند باید دارای ایمان محکم و آهنین بوده و در هیچ شرایطی از یاری حضرت دست بر ندارند چنانکه در روایتی از شهر آشوب این ویژگی یاران امام مورد تأکید قرار گرفته است .

ابن شهر آشوب بسند خود ار داوود رقی روایت می کند که گفت من در محضر حضرت امام صادق « علیه السلام » بودم که سهل بن حسن خراسانی بر آنحضرت وارد شد سلام داد و نشست و آنگاه عرض کرد : ای فرزند پیغمبر شما دارای رأفت و رحمت و خاندان امامت می باشید چه مانعی دارید که از گرفتن حق خود باز مانده اید و حال آنکه از شیعیان خود صد هزار تن خواهی یافت که پیشاپیش تو شمشیر خواهند زد ؟ امام « علیه السلام » فرمود :خدای حق تو را حفظ کند بنشین آنگاه رو به کنیز خود نموده فرموده : ای حنیفه این تنور را روشن ساخت تا آتش بر افروخته شد سپس رو به خراسانی نموده و فرموده : برخیز و در این تنور بنشین خراسانی عرضه داشت ای آقای من , ای فرزند پیغمبر مرا به آتش عذاب مکن و معاف فرما خدای ترا معاف فرماید : امام علیه السلام » فرمود: تو را معاف کردم در این اثناء هارون مکی (یکی از اصحاب آنحضرت) درحالیکه نعلین خود را انگشت سبابه داشت وارد شده گفت : السلام علیک یابن رسول الله امام جواب او را داده و فرمود :

نعلین خود را بگذار و در میان تنور بنشین پس وی اطاعت کرده و نعلین خود را بر زمین گذاشته و در میان تنور نشست . آنگاه امام علیه السلام » شروع کرد اخبار خراسان را برای خراسانی بیان فرمود و گوئی آنحضرت خودش در خراسان حاضر و شاهد وقوع آن اخبار بوده است ولی خراسانی در ظاهر با امام صحبت می کرد و در باطن از دیدن این واقعه به خود می پیچید که آیا بر سر این مرد چه آمد ؟ پس از مدتی مذاکره به خراسانی فومود: برخیز و در تنور نگاه کن . خراسانی می گوید: من برخاسته و در تنور نگاه کردم و با کمال تعجب دیدم هارون در میان تنور چهار زانو نشسته و سپس به سوی ما بیرون آمد و سلام کرد . آنگاه امام « علیه السلام » رو به سهل بن حسن خراسانی نموده فرمود در خراسان چند تن مانند این شخص پیدا می کنی ؟ خراسانی عرض کرد؛ سوگند به خدا یک تن هم پیدا نخواهد کرد . امام فرمود : آری یک تن هم پیدا نخواهی کرد . پس آگاه باش که ما تا وقتی پنج تن که از ما پشتیبانی کنند پیدا نکنیم خروج نخواهیم کرد و ما خود بهتر می دانیم که چه وقت باید قیام کنیم . (۵)

البته ؛غیر از وجود یارانی آهنین برای ظهور حضرت مهدی «عج» شرایط دیگری نیز , باعث تعجیل در امر فرج و ظهور ایشان می شود که مهمترین آنها مداومت در دعا برای تعجیل فرج است .

اهتمام و مداومت در دعا برای تعجیل فرج

مولای ما صاحب الزمان «علیه السلام » با شرایط آن به قدر امکان سبب می شود که این امر زودتر واقع گردد و ظهور زودتر محقق یابد .

دلیل بر این معنی حدیثی است که در بحار و غیر آن از عیاشی از فضل بن ابی قره آمده که گفت :

شنیدم از حضرت ابی عبد الله صادق « علیه السلام » که فرمود : خداوند به ابراهیم وحی نمود که برای او فرزندی متولد خواهد شد پس آن حضرت این موضوع را با« ساره» در میان گذاشت ولی «ساره» گفت : آیا من خواهم زایید و حال آنکه پیر زن هستم ؟ پس خداوند به آن حضرت وحی کرد که «ساره» خواهد زایید و اولاد او چهارصدسال به زحمت و رنج می افتند به خاطر اینکه سخن مرا جواب گفت . امام صادق « علیه السلام » فرمود : پس هنگامی که فشار ها و شکنجه ها بر بنی اسرئیل طول کشید چهل صبح به درگاه خداوند ضجه و گریه کردند خداوند به موسی و هارون فرمود : که آنها را از فرعون خلاص نمایند پس صدو هفتاد سال را از آنها برداشت .

(راوی گوید :) امام صادق « علیه السلام » فرمود : « همچنین شما اگر انجام دهید هر آینه خداوند بر ما فرج خواهد داد ولی اگر چنین نباشید البته این امر تا آخرین مرحله را طی خواهد کرد (۶)

منابع :

۱-اصول کافی , ج ۱, ص ۳۷۸ /ح ۸۸۷

۲- مهدی منتظر , حاج شیخ محمد جواد خراسانی ,ص ۲۲۸

۳- قرآن کریم , سوره بقره ,آیه ۱۴۸

۴- بحار الانوار ,ج ۵۲

,ص ۲۲۳

۵–حضـرت صادق «علیه السـلام » , فضل الله کمپانی , انتشارات دار الکتب الاسـلامیه , ص ۱۱۲ –۱۱۳ , و قانون اساسی اسلام ,حسن فرید گلپایگانی

۶– مکیال مکارم , درمعرفت وولایت امام قائم «عج » ,سـید محمد تقی موسوی خراسانی اصـفهانی , ترجمه سید مهدی حائری قزوینی ,ص ۴۴۱

و بحارالانوار , ج ۵۲ , ص ۱۳۱ .

۲–خصوصیات و ویژگیهای خاص یاران امام و غربال شدن یاران ایشان چیست؟

پرسش

۲–خصوصیات و ویژگیهای خاص یاران امام و غربال شدن یاران ایشان چیست؟

پاسخ

ج۲– طبق روایات یاران خاص حضـرت مهـدی ۳۱۳ نفر می باشـند، که همگی از تربیت شـدگان مکتب ولایـت و از عاشـقان دلباخته خاندان عصمت و طهارت هستند.

هنگام ظهور آن حضـرت به گردش حلقه می زند و به یاری آن حضـرت می پردازند از امام باقر «علیه السـلام » نقل شده است که فرمود؛ گویـا اصـحاب قـائم را می بینم که تمام شـرق و غرب عالم را تحت سـیطره خود در آورده انـد ،در تمام دنیا چیزی نیست جز این که از آنها اطاعت میکنـد،حتی درندگان زمین و پرندگان شـکاری نیز تلاش می کنند که رضایت آنان را جلب کننـد چون یکی از آنهـا بر منطقه ای بگـذرد آن قطعه زمین بر دیگر زمینهـا مباهات کنـد و گویـد امروز یکی از یاران قائم بر روی من پای نهاد .

۳–در حـدیث دیگری در همین رابطه از امـام باقر«علیه السـلام » روایت شـده که فرمود قائم ۳۱۳ نفر را به تمـام اقطار و اکناف عالم می فرسـتد، قبل از رفتن دست مبارکش را بر سـینه و بین دو کتف آنها می کشد پس درهیچ حکمی فرو نمی مانند دیگر هیچ نقطه ای در روی زمین باقی نمی ماند ،جز اینکه به یکتایی خدا و پیامبری رسول خدا در آن گواهی داده می شود.

غربـال کردن یعنی: آن کسـانی که خـالص هسـتند و کارهایشان جز رضای خـدا نیست برحسب روایات وارده تعـداد نیروهای منحصر در ۳۱۳ نفر نیست، بلکه آنـان یاران مخصوص حضـرت هسـتند تا نیروی حضـرت به ده هزار نفر نرسـد آغاز به جنگ نخواهدکرد و علی

الـدوام به تعـداد نیروهای آن حضـرت افزوده خواهد شد و غلبه حضـرت بر عالم هم ممکن است از طریق عادی و هم از طریق غیر عادی باشد،چنانکه برای پیامبر اینچنین بود.

منابع :

۱-سیمای آفتاب , حبیب الله طاهری

۲-پادشه خوبان , علی اصغر لشکری

۳-نشانه های ظهور , محمد خادمی شیرازی

۴-رسالت جهانی مهدی , فریده گل محمدی آرمان

چگونه می توان جز اصـحاب حضـرت قائم بود با توجه به اینکه شهداء و صلحاء تاریخ ما تا کنون بسیار بیشتر از ۳۱۳ نفر بوده اند و این تعداد تعدادی محدود است.

پرسش

چگونه می توان جز اصـحاب حضـرت قائم بود با توجه به اینکه شهداء و صلحاء تاریخ ما تا کنون بسیار بیشتر از ۳۱۳ نفر بوده اند و این تعداد تعدادی محدود است.

پاسخ

منتظران و یاوران مصـلح جهانی باید خود صالح باشـند؛ بنابراین برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرتشان، ما باید از خود آغاز کنیم و بـا اراده ای محکم، عزمی راسـخ و برنامه ای دقیق به اصـلاح افکار و انـدیشه ها و نیز تغییر و اصـلاح رفتار و کردارمان بپردازیم و بـا آگـاهی ازوظـایف عملی و گسترش شـناخت خود از مبانی دینی و معرفتی، در راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش کنیم. و در یک جمله با اجتناب از معاصی، لغزش ها و گناهان و انجام دادن واجبات و وظایف دینی در هر محیطی که هستیم به خودسازی اقدام کنیم و باتوبه از اعمال گذشـته، قلب خویش را برای تجلّی و ورود نور الهی آماده سـازیم. بنابراین گناهان گذشـته هر چنـد زیاد باشـد نمی توانـد مانع مهمی در راه رشـد و کمال و پیوسـتن به جرگه منتظران و یاوران واقعی امام زمان(عج) باشد. پس با توبه واقعی، می توان سیئات و بدی های گذشته را به حسنه و نیکی تبدیل کرد و به اصلاح گذشته همت گماشت.

قرآن راجع به حضـرت مهدی(ع) و اصـحاب ایشان می فرماید: الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه و آمرو بـالمعروف و نَهوا عن المنکر؛ کسـانی که اگر در زمین به آنـان توانـایی دهیم، نماز را به پا داشـته و زکات را [به مسـتحق] می بخشند و به معروف امر نموده و از منکر نهیمی کنند (حج، آیه ۴۱).

امام

باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرماید: «این آیه برای آل محمد و مهدی(ع) و اصحاب او است».

در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. در این رابطه به راه کارهای زیر توجه فرمایید:

۱. ارتباط معنوی خود را با خدای متعال تقویت کنید؛

۲. نمازهای یومیه را در اول وقت و حتی المقدور به جماعت بخوانید؛

۳. سعی کنید در نماز حضور قلب داشته باشید و همیشه خود را در محضر خداوند متعال بدانید؛

۴. از هر گونه گناه و معصیتی اجتناب کنید؛

۵. بدانید که هر هفته، نامه اعمال شما به حضور امام زمان(عج) عرضه می شود و مورد بررسی قرار می گیرد؛

۶. اکنون که در دوران تحصیل علم هستید، بیشترین توجّه خود را به درس و موفقیت تحصیلی داشته باشید؛

۷. با مطالعه کتاب هایی که درباره امام زمان(ع)، آگاهی و شناخت خود را در این زمینه تعمیق و گسترش بخشید؛

۸. برای اصلاح اوضاع فرهنگی دانشگاه، به تنهایی یا به کمک دیگر دانشجویان متدین و دلسوز و یا به کمک بعضی از تشکل های مذهبی دانشگاه، امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدین وسیله جلو بعضی اعمال خلاف را بگیرید. در این راه نهراسید و خجالت هم نکشید؛زیرا خشنودی و رضایت امام زمان(ع)، در گسترش ارزش های دینی و اخلاقی و اجتناب از گناه و خلاف است.

در مورد تعداد یاران حضرت مهدی(ع) که در روایت ۳۱۳ نفر ذکر شده است، این تعداد از سران حکومت و به اصطلاح کارگردانان حکومت امام(ع) و از کادرهای اصلی حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) می باشند. ولی تعداد زیادی دیگر در رده های پایین تر و

طبقات دیگر حکومت سعادت بخش آن امام همام(ع) می باشند، چون در حکومت صالحان تمام بدنه حکومت باید از افراد صالح تشکیل گردد و علاوه بر کادرهای بالا و اصلی که متشکل از ۳۱۳ نفر است، رده های پایین تر باید اهل تقوا و صلاح باشند.

برای تقویت توجه به حضرت ولی عصر(عج) مطالعه کتب مربوط به آن حضرت توصیه می شود از جمله:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲ و ۵۱، ترجمه علی دوانی

۲. خورشید مغرب، استاد محمد رضا حکیمی

۳. وابستگی جهان به امام زمان(عج)، آیت الله صافی گلپایگانی

۴. دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی

چرا بیشتر یاران حضرت مهدی (عج) مرد می باشند؟

پرسش

چرا بیشتر یاران حضرت مهدی (عج) مرد می باشند؟

پاسخ

آنچه که از اخبار و روایات استفاده می شود مدح و تمجید یاران حضرت مهدی(عج) بطور کلی و بدون لحاظجنسیّت خاص است مانند یخرج ناس من المشرق فیوطّئون للمهدی یعنی سلطانه ؛ در آخر الزمان «مردمی» از مشرقزمین خارج می شوند که زمینه ساز حکومت حضرت مهدی(عج) هستند{M، (کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۷). و یا به لحاظ فرهنگ محاورهفرمودند: المنتظر للثانی عشر کالشاهر سیفه بین یدی رسول الله(ص) یذبّ عنه ؛ کسی که منتظر واقعی امام دوازدهم باشددر فضیلت و ثواب مانند کسی است که در پیشگاه رسول خدا(ص) شمشیر از نیام بر کشیده، از آن حضرت دفاع می کند{M، (بحارالانوار، ج ۵۲،ص ۱۳۹). و یا تعبیر «افضل اعمال امّتی...» همه اینگونه تعابیر عام است و ما با تفحص در مظانّ اخبار و روایات چیزی کهدال بر خصوصیت باشد نیافتیم.

بله ممکن است آن مجاهدین که به همراهی آنحضرت اقدام به جهاد علیه ستمگران می کنند مرد باشند و این بهلحاظ تسهیل بانوان در امر دشوار جهاد است، اما باز این مادران و زنان و همسران هستند که مردان و شوهران وفرزندان و برادران خود را با تهیج احساسات و عواطف پاك و تربیت صحیح و سالم آماده چنین میدان و صحنه هایکارزار و ایثارگری می کنند.

بنابراین وادی عشق به اهل بیت، خان کَرَم گسترده ای است که هر مرد و زن سالك صالح را به خود دعوت می کند وپیامبر

اکرم(ص) به عنوان مژده بزرگ می فرماید: یا فاطمه، اِبشـری فانّ المهدیّ منک ؛ فاطمه جان بشارت بده کهمهدی(ع) از نسـل تو و فرزند توست{M و اینچنین است که هم مهدی از نسل یک مادر

بزرگ و ستوده است و هم یاران واصحاب او، مادران و خواهران وارسته و نیز مردانی که آن ها تربیت کردند می باشند.

برای بحث روایی و اطلاع از خصوصیات یاران امام مهدی(عج) رجوع کنید به:

۱ المحمدی الری شهری محمد؛ میزان الحکمه، ج ۱، ذیل بحث الامامه الخاصه تحت عنوان امامه القائم(عج)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی

۲ علامه مجلسی؛ مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار، ترجمه علی دوانی، تهران: دار الکتب الاسلامیه {J

یاران خاص

تعداد

تعداد یاران امام زمان ۷چند نفرند؟ چه تعدادی از آن ها مرد و چند نفر زن هستند؟

پرسش

تعداد یاران امام زمان ۷چند نفرند؟ چه تعدادی از آن ها مرد و چند نفر زن هستند؟

پاسخ

سیصد و سیزده , نفر هستهء اولیهء یاران امام زمان ۷را تشکیل می دهند. پنجاه نفر از آنان زن هستند وبقیه مرد می باشند.(۱)

(پاورقی ۱.محمد باقر مجلسی , بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۲۲۳

آیا در میان اصحاب حضرت مهدی(ع) زنان نیز حضور دارند؟ آیا در احادیث اشاره ای به نام آن ها و نیز وظایف ایشان شده است؟

پرسش

آیا در میان اصحاب حضرت مهدی(ع) زنان نیز حضور دارند؟ آیا در احادیث اشاره ای به نام آن ها و نیز وظایف ایشان شده است؟

پاسخ

اشاره

بنا به نقل بعضی از روایت های صادره از معصوم(ع) وجود زن در یاران حضرت صاحب العصر(ع) امری حتمی است.

امام باقر(ع) فرمود: "حدود سیصد و سیزده نفر هنگام قیام حضرت یاور او خواهند بود که در میان پنجاه زن نیز وجود دارد". (۱)

مردی از اهل کوفه از امام صادق(ع)، درباره تعداد افرادی که با حضرت قائم آل محمد(ع) خروج می کنند، پرسید؛ حضرت در جواب به تعداد نفرات اشاره نفرمود و فقط گفت: "افرادی که با حضرت همراه می شوند، از قدرت فوق العاده ای برخوردارند".(۲)

آیه شریفه "أینما تکونوا یأت بکم اللّه جمیعاً" می تواند تفسیری بر اجتماع یاران حضرت باشد. در هر حال حکایت سیصد و سیزده نفر حکایت تفسیر یاران هنگام ظهور است و البته حضرت وقتی قیام کرد، یاوران و همراهان حضرت بسیار بیشتر از این خواهند بود. وجود زنان در میان خواص و وزیران مهدی(ع) نشان دهنده اوج و عظمت والای بانوان در انقلاب جهانی است. کلمه "رجل" که در روایات به کار رفته، علامت تغلیب است، نه حصر. در روایات عامه نیز از وجود زنان در نهضت مهدی(ع) یاد شده است.(۳)

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۲. همان، ص ۳۲۴.

۳. مجله حوزه، ویژه نامه حضرت صاحب العصر(ع)، شماره ۷۰ - ۷۱، ص ۲۹۷.

پرسش

یاران امام زمان(ع) در روایت ۳۱۳ نفر هستند. پس بقیه مردم چه نقشی دارند؟

یاران امام زمان(ع) در روایت ۳۱۳ نفر هستند. پس بقیه مردم چه نقشی دارند؟

پاسخ

در برخی روایات تعداد یاران امام زمان(ع) ۳۱۳ ذکر شده است.[۱۸] امام صادق(ع) فرمود: "گویا نگرم قائم را بر منبر کوفه و ۳۱۳ نفر یارانش، که پیرامونش گرد آمده اند به شمار اهل بدر".[۱۹]

در برخی روایات دیگر تعداد یاران امام زمان(ع) ده هزار بیان شده است.[۲۰]

از روایات دیگر استفاده می شود که مهدی، میان دوازده تا پانزده هزار یاور قیام خواهد کرد.[۲۱]

روایات دیگر بـدون ذکر تعـداد یاران امام، به تعـداد انبوهی اشاره می کند.[۲۲] در جمع بین این روایـات می توان یـاران امام زمان(ع) را به سه گروه تقسیم نمود:

۱) تعدادی از یاران افراد خاص و اصـحاب ویژه هسـتند که ۳۱۳ نفر هسـتند. این تعـداد پارسایان، قاطع، دین مدار و ... بوده و فرمانبر ترین افراد هستند.

این ها در همه زمینه ها یاور امام بوده و هسته مرکزی حکومت را تشـکیل می دهنـد. در برخی انقلاب های دیگر نیز در ابتـدا افراد ویژه ای وجود دارنـد که مشاوران امین رهبری بوده و سیاست های کلی انقلاب و حکومت را تعیین می کننـد. در ابدای شکـل گیری انقلاب اسـلامی ایران افراد خاصـی وجود داشت که امام را در شـکل گیری انقلاب، سـپس در تشـکل حکومت یاری کردند.

۲) تعداد دیگری از یاران امام را کسانی تشـکیل می دهند که در شـکل گیری انقلاب و تشـکیل حکومت نقش بنیادی دارند، گرچه این تعداد شاید مانند ۳۱۳ نفر تأثیر گذار نباشند.

۳) دسـته سوم توده مردم هسـتند که نقش بنیـادی در حکومت عـدالت گسـتر و قـانون منـد دارنـد. مردم سـتون فقرات نظـام را تشکیل می دهند. امام

زمان(ع) بعد از تشکیل حکومت و پیروزی بر مخالفان با بهره گیری از توده مردم سیاست و استراتژی خویش را اجرا می کنند. در یک حکومت جهانی همه مردم حضور داشته و هر کدام نقش ایفا می کند. مردم به عنوان شهروندان در حکومت امام زمان حقوقی دارند که رعایت آن ها لازم است. البته نقش آفرینی سه گروه یکسان نبوده و گروه اوّل نقش بیشتری در پیروزی و تشکیل حکومت دارند، زیرا در ابتدا حضرت با ۳۱۳ نفر قیام می کنند بعد دیگران به حضرت می پیوندند. بعد از تشکیل حکومت جهانی، همه مردم در حکومت نقش آفرینی می کنند.

[۱۸] بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

[۱۹] شیخ صدوق، کمال الدین و تمام الغمه، ص ۶۷۲.

[۲۰] نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۷.

[۲۱] سید بن طاووس، الملاحسن والفتن، ص ۶۵.

[۲۲] بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۳۱۶.

چه تعداد از یاران امام زمان(عج) از طالقان و قم می باشند و آن وجود گرامی را همراهی می کنند؟

پرسش

چه تعداد از یاران امام زمان(عج) از طالقان و قم می باشند و آن وجود گرامی را همراهی می کنند؟

پاسخ

یکی از مسائلی که نمی توان به طور قاطع درباره آن سخن گفت: تعداد یاران امام زمان(ع) و ویژگی های آنان است که آیا آن ها از دنیا رفته اند و یا متولد شده اند و از کدام سرزمین هستند؟

البته در برخی از روایات تعداد یاران امام زمان(ع) ۳۱۳ نفر یاد شده است.[۲] و در برخی از روایات دیگر آمده است که برخی از یاران امام از طالقان هستند. امام علی(ع) فرمود: "مرحبا به مردم طالقان! زیرا خدای توانا گنج هایی در بین آنان نهفته که طلا و نقره نیستند، ولی مردانی هستند که خدا را آن طور که باید و شاید شناخته اند. ایشان هستند که در اخر زمان از انصار مهدی به شمار می روند".۲[۳]

در برخی از متون دین آمده است که تعداد یاران امام زمان(ع) که از طالقان هستند ۲۴ نفر هستند.[۴] البته مقصود از این که طالقان کدام شهر است دقیقاً مشخص نیست؛ زیرا مکانی به نام طالقان در ایران و افغانستان وجود دارد و شاید در کشورهای دیگر نیز شهرهایی به نام طالقان وجود داشته باشد.

همچنین اصحاب و یاران حضرت مهدی که از شهر قم باشند، دقیقاً معلوم نیست، ولی سید بن طاووس در کتاب ملاحم و فتن از اصبغ بن نباته نقل می کند که یک روز حضرت علی (ع) درباره اوصاف حضرت مهدی (ع) و تعداد یارانش سخن می گفت. اسامی برخی از آنان و شهر ها را نام برد: از بصره دو نفر، از اهواز یک نفر،

از منا یـک نفر، از شوشتر یک نفر ... از طالقان ۲۴ نفر، از قم ده نفر که نـام آنـان بـا نام اهل بیت پیامبر (ص) مطابق است. از خراسـان یک نفر ، از اصـفهان چهار نفر و ... .(۵) در برخی از منابع تعـداد زنانی را که از اصـحاب آن حضـرت خواهند بود، پنجاه نفر شمرده اند.

امام باقر(ع) فرمود: " به خدا قسم ! سیصد و سیزده نفر که در میان آنان پنجاه زن می باشند، همانند پاره های ابر پاییزی بدون قرار قبلی در مکه معظّمه جمع می شوند و با او میان رکن و مقام بیعت می کنند".(۶)

پاورقی

[۲]لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۴ _ ۵۹۶ و اعیان الشیعه، ج۲ ص ۶۵۴.

[۳]ینابیع الموده، ص ۲۴۴.

[۴]اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۶۵۳ _ ۶۵۴.

۵.حمد جواد نجفی، ستارگان درخشان، ج ۱۴، ص ۱۷۰

۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

منظور از این که یاران امام زمان(عج) فقط ۳۱۳ نفر می باشند چیست و چه تعداد از این یاران مرد، زن، یا جوان می باشند؟

پرسش

منظور از این که یاران امام زمان(عج) فقط ۳۱۳ نفر می باشند چیست و چه تعداد از این یاران مرد، زن، یا جوان می باشند؟

پاسخ

درخصوص تعـداد یاران امام زمان(ع) روایات و متون دینی اختلاف دارنـد. از برخی روایات اسـتفاده می شود که تعداد یاران امام زمان(ع) ۳۱۳ نفر هستند.(۱)

مفضـل بن عمر از امـام صـادق(ع) گزارش نمود: "گویـا می نگرم قائم را بر منبر کوفه و ۳۱۳ نفر یـارانش، که پیرامونش گرد آمده اند، به شمار اهل بدر"(۲)

در برخی از روایات دیگر، تعداد یاران امام زمان(ع) ده هزار بیان شده است.

ابوبصیر از امام صادق(ع) روایت می کند: "تا حلقه کامل نگردد، قائم خروج نمی کند... کامل شدن حلقه ده هزار نفر است".

همچنین در روایات دیگر تعداد یاران امام از دوازده تا پانزده هزار ذکر شده است.(۳) مضافاً بر این که در برخی روایات دیگر به توده های انبوهی اشاره شده است که از نقاط گوناگون جهان، به ویژه مشرق زمین به کمک امام می شتابند.(۵)

بنابراین مقصود از آن دسته روایات که تعداد یارن امام را ۳۱۳ نفر ذکر کرده، آن نیست که یاران امام تنها همان تعداد هستند. شاید منظور این باشد که این تعداد فرماندهان و وزیران و از یاران خاص امام باشند که در آغاز، هسته های اصلی نیروها را برعهده دارند و پس از پیروزی، برای ارشاد و دادرسی و کارگزاری به سرزمین های دور و نزدیک فرستاده می شوند. امام صادق(ع) فرمود: "آنان پرچمداران لشکرها و کارگزاران امام روی زمین هستند" از این گروه، به "نقباء" "خواص" و "ذخرالله" تعبیر شده است.(۶)

شاید منظور از ۳۱۳ کسانی باشند که نخستین گروندگان به حضرت هستند که در انتظار ظهور موعود در مکه می باشند. با گرد

آمـدن این گروه، دعوت حضـرت آغـاز می شود. پس از انتشـار خبر و گزارش آن، دیگر یـاران امـام زمـان به آنهـا ملحق می شوند. امام صادق(ع) فرمود: "سیصد و سیزده نفر یاران با او بیعت می کنند. او تا هنگام کامل شدن ده هزار نفر در مکه اقامت کرده، پس رهسپار مـدینه می گردد"(۷) علامه مجلسـی همین معنا را از روایات اسـتنباط کرده و می نویسـد: "یاران مهـدی، منحصر به ۳۱۳ نفر نیستند، بلکه این شمار یارانی هستند که حضرت به کمک آنان حرکت را آغاز می کند".(۸)

در بعضـی از روایات آمـده است که تعـدادی از یاران امام زمان(ع) را زنان تشـکیل می دهنـد. امام باقر(ع) فرمود: "سوگند به خدا، سیصد و اند نفر بدون وعده پیشین گرد می آیند در میان آنان پنجاه زن است"(۹)

وجود زنان در میان خواص و وزیران مهدی نشانگر اوج و عظمت والای زنان در انقلاب جهانی حضرت مهدی(ع) است.

یـاران مهـدی (ع)، از صـنف و نژاد ویژه ای نیسـتند، بلکه از گروههـا و نژادهـای گونـاگون و از سراسـر جهـان هسـتند.(۱۰) و اکثریت قریب به اتفاق یاران امام زمان(ع) را جوانان تشـکیل می دهند. امام علی(ع) فرمود: "یاران مهدی همه جوانانند و پیر و کهنسال در میان آنان وجود نـدارد، جز تعـداد انـدکی که مانند سـرمه برای چشم و نمک برای غذا لازم هسـتند البته کم ترین چیز مورد نیاز در غذا نمک است".(۱۱)

یاران جوان

در این که مقصود از جوان بودن چیست، دقیقاً نمی توان اظهار نظر کرد آیا مقصود از جوان بودن آن است که یاران حضـرت از نظر سنی جوان هستند و یا از نظر روحیه و قدرت؟

کوتاه سخن این که یاران حضرت مهدی(ع) در انحصار ۳۱۳ تن نیست. این

تعداد، گویای نخستین گروندگان به حضرت، یا گویای حلقه اولیه از فرماندهان و کارگزاران حضرت، یا گویای تعداد نفراتی است که امام در آغاز حرکت با این عده حرکت می کند.

میان یاران اولیه؛ یعنی ۳۱۳ تن طبق روایت پنجاه زن وجود دارد اکثر قریب به اتفاق یاران حضرت مهدی را جوانان تشکیل می دهند.

پی نوشت ها:

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ۳۴۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۵؛ منتخب الاثر، ص ۱۶۶.

۲ - الغیبه نعمانی، ص ۳۰۷.

۳ - سید بن طاووس، الملاجم و الفتن، ص ۶۵، به نقل از مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۲۹۵.

۴ - ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۳.

۵ - مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع) ص ۲۹۶؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۶ - ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۳.

۷ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳.

۸ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۹ - ینابیع الموده، ص ۲۴۹.ؤ

۱۰ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۳۴؛ نعمانی، پیشین، ص ۳۱۵؛ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۴.

یاران امام زمان (عج) چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟

اشاره

در مورد ۳۱۳ نفر انصار امام زمان "ع" که از چه شهرستانهایی هستند توضیح بفرمایید.

یاران حضرت مهدی غ چند نفر و از کدام کشور می باشند؟

پرسش

یاران امام زمان (عج) چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟

در مورد ۳۱۳ نفر انصار امام زمان "ع" که از چه شهرستانهایی هستند توضیح بفرمایید.

یاران حضرت مهدی غ چند نفر و از کدام کشور می باشند؟

پاسخ

پاسخ اول

بنابر نقل روایات اصحاب و یاران خاص آن حضرت ۳۱۳ نفر به تعداد یاران رسول خدا (ص) در غزوه بدر خواهدبود که تعداد آنان از شهرهای مختلف مشخص است و ما بعضی از آنها را ذکرمی کنیم :

۲۴ نفر از طالقان ، ۱۸ نفر از قم ، ۱۴ نفر از کوفه ، ۱۲ نفر از هرات ، ۱۲نفر از مرو، ۳ نفر از سجستان ، ۳ نفر از رقه ، (نزدیک مرز سوریه و ترکیه است) ، ۱۲ نفر از گرگان ، ۹ نفر از بیروت ، ۸ نفر از مداین ، ۸ نفر از نیشابور،۳ نفر از بصره ، ۳ نفر از خابور (نزدیک مرز عراق و سوریه در استان حسکه ودیرزور) ، ۷ نفر از ری ، ۷ نفر از طبرستان (مازندران) ، ۶ نفر از یمن ، ۵ نفر ازطوس (مشهد) ، ۳ نفر از دمشق ، ۲ نفر از مدینه منوره ، ۵ نفر از تفلیس ، ۴ نفراز همدان ، ۴ نفر از دیلم ، ۴ نفر از زنجار، ۴ نفر از فسطاط (در کشور عراق) ، ۲نفر از سبزوار و بقیه از سایر شهرها و مناطق خواهند بود .

در این مورد به کتاب ((منتخب التواریخ ، ص ۱۱۱۹)) مراجعه کنید .کتاب های دیگر؛ مانند ((

الزام الناصب)) از سوی اهل سنت نیز مطالب فوق را توضیح داده است)) . ;

حضرت صادق (ع) فرمود: هنگامی که صاحب الزمان ظهور نمود، جوانان شیعه بدون وعده ی قبلی، در همان شب خودشان را به مکه می رسانند. (۱)

شرق و غرب جهان را اشغال می کنند، تمام موجودات جهان را مسخر می گردانند، هر یک از آنها نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره های آهن سخت تر است به طوریکه اگر در راه هدف به کوههای آهن برخورد نمایند آنها را پاره می کنند و تا وقتی که رضایت خدا فراهم نشود از جنگ دست نمی کشند" (۲)

منابع و مآخذ:

۱ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۷۰

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۷۹ تا ۳۸۰

پاسخ دوم

الف مطابق آنچه در بیشتر روایات آمده است یاران ایشان ۳۱۳ نفر ... به تعداد رزمندگان جنگ بدر می باشد اما با توجه به برخی روایات دیگر، این افراد از یاران خاص و بااخلاصی هستند که قبل از دعوت علنی حضرت در مکّه به دور وی جمع می شوند.(۱) سپس حضرت دعوت را آشکار می کنند و در این هنگام حداقل ۱۰ هزار نفر برای یاری ایشان نزد ایشان می آیند تا اینکه قیام ایشان شروع می شود.(۲)

ب مطابق روایات یاران خاص حضرت از شهرهای متفاوت و کشورهای مختلف می باشد بعنوان مثال از ایران از شهرهای همدان و قزوین و قم و گرگان و...، از عراق از شهرهای کوفه و بصره و موصل از شهر صنعا در یمن از شهر قیروان در تونس از شهر اسوان در مصر، از شهر یافا در فلسطین و...(۳)

در

پاره ای از روایات آیه ۱۴۸ سوره بقره "فَاسْتَبِقُواْ الْخَيْرَٰتِ أَيْنَ مَا تَكُونُواْ يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا؛ در کارهای نیک سبقت بگیرید، هر کجا که باشید خداوند همه شما را خواهد آورد." بر جمع شدن یاران خاص و یا کل شیعیان برای قیام حضرت تطبیق شده است (۴)

ج با توجه به اشاره هایی که در روایات شده است ایرانیان بخش اصلی یاران حضرت را تشکیل می دهند و نقش مهمی در قیام حضرت دارند.

برای مطالعه بیشتر پیرامون این موضوع می توانید به کتاب عصر ظهور نوشته علی الکورانی العاملی ترجمه عباس جلالی انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی سال ۱۳۷۱، ص ۲۴۰ تا ۲۶۰ مراجعه کنید.

پاورقی

۱)(کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق انتشارات جامعه مدرسین باب ۳۶ (روایات امام جواد) حدیث ۲ ج ۲، ص ۳۷۷ / همچنین معجم احادیث الامام المهدی علی الکورانی العاملی ج ۵، ص ۳۹. قم / مؤسسه معارف الاسلامیه ۱۴۱۱.)

۲)(کمال الدین شیخ صدوق باب ۵۷ (علامات الخروج ، حدیث ۲۰، ص ۶۵۴ / همچنین معجم احادیث امام المهدی ج ۵، ص ۳۸.)

۳)(دلائل الامامه ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم الطبری مؤسسه بعثه قم ۱۴۱۳، ص ۵۵۴۵۶۶، به نقل ابوبصیر از امام صادق همچنین معجم احادیث الامام المهدی ج ۳، ص ۱۰۴، روایت ۶۴۷ به نقل از امیرالمؤمنین)

۴)(روایت امام رضا در تفسیر عیاشی ذیل آیه فوق / همچنین معجم احادیث الامام المهدی ج ۵، ص ۳۸.)

چرا قرآن کریم تعداد یاران حضرت مهدی غ را ۳۱۳ نفر اعلام کرده است

پرسش

چرا قرآن کریم تعداد یاران حضرت مهدی غ را ۳۱۳ نفر اعلام کرده است

پاسخ

تعداد یاران حضرت مهدی غ در قرآن کریم بیان نشده است در روایات می خوانیم که تعداد یاران آن حضرت ۳۱۳ نفر است و این بدین معنا نیست که آن حضرت تنها ۳۱۳ نفر یار دارد، یاران آن حضرت فراوان است افراد نزدیک به آن حضرت و فرماندهان لشگر او به این تعداد است

و گفته شـده کسانی که در آغاز قیام حضـرت گرد او جمع می شونـد، این تعداد هسـتند.(ر.ک بحارالانوار، علامه مجلسـی ج ۵۲، ص ۳۲۳، مؤسسه الوفأ، بیروت)

آیا امام زمان علیه السلام غیر از ۳۱۳ نفر اصحاب دیگری نیز دارند؟

پرسش

آیا امام زمان علیه السلام غیر از ۳۱۳ نفر اصحاب دیگری نیز دارند؟

پاسخ

از روایات استفاده می شود که اصحاب امام زمان (ع) بعد از ظهور از ده هزار نفر کمتر نیست.

محمّد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل می کند که فرمود: "...هر گاه برای او حضرت مهدی (ع)- ده هزار مرد جمع شد، پس در روی زمین معبودی به جز خدا باقی نمی ماند...".

{پاورقی . همان. پاورقی}

در اینکه مقصود از این روایات وروایاتی که اصحاب حضرت را ۳۱۳ نفر معین کرده چیست چند احتمال است:

۱ – دو دسته کردن اصحاب حضرت به جهت اختلاف در درجات اخلاص آنها است، به این نحو که ۳۱۳ نفر از آنها در کمال درجه اخلاص اند، وبقیه تا ده هزار نفر یا ده هزار نفر دیگر در مرتبه ای پایین ترند.

۲ – اختلاف دو دسته در سرعت ملحق شدن آنها ورسیدن آنان به حضرت مهدی (ع) است، به این نحو که ۳۱۳ نفر از دیگران زودتر به حضرت ملحق می شوند.

۳ – اختلاف در سرعت ایمان وبیعت نمودن با حضرت است.

۴ – اختلاف در دفاع نمودن از حضرت باشد به این معنا که ۳۱۳ نفر اولین دسته ای است که حضرت را یاری خواهند نمود.

۵ – اختلاف به لحاظ وظایف وکارهایی است که به جهت اختلاف درجات اصـحاب به آنها محوّل خواهـد شـد. مثلاً ۳۱۳ نفر از فرماندهان ورئیسانند، بر خلاف بقیه افراد.

۱ صفات۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج) چیست؟

اشاره

۲- آیا ۳۱۳ نفر دولت تشکیل می دهند؟

۳- یاران امام زمان(عج) در کجا به حضرت می پیوندند؟

پرسش

۱ صفات۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج) چیست؟

۲- آیا ۳۱۳ نفر دولت تشکیل می دهند؟

۳- یاران امام زمان(عج) در کجا به حضرت می پیوندند؟

پاسخ

ج۱ امام عصر در انتظار آنان به سر می برند، آنان از اقصی نقاط عالم جمع می شوند ، نخستین بیعت کنندگان با حضرتند ، مدافعان مخصوص و محافظان ویژه امام زمانند ،پرچمدار و حاکمان روی زمینند ، کسانی هستند که در یک ساعت از اطراف عالم به محضر امام زمان می رسند ، آنان با نام ونسب و نام پدر در نزد اولیای دین معروفند ، به دلیل آنکه دست خدا همراه آنهاست همیشه پیروز وثابت قدم هستند ، کف دست وکف پا کلید قضا و رمز عبور از دریا است ، در مرتبه ای از علم و تقوی و معرفت قرار دارند که همه کائنات در برابر آنها سر تسلیم فرود می آورند ، سر آمد روزگار هستند وکسی یارای مقابله با آنها را ندارد ،۵۰نفر از۳۱۳نفر یاران امام، زن هستند.

ج۲- آری حکومت تشکیل می دهند هنگام ظهور حضرت حجت عج) پشت کعبه به می دهند و میفرمایند « ای مردم , هر کس می خواهد , آدم و نوح و فرزندانش , ابراهیم و اسماعیل, موسی و یوشع«علیه السلام » , و عیسی «علیه السلام » را ببیند منم , هرکس می خواهد , حضرت محمد «صلی الله علیه واله » و علی « علیه السلام » نظرکند بمن نگاه کند هرکه می خواهد به حسن و حسین « علیهم السلام » و فرزندان حسین « علیه السلام » نظر کند مرا نظاره کند پس

اجابت کنید مرا و من امروز شما را به آنچه تا کنون هشدار داده، نداده, هشدار میدهم (۱)

یاران امام ۳۱۳ نفرند که از نقاط مختلف جهان گرد حضرت جمع میشوند و در مکه با آن حضرت بیعت میکنند , خداوند قلوبشان را بهم الفت داده و از احدی ترس ووحشت ندارند مرادنی هستند که قلوبشان محکم و شک و تردید در کارشان که الهی است ندارند شعارشان « یا لثارت الحسین «علیه السلام » است.

یعنی : انتقام گیرندگان خون حسین« علیه السلام » در هنگام ظهور حضرت مهدی «عج» ندای از آسمان شنیده میشود که { ایها الناس ان الله قطع عنکم مده الجبارین و ولی الامر خیر امته محمد (صلی الله علیه و اله) فالحقوا بمکه } (۲) ترجمه :« ای مردم عالم خداوند حکومت و ریاست ستمگران و جباران را به پایان رساند و و لایت و سروری بهترین اشخاص است و محمد«صلی الله علیه واله » را برای شما قرار داد به مکه هجوم آورید و به یاران حضرت مهدی (عج) ملحق شوید .

ج۳- : امام عصر « علیه السلام » در روز و ساعتی مشخص در مکه ظهور کرده و یاران او چون پروانه های عاشق از سراسر جهان به گرد او جمع می شوند .

ابتدا یاران خاص حضرت یعنی: همان ۳۱۳ نفر خود را به مکه رسانده و با امام

« عج » بیعت می کنند. این تعداد از کل نقاط مختلف جهان هستند که تعداد هر چند نفر از کدام شهر در کتاب المهدی(ع) مکتوب است , امام (عج) مدتی درمکه مانده و بعد

بسوی مـدینه حرکت میکند فضل بن عمر از امام صادق « علیه السـلام » سوال کرد حضـرت مهدی (عج) با مردم مکه چه می کند ؟

فرمودند : آنها را دعوت به حکومت و موعظه حسـنه می کند آنها هم از وی اطاعت می نمایند، آنگاه مردی از خاندان خود را در آنجا به نیابت خود منصوب داشـته و مکه را بقصـد مدینه ترک میگوید، مفصل پرسـید در مدینه چه می شود ؟ امام « عج » فرمودند: امام عصـر پس از مبارزاتی در مدینه با سـپاه خود بسوی عراق و کوفه می آید در کوفه با سید حسنی ملاقات کرده و سید حسنی و سپاهیانش با امام (ع) بیعت میکنند (۳)

امام زمان « عج» مرکز حکومتش کوفه است و محل حکومت در مسـجد جامع کوفه و جایگاه تقسیم غنائم و بیت المال مسجد سهله است طول شـهر کوفه زیـاد میشود تـا مجـاور کربلاـ میگردد و در آن ایام کربلا را محل رفت و آمـد فرشـتگان و مؤمنین خواهد نمود و برکت و نعمت را در آن سـرازیر خواهد کرد امام « عج » شـرق و غرب جهان را فتح کرده و اسـلام را بر سراسر جهان حکمفرما می سازد او طبق سـنت پیامبر «صـلی الله علیه واله » و کتاب خدا و سـیره اهل بیت گرامیش عمل می کند مانند جدش علی « علیه السـلام » غذایش ساده , لباسش خشن است , در حکومت امام « عج » برکات زمین آشکار و ثروت و نعمت .... بسیار میشود ... خدا ان شاء الله ما و شما را جز ء اصحاب

و یاران و منتظرین ایشان قرار دهد.

موفق باشید

منابع :

۱-مهدی موعود , علی دوانی ,

۲-رهبر جاودان , زندگی امام زمان «عج» محمد خاص .

۳-در محضر لاهوتیان , زندگی عارف جعفر مجتهدی

۴-توبه زیبا ترین پوزش.

۵-پژوهشی دقیق در زندگی امام علی بن موسی الرضا «علیه السلام » , محمد صالحی

آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟

پرسش

آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟

پاسخ

این که یاران حضرت مهدی ۳۱۳ نفر هستند مطلب صحیحی است ولی منظور یاران خاص و فرماندهان لشکرهای حضرت می باشد، زیرا شکی نیست که همه مؤمنین و مؤمنات در آن زمان از یاران و یاوران آن حضرت می باشند وحتی گروهی از مؤمنین زمان های گذشته زنده می شوند و در رکاب حضرت بر علیه کفر مبارزه می نمایند به همین جهتدر دعای عهد می خواهیم که خداوند ما را از کسانی قرار دهد که در رکاب حضرت وجود داشته باشیم. افزون بر آنبیان واقعیت نباید موجب یأس و دلسردی بشود، بلکه منطقا هر کس باید تلاش کند که خود را به حد اعلای کمالاتبرساند تا در ردیف یاران ویژه آن حضرت قرار گیرد.

ظاهراً این ۳۱۳نفر که در روایات آمده است , از طلایه داران و پیشگامان نهضت حضرت مهدی ۷هستند; زیرا در دیگر روایات یاران آن حضرت ده هزار,(۱) دوازده هزار, پانزده هزار(۲) و حتی به

عنوان توده های انبوه ,(۳) یاد شده است .

پس احتمال دارد این گروه انـدک , یعنی ۳۱۳نفر, فرماندهان و وزیران امام باشـند که در آغاز, هسـته های اصلی نیروها را بر عهده دارند و پس از پیروزی برای ارشاد و دادرسی و کارگزاری به سرزمین های دور و نزدیک فرستاده می شوند.

امام صادق ۷می فرماید: .(۴) از این گروه به نقبا, خواص و ذُخْرالله تعبیر شده است .(۵)

اگر خوب دقت کنیم این افراد بایـد مؤمن کامل باشـند تا بتوانند جهانی را اداره کنند. اگر بخواهیم مثال بزنیم ,باید بگوییم آن حضرت به ۳۱۳یاور همچون امام خمینی (ره) نیاز

دارد تا بتواند دنیایی با این گسترد گی وپیچیدگی را به انقلابی بزرگ رهنمون گردد. به امید آن روز.

۱)(پاورقی ۱.نعمانی , الغیبه, ص ۳۰۷ به نقل از مجله حوزه , ص ۲۹۴

۲)پاورقی ۲.سید بن طاووس , الملاحم والفتن , ص ۲۹۵

۳)(پاورقی ۳.محمد باقر مجلسی , بحارالانوار, ج ۶ ص ۲۹۵

۴)(پاورقی ۴.شیخ صدوق , کمال الدین , ص ۴۷۳

۵)(پاورقی ۵.بحارالانوار, ج ۵۳ ص ۷

آیا تعداد ۳۱۳ نفر یاران امام زمان(عج) مشخص است؟ توضیح دهید.

پرسش

آیا تعداد ۳۱۳ نفر یاران امام زمان(عج) مشخص است؟ توضیح دهید.

پاسخ

در مورد تعداد یاران حضرت مهدی (عج): سه دسته روایات وجود دارد

دسته اول : روایات متعدد (مستفیض) از ائمه (ع) به ما رسیده است که یاران حضرت مهدی ۳۱۳ نفر به تعداد یاران پیامبر در جنگ بدر هستند, (منتخب الاثر, صافی گلپایگانی , الفصل السابع , الباب الخامس , بیست و پنج روایت را با این مضمون گردآوری کرده است) و در منابع روایی اهل سنت نیز همین تعداد به عنوان یاران حضرت مهدی بیان شده است , (مجمع الزوائد و منبع الفوائد, نور الدین هیثمی , ص ۱۱۹; الحاوی للفتاوی السیوطی , ج ۲, ص ۱۵۰, هر دو کتاب در الموسوعه الامام المهدی , به نقل از ((چشم به راه مهدی)), جمعی از نویسندگان , دفتر تبلیغات اسلامی حوزه , ص ۳۶۵).

دسته دوم : روایاتی که یاران ایشان را ده هزار نفر ذکر می کند, (الغیبه , نعمانی , ص ۳۰۷; بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۰۶ و ۳۲۶).

دسته سوم : روایاتی که می گوید تمام شیعیان در گرد حضرت جمع می شوند و یا می گوید اهل شرق و غرب زمین با نهضت او همراه می شوند, (منتخب الاثر, صافی گلپایگانی , الفصل السابع , الباب السادس , ص ۵۹۷).

نتیجه ی جمع این روایات , با توجه به قرائن و شواهدی که از خود همین روایات استفاده می شود این است که یاران خاص حضرت که

۱) یاران خاص حضرت که هسته اصلی نیروها را تشکیل می دهند و فرماندهان و کارگزاران حضرت مهدی (عج) هستند, سیصد و

سیزده نفر به تعداد اهل بدر می باشند:

((امام صادق (ع): گویا می نگرم به قائم (عج) بر فراز منبر کوفه , در حالی که یارانش پیرامون او حلقه زده اند. آنان پرچمداران و کارگزاران امام بر روی زمین هستند)), (کمال الدین , ص ۶۷۳). از یاران خاص یعنی ۳۱۳ نفر, در روایات تعبیر به ((نقبائ)) و ((خواص)) نیز شده است , (بحارالانوار, ج ۵۳, ص ۷). این عده , کسانی هستند که خداوند آنان را از قبل از ظهور حضرت مهدی (عج), به سبب قابلیت و لیاقتشان برگزیده است , (همان مصدر). یاران خاص (۳۱۳ نفر) نخستین کسانی هستند که گرد حضرت جمع می آیند و دعوت جهانی امام مهدی با آنان شروع می شود پس از آشکار شدن دعوت حضرت , تعداد ده هزار نفر, کسانی هستند که به امام (ع) می پیوندند و به عنوان هسته اولیه نیروهای حضرت , تحت فرماندهی همان ۳۱۳ نفر, قیام جهانی امام زمان با این عده آغاز می شود: ((امام جواد(ع): زمانی که سیصد و سیزده نفر از یاران خاص امام قائم به خدمت آن بزرگوار رسیدند حضرت , دعوتش را به جهانیان آشکار می کند و وقتی این تعداد به ده هزار نفر رسید, به اذن خداوند متعال قیام مسلحانه می کند)), (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۲۸۳, حدیث ۱۰). و در ادامه ی نهضت , توده های انبوه مردم از سراسر جهان که در انتظار منجی بشریت به سر می برند و از ظلم و ستم به ستوه آمده اند, به ایشان می پیوندند, (منتخب الاثر, الفصل السابع , الباب

السادس , ص ۵۹۷; الملاحم و الفتن , سيد ابن طاووس , ص ۶۵).

۲. اين كه آيا ياران خاص يعنى ۳۱۳ نفر, تاكنون تكميل شده اند يا نه ؟ مانند بسيارى از امور ديگر براى ما معلوم نيست چون در مورد اين نفرات , تنها جز شمردن صفاتى از آنان , در روايات نام آنان به خصوص ذكر نشده جز برخى افراد مثل اصحاب كهف , سلمان , مالك اشتر, (رجعت , علامه مجلسى , كانون پژوهش , اصفهان , چاپ اول , ص ۴۵).

۳. نكته اى كه بايد به آن توجه داشت , اينكه در مورد زمان ظهور حضرت - كه خداوند به آن عالم است - در روايات امورى به عنوان علائم و زمينه ها و شرايط ظهور حضرت ذكر شده است , كه يكى از آنها تكميل ياران خاص يعنى ۳۱۳ نفر است اما اين تنها شرط نيست تا با تكميل اين عده , حضرت ظهور كنند بلكه علاوه بر اين حصول شرايط ديگرى نيز لازم است .

مصاديق

حضرت عيسى

الآن حضرت عیسی (ع) در کجایند؟ آیا در موقع ظهور امام زمان (عج) از یاران حضرتند؟

پرسش

الآن حضرت عیسی (ع) در کجایند؟ آیا در موقع ظهور امام زمان (عج) از یاران حضرتند؟

پاسخ

حضرت عیسی بن مریم، پیامبر برگزیده خداوند به امر خداوند از مادرش در ۶۲۲ سال، پیش از هجرت رسول گرامی اسلام در شهر بیت لحم (ناصره) فلسطین متولد شد.

از آن جایی که یهودی ها همواره با حضرت مسیح سر دشمنی داشتند، تصمیم به قتل او گرفتند. در آن حال حضرت عیسی با حواریون میان باغی بود. سپاه یهود چون به باغ درآمدند، همه شاگردان عیسی پراکنده شدند و فرار کردند. یکی از یهودی ها که شبیه حضرت عیسی بود و جای عیسی را نیز به او نشان داده بود، به دست یهودی ها افتاد و خیال کردند عیسی است و چون مجال تحقیق نداشتند ، او را دار زدند و فکر کردند عیسی را به دار کشیده اند. در این حال خداوند حضرت عیسی را به آسمان بالا برد که هم اکنون زنده است . از آیه شریفه " بل رفعه الله إلیه؛ بلکه خدا او را بالا برد" استفاده می شود که خداوند حضرت عیسی را از شر یهودی ها که می خواستند عیسی را به دار بزنند، نجات داد و او را بالا برد. البته این جمله هم اعم است؛ هم شامل فوت شدن او به صورت طبیعی می شود و هم شامل این می شود که خداوند معجزه آسا جمس و روح او را بالا برده و الآن زنده باشد. هر دو احتمال صحیح به نظر می رسد.[۱۰] و بر اساس روایات بعد از ظهور قائم آل محمد به زمین

فرود می آید و در پشت

سر امام زمان (عج) اقتدا کرده و نماز می خواند.[۱۱]

برادر عزیز و گرامی! تقوا و خداترسی بهترین زاد و توشه در دنیا و آخرت است. حمایت از دین و از عالمان دینی و دوری و پرهیز از گناهان از ارکان لازم برای پیمودن راه کمال است. پیمودن خط امام و پیروی از رهبری معظم انقلاب از وظائف شرعی همه ما است.

۳[۱۰] تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۱۰.

۳[۱۱] مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۵۶۳ك ماده عیسی بن مریم؛ لطف الله صافی، منتخب الأثر ، ص ۶۰۰، حدیث ۱ ۳.

در روایات آمده است که حضرت عیسی علیه السلام پس از ظهور مهدی (عج) به ایشان اقتدا می نماید. آیا الان نیز حضرت عیسی علیه السلام از امام مهدی (عج) تبعیت می کنند؟

پرسش

در روایات آمده است که حضرت عیسی علیه السلام پس از ظهور مهدی (عج) به ایشان اقتدا می نماید. آیا الان نیز حضرت عیسی علیه السلام از امام مهدی (عج) تبعیت می کنند؟

پاسخ

انبای عظام الهی از تکالیف و وضع خاصی در پیشگاه الهی برخوردارند، آن هم پیامبری همانند حضرت عیسی علیه السلام که به تعبیر قرآن مجید:

مسیح علیه السلام را نکشتند و بردار نکردند بلکه أمر برایشان مشتبه شد و خداوند او را نزد خود برد.

نساء (۴)، آیات ۱۵۸ - ۱۵۷.

اوّلاً: با توجه به این آیات و روایات ما که حضرت عیسی علیه السلام زنده است و نزد خدا می باشد، کسی نمی تواندادعا کند که از آسمان ها و از وضعیت حضرت عیسی علیه السلام نزد خداوند، اطلاع دقیقی دارد.

ثانیاً حضرت عیسی در کلمات خویش، بشارت به وجود پیامبری به نام "احمد" داده است. این مسئله در قرآن کریم آمده، ضمناً بیانگر این امر است که علاوه بر بشارت به وجود چنین پیامبر الهی معتقد به نبوت و شریعت پیامبر می باشد.

ثالثاً: روایاتی داریم که حضرت عیسی علیه السلام بعد از خروج و ظهور حضرت مهدی(عج) نماز می گزارد.

پیامبر گرامی صلی الله وعلیه وآله اسلام فرمود: "سوگند به آن کسی که مرا مژده آور راستین قرار داد! اگر از عُمر جهان، جز یک روز نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن قدر طولانی می کند تا فرزندم مهدی (عج) خروج کند. پس از خروج او، عیسای روح الله فرود می آید، و در پشت سر وی نماز می گزارد، آن گاه زمین با فروغ پروردگار روشن می شود و حکومت مهدی (عج) به شرق و عرق گیتی می رسد".

شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۱۶۳، به نقل از عبدالرحمان انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۲۷۹، چاپ دفتر تبلیغات قم.

با

توجه به این روایت و نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان و نماز خواندن ایشان پشت سر حضرت مهدی(عج) و اینکه او از یاوران حضرت(عج) به حساب می آید، می توان استفاده نمود که حضرت عیسی علیه السلام معتقد به امامت حضرت مهدی(عج) است و نماز خواندن پشت سر حضرت تبعیت آن پیامبر الهی را می رساند.

ظهور امام زمان(ع) و حضرت مسیح(ع) چگونه است؟

پرسش

ظهور امام زمان(ع) و حضرت مسیح(ع) چگونه است؟

پاسخ

روایات در زمینه ظهور حضرت مهدی(عج) بسیار است.

روایات بسیاری نشانه ها و حوادث پیش از ظهور را بیان کرده اند، اما در وقت ظهور، حوادث خاصی اتفاق می افتد.

در روایات آمده است: هنگامه ظهور به قیامتی شبیه است که خلائق از شرق و غرب و جنوب و شمال زمین بدان آگاه شده و یارانی خاص که گویا معاونان حضرتند، همراهش حاضر خواهند بود. حضرت اباعبدالله الحسین سلام الله علیه فرمود: "آن هنگام که دیدید آتشی (نوری) از مشرق، سه یا هفت روز فروزان بود، پس منتظر فرج آل محمد(ص) باشید... منادی از آسمان به اسم "مهدی" ندا می دهد، پس می شنوند از مشرق و مغرب تا جایی که خوابیده ها بیدار شده و ایستادگان می نشینند، نشستگان برمی خیزند، پس رحمت خدا بر کسی باد که این ندا را می شنود و آن را پاسخ می گوید. در حقیقت صدا و صوت اول صدای جبرئیل روح الامین است".(۱)

حضرت پس از ظهور آیه شریفه "بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین" را تلاوت فرموده و ادامه می دهد که "انا بقیه الله فی أرضه"

در مورد حضور عیسی بن مریم(ع) هنگام ظهور قائم آل محمد(ص) به بعضی از احادیث برمی خوریم که گرچه توضیح مشروحی ندارند، لکن اشاره دارند که عیسای مسیح به وقت ظهور امام عصر، با حضرت همراهی خواهند کرد و هنگام اقامه نماز پشت سر امام خواهند ایستاد (این معنا اشاره به تبعیت حضرت عیسی (ع) از حضرت مهدی است)

رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: "امامان بعد از من دوازده مرد از اهل بیت من هستند، اول آن ها علی و وسط ایشان محمد و آخر آن ها نیز محمد است. او است

مهدی امت که عیسای مسیح پشت سرش نماز می گذارد".(۲)

پی نوشت ها:

۱ - آیه الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، باب ۴، ص ۴۴۹، حدیث ۸.

۲ - بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۲، حدیث ۱۵۷.

ما مسلمانان اعتقاد داریم که نجات دهنده عالم بشریت امام زمان است ، نیز عقیده داریم که حضرت عیسی به امر خداوند زنده است. آیا این دو در قیامت همراه هم برای نجات بشر می آیند؟

پرسش

ما مسلمانان اعتقاد داریم که نجات دهنده عالم بشریت امام زمان است ، نیز عقیده داریم که حضرت عیسی به امر خداوند زنده است. آیا این دو در قیامت همراه هم برای نجات بشر می آیند؟

پاسخ

این نگرش که حضرت عیسی (ع) و امام زمان (ع) در قیامت به نجات بشر می پردازند، قابل قبول نبوده و فاقد مبانی علمی و دلایل می باشد. نجات بشر از ظلم ها و تشکیل جامعه آرمانی قبل از قیامت و در این عالم می باشد، یعنی امام زمان (ع) با ظهور خود به تشکیل جامعه مطلوب می پردازند:

بین عقاید ما مبنی بر زنده بودن حضرت عیسی (ع) و منجی بودن امام زمان (ع) تضاد وجود ندارد؛ زیرا در معارف اسلام دو منجی به نام های حضرت عیسی (ع) و امام زمان (ع) بیان نشده است، یک منجی وجود دارد که امام زمان (ع) است حضرت عیسی (ع) در هنگام ظهور امام زمان (ع) نزول نموده و در کنار امام زمان قرار گرفته و با او نماز خوانده و با ایشان بیعت می کند.(۱) و در راستای هدف عالی امام زمان (عج) که تشکیل جامعه آرمانی است، قرار دارد و از یاران حضرت می باشد.

در برخی روایات تصریح شده است که حضرت عیسی (ع) یکی از فرماندهان امام زمان (ع) بوده و حضرت را در تشکیل حکومت و سرکوبی مخالفان یاری می کند. امام علی (ع) فرمود: "... آن گاه مهدی (عج) حضرت عیسی را به جانشینی خود در عملیات تهاجمی علیه دجال بر می گزیند. عیسی (ع) برای یافتن و سرکوبی دجّال حرکت می کند ... دجّال به

سوی حجاز حرکت می کند و عیسی (ع) در گردنه "هرشا" به او می رسد و فریاد هولناک بر او می کشد و ضربه ای سخت بر او فرود می آورد و او را در شعله های آتش ذوب می کند، آن سان که سرب در آتش ذوب می شود".(۲)

پی نوشت ها:

۱ – منتخب الاثر، ص ۴۷۹.

۲ – الشیعه و الرجعه، ج۱ ص ۱۶۷، به نقل از نجم الدین طبسی، چشم انداز به حکومت مهدی، ص ۹۳ – ۹۴.

آیا حضرت مسیح همزمان با حضرت مهدی(عج) ظهور می کند، چرا؟

پرسش

آیا حضرت مسیح همزمان با حضرت مهدی(عج) ظهور می کند، چرا؟

پاسخ

همزمان با ظهور حضرت مهدی(عج) فرود آمدن حضرت عیسی(ع) از آسمان مورد پذیرش تمامی مسلمانان است. بسیاری از مفسران آیه ۱۵۹ سوره نساء را بر همین معنا تفسیر کرده اند.

روایات درباره فرود آمدن حضرت عیسی(ع) در منابع شیعه و سنی بسیار است. در روایات آمده است که حضرت عیسی در پشت سر امام مهدی(عج) نماز می گذارد و هر سال به حج خانه خدا می رود. مسلمانان به همراهی وی به نبرد با منحرفان و ملحدان می روند و بعد از چهل سال رحلت می کند. حضرت مهدی(عج) او را کنار قبر مادرش در قدس به خاک می سپارد. بسیاری از حقایق مربوط به غیبت و ظهور حضرت مهدی(عج) بر ما پوشیده است، شاید بتوان گفت که اقتدای حضرت عیسی(ع) به امام زمان گویای بزرگی و اهمیت قیام و انقلاب حضرت مهدی(عج) است. حضرت عیسی(ع) آن پیامبر بزرگ و اولی العزم، وقتی مرید و پیرو امام مهدی(عج) باشد، به روشنی بر اهمیت و ارزش اعتقاد به مهدویت دلالت دارد.

برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به کتاب عصر ظهور، علی کورانی، نشر سازمان تبلیغات، ص ۳۴۰ ۳۴۹.

می گویند: هنگام ظهور امام زمان(عج) حضرت عیسی به ایشان اقتدا می کند. آیا حضرت مسیح مسلمان می شود؟

پرسش

می گویند: هنگام ظهور امام زمان(عج) حضرت عیسی به ایشان اقتدا می کند. آیا حضرت مسیح مسلمان می شود؟

پاسخ

از نظر قرآن کریم، دین خـدا از آدم تـا خـاتم یکی است و اختلاف در دین وجود نـدارد. همه پیـامبران به یک مکتب دعوت کرده اند. اصول مکتب انبیا که دین نامیده می شود، یکی بوده است. تفاوت شـرایع آسمانی در یک سلسله مسایل فرعی است که به حسب مقتضیات زمان و خصوصیات محیط و ویژگی های مردمی که دعوت شده اند، به وجود آمده و همه شکل های متفاوت و اندام های مختلف، یک حقیقت و به سوی یک هدف و مقصود بوده است.

تفاوت دیگر در سطح تعلیمات بوده که پیامبران بعدی به موازات تکامل بشـر در سطح بالاتری تعلیمات خویش را که همه در یـک زمینه بوده القا کرده انـد مثلاً تعلیمات اسـلام در مورد مبـدا و معاد و جهان و معارف پیامبران پیشـین از نظر سـطح مسایل تفاوت دارد. به تعبیر دیگر بشر در تعلیمات انبیا مانند یک دانش آموز بوده که او را از کلاس اول تا آخرین کلاس بالا برند.

مکتب پیامبران تـدریجاً بر حسب استعداد جامعه انسانی عرضه شـده تا بشـریت رسـیده است به حدی که آن مکتب به صورت کامل و جامع توسط حضرت محمد (ص) عرضه شد.

از نظر قرآن آن چه وجود داشـته و همه پیـامبران عرضه کرده انـد، دین بوده است، نه ادیـان، قرآن دین خـدا را از آدم تا خاتم یک جریان پیوسـته معرفی می کند، نه چند تا، و یک نام روی آن می گذارد و آن "اسـلام" است. البته مقصود این نسبت که در همه دوره ها دین خدا با این نام خوانده شده، بلکه مقصود این است

که حقیقت دین دارای ماهیتی است که بهترین معرف آن لفظ اسلام است.(۱) از این رو می گوید: "ان الدین عند الله الاسلام؛ دین نزد خدا اسلام است".(۲) یا می گوید: "ابراهیم نه یهود و نه نصرانی، بلکه حقجو و مسلمان بود".(۳)

پس دین خدا که از طرف پیامبران الهی عرضه شده، یکی بوده است، با آن خصوصیتی که گفته شد و مردم در دوران گوناگون موظف بوده اند از شریعت پیامبر زمان خود پیروی نمایند، به لحاظ این که در آن زمان دین به شکل کامل تر از زمان گذشته عرضه می شود، تا برسد به دوران خاتمیت که همه مردم پس از بعثت رسول اکرم (ص) باید از دین او که دین اسلام است تبعیت نمایند.

بر این اساس حضرت عیسی(ع) که به عقیده مسلمانان زنده است و با ظهور امام زمان(عج) ظاهر خواهد شد، از آغاز مسلمان بوده است، نه این که بعد از ظهور امام زمان(عج)اسلام آورد؛ زیرا بر وی مانند همه پیامبران الهی به دین کامل و واحد الهی ایمان داشت که این دین کامل الهی اسلام است.

افزون بر آن در زمان ظهور، دین اسلام همه جهان را فراگرفته و اسلام دینی است که همگان بدان روی می آورند:"....لیظهره علی الدینه کله و لو کره المشرکون" (۴) حضرت عیسی (ع) که یکی از یاران امام زمان(عج) است نیز به عنوان مسلمان امام زمان (عج) را همراهی می کند.

پی نوشت ها:

۱ – مرتضی مطهری، وحی و نبوت، ص ۱۶۵.

۲ – آل عمران، (۳) آیه ۱۹.

۳ – همان، آیه ۶۷.

۴ – توبه (۹)، آیه

۱– اینکه حضرت عیسی((علیه السلام)) در آخر زمان ظهور می کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّه است یا خیر؟

پرسش

اینکه حضرت عیسی((علیه السلام)) در آخر زمان ظهور می کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّه است یا

خیر؟

پاسخ

حضرت عیسی((علیه السلام)) چنانکه از قرآن کریم استفاده می شود خداوند او را به آسمان بالا برده است: «بل دفعه الله الیه و کـان الله عزیزاً حکیماً; بلکه خداونـد او را به سوی خود، بالا برد و خداونـد توانا و حکیم است»(۱). و آن حضرت موقع ظهور امام زمان((علیه السلام))از آسمان نازل می شود.

از امام باقر((علیه السـلام)) روایت شده است که: «انّ عیسـی ینزل قبل یوم القیامه الی الدنیا فلاینقی اهل مله یهودی و لانصرانی الا آمن به قبل موته. و یصلی خلف المهدی((علیه السلام)); عیسی((علیه السلام)) قبل از فرا رسیدن روز قیامت به دنیا فرود می آیـد و هیـچ ملّـت یهـودی و مسـیحی بـاقی نمی مانـد جز اینکه قبـل از مرگش بـدو ایمـان می آورد، و آن حضـرت پشت سـر مهدی((علیه السلام)) نماز می خواند»(۲).

پاورقی

۱ - سوره نساء، آیه ۱۵۸.

۲ - مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۳۷.

اگر امام زمان(عج) ظهور کند، حضرت عیسی(ع) هم ظهور خواهد کرد؟

پرسش

اگر امام زمان(عج) ظهور کند، حضرت عیسی(ع) هم ظهور خواهد کرد؟

پاسخ

بله، از روایات موجود در این زمینه به دست می آید که در عصـر ظهور حضرت حجه بن الحسن العسکری - ارواحنا له الفدا - حضـرت مسیح(ع) از آسـمان نزول خواهد کرد و در محضـر آن حضـرت حضور خواهد داشت. این امر از امور قطعی و مسلّم نزد شیعه و همین طور اهل سنت است. روایات در این باب متعدد است که در اینجا به نقل چند روایت بسنده می کنیم.

۱ - در حدیث معراج، خداوند خطاب به پیامبر اسـلام(ص) می فرماید: ای محمد، این فضـیلت را برای او (علی (ع)) قرار دادم که از صـلب او یازده مهدی (هدایتگر) خارج سازم... و آخرین آنها کسـی است که عیسـی بن مریم، در نمازش به او اقتدا می کند.

{P - کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۷۱. P}

۲ - رسول خدا(ص) می فرماید: [هنگامی که قائم ما قیام کند] عیسی بن مریم در هنگام صبح به زمین فرود آید؛ و او وزیر دست راست قائم و نماینده و جانشین اوست. عیسی بن مریم از کرامت قائم ما، امنیت را در عالم گسترش می دهد.

{P - همان، ج ۵، ص ۳۰۶. P}

علمای اهل سنت نیز در آثار و نوشته های خود به این مسأله اذعان دارند. از جمله جلال الدین سیوطی در کتابش، الحاوی للفتاوی، نقل می کند که رسول خدا(ص) فرمود: در هنگام قیام قائم ما، عیسی بن مریم از آسمان به زمین فرود می آید. آنگاه امیر و فرمانده آنها یعنی مهدی(عج) خطاب به عیسی(ع) می فرماید: به جمع ما بیا و با ما نماز بخوان.

{P - همان. P}

آیا عیسی بن مریم ع) با صاحب الزمان ع) ظهور می کند؟

پرسش

آیا عیسی بن مریم ع) با صاحب الزمان ع) ظهور می کند؟

پاسخ

بله حضرت مسیح(ع) در دوران ظهور حضرت مهدی(عج) از آسمان فرو می آید، قرآن مجید می فرماید: "وَإِن مِّن ْأَهْلِ ِ الْکِتَب ِ إِلاَّ لَیُؤْمِنَن َّ بِه ِی قَبْل َ مَوْتِهِ (نسأ،۱۵۹) و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه به او قبل از مرگش ایمان می آورد."

طبق نظر یکی از تفاسیر، منظور از آیه این است که تمام اهل کتاب به حضرت مسیح پیش از مرگ او ایمان می آورند و این هنگامی است که طبق روایات اسلامی در زمان ظهور حضرت مهدی غ از آسمان فرو می آید و پشت سر حضرت نماز می گزارد.(تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۴، ص ۲۰۴، دارالکتب الاسلامیه)

این مضمون را در روایتی از امام باقر۷ نیز می بینیم که فرمود: "ان عیسی ینزل قبل یوم القیامه فلا یبقی اهل مله یهودی و لاغیره إلّا ءامنوا به قبل موتهم و یصلی عیسی خلف المهدی غ حضرت عیسی غ، قبل از روز قیامت و در دوران حضرت مهدی عج از آسمان فرو می آید و همه اهل کتاب را به پیروی از حکومت و امامت حضرت مهدی(عج) فرا می خواند و خودش هم برای اتمام حجت پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند."(منتخب الاثر، آیت الله صافی ص ۶۰۰، انتشارات حضرت معصومه)

به این خاطر، مسلّم است که حضرت مسیح در دوران ظهور حضرت مهدی غ خواهد آمد و البته روشن است که مسیح به حکم این که آیینش مربوط به گذشته بوده وظیفه دارد در آن زمان از آیین موجود; یعنی اسلام که مهدی غ مجری آن است

پیروی

کند.(تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۴، ص ۲۰۴، دارالکتب الاسلامیه)

در زمان ظهور امام زمان (عج) نقش و برنامه حضرت عیسی (ع) در حکومت چیست ؟

پرسش

در زمان ظهور امام زمان (عج) نقش و برنامه حضرت عیسی (ع) در حکومت چیست ؟

پاسخ

مسئله فرود آمدن حضرت عیسی از آسمان، در آخرالزمان مورد اتفاق مسلمانان است و بسیاری از مفسرین آیه ۱۵۹ سوره نساء را بر همین معنا تفسیر نموده اند. روایات در باب فرود آمدن حضرت عیسی در منابع شیعه و سنی بسیار فراوان است. در روایات آمده که حضرتعیسی در پشت سر امام مهدی(عج) نماز می گزارد و هر سال به حج خانه خدا می رود و مسلمانان به همراهی وی به نبرد یهود روم و دجّال می روند و بعد از چهل سال رحلت نموده و در مراسمی علنی، حضرت مهدی(عج)، عیسی(ع) در کنار قبر مادرش در قدس به خاک می سپارد. البتهقضاوت درباره این جزئیات مشکل است. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید عصر ظهور، علی کورانی، سازمان تبلیغات، صص ۳۴۰ ۳۴۹{J

از نظر اسلام آیا حضرت عیسی با توجه به اینکه زنده است و با حضرت مهدی ظهور خواهد کرد بر پیروان کنونی مسیحی خود ولایت و شفاعت دارد؟

اشاره

Assalamu Aleykum

:My questions about Christianity, Islam and Hazrate Mahdi

According to our Islamic beliefs, could it b

پرسش

از نظر اسلام آیا حضرت عیسی با توجه به اینکه زنده است و با حضرت مهدی ظهور خواهد کرد بر پیروان کنونی مسیحی خود ولایت و شفاعت دارد؟

Assalamu Aleykum

:My questions about Christianity, Islam and Hazrate Mahdi

According to our Islamic beliefs, could it be that Hazrate Eesa (=Jesus) had and still has - as he is still alive - "Velaya" and "Shefa'ah" towards his Christian followers (as a messenger of Allah and not as Allah's son), he is alive like Hazrate Mahdi and will come ?back to earth the way he will and with him

پاسخ

اینکه حضرت عیسی کشته نشده و خداوند او را به آسمانها برده است از مواردی است که در قرآن تصریح شده است.

و در روایات فراوانی نیز آمده است که در زمان ظهور حضرت او نیز به زمین فرود خواهد آمد و به امام زمان(عج) اقتداء خواهد کرد.

نکته دیگر اینکه براساس اعتقادات ما در هر برهه از زمان تنها یک ولی بر مردم ولایت دارد. پس در زمان ظهور حضرت حجت تنها ولایت ایشان بر مردم جهان حاکم است حتی با حضور حضرت عیسی و دیگران.

نظیر این موضوع را می توان در زمان حیات امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بیان کرد که با وجود امام حسن(ع) ولایت از ناحیه وی بر مردم اعمال می شده است و در صورت رجوع مردم به امام حسین(ع) ایشان می فرمود, هرچه که امام مجتبی(ع) بفرمایند همان است . یعنی ولایت در هر زمان به عهده یک نفر است. علاوه اینکه روایاتی داریم که امام زمان(عج پس از ظهور به طور کامل بر مسیحیان و یهودیان اشراف

دارد و بر آنها براساس تورات و انجیل حکم خواهد کرد و بر طبق آنها با ایشان سخن خواهد گفت.

در نتیجه تنها ولایت امام زمان (عج) حاکم خواهد بود.

با توجه به اینکه ما حضرت عیسی(ع) را پیامبر و آورنده آیین مسیحیت می دانیم، آیا این درست است که وقتی حضرت مسیح با حواریون بر زمین فرود آید همه مسیحیان را خواهد کشت و تنها مسلمانان بر زمین زنده خواهند ماند و نیز اینکه او مسیحی نیست و از مسیحیت برائت می جوید

پرسش

با توجه به اینکه ما حضرت عیسی(ع) را پیامبر و آورنده آیین مسیحیت می دانیم، آیا این درست است که وقتی حضرت مسیح با حواریون بر زمین فرود آید همه مسیحیان را خواهد کشت و تنها مسلمانان بر زمین زنده خواهند ماند و نیز اینکه او مسیحی نیست و از مسیحیت برائت می جوید و مسلمان بوده و طریق مسلمانی پیش می گیرد؟

Is it true that when they both come together to the earth with the "Havareeyoon" (=Gospels) they will kill all of the

Christians and that only Muslims will be left to live on earth, and that Hazrate Eesa is not a Christian and hates Christianity and was a Muslim to start with???! But we say that he was a prophet of Allah and brought "Christianity"!?

پاسخ

در اینکه حضرت عیسی (ع) در زمان ظهور حجت (ع) از آسمان فرود خواهد آمد و در کنار حضرت مهدی(عج) خواهد بود از اعتقادات ماست و در کتب شیعه و اهل سنت روایاتی نقل شده است . برای نمونه به چند روایت اشاره می شود:

قندوزی در کتاب «ینابیع الموده» از پیامبر (ص) نقل می کند : «منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه» کسیکه عیسی بن مریم در پشت سر او نماز می خواند از ماست.(۱)

همچنین از امام باقر (ع) منقول است: پسر مریم، عیسی روح الله (ع) نازل شده و پشت سر او نماز می خواند .(۲)

(و ینزل روح الله ...)

در پاسخ به سئوال مطرح شده این نکته حائز اهمیت است که محور اصلی قیام آخرالزمان حضرت مهدی(ع) و زنده کردن احکام اسلام و دین پیامبر خاتم است که به تصریح قرآن

دین مرضی خداوند است.

در نتیجه اصول حاکم بر جهان در زمان ظهور اصول اسلام خواهد بود و حضرت مسیح نیز به دنبال حضرت حجت(عج) حرکت خواهد کرد. روایت ذیل مؤید همین مطلب است:

قال رسول الله (ص) «ینزل عیسی علی ثنیه بالارض المقدسه یقال لها: افیق فیأتی بیت المقدس و الناس فی صلاه الصبح فیتأخر الأمام...؛ عیسی (ع) در گردنه ای به نام «افیق» در سرزمین مقدس فرود می آید وارد بیت المقدس می شود در حالی که مردم برای نماز صبح صف کشیده باشند پس امام (حضرت مهدی) عقب می رود، ولی عیسی (ع) او را جلو می اندازد و خود به او اقتداء کرده پشت سرش طبق شریعت محمدی(ص) نماز می خواند و می فرماید: شما اهل بیتی هستید که احدی نمی تواند بر شما پیشی بگیرد»(۳)

علاوه بر اینکه:

تمام انبیاء(ع) و خاتم آنها و اوصیاء و جانشینان پیامبر(ص) در اصول کلی با یکدیگر هم عقیده و همراه هستند. در نتیجه اگر فرض کنیم که همه آنها در یک زمان کنار هم جمع شوند هرگز با هم اختلاف نخواهند داشت. به تعبیر قرآن هر پیامبری در مسائلی متفاوت با دیگر انبیا بوده است. لکل جعلنا منکم شرعته و مزاجا (مائده، ۴۸) و گرنه در اصول کلی (توحید ، معاد و ...) همه با هم، هم عقیده و همراه هستند.

در نتیجه نزول حضرت مسیح(ع) برای داوری به حق والزام خصم و اتمام حجت بر پیروان همه ادیان می باشد . و نزول او، آنچنان است که کسی را یارای تکذیب نیست. مخصوصاً یهودی های عنود لجوج.

امام باقر در حدیثی جالب می فرماید:

«ان عیسی قبل یوم القیامه ینزل الی الدنیا، فلا یبقی اهل مله، یهودی و

لا غیره، الا آمن به قبل موته و یصلی خلف المهدی. به طور مسلم عیسی (ع) پیش از قیامت به این جهان فرود خواهد آمد، پیروان هیچ آئینی از یهود و غیر آن در روی زمین نمی ماند جز اینکه پیش از وفاتش به او ایمان می آورد و او در پشت سر مهدی(عج) نماز می خواند!(۴)

پی نوشتها:

۱. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۱۰؛ جلال الدین سیوطی الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۴۶؛ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹؛ شیخ علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی ج.۱، ص ۵۳۵.

۲. الامام المهدی ص ۲۲۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه ، مؤسسه النشرالاسلامی ، ص ۲۳۱.

۳. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۰۷ و ۱۰۸ کشف الغمه فی معرفه الائمه ج.۳، ص۲۷۹ ؛ تفسیرالقرطبی ج.۱۶، ص ۱۰۶؛ کنزالعمال ، ج ۱۴، ص ۶۱۸ (مؤسسهالرساله -بیروت)

۴. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۵۸ (مؤسسه دارالکتب)؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۰ (مؤسسهالوفاء - بیروت) نیابیع الموده ، ج ۳، ص ۷۷.

آیا ممکن است که حضرت عیسی(ع) برای مسیحیان به مثابه حضرت مهدی برای مسلمانان باشند و پیروانشان را از غیب بصورت درونی مورد هدایت بسوی خدا قرار دهند؟

اشاره

من فردی مسیحی را می شناسم که (طبق توصیف خودش) برای توبه و بازگشت به خدا خیلی زحمت می کشید اما تا وقتی که متو

پرسش

آیا ممکن است که حضرت عیسی(ع) برای مسیحیان به مثابه حضرت مهدی برای مسلمانان باشند و پیروانشان را از غیب بصورت درونی مورد هدایت بسوی خدا قرار دهند؟

من فردی مسیحی را می شناسم که (طبق توصیف خودش) برای توبه و بازگشت به خدا خیلی زحمت می کشید اما تا وقتی که متوسل به حضرت عیسی نشد و لطف ومهر و هدایت و بخشش از حضرت عیسی نخواست ، هیچ تاثیری از نزدیکی به خدا و قبولی توبه و دعایش در دل حس نمی کرد. اما بعد از توسل به حضرت عیسی دعا به ایشان و استغفار به پیشگاه ایشان بود که اثر ایمان واقعی را در دل حس کرد.

من از ایشان که عالم برجسته و بالاییست و مبلغ مخلص دین خدا (مسیحیت) است خواسته بودم تا عقیده تثلیث را که از نظر قرآن شرک است و خرافه ای است که در دین مسیحیت وارد شده است کنار بگذارد و قبول کند که فقط یک خدا هست. خدای خالق و لا۔غیر. ایشان به درون میخواست قبول کند و از نظر منطقی هم توحید را صحیح تر و به واقع نزدیک تر می دانست اما در اینصورت نقش حضرت عیسی را در بازگشت خودش به سمت خدا را می خواست بداند.

پاسخ

۱. اگر به جوابهایی که پیش این ارسال شده، توجه فرمایید، روشن می شود که تفاوت عمده ای بین حضرت ولی الله الاعظم امام زمان سلام الله علیه و حضرت مسیح علیه السلام است و آن اینکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امام حی و خلیفه الهی بر روی زمین است و همه

موجودات و از جمله انسانها به واسطه وجود نازنین ایشان زنده هستند و روزی می خوردند و دعا ها به واسطه ایشان مستجاب می شود و نعمت ها به مردم می رسد. اما حضرت مسیح علیه السلام بر حسب آیات قرآن به طور کامل به نزد خداوند بازگردانده شده تا در روز موعد به زمین بازگردد. با وجود این حضرت مسیح نیز پیامبر و ولی خداوند متعال است و اگر مسیحیانی که حقیقت اسلام به آنها نرسیده است، از صمیم قلب به ایشان متوسل شوند، امید است که دعایشان مستجاب شود و حاجت خود را بگیرند. زیرا حضرت عیسی از بزرگترین مردان جهان آفرینش است که اسم و نفسش راهگشای مشکلات می باشد چنانکه در زمانی که بر روی زمین بوده است، با اشاره ای _به اذن الهی_ دردها را درمان می کرده، هم اکنون نیز این توان را دارد.

۲. به آن دوست مسیحی و دانشمند خود توصیه کنید که مقایسه ای بین اسلام و مسیحیت بدون توحید ناب اسلامی و عقیده شرک آلود تثلیث داشته باشد. برای شناخت اسلام تا حدودی کتابهای دکتر سید حسین نصر که به زبان انگلیسی نوشته شده و در آمریکا نیز چاپ شده اند مناسب هستند. به ویژه کتاب A Young Musllm,s Guide to the Modern World _Kasi Publications inc. Chicago ۱۹۹۳.

بویژه بخش اول آن که پیام اسلام را طرح می کند.

همچنین به ایشان توصیه کنید که در جهت هدایت به دین حق و آیین درست خالصانه از حضرت مسیح سلام الله علیه کمک و هدایت بخواهد. زیرا اگر ایشان نسبت به مسیحیت تحریف شده تعصب نشان ندهد و

عقل خود را در مقایسه اسلام با مسیحیت و همه ادیان و مکاتب دیگر، قاضی قرار دهد و آنگاه از حضرت مسیح توفیق هدایت و راهنمایی بخواهد، یقینا روی به آیین پاک اسلام می آورد و حق را از باطل تشخیص می دهد.

ضمن اینکه برای ایشان آیات قرآن درباره حضرت مسیح را تلاوت کنید:

بقره: ۸۷ و ۲۵۳؛ آل عمران: ۴۱_۶۰؛ نساء ۱۵۶_۱۵۹ و ۱۷۱_۱۷۲؛ مائده ۱۷ و ۷۲_۷۵ و ۱۱۰_۱۱۸؛ مریم: ۳۶_۱۵؛ صف ۶ و ۱۴؛ زخرف: ۶۳؛ توبه ۳۰ و ۳۱.

برای تفسیر این آیات می توانید به تفسیر المیزان تالیف علامه طباطبایی مراجعه کنید و اگر این کتاب در دسترستان نبود، اعلام کنید تا ما خلاصه تفسیر آیات را نگاشته و ارسال کنیم.

خلاصه کلام اینکه شما در تلاش خود محق هستید، از حضرت ولی الله الاعظم سلام الله علیه توفیق بخواهید تا شما را در تلاش خالصانه تان موفق بدارد اگر کمکی هم از ما بر بیاید در خدمت هستیم.

چرا حضرت مسیح علیه السلام تاکنون زنده مانده است؟

پرسش

چرا حضرت مسیح علیه السلام تاکنون زنده مانده است؟

پاسخ

حکمت بقا وزنده ماندن حضرت مسیح (ع) تاکنون بر حسب آنچه که عقول ما درک می کند اموری است:

۱ - در حضرت عیسی (ع) خصوصیاتی یافت می شود که در سایر انبیا نبوده است، از قبیل ولادت بدون پدر، زنده کردن مردگان، به آسمان ها رفتن ودیگر خصوصیات.

۲ - زنده بودن وبقای او برهان ودلیل وشاهدی بر غیبت امام مهدی (ع) خواهد بود، زیرا بقای مسیح با عمری بیش از دو هزار سال، دلیلی بر امکان وجود وحیات حضرت مهدی (ع) در کمتر از این مقدار سال است، همان حکمتی که در روایات برای طول عمر حضرت خضر بیان شده است.

شیخ صدوق؛ در "کمال الدین" به سند خود از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: "...بلی، إنّ اللّه تبارک وتعالی لمّا کان فی سابق علمه أن یقدّر من عمر القائم (ع) فی آیام غیبته ما یقدّر، وعلم ما یکون من إنکار عباده بمقدار ذلک العمر فی الطول، طوّل عمر العبد الصالح فی غیر سبب یوجب ذلک إلاّ لعلّه الاستدلال به علی عمر القائم (ع) ولیقطع بذلک حجه المعاندین لئلاّ یکون للناس علی اللّه حجه"؛ "...آری، از آنجا که در علم سابق خداوند مقدّر شده بود که {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۵۷،

ح ۵۳ ؛ الغیبه، طوسی، ص ۱۷۲، ح ۱۲۹ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۲. پاورقی}

عمر قائم (ع) را در ایام غیبتش طولانی می گرداند ومی دانست که این مقدار طول عمر را بندگانش انکار می کنند، لذا عمر بنده صالحش را تنها به جهت استدلال وشاهد آوردن عمر قائم (ع) طولانی کرد، وتا اینکه حجت ودلیل معاندین قطع گردد وبرای مردم حجت

واستدلالی بر خدا نباشد."

حکمت مشارکت حضرت مسیح(ع) در تشکیل حکومت جهانی چیست؟

پرسش

حکمت مشارکت حضرت مسیح(ع) در تشکیل حکومت جهانی چیست؟

پاسخ

شرکت حضرت مسیح (ع) در تشکیل حکومت عدل توحیدی جهانی ومساعدت حضرت مهدی (ع) در این امر مهم جهاتی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - از آنجا که مسیحیان جماعت زیادی را از مردم عالم تشکیل می دهند، لذا با نزول او از آسمان ومشاهده معجزه از او، ایمان آورده ودر حقیقت به جهت پیروی واقتدای او به حضرت مهدی (ع)، مسیحیان نیز تسلیم حضرت مهدی می شوند.

۲ - در نتیجه جهت اوّل، فتح وپیروزی حضرت بر عالم سریع تر وآسان تر خواهد شد، ولذا به جهت ایمان مسیحیان به امام مهدی (ع) بدون جنگ وخونریزی بخش عظیمی از عالم تحت اختیار حضرت قرار خواهد گرفت.

آیا حضرت عیسی ع) به زمین باز می گردد؟

پرسش

آیا حضرت عیسی ع) به زمین باز می گردد؟

پاسخ

مطابق نصّ آیات قرآن واناجیل، حضرت عیسی (ع) به آسمان ها رفت ودر پایان تاریخ به زمین باز می گردد.

در انجیل یوحنّا می خوانیم: "از من شنیدید که به شما گفتم: من می روم ودوباره به سوی شما باز می گردم".

{پاورقی . کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل یوحنّا، ص ۳۳۹، رقم ۳۰-۲۸. پاورقی}

در قرآن نیز به نزول حضرت عیسی (ع) اشاره شده است:

۱ – خداوند متعال می فرماید: {وَيُكَلِّمُ النّاسَ فِي المَهْدِ وَكَهْلًا}؛ "واو [عیسی] در {پاورقی . سوره آل عمران، آیه ۴۶. پاورقی}

گهواره وهنگام پیری با مردم سخن می گوید."

می دانیم که حضرت عیسی (ع) هنگام سی سالگی به آسمان ها رفت، پس مقصود به پیری همان زمان نزول او از آسمان در آخرالزمان است.

۲ – ونیز خداوند می فرماید: {وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الكِتابِ إِلّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ القِيامَهِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً}؛ "وهیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش {پاورقی . سوره نساء، آیه ۱۵۹. پاورقی}

به او [مسیح] ایمان می آورد وروز قیامت بر آنها گواه خواهد بود."

ضمیر در "به" و"موته" به حضرت عیسی (ع) باز می گردد. از این آیه به خوبی استفاده می شود که حضرت عیسی در آخرالزمان از آسمان نزول کرده ومردم به او ایمان خواهند آورد.

{پاورقی . ر.ک: صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳ ؛ درالمنثور، ج ۲، ص ۲۴۱ ؛ و... . پاورقی}

۳. ونیز می فرماید: {وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسّاعَهِ فَلاتَمْتَرُنَّ بِها}؛ "وهمانا عیسی نشانه روشنی {پاورقی . سوره زخرف، آیه ۶۱. پاورقی}

برای قیامت است پس در آن شک نداشته باشید."

{پاورقی . جامع البیان، ج ۲۵، ص ۱۱۵ ؛ البحر المحیط، ج ۹، ص ۳۸۶. پاورقی}

ونیز روایات شیعه وسنّی به نزول حضرت

عیسی اشاره کرده است:

بخاری به سند خود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "کیف انتم إذا نزل ابن مریم فیکم وامامکم منکم"؛ "شما را چه می شود هنگامی که فرزند مریم در میان شما فرود آمده {پاورقی . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳. پاورقی}

در حالی که امام شما از بین شماست."

شیخ صدوق؛ به سندش از محمّد بن مسلم ثقفی نقل کرده که از امام باقر (ع) شنیدم که می فرمود: "القآئم منّا منصور بالرعب... وینزل روح اللَّه عیسی بن مریم، فیصلّی خلفه"؛ "قائم از ماست که با رعب ووحشت [که در قلوب مردم می افتد] یاری خواهد {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳۱، ح ۱۶. پاورقی}

شد... وروح اللَّه عیسی بن مریم فرود آمده وپشت سر او به نماز خواهد ایستاد."

حضرت عیسی (ع) در کجا فرود خواهد آمد؟

پرسش

حضرت عیسی (ع) در کجا فرود خواهد آمد؟

پاسخ

از روایات استفاده می شود که مکان نزول حضرت مسیح در آخرالزمان سرزمین دمشق است.

طبرانی به سند خود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "ینزل عیسی بن مریم (ع) عند المناره البیضاء شرقی دمشق"؛ "عیسی بن مریم کنار مناره سفید قسمت شرق در {پاورقی . المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۲۱۷. پاورقی}

سرزمین دمشق فرود خواهد آمد."

ابن کثیر می گوید: "مسیح دجال خروج می کند، آن گاه مسیح از آسمان بر زمین فرود می آید ومحلّ فرود او کنار مناره سفید شرقی در دمشق هنگام نماز صبح است".

{پاورقی . الفتن والملاحم، ص ۱۷۲. پاورقی}

وظایف حضرت عیسی علیه السلام بعد از نزول از آسمان چیست؟

پرسش

وظایف حضرت عیسی علیه السلام بعد از نزول از آسمان چیست؟

پاسخ

ابوهریره در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل می کند که فرمود: "...او از آسمان فرود می آید... با مردم به جهت دعوت به اسلام جنگ خواهد کرد، صلیب را خرد کرده وخوک را می کشد وجزیه وضع می کند. خداوند در عصر او همه ملت ها به جز اسلام را نابود می گرداند ومسیح دجال را نیز به هلاکت می رساند. در روی زمین چهل سال درنگ می کند وبعد از وفات، مسلمانان بر او نماز می گزارند".

{پاورقی . سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۱۹، ح ۴۳۲۴ ؛ کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۳۳۳، ح ۳۸۸۴۳. پاورقی}

ممکن است که مقصود از کشتن خوک، کنایه از تحریم خوردن آن بر مسیحیان آن عصر باشد. ومقصود از وضع جزیه، کنایه از ابطال جمیع ادیان است.

{پاورقی . المسیح المنتظر ونهایه العالم، ص ۲۴۰. پاورقی}

۱– باتوجه به این که در روایات گفته شده حضرت عیسی هم در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) ظهور میکنند و پشت سر امام زمان (عج) نماز می خوانند جایگاه امامت ونبوت را چگونه توصیف می کنید ؟

اشاره

آیا حضرت عیسی (ع) مسلمان است (درزمان ظهور) ؟

پرسش

۱– باتوجه به این که در روایات گفته شده حضرت عیسی هم در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) ظهور میکنند و پشت سر امام زمان (عج) نماز می خوانند جایگاه امامت ونبوت را چگونه توصیف می کنید ؟

آیا حضرت عیسی (ع) مسلمان است (درزمان ظهور) ؟

پاسخ

ج۱– توجه به این مطلب مهم است که گرچه امام مقام ومنصب نبوت را ندارد ولی درحقیقت مقام امامت بالاتر ازمقام نبوت است ولذا درقرآن کریم می بینیم که حضرت ابراهیم بعد ازاین که به مقام نبوت رسید وخلیل الله شد در آخر می فرماید:

{واذابتـل ابراهیم ربه بکلمـات فاتمهن قال انی جاعلك للناس اماما} یعنی : بعـد از همه آن مقامها خداونـد به او مقام امامت را داد پس مقـام امـامت بالاترین مقامها ست وامام در حقیقت مقام و عظمتش از پیامبرهم بالاتر است ولـذا امامان معصوم« علیهم السـلام » از تمام پیامبران گذشـته (به اسـتثنای پیامبرآخرالزمان) مقامشان برتروبالاتر است ولذاست که حضرت عیسی پشت سر امام زمان نماز می گـذارد که اگر مقام عیسـی بالاتر بود باید او جلوتر می ایسـتاد ولی حضـرت مهدی (عج) جلو می ایسـتد و عیسـی پشت سر او پس مقام امام زمان بالاتر است. واما نسبت به دین حضرت عیسی درزمان ظهور عرض می کنیم ,که نه تنها درزمان ظهور حضـرت مهـدی(عج) بلکه الآن هم که عیسـی زنده هست به دین اسـلام عمل می نماید. زیرا دین خودش نسـخ شده و از زمانی که پیامبرما مبعوث شدند دین او کامل ترین ادیان وناسخ تمام ادیان قبل است وباید همه به دسـتورات او عمل نمایند وچون حضرت عیسی (ع) زنده است .پس

به دستورات پیامبرما عمل می نماید ومسلمان به دین اوست.

اینکه حضرت عیسی«علیه السلام» در آخر زمان ظهور می کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّه است یا خیر؟

پرسش

اینکه حضرت عیسی«علیه السلام» در آخر زماΌظهور می کند آیا در زمان ظهور حضرت حجّه است یا خیر؟

پاسخ

حضرت عیسی«علیه السلام» چنانکه از قرآن کریم استفاده می شود خداوند او را به آسمان بالا برده است: «بل دفعه اللَّه الیه و کان اللَّه عزیزاً حکیماً؛ بلکه خداوند او را به سوی خود، بالا برد و خداوند توانا و حکیم است»(۷). و آن حضرت موقع ظهور امام زمان«علیه السلام» از آسمان نازل می شود.

از امام باقر«علیه السلام» روایت شده است که: «انّ عیسی ینزل قبل یوم القیامه الی الدنیا فلاینقی اهل مله یهودی و لانصرانی الا آمن به قبل موته. و یصلی خلف المهدی«علیه السلام»؛ عیسی«علیه السلام» قبل از فرا رسیدن روز قیامت به دنیا فرود می آید و هیچ ملّت یهودی و مسیحی باقی نمی ماند جز اینکه قبل از مرگش بدو ایمان می آورد، و آن حضرت پشت سر مهدی«علیه السلام» نماز می خواند»(۸).

« بخش پاسخ به سؤالات »

۷) سوره نساء، آیه ۱۵۸.

۸) مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۳۷

آیا حضرت مهدی(عج) و حضرت عیسی(ع) با هم ظهور می کنند؟

پرسش

آیا حضرت مهدی(عج) و حضرت عیسی(ع) با هم ظهور می کنند؟

پاسخ

از روایات چنین استنباط می شود که حضرت مهدی(عج) قبل از حضرت عیسی(ع) ظهور می کند. در این خصوص پیامبر

اکرم(ص) می فرماید:

«لن تُهلك اُمَّةٌ انأ فی اولها و عیسی فی آخرها و المهدی فی وسطها»؛{۱}

امتی که من در اول، عیسی(ع) در آخر و مهدی(ع) در وسط آن باشیم هرگز به هلاکت نمی افتند.

از روایت نقل شده چنین برداشت می شود که ظهور حضرت مهدی(ع) پیش از حضرت عیسی(ع) انجام می گیرد، بنابراین حضرت مهدی(عج) میانه امت پیامبر خواهد بود و منظور از وسط در روایت ذکر شده ما قبل آخر است و میانه حقیقی نیست چون حضرت عیسی(ع) پس از حضرت مهدی(عج) خواهد آمد و حضور ایشان به حضرت مهدی(عج) منافاتی نخواهد داشت. از این روایت استفاده می شود که حضرت عیسی(ع) وحضرت مهدی(عج) با هم ظهور نمی کنند بلکه نخست حضرت مهدی(عج) و سپس بعد حضرت عیسی(ع) ظهور می کنند.{۲}

[۱]. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۴، الباب الثانی عشر.

[۲]. یکصد پرسش وپاسخ پیرامون امام زمان(عج) علی رضا رجایی تهران، ص ۲۱۱ به نقل از کفایه المطالب ، ضمیمه البیان ، گنجی شافعی، ص ۵۰۸.

سایر مصادیق

پیامبرانی که زنده هستند و با حضرت مهدی ۷می آیند, در حکومت آن بزرگوار چه سمتی خواهند داشت و کیانند؟

پرسش

پیامبرانی که زنده هستند و با حضرت مهدی ۷می آیند, در حکومت آن بزرگوار چه سمتی خواهند داشت و کیانند؟

پاسخ

یکی از پیامبران بزرگی که زنده است و به طور قطع به یاری حضرت مهدی ۷خواهد آمد, حضرت عیسی بن مریم است . این پیامبر گرامی از آسمان به زمین نزول کرده و به یاری حضرت مهدی ۷می شتابد و درپشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند.

در شب معراج , خداوند متعال , به حضرت خاتم الاءنبیا۶فرمود: .

اما این که که حضرت عیسی در حکومت حضرت مهدی ۷چه سمتی خواهد داشت , اطلاعی نداریم .

گفتنی است شیخ مفید در یکی از کتاب هایش نقل کرده است :

ابودجانه انصاری , و مقداد و مالك اشتر از یاران آن حضرتند و از طرف آن حضرت به عنوان حاکم در شهرهامنصوب می شوند>.(۱)

(پاورقی ۱.منتهی الاءمال , ج ۲ ص ۲۹۱

اگر حضرت مهدی (عج) یک روز قبل از قیامت ظهور کنند، در این صورت چه خواهد شد؟ آیا یاران امام به غیر از حضرت عیسی(ع) کسی دیگر از پیامبران و امامان خواهد بود؟ آیا اصحاب کهف از اصحاب حضرت خواهند بود؟

پرسش

اگر حضرت مهدی (عج) یك روز قبل از قیامت ظهور كنند، در این صورت چه خواهد شد؟ آیا یاران امام به غیر از حضرت عیسی(ع) كسی دیگر از پیامبران و امامان خواهد بود؟ آیا اصحاب كهف از اصحاب حضرت خواهند بود؟

پاسخ

روایات فراوانی از پیامبر و ائمه است كه : "لو یبق مِن الـدنیا إلّا یوم واحـد (لیلةْ واحـدةْ) لطوّل الله ذلك الیوم حتی یخرج رجلًا من أهل بیتی یملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً ؛[۱] اگر حتی یك روز (یا یك شب) از دنیا باقی نمانـده باشد، خداوند آن را طولانی می كند تا مردی از اهل بیت من قیامت كند و دنیا را پر از عدل و داد نماید، پس از آن كه پیر از ظلم و جور شده باشد".

معنا و مفهوم این روایات ، این نیست كه حضرت مهـدی یك روز قبل از قیامت ظهور خواهد كرد، بلكه این روایات تأكید بر حتمی بودن قیامت حضرت مهدی (ع) دارد. شاید قیام حضرت مهدی (ع) سال ها قبل از برپایی قیامت باشد.

یاران حضرت مهدی (ع) غیر از حضرت عیسی (ع) ، بسیار خواهند بود.

امام محمد تقی (ع) به حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) فرمود: "مهدی ما كسی است كه زمین برایش درهمنوردیده می شود. هر مشكلی به خاطر او آسان می شود و یارانش به تعداد اصحاب پیامبر در جنگ بدر یعنی ۳۱۳ نفر از دور ترین نقاط زمین گرد وی جمع می شونـد. وقتی كه این عـد"ه از مخلصـان پیرامون حضرت اجتمـاع كردنـدك ظهور می كنـد و هنگامی كه پیمان كامل گشت، یعنی تعداد آنان به ده هزار نفر رسید، به

اذن پروردگار قیام می کند و دشمنان را تار و مار می نماید".[۲]

همراهی شخصیت هایی از پیامبران یا امامان غیر از حضرت عیسی(ع) در جایی از روایات یافت نشد. البته افراد صالح و مؤمنانی پاک طینت که از دنیا رفته اند، برای یاری رساندن به حضرت رجعت می کنند؛ یعنی زنده می شوند. در سیره حلبی، ج ۱، ص ۲۲ ، آمده است که اصحاب کهف از وزرای مهدی(ع) خواهند بود.[۳]

۱[۱] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

۱[۲] علی دوانی، مهدی موعود، ص ۱۰۷۲.

۱[۳] صافی گلپایگانی ، منتخب الاثر ، ص ۶۱۲.

آیا حضرت مسیح یا خضر و الیاس که اکنون زنده اند و در عصر ظهور حضرت مهدی(ع) در رکاب حضرت قرار می گیرند، در آن هنگام هم عنوان پیامبری را دارند، یا پیامبری آنان مربوط به گذشته است؟

پرسش

آیا حضرت مسیح یا خضر و الیاس که اکنون زنده اند و در عصر ظهور حضرت مهدی(ع) در رکاب حضرت قرار می گیرند، در آن هنگام هم عنوان پیامبری را دارند، یا پیامبری آنان مربوط به گذشته است؟

پاسخ

آیین پاک اسلام، آخرین دین آسمانی است، و آورنده این شریعت یعنی حضرت محمد(ص) آخرین پیامبر الهی و خاتم پیامبران است. با آمدن اسلام ادیان گذقشته نسخ گردیده اند و تا برپایی قیامت همه جهان بشریت مؤظفند پیرو دین اسلام باشند. از این رو گرچه حضرت عیسی(ع) هنگام ظهور امام عصر(عج) به زمین فرود می آید لیکن عنوان پیامبری که مردم از دین او پیروی نمایند نخواهد داشت بلکه حضرت عیسی(ع) به امام زمان(ع) اقتدا می کند و در پشت آن امام نماز می خواند. رسول خدا(ص) فرمود: "اوصیا و خلفا و حجت های خدا بر مردم بعد از من دوازده نفرند. اوّل شان برادرم و آخرشان پسرم است. عرض شد: برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب . پسرت کیست؟ فرمود: مهدی، همان که زمین را پر از عدل و داد می کند... روح الله عیسی بن مریم نازل می شود و پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند".۳

در حدیث دیگر آمده: "عیسی(ع) هنگام نماز صبح می آید و امام عصر(ع) را مقدّم م یدارد و پشت سرش به شریعت محمد(ص) نماز می خواند".۴

در مورد نزول حضرت خضر و حضرت الیاس موقع ظهور امام زمان(ع) به روایت و مطلبی دست نیافتیم.

۳ لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۱۰۱، ح ۹.

۴ همان، ص ۳۹۲، ح ۸.

آیا حضرت خضر (ع) زنده است و با امام زمان (ع) به این عالم خواهد آمد؟

پرسش

آیا حضرت خضر (ع) زنده است و با امام زمان (ع) به این عالم خواهد آمد؟

پاسخ

از برخی روایات و متون استفاده می شود که حضرت خضر زنده است.(۱) از حضرت امام رضا(ع) گزارش شده است: "خضر از آب حیات بنوشد و او تا نفح صور زنده است و همیشه وی نزد ما می آید و به ما سلام می کند و ما صدایش را می شنویم، ولی شخص او را نمی بینیم و هر کجا نامش برده شود، در آن جا حضور یابد، پس چون نامش بردید، بر او سلام کنید و هر ساله در موسم حج شرکت می کند و اعمال حج انجام می دهد و در موقف عرفات دعای مؤمنان را آمین می گوید و قائم ما را در غیبتش انیس و مونس است."(۲)

در روایات دیگر هم به علل طولانی بودن عمر حضرت خضر اشاره شده است و هم به همراهی وی با امام زمان(ع). امام صادق (ع) فرمود: "اما بنده صالح حضرت خضر که خدای تبارك و تعالی به او عمر طولانی داده است، برای این نیست که در آینده به پیامبری برگزیده شود، یا کتابی بر او نازل گردد، یا شریعتی برای او تشریع شود تا به وسیله آن آئین پیشین نسخ گردد... بلکه فقط برای این است که در علم ازلی خداوند مقدر بود که عمر قائم ما در زمان غیبت بسیار طولانی باشد و می دانست که بسیاری از مردمان، این عمر بسیار طولانی را انکار خواهند کرد. خدایش او را (حضرت خضر) عمر بسیار طولانی داد... برای این که با عمر طولانی او به عمر طولانی قائم استدلال گردد و بدین وسیله حجت بر دشمنان لجوج

تمام شود تا مردمان را در پیشگاه خدا حجتی نباشد."(۳)

در برخی متون آمده است هنگامی که سپاه امام زمان(ع) کشور روم را فتح می کند، حضـرت خضر یکی از همراهان حضرت مهـدی (ع) است. در روایتی آمـده است: "خضـر در پیشاپیش او حرکت می کنـد و از مرام پیامبر اکرم(ص) پیروی می نماید. برای او از جایی که خود نمی بیند فرشته ای است که یاریش می کند. شهر روم را تکبیر گویان فتح می کنند.

هفتاد هزال از مسلمانان این پیروزی حماسه انگیز را مشاهده خواهند کرد. الطاف بیکران خدا در صحرای "عطا" است که ستم و ستمگران را ریشه کن کرده و دین را استوار می نماید."(۴)

بر این اسـاس حضـرت خضـر زنـده بوده و از دنیـا نرفته است که دوباره به این عالم برگردد و حضـرت را یاری نمایـد. رجعت (بازگشت دوباره) در مورد او معنا ندارد. رجعت فرع بر آن است که کسـی بمیرد و پس از ظهور امام زمان(ع) زنده شود. او تا ظهور امام زنده بوده و ایشان را همراهی می کند.

پاورقی:

. ۱ – معارف و معاریف، ج ۵، ص ۱۴۲

. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۸۶ – ۲ ۲۸۹ –

. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳ ۲۲۳ –

. فریده گل محمدی آرمان، رسالت جهانی حضرت مهدی(عج)، ص ۴ ۴۷۴ –

آیا امامان هم جز ۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج)هستند؟

پرسش

آیا امامان هم جز ۳۱۳ نفر یاران امام زمان (عج)هستند؟

پاسخ

بنابر آنچه از روایات بـدست می آیـد این ۳۱۳ تن از نخستین گرونـدگان به حضـرت هسـتند که در انتظار ظهور بوده انـد و بر اساس روایات در واقع این گروه از فرماندهان و یاران اصـلی امام هستند لذا از این گروه در روایات به «نقباء» «خواص» و «ذخر الله» (ذخیره الهی) تعبیر شده است. حتی در بعضی از روایات آمده که ۵۰ تن از این افراد از بانوان می باشد.

بـا اسـتفاده از روایات بـدون شک ائمه(ع) جزء این ۳۱۳ تن نیسـتند لـذا در روایـات در بحث دیگری از رجعت ائمه سـخن می

گویند که البته در اینکه آیا همه ائمه(ع) رجعت می کنند یا بعضی از آنها، آنچه از روایات بدست می آید رجعت امیرالمؤمنین(ع) و امام حسین(ع) است. بنابراین ائمه جزء ۳۱۳ نفر یاران امام زمان(عج) نیستند.

آیا در روایات و احادیث از حضرت ادریس و الیاس(ع) به عنوان یاران امام مهدی (عج) یاد شده است یا خیر؟

پرسش

آیا در روایات و احادیث از حضرت ادریس و الیاس(ع) به عنوان یاران امام مهدی (عج) یاد شده است یا خیر؟

پاسخ

در روایت های معتبر از این دو پیامبر بزرگوار خصوصاً در این باره نصیّ وارد نشده است, اما از روایت های معتبر چنین استفاده می شود که همه پیامبران بصورت عمومی به یاری حکومت امام مهدی(عج) می شتابند. در روایتی از امام صادق(ع) چنین آمده: «به خدا سوگند از زمان حضرت آدم (ع) تا رسول گرامی اسلام (ص) پیامبریمبعوث نشده جز این که خدا آنها را باز می گرداند تا در برابر علی بن ابیطالب (ع) شمشیر زنند».۱

هم چنین از روایت هایی که پاره ای از پیامبران و اولیا را که باقی مانده اند (مانند حضرت عیسی (ع), خضر و الیاس) را می شمرد و نزول حضرت عیسی (ع)۲ و یاری حضرت خضر۳ و اصحاب کهف۴ در دوران ظهور را اشاره می کند, چنین بر می آید که این گروه نیز در محضر امام عصر (عج) و از یاران ایشان خواهند بود.

پی نوشت ها:

۱. علامه محمدباقر مجلسی, بحارالانوار, داراحیا التراث العربی, بیروت, لبنان, ط ۲۱.

۲. ر.ک: شیخ حرالعاملی, الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه, دلیل ما, قم, ۱۳۸۰, ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

۳. شیخ طوسی, الغیبه, چاپ سوم, نجف اشرف, بی نا, ص ۱۰۸.

۴. علامه محمد باقر مجلسی, بحارالانوار, ج ۵۳, ص ۹۰ و ۹۱.

آیا به هنگام قیام حضرت مهدی(عج) شهدا برای یاری آن حضرت زنده می شوند؟

اشاره

Will "shohada" be also alive and helping Hazrate

?Mahdi the day he arises

Thank you. Jazakum Allah Kheir

Assalamu Aleykum

پرسش

آیا به هنگام قیام حضرت مهدی(عج) شهدا برای یاری آن حضرت زنده می شوند؟

Will "shohada" be also alive and helping Hazrate

?Mahdi the day he arises

Thank you. Jazakum Allah Kheir

Assalamu Aleykum

پاسخ

از آن جا که در روایت ها، معیار کلی رجعت کنندگان را ایمان خالص و شرک محض بیان کرده اند، استفاده می شود که هر مقدار از شهدا که به مقام ایمان محض رسیده باشند زنده می شوند.

مفضل بن عمرو می گوید روزی در جمع اصحاب امام صادق (ع) درباره قائم (عج) و از دنیا رفتگان از اصحاب که منتظر ظهور بودند بحث می کردیم. امام صادق (ع) فرمودند: «اذا قام أتی المؤمن فی قبره فیقال له: یا هذا إنّه قد ظهر صاحبك فان تشأ أن تلحق به فألحق وإن تشأ أن تقیم فی کرامه ربّك فأقم؛ هنگامی که او قیام کند، (فرشتگان) روی قبر مؤمنان واقعی به او می گویند: ای فلانی، صاحب و مولایت ظهور کرده است، اگر می خواهی به او ملحق شوی، اختیار داری و چنان چه بخواهی در کرامت پروردگارت باشی، آزاد هستی». (علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۳).

آیا در میان اصحاب امام زمان علیه السلام عرب وجود ندارد؟

پرسش

آیا در میان اصحاب امام زمان علیه السلام عرب وجود ندارد؟

پاسخ

مرحوم مجلسی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "اتّقِ العرب فإنّ لهم خبر سوء، أما أنّه لم یخرج مع القآئم منهم واحد"؛ "از عرب بپرهیز، زیرا برای آنها خبر {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳. پاورقی}

ناگواری است. آگاه باش که هیچ کس از عرب با قائم خروج نخواهد کرد."

پاسخ:

۱ - مجلسی این روایت را از کتاب "الغیبه" شیخ طوسی نقل کرده است. ولی سند آن به جهت وجود موسی الآبار واسباط بن سالم که مجهول الحالند وهیچ توثیقی ندارند، ضعیف است.

۲ - با اغماض از سند این روایت، معارض با احادیث دیگری است که دلالت دارد بر اینکه برخی از انصار واصحاب امام زمان (ع) از عرب است.

از جمله آن روایات اینکه شیخ طوسی به سندش از جابر جعفی از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود: "یبایع القآئم بین الرکن والمقام ثلاثمائه ونیّف عدّه أهل بدر، فیهم النجبآء من أهل مصر والأبدال من أهل الشام والأخیار من أهل العراق، فیقیم ما شآء اللّه أن یقیم"؛ "بین رکن {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۸۴ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴. پاورقی}

ومقام سیصد واندی به عدد اهل بدر با قائم بیعت خواهند کرد، در میان آنها نجیبانی از اهل مصر، وابدالی از اهل شام، واخیاری از اهل عراق وجود دارد، آن گاه دین را تا مقداری که خداوند بخواهد برپا خواهد داشت."

آیا یاران زن حضرت از جمله ۳۱۳ نفرند؟

پرسش

آیا یاران زن حضرت از جمله ۳۱۳ نفرند؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات پنجاه نفری که از زنان در رکاب حضرت مهدی (ع) هستند از میان ۳۱۳ نفر یاران خاص حضرتند:

جابر بن یزید جعفی ضمن حدیث مفصّلی از امام باقر (ع) در بیان برخی نشانه های ظهور نقل کرده که فرمود: "ویجیء واللّه ثلاثمائه وبضعه عشر رجالاً فیهم خمسون امرأه یجتمعون بمکّه..."؛ "به خدا سوگند! سیصد و بالاتر از ده نفر می آیند که پنجاه نفر از این {پاورقی . مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵ ؛ معجم الإمام مهدی (ع)، ج ۱، ص ۵۰۰. پاورقی}

عده زن هستند و در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد...".

از کلمه "فیهم" که در روایت آمـده اسـتفاده می شود که این پنجاه زن از جمله ۳۱۳ نفرنـد. وتعبیر به "رجالًا" به جهت تغلیب است. همان گونه که در آیه تطهیر ضمیر "کم" که برای جمع مخاطب مذکر است به کار رفته وبه طور حتم حضرت زهرا (ع) نیز مشـمول آیه است واگر مقصـود امـام (ع) از وجـود آن پنجـاه زن، همراهی آنـان بـا آن ۳۱۳ نفر بود بایـد از تعـبیر "معهم" استفاده می کرد، نه "فیهم".

واگر اشـکال شود که: پس چرا اسـامی این پنجاه نفر در بین نام ۳۱۳ نفر نیامـده است؟ در جواب گوییم: بـا مراجعه به روایاتی که اسـامی یاران خاص حضـرت را ذکر کرده انـد پی می بریم که نام همه ۳۱۳ نفر نیامـده است ولذا ممکن است بقیه آنان از زنان باشند که به جهت خاصی نام آنان برده نشده است.

سایر مباحث

آیا امام زمان(ع) کسی و یا کسانی را پیش خود دارد؟ نام و یا نام های آن ها چیست؟

پرسش

آیا امام زمان(ع) کسی و یا کسانی را پیش خود دارد؟ نام و یا نام های آن ها چیست؟

پاسخ

بی تردیـد امام زمان(ع) با مردم ارتباط داشـته و به هدایت و رهبری مردم می پردازند. در برخی از روایات تصـریح شده اسـت که حضرت در مراسم حج شرکت می کند مردم را می بیند اما مردم او را نمی بینند و نمی شناسند.

امام صادق(ع) فرمود: "امام قائم دو غیبت دارد: در یکی، در مراسم حـج شـرکت می کند مردم را می بیند، اما مردم او را نمی بینند و نمی شناسند".۱

در برخی از روایـات دیگر نیز آمـده است که سـی نفر همراه حضـرت هسـتند که هر گـاه یکی از آن هـا از دنیـا می رود کس دیگری در خدمت حضرت در می آید.۲

امام صادق(ع) فرمود: " لابد لصاحب هذالأمر من غیبه و لا بدّله فی غیبته من عزله و نعم المنزل طیبه و ما بثلاثین من وحشـته؛۳ صـاحب این امر به نـاگزیر رغبتی دارد و در دوران غیبت، از مردم کناره می گیرد و نیکو منزلی است مـدینه طیبه و با سـی تن، وحشتی نیست".

محدث نوری در تفسیر ابن حدیث می نویسد: "و این سی تن، که امام با آنان انس می گیرد، در زمان غیبت، به ناچار، در هر

قرنی تغییر می کننـد؛ زیرا عمری که برای آنـان مقـدّر شـده، برای آنـان نیست، از این رو در هر عصـری سـی مؤمن دوسـتدار، مشرّف به لقای حضرت می شوند".[4]

۱ کافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲ مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۹۲.

۳ کتاب الغیبه نعمانی ص ۱۸۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

۴ جنه المأوای، چاپ

شده در بحارالأنوار، ج ۵۳ ص ۳۲۰.

با توجه به خصوصیات و ویژگی های یاران امام زمان(ع) آیا می توان افرادی را نام برد که در این زمان وجود داشته باشد؟

پرسش

با توجه به خصوصیات و ویژگی های یاران امام زمان(ع) آیا می توان افرادی را نام برد که در این زمان وجود داشته باشد؟

پاسخ

از برخی روایات[۱] استفاده می شود که هر گاه ۳۱۳ نفر از یاران خاص آماده شوند و شرایط دیگر نیز فراهم شود، امام زمان(ع) ظهور می کند؛ ولی این که این تعداد وجود دارند و یا بعداً به دنیا می آیند و یا تعدادی از آن ها از دنیا رفته اند، معلوم نیست. آیا در این عصر افرادی هستند که ویژگی ها و خصوصیات یاران امام زمان(ع) را داشته باشند؛ باز دقیقاً معلوم نیست. امروزه که میلیون ها انسان در کره زمین وجود دارند و ممکن است میان این تعداد جمعیت بعضی از یاران امام باشند، ولی کسی را نمی توان معرفی کرد که از یاران خاص امام زمان(ع) باشد، چون ناشناخته و مجهول می باشند.

[۱] صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۴ – ۵۹۶.

آیا کسانی جزء یاران آقا امام زمان(عج) هستند، در حال حاضر با او ارتباط دارند و با یکدیگر در یک مکان جمع می شوند و در مورد برنامه های دوران ظهور بحث می کنند؟

پرسش

آیا کسانی جزء یاران آقا امام زمان(عج) هستند، در حال حاضر با او ارتباط دارند و با یکدیگر در یک مکان جمع می شوند و در مورد برنامه های دوران ظهور بحث می کنند؟

پاسخ

در روایات تصریح شده است که برای امام زمان(ع) دو غیبت صغری و کبری است.[۴۰] در غیبت صغری مردم از طریق نواب اربعه با امام زمان(ع) ارتباط برقرار کرده[۴۱] و مشکلات خویش را با آن ها در میان می گذارند و حضرت به مشکلات و مسایل مردم پاسخ می دهد. البته غیبت صغری بدان معنا نیست که مردم با حضرت ارتباط نداشته باشند، ولی ارتباط در زمان غیبت مردود است.[۴۲]

در زمان غیبت کبری در خصوص ارتباط مردم، به ویژه یاران امام با ایشان دو مبنا وجود دارد. برخی عقیده دارند که در زمان غیبت کبری ارتباط و ملاقات حضوری با امام زمان(ع) امکان ندارد[۴۳]

بر اساس این نگرش هر گونه ملاقات با امام زمان امکان نداشته و به حسب ظاهر کسی حق ندارد که ادعای ارتباط و ملاقات حضوری را داشته باشد. این نگرش ریشه در روایات دارد؛ زیرا روایات، ملاقات حضوری را نفی کرده است.[۴۴]

از سوی دیگر از برخی متون استفاده می شود که حضرت مکان معیّنی ندارد، از این رو به حسب ظاهر امکان ندارد که یاران حضرت در یک مکان جمع شوند. گرچه ممکن است با بهره مندی از امدادهای الهی این کار صورت گیرد. از روایات دیگر نیز استفاده می شود که هرگاه شرایط ظهور امام فراهم شد و ۳۱۳ نفر[۴۵] وجود داشتند، حضرت ظهور می کند. حال معلوم نیست ۳۱۳ همگی زنده اند و یا برخی از

آن ها از دنیا رفته و در هنگام ظهور رجعت می کنند و یا برخی از ۳۱۳ نفر بعداً متولد می شوند. از این رو نمی توان گفت: یاران امام در زمان غیبت با حضرت در یک مکان جمع می شوند.

برخی عقیده دارند که در زمان غیبت کبری ملاقات با امام زمان(ع) امکان دارد.[۴۶] بر اساس این نگرش نمی توان گفت یاران امام در یک مکان جمع شده و با حضرت ارتباط دارند، زیرا آنچه از متون دینی استفاده می شود، آن است که در زمان غیبت کبری، فقیهان و مجتهدان واجد شرایط، نیابت عامه امام را بر عهده دارند و مردم مسایل شرعی و سیاسی خویش را از آنان می پرسند. البته هدایت و ارشاد و رهبری مردم توسط امام زمان(ع) انجام گرفته، زمین لحظه ای از وجود مقدس امام زمان(ع) خالی نیست. نفع امام به همگان می رسد و حضرت به طور ناشناس در مکان های مختلف حضور پیدا کرده،[۴۷] به مشکلات مردم رسیدگی می کند.

امام صادق(ع) فرمود: "امام قائم... در مراسم حج شرکت می کند و مردم را می بیند، امام مردم او را نمی بینند و نمی شناسند".[۴۸] ولی در عین حال نمی توان گفت که یاران امام در حضور ایشان جمع شده و با حضرت ارتباط داشته و در خصوص برنامه های ظهور بحث می کنند.

در زمان حضور امام، یاران امام با حضرت ارتباط دارند، هم چنین ممکن است در زمان غیبت با بهره گیری از امدادهای غیبی، ارتباط برقرار نمایند، ولی دلیل قاطعی در خصوص جمع شدن یاران امام در زمان غیبت وجود ندارد.

[۴۰] اعیان الشیعه، ج ۲، ص

۴۶؛ اعلام الوری، ص ۴۴۴؛ ارشاد، ص ۳۴۶؛ مهدی موعود، ص ۹۳۱ – ۹۳۳.

[۴۱] مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۷۳.

[۴۲] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۳ – ۵۴.

[۴۳] مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۷۲ به بعد.

[۴۴] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۶.

[۴۵] لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۵۹۴ – ۵۹۶.

[۴۶] تنزیه الانبیاء، سید مرتضی، ص ۱۸۲.

[۴۷] کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۱۴.

[۴۸] کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۰۷.

با توجه به این که امام زمان(عج) دارای سیصد و سیزده یار می باشد، آیا یاران با هم زندگی می کنند و نسبت به این امر آگاهی دارند؟

پرسش

با توجه به این که امام زمان(عج) دارای سیصد و سیزده یار می باشد، آیا یاران با هم زندگی می کنند و نسبت به این امر آگاهی دارند؟

پاسخ

از روایات فهمیده می شود که آنان با هم زندگی نمی کنند، بلکه در زمان موعود از شهرهای مختلف به سوی حضرت مهدی(عج) رهسپار می شوند.

در روایات آمده است که در آغاز چهل و پنج تن از نه قبیله و شوهر مختلف نزد حضرت گرد می آیند. سپس به این عده افزوده می شوند واز شهرهای مختلف و دور دست یاران حضرت با سرعت ویژه ای به سوی حضرت رهسپار می گردند و دور حضرت حلقه می زنند.

مرحوم سید محسن امینی در کتاب گرانسنگ اعیان الشیعه از هشتاد و چند شهر و دیار نام می برد که این عده (سیصد و سیزده

تن) از آن شهرها بر می خیزند.

از جمله آن ها قم، کوفه، طالقان، گرگان، طبرستان، طرابلس، بیروت، دمشق، ری، فلسطین، قزوین، شیراز، دیلمان، بصره، اهواز و کرمان است.

این ها همدیگر را نمی شناسند و بدون این که با هم و عده ای گذاشته باشند، در موعد مقرر جمع می شوند (یجتمعون مِن أقاصی الأرض علی غیر میعاد لا یعرف بعضُهم بعضاً.)(۱)

آیا سیصد و سیزده تن آگاهی دارند که از زمره یاران حضرت مهدی(عج) می باشند؟

در روایات معصومان(ع) به نکته ای برخورد نکردیم که گویای این سخن باشد که یاران حضرت مهدی(عج) از پیش آگاهی دارند که جزء سیصد و سیزده تن یار حضرت می باشند. این گونه اطّلاعات از علوم غیبی است و علوم غیبی در اختیار خدا است. قرآن می گوید: "و عنده مفاتیح الغیب لا یعلمها إلّا هو؛(۲) کلیدهای

غیب نزد خدا است. تنها او از امور غیبی آگاه است". لیکن برخی از دانش ها یغیبی را به معدودی از بندگان صالحش عنایت می کند: "عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احد إلاّ مَن ارتضی من رسول؛(۳) خداوند دانای به امور غیبی است آن را در اختیار دیگران قرار نمی دهد، مگر برخی از انسان های مورد رضایت خدا".

از برخی روایات استفاده می شود که اطّلاعات مربوط به یاران حضرت مهدی(ع) را خداوند به پیامبرش عنایت نمود و حضرت این دانش را در اختیار امام علی گذارد و سپس در اختیار یکایک امامان(ع) قرار گرفت.(۴)

ممکن است یاران حضرت مهدی(عج) در آستانه ظهور حضرت با توجه به تکاملی که نموده اند، خداوند بزرگ تفضلی نماید و چند صباحی قبل از ظهور حضرت، آنان را از این نعمت بزرگ مطّلع نماید.

اگر بپذیریم که برخی از پیامبران الهی مانند حضرت عیسی(ع) جزء سیصدوسیزده یار امام مهدی(عج) به شمار می آیند، بعید نیست که از موقعیّت خویش از قبل آگاهی داشته باشند. چون حضرت عیسی(ع) از پیامبران مرسل است و به همان دلیلی که پیامبر اسلام و اوصیای حضرت از امور غیبی آگاه شدند، حضرت عیسی نیز آگاه شده است. اگر بپذیریم برخی از انسان های صالح گذشته مانند اصحاب کهف، نیز وصیّ حضرت موسی(ع) یوشع بن نون و مالك اشتر و مقداد جزء یاران حضرت به شمار می آیند(۵) و رجعت می کنند، بعید نیست در عالم برزخ از موقعیت خود با خبر باشند.

پی نوشت ها:

۱. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۸۴.

۲. انعام (۶) آیه ۵۹.

۳. جن (۷۲) آیه ۲۷.

۴. اعیان الشیعه، ص ۸۴.

۵. همان.

آیا یاران امام زمان (عج) (۳۱۳ نفر) همه مسلمان و شیعه هستند یا از ادیان دیگر نیز جزو این افراد هستند؟

پرسش

آیا یاران امام زمان

(عج) (۳۱۳ نفر) همه مسلمان و شیعه هستند یا از ادیان دیگر نیز جزو این افراد هستند؟

پاسخ

- ۳۱۳ نفر که در روایات اشاره شده از یاران خاص و ویژه آن حضرت می باشند که همگی از شیعیان خالص و بسیار باایمانند البته غیر از آنان نیز یاران متعـدد دیگری برای آن حضـرت وجود دارد ولی علی القاعـده همگی باید همسو و هم اندیشه با آن حضـرت و آرمانهـای ایشان باشـند علاوه بر این روایاتی ((۳)) هر نشان می دهنـد که پس از ظهور آن حضـرت بسـیاری از مسیحیان مسـلمان می شوند .به جهت وجه غالب یا کامل یاران آن حضـرت مسـلمان و شـیعه خواهند بود هرچند به تازگی به اسلام و تشیع گرویده باشند .;

اصحاب حضرت مهدی علیه السلام چگونه وارد مکه می شوند؟

پرسش

اصحاب حضرت مهدی علیه السلام چگونه وارد مکه می شوند؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق چند احتمال وجود دارد:

۱ - اینکه این جمـاعت به طور اعجـاز وبـا سـرعت وارد مکه می شونـد. این احتمـال مطابق ظاهر برخی روایات وصـریح برخی روایـات دیگر است. در برخی روایـات آمـده که آنهـا در یـک سـاعت در جـایی اجتمـاع می کننـد: "یجتمعون واللّه فی ساعه واحده".{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۸، باب ۲۶. پاورقی}

ولی در برخی روایات تصریح به اعجازی بودن آن شده است.

در روایت ابن صـباغ آمده است: "فیصیر إلیه أنصاره من أطراف الأرض تطوی لهم طیّاً حتّی یبایعوه"؛ "پس انصار او از اطراف زمین به خدمت او می رسند در حالی که زمین برای آنها می چرخد تا اینکه با او بیعت کنند."

ودر خبر طبرسـی آمـده است: "فتصـیر شیعته من أطراف الأرض تطوی لهم طیّاً حتّی یبـایعوه"؛ "پس شـیعیان از اطراف زمین خدمت او می رسند در حالی که زمین برای آنها می چرخد، تا آنکه با او بیعت کنند."

۲ - احتمال دیگر اینکه مردم چند دسته شوند:

الف. برخی از راه طبیعی خدمت امام (ع) مشرّف می شوند.

ب. برخی نیز شب هنگام که در رختخواب خود آرمیده اند ناگهان خود را در مکه می یابند.

ج. برخی نیز بر ابر سوار در روز به خدمت حضرت مشرف می شوند.

۳ – احتمال سوّم آن است که همگی با سفر عادی به خدمت حضرت مشرف می شوند؛ زیرا همان گونه که در روایات اشاره شده به اسم مهدی (ع) در ماه رمضان ندا داده می شود، وظهور حضرت نیز در دهم محرم است. در فاصله این مدّت مخلصین، خود را به حضرت می رسانند.

از میان این احتمالات، احتمال سوّم ترجیح دارد؛ زیرا گرچه مطابق زمان صدور این

روایات حرکت سریع به سوی مقصدی دور تنها با اعجاز متصور بوده، ولی در این عصر بلکه عصر ظهور، حرکت ها به حدّی سریع شده که اجتماع افرادی را از اطراف عالم در یک ساعت ممکن ساخته است. ولذا ممکن است که مقصود از سیر در سحاب وابرها سفر با هواپیما، وپیچیده شدن زمین، سفر با ماشین وقطار سریع السیر باشد.

بیشتر یاران حضرت از شرق هستند، چگونه با عقب ماندگی شرق می توان بر غرب پیروز شد؟

پرسش

بیشتر یاران حضرت از شرق هستند، چگونه با عقب ماندگی شرق می توان بر غرب پیروز شد؟

پاسخ

اولاً: از طرفی یاران حضرت باید از افراد مسلمان باشند واز طرف دیگر عمده ممالك وزیست گاه امت اسلامی در شرق است لذا بیشتر یاران حضرت از شرق هستند.

ثانیاً: حضرت مهدی (ع) از همه نوع پیشرفتی برای رفاه وتکامل انسان ها استفاده خواهد کرد ولی نه به دید استقلالی، بلکه از دنیا برای رسیدن به تعالی روحی بهره خواهد گرفت.

ثالثاً: مقصود از عقب افتادگی شرق نسبت به غرب چیست؟ اگر در تکنیك ومسائل دنیوی است که هدف اصلی حضرت تنها تکامل مادّی نیست. واگر مقصود عقب افتادگی شرق در ناحیه عقل وفکر وشعور وپیشرفت فرهنگی است که این مطلب را ما قبول نداریم. چه کسی گفته است که غرب به لحاظ اخلاقی وفرهنگی بر شرق پیشی گرفته است.

یاران عام

آیا هنگام ظهور امام زمان(ع) همه مردم در رکاب او جنگ خواهند کرد یا فقط یارانش و یا کسانی که دعای عهد را خوانده اند؟

پرسش

آیا هنگام ظهور امام زمان(ع) همه مردم در رکاب او جنگ خواهند کرد یا فقط یارانش و یا کسانی که دعای عهد را خوانده اند؟

پاسخ

مسلّماً خواندن دعای عهد و اظهار شوق و علاقه نسبت به ظهور حضرت و جنگیدن و در رکاب حضرت و اظهار وفاداری و

بیعت ، انسان را از زمره یاران حضرت قرار می دهد. کسی که دعای عهد را می خواند، از خدا می خواهد که توفیق زیارت و همراهی با حضرت را داشته باشد.

البته افرادی که دعای عهد را می خوانند، ولی بر اساس تقوا قدم بر نمی دارند و در هر گناهی حاضر می شوند ، افراد مورد بحث ما نیستند. اینان شاید با ظهور حضرت جزو دشمنان ایشان باشند.

کسانی توفیق یاری رساندن به حضرت مهدی(ع) را خواهند یافت که همواره از مسیر تقوا و پاکی زبان و چشم و قلب پا فراتر ننهند. افرادی که دنیا پرستی چشم آنان را پر نکرده باشد و دل به دنیا نبسته باشند. خواه این افراد دعای عهد خوانده باشند یا نخوانده باشند.

نقل شده که هر کس تا چهل صباح دعای عهد را بخواند یکی از یاران امام زمان خواهد شد و اگر قبل از ظهور بمیرد در زمان ظهور زنده خواهد شد یعنی اگر کسی گناهکار هم باشد بدون شک یکی از یاران آن حضرت خواهد شد. اگر کسی در زمان ظهور زنده شود جوان زنده می شود یا به هما

پرسش

نقل شده که هر کس تا چهل صباح دعای عهد را بخواند یکی از یاران امام زمان خواهد شد و اگر قبل از ظهور بمیرد در زمان ظهور زنده خواهد شد یعنی اگر کسی گناهکار هم باشد بدون شک یکی از یاران آن حضرت خواهد شد. اگر کسی در زمان ظهور زنده شود جوان زنده می شود یا به همان سنی که از دنیا رفته است؟

پاسخ

مرحوم شیخ عباس قمی روایتی را از امام صادق(ع) نقل می کند مبنی بر این که: "اگر کسی چهل صباح دعای عهد را بخواند از یاران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت حضرت باشد".۱

به گونه مشخص نمی توان گفت که بین خواندن دعای عهد و از یاران امام زمان(ع) قرار گرفتن چه رابطه ای وجود دارد، چون برای دعا خواندن و وقوع آثار آن شرای خاصی پیش بینی شده است. گرچه روایت مذکور مطلق بوده و قیدی ندارد، ولی باید دید که این روایت با روایات دیگری که برای استجابت دعا شرایط خاصی را مطرح کرده اند، چه رابطه ای دارد؟ در عین حال می توان گفت که بین خواندن دعای فرج و آثار آن که در روایت بدان اشاره شده، رابطه وجود دارد.

۱ مفاتیح الجنان، ص ۱۰۶۱.

در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است: لشگریان حضرت صاحب الزمان سه دسته اند که او را یاری می کنند. لطفاً بفرمایید این سه دسته چه کسانی هستند؟

پرسش

در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است: لشگریان حضرت صاحب الزمان سه دسته اند که او را یاری می کنند. لطفاً بفرمایید این سه دسته چه کسانی هستند؟

پاسخ

در خصوص تعداد یاران امام زمان(ع) سه دسته روایات وجود دارد. برخی روایات تعداد یاران را ۳۱۳ نفر ذکر کرده اند.[۱]

امام صادق(ع) فرمود: "گویا می نگرم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش را که پیرامونش گرد آمده به شمار اهل بدر هستند".[۲]

بعضی روایات دیگر تعداد یاران امام زمان(ع) را ده هزار نفر ذکر کرده اند.[۳]

ابو بصیر از امام صادق(ع) گزارش نمود: "لاـ یخرج القائم(ع) حتی یکون تکمله الحلقه. قلتُ کم تکمله الحلقه. قال: عشره آلاف؛[۴] تا حلقه کامل نگردد، قائم خروج نمی کند. گفتم کامل شدن حلقه به چند نفر است: فرموده: ده هزار نفر".

در بعضی روایات دیگر، به جای کامل شدن حلقه، از کامل شدن "العقد"[۵] و "فئه"[۶] سخن به میان آمده است که با گرد آمدن ده هزار نفر تکمیل می شوند.[۷]

برخی از روایات دیگر تعداد یاران امام را دوازده تا پانزده هزار نفر بیان نموده است. امام علی(ع) فرمود: "مهدی میان دوازده تا پانزده هزار یاور قیام خواهد کرد".[۸]

برخی روایات دیگر به توده های انبوهی اشاره شده است که از نقاط گوناگون جهان، به ویژه مشرق زمین به کمک امام می شتابند.[۹]

در ابتدا به نظر می رسد که روایات مذکور با هم تعارض دارند ولی با تدبّر بیشتر معلوم می شود که این روایات تعارض نداشته، بلکه مکمّل یکدیگر بوده و در طول هم هستند، زیرا آن دسته از روایات که ۳۱۳ نفر را بیان نموده اند، ناظر بر آن است که این

تعداد نخستین کسانی هستند که به امام زمان(ع) گرویده و در مکه همراه امام هستند که از آن ها به عنوان "نقباء"، "خواص" و "ذخرالله" یاد شده است.[۱۰]

۳۱۳ نفر از فرماندهان و وزیران امام هسته مرکزی حکومت امام را تشکیل می دهند. در برخی روایات یکی از شرایط ظهور امام وجود ۳۱۳ نفر بیان شده است که حکایت از جایگاه آنان دارد و یاران خاص امام هستند.

امام صادق(ع) درباره بیعت و گرویدن آنان فرمود: "سیصد و سیزده نفر یاران با او بیعت می کنند. او تا هنگام کامل شدن ده هزار نفر در مکه اقامت کرده، سپس رهسپار مدینه می گردد".[۱۱]

آن دسته از روایات که تعداد یاران امام را ده تا پانزده هزار بیان نموده، ناظر بر آن است که به ترتیب افراد و گروه های خاص با حضرت بیعت می کنند: بعد از آن که امام از مکه ظهور می کند و خبر ظهور حضرت به مردم می رسد، یاران امام که در روایات تعداد آن ها ده تا پانزده هزار بیان شده است، با امام بیعت می کنند.

در برخی روایات به توده های انبوهی اشاره شده است که از نقاط گوناگون جهان با امام بیعت می کنند؛ این دسته روایات ناظر بر آن است که بعد از ظهور امام و حرکت نمودن او به سوی مدینه و کوفه، یاران امام با او بیعت نموده و برای تشکیل حکومت جهانی و برقراری عدالت حضرت را یاری می کنند. سپس یاران امام افزایش می یابد.

با توجه به مطالب مذکور باید گفت:

با تحقیقاتی که انجام شد، حدیثی از امام باقر(ع) مبنی بر سه دسته بودن لشگریان امام زمان(ع)

یافت نشد. بر این اساس اگر چنین حدیثی وجود دارد، با ذکر منبع به این مرکز ارسال دارید تا در جواب گویی پرسش های مشابه از آن استفاده شود از روایات و متون دینی استفاده می شود که یاران امام زمان(ع) چندین نفر بوده و دارای چه ویژگی هایی هستند و چگونه با امام بیعت نموده و همکاری می کنند. شاید این روایات که در تعداد اختلاف دارند، اشاره به گروه های خاص یاران امام باشند، مثلاً نزدیک ترین و خواص یاران او ۳۱۳ و گروه بعدی ده هزار نفر و گروه عمومی و سربازان امام زمان پانزده هزار نفر یا بیشتر، همان گونه که در هر سپاهی این رده بندی وجود دارد. البته این صرفاً یک احتمال است.

[۱] ینابیع الموده، ص ۴۲۴؛ کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۵.

[۲] شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲.

[۳] بحارالانوار ج ۵۱، ص ۱۵۷.

[۴] کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۷.

[۵] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷.

[۶] تفسیر نور ثقلین، ج ۱، ص ۲۴۹.

[۷] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع) ص ۲۹۵.

[۸] اعلام والفتن، ص ۶۵، به نقل از مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع) ص ۲۹۵.

[۹] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۶.

[۱۰] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۲۹۶.

[۱۱] ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۳.

آیا حتماً باید ۳۱۳ نفر ا فراد پاک پیدا شوند تا حضـرت حجّه(ع) قیام کنند؟ آیا در زمان ما یا در زمان های قبل این تعداد افراد پاک وجود نداشت؟ اگر در یک زمان تعدادی وجود داشـته باشد، با مرور زمان از دنیا می روند. بنابراین هیچ گاه این تعداد جمع نخواهند شد. جواب چ

پرسش

آیا حتماً باید ۳۱۳ نفر ا فراد پاک پیدا شوند تا حضرت حجّه(ع) قیام کنند؟ آیا در زمان ما یا در زمان های قبل این تعداد افراد پاک وجود نداشت؟ اگر در یک زمان تعدادی وجود داشته باشد، با مرور زمان از دنیا می روند. بنابراین هیچ گاه این تعداد جمع نخواهند شد.

جواب چیست؟

پاسخ

روایاتی به این مضمون وارد شده است که اصحاب مهدی(ع) هنگام قیام ایشان ۳۱۳ نفر به تعداد اصحاب پیامبر در جنگ بدر خواهند بود. آنان در یک ساعت همگی نزد حضرت جمع خواهند شد.[۱]

و در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) نقل شده: "هنگامی که ظهور حضرت مهدی(ع) قطعی شود، خداوند از اطراف زمین افرادی را جمع آوری و مبعوث (زنده) می گرداند. همگی نزد حضرت جمع می گردند. والله من آنان را می شناسم و اسم آنان و نام قبیله های آنها را می دانم. همگی از آفاق و نقاط مختلف جمع می شوند. تعداد آنان به تعداد اهل بدر خواهد بود".[۲]

در کتاب منتخب الاثر حدود ۲۵ روایت به این مضمون نقل شده است.

ظاهراً مراد این روایات تعداد اصحاب خالص و مهم حضرت می باشد یا مراد اصحاب اوّلی و آغازین است وگرنه بعداً اصحاب بیشتری با حضرت همکاری خواهند کرد. در روایات دیگری آمده است: "قائم أهل محمد جمع الله له أهل المشرق و اهل المغرب؛ خداوند برای حضرت اهل مشرق و مغرب را جمع خواهد کرد". و در روایت دیگر آمده: "والله لو قد قام قائمنا یجمع الله إلیه شیعتنا مِن جمیع البلدان؛[۳] به خدا قسم! هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند شیعیان ما را از جمیع شهر ها نزد او جمع خواهد کرد".

اگر حضرت مهدی(ع) بخواهد تمامی زمین را پر از عدل و داد بکند، مسلّماً باید بیشتر از ۳۱۳ نفر نیرو داشته باشد.

از مجموعه روایات استفاده می شود که اصحاب حضرت هنگامی که قیام کند، ۳۱۳ نفر خواهند بود. معنای این روایات آن نیست که قیام حضرت مبتنی بر این

می باشد که ۳۱۳ نفر انسان پاک پیدا شود تا این اشکال به وجود آید که: آیا بین این همه جمعیت در دوران های مختلف ۳۱۳ نفر انسان پاک پیدا نمی شود؟! قیام حضرت مهدی مبتنی بر پیدا شدن ۳۱۳ نفر نیست، بلکه اجازه قیام حضرت به دست خدا است. حتی اگر الآن حضرت مهدی(ع) ۳۱۳ نفر یاور واقعی داشته باشد، تا خدا اجازه قیام آن حضرت را ندهد، خروج نمی کند. بنابراین علّت قیام اجازه و اذن خدا است، نه پیدا شدن ۳۱۳ نفر. در آخرین توقیع حضرت به "علی بن محمد سمری" آخرین نایب خاص آمده است: "خداوند اجر برادران دینی تو را درباره تو عظیم گرداند. تو تا شش روز دیگر می میری. برای بعد از خودت جانشین تعیین نکن. غیبت کبری و تامه واقع شد. ظهوری نخواهد بود مگر بعد از اذن خدای تعالی. بعد از طولانی شدن مدت و قساوت پیداکردن دل ها و پر شدن زمین از ظلم و جور".[۴]

نکته دیگر این که بر اساس روایات، تعدادی از افراد خالص و پاک که صلاحیت همراهی حضرت مهدی(ع) را دارا باشند حتی اگر از دنیا رفته باشند، رجعت خواهند کرد و زنده خواهند شد. همان طور که در روایت اوّلی بدان اشاره شده بود.

[۱] آیت الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۴.

[۲] همان.

[۳] همان، ص ۵۹۷.

[۴] منتهی الآمال، ص ۵۸۰.

در مورد این که گفته شده یاران واقعی امام زمان (عج) کسانی هستند که در زمان غیبت با مردم به گونه ای رفتار می کنند که به راحتی در جیب یکدیگر دست کرده و از مال یکدیگر استفاده می کنند بدون این که ناراحت شوند، توضیح دهید؟

پرسش

در مورد این که گفته شده یاران واقعی امام زمان (عج) کسانی هستند که در زمان غیبت با مردم به گونه ای رفتار می کنند که به راحتی در جیب یکدیگر دست کرده و از مال یکدیگر استفاده می کنند بدون این که

ناراحت شوند، توضیح دهید؟

پاسخ

شیعیـان حقیقی چه در دوران غیبت و چه در زمـان حضور و ظهور امـام زمـان (عـج) افرادی هسـتند پـاک، خـداجو، مخلص و ایثارگر. آن ها در مسایل مالی دیگران را برخود مقدم می دارند. از ویژگی های بارز یاران مهدی (عج) ایثار و مواسات اسـت دل هایشـان بـا هم پیونـد خورده و یار غمخوار همدیگرنـد. آنان برای یکـدیگر خود را به رنـج می افکننـد و در بهره گیری از زیبایی هایی زندگی دیگران را بر خود مقدم می دارند.

از دیدگاه امامان معصوم علیهم السـلام، شـیعه واقعی نیست. شـیعه باید خود را شـریک غم و شادی مؤمنین بداند و اگر مؤمنی نیازمنـد به انـدازه نیاز خود، دست به سوی مال او دراز کرد و بااندازه نیازش پول برداشت ناراحت نگردد. در غیر این صورت، مورد رضـایت امامان نیست. حضـرت موسـی به جعفرعلیه السـلام به یکی از شـیعیان خود به نام عاصم فرمود: شـما شـیعیان در رسـیدگی به یکدیگر و نیکی نمودن به یکدیگر چگونه هستید؟ عرض کرد: خیلی خوب هستیم! فرمود: آیا وقتی یکی از شـما احتیاج پیدا کرد و به منزل برادر دینی خود رفت و او را در خانه نیافت، دسـتور می دهد کیسه او را بیاورند تا باندازه احتیاجش از آن بردارد، و آیـا وقـتی صـاحب منزل فهمیـد، از این موضوع نـاراحت نمی شود؟ عرض کرد: نه مـا این چنین نیستیم فرمود: پس آن گونه نیستید که من دوست دارم".

بحارالانوار ج ۴۸، ص ۱۱۸.

برید عجلی گوید: در محضـر حضـرت باقرعلیه السلام بودیم. به حضرت عرض شد: یاران ما در کوفه بسیارند، اگر فرمان دهی از تو اطاعت خواهند کرد. فرمود: چنان هستند که کسی بدون اجازه آن ها از مالشان نیازمندی خود را برطرف

کنـد؟ گفتنـد: خیر! فرمود: آنان که از بذل مال دریغ کنند، در نثار جان تخیل ترند، سـپس فرمود: زمان قیام قائم دوران رفاقت فرا می رسد. مرد به سـراغ مال برادر خود رفته و حاجت خود را برآورده می کند و او مانعش نمی شود. بنابراین، یکی از مجله حوزه، سال ۷۱ – ۷۰، مهر – دی – ۱۳۷۴ ص ۳۰۶، به نقل از اختصاص شیخ مفید ص ۲۴.

صفات یاران حضرت مهدی (عج) ایثار و مواسات می باشد. و در زمان غیبت نیز باید آن گونه بود.

آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟

پرسش

آیا انحصار یاران حضرت مهدی (عج) به ۳۱۳ نفر یک نوع تبعیض نیست ؟

پاسخ

این که یاران حضرت مهدی ۳۱۳ نفر هسـتند مطلب صحیحی است ولی منظور یاران خاص وفرماندهان لشکرهای حضرت می باشـد، زیرا شـکی نیست که همه مومنین و مومنـات در آن زمـان از یـاران و یـاوران آن حضـرت می باشـند و حتی گروهی از مومنین زمان های گذشـته زنـده می شوند و در رکاب حضـرت برعلیه کفر مبارزه می نمایند به همین جهت در دعای عهد می خوانیم که خداوند ما را از کسانی قرار دهد که در رکاب حضـرت حضور داشته باشیم . افزون بر آن بیان واقعیت نباید موجب یاس و دلسردی بشود، بلکه منطقاً هر کس باید تلاش کند که خود را به حد اعلای کمالات برساند تادر ردیف یاران ویژه آن حضرت قرار گیرد.;

آیا یاران امام زمان (عج) فقط هنگام ظهور امام به یاری او می شتابند یا اینکه قبل از ظهور زمینه را برای ظهور آقا فراهم می سازند؟

پرسش

آیـا یاران امام زمان (عـج) فقط هنگام ظهور امام به یاری او می شـتابند یا اینکه قبل از ظهور زمینه را برای ظهور آقا فراهم می سازند؟

پاسخ

در روایت آمـده که افضـل الاعمال انتظار الفرج. از این روایت فهمیـده می شود که انتظار فرج یک نوع عمل است. در روایت نگفته که افضـل الحالات بلکه گفته افضل الاعمال اگر ما منتظر خورشـید و روشـنایی روز باشـیم در تاریکی نمی نشـینیم بلکه چراغ روشن می کنیم و یـا اگر بخواهیم کشـاورزی کنیم زمینی تهیه نموده و زمینه لازم را برای کشت مورد نظرمـان را فراهم

می کنیم. در مورد ظهور امام زمان (عج) نیز اینگونه است باید زمینه لازم برای ظهور ایشان باشد و برخی از آن زمینه ها باید در وجود مردم و بخصوص یاران حضرت فراهم باشد. اساساً جریان امور و سنت الهی به این گونه نبوده که کارها از طریق معجزه و از مجرای غیر طبیعی انجام شود. و ۱۲۴ هزار پیامبری که فرستاده شدند اینطور نبوده که با معجزه تمام کارهایشان حل شود. در مورد امام زمان (عج) نیز همین گونه خواهد بود. و اینطور نیست که با ظهور ایشان همه چیز به یکباره دگرگون شود بلکه باید زمینه هایی فراهم باشد و ایشان با استفاده از آن زمینه ها به اهداف عالی تر برای تکامل بشر دست پیدا کنند. در این میان یاران حضرت قبل از ظهور ایشان وظیفه مهمی بر عهده دارند که همان زمینه سازی برای ظهور ایشان می باشد.

از جمله وظایف مومنین در جهت زمینه سازی برای ظهور حضرت می توان در موارد ذیل برشمرد:

۱- گسترش عدل و

داد که در این زمینه حضرت امام می فرمایند: "ما منتظران مقدم مبارکش، مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی راه در این کشور ولی عصر (عج) حاکم کنیم" (۱)

۲- پیاده کردن احکام دین و اسلام و صدور این آرمان و پیام به کشورهای دیگر: چنانچه مقام معظم رهبری می فرمایند: هر چه شما بتوانید دایره این مقدار اسلامی که من و شما در ایران داریم، مبالغه نمی کنیم اسلام کامل البته نیست، اما بخشی از اسلام را این ملت توانسته است در ایران پیاده کند، همین مقدار از اسلام را هر چه شما بتوانید در آفاق دیگر عالم، در کشورهای دیگر، در نقاط تاریک و مظلم دیگر، گسترش دهید، همان مقدار به ظهور ولی امر و حجت عصر کمک کرده اید و نزدیک شده اید اگر بتوانید در درون خود و جامعه تان، جامعه انقلابی، تقوا و فضیلت و اخلاق و دینداری و زهد و نزدیکی معنوی به خود و خدا را در خود تأمین کنید پایه و قاعده ظهور ولی عصر (عج) را مستحکم تر کرده اید و هر چه بتوانید از لحاظ کمیت و کیفیت مقدار مسلمانان مؤمن و مخلص را افزایش دهید باز به امام و زمان ظهور ولی عصر، نزدیک تر شده اید. پس ما می توانیم قدم به قدم جامعه خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر (عج) نزدیک کنیم" (۲)

منابع و مآخذ:

۱ امام خمینی (ره) کلمات قصار و پندها و حکمت ها، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲- دیدگاهها، مصاحبه با آیت الله خامنه ای، صص۲۱۶-۲۱۷

آیا وجود سیصد و سیزده نفر فرد مؤمن برای یاری امام زمان برای ظهور ایشان کافی است؟

پرسش

آیا وجود

سیصد و سیزده نفر فرد مؤمن برای یاری امام زمان برای ظهور ایشان کافی است؟

پاسخ

این تصور، درست نیست که شرط ظهور امام زمان فقط این است که ۳۱۳ نفر یاور برای حضرت فراهم شوند؛ زیرا یکی از شرایط ظهور آن حضرت فراهم شدن ۳۱۳ یاور است اما شرایط دیگری هم وجود دارد مثلاً امام مهدی ع در حدیثی فرموده اند: «اگر شیعیان ما با هم متحد بودند و از گناهان دوری می کردند و... فیض حضور در کنار ما نصیبشان می شد و از دیدار مامحروم نمی شدند.» یکی دیگر از شرایط ظهور آن حضرت آمادگی جهانی است یعنی جهانیان تمام مکاتب غیر اسلامی را تجربه کنند و ببینند هیچ کدام نمی توانند مشکلات بشریت را حل کنند، بنابر این سرشان به سنگ بخورد و منتظر آمدن یک مرد الهی و آسمانی (امام زمان باشند تا وقتی آمدقدرش را بدانند و تنهایش نگذارند.

پس فراهم شدن ۳۱۳ یاور به تنهایی برای ظهور کافی نیست بلکه همه شرایط باید فراهم شود. اگر همه شرایط فراهم گردیده آن وقت امام ع ظهورمی کنند.

باید به این نکته نیز توجه داشت که ۳۱۳ یاور مخصوص امام ع ،افرادی اند که از نظر معنوی و اخلاقی بسیار بلند مرتبه هستند و به این دلیل لیاقت آن را پیدا کرده اند که جزء یاوران مخصوص امام مهدی ع باشند. بنابراین اگر کسی نتوانست جزو آنها باشد، به این معنا نیست که او آدم بدی است بلکه یاران مخصوص آن حضرت مقامات خیلی بلندی دارند. به عنوان مثال اگر در مدرسه بگویند هر کس نمره ۲۰ گرفت جایزه می گیرد، حال آیا افرادی که ۱۹ یا ۱۸ گرفته اند شاگردان

تنبلی هستند؟ خیر. در مورد یاروان امام ع هم اگر کسانی نتوانستند آن قدر خوب باشند که جزو ۳۱۳ یار امام ع باشند،نمی توان نتیجه گرفت پس آدم های بدی هستند.

در پایان شما گفته اید روحانی مدرسه شما با شما برخورد مناسبی نداشت و شما نتیجه گرفته اید که پس ما باید به هیچ کدام از روحانیان اعتماد نکنیم این گونه قضاوت کردن درست نیست آیا اگر یکی از دبیران شما به شمابی احترامی کرد، نتیجه می گیرید که پس تمام دبیران دنیا آدم های بدی هستند؟ هرگز. البته صرف نظر از این که برخورد آن روحانی با شما چه بوده است در میان روحانیان نیز انسان های ناسالمی وجود دارند؛ ولی این دلیل نمی شود که شما به همه بدبین شوید.

ظهور

علائم ونشانه های ظهور مهدی موعود (ع) چیست؟

پرسش

علائم ونشانه های ظهور مهدی موعود (ع) چیست؟

پاسخ

اگر تعداد روزه هایی که از انسان قضا شده، معلوم نباشد، قضای تعدادی که یقین دارد، واجب است، مثلاً اگر نمی داند روزه های قضایی او بیست یا سی روزه بوده، بر او قضای بیست روز واجب است.

اگر انسان در موقع انجام غسل، همراه با شستشوی سر و گردن از دست خود برای شستن سر و گردن استفاده کند، اشکالی دارد؟

پاسخ: انسان می تواند هنگام شستن اعضای بدن اعم از سر و گردن و طرف راست و طرف چپ از دست هایش برای رساندن آب به بدن استفاده کند و دست مالیدن به سر و گردن اشکالی ندارد.

نشانه های ظهور حضرت مهدی(ع) چیست؟

پاسخ: علائم و نشانه های ظهور را بر دو قسم تقسیم کرده اند: علائم حتمی و غیر حتمی.

یک سری علائم مربوط به وضعیت انسان ها در آخر الزمان است. علاماتی که وضعیت مردم آخر الزمان را ترسیم می کند و در روایات به آن ها اشاره یا تصریح شده، از این قبیل است: در آن زمان مردم به نماز اهمیت ندهند و به امانت ها خیانت کنند و انسان های گناهکار را بر خود حاکم گردانند و دروغگویی را حلال بشمارند و رشوه و ربا خواری فراوان شود. خانه ها را محکم بسازند و دین را به دنیا بفروشند و قطع رحم کنند. زنان، خود را شبیه مردان و مردان، خود را شبیه زنان کنند. فسق و فجور فراگیر شود و بهتان و گناه و طغیان فراوان شود. مسجدها زیبا ساخته شوند و قرآن ها زیبا چاپ شود. زنان با مردان در

کسب و تجارت شریک شوند. زنان با زنان به شهوت رانی و مردان با مردان هم

جنس بازی کننـد. فسق و فجور ظاهر و علنی شود و مؤمن سـکوت کند و کسـی حرف او را قبول نکند. جوانان، پیران را حقیر شمارند. لواط و زنا فراوان شود و مال فراوان برای فساد و منکرات خرج کنند. شـراب علناً نوشـیده شود و آمر به معروف، ذلیل و خوار شـمرده شود. راه فساد و گناه باز باشد و کسـی مانع آن نشود و راه خیر بسته شود. مردان از عقب خود و زنان از جلوی خود کـاسبی کننـد (خودفروشـی نماینـد) و از این راه درآمـد کسب کننـد. زنـان و دختران به آوازه خوانی بپردازنـد. حاکمان (کشورهای اسـلامی) به اهل کفر نزدیک شونـد و با آنان دوست شوند و از اهل خیر و ایمان دوری کنند و خویشاوندان با هم ازدواج کننـد (زنا کننـد) و زنان بر مردان غالب و حاکم شوند و از راه حرام کاسبی کنند و به مردانشان انفاق کنند. قمار ظاهر و علنی شود. زمـانی بیایـد که از صورت قرآن بـدشان بیآیـد، ولی از شـنیدن موسـیقی و ترانه لـذت ببرنـد و همسایه از همسایه بترسد از او ظلم ببیند. مردم زکات مال خویش نپردازند و هرج و مرج فراوان شود. زمانی بیاید که فرزند به پدر و مادر خویش نفرین کند و از مردن آنان خوشحال شود.(۱)

علامات دیگر: خروج سـفیانی از شام و حمله به مدینه و خسف (فرو رفتن) او در اطراف مدینه، خورشید گرفتگی در نیمه های ماه رمضان(روز سیزدهم و چهاردهم) قیام حسنی؛ فراگیر شدن آتش عظیمی در طرف مشرق؛ صیحه و ندای آسمانی.(۲)

پی نوشت ها:

۱ – با استفاده از بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶، به بعد، با تلخیص؛ منتهی الامال،

علامات آخرالزمان.

همان، از صفحه ۲۳۰ به بعد، منتهی الامال.

عوامل زمینه ساز

حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح«علیه السلام» ظهور نماید؟

پرسش

حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح«علیه السلام» ظهور نماید؟

پاسخ

۱. بعضی حرفها به عنوان احادیث مشهور ندارند امّا هرگز دقّت در کلام اصلی نشده است. جمله پیامبر اکرم«صلی الله علیه وآله» یا ائمه«علیهم السلام» خبر از یک واقعیّت محتوم است که می فرماید: «ثلاث الارض قسطاً و عداً بعد ما سلئت ظلماً و جوراً» آن موجود«علیه السلام» زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد. این خبر هرگز در مفهوم خود چنین چیزی ندارد که ما نیز عامل فساد باشیم. بلکه برعکس براساس آیات و روایات صریح جمعیتی از صالحین و مصلحین باید امام«علیه السلام» را یاری کنند و فاسدین مفسدین از مرد(۲۳) نابود می شوند. و در روایتی امام صادق«علیه السلام» تصریح می فرمایند که دوست ندارید در ۱۳ بقیه باشید؟ یعنی سعی کنید در بین آن صالحین باشید که هلاک نشوید.

۲. دستور به تبلیغ و کارهای سازنده جزء کارها بلکه تمام مقصد امام زمان«علیه السلام» است. قومی که مصلح را می طلبد باید خود صالح باشد. پس هیچ دلیلی ندارد که ما جزء پرکنندگان ظلم و ستم باشیم. زیرا هلاکت خود را به دست خود اجرا کرده ایم. و تازه مسئولیّت مسلمانان که پیرو موعودند«علیه السلام» بیشتر است.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا اصلاحات فرهنگی –اجتماعی در جهان کنونی قادر به زمینه سازی جامعه موعود می باشد ؟چگونه؟

پرسش

آیا اصلاحات فرهنگی –اجتماعی در جهان کنونی قادر به زمینه سازی جامعه موعود می باشد ؟چگونه؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال فوق باید گفت از برخی روایات این گونه بر می آید که هنگام ظهور حضرت حجت(عج)، دنیا پر از ظلم و ستم می شود. برای توضیح بیشتر به متن حدیث وتوضیحات ضروری راجع به آن اشاره می شود:

پیامبر اسلام(ص) فرمود: «ابشروا بالمهدی رجل من قریش یخرج فی اختلاف من الناس و زلزال، فیملا الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً ؛ به (حضرت) مهدی بشارت دهید که او شخصی از عترت من و از قریش است و در حالی که مردم در تزلزل و اختلاف به سر می برند، ظاهر می شود. آنگاه او زمین را از عدل و قسط پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است».۱

برخی از افراد بدون توجه به احادیث و آیات فراوان قرآن کریم، در تفسیر و توضیح این حدیث بیان می دارند که برای ظهور حضرت باید همه جوامع بشری، کشورها، شهرها، قریه ها و خانه ها از ظلم و فساد پر شود و حتی یک فرد صالح نیز باقی نماند تا پرشدن (کما ملئت ظلماً و جوراً) صدق کند؛ در حالی که با دقت در این حدیث شریف و با توجه به احادیث و دستورهای دیگر اسلام در قرآن، باید گفت هرگز نمی توان چنین معنایی را از حدیث فوق برداشت کرد؛ زیرا مراد از پرشدن، پرشدن نسبی است نه حقیقی! به عبارت دیگر، منظور، فراوانی ظلم وستم است. از این رو، از این حدیث و احادیث مشابه آن که بسیار هم

نقل شده۲، نمی توان نتیجه گرفت که مردم نیز باید برای تحقق ذیل حدیث به آشفته تر شدن جهان کمک کنند تا زمینه سازی ظهور حضرت صورت بگیرد. آری، مراد آن است که جهان در عصر ظهور، رو به وخامت می نهد.

نکته دیگر اینکه در مقابل، احادیث فراوانی داریم که گروهی در زمانهای مختلف با حرکتهای اصلاح گرانه در جوامع بشری، زمینه ساز ظهور حجت خواهند بود. این احادیث در برخی از کتب گردآمده است۳ که به یکی از آنها اشاره می گردد: صاحب کشف الغمه از پیامبر نقل می کنند که فرمود: «مردمی از مشرق خروج می کنند و برای حضرت مهدی زمینه سازی می کنند.»۴

علاوه بر این، از مسلمات دین اسلام است که بی توجهی درمقابل فسادها و ناسامانیهای اجتماعی با روح تعالیم اسلام ناسازگار است؛ از این رو زمینه سازی به مفهوم سکوت و بی توجهی نیست؛ بلکه به معنای تلاش و جدیت فراوان برای مقابله با اوضاع آشفته جهان است.

به نظر می رسد ظهور حضرت، زمانی است که جبهه حق و باطل در اوج تقابل هستند. ظالمان و ستمگران اکثر جهان را در احاطه خود دارند و به ظلم و ستم ادامه می دهند، و صالحان زمین نیز در عین مظلوم بودن به تلاش برای مقابله با این مسأله می پردازند. در واقع اصلاحات اجتماعی نه تنها زمینه ساز ظهور حضرت مهدی(عج است، بلکه از بدیهیات دین اسلام است که انسان در برابر ظلم و فساد و ... نباید سکوت کند.

دربارهء ظهور حضرت این نکته نیز اهمیت دارد که پرشدن جهان از ظلم و ستم، شرط ظهور حضرت نیست بلکه نشانه آن

است. شرط ظهور، آمادگی و لیاقت انسانهای متعدد منتظر است.

برای فراهم ساختن زمینه های ظهور حضرت حجت(عج) همهء مباحث و حقایق در واژه انتظار نهفته است؛ زیرا انسان منتظر تلاش می کند خود را در صفات و خصوصیات به منتظَر (کسی که انتظار او را می کشد) نزدیک کند. کسی که منتظِر مصلح است خود نیز باید صالح و مصلح باشد.

به تعبیر زیبای شهید مطهری، انتظار فرج، انتظاری سازنده و نگه دارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک بخش است؛ به گونه ای که خود نوعی عبادت و حق پرستی است.

در نتیجه صالح بودن و کمک به اصلاح جامعه یکی از مهم ترین زمینه های ظهور حضرت حجت خواهد بود.

لذا اصلاحات فرهنگی و اجتماعی نه تنها زمینه ساز ظهور حجت(عج) بوده بلکه از وظایف هر فردی است که می خواهد در گروه حضرت قرار گیرد منتظر مصلح خود نیز مصلح باشد.

علاوه بر اینکه اصلاح کردن جامعه و تربیت افراد باعث می شود که افراد در کنار حضرت و در مسیر اندیشه آن قطب عالم امکان، زیاد شود.

«اللهم عجل لولیک الفرج و اجعلنا من اعوانه و انصاره و الذابین عنه و المسارعین الیه و المستشهدین بین یدیه» انشاء الله.

پی نوشت ها:

۱. شیخ طوسی، الغیبه، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۷۹.

۲. در کتاب منتخب الاثر، ۱۲۳ حدیث در این باب نقل شده است. (ص ۲۵۰- ۲۴۷)

۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: کامل سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، ص ۱۰۳۴ الی ۱۰۶۲.

۴. کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۲۶۷؛ معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۳۸۷.

دنیا و مردم چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان ظهور کنند؟

پرسش

دنیا و

مردم چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان ظهور کنند؟

پاسخ

البته ما با شـرایط کنونی جهان امیدوار هستیم حضرت ظهور فرمایند و مستضعفان را از دست ستمگران نجات بدهند و تعدادی از نشانه های ظهور حضـرت مثل فراوانی ظلم و ستم و کثرت معاصی تحقق یافته و تعداد اندکی از نشانه های ظهور باقی مانده و ما امیـدوار هستیم و انتظار داریم که حضـرت هر چه زودتر ظهور کننـد ولی زمان ظهور امام زمان(عج) برای هیچ کس حتی شخص امـام(ع) نیز معلوم نیست و جزء مواردی است که فقـط علمش نزد خداونـد متعـال است و در این معنا روایات متعـددی داریم، در روایـات ما زمان ظهور حضـرت با زمان وقوع قیامت مقایسه شـده است؛ یعنی، همان گونه که علم زمان وقوع قیامت منحصـرا در اختیار حضـرت حق - جل و علا - است، علم زمان ظهور حضـرت نیز منحصرا در نزد خداوند متعال است، (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۰۷ به نقل از پیامبر گرامی اسـلام(ص) مشابه این روایت را از امام صادق(ع) در تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۱۳۷ ملاحظه فرمایید).

بنابراین کسـی حق ندارد، زمانی برای حضور حضرت تعیین کند، اما متأسفانه هر از گاهی شایعاتی از این دست با استناد دروغ به برخی افراد مـوجه درست می شـود. مهم شـناخت وظیفه است؛ مـا چه بکنیم که بتـوانیم به وظیفه خـود در زمـان غیبت عمل کنیم؟ و چه بکنیم به نزدیک تر شـدن زمان ظهور امام کمک کرده باشـیم؟ و چه بکنیم که اگر امام در زمان ما ظهور کرد، ما نیز جزء یاران و یاوران آن حضرت باشیم؟

روایات، وظیفه ما را در زمان

غیبت را معین فرموده انـد، انتظـار فرج و انتظار منجی. این انتظار حتما بایـد با ورع و عفت و صـلاح همراه باشـد. درروایات از انتظار فرج به عنوان برترین عبادت مؤمن در زمان غیبت نام برده شـده است، (کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، صـص ۶۴۷ – ۶۴۴، والشیعه والرجعه، محمدرضا الطیسی النجفی، ج ۱،صص ۲۰۰ و ۲۰۱، دارالکتب الاسلامیه).

روشن است که تـا زمینه قیام و ظهور آماده نشود، ظهور حضـرت نیز میسـر نیست و روایات ما به این نکته نیز اشاره دارنـد. این زمینه اولاً با کردارهای درست و به جا و خداپسـندانه شیعیان و هم پیمانی آنها در ایفای وظیفه الهی خود و ثانیا با دعای فراوان – از ته قلب و باخلوص نیت – حاصل می شود، (صـحیفه المهـدی، جواد قیومی اصـفهانی، دفتر انتشارات اسـلامی، ص ۳۵۰ و ۳۵۱).

پس همانگونه که زیادی ظلم و گناه در جامعه از شرایط و نشانه های ظهور است وجود یاورانی مخلص و مؤمن به عنوان یاران حضرت مهدی نیز جزو شرایط ظهور می باشد و ما مؤظف هستیم این شرط را محقق نماییم.

یکی از پرسشهایی که از ابتدای شکل گیری بحث مهدویت ذهن من را به خود مشغول ساخت، زمان پدیدار شدن آن تحول بزرگ جهانی به رهبری واپسـین حجت الاهی بقیه الله الاعظم – علیه السـلام – بود؛ گویا این پرسش حتی قبل از ولادت امام زمان(عج) همواره از دغدغه های ذهنی مردم به

پرسش

یکی از پرسـشهایی که از ابتدای شـکل گیری بحث مهدویت ذهن من را به خود مشغول ساخت، زمان پدیدار شدن آن تحول بزرگ جهـانی به رهبری واپسین حجت الاـهی بقیه الله الاعظم – علیه السـلام – بود؛ گویا این پرسـش حتی قبل از ولادت امام زمان(عج) همواره از دغدغه های ذهنی مردم به حساب می آمد، آن که زمان ظهور و قیام امام کی است؟

پاسخ

ائمه معصومین(ع) همواره در پاسخ به این پرسـش سـکوت اختیـار می کردنـد و علم آن را ویژه پروردگـار می دانسـتند؛ ولی کسـانی یافت شـده انـد که در جواب احساسات پاک منتظران به بیاناتی خلاف واقع روی آوردنـد. با سـیری کوتاه در بوسـتان معطر کلام ائمه اطهار(ع) می توان مضمون روایات مربوط به وقت ظهور حضرت مهدی(ع) را این گونه دسته بندی کرد:

۱. علم و آگاهی از زمان ظهور ویژه پروردگار متعال است.

۲. ممکن است این آگاهی با اراده الاهی در اختیار معصومان(ع) قرار گرفته باشد.

۳. همواره ائمه دین مردم را از تعیین وقت ظهور پرهیز داده، به تکذیب وقت گذاران امر کرده اند.

۴. وقت ظهور غیر قابل پیش بینی و امر ظهور ناگهانی خواهد بود.

۵. وقت ظهور هماننـد خود ظهور از اسـرار الاهی است؛ ولی در برخی روایات پاره ای از اسـرار و محـدوده های آن ذکر شـده

است.

۶. نحوه آگاه شدن خود حضرت به هنگام ظهور متفاوت ذکر شده است.

روایات دسته نخست که علم به زمان ظهور را ویژه خداوند دانسته، بسیار است. برای نمونه توجه به موارد زیر سودمند می نماید:

وقتی شاعر پرآوازه شیعه دعبل خزاعی در محضر هشتمین آفتاب آسمان ولایت شعری نیک خواند و سخن را با اشاره به قیام واپسین پیشوای شیعیان به پایان برد، سرشک از دیدگان آن

امام همام جاری شد و فرمود:« یا خزاعی نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین فهل تدری من هذا الامام و متی یقوم ؛ ای خُزاعی، گویا روح القدس از لبانت با این دوبیت سخن گفت. پس آیا می دانی این امام کیست و کی قیام خواهد کرد؟»

سپس حضرتش به معرفی امام منتظر پرداخت و این گونه ادامه داد: « وَ اَمَّا مَتی فَاِخْبارُهُ عَنِ الوَقتِ فَقَدْ حَدَثَنی اَبی عَنْ اَبیهِ عَنْ آبائِهِ(ع) اَنَّ النَبی صلی الله علیه و آله قیل له یا رسول متی یخرج القائم من ذریتک؟ فقال علیه السلام: مثله مثل الساعه التی «لا یَجَّلیها لِوَقْتِها اِلاَّ هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّمواتِ و الأَرضِ لا تَأتینَّکُم اِلَّابَغْتَهُ ؛۱و۲ و اما این که چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ پدرم از پدرش و ایشان از پدرانش نقل کرد که وقتی به پیامبر اکرم(ص) گفته شد قائم از فرزندانت تو کی ظهور خواهد کرد؟ آن حضرت در جواب فرمود: مثل ظهور او همانند ساعت(و قیامت) است که خداوند درباره آن فرمود: «هیچ کس جز او [نمی تواند] وقت آن را آشکار سازد. در آسمان ها و زمین، سنگین است.»

همین مطلب را آن امام غائب نیز این گونه یاد آور شده است: « وَ اَمَّا ظُهُوُر الفَرَجِ فَأَنَّهُ اِلی اللَّهِ تَعالی ذِکرُهُ وَ کَذِبَ الوَقّاتون. »۳

از این دو روایت و روایات دیگر در این باره به روشنی می توان دریافت که زمان آغاز ظهور یکی از اسرار الاهی است و دست اندیشه بشر از رسیدن به آن بسی کوتاه است. اما این که آیا در اختیار پیامبر و ائمه(ع) قرار گرفته است یا خیر؟ به نظر می رسد، حتی آن حضرات(ع) نیز

از علم دقیق زمـان ظهور بی اطلاع هسـتند. به دو دلیل: یکی همان فرمایش پیامبر اکرم(ص) که ساعت ظهور را هماننـد ساعت قیـامت از علوم ویژه خداونـد دانسـته، به آیه شـریف استشـهاد فرمود. با مراجعه به بخش پایانی آیه - « یَسْئَلُونَکَ کَاَنَکَ حَفیٌ عَنْهـا قُـلْ اِنَّمـا عِلْمُهاعِنْدَاللَّه؛ از تـو سؤال می کننـد، چنـان که گویـا تو از زمـان وقوع آن بـاخبری، بگو: علمش تنهـا نزد خـدا است{M» - می توان نتیجه گرفت آن پاکان نیز از علم دقیق زمان ظهور اطلاع نداشتند. افزون بر این، روایاتی بعداً مورد اشاره قرار گرفته چگونگی آگاه شـدن امام زمان(ع) از زمان ظهور را بیان کرده است. این خود می تواند دلیلی بر این نکته باشد که آن حضـرت به زمـان ظهـور آگـاه نیست. بـااین فرض که حتی ائمه معصومین(ع) از زمـان ظهور بی اطلاع بوده انـد می توان دریافت که چرا روایات فراوانی شیعیان را به تکذیب وقت گذاران توصیه فرموده است. برخی از این روایات عبارت است از:

۱. رحمان بن کثیر می گویـد: مِهزم بر حضـرت صادق(ع) وارد شد و گفت: فدایتان شوم مرا از زمان امری که منتظر آن هستیم [ظهور حضرت مهدی(عج)] خبر دهید. آن حضرت فرمود:« یا مِهزُم کَذِبَ الوَقاتُون ».۴

۲. فضـیل بن یسار از حضـرت باقر(ع) درباره زمان ظهور پرسـید. امام(ع) فرمود: کَذِبَ الوَقاتُون کَذِبَ الوَقاتُون کَذِبَ الوَقاتُون ».۵ از جمله ادله محکم بر نـامعلوم بودن وقت ظهور روایات فراوانی است که حادثه ظهور را ناگهان ذکر کرده است. برخی از این روایات چنین است.

الف) اصلاح شدن امر ظهور یک شبه است.

حوادث بزرگ نیازمنـد مقـدمات فراوانی است؛ امـا دربـاره بزرگ ترین حـادثه نظـام هستی و برقراری حکومت عـدل جهـانی خداوند تمام

قدرت خویش را به نمایش می گذارد و تمام مقدمات را در یک شب فراهم می آورد. علی(ع) فرمود: قالَ رَسوُل الله صلی الله علیه و آله: المَهْدیُ مِنَّا اَهْلَ البَیْتِ یُصْلِحُ اللهُ لَهُ اَمْرَهُ فی لَیْلَهٍ ؛ مهدی از ما اهل بیت(ع) است که خداوند امر[ظهور]ش را در یک شب اصلاح می فرماید.»۶

بی تردید فراهم شدن یک شبه و ناگهانی با تعیین وقت قبلی سازگار نیست.

ب) آمدن ناگهانی

همان طور که اشاره شد، ظهور حضرت مهدی در کلام پیامبر(ص) به قیامت تشبیه شده و در همان آیه مورد استشهاد، ناگهانی بودن از ویژگی های زمان رستاخیز است که خداوند می فرماید:«... لا تَأتیکُم اِلّا بغته؛ و جز به طور ناگهانی به سراغ شما نمی آید.{M»

ج) آمدن چون شهاب فروزان

از جمله تشبیهاتی که معصومان(ع) برای ظهور حضرت مهدی(عج) کرده اند، تشبیه ظهور حضرت مهدی به شهاب سنگ فروزان است. پر واضح است که آشکار شدن شهاب غیر قابل پیش بینی و ناگهانی خواهد بود. امام باقر(ع) پس از بیان غیبت حضرت مهدی(عج) فرمود: ثُمَ یَبْد وَ کَالشَهابِ الوَقادِ؛ سپس همانند شهابی آتشین آشکار خواهد شد.»۷ همین تشبیه از طرف پیامبر اکرم(ص) نیز به این بیان ذکر شده است:« فَعِنْدَ ذلک یَقبَلُ کَالشَّهابِ الثاقِبِ... ».۸

البته آنچه مورد اشاره قرار گرفت، بدان معنا نیست که هیچ یک از جزئیات زمان ظهور بیان نشده است. در روایات معصومان(ع) بخشی از مطالب زمان ظهور آشکارا ذکر گردیده است؛ برای مثال شماری از ویژگی های آن واقعه بزرگ چنین است:

۱. روز ظهور با جمعه مصادف خواهد بود.

مام صادق(ع) فرمود: « وَ یَخْرُجُ قائِمْنا اَهْلَ البَیتِ یَومَ الجمعه؛ ۹ قائم ما اهل بیت در روز جمعه ظهور خواهد کرد.»

۲. روز ظهور

با روز عاشورا مصادف خواهد بو.

امام باقر(ع) درباره عاشورا فرمود:«... وَ هـذا الیَوَمُ الـذی یَقُوُمُ فیهِ القائم ۱۰ «عـج»؛ و این روز [عاشورا] روزی است که قائم(ع) در آن قیام خواهد کرد».

۳. سال ظهور فرد است.

امـام صـادق(ع) فرمود: « لا ـیخرج القائم الا فی وَترٍ مِنَ السِنین ...۱۱؛ قـائم(عـج) ظهور نخواهـد کرد مگر در یکی از سال های فرد.»

البته جز موارد یاد شده محدوده های دیگری نیز برای زمان ظهور ذکر شده که هیچ یک به معنای تعیین زمان نیست.

اما این که خود حضرت مهدی(عج) چگونه از فرا رسیدن زمان ظهور آگاه می شود، بیانات متفاوت است. برخی بر این دلالت دارد که خداونـد بـا الهام بر قلب مقـدس آن حضـرت وی را از زمان ظهور آگاه می سازد.۱۲ براساس روایاتی دیگر، خداوند شمشـیر آن حضـرت را به زبان آورده، از آن طریق زمان ظهور را اعلام می دارد.۱۳ در روایاتی نیز آمـده است: پرچم و علمی که آن حضرت هنگام قیام در دست خواهد داشت به قدرت و اذن الاهی برافراشته شده، حضرت مهدی را از آغاز ظهور مطلع می سازد.۱۴ البته جمع بین همه این موارد نیز ممکن است.

در پایان ذکر این نکته خالی از لطف نخواهد بود که فلسفه مخفی بودن زمان ظهور را می توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. بـا مخفی بودن آن نوعی آزادی عمـل برای همگان پیـدا می شود. از سوی دیگر، چون وقت آن دقیقاً معلوم نیست و در هر زمانی محتمل است، نتیجه اش حالت آماده باش دائمی است که آثار تربیتی فراوان دارد؛ چرا که اگر تاریـخ تعیین می شد، هر گاه زمانش دور بود همگان در غفلت و غرور و بی خبری فرو می رفتند و هرگاه زمانش

نزدیک بود، ممکن بود آزادی عمل را از دست داده، اعمالشان جنبه اضطراری پیدا کند.

۲. از آن جا که یکی از حکمت های غیبت حضرت مهدی(ع) بیم از کشته شدن به دست دشمنان است، تعیین دقیق وقت ظهور با آن حکمت منافات خواهد داشت و یقیناً دشمنان برای نابودی آن حضرت آماده خواهند شد.

کوتاه سخن این که با معین بودن وقت دیگر انتظار معنایی نخواهد داشت.

پی نوشت:

۱. اعراف(۷):۱۸۷.

۲. عیون اخبار الرضا(ع)، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۶۶.

۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۰.

۴. الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸؛ کتاب الغیبه، ص ۴۲۵.

۶. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۲.

۷. کتاب الغیبه، ص ۱۵۹، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۴.

۸. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

۹، الخصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۹۴.

۱۰. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۳۰۰.

۱۱. روضه الواعظین، محمدبن حسن فتال نیشابوری، ص ۲۶۳؛ کتاب الغیبه، ۴۵۳.

۱۲. ر.ک: رجال کشی، محمد بن عمرکشی، ص ۱۹۲؛ کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

۱۳. ر.ک: کفایه الاثر، علی بن محمد خزاز قمی، ص ۲۶۶؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۵.

۱۴. ر.ک: الخرایج و الجرایع، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص ۵۵۰؛ عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۶۳.

بعد از ظهور اسلام خطوط کلّی برای روز موعود چگونه ترسیم شد؟

پرسش

بعد از ظهور اسلام خطوط کلّی برای روز موعود چگونه ترسیم شد؟

پاسخ

پاسخ این سؤال را با ذکر مقدماتی خواهیم داد:

۱ - اسلام کامل ترین طرح را برای تطبیق حکومت عدل جهانی توحیدی در پایان تاریخ داده است؛ زیرا اسلام آخرین شریعت آسمانی است. واز طرفی دیگر دعوت اسلام جهانی است. بشر قبل از اسلام از آنجا که فهم ودرکش به این حدّ نرسیده بود که این طرح کامل را بفهمد ودرک نماید لذا به دوره ظهور اسلام واگذار شد. موقعی پیامبر اسلام (ص) طرح حکومت عدل جهانی را داده است که بشر به این سطح عقلی وفرهنگی رسیده بود تا این طرح جامع را احساس کرده ودرک کند.

۲ - پیامبر اسلام (ص) وامامان معصوم: بعد از او وبسیاری از صحابه در اخبار، از این طرح وبشارت آن به مردم سهم بسزایی داشته اند؛ زیرا آنها حاملان اصلی این طرح هستند. این بزرگواران تمام سعی وتلاش خود را به کار گرفته وبرای آمادگی ذهنی مردم از راه های مختلف این موضوع مهم را تثبیت نمودند، از قبیل:

الف. خبر دادن از تحقق هدف بزرگ خلقت هنگام تحقق حکومت عدل جهانی.

ب. تأکید بر اینکه رهبر این حکومت امامی معصوم از ذریه رسول خدا (ص) است.

ج. خبر از وقوع ظلم وبیدادی که قبل از ظهور در عالم گسترش خواهد یافت.

۳ - خود امام مهدی (ع) نیز در آماده سازی مردم برای پذیرش این امر مهم سهم بسزایی داشته وبا پیامبر وامامان قبل از خود تشریک مساعی کرده است، از قبیل:

الف. اقامه دلیل بر ولادت ووجودش با تکرار ملاقات ها با مردم.

ب. بیان طرح کامل برای غیبت وظهورش.

موضوع: دفاع از مهدویت

چه عواملی زمینه ساز حکومت واحد جهانی است؟

پرسش

چه عواملی زمینه ساز حکومت واحد جهانی است؟

پاسخ

ممکن است گفته شود با توجه به تشتّت آرا واختلاف مذاهب وتنوع حکومت ها وناسازگاری آنها نسبت به یکدیگر، تشکیل حکومت واحد جهانی ممکن به نظر نمی رسد؛ چگونه می توان همه میلت ها را تحت حکومت واحدی جمع کرد. نه تنها تشکیل حکومت واحد جهانی ممکن ومیسور است، بلکه امری حتمی ولازم به نظر می رسد وعلل وعوامل زیادی در زمینه سازی آن دخیل می باشند:

۱ – خطر جنگ وخونریزی که همواره مانند کابوس وحشتناکی بر سر جوامع انسانی سایه افکنده، تنها با وحدت حکومت در سطح جهان ویکپارچگی همه امت ها برطرف می شود.

۲ – به تصریح دانشمندان "تضاد منافع" ریشه اصلی واوّلی برخوردهای خونین وپیکارهای سهمگین حکومت ها با یکدیگر است. حال اگر بدانیم که شعار حکومت حضرت، عدل وانصاف برای کلّ جامعه بشری است، همگی به سوی حکومت عدل جهانی سوق داده می شوند.

۳ – یکی دیگر از عوامل تشکیل حکومت جهانی، تکامل عقول وادراکات بشر است که به نوبه خود می تواند زمینه ساز حکومت جهانی گردد؛ زیرا بشر هم از ناحیه خود در راه حرکت به سوی کمال وترقّی وتکامل عقلانی است وهم در هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) به کمال نهایی خود نایل می گردد، ولذا می توانند با یکدیگر تألّف کرده وبه حکومت جهانی تن دهند، زیرا همه تعارض وتزاحم ها از ناحیه کم عقلی وجهل وکم خردی است.

ظرفیت کلّی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

پرسش

ظرفیت کلّی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

پاسخ

شکی نیست که هر کار اجتماعی احتیاج به آماده کردن ظرفیت های مناسب دارد. در مورد ظهور منجی کل بشری که پدیده اجتماعی عظیمی است احتیاج به تحقق مقدمات وشرایط خاصی است؛

۱ – پیشرفت دینی در میان امت اسلامی ولو در طبقه خاصی از آنها.

۲ – گسترش انحراف عمومی در بین مردم.

۳ – گسترش ظلم وفساد در سطح عموم ودر نتیجه دور شدن مردم از دین ومتابعت از هوای نفس.

۴ – پیشرفت بشر در صنعت وتکنولوژی.

۵ – آماده شدن یاران خاص حضرت برای نصرت ویاری او.

آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟

پرسش

آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟

پاسخ

یکی از نشانه های آغاز انقلاب امام زمان، فراگیری ظلم و جور در جهان است و این مطلب را از دو راه می توان ثابت کرد.

۱– پیامبر گرامی فراگیری ظلم و جور را، نشانه آغاز انقلاب دانسته و در حدیثی که محدثان اسلامی نقل کرده اند، فرموده است:

«یملا الارض قسطاً و عدلا کما مُلئت ظُلما وجورا»

[زمین را پر از قسط و عدل می کند، چنان که از ظلم و جور پر گردد]

فرهنگ نویسان زبان عرب می نویسند: تجاوز به حقوق دیگران و اختصاص دادن آن به خویش، «ظلم» است. و محکم کردن پایه های حکومت از طریق مسلط کردن گروهی بر جان و مال مردم و اشاعه تبعیض، «جور» است. هرگاه چنین تفسیری برای این دو لفظ درست باشد، قهراً قسط نقطه مقابل ظلم، و عدل نقطه مقابل جور، خواهد بود. بنابراین فراگیری فساد از نظر احادیث اسلامی، یکی از نشانه های انقلاب حضرت مهدی است.

۲– فشار و اختناق هرگاه از حدّ بگذرد، مایه انفجار می گردد. انفجارهای اجتماعی، مانند انفجار های مکانیکی است که در درجه معینی از فشار، انفجار رخ می دهد. و در حقیقت گسترش فساد به وسیله ضحا کان زمان، انقلاب را نزدیکتر می کند، و در نتیجه بذر های انقلاب را آبیاری می نماید، تا لحظه ای که بحران به اوج خود برسد و انقلاب صورت پذیرد. با توجه به این دو مطلب، در این جا سؤالی مطرح می گردد که: اگر فساد و بحران، مایه تحقق انقلاب های بنیادی است، پس وظیفه ما در زمان غیبت امام، دامن زدن به فساد و کوشش در گسترش آن است. در غیر این

صورت، با دست خود انقلاب الهی را به عقب انداخته و خود را در یک زندگی نامطلوب حس خواهیم کرد.

اکنون به تجزیه و تحلیل این اشکال که به دست و پای برخی از جوانان ما پیچیده است می پردازیم در اینجا دو پاسخ داریم که هرکدام می تواند اساس اشکال را از بین ببرد.

۱ گسترش فساد کافی نیست بلکه آگاهی نیز لازم است.

پایه اشکال را یک مطلب تشکیل می دهد و آن این که تصور شده است، که تنها گسترش فساد به اوج رسیدن بحران در تحقق انقلاب کافی است، در صورتی که در کنار گسترش فساد، شرط اساسی تری لازم است که بدون آن انقلاب رخ نمی دهد، و آن شرط عبارت است از: آمادگی مردم برای انقلاب، از طریق بالا ـ رفتن سطح آگاهی و هوشیاری در گروههای مختلف.

مقصود از بالا ـ رفتن سطح آگاهی، این است که انسان ها، به موقعیت و ارج وجود خود پی ببرند، و تحمل ظلم و فساد را زندگی ننگین و مرگباری تلقی کنند که شایسته مقام انسان نیست. آنگاه با ارزیابی شرایط و امکانات خود، و ستم قدرت های طاغوتی، بذر انقلاب را در سرزمین مستعد و آماده بپاشند و با طرق گوناگون، در آبیاری آن بکوشند. ناگفته پیداست، تا زمانی که در توده ها چنین آگاهی پدید نیاید، و انسانها بر ارزش خود واقف نگردند، و امکانات خود و طرف را درست نسنجند، انقلاب کوری رخ می دهد که نمی تواند، مصالح مردم را تضمین کند.

به عبارت روشن تر: برای تحقق یک انقلاب، تنها گسترش فساد و یا وجود یک رهبر لایق کافی نیست، بلکه علاوه بر این، آمادگی روحی و فکری لازم است که مردم در موقع

مناسب بهای انقلاب را که همان ایثارگری و شهادت در راه هدف است، بپردازند. در غیر این صورت، سستی و تنبلی و اکتفا به وضع موجود، در روح جامعه لانه می گزینـد، و اندیشه انقلاب به ذهن آنان راه پیدا نمی کند. و با تمسک به منطق «موسی به دین خود، عیسی به دین خود»، و یا «هر کس بایـد گلیم خود را از آب بیرون ببرد»، «من چه کـار به کـار دیگران دارم» و امثال این جملات، وضع موجود را که توأم با یک نوع راحت طلبی است، بر قیام و انقلاب و تحمّل زنـدان و شکنجه و قتل و اعدام ترجیح می دهد.

باید توجه نمود که مدت هاست که فساد، جهان را فرا گرفته است. فساد ابر قدرت ها در بسیاری از مناطق جهان –بویژه آفریقا و آسیا– به شدیدترین وضع رسیده است. از روزی که غرب، اندیشه تسلط بر شرق را در سر پرورانده، هر روز در نقاط مختلف جهان، بر مظالم خود افزوده و میلیون ها نفر را در بند کشیده است. تنها بررسی وضع کشورهای استعمارزده افریقا و جنوب آسیا سند روشن و گویایی بر این مطلب است.

۲- پرورش یک نیروی مهیای منتظر

برای تحقق قیام حضرت مهدی علیه السلام، یک ارتش مهیّا و نیروی ضربتی کارآمد لازم است که پشت سر امام علیه السلام ایستاده و گوش به فرمان او باشد. از این جهت بایـد در جهنم سوزان ظلم و جور و فساد و تبعیض، افراد فداکاری پرورش یابند، تا پیام آور بهار عدالت باشند این گروه باید به نیروی ایمان و تقوا مجهز گردند، و جانباز و فداکار باشند. تربیت چنین افرادی، بر عهده مصلحان دلسوز است که در

هر زمان برای تربیت این گونه افراد، همت گمارنـد و آنی از این کار غفلت نورزند. بنابراین هرگز نمی توان به این دلیل واهی که فساد مایه انفجار و انقلاب است، از کارهای اصلاحی که منجر به تربیت چنین افرادی گردد، سر باز زد.

از همه اینها گذشته، ما بایـد موقعیت خود را در زمینه قیام مهـدی عجل الله تعالی فرجه مشـخص کنیم. بـدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه برای درهم کوبیدن آنها صورت می گیرد. و اگر درصـدد اصـلاح جـامعه باشـیم، از کسـانی خواهیم بود که در زمره اصـحاب فـداکار حضـرتش عضویت خواهند داشت. بنابراین به فرض اینکه با کمک کردن به توسعه فساد، ظهور امام مهدی صلوات الله علیه را به پیش بیندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته ایم. مگر نه این است که حضـرت بقیهالله علیه السلام برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن ظلم و فساد قیام می کند؟ ما چگونه می توانیم با گسترش فساد، از قیام آن بزرگوار بهره مند شویم؟

بنـابراین سـکوت در برابر فسـاد، و یـا کمـک به توسـعه فسـاد، نه از لحاظ کلی برای ظهور مهـدی موعود عجل الله تعالی فرجه صحیح است، نه از نظر شخصی.

بیشتر بنظر می رسد که این اشکال و مغلطه کاری را کسانی درست کرده اند که می خواهند ا ز زیر بار مسئولیتها فرار کنند، و یا آلوده هر فسادی شوند.

بطور خلاصه، گسترش فساد و ظلم، اگر منجربه «انظلام» -یعنی پذیرش ظلم و ستم- بشود، هیچ گاه زمینه قیام علیه آن نخواهد شد. بلکه تنها در صورتی مفید است که مقدمه مبارزه در جهت تحقق عدالت

و نیکی باشـد. بـدیهی است که این مقـدمه نیز هیچگاه عملی نخواهـد شد، مگر زمانی که مردم، بدی ظلم را بدانند. و در برابر آن، مظاهر صلاح و تقوای فردی و اجتماعی را نیز بشناسند. و تنها راه این شناخت، دعوت مردم به سمت صلاح و تقوی است.

از سوی دیگر، در احادیثی که پیامبر و ائمه اطهار علیه السـلام وظایف منتظران را معین کرده اند، همه جا سخن از تقوی، ورع، عفاف، صلاح، سداد، دوری از گناه و قرب به خداست. به عنوان نمونه، امام صادق علیه السلام فرمود:

«من سـره ان یکون من اصـحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر. فان مات وقام القائم بعـده، کان له من الأجر مثل أجر من أدرکه. فجدوا وانتظروا هنیئاً لکم ایتها العصابه المرحومه» (بحارالانوار، ۵۲/۱۴۰، به نقل از غیبت نعمانی)

[هر کس خوشـنود می شود که از اصـحاب قائم علیه السلام باشد، پس باید منتظر باشد، و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که منتظر است. اگر چنین شخصـی، پیش از ظهور حضـرتش بمیرد، اجر او مانند کسـی است که زمان ظهور آن حضرت را درک کرده است. پس (در جهت نیکی ها) بکوشید و منتظر باشید. (این انتظار) گوارا باد بر شما ای گروه رحمت شده].

علمـای گذشـته مـا، دربـاره وظـایف و تکـالیف منتظران در زمـان غیبت، کتابهـائی مسـتقل نوشـته یـا فصـولی از کتب خـود را اختصاص داده انـد. ماننـد:«نجم الثاقب» تالیف مرحوم حاج میرزاحسـین نوری (متوفی ۱۳۲۷)، «مکیـال المکارم» تالیف مرحوم میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (متوفی ۱۳۴۸)، «وظیفه مردم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام» تالیف همان بزرگوار.

در این کتابها و مشابه آنها که تنها بر اساس روایات

معصومین علیهم السلام نوشته شده، هیچگاه «پر کردن جهان از ظلم» به عنوان وظیفه منتظر در زمان غیب یاد نشده است.

در واقع، هیچ عاقلی پیدا نمی شود که با الفبای کلام معصوم آشنا بوده و چنین عقیده ای داشته باشد. مگر اینکه مانند گروهکهای چپگرای از عقل بیگانه باشد، که این سخن را بعنوان وسیله سرکوب بعضی گروهها بکار برد.

چه کارها و وظایفی را ما باید در زمان غیبت حضـرت ولی عصـر (عج) انجام دهیم تا زمینه را برای ظهور ایشان فراهم کنیم و همچنین یکی از یاران ایشان باشیم توضیحات دقیق و روشن بفرمایید . در مورد بحث رجعت و عصر امام زمان و اتفاقاتی که زمینه را برای ظهور ایشان فراهم می

پرسش

چه کارها و وظایفی را ما باید در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) انجام دهیم تا زمینه را برای ظهور ایشان فراهم کنیم و همچنین یکی از یاران ایشان باشیم توضیحات دقیق و روشن بفرمایید . در مورد بحث رجعت و عصر امام زمان و اتفاقاتی که زمینه را برای ظهور ایشان فراهم می کند بطور مفصل توضیح دهید ؟

پاسخ

معرفت و شناخت آنحضرت با رجوع به کتابهای زندگی و سیره معصومین .و انتظار فرج ظهور آنحضرت. از جمله بزرگترین عبادات بر شمرده شده و اتباع و پیروی از سلسه فقاهت و ولایت در رأس وظایف ماست .بهترین قدم تشکیل یک حکومت اسلامی است تا در سایه آن کسانی که مشتاقند به رشد آزادی دست یابند و بتوانند در سایه برنامه های جامع یک حکومت همه بسوی آنچه شایسته یک انتظار صحیح است قدم بردارند. شکر خداوند که این نعمت بدست توانای امام خمینی (زه) در اختیار ماست . پس همینکه تحت تعالیم مقام معظم رهبری در راه خودسازی وسازندگی کشور تلاش کنیم کاریست که ما در حال حاضر قادر به انجام آن هستیم .

امام صادق علیه السلام می فرمایند: ما را دولتی است که هرگاه خداوند بخواهد آن را بیاورد . هرکس مشتاق است که از یاران قائم ما باشد باید منتظر او باشد وپرهیزگاری پیشه کند ودارای اخلاق نیکو باشد وبدین گونه انتظار آن روز کشد.اگر در این حالت بمیرد وبعد از مرگ او قائم قیام کند ثواب کسی دارد که آن حضرت را درک کرده است . پس سعی کنید ومنتظر باشید . خوش بحال شما مردی که خداوند شما را

مشمول رحمت خود کرده است .

هرکس میخواهد یار آن بزرگوار باشد باید دوست عقاید ، یار و همنشین فضایل ورفتار پسندیده ای باشد که آنحضرت را خشنود سازد. هرگاه ما بدرستی احکام دینمان را بشناسیم وبه صداقت باورهای قلبمان اخلاق و رفتار پسندیده در زندگی پیش بگیریم وخالصانه در راه فقط بندگی خدا قدم برداریم مطمئناً به بهترین وجه وظایفمان را انجام داده ایم. هرکس در حد توان وقوت واستطاعتی که در شخصیت خود می بیند باید با برنامه های واقعی ومطابق روز در این راه گام بردارد. شخصی همچون امام خمینی توانمندی وتقوایش در حدی است که تشکیل حکومت اسلامی را برای خود وظیفه وتکلیف الهی برشمرده است وشخصی مثل ما که همچون کودکان مدرسه دین وعمل هستیم باید در پیرامون خانه وخانواده خویش به رفتارهایی که در بالا ذکر شد روی آوریم. از هر گونه تندروی باید بپرهیزیم همانطور که از کندروی. باید متعادل وهدفمند وپیوسته به فکر وذکر باشیم. بامطالعه بیشتر بر آگاهیمان بیفزائیم. آگاهی بیشتر آدمی را به رفتار صحیح تر رهنمون میسازد.

طبق آیات قرآن وتأویل آن در احادیث معصومین (ع) موضوعی وجود دارد که البته در تاریخ زندگی انبیاء بارها به آن برخورده ایم ، موضوعی بنام « رجعت یا ایاب » مأمون از امام رضا (ع) پرسید : ای ابوالحسن درباره رجعت چه می گویی ؟ حضرت فرمودند : مسأله ای است حق که در امتهای پیشین هم اتفاق افتاده وقرآن درباره آن سخن می گوید. [بحار ج۵۳ ص۵۹]

بنا بر روایات وتأویلات قرآنی گروهی از مردم به امر خدا از عالم برزخ به این دنیا برمی

گردند (به همان آسانی که به آن عالم رفتند) چنانکه حضرت عیسی (ع) مرده را به امر خدا زنده می نمود وحضرت ابراهیم (ع) برای رسیدن به اطمینان قلبی بیشتر از خدا خواست تا نشان دهد چگونه پیکر متفرق شده مردگان را در قیامت ، آناً گرد هم می آورد. رجعت از عقاید حقه شیعه است که به قول نویسنده کتاب الانوار النعمانیه (میرنعمت الله جزایری) نزدیک به ششصد نصّ دینی اعم از آیه و روایت ودعا وزیارت درباره رجعت وجود دارد والبته که خاص عقاید شیعیان است (چطور کسانی به امامت قائل نباشند آنگاه به رجعت قائل باشند؟ مثل سایر فرق اسلامی)

در آیه ۱۱ سوره مؤمن آمده است که گروهی به خدا می گویند : « خدایا ما را دوباره میراندی ودوباره زنده کردی » حضرت امام باقر علیه السلام در این باره می فرمایند این سخن خدای تعالی در این آیه مخصوص اقوامی است که پس از مرگشان در رجعت واقع می شوند. (به نقل ازکتاب ۶۶۶پرسش و پاسخ از محضر علامه طباطبائی)

بعد از شهادت حضرت مهدی (عج) اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام وبعد رسولخدا (ص) وبعد باقی ائمه رجوع می نمایند وبرمردم جهان امامت وحکومت می نمایند. به نقل ازکتاب درمحضر استاد علامه طباطبائی)

واما قبل از ظهور ، امام محمد باقر (ع) می فرماید : هرگاه دیدی که حق از میان رفت واهل حق رفتند ، ظلم همه جا را گرفت ، دست در قرآن بردند وچیزهایی را که در آن نبوده داخل آن کردند واز

ورای هوای نفس آن را توجیه نمودند ، دین تغییر پیدا کرد، مردان به مردان وزنان به زنان اکتفا کردند ، کوچک ، بزرگ را مسخره می کند ، پیوند خویشاوندی را بریده اند ، مردم اموال خود را در راه غیر خدا بذل می کنند، انواع شراب بطور آشکار نوشیده می شود ، راه هرگونه خیر بسته شده وراه اعمال شر باز است ، حج خانه خدا تعطیل شده ومردم را به ترک آن وامی دارند ورمدم آنچه را که می گویند عمل نمی کنند ، زنان مانند مردان مجلس ها را می گیرند ، به مردها پول می دهند تا با آنها عمل نامشروع کنند ، زن به شوهر خود رشوه می دهد تا آزاد باشد ، مردم با شاهد دروغ به دیگران تعدی می کنند حرام حلال گشته ، مردم در ارتکاب گناهان جری شده انمد ، والیان در راه اجرای احکام رشوه می خواهند ، شنیدن تلاوت قرآن بر مردم گران وشنیده سخنان باطل وبیهوده برای مردم آسان است ، بی احترامی به پدر ومادر آشکار شده ومقام آنها را سبک می شمارند و۰۰۰ خودرا نگاه دار ونجات از این مهلکه ها را از خداوند بخواه . بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کداند. [به نقل از بحارالانوار ج۱۳]

البته باید توجه کنیم که این احادیث فقط اوضاع جهان را برای ما که می خوانیم ، بیان نکرده بلکه اگر در کشورهای اسلامی ونیز سایر کشورها بنگرید بوضوح این علامات را می بینیم وخدا را شکر که ما در ایران اسلامی در اندیشه یاری مصلح جهانیم.

چند علامت

نقل شـده که از نشانه های حتمی ظهور است که در همان سال ظهور واقع می شود . امام محمـدباقر (ع) می فرمایند : پیشاپیش این امر گرفتن ماه پنـج روز مانده به آخر ماه و گرفتن خورشـید در نیمه ماه اتفاق می افتد واین در ماه مبارک رمضان است. در چنین حالتی است که محاسـبات سـتاره شناسـی از بین می رود بهم می خورد . [کتاب غیبت نعمانی ص۲۷۲] (توضیح اینکه چنین حالتی در مطالعات نجومی با این شـرایط گردش ماه وخورشید ، رخ نمی دهد مگر به علت بهم خوردن نظم در حرکات آنها) امام صادق علیه السـلام می فرماینـد نـدا از آسـمان از مسائل قطعی است . آمدن شخصـی بنام سـفیانی حتمی است . فرو برده شـدن (عـده ای جنایتکـار) در بیـداء قطعی است . یمانی حتمی است . [نقل از غیبت نعمانی ۲۵۲و۲۵۷] (توضیح اینکه سفیانی فردی است پلید که بر ضد جبهه حق لشـکر کشـی می کند ونسبش به ابوسفیان مشرک صدر اسلام برمی گردد. یمانی فردی است که به صراط مستقیم دعوت می نماید وقیام می کند.)

امام سـجاد علیه السـلام می فرمایند : دوران غیبت بر دوازدهمین وصـی رسول خد ا از ائمه پس از او طولانی خواهد شد . اهل دین زمـان .که معتقـد به امـامت او و منتظر ظهورش هسـتند برترین مردمـان همه روزگاراننـد . زیرا خداونـد متعـال عقـل وفهم ومعرفتی به آنها عطا می فرماید که شـرایط غیبت در چشـمشان چون زمان حضور می گردد وبه مجاهدان پیکارگری می مانند که در پیش روی رسول خدا

با شمشیر نبرد می کنند . آنها مخلصان واقعی وشیعیان راستین ودعوت کنندگان به دین خدا در پنهان و آشکارند. [به نقل از اکمال الدین ج۱ ب۳۱ ج۲]

ضمناً می توانید به کتب زیر مراجعه نمائید:

امام مهدی (عج) از ولادت تا ظهورسیدمحمد کاظم قزوینی

معصوم چهاردهمجواد فاضل

خصائص مهدی (عج) محمداجی

پادشه خوبانسیدعباس موسوی

معرفت امام عصر (عج)سیدمحمد بنی هاشمی

ملاقات با طاووس بهشترحمت الله ابراهیمی

نشانه های یار وچکامه انتظارمهدی علیزاده

سحر نزدیک استزینب پورحیدری

۱– بهترین عمل فردی در دوران غیبت برای پیش انداختن وتعجیل فرج امام زمان«علیه السلام » کدام است ؟ بهترین عمل جمعی ؟

پرسش

۱– بهترین عمل فردی در دوران غیبت برای پیش انداختن وتعجیل فرج امام زمان«علیه السلام » کدام است ؟ بهترین عمل جمعی ؟

پاسخ

– اولاـ در اصلاح نفوس خودمان بکوشیم و به اخلاق نیک آراسته شویم و به وظایف فردی خودمان عمل کنیم و احکام و دستورات قرآن را به کار ببندیم طهارت و پاکدامنی یعنی : در اثر نگاه داشتن نفس از شهوات حرام روح طاهر و پاک گردد به این معنا که هر گاه نفس خواست سرکش شود و به طرف محرمات روی آورد باید در مقابل او مقاومت نمود و خود را حفظ کرد، چنانکه حضرت امیر المومنین« علیه السلام » می فرماید : { الصبر علی الشهوت عفّه } یعنی : «مقاومت در برابر شهوتها عفت و پاکدامنی است »

کلید سعادت و خوشبختی عبارت است :

۱- تقوی و تزکیه نفس مهمترین دستوروعمل برای رسیدن به هدف متعالی تحصیل تقوی و تزکیه نفس است، که تمامی انبیاء علیه السلام » برای عملی ساختن آن در میان امتها فرستاده شدند ، چنانکه قرآن می فرمایند: « پروردگارا در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیزتا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و تزکیه شان کند. زیرا؛ تو توانا و حکیم هستی .

در محضر پروردگار هر گاه انسان حقیقتا دانست که خداوند متعال حاضر و ناضر او است و در هر لحظه در منظر دید خداوند و در محضر پروردگار قرار دارد تمام کردار و گفتارش در جهت صحیح قرار می گیرد .

۳- توجه به حیات ابدی . بدان زندگی در دنیا همانند راهی است که حتما

از آن عبور خواهد کرد و بعد از آن وارد منازل و عقبه هائی خواهد شد که مقدمه برای حیات ابدی توست.

۴- نماز و عبادت

۵- کنترل فکر

۶- ازدواج

۷- اهمیت دادن به محیط خانواده

۸- دوری از گناه

۹- حفظ حجاب

۱۰ – مرابطه و توسل

منابع :

۱-سیمای آفتاب ,حبیب الله طاهری

۲- قص الظهور ,قاسم میرخلف زاده

۳- خورشید غایب ,رضا استادی

۴-خورشید مغرب ,محمد رضا حکیمی

۲-آیا وقتی آقا ظهور کنند تمام دنیا را فساد گرفته است یا نه ،همه انسانها منتظر واقعی اند ؟

پرسش

۲-آیا وقتی آقا ظهور کنند تمام دنیا را فساد گرفته است یا نه ،همه انسانها منتظر واقعی اند ؟

پاسخ

ج۲- باید بدانیم که برای ظهور مهدی «عج» زمینه سازی لازم است و اگر زمینه و شرایط مناسب باشد امام زمان « علیه السلام » حتما از پس پرده غیبت خارج شده و در میان مردم ظاهر خواهد شد ، در روایت اسلامی این مطلب به وضوح بیان شده که سبب محرومیت از دیدار امام زمان«علیه السلام» خود مردم هستند.

و اینکه همه منتظر واقعی نیستند،منتظر واقعی هستند ولی تعداد آنها محدود است و این افراد در اطراف جهان پراکنده هستند و

باید منتظر آقا باشیم.

انتظار یعنی : استقامت و پایداری و مبارزه با طاغوت و تواضع در برابر حق و تکبر در برابر باطل ،کسی ازامام صادق « علیه السلام » پرسید چه می گویید در باره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود .

امام در پاسخ فرمودند؛ او همانندکسی است که با قائم در خیمه او بوده است، سپس کمی سکوت کرد و فرمود ؛ مانند کسی است که با پیامبر اسلام در مبارزاش همراه بوده است .

یکی از نشانه های ظهور این است ،که ظلم و ستم خونریزی و آدم کشی همه جا را فرا گرفته , قرآن فرسوده و بدعتها از روی هوی و هوس در مفاهیم آن آمده است.

۳- آیین خدا عملا بی محتوی شده همانند ،ظرفی که آن را واژگون سازند

۴- اهل باطل بر اهل حق پیشی بگیرند.

۵- مردان به مردان و زنان به زنان قناعت

کنند.

۶- افراد به ظاهر با ایمان سکوت اختیار کنند.

۷- کوچکترها احترام بزرگترها را رعایت نکنند.

۸- پیوند خویشاوندی و نری بریده شود.

۹- آشکارا شراب نوشیده شود.

آنچه گفته شددر ضمن یک روایت بیان شده که این موارد ترجمه برخی از جملات حدیث است.

این است جو حاکم قبل از ظهور وقتی زمانه به اینجا رسید و مرد م تا این حد سقوط کردند ، مهدی فاطمه«سلام الله علیها » برای نجات بشریت ظهور خواهد کرد .

منابع :

۱-سیمای آفتاب , حجه الاسلام و المسلمین , دکتر حبیب الله طاهری

۲-پادشه خوبان , علی اصغر لشکری

۳-رسالت جهانی حضرت مهدی «عج» , فریده گل محمدی

آیا با این همه فساد و حق کشی موقع ظهور امام زمان«علیه السلام» نرسیده است و چه باید کرد تا آن حضرت زودتر ظهور کند؟

پرسش

آیا با این همه فساد و حق کشی موقع ظهور امام زمان«علیه السلام» نرسیده است و چه باید کرد تا آن حضرت زودتر ظهور کند؟

پاسخ

گسترش فساد و حق کشی باعث ظهور امام زمان«علیه السلام» نمی شود بلکه آمادگی زمین...برای پذیرش حکومت وی ظهور آن حضرت را نزدیک می سازد بر این اساس موقعی که دنیا آماده ی پذیرش حکومت عدل و توحید شود و با اینکه فساد و ناپاکی عالم گیر شده مصلحان و زمامداران جهان از اصلاح کلی و عمومی اظهار یأس و ناامیدی کنند و خویشتن را در این موضوع ناتوان ببینند خداوند ولی خویش را از غیبت بیرون خواهد آورد و حکومت عدل واحد را به دست آن حضرت تشکیل خواهد داد بنابراین باید همه ی افراد تلاش و فداکاری شان افزون تر شود و زندگی خویشتن را با تعالیم دینی بیشتر

تطبیق دهند و جامعه را برای آن حکومت درخشان آماده تر سازند و دستورات اسلام را بهتر عمل کنند و معنای انتظار راستین همین است و دعا و درخواست از خداوند نیز در تعجیل ظهور آن حضرت نیز مؤثّر خواهد بود.

« بخش پاسخ به سؤالات »

احادیث متواتر(۲) اسلامی می گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا حضـرت مهدی«علیه السـلام» از پس پرده غیب بیرون آمده، و جهان را پر از داد می نماید، بنابراین ظهور آن حضرت، در زمینه ای خواهد بود که

پرسش

احادیث متواتر(۲) اسلامی می گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا حضرت مهدی«علیه السلام» از پس پرده غیب بیرون آمده، و جهان را پر از داد می نماید، بنابراین ظهور آن حضرت، در زمینه ای خواهد بود که فساد، جهان را فراگیرد در این موقع برای پدید آوردن زمینه این انقلاب غیبی و خدائی ما نه تنها باید با ستم و گناه مبارزه نکنیم، بلکه باید در گسترش فساد و آلودگی، کوشش نمائیم، تا هر چه زودتر شرائط این نهضت آسمانی فراهم آید، و مقدّمات ظهور آن ممکن گردد، و در غیر این

صورت با دست خود، نهضت این دادگر غیبی را به تأخیر انداخته ایم؟

پاسخ

اولاً بایـد توجّه نمود که شـرط ظهور امام، هرگز منحصـر به گسترش فساد در اجتماع انسانی نیست بلکه هرگاه مردم جهان، از نظر رشد فکری و کمالات روحی به حدّی برسـند که بتوانند ارزش وجود امام را درک نمایند و شایسـته رهبری او گردند، در این صورت امام«علیه السلام» بدون هیچ قید و شرطی ظهور نموده و از پس پرده غیب بیرون می آید.

در کتابهـای عقایـد و مـذاهب به طور مبسوط و گسترده بحث و بررسـی شـده است که مانع اساسـی برای غیبت امام، اخلاق و روحیات و عدم آمادگی جامعه انسانی برای ظهور و حکومت آن حضـرت است و اگر این مانع برطرف گردد، دوران غیبت او سپری خواهد شد.

دانشـمند بزرگ و فیلسوف عالی قدر اسـلام مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب «تجرید العقائد» در این باره، سه جمله کوتاه و پر مغز دارد که با توضیح مختصری در اینجا نقل می کنیم:

۱. وجود لطف: وجود امـام معصوم خواه آشـکار و خواه پنهـان برای جـامعه انسـانی نعمت معنوی و وسـیله نزدیکی به اطـاعت فرمان پروردگار است زیرا رابطه ی هدایت الهی میان خدا و مردم، بوسـیله امام برقرار می گردد و بسیاری از نعمتهای معنوی و مـادّی به خـاطر امـام به مردم می رسـد حتّی هـدایت معنوی امـام نسـبت به افراد شایسـته همیشـگی است اگر چه او را نبیننـد و نشناسند.

۲. متصـرفه لطف آخر: هرگـاه امـام از پس پرده غیبت بیرون آیـد و به راهنمایی ظاهری بپردازد و زمام امور را به دست بگیرد، خود نعمت دیگریست در این موقع نه تنها یک گروه از وجود

او بهره منـد می گردنـد بلکه همه جـامع انسـانی از وجود او که مظهر عـدل و داد و مجری دسـتورهای آسـمانی و احکام الهی است، بهرمند خواهند بود.

۳. وعدمه منا: هرگاه او از تصـرّف در امور مردم خودداری می کند و در پس پرده غیبت به سر می برد و به نزدیک ترین آمال و آرزوی بشـر تحقق نمی بخشـد، برای موانعی است که خود مردم بر سـر راه او به وجود آورده انـد و علّت اساسـی سـلب این نعمت، خود مردم هسـتند، و اگر خود مردم برای حکومت واحد جهانی آن هم بر پایه فضـیلت و اخلاق و عدل و داد و رعایت حقوق و احکام اسـلامی، آمادگی پیـدا کننـد، به طور مسلّم آشـکار خواهـد شـد و هیچ گاه از ناحیه خداوند کوتاهی از ابراز لطف نبوده این خود مردمند که ظهور حکومت حقّه الهی را به تأخیر انداخته اند(۳).

بنابراین توسـعه فساد و گسترش آلودگی شـرط منحصر ظهور امام نیست که به جز آن، به فکر راه دیگری نباشیم و در پیدایش آن تسریع نمائیم بلکه راه نزدیکتری دارد، که همان پیدایش لیاقت و شایستگی در مردم است.

و به عبارت دیگر؛ شرط رهبری دو چیز است:

۱. وجود رهبر؛

۲. آمادگی مردم برای پذیرش رهبر.

مسلماً اگر شرط دوّم از ناحیه مردم تحقق یابد، خداوند شرط اوّل را بلافاصله ایجاد خواهد نمود.

ثانیـاً؛ گسترش فسـاد و آلودگی در سـطح جامعه بشـر جنبه هـدفی نـدارد بلکه زمینه را برای یک انقلاب عمیق الهی که بر پایه عـدل و داد اسـتوار است فراهم می سازد، زیرا وقتی پیمانه های ظلم و سـتم در تمام قسـمتهای زنـدگی بشـر، پر و مملو گشت، زمینه فکری(البته فکری نه خارجی) برای یک انقلاب اصلاحی

در نوع مردم پدید می آید و تجارب تلخ گذشته و شکست هر نوع «تز» اصلاحی که از طرف جامعه بشری انجام گیرد سبب می شود که یقین پیدا کنند که این حکوتهای مادّی و قوانین بشری و نهضت های غیرالهی، که غالباً براساس اغراض مادّی و سود شخصی یا لااقل منطقه ای صورت می پذیرد و دردی را دوا نکرده جامعه را نجات نمی دهد بلکه نقش دیگری و انقلاب برتری لازم است که به همه نابسامانیها خاتمه بخشد.

اصولاً؛ هیچ نهضت اصلاحی بدون یک زمینه فکری قبلی انجام نمی پذیرد و اصل «عرضه و تقاضا» که یک اصل اقتصادیست در عین حال یک اصل اجتماعی نیز می باشد، و تا درخواستی در مردم نباشد عرضه هر نوع کالای معنوی و مادّی بی ارزش و بی ثمر خواهد بود.

ولی آیا زمینه فکری و آمادگی روحی برای یک نهضت اصلاحی و جهانی، که منجر به برقراری حکومت واحد جهانی آن هم براساس عدل و داد و ارزشهای اخلاقی و رعایت حقوق و مقررات اسلام گردد، کافی است، یا این زمینه فکری پشتوانه دیگری لازم دارد که این دگرگونی فکری را به صورت انقلاب خارجی درآورد، و هر نوع مانع را از سر راه نهضت بردارد و از این زمینه فکری حداکثر بهره برداری را بنماید.

نه تنها تجارب بی شمار و آزمایشهای متوالی این مطلب را تصدیق می کند، بلکه روایات و احادیث زیادی که درباره نهضت این مصلح جهانی وارد شده است، آشکارا می رساند که انقلاب آخرین حجت الهی پس از پدید آمدن یک زمینه فکری، نیاز به قدرت و نیرو دارد که بتواند در پرتو آن قدرت، از زمینه های موجود بهره برداری کند و هر مانعی را

که بر سر راه نهضت خود وجود دارد، برطرف سازد، و در احادیث اسلامی به وجود انصار و یاران و تعداد آنها و اینکه قیام مهدی«علیه السلام» توأم با قدرت و نیرو خواهد بود، تصریح شده است.

در این موقع ما باید برای تأمین منظور دوم و تربیت اعوان و انصار و سربازان فداکار که جان به کف در راه آرمانهای الهی نبرد و فداکاری نمایند، در پرورش افراد صالح و جانباز بکوشیم تا آنجا که امکانات اجازه می دهد، برای یک چنین نهضت وسیع جهانی، افرادی را تربیت کنیم که بتوانند آرمانهای جهانی آن حضرت را در سرتاسر جهان تحقق بخشند و یک چنین هدف مقدّس در صورتی انجام می گیرد، که مصلحان اجتماع دست روی دست نگذارند و از هیچ گونه اقدامی در راه تربیت افراد با ایمان دریغ نورزند.

ثالثاً: از همه اینها گذشته ما باید موقعیّت خود را در زمینه انقلاب «مهدی«علیه السلام»» مشخص کنیم، بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی«علیه السلام» برای در هم کوبیدن آنها صورت می گیرد و اگر در صدد اصلاح جامعه باشیم، از کسانی خواهیم بود که در ارتش انقلاب مهدی«علیه السلام» همکاری می کند، بنابراین، به فرض اینکه با کمک کردن به توسعه فساد، ظهور مهدی«علیه السلام» را به پیش بیاندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته ایم مگر نه این است که مهدی«علیه السلام» برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن بساط ظلم و فساد قیام می کند، ما چگونه می توانیم با گسترش فساد از انقلاب او بهره مند شویم؟

بنابراین سکوت در برابر فساد و یا کمک به توسعه فساد،

نه از لحاظ کلّی برای ظهور مهدی«علیه السلام» صحیح است و نه از نظر شخصی.

بیشتر به نظر می رسد که این اشکال و مغلطه کاری را کسانی درست کرده اند که می خواهند از زیر بار مسئولیّتها فرار کنند و یا آلوده ی هر فسادی شوند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

۲) درباره مصلح غیبی جهان حضرت مهدی«علیه السلام» متجاوز از سه هزار روایت از پیامبر بزرگ و پیشوایان عالیقدر، وارد شده است نه تنها جامعه شیعه بلکه دانشمندان بزرگ اهل تسنن مانند بخاری، مسلم، ابی داود ترمذی که همه آنها پیش از تولّد امام زمان«علیه السلام» و یا اندکی پس از تولّد وی در گذشته اند احادیث مربوط به حضرت را در صاح سنن خود آورده و گروهی از آنان کتابهای مستقلی پیرامون آن حضرت نوشته اند و کمتر موضوعی مانند آن، این همه احادیث و روایات پیرامون آن وارد شده است.

۳) کشف المرادطصیدا، ص ۲۲۶.

چرا باید برای ظهور امام زمان زمینه سازی کرد؟

پرسش

چرا باید برای ظهور امام زمان زمینه سازی کرد؟

پاسخ

پر واضح است که هر انقلابی برای این که ابعاد آن شناخته شود و یا با شکست روبرو نشود نیاز به زمینه سازی دارد و قیام و انقلاب مهدی(ع) اگر چه محکوم به شکست نمی باشد اما برای این کار که ابعاد آن برای همگان روشن شود بدین جهت باید پیشاپیش برای آن زمینه سازی کرد .

البته این زمینه سازی از قرآن شروع شده سپس پیامبر و ائمه معصومین به ابعاد آن اشاره کرده اند قران مجید در چندآیه وراثت صالحان را نسبت به زمین نوید داده و هم چنین حکومت روی زمین را که در آینده به آنها واگذار خواهد کرد.

و فرموده: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الارض یرثها عبادی الصالحون»؛ {۱} پس از تورات در زبور نوشتیم که وراث نهایی زمین بندگان نیکوکار من خواهند بود.

و فرموده: «و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»؛ {۲} ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و فرموده: «وعداللّه الذین آمنوا منکم و عملواالصالحات لیستخلفنهم فی الارض ولیمکنّن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلّنهم من بعد خوفهم أمنًا یعبد وننی لا یشرکون بی شیئاً»؛

{۳} خداوند به مؤمنان و شایسته کاران وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد دینی که برای آنها آن را پسندیده است و مستقر سازد دوران خوف آنان را تبدیل به امنیت نماید و بدون ترسی و واهمه ای خدای خویش را بپرستند و اطاعت غیر خدا را گردن ننهند.

بدین جهت مردم را به فکر واداشته که این

صالحان کیانند که هم وارث زمین خواهند بود و هم حکومت الهی را بدست می گیرند و هم اسلام را فراگیر و جهانی نموده و بدون ترس و وحشت و در امنیت کامل به عبادت خدامی پردازند.

و در این فکر فرو می روند که آیا تاکنون چنین حادثه ای رخ داده یا نه و آیا چنین حکومتی روی کره زمین برقرار شده است یا نه؟

و به دنبال طرح این آیات از سوی خداوند، پیامبر بزرگوار اسلام از همان نخست مسلمانان را به حکومتی جهانی به رهبری یکی از فرزندانش که هم نام و هم کنیه اش بوده خبر داده است.{۴} و در روایات فراوانی که از وی نقل شده مردم و مسلمانان را به این چهره مقدس و این حکومت الهی آشنا ساخته است و معصومان رحمه الله با تبیین مسایل بیشتری به تمام ابعاد آن پرداخته اند به گونه ای که تمام این احادیث اسلامی درباره امام مهدی(ع) با زمینه سازی کاملاً مرتبط است.

چگونه زمینه سازی کنیم

و ما نیز وظیفه داریم که زمینه ظهور را فراهم کنیم و این زمینه ها فراوان است که به برخی از آنها بسنده می کنیم:

۱. شناختن و شناساندن حضرت ولی عصر(ع)

مسأله شناخت امام زمان(ع) از مسایل ارزشمند است که به تعبیر روایات اگر کسی امام زمان خویش رانشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.{۵} و شناخت بقیهاللّه بدین جهت است که اگر او را نشناسیم نه تنها عمل ما باطل است بلکه منحرف و گمراه خواهیم شد.

امام موسی بن جعفر(ع) می فرماید: امام حجت بندگان است و هر که او را رها کند گمراه می شود و هر که با او باشد نجات می یابد و رستگار می شود.{۶}

بدین جهت است که در دعا

می خوانیم: خدایا خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی رسولت را نخواهم شناخت خدایا رسولت را به من بشناسان وگرنه حجتت را نخواهم شناخت خدایا حجتت را به من بشناسان وگرنه از دین خود گمراه خواهم شد.

۲. مبارزه با انحرافات و کجروی ها

پیش از این گفتیم که یکی از حکمت های غیبت امام وجود گناهانی است که به آن در جامعه دامن زده می شود و مبارزه با گناهان زمینه سازی برای ظهور امام می باشد.

چرا که یکی از اهداف بسیار مهم امام، مبارزه با انحرافات و کجروی ها و نابودی مفاسد است امام می آید که تا به ظلم و ستم فرجام داده و عدل و داد را روی زمین بگستراند، پیامبر(ع) فرمود: «یملأاللّه به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً». {۷}

بنابراین، اگر بخواهیم زمینه ظهور را فراهم کرده باشیم بایدبه کمک امام شتافته و در این کار همگام با او شویم ممکن است برخی با سکوت و بی تفاوتی خود در برابر انحرافات و مفاسد اجتماعی، چنین فکر کنند که باید به مفاسد دامن زد و یا حداقل سکوت کرد تا مفاسد در جامعه صد چندان شود تا بر اثر زیاد شدن آن امام ظهور کند در حالی که این نظریه واندیشه کاملاً غلط و بی اساس است چرا که حضرت پس از آمدن زمین را پر از عدل و داد می کند نه این که تا زمین پر از جور و ظلم نشده امام نخواهد آمد و دلیلش این است که زمین به اندازه کافی پر از ظلم و جور شده است، بنابراین چرا امام نمی آید؟!!

۳. تبیین اهداف امام

مسأله دیگری که زمینه ساز ظهور

امام زمان(ع) می باشد این که پس از شناخت و معرفت به امام عصر(ع) اهداف امام را بررسی و مورد مطالعه قرار دهیم.

ویژگی های حکومت و امتیاز آن از سایر حکومت های پیشین، هم چنین بدانیم که حکومتی که در قرآن بدان اشاره شده است و خداوند از آن خبر داده و پیامبران پیشگویی کرده اند با تمام حکومت ها تفاوت اساسی خواهد داشت حکومت جهانی و الهی است؛ حکومت حاکمیت دین و قرآن و اهل بیت است حکومت برقراری امنیت جهانی است حکومت بسط عدالت است حکومت حاکمیت اخلاق است امام می آید تا اهداف پیاده نشده تمام انبیای الهی را به انجام برساند امام می آید تا عالی ترین مظاهر یک حکومت مترقی را به نمایش بگذارد امام می آید تا بشر را به کمال واقعی خود برساند و خلاصه کاری که امام می کند تاکنون بر دست هیچ پیامبر و یا حاکمی در جهان در طول تاریخ انجام نشده است او می آید تا جامه عمل به تمام آن خواسته ها بپوشاند.

اعتقاد به این مسائل سبب می شود که برای رسیدن به چنین حکومتی تلاش ورزیم موانع را از سر راه برداریم و دیگران را تشویق و ترغیب کنیم و همین کارها ایجاد زمینه ها می باشد.

۴. انتظار فرج

از دیگر موارد زمینه سازی ظهور امام زمان(ع) انتظار فرج است انتظاری که پیامبرصلی الله وعلیه وآله و معصومین ما را به آن دعوت کرده اند انتظاری که در روایات أن را برترین اعمال و بهترین عبادت مومنان شمرده اند انتظاری که به تعبیر امام صادق(ع) اگر شخصی در حال انتظار بمیرد شهید خواهد بود اگر چه در رختخواب هم مرده باشد.{۸}

۵. شناخت وظایف و عمل به آن

بزرگان ما بر اساس روایات

و احادیث و شفارش پیامبرصلی الله وعلیه وآله و معصومین علیهم السلام وظایفی را برای مردم در حال غیبت کبری بیان کرده اند که هر یک از آنها خود زمینه ساز ظهور مهدی موعود(ع) خواهد بود مرحوم محدث قمی به چند مورد از آنها اشاره کرده است:

۱. مهموم بودن برای آن جناب در ایام غیبت؛

۲. دعاکردن برای حفظ وجود مبارک امام عصر(ع) از شرور شیاطین انس و جن و طلب تعجیل فرج و نصرت و ظفر و غلبه او بر کفار و ملحدین و منافقین؛

۳. صدقه دادن در حد توان برای حفظ وجود مبارک ولی عصر؛

۴. بجا آوردن حج به نیابت از امام عصر(ع) چنان چه در گذشته میان شیعه مرسوم بوده است؛

۵. برخاستن از برای تعظیم شنیدن نام مبارک آن حضرت بویژه نام مبارک قائم باشد؛

۶. تضرع و درخواست از خداوند برای حفظ دین وایمان از دستبرد شیاطین و رهایی از شبهات؛

۷. استمداد و استعانت و استغاثه به آن جناب در هنگام سختی های و گرفتاری ها و بیماری ها و شبهات و فتنه ها.

سپس به تناسب به روایات هر یک از این موارد اشاره می کند و جهت آگاهی بیشتر می توان به کتاب شریف منتهی الامال{۹} مراجعه نمود.

[۱].سوره قصص، آیه ۵.

[۲].سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

[۳].سوره نور، آیه ۵۵.

[۴].تذکره الخواص، ص ۳۲۵؛ عقدالدرر، ص ۳۲ و منهاج السنه، ج ۴ ص ۲۱۱.

[۵].محاسن برقی، ص ۱۵۵ و کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۲.

[۶].معجم احادیث الامام مهدی ج ۴ ص ۱۴۸

[۷].غیبت نعمانی، ص ۸۱.

[۸].الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۴۳۲، ضمناً در کتاب های اهل سنت به انتظار فرج نیز اشاره شده که می توان به معجم الطبرانی، ج ۱۰، ص ۱۲۴؛ مسند شهاب، ج ۱، ص ۶۲؛ تاریخ

بغداد، ج ۲، ص ۱۵۴ و... مراجعه کرد.

[۹].ج ۲، ص ۴۸۳.

حضور ایرانیان در عصر ظهور و زمینه سازی برای ظهور حضرت چگونه است ؟

پرسش

حضور ایرانیان در عصر ظهور و زمینه سازی برای ظهور حضرت چگونه است ؟

پاسخ

شیعیان در روزگار ظهور حضرت مهدی ۷ حضور فعّالی دارند و در صحنه های مبارزات بزرگ ,نقشی عمیق تر و جدی تر ایفا می کنند. از میان شیعیان , ایرانیان نقش فعال تری در نهضت جهانی حضرت ایفا می کنند.در برخی از احادیث تصریح به حضور فعال در جامعهء مهدی ۷شده است . البته مقصود از عجم , ملت های غیر عرب است , لیکن بهاحتمال قوی , بیشترین مصداق آن در هنگام ظهور, ایرانیان خواهند بود, به ویژه که مرکز ثقل تشیع ایران است .(۱)

از میان یاران خاص امام زمان ۷که عدد آن ها به عدد اهل بدر ۳۱۳نفر است ,(۲) تعداد زیادی ایرانی از شهرهای شیراز, اصفهان , قم , طالقان و دیگر شهرها هستند و هستهء اولیهء یاران و خواص حضرت در کنار دیگر یاران از سایربلاد را تشکیل می دهند.(۳)

وظیفه ای که ایرانیان برای زمینه سازی ظهور حضرت دارند, وظیفه ای است که شیعه در عصر غیبت بر عهده داردتا زمینهء ظهور حضرت مهیا شود.

در زمان غیبت , شیعیان با انجام این وظایف می توانند زمینه ساز ظهور حضرت شوند:(۴)

۱ دعاکردن برای حضرت ;

۲ انتظار فرج آل محمد۷

۳ ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی ۷

۴ انجام حج به نیابت از حضرت مهدی ۷

۵ دعا برای حفظ ایمان خود در زمان غیبت ;

۶ خودسازی و تزکیهء نفس ;

۷ استمداد از حضرت مهدی ۷در سختی ها و مشکلات ;

۸ اصلاح جامعه .

ایرانیان مانند سایر شیعیان باید خودسازی و انجام وظایف شرعی را سرلوحهء خود قرار دهند تا

شایستگی همراهی و همدلی با مصلح جهان را داشته باشند, چون هر قومی که منتظر مصلح است , باید خود نیز صالح باشد.

(پاورقی ۱.محمد رضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۳۸۰

(پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۳۴۱

(پاورقی ۳.محمد جواد نجفی , ستارگان درخشان , ج ۱۴ ص ۱۶۸و ۱۶۹

(پاورقی ۴.عبدالرحمن انصاری , در انتظار خورشید, ص ۱۲۸تا ۱۳۸ با تلخیص .

سفارش بزرگان را دربارهء فراهم کردن زمینهء ظهور امام زمان ۷بیان کنید.

پرسش

سفارش بزرگان را دربارهء فراهم کردن زمینهء ظهور امام زمان ۷بیان کنید.

پاسخ

وظایف شیعه و تکالیف منتظران مهدی موعود۷همان است . که در اخبار و روایات به شرح ذیل آمده است , و به انتظار نشستگان , با عمل به وظایف دوران غیبت , خودسازی نموده و عنایت مولایش راجلب می نماید.

انتظار فرج , این اصل , شیعه را همیشه آماده و مهیّا برای شرکت در قیام و انقلاب حضرت نگه می دارد, و ثواب عظیمی برای انتظار نقل شده است . علی ۷فرمود: .

۲ دعا در حق حضرت که خداوند آن بزرگوار را از شر جن و انس حفظ نماید و در ظهور و غلبه دادنش بر کفّارو منافقان تعجیل فرماید. بحمداللّه شیعیان بعد از نماز, دعای را می خوانند.

۳ غمگین بودن برای غایب بودن حضرت .

۴ صدقه دادن برای سلامتی وجود مقدّس حضرت بقیّهالله الاعظم .

۵ زیارت خانهء خدا و انجام حج به نیابت از حضرت که ثواب بسیار دارد.

۶ بلند شدن از جا هنگام به زبان آوردن یا شنیدن لقب مبارک .

۷ استغاثه و پناه بردن به حضرت در مواقع رویکرد شدائد و گرفتاری ها.

۸ انسان برای خود دعا کند خدا وی را از شر و مکر شیاطین حفظ نماید, به ویژه این دعا را بخواند: .

۹ آمادگی نظامی در عصر انتظار. امام صادق ۷فرمود: . البته مراد مسلّح شدن به اسلاح های روز است که امروزه این آمادگی برعهدهء نیروهای مسلّح می باشد و افراد غیر نظامی می توانند با دیدن دوره های آمادگی نظامی , خود را مهیّا نگه دارند.

۱۰ تلاش برای برقراری حکومت اسلامی و اجرای احکام نورانی اسلام

. پیامبر گرامی اسلام ۶فرمود:. از آن جایی که در ایران نظام حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) برقرار شده است , سعی وکوشش در حفظ و حراست این نظام مقدّس و پیاده شدن دقیق قوانین سعادت آخرین قرآن , زمینه سازی جهت ظهورامام منتظر است .

۱۱ متّصف شدن به اوصاف یاوران مهدی ۷ از قبیل داشتن توحید و ایمان خالصانه , و بر خورداری از بصیرت و آگاهی که چراغ راه است و در رویارویی با جاهلان پینه بر پیشانی بسته هم چون خوارج نهروان موجب می شودانسان مالک اشتر مآبانه در راه حق و حمایت از امام پا برجا و مستحکم باشد. شجاع بودن و در پیش برد اسلام ازانبوه دشمن هراس به دل راه ندادن و تقویت روح ایثار و مواسات و برادری و زهد و ساده زیستی .(۱)

(پاورقی ۱.لطف الله صافی گلپایگانی , منتخب الاءثر فی الامام الثانی عشر, ص ۶۳۵ ۶۴۵ محمد باقر مجلسی , بحار الاءنوار, ج ۵۲ ص ۳۶۶ح ۱۴۶ محمد جواد نجفی , ستارگان درخشان , ج ۱۴ ص ۱۱۹ ۱۲۴; محمد رضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۳۳۰ ۴۰۴مجلهء حوزه , سال ۷۰ ۷۱ ص ۲۹۹ ۳۰۷; عباس قمی , منتهی الآمال , ص ۴۸۳ ۴۹۱

برای مهیا نمودن زمینهء ظهور حضرت مهدی ۷ شیعیان چه وظایفی بر عهده دارند؟

پرسش

برای مهیا نمودن زمینهء ظهور حضرت مهدی ۷ شیعیان چه وظایفی بر عهده دارند؟

پاسخ

خواهر گرامی ! از اینکه با ما مکاتبه نمودید سپاسگزاریم . مهمترین وظایفی که شیعیان بر عهده دارند,تا زمینهء ظهور حضرت را مهیا نمایند, به قرار ذیل است :

۱ محزون و ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی ۷

۲ انتظار فرج قائم آل محمد۷

۳ دعا کردن برای حضرت ;

۴ انجام حج به نیابت از حضرت مهدی ۷

۵ خودسازی و تزکیه ;

۶ استمداد از حضرت مهدی در سختی ها و مشکلات ;

۷ اصلاح جامعه ;

۸ شناخت مقتضیات زمان و انجام تکلیف .(۱)

هر کس که دوست دارد اعمالش مورد عنایت و توجه امام زمان ۷قرار گیرد, باید سعی کند وظایف مذکور رامورد اهتمام قرار دهد. شیعیانِ عشاق و مشتاق حضرت مهدی ۷اعمال و رفتار خود را به گونه ای انجام میدهند که در طریق نیل به وصال مهدی منتظر۷باشند و رضای آن عزیز را به همراه داشته باشد.

(پاورقی ۱.عبدالرحمن انصاری , در انتظار خورشید ولایت , ص ۱۲۸ ۱۳۶ با تلخیص .

چرا باید جهان پر از ظلم و ستم شود تا امام زمان (عج) ظهور کند؟ و چطور می توان زمینه ء ظهور حضرت را فراهم نمود؟

پرسش

چرا باید جهان پر از ظلم و ستم شود تا امام زمان (عج) ظهور کند؟ و چطور می توان زمینه ء ظهور حضرت را فراهم نمود؟

پاسخ

در باب ظهور امام زمان(عج) انباشته گشتن جامعه از ظلم و ستم شرط فرج آن بزرگوار نمی باشد. بلکه شرط فرج، آمادگی و لیاقت انسان های متعدد منتظر است. در حالی که ظلم و ستم از جمله نشانه ها و علامات عصر ظهور است و تفاوت شرط و نشانه در این است که اولاً درصورت تحقق شرط (آمادگی و لیاقت انسان ها) مشروط (فرج و ظهور) نیز محقق می گردد، ولو این که جامعه در حد فوران معصیت و تعدی نباشد. اما در صورت نمایان گشتن نشانه و عدم تحقق شرط به هیچ وجه فرج و ظهور صورت نمی گیرد. چرا که استعداد و قابلیت افراد زمینه سازو مقدمه ظهور است و تا مقدمه فراهم نگردد نوبت به ذی المقدمه نمی رسد.

ثانیا، شرط جزء سلسله علل و اسباب تحقق شی ء (مشروط) واقع میشود در حالی که علامت و نشانه نمایشگر و حکایتگر یک واقعیت است و اصلاً در سلسله اسباب و علل واقع نمی گردد. مثل این که می گوییم سرخی چهره نشانه و علامت خجالت است. یعنی خجالت و شرم یک امر نفسانی و باطنی است و سرخی چهره گزارشگر آن حالت باطنی می باشد و چه بسا در افرادی حالت شرم و خجالت باشد اما سرخی چهره نباشد و یا سرخی چهره باشد اما به خاطر خجالت و شرم نباشد.

در روایات حضرات معصومین(ع) به روشنی و صراحت ظلم و جور از نشانه های عصر ظهور برشمرده شده است نه علت و شرط ظهور.

به فرموده امام صادق(ع): برای قیام قائم(عج)

علاماتی است که می باید از ناحیه خداوند برای انسان های مؤمن و وقتی راوی سؤال می کند که آن علامات و نشانه ها چیست؟ حضرت می فرماید: آن قول خداست که هر آینه ما شما را آزمایش می کنیم (ولنبلونّکم) یعنی انسان هایمؤمن قبل از خروج حضرت قائم(عج) آزمایش می شوند به ترس و گرسنگی و کاستی در اموال و نفوس و ثمرات و بشارت بده افراد شکیبا را، (ر.ک: نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۴).

در باب این که در صورت تحقق شرط (استقرار و آمادگی) بی درنگ فرج و ظهور صورت می گیرد امام موسی بن جعفر(ع) می فرماید: «لوکان فیکم عده اهل بدر لقام قائمنا ؛ اگر به عدد(سپاهیان اسلام در جنگ) بدر انسان های مستعد و آماده موجود بود هر آینه حضرت قیام می نمود {M»، (ر.ک: مشکات الانوار، ص۶۳).

در باب فراهم ساختن زمینه های ظهور آن حضرت همه حقایق در واژه انتظار نهفته است به فرموده حضرت رسول اکرم(ص) با فضیلت ترین اعمال امت من انتظار فرج است. ایجاد سنخیت و هماهنگی میان انسان منتظر و کسی که در انتظار او هستیم. بزرگترین کار برای فراهم ساختن زمینه ظهور آن حضرت می باشد، چرا که انسان منتظر رنگ و بوی منتظر را به خود می گیرد.

آن که منتظر مصلح جهانی است خود نیز باید صالح و مصلح باشد. آنچه ما را از مسیر حضرتش دور می سازد خلاف انتظار است و آنچه باعث شادی و خرسندی و رضایت امام عصر(عج) می گردد عین انتظار است.

درک دقیق معنای انتظار مبتنی بر فهم جامع اندیشه مهدویت است واندیشه مهدویت را باید با توجه به مجموعه معارف اسلامی و در راستای هدف کلی دین اسلام دید.

بنا بر آموزه های دینی، مهدی(عج) روزی ظهور کرده و وعده های

الهی را به اجرا درمی آورد او برپا کننده حکومت صالحان می باشد و مؤمنان به میزان ایمان و عمل صالحشان در حکومت مهدی(عج) قرب و منزلت دارند. این اندیشه پایانی زیبا و نورانی برای جریان زندگیانسان تصویر می کند و عامل شعله ور شدن امید در دل های مؤمنین است.

امید به ظهور مهدی(عج) همان امید به خداست. امید موتور حرکت انسان در زندگی است و امید به مهدی(عج) عامل حرکت استوارتر انسان در مسیر خوبی ها یعنی همان هدف اصلی دین می باشد.

مقصود از انتظار فرج، امید و دلبستگی به مهدی(عج) است. بنابراین انتظار فرج مقصود دین به تعبیر شهید مطهری، انتظاری سازنده و نگه دارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک بخش است. به گونه ای که خود نوعی عبادت و حق پرستی است.

برخی به خطا به گونه ای اندیشه مهدویت را تصویر می کنند که انتظار براساس آن به معنای کمک به رشد ظلم و فساد و پرشدن دنیا از گناه می باشد در حالی که بی شک چنین اموری با هدف دین بیگانه است، بنابراین انتظار و عشق به مهدی؛ یعنی، عشق به همه خوبی ها و امیداقامه همه خوبی ها در دنیا این عشق و امید عاملی است که انسان را وامی دارد تا هر چه بیشتر و محکم تر در راه خوبی ها قدم بردارد، پس انتظار فرج مسؤولیت آفرین است.

بحث در این موضوع نیاز به مطالعه بیشتری دارد. منابع زیر بسیار مفید است:

۱- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، صدرا، تهران (این کتاب اساسا به معنای انتظار پرداخته است).

۲- امامت و مهدویت، آیت الله صافی، انتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۵ (این اثر به مجموعه ای از بحث ها پیرامون امام مهدی(عج) پرداخته وخصوص بحث انتظار نیز یکی از فصلهای کتاب است، ج ۱، صص ۳۵۱ -

.(۳۹۸

انتظار فرج بیش از هر چیز به معنای آماده شدن و آماده ساختن جامعه برای پذیرش و لبیک گفتن به دعوت حق و زمینه سازی ظهور امام زمان (عج) است. بنابراین مهمترین وظیفه ما در این عصر آشنایی و التزام هر چه بیشتر با مکتب گران قدر اسلام و معرفی چهره درخشانآن به جهانیان است. از طرف دیگر ایمان خود و دیگران را تقویت کردن و برای فداکاری در راه اسلام و قرآن سر از پای نشناختن. در کنار این امور توجه به آن حضرت و زنده داشتن نام و یاد و دعا برای فرجشان نیز لازم است. {J

آیا روند فعلی جامعه ی شیعه به نحوی تأثیر گذار است که زمان ظهور حضرت مهدی ۷را جلوتر و یاعقب تر بیاندازد؟ اگر شیعیان وظایف خود را در زمان غیبت انجام ندهند, زمان ظهور حضرت به نهایتی که خداوندقرار داده , موکول خواهد شد؟

پرسش

آیا روند فعلی جامعه ی شیعه به نحوی تأثیر گذار است که زمان ظهور حضرت مهدی ۷را جلوتر و یاعقب تر بیاندازد؟ اگر شیعیان وظایف خود را در زمان غیبت انجام ندهند, زمان ظهور حضرت به نهایتی که خداوندقرار داده , موکول خواهد شد؟

پاسخ

اصل ظهور حضرت مهدی ۷و نشانه های نزدیک شدن آن , از امور مسلّم و قطعی است , ولی بنا به مصالحی زمان ظهور مشخص نشده استو هیچ کس , جز خداوند از وقت آن آگاه نیست . بارها اصحاب از امامان :در مورد زمان خروج قائم ۷پرسیده اند, ولی آنان به صراحت از مشخص کردن آن امتناع کرده اند و زمان ظهور راهمچون علم به قیامت , منحصر به خداوند دانسته اند.(۱)

فضیل از امام باقر۷پرسید: آیا برای ظهور وقتی معیّن شده است ؟

امام ۷سه بار فرمود: (۲)

کمیت از حضرت سؤال کرد که چه وقت حضرت مهدی ۷ظهور می کند, امام ۷فرمود:

فرمود: مَثَل ظهور مهدی ۷همچون برپایی قیامت است . مهدی ۷نمی آید مگر ناگهانی >.

مقتضای این احادیث و احادیث دیگر آن است که به هیچ روی , نمی توان برای ظهور مهدی ۷معین کرد. باتوجه به این اصل مسلّم , ناشنه های ظهور تنها بیانگر نزدیک شدن زمان ظهورند و بیش از آن دلالتی ندارند. اگرروایتی باشد که زمان ظهور را مشخص سازد, ناگزیر باید آن را توجیه کرد یا به کناری نهاد.(۳)

اگر جامعهء شیعه روند مثبتی برای تحقق ظهور حضرت داشته باشد و یا از آمادگی لازم جهت همراهی با حضرت ,برخوردار نباشد و اگر شیعیان به وظایف خود در عصر غیبت عمل نکنند یا عمل بکنند, همهء این

ها می تواند در ظهورحضرت تأثیر گذار باشد, اما تشخیص این امر و این که آیا ظهور حضرت دیرتر است یا زودتر از موعدی که خداوندمقرر کرده , از عهدهء ما خارج و از اسرار الهی است و جزء اسرای است که در ردیف علم به برپایی قیامت قرار گرفته ونمی توانیم در جهت تعیین و شناسایی آن کنکاش و فتحص نماییم . علم به این امر را ائمهء اطهار: منحصر به خداوند دانسته اند.(۴)

(پاورقی ۱.مجله حوزه , ویژه نامه امام زمان ۷ ش ۷۰ ۷۱ ص ۲۳۶

(پاورقی ۲.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۱۰۳

(پاورقی ۳.مجله حوزه , ش ۷۰ ۷۱ ص ۲۳۷

(پاورقی ۴.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۱۸۲

آیا ظلم به حد کامل خود رسیده است که امام زمان(ع) ظهور کند؟

پرسش

آیا ظلم به حد کامل خود رسیده است که امام زمان(ع) ظهور کند؟

پاسخ

آنچه که در روایات فراوان آمده است که وقتی حضرت مهدی(ع) ظهور خواهد کرد که جهان پر از ظلم جور شده باشد، بدین معنا نیست که باید ظلم بکنیم و دیگران نیز اگر ظلم کردند، ما خوشحال باشیم!

نه هرگز ما نباید خودمان ظلم بکنیم و نه دلمان بخواهد که دیگران ظلم بکنند، چون اگر انسان ظالم باشد، جایگاهش جهنم است و اگر راضی باشد که دیگران ظلم کنند، باز با ظالمان خواهد بود.

این روایات می خواهد بگوید که نشانه ظهور حضرت مهدی این خواهد بود که جهان پر از ظلم خواهد شد. "پر شدن جهان از ظلم" علامت ظهور حضرت است، نه علّت ظهور حضرت.

پس ما نباید ظلم بکنیم و نباید همراه با ظلامان یا راضی به ظلم کردن آنان باشیم. ما باید همواره در مسیر تقوا و پاکی گام برداریم تا بتوانیم از اصحاب و یاوران آن حضرت باشیم.

آیا جهان پر از ظلم شده ؟ کی و در چه زمانی خواهد شد؟

این مطلب را کسی نمی داند. فقط می دانیم به واسطه گسترش فرهنگ غربی و شرقی و بر قرار ارتباطات از طریق اینترنت و ماهواره و از طرفی کنترل نشدن آن ها جامعه جوان دنیا را به سوی بی بند و باری و فساد و قتل و چپاول می کشاند. از طرفی

استکبار جهانی به سرکردگی امریکا ، لجام گسیخته به هر جایی که دلش بخواهد ، حمله می کند و انسان های بی گناه و اطفال و زنان را می کشد. همه این ها باعث گسترش فساد و ظلم

و بی عـدالتی در جوامع بشـری می شود. امیـداواریم ما شـیعیان امیرالمؤمنین و علاقه منـدان به خاندان عصـمت و طهارت جزو ظالمان روزگار نباشیم و از ظلم و ظالمان حمایت نکنیم و در برقراری عدل و انصاف گام برداریم.

هنگام ظهور از کجا و چگونه و چه تحولاتی روی می دهد؟

پرسش

هنگام ظهور از کجا و چگونه و چه تحولاتی روی می دهد؟

پاسخ

از احـادیث اهـل بیت(ع) اسـتفاده می شود: هنگـامی که اوضـاع عمومی جهـان مساعـد گشت و افکـار جهانیـان برای پـذیرش حکومت حق آماده شـد، خـدا به مهدی(ع) اجازه نهضت می دهد. پس ناگهان در مکه ظاهر می گردد و منادی حق (جبرئیل) بشـارت ظهورش را به سـمع جهانیان می رسانـد. مردان برگزیـده جهان که در چنـدین روایت تعـدادشان ۳۱۳ نفر تعیین شـده، اولین نـدای حق را لبیـک گفته، در اولین ساعـات دعوت، مجـذوب مغنـاطیس ولا-یت می گردنـد. حضـرت صادق(ع) فرمود: "هنگامی که صاحب الزمان(ع) ظهور نمود، جوانان شـیعه بـدون وعده قبلی در همان شب خودشان را به مکه می رسانند".(۱) سپس دعوت عمومی خویش را شـروع می کنـد، مردم رنـج دیـده و از همه جا مأیوس دورش اجتماع می نماینـد، و با او بیعت می کنند ودر اندک زمانی سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح طلب جهان، برایش مجهز می شوند.

امام محمد باقر و امام جعفر صادق(ع) در توصیف یاران قائم فرمودند: "شرق و غرب جهان را اشغال می کنند، تمام موجودات جهان را مسخر می گردانند، هر یک از آن ها نیروی چهل مرد دارد، و قلوبشان از پاره های آهن سخت تر است، به طوری که اگر در راه هـدف به کوه های آهن برخورد نماینـد، آن ها را از بین می برنـد و تا وقتی که رضایت خدا فراهم نشود، از جنگ دست نمی کشند.(۲)

در آن موقع زمام داران خود سر و ستم گر بی وجودان احساس خطر می نمایند و در صدد دفاع بر می آیند و ندای مخالفت را به هم مسلکان خویش می رسانند. اما سربازان عدالت خواه و اصلاح طلبان جهان که از جور و تعدی خسته

شده اند، تصـمیم نهایی را می گیرند و با اتحاد و کوشـش به آن ها جمله می نمایند، با تأییدات خداوندی سـتمکاران را ریشه کن نموده، قتل عام شان می کنند. رعب و ترس همه را فرا می گیرد و تسـلیم دولت حق می گردند. بسیاری از کفار به واسطه دیـدن علائم صدق و حقیقت به دین اسـلام می گروند. آن هایی که در کفر و ظلم خویش اصـرار می ورزند، به دست لشـکر مهدی(ع) قتل عام می شوند. یگانه دوست مقتدر و نیرومند اسـلام در سـر تا سر زمین تشکیل می یابد و مردم از جان و دل در حفظ وحراست آن کوشش می نمایند.(۳) دین اسلام عمومی می گردد و در تمام سرزمین ها وارد می شود.(۴)

پی نوشت ها:

۱ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

۲ – همان، ۳۲۷.

۳ – همان، ص ۲۷۹ – ۳۸۰.

۴ – همان، ج ۵۱، ص ۵۵.

۵ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۰۱ – ۳۰۲.

شرایط و نشانی و کیفیت ظهور امام زمان(ع) چیست؟

پرسش

شرایط و نشانی و کیفیت ظهور امام زمان(ع) چیست؟

پاسخ

برای تحقق ظهور امام زمان(ع) شرایط و نشانه های متعددی بیان شده است که شرایط ارتباط به هم داشته و مکمل یکدیگرند؛ از این رو به زمینه ها و شرایط، سپس به نشانه ها و کیفیت ظهور حضرت اشاره می گردد:

الف) شرایط ظهور:

۱ــ پارسایی:

برای ایجـاد جـامعه سالم مبتنی بر ارزش ها و عـدالت، پارسایی و خودسازی افراد جامعه ضـروری است. حکومتی که بر اساس شایسته سالاری، معنویت گرایی و قابلیت ها شکل می گیرد، پدید آورندگان آن باید صالحان و پارسایان باشد. شاید بر همین اسـاس باشـد که در برخی روایات تصـریح شـده است؛ هرگاه ۳۱۳ نفر آمـاده شونـد و شـرایط دیگر فراهم شود، حضـرت امام زمان(عج) ظهور می کند.[۱] بی تردید یکی از شـرایط این تعداد، پارسایی است. امام صادق(ع) فرمود: "هر کس خوش دارد

در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد، و پارسایی پیش گیرد و کردار باورع داشته باشد".[۲] در برخی روایات تصریح شده است که امام زمان(ع) خود و دیگران را دعوت به تقوا نمود تا ظهور کند.

۲ــ دین مداری و تکلیف گرایی:

یکی از عوامل زمینه ساز ظهور امام زمان(ع) دین مداری و دین داری است. انسان باید در عصر غیبت بیشتر به دستورهای الهی توجه نموده و از محرّمات پرهیز کند و مقید به انجام تکلیف خدایی باشد. در عصر غیبت انسان ها بیشتر در معرض آفات و آسیب ها قرار می گیرد و نیاز به پشتوانه قوی معنوی دارند.

بی تردید این پشتوانه قوی، تقویت باورهای دینی و پاسداری از دین است. از سوی دیگر با انجام تکالیف

الهی می توان به آسیب زدایی پرداخت. شاید بر همین اساس پیشوایان دین، مردم را به دینداری، و صحت اعمال و دعا و توسل به اهل بیت(ع) فرا خوانده اند. امام صادق(ع) می فرماید: "برای صاحب الامر غیبتی طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه سازد، و چنگ در دین زند".[۳]

۳_ آمادگی نظامی:

یکی از عوامل مهم زمینه ساز ظهور امام زمان(ع) آمادگی نظامی است: "در یک قیامت بزرگ، و یک انقلاب خونین و درگیری عظیم جهانی، لازم است منتظران آمادگی رزمی داشته باشند. مسلمانان همیشه باید نیروی سلحشوری داشته باشند تا در هنگام طلوع حق و درگیری های حق و باطل، به صف پیکارگران رکاب مهدی(ع) بپیوندند و حماسه آفرینند.[۴] مگر نه این است که امام زمان با ستمگران ودین ستیزان می جنگد؟ اگر چنین است، او نیاز به نیروهای مسلح آماده دارد. امام صادق(ع) فرمود: "هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کنید، اگر چه یک نیزه باشد، چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی باشد".[۵]

۴_ اصلاح جامعه:

یکی از عوامل مهم تأثیر گذارد در ظهور امام زمان(ع) اصلاح جامعه است. در آموزه های دینی این نگرش که در عصر غیبت باید در برابر ناهنجاری ها و بی عدالتی ها بی اعتنا بود و حتی به ناهنجاری هایی دامن زد، پذیرفته شده نیست و این، تحریف مفهوم انتظار است. در اندیشه شیعی همگان وظیفه دارند که با بهره گیری از دو عنصر امر به معروف و نهی از منکر

به اصلاح جامعه پراخته و در صدد ساخت جامعه سالم، مبتنی بر عدالت، شایستگی و ... باشند. در برخی روایات یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت انتظار فرج یاد شده است. پیامبر(ص) فرمود: "افضل اعمال امتی انتظار الفرج مِن الله عزّوجلّ". [۶]

انتضار فرج به معنای کناره گیری از صحنه سیاست و بی اعتنا بودن در برابر سرنوشت جامعه و تسلیم شدن در برابر ستم نیست، بلکه انتظار، قیام علیه نابرابری ها است. یکی از نویسندگان می نویسد:

"نباید پنداشت که انتظارظهور و چشم به راه "مهدی موعود" بودن، به گونه ای موجب از دست هشتن حرکت اصلاحی، و حماسه های دینی واجتماعی است. هرگز چنین نیست. انتظار دعوت به "نپذیرفتن" است، نه "پذیرفتن"، نپذیرفتن باطل، نپذیرفتن ستم، نپذیرفتن بردگی و ذلت. انتظار درفش بنیاد گر مقاومت است، در برابر هر ناحقی، و هر ستمی، هر ستم گری.

مجاهدات خستگی ناپذیر و "قیام های خونین" شیعه، در طول تاریخ، همواره گواه این است که در این مکتب، هیچ سازشی و هیچ سستی راه ندارد. شیعه، با حضور در حوزه "انتظار"، یعنی انتظار غلبه حق بر باطل، و غلبه داد بر بیداد، و غلبه تقوا بر گناه و غلبه آگاهی بر کور بینی".[۷]

بی تردید یکی از علل عدم ظهور امام زمان(ع) عدم آمادگی و اصلاح جامعه است. مصلح کل جهان اصلاحات عمومی را می طلبد و عدم آمادگی پرده میان امام زمان و مردم است.

گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی، ورنه رُخَم عیان است

گفتم که از تو پرسم، جانانشان کویت

گفتا نشان چه پرسی؟ آن کوی بی نشان است

۵ــ رشد فرهنگی و موانع زدایی:

رشد

فرهنگی و موانع زدایی از عناصر مهم زمینه سازی ظهور امام زمان(ع) هستند. در برخی روایات به لزوم شناخت رهبری و اطاعت از آن سفارش شده است.[۸] از این رو شناخت امام زمان(ع) و ویژگی های حکومت امام یک ضرورت است. برخی در هنگام ظهور امام زمان(ع) با او مخالفت می کنند و تصور می کنند که امام زمان دین جدید آورده است.[۹] طبیعی است دگم اندیشی، و جمودگرایی با حکومت امام زمان همخوانی نداشته و موانع بزرگ ظهور هستند.

شاید بر اساس ضرورت بصیرت و رشد فرهنگی در عصر غیبت است که یکی از ویژگی های یاران امام زمان(ع) بصیرت و آگاهی بیان شده است.[۱۰]

از سوی دیگر راحت طلبی و دل به دنیا بستن نیز مانع بزرگ ظهور به حساب می آید. در هنگام ظهور امام زمان(ع) راحت طلبان به دلیل این که حکومت عدالت گرای امام زمان(ع) را با منافع خویش در تضاد می بینند، با حضرت مخالفت می کنند.[۱۱] نکته قابل دقت آن است که یکی از خصوصیات یاران امام زمان(ع) خدا محوری و ساده زیستی است.[۱۲] برخی از مردم ادعای پیروی امام زمان(ع) را دارند، ولی به دلیل دگم اندیشی و گذشته گرایی و راحت طلبی با امام زمان(ع) مخالفت می کنند. امام صادق(ع) فرمود: "چه بسیار از کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور حضرت از او روی می گردانند".[۱۳]

ب- نشانه ها:

نشانه های ظهور به حتمی و غیر حتمی تقسیم می شود که در این جا به برخی از علایم حتمی ظهور اشاره می شود:

۱- خروج سفیانی:

یکی از علائم حتمی ظهور امام زمان(ع) خروج سفیانی ذکر شده

است: "پیش از قیام قائم(ع) مردی از نسل سفیان در منطقه شام خروج می کند و با تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمانان را می فریبد و به گِرد خود، می آورد و بخش گسترده ای از سرزمین های اسلام را به تصرف خویش در می آورد و بر مناطق پنجگانه شام، حمص، فلسطین، اردن قنسرین و منطقه عراق، سیطره می یابد".[۱۴]

امام زین العابدین(ع) فرمود: "ظهور حضرت قائم(ع) قطعی است؛ همان طور که خروج سفیانی قطعی است و در برابر هر قیام کننده ای یک سفیانی قیام می کند".[۱۵]

۲- ظهور دجال:

یکی از نشانه های ظهور حضرت مهدی(ع) خروج دجال است. اگر چه در این که دجال و مشخصات آن چیست، دیدگاه ها اختلاف دارند. پیامبر اسلام(ص) فرمود: "قیامت، بر پا نمی شود، تا وقتی که مهدی(ع) از فرزندانم قیام کند و مهدی(ع) قیام نمی کند تا وقتی که شصت دروغگو خروج کنند و هر کدام بگوید: من پیامبرم".[۱۶]

"دجال" از ریشه دجل به معنای دروغگوی حیله گر است. در روایات، دجال ها و دروغگویان فراوان نام برده شده است.[۱۷]

۳- در آمدن پرچم های سیاه از خراسان:

یکی از نشانه های ظهور امام زمان(ع) پدیدار شدن پرچم های سیاه از خراسان است. در روایات معصومان(ع) نیز از پدیدار شدن پرچم به عنوان یکی از نشانه های ظهورامام یاد شده است. امام باقر(ع) فرمود: "بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند. پس چون مهدی(ع) ظاهر شود، اینان وی را دعوت به بیعت می کنند".[۱۸]

برخی احتمال داده اند که منظور از خروجِ پرچم های سیاه از خراسان، قیام ابومسلم

خراسانی در سال ۱۴۰ هجری قمری است، ولی این احتمال درست نیست، زیرا قیام ابومسلم قبل از تولد امام زمان(ع) بوده است و از نظر سند نیز قابل اعتماد است.[۱۹]

۴- خسوف و کسوف:

از نشانه های ظهورک کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر یا اوّل همان ماه است. کسوف در روزهای نخست و روزهای آخر ماه و خسوف در روز های میانی ماه، طبیعی و عادی است و در طول تاریخ بارها، رخ داده است، ولی خورشید و ماه گرفتگی در وسط ماه امر غیر عادی است و رؤیت آن امکان ندارد.[۲۰]

امام باقر(ع) فرمود: "دو نشانه، پیش از قیام مهدی(ع) پدید خواهد آمد که از زمان هبوط آدم(ع) در زمین بی سابقه است: گرفتن خورشید نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن".[۲۱]

۵- فراگیر شدن جهان از ظلم و ستم:

فراگیر شدن ظلم و جور، از نشانه های معروف ظهور امام زمان(ع) است. روایات متعدد این نشانه را بیان کرده، چنان که این حدیث معروف به سند های گوناگون بیان شده است: "یملا الله به الارض قسطاث و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً؛[۲۲] خداوند به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می سازد. پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد".

علامه مجلسی از امام صادق(ع) حدیثی آورده است که بیش از یک صد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی که در زمان غیبت دامنگیر جوامع اسلامی می شود، پیش گویی شده است.[۲۳]

۶- صیحه آسمانی:

یکی از نشانه های ظهور، صیحه آسمانی بیان شده است که ظاهراً در هنگام ظهور امام زمان(ع) از آسمان

شنیده می شود[۲۴] و همه مردم آن را می شنوند. در روایات تعبیرهای: ندا و صوت نیز به کار رفته است که شاید اشاره به صیحه آسمانی باشد و یا نشانه های جداگانه هستند. امام باقر(ع) فرمود: "ندا کننده ای که از آسمان، نام قائم را ندا می کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می شنود. از وحشت این صدا، خوابیده ها بیدار، ایستادگان و نشستگان بر دو پای خویش می ایستند".

بیان این نکته ضروری است که نشانه های ظهور امام زمان(ع) منحصر به علایم

فوق الذکر نیست، بلکه نشانه های دیگر مانند خروج یمانی [۲۵] قتل نفس زکیه،[۲۶]خروج أجوج و مأجوج،[۲۷]طلوع خورشید از مغرب،[۲۸] جنگ های خونین،[۲۹] و ... نیز بیان شده است.

در خصوص مکان ظهور امام زمان(عج) باید گفت: از بیشتر روایات استفاده می شود حضرت در مکه ظهور می کند. امام صادق(ع) فرمود: "إنّ القائم منّا منصورٌ بالرعب، مؤید بالنصر فعند ذلک خروج قائمنا فإذا خرج سند ظهره إلی الکعبه واجتمع ثلثمأه و ثلثه عشر".[۳۰]

امام باقر(ع) فرمود: "قائم با سیصد و سیزده مرد از یارانش در ذی طوی[۳۱] منتظر قیام است تا موقعی که به حجر الاسود تکیه زند و پرچم آویخته را به اهتزاز در آورد".[۳۲]

[۱] صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۵۹۴- ۵۹۶.

[۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

[۳] همان، ص ۱۳۵.

[۴] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۵۰.

[۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

[۶] صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۲۹.

[۷] محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۳۴ – ۳۳۵.

[۸] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲ – ۱۳۴؛ مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، شماره ۷۰ – ۷۱، ص ۳۳۸.

[۹] مجله

حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۳۱۳.

[۱۰] همان، ص ۳۰۰.

[۱۱] همان، ص ۳۰۹.

[۱۲] همان.

[۱۳] میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۲.

[۱۴] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۲۴۸؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۲۱.

[۱۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

[۱۶] ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱، سنن داود، ج ۴، ص ۱۱۵.

[۱۷] مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۲۶۳.

[۱۸] شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۲؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۱۷.

[۱۹] مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۲۶۹.

[۲۰] همان، ص ۲۷۰.

[۲۱] کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۱.

[۲۲] کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ ینابیع الموده، ص ۴۴۸.

[۲۳] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶– ۲۶۰.

[۲۴] کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۴.

[۲۵] تاریخ غیبت کبری، ص ۲۵۲؛ مجله حوزه ویژه نامه امام زمان، ص ۲۵۴.

[۲۶] منتخب الاثر، ص ۴۵۹.

[۲۷] همان، ص ۴۶۱.

[۲۸] وافی، ج ۲، ص ۴۴۶.

[۲۹] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶.

[۳۰] صافی گلپایگانی منتخب الاثر، ص ۵۷۸.

[۳۱] ذی طوی کوهی در مجاور مکه است.

[۳۲] مهدی موعود، ص ۱۰۹۷.

چرا خداوند دسترســی به امام زمان"عج" را سخت کرده است؟ آن هم در این دوره وانفسا که عده ای خود را امام زمان بنامند و چنین کفر و گناه، جامعه را از هم بدرد!

پرسش

چرا خداوند دسترسی به امام زمان"عج" را سخت کرده است؟ آن هم در این دوره وانفسا که عده ای خود را امام زمان بنامند و چنین کفر و گناه، جامعه را از هم بدرد!

پاسخ

بحث را در دو بخش مطرح می کنیم:

بخش نخست: ضرورت ایجاد زمینه و صلاحیّت ارتباط با امام زمان(عج).

بخش دوم: بررسی عوامل غیبت.

۱- ضرورت ایجاد زمینه جهت ارتباط با امام زمان(عج).

در عرف همه ملل و اقوام روشن است که ارتباط با بزرگان به میزان شخصیت هر بزرگی، دارای شرایط ویژه ای است که تا شرایط پدید نیایند، عرف مردمی اجازه ارتباط و دسترسی با آن شخصیّت را به هیچ فردی نمی دهد.

دسترسی به امام زمان(عج) از این گردونه خارج نیست، بلکه می توان گفت: با توجّه به موقعیّت اختصاصی حضرت یعنی موضوع "غیبت" و سوء استفاده هایی که ممکن است برخی از افراد از مطرح کردن ارتباط با امام زمان(عج) داشته باشند، دسترسی به حضرت، دارای شرایط بیشتر و سخت تری می باشد و چنان نیست که هر فردی به آسانی بتواند با امام ارتباط برقرار کند.

قدم گذاشتن در این مسیر به کسب لیاقت و شایستگی نیازمنداست و هر کس به اندازه تلاش خود بهره می برد. خلاصه این که: ارتباط و دسترسی به امام زمان در دوران غیبت کبری به ایجاد زمینه شایستگی و لیاقت نیاز دارد؛ همان گونه که برخی از بزرگان همانند سید بحرالعلوم و محقق اردبیلی (ره) با حضرت ارتباط داشتند؛ از سوی دیگر ارتباط با امام زمان(عج) تنها

ملاقات حضوری نیست، بلکه راه های دیگری برای ارتباط موجود است (مثلاً از طریق دعا و مناجات و به صورت درونی).

در ضمن از برخی روایات استفاده می شود که

حضرت بر اعمال و رفتار شیعیان نظارت دارد و پشت پرده به هدایت مردم پرداخته و همه جا حضور دارد، همانند روایاتی که می گوید: "حضرت در مراسم حج حضور دارد و مردم را می بیند، اما مردم او را نمی بینند".(۴)

۲- بررسی عوامل غیبت.

عواملی را که قابل تصوّر است در غیبت امام زمان(عج) تأثیر داشته باشد می توان در این چند فرض بیان کرد:

۱- خداوند اراده کرده است که حضرت غایب باشد.

۲- حضرت ولی عصر(عج) خواهان غیبت است.

۳- مردم آمادگی ظهور و پذیرش حضرت را ندارند.

اهل فن و علمای کلام مورد اول و دوم را مردود شمرده اند، به دلیل این که:

الف) لطف خدا به بندگان مقتضی ظهور امام زمان(عج) است تا بندگان تشنه حق و حقیقت بتوانند با ظهور و حضور او، از چشمه زلال هدایتش سیراب شوند. یعنی اگر بشر و انسان ها و هر موجودی، قابلیت دریافت فیض الهی را داشته باشد، خداوند او را از فیض خود محروم نمی کند.

ب) مقام عصمت حضرت اقتضا می کند که مردم از فیض حضور آن عزیز و ارشادها و راهنمایی های او بهره مند باشند؛(۵) افزون بر این دلیل عقلی، از برخی روایات استفاده می شود که حضرت هم خواهان تحقّق وعده ظهور است. محمد بن عثمان عمری می گوید: آخرین دیدار من با حضرت کنار خانه خدا بود، در حالی که حضرت این گونه دعا می کرد: "اللّهم أنجزلی ما وعدتنی؛(۶) خدایا! آن چه را که به من وعده داده ای برسان".

بنابراین از موارد فوق، فقط فرض سوم باقی می ماند که تنها عامل "غیبت" محسوب می شود، یعنی آماده نبودن جامعه بشری، یعنی انسان ها هنوز به دریافت این فیض بزرگ الهی نرسیده اند و این قابلیت برای آن ها

هنوز به وجود نیامده است.

در این باره حضرت علی(ع) فرمود: "بدانید که زمین از وجود حجّت خدا خالی نمی ماند، ولی خداوند، به خاطر ظلم و جور و اسراف مردم آنان را از دیدار و ارتباط با او محروم خواهد کرد".(۷)

خواجه نصیر الدین طوسی دراین باره گفته است: "غیبت امام مهدی(عج) نه از ناحیه خدا است و نه از ناحیه حضرت، بلکه از ناحیه مردم است، چرا که همگان آماده اطاعت از امام نیستند و هرگاه عاملغیبت زدوده شود، هنگام ظهور فرا می رسد".(۸)

بنابراین می توان گفت: تنها عامل عدم دسترسی به امام زمان(عج) و غیبت حضرت، آماده نبودن جامعه بشری برای ظهور است، گرچه بخشی از مردم به این نتیجه رسیده اند که اصلاح جامعه و برقراری عدالت اجتماعی فراگیر ممکن نیست. مگر از ناحیه شخصی که دارای ولایت مطلقه از طرف خدا باشد؛ و تا این خواسته مردمی به حدّ لازم نرسد و همگان یا اکثر انسان ها خواهان پذیرایی از مقدم او و اجرای دستورهایش نباشند، ظهور نخواهد کرد.(۹)

هم چنین باید توجه داشت، اگر چه هر فردی به صورت عادی نمی تواند با امام زمان(عج) ارتباط داشته باشد و او را دیدار کند، اما این بدان معنا نیست که از هدایت الهی محروم می باشیم، زیرا کتاب الهی و سنت و روایات پیامبر اسلام(ص) و سیره امامان معصوم و روایات آن ها را داریم.

همچنین وجود عالمانی که به دین و احکام الهی آگاهی دارند. همه این موارد راه ما را در رسیدن به احکام الهی و ارزش های انسانی (که لازمه زندگی سعادتمند و رستگاری جاودانه است) هموار و روشن می کند؛ بنابراین غیبت و فقدان امام، به معنای فقدان نور هدایت

الهی و محرومیت از هـدایت خداونـد نیست. بسـیاری از امور امروزه برای ما در سایه کتاب خداونـد که دچار تحریف نیست و سنّت پیامبر و امامان معصوم و عقل خـدادادی روشن است. می توانیم بر اساس اصول کلی که در اسـلام بیان شده، راه روشـن هدایت را درک کنیم.

در این امور نیاز به دست غیبی نداریم و وظیفه ما کاملاً مشخص است.

رسیدن به حضور امام زمان برای درک معارف عالی تر و نیازهای برتر است. اگر توانستیم به آنچه که می دانیم و برای ما بیان شده، عمل کنیم، به وظیفه مان عمل نموده ایم.

پی نوشت ها:

۱. طه (۲۰) آیه ۵۰.

۲. نمل (۹۱) آیه ۸.

۳. انسان (۷۶) آیه ۳.

۴. کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم النعمانی، مکتبه الصدوق، تهران، ص ۱۷۵، احادیث ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶.

۵. بدایه المعارف الالهیّه، محسن خرازی، ج ۲، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ص ۱۶۳.

۶. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ص ۳۶۴، ح ۳۳۰.

۷. مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصـفهانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، ج ۱، ص ۱۶۰؛ کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم النعمانی، مکتبه الصدوق، تهران، ص ۱۴۱، ح ۲.

۸. بدایه المعارف الهیه.

۹. بدایه المعارف الالهیه، همان، ص ۱۶۴.

چرا امام زمان(ع) هنگامی ظهور می کند که همه جا را ظلم و فساد بگیرد؟

پرسش

چرا امام زمان(ع) هنگامی ظهور می کند که همه جا را ظلم و فساد بگیرد؟

پاسخ

بی تردیـد امـام زمان(ع) حکومـت جهانی تشـکیل خواهـد داد. برای شـکل گیری و پـذیرش آن نیاز است که برخی از شـرایط فراهم و عوامل شکل گیری آن ایجاد شوند.

یکی از شرایط ایجاد حکومت جهانی، آمادگی مردم و احساس نیاز شدید آنان می باشد. آمادگی آن گاه حاصل می شود که مردم سـتم هـای حاکمـان را تجربـه و ظلم و فسـاد آنـان را خسـته کرده باشـند. در غیر این صـورت مردم نه آمـادگی پـذیرش حکومت جهانی را دارد و نه قدر و ارزش آن را می دانند.

طبیب عشق مسیحا دم است و مشفق، لیکچو درد در تو نبیند، چه را دوا بکند؟!

امروزه در جهان حکومت های متعـددی وجود دارد، زیرا مردم هنوز آمادگی پـذیرش حکومت جهانی را ندارنـد؛ حتی برخی احساس می کنند حکومت های آنان بهترین حکومت و رهبران آن ها موفق ترین رهبران هستند.

برای پذیرش حکومت جهانی امام زمان(ع) لازم است افکار عمومی آمادگی پذیرش حکومت امام را پیدا کنند. یکی از زمینه هـای آن گسترش ظلم و فسـاد است. گسترش سـتم هـا و ناهنجـاری ها موجب می شونـد که مردم آرزوی حکومت عادلانه را نموده و از دل و جـان آن را بپذیرنـد. در برخی از روایـات از جنـگ هـا و ظلم سـخن به میان آمـده است که پیش از ظهور به وجود می آیند.

حوادث قبل از ظهور نقش بنیادی در شکل گیری حکومت و پذیرش آن توسط مردم دارند.

امام علی(ع) فرمود: "درباره مولودی می اندیشم که از نسل من است و او مهدی است که زمین را

پر از عـدل و داد می کنـد، پس از آن که از سـتم و بیداد آکنده باشد".(۱) هم چنین یکی از ارزش ها و اهمیت کار حضـرت مهدی(عج) ایجاد عدالت در پهنه گیتی بعد از گسترش ظلم در آن است.

کـاری که به وسـیله امـام زمـان(عـج) صورت می گیرد، به وسـیله هیـچ یـک از پیـامبران و امامان پیش از او انجام نشـده و آن گستراندن عدالت پس از ظلم و ستم بسیار است. این کار اهمیت نهضت امام زمان را دو چندان می کند، یعنی وضع جامعه را به نقطه مقابـل آنچه وجود دارد، می کشانـد، به همین خـاطر تمـام ادیـان و مـذاهب در انتظـار آن هسـتند. کاری که هیـچ گاه صورت نگرفته است.

البته مقصود از این که هر گـاه جهان را فساد گرفت، امام ظهور می کنـد، آن نیست که در جامعه افراد صالـح و شایسـته وجود نداشته و همه ارزش ها از بین رفته باشد.

در این که مقصود از گسترش فساد و ظلم چیست، احتمالات متعددی وجود دارد:

۱ هرگاه بدی ها، بر خوبی ها، ضد ارزش ها بر ارزش ها و ظلم بر عدالت غلبه نمایند، امام ظهور می کند.

۲ مقصود از گسترش ظلم و ناهنجـاری هـا آن است که مردم به رشـد فکری رسـیده و معنـای ظلم و ظالمان و مفاسـد را خوب درک کننـد، از این رو اگر ظلم و ناهنجاری ها گرچه به طور محـدود به وجود آیـد، مردم احساس می کنند و شدیداً رنج می برند.

۳ اگر چه مردم خواهـان عـدالت و نیکی هسـتند و از درون قلب آن را احساس می کننـد، اما حاکمان آن ها مردمی سـتمگرند وحقوق

آن ها را پایمال می کنند و اجازه برقراری عدالت و مساوات نمی دهند و یا آن را اجرا نمی کنند.

بدین سان در زمان ظهور امام زمان(ع) فرهنگ ستم ستیزی به اوج رسیده و مردم ظلم و فساد را تحمل نمی کنند؛

شهید مطهری می گوید: مقصود از گسترش ظلم آن است که هر یک از شقی و سعید (بدبخت و خوشبخت) گروه حق و باطل به نهایت کار خود می رسند: ستمکاران و بدکاران به درجه ای از بدی و نابکاری می رسند که لهیب آتشِ آنان، همه را فرا می گیرد و صالحان در مظلومیت هستند.(۲)

بر این اساس ظهور امام در زمانی شکل می گیرد که مردم رشد فکری پیدا کرده و در جامعه، فرهنگ ستم ستیزی گسترش یافته و انسان های حق طلب از ظالم و باطل گرا تشخیص داده شده اما هنوز همه ارزش ها و عدالت از بین نرفته اند. در چنین فضایی است که مردم آماده پذیرش حکومت جهانی امام زمان(عج) می شوند.

پی نوشت ها:

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲. قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۶.

چه شرایط اجتماعی زمینهساز ظهور حضرت مهدی(عج) میباشد؟

پرسش

چه شرایط اجتماعی زمینهساز ظهور حضرت مهدی(عج) میباشد؟

پاسخ

اینکه جامعه بشر و ملتها بفهمند که هیئتهای حاکم در رژیمهای گوناگون، از عهده اداره امور بر نمیآیند و مکتبهای سیاسی و اقتصادی مختلف، دردی را درمان نمیکنند و اجتماعات و کنفرانسها و سازمانهای بین المللی و طرحها و کوششهای آنها به عنوان حفظ حقوق بشر نقشی را ایفا نخواهند کرد و در اصلاحات از تمام این طرحها که امروز و فردا مطرح میشود مأیوس شوند و فساد و طغیان شهوات و ظلم و ستم همه را در رنج و فشار گذارد همانطور که در روایات است این بیعفتی و فحشاء بقدری رواج پیدا کند که در کنار خیابانها و ملأعام زن و مرد علناً مانند حیوانات از ارتکاب آن شرم نکنند و حیا و آزرم آنها از میان برود.

چنانچه می بینیم طرحهائی که داده می شود و پی ریزی هائی که می کنند، در مسیر مخالف تمدّن واقعی و مروّج ظلم و فساد و سبب اضطراب و نگرانی و عقده های روحی و ارتداد و ارتجاع است و بیشتر به تأمین جنبه های حیوانی و جسمی توجه می شود و به جنبه های انسانی و روحی اعتنا ندارند.

وقتی اوضـاع و احوال اینگونه شـد و از تمـدّن (منهـای انسانیّت) کنونی همه بسـتوه آمدنـد و تاریکی جهان را فرا گرفت ظهور یـک رجـل الهی در پرتو عنایـات غیبی بـا حسن اسـتقبال مواجه می شود و تـاریکی هـا از هم شـکافته و به تشـنگان حقیقت و عدالت، آب زلال معرفت و سعادت می دهد و در کالبد این بشر دل مرده، روح نو می دمد که:

«اِعْلَمُوا اَنَّ اللهَ یُحْیِی الْأَرضَ بَعْدَ مَوْتِها» حدید/۱۷

[بدانید که خداوند زمین را بعد از مردن، زنده می گرداند]

در

این شـرایط، پذیرش جامعه از ندای روحانی یک منادی آسـمانی بی نظیر خواهد بود؛ زیرا در شدّت تاریکی، درخشندگی نور ظاهرتر و ارج و اثر آن آشـکارتر است. ولی اگر شرایط و اوضاع و احوال مساعد نباشد و تأخیری که حکمت الهی اقتضای آن را دارد واقع نشود نتایـج و فوایـدی که از این ظهور منظور است حاصل نمی گردد. پس بایـد این ظهور تا وقت معلوم به تأخیر افتد و در هنگامی که شـرایط آن حاصل و حکمت الهی مقتضـی شد و منادی آسمانی آن را اعلام کرد، انجام شود و کسی از وقت آن اطلاع نـدارد و هرکس، وقتی برای آن معیّن کنـد، دروغ گفته است. از حضـرت صادق(ع) روایت است که فرمود: از برای ظهور، وقتی نیست برای آنکه ماننـد روز قیـامت علم آن در نزد خـدا است، تـا اینکه فرمود: برای ظهور مهـدی ما، کسـی وقت معیّن نکنـد، مگر آن کس که خود را شـریک در علم خـدا بدانـد و مدعی باشد که خدا او را بر سـرّ خودش آگاه کرده است. (اثبات الهداه/ ۷/۵۵)

برای اینکه دنیا حکومت حضرت مهدی(عج) را پذیرا گردد چند نوع آمادگی لازم است؟

پرسش

برای اینکه دنیا حکومت حضرت مهدی(عج) را پذیرا گردد چند نوع آمادگی لازم است؟

پاسخ

۱ آمادگی فکری و فرهنگی

یعنی سـطح افکار مردم جهان آن چنان بالا رود که بدانند مثلاً مسأله «نژاد» یا «مناطق مختلف جغرافیائی» مسئله قابل توجّهی در زندگی بشر نیست. تفاوت رنگها و زبانها و سرزمینها نمی توانند نوع بشر را از هم جدا سازد. تعصّبهای قبیله ای و گروهی باید برای همیشـه بمیرد؛ فکر مسـخره آمیز «نژاد برتر» را بایـد به دور افکنـد؛ مرزهـای سـاختگی بـا سـیمهای خـاردار! و دیوارهـایی همچون دیوار باستانی چین! نمی تواند انسانها را از هم دور سازد.

۲ آمادگیهای اجتماعی

مردم جهان باید از ظلم و ستم و نظامات موجود خسته شوند و تلخی این زندگی مادّی و یک بعدی را احساس کنند و حتّی از این که ادامه این راه یک بعدی ممکن است در آینده مشکلات کنونی را حل کند، مأیوس گردند.

مردم جهان بایـد بفهمند آنچه در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی درباره آینده درخشان تمدّن بشـری در پرتو پیشـرفتهای ماشینی به آنها نویـد داده می شـد، در واقع در باغ سبزی بیش نبود؛ و یا همچون سـرابی در یک بیابان سوزان در برابر دیدگان مسافران تشـنه کام.

نه تنها صلح و رفاه و امنیّت مردم جهان تأمین نشد، بلکه دامنه مناقشات و نا امنیهای مادّی و معنوی گسترش یافت.

نه تنها وضع قوانین به ظاهر جالب، ظلم و تبعیض و اسـتعمار و شـکافهای عظیم طبقاتی را از جهان بر نچید، بلکه مفاسد پیشین،

در مقیاسهای عظیمتر و اشکال خطرناکتر بروز کرد.

پی بردن به عمق وضع خطرناک کنونی، نخست حالت تفکّر، سپس تردید و سرانجام یأس از وضع موجود جهان

و آمادگی برای یک انقلاب همه جانبه بر اساس ارزش های جدید به وجود می آورد.

این چیزی است که تا حاصل نگردد رسیدن به چنان مرحله ای ممکن نیست، درست همانند دمل چرکینی که تا نضج نگیرد لحظه نشتر زدن آن فرا نخواهد رسید.

۳ آمادگیهای تکنولوژی و ارتباطی

بر خلاف آنچه بعضی می پندارند که رسیدن به مرحله تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت، حتماً همراه با نابودی تکنولوژی جدید امکان پذیر است، وجود این صنایع پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نخواهد بود، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال است.

برای ایجاد و سپس کنترل یک نظام جهانی، یک سلسله وسایل مافوق مدرن لازم است که با آن بتوان جهان را در مدّت کوتاهی در نوردید و به همه جا سرکشی کرد؛ از همه جا آگاه شد و در صورت نیاز امکانات لازم را از یک سوی جهان به سوی دیگر برد و پیامها و اطّلاعات و آگاهیهای مورد نیاز را در کمترین مدت به همه نقاط دنیا رسانید.

چند نوع آمادگی برای پذیرش انقلاب مهدی(ع) لازم است؟

پرسش

چند نوع آمادگی برای پذیرش انقلاب مهدی(ع) لازم است؟

پاسخ

۱ آمادگی پذیرش (آمادگی روانی)

مردم جهان باید بقدر کافی تلخی این وضع نابسامان و بیعدالتیها را درک کنند. مردم جهان باید نارسائی و ضعف قوانین بشری را برای اجرای عدالت اجتماعی لمس کنند.

مردم جهان باید این حقیقت را بیابند که تنها در سایه اصول و پیوندهای مادّی و ضمانت اجرایی موجود و مقرّرات خود ساخته انسانها مشکل جهان حل نمیشود، بلکه مشکلات هر روز متراکمتر و به گونه کلاف سر درگمی پیچیدهتر میگردد.

مردم جهان باید احساس کنند که بحرانهای کنونی زاییده نظامات کنونی است و این نظامات از حلّ بحرانها سرانجام عاجزند.

مردم جهان باید درک کنند که برای وصول به این هدف بزرگ، اصول و نظاماتی تازه لازم است که متّکی به ارزشهای انسانی و ایمان و عواطف بشری و اخلاق باشد، نه تنها اصول خشک و بیروح و نارسایی مادّی.

مردم جهان باید به این حد از رشد اجتماعی برسند که بفهمند پیشرفت تکنولوژی الزاماً به مفهوم پیشرفت بشریّت و تأمین

خوشبختی انسانها نیست، بلکه تکنولوژی پیشرفته تنها در صورتی ضامن نیکبختی و سعادت است که زیر چتر یک سلسله اصول معنوی و انسانی استقرار یابد و الّا همان گونه که بارها دیدهایم بلاآفرین خواهد بود و مایه ویرانگری است.

مردم جهان باید دریابند صنایع اگر به صورت بتی درآیند بر حجم مشکلات کنونی افزوده خواهد شد و به ابعاد ویرانی و ضایعات جنگها وسعت میبخشد، بلکه باید به شکل ابزاری درآیند تحت کنترل انسانهای شایسته.

بالاخره مردم جهان باید تشنه شوند و تا تشنه نشوند به سراغ چشمههای آب نمیروند.

۲ تکامل فرهنگی و

صنعتی

از سوی دیگر گردآوری تمـام مردم جهـان در زیر یـک پرچم، کوتاه ساختن دست زورمنـدان و قلـدران در همه جا، گستردن تعلیم و تربیت در آخرین حدّ امکـان در همه سـطوح، تفهیم کامـل این مسأله که اختلاف زبان، و نژاد، و منطقه جغرافیایی و ماننـد آنهـا، دلیل بر این نیست که مردم جهان نتواننـد هماننـد برادران، در یک خانواده زنـدگی کننـد و در صلح و برادری و عدالت زیست نمایند.

و فراهم ساختن یک اقتصاد سالم و کافی برای همه انسانها، نیاز به رشد فرهنگی و بالا رفتن سطح دانش بشری از یک سو، و تکامل وسائل صـنعتی از سوی دیگر دارد، وسائلی که بتوانـد پیوند سـریع و نزدیک و دائمی میان تمام نقاط جهان برقرار سازد که آن هم بدون گذشت زمان ممکن نیست.

چگونه ممکن است یک حکومت به وضع همه جهان رسیدگی کند اگر ارتباطات به کندی صورت گیرد؟

چگونه میتوان بـا وسـائلی که فرسـتادن یـک پیـام با آن به نقاط دور افتاده جهان یک یا چنـد سال وقت لازم دارد دنیا را اداره کرد؟

از پارهـای از روایـات که شـکل زنـدگی مردم جهـان را در عصـر قیـام مهـدی (ع) ترسـیم میکنـد اسـتفاده میشود که پیشـرفت تکنولوژی و صـنعت مخصوصاً صـنایع حمل و نقل و ارتباطی در آن عصـر چنان خواهد بود که قارّههای بزرگ جهان عملاً به صورت چند شـهر نزدیک به هم درمیآیند و شـرق و غرب حتّی حکم یک خانه را پیدا میکند؛ مشکل زمان و مکان بکلّی حل خواهد شد.

البتّه ممکن است قسمتی از این امور در پرتو یک جهش و انقلاب صنعتی در آن عصر صورت گیرد، ولی بالاخره یک نوع

آمادگی علمی به عنوان زمینه باید در آستانه چنان عصری باشد.

۳ پرورش یک نیروی ضربتی انقلابی

سرانجام لازم است گروهی هر چند در اقلّیت باشند در این جهان پرورش یابند که هسته اصلی ارتش انقلابی آن مصلح بزرگ را تشکیل دهند. باید افرادی فوقالعاده آگاه، شجاع، دلسوز فداکار و جانباز برای این کار تربیت شوند هر چند نسلهایی برای این منظور یکی پس از دیگری بگذرند تا ذخایر اصلی آشکار گردد و عناصر اصلی انقلاب فراهم شود، و این نیز زمان میخواهد.

آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟

پرسش

آیا فراگیری فساد مایه انقلاب حضرت مهدی (عج) است؟ و اگر چنین است چرا در گسترش آن کوشش نکنیم؟

پاسخ

یکی از نشانه های آغاز انقلاب امام زمان، فراگیری ظلم و جور در جهان است و این مطلب را از دو راه می توان ثابت کرد.

۱- پیامبر گرامی فراگیری ظلم و جور را، نشانه آغاز انقلاب دانسته و در حدیثی که محدثان اسلامی نقل کرده اند، فرموده است:

«یملا الارض قسطاً و عدلا کما مُلئت ظُلما وجورا»

[زمین را پر از قسط و عدل می کند، چنان که از ظلم و جور پرگردد]

فرهنگ نویسان زبان عرب می نویسند: تجاوز به حقوق دیگران و اختصاص دادن آن به خویش، «ظلم» است. و محکم کردن پایه های حکومت از طریق مسلط کردن گروهی بر جان و مال مردم و اشاعه تبعیض، «جور» است. هرگاه چنین تفسیری برای این دو لفظ درست باشد، قهراً قسط نقطه مقابل ظلم، و عدل نقطه مقابل جور، خواهد بود. بنابراین فراگیری فساد از نظر احادیث اسلامی، یکی از نشانه های انقلاب حضرت مهدی است.

۲- فشار و اختناق هرگاه از حدّ بگذرد، مایه انفجار می گردد. انفجارهای اجتماعی، مانند انفجار های مکانیکی است که در درجه معینی از فشار، انفجار رخ می دهد. و در حقیقت گسترش فساد به وسیله ضحا کان زمان، انقلاب را نزدیکتر می کند، و در نتیجه بذر های انقلاب را آبیاری می نماید، تا لحظه ای که بحران به اوج خود برسد و انقلاب صورت پذیرد. با توجه به این دو مطلب، در این جا سؤالی مطرح می گردد که: اگر فساد و بحران، مایه تحقق انقلاب های بنیادی است، پس وظیفه ما در زمان غیبت امام، دامن زدن به فساد و کوشش در گسترش آن است. در غیر این

صورت، با دست خود انقلاب الهی را به عقب انداخته و خود را در یک زندگی نامطلوب حس خواهیم کرد.

اکنون به تجزیه و تحلیل این اشکال که به دست و پای برخی از جوانان ما پیچیده است می پردازیم در اینجا دو پاسخ داریم که هرکدام می تواند اساس اشکال را از بین ببرد.

۱ گسترش فساد کافی نیست بلکه آگاهی نیز لازم است.

پایه اشکال را یک مطلب تشکیل می دهد و آن این که تصور شده است، که تنها گسترش فساد به اوج رسیدن بحران در تحقق انقلاب کافی است، در صورتی که در کنار گسترش فساد، شرط اساسی تری لازم است که بدون آن انقلاب رخ نمی دهد، و آن شرط عبارت است از: آمادگی مردم برای انقلاب، از طریق بالاـ رفتن سطح آگاهی و هوشیاری در گروههای مختلف.

مقصود از بالاـ رفتن سطح آگاهی، این است که انسان ها، به موقعیت و ارج وجود خود پی ببرند، و تحمل ظلم و فساد را زندگی ننگین و مرگباری تلقی کنند که شایسته مقام انسان نیست. آنگاه با ارزیابی شرایط و امکانات خود، و ستم قدرت های طاغوتی، بذر انقلاب را در سرزمین مستعد و آماده بپاشند و با طرق گوناگون، در آبیاری آن بکوشند. ناگفته پیداست، تا زمانی که در توده ها چنین آگاهی پدید نیاید، و انسانها بر ارزش خود واقف نگردند، و امکانات خود و طرف را درست نسنجند، انقلاب کوری رخ می دهد که نمی تواند، مصالح مردم را تضمین کند.

به عبارت روشن تر: برای تحقق یک انقلاب، تنها گسترش فساد و یا وجود یک رهبر لایق کافی نیست، بلکه علاوه بر این، آمادگی روحی و فکری لازم است که مردم در موقع

مناسب بهای انقلاب را که همان ایثارگری و شهادت در راه هدف است، بپردازند. در غیر این صورت، سستی و تنبلی و اکتفا به وضع موجود، در روح جامعه لانه می گزینند، و اندیشه انقلاب به ذهن آنان راه پیدا نمی کند. و با تمسک به منطق «موسی به دین خود، عیسی به دین خود»، و یا «هر کس باید گلیم خود را از آب بیرون ببرد»، «من چه کار به کار دیگران دارم» و امثال این جملات، وضع موجود را که توأم با یک نوع راحت طلبی است، بر قیام و انقلاب و تحمّل زندان و شکنجه و قتل و اعدام ترجیح می دهد.

باید توجه نمود که مدت هاست که فساد، جهان را فرا گرفته است. فساد ابر قدرت ها در بسیاری از مناطق جهان –بویژه آفریقا و آسیا- به شدیدترین وضع رسیده است. از روزی که غرب، اندیشه تسلط بر شرق را در سر پرورانده، هر روز در نقاط مختلف جهان، بر مظالم خود افزوده و میلیون ها نفر را در بند کشیده است. تنها بررسی وضع کشورهای استعمارزده افریقا و جنوب آسیا سند روشن و گویایی بر این مطلب است.

۲- پرورش یک نیروی مهیای منتظر

برای تحقق قیام حضرت مهدی علیه السلام، یک ارتش مهیّا و نیروی ضربتی کارآمد لازم است که پشت سر امام علیه السلام ایستاده و گوش به فرمان او باشد. از این جهت باید در جهنم سوزان ظلم و جور و فساد و تبعیض، افراد فداکاری پرورش یابند، تا پیام آور بهار عدالت باشند این گروه باید به نیروی ایمان و تقوا مجهز گردند، و جانباز و فداکار باشند. تربیت چنین افرادی، بر عهده مصلحان دلسوز است که در

هر زمان برای تربیت این گونه افراد، همت گمارند و آنی از این کار غفلت نورزند. بنابراین هرگز نمی توان به این دلیل واهی که فساد مایه انفجار و انقلاب است، از کارهای اصلاحی که منجر به تربیت چنین افرادی گردد، سر باز زد.

از همه اینها گذشته، ما باید موقعیت خود را در زمینه قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه مشخص کنیم. بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه برای درهم کوبیدن آنها صورت می گیرد. و اگر درصدد اصلاح جامعه باشیم، از کسانی خواهیم بود که در زمره اصحاب فداکار حضرتش عضویت خواهند داشت. بنابراین به فرض اینکه با کمک کردن به توسعه فساد، ظهور امام مهدی صلوات الله علیه را به پیش بیندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته ایم. مگر نه این است که حضرت بقیهالله علیه السلام برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن ظلم و فساد قیام می کند؟ ما چگونه می توانیم با گسترش فساد، از قیام آن بزرگوار بهره مند شویم؟

بنابراین سکوت در برابر فساد، و یا کمک به توسعه فساد، نه از لحاظ کلی برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه صحیح است، نه از نظر شخصی.

بیشتر بنظر می رسد که این اشکال و مغلطه کاری را کسانی درست کرده اند که می خواهند ا ز زیر بار مسئولیتها فرار کنند، و یا آلوده هر فسادی شوند.

بطور خلاصه، گسترش فساد و ظلم، اگر منجربه «انظلام» -یعنی پذیرش ظلم و ستم- بشود، هیچ گاه زمینه قیام علیه آن نخواهد شد. بلکه تنها در صورتی مفید است که مقدمه مبارزه در جهت تحقق عدالت

و نیکی باشد. بدیهی است که این مقدمه نیز هیچگاه عملی نخواهد شد، مگر زمانی که مردم، بدی ظلم را بدانند. و در برابر آن، مظاهر صلاح و تقوای فردی و اجتماعی را نیز بشناسند. و تنها راه این شناخت، دعوت مردم به سمت صلاح و تقوی است.

از سوی دیگر، در احادیثی که پیامبر و ائمه اطهار علیه السلام وظایف منتظران را معین کرده اند، همه جا سخن از تقوی، ورع، عفاف، صلاح، سداد، دوری از گناه و قرب به خداست. به عنوان نمونه، امام صادق علیه السلام فرمود:

«من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر. فان مات وقام القائم بعده، کان له من الأجر مثل أجر من أدرکه. فجدوا وانتظروا هنیئاً لکم ایتها العصابه المرحومه» (بحارالانوار، ۵۲/۱۴۰، به نقل از غیبت نعمانی)

[هر کس خوشنود می شود که از اصحاب قائم علیه السلام باشد، پس باید منتظر باشد، و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که منتظر است. اگر چنین شخصی، پیش از ظهور حضرتش بمیرد، اجر او مانند کسی است که زمان ظهور آن حضرت را درک کرده است. پس (در جهت نیکی ها) بکوشید و منتظر باشید. (این انتظار) گوارا باد بر شما ای گروه رحمت شده].

علمای گذشته ما، درباره وظایف و تکالیف منتظران در زمان غیبت، کتابهائی مستقل نوشته یا فصولی از کتب خود را اختصاص داده اند. مانند:«نجم الثاقب» تالیف مرحوم حاج میرزاحسین نوری (متوفی ۱۳۲۷)، «مکیال المکارم» تالیف مرحوم میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (متوفی ۱۳۴۸)، «وظیفه مردم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام» تالیف همان بزرگوار.

در این کتابها و مشابه آنها که تنها بر اساس روایات

معصومین علیهم السلام نوشته شده، هیچگاه «پر کردن جهان از ظلم» به عنوان وظیفه منتظر در زمان غیب یاد نشده است.

در واقع، هیچ عاقلی پیدا نمی شود که با الفبای کلام معصوم آشنا بوده و چنین عقیده ای داشته باشد. مگر اینکه مانند گروهکهای چپگرای از عقل بیگانه باشد، که این سخن را بعنوان وسیله سرکوب بعضی گروهها بکار برد.

با توجّه به مضمونی که در بسیاری از احادیث مربوط به امام زمان((علیه السلام)) آمده که آن حضرت وقتی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و جور شده آیا صحیح است انسانها برای رفع ظلم و ستم و مبارزه با آن برخیزند و آیا این انقلابها گامی برای عقب افتادن ظهور نمی باشد؟

پرسش

با توجّه به مضمونی که در بسیاری از احادیث مربوط به امام زمان((علیه السلام)) آمده که آن حضرت وقتی ظهور می کند که دنیا پر از ظلم و جور شده آیا صحیح است انسانها برای رفع ظلم و ستم و مبارزه با آن برخیزند و آیا این انقلابها گامی برای عقب افتادن ظهور نمی باشد؟

پاسخ

اوّلا; باید توجّه داشت که از احادیثی که مضمون مذکور در آنها آمده استفاده نمی شود که ظهور امام زمان وابسته به پر شدن دنیا از ظلم و جور است تا به مجرد اینکه جهان از ظلم و جور پر شود آن گرامی ظاهر گردد بلکه پر شدن دنیا از ظلم و جور یک واقعیّتی است که ظهور امام زمان با آن مقرون است و این واقعیّت در احادیث نسبت به آن خبر داده شده است بنابراین این اندیشه که با تلاش کنیم که ظلم بیشتر شود تا امام زمان زودتر ظاهر شود اندیشه ای است که از ناحیه هیچ حدیثی مورد تایید نیست.

ثانیاً; ما باید مسلک شرع اسلام را در نظر بگیریم و اینکه آیا به فساد و ظلم دامن زدن و یا فساد را به حال خود گذاشتن برای تعجیل ظهور امام زمان((علیه السلام)) با اندیشه اسلامی سازگار است یا خیر؟

اسلامی که در کتاب آسمانی آن آیات بسیاری است که فساد و ظلم را محکوم می کند مانند اینکه: «ان الله لایحب الفساد، ان الله لایحب المفسدین، و یضل الضالمین، انه لایحب الظالمین، و ینهی عن الفحشاء والمنکر و البغی، و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» و دها آیه مانند اینها آیا اجازه می دهد که برای

اینکه در ظهور امام زمان((علیه السلام)) تعجیل شود افراد به فساد و ظلم و تبه کاری اقدام نمایند؟!!!

اسلامی که یکی از اهم فرائض و واجبات را امر به معروف و نهی از منکر می داند و به دعوت به خیر و صلاح امر می کند آیا اجازه می دهد خود افراد به فساد و تبهکاری و ظلم

دامن بزننـد و این را موجب تعجیـل فرج امـام زمـان((علیه السـلام)) بداننـد اسـلامی که دربـاره اقـامه حـدود الهی توصـیه ها و سفارشـهای اکیـد دارد و ولایت و حکومت را عامل اصـلی برای رفع مفاسـد می دانـد آیا اجازه می دهـد انسان ظلم و سـتم را نادیده بگیرد و امر به معروف و نهی از منکر نکند و به فساد دامن بزند و این را توجیهی برا تعجیل فرج بداند؟!!

با این توضـیح روشن می شود که احادیثی که پر شدن زمین از ظلم و جور مقرون با آمدن امام زمان دانسته شده دلالت بر این نـدارد که نباید با ظلم و سـتم مبارزه کرد یا باید به ظلم و جور برای تسـریع در فرج دامن زد. و پر شدن زمین از ظلم و جور را می توان در حال حاضـر محقق دانست زیرا کدام منطقه از زمین است که اکنون از تجاوز ابرقدرتها و ظلم ظالمان مصون باشـد این سـرزمین ایران کشـور اسـلامی مـا بـا اینکه انقلاـب در آن صـورت گرفت و نظـام سـلطنتی در آن واژگون شـد و به نظـام جمهوری اسـلامی مبـدل گردیـد در عین حال اثر جنایت ابرقدرتها که مثلا جنگ تحمیلی بود در آن روشن است و ما همواره شاهد توطئه ها از ناحیه دشمنان اسلام

در آن می باشیم.

بنابراین پر شدن زمین از ظلم و جور در حال حاضر محقق است و جای این نیست که کسی بگوید، تسریع کنیم در گسترش ظلم تا زمین از ظلم و جور پر شود راه برای تسریع ظهور و تعجیل فرج تلاش بیشتر در راه فراهم کردن زمینه است.

زیرا می دانیم که ظهور امام زمان((علیه السلام)) مسئله ای نیست که کاملا اعجازآمیز باشد و تنها بر اساس اعجاز پیش برود چون در روایات هم آمده: «واجعلنی من المستشهدین بین یدیه» و گرچه آن حضرت از امدادهای غیبی وسیعی نیز برخوردار است ولی بدین تردید یکی از رموز موفقیّت آن حضرت همین است که افراد ملّتها آمادگی برای پذیرش آن حضرت پیدا کنند و این آمادگی را باید به وجود آورد چون تا مردم به ظلم و ستم و ماهیّت

ظالم بودن و طاغوتی ابر قدرتها پی نبرند و آماده برای مبارزه با آنها نشوند از یک مصلح که دست به یک قیام عمومی بزند حمایت نخواهند کرد بنابراین آگاهی ملّتها زمینه برای آمادگی آنان برای بسیج علیه قدرتهای طاغوتی است انشاءالله این آمادگی با آگاهی بخشیدن و همین صدور انقلاب اسلامی ما فراهم آید تا انشاءالله زمینه ای باشد برای ظهور آن حضرت.

عامل دیگر برای تسریع ظهور نیز دعای گسترده و با خلوص برای تعجیل فرج آن حضرت است و اینکه خداوند آن مصلح حقیقی و قائم بالحق را برساند.

امید است انشاءالله این فیض بزرگ ؟؟ ما گردد و این انقلاب اسلامی ما به انقلاب جهان مشمول آن ولی الله اعظم متصل گردد. و این حکومت به دست توانای آن امام معصوم((علیهم السلام)) که

حکومت عدل را در سطح جهان و در پهنه هستی مستقر خواهد ساخت تسلیم شود و رهبر انقلاب را در پیاده کردن تمام احکام اسلام کاملا موفق فرماید.

احادیث متواتر(۱) اسلامی می گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا حضرت مهدی((علیه السلام)) از پس پرده غیب بیرون آمده، و جهان را پر از داد می نماید، بنابراین ظهور آن حضرت، در زمینه ای خواهد بود ک

پرسش

احادیث متواتر(۱) اسلامی می گوید: هنگامی که روی زمین را جور و ستم و چهره اجتماع بشری را، فساد و آلودگی فرا گیرد، آخرین حجت خدا حضرت مهدی((علیه السلام)) از پس پرده غیب بیرون آمده، و جهان را پر از داد می نماید، بنابراین ظهور آن حضرت، در زمینه ای خواهد بود ک

پاسخ

اولا باید توجّه نمود که شرط ظهور امام، هرگز منحصر به گسترش فساد در اجتماع انسانی نیست بلکه هرگاه مردم جهان، از نظر رشد فکری و کمالات روحی به حدّی برسند که بتوانند ارزش وجود امام را درک نمایند و شایسته رهبری او گردند، در این صورت امام((علیه السلام)) بدون هیچ قید و شرطی ظهور نموده و از پس پرده غیب بیرون می آید.

در کتابهای عقاید و مذاهب به طور مبسوط و گسترده بحث و بررسی شده است که مانع اساسی برای غیبت امام، اخلاق و روحیات و عدم آمادگی جامعه انسانی برای ظهور و حکومت آن حضرت است و اگر این مانع برطرف گردد، دوران غیبت او سپری خواهد شد.

۱ - درباره مصلح غیبی جهان حضرت مهدی((علیه السلام)) متجاوز از سه هزار روایت از پیامبر بزرگ و پیشوایان عالیقدر، وارد شده است نه تنها جامعه شیعه بلکه دانشمندان بزرگ اهل تسنن مانند بخاری، مسلم، ابی داود ترمذی که همه آنها پیش از تولّد امام زمان((علیه السلام))و یا اندکی پس از تولّد وی در گذشته اند احادیث مربوط به حضرت را در صاح سنن خود آورده و گروهی از آنان کتابهای مستقلی پیرامون آن حضرت نوشته اند و کمتر موضوعی مانند آن، این همه احادیث و روایات پیرامون آن وارد شده است.

دانشمند

بزرگ و فیلسوف عالی قدر اسلام مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب «تجرید العقائد» در این باره، سه جمله کوتاه و پر مغز دارد که با توضیح مختصری در اینجا نقل می کنیم:

۱. وجود لطف: وجود امام معصوم خواه آشکار و خواه پنهان برای جامعه انسانی نعمت معنوی و وسیله نزدیکی به اطاعت فرمان پروردگار است زیرا رابطه ی هدایت الهی میان خدا و مردم، بوسیله امام برقرار می گردد و بسیاری از نعمتهای معنوی و مادّی به خاطر امام به مردم می رسد حتّی هدایت معنوی امام نسبت به افراد شایسته همیشگی است اگر چه او را نبینند و نشناسند.

۲. متصرفه لطف آخر: هرگاه امام از پس پرده غیبت بیرون آید و به راهنمایی ظاهری بپردازد و زمام امور را به دست بگیرد، خود نعمت دیگریست در این موقع نه تنها یک گروه از وجود او بهره مند می گردند بلکه همه جامع انسانی از وجود او که مظهر عدل و داد و مجری دستورهای آسمانی و احکام الهی است، بهرمند خواهند بود.

۳. وعدمه منا: هرگاه او از تصرّف در امور مردم خودداری می کند و در پس پرده غیبت به سر می برد و به نزدیک ترین آمال و آرزوی بشر تحقق نمی بخشد، برای موانعی است که خود مردم بر سر راه او به وجود آورده اند و علّت اساسی سلب این نعمت، خود مردم هستند، و اگر خود مردم برای حکومت واحد جهانی آن هم بر پایه فضیلت و اخلاق و عدل و داد و رعایت حقوق و احکام اسلامی، آمادگی پیدا کنند، به طور مسلّم آشکار خواهد شد و

هیچ گاه از ناحیه خداوند کوتاهی از ابراز لطف نبوده این خود مردمند که ظهور حکومت حقّه الهی را به تأخیر انداخته اند(۱).

بنابراین توسعه فساد و گسترش آلودگی شرط منحصر ظهور امام نیست که به جز آن، به فکر راه دیگری نباشیم و در پیدایش آن تسریع نمائیم بلکه راه نزدیکتری دارد، که همان پیدایش لیاقت و شایستگی در مردم است.

و به عبارت دیگر; شرط رهبری دو چیز است:

۱. وجود رهبر;

۲. آمادگی مردم برای پذیرش رهبر.

مسلماً اگر شرط دوّم از ناحیه مردم تحقق یابد، خداوند شرط اوّل را بلافاصله ایجاد خواهد نمود.

ثانیاً; گسترش فساد و آلودگی در سطح جامعه بشر جنبه هدفی ندارد بلکه زمینه را برای یک انقلاب عمیق الهی که بر پایه عدل و داد استوار است فراهم می سازد، زیرا وقتی پیمانه های ظلم و ستم در تمام قسمتهای زندگی بشر، پر و مملو گشت، زمینه فکری(البته فکری نه خارجی) برای یک انقلاب اصلاحی در نوع مردم پدید می آید و تجارب تلخ گذشته و شکست هر نوع «تز» اصلاحی که از طرف جامعه بشری انجام گیرد سبب می شود که یقین پیدا کنند که این حکوتهای مادّی و قوانین بشری و نهضت های غیرالهی، که غالباً براساس اغراض مادّی و سود شخصی یا لااقل منطقه ای صورت می پذیرد و دردی را دوا نکرده جامعه را نجات نمی دهد بلکه نقش دیگری و انقلاب برتری لازم است که به همه نابسامانیها خاتمه بخشد.

اصولا; هیچ نهضت اصلاحی بدون یک زمینه فکری قبلی انجام نمی پذیرد و اصل «عرضه و تقاضا» که یک اصل اقتصادیست در عین حال یک اصل اجتماعی نیز می

باشد، و تا درخواستی در مردم نباشد عرضه هر نوع کالای معنوی و مادّی بی ارزش و بی ثمر خواهد بود.

ولی آیا زمینه فکری و آمادگی روحی برای یک نهضت اصلاحی و جهانی، که منجر به برقراری حکومت واحد جهانی آن هم براساس عدل و داد و ارزشهای اخلاقی و رعایت حقوق و مقررات اسلام گردد، کافی است، یا این زمینه فکری پشتوانه دیگری لازم دارد که این دگرگونی فکری را به صورت انقلاب خارجی درآورد، و هر نوع مانع را از سر راه نهضت بردارد و از این زمینه فکری حداکثر بهره برداری را بنماید.

نه تنها تجارب بی شمار و آزمایشهای متوالی این مطلب را تصدیق می کند، بلکه روایات و احادیث زیادی که درباره نهضت این مصلح جهانی وارد شده است، آشکارا می رساند که انقلاب آخرین حجت الهی پس از پدید آمدن یک زمینه فکری، نیاز به قدرت و نیرو دارد که بتواند در پرتو آن قدرت، از زمینه های موجود بهره برداری کند و هر مانعی را که بر سر راه نهضت خود وجود دارد، برطرف سازد، و در احادیث اسلامی به وجود انصار و یاران و تعداد آنها و اینکه قیام مهدی((علیه السلام)) توأم با قدرت و نیرو خواهد بود، تصریح شده است.

در این موقع ما باید برای تأمین منظور دوم و تربیت اعوان و انصار و سربازان فداکار که جان به کف در راه آرمانهای الهی نبرد و فداکاری نمایند، در پرورش افراد صالح و جانباز بکوشیم تا آنجا که امکانات اجازه می دهد، برای یک چنین نهضت وسیع جهانی، افرادی را تربیت کنیم که بتوانند آرمانهای جهانی آن

حضرت را در سرتاسر جهان تحقق بخشند و یک چنین هدف مقدّس در صورتی انجام می گیرد، که مصلحان اجتماع دست روی دست نگذارند و از هیچ گونه اقدامی در راه تربیت افراد با ایمان دریغ نورزند.

ثالثاً: از همه اینها گذشته ما باید موقعیّت خود را در زمینه انقلاب «مهدی((علیه السلام))»

مشخص کنیم، بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی((علیه السلام)) برای در هم کوبیدن آنها صورت می گیرد و اگر در صدد اصلاح جامعه باشیم، از کسانی خواهیم بود که در ارتش انقلاب مهدی((علیه السلام)) همکاری می کند، بنابراین، به فرض اینکه با کمک کردن به توسعه فساد، ظهور مهدی((علیه السلام)) را به پیش بیاندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته ایم مگر نه این است که مهدی((علیه السلام))برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن بساط ظلم و فساد قیام می کند، ما چگونه می توانیم با گسترش فساد از انقلاب او بهره مند شویم؟

بنابراین سکوت در برابر فساد و یا کمک به توسعه فساد، نه از لحاظ کلّی برای ظهور مهدی((علیه السلام)) صحیح است و نه از نظر شخصی.

بیشتر به نظر می رسد که این اشکال و مغلطه کاری را کسانی درست کرده اند که می خواهند از زیر بار مسئولیّتها فرار کنند و یا آلوده ی هر فسادی شوند.

پاورقی

۱ – کشف المرادط صیدا، ص ۲۲۶.

اگر زمینه ظهور آن حضرت ظلم و جور است پس چرا ما وجود این همه ظلم و جور حضرت ظهور نمی کنند؟

پرسش

اگر زمینه ظهور آن حضرت ظلم و جور است پس چرا ما وجود این همه ظلم و جور حضرت ظهور نمی کنند؟

پاسخ

از ظاهر بسیاری از احادیث استفاده می شود که امام زمان((علیه السلام)) وقتی ظاهر می شود که ظلم و جور تمام عالم را فرا گفته باشد که به دست وی جهان پر از عدل و داد می شود باید توجّه داشت که ما از احادیث نیز چنین می آموزیم که ظهور امام زمان((علیه السلام)) موقعی صورت می گیرد که آمادگی برای پذیرش حکومت آن حضرت به وجود آمده باشد و ما مکلفیم که این آمادگی را به وجود آوریم و اساساً معنای انتظار فرج همین است که آنچه از دست ما در رابطه، با ظهور امام زمان((علیه السلام)) برمی آید و کاری را که از ما در این زمنیه ساخته است انجام دهیم.

و ما امروز شاهد پر شدن زمین از ظلم و جور به دست قدرتهای بزرگ و مزدوران آنها می باشیم شاید منطقه یی از زمین

نباشد که اکنون چنگال ستم این ابرقدرتها و عمال آنها در آن فرو نرفته باشد و کشور ایران هم که برای آزادی و استقلال و پیاده کردن حکومت اسلامی انقلاب کرده هنوز مورد ستم و تجاوز آنان است و بنابراین پر شدن زمین از ظلم و جور یک واقعیّتی است که در حال حاضر لمس می شود.

از سوئی می دانیم که برای مبارزه با این وضع آمادگی ملّتهای مستضعف جهان لازم است و این انقلاب اسلامی ما عامل مؤثّری برای بیداری و هوشیاری ملّتهای مستضعف بود بنا بر این باید برای بیدار کردن ملّتها در سطح

گسترده تر اقدامات وسیع به عمل آید تا انشاءالله زمینه برای ظهور آن مصلح بزرگ جهانی فراهم گردد. و از جمله مسائلی که برای ٠…ƏЉ…ظهور مؤثّر است دعا کردن برای تعجیل فرج امام زمان((علیه السŨ…Ę) است ما ملّت مسلمان ایران همواره باید برای تعجیل فرج امام زمان((علیه السلام)) دعا کنیم و از تلاش و مجاهده به جهت مساعد کردن زمینه برای ظهور آن گرامی باز نایستیم.

حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح((علیه السلام)) ظهور نماید؟

پرسش

حرکات تبلیغی و سازنده مانند آنچه مؤسسه (در راه حق) انجام می دهد، منافاتی با این باورها ندارد که باید فساد زیاد شود تا مصلح((علیه السلام)) ظهور نماید؟

پاسخ

۱. بعضی حرفها به عنوان احادیث مشهور ندارند امّا هرگز دقّت در کلام اصلی نشده است. جمله پیامبر اکرم((صلی الله علیه وآله)) یا ائمه((علیهم السلام)) خبر از یک واقعیّت محتوم است که می فرماید: «ثلاث الارض قسطاً و عداً بعد ما سلئت ظلماً و جوراً» آن موجود((علیه السلام)) زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد. این خبر هرگز در مفهوم خود چنین چیزی ندارد که ما نیز عامل فساد باشیم. بلکه برعکس براساس آیات و روایات صریح جمعیتی از صالحین و مصلحین باید امام((علیه السلام)) را یاری کنند و فاسدین مفسدین از مرد(۳۲) نابود می شوند. و در روایتی امام صادق((علیه السلام)) تصریح می فرمایند که دوست ندارید در ۳۱ بقیه باشید؟ یعنی سعی کنید در بین آن صالحین باشید که هلاک نشوید.

۲. دستور به تبلیغ و کارهای سازنده جزء کارها بلکه تمام مقصد امام زمان((علیه السلام))است. قومی که مصلح را می طلبد باید خود صالح باشد. پس هیچ دلیلی ندارد که ما جزء پرکنندگان ظلم و ستم باشیم. زیرا هلاکت خود را به دست خود اجرا کرده ایم. و تازه مسئولیّت مسلمانان که پیرو موعودند((علیه السلام)) بیشتر است.

در خصوص ظهور امام زمان(عج) گفته اند که باید فساد در جامعه زیاد شود ما که قبول نداریم لطفاً توضیح دهید.

پرسش

در خصوص ظهور امام زمان(عج) گفته اند که باید فساد در جامعه زیاد شود ما که قبول نداریم لطفاً توضیح دهید.

پاسخ

برداشت قشری برخی از مردم از جریان مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این نیست که صرفاً ماهیت انفجاری دارد، و

فقـط و فقـط از گسترش و اشـاعه و رواج ظلمها و تبعیضـها و اختناقها و حق کشـیها و تباهیها ناشـی می شود، این نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شـدن است. آن گاه که صـلاح به نقطه صـفر برسـد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشـته باشد، باطل یکه تاز میـدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود و این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت نه اهل حقیقت زیرا حقیقت طرفـداری نـدارد از آستین بیرون می آیـد، علیهـذا هر اصـلاحی محکوم است، زیرا هر اصـلاح یـک نقطه روشن است و تا در صـحنه اجتماع نقطه روشـنی هست، دست غیبت ظاهر نمی شود. برعکس، هر گنـاه و فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حقکشـی، هر پلیـدی به حکم این مقـدمه صـلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کنـد رواست، زیرا هـدفها وسـیله ای نامشـروع را مشـروع می کننـد. پس بهترین کمـک به تسـریع در ظهور و بهترین شـکل انتظار، ترویـج و اشاعه فساد است. این جا است که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی.

این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و

عداوت می نگرند. زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی موعود (می شمارند. بر عکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می نگرند زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می نمایند.

اما در منطق قرآن و روایات عکس این برداشت است، ظهور مهدی موعود حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل، که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود و سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به اینست که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد.

شیخ صدوق روایتی از امام صادق(نقل می کند مبنی بر اینکه این امر تحقق نمی پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتهی درجه شقاوت برسند. بلکه در روایات اسلامی، سخن از گروه زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی شوند، معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه هایی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می دهد. این خود می رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیّت قابل توجه نباشند، از نظر کیفیّت ارزنده ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهداء.

پس آنچه که در علائم ظهور حضرت آمده است و نصّ بعضی از ادعیه معتبر نیز می باشد "ظهر

الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس..."(۲) که فساد در دریا و خشکی ظاهر می شود و همه جا را فساد فرا می گیرد، صحیح است. اما به این معنی نیست که اهل فساد هم زیاد می شوند، زیرا فرمود "فساد" و نفرمود "فاسد"، یک فرد فاسد شاید برای فساد یک محلّه یا یک شهر کافی باشد، یا فردی مثل رئیس جمهور آمریکا برای ترویج فساد در تمام نقاط دنیا کفایت کند. و اینگونه است که فساد در لحظه ظهور حضرت به اوج خود رسیده است، اما در همان دنیای مملوّ از گناه و فساد انسانهایی هستند و خواهند بود که حتی مکروهات را انجام ندهند چه برسد به گناهان.

پس می شود قبول کرد که طبق علائم ظهور فساد زیاد می شود اما نمی شود قبول کرد که فاسد هم زیاد بشود، تا حدّی که هیچ انسان وارسته ای در دنیا نباشد.

درصدر اسلام و دوران ظهور پیامبر اسلام(در سرزمین حجاز نیز فساد و تباهی، قتل و غارت و بت پرستی همه آن سرزمین را فراگرفته بود، اما در همان دوران، جوانان پاکی بودند که به محض اطلاع از بعثت پیامبر بزرگوار اسلام، چون حلقه ای این نگین درخشان وجود را در برگرفتند و پیامبر به یاری آنها شعاع خورشید اسلام را به تاریک ترین دلها رسانید و اسلام، شرق و غرب عالم را دربرگرفت. وآنروز که آن یگانه دلدار از حجاب غیبت به در آید و چون یوسف از چاه فراق بیرون شود، و بر تخت پادشاهی مصر جهان نشیند جوانان پاکی به تعداد شهدای بدر، این بدر زیبای دو عالم را در

بر می گیرند و به همّت ایشان ملک سلیمان بر مبنای عدالت علوی و رحمت نبوی و عصمت فاطمی شکل می گیرد.

رزقنا ا...درک ظهوره و توفیق خدمته

منابع و مآخذ :

۱. قیام و انقلاب، شهید مطهری، ص۶۴و۶۵

۲. مفاتیح الجنان، دعای عهد

اسلام باید چگونه باشد که امام زمان"ع" ظهور کند؟

پرسش

اسلام باید چگونه باشد که امام زمان"ع" ظهور کند؟

پاسخ

درخصوص سؤالی که بیان فرمودید باید عرض شود که اولاً وظیفه اسلام و مسلمانان این است که در خود، زمینه ظهور امام زمان"عجل ا...تعالی فرجه الشریف" را آماده بنمایند و ثانیاً در دیگران و غیر مسلمانان. متأسفانه در حال حاضر اکثریت مسلمانان یا امام زمان "عجل ا...تعالی فرجه الشریف" را قبول ندارند و یا بعضی از آنها هم که قبول دارند او را درست نمی شناسند و یا بعضی هم که می شناسند به وظایفشان در قبال حضرت، به طور کامل عمل نمی نمایند. به همین خاطر در روایتی که در کتاب مکیال المکارم آمده می خوانیم به این مضامین که اگر ۳۱۳ نفر یاوران اصلی حضرت آماده شوند امر ظهور محقق خواهد شد.

این بالاترین دلیل بر غربت آن بزرگوار است که هنوز ۳۱۳ نفر یاور واقعی ندارد.

در جلد دوم کتاب شریف مکیال المکارم حدود ۸۰ وظیفه برای شیعیان نامبرده شده که اگر واقعاً رعایت شود امر فرج حضرت اینقدر به تأخیر نمی افتد.

البته آنچه در این باب مهم است این است که مسلمانان سعی و جدیت در راه تحقق آرمانهای اسلام را داشته باشند اگر چه در این راه موفق نشوند و جهان را ظلم و بی عدالتی فرا گیرد. به هر حال اگر مسلمانان به وظیفه خود که در قرآن و روایات معصومین"علیهم السلام" آمده است عمل بکنند هر چند نتیجه نگیرند، موقعیت ظهور حضرت فراهم می شود.

برای آگاهی بیشتر از این وظایف می توانید به کتاب مکیال المکارم ج۲ مراجعه بفرمایید.

خداوند متعال همه ما را از سربازان واقعی آن بزرگوار قرار بدهد انشاء ا...

می دانیم که از جمله زمینه های ظهور امام زمان "ع" پر شدن ظلم و فساد در زمین می باشد و سبب پیدایش نیاز مردم در اثر این ظلم و فساد به منجی عالم بشریت می گردد آیا این امر فقط مربوط به مسلمانان می گردد یا مربوط به کل عالم می گردد؟

پرسش

می دانیم که از جمله زمینه های ظهور امام زمان

"ع" پر شدن ظلم و فساد در زمین می باشد و سبب پیدایش نیاز مردم در اثر این ظلم و فساد به منجی عالم بشریت می گردد آیا این امر فقط مربوط به مسلمانان می گردد یا مربوط به کل عالم می گردد؟

پاسخ

چند روایت در این باره اشاره کنیم و آنگاه به نتیجه گیری کلی در مورد ظهور و قیام حضرت بقیه ا... (عج) بپردازیم.

رسول اکرم "ص" می فرماید: "او هنگامی قیام می کند که دنیا را هرج و مرج فرا گرفته و کشورها به یکدیگر شبیخون می زنند، نه بزرگ به کوچک رحم می کند و نه نیرومند بر ناتوان مِهر می ورزد." (۱)

امام باقر "ع" می فرماید: "... قائم قیام نمی کند جز هنگامی که ترسی شدید مردم را فراگرفته و بحرانها و آشوبها و گرفتاریها و بیماریها آنان را احاطه کرده باشد. کشتار وحشیانه، اختلاف شدید و تفرقه دینی بین مردم افتاده و چندان دچار رنج و افسردگی شده و به جان یکدیگر افتاده باشند که صبح و شام آرزوی مرگ کنند. آری او در ناامیدی مطلق مردم خروج خواهد کرد." (۲)

امام صادق "ع" می فرماید: "این امر تحقق نخواهد یافت تا هیچ گروهی باقی نماند، مگر اینکه بر مردم حکومت کرده باشد، تا کسی نگوید اگر ما حکومت می کردیم به عدالت رفتار می نمودیم و آنگاه قائم ما قیام به حق و عدالت خواهد کرد." (۳)

پیامبر می فرماید: " زمین را از قسط و عدل پر می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است." (۴)

امام باقر "ع" می فرماید: "...فرمانروایی و سلطنت او شرق و

غرب عالم را فرا می گیرد و خداوند دین خود را بوسیله وی بر تمام مکاتب جهان پیروز می گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند و مخالف، ویرانی های زمین آباد می گردد، کسی باقی نمی ماند مگر اینکه به رسالت محمد "ص" اعتراف و اقرار کند ... "(۵)

از این روایات چنین استنباط می گردد: وجود هرج و مرج و ظلم و ستم در سراسر جهان و نه منطقه ای خاص، تفرقه و بحران در میان مردم و نه قومی خاص و برقراری عدل و قسط میان مردم در کل جهان است پس از ظهور و نهفقط جامعه مسلمانان. بنابراین در آستانه ظهور، سراسر گیتی را ستم و بیداد فرا می گیرد، و این بدان جهت است که اکثر افراد در پی منافع و رفاه و راحتی خویشند و در مقابل ظلم و ستم و فساد کمتر احساس مسؤولیت می کنند و یا اصولاً بی تفاوت هستند. با این حال در چنین شرایط بحرانی هم، هرگز عنصر ایمان و تقوا و پارسایی محو و نابود نمی گردد، بلکه از جمله شرایط ظهور حضرت ولی عصر "عج"، وجود انسانهای مؤمن و با اخلاص است و هم اینان هستند که یاران صدیق و پیروان راستین اویند. امام صادق "ع" درباره این مؤمنین می فرماید: "ترس از دلشان ریشه کن شده ... و در دل دشمنان افتاده، هر یک از آنان از سر نیزه پیشروتر و از شیر بی باکتر است." (۶)

منابع و مآخذ :

۱. بحار، ج۵۲، باب خصائص زمانه، روایت ۱۸۹

۲. روایت ۹۹، همان منبع، همان باب

۳. غیبت نعمانی، ص۱۴۶، بنقل از تاریخ غیبت کبری، ص ۴۰۷، سید صدر

۴.

تاریخ غیبت کبری، ص۳۶۷

۵. بحار، ج۵۲، ص۱۹۱، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی، ص۳۵۷

شناخت اسلام، ص۲۱۲، شهید دکتر بهشتی، شهید باهنر، گلزاده

جامعه چگونه بایـد باشد تا امام زمان (ع) ظهور کند؟ بعضـی می گویند که درجامعه زیاد گناه و ناحقی باید شود، آیا این موضوعات صحیح است؟ راهنمایی کنید.

پرسش

جامعه چگونه بایـد باشـد تـا امام زمان (ع) ظهور کنـد؟ بعضـی می گوینـد که درجامعه زیاد گناه و ناحقی بایـد شود، آیا این موضوعات صحیح است؟ راهنمایی کنید.

پاسخ

برداشت قشـری برخی از مردم از جریان مهـدویت و قیام و انقلاب مهـدی موعود این نیست که صـرفاً ماهیت انفجاری دارد، و فقـط و فقـط از گسترش و اشـاعه و رواج ظلمها و تبعیضـها و اختناقها و حق کشـیها و تباهییها ناشـی می شود، این نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شـدن است. آن گاه که صـلاح به نقطه صـفر برسـد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشـته باشد، باطل یکه تاز میـدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود و این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت نه اهل حقیقت زیرا حقیقت طرفـداری نـدارد از آستین بیرون می آیـد، علیهـذا هر اصـلاحی محکوم است، زیرا هر اصـلاح یـک نقطه روشن است و تا در صـحنه اجتماع نقطه روشـنی هست، دست غیبت ظاهر نمی شود. برعکس، هر گنـاه و فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حقکشـی، هر پلیـدی به حکم این مقـدمه صـلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کنـد رواست، زیرا هـدفها وسـیله ای نامشـروع را مشـروع می کننـد. پس بهترین کمـک به تسـریع در ظهور و بهترین شـکل انتظار، ترویـج و اشاعه فساد است. این جا است که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کامجویی است و هم کمك به انقلاب مقدس نهایی. این جا است که این شعر مصداق واقعی خود را می

یابد :

در دل دوست به هر حیله رهی باید کردطاعت از دست نیاید گنهی باید کرد

این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می نگرند. زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی موعود (ع) می شمارند. بر عکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می نگرند زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می نمایند.

اما در منطق قرآن و روایات عکس این برداشت است، ظهور مهدی موعود حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل، که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود و سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به اینست که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد.

شیخ صدوق روایتی از امام صادق(ع) نقل می کند مبنی بر اینکه این امر تحقق نمی پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتهی درجه شقاوت

برسند. بلکه در روایات اسلامی، سخن از گروه زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی شوند، معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه هایی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می دهد. این خود می رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیّت

قابل توجه نباشند، از نظر کیفیّت ارزنده ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهداء.

پس آنچه که در علائم ظهور حضرت آمده است و نصّ بعضی از ادعیه معتبر نیز می باشد "ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس..."(۲) که فساد در دریا و خشکی ظاهر می شود و همه جا را فساد فرا می گیرد، صحیح است. اما به این معنی نیست که اهل فساد هم زیاد می شوند، زیرا فرمود "فساد" و نفرمود "فاسد"، یک فرد فاسد شاید برای فساد یک محلّه یا یک شهر کافی باشد، یا فردی مثل رئیس جمهور آمریکا برای ترویج فساد در تمام نقاط دنیا کفایت کند. و اینگونه است که فساد در لحظه ظهور حضرت به اوج خود رسیده است، اما در همان دنیای مملوّ از گناه و فساد انسانهایی هستند و خواهند بود که حتی مکروهات را انجام ندهند چه برسد به گناهان.

پس می شود قبول کرد که طبق علائم ظهور فساد زیاد می شود اما نمی شود قبول کرد که فاسد هم زیاد بشود، تا حدّی که هیچ انسان وارسته ای در دنیا نباشد.

درصدر اسلام و دوران ظهور پیامبر اسلام(ص) در سرزمین حجاز نیز فساد و تباهی، قتل و غارت و بت پرستی همه آن سرزمین را فراگرفته بود، اما در همان دوران، جوانان پاکی بودند که به محض اطلاع از بعثت پیامبر بزرگوار اسلام، چون حلقه ای این نگین درخشان وجود را در برگرفتند و پیامبر به یاری آنها شعاع خورشید اسلام را به تاریک ترین دلها رسانید و اسلام، شرق و غرب عالم را دربرگرفت. وآنروز که آن یگانه دلدار از

حجاب غیبت به در آید و چون یوسف از چاه فراق بیرون شود، و بر تخت پادشاهی مصر جهان نشیند جوانان پاکی به تعداد شهدای بدر، این بدر زیبای دو عالم را در بر می گیرند و به همّت ایشان ملک سلیمان بر مبنای عدالت علوی و رحمت نبوی و عصمت فاطمی شکل می گیرد.

رزقنا ا...درک ظهوره و توفیق خدمته

منابع و مآخذ :

۱. قیام و انقلاب ، شهید مطهری، ص۶۴و۶۵

۲. مفاتیح الجنان، دعای عهد

آیا انسان ها می توانند با دعا و درخواست از خدا، بر ظهور امام زمان غ تأثیر بگذارند؟

پرسش

آیا انسان ها می توانند با دعا و درخواست از خدا، بر ظهور امام زمان غ تأثیر بگذارند؟

پاسخ

باید توجه داشت که خدای متعال فیض دهنده مطلق است و هیچ نعمتی را از بندگان خود نمی گیرد، مگر این که بندگان خود سبب از بین رفتن نعمت شوند. یکی از بهترین نعمت های الهی بر جامعه بشری نعمت حضور امام و استفاده از او است خدای متعال نعمت امامت را به انسان ها داده و می فرماید: "وَ جَعَلْنَهُم ْأَغ مَّه ًيَهْدُون َبِأَمْرِنَا; (انبیأ، ۷۳) و قرار دادیم آن ها را امامانی که به امر ما هدایت می کنند."

ناسپاسی و کفران نعمت سبب از بین رفتن این نعمت بزرگ شد و هیچ شکی نیست که اعمال بد بندگان و آماده نبودن آن ها برای پذیرش امام زمان غ و تحقق حکومت عدل مهدوی غ، مهمترین عامل غیبت حضرت است چنان که مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی می گوید: "وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و غیبته منّا" غیبت حضرت مهدی از ناحیه ماست و کوتاهی ما علّت غیبت آن حضرت می باشد.(کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۸۹، انتشارات اشکوری)

با توجه به این نکته می دانیم دعا یعنی درخواست کردن و خواستن و خواستن موقعی حقیقی و واقعی است که فقط لقلقه زبان نباشد; منطقی و معقول نیست کسی بگوید من تشنه ام و آب می خواهم و در عین حال بنشیند و حرکت نکند. دعا یعنی خواستن حقیقی و در راه ِرسیدن به هدف حرکت کردن

در روایت های فراوانی و از جمله در توقیع مبارک امام زمان غ به شیطان امر شده که برای ظهور آن حضرت غ دعا کنند: "واکثروا الدعا بتعجیل الفرج

فان ذلک فرجکم ; برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید، چرا که فرج شما در آن است "(مکیال المکارم ج ۱، ص ۲۶.)

مکانیزم اثرگذاری دعا بر فرج حضرت این گونه است که ظهور حضرت مهدی غ وقت از پیش تعیین شده و مشخّصی ندارد و هرگاه مردم آمادگی لازم برای حکومت او را پیدا کنند، حضرت ظهور می فرماید; علّت اساسی غیبت آماده نبودن مردم است و دعا و درخواست واقعی مردم را آماده و پذیرا می کند و به اصطلاح مانع برطرف می شود.

هم چنین این گونه می توان ارزیابی کرد که اگر عده یاران حضرت کامل شود، ظهور می فرماید و این که ما هر هفته باید منتظر ظهور باشیم نیز به همین علت است همه این ها گواه است که امر ظهور حضرت به دست و خواست مردم است و دعا یعنی خواستن البته دعایی که لقلقه زبان نباشد و بر این اساس منتظر مصلح صالح است پذیرفتنی نیست کسی که خود صالح نیست منتظر صالح باشد و یا برای ظهور مصلح دعای واقعی کند; از این رو، دعا کردن نقش بسیار مهمّی بر ظهور حضرت دارد. افزون بر این به گونه دیگری نیز می توان تحلیل کرد که عطای خدای متعال محدودیتی ندارد و با دعا می توان برنامه ها را نیز تغییر داد. چنان که در روایتی امام صادق می فرماید: "الدعا یرد القضا و قد ابرم ابراماً; دعا قضای حتمی را نیز بر می گرداند."(میزان الحکمه ج ۳، ص ۲۴۷.) به هر حال تأثیر شگرفت دعا، بر ظهور حضرت مهدی غ را نمی توان انکار کرد.

با توجه به حدیثی که می فرماید امام زمان (عج) وقتی ظهور می کند که ملئت الارض ظلما و جورا پس اصلاح جامعه معنا ندارد* آیا این نظریه درست است ؟

پرسش

با توجه به حدیثی

که می فرماید امام زمان (عج) وقتی ظهور می کند که ملئت الارض ظلما و جورا پس اصلاح جامعه معنا ندارد* آیا این نظریه درست است ؟

پاسخ

بایـد دانست روایـات گسترش فساد بیانگر شـرط ظهور نیست , بلکه ترسـیم سـیمای جهان می کنـد از این رو از وظیفه ما برای اصلاح خود و جامعه نمی کاهد. علاوه بر اینکه یکی از مصادیق ظلم آن است که مصلحان جامعه و انسانهای وارسته مظلومانه به دست سـردمداران تبهکار و زیاده خواه کشته می شوند. و این نوع جنایتها در دوران آخرالزمان با توجه به سلاحهای پیشرفته و ابزارهای جدیـد شـکنجه گسترش می یابد.بنابراین حدیث مذکور نه تنها دلیلی بر خانه نشـینی و نفی مبارزه نیست بلکه خود دلیل آشـکاری است بر فعالیت جدی مبارزان اصلاح گر و شهادت مظلومانه آنان به دست سرکردگان ظلم و ستم، به گونه ای که آن چنـان عرصه بر مردم مستضـعف تنـگ می شود که انتظـار حقیقی برای اسـتقبال از نجـات دهنـده اصـلی در میـان مردم پدیدمی آید. و همین آمادگی واقعی است که از شـرایط ظهور حضرت ولی عصر(عج) می باشد.برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

در طول تاریـخ غیبت به ویژه در قرون اخیر نوعی تفکر آسایش طلبانه در برخی پدیـد آمـده و آنان بهانه ای می طلبندتا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند! حال چه بهتر که این بهانه رنگ دینی داشته باشد.

از جمله این موارد آن است که ما نبایستی با ظلم مبارزه کنیم زیرا ظهور امام زمان به تأخیر می افتد و حتی برخیپنداشـته اند که باید به ظلم و فساد نیز کمک کرد و در گسترش آن کوشید تا اسباب ظهور بیشتر فراهم شود؟!

این تفکر ناشی

از عدم شناخت مسئولیت و نشناختن دین الهی و برداشت غلط از موضوع ظهور است. زیرا:

اولاً: هیچ یک از تکالیف شرعی مانند نماز، روزه، حج، امر به معروف، مبارزه با فساد و ... مشروط به چنین شرطینیست، یعنی تکلیف نماز و یا نهی از منکر تکالیفی مطلق هستند. یعنی آن که عمل به آنها الزامی است، چه موجب تسریع در ظهور یا تأخیر آن شود.

ثانیاً: هیچ یک از آموزه های دین نمی تواند ارکان واساس دین را معطل نماید. اگر فرض کنیم (به فرض محال)پی گیری تعالیم دین موجب تأخیر در ظهور شود، باز عمل به آن تعالیم واجب است.

ثالثاً: روایات مربوط به ظهور، اختصاص به این گونه روایات ندارد، بلکه روایات دیگری خبر از وقوع حرکت هایاصلاحی مانند انقلاب ایران و گسترش موج اسلام خواهی در جهان می دهد.

با سلام چرا اطلاع رسانی شیعه و ایران در مورد مذهب خود و تشریح ظهور امام زمان این قدر ضعیف است ؟؟؟ یقینا ایران میتواند زمینه ظهور را فراهم کند اگر خوب اطلاع رسانی کند در جهان ... نظر شما چیست ؟

پرسش

با سلام چرا اطلاع رسانی شیعه و ایران در مورد مذهب خود و تشریح ظهور امام زمان این قدر ضعیف است ؟؟؟ یقینا ایران میتواند زمینه ظهور را فراهم کند اگر خوب اطلاع رسانی کند در جهان ... نظر شما چیست ؟

پاسخ

بهترین و لایقترین افراد برای تبلیغ و ترویج یک اندیشه، معتقدان به آن اندیشه می باشند. انسانی که درستی و حقانیت و استواری اعتقادات و باورها و بینش با منطق و برهان برایش ثابت گشته و در عمل و برنامه بر طبق آن عمل نموده و یا حداقل چنین کوششی داشته است و از نتایج شیرین مادی و معنوی آن بهره من گشته است نمی تواند در انتشار آن و رساندن محتوا و اهداف و پیام های آن بی تفاوت باشد. متأسفانه اطلاع رسانی درباره حقانیت شیعه در خورد این مکتب متعالی و سعادت بخش نمی باشد. و این امر نه فقط به خاطر دشمنی به خواهان و مانع تراشی مخالفان شیعه و وجود تبلیغات غیر واقعی بر علیه این آیین و تشویش اذهان مردم جهان نسبت به این مکتب اصیل و ریشه دار بلکه به خاطر کوتاهی و سستی و عمل نمودن به وظایف خطیری است که بر عهده ما شیعیان می باشد و بدان معترضیم. هر چند کم نیستند افارد متعهد و مخلصی که تلاش شبانه روزی در راه شناساندن این مکتب پاک دارند ولی در مقایسه با انبوه مراکزی که افکار آلوده و عقاید خرافی و اعتقادات کفرآمیز خود را به اطلاع جهانیان می رسانند، رقم بزرگی نمی باشد. درست است که اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی،

استقرار کامل و همه جانبه ارزش های اسلامی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده ال و آرمانی، و بالاخره اجرای این ایده و باور عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالی قدر که در روایات متواتر اسلامی از او به تهدی موعود تعبیر شده است، اندیشه ای است که کم و بیش هم فرق و مذاهب اسلامی با تفاوت ها و اختلاف هاییبدان موفق و معتقدند، زیرا این اندیشه، به حسب اصل و ریشه، اندیشه ای قرآنی است در درون فطرت همه انسان ها دارد، ولی به هر حال تبیین و تشریح همه جانبه و عمیق و درست این اندیشه را باید از مذهب شیعه درخواست نمود، چون عقیده به وجود مهدی موعود – عج – و امام زنده غایب هر چند عقیده ای اسلامی است ولی به طور زنده و ملموس و برجسته در مذهب تشیع مطرح است و از ارکان مذهب امامیه به شمار می رود. این شیعیان هستند که از این اندیشه تابناک و عقیده امید آفرین برخوردارند و در همین عصر تاریک، عصر درخشان حکومت توحید را در مغز خویش مجسم نموده، در انتظارش به سر می برند و خودشان را برای چنین انقلاب جهانی آماده می سازند. انتظار چنین عصری طلایی و به تعبیر روایات انتظار فرج یکی از بزرگترین راه های موفقیت می باشد و هر گروهی که چراغ امید در دلشان خاموش گشت و سپاه یأس و ناامیدی کشور دلشان را اشغال نمود، هرگز روی سعادت و موفقیت را نخواهد دید. لیکن افرادی که در انتظار موفقیت و فرج هستند باید تا سرحد قدرت بکوشند و راه های رسیدن به هدف را هموار سازند و برای بهره برداری

از مقصد خود را آماده سازند. حضرت صادق(ع) فرمود: حکومت آن محمد(ع) بی شک برقرار خواهد گردید. پس هر کس علاقمند است از اصحاب و یاران قائم ما باشد، باید کاملاً مراقبت کند. تقوا و پرهیزکاری را شیوه خود قرار دهد. خود را به اخلاق نیک انسانیت مزین سازد و بعد در انتظار فرج قائم آل محمد عج باشد هر کس برای ظهور قائم ما، این چنین آمادگی و انظتار داشت ولی توفیق نصیبش نگشت و قبل از ظهور آن حضرت، اجلش فرا رسید، به اجر و ثواب یاران آن جناب نایل می گردد، سپس فرمود: کوشش و جدیت کنید و امیدوار فرج و موفقیت باشید. ای گروهی که مورد توجه خدا هستید. موفقیت و پیروزی گوارایتان باد. (غیبت نعمانی، ص ۱۰۶، دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۱۶، چاپ ۱۸، ۱۳۷۸).

اسلام به حدی به موضوع آمادگی مسمانان اهمیت داده که امام صادق(ع) در روایتی می فرماید: خودتان را برای ظهور قائم مهیا و آماده سازید هر چند به ذخیره کردن یک نیز باشد (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶). خداوند مقرر فرموده: که اوضاع آشفته جهان به وسیله مسلمانان اصلاح شود. دستگاه ظلم و ستم برچیده شود، کفر و مادی گری ریشه کن گردد. دین مقدس اسلام همگانی شود و هیچ شخصی با اطلاعی در این جنت تردید نمی کند که چنین انقلاب بزرگ جهانی، صلاحیت و شایستگی لازم داشته، بدون تهیه مقدمات امکان وقوع ندارد. با توجه به مطالب مذکور، مسلمانان باید پرچمدار آن انقلاب جهانی باشند و نسبت به تهیه مقدمات و اسباب آن هیچ گونه کوتاهی و سستی نباید روا دارند.

ما یقین داریم روزی خواهد آمد که حکومت

اسلام، عالم را اداره کند و وحدت ادیان، وحدت حکومت ها، وحدت نظام ها و قوانین عملی گردد. خوشختانه طرفداران اصل این وحدت ها هر روز در میان جامعه بشر بیشتر می شود و اندیشه تشکیل حکومت و جامعه به میان آمده و سازمان ها و مجامع بین المللی به اهم وحدت و برای ایجاد رابطه بین تمام ملت های جهان، تأسیس شده است که هر چند این مجامع و سازمان ها بیشتر با هدف اغفال و فریب دادن مردم و اغراض سیاسی می باشد ولی به هر حال کاشف از این است که یک اتحاد عمومی و وحدت اجتماعی و دینی و سیاسی، خواسته روح و فطرت بشر است و همین حرکات مجازی مقدمه حرکات واقعی و آمادگی حقیقی بشر برای حوکومت جهانی اسلام است. (رجوع کنید به امامت و مهدویت، آیه الله صافی گلپایگانی، ج ۳). سابق بر این که فکر تشکیل جامعه جهانی کمتر مطرح می شد و به تعالیم اسلام در این زمینه کمتر توجه می شد، برای این بود که با وسایل ارتباط سابق، تشکیل جامعه جهانی را بسیار دشوار و بلکه ناممکن می شمردند؛ ولی امروز که در اثر انفجار اطلاعات و پیشرفت در فن آوری، جهان به صورت یک دهکده در آمده و مردم جهان و امثال اهل یک محله و یک خانواده قرار داده است؛ زمینه تشکیل یک حکومت جهانی در سایه تعالیم مترقی و جامع اسلام را نیز فراهم کرده و هر چه علم و صنعت و فن آوری پیشرفت و ترقی بیشتری نماید، زمینه اجرای احکام عالی اسلام نیز آماده تر و بشارت های اولیای دین به وقوع نزدیکتر می شود. به تدریج موقعیت ها و قدرت های محلی و فردی در

دنیا رو به ضعف گذارده و عموم ملت ها، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در تعیین سرنوشت دنیا دخالت می نمایند و نظامات و قوانین منطقه ای از بین می رود و تنها نظامی که می تواند جایگزین تمام این نظامات شود و همه را به طور عادلانه اداره نماید، نظام اسلامی است. پس عالم خود به خود به سوی هدف های اسلام گام برمی دارد و این اختلاف نظامات، قوانین، سیستم های اجتماعی و سیاسی را پشت سر می گذارد و یک تفاهم عمومی اسلامی به وجود خواهد آمد و ظلم و ستم و تجاوز و افراط و تفریط پایان خواهد یافت. البته این به این معنا نیست که ما در زمینه اطلاع رسانی و ابلاغ پیام مهدویت و معرفی شخصیت و ویژگی ها و صفات و کمالات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سستی و کوتاهی نماییم بلکه به این معنا است که اداره الهی و رخدادهای عالم و حوادثی که در جهان اتفاق می افتد، بشر را به سوی این هدف والا حرکت می دهد ولی تلاش و کوشش و تبلیغ و روشنگری و پیام رسانی ما در تسریع این روند نقش فراوانی دارد و جهان را به آن جامعه آرمانی و ایده آل که آروزی همه پیامبران و امامان و بندگان پاک خداوند بوده، نزدیکتر می سازد. باید توجه داشت که اطلاع رسانی و تبلیغ این عقیده پاک و سعادت آفرین هر چند بسیار مهم و ضروری است ولی مهمتر از آن دنباله روی و پیروی معتقدان به این باور و این امام از آن پیشوای عالی مقام است که بعنرین نوع تبلیغ به شمار می آید. چون وقتی دیگران ببینند که معتقدان

به این عقیـده در عمـل به آن پایبنـد و متعهـد می باشـند و به دنبـال رضایت و خشـنودی آن قبله دل ها می باشـند خود به خود جـذب این عقیـده می گردنـد و از پیروان آن می گردند. ولی اگر خود شـیعیان در عمل این باور را زیر پا بگذارند و برای آن احترام و ارزشـی قائل نباشـند هر قـدر هم که در اطلاع رسانی قوی و کوشا باشـند، عمل منفی و خلاف این باور از طرف آنها باعث رسیدن دیگران و فاصله گرفتن آنها از این عقیده می گردد.

به همین دلیل است که در روایات فراوانی امامان معصوم علیهم السـلام از شـیعیان خواسـته انـد در زمان غیبت به سـلاح علم و معرفت و ایمان و تقوا و اسـتقامت مجهز گردنـد و عملاً مبلغ این عقیـده باشـند. در روایتی از امام کاظم – علیه السـلام – چنین آمده است: «طوبی لشـیعتنا المتمسکین بحبنا فی غیبه قائمنا، الثابتین علی موالاتنا و البرائه من اعدائنا، اولئک منا و نحن منهم، قد رضوا بنا ائمه و رضـینا بهم شیعه، فطوبی لهم! هم و اله معنا فی درجتنا یوم القیامه» ؛ (اثباره الهداه، ج ۳، ص ۴۲۷) یعنی: «خوشا به حال شـیعیان ما، آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان محبت ما چنگ زده و بر دوستی ها و دشمنی با دشمنان ما استوار و ثابت قدم می باشـند. اینان از ما و ما از آنهاییم. آنها از پیشوایی ما خرسـندند و ما از دنباله رو شـیعه بودن آنها. خوشا به حال آنها، به خدا سوگند، آنها در روز قیامت با ما هم رتبه و هم درجه می باشند.

در زمان ظهور جهان باید پر از ظلم شود و از طرفی ما باید خود را اصلاح نمائیم آیا این تناقض ندارد؟

پرسش

در زمان ظهور جهان باید پر از ظلم

شود و از طرفی ما باید خود را اصلاح نمائیم آیا این تناقض ندارد؟

پاسخ

انتظار فرج حضرت حجت(ع) و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است.

انتظاری که سازنده و نگهدارنده و تعهد آور است نیرو آفرین و تحرک بخش است به گونه ای است که می تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود. و انتظاری که گناه است و ویرانگر است اسارت بخش و فلج کننده است و نوعی اباحیگری باید محسوب گردد. این دو نوعانتظار فرج حضرت ولی عصر(ع) معلول دو نوع برداشت از ظهور حضرت مهدی(ع) است.

انتظار ویرانگر: که برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفا ماهیت انفجاری دارد فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق کشی ها و تباهیها ناشی می شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پرشانشدن است. در این نوع انتظار فرج حضرت مهدی(ع) که منجر به تعطیل حدود و مقرّرات اسلامی شود به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی دهد. و این انتظار ویرانگر مقبول نیست.

۲. انتظار سازنده: عدّه ای از آیات قرآن کریم استفاده می شود که ظهور حضرت مهدی(ع) حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی اهل حق منتهی می شود در این نوع انتظار هر فرد باید هم خودش صالح باشد و هم زمینه اصلاح را در حد توان فراهمنماید. و لقد کتبنا فی الزّبور من بعد الذکر انّ الارض یرثها عبادی الصالحون ، (سوره انبیاء / ۱۰۵).

بنابراین انتظار ظهور مهدی(ع) بدین معنا نیست که احکام و حدود اسلامی تعطیل بشود و ظلم

رواج داشته باشد تا حضرت تشریف بیاورند بلکه انتظار مثبت و سازنده لازم است که زمینه را برای ظهور آنحضرت فراهم می کند.

برای آگاهی بیشتر ر.ك:

۱. قیام و انقلاب مهدی(ع) / استاد شهید مرتضی مطهری.

۲. امام مهدی و منتظران / محمدحسین صفارزاده.

روایاتی که خبر از پر شدن جهان از ظلم در دوران ظهور می دهد بیانگر این حقیقت است که شرایط جهان در دوران غیبت چنین است و ما موظف به ایجاد این شرایط نیستیم. بلکه ما موظف به اصلاح و آماده سازی خود هستیم هر چند در دوران ظهور وضعیت دنیا اینگونهاست که ظلم و بیداد جهان را فراگرفته است. ناگفته معلوم است که معنای فراگیری ظلم و جور این نیست که همه انسانها ظالم هستند در تعابیر عرفی هم بسیار رایج است که حکم مربوط به غالب موارد را به کل افراد نسبت می دهیم مضافا به این که اساسا ظلم مورد نظر در روایاتظهور شاید، ظلم و ستم حکومت ها باشد نه افراد چرا که با توجه به سایر روایات در دوران ظهور انسان های زیادی انتظار ظهور منجی را می کشند و جهان تشنه نجات دهنده است.{J

با توجه به این که فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه های ظهور است پس چرا مردم را برای زمینه سازی ظهور دعوت به صلح و ترک ظلم و گناه می کنند؟

پرسش

با توجه به این که فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه های ظهور است پس چرا مردم را برای زمینه سازی ظهور دعوت به صلح و ترك ظلم و گناه می کنند؟

پاسخ

فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه های معروف ظهور حضرت مهدی(ع) به شما می رود و این نشانه در روایات بسیار به چشم می خورد و در بعضی روایات به همین عنوان کلی مورد اشاره قرار گرفته، چنان که در روایات معروفی که با سندهای گوناگون نقل شده آمده: یملا اللّه به الارض قسطا و عدلاً بعد ما ملئت ظلما و جورا ؛ خداوند به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می سازد،پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد{M»، (چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، نقل از «سنن ابی داود»، ج ۴، ۱۰۷ و کنزل العمال، ج۱۴، ص ۲۶۴).

یا از حضرت مهدی(ع) نقل شده: علامه ظهوری کثره الهرج و المرج و الفتن... ؛ نشانه آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها وآشوبها است{M»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰).

زیاد شدن این فسادها در میان مردم، در واقع نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است. البته فساد و گناه کم و بیش

در میان مردم بوده، مهم فراگیر شدن آن است به گونه ای که بدی ها بر خوبی ها، ضدارزشها بر ارزش ها غلبه می یابد. شهید مطهری، روایتی را از شیخصدوق می آورد. این امر (قیام مهدی(ع)) تحقق نمی پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. پس سخن در این است که گروه سعداء

و گروه اشقیا هر کدام به نهایت کار خود برسند. سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوتبرسند، (قیام و انقلاب مهدی، شهید استاد مطهری، ص ۵۷ و ۵۸).

و از طرفی ایده ی ظهور منجی بزرگ که با خروج خود عدل، قسط، گشایش و آسایش را در مقطع پایانی تاریخ حیات انسان به ارمغان خواهد آورد و به ستم، ظلم و تجاوز پایان خواهد بخشید، عقیده ای است که پیروان ادیان سه گانه ابراهیمی (یهودیت و مسیحیت و اسلام) وبخش چشم گیری از سایر ملل بدان ایمان دارند.

یهود مانند مسیحیان که به بازگشت عیسی(ع) معتقدند به ظهور یک منجی می اندیشیدند زرتشتیان نیز در انتظار رجعت بهرام شاه اند. و هندوها نیز به خروج ویشنو دل بسته اند و بودایی ها منتظر باز آمدن بودا و... هستند، (در انتظار ققنوس، ص۴۵).

در کنار این معتقدات ملت های مختلف تصریحات قابل توجهی از نوابغ مغرب زمین است، مبنی بر این که جهان در انتظار مصلح کبیری است که سر رشته ی امور را به دست خواهد گرفت و جامعه بشری را زیر یک پرچم و به دنبال یک هدف گرد هم خواهد آورد. ازجمله:

برتراندراسل می گوید: دنیا چشم به راه مصلحی است که همگان را در سایه ی یک پرچم و یک شعار متّحد سازد.

البرت انیشتاین می گوید: فرا رسیدن آن روزی که در جای جای جهان، صلح و صفا حکومت کند و همه ی اعضای جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند دیری نخواهد پایید، (همان).

از آیات قرآن و احادیث اسلامی نیز استفاده می شود که مستضعفین جهان سرانجام در یک انقلاب همگانی که مهدی موعود(ع) رهبری آن را بر عهده

دارد. بر مستکبرین پیروز می گردند. و نرید ان نمنّ علی الّذین استضعفوافی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین... ، (سوره قصص، ۵).

و گسترش ظلم و فساد و فراگیر شدن آن بدین معنا نیست که صالحی و ظلم ستیزی وجود نخواهد داشت و هم چنین ملازم با این معنا نیست که بشر دیگر از ظلم و فساد بر نمی گردد. با توجه به توضیحات فوق و اینکه بشر از هر نحله ای که باشد دنبال منجی و رسیدن به عدل وآرامش و آسایش است. این نوید را می دهد که جهان بشری با توجه به ظلم و فساد و تبعیض که دامنگیرش شده در آینده خواستار حکومت ایده آل و موافق با فطرت الهی باشد. و اضافه بر آن رشد عقول و معارف بشر روز به بروز در ترقی می باشد و از طرفی مکاتب و اسم های مختلفامتحان خود را در اداراه کرد جوامع پس داده اند. بنابراین سیر بشر به سوی گمشده ای است که بتواند با نفس مسیحای خود مرهمی بر زخم های آنان باشد و این یوسف گمشده همان مهدی(ع) است که بشر در انتظارش می باشد. که به آمدن او هم در کتب تشریع الهی و هم در کتب تکوینو صحیفه دل ها خبرها و امیدهایی است. و موقع آمدن نیز خبرش در آسمان به گوش جهانیان از شرق و غرب می رسد. و روایات می گوید تمام انسانها در برابر این نشانه الهی وعده داده شده سر تسلیم فرود می آورند زیرا که تفسیر این گفته خداوند است. « اگربخواهیم از آسمان معجزه ای بر آنها فرو می فرستیم که در برابر آن تسلیم فرود آوردند{M»، (سوره شعرا / ۴).

مردم از این صیحه آسمانی به ناله

و فریاد درآمده و از خانه هایشان بیرون می آیند تا ببینند چه خبر است! آن ندا مردم را به خودداری از ظلم و کفر و درگیری و خونریزی و به پیروی از امام مهدی(ع) دعوت می کند.

برای آگاهی بیشتر در این مورد ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲.{J

موانع ظهور

چرا امام زمان(ع) تا حال ظهور نکرده است؟

پرسش

چرا امام زمان(ع) تا حال ظهور نکرده است؟

پاسخ

هر نهضت و انقلابی که برای هدف معینی بر پا شود، در صورتی امکان پیروزی دارد که زمینه آن از هر جهت فراهم باشد و اوضاع و شرایط کاملا آماده باشد. یکی از شرایط مهم موفقیت این است که عموم ملت خواستار آن انقلاب باشند و افکار عمومی برای تأکید و پشتیبانی آن مهیا باشد. در غیر این صورت انقلاب با شکست مواجه خواهد شد. نهضت و قیام مهدی موعود نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده، در صورتی می تواند پیروز گردد که اوضاع و شرایط مساعد و زمیه فراهم باشد. نهضت آن جناب یک نهضت سطحی و کوچک نیست، بلکه یک انقلاب همه جانبه و جهانی است و برنامه بسیار عمیق و دشواری دارد، می خواهد تمام اختلافات نژادی و کشوری و زبانی و مرامی و دینی را بر طرف سازد و سر تا سر گیتی را با یک حکومت نیرومند اداره کند تا همه بشر با صلح و صفا کنار هم زندگی کنند. او می داند که آب را باید از سر چشمه اصلاح کرد و عوامل اختلاف انگیز را از ریشه قطع می کند تا گرگ صفتان، خوی درندگی را از دست بدهند.

می خواهد کفر و مادی گری را ریشه کن سازد و عموم جهانیان را به سوی قوانین و برنامه های الهی متوجه کند و دین اسلام را آیین همگانی گرداند. می خواهد افکار پریشانی بشر را به سوی یک هدف متمرکز کند و معبودهای دروغین و فتنه انگیز را مانند: مرزها، نژادها، کشورها، مرام ها، حزب ها، قاره ها و شخصیت های کاذب را از مغز بشر ریشه کن کند. به طور خلاصه می خواهد

نوع بشر و جوامع انسانی را به سعادت و کمال واقعی برساند و اجتماع صالحی به وجود آورد که بر پایه فضایل و صفات انسانی و اخلاق نیک استوار باشد. چنین انقلابی بدون شایستگی ملت ها امکان وقوع ندارد. قرآن کریم می فرماید: "ما در زبور نوشتیم که بندگان شایسته و صلاحیت دار ما قدرت زمین را به دست می گیرند".(۱)

بنابر این تا نوع بشر به حد کمال و رشد نرسد و برای پذیرفتن حکومت حق آماده نگردد، مهدی موعود ظهور نخواهد کرد. (۲)

پی نوشت ها:

۱ – انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵.

۲ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۴۰.

چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند و دنیا را از خواب غفلت بیدار نمی کند؟

پرسش

چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند و دنیا را از خواب غفلت بیدار نمی کند؟

پاسخ

هر انقلاب و نهضتی که برای هدف معینی به وجود می آید، در صورتی پیروز است که زمینه های آن از هر جهت فراهم باشد، در غیر این صورت انقلاب با شکست روبرو خواهد شد.

قیام امام زمان(عج) از این قاعده مستثنی نیست و در صورتی می تواند پیروز شود که شرایط آن فراهم گردد.(۱)

عدم ظهور امام زمان بدان جهت نیست که نمی خواهد ظهور کند، بلکه ظهور مبتنی بر شرایطی است که با تحقق آن ها حضرت ظهور خواهد نمود. یکی از شرایط مهم ظهور، آمادگی مردم می باشد. آمادگی باید در زمینه های خودسازی، پذیرش حکومت جهانی، آمادگی نظامی و رشد فکری ظهور نمایند.(۲) آمادگی ها را باید مردم به وجود آورند که احتمالاً چنین آمادگی به وجود نیامده است.

برای آمادگی پذیرش حکومت جهانی نخست باید مردم از ظلم ها و ناهنجاری های حاکم در جامعه خسته شده، سیاست های حکومت های قبل از ظهور را تجربه کرده باشند، تا هم آماده پذیرش حکومت امام زمان شوند و هم قدر انقلاب جهانی را بدانند.

هشام بن سالم از امام صادق(ع) در خصوص تأخیر ظهور امام زمان(ع) سؤال می کند، امام فرمود: "تا همه اصناف مردم به حکومت نرسند، صاحب الامر قیام نمی کند. برای این که وقتی حکومتش را تشکیل داد، کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت

می رسیدیم، با عدالت رفتار می کردیم".(۳)

امام باقر(ع) فرمود: "دولت ما آخرین دولت ها است. هر خاندانی که لیاقت حکومت داشته باشند، قبل از ما به حکومت می رسند تا وقتی حکومت

ما تأسیس شد و کارکرد آن را دیدند نگویند: ما هم اگر به حکومت می رسیدیم، مانند آل محمد عمل می کردیم و این است معنای آیه: "والعاقبه للمتقین".(۴)

روایات یکی از شرایط ظهور امام زمان(ع) را فراگیر شدن ستم بیان کرده اند(۵) و این بدان جهت است که ظلم و ستم آن قدر زیاد شد که نارضایتی مردم از حکومت ها به اوج خود برسد و آرزوی حکومت مطلوب و عادلانه را بنمایند.

مرحوم شیخ طوسی مردم را به دلیل مهیان نکردن خود برای ظهور امام نکوهش نموده و اعمال آنان را مانع اصلی بهره گیری از وجود امام دانسته و می گوید، باید مردم زمینه اقتدار امام را فراهم آورند.(۶)

خواجه نصیر الدین طوسی نیز سبب غیبت امام زمان و علت تأخیر ظهور او را اعمال مردم می داند: "غیبت نمی تواند ناشی از اراده خدا، یا امام زمان باشد، بلکه باید سبب غیبت امام را در اعمال مکلّفان (که سبب ترس و پیروی نکردن است) جست. ظهور وقتی واجب خواهد شد که سبب غیبت از بین برود".

پی نوشت ها:

۱. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۹۴.

۲. خورشید مغرب، ص ۳۵۰.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۷.

۴. همان، ص ۳۳۲.

۵. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۷.

۶. مجله حوزه (ویژه نامه امام زمان) ص ۴۳۵، به نقل از کتاب الغیبه، ص ۱۱.

چرا با وجود اینکه جامعه نیاز به رهبر و امام دارد، امام زمان(عج) ظهور نمی کند؟

پرسش

چرا با وجود اینکه جامعه نیاز به رهبر و امام دارد، امام زمان(عج) ظهور نمی کند؟

پاسخ

اگرچه امام زمان(ع) به حسب ظاهر غایب است، ولی عملاً به رهبری و هدایت مردم پرداخته و درصحنه های مختلف حضور دارد.

امام زمان(عج) واسط? فیض الهی بر بشر است. طبق روایات معصومان(ع) لحظه ای زمین از حجت خدا خالی نیست. در غیر این صورت زمین فرو می ریزد.(۱) حضورامام میان مردم و هدایت آنان توسط امام در قالب های مختلف ظهور می کند: گاهی امام – به طور ناشناس – میان مردم حضور می یابد و مردم او را نمی شناسند. امام صادق(ع) از امام علی(ع) گزارش می کند: "اگر زمین، یک ساعت از حجت خدا خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد.حجت (امام زمان)، مردم را می شناسد، لیکن مردم او را نمی شناسند، همان گونه که یوسف، مردم را می شناخت اما آنان، او را نمی شناختند."(۲).

همو فرمود: "حجت حق بر زمین استوار است، در جاده ها حرکت می کند، در خانه ها و قصرها وارد می شود و در شرق و غرب زمین به گردش می پردازد. سخن مردم را می شنود و بر جماعت مردم سلام می کند. می بیند و دیده نمی شود".(۳)

گاهی امام زمان(ع) با راه های دیگر مردم را مورد عنایت قرار داده، به آنان نفع می رساند در برخی از روایات امام به خورشید پشت ابر تشبیه شده است که مانند خورشید به مردم نفع می رساند".(۴) از سوی دیگر امام در زمان غیبت کبری، فقیهان را به گون? نیابت عام، نایب قرار داده است که آنان به مشکلات مردم رسیدگی کنند، و به پرسش های آنان پاسخ دهند: "اما الحوادث الواقعه فأرجعوا فیها إلی رواه حدیثنا...."(۵)

افزون بر آن ظهور امام زمان(ع) منوط به تحقق برخی از

شرایط است که با تحقق آن ها حضرت ظهور می کند، شرایطی مانند آمادگی مردم، رشدافکار عمومی و آماده شدن یاران.

از همه مهم تر ظهور امام منوط به خواست خداوند است. هرگاه خداوند بخواهد، حضرت ظهور می کند. همان گونه که اصل غیبت امام به خواست خدا می باشد.

مهم تر آن که مردم بودند که زمین? غیبت امام زمان (عج) را فراهم کردند؛ بدین معنا که اگر امام مانند سایر ائمه میان مردم بود، او را نیز به شهادت می رساندند.

در بعضی از روایات یکی از علل غیبت امام(ع) حفظ جان حضرت بیان شده است، یعنی اگر امام به حسب ظاهر میان مردم بود، او را به شهادت می رساندند. بر این اساس باید مردم زمینه و شرایط ظهور امام زمان را فراهم کنند.

اگر مردم آماده پذیرش حکومت جهانی شدند، حضرت ظهور می کند: پس علت عدم ظهور امام به رفتار مردم بر می گردد، نه این که امام کوتاهی کرده و ظهور نمی کند.

فلسفه غیبت امام زمان(ع) منحصر به حفظ جان امام نیست؛ بلکه عوامل دیگر در شکل گیری غیبت ایشان تأثیر گزار هستند. مهم تر از همه آن که مشیت الهی بر غیبت حضرت تعلق گرفته که عقل از درک آن عاجز است. از این رو در برخی از روایات علت غیبت امام زمان(ع) از اسرار الهی دانسته شده است. عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: امام صادق(ع) فرمود: "صاحب الامر غیبتی خواهد داست؛ به طوری که گمراهان در شک واقع می شوند".

عرض کردم چرا؟ فرمود: "اجازه نداریم علتش را بیان کنیم... موضوع غیبت از اسرار خدا و غیبتی از غیبت های الهی است. چون خدا را حکیم می دانیم، باید کارهایش از روی حکمت صادر شود".(۶)

امتحان مردم

در

برخی روایات دیگر یکی از علل غیبت امام زمان(عج) امتحان مردم ذکر شده است.(۷) بدین معنا که در اثر غیبت حضرت مهدی(ع)، مردم آزمایش می شوند. گروهی ایمان استواری ندارند، باطنشان ظاهر می شود و دستخوش شک و تردید می گردند. کسانی که ایمان در اعماق قلبشان ریشه دوانده است، به سبب انتظار ظهور حضرت و ایستادگی در برابر شدائد، پخته تر و شایسته تر می گردند. امام کاظم(ع) فرمود: "هنگامی که پنجمین فرزندم غائب شد، مواظب دین خود باشید، زیرا او ناگزیر غیبتی خواهد داشت، به طوری که گروهی از عقیده خویش بر می گردند. خداوند به وسیله غیبت، بندگان خویش را آزمایش می کند".(۸)

آزادی از یوغ بیعت

در بعضی از روایات یکی از علل غیبت امام، آزادی او از یوغ بیعت با حاکمانِ ستمگر زمان بیان شده است؛ بدین معنا که امام هیچ رژیمی را، حتی از روی تقیه، به رسمیت نمی شناسد. اگر حضرت در غیبت نبود، باید با حکومت های عصر خود بیعت می کرد، که با اهداف و آرمان امام همخوانی نداشت. حسن بن فضّال می گوید: امام هشتم فرمود: "گویی شیعیان را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام حسن عسکری) در جستجوی امام خود، همه جا را می گردند. امام او را نمی یابند". عرض کردم: چرا غایب می شود؟ فرمود: "برای این که وقتی با شمشیر قیام می کند، بیعت کسی بر گردن وی نباشد".(۹)

پی نوشت:

۱ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲ نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۴.

۳ همان، ص ۱۴۴.

۴ ینابیع الموده، ص ۲۳.

۵ وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۶ بحارالانوار، ج ۵۲،

ص ۹۱.

۷ اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۳۸.

۸ شیخ طوسی کتاب الیبغه، ص ۲۰۴، نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۴.

۹ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

با این همه علاقه ای که از جانب ارادتمندان امام زمان علیه السلام اظهار می شود ,چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است ؟

پرسش

با این همه علاقه ای که از جانب ارادتمندان امام زمان علیه السلام اظهار می شود ,چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است ؟

پاسخ(قسمت اول)

قانون عرضه و تقاضا حکم می کند که به همان نسبت که تقاضا موجود است , عرضه نیزبر همان پایه باشد . چون در غیر این صورت , نظام زندگی به هم می خورد و تعادل از میان می رود , و در نتیجه آشفتگی پدید می آید . چنانکه می دانیم , سالها بود که پیشوایان اسلام در دسترس مسلمانان بودند و مردم را دعوت به راه راست و دین حق می نمودند . به اعتراف دوست و دشمن , پیشوایان از خاندان پیغمبر - یعنی ائمه طاهرین علیهم السلام , از امیرمومنان گرفته تا امام حسن عسکری - در تمام صفات برجسته انسانی وفضائل عالیه اسلامی بهترین افراد امت اسلام و برترین مردم عصر خود بودند . مع الوصف به شهادت تاریخ , طی دو و نیم قرن بعد از رحلت پیامبر خاتم صلی اللّه علیه و آله , تمام آن رهبران عالیقدر از صحنه سیاست اسلام کنار گذاشته شدند , تاآنجا که هرگاه اقدام به راهنمائی مردم غافل نمودند , با شدت عمل و زندان و کشته شدن مواجه گشتند . این موضوع بقدری روشن است که ما را از هرگونه توضیح بیشتری بی نیاز می گرداند . خداوند تعالی , یازده شخصیت بی نظیر - که جانشینان شایسته پیامبر اسلام بودند -بمنظور رهبری جامعه انسانی به جهان عرضه داشت , ولی بهیچ وجه , این عرضه هماهنگ با تقاضا نبود . روی این اصل , چه

بهتر که آخرین فرد آنـان , برای مـدتی طولانی از نظرها غائب گردد و به مردم جهان عرضه نشود , تا بـدینگونه حس تقاضای چنین پیشوای عالیمقامی در مردم گیتی پدیـد آیـد , و در آن زمان که زمینه مساعدگردیـد , خداوند متعال وجود او را عرضـه داشـته و در اختیار تقاضا کنندگان بگذارد . نکته جالب اینجاست که در بسـیاری از روایات اسلامی , از انتظار فرج و آمادگی مردم برای ظهور امام زمان صـلوات اللّه علیه سـخن به میان آمـده , و ازآنان که پیوسـته در انتظار آمـدن آن حضـرت هسـتند , سـتایش قابـل توجهی به عمـل آمـده است . موضوع انتظـار فرج امـام زمـان - عجل اللّه تعالی فرجه - چیزی جز همان تقاضای عمومی برای عرضه داشـتن آن وجود مقـدس نیست . بعلاوه , چنانکه در تاریـخ مذاهب و کتب آسـمانی - خاصه قرآن مجید که بهترین سـندزنده و دست نخورده تاریخی و دینی است - می خوانیم , کلیه پیامبرانی که خداونـددر طول تاریـخ بشـر برای هـدایت انسانها فرسـتاده است , همیشه در راه انجام وظیفه مقـدس خود با عکس العمل شدیـد مردم مواجه بودند . مردم کوتاه فکر , بر اثر خودسـری و فرومایگی , بدون توجه به هدف عالی و مکتب انسانی انبیاء از روی هوا پرستی وخودخواهی در مقام آزار و شـکنجه و ریشخند پیامبران و رهبران بزرگ آسمانی خودبرآمدند , تا جائیکه نمونه اعلای آنان حضرت رسول اکرم - صلی اللّه علیه و آله -بارهـا می فرمود : هیـچ پیغمـبریماننـد من از قوم خود آزار ندیـده است . ادامه این تصـادم و کشـمکش سرانجام بقیمت

زنـدان رفتن و تبعید و آسـیب دیدن پیامبران تمام شد . و بیشتر آنان , جان عزیز خود را هم در این راه پر خطر ازدست دادند , با وجود این , خداونـد مهربان برای اتمام حجت , نعمت وجود آنهارا از بنـدگان خود دریغ نـداشت و این فیض همچنان ادامه یـافت , ولی سوء رفتـار مردم و عکس العمـل ناهنجار آنان از حـد گـذشت , و کار بجائی رسـید که لازم شـد بشـریت عکس العمـل نافرمـانی و ستیزه جوئی و هوا پرستی خود را ببینـد . و بعبـارت روشن تر ,جریمه عمـل خود را بپردازد . نحوه عمل , در تمام ادوار یکسان بوده است , به این معنی که سلسـله پیامبران وائمه طاهرین - صلوات اللّه علیهم اجمعین - همه یک هدف را می پیمودنـد , و یک برنامه داشـتند , و جالب این که عکس العملها نیز یکنواخت بوده است . با در نظر گرفتن این جهات باید گفت : بگذارید بشر خودخواه و خیره سر , با غیبت طولانی آخرین برگزیده خدا , گذشته را به یادآورد , و علت دست نیافتن به آن عزیزمهربـان را در واکنشـی که خود نشـان داده , جسـتجو کنـد . آنگـاه زمانی که از هر جهت زمینه فراهم شـد , اوضاع جهان مساعـد گردیـد , مردم از همه جا مایوس شدنـد و همه باهم از دل و جان از خداوند منان طلب رهبر نمودند , پروردگار مهربان , نجات دهنده دنیا را برای اصـلاح اساسـی جهان آشکار سازد , تا نجات انسانها از بیدادگری وبدبختی و ترمیم ویرانی ها , که در غیاب آن پیشوای

بزرگ جهانی , دامنگیر بشریت شده است , آغاز شود , و بوسیله او به تمام مصائب و آلام عمومی پایان دهد , تاسراسر گیتی برای همیشه در صلح و صفا و آرامش کامل بسر برد . این موضوع در پاره ای از روایات هم دیده می شود . شیخ صدوق - دانشمند عالی مقام شیعه - در کتاب علل الشرایع روایت می کند که امام محمد باقر علیه السلام درجواب مروان انباری راجع به علت غیبت صاحب الامر صلوات الله علیه نوشتند : هنگامیکه خداوند , همزیستی مردمی را برای ما ناخوش داشت , ما را ازمیان آنها بیرون می برد (۱) . دانشمند مزبور در کتاب دیگر خود معانی الاخبار روایت می کند که امام صادق (ع)فرمود : مادام که ودایع الهی آشکار نشود , قائم او ظهور نخواهد کرد . هنگامیکه آن مردان مومن و ثابت قدم و فداکار پیدا شدند , او نیز آشکار می گردد ,و بر دشمنان خدا پیروز گذشته همه را نابود می کند (۲) . بگذارید وجدانها بیدار گردد . می دانیم که زندگی بشر با عواطف و غرائز او بستگی دارد . این غرائز و عواطف ,چنانچه در راه صحیح بکار افتد , قطعا بشر را به راه سعادت و طریق صحیح زندگی سوق می دهد , که ما از آن به دینداری و ایمان به خدا و تعالیم آسمانی تعبیرمی کنیم . ولی چنانچه از مسیر تعادل منحرف گردید و در راه های غلط و زیان بخش به کار رفت , فرد و اجتماع را دچار مخاطرات و مشکلات خواهد کرد . طغیان عواطف

وسرکشی غرائز , نظام زندگی را درهم می ریزد و جامعه انسانی را به هرج و مرج وفساد و تباهی و آشوب و نابودی می کشاند . حکمت بعثت انبیاء و برگزیدن امامان عالی مقام از جانب خداوند مهربان هم , جزاین نبوده که آن مردان بزرگ می خواستند با تعالیم خردپسند خود , عواطف و غرائزرا مهار کنند و در حال اعتدال قرار دهند . در این حال , این امیال قلبی هر کدام به میزان لازم و در مجرای صحیح و معقولی اعمال می گردد , تا در سایه آن , افراداجتماع با آسایش تن و آرامش خاطر زندگی کنند . ولی بشر که پیوسته در معرض طغیان عواطف و غرائز و نزاع با وجدان سالم خویش است , به این آسانی حاضر نیست به راه بیاید و در برابر تعالیم انبیاء و رهبران دینی - که صددرصد بنفع اوست - گردن بنهد و تسلیم گردد . واکنشهائی که در برابر تبلیغات و نصایح خیرخواهانه انبیاء و امامان از خودنشان می دادند , همان طغیان عواطف و سرکشی غرائز بود که در نتیجه , وجدان واقع بین و عقل سلیم آنها را کنار می زد و از صحنه قضاوت صحیح و تشخیص زشت و زیباو حق و باطل خارج می ساخت . روی این جهات , پیامبران الهی که می دیدند با همه سعی و کوششی که در راه هدایت بشر مبذول می دارند , وجدان خفته آنان بر اثر طغیان عواطف و سرکشی غرائز بیدارنمی گردد , و به راهنمائی های آنها ترتیب اثر نمی دهند , آخرین چاره را در این

می دیدنـد که جـامعه را بحال خود واگذارنـد و مـدتی از میان آنها بیرون برونـد . باشـدکه توده سـرکش و مردم هوا پرست با احساس تنهائی و بی سـرپرستی , درباره روش وسـرنوشت خود تجدیـد نظر کننـد , و با فراغت بیشتر و فرصت بهتری , وجدان خفته شان بیـدار شود و در جو مناسبی پی به هـدفهای نورانی انبیاء و مکتب عالی خـدا پرستی آنها ببرنـد . در قرآن مجیـد می خـوانیم که چون حضـرت ابراهیم خلیـل , قهرمـان توحیـد , از راهنمـائی قوم بت تراش و بت پرست خود مـایوس گشت , و با تهدیـد و عکس العمل شدیـد آنهامواجه گردیـد , فرمود : و اعتزلکم و ما تـدعون من دون اللّه وادعوا ربی (۳) . من از شـما و آنچه غیر از خـدا می خوانید , کناره می گیرم و خدای خود رامی خوانم . حضـرت ابراهیم با این منطق از میان کلدانیان بیرون آمـد , و به شـهر حران شام رفت . مردم حران هم مشـرک بودند و آفتاب و ماه و سـتاره می پرستیدند . ابراهیم علیه السـلام در آنجـا نیز وجـدان خواب گرفته آنهـا را با منطق الهی خود بیـدار کرد ,و در جریان ایمان به خـدای یکتا گـذاشت و گفت : انی وجهت وجهی للـذی فطر السـموات و الارض حنیفا و ما انا من المشـرکین (۴) . من رو بسوی خـدائی آورده ام که آسـمانها و زمین را آفرید , من پیرو دین حنیف خداوند یکتایم و از مشـرکان نیسـتم . سپس از آن شهر رهسپار فلسطین شد . بطوریکه در تاریخ می خوانیم , با رفتن ابراهیم

از آن دو نقطه , مردم به وجدان خفته خود بازگشتند . سپس با بیداری وجدان و فرونشستن طغیان عواطف خویش , به یاد تبلیغات و راهنمائی های سودمند آن حضرت افتادند . و از همین رهگذر , تعداد قابل ملاحظه ای در غیاب وی به خدای یگانه ایمان آوردند . همچنین در سوره یونس می خوانیم که چون حضرت یونس , قوم سرکش خود را دعوت به دین خدا نمود و نپذیرفتند , آنها را تهدید کرد که سرکشی شما , از طرف خداوندبدون عکس العمل نمی ماند , و بزودی عذاب الهی - که واکنش رفتار ناپسند شماست -می رسد و همه را فرا می گیرد . و چون بازهم گوش نکردند , از میان قوم بیرون رفت وآنها را به حال خود گذاشت . با رفتن و ناپدید شدن یونس و دیدن علائم عذاب , قوم به خود آمدند و سخنان او رابیاد آوردند . و با بیداری وجدان , توبه کردند و عذاب هم نازل نگردید ۱۰۰۰۰اینک می گوئیم : خداوند سبحان , طی ده ها قرن برای هدایت افکار و بیداری وجدانهای بشر و تعدیل عواطف و غرائز آنها , رهبرانی شایسته برانگیخت . ولی بشر خیره سر ,دست از خودسری های خود برنداشت . و اگر عکس العمل موافقی هم نشان داد , نسبت به زحمات انبیاء و پیشوایان خود , بسیار ناچیز و بی ارزش بود . بنابر این بگذاریدآخرین بیدار کننده وجدانهای بشری - مهدی موعود صلوات اللّه علیه - مدتی طولانی از دسترس بشر خارج گردد , تا همین غیبت طولانی و کناره گیری آن وجود

مقـدس ,وجدانها را از خواب گران بیدار کند , و در غیاب وی آنچنان اسـتعداد و آمادگی پیدا کند , تا هنگامی که از هر نظر شایسـتگی یافتنـد , آن پیشوای غائب باز گردد ,و جهان را پر از عـدل و داد کند , چنان که پر از ظلم و سـتم شده باشد . مردم در غیبـت امـام , آزمـایش می شونـد . یکی دیگر از علـل غیبـت امـام زمـان علیه السـلام این است که : اگر آن پیشـوای عـالی قدرمانند پدران بزرگوارش آشکار بود و در دسترس همگان قرار داشت , آنطور که باید ,دوست و دشمن شناخته نمی شدند . ولی با غیبت آن حضـرت , دوسـتان حقیقی و دشـمنان واقعی بخوبی شـناخته می شوند , و میزان دوستی و دشـمنی آنها کاملا معلوم می گردد . این معنی طی بسـیاری از روایـات معتبر شـیعه بمـا رسـیده است . قسـمتی از آن را درکتابهای غیبت نعمانی و غیبت شیخ طوسی می خوانیم . امام باقر علیه السلام می فرماید : غیبت قائم ما آنقدر به طول می انجامد تا مردم کاملا آزمایش شونـد , و آلودگی برطرف گردد , و پاکی باقی بماند (۵) . و امام صادق علیه السـلام فرمود : قائم موعود بسوی شما بازگشت نمی کنـد , مگر بعداز آنکه مردم (بواسـطه طول غیبت) از آمدن او مایوس گردند . نه . بخدا نمی آید ,مگر آنکه نیک و بد شما از یکدیگر جدا شوند . نه . بخدا او نمی آید , مگر وقتی که پاک و خالص شوید . نه . بخدا نمی آید , مگر

بعد از آنکه افراد شقی و سعادتمندشناخته شوند (۶) . آخرین نماینده خدا باید محفوظ بماند . نکته دیگری که در روایات مهدی موعود زیاد دیده می شود , این است که چون دشمنان اهل بیت متوجه شدند امام یازدهم فرزند خردسالی دارد , درصدد گرفتن و کشتن وی برآمدند . خداوند هم آن حضرت را از سوء قصد دشمنان نجات داد . ممکن است بگویند : آن روز خلفای عباسی مخالف آنحضرت بودند , ولی بعد از سقوط آنها وادوار بعدی , چرا آشکار نشد ؟ . می گوئیم : مگر طرز فکرمخالفان شیعه نسبت به معتقدات آنها , تاکنون فرق کرده است ؟ . بطور قطع اگر امروز آن حضرت آشکار شود , اکثریت مسلمانان فقط به عنوان اینکه وی امام شیعه و مردی از خاندان پیغمبر است , با وی بمخالفت برخواهند خاست و همان خطری که از ناحیه خلفای عباسی متوجه آن حضرت بود , با شدت بیشتری خودنمائی خواهد کرد . نکته دیگر اینکه : چرا خداوند منان , پدران حضرت را از خطر دشمنان پنهان نگردانید ؟در پاسخ این سوال می گوئیم : پدران حضرت که آشکار و در دسترس مردم بودند , اگریکی از آنان بقتل می رسید , دیگری بود که جانشین وی باشد . ولی سخن در این است که تمام مسلمانان می گویند : مشیت الهی بر این قرار گرفته است که مهدی موعودآخرین برگزیده خدا باشد . بنابر این لازم است که خداوند سبحان , وجود او را از هرگونه خطری محفوظ بداردتا جهان بوسیله آخرین نماینده خدا , روی صلاح و رستگاری به

خود ببینـد . سـخن کوتاه و پر مغز زیر از فیلسوف بزرگ شـیعه خواجه نصـیر الدین طوسـی در کتاب تجریدالعقاید است که با بحث ما تناسب کامل دارد . خواجه می نویسـد : وجوده لطف و تصـرفه لطف آخر و عـدمه منا . وجود امام زمان (ع) لطفی از جـانب خداونـد بر بنـدگان است . و تصـرف وی در امورمردم , هم لطف دیگری است . و اگر او در میـان مـا نیست و ما او را نمی بینیم , این دیگر تقصـیر ماست که آن حضـرت را از دست داده ایم . ظهور امام زمان و گسترش فساد . اگر فراگیری فساد مـایه انقلاـب حضـرت مهـدی (ع) است چرا در گسترش آن کوشـش نکنیم ؟یکی از نشـانه هـای آغـاز انقلاـب امـام زمـان , فراگیری ظلم و جور در جهـان است و این مطلب را از دو راه می توان ثـابت کرد :۱ - پیـامبر گرامی فراگیری ظلم و جور را , نشانه آغاز انقلاب دانسته و در حدیثی که محدثان اسلامی نقل کرده اند , فرموده است : یملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا . زمین را پر از قسط و عـدل می کند , چنان که از ظلم و جور پر گردد . فرهنگ نویسان زبان عرب می نویسـند : تجـاوز به حقـوق دیگران و اختصـاص دادن آن به خویشـتن , ظلم است . و محکم کردن پـایه هـای حکـومت از طریق مسـلط کردن گروهی برجان و مال مردم و اشاعه تبعیض , جور است . هرگاه چنین تفسیری برای این دولفظ درست باشد , قهرا قسط

نقطه مقابل ظلم , و عدل نقطه مقابل جور , خواهد بود . بنابر این فراگیری فساد از نظر احادیث اسلامی , یکی از نشانه های انقلاب حضرت مهدی است . ۲ - فشار و اختناق هرگاه از حد بگذرد , مایه انفجار می گردد

پاسخ(قسمت دوم)

. انفجارهای اجتماعی , مانند انفجارهای مکانیکی است که در درجه معینی از فشار , انفجار رخ می دهد . و در حقیقت گسترش فساد به وسیله ضحاکان زمان , انقلاب را نزدیکترمی کند , و در نتیجه بذرهای انقلاب را آبیاری می نماید , تا لحظه ای که بحران به اوج خود برسد و انقلاب صورت پذیرد . با توجه به این دو مطلب , در این جا سوالی مطرح می گردد که : اگر فساد و بحران ,مایه تحقق انقلاب های بنیادی است , پس وظیفه ما در زمان غیبت امام , دامن زدن به فساد و کوشش در گسترش آن است . و در غیر این صورت , با دست خود انقلاب الهی رابه عقب انداخته و خود را در یک زندگی نامطلوب حس خواهیم کرد . هر نوع اصلاح گرائی و تربیت افراد در مقیاس های کوچک یا بزرگ , و کوشش در تقلیل فساد و ستم , گامی است در جهت تحکیم و دیرپائی رژیمهای ظالمانه که از طریق بازگذاردن این نوع دریچه های اطمینان , به حیات و حکومت ننگین خود ادامه می دهند ,و بر مال و جان ملت می تازند . به خاطر دارم که در دوران پیش از انقلاب , برخی از جوانان حاد و تند , اما ساده لوح که

تحت تاثیر افکار مادی برخی از گروهکهای چپ انقلابی نما قرار گرفته بودند ,بر کوششهای توانفرسای گویندگان و نویسندگان و رجال خیرخواه کشور , انتقادمی کردند و خرده می گرفتند و می گفتند : شما با این اصلاحات کوچک و سطحی و قشری ,از فشار دستگاه حکومت می کاهید و در نتیجه انقلاب ملت ایران را عقب می اندازید . از این جهت , باید به جای تاسیس مراکز درمانی و فرهنگی و دیگر امور اصلاحی به گسترش فساد دامن زد , تا انفجار رخ دهد و مردم از شر ظلم و ستم حاکم راحت وآسوده شوند . پاسخ اکنون به تجزیه و تحلیل این اشکال که به دست و پای برخی از جوانان ما پیچیده است , می پردازیم . در این جا , دو پاسخ داریم , که هر کدام می تواند اساس اشکال را از بین ببرد . ۱ - گسترش فساد کافی نیست بلکه آگاهی نیز لازم است . پایه اشکال را یک مطلب تشکیل می دهد و آن این است که تصور شده است , که تنهاگسترش فساد و به اوج رسیدن بحران در تحقق انقلاب کافی است , در صورتی که در کنارگسترش فساد , شرط اساسی تری لازم است که بدون آن انقلاب رخ نمی دهد , و آن شرطعبارت است از : آمادگی مردم برای انقلاب , از طریق بالا رفتن سطح آگاهی و هوشیاری در گروههای مختلف . مقصود از بالا رفتن سطح آگاهی , این است که انسان ها , به موقعیت و ارج وجود خودپی ببرند , و تحمل ظلم و فساد را زندگی

ننگین و مرگباری تلقی کنند که شایسته مقام انسان نیست . آنگاه با ارزیابی شرایط و امکانات خود , و ستم قدرت های طاغوتی , بذر انقلاب را در سرزمین مستعد و آماده بپاشند و با طرق گوناگون , درآبیاری آن بکوشند . ناگفته پیداست , تا زمانی که در توده ها چنین آگاهی پدیدنیاید , و انسانها بر ارزش خود واقف نگردند , و امکانات خود و طرف را درست نسنجند , انقلاب کوری رخ می دهد که نمی تواند , مصالح مردم را تضمین کند . به عبارت روشن تر : برای تحقق یک انقلاب , تنها گسترش فساد و یا وجود یک رهبر لایق کافی نیست , بلکه علاوه بر این , آمادگی روحی و فکری لازم است که مردم در موقع مناسب بهای انقلاب را که همان ایثارگری و شهادت در راه هدف است , بپردازند . درغیر این صورت , سستی و تنبلی و اکتفا به وضع موجود , در روح جامعه لانه می گزینند , و اندیشه انقلاب به ذهن آنان راه پیدا نمی کند . و با تمسک به منطق موسی به دین خود , عیسی به دین خود , و یا هر کسی باید گلیم خود را ازآب بیرون ببرد , من چه کار به کار دیگران دارم و امثال این جملات , وضع موجود را که توام با یک نوع راحت طلبی است , بر قیام و انقلاب و تحمل زندان وشکنجه و قتل و اعدام ترجیح می دهد . باید توجه نمود که مدت هاست که فساد , جهان را فرا گرفته است . فساد

ابرقدرت هادر بسیاری از مناطق جهان - بویژه آفریقا و آسیا - به شدیدترین وضع رسیده است . از روزی که غرب , اندیشه تسلط بر شرق را در سر پرورانده , هر روز در نقاط مختلف جهان , بر مظالم خود افزوده و میلیونها نفر را در بند کشیده است . تنها بررسی وضع کشورهای استعمار زده افریقا و جنوب آسیا سند روشن و گویایی بر این مطلب است . ۲ - پرورش یک نیروی مهیای منتظربرای تحقق قیام حضرت مهدی علیه السلام , یک ارتش مهیا و نیروی ضربتی کارآمد لازم است که پشت سر امام علیه السلام ایستاده و گوش به فرمان او باشد . از این جهت باید در جهنم سوزان ظلم و جور و فساد و تبعیض , افراد فداکاری پرورش یابند , تاپیام آور بهار عدالت باشند . این گروه باید به نیروی ایمان و تقوا مجهز گردند ,و جانباز و فداکار باشند . تربیت چنین افرادی , بر عهده مصلحان دلسوز است که درهر زمان برای تربیت این گونه افراد , همت گمارند و آنی از این کار غفلت نورزند . بنابر این هرگز نمی توان به این دلیل واهی که فساد مایه انفجار و انقلاب است , از کارهای اصلاحی که منجر به تربیت چنین افرادی گردد , سرباز زد . از همه اینها گذشته , ما باید موقعیت خود را در زمینه قیام مهدی عجل اللّه تعالی فرجه مشخص کنیم . بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم , از کسانی خواهیم بود که انقلاب مهدی عجل اللّه تعالی فرجه برای درهم کوبیدن آنها

صورت می گیرد . واگر درصدد اصلاح جامعه باشیم , از کسانی خواهیم بود که در زمره اصحاب فداکارحضرتش عضویت خواهند داشت . بنابر این به فرض اینکه با کمک کردن به توسعه فساد ,ظهور امام مهدی صلوات اللّه علیه را به پیش بیندازیم , وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته ایم . مگر نه این است که حضرت بقیه اللّه علیه السلام برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن ظلم و فساد قیام می کند ؟ ما چگونه می توانیم باگسترش فساد , از قیام آن بزرگوار بهره مند شویم ؟بنابر این سکوت در برابر فساد , و یا کمک به توسعه فساد , نه از لحاظ کلی برای ظهور مهدی موعود عجل اللّه تعالی فرجه صحیح است , نه از نظر شخصی . بیشتر بنظر می رسد که این اشکال و مغلطه کاری را کسانی درست کرده اند که می خواهنداز زیر بار مسولیتها فرار کنند , و یا آلوده هر فسادی شوند . بطور خلاصه , گسترش فساد و ظلم , اگر منجر به انظلام - یعنی پذیرش ظلم وستم - بشود , هیچ گاه زمینه قیام علیه آن نخواهد شد . بلکه تنها در صورتی مفیداست که مقدمه مبارزه در جهت تحقق عدالت و نیکی باشد . بدیهی است که این مقدمه نیز هیچگاه عملی نخواهد شد , مگر زمانی که مردم , بدی ظلم را بدانند . و دربرابر آن , مظاهر صلاح و تقوای فردی و اجتماعی را نیز بشناسند . و تنها راه این شناخت , دعوت مردم به سمت صلاح و تقوی است .

از سوی دیگر , در احادیثی که پیامبر و ائمه علیهم السلام وظایف منتظران را معین کرده اند , همه جا سخن از تقوی , ورع , صلاح , سداد , دوری از گناه و قرب به خداست . به عنوان نمونه , امام صادق علیه السلام فرمود : من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هومنتظر . فان مات و قام القائم بعده , کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه . فجدوا وانتظروا هنیئا لکم ایتها العصابه المرحومه (۷) . هر کس خوشنود می شود که از اصحاب قائم علیه السلام باشد , پس باید منتظر باشد ,و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند , در حالی که منتظر است . اگر چنین شخصی , پیش ازظهور حضرتش بمیرد , اجر او مانند کسی است که زمان ظهور آن حضرت را درک کرده است . پس (در جهت نیکی ها) بکوشید و منتظر باشید . (این انتظار) گوارا باد بر شمااى گروه رحمت شده . علمای گذشته ما , درباره وظایف و تکالیف منتظران در زمان غیبت , کتابهائی مستقل نوشته یا فصولی از کتب خود را اختصاص داده اند . مانند : نجم الثاقب تالیف مرحوم حاج میرزا حسن نوری (متوفای ۱۳۲۷) , مکیال المکارم تالیف مرحوم میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (متوفای ۱۳۴۸) , وظیفه مردم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام تالیف همان بزرگوار . در این کتابها و مشابه آنها که تنها بر اساس روایات معصومین علیهم السلام نوشته شده ,

هیچگاه پر کردن جهان از ظلم به عنوان وظیفه منتظر در زمان غیبت یاد نشـده است . در واقع , هیـچ عاقلی پیدا نمی شود که با الفبای کلام معصومین آشنا بوده و چنین عقیده ای داشته باشد . مگر اینکه مانند گروهکهای چپگرای از عقل بیگانه باشد , که این سخن را بعنوان وسیله سرکوب بعضی گروهها بکار برد .

مهمترین و بزرگترین مانع سر راه حضور امام زمان (عج) در جامعه کنونی و در جهان و عصر حاضر چیست؟

پرسش

مهمترین و بزرگترین مانع سر راه حضور امام زمان (عج) در جامعه کنونی و در جهان و عصر حاضر چیست؟

پاسخ

در رابطه با سؤال حضـرتعالی نکات متعددی را می توان مطرح نمود که عمده آنها را می توان با یک مقدمه توضـیح داد وآن مقـدمه این است که به امـامت رسـیدن صالحان در زمین که وعـده خداونـد در قرآن است متوقف بر شـرایطی است که بـدون تحقق آنها ، این مهم ممکن نخواهـد بود ، هر چنـد خداونـد قادر است با امر تکوینی هر چه بخواهـد انجام دهـد " انما امره اذا اراد شـیئاً ان یقول له کن فیکون " ولی مشـکل فیض گیرنـدگان این است که نمی توانند تمام فیض را یک جا وبدون مراعات شرایـط زمـانی ومکـانی و... دریـافت کننـد ، پس زمان برای ایجاد قابلیت واسـتعداد پـذیرش لازم است و نظری کوتاه به عـدم پـذیرش ائمه قبل از وجود بقیه الله (عـج) از طرف مردم عصـر خود به راحتی این مهم را واضـح می کنـد ، لذا غیبت امام زمان (ع) برای تحقق آن شـرائط است که عمـده آن پرورش انسانهای صالح وایجاد آمادگی در مردم برای پذیرش حکومت عادلانه جهـانی آن حضـرت است ، به تعبیر دیگر بشـریت بایـد به بلوغ حکومت آن حضـرت برسـد وتشـنگی وعطش تحقق حکومت جهانی او را آنقدر در خود احساس کند که آمادگی تحمل وپذیرش آنرا در خود بیابد .

خوب است شما خواهر عزیز برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب عصاره خلقت آیهالله جوادی آملی مراجعه کنید .

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟

پرسش

چرا امام زمان (عج) ظهور نمی کنند؟

پاسخ

هر نهضت و انقلابی که برای هـدف معینی بر پا شود در صورتی امکان پیروزی دارد که زمینه آن، از هر جهت فراهم باشـد و اوضـاع و شـرایط کاملاً آماده باشـد. یکی از شـرایط مهم موفقیت این است که عموم ملت خواسـتار آن انقلاب باشـند و افکار عمومی برای تأییـد و پشتیبـانی آن مهیا باشـد. در غیر این صورت انقلاب با شـکست مواجه خواهـد شـد. نهضت و قیام مهـدی

موعود نیز از این قاعـده کلی مسـتثنی نبوده در صورتی می توانـد پیروز گردد که اوضاع و شـرائط مساعـد و زمینه فراهم باشد. نهضت آنجناب یک نهضت سـطحی و کوچک نیست بلکه یا انقلاب همه جانبه و جهانی است. برنامه بسـیار عمیق و دشواری دارد. می خواهد تمام اختلافات نژادی و کشوری و زبانی و مرامی و دینی را برطرف سازد و سرتاسـر گیتی را با یک حکومت نیرومند اداره کند تا همه بشـر با صـلح و صـفا در کنار هم زندگی کنند. او می داند که آب را باید از سرچشمه اصلاح کرد و لذا علل و عوامل اختلاف انگیز را از ریشه قطع می کند تا گرگ صـفتان، خوی درندگی را از دست بدهند و مانند گوسفندان در کنـار هم زنـدگی کننـد. می خواهـد کفر و مادیگری را ریشه کن سازد و عموم جهانیان را بسوی قوانین و برنامه های الهی متوجه کند و دین اسلام را آیین همگانی گرداند.

می خواهـد افکـار پریشـان بشـر را بسوی یـک هـدف متمرکز کنـد و معبودهـای دروغین و فتنه انگیز راماننـد: مرزهـا، نژادها، کشورها، مرامها، حزبها، قاره ها و شخصیتهای

کاذب را از مغز بشر ریشه کن سازد و بطور خلاصه، می خواهد نوع بشر و جوامع انسانی را به سعادت و کمال واقعی برساند و اجتماع صالحی به وجود آورد که بر پایه فضائل و صفات انسان و اخلاق نیک استوار باشد.

البته گفتن و نوشتن اینگونه مطالب دشوار نیست لیکن دانشمندان و اهل تحقیق می دانند که به وقوع پیوستن یک چنین انقلاب جهانی و عمیق کاری است بسیار دشوار و چنان نیست که بدون تهیه اسباب و مقدمات و آمادگی افکار عمومی و فراهم بودن زمینه، امکان وقوع داشته باشد. یک چنین انقلاب عمیقی باید از اندورن دلهای جهانیان سرچشمه بگیرد و همه انسانها بالاخص مسلمانان که می خواهند پرچمدار آن نهضت باشند، آمادگی داشته باشند. قرآن کریم نیز شایستگی و صلاحیت را شرط آن انقلاب دانسته می فرماید: ما در زبور نوشتیم که بندگان شایسته و صلاحیتدار ما قدرت زمین را بدست می گیرند. (۱) بنابراین، تا نوع بشر به حد کمال و رشد نرسد و برای پذیرفتن حکومت حق آماده نگردد مهدی موعود ظاهر نخواهد شد. البته رشد فکری یک حادثه آنی نیست بلکه در طول ایام و به واسطه پیش آمدهای روزگار پیدا می شود و رو به کمال می رود. باید جهانیان آنقدر این کشور و آن کشور بگویند، و بر سر مرزهای موهوم کشوری بجنگند و خونریزی کنند تا بستوه آیند و بفهمند که حدود و مرزها ساخته و پرداخته افکار کوتاه و خودخواهی انسانهاست. در آن صورت از آن حدود اعتباری و اختلاف انگیز منجر می شوند، و تمام جهان را یک کشور و همه افراد بشر

را هموطن و در نفع و ضرر و سعادت و بدبختی شریک می دانند. در آن هنگام سیاه و سفید، زرد و سرخ، آسیائی و آفریقائی، آمریکائی و اروپائی، شهری و دهاتی، عرب و عجم را می توانند به یک چشم نگاه کنند.

بایـد دانشـمندان، برای اصـلاحات عمومی و سـعادت و آسایش انسانها آنقـدر قانون تدوین کنند و تبصـره بآنها بزنند و بعد از مـدتی آنها را لغو کننـد و قوانین تازه تری را به جای آنها بگذارنـد تا خسـته شوند و جهانیان به نقصان و سـستی قوانین بشـر و افکار کوتاه قانونگـذاران پی ببرند و از اصـلاحاتی که به وسـیله آن قوانین می خواهد انجام بگیرد مأیوس شوند و بدین مطلب اعتراف کنند که یگانه طریق اصـلاح بشـر پیروی از پیمبران و اجرای قوانین الهی است. بشـر هنوز حاضر نیست در مقابل برنامه های خدا تسـلیم شود. گمان می کند که به وسـیله علوم و اختراعات می تواند اسـباب سعادت انسانها را فراهم سازد، لذا برنامه های الهی و معنویات را کنار گذاشـته و دو اسـبه دنبال مادیات می دود. بایـد آنقـدر بـدود تا جانش به سـتوه آیـد و سـرش به سنگ بخورد. آنگاه بـدین مطلب اعتراف می کنـد که علوم و اختراعات گر چه می توانند انسان را به فضا پرواز دهند و کرات آسـمانی را مسـخرش گردانند و سـلاحهای کشـنده و ویران کننده را در اختیارش قرار دهند اما نمی توانند مشکلات جهانی را حل کنند، اسـتعمار و بیدادگری را ریشه کن سازند و بشـر را به سعادت و آسایش روانی برسانند. از آن وقتی که بشر حاکم و زمامدار و فرمانروا پیدا

کرده و حکومتشـان را پـذیرفته است همواره از آنان انتظارها داشـته است. همیشه امیـدوار بوده و هست که آن افراد زورمنـد و زیرک جلو تعدیات را بگیرند و اسباب رفاه و آسایش عموم را فراهم سازند. لیکن کمتر شده که به امید و آرزویش برسد و به حکومت دلخواه دست یابـد. در هر عصـری آن را به صورتی در آورده شـکل تازه ای بدان داده اند، اما بعد از چندی مشاهده شـده که وضع همان وضع سابق است و چندان تفاوتی نکرده است. باید آنقدر حکومتهای رنگارنگ در جهان تأسـیس شود و مرامهـا و احزاب فریبنـده به وجود آیـد و بی لیـاقتی آنها ثابت شود تا بشـر از اصـلاحات آنها مأیوس گردد و تشـنه اصـلاحات خـدایی شود و برای پـذیرفت حکومت توحیـد آمـاده گردد. هشـام بن سالم از حضـرت صادق (ع) روایت کرده که فرموده: تا همه اصـناف مردم به حکومت نرسـند صاحب الامر قیام نمی کند. برای اینکه وقتی حکومتش را تشکیل داد کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم با عدالت رفتار می کردیم. (۲)

امام باقر (ع) فرمود: دولت ما آخرین دولت است. هر خاندانی که لیاقت حکومت داشـته باشند قبل از ما به حکومت می رسند، تا وقتی حکومت ما تأسیس شـد و رفتار آن را دیدنـد نگوینـد: ما هم اگر به حکومت رسـیده بودیمماننـد آل محمد عمل می کردیم و اینست معنای آیه، و العاقبه للمتقین (۳)

با توجه به سـخنان گذشـته روشن شد که هنوز طبع انسانیت برای تحمل حکومت توحید آماده و مهیا نشده، لیکن چنان نیسـت که برای همیشه از این نعمت بزرگ محروم بماند. بلکه

خداوند حکیم که انواع موجودات را به کمال مطلوب می رساند، نوع انسان را نیز از رسیدن به غایت مطلوب، محروم نخواهند ساخت. بشر از روزی که پا بر زمین گذاشته همیشه در آرزوی یک زندگی اجتماعی خوش و سعادتبخش بوده و در راه رسیدن به آن تلاش و کوشش می نموده است. همیشه از جان و دل خواستار یک عصر درخشان و اجتماع صالحی بوده که ظلم و تعدی در آن نباشد. این خواسته درونی بشر بی هدف و غایت نیست و خداوند حکیم نوع انسان را از وصول به چنین غایت مطلوبی محروم نخواهد کرد بطور قطع جهان روزی را در پیش دارد که افکار مردم کاملاً بیدار می شود، از احکام و قوانین و برنامه و مرام های گوناگون مأیوس می کردند، از حکام و فرمانروایان بشر ناامید میشوند، از مشکلات و گرفتاری هایی که به دست خودشان تهیه شده به ستوه می آیند و از هر طرف متوجه خدا و قوانین الهی می شوند. چاره دردها و مشکلات لاینحل اجتماعی را در پیروی از مکتب انبیاء می دانند. احساس می کنند که به دو چیز گرانبها احتیاج دارند: اول برنامه و نقشه اصلاحات. و قوانین کامل و دست نخورده و روشن الهی. دوم یک زمامدار معصوم و فوق العاده ای که در طریق اجرای احکام و برنامه های خدایی دچار سهو و اشتباه و خطا نشود و همه انسانها را به یک چشم نگاه کند. خداوند حکیم مهدی موعود را برای یک چنین موقع حساسی ذخیره نموده و قوانین و برنامه های متین اسلام را در نزدش ودیعه گذاشته است.

در روایات

اهل بیت علیهم السلام علت دیگری نیز برای تأخیر در ظهور ذکر شده است.

حضرت صادق (ع) فرمود: خدا در صلب کافران و منافقان نطفه افراد باایمانی را ودیعه نهاده است، به همین جهت بود که علی (ع) از کشتن پدران کافر، خودداری می نمود تا اولاد مؤمن از آنان بوجود آید و بعد از آن، به هر یک از آنان دست می یافت به قتلش مبادرت می کرد. همچنین قائم ما اهل بیت ظاهر نمی شود تا اینکه امانتهای الهی از صلب کافران خارج شوند. بعد از آن ظاهر می شود و کفار را به قتل می رساند. (۴)

برنامه امام زمان این است که دین اسلام و خداپرستی را به کافران عرضه می دارد هر کس ایمان بیاورد از قتل نجات پیدا می کند و هر کس سرسختی نشان داد و از قبول اسلام امتناع ورزید کشته می شود. از طرف دیگر می دانیم که در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده و می افتد که از نسل افراد کافر یا منافق فرزندان خدا پرست و مؤمن به وجود آمده اند. مگر مسلمانان صدر اسلام از پدران کافر به وجود نیامدند؟ اگر رسول خدا در فتح مکه، کفار مکه را قتل عام کرده بود آن همه مسلمان از نسلشان بوجود نمی آمد. لطف و فیض خدا اقتضا دارد که انسانها را به حال خود بگذارد تا در طول ایام و روزگار دراز فرزندان مؤمنی که امکان وجود دارند از نسلشان پدید آیند. باید جهان ماده به مقدار قابلیت و استعدادش انسان مؤمن تحویل دهد و از جانب خدا به آنها وجود افاضه شود. مادامی که نوع

انسـان ثمر می دهـد و افراد مـؤمن و خـداپرست از آن بـه وجـود می آیـد بایـد بـاقی بمانـد و این وضـع همچنـان ادامه دارد تا هنگامیکه افکار عمومی برای پذیرش توحید و خداپرستی آماده گردد در آن هنگام امام زمان (عج) ظهور می کند. بسیاری از کفـار به دست آنجناب ایمان می آورنـد، افرادی هم که با آن شـرایط و اوضاع در کفر و مادیگری پافشاری نماینـد اشخاصـی هستند که فرزندان مؤمن از آنها به وجود نخواهد آمد.

منابع و مآخذ:

۱ سوره انبیاء، آیه ۱۰۵

۲ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۴۴

۳ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۲

۴ اثبات الهداه، ج۷، ص۱۰۵

۵ دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص۲۴۰۲۴۴

موانع ظهور آقا امام زمان و یا به تاخیر افتادن آن چیست ؟

پرسش

موانع ظهور آقا امام زمان و یا به تاخیر افتادن آن چیست ؟

پاسخ

در ابتـدا بایـد یـک نکته را متـذکر شوم که بـا توجه به بعضـی آیـات قرآن کریم و روایات بسـیاری از اسـرار آفرینش برای ما مجهول است و هیـچ کس هم مـدعی نیست که واقف به تمام رموز آفرینش است. چنانچه خداونـد متعال می فرمایـد اگر تمام درختـان قلم بشود و آب دریـا به اضـافه هفت دریـای دیگر مرکب گردد باز نگارش کلمات خداونـد تمام نگردد (لقمان، آیه ۲۷).

حضـرت علی(ع) می فرمایـد: چه بزرگ است آنچه از آفرینش تو می بینم لکن در کنـاره آنچه از قـدرت تو از ما پنهان اسـت بسیار کوچک است و مسأله غیبت حضرت و سِر و علل آن هم یکی از کلمات الهی است که خود معصومین(ع) تصریح کرده اند که علت غیبت و موانع ظهورش معلوم نخواهد شد مگر بعد از ظهور حضرت چنانچه حکمت کارهای حضرت خضر معلوم نشـد در زمـان مصـاحبت با موسـی(ع) مگر بعـد از مفارقت (مضـمون روایت امام صادق در کتاب منتخب الاثر آیت الله صافی گلپایگانی، باب ۲۸، فصل ۲).

بـا این حـال خود این بزرگـان گاهی پرده را کنار زده و به بعضـی از علل غیبت و موانع ظهور اشاره کرده که با هم سـر سـفره

معرفت آنها نشسته و بهره می بریم. لکن مقدمتا اشاره می کنیم که در روایات بسیاری برای ظهور امام زمان(عج) شرایطی ذکر شـده که تـا آن شـرایط محقق نشونـد حضـرت ظهور نمی فرماینـد که نبود آن شـرایط می شود از موانع ظهور مثلاـ در روایات متعددی – قیام سفیانی و قیام سید حسنی و قیام

دجال و حوادث دیگر که در روایات مشروحا بیان شده است باید محقق شوند تا حضرت ظهور فرمایند پس مادام که این شرایط و مقدمات حاصل نباشند ظهور محقق نمی شود.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک:

۱. جهان آینده، محمد حسن موسوی کاشانی

۲. نوید امن و امان، آیت الله صافی

آنچه از روایات درباره موانع ظهور حضرت استفاده می شود به صورت خلاصه عبارتند از:

۱- به حکومت رسیدن همه اقشار؛ یعنی غیبت حضرت آن قدر طول می کشد همه اصناف مردم از هر قشر و طبقه ای به حاکمیت برسند تا حجت بر همه تمام گردد و به همه معلوم شود که قادر به اجرای عدالت نیستند. چنانچه امام صادق(ع) می فرمایند نخواهد بود این امر [ظهور حضرت] تا آن که نماند هیچ صنفی از مردم مگر این که ولایت پیدا کنند تا این که کسی نگوید که اگر ما ولایت می یافتیم عدالت می ورزیدیم سپس حضرت قائم به حق و عدالت قیام کند (غیبت نعمانی، محمد ابن ابراهیم نعمانی، باب ۱۴، ش ۵۳).

۲- علت دیگری که امام باقر(ع) اشاره می فرمایند برای طولانی شدن غیبت امتحان است می فرمایند «لیعلم الله من یطیعه بالغیب و یؤمن به» (جهان در آینده، محمد حسن موسوی کاشانی، ص ۱۳). و از روایات دیگر استفاده می شود که امتحان به غیبت از ۲ جهت از شدیدترین امتحانات است:

الف) چون اصل غیبت که بسیار طولانی می شود بیشتر مردم در شک و ریب می افتند و جز اشخاص مخلص و دارای معرفت کامل کسی بر عقیده به امامت باقی نخواهد ماند چنانچه پیامبر(ص) فرمود «لا یثبت فیها الامن امتحن

الله قلبه للایمان» (منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، فصل ۱، باب ۸، حدیث ۴۵).

جهت دوم ناگواری ها و سختی هایی که در زمان غیبت رخ می دهد که امام صادق(ع) فرمود که هر کس بخواهد در عصر غیبت به دینش ملتزم باشد مثل کسی است که خارهای درخت خرما را با دست کنار بزند و غیبت طول می کشد تا سیه رویان در این محک معلوم شوند (کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۶).

۳- پیدا شدن قابلیت در منتظران یعنی مردم به این سطح از معرفت برسند که قوانین بشری در اجرای عدالت کافی نیست پیشرفت ها ولو در همه زمین ها به نابسمانانی ها و بی عدالتی ها پایان نمی دهد بلکه روز به روز بیشتر می شوند و بفهمند که فقط در پرتو ظهور حضرت عدالت کامل پیاده می شود و مردم استعداد و آمادگی برای اجرای عدالت توسط حضرت را داشته باشند نه مانند زمان علی(ع) که مردم قابلیت و تحمل اجرای عدالت او را نداشتند که «قتل لشده عدله» و این زمانی است که ظلم و تعدی همه عالم را فرا گیرد و تلخی ظلم به کام همه برسد تا همگان تشنه عدالت شوند چون تا انسان تلخی ظلم را نچشیده باشد نسیم عدالت را تشخیص نمی دهد. «یملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا؛ زمین را پر از عدل و قسط می نماید بعد از این که پر از ظلم و جور شد» (کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۸۹).

در روایات علل دیگری برای طولانی شدن غیبت ذکر شده مانند

بیعت کردن با ظالمان برای حفظ جان از گزند دشـمنان، کردار بد بعضی شیعیان، مهلت دادن به کافران و ظالمان، نبودن ناصر و یاری کننده.

در این زمینه ر.ک:

۱. رخسار آفتاب، سید مجتبی غیوری

۲. نوید امن و امان، آیت الله صافی

۳. جهان در آینده، محمد حسن موسوی

۴. مهدی موعود، علی دوانی

۵. روزگار رهایی، علی اکبر مهدی پور

لکن مهمترین علتی که در بسیاری از روایات بر آن تأکید شده این که طولانی شدن غیبت حضرت به حکمت الهی است و دارای مصالح و حکمت هایی است که تنها خداوند و آنها که محرم اسرار الهی هستند از آن با خبرند چنانچه امام صادق در جواب عبدالله بن فضل هاشمی وقتی در این مورد سؤال می کنند می فرماید ای پسر فضل همانا این مسأله سری از اسرار الهی است و غیبی از غیب های الهی است و وقتی ما خداوند را حکیم بدانیم همه افعال او را مطابق حکمت و مصلحت خواهیم دانست گرچه علت آنها برای ما روشن نباشد (رخسار آفتاب، سید مجتبی غیوری، ص ۵۴ نقل از الاحتجاج طبری، ج ۲، ص ۳۰۳).

پس ولو علت و سر طولانی شدن غیبت حضرت برای ما معلوم نباشد باید بدانیم از آن مصلحت و حکمتی است و آنچه مهم است این که به وظایف یک منتظر واقعی حضرت عمل کنیم و به فرموده خود حضرت که فرمود برای فرج من بسیار دعا کنید. عمل کنیم. انشاءالله که چشمانمان به جمالش منور گردد. «اللهم عجل لولیک الفرج».

چرا امام زمان علیه السلام خود را برای مؤمنان مورد وثوق ظاهر نمی سازد؟

پرسش

چرا امام زمان علیه السلام خود را برای مؤمنان مورد وثوق ظاهر نمی سازد؟

پاسخ

اولاً: آن حضرت برای هر کس ...Ùبخو.......ظاهر شود ناگزیر می بایست برای معرفی خود معجزه ای اظهار نماید تا در صحت ادعایش یقین کنند. در این میان عده ای حقّه باز وساحر پیدا می شوند وبرای فریب مردم از راه سحر وجادو چنین می کنند، وخود را به عنوان امام زمان وانمود می نمایند.

ثانیاً: افراد حیله گر از این موضوع استفاده کرده وادعای رؤیت می کردنـد، ولی به جهت سـدّ این گونه انحرافات، ملاقات در حدّ گسترده ممنوع شد، گر چه خواصّی از افراد در موقعیت های مناسب وبنابر مصالح کلّی وجزئی به ملاقات حضرت شرفیاب می شوند.

چه محذوری داشت اگر امام زمان علیه السلام در بین مردم ظاهر می بود؟

پرسش

چه محذوری داشت اگر امام زمان علیه السلام در بین مردم ظاهر می بود؟

پاسخ

برخی ممکن است بگویند: چه اشکالی داشت اگر حضـرت در بین مردم بود واز وجودش اسـتفاده می کردند واو نیز در موقع مناسب قیام می نمود.

پیامبر اکرم وائمه اطهار: کراراً به مردم گوشـزد کرده بودند که دسـتگاه ظلم وسـتم به دست حضرت مهدی (ع) برچیده خواهد شد. از این جهت وجود حضرت، مورد توجه دو دسته قرار گرفت:

الف. مظلومین وسـتم دیـدگان عالم که تعـدادشان زیاد بود. آنان به قصـد اظهار تظلّم وامید حمایت، به دور وجود امام اجتماع می کردند واز او تقاضای نهضت ودفاع می نمودند، ولذا همیشه در اطراف حضرت گروه کثیری احاطه شده بود. در حالی که هنوز شرایط اساسی فراهم نشده است.

ب. زورگویـان وسـتمکاران خونخواری که بر ملّت هـای مظلوم تسـلّط یـافته ودر راه رسـیدن به منـافع شخصـی خویش از هیچ عملی فروگـذار نمی کردنـد وحاضـر بودنـد که تمام مردم را فـدای مطامع شخصـی خود کنند. در نتیجه این گروه چون وجود حضرت را مانع وسدّ راه خود می دیدند درصدد نابودی حضرت بر می آمدند.

علت تأخیر فرج حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

پرسش

علت تأخیر فرج حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

پاسخ

علت تـأخیر فرج آقا ومولای ما امام زمان (ع) به خود انسان ها باز می گردد، زیرا تشـکیل حکومت عـدل وتوحیـدی در سـطح جهان، عمدتاً احتیاج به شرایط وآمادگی های لازم از طرف خود مردم دارد، از قبیل اینکه:

۱ – مردم مفهوم عدل را بدانند.

۲ – به حدّی برسند که از جان ودل خواهان عدل باشند.

۳ – با عمل به دستورات شرع به حدّ بالای شعور فکری وفرهنگی برسند، گر چه در محدوده بخشی از مردم باشد. ولذا مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی در "شرح تجرید" غیبت حضرت را از ناحیه خود مردم می داند.

۴ – پیشرفت بشر از ناحیه صنعت وتکنیک.

ودر مجموع فراهم نشدن مجموع شرایط لازم برای ظهور، علت تأخیر ظهور حضرت است.

امام زمان (ع) در توقیعی که به شیخ مفید؛ می فرستد می فرماید: "ولو أنّ أشیاعنا –وفّقهم اللّه لطاعته– علی اجتماع من القلوب فی الوفآء بالعهد علیهم، لما تأخّر عنهم الیُمن بلقآئنا، ولتعجّلت لهم السعاده بمشاهدتنا علی حقّ المعرفه منهم بنا، فما یحبسنا عنهم إلّا ما یتّصل بنا ممّا نکرهه ولانؤثره منهم"؛ "اگر شیعیان ما –که خداوند توفیق طاعتشان دهد– در راه ایفای {پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵. پاورقی}

پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، وسعادت دیدار ما زودتر نصیب آنها می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین وصداقتی از آنان نسبت به ما. علت مخفی شدن ما از آنها چیزی نیست جز آنچه که از کردار آنها به ما می رسد وما توقّع انجام این کارها را از آنها نداریم."

چرا با اینکه ظلم سراسر جهان را فرا گرفته امام زمان (عج) ظهور نمی کند؟

پرسش

چرا با اینکه ظلم سراسر جهان را فرا گرفته امام زمان (عج) ظهور نمی کند؟

پاسخ

در روایات نشانه های کلی برای ظهور آن حضرت بیان شده است که خود به دو بخش علایم «حتمی» و «غیر حتمی» تقسیم می شود/

فراگیری فساد و ستم یکی از نشانه های کلی برای فرارسیدن زمان ظهور امام است که در روایات از آن یاد شده است،{۱} که با نگاه به وضعیت جهان معاصر، می توان به فراگیر بودن آن اذعان کرد، واقعیتی که بسیاری از مظلومان را به ستوه آورده است. لیکن فزونی ظلم و فساد یکی از نشانه های نهضت امام است و تنها عامل قیام تلقی نمی گردد و باید عوامل حتمی و یا غیر حتمی دیگری نیز به ظهور نشیند/

آماده شدن نیروی لازم، کارآمد و هوشیار لازمه تحقق قیام مهدی(ع) است و این نکته مهم، آمادگی مردم را می طلبد تا از

طریق بالا بردن سطح آگاهی، هوشیاری، روحی و فکری خود، تحقق این شرط را سرعت بخشند. امام صادق(ع) می فرماید:

«هر کس خوشنود می شود که از اصحاب قائم(ع) باشد، پس باید منتظر باشد، و به ورع و اخلاق نیکو عمل کند، در حالی که منتظر است.» {۲}

[۱].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳/

[۲].همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰/

با این همه علاقه ای که از جانب ارادتمندان امام زمان (عج) اظهار می شود چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است؟

پرسش

با این همه علاقه ای که از جانب ارادتمندان امام زمان (عج) اظهار می شود چرا باز آن حضرت از دیدگان پنهان است؟

پاسخ

چنانکه می دانیم، سالها بود که پیشوایان اسلام در دسترس مسلمانان بودند و مردم را دعوت به راه راست و دین حق می نمودند.

به اعتراف دوست و دشمن، پیشوایان از خاندان پیغمبر –یعنی ائمه طاهرین علیهم السلام، از امیر مؤمنان گرفته تا امام حسن عسکری –در تمام صفات برجسته انسانی و فضائل عالیه اسلامی بهترین افراد امت اسلام و برترین مردم عصر خود بودند. مع الوصف به شهادت تاریخ، طی دو و نیم قرن بعد از رحلت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، تمام آن رهبران عالیقدر از صحنه سیاست اسلام کنار گذاشته شدند. تا آنجا که هرگاه اقدام به راهنمائی مردم غافل نمودند، با شدت عمل و زندان و کشته شدن مواجه گشتند. این موضوع به قدری روشن است که ما را از هرگونه توضیح بیشتری بی نیاز می گرداند.

خداوند تعالی، یازده شخصیت بی نظری –که جانشینان شایسته پیامبر اسلام بودند- بمنظور رهبری جامعه انسانی به جهان عرضه داشت، ولی بهیچ وجه، این عرضه هماهنگ با تقاضا نبود. روی این اصل، چه بهتر که آخرین فرد آنان، برای مدتی طولانی از نظرها غائب گردد و به مردم جهان عرضه نشود، تا بدینگونه حس تقاضای چنین پیشوای عالیمقامی در مردم گیتی پدید آید، و در آن زمان که زمینه مساعد گردید، خداوند متعال وجود او را عرضه داشته و در اختیار تقاضا کنندگان بگذارد. نکته جالب اینجاست که در بسیاری از روایات اسلامی، از «انتظار فرج» و آمادگی مردم برای ظهور امام زمان صلوات الله علیه سخن به

میان آمده، و از آنان که پیوسته در انتظار آمدن آن حضرت هستند، ستایش قابل توجهی به عمل آمده است. موضوع انتظار فرج امام زمان –عجل الله تعالی فرجه- چیزی جز همان تقاضای عمومی برای عرضه داشتن آن وجود مقدس نیست.

بعلاوه چنانکه در تاریخ مذاهب و کتب آسمانی – خاصه قرآن مجید که بهترین سند زنده و دست نخورده تاریخی و دینی است –می خوانیم، کلیه پیمبرانی که خداوند در طول تاریخ بشر برای هدایت انسانها فرستاده است، همیشه در راه انجام وظیفه مقدس خود با عکس العمل شدید مردم مواجه بودند. مردم کوتاه فکر، بر اثر خود سری و فرومایگی، بدون توجه به هدف عالی و مکتب انسانی انبیاء از روی هواپرستی و خودخواهی در مقام آزار و شکنجه و ریشخند پیامبران و رهبران بزرگ آسمانی خود برآمدند، تا جائیکه نمونه اعلای آنان حضرت رسول اکرم –صلی الله علیه و آله- بارها می فرمود: «هیچ پیغمبری مانند من از قوم خود آزار ندیده است».

ادامه این تصادم و کشمکش سرانجام بقیمت زندان رفتن و تبعید و آسیب دیدن پیامبران تمام شد. و بیشتر آنان، جان عزیز خود را هم در این راه پر خطر از دست دادند. با وجود این، خداوند مهربان برای «اتمام حجت»، نعمت وجود آنها را از بندگان خود دریغ نداشت و این فیض همچنان ادامه یافت، ولی سوء رفتار مردم و عکس العمل ناهنجار آنان از حد گذشت، و کاربجائی رسید که لازم شد بشریت عکس العمل نافرمانی و ستیزه جوئی و هوا پرستی خود را ببیند. و بعبارت روشن تر، جریمه عمل خود را بپردازد.

نحوه عمل، در تمام ادوار یکسان بوده است، به این معنی که سلسله

پیـامبران و ائمه طاهرین –صـلوات الله علیهم اجمعین- همه یک هـدف را می پیمودنـد، و یک برنامه داشـتند، و جالب این که عکس العملها نیز یکنواخت بوده است.

با در نظر گرفتن این جهات باید گفت: بگذارید بشر خودخواه و خیره سر، با غیبت طولانی آخرین برگزیده خدا، گذشته را به یاد آورد، و علت دست نیافتن به آن عزیز مهربان را در واکنشی که خود نشان داده، جستجو کند. آنگاه زمانی که از هر جهت زمینه فراهم شـد، اوضاع جهان مساعـد گردیـد، مردم از همه جا مایوس شدنـد و همه با هم از دل و جان از خداوند منان طلب رهبر نمودند، پروردگار مهربان، نجات دهنده دنیا را برای اصـلاح اساسـی جهان آشکار سازد، تا نجات انسانها از بیدادگری و بدبختی و ترمیم ویرانی ها، که در غیاب آن پیشوای بزرگ جهانی، دامنگیر بشـریت شده است، آغاز شود، و بوسیله او به تمام مصائب و آلام عمومی پایان دهد، تا سراسر گیتی برای همیشه در صلح و صفا و آرامش کامل بسر برد.

این موضوع در پاره ای از روایات هم دیده می شود. شـیخ صدوق –دانشـمند عالی مقام شیعه- در کتاب «علل الشرایع» روایت می کنـد کـه امـام محمـد بـاقر علیـه السـلام در جـواب «مروان انبـاری» راجـع بـه علت غیبت «صـاحب الامر» صـلوات الله علیه نوشـتند:«هنگامیکه خداوند، همزیستی مردم را برای ما ناخوش داشت، ما را از میان آنها بیرون می برد» (علل الشرائع، ص۲۴۴، حدیث۲)

دانشـمند مزبور در کتـاب دیگر خود «معـانی الاخبـار» روایت می کنـد که امام صادق(ع) فرمود: «مادام که ودایع الهی آشـکار نشود، قائم ما ظهور نخواهد کرد. هنگامی که آن مردان مومن و ثابت قدم و فداکار پیدا شدند، او

نیز آشکار می گردد، و بر دشمنان خدا پیروز گشته همه را نابود می کند.»

می دانیم که زندگی بشر با عواطف و غرائز او وابستگی دارد. این غرائز و عواطف، چناچه در راه صحیح بکار افتد، قطعاً بشر را به راه سعادت و طریق صحیح زندگی سوق می دهد که ما از آن به دینداری و ایمان به خدا و تعالیم آسمانی تعبیر می کنیم. ولی چنانچه از مسیر تعادل منحرف گردید و در راه های غلط و زیان بخش به کار رفت، فرد و اجتماع را دچار مخاطرات و مشکلات خواهد کرد. طغیان عواطف و سرکشی غرائز، نظام زندگی را در هم می ریزد و جامعه انسانی را به هرج و مرج و فساد و تباهی و آشوب و نابودی می کشاند.

حکمت بعثت انبیاء و برگزیدن امامان عالی مقام از جانب خداوند مهربان هم، جز این نبوده که آن مردان بزرگ می خواستند با تعالیم خردپسند خود، عواطف و غرائز را مهار کنند و در حال اعتدال قرار دهند. دراین حال، این امیال قلب هر کدام به میزان لازم و در مجرای صحیح و معقولی اعمال می گردد، تا در سایه آن، افراد اجتماع با آسایش تن و آرامش خاطر زندگی کنند. ولی بشر که پیوسته در معرض طغیان عواطف و غرائز و نزاع با وجدان سالم خویش است، به این آسانی حاضر نیست به راه بیاید و در برابر تعالیم انبیاء و رهبران دینی —که صددرصد بنفع اوست- گردن بنهد و تسلیم گردد.

واکنشهائی که در برابر تبلیغات و نصایح خیر خواهانه انبیاء و امامان از خود نشان می دادند، همان طغیان عواطف و سرکشی غرائز بود که در نتیجه، وجدان واقع بین و عقل سلیم

آنها را کنار می زد و از صحنه قضاوت صحیح و تشخیص زشت و زیبا و حق و باطل خارج می ساخت.

روی این جهات، پیامبران الهی که می دیدند با همه سعی و کوششی که در راه هدایت بشر مبذول می دارند، وجدان خفته آنان بر اثر طغیان عواطف و سرکشی غرائز بیدار نمی گردد و به راهنمائی های آنها ترتیب اثر نمی دهند، آخرین چاره را در این می دیدند که جامعه را بحال خود واگذارند و مدتی از میان آنها بیرون بروند. باشد که توده سرکش و مردم هواپرست با احساس تنهائی و بی سرپرستی، درباره روش و سرنوشت خود تجدید نظر کنند، و با فراغت بیشتر و فرصت بهتری، وجدان خفته شان بیدار شود و در جوّ مناسبی پی به هدفهای نورانی انبیاء و مکتب عالی خداپرستی آنها ببرند.

در قرآن مجید می خوانیم که چون حضرت ابراهیم خلیل، قهرمان توحید، از راهنمائی قوم بت تراش و بت پرست خود مأیوس گشت، و با تهدید و عکسل العمل شدید آنها مواجه گردید، فرمود:

«وَ اَعْتَزِلُکُمْ وَ ما تَدعُونَ من دُونِ اللهِ وَ اَدْعوا رَبّی» مریم/۴۸

[من از شما و آنچه غیر از خدا می خوانید، کناره می گیرم و خدای خود را می خوانم].

حضرت ابراهیم با این منطق از میان کلدانیان بیرون آمد، و به شهر «حرّان» شام رفت. مردم «حران» هم مشرک بودند و آفتاب و ماه و ستاره می پرستیدند. ابراهیم علیه السلام در آنجا نیز وجدان خواب گرفته آنها را با منطق الهی خود بیدار کرد، و در جریان ایمان به خدای یکتا گذاشت و گفت:

«اِنی وَجَّهْتُ وَجْهیَ للَّذی فَطَرَ السَّمواتِ وَ الْاَرْضَ حَنیفاً وَ مَا اَنا مِنَ الْمُشْرِکینَ» انعام/۷۹

[من رو بسوی خدائی آورده ام که آسمانها و زمین را

آفرید، من پیرو دین حنیف خداوند یکتایم و از مشرکان نیستم]

سپس از آن شهر رهسپار فلسطین شد. بطوریکه در تاریخ می خوانیم، با رفتن ابراهیم از آن دو نقطه، مردم به وجدان خفته خود بازگشتند. سپس با بیداری وجدان و فرو نشستن طغیان عواطف خویش، به یاد تبلیغات و راهنمائی های سودمند آن حضرت افتادند. و از همین رهگذر، تعداد قابل ملاحظه ای در غیاب وی به خدای یگانه ایمان آورند.

همچنین در سوره «یونس» می خوانیم که چون حضرت یونس، قوم سرکش خود را دعوت به دین خدا نمود و نپذیرفتند، آنها را تهدید کرد که سرکشی شما، از طرف خداوند بدون عکس العمل نمی ماند، و بزودی عذاب الهی –که واکنش رفتار ناپسند شماست– می رسد و همه را فرا می گیرد. و چون بازهم گوش نکردند، از میان قوم بیرون رفت و آنها را بحال خود گذاشت.

با رفتن و ناپدید شدن یونس و دیدن علائم عذاب، قوم به خود آمدند و سخنان او را بیاد آوردند. و با بیداری وجدان، توبه کردند و عذاب هم نازل نگردید...

اینك می گوئیم: خداوند سبحان، طی ده ها قرن برای هدایت افکار و بیداری وجدانهای بشر و تعدیل عواطف و غرائز آنها، رهبرانی شایسته برانگیخت. ولی بشر خیره سر، دست از خود سری های خود برنداشت. و اگر عکس العمل موافقی هم نشان داد، نسبت به زحمات انبیاء و پیشوایان خود، بسیار ناچیز و بی ارزش بود. بنابراین بگذاریم آخرین بیدار کننده وجدانهای بشری –مهدی موعود اسلام صلوات الله علیه– مدتی طولانی از دسترس بشر خارج گردد، تا همین غیبت طولانی و کناره گیری آن وجود مقدس، وجدانها را از خواب گران بیدار کند، و در غیاب وی آنچنان استعداد و آمادگی پیدا

کنند، تا هنگامی که از هر نظر شایستگی یافتند، آن پیشوای غائب بازگردد، و جهان را پر از عدل و داد کند، چنانکه که پر از ظلم و ستم شده باشد.

چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند؟

پرسش

چرا امام زمان(عج) ظهور نمی کند؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما دوست خوبم، و اظهار خرسندی از اشتیاق شما برای ظهور حضرت مهدی(در ابتدا سخنی از خود حضرت در علت غیبتشان ذکر می کنیم. ایشان در نامه ای به شیخ مفید می فرمایند : "اگر شیعیان ما که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی، اتفاق و اتحاد داشتند، و عهد و پیمان الهی را محترم می شمردند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد؛ و زودتر از این به سعادت دیدار ما نایل می شدند؛ در صورتی که بر اساس معرفت و صداقت آنها نسبت به ما می بود." (۱)

دوست خوبم، همانطور که ملاحظه می فرمایید، آن مهربان ترین مهربان خدا، غمگین از گمراهی و نادانی و زندگی بد بندگان خداست؛ و همین امر علت اصلی غیبت حضرت می باشد. پس اگر کسی در راه از بین بردن گمراهی و نادانی و زندگی بد انسانها بکوشد، و آنان رابه سوی ولی و سپرست حقیقی خود که ولی خدا باشد، هدایت و کمک کند، در واقع مانند کارگزاری از کارگزاران حکومت آن حضرت عمل کرده است.و البته عنایت و نظر هر مولای کریمی به خدمتگزار صدیق و محبّ خود متوجه است.

اگر مردم نسبت به امام خود معرفت داشته باشند، امامی که امین و دوست و برادر مهربان است، و مانند مادری مهربان نسبت به فرزندان خردسال است، و پناهگاه مردم می باشد، و اگر انسانها بدانند که در ایام ظهور او چقدر سعادتمند و خوشبخت می شوند، و این امر را نسبت به هم یادآوری کنند، محبت امام در دلها

جا گرفته، و اشتیاق ظهور و زندگی در جوار حضرت، آرزوی بزرگ انسانها می شود. و اگر آرزوی حقیقی مردم ظهور حضرت باشد، در رفع موانع ظهور و اطاعت الهی می کوشند؛ و با رفع موانع ظهور، حضرت مهدی(ظهور می کنند.

در برخی از روایات آمده است که یکی از شرایط ظهور امام زمان(، وجود ۳۱۳ فرد است، که همه آنها در خدمت آن حضرت خواهند بود؛ و در اداره جهان به ایشان کمک خواهند کرد. ولی ما اطلاع دقیقتری از وضعیت آنان نداریم. اما انسانها باید با رفتار خود، چنین موقعیتی را فراهم کنند.

نابع و مآخذ :

۱. یادمان امام مهدی(، علی اکبر تلافی ، ص۹۴

۲. تحف القول، علی بن الحسین شعبه الحرانی، امام رضا(، ص۳۲۴

۳. یادمان امام مهدی (، علی اکبر تلافی، ص۹۲ و ۹۳

تقویت مبانی اعتقادی، محمد تقی مصباح یزدی، ج۳

۱– علتهای مهم تأخیر ظهور امام زمان (علیه السلام) چیست ؟

پرسش

۱– علتهای مهم تأخیر ظهور امام زمان (علیه السلام) چیست ؟

پاسخ

از حدیث شریف به خوبی استفاده می شود که علت اصلی غیبت جز اسرار الهی است و جز ائمه اطهار کسی نمی داند آنها هم ماذون به بازگوکردن آن نبودند ولی در برخی روایات بعضی ازحکمتهای آن بیان شده که ذیلا به اختصار به آن اشاره می شود :

۱– آزمایش وامتحان در اثر این غیبت طولانی.

گروهی که ایمان کافی ندارند ،باطنشان ظاهر می شود و کسانی که ایمان در اعماق دلشان ریشه کرده و به واسطه انتظار فرج صبر بر شرائط و ایمان به غیبت ارزششان معلوم می شود و به درجاتی از ثواب نایل می شوند .

۲– بیعت نکردن با ستمکاران , یکی از فؤاید و حکمتی که برای غیبت آن حضرت در روایات نقل شده، موضوع محفوظ ماندن از معاهده و بیعت با ستمکاران است .

۳- نجات ازقتل . یکی از حکمت ها موضوع نجات از قتل معرفی شد چون، دستگاه حاکم به شدت در تعقیب و جستجوی آن حضرت بود تا او را به جنگ آورده و به قتل برساند چاره ای جز غیبت نیست.

۵- آمادگی پذیرش . برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان تنها وجود یک رهبر شایسته کافی نیست بلکه؛ آمادگی عمومی نیز لازم است و متأسفانه دنیا هنوز آماده پذیرش حکومت حضرت مهدی «عج» نشده است . زیرا صرف اینکه ظلم و ستم عالم را فرا گرفته کافی نیست که امام ظهور کند . چرا که ظلم ،یکی از اسباب آمادگی مردم است و یقینا هرگاه چنان آمادگی فراهم آید ، ظهور نیز قطعی و

حتمی خواهد شد .

حداقل چند نوع آمادگی لازم است ،تا آن حضرت ظهور کند :

الف)- آمادگی روانی

ب) آمادگی فرهنگی و صنعتی

ج) آمادگی ازحیث یک نیروی ضربتی انقلابی

منابع :

۱-سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری

۲-پادشه خوبان ، علی اصغر لشکری

۳-رسالت جهانی حضرت مهدی ، فریده گل محمدی آرمان

۴-سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

مگر نمی گویند امام زمان وقتی ظهور می کند که جهان پر از فساد شود پس چرا ظهور نمی کند؟

پرسش

مگر نمی گویند امام زمان وقتی ظهور می کند که جهان پر از فساد شود پس چرا ظهور نمی کند؟

پاسخ

برای ظهور امام زمان(عج) علائم و نشانه هایی در روایات شیعه و اهل سنت ذکر شده که از جمله آنها پر شدن زمین از ظلم و جور می باشد، به عنوان نمونه دو روایت از یکی از صحاح ششگانه اهل سنت در این زمینه نقل می شود:

۱. صحیح ابی داود۷ ج ۲، ص ۲۰۷ از پیامبر اکرم(ص) نقل می کند: «حضرت مهدی(ع) کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد»/

۲. در صفحه ۲۰۸ همین جلد، در اوصاف حضرت مهدی(ع) روایتی را از رسول گرامی نقل می کند که در آخر حدیث می فرماید: «ملأ الارض قسطا و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»، پر می کند زمین را از عدل و داد پس از آنکه زمین از ظلم و جور پر شده باشد.

پس در اینکه حضرت مهدی خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده است میان شیعه و سنی اختلاف نیست.

مطلبی را در اینجا باید متذکر شد و آن اینکه حضرت وقتی ظهور می کند، عدالت را در سطح جهان و جامعه بشری برقرار خواهد کرد و عدالت امام زمان(عج) ویژه یک منطقه و یا یک ملت و مذهب نیست، و برقراری عدالت یک وعده الهی است که به دست امام زمان(ع)، در سطح جهان تحقق خواهد یافت.

تحقق این وعده الهی احتیاج به مقدماتی دارد که از جمله آن آمادگی جامعه بشری برای ظهور آن مصلح الهی می باشد. البته شاید هنوز

آن آمادگی عمومی در جامعه جهانی به وجود نیامده است در دنیای امروز، افراد زیادی دم از عدالت خواهند زد و گروه هایی از مردم، هنوز به دنبال منادیان دروغین عدالت می افتند و به امید تحقق عدالت در جامعه جهانی فعالیت می کنند.

هنوز یأس و نومیدی از تحقق عدالت از طریق سازمان ها و گروه های جهانی بر مردم جهان حاکم نشده، اگر روزی ظلم و فساد آن قدر زیاد شود که مردم از تحقق عدالت توسط انسان ها مأیوس شوند و همه آمادگی ظهور مصلح جهانی را بیابند آن گاه امام زمان(ع) ظهور خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود/

گفته شده هنوز این شرط محقق نشده است و در بسیاری از موارد فساد نیت علاوه بر اینکه پر شدن جهان از ظلم و ستم یکی از علل و زمینه های ظهور است و ظهور شرایط و علل دیگری هم دارد.

نشانه های ظهور

علائم حتمی

کلیات

علایم ظهور امام زمان ۷چیست ؟ و تا به حال چه علایمی مشخص شده است ؟

پرسش

علایم ظهور امام زمان ۷چیست ؟ و تا به حال چه علایمی مشخص شده است ؟

پاسخ

علایم ظهور حضرت مهدی ۷دو قسم است : حتمیه و غیر حتمیه , بعضی علامت های حتمیه به طوراجمال عبارت است از:

۱ خروج دجال ;

۲ صیحه و ندای آسمانی که وقتی حضرت در کنار کعبه ظاهر می شود, منادی ندا می کند: خلایق ! آگاه باشیدحضرت مهدی موعود۷ظهور کرده است . بیایید با او بیعت نمایید.

این صدا آن قدر قوی است کهشرق و غرب عالم می شنوند.

۳ خروج سفیانی , از نوادگان ابوسفیان , که اسمش است و در محلی بین مکه و شام خروج می کند و جنایات بسیاری مرتکب می شود.

۴ قتل نفس زکیه , که پسری است از آل محمد۷و بین رکن و مقام حضرت ابراهیم ۷در مکه شهید می شود.

۵ خروج سید حسنی که از طرف دیلم و قزوین قیام می کند و گروه زیادی دورش جمع می شوند. ظاهراً از اولادامام حسین مجتبی ۷است و بعد از غلبه بر اهل ظلم در جاهای مختلف وارد کوفه می شود و در آن جا از ظهورحضرت مهدی آل محمد۷مطلع می شود و همگی با حضرت بیعت می کنند.

۶ پیدا شدن کف دستی از آسمان .

۷ کسوف آفتاب در نیمهء رمضان و خسوف در آخر رمضان .

برای آگاهی بیشتر از علائم دیگر, به کتاب های مربوطه از جمله منتهی الآمال , تألیف محدّث قمی , ج ۲ ص ۳۳۵ ۳۳۷مراجعه شود.

علایم غیر حتمیه خیلی زیاد است و تنها به طکر چند تا بسنده می شود, از جمله :

۱ ظاهر شدن قحطی شدید.

۲ وقوع زلزله و طاعون در

بسیاری از شهرها.

۳ قرآن ها به طرز زیبایی منتشر و مسجدها آزین بندی و مناره ها بسیار بلند ساخته می شود.

۴ کثرت قتل و خون ریزی در کوفه .

۵ فرو رفتن عالم در کفر و فسوق و معاصی ; یعنی کفر و فسوق در عالم غلبه پیدا می کند.

۶ تمایل زیاد مردم به حالات و روش ها و ساختمان ها و لباس ها و علاقهء بسیار به کفّار و مشرکان .

۷ ضعف و سستی مردم در امور دینی و آثار شریعت .

۸ کثرت رفت و آمد کفار به بلاد مقدسهء ایران و نجف و مکه و مدینه و کربلا و...

۹ مردم به جایی می رسند که عدّه زیادی از مسایل ضروری اسلام بی خبرند و اشراف و پول داران به معاصی بزرگ مثل روزه خواری افتخار می کنند و روزه داران را مسخره می کنند و بر کارها و قوانین الهی ریشخند می زنند وایراد می گیرند. آنان به تعریف و تمجید از دانشمندان و صنعت گران اهل کفر پرداخته و از مجالس علما و اندیشمندان اسلامی می گریزند و از ذکر و صحبت علم دین و معاد, ملول و خسته می شوند.

۱۰ تمایل به نماز کم می شود و پیروی از شهوات و آرای باطله زیاد می گردد و پول داران مورد احترام قرارمی گیرند.

۱۲ هم جنس باز رواج پیدا می کند و مردان شبیه زنان و زنان شبیه مردان می شوند و زنان در تجارت با شوهران خویش شریک می شوند.

۱۳ صف های مردم در نماز جماعت زیاد می شود, در حالی که قلب هایشان با یکدیگر کینه دارد.

۱۴ مردان به طلا زینت

کرده و لباس ابریشمی می پوشند.

۱۵ رشوه گرفتن امری عادی می شود.()

(پاورقی ۱.محدث قمی , منتهی الآمال , ج ۲ ص ۳۳۷ ۳۴۲

نشانه های ظهور امام زمان (عج) را بیان کنید؟

پرسش

نشانه های ظهور امام زمان (عج) را بیان کنید؟

پاسخ

در منابع دینی نشانه های متعددی به عنوان علائم ظهور امام عصر(عج) ذکر شده است. ما در این جا به نشانه هایی که به عنوان علامت های حتمی مطرح شده اند اشاره می کنیم:

۱: خروج سفیانی؛ پیش از قیام قائم(ع) مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می کند و با تظاهر به دین داری، گروه زیادی از مسلمانان را می فریبد و به دور خود جمع می کند.

۲ــ خسف در بیداء؛ سفیانی آن گاه که از ظهور حضرت مهدی(ع) باخبر می گردد، با سپاهی عظیم به جنگ حضرت می رود، و در منطقه بیداء بین مکه و مدینه با سپاه امام برخورد می کند. به امر خدا همه لشکریان وی به جز چند نفر در زمین فرو می روند و هلاک می شوند.

۳ــخروج دجال؛ دجال فردی است که در آخر الزمان و پیش از قیام حضرت بقیه الله (ع) خروج می کند و ریاست یهودی ها را به دست می گیرد و با انجام کارهای غیر عادی و شگفت انگیز، جمع زیادی را می فریبد، و سرانجام به دست عیسی مسیح(ع) در کنار دروازه "لد" در منطقه شام به هلاکت می رسد.

۴ــ خروج یمانی؛ سرداری از یمن قیام می کند و مردم را به حق و عدل دعوت می کند.

۵ــ قتل نفس زکیه؛ فرد بی گناه و پاک از اولاد امام حسین مجتبی(ع) در آستانه ظهور حضرت حجت(ع) که گویا مخلصانه در راه قیام و انقلاب مهدی(ع) می کوشد، در مکه بین رکن و مقام حضرت ابراهیم کشته می شود.

۶ــ صحیحه آسمانی؛ در آستانه

ظهور امام (ع) صدایی از آسمان شنیده می شود، به گونه ای که همه مردم روی کره زمین، در شرق و غرب آن را می شنوند و به خود می آیند. محتوای پیام آسمانی، دعوت به حق و بیعت با حضرت مهدی(ع) است.

۷ـ خسوف و کسوف؛ از نشانه های ظهور، خورشید گرفتگی در آخر یا اوّل همان ماه است. امام باقر(ع) فرمود: "دو نشانه پیش از قیام مهدی(ع) پدید خواهد آمد که از مان هبوط آدم(ع) در زمین بی سابقه است: گرفتن خورشید نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر ماه".۴

۴ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۴۹۳؛ مجله حوزه، سال ۷۰ - ۷۱، مهر - دی ۱۳۷۴، ص ۲۴۸ - ۲۷۰.

معتبرترین نشانه های ظهور حضرت مهدی"عج" کدامند؟

پرسش

معتبرترین نشانه های ظهور حضرت مهدی"عج" کدامند؟

پاسخ

در خصوص معتبر و غیر معتبر بودن نشانه های ظهور امام زمان(ع) از دو زاویه می توان بحث کرد:

یکم: در عرف عام برخی از نشانه ها به عنوان علایم ظهور امام زمان(ع) بیان می شود که در معارف اسلامی جایگاهی ندارند. این دسته از نشانه ها غیر معتبر بوده و نشانه های ظهور امام زمان(ع) محسوب نمی شوند. شاید آنانی که نشانه های ظهور امام زمان(ع) را به معتبر و غیر معتبر تقسیم می کنند، مقصودشان نشانه هایی باشد که برخی از مردم مطرح می کنند و در مبانی دینی بدان اشاره نشده است.

دوم: در حوزه تعلیماتی اسلام نشانه های ظهور امام زمان(ع) به معتبر و غیر معتبر تقسیم نمی شود، بلکه نشانه ها به حتمی و غیر حتمی تقسیم می شود. نشانه های غیر حتمی، آن دسته از نشانه ها هستند که با فراهم شدن آن ها باز ظهور امام زمان(ع) حتمی نیست؛ ولی نشانه های حتمی، نشانه هایی هستند که با تحقق آن ها و فراهم شدن شرایط دیگر امام زمان(ع) ظهور می کند. جهت توضیحات بیشتر به برخی از نشانه های حتمی و معتبر ظهور اشاره می شود:

۱- خروج سفیانی:

یکی از علائم حتمی ظهور امام زمان(ع) خروج سفیانی ذکر شده است: "پیش از قیام قائم(ع) مردی از نسل سفیان در منطقه شام خروج می کند و با تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمانان را می فریبد و به گرد خود، می آورد و بخش گسترده ای از سرزمین های اسلام را به تصرف خویش در می آورد و بر مناطق پنجگانه شام، حمص، فلسطین، اردن قنسرین و منطقه

عراق، سیطره می یابد".(۱)

امام زین العابدین فرمود: "ظهور حضرت قائم(ع) قطعی است؛ همان طور که خروج سفیانی قطعی است و در برابر هر قیام کننده ای یک

سفیانی قیام می کند".(۲)

۲- ظهور دجال:

یکی از نشانه های ظهور حضرت مهدی(ع) خروج دجال است. اگر چه در این که دجال و مشخصات آن چیست، عبارات و دیدگاه ها اختلاف دارند. پیامبر اسلام(ص) فرمود: "قیامت، بر پا نمی شود، تا وقتی که مهدی(ع) از فرزندانم قیام کند و مهدی قیام نمی کند، تا وقتی که شصت دروغگو خروج کنند و هر کدام بگوید: من پیامبرم".(۳)

"دجال" از ریشه دجل به معنای دروغگوی حیله گر است. در روایات دجال ها و دروغگویان فراوان نام برده شده است".(۴)

۳- در آمدن پرچم های سیاه از خراسان:

یکی از نشانه های ظهور امام زمان(ع) پدیدار شدن پرچم های سیاه از خراسان است. در روایات معصومان نیز از پدیدار شدن پرچم های سیاه به عنوان نشانه های ظهور امام یاد شده است. امام باقر(ع) فرمود: "بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرمت در می آیند. پس چون مهدی(ع) ظاهر شود، اینان وی را دعوت به بیعت می کنند".(۵)

برخی احتمال داده اند که منظور از خروج پرچمهای سیاه از خراسان، قیام ابومسلم خراسانی است که در سال ۱۴۰ هجری قمری به وجود آمده است، ولی این احتمال درست نیست، زیرا قیام ابومسلم قبل از تولد امام زمان(ع) بوده است و از نظر سند نیز غیر قابل اعتماد نیست.(۶)

۴- خسوف و کسوف:

از نشانه های ظهور، کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر و یا اول همان ماه است. کسوف در روزهای نخست و روزهای آخر ماه و خسوف در روزهای میانی ماه طبیعی و عادی است و در طول تاریخ بارها، رخ داده است، ولی خورشید گرفتگی و یا ماه گرفتگی در وسط ماه امر غیر عادی است و رؤیت آن امکان

ندارد.(۷)

امام باقر(ع) فرمود: "دو نشانه، پیش از قیام مهدی(ع) پدید خواهد آمد که از زمان هبوط آدم(ع) در زمین بی سابقه است: گرفتن خورشید نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن".(۸)

۵- فراگیر شدن جهان از ظلم و ستم:

فراگیر شدن ظلم وجور، از نشانه های معروف ظهور امام زمان(ع) است. روایات متعدد این نشانه را بیان کرده، چنان که این حدیث معروف به سندهای گوناگون بیان شده است: "یملأاللّه به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جورا؛(۹) خداوند به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می سازد. پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد".

علامه مجلسی از امام صادق(ع) آورده است که بیش از یک صد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی که در زمان غیبت دامنگیر جوامع اسلامی می شود، پیش گویی شده است.(۱۰)

۶- صیحه آسمانی:

یکی از نشانه های ظهور صیحه آسمانی بیان شده است که ظاهراً در هنگام ظهور امام زمان(ع) از آسمان شنیده می شود.(۱۱) و همه مردم آن را می شنوند. در روایات تعبیرهای: نداء و صوت نیز به کار رفته است که شاید اشاره به صیحه آسمانی باشد و یا نشانه های جداگانه هستند. امام باقر(ع) فرمود: "ندا کننده ای از آسمان، نام قائم را ندا می کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می شنود. از وحشت این صدا، خوابیده ها بیدار می شوند، ایستادگان نشسته و نشستگان بر دو پای خویش می ایستند.

بیان این نکته ضروری است که نشانه های ظهور امام زمان(ع) منحصر به علایم فوق نیست، بلکه نشانه های دیگر مانند خروج یمانی(۱۲)، قتل نفس زکیه(۱۳)، خروج یأجوج و مأجوج(۱۴)، طلوع خورشید از مغرب (۱۵)،

جنگ های خونین(۱۶)، و... بیان شده است.

پی نوشت ها:

۱. مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۲۴۸؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۲۱.

۲. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۳. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱؛ سنن داود، ج ۴، ص ۱۱۵.

۴. مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص ۲۶۳.

۵. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۲؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

۶. مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص ۲۶۹.

۷. همان، ص ۲۷۰.

۸. کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۱.

۹. کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ ینابیع المودّه، ص ۴۴۸.

۱۰. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ - ۲۶۰.

۱۱. کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۴.

۱۲. تاریخ غیبت کبری، ص ۲۵۲؛ مجله حوزه ویژه نامه امام زمان، ص ۲۵۴.

۱۳. منتخب الأثر، ص ۴۵۹.

۱۴. همان، ص ۴۶۱.

۱۵. وافی، ج ۲، ص ۴۴۶.

۱۶. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶.

علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پرسش

علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پاسخ

موارد و مستندات علایم و حوادث قبل از ظهور بسیار وافر است به جهت اختصار و تناسب زمانی. گزیده هایی قید می گردد:

۱. خروج سید حسنی از طالقان که مردی از بزرگان شیعیان است و از ناحیه دیلمان قزوین خروج و قیام می نماید.

۲. کشف حجاب و بی عفتی از زنها و شریک شدن زنها در تجارت با شوهران و تمکین نکردن زنان از شوهرانشان.

۳. دشنام دادن اوّلا به پدران و مادران و افترا زدن به ایشان و شاد شدن به مرگ آنها و زدن و آزار ایشان.

۴. مستولی شدن زن بر شوهر خویش در جمیع چیزها.

۵. مردها خود را شبیه زنان در آورند و زنان شبیه مردان و بلند گذاردن گیسوان جلوی سر جوانان و مردان(۱).

۶. مرده را با استهزا بردارند و کسی دنبال جنازه او گریه و زاری نکند.

۷. در هر سال بدعتها و شر زیاد شود، غیبت کردن به نظر مردم شایسته می باشد.

۹. قسم خوردن به ناحق فراوان شود.

۱۰. ظلم و ستم، همه جا فراگیر شده است.

۱۱. قرآن فرسوده شده و بدعتهایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن پدید آمده است.

۱۲. مردان به مردان و زنان به زنان قناعت می کنند.

۱۳. فاسق دروغ می گوید و کسی او را بر دروغش سرزنش نمی کند.

پاورقی

۱ - اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۹۲، ح ۱۴.

۱۴. پیوند خویشاوندی بریده شده است.(ش ۱۷).

۱۵. مداحی و چاپلوسی فراوان شده است.

۱۶. حرام، مجاز و حلال حرام، شمرده می شود.

۱۷. قوانین و دستورات دینی بر اساس تمایلات اشخاص تفسیر می گردد.

۱۸. رشوه خواری در میان کارکنان دولت

رایج شده است. (ش ۳۶).

۱۹. پُستهای حساس به مزایده گذراده می شود.

۲۰. مقربان حکام کسانی هستند که به ما اهل بیت ناسزا می گویند.

۲۱. شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران می آید، اما شنیدن باطل، سهل و آسان است.

۲۲. همسایه به همسایه خود از ترس زبانش احترام می گذارد.

۲۳. مساجد را به زیورها می آرایند.

۲۴. برای غیر خدا، حج و جهاد می شود.

۲۵. مردم طرفدار کسی می شوند که پیروز است (خواه بر حق باشد، خواه بر باطل).

۲۶. مردم و محافل همه پیرو ثروتمندان می شوند.

۲۷. حکومت به دست زنان می افتد.

۲۸. افرادی پیدا می شوند که اگر روزی گناه کبیره ای انجام ندهند، غمگین هستند.

۲۹. مساجد پر از مردم خدا نترس است و در آنجا برای غیبت کردن و خوردن گوشت پیروان حق جمع می شوند و مسکرات را توصیف می کنند.

۳۰. دادرسان بر خلاف قانون خدا قضاوت می کنند.

۳۱. برافراز منبرها دعوت ها به تقوا می شود، ولی دعوت کننده خود به آن عمل نمی کند.

۳۲. مردم نسبت به وقت نماز بی اعتنا می شوند.

۳۳. تمام همت مردم، صرف شکم و فرجشان می شود.

حضرت صادق(علیه السلام): حسین(علیه السلام)، در آخر عمر حضرت قائم(علیه السلام) زنده می شود. سپس

حضرت قائم(علیه السلام)، از دنیا رحلت فرماید و حسین(علیه السلام) او را غسل می دهد.

نام امام امت در حدیثی از رسول الله(صلی الله علیه وآله).

از امام باقر روایت شده است که فرمودند:

ابوبکر و عمر و زبیر و عبدالرحمن بن عوف در آستانه در خانه رسول الله نشسته بودند. حضرت رسول(صلی الله علیه وآله) از خانه خارج شد و در کنار آنان نشست در حالی که بند

کفشش پاره شده بود، آن را به علی ابن ابی طالب(علیه السلام) دادند و فرمودند: در سمت راست خداوند عز و جل و یا سمت راست عرش قومی از ما (از پیروان ما) بر منابری از نور هستند. صورتشان از نور و لباسشان نیز از نور است، درخشندگی سیماشان دیدگان بینندگان را به آنها جلب می کند.

ابوبکر گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کرد. سپس زبیر گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کردند. پس عبدالرحمن گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کرد و پاسخ نداد. آنگاه علی بن ابی طالب(علیه السلام) فرمود: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله فرمودند: آنها قومی هستند که در رابطه با روح الله با یکدیگر محبت می کنند و وسیله پیوند قلبها و نزدیکی آنها روح الله است نه به سبب بستگی و خویشاوندی و نه به خاطر اموال آنها و شیعه تو هستند و تو امام آنهایی یا علی(۱).

(بخش پاسخ به سؤالات)

پاورقی

(۲)۱ - بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۹.

۲ - مآخذ: بحارالانوار ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳; اصول کافی، ج ۱; منتهی الآمال; غیبت نعمانی; غیبت شیخ طوسی، اثبات الهداه، ج ۷; کشف الغمه، ج ۴; الملاحم; منتخب الاثر; نجم الثاقب; سیره علمی اهل بیت((علیهم السلام)).

(بخش پاسخ به سؤالات)

ویژگیهای آخر الزمان چیست و آیا هم اکنون دوره آخر الزمان است؟

پرسش

ویژگیهای آخر الزمان چیست و آیا هم اکنون دوره آخر الزمان است؟

پاسخ

هر پدیده اجتماعی و انقلابی دارای علائم و نشانه هایی است که بواسطه آنها می توان از قرب الوقوع بودن آن پدیده یا انقلاب یا بعید الوقوع بودن آن باخبر شد.

علائم ظهور و قیام امام زمان (عج) نیز چند دسته اند:

۱. علائم حتمی نظیر ندای آسمانی مبنی بر اعلام و شروع قیام آن بزرگوار.

۲. علائم غیر حتمی نظیر:

کم ارج شدن ارزشها.

پیروی از نابخردان.

رخت بربستن عفت عمومی.

زن سالاری.

وقوع حوادث جانکاه و کمر شکن.

پاسخ اختلافات با خونریزی.

.و غیره...

لازم به یادآوریست روایات علائم ظهور متأسفانه مصون از تحریف نمانده بویژه توسط حکومتهای استبدادی که از ظهور دادگستر جهان در هر در این زمینه به خلاصه از کتاب دادگستر جهان نوشته علامه امینی توجه فرمایید.

برای ظهور حضرت صاحب الامر "عجل الله تعالی فرجه" علائم بسیاری در کتب حدیث ثبت شده است لیکن اگر ما بخواهیم در یک یک آنها بحث کنیم سخن طولانی می گردد و بدون جهت اوقات چندین جلسه اشغال می شود. اما چند نکته را لازم است اجمالاً تذکر دهیم:

۱. مدرک بعضی از علائم، خبر واحدیست که اشخاص مجهول الحال یا غیر موثق در طریق آن واقع شده و مفید یقین نیستند.

۲. احادیث اهل بیت علائم ظهور را بدو قسم تقسیم نموده اند:

یکی از آنها حتمی است که به هیچ قید و شرطی مشروط نیست و قبل از ظهور باید واقع شود. قسم دوم را غیر حتمی معرفی نموده اند و آن عبارتست از حوادثی که بطور مطلق و حتم از علائم الظهور نیست بلکه مشروط بشرطی است که اگر آن شرط تحقق یابد مشروط

نیز متحقق می شود و اگر شرط مفقود گردد مشروط نیز تحقق نمی یابد و مصلحت بوده که بطور اجمال از علائم الظهور شمرده شود.

۳. علائم ظهور چیزهایی هستند که تا واقع نشود حضرت صاحب الامر ظاهر نمی گردد و حدوث هر یک از آنها دلیل است که ایام فرج تا اندازه ای نزدیک شده اما دلالتی ندارد که بعد از حدوث آن علامت و بلافاصله، حضرت صاحب الامر ظهور می نماید.

ولی در مورد بعضی از آنها تصریح شده است که مقارن ظهور آن حضرت واقع می شود.

۴. بعضی از علائم الظهور بطور اعجاز و خارق العاده واقع می شوند تا صحت ادعای مهدی موعود را تأیید کنند و فوق العادگی اوضاع را بجهانیان اعلام دارند. حکم این علائم، با سایر معجزات یکسان است، و به صرف اینکه با جریان عادی سازگار نیست نباید مردود شناخته شود.

۵. یک نوع از علائم الظهور در کتابها دیده می شود که وقوع آنها عادتاً محال به نظر می رسد مانند اینکه گفته شده: در وقت ظهور مهدی خورشید از مغرب طلوع می کند و خورشید در نیمه ماه رمضان و ماه در آخر همان ماه می گیرد.

بر دانشمندان پوشیده نیست که لازمه وقوع اینگونه حوادث اینست که نظم عالم بر هم بخورد و حرکت منظومه شمسی تغییر یابد.

اما باید بدانید که مدرک اینگونه علائم، اخبار آحادی بیش نیست که مفید یقین نیستند و اگر کسی درسند آنها خدشه کرد می تواند آنها را مجعول خلفای بنی امیه و بنی عباس و عمال آنها بداند.

زیرا در آن اوقات افرادی بعنوان مهدی بر علیه دستگاه حاکمه وقت قیام و نهضت می نمودند و بدان وسیله عده ای را بر دور خویش جمع می کردند. خلفای

وقت چون می دیدند اصل احادیث مهدی قابل انکار نیست لذاحیله دیگری اندیشیدند تا بدان وسیله مردم را منصرف سازند و کـار نهضت علویین را مختـل نماینـد. بـدان منظور علاـئم محـال را جعل کردنـد تا مردم در انتظار آن علائم بنشـینند و دعوت علویین را اجابت نکنند، اما اگر احادیث صحیح بود مانعی ندارد اینگونه علائم بطور اعجاز تحقق یابند تا فوق العادگی اوضاع را بجهانیان اعلام کنند و اسباب پیشرفت دولت حق را فراهم سازند.

برای اطلاع بیشتر به کتابهای ذیل مراجعه فرمایید:

۱. مهدی موعود(عج) شهید دستغیب

۲. دادگستر جهان امینی

روزگار جهانی کامل سلیمان.

الف چند مورد از علائم ظهور امام زمان (عج را بیان نمایید. ب چگونگی وفات امام زمان عج را بیان فرمایید.

پرسش

الف چند مورد از علائم ظهور امام زمان (عج را بیان نمایید. ب چگونگی وفات امام زمان عج را بیان فرمایید.

پاسخ

الف نشانه های مهم ظهور عبارتند از:

۱) فراگیر شدن ظلم و فساد:

اولین نشـانه ای که بـا مشاهـده آن می توان نزدیـک شـدن هر انقلابی از جمله این انقلاب بزرگ را، پیش بینی کرد، گسترش ظلم و جور و فسـاد و تجاوز به حقوق دیگران و انواع مفاسـد اعتقادی و انحرافات اخلاقی است که خود عامل توسعه فساد در جـامعه می باشـد. در روایتی از امـام صادق ۷) اشـاره به ده هـا نوع از این مفاسـد که قسـمتی از آن جنبه اعتقـادی و سیاسـی و بخشـی جنبه اخلاقی دارد، شده است این مفاسد را می توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه اول مفاسد مربوط به مسایل حقوقی و حکومت هاماننـد گسترش سـتم پیروزی حامیان باطل عدم آزادی بیان و عمل تا آنجا که افراد باایمان گاهی تنها در دل می توانند از ظلم و ظالم ابراز تنفر کنند. همچنین صرف ثروت ها در طریق جنگ ها و مسابقات تسلیحاتی ویرانگر و...

گروه دوم مفاسد مربوط به مسایل اخلاقی مانند گسترش تملق و چاپلوسی و... گروه سوم مفاسدی که جنبه عقیدتی دارد مانند تحمیل خواسته های هوس آلود خویش بر قرآن و تفسیر به رأی و جهت گیری های شخصی و مادی در مسایل مذهبی و...

۲) دجال مرد پرتزویر و حیله گر:

هنگـامی که سـخن از دجال به میان می آیـد معمولاً طبق یک سابقه ذهنی عامیانه فقط ذهن متوجه شـخص معین یک چشـمی می شود که با جثه و مرکبی افسانه ای با برنامه ای مخصوص قبل از انقلاب حضرت

مهدی ۷) ظهور خواهد کرد. ولی با دقت در ریشه لغوی دجال و منابع حدیثی استفاده می شود که دجال منحصر به یک فرد نیست بلکه عنوان کلی برای افراد پرتزویر و حیله گر و فریب کار می باشد که برای کشیدن توده های مردم به دنبال خود از هر وسیله ای استفاده می کنند و بر سر هر انقلاب سازنده ای ظاهر می شوند و... ۳) ظهور سفیانی

گرچه از بعضی روایات برمی آید که «سفیانی شخص معینی از آل ابوسفیان و فرزندان اوست ولی از برخی روایات دیگر استفاده می شود که سفیانی منحصر به یک فرد نبوده بلکه اشاره به صفات و برنامه های مشخصی است که در طول تاریخ افراد زیادی مظهر آن بوده اند.

از جمله در روایتی از امام علی بن الحسین ۷) نقل شده که فرمودند: «امر السفیانی حتم من الله و لایکون قائم الاّ بسفیانی ظهور سفیانی از مسایل حتمی و مسلم است و در برابر هر قیام کننده ای یک سفیانی وجود دارد.»(۱۱۶) ۴) ندای آسمانی

از نشانه های مهم قبل از ظهور ندای آسمانی به همه مردم جهان است که اهل هر زبانی آن را به زبان خود می شنوند.

از محمد بن مسلم منقول است که گفت «منادی از آسمان نام قائم را ندا می کند به گونه ای که هر کس در شرق و غرب جهان باشد آن را می شنود. در اثر آن صدا، خفته بیدار می شود، ایستاده می نشیند و نشسته به پا می خیزد و آن صدای جبرئیل روح الامین است »(۱۱۷)

ب چگونگی رحلت حضرت مهدی (عج :

در این زمینه اختلافاتی در روایت وجود دارد. در برخی از روایات آمده که آن حضرت مدتی حکومت خواهند

کرد و سپس وفات می کنند و مسلمانان بر ایشان نماز می گزارند.(۱۱۸) از بعضی از روایات استفاده می شود که مرگ آن حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران با مشخصاتی که برای آنان در روایات ذکر شده به شهادت می رسد.(۱۱۹) و در برخی نقل ها این چنین آمده است که

«... پس از ظهور امام مهدی عج و گذشتن هفتاد سال از حکومت عادلانه و پربرکت او و سرشار ساختن زمین و زمان از عدل و داد، پایان زندگی سراسر افتخار ایشان به سر می رسد و زنی تبه کار از «بنی تمیم که مانند مردان مو بر چهره دارد، روزی به هنگام عبور آن حضرت از کوچه با انداختن تخته سنگی از پشت بام ایشان را به شهادت می رساند.»(۱۲۰)

در این زمینه مطالعه کتاب های «مکیال المکارم ، سید محمدتقی موسوی اصفهانی در دو جلد و «عصر ظهور»، علی کورانی «امام مهدی از ولادت تا ظهور» سید محمدکاظم قزوینی و «نوید امن و امان آیت الله صافی گلپایگانی و «دادگستر جهان از آیت الله امینی را پیشنهاد می کنیم

پاورقی:

-۱۱۶ آیت الله مکارم شیرازی (حفظه الله)، مهدی انقلابی بزرگ ص ۲۰۷-۱۷۸. -۱۱۷ علی کورانی عصر ظهور، ص ۲۷۹-۲۷۸.

-۱۱۸ علامه مجلسی بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۳.

-۱۱۹ جمعی از نویسندگان مجله حوزه چشم به راه مهدی انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ص ۳۵۷ (نویسنده تحقیق ابوالقاسم یعقوبی نگاهی به تولد و زندگی امام زمان ۷).

-۱۲۰ شیخ علی حائری یزدی الزام الناصب جلد (۲)، مؤسسه الاعلمی چاپ پنجم ص ۱۴۶، به نقل از کتاب امام مهدی از ولادت

تا ظهور، سید محمدکاظم قزوینی ترجمه و تحقیق علی کرمی و سید محمد حسینی ص ۷۸۵.

در کتاب مهدی موعود که ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار است مطالبی را در خصوص علائم ظهور حضرت مهدی مطالعه کرده ام اما از آنجا که کار کارشناســی بر روی روایات از نظر صحت و سقم و همچنین جمع بندی آنها از عهده اکثر خوانندگان نشریه شما خارج است لذا خواهشمندم در یک ج

پرسش

در کتاب مهـدی موعود که ترجمه جلد سـیزدهم بحار الانوار است مطالبی را در خصوص علائم ظهور حضـرت مهدی مطالعه کرده ام امـا از آنجـا کـه کـار کارشناسـی بر روی روایـات از نظر صـحت و سـقم و همچنیـن جمع بنـدی آنهـا از عهـده اکثر خواننـدگان نشـریه شـما خـارج است لـذا خواهشـمندم در یـک جمع بنـدی کلی بفرماییـد که اولا علائم حتمی پیش از ظهور حضـرت کدامند و آیا از این علائم موردی به وقوع پیوسته است ؟ثانیا علائم غیر حتمی پیش از ظهور کدامند؟ثالثا لغزشگاهها و موارد امتحانهای بزرگی که پیش از ظهور برای شیعیان پیش می آید چیست؟

پاسخ

همان طور که در پرسـش اشاره شده برای ظهور منجی عالم روحی لتراب مقدمه فداه نشانه های بسـیاری در احادیث ذکر شده است، نشانه هایی که به یک تقسـیم می توان آنها را به حتمی و غیر حتمی تقسـیم کرد. بعضـی از نشانه های حتمی تا حدودی قابل پیش بینی است مانند گسترش ظلم و جور و فساد و تجاوز به حقوق دیگران و انواع مفاسد و انحرافات اجتماعی و اخلاقی که به یقین یکی از عوامل مؤثر در آن رسـتخیز عظیم انسانی است و در بعضـی از احادیث به بسیاری از جزئیات این پیش بینی اشاره یا تصریح شده است.(۱) اما بعضـی از این نشانه ها پیشگویی هایی اعجاز آمیز است که جز با تکیه بر احادیث نمی توان به آن دست یافت و از آنجا که این علامت ها بسیار است در اینجا فهرستی از هر دو گونه علامت را ذکر می کنیم:

علامت های حتمی:

بعضی از بزرگان علامت های حتمی را تا ده مورد ذکر

کرده اند:

۱ – خروج دجال؛ وی کسی با سمبل کسانی است که ادعای الوهیت کرده، خونریزی و فتنه انگیزی به راه می اندازد.

۲ – صیحه و ندای آسمانی که اخبار و احادیث فراوانی دلالت بر حتمی بودن آن می نماید.

۳ – خروج سفیانی از وادی بی آب و علفی که بین دو شهر مکه و شام قرار دارد که بر پنج شهر مسلط شده، و قتل و غارت و تجاوزات بی شمار خواهد کرد.

۴ فرو رفتن لشکر سفیانی در مسیر مکه و مدینه در محلی به نام بیداء، که تا سیصد هزار نفر تعداد فرورفتگان شماره شده است.

۵ – قتل نفس زکیه که بین رکن و مقام شهید خواهد شد.

۶ – خروج سید حسنی، جوانی خوش صورت و از یاران حضرت که از طرف دیلم و قزوین خروج خواهد نمود.

۷ – کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف قمر در پایان آن ماه.

۸ – علاماتی که در ماه رجب ظاهر می شود و سه ندای گوناگون رخ می نماید.

۹ – ظاهر شدن کف دستی که در آسمان طلوع می نماید و در روایت دیگر صورت و سینه و کف دستی در نزد چشمه خورشید ظاهر می شود.

۱۰ – اختلاف بنی عباس و انقراض دولت ایشان و انقراض آنها پیش از قیام حضرت به وسیله لشکریانی که از سمت خراسان خواهد آمد.(۲)

تا اینجا روشن شد که علامت ها دو گونه اند: علامت های حتمی که متصل به ظهور هستند و علامت هایی که متصل نیستند. آنچه متصل نیست شماره ۱۰ می باشد و موردی است که تا کنون به وقوع پیوسته است. بعضی از نشانه

ها تا رسیدن اصل فرج و ظهور حضرت فاصله چندانی نخواهد داشت مثلاً فاصله قتل نفس زکیه و قیام حضرت بیش از پانزده شب نخواهد بود البته فاصله پاره ای از علایم حتمی با ظهور از ۱۵ روز بیشتر است اما چندان زیاد نیست حدود چند ماه، چنان که از برخی احادیث فهمیده می شود.(۳)

علامت های غیر حتمی

این علامت ها بسیارند که فهرست وار به بعضی از آنها که اشاره کرده اند می پردازیم.(۴)

۱ – ظاهر شدن شصت نفر مدعی دروغین نبوت ۲ – ظاهر شدن ۱۲ نفر از سادات که مدعی امامت شوند، ۳ – بستن جسر بغداد به محله کرخ که از بغداد نو به جانب بغداد کهنه باشد، ۴ – قبرستان ها را مسجد قرار دادن ۵ – خراب شدن بغداد، ۶ – خراب شدن دیوار مسجد کوفه ۷ – جاری شدن نهر از شط فرات در کوچه های کوفه. ۸ – آباد شدن شهر کوفه بعد از خراب شدن. ۹ – پر آب شدن دریای نجف. ۱۰ – جاری شدن غری از فرات به غری (نجف اشرف) و آن آب از نجف اشرف داخل دریا شود. و بر روی آن نهر آسیا ساخته می شود بعضی این علامت را از علامت های حتمی شمرده اند،(۵) ۱۱ – بنا شدن قبری حمرا (ظاهراً مراد از آن طلای هر یک از مشاهد مشرفه است.) ۱۲ – ظاهر شدن ستاره دنباله دار در نزدیکی ستاره جدی ۱۳ – ظاهر شدن قحطی شدید، این را نیز بعضی از علایم حتمی شمرده اند(۶) ۱۴ – وقوع زلزله و طاعون شدید. ۱۵ – آمدن ملخ در وقت و غیر

وقت. (۱۶) - خراب شدن بصره به دست سیدی ملقب به صاحب زنج ۱۷ - وقوع کشت و کشتار بسیار در بین مردم ۱۸ - مزین نمودن قرآن ها به زینت های طلا و لاجورد و مانند آن و بلند ساختن مناره های مسجد (۱۹). مقارنه نمودن ستارگان با یکدیگر. (۲۰). خراب شدن مسجد براثا (۲۱). منهدم شدن کعبه و حمل نمودن حجر الاسود به سوی کوفه.

گفته اند بسیاری از این علامت ها به وقوع پیوسته است(۷) اما اینکه چرا اینگونه علامت ها را غیر حتمی شمرده اند شاید به این اعتبار باشد که از زمان بیان این علامت ها احتمال وقوع و عدم وقوع آن می رفته اما نسبت به ما که می دانیم این امور واقع شده است غیر حتمی بودن بی معنا است.

امتحان ها

خداوند سبحان پیش از ظهور مردم را امتحان خواهد نمود که به بعضی از آن موارد اشاره می کنیم.

۱ - امتحان سنگین: کفر و گمراهی و گم کردن راه حق و به وسیله قرآن که از دو ناحیه پیاده می شود زمامداران و قراء و دانشمندان آنها، فرمان روایان حقوق آنها را پامال کرده و قرآن را تابع هواهای نفسانی خود قرار داده و قراء را به گمراهی می کشانند و راه سلامت ماندن از این خطر کفّ نفس و بردباری در مقابل تضییع حقوق و کناره گیری از مراکز فتنه است(۸).

۲ - امام صادق(عج) فرمودند: پیش از قیام قائم نشانه هایی است جهت آزمایش از جانب خداوند نسبت به بندگان مؤمنش. عرض کردم آن نشانه ها چیست؟ فرمودند: آن گفتار خداوند عزوجل است که فرموده هر آیینه بیازماییم شما مؤمنان را:

- به مقداری و چیزی از ترس از پادشاهان بنی فلان در پایان

زمامداریشان.

- و گرسنگی به خاطر بالا بودن قیمت ها

- و کاستن از مالها و فساد تجارتها

- و جانها(یعنی) مرگ سریع

- و محصولات(یعنی) کم شدن کشاورزی و کمبود برکت محصولات

و بشارت ده صابران را در این وقت به خروج قائم علیه السلام(۹) ... معلوم می شود که تنها راه ایستادگی و دین داری صبر پیشه کردن است.

۳ - با مراجعه به روایت پیامبر که حذیفه آن را نقل کرده ۷۲ مورد نام برده شده که همه آن ها به نوعی یا امتحان است یا راه خروج عاقلانه از آزمایش. (۱۰) البته بعضی از این موارد در امتحان های قبلی نیز اشاره شده است.

نتیجه

اینها گزارش گونه ای بود از نشانه های حتمی و غیر حتمی و موارد آزمایش و امیدواریم که شیعیان با عقل و درایت این راه را پیموده و از گزند حوادث محفوظ باشند و تحت عنایات ولی عصر روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء پیروز و سربلند از این امتحانات به در آیند.

پی نوشت ها:

۱. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۵۶ - ۲۶۰. برای بررسی بیشتر علامت ها و توجیه علمی آن به تاریخ غیبت کبری محمد صدر ص (۵۴۹ - ۵۵۸) رجوع کنید.

۲. طبرسی نوری، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، علمیه اسلامیه، ج ۳، ص ۴۰۰ - ۴۰۵ و شیخ عباس قمی، منتهی الامال زندگی چهارده معصوم، فصل هفتم در علامات ظهور، بی جا، بی تا، ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۰.

۳. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۰ ه . ش، ص ۱۲۸. و ر. ک. تاریخ غیبت کبری، ص ۵۵۹-۶۲۴.

۴. ر.ک. کفایه الموحدین، ص ۴۰۸ - ۴۱۵.

۵. کفایه الموحدین، ص ۴۱۰.

۶. کفایه الموحدین، ص ۴۱۲.

۷. برای آگاهی بیشتر

به کفایه الموحدین، ص ۴۰۵ – ۴۱۵ رجوع کنید.

۸. خادمی شیرازی، محمد، نشانه های ظهور حضرت بقیه الله، چاپ اول ۱۳۷۱، ص ۶۷.

۹. همان ص ۱۷ – ۱۸.

۱۰. ر.ك: همان، ص ۵۲ – ۵۷ به نقل از نوائب الدهور ص ۲۹۱ و همین طور تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ترجمه افتخارزاده حسین، ص ۴۱۳–۴۴۹.

نشانه های آخر الزمان را بنویسید؟

پرسش

نشانه های آخر الزمان را بنویسید؟

پاسخ

آخر الزمان دو اصطلاح دارد:

۱. از زمان پیامبر اکرم(ص) به بعد، آخرالزمان نامیده می شود و به پیامبر نیز پیامبر آخرالزمان می گویند.

۲. طلیعه ی برپایی قیامت و پایان یافتن دوره ی زندگی انسان در عالم مادی و مردن همه ی انسانها و برپایی قیامت پس از گذشت دوره آخر الزمان، عمر دنیا به پایان خواهد رسید و همه ی انسانها مرده و آن گاه قیامت برپا می شود. که آیات قرآن به آن اشاره دارد: «اذا الشمس کورت، و اذا النجوم انکدرت، و اذا الجبال سیرت...» در روایات برای دوران آخر الزمان علائم و نشانه هایی ذکر شده است و مقصود از این نشانه ها بیان مطالبی است که قبل از به آخر رسیدن دنیا، محقق خواهد شد مثلاً خود ظهور امام زمان یکی از علائم است یعنی تا حضرت ظهور نکنند دنیا به پایان نمی رسد و قیامت برپا نمی شود.

خروج دجال، آشکار شدن خورشید در مغرب، نزول عیسی از آسمان، خروج حضرت مهدی و برخی امور دیگر در منابع روایی به ویژه در روایات اهل سنت به عنوان نشانه های برپایی قیامت ذکر شده است

علائم و نشانه های ظهور که هر یک نویدی از نزدیک شدن ظهور آن حضرت (عج) است فراوان است که به ذکر مهم ترین آنها اکتفا می کنیم :

۱– خروج سفیانی : سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که پیش از ظهور حضرت خروج می کند و پس از ظهور با امام می جنگد. امام صادق (ع) فرمود: ((ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم . ما سخن

خداوند را تصدیق کردیم و آنان

تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی (ع) و یزید با حسین بن علی (ع) به مخالفت برخاستند و سفیانی نیز با قائم (عج) خواهد جنگید, (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۱۸۲).

۲- خسف در بیداء: خسف ; یعنی , فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است . علی (ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما, مهدی (عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد, (ینابیع الموده , قندوزی , چاپ بصیرتی , ص ۴۲۷).

۳- خروج یمانی : سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند.

امام صادق (ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی کند, (کتاب الغیبه , نعمانی , ص ۲۵۲). ظاهرا" خراسانی نیز دعوت به حق می کند.

۴- قتل نفس زکیه : نفس زکیه ; یعنی , انسان پاک . امام باقر(ع) فرمود: ((بین ظهور مهدی (عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست)), (الارشاد, ج ۲, ص ۳۷۴).

۵- صیحه آسمانی : ظاهرا" صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می شود.

امام باقر(ع) فرمود: ((ندا کننده ای از آسمان نام قائم را دا می

کند پس هرکه در شرق و غرب است آن را می شنود, (کتاب الغیبه , نعمانی , ص ۲۵۲).

نشانه های دیگری نیز وجود دارد که برای مطالعه آن ر.ك :

۱- ظهور نور, علی سعادت پرور, نشر تشیع

۲- علائم ظهور امام زمان (عج), محمد حسین همدانی , انتشارات صحفی

۳- نشانه های ظهور, سادات مدنی , نشر منیر

۴- از ولادت تا ظهور, کاظم قزوینی , ترجمه : فریدونی , نشر آفاق

۵- از ولادت تا ظهور, کربی , انتشارات الهادی

۶- مقاله بررسی نشانه های ظهور, اسماعیل اسماعیلی

در مورد علائم و نشانه های ظهور امام زمان(عج) توضیحاتی بفرمائید.

پرسش

در مورد علائم و نشانه های ظهور امام زمان(عج) توضیحاتی بفرمائید.

پاسخ

مدت زمان پاك شدن جهان از فساد معلوم نیست اما وقایع دوران ظهور را می توان ترسیم نمود.

ترسیم تفصیلی عصر ظهور امکان پذیر نیست اما به صورت فشرده به سیمای کلی آن اشاره می کنیم:

روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی(عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی های منطقه ای و جهانی از مکه آغاز می گردد. آنگاه در سطح جهان نبردی سخت میان غربی ها و ترکان و یا هواداران آنها به وجود می آید تا جایی که منجر به جنگجهانی می گردد. اما در سطح منطقه دو حکومت هوادار حضرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می شوند که سرانجام در آن پیروز می گردند. اندك زمانی پیش ازظهور آن بزرگوار در بین ایرانیان دو شخصیت با عنوان سید خراسانی، رهبر سیاسی و شعیب بن صالح رهبر نظامی ظاهر شده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا خواهند کرد.

اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضـرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشـیدن به خلاء سیاسـی که در حجاز به وجود می آید همکاری می نماید.

از جمله نشانه های ظهور حادثه ای است که میان دو حرم مکه و مـدینه رخ می دهـد. در این هنگام نشانه های ظهور حضـرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در **۲۳** ماه رمضان شنیده می شود پس از این ندای آسمانی حضرتمهدی(عج) به

طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می نماید. درباره آن بزرگوار در سراسر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل ها جای می گیرد.

دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک شده و می کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند ازاین رو سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشمی که دست یافته او را دستگیر و یا کشته و یا به زندان می اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیامخویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشاء از حرم شریف مکی آغاز می کند و پس از درگیری بر مکه تسلط می یابد. در صبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان های مختلف به تمام جهان ابلاغ می کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلامی دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه ای که جد گرامی اش حضرت رسول(ص) وعده فرموده محقق شود و آن فرو رفتن لشکریان سفیانی به زمین است که برای درهم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می شوند به وقوع بپیوندد.

آن حضرت پس از این معجزه با سپاه خود که متشکل از ده و اندی هزار تن است از مکه رهسپار مدینه می شود و پس از نبردی با نیروهای دشمن مستقر در آنجا، مدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز و تسلط بر منطقه خاتمه می یابد. وی پساز پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می شود و در آنجا با سپاه ایران و توده های مردم آن سامان به رهبری خراسانی

و شعیب بن صالح برمی خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکدیگر با قوای دشمن در بصره به پیکار می پردازند که سرانجام به پیروزی بزرگ و آشکاری دستمی یابند. سپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می کند و با درگیری با بقایای نیروهای سفیانی و گروه های متعدد شورش آنها را شکست داده و به قتل می رساند. آنگاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت خود قرار می دهد و بدین سان یمن، حجاز،ایران، عراق و کشورهای خلیج فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضرت درمی آید. بعد از آن جنگ هایی با ترکان و یهودیان صورت می پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضرت(عج) است. غربیان مسیحی از این وقایع سخت نگران شده و با حضرت اعلان جنگ می کنند ولی ناگاهحضرت عیسی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خویش جهان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می دهد. فرود آمدن حضرت عیسی(ع) برای جهان علامت و نشانه ای است که موجب شادی مسلمانان و ملت های مسیحی خواهد گردید.

به نظر می رسد که حضرت مسیح(ع) میان حضرت مهدی(ع) و غربی ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میان دو طرف بسته می شود. اما غربی ها بعد از دو سال پیمان صلح را می شکنند، لذا رومیان در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سرباز بهسرزمین شام و فلسطین یورش می آورند. نیروهای اسلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضرت مهدی(عج) اعلام داشته و پشت سر وی در قدس نماز می گذارد. دراین جنگ مسلمانان پیروز می شوند. سپس غرب توسط امام فتح می گردد. پس ازفتح و

اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند. سپس پیکر پاک او را با پارچه ای که دست بافت مادرش مریم صدیقه(ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاکمی سپارد.

پس از این فتوحات حضرت مهدی(عج) برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقدام می کند و برای تعالی بخشیدن و شکوفایی زندگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سطحآگاهی دینی و دنیایی مردم می کوشد.

به نظر میرسد که جنبش دجال ملعون و فتنه و آشوب او یک حرکت انحرافی بهره گیری از پیشرفت علوم و حالت رفاهی باشد که در زمان امام(عج) جامعه بشری به آن دست می یابد. دجال از روش های پیشرفته چشم بندی، برای فریب جوانان پسر و دختر و زنان که بیشترپیروان او را تشکیل می دهند استفاده می کند. ازاین رو در جهان موجی از فتنه و آشوب به وجود می آورد که فریبکاری های او را باور می کنند اما حضرت مهدی(عج) نیرنگ های وی را آشکار ساخته و به زندگی او و هوادارانش خاتمه می بخشد.

این دورنمایی کلی از حرکت و انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) بود، (برای آگاهی بیشتر ر.ك: عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغاتاسلامی).

اما علائم و نشانه های ظهور که هر یک نویدی از نزدیک شدن ظهور آن حضرت(عج) است فراوان است که به ذکر مهم ترین آنها اکتفا می کنیم:

۱- خروج سفیانی: سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که پیش از ظهور حضرت خروج می کند و پس از ظهور با امام می جنگد.

امام صادق(ع) فرمود:

«ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی(ع) و یزید با حسین بن علی(ع) به مخالفت برخاستند و سفیانینیز با قائم(عج) خواهد جنگید، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲).

۲- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است.

علی(ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷).

۳- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند.

امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی کند، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می کند.

۴- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک.

امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهور مهدی(عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴).

۵- صیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می شود.

امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده ای از آسمان نام قائم را ندا می کند پس هر که در شرق و غرب است آن را می شنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

درباره تعداد یاران خاص آن حضرت کلیاتی وارد

شـده استماننـد این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد واندی نفر بدون وعده پیشین گرد می آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳). درباره ویژگی هاییاران حضرت نیز طبق برخی از روایات خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است.

به بعضی از خصوصیات امام زمان(ع) اشاره می شود:

۱- زمین را پر از عدل و قسط می کند.

۲- همانند جدش پیامبر(ص) با شمشیر قیام می کند (البته شمشیر ممکن است جنبه سمبلیک داشته باشد).

۳- هنگام ظهور چهره جوان خواهند داشت.

۴- حکومت جباران و ظالمان از بین برده و امر خدا و دین حق را آشکار می کند.

۵- مردم را به قرآن و سنت رسول خدا و هدایت برمی گردند.

نشانه های دیگری نیز وجود دارد که برای مطالعه آن ر.ک:

۱- ظهور ن

امروزه صحبت در باره علائم ظهور حضرت مهدی و پیش بینی های آن زیاد شده؟ وظیفه ما در مقابل چنین مسائلی چیست. و برخورد ما با افرادی که چنین پیش بینی هایی را می کنند چطور است.

پرسش

امروزه صحبت در باره علائم ظهور حضرت مهدی و پیش بینی های آن زیاد شده؟ وظیفه ما در مقابل چنین مسائلی چیست. و برخورد ما با افرادی که چنین پیش بینی هایی را می کنند چطور است.

پاسخ

نسبت به زمان ظهور امام زمان (عج) هیچکس نمی توانـد زمان مشخص و معینی رااعلام کنـد، زیرا غیر از خداوند هیچکس نسبت به آن آگاهی ندارد. آنچه که در برخی از روایات درباره زمان ظهور امام زمان(ع) آمده است، نشانه ها و علایمی است که بر اساس آنها برخی از علما و صاحب نظران اظهار نظرهایی نسبت به نزدیک بودن و یا نزدیک نبودن زمان ظهور کرده انـد. اما هیچ یک از آنان به طور قطع چنین اظهار نظرهایی را مطرح نکرده اند. از این رو، نمی توان گفت که در این نزدیکی ها آیا امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد یا خیر.

به هر حال نشانه های ظهور را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نشانه های تغییر ناپذیر و تغییر پذیر

نشانه های تغییر ناپذیر را می توان به نشانه های حتمی و غیر حتمی تقسیم کرد.

علامت های حتمی

نشانه های تغییر ناپذیر حتمی نشانه هایی هستند که یا متصل به ظهور هستند با فاصله (۱۵) روز یا چند ماه و یا متصل به ظهور نیستند و بعضی از آنها عبارتند از:

«خروج دجال»، «صیحه و ندای آسمانی»، «خروج سفیانی از وادی یابس»، «فرورفتن لشکر سفیانی در بیداء»، «قتل نفس زکیه بین رکن و مقام»، «خروج سید حسنی از دیلم و قزوین»، «کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در پایان آن»، « سه ندا در ماه رجب»، «خروج یمانی از یمن»، «انقراض بنی

عباس» «جاری شدن نهری از فرات به غری»، «ظاهر شدن قحطی شدید»(۱).

علامت های غیر حتمی

این علامت ها گر چه تعداد زیادی از آنها به وقوع پیوسته و از نظر فلسفی حتمی و ضروری تلقی می شود ولی هنگامی که از آنها خبر داده می شده حتمیت آن مشخص نشده است از این رو غیر حتمی نامیده شده اند مانند« ظاهر شدن شصت مدعی دروغین نبوت»، «ظاهر شدن ۱۲ نفر از سادات مدعی امامت»، «بستن جسر بغداد»، «مسجد کردن قبرستان ها»، «خراب شدن بغداد»، «خراب شدن دیوار مسجد کوفه»، و...(۲)

این علامت ها تغییر نکرده اند و با آمدن آنها ظهور آقا مسلما محقق خواهد شد اما نشانه هایی وجود دارد که قابل تغییر می باشند.

نشانه های قابل تغییر

علی بن خنیس از امام صادق(ع) روایت می کند که شنیدم می فرمود: بعضی از علایم و امورات از محتومات است و جمله ای از آن علایم حتمی نخواهد بود یعنی احتمال تغییر و تبدیل در آن می رود شاید که خداوند آن بلاها و فتنه ها رابه فضل و کرم خود از مؤمنین دفع فرماید و شداید را بر ایشان آسان نماید و در ظهور آن بزرگوار تعجیل فرماید»(۳).

تعدادی از علاماتی که هنوز واقع نشده، و یا محتمل الوقوع است و اعلام به حتمیت آن نشده و احتمال تغییر و تبدیل در آنچه اراده خداوند به آن تعلّق گرفته می روند عبارتند از: «ایستادن آفتاب در وسط آسمان از اول زوال تا وقت عصر بدون آنکه حرکت کند»، «طلوع نمودن خورشید از مغرب»، «خروج یمانی از یمن»، «خروج خراسانی از خراسان»، «خروج مغربی به جانب مصر و مالك شدن مصر و نواحی آن»، «اختلاف بیرقها در شام به سبب خروج سه نفر طالب

سلطنت» «خراب شدن سمت غربی مسجد شام»، وقوع جنگ و جدال در هر بلد از نواحی مغرب تا یکسال که مردم به دلیل اختلاف رایات یکدیگر را می کشند. به ویژه در شام که صد هزار نفر کشته می شوند»، «خراب شدن شام از قتل و غارت و اقسام فتنه ها و بلاها»، «فرو رفتن قریه جابیه در زمین در شام»، «خروج زندیقی از شهر قزوین به ریاست»، «پایان یافتن سلطنت بسیاری از سلاطین در اکثر کشورها»، «خروج عوف سلمی در سرزمین جزیره»، «خروج سمرقندی بعد از عوف سلمی و بر پا شدن فتنه ای عظیم»، «وقوع زلزله ای عظیم در شام قبل از خروج سفیانی که بیش از صد هزار نفر کشته می دهد»، «ظاهر شدن آتشی تعجب آور و خوف انگیز و ترس آور، به مدت سه یا هفت روز در میان زمین و آسمان در سمت مشرق زمین»، «ظاهر شدن سرخی شدید که در اطراف آسمان پهن می شود گویا همه آسمان را می گیرد» «کثرت قتل و خونریزی در کوفه از جهت رایات مختلف»، «کشته شدن نفس زکیه است در پشت کوفه با هفتاد نفر از صلحا»(۴)، «وقوع جنگ عظیمی در میان آل مروان و بنی عباس در قرقیسا در کنار شط فرات»، «نزول ترک در جزیره و اهل روم در رمله»، «مسخ شدن طایفه ای به صورت میمون و خوک»، «حرکت کردن بیرقهای سیاه از خراسان»، «آمدن باران بی نظیر در ماه جمادی الثانیه و رجب» «باریدن تگرگ بسیار بزرگی در روم و جزایر که مانند آن دیده نشده»، «مطلق العنان شدن عرب در رفت و آمد و عملکرد»، «خروج سلاطین عجم از شان دو

قار»، «طلوع ستاره از مشرق که مانند ماه درخشنده است»، «زنده شدن مردگان و سر برآوردن از قبرها»، بعضی از این حوادث مشروط به وجود شرطی است که اگر شرایط آن محقق شود موجود می شود و خداوند تعالی داناتر است به آن چیز هایی که باید بشود.

نتیجه

علایم بر دو قسم هستند تغییر پذیر و تغییر ناپذیر: علایم تغییر پذیر علایمی است که به اراده خداوند واقع می شود و چه بسا به جهت حکم و مصالح و مقتضیات و موانعی واقع نشود یا تغییر داده شود به نحوی که اصلح به حال بندگان خدا باشد و یا به ادعیه و طاعات بندگان ابتلاء به آن رفع شود. و از طرفی ممکن است به خاطر موانع یا مصالحی فرج به تأخیر افتد و در این باره بعضی از روایات گویا است.(۵) و این مطلب در اصطلاح«بداء» نامیده می شود و مسائلی مانند افشای راز به قتل رساندن امام معصوم و مانند آن از اموری است که تأخیر انداز فرج شمرده شده است.(۶)

وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند یک منتظر واقعی زندگی کند. وقتی انسان حقیقتا منتظر کسی باشد تمام رفتار و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد حتما خانه را تمیز و مرتب می کند، وسایل پذیرایی را آماده می کند و با لباس مرتب و چهره ای شاداب در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به

فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه گویی او خواهند خندید.

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند

بنـابراین انتظـار بایـد قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیـده می شود از رفتار و کردار او فهمیـده شود. نمی توان هر کسـی را که ادعـای دوستی و ولاـیت امام زمان(عـج) را دارد در شـمار دوسـتان و منتظران او قلمـداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاربگوید».

بـا چنین توضـیحی روشن است که یـک منتظر واقعی امـام زمـان بایـد رفتارش به گونه ای باشـد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمان(عـج) باشد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهند خوشـحال شود و آماده باشد برای یاری امام زمان(عج) با مال و جان خویش جهاد نمایـد و خود را درراه آن حضـرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبسـتگی به دنیا نیسـت چرا که چنین کسـی نمی توانـد از وابسـتگی ها و دلبسـتگی ها و آلودگی ها دست بردارد و آماده به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد:

۱. اولین شـرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسـی می نشـیند که او را خوب بشـناسد اما اگر انسان کسـی را نشـناسد ولو بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین

است. کسانی که آن حضرت را نمی شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی کشند اما کسانی که او را می شناسند و ارزش او را می شناسند و مقام او رامی دانند منتظر او می مانند.

کسانی که امام زمان(عج) را نمی شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱).

بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت، هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت از زمره منتظران او بیرون هستند. آری:

وصل خورشید به شب پره اعمی نرسد که در این آینه صاحب نظران حیرانند

البته شناخت امام زمان دو گونه است. اول، شناخت تاریخی وجود آن حضرت مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته اند

برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می شود.

همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد.

۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند؟ پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله ور نشده باشد نمی تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳).

۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود با به گونه ای سامان می دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می شود. و تنها در این صورت است که می توان ادعای محبت

به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت.

طبیعی است که هر چقدر این سنخیت بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون تر خواهد گشت.

۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البرّ و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید.

۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می کشد و از خدا می خواهد که هر چه زودتر او را برساند بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می باشد.

۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل های مختلف؛ اگر انسان منتظر محبوب خویش را نیابد سعی می کند عدم دوری محبوب خویش را از طریق دیگری مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین،

دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می کند.

۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می دارند.

۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب هایی برای آن حضرت

۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران.

۱۰. امیدواری به قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران

۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶).

منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند؛ بنابراین برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرتشان، ما باید از خود آغاز کنیم و با اراده ای محکم، عزمی راسخ و برنامه ای دقیق به اصلاح افکار و اندیشه ها و نیز تغییر و اصلاح رفتار و کردارمان بپردازیم و با آگاهی ازوظایف عملی و گسترش شناخت خود از مبانی دینی و معرفتی، در

راه تقویت بنیه اعتقادی و اخلاقی خویش، تلاش و کوشش کنیم. و در یک جمله با اجتناب از معاصی، لغزش ها و گناهان و انجام دادن واجبات و وظایف دینی در هر محیطی که هستیم به خودسازی اقدام کنیم و باتوبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلّی نور الهی آماده سازیم. بنابراین گناهان گذشته هر چند زیاد باشد نمی تواند مانع مهمی در راه رشد و کمال و پیوستن به جرگه منتظران و یاوران واقعی امام زمان(عج) باشد. پس با توبه واقعی، می توان سیئات و بدی های گذشته را به حسنه و نیکی تبدیل کرد و به اصلاح گذشته همت گماشت.

قرآن راجع به حضرت مهدی(ع) و اصحاب ایشان می فرماید: «الدین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه و آمرو بالمعروف و نَهوا عن المنکر؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پا داشته و زکات را [به مستحق [می بخشند و به معروف امر نموده و از منکر نهیمی کنند (حج، آیه ۴۱).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می فرماید: «این آیه برای آل محمد و مهدی(ع) و اصحاب او است».

در نتیجه اگر ما هم می خواهیم از اصحاب و یاران آن حضرت باشیم، باید به این امور اهتمام ورزیم. در این رابطه به راه کارهای زیر توجه فرمایید:

۱. ارتباط معنوی خود را با خدای متعال تقویت کنید؛

۲. نمازهای یومیه را در اول وقت و حتی المقدور به جماعت بخوانید؛

۳. سعی کنید در نماز حضور قلب داشته باشید و همیشه خود را در محضر خداوند متعال بدانید؛

۴. از هر گونه گناه و معصیتی اجتناب کنید؛

۵. حجاب، متانت و وقار خود

را کاملاً رعایت کنید؛

۶. بدانید که هر هفته، نامه اعمال شما به حضور امام زمان(عج) عرضه می شود و مورد بررسی قرار می گیرد؛

۷. اکنون که در دوران تحصیل علم هستید، بیشترین توجه خود را به درس و موفقیت تحصیلی داشته باشید؛

۸. با مطالعه کتاب هایی که درباره امام زمان(ع)، آگاهی و شناخت خود را در این زمینه تعمیق و گسترش بخشید؛

۹. برای اصلاح اوضاع فرهنگی دانشگاه، به تنهایی یا به کمک دیگر دانشجویان متدین و دلسوز و یا به کمک بعضی از تشکل های مذهبی دانشگاه، امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدین وسیله جلو بعضی اعمال خلاف را بگیرید. در این راه نهراسید و خجالت هم نکشید؛زیرا خشنودی و رضایت امام زمان(ع)، در گسترش ارزش های دینی و اخلاقی و اجتناب از گناه و خلاف است.

پی نوشت ها:

۱. طبرسی نوری، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، علمیه اسلامیه، ج ۳، ص ۴۰۰ – ۴۰۵ و شیخ عباس قمی، منتهی الامال زندگی چهارده معصوم، فصل هفتم در علامات ظهور، بی تا، بی جا، ص ۱۱۳۵ – ۱۱۳۲ و حکیمی محمد رضا، خورشید مغرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی ص ۱۲۸.

۲. کفایه الموحدین، ص ۴۰۵ – ۴۱۵ و منتهی الامال ص ۱۱۳۵ – ۱۱۳۶.

۳. کفایه، الموحدین، ج ۳، ص ۴۲۲.

۴. ظاهراً این نفس زکیه غیر از آن نفس زکیه ای است که در علامات حتمی ذکر شده و بین رکن و مقام شهید می شود.

۵. ترجمه بحار الانوار، مهدی موعود، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دار الکتب الاسلامیه ص ۸۶۳ – ۸۶۵.

۶. همان

۱– علائم ظهور امام زمان (علیه السلام)

اشاره

۲– اعتقاد به مهدودیت وامام زمان (علیه السلام)

۳– شخصیت سید حسنی

۴- جزیره خضراء (مکان زندگی امام زمان (علیه السلام))

وانطباق آن بامثلث برمودا .

پرسش

۱- علائم ظهور امام زمان (علیه السلام)

۲- اعتقاد به مهدودیت وامام زمان (علیه السلام)

۳- شخصیت سید حسنی

۴- جزیره خضراء (مکان زندگی امام زمان (علیه السلام)) وانطباق آن بامثلث برمودا .

پاسخ

۱- علائم ظهور امام زمان (علیه السلام):

نشانه های ظهور حضرت مهدی ـ علیه السلام را ـ که درکتاب حدیث روایت شده ـ به سه نوع تقسیم می کنند :

اول : نشانه هایی که از انحرافات بوجودآمده که درکشورهای اسلامی و غیر اسلامی سخن می گوید , این علائم , نشانه هایی تیستند که مقارن ظهور حضرت مهدی باشند , بلکه ممکن ایت دهها سال قبل ازظهور حضرتش بوجود آیند .

دوم : نشانه هایی که سالیانی اندك قبل از ظهور حضرت اتفاق می افتد ونزدیك قیام آن بزرگوارند . اما دلیل بر خروج امام (درهمان سال نمی باشند , بلکه ازانواع پیشگوییهایی از حوادث آینده اند که درقرنهائی پس از زمان صدور آن احادیث صورت واقع به خود گرفته اند .

سوم : نشانه هایی که درسال ظهور حضرت مهدی (یا سال قبل ازظهور رخ می دهد .

نوع سوم نیز خود به دو گونه تقسیم می شود :

اول : نشانه های غیر حتمی : یعنی نشانه هایی که ممکن است واقع شوند ویا واقع نشوند .

نظیر : کم رنگ شدن ارزشها , پیروی از نابخردان , رخت بربستن عفت عمومی , زن سالاری , رواج کفر والحاد و بی دینی , ... و بسیاری فجایع دیگر که با عبارات گوناگون در روایات پیشوایان ما ذکر شده است .(۱)

دوم : نشانه های حتمی : که قابل شك وتردید نیست وحتما اتفاق خواهد افتاد .

نظیر :خروج

سفياني,خروج سيد حسني , نداى آسماني , نزول عيسى مسيح (واقتداى او به حضرت مهدى ((۲)

لازم به ياد آورى است كه روايات علائم ظهور متاسفانه مصون از تحريق نمانده , به ويژه توسط حكومتهاى استبدادى كه ازظهور دادگستر جهان در هراسند , فى المثل دردوران خلفاى بنى اميه و بنى عباس , افرادى به عنوان مهدى بر عليه دستگاه حاكمه وقت قيام و نهضت مى نمودند وبدان وسيله عده اى را بر دور خويش جمع مى كردند خلفاى وقت چون مى ديدند اصل احاديث مهدى قابل انكار نيست لذا حيله ديگرى انديشيدند تا بدان وسيله مردم را منصرف سازند وكار نهضت علويين را مختل نمايند . بدان منظور علائم محال را جعل كردند تا مردم در انتظار آن علائم بنشينند و دعوت علويين را اجابت نكنند . (۳)

۲- اعتقاد به مهدويت وامام زمان (

مسئله مهدوديت دراسلام _ وبالاخص درتشيع _ يک فلسفه بزرگ است , اعتقاد به ظهور منجى است , نه درشعاع زندگى يک قوم ويک ملت ويا يک منطقه ويا يک نژاد , بلكه درشعاع زندگى بشريت . مربوط به اين نيست كه يک منجى بيايد ومثلاً شيعه را يا ايران را يا آسيا رال يا مسلمانان جهان را نجات دهد , مربوط به اين است كه يک منجى و مصلح ظهور كند وتمام اوضاع زندگى بشر را درعالم دگرگون كند ودرجهت صلاح وسعادت بشر تغيير بدهد.

مولا على _ عليه السلام _ با اشاره به ظهور مهدى موعود (چنين مى فرمايند :

"حتى تقوم الحرب بكم على ساق باديا نواجذها , مملوئه اخلافها , حلوا رضاعها , علقها عاقبتها , الاوفى غد ,

وسیاتی غد بمالا تعرفون _ یاخذ الوالی من غیر ها عمالها علی مساوی اعمالها وتخرج له الارض اما لیذکبدها وتلقی الیه سلما مقالیدها فیریکم کیف عدل السیره ویحیی میت الکتاب والسنه ." (۴)

جنگ قدعلم خواهد بود که درحالی که دندانهای خود رانشان می دهد . پستانهایش پراست و آماده است . شروع کار شیرین است وعاقبت آن تلخ . همانا فردا _ و فردا چیزی ظاهر خواهد کرد که او را نمی شناسید وانتظارش را ندارید _ آن حاکم انقلابی هر یک ا زعمال حکومتهای قبلی را به سزای خویش خواهد رسانید , زمین پاره های جگر خود را ازمعادن وخیرات وبرکات برای او بیرون خواهد آورد وکلیدهای خودرا با تمکین به او تسلیم خواهد کرد , آن وقت به شما نشان خواهد داد که عدالت واقعی چیست , وکتاب خدا وسنت پیامبر را احیاء خواهد کرد .

علی _ علیه السلام _ نیزاازیک آینده عبوس وخشمناک و جنگهای وحشت زا یاد می کند ولی علی در پایان این شب سیه یک سفیدی میمونی را نوید می دهد . قرآن کریم هم می فرماید :

" ولقدکتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون" (۵) ما ازپیش اطلاع داده ایم که وارث اصلی زمین , بندگان صالح و شایسته ماخواهد بود (برای همیشه زمین دراختیار ارباب شهوت وغضب وبندگان جاه ومقام واسیران هوای نفس نخواهد بود .)

واین فلسفه بزرگ مهدودیت است , درعین اینکه پیش بینی یک سلسله تکانهای شدید ونابسامانیها وکشتارها و عدالتی هاست . پیش بینی یک آینده سعادت بخش و پیروزی کامل عقل بر جهل , توحید بر شرک ,ایمان

برشک،

عدالت بر ظلم , سعادت بر شقاوت است لهذا نوید وآرزو ست .

"اللهم انا نرغب الیک فی دوله کریمه تغربها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فیها من الدعاه الی طاعتک والقاده الی سبیلک وترزقنا بها کرامه الدنیا والاخره" (۶)

۳- شخصیت سید حسنی :

بنا بروایات ائمه (, سید حسنی مردی از بزرگان شیعیان است که درایران و ازناحیه ((دیلم وقزوین)) (کوهستانی شمالی قزوین که یک قسمت آن دیلمان نام دارد) خروج و قیام می کند . مردی خداجو وبزرگواراست که ادعای امامت ومهدویت نمی کند , وکارش بالا- می گیرد وپیروان بسیار پیدا می کند , واز محل خود تا کوفه را از ظلم و جور و فسق و فجور پاک می سازد , ومطاع ورئیس است ومانند سلطان عادلی حکومت می کند , وهنگامی که با سپاهیان ویاران خود در کوفه است به او خبر می دهند که امام قائم علیه السلام با یاران و پیروان خود به نواحی کوفه آمده است , سید حسنی با لشکریان خود با امام علیه السلام ملاقا می کند , اما م صادق (فرموده اند : که سید حسنی امام را می شناسد اما برای آنکه به یاران و پیروان خود امامت و فضایل امام را ثابت کند آشنائی خود را آشکار نمی سازد , واز امام می خواهد که دلائل امامت و ماریثی که از پیامبران نزد اوست ارائه دهد . وامام (ارائه می فرمایند و معجزاتی آشکار می فرماید , و سید حسنی با امام بیعت می کند و پیروان او نیز با امام بیعت می کنند , بجز گروهی ح...Ș...چهار

هزار نفر که نمی پذیرند وبه امام (نسبت سحر وجادوگری می دهند , واماŠ(پس از سه ورز موعظه ونصیحت , چون نمی پذیرند وایمان نمی آورند ,دستور قتل آنها راصادر می فرمایند وهمه آنان به فرمان امام کشته می شوند .(۷)

۴- جزیره خضراُ وانطباق آن بر مثلث برمودا :

ماجرای جزیره خضرا سابقه ای ۷۰۰ ساله دارد . برای نخسین بارمردی به نام علی بن فاضل مازندارانی , درسال ۶۹۹ قمری ادعا کرد که به جزیره خضرا سفر کرده است وآنجا سرزمین خوش آب و هوا و محل زندگی امام عصر(عج)وفرزندان ویاران ایشان است وحکومت واداره این جزیره نیز به دست فرزندان امام عصر(عج) است ونعمت درآنجا به وفور یافت می شود وهمگی درآسایش و راحتی به سر می برند و هیچکس اجازه ورود به محدوده این جزیره وسرزمین را ندارد , مگر اینکه از محبان وموالیان آن حضرت باشد . واگر دشمنی قصد ورود به آنجا را داشته باشد به قدرت خدای متعال دچا رطوفان شده ونابود می گردد ودور تا دور جزیره را آبهای سفید و شیرین فراگرفته است . وی درباره موقعیت جغرافیایی جزیره خضرا وسایر مناطقی که درکنار این جزیره یا مسیر این جزیره قرار دارند توضیحی نداده است وبه همین علت عده ای با استفاده از آخرین نقطه ای که ایشان درمسیر حرکت خود ذکر کرده اند , چنین استنباط کرده اند که این جزیره د ردریای مدیترانه قرار دارد وعده ای نیز آنرا دراقیانوس ا طلس پنداشته اند.

البته این داستان را مرحوم مجلسی د ربحارالانوار ودربابی جداگانه آورده است وتوضیح داده که من دلیل معتبری بر آن نیافتم

(۸).

اما دررابطه با اینکه آیا داستان جزیره خضرا و سفر علی بن فاضل مازندارانی صحت دارد یاخیر؟ عده ای از علما آن را تایید کرده و عده ای نیزپذیرفته اند واحادیث نیز به آن اشاره نکرده است واز نظر سند نیز گفته اند محل اشکال است , زیرا این فرد یعنی علی بن فاضل ناشناخته است وبه علاوه این داستان مهم را کسانی که هم عصر وی بوده اند نقل کرده اند بنابراین طبق نظر بسیاری ازعلما هیچ واقعیتی ندارذ.(۹)بنابراین اصل روایت جزیره خضراء محل تردید جدی است تا چه رسد به انطباق آن بر مثلث برمودا(۱۰)

)رجوع شود به : روضه کافی ص ۳۶-۴۲ .بحارالانوار ج۵۲ ص۲۵۴

منتهی الامال , زندگی امام دوازدهم ص ۱۰۶-۱۰۷ وبسیاری کتب دیگر که علائم وفتن را ذکر کرده اند .

(۲)سایت اینترنتی شیعه سرچ

(۳)دادگسترجهان

(۴)نهج البلاغه , خطبه ۱۳۶

(۵)انبیاء /۱۰۵

(۶)از فقرات دعای افتتاح

(۷)منتهی الامال, زندگی امام دوازدهم ص۱۰۴-۱۰۳

بحارالانوار ۵۳ ص ۱۵-۱۶ , کفایه الموحدین ,ج ۲ص ۸۴۲-۸۴۳

(۸)بحارالانوار , محمد باقر مجلسی ,ج ۵۲ ص ۱۵۹ باب ۲۴

(۹)برای اطلاع بیشتر ر.ک: جزیره خضـرا افسانه یا واقعیت , سید جعفر مرتضی عاملی , ترجمه محمد سپهری , جزیره خضراافسانه یاواقعیت , محمدتقی شوشتری وابراهیم امینی .جزیره خضرا وتحقیقی پیرامون مثلث برمودا , ناجی نجار, ترجمه وتحقیق علی اکبر مهدی پور .

درطول سالهای گذشته وقایعی درمثلث برمودا اتفاق می افتد که داستان جزیره خضرارا دوباره تجدید می کند . این مثلث درغرب اقیانوس اطلس و بین جزایر برمودا , پورتوریکه و شبه جزیره فلوریدا قراردارد وطی سالهای گذشته وقایعی عجیب درآن اتفاق می افتد ومسافرانی که از آن عبور می کنند دچار حادثه می شوند,

برخی ازآنها درآخرین تماس های خود با مراکز رادیویی مشاهدات خود را نقل می کنند وخبر از جزیره ای که تاکنون آنرا مشاهده نکرده اند می دهند واذعان می کنند اطراف این جزیره را آب های سفید و شیرین فرا گرفته است .

(۱۰)برسش و پاسخ ها , دفتر دوم - نهادنمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها

۱-برخی از علائم ظهور امام زمان را بنویسید ؟

پرسش

۱-برخی از علائم ظهور امام زمان را بنویسید ؟

پاسخ

و اما علائم ظهور به سه دسته تقسیم می شود :

۱- نشانه های عمومی شامل انحرافات کشورهای اسلامی و سایر کشورها در موازین دینی و فطری و این علائم مقارن ظهور نیست , بلکه از سالها قبل از ظهور واقع میشوند چنانکه آلان بوضوح در جای جای این دنیای آشفته می بینیم .

۲- نشانه های که سالیان اندك قبل ازظهور اتفاق می افتد و دلیل نزدیك بودن امر ظهور است .

۳- نشانه هایی که مربوط به سال ظهور است از این دسته سوم بعضی غیر حتمی است و بعضی قطعی قطعی .

امام محمد باقر علیه السلام » می فرمایند : پیشاپیش این امر , گرفتن ماه پنج روز مانده به آخر ماه و گرفتن خورشید در نیمه ماه اتفاق می افتد و این در ماه مبارك رمضان واقع می شود در چنین حالتی است که محاسبات ستاره شناسان از بین می رود .

« غیبت نعمانی , ص ۲۷۲ »

امام صادق فرمودند : ندا از آسمان از مسائل قطعی است . سفیانی حتمی است . فروبرده شدن (عده ای جنایتکار) در« بیدا» قطعی است . یمانی حتمی است . کشته شدن نفس زکیه قطعی است .

« عنیبت نعمانی ,ص ۲۵۷-۲۵۲ »

۳- مولف کتاب نوائب الدهر علائم ظهور , مرحوم سید حسن میر جهانی « ره » حدود پانصد مورد از علائم و حوادث قبل از ظهور را بطور مستند نقل میفرمایند :

۱- اختلاف بسیار در روی زمین .

۲- خروج سفیانی که مردی است از نسل یزیدبن معاویه و مرد پلیدی است.

۳- وقوع زلزله

در بغداد.

۴- کشف حجاب و بی عفتی در زنها و شریک شدن زنها در تجارت و تمکین نکردن از شوهرانشان.

۵- تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه روز.

۶- واقع شدن فتنه درمیان شرقیها و غربیها.

۷- خراب شدن ری.

۸- ظهور فتنه شدید در سال پیش از ظهور .

۹- زیاد شدن مرض صرع و دیوانگی در اثر شدت فتنه و پریشانی.

۱۰ - ضایع کردن نمازها و پیروی کردن از شهوات و کم شدن امانتداری در مردم.

۱۱-کم شدن کارهای خیر و کم شدن علماء حقیقی.

۱۲- رشوه گرفتن قضات درحکم و ندانسته حکم کردن ایشان.

۱۳- تدریس علوم باطله برخلاف دین و دستور قرآن کریم.

۱۴- کینه علماء دین در دل گرفتن و سرزنش و بدگوئی آنان و کشتن و خوار کردن سادات .

۱۵- قرآن را با ساز و آواز خواندن.

۱۶- سخت شدن دلها و خشک شدن اشک چشم و بی اعتنائی به نصایح و پندها.

۱۷- امر به معروف و نهی ازمنکر کننده را سرزنش و ملامت کنند و او را در این کار نهی می نمایند.

۱۸- در هر سال بدعتها و شر زیاد شود غیبت کردن به نظر مردم شایسته باشد .

۱۹ - مختصری از مالشان را در طاعت پروردگار مصرف می کنند و بیشتر آنرا مصرف غیر طاعت پروردگار می نمایند

۲۰ - قبور ائمه «علیهم السلام » را با گلوله خراب کنند.

۲۱- طلاق و جدائی زیاد شود

۲۲- دین به دنیا فروخته شود و تعارفات دروغی دربین مردم فراوان گردد. (۲)

در پایان متذکر میشوم که همه ما موظفیم که زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عج» باشیم وآن که گناه درجامعه کم شود امر به معروف و نهی از منکر

از اهم واجبات است و رشد فکری و فرهنگی ارتقاء پیدا کند. و تا زمانیکه مردم رشد فکر ی نداشتند و قابلیت پذیرش حکومت حضرت حجت نداشته باشند حضرت « علیه السلام » ظهور نخواهد کرد . و امید است انقلاب اسلامی ایران مقدمه ای بر حکومت عدل قائم آل محمد « صلی الله علیه واله » باشد و خود را آماده پذیرای این مهمان عزیز کند و شب و روز یادش و ذکرش و دعایش وِرد زبانمان باشد و برای اطلاعات بیشتر به کتاب مهدی موعود علیه السلام » ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار علامه مجلسی است و مترجم دانشمند و محقق معاصر آقای علی دوانی «دامت برکاته» با زحمت فراوان برشته تحقیق و تحریر آوردند و کتاب جامع و کاملی است و هر اطلاعی از امام مهدی (عج) که مورد نیاز باشد در این کتاب مسطور است.

ازجمله علائم آن حضرت داشتن علامتی است در پشت مثل علامتی که پیامبر در پشت مبارك شانه ها داشتند و نیز اینکه فقط زره رسولخدا صلی الله علیه واله » بر قامت حضرت مهدی « عج» راست و درست می آید و اینکه حضرت عیسی«علیه السلام » از آسمان به زمین می آید و به آن حضرت اقتدا میکند

آری روزگاری در پیش خواهد بود معجزه اندر معجزه ؛ ایمان از پی ایمان ؛ اسرار و عجائب بی حد و شمار ولی همه واقعی واقعی . امام خمینی « ره» در تفسیر { والعصر ان الانسان لفی خسر } می فرماید : عصر انسان کامل امام زمان « علیه السلام» است. یعنی: عصاره تمام موجودات

آنهم به کـاملترین وجه. بنـابراین عصـری خواهـد آمـد که اصـلا قابل تصور برای اغلب مردم نیست, مگر کسانیکه اهل دقت و جویای حقیقت هستند . ای کاش که ما بتوانیم مشمول دعاهای خیر و برکات آنحضرت باشیم .

منابع :

۱-امام مهدی از ولادت تا ظهور , سید محمد کاظم قزوینی

۲-خصائص مهدی , نوشته محمد راجی

۳- پادشه خوبان , سید عباس مرادی

۴- معرفت امام عصر , سیدمحمد بنی هاشمی

۵-منتهی آلامال ,

۱– آیا علائم حتمیه ظهور، مشمول « بداء » واقع می شوند ؟

پرسش

۱- آیا علائم حتمیه ظهور، مشمول « بداء » واقع می شوند ؟

پاسخ

«بـداء» عبـارت است از اظهـار چیزی خفی بـا توجه به علـل و عوامـل، مثـل اینکه حکم می کنیم در ساعـات آینـده هوا آفتابی خواهـد بود , سـپس ابری می شود و مقصود از گفتار « بـداء» اینست که، مُقَـدِرات همگی مقتضـی هسـتند نه علت تامه و فقط خواست و اداره خدا علت تامه است .

«بداء» ویژه امور تکوینی است و مانند « نسخ» در امور تشـریعی می باشد و مربوط به لوح محو و اثبات نزد خدا است و تماما به علم مطلق الهی باز می گردد و برای خدا از آغاز معلوم می باشد.

مقـدرات بعضـی امور برای بنـدگان معلوم و بعضـی نـا معلومنـد. و این علم به نسـبت آگاهی و اخبار رسولان محکم و عالمان راسـخ (ائمه) می باشد. پس آنچه به عنوان علایم حتمیه ذکر شده است خبر از وقایعی است که اراده و خواست خدا بر بقاء و ثبات آنها تعلق گرفته است.

« بداء» تغییر در مشیت خدا نیست ، بلکه همان سیر و روند مقدرات است به خواست خدا باز می گردد . آنچه وعده ثابت داده شده تغییری ندارد ؛ مثل اینکه خداوند فرمود : { غلبت الروم } و خبر از فتح مسلمانان در جنگ با سپاه روم داد.

همینطور آنچه را که به عنوان علایم حتیمه ظهور از طریق احادیث معتبر معرفی کرده اند ،حتما واقع خواهد شد.{ ان الله لایخلف المیعاد }

حکم« بداء» نزد خدا معلوم است و نزد خلق مخفی است. زیرا ؛ علم و فعل مخلوقات نیز مقدر اند ؛ و جمیع

مقدرات تابع علم و مشیت الهی هستند .

علائم ظهور امام زمان (عج) کدامند و چگونه می توان آن حضرت را از مدعیان دروغین تشخیص داد؟

پرسش

علائم ظهور امام زمان (عج) کدامند و چگونه می توان آن حضرت را از مدعیان دروغین تشخیص داد؟

پاسخ

بخش اول: احادیثی که علائم ظهور حضرت مهدی(عج) را بیان می کنند به نوبه خود بسیارند. بخشی از آنها بهسندهای مختلف از ناحیه پیامبر(ص) و بخشی دیگر هم از سوی امامان(ع) نقل شده اند. اهل سنت و تشیع به برخیاز آنها در جای خود اشاره کرده اند. اما آنچه که مهم است و باید به آن توجه نمود، علائم ظهور و نوع آن علائماست.

به نظر می رسد در برخی کتب میان علائم ظهور قیامت و علائم ظهور امام خلط صورت گرفته و یکسان انگاشتهشده اند و حال آن که میان این دو تفاوت هست. از باب نمونه در حدیثی عبارت «اشراط الساعه» به کار رفته، ولی ازعلائم ظهور مهدی(عج) تلقی شده است، (منتخب الاثر، ص ۴۳۲) به همین جهت می بینیم پدیده طلوع آفتاب ازمغرب که به نظر شیعه از علائم ظهور مهدی(عج) است در نظر عامه از علائم قیامت شمرده می شود، (جلالی حسینی،سید محمد جواد، احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل، چاپ مؤسسه نشر اسلامی، ص ۲۸). در این کتاب اخیر علامات ذیل حتمی شمردهشده است: خروج دجال، نداء آسمانی، خروج سفیانی، فرو رفتن ارتش سفیانی در سرزمین بیداء، قتل نفس زکیه وعلامات ذیل هم غیرحتمی محسوب شده است: طلوع آفتاب از مغرب، خروج یمانی از یمن و خروج آتش از مشرق وباقی ماندن آن تا سه روز یا ۷ روز، (همان).

به هر حال آنچه که مهم است توجه به علائم ظهور و نوع آنهاست. بخشی از اینها به وقوع پیوسته است از جملهآنها: انقطاع ملك بنی عباس، انهدام کعبه به

دست قرامطه به سال ۳۳۷ ه، ظهور ستاره دنباله دار و خراب شدن بصره،(همان، ص ۲۹) و بخشی از آنها به آینده موکول شده است از این رو می گوییم: در احادیث اسلامی به یک سلسلهعلامت ها اشاره شده که برخی نشانه های کلی اند و بعضی نشانه های جزئی که بیشتر شکل یک پیشگویی اعجازآمیز رادارد. در اینجا به سه نشانه بزرگ از هر دو قسمت اشاره می کنیم:

الف) فراگیر شدن ظلم و فساد؛ این موضوع در بسیاری از روایات اسلامی تحت عنوان «کما ملئت ظلما و جورا؛همانگونه که جهان از ظلم و ستم پر شده باشد» آمده است.

مفاسد و مظالم فوق را به سه گروه می توان تقسیم کرد:

۱- مسائل حقوقی و حکومت ها مانند: گسترش ستم، پیروزی حامیان باطل، عدم آزادی بیان و عمل برای مؤمنین،توسعه رشوه خواری، صرف سرمایه های عظیم در مصارف بیهوده، پیشی گرفتن هزینه های جنگی بر هزینه هایعمرانی و...

۲- مسائل اخلاقی مانند: گسترش تملق، چشم هم چشمی ها، تن دادن مردان به کارهای پست، گسترشسرگرمی های ناسالم، ریاکاری، پارتی بازی و ارزیابی شخصیت افراد به حجم ثروت و...

۳- مسائل دینی و مذهبی مانند: تفسیر به رأی، جهت گیری های شخصی در مسائل مذهبی، ازدحام افراد آلوده درمساجد، اهمیت فوق العاده به تزئین آنها، خالی شدن آنها از محتوا، کوچک شمردن نماز. البته ذکر این نکته ضروریاست که لزومی ندارد این مفاسد در تمام نقاط جهان آشکار گردد بلکه معیار چهره نوعی مردم است. خواه در شرق یادر غرب.

ب) ظهور دجال پرتزویر و حیله گر و سفیانی تخریب گر: درباره هر دو روایات زیادی در کتب حدیث نقل شدهاست. به عنوان نمونه درباره دجال در حدیثی از پیامبر(ص) می خوانیم: «هر پیامبری بعد از نوح قوم خود را از

فتنهدجال برحذر داشت من نیز شما را برحذر می دارم»

درباره سفیانی هم در حدیثی از امام علی بن الحسین(ع) می خوانیم: «ظهور سفیانی از مسائل حتمی و مسلم است ودر برابر هر قیام کننده ای یک سفیانی وجود دارد».

تذکر این نکته مهم است که میان علمائ اختلاف است در این که مفاد این روایات آیا ناظر به شخص معین است یاناظر به عنوان حکمی و توصیفی است که با برنامه های معین افرادی مظهر آن خواهند بود، (مهدی انقلابی بزرگ، مکارمشیرازی).

بخش دوم: برای تشخیص حضرت مهدی(عج) از مدعیان دروغین می توان به نکات ذیل اشاره کرد:

۱- پیامبران و امامان(ع) عموما برای معرفی خود نیاز به معجزه داشته اند. چنان که آن حضرت نیازی بدان پیدا کندحتما اقدام به عمل معجزه خواهد نمود. گرچه احادیث رسیده صریحا در این موضوع مطلبی بیان نداشته است. البتهتذکر نکته ای لازم است و آن این که، گرچه در نظر شیعه نص و تصریح از ناحیه پیامبر(ص) از لوازم شناخت امام مطرحاست اما اگر ادعای امامت از جانب کسی به همراه اظهار معجزه صورت بگیرد، این مسأله به نوبه خود می تواند دلیل وقرینه بر امامت آن شخص تلقی گردد.

۲- نشانه های قبل از قیام می تواند برای معرفی آن حضرت کافی باشد و نیازی به معرف دیگری مانند - معجزهخاصی - نباشد. آن علامت ها عبارتند از: رویدادهای آسمانی مانند: خسوف و کسوف در غیر وقت طبیعی، صیحهآسمانی، اعلان آسمانی در ظهور و حوادث اجتماعی مانند: ظهور دجال و خروج سفیانی، فرو بردن زمین ارتشسفیانی را در بیانی میان مکه و مدینه، کشته شدن نفس زکیه در مسجد الحرام میان رکن و مقام.

به هر حال این علامت ها در مجموع می تواند دلیل

بر تشخیص امام زمان(عج) بوده باشد یعنی کسی که پس از اینعلائم به صورت آشکار در مسجدالحرام به عنوان قائم آل محمد(ص)، مردم را به سوی فرد دعوت کند جز مهدیموعود(عج) کسی دیگر نمی تواند باشد. زیرا غیر از او هر کس باشد رسوا خواهد شد.

در همین زمینه حدیثی از امام صادق(ع) در کتاب اصول کافی (ج۱، ص ۳۴۰، ح ۲۰) این چنین آمده است: «امامصادق(ع) فرمود: برای صاحب این امر دو غیبت است در یکی از آنها به سوی خانواده اش باز می گردد و در دیگریگفته خواهد شد به هلاکت رسیده است. در کدام بیابان رفته است؟ گفتم: اگر چنین پیش آمدی شد چه کنیم؟ فرمود:اگر کسی آن را ادعا کرد از او سؤالاتی کنید (اگر در ادعا راست باشد) جواب خواهد داد».

افزون بر آن آنچه که در کتاب اصول کافی، ج ۲ ،ص ۱۵ عنوان ذیل هم آمده: آنچه ادعای امامت راستگو را ازدروغگو معلوم می کند، سخن ما را تأکید می کند.

ر.ک: کشف المراد، ص ۳۷۰ – الهیات، جعفر سبحانی، ج ۴، ص ۲۶).

گفته می شود که در آخر الزمان مردم و بطور کلی جهان به فساد کشیده شده و همه جا از ظلم و جور پر خواهدشد و در آن حال خواهد بود که امام عصر (عج)ظهور خواهند کرد حال این سئوال مطرح است که اگر سرانجام و بطور طبیعی به چنین فساد وظلمی جهان را فرا خواهد گرفت پس چرا

پرسش

گفته می شود که در آخر الزمان مردم و بطور کلی جهان به فساد کشیده شده و همه جا از ظلم و جور پر خواهدشد و در آن حال خواهد بود که امام عصر (عج)ظهور خواهند کرد حال این سئوال مطرح است که اگر سرانجام و بطور طبیعی به چنین فساد وظلمی جهان را فرا خواهد گرفت پس چرا باید به سمت اصلاح خود و جامعه حرکت کنیم و موکد در اسلام توصیه شده است که خود و جامعه تان را به اصلاح در آورید .آیا عدم حرکت ما به سمت اصلاح و

در نتیجه به فساد کشیده شدن جامعه منجر به تعجیل در ظهور نمی گردد؟

پاسخ

فراگیر شدن ظلم و جور در جهان از نشانه های معروف ظهور حضرت مهدی(ع) به شما می رود و این نشانه در روایات بسیار به چشم می خورد و در بعضی روایات به همین عنوان کلی مورد اشاره قرار گرفته، چنان که در روایات معروفی که با سندهای گوناگون نقل شده آمده: «یملا اللّه به الارض قسطا و عدلاً بعد ما ملئت ظلما و جورا؛ خداوند به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد»، (چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، نقل از «سنن ابی داود»، ج ۴، ۱۰۷ و کنزل العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴).

یا از حضرت مهدی(ع) نقل شده: «علامه ظهوری کثره الهرج و المرج و الفتن...؛ نشانه آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها و آشوبها است»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰).

قبل از آن که به بررسی اصولی موضوع مطرح شده بپردازیم به نظر می رسد اشاره به سیر تاریخی این برداشت از موضوع ظهور امام زمان و زمینه های آن، به عنوان مقدمه مفید باشد.

در طول تاریخ غیبت به ویژه در قرون اخیر نوعی تفکر آسایش طلبانه در برخی پدید آمده و آنان بهانه ای می طلبند تا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند! حال چه بهتر که این بهانه رنگ دینی داشته باشد.

از جمله این موارد آن است که ما نبایستی با ظلم مبارزه کنیم زیرا ظهور امام زمان به تأخیر می افتد و حتی برخی پنداشته اند که باید به ظلم و فساد نیز

کمکٔ کرد و در گسترش آن کوشید تا اسباب ظهور بیشتر فراهم شود؟!

این تفکر ناشی از عدم شناخت مسئولیت و نشناختن دین الهی و برداشت غلط از موضوع ظهور است.

اولاً ـ این تعبیر که «جهان را پر از عـدل و داد خواهـد کرد، پس از آن که از ظلم و جور پر شـده است» یکٔ بیان و تعبیر کنایی است که نشانگر شـدت ظلم و فراگیری آن است و بـدین معنا نیست که همه ی انسان ها در آن زمان ظالم و فاسدند. مانند این تعبیر که می گوییم «فلان کار، با هزار مشکل مواجه است» کنایه از این که مشکلات متعددی فراروی تحقق آن عمل است.

در آن دوران، انسان های صالح نیز وجود دارند که قرآن کریم به آنان وعده داده است که وارث حکومت زمین خواهند شد(نور، آیه ۵۵.) و مگر کسانی جز همین انسان های خودساخته و صالح، یاوران حضـرت مهدی(عج) خواهند بود؟ و اساسا زمینه و بستر پـذیرش قیام و انقلاب جهانی حضـرت مهـدی(عج) به سـتوه آمدن توده های مردم از ظلم و فساد و تباهی است. بر این اسـاس می توان گفت ظلم و جور مورد نظر در روایات، به صورت عمـده، متوجه به حکومت ها و طبقه ی حاکم که قـدرت و ثروت را در دست دارند، می باشد.

ثانیا روایاتی که دلالت بر پر شدن جهان از ظلم و ستم دارد، در حقیقت خبر از وضعیت و شرایط جهان در آن دوران می دهد. اخبار از یکٔ واقعیتی است، که رخ خواهد داد نه این که وظیفه شـرعی ما را بیان کند، به این معنا که ما موظفیم چنین شرایطی را ایجاد کنیم و کمکٔ کنیم جهان پر از ظلم و

فساد شود. اخبار این روایات از وضعیت جهان، منافاتی با مسؤولیت های فردی و اجتماعی ما در جهت اصلاح فرد و جامعه ندارد. وظیفه انسان، حرکت در مسیر کمال است که جز در پرتو عمل به وظایف و اصلاح خود و جامعه میسر نخواهد بود و وعده آمدن مهدی موعود نیز در راستای همین سیر به سوی کمال و اصلاح فرد و جامعه است.

مهدی موعود می آید تا بستر را برای این حرکت و سیر کمالی مهیاتر کند. او می آید تا انسان ها، فارغ از ظلم ستمگران و فساد افسادگران، مسیر کمال و اصلاح خود و معرفت حضرت حق و رسیدن به سعادت را بپیمایند.

ثالثا به طور کلی، هیچ گاه یک آموزه ی دین نمی تواند نافی و تعطیل کننده سایر ارکان و اساس دین باشد. اگر به فرض به چنین موردی برخوردیم، خود دلیل بر بطلان آن و عدم استناد آن آموزه به دین خواهد بود.

به عنوان مثال یکی از ارکان دین، توحید است، معنا ندارد که آموزه ای از دین، شرک را تأیید و به آن دستور دهد.

با توجه به اصل فوق، روایاتی که صرفا اخبار از یک امر تکوینی است یعنی خبر از شرایط و اوضاع جهان قبل از ظهور می دهد، نمی تواند مؤید و مروج فساد و ظلم باشد.

اساسا روح دین و تمام آموزه های دین، برای برچیدن فساد و تباهی و رساندن انسان به اوج کمال است. دین برای اصلاح فرد و جامعه آمده است. بنابراین چنین برداشتی از روایات فوق برداشتی کاملاً نادرست و منافی با حقیقت دین و ارسال رسل است.

علائم ظهور در عصر کنونی بر اساس آیات و روایات چه می باشد ؟ضمنا اگر کتاب خاصی است معرفی نمایید.

پرسش

علائم ظهور در عصر کنونی بر اساس آیات و روایات چه می باشد ؟ضمنا اگر کتاب

خاصی است معرفی نمایید.

پاسخ(قسمت اول)

نشانه های ظهور را می توان به دو دسته تقسیم کرد: نشانه های تغییر ناپذیر و تغییر پذیر

نشانه های تغییر ناپذیر را می توان به نشانه های حتمی و غیر حتمی تقسیم کرد.

علامت های حتمی

نشانه های تغییر ناپذیر حتمی نشانه هایی هستند که یا متصل به ظهور هستند با فاصله (۱۵) روز یا چند ماه و یا متصل به ظهور نیستند و بعضی از آنها عبارتند از:

«خروج دجال»، «صیحه و ندای آسمانی»، «خروج سفیانی از وادی یابس»، «فرورفتن لشکر سفیانی در بیداء»، «قتل نفس زکیه بین رکن و مقام»، «خروج سید حسنی از دیلم و قزوین»، «کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در پایان آن»، « سه ندا در ماه رجب»، «خروج یمانی از یمن»، «انقراض بنی عباس» «جاری شدن نهری از فرات به غری»، «ظاهر شدن قحطی شدید»(۱).

علامت های غیر حتمی

این علامت ها گر چه تعداد زیادی از آنها به وقوع پیوسته و از نظر فلسفی حتمی و ضروری تلقی می شود ولی هنگامی که از آنها خبر داده می شده حتمیت آن مشخص نشده است از این رو غیر حتمی نامیده شده اند مانند «ظاهر شدن شصت مدعی دروغین نبوت»، «ظاهر شدن ۱۲ نفر از سادات مدعی امامت»، «بستن جسر بغداد»، «مسجد کردن قبرستان ها»، «خراب شدن بغداد»، «خراب شدن دیوار مسجد کوفه»، و...(۲)

این علامت ها تغییر نکرده اند و با آمدن آنها ظهور آقا مسلم محقق خواهدشد اما نشانه هایی وجود دارد که قابل تغییر می باشند.

نشانه های قابل تغییر

علی بن خُنیس از امام صادق(ع) روایت می کند که شنیدم می فرمود: بعضی از علایم و امورات از محتومات است و جمله ای از آن علایم حتمی نخواهد بود یعنی

احتمال تغییر و تبـدیل در آن می رود شاید که خداوند آن بلاها و فتنه ها رابه فضل و کرم خود از مؤمنین دفع فرماید و شداید را بر ایشان آسان نماید و در ظهور آن بزرگوار تعجیل فرماید»(۳).

تعـدادی از علاماتی که هنوز واقع نشده، و یا محتمل الوقوع است و اعلام به حتمیت آن نشده و احتمال تغییر و تبدیل در آنچه اراده خداونـد به آن تعلّق گرفته می رونـد عبارتند از: «ایسـتادن آفتاب در وسط آسـمان از اول زوال تا وقت عصـر بدون آنکه حرکت کند»، «طلوع نمودن خورشـید از مغرب»، «خروج یمانی از یمن»، «خروج خراسانی از خراسان»، «خروج مغربی به جانب مصـر و مالـک شـدن مصـر و نواحی آن»، «اختلاف بیرقها در شام به سـبب خروج سه نفر طالب سـلطنت» «خراب شـدن سـمت غربی مسـجد شام»، وقوع جنگ و جـدال در هر بلـد از نواحی مغرب تا یکسال که مردم به دلیل اختلاف رایات یکدیگر را می کشـند. به ویژه در شام که صـد هزار نفر کشـته می شونـد»، «خراب شـدن شام از راه قتل و غارت و اقسام فتنه ها و بلاها»، «فرو رفتن قریه جابیه در زمین در شام»، «خروج زندیقی از شـهر قزوین به ریاست»، «پایان یافتن سـلطنت بسـیاری از سلاطین در اکثر کشورها»، «خروج عوف سـلمی در سـرزمین جزیره»، «خروج سـمرقندی بعد از عوف سلمی و بر پا شدن فتنه ای عظیم»، «وقوع زلزله ای عظیم در شام قبل از خروج سـفیانی که بیش از صد هزار نفر کشـته می دهد»، «ظاهر شدن آتشی تعجب آور و خوف انگیز و ترس آور، به مدت سه یا هفت روز در میان زمین و آسمان در

سمت مشرق زمین»، «ظاهر شدن سرخی شدید که در اطراف آسمان پهن می شود گویا همه آسمان را می گیرد» «کثرت قتل و خونریزی در کوفه از جهت رایات مختلف»، «کشته شدن نفس زکیه است در پشت کوفه با هفتاد نفر از صلحا»(۴)، «وقوع جنگ عظیمی در میان آل مروان و بنی عباس در قرقیسا در کنار شط فرات»، «نزول ترک در جزیره و اهل روم در رمله»، «مسخ شدن طایفه ای به صورت میمون و خوک»، «حرکت کردن بیرقهای سیاه از خراسان»، «آمدن باران بی نظیر در ماه جمادی الثانیه و رجب» «باریدن تگرگ بسیار بزرگی در روم و جزایر که مانند آن دیده نشده»، «مطلق العنان شدن عرب در رفت و آمد و عملکرد»، «خروج سلاطین عجم از شان دو قار»، «طلوع ستاره از مشرق که مانند ماه درخشنده است»، «زنده شدن مردگان و سر برآوردن از قبرها»، بعضی از این حوادث مشروط به وجود شرطی است که اگر شرایط آن محقق شود موجود می شود و خداوند تعالی داناتر است به آن چیز هایی که باید بشود.

نتیجه

علایم بر دو قسم هستند تغییر پذیر و تغییر ناپذیر: علایم تغییر پذیر علایمی است که به اراده خداوند واقع می شود و چه بسا به جهت حکم و مصالح و مقتضیات و موانعی واقع نشود یا تغییر داده شود به نحوی که اصلح به حال بندگان خدا باشد و یا به ادعیه و طاعات بندگان ابتلاء به آن رفع شود. و از طرفی ممکن است به خاطر موانع یا مصالحی فرج به تأخیر افتد و در این باره بعضی از روایات گویا است.(۵) و این مطلب در اصطلاح«بداء»

نامیـده می شود و مسائلیماننـد افشای راز به قتل رسانـدن امام معصوم وماننـد آن از اموری است که تأخیر انداز فرج شـمرده شده است.(۶)

توضیح بیشتر

روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضـرت مهدی(عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی های منطقه ای و جهانی از مکه آغاز می گردد. آنگاه در سـطح جهان نبردی سخت میان غربی ها و ترکان(۷) و یا هواداران آنها به وجود می آیـد تا جایی که منجر به جنگ جهانی می گردد. اما در سـطح منطقه دو حکومت هوادار حضـرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشـکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضـرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می شوند که سـرانجام در آن پیروز می گردند. اندک زمانی پیش از ظهور آن بزرگوار در بین ایرانیان دو شخصیت با عنوان سـید خراسانی، رهبر سیاسـی و شـعیب بن صالح رهبر نظامی ظاهر شده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا خواهند کرد.

اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضـرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشـیدن به خلاء سیاسـی که در حجاز به وجود می آید همکاری می نماید.

از جمله نشانه های ظهور حادثه ای است که میان دو حرم مکه و مـدینه رخ می دهـد. در این هنگام نشانه های ظهور حضـرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ ماه رمضان شنیده می شود پس از این ندای آسمانی حضرت مهدی(عج) به طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می نماید. درباره آن بزرگوار در

سراسر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل ها جای می گیرد.

دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک شده و می کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند ازاین رو سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشمی که دست یافته او را دستگیر و یا کشته و یا به زندان می اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیام خویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشاء از حرم شریف مکی آغاز می کند و پس از درگیری بر مکه تسلط می یابد. در صبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان های مختلف به تمام جهان ابلاغ می کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلام می دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه ای که جد گرامی اش حضرت رسول(ص) وعده فرموده محقق شود و آن فرو رفتن لشکریان سفیانی به زمین است که برای درهم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می شوند(۸).

آن حضرت پس از این معجزه با سپاه خود که متشکل از ده و اندی هزار تن است از مکه رهسپار مدینه می شود و پس از نبردی با نیروهای دشمن مستقر در آنجا، مدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز و تسلط بر منطقه خاتمه می یابد. وی پس از پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می شود و در آنجا با سپاه ایران و توده های مردم آن سامان به رهبری خراسانی و شعیب بن صالح برمی خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکدیگر

با قوای دشمن در بصره به پیکار می پردازند که سرانجام به پیروزی بزرگ و آشکاری دست می یابند. سپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می کند و با درگیری با بقایای نیروهای سفیانی و گروه های متعدد شورش آنها را شکست داده و به قتل می رساند. آنگاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت خود قرار می دهد و بدین سان یمن، حجاز،ایران، عراق و کشورهای خلیج فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضرت درمی آید. بعد از آن جنگ هایی با ترکان و یهودیان صورت می پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضرت(عج) است. غربیان مسیحی از این وقایع سخت نگران شده و با حضرت اعلان جنگ می کنند ولی ناگاه حضرت عیسی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خویش جهان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می دهد. فرود آمدن حضرت عیسی(ع) برای جهان علامت و نشانه ای است که موجب شادی مسلمانان و ملت های مسیحی خواهد گردید.

به نظر می رسد که حضرت مسیح(ع) میان حضرت مهدی(ع) و غربی ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میان دو طرف بسته می شود. اما غربی ها بعد از دو سال پیمان صلح را می شکنند، لذا رومیان در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سرباز به سرزمین شام و فلسطین یورش می آورند. نیروهای اسلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضرت مهدی(عج) اعلام داشته و پشت سر وی در قدس نماز می گذارد. دراین جنگ مسلمانان پیروز می شوند. سپس غرب توسط امام فتح می گردد. پس ازفتح و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت مسیح(ع) رحلت نموده و

حضـرت مهدی(عج) و مسـلمانان بر پیکر او نماز می گذارند. سـپس پیکر پاک او را با پارچه ای که دست بافت مادرش مریم صدیقه(ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاک می سپارد.

پس از این فتوحات حضرت مهدی(عج) برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقدام می کنـد و برای تعالی بخشـیدن و شـکوفایی زندگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح آگاهی دینی و دنیایی مردم می کوشد.

یکی دیگر از علائم مهم ظهور پیدا شدن افرادی به نام دجال و سفیانی است.

الف) دجـال از ریشه دجـل به معنـای دروغگو است و بر اسـاس آنچه از ظاهر اخبار اسـتفاده می شود دجال فردی است که در آخرالزمـان و پیش از قیـام مهـدی(ع) خروج می کنـد و انسـان غیر عـادی است و با انجام کارهای شـگفت انگیز جمع زیای از مردم را می فریبد و سـرانجام به دست حضـرت عیسی(ع) در منطقه شام به هلاکت می رسد. و اینکه آیا دجال شخص واحد با آن ویژگیها می باشد یا یک تفکر و جریان الحادی است در این مورد احتمالات مختلف و متعدد وجود دارد.

۱- دجال نام شـخص معینی نیست بلکه هر کسـی که با ادعای پوچ و بی اساس و حیله گری سـعی در فریب مردم داشـته باشد دجال است و از احادیث نیز این نکته قابل اسـتفاده است. پیامبر اکرم(ص) می فرمایـد: «لاتقوم الساعه حتی یخرج المهـدی من ولـدی و لا یخرج المهـدی حتی یخرج سـتون کـذابا کلهم یقول انا نبی؛ قیامت بر پا نمی شود تا وقتی که مهدی(ع) ازفرزندانم ظهور کند و

مهـدی(ع) قیام نمی کنـد تا وقتی که شـصت دروغگو خروج کنـد که همگی ادعای پیامبری می کننـد» (بحارالانوار، جلد ۵۲، ص ۲۰۹)

و در روایتی دیگر از پیـامبر نقـل شـده است که:(پیش از خروج دجال بیش از هفتاد دجال خروج خواهـد کرد) (کنزل العمال، جلد ۱۴، ص ۲۰۰)

با توجه به این روایات می توان گفت که دجال ها متعدد و متنوع است و دجال واقعی همان که در روایت از آن شخص معینی قصـد شده است و دجال های دیگر که افراد شـیاد و حیله گری که در پدیده های اجتماعی با ظاهر شدن سـعی در فریب مردم دارند.

۲- دجـال کنـایه از کفر جهـانی و فرهنـگ مادی است که بر همه جهان سـیطره دارد ؛ کشورهای مبتکری که از لحاظ قـدرت مادی و صنعتی قوی هستند و مسلمانان را به نوع می فریبند و مرعوب خویش می سازند تا آن جا که مسلمانان خود را در برابر آنها خود باخته تلقی می کنندکشورهای مبتکر خصوصا اسـتکبار جهانی با سـیطره صـنعتی و پیشـرفت خود همه جای عالم سـر می کشد و سعی در فریب مردم دارند.

ب) سـفیانی از شخصـیت های بنام در انقلاب حضـرت مهدی(ع) است و از دشـمنان سرسخت آن حضرت به شمار می رود و بنـابه تصـریح روایـات خروج سـفیانی از وعـده هـای حتمی خداونـد اسـت امـام زیـن العابـدین می فرمایـد: «امر قـائم از سـوی خداونـدحتمی اسـت و امر سـفیانی نیز از جـانب خداونـد قطعی می باشـد و قـائم ظهـور نمی کنـد مگر پس از مرگ سـفیانی» (بحارالانوار، ۵۳، ۱۸۲، نقل از کتاب عصر ظهور علی کورانی، ص ۱۱۵)

بین دانشـمندان اسـلامی اتفاق نظر است که وجه تسـمیه او به سفیانی به خاطر نسبت داشتن با ابوسفیان است چراکه وی از تبار ابوسفیان

بشمار می آید. (همان کتاب، ص ۱۱۶) و طبق روایات، فرهنگ و گرایش سیاسی سفیانی غربی است.سفیانی در حالیکه رهبری گروهی را به عهده دارد مانند شخص نصرانی صلیب بر گردن دارد و از سرزمین رومیان روی می آورد. (غیبت طوسی، ص ۲۷۸، نقل از کتاب عصر ظهور، ص ۱۱۸)

خلاصه این که روایات سفیانی از تبار ابوسفیان است و از کینه توزترین فرد نسبت به اهل بیت(ع) می باشد با پرچم سرخ که نشانه خون آشامی او است قبل از ظهور امام(عج) خارج می شود و جنبش او بسیار خشن و در سه مرحله انجام می گیرد.

مرحله تثبیت سلطه که شش ماه طول می کشد مرحله دوم جنبش سفیانی که هجوم به عراق و حجاز می باشد، و مرحله سوم جنبش آن دفاع در برابر تحرک سپاه حضرت مهدی(ع) جهات حفظ متصرفات خود از سرزمین شام و اسرائیل و قدس و... و خروج او از آغاز تا انجام۱۵ ماه به طول می انجامد.

در کنار این دو علامت از چند علامت دیگر نیز نام برده شده است:

۱- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است.

علی(ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷).

۲- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند.

امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد

بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی کند، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

پاسخ(قسمت دوم)

ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می کند.

۳- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک.

امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهور مهدی(عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴).

۴- صیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می شود.

امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده ای از آسمان نام قائم را ندا می کند پس هر که در شرق و غرب است آن را می شنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

درباره تعداد یاران خاص آن حضرت کلیاتی وارد شده است مانند این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد واندی نفر بدون وعده پیشین گرد می آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳).

درباره ویژگی های یاران حضرت نیز طبق برخی از روایات، خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است.

۵- از مهمترین علائم ظهور فراگیر شدن ظلم و جور در جهان است: این نشانه در روایات بسیار به چشم می خورد و در بعضی روایات به همین عنوان کلی مورد اشاره قرار گرفته، چنان که در روایات معروفی که با سندهای گوناگون نقل شده آمده: یملا اللّه به الارض قسطا و عدلاً بعد ما ملئت ظلما و جورا ؛ خداوند به وسیله ظهور مهدی(ع) زمین را پر از عدل و داد می سازد،پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد{M»، («سنن ابی داود»، ج ۴، ۱۰۷ و کنزل العمال، ج۱۴، ص ۲۶۴).

یا

از حضـرت مهدی(ع) نقل شده: علامه ظهوری کثره الهرج و المرج و الفتن... ؛ نشانه آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها وآشوبها است{M»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰).

زیـاد شـدن این فسادهـا در میان مردم، در واقع نوعی از فراگیر شـدن ظلم و جور روی زمین است. البته فساد و گناه کم و بیش در میان مردم بوده، مهم فراگیر شدن آن است به گونه ای که بدی ها بر خوبی ها، ضدارزشها بر ارزش ها غلبه می یابد. شهید مطهری، روایتی را از شـیخ صدوق می آورد. این امر (قیام مهدی(ع)) تحقق نمی پذیرد مگر اینکه هر یک از شـقی و سـعید به نهایت کار خود برسد. پس سـخن در این است که گروه سعداء و گروه اشقیا هر کدام به نهایت کار خود برسند. سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوت برسند، (قیام و انقلاب مهدی، شهید استاد مطهری، ص ۵۷ و ۵۸).

و گسترش ظلم و فساد و فراگیر شـدن آن بـدین معنا نیست که صالحی و ظلم ستیزی وجود نخواهد داشت و هم چنین ملازم با این معنا نیست که بشـر دیگر از ظلم و فساد بر نمی گردد. با توجه به توضیحات فوق و اینکه بشر از هر نحله ای که باشد دنبال منجی و رسـیدن به عـدل وآرامش و آسایش است. این نویـد را می دهـد که جهان بشـری با توجه به ظلم و فساد و تبعیض که دامنگیرش شده در آینده خواسـتار حکومت ایده آل و موافق با فطرت الهی باشد. و اضافه بر آن رشد عقول و معارف بشر روز به بروز در ترقی می باشد و از طرفی

مکاتب و ایسم های مختلف امتحان خود را در اداراه کردن جوامع پس داده اند. بنابراین سیر بشر به سوی گمشده ای است که بتوانـد با نفس مسیحای خود مرهمی بر زخم های آنان باشد و این یوسف گمشده همان مهدی(ع) است که بشـر در انتظارش می باشـد. که به آمـدن او هم در کتب تشریع الهی و هم در کتب تکـوین و صـحیفه دل هـا خبرهـا و امیـدهایی است. و موقع آمـدن نیز خبرش در آسـمان به گوش جهانیـان از شـرق و غرب می رسـد. و روایات می گویـد تمام انسانها در برابر این نشانه الهی وعـده داده شده سر تسـلیم فرود می آورند زیرا که تفسـیر این گفته خداوند است. «اگر بخواهیم از آسـمان معجزه ای بر آنها فرو می فرستیم که در برابر آن تسلیم فرود آوردند» (سوره شعرا، آیه ۴).

مردم از این صـیحه آسـمانی به ناله و فریاد درآمـده و از خانه هایشان بیرون می آینـد تا ببینند چه خبر است! آن ندا مردم را به خودداری از ظلم و کفر و درگیری و خونریزی و به پیروی از امام مهدی(ع) دعوت می کند.

خلاـصه کلاـم زمان ظهور امام زمان(عـج) برای هیـچ کس حتی شـخص امام(ع) نیز معلوم نیست و جزء مواردی است که فقط علمش نزد خداونـد متعـال است و در این معنا روایات متعـددی داریم، در روایات ما زمان ظهور حضـرت با زمان وقوع قیامت مقایسه شده است؛ یعنی، همان گونه که علم زمان وقوع قیامت منحصـرا در اختیار حضرت حق - جل و علا - است، علم زمان ظهور حضـرت نیز منحصـرا در نزد خداوند متعال است، (تفسـیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۰۷ به نقل از پیامبر گرامی اسـلام(ص) مشابهاین روایت را از

امام صادق(ع) در تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۱۳۷ ملاحظه فرمایید).

بنابراین کسی حق ندارد، زمانی برای حضور حضرت تعیین کند، اما متأسفانه هر از گاهی شایعاتی از این دست با استناد دروغ به برخی افراد موجه درست می شود. مهم شناخت وظیفه است؛ ما چه بکنیم که بتوانیم به وظیفه خود در زمان غیبت عمل کنیم؟ و چه بکنیم بهنزدیک تر شدن مهمان ظهور امام کمک کرده باشیم؟ و چه بکنیم که اگر امام در زمان ما ظهور کرد، ما نیز جزء یاران و یاوران آن حضرت باشیم؟ روایات ما وظیفه در زمان غیبت را معین فرموده اند، انتظار فرج و انتظار منجی. این انتظار حتما باید با ورع و عفت و صلاح همراه باشد. درروایات از انتظار فرج به عنوان برترین عبادت مؤمن در زمان غیبت نام برده شده است، (کمال الدین و تمام النقه، شیخ صدوق، صص ۶۴۷ - ۶۴۴، والشیعه والرجعه، محمدرضا الطیسی النجفی، ج ۱،صص ۲۰۰ و ۲۰۱، دارالکتب الاسلامیه).

روشن است که تا زمینه قیام و ظهور آماده نشود، ظهور حضرت نیز میسر نیست و روایات ما به این نکته نیز اشاره دارند. این زمینه اولاً با کردارهای درست و به جا و خداپسندانه شیعیان و همپیمانی آنها در ایفای وظیفه الهی خود و ثانیا با دعای فراوان - از ته قلب و باخلوص نیت - حاصل می شود، (صحیفه المهدی، جواد قیدی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۳۵۰ و ۳۵۱).

برای مطالعه در زمینه ظهور امام زمان و نشانه های آن به کتابهای زیر مراجعه کنید:

- ظهور نور، علی سعادت پرور، نشر تشیع

- علائم ظهور امام زمان(عج)، محمد حسین همدانی، انتشارات صحفی

- نشانه های ظهور، سادات مدنی،

نشر منیر

- از ولادت تا ظهور، کاظم قزوینی، ترجمه: فریدونی، نشر آفاق

- از ولادت تا ظهور، کربی، انتشارات الهادی

- کتابنامه امام زمان، محمدپور

- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، رجالی تهرانی

- ترجمه منتخب الاثر ، آیت اللّه صافی

- مهدی موعود، ترجمه ج ۵۲ بحارالانوار، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دارالکتب الاسلامیه

- وابستگی جهان به امام زمان، لطف اللّه صافی

- امام زمان در گفتار دیگران ، علی دوانی

- علائم ظهور، محمد علی علمی

- دادگستر جهان، ابراهیم امینی

- عصر ظهور، علی کورانی

- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی

پی نوشت ها:

۱. طبرسی نوری، سید اسماعیل، کفایه الموحدین، علمیه اسلامیه، ج ۳، ص ۴۰۰ - ۴۰۵ و شیخ عباس قمی، منتهی الامال زندگی چهارده معصوم، فصل هفتم در علامات ظهور، بی تا، بی جا، ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۲ و حکیمی محمد رضا، خورشید مغرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی ص ۱۲۸.

۲. کفایه الموحدین، ص ۴۰۵ - ۴۱۵ و منتهی الامال ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۶.

۳. کفایه، الموحدین، ج ۳، ص ۴۲۲.

۴. ظاهراً این نفس زکیه غیر از آن نفس زکیه ای است که در علامات حتمی ذکر شده و بین رکن و مقام شهید می شود.

۵. ترجمه بحار الانوار، مهدی موعود، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دار الکتب الاسلامیه ص ۸۶۳ - ۸۶۵.

۶. همان

۷. ترکان در روایات بر غربیان تطبیق داده می شوند.

۸. چنانکه در پیش توضیح داده شد این تواریخ جزء علائم حتمی ظهور نیست.

لطفاً کمی در مورد نشانه های ظهور برایم بنویسید؟

پرسش

لطفاً کمی در مورد نشانه های ظهور برایم بنویسید؟

پاسخ

قبل از آنکه بحث نشانه های ظهور حضرت را بررسی کنیم تذکر این نکته لازم است که با دقت در علائم ظهور در می یابیم که این علائم و نشانه ها نسبت به ظهور رابطه ی سببی و مسببی ندارند یعنی این نشانه ها علت و سبب تحقق ظهور نیستند بلکه تنها زمان ظهور را اعلام می کنند و به اصطلاح کاشف از این واقعیت است که ظهور نزدیک شده است و به تعبیر دیگر نشانه های ظهوررخدادهایی هستند برای «اعلام عمومی نزدیکی ظهور» و «ایجاد آمادگی روانی مردم» برای استقبال از ظهور امام.۴۲۱

نه اینکه علت ظهور باشد که بگوییم حتماً بعد از ظاهر شدن نشانه ها، ظهور امام تحقق می یابد. بلکه ممکن است نشانه ای بیاید ولی اراده ی الهی تغییر کند و ظهور امام انجام نشود.

منظور از نشانه های ظهور:

رخدادهایی را که براساس پیش بینی ائمه(ع) پیش از ظهور حضرت یا در آستانه ی آن، پدید خواهند آمد نشانه های ظهور گویند، تحقق هر کدام از نشانه ها نویدی است بر نزدیک تر شدن ظهور امام؛

بنابراین پدیدار شدن یک یا چند نشانه از مجموعه نشانه های ظهور، چیزی جز نزدیک تر شدن زمان ظهور را نمی رساند. البته بعضی از نشانه ها و علائمی که ائمه(ع) پیشگویی کرده اند به وقوع پیوسته است. مثلاً در روایات به اختلاف در میان امت اسلام، انحراف بنی عباس و جنگ های صلیبی و ... به عنوان نشانه های ظهور خبر داده شده، که ظاهراً آنها تحقق پیدا کرده است.۴۲۲

مشخص نبودن زمان ظهور:

از امور مسلم و قطعی، اصل ظهور حضرت مهدی(عج) است و البته نشانه ها و اتفاقاتی قبل از ظهور حضرت پدید می آید ولی زمان ظهور حضرت مشخص نیست و هیچ کس جز

خداوند از وقت ظهور آگاهی ندارد، بارها مسلمانان و حتی اصحاب ائمه از زمان ظهور حضرت سوال می کردند، ولی ائمه(ع) به صراحت از مشخص نبودن زمان ظهور سخن گفته اند؛ و فرموده اند که علم به زمان ظهور همچون علم به زمان قیامت، منحصر به خداوند است: از حضرت علی(ع) در روایتی حکایت شده:

«و اما زمان ظهور حضرت مهدی(عج) به روشنی برای ما مشخص نشده است بلکه او تا زمانی که خداوند اجازه خروج دهد، از دیگران پنهان است.»۴۲۳

و در روایتی دیگر نقل شده که امام باقر(ع) در جواب کسی که سوال از وقت معین ظهور کرد ۳ بار فرمودند: «کذب الوقاتون»؛۴۲۴ «کسانی که وقت معین می کنند دروغگو هستند.»

تفاوت زمینه های ظهور با علائم آن:

ظهور امام زمان(عج) شرایط و نشانه هایی دارد که از آنها به عنوان «زمینه های ظهور» و «علائم آن» یاد می شود تفاوت این دو آن است که زمینه ها در تحقق ظهور، تاثیر واقعی دارند به گونه ای که با فراهم شدن آنها. ظهور امام اتفاق می افتد و بدون آن ها ظهور نخواهد بود؛ ولی «علائم» در ظهور نقش ندارند بلکه تنها نشانه هایی هستند که به وسیله ی آنها می توان به اصل ظهور حضرت و یا نزدیک شدن آن پی برد.

با توجه به تفاوت یاد شده به خوبی می توان دریافت که زمینه ها و شرایط نسبت به علائم و نشانه ها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. بنابراین پیش از آنکه به دنبال علائم ظهور باشیم به زمینه های ظهور توجه کنیم و در حد توان در تحقق آن زمینه ها تلاش کنیم.

شرایط و زمینه های ظهور:

برای حرکت اصلاحی و انقلاب عظیم بشری توسط حضرت مهدی(عج)، چهار شرط ذکر شده و مانند هر قیام اصلاحی دیگر

قبل از آن حرکت عظیم این چهار زمینه و شرط باید فراهم باشد تا انقلاب به بار بنشیند.

در مورد انقلاب حضرت مهدی(عج) دو زمینه و شرط در محدوده ی اختیارات بشر است و ما باید آن زمینه ها را ایجاد کنیم و دو شرط دیگر خارج از اختیارات بشر است:

۱. وجود طرح و برنامه:

هر جنبش و خیزشی که بخواهد وضع موجود جامعه را تغییر دهد و به وضع مطلوب برساند نیاز به طرح و برنامه دارد که البته طرح و برنامه این حرکت توسط خداوند بزرگ تدوین شده است. خداوندی که عالم به ابعاد مختلف وجودی انسان می باشد و با توجه به ابعاد مختلف روحی و مادی و فردی و اجتماعی ... انسان برنامه ای را تحت نام دین اسلام و کتاب قرآن در اختیار پیامبر و بعد از آن ائمه(ع) قرار داده است.

۲. رهبری توانا:

این شرط نیز در مورد قیام بزرگ حضرت مهدی(عج) فراهم است، چون رهبری این قیام در دامان امامت پرورش یافته و به سرچشمه وحی متصل است. به قرآن و معارف دین (طرح و برنامه) احاطه دارد و مورد تایید الهی است.

۳. یاران:

با نگاهی به تاریخ، به خوبی می توان نقش و جایگاه یاوران را در حرکت ها و خیزش ها دریافت. مگر داستان صلح امام حسن(ع) را می توان فراموش کرد که چگونه حضرت را رها کردند و در نهایت ایشان مجبور به قبول و امضای صلح نامه شد؟

همان طور که عدم همراهی با امام زمان(عج) غیبت ساز است، همراهی و یاوری، ظهور آفرین است پس بیاییم با ولی نعمت خود پیمان وفاداری ببندیم و صفوفی به هم پیوسته از یاوران راستین فراهم آوریم تا ظهورش را درک

کنیم!

۴. آمادگی عمومی:

یکی از شرایط مهم هر انقلاب و قیامی، همراهی و پذیرش مردمی است؛ یعنی اگر بهترین طرح و برنامه در اختیار، بهترین رهبر با یارانی منتخب و از جان گذشته قرار گیرد ولی مردم آن را نپذیرند، قطعاً به انجام نخواهد رسید. اگر حکومت اسلامی در مدینه پایه گذاری شد بدان جهت بود که مردم یثرب خواستند و روزها مقدم مبارک پیامبر را انتظار کشیدند.

بشیر می گوید به امام باقر(ع) عرض کردم: مردم می گویند: «وقتی حضرت مهدی(عج) قیام کند کارها خود به خود برای او درست می شود.» حضرت فرمود: «هرگز چنین نیست قسم به کسی که جانم به دست اوست! اگر بنا بود کارها خود به خود درست شود برای رسول خدا چنین می شد.»۴۲۵

فوائد نشانه های ظهور:

در روایات ائمه معصوم(ع) علائم فراوانی برای ظهور حضرت ذکر شده است که بعضی از آن علائم و پدیده ها طبیعی و عادی هستند و بعضی از پدیده ها غیرعادی و معجزه آسا هستند. اهتمام ائمه(ع) به طرح این موضوع و توجه دادن مسلمانان به این حقیقت نشان از اهمیت فوق العاده آن علائم دارد که البته آثار بسیاری در هدایت و سعادت فردی و جمعی مسلمانان دارد. بعضی از فواید علائم ظهور به این ترتیب است:

۱. با شناخت مدعیان دروغین مهدویت؛

۲. آمادگی مردم برای ظهور حضرت حجت(عج)؛

۳. پر فروغتر شدن نور امید در دل مؤمنان و شیعیان؛

۴. هشدار به منحرفان جهت جبران گذشته و مهیا شدن جهت ظهور؛

۵. اثبات صداقت ائمه(ع).

نشانه های ظهور:

آنچه از روایات استفاده می شود این است که نشانه های ظهور حضرت بر دو قسم است: نشانه های حتمی و غیرحتمی.

نشانه های حتمی: منظور از این نشانه ها آن است که تحقق و پدیدار

شـدن آنها بدون هیچ قید و شـرطی، قطعی و الزامی خواهد بود به گونه ای که تا آنها واقع نگردد، حضـرت مهدی(عج) ظهور نخواهد کرد و اگر کسی پیش از واقع شدن این نشانه ها ادعای ظهور نماید، ادعای نادرستی کرده است.

چند نمونه از این علائم به شرح ذیل می باشد:

۱. قیام سفیانی:

امام صادق(ع) می فرمایند: «خروج سفیانی از علایم حتمی است، و قیام او در ماه رجب خواهد بود.»۴۲۶

یکی از علائم حتمی که پیشوایان معصوم ما بر آن بسـیار تاکید کرده و به طور صـریح بیان فرموده اند خروج سفیانی است این شخص، که طبـق پـاره ای از روایـات مردی اموی و از نسـل یزیـد بن معـاویه بن ابی سـفیان است و از پلیـدترین مردم است، با خاندان نبوت و امامت و شـیعیان دشـمنی ویژه ای دارد و در شـهرهای عراق به ویژه در نجف و کوفه، جنایات بزرگی مرتکب می شود... سفیانی بعد از مدتی از عراق به شام و دمشق فرار می کند؛ امام سپاهی را به تعقیب او می فرستد و سرانجام او را در «بیت المقدس» هلاک کرده و سرش را جدا می کنند.۴۲۷

۲. خسف بیداء:

از جمله علائم حتمی، فرو رفتن لشـگر سـفیانی در «بیداء» است. بعد از قتل و غارت در مدینه، سپاهی از طرف سفیانی به سوی مکه می رود و در بین راه مکه و مدینه به فرمان خدای متعال به زمین فرو می روند.۴۲۸

امام باقر(ع) در حدیث معتبری می فرمایند:

به فرمانده لشـگر سـفیانی گزارش می رسد که مهدی(عج) به سوی مکه حرکت کرده است. او سـپاهی را به دنبال آن حضرت روانه می کند. آنها به وی دست نمی یابند و مهدی(عج) داخل مکه می شود... فرمانده سپاه سفیانی با سپاهش در «بیداء» فرود می آیند.

در این هنگام، نـدا دهنـده ای از آسـمان نـدا می دهـد: «ای زمینِ «بیـداء» اینان را نابود کن!» پس زمین آنها را در خود فرو می برد...۴۲۹

و همچنین از امام صادق(ع) حکایت شده: «از علایم حتمی که پیش از قیام اتفاق خواهد افتاد قیام سفیانی و فرو رفتن در زمین «بیداء» است.» ۴۳۰

۳. صحیبه و ندای آسمانی:

براسـاس روایـات متعـدد، پس از ظهور امـام، در مکه بانگی بسـیار مهیب و رسا از آسـمان شـنیده می شود که امام را با اسم و نسب به همگان معرفی می کند و به مردم توصیه می کند که با امام بیعت کنند تا هدایت یابند و با او مخالفت نکنند که گمراه می شوند.

در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده که می فرمایند:

«عن عمر بن حنظله قال سـمعتُ ابا عبدالله(ع) یقول: «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات الیمانی و السـفیانی و الصحیحه و قتل النفس الزکیه و الخسف البیداء»؛ «قبل از قیام قائم پنج علامت حتمی است: یمانی، سـفیانی، صحیحه و ندای آسمانی و قتل نفس زکیه و خسف بیداء»۴۳۱

۴. قتل نفس زکیه:

انسان جوان و پاکی بین رکن و مقام توسط اهل مکه کشته می شود.

۵. خروج یمانی:

قیام سـرداری از سـرزمین یمن یکی از علائم حتمی است که اندکی پیش از ظهور رخ خواهد داد وی که مردی صالح و مؤمن است علیه بدی ها و انحرافات قیام می کند و با تمام توان با بدی ها و تباهی ها مبارزه می کند.

از امام باقر(ع) در این باره حکایت شده:

در میـان بیرق هایی]که قبل از قیام مهـدی(عـج) بلنـد می شود[پرچمی هـدایت کننـده تر از پرچم یمانی وجود نـدارد که آن پرچم هدایت است.۴۳۲

نشانه های غیرحتمی: اموری هستند که درصورت فراهم بودن شرایط به عنوان نشانه

پدید می آید. بعضی از این نشانه ها را برمی شماریم.

به روایتی از امام صادق(ع) که به گوشه ای از مفاسد آخرالزمان اشاره فرموده توجه کنید:

حکایت شده که امام صادق(ع) به یکی از یاران خود فرمود:

هر گاه دیدی که:

۱. حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند؛

۲. ظلم و ستم فراگیر شده؛

۳. کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند؛

۴. بچه ها به بزرگترها احترام نمی گذارند؛

۵. نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می کنند؛

۶. انسان ها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می کنند؛

۷. کسی که امر به معروف می کند خوار و ذلیل است؛

۸. نماز را سبک شمارند؛

۹. هرج و مرج زیاد است؛

۱۰. در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خدا دوست ندارد؛

۱۱. سال به سال بدعت ها و بدی ها بیشتر شود؛

۱۲. زن ها بر مسند حکومت بنشینند و هیچ کاری جز خواسته ی آنها برای آنها پیش نرود؛

۱۳. هدف مردم شکم و شهوتشان است؛

۱۴. و دیدی که نشانه های حق ویران شده است، در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجاتت بدهد!۴۳۳

بعضی از نشانه های آخرالزمان:

۱. خراب شدن دیوار مسجد کوفه؛

۲. جاری شدن نهری از شط فرات در کوچه های کوفه؛

۳. قحطی شدید قبل از ظهور؛

۴. وقوع زلزله و طاعون در کثیری از بلاد؛

۵. حرکت پرچم های سیاه از خراسان؛

۶. خراب شدن بصره؛

۷. کسوف خورشید در سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان؛

۸. فرا گرفتن ظلمت و کفر و معاصی در تمام عالم.۴۳۴

یادآوری:

این نشانه ها بدان معنا نیست که ما به گناه و ستم کمک کنیم تا نشانه های ظهور تحقق یابد(چنانچه برخی کوته فکران می پندارند.) بلکه ما باید با تلاش فردی (خود سازی) و تلاش اجتماعی(کوشش در راه

اصلاح جامعه و توسعه ی عدل و...) زمینه ساز ظهور حضرت گردیم و انشاءالله از یاران امام زمان (عج)قرار گیریم.

معرفی کتاب:

برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه فرمایید به:

۱. کتاب چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان.

۲. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، علیرضا رجال تهرانی.

۳. تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ترجمه دکتر افتخارزاده.

۴. عصر ظهور، علی کورانی.

۵. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج)، سید اسدالله هاشمی شهیدی.

۶. کتاب نشانه های شگفت آور آخرالزمان.

پاورقی:

۴۲۱ . محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ص ۳۹۶، ترجمه شده به نام تاریخ غیبت کبری ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده.

۴۲۲ . غیبت نعمانی، علائم پیش از قیام.

۴۲۳ . کتاب الغیبه، شیخ طوسی،ص۴۲۵ «و اما وقت خروجه(ع) فلیس لمعلوم لنا علی وجه التفصیل...»

۴۲۴ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳.

۴۲۵ . غیبت نعمانی، باب ۱۵، ج ۲، ۳۹۹.

۴۲۶ . غیبت نعمانی، ص ۴۱۶ ترجمه محمدجواد غفاری، نشر صدوق.

اخبرنا احمد بن محمد بن سعید ابن عقده قال: حدثنی محمد بن افضل بن ابراهیم بن رمانه من کتابه فی رجب سنه خمس وستین و مأتین قال: حدثنا الحسن بن علی بن فضال قال: حدثنا ثعلبه بن میمون ابواسحاق عن عیسی بن اعین عن ابی عبدالله(ع) انه قال السفیانی من المعتوم و خروجه فی رجب...

درباره وثاقت احمد بن محمد، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۹۶؛ درباره وثاقت محمد بن فضل، معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۶۸؛ درباره وثاقت حسن بن علی، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۴۴؛ درباره وثاقت ثعلبه بن میمون، معجم رجال

الحدیث، ج ۴، ص ۴۰۸؛ درباره وثاقت عیسی بن اعین، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۱۷۹؛

۴۲۷ . سیمای آفتاب،

حجت الاسلام دکتر طاهری، انتشارات زائر، ص ۲۷۷.

۴۲۸ . سیمای آفتاب، حجت الاسلام دکتر طاهری، انتشارات زائر، ص ۲۷۷ و ۲۷۸.

۴۲۹ . غیبت نعمانی، ص ۳۹۲، باب ۱۴، ح ۶۷.

درباره وثاقت این حدیث احمد بن محمد، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۹۶، احمد بن حسین، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۹۷، حسن بن محبوب، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۷۲، عمرو بن ابی القوام، جابر بن یزید جعفی، ج ۴، ص ۱۷.

۴۳۰ . غیبت نعمانی، ص ۳۷۲.

۴۳۱ . کافی، ج ۸، ص ۲۱۰؛ کمال الدین صدوق، ص ۶۵۰، ج ۲، عربی؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۲، باب ۱۴، ح ۹؛ غیبت طوسی، ص ۲۶۷ ناشر مکتبه بصیرتی قم، چاپ غدیر، مضمون روایت.

۴۳۲ . نگین آفرینش، ص ۱۵۷؛ غیبت نعمانی، ج ۱۳، ص ۲۶۴ ناشر مدین؛ تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ص ۶۵۳ ترجمه افتخارزاده.

۴۳۳ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۰ ۲۵۶.

۴۳۴ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵... و کتاب نشانه های شگفت آور آخرالزمان.

سفیانی

از علائم ظهور حضرت ولی عصر۷خروج سفیانی و یمانی و قتل نفس زکیه است . لطفاً آن را توضیح دهید.

پرسش

از علائم ظهور حضرت ولی عصر۷خروج سفیانی و یمانی و قتل نفس زکیه است . لطفاً آن را توضیح دهید.

پاسخ

سفیانی مردی است بد صورت و آبله رو. اسمش عثمان بن عنبسه و از اولاد یزیدبن معاویه است . وی از بیابانی بی آب و علف بین مکه و شام خروج می کند و پس از تصرف مناطق بزرگی مثل دمشق واردن و فلسطین و... به سمت بغداد و کوفه لشکرکشی می کند. او قتل و غارت و جنایات بسیار مرتکب می شودو در کوفه و نجف اشرف مردان بسیاری را به قتل می رساند. و در مدینه سه روز قتل عام و خرابی فراوان به بارمی آورد. فتنهء آن ملعون بیش از اندازه زیاد است , خصوصاً نسبت به شیعیان و دوستان علی بن ابی طالب ; حتی گوینده ای از طرف او فریاد می کند: هر کس سر یک نفر از دوستان علی بن

ابی طالب را بیاورد, مژدگانی زیادی خواهد گرفت . مردم هم به خاطر جیفهء دنیوی از حال یکدیگر گزارش می دهند.

او لشکری به سمت مکه می فرستد. وقتی آنها به سرزمین بیداء (واقع در مکه و مدینه) می رسند, ملکی ازجانب خدا به زمین امر می کند: همهء این جنایت کاران را در خود فرو بر! زمین همه را می بلعد, مگر دو نفر را که هر دو برادرند از طایفه جُهنیّه ; یکی به نام و دیگری . به مکه می رود و هلاکت لشکریان سفیانی را به حضرت امام زمان خبر می دهد و هم به شام می رود و سفیانی را از قدرت حضرت

می ترساند.

پس از شنیدن این خبر به جانب کوفه حرکت می کند و خرابی زیاد ایجاد می کند. وقتی حضرت امام زمان ۷وارد کوفه می شوند, آن ملعون به شام فرار می کند, ولی سربازان ولی اللّه الاءعظم او را در صخره ءبیت المقدس می کشند و سر نحسش را از بدنش جدا می سازند.(۱)

ابوسفیان به عنوان سر سلسلهء سفیانیان سمبل پلیدی است . غارتگری بود که با ربا و زورگویی و چپاول اموال مردم , ثروت های هنگفتی به چنگ آورده بود و از راه فریب توده های ستم کشیده و ترویج خرافات ودامن زدن به نظام طبقاتیِ جاهلی قدرت فراوانی داشت .

ابوسفیان به عنوان سردمدار شرک و سرمایه داری طاغوتی , هر نوع جنبشی را که از عدالت و برادری وآزادی دم می زد, دشمن می دانست و با قدرت تمام در برابر آن به مبارزه بر می خاست .

سفیانی , فردی است با این ویژگی ها که در برابر انقلاب جهانی حضرت مهدی خروج می کند.

بر این اساس در حقیقت سفیانی یک جریان است , نه یک شخص ;(۲) اما چنین توجیهی ملاک و دلیل خاصی

ندارد و نمی توانیم روایات را این گونه توجیه کنیم .

خروج یمانی :

یمانی , یکی از سرداران مردم یمن است که مردم را به حق و عدل دعوت می کند.

امام صادق ۷می فرمایند:< قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و در یک ماه و یک روز خواهدبود و در این میان هیچ پرچمی به اندازهء پرچم یمانی مردم را به حق و حقیقت هدایت نمی کند>.(۳)

قتل نفس زکیه :

نفس زکیه ; یعنی فرد بی

گناه , کسی که قتل انجام نداده و جرمی ندارد.

در آستانه ظهور مهدی ۷در گیرودار مبارزه های زمینه ساز انقلاب مهـدی ۷فردی پاکباخته و مخلص و باشخصـیت و مشهور, مخلصانه در راه امام ۷می کوشد و مظلومانه به قتل می رسد.

این شخص از فرزندان امام مجتبی ۷است که در روایات از او به عنوان و یادشده است .

امام باقر۷فرمود: .(۴)

(پاورقی ۱.شیخ عباس قمی , منتهی الاءمال , ج ۲ ص ۴۹۴و ۴۹۵

(پاورقی ۲.مجله حوزه , شماره ۴و ۵ سال دوازدهمآ ص ۲۴۸ ۲۵۰

(پاورقی ۳.همان , ص ۲۵۴

(پاورقی ۴.. مجله حوزه , ص ۲۵۵و ۲۵۶

آیا اسامه بن لادن یا اریل شارون همان سفیانی هستند؟

پرسش

آیا اسامه بن لادن یا اریل شارون همان سفیانی هستند؟

پاسخ

برای ما معلوم نیست. خدا را به حق حضـرت مهدی (ع) قسم می دهیم در ظهور حضرت تعجیل بفرماید و همه ما را از منتظران آن فرزانه قرار دهد و اعمال ما را مرضی حضرت و ما را مشمول دعای ایشان قرار دهد.

در پایان از شـما معلم عزیز و متدین می خواهیم دانش آموزان را به تقوا و خدا بیشتر دعوت کنید، زیرا که شـغل معلمی شـغل انبیا است. آن ها "ادعی الی الله" بودند و مردم را به سوی خدا و تقوا دعوت می کردند.

شاگردان شـما باید از اخلاق و رفتار شـما الگو بگیرند. سـعی کنید الگوی خوب و مناسبی برای آنان باشید. نکته دیگر این که نسبت به تقوا و درس آنان دلسوزی کنید.

تمـام همّ و کوششـتان این باشـد که دانش آموزان هم خوب درس بخواننـد و هم پـاک باشـند. برای تـک تـک دانش آموزان دلسوزانه نظـارت کنیـد و آن ها را به پاکی و خوب درس خوانـدن دعوت کنیـد و فرقی بین دانش آموزان نگذاریـد. دلسوزی

شما نسبت به همه یکسان باشد.

علائم سفیانی چیست؟

پرسش

علائم سفیانی چیست؟

پاسخ

از امیرالمؤمنین(علیه السلام) نقل شده که فرمودند: سفیانی فرزند هند جگر خوار از وادی یا بس (دره خشك) خروج می کند.

او مردی است چهارشانه و بدقیافه دارای سر بزرگ، برصورت او اثر آبله پیداست وقتی او را می بینی پنداری که یک چشم دارد نامش عثمان و پدرش عیینه (عنبسیه برخی گفته اند)است او از فرزندان ابوسفیان است وارد سرزمین قرار و معین (باآرامش و آبی گوارا) می شود و بر بالای منبر آنجا قرار می گیردو

برای شناخت تفصیلی سفیانی به کتاب عصر ظهور، ص ۱۱۶ به بعد از مراجعه فرمائید.

آقای بهلول درسفری که به سوریه داشتند فرمودند با فردی به نام سفیانی ملاقات کرده آیا می تواند این فرد همان باشد که در روایات ذکر شده است یا نه ؟

پرسش

آقای بهلول درسفری که به سوریه داشتند فرمودند با فردی به نام سفیانی ملاقات کرده آیا می تواند این فرد همان باشد که در روایات ذکر شده است یا نه ؟

پاسخ

ایشان با کسی به نام سفیانی(عثمان بن عنبسه) در سوریه دیدار کرده اند ولی خود ایشان اظهار داشته اند که مطمئن نیستند او دقیقا همان شخصی باشد که در روایات ذکر شده بلکه چه بسا صرفا یک تشابه اسمی باشد.{J

در بعضی از روایات در علائم آخر الزمان اسامی همانند سفیانی مفهومی ندارند در این رابطه توضیح فرمایید.

پرسش

در بعضی از روایات در علائم آخر الزمان اسامی همانند سفیانی مفهومی ندارند در این رابطه توضیح فرمایید.

پاسخ

نوشته اید اسامی ای مانند «سفیانی» در حال حاضر مفهومی ندارد؛ منظور از این که مفهوم ندارد چیست؟ این کلمه،نامی عربی است که علاوه بر مفهوم داشتن، مصادیق بسیاری هم در جهان عرب دارد و برخی از دارندگان این نام،افرادی معروف و سرشناسند. {J

خواستار اطلاعات در مورد سفیانی می باشم.

پرسش

خواستار اطلاعات در مورد سفیانی می باشم.

پاسخ

در روایت های متعددی یکی از نشانه های حتمی ظهور امام مهدی (عج)، خروج سفیانی ذکر شده است.(۱) نام وی عثمان بن عَنبَسه و از فرزندان ابوسفیان می باشد.(۲) وی دارای رویی سرخ، پوستی سفید و چشمانی زاغ می باشد.(۳) او از شهرهای روم (شاید مراد اروپای فعلی باشد) بپا می خیزد و بر گردن صلیب دارد.(۴) شاید او مسیحی یا مسلمان منحرفی باشد که دشمنی امیرالمؤمنین(ع) را به دل دارد. زیرا در برخی روایت ها آمده که وی در کوفه اعلام می کند هر که سر شیعه علی بن ابیطالب علیه السلام را بیاورد، هزار درهم جایزه می گیرد.(۵) امام صادق (ع) در روایتی، زمان خروج وی را ماه رجب می داند. خروج وی از آغاز تا انجام، ۱۵ ماه می باشد که ۶ ماه به نبرد می پردازد و ۵ مکان مهم: دمشق، حمص، فلسطین، اردن و حلب را اشغال می کند و ۹ ماه بر آن ها فرمان روایی می کند.(۶)

در بسیاری از روایت ها از نبردی در مکانی میان مکه و مدینه بنام «بیداء» خبر داده شده است که سپاه سفیانی با امام مهدی (عج) و لشکریانِ آغازینِ ایشان در آن مکان رو در رو می شوند و سپاه دشمن در زمین فرو می رود.

در روایتی آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام در تأویل آیه شریفه «ولَو تَری إذ فَزِعوا فَلافَوتَ»(۷) می فرمایند که لشکر سفیانی به مدینه می آیند تا به «بیداء» برسند، خدا آن ها را در زمین فرو می برد.(۸)

برای مطالعه بیشتر به کتاب تاریخ غیبت کبری و تاریخ ما بعد الظهور اثر شهید سید محمد صدر به ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده (پی نوشت شماره ۸) مراجعه فرمایید.

پی نوشت ها:

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه،

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ص ۶۵۰.

۲. همان، ص ۶۵۱.

۳. شیخ نعمانی، الغیبه، ترجمه جواد غفاری، چاپ اول، ۱۳۶۳، کتابخانه صدوق، تهران، ص ۴۳۵.

۴. شیخ طوسی، الغیبه، بصیرتی، قم، ص ۲۷۸.

۵. همان، ص ۲۷۳.

۶. شیخ نعمانی، الغیبه، ص ۴۲۶.

۷. سوره سبأ، آیه ۵۱.

۸. سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبری، ترجمه دکتر سید حسن افتخارزاده، نیک معارف، تهران، ۱۳۷۱، ص ۶۴۸.

سفیانی کیست؟

پرسش

سفیانی کیست؟

پاسخ

در روایات اهل بیت: سخن از خروج سفیانی به عنوان یکی از علایم حتمی ظهور حضرت مهدی (ع) به میان آمده است:

شیخ طوسی؛ به سندش از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "خروج سفیانی از علایم حتمی ظهور است".{پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۴۳۵. پاورقی}

از مجموعه روایات شیعه واهل سنّت به دست می آید که سفیانی، شخصی از معاندین است که به قصد مقابله با امام زمان (ع) برمی خیزد ودر سرزمینی به نام بیدا به امر خداوند با لشکریانش به زمین فروخواهند رفت.

مسلم به سند خود از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "شخصی به خانه خدا پناه می برد، آن گاه لشکری به سوی او فرستاده می شود، هنگامی که به "بیدا" رسیدند به زمین فروخواهند رفت".{پاورقی . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۷. پاورقی}

نعمانی نیز به سند خود ا ز امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "برای قائم پنج علامت است، از آن جمله خسف بیدا را بر می

شمارد".{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲. پاورقی}

نعمانی در جایی دیگر، از جمله علایم ظهور را خروج سفیانی وخسف بیدا می داند.{پاورقی . همان، ص ۲۶۴. پاورقی}

سید حسنی ویمانی و نفس زکیه و ...

علائم ظهور امام زمان ۷چند تا است و تا به حال چند علامت مشــخص شده است ؟ علایم ظهور حضرت صاحب الزمان بر دو قسم است : حتمی و غیر حتمی .

پرسش

علائم ظهور امام زمان ۷چند تا است و تا به حال چند علامت مشخص شده است ؟ علایم ظهور حضرت صاحب الزمان بر دو قسم است : حتمی و غیر حتمی .

پاسخ

بین مکه و مدینه با سپاه امام ۷برخورد می کند و به امر خدا, همهء لشکریان وی به جز چند نفر, در زمین فرو می روند و هلاک می شوند... به نظر می رسد, سفیانی فرد مشخصی نیست , بلکه فردی است با ویژگی های ابوسفیان که در آستانه ءظهور مهدی ۷ به طرفداری از باطل خروج می کند و مسلمانان را به انحراف می کشاند.

خروج یمانی (اهل یمن) از علایم ظهور است . سرداری از یمن قیام می کند و مردم را به حق و عدل دعوت می کند. امام صادق ۷می فرماید: .

بنابراین خروج یمانی , از نشانه های حتمی ظهور است , هر چند جزئیات و چگونگی قیام وی روشن نیست .

قتل نَفْس زکیه , از علایم ظهور است . گویا در آستانهء ظهور مهدی ۷در گیر و دار مبارزات زمینه ساز انقلاب مهدی ۷ فردی پاکباخته , مخلصانه در راه امام ۷می کوشد و مظلومانه به قتل می رسد. فرد یاد شده از اولادامام حسن مجتبی ۷است که در روایات گاهی از او به عنوان و سید حسنی یاد شده است .

از دیگر علایم , صیحهء آسمانی است . منظور از صیحهء آسمانی ظاهراً صدایی است که در آستانهء ظهورحضرت مهدی ۷از آسمان شنیده می شود و همهء مردم آن را می شنوند. از مجموع روایات استفاده می شود از نشانه های حتمی ظهور است و این صدا

از آسـمان شنیده می شود, به گونه که همهء مردم کرهء زمین درشرق و غرب آن را می شنوند و به خود می آیند. محتوای این پیام آسـمانی , دعوت به حق و حمایت و بیعت بامهدی ۷است , با تعبیرهای و . هم زمان با شـنیده شدن این صدااز آسمان و یا کمی پس از آن , در روی زمین نیز صـدایی شـنیده می شود. نـدا دهنـده شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند و تلاش می کنـد با ایجاد تردیـد در مردم . آنان را از حمایت مهـدی ۷و اجـابت دعوت آسـمانی , باز دارد. جبرئیل , مردم را به حق فرا می خواند و شیطان و نیروهای شیطانی و پیروان سفیانی به باطل .در برخی روایات زمان آن , شب جمعه **۲۳**ماه رمضان معیّن شـده است از دیگر نشـانه هـای ظهور خروج دجّال است . بر اساس آن چه از ظاهر اخبار اسـتفاده می شود, دجال فردی است که در آخر الزمان و پیش از قیام مهدی ۷خروج می کند و غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت انگیز, جمع زیادی از مردم را می فریبد وسرانجام به دست عیسی مسیح ۷در کنار دروازه در منطقه شام به هلاکت می رسد.

در آمدن پرچم های سیاه از خراسان نیز به عنوان نشانهء ظهور, در روایات ذکر شده است .

مضـمون این روایـات آن است که پیش از ظهور مهـدی ۷در منطقهء خراسان قـدیم (قسـمت های زیادی ازایران و افغانسـتان و ترکمنستان و تاجیکستان و ازبکستان) انقلابی بر پا می شود و مردم در حالی که پرچم های سیاه را

به اهتزاز در آورده اند, به حرکت در می آیند.

از دیگر نشانه های ظهور, کسوف در نیمهء ماه رمضان و خسوف در آخر یا اول همان ماه است . کسوف درروزهای نخست و روزه های آخر ماه و خسوف در روزهای میانی ماه , طبیعی و عادی است و در طول تاریخ بارها و بارها, رخ داده است و از نظر علمی , خسوف و کسوف در روزهای یاد شده , پدیدهء عادی به حساب می آید, ولی خورشید گرفتگی در وسط ماه یا ماه گرفتگی در اول و یا آخر آن , ظاهراً امری غیر عادی و رؤیت آن امکان ندارد.

فراگیری شدن جهان از ظلم و جور, از نشانه های معروف ظهور حضرت مهدی ۷به شمار می رود. درروایات است : خداوند به وسیلهء ظهور مهدی ۷زمین را پر از عدل و داد می سازد, پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. از حضرت مهدی ۷نقل است : نشانهء آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها وآشوب ها است .

گاهی نیز, زیاد شدن گناهان و مفاسد اخلاقی و اجتماعی در میان مسلمانان , به عنوان نشانه های نزدیک شدن ظهور, پیش گویی شده است . علامهء مجلسی در باب نشانه های ظهور, روایتی را از امام صادق ۷ورده که در آن بیش از یکصد نوع گناه و انحراف اخلاقی و اجتماعی و اعتقادی و فرهنگی که در دوران غیبت , دامن گیرجوامع اسلامی می شود, پیش گویی شده است , از جمله : رشوه خواری , قمار بازی , شراب خواری , زیاد شدن زنا, لواط,

قطع صلهء رحم , سنگ دل شدن مردمان , اهتمام مردم به شهوت و شکم , از میان رفتن شرم , نپرداختن خمس و زکات , کم فروشی , بی اعتنایی به اوقات نماز, آراستن مساجد به زیورآلات , گزاردن حج به انگیزه های مادی و برای غیر خدا, رعایت نکردن احترام بزرگترها, پیروی از ثروتمندان , صرف کردن سرمایه های عظیم درفساد و ابتذال و بی دینی , چاپلوسی و تملق گویی و... زیاد شدن این فسادها و آلودگی ها در میان مردم در واقع نوعی فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است . البته فساد و گناه , کم و بیش در میان مردم بوده , مهم , فراگیرشدن آن است , به گونه ای که بدی ها بر خوبی ها, ضد ارزش ها بر ارزش ها غلبه می یابد و لهیب آتش فساد وتباهی , دامن همه را می گیرد و جامعهء انسانی در باتلاق فساد و انحطاط فرو می رود.

یادآوری : سخن از زیاد شدن ظلم و جور و گناه و کم شدن افراد صالح است , نه این که همهء مردم کافر شوندیا هیچ طور فرد صالحی نباشد. در همان زمان که همه جا را تباهی فرا گرفته و ابرهای تیرهء گناه سایه افکنده ,افراد پاکباخته و متعهد و صالحی زمینهء قیام آن حضرت را آماده می سازند و در حمایت از آن منجی بزرگ , به جهاد بر می خیزند.

انقلاب حضرت مهدی ۷هم چون دیگر انقلاب ها بدون مقدمه و زمینه سازی به وجود نمی آید, بلکه درآستانهء ظهور, حرکت هایی پا می گیرد و زمینه را برای

ظهور آن حضرت فراهم می آورد. این سلسله قیام ها وانقلاب ها که از سوی حق پویان صورت می گیرد, بر اساس آن چه در برخی روایات آمده است زمینه را برای حرکت جهانی مهدی ۷آماده می کند. برخی روایات می گویند پیش از ظهور مهدی ۷حکومتی به رهبری یکی از صالحان که گمان می رود از فرزندان پیامبر باشد, در ناحیهء مشرق تشکیل می گردد و زمینهء ظهور را مهیامی سازد و این حکومت تا ظاهر شدن مهدی ۷و تسلیم آن به حضرت ادامه می یابد. بسیاری از نشانه ها که درروایات آمده است , بر انقلاب اسلامی ایران تطیق می کند, به ویژه در برخی روایات , به رهبر قیام که سیدی ازاولاد پیغمبر است و از قم قیام می کند و یاران او بدون ترس و واهمه در برابر طاغوت پایدارند, اشاره شده است , که همگی آن ها بر انقلاب اسلامی صدق می کند.

به هر صورت , در آستانهء ظهور مهدی , دولت هایی به حمایت از حق , روی کار می آیند و انقلاب هایی به حمایت از آن پا می گیرند و زمینه رابرای ظهور مهدی ۷آماده می سازند و این از نشانه های ظهور است .

از دیگر نشانه های ظهور, باران های پیاپی است که در سال ظهور زمین را آباد و سرسبز می کند و وضع مردم بهتر می شود.

جنگ های خونین و کشتارهای بزرگ نیز به عنوان نشانه های ظهور یاد شده است .

گویا این جنگ ها, بین اهل باطل بر سر رقابت های مادی و سیاسی روی می دهد که در نهایت بدون پیروزی هیچ

یک از دو گروه و پس از برجای گذاشتن انبوهی از کشته ها پایان می یابد. بروز چنین فاجعه های بزرگ , نتیجه ءطبیعی فساد و فراگیر شدن ظلم و جور است .

از جمله نشانه های ظهور که در روایات به آن اشاره شده , طلوع خورشید از مغرب است . وقوع چنین پدیده ای باعث در هم ریختن نظم و جهان می شود; از این رو گفته اند ظهور خورشید از مغرب کنایه از ظهور امام زمان ۷از غروبگاهش است .()

(پاورقی ۱.مجله حوزه , ویژه بقیّهالله الاعظم ۷ شماره ۷۰ ۷۱; بررسی نشانه های ظهور, ص ۲۲۳تا ۲۸۰ به اختصار.

شنیده ام قبل از ظهور امام زمان ۷دو سیّد حسنی و خراسانی قیام می کنند و این دو از یاران امام زمان ۷هستند. می گویند: این دو سیّد در قم زندگی می کنند. آیا این مطلب حقیقت دارد؟

پرسش

شنیده ام قبل از ظهور امام زمان ۷دو سیّد حسنی و خراسانی قیام می کنند و این دو از یاران امام زمان ۷هستند. می گویند: این دو سیّد در قم زندگی می کنند. آیا این مطلب حقیقت دارد؟

پاسخ

تا آن جایی که ما اطلاع داریم و در کتاب های مربوطه خوانده ایم دو نفر سیّد از علایم ظهور شمرده شده اند:

۱ پسر جوانی از آل محمد۶که کنار کعبه , بین رکن و مقام حضرت ابراهیم ۷شته می شود.

۲ سیّدی حسنی , که شاید از فرزندان امام مجتبی ۷اشد.

این سیّد بزرگوار از دیلم (قسمتی از گیلان ومازندران قدیم) و قزوین خروج می کند و جمعین زیادی او را یاری می نمایند, خصوصاً مردان شجاع و دلیری از طالقان .

آنان کم کم شهرها را یکی پس از دیگری فتح کرده و از لوث وجود ظالمان و فساق و ناپاکان پاک نموده و واردشهر کوفه می شوند. پس از ورود به کوفه به او خبر می دهند حضرت امام زمان ۷ظهور کرده و از مدینه وارد کوفه شده اند. سیّد حسنی به اتفاق اصحاب خود, خدمت حضرت می رسند و با او بیعت می نمایند.(۱)

امّا این که فعلاً ساکن شهر مقدس قم هستند, شایعه است و می خواهند بدین وسیله عقاید مردم را سست کنند.مطمئن باشید به این زودی نه سید حسنی خروج می کند و نه امام زمان ظهور می نماید.

(پاورقی ۱.محدث قمی , منتهی الآمال , ج ۲ ص ۳۳۷ با تلخیص .

یکی از نشانه های حتمی ظهور حضرت مهدی(عج) "خسف بیداء" است. در این خصوص توضیح دهید.

پرسش

یکی از نشانه های حتمی ظهور حضرت مهدی(عج) "خسف بیداء" است. در این خصوص توضیح دهید.

پاسخ

یکی از نشانه های ظهور امام زمان(ع) خسف در "بیداء" است. واژه خسف به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است.[۲] و بیداء نام سرزمینی است بین مکه و مدینه.

ظاهراً مقصود از خسف در بیداء آن است که پس از این که سفیانی با لشکری عظیم به قصد جنگ با مهدی (ع) عازم مکه می شود و در بین مکه و مدینه و در محلی که به سرزمین بیداء معروف است، به گونه اعجاز به امرا خداوند در دل زمین فرو می روند.[۳] این حادثه در بسیاری از روایات شیعی و سنی به عنوان نشانه های ظهور بیان شده و در شماری از آن ها به حتمی بودن آن تأکیده شده است.[۴]

امام علی(ع) فرمود: "مردی از خاندان من در سرزمین حرم قیام می کند، چون خبر ظهور وی به سفیانی می رسد، وی سپاهی از لشکریان خود را برای جنگ به سوی او می فرستد، ولی سپاه [مهدی] آنان را شکست می دهد، آن گاه سفیانی با لشکریان خود به جنگ وی می روند و چون از سرزمین بیداء می گذرند، در زمین فرو می روند و جز یک نفر، که خبر آنان را می آورد، همگی هلاک می شوند".[۵]

بیان این نکته ضروری است: گرچه حادثه خسف در منطقه بیداء و در خصوص لشکر سفیانی واقع می شود، ولی در برخی روایات، غیر از خسف در بیداء از خسف در مشرق و مغرب نیز یاد شده است[۶] و این حکایت از آن دارد که در سایر جاهای دیگر نیز

چنین حوادثی رخ می دهد و به عنایت خداوند دشمنان مهدی (ع) بدین وسیله نابود می گردند.

[۲]لسان العرب، ج ۹، ص ۶۷.

[۳]مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان، ص ۲۵۳.

[۴]همان.

[۵]تاریخ غیبت کبری، ص ۵۲۱، نقل از مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع)، ص۲۵۳ - ۲۵۴.

[۶]صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۴۲ - ۴۴۵.

در مورد سیّد خراسانی که لشکری را از مشرق زمین به طرف عراق جمع آوری می کندو با دشمنان حضرت مهدی(ع) می جنگد، توضیح دهید. آیا این شخص ایرانی است؟ آیا در خراسان زندگی می کند؟ آیا زنده است؟

پرسش

در مورد سیّد خراسانی که لشکری را از مشرق زمین به طرف عراق جمع آوری می کندو با دشمنان حضرت مهدی(ع) می جنگد، توضیح دهید. آیا این شخص ایرانی است؟ آیا در خراسان زندگی می کند؟ آیا زنده است؟

پاسخ

در منابع دینی خروج پرچم های سیاه از خراسان به عنوان نشانه ظهور بیان شده و در مورد آن روایاتی از معصومان(ع) رسیده است. مضمون این روایات آن است که پیش از ظهور مهدی(ع) در منطقه خراسان [شاید خراسان قدیم قسمت های زیادی از ایران، افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان] انقلابی بر پا می شود و مردم در حالی که پرچم های سیاه را به اهتزاز در آورده اند، به حرکت در می آیند.[۱]

ظاهراً پدیدار شدن این نشانه در آستانه ظهور و یا اندکی پیش از آن است، به گونه ای که در زمان ظهور، آنان نیز هستند و حضرت مهدی(ع) آنان را به سوی خویش فرا می خواند. امام باقر(ع) فرمود: "بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند. پس چون مهدی(ع) ظاهر شود، اینان را دعوت به بیعت می کند".[۲]

غیر از روایت فوق روایات دیگری نیز وجود دارد که نشان می دهد خروج پرچم های سیاه از خراسان قیامی است که در آینده در آستانه ظهور بر پا می شود. در حقیقت پرچم های سیاه را یاران مهدی(ع) به همراه خواهند آورد.

برخی احتمال داده اند که منظور از خروج پرچم های سیاه از خراسان، قیام ابومسلم خراسانی در سال ۱۳۲ هجری قمری علیه

حاکمیت هزار ماهه بنی امیّه است، که به از هم گسستن حکومت بنی امیه

و روی کار آمدن بنی عباس انجامید، ولی این احتمال بعید به نظر می رسدك چون قیام ابومسلم بیش از یک قرن قبل از تولد حضرت مهدی(ع) بوده است.[۳]

امام صادق(ع) فرمود: "خروج خراسانی، سفیانی و یمانی همزمان خواهد بود".[۴]

آنچه در روایت آمده، خروج خراسانی و پرچم های سیاه از خراسان است. امّا این که سید باشد و به نام سید خراسانی، در روایات مشخص نشده است و محلّ زندگی و وضعیت زنده بودن او مشخص نیست.

[۱] مجله حوزه (۷۰ - ۷۱) ویژه نامه حضرت مهدی(ع) ص ۲۶۸، به نقل از ینابیع الموده، ص ۴۳۱ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷ و کتاب الغیبه شیخ طوسی ص ۴۵۲.

[۲] همان.

[۳] همان.

[۴] همان، ص ۲۵۴، به نقل از کتاب الغیبه نعمانی، ۲۵۲.

در بعضی از روایات از علائم ظهور امام زمان(عج) خروج طالقانی و قمی و خراسانی بیان شده است؛ آیا این ها اتفاق افتاده؟ آیا سید حسنی و حسینی، مقام معظم رهبری می باشد؟ آیا علائم حتمیه و غیر حتمیه ظهور امام زمان واقع شده است؟

پرسش

در بعضی از روایات از علائم ظهور امام زمان(عج) خروج طالقانی و قمی و خراسانی بیان شده است؛ آیا این ها اتفاق افتاده؟ آیا سید حسنی و حسینی، مقام معظم رهبری می باشد؟ آیا علائم حتمیه و غیر حتمیه ظهور امام زمان واقع شده است؟

پاسخ

پیش از پاسخ لازم است به بیان مطلبی کوتاه به عنوان مقدّمه بپردازیم:

در آیین اسلام ظهور مصلح بزرگ در آخر الزمان و در شرایطی که بشر در آتش ظلم و فساد می سوزد، امری مسلّم است. در این میان مذهب شیعه از ظهور حضرت مهدی(عج) تفسیر روشنی ارائه داده و برای آن نشانه هایی را تحت عنوان "علائم ظهور" بیان کرده است.

تحقق هر یک از این نشانه ها نویدی برای نزدیکی ظهور حضرت قائم(عج) است، به گونه ای که با تحقق همه آن ها و به دنبال وقوع آخرین نشانه، حضرت مهدی(عج) ظهور خواهد کرد.

بنابراین پدیـدار شدن یکٔ یا چند نشانه، از مجموعه نشانه های ظهور چیزی به جز نزدیکٔ تر شدن ظهور را نمی رساند. ناگفته نمانـد که شـناخت دقیق تمـام علاـئم ظهور از جهت مصـداقی مشـکل است، پس هیـچ گاه نمی توان ادعا کرد که تمام علائم ظهور تحقق یافته است اما به طور قطع در تاریخ معیّنی حضرت مهدی(عج) ظهور خواهد کرد.

بر اساس روایات علائم ظهور به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) علائم حتمی؛ علامت هایی هسـتند که بـدون تردیـد پیش از ظهور حضـرت مهـدی(عـج) تحقق می یابد، همانند: فراگیر شدن ظلم و فساد و خروج سفیانی و دجال.

ب) علائم غیر حـ..ř..علامت هایی که ممکن است پیش از ظهور محقّق شوند و ممکن است محقّق نشوند؛ روایات در

این موارد صراحت ندارد.

بررسی مواردی که در پرسش آمده:

الف) خروج طالقانی: واژه "طالقانی" تحت عنوان یکی از خروج کنندگان پیش از ظهور مهدی آل محمّد(عج)، در روایات نیامده یا حداقل ما ندیدیم، آری در این زمینه آمده است: اشخاصی از طالقان که آمار آنان به بیست و چهار نفر می رسد، جزء یاران حضرت مهدی(عج) خواهند بود.

ب) خروج قمی: واژه "قمی" به عنوان یکی از کسانی که پیش از ظهور حضرت حجّت خروج خواهد کرد، در روایات دیده نمی شود؛ البته حدیثی به حضرت موسی بن جعفر(ع) نسبت داده شده که برخی، محتویات آن را با انقلاب اسلامی ایران و رهبری حضرت امام خمینی تطبیق داده اند.

متن روایت بدین شرح است: "مردی از اهل قم مردم را به راه حق فرا می خواند.

مردمی همانند تکه های محکم آهن که بادهای تند آنان را نمی لرزاند و از جنگ خسته نمی شوند و ترس به خود راه نمی دهند، گرد او جمع می شوند و به خدا توکّل می کنند".

ج) خروج خراسانی: در روایات خروج "خراسانی" به عنوان یکی از علائم ظهور وارد شده، اما او کیست و دارای چه ویژگی هایی می باشد؟ مطلب قابل توجهی در اختیار نیست؛ فقط در چند روایت به نحو اجمال از خراسانی و خروج او یاد شده است؛ از جمله:

۱ امام باقر(ع) فرمود: "به ناچار بنی فلان مدتی حکومت می کنند، پس از چندی میان آنان اختلاف می افتد و جمع آنان از هم می پاشد، آن گاه خراسانی و سفیانی، یکی از مشرق و دیگری از مغرب بر آنان خروج می کنند و همه را از میان بر می دارند و

حتی یک نفر از آنان باقی نمی مانند"؛ البته احتمال دارد که مقصود امام دولت عباسیان باشد.

۲ از امام باقر و صادق(ع) روایت شده است که: "خروج خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود".

د) سیّد حسنی یا حسینی: این عنوان نیز یکی از عناوین مبهم میان علائم ظهور است و تطبیق آن بر مصداقی خاص همانند مقام معظم رهبری(مدّظله العالی) امر روشنی نیست.

امام باقر(ع) در ضمن حدیثی که در بیان علائم آخر الزمان و نزدیکی ظهور حضرت حجّت(ع) است، فرمود: "کشته شدن جوانی از آل محمّد(ع) بین برکن و مقام که نام او "محمد بن الحسن نفس زکیّه" است". از حضرت صادق(ع) نیز روایت شده است: "بین قام حضرت قائم(ع) و قتل نفس زکیّه فقط پانزده روز فاصله است".

مفاد این گونه روایات این است که: سید حتی هنوز نیامده و قتل او باید در نزدیکی های ظهور حضرت مهدی(عج) باشد.

ه)وقوع یا عدم وقوع علائم حتمیّه و غیر حتمیّه.

شماری از حوادث اتفاق افتاده که به نظر می رسد جزء علائم ظهور باشند. آن حوادث عبارتند از: اختلاف میان امت اسلام، انقراض بنی عباس و از هم پاشیدگی حکومت آنان، جنگ های صلیبی، به راه افتادن پرچم های سیاه از ناحیه خراسان، خروج مغربی از مصر و تشکیل دولت فاطمیان، رها شدن کشورهای عربی از قید استعمار، بسته شدن پل روی دجله بین بغداد و کرخ و ... .

توجه به چند نکته لازم است:

۱ روشن نست که حوادث روی داده، همان حوادثی باشد که در روایات آمده است.

۲ خبر از وقوع امثال این حوادث بدین معنا نیست که

نشانه های حتمی ظهورند، بلکه همه یا بیشتر آنها، صرفاً رخدادهایی هستند که معصومان(ع) از وقوع آن ها خبر داده اند.

۳ بخشی از علائم حتمیّه همانند: خروج سفیانی، دجّال و صیحه آسمانی از علائم حتمیّه هستند که هنوز واقع نشده اند.

سید حسنی کیست، در کجا ظهور می کند و چگونه قیام می کند؟

پرسش

سید حسنی کیست، در کجا ظهور می کند و چگونه قیام می کند؟

پاسخ

سید حسنی از نسل امام حسن مجتبی(ع) است.

در برخی روایات قیام سید حسنی از نشانه های ظهور امام عصر(عج) ذکر شده است.

در یکی از روایات می خوانیم: "سید حسنی آن جوان زیبا از طرف سرزمین دیلم خروج کرده و با صدای رسا صدا می زند: ای آل احمد! دعوت آن کس را که از غیبتش متأسّف بودید، اجابت کنید. این صدا از ناحیه ضریح پیغمبر(ص) بلند می شود، پس گنج های خدا از طالقان او را پذیرا می شوند. آن ها گنج هایی هستند اما چه گنجی که نه طلا و نه نقره است، بلکه مردانی هستند که ایمانی فولادین دارند، و بر اسب های چابک سوار می شوند و اسلحه به دست گرفته و پی در پی ستمگران را کشته تا آن که وارد کوفه می شوند. در آن موقع اکثر روی زمین را از لوث وجود بی دینان صاف کرده اند.

آن ها کوفه را محل اقامت خود قرار می دهند. چون خبر ظهور حضرت مهدی(ع) به او (سید حسنی) و اصحابش می رسد، یارانش به او می گویند: ای پسر پیغمبر! این کیست که در قلمرو ما فرود آمده؟ سید حسنی می گوید: با من بیایید تا ببینم او کیست و چه می خواهد. به خدا قسم! سید حسنی می داند که او مهدی(ع) است و او را می شناسد، ولی برای این می گوید که به اصحابش بشناساند که او کیست. سید حسنی بیرون می آید تا به مهدی(ع) می رسد و از وی می پرسد: اگر تو مهدی(ع) ال محمّد هستی، عصای جدّت پیغمبر(ص) و انگشتر

و پیراهن و زرهش موسوم به "فاضل" و عمامه مبارکش به نام "کاب" و اسبش "یربوع" و شترش دو غضباء" و قاطرش "دلدل" و "یعفور" الاغش و اسب اصلیش "براق" و قرآنی که امیرمؤمنان(ع) جمع آوری کرده کجا است؟ حضرت مهدی(ع) تمام این ها را بیرون آورده، به سید حسنی نشان می دهد. آن گاه سید حسنی عرض می کند: اللّٰه اکبر! یابن رسول اللّٰه! دست مبارک را بده تا با شما بیعت کنم. مهدی(ع) هم دستش را دراز کرده و حسنی نخست خود، سپس سایر لشکریانش با آن حضرت بیعت می کنند. مگر چهل هزار نفر که قرآن ها را با خود دارند و معروف به "زیدیه" می باشند که از بیعت کردن امتناع می ورزند".(۱)

پی نوشت ها:

۱. مهدی موعود (ترجمه بحارالانوار) ص ۱۱۶۳.

با سلام و عرض ادب به ساحت امام عصر عج آیا نفس زکیه ای که در روایات در زمان ظهور مهدی موعود ع حضور دارد همان است که از اولاد امام حسن مجتبی می باشد؟

پرسش

با سلام و عرض ادب به ساحت امام عصر عج آیا نفس زکیه ای که در روایات در زمان ظهور مهدی موعود ع حضور دارد همان است که از اولاد امام حسن مجتبی می باشد؟

پاسخ

۱. کلمه نفس زکیه نام فرد معینی نیست بلکه این کلمه صفت است؛ یعنی: «جان پاک»؛ «نفس کامله». زکیه از «زَکی» به معنی پاکی، رشد و صلاح گرفته شده است. پس ابتدا باید دانست این کلمه اسم عَلَم برای فرد خاص نمی باشد.

چه این که در روایت ها گاه به امام سجاد(ع)(. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۳۵۲، ح ۸: «...إنّک أخبرتنی أن علی بن الحسین النفس الزکیه».)، امام کاظم(ع)(همان، ج ۴۸، ص ۱۱، ح ۷: «الامام موسی بن جعفر کنیته ابوالحسن الاول و... ویعرف بالعبد الصالح والنفس الزکیه».)، رسول خدا(ص)(عمادالدین طبری، بشاره المصطفی، کتابخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۳ ق، ص ۲۱۹: «...انطلق ذلک الملک الی قبر رسول الله(ص) فیقول: ایهاالنفس الزکیه...».)، امام حسن مجتبی(ع)(ابن ابی الحدید المعتزلی، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، (۱۴۰۴ ق)، ج ۳، ص ۳۰۸: «کان مشهوراً عندهم أن آیه قتل النفس الزکیه أن یسیل دم بالمدینه... مکتوب هذا قبر الحسن بن علی بن أبی طالب(ع)».) و نیز به یکی از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) که اولاد ششم از محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن می باشد(ر.ک: رضی الدین علی بن یوسف حلی، العدد القویه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، (۱۴۰۸ ق)، ص ۳۵۷.)؛ نفس زکیه گفته شده است.

اما نفس زکیه در روایات ظهور به ۳ فرد اطلاق شده است.

۱. نفس زکیه ای که بین رکن و مقام در مکه پیش از

قیام کشته می شود و جوانی از خاندان حضرت محŘ...ص) است: «وقتل غلامٍ من آل محمد(ص) بین الرکن والمقام اسمه مŘ...بن الحسن النفس الزکیه؛ و کشته شدن جوانی از خاندان محمد(ص) میانً رکن و مقŠ...اسمش محمد پسر حسن نفس زکیه است.»(علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲، ح ۷۸.)

او همان کسی است که بلافاصله پس از کشته شدنش قیام حضرت مهدی(عج) محقق می شود. زیرا در ادامه عبارت قبلی می گوید: «فعند ذلک خروج قائمنا؛ پس در همین هنگام قائم ما بپا می خیزد».(همان.)

۲. نفس زکیه ای که وزیر امام مهدی(عج) هنگام ظهور است و از اولاد امام حسین(ع) می باشد.(همان، ص ۲۲۳.)

۳. نفس زکیه ای که در اطراف کوفه به همراه هفتاد نفر کشته می شود ولی در روایت گفته نشده فرزند چه کسی است.

«وقتل النفس الزکیه بظَهر الکوفه فی سبعین؛ و کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه به همراه هفتاد نفر».(همان، ص ۲۷۳.)

ریشه این پرسش که نفس زکیه را از فرزندان امام حسن می دانند به فرقه جارودیه یکی از شعبه های زیدیه برمی گردد.

گروهی از این فرقه بر این باورند که «محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب(ع)» که معروف به نفس زکیه بوده است و به روزگار منصور عباسی قیام کرد و در سال ۱۴۵ ق. کشته شد، زنده است و در حال حکومت بر زمین است و او همان مهدی خواهد بود.(حسین کریمشاهی بیدگلی، فرهنگ موعود(عج) (اعلام)، ناصر، قم ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۷۰.)

آیا آقا سید حسنی هستند؟

پرسش

آیا آقا سید حسنی هستند؟

پاسخ

تطبیق آنچه در علائم ظهور آمده بر اشخاص کار صحیحی به نظر نمی رسد خصوصا اگر به صورت احتمال باشد و به صورت قطعی و جزمی نباشد.

حتمی بودن خروج خراسانی به عنوان نشانه ی ظهور معلوم نیست. افزون بر این در بعضی روایات خراسانی به عنوان ساقط کننده حکومت بنی عباس مطرح شده(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴.) که در این صورت بر ابومسلم خراسانی تطبیق می شود.

به هر صورت تطبیق خراسانی بر مقام معظم رهبری شاهد معتبری ندارد، علاوه بر این که شخصیت خراسانی برای ما معلوم نیست و در بعضی روایات یمانی برتر از آن معرفی شده استبحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

با سلام سید یمانی کیست؟ چه مشخصاتی دارد؟ اگر کسی چنین ادعایی کند از کجا به صدق یا کذب بودن اعای او پی ببریم.

پرسش

با سلام سید یمانی کیست؟ چه مشخصاتی دارد؟ اگر کسی چنین ادعایی کند از کجا به صدق یا کذب بودن اعای او پی ببریم.

پاسخ

۱. رویداد حرکت یمانی در روایات یکی از پنج نشانه معروف از رویدادهای پیش از قیام ولی عصر(عج)، بر شمرده شده است: «عن ابی عبدالله(ع) قال: خمس قبل قیام القائم من العلامات: الصیحه، و السفیانی، و الخسف البیدا، و خروج الیمانی، و قتل النفس الزکیه، امام صادق فرمود: از نشانه های پیش از قیام مهدی(عج)، پنج مورد است: صدایی از آسمان، خروج سفیانی، فرو رفتن زمین در بیابان، خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه (از نوادگان امام حسن مجتبی(ع)) . (صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۵۴، مکتبه الصدر، شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۹، مؤسسه النشر الاسلامی، محمد النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۵۲، مکتبه الصدوق)

۲. در روایات دیگر نیز از وی به عنوان اسب مسابقه دهنده نام برده شده است، از جمله: «عن ابی عبدالله(ع) انه قال: الیمانی و السفیانی کفرسی رهان؛ امام صادق(ع) فرمود: یمانی و سفیانی همانند دو اسب مسابقه هستند. (معجم احادیث الامام المهدی(عج)، ج ۳، ص ۴۷۸، مؤسسه المعارف الاسلامیه، محمد النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۰۵، مکتبه الصدوق) به نظر می رسد تشبیه سفیانی و یمانی به دو اسب مسابقه از دو جهت باشد، یا این که هر دو همزمان بر حضرت مهدی(عج) خروج می کنند، یا از آن روی که، هر دو درباره تصرف کوفه با یکدیگر به مسابقه می پردازند. (احمدی فهری زنجانی، ترجمه کتاب غیبت از نعمانی، ص ۳۵۹، دارالکتب الاسلامیه)

۳. درباره سفیانی به گونه ای در روایات اشاره شده

که، در رویارویی حرکت او با قیام حضرت مهدی(عج)، تردیدی باقی نمی گذارد و از جمله تعبیر به خروج سفیانی و نیز تشریح اقدامات او(معجم احادیث الامام المهدی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۸_۳۲۶)، ولی درباره حرکت یمانی چنین تعابیری در روایات دیده نشده و از اقدام او تنها به عنوان یکی از نشانه های پیش ظهور ولی عصر(عج) یاد شده است.

۴. با توجه به رویکرد یاد شده درباره سید یمانی، از سوی صاحب نظران اسلامی درباره وی و به استناد روایات، گمانه زنی هایی بیان شده است از جمله:

الف. وی پیش از ظهور امام مهدی(عج) آشکار شده و به هنگام ظهور آن حضرت(عج) از یاران وی قرار می گیرد. (همان، ص ۲۹۷)

ب. وی از خاندان زید بن علی بن الحسین بوده و در صنعا آشکار می شود. (همان)

۵. درباره سید یمانی، از سوی اهل سنت، روایات ناسازگاری بیان شده است از جمله: ظهور وی پیش از حضرت مهدی(عج) و ظهور وی پس از حضرت مهدی(عج)، وی خود حضرت مهدی (عج) است. (همان)

۶. با توجه به وجود نارسایی های فنی در احادیث مورد استناد اهل سنت و نیز روایاتی صحیح بر خلاف آن ها که خروج یمانی را مربوط به پیش از ظهور حضرت دانسته؛ وانگهی تنها قحطانی را بر حضرت منطبق نموده است، اشتباه بودن دو دیدگاه اخیر اهل سنت را آشکار می سازد.

مقصود از "نفس زکیه" که قبل از ظهور کشته خواهد شد کیست؟

پرسش

مقصود از "نفس زکیه" که قبل از ظهور کشته خواهد شد کیست؟

پاسخ

در روایات شیعه به علامتی قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) به عنوان "قتل نفس زکیه" اشاره شده است که بعد از این جنایت، حضرت ظهور خواهند کرد.

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: "لیس بین قیام قآئم آل محمّد وبین قتل النفس الزکیه إلّا خمسه عشر لیله"؛ "بین قیام قائم (ع) وکشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز {پاورقی . کمال الدین، ص ۶۴۹. پاورقی}

فاصله نیست."

شیخ مفید؛ می گوید: "از جمله علایم ظهور، کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه با هفتاد نفر از صالحین است".

{پاورقی . ارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸. پاورقی}

از برخی روایات، وجود نفس زکیه دیگری نیز استفاده می شود که مأمور تبلیغ از طرف امام زمان (ع) است که بین رکن ومقام به شهادت خواهد رسید.

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۱. پاورقی}

برخی ممکن است گمان کنند که نفس زکیه که در این روایات به شهادت آن اشاره شده همان محمد بن عبداللّه بن حسن بن علی بن ابی طالب است که در زمان منصور عباسی قیام کرد تا حق اهل بیت: را از ظالمان بستاند. ولی شواهد وقرائن موجود برخلاف این احتمال را دلالت دارد:

۱ - در برخی روایات اشاره به کشته شدن نفس زکیه بین رکن ومقام دارد، که محمّد بن عبداللّه بن الحسن در آن نقطه به شهادت نرسیده است.

۲ - مطابق برخی روایات بین ظهور حضرت وکشته شدن نفس زکیه پانزده شب فاصله است.

۳ - کشته شدن محمد بن عبداللّه بن الحسن قبل از ولادت حضرت مهدی (ع) بوده است ولذا نمی توان آن را

از علایم ظهور دانست.

۴ - محمد بن عبداللّه نیّت خالص از عملکرد خود نداشته است، ولذا بنابر نقل "مقاتل الطالبیین" ادعای مهدویت نمود وپدرش نیز او را بعد از زوال دولت بنی امیه وقبل از تأسیس دولت بنی عباس، به عنوان مهدی معرفی کرد.

{پاورقی . مقاتل الطالبیین، ص ۱۷۱. پاورقی}

۵ - در روایتی از امام صادق (ع) می خوانیم که فرمود: "بعد از کشته شدن نفس زکیه صاحب امر ظهور خواهد کرد". که در بعدیّت نزدیک ظهور دارد.

{پاورقی . کافی، ج ۸، ص ۲۲۵. پاورقی}

مقصود از صیحه وفزع آسمانی در علایم ظهور چیست؟

پرسش

مقصود از صیحه وفزع آسمانی در علایم ظهور چیست؟

پاسخ

این دو علامت در روایات به عنوان علایم ظهور حضرت مهدی (ع) معرفی شده است. از امام باقر (ع) در حدیثی نقل شده: "وإنّ من علائم خروجه... صیحه من السماء فی شهر رمضان"؛ "وهمانا از علایم خروج مهدی... حدوث صیحه ای در ماه رمضان است."

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۲۸، ح ۷. پاورقی}

از امام صادق (ع) در حدیثی نقل شده: "... والفزعه فی شهر رمضان... هی آیه تخرج الفتاه من خدرها، وتوقظ النائم وتفزع الیقظان"؛ "وفزعی در ماه رمضان حادث خواهد شد که زنان {پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲. پاورقی}

جوان را سراسیمه از پشت پرده ها بیرون می آورد وانسان خواب را بیدار وبیدار را به فزع وا می دارد."

امام زمان (ع) در توقیع خود به علی بن محمّد سَمَری فرمود: "...آگاه باش، هر کس قبل از خروج سفیانی وصیحه، ادعای مشاهده کند او دروغگو وافترا زننده است".

{پاورقی . احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۷. پاورقی}

در این روایات دو احتمال وجود دارد:

۱ – اینکه مقصود از صیحه وفزع همان ندایی باشد که از جبرئیل بلند می شود وهمه را به فزع می اندازد.

۲ – احتمال دیگر این است که مقصود از آن دو عذاب دنیوی وجنگ های جهانی باشد که به توسط بشر قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) تحقق می یابد، مانند انفجارهای اتمی در سرتاسر عالم در یک زمان، به این نحو که اصل این گونه انفجارها در اروپا وآمریکا وروسیه وچین تحقق می یابد به نحوی که همه را به جزع وفزع وا می دارد، ولی مسلمین از آن در امانند وتنها صدایش به گوش آنان می رسد.

مقصود از ندای آسمانی در علایم ظهور چیست؟

پرسش

مقصود از ندای آسمانی در علایم ظهور چیست؟

پاسخ

در این مورد سه دسته روایت وجود دارد:

۱ – روایاتی که دلالت بر وجود ندا به صورت اجمال دارد، واینکه این ندا از علایم حتمی ظهور حضرت مهدی (ع) است.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۶۴۹. پاورقی}

۲ – دسته دوم روایاتی است که دلالت بر دو گونه ندا دارد: یکی ندای به حقّ که در ابتدا پدید می آید، ودیگری ندای به باطل که بعد از آن است.

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۴. پاورقی}

۳ – در برخی از روایات نیز اشاره شده که ندا به اسم قائم است.

{پاورقی . کمال الدین، ص ۳۲۸، ح ۷. پاورقی}

با نظری به مجموع احادیث "صیحه وفزع وندای آسمانی" پی می بریم که تمام آنها به یک معنای مشترک اشاره دارند، گر چه با تعبیرهای مختلف آمده اند وبر این ادّعا می توان شواهدی اقامه نمود:

الف. صیحه وندا هر دو به جبرئیل نسبت داده شده است.

ب. وقت هر دو در یک زمان یعنی شب جمعه، بیست وسوم ماه رمضان معین شده است.

ج. آثار این دو یکسان بیان شده است.

دجال

منظور از دجّال که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام ظاهر می شود کیست؟

پرسش

منظور از دجّال که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام ظاهر می شود کیست؟

پاسخ

دجال از ریشه دجل به معنای بسیار دروغگوی حیله گر است.

خروج دجّال در منابع اهل سنت از نشانه های بر پایی قیامت دانسته شده، ولی در کتاب های روایی شیعه از نشانه های ظهور حضرت مهدی(ع) است.

آن چه از ظاهر اخبار استفاده می شود دجّال فردی است که در آخر زمان و پیش از قیام امام مهدی(ع) خروج می کند و غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت انگیز جمع زیادی از مردم را می فریبد.(۱)

بسیار بزرگ و تنومند است در سحر زبردست است، در پیش او کوه سیاهی است که به نظر مردم می آورد که کوه نان است و در پشت سر او کوه سفیدی است که از طریق سحر برای مردم به صورت آب های صاف جاری می نمایاند و فریاد می کند: "اولیائی انا ربکم الاعلی؛ دوستانم من پروردگار بزرگ شمایم".

شیاطین، ظالمان، منافقان، جادوگران، کفّار، فرزندان نامشروع اطراف او را گرفته و به انواع آلات لهو و لعب و ساز و... مشغول می شوند و با این کار بسیاری از انسان های ضعیف الایمان را منحرف می کنند. (۹)

البته در مورد دجّال صرف نظر از ویژگی های او چند احتمال وجود دارد:

۱- نام شخص معینی نیست، هر کسی که با ادعاهای پوچ و با توسّل به حیله گری و نیرنگ در صدد فریب مردم باشد دجّال است. این که در روایات از دجّال های فراوان سخن به میان آمده این احتمال را تقویت می کند.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: "قیامت بر پا نمی شود تا وقتی که مهدی(ع) از فرزندانم قیام کند و مهدی(ع) قیام نمی کند تا وقتی که شصت دروغگوی حیله گر خروج کنند".(۳)

۲- نام

فرد معینی است که به عنوان دجّال در دوره غیبت با همان ویژگی هایی که قبلاً متذکر شدیم خروج می کند و عده ای را منحرف می کند.

ظاهر بسیاری از روایات بیان گر این احتمال است.

۳- احتمال هم دارد دجال کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی باشد.

استکبار با ظاهری فریبنده مردم را به ویژه مسلمانان را می فریبد و با قدرت مادی، علمی و صنعتی که دارد مردم را مرعوب می کند و...(۴)

پی نوشت ها:

۱. مجله حوزه، شماره ۴ و ۵، سال دوازدهم، ص ۲۶۲.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۹۳.

۳. ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۱.

۴. برای اطلاع بیش تر می توانید از مجله حوزه شماره ۴ و ۵، سال دوازدهم که به صورت کتاب مستقل به نام چشم به راه مهدی چاپ شده، مراجعه کنید.

دجال کیست یا چیست ؟

پرسش

دجال کیست یا چیست ؟

پاسخ

دجال در لغت به معنای : بسیار دروغ گو, فریب دهنده و دروغ باف آمده است .(۱) و نیز در کتاب های مقدس و منابع دینیِ مسیحیان , آمده است ; یعنی دروغگو و حلیه گر.(۲)

آن گونه که معروف است , دجال را یکی از نشانه های ظهور حضرت صاحب الزمان یا ظهور قیامت دانسته اند. این نشانه در کتاب های اهل سنّت از نشانه های برپایی قیامت دانسته شده است , ولی در منابع روایی شیعه , از نشانه های ظهور.(۳)

در این که دجال شخص است یا قدرت استکباری و سیطرهء جهانی , تفسیرها و تعبیرها متفاوت است . آیا دجال دارای ویژگی

ها و صفات غیر عادی است ؟ آیا دجال شخص است یا جریان الحادی ؟

در مورد اصل دجال , صرف نظر از ویژگی های جسمانی او که آیا دارای یک چشم است یا چهره ای مهیب وترسناک دارد, چند احتمال وجود دارد:

۱ دجال نام شخص معیّنی نیست و هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس او با توسل به حیله گری و نیرنگ ,در صدد فریب مردم باشد, دجّال است . این که در روایات , از دجال های فراوان سخن به میان آمده است , این احتمال را تقویت می کند. پیامبر گرامی اسلام ۶فرمود: .

البته دجال مورد بحث ممکن است فردی باشد که سرآمد همهء دروغگویان و فریبکاران است .

۲ فردی معیّن و مشخص , به عنوان دجال در دورهء غیبت با همان ویژگی هایی که برای وی بیان شده , خروج کندو مردم را به انحراف کشاند. ظاهر بسیاری از روایات

بیانگر این احتمال است , ولی تقریباً هیچ کدام از این روایات سند معتبری که بشود بر آن اعتماد کرد ندارند.

اما احتمالات دیگری در معنا و تفسیر دجّال نقل کرده انـد که قابل اعتماد و اعتنا نیست , ولی با توجه به روایات زیاد در منابع عـامّه , اصل قضیهء دجال بعیـد نیست صحیح بشاد, لیکن تعریف و توضیحاتی که دربارهء اش گفته انـد,نمی توانـد درست باشـد, زیرا خروج دجـال , بـا اوصـافی که بـدان اشـاره کردیم , به صورت طبیعی , تقریبـاً غیر ممکن است و بیش تر به افسانه شباهت دارد تا واقعیت و معجزه .(۴)

این که هر کس دارای یک چشم باشد, پس حتماً دجال یا از وابستگان او است , صحیح نبوده و این تفکر کاملاًغلطی است .

(پاورقی ۱.فرهنگ فارسی معین , ج ۳ ص ۱۴۹۸

(پاورقی ۲.مجله حوزه , شماره ۷۰ ۷۱ ص ۲۶۶

(پاورقی ۳.همان , ص ۲۶۲

(پاورقی ۴.همان , با تلخیص و اضافه .

در برخی از روایات ، علائمی ماننـد خروج دجال برای ظهور امام زمان(ع) بیان شـده است. آیا بدون تحقق این نشانه ها امکان دارد حضرت ظهور کند؟

پرسش

در برخی از روایات ، علائمی ماننـد خروج دجال برای ظهور امام زمان(ع) بیان شـده است. آیا بدون تحقق این نشانه ها امکان دارد حضرت ظهور کند؟

پاسخ

در روایات برای ظهور امام زمان(ع) نشانه های متعـددی بیان شده است.(۱) برخی نشانه ها، علائم حتمی ظهور حضرت است؛ یعنی هر گاه این نشانه ها محقق شـد، ظهور امام زمان(ع) قطعی است. برخی از علائم ، نشان های غیر حتمی است که علاوه بر تحقق این نشانه شرایط و عوامل دیگر در تحقق ظهور امام زمان(ع) لازم است.

روایاتی که نشانه های ظهور امام زمان (ع) را بیان کرده اند، به دو دسـته صـحیح و قابل اسـتناد، یا روایات مجعول و ضـعیف و غیر قابل استناد تقسیم می شوند.

روایـاتی که قابـل اسـتناد بوده و در صـدد بیان نشان های حتمی ظهور امام زمان(ع) هسـتند، ظهور امام را منوط به تحقق نشانه

هـای حتمی نموده که معنای آن این است که بین ظهور امام زمان(ع) و تحقق نشانه ها رابطه بوده و بـدون تحقق آن شـرایط و علائم امام ظهور نمی کند.

اگر حضرت بدون نشانه های حتمی ظهور می کرد. معصومان(ع) نشانه را به عنوان علائم ظهور امام (ع) بیان نمی کردند، زیرا در این صورت، بیان علائم لغو خواهد بود، که لغویت با سـنت معصومان همخوانی ندارد. بر این اساس نمی توان گفت: بدون تحقق نشانه های حتمی ، امام (ع) ظهور می کند.

در میان نشانه ها شماری از آنها به عنوان "علائم حتمی ظهور" یاد شده اند.

منظور از نشانه های حتمی ، آن است که پدیدار شدن آن ها ، بدون قید و شرطی، قطعی و الزامی می خواهد

بود، به گونه ای که تا آن ها واقع نگردند، حضرت مهدی (ع) ظاهر نخواهد شد.

اگر کسی پیش از واقع شدن نشانه های حتمی، ادعای ظهور مهدی (ع) را بکند، ادعایی نادرست است.(۲)

برخی از روایات ضعیف و مجعول، نشانه های ظهور امام زمان(ع) را بیان کرده و تحقق ظهور امام را منوط به تحقق آن نموده اند. مرحوم علامه مجلسی در ذیل یکی از این احادیث می نویسد: " این روایت را ، با آن که متن آن تغییر یافته و اشتباه دارد و سند آن، به بدترین خلق خدا، عمر بن سعد که لعنت خدا بر او باد منتهی می گردد، آوردم، زیرا در برگیرنده اخباری از حضرت مهدی(ع) است، تا آن که اتفاق مخالف و موافق در مورد وی دانسته گردد."(۳) بر این اساس اگر امام زمان(ع) بدون تحقق نشانه هایی که در این دسته روایات بیان شده است، ظهور کند، بدان معنا نیست که حضرت بدون تحقق این نشانه ها ظهور نموده است، زیرا این نشانه اصولاً از علایم ظهور حضرت نبوده است، تا تحقق و عدم تحقق ظهور امام (ع) منوط به آن ها باشد.

از سوی دیگر اگر امام زمان(ع) با تحقق این دسته از علایم ظهور نمود، باز نمی توان گفت بین ظهور امام و این نشانه ها ارتباط وجود دارد و اصولاً این نشانه از علائم ظهور حضرت نبوده اند.

در برخی روایات، از تعیین وقت ظهور امام(ع) نهی شده است.(۴) و کسانی که وقت ظهور آن حضرت را تعیین نموده اند، کذاب خوانده شده اند. امام باقر(ع) فرمود: "کذب الوقاتون" . (۵) وقت قیام و خروج امام

معلوم نیست.(۶)

از این دسته روایات استفاده می شود ظهور و عدم ظهور امام (ع) از اسرار الهی بوده و توسط خداوند تعیین می شود، و مانند علم به قیامت، منحصر به خداوند دانسته شده است. از این رو دقیقاً نمی توان گفت حضرت کِی و با چه شرایطی ظهور می کند. ممکن است خداوند صلاح دانسته، غیبت حضرت را به رغم فراهم شدن شرایط به تأخیر اندازد. از سوی دیگر ممکن است به رغم آن که شرایط فراهم نشده، خداوند در ظهور حضرت تعجیل کند. از ظاهر روایات استفاده می شود ، آن است که ظهور حضرت منوط به تحقق نشانه ها است.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲ ، ص ۱۸۰ به بعد؛ ارشاد مفید، ج۲ ، ص ۳۶۶.

۲. مجله حوزه ، ویژه امام زمان(ع) ، ش ۷۰ ۷۱ ، ص ۲۴۰، با تلخیص.

۳. همان، ص ۲۳۴، با تلخیص.

۴. صافی گلپایگانی ، منتخب الأثر ، ص ۵۷۳.

۵. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳.

۶. شیخ طوسی ،کتاب الغیبهْ، ص ۴۲۵.

دجال کیست؟

پرسش

دجال کیست؟

پاسخ

دجال از ریشه "دجل" به معنای دروغ گو و حیله گر است. از ظاهر روایات اسلامی استفاده می شود دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام حضرت مهدی(عج) خروج می کند. مردی که دارای یک چشم و از مادری یهودی و با ظاهری غیر عادی است. وی با انجام کارهای شگفت انگیز جمع زیادی را فریب می دهد و در یک دوره چهل روزه یا چهل ساله دنیا را پر از ظلم و جور می کند. این فرد سرانجام به دست حضرت عیسای مسیح به هلاکت می رسد.(۱)

از پیامبر(ص) روایت شده است که امت من به چهار فتنه گرفتار می گردد که چهارمین آن فتنه دجال است.(۲)

آیا دجال نام شخص است یا یک جریان انحرافی؟

در این مورد چند احتمال وجود دارد:

۱ - ممکن است دجال نام فرد معیّنی نباشد، بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با توسل به حیله ها و نیرنگ ها درصدد فریب مردم برآید در همین راستا است که در روایات آمده است که قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) کذاب ها و دجال های متعددی خروج خواهند نمود.(۳)

۲ - احتمال دارد فردی معیّن به عنوان دجال در دوره غیبت با ویژگی هایی که برای او بیان شد، خروج کند و مردم را به انحراف بکشاند.

۳ - ممکن است مراد از دجال، سفیانی باشد؛ یعنی فردی با ویژگی های ابوسفیان، یا از نسل ابوسفیان قیام کند و جهان را به آشوب و فساد بکشاند. این فرد در کتاب های اهل سنت بیش تر به عنوان دجال و در کتاب های

شیعه بیش تر به عنوان سفیانی یاد شده است.

۴ - ممکن است دجال کنایه از فرهنگ غلط و منحرف کننده

و یا هر ابزاری که موجب آن شود، یا مقصود کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد.

برای اطلاع بیش تر در این زمینه می توانید به کتاب "چشم به راه مهدی(ع) بحث مربوط به "بررسی نشانه های ظهور" مراجعه نمایید.

پی نوشت ها:

۱ – فصلنامه حوزه، ش ۷۱ – ۷۰، ص ۲۶۲؛ مصاحب، دائرهالمعارف فارسی، ح ۱، ص ۹۲۱.

۲ – کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۱۶۳، خ ۳۱۰۴۹.

۳ – بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱؛ کنزالعمال، ح ۱۴، ص ۲۰۰.

آیا سفیانی همان دجال است که قبل از حضرت مهدی حکومت می کند؟

پرسش

آیا سفیانی همان دجال است که قبل از حضرت مهدی حکومت می کند؟

پاسخ

پاسخ را در جواب سؤال دوم اشاره نمودیم. در مورد سفیانی، در روایات اسلامی آمده است که پیش از قیام حضرت مهدی(ع) مردی از نسل ابوسفیان خروج می کند و با تظاهر به دین داری گروه زیادی از مسلمانان را فریب می دهد. در برخی از روایات آمده است که نام وی عثمان بن عنبه و از خاندان ابوسفیان است. برخی این احتمال را که سفیانی نام فردی خاص نیست، بلکه نام یک جریان انحرافی و الحادی است ترجیح داده اند؛ یعنی در حقیقت ابوسفیان به عنوان سرسلسله سفیانیان سمبل پلیدی است. او غارتگری بود که با رباخواری، زورگویی و چپاول اموال مردم، ثروت های هنگفتی به چنگ آورد و از راه فریب و استعمار توده های ستم کشیده و ترویج خرافات و دامن زدن به نظام طبقاتی جاهلی، قدرت فراوانی به دست آورد.

با توجه به ویژگی های مذکور در مورد سفیانی، ممکن است گفته شود: سفیانی دجال است که در بیش تر روایات اهل سنت به عنوان دجال و در بیش تر روایات شیعه، با عنوان سفیانی از وی تعبیر شده است.

برای توضیح بیش تر به کتاب چشم به راه مهدی بحث مربوط به نشانه های ظهور مراجعه نمایید.

آیا جرج بوش همان دجالی است که به دست امام زمان(عج) کشته می شود؟

پرسش

آیا جرج بوش همان دجالی است که به دست امام زمان(عج) کشته می شود؟

پاسخ

جرج بوش کارهای شیطانی و دجال گونه انجام می دهد، ولی همان دجال نیست که خروجش از نشانه های امام زمان(ع) می باشد.

در مورد دجال از ظاهر روایات استفاده می شود او فردی است که در آخرالزّمان و پیش از قیام مهدی(ع) خروج می کند و غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت انگیر جمع زیادی از مردم را فریب می دهد و سرانجام به دست حضرت عیسای مسیح(ع) به هلاکت می رسد.

آیا دجال یک فرد است، یا یک جریان الحادی، نمی توان به طور یقین قضاوت نمود. در این باره مطالبی به پیوست ارسال می گردد.

دجال از ریشه "دجل" به معنای دروغ گو و حیله گر است. از ظاهر روایات اسلامی استفاده می شود دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام حضرت مهدی(عج) خروج می کند. مردی که دارای یک چشم و از مادری یهودی و با ظاهری غیر عادی است. وی با انجام کارهای شگفت انگیز جمع زیادی را فریب می دهد و در یک دوره چهل روزه یا چهل ساله دنیا را پر از ظلم و جور می کند. این فرد سرانجام به دست حضرت عیسای مسیح به هلاکت می رسد.(۱)

از پیامبر(ص) روایت شده است که امت من به چهار فتنه گرفتار می گردد که چهارمین آن فتنه دجال است.(۲)

آیا دجال نام شخص است یا یک جریان انحرافی؟

در این مورد چند احتمال وجود دارد:

۱- ممکن است دجال نام فرد معیّنی نباشد، بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با توسل به حیله ها و نیرنگ ها درصدد فریب مردم برآید. در همین راستا است

که در روایات آمده است که قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) کذاب ها و دجال های متعددی خروج خواهند نمود.(۳)

۲- احتمال دارد فردی معیّن به عنوان دجال در دوره غیبت با ویژگی هایی که برای او بیان شد، خروج کند و مردم را به انحراف بکشاند.

۳- ممکن است مراد از دجال، سفیانی باشد؛ یعنی فردی با ویژگی های ابوسفیان، یا از نسل ابوسفیان قیام کند و جهان را به آشوب و فساد بکشاند. این فرد در کتاب های اهل سنت بیش تر به عنوان دجال و در کتاب های

شیعه بیش تر به عنوان سفیانی یاد شده است.

۴- ممکن است دجال کنایه از فرهنگ غلط و منحرف کننده و یا هر ابزاری که موجب آن شود، یا مقصود کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد.

برای اطلاع بیش تر در این زمینه می توانید به کتاب "چشم به راه مهدی(ع) بحث مربوط به "بررسی نشانه های ظهور" مراجعه نمایید.

پی نوشت ها:

۱- فصلنامه حوزه، ش ۷۱ - ۷۰، ص ۲۶۲؛ مصاحب، دائرهالمعارف فارسی، ح ۱، ص ۹۲۱.

۲- کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۱۶۳، خ ۳۱۰۴۹.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱؛ کنزالعمال، ح ۱۴، ص ۲۰۰.

با توجه به روایات، آیا می توانند اشخاصی مانند صدام و بوش، همان دجال و سفیانی باشند؟(پ)

پرسش

با توجه به روایات، آیا می توانند اشخاصی مانند صدام و بوش، همان دجال و سفیانی باشند؟(پ)

پاسخ

در مورد دجال از ظاهر روایات استفاده می شود او فردی است که در آخرالزّمان و پیش از قیام مهدی(ع) خروج می کند و غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت انگیز جمع زیادی از مردم را فریب می دهد و سرانجام به دست حضرت عیسای مسیح(ع) به هلاکت می رسد.

آیا دجال یک فرد است، یا یک جریان الحادی، نمی توان به طور یقین قضاوت نمود. دجال از ریشه "دجل" به معنای دروغ گو و حیله گر است. از ظاهر روایات اسلامی استفاده می شود دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام حضرت مهدی(عج) خروج می کند. مردی که دارای یک چشم و از مادری یهودی و با ظاهری غیر عادی است. وی با انجام کارهای شگفت انگیز جمع زیادی را فریب می دهد و در یک دوره چهل روزه یا چهل ساله دنیا را پر از ظلم و جور می کند. این فرد سرانجام به دست حضرت عیسای مسیح به هلاکت می رسد.(۱)

از پیامبر(ص) روایت شده است که امت من به چهار فتنه گرفتار می گردد که چهارمین آن فتنه دجال است.(۲)

آیا دجال نام شخص است یا یک جریان انحرافی؟

در این مورد چند احتمال وجود دارد:

۱- ممکن است دجال نام فرد معیّنی نباشد، بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با توسل به حیله ها و نیرنگ ها درصدد فریب مردم برآید. در همین راستا است که در روایات آمده است که قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) کذاب ها و دجال های متعددی خروج خواهند نمود.(۳)

۲- احتمال دارد فردی معیّن به عنوان دجال در

دوره غیبت با ویژگی هایی که برای او بیان شد، خروج کند و مردم را به انحراف بکشاند.

۳- ممکن است مراد از دجال، سفیانی باشد؛ یعنی فردی با ویژگی های ابوسفیان، یا از نسل ابوسفیان قیام کند و جهان را به آشوب و فساد بکشاند. این فرد در کتاب های اهل سنت بیش تر به عنوان دجال و در کتاب های

شیعه بیش تر به عنوان سفیانی یاد شده است.

۴- ممکن است دجال کنایه از فرهنگ غلط و منحرف کننده و یا هر ابزاری که موجب آن شود، یا مقصود کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد.

برای اطلاع بیش تر در این زمینه می توانید به کتاب "چشم به راه مهدی(ع) بحث مربوط به "بررسی نشانه های ظهور" مراجعه نمایید.

پی نوشت ها:

۱- فصلنامه حوزه، ش ۷۱ - ۷۰، ص ۲۶۲؛ مصاحب، دائرهالمعارف فارسی، ح ۱، ص ۹۲۱.

۲- کنزالعمال، ج ۱۱، ص ۱۶۳، خ ۳۱۰۴۹.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۱؛ کنزالعمال، ح ۱۴، ص ۲۰۰.

علت اینکه خداوند متعال چنین قدرتی به دجال داده است چیست؟

پرسش

علت اینکه خداوند متعال چنین قدرتی به دجال داده است چیست؟

پاسخ

دوست گرامی در پاسخ به سؤال شما نکاتی را عرض می کنم.

۱ براساس آنچه از ظاهر اخبار استفاده می شود، دجال فردی است که در آخر الزمان و پیش از قیام امام مهدی (عج) خروج می کند و غیر عادی است.

۲ دجال به معنای دروغگوی حیله گر است و بنابر روایات در تمامی دوره ها دجال وجود دارد و آنکه در دروغگویی و حیله گری و مردم فریبی سرآمد همه دجالان است و فتنه او از همه بزرگتر است، نشانه ظهور امام زمان (عج) است.

۳ ممکن است دجال فرد معینی نباشد بلکه یک جریان الحادی باشد.

بطور مثال آمریکا مصداق بارز یک دجال است که با اسم حقوق بشر و آزادی به کشتار در سراسر دنیا و تسلط بر منابع حیاتی ملتها اقدام می کند. در هر صورت ما بدنبال تعیین اینکه چه کسی دجال است نیستیم ولی این موضوع از احتمالاتی است که محققان به آن اشاره کرده اند.

۴ اهل بیت علیهم السلام در روایات، خبر وجود چنین افراد یا گروههایی را به ما داده اند تا با هوشیاری کامل به استقبال چنین حوادثی برویم و در دام شیادان گرفتار نشویم.

۵ در روایتی تأکید شده است: "هر پیامبری، امت خویش را از خطر دجال بر حذر داشته". این نشان می دهد که دجالها در امتهای مختلف تا سر حد انحراف امتها پیش رفته اند اما در نهایت به خاک مذلت افتاده آند و با رسوایی تمام شکست خورده اند.

۶ دنیا، دار اختیار است و خداوند به همه انسانها امکان دستیابی به قدرت، ثروت، شهرت، علم و ... را داده است. به این ترتیب راه آزمون برای انسانها

گشوده شده است. دجالها، مستکبران، ظالمان، همه می توانستند از امکاناتی که خداوند در اختیار آنها گذاشته است برای سعادت خود و بشر بهره برداری کنند اما آنها در آزمون الهی شکست خورده اند: همانطور که بسیاری از انسانهای عادل و نیک به این قدرتها دست یافته اند.

پس اینکه خداوند به آنها قدرت داده، بخشی از نظام حکیمانه و عادلانه الهی است. مثلاً امیر مؤمنان (ع) سالها بر نیمی از دنیا حکومت می کردند و امروز به برکت قیام امام خمینی (ره) قدرت اول جهان اسلام، ایران است. پس ما هم در معرض این آزمون خداوند هستیم اگر دچار هوای نفس نشویم با اهل بیت (ع) خواهم بود و اگر ظلم و ستم کنیم، جزو دار و دسته دجالها هستیم و این یعنی آزادی بشر در انتخاب مسیر سرنوشت خود.

منابع و مآخذ :

با وجود روایات زیاد در مورد خروج دجال و سفیانی , چگونه ممکن است مردم با آنها همراه شوند؟

پرسش

با وجود روایات زیاد در مورد خروج دجال و سفیانی , چگونه ممکن است مردم با آنها همراه شوند؟

پاسخ

}اگر اندکی به تاریخ بنگریم، خواهیم دید که در برابر پیامبران الهی (با وجود معجزات و دلایل روشن) عده ای لجاجت به خرج داده اند و به خاطر منافع خود و یا هوس های دیگر با ایشان به جنگ و جدال پرداخته و چه بسا خون آنان را بر زمین ریخته اند. در آخرالزمان نیز موضوع به همین صورت است. حتی در برخی از اخبار وارد شده که عده ای از علمای دین نیز با آن حضرت مخالفت خواهند کرد. دجال نیز مظهر تمامی قدرت ها و شیطان هایی استکه حکومت حق الهی را بر زمین نمی پذیرند. از همین رو از سر جنگ با حضرت درمی آیند و نهایتا شکست می خورند. بنابراین در آن زمان نیز انسان، انسان است و فضای انتخاب باز است. از همین رو دنیاپرستان و... به رویارویی با حضرت اقدام خواهند کرد و طبیعی است عده ای نیز با آنان همراه خواهند شد. در این جا بعضی نظریات در مورد دجال که در کتاب دادگستر جهان، ابراهیم امینی آمده است برای شما نقل می کنیم:

جلالی: خروج دجال را یکی از علائم الظهور می شمارند و او را چنین توصیف می نمایند: مردی است کافر، یک چشم بیش ندارد آن هم در پیشانیش واقع شده و مانند ستاره ای می درخشد، در پیشانی وی نوشته: کافر است به طوری که هر باسواد و بی سواد آن را می خواند. کوهی از طعام و نهری از آب همیشه با او است. بر الاغ سفیدی سوار می شود که هر گامش یک میل راه است. آسمان به دستور وی باران می دهد و زمین گیاه

می رویانـد، اختیار گنـج هایزمین با او است. مرده را زنـده می کنـد، با صـدایی که تمام جهانیان می شـنوند نـدا می کنـد: من خدای بزرگ شما هستم که شما را آفریده روزی می رسانم، به سوی من بشتابید.

می گوینـد: در زمـان پیغمبر اکرم(ص) موجود بوده و نـامش عبـدالّله یا صائـدبن صـید است. پیغمبر اکرم(ص) و اصـحابش به قصد دیدار به خانه اش رفتند او مدعی خدایی بود. عمر خواست به قتلش برساند ولی پیغمبر(ص) مانع شد. تاکنون زنده اسـت و در آخرالزمان، از شـهر اصفهان قریه یهودیه خروج خواهد کرد، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳ تا ۱۹۷ و صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۴۶ تا ۸۷ و سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۲).

از قول تمیم الداری که ابتداء نصـرانی بوده و در سـنه نهم هجری اسـلام آورده، حکایت کرده اند که گفته است: من دجال را در یکی از جزائر مغرب دیدم که در غل و زنجیر بود، (صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۷۹ و سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۴).

هوشـیار: دجـال را به زبان انگلیسـی انتی کریست (Antichrist) گوینـد یعنی ضد یا دشـمن مسـیح. کلمه دجال نام شـخص معینی نیست بلکه در لغت عرب هر دروغگو و حیله بازی را دجال نامند. در کتاب انجیل هم لفظ دجال زیاد دیده می شود.

در رساله اول یوحنا نوشته است: دروغگو کیست، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند، آن دجال است که پدر و پسر را انکار می نماید، (رساله یوحنا، باب ۲، آیه ۲۲). باز در همان رساله می نویسد: شـنیده اید که دجال می آید الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده اند، (رساله اول، باب ۲، آیه ۱۸). در همان رساله می گوید: و هر روحی که

عیسی مجسم شده را انکار کند از خدا نیست و این است روح دجال که شنیده اید می آیدو الان هم در جهان است، (رساله اول یوحنا، باب ۴، آیه ۳).

در رساله دوم یوحنا نوشته است: زیرا گمراه کنندگان بسیار به دنیا بیرون شدند که عیسی مسیح ظاهر شده در جسم را اقرار نمی کنند، آن است گمراه کننده و دجال، (رساله دوم یوحنا، آیه ۷).

از آیات انجیل استفاده می شود که: دجال به معنی دروغگو و گمراه کننده است و استفاده می شود که: داستان خروج دجال و زنده بودنش، در آن زمان هم در بین نصاری شایع بوده و در انتظار خروجش بوده اند. ظاهرا حضرت عیسی(ع) خروج دجال را خبر داده و مردم را از فتنه اش بر حذر می داشته است، لذا نصاری در انتظارش بوده اند و به احتمال خیلی قریب، دجال موعود حضرت عیسی، همان مسیح کاذب و دجالی بوده که در حدود پنج قرن بعد ازعیسای مسیح ظاهر شد و به دروغ ادعای پیغمبری نمود و او است که به دار آویخته شد نه مسیح پیغمبر، (در موضوع تعدد وجود مسیح رجوع شود به تفسیر المیزان، ج ۳ و کتاب «تاریخ و تقویم در ایران»).

می فرمود: تمامی پیامبرانی که بعد از نوح مبعوث شدند قوم خویش را از فتنه دجال می ترسانیدند، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۷). «عن ابی هریره قال؛ قال رسول اللّه ص): لاتقوم الساعه حتی یخرج ثلاثون دجالون کلهم یزعم انه رسول اللّه ؛ پیغمبر(ص) فرمود: قیامت بر پا نشود تا این که سی نفر دجال که خود را پیغمبر می پندارند ظاهر شوند{M، (سنن ابی داود، ج ۲).

علی(ع) فرمود: از دو دجالی که از اولاد فاطمه به

وجود می آیند برحذر باشید. دجالی هم از دجله بصره خروج می کند که از من نیست و او مقدمه دجالهاست، (ترجمه الملاحم والفتن، ص ۱۱۳).

پیغمبر(ص) فرمود: قیامت برپا نمی شود تا این که سی نفر دروغگو و دجال ظاهر شوند و برخدا و رسولش دروغ بندند، (سنن ابی داود، ج ۲). پیغمبر(ص) فرمود: پیش از خروج دجال، متجاوز از هفتاد نفر دجال ظاهر خواهند شد، (مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۳۳). از احادیث مذکور نیز استفاده می شود که دجال نام شخص معینی نیست و به هر دروغگو و گمراه کننده ای اطلاق می شود.

خلاصه: ریشه داستان دجال را باید در کتاب مقدس و در بین نصاری پیدا کرد. بعد از آن، اکثر احادیث آن و تفصیلاتش در کتب اهل سنت و به طرق آنها است. به هر حال اصل قضیه دجال به طور اجمال، بعید نیست صحت داشته باشد لیکن تعریفات و توصیفاتی که درباره اش شده مدرک قابل اعتمادی ندارد (زیرا مدرک عمده آن تصویفات، دو حدیثی است که در کتاب بحارالانوار و کتب دیگر نوشته شده است، به این سند: «محمد بن عمر بنعثمان بهذا الاسناد عن مشایخه عن ابی یعلی المصولی عن عبدالاعلی بن حماد عن ایوب عن نافع عن ابن عمر عن رسول اللّه و حدیث دیگر: الطالقانی عن الجلودی عن الحسین بن معاذ عن قیس بن حفص عن یونس بن ارقم عن ابی سیار الشیبانی عن الضحاک بن مزاحم عن نزال بن سبره عن علی». بر دانشمندان پوشیده نیست که سند این دو حدیث قابل اعتماد نیست زیرا مامقانی درباره محمد بن عمربن عثمان می نویسد: مجهول الحال است و درباره نافع نوشته:غلام ابن عمر می باشد

و گمراه و گمراه کننده بوده است و درباره عمر نوشته: احوالش معلوم نیست و درباره ضحال بن مزاحم نوشته: مدرکی که او را از نیکان قرار دهد نیافتیم. و درباره نزال بن سبره نوشته: احوالش معلوم نیست). پس بر فرض این که اصل قضیه دجال صحت داشته باشد اما بدون تردید با افسانه هایی آمیخته شده و صورت حقیقی خود را از دست داده است. می توان چنین گفت: در آخرالزمان و نزدیک ظهور حضرت صاحب الامر(عج)شخصی پیدا خواهد شد که در دروغگویی و حقه بازی سرآمد اقرانش می باشد و در دروغگویی بر تمام دجالهای گذشته برتری دارد، با ادعاهای پوچش گروهی را گمراه می کند. چنین جلوه می دهد که: حیات و آب و نان مردم به دست اوست. مردم به طوری اغفال می شوند که گمان می کنند: آسمان و زمین در اختیار اوست. در دروغگویی کارش به جایی می رسد که کارهای خوب را بد و کارهای بد را خوب معرفی می کند. بهشت را جهنم و جهنم را بهشت جلوهمی دهد. لیکن کفرش بر هر بی سواد و باسوادی واضح است. لیکن دلیل معتبری نداریم که صائدبن صید، دجال موعود و از زمان رسول خدا تا حال زنده باشد زیرا علاوه بر این که سند حدیث ضعیف است، پیغمبر(ص) درباره دجال فرمود: داخل مدینه و مکه نمی گردد در صورتی که صائدبن صید در این دو شهر وارد شده در مدینه وفات نمود و گروهی از مردم شاهد مرگش بودند، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۹) بر فرض این که پیغمبر اکرم(ص) صائدرا دجال نامیده باشد، دجال لغوی یعنی دروغگوست نه دجال موعود از علائم الظهور. به عبارت دیگر پیغمبر اکرم(ص) صائد را ملاقات نمود

و او را به عنوان یکی از مصادیق دجال به اصحاب خویش معرفی کرد و چون بعدا از خروج دجال در آخرالزمان خبرداد، این دو مطلب سبب اشتباه مردم شد و گمان کردند صائد که پیغمبر او را دجال نامیده همان دجالی است که باید در آخرالزمان خروج کند و از همین موضوع، زنده ماندن و عمر طویل را برایش نتیجهگرفتند.{

با ذکر منابع مشخصات دجال و سفیانی را ذکر نمائید.

پرسش

با ذکر منابع مشخصات دجال و سفیانی را ذکر نمائید.

پاسخ

الف) دجال از ریشه دجل به معنای دروغگو است و بر اساس آنچه از ظاهر اخبار استفاده می شود دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام مهدی(ع) خروج می کند و انسان غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت انگیز جمع زیای از مردم را می فریبد و سرانجام به دست حضرت عیسی(ع) در منطقه شام به هلاکت می رسد. و اینکه آیا دجال شخص واحد با آن ویژگیها می باشد یا یک تفکر و جریان الحادی است در این مورد احتمالات مختلف و متعدد وجود دارد.

۱- دجال نام شخص معینی نیست بلکه هر کسی که با ادعای پوچ و بی اساس و حیله گری سعی در فریب مردم داشته باشد دجال است و از احادیث نیز این نکته قابل استفاده است. پیامبر اکرم(ص) می فرماید: لاتقوم الساعه حتی یخرجالمهدی من ولدی و لاـ یخرج المهدی حتی یخرج ستون کذابا کلهم یقول انا نبی ؛ یعنی قیامت بر پا نمی شود تا وقتی که مهدی(ع) ازفرزندانم ظهور کند و مهدی(ع) قیام نمی کند تا وقتی که شصت دروغگو خروج کند{M (بحارالانوار، جلد ۵۲، ص ۲۰۹) و در روایتی دیگر از پیامبر نقل شده است که:(پیش از خروج دجال بیش از هفتاد دجال خروج خواهد کرد) (کنزل العمال، جلد ۱۴، ص ۲۰۰، نقل از کتاب چشم به راه مهدی، ص ۲۹۱)

با توجه به روایات می توان گفت که دجال ها متعدد و متنوع است و دجال واقعی همان که در روایت از آن شخص معینی قصد شده است و دجال های دیگر که افراد شیاد و حیله گری که در پدیده های اجتماعی با ظاهر شدن

سعی در فریب مردم دارند.

۲- دجال کنایه از کفر جهانی و فرهنگ مادی است که بر همه جهان سیطره دارد ؛ کشورهای مبتکری که از لحاظ قدرت مادی و صنعتی قوی هستند و مسلمانان را به نوع می فریبند و مرعوب خویش می سازند تا آن جا که مسلمانان خود را در برابر آنها خود باخته تلقی می کنندکشورهای مبتکر خصوصا استکبار جهانی با سیطره صنعتی و پیشرفت خود همه جای عالم سر می کشد و سعی در فریب مردم دارند.

ب) سفیانی از شخصیت های بنام در انقلاب حضرت مهدی(ع) است و از دشمنان سرسخت آن حضرت به شمار می رود و بنابه تصریح روایات خروج سفیانی از وعده های حتمی خداوند است امام زین العابدین می فرماید: «امر قائم از سوی خداوندحتمی است و امر سفیانی نیز از جانب خداوند قطعی می باشد و قائم ظهور نمی کند مگر پس از مرگ سفیانی» (بحارالانوار، ۵۳، ۱۸۲، نقل از کتابعصر ظهور علی کورانی، ص ۱۱۵)

بین دانشمندان اسلامی اتفاق نظر است که وجه تسمیه او به سفیانی به خاطر نسبت داشتن با ابوسفیان است چراکه وی از تبار ابوسفیان بشمار می آید. (همان کتاب، ص ۱۱۶) و طبق روایات، فرهنگ و گرایش سیاسی سفیانی غربی است.سفیانی در حالیکه رهبری گروهی را به عهده دارد مانند شخص نصرانی صلیب بر گردن دارد و از سرزمین رومیان روی می آورد. (غیبت طوسی، ص ۲۷۸، نقل از کتاب عصر ظهور، ص ۱۱۸)

خلاصه این که روایات سفیانی از تبار ابوسفیان است و از کینه توزترین فرد نسبت به اهل بیت(ع) می باشد با پرچم سرخ که نشانه خون آشامی او است قبل از ظهور امام(عج) خارج می شود و جنبش او بسیار خشن و در

سه مرحله انجام می گیرد.

مرحله تثبیت سلطه که شش ماه طول می کشد مرحله دوم جنبش سفیانی که هجوم به عراق و حجاز می باشد، و مرحله سوم جنبش آن دفاع در برابر تحرک سپاه حضرت مهدی(ع) جهات حفظ متصرفات خود از سرزمین شام و اسرائیل و قدس و... و خروج او از آغاز تا انجام۱۵ ماه به طول می انجامد.

برای آگاهی بیشتر در این زمنیه ر.ک:

۱- دادگستر جهان، ابراهیم امینی

۲- عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی

۳- چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه.

این که می گویند وقتی امام زمان(عج)می آید ایشان با شمشیر می جنگد و تمام سلاحهای پیشرفته دنیا از کار می افتد چگونه است؟می گویند دجال سوار بر الاغ است،یک چشم دارد ،یک کوه از پشت سر او و یک کوه در جلوی او حرکت می کند .سید خراسانی یا فردی به نام سفیانی می آید

پرسش

این که می گویند وقتی امام زمان(عج)می آید ایشان با شمشیر می جنگد و تمام سلاحهای پیشرفته دنیا از کار می افتد چگونه است؟می گویند دجال سوار بر الاغ است،یک چشم دارد ،یک کوه از پشت سر او و یک کوه در جلوی او حرکت می کند .سید خراسانی یا فردی به نام سفیانی می آید و...آیا اینها واقعیت است یا نوعی تشابه و نماد است؟یکی از دوستان می گفت در یکی از سایتهای اینترنت با ۴ دلیل نوشته اند که بوش همان دجال است آیا سند معتبری برای قبول این موضوع وجود دارد؟سید خراسانی کیست آیا می توان پنداشت که همان رهبر شیعیان جهان حضرت آیت الله خامنه ای است یا خیر؟

پاسخ

دجّال از ریشه ی «دجل» به معنای دروغگوی حیله گر است.

اصل داستان دجّال در کتابهای مقدس مسیحیان آمده است، (رساله یوحنّا، باب ۲، آیه ۱۸ و ۲۲). در انجیل این واژه بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند و یا «پدر و پسر» را انکار کنند به عنوان دجال یاد شده است به همین جهت در ترجمه انگلیسی کتاب های مقدس مسیحی واژه آنتی کریست (Anti christ) یعنی ضد مسیح، به کار رفته است.

در روایات زیادی از اهل سنّت، خروج دجّال از نشانه های برپایی قیامت دانسته شده است، (سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۷ تا

۵۱۹، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۱۵، صحیح مسلم، ج ۱۸، ص ۴۶ تا ۸۱). و روایات اسلامی در مورد دجّال و توصیفات آن، همین روایات اهل سنّت است.

در کتب روائی شیعه، تنها دو روایت در مورد خروج دجّال به عنوان یکی از علائم

ظهور حضرت مهدی آمده است، (کمال الدین صدوق، ص ۵۲۵، ۵۲۶)، که هیچکدام از این دو روایت از نظر سند معتبر و قابل قبول نیست. بنابراین، از نظر منابع شیعی، دلیل معتبری بر این که خروج دجّال یکی از علائم ظهور باشد، وجود ندارد. اما در عین حال با توجه به روایات زیادی که در منابع اهل سنّت آمده است، احتمال این که اصل قضیه دجّال به طور اجمال، صحت داشته باشد؛ وجود دارد و امر ممکنی است. لکن به فرض این که اصل قضیه دجّال صحت داشته باشد، اما بدون تردید بسیاری از ویژگی هایی که برای آن بیان شده است به نظر می رسد افسانه هایی بیش نیست. بنابراین اصل قضیه دجّال را به عنوان امری محتمل و ممکن بعید نیست بپذیریم. حال به فرض پذیرش این سؤال مطرح است که مقصود از دجّال چیست؟

دو احتمال اساسی در این زمینه وجود دارد:

۱. با توجه به معنای لغوی دجال، مقصود از آن، نام شخصی معینی نباشد. بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با تمسک به انواع اسباب حیله گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است.

بر این اساس، دجّال ها متعدد خواهند بود. وجود روایاتی که در آن سخن از دجّال های متعدد رفته است، این احتمال را تقویت می کند. (همان روایات موجود در کتب اهل سنت که در مورد دجّال آمده است). مانند: «قال رسول الله(ص): یکون قبل خروج الدجال نیّف علی سبعین رجالاً؛ پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال، خروج خواهد کرد»، (کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۰۰).

بنابراین احتمال، در حقیقت قضیه دجال بیانگر این مطلب است که در آستانه انقلاب امام

مهدی، افراد فریب کار و حیله گری برای نگهداشتن فرهنگ و نظام جاهلی، همه تلاش خود را به کار گرفته و با تزویر و حیله گری مردم را نسبت به اصالت و تحقق آن انقلاب و استواری رهبری آن دلسرد و یا دو دل کنند. اینکه در همین روایات تأکید شده است: «هر پیامبری، امت خویش را از خطر دجّال بر حذر داشته است»، خود تأییدی دیگر بر همین احتمال است که مقصود از دجّال، هر شخص حیله گر و دروغگویی است که قبل از خروج حضرت مهدی(ع) در صدد فریب مردم است.

۲. دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد.

استکبار با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی و صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد سعی می کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده خود کند بر این اساس، اینکه پیامبران امتهای خود را از فتنه دجال بیم داده اند، «ما بعث الله نبیّا الاّ و قد انذر قومه الدجال...؛ هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر آن که قومش را از فتنه ی دجال بر حذر داشت»، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵). در حقیقت آنان را از افتادن به دام مادیت و ورطه حاکمیت طاغوت و استکبار جهانی برحذر داشته اند. پس احتمال می رود منظور از دجال با آن شرایط و اوصافی که در این روایات برای او شمرده شده همان استکبار جهانی باشد. مثلاً در اوصاف دجال گفته شده «کوهی از طعام و شهری از آب به همراه دارد» کنایه از امکانات عظیم و گسترده ای که استکبار در اختیار دارد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. چشم به راه مهدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات قم،

جمعی از نویسندگان، ص ۲۸۹.

۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۲۲۳

در این راستا نکاتی است که باید در نظر گرفت:

۱) کلمه «سیف» که در روایات آمده، کنایه از مطلق سلاح می باشد. چنان که در بسیاری موارد چنین کاربردی دارد.

۲) آنچه مسلم است سلاح های موجود دنیا به گونه ای است که نابود کننده هر کسی است که در برد مؤثر آن باشد در حالی که سلاح امام زمان «عج» و یارانش تنها انسان های تبهکار و فاسد و بی ایمان را از بین می برد و خوبان از گزند آن در امانند. اما این که این ویژگی چگونه به دست می آید بر ما پوشیده است می توان احتمال داد که آن حضرت به سلاح فوق مدرنی دست می یابند که چنین کاربردی دارد و سلاح های دیگران در برابر آن ناتوان است و کارایی چندانی ندارد و نیز ممکن است سلاح جدیدی توسط آن حضرت به کار گرفته نشود و با سلاح هایی ابتدایی به نبرد برخیزند و اراده الهی بر از کار افتادن دیگر سلاح ها تعلق گیرد.

در برخی از روایات خروج خراسانی در کنار ذکر خروج یمانی به عنوان علائم ظهور ذکر گردیده است(به عنوان نمونه نگاه کنید به بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰ و ۲۷۴.

). هر چند خروج یمانی از علائم حتمی ظهور شمرده شده، ولی حتمی بودن خروج خراسانی به عنوان نشانه ی ظهور معلوم نیست. افزون بر این در بعضی روایات خراسانی به عنوان ساقط کننده حکومت بنی عباس مطرح شده(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴.

) که در این صورت بر ابومسلم خراسانی تطبیق می شود.

به هر صورت تطبیق خراسانی بر مقام معظم رهبری شاهد معتبری ندارد، علاوه بر این که

شخصیت خراسانی برای ما معلوم نیست و در بعضی روایات یمانی برتر از آن معرفی شده است(بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

در بعضی از روایات اشاره شده است که در آخرالزمان دجال خواهد آمد. منظور از دجال چیست؟ آیا در جامعه کنونی ما مصداق دارد؟

پرسش

در بعضی از روایات اشاره شده است که در آخرالزمان دجال خواهد آمد. منظور از دجال چیست؟ آیا در جامعه کنونی ما مصداق دارد؟

پاسخ

دجال از ریشه «دجل» به معنای دروغگوی حیله گر است. اصل داستان دجال در کتاب های مقدس مسیحیان است.۱ در انجیل این واژه بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند و یا «پدر و پسر» را انکار کنند، به عنوان دجال یاد شده است. به همین جهت در ترجمه انگلیسی کتاب های مقدس مسیحی، واژه آنتی کریست(Anti christ) یعنی ضد مسیح به کار رفته است.

در روایات زیادی از اهل سنت، خروج دجال از نشانه های برپایی قیامت دانسته شده است.۲ در کتاب های روایی شیعه، تنها دو روایت در مورد خروج دجال به عنوان یکی از علائم ظهور حضرت مهدی(عج) آمده است ۳ که هیچ یک از آن ها از نظر سند معتبر و قابل قبول نیست. بنابراین، از نظر منابع شیعی، دلیل معتبری بر این که خروج دجال یکی از علائم ظهور باشد، وجود ندارد؛ اما در عین حال با توجه به روایات زیادی که در منابع اهل سنت آمده است، احتمال این که اصل قضیه دجال به طور اجمال صحت داشته باشد؛ وجود دارد. البته حتی اگر اصل قضیه دجال صحت داشته باشد، بی تردید بسیاری از ویژ گی هایی که برای آن بیان شده، افسانه به نظر می رسد.

پس، اصل قضیه دجال امری محتمل و ممکن، می نماید. اکنون این سؤال مطرح است که مقصود از دجال چیست؟ درباره مصداق این واژه دو احتمال وجود دارد:

۱. با توجه به معنای لغوی «دجال»، مقصود از آن نام شخص معینی نیست؛ بلکه هر کسی که با ادعاهای

پوچ و بی اساس و با تمسک به انواع اسباب حیله گری و نیرنگ در صدد فریب مردم باشد، دجال است.

بر این اساس، دجال ها متعدد خواهند بود. وجود روایاتی که در آن سخن از دجال های متعدد رفته است، این احتمال را تقویت می کند؛ مانند: « قال رسول الله(ص): یکون قبل خروج الدجال نیّف علی سبعین رجالا۴؛ پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال خروج خواهند کرد».

بنابراین احتمال، در حقیقت قضیه دجال بیانگر این مطلب است که در آستانه انقلاب امام مهدی(عج) افراد حیله گر برای نگه داشتن فرهنگ و نظام جاهلی، همه تلاش خود را به کار می گیرند تا با تزویر و حیله گری مردم را نسبت به اصالت و تحقق آن انقلاب و استواری رهبریش، دچار تردید سازند. این که در همین روایات تأکید شده است: «هر پیامبری امت خویش را از خطر بر حذر داشته است»، خود تأییدی دیگر بر همین احتمال است که مقصود از دجال، هر شخص حیله گر و دروغ گویی است که قبل از خروج حضرت مهدی(ع) در صدد فریب مردم است.

۲. دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان است.

استکبار با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی، صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد، سعی می کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده خود کند. بر این اساس است که پیامبران امت های خود را از فتنه دجال بیم داده اند: « ما بعث الله نبیا الا و قد انذر قومه الدجال. ..؛۵ هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر آن که قومش را از فتنه دجال بر حذر داشت»، در حقیقت آنان را از افتادن به دام

مادیت و ورطه حاکمیت طاغوت و استکبار جهانی بر حذر داشته اند. پس احتمال می رود منظور از دجال - با آن شرایط و اوصافی که در این روایات برای او شمرده شده - همان استکبار جهانی باشد؛ مثلاً در اوصاف دجال گفته شده «کوهی از طعام و شهری از آب به همراه دارد» کنایه از امکانات عظیم و گسترده ای که استکبار در اختیار دارد.۶

پی نوشت:

۱. رساله یوحنا، بابا ۲، آیه ۱۸ù۲۲.

۲. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۷ - ۵۱۹.

۳. کمال الدین صدوق، ص ۵۲۵ و ۵۲۶.

۴. کنزالعمال ۱۴، ص ۲۰۰.

۵. بحارلانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

۶. رجوع کنید به: الف) چشم به راه مهدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات قم، جمعی از نویسندگان، ص ۲۸۹.

ب) دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۲۲۳.

مسیح دجال کیست؟

پرسش

مسیح دجال کیست؟

پاسخ

لقب مسیح همان گونه که بر پیامبر خدا حضرت عیسی (ع) اطلاق می شود، بر دجال نیز اطلاق می گردد، ولی وقتی به صورت مطلق وبدون قید آورده شود همان حضرت عیسی (ع) مراد است. در ظاهر، مسیح دجال همان دجال معروف است. ولی در وجه تسمیه دجال به مسیح احتمالاتی داده شده است:

۱ - چون با پرچم مسیحیت ظهور خواهد کرد.

۲ - قیام او همه زمین را فرا می گیرد وگویا آن را مسح می کند.

۳ – از آنجا که حضرت مسیح با او به مقابله می پردازد به او نیز مسیح اطلاق شده است.

مقصود از خروج دجال که از علایم ظهور به حساب آمده چیست؟

پرسش

مقصود از خروج دجال که از علایم ظهور به حساب آمده چیست؟

پاسخ

روایات بسیاری عمدتاً در مصادر حدیثی اهل سنّت درباره خروج دجال در آخرالزمان وقبل از برپایی حکومت امام مهدی (ع) وارد شده است.

بخاری به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "دجال خروج خواهد کرد تا اینکه در ناحیه ای از مدینه فرود می آید، وسه بار اعلان آماده باش جنگ می دهد، آن گاه به سوی او هر کافر ومنافقی حرکت می کند".{پاورقی . صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۰۲. پاورقی}

در مصادر اهل سنّت برای دجال صفاتی ذکر شده است از قبیل:

۱ – ادعای ربوبیت می کند.{پاورقی . سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۰. پاورقی}

۲ – عمر طولانی دارد.{پاورقی . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۰۵. پاورقی}

۳ – همراه او آب وآتش است.{پاورقی . صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۰۳. پاورقی}

۴ – کور را بینا کرده وبرص را شفا می دهد.{پاورقی . مسند احمد، ج ۵، ص ۱۳. پاورقی}

۵ – مرده را زنده می کند.{پاورقی . همان. پاورقی}

۶ – کسی را می کشد، آن گاه او را زنده می کند.{پاورقی . مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۳۷. پاورقی}

۷ – با او بهشت وآتش است.{پاورقی . مسند احمد، ج ۵، ص ۴۳۵. پاورقی}

۸ – با او نهری از آب سفید ونهری از آتش است.{پاورقی . معجم الکبیر، ج ۲، ص ۵۶. پاورقی}

۹ – خواسته او برآورده می شود.{پاورقی . صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۹۷. پاورقی}

درباره دجال با این اوصاف احتمالاتی وجود دارد:

الف. دجّال شخصی حقیقی است که کارهای خارق العاده ای را در قالب سحر وجادو انجام می دهد.

ب. مقصود به دجال همان ابلیس (شیطان) است.

ج. احتمال می رود که دجال همان سفیانی است

که در روایات شیعه به خروج او در آخرالزمان تأکید فراوان شده است.

د. مقصود از دجال همان اسرائیل است.

در ابتدا این احتمال به نظر می رسد که احادیث دجال از جمله اسرائیلیاتی باشد که در احادیث اهل سنّت وارد شده است، زیرا:

اولاً: اثری از این احادیث در روایات اهل بیت: به چشم نمی خورد.

ثانیاً: غالب احادیث دجال از کعب الأحبار یهودی الاصل رسیده است. کسی که تمام افعال واقوالش مشکوک به نظر می رسد.

ثالثاً: این اعتقاد که مسیح منتظر خروج می کند ودجال را به قتل می رساند در عقاید یهود مشاهده می شود.

در هر حال بر فرض صحّت این روایات احتمال تأویل این روایات ورمزی بودن وجنبه سمبلیک داشتن آنها زیاد است.

سید محمّد صدر؛ می فرماید: "دجال رمزی است از اوج تمدّن وتکنیک غرب که با اسلام ومبانی آن ستیز دارد. تمدّنی که درصدد به سلطه کشیدن هر انسانی است... ما به طور وضوح مشاهده می کنیم که چگونه تمدن وتکنیک غرب مادی گرا در این عصر بر تمام جوامع، حتّی مسلمانان تسلّط پیدا کرده است...".

{پاورقی . تاریخ ما بعد الظهور، ص ۱۴۲ù۱۴۱. پاورقی}

از بیانات استاد محمّد طیّ ونویسنده مصری شیخ محمّد فهیم ابوعبیه در تعلیقه {پاورقی . المهدی المنتظر بین الدین والفکر البشری، ص ۱۷۷. پاورقی}

خود بر کتاب "نهایه البدایه والنهایه" نیز همین احتمال به دست می آید.

{پاورقی . نهایه البدایه والنهایه، ج ۱، ص ۱۱۸. پاورقی}

موضوع: قرآن وظهور موعود جهانی

.۱– دجال چه کسی است ، و چه کارهایی انجام می دهد ؟

پرسش

.۱– دجال چه کسی است ، و چه کارهایی انجام می دهد ؟

پاسخ

آنچه در توصیف دجال معروف است ،این است که وی مردی است کافر ،یک چشم بیش ندارد،آن هم در پیشانیش واقع شده و مانند ستاره ای می درخشد در پیشانی وی نوشته است کافر، به طوری که هر با سواد وبیسواد آن را می خواند، کوهی از طعام و نهری از آب همیشه با اوست ، بر الاغ سفیدی سوار می شود که هرگامش یک میل راه است ،آسمان به دستور وی باران می دهد و زمین گیاه می رویدند، مرده را زنده می کند، با صدایی که تمام جهانیان می شوند ندا میکند، من خدای بزرگ شما هستم که شما را آفریده ، روزی می رسانم ، بسوی من بشتابید.

در زمان پیامبر اکرم(صلی الله علیه واله) موجود بودو نامش عبدالله یا صائد بن صید است.

پیامبر و اصحابش بقصد دیدار او به خانه اش رفتند ، او مدعی خدای بود عمر خواست او را به قتلش برساند ولی پیامبر مانع شده تا کنون زنده است و در آخر زمان از شهر اصفهان قریه « یهودیه» خروج خواهد کرد.

از قول «تیمم الداری» که ابتدا نصرانی بوده و در سنه نهم هجری اسلام آورده حکایت کرده اند که گفته است : من دجال را در یکی از جزایر مخرب دیدم که در غل و زنجیر بود.

از روایات و منابع حدیثی به دست می آید که ، دجال نام شخص و منحصر به فرد خاصی نیست، بلکه عنوانی است کلی برای افراد پر تزویر وحیله گر و پر مکر و حقه باز که برای

کشیدن توده های مردم به دنبال خود از هر وسیله ای استفاده می کند و بر سر راه هر انقلاب سازنده ای که در ابعاد مختلف صورت می گیرد ظاهر می شود.

لذا پیامبر در حدیثی چنین می فرماید : هر پیامبری بعد از نوح قدم خود را از فتنه دجال برحذر داشت من نیز شما را بر حذر می دارم ، دجال از جمله افرادی که در برابر امام موعود مانع تراشی خواهد نمود ،دجال است که از علائم آخر زمان شمرده شده است او در نهایت مغلوب و کشته می شود.

یکی از نویسندگان در باره دجال تفسیر دلنشینی ارائه کرده و می نویسد دجال انسانی است که یک چشم در وسط پیشانی دارد او انسانی یک بعدی است، نظام پلید حاکم بر جهان نظامی یک بعدی است که انسان را با یک چشم می نگرد و انسان مسخ شده در این نظام نیز جهان وحیات را با یک چشم می نگرد و آن هم با چشم چپ این دجال افسونگر ذهن ها است و مسخ کننده انسانها دجال مظهر نظام فرهنگی و روحی و ضد انسانی حاکم بر انسان آخر الزمان است.

منابع :

۱-تجسم امید و نجات ، عزیز الله حیدری

۲-سیمای مصلح جهان ، مراد فیض

۳-سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری

۴ ارتباط معنوی با حضرت مهدی ، حسین گنجی .

علائم غیر حتمی

این که می گویند اگر ۲۵ ما رمضان روز جمعه باشد، یا عاشورا جمعه باشد، امام زمان(عج) ظهور می کند، صحت دارد؟

پرسش

این که می گویند اگر ۲۵ ما رمضان روز جمعه باشد، یا عاشورا جمعه باشد، امام زمان(عج) ظهور می کند، صحت دارد؟

پاسخ

برای تحقق ظهور امام زمان(ع) شرایط و نشانه های ویژه بیان شده است،[۶۵] که با تحقق آن شرایط و نشانه، امام زمان(ع) ظهور می کند. این که ۲۵ ماه رمضان روز جمعه باشدو یا عاشورا جمعه باشد، امام زمان ظهور می کند، از شرایط و نشانه های ظهور امام بیان شده است؛ از این رو به طور قاطع نمی توان گفت که مطلب فوق الذکر صحت داشته باشد. البته در برخی

روایات آمده است که امام زمان(ع) د روز عاشورا ظهور می کند.[۶۶]

امام باقر(ع) فرمود: "یظهر المهدی فی یوم عاشورا و هو یوم الّذی قُتِل فیه الحسین بن علی(ع)؛[۶۷] حضرت مهدی(ع) در روز عاشورا، در روزی که امام حسین(ع) شهید شد ظهور می کند".

ظهور امام زمان(ع) در عاشورا، غیر آن است که اگر عاشورا جمعه باشد، امام زمان(ع) ظهور می کند؛ یعنی از علایم عامه است، نه خاصه. علایم خاصه مثل قیام سفیانی و سید حسنی و دجال و صیحه آسمانی که متجاوز از چهار ماه نمی گذرد که ظهور تحقق پیدا می کند.

[۶۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵؛ کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲.

[۶۶] لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۵۷۴، به نقل از ارشاد مفید.

[۶۷] منتخب الاثر، ص ۵۷۶.

در برخی از کتاب ها مطرح شده است که امام زمان(ع) روز جمعه که مصادف با روز عاشورا و نوروز است ظهور می کند آیا این واقعیت دارد؟

پرسش

در برخی از کتاب ها مطرح شده است که امام زمان(ع) روز جمعه که مصادف با روز عاشورا و نوروز است ظهور می کند آیا این واقعیت دارد؟

پاسخ

در خصوص روز ظهور امام زمان(ع) سه دسته روایت وجود دارد: برخی از روایات دلالت دارند که امام زمان(ع) روز جمعه ظهور می کند. در این دسته روایات از روز عاشورا و نوروز سخن به میان نیامده است. امام جعفر صادق(ع) فرمود: "قائم ما اهل بیت در روز جمعه قیام می کند".[۱]

در برخی روایات دیگر تصریح شده است که امام زمان ،ع) روز عاشورا که در آن روز امام حسین(ع) شهید شده است، ظهور می کند.[۲]

برخی از روایات دلالت دارند که امام زمان(ع) نوروز ظهور می کند.[۳]

با توجه به اختلافات روایات، قضاوت درخصوص تعیین روز ظهور امام زمان(ع) مشکل است. آنچه مشهور است آن است که

حضرت روز جمعه ظهور می کند، حال روز جمعه مصادف با روز عاشورا و یا روز نوروز باشد معلوم نیست.

[۱] مهدی موعود، ص ۱۰۶۶.

[۲] لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۷۴ – ۵۷۶.

[۳] بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۹۱ – ۹۲.

آیا بعـد از حمله امریکا به عراق و اوضاع فعلی جهان غرب می شود گفت این امر و حوادث آینـده زمینه را برای ظهور امام زمان(ع) فراهم کرده است؟

پرسش

آیـا بعـد از حمله امریکـا به عراق و اوضـاع فعلی جهـان غرب می شود گفت این امر و حوادث آینـده زمینه را برای ظهور امام زمان(ع) فراهم کرده است؟

پاسخ

نگاه کلی به حوادث جهان و آینده شریعت

جنگ ها و خون ریزی ها در هر چهره زشت و قبیحی که ظاهر می شود و جامعه ها و تمدن ها و فرهنگ ها با همه اختلاف ها و تضاد و درگیری هایی که دارنـد، در نهایت، راه تکامل را طی می کننـد و به سوی تمـدن و فرهنگ یگانه و پیـدایش جامعه جهانی واحد به پیش می رود.

شهیـد مطهری(ره) می فرمایـد: "بنـابر نظریه اصالت فطرت و این که وجود اجتماعی انسان و زنـدگی اجتماعی او بالاخره روح جمعی جامعه وسیله ای است که فطرت نوعی انسان برای وصول به کمال نهایی خود انتخاب کرده است، باید گفت: جامعه ها و تمدن ها و فرهنگ ها به سوی یگانه شدن، متحد الشکل شدن و در نهایت امر در یکدیگر ادغام شدن سیر می کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحـد تکامل یافته است که در آن همه ارزش های امکانی انسانیت به فعلیت می رسـد و انسان به کمـال حقیقی و سـعادت واقعی خود و بالاـخره به انسـانیت اصـیل خود خواهـد رسـید. از نظر قرآن این مطلب مسلّم است که حکومت نهایی، حکومت حق و نابود شدن یکسره باطل است و عاقبت از آن تقوا و متّقیان است.

مجموعه حوادثی که در عراق و هر کجـای دنیـا اتفاق می افتـد، اگر چه با تخریب و فساد و ظلم و جنایت همراه است، ولی در نهایت بشر فرو رفته در غرور

و غفلت را از خواب گران بیدار می سازد و سرخورده از حکومت های ظالم و ستمگر که داعیه اصلاح و حکومت عادلانه و آزادی دارند، می شود و با ایجاد احساس نیاز شدید به وحی و رهبر آسمانی، او را به ناتوانی اش در اداره جهان و نارسایی و نقصان خرد و دانش جدا از وحی و آسمان برای تأمین سعادت و خوشبختی انسان متقاعد می سازد و افکار جمعی جهانیان را به سوی آسمان و مهدی موعود (عمل ا... تعالی فرجه) سوق می دهد.

حوادث عراق و ارتباط آن با مسئله ظهور

حوادث و اتفاقاتی که پیش از ظهور حضرت صاحب الامر توسط پیامبر اسلام(ص) و حضرات ائمه(ع) پیش بینی و پیشگویی شده، از جهتی به دو دسته تقسیم می شود:

یک دسته از حوادث، نشانه های قریب الوقوع بودن ظهور و پیام آور نزدیک شدن تحقق وعده الهی است، مثل خروج سفیانی و دجال.

دسته دیگر، حوادثی است که صرفاً در آموزه های دینی آمده است.

آن حوادث پیش از قیام حضرت قائم(ع) به وقوع خواهد پیوست و هیچ اشاره ای نشده است که در آستانه ظهور اتفاق می افتد یا سال ها و بلکه قرن ها ممکن است با زمان ظهور فاصله داشته باشد. از جمله در آموزه های دینی آمده است که پیش از ظهور قائم آل محمد(ص) و شهر های عراق مخصوصاً بغداد و بصره به وسیله آتش ها (تمپ ها)یی که از طریق هود ریخته می شود، خراب می شود و بغداد اشغال می گردد و تحت سلطه و احاطه غیر اعراب در می آید، در نتیجه خون ریزی ها و تجاوز به اموال و ناموس مردم و

تخریب شهرها چنان خوف و وحشتی ایجاد می گردد که مردم در هیچ نقطه ای از عراق احساس امنیت نمی کنند و ...

اوّلاً نمی دانیم این گونه حوادث تا زمان ظهور حضرت چقدر فاصله دارد.

ثانیاً دقیقاً نمی دانیم که آیا هجوم "منشانه غربی ها به سرکردگی شیطان بزرگ امریکا به سرزمین عراق و کوبیده شدن بغداد و بصره و توسعه خوف و ترس و ناامنی در همه عراق، مصداق همان چیزی است که در روایات پیش گویی شده است.

بنابراین ذکر آن به صورت گمان اشکال ندارد امّا جز خدا و کسانی که اطلاعاتشان متصل به علم الهی است کسی دیگر نمی تواند به صورت قطعی در نفی یا اثبات آن به عنوان مصداق روایات و علائمی که در آستانه ظهور اتفاق می افتد، نظر بدهد.

آیا تا کنون علائمی از وعده ظهور روی داده است و چند وعده باقی مانده است؟

پرسش

آیا تا کنون علائمی از وعده ظهور روی داده است و چند وعده باقی مانده است؟

پاسخ

بر اساس روایات علائم ظهور به دو دسته تقسیم می شوند:

۱ علائم حتمی؛ علامت هایی هستند که بدون تردید پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) واقع خواهد شد؛ همانند فراگیر شدن ظلم و فساد و خروج سفیانی و دجال.

۲ علائم غیر حتمی، مراد از علائم غیر حتمی علامت هایی هستند که ممکن است پیش از ظهور محقق شوند و ممکن است محقّق نشوند؛ توضیح این که: تحقّق این گونه علامتها مشروط به اموری است که در صورت تحقّق آن امور، آن علائم نیز محقّق می شوند وگرنه آن علامت ها پدید نمی آیند. یا روایاتی که آن علایم را بیان می کنند، از نظر سند و دلالت و معنای آن علامات قطعی و یقینی نیستند گفتنی است که شناخت دقیق تمام علائم ظهور نیز مشکل است، پس هیچ گاه نمی توان ادّعا کرد که تمام علائم ظهور تحقّق یافته و به طور یقین در تاریخ مشّخصی حضرت مهدی(عج) ظهور خواهد کرد، بله هر تعداد از مجموع نشانه های ظهور که واقع شود و تطبیق آن نیز درست باشد، می توان گفت که نزدیک شدن ظهور را بشارت می دهد.

بر این اساس می گوییم: شماری از حوادث و وقایعی را که معصومین(ع) وقوع آن را در دوران غیبت کبری خبر داده و یا به عنوان علائم ظهور بر شمرده اند، واقع شده اند؛ موارد زیر بخشی از آن حوادث است:

اختلاف در میان امت اسلام، انقراض بنی عباس و از هم پاشیدگی حکومت آنان، به راه افتادن پرچم های سیاه از ناحیه

خراسان،

خروج مغربی از مصر و تشکیل دولت فاطمیان، رها شدن کشورهای عربی از قید استعمار و ... .

البه باید علاوه بر مطالب فوق به این نکات نیز توجه داشت:

۱ معلوم نیست که حوادث روی داده همان حوادثی باشد که در روایات آمده و مقصود روایات بوده است.

۲ خبر از وقوع چنین حوادثی بدین معنا نیست که این ها نشانه های حتمی ظهورند، بلکه ممکن است این ها رخدادهایی باشند که معصومان از وقوع آن ها خبر داده اند.

بخشی از علائم حتمیّه هم که در روایات آمده، همانند: خروج سفیانی، دجال و صیحه آسمانی هنوز واقع نشده اند.

نشانه های ظهور امام زمان (عج) و روز ظهور امام چه زمانی است؟ و پیشگویی هایی را که در مورد امام زمان (عج) گفته اند را بیان نمایید.

پرسش

نشانه های ظهور امام زمان (عج) و روز ظهور امام چه زمانی است؟ و پیشگویی هایی را که در مورد امام زمان (عج) گفته اند را بیان نمایید.

پاسخ

هر پدیده اجتماعی و انقلابی دارای علائم و نشانه هایی است که بواسطه آنها می توان از قریب الوقوع بودن آن پدیده یا انقلاب یا بعید الوقوع بودن آن باخبر شد.

علائم ظهور و قیام امام زمان (عج) نیز چند دسته اند:

۱ علائم حتمی نظیر ندای آسمانی مبنی بر اعلام و شروع قیام آن بزرگوار.

۲ علائم غیر حتمی نظیر:

کم ارج شدن ارزشها

پیروی از نابخردان

رخت بر بستن عفت عمومی

زن سالاری

وقوع حوادث جانکاه و کمر شکن

پاسخ اختلافات با خونریزی

و غیره....

لازم به یادآوریست روایات علائم ظهور متأسفانه مصون از تحریف نمانده، بویژه توسط حکومتهای استبدادی که از ظهور دادگستر جهان در هراسند. در این زمینه به خلاصه ای از کتاب دادگستر جهان نوشته علامه امینی توجه فرمایید.

"برای ظهور حضرت صاحب الامر "عج" علائم بسیاری در کتب حدیث ثبت شده است لیکن اگر ما بخواهیم در یک یک آنها بحث کنیم سخن طولانی می گردد و بدون جهت اوقات چندین جلسه اشغال می شود. اما چند نکته را لازم است اجمالاً تذکر دهم:

۱ مدرک بعضی از علائم، خبر واحدیست که اشخاص مجهول الحال یا غیر موثق در طریق آن واقع شده و مفید یقین نیستند.

۲ احادیث اهل بیت (ع) علائم ظهور را بدو قسم تقسیم نموده اند:

یکی از آنها حتمی است که به هیچ قید و شرطی مشروط نیست و قبل از ظهور باید واقع شود. قسم دوم را غیر حتمی معرفی نموده اند و

آن عبارتست از حوادثی که بطور مطلق و حتم از علائم الظهور نیست بلکه مشروط بشرطی است که اگر آن شرط تحقق یابد مشروط نیز متحقق می شود و اگر شرط مفقود گردد مشروط نیز تحقق نمی یابد و مصلحت بوده که بطور اجمال از علائم الظهور شمرده شود.

۳ علائم ظهور چیزهایی هستند که تا واقع نشود حضرت صاحب الامر ظاهر نمی گردد و حدوث هر یک از آنها دلیل است که ایام فرج تا اندازه ای نزدیک شده اما دلالتی ندارد که بعد از حدوث آن علامت و بلافاصله، حضرت صاحب الامر ظهور نماید.

ولی در مورد بعضی از آنها تصریح شده است که مقارن ظهور آن حضرت واقع می شود.

۴ بعضی از علائم الظهور بطور اعجاز و خارق العاده واقع می شوند تا صحت ادعایی مهدی موعود را تأیید کنند و فوق العادگی اوضاع را بجهانیان اعلام دارند. حکم این علائم، با سایر معجزات یکسان است، و به صرف اینکه با جریان عادی سازگار نیست نباید مردود شناخته شود.

۵ یک نوع از علائم الظهور در کتابها دیده می شود که وقوع آنها عادتاً محال به نظر می رسد مانند اینکه گفته شده: در وقت ظهور مهدی خورشید از مغرب طلوع می کند و خورشید در نیمه ماه رمضان و ماه در آخر همان ماه می گیرد.

بر دانشمندان پوشیده نیست که لازمه وقوع اینگونه حوادث اینست که نظم عالم بر هم بخورد و حرکت منظومه شمسی تغییر یابد.

اما باید بدانید که مدرک اینگونه علائم، اخبار آحادی بیش نیست که مفید یقین نیستند و اگر کسی در سند آنها خدشه کرد می تواند آنها را مجعول

خلفای بنی امیه و بنی عباس و عمال آنها بداند.

زیرا در آن اوقات افرادی بعنوان مهدی بر علیه دستگاه حاکمه وقت قیام و نهضت می نمودند و بدان وسیله عده ای را بر دور خویش جمع می کردند. خلفای وقت چون می دیدند اصل احادیث مهدی قابل انکار نیست لذا حیله دیگری اندیشیدند تا بدان وسیله مردم را منصرف سازند و کار نهضت علویین را مختل نمایند. بدان منظور علائم محال را جعل کردند تا مردم در انتظار آن علائم بنشینند و دعوت علویین را اجابت نکنند، اما اگر احادیث صحیح بود مانعی ندارد اینگونه علائم بطور اعجاز تحقق یابند تا فوق العادگی اوضاع را بجهانیان اعلام کنند و اسباب پیشرفت دولت حق را فراهم سازند.

برای اطلاع بیشتر به کتابهای ذیل مراجعه فرمایید.

۱ مهدی موعود، شهید دستغیب

۲ دادگستر جهان، امینی

۳ روزگار رهایی، کامل سلیمان

آیا صبح روز ظهور امام مهدی ع خورشید ـ مرکز منظومه شمسی ـ از غرب طلوع می کند یا این یک کنایه است؟ به دلایل علمی متقن خورشید همیشه از شرق طلوع می کند.

پرسش

آیا صبح روز ظهور امام مهدی ع خورشید ـ مرکز منظومه شمسی ـ از غرب طلوع می کند یا این یک کنایه است؟ به دلایل علمی متقن خورشید همیشه از شرق طلوع می کند.

پاسخ

از نظر عقلی و علمی اگر انجام کاری محال و غیر ممکن باشد در این صورت باید تعبیر روایت و یا آیه را کنایه ای فرض کنیم. اما طلوع خورشید از مغرب محال عقلی نیست اگر چه خارق العاده است بنابراین هنگامه وقوع حادثه ای مهم انجام کار خارق العاده محال نیست. از این رو در دیدگاه شیعه خدای متعال قادر به انجام هر کار ممکنی می باشد و امور خارق العاده به اراده او انجام پذیر است. به طریق عادی امکان طلوع خورشید از غرب وجود ندارد ولی به اراده خدا این کار شدنی است. همان خدایی که هنگام آفرینش خورشید و منظومه شمسی و کیهان اراده اش به این تعلق گرفت که خورشید به این نظم در گردش زمین به دور آن از شرق طلوع کند، می تواند اراده اش به این تعلق گیرد که در بامداد روز ظهور یا هر هنگام دیگری خورشید از غرب بالا بیاید و هیچ نیازی به تصدیق آگاهان به علم جدید و مادی و تأیید آن ندارد.

از این گذشته می توان وجود مبارک امام زمان(عج) را مانند خورشید دانست که تاریکی ها را روشن می نماید «وأشرقت

الارض بنور ربّها» او با نوری که از پروردگار عالم کسب نموده زمین و آنچه در آن است روشن می کند در پاره ای روایات اشاره شده که امام زمان(عج) از مغرب می آید. روشن است که با ظهور ایشان روشنایی و نور غرب را فرا می گیرد و

شرق را نیز فرا می گیرد.

درباره این که می گویند از نشانه های ظهور موعود طلوع خورشید از مغرب است یعنی چه؟ آیا اوضاع گردش زمین دور خورشید تغییر می کند؟

پرسش

درباره این که می گویند از نشانه های ظهور موعود طلوع خورشید از مغرب است یعنی چه؟ آیا اوضاع گردش زمین دور خورشید تغییر می کند؟

پاسخ

به این پرسش چند گونه می توان پاسخ داد: ابتدا باید دانست که به طریق عادی و حساب قوانین طبیعی گردش اجرام آسمانی، دانشمندان نوعی حرکت در اجرام آسمانی به نام «حرکت عکسی» یافته اند که سیاره امکان تغییر مسیر گردش خود را دارد و عده ای بر این باورند مریخ پیش از این بر خلاف جهت فعلی به دور خود می چرخیده و بواسطه قانون حرکت عکسی (Retrogade motion) به نقطه ای رسیده که خلاف جهت شروع به گردش کرده است. در صورت صحت چنین دیدگاهی، زمین نیز امکان تغییر گردش حرکت چرخشی به دور خود را دارد، که در این صورت خورشید از غرب طلوع خواهد کرد!

گذشته از این، در دیدگاه شیعه خدای متعال قادر به انجام هر کار ممکنی می باشد و امور خارق العاده به اراده او انجام پذیر است. به طریق عادی امکان طلوع خورشید از غرب وجود ندارد ولی به اراده خدا این کار شدنی است. همان خدایی که هنگام آفرینش خورشید و منظومه شمسی و کیهان اراده اش به این تعلق گرفت که خورشید به این نظم در گردش زمین به دور آن از شرق طلوع کند، می تواند اراده اش به این تعلق گیرد که در بامداد روز ظهور یا هر هنگام دیگری خورشید از غرب بالا بیاید و هیچ نیازی به تصدیق آگاهان به علم جدید و مادی و تأیید آن ندارد.

از این گذشته می توان وجود مبارک امام زمان(عج) را مانند خورشید دانست که تاریکی ها را روشن می نماید «وأشرقت

الارض بنور ربّها» او با نوری که از پروردگار عالم کسب نموده زمین و آنچه در آن است روشن می کند در پاره ای روایات اشاره شده که امام زمان(عج) از مغرب می آید. روشن است که با ظهور ایشان روشنایی و نور غرب را فرا می گیرد و شرق را نیز فرا می گیرد.

در خطبه ای که امیرمؤمنان(ع) درباره ظهور امام عصر(عج) و پیشامدهای آخرالزمان سخن می گویند. همین عبارت طلوع خورشید از غرب را به کار می برند. این روایت را صعصعه از قول امام علی(ع) نقل کرده است. نزال بن سبره که روایت را از صعصعه بن صوحان می شنود با تعجب معنی این کلام را می پرسد. صعصعه چنین پاسخ می دهد: «یابن سبره، إن الذی یصلّی خلفه عیسی بن مریم هوالثانی عشر من العتره، التاسع من وُلد الحسین بن علی وهو الشمس الطالعه من مغربها یظهر عندالرکن والمقام یُطهّر الأرض؛ ای پسر سبره همانا کسی که عیسی پسر مریم پشت او نماز می گذارد، دوازدهمین از خاندان پیامبر(ص) است که نهمین فرزند حسین پسر علی علیهماالسلام است و او همان خورشیدی است که از مغرب زمین طلوع می کند، میان رکن و مقام ظهور می کند، زمین را پاک می سازد.»(علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۵.)

از این که فهم صعصه از عبارت، شخص امام مهدی(عج) است، شاید استفاده شود مؤید یا قرینه ای در کار بوده است که وی چنین تفسیر کرده است.

مقصود از خسوف وکسوف که از علایم ظهور است چیست؟

پرسش

مقصود از خسوف وکسوف که از علایم ظهور است چیست؟

پاسخ

در روایات علایم ظهور آمده که یکی از نشانه های ظهور، کسوف در اواسط ماه وخسوف در اوّل ماه برخلاف عادت است.

{پاورقی . ارشاد مفید، ص ۳۶۸ ؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۵. پاورقی}

دارقطنی به سندش از امام محمّد باقر (ع) نقل کرده که فرمود: "همانا برای مهدی ما دو نشانه است که از زمان خلقت آسمان ها وزمین این گونه نبوده است، یکی خسوف ماه در اوّل شب رمضان ودیگری کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان".

{پاورقی . سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۵۱. پاورقی}

در کیفیّت حدوث این دو واقعه غیر عادی چند احتمال است:

۱ - حدوث این دو به توسط جِرمی باشد که در فضا به طور ناگهانی پیدا می شود، اجرامی که امروزه از آنها به اجرام

سرگردان در هوا یاد می شود، که گاه بین ماه وخورشید فاصله می شود وبا آنها خسوف وکسوف ایجاد می گردد.

۲ – تحقّق خسوف وکسوف به توسط جرمی باشد که از زمین جدا می شود؛ زیرا ممکن است که بشر با پیشرفت علمی وتکنیکی که دارد بتواند تکه هایی عظیم از کره زمین را جدا ساخته وآن را در هوا معلّق گرداند ودر نتیجه باعث خسوف وکسوف گردد.

۳ – تحقق این دو به نحو اعجاز وخرق قانون طبیعت باشد.

۱– علائم ظهور امام زمان (عج) چیست ؟

پرسش

۱– علائم ظهور امام زمان (عج) چیست ؟

پاسخ

ج ۱– علائم ظهور امام زمان (عج) دودسته ودوگونه است :

الف : علائم غیر حتمی : یعنی علائمی که اتفاق می افتد ولی به معنی نزدیک بودن ظهور نیست.بلکه شاید مدت زیادی از غیبت هنوز باقی باشد و این علائم زیاد است که بعضی از آنها عبارتند از:

۱–رواج گناه وبی بند وباری وکشف حجاب.

۲–فراموش شدن وعمل نکردن به دستور امر به معروف ونهی از منکر.

۳– منع حاجیان از زیارت خانه خدا سه سال.

۴– شبیه شدن مردان به زنان و زنان به مردان.

۵–گرفتاری مردم به خوف و عناد وگرانی نرخها وکمی اموال ومرگ وخونریز

۶– نواخته شدن سازها در جمع مسلمین و کسی منع نکند.

۷– علنی شدن فروش شراب و غیره

۲–علائم حتمی : یعنی علائمی که با واقع شدن آنها به فاصله چند ماه ظهور حضرت واقع می شود واین علائم هنوز اتفاق

نیفتاده است وبعضی از آنها عبارتند از:

۱- نشانه های آسمانی وگرفتن ماه وخورشید.

۲- خروج سید خراسانی.

۳- کشته شدن نفس زکیه.

۴- خروج رجال.

۵- خروج سفیانی که به دست حضرت کشته می شوند .

۶- خروج سفیانی که بدست حضرت کشته می شود.

علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پرسش

علائم و حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پاسخ

موارد و مستندات علایم و حوادث قبل از ظهور بسیار وافر است به جهت اختصار و تناسب زمانی. گزیده هایی قید می گردد:

۱. خروج سید حسنی از طالقان که مردی از بزرگان شیعیان است و از ناحیه دیلمان قزوین خروج و قیام می نماید.

۲. کشف حجاب و بی عفتی از زنها و شریک شدن زنها در تجارت با شوهران و تمکین نکردن زنان از شوهرانشان.

۳. دشنام دادن اوّلاً به پدران و مادران و افترا زدن به ایشان و شاد شدن به مرگ آنها و زدن و آزار ایشان.

۴. مستولی شدن زن بر شوهر خویش در جمیع چیزها.

۵. مردها خود را شبیه زنان در آورند و زنان شبیه مردان و بلند گذاردن گیسوان جلوی سر جوانان و مردان(۱۴).

۶. مرده را با استهزا بردارند و کسی دنبال جنازه او گریه و زاری نکند.

۷. در هر سال بدعتها و شر زیاد شود، غیبت کردن به نظر مردم شایسته می باشد.

۹. قسم خوردن به ناحق فراوان شود.

۱۰. ظلم و ستم، همه جا فراگیر شده است.

۱۱. قرآن فرسوده شده و بدعتهایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن پدید آمده است.

۱۲. مردان به مردان و زنان به زنان قناعت می کنند.

۱۳. فاسق دروغ می گوید و کسی او را بر دروغش سرزنش نمی کند.

۱۴. پیوند خویشاوندی بریده شده است.(ش ۱۷).

۱۵. مداحی و چاپلوسی فراوان شده است.

۱۶. حرام، مجاز و حلال حرام، شمرده می شود.

۱۷. قوانین و دستورات دینی بر اساس تمایلات اشخاص تفسیر می گردد.

۱۸. رشوه خواری در میان کارکنان دولت رایج شده است. (ش ۳۶).

۱۹. پُستهای حساس به مزایده گذراده می شود.

۲۰. مقربان حکام کسانی هستند که به ما اهل بیت

ناسزا می گویند.

۲۱. شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران می آید، اما شنیدن باطل، سهل و آسان است.

۲۲. همسایه به همسایه خود از ترس زبانش احترام می گذارد.

۲۳. مساجد را به زیورها می آرایند.

۲۴. برای غیر خدا، حج و جهاد می شود.

۲۵. مردم طرفدار کسی می شوند که پیروز است (خواه بر حق باشد، خواه بر باطل).

۲۶. مردم و محافل همه پیرو ثروتمندان می شوند.

۲۷. حکومت به دست زنان می افتد.

۲۸. افرادی پیدا می شوند که اگر روزی گناه کبیره ای انجام ندهند، غمگین هستند.

۲۹. مساجد پر از مردم خدا نترس است و در آنجا برای غیبت کردن و خوردن گوشت پیروان حق جمع می شوند و مسکرات را توصیف می کنند.

۳۰. دادرسان بر خلاف قانون خدا قضاوت می کنند.

۳۱. برافراز منبرها دعوت ها به تقوا می شود، ولی دعوت کننده خود به آن عمل نمی کند.

۳۲. مردم نسبت به وقت نماز بی اعتنا می شوند.

۳۳. تمام همت مردم، صرف شکم و فرجشان می شود.

حضرت صادق علیه السلام: حسین علیه السلام، در آخر عمر حضرت قائم علیه السلام زنده می شود. سپس حضرت قائم علیه السلام، از دنیا رحلت فرماید و حسین علیه السلام او را غسل می دهد.

نام امام امت در حدیثی از رسول الله صلی الله علیه وآله.

از امام باقر روایت شده است که فرمودند:

ابوبکر و عمر و زبیر و عبدالرحمن بن عوف در آستانه در خانه رسول الله نشسته بودند. حضرت رسول صلی الله علیه وآله از خانه خارج شد و در کنار آنان نشست در حالی که بند کفشش پاره شده بود، آن را به علی ابن ابی طالب علیه السلام دادند و

فرمودنـد: در سـمت راسـت خداونـد عز و جـل و یـا سـمت راست عرش قـومی از مـا (از پیروان مـا) بر منـابری از نـور هسـتند.
صورتشان از نور و

لباسشان نیز از نور است، درخشندگی سیماشان دیدگان بینندگان را به آنها جلب می کند.

ابوبکر گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کرد. سپس زبیر گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کردند. پس عبدالرحمن گفت: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله سکوت کرد و پاسخ نداد. آنگاه علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ حضرت رسول الله فرمودند: آنها قومی هستند که در رابطه با روح الله با یکدیگر محبت می کنند و وسیله پیوند قلبها و نزدیکی آنها روح الله است نه به سبب بستگی و خویشاوندی و نه به خاطر اموال آنها و شیعه تو هستند و تو امام آنهایی یا علی(۱۵).(۱۶)

« بخش پاسخ به سؤالات »

۱۴) اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۹۲، ح ۱۴.

۱۵) بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۹.

۱۶) مآخذ: بحارالانوار ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳؛ اصول کافی، ج ۱؛ منتهی الآمال؛ غیبت نعمانی؛ غیبت شیخ طوسی، اثبات الهداه، ج ۷؛ کشف الغمه، ج ۴؛ الملاحم؛ منتخب الاثر؛ نجم الثاقب؛ سیره علمی اهل بیت«علیهم السلام».

علائم ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پرسش

علائم ظهور حضرت مهدی(عج) چیست؟

پاسخ

موارد و مستندات علائم ظهور بررسی شد، جهت اطمینان بیشتر به احادیثی که این علائم در آنها آمده است متذکر می شویم.

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود:

۱. هر گاه دیدی که: حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند.

۲. و دیدی که: ظلم و ستم فراگیر شده است.

۳. و دیدی که: قرآن فرسوده و بدعت هایی از روی هوا و هوس، در مفاهیم آن آمده است.

۴. و دیدی که: دین خدا(عملاً) تو خالی شده، همانند ظرفی که آن را واژگون سازند!

۵. و دیدی که: طرفداران و اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته اند.

۶. و دیدی که: کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند.

۷. و دیدی که: افراد(به ظاهر) باایمان سکوت کرده و سخنشان را نمی پذیرند.

۹. و دیدی که: شخص بدکار و دروغ گوید، و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی کند.

۱۰. و دیدی که: بچه ها، به بزرگان احترام نمی گذارند.

۱۱. و دیدی که: قطع پیوند خویشاوندی شود.

۱۲. و دیدی که: بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برنگردد.

۱۳. و دیدی که: نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می کنند.

۱۴. و دیدی که: زنان با زنان ازدواج نمایند.

۱۵. و دیدی که: انسانها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می کنند و کسی مانع نمی شود.

۱۶. و دیدی که: افراد با دیدن کار و تلاش نامناسب مؤمن، به خدا پناه می برند.

۱۷. و دیدی که: مداحی دروغین از اشخاص، زیاد شود.

۱۸. و دیدی که: همسایه همسایه خود را اذیت می کند و از آن جلوگیری نمی شود.

۱۹. و دیدی که: کافر به خاطر سختی

مؤمن، شاد است.

۲۰. و دیدی که: شراب را آشکارا می آشامند و برای نوشیدن آن کنار هم می نشینند و از خداوند متعال نمی ترسند.

۲۱. و دیدی که: کسی که امر به معروف می کند خوار و ذلیل است.

۲۲. و دیدی که: آدم بدکار در آنچه آن را خداوند دوست ندارد، نیرومند و مورد ستایش است.

۲۳. و دیدی که: اهل قرآن و دوستان آنها خوارند.

۲۴. و دیدی که: راه نیک بسته و راه بد باز است.

۲۵. و دیدی که: خانه کعبه تعطیل شده، و به تعطیلی آن دستور داده می شود.

۲۶. و دیدی که: انسان به زبان می گوید ولی عمل نمی کند.

۲۷. و دیدی که: مؤمن، خوار و ذلیل شمرده شود.

۲۸. و دیدی که: بدعت و زنا آشکار شود.

۲۹. و دیدی که: مردم به شهادت و گواهی ناحق اعتماد کنند.

۳۰. و دیدی که: حلال، حرام شود و حرام، حلال گردد.

۳۱. و دیدی که: دین براساس میل اشخاص معنی شود، و کتاب خدا و احکام آن تعطیل گردد.

۳۲. و دیدی که: جرأت بر گناه آشکار شود و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگرد.

۳۳. و دیدی که: مؤمن نتواند نهی از منکر کند مگر در قلبش.

۳۴. و دیدی که: ثروت بسیار زیاد در راه خشم خدا خرج گردد.

۳۵. و دیدی که: سردمداران به کافران نزدیک شوند و از نیکوکاران دور شوند.

۳۶. و دیدی که: والیان در قضاوت رشوه بگیرند.

۳۷. و دیدی که: پستهای مهم والیان براساس مزایده است نه براساس شایستگی.

۳۸. و دیدی که: مردم را از روی تهمت و یا سوء ظن بکشند.

۳۹. و دیدی که: مرد به خاطر همبستری با همسران خود مورد سرزنش قرار گیرد.

۴۰. و دیدی

که: زن بر شوهر خود مسلط شود و کارهایی که مورد خشنودی شوهر نیست انجام می دهد و به شوهرش خرجی می دهد.

۴۱. و دیدی که سوگندهای دروغ به خدا بسیار گردد.

۴۲. و دیدی که: آشکارا قمار بازی می شود.

۴۳. و دیدی که: مشروبات الکی بطور آشکار بدون مانع خرید و فروش می شود.

۴۴. و دیدی که: مردم محترم توسط کسی که مردم از سلطنتش ترس دارند، خوار شوند.

۴۵. و دیدی که: نزدیک ترین مردم به فرمانداران آنانی هستند که به ناسزاگویی به ما خانواده عصمت علیهم السلام ستایش شوند.

۴۶. و دیدی که: هر کس ما را دوست دارد او را دروغگو خوانده و گواهی اش را قبول نمی کنند.

۴۷. و دیدی که: در گفتن سخن باطل و دروغ با همدیگر رقابت کنند.

۴۸. و دیدی که: شنیدن سخن حق بر مردم سنگین است ولی شنیدن باطل برایشان آسان است.

۴۹. و دیدی که: همسایه از ترس زبان به همسایه احترام می کند.

۵۰. و دیدی که: حدود الهی تعطیل شود و طبق هوا و هوس عمل شود.

۵۱. و دیدی که: مسجدها طلاکاری(زینت داده) شود.

۵۲. و دیدی که: راستگوترین مردم نزد آنها مفتریان دروغگو است.

۵۳. و دیدی که: بدکاری آشکار شده و برای سخن چینی کوشش می شود.

۵۴. و دیدی که: ستم و تجاوز شایع شده است.

۵۵. و دیدی که: غیبت، سخن خوش آنها شود و بعضی دیگر را به آن بشارت کنند.

۵۶. و دیدی که: حجّ و جهاد برای خدا نیست.

۵۷. و دیدی که: سلطان به خاطر کافر، شخص مؤمن را خوار کند.

۵۸. و دیدی که: خرابی بیشتر از آبادی است.

۵۹. و دیدی که: معاش انسان از کم فروشی به دست می آید.

۶۰. و دیدی که: خونریزی آسان گردد.

۶۱.

و دیدی که: مرد به خاطر دنیایش ریاست می کند.

۶۲. و دیدی که: نماز را سبک شمارند.

۶۳. و دیدی که: انسان ثروت زیادی جمع کرده، ولی از آغاز تا آخر، زکاتش را نداده است.

۶۴. و دیدی که: قبر مرده ها را بشکافند و آنها را اذیت کنند.

۶۵. و دیدی که: هرج و مرج بسیار است.

۶۶. و دیـدی که: مرد روز خود را با مستی به شب می رسانـد، و شب خود را نیز به همین منوال به صبح برساند و هیچ اهمیتی به برنامه مردم ندهد.

۶۷. و دیدی که: با حیوانات آمیزش می شود.

۶۸. و دیدی که: مرد به مسجد(محل نماز) می رود وقتی برمی گردد لباس در بدن ندارد(لباسش را دزدیده اند).

۶۹. و دیدی که: حیوانات همدیگر را بدرند.

۷۰. و دیدی که: دلهای مردم سخت و دیدگانشان خشک و یاد خدا برایشان گران است.

۷۱. و دیدی که: بر سر کسبهای حرام آشکارا رقابت کنند.

۷۲. و دیدی که: نمازخوان برای خودنمایی نماز می خواند.

۷۳. و دیدی که: فقیه برای دین خدا فقه نمی آموزد و طالب حرام ستایش و احترام می گردد.

۷۴. و دیدی که: مردم در اطراف قدرتمندانند.

۷۵. و دیدی که: طالب حلال، مذمت و سرزنش می شود و طالب حرام، ستایش و احترام می گردد.

۷۶. و دیدی که: در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خدا دوست ندارد و کسی از آن جلوگیری نمی کند، و هیچ کس بین آنها و کارهای بدشان مانع نمی شود.

۷۷. و دیدی که: آلات موسیقی و لهو در مدینه و مکه آشکار گردد.

۷۸. و دیدی که: مرد سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند، ولی دیگران او را از این کار برحذر می دارند.

۷۹. و دیدی که:

مردم به همدیگر نگاه می کنند، و از مردم بدکار پیروی نمایند.

۸۰. و دیدی که: راه نیک خالی و راه رونده ندارد.

۸۱. و دیدی که: مرده را مسخره کنند و کسی برای او اندوهگین نشود.

۸۲. و دیدی که: سال به سال بدعت و بدیها بیشتر شود.

۸۳. و دیدی که: مردم و جمعیتها جز از سرمایه داران پیروی نکنند.

۸۴. و دیدی که: به ف.....چیزی را دهند که برایش بخندند، ولی در راه غیر خدا ترحم است.

۸۵. و دیدی که: علایم آسمانی شود و کسی از آن نگران نشود.

۸۶. و دیدی که: مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی به جا می آورند و کسی از ترس مردم از آن جلوگیری نمی کند.

۸۷. و دیدی که: انسان در راه غیر خدا بسیار خرج کند، ولی در راه خدا از اندک هم مضایقه دارد.

۸۸. و دیدی که: عقوق پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ احترامی برای آنها قائل نیستند بلکه نزد فرزند از همه بدترند.

۸۹. و دیدی که: زنها بر مسند حکومت بنشینند و هیچ کاری جز خواسته آنها پیش نرود.

۹۰. و دیدی که: پسر به پدرش نسبت دروغ بدهد، و پدر و مادرش را نفرین کند و از مرگشان شاد گردد.

۹۱. و دیدی که: اگر روزی بر مردی بگذرد، ولی او در آن روز گناه بزرگی مانند بدکاری، کم فروشی و زشتی انجام نداده ناراحت است.

۹۲. و دیدی که: قدرتمندان، غذای عمومی مردم را احتکار کنند

۹۳. و دیدی که: اموال حق خویشاوندان پیامبرصلی الله علیه وآله(خمس) در راه باطل تقسیم گردد و با آن قمار بازی و شرابخواری شود.

۹۴. و دیدی که: به وسیله شراب بیمار را مداوا

و برای بهبودی آن را تجویز کنند.

۹۵. و دیدی که: در امر به معروف و نهی از منکر و ترک دین بی تفاوت و یکسانند.

۹۶. و دیدی که: سرو صدای منافقان برپا، اما صدای حق طلبان خاموش است.

۹۷. و دیدی که: برای اذان و نماز مزد می گیرند.

۹۸. و دیدی که: مسجدها پر است از کسانی که از خدا نترسند و غیبت هم نمایند.

۹۹. و دیدی که: خورندگان اموال یتیمان ستوده شوند.

۱۰۰. و دیدی که: قاضیان بر خلاف دستور خداوند قضاوت کنند.

۱۰۱. و دیدی که: استانداران از روی طمع، خائنان را امین خود قرار دهند.

۱۰۲. و دیدی که: فرمانروایان، میراث مستضعفان را در اختیار بدکاران از خدایی خبر قرار دهند.

۱۰۳. و دیدی که: بر روی منبرها از پرهیزکاری سخن می گویند، ولی گویندگان آن پرهیزکار نیستند.

۱۰۴. و دیدی که: صدقه را با وساطت دیگران، بدون رضای خداوند و به خاطر درخواست مردم بدهند.

۱۰۵. و دیدی که: وقت (اول) نمازها را سبک شمارند.

۱۰۶. و دیدی که: هم و هدف مردم شکم و شهوتشان است.

۱۰۷. و دیدی که: دنیا به آنها روی کرده است.

۱۰۸. و دیدی که: نشانه های برجسته حق ویران است؛ در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجاتت بدهد(۱۷).

« بخش پاسخ به سؤالات »

۱۷) بحارالانوار، علامه مجلسی، محمدباقر، مؤسسه انوغاء بیروت، لبنان الطبعه الثانیه، ۱۴۰۳ ه ۱۹۸۳ م، ج ۵۲ ص ۲۵۴ – ۲۶۲،ح ۱۴۷ نقل از روضه کافی.

سایر علائم

طبق روایات ظلم و گناه در دنیا زمینه ظهور است , از سویی دیگر وظیفه ما عبادت و اخلاص است این دو چگونه قابل جمع است ؟

پرسش

طبق روایات ظلم و گناه در دنیا زمینه ظهور است , از سویی دیگر وظیفه ما عبادت و اخلاص است این دو چگونه قابل جمع است ؟

پاسخ

برای روشن شدن پاسخ، باید به دو نکته توجّه کرد:

۱. بین اسباب ظهور و نشانه های ظهور، تفاوت هست. در روایات، اموری به عنوان «نشانه های ظهور» معرفی شده است؛ بدین معنا که پیدایش این نشانه ها، با ظهور امام زمان(عج) هم زمان خواهد بود. اموری نیز به عنوان «اسباب» ظهور معرفی شده است، بدین معنا کهپیدایش این امور، علت و سبب ظهور می باشد.

روشن است که اسباب ظهور، خود می تواند نشانه ظهور نیز باشد؛ چرا که علت و سبب ظهور هم زمان با آن خواهد بود؛ ولی چنین نیست که نشانه های ظهور حتما از اسباب ظهور باشند.

به عبارت دیگر، اسباب ظهور زمینه ساز ظهور است؛ ولی نشانه های ظهور فقط هم زمان با ظهور خواهد بود.

۲. وظیفه ما در دوران غیبت برای نزدیک تر شدن زمان ظهور، بر اساس اسباب ظهور تعیین می شود، نه نشانه های آن، زیرا اسباب ظهور در تعجیل ظهور مؤثر است؛ نه نشانه های آن.

حال بر اساس این دو نکته، می توان پاسخ سؤال را یافت. فراوانی ظلم در جهان، از نشانه های ظهور است، نه از اسباب آن؛ در حالی که انتظار حقیقی که عبارت است از کسب آمادگی و اقدام برای برقراری حکومت جهانی اسلام از اسباب ظهور است و مسلمانان برایتعجیل فرج، باید اسباب آن را فراهم کنند.

به عبارت دیگر پیام اسباب ظهور، سوق دادن مسلمانان به ایجاد آن اسباب است؛ اما پیام نشانه های ظهور، تحریک مسلمانان به ایجاد آن نیست.{J

با توجه به این که بسیاری از مردم به انواع موسیقی ها روی آورده اند آیا ظهور حضرت مهدی ۷نزدیک نیست ؟

پرسش

با توجه به این که بسیاری از مردم به انواع موسیقی ها روی آورده اند آیا ظهور حضرت مهدی ۷نزدیک نیست ؟

پاسخ

زمان ظهور حضرت مهدی ۷را کسی نمی داند. امید است خداوند ظهور آن حضرت را نزدیک بفرماید و توفیق شهادت در رکاب آن حضرت را به همهء ما عنایت بفرماید. البته زمان ما بسیار حساس است و درامتحان سختی آزموده می شویم . خداوند همهء ما را در این امتحان سرافراز نماید.

توطئه های شیاطین بزرگ دنیا برای از بین بردن انقلاب اسلامی و تهی کردن آن از درون , فراوان است همه ءما می دانیم که این انقلاب ثمرهء خون هزاران شهید و مجاهدات علمای بزرگ اسلام در طول هزار سال است , وما باید با عمل و رفتار خود برای حفظ انقلاب و ارزشهای آن بکوشیم چون دشمنان انقلاب بعد از تحمیل جنگ و فشارهای اقتصادی و روانی بر مردم مسلمان ایران نتوانستند به اهداف خود برسند از راه توطئه ءفرهنگی وارد شده اند و دولت آمریکا بیست میلیارد دلار بودجه برای انحراف جوانان و مردم ایران و به فسادکشاندن آنان هزینه کرده است . اگر مردم ایران و مسئولین کشور با این توطئه ها مقابله نکنند, خطر عظیمی درپیش خواهد بود همهء ما باید با حفظ ارزش های انقلاب و تبعیت از مقام معظم رهبری و حضور در صحنه های انقلاب و حمایت از اسلام و انقلاب و رهبری از این توطئه ها جان سالم به در ببریم و انقلابمان را حفظ کنیم .

امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه هایی خواهد داشت ؟

پرسش

امام زمان (عج هنگام ظهور چه نشانه هایی خواهد داشت ؟

پاسخ

نشانه های حضرت مهدی (عج هنگام ظهور براساس روایات چنین است

امام صادق (ع فرمود: "قائم ما اهلبیت در روز جمعه قیام می کند".

باز فرمود: "از طرف رکن حجرالاسود پرنده ای بر قائم فرود می آید و آن پرنده نخستین کسی است که با وی بیعت می کند. او جبرئیل است و حجرالاسود همان رکنی است که قائم بر آن تکیه می کند".

امام مجتبی (ع فرمود: "هر یک از ما ائمه ناگزیر بیعت سلطانی به گردنش می افتد، مگر حضرت مهدی (عج که بیعت هیچ طاغوتی بر عهده او نیست و عیسی روح الله پشت سر او نماز می گذارد. او نهمین امام از فرزندان برادرم حسین است خداوند عمر او را در مدت غیبتش طولانی می گرداند آن گاه با قدرت کامله خود به صورت جوانی چهل ساله آشکار می سازد تا مردم بدانند که خداوند بر همه چیز قدرت دارد".

امام مجتبی از پدرش امیرالمؤمنین (ع نقل می کند که "خداوند در آخر الزمان و روزگاری سخت در میان جهل و نادانی مردم مردی را بر می انگیزد و او را با فرشتگان تأیید می کند و یاران او را حفظ می کند و با آیات و نشانه های خود نصرت می

دهـد و بر کره زمین غـالب می گردانـد تـا آن جـا که پاره ای از مردم از روی میل و گروهی با اجبار به دین خـدا می گرونـد. سپس او زمین را پر از عـدل و داد و نور و برهان می کنـد. تمام مردم جهان در برابر او خاضع می شونـد. هیـچ بدکاره ای نمی ماند مگر این که اصلاح می شود."

چه آثاری در نقل علایم ظهور است؟

پرسش

چه آثاری در نقل علایم ظهور است؟

پاسخ

با تأملی در روایات علایم ظهور وبررسی همه جانبه آن، پی به آثار وفواید نشر آنها در میان جامعه خواهیم برد. اینک به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

۱ - آگاهی امّت از پرچم ها و دعوت های ضلال وگمراه کننده.

۲ - بشارت به ظهور دعوت های حق وقیام هایی که در آن مردم را به حقّ دعوت می نمایند.

۳ - اخبـار غیبی از آن جهت که خرق عادت است از اهمّ دلایل نبوت وامامت به شـمار می آیـد، ولـذا نشـر وتحقق آنها سـبب زیاد شدن یقین در قلوب مسلمانان خواهد شد.

۴ - از آن جهت که کفّـار برای پـذیرش اسـلام به دنبـال دلیـل وبرهـان ومعجزه انـد، این گونه اخبار بعـد از تحقّق قطعی آنها، حجّتی برای آنها خواهد بود.

۵ - بعداز تحقق هر یک از علایم ظهور، اطمینان مردم به اصل ظهور بیشتر خواهد شد.

۶ - تحقق یکایـک علایم ظهور در خارج، منعکس کننـده عزم جـدّی خداونـد متعال در نصـرت اسـلام ومسـلمین بر کفّار در سطح کلّ کره زمین است.

۷ - مسـلمانان را برای آماده شـدن وزمینه سازی ظهور تحریک کرده وبه آنها آمادگی روحی، سیاسـی وجهادی برای شـرکت در حکومت آن حضرت را خواهد داد.

۸ - از آنجـا که انسان غریزه ومیل به شـنیدن اخبار غیبی دارد، با طرح این گونه اخبار واقعی واسـلامی، جلوی انحرافات فکری ازناحیه کاهنان ومنجمان از این طریق گرفته می شود.

۹ – بخش مهمّی از علایم ظهور از امور سیاسی اسلام به حساب می آید که باید مسئولین رده بالا ـ در بررسی مسائل استراتژیک خود به آنها توجه نموده و برنامه های خود را در سطح کلان بر اساس آنها پی ریزی

کنند.

۱۰ – بحث از علایم ظهور، موضوعی نیست که اختصاص به شیعه یا مسلمانان داشته باشد، بلکه در هر دین وآیینی کم وبیش به علایم ظهور منجی بشریت، به هر اسم ونامی پرداخته شده است.

نویسنده آلمانی "هالسیل" در کتاب خود "خبر وسیاست" می گوید: ما مسیحیان ایمان داریم که تاریخ بشریت در آینده ای نه چندان دور در معرکه ای به نام "هرمجدّون" به پایان خواهد رسید. معرکه ای که در آن، مسیح بازگشته وبر تمام زنده ها ومردگان حکومت خواهد کرد".

{پاورقی . عمر أمّه الاسلام، ص ۶۳. پاورقی}

آیا علایم ظهور با احادیث نفی توقیت منافات دارد؟

پرسش

آیا علایم ظهور با احادیث نفی توقیت منافات دارد؟

پاسخ

ممکن است که به ذهن کسی چنین خطور کند که نشر شرایط وعلامات ظهور در جامعه با احادیث نهی از توقیت ومعیّن کردن وقت ظهور منافات داشته باشد، پس چرا از آنها سخن به میان می آید.

توقیت وتعیین وقت ظهور که در روایات از آن نهی شده شامل نقل علایم وشرایط ظهور نیست؛ زیرا مقصود از توقیت آن است که به طور دقیق، وقت خاصّی را برای ظهور معیّن کنیم، که روایات از آن نهی کرده است.

وقت معیّن کردن برای ظهور غیر از آنکه مشتمل بر نهی است دارای اشکالات دیگری نیز می باشد:

۱ – ادعایی بدون دلیل است.

۲ – اگر تاریخ ظهور معلوم باشد دشمنان درصدد مقابله وجلوگیری از آن برخواهند آمد. ولذا در روایات می خوانیم که ظهور حضرت (ع) به طور ناگهانی خواهد بود.

۳ – با وقت معین نکردن، روحیه امید وحیات در جامعه دمیده خواهد شد، زیرا در هر لحظه احتمال داده می شود که ظهور حضرت فرا رسد.

آیا علایم ظهور متعلّق بدا واقع می شود؟

پرسش

آیا علایم ظهور متعلّق بدا واقع می شود؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می شود که علایم ظهور بر دو قسم هستند: برخی حتمی اند که مورد بدا وتجدید نظر واقع نمی شوند، وبرخی دیگر متعلق بدا واقع می گردند، ولی اصل ظهور امری حتمی است که خداوند متعال در آن جواب فطرت وخواسته درونی بشر را داده ووعده به تحقق آن داده است وخداوند هرگز خلف وعده نمی کند.

داوود بن ابی القاسم می گوید: "ما نزد ابی جعفر محمّد بن علی الرضا (ع) بودیم که سخن از خروج سفیانی به میان آمد واینکه در روایت آمده که امر او حتمی است. به ابوجعفر (ع) عرض کردم: آیا بدا در امر، حتمی خواهد شد؟ حضرت فرمود: آری. عرض کردم: ما می ترسیم که در امر قائم نیز بدا حاصل شود؟ فرمود: امر قائم از اموری است که وعده داده شده وخداوند در وعده خود تخلّف نخواهد کرد".

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۳؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰ù۲۵۱. پاورقی}

علایم حتمی که مورد بدا واقع نمی شود، نشانه هایی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - تصریح به حتمی بودن آن در روایات.

۲ - تأکید به قسم.

۳ - تأکید به "لابدّ".

۴ - تأکید به "لام".

۵ - تأکید به "انّ".

۶ - تأکید به تکرار.

۷ - تأکید به "سین وسوف".

چه راه صحیحی در بررسی علایم ظهور پیشنهاد می کنید؟

پرسش

چه راه صحیحی در بررسی علایم ظهور پیشنهاد می کنید؟

پاسخ

در مورد علایم ظهور سه مشکل اساسی وجود دارد که باید هر کدام مورد بررسی دقیق قرار گیرد:

۱ - اثبات علامت به دلیل معتبر.

۲ - خارج کردن علامت از قالب غموض وابهام.

۳ - کشف قواعد یقین برای اثبات یا نفی تحقق علامت در خارج.

برای اثبات صحت روایات علایم ظهور وتمییز آنها از روایات جعلی، اعتماد بر افراد ثقه واطمینان به صدور روایات از معصوم کافی است، زیرا روایات علایم ظهور برخی متواتر یا مستفیض یا صحیح ومعتبرند، وبرخی دیگر گرچه ضعیف السند است ولی مؤیّدات وشواهدی بر صحت در روایات دیگر دارد که با سند صحیح وارد شده است.

وراه روشن شدن علامت ظهور به دو نوع امکان پذیر است:

الف. اصول علمی، که در مورد روایات فقهی نیز مورد استفاده واقع می گردد.

ب. مقدمات علمی، که مربوط به خصوص علایم ظهور است ومهم ترین آنها: تاریخ، جغرافیا، علم حساب وجمل واصطلاحات مربوط به علایم ظهور است.

وبرای کشف اثبات یا نفی علامتی در خارج می توان قواعدی را بیان داشت تا با اعمال آنها به حقیقت امر پی برد:

۱ - اوصاف آن علامت را به صورت دقیق در نظر گرفته وبر خارج تطبیق نمود.

۲ - با دلیل ثابت شود که آن علامت زمان سابق در خارج تحقق نیافته است.

۳ - احتمال تحقق آن را در زمان آینده نفی کند.

آیا روایات علایم ظهور اشکال سندی ومتنی دارد؟

پرسش

آیا روایات علایم ظهور اشکال سندی ومتنی دارد؟

پاسخ

برخی می گوینـد بحث از علایم ظهور بی فایده است؛ زیرا غالب روایاتش از ناحیه سـند ضـعیف بوده، واز جهت مضـمون نیز معقول نیست، خصوصاً آنکه اموری که اتفاق می افتد تشابه زیادی با یکدیگر دارد.

پاسخ:

۱ -بسـیاری از اخبار علایم ظهور صـحیح السـند بلکه مسـتفیض یا متواتر است. مضافاً اینکه تعداد بی شـماری از آنها مضمونی واضح وروشن دارند به درجه ای که در حکم نصّ صریح در موضوع خود است.

۲ -وجود روایـات ضـعیف در تمـام موضوعات دینی وخبرهای مختلف وجود دارد، این مسأله باعث نمی شود که انسان محقّق دست از بحث وبررسی آن بردارد، بلکه وظیفه دارد که با روشی صحیح به بررسی سندی آنها بپردازد.

۳ -گر چه در تطـبیق علاـیم ظهـور اشـتباهاتی صورت گرفته، ولی این امر بـاعث نمی شود که دست از بحث وتحقیق برداریم، بلکه وظیفه داریم تا با به کار گرفتن روشـی علمی ومعتبر به طریقی صـحیح ومعتبر برای تطبیق صـحیح علایم در خارج دسـت یابیم.

معرکه هرمجدّون چیست؟

پرسش

معرکه هرمجدّون چیست؟

پاسخ

برخی از دانشـمندان، یکی از علاـیم ظهور حضـرت مهـدی (ع) را وقوع معرکه جنگی در منطقه ای به نام هرمجـدّون وبه تعبیر روایات قرقیسیا می دانند. این قضیه حتّی در کتب اهل کتاب نیز به آن اشاره شده است.

{پاورقی . رؤیای یوحنّا، ۱۶-۱۳/۱۶ ؛ سفر زکریا، ۵-۱/۱۴ ؛ کتاب مقدس، ص ۸۴۳. پاورقی}

اهل کتاب از یهود ونصارا این معرکه جنگی را بس عظیم وخطرناک می دانند که در پایان تاریخ بشر اتفاق خواهد افتاد.

"هرمجـدون" کلمه ای است مشـتق از "هَرْ" به معنای کوه، و"مجدّو" که اسم وادی یا کوه کوچکی در شـمال فلسـطین است. اهـل کتـاب را گمـان بر این است که مسـاحت معرکه این جنگ از منطقه "مجـدّو" در شـمال فلسـطین تا "ایـدوم" در جنوب امتداد دارد که حدود دویست میل است.

{پاورقی . شبکه معلومات، ص ۴. پاورقی}

آنان معتقدنـد که در این جنگ لشـکری با حـدود ۴۰۰ ملیون نفر شـرکت خواهنـد داشت. لشـکری که از عراق، ایران، لیـبی، سودان وقفقاز در جنوب روسیه تشکیل {پاورقی . همان، ص ۲. پاورقی}

شده است.

{پاورقی . مجله الفکر الجدید، شماره ۱۶ù۱۵. پاورقی}

دکتر عبـدالکریم زبیـدی می گویـد: "...این حـادثه همـان حـادثه بزرگی است که قبـل از ظهور امام مهـدی (ع) تحقق خواهد یافت، ودر روایات از آن به معرکه "قرقیسیا" یاد شده است. در آن واقعه میلیون ها لشکر از آمریکا، اروپا، روسیه، ترکیه، مصر ودولت هـای مغرب عربی، ولشـکریانی از شـهرهای شام یعنی سوریه، اردن، لبنان، فلسـطین واسـرائیل شـرکت خواهنـد داشت. همگی در منطقه ای به نام قرقیسیا از بلاد شام با هم مواجهه خواهند داشت، وسفیانی در این هنگام خروج خواهد کرد...".

{پاورقی . همان. پاورقی}

کلینی به سند خود از امام باقر (ع) نقل

کرده که به میسِّر فرمود: ای میسّر! چه مقدار بین شما وقرقیسیا فاصله است؟" عرض کرد: نزدیک شاطئ الفرات است. حضرت فرمود: "أما أنّه سیکون بها وقعه لم یکن مثلها منذ خلق اللّه تبارک وتعالی السموات والأرض ولایکون مثلها ما دامت السموات والارض. مأدبه للطیر تشبع منها سباع الأرض وطیور السمآء..."؛ "آگاه باش که در آن مکان واقعه ای اتفاق خواهد افتاد که نظیر آن از زمان {پاورقی . کافی، ج ۸، ص ۲۴۵، ح ۴۵۱. پاورقی}

خلقت آسمان ها وزمین از جانب خداوند تبارک وتعالی اتفاق نیفتاده است ونخواهد افتاد. آنجا محلّ پذیرایی پرندگان خواهد بود. درندگان زمین وپرندگان آسمان از آن سیر خواهند شد."

از مجموعه روایات در این باب به خوبی استفاده می شود که در این جنگ فرمانده عملیاتی این جنگ از جانب دشمنان اسلام، شخصی به نام سفیانی است. او کسی است که به کمک مراکز جاسوسی یهود وآمریکا در میان مردم تفرقه انداخته ومردم را بر ضدّ شیعیان اهل بیت تحریک خواهد کرد، ونیز بعد از پناه بردن امام زمان (ع) به کعبه با عده ای از یاران خود درصدد مقابله با حضرت برآمده که خود او با لشکریانش درمنطقه ای به نام بیدا به زمین فروخواهند رفت.

در همین جنگ است که بنیه یهود از هم پاشیده شده وبسیاری از آنها نابود خواهند شد.

بخاری به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "قیامت برپا نمی شود تا آنکه شما با یهود بجنگید، در آن هنگام به حدّی از آنان کشته خواهد شد که حتّی سنگی که یک یهودی در آن پناه گرفته می گوید: ای مسلمان! این یهودی است که در کنار من پناه گرفته، او را به

قتل برسان".

{پاورقی . صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۳۲. پاورقی}

مراد از ظهور اصغر واکبر چیست؟

پرسش

مراد از ظهور اصغر واکبر چیست؟

پاسخ

همان گونه که برای تثبیت وجا افتادن غیبت کبرا، خداوند متعال برای امام زمان (ع) غیبت صغرا را مقدّر کرد تا زمینه برای غیبت کبرا فراهم گردد، در مورد ظهور حضرت نیز گفته شده که قبل از ظهور اکبر، خداوند برای ایجاد آمادگی برای آن، ظهور اصغری را پیش بینی کرده است.

به این معنا که خداوند مدّتی قبل از ظهور اکبر، سطح علمی مردم را در طبقات مختلف جامعه بالا می برد تا برای درک عصر حضرت مهدی (ع) قابلیت لازم را پیدا نمایند. این آمادگی از دو طریق حاصل می شود:

۱ - بالا بردن شعور وآگاهی مردم نسبت به احتیاج داشتن حکومت جهانی توحیدی.

۲ - بالا بردن سطح علمی مردم برای پذیرش چنین حکومتی.

آیا علایم قریب برای ظهور، با اینکه حضرت به طور

اشاره

ناگهانی ظهور می کند منافات دارد؟

پرسش

آیا علایم قریب برای ظهور، با اینکه حضرت به طور

ناگهانی ظهور می کند منافات دارد؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، ظهور وقیام حضرت مهدی (ع) به طور ناگهانی خواهد بود، واین از عنایات خداوند در حق آن حضرت است تا دشمنان را غافلگیر کرده وجلو تدابیر آنها را گرفته وهر گونه اقدامی را بر ضد حضرت از آنها سلب کند.

طبرسی توقیعی را از ناحیه مقدسه به شیخ مفید؛ نقل کرده که در آخر آن چنین آمده است: "هر کس باید کاری کند که محبت ما را به خود جذب کرده واز کاری که کراهت وسخط ما را بر می انگیزد دوری کند. پس همانا امر ما یک دفعه وبه طور ناگهانی اتفاق خواهد افتاد".

{پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴. پاورقی}

در توجیه اشکال فوق می گوییم:

علایم قریب برای ظهور حضرت مهدی (ع) همانند ندای آسمانی وفرورفتن زمین بیدا با اهلش ودیگر علایم، برای آگاهی مخلصین ومؤمنان است، تا از قرب ظهور آگاهی داشته باشند، ولذا ظهور برای آنها ناگهانی نخواهد بود. آری عنصر اتفاق وظهور ناگهانی برای دشمنان حضرت مهدی (ع) است تا از این غفلتی که خداوند در آنها قرار می دهد حضرت بتواند به مقاصد عالی خود که همان سلطه بر ظالمان وگسترش عدل وداد است برسد.

۱– نشانه های آخر الزمان که کاملا روشن و آشکار هستند و تا بحال اتفاق افتاده چیست ؟

پرسش

۱– نشانه های آخر الزمان که کاملا روشن و آشکار هستند و تا بحال اتفاق افتاده چیست ؟

پاسخ

ج ۱– در کتابهائیکه درمورد حضر ت مهدی(عج) بحث نمودانـد و تا حد توان در باره بقیه الله الا-عظم (عج) و میوه دل حضرت زهراء قلم فرسائی نموده و شِمه ای از گل رخسار قطب دایره امکان به عاشقان و بلبلان گل وجودش گفته اند مطالبی درباره علائم ظهور آن حضرت بدست نگاریشان نگارش یافته است و علائم زیاد مطرح گردیده که هر کدام آنها باید مورد کنکاش و تحقیق و تفحص قرار گیرد . بعضی از علا-ئم نام برده شده در کتب اهل تشیعه را مورد بحث قرار می دهیم , اما تجزیه و تحلیل و صدق و کذب آنرا بعهده پژوهشگران و دانش پژوهان واهل فن در این رشته می گذاریم .

۱– شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از امام صادق علیه السلام » روایت میکند که پیامبر اسلام صلی الله علیه واله » فرمودند : زمانی بر این امت خواهد آمد که از قرآن جز «رسم» و از اسلام جز« اسم» نماند , آنها خود را مسلمان مینامند در حالیکه از

اسـلام دورند, مانند کشورهای اسـلامی که نامشان اسلامی است اما فرهنگ اسلام ضعیف است , اما ایران از برکت و زحمات بنیانگـذار انقلاب اسـلامی امـام خمینی « رحمه الله علیه » و خون شـهدا ,هم ملت از اسـلام آگاهی یافت و هم جوانان با قرآن آشنا شده اند که امروز چند هزار نفر حافظ قرآن داریم , پیامبر فرمودند : « مساجد آباد ولی از لحاظ هدایت و تقوی

خالی است و خراب است و دانایان آنها بدترین دانایان هستند . یعنی :درمقابل طاغوت و کفر و بدعت در اسلام قیام نمی کنند .

۲- همچنین شیخ صدوق در کتاب کمال الدین ازمحمد بن مسلم روایت میکند که از امام باقر علیه السلام » شنیدم فرمودند : قائم ما را خدا با نصرت مؤید داشته , زمین زیر پایش نور دیده میشود , گنجها و معادن برایش آشکار میگردد سلطنتش شرق و غرب عالم را فرا میگرد و خداوند بوسیله او دین خود را بر همه مسلکها و ادیان باطله غالب گرداند ,هر چند مشرکان نخواهند, و یرانه ای روی زمین نمیماند مگر آنکه آنرا آباد سازد و عیسی علیه السلام » نازل شده و با او نماز گزارد من عرض کردم یابن رسول الله قائم شما کی خواهد آمد ؟ هنگامیکه مرد ها شبیه زنها و زنها شبیه مردها شوند و زنها بر زینها سوار گردند و گواهی زنها ی ناحق قبول افتد و گواهی عادلان رد شود و زنا و خوردن ربا آسان شود و ...موقیعکه امام عصر « عج » آشکار شوند تکیه به کعبه کرده و ۳۱۳ مرد اطراف او جمع گردند. اولین سخن او اینست { انا بقیه الله فی ارضه } منم آن بقیه سُفَرای الهی در روی زمین و چون ده هزار مرد نزد وی جمع شوند قیام فرماید. (۱)

۳- مولف کتاب« نوائب الدهرفی علائم ظهور », مرحوم سید حسن میر جهانی« ره » حدود پانصد مورد از علائم و حوادث قبل از ظهور را بطور مستند نقل میفرمایند :

۱- اختلاف بسیار در روی زمین.

۲-

خروج سفیانی که مردی است از نسل یزیدبن معاویه و مرد پلیدی است.

۳- وقوع زلزله در بغداد.

۴- کشف حجاب و بی عفتی در زنها و شریک شدن زنها در تجارت و تمکین نکردن از شوهرانشان.

۵- تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه روز.

۶- واقع شدن فتنه درمیان شرقیها و غربیها.

۷- خراب شدن ری.

۸- ظهور فتنه شدید در سال پیش از ظهور.

۹- زیاد شدن مرض صرع و دیوانگی در اثر شدت فتنه و پریشانی.

۱۰ - ضایع کردن نمازها و پیروی کردن از شهوات و کم شدن امانتداری در مردم.

۱۱-کم شدن کارهای خیر و کم شدن علماء حقیقی.

۱۲- رشوه گرفتن قضات درحکم و ندانسته حکم کردن ایشان.

۱۳- تدریس علوم باطله برخلاف دین و دستور قرآن کریم.

۱۴- کینه علماء دین در دل گرفتن و سرزنش و بدگوئی آنان و کشتن و خوار کردن سادات.

۱۵- قرآن را باساز و آواز خواندن.

۱۶- سخت شدن دلها و خشک شدن اشک چشم و بی اعتنائی به نصایح و پندها.

۱۷- امر به معروف و نهی ازمنکر کننده را سرزنش و ملامت کنند و او را در این کار نهی می نمایند.

۱۸- در هر سال بدعتها و شر زیاد شود غیبت کردن به نظر مردم شایسته باشد .

۱۹ - مختصری از مالشان را در طاعت پروردگار مصرف می کنند و بیشتر آنرا مصرف غیر طاعت پروردگار می نمایند.

۲۰ - قبور ائمه «علیهم السلام » را با گلوله خرا ب کنند.

۲۱- طلاق و جدائی زیاد شود.

۲۲- دین به دنیا فروخته شود و تعارفات دروغی دربین مردم فراوان گردد. (۲)

در پایان متذکر میشوم که همه ما موظفیم که زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عج»

باشیم وآنکه؛ گناه درجامعه کم شود امر به معروف و نهی از منکر از اهم واجبات است و رشد فکری و فرهنگی ارتقاء پیدا کند و تا زمانیکه مردم رشد فکر ی نداشتند و قابلیت پذیرش حکومت حضرت حجت نداشته باشند حضرت « علیه السلام » ظهور نخواهد کرد, و امید است انقلاب اسلامی ایران مقدمه ای بر حکومت عدل قائم آل محمد « صلی الله علیه واله » باشد و خود را آماده پذیرایی این مهمان عزیز کنیم و شب و روز یادش و ذکرش و دعایش وِرد زبانمان باشد .

برای اطلاعات بیشتر به کتاب مهدی موعود علیه السلام » که ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار علامه مجلسی است و مترجم دانشمند و محقق معاصر آقای علی دوانی« دامت برکاته» با زحمت فراوان برشته تحقیق و تحریر آوردند و کتاب جامع و کاملی است و هر اطلاعی که از امام مهدی « عج» مورد نیاز باشد در این کتاب مسطور است.

منابع :

۱-مهدی موعود , ص ۹۶۱

۲- سیره عملی اهلبیت « علیهم السلام » , سید کاظم ارفع

۱- نشانه های امام زمان چیست ؟ ظهور !! یا خود حضرت ؟

پرسش

۱- نشانه های امام زمان چیست ؟ ظهور !! یا خود حضرت ؟

پاسخ

به ذکر چند حدیث می پردازیم . اباصلت از یاران امام رضا علیه السلام » می گوید به حضرت عرض کردم علامتهای قائم چیست ؟ فرمودند : علامت وی آن است که سن او زیاد است ولی چهره ای جوان دارد آنجا که بیننده گمان می برد سنی حدود ۴۰ سال و یا کمتر دارد . از نشانه های او اینکه با گذشت روزها و شبها پیر نمی شود تا آنکه اجلش فرا رسد.

« اکمال الدین , جلد ۲ , ص ۶۵۲ »

پیامبر صلی الله علیه واله » فرمودند : مهدی از من است صورتی گشاده و بینی کشیده دارد .

« البیان , ص ۱۱۷ »

همچنین فرمودند : مهدی عج » خروج می کند درحالی که بر سرش ابری است و در آن ابر ندا دهنده ای که ندا میدهد : این مهدی از فرزندان من است . ا زاو پیروی کنید .

« البیان , ص ۱۱۷ »

حضـرت علی علیه السـلام » فرمودنـد : مهـدی از فرزندان من است او دربین رکن و مقام ظاهر میشود . پیراهن ابراهیم بر تن او حله اسـماعیل بر پیکرش و نعلین بر پایش می باشـد . دلیل بر وجود او سـخن رسول خدا که فرموده عیسـی بن مریم از آسـمان فرود آمده و با مهدی خاندان من همراه خواهد بود « اثبات المهدی ,شیخ الحرعاملی ,ص ۷ »

رسول خدا « صلی الله علیه واله » می فرماید : مهدی از فرزندان من است وقت ظهور چهل ساله به نظر می رسد

و چهره اش مانند ستاره درخشان است در گونه راست او خالی سیاه است و بر او دو عبای قطوانی (سفید رنگ) است گویی مردی از بنی اسرائیل است .(یعنی بلند قامت و تنومند) بیست سال حکومت می کند و گنج ها را استخراج میکند و شهرهای شرک را فتح می نماید

البیان , گنج شافعی , ص ۱۳۷ »

و اما علائم ظهور به سه دسته تقسیم می شود :

۱- نشانه های عمومی شامل انحرافات کشورهای اسلامی و سایر کشورها در موازین دینی و فطری و این علائم مقارن ظهور نیست , بلکه از سالها قبل از ظهور واقع میشوند چنانکه آلان بوضوح در جای جای این دنیای آشفته می بینیم .

۲- نشانه های که سالیان اندک قبل ازظهور اتفاق می افتد و دلیل نزدیک بودن امر ظهور است .

۳- نشانه هایی که مربوط به سال ظهور است از این دسته سوم بعضی غیر حتمی است و بعضی قطعی قطعی .

امام محمد باقر علیه السلام » می فرمایند : پیشاپیش این امر , گرفتن ماه پنج روز مانده به آخر ماه و گرفتن خورشید در نیمه ماه اتفاق می افتد و این در ماه مبارک رمضان واقع می شود در چنین حالتی است که محاسبات ستاره شناسان از بین می رود .

« غیبت نعمانی , ص ۲۷۲ »

امام صادق فرمودند : ندا از آسمان از مسائل قطعی است . سفیانی حتمی است . فروبرده شدن (عده ای جنایتکار) در« بیدا» قطعی است . یمانی حتمی است . کشته شدن نفس زکیه قطعی است .

« عنیبت نعمانی ,ص ۲۵۷-۲۵۲

»

۳- مولف کتاب نوائب الـدهر علائم ظهور , مرحوم سید حسن میر جهانی « ره » حدود پانصد مورد از علائم و حوادث قبل از ظهور را بطور مستند نقل میفرمایند :

۱- اختلاف بسیار در روی زمین .

۲- خروج سفیانی که مردی است از نسل یزیدبن معاویه و مرد پلیدی است.

۳- وقوع زلزله در بغداد.

۴- کشف حجاب و بی عفتی در زنها و شریک شدن زنها در تجارت و تمکین نکردن از شوهرانشان.

۵- تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه روز.

۶- واقع شدن فتنه درمیان شرقیها و غربیها.

۷- خراب شدن ری.

۸- ظهور فتنه شدید در سال پیش از ظهور .

۹- زیاد شدن مرض صرع و دیوانگی در اثر شدت فتنه و پریشانی.

۱۰ - ضایع کردن نمازها و پیروی کردن از شهوات و کم شدن امانتداری در مردم.

۱۱-کم شدن کارهای خیر و کم شدن علماء حقیقی.

۱۲- رشوه گرفتن قضات درحکم و ندانسته حکم کردن ایشان.

۱۳- تدریس علوم باطله برخلاف دین و دستور قرآن کریم.

۱۴- کینه علماء دین در دل گرفتن و سرزنش و بدگوئی آنان و کشتن و خوار کردن سادات .

۱۵- قرآن را با ساز و آواز خواندن.

۱۶- سخت شدن دلها و خشک شدن اشک چشم و بی اعتنائی به نصایح و پندها.

۱۷- امر به معروف و نهی ازمنکر کننده را سرزنش و ملامت کنند و او را در این کار نهی می نمایند.

۱۸- در هر سال بدعتها و شر زیاد شود غیبت کردن به نظر مردم شایسته باشد .

۱۹ – مختصری از مالشان را در طاعت پروردگار مصرف می کنند و بیشتر آنرا مصرف غیر طاعت پروردگار می نمایند

۲۰ – قبور ائمه «علیهم السلام

» را با گلوله خراب کنند.

۲۱- طلاق و جدائی زیاد شود

۲۲- دین به دنیا فروخته شود و تعارفات دروغی دربین مردم فراوان گردد. (۲)

در پایان متذکر میشوم که همه ما موظفیم که زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عج» باشیم وآن که گناه درجامعه کم شود امر به معروف و نهی از منکر از اهم واجبات است و رشد فکری و فرهنگی ارتقاء پیدا کند. و تا زمانیکه مردم رشد فکری نداشتند و قابلیت پذیرش حکومت حضرت حجت نداشته باشند حضرت « علیه السلام » ظهور نخواهد کرد . و امید است انقلاب اسلامی ایران مقدمه ای بر حکومت عدل قائم آل محمد « صلی الله علیه واله » باشد و خود را آماده پذیرای این مهمان عزیز کند و شب و روز یادش و ذکرش و دعایش وِرد زبانمان باشد و برای اطلاعات بیشتر به کتاب مهدی موعود علیه السلام » ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار علامه مجلسی است و مترجم دانشمند و محقق معاصر آقای علی دوانی «دامت برکاته» با زحمت فراوان برشته تحقیق و تحریر آوردند و کتاب جامع و کاملی است و هر اطلاعی از امام مهدی (عج) که مورد نیاز باشد در این کتاب مسطور است.

ازجمله علائم آن حضرت داشتن علامتی است در پشت مثل علامتی که پیامبر در پشت مبارك شانه ها داشتند و نیز اینکه فقط زره رسولخدا صلی الله علیه واله » بر قامت حضرت مهدی « عج» راست و درست می آید و اینکه حضرت عیسی«علیه السلام » از آسمان به زمین می آید و به آن حضرت اقتدا میکند

آری روزگاری

در پیش خواهـد بود معجزه انـدر معجزه ؛ ایمـان از پی ایمـان ؛ اسـرار و عجـائب بی حـد و شـمار ولی همه واقعی واقعی . امام خمینی « ره» در تفسیر { والعصـر ان الانسان لفی خسـر } می فرماید : عصـر انسان کامل امام زمان « علیه السـلام» است. یعنی: عصاره تمام موجودات آنهم به کاملترین وجه. بنابراین عصـری خواهـد آمد که اصـلا قابل تصور برای اغلب مردم نیست, مگر کسانیکه اهل دقت و جویای حقیقت هستند . ای کاش که ما بتوانیم مشمول دعاهای خیر و برکات آنحضرت باشیم .

منابع :

۱–امام مهدی از ولادت تا ظهور , سید محمد کاظم قزوینی

۲–خصائص مهدی , نوشته محمد راجی

۳– پادشه خوبان , سید عباس مرادی

۴– معرفت امام عصر , سیدمحمد بنی هاشمی

۵–منتهی آلامال ,

۲– در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیحاتی بدهید ؟

پرسش

۲– در مورد چگونگی ظهور ایشان توضیحاتی بدهید ؟

پاسخ

ج۲– در کتابهـائیکه درمورد حضـر ت مهـدی(عـج) بحث نمودانـد و تـا حـد توان در بـاره بقیه الله الاـعظم (عـج) و میوه دل حضـرت زهراء قلم فرسائی نموده و شِمه ای از گل رخسار قطب دایره امکان به عاشقان و بلبلان گل وجودش گفته اند مطالبی درباره علائم ظهور آن حضـرت بـدست نگاریشان نگارش یافته است و علائم زیاد مطرح گردیـده که هر کدام آنها باید مورد کنکـاش و تحقیـق و تفحص قرار گیرد . بعضـی از علاـئم نـام برده شـده در کتب اهـل تشـیع را مورد بحث قرار می دهیم , اما تجزیه و تحلیل و صدق و کذب آنرا بعهده پژوهشگران و دانش پژوهان واهل فن در این رشته می گذاریم .

۱– شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از امام صادق علیه السلام » روایت میکند که پیامبر اسلام صلی الله علیه واله » فرمودند : زمانی بر این امت خواهـد آمد که از قرآن جز «رسم» و از اسـلام جز« اسم» نماند , آنها خود را مسـلمان مینامند در حالیکه از اسـلام دورند, مانند کشورهای اسـلامی که نامشان اسلامی است اما فرهنگ اسلام ضعیف است , اما ایران از برکت و زحمات بنیانگـذار انقلاـب اسـلامی امـام خمینی « رحمه الله علیه » و خون شـهدا ,هم ملت از اسـلام آگاهی یافت و هم جوانان با قرآن

آشنا شده اند که امروز چند هزار نفر حافظ قرآن داریم , پیامبر فرمودند : « مساجد آباد ولی از لحاظ هدایت و تقوی خالی است و خراب است و دانایان آنها بدترین

دانایان هستند . یعنی :درمقابل طاغوت و کفر و بدعت در اسلام قیام نمی کنند .

۲- همچنین شیخ صدوق در کتاب اکمال الدین ازمحمد بن مسلم روایت میکند که از امام باقر علیه السلام » شنیدم فرمودند : قائم ما را خدا با نصرت مؤید داشته , زمین زیر پایش نور دیده میشود , گنجها و معادن برایش آشکار میگردد سلطنتش شرق و غرب عالم را فرا میگرد و خداوند بوسیله او دین خود را بر همه مسلکها و ادیان باطله غالب گرداند ,هر چند مشرکان نخواهند, و یرانه ای روی زمین نمیماند مگر آنکه آنرا آباد سازد و عیسی علیه السلام » نازل شده و با او نماز گزارد من عرض کردم یابن رسول الله قائم شما کی خواهد آمد ؟ هنگامیکه مرد ها شبیه زنها و زنها شبیه مردها شوند و زنها بر زینها سوار گردند و گواهی زنها ی ناحق قبول افتد و گواهی عادلان رد شود و زنا و خوردن ربا آسان شود و ...موقیعکه امام عصر « عج » آشکار شوند تکیه به کعبه کرده و ۳۱۳ مرد اطراف او جمع گردند. اولین سخن او اینست { انا بقیه الله فی ارضه } منم آن بقیه سُفَرای الهی در روی زمین و چون ده هزار مرد نزد وی جمع شوند قیام فرماید. (۱)

۳- مولف کتاب« نوائب الدهرفی علائم ظهور », مرحوم سید حسن میر جهانی« ره » حدود پانصد مورد از علائم و حوادث قبل از ظهور را بطور مستند نقل میفرمایند :

۱- اختلاف بسیار در روی زمین.

۲- خروج سفیانی که مردی است از نسل یزیدبن معاویه

و مرد پلیدی است.

۳-وقوع زلزله در بغداد.

۴- کشف حجاب و بی عفتی در زنها و شریک شدن زنها در تجارت و تمکین نکردن از شوهرانشان.

۵- تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه روز.

۶-واقع شدن فتنه درمیان شرقیها و غربیها.

۷- خراب شدن ری.

۸- ظهور فتنه شدید در سال پیش از ظهور.

۹- زیاد شدن مرض صرع و دیوانگی در اثر شدت فتنه و پریشانی.

۱۰ - ضایع کردن نمازها و پیروی کردن از شهوات و کم شدن امانتداری در مردم.

۱۱-کم شدن کارهای خیر و کم شدن علماء حقیقی.

۱۲- رشوه گرفتن قضات درحکم و ندانسته حکم کردن ایشان.

۱۳- تدریس علوم باطله برخلاف دین و دستور قرآن کریم.

۱۴- کینه علماء دین در دل گرفتن و سرزنش و بدگوئی آنان و کشتن و خوار کردن سادات.

۱۵- قرآن را باساز و آواز خواندن.

۱۶- سخت شدن دلها و خشک شدن اشک چشم و بی اعتنائی به نصایح و پندها.

۱۷- امر به معروف و نهی ازمنکر کننده را سرزنش و ملامت کنند و او را در این کار نهی می نمایند.

۱۸- در هر سال بدعتها و شر زیاد شود غیبت کردن به نظر مردم شایسته باشد .

۱۹ - مختصری از مالشان را در طاعت پروردگار مصرف می کنند و بیشتر آنرا مصرف غیر طاعت پروردگار می نمایند.

۲۰ - قبور ائمه «علیهم السلام » را با گلوله خرا ب کنند.

۲۱- طلاق و جدائی زیاد شود.

۲۲- دین به دنیا فروخته شود و تعارفات دروغی دربین مردم فراوان گردد. (۲)

در پایان متذکر میشوم که همه ما موظفیم که زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عج» باشیم وآنکه؛ گناه درجامعه کم شود امر به معروف

و نهی از منکر از اهم واجبات است و رشـد فکری و فرهنگی ارتقاء پیـدا کند و تا زمانیکه مردم رشد فکر ی نداشـتند و قابلیت پذیرش حکومت حضـرت حجت نداشـته باشـند حضـرت « علیه السلام » ظهور نخواهد کرد, و امید است انقلاب اسلامی ایران مقـدمه ای بر حکومت عدل قائم آل محمد « صـلی الله علیه واله » باشد و خود را آماده پذیرایی این مهمان عزیز کنیم و شب و روز یادش و ذکرش و دعایش وِرد زبانمان باشد .

برای اطلاعات بیشتر به کتاب مهـدی موعود علیه السـلام » که ترجمه جلـد سـیزدهم بحار الانوار علامه مجلسـی است و مترجم دانشـمند و محقق معاصـر آقـای علی دوانی« دامت برکـاته» بـا زحمت فراوان برشـته تحقیق و تحریر آوردنـد و کتـاب جـامع و کاملی است و هر اطلاعی که از امام مهدی « عج» مورد نیاز باشد در این کتاب مسطور است.

منابع :

۱-مهدی موعود , ص ۹۶۱

۲- سیره عملی اهلبیت « علیهم السلام » , سید کاظم ارفع

دیگر علائم ظهور نورهایی که در شهرهای شمال غربی یعنی اردبیل ،تبریز که نوری در آسمان مشاهده شده است چگونه می باشد.

پرسش

دیگر علائم ظهور نورهایی که در شـهرهای شمال غربی یعنی اردبیل ،تبریز که نوری در آسمان مشاهده شده است چگونه می باشد.

پاسخ

۱. در یک چشم انداز کوتاه، نشانه های ظهور ولی عصر(عج) را می توان در ردیف های زیر جای داد:

الف) برخی از رویدادهای اجتماعی، همچون کشته شدن نفس زکیه (از نوادگان امام حسن(ع))، ظهور سفیانی و مانند آن.

ب) دامن گستر شـدن فسادهـا و نـابه سامـانی هـای اجتمـاعی، همچون فرمـان روایی حاکمـان جور، رباخواری های آشـکار و فسادهایی از این دست.

ج) برخی از رویدادهای طبیعی مانند خسوف، بانگ جبرئیل بر مردم در ماه رمضان و مواردی از این دست.

۲. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است: «اذا رأیتم نارا من [قبل] المشرق شبه الهروی العظیم تطلع ثلاثه ایام او سبعه فتوقعوا فرج آل محمد(ص) انشاءالله عز وجل، ان الله عزیز حکیم...؛ آنگاه که آتشی از [جانب] خاور دیدید که همچون (هروی: رنگ زرد

و سرخ) سهمناک می باشد که سه یا هفت روز سر می کشد، به انتظار فرج آل محمد(ص) باشید انشاءالله، که خداوند عزیز و حکیم است» (محمد النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۵۳، مکتبه الصدوق، ترجمه کتاب، ص ۲۹۷، دارالکتب الاسلامیه).

۳. شیء نورانی دیده شده در بخش هایی از آسمان ایران، با ویژگی های برشمرده شده در روایت مزبور، سازگار نیست زیرا از یک سو این شیئی نورانی، آن گونه که در حدیث آمده، سهمگین و فوق العاده بزرگ نبود؛ وانگهی از جانب مشرق کره عالم سر بر نیاورده بود و بالاخره، مدت زمان آن بیش از سه یا هفت روز به طول انجامید.

۴. در سال ۱۳۵۵، مشابه همین شیء نورانی

در آسمان ایران مشاهده و از آن به نام بشقاب پرنده تعبیر شد. روزنامه های آن زمان نوشتند که برخی، در فرودگاه مهرآباد تا صبح به مشاهده آن مشغول بودند. البته آن زمان هر کس گمانه زنی هایی درباره آن بیان می داشت.

۵. به نظر می رسد برای پی بردن دقیق تر از چیستی شیء نورانی مزبور از اساتید فیزیک و مانند آن ها درباره آن پرسش شود.

آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟

پرسش

آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟

پاسخ

زمان نزدیک ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) ترس و وحشت، ظلم و جنایت جهان را فرا می گیرد و از هر طرف خسارتهایی عظیم بر مردم به خصوص غیر مسلمانها وارد می شود. چنانکه در روایت آمده که پیشاپیش قائم دو نوع مرگ وجود دارد یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید، تا از هر هفت نفر، ۵ نفر از بین بروند. و در آن زمان شعله های جنگ از شرق و غرب برافروخته شده و مردم در سختی و رنج می افتند.

از امام باقرعلیه السلام روایت شده که فرمودند: قائم قیام نمی کند مگر در پی ترس و وحشت و زلزله ها و فتنه و آشوب و بلاهایی که مردم گرفتار آن شوند که پیش از آن گرفتار طائون و بعد از آن، جنگ و خونریزی بین اعراب و ایجاد و اختلاف بین مردم پراکندگی در دین شان و دگرگونی اقوال آنان بگونه ای که در اثر مشاهده به جان هم افتادن مردم و یکدیگر را خوردن، هر کس در هر صبح و شام، آرزوی مرگ می نماید.

و امام صادق علیه السلام فرمودند: ناگزیر قبل از قیام قائم، سالی خواهد بود که مردم در آن، از گرسنگی رنج می برند و ترس و وحشتی سخت در اثر کشتار آنان را فرا گیرد.

از مجموع روایات چنین استفاده می شود که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام جنگی عمومی در جهان رخ می دهد. اما این جنگ، جنگ جهانی سوم با شد یا جنگی بعد از آن خدا بدان آگاه است. کتابی تحت عنوان "عصر ظهور" از آقای علی کورانی با ترجمه آقای عباس جلالی انتشار یافته

است جهت اطلاع از مسائل مختلف عصر ظهور مطالعه آن را توصیه می کنیم.

« بخش پاسخ به سؤالات »

دنیا بعد از ظهور امام زمان(عج) چه طور خواهد شد و وضعیت دنیا قبل از ظهور آن حضرت چگونه است؟

پرسش

دنیا بعد از ظهور امام زمان(عج) چه طور خواهد شد و وضعیت دنیا قبل از ظهور آن حضرت چگونه است؟

پاسخ

در احادیث معتبر وضعیت دنیا قبل از ظهور امام زمان(عج) و بعد از آن ترسیم شده است.

الف) دنیای بعد از ظهور

در احادیث می خوانیم: «هر گاه مهدی موعود(عج) ظهور کرد و در جنگ پیروز شد و بر شرق و غرب جهان تسلط و سیطره یافت، تمام زمین با یک حکومت جهانی اسلامی اداره می شود. برای تمام بلاد و استانها، استانداران لایقی را با برنامه و دستورات لازم گسیل می نماید و به سبب جدیت و کوشش آنها تمام زمین آباد می گردد. حضرت مهدی(عج) از دور تمام حوادث و جریانات کشورها را در سراسر زمین زیر نظر دارد و تمام نقاط زمین آباد می گردد. اصحاب و یارانش نیز از فاصله های دور وی را مشاهده می کنند و او با تکلم می نمایند. عدل و دادش تمام زمین را فرا می گیرد. مردم با هم مهربان شده و با صدق و صفا زندگی می کنند. امنیت عمومی همه جا را فرا می گیرد و کسی در صدد آزار دیگری نیست. وضع اقتصادی مردم بسیار خوب می شود، به طوری که مستحق زکات پیدا نمی شود. باران بسیار می بارد و محصولات زمین، زیاد می شود. توجه مردم به خدا زیاد می شود. دین اسلام، دین جهانی می شود، بانگ توحید همه جا بلند می شود. عقلهای مردم کامل می گردد و سطح معلومات عمومی بالا می رود به طوری که زنها در خانه خویش از عهده قضاوت بر می آیند.

هم چنین امام صادق علیه السلام در خصوص یکی از ویژگیهای جهان پس از ظهور می فرماید: «علم و دانش به بیست و هفت قسمت تقسیم شده اما

تا کنون بیش از دو قسمت در دسترس بشر قرار نگرفته است ولی وقتی حضرت مهدی(عج) ظهور می کند بیست و پنج قسمت دیگر را آشکار می کند و در بین بشر پخش می نماید». {۱}

ب) دنیای قبل از ظهور

پیامبر گرامی اسلام(ص) در این خصوص می فرماید: «مهدی(عج) از فرزندان من است. برای او غیبت و حیرتی است که در آن مردمان بسیاری گمراه می شوند. آن گاه همانند شهاب ثاقب می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند هم چنان که پر از ظلمشده است». {۲}

هم چنین در حدیثی امام صادق علیه السلام علامتهای ظهور امام زمان(عج) و وضعیت دنیا را قبل از ظهور برای یکی از یاران خود توصیف می کنند: «۱ - هر گاه دیدی حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند. ۲ - ظلم و ستم فراگیر شود. ۳ - همان طور که قرآن فرموده بدعتهایی از روی هوا و هوس در آن آمده باشد. ۴ - دین خدا عملاً ـ توخالی شود همانند ظرفی که آن را واژگون سازند. ۵ - کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند. ۶ - مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می کنند - کنایه از همجنس بازی -. ۷ - افراد - به ظاهر - با ایمان سکوت کرده و حرفهایشان را نمی پذیرند. ۸ - شخص بدکار دروغ می گوید و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی کند. ۹ - بچه ها به بزرگان احترام نمی کنند. ۱۰ - قطع پیوند خویشاوندی شود و... {۳}

به هر حال تا حدودی وضعیت دنیا را قبل از ظهور امام زمان علیه السلام و بعد از آن توضیح دادیم، اما آن چه که در این

رابطه بـا اهمیت است این است که مـا مسـلمانان لازم است بـا تزکیه خویش و دوری از رذایل اخلاقی خود را آماده ظهور آن حضرت کنیم تا افتخار سربازی در رکاب آن حضرت را کسب نماییم.

[۱]. بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

[۲]. کمال الدین و اتمام النعمه، شیخ صدوق، ص ۲۸۷.

[۳]. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجایی تهرانی، ص ۱۶۹ به نقل از بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۳.

در مورد ظهور امام زمان (عج) و علائم ظهورش، و چگونگی ارتباط با آن حضرت توضیح دهید.

پرسش

در مورد ظهور امام زمان (عج) و علائم ظهورش، و چگونگی ارتباط با آن حضرت توضیح دهید.

پاسخ

از احـادیث اهـل بیت علیهم السـلام اسـتفاده می شود: هنگـامی که اوضـاع عموی جهـان مساعـد گشت و افکـار جهانیان برای پـذیرش حکومت حق و عدالت آماده شد، خدا به حضـرت امام زمان (عج) اجازه ظهور می دهد. پس در مکه ظهور می کند، و منادی حق بشارت ظهورش را به گوش جهانیان می رساند.

انسان های برگزیـده جهان که در چندین روایت تعدادشان سـیصد و سـیزده نفر (به عنوان یاران خاص امام زمان "عج") تعیین شـده، اولین ندای حق را لبیک گفته، در اولین ساعات دعوت، خود را به محضـر حضـرت رسانده و اعلام فداکاری می نمایند امام صادق علیه السـلام فرمود: "هنگامی که صاحب الزمان(عـج) ظهور نمود، جوانان شـیعه بـدون وعـده قبلی، در همان شـب خودشان را به مکه می رسانند". سپس دعوت عمومی خویش را شروع بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

می کند. مردم رنجدیده و سـتم کشـیده و از همه جا مأیوس دور حضـرت اجتماع می نمایند و با او بیعت می کنند و در اندک زمانی سپاه انبوهی از مردم شجاع و فداکار و اصطلاح طلب برایش مجهز می شود.

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران قائم(عج) فرمود: "شرق و غرب جهان و تمام موجودات جهان را مسخر می کنند. هر یک از آن ها نیروی چهل مرد را دارد. قلب های شان از پاره های آهن سـخت تر است، به طوری که اگر در راه هدف به کوه های آهن برخورد نمایند، آن ها را پاره می کنند و تا وقتی که رضایت خدا فراهم نشود، از جنگ دست نمی کشند".

بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

در آن موقع، زمامداران خودسر و ستمگران بی وجدان احساس خطر می کنند و درصدد دفاع بر می آیند

و ندای مخالفت را به هم مسلکان خویش می رسانند، اما سربازان عدالت خواه حضرت که از جور و ظلم و تعدّی خسته شده اند، تصمیم نهایی را می گیرند و به لشکر کفر حمله می کنند و با تأیید خداوند، ستمکاران را ریشه کن نموده، قتل عام شان می کنند. رعب و ترس همه را فرامی گیرد و تسلیم دولت حق می گردند. بسیاری از کفار به واسطه دیدن نشانه های صدق و حقیقت، به دین ا سلام می گروند. آن هایی که در کفر و ظلم خویش اصرار ورزند، به دست لشکر مهدی(عج) قتل عام می شوند. یگانه دولت مقتدر و نیرومند اسلام در سراسر زمین تشکیل می یابد. مستضعفان به پیروزی می رسند و مردم از جان و دل در حفظ و حراست دولت حق کوشش می نمایند و دین اسلامی عمومی می گردد و در سراسر کره زمین گسترش می یابد.

نشانه های ظهور دو قسمند: بخشی از آن ها نشانه های غیر حتمی است، یعنی اگر اوضاع ایجاب کند، محقق می شود. وگرنه به وقوع نمی پیوندد. بخش دیگر علامت ها حتمی هستند، یعنی قبل از ظهور حضرت حتماً واقع می شوند. چند تا از نشانه های حتمی را ذکر می کنیم:

۱ - خروج سفیانی؛ پیش از قیام قائم (عج) مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می کند و با تظاهر به دین داری، گروه زیادی از مسلمانان را می فریبد، و به جنگ امام زمان (عج) می آید و در منطقه "بیداء" بین مکه و مدینه به امر خدا همه لشکریان وی به جز چند نفر در زمین فرو می روند و هلاک می شوند.

۲ - خروج یمانی؛ سرداری از یمن قیام می کند و مردم را به حق و عدالت دعوت می کند.

۳ - قتل نفس زکیه؛ در آستانه

ظهور حضـرت، فرد پاکباخته از نسل امام حسن مجتبی علیه السـلام مخلصانه در راه امام (عج) می کوشد و مظلومانه به قتل می رسد.

۴ - خروج دجال؛ دجال فردی است غیر عادی که پیش از قیام مهـدی (عـج) خروج می کنـد و با انجام کارهای شـگفت انگیز جمع زیادی را می فریبد و سرانجام به دست حضرت عیسی علیه السلام در منطقه شام به هلاکت می رسد.

مجله حوزه، شماره ۷۱ - ۷۰، ۱۳۷۴، ص ۲۴۸ تا ۲۶۲.

انسان می توانـد با خواندن دعاها و زیارت های مربوط به امام زمان (عج) مانند دعای ندبه، دعای عهد، زیارت آل یاسـین و... که در مفاتیح الجنان آمده است، نیز با دادن صدقه و صـلوات فرسـتادن برای سلامتی آن حضرت و مراقبت بر واجبات و ترک محرمات الهی و تزکیه نفس، با آن وجود مقدس ارتباط معنوی برقرار کند.

سلسله حوادث و اتفاقاتی که پیش زمینه ظهور حضرت صاحب الامر است، تا چه مقدار تحقق یافته و کدام یک محّقق شده است؟

اشاره

- آیا هتک حرمت به عتبات عالیات از حوادث زمینه ساز ظهور است؟ وظیفه ما در خصوص این حوادث اسفبار چیست؟

پرسش

سلسـله حوادث و اتفاقاتی که پیش زمینه ظهور حضـرت صاحب الامر است، تا چه مقـدار تحقق یافته و کـدام یک محّقق شـده است؟

- آیا هتک حرمت به عتبات عالیات از حوادث زمینه ساز ظهور است؟ وظیفه ما در خصوص این حوادث اسفبار چیست؟

پاسخ

در مـورد پیش زمینه هـای ظهـور حضـرت حجّت، یـا علاـئم ظهـور و این که چه مقـدار از آن تحقق یـافته است. مطـالبی را به پیوست ارسال می داریم.

بـا تـوجه به آن مطـالب، نمی تـوان به طور یقین بیـان داشت حوادثی که در عراق اتفـاق افتـاده، از جمله هتـک حرمت عتبـات عالیات، از زمره حوادث و پیش زمینه های ظهور است.

وظیفه ما در قبال این گونه حوادث:

خطوط کلی را اسـلام ترسـیم کرده است مانند تولّی، تبرّی، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، شـناخت دشمنان اسلام، ایجاد آمادگی هر چه بیشتر برای دفاع از اسلام و سرزمین های اسلامی و... .

امّا چگونگی پیـاده کردن آن را می بـایست با بهره گیری از عنصـر زمان و مکان و قانون کلّی و عقلی اهم و مهم و اطاعت از رهبریت اسلامی جستجو نمود.

نشانه های ظهور:

در روایات برخی امور به عنوان نشانه های ظهور ذکر شـده است. از جمله انحراف بنی عبّاس و از هم گسسـتن حکومت آنان، جنگ صـلیبی، فتح قسـطنطنیه به دست مسـلمانان، در آمدن پرچم های سیاه از خراسان، خروج مغربی در مصر و تشکیل دولت فاطمیان، وارد شـدن ترک ها در منطقه بین النّهرین، وارد شـدن رومیان در منطقه رمله و شام، رها شدن کشورهای عرب از قید قدرت های ظالم (استعمار)، بالا آمدن آب رودخانه دجله و سرازیر شدن آن به کوچه های کوفه، بسته شدن پل روی دجله در بین بغداد و کرخ،

اختلاف بین شرق و غرب و جنگ و خونریزی فراوان، خروج سفیانی، خروج یمانی، خروج دجال، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، فراگیر شدن جهان از ظلم، رواج علوم دینی در قم و نشر آن در سایر بلاد و....(۱)

لیکن از این امور نمی توان قضاوت نمود کدام یک حتمی و کدام یک غیر حتمی است، نیز کدام یک به وقوع پیوسته و کدام یک در آینده به وقوع می پیوندد و آن چه به وقوع پیوسته، همان است که در روایات آمده.

برای روشن شدن این مطالب لازم است اموری بدین شرح بیان گردد.

۱- نامعلوم بودن وقت ظهور: اگر از نشانه های ظهور سخن به میان می آید، بدین معنا نیست که از این طریق وقت ظهور حضرت مهدی(عج) را مشخص کنیم. بنا به مصالحی زمان ظهور حضرت مشخص نشده است. هیچ کس جز خدا از وقت دقیق ظهور حضرت آگاه نیست. بارها از امامان(ع) در مورد زمان خروج قائم پرسیدند، اما آنان از مشخص نمودن آن نهی نمودند و زمان ظهور را همانند علم به قیامت در انحصار خدا معرّفی کرد.(۲)

"شیخ طوسی" در این باره می گوید: زمان ظهور مهدی(عج) به روشنی بر ما معلوم نیست، بلکه او تا آن گاه که خداوند اجازه خروج بدهد، از دیدگاه ما پنهان است.(۳)

بنابراین نشانه های ظهور تنها بیانگر نزدیک شدن زمان ظهور است. بیش از آن نباید انتظار داشت. حال اگر روایتی باشد که در آن زمان ظهور حضرت مشخص شده است، ناگزیر باید آن را توجیه نمود و یا به کناری نهاد.

۲- مراد از نشانه های ظهور: مقصود از نشانه های ظهور این نیست که با تحقق هر یک ظهور حضرت وقوع می یابد، بلکه مراد، رخدادهایی است

که بر اساس پیشگویی معصومان(ع) پیش و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی(عج) پدید خواهند آمد که تحقق هر یک نوید نزدیک تر شدن ظهور حضرت است، به گونه ای که با وقوع تمامی آن رخدادها و به دنبال آخرین نشانه های ظهور، حضرت قیام خواهد نمود.

۳- انواع نشانه های ظهور: با نگاهی به روایات معصومان(ع) می توان نشانه های ظهور را بدین شرح تقسیم و دسته بندی نمود:

أ) نشانه های حتمی و غیر حتمی: نشانه هایی به روشنی به عنوان علائم حتمی ظهور یاد شده است؛ بدین معنا که بدون هیچ قید و شرطی قطعاً تحقق خواهند یافت و ظهور حضرت منوط به پیدایش آن ها می باشد، امّا نشانه های غیر حتمی به نشانه هایی گفته می شود که مقید و مشروط به اموری هستند که در صورت تحقق آن ها، به عنوان نشانه به شمار می آیند.(۴)

ب) نشانه های عادی و غیر عادی: برخی از نشانه های ظهور به روال طبیعی و عادی تحقق می یابد، مانند زوال دولت عباسیان، ولی برخی به روال غیر طبیعی و غیر عادی است مانند "صیحه آسمانی" و "طلوع خورشید از مغرب".

این دسته روایات را باید به نوعی خاص معنا نمود، چون پدیدار شدن آن ها عادتاً ممکن نیست. این ها را یا می بایست در چار چوب معجزه قرار داد و توجیه نمود، یا از معنای ظاهری آن دست کشید و به معنای کنایی و مجازی آن دانست.

ج) نشانه های متصل و غیر متصل: در روایات شماری از نشانه های ظهور به گونه ای بیان شده است که از آن ها استفاده می شود بین آن ها و ظهور حضرت فاصله ای وجود ندارد، بلکه به زمان ظهور متصل می باشند، مانند خروج سفیانی و یمانی. این ها نشانه های متصل به ظهورند، امّا بیشتر نشانه ها

به گونه ای دیگر است که بین تحقق آن ها و زمان ظهور حضرت مهدی ممکن است فاصله زیادی وجود داشته باشد، به عنوان مثال در روایات آمده: یکی از نشانه ها در آمدن پرچم های سیاه از خراسان است. حال اگر این را به خروج ابومسلم خراسانی و سپاه سیاه جامگان تفسیر کنیم، بین این نشانه و ظهور حضرت مهدی زمان طولانی فاصله است.

۴- شمار نشانه های ظهور: در مورد شمار نشانه های ظهور پاسخ دقیق و روشنی وجود ندارد.

برخی از عالمان بزرگ مانند شیخ مفید در بحث "علامات قیام القائم" با اشاره به اخبار و آثاری که از معصومان(ع) رسیده، بیش از پنجاه نشانه را بیان کرده است.(۵) برخی دیگر همانند علامه مجلسی شمار بیشتری را متذکّر شده اند.(۶)

عالمان اهل سنت در کتاب های خویش به برخی امور دیگر اشاره کرده اند. هنگامی که به این آثار و نشانه ها و روایات دقت کنیم، متوجه می شویم که:

برخی از علائم تنها نشانه ظهورند و برخی نشانه ظهور و برپایی قیامت.

بعضی کلی هستند و برخی به امور جزئی پرداخته اند. برخی از نظر سند مشکل دارند و پاره ای مشکل ندارند. برخی در دلالت معنایی مشکل دارند و بعضی ندارند، بنابراین نمی توان در مورد و تعداد نشانه های ظهور قاطعانه سخن گفت.

۵- خلط بین نشانه های ظهور و برپایی قیامت: برخی از نشانه ها مانند خروج دجال و طلوع خورشید از مغرب، در پاره ای از منابع روایی، از نشانه های برپایی قیامت و "اشراط الساعه" آمده است، اما در بعضی دیگر از نشانه های قیام حضرت مهدی(عج)، به نظر می رسد در برخی روایات بین این دو دسته نشانه ها جابجایی صورت گرفته باشد. بعید نیست برخی از نشانه های غیر عادی که در پاره ای

از منـابع روایی، از نشـانه های ظهور حضـرت آمـده است، نشانه های برپایی قیامت باشـند، نه نشانه های ظهور، چون این گونه امور با "اشراط الساعه" بیشتر تناسب دارد.

۶- خلط بین قائم و مهدی موعود(عج): در روایات گاهی سـخن از حضرت مهدی(عج) آمده است و گاهی از قائم، نمی توان تمامی مواردی را که واژه قائم به کار رفته است، به مهدی موعود حمل نمود، چرا که این واژه به تمامی امامان(ع) اطلاق شده است. در روایت آمـده است "کلّنـا قائم بأمراللّه واحـدٌ بعـد واحـد؛(۷) همـه مـا یکی پس از دیگری قیـام کننـده به حکم خـدا هستیم".

نیز به غیر امامـان هم اطلاق شـده، چرا که قائم به معنای قیام کننـده است. هر کسـی که انقلاب کنـد و مردم را بر ضـد ظلم فرا خوانـد، قـائم است. امـام علی(ع) در خطبه ای که در مورد حوادث آینـده ایراد کرد فرمود: "إذا قـام القائم بخراسان... و قام منّا قائم بجیلان؛(۸) هنگـامی که قائم در خراسان قیام کنـد و قیام کننـده ای از ما در سـرزمین گیلان قیام کنـد...". این احادیث را نمی توان درباره حضرت مهدی(عج) دانست.

۷- خلط بین "فرج" و ظهور حضرت مهدی(عج): گرچه ظهور حضرت مهدی(عج) برای اهل بیت پیامبر(ص) و شیعیان فرج و گشـایش است، لیکن همه جـا واژه فرج را نمی توان به ظهور حضـرت مهـدی(عـج) حمـل نمود. متأسـفانه گاهی چنین خلطی یافت می شود.

پیش گویی هـای معصومان(ع) در مورد رخـدادهای دوران حکومت امویان و عباسـیان و چگونگی فروپاشـی آن ها و حرکت هـایی که در مقابـل آن هـا شـکل می گیرد، گـاه از آن هـا به علائـم فرج یـاد شـده است، که لزوماً به معنای نشانه های ظهور حضرت مهدی(عج) نیست، بلکه می تواند به معنای لغوی فرج؛

یعنی گشایش در کار شیعیان باشد.

۸- احتمال جعل و تحریف: اهمیّت بحث مهدویّت به ویژه بهره مندی آن از بار سیاسی از یک سو، و علاقه شدید مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای آینده و پدیدار شدن نشانه های ظهور از سوی دیگر، سبب شد که برخی در پی تحریف و جعل روایات در زمینه مهدویّت و نشانه های ظهور برآیند.

با دقت در روایاتِ نشانه های ظهور این سخن تأیید می شود، زیرا بسیاری از روایاتی که در زمینه نشانه های ظهور وجود دارد، از نظر سند ضعیف و قابل مناقشه است و دلالت آن ها نیز با مشکل مواجه است.

از مطالبی که بیان شد، به این نتیجه نایل می شویم که در زمینه علائم ظهور حضرت مهدی(عج)، و این که کدام یک از آن ها به راستی به وقوع پیوسته است، نمی توان قضاوت قاطعی را ابراز نمود.

پی نوشت ها:

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ج ۲، ص ۴۷۲ به بعد؛ کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۲۸۳ - ۲۴۷؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۳. الغیبه، ص ۴۲۵.

۴. مجله حوزه، شماره ۷۲، ص ۲۴۰.

۵. ارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸ به بعد.

۶. بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۹ - ۱۸۰.

۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

۸. مجلسی، بحار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.

حکومتی که قبل از ظهور امام زمان(عج) در یکی از کشورهای عربی تشکیل می شود و حکومتی شبیه حکومت عباسیان است، چه نوع حکومتی است؟ آیا حکومتی که اکنون در عراق تشکیل شده است، می تواند همان باشد؟ در این باره توضیح دهید.

پرسش

حکومتی که قبل از ظهور امام زمان(عج) در یکی از کشورهای عربی تشکیل می شود و حکومتی شبیه حکومت عباسیان

است، چه نوع حکومتی است؟ آیا حکومتی که اکنون در عراق تشکیل شده است، می تواند همان باشد؟ در این باره توضیح دهید.

پاسخ

نمی توان قضاوت کرد مقصود از حکومتی که در یکی از کشورهای عربی تشکیل می شود کدام حکومت است. اصولاً چنین حکومتی از حوادث قبل از ظهور امام زمان(عج) شمرده شده است؟ قضاوت در این خصوص مبتنی بر آن است که همه حوادث قبل از ظهور و نشانه های حتمی و غیر حتمی ظهور امام زمان(ع) شفاف باشد، حال آن که برخی از حوادث و نشانه های ظهور امام زمان(ع) مشخص نیست شاید برخی از حوادث قبل از ظهور با آن دسته از حوادث که از نشانه های ظهور شمرده شده اند، قابل انطباق باشد، ولی به طور یقین نمی توان گفت: این حوادث همان حوادثی است که در روایات و متون تاریخی، از حوادث قبل از ظهور به حساب آمده اند.

جهت آگاهی بیشتر، مطالبی به پیوست ارسال می شود.

ضمیمه پاسخ سؤال اول از نامه ۳۰۰۹۶/۱

در برخی جزوات چاپ شده که شواهدی برای ظهور امام عصر(ع) دیده شده است، مثلاً زلزله های مکرر و جنگ. آیا در متون اسلامی چنین چیزی وجود دارد؟ لطفاً در این زمینه مطالبی را به اطلاع ما برسانید.

پرسش

در برخی جزوات چاپ شده که شواهدی برای ظهور امام عصر(ع) دیده شده است، مثلاً زلزله های مکرر و جنگ. آیا در متون اسلامی چنین چیزی وجود دارد؟ لطفاً در این زمینه مطالبی را به اطلاع ما برسانید.

پاسخ

قضاوت درباره وقوع حوادث و رخدادهای قبل از ظهور امام زمان(ع) و تحقق نشانه های ظهور مبتنی بر آن است که رخدادهای قبل از ظهور شفاف بوده و همه نشانه های حتمی و غیر حتمی ظهور معلوم باشد، حال آن که بعضی از حوادث و نشانه های ظهور فاقد شفافیت هستند. عدم شفافیت آنها مانع قضاوت نهایی در این خصوص می باشد. در برخی از متون دینی و روایات، بعضی از حوادث به عنوان زمینه ساز ظهور و برخی نشانه ها از علایم ظهور یاد شده اند، اما این که این حوادث اتفاق افتاده و یا اتفاق خواهند افتاد، معلوم نیست.

جهت توضیحات بیشتر به بیان مطالب زیر پرداخته می شود:

نشانه های ظهور:

در روایات برخی امور به عنوان نشانه های ظهور ذکر شـده است. از جمله انحراف بنی عبّاس و از هم گسسـتن حکومت آنان، جنگ صـلیبی، فتح قسـطنطنیه به دست مسـلمانان، در آمدن پرچم های سیاه از خراسان، خروج مغربی در مصر و تشکیل دولت فاطمیان، وارد شـدن ترک ها در منطقه بین النّهرین، وارد شـدن رومیان در منطقه رمله و شام، رها شدن کشورهای عرب از قید قدرت های ظالم (استعمار)، بالا آمدن آب رودخانه دجله و سرازیر شدن آن به کوچه های کوفه، بسته شدن پل روی دجله در بین بغـداد و کرخ، اختلاف بین شـرق و غرب و جنگ و خونریزی فراوان، خروج سـفیانی، خروج یمانی، خروج دجال، صـیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، فراگیر شدن جهان از ظلم،

رواج علوم دینی در قم و نشر آن در سایر بلاد و....(۱)

لیکن از این امور نمی توان قضاوت نمود کدام یک حتمی و کدام یک غیر حتمی است، نیز کدام یک به وقوع پیوسته و کدام یک در آینده به وقوع می پیوندد و آن چه به وقوع پیوسته، همان است که در روایات آمده.

برای روشن شدن این مطالب لازم است اموری بدین شرح بیان گردد.

۱- نـامعلوم بودن وقت ظهور: اگر از نشـانه هـای ظهور سـخن به میـان می آیـد، بـدین معنـا نیست که از این طریق وقت ظهور حضـرت مهـدی(عـج) را مشـخص کنیم. بنا به مصالحی زمان ظهور حضـرت مشـخص نشـده است. هیچ کس جز خدا از وقت دقیق ظهور حضـرت آگـاه نیست. بارهـا از امامان(ع) در مورد زمان خروج قائم پرسـیدند، اما آنان از مشـخص نمودن آن نهی نمودند و زمان ظهور را همانند علم به قیامت در انحصار خدا معرّفی کرد.(۲)

"شـیخ طوسـی" در این بـاره می گویـد: زمان ظهور مهـدی(عـج) به روشـنی بر ما معلوم نیست، بلکه او تا آن گاه که خـداوند اجازه خروج بدهد، از دیدگاه ما پنهان است.(۳)

بنابراین نشانه های ظهور تنها بیانگر نزدیک شـدن زمان ظهور است. بیش از آن نبایـد انتظار داشت. حال اگر روایتی باشـد که در آن زمان ظهور حضرت مشخص شده است، ناگزیر باید آن را توجیه نمود و یا به کناری نهاد.

۲- مراد از نشـانه هـای ظهور: مقصود از نشـانه هـای ظهور این نیست که بـا تحقق هر یک ظهور حضـرت وقوع می یابـد، بلکه مراد، رخدادهایی است که بر اساس پیشـگویی معصومان(ع) پیش و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی(عج) پدید خواهند آمد که تحقق هر یک نوید نزدیک تر شدن ظهور حضرت است،

به گونه ای که با وقوع تمامی آن رخدادها و به دنبال آخرین نشانه های ظهور، حضرت قیام خواهد نمود.

۳- انواع نشانه های ظهور: با نگاهی به روایات معصومان(ع) می توان نشانه های ظهور را بدین شرح تقسیم و دسته بندی نمود:

أ) نشانه های حتمی و غیر حتمی: نشانه های شماری به روشنی به عنوان علائم حتمی ظهور یاد شده است؛ بدین معنا که بدون هیچ قید و شرطی قطعاً تحقق خواهند یافت و ظهور حضرت منوط به پیدایش آن ها می باشد، امّا نشانه های غیر حتمی به نشانه هایی گفته می شود که مقید و مشروط به اموری هستند که در صورت تحقق آن ها، به عنوان نشانه به شمار می آیند.(۴)

ب) نشانه های عادی و غیر عادی: برخی از نشانه های ظهور به روال طبیعی و عادی تحقق می یابد، مانند زوال دولت عباسیان، ولی برخی به روال غیر طبیعی و غیر عادی است مانند "صیحه آسمانی" و "طلوع خورشید از مغرب".

این دسته روایات را باید به نوعی خاص معنا نمود، چون پدیدار شدن آن ها عادتاً ممکن نیست. این ها را یا می بایست در چار چوب معجزه قرار داد و توجیه نمود، یا از معنای ظاهری آن دست کشید و به معنای کنایی و مجازی آن دانست.

ج) نشانه های متصل و غیر متصل: در روایات شماری از نشانه های ظهور به گونه ای بیان شده است که از آن ها استفاده می شود بین آن ها و ظهور حضرت فاصله ای وجود ندارد، بلکه به زمان ظهور متصل می باشند، مانند خروج سفیانی و یمانی. این ها نشانه های متصل به ظهورند، امّا بیشتر نشانه ها به گونه ای دیگر است که بین تحقق آن ها و زمان ظهور حضرت مهدی ممکن است فاصله زیادی وجود داشته باشد، به عنوان مثال در روایات

آمده: یکی از نشانه ها در آمدن پرچم های سیاه از خراسان است. حال اگر این را به خروج ابومسلم خراسانی و سپاه سیاه جامگان تفسیر کنیم، بین این نشانه و ظهور حضرت مهدی زمان طولانی فاصله است.

۴- شمار نشانه های ظهور: در مورد شمار نشانه های ظهور پاسخ دقیق و روشنی وجود ندارد.

برخی از عالمان بزرگ مانند شیخ مفید در بحث "علامات قیام القائم" با اشاره به اخبار و آثاری که از معصومان(ع) رسیده، بیش از پنجاه نشانه را بیان کرده است.(۵) برخی دیگر همانند علامه مجلسی شمار بیشتری را متذکّر شده اند.(۶)

عالمان اهل سنت در کتاب های خویش به برخی امور دیگر اشاره کرده اند. هنگامی که به این آثار و نشانه ها و روایات دقت کنیم، متوجه می شویم که:

برخی از علائم تنها نشانه ظهورند و برخی نشانه ظهور و برپایی قیامت.

بعضی کلی هستند و برخی به امور جزئی پرداخته اند. برخی از نظر سند مشکل دارند و پاره ای مشکل ندارند. برخی در دلالت معنایی مشکل دارند و بعضی ندارند، بنابراین نمی توان در مورد و تعداد نشانه های ظهور قاطعانه سخن گفت.

۵- خلط بین نشانه های ظهور و برپایی قیامت: برخی از نشانه ها مانند خروج دجال و طلوع خورشید از مغرب، در پاره ای از منابع روایی، از نشانه های برپایی قیامت و "اشراط الساعه" آمده است اما در بعضی دیگر از نشانه های قیام حضرت مهدی(عج)، به نظر می رسد در برخی روایات بین این دو دسته نشانه ها جابجایی صورت گرفته باشد. بعید نیست برخی از نشانه های غیر عادی که در پاره ای از منابع روایی، از نشانه های ظهور حضرت آمده است، نشانه های برپایی قیامت باشند، نه نشانه های ظهور، چون این گونه امور با "اشراط الساعه" بیشتر تناسب

دارد.

۶- خلط بین قائم و مهدی موعود: در روایات گاهی سخن از حضرت مهدی آمده است و گاهی از قائم، نمی توان تمامی مواردی را که واژه قائم به کار رفته است، به مهدی موعود حمل نمود، چرا که این واژه به تمامی امامان(ع) اطلاق شده است. در روایت آمده است "کلّنا قائم بأمراللَّه واحدٌ بعد واحد؛(۷) همه ما یکی پس از دیگری قیام کننده به حکم خدا هستیم".

نیز به غیر امامان هم اطلاق شده، چرا که قائم به معنای قیام کننده است. هر کسی که انقلاب کند و مردم را بر ضد ظلم فرا خواند، قائم است. امام علی(ع) در خطبه ای که در مورد حوادث آینده ایراد کرد فرمود: "إذا قام القائم بخراسان... و قام منّا قائم بجیلان؛(۸) هنگامی که قائم در خراسان قیام کند و قیام کننده ای از ما در سرزمین گیلان قیام کند...". این احادیث را نمی توان درباره حضرت مهدی(عج) دانست.

۷- خلط بین "فرج" و ظهور حضرت مهدی(عج): گرچه ظهور حضرت مهدی(عج) برای اهل بیت پیامبر(ص) و شیعیان فرج و گشایش است، لیکن همه جا واژه فرج را نمی توان به ظهور حضرت مهدی حمل نمود. متأسفانه گاهی چنین خلطی یافت می شود.

پیش گویی های معصومان در مورد رخدادهای دوران حکومت امویان و عباسیان و چگونگی فروپاشی آن ها و حرکت هایی که در مقابل آن ها شکل می گیرد، گاه از آن ها به علائم فرج یاد شده است، که لزوماً به معنای نشانه های ظهور حضرت مهدی(عج) نیست، بلکه می تواند به معنای لغوی فرج؛ یعنی گشایش در کار شیعیان باشد.

۸- احتمال جعل و تحریف: اهمیّت بحث مهدویّت به ویژه بهره مندی آن از بار سیاسی از یک سو، و

علاقه شدید مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای آینده و پدیدار شدن نشانه های ظهور از سوی دیگر، سبب شد که برخی در پی تحریف و جعل روایات در زمینه مهدویّت و نشانه های ظهور برآیند.

با دقت در روایاتِ نشانه های ظهور این سخن تأیید می شود، زیرا بسیاری از روایاتی که در زمینه نشانه های ظهور وجود دارد، از نظر سند ضعیف و قابل مناقشه است و دلالت آن ها نیز با مشکل مواجه است.

از مطالبی که بیان شد، به این نتیجه نایل می شویم که در زمینه علائم ظهور حضرت مهدی(عج)، و این که کدام یک از آن ها به راستی به وقوع پیوسته است، نمی توان قضاوت قاطعی را ابراز نمود.

پی نوشت ها:

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ج ۲، ص ۴۷۲ به بعد؛ کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۲۸۳ – ۲۴۷؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۳. الغیبه، ص ۴۲۵.

۴. مجله حوزه، شماره ۷۲، ص ۲۴۰.

۵. ارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸ به بعد.

۶. بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۹ – ۱۸۰.

۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

۸. مجلسی، بحار، ح ۵۲، ص ۲۳۵.

از علائم ظهور کدام یک تا کنون به وقوع پیوسته است؟(پ)

پرسش

از علائم ظهور کدام یک تا کنون به وقوع پیوسته است؟(پ)

پاسخ

نشانه های ظهور:

در روایات برخی امور به عنوان نشانه های ظهور ذکر شده است. از جمله انحراف بنی عبّاس و از هم گسستن حکومت آنان، جنگ صلیبی، فتح قسطنطنیه به دست مسلمانان، در آمدن پرچم های سیاه از خراسان، خروج مغربی در مصر و تشکیل دولت فاطمیان، وارد شدن ترک ها در منطقه بین النّهرین، وارد شدن رومیان در منطقه رمله و شام، رها شدن کشورهای عرب از قید قدرت های ظالم (استعمار)، بالا آمدن آب رودخانه دجله و سرازیر شدن آن به کوچه های کوفه، بسته شدن پل روی دجله در بین بغداد و کرخ، اختلاف بین شرق و غرب و جنگ و خونریزی فراوان، خروج سفیانی، خروج یمانی، خروج دجال، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، فراگیر شدن جهان از ظلم، رواج علوم دینی در قم و نشر آن در سایر بلاد و....(۱)

لیکن از این امور نمی توان قضاوت نمود کدام یک حتمی و کدام یک غیر حتمی است، نیز کدام یک به وقوع پیوسته و کدام یک در آینده به وقوع می پیوندد و آن چه به وقوع پیوسته، همان است که در روایات آمده.

برای روشن شدن این مطالب لازم است اموری بدین شرح بیان گردد.

۱- نامعلوم بودن وقت ظهور: اگر از نشانه های ظهور سخن به میان می آید، بدین معنا نیست که از این طریق وقت ظهور حضرت مهدی(عج) را مشخص کنیم. بنا به مصالحی زمان ظهور حضرت مشخص نشده است. هیچ کس جز خدا از وقت دقیق ظهور حضرت آگاه نیست. بارها از امامان(ع) در مورد زمان خروج قائم پرسیدند، اما آنان از مشخص نمودن آن نهی نمودند و

زمان ظهور را همانند علم به قیامت در انحصار خدا معرّفی کرد.(۲)

"شیخ طوسی" در این باره می گوید: زمان ظهور مهدی(عج) به روشنی بر ما معلوم نیست، بلکه او تا آن گاه که خداوند اجازه خروج بدهد، از دیدگاه ما پنهان است.(۳)

بنابراین نشانه های ظهور تنها بیانگر نزدیک شدن زمان ظهور است. بیش از آن نباید انتظار داشت. حال اگر روایتی باشد که در آن زمان ظهور حضرت مشخص شده است، ناگزیر باید آن را توجیه نمود و یا به کناری نهاد.

۲- مراد از نشانه های ظهور: مقصود از نشانه های ظهور این نیست که با تحقق هر یک ظهور حضرت وقوع می یابد، بلکه مراد، رخدادهایی است که بر اساس پیشگویی معصومان(ع) پیش و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی(عج) پدید خواهند آمد که تحقق هر یک نوید نزدیک تر شدن ظهور حضرت است، به گونه ای که با وقوع تمامی آن رخدادها و به دنبال آخرین نشانه های ظهور، حضرت قیام خواهد نمود.

۳- انواع نشانه های ظهور: با نگاهی به روایات معصومان(ع) می توان نشانه های ظهور را بدین شرح تقسیم و دسته بندی نمود:

أ) نشانه های حتمی و غیر حتمی: نشانه های شماری به روشنی به عنوان علائم حتمی ظهور یاد شده است؛ بدین معنا که بدون هیچ قید و شرطی قطعاً تحقق خواهند یافت و ظهور حضرت منوط به پیدایش آن ها می باشد، امّا نشانه های غیر حتمی به نشانه هایی گفته می شود که مقید و مشروط به اموری هستند که در صورت تحقق آن ها، به عنوان نشانه به شمار می آیند.(۴)

ب) نشانه های عادی و غیر عادی: برخی از نشانه های ظهور به روال طبیعی و عادی تحقق می یابد، مانند زوال دولت عباسیان، ولی برخی به روال غیر طبیعی و غیر

عادی است مانند "صیحه آسمانی" و "طلوع خورشید از مغرب".

این دسته روایات را باید به نوعی خاص معنا نمود، چون پدیدار شدن آن ها عادتاً ممکن نیست. این ها را یا می بایست در چار چوب معجزه قرار داد و توجیه نمود، یا از معنای ظاهری آن دست کشید و به معنای کنایی و مجازی آن دانست.

ج) نشانه های متصل و غیر متصل: در روایات شماری از نشانه های ظهور به گونه ای بیان شده است که از آن ها استفاده می شود بین آن ها و ظهور حضرت فاصله ای وجود ندارد، بلکه به زمان ظهور متصل می باشند، مانند خروج سفیانی و یمانی. این ها نشانه های متصل به ظهورند، امّا بیشتر نشانه ها به گونه ای دیگر است که بین تحقق آن ها و زمان ظهور حضرت مهدی ممکن است فاصله زیادی وجود داشته باشد، به عنوان مثال در روایات آمده: یکی از نشانه ها در آمدن پرچم های سیاه از خراسان است. حال اگر این را به خروج ابومسلم خراسانی و سپاه سیاه جامگان تفسیر کنیم، بین این نشانه و ظهور حضرت مهدی زمان طولانی فاصله است.

۴- شمار نشانه های ظهور: در مورد شمار نشانه های ظهور پاسخ دقیق و روشنی وجود ندارد.

برخی از عالمان بزرگ مانند شیخ مفید در بحث "علامات قیام القائم" با اشاره به اخبار و آثاری که از معصومان(ع) رسیده، بیش از پنجاه نشانه را بیان کرده است.(۵) برخی دیگر همانند علامه مجلسی شمار بیشتری را متذکّر شده اند.(۶)

عالمان اهل سنت در کتاب های خویش به برخی امور دیگر اشاره کرده اند. هنگامی که به این آثار و نشانه ها و روایات دقت کنیم، متوجه می شویم که:

برخی از علائم تنها نشانه ظهورند و برخی نشانه ظهور و برپایی قیامت.

بعضی کلی هستند

و برخی به امور جزئی پرداخته انـد. برخی از نظر سـند مشـکل دارند و پاره ای مشـکل ندارند. برخی در دلالت معنایی مشـکل دارند و بعضی ندارند، بنابراین نمی توان در مورد و تعداد نشانه های ظهور قاطعانه سخن گفت.

۵- خلـط بین نشانه های ظهور و برپایی قیامت: برخی از نشانه ها ماننـد خروج دجال و طلوع خورشـید از مغرب، در پاره ای از منـابع روایی، از نشـانه هـای برپـایی قیـامت و "اشـراط السـاعه" آمـده اسـت امـا در بعضـی دیگر از نشـانه هـای قیـام حضـرت مهـدی(عـج)، به نظر می رسـد در برخی روایات بین این دو دسـته نشانه ها جابجایی صورت گرفته باشـد. بعید نیست برخی از نشانه های غیر عادی که در پاره ای از منابع روایی، از نشانه های ظهور حضـرت آمده است، نشانه های برپایی قیامت باشند، نه نشانه های ظهور، چون این گونه امور با "اشراط الساعه" بیشتر تناسب دارد.

۶- خلـط بین قـائم و مهـدی موعود: در روایات گاهی سـخن از حضـرت مهـدی آمـده است و گاهی از قائم، نمی توان تمامی مواردی را که واژه قائم به کار رفته است، به مهـدی موعود حمل نمود، چرا که این واژه به تمامی امامان(ع) اطلاق شده است. در روایت آمده است "کلّنا قائم بأمرالله واحدٌ بعد واحد؛(۷) همه ما یکی پس از دیگری قیام کننده به حکم خدا هستیم".

نیز به غیر امامـان هم اطلاق شـده، چرا که قائم به معنای قیام کننـده است. هر کسـی که انقلاب کنـد و مردم را بر ضـد ظلم فرا خوانـد، قـائم است. امـام علی(ع) در خطبه ای که در مورد حوادث آینـده ایراد کرد فرمود: "إذا قـام القائم بخراسان... و قام منّا قائم بجیلان؛(۸) هنگامی که قائم در خراسان قیام کند و قیام کننده ای

از ما در سرزمین گیلان قیام کند...". این احادیث را نمی توان درباره حضرت مهدی(عج) دانست.

۷- خلط بین "فرج" و ظهور حضرت مهدی(عج): گرچه ظهور حضرت مهدی(عج) برای اهل بیت پیامبر(ص) و شیعیان فرج و گشایش است، لیکن همه جا واژه فرج را نمی توان به ظهور حضرت مهدی حمل نمود. متأسفانه گاهی چنین خلطی یافت می شود.

پیش گویی های معصومان در مورد رخدادهای دوران حکومت امویان و عباسیان و چگونگی فروپاشی آن ها و حرکت هایی که در مقابل آن ها شکل می گیرد، گاه از آن ها به علائم فرج یاد شده است، که لزوماً به معنای نشانه های ظهور حضرت مهدی(عج) نیست، بلکه می تواند به معنای لغوی فرج؛ یعنی گشایش در کار شیعیان باشد.

۸- احتمال جعل و تحریف: اهمیّت بحث مهدویّت به ویژه بهره مندی آن از بار سیاسی از یک سو، و علاقه شدید مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای آینده و پدیدار شدن نشانه های ظهور از سوی دیگر، سبب شد که برخی در پی تحریف و جعل روایات در زمینه مهدویّت و نشانه های ظهور برآیند.

با دقت در روایاتِ نشانه های ظهور این سخن تأیید می شود، زیرا بسیاری از روایاتی که در زمینه نشانه های ظهور وجود دارد، از نظر سند ضعیف و قابل مناقشه است و دلالت آن ها نیز با مشکل مواجه است.

از مطالبی که بیان شد، به این نتیجه نایل می شویم که در زمینه علائم ظهور حضرت مهدی(عج)، و این که کدام یک از آن ها به راستی به وقوع پیوسته است، نمی توان قضاوت قاطعی را ابراز نمود.

پی نوشت ها:

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ج ۲، ص ۴۷۲ به بعد؛ کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۲۸۳ – ۲۴۷؛

سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۳. الغیبه، ص ۴۲۵.

۴. مجله حوزه، شماره ۷۲، ص ۲۴۰.

۵. ارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸ به بعد.

۶. بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۹ - ۱۸۰.

۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

۸. مجلسی، بحار، ح ۵۲، ص ۲۳۵.

آیا این مطلب که در احادیث شریفه آمده که: ظاهر نمی شود مهدی(عج) مگر آنکه دو سوم مردم جهان در اثر جنگها از بین بروند، دور از ذهن نیست؟

پرسش

آیا این مطلب که در احادیث شریفه آمده که: ظاهر نمی شود مهدی(عج) مگر آنکه دو سوم مردم جهان در اثر جنگها از بین بروند، دور از ذهن نیست؟

پاسخ

تا یک قرن پیش، وقوع چنین جنگهایی بسیار بعید به نظر می رسید، زیرا با آن اسلحه های سابق و با نبودن وسایل ارتباط جمعی بین شهرها و کشورها، اگر جنگی واقع می شد، اولاً پیش از آنکه خبرش به کشورهای همسایه و یا دورتر برسد و دامنه جنگ گسترش یابد، آن جنگ به پایان می رسید و ثانیاً در آن زمانها، تعیین غالب از مغلوب، خاتمه یافتن جنگ، تسلط یکی از دو طرف یا از بین رفتن طرفین، متوقف بر کشتارهای عمومی و استعمال بمب و غیره نبود.

اما در عصر حاضر به طوری که همه پیش بینی می نمایند با وسائل ارتباطی که همه عالم را به منزله یک شهر و یک محله نموده؛ و با اسلحه ها و تجهیزاتی که در دست زمامداران بی ایمان است و هیچ وسیله ای برای کنترل خشم و شهوت و جاه پرستی آنها نیست، اگر جنگ شروع شود، علاوه بر آنکه غالب از مغلوب تشخیص داده نمی شود و طرفین از بین می روند، اکثر ملل و سکنه کره زمین ممکن است در ظرف چند ساعت فانی و نابود شوند.

پس اگر در احادیث شریفه فرموده اند: «ظاهر نمی شود مهدی(ع) مگر آنکه ثلث مردم کشه شوند و ثلث آنها بمیرند و ثلث آنان باقی بمانند. و فرموده اند: این ظهور واقع نخواهد شد، تا وقتی دو ثلث مردم از بین بروند» (منتخب الاثر، ف ۶ و ب ۵، ص ۴۵۲ و ۴۵۳) نباید تعجب کرد، بلکه باید آن را نشانه علوم

بی پایان حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین(ع) و آگاهی آنها از آینده و اطلاعاتشان بر مغیّبات به اذن و تعلیم خدا دانست و از معجزات و کراماتشان به شمار آورد.

علایم ظهور حضرت ولی عصر (ع) چیست؟

پرسش

علایم ظهور حضرت ولی عصر (ع) چیست؟

پاسخ

جواب اجمالی: (۴۹)

بحث درباره ی علایم ظهور کمی پیچیده است و نیاز دارد که تمام روایات بررسی شوند اما اجمالا از روایات استفاده می شود که علایم ظهور از یک جهت بر دو دسته کلی هستند:

یک دسته علایمی که حتماً پیش از ظهور واقع می شوند که عبارتند از: خروج سفیانی، خروج یمانی، صیحه ی آسمانی، قتل نفس زکیّه، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان و خروج دجّال. مابقی علایم و دلایل غیر حتمی است و ممکن است رخ ندهد.

به هر حال علایم ظهور را به چهار دسته ی کلی می توان تقسیم نمود:

الف- علایم اجتماعی: که به طور خلاصه نتیجه ی آن عبارت از سقوط تمدن منحط بشری است.

ب- دینی و اعتقادی: که عبارت از هدم و وارونه شدن دین الهی است.

ج- طبیعی: مسایلی چون تغییر در جهان فلکی و...

د- فردی و معجزه ای: مثل صیحه ی آسمانی، به شهادت رسیدن نفس زکیّه...

هر کدام از این عوامل و علایم زیر مجموعه ی خاص خود را دارد که در روایات به تفصیل درباره ی آنها بحث شده است.

جواب تفصیلی: (۴۹)

بحث درباره ی علایم ظهور کمی پیچیده و مشکل است زیرا روایات متعددی در جوامع و کتاب های روایی شیعه و همچنین اهل سنت و حتی کتاب های آسمانی و ادیان پیش از اسلام مثل مسیحیت و یهودیت و دین زرتشت و ادیان و مکاتب هندی در این باره آمده است که نیاز به مطالعه، جمع بندی و نقد و بررسی کامل دارد. گذشته از این، روایات باید از لحاظ سند و

دلالت مورد دقت واقع شود.

از روایات شیعه

بر می آید که علایم ظهور بر دو دسته کلی تقسیم می شوند:

۱- علایم حتمی، علایمی که پیش از ظهور واقع می شوند و هیچ قید و شرطی ندارند. این علایم عبارتند از: خروج سفیانی، خروج یمانی، صیحه ی آسمانی، Ġ…نفس زکیّه، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان و خروج دجّال.

۲- علایم غیر حتمی که مبتنی بر شرط یا شروطی هستند که اگر آنها تحقق یابند، این علایم محقق

می شوند که اینها فراوان هستند.

اما از جهت دیگر علایم ظهور را به چهار دسته ی کلی می توان تقسیم نمود که به اختصار توضیح داده می شود.

الف- عوامل اجتماعی: که به طور خلاصه نتیجه ی تحقق این عوامل، سقوط تمدن منحط بشری است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- انتشار ظلم وجور در سراسر جهان، به عبارت دیگر جهانی شدن و فراگیر شدن ظلم وجور.

۲- فاسق شدن حاکمان جهان: تذکر این نکته ضروری است که منظور از ظلم و فساد جهانی و فسق حاکمان این است که در سراسر جهان نظام های سیاسی مبتنی بر ظلم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تشکیل شده و حاکمان نیز بر اساس استکبار و استعمار و استبداد حکومت می کنند، البته منظور این نیست که در جهان انسان عادل و یا نظام و حکومت عادلانه پیدا نمی شود بلکه نظام حاکم بر جهان، نظام ظالمانه و فاسد خواهد بود.

۳- گرانی و نابسامانی اقتصادی که از نتایج نظام ظالمانه می باشد.

۴- پیدایش دروغگویان و دجّالان با ادّعای اصلاح جامعه. ظهور دجال از علایم حتمی ظهور است که تمام ادیان گذشته به آن اشاره کرده اند. دجّال در لغت به

معنای پوشاننـده حق به باطل و خدعه و مکر و حیله است و به نظر می رسد (با توجه به علایمی که در روایت ذکر شده) دجال منحصـر به یک فرد نباشد بلکه عنوان کلی برای افراد و نظام های پر تزویر و حیله گری باشد که توده های مردم را می فریبد و بر سر راه حق می ایستد. برخی دجّال را به تمدن فعلی غرب سرایت دادند.

۵- افراد پست و دروغگو سخنگوی جامعه می شوند. (سفیان کارگزار جامعه می شوند)

۶- مردم صالح و صادق تکذیب و کنار گذاشته می شوند و بر عکس، مردم دروغگو، لاف زن مورد تأیید قرار می گیرند.

۷- خروج سـفیانی که آن نیز از علایـم حتمی ظهـور است. در اینکه سـفیانی فرد معینی است یـا اینکه عنـوان کلی برای افراد و نظـام هـای دغـل بـاز باشـد نمی توان اظهـار نظر قطعی نمود اما آنچه روشن است سـفیانی فرد یا افراد و نظام های سـرمایه دار، غـارتگر، قدرتمنـد و ظـالم، مرتجع و مروّج خرافات هسـتند. صـفت ممیّزه ی آنها، تخریب وسـیع جامعه می باشـد.(۸) روایات اشاره دارند که سفیانی و لشکرش در بیابان بَیْداء (سرزمینی بین مکه و مدینه) به زمین فرو می روند و تنها یک نفر که خبر فرو رفتن سپاه را منتشر می کند زنده می ماند.

۸- پیدایش جنگ و فتنه و خونریزی در جهان: در روایات به جنگی از طرف ترک، (که ظاهراً اقوامی هسـتند که از نسل ترک بن یـافث بن نوح می باشـند و امروزه در سـرزمین های مغولسـتان، پنجاب، ترکیه، سـیبری، افغانسـتان، هندوسـتان زنـدگی می کنند) اشاره شده است، که معنای وسیع آن

کشورهای غربی را نیز شامل می شوند.

همچنین روایات اشاره دارند که پیش از ظهور، ۳۲ مردم جهان کشته می شوند که از آن به عنوان علایم غیر حتمی یاد می شود.

۹- انقلاب هایی برای مبارزه با ظلم و فساد جهانی برپا می شود که برخی از آنها موفق به تشکیل حکومت می گردند. خروج و حرکت یمانی که سمبل قیام حق در برابر انحراف و گمراهی موجود در آخرالزمان است یکی از این قیام هاست.

نهضت سید خراسانی (که از نسل امام حسین (علیه السلام) است و قیام به قسط می کند) از دیگر عوامل است. این دو نهضت که یکی در یمن و دیگری در ایران است از زمینه سازان ظهور حضرت مهدی (عج) می باشد.

روایات اشاره دارند که حکومتی که در ایران تشکیل می شود اولاً مردم را به اسلام و اهل بیت علیهم السلام دعوت می کند و ثانیاً منطقه ی تحت حکومت خود تا کوفه را از ظلم و فساد پاک می سازد و به محض ظهور امام (علیه السلام) به ایشان می پیوند و از ایشان تبعیت می کند.

ب- عوامل دینی و اعتقادی که همان هدم و وارونه شدن دین است. در روایات از امیرالمؤمنان (علیه السلام)نقل شده است که در آخرالزمان نماز رها می شود، امانت ضایع می گردد، دروغ حلال می شود، ربا خواری رواج می یابد، رشوه گیری همه گیر می شود، دین به دنیا فروخته می شود، با زنان مشورت می شود، قطع رحم می گردد، مردم هوی پرست می شوند، قتل امری عادی می شود، صبر ضعف تلقی می گردد، ظلم فخر شمرده می شود، عارفان

خائن می شوند، قاریان فاسق می گردند، مساجد زیبا می شوند و مناره ها بلند می گردد (اما از محتوا تهی می گردند)، عهدها شکسته می شوند و هواها مختلف می گردند.

به عبارت کلی پیش از ظهور، احکام اسلام تعطیل می گردد اما این تعطیلی نسبی است یعنی صفت غالب جامعه ی بشری چنین است. چنانچه در روایات ما وارد شده است که وقتی امام (علیه السلام) ظهور می کنند با شیوه و کتاب و دین جدید حکومت می کنند که منظور این است که اسلام چنان با خرافات و قرآن با تحریف های معنوی آمیخته شده که حقیقت و باطن آن فراموش گردیده است.

ج- عوامل طبیعی: از دیگر عوامل و زمینه های ظهور حضرت بلاهای طبیعی می باشد که در روایات ذکر گردیده است، مانند: صاعقه های آخرالزمان، ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی در غیر اوقات طبیعی، تغییر در جهان فلکی و اوضاع جوّی و آب و هوایی و طلوع خورشید از مغرب و... که البته این روایات نیز قابل تطبیق با بعضی از اتفاقات امروزه می باشند چنانچه استاد شهید مطهری رحمه الله علیه طلوع خورشید از مغرب را به ظهور اسلام - به وسیله ی امام خمینی رحمه الله علیه - از پاریس تطبیق نموده است.

د- عوامل فردی و معجزه ای:

۱- صیحه و ندای آسمانی: از ظاهر روایات چنین بر می آید که پیش یا در هنگامه ی ظهور، فرشته ای در آسمان ندا می دهد و مردم را به ظهور امام (علیه السلام) بشارت می دهد، این فرشته، جبرئیل امین می باشد و ندای او در سراسر زمین شنیده می شود

و هر کس به زبان و لهجه ی خود، آن ندا را می شوند اما جهت آن تشخیص داده نمی شود. در کنار این ندا، شیطان فریاد بر می دارد: عثمان مظلوم کشته شد، هدف او به شبهه انداختن مردم است.

۲- قتل و شهادت نفس زکیه: نفس زکیه، لقب جوانی هاشمی است که دارای مقامی بس رفیع می باشد. او با سپاه سفیانی مواجه می گردد و به مدینه پناهنده می شود و هنگامی که سپاه سفیانی به مدینه می رود، راهی مکه می شود. در مکه دعوت به آل محمد (صلی الله علیه وآله)می نماید اما بدون هیچ گناهی بین رکن و مقام مظلومانه ذبح می گردد. شهادت او وجدان جهانیان را بیدار می کند تا حدّی که مردم آمادگی بیعت با امام (علیه السلام)را پیدا می کنند. بین شهادت وی و آغاز قیام امام (علیه السلام)پانزده روز فاصله است. او نماینده و فرستاده ی امام در بین مردم می باشد.

به جز علایمی که ذکر شد، نشانه های دیگری در روایات بیان گردیده است.

مفاسد دوران آخرالزمان بر چند قسم است؟

پرسش

مفاسد دوران آخرالزمان بر چند قسم است؟

پاسخ

این مفاسد رنگارنگ را میتوان به سه گروه تقسیم کرد

۱ مفاسد مربوط به مسائل حقوقی و حکومتها مانند گسترش ستم، پیروزی حامیان باطل، عدم آزادی بیان و عمل، تا آنجا که افراد با ایمان گاهی تنها در دل میتوانند از ظلم و ظالم ابراز تنفّر کنند، همچنین صرف سرمایههای عظیم در مصارف بیهوده یا زیانبار و ویرانگر، توسعه رشوه خواری، به مزایده گذاردن پستها و منصبها، گرایش مردم ضعیف و فاقد فرهنگ سازنده به هر قدرتی که پیروز گردد (هر کس که باشد)، همچنین صرف ثروتها در طریق جنگها و مسابقات تسلیحاتی ویرانگر و اهتمام به این مسائل حتّی بیشتر از عمران و آبادی (تا آنجا که هزینههای جنگی بر هزینههای عمرانی پیشی خواهد گرفت).

و نیز هر سال راههای تازهای برای فساد و ظلم و استثمار و استعمار ابداع ...ž گردد و کمتر کسی در برابر ناهنجاریهای اجتماعی احساس مسؤولیّت میکند و حتّی به یکدیگر توصیه میکنند که در برابر این مسائل بی تفاوت باشند.

۲ بخشی دیگری از این مفاسد مربوط به مسائل اخلاقی است مانند گسترش تملّق و چاپلوسی، چشم و هم چشمیها، تن دادن مردان به کاره.....بسیار پست (همانند ارتزاق از طریق خود فروشی همسر!) همچنین گسترش شراب و قمار و انواع سرگرمیهای ناسالم، گفتار بدون عمل، ریاکاری و.......سازی و پارتی بازی حتّی در کمک به نیازمندان، ارزیابی شخصیّت افراد به حجم ثروتشان و مانند اینها.

۳ قسـمت دیگری از این مفاسـد به جنبههای صـرفاً مذهبی ارتباط دارد مانند تحمیل خواسـتههای هوس آلود خویش بر قرآن و تفسیر به رأی، و جهت گیریهای شخصی

و مادّی در مسائل مـذهبی، ازدحام افراد آلوده و گناهکار در مساجـد، اهمّیّت فوق العاده به تزیین مساجد و خالی شدن آنها از محتوا، کوچک شمردن نماز و عدم توجّه به آن و مانند اینها.

آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟

پرسش

آیا قبل از ظهور حضرت حجت(عج) جنگ جهانی سوم برپا خواهد شد؟

پاسخ

زمـان نزدیـک ظهـور حضـرت مهـدی (سـلام الله علیـه) ترس و وحشـت، ظلـم و جنـایت جهـان را فرا می گیرد و از هر طرف خسارتهـایی عظیم بر مردم به خصوص غیر مسـلمانها وارد می شود. چنـانکه در روایت آمـده که پیشـاپیش قـائم دو نوع مرگ وجود دارد یکی مرگ سـرخ و دیگری مرگ سفید، تا از هر هفت نفر، ۵ نفر از بین بروند. و در آن زمان شـعله های جنگ از شرق و غرب برافروخته شده و مردم در سختی و رنج می افتند.

از امـام باقر(علیه السـلام)روایت شـده که فرمودنـد: قائم قیام نمی کنـد مگر در پی ترس و وحشت و زلزله ها و فتنه و آشوب و بلاهایی که مردم گرفتار آن شونـد که پیش از آن گرفتار طائون و بعد از آن، جنگ و خونریزی بین اعراب و ایجاد و اختلاف بین مردم پراکنـدگی در دین شـان و دگرگونی اقوال آنـان بگونه ای که در اثر مشاهـده به جان هم افتادن مردم و یکـدیگر را خوردن، هر کس در هر صبح و شام، آرزوی مرگ می نماید.

و امام صادق(علیه السـلام) فرمودنـد: ناگزیر قبل از قیام قائم، سالی خواهـد بود که مردم در آن، از گرسـنگی رنـج می برنـد و ترس و وحشتی سخت در اثر کشتار آنان را فرا گیرد.

از مجموع روایات چنین اسـتفاده می شود که قبل از ظهور حضـرت مهدی(علیه السـلام) جنگی عمومی در جهان رخ می دهد. اما این جنگ، جنگ جهانی سوم با شد یا جنگی بعد از آن خدا بدان آگاه است. کتابی تحت عنوان "عصر

ظهور" از آقای علی کورانی با ترجمه آقای عباس جلالی انتشار یافته است جهت اطلاع از مسائل مختلف عصر ظهور مطالعه آن را توصیه می کنیم.

هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای ظالم و ستمکار چه می شود؟

پرسش

هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای ظالم و ستمکار چه می شود؟

پاسخ

روایات متعددی حاکی از این است که انقلاب و ظهور حضرت بقیها..(بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگیهای منطقه ای و جهانی، از مکّه معظمه آغاز خواهد شد.

در منطقه خاورمیانه که عموماً کشورهای اسلامی قرار دارند، دو حکومت هوادار حکومت مهدی (در ایران و یمن تشکیل می شود که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس کرده اند. و قیام وانقلاب یاران یمنی اندکی پیش از ظهور امام(خواهد بود."در عربستان نیز درگیریها و کشمکشهایی بر سر قدرت بوجود می آید و این پس از کشته شدن آخرین پادشاه به نام عبدا...است."(۱)

فتنه انگیزیهای غربیها علیه مسلمانان که در روایات از آنها با نام رومیها یادشده و نیز فتنه دیگری، معروف به فتنه فلسطین، همچنین ظهور دجال و سفیانی قبل از ظهور از جمله وقایعی هستند که دامنه آنها تا ظهور حضرت بقیه ا...(همچنان ادامه دارد، و در واقع از جمله حوادثی هستند که به قیام امام مهدی(متصل می شوند و ظهور و قیام امام(و یارانش برای سامان بخشیدن به اوضاع نابسامان مسلمانان و نبرد و درگیری با جریانات ضد بشری و ضد دینی دجال و سفیانی و رومیان خواهد بود.

پیش از ظهور، دو حادثه رخ می دهد که به منزله دو نشانه الهی است، برای اینکه آن حضرت آمادگی لازم را جهت ظهور مقدس خویش آغاز کند؛ این دو حادثه عبارتند از : وقوع کودتا در شام(سوریه) به رهبری سفیانی و حادثه دوم، وقوع ندای آسمانی است که همه

مردم جهان آن را می شنوند که از شنیدن آن به ناله و فریاد در می آیند. طبق روایات این ندا، حضرت را با نام خود و پدرش می خواند و مؤمنین با شنیدن آن سربر سجده شکر می نهند و خود را جهت یاری وی مهیا می سازند.(۲)

روایات همچنین دلالت دارد که نهضت و انقلاب مقدس مهدی موعود(در مدت چهارده ماه کامل می گردد، که شش ماهه اول، امام(حوادث را به طور پنهانی توسط یاران خویش رهبری می کند و در هشت ماه بعدی در مکه معظمه ظهور می کند و به سوی مدینه و آنگاه به سوی عراق حرکت کرده و با دشمنان اسلام وارد نبرد می گردد. پس از مسلط شدن بر منطقه، به سوی قدس شریف حرکت کرده و در بیت المقدس فرود می آید، بر یهودیان تسلط می یابد وعرب و غیر عرب و جنگ افروزان و رومیان (غربی ها) همگی به اطاعت اودر می آ یند و یا نابود می گردند.(۳) در این نبردها، یاران ایرانی و یمنی امام عصر، نقش مهمی در حمایت و یاری رساندن به امام(بر عهده خواهند داشت.

از جمله وقایع زمان ظهور، فرود آمدن مسیح(از آسمان به زمین و نماز گزاردن آن حضرت پشت سر حضرت مهدی(و ایمان آوردن مسیحیان به امام زمان و مسلمان شدن تعداد کثیری از آنها است. زنده شدن برخی مردگان، برانگیخته شدن اصحاب کهف(۴) و پیوستن آنان به امام نیز از دیگر حوادث است.

امام صادق(درباره قیام بقیها...(می فرماید :"همین که قائم به پا خیزد امری جدید می آورد، همان گونه که پیامبر(در آغاز

ظهور اسلام امری جدید آورد." و نیز می فرماید : "همان می کند که رسول خدا کرد، آنچه را که پیش از آن بوده در هم فرو می ریزد، همانند پیامبر که نظام جاهلی را در هم ریخت و اسلام را از نو آورد."(۵)

امام باقر(درباره علبه حضرت ولی عصر(بر دشمنان می فرماید : "قائم، به سبب پیدایش ترس در دل دشمنان پیروز می گردد و فرمانروایی وسلطنت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد. خداوند دین خود را بوسیله وی بر تمام مکاتب جهان پیروز می گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند و مخالف. ویرانی های زمین آباد می گردد و عیسی روح ا...(به زمین فرود می آید و پشت سر حضرت نماز می گزارد و کسی باقی نمی ماند مگر آنکه به رسالت محمد(اعتراف و اقرار کند."(۶) و نیز درباره چگونگی اوضاع آن زمان پس از استقرار و حاکمیت مهدی(می فرماید : "در آن روزگار که قائم ما بر می خیزد ، مردم در سایه حمایت او قرار می گیرند و عقلهایشان شکوفا و خصلتهای انسانی آنان کامل وبارور می گردد...، ثروت را عادلانه تقسیم می کند و عدالت را در بین مردم جاری می سازد. علم و حکمت چندان عمومی می شود که زنان بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا حکم می کنند.(۷)

امام صادق(در این باره می فرماید : "دانش در رشته های مختلف گسترده می شود، بدان گونه که میزان مسائل علمی کشف شده با گذشته قابل مقایسه نیست."(۸) و درباره بدکاران می فرماید : "بدکاران و گنهکاران در آن روز به سیمایشان شناخته می

گردند و امام و یارانش با شمشیر آنان را تنبیه می کنند."(۹)

امام جواد(می فرماید : "پیوسته به کشتن دشمنان خدا ادامه می دهد تا خداوند از وی خشنود گردد ... ."(۱۰)

بدین ترتیب اینگونه بدکاران به سزای اعمالشان خواهند رسید. لازم به ذکر است که لشکریان سفیانی نیز طبق روایات زمانی که عازم نبرد با امام می شوند در سرزمینی به نام بیداء در زمین فرو می روند.(۱۱)

آنچه ذکر گردید، خلاصه ای از حوادث و وقایع و روایت ها و احادیث در زمینه ظهور و قیام امام زمان(است، برای اطلاع بیشتر به کتبی که در این زمینه تألیف گردیده مراجعه فرمایید.

منابع و مآخذ :

۱.بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۱۰، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۹۲

۲.بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۹۲، ۲۹۰، ۱۱۹، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۷۹

۳.نسخه خطی ابن حماد، ص۹۶، به نقل از همان

۴.بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۷۵، بنقل از همان ، ص۳۰۵

۵.بحارالانوار، ج۵۲، باب سیره و اخلاق، روایت ۸۲، بنقل از شناخت اسلام، شهید دکتر بهشتی، شهید باهنر

۶.بحارالانوار، ج۵۲،ص۱۹۱، بنقل از عصر ظهور، ص۳۵۷

۷.بحارالانوار، ج۵۲، باب سیره و اخلاق، روایت ۱۰۶، بنقل از شناخت اسلام، ص۲۱۴،۲۱۵

۸.همان، روایت ۷۳،بنقل از همان

۹.غیبت نعمانی، ص۱۲۷، بنقل از عصر ظهور، ص۳۵۲

۱۰.بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۵۷،بنقل از همان، ص۳۵۳

منتخب الاثر، ص۴۵۸، بنقل از تاریخ غیبت کبری، ص۶۴۹، تألیف سید محمد صدر

هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای گناهکار چه می شود؟

پرسش

هنگام ظهور امام زمان(چه روی می دهد؟ عاقبت انسانهای گناهکار چه می شود؟

پاسخ

با سلام به شما خواهر گرامی؛

روایات متعددی حاکی از این است که انقلاب و ظهور حضرت بقیها...(بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگیهای منطقه ای و جهانی، از مکّه معظمه آغاز خواهد شد.

در منطقه خاورمیانه که عموماً کشورهای اسلامی قرار دارند، دو حکومت هوادار حکومت مهدی (در ایران و یمن تشکیل می شود که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس کرده اند. و قیام وانقلاب یاران یمنی اندکی پیش از ظهور امام(خواهد بود."در عربستان نیز درگیریها و کشمکشهایی بر سر قدرت بوجود می آید و این پس از کشته شدن آخرین پادشاه به نام عبدا...است."(۱)

فتنه انگیزیهای غربیها علیه مسلمانان که در روایات از آنها با نام رومیها یادشده و نیز فتنه دیگری، معروف به فتنه فلسطین، همچنین ظهور دجال و سفیانی قبل از ظهور از جمله وقایعی هستند که دامنه آنها تا ظهور حضرت بقیه ا...(همچنان ادامه دارد، و در واقع از جمله حوادثی هستند که به قیام امام مهدی(متصل می شوند و ظهور و قیام امام(و یارانش برای سامان بخشیدن به اوضاع نابسامان مسلمانان و نبرد و درگیری با جریانات ضد بشری و ضد دینی دجال و سفیانی و رومیان خواهد بود.

پیش از ظهور، دو حادثه رخ می دهد که به منزله دو نشانه الهی است، برای اینکه آن حضرت آمادگی لازم را جهت ظهور مقدس خویش آغاز کند؛ این دو حادثه عبارتند از : وقوع کودتا در شام(سوریه) به رهبری سفیانی و حادثه دوم، وقوع ندای آسمانی است که

همه مردم جهان آن را می شنوند که از شنیدن آن به ناله و فریاد در می آیند. طبق روایات این ندا، حضرت را با نام خود و پدرش می خواند و مؤمنین با شنیدن آن سربر سجده شکر می نهند و خود را جهت یاری وی مهیا می سازند.(۲)

روایات همچنین دلالت دارد که نهضت و انقلاب مقدس مهدی موعود(در مدت چهارده ماه کامل می گردد، که شش ماهه اول، امام(حوادث را به طور پنهانی توسط یاران خویش رهبری می کند و در هشت ماه بعدی در مکه معظمه ظهور می کند و به سوی مدینه و آنگاه به سوی عراق حرکت کرده و با دشمنان اسلام وارد نبرد می گردد. پس از مسلط شدن بر منطقه، به سوی قدس شریف حرکت کرده و در بیت المقدس فرود می آید، بر یهودیان تسلط می یابد وعرب و غیر عرب و جنگ افروزان و رومیان (غربی ها) همگی به اطاعت اودر می آ یند و یا نابود می گردند.(۳) در این نبردها، یاران ایرانی و یمنی امام عصر، نقش مهمی در حمایت و یاری رساندن به امام(بر عهده خواهند داشت.

از جمله وقایع زمان ظهور، فرود آمدن مسیح(از آسمان به زمین و نماز گزاردن آن حضرت پشت سر حضرت مهدی(و ایمان آوردن مسیحیان به امام زمان و مسلمان شدن تعداد کثیری از آنها است. زنده شدن برخی مردگان، برانگیخته شدن اصحاب کهف(۴) و پیوستن آنان به امام نیز از دیگر حوادث است.

امام صادق(درباره قیام بقیها...(می فرماید :"همین که قائم به پا خیزد امری جدید می آورد، همان گونه که پیامبر(در

آغاز ظهور اسلام امری جدید آورد." و نیز می فرماید : "همان می کند که رسول خدا کرد، آنچه را که پیش از آن بوده در هم فرو می ریزد، همانند پیامبر که نظام جاهلی را در هم ریخت و اسلام را از نو آورد."(۵)

امام باقر(درباره علبه حضرت ولی عصر(بر دشمنان می فرماید : "قائم، به سبب پیدایش ترس در دل دشمنان پیروز می گردد و فرمانروایی وسلطنت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد. خداوند دین خود را بوسیله وی بر تمام مکاتب جهان پیروز می گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند و مخالف. ویرانی های زمین آباد می گردد و عیسی روح ا...(به زمین فرود می آید و پشت سر حضرت نماز می گزارد و کسی باقی نمی ماند مگر آنکه به رسالت محمد(اعتراف و اقرار کند."(۶) و نیز درباره چگونگی اوضاع آن زمان پس از استقرار و حاکمیت مهدی(می فرماید : "در آن روزگار که قائم ما بر می خیزد ، مردم در سایه حمایت او قرار می گیرند و عقلهایشان شکوفا و خصلتهای انسانی آنان کامل وبارور می گردد...، ثروت را عادلانه تقسیم می کند و عدالت را در بین مردم جاری می سازد. علم و حکمت چندان عمومی می شود که زنان بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا حکم می کنند.(۷)

امام صادق(در این باره می فرماید : "دانش در رشته های مختلف گسترده می شود، بدان گونه که میزان مسائل علمی کشف شده با گذشته قابل مقایسه نیست."(۸) و درباره بدکاران می فرماید : "بدکاران و گنهکاران در آن روز به سیمایشان شناخته

می گردند و امام و یارانش با شمشیر آنان را تنبیه می کنند."(۹)

امام جواد(می فرماید : "پیوسته به کشتن دشمنان خدا ادامه می دهد تا خداوند از وی خشنود گردد ... ."(۱۰)

بدین ترتیب اینگونه بدکاران به سزای اعمالشان خواهند رسید. لازم به ذکر است که لشکریان سفیانی نیز طبق روایات زمانی که عازم نبرد با امام می شوند در سرزمینی به نام بیداء در زمین فرو می روند.(۱۱)

آنچه ذکر گردید، خلاصه ای از حوادث و وقایع و روایت ها و احادیث در زمینه ظهور و قیام امام زمان(است، برای اطلاع بیشتر به کتبی که در این زمینه تألیف گردیده مراجعه فرمایید.

منابع و مآخذ :

۱. بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۱۰، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۹۲

۲.بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۹۲،۲۹۰،۱۱۹، بنقل از عصر ظهور، علی کورانی، ص۲۷۹

۳.نسخه خطی ابن حماد، ص۹۶، به نقل از همان

۴.بحارالانوار، ج۵۲،ص۲۷۵، بنقل از همان ، ص۳۰۵

۵.بحارالانوار، ج۵۲، باب سیره و اخلاق، روایت ۸۲، بنقل از شناخت اسلام، شهید دکتر بهشتی، شهید باهنر

۶.بحارالانوار، ج۵۲،ص۱۹۱، بنقل از عصر ظهور، ص۳۵۷

۷.بحارالانوار، ج۵۲، باب سیره و اخلاق، روایت ۱۰۶، بنقل از شناخت اسلام، ص۲۱۵،۲۱۴

۸.همان، روایت ۷۳،بنقل از همان

۹.غیبت نعمانی، ص۱۲۷، بنقل از عصر ظهور، ص۳۵۲

۱۰.بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۵۷،بنقل از همان، ص۳۵۳

۱۱.منتخب الاثر، ص۴۵۸، بنقل از تاریخ غیبت کبری، ص۶۴۹، تألیف سید محمد صدر

احادیث، روایات و مستندات زیادی درباره ظهور حضرت حجه (عج) آمده است. از جمله حوادث عراق و ...، آیا انشاء الله امید زیادی به ظهور آقا هست و یا اینکه ممکن است مواردی قبلاَ درباره فرج ذکر شده باشد ولی امروزه به دلایلی منسوخ شود. و آیا خیلی از علما وعده هایی از

پرسش

احادیث، روایات و مستندات زیادی درباره ظهور حضرت حجه (عج) آمده است. از جمله حوادث عراق و ...، آیا انشاء الله امید زیادی به ظهور آقا هست و یا اینکه ممکن است مواردی قبلًا درباره فرج ذکر شده باشد ولی امروزه به دلایلی منسوخ شود. و آیا خیلی از علما وعده هایی از فروپاشی آمریکا داده

اند نظر شخصی بوده یا اشاره ای از بالا.

پاسخ

در پاسخ عرض می کنیم که روایات متعدد حاکی از آن است که انقلاب و ظهور حضرت بقیه الله (عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگیهای منطقه ای و جهانی صورت خواهد گرفت.

فتنه انگیزیهای غربیها علیه مسلمانان که در روایات از آنان با نام رومیها یاد شده، فتنه فلسطین، ظهور دجال و سفیانی و بحران عراق از جمله وقایعی هستند که دامنه آنها تا ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه همچنان ادامه دارد. و در واقع از جمله حوادثی هستند که متصل به قیام و ظهور امام مهدی (عج) می باشند، و انقلاب امام عصر (عج) و یارانش برای سامان بخشیدن به اوضاع نابسامان مسلمانان و نبرد و درگیری با جریانات ضد بشری و ضد دینی دجال و سفیانی و رومیان و سرکردگان آنهاست.

بنابراین با توجه به حوادث پیش آمده در عالم و اوضاع بحرانی منطقه خاورمیانه و لجام گسیختگی قوم یهود و حضور رومیان (غربیها) در منطقه و دخالت مستقیم آنان در امور مسلمین و وجود فساد در اکثر امور، همه دلالت بر این دارد که انشاء الله ظهورحضرت ولی عصر (عج) نزدیک است.

در پاسخ به بخش دوم پرسش شما باید عرض کنیم که انحطاط و نابودی زمانی گریبانگیر ملتی می گردد که گرفتار فساد در زمینه های اعتقادی، اخلاقی، و اقتصادی شوند، و این همه در مورد جامعه غرب بخصوص آمریکا صادق است بنابراین فروپاشی چنین نظامی حتمی است و تردیدی در آن نیست، بلکه مقدمات آن نیز با تجاوز به عراق و هتک حرمت قبور شریف ائمه علیهم السلام و به خاك

و خون کشیدن افراد بی گناه فراهم گشته، و البته این شکست بدست مبارک حضرت ولی عصر صورت می پذیرد.

در روایت آمده است که خداوند رومیان (غربیان) را بدست حضرت مهدی (عج) شکست خواهد داد.(۱)

و نیز طبق روایات رومیان در فلسطین و شام شکست فاحشی را از سپاه حضرت بقیه الله (عج) متحمل خواهند گشت.(۲)

لازم به ذکر است که در روایات مربوط به آخرالزمان و ظهور امام مهدی (عج) مراد و منظور از رومیان، ملل اروپایی و در قرنهای اخیر گسترش آنان در آمریکا می باشد که فرزندان رومیان و وارثان امپراطوری روم قدیم هستند.

منابع و مآخذ:

۱ عصر ظهور، ص۳۳۶، علی کورانی

۲ عصر ظهور، ص۳۴۸، علی کورانی

آیا سخنانی که درباره ظهور امام زمان غ گفته می شود، حقیقت دارد؟

پرسش

آیا سخنانی که درباره ظهور امام زمان غ گفته می شود، حقیقت دارد؟

پاسخ

در مجموعه های روایی شیعه و سنّی برخی از علایم ظهور امام زمان غ روایت شده که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود.

از میان علایم ظهور، گرچه برخی به وقوع پیوسته ولی برخی از آن ها هنوز رخ نداده و در مجموع با توجه به روایات ظهور آن حضرت را می توان نزدیک ارزیابی کرد.

در پایان شما را به این نکته توجه می دهیم که هر چند ظهور آن حضرت براساس آن چه گفتیم نزدیک است ولی هیچ کس از زمان دقیق ظهور آگاه نیست و روایات نیز بر این نکته تصریح کرده کسانی را که برای ظهور، زمان خاصی را تعیین می کنند، دروغ گو خطاب کرده است مرحوم کلینی در کتاب کافی از امام صادق روایت کرده که فرمود: "...کَذَبَ الوقّاتون انا اهل البیت لانوّقت (کافی ج ۱، ص ۳۶۸، حدیث ۳، دارالکتب الاسلامیه) همچنین از امام باقر۷ نقل کرده که در پاسخ شخصی که از زمان ظهور پرسید، سه بار فرمود: "کذب الوقاتون کذب الوقاتون کذب الوقاتون ..(همان ج ۱، ص ۳۶۸، حدیث ۵.)؛ کسانی که برای ظهور زمان تعیین می کنند، دروغگویند...".

پرسشگر گرامی با توجه به این که پرسش از روشنی لازم برخوردار نیست چنانچه پاسخ ارسالی کافی نباشد، پرسش خود را در نامه بعدی با بیانی روشن تر بفرستید، تا پاسخ مقتضی داده شود.

مهم ترین مسایل امنیتی در آخرالزمان از سوی قرآن چه معرفی گشته است

پرسش

مهم ترین مسایل امنیتی در آخرالزمان از سوی قرآن چه معرفی گشته است

پاسخ

آخرالزمان بخش واپسین دوران را گویند که به قیامت می پیوندد. این واژه اصطلاحی شناخته شده در بین پیروان ادیان آسمانی است و برگرفته از مضمون مجموعه روایاتی است که به پیش گویی از رویدادهای مهم در پایان دوران نسل بشر، پرداخته اند.(معارف و معاریف حسینی دشتی واژه آخرالزمان)

از مطالب پیشین می توان نتیجه گرفت که آخرالزمان به زمان پیش از ظهور حضرت مهدی غ و هنگام ظهور آن حضرت اطلاق می شود. و چون امری نسبی است تعیین دقیق آن مثلاً یک قرن یا دو قرن مشکل است

امنیت یکی از مسایل مهم هر جامعه ای است و بخش های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را شامل می شود. در این پاسخ نامه به دیدگاه کلی اسلام درباره امنیت و مسایل مربوط به آن می پردازیم که از این رهگذر، مسایل امنیتی آخرالزمان به ویژه زمان حضرت مهدی که امنیت جامعه در آن زمان به شیوه کاملی وجود خواهد داشت روشن خواهد شد; "وَعَدَ اللَّه ُالَّذِین َءَامَنُواْ مِنكُم ْوَ عَمِلُواْ الصَّلِحَت ِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم ْفِی الْا ?رْض ِ كَمَا اسْتَخْلَفَ َالَّذِين َ مِن قَبْلِهِم ْوَ لَيُمَكِّنَن َّلَهُم ْدِينَهُم ُالَّذِی ارْتَضَی َ لَهُم ْوَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِم ْأَمْنًا;(نور،۵۵)

از نظر اسلام در جامعه امن و آرام روابط اجتماعی بر اصل ضوابط استواراست و حق و تکلیف معیار رابطه ها است با امنیت اجتماعی منافع همه تامین می شودو حق هر حقداری تامین می گردد. تضاد و درگیری به حداقل می رسد.

در جامعه اَمن قانون حاکم است و حتی مجری قانون از قانون بیم دارد.

در جامعه امن بیم هراس دلهره و نگرانی در مردمان نیست کسی از کسی بی جهت نمی ترسد و سرمایه داران و متنفذان بر جامعه تسلط ندارند.

در جامعه امن هر کسی ادعای بحق و سخن درستی داشت می تواند بی بیم بر زبان آورد و حق و نظر خود را اظهار کند; چنان که حضرت علی از پیامبر اکرم نقل می کند: "امتی که ضعیف آن نتواند حق خویش را بی لکنت زبان از قومی بگیرد، قابل احترام نیست "

حضرت مهدی غ پدیدآورنده امنیت اجتماعی و فردی است امنیتی که بشریت در همه دوران تاریخ خود، مانند آن را ندیده است او در جامعه عدالت بنیاد خود، همه معیارها و ضوابط غیر انسانی و نادرست را کنار می زند و عوامل دلهره نگرانی ترس را نابود می کند. بیم آفرینان و هراس انگیزان را از سر راه جامعه بر میدارد. و اعمال نفوذها و قانون شکنی ها را نفی می کند و حرکت جامعه و روابط اجتماعی را بر پایه های قانون و عدل و احترام به حقوق و ارزش انسان استوار می سازد.(ر.ك عصر زندگی محمد حکیمی ص ۱۹۶، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)

در ذیل به برخی از شیوه های اجرایی حضرت که نقش مهمی در برقراری امنیت فردی و اجتماعی دارد اشاره می کنیم این شیوه ها برگرفته از احادیثی است که از پیشوایان معصوم درباره حضرت مهدی و حکومت ایشان به یادگار مانده است

۱.سیره عملی به هنگام ظهور حضرت مهدی غ آنچه هست دوستی و یگانگی است تا آن جا که هر کس هر چه نیاز دارد، از جیب آن

دیگری بی هیچ ممانعتی بر می دارد.

۲.سیره انقلابی حضرت مهدی غ حق هر حقداری را خواهد گرفت حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان متجاوز و غاصب بیرون خواهند کشید، و به صاحب حق باز خواهند گرداند.

۳.سیره سیاسی به هنگام حکومت حضرت مهدی غ حکومت جبّاران و مستکبران نفوذ سیاسی منافقان و خائنان نابود می گردد. شهر مکّه قبله مسلمانان مرکز حرکت انقلابی حضرت مهدی می شود... و ایشان به نفوذ یهود و مسیحیت در جهان خاتمه خواهند داد.

۴.سیره اجتماعی چون حضرت مهدی غ ظهور کنند پس از سختی ها که افتد، و جنگها که رود ظلم و ستم را بر می اندازد، و سراسرزمین را از عدل و داد پر خواهد کرد... عدالت حضرت مهدی چنان باشد، که بر هیچ کس در هیچ چیز، به هیچ گونه ستمی نخواهد شد.

۵.سیره اصلاحی حضرت مهدی غ مردم جهان را، از آشوبی بزرگ و همه گیر و سر در گُم نجات می بخشد. در جهان جای ویرانی نمی ماند، مگر آن که مهدی غ آن جا را آباد سازد.

۶.سیره قضایی در قضاوت ها و احکام حضرت مهدی و در حکومت وی سر سوزنی ظلم و بیداد بر کسی نمی شود، و رنجی بر دل کسی نمی نشیند.(ر.ك خورشیدمغرب محمد رضا حکیمی ص ۳۰۳۵، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی)

در رابطه با ظهور امام زمان (عج) روایاتی هست که اشاره به بعضی قیامها نموده است در حالیکه در شرایط فعلی غیر ممکن است چگونه توجیه می کنید؟

پرسش

در رابطه با ظهور امام زمان (عج) روایاتی هست که اشاره به بعضی قیامها نموده است در حالیکه در شرایط فعلی غیر ممکن است چگونه توجیه می کنید؟

پاسخ

این که گفته اید برخی از قیام ها در شرایط فعلی جهان غیر ممکن به نظر می رسد، از طرفی مجمل است؛ یعنی، معلومنیست منظور شما کدام یک از آنهاست و از طرف دیگر دلیلی بر عدم امکان آنها وجود ندارد. دنیایی که ما در آن زندگیمی کنیم، جهانی سخت بی ثبات است و در هر لحظه امکان وقوع هزاران حادثه و رخداد غیر مترقّبه وجود دارد. ازطرف دیگر ممکن است تصوّری که شما از روایات دارید به گونه ای باشد که وقوع این حوادث را ناممکن تلقّی کند.خلاصه آنکه نمی خواهیم بگوییم حتما همه این امور پدیدار خواهند شد؛ ولی هیچ دلیلی هم بر عدم امکان آنها وجودندارد.{J

می دانیم از نشانه های ظهور امام زمان(عــج) این است که زنان شبیه مردان می شوند و دنیاطلب می شوند. خیلی می ترسم که یکی از این افراد شوم مخصوصا وقتی به دانشگاه می روم چنین احساسی دارم چه کنم تا از این افراد نباشم؟

پرسش

می دانیم از نشانه های ظهور امام زمان(عـج) این است که زنان شبیه مردان می شونـد و دنیاطلب می شوند. خیلی می ترسم که یکی از این افراد شوم مخصوصا وقتی به دانشگاه می روم چنین احساسی دارم چه کنم تا از این افراد نباشم؟

پاسخ

از نشانه های ظهور فراگیر شـدن جهان از ظلم و جور است چنانچه از خود حضـرت مهدی(عج) نقل شده: علامه ظهوری کثره الهرج والمرج والفتن... نشانه آشـکار شـدن من، زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها و آشوب هاست {M(بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰).

گـاهی نیز نشانه های ظهور به عنوان زیاد شـدن گناهان و مفاسـد اخلاقی و اجتماعی در میان مسـلمانان بیان شـده است. علامه مجلسـی در بـاب نشـانه های ظهور، روایتی از امام صادق(ع) آورده که در آن بیش از یکصـد نوع انحراف اخلاقی، اجتماعی، اعتقـادی وفرهنگی که در دوران غیبت، دامن گیر جوامع اسـلامی می شـود، پیش گویی شـده است(بحارالانـوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.) از جمله: رشوه خواری، زیـاد شـدن زنا و لواط، سـنگدل شـدن مردم، اهتمام مردم تنها به شـهوت و شـکم، از میان رفتن شرم و...

و رأیت النّساء یتخذن المجالس کما یتخذها الرجال زنان در جامعه و مجالس، به مانند مردان حضور و ظهور می یابند {M

و علامت هایی از این قبیل. زیاد شـدن مفاسـد و آلودگی ها در میان مردم، در واقع، نوعی فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است. البته فساد و گناه کم و بیش در میان مردم بوده، مهم این است که منکر بر معروف و ضد ارزش ها بر ارزش ها غلبه پیدا می کند.

سخن از زیاد شدن ظلم و ستم و گناه و کم شدن افراد صالح است، نه این که همه مردم

کـافر شونـد یـا افراد صالـح هیـچ نباشـند. در همـان حال که تباهی همه جا را فرا گرفته است، افراد پاکباخته، متعهـد و صالحی هستند که زمینه قیام آن حضرت(عج) را آماده می سازند و در حمایت از آن منجی بزرگ به جهاد برمی خیزند.

در روایات همان طور که از گسترده شدن ظلم و ستم به عنوان علائم ظهور یاد شده است به این نکته نیز اشاره شده که جامعه منتظر مهدی، باید در به پا داشتن ارزش ها و مبارزه با ضدارزش ها، تلاش جدی بکنند و منتظران به تهذیب نفس بپردازند و...

تهـذیب نفس و پـاک سـازی درون از صـفات و خوی هـای زشت، و زیور دادن آن به وسـیله اخلاـق پسـندیده، در هر زمـانی واجب است. چنـان که قرآن می فرمایـد قـد افلـح من تزکی به درسـتی کسـی که خود را پـاک نمایـد، رسـتگار می شود {M(شمس، آیه ۹.

) امـا اهمیـت تزکیـه نفس در دوران غیبـت امـام عصـر(عـج) از جهت آن است که قرار گرفتن در زمره اصـحاب آن حضـرت، بسـتگی تمام به آن دارد وجود نازنین آقا مهذب ترین و پاک ترین انسان است پس درک فضیلت صحبت او و قرار گرفتن در صف یاران حضـرت به تهذیب نفس نیاز دارد. در دعایی بعد از «زیارت آل یس» علامه مجلسی در بحارالانورار، ج ۱۰۲، ص ۸۱ به نقل از احتجاج طبرسـی آورده: از ناحیه مقـدسه حضـرت ولی عصـر(عج) به محمد حمیری آمده: هرگاه اراده نمودید به وسیله ما به سوی خداوند و به سوی ما توجه نمایید «زیارت آل یس» را بخوانید. این زیارت از جانب خداوند متعال است.) می خوانیم: اللهم انصره وانتصر به لدینک وانصُر به اولیائک و اولیائه و شیعته و انصاره

واجعلنا منهم ای خدا! به امام زمان نصرت عطا فرما و به واسطه او دینت و دوستانت و شیعیان و یاوران و دوستان او را یاری فرما و ما را از دوستان و شیعیان حضرت قرار ده{M (مفاتیح الجنان)

پس یکی از مهمترین تکالیف در دوران غیبت کبرای مولایمان صاحب الزمان(عج) تهذیب نفس است «نعمانی» از امام صادق(ع) روایتی آورده که حضرت می فرماید: هر کس دوست دارد از اصحاب حضرت قائم(عج) باشد، باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر باشد، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم(عج) بپا خیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید. گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خداوند (مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۳۷) و تهذیب نفس و پاکسازی درون امری عمومی است که م ردان و هم زنان مسلمان و شیعه باید به آن عمل کنند و اختصاص به قشر و نوع و جنس خاصی از جامعه ندارد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱- خورشید مغرب، علامه محمد رضا حکیمی

۲- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری

درروایت است که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است چرا دینداری در آخرالزمان سخت تر از زمان های دیگر است ؟

پرسش

درروایت است که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است چرا دینداری در آخرالزمان سخت تر از زمان های دیگر است ؟

پاسخ

اگر حفظ دین در اخر الزمان دشوار است به همان نسبت به عوامل و مینه های دیندار شدن نیز بهتر و بیشتر فراهماست. برای نمونه در هیچ زمانی به اندازه زمان ما ابزار و وسایلی که بتوان به کمک آنها دین را شناخت فراهم نبودهاست: مانند کتاب، صوت، تصویر و نیز گسترش دانش و معارف. اگر در گذشه شخصی برای استماع حدیثی فرسنگ هاراه سمت بیابان را طی می نمود امروز با زدن چند کلید رایانه و یا مراجعه ساده به کتابها و نیز امواج رادیویی و تصویریو... می تواند به همان اطلاعات دسترسی پیدا کند.

علاوه بر آن که مردم آخر الزمان ازعقل و هوش بیشتری برخوردارند از امام سجاد(ع) نقل شده که فرمودند:

خداوند آیات سوره توحید و نیز اول سوره حشر را برای مردم آخر الزمان نازل کرده است.

چرا که مردم آخر الزمان از عقل و بینش بالاتری برخوردارند، بنابر این از این جهت هیچ بی عدالتی صورت نگرفتهاست. از زاویه دیگر ایمان در آخرالزمان ارزش بیشتری نیز دارد.{J

معنای این جمله که می گویند زمان ظهور از اسلام و قرآن چیزی جز نام باقی نمانده است چیست ؟

پرسش

معنای این جمله که می گویند زمان ظهور از اسلام و قرآن چیزی جز نام باقی نمانده است چیست ؟

پاسخ

بر فرض که حدیث مذکور، مربوط به زمان ظهور باشد. (چون ممکن است مربوط به برخی از ادوار آخر الزمانباشد).

اولاً، ما که هنوز آن زمان را ندیده ایم تا قضاوت کنیم که آیا چنان هست یا نیست.

ثانیا، این قبیل تعبیرات اصطلاحا «غالبی» هستند یعنی وضعیت غالب مسلمانان چنین است، هر چند عده ای و یا حتی کشوری چنانباشند.

ثالثا، گرچه در کشور ما اکنون تلاش زیادی برای برقراری احکام و اخلاق قرآن صورت می گیرد ولی هنوز در عمل فاصله زیادی بینآرمان های قرآن و واقعیات وجود دارد.

آیا در عصر نزدیک به ظهور همه مردم از دین فاصله می گیرند یا اینکه بطرف دین بیشتر می آیند؟

پرسش

آیا در عصر نزدیک به ظهور همه مردم از دین فاصله می گیرند یا اینکه بطرف دین بیشتر می آیند؟

پاسخ

– این دو منافاتی با یکدیگر ندارند. عالمگیر شدن فساد قبل از ظهور امام زمان(عج) به معنای فاسد بودن همه انسان ها نیست؛ بلکه انسان های صالح بسیاری در همان زمان نیز به مبارزه با فساد مشغول اند؛ ولی علی رغم توصیه همه ادیان و مصلحان به اصلاح، قدرت ها بر روی زمین فساد می کنند به گونه ای که همه جا را فساد دربرمی گیرد.

بررسی اصولی موضوع مطرح شده بپردازیم به نظر می رسد اشاره به سیر تاریخی این برداشت از موضوع ظهور امام زمان و زمینه های آن، به عنوان مقدمه مفید باشد.

در طول تاریخ غیبت به ویژه در قرون اخیر نوعی تفکر آسایش طلبانه در برخی پدید آمده و آنان بهانه ای می طلبند تا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند! حال چه بهتر که این بهانه رنگ دینی داشته باشد.

از جمله این موارد آن است که ما نبایستی با ظلم مبارزه کنیم زیرا ظهور امام زمان به تأخیر می افتد و حتی برخی پنداشته اند که باید به ظلم و فساد نیز کمک کرد و در گسترش آن کوشید تا اسباب ظهور بیشتر فراهم شود؟! این تفکر ناشی از عدم شناخت مسئولیت و نشناختن دین الهی و برداشت غلط از موضوع ظهور است. زیرا:

اولاً - هیچ یک از تکالیف شرعی مانند نماز، روزه، حج، امر به معروف، مبارزه با فساد و ... مشروط به چنین شرطی نیست، یعنی تکلیف نماز و یا نهی از منکر تکالیفی مطلق هستند. یعنی آن که عمل به آنها الزامی است، چه موجب تسریع در ظهور یا تأخیر آن شود.

ثانیاً

– هیچ یک از آموزه های دین نمی تواند ارکان واساس دین را معطل نماید. اگر فرض کنیم (به فرض محال) پی گیری تعالیم دین موجب تأخیر در ظهور شود، باز عمل به آن تعالیم واجب است.

ثالثاً – فساد نیازی به کمک ندارد. اگر بسیاری از مردم جهان نیز با فساد به مبارزه برخیزند باز فساد ریشه کن نخواهد شد بلکه هر روز بر توسعه قلمرو خود خواهد افزود و زمینه برای ظهور فراهم خواهد شد.

رابعاً – آیا معقول است که ما در سراسر عمر خود که چه بسا به ظهور منجر نگردد دست روی دست بگذرایم و همه آیات و روایات را به کناری بگذرایم بدین بهانه که ما می خواهیم در ظهور تعجیل گردد آیا این عذری خدا پسندانه است؟!

با وجود جنگ امریکا و عراق فکر نمی کنید دوره آخرالزمان است و آیا قبلاً در این مورد حدیثی یا آیه ای نازل نشده است؟

پرسش

با وجود جنگ امریکا و عراق فکر نمی کنید دوره آخرالزمان است و آیا قبلاً در این مورد حدیثی یا آیه ای نازل نشده است؟

پاسخ

مدت زمان پاک شدن جهان از فساد معلوم نیست اما وقایع دوران ظهور را می توان ترسیم نمود.

ترسیم تفصیلی عصر ظهور امکان پذیر نیست اما به صورت فشرده به سیمای کلی آن اشاره می کنیم:

روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی(عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی های منطقه ای و جهانی از مکه آغاز می گردد. آنگاه در سطح جهان نبردی سخت میان غربی ها و ترکان و یا هواداران آنها به وجود می آید تا جایی که منجر به جنگجهانی می گردد. اما در سطح منطقه دو حکومت هوادار حضرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می شوند که سرانجام در آن پیروز می گردند. اندک زمانی پیش ازظهور آن بزرگوار در بین ایرانیان دو شخصیت با عنوان سید خراسانی، رهبر سیاسی و شعیب بن صالح رهبر نظامی ظاهر شده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا خواهند کرد.

اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشیدن به خلاء سیاسی که در حجاز به وجود می آید همکاری می نماید.

از جمله نشانه های ظهور حادثه ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می دهد. در این هنگام نشانه های ظهور حضرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام

او در ۲۳ ماه رمضان شـنیده می شود پس از این ندای آسمانی حضرت مهدی(عج) به طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می نماید. درباره آن بزرگوار در سراسـر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل ها جای می گیرد.

دشـمنان از حضور آن حضـرت بیمناک شده و می کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند ازاین رو سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشـمی که دست یافته او را دسـتگیر و یا کشـته و یا به زندان می اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیام خویش را در شب دهم محرم بعـد از نماز مغرب و عشاء از حرم شـریف مکی آغاز می کند و پس از درگیری بر مکه تسـلط می یابـد. در صـبح روز دهم محرم حضـرت مهـدی(عـج) پیـام خود را به زبـان های مختلف به تمام جهان ابلاغ می کنـد و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلام می دارد که در مکه باقی خواهـد مانـد تا معجزه ای که جـد گرامی اش حضـرت رسول(ص) وعـده فرموده محقق شود و آن فرو رفتن لشـکریان سـفیانی به زمین است که برای درهم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می شوند به وقوع بپیوندد.

آن حضـرت پس از این معجزه بـا سـپاه خود که متشـکل از ده و انـدی هزار تن است از مکه رهسـپار مـدینه می شود و پس از نبردی با نیروهای دشـمن مسـتقر در آنجا، مـدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز و تسـلط بر منطقه خاتمه می یابد. وی پساز پیروزی بر حجاز راهی

جنوب ایران می شود و در آنجا با سپاه ایران و توده های مردم آن سامان به رهبری خراسانی و شعیب بن صالح برمی خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکدیگر با قوای دشمن در بصره به پیکار می پردازند که سرانجام به پیروزی بزرگ و آشکاری دستمی یابند. سپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می کند و با درگیری با بقایای نیروهای سفیانی و گروه های متعدد شورش آنها را شکست داده و به قتل می رساند. آنگاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت خود قرار می دهد و بدین سان یمن، حجاز،ایران، عراق و کشورهای خلیج فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضرت درمی آید. بعد از آن جنگ هایی با ترکان و یهودیان صورت می پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضرت(عج) است. غربیان مسیحی از این وقایع سخت نگران شده و با حضرت اعلان جنگ می کنند ولی ناگاه حضرت عیسی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خویش جهان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می دهد. فرود آمدن حضرت عیسی(ع) برای جهان علامت و نشانه ای است که موجب شادی مسلمانان و ملت های مسیحی خواهد گردید.

به نظر می رسد که حضرت مسیح(ع) میان حضرت مهدی(ع) و غربی ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میان دو طرف بسته می شود. اما غربی ها بعد از دو سال پیمان صلح را می شکنند، لذا رومیان در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سرباز به سرزمین شام و فلسطین یورش می آورند. نیروهای اسلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضرت مهدی(عج) اعلام داشته و پشت سر

وی در قدس نماز می گذارد. دراین جنگ مسلمانان پیروز می شوند. سپس غرب توسط امام فتح می گردد. پس ازفتح و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند. سپس پیکر پاک او را با پارچه ای که دست بافت مادرش مریم صدیقه(ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاک می سپارد.

پس از این فتوحات حضرت مهدی(عج) برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقدام می کند و برای تعالی بخشیدن و شکوفایی زندگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سطح آگاهی دینی و دنیایی مردم می کوشد.

به نظر میرسد که جنبش دجال ملعون و فتنه و آشوب او یک حرکت انحرافی بهره گیری از پیشرفت علوم و حالت رفاهی باشد که در زمان امام(عج) جامعه بشری به آن دست می یابد. دجال از روش های پیشرفته چشم بندی، برای فریب جوانان پسر و دختر و زنان که بیشترپیروان او را تشکیل می دهند استفاده می کند. ازاین رو در جهان موجی از فتنه و آشوب به وجود می آورد که فریبکاری های او را باور می کنند اما حضرت مهدی(عج) نیرنگ های وی را آشکار ساخته و به زندگی او و هوادارانش خاتمه می بخشد.

این دورنمایی کلی از حرکت و انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) بود، (برای آگاهی بیشتر ر.ک: عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغاتاسلامی).

اما علائم و نشانه های ظهور که هر یک نویدی از نزدیک شدن ظهور آن حضرت(عج) است فراوان است که به ذکر مهم ترین آنها اکتفا می کنیم:

۱- خروج سفیانی: سفیانی

مردی از نسل ابوسفیان است که پیش از ظهور حضرت خروج می کند و پس از ظهور با امام می جنگد.

امام صادق(ع) فرمود: «ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی(ع) و یزید با حسین بن علی(ع) به مخالفت برخاستند و سفیانینیز با قائم(عج) خواهد جنگید، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲).

۲- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است.

علی(ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷).

۳- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند.

امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی کند، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می کند.

۴- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک.

امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهور مهدی(عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴).

۵- صیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می شود.

امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده ای از آسمان نام قائم را ندا می کند پس هر

که در شرق و غرب است آن را می شنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

درباره تعداد یاران خاص آن حضرت کلیاتی وارد شده است مانند این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد واندی نفر بدون وعده پیشین گرد می آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳). درباره ویژگی هاییاران حضرت نیز طبق برخی از روایات خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است.

راجع به حوادثی که قبل از ظهور در عراق اتفاق می افتد نیز روایاتی داریم مانند:

الف) «و شمول اهل العراق خوف لا یکون معه قرار» در آن زمان اهل عراق را ترسی فرا می یگرد که آسایش را از مردم آن سلب می کند (بحار، ج ۵۲، ص ۲۲۱).

ب) «و خسف ببغداد» ؛ «و خسف المزوره و هی بغداد» فرو رفتگی در بغداد (همان).

ج) «ان المصر امنت من الخراب حتی تخرب البصره» در آن زمان مصر در امان می ماند تا این که بصره خراب شود. سپس مصر خراب گردد (جهان در آینده، ص ۵۷).

د) «منعت العراق درهما و قفیزها» پول و غذا در عراق نایاب می شود (جهان در آینده، ص ۵۹).

البته حوادث عراق از نشانه های عمومی نزدیکی ظهور است نه نشانه های اختصاصی (مانند قیام سفیانی و سید حسنی و...) و نکته قابل توجه دیگر این است که چه راجع به حوادث عراق و چه سایر نشانه های عمومی ظهور انسان نمی تواند یقین کند این حادثه همان حادثه وعده داده شده است یا شبیه آن است و واقعه اصلی در

زمان دیگری به وقوع خواهد پیوست.

آیا به نظر شما نیز نشانه های ظهور نزدیک است یا این تصوراتی است که ما داریم ؟

پرسش

آیا به نظر شما نیز نشانه های ظهور نزدیک است یا این تصوراتی است که ما داریم ؟

پاسخ

مراد از نشانه های ظهور، وقایع، رویدادها و اموری است که پیش از ظهور تحقق پیدا می کنند. یعنی تحقق و پیدایش آنها، اعلام نزدیکی ظهور است، اما ارتباط و وابستگی حقیقی ندارد که گفته شود حتماً با پیدایش آنها، ظهور انجام خواهد شد. زیرا هنگام ظهور امام مهدی (عج) را هیچ کس جز خدای متعال آگاه نیست و در احادیث بسیاری نقل شده است که افرادی که هنگام ظهور را تعیین نمایند، دروغگو هستند. زیرا فلسفه و حکمت غیبت با تعیین وقت ناسازگار است. در پاره ای از روایت ها برای ظهور آن امام (عج) نشانه هایی ذکر شده است، برخی از آنها نشانه های دوره آخرالزمان است که آنها را نشانه های غیرحتمی هم می گویند. چه این که در روایت ها نشانه های ظهور، به حتمی و غیرحتمی تقسیم شده اند.۱

این که گاهی گفته می شود نشانه های ظهور محقق شده است، مراد تحقق نشانه های دوره آخرالزمان است. مانند گسترش فساد، آشکارا نوشیدن شراب، تأویل دین براساس هوا و هوس، سوگندهای دروغ به خدا خوردن و...۲

در روایت ها پاره ای از نشانه های حتمی ظهور امام عصر (عج) چنین بیان شده است:

خروج یمانی، سفیانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، فرو رفتن در بیابان۳.

به بیان دیگر در پاره ای نشانه ها، مدت معینی میان پیدایش آن و ظهور اشاره شده است مانند قیام سفیانی، اما پاره دیگر نشانه ها، مدت زمان فاصله میان پیدایش آنها و ظهور مضبوط نمی باشد.

پی نوشت ها:

۱. فضیل بن یسار از امام باقر (ع) روایت می کند که فرمود: «نشانه های ظهور دو دسته است. دسته ای غیرحتمی و دسته ای حتمی. خروج سفیانی از نشانه های

حتمی است که راهی جز آن نیست». (شیخ نعمانی، الغیبه، ترجمه جواد غفاری، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳، چاپ اول، باب ۱۸، ص ۴۲۹).

۲. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ تا ۲۶۰.

۳. شیخ صدوق, کمال الدین و تمام النعمه, دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم , چاپ سوم ص ۶۵۰.

آیا بعد از امام خامنه ای رهبرمان امام زمان است و او در این نزدیکی ها ظهور خواهد کرد و چشم ما به جمالش روشن خواهد شد یا نه و اگر امام زمان ظهور نکرد رهبر چه کسی خواهد بود یا حداقل چه کسی برازنده این کار است که رهبری شیعیان را بر عهده گیرد.اگر امکان دارد یک

پرسش

آیا بعد از امام خامنه ای رهبرمان امام زمان است و او در این نزدیکی ها ظهور خواهد کرد و چشم ما به جمالش روشن خواهد شد یا نه و اگر امام زمان ظهور نکرد رهبر چه کسی خواهد بود یا حداقل چه کسی برازنده این کار است که رهبری شیعیان را بر عهده گیرد.اگر امکان دارد یک دست نوشته از رهبر مان برایم بفرستید.

پاسخ

نسبت به زمان ظهور امام زمان (عج) هیچکس نمی تواند زمان مشخص و معینی رااعلام کند، زیرا غیر از خداوند هیچکس نسبت به آن آگاهی ندارد. آنچه که در برخی از روایات درباره زمان ظهور امام زمان(ع) آمده است، نشانه ها و علایمی است که بر اساس آنها برخی از علما و صاحب نظران اظهار نظرهایی نسبت به نزدیک بودن و یا نزدیک نبودن زمان ظهور کرده اند. اما هیچ یک از آنان به طور قطع چنین اظهار نظرهایی را مطرح نکرده اند. از این رو، نمی توان گفت که در این نزدیکی ها آیا امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد یا خیر.

نسبت به شخصیتی که شایستگی رهبری شیعیان را پس از آیت الله خامنه ای خواهد داشت، لازم است به دو نکته توجه کرد: نخست ، آنکه رهبری شیعیان بر دو گونه است: رهبری معنوی و مذهبی و رهبری سیاسی. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مراجع بزرگ شیعه نقش رهبری معنوی و مذهبی شیعیان را بر عهده داشتند و در مواقعی، رهبری سیاسی را نیز در اختیار گرفته و در تحولات سیاسی اجتماعی نیز نقش مهمی را ایفا می کردند. اما پس از انقلاب اسلامی، رهبری مراجع بلحاظ معنوی و مذهبی هر

چنـد که حفظ شـد، اما در وجود امام خمینی این دو بعد رهبری جمع گردید و امام خمینی هم رهبری مذهبی و هم سیاسـی را در ایران و نسبت به شیعیان جهان بر عهده گرفتند. پس از امام خمینی نیز این مسأله در وجود آیت الله خامنه ای تداوم یافت. از این رو، در پاسـخ به سؤال حاضـر، پس از رهـبری آیت الله خـامنه ای نیز اگر چه مراجع بزرگ شـیعه نقش رهـبری مـذهبی را همچنان بر عهده خواهند داشت امام جانشین وی نیز می تواند ایفا کننده دو نقش رهبری مذهبی و سیاسی باشد.

نکتـه دوم، در خصـوص تعیین فرد واجـد شـرایط رهـبری پس از آیت الله خـامنه ای ، بایـد گفت که این امر در قـانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران منعکس شـده است. تعیین فرد واجـد شـرایط برعهـده مجلس خبرگان است. مجلس خبرگان بر اساس وظایف قانونی خود می تواند فرد واجد شرایط برای رهبری را انتخاب نماید. شخصی که از سوی این مجلس انتخاب شود قهراً رهبری سیاسـی و مذهبی را بر اساس قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران بدست می آورد. ضمن آنکه در کنار وی ، مراجع تقلید شیعه همچنان از مرجعیت و رهبری مذهبی برخوردار خواهند بود.

آخرالزمان یعنی چه؟ اوضاع جهان و مردم جهان در دوره آخرالزمان چگونه است؟

پرسش

آخرالزمان یعنی چه؟ اوضاع جهان و مردم جهان در دوره آخرالزمان چگونه است؟

پاسخ

«آخرالزمان» اصـطلاحی است که در ادیان گوناگون به معنای دوران پایانی زندگی انسان در دنیا و عصر پیش از برپایی قیامت می باشد.۱در دین اسـلام، این اصـطلاح در دو معنـا به کـار می رود. نخست دوران نبوت پیامبر اسـلام(ص) تا برپایی قیامت و دوم دوران غیبت و ظهور امـام مهـدی(عـج). علت به کـار بردن این اصـطلاح در معنـای نخست این است که پیامبر اکرم(ص) آخرین فرسـتاده خـدا می باشـد و دین اسـلام آخرین دین، پس دوران این دین به آخرالزمان معروف شده است و علت به کار بردن اصـطلاح در معنای دوم، این است که امام مهـدی(عـج) آخرین امامان معصوم(علیهم السـلام) می باشـند و دوران امامت ایشان که شامل دو دوره عمده غیبت (صغری و کبری) و ظهور می باشد، دوران پایانی امت حضرت محمد(ص) می باشد.

در قرآن کریم برخی آیه ها دگرگونی های آخرالزمان را بیان می دارد که بیان گر نوعی فلسـفه تاریـخ است که جریان تاریخ منتهی و منجر به شـکوفایی و تکامـل انسانهـا و اجتمـاع بشـر می گردد. ماننـد: «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبه للمتقین؛ همانا زمین از آن خداست که به هر که از بندگانش بخواهد آن را به ارث می دهد و سرنوشت خیر و حسن عاقبت از آن پرهیزکاران است.۲

«ولقد سـبقت کلمتنا لعبادنا المرسـلین، انهم لهم المنصورون؛ همانا عهد ما درباره بندگان فرسـتاده ما پیشی گرفته است که البته همان ها بر کافران پیروز شونـد.»۳از ایـن روی اوضـاع جهـان و مردم آن در این دوره رو به بهبـودی و تکامـل خواهـد رفت و

آخرالزمان به معنی پایان همه چیز نیست. یعنی پس از سپری کردن

دوره های آشفتگی که نقطه اوج آنها رخ داده است، اعتدال و تکامل بر جهان حکم فرما می شود. این معنا مورد تأیید برخی اندیشمندان غربی نیز می باشد.۴ و ۵

پی نوشت:

۱. آخرالزمان یا فرجام شناسی در دین یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان دارای اهمیت ویژه است.

۲. الاعراف، ۱۲۸.

۳. الصافات، ۱۷۱ و ۱۷۲.

۴. ر.ک: آخرالزمان یا عصر سیطره کمیت، رنه گنون.

۵. ر.ک: علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، باب علائم آخرالزمان.

در مورد ظهور امام زمان چه استدلال عقلی یا آیات و روایات وجود دارد؟

پرسش

در مورد ظهور امام زمان چه استدلال عقلی یا آیات و روایات وجود دارد؟

پاسخ

اعتقاد به امام مهدی موعود(عج) از آرای مسلم نزد مسلمانان است. همه مسلمین بر آنند که مهدی(عج) که همنام پیامبر اکرم(ص) است در آخرالزمان ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند.

دلیل عقلی بر لزوم وجود حضرت مهدی(عج) و ظهور ایشان: از زمان رحلت پیامبر اسلام(ص) که خاتم الانبیاء است تا قیامت، آخرین دین، دین اسلام است. و تا زمانی که دنیا بر پا است، تکلیف وجود دارد و مکلفان باید طبق حجت هایی که خدای متعال بر آنان قرار داده است، دستورات او را اطاعت کنند؛ از طرفی این مکلفان باید احکام خود را از امام و پیشوایی بگیرند که معصوم(ع) باشد و زمین هیچوقت خالی از این حجت معصوم نمی باشد. پس آفرینش انسان مکلف بدون وجود انسان کامل معنا ندارد. چه این که امام علی(ع) نیز می فرماید: «زمین هیچ گاه از حجت خالی نیست. حجت خدا یا ظاهر است و آشکارا و یا خائف است و پنهان؛ تا حجت ها و برهان های خدا باطل نگردد.»(۱)

از این رو همواره باید انسان کامل در زمین وجود داشته باشد و از آن جا که شرایط جهان به جایی رسید که حاکمان و مردمان، حضور امام معصوم در جامعه را برنتافتند، تنها راه وجود انسان کامل در زمین و کشته نشدن وی، غیبت او بود. و با

آماده شدن شرایط و انسانهای منتظر، امام غایب ظهور خواهد نمود تا مردم را به کمال برساند.

استدلال بر ظهور امام زمان از قرآن کریم: در پاره ای از آیه های قرآن بشارت هایی درباره آینده تاریخ و سرنوشت زمین

داده شـده است که در تفسیر، امامـان معصوم(ع) آن زمـان را زمان ظهور امام مهـدی(عـج) می داننـد. در برخی آیه ها وعـده تشکیل حکومت جهانی،(۲) بسط دین اسلام و غلبه آن بر دیگر ادیان(۳)، زمام داری صالحان و شایستگان(۴) داده شده است. اما در روایت های زیادی نیز بشارت به ظهور امام مهدی(عج) داده شده است که به حدّ تواتر می رسد. به طور کلی معتبرترین روایت ها از عصر رسول خدا(ص) تا امام حسن عسکری(ع) درباره ظهور امام زمان(عج)، شرایط وعلایم آن و هنگامه تشکیل حکومت جهانی آن امام روایت شـده است که حتی در برخی کتاب های نوشـته شـده در قرن اول و دوم هجری ضـبط شـده و موجود است. مثلاًـ کتاب مشـیخه حسن بن محبوب(۵) یا کتاب سـلیم بن قیس هلالی(۶). این روایت هـا قرن به قرن در کتـاب های دانشـمندان بزرگ نقل شـده تا به قرن حاضـر رسـیده است.ماننـد قرن ۳ هجری: کتـاب المهـدی تألیف عیسـی بن مهران مستعطف؛ قرن ۴: ذکر القائم(ع) اثر ابن اخی طاهر(۷)؛ قرن ۵: کتاب الغیبه شیخ مفید(۸) و...

پی نوشت ها:

۱. اصول کافی، ج ۱، باب أن الأرض لاتخلو من حجه.

۲. «وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه ویکون الـدین کلّه للّه؛ با کافران جهاد کنید تا هیچ فتنه ای در زمین باقی نماند و آیین همه دین خدا گردد.» (سوره انفال، آیه ۳۹)

۳. «هوالـذی أرسل رسوله بالهـدی ودین الحق لیظهره علی الـدین کلّه؛ اوست خـدایی که فرسـتاده اش را با دین حق به هدایت آفریدگان فرستاد تا بر همه ادیان عالم برتری و غلبه دهد.» (سوره توبه، آیه ۳۳)

۴. «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون؛ همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که

البته بندگان نیکوکار من زمین را به ارث می برند.» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵)

و نیز «وعدالله الذین آمنوا منکم وعملوا الصالحات لیستخلفنّهم فی الارض؛ خدا وعده داده به کسانی که از شما نیکوکار شود در زمین خلافت دهد.» (سوره نور، آیه ۵۵)

۵. وفات: ۲۲۴ ه . ق.

۶. وفات: ۷۰ یا ۹۰ ه . ق.

۷. وفات: ۳۵۸ ه . ق.

۸. وفات: ۴۱۳ ه . ق.

با توجه به آیه ۳۸ سوره حجر: "یوم الوقت المعلوم چه روزی است اگر روز قیام امام زمان غ است مگر بعد از ظهور حضرت دیگر گنه کار یافت نمی شود؟ مگر قاتل امام زمان غ را شیطان گول نمی زند؟ آیا بعد از ظهور آن حضرت باز هم یهود و نصارا وجود دارد؟

پرسش

با توجه به آیه ۳۸ سوره حجر: "یوم الوقت المعلوم چه روزی است اگر روز قیام امام زمان غ است مگر بعد از ظهور حضرت دیگر گنه کار یافت نمی شود؟ مگر قاتل امام زمان غ را شیطان گول نمی زند؟ آیا بعد از ظهور آن حضرت باز هم یهود و نصارا وجود دارد؟

پاسخ

در این که "یوم الوقت المعلوم چه روزی است بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را روز نفخ صور اول می دانند که تمام موجودات می میرند، و آن زمان آخرین روز تکلیف است که مخالفت و معصیت قابل تصور است (تفسیر نمونه آیه الله مکارم و دیگران ج ۱۱، ص ۷۱ و ۷۲، دارالکتب الاسلامیه) گروهی دیگر با استنادبه روایاتی از امامان آن روز را زمان رجعت پیامبر اکرم بازگشت پیامبر۹ به دنیا) می دانند، که ابلیس به دست ایشان روی سنگی در بیت المقدس کشته می شود. در روایت دیگری از امام صادق نقل شده است که مراد روزی است که قائم غ ظهور کند، و درآن روز، موی پیشانی ابلیس را گرفته گردنش را می زند، روز وقت معلوم آن روز است

علامه طباطبایی ، بعد از بیان این سه حدیث می فرماید: "... ممکن است هر سه روایت را طوری معنی کنیم که منافاتی بین آنها نباشد، به این بیان که در روایات وارده از طرق امامان اهل بیت غالب آیات مربوط به قیامت گاهی به روز ظهور حضرت مهدی غ گاهی به روز رجعت و گاهی به روز قیامت تفسیر شده این سه روز در

این که روز ظهور حقایقند، مشترک هستند، هرچند که بُروز حقایق در آن ها مختلف و دارای شدت و ضعف می باشد; بنابراین حکم قیامت هم بر آن دو روز دیگر جاری است "(تفسیر المیزان علامه طباطبایی ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ج ۱۲، ص ۲۵۲ ۲۵۳; بنیاد فکری علمی علامه طباطبایی (ره .)

بر اساس این نظر، ابلیس تا نفخ صور اول زنده است و بعد از ظهور امام زمان غ هم زنده خواهد بود، و به شیطنت خود ادامه می دهد، مگر این که انسان ها، به بلوغ عقلی و ایمانی رسیده و وساوس او کم تر از همیشه اثر کند و بنابر این نظر که پایان مهلت ابلیس زمان ظهور امام زمان یا رجعت پیامبر اکرم باشد، و به دست ایشان کشته شود، باز هم برای انسان ها، زمینه انجام گناه وجود دارد، زیرا با مرگ ابلیس نفس امّاره و جلوه های دنیا، و شهوات نفس و دیگر شیاطین غیر از ابلیس وجود دارند، و انسان که موجودی آزاد و مختار است حتی در زمان حکومت امام زمان غ هم که زمینه تشخیص خوب و بد و گمراهی و هدایت به خوبی روشن می شود، باز هم می تواند با سوء انتخاب خود، به گناه روی آورد، و این گونه نیست که انسان ها در آن زمان به طور جبری ایمان آورند و گناه نکنند، و به موجودی بی اراده و اختیار تبدیل گردند.

و اما در جواب قسمت آخر پرسش شما می گوییم بر اساس آیات قرآن یهود و نصارا تا روز قیامت وجود دارند: "وَ مِن َالّذین َ قالوا اِنّا نصاری َاَخَذنا میثاقهم .. فَأَغرَیْنَا بَیْنَهُم ٥

العداوه ٖوَالْبَغْضَاَ اِلی ٖ یوم القیامه ..;(مائده ۱۴) و از کسانی که گفتند: ما نصارا هستیم از ایشان پیمان گرفتیم و بخشی از آن چه را به آن اندرز داده شده بودند فراموش کردند، و ما هم تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم .."; "وَقَالَت ِالْیَهُودُ یَدُ اللَّه ِ مَغْلُولَه ٌ..وَأَلْقَیْنَا بَیْنَهُم ُالْعَدَوَه ٖوَالْبَغْضَآءَ إِلَی ٖ یَوْم ِ الْقِیَمَه ..;(مائده ۶۴) و یهود گفتند: "دست خدا بسته است "... و ما تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم " از این دو آیه به خوبی فهمیده می شود که یهودیان و مسیحیان تا روز قیامت وجود دارند، حتی در زمان ظهور دولت حضرت مهدی غ و جهان گیر شدن آن باز هم یهود و نصارا وجود خواهند داشت اما زیر نفوذ و فرمان دولت اسلام با شرایطی به زندگی خود ادامه می دهند.

وقایع روز ظهور

تاریخ ومحل

چرا روز جمعه اختصاص به امام زمان(ع) دارد؟ و چرا می گویند: امام زمان در روز جمعه ظهور می کند؟

پرسش

چرا روز جمعه اختصاص به امام زمان(ع) دارد؟ و چرا می گویند: امام زمان در روز جمعه ظهور می کند؟

پاسخ

سیّد بن طاووس در کتاب جمال الأسبوع گفته است: ابن بابویه(ره) به طور مستند از شخصی به نام "سقربن ابی دلف" روایت کرده است: وقتی متوکّل عباسی، حضرت امام علی النقی(ع) را به سامرا طلبید و او را زندانی کرد رفتم که حضرت را زیارت کنم. عرض کرد: از رسول خدا(ص) روایت شده است: یابن رسول اللّٰه لا تعادوا الأیّام فتعادیکم؛ با روزها دشمنی نکنید که با شما دشمنی خواهند کرد". معنای این حدیث را نفهمیدیم. لطفاً راهنمایی ام کنید.

حضرت فرمود: مراد از ایّام ما هستیم. شنبه به اسم حضرت رسول خدا است. یکشنبه امیرالمؤمنان. دوشنبه حسن و حسین(ع). سه شنبه به امام سجّاد و امام باقر و امام صادق(ع). چهارشنبه امام موسی کاظم و حضرت رضا و حضرت امام جوادالائمه و خود من. پنجشنبه به فرزندم امام حسن عسکری(ع) و جمعه متعلق به فرزند فرزندم حضرت مهدی امام زمان(ع) است.(۱)

از این روایت استفاده می شود چون پیامبر اکرم(ص) از نظر زمانی جلوتر از همه معصومان(ع) هستند، شنبه به او تعلق دارد و حضرت امام عصر(ع) عقب تر از همه است، لذا جمعه به او تعلق دارد. چون روز جمعه متعلق به آن بزرگوار است و روز بزرگی می باشد، ظهور حضرت در آن روز اتّفاق می افتد.

پی نوشت ها:

۱. محدث قمی، مفاتیح الجنان، ص ۹۷، انتشارات نبوی.

چرا امام زمان(ع) در ایران ظهور نمیکند و چرا محل ظهور او در مکه است؟

پرسش

چرا امام زمان(ع) در ایران ظهور نمیکند و چرا محل ظهور او در مکه است؟

پاسخ

آن چه که معروف است، آن است که امام زمان(ع) در مکه ظهور می کند. شاید برخی از علل زیر سبب شده اند که حضرت در مکه ظهور کند. در ابتدا روایات مورد بررسی قرار می گیرد که باید تعبدا بپذیریم ظهور حضرت در مکه بوده و شاید روایات ناظر به برخی از همین عوامل زیر باشد که در این جا به روایات و علل دیگر اشاره می شود:

۱ - روایات.

از برخی از رایات استفاده می شود که امام زمان(ع) در مکه ظهور می کند، امام صادق(ع) فرمود: "قائم ما منصور و مؤید می شود. در همان موقع است که خروج می کند و به کعبه تکیه خواهد کرد و سیصد و سیزده نفر در اطراف آن حضرت اجتماع می کنند".(۱)

همان طور که در این روایت اشاره شده است امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند که باید تعبدا پذیرفت؛ شاید ظهور حضرت در این مکان مبتنی بر مصالحی باشد که ما از درك آن عاجز بوده و آن را ندانیم. از سوی دیگر اگر امام زمان(ع) در ایران ظهور می کرد، این پرسش نیز مطرح می شد که چرا امام زمان در ایران ظهور کرد و بهتر نبود در مکه و یا مکان دیگر ظهور می کرد؟

۲ - محل نزول وحی.

واقعیت آن است که مکه معظمه مقدس ترین مکان برای ظهور امام زمان(ع) است، زیرا این مکان مقدس مرکز رسالت و محل نزول وحی و بعثت پیامبر اسلام(ص) است. طبیعی است امام زمان(ع) که وارث پیامبر(ص) بوده و پاسداری از دین را به عهده داشته، باید در همان مکان تشکیل حکومت داده و

به اجرای احکام الهی بپردازد.

۳ - مناسب ترین مکان برای تشکیل حکومت جهانی.

از روایات استفاده می شود که امام زمان(ع) حکومت جهانی تشکیل می دهد که همه جهان را فرا می گرد. برای تشکیل حکومت جهانی نیاز به مقدس ترین مکان است که به عنوان ام القرای جهان مرکز حکوومت باشد. مکه به دلیل این که کعبه در آن وجود داردو همه مردم، به ویژه مسلمانان حرمت و قداست خاصی برای آن قایل هستند، بهترین مکان برای ظهور امام زمان(ع) و اداره حکومت جهانی او است.

۴ - محل اجتماع مسلمانان.

مکه علاوه بر آن که مقدس ترین مکان است، مهم ترین مکان برای اطلاع رسانی جهانیان و محل اجتماع مسلمانان نیز است. مکه به جهت آن که کعبه در آن وجود دارد، در طول تاریخ، مسلمانان برای انجام مناسک حج در آن جا حضور پیدا کرده و به جای جای آن آشنایی دارند. از سوی دیگر مکه مهم ترین مرکز، جهت اطلاـع رسانی برای همگان است. شاید بر اساس باشد که امام حسین(ع) که را به عنوان پایگاه اطلاع رسانی و آگاهی مسلمانان انتخاب نمود. شاید بر اساس عوامل فوق الذکر بود که مکه به عنوان محل ظهور حضرت گزینش شده و در روایات نیز به ان تصریح شده است.

بی تردید ایران به رغم آن که برخی از ویژگی ها را داشته است، ولی قداست و مزایای مکه راندارد، که به عنوان محل ظهور امام زمان(ع) انتخاب شد.

پی نوشت ها:

۱ - صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۷۸؛ میزان الحکمه، ج ۲۷۸.

امام زمان(ع) کی ظهور خواهد کرد؟ امام زمان کیست و کجا است؟

پرسش

امام زمان(ع) کی ظهور خواهد کرد؟ امام زمان کیست و کجا است؟

پاسخ

تاریخ ظهور امام زمان(ع) تعیین نشده است. در برخی از روایات تعیین وقت ظهور حضرت(ع) از اسرار الهی بیان شده است. (۱) از سوی دیگر کسانی که برای ظهور امام، وقت ظهور را معین کرده اند، از دروغ گویان به حساب آمده اند، شیخ طوسی در کتاب غیبت از فضل بن یسار روایت نموده است: از امام باقر(ع) پرسیدم: آیا ظهور امام زمان(ع) وقت معینی دارد؟ فرمود:

"آنها که وقت را تعیین کنند، دروغ گفتند، دروغ گفتند، دروغ گفتند".(۲)

البته برای ظهور امام زمان(ع) نشانه هایی مانند خروج دجال،(۳) خروج سفیانی،(۴) خروج یمانی،(۵) قتل نفس زکیه،(۶) صیحه آسمانی،(۷) در آمدن پرچم های سیاه،(۸) و فراگیر شدن جهان از ظلم و جور،(۹) بیان شده است که این نشانه ها وقت ظهور حضرت را تعیین نمی کنند، زیرا نشانه ظهور حضرت هستند. حال این علایم کی محقق می شوند و شرایط دیگر کی فراهم می شوند، معین نیست.

شیعیان عقیده دارند امام زمان(ع) دوازدهمین امامی است که از سوی خدا به امامت و رهبری جهانیان منصوب شده است. آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه ق در شهر "سامرا" دیده به جهان گشود.(۱۰) البته برخی تاریخ تولد او را سال ۲۵۶ ه. بیان کرده اند. (۱۱) او هم نام پیامبر اسلام (م ح م د) و هم کنیه آن حضرت (ابوالقاسم) (۱۲) است. برای حضرت(ع) دو غیبت صغری و کبری بیان شده است.

امام علی(ع) فرمود: "غایب ما، دو غیبت خواهد داشت که یکی طولانی تر از دیگر خواهد بود".(۱۳)

همه معصومان(ع) از امام زمان(ع) به عنوان قائم یاد کرده اند و از غیب و ظهور حضرت خبر داده اند.

امام باقر(ع) فرمود: "چون قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر مردم نهد. آن گاه درک و خرد مردم به کمال رسد".(۱۴)

پیامبر اسلام(ص) در خصوص ویژگی های امام زمان(ع) فرمود: "نهمی آن ها قائم اهل بیت من و مهدی امت من است که در شمائل و اقوال و افعالش از همه کس به تو شبیه تر است که بعد از غیبت طولانی ظهور می کند و او دین خدا را بر همه ادیان دیگر غالب گرداند و (او) زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از جور و ستم شده باشد".(۱۵)

اعتقاد به مصلح کل اختصاص به شیعیان ندارد، بلکه یکی از باورهای عمومی است. البته در مصداق مصلح جهان اختلاف نظر وجود دارد. در منابع اهل سنت از مهدی موعود یاد شده است. احمل حنبل از پیامبر اسلام(ص) گزارش می دهد که حضرت فرمود: "اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خداوند حتما در آن روز شخصی از ما را بر می انگیزد و او جهان را پر از عدل و داد می کند، چنان که پر از ظلم شده باشد".(۱۶)

حافظ ابوعبدالله گنجی شافعی می گوید: "احادیث پیامبر اکرم (ص)درباره مهدی، به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است."(۱۷)

از مسائلی که درباره امام زمان(ع) مورد گفت و گو است، مکان و محل سکونت حضرت است؛ آیا حضرت در مکان خاصی سکونت دارد؟ اگر در مکان ویژه ای است، آن مکان کجاست؟

روایاتی که درباره امام زمان(ع) وجود دارند چند دسته اند:

۱ - برخی محل خاصی را تعیین نکرده و جایگاه حضرت را در بیابان ها و کوه ها معرفی می کند. از آن جمله حضرت مهدی(ع) به پسر

مهزیار فرمود: "فرزند مهزیار! پدرم امام حسن(ع) از من پیمان گرفت و فرمان داد که برای سکونت کوه های سخت و سرزمین های خشک و دور دست را برگزینم".(۱۸)

از این روایت استفاده می شود که حضرت از دسترس مردم دور است و کسی از محل سکونت وی آگاه نیست.

۲ - برخی روایات منطقه خاصی را به عنوان محل سکونت حضرت یاد نموده اند، مثلاً در مدینه و پیرامون آن اشاره شده است. ابوبصیر می گوید از امام باقر(ع) شنیدم: "صاحب زمان(ع) را عزلت و غیبتی است که در آن غیبت نیرومند است به سی نفر که با حضرت هستند و وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند (و به قوّت وی می افزایند) و خوب جایگاهی است (مدینه) طیبه".(۱۹)

از این روایت استفاده می شود حضرت در مدینه منز دارد و افرادی همواره باایشان به صورت ناشناس هستند.

برخی روایات امکان امام زمان(ع) را کوه "رضوان" که در اطراف مدینه است. بیان کرده اند. عبدالاعلی آل سام می گوید: با امام صادق(ع) از مدینه خارج شدیم. به روحاء (اطراف مدینه) که رسیدیم، حضرت نگاهش را به کوهی دوخت و فرمود: "این کوه رضوان نام دارد. خوب پناهگاهی است برای خائف (امام غائب) در غیبت صغرا و غیبت کبری.(۲۰)

از روایات دیگر استفاده می شود امام زمان(ع) در مکانی به نام "ذی طوی"که در اطراف مکه است. زندگی می کند و از همان جا همراه یاران خود قیام می کند، امام باقر(ع) فرمود: "امام زمان را غیبتی است در بعضی از درّه ها" و اشاره کرد به منطقه ذی طوی.(۲۱)

۳ - برخی روایات جایگاه خاصی را برای امام زمان(ع) نام نمی برد، ولی از حضرت به عنوان فردی یاد می کند که با

مردم و میان آنان حضـر و نشـر دارد و به گونه ای ناشـناس زنـدگی می کنـد. امام صادق(ع) فرمود: "صاحب الامر شـباهتی به حضـرت یوسف (ع) دارد جـای انکـار نیست که خداونـد بـا حجت خود کـاری را انجام دهـد که با یوسف انجام داد. صاحب الزمـان(ع) آن مظلوم حق از دست داده، در میـان مردم رفت و آمـد می کنـد. در بـازار قـدم می نهـدو گـاهی بر فرش منزلهای دوسـتان می نشـیند لیکن او رانمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد خود را معرفی کند، آن گونه که به یوسف(ع) اجازه داد(۲۲)

از این روایت اسـتفاده می شود امام زمان(ع) مکان معین نداشـته، میان جمع و جامعه است، با مردم حشـر و نشر دارد و زندگی طبیعی و معمولی دارد. در مراسم مهبی و مناسک حـج شـرکت می جوید، ولی شـناخته شده نیست و این امری است که سابقه دارد، عنایت امام(ع) به مردم و هدایت و رهبری مردم نشان از آن دارد که حضرت در همه جا حضور دارد.

از جمع بین روایـات می توان اسـتفاده کرد امـام زمـان(ع) همه جـا حضور دارد و این منافات نـدارد با آن دسـته از روایات که مکـان معین ماننـد مـدینه و مکه بیـان کرده انـد، زیرا آن دسـته روایـات ناظر بر آن است که در برخی از زمان ها و مکان های خاصـی آن حضـرت حضور پیدا می کند. آن دسـته از رایات که مکان مشخصی را برای امام بیان نکرده، ناظر بر آن است که حضرت در همه جا حضور دارد. بی تردید یکی از مصادیق حضور امام در همه جا، مکان های خاص می باشد.

پی نوشت ها:

۱ – مهدی موعود، ص ۸۶۲ – ۸۶۳.

۲ – همان.

۳ – ارشاد مفید،

ج ۲، ص ۳۷۱.

۴ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵.

۵ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۵۲.

۶ – صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۵۹.

۷ – وافی، ج ۲، ص ۴۴۳.

۸ – ینابیع الموده، ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷؛ شیخ طوسی کتاب الغیبه، ص ۴۵۲.

۹ – کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۲.

۱۰ – ارشاد مفید، ص ۳۴۶ ؛ روضه الواعظین، ص ۲۹۲.

۱۱ – صدوق، کمال الدین، ص ۴۳۲.

۱۲ – کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۲۷.

۱۳ – ینابیع الموده، ج ۳، ص ۴۲۷.

۱۴ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۱۵ – مهدی موعود، ص ۱۱۲۵.

۱۶ – مسند احمد، ج ۱، ص ۹۹، به نقل از مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۹۸.

۱۷ – سیره پیشوایان، ص ۶۹۹.

۱۸ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۱۹ – شیخ طوسی، کتاب الغیبه و ص ۱۶۲.

۲۰ – نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۶۸۲.

۲۱ – همان، ص ۱۶۴.

۲۲ – همان.

ظهور امام زمان(ع) در مکّه صورت می گیرد، برای افرادی که در کشورهای دور هســتند چگونه اطلاع حاصل می شود آیا رسانه ها در این زمینه نقشی دارند؟

پرسش

ظهور امام زمان(ع) در مکّه صورت می گیرد، برای افرادی که در کشورهای دور هستند چگونه اطلاع حاصل می شود آیا رسانه ها در این زمینه نقشی دارند؟

پاسخ

آن چه در برخی از روایات درباره ظهور آن حضرت آمده این است که آن حضرت به تنهایی وارد مسجد الحرام می شود، هنگامی که چشم ها به خواب رفت جبرییل ومیکاییل و ملائکه صف به صف بر آن حضرت بشارت امر به ظهور حضرت را ابلاغ می کنند آن حضرت دستی بر صورت خویش می کشد و می گوید: "الحمد لله الّذی صدقنا وعده و أورثنا الارض نتبؤءُ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجرالعاملین".۱۲ سپس بین رکن و مقام می ایستد و فریاد می زند: ای کسانی که از خواصّ و یاران خاص من هستید و ای کسانی که خدا شما را برای یاری رساندن به من ذخیره و آماده کرده است بشتابید. صدای آن حضرت به تمامی نقاطی که یاران آن حضرت در شرق و غرب عالم هست می رسد و در گوش آنان طنین افکن می شود و با سرعت تمام و معزه آسا نزد حضرت جمع می شوند تا تمامی آنان پیش روی حضرت بین رکن و مقام جمع می شوند.

البته این فراخوانی محرمانه است و این فریاد فقط به گوش اصحاب خاص حضرت می رسد. وقتی که همگی جمع شدند و آفتاب مکه بر آمد: فریادی بر می کشد که تمامی اهل آسمان ها و زمین می فهمند: ای گروه مردم! این مهدی آل محمد است با او بیعت کنید تا هدایت شوید و با او مخالفت نکنید تا گمراه شوید.۱۳

همان طور

که بیان شد کیفیت و چگونگی رسیدن صدای آن حضرت به گوش اصحاب خاص و یا به گوش همه مردم مشخص نیست احتمال دارد امکانات و تجهیزات رسانه ای و صوتی در آن زمان بسیار پیشرفته تر باشد و با این وسیله به همه جا خبر برسد و ممکن است معجزه آسا و خارق العاده باشد.

کتاب های فراوانی در مورد حضرت مهدی(ع) نوشته شده است. برای نمونه چند اثر معرفی می شود:

۱- مهدی موعود(ع) ترجمه جلدهای ۵۱، ۵۲ و ۵۳ بحارالانوار، تألیف استاد علی دوانی؛

۲- خورشید مغرب، اثر استاد محمد رضا حکیمی؛

۳- دادگستر جهان، اثر آیت الله ابراهیم امینی؛

۴- منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، اثر آیت الله صافی گلپایگانی.

۱۲ زمر (۳۹) آیه ۷۴.

۱۳ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸ به بعد. این روایت از امام صادق(ع) است که به طور مفصّل بحث آن آورده شده است.

در خصوص چگونگی و مکان ظهور امام زمان(ع) توضیح بفرمایید. اگر حضرت مهدی ظهور کند، همه مردم می میرند و قیامت فرا می رسد؟ آیا پیامبران از ظهور حضرت مهدی(ع) آگاه خواهند شد؟

پرسش

در خصوص چگونگی و مکان ظهور امام زمان(ع) توضیح بفرمایید. اگر حضرت مهدی ظهور کند، همه مردم می میرند و قیامت فرا می رسد؟ آیا پیامبران از ظهور حضرت مهدی(ع) آگاه خواهند شد؟

پاسخ

برای جواب بیان مطالب زیر ضرورت دارد:

یکم: از روایات و متون تاریخی استفاده می شود امام زمان در حالی ظهور می کند که گوینده ای از آسمان صدا می زند: "ای مردم! زمان حکومت جباران به پایان رسید، بهترین امت محمد(ص) قیام کرده است. به وی ملحق شوید".[۱] آن گاه نجبایی از مصر، شام و دسته هایی از عراق... در رکن و مقام با حضرت بیعت می کنند.[۲] پیامبر اسلام(ص) فرمود: "یا علی هنگامی قائم ظهور می کند که ۳۱۳ نفر به تعداد مردان جنگ بدر به گِرْد وی اجتماع کنند".[۳] از امام صادق(ع) سؤال شد که: امام زمان(ع) چگونه ظهور می کند؟ فرمود: با میراث رسول خدا. سپس سؤال شد: میراث رسول چیست؟ فرمود: شمشیر،

زره، عمامه، عبا، عصا، پرچم، زین و برگ اسب پیامبر؛[۴] یعنی حضرت با بهره گیری از وسایل و ابزار مذکور ظهور می کند.

دوم: از بعضی روایات استفاده می شود که امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند.[۵]

امام باقر(ع) فرمود: "قائم با سیصد و سیزده مرد از یاران خود در ذی طوی (کوهی مجاور شهر مکه) منتظر قیام است تا آن موقع که به حجرالاسود تکیه زند و پرچم آویخته را به اهتزاز در آورد".[۶] در برخی روایات دیگر آمده است که امام زمان(ع) در هنگام ظهور به کعبه تکیه زده و سیصدو سیزده نفر گرد او اجتماع می کنند و حضرت این آیه را می خواند: "بقیه الله خیر

لكم إن كنتم مؤمنين". آن گاه ده هزار نفر حضرت را همراهی نموده، به سوی مدینه حرکت می کنند.[۷]

سوم: در خصوص این که بعد از ظهور امام زمان(ع) قیامت به وجود می آید یا نه نمی توان قضاوت نمود؛ زیرا مدت حکومت امام زمان(ع) مشخص نیست. البته لازمه حکومت جهانی امام زمان(ع) طولانی بودن آن است که در سایه آن عدالت بر قرار شده و دین اسلام حاکمیت پیدا کند. برخی از روایات دلالت دارند که حکومت امام زمان(ع) تا قیامت ادامه پیدا می کند که این دسته روایات ناظر بر طولانی بودن حکومت حضرت است. پیامبر(ص) فرمود: "در شب معراج خدای علیم به من فرمود: من سلطنت مهدی را ادامه می دهم و روزگار او را بین دوستانم تا روز قیامت طولانی خواهم کرد".[۸]

در برخی از روایات دیگر مدت حکومت امام زمان(ع) ۷ یا ۹ سال ذکر شده است.[۹]

شاید مقصود از۷ و ۹ سال، ۷ یا ۹ قرن باشد.

چهارم: در خصوص آگاهی پیامبران از ظهور امام زمان(ع) باید گفت: از برخی روایات و متون دینی استفاده می شود که برخی از پیامبران با امام زمان(ع) بیعت می کنند، چنانکه حضرت عیسی(ع) با امام زمان(ع) بیعت نموده و پشت سر امام نماز می خواند.[۱۰] نماز خواندن پشت سر امام و بیعت نمودن با امام، فرع بر اگاهی آنان از ظهور امام زمان(ع) است. از سوی دیگر در تفکر شیعی رجعت پذیرفته شده است.[۱۱] رجعت بدان معنا است که برخی انسان ها بعد از ظهور امام زمان(ع) زنده می شوند. امام باقر(ع) فرمود: "پیغمبر(ص) و علی(ع) به دنیا رجعت می کنند".[۱۲]

امام صادق(ع) فرمود: "نخستین کسی که قبرش

شکافته شده و به دنیا بر می گردد، حسین بن علی(ع) است".[۱۳] در برخی از ادیان الهی به مصلح جهان اشاره شده که زمینه آگاهی از ظهور امام زمان(ع) را برای دیگران فراهم نموده است. البته در این که مصلح جهان کیست، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی در عین حال سخن از ظهور مصلح به میان آمده است. در اسلام بزرگان دین به ظهور و مشخصات امام زمان(ع) و ویژگی های حکومت او اشاره نموده اند. عبدالله بن مسعود از پیامبر(ص) گزارش می کند که حضرت فرمود: "دنیا تمام نخواهد شد تا این که مردی از اهل بیت من که مهدی نامیده می شود بر مردم حکومت کند".[۱۴]

[۱] مهدی موعود، ص ۱۰۹۵.

[۲] همان.

[۳] همان.

[۴] مهدی موعود، ۱۰۹۱ – ۱۰۹۲.

[۵] لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۷۷ ۵۷۹.

[۶] مهدی موعود، ص ۱۰۹۸.

[۷] لطف الله صافی، پیشین، ص ۵۸۰ – ۵۸۱.

[۸] ینابیع الموه، ص ۴۸۶.

[۹] احمد حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸.

[۱۰] مهدی موعود، ص ۱۰۶۷.

[۱۱] تفسیر نمونه ج ۱۵، ص ۵۵۵.

[۱۲] مهدی موعود، ص ۱۱۸۷.

[۱۳] همان، ص ۱۱۸۶.

[۱۴] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۵.

امام زمان(ع) در وقت ظهور به کدام رکن از ارکان کعبه تکیه خواهد زد؟

پرسش

امام زمان(ع) در وقت ظهور به کدام رکن از ارکان کعبه تکیه خواهد زد؟

پاسخ

در روایات اهل بیت(ع) آمده است که ظهور حضرت مهدی(عج) از بهترین مکان، یعنی مکه و مسجد الحرام، بین رکن و مقام آغاز می شود.(۱)

ابی حمزه ثمالی از امام سجاد(ع) پرسید: چه مکان و بقعه ای افضل است، حضرت فرمود: بین رکن و مقام؛(۲) یعنی بین حجرالاسود و مقام ابراهیم.

امام باقر(ع) فرمود: "گویا می بینم که بین رکن (حجرالاسود) و مقام ابراهیم حضرت مهدی(عج) قرار گرفته و بعد از به جا آوردن نماز مردم را به حق فرا می خواند و دعوتش را اعلان می دارد".(۳)

علی بن مهزیار اهوازی از امام جواد(ع) نقل می کند که حضرت مهدی(عج) در حالی که بین رکن و مقام، یعنی بین حجر الاسود و مقام ابراهیم قرار گرفته و جبرئیل نزد حضرت قرار دارد، مردم را به بیعت فرا می خواند و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.(۴)

با توجه به روایات فوق، مقصود از رکن، رکن حجر الاسود می باشد.

پی نوشت ها:

۱.شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۳ و ۴۵۴.

۲.شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۲.

۳.مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲ و ۱۳۵.

۴.همان، ج ۵۲، ص ۲۹۰.

آیا در زمان ما امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد و سعادت دیدار حضرت را خواهیم داشت؟

پرسش

آیا در زمان ما امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد و سعادت دیدار حضرت را خواهیم داشت؟

پاسخ

این سؤال به نوعی تکرار پرسش اول است و پاسخ ما جوابی است که به صورت پیوست ارسال شده است. آن را خوب مطالعه نمایید، اگر باز سؤالی باقی ماند، می توانید برای ما بنویسید و پاسخ را دریافت کنید.

آیا امام زمان (عج) از هند ظهور خواهد کرد ؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) از هند ظهور خواهد کرد ؟

پاسخ

از آنجا که تاریخ و زمان ظهور حضرت حجت (عج) از مسایلی است که در آینده رخ خواهد داد, طبیعتا تعیین هر یک از این مسایل , پیشگویی و اخبار از آینده محسوب می گردد و شاید یگانه راه معرفت آن نیز مراجعه به اخبار واحادیث اهل بیت (ع) عصمت و طهارت باشد. احادیث و اخبار, نه تنها تاریخ ظهور آن حضرت راتعیین نکرده , بلکه وقاتون (یعنی تعیین کنندگان وقت آن را) هم تخطئه و تکذیب کرده و اصولا ـ تعیین زمان ظهور را امر مکروهی شمرده است .(۱)اما در زمینه مکان ظهور احادیث بسیار زیادی به ما رسیده که مضمون همه آنها,ظهور حضرت از مکه مکرمه و به طور خاص بین رکن و مقام است . در این جا تنها به ذکر نمونه هایی از این احادیث بسنده می کنیم :۱ امام باقر(ع) فرمود: چون حضرت قائم (عج) در مکه قیام کند و آهنگ کوفه کند,منادی فریاد کشد که کسی خوردنی و آشامیدنی همراه خود بر ندارد و سنگ حضرت موسی که یک بار شتر وزن دارد, با آن حضرت است , در هر منزلی که فرود آیند, چشمه آبی از آن بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کند . (۲)۲ از حذیفه نقل شده که پیامبر(ص) فرمود: اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند,در آن روز خداوند مردی از اولاد مرا بر می انگیزد که هم اسم و هم خلق من بوده ومردم بین رکن و مقام با او بیعت

می کنند . (۳)۳ همچنین حذیفه در ضمن حدیثی طولانی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که فرمود: بعداز خروج سفیانی و اعمال فجوری که مرتکب می شود, منادی از آسمان ندا می دهد که خداوند زمان جباران و ستمکاران را به سر آورده و صاحب امر شما در این هنگام بهترین امت محمد(ص), یعنی حضرت مهدی (عج) است , پس در مکه به او ملحق شوید . (۴)۴ امام باقر(ع) فرمود: گویی قائم (عج) را در روز عاشورایی که روز شنبه است ,می بینم در حالی که بین رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل در کنار او ندا می دهد:بیعت از آن خداست , پس زمین را پر از عدل و داد می کند.(۵)۵ از امام سجاد(ع) در ضمن حدیثی طولانی نقل شده است : ((... لم یخرج الی مکه و الناس یجتمعون بها..., حضرت حجت (عج) به سوی مکه رفته و مردم هم با او همراه می شوند.(۶)۶ از امام محمد باقر(ع) نقل شده که فرمود: با امام زمان (عج) در مکه بر کتاب خدا و سنت رسول خدا(ص) بیعت می شود.(۷)

آیا این ادعا که امام زمان (عج) در سرداب که محل غیبت ایشان است باقی است و از آنجا ظهور خواهد کرد صحیح است؟

پرسش

آیا این ادعا که امام زمان (عج) در سرداب که محل غیبت ایشان است باقی است و از آنجا ظهور خواهد کرد صحیح است؟

پاسخ

یکی از افترائات مغرضین و دشمنان شیعه و اعدای اهل بیت این است که می گویند: شیعه معتقد است امام در سرداب غیبت کرده و در سرداب باقی است و از سرداب ظاهر خواهد شد و هر شب بعد از نماز مغرب بر در سرداب می ایستند تا ستارگان نیک آشکار گردند سپس متفرق می شوند تا شب بعد.

ما در تکذیب و ردّ این افترا محتاج به هیچ گونه توضیح نیستیم چیزی که عیان است چه حاجت به بیان اس... همه می دانند که اینگونه افترائات از امثال ابن خلدون و ابن حجر، جعل و بر اساس انگیزه دشمنی با شیعه و انحراف از اهل بیت، و تمایل به بنی امیه و دشمنان خاندان رسالت است. این نویسندگان و کسانی که بعد از آنها آمدند تا زمان ما به جای اینکه عقاید و آرای شیعه را از خود و از کتابهایشان به دست آورند به جعل و افترا پرداخته یا جعلیّات و افترائات پیشینیان خود را دست به دست گردانده و آنها را ملاک و میزان تحقیق درباره عقاید شیعه و معرفت آرای آنها قرار می دهند و خود و دیگران را گمراه می سازند.

خیلی عجیب و بسیار شگفت انگیز است که به یک امّتی که هزاران نویسنده عالی قدر آنها آراء و عقایدشان را صریحاً در تألیفات خود نگاشته اند، نسبتی داده شود که در هیچ عصری احدی از آنها، احتمال آن را هم نداده است.

در مورد امامت و اصول اعتقادی دیگر در کتابهای کلام و اعتقادات،

عقاید شیعه محفوظ و مضبوط است و در موضوع غیبت در کتابهائی که از عصر ائمه(ع) و بعد از آن تألیف شده همه خصوصیات آن مذکور شده و در هیچ کتاب و نوشته ای از این افتراء اثر و نشانه ای نیست.

احدی نگفته امام در سرداب سامراء مخفی است بلکه کتب و روایات شیعه و آن همه معجزات و کرامات که از آن حضرت در غیبت صغری و کبری نقل شده و حکایات آنانکه به شرف درک حضورش در طول این دو غیبت مشرف شده اند همه این نسبت را تکذیب می نمایند.

بلی در سامرا مشرفه سردابی است که شیعه در آنجا به دعا و نماز و عبادت خدا و زیارت حضرت ولی عصر(عج) رفتار می کنند نه برای اینکه امام در آنجا مخفی و پنهان است، یا کسی امام را مقیم در آنجا بداند، بلکه برای آنکه آن موضع معروف به سرداب و نواحی آن و حرم عسکریین منازل و مساکن شریفه و خانه ها و محل ولادت آن حضرت و بروز بعضی معجزات بوده است و تجدید خاطرات آن اعصار و یاد آن ازمنه که امام عصر و پدرش و جدش در آن بیوت شریف که از آن جمله همین دار معروف به سرداب است، خدا را پرستش می کردند و محل آمد و شد شیعه و محبّان اهل بیت بوده، در همان مقامات و مواقف شریفه به مدلول:

«فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ» نور/۳۶

[خانه هایی را خدا اجازه داده که آنجا رفعت یابد و در آنجا ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او

کنند.]

مناسب است.

چنانچه منازل و مقامات دیگر نیز هست که مورد احترام شیعه است برای آنکه معلوم شده آن حضرت آن اماکن را مشرف به قدوم خود فرموده است(مانند مسجد جمکران قم).

مصلحی که جهان در انتظار اوست چه موقعی ظهور می کند؟ و پس از آن چه خواهد کرد؟

پرسش

مصلحی که جهان در انتظار اوست چه موقعی ظهور می کند؟ و پس از آن چه خواهد کرد؟

پاسخ

طبق مدارک قطعی و احادیث متواتر، هنگامی که دنیا گرفتار سخت ترین اضطرابات شود و آتش ظلم و بیدادگری در همه جا شعله ور گردد، امنیت و برادری از میان نوع بشر رخت بر بندد و زمامداران کشورها از اداره امور و مبارزه با فساد عاجز شوند، جنگ و خونریزی و اختلاف، نسل بشر را تهدید به انقراض کند. اختراعات مهیب و سلاح های مرگبار، به حد اعلا ترقی نماید و صفات عالی انسان از جوامع بشر رخت بر بسته و مفاسد اخلاقی و اجتماعی جای آن را بگیرد، ملل ضعیف و افراد ستمدیده، از توسل به مجامع و مجالسی که به نام حفظ حقوق ضعفاء و رعایت ملل کوچک تشکیل داده می شود نتیجه نگیرند و خلاصه انواع جنایات و فحشاء و منکرات رایج گردد، در این موقع یک مصلح بزرگ الهی که بشارت ظهور او با تمام مشخصات و خصوصیات داده شده قیام می کند و دست به یک اصلاح عمومی در تمام عالم می زند و به تمام این بدبختیها خاتمه می دهد.

این مصلح عالی مقام، جهان را در لوای یک حکومت حق و عدالت در خواهد آورد و نور اسلام را در همه شهرهای بزرگ و کوچک و قراء و قصبات روشن گرداند. در همه جا احکام آسمانی قرآن اجرا شود، مقررات و قوانین الهی(که از اغراض و منافع شخصی منزه است) بر همه حکومت کند و همه سازمانها در راه رفاه و آسایش خلق و عمران و آبادی بکوشند و تکامل علمی و اخلاقی بشر با بهترین برنامه شروع

شود و بالأخره از فرط بهبود و ترقی سطح زندگی، فقیری در تمام دنیا باقی نماند.

حضـرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شـروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره خضرا زندگی می کنند صحیح است ؟

پرسش

حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره خضرا زندگی می کنند صحیح است ؟

پاسخ

از جمع بندی روایات چنین به دست می آید که قیام آن حضـرت چند مرحله دارد و مرحله مهم و عمومی آن از مسجد الحرام است . مسئله جزیره خضـراء به نظر محققین افسانه ای بیش نیست . در این زمینه رجوع کنید به : کتاب ((جزیره خضرا افسانه یا واقعیت)) که در آن نظر ۵ نفر از علماء و دانشمندان جمع آوری گردیده است . ;

چرا ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان رخ می دهد؟

پرسش

چرا ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان رخ می دهد؟

پاسخ

الف) اینکه ظهور و غلبه جهانی امام عصـر (عـج) در آخر الزمان رخ می دهـد به خاطر شـرایط متعـددی است که این حادثه عظیم به آن وابسـته است و آن شـرایط ماننـد میوه ای که در زمان خاصـی می رسـد، به تدریج در بستر زمانی وتاریخی خاص خود رخ می نماید .ب) اینکه آورده اید : ((تقصـیر ما چیست امامان قبلی را کشـتند ...)) باید پرسـید چه کسی تقصیر کشته شدن امامان را بردوش شـما نهاده است ؟ لیکن ما و شـما و دیگران هر یک در هر شـرایطتاریخی و عصـری که باشـیم وظایفی داریم و در برابر نعمتهای خـدا مسوول ودر برابر تحمل دشواری ها در راه خـدا پاداش می بریم . بنابراین بایـد شـرایطتاریخی و رسـالت خود را بشناسـیم و به درستی به آنهـا جامه عمل بپوشـیم ،در این صورت پاداش اخروی و عنایات دنیایی و الطاف امام عصـر (عـج) دسـتگیر مـا خواهـد بود .ج) در زمان ظهور امام عصـر (عـج) نیز چنان نیست که همه چیز به طور اتوماتیک و معجزه وار درست شـود .اساساً نبایـد به مسـاله ظهـور نگـاهی عـافیت طلبـانه و مسیولیت گریزانه داشت . بلکه برای ظهور آن حضرت و توفیق ایشان در عصر ظهور نیز باید تلاش ، فداکاری و جانفشانی کرده و قطعاً اگر ما و شما و دیگران آمادگی های

لازم را در خود کسب نموده بودیم تا کنون در غم فراق آن حضرت نمی سوختیم ، اکنون هم اگر بخواهیم خود

را کنار بکشیم تا او بیاید و کارهای جهان را سروسامان دهد آش همان آش و کاسه همان کاسه خواهد بود .د) بسیار سطحی نگری و پوچ اندیشی است که خیال شود خدا خواسته است ایمه را بکشند تا دیگران به خوبی آنان پی ببرند!! اساساً این جهان میدان مسابقه در عمل است . یکی تا سر حدشهادت در مسیر نیکیها ره می سپرد و به اعلی علیین می رسد و دیگری درپی هواهای نفسانی و تمنیات پوچ گذران به کثیف ترین اعمال دست می یازد، و هر یک از دو گروه آن می دورد که خود کاشته است . ;

امام زمان (عج) از کجا ظهور خواهند کرد و در کجا کلمه الله اکبر را ادا خواهند نمود که تمام جهانیان بشنوند؟

پرسش

امام زمان (عج) از کجا ظهور خواهند کرد و در کجا کلمه الله اکبر را ادا خواهند نمود که تمام جهانیان بشنوند؟

پاسخ

بر اساس روایات حضرت مهدی ((عج)) در مکه معظمه در کنار کعبه و حجر الاسود ظهور خواهد کرد و صدای تکبیر (الله اکبر) آن حضرت از آن جا به گوش همه جهانیان خواهد رسید .و اما نحوه رسیدن ممکن است توسط دستگاههای انتقال دهنده صدا؛ همچون رادیو و یا طرق دیگر صورت گیرد .چگونگی رسیدن صدای الله اکبر در روایات مشخص نشده است . ;

آیا ظهور امام زمان(عج) قبل از قیامت است؟ در مورد نحوه ظهور و جامعه و مردم آن زمان مختصراً توضیح دهید.

پرسش

آیا ظهور امام زمان(عج) قبل از قیامت است؟ در مورد نحوه ظهور و جامعه و مردم آن زمان مختصراً توضیح دهید.

پاسخ

ظهور امام زمان(عج) قطعاً و یقیناً قبل از قیامت است. حضرت امام زمان(عج) برای حاکمیت بخشیدن به حق و عدل در سراسر گیتی و ریشه کن کردن ظلم و ستŠو تباهی در زمانی که ظلم و ستم جهان را فرا گرفته و انسان ها تشن...عدالت و حاکمیت حق شده اند، به پا می خیزد و با سلاح قرآن و بیان و معرفی حق به دعوت مظلومین می پردازد و تشنگان عدالت و به ستوه آمدگان از ظلم و تباهی، دعوت ایشان را اجابت می کنند و به ایشان می گروند و در رکاب آن حضرت به قلع و قمع سردمداران کفر و ستم بر می خیزند و با سرکوب آنان حاکمیت حق را تحقق می بخشند. رسول خدا(ص) فرمود: «اگر از عمر دنیا جز یک روز هم باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند تا قائم ما قیام کند و جهانِ پر از ظلم و جور

را مملو از عدل و قسط گرداند.«

{P - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۰. P}

درباره نحوه ظهور و جامعه و مردم در آن زمان رجوع کنید به کتاب »امامت حضرت مهدی(عج) در اعتقاد ما«، کد ۱۳۳/۱، ص ۱۱۸ - ۱۳۲ و کتاب »شناخت حضرت مهدی(عج)«، کد ۲۰۴/۱، ص ۱۴۲ - ۱۶۲، از انتشارات مرکز تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

امام زمان در چه روزی و در چه زمانی و در چه ماهی ظهور می کند؟

پرسش

امام زمان در چه روزی و در چه زمانی و در چه ماهی ظهور می کند؟

پاسخ

زمان ظهور امام (عج) برای هیچ کس حتی شخص امام (نیز معلوم نیست و از مواردی است که فقط علمش نزد خداوند متعال است و در این معنا روایات متعددی داریم .در روایات ما ،زمان ظهور حجت با زمان وقوع قیامت مقایسه شده است یعنی همان گونه که علم به زمان وقوع قیامت منحصراً در اختیار حضرت حق جل و علا است،علم زمان ظهور حضرت نیز در نزد خداوند متعال است.

مفضل می گوید : خدمت امام باقر (عرض کردم آیا ظهور مهدی(عج) وقت معین دارد؟ حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمودند : كذّب الوقّاتون یعنی هر کس برای ظهور وقتی تعیین کند دروغ می گوید. (۱)

بنابراین کسی حق ندارد زمانی برای ظهور حضرت تعیین کند، اما در اینجا به اختصار برخی از نشانه های ظهور حضرت مهدی(عج)را می آوریم که پاسخگوی بخشی از سوال شما نیز می باشد:

از جمله نشانه های ظهور حادثه ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می دهد در این هنگام نشانه های ظهور مهدی (عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ رمضان شنیده می شود. پس از این ندای آسمانی حضرت مهدی (عج) به طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می نماید. درباره آن بزرگوار در سراسر گیتی سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل ها جای می گیرد.

دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک گشته و می کوشند تا وی را یافته و از میان بردارند، از این رو سپاهی وارد مدینه گشته

و به هر مرد هاشمی که دست پیدا کنند او را دستگیر و یا کشته و یا به زندان می اندازند و آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیام خویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشاء از حریم شریف مکی آغاز می کند و پس از درگیری بر مکه تسلط می یابد. در صبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان های مختلف به تمام جهان ابلاغ می کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلام می دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه ای که جد گرامی اش حضرت رسول (و عده فرموده محقق شود و آن فرورفتن لشکر سفیانی به زمین "یابس" است که برای در هم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می شوند به وقوع بپیوندد(۳)

منابع و مآخذ:

۱ بحارالانوار ج۵۲ / ص۱۰۳

۲ دادگستر جهان / ابراهیم امینی

۳ نرم افزار پرسان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها

امام زمان چگونه و در کجا ظهور می کند؟

پرسش

امام زمان چگونه و در کجا ظهور می کند؟

پاسخ

روایات در مورد کیفیت آغاز نهضت ظهور و زمان آن با هم تفاوت دارد. ولی آنچه از مجموع روایات به دست می آید، چنین است که حضرت بقیه الله نخست در میان سی صد و سیزده تن از یاران خود ظهور می کند آنگاه غروب روز نهم محرم یک یک یاران امام داخل مسجد الحرام در مکه شده و امام نهضت مقدس خود را بعد از نماز عشاءإ با ارسال پیام برای اهل مکه آغاز می کند. سپس یاران او در آن شب بر حرم و شهر مکه مسلط می گردند و روز دهم محرم امام پیام خود را متوجه جهانیان به زبان و لغت هر یک از ملل می نماید. (۱)

امام باقر در این باره می فرماید: " امام مهدی هنگام نماز عشاء ظهور می کند در حالی که پرچم رسول الله و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد، و دارای نشانه ها و نور و بیان است. وقتی نماز عشاء را به جا آورد، با صدای بلند و رسا می فرماید: ای مردم خدا را به یاد شما می آورم شما اینک در حضور خدا ایستاده اید ، او حجت خود را برگزید و .... و کتاب آسمانی را فرو فرستاد و شما را امر کرد که چیزی را شریک او قرار ندهید و اطاعت و فرمان برداری خدا و رسول او نمایید و زنده نگهدارید آنچه را قرآن زنده نگهداشته ... من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیاء سنت او

دعوت می کنم سپس او به همراه سی صد و سیزده مرد به تعداد مردان

جنگ بـدر که همچون ابر پاییزی پراکنـده و در عین حال به هم متصـلند و زاهدان شب و شـیران روزند، بدون قرار قبلی ظهور می کننـد و خـدا سـرزمین حجاز را برای مهـدی می گشاید. وی هر کس از بنی هاشم را که در زندان به سـر می برد آزاد می سـازد، آنگـاه درخش هـای سـیاه در کـوفه فرود می آیـد و گروهی جهت بیعت به سوی مهـدی روانه می شونـد آن حضـرت لشـکریان خود را به سراسـر جهان روانه می کنـد و ظلم و ظالمان را از میان بر می دارد و همه سـرزمین ها بواسـته او به عدالت راستی و درستکاری در می آیند. (۲)

منظور از درخشـهای سیاه در این روایت لشکریانی هستند با پرچم های سیاه که بنا بر روایات از خراسان به سوی کوفه حرکت می کنند. و در انتظار یاری رساندن به امام (ع) هستند.

منابع و مآخذ:

۱ عصر ظهور، علی کورانی، ص۳۱۳

۲ نسخه خطی ابن حماد، ص۹۵، به نقل از عصر ظهور، صص۳۱۶۳۱۷

امام دوازدهم عج) چه زمان ظهور خواهند کرد؟

پرسش

امام دوازدهم عج) چه زمان ظهور خواهند کرد؟

پاسخ

قرآن کریم به زمـان تقریبی ظهور امـام زمان غ اشاره می کنـد و می فرمایـد: "وَ لَوْ تَرَی ًّإِذْ فَزِعُواْ فَلَا فَوْت َوَأُخِذُواْ مِن مَّکَان ٍ قَرِیب ٍ; (سبأ، ۵۱) و ای کاش می دیـدی هنگامی را که]کافران وحشت زده اند]آن جا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیـک گرفتـار آمـده انـد." طبق روایـات فراوانی که از طریق شـیعه و اهـل سـنت نقـل شـده است آیه فوق بر خروج سـفیانی (گروهی که پیرو مکتب ابوسـفیان و تفاله های عصـر جاهلیتند و بر ضد طرفداران ِ حق در آستانه قیام حضرت مهدی غ خروج می کنند) و لشکریان او تطبیق شده است آن ها هنگام حرکت به سوی مکّه به قصد تسخیر آن در صحرا گرفتار می شوند.

امّا در رابطه بـا تشـخیص زمـان ظهور و اظهار نظر درباره آن ابتـدا بایـد بـدانیم که آن کس که از زمان دقیق ظهور خبر دارد، خداونـد متعـال است و از جـانب امامـان هم برای ظهور وقتـی تعیین نشـده بلکه از طرف ایشـان تعیین کننـده وقت دقیق ظهور، تکـذیب شـده است برای مثال فضـیل می گویـد: خدمت امام باقر: عرض کردم آیا ظهور حضـرت مهدی غ وقت معینی دارد؟ حضـرت در پاسخ سه مرتبه فرمود: هر کس برای ظهور، وقتی تعیین کند، دروغ می گوید.(بحارالانوار، مرحوم مجلسـی ج ۵۲، ص ۱۰۳، نشر وفأ، بیروت)

محمـد بن مسـلم می گویـد: امـام صـادق به من فرمـود: هر کس وقت ظهور را برای تو تعیین کرد، از تکـذیب نمودنش بـاک نداشته باش زیرا ما برای ظهور وقتی تعیین نمی کنیم (همان ص ۱۰۴ و ۱۱۷.)

از این

احادیث استفاده می شودکه پیامبر۶ و امامان وقت ظهور را تعیین نکرده اند; و غیر این ها هم هیچ کس دیگر قادر نیست که آن وقت را مشخص کند; هم چنین علمای ما، چون سخنی غیر از روایات امامان نمی گویند; به همین جهت آنان نیز از وقت ظهور بی اطلاعند. بله در روایات علایمی برای ظهور بیان شده است که هم دانستن و هم اظهار نظر درباره آن ها مانعی ندارد.

در روایات معصومین وارد شده است "پیش از ظهور امام زمان مردی از نسل ابوسفیان خروج می کند که مردی ظاهر اصلاح است و دائم ذکر خدا بر زبانش جاری است امّا از پلیدترین و خبیث ترین انسان ها است که گروه فراوانی از مردم را فریب می دهد و با خود همراه می کند."

شما ممکن است در رابطه با علایم ظهور و تطبیق آن بر حوادث زمان مطالبی از علما بشنوید که مانعی ندارد و به خصوص چون آنان با روایات ائمه آشناتر هستند، امکان حدس آنان در این باره بیش تر است (دادگستر جهان ابراهیم امینی ص ۲۲۱۲۲۳، نشر شفق)

آیا تعیین وقت برای ظهور و اینکه علماء گفته اند ظهور نزدیک است صحیح است ؟

پرسش

آیا تعیین وقت برای ظهور و اینکه علماء گفته اند ظهور نزدیک است صحیح است ؟

پاسخ

تعیین وقت ظهور به دو صورت است

۱. کسی ادعا کند که امام ع در فلان روز یا فلان ماه یا فلان سال ظهورمی کند. مشخص کردن وقت ظهور به این صورت درست نیست و منظور امام زمان ع هم که فرموده اند: «کسانی که برای ظهور وقت تعیین می کنند دروغ گوهستند» تعیین وقت ظهور به این شکل بوده است

۲. ذکر علایم ظهور؛ یعنی این که کسی بگوید با توجه به علایمی که درروایات آمده است و برخی از آن علایم به وقوع پیوسته پس ظهور نزدیک است اما این که ظهور چه زمانی است یک سال دیگر یا ده سال دیگر یا پنجاه سال و یا... معلوم نیست چنین سخنی اشکالی ندارد؛ زیرا در روایاتی که ازامامان معصوم ع نقل شده علایمی را برای ظهور نقل کرده اند و خود ائمه ع فرموده اند وقتی این علایم اتفاق افتاد، ظهور نزدیک است پس اگر علمامی گویند ظهور نزدیک است از خودشان چیزی نمی گویند بلکه بر اساس روایاتی که از امامان معصوم ع رسیده سخن می گویند.

امام زمان ۷چه مو قع ظهور می کند؟

پرسش

امام زمان ۷چه مو قع ظهور می کند؟

پاسخ

بنـابر مصالحی , زمان ظهور امام زمان ۷مشـخص نشـده است و هیچ کس جز خداوند از وقت دقیق آن آگاه نیست . با این که اصـحاب از امامان ۷در این مورد سؤال می کردنـد, ولی آنـان از مشـخص کردن وقت ظهور خودداری می کردنـد,تاجایی که وقتی از امام باقر۷می پرسد آیا برای ظهور وقتی معیّن شده است , امام ۷سه بار می فرماید: (۱)

در روایـت دیگری آن حضـرت می فرمایـد: از پیـامبر۶همین مطلب پرسـیده شـد, حضـرت فرمود: مَثَل ظهور مهـدی ۷همچون برپایی قیامت است (کسی جزخدا از وقت آن آگاه نیست) مهدی نمی آید مگر ناگهانی .(۲)

البته در روایات نشانه های ظهور ذکر شده است که آن هم به معنای تعیین دقیق وقت ظهور نیست .

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۱۰۳

(پاورقی ۲.همان , ج ۳۶ ص ۳۹۱

چرا زمان ظهور امام زمان ۷بر هیچکس معلوم نیست ؟

پرسش

چرا زمان ظهور امام زمان ۷بر هیچکس معلوم نیست ؟

پاسخ

گرچه اصل ظهور و نشانه های نزدیک شـدن آن از امور مسلّم و قطعی است , ولی بنا به مصالحی زمان ظهور مشـخص نشـده است و هیـچ کس جز خداونـد از وقت دقیق آن آگاه نیست . بارها اصـحاب امامان در مورد زمان خروج مهـدی ۷پرسیده اند, ولی آنان به صراحت از مشخص کردن آن نهی کرده اند و زمان ظهور را هم چون علم به قیامت منحصر به خدا دانسته اند. در کتاب از شیـخ طوسـی آمده : . فضـیل از امام باقر۷پرسـید: آیـا برای ظهوروقتی معیّن شـده است ؟ امام ۷سه بار فرمود: .(۱) از تأخیر در پاسخ بسـیار معذرت می خواهیم شـما می توانید سؤالات خود را مستقیماً به آدرس : صندوق پستی قم ۱۹۷بفرستید و سریعتر جواب دریافت دارید.

(پاورقی ۱.مجلهء ۵حوزه , شمارهء ۷۰ ۷۱ ص ۲۳۶

آیا امام زمان علیه السلام از سرداب مقدس ظهور خواهد کرد؟

پرسش

آیا امام زمان علیه السلام از سرداب مقدس ظهور خواهد کرد؟

پاسخ

از جمله نسبت های ناروایی که به شیعه داده شده این است که آنان معتقدند امام مهدی (ع) در آخرالزمان از سرداب سامرّا خروج خواهد کرد. ولی با مراجعه به کتاب های حدیثی وکلامی شیعه پی خواهیم برد که این نسبت کذب ودروغ است. بلکه شیعه معتقد است که آن حضرت همانند جدش رسول خدا (ص) از مکه مکرّمه ظهور خواهند نمود.

فضل بن شاذان به سند خود از امام صادق (ع) واو از امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی طولانی نقل کرده که فرمود: "هو التاسع من ولدك يا حسين! يظهر بين الركنين..."؛ "...او {پاورقی . معجم احادیث الامام المهدی (ع)، ج ۳، ص ۲۳، ح ۵۷۸. پاورقی}

نهمین از فرزندان توست ای حسین! که بین رکن ومقام ظهور خواهد کرد...".

شیخ صدوق؛ نیز به سند خود از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: "القآئم منّا منصور بالرعب، مؤيّد بالنصر... فعند ذلك خروج قآئمنا، فإذا خرج أسند ظهره إلى الكعبه، واجتمع إليه ثلاثمائه وثلاثه عشر رجلًا..."؛ "قائم از ما کسی است که به رعب وترس یاری شده وبه {پاورقی . کمال الدین، ص ۳۳۱، ح ۱۶ ؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲. پاورقی}

نصرت، تأیید می شود... در آن هنگام است خروج قائم ما. پس هنگامی که خروج کند بر کعبه تکیه زند، در آن هنگام سیصد وسیزده نفر دور او جمع می شوند...".

موضوع: تکالیف عصر غیبت

حکمت معین نبودن وقت ظهور حضرت چیست؟

پرسش

حکمت معین نبودن وقت ظهور حضرت چیست؟

پاسخ

گاهی این سؤال در ذهن انسان خطور می کند که چرا وقت ظهور در منابع اسلامی معین نشده است؟ در جواب این سؤال می گوییم:

۱ - کسی که منتظر شخص دوست داشتنی است ووقت آمدن او را نمی داند همیشه در حال انتظار است، همیشه آماده است، همیشه درصدد پیاده کردن دستورات او در خود واجتماع است. ولی در صورتی که زمان رسیدن او را بداند خصوصاً آنکه بداند که بسیار دور است، مأیوس شده وهرگز خود را به این زودی آماده نمی کند.

۲ - معین نبودن وقت ظهور، یک نوع امتحانی است برای مردم تا معلوم گردد آیا مردم با این همه سختی های مختلف، روحیه خود را از دست می دهند یا خیر.

۳ - گاه مصلحت در تقدیم وتأخیر زمان غیبت است که این معنا با معین بودن زمان ظهور سازگاری ندارد. ولذا در قصه حضرت موسی (ع) به جهت ادامه ملاقات او با خداوند از سی روز تا چهل روز، عده ای به انحراف کشیده شدند.

۴ - در صورت معین بودن ظهور، دشمنان حضرت (ع) درصدد تدارک برآمده وبا حضرت در همان زمان به مقابله برخواهند خواست. لذا در روایات اسلامی از عنصر "ناگهانی بودن ظهور" به عنوان عنصر اساسی در پیروزی حضرت یاد شده است.

امام صادق (ع) به ابن النعمان فرمود: "ای پسر نعمان! به راستی عالم نمی تواند به هر چه اطلاع دارد تو را آگاه سازد... پس عجله نکنید، به خدا سوگند! سه بار این امر -امر فرج- نزدیک شد ولی به جهت آنکه شما آن را فاش کردید خداوند آن را به تأخیر انداخت. به خدا سوگند! نزد شما سرّی

نیست مگر آنکه دشمنان شما به آن از شما آگاه ترند".

۵ – در صورت عدم تعیین وقت ظهور، حالت انقطاع وتوجه وتضرّع خاصّی بر انسان ها حاکم خواهد شد، که چه بسا این امر سبب تعجیل در فرج امام زمان (ع) گردد. ولی اگر وقت ظهور به طور قطع مشخّص باشد دیگر از این اثر معنوی خبری نیست.

۶ – از آنجا که وقت ظهور همانند علایم ظهور، متعلّق "بدا" واقع می شود، لذا نباید به طور دقیق وقت ظهور مشخص باشد تا مردم به کارهایی تشویق شوند که مؤثّر در ظهور امام زمان (ع) است.

۷ – از آنجا که ممکن است ظهور حضرت به طول انجامد، لذا وقت آن معین نشده است تا مردم مأیوس نباشند وبا احتمال ظهور حضرت در هر لحظه حالت انتظار مثبت را از دست ندهند.

آیا تعیین وقت ظهور صحیح است؟

پرسش

آیا تعیین وقت ظهور صحیح است؟

پاسخ

تعیین تاریخ ظهور امام زمان (ع) به چند نحو متصور است:

۱ –اینکه تاریخ ووقت ظهور حضرت را به طور دقیق وتفصیلی معین کنیم که در فلان سال، وفلان ماه وفلان روز خواهد بود. این احتمال باطل است، زیرا در هیچ روایتی به آن اشاره نشده است ومضافاً به اینکه در برخی از احادیث تعیین کننده وقت ظهور مورد لعن قرار گرفته است.

۲ –اینکه موعد ظهور به نحو اجمال تعیین گردد، به اینکه بگوییم: هر گاه خداوند اراده کند آن حضرت ظهور خواهد کرد. این احتمال به طور حتم اشکالی نداشته وصحیح است.

۳ – اینکه از طریق قواعد حساب وجفر، به طور اجمال یا تفصیل به زمان ظهور حضرت علم پیدا کرده واز آن خبر دهیم. این احتمال گر چه در برخی روایات به آن اشاره شده ولی از سند معتبری برخوردار نیست. خصوصاً آنکه تاریخ ظهور، ممکن {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰۶، ح ۱۳. پاورقی}

است مورد بدا واقع شود.

۴ – اینکه مطابق برخی از روایات به طور کلّی واجمال به زمان ظهور آن حضرت اشاره گردد:

طبرسی از امام صادق (ع) نقل کرده که: "لایخرج القآئم إلّا فی وتر من السنین، سنه إحدی أوثلاث أوخمس أوسبع أوتسع"؛ "قائم در سال وتر [فرد] ظهور خواهد کرد، سال یک یا {پاورقی . اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۶. پاورقی}

سه یا پنج یا هفت یا نه."

ونیز به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "ینادی باسم القآئم فی لیله ثلاث وعشرین من شهر رمضان ویقوم فی عاشورآء، وهو الّذی قتل فیه الحسین

بن علی (ع)..."؛ "به اسم {پاورقی . همان. پاورقی}

قائم در شب بیست وسوّم ماه رمضان ندا داده خواهد شد ودر روز عاشورا قیام خواهد کرد، وآن روزی است که حسین بن علی در آن روز به شهادت رسید."

اولین مکانی که حضرت در آنجا ظهور می کند کجاست؟

پرسش

اولین مکانی که حضرت در آنجا ظهور می کند کجاست؟

پاسخ

مطابق روایات شیعه واهل سنّت اولین مکانی که حضرت در آنجا ظهور می کند بین رکن ومقام است.

سیوطی به سندش از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "مهدی از مدینه به سوی مکه خروج می کند، مردم از او می خواهند که از میانشان خروج کند آن گاه با او بین رکن ومقام بیعت می کنند در حالی که کراهت دارد...".

{پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲. پاورقی}

شیخ طوسی به سندش از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود: "گویا قائم را در روز عاشورا، روز شنبه، ایستاده بین رکن ومقام مشاهده می کنم...".

{پاورقی . همان، ص ۱۰۲. پاورقی}

این اخبار به جهت کثرت وتظافر آنها قابل اثبات تاریخی است.

آیا امام زمان – عجل الله تعالی فرجه – از هند ظهور خواهد کرد؟

پرسش

آیا امام زمان – عجل الله تعالی فرجه – از هند ظهور خواهد کرد؟

پاسخ

بنابر عقیده مسلمانان – اعم از شیعه و سنی – و پیروان دیگر ادیان الهی، برای نجات بشر از ظلم و بازگرداندن حق مظلومان به آنان و انتقام از ظالمان، فردی ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد می کند. آن حضرت دین اسلام را در سراسر گیتی خواهد گسترانید و سران کفر و شرک و مذاهب باطل و منسوخ را نابود می گرداند. منجی انسان ها از شهر مکه، ظهور و قیام می کند و مبارزاتش از آن جا آغاز می گردد. در برخی روایاتِ اهل سنت از پیامبر(ص) درباره رخدادهای زمان ظهور آمده است: «هنگام مرگ خلیفه {یا در آن زمان} اختلاف و پراکندگی روی می دهد. در پی آن، مردی از شهر مدینه خارج می شود و به سوی مکه می گریزد. گروهی از اهل مکه به محضرش می شتابند ... و با او در بین رکن و مقام بیعت می کنند...». {۱}

در ضمن گزارش ابوالحسن محمد بن عبید کسائی ، در قصص الانبیأ، به نقل از کعب الاحبار، آمده است: «... ثم یظهر المهدی بمکه فیبلغ خبره الی السفیانی»؛ {۲} «آن گاه مهدی در مکه قیام می کند و خبرش به سفیانی می رسد». امام علی(ع) فرمود: «...پس آن گاه بر دیواره مسجد دمشق بانگ می زند: «هان که فریادرس شما آمده است؛ ای امت محمد، فریادرس شما آمده است؛ ای امت محمد، برطرف کننده غم ها آمده است. او مهدی است که از مکه خروج کرده است. در آن هنگام دعوتش را اجابت کنید». {۳}

در کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، نوشته متقی هندی، آمده است: «از امام باقر(ع)

گزارش شـده است که مهـدی(ع)، هنگـام عشـا در مکه قیـام می کنـد و پرچم رسـول خـدا(ص) همراه اوست».{۴} در کتاب الغیبه، نوشته شیخ محمدبن ابراهیم نعمانی، آمده است: «از ابو جعفر محمد بن علی، امام جواد(ع) نقل شده است که وقتی قائم از مکه خروج کنـد، منادی او ندا در دهد ...».{۵} بنابراین آن حضـرت از مکه ظهور می کند شاید علت شایعه ظهور ایشان از هند، تبلیغات مخرب گروههای منحرفی چون قادیانیه باشد/

[۱].مسند احمد، ج ۶، حدیث بعض ازواج النبی، حدیث ام سلمه، ص ۳۱۶، دارصادر، بیروت/

[۲].عقـد الـدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی مقدس شافعی، باب الرابع فی ما یظهر من الفتن الدالْ علی ولایته، ص ۱۱۶، (تحقیق عبدالفتاح محمدحلو، تعلیق علی نظری منفرد، انتشارات نصایح، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه')

[۳].همان، ص ۱۳۱/

[۴].ملحقات احقاق الحق، آیت اله مرعشی نجفی، ج۲۹، ص ۳۶۰ (چاپ اول: ۱۴۱۵ه')

[۵].کتاب الغیبْ، محمد بن ابراهیم نعمانی، باب ماروی فی صفته و سیرته و فعله، ح ۲۸، ص ۲۳۸ (مکتبْ الصدوق)/

آیا قیامت که در قرآن توصیف آن آمده زودتر اتفاق می افتد یا ظهور حضرت ولی عصرغ زیرا در روایات آمده که یاران آن حضرت که از دنیا رفته اند در زمان ظهور آن حضرت زنده می شوند و در خدمت آن حضرت هستند، و ما نیز این زنده شدن را در قیامت داریم ..؟

پرسش

آیا قیامت که در قرآن توصیف آن آمده زودتر اتفاق می افتد یا ظهور حضرت ولی عصرغ زیرا در روایات آمده که یاران آن حضـرت که از دنیا رفته اند در زمان ظهور آن حضرت زنده می شوند و در خدمت آن حضرت هستند، و ما نیز این زنده شدن را در قیامت داریم ..؟

پاسخ

ظهور امام زمان غ قبل از قیامت است بعد از ظهور آن حضرت

دنیـا آباد می شود و آن حضـرت با ظهور خود در راه برقراری عـدالت با جباران و سـتمگران مبارزه می کنـد و همه آنان را به شکست و تسـلیم وا می دارد و دنیا را پر از عـدل و داد می کنـد; چنان که خداونـد متعال می فرمایـد: "وعـد اللّه الـذین ءَامنوا منکم وَ عَمِلُواْ الصَّـ لِحَت ِ لَیَسْـتَخْلِفَنَّهُم ْفِی الاْـ ?رْض ِ...; (نور، ۵۵) خـدا به کسانی از شـما که ایمان آورده و کارهای شایسـته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین]خود[قرار دهد...".

بسـیاری از مفسـران معتقدند: وعده الهی در این آیه اشاره به حکومت حضرت مهدی غ است و بی تردید حکومت امام مهدی

مصداق کامل این آیه می باشد. امام سجاد۷ در تفسیر این آیه فرمود: "به خدا سوگند آن ها شیعیان ما هستند; خداوند این کار را برای آن ها به دست مردی از ما انجام می دهد که "مهدی این امت است زمین را پر از عدل و داد می کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد..."(ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۴، ص ۵۲۷ ۵۳۲، دارالکتب الاسلامیه / مجمع البیان مرحوم طبرسی ج ۷، ص ۲۶۷، مؤسسه اعلمی بیروت)

پیامبراکرم می فرماید: "مهدی از

من است اسم او اسم من و کنیه اش کنیه من است و شبیه ترین انسان از نظر خَلق و خُلق به من می باشد، او دارای غیبتی است .. پس زمین را همان طور که از ظلم و ستم پر شده از عدل و برابری پُر می کند.(ر.ك کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق ص ۲۷۱، مؤسسه اعلمی بیروت)

باز آن حضرت فرمود: "...روح الله عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و پشت سر مهدی نماز می خواند، سپس او زمین را به نور خداوند متعال روشن می سازد و سلطنت او در مشرق و مغرب (کره زمین گسترش پیدا می کند.(ر.ك کشف الغمّه علی بن عیسی إربلی ج ۲، ص ۵۰۷، نشر مکتبه بنی هاشمی)

امام حسن مجتبی می فرماید: "خداوند در آخر زمان و روزگار سخت در میان جهل و نادانی مردم مردی را بر می انگیزد و او را با فرشتگان خود تأیید (و کمک می فرماید و یاوران او را حفظ می کند و با آیات و نشانه های خودش او را یاری می دهد و بر کره زمین غالب می گرداند. تا آن جا که مردم پاره ای از روی میل و گروهی بی میل و با اکراه به دین خدا می گروند، سپس زمین را پر از عدل و داد و نور و برهان می کند تمام مردم جهان در برابر او خاضع شوند هیچ کافری باقی نمی ماند مگر آن که مؤمن شود و هیچ بدکاری نمی ماند مگر آن که اصلاح گردد "... گنج ها و معادن برای او آشکار می شود و چهل سال در بین مشرق و مغرب عالم سلطنت می کند..."(ر.ك الاحتجاج مرحوم طبرسی ج ۲، ص ۲۹۴ ۲۹۷، انتشارات

اسوه)

در روایتی امام صادق می فرماید: هفت نفر از اصحاب کهف یوشع بن نون (وصی حضرت موسی ، سلمان فارسی ابودجانه انصاری مقداد و مالک اشتر نیز در زمان ظهور امام زمان زنده می شوند و جزء فرمانروایان آن حضرت خواهند بود.(الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۶، نشر کنگره شیخ مفید / کشف الغمه علی بن عیسی إربلی ج ۲، ص ۴۶۶، مکتبه بنی هاشمی تبریز.)

بنابراین زنده شدن مردگان اختصاص به قیامت ندارد، بلکه در دنیا نیز اتفاق افتاده و قرآن مجید نمونه هایی از آن را در سوره بقره آیات ۵۵ و ۵۶ (زنده شدن عده ای از بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی ، ۷۳ (زنده شدن مقتول به دستور حضرت موسی ، ۲۴۳ (جمعیتی که از ترس مرگ از خانه های خود بیرون رفتند که خداوند فرمان مرگ به آن ها

داد و سپس آن ها را زنده نمود)، ۲۵۹ (زنده شدن عزیر پیامبر بعد از صد سال ، بیان نموده است

بعداز ظهور امام زمان و در زمان "رجعت نیز عده ای زنده خواهند شد. رجعت یکی از عقاید ما شیعیان و مربوط به قبل از قیامت است

مرحوم شیخ مفید; در کتاب اختصاص از امام صادق نقل می کند که فرمود: اولین کسی که به دنیا باز می گردد، حسین بن علی است و رجعت عمومی نیست بلکه تنها کسانی که در ایمان و یا در شرک محض و خالص باشند، باز می گردند.(ر.ک بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.)

در همان کتاب نقل شده که حضرت امام باقر۷ از ابوبصیر سؤال فرمود: آیا اهل عراق رجعت را انکار می کنند؟ ابوبصیر جواب داد: بله امام

فرمود: آیا قرآن را نخوانده اند که می فرماید: "ویوم نحشر من کل ِأمّه فوجاً" (نمل ۸۳)(ر.ک بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، داراحیاألتراث)

در همان کتاب آمده که حضرت امام صادق فرمود: اولین کسی که به دنیا رجوع می کند، حسین بن علی است و پس از آن زمام حکومت را به دست می گیرد... .(همان ص ۴۶.)

در زیارت اربعین امام حسین آمده است "و اشهد الله و ملائکته و انبیأه و رسله انّی بکم مؤمن و بایابکم موقن بشرایع دینی و خواتیم عملی که فراز "بایابکم موقن ; یعنی به بازگشت شما یقین دارم (در بحارالانوار، ج ۵۳، باب الرجعه ۱۶۲ روایت در زمینه رجعت از کتب گوناگون جمع آوری شده است)

۱۰– زمان ظهور امام زمان (عج) چه وقت است ؟

پرسش

.۱– زمان ظهور امام زمان (عج) چه وقت است ؟

پاسخ

ظهور آن حضرت در روز جمعه خواهد بود و ترقب و انتظارفرج درآن روز بیشتر از روزهای دیگر است ،چنانچه در پاره ای از اخبار تصریح به آن و در زیارت مختصه به آن جناب است در روز جمعه که {یا مولای یا صاحب الزمان صلوات الله علیك و علی آل بیتك هذایوم جمعه و هو یومك المتوقع فیه ظهورك و الفرج فیه المؤمنین علی یدیك } تا آخر آنچه بیاید.

یعنی؛« ای آقای من ای صاحب الزمان که درود خداوند بر تو و بر آل بیت تو، این روز جمعه است و آن روز تو است که انتظار کشیده می شود و در آن ظهور تو و فرج مؤمنین بر دست جناب تو و من ای آقای من در آن میهمان تو هستم و پناه آورده به تو ای آقای من! کریمی و از اولاد بزرگواران و مأموری به پناه دادن پس مرا مهمانی کن و پناه ده .

بلکه عید بودن روز جمعه و شمردن آن را یکی ازعیدهای چهارگانه حقیقتا به جهت آن روز شریف است

منابع :

۱–سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری

۲–نشانه های ظهور ، محمد خادمی شیرازی

۳–سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

۴-ارتباط معنوی با حضرت مهدی ، حسین گنجی

مکان و نحوه ظهور امام زمان(عج)چگونه خواهد بود؟

پرسش

مکان و نحوه ظهور امام زمان(عج)چگونه خواهد بود؟

پاسخ

بر اساس روایات حضرت مهدی «عج» در مکه معظمه در کنار کعبه و حجر الاسود ظهور خواهد کرد و صدای تکبیر (الله اکبر) آن حضرت از آن جا به گوش همه جهانیان خواهد رسید. و اما نحوه رسیدن ممکن است توسط دستگاههای انتقال دهنده صدا؛ همچون رادیو و یا طرق دیگر صورت گیرد. چگونگی رسیدن صدای الله اکبر در روایات مشخص نشده است. گرچه ظهور روایات بیشتر در رسیدن صدای آن حضرت به همگان به صورت معجزه است. این که یاران حضرت مهدی ۳۱۳ نفر هستند مطلب صحیحی است ولی منظور یاران خاص و فرماندهان لشکرهای حضرت می باشد، زیرا شکی نیست که همه مؤمنین و مؤمنات در آن زمان از یاران و یاوران آن حضرت می باشند و حتی گروهی از مؤمنین زمان های گذشته زنده می شوند و در رکاب حضرت بر علیه کفر مبارزه می نمایند به همین جهت در دعای عهد می خوانیم که خداوند ما را از کسانی قرار دهد که در رکاب حضرت وجود داشته باشیم. افزون بر آن بیان واقعیت نباید موجب یأس و دلسردی بشود، بلکه منطقا هر کس باید تلاش کند که خود را به حد اعلای کمالات برساند تا در ردیف یاران ویژه آن حضرت قرار گیرد. روایاتی داریم مبنی بر این که حضرت ازدواج کرده است در این روایات احتمالات متعددی مطرح است. ممکن است در دوران

غیبت صغری، امام(ع) ازدواج کرده اند ولی همسر آن حضرت عمر طولانی نداشته و وفات نموده است و ممکن است حضرت در طول سال های غیبت ازدواج های متعددی انجام داده باشند. در هر صورت کیفیت دقیق این موارد بر ما

معلوم نیست چنان که اصل ازدواج آن حضرت تنها به دلیل سنّت ازدواج عمل آن حضرت به سنّت است هر چند ممکن است به دلیل همان حکمت غیبت این سنت ترک شود و گرنه دلیل قطعی مبرهنی در دست نیست ؛ بنابراین به طور قاطع نمی شود در این مورد سخن گفت، چون منابعی

که در اختیار است یا ابهام دلالی دارد یا از نظر سند مشکل دارد. در هر صورت علم ما به چنین اموری بی فایده است و هیچ مشکلی از مشکلات فکری، اعتقادی و اجتماعی را حل نمی نماید. بنابراین با توجه به روایات که بعضی اشکال سندی دارند و بعضی از نظر دلالت مبهم می باشند، نمی شود به طور قاطع در مورد ازدواج آنحضرت و داشتن فرزند نظر داد و چنان که گفته شد حکمت غیبت که باعث شد انسانها از نعمت بزرگ حضور امام محروم گردند شاید همان حکمت باعث شود که حضرت سنت ازدواج را به عمل نیاورد (و الله اعلم). مرحوم مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار روایتی نقل می فرمایند که محل سکونت امام(ع) و خانواده محترمشان در مسجد سهله می باشد. در این روایت بر شأن و منزلت بالای مسجد سهله تأکید شده و آنجا را محل سکونت بعضی از انبیاء نیز معرفی کرده است.

برای آگاهی بیشتر ر.ک: کورانی، علی، عصر ظهور، سازمان تبلیغات اسلامی.

حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره ء خضرا زندگی می کنند صحیح است ؟

پرسش

حضرت صاحب الزمان (عج) در کجا قیام خود را شروع می کنند؟ آیا این موضوع که فعلا حضرت در جزیره ء خضرا زندگی می کنند صحیح است ؟

پاسخ

از جمع بندی روایات چنین به دست می آید که قیام آن حضرت چند مرحله دارد و مرحله مهم و عمومی آن ازمسجدالحرام است. مساله جزیره خضرا به نظر محققین افسانه ای بیش نیست.

در این زمینه ر.ک.به: کتاب «جزیره خضرا افسانه یا واقعیت» ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، انتشارات دفترتبلیغات اسلامی قم که در آن نظر ۵ نفر از علما و دانشمندان جمع آوری گردیده است.

همچنین کتاب جزیره خضراء در ترازوی نقد، علامه سید جعفر مرتضی، ترجمه: محمد سپهری در این زمینه مفیداست.{J

آیا امام زمان (عج) روز جمعه ظهور می کنند؟

پرسش

آیا امام زمان (عج) روز جمعه ظهور می کنند؟

پاسخ

در مورد ندای آسمانی در روز ظهور اخباری رسیده است: اول روز گوینده ای از آسمان صدا می زند، به طوری که همهآن را می شنوند... ، (غیبت، شیخ طوسی، ص ۳۴۴).

در اخبار آمده که آن روز، روز جمعه خواهد بود.

با توجه به بعضی گفته ها آیا می توان زمان ظهور را مشخص کرد؟

پرسش

با توجه به بعضی گفته ها آیا می توان زمان ظهور را مشخص کرد؟

پاسخ

زمان ظهور امام زمان(عج) برای هیچ کس حتی شخص امام(ع) نیز معلوم نیست و جزء مواردی است که فقط علمش نزد خداوند متعال است و در این معنا روایات متعددی داریم، در روایات ما زمان ظهور حضرت با زمان وقوع قیامت مقایسه شده است؛ یعنی، همان گونه کهعلم زمان وقوع قیامت منحصرا در اختیار حضرت حق - جل و علاـ - است، علم زمان ظهور حضرت نیز منحصرند در نزد خداوند متعال است، (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۰۷ به نقل از پیامبر گرامی اسلام(ص) مشابهاین روایت را از امام صادق(ع) در تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۱۳۷ ملاحظه فرمایید).

بنابراین کسی حق ندارد، زمانی برای حضور حضرت تعیین کند، اما متأسفانه هر از گاهی شایعاتی از این دست با استناد دروغ به برخی افراد موجه درست می شود. مهم شناخت وظیفه است؛ ما چه بکنیم که بتوانیم به وظیفه خود در زمان غیبت عمل کنیم؟ و چه بکنیم بهنزدیک تر شدن مهمان ظهور امام کمک کرده باشیم؟ و چه بکنیم که اگر امام در زمان ما ظهور کرد، ما نیز جزء یاران و یاوران آن حضرت باشیم؟ روایات ما وظیفه در زمان غیبت را معین فرموده اند، انتظار فرج و انتظار منجی. این انتظار حتما باید با ورع و عفت و صلاح همراه باشد. درروایات از انتظار فرج به عنوان برترین عبادت مؤمن در زمان غیبت نام برده شده است، (کمال الدین و تمام النقه، شیخ صدوق، صص ۶۴۷ - ۶۴۴، والشیعه والرجعه، محمدرضا الطیسی النجفی، ج ۱،صص ۲۰۰ و ۲۰۱، دارالکتب الاسلامیه).

روشن است

که تا زمینه قیام و ظهور آماده نشود، ظهور حضرت نیز میسر نیست و روایات ما به این نکته نیز اشاره دارند. این زمینه اولاً با کردارهای درست و به جا و خداپسندانه شیعیان و همپیمانی آنها در ایفای وظیفه الهی خود و ثانیا با دعای فراوان – از ته قلب و باخلوص نیت – حاصل می شود، (صحیفه المهدی، جواد قیدی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۳۵۰ و ۳۵۱). {J

نظر شما در مورد افرادی که برای ظهور آقا امام زمان وقت تعیین می کنند چیست. آیاافراد از تاریخ ظهور ایشان اطلاع دارند.

پرسش

نظر شما در مورد افرادی که برای ظهور آقا امام زمان وقت تعیین می کنند چیست. آیاافراد از تاریخ ظهور ایشان اطلاع دارند.

پاسخ

براساس روایات «توقیت» و «تعیین وقت» برای ظهور حضرت صاحب کار درست و صحیحی نیست، ائمه فرموده اند ما خاندانی هستیم که برای ظهور آن حضرت وقتی را مشخص نمی کنیم، چنان که حضرت رسول(ص) فرموده است: «دروغ گفته اند آنان که وقت مشخص می کنند» (نگا: کتاب الغیبه، محمد ابراهیم نعمانی، ص ۲۸۹ – منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۵۷۳).

هیچ فردی حتی خود حضرت از زمان ظهور خویش اطلاعی ندارند. آنچه که می توان گفت این نکته است که برخی از علامات ظهور محقق گشته است اما این که همه آنها محقق شده است یا خیر؟ یا این که تحقق این علائم در چه حد از شدت و حدت برخوردارند از علم و آگاهی بشری به دور است.

چرا امام زمان روز جمعه را برای ظهور انتخاب کرده اند می توانست روزهای دیگر هفته باشد حتی می توانست روز چهارشنبه باشد جوابی غیر از تقدس جمعه وجود دارد؟

پرسش

چرا امام زمان روز جمعه را برای ظهور انتخاب کرده اند می توانست روزهای دیگر هفته باشد حتی می توانست روز چهارشنبه باشد جوابی غیر از تقدس جمعه وجود دارد؟

پاسخ

هر چند در برخی روایات (مهدی موعود، علی دوانی، باب سی و یکم و همچنین برخی ادعیه (مثل زیارت امام زمان در روز جمعه)) روز ظهور حضرت، روز جمعه بیان شده است، لکن روایات متعدد معتبر دلالت می کند که قیام حضرت در روز شنبه

که مصادف با روز عاشورا است، واقع خواهد شد، (منتخب الاثر، الفصل السادس، الباب التاسع، حدیث ۱ تا ۷، ص ۵۷۴ تا ۵۷۶).

نکته دیگر آن که باید توجه داشت که برخی چیزها سؤال بردار نیست از جمله مطلب مورد سؤال، زیرا اگر زمان ظهور آن حضرت، روزهای دیگر هفته مثلا چهارشنبه یا سه شنبه و یا... باشد، باز هم جای پرسش است که چرا روز دیگر نبود به هر حال ظهور آن بزرگوار در یک مرحله زمانی تعیین شده است. گرچه ممکن است روز جمعه - به دلیل ارزش معنوی افزون بر روزهای دیگر هفته - زمان احتمالی ظهور باشد چنان که در روایات آمده است چنان احتمال روز «شنبه» هم هست چنان که در روایات ذکر شده است «روزی که مصادف با عاشورای حسینی(ع) باشد» (ارشاد شیخ مفید، ص ۷۰۰، ترجمه شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی، چاپ اسلامیه).

آیا از وقت ظهور اطّلاع دادن صحیح است؟

پرسش

آیا از وقت ظهور اطّلاع دادن صحیح است؟

پاسخ

به جهاتی نباید خبر از وقت ظهور داد:

۱ - در هیچ روایتی به وقت دقیق وحتی غیر دقیق ظهور اشاره نشده است.

۲ - از آنجا که زمان ظهور ممکن است به جهت شرایطی تغییر پیدا کند وبه تعبیری متعلق "بداء" واقع شود وما از آن اطلاعی نداشته باشیم، لذا نباید از زمان ظهور خبر دهیم، گر چه انسان ممکن است از راه های غیر عادی به یک پرده از قضایا علم حاصل نماید.

۳ - گاهی با برخی از خبرها نسبت به ظهور که در خارج هم تحقق نیافته است مردم به اصل ظهور بدبین می شوند واصل واقعه از دید آنان بی اعتبار می گردد.

۴ - برخی از روایات، از توقیت و معین کردن وقت ظهور نهی نموده اند.

چگونگی اعلان

نخستین اقدام حضرت مهدی ۷پس از ظهور چه خواهد بود؟

پرسش

نخستین اقدام حضرت مهدی ۷پس از ظهور چه خواهد بود؟

پاسخ

آن طور که برخی نوشته اند و از روایات استفاده می شود, حضرت مهدی ۷در مکه معظّمه ظهور می کنند و تکیه به کعبه مقدس می دهند و منادی با صدای رسا ظهور حضرت را اعلان می کند, به گونه ای که کل عالم صدایش را بشنوند.

یاران خاص آن بزرگوار که تعدادشان ۳۱۳نفر است , در مدت کوتاهی خود را به حضرت می رسانند و بعداز آن حضرت دعوت خود را شروع می کنند و تغییر و تحوّلی در مسجد الحرام و اطرافش به وجود می آورند.پس از آن وارد مدینهء منوره می شوند و آن جا هم مردم را به حق و حقیقت دعوت می کنند و یک سری تغییراتی به وجود می آورند و سپس وارد کوفه می شوند در خارج کوفه مسجد بزرگی احداث می کنند. و همین طور درسایر شهرها و بلاد.(۱)

(پاورقی ۱.ابراهیم امینی , دادگستر جهان و محمد محمدی اشتهادردی , فروغ تابان ولایت , انتشاران جمکران .

امام زمان(ع) وقتی که ظهور می کند ابتدائاً چه کارهایی را انجام می دهد؟

پرسش

امام زمان(ع) وقتی که ظهور می کند ابتدائاً چه کارهایی را انجام می دهد؟

پاسخ

امام زمان(ع) در صدد ایجاد جامعه ای مبتنی بر عدالت، دین مداری و خدا محوری است. طبیعی است ایجاد چنین جامعه ای نیازمند راهکار و استراتژی های منطقی و کار آمد می باشد که این راهکارها در در مرحله انجام می گیرد:

۱ـ مرحله ابتدایی،

۲ـ مرحله دراز مدت.

امام زمان(ع) درابتدا به اجرای برنامه های متعددی می پردازد که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱ـ اعلام ظهور:

امام زمان بعد از آنکه در مکه ظهور می کند،[۱۲] این آیه را می خواند "بقیه الله خیرٌ لکم إن کنتم مؤمنین".[۱۳]

۲_ دعوت از یاران:

اما زمان(ع) بعد از اعلام ظهور یاران خویش را فرا می خواند آن گاه ۳۱۳ نفر از یاران حضرت در مکه اجتماع می کنند. هنگامی که ده هزار نفر از یاران امام(ع) آماده شدند قیام می کند. امام صادق(ع) فرمود: "و یقیم بمکّه حتی یتمّ أصحابه عشره آلاف أنفس ثم یسیر منها إلی المدینه؛[۱۴] در مکه (پس از ظهور) اقامت می گزیند تا یارانش به ده هزار نفر برسند آن گاه از مکه به سوی مدینه حرکت می کنند".

۳_ فراخوان عمومی جهت بیعت:

یکی از برنامه های مهم امام زمان(ع) فراخوان عمومی جهت بیعت است. فراخوان عمومی موجب می شود که دوستان و دشمنان حضرت مشخص گردند. بعد از دعوت امام برخی با حضرت بیعت می کنند.[۱۵] اولین کسی که با حضرت بیعت می کند جبرئیل است.[۱۶] در برخی از روایات تصریح شده است که امام زمان(ع) در هنگام بیعت یاران خویش را ملزم به رعایت به برخی از اصول و شرایط

می کنـد. امام علی(ع) فرمود: "[امام] قائم با یارانش پیمان می بنـدد و از آنان بیعت می گیرد که (به این اصول عمل کننـد) ... مسلمانی را دشنام ندهند... حریمی را هتک نکنند... کسی را به ناحق نزنند... در امر معاش به اندک بسنده کنند".[۱۷]

۴ـ قیام علیه مخالفان:

بعد از فراخوان عمومی مردم جهت بیعت با حضرت ، برخی به مخالفت حضرت پرداخته، در برابر ایشان تسلیم نمی شوند.

مخالفان امام را چند گروه تشکیل می دهند، مانند راحت طلبان جمود اندیشان کافران و منافقان.[۱۸]

متأسـفانه برخی از ظهور حضـرت خوشایند نیسـتند اگر چه ادعای پیروی می کنند. امام صادق(ع) فرمود: "چه بسیار از کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور حضرت، از او روی می گردانند".[۱۹]

منافقان و کافران نیز از ظهور حضرت خرسند نیستند. امام صادق(ع) فرمود " مشرکان و کفار از قیام مهدی ناخشنودند".[۲۰]

قیام امام زمان(ع) از مکه آغاز می شود سپس حضـرت به مدینه و کوفه می رود و بعد از پیروزی بر مخالفان حکومت عدالت گستر تشکیل می دهد که در سایه حکومت حضرت، دین خدا بر جهان حاکمیت پیدا می کند و عدالت بر قرار شده، تحول و تغییر اساسی در جامعه به وجود آمده و شهر ها و روستاها آباد شده، امنیت بر قرار می گردد.

آیا هنگام ظهور امام زمان(ع) دســتگاه های اطلاع رسانی از کار خواهــد افتاد. در این صورت امام زمان(ع) چگونه از کعبه صــدای خویش را به جهانیان می رساند؟

پرسش

آیـا هنگـام ظهور امـام زمـان(ع) دسـتگاه هـای اطلاع رسانی از کار خواهـد افتاد. در این صورت امام زمان(ع) چگونه از کعبه صدای خویش را به جهانیان می رساند؟

پاسخ

آنچه که از متون دینی اسـتفاده می شود آن است که امـام زمـان(ع) بـا مخالفـان خود بعـد از هـدایت و دعوت عمومی مبـارزه نموده و سـلاح های آنان را از کار می اندازد، اما حضـرت با وسایل و ابزار ارتباط جمعی مبارزه نکرده، بلکه از پیشـرفته ترین وسایـل ارتبـاط جمعی بهره گرفته، پیـام خویش را به جهانیـان می رسانـد. امـام زمـان(ع) از ابزار و وسایل عصـر خویش که به مراتب پیشرفته تر از ابزار وسایل این عصر است، بهره می گیرد. امدادهای غیبی نیز نقش مؤثری در اطلاع رسانی امام زمان(ع) دارد؛ از این رو این نگرش که در عصر ظهور اما م زمان وسایل و ابزار ارتباط جمعی پیشرفته از کار می افتد قابل قبول نبوده و امـام زمـان(ع) در اطلاـع رسـانی و پیـام رسـانی خویش بـا بهره گیری از پیشـرفته ترین ابزار و وسایـل اطلاع رسانی و با عنایت خداونـد، مشـکل ندارد. امروزه در زمان بسـیار محدود اخبار و گزارش ها با بهره گیری از ابزار و وسایل جمعی مانند ماهواره،

تلویزیـون، رادیو و ... مخـابره شـده و همگـان از آن بهره می گیرنـد. در هنگـام ظهور امـام زمـان(ع) ابزار ارتباطـات به مراتب پیشرفته تر بوده و حضرت از همان ابزار بهره می گیرند.

اوّلین جمله ای که امام زمان(عج اللَّه فرجه) پس از ظهور خواهند فرمود، چیست؟

پرسش

اوّلین جمله ای که امام زمان(عج اللَّه فرجه) پس از ظهور خواهند فرمود، چیست؟

پاسخ

از امام باقر(سـلام اللَّه علیه) نقل شـده است: "اولین جمله ای که حضـرت پس از ظهور می فرمایند، این آیه کریمه است: "بقیّه اللَّه خیرٌ لکم إن کنتم مؤمنین" سپس می فرمایند: "أنا بقیه اللَّه فی أرضه".(۱)

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، چاپ بیروت، ص ۱۹۲، حدیث ۲۴.

آیا روز ظهور امام زمان"عج" همه عالم صدای حضرتش را می شنوند؟ روال دنیا پس از آن چگونه خواهد بود؟

پرسش

آیا روز ظهور امام زمان"عج" همه عالم صدای حضرتش را می شنوند؟ روال دنیا پس از آن چگونه خواهد بود؟

پاسخ

سؤال شما به دو بخش مستقل تقسیم می شود:

الف) شـنیدن صـدای امام زمان(عـج) در هنگام ظهور توسط همگان روایتی که مفادش این باشد همه مردم صدای حضـرت را در وقت ظهور می شنوند، در دسترس نیست؛ یا حداقل ما ندیده ایم. از روایات فهمیده می شود قیام حضرت مهدی(ع) موجب خرسـندی همه انسان هـا و اهـل زمین و آسـمان و حتی مردگان می شود. مضـمون برخی از احادیث این است که مردم زنـده شدن مردگان را آرزو می کنند. پیامبر اکرم(ص) فرمود: "همه اهل آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات درنده و ماهیان دریا از ظهور حضرت مهدی(ع) شادمان می شوند".(۱)

امّا از چگونگی اطلاع و آگاهی همگان از ظهور حضرت به طور شفّاف سخنی به میان نیامده؛ در برخی روایات آمده است: "صیحه ای در ماه مبارک رمضان که صیحه جبرئیل است، به گوش خلائق می رسد، آن گاه منادی به نام حضرت مهدی(عج) از آسمان ندا می دهد، که هر کس در مغرب و مشرق عالم است، آن ندا را می شنود. با آن ندا همه خفتگان بیدار می شوند، همه آنان که ایستاده اند، به حالت نشسته می روند و همه نشستگان به پای می خیزند؛ در این ندا تردید نکنید و آن را شنیده و فرمان برادر باشید".(۲)

در برخی منابع این مطلب را نیز اضافه دارد: "در پی ندای آسمانی،مردگان سر از قبرها بیرون می آورند و می خواهند که در صورت امکان به دنیا برگردند".(۳)

این گروه از روایات این ندار را مربوط به پیش از ظهور و در آستانه ظهور می دانند، ولی در روایت دیگری از حضرت باقر(ع) است که: "حضرت

مهدی(ع) ظهور می کند و وارد مکّه می شود و سیصد و سیزده نفر از یاران حضرت گرد او می آیند.

در این هنگام منادی به اسم او و به فرمان او از آسمان ندا می دهد، به صورتی که همه اهل زمین آن صدا را می شنوند".(۴)

از این روایت استفاده می شود که ندای آسمانی پس از ظهور حضرت به وسیله شخص دیگری (جبرئیل یا غیر او) است، نه خود حضرت.

در هر صورت روایتی که مفادش این باشد همه صدای حضرت را می شنوند، در دسترس نیست؛ بله در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: "وقتی که قائم ما قیام کند، خداوند چشم و گوش شیعیان ما را تند کند، به طوری که میان او و شیعیان واسطه ای نباشد و هر کجا که باشند، او را ببینند و سخنش را بشنوند".(۵)

تند شدن چشم و گوش معنایش این است که قدرت بینایی و شنوایی بیشتر می شود. همان گونه که در متن روایت تصریح شده است، شنیدن صدا و دیدن حضرت بدون وسیله مخصوص شیعیان است، نه همه مردم.

ب) روال دنیا پس از ظهور امام زمان(عج) چگونه است؟

احادیث فراوانی از اهل بیت(ع) درباره جهانی بودن حکومت حضرت رسیده است؛ از آن جمله: جابربن عبداللّه انصاری می گوید: از پیامبر(ص) شنیدم: "همان گونه که خداوند شرق و غرب عالَم را در اختیار ذوالقرنین قرار داده بود، برای حضرت مهدی(ع) چنین خواهد کرد. حکومت او شرق و غرب زمین را فرا می گیرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان طور که از ظلم و ستم پر شده بود".(۶)

برای رسیدن به ویژگی های این حکومت جهانی، نگاهی کوتاه به احادیثی که در این زمینه رسیده

است می اندازیم:

۱- ساده زیستی حضرت مهدی(عج) و کارگزاران حضرت.

برخی روایات از زندگی ساده حضرت در دوران ظهور خبر می دهد؛ امام صادق(ع) به ابوبصیر فرمود: "به چه جهت برای ظهور قائم(ع) عجله می کنید؟ به خدا سوگند! لباس او درشت و خشن است و غذای او خشک است".(۷)

این ویژگی در حکومت أمیرالمؤمنین(ع) نیز به خوبی مشهود است؛ حضرت در توبیخ یکی از کارگزاران خود فرمود:"وای بر تو، من مثل تو نیستم، خداوند بر پیشوایان عدالت پیشه واجب فرموده است که خود را با مردم ناتوان اندازه گیری کنند تا نداری، فقیران را به طغیان نکشاند".(۸)

۲- رشد اقتصادی از جهات مختلف.

الف) زمین گنج ها و معدن های خود را بر حضرت عرضه می کند،(۹) همه اموال و ثروت دنیا هر چه که در زیر و یا روی زمین است، نزد حضرت جمع می شود.(۱۰)

ب) به برکت ظهور حضرت حجت(عج) آسمان باران های خود را فرو می ریزد و زمین گیاهان خود را می رویاند.(۱۱)

ج) زندگی اقتصادی مردم به سامان می رسد. امیرالمؤمنین(ع) فرمود: "بدانید که اگر از طالع مشرق (حضرت ولی عصر(عج)) پیروی کنید، شما را به پیمودن راه پیامبر(ص) می کشاند، پس آن گاه از کوری و کری و لال بودن (در امور معنوی و مسیر هدایت) نجات خواهید یافت. شما در آن دوران از رنج در طلب روزی و ستم بر دیگران در مسیر آن آسوده خواهید گشت". (۱۲)

۳- گسترش عدالت.

عدالت در حکومت حضرت مهدی(عج) چنان گسترده است که بر هیچ کس کم ترین ستمی نمی شود و همگان به حقوق خود می رسند. یکی از بارزترین نشانه های آن در حکومت جهانی حضرت این است که منادی حضرت اعلام می کند: "آنان که می خواهند طواف مستحبی به جا آورند، از محدوده

مطاف واز کنار حجر الأسود خارج شوند تا فضای مناسب برای کسانی که طوال واجب دارند باز شود".(۱۳)

امام باقر(ع) فرمود: "قائم ما (عج) در دوران ظهور، اموال بیت المال را به طور مساوی تقسیم می کند و در جامعه بشری اعم از نیکوکار و بدکار، عدالت اسلامی و اجتماعی را برقرار می کند".(۱۴)

حکومت حضرت ولی عصر ویژگی های دیگری نیز دارد.

برای آگاهی بیشتر می توانید به کتاب هایی که در خصوص این موضوع تألیف شده است مراجعه بفرمایید؛ از جمله:

۱- چشم اندازی به حکومت مهدی(عج)، نوشته نجم الدین طبسی، از انتشارات بوستان کتاب قم (دفتر تبلیغات اسلامی).

۲- سپیده امید، نوشته سید حسین اسحاقی، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، از همان انتشارات.

در مورد وضع عالم پس از حکومت حضرت مهدی(عج) روایات مختلف و متعدّد است.

پی نوشت ها:

۱. چشم اندازی به حکومت مهدی(عج)، نجم الدّین طبسی، بوستان کتاب، قم، ص ۶۶.

۲. کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم النعمانی، مکتبه الصدوق، ص ۲۵۴، ح ۱۳.

۳. مجموعه نفیس (تاج الموالید) طبرسی، صاحب مجمع البیان، ص ۷۴ (۱۵۰).

۴. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود العیاشی، مؤسسه اعلمی، بیروت، ج ۱، ص ۸۴، ح ۱۱۷.

۵. اثبات الهداه، محمّد بن الحسن الحرّ العاملی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۵۹.

۶. کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، انتشارات جامعه مدرّسین، قم، جزء ۲، ص ۳۹۴، ح ۴.

۷. کتاب الغیبه، ص ۲۳۳، ح ۲۰.

۸. نهج البلاغه، صبحی صالح، کلام ۲۰۹، ص ۳۲۵.

۹. کمال الدین و تمام النعمه.

۱۰. علل الشرایع، صدوق، مؤسسه اعلمی، بیروت، جزء ۱، ص ۱۹۲، ح ۳.

۱۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۱.

۱۲. کافی، دارالأضواء، بیروت، ج ۸، ص ۵۵، ح ۲۲.

۱۳. کافی، ج ۴،

ص ۴۲۷، ح ۱.

۱۴. علل الشرایع، جزء ۱، ص ۱۹۲، ح ۳.

زمانی که امام زمان(عج) ظهور می کند، در دنیا چه اتفاقی می افتد؟

پرسش

زمانی که امام زمان(عج) ظهور می کند، در دنیا چه اتفاقی می افتد؟

پاسخ

اتفاقاتی که در دوره ظهور امام مهدی(عج) می افتد، بسیار است. با بهره مندی از روایات اهل بیت(ع) تنها به بیان چند رخداد مهم اشاره می کنیم:

۱- اعلان ظهور: اولین حادثه ای که بعد از ظهور امام زمان(ع) شکل می گیرد، اعلام ظهور امام زمان(ع) است. ظهور حضرت به وسیله منادی آسمانی اعلام می گردد، آن گاه حضرت در حالی که به کعبه تکیه داده است، با دعوت به حق، ظهور خود را اعلام می دارد.(۱) دعوت حضرت هم به منظور اعلام ظهور حضرت است و هم به منظور فراخوان عمومی جهت پذیرش حکومت جهانی صورت می گیرد. امام علی(ع) فرمود: "هنگامی که منادی از آسمان ندا می دهد: حق از آنِ آل محمد است و اگر طالب هدایت و سعادت هستید، به دامان آل محمد چنگ زنید، حضرت مهدی(عج) ظهور می کند".(۲)

۲- رجعت و بازگشت برخی از مؤمنان صالح و پیامبران الهی مانند حضرت عیسی(ع) که در رکاب حضرت مهدی(عج) خواهند بود و در قیام و مبارزه او با ستمگران شرکت دارند.

۳- مبارزات امام زمان(عج): یکی از حوادث مهم که بعد از ظهور امام زمان(ع) به وجود می آید، مبارزه امام با دشمنان و مخالفان ظهور است. برخی از افراد و گروه ها حکومت عدالت گستر امام زمان(ع) را بر نمی تابند و با حضرت به جنگ می پردازند. مخالفان امام را افراد و گروه های مختلف تشکیل می دهند(۳) و سیاست امام در برابر آن ها متفاوت است.

امام زمان(ع) نخست همگان را به دین و صلح فرا می خواند و با مدارا با آن ها رفتار می نماید.

امّا دشمنان دعوت امام را نادیده می گیرند و به جنگ با امام می پردازند. امام

با بهره گیری از همه قدرت و امکانات، با دشمنان برخورد می کند، و جنگ سختی به وقوع می پیوندد.(۴) از جمله جنگ امام زمان(عج) با دجال(۵) و سفیانی.(۶)

۴- پیروزی امام زمان(عج): در این درگیری ها سرانجام حضرت پیروز می شود. در برخی روایات از پیروزی امام بر شرق و غرب،(۷)، جنوب و قبله(۸) گزارش شده است.

امام باقر(ع) فرمود: "حضرت قائم از ما است و فرمانروایی حضرت شرق و غرب را فرا می گیرد".(۹) از پیامبر اسلام(ص) گزارش شده است که حضرت مهدی(عج) لشکریانش را به سراسر زمین گسیل می دارد.(۱۰)

۵- تشکیل حکومت جهانی و برچیده شدن مرزهای جغرافیایی:

امام مهدی(عج) حکومت جهانی تشکیل می دهد و مرزهای جغرافیایی را بر می چیند. این حکومت همان حکومت آرمانی موعود است که از آن در روایات گاهی به مدینه "فاضله" سخن گفته شده است.(۱۱) گاهی به جامعه مطلوب و گاهی به "دولت کریمه" یاد شده است.

حکومت جهانی امام زمان(ع) از مؤلّفه ها و شاخصه هایی برخوردار است که تحقق هر کدام از آن ها می تواند یکی از حوادث بعد از ظهور امام زمان(ع) محسوب شوند، از جمله:

أ) گسترش عدالت:

یکی از ویژگی های حکومت امام زمان(ع) عدالت است. عدالت عنصر گم شده ای است که همگان دنبال آن هستند. این گمشده در حکومت امام زمان تحقق پیدا می کند.

پیامبر اسلام فرمود: "یملاء الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئتْ ظلماً و جوراً"؛(۱۲) امام زمان(ع) حکومت را به گونه ای سازماندهی می کند که دیگر واژه ستم از ذهن ها رخت بر می بندد و کسی به دیگری ظلم نمی کند؛

ب) گزینش کارگزاران شایسته:

طبیعی است که حکومت آرمانی امام زمان(ع) که رهبری آن را امام مصلح و پارسا بر عهده دارد، کارگزاران آن نیز از صالحان و پارسایان

خواهند بود، از این رو در روایات آمده است که دولت امام زمان(ع) را برخی از پیامبران و جانشینان آنان و صالحان و از اصحاب پیامبر اسلام(ص) تشکیل می دهند. حضرت عیسی(ع) به امام زمان(ع) می گوید: "من به عنوان وزیر فرستاده شده ام؛ نه امیر و فرمانروا".(۱۳)

۶- رشد آگاهی و دانش:

یکی از حوادث بسیار مهم رشد دانش و صنعت در عصر امام زمان(ع) است. دوره ظهور دوران گسترش علم و دانایی است و مدینه فاضله اسلامی "مدینه العلم" است. با آمدن آن منجی همان گونه که ظلم جای خود را به عدل و داد می دهد، دانایی و فرزانگی جایگزین جهل و نادانی می شود و جهان از نور عقل و دانش آکنده می گردد.(۱۴)

۷- رشد عقل و خرد ورزی: در این دوره بشر به حاکمیت عقلانیت نایل می گردد.

در روایات آمده است که در عصر ظهور حضرت مهدی(عج) برکات خداوندی به بشر ارزانی داشته و دست رحمت ایزدی بر عقل های مردم کشیده می شود و مردم از نظر عقل و بصیرت در وضع بی مانندی قرار می گیرند.(۱۵)

۸- رفاه اقتصادی و معیشتی: به فرموده پیامبر اسلام(ص) در دوره حضور حضرت مهدی(عج) مردم به نعمت هایی نایل می گردند که در هیچ زمانی سابقه ندارد. برای همگان برکات الهی از آسمان نازل می شود و زمین چیزی از روییدنی های خود را پنهان نمی کند.(۱۶)

سطح رفاه زندگی در این دوره به حدّی است که طبق روایات رسیده از امام صادق(ع) در این دوره فقیری یافت نمی شود تا مردم زکات اموالشان را به او بدهند.(۱۷)

۹- برقراری امنیت اجتماعی: در این دوره امنیت اجتماعی به نحو کامل برقرار می گردد. به گونه ای که اگر زنی به تنهایی بخواهد از عراق

به شام مسافرت نماید، در مورد امنیتش هیچ ترس و دلهره ای ندارد.(۱۸)

۱۰- رشد تربیتی و شکوفایی فرهنگی و اخلاقی: در این دوره افراد به رشد تربیتی و اخلاقی و جامعه به بالاترین درجه تعالی و شکوفایی نایل می گردند. امام علی(ع) فرمود: "چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها زدوده می شود".(۱۹) امام باقر(ع) فرمود: "هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند قوای فکری مردم را تعالی می بخشد و اخلاق آنان را به کمال می رساند".(۲۰)

در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است که "در دوره ظهور، دوستی و یگانگی بین مؤمنان در نهایت خود قرار می گیرد، به گونه ای که هر کس نیازمند باشد، بدون هیچ ممانعتی از جیب دیگری پول بر می دارد (و دیگری هم از این کار راضی است".(۲۱)

برای اطلاع بیشتر در این مورد به کتاب عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، پژوهشی در انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج)، تألیف محمد حکیمی مراجعه نمایید.

پی نوشت ها:

۱. نجم الدّین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۶۴ – ۶۵.

۲. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۲۴.

۳. نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۱؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۳۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

۴. نجم الدین طبسی، همان، ص ۱۳۸.

۵. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۰.

۶. همان.

۷. صافی، همان، ص ۴۷۰ – ۴۷۱.

۸. نجم الدّین طبسی، همان، ص ۱۱۹.

۹. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۵۹؛ ینابیع الموده، ص ۴۸۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸.

۱۰. القول المختصر، ص ۲۳، با اقتباس از: نجم الدین طبسی، همان، ص ۱۲۱.

۱۱. مجله حوزه، ویژه امام زمان، ص ۱۳۴ به بعد.

۱۲. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۷۵.

۱۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۸۳.

۱۴. لطف

اللّه صافی، منتخب الاثر، ص ۶۰۷.

۱۵. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۵۱.

۱۶. همان، ج ۵۱، ص ۷۸.

۱۷. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۱۸. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۱۹. همان، ص ۴۸۴.

۲۰. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲۱. مفید، اختصاص، ص ۱۹.

آیا زمانی که حضرت مهدی((علیه السلام)) ظهور کرد سخن وی را تمام مردمان کره زمین می شنوند؟

پرسش

آیا زمانی که حضرت مهدی((علیه السلام)) ظهور کرد سخن وی را تمام مردمان کره زمین می شنوند؟

پاسخ

در کتابهای مربوط به شرح حال حضرت قائم آل محمّد((صلی الله علیه وآله)) و در احادیث راجع به آن بزرگوار و چگونگی ظهور نقل شده است که آن حضرت به صدایی که همه ی عالم بشنوند از مکّه خود را معرّفی می کند و مردم رابه سوی خود دعوت می کند و در روایتی که از حضرت صادق((علیه السلام)) نقل شده است چنین آمده که آن حضرت فرمود اهل هر زبانی آن ندارا(به قدرت حق تعالی) به زبان خود می شنود. و نیز از آن حضرت روایت شده است که: چون قائم ما قیام کند خداوند گوش و چشم شیعیان ما را چنان تقویت می کند که بین آنها و امام((علیه السلام)) پُست و پیک وجود نداشته باشد به گونه ای که وقتی امام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بینند در حالی که امام در جایگاه خود قرار دارد(۱).

پاورقی

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶.

در زمان ظهور حضرت حجّه((علیه السلام)) مؤمنین از راه دور چگونه با حضرت ارتباط برقرار می کنند؟

پرسش

در زمان ظهور حضرت حجّه((علیه السلام)) مؤمنین از راه دور چگونه با حضرت ارتباط برقرار می کنند؟

پاسخ

در زمان ظهور حضرت حجّه((علیه السلام)) طبق احادیثی که نقل شده است، مردم و مؤمنین در عصر ظهور به راحتی حضرت را از دور دیده و صدای او را می شنوند.

از امام باقر((علیه السلام)) روایت شده است(۱) که فرمودند: چون قائم ما قیام نماید خداوند چشم و گوش شیعیان ما را چنان تقویت نموده که بین آنها و امام پُست و پیک وجود نخواهد داشت به گونه ای که وقتی امام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بینند و امام در جایگاه خود قرار دارد. و نیز در روایتی دیگر آمده است که امام صادق((علیه السلام)) فرمودند: «در زمان قائم شخص مؤمن در حالی که در مشرق بسر می برد، برادر خود را که در مغرب است دیده و نیز آنکه در مغرب است برادر خویش را در مشرق خواهد دید(۲).

پاورقی

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶.

۲ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

در عصر ظهور حضرت مهدی چه حوادثی اتفاق می افتد

پرسش

در عصر ظهور حضرت مهدی چه حوادثی اتفاق می افتد

پاسخ

در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام حوادثی در قبل و بعد از ظهور اتفاق می افتد که توضیح همه آن ها وقت زیادی را می طلبد. اما به هر حال، همه مردم جهان در زمان ظهور، از نام و وجود حضرت اطلاع پیدا می کنند. عده ای طرفدار و حامی حضرت هستند و عده دیگری دشمن آن بزرگوار می باشند اما به تدریج حکومت حضرت فراگیر شده و تمام جهان را

فرا می گیرد. از جمله حوادث این است که حضرت وارد حجاز و سرزمین مکه شده و به دیوار کعبه تکیه داده و برای تمام مردم جهان سخنرانی می نمایند به گونه ای که همه مردم جهان او را می بینند (مثلا از طریق تلویزیون و ماهواره و پخش مستقیم).

آیا امام زمان هنگام ظهور از طریق معجزه با همه مردم ارتبات بر قرار میکند یا ممکن است با استفاده از شبکه اینترنت؟

پرسش

آیا امام زمان هنگام ظهور از طریق معجزه با همه مردم ارتبات بر قرار میکند یا ممکن است با استفاده از شبکه اینترنت؟

پاسخ

در پاسخ به پرسش فوق توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است:

۱ – هنگام ظهور امام زمان علیه السلام برای هیچکس روشن و معین نیست. چه بسا دهها سال وشاید صدها سال دیگر با ظهور فاصله داشته باشیم. از سوی دیگر قافله علم و تکنیک در این دهه های اخیر چنان شتابان و با سرعت پیش می رود که دستاوردهای تکنولوژی پس از مدتی جای خود را به دیگری می دهند. پس شبکه اینترنت که در این دوران از کارآیی و شمول فراوانی برخوردار است چه بسا در آینده ای نزدیک جای خویش را به تکنیکی برتر دهد و از آن تنها نامی در تاریخ تمدن بشر باقی بماند. پس سزاوار است سؤال فوق با عنایت به این نکته بدین شکل طرح گردد که آیا امام زمان علیه السلام هنگام ظهور برای ارتباط با مردم از معجزه استفاده خواهد نمود، یا از دستاوردهای تکنولوژیک در آن هنگام نیز بهره مند خواهد شد؟

۲ – در برخی از روایات سخن از شیوه ای خارق العاده برای ارتباط میان مؤمنان در عصر ظهور امام زمان(ع) به میان آمده است. امام صادق(ع) می فرماید: «مؤمن در زمان مهدی علیه السلام در مشرق زمین زندگی می کند، در حالیکه برادر خود را در غرب می بیند، و همچنین آنکس که در غرب است برادر خویش را در شرق می بیند».۱ در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمود: «هنگامیکه قائم ما علیه

السلام ظهور نماید خداوند به گوش و چشم شیعیان ما توسعه خواهد داد بگونه ای که میان آنان نامه رسان و پیغام بری نخواهد بود، او با آنان سخن می گوید، در حالیکه در مکان خود است، و شیعیان سخنان او را می شنوند و او را نیز می بینند.»۲

(۳) معجزه امری خارق العاده است که خارج از چارچوب اسباب و علل مادی و طبیعی می باشد، و سیره و تاریخ پیامبران و امامان علیهم السلام بر این نکته گواهی می دهد که ایشان از معجزه تنها در مواردی خاص، و برای اثبات حقانیت خویش بهره گرفته اند و زندگانی عادی و روزمره آنان بر اساس اعجاز و امور غیر طبیعی سپری نگشته است. پس اگر چه نمی توان انکار معجزه را در مورد امام زمان(ع) در موارد خاص و ضروری نمود؛ ولی از سوی دیگر نمی توان ادعا کرد که آن حضرت در امور روزمره خود پیوسته از این شیوه استفاده می نماید.

۴ - بی تردید امام زمان علیه السلام با ظهور خود دنیای مادی و معنوی انسانها را به سوی آبادانی و شکوفایی سوق خواهد داد، و نه تنها دستاوردهای علمی و تکنولوژیک بشریت را از میان نخواهد برد، و جهان را به عصر پیشینیان باز نخواهد گرداند؛ بلکه بر سرعت و شتاب علم خواهد افزود و مجهولات فراوانی را برای آنان روشن و معلوم خواهد ساخت.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «دانش بیست و هفت حرف می باشد که تمام آنچه پیامبران آورده اند دو حرف بوده است، و مردم نیز تا کنون جز ایندو حرف را نمی

شناسند، پس چون قائم علیه السلام ظهور نماید بیست و پنج حرف دیگر را آشکار خواهد کرد و میان مردم گسترش خواهد داد...»۳

نتیجه سخن آنکه: هر چند امام زمان علیه السلام برای اتمام حجت و بیان حقیقت - بخصوص در آغاز دعوت خویش از معجزه و کرامت استفاده خواهد نمود، ولی سعادت مادی و معیشتی انسانها را که مورد وعده الهی در عصر ظهور او می باشد، با امور غیر طبیعی سامان نخواهد داد. پس او نه تنها از دستاوردهای علمی بشر استفاده خواهد کرد، بلکه بر توسعه کمی و کیفی آنها نیز بسیار خواهد افزود.

پی نوشت ها:

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ج (۵۲)، ص (۳۹۱).

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، آخوندی، تهران، ج (۸)، ص (۲۴۱).

۳. مجلسی، همان، ج (۵۲)، ص (۳۳۶).

می گویند: وقتی امام زمان غ ظهور می فرماید، تمام "دستگاه های جدید" از کار می افتد. آیا در این باره در قرآن سخنی به میان آمده و یا حدیثی از ائمه وارد شده است لطفاً حدیث را بیان کنید. در ضمن بفرمایید امام زمان غ هنگامی که در کنار خانه کعبه قرار می گیرد،

پرسش

می گویند: وقتی امام زمان غ ظهور می فرماید، تمام "دستگاه های جدید" از کار می افتد. آیا در این باره در قرآن سخنی به میان آمده و یا حدیثی از ائمه وارد شده است لطفاً حدیث را بیان کنید. در ضمن بفرمایید امام زمان غ هنگامی که در کنار خانه کعبه قرار می گیرد، چگونه صدایش را به جهانیان خواهد رساند؟

پاسخ

این که نوشته اید: "دستگاه های جدید هنگام ظهور از کار می افتد" خوب بود می نوشتید چه کسی آن را گفته و یا این مطلب را در چه کتابی دیده اید، زیرا در قرآن و روایات این مطلب نیامده است

در قرآن کریم به این مطلب اشاره شده است که با آمدن حضرت مهدی غ زمین اباد می شود: "اعْلَمُوٓاْ أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛(حدید،۱۷) بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند." امام باقر۷ در این باره می فرماید: "خداوند زمین را به وسیله حضرت مهدی غ زنده می کند، بعد از آن که مرده باشد."(تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۳، ص ۳۴۳، نشر دارالکتب الاسلامیه)

در هر صورت اگر مقصود شـما از "دسـتگاه های جدیـد"، سـلاح های جنگی است که در این باره آن چه در قرآن و روایات آمـده مطالبی است که دلالت بر پیروزی آن حضـرت دارد و این که آن حضـرت با شمشـیر قیام می فرمایـد، امام باقر۷ فرموده انـد: "مهدی از این جهت با جدش محمد۶ شـباهت دارد که با شمشـیر قیام می کند و گمراه کنندگان و دشمنان خدا و رسول را به قتل می رساند. با شمشیر و ترس نصرت می یابد و هیچ یک از پرچم هایش شکست خورده برنمی گردد." هر چند با

توجه به این که سیره انبیا و ائمّه این بوده است که از نظر امکانات مادی مطابق عرف روز جوامع حرکت می کرده اند مقصود از قیام با شمشیر به احتمال زیاد، مسلحانه بودن قیام است ولی به هر حال هیچ اشاره ای به از کار افتادن سلاح های جدید ندارد.(بحارالانوار، علامه مجلسی ج ۵۱، ص ۲۱۸، نشر وفأ، بیروت)

و اگر مقصود شما از "دستگاه های جدید"، دستگاه هایی است که محصول تکنولوژی جدید در زمینه طب ّو رسانه و... است چنان که آخر پرسش شما گویای این مطلب است باید گفت الف نه تنها دلیلی بر این مطلب نداریم بلکه از احادیث استفاده می شود که با آمدن ایشان علوم پیشرفت شگفت انگیزی می کند، در عصر مهدی غ عقول مردم کامل می گردد و سطح معلومات عمومی بالا می رود، به گونه ای که زن ها در خانه خویش از عهده قضاوت بر می آیند.

امام صادق فرمود: علم و دانش به بیست و هفت قسمت تقسیم شده اما تا کنون بیش از دو قسمت آن در دسترس بشر قرار نگرفته است وقتی قائم ما قیام نمود، بیست و پنج قسمت دیگر را آشکار می کند و در بین بشر پخش می نماید.(بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۲، ص ۳۳۶.) این روایت شاهد خوبی است که نه تنها در زمان ظهور، دستگاه های جدید از کار نمی افتد، بلکه پیشرفته تر و متکامل تر نیز می شوند.

ب با توجه به مطالب بالا جواب این پرسش که صدای حضرت مهدی غ چگونه به همه جهانیان خواهد رسید، روشن می شود، زیرا در روایت آمده است که امام صادق فرمود: "آری

به خدا سوگند، ندای آسمانی حق است به طوری که هر قومی آن سخن را با زبان خودشان خواهند شنید." این مطلب هم امکان دارد به صورت معجزه صورت گیرد و هم ممکن است از طریق رسانه ها و ترجمه انجام شود.(دادگستر جهان ابراهیم امینی ص ۳۱۴۳۲۰، نشر شفق)

آیا در قرآن کریم و احادیث امامان معصوم ، در مورد چگونگی انتقال پیام امام زمان غ از کعبه و رسیدن این پیام به گوش جهانیان مطلبی آمده است

پرسش

آیا در قرآن کریم و احادیث امامان معصوم ، در مورد چگونگی انتقال پیام امام زمان غ از کعبه و رسیدن این پیام به گوش جهانیان مطلبی آمده است

پاسخ

آن چه به جزئیات ظهور حضرت مهدی غ مربوط می شود، تا اندازه ای در روایات ائمه به آن اشاره شده است و در قرآن کریم کلیّاتی مانند بشارت به قیام آن حضرت (نور، ۵۵) اهداف او (زمر، ۶۹) و... آمده است امّا درباره رسیده پیام امام به گوش جهانیان به ویژه آن ندایی که پیش از هر چیز، حضرت مهدی را به جهانیان معرفی می کند، در روایات ویژگی هایی بیان شده که انسان شگفت زده می شود. برخی ویژگی های این ندا که حضرت را معرفی می کند و از علایم ظهور می باشد، به قرار زیر است

۱. هر صاحب گوشی آن را می شنود.

۲. هر قومی آن ندا را به زبان خود می فهمد.

۳. انسان ها هنگام شنیدن سرا پا گوش هستند، مانند شخصی که کبوتر روی سر آن ها نشسته باشد(الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب علی یزدی ج ۲، ص ۲۲۵، نشر...)

۴. همه از یکدیگر می پرسند چه می شنویم (همان)

۵. ندا از آسمان است (الغیبه نعمانی ص ۲۶۵، نشر مکتبه الصدوق تهران)

۶. منادی جبرئیل است (همان ۲۶۳)

امّا درباره سخن خود حضرت چیزی جز آن که همگان می شنوند، وارد نشده است

بیعت

هنگام ظهور امام زمان(ع) چه کسی اول با خبر می شود؟

پرسش

هنگام ظهور امام زمان(ع) چه کسی اول با خبر می شود؟

پاسخ

در روایت از اولین بیعت کننده صحبت به میان آمده که حضرت جبرئیل است و بعد از او ۳۱۳ نفر از یاران و اصحاب حضرت با او بیعت می کنند.

امام صادق(ع)فرمود: "وقتی خداونـد به حضـرت قائم(ع) اجازد ظهور داد، حضـرت روی منبر قرار می گیرد، و مردم را دعوت به خود می کند، خداوند جبرئیل را به طرف حضـرت می فرسـتد. جبرئیل در حطیم و در مسجد الحرام" فرود می آید و عرض می کند: به چه چیز دعوت می کنی؟ حضـرت مسئله ظهور خود را به او خبر می دهد. جبرئیل می گوید: من اولین کسی هستم که با تو بیعت می کنم. دسـتت را باز کن. پس جبرئیل دست حضـرت را مسح می کند. بعد از او سـیصد واندی نفر با حضرت بیعت می کنند".(۱)

حضـرت در روایت دیگر فرمود: "اولین کسـی که با قائم بیعت می کنـد، جبرئیل است که به صورت پرنده سـفیدی از آسـمان فرود می آیـد و با بیعت می کن، آنگاه یک پای خود را روی خانه خـدا در مکه و پای دیگر را روی بیت المقدس می گذارد و با صدای رسا و فصیح به طوری که تمام مردم روی زمین بشـنوند میگوید: "فرمان خدا برای مجازات مشرکان و مجرمان فرا رسیده است، بریا آن عجله نکنید".(۲)

پی نوشت ها:

۱ – لطف اللّٰه صافی، منتخب الاثر، ص ۵۸۰.

۲ – علی دوانی، مهدی موعود، ص ۱۰۷۴.

در موقع ظهور امام زمان(عج) اولین کسی که با او بیعت می کند، کیست؟

پرسش

در موقع ظهور امام زمان(عج) اولین کسی که با او بیعت می کند، کیست؟

پاسخ

پس

در روایتی از امام صادق(ع) آمـده است که: "امام مهـدی(عج) آن گاه که ظهور کند، تکیه به خانه خدا می دهد و دسـتش را دراز می کند و نوری از آن می جهد و می گوید: این دست خدا و از جانب خدا و به امر خدا است. سپس آیه ده سوره فتح را می خوانـد (که معنایش این است: کسانی که با تو بیعت می کننـد در حقیقت با خـدا بیعت می کننـد؛ دست خدا بالای دسـت هـای آنـان است، پس هر که بیعت را بشـکند، کـاری به زیـان خود نموده است). اولین کسـی که دست او را (برای بیعت) می بوسد، جبرئیل است و سپس سایر فرشتگان، پریان و انسان ها با او بیعت می نمایند".(۱)

پی نوشت ها:

۱. علامه مجلسی، مهدی موعود، ص ۱۱۵۴.

اولین کسـی که با امام زمان(ع) بیعت می کنـد، حضـرت جبرئیل است و پس از او ۳۱۳ نفر یاران اولیه حضـرت با او بیعت می کننـد. امـام صادق(ع) فرمود: "هنگامی که حضـرت ظهور می کنـد و مردم را به بیعت خود دعوت می کنـد، جبرئیل نازل می شود و می گوید: من اوّلین کسـی هسـتم که با تو بیعت می کنم. دسـتت را باز کن. بعد جبرییل دست حضرت را مسح کرده و بیعت می کند".

امام زمان(ع) چگونه با امت خود بیعت خواهد کرد؟

پرسش

امام زمان(ع) چگونه با امت خود بیعت خواهد کرد؟

پاسخ

شیخ طوسـی در کتاب غیبت از حضـرت امام باقر(ع) روایت می کند که فرمود: سـیصد و چند نفری که به شماره اصحاب بدر خواهنـد بود در بین رکن و مقام با مهـدی(ع) بیعت خواهنـد کرد. این عده را مردمان نجیب مصـر و مردان دلاور شام و خوبان اهل عراق تشکیل می دهند.

همچنین نویسـنده کتاب ارشاد از امام صادق(ع) روایت می کند که فرمود: موقعی که خدای توانا به حضرت مهدی موعود(ع) اجاز? خروج دهد آن بزرگوار مردم را به جانب خود دعوت می نماید. آنان را به خدا قسم می دهد و به سوی حق دعوت می کند.

در همین موقع است که خـدای توانـا جبرئیـل(ع) را نزد قـائم می فرسـتد. جبرئیـل به آن حضـرت می گویـد: جریـان دعوت تو چگونه است؟ مهدی(ع) جریان دعوت خود را برای وی شرح می دهد.

جبرئیل خواهد گفت: من اولین کسی هستم که با تو بیعت می کنم، دست خود را بگشای: آن گاه جبرئیل دست آن حضرت را مسح خواهد کرد. پس از این جریان است که تعداد سیصد و سیزده (۳۱۳) نفر با آن بزرگوار بیعت خواهند کرد. همین که ایشان با مهدی بیعت کردند آن حضرت در مکه توقف می کند تا تعداد اصحاب او به ده هزار (۱۰۰۰۰) نفر برسد و از مکه متوجه مدینه گردد.

در کتاب ملاحم و فتن از حضرت علی(ع) روایت می کند که فرمود: حضرت قائم از یاران خود بیعت می گیرد و با ایشان شرط می کند که : زنا نکنند، سرقت ننمایند، به مسلمانی فحش نگویند، به هیچ منزلی هجوم نکنند، کسی را بدون حق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو احتکار ننمایند، مال

یتیم را نخورنـد، دربار? چیزی که علم ندارنـد شـهادت ندهنـد، مسـجدی را خراب نکننـد، مایعات مست کننده نیاشامند، بوی خـوش استشـمام نماینـد، از نجاست دوری کننـد، امر به معروف و نهی از منکر نماینـد، در موقع خواب صورت خود را روی خاک بگذارند، در راه خدا آن طور که باید و شاید جهاد کنند.

از سوی دیگر حضرت با یاران خود شـرط می کند: هر جا که اصـحاب آن حضـرت بروند او نیز با ایشان باشد، هر لباسـی که آنان می پوشند آن بزرگوار هم بپوشد، آن طور که آنان سوار می شوند آن حضرت هم سوار شود، مهدی با اراد? آنان موافق باشـد، به چیزی قلیل و انـدک قانع باشـد، زمین را به حول و قو? خـدا پر از عـدل و داد کند آن طور که پراز ظلم و سـتم شده باشد، خدای را آن طور که باید و شاید عبادت کند، حاجب و دربانی نداشته باشد.(۱)

پی نوشت:

۱ – محمد جواد نجفی، ستارگان درخشان، ج ۱۴، ص ۴۷ – ۴۹.

اوّل کسی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کند چه کسی است؟

پرسش

اوّل کسی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کند چه کسی است؟

پاسخ

مطابق روایات، اول کسی که با حضرت مهدی (ع) بیعت می کند جبرئیل است.

ابان بن تغلب از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "همانا اول کسی که با قائم (ع) بیعت می کند جبرئیل است...".

طبرسـی از ابی عبداللّه (ع) نقل کرده که در حدیثی فرمود: "...پس خداوند عزّوجلّ جبرئیل را می فرستد تا نزد او آمده وسؤال کنـد، به او می گویـد: به چه چیزی دعوت می کنی؟ قائم او را از ماهیت دعوت خبر می دهـد. جبرئیل می گوید: پس من اوّل کسی هستم که با تو بیعت می کنم. آن گاه می گوید: کف دستت را بده، وآن را بر دست خود مسح می کند...".

{پاورقی . احتجاج، ص ۴۳۱. پاورقی}

در اینکه بیعت جبرئیل به چه معنا است، دو احتمال وجود دارد:

۱ – معنـای رمزی: به این معنـا که مقصود از آن تأییـد الهی برای حضـرت است، زیرا جبرئیـل بزرگ ترین نماینـده الهی است. ولی این معنا در صورتی صحیح است که حمل بر معنای صریح وظاهر آن ممکن نباشد، در حالی که چنین نیست.

۲ – معنای رایـج: به این معنا که مقصود به بیعت همان معنای رایج آن است که مردم با خلیفه ودیگران انجام می دهند. وفایده آن دو چیز است:

الف. توجه مردم به لزوم بیعت با حضرت.

ب. تأیید حرکت وقیام امام زمان (ع).

آیا جبرئیل بعد از وفات رسول خداصلی الله وعلیه وآله عهد کرده که بر زمین نازل نشود؟

پرسش

آیا جبرئیل بعد از وفات رسول خداصلی الله وعلیه وآله عهد کرده که بر زمین نازل نشود؟

پاسخ

اربلی در "کشف الغمه" از امـام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "جبرئیل نزد رسول خـدا (ص) به جهت عیادت آمـد وعرض کرد: سلام بر تو ای محمّد! این آخرین روزی است که به سوی دنیا فرود می آیم".

{پاورقی . کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۸ّ۱۹. پاورقی}

ونیز از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود: "هنگامی که وفات رسول خـدا (ص) نزدیک شـد... در آن هنگام جبرئیل گفت: ای محمّد! این آخرین نزول من به دنیا بود...". {پاورقی . همان. پاورقی}

اولاً: همه این روایات مقید به قیدی است وآن اینکه تا مادامی که مصلحتی در بین نباشد.

ثانیـاً: مقصود جبرئیـل آن بود که به جهت نزول وحی دیگر بعـد از وفـات پیـامبر نـازل نمی شود، زیرا شـریعت با رحلت ایشان کامل خواهد شد.

ثالثاً: بر فرض تعارض، روایات نزول حضرت جبرئیل وبیعت با امام زمان (ع) از حیث تعداد بیشتر بوده واز حیث سند صحیح تر است.

آیا با امام زمان علیه السلام از روی اکراه بیعت می شود؟

پرسش

آیا با امام زمان علیه السلام از روی اکراه بیعت می شود؟

پاسخ

در برخی روایات فریقین اشاره شده که حضرت با اکراه با مردم بیعت می کند ویا اینکه مردم با اکراه با او بیعت می کنند.

قتاده از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: "مهدی از مدینه به سوی مکه خروج می کند، مردم از او می خواهند که از بینشان خروج کند، پس با او بین رکن ومقام در حالی که کراهت دارد بیعت می کنند...".

{پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲. پاورقی}

زراره از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "به اسم قائم ندا داده می شود، پس او می آید وپشت مقام قرار می گیرد. به او گفته می شود: به تحقیق به اسم تو ندا داده می شود، منتظر چه چیزی هستی؟ دست او گرفته شده، با او بیعت می شود. زراره می گوید: الحمد للّٰه، ما می شنیدیم که قائم (ع) با کراهت بیعت می کند (می شود) ووجه استکراه او را نمی دانستیم، ولی دانستیم این استکراهی است که گناهی درآن نیست".

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۴۰. پاورقی}

ممکن است مقصود به استکراهی که حضرت نسبت به بیعت مردم دارند این باشد که از آنجا که مظلومان از آن حضرت تقاضای رفع ظلم می کنند لذا حضرت از روی تواضع در ابتدا استکراهی از خود نشان می دهند.

خصوصاً آنکه این کار باید به اذن واراده ومشیّت خداوند صورت پذیرد.

چه کسانی با حضرت مهدی علیه السلام بیعت خواهند کرد؟

پرسش

چه کسانی با حضرت مهدی علیه السلام بیعت خواهند کرد؟

پاسخ

کسانی که با حضرت بیعت خواهند کرد به ترتیب عبارت اند از:

۱- جبرئیل امین (ع).

۲- اصحاب خاص حضرت.

۳- اصحاب عام حضرت.

۴- کسانی که در مکه حاضر بوده وبه او ودعوتش اعتماد واطمینان پیدا می کنند.

راه شناخت حضرت

آیا وقتی امام زمان (ع) ظهور می کند، چهره او را می شناسیم؟

پرسش

آیا وقتی امام زمان (ع) ظهور می کند، چهره او را می شناسیم؟

پاسخ

وقتی حضرت امام زمان (عج) ظهور می کنند، خود را به مردم معرفی می نمایند و هم می فرمایند: "من مهدی موعود هستم. از این رو همه آن بزرگوار را خواهند شناخت. رسول خدا (ص) فرمود: "در موقع آمدن قائم (عج) گوینده ای از آسمان بانگ می زند: ای مردم! زمان حکومت جباران به پایان رسید، ولیّ امر بهترین امت محمد (ص) قیام کرده است. در مکه به وی ملحق شوید. آن گاه نجبا از مصر و ابدال از شام و دسته های عراق که شب ها را به عبادت مشغول و روزها را همچون شیر می باشند و دل هاشان مثل پاره های آهن است، بیایند و در بین رکن و مقام با وی بیعت کنند". (۱)

پی نوشت ها:

۱ - علی دوانی مهدی موعود (ترجمه، ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ بحارالانوار، ص ۱۰۹.

وقتی که امام زمان (عج) ظهور می کنند مردم از کجا بفهمند که او امام است ؟

پرسش

وقتی که امام زمان (عج) ظهور می کنند مردم از کجا بفهمند که او امام است ؟

پاسخ

از روایـات اسـتفاده می شود که مردم زمـان ظهور، از آگـاهی و معلومات بالایی برخوردارنـد و چون علایم امام حق و مصـلح موعود را می داننـد، در زمان ظهور پی به حقانیت آن بزرگوارخواهنـد برد .در روایتی نیز آمـده است که تعـدادی از یاران آن حضـرت درابتـدای ظهـور، در سراسـر زمین گردش می کننـد و چون صـفات و مشـخصاتی که در حضـرت هست و قـدرت و عظمتی که خداونـد به او عنایت کرده درهیـچ کس دیگر نمی یابنـد، یقین پیـدا می کننـد که آنچه خداونـد وعـده داده اسـت همین وجود مکرم است . ازاین رو با حضرت بیعت نموده و در رکابش جانفشانی می کنند.;

هنگام ظهور حضرت مهدی((علیه السلام)) چگونه مردم، می فهمند که آن حضرت مهدی((علیه السلام)) است در صورتی که وی غائب بوده و مردم وی را ندیده اند؟

پرسش

هنگام ظهور حضرت مهدی((علیه السلام)) چگونه مردم، می فهمند که آن حضرت مهدی((علیه السلام)) است در صورتی که وی غائب بوده و مردم وی را ندیده اند؟

پاسخ

ظهور آن حضـرت همراه با دلیلهای روشن و قاطعی است که ارتباط آن حضـرت را با جهان ملکوت وامامت وی را روشن می سازد به گونه یی که مردم با اینکه وی را ندیده اند به اینکه وی همان مصلح موعود است یقین خواهند کرد. در روایتی که از امام صادق((علیه السـلام)) نقل شده است حضـرت به تفصل بن عمر و جعفی که از حضرت همین پرسش را داشت حضرت با اشاره به خورشـید که نور آن داخل ایوان منزل امام((علیه السلام))می تافت، فرمودند: ای مقضّل، آیا این خورشید را می بینی؟ گفت: آری، فرمود: سوگند به خداوند امر قائم ما از این خورشید روشن تر است.

امام زمان(عج) وقتی ظهور می کنند می گویند یک پرچم در دست دارند و روی پرچم جمله ای نوشته شده است آن جمله چیست؟

پرسش

امام زمان(عـج) وقتی ظهور می کننـد می گوینـد یک پرچم در دست دارند و روی پرچم جمله ای نوشـته شده است آن جمله چیست؟

پاسخ

در مورد سؤالی که فرمودید روایات مختلفی در کتب روایی هست که به یک روایت از حضرت علی(اشاره می کنیم.

از امیر مؤمنان(روایت است که :

"برای ما اهلبیت پرچمی هست که هر کس بر آن پیشی بگیرد دزدیده می شود، هر کس از آن عقب بماند هلاک می گردد و هرکس از آن پیروی کند به آن می پیوندد، ...ЉЅِآن پرچم نوشته می شود : "البیعه لِلّه" بیعت مخصوص ا... است."

امیدوارم من و شما از کسانی باشیم که در زیر این پرچم و در خدمت امام زمان(باشیم.

منابع و مآخذ :

* روزگار رهایی، ج۱، ص۴۶۱

مخالفین حضرت

هنگام ظهور امام زمان چه کسانی علیه ایشان به پا می خیزند؟

پرسش

هنگام ظهور امام زمان چه کسانی علیه ایشان به پا می خیزند؟

پاسخ

امام دشمنان سخت گیر و کینه توزی خواهد داشت به جز مستکبران بیدادگر، بیش ترین کارشکنی ها از جانب کسانی خواهد بود که ادعای موافقت با امام را دارند و خود را از منتظران حضرت می دانند، اینان پس از پیوستن به امام چون کارها را بر وفق مراد نمی بینند و ناچارند از منافع نامشروع خود درگذرند، با سلاح دین و مذهب به جنگ امام می روند که به فرموده امام صادق (ع : "چه بسیار از کسانی که ادعای پیروی او را دارند ولی پس از ظهور حضرت از او روی می گردانند."

برخی از افراد و گروهای مخالف حضرت عبارتنداز:

۱ راحت طلبان و خودپرستان که دین را به گونه ای توجیه می کنند که بارفاه خود در تزاهم نباشد، مانند جمعی از مسلمانان مکه که پیش از هجرت به مدینه به پیامبر گفته چون مورد آزار دشمنانیم اگر اجازه دهی با آنان بجنگیم پیامبر فرمود: اکنون مأمور به جنگ نیستیم فعلاً نماز بخوانید و زکات بدهید ولی پس از هجرت که مأمور به جهاد شدند، زبان اعتراض گشودند که خدایا: چرا فرمان جنگ دادی و آن را مدتی به تأخیر نیانداختی قرآن ریشه ترس و وحشت آنان را راحت طلبی می شمرد.

۲ متعجران و جوود گرایان مانند آنان که وقتی دستور خوردن روزه در سفر آمد و پیامبر روزه اش را در حال مسافرت افطار کرد، تعدادی کاسه از آش داغتر و مقدس آب گفتند: هر سختی ثواب دارد و به روزه ادامه دادند. پیامبر با آنان برخورد کرد

و آنان را گناهکار نامید.

حضرت

برای ایجاد عدالت عمومی اموال نامشروع را مصادره می کند و زمین هایی را که حکومت ها به ناروا به دوستان و آشنایان خود هدیه کرده اند، به بیت المال بر می گردانند. نیز دست حرامخوار را از اموال عمومی کوتاه می کند. وی در اجرای عدالت تا آن جا پیش می رود که راه را برافرادی که به زیارت مستحبی خانه خدا می روند، بسته و حج واجب را در اولویت قرار می دهد. شیوها حرم سازی و مسجد نمایی را نمی پسند و مساجد را از تزیینات غیر ضروری پاک می سازد. در تفسیر قرآن اسرار پنهانی و رموزی را که بر مردم پنهان مانده آشکار می سازد و تحولات مهمی در عرصه فرهنگ و اجتماع به وجود می آورد. این گونه تحولات خواه ناخواه با منافع عده ای سازگار نیست از این رو درصدد مخالفت با حضرت بر می آیند.

۳ کافران و منافقان نیز با حضرت مخالفت خواهند کرد. امام صادق (ع فرمود: "هنگامی که مهدی (ع قیام کند، مشرکان و کفار از قیام حضرت ناخشنودند، ماند سفیانی و دیگران و علیه حضرت اقدام می کنند."

چرا علمای بزرگ در کتاب های خود از امام زمان(عج) به یک صورت سخن نرانده اند یکی می گوید امام زمان(عج) خیلی از مردم را می کشد یکی می گوید ۷ نفر را می کشد و ... چرا چنین است؟

پرسش

چرا علمای بزرگ در کتاب های خود از امام زمان(عج) به یک صورت سخن نرانده اند یکی می گوید امام زمان(عج) خیلی از مردم را می کشد یکی می گوید ۷ نفر را می کشد و ... چرا چنین است؟

پاسخ

علمای بزرگ ما در کتب خود نگفته اند که حضرت مهدی (عج) خیلی از مردم را می کشد یا هفت نفر را می کشد، بلکه آنچه در کتب علمای ما و روایات ما آمده است دو مطلب است.

۱ - قبل از ظهور حضرت ظلم و ستم بر جهان غالب می شود و ظالمین و حاکمان زورگو بسیاری از مردم را به قتل می رسانند در این هنگام حضرت ظهور می کند اما نه اینکه این قتلها را حضرت انجام داده باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید قبل از قیام قائم دو مرگ وجود دارد؛ مرگ سرخ و مرگ سفید تا اینکه از هر هفت نفر پنج نفر می میرند و مرگ سرخ، کشته شدن است و مرگ سفید بیماری طاعون است. (۱)

و در روایت دیگری می فرمایند حضرت خروج نمی کنند تا اینکه یک ثلث از مردم کشته شوند و ثلث دیگر از دنیا بروند و ثلث دیگر باقی بمانند(۲).

بنابراین آنچه علما و روایات ذکر کرده اند مربوط به قتلهایی است که قبل از قیام حضرت توسط ظالمین واقع می شود از قبیل جنگ جهانی دوم، جنگ ایران و عراق و جنگ هایی که دجال و سفیانی و دیگر ظالمان انجام می دهند و شیوع بیماریهای مرموز یا جنگ های میکروبی یا اتمی و ...

۲ - مطلب دوم اینکه خود حضرت در ابتدای ظهور سیره

و روش خود را معرفی نموده و می فرماید: انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه؛ من بقیه الله هستم و از دشمنان خدا انتقام می گیرم.(۳)

بنابراین شمشیر و اسلحه حضرت متوجه به ظالمین و ستمگران خون ریز است و نسبت به عموم مردم با رأفت و رحمت اسلامی برخورد می کنند و همین طور که پیامبر اکرم(ص) که هم نام با حضرت است رحمه للعالمین بود حضرت بقیه الله هم رحمه للعالمین است.

حضرت حتی بر دشمنان هم اگر مستحق قصاص نباشند ایمان را عرضه می کند، پس اگر ایمان بیاورند یا حاضر شوند در کنار مسلمانان زندگی مسالمت آمیز داشته باشند، آنها را رها می کند. چنانچه امام صادق (ع) در این رابطه می فرمایند:

هر گاه قائم ما قیام کند ایمان را بر هر ناصبی (دشمن اهل بیت پیامبر)

عرضه می کند، پس اگر او ایمان بیاورد، پس با او کاری ندارد و اگر ایمان نیاورد و حاضر شود جزیه (مالیات مخصوص) پرداخت کند او را رها می کند و اگر حاضر نشود زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان داشته باشد و مالیات پرداخت نکند و اسلام انتخاب نکند او را به قتل می رساند.(۴)

بنابراین آنچه در سؤال به علمای بزرگ نسبت داده شده صحیح نیست و آن دو مطلبی که ذکر شد صحیح است.

پی نوشت ها:

۱. معجم الملاحم والفتن، ج ۴، ص ۲۹۱، دهسرخی.

۲. همان، ص ۷۵.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۸۸.

۴. موسوعه الامام الصادق(ع)، ج ۱۰، ص ۸۰۹، قزوینی.

گویند هنگامی که امام ظهور کند تمامی فقهای آن دوره با ایشان دشمن می شوند، آیا چنین چیزی صحت دارد؟ روایتی موجود است؟

پرسش

گویند هنگامی که امام ظهور کند تمامی فقهای آن دوره با ایشان دشمن می شوند، آیا چنین چیزی صحت دارد؟ روایتی موجود است؟

پاسخ

آنچه از روایات بدست می آید، اینست که امام(، دشمنان سخت گیر و کینه توزی در برابر خود خواهد داشت. معارضانی که در مقـدمات نهضت اخلال می کنند، و پس از پیروزی نیز در نابودی آن خواهند کوشـید. کندوکاو درباره مخالفان، نشان می دهد سوای مسـتکبران بیدادگر که در سـرلوحه قهر سپاه مهدی قرار دارد، بیشترین کارشکنیها از جانب کسانی است که ادعای موافقت بـا امـام را دارنـد، و خود را از منتظران مهـدی می داننـد. اینان امام را نه به خاطر پیاده کردن اسـلام اصـیل، بلکه برای همراه کردن امام با آرزوها و هوسـهای خود می خواهنـد. پس از پیوسـتن به امام، چون کارها را بر وفق مراد خود نمی بینند، و ناچارنـد ازمنافع نامشـروع خود درگذرنـد، به توجیه اهـداف خود روی می آورنـد، وبا سـلاح دین و مذهب به جنگ امام می روند. (۱) که در روایات متعـددی به این گروه اشاره شود، که با بررسـی و دقت پیرامون آنها به این نتیجه می رسـیم که مسأله دشمنی تمامی فقهای آن دوره با حضرت مهدی(در هیچکام مطرح نشده است.

در اینجا به بررسی برخی از این روایات می پردازیم :

امـام صـادق(می فرماینـد : "چـه بسـیار از کسـانی که ادعـای پیروی او را دارنـد، ولی پس از ظهـور حضـرت از او روی برمی گردانند"(۲) مسأله روی گردانی مدعیان دینداری، در دوران پیامبران گذشته نیز به چشم می خورد. لذّت طلبی و راحت طلبی بعضی افراد، باعث می شود که دین

را به گونه ای توجیه کنند، که با رفاه آنها در تزاحم نباشد. آنان بیشتر دنبال آن دسته از احکام ساده و بدون دردسرند، که دنیایشان را در خطر نیندازد.

در تاریخ اسلام ......Řاست که جمعی از مسلمانان مکه، پیش از هجرت به مدینه خدمت پیام...Şرسیده، ابراز داشتند که مورد آزار دشمنانیم، اگر اجازه دهی، با دشمنان می جنŮ...... پیامبر فرمودند : "اکنون مأمور به مبارزه نیستیم، دست نگاه دارید، نماز بخوانید و زکات دهید."پس از هجرت به مدینه و ایجاد آرامشی نسبی در آن شهر، پس از آنکه دستور جهاد نازل گشت، زبان به اعتراض گشودند که خدایا چرا فرمان نبرد دادی، و آن را مدّتی به تأخیر نینداختی؟ قرآن ریشه ترس و وحشت آنان را راحت طلبی می شمرد، و مردم را نسبت به فرجام آنان هشدار می دهد. (۳) انقلاب جهانی امام زمان، بدون گذشتن از آتش و خون به پیروزی نمی رسد. در نبرد محرومان با مستکبران، برق تیغ بلاـ ایمانها را به آزمایش در می آورد. مؤمنان راستین پیشاپیش به استقبال رفته، خود را برای بلایا آماده می کنند، ولی راحت طلبان با دستاویز قرار دادن مذهب، در پی توجیه وضع و پایگاه خویش هستند. این گروه همانها هستند که در دوران غیبت، راحت طلبی سبب همدستی آنان با زور و ستم شده است، و به هنگام ظهور امام نیز نمی توانند شیوه زندگی را تغییر دهند، و برای ادامه زندگی بدون دردسر و به دور از غوغا و مبارزه، با حضرت همراه نمی شوند.(۴)

در حدیث دیگر از امام صادق(درباره مخالفان مهدی(چنین آمده است : "آزردگیهایی که مهدی ما از سوی نادانان

روزگـار خود متحمل می شود، بیش از زحماتی است که به پیامبر از جاهلان زمان خود وارد شـده." گفتم : "چگونه" فرمود: "پیـامبر در زمـانی برانگیخته شـد، که مردم سـنگ و درخت و چوب می پرستیدنـد، قائم آنگاه که قیام می کنـد، مردم علیه او قرآن را تأویل می کننـد. به خـدا سوگند عدالت همانند سرما و گرما، وارد سـراهای آنان خواهد شد."(۵) و در روایتی دیگر می فرماینـد: "در وقت ظهور قائم ما برایتان سـخنانی می گویـد، که تاب شـنیدن آنرا نداریـد. علیه او در رمیله شورش خواهید کرد. او با شما جنگیده، شما را نابود خواهد کرد." (۶) پیامبر با کافران بی پرده روبرو بود، که از اعلان دشمنی ابایی نداشتند، و آشکار با اسلام و پیامبر می جنگیدند. ولی این دسته از معارضان مهدی پینه بر پیشانی دارند، و در میان مردم به زهد و ورع مشهورند، و با سلاح دین به جنگ امام می روند... و اینکه در حدیث دوم آمده است که سخنانی برای شما می گوید، نشانگر آن است که این گروه از مخالفان امام، از شیعیان هستند، و همگی بدست امام از میان می روند. (۷)

دوست عزیز! همانطور که ملاحظه فرمودید، از روایات اینگونه اسـتنباط می شود، که برخی مخالفان مهدی (از علما هستند، و بـا علم انـدک خود بر علیه امـام دست به تأویـل قرآن می زننـد. امـا اینکه همه علما یا تمامی فقها در زمان ظهور به دشـمنی با حضرت مهدی(برخیزند، مورد تأیید روایات نمی باشد. اما از سوی دیگر وقتی به تاریخ دوازده قرن گذشته بازگشته، از همان آغاز تا به انجام نظر افکنیم

شاهد جلوه ها و مشکل گشائیهای آن حضرت بر جمعی از مردم می شویم، که در میان آنان وقوع امدادهای گوناگون از آن حضرت برفقیهان برگزیده که زمامداران دین و اعتقاد مردم در دوران غیبت ایشانند به چشم می خورد؛ که از طرفی نشانگر حضور همیشگی آن امام بزرگوار در صحنه رهبری این دوران است، و از طرف دیگر نشان دهنده اینست که اگر چه بعضی علما و احیاناً فقها جزء یاران امام نبوده، مورد تأیید حضرت نمی باشند، اما فقها و علمای بسیاری هستند که میراث دار انبیاء بوده، مورد تأیید امام زمان می باشند. و چنین کسانی در زمان ظهور نیز جزء یاران آن حضرت می باشند. امام مهدی(در یکی از توقیعات خود درباره ایشان می فرماید : "مَن کان مِن الفُقهاء، صائنا لنفسه، حافظا لدینه، مخالفا لهواه مطیعاً لامرمولاه فللعوام ان یقلدوه"(۸) یعنی (هر کدام از فقها که نفس خویشتن را نگه دارد، و حافظ دینش باشد و با هوا و هوس خود مخالفت کند، و از فرمان مولایش اطاعت کند، بر عموم مردم واجب است که از او تقلید کنند.)

و از جمله فقها و علمایی که توفیق شرفیابی به محضر مبارک حضرت مهدی(را پیدا کردند، می توان به شیخ صدوق، شیخ مفید، سیدبن طاووس، علامه حلی و مقدس اردبیلی اشاره کرد. در احوالات سید بن طاووس، که از بزرگان علمای شیعه و از معاریفی است که مشهور است که مکرر از فیوضات حضرت در خواب و بیداری بهره مند شده است، چنین آمده است : "ایشان آنچنان آشنایی و شیفتگی با حضرت مهدی(داشتند، که

حتی ایشـان را از آهنگ کلامشان می شـناختند. و خود داسـتان سـحرگاهی را نقل می کنـد، که در سـرداب مقـدس دورادور مناجات حضـرتش را در آن مکان شاهد بوده، نوای ملکوتی حضـرتش را می شنیده، که زبان به دعای بر شیعیان گشوده، و به پیشگاه خداوند عرضه داشته اند. (۹) "خـدایا شـیعیان ما از پرتو نور وجود ما و زیادی سـرشت ما سرشـته شده اند، چه بسا که آنان به اتکاء دوستی و ولایت ما مرتکب گناهان زیادی می شونـد... خـدایا آنان را به بهشت خود داخل نموده، و از آتشت بر کنـار و محفوظ دار؛ و ایشـان را در کنار دشـمنان ما در دوزخ غضب خود قرار مـده."(۱۰) و شـیخ مفید که سرآمد شاگردان شیـخ صـدوق است، این افتخـار را یـافته که در سه نوبت، نامه هایی به خط خود آن حضـرت از ناحیه مقـدسه دریافت داشـته، مخاطب ابلاغات مستقیم آن حضرت قرار گیرد. که در فرازی از آنها چنین آمده است :

"ما در رعایت حال شـما کوتاهی نمی کنیم، و یاد شـما را از خاطر خود نمی بریم که اگر جز این بود، گرفتاریها به شـما روی می آورد، و دشمنان شما را در هم می شکستند." ۱۱)

با تشکر از شما که سؤال خود را با مطرح نمودید. امید داریم پاسخ ارائه شده، ابهام شما را برطرف نموده باشد.

التماس دعا خدانگهدار

منابع و مآخذ :

۱. چشم به راه مهدی(جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۳۸۴

۲. میزان الحکمه، ری شهری، ج۱، ص۲۹۲

۳. تفسیر قمی، علی ابراهیم قمی، ج۱،ص۱۴۴ ذیل آیه ۱۴۴ سوره مبارکه نساء

۴. چشم به راه مهدی(جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۳۸۶

۵. الغیبه نعمانی،

۶. بحارالانوار، ج۵۲،ص۳۷۵

چشم به راه مهدی(جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص۳۹۱

۷. ر،ک : بحارالانوار، ج۲، ص۸۸،روایت ۱۲

۸. "برآ، ای آفتاب صبح امید که در دست شب هجران اسیرم"، صدرالدین هاشمی دانا، ص۱۰۸

۹. مشروح این داستان و کلمات حضرت مهدی(را در کتاب جنه المأوی حکایت۵۵ ، و نجم الثاقب، حکایت ۱۹، ملاحظه فرمایید. این دو کتاب تألیف مرحوم حاج میرزا حسین نوری می باشد.

بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۷۵

تجهیزات حضرت

وقتی حضرت امام زمان ۷ظهور می کنـد, با کمی جمعیت و جنگ افزارهای قـدیمی و از رده خارج شده , چگونه می تواند باآن همه دشمن و دارای سلاح مجهّز مبارزه کرده و بر آن ها پیروز شود؟

پرسش

وقتی حضرت امام زمان ۷ظهور می کنـد, بـا کمی جمعیت و جنگ افزارهای قـدیمی و از رده خارج شـده , چگونه می تواند باآن همه دشمن و دارای سلاح مجهّز مبارزه کرده و بر آن ها پیروز شود؟

پاسخ

اوّلاً: پیش بینی می شود قبل از ظهور حضرت مهدی ۷مسلمانان اکثریت پیدا کنند.

ثانیاً: وقتی حضرت ظهور می کند, عدهء کثیری از جهانیان مسلمان می شوند, زیرا سطح علوم و استعداد بشر ترقی نموده و برای پذیرش حق آماده می شوند. چنان که امام باقر۷فرمود: .(۱) و حضرت امیرالمؤمنین می فرماید: .(۲)

ثالثاً: در اثر پیشرفت اختراعات خطرناک و مسابقهء تسلیحاتی شرق و غرب , و تنزّل اخلاقی بشریت , پیش بینی می شود دُوَل بزرگ , بلکه یهود و نصارا به جان هم افتاده و با سلاح های کشنده , بسیاری از جهانیان را فدای حس خودخواهی و درندگی خود نمایند و گروهی هم به واسطهء امراض خطرناک از بین روند.(۳)

رابعاً: ما از حوادث و پیش آمدهای آیندهء جهان بی خبریم و نمی دانیم کدام کشور و ملتی در صنایع و علوم وقدرت بر سایرین برتری و تفوّق پیداخواهد کرد. شاید در آینده ملل اسلامی از خواب غفلت بیدار شده و اختلافات را کنار بگذارند, و از ثروت های خدادادی بهره برداری نموده و در علوم و صنایع و ساختن سلاح های مجهّز پیشرفت کرده و جلوی نیروی سرکش و افسار گسیختهء شرق و غرب را بگیرند.

شاید در آینده بشر از جهالت و عناد و خودسری دست بردارد و تولید سلاح های اتمی را ممنوع سازد.

خامساً: ممکن است حضرت مهدی ۷از سلاح های جنگی روز استفاده نماید,

بلکه امکان دارد سلاح هایی اختراع کند که بر تمام وسایل جنگی آن روز غالب گردد.(۴)

پاورقی ۱.بحار, ج ۵۲ ص ۳۲۸ طبق نقل دادگستر جهان , ص ۳۱۳

(پاورقی ۲.اثباتالهداه, ج ۷ ص ۴۹ طبق نقل دادگستر جهان , ص ۳۱۳

(پاورقی ۳.ابراهیم امینی , دادگستر جهان , ۳۱۴

(پاورقی ۴.همان , ص ۳۱۷

آیا امام زمان(عج) با اسب و شمشیر ظهور خواهد کرد یا با پیشرفته ترین سلاح؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) با اسب و شمشیر ظهور خواهد کرد یا با پیشرفته ترین سلاح؟

پاسخ

می گویند پس از انفجار اولین بمت اتمی در هیروشیما و ناکازاکی، انیشتین پیش بینی کرد که جنگ جهانی سوم، جنگ اتمی خواهد بود و فاجعه انسانی و غیر انسانی آن به قدری دهشتناک و هراس انگیز است که نمی توان آن را تصور نمود. فقط می دانیم که انسان ها از لحاظ افمکانات زندگی به عصر "حجر" بر می گردند. با این پیش فرض و ذهنیت، جنگ با شمشیر توجیه پذیر می گردد، لیکن نظام آفرینش و سیر زندگی انسان بر اصل "تکامل" تداوم دارد. تکامل و پیشرفت همه جانبه، قانونی فراگیر و جهان گستر است. علم و اندیشه بشر پیوسته در مسیر تکامل قرار گرفته و آثار آن نو به نو می گردد و در ساخت ابزارهای مختلف رفاهی و دفاعی، صنعی و علوم آزمایشگاهی و ابزاری که کاربرد آن در زمین یا کیهان است، تجلی پیدا می کند.

سیر علوم به سوی کمال، همانند آب رودخانه است که هر چه به جلو می رود، شیب آن بیشتر و سرعت آب افزون تر می گردد، ولی انسان از آغاز آفرینش تا عصر ظهور با همه تلاش و به کارگیری هوش و نبوغ؛ علم و اندیشه خویش فقط قادر می گردد هفت و چهاردهم درصد علوم و واقعیات هستی را کشف کند؛ یعنی دو قسمت از ۲۷ (۱) قسمت آن را و بقیه آن در عصر ظهور و شناخته خواهد شد. پس با فرا رسیدن زمان تجلی خورشید حقیقت و سپری شدن آن تیزتر می شود و با توزیع عادلانه امکانات و برقراری عدالت اجتماعی علاوه بر پیشرفت های پیشین، نود و شش و شش دهم درصد

مجهولات باقی مانده بشر نیز معلوم می گردد.

به بان دیگر: حرکت ماشینزه مدرن نه تنها متوقف نمی گردد، بلکه با سرعت تکامل می یابد، تکاملی که توأم با پیشگیری از جنبه منفی زندگی ماشینی و خطرات ناشی از آن خواهد بود و به تعبیر دیگر ماشینزه هم تکامل می یابد و هم تصفیه می شود".(۲)

پس چگونه می توان واپس گرایی و ارتجاع علمی و ابزاری را باور نمود و معتقد شدکه انسان عصر ظهور آن چنان گذشته گرا می گردد که همانند آبا و اجداد خویش با شمشیر می جنگد و دفاع می کند؟

سلاح امام زمان(عج) مادی است؟

آیا سلاح حضرت از قبیل احساس یک نوع ترس و وحشت فوق العاده در قلوب دشمنان است که مانع هر گونه تصمیم گیری کفار در این زمینه می شود، یا یک نوع تأثیر مرموزی روانی و از کار انداختن دستگاه های فکری آن ها از راه دور است که قدرت استفاده از سلاح های مخرب را مختل می سازد؟

یا با اعجاز و کمک فرشتگان موانع را از سر راه برمی دارد و زمین را از لوث وجود مفسدان و مستکبران پاک می سازد؟ یا این سلاح همانند یک اشعه مجهول و مرموز است که کاربردش ماورای همه سلاح های کنونی است و می تواند همه را خنثی کند؟(۳)

هر یک از سلاح های ذکر شده ابزاری است که در زمان حضرت برای برداشتن موانع و شکستن استحکامات اهریمنی دشمن ممکن است به کار گرفته شود، لیکن اصل بر این است که زندگی مردم از مسیر طبیعی و عادی خارج نگردد و از اعجاز و سلاح های غیر عادی در مواقع ضرورت و جهت دلگرمی و آرامش روحی مؤمنان استفاده گردد.

پس لازم است دو نکته را بیان کنیم:

۱ - استفاده

از سلاح غیر مادی: امداد غیبی و حمایت الهی در پیروزی امام زمان (عج) نقش زیادی دارد.

امام صدق(ع) در توضیح آیه "أتی امر اللّه فلا تستعجلوه". (۴) می فرماید: "منظور از حادثه ای که حتماً تحقق پیدا می کند و برای تحقق آن عجله نکنید، امر ما اهل بیت(ع) و ظهور امام زمان(عج) و تشکیل حکومت جهانی و رجعت امامان(ع) است. وقتی حضرت ظهور کرد، خداوند او را به سه چیز تأیید خواهد نمود. ۱ – فرشتگان، ۲ – ایجاد رعب در دل دشمنان، ۳ – به وسیله مؤمنان".

در برخی روایات عدد فرشتگان به تناسب موقعیت های مورد نیاز مختلف سه هزار، پنج هزار و چهل و شش هزار نفر ذکر شده است. (۵)

این دسته روایات می رساند که فرشتگان همانند جن تحت فرمان حضرت هستند و در موقعیت های مختلف از وجود آن ها بهره می برد.

۲ – استفاده از سلاح مادی: اگر چه امدادهای غیبی در پیروزی امام(عج) نقش به سزایی دارد، اما پیروزی به آسانی دست نمی دهد، بلکه با رنج طاقت فرسا همراه است، چه این که مؤمنان و بلکه انسان ها عموماً پیوسته مورد آزمایش قرار می گیرند. فرورفتن در شداید و سختی ها یکی از ابزار آزمایش است. امام صادق(ع) می فرماید: "پیروزی به دست نمی آید مگر در غرقاب خوب و عرق. (۶) برای دوست شما مهدی آن وسیله سرکش ذخیره شده است".

راوی حدیث می گوید: پرسیدم منظور از وسیله سرکشی چیست؟ امام(ع) فرمود: "ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است. او بر این وسیله سوار می شود. آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می گردد و به آسمان های هفتگانه صعود می کند و همه جای زمین یا

زمین های هفت گانه را در هم می نوردد".(۷)

مسلماً منظور از ابر، ابر معمولی نیست، زیرا ابرهای معموی وسیله ای نیستند که بتوان با آن ها سفر فضایی کرد، چون در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی توانند از آن بالاتر بروند، بلکه اشاره به وسیله فوق العاده سریعی السیری است که در آسمان به صورت توده ای فشرده از ابر به نظر می رسد.

غرشی همانند رعد و قدرت و شدتی هم چون صاعقه و برق دارد.

از حدیث ذکر شده می توان دریافت موضوع عقب گرد صنعتی در کار نیست، بلکه به عکس سخن از پیشرفت خارق العاده ای است که به موازات آن باید تکامل در همه زمینه ها صورت گیرد.(۸)

پس منظور از به کارگیری شمشیر کنایه از جنگ است؛ یعنی جنگ و خون ریزی جزء برنامه رسمی مهدی موود است. ایشان مأمور است دین اسلام را عالم گیر کند، و جلوی بیدادگری را بگیرد، اگر چه با جنگ و توسل به شمشیر باشد، بر خلاف سیره و رویه پدران بزرگوارش که چنین مأموریت حادی نداشتند و به پند و اندرز اکتفا می کردند.(۹)

بنابر این منظور از قیام مهدی(عج) به سیف اتکا به قدرت نظامی است، همان گونه که "قلم" کنایه از علم و فرهنگ است. ضرب المثل های زیادی در فرهنگ های مختلف در مورد شمشیر که سمبل قدرت است، وارد شده است.(۱۰)

پی نوشت ها:

۱ – حسن بن محمد ولی ارومیه ای، مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۱.

۲ – ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۷۴.

۳ – همان، با تلخیص.

۴ – نمل (۱۶)آیه ۱.

۵ – محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۴ و ۲۴۳.

۶ – همان، باب ۱۵، ص ۲۸۳

– ۲۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹ – ۳۵۷.

۷ – حسن بن محمد ولی ارومیه ای، مهدی موعود (ترجمه ج ۱۳ بحار)، ص ۳۲۳.

۸ – ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۲۸۱، با تلخیص.

۹ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۱۶، با تلخیص.

۱۰ – حسن بن محمد ولی، ارومیه ای، مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۵۹.

آیا امام زمان(عج) وقتی که ظهور می کند، با سلاح های امروزی قیام می کند یا با سلاح های قدیمی؟ اگر با سلاح های قدیمی مانند شمشیر باشد، چگونه می تواند با سلاح های مدرن مبارزه کند؟

پرسش

آیا امام زمان(عج) وقتی که ظهور می کند، با سلاح های امروزی قیام می کند یا با سلاح های قدیمی؟ اگر با سلاح های قدیمی مانند شمشیر باشد، چگونه می تواند با سلاح های مدرن مبارزه کند؟

پاسخ

امام زمان(عج) بر حسب روایات با شمشیر قیام می کند. زره و پرچم پیامبر(ص) و ذوالفقار امام علی(ع) که هر یک مبارک و دارای قداست هستند، نزد حضرت می باشند. این که در روایات آمده است که حضرت با شمشیر قیام می کند، شمشیر دلیل بر مأموریت و قیام ایشان به جهاد مسلحانه است. گرچه ظاهر روایان این است که حضرت در قتل دشمنان الله از آن استفاده خواهند نمود، این منافات ندارد که بگوییم: حضرت از سلاح های متعارف عصر ظهور بهره می گیرد.۱

مقصود از شمشیر این نیست که سلاح های جنگی او منحصر به شمشیر است و از استعمال هر گونه سلاح دیگری خودداری می کند، بلکه ممکن است حضرت از سلاح های جنگی روز استفاده کند، و امکان دارد سلاح های دیگری را اختراع کند که بر تمام وسایل جنگی آن روز غالب گردد.۲

افزون بر این حضرت از امدادهای غیبی و یاری فرشتگان بهره می گیرد و پیروز می شود. در روایت آمده است که حضرت منصور به رعب و مؤید به نصر و تأیید شده خدا می باشد.۳

۱ لطف الله صافی، معارف دین، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۱۷.

۳ مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

بهترین سلاح امام زمان(عج) در هنگام مبارزه چه سلاحی است؟

پرسش

بهترین سلاح امام زمان(عج) در هنگام مبارزه چه سلاحی است؟

پاسخ

به نظر می رسد که مقصود شما از سلاح، ابزراهای جنگی مورد استفاده حضرت مهدی در هنگام قیام و مبارزه است. در این صورت با توجه به

تحقیق و پژوهشی که در این باره در کتاب های مختلف به عمل آمده به نظر می رسد که هیچ کتاب و روایتی به طور یقین، از سلاح و وسایل جنگی امام زمان(عج) و حوادث و پیش آمدهای آن زمان سخنی به میان نیاورده است.

امام باقر(ع) فرمود: "مهدی از این جهت با جدّش محمد(ص) شباهت دارد که با شمشیر قیام می کند و ستمکاران و گمراه کنندگان و دشمنان خدا و رسول(ص) را به قتل می رساند. با شمشیر و ترس، نصرت می یابد و هیچ یک از پرچم هایش شکست خورده بر نمی گردد".(۱)

یکی از احتمالاتی که از این روایت و روایات شبیه به این استفاده می شود، آن است که: شاید بهترین سلاح امام زمان(عج) شمشیر باشد، به گونه ای که همه سلاح های پیشرفته در آن روز از بین برود و یا از کار بیفتد واثری نداشته باشد.

احتمال دیگر: از مجموع روایاتی که درباره حرکت حضرت مهدی(عج) وارد شده است، متوجّه می شویم که از وسایلی که در زمان ظهور حضرت(عج) وجود دارد، استفاده می کند، مثلاً در بعضی روایات وارد شده است: "سیرکب السّحاب ویرقی فی الاسباب؛(۲) ابر سوار شده و از اسباب و علل (روزگارش) بالا می رود [تمام اسباب و علل جهان رام او خواهد بود]".

وقتی حضرت از مدینه، در پشت کوفه (عراق) فرود می آید، در هفت لایه از نور قرار دارد که دانسته نمی شود

در کدام یک از آن ها است.(۳)

در بعضی دیگر از روایات وارد شده است: "هنگامی که پرچمش را به اهتزاز در آورد، فاصله میان مشرق و مغرب برای او روشن شود".(۴) به نظر می رسد که امام (عج) از وسایل عصرشان استفاده می کند، چرا که هر پیامبر و امامی از وسایل عصر استفاده می کردند. به علاوه حضرت (عج) معجزاتی دارد همانند عصای موسی(ع) و خاتم سلیمان و معجزاتی که از خود نشان می دهد. شاید وسایلی که حضرت استفاده می کند، پیشرفته تر از وسایل عصر خود باشد، چرا که در روایتی امام صادق(ع) فرمود: "دانش بیست و هفت حرف [باب] است. تمام آنچه را که پیامبران آورده اند، دو حرف بیشتر نیست... اما هنگامی که قائم (عج) ما قیام کند، بیست و پنج حرف [باب] دیگر را ظاهر سازد...".(۵)

در هر حال سخن قطعی را نمی توان در این خصوص بیان کرد.

پاوقی:

۱ – علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۱، ص ۲۱۸، چاپ بیروت.

۲ – شیخ مفید (ره) ، اختصاص ، ص ۳۷۶، به نقل از گفتمان مهدویت، سخنرانی و پرسش درباره مهدی (عج) ، ص ۱۲۰، موسسه انتظار دفتر تبلیغات قم.

۳ – محمد بن عیاش السلمی، تفسیر عیاشی، ص ۱۰۳ ، به نقل از گفتمان مهدویت، ص ۱۲۰ – ۱۲۱.

۴ – بحارالانوار، ج۵۶، ص ۳۵.

۵ – همان، ج۵۲ ، ص ۳۳۶.

در هنگام ظهور, امام زمان (عج) از چه سلاح هایی برای مبارزه با دشمن بهره می گیرد؟

پرسش

در هنگام ظهور, امام زمان (عج) از چه سلاح هایی برای مبارزه با دشمن بهره می گیرد؟

پاسخ

دقیقاً معلوم نیست که امام زمان (عج) هنگام ظهور جهت مبارزه با دشمنان از چه ابزار جنگی بهره می گیرد, زیرا در این خصوص متون تاریخی و روایات اختلاف دارد از برخی روایات استفاده می شود که حضرت در هنگام ظهور از شمشیربهره می گیرد.()

(پاورقی)) - شیخ مفید, الاختصاص , ص ۳۷۶

امام باقر(ع) فرمود: .()

(پاورقی)) - بحارالانوار, ج ۵۱ ص ۵۹

در برخی از روایات از پیشرفت صنعت و علم هنگام ظهور سخن به میان آمده است . () همچنین از برخی (پاورقی)) - شیخ مفید, الاختصاص , ص ۳۷۶

روایات دیگر استفاده می شود که در هنگام ظهور, تمام قدرت ها اسیر قدرت امام زمان (عج) بوده و حضرت برهمه چیز مسلط می باشد. تسلط امام زمان (عج) در زمان حکومت اقتضا می کند از علوم و فنون و وسایل جنگی زمان ظهور بهره گیرند. براین اساس برخی عقیده دارند که امام از وسایل و ابزار جنگی پیشرفته ی زمان خودجهت مبارزه با دشمنان استفاده می کند,() مضافاً بر این که امام زمان (عج) از امدادهای غیبی بهره می گیرد و (پاورقی)) - ابراهیم امینی , دادگستر جهان , ص ۳۱۷ ناصر مکارم شیرازی , مهدی انقلابی بزرگ , ص ۲۸۳

خداوند همهء امکانات را در اختیار آن وجود مقدس قرار می دهد. طرفداران این نگرش عقیده دارند: اگر دربرخی از روایات آمده است که امام زمان (عج) در هنگام ظهور از شمشیر استفاده می کند,

کنایه از قدرت نظامی است و شمشیر سمبل قدرت نظامی است,() از این رو در برخی از روایات تصریح شده که حاکمیت خوبی ها, (پاورقی)) - گفتمان مهدویت , ص ۱۲

عزت مندی و... در سایهء بهره گیری از شمشیر امکان پذیر است . امام باقر(ع) فرمود: ()

(پاورقی)) - وسائل الشیعه , ج ۱۱ ص ۹

یکی از نویسندگان می نویسد: ()

(پاورقی)) - گفتمان مهدویت , ص ۱۲

(پاورقی)) - دادگستر جهان , ص ۳۱۷

از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت که امام زمان (عج) از اسلحه و ابزار جنگی زمان ظهور بهره می گیرد.

امام زمان(عج) با شمشیر می جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پرسش

امام زمان(عج) با شمشیر می جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پاسخ

دنیا برای انسان خانه عمل است نه خانه مجازات انسان برای این آفریده شد که با استفاده از هدایت الهی و راهنمایی پیامبران و به کارگیری عقل و هوش خود، راه تکامل را پیموده و به خوش بختی و سعادت همیشگی رسیده و از نعمت های لذت بخش و جاویدان بهشتی بهره مند شود.

اعمال انسان وقتی ثمر بخش است و او را به کمال می رساند که اختیاری باشد، یعنی اگر انسان با اختیار خود، کار خوب را انجام داد، اثر انسانی و تربیتی دارد و به او ثواب داده می شود.

وقتی فردی از مال خودش احسان می کند و به فقرا رسیدگی می کند و مدرسه می سازد و به مسجد کمک می نماید، هم اثر روحی و تربیتی دارد و هم پاداش عظیم از طرف خداوند به چنین شخصی داده می شود، لیکن چنانچه از همین شخص به زور پول گرفته و به مصرف خیریه رسانده شود، اثر روحی و تربیتی ندارد و ثواب احسان داده نمی شود. کسی که با خلوص نیت و با اراده خود نماز بخواند و روزه بگیرد، به پاداش بهشتی این اعمال می رسد، ولی اگر با نیت ریایی یا به اجبار اعمالش را انجام دهد، پاداش و ثوابی نخواهد داشت

در جنایات و گناهان هم اگر خداوند هر گناهکار را بلافاصله بعد از ارتکاب گناه مجازات می کرد دیگر، ترک گناه اختیاری نمی شد، بلکه به خاطر ترس از مجازات دنیوی ترک می شد، مثلا اگر به محض گفتن دروغ خار در زبان فرو می رفت و بوی گند همه جا را می گرفت و مشخص می شد طرف

دروغ می گوید، کسی دروغ نمی گفت که این اثر تربیتی نداشت و موجب تکامل انسان نمی شد.

انسـان مـؤمن و بـا تقوا دست به دزدی نمی زنـد، چون این عمـل را برخلاـف مقررات الهی می دانـد. دزد به زنـدان افتـاده هم دزدی نمی کند، اما نه به این خاطر که دزدی حرام است بلکه از این جهت که در بند است و قدرت بر دزدی ندارد.

پس این که خداونـد در دنیـا گناهکـاران را بلافاصـله مجـازات نمی کنـد، نه از این جهت است که عادل نیست و یا قـدرت بر مجازات جانیان نـدارد یا بر بنـدگانش رحم نمی کنـد، بلکه بـدین خاطر است است که بشـر بایـد در دنیا آزاد باشد و با اختیار خود کارها را انتخاب کند، در غیر این صورت به هدف خلقتش که رسید ن به کمال و قرب الهی است نایل نمی گردد.

هـدف از خلقت انسان به کمال رسـیدن از راه اختیار و انتخاب است خـدا در قرآن می فرماید: "من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کننـد (و از این راه تکامل یابنـد و به من نزدیک شونـد."[۱] و فرمود: "مـا راه را به او (انسـان نشان دادیم خواه شـاکر باشـد و بـا اختیـار خود پـذیرا گردد، خواه ناسـپاس." پس یکی از علت های عـدم مجازات خلافکاران در دنیا این است که دنیـا سـرای تکلیف و عمـل است نه محـل ثواب و عـذاب از طرف دیگر خـدای مهربـان داد مظلوم را از ظالم خواهد گرفت این گونه نیست که مجرم مجازات نشود. هنگـامی که قیـامت بر پـا شـد، به حسـاب همه رسـیدگی می شودو ظالمان و جانیان چنان

مجازات می گردند که تصورش را نمی کردند.

قرآن می فرمایـد: "آن ها که سـتم کردنـد، به زودی می داننـد که بازگشت شان به کجا است "[۲] "ما ترازوهای عـدل را در روز قیامت بر پا می کنیم پس به هیـچ کس کم ترین سـتمی نمی شودو اگر به مقـدار یک دانه خردل کار نیک و بـد باشد، ما آن را حاضـر می کنیم ."[۳] "روزی که سـتمکار از شـدت حسـرت دست خود را به دنـدان می گیرد و می گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم "[۴]

از سوی دیگر در دنیـا تحقق عـدل کامـل در مقام پاداش و کیفر امکان پـذیر نیست زیرا سـرنوشت پاکان و مجرمان به هم گره خورده و از یکدیگر تفکیک پذیر نیست نیز دنیا گنجایش پاداش و کیفر برخی را ندارد. چگونه ممکن است کسـی را که حق جویـان و بیگناهـان بی شـماری را نابود ساخته در این جهان کیفر داد، در حالی که جای یک جان بیش تر نـدارد و با یک تیر می میرد؟! این گونه افراد بایـد در قیـامت و جهـان آخرت که مرگ نـدارد و پایـان نمی پـذیرد، مجـازات شونـد. در این جا به مسئله دیگری باید توجه داشت و آن این که در زندگی مصائب زیادی دامن انسان را می گیرد که عامل اصلیش خود او است منتها بسـیاری از افراد برای این که خود را تبرئه کنند، و ندانم کاری و تنبلی ها و سستی های خود را نادیده بگیرند و به گردن عوامـل دیگر بیندازنـد، همه این ها را به حساب خـدا می گذارنـد و عـدالت او را زیر سؤال می برنـد، در حال که اگر درسـت بنگریم فرد یا جامعه عامل اصلی و مقصر واقعی

هستند.

گرفتاری هایی که از سوی حکومت های جبار دامن مردم را می گیرد، معمولاً از این قبیل است چرا که ظالمان افراد معدودی هستند. این سکوت و تسلیم بی دلیل و گاه همکاری مردم با آن ها است که به آنان نیرو و توان می بخشد که بر گُرده مردم سوارشوند و هزار گونه بدبختی برای آنان بیافرینند.[۵] خدا به مردم دستور داده زیر بار ظلم نروید تا آقا باشید، ولی مردم گوش نمی دهند و به جای شجاعت و اعتراض و قیام ترس و سستی و تسلیم را پیشه می کنند و ظلم را تحمل می کنند. قرآن مجید خوش بختی و بدبختی جامعه ها را به عنوان سنت تغییرناپذیر به دست جامعه می داند: "خداوند وضع هیچ ملتی را عوض نمی کند تا که خودشان تغییری ایجاد کنند."[۶] "فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند، آشکار شده است

خدا می خواهد نتیجه بعضی از اعمال شان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق بازگردند".[۷] رسول گرامی اسلام فرمود: "هیچ نکبتی دامنگیر شخص نمی شود مگر به واسطه گناهی که مرتکب شده است "[۸]

علی ع) فرمود: "بنده هیچ کس مباش خداوند تو را آزاد آفریده است . حضرت در خطبه جهاد می فرماید: "مردمی که از جهاد روی برگردانند، خداوند لباس ذلت بر تن آنان می پوشاند و بلا به آنانی هجوم می آورد، خوار و ذلیل می شوند، عقل و فهم شان تباه می گردد و به خاطر تضیع جهاد، حق آن ها پایمال می شود."[۹]

نتیجه خدا عادل است و به احدی ظلم نمی کند و دنیا محل عمل است نه پاداش و جزا. در آخرت ظالمان و تضییع کنندگان حقوق مجازات

می شوند و حق مظلوم از ظالم گرفته می شود.

از طرف دیگر منشأ بسیاری از ستم ها خود مردم هستند که ظلم را می پذیرند و جهاد و مبارزه را رها می کنند. سنت همیشگی خدا این است که فرد و جامعه با توکل به خدا، خود باید تغییر وضعیت بدهند و خویش را با وضعیت مطلوب اداره کنند و جلوی جنایات را بگیرند.

پی نوشت:

[۱] ذاریات (۵۱) آیه ۵۶.

[۲] شعرا (۲۶) آیه ۲۲۷.

[۳] انبیاء (۲۱) آیه ۴۷.

[۴] فرقان (۲۵) آیه ۲۷.

[۵] آیت الله مکارم شیرازی پیام قرآن ج ۲ ص ۴۵۶.

[۶] رعد (۱۳) آیه ۱۱.

[۷] روم (۳۰) آیه ۴۱.

[۸] محمد تقی فلسفی کودک ج ۱، ص ۱۵؛ اصول کافی ج ۲، ص ۲۶۹.

[۹] نهج البلاغه فیض الاسلام .

امام زمان(عج) با شمشیر می جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پرسش

امام زمان(عج) با شمشیر می جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پاسخ

تمام مسلمانان اتفاق نظر دارند که پیامبر اسلام، هم? احکام و تکالیف دینی را در فرصت کوتاهی که داشتند، بیان نکردند.

در این میان بسیاری از احکام وجود دارند که پیامبر فرصت لازم برای بیان آن ها نیافته بود، یا موضوع حکم برای مسلمانان

پیش نیامده بود تا پیامبر آن را بیان نماید.

از طرف دیگر در همان تعداد احکام و تکالیف الهی که بیان شده بود، نیز در تفسیر آیات بعد از رحلت پیامبر میان مسلمانان اختلاف ایجاد شد و افراد و گروه های مختلف بر اساس آرا و نظریات خود به دسته های گوناگون تقسیم شدند. در این میان دو گروه اهل سنّت و شیعیان، اصلی ترین گروه های اسلامی می باشند که هر کدام در احکام و مسائل دینی رویکرد خاصی را پیش گرفته اند.

اختلاف شیعه و اهل سنت در این مسائل به اختلاف در مبانی استنباط احکام دینی بر می گردد.

هر یک از مذاهب فقهی اسلامی برای استنباط احکام دین، از یکسری اصول و مبانی بهره می گیرند. طبیعی است که اگر در اصول، مبانی و منابع استنباط با هم اختلاف داشته باشند، نتیجه و رهاورد استنباط ها متفاوت خواهد شد. بسیاری از اختلافات فقهی شیعه و سنی، ریشه در تفاوت دیدگاه ها در اصول و مبانی استنباط دارد، مثلاً ـ اهل سنت افزون بر قرآن و سنت پیامبر(ص) به سنت صحابه و گاهی به سنت تابعین ارزش می دهند، ولی شیعه افزون بر قرآن و سنت پیامبر (ص)، به سنت اهل بیت پیامبر(ص) بها می دهند و سنت صحابه را اگر مستند به سنّت پیامبر نباشد، به عنوان منبع شرعی

نمی پذیرند.

برخی از اختلافات فقهی ریشه در همین نکته دارد. اختلاف در وضو هم از همین نوع است. شیعیان با تمسک به حدیث ثقلین، به اهل بیت و امامان معصوم(ع) مراجعه می کنند و احکام شرعی خویش را فرا می گیرند، امّا اهل سنّت این چنین نیستند.

در زمان خلفا به ویژه خلیفه دوم (عمر) سیاست جلوگیری از نشر حدیث رواج داشت و خلفای بعدی تا زمان عمر بن عبدالعزیز، همین سیاست را در پیش گرفتند که سرانجام بسیاری از روایت های پیامبر اسلام(ص) و حوادث صدر اسلام به فراموشی سپرده شد و نسل های بعدی نسبت به آن بیگانه شدند. زین پس شیعیان با مراجعه به امامان معصوم(ع) توانستند سنت فراموش شده پیامبر(ص) را دریابند و آن را سرمشق زندگی خویش قرار دهند؛ به عنوان مثال: امام باقر(ع) در این راستا ظرف آبی برداشت و به وضو پرداخت و فرمود: پیامبر (ص) چنین وضو می ساخت.(۱)

کیفیت وضوی اهل سنت به جهت تفسیری است که ایشان از آیه "فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق" (۲) دارند.

ظاهر معنای آیه چنین است که صورت و دست ها را تا آرنج بشویید. اهل سنت از کلمه "الی" خیال می کنند که آیه می گوید دست ها را از سرانگشتان به طرف آرنج بشویید، ولی با اندکی دقّت روشن می شود که کلمه "الی" تنها برای بیان حدّ شستن است، نه کیفیّت شستن.

توضیح: آیه درست به آن می ماند که انسان به کارگری سفارش می کند دیوار اتاق را از کف تا یک متر رنگ کند

. بدیهی است منظور این نیست که دیوار از پایین به بالا رنگ شود، بلکه منظور این است که این مقدار باید رنگ

شود، نه بیشتر و نه کمتر. بنابراین فقط مقداری از دست که باید شسته شود، در آیه ذکر شده اما کیفیت آن در سنت پیامبر (که به وسیله اهل بیت به ما رسیده) آمده است و آن شستن آرنج است به طرف سر انگشتان.(۳)

البته مذاهب چهارگانه اهل سنت، شستن دست هنگام وضو از سر انگشتان تا آرنج را واجب نمی دانند و می گویند بهتر است که بدین طریق وضو گرفته شود.

امامیه(شیعه) گفته اند: از آرنج واجب است و عکس آن باطل است، هم چنان که مقدّم داشتن دست راست بر چپ واجب است. باقی مذاهب گفته اند: شستن آن ها به هر طریقی که باشد، واجب بوده و تقدیم دست راست و شروع از انگشتان تا آرنج افضل است؛ (۴) یعنی ثواب بیشتری دارد.

شستن پا به جای مسح که میان اهل سنت رواج دارد، تفسیر خاصی است که از ادامه همان آیه ارائه داده اند. به نظر آنها کلمه "ارجلکم" (پاها) بر "وجوهکم" (صورتها) عطف شده و باید مانند آن شسته شود، اما شیعه معتقد است این کلمه بعد از کلمه رؤوس (سرها) ذکر شده و عطف به آن است و باید پاها را مانند سر مسح کنید.

در هر حال اختلاف عمل در مذاهب اسلامی ناشی از اختلاف برداشت و فهم متفاوت از آیات بوده و سنت پیامبر را هر دو گروه طبق عقیده خود می دانند، اما شیعه افتخار دارد که پیرو ائمه اطهار بوده و پیشوایان معصوم(ع) از آیات الهی و روش و سنت و گفتار رسول خدا(ص) آگاه تر بوده و درست تر تفسیر می کنند.

و همان گونه که بیان شددر روایات ائمه(ع) بیان شده که روش وضوی پیامبر(ص) به روش

شیعه بوده است.

مسئله دست بسته بودن (تکفیر و یا تکتّف) در حال نمازکه اهل سنت انجام می دهند, از زمان خلیفهء دوم مرسوم شد و از بدعت های ایشان است . در زمان پیامبر و خلیفهء اول این طور نماز می خواندندهنگامی که اسیران جنگی ایرانی بر عمر وارد شدند, همین کار راکردند. عمر از این کار خوشش آمد و گفت : خوب است در نماز در برابر پروردگار همین کار را بکنیم . اما شیعه با توجه به روایات امامان معصوم آن را درست نمی داند.

. امام باقر(ع) فرمود: و علیک بالاقبال علی صلاتک ... قال : ولا تکفّر فانّما یصنع ذلک المجوس ; بر تو باد به توجه قلبی بر نمازت ... و دست بر روی دست در حال نماز نگذار, زیرا این کار مجوس است (۵).

بنابر این به عقیده شیعه این نحو نماز خواندن درست نیست وتکفیر یکی از مبطلات نماز است , زیرا بدعت در دین محسوب می شود.پیامبر(ص)فرمود: صلّوا کما رأتیمونی أصلی ; همانطور که من نماز می خوانم نماز بخوانید. پیامبر و اصحاب دست بسته نمی خواندند.

پی نوشت ها:

۱- شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۴، ج ۷.

۲ - سوره مائده (۵) آیه ۶.

۳ - تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸۶.

۴ - محمد جواد مغنیه، فقه تطبیقی ،ترجمه کاظم پورجوادی، ص ۴۰.

۵ - وسائل الشیعه , ج ۴ باب ۱۵ از ابواب قواطع الصلاه

پرسش ۴: اگر قرار باشد خداوند با عدلش با بندگان برخورد کند، اوضاع جهان چگونه خواهد شد؟

پاسخ: اگر مقصود این است که خداوند با قو? قهریه و زور عدالت اجتماعی را در جوامع انسانی برقرار کند،

پاسخ این است که در این فرض جامعه بشری از نظر بهره مند شدن از نعمت های طبیعی و خدادادی و آسایش و راحتی زندگی در وضعیت بسیار مطلوب قرار می گیرد و به اصطلاح جهان گلستان می شود، ولی باید توجه داشت در این صورت زمینه تکامل و ترقی معنوی انسان ها از بین می رود، زیرا اعمال آدمی در صورتی موجب تکاملش می شود که از روی اختیار انجام شود، مثلاً نماز و روزه زوری ارزش ندارد.

اگر خداوند به زور جلوی متجاوزان به حقوق مردم را بگیرد و آنان نتوانند کاری بکنند، حقیقت وجودشان آشکار نمی شود؛ نیز معلوم نمی شود چه کسی مجاهد در راه خدا است و چه کسی فقط حرفش را می زند.

یکی از اهداف اصلی و مهم هم? پیامبران الهی برقراری عدالت اجتماعی در جوامع بشری بوده است، ولی نتوانستند این مهم را به نحو مطلوب پیاده کنند، چرا که بنا نبود با زور و قدرت الهی این کار را بکنند، بلکه وظیفه آنان این بود که مردم را به خداپرستی و تشکیل حکومت الهی و اجرای عدالت دعوت کنند.

وظیفه مردم هم پذیرش دعوت انبیا و جهاد و تلاش در راستای تحقق اهداف آنان بود لیکن مردم آن گونه که وظیفه شان بود، اقدام نکردند. در طول تاریخ هر قدر مردم به حرف پیامبران الهی و مصلحان جامعه گوش داده اند، به همان اندازه از عدالت اجتماعی برخوردار شده اند.

قرآن می فرماید: "ما پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم تا این که با این کتاب و وسیله سنجش بتوانند مردم را به گونه ای بسازند که خود به عدل و داد قیام کنند".(۱) نکته جالب در این آیه آن است که

نمی فرماید هدف این بود که انبیا انسان ها را وادار به اقامه قسط کنند، بلکه می گوید: هدف این بود که مردم خود مجری قسط و عدل باشند. آری مهم این است که مردم خود خواهان و مجری عدالت باشند.

نقش مردم تا جایی است که برقراری حکومت عدل جهانی حضرت امام زمان(عج) وقتی محقق خواهد شد که اکثر مردم جهان خواهان برقراری عدال باشند. امام باقر(ع) فرمود: " وقتی قائم ما قیام نمود، دستش را بر سر بندگان می نهد و عقول و افکار پراکند? آنان را متمرکز می کند و به سوی یک هدف متوجه می سازد".(۲)

اگر مراد از سؤال این است که چنانچه خداوند بندگانش را در دنیا مجازات کند، یعنی هر کس هر تخلفی کرد و گناهی مرتکب شد، فوراً از طرف خداوند مجازات شود، چه پیش می آید؟ پاسخ این است:

در این فرض شاید هیچ کس غیر از امام زمان(عج) و تعداد اندکی از صالحان باقی نمانند و همه بر اثر نزول عذال الهی نابود شوند، زیرا پروند? اکثر ما چنان سیاه است که اگر عفو الهی شامل حالمان نشود و خداوند بخواهد با عدلش رفتار کند، گرفتار عذاب های دردناک و هلاک کننده خواهیم شد.

حضرت سجاد(ع) می فرماید: " خداوندا، به خاطر فضلت اگر بخواهی ما را می بخشی ، و به خاطر عدالتت اگر بخواهی ما را عذاب می کنی، پس بر ما منت گذار و ببخش، چرا که نمی توانیم عدالت تو را تحمل کنیم و هیچ یک از ما بدون بخشش تو راه نجاتی نداریم".(۳)

حضرت در جای دیگر می فرماید: "پروردگارا، اگر در جهنم تنها مرا می سوزاندی، مطابق عدالت است، بلکه کمتر از آن است که من استحقاقش را

دارم"(۴). در دعای دیگر فرمود: "خدایا، با کرم و فضلت با من رفتار کن، نه با عدالتت".(۵)

در حدیث دیگر وارد شد: "حاجی در روز عید قربان درِ مسجد الحرام (در مکه) بایستند و بگوید: خدایا، با من با عفو و رحمتت رفتار کن، نه با عدالتت".(۶)

پس اگر خداوند بخواهد در دنیا با بندگانش به عدالت رفتار کند، یعنی همه را طبق اعمالشان مجازات کند، جهان بدون بشر خواهد ماند و همه گرفتار بلاهای سخت و نابود کننده خواهند شد. با این توجه که دنیا گنجایش پیاده شدن عدل الهی را ندارد، زیرا بعضی از انسان ها چنان غرق در گناهند که در این جهان نمی شود کاملاً آن ها را مجازات نمود، چرا که مثلاً صدام که قاتل هزاران انسان و ویرانگر هزاران خانه کاشانه است، با یک گلوله می میرد و خلاص می شود، از این رو جهانی ماورای دنیا لازم است که چنین اشخاصی به سزای اعمال شان برسند و آن جهان آخرت است.

در عین حال در دنیا، برخی سختی ها و بلاها را خداوند برای بیداری انسان ها از غفلت و آزمایش اینان مقرر کرده تا انسان ها، از خواب غفلت بیدار شده و رو به درگاه الهی آورند.

پی نوشت:

۱ – حدید (۵۷)، آیه ۲۵.

۲ – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳ – صحیفه سجادیه، دعای دهم.

۴ – بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۳۶.

۵ – مصباح کفعمی، ص ۴۰۰.

۶ – بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۱۵.

امام زمان(عج) با شمشیر می جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پرسش

امام زمان(عج) با شمشیر می جنگد یا با سلاح پیشرفته؟

پاسخ

می گویند پس از انفجار اولین بمت اتمی در هیروشیما و ناکازاکی، انیشتین پیش بینی کرد که جنگ جهانی سوم، جنگ اتمی خواهد بود و فاجعه انسانی و غیر انسانی آن به قدری دهشتناک و هراس انگیز است که نمی توان آن را تصور نمود. فقط می دانیم که انسان ها از لحاظ امکانات زندگی به عصر "حجر" بر می گردند. با این پیش فرض و ذهنیت، جنگ با شمشیر توجیه پذیر می گردد. اما از طرف دیگر می دانیم که نظام آفرینش و سیر زندگی انسان بر اصل "تکامل" تداوم دارد.

تکامل و پیشرفت همه جانبه، قانونی فراگیر و جهان گستر است. علم و اندیشه بشر پیوسته در مسیر تکامل قرار گرفته و آثار آن نو به نو می گردد و در ساخت ابزارهای مختلف رفاهی و دفاعی، صنعتی و علوم آزمایشگاهی و ابزاری که کاربرد آن در زمین یا کیهان است، تجلی پیدا می کند.

سیر علوم به سوی کمال، همانند آب رودخانه است که هر چه به جلو می رود، شیب آن بیشتر و سرعت آب افزون تر می گردد، ولی انسان از آغاز آفرینش تا عصر ظهور با همه تلاش و به کارگیری هوش و نبوغ؛ علم و اندیشه خویش فقط قادر می گردد هفت و چهار دهم درصد علوم و واقعیات هستی را کشف کند؛ یعنی دو قسمت از ۲۷ قسمت آن و بقیه آن در عصر ظهور شناخته خواهد شد(۱).

پس با فرا رسیدن زمان، تجلی خورشید حقیقت تیزتر می شود و با توزیع عادلانه امکانات و برقراری عدالت اجتماعی علاوه بر پیشرفت های پیشین، نود و شش و شش دهم درصد مجهولات باقی مانده بشر نیز معلوم می گردد.

به بیان

دیگر: حرکت ماشینزه مدرن نه تنها متوقف نمی گردد، بلکه به سرعت تکامل می یابد، تکاملی که توأم با پیشگیری از جنبه منفی زندگی ماشینی و خطرات ناشی از آن خواهد بود. به تعبیر دیگر هم ماشینزه تکامل می یابد و هم تصفیه می شود".(۲)

پس چگونه می توان واپس گرایی و ارتجاع علمی و ابزاری را باور نمود و معتقد شدکه انسان عصر ظهور آن چنان گذشته گرا می گردد که همانند آبا و اجداد خویش با شمشیر می جنگد و دفاع می کند؟

سلاح امام زمان(عج) مادی است؟

آیا سلاح حضرت از قبیل احساس یک نوع ترس و وحشت فوق العاده در قلوب دشمنان است که مانع هر گونه تصمیم گیری کفار در این زمینه می شود، یا یک نوع تأثیر مرموز روانی و از کار انداختن دستگاه های فکری آن ها از راه دور است که قدرت استفاده از سلاح های مخرب را مختل می سازد؟

یا با اعجاز و کمک فرشتگان موانع را از سر راه برمی دارد و زمین را از لوث وجود مفسدان و مستکبران پاک می سازد؟ یا این سلاح همانند یک اشعه مجهول و مرموز است که کاربردش ماورای همه سلاح های کنونی است و می تواند همه را خنثی کند؟(۳)

هر یک از سلاح های ذکر شده ابزاری است که در زمان حضرت برای برداشتن موانع و شکستن استحکامات اهریمنی دشمن ممکن است به کار گرفته شود، لیکن اصل بر این است که زندگی مردم از مسیر طبیعی و عادی خارج نگردد و از اعجاز و سلاح های غیر عادی در مواقع ضرورت و جهت دلگرمی و آرامش روحی مؤمنان استفاده گردد.

پس لازم است دو نکته را بیان کنیم:

۱ – استفاده از سلاح غیر مادی: امداد غیبی و حمایت الهی

در پیروزی امام زمان (عج) نقش زیادی دارد.

امام صادق(ع) در توضیح آیه "أتی امر اللّٰه فلا تستعجلوه". (۴) می فرماید: "منظور از حادثه ای که حتماً تحقق پیدا می کند و برای تحقق آن عجله نکنید، امر ما اهل بیت(ع) و ظهور امام زمان(عج) و تشکیل حکومت جهانی و رجعت امامان(ع) است. وقتی حضرت ظهور کرد، خداوند او را به سه چیز تأیید خواهد نمود: ۱ فرشتگان، ۲ - ایجاد رعب در دل دشمنان، ۳ - به وسیله مؤمنان".

در برخی روایات شمار فرشتگان به تناسب موقعیت های مورد نیاز مختلف سه هزار، پنج هزار و چهل و شش هزار نفر ذکر شده است. (۵)

این دسته روایات می رساند که فرشتگان همانند جن تحت فرمان حضرت هستند و در موقعیت های مختلف از وجود آن ها بهره می برد.

۲ - استفاده از سلاح مادی: اگر چه امدادهای غیبی در پیروزی امام(عج) نقش به سزایی دارد، اما پیروزی به آسانی دست نمی دهد، بلکه با رنج طاقت فرسا همراه است، چه این که مؤمنان و بلکه انسان ها عموماً پیوسته مورد آزمایش قرار می گیرند. فرورفتن در شداید و سختی ها یکی از ابزار آزمایش است. امام صادق(ع) می فرماید: "پیروزی به دست نمی آید مگر در غرقاب خوب و عرق. (۶) برای دوست شما مهدی آن وسیله سرکش ذخیره شده است".

راوی حدیث می گوید: پرسیدم منظور از وسیله سرکشی چیست؟ امام(ع) فرمود: "ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است. او بر این وسیله سوار می شود. آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می گردد و به آسمان های هفتگانه صعود می کند و همه جای زمین یا زمین های هفت گانه را در هم می نوردد".(۷)

مسلماً منظور از

ابر، ابر معمولی نیست، زیرا ابرهای معمولی وسیله ای نیستند که بتوان با آن ها سفر فضایی کرد، چون در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی توانند از آن بالاتر بروند، بلکه اشاره به وسیله فوق العاده سریعی السیری است که در آسمان به صورت توده ای فشرده از ابر به نظر می رسد.

غرشی همانند رعد و قدرت و شدتی همچون صاعقه و برق دارد.

از حدیث ذکر شده می توان دریافت موضوع عقب گرد صنعتی در کار نیست، بلکه به عکس سخن از پیشرفت خارق العاده ای است که به موازات آن باید تکامل در همه زمینه ها صورت گیرد.(۸)

پس منظور از به کارگیری شمشیر کنایه از جنگ است؛ یعنی جنگ و خون ریزی جزء برنامه رسمی مهدی موعود است. ایشان مأمور است دین اسلام را عالم گیر کند، و جلوی بیدادگری را بگیرد، اگر چه با جنگ و توسل به شمشیر باشد، بر خلاف سیره و رویه پدران بزرگوارش که چنین مأموریت حادی نداشتند و به پند و اندرز اکتفا می کردند.(۹)

بنابر این منظور از قیام مهدی(عج) به سیف، اتکا به قدرت نظامی است، همان گونه که "قلم" کنایه از علم و فرهنگ است. ضرب المثل های زیادی در فرهنگ های مختلف در مورد شمشیر که سمبل قدرت است، وارد شده است.(۱۰)

پی نوشت ها:

۱ – حسن بن محمد ولی ارومیه ای، مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۱.

۲ – ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۷۴.

۳ – همان، با تلخیص.

۴ – نمل (۱۶)آیه ۱.

۵ – محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۴ و ۲۴۳.

۶ – همان، باب ۱۵، ص ۲۸۳ – ۲۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹ – ۳۵۷.

۷

– مهدی موعود (ترجمه ج ۱۳ بحار)، ص ۳۲۳.

۸ – حکومت جهانی مهدی، ص ۲۸۱، با تلخیص.

۹ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۱۶، با تلخیص.

۱۰ – مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۵۹.

آدرس : قم صندوق پستی ۱۹۷

۱– امام مهدی(ع) در برابر سلاحهای مخوف چگونه مانند جدش با شمشیر قیام خواهد کرد؟

پرسش

امام مهدی(ع) در برابر سلاحهای مخوف چگونه مانند جدش با شمشیر قیام خواهد کرد؟

پاسخ

اولاً: مقصود از خروج با شمشیر، مأموریت به جهاد و توسل به اسلحه برای اعلاء کلمه حق است.

بنابر این قیام با شمشیر، کنایه از قیام با اسلحه و پیکار و جهاد و تعیین نوع مأموریت آن حضرت است و اینکه آن حضرت مأمور به مصالحه با کفار نیست.

بدیهی است با هر اسلحهای که لازم باشد، آن حضرت و اصحابش با کفار و ستمگران جهاد مینمایند و از هرگونه اسلحهای که در زمان ظهور آن حضرت متداول باشد و به استعمال آن حاجت داشت باشند، استفاده مینمایند.

ثانیاً: از کجا که در زمان ظهور آن حضرت، این اسلحههای مهیب در اختیار بشر باقی باشد؛ زیرا ممکن است که در اثر حوادث و آشوبها و انقلابات شدید و جنگهای خانمانسوز جهانی، که پیش از ظهور آن حضرت واقع میشود دو ثلث بشر نابود شود، این اسلحههای جهنمی معدوم گردد و شاید کسی باقی نماند که بتواند از این اسلحهها استفاده کند، یا آنها را تهیه نماید و این احتمال هم کاملاً بجا و قابل توجه است.

آیا شمشیر حضرت علی(ع) نزد حضرت مهدی موجود می باشد؟

پرسش

آیا شمشیر حضرت علی(ع) نزد حضرت مهدی موجود می باشد؟

پاسخ

برحسب روایات متعدّد که در کتاب های معتبر، مثل: «غیبه نعمانی»، «خصال»، «عیون اخبار الرّضا(ع)»، «معانی الاخبار»،«مناقب»، «کفایه الاثر»، «احتجاج»و «مهج الدّعوات» روایت شده، شمشیر موسوم به «ذوالفقار» که از ذخایر نبوّت و امامت است؛ مانند سایر ذخایر و مواریث انبیاء (ع) در نزد ولی عصر مولانا بقیّه الله ارواح العالمین له الفداء موجود و محفوظ است.

مذخور بودن این شمیشیر وسایر مواریث مذخوره نزد ائمّه (ع) از خصایص امام و تشریفات و امتیازات امامت است. این مواریث از آیات الهیّه و از مظاهر عنایت ربّانیّه به انبیاء است؛ بالخصوص درع(زره) و لواء(پرچم) رسول خدا (ص) و سیف ذوالفقار هریک مبارک و دارای قداست هستند؛ هر چند برای بیشتر ائمّه اطهار(س) فرصت این که در جهاد با کفّار آنها را به کار گیرند، فراهم نگردید و رسماً متقلّد این شمشیر نشدند. ولی بر حسب بعض این روایات حضرت صاحب الزّمان روحی لتراب مقدم شیعته الفداء بر این سیف متقلّد می شوند و نفس تقلّد ایشان به این شمیشیر، دلیل بر مأموریّت و قیام ایشان به جهاد است.

آیا آن حضرت در جنگ با کفار و مشرکین از ابزار جنگی جدید در جهان استفاده خواهند کرد؟

پرسش

آیا آن حضرت در جنگ با کفار و مشرکین از ابزار جنگی جدید در جهان استفاده خواهند کرد؟

پاسخ

از آنجا که قیام آن حضرت یک قیام الهی است و او به عنوان رهبر آن قیام الهی محسوب می شود؛ بنابراین هیچ شک و تردیدی نیست که نصرت الهی و امدادهای غیبی او را یاری خواهند کرد. همان طور که اصحاب خاص آن حضرت نیز از توانایی های ویژه ای برخوردار هستند. امام صادق (ع) فرمود: هر یک از اصحاب قائم (ع) توانایی چهل مرد را دارند و قلب آنها از پاره آهن استوارتر است.{P – کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۵۹۴. P}

امام باقر (ع) فرمود: عصای موسی در نزد قائم ما قرار می گیرد و او از آن، همان بهره ای را خواهد برد که موسی بن عمران برد.(در واقع عصای موسی به عنوان نماد قدرتمندترین ابزار و قدرتی که مافوق تمام قدرت های دیگر در عصر خود بود، شمرده می شود) {P – همان، ص ۵۹۵. P}

امام صادق (ع) نیز فرمود: چون ابراهیم (ع) را در آتش افکندند جبرئیل برای او پیراهنی از بهشت آورد و آن را بر تن او کرد. پس گرما و سرما در او مؤثر نیفتاد و آن پیراهن در هنگام قیام قائم، همراه اوست.{P - همان، ص ۵۹۵ و ۵۹۶. P}

درباره ویژگی ها و توانایی های اصحاب آن حضرت، امام باقر (ع) فرمود: برخی از اصحاب قائم با ابر سفر می کنند و آنها؛آآ:?: کسانی هستند که ایمان استوارتری دارند.سفر با ابر، نیاز به تفسیر دارد که آیا مراد واقعاً همان ابرهای آسمان است یا{P - همان، ص ۵۹۳. P}

وسیله ای دیگر که از آن

تعبیر به ابر شده است.

اما گذشته از همه این ها، نه تنها دلیلی بر منع استفاده از تجهیزات و سلاح های روز وجود ندارد، بلکه مضامین برخی آیات امر به استفاده از امکانات نظامی روز کرده است.

آیه شریفه «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» همه مؤمنان و مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و آنها را به جمع آوری {P - قسمتی از آیه ۶۰، انفال. P}

امکانات رزمی در بالاترین سطح جهت مقابله با دشمنان امر می کند.

و امام عصر (عج) نیز به عنوان امیر و رئیس مؤمنان از مخاطبان این آیه است و با توجه به مفاد آیه، آن حضرت ملزم به استفاده از تمام

تجهیزات و امکانات لازم جهت مقابله با دشمنان است.

آیا جنگ امام زمان(عج) در موقع ظهور با سلاح های قدیمی است یا سلاح جدید؟

پرسش

آیا جنگ امام زمان(عج) در موقع ظهور با سلاح های قدیمی است یا سلاح جدید؟

پاسخ

پاسخ از کتاب یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج) به شرح ذیل است:

{P - رجالی، پیشین، ص ۲۱۹. P}

ظاهراً مقصود از خروج با شمشیر مأموریت به جهاد و توسّل به اسلحه برای اعلای کلمه حق است و اینکه با هیچ یک از کفّار به مصالحه نمی نشیند. زیرا «شمشیر» همیشه کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده و هست، همان گونه که «قلم» کنایه از علم و فرهنگ است. و نیز از قدیم معروف بوده که کشور با دو چیز اداره می شود؛ قلم و شمشیر.

پس منظور از قیام با شمشیر، همان اتکای بر قدرت است، تا مردم نپندارند که این مصلح بزرگ به شکل یک معلم یا یک واعظ عمل می کند بلکه او یک رهبر مقتدر الهی است که امان را از ستمگران و منافقان می گیرد.

{P - رجالی، پیشین، ص ۲۱۹. P}

(پاسخ سؤال بالا از آیت الله صافی گلپایگانی در جلد دوم کتاب امامت و مهد ولایت)

بنابراین اولاً: مقصود از خروج با شمشیر، مأموریت به جهاد و توسل به اسلحه برای اعلاء کلمه حق است. بنابراین قیام با شمشیر، کنایه از قیام با اسلحه و پیکار و جهاد و تعیین نوع مأمویت آن حضرت است و اینکه آن حضرت مأمور به مصالحه با کفار نیست.

بدیهی است با هر اسلحه ای که لازم باشد، آن حضرت و اصحابش با کفار و ستمگران جهاد می نمایند و از هرگونه اسلحه ای که در زمان ظهور آن حضرت متداول باشد و به استعمال آن حاجت داشته باشند استفاده می نمایند.

ثانیاً: از کجا که در زمان ظهور آن

حضـرت، این اسـلحه هـای مهیب در اختیار بشـر باقی باشـد؛ زیرا ممکن است که در اثر حوادث و آشوبها و انقلابات شدیـد و جنگهـای خانمـانسوز جهـانی، که پیش از ظهـور آن حضـرت واقع می شود دو ثلث بشـر نـابود شود، این اسـلحه هـای جهنّمی معدوم گردد و شاید کسی باقی نماند که بتواند از این اسلحه ها استفاده کند، یا آن ها را تهیه نماید و این احتمال هم کاملاً به جا و قابل توجه است.

یکی از اموری که در احـادیث از آن خبر داده شـده و اوضـاع کنونی آن را ممکن الوقوع نشـان می دهـد، جنـگ هـای جهان گیری است که در اثر آن، بیشتر نقاط زمین از سـکنه خالی می گردد و شـهرها ویران می شود، و صدها میلیون بشـر را رهسپار دیار دیگر می سازد.

تـا یـک قرن پیش از وقوع چنین جنـگ هـایی بسـیار بعیـد به به نظر می رسـید، زیرا بـا آن اسـلحه های سابق و با نبودن وسایل ارتبـاط جمعی بین شـهرها و کشورهـا، اگر جنگی واقع می شـد، اولاًـ پیش از آن که خبرش به کشورهـای همسـایه و یا دورتر برسد و دامنه جنگ گسترش یابد، آن

جنـگ به پایـان می رسـید و ثانیاً در آن زمان ها، تعیین غالب از مغلوب، خاتمه یافتن جنگ، تسـلط یکی از دو طرف یا از بین رفتن طرفین،متوقف بر کشتارهای عمومی و استعمال بمب و غیره نبود.

امـا در عصـر حاضـر به طوری که همه پیش بینی می نماینـد بـا وسایل ارتباط جمعی که همه عالم را به منزله یک شـهر و یک محله نموده؛ و با اسـلحه ها و تجهیزاتی که در دست زمامـداران بی ایمان است و هیچ وسـیله ای برای کنترل خشم و شـهوت و جاه پرستی آنها نیست، اگر جنگ

شروع شود، علاوه بر آن که غالب از مغلوب تشخیص داده نمی شود و طرفین از بین می روند، اکثر ملل و سکنه زمین ممکن است در ظرف چند ساعت فانی و نابود شوند.

پس اگر در احادیث شریفه فرموده اند: ظاهر نمی شود مهدی (عج) مگر آن که ثلث مردم کشته شوند و ثلث آنها بمیرند و ثلث آنان باقی بمانند، و فرموده اند: این ظهور واقع نخواهد شد تا وقتی دو ثلث مردم از بین بروند.نباید تعجب کرد، بلکه {P - ر ک به منتخب الاثر، ف ۶، ب ۵، ص ۴۵۲ و ۴۵۳. P}

باید آن را نشانه علوم بی پایان حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) و آگاهی آنها از آینده و اطلاعشان بر مغیبات به اذن و تعلیم خدا دانست و از معجزات و کراماتشان به شمار آورد.

در احادیث آمده که حضـرت صاحب الزمان(عج) با شمشیر می آیند و مردم ظالم را می کشند می خواهم بپرسم در زمان حال که این قدر سلاح های پیشرفته وجود دارد چطور امام زمان(عج) فقط با شمشیر می جنگد؟

پرسش

در احادیث آمده که حضرت صاحب الزمان(عج) با شمشیر می آیند و مردم ظالم را می کشند می خواهم بپرسم در زمان حال که این قدر سلاح های پیشرفته وجود دارد چطور امام زمان(عج) فقط با شمشیر می جنگد؟

پاسخ

سؤالاتی که درباره ابزار دفاعی آن حضرت قابل طرح است عبارتند از:

الف) آیا ابزار دفاعی آن حضرت سلاح سردی چون شمشیر خواهد بود یا نه؟ ب)- مفاد روایات اسلامی کدام نظریه را تأیید می کند؟ ج)- آیا تکامل صنعتی و ماشینی در آن روزگار از بین خواهد رفت یا نه؟ می گوییم برای یافتن پاسخ این سؤالها هم از منابع حدیث و هم از دلایل عقلی می توان کمک گرفت اما به نظر عقل: هیچ دلیلی وجود ندارد که با جهش جامعه انسانی به سوی حق و عدالت ترقی جامعه متوقف گردد. افزون بر آن یکی از پایه های استقرار حکومت واحد جهانی به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست پس بعید نیست بگوییم همان گونه که قلم کنایه از علم و فرهنگ است. شمشیر هم کنایه از قدرت و نیروی نظامی می باشد.از همین جا می توانیم به این سخن اعتراف کنیم که نمی توانیم نوع این سلاح را نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم. همین اندازه اجمالاً می توانیم بگوییم یک سلاح برتر خواهد بود. هم چنان که می دانیم آن سلاحی نیست که گناهکار و بی با هم نابود کند.

و اما به نظر احادیث: احادیثی که نقل شده، به نوبه خود هر کدام تکامل علوم را در ابعادی مختلف برای انسان گوشزد می کنند. از باب نمونه در

کتاب منتخب الاثر عناوین ذیل را مشاهده می کنیم که همگی بر پیشرفت و رشد علوم آن روزگار دلالت می کند.

الف)- باب سوم در این که زمین، کنوز و معادن خود را اظهار می کند. در این باره ده حدیث است. از باب نمونه: موسی بن جعفر (ع) فرمود: برای آن حضرت گنجینه های زمین ظاهر می شود و هر امر دوری برای ایشان نزدیک می گردد.

ب)- باب چهارم: در این که برکات سماوی و ارضی و غیر این دو ظاهر می شوند ودر آن ۱۲ حدیث است. از باب مثال: پیامبر (ص) فرمود: در زمان آخر امتم مهدی خروج می کند و حال آن که باران او را سیراب و زمین نباتاتش را بر وی عرضه می کند.

ج)- باب یازدهم در این که زمین در دولت وی عمران می یابد. در این زمینه ۵ حدیث وارد شده است. از آن جمله: حضرت فرمود: روی زمین خرابی باقی نمی ماند مگر این که مهدی آن را آباد می کندد)- باب دوازدهم در این که امور در عصر ایشان تسهیل پیدا کرده و عقول مردم هم تکامل پیدا می کند و در آن ۷ حدیث نقل شده است. از باب نمونه امام صادق (ع) فرمود: در زمان قائم آل محمد (ص) مؤمنی که در مشرق است برادر خود را که در مغرب است می بیند. همین طور مؤمنی در مغرب است برادر خود را که در مشرق است، مشاهده می کند. در این راستا نکاتی است که باید در نظر گرفت: ۱) کلمه "سیف" که در روایات آمده، کنایه از مطلق سلاح می باشد. چنان که در بسیاری موارد چنین کاربردی دارد. ۲) آنچه مسلم است سلاح های موجود دنیا به گونه ای است که نابود

کننده هر کسی است که در برد مؤثر آن باشد در حالی که سلاح امام زمان "عج" و یارانش تنها انسان های تبهکار و فاسد و بی ایمان را از بین می برد و خوبان از گزند آن در امانند. اما این که این ویژگی چگونه به دست می آید بر ما پوشیده است می توان احتمال داد که آن حضرت به سلاح فوق مدرنی دست می یابند که چنین کاربردی دارد و سلاح های دیگران در برابر آن ناتوان است و کارایی چندانی ندارد و نیز ممکن است سلاح جدیدی توسط آن حضرت به کار گرفته نشود و با سلاح هایی ابتدایه نبرد برخیزند و اراده الهی بر از کار افتادن دیگر سلاح ها تعلق گیرد.

۲- سلاح حضرت و یاران در هنگام ظهور , شمشیر و اسلحه ی قدیمی است یا سلاحهای جدید و اگر سلاحهای جدید است، چطور با احادیث تطبیق دارد ؟

پرسش

۲- سلاح حضرت و یاران در هنگام ظهور , شمشیر و اسلحه ی قدیمی است یا سلاحهای جدید و اگر سلاحهای جدید است، چطور با احادیث تطبیق دارد ؟

پاسخ

ج۲- در باره سلاح حضرت و یارانش در احادیث اشاره به شمشیرهای آسمانی شده است ،همچون کلام امام صادق « علیه السلام » که فرمود : چون قائم « علیه السلام » قیام می فرماید شمشیرهای قتال از آسمان فرو می آیند { غیبت نعمانی ,ص ۲۴۴}

باید در نظر داشت : اولا: زبان بعضی احادیث زبان گفتار با مخاطبین خودش است .

ثانیا : در این موضوعات باید متخصیصن حدیث جمع بندی کنند ،همچنین در گفتار معصومین « علیهم السلام »

شیوه قصار و ایجاز و کلام نمادین در احادیث معصومین «علیهم السلام وجود دارد و آن با اهل فن واضح و روشن می شود . از طرفی امام مهدی « علیه السلام » امام عصر است، صرفا امام ۱۲۰۰ سال قبل نیست که مطابق آن عصر رفتار کند . بنابر این نباید دنبال عین مصادیق کلمات موجود در احادیث باشیم .

آنچه که برای ما مسلم است و قطعی است حضور امام عصر با وعده الهی که زمین را روزی در اختیار صالحان قرار خواهیم داد و مستحضرید که امام عصر «علیه السلام» به شیوه انبیاء با ابلاغ پیام الهی به بشریت ظهور خواهدکرد.

اما بطور عادی عده ای مقاومت خواهند کرد و بطور مسلم برای انجام این امر مهم امام با یارانش جلو آنها را خواهند گرفت. اما به چه طریقی؟ شاید با سلاحهای قوی تر از آلان داشته باشد. چون علم در آن زمان در همه ابعاد

پیشرفته تر خواهد شد .

منابع :

۱–خصائص مهدی «عج » ,محمد راجی

۲–تمدن درعصر ظهور ,عباس المدرسی

۳–عصر زندگی , محمد حکیمی

۴–رسالت جهانی حضرت مهدی «عج » ,فریده گل محمدی

۵–خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی

ابزار دفاع امام زمان (عج) هنگام ظهور چیست ؟

پرسش

ابزار دفاع امام زمان (عج) هنگام ظهور چیست ؟

پاسخ

در این راستا نکاتی است که باید در نظر گرفت:

۱) کلمه «سیف» که در روایات آمده، کنایه از مطلق سلاح می باشد. چنان که در بسیاری موارد چنین کاربردی دارد.

۲) آنچه مسلم است سلاح های موجود دنیا به گونه ای است که نابود کننده هر کسی است که در برد مؤثر آن باشد در حالی که سلاح امام زمان «عج» و یارانش تنها انسان های تبهکار و فاسد و بی ایمان را از بین می برد و خوبان از گزند آن در امانند. اما این که این ویژگی چگونه به دست می آید بر ما پوشیده است می توان احتمال داد که آن حضرت به سلاح فوق مدرنی دست می یابند که چنین کاربردی دارد و سلاح های دیگران در برابر آن ناتوان است و کارایی چندانی ندارد و نیز ممکن است سلاح جدیدی توسط آن حضرت به کار گرفته نشود و با سلاح هایی ابتدایی به نبرد برخیزند و اراده الهی بر از کار افتادن دیگر سلاح ها تعلق گیرد.

سؤالاتی که درباره ابزار دفاعی آن حضرت قابل طرح است عبارتند از:

۱– آیا ابزار دفاعی آن حضرت سلاح سردی چون شمشیر خواهد بود یا نه ؟

۲- مفاد روایات اسلامی کدام نظریه را تأیید می کند؟

۳- آیا تکامل صنعتی و ماشینی در آن روزگار از بین خواهد رفت یا نه ؟

می گوییم برای یافتن پاسخ این سؤالات هم از منابع حدیث و هم از دلایل عقلی می توان کمک گرفت اما به نظر عقل : هیچ دلیلی وجود ندارد که با جهش جامعه انسانی به سوی حق و عدالت ترقی جامعه متوقف گردد. افزون بر

آن یکی از پایه های استقرار حکومت واحد جهانی به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست . پس بعید نیست بگوییم همان گونه که قلم کنایه از علم و فرهنگ است.

شمشیر هم کنایه از قدرت و نیروی نظامی می باشد. از همین جا می توانیم به این سخن اعتراف کنیم که نمی توانیم نوع این سلاح را نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم . همین اندازه اجمالا می توانیم بگوییم یک سلاح برتر خواهد بود. هم چنان که می دانیم آن سلاح سلاحی نیست که گناهکار و بی گناه را با هم نابود کند. و اما به نظر احادیث : احادیثی که نقل شده , به نوبه خود هر کدام تکامل علوم را در ابعادی مختلف برای انسان گوشزد می کنند. از باب نمونه در کتاب منتخب الاثر عناوین ذیل را مشاهده می کنیم که همگی بر پیشرفت و رشد علوم آن روزگار دلالت می کنند:

۱- باب سوم در این که زمین , کنوز و معادن خود را اظهار می کند. در این باره ده حدیث است . از باب نمونه : موسی بن جعفر(ع) فرمود: برای آن حضرت گنجینه های زمین ظاهر می شود و هر امر دوری، برای ایشان نزدیک می گردد.

۲- باب چهارم : در این که برکات سماوی و ارضی و غیر این دو ظاهر می شوند و در آن ۱۲ حدیث است . از باب مثال : پیامبر(ص) فرمود: در زمان آخر امتم مهدی خروج می کند و حال آن

که باران او را سیراب و زمین نباتاتش را بر وی عرضه می کند.

۳- باب یازدهم در این که زمین در دولت وی عمران می یابد. در این زمینه ۵ حدیث وارد شده است . از آن جمله : حضرت فرمود: روی زمین خرابی باقی نمی ماند مگر این که مهدی آن را آباد می کند.

۴- باب دوازدهم در این که امور در عصر ایشان تسهیل پیدا کرده و عقول مردم هم تکامل پیدا می کند و در آن ۷ حدیث نقل شده است .

از باب نمونه امام صادق (ع) فرمود: در زمان قائم آل محمد(ص) مؤمنی که در مشرق است برادر خود را که در مغرب است می بیند. همین طور مؤمنی که در مغرب است برادر خود را که در مشرق است , مشاهده می کند.

هدف وچگونگی ظهور

وقتی که امام زمان(عج) ظهر می کند، چه برنامه هایی دارد؟

پرسش

وقتی که امام زمان(عج) ظهر می کند، چه برنامه هایی دارد؟

پاسخ

امام زمان(ع) در هنگام ظهور سیاست های مهم را ارائه می دهد که جهت رعایت اختصار به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱ - تشکیل حکومت جهانی.

یکی از استراتژی های مهم امام(ع) تشکیل حکومت جهانی این است که در آن سعادت دنیاو آخرت بشر تأمین می شود. مورخان و سیره نگاران باور دارند که بعد از فراگیری ستم حکومت های حاکم بر جهان، مردم آماده پذیرش حکومت عدالت گرا می شوند، گر چه برخی با تشکیل حکومت امام زمان(ع) مخالفت می کنند؛ ولی اکثر مردم آماده حکومت امام(ع) می شوند.

۲ - بیت گرفتن.

برای تشکیل حکومت جهانی و قانونی، نیاز به پایگاه مردمی است، از این رو امام زمان(ع) از مردم بیعت می گیرند:

"مهدی(ع) سپاهیان خود را جهت گرفتن بیعت به اطراف جهان خواهد فرستاد. مردمان ظالم و ستمگر از بینخواهند رفت و اهل شهرها از برای مهدی تسلیم خواهند شد".(۱)

البته برخی مردم بـا حکومت جهـانی امـام زمـان(ع) مخالفت کرده و بیعت نمی کننـد، ولی اماما با قاطعیت با آنان برخورد می کند.

۳ - مبارزه با دجال.

در برخی از روایـات تصـریح شـده است که امـام(ع) در هنگام ظهور با دجال می جنگنـد. در این که دجال چیست و حضـرت چگونه با او جنگ می کنـد ،اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی یکی از سـیاست های امام زمان(ع) مبارزه با دجال است. در کتاب الفتـن از زُهری آمـده است: "اذا التقی السـفیانی و المهـدی(ع) القتـال یومئـذ یسـمعون من السـماء صوتـا ألاـ إنّ اولیـاء اللّٰه من اصحاب فلان یعنی المهدی(ع)".(۲)

۴ - آموزش و تعلیم قرآن.

واقعیت آن است که مسلمانان از معارف بلند قرآن فاصله گرفته اند که در قرآن از آن به عنوان مهجوریت قرآن

یاد شده است.(۳) یکی از برنامه های امام زمان(ع) در هنگام ظهور، آموزش قرآن است، تا هم قرآن از مهجوریت رهایی یافته و هم مردم با معارف بلند آن آشنا شوند. امام باقر (ع) فرمود:

"هرگاه قائم آل محمد(ص) قیام کند، خیمه هایی نصب می کند برای کسانی که قرآن را همان طور که نازل شده، به مردم تعلیم دهند".(۴)

۵ -مبارزه با خرافات و بدعت زدایی.

یکی از برنامه های مهم امام زمان(ع) مبارزه با خرافات و بدعت ها است. این سیاست از آن جا نشأت می گیرد که قبل از ظهور امام(ع) دینی جدید تلقی می شود؛ از این رو برخی تصور می کنند امام دین جدید آورده است. امام باقر(ع) فرمود: "آن چه از آثار بدعت و گمراهی قبل از وی بوده است، منهدم می کند چنان که پیغمبر(ص) اساس جاهلیت را منهدم کرد. آن گاه از نو اسلام را از سر می گیرد".(۵)

۶ -اجرای قوانین اسلام و حاکمیت دین بر جهان.

یکی از برنامه های مهم امام (ع) اجرای قوانین اسلام و حاکمیت دین بر جهان است. در قرآن تصریح شده است: "لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون".(۶)

مفسران و پژوهشگران قرآنی این آیه را در خصوص حاکمیت اسلام در زمان ظهور امامزمان(ع) دانسته اند، زیرا هنوز اسلام حاکمیت بر تمام جهان نداشته است.

عیاشی در تفسیر خود از رفاعه بن موسی نقل کرده: از حضرت صادق(ع) شنیدم که در تفسیر آیه: "و له أسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرهاً" فرمود: "هنگامی که قائم ما قیام کرد، جایی روی زمین باقی نمی ماند، مگر این که در آن جا صدای "أشهد ان لا اله الا اللّه و أشهد ان محمدا رسول اللّه" بلند شود".(۷)

۷ -گسترش

عدالت و از بین بردن فساد.

یکی از ویژگی های حکومت امام(ع) گسترش عدالت و از بین بردن ناهنجاری ها و فساد است.

پیامبر اسلام(ص) فرمود: "فیملأ الارض عدلا و قسطا کما ملئت جوراً و ظلماً"؛(۸) امام زمان(ع) زمین راپر از عدل و داد کند، چنان که پر از جور و ستم شده باشد".

امام زمان(ع) برنامه های دیگری مانند برخورد با دشمنان دین و آبادانی شهرها و روستاها دارد.

اولین جایی که بوسیله امام زمان(ع) فتح خواهد شد کجا است؟

پرسش

اولین جایی که بوسیله امام زمان(ع) فتح خواهد شد کجا است؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می شود امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند. امام باقر(ع) فرمود: "یبایع القائم بین الرکن و المقام". (۲) همو فرمود: "قائم با سیصد و سیزده نفر مرد از یارانش در ذی طوی (۲) منتظر قیام است تا موقعی ه به حجر الاسود تکیه زند و پرچم آویخته را به اهتزاز در آورد".(۳)

از این روایت و روایات دیگر استفاده می شود حضرت اولین مکانی را که فتح خواهد کرد، مکه خواهد بود. مکه مقدس ترین مکان بوده و افراد صالح و شایسته در آن وجود دارند، که این عده از حکومت عدالت گستر امام زمان(ع) استقبال می کنند، ولی مخالفانی نیز در مکه حضور دارند که به مخالفت امام می پردازند و امام با آنان به شدت برخورد می کند.

امام زمان(ع) بعد از فتح مکه به سوی مدینه حرکت می کند، چنان که در برخی روایات به آن تصریح شده است.(۴) در برخی از روایات دیگر آمده است که امام زمان(ع) بعد از مدینه، عراق (کوفه) را فتح می کند.

فتوحات امام زمان(ع) اختصاص به مکان های فوق ندارد، بلکه شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد. از امام باقر(ع) از تفسیر آیه: "الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه و آتوا الزکوه" سؤال شد، حضرت فرمود: "این آیه درباره مهدی(عج) و اصحاب او است که شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد".(۵)

پی نوشت ها:

۱ - لطف اللّه صافی، منتخب الاثر، ص ۵۸۰ - ۵۸۱؛ مهدی موعود، ص ۱۰۹۸.

۲ - ذی طوی در مجاور مکه قرار دارد.

۳ - مهدی موعود، ص ۱۰۹۸.

۴ - منتخب الاثر، ص ۵۸۰، به نقل از ارشاد مفید.

۵

- ینابیع الموده، ص ۴۲۵.

می گویند لشــکر امام زمان(ع) از جنوب ایران خواهد گذشت و برترین و امن ترین شــهر ها بیت المقدس خواهد بود. آیا این مطالب صحّت دارد؟

پرسش

می گوینـد لشـکر امام زمان(ع) از جنوب ایران خواهد گذشت و برترین و امن ترین شـهر ها بیت المقدس خواهد بود. آیا این مطالب صحّت دارد؟

پاسخ

در روایات آمـده است: "یفتح الله لهم مشارق الارض و مغاربها؛۱ خداوند برای یاران حضـرت مهدی(ع) تمامی نقاط زمین را فتح خواهد کرد".

یا این که : صـدیق اکبر، یعنی امیرالمؤمنین(ع) خروج می کند و قدرت حکومت او تمامی زمین را فرا می گیرد و درخشـش او آسـمان و زمیـن را فرا می گیرد.۲ اگر حکومت آن حضـرت جهانی باشـد علی القاعده نمایندگان و لشـکریان آن حضـرت بر تمامی نقاط تسـلط پیدا خواهند کرد، ولی در مورد این که "لشـکر امام زمان(ع) از جنوب ایران خواهد گذشت" مطلبی یافت نشد. اما در مورد بیت المقدس روایتی از حضرت علی نقل شده است که: "خیرالمساکن یومئذ بیت المقدّس لیأتینّ علی الناس زمان یتمّنی أحدهم أنّه من سـکّانه؛۳ بهترین جاها برای سـکونت، بیت المقـدس است به طوری که مردم آرزو می کننـد که از ساکنان آنجا باشند.

۱ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

۲ همان، ج ۵۳، ص ۱۶.

۳ همان، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

چرا وقتی صــحبت از امام زمان می شود، او را شمشــیر به دست و اسب سواری عنوان می کننــد که از مکّه قیام می کند و پی انتقام و خونریزی می رود؟! اگر قرار به جنگ و کشتن بود که امام زمان غایب نمی شد! اصولاً امام زمان می آید تا ترویج دین کند یا خون به پا کند؟

پرسش

چرا وقتی صحبت از امام زمان می شود، او را شمشیر به دست و اسب سواری عنوان می کنند که از مکّه قیام می کند و پی انتقام و خونریزی می رود؟! اگر قرار به جنگ و کشتن بود که امام زمان غایب نمی شد! اصولاً امام زمان می آید تا ترویج دین کند یا خون به پا کند؟

پاسخ

حضرت مهدی(ع) برای زنده کردن دین اسلام و برپایی عدل و داد و ریشه کنی خرافات و ظلم و اجحاف های می آید که در جهان فراوان خواهد بود.

حضرت صادق(ع) فرمود: "وقتی که قائم ما قیام کرد به سیره رسول خدا(ص) رفتار می کند و آثار رسول خدا را تفسیر و بیان می کند".

فضیل بن یسار می گوید: از حضرت باقر(ع) شنیدم :"وقتی قائم ما قیام کرد، از ناحیه مردم با مشکلات و سختی هایی مواجه می شود که پیامبر(ص) از جانب مردم عصر جاهلیت به آن مقدار مواجه نشده بود". عرض کردم: چطور؟

فرمود: "هنگامی که پیغمبر مبعوث شد، مردم سنگ و چوب می پرستیدند، امّا قائم ما وقتی قیام کند، مردم احکام خدا را بر ضدّ وی تأویل و تفسیر می کنند و به وسیله قرآن با وی احتجاج و مخاصمه می نمایند... به خدا سوگند! عدالت قائم در اندرون خانه هایشان داخل می شود چنان که سرما و گرما داخل می گردد".

بنابراین هدف از قیام امام زمان گسترش عدل و داد و زدودن خرافات است، نه کشت و کشتار. حضرت برای کشتار مردم نمی آید، امام برای اجرای برنامه های خویش اگر مخالفی سر راه خود ببیند، او را بر می دارد. لازمه چنین حکومتی که بخواهد جهان

را پر از عـدل و داد نماید، داشـتن اسـلحه و توانایی است. مردمی که با انواع مفاسد و شـهوات خود گرفته اند، سیاسـتمداران و دولتمردان کشورهای کفر که باعث و بانی ظلم و تجاوز هسـتند، مسـلّما با پند و اندرز و نصـیحت تسـلیم نخواهند شد. بنابراین احتیاج به قوّه قهریه و شمشـیر و اسـلحه خواهد بود. تا انسان خود دچار ظلم نشود، این حقیقت را نمی فهمد و خود درك نمی کند. الآن مردم آواره فلسـطینی که هر روز کشـته می شوند و خانه هایشان خراب می شود، اگر از آنان سؤال بکنیم: آیا کسی که بتوانـد با اسـلحه و شمشـیر جلوی ظلم را بگیرد، لازم است، می گوینـد: چاره ای نیست. خـدا کنـد نجات بخشـی بیایـد که بتواند جلوی ظلم و جنایات را بگیرد و ما را از آوارد گی و دربدری نجات دهد.

بنـابراین هـدف امـام کشـتار نیست، بلکه اجرای عـدالت و احکام اسـلام است، ولی اگر مزاحمی در این مسـیر ببینـد (که خواه ناخواه خواهند بود) چاره ای جز شمشیر و اسلحه نخواهد بود.

قیام امام زمان چگونه است؟(پ)

پرسش

قیام امام زمان چگونه است؟(پ)

پاسخ

از احـادیث اهـل بیت (ع) اسـتفاده می شود: هنگـامی که اوضـاع عمومی جهـان مساعـد گشت و افکـار جهانیان برای پـذیرش حکومت حق آماده شد، خدا به مهدی (ع) اجازه نهضت

می دهـد. پس ناگهـان در مکه ظـاهر می گردد و منادی حق (جبرئیل) بشارت ظهورش را به سـمع جهانیان می رسانـد. مردان برگزیـده جهان که در چندین روایت تعدادشان ۳۱۳ نفر تعیین شـده، اولین نـدای حق را لبیك گفته، در اولین ساعات دعوت، مجـذوب مغنـاطیس ولایت می گردنـد. حضـرت صادق (ع) فرمود: "هنگامی که صاحب الزمان(ع) ظهور نمود، جوانان شـیعه بـدون وعـده قبلی در همـان شب خودشان را به مکه می رساننـد".(۱) سـپس دعوت عمومی خویش را شـروع می کنـد، مردم رنجدیده و از همه جا مأیوس ، دورش اجتماع می نمایند، و با او بیعت می کنند و در اندك زمانی سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار برایش مجهز می شوند.(۲)

امـام محمـد بـاقر و امـام جعفر صـادق (ع) در توصـیف یـاران قـائم فرمودنـد: "شـرق و غرب جهـان را اشغال می کننـد، تمـام موجودات جهان را مسخر می گردانند، هر یك از آن ها نیروی چهل مرد دارد، و قلوبشان از پاره های آهن سخت تر است، به طوری که اگر در راه هـدف به کوه های آهن برخورد نمایند، آن ها را از بین می برند و تا وقتی که رضایت خدا فراهم نشود، از جنگ دست

نمی کشند.(۲)

در آن موقع زمانداران خود سر و ستمگر بی وجدان احساس خطر می نمایند و در صدد دفاع بر می آیند و ندای مخالف را به هم مسلکان خویش می رسانند.

امام سربازان عدالت خواه امام مهدی(ع) با تأییدات خداوندی ستمکاران را ریشه کن می کنند. رعب و ترس همه را فرا می گیرد و تسلیم دولت حق می گردند. بسیاری از کفار به واسطه دیدن علائم صدق و حقیقت به دین اسلام می گروند. آن هایی که در کفر و ظلم خویش اصرار می ورزند، به دست لشکر مهدی (ع) کشته

می شوند. یگانه دولت مقتدر و نیرومند اسلام در سر تا سرزمین تشکیل می یابد و مردم از جان و دل در حفظ و حراست آن کوشش می نمایند. (۳) دین اسلام عمومی می گردد و در تمام سرزمین ها وارد می شود.(۴)

پی نوشت ها :

۱ – بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۷۰.

۲ – همان، ص ۳۲۷.

۳ – همان، ص ۲۷۹ – ۳۸۰.

۴ – همان، ج۵۱، ص ۵۵.

۵ – ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۰۱ – ۳۰۲.

ظهور امام زمان(عج) به صورت معنوی است و یا جسمانی؟

پرسش

ظهور امام زمان(عج) به صورت معنوی است و یا جسمانی؟

پاسخ

بی تردید ظهور امام زمان(عج) جسمانی است؛ بدین معنا که حضرت با جسم و خصوصیات ظاهری ظهور می کند، نه آن که روح حضرت ظهور نماید.

شواهد و دلائل متعددی مؤید این نگره است:

۱ در بعضی از روایات از خصوصیات ظاهری و جسمانی امام سخن به میان آمده است. عمران پسر حصین می گوید: به رسول خدا عرض کردم: این مرد (مهدی) را برایم توصیف کن. حضرت فرمود: "او از فرزندان من است؛ اندامش چونان مردان بنی اسرائیل سخت و ستبر است. به هنگام سختی ها و گرفتاری امت من قیام می کند. رنگ چهره اش به عرب شباهت دارد. قیافه اش چون مرد چهل ساله می نماید و صورتش چون پاره ماه می درخشد".(۱) از امام رضا(ع) سؤال می شود: وضعیت

جسمانی(مهدی) چگونه است، امام می فرماید: "سن او زیاد است؛ ولی از نظر چهره جوان است".(۲)

۲ در برخی از روایات آمده است که امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند. ظهور از مکان معیّن بیانگر ظهور جسمانی حضرت است. امام باقر(ع) فرمود: "حضرت مهدی(عج) در مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند؛ در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر را همراه دارد...".(۳)

۳ از برخی روایات استفاده می شود که بعد از ظهور حضرت، یاران دور او جمع شده و با او بیعت می کنند و سپس افراد دیگر امده، با امام بیعت کرده و اعلام وفاداری می کنند که حضرت را همراهی نمایند.(۴)

۴ دسته دیگر از روایات دلالت می کنند که حضرت حکومت تشکیل می دهد. در سایه آن جامعه آرمانی

تشکیل داده و با مخالفان خویش مبارزه می نمایـد(۵) و حکومت تشـکیل می دهـد. در این حکومت، امنیت و عـدالت برقرار شده و انسان ها از نظر رشد فکری و علمی به اوج خود می رسند.(۶) افزون بر آن عمران و آبـادانی همه عالم را فرا می گیرد.(۷) طبیعی است تشکیل چنین جامعه ای با توجه به ظهور ظاهری امام زمان امتیاز محسوب می شود.

۵ قیام امام زمان(عج) و بهره گیری حضرت از سلاح های همسو با شرایط زمان و برخورد و جنگ امام با مخالفان و دشمنان دین،(۸) دلیل قوی بر ظهور جسمانی امام زمان(عج) است؛ زیرا این گونه فعالیت ها در حکومت های ظاهری وجود دارد.

۶ شیعیان باور دارند که بعد از ظهور امام زمان(عج) عده ای از مؤمنان و رهبران الهی رجعت می کنند.(۹) رجعت آنان تنها با فلسفه وجودی تشکیل حکومت ظاهری قابل توجیه است. دلائل و شواهد بالا و دلایل دیگر که در این خصوص وجود دارد، بیانگر آن است که حکومت امام کاملاً ظاهری و علنی است.

پی نوشت ها:

۱. احتجاج طبرسی، ص ۲۸۹.

۲. اعلام الوری، ص ۴۳۲.

۳. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴.

۴. مهدی موعود، ص ۱۰۹۸.

۵. نجم الدین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۶۶.

۶. بحارالانوار، ج ۱، ص ۶۱.

۷. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۹؛ محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۱۹.

۸. غیبت نعمانی، ص ۲۲۹.

۹. مهدی موعود، ص ۱۱۸۶.

قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟

پرسش

قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟

پاسخ

در حالی که در اواخر قرن نوزدهم و بخشی از آغاز قرن بیستم , غرب در تب و تاب ناسیونالیسم و نژادپرستی فرو رفته بود , و موسولینی و هیتلر به بهانه برتری نژاد , جهان را به خاک و خون می کشیدند , و سیاستمداران به جای نجات انسانها , به فکر توسعه سلطه نژادی و قومی بودند , ناگهان اندیشه انترناسیونالیسم و لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی در نظر برخی از دانشمندان غرب , قوت گرفت و طرحهائی در این مورد ارائه گردید . علت پیدایش این فکر - و با عبارت روشن تر , علت تجدید این اندیشه که در اقوام پیشین سابقه دیرینه دارد - همان هیولای مخوف جنگهای جهانی اول و دوم بود که به صورت وحشتناکی خود را نشان داد , و تنها در جنگ اول جهانی حدود ۹ میلیون نفرکشته شد و ۲۲ میلیون نفر معلول و ده میلیون نفر مفقود الاثر شدند , و تلفات جنگ دوم جهانی بسیار وحشناک تر از جنگ نخست بود . این نبردهای جهان , عملا ثابت کرد که وجود مرزهای مصنوعی میان ملت ها , عامل جنگ و نبرد و مایه خونریزی و بدبختی است , همچنانکه ناسیونالیسم افراطی و نژادپرستی همین عواقب مشابه را نیز دربردارد . تاسیس جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول - که در آن ۲۶ کشور عضویت داشتند - ویا تاسیس یک جامعه جهانی به نام سازمان ملل متحد , و اتحادیه های بین المللی وابسته به آن , پرتوی از فکر

تاسیس حکومت واحد جهانی است که هنوز به صورت یک فکر و اندیشه در میان متفکران مطرح می باشد . گروهی از متفکران پیش بینی می کنند که ممکن است سازمان ملل متحد که به صورت یک پارلمان جهانی است , درآینده بصورت مرکز یک حکومت واحد جهانی را پی ریزی کرده اند , و در این مورد , ازیک قوه مقننه , و یک قوه مجریه , و یک قوه قضائیه گزارش می دهند . این گروه در اعلامیه ای که در کنگره توکیو در سال ۱۹۶۳ منتشر کرده اند یادآورشده اند که چون صلح دائمی هرگز بوسیله عهدنامه ها و پیمانها عملی نمی شود و سازمان ملل متحد به خاطر اینکه فاقد قوه اجرائی است , مصوبات او از دائره پند و اندرز فراتر نمی رود , از این جهت برای صلح دائمی و حفظ شرف و خون و مال انسانها چاره ای جز تشکیل یک حکومت واحد جهانی نیست . این گروه برای پیاده کردن این اندیشه طرحی را پیشنهاد کرده و می گویند : برای تشکیل حکومت واحد جهانی , لازم است امور زیر تحقق یابد . ۱ - پارلمان جهانی . در این نقطه , همه کشورهای جهان باید در آن عضویت داشته باشند , و نماینده پرجمعیت ترین کشورها , بیش از کشورهای دیگر رای خواهد داشت . ۲ - ارتش جهانی . هدف از تشکیل آن , حفظ صلح جهان است و این قدرت در اختیار شورای عالی اجرائی قرار خواهد گرفت . ۳ - شورای عالی اجرائی . این شورا , قوه مجریه پارلمان جهانی خواهد بود

. ۴ - دیوان دادگستری بین المللی چنین گردهمائی ها و طرح ها و پیشنهادها , همگی حاکی است که متفکران در آستانه پذیرش امکان تحقق یک حکومت واحد جهانی هستند که در گذشته به صورت یک تز ممتنع و محال تلقی می شود . در حالی که چنین اندیشه ها و طرح هائی مایه خوشوقتی است , ولی بطور مسلم , بشرامروز با اخلاق مادی که دارد , موفق به تشکیل چنین حکومت واحد جهانی نخواهد شد ,زیرا پیشنهاد دهندگان و طراحان و مجریان و داوران همه و همه , مردمی هستند که روح خودخواهی و خودمحوری بر آنها حاکم بوده و هرگز در درون خود عشق به انسان ها را احساس نمی کنند . اگر در آغاز کار هم حسن نیتی داشته باشند , در اثناء کار , خودخواهی , مقام خواهی , نژادگرائی و دهها عامل دیگر اخلاق مادی , آنان رامنحرف کرده , و سرانجام این طرح به سرنوشت جامعه ملل و سازمان ملل متحد کنونی دچار می شود , و به صورت یک عروسک طلائی در دست ابرقدرت ها درمی آید . و تا یک نوع معنویت , پاکی , تقوی , خداترسی , ایمان به خدا و سرای دیگر , درطراحان و موسسان و مجریان حکومت واحد جهانی پدید نیاید , هیچ گاه این طرح های خوش خط و خال , نتیجه نمی بخشند . و سرانجام ابزاری می شود در دست ابرقدرت ها , آن هم برای محو حقوق مستضعفان و ملت های ضعیف و ناتوان جهان . ولی به حکم باش تا صبح دولتش بدمد , این اندیشه

, نشانگر یک نوع یاس ونومیدی در متفکران و اندیشـمندان جهان نسـبت به کلیه سازمانهای بشری و تشکیلات مادی است که مـدتها است متفکران مـا چشم امیـد به آنها دوخته انـد و درمان دردهای خود را از آن می طلبیدنـد , در حالی که اگر این نوع سازمان ها مایه درد و رنج نباشد , منبع خیر و برکت نیست و باید به همگی آنها گفت : مرا به خیر تو امیدنیست , شـر مرسان . قیام مهدی و حکومت واحد جهانی . در حالی که ایجاد حکومت واحد جهانی , بر بشـر کنونی - که در اخلاق مادی فرو رفته و معنویات و احساسات پاک او نسبت به انسان ها فروکش کرده - به صورت یک آرزوی خام و رویای طلائی درآمده است , احادیث اسـلامی , تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام را ازو ویژگی های قیام مهدی موعود علیه السلام می داند . این بیانات الهی می رسانند درپرتو عدل حضـرتش , جهان تحت لوای یک حکومت , یک دولت , یک قانون , یک قدرت درمی آید و بساط تمام ابرقـدرتها و فرعونها و قارون ها و قارونک های زمان از بزرگ و کوچک برچیـده می شود , و پرچم عـدل و داد , در سراسـر جهان به اهتزاز درآمده وصفا و صمیمت و عشق به نوع بشر جهان را فرا می گیرد . امام باقر علیه السلام می فرماید : اذا قام القائم ذهب دوله الباطل (۱) . آنگاه که امام قائم قیام کرد , حکومت های باطل نابود می شود . باز در حدیث دیگر می فرماید : یبلغ سلطانه

المشرق و المغرب (۲) . قدرت او شرق و غرب را فرا می گیرد . باز امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه : الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه و آتوا الزکوه و امروا بالمعروف ونهوا عن المنکر و للّه عاقبه الامور (۳) . فرمود : این آیه بیانگر حکومت مهدی است . خدا او و یاران او را بر شرق و غرب زمین مسلط می گرداند . و دین خدا را آشکار می سازد و به وسیله او و یارانش بدعتهارا می میراند , همچنانکه بی خردان حق را میرانده بودند , تا آنجا که از ستم اثری دیده نمی شود , آنان مردم را به نیکی ها امر کرده و از بدی ها باز می دارند . وبرای خدا است سرانجام امور (۴) . ویژگی های حکومت مهدوی هر یک از جملات حدیث گذشته , به اصلی از اصول حکومت واحد جهانی امام و یا به یک ویژگی از ویژگی های حکومت او اشاره می کند . شایسته است به متن این فرازها توجه شود : یملکهم اللّه مشارق الارض و مغاربها . خداوند , سراسر جهان را از خاور و باختر در اختیار آنان قرار می دهد , یعنی حکومت او , جهان شمول می گردد نه منطقه ای . و یظهر الدین و یمیت اللّه به و باصحابه البدع و الباطل . به وسیله او , دین خدا زنده و بدعت ها و باطل ها نابود می شود یعنی قوانین حکومت او را , قوانین الهی که آئین خاتم اسلام است , تشکیل می دهد . و نیزمی فرماید

: حتی لا یری اثر من الظلم و یامرون بالمعروف . از ستم اثری دیـده نمی شود و به نیکی ها امر می کننـد . یعنی دارای قـدرت اجرائی گسترده ای می گردد , که هر نوع ستم را در سراسـر جهان می زداینـد و نیکی ها را گسترش می دهند . چنین ویژگی هائی فقط از آن حکومت جهانی اسـلام است و بس , که مهـدی زمان , تحقق بخش آن است . یکی از ویژگی های حکومت امام , گسترش عمران و آبادی در سراسر جهان و تسلط بشر برمعادن زیر زمینی است . و بشر در پرتو عدل بر این تکامل دست می یابـد . پیامبرگرامی در این مورد می فرمایـد : در زمان مهـدی , آب در جهان افزایش پیـدا کرده و انهاری پدیـد می آید و انهار وگنجها از دل زمین بیرون می آیـد (۵) . ابن عبـاس که در دامن پیـامبر گرامی و مکتب امام امیرمومنان صـلی اللّه علیهما وآلهما پرورش یافته , دوران مهدی زمان را چنین توصیف می کند : مهدی , روی زمین را از داد پر کرده , همچنانکه پیش از او از سـتم پر می شود و زمین پـاره هـای جگر خودرا بیرون می ریزد . . آنگاه به عنوان نمونه گفت : سـتونهائی از طلا وو نقره (۶) . این گونه احـادیث که بـا تواتر معنوی در کتابهـای حـدیث وارد شـده است , از یک حکومت جهانی الهی توام با تمـدن عمیق و ریشه دار مادی گزارش می دهد , که در عصرطلائی ظهور حضرت حجت بن الحسن صلوات اللّه علیه تحقق می

پذیرد .

آیا می توانید به ترسیم زمان ظهور و زمان آن بپردازید؟

پرسش

آیا می توانید به ترسیم زمان ظهور و زمان آن بپردازید؟

پاسخ

ترسیم تفصیلی عصر ظهور امکان پذیر نیست اما به صورت فشرده به سیمای کلی آن اشاره می کنیم:

روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت مهدی(عج) بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی های منطقه ای و جهانی از مکه آغاز می گردد. آنگاه در سطح جهان نیروی سخت میان غربی ها و ترکان و یا هواداران آنها به وجود می آید تا جایی که منجر به جنگجهانی می گردد. اما در سطح منطقه دو حکومت هوادار حضرت مهدی(عج) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می شوند که سرانجام در آن پیروز می گردند. اندك زمانی پیش ازظهور آن بزرگوار در بین ایرانیان دو شخصیت با عنوان سید خراسانی، رهبر سیاسی و شعیب بن صالح رهبر نظامی ظاهر شده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا خواهند کرد.

اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده و ظاهرا ایشان در سامان بخشیدن به خلاء سیاسی که در حجاز به وجود می آید همکاری می نماید.

از جمله نشانه های ظهور حادثه ای است که میان دو حرم مکه و مدینه رخ می دهد. در این هنگام نشانه های ظهور حضرت مهدی(عج) آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در ۲۳ ماه رمضان شنیده می شود پس از این ندای آسمانی حضرتمهدی(عج) به طور سری با برخی از یاران خود ارتباط برقرار می نماید. درباره آن بزرگوار در سراسر گیتی

سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته و محبتش در دل ها جای ...ř گیرد.

دشمنان از حضور آن حضرت بیمناک شده و می کوشند تا وی را یافته و از میƠ...بردارند ازاین رو سپاهی وارد مدینه گشته و به هر مرد هاشمی که دست یافته او را دستگیر و یا کشته و یا به زندان می اندازند آن حضرت با برخی از یاران خود در مکه تماس گرفته تا این که قیامخویش را در شب دهم محرم بعد از نماز مغرب و عشاء از حرم شریف مکی آغاز می کند و پس از درگیری بر مکه تسلط می یابد. در صبح روز دهم محرم حضرت مهدی(عج) پیام خود را به زبان های مختلف به تمام جهان ابلاغ می کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده، اعلاممی دارد که در مکه باقی خواهد ماند تا معجزه ای که جد گرامی اش حضرت رسول(ص) وعده فرموده محقق شود و آن فرو رفتن لشکریان سفیانی به زمین است که برای درهم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می شوند به وقوع بپیوندد.

آن حضرت پس از این معجزه با سپاه خود که متشکل از ده و اندی هزار تن است از مکه رهسپار مدینه می شود و پس از نبردی با نیروهای دشمن مستقر در آنجا، مدینه را آزاد ساخته آنگاه با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه فتح حجاز و تسلط بر منطقه خاتمه می یابد. وی پساز پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می شود و در آنجا با سپاه ایران و توده های مردم آن سامان به رهبری خراسانی و شعیب بن صالح برمی خورد. آنان با او بیعت کرده و با همرزمی یکدیگر با قوای دشمن

در بصـره به پیکار می پردازنـد که سـرانجام به پیروزی بزرگ و آشـکاری دسـتمی یابنـد. سـپس امام(عج) وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آنجا را پاکسازی می کنـد و با درگیری با بقایای نیروهای سـفیانی و گروه های متعدد شورش آنها را شکسـت داده و به قتـل می رسانـد. آنگاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت خود قرار می دهـد و بـدین سان یمن، حجاز،ایران، عراق و کشورهای خلیـج فارس یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضـرت درمی آیـد. بعد از آن جنگ هایی با ترکان و یهودیان صورت می پذیرد که در هر دو پیروزی از آن حضـرت(عج) است. غربیان مسیحی از این وقایع سخت نگران شده و با حضرت اعلان جنگ می کنند ولی ناگاهحضـرت عیسـی مسیح(ع) از آسمان به قدس شریف فرود آمده و با سخنان خویش جهان و به ویژه مسـیحیان را مورد خطـاب قرار می دهـد. فرود آمـدن حضـرت عیسـی(ع) برای جهان علامت و نشانه ای است که موجب شادی مسلمانان و ملت های مسیحی خواهد گردید.

به نظر می رسد که حضـرت مسـیح(ع) میان حضـرت مهدی(ع) و غربی ها وساطت نموده و قرارداد صلحی به مدت هفت سال میـان دو طرف بسـته می شود. امـا غربی هـا بعـد از دو سـال پیمـان صـلح را می شـکنند، لـذا رومیان در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سـرباز بهسـرزمین شام و فلسـطین یورش می آورند. نیروهای اسـلام رویاروی آنها قرار گرفته و حضـرت مسیح(ع) موضع خود را هماهنگ با حضـرت مهدی(عج) اعلام داشـته و پشت سر وی در قدس نماز می گذارد. دراین جنگ مسـلمانان پیروز می شونـد. سـپس غرب توسط امام فتح می گردد. پس ازفتح و اسـلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضـرت مسیح(ع) رحلت نموده و حضرت مهدی(عج) و مسلمانان بر پیکر

او نمـاز می گذارنـد. سـپس پیکر پاک او را با پارچه ای که دست بافت مادرش مریم صـدیقه(ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاکمی سپارد.

پس از این فتوحات حضرت مهدی(عج) برای تحقق بخشیدن به اهداف الهی در ابعاد گوناگون و در میان ملل جهان اقدام می کنـد و برای تعالی بخشـیدن و شـکوفایی زندگی مادی و تحقق توانگری و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش و بالا بردن سطحآگاهی دینی و دنیایی مردم می کوشد.

به نظر میرسد که جنبش دجال ملعون و فتنه و آشوب او یک حرکت انحرافی بهره گیری از پیشرفت علوم و حالت رفاهی باشد که در زمان امام(عـج) جامعه بشـری به آن دست می یابد. دجال از روش های پیشـرفته چشم بندی، برای فریب جوانان پسـر و دختر و زنـان که بیشترپیروان او را تشـکیل می دهنـد اسـتفاده می کنـد. ازاین رو در جهان موجی از فتنه و آشوب به وجود می آورد که فریبکـاری هـای او را بـاور می کننـد امـا حضـرت مهـدی(عـج) نیرنگ های وی را آشـکار ساخته و به زنـدگی او و هوادارانش خاتمه می بخشد.

این دورنمایی کلی از حرکت و انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) بود، (برای آگاهی بیشتر ر.ک: عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغاتاسلامی).

امـا علائـم و نشانه های ظهور که هر یک نویـدی از نزدیک شـدن ظهور آن حضـرت(عـج) است فراوان است که به ذکر مهم ترین آنها اکتفا می کنیم:

۱- خروج سـفیانی: سـفیانی مردی از نسل ابوسـفیان است که پیش از ظهور حضـرت خروج می کند و پس از ظهور با امام می جنگد.

امام صادق(ع) فرمود: «ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما

سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی(ع) و یزید با حسین بن علی(ع) به مخالفت برخاستند و سفیانینیز با قائم(عج) خواهد جنگید، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲).

۲- خسف در بیداء: خسف ؛ یعنی، فرو رفتن و بیداء سرزمین بین مکه و مدینه است و مراد از آن فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین است.

علی(ع) فرمود: در آستانه ظهور قائم ما، مهدی(عج) سفیانی خروج می کند. سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می رسند خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد، (ینابیع الموده، قندوزی، چاپ بصیرتی، ص۴۲۷).

۳- خروج یمانی: سرداری است از یمن که قیام کرده و مردم را به حق و عدل دعوت می کند.

امام صادق(ع) فرمود: قیام خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک روز خواهد بود و در این میان هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی دعوت به حق و هدایت نمی کند، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

ظاهرا خراسانی نیز دعوت به حق می کند.

۴- قتل نفس زکیه: نفس زکیه؛ یعنی، انسان پاک.

امام باقر(ع) فرمود: «بین ظهور مهدی(عج) و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست»، (الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۴).

۵- صیحه آسمانی: ظاهرا صدایی است که در آستانه ظهور از آسمان شنیده می شود.

امام باقر(ع) فرمود: «ندا کننده ای از آسمان نام قائم را ندا می کند پس هر که در شرق و غرب است آن را می شنود، (کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۲).

درباره تعداد یاران خاص آن حضرت کلیاتی وارد شده است مانند این که: امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا، سیصد واندی نفر بدون وعده پیشین

گرد می آیند در میان آنان پنجاه زن است، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳).

درباره ویژگی های یاران حضرت نیز طبق برخی از روایات خداشناسی، عبادت و بندگی، شجاعت، فرمانبری، ایثار، زهد و ساده زیستی و نظم و انضباط از صفات آنان شمرده شده است.

نشانه های دیگری نیز وجود دارد که برای مطالعه آن ر.ك:

۱- ظهور نور، علی سعادت پرور، نشر تشیع

۲- علائم ظهور امام زمان(عج)، محمد حسین همدانی، انتشارات صحفی

۳- نشانه های ظهور، سادات مدنی، نشر منیر

۴- از ولادت تا ظهور، کاظم قزوینی، ترجمه: فریدونی، نشر آفاق

۵- از ولادت تا ظهور، کربی، انتشارات الهادی

۶- چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول زمستان ۱۳۷۵، صص ۳۱۶ - ۲۴۵

۷- مقاله بررسی نشانه های ظهور، اسماعیل اسماعی

حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور چه عملی انجام می دهند؟

پرسش

حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور چه عملی انجام می دهند؟

پاسخ

مطابق روایات، بعد از ظهور، بین رکن ومقام خطبه ای خوانده، آن گاه مردم را به بیعت با خود دعوت می نماید:

نعمانی به سندش از جابر بن یزید جعفی از امام باقر (ع) نقل کرده که در حدیثی طولانی فرمود: "وقائم در آن روز در مکه است، تکیه بر بیت الحرام داده وبه آن پناه می برد. آن گاه ندا می دهد: "یا أیّها الناس!..." .{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۵۰. پاورقی}

مجلسی به سندش از امام باقر (ع) نقل کرده که فرمود: "همانا او -امام زمان (ع)- به سوی مسجدالحرام به حرکت در می آید

ودر آنجا کنار مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می گزارد وبا تکیه بر حجرالأسود حمد خدا وثنای او را به جای آورده ویادی نیز از پیامبر کرده وبر او درود می فرستد. آن گاه سخنی را آغاز خواهد کرد که هرگز کسی چنین سخن نگفته است...". {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۱۳، ص ۱۸۰. پاورقی}

نعمانی به سندش از امام باقر (ع) نقل کرده که در حدیثی فرمود: "گویا بر او نظر می کنم در حالی که بین رکن ومقام مردم با او بیعت می کنند...".{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۳۹. پاورقی}

پس از ظهور

رجعت

مفهوم رجعت

رجعت از دیدگاه شیعه چیست ؟

پرسش

رجعت از دیدگاه شیعه چیست ؟

پاسخ

در مورد رجعت دانست چند امر لازم است ;

۱ رجعت چیست ؟

۲ چه اشخاصی رجعت دارند؟

۳ فلسفه رجعت

۴ ذکر چند نمونه از تحقق رجعت در دنیا

گذرا پاسخ می دهیم:

ماهیت رجعت آن است که بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در آستانه رستاخیز، گروهی به این جهان بازمی گردند.

از مجموع روایات بر می آید, دو گروه رجعت دارند: مؤمنان خالص , آن هایی که در مرحله عالی از ایمان قرار دارند. گروه دوم کفار و ستمگرانی که در مرحله منحطی از کفر و ظلم قرار دارند.

امـام صـادق علیه السـلام فرمود: "رجعت عمومی نیست , بلکه جنبه خصوصـی دارد. تنهـا گروهی رجعت می کننـد که ایمـان خالص یا شرک خالص دارند."(۱)

راجع به فلسفهء رجعت گفته اند: مؤمنان خالص را می آورند تا به سیر تکاملی در دنیا ادامه دهند, ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشند و در این حکومت شرکت جویند.

کـافر و سـتمگر محض را می آورنـد تـا علاوه بر کیفر خـاص در عـالم آخرت مجـازات هـای این جهـان را نظیر آن چه اقوام سرکشی مانند فرعونیان و نمرودیان , دیده اند به بینند.

قرآن , به طور اجمال , در چند مورد از تحقق رجعت در امت های پیشین یاد کرده است :

۱ عزیر پیامبر که بعد از صد سال مجددا زنده شد . (۱)

۲ گروهی که به بهانه وبا از شـرکت در جهاد خودداری کرده و از خانه بیرون رفتنـد , اما در بین راه به فرمان خـداهمه مردند, سپس زنده شدند; (۲)

۳ افرادی که به دست حضرت عیسی (ع) به اذن پروردگار زنده شدند. (۳)

۴

زنده شدن قاتلی از بنی اسرائیل با زدن قسمتی از بدن گاو به او .(۴)

۱(بقره، آیه ۲۵۹.

۲(بقره ، ۲۴۳.

۳(مائده ، آیه ۱۱۰.

۴. بقره، آیه ۷۳

رجعت را توضیح دهید.

پرسش

رجعت را توضیح دهید.

پاسخ

" رجعت" از عقایـد معروف شـیعه است و تفسـیرش در یک عبارت کوتاه چنین است: بعد از ظهور حضـرت مهدی عج) و در آسـتانه رسـتاخیر، گروهی از مؤمنـان خالص و کفار و طاغیان بسـیار شـرور به این جهان بازمی گردنـد. گروه اوّل مـدارجی از کمال را طی می کنند و گروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند. مرحوم سید مرتضی از علمای شیعه می فرماید:

خداوند متعال بعد از ظهور حضرت مهدی عج) گروهی از کسانی را که قبلًا از دنیا رفته اند، به این جهان بازمی گرداند، تا در ثواب و افتخارات یاری او و مشاهده حکومت حق بر سراسـر جهان شـرکت جویند. نیز گروهی از دشـمنان سرسـخت را بازمی گرداند تا از آن ها انتقام گیرد.

بعد می فرماید: دلیل بر اثبات این عقیده اجماع امامیه است، زیرا احدی از آن ها با این عقیده مخالفت نکرده است.[۱]

البته از کلمات بعضـی از قدمای علمای شـیعه و هم چنین از سـخنان مرحوم طبرسـی در مجمع البیان برمی آید که اقلیت بسیار کوچکی از شیعه با این عقیده مخالف بودند و رجعت را به معنی بازگشت دولت و حکومت اهل بیت(ع) تفسیر می کردند، نه بازگشت اشخاص و زنده شدن مردگان، ولی مخالفت آن ها طوری است که لطمه ای به اجماع نمی زند.[۲]

بـدون تردیـد احیـای گروهی از مردگـان در این دنیـا محال نیست، همانگونه که احیای جمیع انسان ها در قیامت کاملاً ممکن است، عقـل چنین امری را محـال نمی بینـد و قـدرت خـدا آنچنان وسـیع و گسترده است که همه این امور در برابر آن سـهل و آسـان است در قرآن مجیـد، وقوع رجعت اجمالاً در پنـج مورد از امت های پیشـین آمـده است از جمله این آیات، ۱ آیه ۲۴۳

سوره بقره است که در

آن سخن از جمعیتی است که از ترس مرگ از خانه های فرد بیرون رفتند خداوند فرمان مرگ به آن ها داد و سپس آن ها را زنده کرد. " فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم"[۳] ۲ و نیز به آیه ۲۶۱ سوره بقره استدلال شده که در آن سخن از پیامبری است که از کنار یک آبادی عبور کرد در حالی که دیوارهای آن فرو ریخته بود و اجساد و استخوان های اهل آن در هر سور پراکنده شده بود و از خود پرسید چگونه خداوند اینها را پس از مرگ زنده می کند، امّا خدا او را یکصد سال میراند و سپس زنده کرد و به او گفت چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد یکروز یا قسمتی از آن، فرمود نه بلکه یکصد سال بر تو گذشت. این پیامبر عُزیر باشد یا پیامبر دیگری تفاوت نمی کند، مهم صراحت قرآن در زندگی پس از مرگ در همین دنیا است فاماته الله مأةْ عام ثم بعثه".۱[۴]

۳ در آیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره درباره بنی اسرائیل می خوانیم که گروهی از آن ها بعد از تقاضای مشاهده خداوند گرفتار صاعقه مرگباری شدند و مردند، سپس خداوند آن ها را به زندگی برگرداند تا شکر نعمت او را به جا آورند، " ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون"

۴ در آیه ۱۱۰ سوره مائده ضمن برشمردن معجزات حضرت عیسی(ع) می خوانیم: و اذا تخرج الموتی باذنی:" تو مردگان را با فرمان من زنده می کردی". این تعبیر نشان می دهد که مسیح(ع) از این معجزه خود احیای موتی) استفاده کرد، بلکه تعبیر فه فعل مضارع تخرج) دلیل بر تکرار آن است و این خود یکنوع رجعت برای بعضی محسوب می شود.

۵ در سوره بقره آیه ۳ در

مورد کشته ای که در بنی اسرائیل برای پیدا کردن قاتلش نزاع و جدال برخاسته بود، می فرماید: " دستور داده شد گاوی را با ویژگیهایی سر ببرند و بخشی از آن را بر بدن مرده زنند تا به حیات بازگردد و قاتل خود را معرفی کند و نزاع خاتمه یابد) " فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون".[۵]

مرحوم علامه مجلسی می فرماید: بیش از دویست حدیث داریم که چهل و چند نفر از راویان تفات و

علمای بزرگوار در بیش از پنجاه کتاب آورده اند و این روایات وقوع رجعت را تأیید می کنند.[۶]

امام صادق(ع) در حدیثی می فرماید: ان الرجعةْ لیست بعامةْ ، و هی خاصةْ ، لا یرجع الا من محض الایمان محضاً، او محض الشرک محضاً ر جعت عمومی نیست بلکه جنبه خصوصی دارد، تنها گروهی بازگشت می کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند".۲.[۷]

رجعت از معتقدات شیعه است و رایحه قیامت از آن استشمام می شود و با شواهد قرآن که ذکر شد تحقق آن مشکل نیست و مهدی موعود عج) انتقام خون های به ناحق ریخته را از اشقیا و دشمنان ائمه خواهد گرفت.

([۱] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵.

([۲] همان، ص ۵۵۶.

([۳] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۶.

([۴] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۶.

([۵] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۷.

([۶] علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.

([۷] همان، ص ۳۹.

رجعت و هدف از آن را بیان نمایید.

پرسش

رجعت و هدف از آن را بیان نمایید.

پاسخ

۱ رجعت از عقاید معروف شیعه است، و مقصود از آن در فرهنگ شیعه، بازگشت گروهی از امت اسلامی پس از ظهور حضرت مهدی(عج) و قبل از بر پایی قیامت به دنیا است.

۲ همان گونه که اشاره شد، در رجعت همه مردگان یا همه شیعیان به دنیا باز نمی گردند، بلکه عده ای مؤمنان خالص و کفار و طاغیان بسیار شرور به این جهان باز می گردند.[۱]

۳ بازگشت گروهی از صالحان و یا تبهکاران به این جهان امری شگفت آوری نیست، زیرا در امت های پیشین نیز گروهی پس از مرگ بار دیگر زنده شده و پس از مدتی برای بار دوم در گذشته اند [۲] مانند زنده شدن عزیر پس از صد سال،[۳] و موارد دیگری که قرآن مجید از آن ها خبر داده است.[۴]

۴ در رجعت، بازگشت کنندگان به امر پروردگار عالَم زنده می شوند، هم چنان که در قیامت همگان به امر و قدرت ذات اقدس الله زنده می گردند. اگر تعدادی به دست حضرت عیسی(ع) زنده شده اند، آن هم به اذن الهی و قدرت خدادادی بوده است. قرآن می فرماید: "(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم... و هنگامی که به اذن و فرمان من مردگان را زنده می کردی".[۵] بنابراین چنانچه رجعت به دعای امام زمان(ع) صورت گیرد؛ باز به قدرت خدا انجام گرفته است؛ پس لازم نیست حتماً پیامبر باشد، بلکه به وسیله حجت الهی و به اذن خدا می تواند صورت گرِد.

۵ پس از اعتقاد به رجعت که

از عقایـد شـیعه است، ممکن است از تفاصـیل و علت واقعی آن آگاهی نداشـته باشـیم، و این هیـچ گونه اشـکال و سـستی در عقیـده مـا ایجـاد نمی کنـد. مثـل این که به وجود ملائکه ایمان داریم، چون قرآن از آن خبر داده است ولی تعـدادشان چقـدر است، نحوه وجودی شان چگونه است و کارهایشان به طور تفصیل چگونه است، اطلاع دقیق نداریم.

۶ ممکن است علت واقعی رجعت برای ما روشن نباشد، ولی با توجه به روایات رجعت، چنین به نظر می رسد که بازگشت دو گروه از مؤمنان و کافران به زندگی دنیا، به منظور تکمیل یک حلقه تکاملی گروه اوّل "مؤمنان" و چشـیدن کیفر دنیوی گروه دوم "کافران" است.

به تعبیر دیگر: گروهی از مؤمنان خالص که در مسـیر تکامل معنوی با موانعی در زنـدگی خود رو به رو شـده اند و تکامل آن ها ناتمام مانـده است، حکمت الهی ایجاب می کنـد که سـیر تکاملی خود را از طریق بازگشت مجدد به این جهان ادامه دهند؛ شاهـد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشـند؛ و در بنای این حکومت شـرکت جویند، چرا که شـرکت در تشـکیل چنین حکومتی از بزرگ ترین افتخارات است.

به عکس گروهی از منافقان و کافران جبار سرسـخت علاوه بر کیفر خاص خود در رسـتاخیز باید مجازات هایی در این جهان، نظیر آن چه اقوام سرکشی مانند فرعونیان و عاد و ثمود، و قوم لوط دیدند ببینند، و تنها راه آن رجعت است.[۶]

انسان معتقـد به حکمت و عـدل الهی، همان گونه که معتقـد است باطن این عالم پاک و بر اساس عدالت و درستی بنیان شده، معتقد است روزی فرا می رسد که ظاهر تمام

این عـالم هماننـد بـاطن می شود و همـان گونه که بـاطن آن بر اساس عـدل در جریان است، ظاهر آن نیز این گونه می شود و برای تحقق چنین امری، کسانی که مصداق تمام و کمال ظلم و عدل بوده اند، برانگیخته می شوند تا حقیقت این عالم نمایانده شود. اگر ظالمان این دنیا را با کامیابی سپری کرده انـد، گمان نرود که واقعاً پایان آن ها همین گونه استک زیرا می دانیم که قیـامت، چیزی جز ظهور و تجسم این عـالم نیست، پس بایـد سـرانجام دنیـای ظالمـان و کـافرانی که با کامیابی سپری کرده اندماننـد معـاویه، شـکست و ذلت باشـد، تـا در قیامت، ذلت به صورت واقعی آشـکال شود. به عبارت دیگر: همان گونه که برای مؤمنان باید مسیر تکاملی آن ها که با موانعی در دنیا رو به رو بوده اند، برداشـته شود تا این مسـیر به پایان خود و سـیر تکاملی صعودی برسد، کافران خالص و ظالمان نیز باید به نهایت مسـیر تکاملی نزولی خود برسـند و حکومت و قدرتی که باعث شده که نهایت سـیر نزولی آشـکار نشود، آشـکار شود و در قیامت طبق همین عـذاب، یا نعمت الهی هویـدا شود. باید توجه داشـت هنوز کسانی مانند معاویه به عنوان انسان های درسـتکار نزد بسیاری از مسلمانان شناخته می شوند. البته این نکته که بیان شده، به عقـل و دانش مـا رسـیده، امکان دارد مسایلی در فلسـفه و علت آن بیان شـده که دست نیافته ایم، یا بسـیاری از مسایل طرح شود که اصولاً فلسفه آن بیان نشده و یا عقل ما نتواند به علت واقعی آن ها دست یابد، امام آن ها را به حکم عقل و

منطق قبول می کنیم چون از جایگاه خطا ناپذیر الهی صادر شده است. این مسئله در پایان توضیح داده می شود.

۷ برای رجعت چندین دلیل ذکر شده، حتی مرحوم شیخ حرعاملی در کتاب شریف "الایقاظ من الهجعه" دوازده دلیل بیان نموده است. در این جا به دو دلیل اکتفا می کنیم:

الف) اجماع امامیه (شیعه). مرحوم سید مرتضی که از بزرگان شیعه است می گوید: "خدا بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از کسانی را که قبلاً از دنیا رفته اند، به این جهان باز می گرداند. دلیل بر صحت این عقیده آن است که هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند، چرا که مسئله محالی نیست. دلیل بر اثبات این عقیده، اجماع امامیه است، زیرا احدی از آن ها با این عقیده (رجعت) مخالفت نکرده است".[۷]

ب) روایات. احادیث از ائمه اطهار(ع) در مورد رجعت فراوان است و به حد تواتر رسیده تا جایی که مرحوم علامه مجلسی می فرماید: "چگونه ممکن است کسی به صدق گفتار ائمه اهل بیت(ع) ایمان داشته باشد و روایات متواتر رجعت را نپذیرد؟ احادیث صریحی که شمار آن به حدود دویست حدیث می رسد که چهل و چند نفر از روایان موثّق، و علمای اعلام در بیش از پنجاه کتاب آورده اند".[۸]

از امام صادق(ع) معنای آیه "و یوم مخشرِ من کلّ أمه فوجاً؛ روزی که از هر امتی، گروهی را زنده می کنیم".[۹] سؤال شد، فرمود: مردم چه می گویند؟ سائل گفت: مردم می گویند: آن روز قیامت است. حضرت فرمود: مگر در قیامت از هر امتی گروهی را زنده می کنند و بقیه را زنده نمی کنند؟ خیر (مردم اشتباه می کنند) این آیه

مربوط به رجعت است (نه قیامت، زیرا در قیامت همه محشور می شوند، نه عده ای، در صورتی که این آیه از زنده شدن گروهی سخن می گوید).[۱۰]

مأمون (خلیفه دانشمند عباسی) به حضرت رضا(ع) عرض کرد: درباره رجعت چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: رجعت درست است. بازگشت بعضی از مردگان در امت های پیشین سابقه داشته و قرآن شاهد آن است، و پیامبر(ص) فرمود: "آن چه در امت های گذشته بوده، در امت من نیز خواهد بود".[۱۱]

یادآوری: همان گونه که نیافتن چیزی دلیل بر نبودن آن نیست، نفهمیدن مطلبی هم دلیل بر درست نبودن آن نمی باشد. مطالب علمی بسیاری هست که ما نمی فهمیم، ولی نفهمیدن دلیل نمی شود که آن مطلب صحیح نباشد. در اعتقادات شرعی هم همین طور است، مثلاً فلسفه مسح در وضو ممکن است برای ما روشن نباشد. این نشانه آن نیست که مسح سر یا پا علت ندارد. نیز باید توجه داشت که اگر مسئله ای برای ما حل نشد، به این معنی نیست که عقیده ما با قرآن یا سایر عقاید در تضاد است، زیرا می گوییم چون قرآن یا معصوم از این مسئله خبر داده می پذیریم، اگر چه برا ی ما هنوز فلسفه آن حل نشده باشد، زیرا معتقدیم آن چه خدا یا پیامبر و امام از آن خبر داده باشند، مسلّماً درست است، چون از مقام خطا ناپذیری صادر شده است، اگر چه کیفیت مسئله و فلسفه و اهداف آنها را درک نکنیم. مسئله رجعت چیزی است که در امت های گذشته واقع شده و قرآن به صراحت از آن ها خبر داده است، و بنا به روایات شیعه،

در امت اسلام هم واقع خواهد شد. این نه چیز محالی است که انسان را گیج کند و نه عدم اطلاع از جزئیات آن مسئله ای است که ایجاد خلل در عقیده ما کند، که خیال کنیم عقیده ما در تضاد با قرآن است. پس مسئله رجعت امری است ممکن و نفهمیدن فلسفه آن مشکلی در عقیده ما ایجاد نمی کند.

مانند و بعضی از امور دیگر که از فلسفه آن ها آگاهی نداریم، اما چون از منبع خطا ناپذیر آمده، به حکم عقل می پذیریم. مثلاًـ ابن سینا در کتاب شفا می گوید: اگر چه من با عقل خود نمی توانم معاد جسمانی را ثابت کنم، اما چون خبر دهنده صادقی (پیامبر اسلام) از آن خبر داده، می پذیرم (و این مسئله منطقی و عقلانی است).

[۱]تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵.

[۲]جعفر سبحانی، منشور عقاید امامیه، ص ۲۴۱، ص ۱۲۹.

[۳]بقره (۲) آیه ۲۵۹.

[۴]بقره (۲) آیه ۵۵ و ۵۶ و ۷۲ و ۷۳ و ۲۴۳؛ آل عمران (۳) آیه ۴۹.

[۵]مائده (۵) آیه ۱۱۰.

[۶]تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۹.

[۷]شیخ عباس قمی(صاحب مفاتیح الجنان) سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۱، مادهرجع.

[۸]بحارالانوار، ج ۵۳.

[۹]نمل (۲۷) آیه ۸۳.

[۱۰]مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۵، ص ۶۳۲ (ماده: رجعت).

[۱۱]مهدی موعود (ترجمه ج ۵۱ تا ج ۵۳ بحارالانور، ص ۱۲۰۰).

رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟

پرسش

رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟

پاسخ

رجعت در لغت عرب به معنای بازگشت است و در اصطلاح , بر بازگشت گروهی از انسانها پس از مرگ و پیش از روز رستاخیز اطلاق می شود که همزمان با نهضت جهانی مهدی موعود علیه السلام صورت می گیرد و این حقیقت , نه با عقل منافات داردو نه با منطق وحی . از دیدگاه اسلام و آیین های دیگر الهی , جوهره انسان را روح مجرد وی تشکیل می دهد , که از آن به نفس نیز تعبیر می شود و بعد از فنای بدن , باقی می ماندو به حیات جاودانه خود ادامه می دهد . از سوی دیگر پروردگار بزرگ , از نظر قرآن , قادر مطلق است و هیچ مانعی ,توانایی او را محدود نمی سازد . با این دو مقدمه کوتاه , روشن می گردد که مساله رجعت , از دیدگاه عقل امری است ممکن ; زیرا با اندک تاملی معلوم می شود که بازگرداندن این گروه از انسانها ,به مراتب از آفرینش نخستین آنان , سهل تر است . بنابراین پروردگاری که در وهله اول آنان را آفریده است , بی تردید بر بازگرداندن مجدد آنان توانایی دارد . بر اساس منطق وحی , نمونه هایی از رجعت را در امتهای پیشین می توان یافت . قرآن مجید در این زمینه می فرماید : و اذ قلتم یا موسی لن نومن لک حتی نری اللّه جهره فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون , ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون .

(۱)- آنگاه که گفتید ای موسی ما هرگز به تو

ایمـان نمی آوریم تـا آن که خداونـد بزرگ را آشـکار ببینیم , پس صاعقه شـما را دربرگرفت در حالی که نگاه می کردیـد . سپس شـمارا پس از مرگتان برانگیختیم , باشـد که سپاسـگزاری نماییـد . و در جای دیگر از زبان عیسـی مسـیح می فرماید : و احی الموتی باذن اللّه .

(۲)- مردگـان را به اذن خـدای بزرگ , زنـده می گردانم . قرآن کریم نه تنهـا بر امکان رجعت صـحه می گـذارد که وقوع و تحقق بازگشت جمعی ازانسانها را , پس از آن که از جهان رخت بربسـتند , تاییـد می کنـد , قرآن در دوآیه ای که اینک می آوریم به بازگردانـدن گروهی از مردم پس از مرگ و پیش از برپـایی قیـامت , اشاره می کنـد . و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابه من الارض تکلمهم ان الناس کانوابایاتنا لا یوقنون و یوم نحشر من کل امه فوجا ممکن یکذب بایاتنا فهم یوزعون .

(۳)- و چون سـخن (خدا) بر آنان واقع شود , موجودی را از بین آنان بیرون می آوریم که با مردم درباره این که گفتار ما را باور نداشـتند , سـخن گوید . و آن روز که از میان هر امت , جمعی از تکذیب کنندگان نشانه های ما را , برانگیزیم پس آنان بازداشـته خواهنـد شد . برای زمینه سازی اسـتدلال به این دو آیه شـریفه بر مساله رجعت پیش از روز رسـتاخیز ,شایسـته است نکات یاد شده در زیر مورد توجه قرار گیرد :

۱ - مفسران اسلامی برآنند که این دو آیه , پیرامون قیامت سخن می گوید و آیه نخستین

, یکی از نشانه های پیش از رستاخیز را بیان می کند ; چنانکه جلال الدین سیوطی در تفسیر الدر المنثور از ابن ابی شیبه و او از حذیفه نقل می کند که خروج دابه از حوادث پیش از قیامت است .

(۴)۲ - تردیدی نیست که در روز رستاخیز , همه انسانها محشور می گردند , نه یک گروه معین از میان هر امت , قرآن در مورد عمومیت و فراگیر بودن حشر انسانها چنین می فرماید : ذلک یوم مجموع له الناس .

(۵)- آن , روزی است که همه مردم , گرد آورده می شوند .

(۶)و در جای دیگر می فرماید : و یوم نسیر الجبال و تری اللارض بارزه و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا ۰

(۷)- و روزی که کوهها را به حرکت درآوردیم و زمین را آشکار ببینی و همه آنان راگردآوری نموده و هیچ کس را فرو گذار ننماییم . بنابراین , در روز قیامت , همه افراد بشر برانگیخته می شوند و این امر به جمع معینی اختصاص ندارد .

۳ - آیه دوم از دو آیه مذکور , به برانگیخته شدن گروه خاص و جمع معینی از امتهاتصریح می نماید نه همه انسانها زیرا این آیه شریفه می فرماید : و یوم نحشر من کل امه فوجا ممن یکذب بایاتنا ۰۰۰ . - و آن روز که از میان هر امت , گروهی از تکذیب کنندگان آیات خود را برخواهیم انگیخت . این جمله به روشنی بر عدم برانگیخته شدن همه انسانها گواهی می دهد .
نتیجه : از این سه مقدمه کوتاه , به خوبی روشن می گردد که

برانگیختن گروه خاصی از انسانهای تکذیب کننده آیات الهی , که از آیه دوم استفاده می شود , حادثه ای است که پیش از برپا شدن قیام , روی خواهد داد . زیرا حشر انسانها در روز رستاخیز , شامل همه افراد بشر می گردد و به گروه خاصی محدود نمی شود . با این بیان , روشنی گفتار ما مبنی بر بازگشت گروهی از انسانها پس از مرگ وپیش از برپایی رستاخیز , به ثبوت می رسد و این پدیده همان رجعت است . بر این اساس , اهل بیت پیامبر که قرین قرآن و مفسران وحی الهی هستند , به روشنگری در این زمینه برخاستند و ما برای رعایت اختصار , به دو گفتار از آنان اشاره می کنیم :امام صادق علیه السلام می فرماید : ایام اللّه ثلاثه یوم القائم علیه السلام و یوم الکره و یوم القیامه . - ایام الهی , سه روز هستند روز قیام حضرت مهدی علیه السلام و روز رجعت و روزرستاخیز . و در جای دیگر می فرماید : لیس منا من لم یومن بکرتنا .- کسی که بازگشت مجدد ما را به دنیا نپذیرد از ما نیست . شایسته است در اینجا به دو نکته مهم اشاره کنیم :

۱ - فلسفه رجعت با اندیشه در انگیزه های رجعت , به دو هدف بلند از اهداف این پدیده , برخوردمی کنیم ; یکی نشان دادن جلال و شکوه واقعی اسلام و سرافکندگی کفر و دیگری دادن پاداش به انسانهای با ایمان و نیکوکار و کیفر نمودن کافران و ستمگران .

۲ - تفاوت بارز رجعت با تناسخ

لازم به ذکر است که مساله رجعت از دیدگاه شیعه هرگز مستلزم اعتقاد به تناسخ نیست ; زیرا نظریه تناسخ بر انکار رستاخیز مبتنی است و جهان را در گردش دائم می داند که هر دوره ای تکرار دوره پیش از آن است . بر اساس این نظریه , روح هر انسانی پس از مرگ , بار دیگر به دنیا باز می گردد وبه بدن دیگری منتقل می شود . پس اگر روح در زمان گذشته از نیکوکاران بوده , دربدنی قرار می گیرد که دوران بعد را با خوشی می گذراند و اگر از بدکاران بوده ,به بدنی منتقل می شود که دوران بعد را با سختی ها سپری می کند . و این بازگشت درحکم رستاخیز او است در حالی که معتقدان به رجعت , به پیروی از شریعت اسلام ,به قیامت و معاد ایمان دارند و از سوی دیگر انتقال یک روح جدا شده از بدن را به بدن دیگر محال می دانند . (۸) و تنها برآنند که گروهی از انسانها , پیش از قیامت به این جهان باز می گردند و پس از برآورده شدن حکمتها و مصالح آن , بار دیگر به سرای جاودانی می شتابند تا در روز رستاخیز , همراه با دیگر انسانها برانگیخته شوند ؟ و هرگز یک روح , پس از جدا شدن از بدن , به بدین دیگری منتقل نمی گردد .

سیر منطقی مسئله رجعت را بیان کنید ؟

پرسش

سیر منطقی مسئله رجعت را بیان کنید ؟

پاسخ

در میان اندیشمندان اسلامی درباره رجعت اختلاف نظر است، گروهی آنرا از ضروریات اسلام نمی دانند یعنی رجعت مانند قیامت نیست که اگر فردی منکر آن شود دیگر مسلمان نیست . اما گروهی که آن را از ضروریات می دانند این ضرورت را مربوط به مذهب شیعه می دانند. با این حال در میان علمای شیعه شاید یک نفر را هم نتوان پیدا کرد که رجعت را انکار کند.

مرحوم فیض کاشانی معتقد است که رجعت نظیر این چیزی است که علمای ارواح می گویند یعنی ظهور ارواح بر اهل معرفت در حالت مکاشفه که عارفان اهل کشف شهود به آن اقرار و اعتراف کرده اند در روایات هم این مطلب بیان شده است چنانکه وقتی که حضرت زهرا (س) می خواستند به دنیا بیایند و زنهای مکه از کمک کردن به حضرت خدیجه (س) امتناع ورزیدند چهار زن آمدند تا او را یاری کنند : حوا، آسیه ، مریم ،...

فیض اضافه می کند که رجعت این است که مرده ها از قبر برخیزند بلکه معنایش این است که در یک وضع خاصی، عده ای از ارواح با بدن های مثالی ظاهر می شوند.

علامه طباطبائی (با توجه به آیه ۸۳ از سوره نحل می گویند :

"یکی از آیاتی که بر رجعت دلالت دارد این آیه است : و یوم نحشر من کل اُمَّهٍ فوجاً ممن یُکذِّب بآیاتنا فهم یُوزَعون و روزی که در آن از هر امتی گروهی از کسانی که آیات ما را تکذیب میکردند محشور می گردانیم و نگاه داشته می شوند تا

همه به

هم بپیوندند"

مقصود از این آیه شریفه قیامت نیست چون با کلمهً من تبعیضیهً می فرماید : من کل اُمَّهٍ فوجاً یعنی از هر امتی دسته ای را محشور می گردانیم در حالی که قرآن کریم درباره حشر روز قیامت می فرماید:

و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا

و همه را گرد می آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی کنیم .

در زیارت جامعه نیز می فرمانید :

مومن بایابکم و مصدق برجعتکم

مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند .

و همه را گرد می آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی کنیم .

در زیارت جامعه نیز می فرمایند:

مومن بأیابکم و مصدق برجعتکم

مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع

می نمایند .

بر گرفته از :

۱ معاد، استاد مطهری (ره)

۲ در حضور علامه طباطبائی (ره) محمد حسین رخ شاد.

رجعت یعنی چه؟رجعت معصومین به چه صورت می باشد؟

پرسش

رجعت یعنی چه؟رجعت معصومین به چه صورت می باشد؟

پاسخ

رجعت" از عقاید معروف شیعه است وتفسیرش دریک عبارت کوتاه چنین است : بعد از ظهور مهدی (ع) ودرآستانه رستاخیز گروهی از "مؤمنان خالص" و "کفارو طاغیان بسیار شرور" به این جهان باز می گردند، گروه اول مدارجی از کمال را طی می کنند، و گروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند.

مرحوم"سید مرتضی" که از بزرگان شیعه است چنین می گوید : "خداوندمتعال بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از کسانی که قبلاً ازدنیا رفته اند به جهان باز می گرداند، تا درثواب وافتخارات یاری او ومشاهده حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند، ونیز گروهی از دشمنان سرسخت را باز می گرداند تا ازآنها انتقام گیرد.

سپس می افزاید : دلیل برصحت این مذهب این است که هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را براین امر انکار کند چرا که این مسأله محالی نیست، درحالی که بعضی از مخالفین ما چنان این موضوع را انکار می کنند که گوئی آن رامحال وغیر ممکن می شمرند.

بعد اضافه می کند : دلیل براثبات این عقیده اجماع امامیه است زیرا احدی از آنها با این عقیده مخالفت نکرده است" "۱"

البته ازکلمات بعضی از قدمای علمای شیعه و همچنین از سخنان مرحوم طبرسی درمجمع البیان برمی آیدکه اقلیت بسیار کوچکی از شیعه با این عقیده مخالف بودند، ورجعت را به معنی بازگشت دولت و حکومت اهلبیت علیهم السلام تفسیر می کردند، نه بازگشت اشخاص وزنده شدن مردگان، ولی مخالفت آنها طوری است که لطمه ای به اجماع نمی زند.

به هر حال دراینجا بحثهای فراوانی است که برای خارج نشدن از طرزبحث تفسیری به صورت

فشرده دراینجا می آوریم :

۱- بدون تردید احیای گروهی از مردگان دراین دنیا از محالات نیست، همانگونه که احیای جمیع انسانها در قیامت کاملاً ممکن است و تعجب از چنین امری همچون تعجب گروهی ازمشرکان جاهلیت از مسأله معاداست وسخریه در برابر آن همانند سخریه آنها درمورد معاد می باشد، چرا که عقل چنین چیزی را محال نمی بیند، وقدرت خدا آنچنان وسیع و گسترده است که همه این امور دربرابر آن سهل وآسان است .

۲- درقرآن مجید وقوع رجعت اجمالاً در پنج مورد از امتهای پیشین آمده است.

الف درمورد "پیامبری که ازکنار یک آبادی عبور کرد درحالی که دیوارهای آن فروریخته بود واجساد واستخوانهای اهل آن در هر سوپراکنده شده بود، واز خود پرسید چگونه خداوندداینها را پس از مرگ زنده می کند؟ اماخدا اورا یکصد سال میراندوسپس زنده کرد وبه او گفت چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد یک روز یا قسمتی ازآن؟ فرمود نه بلکه یکصد سال بر تو گذشت"آیه ۲۵۹ سوره بقره"

این پیامبر، عزیر باشد یا پیامبر دیگری تفاوت نمی کند، مهم صراحت قرآن در زندگی پس از مرگ است درهمین دنیا "فاماته الله مأه عام ثم بعثه"

ب قرآن درآیه ۲۴۳ سوره بقره سخن از جمعیت دیگری به میان می آورد که "ازترس مرگ(وطبق گفته مفسران به بهانه بیماری طاعون از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند) واز خانه های خود بیرون رفتند خداوند فرمان مرگ به آنها داد وسپس آنها را زنده کرد،"فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم"

گرچه بعضی از مفسران که نتوانسته اند وقوع چنین حادثه غیر عادی را تحمل کنند آن را تنها بیان یک مثال شمرده

اند، ولی روشن است که این گونه تأویلات دربرابر ظهور بلکه صراحت آیه دروقوع این مسأله، قابل قبول نیست.

ج درآیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره درباره "بنی اسرائیل" می خوانیم که گروهی از آنها بعد از تقاضای مشاهده خداوند گرفتار صاعقه مرگباری شدند ومردند، سپس خداوند آنها را به زندگی باز گرداند تا شکر نعمت او را بجا آورند"ثم بعثناکم من بعد موتك لعلکم تشکرون"

د درآیه ۱۱۰ سوره مائده ضمن برشمردن معجزات عیسی(ع) می خوانیم :"واذ تخرج الموتی باذنی" (تو مردگان را به فرمان من زنده می کردی).

این تعبیر نشان می دهدکه مسیح(ع) از این معجزه خود (احیای موتی) استفاده کرد، بلکه تعبیر به فعل مضارع"تخرج" دلیل بر تکرار آن است واین خود یکنوع رجعت برای بعضی محسوب می شود.

ه بالاخره درسوره بقره درآیه ۷۳ درمورد کشته ای که دربنی اسرائیل برای پیداکرد قاتلش نزاع و جدال برخاسته بود، قرآن می گوید : "دستور داده شد گاوی را با ویژگیهائی ببرند وبخشی از آن را بر بدن مرده زنند تا به حیات باز گردد(وقاتل خود را معرفی کند ونزاع خاتمه یابد) "فقلنا اصربوه ببعضها کذالک یحیی الله الموتی ویریك آیاته لعلکم تعقلون"

علاوه براین پنج مورد، موارد دیگری درقرآن مجید دیده می شود همچون داستان اصحاب کهف که آن نیز چیزی شبیه به رجعت بود، وداستان مرغهای چهارگانه ابراهیم(ع)که بعد از ذبح بار دیگر به زندگی بازگشتندتا امکان معاد را در مورد انسانها برای او مجسم سازند که در مسأله رجعت نیز قابل توجه است .

به هر حال چگونه ممکن است کسی قرآن را به عنوان یك کتاب آسمانی بپذیرد و با این

همه آیات روشن باز امکان رجعت را انکار کند؟ اساساً مگر رجعت چیزی جز بازگشت به حیات بعد از مرگ است؟

مگر رجعت نمونه کوچکی ا زرستاخیز دراین جهان کوچک محسوب نمی شود؟

منابع و مآخذ :

(۱) "سفینه البحار" جلد ۱ ، ص ۵۱۱، (ماده رجع)

برگفته از ۱۸۰ پرسش و پاسخ از تفسیر نمونه ص ۵۵۹و ۵۶۰و ۵۶۱

رجعت چیست؟

پرسش

رجعت چیست؟

پاسخ

۱- رجعت به معنی عودت و بازگشت است. در بحث های اعتقادی به معنی بازگشت به سوی دنیا می باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضرت مهدی (ع) به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمه هدا (ع) فررسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و هم چنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیا ندیده اند۲- مسأله رجعت امری حتمی است و به وقوع خواهد پیوست و در این باره اسناد و مدارک قرآنی و بیان مفسران که آیات بسیاری را درباره رجعت در مقام تأویل بیان کرده اند و هم چنین احادیث بسیاری قریب به دویست روایت به طور تواتر در این مورد موجود است به چند مورد از آیات روایات مربوط به رجعت اشاره می شود. الف) يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآياتِنا فَهُمْ يُوزَعُونَ روزی که مبعوث گردانیم از هر امتی فوجی از آنها که تکذیب می کنند به آیات ما پس ایشان بازداشته خواهند شد،(۱). در بعضی از تفاسیر مثل تفسیر علی بن ابراهیم آمده است. مظور از "آیات" در آیه شریفه امیرالمؤمنین و ائمه (ع) است،(۲).

ب) قالُوا رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ. در آن حال کافران گویند پروردگارا تو دو بار ما را بمیراندی و دو بار زنده کردی.،(۳). این آیه درباره اهل کفر در رستاخیز است و

بیان قول ایشان می باشد. علی بن ابراهیم از امام صادق و امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمودند، این آیه در رجعت است و مخصوص طایفه ای است که پس از مردن، زنده می شوند و بازگشت می کنند آنگاه می میرند و در قیامت زنده می شوند، (۴) و آیات ۲۴۳ از سوره بقره و آیه ۳۹ از سوره یونس و. بهموضوع (رجعت) دلالت دارد.

و اما احادیث: الف) امام صادق (ع) می فرماید: ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لایرجع الا من محض الایمان محضاً او محض الشرک محضاً رجعت همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند،(۵).ب) در رجعت اولین کسی که زمین بر او شکافته می شود، امام حسین (ع) می باشد. امام صادق (ع) می فرماید: اول من نشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی (ع) نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی(ع) است.

منابع و مآخذ:

(۱) (نمل، آیه ۸۳)

(۲) (تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۹، نقل از تفسیر علی بن ابراهیم)

(۳) (غافر، آیه ۱۱)

(۴) (تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۹۰۰)

(۵) (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۴، ح ۶۹۴۱

مساءله رجعت امام زمان (عج) را کاملا توضیح بفرمایید.

پرسش

مساءله رجعت امام زمان (عج) را کاملا توضیح بفرمایید.

پاسخ

۱- رجعت به معنی عودت، بازگشت است. در اینجا به معنی بازگشت به سوی دنیا می باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضرت مهدی(ع) به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمههدا(ع) فرا رسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و هم چنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیاندیده اند.

۲- مسأله رجعت امری حتمی است و به وقوع خواهد پیوست و در این باره اسناد و مدارك قرآنی و بیان مفسران که آیات بسیاری را درباره رجعت در مقام تأویل بیان کرده اند و هم چنین احادیث بسیاری قریب به دویست روایت به طور تواتر در این مورد موجود است؛ به چندمورد از آیات و روایات مربوط به رجعت اشاره می شود.

الف) یوم نحشر من کل امه فوجا ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون روزی که مبعوث گردانیم از هر امتی فوجی از آنها کهتکذیب می کنند به آیات ما پس ایشان بازداشته خواهند شد{M، (نمل، آیه ۸۳). در بعضی از تفاسیر مثل تفسیر علی بن ابراهیم آمده است. منظور از «آیات» در آیه شریفه امیرالمؤمنین و ائمه(ع)است، (تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۹، نقل از تفسیر علی بن ابراهیم).

ب) قالوا ربنا امتنا اثنتین و احیتینا اثنتین... در آن حال کافران گویند پروردگارا تو دو بار ما را بمیراندی

و دو بار زندهکردی... {M، (غافر، آیه ١١). این آیه درباره اهل کفر در رستاخیز است و بیان قول ایشان می باشد.

علی بن ابراهیم از امام صادق و امام باقر(ع) روایت کرده است که فرمودند، این آیه در رجعت است و مخصوص طایفه ای است که پس از مردن، زنده می شوند و بازگشت می کنند آنگاه می میرند و در قیامت زنده می شوند، (تفسیر لاهیجی، ج ٣، ص٩٠٠) و آیات ٢۴٣ از سوره بقره و آیه ٣٩ از سوره یونس و... به این موضوع (رجعت) دلالت دارد.

و اما احادیث:

الف) امام صادق(ع) می فرماید: ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لایرجع الا من محض الایمان محضا او محض الشرک محضا ؛ رجعتهمگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند{M، (میزان الحکمه، ج ۴، ص ١٩٨۴، ح۶٩۴١).

ب) در رجعت اولین کسی که زمین بر او شکافته می شود، امام حسین(ع) می باشد. امام صادق(ع) می فرماید: اول من تنشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی(ع) ؛ نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی(ع) است{M. و همچنین در روایت آمده است که امام باقر(ع) به بکیربن اعین فرمود: رسول خدا و علیرجعت خواهند کرد، (میزان الحکمه، ج ۴، ص ١٩٨٢، ح ۶٩٣٢ و ۶٩٣٣ - سفینه البحار، ج ٣، ص ٣١۵).

ج) از حضرت رضا(ع) نقل شده است: مأمون به امام رضا عرض کرد: ای ابالحسن نظر شما درباره رجعت چیست. حضرت فرمود: حقیقت دارد. در میان امت های پیشین نیز وجود داشته است و قرآن از آن سخن به میان آورده و رسول خدا(ص) فرموده

است هر چه درامت های گذشته بوده در میان این امت نیز عینا و مو به مو پیش خواهد آمد، (میزان الحکمه، ج ۴، ح ۶۹۲۷، ص ۱۹۸۰).

۳- و این که در روایت وارد شده است که از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی می کند تا حضرت حجت(عج) ظهور کند:

اولاً، این روز از روزهای دنیا است، چون که ظهور آن حضرت و دولت کریمه اهل بیت(ع) قبل از قیام قیامت است.

ثانیا، منظور معصوم(ع) از این سخن این است که ظهور حتمی و قطعی است و در مقام تأکید به امر ظهور این مطلب را فرموده است، بدین معنا که امام ظهور خواهند کرد و جای انکاری نیست، اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد. بنابراین مقصود روایت این است که ظهورامام(عج) در روز آخر دنیا اتفاق می افتد، بلکه صرفا در مقام بیان حتمیت ظهور آقا می باشد والا بنا بر روایات رجعت و روایات پیرامون وقایع بعد از ظهور امام زمان(عج) بی شک دوران ظهور و بعد از آن طولانی خواهد بود.

خلاصه سخن :

۱- رجعت از مسلمات مذهب شیعه می باشد و پیرامون آن دلایل متعددی وجود دارد.

۲- رجعت؛ یعنی، بعضی از انسان هایی که قبل از ظهور امام(عج) از دنیا رفته اند به زندگی دنیوی باز می گردند، یکی از گروه هایی که رجعت می کنند، ائمه(ع) می باشند.

برای مطالعه بیشتر ر.ک:

۱- رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی

۲- رجعت، محمد باقر بهبودی {J

مسأله رجعت و بداء را توضیح دهید.

پرسش

مسأله رجعت و بداء را توضیح دهید.

پاسخ

۱- رجعت به معنی عودت، بازگشت است. در اینجا به معنی بازگشت به سوی دنیا می باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضرت مهدی(ع) به ترتیب، دوران

رجعت هر یک از ائمه هدا(ع) فرا رسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و هم چنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیاندیده اند.

امام صادق(ع) می فرماید: «ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لایرجع الا من محض الایمان محضا او محض الشرک محضا؛ رجعت همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند» (میزان الحکمه، ج ۴، ص۱۹۸۴، ح ۶۹۴۱).

در رجعت اولین کسی که زمین بر او شکافته می شود، امام حسین(ع) می باشد. امام صادق(ع) می فرماید: «اول من نشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی(ع)؛ نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی(ع) است». همچنین در روایت آمده است که امام باقر(ع) به بکیربن اعین فرمود: رسول خدا و علی رجعت خواهند کرد، (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۲، ح ۶۹۳۲ و ۶۹۳۳ - سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۱۵).

از حضرت رضا(ع) نقل شده است: مأمون به امام رضا عرض کرد: ای ابالحسن نظر شما درباره رجعت چیست. حضرت فرمود: حقیقت دارد. در

میان امت های پیشین نیز وجود داشته است و قرآن از آن سخن به میان آورده و رسول خدا(ص) فرموده است هر چه درامت های گذشته بوده در میان این امت نیز عینا و مو به مو پیش خواهد آمد، (میزان الحکمه، ج ۴، ح ۶۹۲۷، ص ۱۹۸۰).

و این که در روایت وارد شده است که از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی می کند تا حضرت حجت(عج) ظهور کند:

اولاً، این روز از روزهای دنیا است، چون که ظهور آن حضرت و دولت کریمه اهل بیت(ع) قبل از قیام قیامت است.

ثانیا، منظور معصوم(ع) از این سخن این است که ظهور حتمی و قطعی است و در مقام تأکید به امر ظهور این مطلب را فرموده است، بدین معنا که امام ظهور خواهند کرد و جای انکاری نیست، اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد. بنابراین مقصود روایت این است که ظهورامام(عج) در روز آخر دنیا اتفاق می افتد، بلکه صرفا در مقام بیان حتمیت ظهور آقا می باشد والا بنا بر روایات رجعت و روایات پیرامون وقایع بعد از ظهور امام زمان(عج) بی شک دوران ظهور و بعد از آن طولانی خواهد بود.

خلاصه سخن :

۱- رجعت از مسلمات مذهب شیعه می باشد و پیرامون آن دلایل متعددی وجود دارد.

۲- رجعت؛ یعنی، بعضی از انسان هایی که قبل از ظهور امام(عج) از دنیا رفته اند به زندگی دنیوی باز می گردند، یکی از گروه هایی که رجعت می کنند، ائمه(ع) می باشند.

برای مطالعه بیشتر ر.ک:

۱- رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی

۲- رجعت، محمد باقر بهبودی

بداء اسم است از بدأ به معنای ظاهر شدن که در معنای اسمی به معنای «ظهور» است .بداء

یکی از معتقدات خاص شیعه است که ایمان به آن توصیه شده است و اهل سنت چون معنای آن را نفهمیدند با آن به مخالفت پرداخته اند. «بداء» در اصل به معنای «چیزی آشکار شدن از کسی است» و معنای اصطلاحی «بداء» چنانچه از روایات خاندان وحی(س) رسیده و بنابر تفسیر شیخ مفید از بزرگترین علما متقدم شیعه و علامه طباطبائی از بزرگان علما معاصر شیعه به معنای «آشکار شدن امری از خداوند متعال است» که این امر برای انسان ها مجهول بوده و خلاف آن را تصور می کردند.

بنابراین بداء به معنای آشکار شدن پدیده ها و حوادث خلاف مقتضیات و شرایط ظاهری است که انسان می پندارد. مثلا اگر به ما خبر برسد که جوانی که ظاهری سالم و سر حال دارد، بر اثر سکته قلبی فوت کرده است، این خبر برای ما غیر منتظره و غافل گیر کننده است. و دلیل آن نیز جهل ما به سلسله علل و عواملی است که باعث این رخداد شده است. ما او را سالم می پنداشتیم اما در واقع قلب او بیمار بوده است. اما چنین اتفاقی برای خدا از قبل روشن و آشکار بوده است و در علم الهی ثابت. پس بداء یعنی

آشکار شدن امری که خلاف تصور ما انسانهای نا آشنا به علل و عوامل اصلی پدیده هاست و به معنای تبدیل و تغییر در علم الهی نیست. بلکه به معنای تبدیل و تغییر در ناحیه علم انسانهاست و این معنا از «بداء» از معتقدات شیعه است که ایمان به آن ترغیب و تشویق شده است.

اما بداء در ویژگی های ظهور نیز به همین معنا بر می گردد

که حوادث و اتفاقات و مسائلی پیش می آید که ما انسانها از آنها و علل آنها بی خبریم و برخلاف تصور ماست. به این دلیل توصیه اکید شده است که برای فرج دعا کنید.

در رابطه با بداء در ظهور تفسیر دیگری هم است که چون مخالف صریح روایات متعدد است و از اصل اشتباه می باشد، آن را در اینجا ذکر نمی کنیم.

در رابطه با این تفسیر و نقد آن به کتاب گفتمان مهدویت، آیت الله صافی گلپایگانی از انتشارات مسجد مقدس جمکران ص: ۲۲۱ تا ۲۳۰ مراجعه کنید که ضمن آن اصل مسأله بداء را نیز توضیح داده اند.

سرعت پاسخ دهی از انتظارات پرسشگران است. خواهشمند است با اولویت بندی و پیرایش سؤالات، ما را یاری کنید. بدیهی است با ارتباط مکرر، پاسخ گوی دیگر پرسش های شما خواهیم بود

از آن جا که رجعت , از نشانه ها و دلائل صحت نبوت است , بایستی مانند دیگر معجزات , در زمان حیات پیغمبر (ص) رخ دهد. و حال ان که می گویید در زمان آخر الزمان و ظهور امام مهدی ع روی می دهد.

پرسش

از آن جا که رجعت , از نشانه ها و دلائل صحت نبوت است , بایستی مانند دیگر معجزات , در زمان حیات پیغمبر (ص) رخ دهد. و حال ان که می گویید در زمان آخر الزمان و ظهور امام مهدی ع روی می دهد.

پاسخ

یکی از اعتقادات ویژه ای که شیعه دوازده امامی آن را باور دارد، عقیده به رجعت است. رجعت در لغت به معنای بازگشت است. معنی اصطلاحی رجعت از دیدگاه شیعه این است که خداوند (هم زمان با ظهور حضرت مهدی(عج)) شماری از امت محمد(ص) را پس از مرگشان و پیش از قیامت بر می انگیزاند واین باور از ویژگیهای مذهب آل محمد(ص) می باشد که قرآن نیز بر درستی آن گواهی می دهد.(۱)

دانشمند بزرگ شیعه، مرحوم سید مرتضی علم الهدی نیز عقیده بر رجعت از دیدگاه امامیه را چنین توضیح می دهد، باور شیعه امامیه این است که خداوند متعال به هنگام ظهور امام زمان (عج) گروهی از شیعیان راکه پیش از ظهور آن حضرت از دنیا رفته اندبه این جهان باز می گرداند تا آنان به پاداش یاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نایل گردند. همچنین خداوند برخی از دشمنان آن حضرت را زنده می کند تا از آنان انتقام گیرد، بدین صورت که آشکار شدن حق و بلندی مرتبت پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند.(۲)

از دیدگاه دانشمندان شیعه، هیچ گونه تردیدی در اصل «رجعت» وجود ندارد و همه عالمان بزرگ شیعی اعتقاد به رجعت را

از ویژگی های پیروان اهل بیت بر شمرده اند.

مرحوم علامه مجلسی در کتاب گرانسنگ بحار الانوار می فرماید: عقیده

به رجعت، در تمام دوران ها مورد اتفاق مذهب شیعه بوده و این سخن چندان آشکار است که کسی نمی تواند به انکار آن برخیزد.(۳)

شیخ مفید و سید مرتضی نیز اعتقاد به رجعت را نزد شیعه اجماعی شمرده اند.(۴)

مرحوم شیخ حر عاملی می فرماید: فراوانی شمار نویسندگانی از شیعه که روایات مربوط به رجعت را در کتاب های خویش گرد آورده اند- که تعداد آن از هفتاد کتاب بیشتر است - دلیل بر قطعی بودن اعتقاد به رجعت از دیدگاه شیعه است.(۵)

شیخ صدوق نیز اعتقاد به رجعت را از ویژگی های پیروان تشیع دانسته است.(۶)

دانشمندان شیعه برای اثبات رجعت به دلایل قرآنی، روایی و اجماع تمسک جسته اند که ما تنها به نقل نمونه هایی از این استدلال ها بسنده می کنیم: گواه روشن تحقق رجعت، پیش از هر چیز قرآن کریم است که در آیه ۸۴ سوره نمل می فرماید: (و یوم نحشر من کل امه افواجاً ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون)؛ روزی که از هر ملتی، گروهی از آنان را که آیات ما را تکذیب می کردند، زنده می گردانیم. در این آیه شریفه که برای اثبات رجعت مورد استناد ائمه(ع) (۷) و دانشمندان شیعه قرار گرفته است، سخن از روزی است که تنها گروهی (و نه همه مردم) برانگیخته می شوند، در حالی که در قیامت بنا به تصریح قرآن کریم همه انسان ها برانگیخته می گردند، آنجا که می فرماید:(و یوم ینفخ فی الصور ففرغ من فی السموات و من فی الارض الا من شاء الله و کل اتوه آخرین)؛ روزی که در صور دمیده شود، همه کسانی که در آسمان ها و

زمین هستند، مگر آن کس که خدا را خواهد، به شدت می ترساند و همگان با ذلت نزد او حاضر می گردند.(۸)

از مقایسه این دو آیه شریفه چنین به دست می آید که آیه نخست مربوط به روزی غیر از قیامت است و آن همان روزی است که در روایات اهل بیت به نام «رجعت» معروف گردیده است.

اما دلیل اصلی اثبات رجعت روایات بی شماری است که بر وقوع آن صحه می گذارد. مرحوم علامه مجلسی نام بیش از پنجاه تن از عالمان و محدثان شیعه را ذکر می کند که روایات رجعت را در کتاب های خویش آورده اند که اسامی برخی از آنها بدین قرار است: سلیم بن قیس هلالی، حسن بن صفار، علی بن ابراهیم قمی، ثقه الاسلام کلینی، عیاشی، کشی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، ابوالفتح کراجکی، نجاشی، شیخ طوسی، ابن طاووس و ... .

مرحوم علامه مجلسی در باره روایات رجعت می فرماید: کسی که به حقاینت ائمه اطهار(ع) ایمان دارد چگونه می تواند درباره مسأله متواتری که از آنان نقل شده و نزدیک به دویست روایت صریح در این زمینه رسیده و بیش از چهل تن از ثقات و عالمان شیعه آنها را در کتاب های خود آورده اند، تردید کند؟

به راستی اگر مسأله ای مثل رجعت را نتوان از امور متواتر دانست، پس در کدامین موضوع می توان ادعای تواتر نمود؟(۹)

شیخ حر عاملی نیز روایات رجعت را فزون از شمار دانسته و در باره آن قائل به تواتر معنوی شده است.(۱۰) ما در این مقام تنها به نقل دو روایت از روایات بی شمار رجعت می پرازیم:

۱. از امام

صادق(ع) درباره آیه: (ربنا امتنا اثنتین و احییتنا اثنتین) پرسش شد، حضرت در پاسخ فرمود: ذلک فی الرجعه؛ این آیه در مورد رجعت است.(۱۱)

۲. همچنین آن حضرت فرمود: لیس منا من لم یؤمن بکرمنا، هر کس به رجعت ما ایمان نداشته باشد، از ما نیست.(۱۲)

افزون بر قرآن و روایات، شمار فراوانی ازعالمان شیعه، عقیده به رجعت را در نزد امامیه اجماعی دانسته اند.(۱۳)

حال با توجه به ادله قطعی ای که رجعت را به مثابه یک عقیده درست ثابت می کند، بایستی دید هدف از رجعت چیست؟ آیا رجعت از جمله معجزات پیامبر اکرم(ص) است؟ آیا رجعت از نشانه های ظهور مهدی(عج) و یا معجزات آن حضرت است؟ و یا اصلاً رجعت مسأله ای دیگر و یا هدفی دیگر در نظام آفرینش طرح ریزی شده است؟

گر چه ممکن است به جهت محدودیت علم و ادراک ما نتوان به طور قاطع غرض و هدف اصلی از رجعت را ذکر کرد، اما با توجه به مجموع احادیثی که در مورد رجعت به ما رسیده است شاید بتوان اهداف ذیل را از جمله مواردی دانست که لزوم تحقق رجعت را توجیه می کند:

۱. رجعت با هدف نشان دادن عزت اسلام و ذلت کفر و شرک از سوی خداوند صورت می گیرد، بدین معنا که بازگشت به دنیا در زمانی به وقوع می پیوندد که دین خدا بر سراسر جهان حاکم شده، زمین و آنچه در آن است، یکسره در اختیار مؤمنان و خدا جویان قرار گرفته و کافران و ستم پیشگان خوار و ذلیل خواهند گشت.

بدیهی است که چنین حادثه ای هر انسان دینداری را شادمان و خرسند و تبهکاران

و کافران را به رنج و اندوه فرو خواهد برد. از این رو خداوند مهربان و حکیم، گروهی از مؤمنان راستین و شماری از کافران سرسخت را در آن روز به جهان باز می گرداند، تا آنان از دیدن شکوه و عظمت اسلام و حاکمیت مؤمنان به وجد آیند و کافران نیز بر اثر مشاهده شوکت و قدرت پیروان دین خدا خشمگین و اندوهناک گردند و همگان در یابند که وعده الهی تخلف ناپذیر است.

۲. گذشته از این که ممکن است افراد با ایمان در این بازگشت به مقاماتی دست یابند که تنها در هنگام سیطره کامل اسلام می توانند به آن مقامات برسند، می توان گفت: از آن جا که طبق روایات، کافرانی که رجعت می کنند از جمله افرادی هستند که بسیار در کفر خود سرسخت و لجوج بوده اند، رجعت آنان ممکن است با این هدف انجام گیرد که دست کم مقداری هر چند اندک، از جزای اعمال ننگین خود را در دنیا بچشند و تا حدودی پاسخگوی پاره ای از ظلم و ستم های بی حد خود باشند، هر چند مجازات اصلی در سرای آخرت به آنان خواهد رسید.

با توجه به مطالب پیش گفته بایستی این نکته را هم یادآور شد که نه در روایات مربوط به رجعت و نه در گفتار بزرگان شیعه هیچ گونه ملازمه ای میان رجعت و معجزه بودن آن برای پیامبر اکرم(ص) نیامده است، مرحوم امین الاسلام طبرسی، ضمن اشاره به این سخن ملازمه میان رجعت و صحت نبوت پیامبر(ص) آن را باطل دانسته و فرموده است: نزد ما(شیعیان) بلکه اکثر امت اسلامی، ظهور معجزه به

دست ائمه و اولیا نیز رواست.(۱۴) بنابراین به هنگام تحقق رجعت، می توان آن را از جمله معجزات حضرت ولی عصر(عج) به شمار آورد.

پی نوشت:

۱.المسائل السرویه، شیخ مفید، ص ۳۲، المطبعه مهر، ناشر: المؤتمر العالمی.

۲.رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵،تحقیق سید مهدی رجایی، ناشر: دار القرآن، ۱۴۰۵ ه . ق، مطبعه السید الشهداء.

۳.بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۴ – ۱۲۲، الطبعه الاولی، ۱۴۰۵ ه . ق، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت.

۴ همان، ص ۱۳۶–۱۳۹.

۵.به نقل از همان، ص ۱۲۱.

۶.الایقاظ من الهجعه، باب دوم.

۷.بحار، ج ۵۳، ص ۵۳.

۸.سوره نحل، آیه ۸۷.

۹.بحار، ج۵۳، ص ۱۴۴ – ۱۲۲.

۱۰.الایقاظ من الهجعه، باب دوم، دلیل سوم.

۱۱.بحار، ج ۵۳، ص ۵۶.

۱۲.همان، ج ۵۳، ص ۹۲.

۱۳.همان، ج ۵۳، ص ۱۳۹ – ۱۳۶.

۱۴.مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۳.

آیا درست است که بر این باور باشیم که اعلام به رجعت صحیح و روا نیست , زیراباعث اغرا به جهل مردم می گردد, و عده ای کم ایمان را به گناه سوق می دهد که انان عدم ارتکاب معاصی یا توبه از گناهان را به بازگشت خودموکول کنند؟

پرسش

آیا درست است که بر این باور باشیم که اعلام به رجعت صحیح و روا نیست , زیراباعث اغرا به جهل مردم می گردد, و عده ای کم ایمان را به گناه سوق می دهد که انان عدم ارتکاب معاصی یا توبه از گناهان را به بازگشت خودموکول کنند؟

پاسخ

شبهه یاد شده را، بنا به نقل امین الاسلام طبرسی، ابوالقاسم بلخی مطرح کرده است.(۱)

به نظر می رسد که این شبهه، در درجه نخست، از عدم درک درست مفهوم رجعت در نزد شیعه ناشی شده، زیرا چنین پنداشته شده که با تحقق رجعت، اولاً همه انسان ها دوباره به زندگی دنیوی باز می گردند. ثانیاً همانند مرحله نخست زندگی، انسان ها پس از رجعت هم می توانند با پشیمانی از گناهان گذشته خود توبه کرده و خداوند هم توبه آنان را خواهد پذیرفت. در حالی که این پندار درست نیست.

برای روشن شدن حقیقت رجعت که به پاسخ شبهه مذکور نیز خواهد انجامید، توجه به مسایل ذیل ضروری است:

۱. از دیدگاه شیعه، رجعت تنها ویژه دو گروه است: کافران سرسخت که در کفر به طور کامل فرو رفته اند، و مؤمنان راستین که به مراحل والای ایمان دست یافته اند و غیر از این دو گروه، کسی دیگر به دنیا باز نخواهد گشت.

مرحوم علامه مجلسی، پس از ذکر روایات رجعت و گفته های عالمان بزرگ شیعی تصریح می کند:

از دیدگاه (شیعیان) رجعت تنها به گروهی از مؤمنان راستین و کافران فرو رفته در گرداب کفر و الحاد اختصاص دارد و غیر از این دو گروه، کسی دیگر به دنیا باز نخواهد گشت.(۲)

مرحوم شیخ مفید نیز در این مورد

می فرماید: رجعت(وعده داده شده در روایات) تنها ویژه مؤمنان راستین و کافران سرسخت از این امت است و شامل افراد امت های پیشین نیز نمی گردد.(۳)

این مطلب به صراحت در روایات مربوط به رجعت نیز آمده است که ما در این جا تنها دو نمونه از آن را نقل می کنیم:

الف) امام صادق(ع) در باره افرادی که(همزمان با حضور حضرت مهدی(عج)) رجعت می کنند، فرمود: «ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لا ـ یرجع الا من محض الایمان او محض الشرک محضاً»؛(۴) رجعت مربوط به همه مردم نمی شود، بلکه ویژه گروهی محدود است و جز مؤمنان راستین و مشرکان فرو رفته در منجلاب کفر و شرک، هیچ کس به دنیا باز نخواهد گشت.

ب) از امام صادق(ع) درباره آیه(و یوم نحشر من کل امه فوجاً؛ و روزی که از هر ملت، گروهی را محشور می گردانیم) پرسش شد، حضرت در پاسخ فرمود: مردم درباره این آیه چه می گویند؟ گفتند: آنان معتقدند که این آیه درباره قیامت است. حضرت فرمود آیا در روز قیامت، از هر امت دسته ای برانگیخته و بقیه وانهاده می شوند؟! هرگز چنین نیست (بلکه در قیامت همه مردم محشور می گردند) این آیه، مربوط به رجعت است.(۵)

با توجه به مطالب پیش گفته، دیگر جایی برای شبهه مذکور باقی نمی ماند، زیرا اولاً شمار افرادی که وعده رجعت درباره آنان داده شده، نسبت به تمام انسان ها، بسیار اندک است. ثانیاً، هیچ کس از افراد غیر معصوم را نمی توان به طور قطع مشمول حکم رجعت دانست و او را در شمار افرادی به حساب آورد که در دوران رجعت باز

خواهند گشت، زیرا در مورد هر کس(به جز معصومان(ع)) می توان احتمال داد که جزء افرادی نباشد که به آنان وعده رجعت داده شده است.

۲. افزون بر این، برخی از عالمان شیعه گفته اند: از آن جا که از اهل خلاف و عصیان، تنها کافران سرسخت رجعت خواهند کرد، حالت مرگ برای این گونه افراد، حالت بی خبری و بی هوشی است و همانند کسی که به خواب رفته باشد، چیزی از حقایق آن جهان بر او آشکار نگشته، دوباره به همان حالت پیش از مرگ باز می گردند و اساساً سکرات موت چیزی را برای این گونه افراد روشن نمی کند، بلکه با مردن، در حالت بی خبری فرو می روند.(۶)

علاوه بر این، حقایقی که در هنگام رجعت برای افراد روشن می گردد، بیش از حقایقی نیست که در روز رستاخیز بزرگ، برای افراد آشکار می گردد و در آن جا خداوند خبر داده است که اگر کافران را به دنیا بازگردانیم، باز هم بر کفر خود اصرار می ورزند و هرگز سر تسلیم فرود نمی آورند.

در سوره انعام آیه ۲۸ – ۲۹ می فرماید، کاش می دیدی هنگامی که اینان در برابر آتش دوزخ قرار می گیرند، می گویند، کاش بار دیگر باز گردانده می شدیم و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم و از زمره مؤمنان می بودیم.

آری! اینان آنچه را پنهان داشته بودند، امروز آشکار ساختند و اگر بازگردند، باز هم به همان اعمال پیشین خود که از آن نهی شده بودند، باز می گردند، اینان دروغگویانند. بنابراین، آن چنان نیست که مخالفان رجعت گمان برده اند که کافران مورد نظر، با

آشکار شدن حقایق، از اعمال بد خود پشیمان شوند و راه اصلاح در پیش گیرند.

پی نوشت:

۱.مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۲۲۴، الطبعه الاولی، ۱۴۱۵، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات – بیروت – لبنان.

۲.بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۸، مؤسسه الوفا، بیروت – لبنان – ۱۴۰۳ ه . ق.

۳.المسائل السرویه، شیخ مفید، ص ۳۵، ناشر؛ المؤتمر العالمی.

۴.بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۵.همان، ج ۵۳، ص ۵۳.

۶.تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۱ ص (۲۲۳).

سابقه اعتقاد به رجعت از چه زمانی است؟

پرسش

سابقه اعتقاد به رجعت از چه زمانی است؟

پاسخ

اعتقـاد به رجعت از مبـاحث ریشه داری است که اعتقـاد به آن از خصوصـیات مکتب اهل بیت: است. گر چه اصل این عقیـده سرچشـمه ای قرآنی داشته ودر احادیث رسول خـدا (ص) نیز به آن اشاره شـده است. لـذا با مراجعه به کتاب های تراجم اهل سنّت مشاهـده می نماییم که از امامیه با این اعتقاد یاد می کنند. در بین اصـحاب امامان نیز مشاهده شده که با مخالفان خود بر سر این عقیده مباحثات زیادی داشته اند. که از آن جمله به مباحثات مؤمن الطاق با ابوحنیفه می توان اشاره کرد.

به همین جهت در طول تاریخ اسلام، علمای شیعه سعی زیادی در راه تثبیت این عقیده داشته اند به حدّی که برخی در این باره کتاب تألیف کرده اند.

شیخ صدوق؛ می فرماید: "قول صـحیح آن است که رجعت در میان امت های پیشین بوده است، وپیامبر (ص) فرمود: هر آنچه در بین امّت های پیشین اتفاق افتاده در این امّت نیز اتّفاق خواهد افتاد، پس واجب است که در این امّت نیز رجعت باشد".

{پاورقی . اعتقادات صدوق، ص ۴۱ù۴۲. پاورقی}

شیخ مفید؛ می فرماید: "خداوند متعال گروهی از امّت محمّد (ص) را بعد از وفاتشان وقبل از روز قیامت محشور خواهد نمود، واین عقیده مختصّ به آل محمّد: است وقرآن نیز بر آن شاهد می باشد".

{پاورقی . المسائل السرویه، ص ۳۲؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۳۶. پاورقی}

سید مرتضـی می فرماید: "از اعتقادات شـیعه آن است که خداوند متعال هنگام ظهور امام مهدی (ع)، گروهی از شیعیان را که از دنیا رفته اند باز می گرداند تا به ثواب یاری ونصرت آن حضرت نایل شده ودولت او را مشاهده نمایند. همچنین گروهی از دشمنان را

باز می گرداند تا انتقامش را از آنان بستاند".

{پاورقی . رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۲۵. پاورقی}

آیا رجعت از ضروریات تشیع است؟

پرسش

آیا رجعت از ضروریات تشیع است؟

پاسخ

اصل اعتقاد به رجعت مطابق رأی گروهی از علمای امامیه از ضروریات مذهب به حساب می آید؛

شیخ حرّ عاملی می فرماید: "همانا ثبوت رجعت نزد همه علمای معروف ومصنفین مشهور از ضروریات مذهب امامیه به حساب می آید، وحتی عامه نیز از این موضوع باخبرند".

{پاورقی . الایقاظ من الهجعه، ص ۶۰. پاورقی}

مرحوم مجلسی می فرماید: "همانا اعتقاد به رجعت در همه عصرها مورد اجماع شیعه بوده، واین مسأله مانند خورشید در وسط روز معلوم است".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳. پاورقی}

علامه طباطبایی؛ می فرماید: "روایات رجعت از طریق اهل بیت: به تواتر معنوی به ما رسیده است".

{پاورقی . المیزان، ج ۲، ص ۱۰۷. پاورقی}

گرچه در معنای "رجعت" بین علما اختلاف شده وبرخی آن را به معنای رجعت دولت گرفته اند، امّا در اصل عقیده به رجعت اتفاق است، بلکه معنای معهود آن، که همان باز گشت به این دنیا در عصر ظهور است، معنای مشهور نزد علمای شیعه است.

چرا متکلمین بحث از رجعت را در علم کلام مطرح می کنند؟

پرسش

چرا متکلمین بحث از رجعت را در علم کلام مطرح می کنند؟

پاسخ

عوامل مختلفی در بحث از رجعت در علم کلام وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – رجعت از امور اعتقادی است که در روایات بسیاری به آن اشاره شده است.

۲ – رجعت با مسأله امامت ارتباط دارد؛ زیرا به این نکته اشاره دارد که امامان شیعه مورد ظلم وتعدی قرار گرفته اند ولذا در عصر حکومت حضرت مهدی (ع) بازگشته وحکومت خواهند کرد.

۳ – رجعت از آنجا که از علایم قیامت ومربوط به معاد است لذا در عقاید بحث می شود.

۴ – رجعت زمینه ساز اعتقاد به معاد است، زیرا همان گونه که غیبت صغرا زمینه ساز غیبت کبرا وهموار کننده آن بود، قیامت صغرا نیز که همان رجعت است هموار کننده قیامت کبرا خواهد بود.

۵ – رجعت با مسأله ثواب وعقاب نیز ارتباط دارد، زیرا در آن نشانه هایی است از عقاب وثواب برای کسانی که در کمال کفر ویا ایمان به سر برده اند.

درباره رجعت چه دیدگاه هایی وجود دارد؟

پرسش

درباره رجعت چه دیدگاه هایی وجود دارد؟

پاسخ

در مورد رجعت در این دنیا دیدگاه هایی وجود دارد:

۱ – رجعت همانند تمثّلاتی است برای ارواح مؤمنین وائمه اهل بیت: که از دنیا رفته اند ودوباره روح آنان ظهور کرده، تصرفاتی در این عالم خواهند نمود.

این تفسیر گر چه به برخی از فلاسفه از قبیل: شاه آبادی ورفیعی قزوینی نسبت داده شده ولی با ظواهر ادله سازگاری ندارد.

۲ – مقصود از رجعت، ظهور امام زمان (ع) و رجوع او به مردم به جهت اقامه توحید وعدل است. اصل این معنا گرچه صحیح است ولی اطلاق رجعت بر آن، خلاف ظاهر ادله است.

۳ – مقصود از رجعت، رجوع عده ای از اموات به این دنیا به جهت مصالحی خاص در عصر حکومت حضرت مهدی (ع)

است. این قول رأی مشهور وموافق ظواهر ادله می باشد.

درباره رجعت و احادیث مربوط به آن در قرآن واحادیث توضیح بفرمایید؟

پرسش

درباره رجعت و احادیث مربوط به آن در قرآن واحادیث توضیح بفرمایید؟

پاسخ

"رجعت" از عقاید معروف شیعه است وتفسیرش دریک عبارت کوتاه چنین است : بعد از ظهور مهدی (ع) ودرآستانه رستاخیز گروهی از "مؤمنان خالص" و "کفارو طاغیان بسیار شرور" به این جهان باز می گردند، گروه اول مدارجی از کمال را طی می کنند، وگروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند.

مرحوم"سید مرتضی" که از بزرگان شیعه است چنین می گوید : "خداوندمتعال بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از کسانی که قبلاً ازدنیا رفته اند به جهان باز می گرداند، تا درثواب وافتخارات یاری او ومشاهده حکومت حق بر سراسر جهان شرکت جویند، ونیز گروهی از دشمنان سرسخت را باز می گرداند تا ازآنها انتقام گیرد.

سپس می افزاید : دلیل برصحت این مذهب این است که هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را براین امر انکار کند چرا که این مسأله محالی نیست، درحالی که بعضی از مخالفین ما چنان این موضوع را انکار می کنند که گوئی آن رامحال وغیر ممکن می شمرند.

بعد اضافه می کند : دلیل براثبات این عقیده اجماع امامیه است زیرا احدی از آنها با این عقیده مخالفت نکرده است" "۱"

البته ازکلمات بعضی از قدمای علمای شیعه و همچنین از سخنان مرحوم طبرسی درمجمع البیان برمی آیدکه اقلیت بسیار کوچکی از شیعه با این عقیده مخالف بودند، ورجعت را به معنی بازگشت دولت و حکومت اهلبیت علیهم السلام تفسیر می کردند، نه بازگشت اشخاص وزنده شدن مردگان، ولی مخالفت آنها طوری است که لطمه ای به اجماع نمی زند.

به هر حال دراینجا بحثهای فراوانی است که برای خارج نشدن از

طرزبحث تفسیری به صورت فشرده دراینجا می آوریم :

۱- بدون تردید احیای گروهی از مردگان دراین دنیا از محالات نیست، همانگونه که احیای جمیع انسانها در قیامت کاملاً ممکن است و تعجب از چنین امری همچون تعجب گروهی ازمشرکان جاهلیت از مسأله معاداست وسخریه در برابر آن همانند سخریه آنها درمورد معاد می باشد، چرا که عقل چنین چیزی را محال نمی بیند، وقدرت خدا آنچنان وسیع و گسترده است که همه این امور دربرابر آن سهل وآسان است .

۲- درقرآن مجید وقوع رجعت اجمالاً در پنج مورد از امتهای پیشین آمده است.

الف درمورد "پیامبری که ازکنار یک آبادی عبور کرد درحالی که دیوارهای آن فروریخته بود واجساد واستخوانهای اهل آن درهر سوپراکنده شده بود، واز خود پرسید چگونه خداوندداینها را پس از مرگ زنده می کند؟ اماخدا اورا یکصد سال میراندوسپس زنده کرد وبه او گفت چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد یک روز یا قسمتی ازآن؟ فرمود نه بلکه یکصد سال بر تو گذشت"آیه ۲۵۹ سوره بقره"

این پیامبر، عزیر باشد یا پیامبر دیگری تفاوت نمی کند، مهم صراحت قرآن در زندگی پس از مرگ است درهمین دنیا "فاماته الله مأه عام ثم بعثه"

ب قرآن درآیه ۲۴۳ سوره بقره سخن از جمعیت دیگری به میان می آورد که "ازترس مرگ(وطبق گفته مفسران به بهانه بیماری طاعون از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند) واز خانه های خود بیرون رفتند خداوند فرمان مرگ به آنها داد وسپس آنها را زنده کرد،"فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم"

گرچه بعضی از مفسران که نتوانسته اند وقوع چنین حادثه غیر عادی را تحمل کنند آن را تنها بیان

یـک مثـال شـمرده انـد، ولی روشن است که این گونه تأویلات دربرابر ظهور بلکه صـراحت آیه دروقوع این مسأله، قابل قبول نیست.

ج درآیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره دربـاره "بنی اسـرائیل" می خوانیم که گروهی از آنهـا بعـد از تقاضای مشاهـده خداونـد گرفتار صاعقه مرگباری شدنـد ومردنـد، سـپس خداونـد آنها را به زندگی باز گرداند تا شـکر نعمت او را بجا آورند "ثم بعثناکم من بعد موتک لعلکم تشکرون"

د درآیه ۱۱۰ سوره مائده ضـمن برشـمردن معجزات عیسـی(ع) می خوانیم :"واذ تخرج الموتی باذنی" (تو مردگان را به فرمان من زنده می کردی).

این تعبیر نشان می دهدکه مسـیح(ع) از این معجزه خود (احیای موتی) استفاده کرد، بلکه تعبیر به فعل مضارع"تخرج" دلیل بر تکرار آن است واین خود یکنوع رجعت برای بعضی محسوب می شود.

ه بالاخره درسوره بقره درآیه ۷۳ درمورد کشته ای که دربنی اسرائیل برای پیداکرد قاتلش نزاع و جدال برخاسته بود، قرآن می گویـد : "دسـتور داده شـد گاوی را با ویژگیهائی ببرند وبخشـی از آن را بر بدن مرده زنند تا به حیات باز گردد(وقاتل خود را معرفی کند ونزاع خاتمه یابد) "فقلنا اضربوه ببعضها کذالک یحیی الله الموتی ویریک آیاته لعلکم تعقلون"

علاوه براین پنـج مورد، موارد دیگری درقرآن مجیـد دیـده می شود همچون داسـتان اصـحاب کهف که آن نیز چیزی شبیه به رجعت بود، وداسـتان مرغهـای چهارگـانه ابراهیم(ع)که بعـد از ذبـح بـار دیگر به زنـدگی بازگشـتندتا امکان معاد را در مورد انسانها برای او مجسم سازند که در مسأله رجعت نیز قابل توجه است .

به هر حال چگونه ممکن است کسی قرآن را به عنوان یک کتاب آسمانی

بپـذیرد وبـا اینهمه آیات روشن باز امکان رجعت را انکار کنـد؟ اساساً مگر رجعت چیزی جز بازگشت به حیات بعـد از مرگ است؟

۲- مگر رجعت نمونه کوچکی ا زرستاخیز دراین جهان کوچك محسوب نمی شود؟

(۱) "سفینه البحار" جلد ۱ ، ص ۵۱۱، (ماده رجع)

برگفته از ۱۸۰ پرسش و پاسخ از تفسیر نمونه ص ۵۵۹و ۵۶۰و ۵۶۱

رجعت چیست؟

پرسش

رجعت چیست؟

پاسخ

رجعت به معنی عودت و بازگشت است. در اینجا به معنای بازگشت به سوی دنیا می باشد. و در اصـطلاح معنی رجعت از نظر علمـا و دانشـمندان شـیعه چنین است می گوینـد که پیش از قیام قیامت، در ادامه حکومت حضـرت مهـدی(، به ترتیب، دوران رجعت هر یك از ائمه هـدی (فرا رسد، و جمعی از نیکان بسـیار نیك از هر دوران، و همچنین بدکاران بسـیار بد از هر زمان، به دنیا به بازگردند

و فلسـفه متعـددی بر آن ذکر شـده. اولاً : اثبات معاد؛ دیگر : لـذت بردن نیکان و مؤمنان، از چشـیدن طعم غلبه حق بر باطل، و دیـدن دولت کریمه اهل بیت(، ورسـیدن به آرزوی حکومت عدل و داد. و کافران نیز از برای عقوبت و عذاب دنیا، که سـزای اعمال خود را در دنیا ندیده اند.

مسـأله رجعت امری حتمی است، و به وقوع خواهـد پیوست. و این امر از اعتقادات قطعی و اجماعی شـیعه است. اما در اینکه از ضروریات دین یا مذهب است، محل بحث میان علما و دانشـمندان است. و نیز باید گفت که کلّیات رجعت در خصوص دینی ثـابت شـده است، ولی جزئیـات آن بطور کامـل روشن نیست. در این بـاره اسـناد و مـدارك قرآنی، و بیـان مفسـران که آیات بسیاری را دربـاره رجعت، در مقام تأویل بیان کرده انـد، و همچنین احادیث بسیاری قریب به دویست روایت به طور تواتر در این مورد موجود است.

و نیز بایـد گفت که در قرآن کریم نه تنهـا رجعت را نـاممکن نشـمرده، بلکه بر آن دلالـت بسیاری آورده. در آیـات بیشـمار دیگری، از زنده شدن مردگان در

دنیا، در زمانهای گذشته، خبر داده است؛ از جمله اصحاب کهف، واحیای مردگان توسط حضرت عیسی(، و قضیه عُزَیر پیامبر، و هفتاد نفر از قوم بنی اسرائیل، و...

به چند مورد از آیات و روایات مربوط به رجعت، اشاره می شود :

۱- "یَومَ حَشـرُ مِن کُـلِّ اُمه فوجـاً مِمَّنْ یُکَـذِّبُ بِایاتِنا فَهُم یوزعون" (۱) (روزی کـه در آن از هر امـتی، گروهی از کسـانی که آیـات مـا را تکـذیب می کردنـد، محشـور و مبعوث می گردانیم، پس ایشـان بازداشـته خواهنـد شـد.) علامه طباطبـائی (، در خصـوص آیه فوق الـذکر می گوینـد : "یکی از آیـاتی که بر رجعت دلالـت دارد، آیه فوق است. و مقصود از این آیه شـریفه قیامت نیست، چون با کلمه"مِن" تبعیضـیّه می فرمایـد : "مِن کل اُمَهٍ فوجاً" یعنی از هر امتی، دسـته ای را محشور می گردانیم. در حـالی که قرآن کریم، دربـاره حشـر روز قیـامت می فرمایـد : "وَ حَشَـرناهُمْ فلم نُغـادِرْ مِنْهُمْ اَحَـدًا" (۲) (وهمـه را گرد می آوریم، و هیچ یک را فروگذار نمی کنیم.)

۲- "قـالوا رَبنا اَمَتَّنا اثْنَتَینِ و اَحْیَیْتَنَا اثْنَتَیْنِ ..." (۳) (آن حال کافران گوینـد : "پروردگارا، تو دوبار ما را میراندی، و دو بار زنده کردی.") این آیه دربـاره اهـل کفر در رسـتاخیز است، و بیـان قول ایشان می باشـد. علی بن ابراهیم از امام صادق(و امام باقر(روایت کرده است، که فرمودنـد : "این آیه در رجعت است؛ و مخصوص طـایفه ای است که پس از مردن، زنـده می شونـد، و بازگشت می کنند؛ آنگاه می میرند، و در قیامت زنده می شوند." (۴)

۳- امام صادق(می فرماید : "اِنَّ الرَّجْعَهَ لست بِعامّه

و هی خاصّه لا یرجع الاّ مِن محض الایمان محضاً اَو محض الشرک محضاً" (۵) (رجعت همگانی نیست، بلکه خاص است. و فقط کسانی به دنیا باز می گردند، که مؤمن خالص، یا مشرک محض باشند.)

۴- و نیز از امام صادق(روایت شده : "اول مَن تشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی (" (۶) (نخستین کسی که قبر به او شکافته می شود، و به دنیا برمی گردد، حسین بن علی(است.)

۵- از امام باقر(است، که به "تکبیربن اَعْیُن" فرمودند : "رسول خدا و علی (رجعت خواهند کرد."(۷)

۶- از حضرت رضا(نقل شده است که مأمون به امام عرض کرد : "ای ابی الحسن، نظر شما درباره رجعت چیست؟" حضرت فرمود : "حقیقت دارد. در میان امتهای پیشین نیز وجود داشته است، و قرآن از آن سخن به میان آورده." و رسول خدا(فرموده است : "هر چه در امتهای گذشته بوده، درمیان این امت نیز عیناً و مو به مو، پیش خواهد آمد." (۸)

در زیارت متعددی، اعتراف به رجعت را می خوانیم؛ از جمله در زیارت جامعه کبیره : "مؤمن بایابکم، مصدّق برجعتکم، منتظر لاوامرکم"

در خاتمه عرض می کنیم که مسأله رجعت و بازگشت بدنیا، از نظر عقلی محال نبوده، منافاتی با نظام حاکم بر جهان نیز ندارد. زیرا این مسأله نیز نظیر سایر معجزات، امری خارق العاده است، نه غیرممکن. بلکه از قدرت افراد بشر به طور عادی خارج است، ولی برای خدای قادر متعال سهل و ممکن است."ان ا...علی کل شی قدیر"

(برگرفته ازسایت پرسش و پسخ نهاد رهبری در دانشگاه WWW.nahad.net)

برای آگاهی بیشتر می

توانید به کتب ذیل مراجعه فرمایید :

۱.رجعت از نظر شیعه نجم الدین طبسی؛ آیت ا...میرشاه ولد

۲.رجعت محمد خادمی شیرازی

۳.رجعت علامه محمد باقر مجلسی

۴.بازگشت روح هادی معرفت

۵.رجعت عبدالوهاب فرید

منابع و مآخذ :

۱.سوره مبارکه نمل/آیه ۸۳

۲.سوره مبارکه کهف/آیه ۴۷

۳.سوره مبارکه غافر/آیه ۱۱

۴.تفسیر لاهیجی، ج۳،ص ۹۰۰

۵.میزان الحکمه،باب رجعت،ح ۶۹۴۱

۶.میزان الحکمه، باب رجعت،ح ۶۹۳۲

۷.میزان الحکمه، باب رجعت،ح۶۹۳۳

میزان الحکمه، باب رجعت،ح۶۹۲۶

در مورد مسـئله رجعت و اتفاقاتی که در زمان ظهور امام زمان می افتـد چگونه می توان ایمان و معرفت مناسب پیدا کرد؟همچنین در مورد ظهور امام زمان و وجود مبارک ایشان؟

پرسش

در مورد مسئله رجعت و اتفاقاتی که در زمان ظهور امام زمان می افتد چگونه می توان ایمان و معرفت مناسب پیدا کرد؟همچنین در مورد ظهور امام زمان و وجود مبارک ایشان؟

پاسخ(قسمت اول)

رجعت به معنـای بـاز گشت است. و مقصود از آن در اصـطلاح علمای شـیعه، باز گشت عـده ای از اموات به دنیا، پس از ظهور امام زمان(عج) و قبل از فرا رسیدن روز قیامت است. در این جا توجه به چند مطلب لازم است.

الف) امکـان رجعت: زنـده شـدن برخی از اموات، (رجعت) در امتهـای پیشـین واقع شـده است و آیـات قرآن و روایات بر آن دلالت دارد:

۱.رجعت عـده ای از بنی اسـرائیل: «و اذ قلتم یا موسـی لن نؤمن لک حتی نری الله جهره فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون * ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلّکم تشـکرون» و [یاد کنید] هنگامی را که گفتید ای موسـی هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر آنکه خدا را آشکارا ببینیم پس صاعقه شما را فراگرفت در حالی که می نگریستید * سپس شما را پس از مردنتان برانگیختیم، شاید سپاسگزاری کنیـد»، (بقره / ۵۵ و ۵۶).

۲.رجعت هزاران نفری که از شـهر خود بیرون آمدنـد: «الم تر الی الـذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حـذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیـاهم ان الله لـذو فضـل علی الناس و لکن اکثر الناس لا یشـکرون» آیا به کسانی که برای گریز از مرگ از شـهر خود بیرون آمدنـد در حالی که هزاران نفر بودنـد، ننگریستی. پس خـدا به آنان گفت بمیریـد سـپس آنها را زنـده ساخت. بی تردید خداوند بر مردم بخشش فراوانی دارد و لکن بیشتر آنان سپاسگزاری نمی کنند»، (بقره / ۲۴۳).

۳.رجعت و

زنده شدن مردگان به دست عیسی(ع): «و رسولا الی بنی اسرائیل أنّی قد جئتکم بآیه من ربکم... و احی الموتی باذن الله» و [او را] فرستاده ای به سوی بنی اسرائیل [قرار داد که می گفت] من از طرف پروردگارتان نشانه ای برای شما آورده ام... و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم»، (آل عمران / ۴۹).

آیات بسیاری که حاکی از رجعت در امت های گذشته است، (رجوع کنید به کتاب شیعه و رجعت، سید محمد میرشاه ولد، و رجعت علامه مجلسی).

ب) اصل رجعت به این معنی، مطلبی مسلّم و ضروری نزد شیعه است، هر چند جزو اصول عقاید شمرده نمی شود و آیات و روایات بر آن صحه می گذارند. برای نمونه به این آیات توجه کنید:

۱- «و یوم نحشر من کل امه فوجا؛ روزی که از هر امتی گروهی را محشور کنیم» (نمل، آیه ۸۳) واضح است که در قیامت همه مردم مبعوث می شوند اما آیه دلالت دارد که پیش از قیامت، روزی است که از هر امتی، گروهی محشور می شوند و این همان رجعت است.

۲- «و حرام علی قریه اهلکنها انهم لا یرجعون؛ و بر هر قریه ای که آنها را نابود ساختیم، حرام است و آنها باز نمی گردند» (انبیاء، آیه ۹۵) این آیه نیز به رجعت بر می گردد، زیرا روشن است که در قیامت همه مردم باز می گردند. پس در رجعت است که این گروه درمانده می شوند و بازگشتی ندارند.

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه ۲۱۰ سوره مبارکه بقره، (المیزان، ج ۲، ص ۱۰۶) به تفصیل درباره رجعت بحث کرده اند. همچنین آقای علی سعادت پرور در کتاب ظهور نور،

ترجمه: سید محمدجواد وزیری فرد، روایات باب را به تفصیل آروده اند، صص ۲۵۷ - ۲۱۹.

ج) مباحث مربوط به کیفیات رجعت امری مسلم و ضروری نیست لکن برخی مطالب از روایات رجعت استفاده می شود مثل این که کسانی که در زمان حضرت مهدی رجعت می کنند دو دسته اند یک دسته مؤمنان بسیار خالص به تعبیر روایات ممحّض در ایمانند، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، حدیث ۱) و یک دسته بدکاران بسیار بد به تعبیر روایات ممحّض در شرک، (همان مصدر). مؤمنان خالص برای دیدن دولت کریمه اهل بیت و رسیدن به ثواب نصرت و یاری امام زمان و طاغیان بسیار شرور برای عقوبت و انتقام گرفتن از آنان. در برخی روایات، اصحاب کهف و سلمان و ابوذر و مقداد و مالک اشتر جزو یاران رجعت یافته حضرت مهدی(عج) شمرده شده است، (رجعت، علامه مجلسی، کانون پژوهش اصفهان، چاپ اول، ص ۴۵) و در برخی روایات از رجعت پیامبران الهی به ویژه پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) و امام حسین(ع) سخن به میان آمده است، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، باب الرجعه احادیث ۲ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۳ و ۳۰).

در روایات، رجعت ائمه اطهار(ع) از مسلمات است؛ اما چگونگی و جزئیات آن ذکر نشده است.

در مورد امام زمان (عج) به مطالب زیر توجه کنید :

حضرت ولی عصر(عج) روز پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمد، (اصول کافی، چاپ آخوندی، عربی، ج اول، ص ۵۱۴، باب مولد الصاحب(ع)). پدرش ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع)است که در سال ۲۶۰ هجری قمری به شهادت رسید، (همان، ص ۵۰۳).

مادر حضـرت ولی عصـر(ع) بانوئی است بنام ریحانه که به او «نرگس»، «سوسن» و «صیقل» گفته می شود، (جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۴، فائده ثالثه به نقل از خلاصه علاّمه). حضـرت ولی عصر(ع)، تا سال ۲۶۰ هجری قمری تحت تربیت و سرپرستی پدر بزرگوارش می زیست و در همـان زمـان از مردم پنهـان نگه داشـته می شـد و جز خواصّـِ ی از شـیعیان امام حسن عسـکری(ع)، کسی با آن حضرت ملاقات نداشت. حتی امثال ابو هاشم جعفری که از خواصّ امام حسن عسکری است از وجود آن حضرت بی خبر بودند. ابو هاشم می گوید: به ابا محمد حضرت امام حسن عسکری(ع) گفتم: جلالت تو مانع پرسش من است. آیا می توانم سؤالی بکنم؟ امام فرمود: بپرس. گفتم: سرورم! آیا شمافرزندی دارید؟ فرمود: دارم. گفتم: اگر حادثه ای پیش آمد، او را در کجا ببینم؟ فرمود: در مدینه، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲، باب الاشاره و النص الی صاحب الدار(ع)).

یکی از کسانی که حضـرت ولی عصـر را دیده است، ابو عمرو عثمان بن سعید است. عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: من و ابو عمرو نزد احمدبن اسحاق رفتیم. وقتی همه اجتماع کردیم، احمد بن اسحاق به من اشاره کرد که درباره جانشین حضرت ابا محمـد امـام حسن عسـکری(ع) از ابو عمرو بپرسم. به ابو عمرو گفتم: ای ابـا عمرو! می خواهم از چیزی سؤال بکنم که در آن شکی نـدارم چـون اعتقـاد من و دین من این است که کره زمین از حجت خـدا خـالی نمی مانـد مگر چهـل روز مانـده به روز قیامت و چون آن روز برسد حجت برداشته می شود و راه توبه بسته می شود و اگر کسی پیش از

آن ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمانش به او سودی نخواهد بخشید و آن افراد بدترین خلق خواهند بود. گرچه ایمان به این دارم ولی می خواهم اطمینان خاطر پیدا کنم و یقینم بیشتر گردد همانطوری که حضرت ابراهیم از خداوند خواست که به او کیفیت زنده کردن مرده ها را نشان بدهد و خداوند به او گفت: مگر ایمان نیاوردی و او جواب داد: چرا، می خواهم قلبم مطمئن شود و احمد بن اسحاق به من گفته است که روزی از حضرت اباالحسن امام هادی(ع) پرسیدم: با چه کسی رفت و آمد کنم و دینم را از او بگیرم و حضرت امام هادی(ع) گفته است ابو عمرو مورد اعتماد من است و هر چه او گفته من گفته ام و همچنین احمد بن اسحاق گفت: از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم: از چه کسی احکام دین خود را بگیرم و آن حضرت فرمود: ابو عمرو و پسرش مورد اعتماد من است. آنان از من هر چه برای شماگفتند، درست گفته اند. تو پیرو آنان باش و هر چه می گویند اطاعت کن که هر دو مورد اعتماد من هستند. این، گفتار دو امام درباره توست. وقتی ابوعمرو حرفهای مرا شنید به سجده افتاد و گریست. پس از آن گفت: سؤالت را بگو. گفتم: آیا شما جانشین حضرت امام حسن عسکری(ع)را دیده ای؟ فرمود: به خدا قسم دیده ام گفتم: یک سؤال دیگر مانده است. گفت: بگو. گفتم: نامش چیست؟ گفت: سؤال از نام او بر شما تحریم شده است و این دستور خود حضرت است نه دستور من زیرا خلیفه چنین می پندارد که حضرت امام حسن عسکری وفات یافته و فرزندی ازخود به

جای نگذاشته است و میراثش تقسیم شده است. او می پندارد خانواده امام حسن عسکری(ع) در بدر شده اند و کسی را ندارند. اگر اسم حضرت به زبانها بیفتد، تعقیبش می کنند. پس از خدا بترسید و از این موضوع دست بردارید، (کافی، ج ۱، ص ۳۲۹باب فی تسمیه من رآه(ع)، ح ۱).

این ابو عمرو و پسرش هر دو از جانشین های مخصوص حضرت ولی عصر(ع) هستند.

حضرت ولی عصر(ع) پس از شهادت پدرش، دیگر جز نواب خاصه کسی با او ملاقات نمی کرد مگر در موارد استثنائی. و از آن زمان که حضرت امام حسن عسکری(ع) به شهادت رسیدند، غیبت امام زمان(ع) شروع شد.

حضرت امام جعفر صادق(ع) فرمود: برای قائم آل محمد(ص) دو غیبت در پیش است. یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی است. در غیبت کوتاه مدت، فقط خواص شیعه از جای آن حضرت آگاهند و در غیبت طولانی خواصّ موالی از جای آن حضرت باخبر هستند،(کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹).

آن حضرت در غیبت صغری چهار نفر جانشین داشتند که به «نواب اربعه» معروفند: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری.

غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و در سال ۳۲۹ خاتمه یافت. و غیبت کبری از ۳۲۹ شروع و تا وقتی که خداوند بخواهد ادامه خواهد یافت، (شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص ۱۴۸، چاپ اول) در غیبت کبری، حضرت ولی عصر نایب خاصّ ندارد و هر کس ادعای نیابت خاص کند، در ادعای خود کاذب است.

در روایات زیادی آمده است که حضرت ولی عصر(ع) پس از پایان غیبت کبری ظهور و جهان

را پر از عـدل خواهـد کرد. برای ملاـحظه روایـات مربوط به این موضوع به کتـاب «منتخب الاـثر» نوشـته آیه الله صافی مراجعه کنید. در ص ۲۴۷ باب ۲۵ از مآخذ گوناگون روایات راآورده است.

هم پیامبر اسـلام(ص)، هم فاطمه زهرا(س) و هم امامان معصوم(ع) به وجود حضـرت مهدی بشارت داده اند. به علاوه شـیعه و اهل سنّت هم به وجود حضرت مهدی(ع) معتقد هستند. برخی از روایات اهل سنت به این صورت است:

پیامبر اکرم(ص) فرمود: لا تذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطی ء اسـمه اسم...؛ جهان به پایان نمی رسد تا مردیاز اهلبیتم که همنام من است بر عرب حکومت کنـد{M»، (سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، چاپ مدنیه، مسـند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶).

پیامبر اکرم فرمود: المهدی منّا اهل البیت یصلحه الله فی لیله ؛ مهدی از خاندان ما است و خداوند کار او را یک شبه روبراه می M.....Ù»، (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸).

ام سـلمه گفت: از رسـول خـدا شـنیدم که فرمو... المهـدی ǑƠولـد فـاطمه ؛ مهـدی از فرزنـدان فاطمه است{M»، (همـان، ص ۱۳۶۸).

پیامبر خـدا فرمود: یخرج فی آخر امتی المهدی ؛ در پایان امت من، مهدی خروج می کند{M»، (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص۵۵۸).

در حدیثی آمده است که پیامبر اسلام فرمود: یکون فی امتی المهدی ؛ مهدی، در امت من است{M»، (همان).

ام سـلمه می گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: المهدی من عترتی، من فاطمه ؛ مهدی از خاندان من و از نسل فاطمه است{M»، (سنن ابی داود، ج ۴،ص ۱۰۷).

رسول خدا فرمود: افضل العباده انتظار الفرج ، (فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ جدید).{J

وظیفه منتظر امام زمان(ع) این است که مانند

یـک منتظر واقعی زنـدگی کنـد. وقتی انسـان حقیقتـا منتظر کسـی باشـد تمام رفتار و سـکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثـال اگر منتظر میهمـان باشـد حتما خانه را تمیز و مرتب می کنـد، وسایل پـذیرایی را آماده می کنـد و با لباس مرتب و چهره ای شاداب در انتظار می ماند. چنین کسـی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان بوده است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده است و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده است و نه اصلاً به فکر میهمان است اگر ادعا کند که در انتظارمیهمان بوده همه او را ریشخند خواهند کرد و بر گزافه گویی او خواهند خندید.

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ عشق بازان چنین مستحق هجرانند

بنابراین انتظار قبل از آنکه از ادعای انسان فهمیـده شود از رفتار و کردار او فهمیـده می شود. نمی توان هر کسـی را که ادعای دوستی و ولایت امام زمان را دارد در شـمار دوسـتان و منتظران او قلمـداد نمود. آری «مشک آن است که خود ببویـد نه آنکه عطاربگوید».

بـا چنین توضـیحی روشن است که یـک منتظر واقعی امـام زمـان بایـد رفتارش به گونه ای باشـد که هر لحظه منتظر ظهور امام زمـان(ع) باشـد. یعنی در هر لحظه که این خبر را به او بدهنـد خوشـحال شود و آماده باشـد برای یاری امام زمان با مال و جان خویش جهاد نماید و خود را درراه آن حضرت فدا نماید. بنابراین یک منتظر واقعی اهل گناه و دلبستگی به دنیا نیست چرا که چنین کسی نمی تواند از وابستگی ها و دلبستگی ها و آلودگی ها دست بردارد و آماده

به خدمت در جهت اهداف مقدس امام زمان(ع) باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می توان برخی وظایف منتظر امام زمان(ع) را چنین ذکر کرد:

۱. اولین شرط انتظار؛ معرفت است تا انسان میهمان خود را نشناسد و از خصوصیات خوب او مطلع نباشد منتظر او نخواهد شد. تنها هنگامی انسان در انتظار کسی می نشیند که او را خوب بشناسد اما اگر انسان کسی را نشناسد و بداند که آن شخص خواهد آمد برایش اهمیتی نخواهد داشت و منتظر او نخواهد ماند. در مورد انتظار امام زمان هم چنین است. کسانی که آن حضرت را نمی شناسند مانند کفار و یا اهل ادیان دیگر، هرگز انتظار او را نمی کشند اما کسانی که او را می شناسند و ارزش او را می شناسند و مقام او رامی دانند منتظر او می مانند.

کسانی که امام زمان را نمی شناسند اگر چه به ظاهر مسلمان باشند چنانچه در این حال بمیرند در حال جاهلیت از دنیا رفته اند. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است» (بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱).

بنابراین اولین شرط انتظار، ایجاد معرفت در مورد امام زمان است و طبیعی است که هر مقدار معرفت انسان نسبت به امام زمان بیشتر باشد انسان ارزش او را بیشتر درک خواهد کرد و به عظمت او بیشتر پی خواهد برد و بیشتر تشنه وجود آن حضرت خواهد شد. در حالی که افراد جاهل و ناآگاه به ارزش آن حضرت هرگز احساس تشنگی و عطش نسبت به وجود مقدس آن حضرت نخواهند داشت و بدین جهت

از زمره منتظران بیرون هستند. آری

پاسخ(قسمت دوم)

وصل خورشید به شب بره اعمی نرسد که در این آینه صاحب نظران حیرانند

البته شناخت امام زمان دو گونه است. گونه اول شناخت تاریخی وجود آن حضرت است مانند اینکه امام دوازدهم است و تاریخ ولادتش در چه سالی است و مانند آن. اما گونه دیگر شناخت امام زمان(ع)، شناخت مقام نورانیت آن حضرت است که این شناخت کار هر کسینیست و ظرفیت و لیاقت زیادی می خواهد. و در حقیقت اصحاب خاص امام زمان(ع) کسانی هستند که آن حضرت را به مقام نورانیت شناخته اند برای آگاهی از مقام عظیم امامت رجوع به زیارت جامعه کبیره و تأمل در معانی عمیق و عجیب آن توصیه می شود.

همچنین خواندن کتب معتبری که در مورد امام زمان(ع) نوشته شده است می تواند انسان را تا حدی به مقام و عظمت امام زمان(ع) آشنا سازد.

۲. محبت به امام زمان(ع)؛ وظیفه دیگری است که منتظران آن حضرت باید در خود ایجاد کنند و آن را افزایش دهند. بدیهی است که تا انسان از میهمان خویش خوشش نیاید و نسبت به او محبت نداشته باشد هر چند هم که او رابشناسد نمی تواند واقعا منتظر آمدن او باشد اگر انسان از میهمان خود بدش بیاید چگونه می تواند منتظر قدم او باشد و خود را برای پذیرایی از او آماده کند. پس تا محبت به امام زمان در وجود انسان شکل نگرفته و شعله ور نشده باشد نمی تواند به وظایف منتظران واقعی عمل نماید.محبت به امام زمان وظیفه ای است که پیامبر اکرم(ص) نیز به دستور خدا از ما خواسته است. آنجا که در قرآن کریم می فرماید: «قل لا اسئلکم علیه اجرا

الا الموده فی القربی» (شوری، آیه۲۳).

۳. ایجاد سنخیت با امام زمان(ع)؛ منتظران واقعی وضعیت روحی و فکری و عملی خود با به گونه ای سامان می دهند که سنخیت کاملی با امام زمان(ع) داشته باشند. آیا می توان منتظر قدوم کسی بود و با او مشابهت و سنخیت نداشت؟ آیا می توان محبت کسی را داشت اما با او هیچ سنخیت و مشابهتی نداشت؟ ایجاد سنخیت با امام زمان از طریق تقویت ایمان و تقوا و فضایل اخلاقی و درجات معنوی حاصل می شود. و تنها در این صورت است که می توان ادعای محبت به امام زمان را داشت. در صورتی که انسان رفتارش مطابق میل امام زمان باشد شعله محبت او در دلش زبانه خواهد کشید و عشق آن حضرت او را به فریاد خواهد آورد و دوری اش را بر او سخت و ناگوار خواهد ساخت.

طبیعی است که هر چقدر سنخیت با امام زمان بیشتر باشد محبت آن حضرت به انسان بیشتر خواهد شد و محبت انسان نیز به آن حضرت افزون تر خواهد گشت.

۴. ارتباط با منتظران دیگر؛ منتظر امام زمان می داند که برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود. بنابراین به فکر گسترش یاران و منتظران آن حضرت خواهد افتاد و باارتباط با آنها به تقویت روحیات ایمانی خود و دیگران خواهد پرداخت تا بر اساس تعاونوا علی البرّ و التقوی به کمک مؤمنان منتظر دیگر خود را آماده ظهور حضرت بنماید.

۵. دعا برای تسریع در ظهور امام زمان(ع)؛ منتظر واقعی هر لحظه انتظار محبوب را می کشد و از خدا می خواهد که هر چه زودتر او را برساند

بنابراین دعای فراوان برای فرج آن حضرت از وظایف همیشگی منتظرآن حضرتش می باشد. دعای برای تسریع در فرج امام زمان مورد توصیه آن حضرت نیز می باشد.

۶. ارتباط با امام زمان(ع) به شکل های مختلف؛ اگر انسان منتظر، محبوب خویش را نیابد، سعی می کند عدم ورود محبوب خویش را از طرق دیگر مانند تلفن و نامه جبران نماید تا اگر به ملاقات او موفق نشده است لا اقل ارتباط ضعیفی با او داشته باشد. همچنین منتظر امام زمان وقتی موفق به زیارت آن حضرت نمی شود از طریق خواندن دعای ندبه، زیارت آل یاسین، دعای عهد که از طرف بزرگان بسیار توصیه شده است، و نیز از طریق رفتن به مسجد جمکران ارتباط خود را با آن حضرت حفظ می کند.

۷. یاد فراوان حضرت؛ یاد کردن از محبوب عادت دیرینه منتظران عاشق است که چندی منتظر محبوب خویش هستند اما نتوانسته اند پس از مدتها انتظار او را ببینند و حال خود را لا اقل با یاد او و نام او آرام می کنند. به یاد آوردن امام عصر و عنایت او به شیعیان با ذکر احادیث، کرامات، مقام امام و عنایت امام به شیعیان وظیفه دیگری است که منتظران واقعی احساس می کنند و بدین طریق همواره نام و یاد آن حضرت را زنده نگه می دارند.

۸. دادن صدقه برای سلامتی آن عزیز و یا حواله نمودن ثواب هایی برای آن حضرت

۹. رفع شبهه و مبارزه با شبهه افکنان درباره وجود، طول عمر و آثار وجودی آن حضرت در بین منتظران.

۱۰. امیدواری بر قیام و انقلاب آن یوسف زهرا(س) و امید دادن به دیگران

۱۱. ایجاد آمادگی دائم رزمی برای ظهور حضرت چنانکه در روایت

آمده است: «لیعدن احدکم لخروج القائم و لو سهما؛ هر یک از شما برای قیام قائم(عج)باید آماده گردد هر چند با تهیه یک تیر باشد» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶).

از اینرو شرکت در بسیج یکی از وظایف منتظران می باشد.

در این زمینه به کتابهای زیر مراجعه کنید:

۱-کتابنامه امام زمان محمدپور

۲-یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان رجالی تهرانی

۳-ترجمه منتخب الاثر آیت اللّه صافی

۴-مهدی موعود ترجمه علی دوانی

۵-وابستگی جهان به امام زمان لطف اللّه صافی

۶-امام زمان در گفتار دیگران علی دوانی

۷-علائم ظهور محمد علی علمی

نظر صحیح درباره رجعت چیست؟

پرسش

نظر صحیح درباره رجعت چیست؟

پاسخ

در توضیح رجعیت باید گفت:

الف - مراد از «رجعت»، بازگشت جمعی از مؤمنان و جمعی از کفار به دنیا در دوران ظهور امام زمان(ع) است و این امر محال نیست و ده ها بلکه صدها روایت بر آن وارد شده است و از اعتقاد به آن مشکلی پیش نمی آید ولی بعضی از اهل سنّت در ردّ و انکار آن، پافشاری می کنند/

ب - رجعت در امت های پیشین، نمونه های بسیار دارد:

۱.رجعت هفتاد نفر از قوم موسی/

۲.رجعت هزاران نفر پس از مرگ «ألم تر الی الذین خرجوا من دیارهم...».{۱}

یعنی: آیا ندیدی به سوی آنانکه بیرون رفتند از خانه هایشان و ایشان هزاران بودند، از ترس مرگ، پس گفت ایشان را خدا که بمیرد، سپس آنان را زنده کرد/

او کالذی مر علی قریْ.{۲}

۳.رجعت عزیز بعد از صد سال/

۴.رجعت سام بن نوح به دنیا/

۵.رجعت فرزندان ایّوب.{۳}

۶.رجعت یوشع، الیسع، اشموئیل.{۴}

ج – در اسلام نیز نمونه های زیادی از رجعت وجود داشته است و کسانی، پس از مرگ، به دنیا بازگشتند. ابن ابی الدنیا از علمای عامه (متوفای ۲۰۸ ه؟)

در این زمینه کتابی نوشته به نام «من عاش بعد الموت» که در عربستان چاپ شده و شرح حال نمونه هایی از کسانی را که بعد از مرگ زنده شده اند، جمع آوردی کرده است. اینک چند نمونه از آن را می آوریم:

۱ – رجعت زیدبن خارجه/

۲ – رجعت جوانی از انصار/

۳ – رجعت مردی از مقتولین مسیلمه/

۴ – رجعت ابن خراش/

۵ – رجعت یکی از بستگان – دایی – ابن ضحاک/

۶ – رجعت رؤیه دختر بیجان/

۷ – رجعت شخصی از بنی جهینه/

و نمونه های دیگر///

و نیز حدیثی که پیامبر(ص) نقل می کنند که:«لیاتینّ علی أمّتی ما أتی

بنی اسرائیل حذو النّعل باالنّعل». {۵}

یعنی: آنچه بر سر امت های پیشین آمده بر سر امت من نیز بدون کم و کاست خواهد آمد/

بخاری می گوید: عن النّبی(ص)

«لتتبعنّ سنن من کان قبلکم شبراً بشبر و ذراعاً بذراع حتّی لو دخلوا فی جحر ضب لاـتبعتموهم فقالوا یا رسول الله الیهود و النصاری؟ قال: فمن اذن». {۶}

«تمامی سنت های پیش را وجب به وجب و ذراع به ذراع دنبال خواهید کرد. و حتی اگر به لانه سوسماری وارد شده باشند شما هم آنان را دنبال خواهید کرد. عرض کردند یا رسول الله منظور شما از پیشینیان یهود و نصاری هستند فرمود، آری، چه کسی غیر از آنان را قصد دارم؟!

بالاخره – در این زمینه، از ائمه طاهرین بیش از پانصد روایت رسیده است. اضافه بر آیات شریفه ای که به رجعت تفسیر شده است. {۷}

علامه طباطبایی مفسر بزرگ شیعه درباره رجعت می فرماید: «اگر در این زمینه به کاوش بپردازی، بسیاری از آیاتی را می یابی که از ائمه طاهرین به قیامت و گاهی به رجعت و گاهی به ظهور امام(ع) تفسیر کرده اند، و این نیست مگر به لحاظ وحدت سنخیت بین این سه معنا/

ولیکن چون مردم در حقیقت قیامت بحث نکرده اند و در زمینه کشف از هویت و واقعیت این روز عظیم به تحقیق وسیعی نپرداخته اند، در معنای این روایات اختلاف پیدا کرده و بعضی آن را رد و طرح کرده اند – و حال آنکه بیش از پانصد روایت است. و بعضی دیگر آن را تأویل کرده و حال آنکه آنها در کمال ظهور و یا صراحتند/

و بعضی دیگر آنرا بدون هر گونه اظهار نظری نقد کرده اند... {۸}

علامه طباطبایی بحث مفصلی را مطرح می کند که از

حوصله این جزوه خارج است/

[۱].سوره بقره، آیه ۲۴۳/

[۲].سوره بقره، آیه ۲۵۹/

[۳].رجوع شود به: الـدرّ المنثور، ج ۵، ص ۳۱۶؛ جامع البیان، ج ۱۶، ص ۴۲؛ تفسیر نیشابوری، ص ۴۴؛ الشیعه و الرجعه، ج ۲، ص ۱۵۴، تألیف مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا طبسی. رجعت از نظر شیعه: ۲۸/

[۴].تاریخ طبری، ج ۱، ص ۲۸۰؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۱، ص ۱۷۰؛ الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۱۵۴/

[۵].رمذی، ج ۵، ص ۲۶/

[۶].بخاری، ج ۴، ص ۲۶۴/

[۷].الشیعْ و الرجعْ، ج ۲، ص ۱۶۱/

[۸].تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۸/

رجعت کنندگان

آیا کسانی که عاشـقان واقعی آقا امام زمان(عــج) هســتند، پس از مرگ در هنگام ظهور آقا امام زمان(عج) ســر از خاک بیرون می آوردند؟

پرسش

آیا کسانی که عاشـقان واقعی آقا امام زمان(عج) هسـتند، پس از مرگ در هنگام ظهور آقا امام زمان(عج) سـر از خاك بیرون می آوردند؟

پاسخ

رجعت از عقاید معروف شـیعه است و بدین معنا است که بعد از ظهور امام زمان(ع) و در آسـتانه رسـتاخیز، گروهی از مؤمنان خـالص و کفّار و طاغیان بسـیار شـرور به این جهان باز می گردنـد. گروه اوّل مـدارجی از کمال را طی می کننـد و گروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند.[۵۱]

شیعیان دراصل رجعت اختلاف نظر ندارند، چنان که مرحوم سـید مرتضـی در خصوص رجعت ادعای اجتماع نموده؛[۵۲] ولی

اختلاف در این است که آیا رجعت بدین معنا است که اهل بیت(ع) رجعت نموده و حکومت تشکیل می دهند و یا افراد دیگر نیز رجعت می کنند؟[۵۳] چنان که برخی شیعیان عقیده دارند که اهل بیت(ع) زنده می شوند، نه اشخاص دیگر.[۵۴]

از روایات استفاده می شود که رجعت عمومی نیست، یعنی همگان زنـده نمی شونـد، بلکه عده ای رجعت می کنند. حال این عده چه کسانی هستند، روایات اختلاف دارند.

امـام صـادق(ع) فرمود: "إنّ الرجعه لیست بعـامه، وهی خـاصه، لا یرجع إلامن محص الایمان محضاً، أو محض الشـرک محضاً؛ [۵۵] رجعت عمومی نیست، بلکه جنبه خصوصـی دارد. تنهـا گروهی بـاز گشت می کننـد که ایمـان خـالص یـا شـرک خـالص دارند".

امام صادق(ع) فرمود: "نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده شده، به دنیا بر می گردد، حسین بن علی(ع) است".[۵۶]

با توجه به مطالب مذکور، باید گفت: در عصـر ظهور امام زمان(ع) رجعت صورت می گیرد. ممکن است آنان که رجعت می کنند، همان عاشقان واقعی امام زمان(ع) باشند، زیرا افراد خالص و مؤمنان واقعی

که رجعت می کنند، بی تردید عاشقان امام زمان(ع) هستند.

[۵۱] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵.

[۵۲] سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۱.

[۵۳] تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۵۶، به نقل از مجمع البیان.

[۵۴] همان.

[۵۵] بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

[۵۶] مهدی موعود، ص ۱۱۸۶.

آیا بعد از آمدن حضرت مهدی(عج) پیامبران می آیند؟

پرسش

آیا بعد از آمدن حضرت مهدی(عج) پیامبران می آیند؟

پاسخ

در این که چه تعداد از پیامبران بعد از ظهور امام زمان(ع) رجعت می کنند، دقیقاً معلوم نیست، ولی از برخی متون دینی و روایات استفاده می شود که پیامبر اسلام(ص) نیز حضرت عیسی(ع) از آسمان نزول می کنند.

جابربن یزید جعفی از امام باقر(ع) گزارش نموده که حضرت در تفسیر آیه "یا أیّها المدّثر قم فأنذر" فرمود: "مقصود از آن محمد(ص) و آمدن او در زمانی رجعت است...(۱) پیامبر اکرم(ص) و علی(ع) به دنیا رجعت می کنند".(۲)

امام باقر(ع) در خصوص نزول حضرت عیسی(ع) فرمود: "انّ عیسی(ع) ینزل قبل یوم القیامه ألی الدّنیا... و یصلی خلف المهدی؛(۳) عیسی(ع) یک روز پیش از قیامت، از آسمان به دنیا فرود می آید... و پشت سرِ مهدی نماز می گزارد".

در برخی روایات دیگر آمده است که حضرت عیسی(ع) یکی از فرماندهان سپاه امام زمان(ع) خواهد بود. علی(ع) فرمود: "... آن گاه مهدی، حضرت عیسی(ع) را به جانشینی خود در عملیات تهاجمی علیه دجال بر می گزینند. عیسی(ع) برای یافتن و سرکوبی دجّال حرکت می کند. دجّال که همه جا را تحت تسلّط خود دارد، مردم را به خویش می خواند و حضرت عیسی به سرکوبی او می پردازد".(۴)

پی نوشت ها:

۱. مهدی موعود، ص ۸۵۳.

۲. همان، ص ۸۵۱.

۳. ینابیع المودّه، ص ۴۲۲.

۴. الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷؛ به نقل از نجم الدّین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی(ع) ص ۹۳ - ۹۴.

آیا ائمه(ع) به کمک آن حضرت می آیند؟

پرسش

آیا ائمه(ع) به کمک آن حضرت می آیند؟

پاسخ

پاسخ این سؤال به بحث رجعت مربوط است. در برخی روایات رجعت را فقط مخصوص مؤمن خالص و مشرک خالص دانسته است.

{P - علی رضا رجالی تهرانی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)، ص ۲۶۶. P}

امام صادق (ع) می فرمایند: »رجعت همگانی نیست، بلکه خصوصی است، تنها کسانی رجعت می کنند که مؤمن خالص باشند یا مشرک خالص«

{P - سید هاشم بحرانی، تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸. P}

بر طبق بعضی از روایات، از پیامبران، حضرت اسماعیل صادق الوعد، حضرت عیسی، حضرت خضر، حضرت رسول اکرم (ص)، و امیرالمؤمنین علی(ع)، امام حسین(ع) و سایر معصومین(ع) و جمعی از اصحاب با وفای پیامبر اسلام و اصحابی چون: سلمان، مقداد، جابر بن عبدالله انصاری، مالک اشتر، مفضل بن عمر و نیز اصحاب کهف و برخی دیگر رجعت خواهند کرد.

{P - رجالی تهرانی، پیشین، ص ۲۶۶. P}

اما بررسی روایت رجعت معلوم می کند که نخستین کسی که برای فرمانروایی جهان رجعت می کند حضرت امام حسین (ع) است. چنان که امام صادق (ع) فرموده است: نخستین کسی که زمین برای او شکافته می شود و به روی زمین رجعت می کند

حسین بن علی (ع) است.

{P - علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶. P}

مفضل بن عمر می گوید: در خدمت امام صادق (ع) صحبت از حضرت مهدی (عج) و از افرادی که عاشقانه انتظار ظهورش را می کشند و پیش از نیل به چنین سعادتی از دنیا می روند، گفتگو شد؛ فرمود: »هنگامی که حضرت مهدی (عج) قیام کند، مأمورین الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می گیرند و به آنها می گویند: ای بنده خدا! مولایت

ظهور کرده است، اگر می خواهی که به او بپیونـدی آزاد هستی و اگر بخواهی در نعمت هـای الهی متنعم بمـانی بـاز هم آزاد هستی»

{P – همان، ص ۹۲. P}

در این روایات در صورت قطعی بودن آنها نتیجه می گیریم که ائمه (ع) هم قطعاً مشـتاق پیوسـتن به امام زمان(عج) هسـتند در زمان ظهور رجعت خواهند کرد و در کنار آن حضرت خواهند بود.

البته در این روایـات اشـاره ای به این مطلب نشـده است که امـام زمـان (عـج) منتظر کمـک و یـاری از نـاحیه کسانی است که رجعت می نمایند.

آیا همه امامان در ظهور حضــرت مهدی (عج) زنده خواهند شد و بعد از عدل و داد در دنیا آیا آنهائی که ایمانشان ضعیف است آنها را شفاعت خواهند کرد (توضیح دهید)

پرسش

آیا همه امامان در ظهور حضـرت مهـدی (عـج) زنـده خواهند شد و بعد از عدل و داد در دنیا آیا آنهائی که ایمانشان ضـعیف است آنها را شفاعت خواهند کرد (توضیح دهید)

پاسخ

روایات نسبت به کسانیکه در دولت امام مهدی (عج) حضور می یابند و رجعت و بازگشتی به دنیا دارند دو گونه اند .

۱–روایاتیکه می گوید مومنانیکه موفق به زدودن همه ناخالصیها در هنگام زندگی دنیوی شوند رجعت می کنند .

۲–روایاتیکه از افراد با مشخصات نام برده است نظیر حضرت عیسی (پیامبر اسلام (و ائمه(

برای توضیح به کتاب در محضر علامه طباطبائی مراجعه فرمائید .

و امـا شـفاعت جـذبه های وجود انسانهای کامل است و این جـذبه جلوه آن در دنیا هـدایتگری و نجات از ظلمتها و جهالتها به انـوار ودانش هـاست و در آخرت ارفـاق و ترمیم نقیصه هـاست لازم به یـادآوریست که برخورداری از آن جـذبه در دنیـا که برخورداری از هـدایت است و در آخرت که در پرتو بهره منـدی از شـفاعت است تلاش و کوشـش در حد توان را می طلبد و امیدواری بدون کوشش و همت را ه به جائی نمی برد .

امام خمینی (در این باره فرمودنـد : فرصت را از دست مده و در جوانی خود را اصـلاح کن. پیران نیز باید بدانند که تا در این

عالم هستند می توانند جبران تبهکاریها و معصیتها را بکنند ، و اگر از این جا منتقل شدند کار از دست آنان خارج است . دل بستن به شفاعت اولیا (و تجرّی در معاصی از خدعه های بزرگ شیطانی است؛ شما به حالات آنان که دل به شفاعتشان

بسته، و از خدا بی خبر شده و به معاصـی جرأت می کنید، بنگرید ، ناله ها و گریه ها و دعاها و سوز وگدازهای آنان را ببینید و عبرت بگیرید . در حدیث است که حضـرت صادق (در اواخر عمر ، بسـتگان و فرزندان خود را احضار نمود و قریب به این مضمون به آنان فرمود که : فردا با عمل باید در محضر خداوند بروید و گمان نکنید بستگی شما به من فایده دارد . " علاوه بر آن احتمال دارد که شفاعت نصیب آنان شود که با شفیع ارتباط معنویشان حاصل باشد مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند .

و رابطه الهی با آنان طوری باشد که استعداد برای نائل شدن به شـفاعت داشته باشند ، و اگر این امر در این عالم حاصل نشود شاید بعد از تصفیه ها و تزکیه ها در عذابهای برزخ ، بلکه جهنم ، لایق شفاعت شوند .

آیا رجعت از امام حسین (ع) شروع و به امام حسن عسکری (ع) ختم می شود یا غیر این است؟

پرسش

آیا رجعت از امام حسین (ع) شروع و به امام حسن عسکری (ع) ختم می شود یا غیر این است؟

پاسخ

۱- رجعت به معنی عودت، بازگشت است. در اینجا به معنی بازگشت به سوی دنیا می باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشـمندان شـیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضـرت مهدی (ع) به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمه هدا (ع) فرا رسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و هم چنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل بیت و رسـیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیا ندیده اند

۲ – مسـأله رجعت امری حتمی است و به وقوع خواهـد پیوست و در این باره اسـناد و مـدارک قرآنی و بیان مفسـران که آیات بسیاری را درباره رجعت در مقام تأویل بیان کرده اند و هم چنین احادیث بسیاری قریب به دویست روایت به طور تواتر در این مورد موجود است به چند مورد از آیات روایات مربوط به رجعت اشاره می شود.

الـف) یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُـلِّ أُمَّهٍ فَوْجـاً مِمَّنْ یُکَـذِّبُ بِآیاتِنـا فَهُمْ یُوزَعُونَ روزی که مبعوث گردانیم از هر امـتی فوجی از آنهـا که تکذیب می کنند به آیات ما پس ایشان بازداشـته خواهند شد،(۱). در بعضـی از تفاسیر مثل تفسیر علی بن ابراهیم آمده است. مظور از "آیات" در آیه شریفه امیرالمؤمنین و ائمه (ع) است،(۲).

ب) قالُوا رَبَّنا أَمَتَّنَا اِثْنَتَیْنِ وَ أَحْیَیْتَنَا اِثْنَتَیْنِ. در آن حال کافران گویند پروردگارا تو دو بار ما

را بمیرانـدی و دو بار زنده کردی.،(۳). این آیه درباره اهل کفر در رسـتاخیز است و بیان قول ایشان می باشـد. علی بن ابراهیم از امـام صـادق و امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمودنـد، این آیه در رجعت است و مخصوص طایفه ای است که پس از مردن، زنده می شوند و بازگشت می کنند آنگاه می میرند و در قیامت زنده می شوند،(۴) و آیات **۲۴۳** از سوره بقره و آیه **۳۹** از سوره یونس و... به همین موضوع (رجعت) دلالت دارد.

و اما احادیث:

الف) امـام صـادق (ع) می فرمایـد: ان الرجعه لیست بعـامه و هی خاصه لایرجع الا من محض الایمان محضاً او محض الشـرک محضاً رجعت همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردنـد که مؤمن خالص یا مشـرک محض باشـند، .(۵)

ب) در رجعت اولین کسـی که زمین بر او شکافته می شود، امام حسین (ع) می باشد. امام صادق (ع) می فرماید: اول من تنشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی (ع) نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی (ع) است. و همچنین در آمـده است که امـام بـاقر (ع) به بکیربن اعین فرمود: رسول خـدا و علی رجعت خواهنـد کرد، .(۶)

ج) از حضـرت رضا (ع) نقل شـده است: مأمون به امام رضا عرض کرد: ای ابالحسن نظر شـما درباره رجعت چیست. حضـرت فرمود: حقیقت دارد. در میـان امت هـای پیشـین نیز وجود داشـته است و قرآن از آن سـخن به میان آورده و رسول خـدا (ص) فرموده است هر چه در امت های گذشته بوده در میان ن امت نیز عیناً و مو به مو پیش خواهد

آمد،(۷).

۳- و این که در روایت وارد شـده است که از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی می کند تا حضـرت حجت (عـج) ظهور کند: اولاً، این روز از روزهای دنیا است، چون که ظهور آن حضـرت و دولت کریمه اهل بیت (ع) قبـل از قیـام قیامت است.ثانیاً، منظور معصوم (ع) از این سـخن این است که ظهور حتمی و قطعی است و در مقام تأکیـد به امر ظهور این مطلب را فرموده است، بـدین معنـا که امـام ظهور خواهنـد کرد و جـای انکـاری نیست، اگر از عمر دنیا یک روز مانـده باشـد. بنـابراین مقصود روایت این است که ظهور امـام (عـج) در روز آخر دنیا اتفاق می افتـد، بلکه صـرفاً در مقام بیان حتمیت ظهور آقـا می باشـد والاـ بنـا بر روایـات رجعت و روایات پیرامون وقایع بعـد از ظهور امام زمان (عـج) بی شک دوران ظهور و بعد از آن طولانی خواهد بود

خلاصه سخن:

۱- رجعت از مسلمات مذهب شیعه می باشد و پیرامون آن دلایل متعددی وجود دارد.

۲- رجعت یعنی، بعضـی از انسـان هایی که قبل از ظهور امام (عـج) از دنیا رفته انـد به زنـد گی دنیوی باز می گردنـد، یکی از گروه هایی که رجعت می کنند، ائمه (ع) می باشند.

برای مطالعه بیشتر ر. ک: ۱- رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی ۲- رجعت، محمد باقر بهبودی

برای آگاهی بیشتر ر. ک: ۱- رجعت از نظر شیعه نجم الدین طبسی ۲- رجعت محمد خادمی شیرازی ۳- رجعت علامه محمد باقر مجلسی.

اصل رجعت ائمه اطهار (ع) از مسـلمات است اما آیا همه آن بزرگواران می آیند یا منحصـر است به حضرت امیر و سیدالشهدا (ع) اختلافی است.

برای آگاهی بیشتر

ر. ک: ۱- رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی ۲- رجعت، خادمی شیرازی ۳- رجعت، علامه مجلسی ۴- شیعه و رجعت، سید محمد میرشاه ولد

منابع و مآخذ:

(۱) (نمل، آیه ۸۳)

(۲) (تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۹، نقل از تفسیر علی بن ابراهیم)

(۳) (غافر، آیه ۱۱)

(۴) (تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۹۰۰)

(۵) (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۴، ح ۶۹۴۱)

(۶) (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۲، ح ۶۹۳۲ و ۶۹۳۳- سفینهالبحار، ج ۳، ص ۳۱۵)

(۷) (میزان الحکمه، ج ۴، ح ۶۹۲۷، ص ۱۹۸۰)

در بحث رجعت دوباره انسان در هنگامه ظهور امام زمان که به قول علامه مجلسی بیش از(و یا در حدود)۲۰۰ آیه و ۵۰۰ روایت موجود می باشد مطرح است که دو دسته از انسانها قابلیت رجعت دارند دسته اول انسان صالح و دسته دوم انسان طالح(بدکار و بدنام) در مورد دسته اول که هیچ

پرسش

در بحث رجعت دوباره انسان در هنگامه ظهور امام زمان که به قول علامه مجلسی بیش از(و یا در حدود)۲۰۰ آیه و ۵۰۰ روایت موجود می باشد مطرح است که دو دسته از انسانها قابلیت رجعت دارند دسته اول انسان صالح و دسته دوم انسان طالح(بدکار و بدنام) در مورد دسته اول که هیچگونه تردیدی وجود نخواهد داشت اما در مورد دوم چگونه با وجود آیات بسیاری که در قرآن کریم موجود می باشد (که پشیمانی بدکاران هیچ سودی به حال آنها ندارد) باز این دسته گفته می شود که به خاطر ندامت فراوان از سوی باری تعالی فرصتی در اختیارشان قرار می گیرد تا بار دیگر زندگانی جدیدی داشته باشند و گفته شده است بعضی انسانها در مدت حیاتشان چون روحشان در حال تکامل به درجات عالیه بود و در این حین به مرگ دچار شده اند فرصتی دوباره بدانها داده می شود. این مطلب را از کتاب زندگانی چهارده معصوم در فصل زندگانی حضرت ولی عصر خوانده ام.

پاسخ

دوست گرامی؛ در تأیید و تکمیل بخشی از مطالبتان نکاتی را به عرضتان می رسانم و همچنین گوشه هایی از مطالبتان که به نظر می رسد سؤال و شبهه نیز متوجه آنهاست اصلاح می نمایم و آن فلسفه بازگشت بدکاران است.

چنانکه مستحضرید رجعت به معنای عودت و بازگشت است. در اینجا به معنای بازگشت به سوی دنیا می باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند : پیش از قیام قیامت، در ادامه حکومت حضرت مهدی "ع" به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمه هدی

"ع" فرا می رسد، و جمعی از نیکان نیک از هر دوران، و همچنین بدکاران بسیار بد از هر زمان، به دنیا باز می گردند. و فلسفه متعددی بر آن ذکر شده. اولاً اثبات معاد، دیگر : لذت بردن نیکان و مؤمنان از چشیدن طعم غلبه حق بر باطل، و دیدن دولت کریمه اهل بیت "ع" و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد. و کافران نیز از برای عقوبت و عذاب دنیا، که سزای اعمال خود را در دنیا ندیده اند. در این رابطه روایاتی خواندنی در کتاب میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، جلد چهارم، باب رجعت موجود است.

مسأله رجعت امری حتمی است، و به وقوع خواهد پیوست و این امر از اعتقادات قطعی و اجماعی شیعه است. اما در اینکه از ضروریات دین یا مذهب است محل بحث میان علما و دانشمندان است.

و نیز باید گفت که کلیات رجعت در نصوص دینی ثابت شده است، ولی جزئیات آن بطور کامل روشن نیست. در این باره اسناد و مدارک قرآنی و بیان مفسران که آیات بسیاری را درباره رجعت در مقام تأویل بیان کرده اند، و همچنین احادیث بسیاری قریب به دویست روایت بطور تواتر چنانکه بدان اشاره نیز نمودید، در این مورد موجود است.

و نیز باید گفت که در قرآن کریم نه تنها رجعت را ناممکن نشمرده بلکه بر آن دلالت بسیاری آورده. در آیات بیشمار دیگری

از زنده شدن مردگان در دنیا، در زمانهای گذشته خبر داده است؛ از جمله اصحاب کهف و احیای مردگان توسط عیسی "ع" و قضیه عزیر پیامبر، و هفتاد نفر از قوم بنی اسرائیل و

...

به چند مورد از آیات و روایات مربوط به رجعت اشاره می کنیم؛

۱. "یوم نحشر من کل امه فوجاً ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون" (۱) (روزی که در آن از هر امتی گروهی از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند، محشور و مبعوث می گردانیم، پس ایشان بازداشته خواهند شد.)

علامه طباطبایی "قدس سره" در خصوص آیه فوق الذکر می گویند: یکی از آیاتی که بر رجعت دلالت دارد آیه فوق است. و مقصود از این آیه شریفه قیامت نیست، چون با کلمه "مِن" تبعیضیّه می فرماید: "مِن کل امه فوجا" یعنی از هر امتی دسته ای را محشور می گردانیم. در حالی که قرآن کریم درباره حشر روز قیامت می فرماید: "وحشرنا هم فلم نغادر منهم احدا" (۲) (و همه را گرد می آوریم و هیچ یک را فروگزار نمی کنیم)

۲. "قالوا ربنا امتنا اثنتین و احییتنا اثنتین ... " (۳) (آن حال کافران گویند: "پروردگارا! تو دوبار ما را میراندی، و دوبار زنده کردی" این آیه درباره اهل کفر در رستاخیز است، و بیان قول ایشان می باشد. علی این ابراهیم از امام صادق "ع" و امام باقر "ع" روایت کرده است که فرمودند: "این آیه در رجعت است و مخصوص طایفه ای است که پس از مردن، زنده می شوند، و بازگشت می کنند؛ آنگاه می میرند و در قیامت زنده می شوند." (۴)

۳. امام صادق "ع" می فرماید: "رجعت همگانی نیست، بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص، یا مشرک محض باشند." (۵)

۴. و نیز از امام صادق "ع" روایت شده: "نخستین کسی که

قبر بر او شکافته می شود، و به دنیا برمی گردد حسین بن علی"ع" است." (۶)

در زیارات متعددی اعتراف به رجعت را می خوانیم؛ از جمله زیارت جامعه کبیره: "مؤمن بایابکم، مصدق برجعتکم، منتظر لاوامرکم"

در خاتمه نیز عرض می کنیم رجعت و بازگشت بدنیا، از نظر عقلی محال نبوده و منافاتی با نظام حاکم بر جهان نیز ندارد و این مسأله نظیر سایر معجزات امری خارق عادت است نه غیر ممکن.

برای آگاهی بیشتر به کتابهای "۱. رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی/ ۲. رجعت، محمد خادمی/ ۳. بازگشت روح، آیت ا...معرفت" مراجعه نمایید.

منابع و مآخذ :

برگرفته از سایت نهاد رهبری در دانشگاه www.nahad.net

۱. سوره مبارکه نهل/ آیه۸۳

۲. سوره مبارکه کهف/ آیه ۴۷

۳. سوره مبارکه غافر/ آیه۱۱

۴. تفسیر لاهیجی، ج۳، ص۹۰۰

۵. میزان الحکمه، باب الرجعه، ح۶۹۴۱

میزان الحکمه، باب الرجعه، ح۶۹۳۲

در آیه ۵۵ سوره مبارکه آل عمران آمده است "إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَرَافِعُکَ إِلَیَّ" آیا به واسطه این آیه می توان فرود آمدن حضرت عیسی غ به زمین در زمان ظهور حضرت مهدی غ را یکی از اقسام رجعت بدانیم

پرسش

در آیه ۵۵ سوره مبارکه آل عمران آمده است "إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَرَافِعُکَ إِلَیَّ" آیا به واسطه این آیه می توان فرود آمدن حضرت عیسی غ به زمین در زمان ظهور حضرت مهدی غ را یکی از اقسام رجعت بدانیم

پاسخ

برادر گرامی رجعت به معنای اصطلاحی به این معنا است که مردگان در آخرالزمان زنده شده به دنیا برمی گردند که در روایات ما این امر برای دو گروه صالح و کافر محض ممکن شمرده شده از این رو نمی توان به این معنا، فرود آمدن عیسی غ را رجعت بدانیم چون که آن حضرت نمرده است گر چه برخی از مفسران (مانند نویسنده المنار) معتقد است که مسیح کشته شده و خداوند تنها روح او را به آسمان برده است اما معروف در میان مفسران اسلامی به استناد آیه ۱۵۷ سوره نسأ، این است که مسیح کشته نشده و خداوند او را به آسمان برده است (تفسیر نمونه آیت مکارم شیرازی و دیگران ج ۴، ص ۴۳۰، دارالکتب الاسلامیه)

بنابراین گر چه فرود آمدن آن حضرت در زمان حضرت مهدی غ به نوعی و به معنای لغوی می تواند رجعت باشد، لکن رجعت مصطلح شامل آن نمی شود.

آیا صحیح است که درزمان ظهور امام زمان (عج) افرادصالحی مانند مالک اشتر و شیخ عباس قمی و غیره زنده می شوند, و جزء یاران آن حضرت قرار می گیرند؟

پرسش

آیا صحیح است که درزمان ظهور امام زمان (عج) افرادصالحی مانند مالك اشتر و شیخ عباس قمی و غیره زنده می شوند, و جزء یاران آن حضرت قرار می گیرند؟

پاسخ

در برخی از ادله دینی آمده است که مومنین راستین و پاکباخته می تواننـد برای جهاد در رکاب مقدس امام عصر(عج)به دنیا آیند و در این راه مقدس شربت شهادت نوشند. در دعای عهد نیز این آرمان بزرگ به عنوان یکی از خواسته هایشیعیان آن حضرت آمده است: «اللهم ان حال بینی و بینه الموت الذی جعلته حتمامقضیا فاخرجنی من قبری موءتزراکفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوه الداعی فی الحاضر و البادی». یعنی. پروردگارا! اگر مرگ میان من و او فاصلهانداخت مرا از قبر خویش بیرون آر درحالی که کفن به تن کرده با سلاحی آماده...».{J

آیا حقیقت دارد که بعد از ظهور امام زمان(عج) و دوران امامت ایشان حضـرت علی(ع) دوباره رجعت می کند و یک دوره خلافت در زمین دارد؟

پرسش

آیا حقیقت دارد که بعد از ظهور امام زمان(عج) و دوران امامت ایشان حضرت علی(ع) دوباره رجعت می کند و یک دوره خلافت در زمین دارد؟

پاسخ

رجعت به معنای بازگشت است. و مقصود از آن در اصطلاح علمای شیعه، بازگشت عده ای از اموات به دنیا، پس از ظهور امام زمان(عج) و قبل از فرا رسیدن روز قیامت است. در این جا توجه به چند مطلب لازم است.

الف) امکان رجعت: زنده شدن برخی از اموات، (رجعت) در امتهای پیشین واقع شده است و آیات قرآن و روایات بر آن دلالت دارد:

۱. رجعت عده ای از بنی اسرائیل: «و اذ قلتم یا موسی لن نؤمن لک حتی نری الله جهره فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون * ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلّکم تشکرون» و [یاد کنید] هنگامی را که گفتید ای موسی هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر آنکه خدا را آشکارا ببینیم پس صاعقه شما را فراگرفت در حالی که می نگریستید * سپس شما را پس از مردنتان برانگیختیم، شاید سپاسگزاری کنید»، (بقره / ۵۵ و ۵۶).

۲. رجعت هزاران نفری که از شهر خود بیرون آمدند: «الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم ان الله لذو فضل علی الناس و لکن اکثر الناس لا یشکرون» آیا به کسانی که برای گریز از مرگ از شهر خود بیرون آمدند در حالی که هزاران نفر بودند، ننگریستی. پس خدا به آنان گفت بمیرید سپس آنها را زنده ساخت. بی تردید خداوند بر مردم بخشش فراوانی دارد و لکن بیشتر آنان سپاسگزاری نمی کنند»، (بقره / ۲۴۳).

۳. رجعت و زنده شدن مردگان

به دست عیسی(ع): «و رسولا الی بنی اسرائیل أنّی قد جنتکم بآیه من ربکم... و احی الموتی باذن الله» و [او را] فرستاده ای به سوی بنی اسرائیل [قرار داد که می گفت] من از طرف پروردگارتان نشانه ای برای شما آورده ام... و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم»، (آل عمران / ۴۹).

آیات بسیاری که حاکی از رجعت در امت های گذشته است، (رجوع کنید به کتاب شیعه و رجعت، سید محمد میرشاه ولد، و رجعت علامه مجلسی).

ب) اصل رجعت به این معنی، مطلبی مسلّم و ضروری نزد شیعه است، هر چند جزو اصول عقاید شمرده نمی شود.

ج) مباحث مربوط به کیفیات رجعت امری مسلم و ضروری نیست لکن برخی مطالب از روایات رجعت استفاده می شود مثل این که کسانی که در زمان حضرت مهدی رجعت می کنند دو دسته اند یک دسته مؤمنان بسیار خالص به تعبیر روایات ممحّض در ایمانند، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، حدیث ۱) و یک دسته بدکاران بسیار بد به تعبیر روایات ممحّض در شرک، (همان مصدر). مؤمنان خالص برای دیدن دولت کریمه اهل بیت و رسیدن به ثواب نصرت و یاری امام زمان و طاغیان بسیار شرور برای عقوبت و انتقام گرفتن از آنان. در برخی روایات، اصحاب کهف و سلمان و ابوذر و مقداد و مالک اشتر جزو یاران رجعت یافته حضرت مهدی(عج) شمرده شده است، (رجعت، علامه مجلسی، کانون پژوهش اصفهان، چاپ اول، ص ۴۵) و در برخی روایات از رجعت حضرت علی(ع) و امام حسین(ع) سخن به میان آمده است، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، باب الرجعه احادیث ۲ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۳

و ۳۰).

اصل رجعت ائمه اطهار(ع) از مسلمات است؛ اما آیا همه آن بزرگواران می آیند یا منحصر است به حضرت امیر و سیدالشهدا(ع) اختلافی است.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱ رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی

۲ رجعت، خادمی شیرازی

۳ رجعت، علامه مجلسی

۴ شیعه و رجعت، سید محمد میرشاه ولد

آیا رجعت در مورد پیامبر اکرم نیز صادق است ؟اگر پاسخ مثبت است پس عقلا در هنگام حضور نبی رهبری وصی نقض می شود آیا بدین گونه است ؟

پرسش

آیا رجعت در مورد پیامبر اکرم نیز صادق است ؟اگر پاسخ مثبت است پس عقلا در هنگام حضور نبی رهبری وصی نقض می شود آیا بدین گونه است ؟

پاسخ

چنان که در پرسش یکم روشن شد، بحث جزئیات رجعت: در روایات ذکر نشده است، اما می توان گفت:

۱- روایات متعددی اشعار دارند که پیامبر گرامی اسلام(ص) و بلکه پیامبران الهی و همچنین امیر مؤمنان و ائمه اطهار(ع) رجعت می کنند.

۲- اولین و نخستین کسی که رجعت می کند امام حسین(ع) است.

۳- زمان پس از ظهور حضرت مهدی(عج) مدت کوتاهی نیست بلکه مدت طولانی ای است و در آن پیامبر اکرم(ص) و امیر مؤمنان و ائمه اطهار(ع) حکومت می کنند. این حکومت به نوبت است.

به عبارت دیگر ابتدا نوبت حکومت حضرت مهدی(عج) است و بعد از ایشان نوبت حکومت امام حسین(ع) می رسد و پس از

آن نوبت حکومت پیامبر اکرم(ص) و بعد امیر مؤمنان(ع) است.

۴- همچنین از روایات بر می آید که پیامبر اکرم(ص) و امیر مؤمنان(ع)، یک رجعت ندارند. یک رجعت برای یاری رساندن به حضرت حجت(عج) و شکست سپاه شیطان است که در این رجعت همه انبیاء نیز هستند. رجعت بعدی پس از تشکیل حکومت جهانی اسلامی توسط حضرت مهدی(عج) است که پس از تشکیل و پیدایش این دولت، آنها از مواهب زمین بهره مند می شوند و حکومت می کنند.

۵- در رجعت اول، صرف یاری رساندن به حضرت حجت(عج) و شکست سپاه شیطان مطرح است. اما در رجعت دوم حکومت حضرت رسول الله(ص) مقدم است و آنگاه حکومت امیر مؤمنان و همه اینها پس از شهادت حضرت مهدی(عج) است.

برای آگاهی بیشتر نگا:

ظهور نور، علی سعادت پرور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، شرکت انتشارات احیاء کتاب، صص ۲۱۹ – ۲۵۸.

اگر باید امام را امام دیگر غسل دهد، حضرت را چه کسی غسل خواهد داد؟

پرسش

اگر باید امام را امام دیگر غسل دهد، حضرت را چه کسی غسل خواهد داد؟

پاسخ

آری مطابق برخی از روایات، امام را تنها امام باید غسل دهد، از جمله امام رضا (ع) فرمود: "إنّ الإمام لايغسّله إلّا الإمام"؛ "امام را جز امام غسل نمی دهد."

{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۸۴. پاورقی}

بنابراین، قدر مسلّم آن است که یکی از امامان معصوم باید حضرت مهدی (ع) را بعد از رحلت غسل دهد. امّا کدام یک از آن بزرگواران مراسم تغسیل وخاک سپاری را انجام می دهد؟

از روایات استفاده می شود که امام حسین (ع) بعد از رجعت، عهده دار این امر خواهد شد.

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: "... جآء الحجّه الموت فیکون الذی یلی غسله وکفنه وحنوطه وإیلاجه حفرته الحسین ولایلی الوصیّ إلّا الوصیّ"؛ "...مرگ حجت فرا می رسد پس {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵۶، ح ۴۶. پاورقی}

متولّی غسل وکفن وحنوط ودفن او امام حسین (ع) است وکسی به جز وصی متولّی امور وصی نمی شود."

ونیز مطابق روایتی دیگر فرمود: "فإذا استقرّت المعرفه فی قلوب المؤمنین أنّه الحسین (ع) جآء الحجّه الموت فیکون الذی یغسله ویکفنه ویحنطه ویلحده فی حفرته الحسین بن علی (ع) ولایلی الوصیّ إلّا الوصیّ"؛ "...چون معرفت وایمان به امام حسین (ع) در دل های مؤمنین {پاورقی . کافی، ج ۸، ص ۲۰۶ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۹۴، ح ۱۰۳. پاورقی}

استقرار یافت، مرگ حضرت حجّت فرا می رسد، پس امام حسین (ع) متولّی غسل وکفن وحنوط ودفن ایشان خواهد شد، وهرگز غیر از وصیّ، وصیّ را تجهیز وآماده برای خاک سپاری نمی کند".

موضوع: مدّت حکومت عدل جهانی توحیدی

آیا رجعت عمومی وهمگانی است؟

پرسش

آیا رجعت عمومی وهمگانی است؟

پاسخ

در پاسخ به این پرسش باید گفت: آنچه از روایات اهل بیت: استفاده می شود این است که:

۱ - رجعت همانند معاد عمومی وهمگانی نیست، بلکه مخصوص کسانی است که ایمان محض وخالص یا کفر محض وخالص دارند.

امام صادق (ع) فرمود: "إنّ الرجعه لیست بعامّه وهی خاصّه لا یرجع إلّا من محض الإیمان محضاً أومحض الشرک محضاً"؛ "رجعت عمومی نیست بلکه جنبه خصوصی دارد. تنها {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹. پاورقی}

گروهی بازگشت می کنند که ایمان خالص یا شرک خالص دارند."

۲ - روایاتی که اشاره به بازگشت افراد به طور خصوص دارد.

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: "نخستین کسی که زمین برای او شکافته می شود وبه زمین باز می گردد، حسین بن علی (ع) است". {پاورقی . الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۶۰. پاورقی}

ونیز از حضرت نقل شده که فرمود: "نخستین کسی که به دنیا رجعت می کند حسین بن علی (ع) است، او به قدری حکومت می کند که از کثرت سنّ، ابروهایش روی دیدگانش می ریزد". {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۴۶. پاورقی}

رجعت مربوط به چه کسانی است

پرسش

رجعت مربوط به چه کسانی است

پاسخ

۱. رجعت در لغت به معنای بازگشت و در اصطلاح عبارت است از بازگشت بعضی مؤمنان خالص و برخی منافقان فاجر به این جهان پیش از بر پایی قیامت با توجه به این تعریف رجعت مخصوص مؤمنان خالص و منافقان فاجر است (بحارالانوار،

علامه مجلسی (ره ج ۵۳، ص ۱۳۸، دار احیأ التراث العربی بیروت) این بازگشت به منظور دیـدن حکومت عـدالت گستر امام زمـان (عـج ، به وسـیله گروه اول و به سـزای اعمـال خـود رسـیدن گروه دوم است که در برابر حـق صف آرایی می کردنـد.(رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی محمد خادمی شیرازی ص ۱۵، مؤسسه نشر و تبلیغ)

۲. روشن است همه کسـانی که پیش از ظهور قـائم (عـج آمـده و رفته انـد، برنمی گردنـد، بلکه گروهی از آن هـا رجعت می کننـد. همان گونه که قرآن کریم می فرمایـد: "ویَوم َنَحشُرُ مِن کُل ِاُمَّه ٍفَوجًا; (نمل ۸۳) روزی که از هر امـتی گروهی را بر می انگیزیم " امام صادق در این باره می فرمایند: "و ان الرّجعه لیست بعامه ٍ، و هی خاصّه لایرجع الاّ مَن ٔمحض الایمان محضاً او محض الشـرک محضاً; رجعت همگانی نیست بلکه اختصاصـی است تنها کسانی رجعت می کنند که مؤمن خالص باشند یا مشرک خالص "(تفسیر برهان ج ۲، ص ۴۰۸.)

۳. بر اسـاس روایاتی که در تفسـیر آیه ۷۸ سوره آل عمران از ائمه رسـیده است همه پیـامبران رجعت می کننـد; برای مثـال در کتاب شریف بحارالانوار آمده است "به خدا

سوگند از زمان حضرت آدم تا رسول اکرم پیامبری مبعوث نشده جز این که خداوند آن ها را باز می گرداند، تا در برابر علی بن ابیطالب شمشیر بزنند."

۴. افزون بر مورد اشاره شده در بند قبل از نگاه روایات معصومان رجعت اشخاص زیر قطعی است حضرت اسماعیل عیسی خضر، رسول اکرم امیرمؤمنان امام حسین سایر امامان معصوم جمعی از اصحاب پیامبر۹، از جمله سلمان مقداد، جابربن عبداللّه انصاری ابودجانه انصاری مالک اشتر، مفضل بن عمر، عمران بن اعین مؤمن آل فرعون یوشع بن نون و اصحاب کهف (برای مطالعه بیشتر ر.ک ۱. رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی محمد خادمی شیرازی مؤسسه نشر و تبلیغ ۲. الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه الشیخ محمدبن الحسن الحر العاملی ترجمه احمد جنتی انتشارات نوید، تهران ۱۳۶۲.)

۱–آیا حکومت امامان «علیهم السلام » بعد از امام عصر عج » وجود دارد؟

پرسش

۱–آیا حکومت امامان «علیهم السلام » بعد از امام عصر عج » وجود دارد؟

پاسخ

ج ۱– این سوال شما در مورد یکی از اعتقادات خاص ویژه شیعیان در مورد حکومت حضرت مهدی عج » یعنی:« رجعت» می باشد .

« رجعت» یکی از اصول اعتقادی شیعه است، بر اساس این اعتقادپیش از بر پایی قیامت گروهی از مؤمنان پاک سرشت و کافران زشت طینت پس از مرگ زنده شده و بار دیگر به دنیا بر میگردند و تا سرانجام نیک و بد خود را دریابند و حاکمیت نهایی دولت حق را مشاهده کنند .

اما در مورد رجعت کنندگان دو دسته روایت داریم:

- دسته ای از روایات دلالت بر بازگشت مؤمن خالص و کافر و مشترک خالص دارند.
- دسته دیگر از روایات اشخاص را به طور خاص و جداگانه ذکر نموده اند.

اما سوال شما که پیرامون دسته دوم است باید گفت که، طبق روایات پیامبران ، حضرت اسماعیل صادق الوعد , امام حسین « علیه السلام » ،حضرت عیسی ,حضرت خضر , حضرت رسول اکرم « صلی الله علیه واله » امیر المومنین «علیه السلام » و سایر امامان معصوم « علیهم السلام » وجمعی از اصحاب ، باوفای پیامبر « صلی الله علیه واله » : سلمان ,مقداد , جابربن عبد الله انصاری , مالک اشتر , مفصل بن عمر , و نیز اصحاب کهف و برخی دیگر رجعت خواهند کرد .

اما با بررسی روایت رجعت استفاده می شود که نخستین کسی که برای فرمانروایی جهان رجعت می کند , حضرت امام حسین «علیه السلام » است چنانکه امام صادق «علیه السلام» فرموده است: نخستین کسی

که زمین برای او شکافته می شود و به روی زمین رجعت می کند ، حسین بن علی «علیه السلام » است و نیز می فرماید: نخستین کسی که به دنیا رجعت می کند حسین بن علی «علیه السلام » است به قدری حکومت می کند که از کثرت سن ابروهایش روی دیدگانش می ریزد .

پس از رجعت کدام امام بر حکومت شایسته تر است؟ امام حسین یا امام زمان(ع)؟

پرسش

پس از رجعت کدام امام بر حکومت شایسته تر است؟ امام حسین یا امام زمان(ع)؟

پاسخ

بر حسب روایات، رجعت امام حسین(ع) پس از شهادت امام عصر(ع) است. بدین معنا که امام عصر(ع) ظهور می کنند و جهان .. را پر از عدل و داد می کنند و حکومت الهی را در سراسر گیتی بر پا می کنند. پس از درگذشت ایشان نوبت به رجعت امام حسین(ع) می رسد.

آیا این عقیده درست است که وقتی امام زمان از غیبت بیرون آمده و ظهور کنند تمام امامان از اول تا یازدهم زنده شده و به حکومت می رسند و سالهای زیادی حکومت می کنند مثلا می گویند امام حسین تا زمانی حکومت می کند که می ابروی ایشان از بلندی جلوی چشمان ایشان را می گ

پرسش

آیا این عقیده درست است که وقتی امام زمان از غیبت بیرون آمده و ظهور کنند تمام امامان از اول تا یازدهم زنده شده و به حکومت می رسند و سالهای زیادی حکومت می کنند مثلا می گویند امام حسین تا زمانی حکومت می کند که می ابروی ایشان از بلندی جلوی چشمان ایشان را می گیرد و ایشان با دست ابروها را بالا گرفته و به هر طرف نظر می کنند؟

پاسخ

(جهت استفاده)

یکی از اعتقادات ویژه ای که شیعه دوازده امامی آن را باور دارد، عقیده به رجعت است. رجعت در لغت به معنای بازگشت است. معنی اصطلاحی رجعت از دیدگاه شیعه این است که خداوند (هم زمان با ظهور حضرت مهدی(عج)) شماری از امت محمد(ص) را پس از مرگشان و پیش از قیامت بر می انگیزاند واین باور از ویژگیهای مذهب آل محمد(ص) می باشد که

قرآن نیز بر درستی آن گواهی می دهد.(۱)

دانشـمند بزرگ شـیعه، مرحوم سـید مرتضـی علم الهـدی نیز عقیـده بر رجعت از دیدگاه امامیه را چنین توضـیح می دهد، باور شیعه امامیه این است که خداونـد متعال به هنگام ظهور امام زمان (عـج) گروهی از شـیعیان راکه پیش از ظهور آن حضـرت از دنیـا رفته انـدبه این جهان باز می گردانـد تا آنان به پاداش یاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقـدس نایل گردنـد. همچنین خداونـد برخی از دشـمنان آن حضـرت را زنـده می کند تا از آنان انتقام گیرد، بدین صورت که آشکار شدن حق و بلندی مرتبت پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند.(۲)

از دیدگاه دانشمندان شیعه، هیچ گونه تردیدی در اصل «رجعت» وجود ندارد و

همه عالمان بزرگ شیعی اعتقاد به رجعت را از ویژگی های پیروان اهل بیت بر شمرده اند.

مرحوم علامه مجلسی در کتاب گرانسنگ بحار الانوار می فرماید: عقیده به رجعت، در تمام دوران ها مورد اتفاق مذهب شیعه بوده و این سخن چندان آشکار است که کسی نمی تواند به انکار آن برخیزد.(۳)

شیخ مفید و سید مرتضی نیز اعتقاد به رجعت را نزد شیعه اجماعی شمرده اند.(۴)

مرحوم شیخ حر عاملی می فرماید: فراوانی شمار نویسندگانی از شیعه که روایات مربوط به رجعت را در کتاب های خویش گرد آورده اند- که تعداد آن از هفتاد کتاب بیشتر است - دلیل بر قطعی بودن اعتقاد به رجعت از دیدگاه شیعه است.(۵)

شیخ صدوق نیز اعتقاد به رجعت را از ویژگی های پیروان تشیع دانسته است.(۶)

دانشمندان شیعه برای اثبات رجعت به دلایل قرآنی، روایی و اجماع تمسک جسته اند که ما تنها به نقل نمونه هایی از این استدلال ها بسنده می کنیم: گواه روشن تحقق رجعت، پیش از هر چیز قرآن کریم است که در آیه ۸۴ سوره نمل می فرماید: (و یوم نحشر من کل امه افواجاً ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون)؛ روزی که از هر ملتی، گروهی از آنان را که آیات ما را تکذیب می کردند، زنده می گردانیم. در این آیه شریفه که برای اثبات رجعت مورد استناد ائمه(ع) (۷) و دانشمندان شیعه قرار گرفته است، سخن از روزی است که تنها گروهی (و نه همه مردم) برانگیخته می شوند، در حالی که در قیامت بنا به تصریح قرآن کریم همه انسان ها برانگیخته می گردند، آنجا که می فرماید:(و یوم ینفخ فی الصور ففرغ من

فی السموات و من فی الارض الا من شاء الله و کل اتوه آخرین)؛ روزی که در صور دمیده شود، همه کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، مگر آن کس که خدا را خواهد، به شدت می ترساند و همگان با ذلت نزد او حاضر می گردند.(۸)

از مقایسه این دو آیه شریفه چنین به دست می آید که آیه نخست مربوط به روزی غیر از قیامت است و آن همان روزی است که در روایات اهل بیت به نام «رجعت» معروف گردیده است.

اما دلیل اصلی اثبات رجعت روایات بی شماری است که بر وقوع آن صحه می گذارد. مرحوم علامه مجلسی نام بیش از پنجاه تن از عالمان و محدثان شیعه را ذکر می کند که روایات رجعت را در کتاب های خویش آورده اند که اسامی برخی از آنها بدین قرار است: سلیم بن قیس هلالی، حسن بن صفار، علی بن ابراهیم قمی، ثقه الاسلام کلینی، عیاشی، کشی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، ابوالفتح کراجکی، نجاشی، شیخ طوسی، ابن طاووس و ... .

مرحوم علامه مجلسی در باره روایات رجعت می فرماید: کسی که به حقاینت ائمه اطهار(ع) ایمان دارد چگونه می تواند درباره مسأله متواتری که از آنان نقل شده و نزدیک به دویست روایت صریح در این زمینه رسیده و بیش از چهل تن از ثقات و عالمان شیعه آنها را در کتاب های خود آورده اند، تردید کند؟

به راستی اگر مسأله ای مثل رجعت را نتوان از امور متواتر دانست، پس در کدامین موضوع می توان ادعای تواتر نمود؟(۹)

شیخ حر عاملی نیز روایات رجعت را فزون از شمار دانسته و

در باره آن قائل به تواتر معنوی شده است.(۱۰) ما در این مقام تنها به نقل دو روایت از روایات بی شمار رجعت می پرازیم:

۱. از امام صادق(ع) درباره آیه: (ربنا امتنا اثنتین و احییتنا اثنتین) پرسش شد، حضرت در پاسخ فرمود: ذلک فی الرجعه؛ این آیه در مورد رجعت است.(۱۱)

۲. همچنین آن حضرت فرمود: لیس منا من لم یؤمن بکرمنا، هر کس به رجعت ما ایمان نداشته باشد، از ما نیست.(۱۲)

افزون بر قرآن و روایات، شمار فراوانی ازعالمان شیعه، عقیده به رجعت را در نزد امامیه اجماعی دانسته اند.(۱۳)

حال با توجه به ادله قطعی ای که رجعت را به مثابه یک عقیده درست ثابت می کند، بایستی دید هدف از رجعت چیست؟ آیا رجعت از جمله معجزات پیامبر اکرم(ص) است؟ آیا رجعت از نشانه های ظهور مهدی(عج) و یا معجزات آن حضرت است؟ و یا اصلاً رجعت مسأله ای دیگر و یا هدفی دیگر در نظام آفرینش طرح ریزی شده است؟

گر چه ممکن است به جهت محدودیت علم و ادراک ما نتوان به طور قاطع غرض و هدف اصلی از رجعت را ذکر کرد، اما با توجه به مجموع احادیثی که در مورد رجعت به ما رسیده است شاید بتوان اهداف ذیل را از جمله مواردی دانست که لزوم تحقق رجعت را توجیه می کند:

۱. رجعت با هدف نشان دادن عزت اسلام و ذلت کفر و شرک از سوی خداوند صورت می گیرد، بدین معنا که بازگشت به دنیا در زمانی به وقوع می پیوندد که دین خدا بر سراسر جهان حاکم شده، زمین و آنچه در آن است، یکسره در اختیار مؤمنان و خدا

جویان قرار گرفته و کافران و ستم پیشگان خوار و ذلیل خواهند گشت.

بدیهی است که چنین حادثه ای هر انسان دینداری را شادمان و خرسند و تبهکاران و کافران را به رنج و اندوه فرو خواهد برد. از این رو خداوند مهربان و حکیم، گروهی از مؤمنان راستین و شماری از کافران سرسخت را در آن روز به جهان باز می گرداند، تا آنان از دیدن شکوه و عظمت اسلام و حاکمیت مؤمنان به وجد آیند و کافران نیز بر اثر مشاهده شوکت و قدرت پیروان دین خدا خشمگین و اندوهناک گردند و همگان در یابند که وعده الهی تخلف ناپذیر است.

۲. گذشته از این که ممکن است افراد با ایمان در این بازگشت به مقاماتی دست یابند که تنها در هنگام سیطره کامل اسلام می توانند به آن مقامات برسند، می توان گفت: از آن جا که طبق روایات، کافرانی که رجعت می کنند از جمله افرادی هستند که بسیار در کفر خود سرسخت و لجوج بوده اند، رجعت آنان ممکن است با این هدف انجام گیرد که دست کم مقداری هر چند اندک، از جزای اعمال ننگین خود را در دنیا بچشند و تا حدودی پاسخگوی پاره ای از ظلم و ستم های بی حد خود باشند، هر چند مجازات اصلی در سرای آخرت به آنان خواهد رسید.

با توجه به مطالب پیش گفته بایستی این نکته را هم یادآور شد که نه در روایات مربوط به رجعت و نه در گفتار بزرگان شیعه هیچ گونه ملازمه ای میان رجعت و معجزه بودن آن برای پیامبر اکرم(ص) نیامده است، مرحوم امین الاسلام طبرسی، ضمن

اشاره به این سخن ملازمه میان رجعت و صحت نبوت پیامبر(ص) آن را باطل دانسته و فرموده است: نزد ما(شیعیان) بلکه اکثر امت اسلامی، ظهور معجزه به دست ائمه و اولیا نیز رواست.(۱۴) بنابراین به هنگام تحقق رجعت، می توان آن را از جمله معجزات حضرت ولی عصر(عج) به شمار آورد.

پی نوشت:

۱. المسائل السرویه، شیخ مفید، ص ۳۲، المطبعه مهر، ناشر: المؤتمر العالمی.

۲. رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵،تحقیق سید مهدی رجایی، ناشر: دار القرآن، ۱۴۰۵ ه . ق، مطبعه السید الشهداء.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۴ – ۱۲۲، الطبعه الاولی، ۱۴۰۵ ه . ق، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت.

۴. همان، ص ۱۳۶–۱۳۹.

۵. به نقل از همان، ص ۱۲۱.

۶. الایقاظ من الهجعه، باب دوم.

۷. بحار، ج ۵۳، ص ۵۳.

۸. سوره نحل، آیه ۸۷.

۹. بحار، ج۵۳، ص ۱۴۴ – ۱۲۲.

۱۰. الایقاظ من الهجعه، باب دوم، دلیل سوم.

۱۱. بحار، ج ۵۳، ص ۵۶.

۱۲. همان، ج ۵۳، ص ۹۲.

۱۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۳۹ – ۱۳۶.

۱۴. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۳.

آیا حضرت عیسی(ع) و اصحاب کهف در زمان امام زمان(عج) زنده می شوند؟

پرسش

آیا حضرت عیسی(ع) و اصحاب کهف در زمان امام زمان(عج) زنده می شوند؟

پاسخ

رجعت از معتقدات شیعه و به معنای بازگشت انسان بعد از مرگ به دنیا است. وقوع رجعت در دنیا امری ممکن است. بنابر آیات و روایات فراوان، رجعت در امت های گذشته واقع شده است. مانند رجعت بعد از صد سال،{۱} رجت جماعتی از بنی اسرائیل،{۲} زنده شدن کشته شده های بنی اسرائیل،{۳} و زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی/

در روایات آمده است: قال المأمون للرضا(ع) یا ابا الحسن ما تقول فی الرجعْ، فقال(ع) انَّها الحقُ قد کانت فی الاُمَم السّالِفَه و نطق القرآن و قد قال رسول الله(ص) یکون فی هذه الأمْ کُلُّ ما کان فی الامم السالفْ خدو النعل بالنعل، و القَذّْ بالقذّْ»;{۴} مأمون از امام رضا(ع) درباره رجت سؤال کرد، امام فرمد: رجعت حق است و در امت های گذشته بوده است. قرآن آن را بیان کرده است و پیامبر(ص) فرمود هر چه که در امت های گذشته بودهدر امت اسلام نیز خواهد بود؛ همان گونه که امت های گذشته آن را عمل کرده اند شما نیز عمل کنید.

آیات و روایات متعددی در مورد رجعت در آخر الزمان و قبل از قیامت وجود دارد؛ مانند: (و یَوم نحشُرُ مِن کُلّ امٍّْ فَوجاً)؛ {۵} خداوند روزی از هر امتی گروهی را برمی انگیزد.

برانگیختن در آیه، با برانگیختن در روز قیامت تفاوت دارد، چون طبق این آیه بعضی از افراد امت ها رجعت می کنند ولی در قیامت تمام افراد امت ها رجعت می کنند. پس مراد از این آیه، قیامت نیست.

نیز در روایت آمده است: «عن ابی جعفر الثانی عن ابائه(ع) قال النبی لابی بن کعب، یخرُجُ مرن تِهامه حین تظهر الدلائل

و العلامات و له کنوز لا ذهب و لا فضْ اِلّاخیول مطهمْ و رِجال مسؤّمه یجمع الله له من اقاصی البلا علی عدّ اهل بدر ثلاث مائۡ و ثلاثْ عشر رجلاًز معه صحیفْ مختومْ فیها عدداً صحابه بأسمائهم و بلدانهم و طبائعهم و حلاهم و کناهم کدّادون مجدون فی طاعته»؛{۶} از امام جواد(ع) روایت شده که پیامبر به ابی بن کعب فرمود: وقتی دلائل و علامات ظهور حضرت مهدی(ع) ظاهر می شود، آن حضرت از سرزمینی به نام تهامه ظهور می کند. همراه آن حضرت گنج هایی است که نه طلا هستند و نه فضه، بلکه اسب هایی هستند که از تمام جهات نیکو هستند و همراه آن حضرت مردانی است که آموزش دیده اند، خداوند مردانی را از دورترین شهرها به تعداد اصحاب بدر، سیصد و سیزده نفر جمع می کند. همراه آن حضرت صحیفه ای مهر شده است که در آن تعداد اصحاب حضرت با نام های آنان و شهرها و قبائل و نیکی ها و کینه هایشان ثبت شده است و آنان کسانی هستند که زحمت ها و کوشش های فراوانی در پیروی و اطاعت از آن حضرت کشیده اند.

این تعداد سیصد و سیزده نفر یاران حضرت مهدی(عج) هستند که هنگام ظهور حضرت مهدی همراه آن حضرت هستند. هنگام ظهور آن حضرت جهان پر از عدل و داد می شود و بعد از اینکه حضرت مهدی(عج) حکومت عدل را برقرار کردند بسیاری از انبیأ و رسل و اهل بیت و عده ای از مؤمنین و عده ای از مشرکین رجعت می کنند.{۷}

همچنین بنابر روایات، هنگام حکومت حضرت مهدی(عج) اصحاب کهف رجعت می کنند و حضرت عیسی بن مریم(ع) از آسمان به زمین فرود می آیند و پشت سر آن حضرت نماز می خواند.

در پایان سه روایت در این باره تقدیم می نماییم:

۱. «عن ابی عبدالله(ع) قال یخرج منع القاسم من ظهر الکوفَه سبعَ و عشرون رجلاً خمسْ عشر من قوم(ع) الذین کانوا یهدون بالحق و به یعدلون و سبعْ من اهل کهف، و یوشع بن نون و مسلمان و ابو دجاجه الانصاری و المقداد و مالك الاشتر فیکونون بین یدیه انصاراً و حکاماً»;{۸} امام صادق(ع) فرمود: بیست و هفت نفر مرد از پشت کوفه با حضرت مهدی(عج) خروج می کنند. پانزده نفر از قوم حضرت موسی(ع) که به سوی حق هدایت شدند و به واسطه حق عدالت می کنند؛ هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع بن نون، مسلمان، ابو دجاجه انصاری، مقداد و مالك اشتر که از فرمانروایان و یاران حضرت مهدی(ع) هستند.

۲. «قال الباقر(ع) انّ عیسی نیزن قبل یوم القیامه الی الدنیا فلا یبقی اهل ملْ یهودی و لا غیره الّامن به قبل موته و یصلّی خلف المهدی»;{۹} امام باقر(ع) می فرماید: حضرت عیسی(ع) قبل از روز قیامت در آخر الزمان از آسمان به زمین فرود می آیند و تمام ملت یهود و غیر یهود به حضرت عیسی(ع) ایمان می آورند و پشت سر حضرت مهدی(عج) نماز می خوانند.

۳. «عن الرضا(ع) اذا خرج المهدی من ولدی نزل عیسی بن مریم(ع) فصلی خلفه»;{۱۰} امام رضا(ع) می فرماید: زمانی که حضرت مهدی(ع) از نسل من ظهور می کند، حضرت عیسی بن مریم(ع) از آسمان به زمین فرود می آیند، سپس پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند.

[۱].سوره بقره، آیه ۲۵۹/

[۲].همان، آیه ۵۶ – ۵۵/

[۳].همان، آیه ۷۳ – ۷۲/

[۴].سوره آل عمران، آیه ۴۹/

[۵].بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۵۹، چاپ بیروت، داراحیأ التراث العربی/

[۶].سوره نمل، آیه ۸۳/

[۷].بحارالانوار، ج ۵۲، ص

[۸].همان، ج ۵۳، ص ۴۱ – ۳۹/

[۹].همان، ص ۹۱/

[۱۰].همان، ص ۵۱/

فلسفه رجعت

فلســفه رجعت چیست؟ بعــد از ظهور امام زمان وقتی جهان پر از عدل شود، دیگر چه لزومی به رجعت و حکومت یک یک امامان (ع) است؟(پ)

پرسش

فلسـفه رجعت چیست؟ بعـد از ظهور امـام زمـان وقتی جهـان پر از عـدل شود، دیگر چه لزومی به رجعت و حکومت یک یک امامان (ع) است؟(پ)

پاسخ

۱ رجعت از عقاید معروف شیعه است، و مقصود از آن در فرهنگ شیعه، بازگشت گروهی امت اسلامی پس از ظهور حضرت مهدی(عج) و قبل از بر پایی قیامت به دنیا است.

۲ همان گونه که اشاره شد، در رجعت همه مردگان یا همه شیعیان به دنیا باز نمی گردند، بلکه عده ای مؤمنان خالص و کفار و طاغیان بسیار شرور به این جهان باز می گردند.[۱]

۳ بـازگشت گروهی از صالحـان و یـا تبهکـاران به این جهان امری شـگفت آوری نیست، زیرا در امت های پیشـین نیز گروهی پس از مرگ بار دیگر زنده شده و پس از مدتی برای بار دوم در گذشـته اند [۲] مانند زنده شدن عزیر پس از صد سال،[۳] و موارد دیگری که قرآن مجید از آن ها خبر داده است.[۴]

۴ در رجعت، بـازگشت کننـدگان به امر پروردگـار عالَم زنـده می شونـد، هم چنان که در قیامت همگان به امر و قـدرت ذات اقدس الله زنده می گردند. اگر تعدادی به دست حضـرت عیسی(ع) زنده شده اند، آن هم به اذن الهی و قدرت خدادادی بوده است. قرآن می فرمایـد: "(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسـی بن مریم گفت: یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشـیدم... و هنگـامی که به اذن و فرمـان من مردگان را زنـده می کردی".[۵] بنـابراین چنـانچه رجعت به دعای امام زمان(ع) صورت گیرد؛ باز به قدرت خدا انجام گرفته است؛ پس لازم نیست حتمـاً پیامبر باشد، بلکه

به وسیله حجت الهی و به اذن خدا نیز می توان صورت گیرد.

۵ پس از اعتقاد به رجعت که از عقاید شیعه است، ممکن است از تفاصیل و علت واقعی آن آگاهی نداشته باشیم، و این هیچ گونه اشکال و سستی در عقیده ما ایجاد نمی کند. مثل این که به وجود ملائکه ایمان داریم، چون قرآن از آن خبر داده، ولی تعدادشان چقدر است، نحوه زندگی شان چگونه است و کارهایشان به طور تفصیل چگونه است، اطلاع دقیق نداریم.

۶ ممکن است علت واقعی رجعت برای ما روشن نباشد، ولی با توجه به روایات رجعت، چنین به نظر می رسد که بازگشت دو گروه از مؤمنان و کافران به زندگی دنیا، به منظور تکمیل یک حلقه تکاملی گروه اوّل "مؤمنان" و چشیدن کیفر دنیوی گروه دوم "کافران" است.

به تعبیر دیگر: گروهی از مؤمنان خالص که در مسیر تکامل معنوی با موانعی در زندگی خود رو به رو شده اند و تکامل آن ها ناتمام مانده است، حکمت الهی ایجاب می کند که سیر تکاملی خود را از طریق بازگشت مجرّد به این جهان ادامه دهند؛ شاهد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشند؛ و در بنای این حکومت شرکت جویند، چرا که شرکت در تشکیل چنین حکومتی از بزرگ ترین افتخارات است.

به عکس گروهی از منافقان و کافران جبار سرسخت علاوه بر کیفر خاص خود در رستاخیز باید مجازات هایی در این جهان، نظیر آن چه اقوام سرکشی مانند فرعونیان و عاد و ثمود، و قوم لوط دیدند ببینند، و تنها راه آن رجعت است.[۶]

انسان معتقد به حکمت و عدل الهی، همان گونه که معتقد است باطن این عالم

پاک و بر اساس عدالت و درستی بنیان شده، معتقد است روزی فرا می رسد که ظاهر تمام این عالم همانند باطن می شود و همان گونه که باطن آن بر اساس عدل در جریان است، ظاهر آن نیز این گونه می شود و برای تحقق چنین امری، کسانی که مصداق تمام و کمال ظلم و عدل بوده اند، برانگیخته می شوند تا حقیقت این عالم نمایانده شود. اگر ظالمان این دنیا را با کامیابی سپری کرده اند، گمان نرود که واقعاً پایان آن ها همین گونه استک زیرا می دانیم که قیامت، چیزی جز ظهور و تجسم این عالم نیست، پس باید سرانجام دنیای ظالمان و کافرانی که با کامیابی سپری کرده اند مانند معاویه، شکست و ذلت باشد، تا در قیامت، ذلت به صورت واقعی آشکار شود. به عبارت دیگر: همان گونه که برای مؤمنان باید مسیر تکاملی آن ها که با موانعی در دنیا رو به رو بوده اند، برداشته شود تا این مسیر به پایان خود و سیر تکاملی صعودی برسد، کافران خالص و ظالمان نیز باید به نهایت مسیر تکاملی نزولی خود برسند و حکومت و قدرتی که باعث شده که نهایت سیر نزولی آشکار نشود، آشکار شود و در قیامت طبق همین عذاب، یا نعمت الهی هویدا شود. باید توجه داشت هنوز کسانی مانند معاویه به عنوان انسان های درستکار نزد بسیاری از مسلمانان شناخته می شوند. البته این نکته که بیان شده، به عقل و دانش ما رسیده، امکان دارد مسایلی در فلسفه و علت آن بیان شده که دست نیافته ایم، یا بسیاری از مسایل طرح شود که اصولاً فلسفه آن بیان نشده و

یا عقل ما نتواند به علت واقعی آن ها دست یابد، امام آن ها را به حکم عقل و منطق قبول می کنیم چون از جایگاه خطا ناپذیر الهی صادر شده است. این مسئله در پایان توضیح داده می شود.

۷ برای رجعت چندین دلیل ذکر شده، حتی مرحوم شیخ حرعاملی در کتاب شریف "الایقاظ من الهجعه" دوازده دلیل بیان نموده است. در این جا به دو دلیل اکتفا می کنیم:

الف) اجماع امامیه (شیعه). مرحوم سید مرتضی که از بزرگان شیعه است می گوید: "خدا بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از کسانی را که قبلاً از دنیا رفته اند، به این جهان باز می گرداند. دلیل بر صحت این عقیده آن است که هیچ عاقلی نمی تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند، چرا که مسئله محالی نیست. دلیل بر اثبات این عقیده، اجماع امامیه است، زیرا احدی از آن ها با این عقیده (رجعت) مخالفت نکرده است".[۷]

البته گروهی از علمای شیعه رجعت را به این معنا قبول نداشته و رجعت را به معنای حکومت و دولت حضرت مهدی (ع) تفسیر کرده اند.

ب) روایات. احادیث از ائمه اطهار(ع) در مورد رجعت فراوان است و به حد تواتر رسیده تا جایی که مرحوم علامه مجلسی می فرماید: "چگونه ممکن است کسی به صدق گفتار ائمه اهل بیت(ع) ایمان داشته باشد و روایات متواتر رجعت را نپذیرد؟ احادیث صریحی که شمار آن به حدود دویست حدیث می رسد که چهل و چند نفر از روایات موثّق، و علمای اعلام در بیش از پنجاه کتاب آورده اند".[۸]

از امام صادق(ع) معنای آیه "و یوم نحشرِ من کلّ أمه فوجاً؛ روزی که از هر امتی، گروهی را

زنـده می کنیم".[۹] سـؤال شـد، فرمود: مردم چه می گوینـد؟ مسائـل گفت: مردم می گوینـد: آن روز قیـامت است. حضـرت فرمـود: مگر در قیـامت از هر امـتی گروهی را زنـده می کننـد و بقیه را زنـده نمی کننـد؟ خیر (مردم اشـتباه می کننـد) این آیه مربـوط به رجعت است (نه قیـامت، زیرا در قیـامت همه محشـور می شونـد، نه عـده ای، در صورتی که این آیه از زنـده شـدن گروهی سخن می گوید).[۱۰]

مأمون (خلیفه دانشـمند عباسـی) به حضرت رضا(ع) عرض کرد: درباره رجعت چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: رجعت درست است. بـازگشت بعضـی از مردگان در امت های پیشـین سابقه داشـته و قرآن شاهـد آن است، و پیامبر(ص) فرمود: "آن چه در امت های گذشته بوده، در امت من نیز خواهد بود".[۱۱]

یـادآوری: همـان گونه که نیـافتن چیزی دلیـل بر نبودن آن نیست، نفهمیـدن مطلـبی هم دلیـل بر درست نبودن آن نمی باشـد. مطالب علمی بسیاری هست که ما نمی فهمیم، ولی نفهمیدن دلیل نمی شود که آن مطلب صـحیح نباشد. در اعتقادات شـرعی هم همین طور است، مثلاً فلسـفه مسـح در وضو ممکن است برای ما روشن نباشـد. این نشانه آن نیست که مسح سـر یا پا علت نـدارد. نیز باید توجه داشت که اگر مسئله ای برای ما حل نشد، به این معنی نیست که عقیده ما با قرآن یا سایر عقاید در تضاد است، زیرا می گوییم چون قرآن یا معصوم از این مسئله خبر داده می پذیریم، اگر چه برا ی ما هنوز فلسفه آن حل نشده باشد، زیرا معتقدیم آن چه خدا یا پیامبر و امام از آن خبر داده باشند، مسلّماً درست است، چون از مقام

خطا ناپذیری صادر شده است، اگر چه کیفیت مسئله و فلسفه و اهداف آها را درک نکنیم. مسئله رجعت چیزی است که در امت های گذشته واقع شده و قرآن به صراحت از آن ها خبر داده است، و بنا به روایات شیعه، در امت اسلام هم واقع خواهد شد. این نه چیز محالی است که انسان را گیج کند و نه عدم اطلاع از جزئیات آن مسئله ای است که ایجاد خلل در عقیده ما کند، که خیال کنیم عقیده ما در تضاد با قرآن است. پس مسئله رجعت امری است ممکن و نفهمیدن فلسفه آن مشکلی در عقیده ما ایجاد نمی کند.

مانند بعضی از امور دیگر که از فلسفه آن ها آگاهی نداریم، اما چون از منبع خطا ناپذیر آمده، به حکم عقل می پذیریم. مثلاً ابن سینا در کتاب شفا می گوید: اگر چه من با عقل خود نمی توانم معاد جسمانی را ثابت کنم، اما چون خبر دهنده صادقی (پیامبر اسلام) از آن خبر داده، می پذیرم (و این مسئله منطقی و عقلانی است).

در در پایان اضافه می کنیم: آنچه در مورد امامان قطعی به نظر می رسد، اصل رجعت و شرکت در برپایی حکومت عدل جهانی است، اما اینکه آیا آنها هم به طور مستقل حکومت خواهند کرد یا به همراه امام زمان، یا پس از او حکومت خواهند کرد یا نه، و اصلاً حکومت می کنند، نیز ایا همه حکومت می کنند یا بعضی مانند حضرت امیر و امام حسین(ع) به طور قطعی نمی توان سخن گفت و روایات در این باره متعدد و مختلف است.

پی نوشت ها :

[۱]تفسیر نمونه، ج ۱۵،

ص ۵۵۵.

[۲]جعفر سبحانی، منشور عقاید امامیه، ص ۲۴۱، ص ۱۲۹.

[۳]بقره (۲) آیه ۲۵۹.

[۴]بقره (۲) آیه ۵۵ و ۵۶ و ۷۲ و ۷۳ و ۲۴۳؛ آل عمران (۳) آیه ۴۹.

[۵]مائده (۵) آیه ۱۱۰.

[۶]تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۹.

[۷]شیخ عباس قمی(صاحب مفاتیح الجنان) سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۱، مادهرجع.

[۸]بحارالانوار، ج ۵۳.

[۹]نمل (۲۷) آیه ۸۳.

[۱۰]مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۵، ص ۶۳۲ (ماده: رجعت).

[۱۱]مهدی موعود (ترجمه ج ۵۱ تا ج ۵۳ بحارالانور، ص ۱۲۰۰).

هدف از رجعت قبل از رستاخیز عمومی انسانها چیست ؟

پرسش

هدف از رجعت قبل از رستاخیز عمومی انسانها چیست ؟

پاسخ

این موضوع جنبه همگانی ندارد , بلکه اختصاص به مومنان صالح العملی دارد که دریک مرحله عالی از ایمان قرار دارند , و همچنین کفار و طاغیان ستمگری که درمرحله منحطی که از کفر و ظلم قرار دارند چنین به نظر می رسد که بازگشت مجدد این دو گروه به زندگی دنیا به منظور تکمیل یک حلقه تکاملی گروه اول و چشیدن کیفردنیوی گروه دوم است .

رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟

پرسش

رجعت چیست و چرا به آن اعتقاد دارید ؟

پاسخ

رجعت در لغت عرب به معنای بازگشت است و در اصطلاح , بر بازگشت گروهی از انسانها پس از مرگ و پیش از روز رستاخیز اطلاق می شود که همزمان با نهضت جهانی مهدی موعود علیه السلام صورت می گیرد و این حقیقت , نه با عقل منافات داردو نه با منطق وحی . از دیدگاه اسلام و آیین های دیگر الهی , جوهره انسان را روح مجرد وی تشکیل می دهد , که از آن به نفس نیز تعبیر می شود و بعد از فنای بدن , باقی می ماندو به حیات جاودانه خود ادامه می دهد . از سوی دیگر پروردگار بزرگ , از نظر قرآن , قادر مطلق است و هیچ مانعی ,توانایی او را محدود نمی سازد . با این دو مقدمه کوتاه , روشن می گردد که مساله رجعت , از دیدگاه عقل امری است ممکن ; زیرا با اندک تاملی معلوم می شود که بازگرداندن این گروه از انسانها ,به مراتب از آفرینش نخستین آنان , سهل تر است . بنابراین پروردگاری که در وهله اول آنان را آفریده است , بی تردید بر بازگرداندن مجدد آنان توانایی دارد . بر اساس منطق وحی , نمونه هایی از رجعت را در امتهای پیشین می توان یافت . قرآن مجید در این زمینه می فرماید : و اذ قلتم یا موسی لن نومن لک حتی نری اللّه جهره فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون , ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون . (۱)- آنگاه که گفتید ای موسی ما هرگز به

تو ایمان نمی آوریم تا آن که خداوند بزرگ را آشکار ببینیم , پس صاعقه شما را دربرگرفت در حالی که نگاه می کردید . سپس شمارا پس از مرگتان برانگیختیم , باشد که سپاسگزاری نمایید . و در جای دیگر از زبان عیسی مسیح می فرماید : و احی الموتی باذن اللّه . (۲)- مردگان را به اذن خدای بزرگ , زنده می گردانم . قرآن کریم نه تنها بر امکان رجعت صحه می گذارد که وقوع و تحقق بازگشت جمعی ازانسانها را , پس از آن که از جهان رخت بربستند , تایید می کند , قرآن در دوآیه ای که اینک می آوریم به بازگرداندن گروهی از مردم پس از مرگ و پیش از برپایی قیامت , اشاره می کند . و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابه من الارض تکلمهم ان الناس کانوابایاتنا لا یوقنون و یوم نحشر من کل امه فوجا ممکن یکذب بایاتنا فهم یوزعون . (۳)- و چون سخن (خدا) بر آنان واقع شود , موجودی را از بین آنان بیرون می آوریم که با مردم درباره این که گفتار ما را باور نداشتند , سخن گوید . و آن روز که از میان هر امت , جمعی از تکذیب کنندگان نشانه های ما را , برانگیزیم پس آنان بازداشته خواهند شد . برای زمینه سازی استدلال به این دو آیه شریفه بر مساله رجعت پیش از روز رستاخیز ,شایسته است نکات یاد شده در زیر مورد توجه قرار گیرد :۱ - مفسران اسلامی برآنند که این دو آیه , پیرامون قیامت سخن می گوید

و آیه نخستین , یکی از نشانه های پیش از رستاخیز را بیان می کند ; چنانکه جلال الدین سیوطی در تفسیر الدر المنثور از ابن ابی شیبه و او از حذیفه نقل می کند که خروج دابه از حوادث پیش از قیامت است . (۴)۲ - تردیدی نیست که در روز رستاخیز , همه انسانها محشور می گردند , نه یک گروه معین از میان هر امت , قرآن در مورد عمومیت و فراگیر بودن حشر انسانها چنین می فرماید : ذلک یوم مجموع له الناس . (۵)- آن , روزی است که همه مردم , گرد آورده می شوند . (۶)و در جای دیگر می فرماید : و یوم نسیر الجبال و تری اللارض بارزه و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا ۰ (۷)- و روزی که کوهها را به حرکت درآوردیم و زمین را آشکار ببینی و همه آنان راگردآوری نموده و هیچ کس را فرو گذار ننماییم . بنابراین , در روز قیامت , همه افراد بشر برانگیخته می شوند و این امر به جمع معینی اختصاص ندارد . ۳ - آیه دوم از دو آیه مذکور , به برانگیخته شدن گروه خاص و جمع معینی از امتهاتصریح می نماید نه همه انسانها زیرا این آیه شریفه می فرماید : و یوم نحشر من کل امه فوجا ممن یکذب بایاتنا ۰۰۰ . - و آن روز که از میان هر امت , گروهی از تکذیب کنندگان آیات خود را برخواهیم انگیخت . این جمله به روشنی بر عدم برانگیخته شدن همه انسانها گواهی می دهد . نتیجه : از این سه مقدمه

کوتاه , به خوبی روشن می گردد که برانگیختن گروه خاصی از انسانهای تکذیب کننده آیات الهی , که از آیه دوم استفاده می شود , حادثه ای است که پیش از برپا شدن قیام , روی خواهد داد . زیرا حشر انسانها در روز رستاخیز , شامل همه افراد بشر می گردد و به گروه خاصی محدود نمی شود . با این بیان , روشنی گفتار ما مبنی بر بازگشت گروهی از انسانها پس از مرگ وپیش از برپایی رستاخیز , به ثبوت می رسد و این پدیده همان رجعت است . بر این اساس , اهل بیت پیامبر که قرین قرآن و مفسران وحی الهی هستند , به روشنگری در این زمینه برخاستند و ما برای رعایت اختصار , به دو گفتار از آنان اشاره می کنیم :امام صادق علیه السلام می فرماید : ایام اللّه ثلاثه یوم القائم علیه السلام و یوم الکره و یوم القیامه . - ایام الهی , سه روز هستند روز قیام حضرت مهدی علیه السلام و روز رجعت و روزرستاخیز . و در جای دیگر می فرماید : لیس منا من لم یومن بکرتنا .- کسی که بازگشت مجدد ما را به دنیا نپذیرد از ما نیست . شایسته است در اینجا به دو نکته مهم اشاره کنیم :۱ - فلسفه رجعت با اندیشه در انگیزه های رجعت , به دو هدف بلند از اهداف این پدیده , برخوردمی کنیم ; یکی نشان دادن جلال و شکوه واقعی اسلام و سرافکندگی کفر و دیگری دادن پاداش به انسانهای با ایمان و نیکوکار و کیفر نمودن کافران و

ستمگران . ۲ – تفاوت بارز رجعت با تناسخ لازم به ذکر است که مساله رجعت از دیدگاه شیعه هرگز مستلزم اعتقاد به تناسخ نیست ; زیرا نظریه تناسخ بر انکار رستاخیز مبتنی است و جهان را در گردش دائم می داند که هر دوره ای تکرار دوره پیش از آن است . بر اساس این نظریه , روح هر انسانی پس از مرگ , بار دیگر به دنیا باز می گردد وبه بدن دیگری منتقل می شود . پس اگر روح در زمان گذشته از نیکوکاران بوده , دربدنی قرار می گیرد که دوران بعد را با خوشی می گذراند و اگر از بدکاران بوده ,به بدنی منتقل می شود که دوران بعد را با سختی ها سپری می کند . و این بازگشت درحکم رستاخیز او است در حالی که معتقدان به رجعت , به پیروی از شریعت اسلام ,به قیامت و معاد ایمان دارند و از سوی دیگر انتقال یک روح جدا شده از بدن را به بدن دیگر محال می دانند . (۸) و تنها برآنند که گروهی از انسانها , پیش از قیامت به این جهان باز می گردند و پس از برآورده شدن حکمتها و مصالح آن , بار دیگر به سرای جاودانی می شتابند تا در روز رستاخیز , همراه با دیگر انسانها برانگیخته شوند ؟ و هرگز یک روح , پس از جدا شدن از بدن , به بدین دیگری منتقل نمی گردد .

فلسفه رجعت چیست و برای کیست؟

پرسش

فلسفه رجعت چیست و برای کیست؟

پاسخ

آنچه از برخی آیات احادیث استفاده می شود این است که رجعت برای عده یی از مؤمنان محض و گروهی از کافران محض خواهد بود مؤمنان محض شکوه و عظمت حکومت عدل جهانی اسلام را می بینند و کافران محضر مرحله یی از انتقام و عقوبت الهی را در همین جهان دریافت خواهند کرد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

دلایل رجعت

دلایل رجعت

اشاره

پس از ظهور امام زمان(ع) آیا حضرت علی(ع) و دیگر امامان بازگشت نموده به ترتیب حکومت خواهند کرد؟

پرسش

دلایل رجعت

پس از ظهور امام زمان(ع) آیا حضرت علی(ع) و دیگر امامان بازگشت نموده به ترتیب حکومت خواهند کرد؟

پاسخ

معنای لغوی و اصطلاحی رجعت: رجعت در لغت به معنای "بازگشت" و در اصطلاح به زنده شدن و بازگشت افرادی است قبل از قیامت.(۱) این عقیده مختص شیعه می باشد و بقیه فرقه های اسلامی به آن عقیده ندارند.

حقیقت و فلسفه رجعت:

شیعه را عقیده بر آن است که در هنگام ظهور حجت(عج) یا بعد از آن، ائمه معصومین(ع) و برخی مؤمنان درستکار که در مرحله عالی ایمان قرار دارند و در مسیر تکامل معنوی با موانعی مواجه شده اند و تکامل آن ها ناتمام مانده است، حکمت الهی ایجاب می کند که سیر تکاملی خویش را از طریق بازگشت به این جهان ادامه دهند. اینان می باید شاهد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشند و در بنای رفیع این حکومت شرکت جویند. هم چنین کفار و طاغیان ستمگری که در مرحله منحطّی از کفر و ظلم قرار دارند، رجعت می کنند تا علاوه بر کیفر خاص در رستاخیز، مجازات هایی در این جهان ببینند.(۲)

ب: روایات امام صادق(ع) فرمود: "رجعت عمومی نبوده، بلکه جنبه خصوصی دارد، و تنها کسانی که در بالاترین مرتبه ایمان و پایین ترین مراتب شرك قرار دارند، رجعت می نمایند".(۳)

دلایل رجعت

دلایل فراوانی بر رجعت اقامه شده است تا آن جا که برخی دوازده دلیل جمع آوری نموده اند که از سوی علمای شیعه اقامه شده است.(۴) برخی از آن ادله این است:

الف) قرآن:

شیخ حرّ عاملی ۶۵ آیه را ذکر نموده است که به طور مستقیم و یا به واسطه انضمام به احادیث وارده در ذیل آن ها بیانگر وقوع رجعت است.(۵)

از جمله،

این آیه است: "(به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم".(۶) در بخری از تفاسیر وارد شده که منظور از "آیات" امیرالمؤمنین و ائمه(ع) هستند.(۷)

۱ - امام صادق(ع) فرمود: به خـدا قسم این دنیا سپری نگردد تا این که خداونـد مردگانی را زنـده سازد و زنده ها را بمیراند و حق را به اهلش بازگرداند و دین خود را آنچنان که می خواهد بر پا دارد.(۸)

۲ - امام صادق فرمود: "نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده شده و به دنیا برمی گردد، حسین به علی(ع) است".(۹)

۳ - امام باقر(ع) فرمود: "پیغمبر اکرم(ص) و علی(ع) به دنیا رجعت می کنند".(۱۰)

اما کیفیت بازگشت و همچنین حکومت آنان به صورت کامل مشخص نشده که آیا حکومت دارند و حکومت آن بزرگواران در زمان حضرت مهدی(عج) می باشد یا بعد از آن است.

البته برخی اندیشوران با استفاده از روایات، به ترتیب میزان حکومت و ترتیب آن را بیان نموده اند.(۱۱)

ادله فراوان دیگری نیز اقامه شده است که می توانید با رجوع به کتب ذیل آگاهی یابید:

۱ -تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵.

۲ -رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی.

۳ - رجعت، محمد باقر بهبودی.

۴ - مهدی موعود، باب سی و چهارم، رجعت.

پی نوشت ها:

۱ - دانشنامه قرن، ج ۱، ص ۱۰۹۷.

۲ - تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۹.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۴ - شیخ حر عاملی، الایقاظ من الهجعه، ص ۲۹ - ۷۲.

۵ - همان، ص ۷۲، تا ص ۹۷.

۶ - نمل (۲۷) آیه ۸۳.

۷ - تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۹، به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم.

۸ - بحار، ج ۱۱، ص

.۲۷

۹ – مهدی موعود، ص ۱۱۸۶.

۱۰ – همان، ص ۱۱۸۷.

۱۱ – آیهاللّه احمدی شاهرودی، این گونه باور کنیم (سیری در عقاید)، ص ۴۰۰ به بعد، چاپ بوستان کتاب، قم.

برخی برای نفی و انکار رجعت چنین اقامه دلیل کرده اند : خداوند از آنجا که مهربانترین است و کمال بندگان خود را می خواهد وقتی کســی را از دنیا می برد که اوبه همه کمالات خود دست پیدا کرده باشد و همه قوا و اســتعدادش شــکوفا شده به فعلیت رسیده باشد . بنابراین رجو

پرسش

برخی برای نفی و انکـار رجعت چنین اقامه دلیل کرده انـد : خداونـد از آنجا که مهربانترین است و کمال بنـدگان خود را می خواهـد وقتی کسـی را از دنیا می برد که اوبه همه کمالات خود دست پیـدا کرده باشد و همه قوا و اسـتعدادش شـکوفا شده به فعلیت رسـیده باشـد . بنـابراین رجوع چنین کسـی به دنیـا پس از مرگ برابر است بـا رجوع کمال و فعلیت به قوه و اسـتعداد و چنین امری محال است . مگر آنکه مخبری صادق مثل خداونـد از آن خبر دهـد اما خداوند و اولیای او چنین خبری نداده اند . پس رجعت عقلامحال است .

پاسخ

اولا : اگر رجعت محال باشد با اخبار مخبری صادق ممکن نمی شود زیرا محال عقلی استثناء ناپذیر است .

ثانیـا : رجـوع فعلیت به قـوه محـال است . امـا در مورد رجعت چنین چیزی صـادق نیست زیرا می توان گفت همـانطور که اگر انسـانی در اثر تصـادف پیش از گذرانـدن عمر طبیعی از دنیـا برود به کمالاـت خود دست پیـدا نکرده است یعنی اگر باقی می مانـد مسـلماکمالات بیشتری تحصـیل می کرد ; می توان گفت به کمـال رسـیدن همه اسـتعدادهای برخی انسـان هـا نیز دارای شرایطی است که از آن جمله است گذرانـدن زندگی برزخی پس ازمرگ و برگشت به دنیا برای اتمام سـیر کمالی . علاوه بر این , آیات قرآن نیز فی الجمله بر این مطلب دلالت دارند . [ام حسـبتم ان تدخلوا الجنه و لما یاتکم مثل الذین خلوا من قبلکم (بقره – ۲۱۴)] . داستان پیامبرانی مانند ابراهیم , موسی , عیسی

, عزیر و ارمیا نیز شاهد این مطلب اند .

قرآن کریم کدام بازگشت به دنیا را نفی می کند ؟ و آیا نفی این بازگشت , منافاتی با اعتقاد به رجعت دارد ؟ چرا ؟

پرسش

قرآن کریم کدام بازگشت به دنیا را نفی می کند ؟ و آیا نفی این بازگشت , منافاتی با اعتقاد به رجعت دارد ؟ چرا ؟

پاسخ

قرآن کریم از کافران و تبهکاران نقل می کند که هنگامی که مرگشان فرا می رسد یاعذاب هلاك کننده ای برایشان نازل می شود که آرزو می کنند که ای کاش به دنیابرمی گشتیم و از اهل ایمان و نیکوکاران می شدیم , یا از خدای متعال درخواست می کنند که ما را به دنیا برگردان , تا گذشته خود را جبران کنیم , ولی چنین آرزوها و درخواستها , عملی نمی شود .

حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فی ما ترکت کلا انهاکلمه هو قائلها (مومنون / ۹۹)

ترجمه : تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد گوید : پرودگارا مرا برگردان ,شاید کار شایسته ای در موردی که ترك کرده ام انجام دهم . هرگز این سخنی است که او می گوید : (آرزویی است که هرگز عملی نمی شود) .

او تقول حین تری العذاب لو ان لی کره فاکون من المحسنین (زمر / ۱۷)

یا هنگامی که عذاب را می بیند گوید : ای کاش بازگشتی می داشتم تا از نیکوکاران شوم .

اذ المجرمون ناکسوا رووسهم عند ربهم ربنا ابصرنا و سمعنا فارجعنا نعمل صالحاانا موقنون (سجده / ۱۲)

هنگامی که بزهکاران سرهای خویش را نزد پروردگارشان فرو افکنده اند و گویند : پروردگارا اکنون دیدیم و شنیدیم پس ما را برگردان تاکار شایسته ای انجام دهیم اینك ما اهل یقین هستیم .

از این

آیات به خوبی استفاده می شود که عالم آخرت جای انتخاب راه و عمل به تکالیف نیست و حتی یقینی که هنگام مرگ یا در عالم آخرت حاصل می شود , تاثیری درتکامل انسان ندارد , و استحقاق پاداشی نمی آورد , از این رو کافران و گنهکاران آرزو می کنند که به دنیا برگردند تا اختیارا ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند , ولی درخواست آنها مردود می شود . و رد تقاضای آنها با رجعت منافات ندارد زیرا قرآن بازگشت کسانی را نفی می کند که عمری را با کفر و عصیان گذرانده اند و در حال مرگ آرزوی بازگشت به دنیا و جبران گناهان خود را دارند و نیز بازگشت از آخرت به دنیا را مطلقا نفی می کند و این به معنی نفی هرگونه بازگشت (از عالم برزخ) به دنیا نیست زیرا چنان که قبلا گفته شد , کسانی بوده اند که بعد از مرگ دوباره در همین دنیا زنده شده اند(مثل حضرت عزیز و اصحاب کهف) و طبق عقیده شیعیان , بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)نیز , کسانی به دنیا رجعت خواهند کرد .

چه روایاتی از معصومین رسیده که دلالت بر رجعت دوباره شهیدان به دنیا می کند؟

پرسش

چه روایاتی از معصومین رسیده که دلالت بر رجعت دوباره شهیدان به دنیا می کند؟

پاسخ

از برخی روایات چنین بر می آید که شهیدان بار دیگر به دنیا رجعت خواهند داشت.

زراره گوید: «کرهتُ أن أسأل أبا جعفر(ع) عن الرّجعه واستخفیت ذلک. قلت: لأسألنّ مسألهً لطیفه أبلغ فیها حاجتی. فقلت: أخبرنی عمّن قتل أمات؟ قال: لا الموت موت والقتل قتل. قلت: ما أحد یقتل إلاّ وقد مات؟ فقال: قول الله أصدق من قولک فرّق بینهما فی القرآن فقال: «أفإن مات أو قتل» وقال «ولئن متمّ أو قتلتم لإلی الله تحشرون» لیس کما قلت یا زراره . الموت موت و القتل قتل. قلت: فإنّ الله یقول: «کل نفس ذائقه الموت». قال: من قتل لم یذق الموت. ثم قال: لابدّ من أن یرجع حتّی یذوق الموت» (نور الثقلین ۱/۴۰۳)؛

[خوش نداشتم از امام باقر(ع) درباره مسأله رجعت مسقیماً بپرسم. آن را پنهان داشته با خود گفتم مسأله لطیف تری از او میپرسم که در ضمن آن نیازم (رجعت) برآورده شود. پس عرض کردم: به من خبر ده از کسی که کشته شده آیا مرده است؟ فرمود: نه، مردن، مردن است و کشته شدن کشته شدن. گفتم: کسی کشته نمی شود جز این که مرده است. فرمود: گفتار خداوند راست تر از گفتار توست. او (خداوند) میان این دو در قرآن فرق گذاشته و فرموده است: آیا کسی که بمیرد یا کشته شود و فرمود: اگر بمیرید یا کشته شوید به سوی خدا محشور خواهید شد. این گونه نیست که تو می گویی ای زراره. مردن، مردن است و کشته شدن کشته شدن گفتم: خداوند می فرماید: هر نفسی چشنده

مرگ است. فرمود: کسی که کشته شود مرگ را نمی چشد. سپس فرمود: ناچار باید برگردد (رجعت) تا مرگ را بچشد.

امام باقر(ع) در روایت دیگری ضمن این که رجعت شهید را بیان داشته مصداق بارز «سبیل الله» را نیز معرفّی فرموده است:

«سئل عن قول الله «ولئن قتلتُم فی سبیل الله أو مُتّم» قال: أتدری یا جابر ما سبیل الله؟ فقلت لا و الله إلاّ أن أسمعه منک. قال سبیل الله علیّ(ع) وذریّته. فمن قتل فی ولایته قتل فی سبیل الله و من مات فی ولایته مات فی سبیل الله. لیس من یؤمن من هذه الأُمّه إلاّ وله قتله و میته. قال: إنّه من قتل ینشر حتی یموت و من مات ینشر حتّی یقتل» (نور الثقلین ۱/ ۴۰۳)؛

[درباره گفتار حق تعالی و آیه «ولئن قتلتم فی سبیل الله أو متّم» آل عمران/۱۵۷ سئوال شد. فرمود: ای جابر میدانی سبیل الله چیست؟ گفتم نه به خدا جز این که از شما بشنوم. فرمود: سبیل الله علی(ع) و ذریّه و تبار او هستند. کسی که در راه «ولایت» او کشته شود در راه خدا شهید شده و کسی که در راه «ولایت» او بمیرد در راه خدا مرده است. هیچ مؤمنی از این امّت (پیامبر(ص)) نیست جز این که بر او یک کشته شدن و یک مردن است. کسی که کشته شود رجعت می کند تا بمیرد و کسی که بمیرد رجعت می کند تا شهید گردد.]

با توجه به این که در روایات آمده است، نخستین رجعت کننده امام حسین است، آیا دلیل قرآنی نیز بر تأیید این مطلب وجود دارد؟

پرسش

با توجه به این که در روایات آمده است، نخستین رجعت کننده امام حسین است، آیا دلیل قرآنی نیز بر تأیید این مطلب وجود دارد؟

پاسخ

آیات قرآن کریم، بیان کننده کلیات احکام است و جزئیات آن به وسیله روایات معصومین: بیان شده است، لذا هر چند با استفاده از برخی آیات، مانند: نمل، ۸۳ و... اصل رجعت ثابت میشود، امّا اشارهای به جزئیات آن و این که نخستین رجعت کننده امام حسیناست، نشده است.(ر. ک: تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۵، ص ۵۵۹، دارال.....Øالاسلامیه.)

رجعت را با استناد به کدام آیات اثبات می کنید؟

پرسش

رجعت را با استناد به کدام آیات اثبات می کنید؟

پاسخ

۱- رجعت به معنی عودت، بازگشت است. در اینجا به معنی بازگشت به سوی دنیا می باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضرت مهدی(ع) به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمه هدا(ع) فرا رسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و هم چنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیاندیده اند.

امام صادق(ع) می فرماید: «ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لایرجع الا من محض الایمان محضا او محض الشرک محضا؛ رجعت همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند» (میزان الحکمه، ج ۴، ص۱۹۸۴، ح ۶۹۴۱).

در رجعت اولین کسی که زمین بر او شکافته می شود، امام حسین(ع) می باشد. امام صادق(ع) می فرماید: «اول من نشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی(ع)؛ نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می شود و به دنیا برمی گردد حسین بن علی(ع) است». همچنین در روایت آمده است که امام باقر(ع) به بکیربن اعین فرمود: رسول خدا و علی رجعت خواهند کرد، (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۲، ح ۶۹۳۲ و ۶۹۳۳ - سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۱۵).

از حضرت رضا(ع) نقل شده است: مأمون به امام رضا عرض کرد: ای ابالحسن نظر شما درباره رجعت چیست. حضرت فرمود:

حقیقت دارد. در میان امت های پیشین نیز وجود داشته است و قرآن از آن سخن به میان آورده و رسول خدا(ص) فرموده است هر چه درامت های گذشته بوده در میان این امت نیز عینا و مو به مو پیش خواهد آمد، (میزان الحکمه، ج ۴، ح ۶۹۲۷، ص ۱۹۸۰).

و این که در روایت وارد شده است که از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی می کند تا حضرت حجت(عج) ظهور کند:

اولاً، این روز از روزهای دنیا است، چون که ظهور آن حضرت و دولت کریمه اهل بیت(ع) قبل از قیام قیامت است.

ثانیا، منظور معصوم(ع) از این سخن این است که ظهور حتمی و قطعی است و در مقام تأکید به امر ظهور این مطلب را فرموده است، بدین معنا که امام ظهور خواهند کرد و جای انکاری نیست، اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد. بنابراین مقصود روایت این است که ظهورامام(عج) در روز آخر دنیا اتفاق می افتد، بلکه صرفا در مقام بیان حتمیت ظهور آقا می باشد والا بنا بر روایات رجعت و روایات پیرامون وقایع بعد از ظهور امام زمان(عج) بی شک دوران ظهور و بعد از آن طولانی خواهد بود.

خلاصه سخن :

۱- رجعت از مسلمات مذهب شیعه می باشد و پیرامون آن دلایل متعددی وجود دارد.

۲- رجعت؛ یعنی، بعضی از انسان هایی که قبل از ظهور امام(عج) از دنیا رفته اند به زندگی دنیوی باز می گردند، یکی از گروه هایی که رجعت می کنند، ائمه(ع) می باشند.

برای مطالعه بیشتر ر.ک:

۱- رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی

۲- رجعت، محمد باقر بهبودی

آیا رجعت برهان و دلیل عقلی دارد ؟

پرسش

آیا رجعت برهان و دلیل عقلی دارد ؟

پاسخ

دلایل رجعت، همگی نقلی هستند. عقل تنها فتوا می دهد که رجعت از نظر عقلی محال نیست. اما این که چنین اتفاقی می افتد

بایـد به نقـل مراجعه کرد. چنـان که برای اثبـات وجود تاریخی نادرشاه بایـد به دلایل تاریخی مراجعه کرد و عقل تنها فتوا می دهـد که وجود شخصـی به نـام نادرشاه با آن ویژگی ها و خصوصـیات خاص محال نیست. رجعت نیز اصـلی دینی است که با دلایل نقلی اثبات می شود.

آیا چنین نیست که همه مردم اعم از خوب و بد در قیامت به ســزا و جزای عمل خویش می رســند؟ پس چگونه است که مومنان خالص و ممحضــین در شرک دوباره زنده می شوند تا با یکدیگر بجنگند؟ چرا چنین چیزی رخ می دهد؟ مگر آنان نتیجه کرده های خویش را از خدا دریافت نمی کنند؟ و در ن

پرسش

آیا چنین نیست که همه مردم اعم از خوب و بد در قیامت به سزا و جزای عمل خویش می رسند؟ پس چگونه است که مومنان خالص و ممحضـین در شـرک دوباره زنـده می شونـد تا با یکـدیگر بجنگنـد؟ چرا چنین چیزی رخ می دهـد؟ مگر آنان نتیجه کرده های خویش را از خدا دریافت نمی کنند؟ و در نهایت به بهشت یا جهنم نمی روند؟

Is it not that all people from good and bad will receive their award or punishment in the day of judgment? So how is it that the very faithful and the very moshrek will be brought to life again to fight with each other? Why would that be? Don't they get the ?"result of what they did from Allah and eventually go to "Behesht" or "Jahannam

پاسخ

هـدف اصـلی از رجعت برای مومنان و مشـرکان، انجام کارهای ناتمامی است که در دنیا داشـتند و موفق به اجراء نشدند. یعنی مومنـان خـالص، در دنیـا همه تلاشـشان این بوده است که دین حق را در زمین گسترش بدهنـد، امـا بـا مخـالفت طـاغوت ها و دشـمنان دین مواجه شدند و از پیاده کردن هدف خود، بازماندند. این هدف در حکومت حضـرت مهدی سـلام الله علیه تامین می شود و از باب اینکه خداونـد متعال این مومنان را در اهـدافشان خالص یافت، به آنها لطف می کند و آنها را مجددا به دنیا باز می گرداند تا بتواند در رکاب حضرت مهدی سلام الله علیه هدف خود را اجرا کنند.

همچنین سران شرک و نفاق و کفر که جلوی دین حق را گرفتند می بایست در

همین دنیا مجازات شوند و با پیروزی حق در همین دنیا تنبیه شوند، درست است در قیامت مجازات اصلی و اساسی را خواهند چشید، اما این منافاتی با خذلان و درد دنیوی ندارد با رجعت آنها و مجازاتشان در دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سزای اعمال بد خود را در دنیا می چشند.

بنابراین رجعت هیچ منافاتی با جزای و پاداش عمل خوب و بد در قیامت ندارد. بله مومنان خالص در قیامت از ایمان خود کمال بهره را خواهند برد و سران شرک و نفاق و کفر نیز به عذاب ابدی گرفتار می شوند و این پاداش و جزای اصلی دو گروه مومن خالص و مشرک خالص است، اما دولت حضرت مهدی سلام الله علیه خلاصه همه آرزوهای پیامبران و اولیاء الهی و مومنان خالص است و در این دولت که اسلام و عدالت بسط کامل می یابد، مومنان خالص و مشرکان خالص نیز به حق خود در دنیا می رسند که اولی موفق می شود که به طور عینی پیاده شدن حق را ببیند و خود نیز در آن مشارکت داشته باشد و این هدف سراسر زندگیش بوده است. و دومی بعینه باطل و سراب بودن تمام تلاشهایش را در دنیا می بیند و این هم مجازاتی سنگین برای آنهاست.

آیا کسانی که به قیام در رجعت آورده می شوند کسانی هستند که مشکل نزاع و تعارض در مورد امامت و رهبری داشته اند؟ به عنوان مثال حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) در برابر ابوبکر و عمر و عثمان با امام حسین و اصحابشان در برابر یزید و اصحابش و ... تا در امر رهبری همراه

پرسش

آیا کسانی که به قیام در رجعت آورده می شوند کسانی هستند که مشکل نزاع و تعارض در مورد امامت و رهبری داشته اند؟ به عنوان مثال حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) در برابر ابوبکر و عمر و عثمان با امام حسین و اصحابشان در برابر یزید و اصحابش و

... تا در امر رهبری همراه با کسانی که دعا می کنند که بتوانند به یاری آنها بشتابند پیکار کنند؟ آیا فلسفه قیام این است؟

Would the people who are brought to the "gheeyam" for "rojaa" be the people who had problems and conflicts about

leadership? For example would "Hazrate Imam Ali and Hazrate Fatima" vs "Abu-bakr, Umar and Usman" - "Imam Hossein and as-hab" vs "Yazid and as-hab" be there that all have to do with conflicts on leadership along with any other faithful people who pray and doa to be able to help? Is this the "falsafe" of "gheeyam"?

پاسخ

جزئیات در رجعت روشن نیست، اجمالاً مشخص است که سران ایمان و سران کفر و نفاق بازگردانده می شوند و رجعت دارند، اما کیفیت آن چگونه است و دقیقا چه کسانی رجعت می کنند، برای ما مجهول است. بله مسلم است که ائمه اطهار سلام الله علیهم و برخی از اصحاب پاک باخته آنها و برخی از پیامبران پیشین و یاران خالصشان رجعت دارند. در جانب کفر و نفاق نیز از رجعت برخی افراد نام برده شده است. همچنین مسلم است که رجعت مربوط به کسانی است که در ایمان خالص بوده و در جانب مخالف از سران و رهبران کفر و نفاق باشند.

آیا دلیل عقلی بر ضرورت رجعت وجود دارد؟

پرسش

آیا دلیل عقلی بر ضرورت رجعت وجود دارد؟

پاسخ

برخی از بزرگان برای اثبات ضرورت رجعت به ادله ای عقلی تمسک کرده اند. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:

دلیل اول: قسر دائم یا اکثری محال است

تقریر دلیل:

الف. روح ونفس ناطقه، علاقه تام به بدن عنصری دارد ولذا هر گاه بعد از مرگ توجه آن به بدن طبیعی به نحو کامل حاصل شود، زندگی جدید ممکن است.

ب. هر حقیقت، خاصیّت واثری دارد، لذا پیامبر وامام دارای قوه تکمیل وتعلیم نسبت به جمیع بشر است تا روز قیامت.

ج. در حکمت به اثبات رسیده که قسر دائمی یا اکثری محال است، یعنی هر طبیعت وحقیقتی، محال است که در هیچ وقت یا در اکثر اوقات از خاصیتش محروم گردد.

نتیجه اینکه رجوع پیامبر وامامان: به دنیا از آنجا که در زمان حیاتشان نسبت به تعلیم عموم بشر به فعلیت نرسیده، ضروری است.

دلیل دوم: ضرورت تداوم راه مصلحان

تقریر دلیل:

الف. هر شخص انقلابی که درصدد برپایی نهضتی بزرگ در سطح جامعه است، احتیاج به جانشینانی دارد که اصول ترسیم شده از ناحیه او را تبیین وتطبیق نمایند، ولذا بعد از پیامبر (ص) دوازده امام: منصوب شدند.

ب. مطابق روایات شیعه وسنّی امامان بعد از پیامبر (ص) تا روز قیامت دوازده نفرند.

ج. امام دوازدهم، حضرت مهدی (ع) بزرگ ترین قیام کننده جهانی است که با هدف برپایی حکومت عدل توحیدی در سطح جهان قیام خواهد نمود.

د. این گونه قیام، نیاز به آمدن اشخاصی بعد از او دارد که ادامه دهنده راه او در زمینه تبیین وتطبیق منویات واصول نهضت او باشند که همانند او از مقام عصمت برخوردارند.

نتیجه: ضرورت رجعت اهل بیت:.

دلیل سوم: فطری بودن رجعت

تقریر

دلیل:

الف. ضرورت حکومت عدل عالمی، فطری بشر است.

ب. عمر حضرت بعد از ظهور عادی خواهد بود، زیرا اصل در عدم اعجاز است.

ج. مطابق قاعده وروایات، مدت حکومت عدل توحیدی طولانی خواهد بود.

د. باید کسانی باشند مثل خود حضرت که ادامه دهنده راه او هستند.

نتیجه: ضرورت رجعت.

غیر از این ادلّه عقلی، جهات دیگری وجود دارد که اعتقاد به رجعت را ضروری می سازد:

۱ – وجود روایات فراوان در موضوع رجعت.

۲ – رجعت، با مسأله امامت گره خورده واشاره به مظلومیّت اهل بیت: دارد.

۳ – رجعت، زمینه ساز اعتقاد به معاد است واعتقاد مردم را به قیامت کبرا هموار می سازد.

۴ – عقیده به رجعت، اثر ترتیبی در جامعه دارد، زیرا از آنجا که عصر ظهور به مانند بهشت روی زمین است که در آن انسان های بسیار خوب وبسیار بد رجعت می کنند، لذا این عقیده مشوّق انسان بر کار خوب است تا به این فضیلت یعنی زندگی در بهشت زمین در عصر ظهور با رجعت نایل آید.

آیا قرآن به رجعت کسانی به این دنیا اشاره نموده است؟

پرسش

آیا قرآن به رجعت کسانی به این دنیا اشاره نموده است؟

پاسخ

در قرآن به رجعت به معنای رجوع کسی به این دنیا در موارد زیادی اشاره شده است. اینک به برخی از نمونه های آن اشاره می کنیم:

۱ – خداوند متعال می فرماید: {أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ المَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْياهُمْ}؛

"آیا ندیدید کسانی را که از ترس مرگ از دیار {پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۴۳. پاورقی}

خود بیرون رفتند که هزاران تن بودند، خداوند فرمود: بمیرید، همه مردند سپس آنان را زنده کرد."

آیه اشاره به زنده شدن هفتاد هزار خانوار دارد که بر اثر طاعون از دنیا رفته بودند".

{پاورقی . درالمنثور، ج ۱، ص ۳۱۱ ؛ جامع البیان، ج ۲، ص ۷۹۷. پاورقی}

۲ - خداوند می فرماید: {فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها كَذلِكَ يُحْيِي اللَّهُ المَوْتى وَيُرِيكُمْآياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ}؛ "پس دستور دادیم که پاره ای از اعضای آن گاورا بر بدن کشته بزنید تا {پاورقی . سوره بقره، آیه ۷۳. پاورقی}

ببینید که خداوند این گونه مردگان را زنده خواهد نمود وقدرت کامل خویش را آشکار خواهد ساخت، شاید شما به خرد درآیید."

آیه مربوط به کشته بنی اسرائیل است که به قدرت خداوند زنده شد.

{پاورقی . در المنثور، ج ۱، ص ۷۹ ؛ جامع البیان، ج ۱، ص ۵۰۹. پاورقی}

۳ - خداوند می فرماید: {وَإِذْ قُلْتُمْ يا مُوسى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ × ثُمَّ بَعَثْناكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ}؛ "وبه {پاورقی . سوره بقره،آیات ۵۵ù۵۶. پاورقی}

یاد آرید وقتی را که گفتید: ای موسی! ما به تو ایمان نمی آوریم مگر آنکه خدا را آشکارا ببینیم، پس صاعقه سوزان بر شما فرود آمد

وآن را به چشم خود مشاهده کردید. سپس شما را بعد از مرگ برانگیختیم، باشد که خدا را شکر گزارید."

آیه مربوط به برخی از قوم حضرت موسی (ع) است که تقاضای رؤیت خدا به چشم را کردند که این خواسته سبب نزول عذاب ومرگ آنان شد ولی خداوند بار دیگر آنها را زنده کرد.

{پاورقی . درّ المنثور، ج ۱، ص ۷۰ ؛ کشاف، ج ۱، ص ۲۷. پاورقی}

۴ – ونیز می فرماید: {أَوْ کَالَّذِی مَرَّ عَلی قَرْیَهٍ وَهِیَ خاوِیَهٌ عَلی عُرُوشِها قالَ أَنّی یُحْیِی هذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللَّهُ مِائَهَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ}؛ "یا به مانند آن کسی که به {پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۵۹. پاورقی}

دهکده ای گذر کرد که خراب وویران شده بود، گفت: به حیرتم که خداوند چگونه این مردگان را دوباره زنده خواهد کرد، پس خداوند او را صد سال میراند وسپس زنده اش کرد."

آیه مربوط به یکی از انبیای الهی است که پس از صد سال دوباره زنده شد.

{پاورقی . کشاف، ج ۱، ص ۲۹۵ ؛ درالمنثور، ج ۱، ص ۳۳۱ ؛ جامع البیان، ج ۳، ص ۴۰. پاورقی}

۵ – خداوند از حضرت عیسی (ع) حکایت کرده که فرمود: {وَأُحْیِی المَوْتی بِإِذْنِ اللَّهِ}؛ "من مرده را به اذن خدا زنده می کنم."

{پاورقی . سوره آل عمران، آیه ۴۹. پاورقی}

طبری می گوید: "حضرت عیسی (ع) مردگان را با دعایش زنده می کرد". مطابق {پاورقی . جامع البیان، ج ۳، ص ۳۷۵. پاورقی}

روایات نبوی که هر آنچه در امت های پیشین اتفاق افتاده در این امت نیز واقع خواهد شد، مسأله رجوع به دنیا بعد از مرگ در این امت نیز امری واقع شدنی است.

آیا رجعت با عقل وفلسفه سازگاری دارد؟

پرسش

آیا رجعت با عقل وفلسفه

سازگاری دارد؟

پاسخ

برخی معتقدند که رجعت با عقل وفلسفه ناسازگاری دارد:

۱ - اشکال عقلی

ولی اللّه دهلوی می گوید: رجوع معصیت کاران به جهاتی است:

الف. به جهت عذاب، که این ظلم است، زیرا عذاب آنها در آخرت است، وتکرار آن در دنیا ظلم به حساب می آید.

ب. به جهت اذیت وآزار اوست، که در قبر تحقق یافته ولذا دوباره با رجعت عبث وبیهوده است.

ج. به جهت اظهار خیانت آنها به مردم است، که این جهت در زمان وعصر آنها سزاوارتر است تا مردم آن عصر عبرت بگیرند.

د. با رجعت نیکان لازم می آید که به جهت دو بار مردن اذیت شوند.

{پاورقی . تحفه اثنی عشریه، ص ۴۸۴. پاورقی}

اولاً: عذاب کافران وگناه کاران بعد از رجعت از جمله عقوبات آنها به حساب می آید که مصلحت اقتضا کرده بخشی از آن در این دنیا صورت پذیرد. پس محظور عقلی در بین نیست.

ثانیاً: اظهار خیانت گناه کاران نسبت به مردمی که در عصر آنها نبوده اند نیز مؤثر است، واگر در عصر آنها این رجعت وعذاب صورت نگرفت به این جهت است که مردم به اجبار والجاء نیفتند.

ثالثاً: مطابق روایات، مرگ ونزع روح نسبت به اولیای الهی خصوصاً انبیا واوصیا همانند استشمام بوی خوش است.

۲ - اشکال فلسفی

می گویند: مرگ بدون استکمال حیات وخروج از قوه به فعل حاصل نمی شود. ورجوع به دنیا بعد از مرگ در حقیقت رجوع به قوّه بعد از فعلیّت است که در فلسفه بطلان آن به اثبات رسیده است.

این اشکال در مرگ های طبیعی صادق است نه مرگ های اخترامی از قبیل قتل ومرض که حیات آنها در این موارد به فعلیت تامه نرسیده است.

آیا اعتقاد به رجعت برگرفته از یهود است؟

پرسش

آیا اعتقاد به رجعت برگرفته از یهود است؟

پاسخ

احمد امین مصری می گوید: "یهود در قول واعتقاد به رجعت در تشیّع نیز تأثیر داشته است".

{پاورقی . فجر الاسلام، ص ۳۳. پاورقی}

۱ - این گونه نیست که اسلام با یهودیت در همه امور مخالف باشد، ولذا پیامبر اکرم (ص) در توصیف قرآن خطاب به آنان می فرماید: {مُصَدِّقاً لِما مَعَكُمْ}؛ "این قرآن {پاورقی . سوره بقره، آیه ۴۱. پاورقی}

تصدیق کننده چیزی است که با شماست."

ونیز قرآن می فرماید: {كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ...}؛ {پاورقی . بقره، آیه ۱۸۳. پاورقی}

"روزه بر شما مکتوب شد آن گونه که بر امت های پیشین نوشته وفرض شده است."

۲ - اعتقاد به رجعت به تبع روایاتی است که از طرق اهل بیت عصمت وطهارت: رسیده است، روایاتی که فوق حدّ تواتر است.

آیا تمام احادیث رجعت از طرق شیعه وارد شده است؟

پرسش

آیا تمام احادیث رجعت از طرق شیعه وارد شده است؟

پاسخ

اسخ : برخی از اهل سنّت اشکال می کنند که احادیث رجعت تنها از طرق شیعه رسیده ولذا اعتباری ندارد.

پاسخ:

۱ - روایات شیعه در باب رجعت از طریق اهل بیت عصمت وطهارت است که به نصّ قرآن وحدیث، کلامشان از عصمت

برخوردار است، ولذا اعتقاد به آن حتی بر اهل سنّت نیز واجب است.

۲ – سرّ عدم طرح این مسأله در کتب اهل سنّت شاید به این جهت باشد که "رجعت" تجلّی امامت امامان شیعه است، ودر حقیقت اشاره به این نکته دارد که چون حقّ آنها غصب شده، لذا خداوند دوباره آنها را به دنیا ارجاع داده وبه ولایت کامل خواهد رسانید.

آیا قول به رجعت مستلزم تناسخ باطل است؟

پرسش

آیا قول به رجعت مستلزم تناسخ باطل است؟

پاسخ

برخی می گویند: رجعت همان تناسخی است که در علم کلام به اتّفاق آراء بطلان آن به اثبات رسیده است، زیرا با رجعت، روح انسان به بدن باز می گردد.

این اشکال ناشی از سوء برداشت وعدم فهم دقیق معنای تناسخ است. تناسخ به معنای انتقال روح است در این دنیا از بدنی به بدن دیگر که مباین با بدن اول است واین عمل تا پایان عمر دنیا ادامه پیدا کند. در حالی که مورد رجعت در عصر وزمان خاصّی است که در مورد برخی از اموات اتّفاق خواهد افتاد ودر آن وقت روح آنها به جسمشان منتقل خواهد شد، آن گونه که در قیامت خواهد بود.

آیا قرآن مخالف قول به رجعت است؟

پرسش

آیا قرآن مخالف قول به رجعت است؟

پاسخ

دهلوی می گوید: مطابق برخی ازآیات، رجعت انسان به این دنیا امکان پذیر نیست زیرا خداوند متعال درخواست کسانی را که تقاضای رجوع به دنیا را نموده اند ردّ کرده است آنجا که می فرماید: {... قالَ رَبِّ ارْجِعُونِ × لَعَلِّی أَعْمَلُ صالِحاً فِیما تَرَكْتُ كَلّا إِنَّها كَلِمَةٌ هُوَ قآئِلُها وَمِنْ وَرآئِهِمْ بَرْزَخٌ إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ}؛ "می گوید: پروردگار من! مرا باز {پاورقی . سوره

مومنون،آیات ۹۹ù۱۰۰. پاورقی}

گردانید. شاید در آنچه ترک کردم [و کوتاهی کردم] عمل صالحی انجام دهم. [ولی به او می گویند:] چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید [و اگر باز گردد، کارش همچون گذشته است]، وپشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند."

پاسخ:

۱ – مورد بحث، رجعت گروهی خاص از مؤمنین وفاسقین است در حالی که آیه عموم واطلاق دارد، لذا می توان اطلاق آن را به اخبار متواتر رجعت برخی از افراد، تقیید زد.

۲ – ظهور آیه در تقاضای رجوع به دنیا قبل از مرگ وهنگام دیدن ملک الموت است نه بعد از مرگ، ومورد رجعت بعد از مرگ است.

۳ – آیه ظهور در عدم تحقق رجعت به دنیا با طلب کافر دارد، ومنافات ندارد که با امت های پیشین چنین اتّفاقی افتاده است.

۴ –آیات بسیاری نص در تحقق رجعت در این دنیا دارد، ولذا بر فرض ظهور آیه مورد نظر در عدم رجوع باید ظهور آن را تأویل نمود، زیرا نصّ مقدّم بر ظاهر است.

۵ – آیه اخصّ از مدّعی است، زیرا مربوط به درخواست رجعت از طرف کفّار است، در حالی که مورد بحث اعم است.

آیا اعتقاد به رجعت با قیامت و حشر مردگان سازگار است

پرسش

آیا اعتقاد به رجعت با قیامت و حشر مردگان سازگار است

پاسخ

رجعت از باورهای حتمی شیعه بوده در قرآن کریم هم به رویداد گذشته و هم وقوع آینده آن اشاره شده است آیاتی چون بقره ۵۶; نمل ۸۳ به امکان وقوع رجعت در آینده اشاره کرده نیز آیه های بقره ۲۵۹، ۲۴۳، ۵۵، ۲۱۴، ۷۳ و مائده ۱۱۰، از رویداد گذشته آن در امت های پیشین سخن گفته اند; افزون بر آیات قرآن روایات معصومان نیز، به این موضوع اعتقادی شیعه اشاره کرده اند.(تفسیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ،ج ۱۵، ص ۵۵۵ به بعد، دارالکتب الاسلامیه)

۲. از دلایل روی دادن رجعت ناتمام ماندن مراحل تکامل برخی انسان ها، آن هم به دلیل وقوع مرگ غیر طبیعی زودرس و

تحمیلی ماننـد مردن بر اثر قتـل یـا مرض می باشـد; روشن است که در این صورت امکـان دارد انسـان برای گذرانـدن مراحل کمال ناتمام خود، برای یک دوره زمانی پس از زنـدگی اولی دنیایی اش آماده شده به همین منظور برای بار دیگر زنده شود، یا این که شـرط سپری کردن مراحل تکامل او، فاصله شدن حیات برزخی باشد; از این رو، پس از حصول شرط مزبور، به دنیا بازگردد.(تفسیر المیزان علامه طباطبایی ، ج ۲، ص ۱۰۷، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات)

۳. بـا توجه به ویژگی هـای روز قیامت که از جمله آن ها، از میان رفتن همه جنبه های تخیّلی و وهم گونه عالم و نمایان شـدن کامل آیات الهی است که نشانه آن فارغ

شـدن کامل خداونـد از اسـباب عالم است رخـداد رجعت با ویژ گی عالم جسـمانی در ظرف خاص قیامت با مشـکلی رو به رو نبوده نمی توان گفت مانعی بر سر راه آن است

اگر رجعت برای آن است که امامان و صالحان به پاداش زحمات شان برسند; پس بهشت برای چیست

پرسش

اگر رجعت برای آن است که امامان و صالحان به پاداش زحمات شان برسند; پس بهشت برای چیست

پاسخ

۱. در توجیه هـدف از رجعت پیش از رسـتاخیز عمومی انسـان ها، چنین گفته شـده است با توجه به آن چه از روایات اسـلامی استفاده می شود، این موضوع جنبه عمومی نداشته بلکه به دو گروه خاص مربوط می شود; یکی مؤمنان دارای عمل صالح که در مرحله ای عـالی از ایمـان قرار دارنـد، و دیگری کافران و سـرکشان سـتم گری که در مرحله پستی از کفر وظلم قرار گرفته انـد; هم چنـان که در پاسـخ به پرسـش پیشـین شـما گفته شـد، بـازگشت دوباره گروه اول به زنـدگی دنیا، برای تکمیل حلقه تکامل آن هاست گروه دوم نیز، برای مجازات دنیوی و تحمّل کیفر آن بار دیگر به این دنیا باز می گردنـد.(تفسـیر نمونه آیت اللّه مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۵، ص ۵۵۹، دارالکتب الاسلامیه)

۲. بـازگشت مزبور به دنیـا، نیز در زمـان حضـرت مهـدی غ روی می دهـد. گروه اوّل در کمال عزّت و افتخار، حکومت حق و عدالت این امام معصوم را خواهند دید، و گروه دوم نیز با خواری در حالی که با کیفر الهی رو به رو شده اند، موجب تشفّی و فروکش کردن خشم کسانی می شوند که مورد ظلم و ستم آنان قرار گرفته اند.(اوایل المقالات شیخ مفید;، ص ۸۹.)

۳. از آن جـا که این پـاداش و کیفر برای دو گروه یاد شـده غیر از پاداش و کیفر قیامت بوده و به دلایل کوتاهی که بـد آن ها اشاره شد، حکمت الهی وقوع آن را ایجاب می کند; از این رو، چنین

رُخدادی با موضوع بهشت و دوزخ و پاداش و کیفر نهایی آن ها، هیچ گونه منافاتی نخواهد داشت

همان گونه که هم اینک عالم برزخ و عالم ماده و دنیا، هر دو پا برجا بوده وجود یکی با دیگری سازگار است البته این نکته از آیات و روایات فهم پذیر است که پیش از قیامت نسل بشر از بین می رود.(همان ص ۱۰۸.) این موضوع نیز با زنده شدن برخی مردگان پیش از قیامت منافاتی ندارد.

۴. با توجه به مفهوم رجعت یعنی بازگشت برخی مردگان به دنیا، این مطلب فهمیده می شود که روز رجعت مرتبه ای از مراتب قیامت و پایین تر از رتبه آن است چرا که در این روز، هر چند به صورت ناقص امکان شر و فساد وجود دارد. مفهوم روایاتی از ائمه هم که می فرمایند ایام اللّه ثلاثه یوم الظهور، یوم الکرّه و یوم القیامه روزهای خداوند، سه روز است روز ظهور حضرت مهدی غ روز رجعت و روز قیامت همین معناست (همان ص ۱۰۹.)

آیا رجعت صحیح است ؟ آیا بازگشت ائمه «علیهم السلام » بعد از شهید شدن امام مهدی (عج) میباشد ؟

پرسش

آیا رجعت صحیح است ؟ آیا بازگشت ائمه «علیهم السلام » بعد از شهید شدن امام مهدی (عج) میباشد ؟

پاسخ

قبل از اینکه به پاسخ شما بپردازیم حدیثی از امام عصر (عج) را نقل می کنم امام مهدی (عج) نسبت به شیعیان خود می فرماید : ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود گرفتاریها به شما رو می آورد و دشمنان شما را ریشه کن می کردند , از خدا بترسید و ما را پشتیبانی کنید . « بحار الانوار , ج ۵۳ , ص ۱۷۵ »

اما در مورد سوال شمانکات ذیل قابل ذکر است , در خواست می گردد چون این موضوع ا زمقوله های متفاوت کلامی , فلسفی , عقلی , روایی و نقلی مورد بحث قرار گرفته حتما برای اطلاعات بیشتر و تنویر ذهن مبارک کتب ارجاعی را مطالعه کنید .

رجعت از اصول اعتقادی اختصاصی شیعه است و سایر فرق به آن اعتقادی ندارند .

رجعت جنبه عمومی و همگانی ندارد. بلکه در مورد ائمه اطهار «علیهم السلام » و مؤمنان خالص , کافران ستمگر اختصاص می یابد .

بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام » در مورد موافقان چون در مسیر آنان سد و موانعی ایجاد شده بود. لذا برای ادامه طریق کمال و برای مشرکین خالص که پست ترین درجه آنرا ندارند جهت رسیدن به مجازات رجعت صورت می گیرد .

رجعت اختیاری است و زمان آن نیز مانند ظهور حضرت مشخص نیست .

امام صادق علیه السلام » می فرمایند: که تمامی

پیامبران « علیهم السلام » در رکاب علی علیه السلام » هنگام رجعت جنگ خواهند نمود .

اولین شخصی که به دنیا رجعت می کند به نقل از امام صادق « علیه السلام » امام شیعیان حضرت امام حسین علیه السلام می باشد .

ابن خالد کابلی به نقل از امام سجاد علیه السلام » در تفسیر آیه { ان الذی فرض علیك القران لرادك الی معاد }یعنی :آن کسی که قرآن را برتو فرض کرد تو را به بازگشتگاه بر می گرداند . می نویسد : پیامبر و علی « علیهم السلام » و همه امامان به سوی شما باز می گردند .

در ادعیه نیز به این مسأله اشاره شده است .

در زیارت جامعه می خوانیم { معترف بکم , مومن با یابکم , مصدق برجعتکم منتظرلامرکم و مرتقب لدولتکم } یعنی :« من به شما اعتراف می کنم و ایمان به بازگشت شما دارم و رجعت شما را تصدیق می کنم و منتظر امر شما و چشم به راه دولت شما هستم . »

خداوند اگر مرگی که بر همه بندگانت مسلم نموده ای میان من و ظهور مولایم جدایی بینداز با قدرت بی نهایتت مرا از قبر بیرون بیاور در حالی که کفنم را به خودم پیچیده , شمشیرم را از غلاف در آورده , نیزه ام را بدست گرداندم تا دعوت کننده ای را که در شهر و صحرا بانک بر می آورد لبیک بگویم .

« آیات ۸۳ ,سوره مبارکه نمل , آیه ۱, سوره مبارکه مدثر , ۳۶ سوره مبارکه فجر , آیه شریفه ۷۹ , سوره مبارکه ص

, ۱۳ سوره مبارکه ذاریات , ۱۲ سوره مبارکه , نازعات , ۲۰ سوره مبارکه مائده , ۳۹ سوره مبارکه یونس , ۱۲۴ سوره مبارکه طه , ۹۵ سوره مبارکه انبیاء نیز به مورد رجعت اشاره کرده اند .

د رانتها به روایتی از امام رضا « علیه السلام » در این مورد می پردازیم :حسن بن جهم گوید روزی مأمون به امام رضا علیه السلام » عرضه داشت ای ابا الحسن نظر شما در مورد رجعت چیست ؟ حضرت فرمودند : اعتقاد صحیحی است و این رجعت در امتهای گذشته بوده و قرآن هم در مورد آن سخن گفته است (مثل قصه عزیر : هنگامی که از ترس مرگ از خانه هایشان فرار کردند ......)

و گوش به گوش (یعنی دقیقا آنچه در امتهای گذشته رخ داده در این امت هم اتفاق می افتد و یکی از آن موارد رجعت است .

منابع بیشتر برای مطالعه :

۱-مهدی موعود , ج۲, ترجمه و شرحی از بحار الانوار علامه مجلسی , انتشارات جمکران

۲- رجعت بررسی جامع مفهوم رجعت از دیدگاه عقل و نقل , محمد رضا ضمیری

۳-الایقاظ من المجعه بالبرهان علی الرجعه , الحرالعاملی

۴-رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی , محمد خادمی شیرازی

۵-رشحات البحار , شاه آبادی محمد علی

۶-الشیعه و الرجعه الحیدریه , محمد رضا طبسی

آیا درست است که بر این باور باشیم که اعلام به رجعت صحیح و روا نیست زیرا باعث اغرا به جهل مردم می گردد و عده ای کم ایمان را به گناه سوق می دهد که آنان عدم ارتکاب معاصی یا توبه از گناهان را به بازگشت خود موکول کنند؟

پرسش

آیا درست است که بر این باور باشیم که اعلام به رجعت صحیح و روا نیست زیرا باعث اغرا به جهل مردم می گردد و عده ای کم ایمان را به گناه سوق می دهد که آنان عدم ارتکاب معاصی یا توبه از گناهان را به بازگشت خود موکول کنند؟

پاسخ

شبهه یاد شده را، بنا به نقل امین الاسلام طبرسی، ابوالقاسم بلخی مطرح کرده است.{۱}

به نظر می رسد که این شبهه، در درجه نخست، از عدم درک درست مفهوم رجعت در نزد شیعه ناشی شده، زیرا چنین پنداشته شده که با تحقق رجعت، اولاً همه انسان ها دوباره به زندگی دنیوی باز می گردند. ثانیاً همانند مرحله نخست زندگی، انسان ها پس از رجعت هم می توانند با پشیمانی از گناهان گذشته خود توبه کرده و خداوند هم توبه آنان را خواهد پذیرفت. در حالی که این پندار درست نیست.

برای روشن شدن حقیقت رجعت که به پاسخ شبهه مذکور نیز خواهد انجامید، توجه به مسایل ذیل ضروری است:

۱. از دیدگاه شیعه، رجعت تنها ویژه دو گروه است: کافران سرسخت که در کفر به طور کامل فرو رفته اند، و مؤمنان راستین که به مراحل والای ایمان دست یافته اند و غیر از این دو گروه، کسی دیگر به دنیا باز نخواهد گشت.

مرحوم علامه مجلسی، پس از ذکر روایات رجعت و گفته های عالمان بزرگ شیعی تصریح می کند:

از دیدگاه (شیعیان) رجعت تنها به گروهی از مؤمنان راستین و کافران فرو رفته در گرداب کفر و الحاد اختصاص دارد و غیر از این دو گروه، کسی دیگر به دنیا باز نخواهد گشت.{۲}

مرحوم شیخ مفید نیز در این مورد می فرماید: رجعت (وعده داده شده در روایات) تنها ویژه مؤمنان

راستین و کافران سرسخت از این امت است و شامل افراد امت های پیشین نیز نمی گردد.{۳}

این مطلب به صراحت در روایات مربوط به رجعت نیز آمده است که ما در این جا تنها دو نمونه ازآن را نقل می کنیم:

الف) امام صادق(ع) درباره افرادی که (همزمان با ظهور حضرت مهدی«عج») رجعت می کنند، فرمود: «ان الرجعه لیست بعامّه و هی خاصه لا ـ یرجع الاّمن محض الایمان او محض الشرک محضاً»;{۴} رجعت مربوط به همه مردم نمی شود، بلکه ویژه گروهی محدود است و جز مؤمنان راستین و مشرکان فرو رفته در منجلاب کفر و شرک، هیچ کس به دنیا باز نخواهد گشت.

ب) از امام صادق(ع) درباره آیه (و یوم نحشر من کل امّه فوجاً)؛ و روزی که از هر ملت، گروهی را محشور می گردانیم – پرسش شد، حضرت در پاسخ فرمود: مردم درباره این آیه چه می گویند؟ گفتند: آنان معتقدند که این آیه درباره قیامت است. حضرت فرمود: آیا در روز قیامت، از هر امت دسته ای برانگیخته و بقیه وانهاده می شوند؟! هرگز چنین نیست (بلکه در قیامت همه مردم محشور می گردند) این آیه، مربوط به رجعت است.{۵}

با توجه به مطالب پیش گفته، دیگر جایی برای شبهه مذکور باقی نمی ماند، زیرا اولاً شمار افرادی که وعده رجعت درباره آنان داده شده، نسبت به تمام انسان ها، بسیار اندک است. ثانیاً، هیچ کس از افراد غیر معصوم را نمی توان به طور قطع مشمول حکم رجعت دانست و او را در شمار افرادی به حساب آورد که در دوران رجعت باز خواهند گشت، زیرا در مورد هر کس (به جز معصومان(علیهم السلام» می توان احتمال داد که جز افرادی نباشد که بدانان وعده رجعت

داده شده است/

۲. افزون بر این، برخی از عالمان شیعه گفته اند: از آن جا که از اهل خلاف و عصیان، تنها کافران سرسخت رجعت خواهند کرد، حالت مرگ برای این گونه افراد، حالت بی خبری و بی هوشی است و همانند کسی که به خواب رفته باشد، چیزی از حقایق آن جهان بر او آشکار نگشته، دوباره به همان حالت پیش از مرگ باز می گردند و اساساً سکرات موت چیزی را برای این گونه افراد روشن نمی کند، بلکه با مردن، در حالت بی خبری فرو می روند.{۶}

علاوه بر این، حقایقی که در هنگام رجعت برای افراد روشن می گردد، بیش از حقایقی نیست که در روز رستاخیز بزرگ، برای افراد آشکار می گردد و در آن جا خداوند خبر داده است که اگر کافران را به دنیا بازگردانیم، باز هم بر کفر خود اصرار می ورزند و هرگز سر تسلیم فرود نمی آورند.

در سوره انعام آیه ۲۸ – ۲۹ می فرماید، کاش می دیدی هنگامی که اینان در برابر آتش دوزخ قرار می گیرند، می گویند، کاش بار دیگر باز گردانده می شدیم و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم و از زمره مؤمنان می بودیم.

آری! اینان آنچه را پنهان داشته بودند، امروز آشکار ساختند و اگر باز گردند، باز هم به همان اعمال پیشین خود که از آن نهی شده بودند، باز می گردند، اینان دروغگویانند. بنابراین، آن چنان نیست که مخالفان رجعت گمان برده اند که کافران مورد نظر، با آشکار شدن حقایق، از اعمال بد خود پشیمان شوند و راه صلاح در پیش گیرند/

[۱].مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۲۲۴، الطبعه الاولی، ۱۴۱۵، مؤسسْ الاعلمی للمطبوعات – بیروت – لبنان/

[۲].بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۸، مؤسسْ الوفا، بیروت – لبنان

- ۱۴۰۳ ه' ق/

۳].المسائل السرویْ، شیخ مفید، ص ۳۵، ناشر؛ المؤتمر العالمی/

[۴].بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹/

[۵].همان، ج ۵۳، ص ۵۳/

[۶].تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۲۲۳/

از آن جا که رجعت از نشانه ها و دلایل صحت نبوت است، ضرورت دارد رجعت همانند دیگر معجزات، در زمان حیات پیامبر(ص) رخ دهد، حال آن که می گویید: رجعت در زمان حضرت مهدی «عج» و در آخرالزمان روی می دهد؟

پرسش

از آن جا که رجعت از نشانه ها و دلایل صحت نبوت است، ضرورت دارد رجعت همانند دیگر معجزات، در زمان حیات پیامبر(ص) رخ دهد، حال آن که می گویید: رجعت در زمان حضرت مهدی «عج» و در آخرالزمان روی می دهد؟

پاسخ

یکی از اعتقادات ویژه ای که شیعه دوازده امامی آن را باور دارد، عقیده به رجعت است. رجعت در لغت به معنای بازگشت است. معنای اصطلاحی رجعت از دیدگاه شیعه این است که خداوند (هم زمان با ظهور حضرت مهدی «عج») شماری از امت محمد(ص) را پس از مرگشان و پیش از قیامت برمی انگیزاند و این باور از ویژگی های مذهب آل محمد(ص) می باشد که قرآن نیز بر درستی آن گواهی می دهد.{۱}

دانشمند بزرگ شیعه، مرحوم سیدمرتضی علم الهدی نیز عقیده بر رجعت از دیدگاه امامیه را چنین توضیح می دهد، باور شیعه امامیه این است که خداوند متعال به هنگام ظهور امام زمان«عج» گروهی از شیعیان را که پیش از ظهور آن حضرت از دنیا رفته اند به این جهان بازمی گرداند تا آنان به پاداش یاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نایل گردند. همچنین خداوند برخی از دشمنان آن حضرت را زنده می کند تا از آنان انتقام گیرد، بدین صورت که آشکار شدن حق و بلندی مرتبت پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند.{۲}

از دیدگاه دانشمندان شیعه، هیچ گونه تردیدی در اصل «رجعت» وجود ندارد و همه عالمان بزرگ شیعی اعتقاد به رجعت را از ویژگی های پیروان اهل بیت برشمرده اند.

مرحوم علامه مجلسی در کتاب گرانسنگ بحارالانوار می فرماید: عقیده به رجعت، در تمام دوران ها مورد اتفاق مذهب شیعه

بوده و این سخن چندان آشکار است که کسی نمی تواند

به انکار آن برخیزد.{۳}

شیخ مفید و سیدمرتضی نیز اعتقاد به رجعت را نزد شیعه اجماعی شمرده اند.{۴}

مرحوم شیخ حرعاملی می فرماید: فراوانی شمار نویسندگانی از شیعه که روایات مربوط به رجعت را در کتاب های خویش گرد آورده اند - که تعداد آن از هفتاد کتاب بیشتر است - دلیل بر قطعی بودن اعتقاد به رجعت از دیدگاه شیعه است.{۵}

شیخ صدوق نیز اعتقاد به رجعت را از ویژگی های پیروان تشیع دانسته است.{۶}

دانشمندان شیعه برای اثبات رجعت به دلایل قرآنی، روایی و اجماع تمسک جسته اند که ما تنها به نقل نمونه هایی از این استدلال ها بسنده می کنیم:

گواه روشن تحقق رجعت، پیش از هر چیز قرآن کریم است که در آیه ۸۴ سوره نمل می فرماید: (و یوم نحشر من کل امه افواجاً ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون)؛ روزی که از هر ملتی، گروهی از آنان را که آیات ما را تکذیب می کردند، زنده می گردانیم. در این آیه شریفه که برای اثبات رجعت مورد استناد ائمه(علیهم السلام){۷} و دانشمندان شیعه قرار گرفته است، سخن از روزی است که تنها گروهی (و نه همه مردم) برانگیخته می شوند، در حالی که در قیامت بنا به تصریح قرآن کریم همه انسان ها برانگیخته می گردند، آنجا که می فرماید: (و یوم ینفخ فی الصور ففرغ من فی السموات و من فی الارض الّامن شأالله و کل اتوه د آخرین)؛ روزی که در صور دمیده شود، همه کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، مگر آن کس را که خدا خواهد، به شدت می ترساند و همگان با ذلت نزد او حاضر می گردند.{۸}

از مقایسه این دو آیه شریفه چنین به دست می آید که آیه نخست مربوط به روزی غیر از قیامت

است و آن همان روزی است که در روایات اهل بیت به نام «رجعت» معروف گردیده است.

اما دلیل اصلی اثبات رجعت روایات بی شماری است که بر وقوع آن صحه می گذارد. مرحوم علامه مجلسی نام بیش از پنجاه تن از عالمان و محدثان شیعه را ذکر می کند که روایات رجعت را در کتاب های خویش آورده اند که اسامی برخی از آنها بدین قرار است: سلیم بن قیس هلدلی، حسن بن صفار، علی بن ابراهیم قمی، ثقه الاسلام کلینی، عیاشی، کشی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، ابوالفتح کراجکی، نجاشی، شیخ طوسی، ابن طاووس و//// /

مرحوم علامه مجلسی درباره روایات رجعت می فرماید: کسی که به حقانیت ائمه اطهار(علیهم السلام) ایمان دارد، چگونه می تواند درباره مسأله متواتری که از آنان نقل شده و نزدیک به دویست روایت صریح در این زمینه رسیده و بیش از چهل تن از ثقات و عالمان شیعه آنها را در کتاب های خود آورده اند، تردید کند؟

به راستی اگر مسأله ای مثل رجعت را نتوان از امور متواتر دانست، پس در کدامین موضوع می توان ادعای تواتر نمود؟{۹}

شیخ حرعاملی نیز روایات رجعت را فزون از شمار دانسته و درباره آن قایل به تواتر معنوی شده است.{۱۰} ما در این مقام تنها به نقل دو روایت از روایات بی شمار رجعت می پردازیم:

۱. از امام صادق(ع) درباره آیه: (ربنا اثنا اثنتین و احییتنا اثنتین) پرسش شد، حضرت در پاسخ فرمود: ذلک فی الرجعه - این آیه در مورد رجعت است.{۱۱}

۲. همچنین آن حضرت فرمود: لیس منا من لم یؤمن بکرّمنا، هر کس به رجعت ما ایمان نداشته باشد، از ما نیست.{۱۲}

افزون بر قرآن و روایات، شمار فراوانی از عالمان شیعه، عقیده

به رجعت را در نزد امامیه اجماعی دانسته اند.{۱۳}

حال با توجه ادله قطعی ای که رجعت را به مثابه یک عقیده درست ثابت می کند، بایستی دید هدف از رجعت چیست؟ آیا رجعت از جمله معجزات پیامبر اکرم(ص) است؟ آیا رجعت از نشانه های ظهور مهدی«عج» و یا معجزات آن حضرت است؟ و یا اصلاً رجعت مسأله ای دیگر و یا هدفی دیگر در نظام آفرینش طرح ریزی شده است؟

گرچه ممکن است به جهت محدودیت علم و ادراک ما نتوان به طور قاطع غرض و هدف اصلی از رجعت را ذکر کرد، اما با توجه به مجموع احادیثی که در مورد رجعت به ما رسیده است شاید بتوان اهداف ذیل را از جمله مواردی دانست که لزوم تحقق رجعت را توجیه می کند:

۱. رجعت با هدف نشان دادن عزت اسلام و ذلت کفر و شرک از سوی خداوند صورت می گیرد، بدین معنا که بازگشت به دنیا در زمانی به وقوع می پیوندد که دین خدا بر سراسر جهان حاکم شده، زمین و آنچه در آن است، یکسره در اختیار مؤمنان و خدا جویان قرار گرفته و کافران و ستم پیشگان خوار و ذلیل خواهند گشت.

بدیهی است که چنین حادثه ای هر اسنان دینداری را شادمان و خرسند و تبهکاران و کافران را به رنج و اندوه فرو خواهد برد. از این رو خداوند مهربان و حکیم، گروهی از مؤمنان راستین و شماری از کافران سرسخت را در آن روز به جهان بازمی گرداند، تا آنان از دیدن شکوه و عظمت اسلام و حاکمیت مؤمنان به وجد آیند و کافران نیز بر اثر مشاهده شوکت و قدرت پیروان دین خدا خشمگین و اندوهناک گردند و همگان دریابند

که وعده الهی تخلف ناپذیر است.

۲. گذشته از این که ممکن است افراد با ایمان در این بازگشت به مقاماتی دست یابند که تنها در هنگام سیطره کامل اسلام می توانند به آن مقامات برسند، می توان گفت: از آن جا که طبق روایات، کافرانی که رجعت می کنند از جمله افرادی هستند که بسیار در کفر خود سرسخت و لجوج بوده اند، رجعت آنان ممکن است با این هدف انجام گیرد که دست کم مقداری هر چند اندک، از جزای اعمال ننگین خود را در دنیا بچشند و تا حدودی پاسخگوی پاره ای از ظلم ها و ستم های بی حد خود باشند، هر چند مجازات اصلی در سرای آخرت به آنان خواهد رسید.

با توجه به مطالب پیش گفته بایستی این نکته را هم یادآور شد که نه در روایات مربوط به رجعت و نه در گفتار بزرگان شیعه هیچ گونه ملازمه ای میان رجعت و معجزه بودن آن برای پیامبر اکرم(ص) نیامده است، مرحوم امین الاسلام طبرسی، ضمن اشاره به این سخن ملازمه میان رجعت و صحت نبوت پیامبر(ص) آن را باطل دانسته و فرموده است: نزد ما (شیعیان) بلکه اکثر امت اسلامی، ظهور معجزه به دست ائمه و اولیا نیز رواست.{۱۴} بنابراین به هنگام تحقق رجعت، می توان آن را از جمله معجزات حضرت ولی عصر«عج» به شمار آورد.

[۱].المسائل السرویه، شیخ مفید، ص ۳۲، المطبعه مهر، ناشر: المؤتمر العالمی شیخ مفید/

[۲].رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵، تحقیق سیدمهدی رجایی، ناشر: دارالقرآن، ۱۴۰۵ ه‘ق، مطبع السیدالشهدأ/

[۳].بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۴ - ۱۲۲، الطبعه الاولی، ۱۴۰۵ ه‘ ق، مؤسس الاعلمی للمطبوعات بیروت/

[۴].همان، ص ۱۳۶ - ۱۳۹/

[۵].به نقل از همان، ص ۱۲۱/

[۶].الایقاظ من الهجعه، باب دوم/

[۷].بحار، ج

۵۳، ص ۵۳/

[۸].سوره نحل، آیه ۸۷/

[۹].بحار، ج ۵۳، ص ۱۴۴ – ۱۲۲/

[۱۰].الایقاظ من الهجعْ، باب دوم، دلیل سوم/

[۱۱].بحار، ج ۵۳، ص ۵۶/

[۱۲].همان، ج ۵۳، ص ۹۲/

[۱۳].همان، ج ۵۳، ص ۱۳۹ – ۱۳۶/

[۱۴].مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۳/

اینکه می گویند در زمان حضرت مهدی (علیه السلام) عدهایاز مردگان دوباره به دنیا بر می گردند و زنده می شوند آیا چنین چیزیممکن است؟

پرسش

اینکه می گویند در زمان حضرت مهدی (علیه السلام) عدهایاز مردگان دوباره به دنیا بر می گردند و زنده می شوند آیا چنین چیزیممکن است؟

پاسخ

۱ – بلی ممکن است زیرا ما مسلمانان به معاد و رجعت عمومیدر آخرت معتقد هستیم و خداییکه قدرت دارد همه انسانها را در قیامت زنده کند می تواند برخیاز آنها را در همین دنیا دوباره زنده نماید/

۲ – از آیات قرآن کریم استفاده می شود که خداوند بعضیاز انسانها را پس از مرگشان در همین دنیا زنده کرده است که ما به چند نمونه اشاره می کنیم و بهترین دلیل برایامکان هر چیزیواقع شدن آن است/

طولانی تغییری نکرده است، ای عزیر! نگاهی به استخوانهای پراکنده الاغ خویش کن که چگونه این استخوانهاپیراکنده را جمع می کنم و بر آنها گوشت می رویانم و آن را زنده می کنیم. وقتیکه چهارپا در برابر چشمان عزیر زنده شد گفت: می دانم که خداوند بر هر چیزیقادر است/

ب – در سوره بقره در داستان حضرت موسی (علیه السلام) می خوانیم گروهیاز بنی اسراییل را که بر اثر صاعقه کشته شده بودند مجدداً زنده کرد/

را متهم به قتل نمودند، نزاع و اختلاف بالا گرفت، موضوع را در نزد حضرت موسی (علیه السلام) مطرح کردند و او دستور داد گاویرا ذبح کنند و به بدن مقتول بزنند تا زنده شود و قاتل خویش را معرفینماید، قرآن در ادامه می فرماید و این چنین خداوند مردگان را زنده می کند/

د – حضرت عیسی (علیه السلام) زنده کردن مردگان را از معجزات خود می شمارد و می گوید:

"وَ اُحْیالمَوتیبِاِذنِ اللهِ"

«و مردگان را به اذن خدا زنده

می نمایم»

بنابراین همان گونه که در این آیات ملاحظه فرمودید خداوند در امتهاپیشین گروهیرا در همین دنیا زنده کرده است و می تواند در زمان ظهور امام زمان(علیه السلام) نیز عدهایرا زنده نماید/

نماز اقتدا می کند و همان گونه که در آیات فوق ملاحظه نمودید یکیاز معجزات حضرت عیسی (علیه السلام) زنده کردن مردگان بوده است و دلیلینداریم که این معجزه را از او گرفته باشند پس ممکن است او افرادیرا به اذن پروردگار برایپاریامام مهدی (علیه السلام) زنده نماید/

سلام) چنین قدرتیرا نداشته باشد؟ آیا بعید است که خود امام مهدی (علیه السلام) هم چنین قدرتیداشته باشد هر چند مقصود شیعه از رجعت زنده شدن مردگان است اما نسبت به این که آیا خداوند مستقیماً آنان را زنده می کند یا توسط شخصیآنان را زنده می نماید تأکیدیندارد/

ه در این مورد از ائمه اهلبیت(علیهم السلام) رسیده است و علمایشیعه در کتابهایفراوانیدرباره رجعت نوشتهاند و در آنها این روایات را ذکر نمودهاند از جمله علامه شیخ حرّ عاملیمؤلف وسائل الشیعه کتابیدارد به نام ایقاظ الهجعه فیاثبات الرجعه که چاپ شده است/

منظور از این آیه سوره نمل آیه: ۸۳ که می فرماید مافوجی از شما را زنده می کنیم چیست؟

پرسش

منظور از این آیه سوره نمل آیه: ۸۳ که می فرماید مافوجی از شما را زنده می کنیم چیست؟

پاسخ

این آیه چنانکه از سؤال شما هم استفاده می شد که مربوط به قیامت نیست چون درباره ی قیامت در آیه دیگر چنین آمده است ترجمه - آنانرا محشور می سازیم پس از آنان هیچکس را فرو گذار نخواهیم کرد.

بنابراین حضر در قیامت عمومی و همگانی است و ویژه گروهی خاص نیست.

اما آیه مورد سؤال شما - این آیه چنانکه در روایات بسیاری آمده است مربوط به رجعت است بدان معنی که پس از ظهور امام دوازدهم(علیه السلام)خداوند متعال امامان دیگر را به این جهان برمی گرداند و آنان زمام حکومت را بدست می گیرند و بر جهانیان حکومت می کنند و گروهی از کسانی هم که نسبت به خدا آیات وی تکذیب می کردند نیز زنده می شوند و اعتقاد به رجعت بطور اجمالی یکی از معتقدات اساسی شیعه است.

برای اطلاع بیشتر می توانید به کتاب غیبت و رجعت نوشته آقای شیخ مجتبی قزوینی مراجعه فرمایید.

(بخش پاسخ به سؤالات)

۳۱

چگونه می توان با استدلال به آیه ۱۱ سوره غافر]=مؤمن رجعت را اثبات کرد، چنان که برخی مفسّران چنین تفسیر نموده اند؟

پرسش

چگونه می توان با استدلال به آیه ۱۱ سوره غافر]=مؤمن رجعت را اثبات کرد، چنان که برخی مفسّران چنین تفسیر نموده اند؟

پاسخ

"قَالُواْ رَبَّنَآ أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ ِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ (مؤمن ۱۱) آن ها می گویند: پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی " چنان که خود در پرسش اشاره کرده اید، استدلال به این آیه شریفه برای اثبات رجعت توسط برخی مفسّران ارائه شده و علتی که باعث شده است همه مفسّران به این استدلال روی نیاورند، این است که درباره "دو بار میراندن و "دو بار زنده گردانیدی ، احتمالات دیگری نیز داده شده است که متناسب با اثبات رجعت نیست فقط زمانی می توانیم ادعا کنیم این آیه متناسب با اثبات رجعت است که منظور از "دو بار میراندن این باشد که مرگ یک بار در این زندگی فعلی اتفاق بیفتد، سپس برای رجعت زنده شویم و بار دوم بعد از زندگی در عصر رجعت باشد. و منظور از "دو بار زنده گردانیدن هم این باشد که خداوند یک بار ما را در دنیا زنده گردانیده که فعلاً در آن به سر می بریم سپس می میریم و بار دوّم ما را برای عصر رجعت زنده می کند; چنین تفسیری با اثبات رجعت سازگار است ولی چون این آیه شریفه درباره همه کفّار سخن می گوید و حال آن که رجعت درباره همه کافران ثابت نشده است از این رو این تفسیر مورد گفت و گو واقع شده است (ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۲۰، ص ۴۳

۴۵، نشر دارالکتب الاسلامیه)

چگونه آیه ۲۸ سوره بقره بر وقوع رجعت دلالت دارد؟

پرسش

چگونه آیه ۲۸ سوره بقره بر وقوع رجعت دلالت دارد؟

پاسخ

"کَیْفَ تَکْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ کُنتُمْ أَمْوَتًا فَأَحْیَکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یُحْیِیکُمْ ثُمَّ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (بقره ۲۸) چگونه به خداوند کافر می شوید، در حالی که شما اجسام بی روحی بودید و او شما را زنده کرد، سپس شما را می میراند، و بار دیگر شما را زنده می کند، سپس به سوی او باز می گردید."

در این آیه شریفه سخن از یک مردن]=کنتم أمواتا[و یک میراندن]=یمیتکم و دو بار زنده گردانیدن است]=۱ فاحیاکم ۲ یحییکم تفسیری که مناسب با اثبات رجعت است این است که بگوییم منظور از "مردن در آیه شریفه زمانی است که ما هنوز به دنیا نیامده ایم به همین جهت هم تعبیر به میراندن نفرمود; زیرا میراندن بعد از حیات است ولی مرده بودن لازم نیست بعد از حیاتی باشد; پس وقتی انسان به دنیا آمد، "زنده گردانیدن اوّل محقق می شود. و بعد از آن که خدا او را از این زندگی فعلی میراند "میراندن" آیه هم محقق می شود، پس تا این جا سه مرحله محقق شد. "مردن ، "زنده گردانیدن ، "میراندن ; سپس می فرماید: "شما را زنده می گردانیم مقصود از این زنده کردن همان رجعت است و در آخر می فرماید: "ثم إلیه ترجعون ; یعنی بعد از آن به سوی خدا برمی گردید (اشاره به میراندن بعد از پایان رجعت . البته این آیه شریفه را به گونه های دیگر نیز می توان تفسیر کرد که مطابق با وقوع رجعت باشد، ولی به هر حال تطبیق آیه شریفه بر مسئله

رجعت مشکل است زیرا ۱. آیه درباره همه کفّار سخن می گوید، در حالی که این مطلب که رجعت درباره همه کفّار باشد مسلّم نیست ۲. آیه به صراحت می فرماید: بعد از مرگ یک حیات بیش تر نیست که طبعاً حیات و زندگی آخرت است (ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱، ص ۱۶۴، نشر دارالکتب الاسلامیّه)

سایر مواد

بعد از امام زمان عده ای از افراد صالح , از عالم برزخ فراخوانده می شوند و جزء یاران حضرت می گردند. آیااعمال این افراد دوباره ثبت می گردد و در قیامت از آنها بازخواست می گردد؟ آیا دوباره درد جان کندن و فشار قبر دارند؟آیا گناه و عصیان در آن جامعه وجود دارد؟

پرسش

بعد از امام زمان عده ای از افراد صالح , از عالم برزخ فراخوانده می شوند و جزء یاران حضرت می گردند. آیااعمال این افراد دوباره ثبت می گردد و در قیامت از آنها بازخواست می گردد؟ آیا دوباره درد جان کندن و فشار قبر دارند؟آیا گناه و عصیان در آن جامعه وجود دارد؟

پاسخ

پس از ظهور حضرت ولی عصر(عج) عده ای بسیار محدود از اولیای خداوند که در طهارت روح , ایمان قلبی , اشتیاق به ظهور و سایر فضایل اخلاقی , منحصر به فرد بوده اند, سر از خاک بر می دارند و به جمع یاوران حضرت می پیوندند. عده ای از ایشان در رکاب حضرت به شهادت می رسند و عده ای به مرگ طبیعی از دنیا خواهندرفت . بدین ترتیب آنها دوبار زندگی در جهان را تجربه خواهند کرد. از این روی تابع قانون آن خواهند بود. در نتیجه ,اعمال آنان مانند گذشته ثبت و ضبط می گردد. اما چون جز خیر از ایشان سر نمی زند, بازخواست عذاب قیامت , جان کندن در حال احتضار و فشار قبر چندان برایشان معنا و مفهومی ندارد و مسلّماً میان حیات و ممات آنان باانسان های معمولی تفاوت وجود دارد().

درباره وجود گناه در چنان جامعه ای باید بگوییم که متأسفانه در آن جامعه گناه و عصیان وجود دارد, منتهی درحد افراد و گروه ها است , نه به طور وسیع و عالم گیر.

(پاورقی ۱. تاریخ مابعد الظهور, سیدمحمد صدر, چاپ بیروت .

آن چنان که می گویند در موقع ظهور امام زمان(ع) ایشان از بعضی افراد، مانند دشمنان اسلام و قاتلان فاطمه زهرا(س) و قاتلان کربلا انتقام می گیرد، در صورتی که آن ها سال ها پیش مرده اند. این امر چگونه است؟ توضیح دهید.

پرسش

آن چنـان که می گوینـد در موقع ظهور امـام زمان(ع) ایشان از بعضـی افراد،ماننـد دشـمنان اسـلام و قاتلان فاطمه زهرا(س) و قاتلان کربلا انتقام می گیرد، در صورتی که آن ها سال ها پیش مرده اند. این امر چگونه است؟ توضیح دهید.

پاسخ

این سؤال در خصوص رجعت است. از این رو لازم است حقیقت رجعت مورد بررسـی قرار گیرد. "رجعت" از عقایـد معروف شیعه است و تفسـیرش در یـک عبـارت کوتاه چنین است: بعـد از ظهور حضـرت مهـدی(ع) و در آسـتانه رسـتاخیز گروهی از مؤمنان خالص و کفار و طاغیان بسـیار شـرور به این جهان باز می گردند. گروه اوّل مدارجی از کمال را طی می کنند و گروه دوم کیفرهای شدیدی می بینند. مرحوم سید مرتضی از علمای شیعه می فرماید: خداوند متعال بعد از ظهور حضرت مهدی(ع) گروهی از کسانی را که قبلاً از دنیا رفته انـد، به این جهان باز می گرداند، تا در ثواب و افتخارات یاری او و مشاهده حکومت حق بر سراسـر جهـان شـرکت جوینـد و نیز گروهی از دشـمنان سـر سـخت را باز می گردانـد تا از آن ها انتقام گیرد. بعـد می فرماید: دلیل بر اثبات این عقیده اجماع امامیه است، زیرا احدی از آن ها با این عقیده مخالفت نکرده است.(۱)

البته از کلمات بعضـی از قدمای علمای شـیعه و همچنین از سـخنان مرحوم طبرسـی در مجمع البیان بر می آید که اقلیّت بسـیار کوچکی از شـیعه با این عقیـده مخالف بودند و رجعت را به معنی بازگشت دولت و حکومت اهلبیت(ع) تفسـیر می کردند، نه بازگشت اشخاص و زنده شدن مردگان، ولی مخالفت آن ها طوری است که لطمه ای به اجماع نمی زند.(۲)

بدون تردید احیای گروهی از مردگان در این دنیا محال نیست، همان

گونه که احیای جمیع انسان ها در قیامت کاملاً ممکن است. عقل چنین امری را محال نمی بینـد و قدرت خدا آنچنان وسـیع و گسترده است که همه این امور در برابر آن سـهل و آسان است. در قرآن مجید، وقوع وجعت اجمالاً در پنج مورد از امت های پیشین آمده است، از جمله این آیات؛

۱- آیه ۲۴۳ سوره بقره است که در آن سخن از جمعیتی است که از ترس مرگ از خانه های خود بیرون رفتند. خداوند فرمان مرگ به آن ها و سپس آن ها را زنده کرد. (فقال لهم اللّه موتوا ثم أحياهم).(۳)

۲- نیز به آیه ۲۶۱ سوره بقره استـدلال شـده که در آن سـخن از پیـامبری است که از کنار یک آبادی عبور کرد، در حالی که دیـدارهای آن فرو ریخته بود و اجساد و اسـتخوان های اهل آن در هر سو پراکنـده شـده بود و از خود پرسـید: چگونه خداوند این ها را پس از مرگ زنده می کند؟ خدا او یکصد سال میراند و سپس زنده کرد و به او گفت: چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد: یکروز یـا قسـمتی از آن. فرمود: نه، بلکه یکصـد سـال بر تو گـذشت. این پیامبر عُزیر باشـد یا پیامبر دیگری، تفاوت نمی کند. مهم صراحت قرآن در زندگی پس از مرگ در همین دنیا است (فأماته اللّه مأه عام ثم بعثه).

۳- در آیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره درباره "بنی اسـرائیل" می خوانیم که گروهی از آن ها بعـد از تقاضای مشاهده خداوند گرفتار صاعقه مرگباری شدنـد و مردنـد، سـپس خداوند آن ها را به زندگی برگرداند تا شـکر نعمت او را به جا آوردند. (ثم بعثناكم مِن بعد موتكم لعلكم تشكرون).

۴- در آیه ۱۱۰

سوره مائده ضمن بر شمردن معجزات حضرت عیسی(ع) می خوانیم: "و إذ تخرج الموتی بإذنی؛ تو مردگان را با فرمان من زنده می کردی". این تعبیر نشان می دهد که مسیح(ع) از این معجزه خود (احیای مردگان) استفاده کرد، بلکه تعبیر به فعل مضارع (تخرج) دلیل بر تکرار آن است و این یک نوع رجعت برای بعضی محسوب می شود.

۵- در سوره بقره آیه ۷۳ در مورد کشته ای که در بنی اسرائیل برای پیدا کردن قاتلش نزاع و جدال برخاسته بود، می فرماید: "دستور داده شد گاوی را با ویژگی هایی سر ببرند و بخشی از آن را بر بدن مرده زنند تا به حیات باز گردد [و قاتل خود را معرفی کند و نزاع خاتمه یابد] (فقلنا اضربوه ببعضها کذالک یحیی اللّه الموتی و یریکم آیاته لعلّکم تعقلون)(۴)

البته موارد دیگری را همچون داستان اصحاب کهف که آن نیز چیزی شبیه به رجعت بود، می توان در قرآن کریم مشاهده کرد.

مرحوم علامه مجلسی می فرماید: بیش از دویست حدیث داریم که چهل و چند نفر از راویان ثقات و علمای بزگوار در بیش از پنجاه کتاب آورده اند و این روایات وقوع رجعت را تأیید می کنند.(۵)

امام صادق(ع) در حدیثی می فرماید: "إنّ الرجعه لیست بعامه، و هی خاصه، لایرجع إلا من محض الإیمان محضاً، أو محض الشرک مخصاً؛ رجعت عمومی نیست، بلکه جنبه خصوصی دارد. تنها گروهی بازگشت می کنند که ایمان خالص یا شرکت خالص دارند"(۶) رجعت از معتقدات شیعه است و رایحه قیامت از آن استشمام می شود و با شواهد قرآن که ذکر شد، تحققق آن مشکل نیست و مهدی موعود(ع) انتقام خون های به ناحق ریخته را از اشقیا و دشمنان ائمه خواهد گرفت.

(۱.تفسیر

نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵.

پاورقی۲.همان، ص ۵۵۶.

پاورقی۳ .تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۶.

پاورقی۴ تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۷.

پاورقی۵. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.

پاورقی۶ همان، ص ۳۹.

همه می گویند انتقام گیرنده خون امام حسین(ع)، امام زمان(ع) است. امام زمان(ع) از چه کسی انتقام خواهد گرفت؟ مگر قاتلان امام حسین(ع) به سزای اعمال خود نرسیدند؟

پرسش

همه می گویند انتقام گیرنده خون امام حسین(ع)، امام زمان(ع) است. امام زمان(ع) از چه کسی انتقام خواهد گرفت؟ مگر قاتلان امام حسین(ع) به سزای اعمال خود نرسیدند؟

پاسخ

در زیارت عاشورا و دعای ندبه موضوع خونخواهی حسین(ع) توسط امام زمان(ع) مطرح شده است: "ان یرزقنی طلب ثارك مع امام منصور من أهل بیت محمد(ص)". اگر داستان کربلا را از روز تاسوعا تا عصر عاشورا بدانیم و به آن به صورت یک حادثه بدون مقدمه و دنباله نظر افکنیم، البته یزید و ابن زیاد و عمر سعد که آن فاجعه خونین را به وجود آوردند، به سزای عمل ننگین خود رسیدند، اما اگر به این جریان تاریخ با دقت بیش تر بنگریم و کربلا را از آغاز تاریخ بشر تا وقتی که بشر هست، مورد مطالعه قرار دهیم و عاشورا را چند ساعت و چند روز و کربلا را زمین مخصوص نپنداریم، بلکه هر روز را عاشورا و هر زمین را کربلا بدانیم، امام حسین(ع) را باید در طول تاریخ بشریت جستجو کنیم. حسین(ع) وارث خون هابیل، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد و علی است و تمام مصلحان بعد از عاشورا، وارث خون حسین(ع) می شوند.

این زنجیره طولانی از آدم تا آخرالزمان ادامه پیدا می کند، تا به خونخواه و منتقم اصلی یعنی امام زمان(ع) می رسد. اینجا سخن از یزید و شمر و عمر سعد نیست، بلکه سخن از یزیدیان و ابن زیادها و شمرها در تاریخ بعد از حسین(ع) است که خون حسینیان را به زمین می ریزند. آخرین حلقه ظالمان و ستمگران که یزیدیان زمان هستند، به دست امام زمان(ع) کشته شده و انتقام این خون ها گرفته خواهد شد.

روایت شده که انتقام خون پدران خود را از کافران که به آنها ظلم کردند خواهم گرفت آیا مردگان آن زمان دوباره زنده می شوند و یا مقصود از کافران امروز هست؟

پرسش

روایت شده که انتقام خون پدران خود را از کافران که به آنها ظلم کردند خواهم گرفت آیا مردگان آن زمان دوباره زنده می شوند و یا

مقصود از کافران امروز هست؟

پاسخ

روایات و احادیث در زمینه انتقام گرفتن حضرت ولی عصر (عج) از دشمنان اهلبیت (ع) وجود دارد که نشان دهنده این مطلب است که ایشان انقلاب عظیم اخلاقی برپا می کند و صلح واقعی به پا می دارد و ایشان سازمان تشکیلات دولت خود را بر اساس عدل و داد خواهند گذاشت و فرمانفرمایی خواهند فرمود و انتقام مظلومان را از بیدادگران خواهند گرفت. حضرت علی در مورد انتقام جویی حضرت از بنی امیه چنین می فرماید: " به خدا سوگند اگر شما را زیر سنگها پراکنده سازند خداوند شما را گرد خواهد آورد برای روزی که برای آنها برترین روزهاست. شما به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید اگر آنها ساکت شوند و در خانه نشستند شما نیز سکوت کرده به زمین بچسبد و اگر از شما یاری طلبیدند به یاری آنها بشتابید که البته خدای متعال به دست مردی از اهل بیت ناگهان فرج عنایت خواهد کرد که پدرم فدای او باد......

خداوند او را به بنی امیه مسلط خواهد نمود تا آنها را زیر پاهایش پایمال سازد و با آنها چون سنگ آسیاب رفتار کند که: (آنها لعنت شده ها هستند، هر کجا یافت شوند دستگیر شده، کشته می شود چه کشته شدنی به این سنت خداست در مورد آنها که قبلاً آمدند و رفتند و هرگز برای سنت خدا تغییر و تبدیل نخواهی یافت) (۱) و.... در پایان این روایت این جمله به چشم می خورد که این سنت خدا برای آنها که قبلاً آمدند و رفتند. این جمله نشان دهنده این مطلب است که این انتقام جویی برای ظالمین گذاشته نیز می باشد

که آنها دوباره رجعت کرده به دنیا باز گردانیده میشوند و انتقام خون اهل بیت را از آنها خواهند ستاند.

روایت دیگری نیز از امام علی وارد شده که فرمود: " هنگامی که قائم ما ظاهر شود از کسانی که بدون علم فتوی داده اند انتقام می گیرند. وای بر آنها و پیروان آنها. آیا دین خدا ناقص بود که آنها تکمیل کردند؟ آیا در دین خدا انحرافی بود که آنه درست کردند؟ .... آیا پیامبری بعد از رسول اکرم آمده که از او پیروی کرده اند"

ایشان در مورد شکایت از دانشمندان می فرماید: دو گروه کمرم را شکست: ۱ دانشمندان گستاخ ۲ نادان زاهد مآب، دانشمندان گستاخ با رأی خود فتوی می دهند و احکام دین را دگرگون می سازند و نادان زاهد مآب با شیوه غلط خود مردم را به گمراهی می کشند. (۲) این دو گروه که حضرت از آنها شکوفه دارد گروه هایی هستند که بعد از پیامبر اکرم با فتوی های غلط خود مردم را به گمراهی کشانند و هم چنین افرادی که در حال حاضر با فتوا های نادرست خود مردم را از اسلام بیزار می نماید که با حضور حضرت حجت این گروه ها نیز از بین خواهند گرفت و حق مظلومان را از دست ظالمان این چنینی خواهند ستاند.

امام محمد باقر از روز سختی که در انتظار جنایتکاران و ستمگران است سخن گفته می فرماید: " اگرمردم بدانند که مهدی به هنگام خروج با ستمگران چه می کند؟ بیشتر مردم دوست می دارند که او را درک نکنند و آن کشتار را نبینند آگاه باشید که او از قریش آغاز می کند و از آنها شمشیر دریافت می کند و به آنها خبر

شمشیر منی دهند. بسیاری از مردم می گویند این از آل محمد بود ترحم می کرد" (۳)

امام باقر در تفسیر آیه شریفه " فمهل الکافرین امهلهم رویداً" فرمود: " ای محمد کافران را مهلت بده مهلت دادی که اگر قائم قیام کند از ستمگران و جنایتگران قریش، بنی امیه، و هر قوم دیگر انتقام خواهد گرفت" (۴)

از این احادیث و روایت چنین بر می آید که حضرت ولی عصر انتقام خون پدران خود را هم از کافران این زمان و هم از کافرانی که به ائمه ستم نمودند و محسن فاطمه را به شهادت رساندند را خواهند گرفت به امید فرج هر چه زودتر حضرت.

منابع و مآخذ:

۱-احزاب. ۶۳،۶۱. منتخب الاثر، ص۲۳۸ ۱۷۲، اصول کافی جلد ۲، صفحه۳۲۳ بشاره الاسلام، صفحه ۱۹۹ نهج البلاغه، جلد۱، صفحه ۱۰۲۰۵، الحاوی الفتاوی، جلد۲، صفحه۱۴۶.

۲-الزام الناصب، صفحه۱۹۴ بشاره اسلام صفحه ۷۵

۳-بحارالانوار، جلد ۵۱ صفحه ۳۵۴. بشاره الاسلام، صفحه۲۷۷ الزام الناصب، صفحه ۲۲۳

۴-الزام الناصب، صفحه ۲۴۳ بحار انوار، جلد۵۳، صفحه ۵۸ و ۱۲۰

مطالب جمع آوری شده از کتاب روزگارهایی، تألیف کامل سلیمان ، ترجمه: علی اکبر مهدی پور

اینکه میفرمایند امام زمان (عج) تشــریف خواهند آورد و ظهور خواهند کرد و انتقام حضــرت ســید الشهداء و... و ائمه طاهرین را می گیرند خوب کسانیکه به ائمه ظلم کرده اند از رآس (خلفاء) تا آخر (سربازان حکومت) که همه مرده اند پس حضرت حجت از چه کسانی انتقام می گیرند؟

پرسش

اینکه میفرمایند امام زمان (عج) تشریف خواهند آورد و ظهور خواهند کرد و انتقام حضرت سید الشهداء و... و ائمه طاهرین را می گیرند خوب کسانیکه به ائمه ظلم کرده اند از رآس (خلفاء) تا آخر (سربازان حکومت) که همه مرده اند پس حضرت حجت از چه کسانی انتقام می گیرند؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که بیان فرمودید نکات زیر قابل توجه به نظر می رسد:

۱ در بعضی موارد آمده که خداوند متعال آنها را برمی انگیزد (یعنی زنده می کند)(۱)

۲ در بعضی موارد نیز دارد که خود امام زمان (عج) زنده می کند. (۲)

۳ در نتیجه هیچ ابهامی وجود ندارد چون می توان زنده کردن را هم به خداوند متعال نسبت داد و هم به امام زمان (عج) چون اگر بگوییم خداوند متعال زنده کرده به این دلیل است که او بر همه چیز قادر است و همانطور که ما را در قیامت زنده می کند، آنجا نیز زنده خواهد کرد. و اگر بگوییم امام زمان (عج) زنده میکند به این دلیل که او نیز به امر الهی و قدرت او زنده می کند و زمانی که حضرت عیسی (ع) که سرباز و نوکر امام زمان (عج) است می تواند مرده زنده کند خود حضرت مهدی که حتماً می تواند.

خداوند متعال همه ما را بصیر در دینش قرار دهد ان شاء الله

منابع و مآخذ:

۱و ۲ کتاب مهدی منتظر، شیخ محمد جواد خراسانی، ص۱۹۵ به بعد

هدف از مخالفت اهل سنت با اعتقاد به رجعت چیست

پرسش

هدف از مخالفت اهل سنت با اعتقاد به رجعت چیست

پاسخ

"رجعت به عقیده امامیه و شیعیان عبارت از آن که خداوند متعال به هنگام ظهور امام زمان حضرت مهدی غ گروهی از شیعیان و مؤمنان راستین را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند، به دنیا باز می گرداند تا آنان به پاداش یاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدّس نائل آیند و نیز برخی از دشمنان اهل بیت را زنده می کند تا از ایشان انتقام گرفته شود و بدین ترتیب روشنی حق وبلندی مقام و مرتبه پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند.(ر.ك بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ص ۱۳۸، مؤسسه الوفأ، بیروت)

به همین خاطر اهل سنت اعتقاد به رجعت را مردود می دانند; زیرا اگر چنین عقیده ای را بپذیرند، به معنای آن است که خلفای آن ها در اشتباه بوده و در گروه دشمنان اهل بیت قرار گرفته و حوادث و امور مربوط به رجعت بر آن ها تطبیق می شود، از این رو تلاش کرده اند که با استدلال هایی همچون مخالف بودن رجعت با سنت عمومی الهی بی هدف بودن رجعت و... عقیده به رجعت را بی اساس جلوه دهند; غافل از آن که رجعت بر خلاف سنت عمومی الهی نبوده و در امت های گذشته نیز روی داده و شماری از انسان ها بعد از مردن به همین جهان بازگشته و دوباره رفته اند پس نمی توان مسأله رجعت را یک سنّت صد در صد کلی تخلف ناپذیر الهی دانست

و افزون بر این بر رجعت اهدافی مترتب است از جمله

۱. رجعت به منظور مشاهده عزت اسلام و حق

و از طرفی نشان دادن ذلّت کفر و دشمنی با اهل بیت پیامبر اکرم می باشد و نشانه تحقق یافتن وعده الهی و حق بودن آن است

۲. با رجعت گناهکاران وکافران در دنیا عـذاب ها و کیفرهایی را که می بایست ببیننـد، می بیننـد و کیفرهای دنیوی آن ها در سازندگی و عبرت آموزی انسان ها در دنیا نقش اساسی دارد. و موجب خواری و سرافکندگی کسانی می شود که روزگاری با ظلم و زور و حق کشی حکومت می کرده اند.

و...(ر.ک رجعت از دیدگاه عقل قرآن حدیث حسن طارمی ص ۳۷۰، انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

آیا دوره ولایت بعد از امام زمان (عج)به پایان می رسد ؟

پرسش

آیا دوره ولایت بعد از امام زمان (عج)به پایان می رسد ؟

پاسخ

چنیـن نیست که پس از امـام زمـان(عـج) دوره ولـایت پایـان پـذیرد. ولـایت در زمین آخرین چیزی که برداشـته می شـود و با برداشته شدن آن، بساط زمین و زمان نیز برداشته می شود و قیامت برپا می شود.

اولا، طبق روایات پس از امام زمان(عج) ائمه اطهار(ع) و برخی پیامبران رجعت می کنند و با آنها ولایت امتداد می یابد.

برای آگـاهی بیشتر ر.ک: ظهور نور، علی سـعادت پرور، ترجمه سـید محمـد جواد وزیری فرد، احیاء کتابف چاپ دوم ۱۳۸۰، صص ۲۱۹ – ۲۵۸).

ثانیا، بر حسب روایات مکرر ائمه اطهار، امان زمین هستند که با نبود آنها زمین و زمان برچیده می شود.

از طریق اهل سنت روایات متعددی درباره اهل بیت عصمت و طهارت نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱– در ینـابیع المـوده، ۱/۱۹: از رسول گرامی اسـلام(ص) نقـل می کنـد: النجوم امـان لاهـل السـماء، فـاذا ذهبت النجوم، ذهب السـماء و اهل بیتی امان لاهل الارض، فاذاذهب اهلی بیتی ذهب اهل الارض ؛ سـتارگان امانی بر اهل آسمان ها است، هنگامی که سـتارگان [از بین [برونـد، آسـمان هم [از بین[می رود و خانـدان من، امـان اهالی زمین است، هنگامی که خانـدانم [از دنیا] بروند، اهالی زمین هم از بین می روند{M.

۲– در فرائد السعطین، ص ۲۰، از پیامبر گرامی اسـلام نقل می کنـد: ... و اهل بیتی امان لاهل الارض، فاذا ذهب اهل بیتی جاء اهـل الارض من الایات ما کانوایوعـدون... ؛ و خانـدان من امان برای اهالی زمین هسـتند، پس هنگامی که خانـدان من [از دنیا

[بروند، برای اهالی زمین نشانه هایی که به آنهاوعده داده

شده است، پیش می آید (یعنی قیامت برپا می شود){M.

روایات در این باره در کتاب های اهل سنت بسیار است، که برای اطلاع بیشتر به کتاب «الشیعه والرجعه»، مرحوم شیخ محمدرضا طبسی، صص ۱۰ - ۹ مراجعه فرمایید.

از طریق شیعه و در کتاب های روایی شیعه نیز روایات متعددی به این مضمون نقل شده است که فقط به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- الکافی، ۱/۱۷۹، از امام صادق(ع): او بقیت الارض بغیر امام ساعه لساخت ؛ اگر زمین لحظه ای بدون امام باقی باشد، از هم می پاشد (زمین واهل آن هلاک می شوند){M.

۲- بحارالانوار، ۲۳/۵، از امام صادق(ع): و لولا ما فی الارض منّا لساخت باهلها ؛ اگر در زمین یکی از ما [اهل بیت] نباشد، زمین با اهلش از هممی پاشد (و هلاک می شوند){M.

۳- بحارالانوار، ۲۳/۲۹، از امام رضا(ع): لو خلق الارض طرفه عین من حجه لساخت باهلها ؛ اگر زمین چشم به هم زدنی از حجت خالی باشد، بااهالیش از هم پاشیده می شود{M.

معنای روایت این است که چون امام انسان کامل است که حجت خدا بر روی زمین و خلیفه الهی بر روی زمین است و بلکه واسطه تمامی فیوضات و نعمتها بر موجودات مادی و از آن بالاتر امکانی است، اگر امام از دنیا رخت بر بندد و امامی پس از او نباشد که واسطه فیض الهی باشد، زمین و زمان از هم خواهد پاشید. زیرا در جای خود اثبات شده است که فیض الهی دائمی است و هیچگاه قطع نمی شود، اما این فیض به واسطه خلیفه الهی و حجت خدا به بندگان و موجودات می رسد و اگر امام نباشد و واسطه فیض رابطه اش با عالم طبیعت و مادی

قطع شود، طبیعتا جهان مادی نیز از فیض محروم می شود. فیضی که باعث دوام و بقایش بوده است، دیگر به آن نخواهد رسید. بنابراین از هم خواهد پاشید.

موجودات جهان مادی و عالم امکان که از آنها به ماسوی الله تعبیر می شود، فقر محض اند و در پیدایش و بقا خود نیازمند بی نیاز مطلق اند و در هر حال عین ربط و وابستگی به حق تعالی می باشند و بدون فیض الهی توانی برای ایستادگی و ادامه حیات و ابراز وجود ندارند و امام(ع) واسطه همه فیوضات الهی است و اگر او نباشد، تمامی جهان مادی بلکه عالم امکان از هم خواهد پاشید.

«اگر نازی کند در دم فرو ریزد قالبها».

برای روشن شدن رابطه امام و عالم امکان به این مثال توجه فرمایید. ساختمانی را در نظر بگیرید که از اجزا و مصالحی مختلف تشکیل شده و زیر ساخت و روبنایی دارد. اما تمام این ساختمان بر روی پایه هایی بنا شده است که قوام و دوام و استحکام ساختمان به این پایه هاست. اگر این پایه را بر دارند، در دم ساختمان بر روی ساکنانش خراب می شود. امام در جهان آفرینش به منزله ستونهای جهان است که اگر نباشد، جهان در دم فرو می ریزد. یا چراغی را در نظر بگیرید که نور افشانی می کند اما این نور خود را از منبع و سرچشمه یعنی جریان الکتریسیته ای که نیروگاه برق آن را تولید می کند، می گیرد. اما این جریان الکتریسیته از طریق سیمی که از نیروگاه کشیده شده، به چراغ متصل است یعنی در واقع، آن سیم واسطه فیض یعنی واسطه ی در رسیدن جریان برق به چراغ است. اگر این واسطه نباشد، چراغ

خاموش می شود. امام(ع) واسطه ی فیض خداوند به ما سوی الله است.

منظور از «الارض» در روایات مجموعه عالم امکان است. زیرا با دلیلی که اقامه شد امام واسطه فیض تمام عالم امکان و ما سوی الله است. آیات و روایاتی که اشاره به هفت آسمان و هفت زمین دارد، نیز موید همین مطلب است. اما مسلم است که هیچگاه جهان از حجت خالی نمی شود، بلکه حداکثر اینکه با درگذشت آخرین امام زمین و عالم مادی از حجت و واسطه فیض محروم می شود و بساط عالم مادی برچیده می شود و قیامت کبری بر پا می گردد. «یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات؛ (قیامت) روزی است که زمین به زمینی دیگر مبدل می شود و آسمان نیز همچنین»، (ابراهیم / ۴۸). شاید هم منظور از زمین همین زمین باشد که در این صورت کنایه است که زمین از حجت خالی نخواهد شد.

به هرحال معنای «الارض» هر چه باشد، چه به معنای ظاهری آن باشد که همین کره خاکی در منظومه شمسی است و چه به معنای کل جهان مادی باشد که مجموعه آسمان و زمین است و چه به معنای عالم امکان و ما سوی الله باشد، معنای روایت روشن است که امام حجت و خلیفه الهی بر روی زمین و واسطه فیض الهی در عالم امکان است و بدون امام دوام فیض مختل می شود. البته امام به اجازه و اذن الهی واسطه فیض است و قدرت مستقلی در برابر قدرت الهی نیست. به عبارت دیگر او در طول حکمت و قدرت و فیض الهی قرار دارد نه در عرض آن و مجرای فیض الهی و مأمور دستورات الهی

است. اصولاً هیچ موجودی در برابر خدای جهانیان کاره ای نیست و همگان بنده و فرمانبردار و مقهور اویند. زیرا تنها خداست که خدایی می کند و دیگران وابسته و متعلق به اویند و تنها سبب مستقل اوست و حجت های الهی نیز از خود استقلالی ندارند و واسطه فیض از جانب او و به اجازه اویند.

وقتی آخرین امام از دنیا برود، زمین از هم می پاشد و قیامت برپا می شود.

این مطلب را برهان نیز تأیید می کند. زیرا امام، حجت خدا بر روی زمین و خلیفه الله (جانشین خدا) بر روی زمین و انسان کامل است و تمامی فیوضات و نعمت ها به واسطه امام(ع) بر موجودات زمینی و بلکه تمام موجودات امکانی می رسد. زیرا در جای خود اثبات شده است که فیض الهی دائمی است و هیچ گاه قطع نمی شود، اما این فیض به واسطه خلیفه الهی به بندگان می رسد و اگر آخرین امام رخت از دنیا بربندد، زمین و زمان از هم پاشیده می شوند. زیرا واسطه فیض، رابطه اش با عالم طبیعت و مادی قطع می شود، طبیعتا به جهانی مادی نیز فیضی که موجب دوام و بقایش باشد، نخواهد رسید و از هم خواهد پاشید. عالم ماده –و تمام موجودات امکانی – بدون فیض توانی برای ایستادگی و حیات ندارند زیرا همه وابسته و مرتبط به حضرت حق – جل و علا – هستند و اگر نازی کند در دم فرو ریزند، قالب ها. به این دلیل است که روایات ما تأکید دارند که اگر دو نفر در روی زمین باقی باشند، یکی از آنها امام و حجت خدا خواهد بود و آخرین کسی که رخت از دنیا برمی دارد، امام(ع) است،

(ر.ك: اصول كافى، ص ۱۷۹ و ۱۸۰).

ما خود را باید از قیامت خیلی دور بدانیم زیرا می گویند که قیام حضرت مهدی قبل از قیامت است و ایشان سالها حکومت می کنند و بعد مسئله رجعت بعد از قیامت می تواند خیلی دور باشد.

پرسش

ما خود را باید از قیامت خیلی دور بدانیم زیرا می گویند که قیام حضرت مهدی قبل از قیامت است و ایشان سالها حکومت می کنند و بعد مسئله رجعت بعد از قیامت می تواند خیلی دور باشد.

پاسخ(قسمت اول)

قیامت فراتر از بعد زمانی است تا بدین شکل که شما تصور کرده اید، مسأله را نگاه نمایید و آنگاه احساس کنید که قیامت از ما خیلی دور است ، بلکه بر عکس قیامت هم اکنون هست و مادر قیامت خود قرار داریم ولی به دلیل آلودگی ها و تعلقات این حقیقت از ما محجوب است. برای فهم بیشتر و عمیق تر –حقیقت قیامت – به محضر قرآن شریف می رویم:

قرآن وقیامت

قرآن کریم با اشارات و نکات خاص خود ، حکایت ها و بیان های گوناگونی در روشن سازی حقیقت قیامت دارد که برای هر کس به حد فهم و درکش هدایت های لازم و در خور توجهی دارد؛ چرا که به فرموده رسول خدا (ص): «به درستی ما جماعت پیامبران مأموریم که با مردم به میزان عقل ها [و ادراكاتشان] سخن گوییم» («انا معاشر الانبیا امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم» بحار الانوار ، ج ۷۷، ص ۱۴۰)

از این رو ، وحی و آنچه به زبان رسول خدا جاری می شود، چون برای مردم گفته می شود، به شکلی بیان گشته تا برای هر کسی به اندازه فهمش قابل استفاده باشد و به همین علت در قرآن اسراری است که هر فردی به اندازه سهم فکری و برداشت خود می تواند از آنها بهره مند گردد. قیامت نیز از جمله این موضوعات است که هر

شخصـی به انـدازه عقـل و خرد خود می توانـد حقیقت آن را دریابـد. آیات قرآن از زوایای متفاوت واقعیت قیامت را بیان و با لحن های گوناگون ابعاد، وقایع و مراتب موجود و مسائلی را که در آن خواهـد گذشت، تشـریح کرده است. یکی از این ابعاد آن است که قیـامت بـاطن نظـام هستی و دنیـا بوده و این نظـامی که مـا شاهـد آن هستیم و همچنین نظام برزخی و عوالم بالاتر ظـاهر آن می باشـند. از این رو، از دیـدگاه قرآن قیـامت هم اکنون هست، ولی در پشت پرده و در زیر حجـاب و حجـاب ها و بعـدا پدیـد نمی آیـد ، بلکه بعدا با کنار رفتن و سائط و موانع آن حقیقت ظاهر و بارز میگردد. آیات قرآن با تعابیر گوناگونی این موضـوع مهم و دقیـق را برای بشـر بیـان کرده که به یـک وجه می توان سه گروه و دسـته از آیـات را حکـایت گر این امر دانست:

دسته اول:

یک سلسـله آیات داریم که به صورت پرسش و پاسخ بوده و می کوشد تا این گمان غلط که قیامت را به صورت «بعد» زمانی تصور کرده و عـالم آخرت را در طول این نظـام می پنداشـته انـد، باطـل سـازد. برخی گمـان می کردنـد که قیـامت بعـدا بر پا خواهـد گردیـد و بعـدا اتفاق خواهـد افتاد، لـذا از رسول خدا(ص) بر اساس این پندار واهی سوال می کردند که «بعدا چه رخ خواهـد داد؟» و در پاسـخ این ظن باطـل، آیات قرآن متـذکر می شونـد که قیامت در آینـده نیست، همین حالا هم هست. البته پاسخ با دو لحن متفاوت، ولی با یک روح

بیان شـده است. در برخی پاسخ ها گفته می شود که: «قیامت الان هست و بعدا اتفاق نمی افتد» و در پاره ای پاسخ ها بیان می شودکه «قیامت بعـد اتفاق می افتـد ، یعنی بعـدا ظهور می کنـد و بارز می شود» در اینجا به برخی از آیاتی که در این گروه جا می گیرند، اشاره می کنیم:

۱. «و یقولون متی هـذا الوعـد ان کنتم صـادقین، قـل انما العلم عنـد الله و انما انا نـذیر مبین، فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الـذین کفروا و قیل هذا الذی کنتم به تدعون» (ملک ، ۲۷-۲۵)

«و می گویند: اگر راست می گویید، این وعده کی خواهد بود؟» بگو! «علم [آن] فقط پیش خداست و من صرفا هشدار دهنده ای آشـکارم.» و آنگـاه که آن[لحظه موعود] را نزدیـک بینیـد، چهره های کسانی که کافر شـده انـد در هم رود، و گفته شود؛ «این است، همان چیزی که آن را فرا می خواندید!»

این که خداونـد می فرمایـد؛ بگو! علم به این مسأله نزد خـداست، منظور این نیست که اگر بعـد باشـد، شـما نمی فهمید و نمی شود به شـما فهمانـد و شـما قدرت درک نخواهید داشت، بلکه مقصود آن است که قیامت هم اکنون هم هست، اما کی ظهور پیدا می کند؟ از قدرت درک شـما خارج است. بله اگر حجاب ها کنار رود شما قیامت را همین حالاخواهید دید مثل کافرانی که در برزخ هسـتند چون یـک حجـاب یعنی نظـام مـادی از جلوی چشـمانشان کنـاررفته است، به قیامت نزدیکترنـدو نزدیکی صحنه قیامت را دیده و از این رو چنان که خداوند متعال در این آیه فرمود، چهره هایشان

در هم و مکـدر می گردد. ما از آنجایی که در دنیا محجوب هستیم، آن نزدیکی را کم تر احساس می کنیم، اما وقتی به برزخ وارد شـدیم و یـک مرحله حجـاب کنـار رفت ظهور آن برایمان روشن تر می گردد، حتی کافران نیز قیامت را نزدیـک دیـده ، ناراحت اند. [دقت شود]

۲. «یسئلونک عن السـاعه ایان مرسـیها قل انما علمها عنـد ربی لا یجلیها لوقتها الا هو ثقلت فی السـموات و الارض لاتاتیکم الا بغته یسئلونک کانک حفی عنها قل انما علمها عند الله و لکن اکثر الناس لا یعلمون»(اعراف ، ۱۸۷)

«از تو دربـاره قیـامت می پرسـند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو! «علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیـچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند. [این حادثه] بر آسمان ها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی رسد» [باز] از تو می پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی . بگو! «علم، آن تنها نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

این آیه نیز با تعبیر خاص خود اولا ، تعبیر به آشـکار شـدن قیامت کرده است، نه به وجود آمدن و پدید آمدن. ثانیا، مقصود از این تعبیر «علم آشکار شدƠقیـامت نزد خـداست». آن است که اکثر مردم علمشان به آنجا که این زمان چه وقت ، نمی رسـد. اگر آمـدن قیامت یک مسأله زمانی و بعد زمانی بود، به هر کسـی که بگویند ، یاد می گیرد که کی و چند سال یا سالهای بعد اتفاق می افتد. پس مشخص می شود که مسأله قیامت فراتر از بعد زمانی است و از

درک انسان هاخارج است و تنها خداوند می داند .

۳. «یسئلک الناس عن الساعه قل انما علمها عندالله و ما یدریک لعل الساعه تکون قریبا» (احزاب، ۶۳)

«مردم از تو درباره رستاخیز می پرسند ، بگو «علم آن فقط نزد خداست» و چه می دانی؟ شاید رستاخیز نزدیک باشد».

این تعبیر که شاید رستاخیز و قیامت نزدیک باشد، یعنی این ظاهر به آن باطن نزدیک است و اشراف دارد، زیرا از آنجا که باطن محیط بر ظاهر است به آن نزدیک هم هست. [دقت کنید]

۴. «قل لایعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله و ما یشعرون ایان یبعثون بل ادراک علمهم فی الاخره بل هم فی شک منها بل هم منها عمون».(نمل، ۶۶-۶۶)

«بگو: «هر که در آسمان ها و زمین است، جز خدا غیب را نمی شناسند و نمی دانند کی برانگیخته خواهند شد؟» [نه] بلکه علم آنان درباره آخرت نارساست؛ [نه] بلکه ایشان درباره آن، تردید دارند ، [نه] بلکه آنان در مورد آن کور دل اند.»

این آیه به صورت پرسش و پاسخ نبوده، ولی با لحن دیگری حقایق همان مفاد آیات قبل را بیان می کند که مردم علمشان به آخرت ناقص است، بلکه در شک اند و بالاتر، مردم نسبت به قیامت نابینایند؛ یعنی قیامت هست و آن ها نمی بینند، اگر کور دل نبودند نمی گفتند: «کی قیامت می آید؟» اگر چشم دلشان بینا بود ، می دیدند که قیامت الان هست و باطن این عالم و محیط بر آن است.

۵. «و یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین، قل عسی ان یکون ردف لکم بعض الذی تستعجلون» (همان، ۷۲-۷۱)

«و

می گوینـد اگر راست می گوییـد، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟» بگو: «شاید برخی از آنچه را به شـتاب می خواهید در پی شما (و رقیب شما) باشد.»

این که خداونـد می فرمایـد: «شایـد رقیب شـما باشـد» اولا، شایدهای خداوند مثل شاید های ما نیست، بلکه شاید حتمی است، ولی چرا یک مسأله تحقیقی به صورت شایـد آمـده؟ هر کسـی به قدر فهم خودش برداشت می کند . ثانیا ، اینکه رقیب است؛ یعنی من که حالاـ هسـتم، قیـامتم هم برپاست، باطن من که بهشتی ام یا جهنمی ام ، هم اکنون به عنوان رقیب با من هست، هی نگوییـد: «کی، کجا و چه وقت قیامت بر پا می گردد؟» قیامت شـما با شـماست، ولی در پشت حجاب و پرده و روزی که جنبه وجه الخلقی از میان برخاسـته و جنبه وجه اللهی ظاهر گردد، این باطن، نمایان خواهد شد. البته اگر کسـی در همین دنیا قیامتی شود. قیامت را خواهد دید.

پس قیامت شو قیامت را ببین دیدن هر چیز را شرط است این

تا نگردی او ندانی اش تمام خواه آن انوار باشد یا ظلام

عقل گردی عقل را دانی کمال عشق گردی عشق را دانی ذبال

(مثنوی، دفتر ششم، ابیات ۷۵۸-۷۵۶)

دسته دوم

یک سـری آیات در قرآن است که غیر از پرسـش و پاسخ بوده و با لحنی خاص می گوید که قیامت در زیر پرده ها و حجاب ها قرار گرفته، روزی خواهد رسید که این حجاب ها کنار رفته، آنچه پشت پرده هست، ظاهر می شود. به بیان دیگر، این دسته از آیات این حقیقت رابیان می کند که قیام قیامت یعنی بر طرف

شدن حجاب ها و کنار رفتن پرده ها و ظهور آنچه که هم اکنون در واقع هست و از ما محجوب.

۱. «و برزوا لله جمیعا»(ابراهیم، ۲۱)

«و همگی در برابر خدا ظاهر می شوند.»

این آیه با تعبیری خاص این واقعیت را بیان می دارد که انسان های خوب و بد بارز می شوند؛ یعنی وجه و جنبه الهی شان ظاهر می گردد که چگونه و چه ارتباطی با خداوند دارند و در مقام عبادت و عبودیت چه وضعیتی دارند . البته هم اکنون انسان بهشتی یا جهنمی چنین ارتباطی دارد و الان در واقع امر هر یک ازما نحوه ای ارتباط با خداوند داریم، ولی برای کسی که چشم دلش باز نگشته، این حقیقت درحجاب است و با نفخ دوم که جنبه وجه اللهی بارز گشته و جنبه وجه الخلقی کنار می رود، این باطن ظاهر می شود. از این رو ، خداوند تعبیر کرد به «برزوا» یعنی «بارز خواهند شد» پس الآن هست، بعد ظاهرمی شود، نه این که الان نباشد و بعد به وجود بیاید. «بروز» یعنی «چیزی که بود و زیر پرده بود، آشکار شد» نه آنکه نبود و بعد ایجاد شد. و دقیقتر ، لحن آیه ای دیگر دلالت دارد که در روز قیامت همه هستی وموجودات برای خداوند عیان می شوند.

«یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات و برزوا لله الواحد القهار»(همان، ۴۸)

«روزی که زمین به غیر این زمین و آسمانها [به غیر این آسمانها] مبدل می گردد و در برابر خدای یگانه قهار ظاهر شوند».

یعنی زمین و آسمان آن جنبه وجه اللهی اش از پشت پرده بیرون آمده، بروز کرده

و وجه قیامتی خودش را عیان می سازد.

۲. «و ازلفت الجنه للمتقین ، و برزت الجحیم للغاوین» (شعرا، ۹۱-۹۰)

«و [آن روز] بهشت برای پرهیزکاران نزدیک می گردد و جهنم برای گمراهان نمودار می شود.»

این فراز به خوبی به این حقیقت اشاره دارد که با کنار رفتن پرده ها و حجاب ها، بهشت نزدیک می شود و باید توجه داشت که این نزدیکی ، نزدیکی مکانی نیست. مثلاً در درون و باطن یک دانه ، درخت با آن شکل و شمایل خود هست و هر چه این دانه مراتب خاص خود را به سوی درخت شدن طی کند و هر چه موانع را کنار بزنند، ظهور و بروز درخت نزدیک می گردد. در این جا نزدیکی معنای مخصوص خود را دارد و به معنی قرب و بعد مکانی نمی باشد.

همچنین می فرماید که جهنم هم برای گمراهان بارز و ظاهر می شود.

پس بهشت و جهنم در روز قیامت ساخته نمی شود بلکه آن دو، هم اکنون هست و در روز قیامت عیان خواهد شد.

۳. «و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید، و جاءت کل نفس معها سائق و شهید، لقد کنت فی غفله من هذا فکشفنا عنک غطائک فبصرک الیوم حدید»(ق، ۲۰-۲۱-۲۲)

«و در صور دمیده شود، این است روز تهدید [من]. و هر کسی می آِید [در حالی که] با او سوق دهنده و گواهی دهنده ای است [به او می گویند:] «واقعا که از این [حال] سخت در غفلت بودی. و [لی] ما پرده ات را [از جلوی چشمانت] برداشتیم و دیده ات امروز تیز است.»

این آیات به صراحت ، خطاب به انسان می گوید؛

آنچه در روز قیامت می بینی ، نه این که تازه به وجود آمده باشد، این ها بود، اما تو در غفلت به سر می بردی، ما تنها پرده را برداشتیم و تو آنچه را پشت پرده بود، دیدی. در آن روز چشمت تیزبین شده و چون وجه الخلقی از میان رفته و تو چشم وجه اللهی پیدا کرده ای، باطن این ظاهر را می بینی.

۴. «الهیکم التکاثر حتی زرتم المقابر ، کلاـ سوف تعلمون ، ثم کلاـ سوف تعلمون، کلاـ لو تعلمون علم الیقین لترون الجحیم» (تکاثر ، ۱-۶)

«تفاخر به بیش تر داشتن، شما را غافل داشت تا کارتان و پایتان به گورستان رسید. نه چنین است، زود اگر بدانید، باز هم نه چنین است، زود اگر بدانید. هرگزچنین نیست، اگر علم الیقین داشتید ، به یقین دوزخ را دیدید.»

این آیات به روشنی این حقیقت را بازگو می کند که قیامت هم اکنون هست، ولی تعلقات انسانی مانند سبقت گرفتن و مسابقه دادن در تعلقات مادی و دنیوی ، آدمی را از دریافت آن، محجوب کرده است و اگر این حجاب مرتفع شود، هر کسی همین الان قیامت خود و دیگران را به اندازه سعه وجودی خود، درک می کند، اما صد افسوس که تفاخر در بیش تر داشتن (تکاثر) شما را مشغول خود ساخته، شما را از آنچه باید بدانید و بیایید و برسید، باز داشته است و در واقع این حجاب است که مانع دیدن حقیقت قیامت می شود، نه آنکه قیامت بعدا به وجود بیاید.

چون گهر در بحر گوید بحر کو و آن خیال چون صدف دیوار او

گفتن آن کو حجابش

می شود ابرتاب آفتابش می شود

بند چشم اوست هم چشم بدش عین رفع سد او گشته سدش

بند گوش او شده هم هوش او هوش با حق دار ای مدهوش او

(مثنوی ، دفتر پنجم،ابیات ۱۰۸۰-۱۰۸۳)

دسته سوم

یک دسته از آیات نیز به باطن بودن قیامت و ظاهر شدنش در بعد و تحقق و وجودش در اکنون با این بیان خاص اشاره دارد که بهشتیان هم اکنون در بهشت اند و متنعم و جهنمیان هم اکنون در جهنم اند و معذب ، ولی این حقیقت در پشت پرده بوده، در قیامت با رفتن ظاهر و جنبه خلقی هستی، وجهه خدایی ظاهر گشته و این در نعمت یا عذاب بودن عیان خواهد شد.

۱. «ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم ، یصلونها یوم الدین و ما هم عنها بغائبین و ما ادریک ما یوم الدین، ثم ما ادریک ما یوم الدین ، یوم لاتملک نفس لنفس شیئا و الامر یومئذ لله»(انفطار، ۱۳-۱۹)

پاسخ(قسمت دوم)

«قطعا نیکان در بهشت اند و بی شک ، بد کاران در دوزخ اند ، روز جزا در آنجا در آیند و از آن (عذاب) دور نخواهند بود و تو چه دانی که روز جزا چیست؟ باز چه دانی که روز جزا چیست؟ روزی که کسی برای کسی هیچ اختیاری ...j........و در آن روز، فرمان از آن خداست.»

این آیات حکایتگر این حقیقت است که ابرار هم اکنون در نعیم اند و گناهکاران الان درجحیم اند و این باطن، در روز قیامت به ظهور خواهد رسید و آن را در قیامت در می یابند و آن عذاب و نعمت از آن ها غایب نیست، بلکه هم

اکنون هست و بر آنها محیط، ولی......ها مانع از دیدن این حقیقت است.

۲. «ان جهنم کانت مرصادا»(نبا، ۲۱)

«(...Љь جهنم (......دیر باز) کمینگاهی بوده»

این آیه می گوید که جهنمی که با تمام جزئیات خواهند دید ، در کمین هست؛ یعنی هست و در کمین است و ما از آن محجوبیم و این حقیقت بعد ظهور پیدا خواهد کرد.

۳. «انا اعتدنا للکافرین سلاسل و اغلالا و سعیرا»(انسان، ۴)

«ما برای کافران زنجیرها و غل هاو آتشی فروزان آماده کرده ایم».

یعنی این ها هم اکنون هست و آماده ولی بعدا ظاهر خواهد شد.

۴. «ان لدینا انکالا و جحیما و طعاما ذاغصه و عذابا الیما یوم ترجف الارض و الجبال و کانت الجبال کثیبا مهیلا» (مزمل ، ۱۲-۱۴)

«درحقیقت پیش ما و (نزد ما، هم اکنون) زنجیرها و دوزخ و غذایی گلوگیر و عذابی پر درد است. (اما این حقیقت در پشت حجاب کی عیان می شود) روزی که زمین و کوه ها به لرزه در آیند و کوه ها بسان ریگ روان گردند.»

پس عذاب الهی الان هست و در روز قیامت ظاهر می گردد.

نتیجه آنکه، این سه دسته آیات همگی با تعبیرهای متفاوت حکایتگر این حقیقت اند که قیامت و جنبه وجه اللهی هم اکنون هست، ولی از ما محجوب است. اما پس از نفخه اول که جنبه خلقی موجودات از میان می رود،با نفخه دوم و نفخه احیا جنبه وجه اللهی ظاهر و بارز خواهد گشت و با بالا رفتن حجاب ها، پرده ها و موانع خلقی حقیقت قائم بودن به حق منکشف و عیان خواهد شد.

باید از این واقعیت استفاده کنیم و مراقب اعمال، افکار، اوصاف و

عقایـد خود باشـیم؛ چرا که بر اسـاس این مسأله ، ما هم اکنون نحوه ای ارتباط با خداونـد متعال داریم؛ یا در باطن امر در حال مخـالفت بـا خـداییم یـا در حـال عبـادت؛ یا در باطن امر با خداونـد در ستیز و دشـمنی و جنگیم یا با حضـرت حق در دوستی، محبت، اشتیاق و عشق. به این آیه توجه و در آن تدبر کنید:

«یوم یکشف عن ساق و یدعون الی السـجود فلا یسـتطیعون ، خاشعه ابصارهم ترهقهم ذله و قد کانوا یدعون الی السجود و هم سالمون»(قلم، ۴۳-۴۲)

«روزی که کار ، زار [و رهایی دشوار] شود و به سـجده فرا خوانـده شونـد و در خودتوانایی نیابنـد، دیدگان شان به زیر افتاده، خواری آنان را فرومی گیرد، در حالی که [پیش از این] به سجده دعوت می شدند و تندرست بودند.»

این یک نمونه از صحنه های قیامت است که نشان می دهد، ما با باطن خود، لحظه به لحظه ارتباط داریم . یک حرکت خوب، یک فکر صـحیح ، یک فعل خیر، یک ذکر قلبی در آن سوی قضـیه با خداونـد حسابی دارد. این آیه فقط نمونه ای ذکر کرده که در آن سو و در قیامت این ها را به سجده دعوت می کنند، اما این ها نمیتوانند سجده کنند؛یعنی چه و چرا؟ به این دلیل که در دنیا در حالی که از سـلامتی برخوردار بودند و اراده داشـتند، علی رغم دسـتور به سـجده ، سـجده نمیکردند، کسـی که در ظاهر چنین است، در باطن و هنگام ظهور وجه اللهی این عمل هم قهرا نمی تواند سـجده کند، چرا که اسـیر شیطان بوده است. کسی

که در این دنیا گناه می کند به حدی که زنگار بر دلش بسته می شود، در آن سو و در ظهور باطن ها از پروردگار متعال محجوب خواهد بود، چون آلودگی ها ، هواها ، اوهام و تعلق ها در باطن، حجاب دیدار روی حضرت حق است. «کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون»(مطففین، ۱۵)

برای آنکه چنین نباشیم، بلکه در آن دسته و گروه قرار گیریم که در باطن امر به سوی خداوند متعال با عشق و اشتیاق و محبت در حرکت اند، باید مراقبه و دوام بر مراقبه داشته باشیم. این ها به ظاهر دو چیزند، ولی در حقیقت یک امرند، مراقبه برای دوام حضور در محضر پروردگار یک ضرورت و دستور است ، با یاد خدا و تنبه بر حضور در محضر اوست که خداوند نیز از انسان یاد می کند: «فاذکرونی أذکرکم ؛ یادم کنید، یادتان کنم»»(بقره، ۱۵۲)

باید با یاد او قلب را اسیر خدا گردانیم تا در هر حالی غافل نشویم.

حضرت استاد علامه طباطبایی «قدس الله سره القدوسی» ــ که نعمتی بزرگ و گرانقدر بود و متأسفانه به جز تعداد معدودی ، کسی متوجه این نعمت عظیم نشد، حتی برخی از نزدیکان هم نفهمیدند که او چه گوهری بود. همه جا در قم رفت و آمد بود و سر و صدا مگر منزل علامه. درگوشه ای از کشور و در فراموش شده ترین منزل نعمتی برای مردم بود، با آنکه خیلی با مردم نبود ــ به درجه ای از مقامات روحی رسیده بود که در آخر عمر شریفشان با شوق و اشتیاق و عشق خاصی مرتب همین آیه شریفه را قرائت

می فرمود: «فأذکرونی اذکرکم» خداوند روحش را شاد گرداند و ما را قدردان چنین وارستگانی قرار دهد که محو جمال یارند و فانی در او.

دو مگو و دو مدان و دو مخوان بنده را در خواجه خود محو دان

خواجه هم در نور خواجه آفرین فانی است و مرده و مات و دفین

چون جدا بینی ز حق این خواجه را گم کنی هم متن و هم دیباچه را

(مثنوی، دفتر ششم، ابیات ۳۲۱۷-۳۲۱۵)

در رجعت اهل بیت تکلیف قبور و بارگاه و زیارت آنها چه می شود؟

پرسش

در رجعت اهل بیت تکلیف قبور و بارگاه و زیارت آنها چه می شود؟

پاسخ

اعتقاد به رجعت که به معنای بازگشت گروهی از انسان ها پس از مرگ و پیش از روز رستاخیز است از مسلمات بین امامیه است چنانچه شیخ حر عاملی [الایقاظ من الهجعه] و مرحوم مظفر [ترجمه بدایه المعارف الهیه فی عقاید الامامیه، ص ۳۳۷] دو تن از دانشمندان بزرگ شیعه می فرمایند رجعت از ضروریات مذهب امامیه است و علامه مجلسی [بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳] و علامه طباطبایی (تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۱۰) می فرمایند: «روایات در این زمینه به حد تواتر و بیش از پانصد حدیث است» و آیت الله ابوالحسن رفیعی بر اثبات رجعت علاوه بر روایات به آیات و ادله عقلی تمسک نموده (اثبات رجعت، ص ۲۲ - ۷).

لکن نسبت به جزئیات رجعت که آیا مخصوص به مؤمنان است فقط یا انبیاء(ع) یا ائمه(ع) یا بعضی ائمه(ع) در بین روایات اختلافاتی به چشم می خورد. و در رابطه با این که تکلیف قبور و بارگاه چه می شود. در روایاتی که مجموعه آنها را علامه مجلسی در ج ۵۳ بحارالانوار نقل نموده چیزی بیان نشده و به صورت قطعی نمی توان حکم کرد که چه رخ می دهد لکن با توجه به یک نکته می توان در این زمینه مطلبی را حدس زد و نکته این است که احترام و قداستی که ما برای این قبور و بارگاه ها قائل هستیم از جهت مرتبط بودن اینها با صاحبان قبور است و الا نفس آهن و چوب و طلا و نقره هیچ قداستی ندارد. انگشتر و شمشیر

و یا سایر وسائل یک شخص بزرگ از آن جهت که مرتبط با آن شخص است قداست پیدا می کند. حال چه آن شخص زنده باشد یا خیر. لهذا می توان حدس قوی زد که این قبور و بارگاه ها در آن زمان از آن جهت که قبلا محل دفن اجساد ائمه بوده باز هم دارای قداست و احترام خواهد بود. چنانچه بیت المقدس ولو الان قبله مسلمین نیست لکن از آن جهت که قبلا قبله مسلمانان بوده دارای قداست است.

آیا امام زمان علیه السلام بعد از ظهور، از ابوبکر وعمر انتقام خواهد گرفت؟

پرسش

آیا امام زمان علیه السلام بعد از ظهور، از ابوبکر وعمر انتقام خواهد گرفت؟

پاسخ

مجلسی به سندش از بشیر نبّال از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "هل تدری أوّل ما یبدء به القائم (ع)؟ قلت: لا. قال: یخرج هذین رطبین غضّین فیحرّقهما ..."؛ " آیا می دانی که {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶. پاورقی}

اولین کاری که قائم انجام می دهد چیست؟ بشیر گفت: خیر، حضرت فرمود: آن دو نفر را در حالی که تر وتازه هستند خارج کرده وهر دو را آتش خواهد زد...".

۱ - مجلسی؛ این حدیث را از کتاب فضل بن شاذان به سندش از بشیر نبّال نقل کرده است. ولی توثیقی در کتب رجال برای بشیر نبّال نرسیده، ولذا روایت از این جهت ضعیف السند بوده وقابل احتجاج نیست.

۲ - بر فرض صحت سند روایت، همان گونه که اشاره شد مهم ترین کار امام مهدی (ع) اقامه حقّ وعدل است، واین عمل مصداق بارز آن به حساب می آید.

۳ - در روایت تصریح نشده که مقصود از آن دو نفر کیست، لذا ممکن است که مقصود برخی از خلفای بنی امیّه یا بنی عباس باشند.

۴ - در صورت صحت حدیث، از آنجا که امام مهدی (ع) معصوم بوده وعمل او عین عدل وحق است باید اهل سنّت نسبت به این دو خلیفه تجدید نظر کرده وبا دید دیگری به آنان نظر کنند.

۵ - مکانی که این دو در آن دفن شده اند حجره پیامبر (ص) به حساب می آید، وهرگز حقّی نداشتند که در آن دفن شوند، واز آنجا که کار حضرت اقامه عدل است، لذا جسد آن دو را از آن مکان بیرون می آورد.

دعوت جهانیان به اسلام

این که گفته میشود: قرآن کامل نزد حضـــرت بقیه اللّه الاعظم ۷می باشد چیست ؟ آیا این قرآن ،تکاملی خاص از لحاظ علوم و اســـرار نهانی قرآن کامل می باشد؟

پرسش

این که گفته میشود: قرآن کامل نزد حضرت بقیه اللّه الاعظم ۷می باشد چیست ؟ آیا این

قرآن ,تکاملی خاص از لحاظ علوم و اسرار نهانی قرآن کامل می باشد؟

پاسخ

امام ۷کلام اللّه ناطق است , چنان که قرآن کلام اللّه صامت است . قرآن گرچه کلام خدا و خاموش است , اما حرف های بسیار دارد. به تعبیر روایات

ظاهراً و باطناً;(۱) قرآن ظاهری و باطنی دارد و باطنش نیز باطن دیگری دارد>.

در هر صورت اسرار نهفته ای در قرآن است که اگر کسی عالِم به اسرار آن باشد, آن ها را درک می کند.

قرآن با همهء اسرار نهفته احتیاج به معلم و مفسّری دارد که با زیر وب م آن آشنا باشد.

در روایات آمده است : وحی بر پیامبر۶نازل شد و حضرت آن را بر علی ۷املا می کرد و علی ۷آن ها رامی نوشت . علی ۷از خصوصیات آیات دربارهء زمان ها با خبر بود و به ظاهر و باطن آن و آنچه که تا روز قیامت نیازبشر است , آگاهی داشت . (۲)

امام صادق ۷به بکیربن أعین فرمود: واللّه پوست و عروق من , پوست و عروق رسول خدا۶است . گوشت من گوشت او است . واللّه من می دانم آن چه را که در آسمان ها و زمین است و می دانم آن چه را در دنیا و آخرت است . ما اطلاعاتی از رسول خدا داریم که دیگران ندارند.(۳)

باز امام صادق ۷فرمود: پیامبر هزار باب علم به علی ۷آموخت که از هر بابی هزار باب دیگر گشوده می شد.(۴)

آری امامان به جز موّاج علم هستدن و به اسرار قرآنی آگاهی دارند. از جملهء امامان , امام مهدی ۷آگاهی واظلاعات وسیع قرآنی را خواهد داشت و از الهامات الهی

برخوردار خواهد بود. لذا قرآن را با تمام واقعیاتش برای مردم تبیین خواهد کرد وقرآن او همین قرآن خواهد بود.

حضرت همان گونه که با ظلم و بیداد می جنگد و آن را تبدیل به عدل و داد می کند, دانایی و قرزانگی را بر جهل ونادانی غالب می گرداند و جهان از نور عقل و دانش آکنده می گردد. او می آید تا نیروهای عقلانِی تودها را تمرکزبخشد و خِرَدهای آنان را به کمال رساند. ایشان علوم و دانش هایی را که در طول اعصار و قرون در پشت پرده هامکنون مانده , پراکنده می سازد و تا اعمال وجود تک تک انسان ها اعم از زن و مرد گسترش می بخشد.(۵)

(پاورقی ۱.با استفاده از تحریر الوسیله , ج ۱ ص ۵۳۶ جامع المسائل آیت اللّه فاضل لنکرانی , ج ۱ , ص ۹۰

(پاورقی ۲.همان , ج ۲۶ ص ۲۷

(پاورقی ۳.همان , ص ۲۸

(پاورقی ۴.همان .

(پاورقی ۵.ویژه نامهء امام زمان , محلهء حوزه , شمارهء ۷۰ ۷۱ ص ۱۷۶

چرا قرآنی که به دست امام عصر(عج) است بین مسلمانان وجود ندارد؟

پرسش

چرا قرآنی که به دست امام عصر(عج) است بین مسلمانان وجود ندارد؟

پاسخ

قرآنی که نزد امام زمان (ع) است همان است که اکنون در دست مسلمانان دنیا است و آن قرآنی است که توسط جدّش امیرالمؤمنین(ع) تنظیم و جمع آوری شده است. قرآنی که علی(ع) نوشته نیز عین همین قرآنی است که الان در دست ما مسلمانان است، با سه تفاوتی که در پاسخ سؤال بعدی بیان شده و آن تفاوت ها، تفاوت در قرآن نیست بلکه مثل این می ماند که کسی تاریخ تولد فرزندش را در صفحه اوّل قرآن یاد داشت کند، یا به اوّل یا آخر قرآن کشف الآیات یا قواعد تجویدی را اضافه نماید.

شاید منظورتان، مطلبی باشد که در برخی کتاب ها نوشته شده و بعضی سخنرانان آن را بیان می کنند که وقتی حضرت ولی عصر(عج) ظهور کردند. انقلابی حقیقی چون زلزله ای فکری و فرهنگی به پا خواهد ساخت و قرآن حقیقی را حاکم خواهد نمود و ... .

منظور از این گونه روایات و بیانات این است که وقتی حضرت ظهور کردند و در مقام تفهیم و تفسیر و تبیین قرآن بر می آیند و می خواهند حکومت الهی را بر پایه قرآن پیاده کنند، جوامع بشری حتی جامعه های اسلامی و قرآنی به علت انحراف از فرهنگ اصیل قرآنی، می پندارند قرآنی که نزد حضرت است، قرآنی دیگر است، در صورتی که چنین نیست.

آیا بعد از ظهور، چهره واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟

پرسش

آیا بعد از ظهور، چهره واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟

پاسخ

سؤال مبهم است، زیرا نمی دانیم منظورتان از وضع دین که در جامعه شاهد آن هستید چیست. آیا منظورتان برخی از ناهنجاری های اجتماعی است که در جامعه مشاهده می کنید؟ منظورتان مشاهده نکردن جدی حضور دین در اعمال و افعال مسلمانان است؟

در هر صورت جوامع امروزِ متدینان، با جامعه ایده آلی که پیامبر اسلام بشارت آن را داده است، فاصله های زیادی دارد. شاید این فاصله به خاطر عمل نکردن به احکام نورانی اسلام باشد. چهره واقعی اسلامی بعد از ظهور امام زمان(عج) ظاهر خواهد شد، زیرا در زمان غیبت کبری بدعت هایی در دین گذاشته می شود؛ بسیاری از مفاهیم اسلام نزد بسیاری از مسلمانان دگرگون می شود؛ برخی از احکام آن به دست فراموشی سپرده می شود؛ توحید به انواع شرك ها آلوده می شود؛ قدر و منزل اهل بیت پیامبر(ص) میان گروه زیادی از مسلمانان ناشناخته می ماند؛ معیارهای ارزشی جامعه دگرگون می شود و چنان گرد و غبار تحریف چهره واقعی اسلام را می پوشاند که وقتی حضرت ظهور می کند و با بدعت ها مبارزه کرده، گردوغبار را از چهره اسلام بر طرف می سازد که عده ای تصور می کنند دین حضرت، اسلام جدیدی است که با اسلام متعارف زمان غیبت تفاوت دارد!

در روایتی وارد شده است که: "وقتی حضرت قائم قیام کند، از نو مردم را به اسلام دعوت می کند و به دینی که آثارش محو شده و توده مردم از آن محروم مانده اند، رهبری می کند".(۱)

این روایت در صدد بیان این مطلب نیست که

حضرت مروّج آیینی غیر از آیین رسول الله است، چون علاوه بر آیات و روایات که اسلام را آخرین دین می داند، روایات فراوان دیگری حضرت را مدافع اسلام و سنت پیامبر معرفی کرده، از جمله راوی از امام صادق(ع) پرسید: رفتار حضرت مهدی(عج) چگونه است، حضرت فرمود: "حضرت مهدی(عج) همان کاری را که رسول خدا انجام داده، انجام می دهد: انحرافات موجود را نابود می سازد، همان طور که پیامبر اکرم(ص) اساس جاهلیت را ویران ساخت، آن گاه اسلام را از نو بنا می کند".(۲)

امیدواریم در برنامه های بعدی سؤال را واضح تر بیان کنید تا بهتر بتوانیم پاسخ بدهیم.

پی نوشت ها:

۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۰.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

آیا بعد از ظهور، چهره واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟

پرسش

آیا بعد از ظهور، چهره واقعی اسلام معرفی خواهد شد؟

پاسخ

سؤال مبهم است، زیرا نمی دانیم منظورتان از وضع دین که در جامعه شاهد آن هستید چیست. آیا منظورتان برخی از ناهنجاری های اجتماعی است که در جامعه مشاهده می کنید؟ منظورتان مشاهده نکردن جدی حضور دین در اعمال و افعال مسلمانان است؟

در هر صورت جوامع امروزِ متدینان، با جامعه ایده آلی که پیامبر اسلام بشارت آن را داده است، فاصله های زیادی دارد. شاید این فاصله به خاطر عمل نکردن به احکام نورانی اسلام باشد. چهره واقعی اسلامی بعد از ظهور امام زمان(عج) ظاهر خواهد شد، زیرا در زمان غیبت کبری بدعت هایی در دین گذاشته می شود؛ بسیاری از مفاهیم اسلام نزد بسیاری از مسلمانان دگرگون می شود؛ برخی از احکام آن به دست فراموشی سپرده می شود؛ توحید به انواع شرك ها آلوده می شود؛ قدر و منزل اهل بیت پیامبر(ص) میان گروه زیادی از مسلمانان ناشناخته می ماند؛ معیارهای ارزشی جامعه دگرگون می شود و چنان گرد و غبار تحریف چهره واقعی اسلام را می پوشاند که وقتی حضرت ظهور می کند و با بدعت ها مبارزه کرده، گردوغبار را از چهره اسلام بر طرف می سازد که عده ای تصور می کنند دین حضرت، اسلام جدیدی است که با اسلام متعارف زمان غیبت تفاوت دارد!

در روایتی وارد شده است که: "وقتی حضرت قائم قیام کند، از نو مردم را به اسلام دعوت می کند و به دینی که آثارش محو شده و توده مردم از آن محروم مانده اند، رهبری می کند".(۱)

این روایت در صدد بیان این مطلب نیست که

حضـرت مروّج آیینی غیر از آیین رسول الله است، چون علاوه بر آیـات و روایات که اسـلام را آخرین دین می دانـد، روایات فراوان دیگری حضـرت را مـدافع اسـلام و سـنت پیـامبر معرفی کرده، از جمله راوی از امـام صـادق(ع) پرسـید: رفتار حضـرت مهـدی(عـج) چگونه است، حضـرت فرمود: "حضـرت مهـدی(عـج) همان کاری را که رسول خـدا انجام داده، انجام می دهد: انحرافـات موجود را نابود می سازد، همان طور که پیامبر اکرم(ص) اساس جاهلیت را ویران ساخت، آن گاه اسـلام را از نو بنا می کند".(۲)

امیدواریم در برنامه های بعدی سؤال را واضح تر بیان کنید تا بهتر بتوانیم پاسخ بدهیم.

پی نوشت ها:

۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۰.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

چگونه امکان دارد دین اسلام در زمان حضرت مهدی عالمگیر شود؟

پرسش

چگونه امکان دارد دین اسلام در زمان حضرت مهدی عالمگیر شود؟

پاسخ

اگر سـتم گران از عـدل و داد سـخن میگوینـد و اگر جنـگ افروزان و متجـاوزان به ملّتهـای ضـعیف، وغارتگران بزرگ دنیا و دشـمنان واقعی آسایش و امنیت مردم محروم صـلح و همزیسـتی و خلع سـلاح را پیشنهاد مینمایند. و اگر پایمال سازان حقوق بشـر و عدالت و آزادی، حقوق بشـر را عنوان میکنند و برای آن دلسوزی مینمایند، همه برای این است که فطرت بشر خواستار وجود حقیقی حکومت واحـد و عـدالت و صـلح و امنیّت و احـترام به حقوق بشـر است و این همـان دین فطرت است که واحد است و در آخرالزمـان تحت رهـبری آن موعود عزیز و محبوب انبیـاء و اولیـا و همه مردان خـدا، جهـان را فرا میگیرد و دنیـا به سوی قبول این دین و اهـداف پـاک و انسـانی آن به پیش میرود و برای آنکه به نـدای آن قرهالعین مصـطفی و میوه دل علی و زهرا جواب مثبت بدهد آماده میشود.

اینکه قرآنی می آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟

پرسش

اینکه قرآنی می آورد که با این قرآن فرق دارد یعنی چه؟

پاسخ

درباره ی قرآنی که امام زمان (عج) می آورد سؤال کردید قرآنی که امام زمان (عج) می آورد با این قرآن هیچ تفاوتی ندارد جز اینکه آن قرآن همراه با تفسیر و تأویل آیات است بدین لحاظ که طبق روایات معتبر فقط حضرت علی(علیه السلام) کاتب خصوصی پیامبر اکرم بودند با اینکه کاتبان عمومی نیز وجود داشتند حضرت پیامبر اکرم، بر آیه ای را که جبرئیل نازل می کرد به حضرت علی(علیه السلام) املاء می فرمودند و آن چه که پیرامون آن آیه بود مانند تفسیر و توضیح و... حضرت علی(علیه السلام) به دستور پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)می نوشتند که در روایت آمده است که مجموع آن به طول ۷۰زارع می شد. بعد از وفات رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) حضرت علی(علیه السلام) آن را عرضه کردند و جواب شنیدند که حسبنا کتاب الله یعنی ما نیازی به این کتاب ندرایم و کتاب خداوند برای ما کفایت می کند. حضرت علی(علیه السلام) هم فرمودند دیگر این کتاب را نخواهید دید و این کتاب که به کتاب جامعه معروف است پس از حضرت در نزد فرزندان معصومش باقی ماند و اکنون در نزد حضرت ولی عصر(عج) می باشد که با ظهور آن حضرت این کتاب بر مؤمنین عرضه شده و با مضامین آن عمل می شود. و این همان است که پنداشتند حضرت قرآنی جدید می آورد در حالی که حضرت همان قرآن را با تفسیر و توضیح و بیان حکمتها و فلسفه های آن و فروعات آن... می آورند.

آیا اینکه امام زمان((علیه السلام)) دین جدیدی می آورد یعنی چه؟

پرسش

آیا اینکه امام زمان((علیه السلام)) دین جدیدی می آورد یعنی چه؟

پاسخ

براساس دلیلهای قطعی می دانیم که امام زمان((علیه السلام)) که ظاهر می شود همان شریعت اسلام را در سرتاسر جهان نشر می دهد و حکومت اسلام را در دنیا مستقر می سازد و اینکه در پاره یی از روایات آمده که امام زمان((علیه السلام)) دین جدیدی می آورد ممکن است منظور این باشد که مردم چون از عمل کردن و پیروی آیین اسلام دست کشیدند و یا بدعتهایی در آن به وجود آوردند وقتی امام زمان((علیه السلام)) اسلام واقعی را به مردم عرضه می کند برای مردم جدید و تازه خواهد بود چنان که در دعای ندبه درباره ی امام زمان((علیه السلام)) این تعبیر آمده: «این المد خرلت جدید الفرائض و السنن; کجا است آن کس که برگزیده شده تا آیین و شریعت اسلام را تجدید نماید».

(بخش پاسخ به سؤالات)

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع می شوند ؟

پرسش

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع می شوند ؟

پاسخ

از آیات و روایات استفاده می شود: مسلمانانی که از گناه خود توبه کنند و به دعوت حضرت مهدی (عج)لبیک بگویندو به واجبات دینی حقیقی خود عمل نمایند واگر کافرانی به دین اسلام ودین حق روی آورند مورد تعرض قرار نگرفته بلکه از ثمرات شیرین عدل و داد مهدی موعود بهره مندخواهند شد.

آیت الله ابراهیم امینی می فرماید: (از اوضاع عمومی زمان ظهور می توان پیش بینی نمود که وقتی مهدی موعود(عج) ظاهر شدو حقایق اسلام

را به مردم جهان عرضه داشت و برنامه انقلابی واصلاحی اسلام را به سمع آنان رسانید بسیاری از مردم اسلام را قبول می کنند و از قتل نجات پیدا می کنند.(امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، موسسه مطبوعاتی دارالفکر، ص ۲۸۹)

سیره مهدی موعود (عج) : روش و سیره آن حضرت، روش وسیره جدش پیامبر(ص) خواهد بود. از تمامی انسانهایی که توفیق اطاعت

حضرتش را داشته و به راه راست هدایت شوند از رحمت الهی بهره مند شده و به لمعات ابدی می رسند و آنانی که از اطاعت دین حق و دستورات دینی آن حضرت سرپیچی کنند وبه عناد و دشمنی با وی اقدام نمایند از بین خواهند رفت.

لطفا برای اطلاعات بیشتر کتب زیر را مطالعه بفرمایید :

۱-امینی ابراهیم،دادگستر جهان ، موسسه مطبوعاتی دارالفکر

۲-صافی گلپایگانی لطف الله ،امامت ومهدویت، انتشارات جامعه مدرسین

۳-کورانی علی،عصرظهور،مترجم عباس جلالی،سازمان تبلیغات اسلامی

۴-سعادت پرورعلی،ظهور نور،مترجم وزیری فرد سید محمد جواد

تجدید دین توسط امام زمان چگونه است ؟

پرسش

تجدید دین توسط امام زمان چگونه است ؟

پاسخ

تحریف و دست برد از جریانت خطرناکیست که همه ادیان و متون کهن را تهدید کرده و آنرا آلوده گرداننده گر چه محور یترین مهمترین و اساسی ترین متن اسلام یعنی قران کریم به عنایتهای ویژه الهی از هرگونه تحریف در امان مانده است (ما قران را فرو فرستادیم و خود حافظ و پاسدار انیم - قران کریم) ولی بدون شک احادیث و سخنان پیامبر (ص) و امان (از تحریف در امان نبوده چنانکه تفسیر ها و برداشتها ی بشری از قران و وحی نیز دچار تحریف گردیده است که وجود مذهبها و تفسیرها مختلف از دین پیامد انست از این رهگذر یکی از اقدامات موثر امام زمان (ع) پس از ظهور پیراستن اسلام ناب محمدی و پالایش و شفاف نمودن آن از تحریف و آلودگیهاست که از آن در روایات تعبیر به تجدید دین گردیده است

پرسش : منظور از دین و قران جدیدی که امام زمان (ع) می اورد چیست ؟ پاسخ ادیان اسمانی در حقیقت مانند اب زلال و شفافی هستند که از اسمان نازل می گردند که در اغاز مانند صفا و پاکی باران و روشنایی افتاب هستند ولی با تماس افکار منحط جاهلان و دستهای الوده مغرضان و امیختگی با عادات و خرافات گاهی چنان تحریف می شوند که جاذبه خود را از دست می دهند یکی از رسالتهای امام زمان (عج) پیراستن اسلام از این الودگی ها و خرافات و پیرایه ها و به تعبیر دیگر نوسازی بنای کاخ شکوهمند اسلام است از این رو در پاره ای از روایات

از این نوسازی تعبیر به دین جدید شده است امام صادق (ع) می فرماید : (هنگامی که قایم خروج کند امر جدید و کتاب جدید و روش جدید با خود می اورد)،یعنی در ان زمان اسلام را انچنان از لابلای انبوه خرافات و تحریف ها و تفاسیر نادرست بیرون می اورد که گویی بنایی کاملا نو و جدید ساخته است اما راجع به قران جدید دو گونه می توان توضیح داد یکی اینکه قران جدید همان قرانی است که امیر المومنین (ع) به همان صورت و ترتیب که در سال ۲۳ بر پیامبر نازل شده جمع اوری کرده است چنانکه امام محمد باقر فرموده است هنگامی که قایم ال محمد (ص) قیام کند خمیه ها یی نصب می کند برای کسانی که مقصود همان رجعتی است که اول امام حسین (ع) بعد حضرت امیر (ع) و بعد حضرت رسول(ص) و بعد باقی ائمه رجوع می نمایند .

بر گرفته از : ۱ معاد، استاد مطهری (ره)

قران را همانطور که نازل شده به مردم تعلیم دهند این مشکلترین کارها ست زیرا ان قران به عکس قران فعلی جمع اوری شده را چنان از زوایای تحریفات معنوی و تفسیرها ی نادرست بیرون می کشد که می توان نام کتاب جدید بر ان گذاشت زیرا در غیر این صورت لازم می اید که یک کتاب اسمانی جدید بر نازل شود که این امر شدنی نیست برای اینکه در روایات ان حضرت به عنوان یک داعی و حافظ قران کریم معرفی شده است پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

(قائم از فرزندان من است ...، مردم را به پیروی

من و ایین من وا می دارد و انها را به کتاب پروردگار دعوت

می نماید .)

اینکه می گویند وقتی امام زمان (عج) ظهور می کنند، آنچنان دین اسلام را از پیرایه ها پاک می کنند که گویی دین جدیدی آورده اند، با وجود مراجع عظام ما که سعی می کنند دین اسلام را به شکل درست آن مطرح نمایند، چگونه قابل جمع است؟ به عبارت دیگر با وجود مراجع تقلید

پرسش

اینکه می گویند وقتی امام زمان (عج) ظهور می کنند، آنچنان دین اسلام را از پیرایه ها پاک می کنند که گویی دین جدیدی آورده اند، با وجود مراجع عظام ما که سعی می کنند دین اسلام را به شکل درست آن مطرح نمایند، چگونه قابل جمع است؟ به عبارت دیگر با وجود مراجع تقلید و علماء دین بازهم آیا دین آنچنان دچار انحراف و پیرایه ها مختلف می شود که وقت امام زمان (عج) ظهور می کنند، اسلام را به شکل صحیح آن مطرح می نمایند؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما خواهر گرامی باید گفت: در کل جهان اسلام که از هفتاد کشور تشکیل شده اند، جمعیتی یک میلیارد و دویست میلیونی را در خودش جای داده است. بیش از ۷۰ درصد این جمعیت را اهل تسنن تشکیل می دهند و جمعیت غالب آن بدور از معارف ناب اهل بیت می باشند. علمای اهل تسنن اسلامی را تبلیغ می کنند که منهای معارف اهل بیت است. با این حال بسیاری حدود الهی که بعد اجتماعی دین اسلام است تعطیل شده است، و به جای آن پیرایه های منحرف غربی وارد آن شده نمونه آن را در کشورهای مختلف اسلامی می توان دید گرایشهای وهابیت و دمکراسی غربی امروزه در برخی از کشورهای اسلامی نفوذ عجیبی کرده است.

جمعیت تشیع تقریباً بیست تا بیست و پنج درصد جهان اسلام را تشکیل می دهد. درصد خیلی کمتری از اهل تسنن می باشند. باید دقت کرد جهان اسلام فقط مراجع بزرگوار ایران و یا عراق که نمی باشند بلکه تمام مسلمانان را شامل می شود. متأسفانه علوم ناب اسلامی را آن گونه که باید همه دولتهای اسلامی سعی

در تبلیغ آن کنند انجام نمی دهند. بلکه برخی از دولتهای اسلامی سعی در خاموش کردن این نور الهی دارند نمونه آن گرایش برخی از دول اسلامی به اسرائیل و آمریکا می باشد.

اگر ما تأملی در علوم و معارف ناب اهل بیت داشته باشیم و سپس آن را با معارف انحرافی اسلام آمریکایی مقایسه کنیم به فرق فاحش بین آن دو پی خواهیم برد. پس می توان از روایت این گونه برداشت کرد که: الف خیلی از مسلمانان که گروه اهل تسنن را تشکیل می دهند چون اسلام رام نهای معارف اهل بیت می شناسند. برای همین توهم دین جدید را بعد از ظهور امام زمان (عج) پیدا می کنند. ب با عملی شدن فرامین اسلام بعد از ظهور امام زمان (عج) خیلی از مشکلات جامعه حل می شود، و مردم در اثر پایبندی به اسلام به قله های مراجع بزرگوار تمام همت خود را صرف تبلیغ اسلام ناب می کنند و این همان اسلامی است که امام (عج) آن را عملی می کند ولی متأسفانه همین معارف امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی اجرا نمی شود و حتی از علومش آگاهی ندارند.

وقتی که امام زمان غ ظهور می کنـد، آیا مانند امامان دیگر، به تبلیغ دین می پردازد یا بدون هیچ فرصتی تمام بدکاران را از بین می برد و جایی برای اصلاح دیگران باقی نمی ماند؟

پرسش

وقتی که امام زمان غ ظهور می کند، آیا مانند امامان دیگر، به تبلیغ دین می پردازد یا بدون هیچ فرصتی تمام بدکاران را از بین می برد و جایی برای اصلاح دیگران باقی نمی ماند؟

پاسخ

توجّه به این نکته ضروری است که امام زمان(عج) براساس موازین قرآنی و دینی و برای گسترش معنویات و عدالت ظهور کرده بسیاری از مشکلات را حل می نماید و جز موارد خاصّی به سیره اهل بیت عمل می کند. آن چه درباره حکومت حضرت و فعالیّت جهانی اش می توان گفت این است که

۱. با ظهور حضرت عقل بشری به تکامل می رسد و حق را از باطل تشخیص می دهد و جامعه از جهل رهایی می یابد؛ رشد عقلی و علمی به نحو چشم گیری تحقّق می یابد. امام صادق در این باره می فرماید: مقدار دانایی بشر، در دوران ظهور، و بعد از ظهور، قابل مقایسه نیست و از ۲۷ حرف علم تنها دو حرف آن قبل از ظهور، و ۲۵ حرف آن در زمان ظهور، کشف می شود.(بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۲، ص ۳۳۶.)

۲. رشد تربیتی انسان ها: آن حضرت انسان ها را از کوری و کری و گنگی در مسیر هدایت نجات می دهد و مانند پیامبراکرم مردم را تربیت و هدایت می کند. "سلك بكم منهاج الرسول (همان ج ۵۱، ص ۱۲۳.)

۳. دین تحریف شده و خرافات را از بین می برد و حقیقت را بر مردم عرضه می کند.

بر این اساس زمینه انتخاب آگاهانه و آزادانه مردم به وجود می آید و اگر کسی بعد از این همه فعالیّت و تلاش تن به حق ّ ندهد و در مسیر

حق‌پرستی قرار گیرد و مانع تراشی کند، حضرت با قاطعیّت موانع را از جلوی مسیر هدایت انسان ها برمی دارد; در عین حال فرصت اصلاح برای همه وجود دارد و نقش حضرت هدایت و اصلاح مردم است و مبارزه آن حضرت با کسانی است که مقابل راه حق بایستند.

نکته دیگر آن که اگر کسی از اهل کتاب حتّی بعد از روشن شدن حق مسلمان نشد و مانعی در مسیر هدایت ایجاد نکرد، حضرت به آن ها کاری ندارد و آن ها به دین خود باقی می مانند و جبر و اکراهی در عقیده وجود ندارد.

این مطلب را از قرآن مجید می توان فهمید که در آیاتی می فرماید: یهود و نصارا تا قیامت وجود دارند: "فَاَغرَینا بَینَهُم ُ العَداوه َوالبَغضاَ اِلی َیَوم ِالقِیَمَه ِ" (مائده ۱۴).(عصر زندگی محمد حکیمی ص ۶۰ ۱۰۰، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم)

آیا صحیح است که امام زمان غ با دین جدید و قرآن کامل ظهور می کند؟

پرسش

آیا صحیح است که امام زمان غ با دین جدید و قرآن کامل ظهور می کند؟

پاسخ

آخرین دین و شریعت الهی دین و شریعت اسلام است که پیامبر اسلام آورد و پس از آن هیچ دین و شریعتی نخواهد آمد. و هر کس بگوید من دین جدید آورده ام دروغ می گوید.

حضرت امام زمان غ با ظهورشان همان دین جدّشان را بیان و ترویج خواهد فرمود; امّا در طول تاریخ تحریف تفسیر باطل و بدعت در دین اسلام به اندازه ای زیاد خواهد شد، هنگامی که آن حضرت ظهور نماید و دین حقیقی را بیان نماید، مردم خیال خواهند کرد آن حضرت دین جدید آورده است

قرآنی که اکنون در دست مسلمانان است از نظر کلمات و آیات کامل است و با قرآنی که در دست امام زمان غ می باشد تفاوتی ندارد. ولی به نظر عده ای از محققان و محدثان شیعه حضرت علی قرآن را بعد از پیامبر جمع آوری کرد و امامان یکی پس از دیگری آن را به عنوان سپرده امامت در اختیار امام پس از خود قرار داده اند، تا به امام زمان غ رسیده است که آن را پس از ظهور خود به مردم ارائه خواهد فرمود.(تاریخ قرآن دکتر رامیار، ص ۴۱۰ ۴۱۳، انتشارات امیرکبیر.)

مصحف حضرت علی دارای ویژگی های ذیل بود:

۱. ضبط قرآن بنابر قرائت پیامبر۹;

۲. ترتیب دقیق موضوع برحسب نزول

۳. در برداشتن توضیحاتی در حاشیه ذکر مناسبتی که موجب نزول آیه بود; نام مکانی که آیه در آن جا نازل شد، ساعت نزول آیه نام افرادی که آیه درباره آنان نازل شده بود و...(آموزش علوم قرآن محمدهادی معرفت ج ۱،

ص ۳۴۹، ترجمه ابومحمـد وکیلی نشـر: سازمان تبلیغات اسـلامی) بنابراین قرآن فعلی هیـچ گونه تفاوتی از نظر آیات و تعداد آنها به جز داشـتن توضـیحات و ترتیب خاص با مصحفی که حضرت ولی عصرغ بعد از ظهور خود، به مردم ارایه خواهند داد، ندارد.

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شاید منکر خدا و ائمه (ع)هم نباشند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع می شوند ؟

پرسش

کسانی که اهل نماز و روزه نبوده و شایـد منکر خـدا و ائمه (ع)هـم نباشـند اگر در زمان ظهور امام زمان به ایشان ایمان بیاورند آیا مورد قبول واقع می شوند ؟

پاسخ

از آیات و روایات اسـتفاده می شود که: مسـلمانانی که از گناه خود توبه کنند و به دعوت حضرت مهدی (عج)لبیک بگویندو به واجبات دینی حقیقی خود عمل نماینـد واگر کافرانی به دین اسـلام ودین حق روی آورنـد مورد تعرض قرار نگرفته بلکه از ثمرات شیرین عدل و داد مهدی موعود بهره مندخواهند شد.

آیت الله ابراهیم امینی می فرمایـد: (از اوضـاع عمومی زمـان ظهور می توان پیش بینی نمود که وقتی مهـدی موعود(عـج) ظاهر شـدو حقایق اسـلام را به مردم جهان عرضه داشت و برنامه انقلابی واصـلاحی اسـلام را به سـمع آنان رسانیـد بسـیاری از مردم اسلام را قبول می کنند و از قتل نجات پیدا می کنند.(امینی, ابراهیم, دادگستر جهان, موسسه مطبوعاتی دارالفکر, ص ۲۸۹)

سیره مهدی موعود (عج) : روش و سـیره آن حضرت، روش وسیره جدش پیامبر(ص)خواهد بود. از تمامی انسانهایی که توفیق اطاعت حضرتش را داشته و به راه راست هدایت شوند از رحمت الهی بهره مند شده و به لمعات ابدی می رسند و آنانی که از اطاعت دین حق و دستورات دینی آن حضرت سرپیچی کنند وبه عناد و دشمنی با وی اقدام نمایند از بین خواهند رفت.

لطفا برای اطلاعات بیشتر کتب زیر را مطالعه بفرمایید :

۱-امینی ابراهیم,دادگستر جهان , موسسه مطبوعاتی دارالفکر

۲-صافی گلپایگانی لطف الله ,امامت ومهدویت,جامعه مدرسین

۳-کورانی علی,عصرظهور,مترجم عباس جلالی,سازمان تبلیغات اسلامی

۴-سعادت پرورعلی,ظهور نور,مترجم وزیری فرد سید محمد جواد

با امکان هدایت بشر از راه دعوت اخلاقی وتربیت انسانی، چرا امام زمان علیه السلام از شمشیر استفاده می کند؟

پرسش

با امکان هدایت بشر از راه دعوت اخلاقی وتربیت انسانی، چرا امام زمان علیه السلام از شمشیر استفاده می کند؟

پاسخ

از کارهای حتمی امام موعود (ع) جنگی تمام عیار با تمام انسان های خون آشام است. در مسأله جنگ ممکن است چنین انگاشته شود که هدایت انسان وساختن جامعه بشری با دعوت اخلاقی وتربیت درست، امکان پذیر است ونیازی به خونریزی وجنگ نیست.

مطالعه تاریخ بشری -از روزی که تاریخی بر جای مانده است- به خوبی این واقعیت را آشکار می سازد که موانع راه رشد وتکامل انسان جز با قدرت وخونریزی از سر راه برداشته نمی شود، وتعالیم اخلاقی واصول تربیتی هر چند تأثیرهای ژرف وگسترده داشته است لیکن این تأثیرها در برخی از افراد نجیب انسانی بوده است، ودر طبقه سلطه طلب ودنیادار واستثمارگر که منابع اقتصادی، سیاسی ونظامی جامعه ها را در دست داشته ودارند، یا هیچ تأثیری نداشته و یا تأثیر آن تحوّل آفرین ودگرگون ساز نبوده است. برای تربیت وهدایت آنان باید عامل دیگری به کار می رفته است تا سدّ راه انسان ها نگردند وراه رشد را بر توده ها نبندند، تا همگان بتوانند بی هیچ گونه مانعی به راه رشد خویش ادامه دهند. از این رو مسأله جنگ وکاربرد نیروبه عنوان یک ضرورت برای دستیابی به هدف های انسانی مطرح می گردد. اسلام، با توجه به همین واقعیت ها جنگ را نه به عنوان هدف وآرمان بلکه به عنوان راه ووسیله برای تحقق توحید و عدل پذیرفته است.

در قرآن کریم آمده است: {وَقاتِلُوهُمْ حَتّی لاتَکُونَ فِتْنَهٌ وَیَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُ للَّهِ...}؛{پاورقی . سوره بقره، آیه ۱۹۳. پاورقی}

"با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه ای نباشد ودین، همه اش برای خدا گردد...".

از این رو پیامبر اسلام که "رحمه للعالمین" است فرمود: "الخیر

كلّه فی السیف وتحت ظلّ السیف، ولایقیم الناس إلّا السیف، والسیوف مقالید الجنّه والنار"؛ "تمام نیکی وخیر در {پاورقی . وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵. پاورقی}

شمشیر است ودر زیر سایه شمشیر، ومردمان را جز شمشیر راست نمی کند. وشمشیرها کلیدهای بهشت ودوزخند."

امام باقر (ع) فرمود: "...إنّ فی القائم من آل محمّد شبهاً من خمسه من الرسل... وأمّا شبهه من جدّه المصطفی فخروجه بالسیف وقتله أعداء اللّه وأعداء رسوله والجبّارین والطواغیت، وأنّه ینصر بالسیف والرعب ..."؛ "قائم آل محمد: شباهت هایی با پنج تن از پیامبران دارد... امّا {پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۷. پاورقی}

شباهت او به جدّ خود رسول اکرم (ص) قیام با شمشیر است وکشتن دشمنان خدا وپیامبرش، وجبّاران وسرکشان، او با شمشیر وترس [که در دل جباران افکنده می شود] مدد می گردد."

امام مهدی علیه السلام با کدام دین بر عالم حکومت می کند؟

پرسش

امام مهدی علیه السلام با کدام دین بر عالم حکومت می کند؟

پاسخ

دینی که خود امام مهدی (ع) به آن متدّین است وبعد از ظهور با آن بر مردم حکومت می کند دین اسلام است. این مدعا را با چند دلیل می توان به اثبات رساند:

۱ – از آنجا که حضرت مهدی (ع) خاتم اوصیای پیامبر اسلام است، وقرار است به طور حتم او بر عالم حکومت کند، لذا به طور حتم دین حاکم در آن زمان، دین اسلام است.

۲ – از آنجا که حکومت حضرت مهدی (ع) مطابق روایات متواتره وصحیحه، حکومت عدل در تمام زمینه هاست، وعدل کامل نیز منحصر در اسلام است، نتیجه می گیریم نظامی را که حضرت مهدی (ع) با آن حکومت خواهد کرد، نظام اسلام خواهد بود.

۳ – مطابق برخی از اخبار، حضرت مهدی (ع) بر امت اسلامی حکومت خواهد کرد، این روایات به نوبه خود دلالت دارد که حکم او اسلامی بوده واحکام اجرایی او اسلامی خواهد بود.

ترمذی به سند حسن از ابی سعید خدری از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که فرمود: "همانا در میان امّت من مهدی است که خروج خواهد کرد...".

{پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۲۶. پاورقی}

۴ - برخی از روایات نیز به طور صریح دلالت دارد بر اینکه حضرت مهدی (ع) احکام اسلام وسنت رسول خدا (ص) را بعد از ظهور به اجرا خواهد گذاشت: طبرانی در "المعجم الاوسط" ونیز ابونعیم اصفهانی از ابی سعید خدری نقل کرده اند که گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: مردی از اهل بیتم خروج می کند که به سنت من قیام می نماید...".

{پاورقی . همان، ص ۱۳۱. پاورقی}

۵ - روایاتی که به طور متواتر از

رسول خدا (ص) وائمه اهل بیت: وارد شده که امام مهدی (ع) زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. وعدل کامل تنها در دین خاتم وکامل متجلّی است که همان دین اسلام است. نتیجه اینکه دینی که حاکم در عصر ظهور است همان دین اسلام می باشد.

در عصر ظهور کدامین مذهب حاکم است؟

پرسش

در عصر ظهور کدامین مذهب حاکم است؟

پاسخ

شکی نیست که اسلام آخرین دین بشر از جانب خداوند متعال است. لذا خداوند متعال پیامبر اکرم (ص) را به عنوان "خاتم النبیین" توصیف کرده، آن حضرت نیز تصریح به این نموده که بعد از خود پیامبری دیگر نخواهد بود. لکن سؤال این است که از بین مذاهب موجود کدامین مذهب از مذاهب اسلامی به اجرا در خواهد آمد.

مطابقآیات وروایات فراوان دین حاکم در عصر ظهور دین اسلام است،{پاورقی . سوره توبه، آیه ۳۳. پاورقی}

ولی با ضمیمه کردن اینآیات به آیه اکمال پی می بریم که مذهب رایج در عصر ظهور همان مذهب تشیع است.

خداوند متعال می فرماید: {اَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلامَ دِيناً}؛ "امروز دین شما را کامل کردم ونعمت خود را بر شما تمام{پاورقی . سوره مائده، آیه ۳. پاورقی}

نمودم واسلام را به عنوان آیین [جاودان] شما پذیرفتم."

در آن روز چه اتفاق افتاده است که خداوند به سبب آن دین خود را بر مردم کامل کرده ونعمت را بر آنان تمام نموده است، واسلام را همراه با آن پذیرفته است؟ کلید فهم این سؤال ها بررسی شأن نزول آیه وروشن شدن مصداق کلمه "الیوم" در آیه شریفه است.

با مراجعه به روایات وبیان مفسّرین در ذیل آیه فوق پی می بریم که شأن نزول آیه قضیه ای است که در غدیر خم، روز هیجدهم ذی حجه اتفاق افتاده است. در آن روز پیامبر اکرم (ص) دست حضرت علی (ع) را بلند کرده واو را به عنوان امام وخلیفه وجانشین بعد از خود معرّفی کرده است. پس دین مرضی خداوند در عصر ظهور که بر همه ادیان غالب خواهد

شد، همان دینی است که در مذهب تشیع یعنی پیروی از امام علی (ع) ویازده امام معصوم از فرزندان او متبلور شده است.

لـذا خداونـد متعال در سوره نور می فرماید: {... وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...}؛ "ودینی را که برای آنها پسـندیده است پیاده خواهد نمود."

{پاورقی . سوره نور، آیه ۵۵. پاورقی}

این دین پسندیده همان دینی است که در روز غدیر خم با خطّ ولایت مستدام است.

۱– بعضی افراد متأسفانه فکر میکنند که امام زمان (عج) در هنگام ظهور شمشیر به دست همه را از دم تیغ می گذرانند این موضوع آیا دلیلی برمظلومیت امام زمان نیست. زیرا وجود مبارک امام زمان ســر شار از لطف ومهر است این اشتباه فکری را چگونه از ذهن مردم پاک کنیم ؟

پرسش

۱– بعضـی افراد متأسـفانه فکر میکننـد که امام زمان (عـج) در هنگام ظهور شمشـیر به دست همه را از دم تیغ می گذراننـد این موضوع آیـا دلیلی برمظلومیت امـام زمـان نیست. زیرا وجود مبارک امام زمان سر شار از لطف ومهر است این اشـتباه فکری را چگونه از ذهن مردم پاک کنیم ؟

پاسخ

ج۱– این فرمایش شـما کاملا صـحیح ودرست است متأسـفانه درمعرفی امام زمان (عج) بعضی از جوانب آن حضرت فقط بیان شده آن هم گاهی ازاوقات به صورت غیرکامل وبعضی از خصوصیات حضرتش کلا فراموش شده است.

امام زمان (عـج) درقدم اول اولین صـفتش آن است که« رحمه للعالمین» است. یعنی: مایه مهر ولطف و رحمت برای تمام عالم همه سر سـفره او نشسـته انـد وبه برکت او روزی می خورند که طفیل هستی عشـقند آدمیان, با کمال تأسف این جهات کمتر بازگو شده وفقط انتقام حضـرتش گفته می شود تازه آن هم به صورت غیر صـحیح زیرا؛ حضـرت ازدشمنانش انتقام می گیرد که در مقابلش بایسـتند یا به آباء واجدادش ظلم کرده باشـند. نه این که دوست خود را بکشد ویا کسی که امامت حضرتش را قبول دارد بخواهد او را ازبین ببرد.

دشمنان حضرت

اشاره

مگر در دوران امام زمان(ع) تمام افراد با صـلح و امنیت زندگی نمی کنند؟ پس چرا باید کسـی پیدا شود و قاتل امام زمان(ع)

باشد؟ آیا راست است که یک روحانی گفته که قاتل امام زمان(ع) به دنیا نیامده است؟ زمانی که امام ظهور می کند چه کسانی از دم تیغ ایشان

پرسش

دشمنان حضرت

مگر در دوران امام زمان(ع) تمام افراد با صلح و امنیت زندگی نمی کنند؟ پس چرا باید کسی پیدا شود و قاتل امام زمان(ع) باشد؟ آیا راست است که یک روحانی گفته که قاتل امام زمان(ع) به دنیا نیامده است؟ زمانی که امام ظهور می کند چه کسانی از دم تیغ ایشان می گذرند و به هلاکت می رسند؟

پاسخ

یکی از ویژگی های حکومت امام زمان(ع) برقراری امنیت جهانی است. البته برقراری امنیت بدان معنا نیست که در زمان حکومت امام زمان(ع) دشمن وجود نداشته باشد و امنیت جامعه را تهدید نمی کند. امام زمان(ع) با بهره گیری از امدادهای غیبی و راهکارهای مناسب به گونه ای امنیت برقرار می کند که تا آن زمان سابقه ندارد؛ ولی قدرت گرایان و جمود اندیشان و مخالفان حکومت که منافع آنان با حکومت جهانی در تضاد است، امنیت را تهدید می کنند و این تهدید ها از بین نمی رود.

کیفیت مرگ امام زمان(ع) دقیقاً مشخص نیست که طبیعی است و یا به شهادت می رسد؟ هم چنین معلوم نیست که قاتل حضرت کیست؟ این که شخصی روحانی گفته که قاتل امام به دنیا نیامده است، مبتنی بر مدارک و دلیل نیست، زیرا اوّلاً معلوم نیست که امام زمان(ع) به مرگ طبیعی از دنیا می رود و یا به شهادت می رسد؟ این که قاتلامام به دنیا نیامده، فرع بر آن است که اثبات شود حضرت به شهادت می رسد.

ثانیاً دلیل و مدرکی وجود ندارد که قاتل امام به دنیا آمده است. البته طبیعی است که قاتل امام به دنیا نیامده باشد، زیرا هنوز حضرت ظهور نکرده

و مدت حکومت حضرت مشخص نیست، از این رو اگر حضرت قاتل داشته باشد، نباید متولد شده باشد.

قضاوت درباره ابعاد زندگی امام زمان(ع) دلیل و مدرک می طلبد، از این رو اثبات این که قاتل امام کیست و هنوز به دنیا نیامده است، نیاز به مدرک دارد.

امام زمان(ع) با چند گروه برخورد می کند که به برخی اشاره می شود:

۱- راحت طلبان:

راحت طلبان که همیشه در صدد تأمین منافع خویش هستند، ادعای پیروی امام زمان(ع) را می کنند ولی حکومت جهانی امام را مخالف منافع خویش می دانند، از این رو با حضرت مخالفت نموده و حضرت نیز با آن ها برخورد می کند. امام صادق(ع) فرمود: "چه بسیار کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور حضرت، از او روی می گردانند".[۱]

۲- کافران و منافقان:

در طول تاریخ کافران و منافقان با دین و دین مداری به مخالفت برخواسته و عدالت و آزادی را مخالف و متضاد با منافع خود دریافته اند؛ از این رو با دین و عدالت مخالفت نموده اند. کافران و منافقان به دلیل این که حکومت امام زمان(ع) را مخالف منافع خویش می دانند، با حکومت عدالت گرای امام زمان مخالفت می کنند و امام زمان(ع) با آنان مبارزه می نماید. امام صادق(ع) فرمود: "إذا فرج القائم لم یبقِ مشرکٌ بالله العظیم و لا کافر، إلّا کره خروجه؛[۲] هنگامی که حضرت قائم ظهور کند، هر کافر و مشرک از ظهور او ناخشنود است.

۳- جمود اندیشان:

جمود اندیشان و ظاهر گرایان از مهم ترین موانع احیای دین و حکومت جهانی امام هستند. جمود اندیشان را می توان به چند دسته

تقسیم نمود که برخی روحانیون از آن دسته هستند و امام زمان(ع) با این گروه برخورد می کند.

۴- مستکبران:

مستکبران جهان از مخالفان سرسخت حکومت جهانی امام زمان(ع) به حساب آمده و امام با آنان برخورد می کند. بیان این نکته ضروری است که شیوه برخورد و مبارزه حضرت با مخالفان بر اساس عدالت و قانون است. امام با بیان اهداف حکومت و استراتژی حکومت جهانی خود همگان را به پذیرش حق و دین خدا فرا می خواند و مخالفان مذهبی خویش را به خاطر گرایش های مذهبی مجازات نکرده و با آن ها مبارزه نمی کند. امام زمان(ع) در ابتدا از آنان دعوت نموده و با آنان با خشونت رفتار نمی کند و با استدلال و منطق، مخالفان سیاسی و مذهبی را به حکومت خویش دعوت نمی کند. از سوی دیگر به ف رهنگ سازی و فرهنگ پروری پرداخته و به مردم رشد فرهنگی می دهد تا جمود اندیشان و ظاهر گرایان نیز با معارف واقعی دین و حکومت امام زمان آشنا شوند. هر گاه رفتار صلح آمیز امام با مخالفان تأثیر گذار شد، آن گاه حضرت با مخالفان برخورد می کند.

[۱] میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۲.

[۲] سید هاشم بحرانی البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۱.

چه کسانی با حضرت مهدی(عج) به مبارزه بر می خیزند؟

پرسش

چه کسانی با حضرت مهدی(عج) به مبارزه بر می خیزند؟

پاسخ

امام دشمنان سخت گیر و کینه توزی خواهد داشت به جز مستکبران بیدادگر، بیش ترین کارشکنی ها از جانب کسانی خواهد بود که ادعای موافقت با امام را دارند و خود را از منتظران حضرت می دانند، اینان پس از پیوستن به امام چون کارها را بر وفق مراد نمی بینند و ناچارند از منافع نامشروع خود درگذرند، با سلاح دین و مذهب به جنگ امام می روند که به فرموده امام صادق (ع : "چه بسیار از کسانی که ادعای پیروی او را دارند ولی پس از ظهور حضرت از او روی می گردانند."

برخی از افراد و گروهای مخالف حضرت عبارتنداز:

۱ راحت طلبان و خودپرستان که دین را به گونه ای توجیه می کنند که بارفاه خود در تزاهم نباشد، مانند جمعی از مسلمانان مکه که پیش از هجرت به مدینه به پیامبر گفته چون مورد آزار دشمنانیم اگر اجازه دهی با آنان بجنگیم پیامبر فرمود: اکنون مأمور به جنگ نیستیم فعلاً نماز بخوانید و زکات بدهید ولی پس از هجرت که مأمور به جهاد شدند، زبان اعتراض گشودند که خدایا: چرا فرمان جنگ دادی و آن را مدتی به تأخیر نیانداختی قرآن ریشه ترس و وحشت آنان را راحت طلبی می شمرد.

۲ متعجران و جوود گرایان مانند آنان که وقتی دستور خوردن روزه در سفر آمد و پیامبر روزه اش را در حال مسافرت افطار کرد، تعدادای کاسه از آش داغتر و مقدس آب گفتند: هر سختی ثواب دارد و به روزه ادامه دادند. پیامبر با آنان برخورد کرد و آنان را گناهکار نامید.

حضرت برای

ایجاد عدالت عمومی اموال نامشروع را مصادره می کند و زمین هایی را که حکومت ها به ناروا به دوستان و آشنایان خود هدیه کرده اند، به بیت المال بر می گردانند. نیز دست حرامخوار را از اموال عمومی کوتاه می کند. وی در اجرای عدالت تا آن جا پیش می رود که راه را برافرادی که به زیارت مستحبی خانه خدا می روند، بسته و حج واجب را در اولویت قرار می دهد. شیوها حرم سازی و مسجد نمایی را نمی پسند و مساجد را از تزیینات غیر ضروری پاک می سازد. در تفسیر قرآن اسرار پنهانی و رموزی را که بر مردم پنهان مانده آشکار می سازد و تحولات مهمی در عرصه فرهنگ و اجتماع به وجود می آورد. این گونه تحولات خواه ناخواه با منافع عده ای سازگار نیست از این رو درصدد مخالفت با حضرت بر می آیند.

۳ کافران و منافقان نیز با حضرت مخالفت خواهند کرد. امام صادق (ع فرمود: "هنگامی که مهدی (ع قیام کند، مشرکان و کفار از قیام حضرت ناخشنودند، ماند سفیانی و دیگران و علیه حضرت اقدام می کنند."

آخرین نفری که امام از دشمنانش را خواهد کشت چه کسی است و آخرین نفری که از آدمیان می میرد چه کسی است مرد هست یا زن؟

پرسش

آخرین نفری که امام از دشمنانش را خواهد کشت چه کسی است و آخرین نفری که از آدمیان می میرد چه کسی است مرد هست یا زن؟

پاسخ

با پوزش فراوان از تأخیر در ارسال پاسخ شما عزیز.

درباره قسمت اول پرسش شما مدرک دقیقی در دست نیست لکن در بعضی از روایات به آخرین گروهی که امام عصر (عج) با ایشان مبارزه می کند آمده است چنانکه در روایات زیر می فرماید:

"او نخستین قائم از ما اهلبیت است که قیام می کند و به شما سخنانی می گوید که نمی توانید آنرا تحمل کنید. از این رهگذر در تپه های دستگرد علیه او خروج کرده با او می جنگید و شما را طعمه شمشیر می سازد و آن آخرین گروهی است که علیه او خروج می کنند."

با این حال از آغاز ظهور امام (عج) تا قیامت وقایعی رخ می دهد که عبارتند از:

۱. بر هم ریختن نظام کنونی جهان و میرش همگانی.

۲. گذراندن عالم برزخ.

۳. برانگیخته شدن از قبور.

۴. رفتن به دادگاه عدل الهی.

۵. حسابرسی و بررسی اعمال، عقاید، نیات.

۶. عبور از صراط و مواقف آن و ...

با این وصف هنگام ظهور قیامت کبری نظام کنونی جهان و عالم مادی در پی وقوع یک سلسله رویدادهایی، همچون زلزله های عظیم، حرکت کوهها، خاموش شدن ستارگان و ... از بین می رود و همزمان با آن و از درون آن جهان قیامت و آخرت رخ می نماید. در این میان با یک تحول شدید همگانی انسانها قبض روح شده مرگ همگانی همه زمین را فرا می گیرد.

بنابراین پرسش از اینکه آخرین فردی از آدمیان که می میرد زن است یا مرد صحیح نیست.

در پایان توصیه ما به آن عزیز که ما را مورد

لطف خویش قرار داده اند آن است که ذهن خود را متوجه پرسشهای اساسی کنند، پرسشهایی که عمق جان انسان سر بر می آورد او را به عوالم بلند مرتبه حیات رهنمون می شود.

روز و شب فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتنم

از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می روم؟ آخر ننمایی وطنم؟

بر گرفته از: روزگار رهایی، کامل سلیمان

www. Nahad. net

آیا در زمان حضـرت ولیعصر (عج) دشمنی با آن حضرت وجود دارد یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است پس آن حضرت توسط چه کسی شهید می شود؟

پرسش

آیا در زمان حضرت ولیعصر (عج) دشمنی با آن حضرت وجود دارد یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است پس آن حضرت توسط چه کسی شهید می شود؟

پاسخ

سفیانی از شخصیت های بنام در انقلاب حضـرت مهدی (ع) است و از دشـمنان سرسخت آن حضرت به شمار می رود و بنابه تصـریح روایـات خروج سـفیانی از وعـده های حتمی خداونـد است امام زین العابـدین می فرمایـد: "امر قائم از سوی خـداوند حتمی است و امر سـفیانی نیز از جانب خداونـد می باشد و قائم ظهور نمی کند مگر پس از مرگ سـفیانی"(۱) بین دانشمندان اسلامی اتفاق نظر است که وجه تسـمیه او به سفیانی به خاطر نسبت داشتن با ابوسفیان است چراکه وی از تبار ابوسفیان بشمار می آید.(۲) و طبق روایات، فرهنگ و گرایش سیاسی سفیانی غربی است. سفیانی درحالی که رهبری گروهی را به عهده داردماننـد شـخص نصـرانی صـلیب بر گردن دارد و از سـرزمین رومیان روی می آورد.(۳) خلاـصه این که روایات سـفیانی از تبار ابوسفیان است و از کینه توزترین فرد نسبت به اهل بیت (ع) می باشد با پرچم سرخ که نشانه خون آشامی او است قبل از ظهور امام(عج) خارج می شود و جنبش او بسیار خشن و در سه مرحله انجام می گیرد.مرحله تثبیت سلطه که شش ماه طول می کشد مرحله دوم جنبش سـفیانی که هجوم به عراق و حجـاز می باشـد، و مرحله سوم جنبش آن دفاع در برابر تحرک سـپاه حضـرت مهـدی (ع) جهات حفظ متصـرفات خود از سـرزمین شام و اسـرائیل و قـدس و. و خروج او از آغاز تا انجام ۱۵ ماه به طول می انجام

برای آگاهی بیشتر در این زمنیه ر. ک: ۱- دادگستر جهان، ابراهیم امینی ۲-

عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی ۳- چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حو.

اگر اندکی به تاریخ بنگریم، خواهیم دید که در برابر پیامبران الهی (با وجود معجزات و دلایل روشن) عده ای لجاجت به خرج داده اند و به خاطر منافع خود و یا هوس های دیگر با ایشان به جنگ و جدال پرداخته و چه بسا خون آنان را بر زمین ریخته اند. در آخرالزمان نیز موضوع به همین صورت است. حتی در برخی از اخبار وارد شده که عده ای از علمای دین نیز با آن حضرت مخالفت خواهند کرد. دجال نیز مظهر تمامی قدرت ها و شیطان هایی است که حکومت حق الهی را بر زمین نمی پذیرند. از همین رو از سر جنگ با حضرت درمی آیند و نهایتاً شکست می خوربراین در آن زمان نیز انسان، انسان است و فضای انتخاب باز است. از همین رو دنیاپرستان و. به رویارویی با حضرت اقدام خواهند کرد و طبیعی است عده ای نیز با آنان همراه خواهند شد. در این جا بعضی نظریات در مورد دجال که در کتاب دادگستر جهان، ابراهیم امینی آمده است برای شما نقل می کنیم: خروج دجال را یکی از علائم الظهور می شمارند و او را چنین توصیف می نمایند: مردی است کافر، یک چشم بیش ندارد آن هم در پیشانیش واقع شده و مانند ستاره ای می درخشد، در پیشانی وی نوشته: کافر است به طوری که هر باسواد و بی سواد آن راند. کوهی از طعام و نهری از آب همیشه با او است. بر الاغ سفیدی سوار می شود که هر گامش یک میل راه است. آسمان به دستور وی باران می دهد و زمین گیاه می رویاند، اختیار گنج های زمین

با او است. مرده را زنـده می کنـد، با صـدایی که تمام جهانیان می شـنوند نـدا می کنـد: خدای بزرگ شـما هسـتم که شـما را آفریده روزی می رسانم، به سوی من بشتابید.

منابع و مآخذ:

(۱) (رساله یوحنا، باب ۲، آیه ۲۲)

(۲) (رساله اول، باب ۲، آیه ۱۸)

(۳) (رساله اول یوحنا، باب ۴، آیه ۳)

آیا نابودی اسرائیل قبل از ظهور امام زمان غ رخ می دهد یا به دست آن حضرت صورت می گیرد؟

پرسش

آیا نابودی اسرائیل قبل از ظهور امام زمان غ رخ می دهد یا به دست آن حضرت صورت می گیرد؟

پاسخ

بی تردید اسرائیل و صهیونیست ها نابود خواهند شد.

در قرآن (اسرأ،۴۷) آمـده است که بنی اسـرائیل دو بار در زمین فساد و سرکشـی خواهند کرد. پس از فساد و سرکشـی بزرگ نخست خداونـد بنـدگانی نیرومند بر آنان مسلّط می کند و آنان را نابود می کنند. پس از این دوباره بنی اسـرائیل نیرومند می شونـد و فسـاد و سرکشـی بزرگ دومی پیش می گیرنـد، در روایت آمـده است که پس از فساد و سرکشـی دوم به دست امام زمان غ نابود می شونـد. بنابراین نابودی نهایی و ریشه کن شدن اسـرائیل و صـهیونیست پس از ظهور امام زمان غ است (ر.ك بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۱، ص ۴۵۴۶، مؤسسه الوفأ، بیروت)

منظور از کشته شدن شیطان به دست آن حضرت (امام زمان (عج)) چیست؟

اشاره

با سـلام خدمت شـما و تشـکر می خواسـتم بپرسم آیا روایتی دال بر اینکه شـیطان پس از ظهور شکلی جسمانی یافت و بدست حضرت کشته می شود وجود دارد یا خیر؟

پرسش

منظور از کشته شدن شیطان به دست آن حضرت (امام زمان (عج)) چیست؟

با سلام خدمت شما و تشکر می خواستم بپرسم آیا روایتی دال بر اینکه شیطان پس از ظهور شکلی جسمانی یافت و بدست حضرت کشته می شود وجود دارد یا خیر؟

پاسخ

در قرآن مجید از شیطان نقل می کند که پس از این که - به دلیل عدم سجده بر انسان و تمرد از دستور الهی - رانده شد به خداوند عرض کرد: «قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون؛ شیطان گفت: پروردگارا مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده» (حجر، آیه ۳۶).

شیطان در این درخواست دو مطلب از خداوند متعال خواسته است:

۱. به او مهلت داده شود.

۲. این مهلت تا قیامت و روز مبعوث شدن بندگان ادامه داشته باشد.

پاسخ حضرت حق تعالی به درخواست او چنین است: «قال فانک من المنظرین، الی یوم الوقت المعلوم؛ فرمود: تو از مهلت یافتگانی، تا روز و وقت معلوم» (حجر، آیه ۳۷ و ۳۸).

یعنی خداوند متعال به او مهلت داده است و درخواست اولی او را اجابت کرده است. اما درخواست دوم او را که خواسته بود تا روز قیامت مهلت داشته باشد اجابت نشده است بلکه تا روز و وقت معلوم به او مهلت داده شده است.

اما پرسش این است که وقت معلوم چه زمانی است؟

در بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۱ از امام صادق(ع) روایتی دارد که «ابن وهب از امام درباره سرنوشت ابلیس در آیه مذکور آمده است پرسش می کند که این روز چه روز و زمانی است؟ امام می فرمایند: ای وهب آیا تصور می کنی که آن روز، زمانی است

که خدا در آن روز مردم را مبعوث می کند (این چنین نیست) بلکه خداوند ابلیس را تا روز قیام قائم ما مهلت می دهد. در آن زمان، حضرت ابلیس را محکم می گیرند، گردن او را می زند و آن روز زمان معلوم است».

هدف اصلی انسان، سعادت است و سعادت در جامعه بشری با حکومت حضرت مهدی(عج) حاصل می شود که در آن زمان زمین پر از عدل و داد می شود و خبری از کفر و ظلم نیست. در آن زمان قلب ها از وسوسه های شیطانی پاك می شود و فساد نابود می گردد. در این روز ابلیس – رئیس شیطان ها – که کاری جز وسوسه و به انحراف کشاندن جامعه بشری ندارد به عنوان اصل فساد گردن زده می شود. پس منظور از کشته شدن ابلیس و شیطان به دست حضرت، به قتل رساندن شخص شیطان و پایان مهلتی است که به شیطان داده شده بود. البته قتل شیطان و ابلیس به معنای از بین رفتن همه شیاطین – به ویژه انسان های شیطان صفت نیست. زیرا تکلیف برقرار است و تکلیف دائرمدار اختیار خیر و شر است و برخی انسان ها هستند که نقش شیطان را بر عهده دارند. ضمن این که نفس اماره نیز است. اما رئیس شیطان ها – ابلیس – که نقش اساسی برای انحراف و گناه دارد از بین می رود.

برای آگاهی بیشتر ر.ك: تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۱۶۹ – ۱۶۷ ذیل آیه ۳۸ سوره مبارکه حجر و ص ۱۸۴ ذیل بحث روایت از آیه مذکور مراجعه شود.

با توجه به روایاتی که طبق آنها امام زمان پس از ظهور جناب شیطان را می کشند پس این چگونه عدالتی است که مردمان پس از ظهور از فریبهای شیطان در امان خواهند ماند.

پرسش

با توجه به روایاتی که طبق

آنهـا امـام زمـان پس از ظهور جنـاب شـیطان را می کشـند پس این چگونه عـدالتی است که مردمـان پس از ظهور از فریبهای شیطان در امان خواهند ماند.

پاسخ

۱. برخی از آیات قرآن که به طول زمان اغواگری شیطان پرداخته اند، به قرار زیرند:

الف – قال انظرنی الی یوم یبعثون قال انک من المنظرین (اعراف ، ۱۴–۱۵) ؛ (ابلیس) گفت: مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می شوند، مهلت ده (و زنده بگذار) ، (خداوند) فرمود: تو از مهلت داده شدگانی »

ب – قـال رب فـانظرنی الی یـوم یبعثـون قـال فانـک من المنظرین الی یـوم الـوقت المعلـوم (حجر، ۳۶–۳۸) ؛ (ابلیس) گفـت : پروردگار را ، مرا تا روز رسـتاخیز مهلت ده (و زنده بگذار) ، فرمود تو از مهلت یافتگانی (اما نه تا روز رستاخیز ، بلکه) تا روز و وقت معینی.»

۲. مهلت خواسـتن ابلیس تـا هنگـام برانگیختن مردم از آن رو بود که وی تـا بر پـایی قیامت به اغواگری انسان ادامه دهـد ولی خداوند در پاسخ به درخواست چنین مهلتی ، آن را نه تا زمان یاد شده ، بلکه تا روز معینی موافقت کرد.

۳. از این که ابلیس ، در ادامه آیات مـذکور در سوره مبارک اعراف و حجر، آن هم دوباره گفت: «همه آنان را اغوا می کنم» گـواه آن اسـت او می دانست تـا آخرین فرد از افراد بشـر زنـده بـود، و به اغـوای آنـان دست رسـی خواهـد داشت؛ از این رو، پیداست که او از جمله «الی یوم الوقت المعلوم؛ تا روز وقت معلوم» فهمیده بوده که منظور از روز معلوم ، آخرین روز عمر بشر زندگی کننده

بر روی زمین بوده ، و همین زمـان، آخرین فرصتی است که او می توانـد به کار اغوای خود ادامه دهـد، روایاتی هم وجود داد که منظور ، همان روز نفخ اول است ، که تمامی آفریده ها می میرند.

کشتاری که در روایات مهدویت به آن اشاره شده به چه وقتی اشاره دارد؟

پرسش

کشتاری که در روایات مهدویت به آن اشاره شده به چه وقتی اشاره دارد؟

پاسخ

اخباری که در آنها، کشتار در حجم وسیعی را مطرح کرده اند بر دو قسم است:

الف. قسمتی از آنها مربوط به ملاحم وفتنه های قبل ظهور است وهیچ گونه ارتباطی به دوران ظهور ندارد وتنها ناظر به اوضاع نابسامان جهان پیش از ظهور است. بیشتر این روایات از روایات مرسه اهل سنت است.

ب. دسته ای دیگر از روایات مربوط به هنگامه ظهور وحکومت امام زمان (ع) است.

این نوع روایات نیز بر دو گونه اند:

۱ – روایـاتی که از طریق عـامه واز نبویّـات است وبیشتر آنهـا مشـکل سـندی دارد، به طوری که بعضـی از آنها مرسل، وبرخی دیگر به پیامبر (ص) منتهی نمی شود، بلکه از افرادی مانند کعب الاحبار نقل شده که در زمان پیامبر مسلمان نبوده است.

عمـده این روایـات از اسـرائیلیات است که با اغراض مختلفی وارد کتاب های روایی شـده انـد. عالمی از اهل سـنّت ماننـد ابن کثیر، هنگـامی که به روایـات امثـال کعب الاحبار می رسـد می گویـد: "خـدا ما را از این همه اخبار دروغی که وارد تفسیرها وکتاب های روایی و... شده، بی نیاز کند...".

{پاورقی . تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۷. پاورقی}

۲ – روایاتی که از طرق اهل بیت: نقل شده ویا در کتاب های شیعه ذکر شده است. در این کتاب ها، اخبار منقول از اهل بیت: وبرخی دیگر که نقل شده به آن حضرت منتهی نمی شود.

حجم کشتارها وخونریزی ها در هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام چه مقدار است؟

پرسش

حجم کشتارها وخونریزی ها در هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام چه مقدار است؟

پاسخ

نمی توانیم ادعا کنیم که هنگام قیام امام زمان (ع) هیچ گونه قتل وکشتاری رخ نمی دهد؛ زیرا مسلّماً این واقعه عظیم بدون برطرف کردن خارها ودشمنان سر راه آن حضرت میسّر نخواهد شد.

ولذا در روایات مشاهده می کنیم که اهل بیت: بر اصل قتل وخونریزی هنگام ظهور وقیام حضرت اشاره کرده اند.

بشیر بن ابی اراکه نبّال می گوید: هنگامی که به مدینه وارد شدم به طرف منزل ابوجعفر امام باقر (ع) رفتم... عرض کردم: مرجئه می گویند: هنگامی که قیام قائم روی دهد همه کارها برای او هموار خواهد شد وبه اندازه یک ظرف حجامت هم خون نمی ریزد. حضرت فرمود: "... کلّا والّذی نفسی بیده حتّی نمسح وأنتم العرق والعلق..."؛{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۳ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶. پاورقی}

"هرگز چنین نیست، سوگند به آن که جانم به دست اوست کار به اینجا می انجامد که ما وشما عرق وخون بسته شده را پاک خواهیم کرد."

به این مضمون روایات دیگری نیز رسیده است. ولی از طرفی دیگر تاریخ گواهی می دهد که پیامبر اسلام (ص) وامامان اهل بیت: سعی داشته اند امور را به طور عادی واز مسیر طبیعی آن انجام دهند، وحتّی الامکان دست به شمشیر نبرند، زیرا هدف آنان ارشاد وهدایت مردم است، جز آنکه گسترش عدل در جامعه اقتضای کشت وکشتاری گر چه در حدّ محدود را دارد، وقرار نیست که تمام امور از طریق معجزه حلّ شود، ولی اندیشه افراطی نیز در این مسأله صحیح نیست وهرگز دلیلی عقلی وعقلایی ونقلی بر گستردگی کشتارها در حدّی وسیع وجود ندارد، خصوصاً آنکه مطابق ادعای برخی، از هر نه نفر

هفت نفر یا از هر هفت نفر پنج نفر کشته می شوند.!

مطابق روایات شیعه، قتل ها در چه وقتی خواهد بود؟

پرسش

مطابق روایات شیعه، قتل ها در چه وقتی خواهد بود؟

پاسخ

با توجه به احادیث اهل بیت: پی خواهیم برد که جهان انـدکی قبل از ظهور شاهد جنگ های خونین خواهد بود. ولذا می توان گفت که مردم بـا مشاهـده ومواجهه بـا این جنـگ هـا به اسـتقبال مصـلحی عالمی خواهنـد رفت، وحضـرت نیز از این موقعیت استفاده کرده وبا کمترین استقامتی از طرف مخالفین خود وظالمین، عالم را فتح خواهد کرد.

امام صادق (ع) فرمود: "لایکون هـذا الأمر حتّی یـذهب ثلث الناس. فقیل له: إذا ذهب ثلث الناس فما یبقی؟ فقال۷: أما ترضون أن تکونـوا الثلث البـاقی؟"؛ "این امر –قیـام امـام زمـان (ع)-{پـاورقی . کمـال الـدین، ج ۲، ص ۶۵۵ù۶۵۶، بـاب ۵۷، ح ۲۹. پاورقی}

واقع نمی شود تا اینکه دو سوّم مردم از بین بروند. راوی می گویـد: به حضـرت عرض کردم: اگر دو سوّم مردم از بین برونـد، چه کسی باقی می ماند؟ حضرت فرمود : "آیا راضی وخرسند نمی شوید که شما از یک سوم باقی مانده باشید."

زراره می گویـد: به امـام صـادق (ع) عرض کردم: آیـا نـدای آسـمانی حقیقت دارد؟ فرمود: "إی واللّه حـتی یسـمعه کـلّ قوم بلسانهم. وقال۷: لا‌یکون هـذا الأمر حتی یـذهب تسـعه أعشار الناس"؛ "آری به خـدا سوگنـد، چنان است که هر قومی با زبان خودشان آن را{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۴، باب ۱۴، ح ۵۴. پاورقی}

می شنوند. آن حضرت فرمود: "این امر محقّق نمی شود تا اینکه نُه دهم (۹۱۰) مردم از میان بروند."

سلیمان بن خالـد می گوید: از امام صادق (ع) شـنیدم که می فرمود: "قدّم القائم موتتان: موت أحمر وموت أبیض حتی یذهب من کلّ سبعه خمسه: الموت الأحمر، السیف، والموت الأبیض: الطاعون"؛ "قبل از قیام قائم دو نوع مرگ

رخ می دهد، مرگ سرخ ومرگ سپید، تا{پاورقی . کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵، باب ۵۷، ح ۲۷. پاورقی}

اینکه از هر هفت نفر پنج نفر از بین برود. مرگ سرخ با شمشیر ومرگ سپید با طاعون است."

با ملاحظه این احادیث واحادیث دیگر پی خواهیم برد که حجم وسیعی از کشتارها وخونریزی ها مربوط به دوران پیش از قیام حضرت مهدی (ع) وقبل از ندای آسمانی است.

گرچه برخی از روایات نیز از مجعولات واسرائیلیات بوده وبا اهداف وانگیزه های خاصّی مانند خدشه دار کردن چهره نهضت جهانی وحکومت حضرت مهدی (ع) ویا توجیه کشتارها در فتوحات و... وارد کتاب های روایی شده وکشتارهای زیادی را به امام زمان (ع) نسبت داده است.

ونیز یک سری از آنها مرسل ومرفوعه است ومشکل سندی دارد. همانند روایتی را که فضل بن شاذان مرفوعاً از امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت فرمود: "یقتل القائم (ع) حتّی یبلغ السوق. فیقول له رجل من ولد أبیه..."؛ "حضرت قائم (ع) آن قدر از انسان ها{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷، باب ۲۷، ح ۲۰۳. پاورقی}

را می کشد که تا ساق پا را خون فرا می گیرد، تا آنکه شخصی از فرزندان پدرش به او اعتراض شدید می کند...".

البته همچنان که اشاره شد این حدیث مرفوعه بوده ومشکل سندی دارد. واز طرفی محتوا ودلالتش ناتمام است، زیرا ممکن است که "سوق" که در روایت آمده مقصود از آن نام شهر یا محلّی همانند "سوق الاهواز" باشد. خصوصاً آنکه در حدیث مذکور سخن از خون به میان نیامده است. لذا چنین به نظر می رسد که "سوق" محل ومکان مخصوص باشد.

ونیز برخی از روایات به جهات دیگری ضعف سند دارد: در روایتی

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: "...وبه حدّی از ظالمان را خواهد کشت که جاهلان می گویند: اگر این مرد از ذریّه محمّد بود ترحم می کرد".

ولی این روایت از حیث سند مورد اشکال است؛ زیرا در سند آن احمد بن عثمان آدمی است که مجهول می باشد.

{پاورقی . مستدرک علم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۶۵. پاورقی}

زرّ بن حبیش می گوید: از علی (ع) شنیدم که می فرمود: "خداوند به واسطه مردی از ما فتنه ها وآشوب ها را برطرف می سازد وآنان -فتنه گران- را خوار وذلیل می گرداند وبر آنان جز شمشیر وارد نمی کند. شمشیر بر دوش نهاده وهشت ماه به شدت مبارزه می کند تا اینکه می گویند: به خدا سوگند این از فرزندان فاطمه نیست، اگر از فرزندان فاطمه بود به ما رحم می کرد".

{پاورقی . کنز العمال، ج ۱، ص ۵۸۹. پاورقی}

واز عیسی بن خشاب نقل شده که به امام حسین بن علی (ع) عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: "لا، ولکن صاحب الأمر الطرید الشرید الموتور بأبیه المکنّی بعمّه، یضع سیفه علی عاتقه ثمانیه أشهر"؛ "خیر، ولی صاحب امر، رانده شده، دور افتاده،{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸، باب ۳۰، ح ۵. پاورقی}

خونخواه پدرش ودارای کنیه عمویش می باشد. شمشیرش را هشت ماه بر دوش خود می نهد."

واز ابوبصیر نقل شده که فرمود: شنیدم که امام باقر (ع) می فرمود: "یضع السیف علی عاتقه ثمانیه أشهر هرجاً هرجاً حتّی یرضی اللّه. فقلت: فکیف یعلم رضی اللّه؟ قال: یلقی اللّه فی قلبه الرحمه..."؛ "...شمشیر را هشت ماه بر دوش خود می نهد وبه شدّت مبارزه می کند تا{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۶۴. پاورقی}

اینکه خداوند راضی شود. عرض کردم: چگونه

رضایت خدا را می داند؟ فرمود: خداوند در دل ایشان رحمت قرار می دهد."

این روایات از حیث سند ضعیف هستند، زیرا در سند اول ودوم عمر بن قیس وعیسی بن خشاب وجود دارند که هردو مجعولند.

ودر سند روایت سوّم ابن ابی حمزه واقع شده که او هم مورد تضعیف قرار گرفته است.

از طرفی دیگر ممکن است که مقصود از این احادیث، مدّت عملیات تهاجمی لشکریان حضرت باشد که در طول هشت ماه ادامه می یابد.

این نکته نیز قابل توجه است که کاری بس عظیم که حضرت انجام می دهد یعنی همان گسترش حکومت عدل جهانی در سطح کره روی زمین اقتضای چنین قتل وکشتاری گر چه در حدّی محدود را دارد، زیرا با قیام حضرت هرگز ستمگران ساکت نخواهند بود، ولی این کشتارها را در مقابل قیام ها ونهضت های دیگر که ملاحظه می کنیم چندان قابل توجه نیست.

آیا بیشتر قتل ها که توسط حضرت انجام می گیرد از مسلمانان است؟

پرسش

آیا بیشتر قتل ها که توسط حضرت انجام می گیرد از مسلمانان است؟

پاسخ

برخی می گویند: مستفاد از روایات آن است که بیشتر قتل ها در محدوده بلاد اسلامی وبین مسلمانان اتفاق خواهد افتاد، سؤال این است: چگونه چنین خواهد شد با آنکه می دانیم مشرک وکافر از حقّ دورترند تا مسلمان، ولذا آنها به کشته شدن سزاوارترند تا مسلمان.

اولاً: روایات دلالت ندارد بر اینکه کشتارها وقتل ها فقط در محدوده مسلمانان است وحضرت کسی از کفار را به قتل نمی رساند، بلکه ظاهر برخی از روایات عموم است که شامل هر معاندی که درصدد ایجاد مانع از برپایی حکومت حضرت است، می شود.

ثانیاً: گر چه اسامی برخی از جماعاتی که توسط حضرت واصحابشان به قتل می رسند در روایات ذکر شده است، ولی این دلالت ندارد که قتل وکشتار در دسته ها وجماعات دیگر اتفاق نمی افتد وحضرت از کفار ومشرکان کسی را به قتل نمی رساند.

ثالثاً: بر فرض که روایات، ظهور در اختصاص کثرت قتل ها در مسلمین داشته باشد، این امری غیرمنتظره نیست، بلکه مطابق با قواعد کلّی است؛ زیرا مطابق برخی از روایات، بسیاری از بلاد کفر تسلیم حضرت خواهند شد، وکثرت قتل در بین مسلمین به

جهت پاک سازی آنان از عناصر نامطلوب است. در میان امت اسلامی حجّت در تمام جوانب برای مردم تمام شده است لذا از هیچ کس عذری پذیرفته نمی شود.

توضیح این مطلب اینکه: یکی از مشکلاتی که امام مهدی (ع) با آن روبه رو می شود مشکل انحراف ها وبرداشت ها وتفسیرهای نادرستی است که در راه وروش های دین خدا واصول وفروع احکام الهی پدید آمده وقرن ها در ذهن جامعه اسلامی نفوذ ورسوخ کرده است. این موضوع، مانعی عظیم بر سر راه امام مهدی

(ع) است. مـانع کفر وبی دینی وبی اعتقـادی در برابر این مانع امری ساده است. کفر به سـلاحی مجهّز نیست وانسان بی اعتقاد حقّی را به نـام اسـلام واژگـونه نیـاموخته است، وبرای او اصـل یـا اصولی را نـادرست تفسـیر نکرده است، وچیزی را به شـکل انحرافی ونـادرست به نـام دین خـدا در ذهن جـای نـداده است، وآیه یا حـدیثی را به دلخواه خویش معنی نکرده است. ولی با مسـلمان ومـدّعی خداشناسـی که تعـالیم دین یـا بخش هـایی از آن را به گونه ای انحرافی آموخته ومعنای بسیاری از احادیث وآیات قرآنی را واژگونه فهمیـده است، وبه اصول ومبانی وراه وروش هایی پای بند ومعتقد است که در حقیقت ضدّ دین خدا وراه وروش پیـامبران است، چگونه می توان روبه رو شـد؟ بخشـی از برنـامه هـای کشـتار گسترده وفراگیر امـام مهـدی (ع) در جامعه های اسـلامی شاید به این علت باشد که مسـلمانان با حربه اسـلام انحرافی -که در حقیقت ضدّ اسلام است- به جنگ با امام بر می خیزنـد، وامام ناگزیر با قاطعیّت با آنان روبه رو می شود وکار آنان را یکسـره می کند، البته در صورتی که از افکار واندیشه های نادرست خویش دست برندارند.

امـام صـادق (ع) فرمود: "... وإنّ القائم یخرجون علیه فیتأوّلون علیه کتاب اللَّه ویقاتلونه علیه"؛ "لیکن قائم [در هنگام رسـتاخیز خویش] با مردمی روبه رو می شود که رو در روی او {پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۷. پاورقی}

می ایستند وآیه های کتاب خدا را در برابر او به نظر خود تأویل می کنند، ودر همین راستا با او به نبرد بر می خیزند."

اینکه امام زمان علیه السلام هنگام ظهوربر عرب شدید است به چه معناست؟

پرسش

اینکه امام زمان علیه السلام هنگام ظهوربر عرب شدید است به چه معناست؟

پاسخ

در غالب روایاتی که در آن سـخن از سنت جدید، قضاوت جدید، امر جدید وکتاب جدید به میان آمده این تعبیر به چشم می خورد: "علی العرب شدید"، معنای این جمله چیست.

آنچه به ذهن می آیـد -والعلم عنـد اللَّه تعالی- اینکه: حضـرت مهـدی (ع) قیام خود را از مکه که سـرزمین عرب است شـروع خواهـد کرد. حضـرت با برنامه ای اصـلاحی وتوسـعه همه جانبه، مقصـد ومرام خویش را به پیش خواهـد برد. طبیعی است که پیـاده کردن این برنـامه ها با مشـکلات فراوانی همراه است، درگیری با سـفیانی ها ودجّال ها ودیگر منحرفان که با برنامه های حضـرت به مقـابله برخواهنـد خـاست، در همین منطقه خواهـد بود. طبیعی است که با چنین شـرایطی برنامه حضـرت در عصـر سختی پیـاده خواهـد شـد. لـذا عرب سـختی هـای فراوانی از آن خواهـد کشـید، گرچه امـام زمـان (ع) از امکانات اعجازی نیز اسـتفاده وبهره خواهنـد برد. شاهـد این معنا اینکه در برخی از روایات ذیل جمله "علی العرب شدیـد" چنین آمده است: "ویل للعرب من شرّ قد اقترب" یعنی وای بر عرب از شرّی که بر او نزدیک شده است. واین ممکن {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۴، ح ۴۲. پاورقی}

است که به جهت اظهار ترحّم بر آنها باشد.

آیا امام زمان علیه السلام در مقابله خود با منحرفان، از منحرفان شیعه شروع می کند؟

پرسش

آیا امام زمان علیه السلام در مقابله خود با منحرفان، از منحرفان شیعه شروع می کند؟

پاسخ

مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: "اگر قائم ما قیام کند از دروغ گویان شیعه شروع کرده، آنها را به قتل خواهد رساند".

{پاورقی . اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۵۸۹. پاورقی}

در توجیه این حدیث می گوییم:

اولاً: بعد از چشم پوشی از ضعف سند حدیث، می دانیم که کلمه "شیعه" فرقه امامیه، اسماعیلیه، زیدیه ودیگر فرقه های شیعی را شامل می شود، همان گونه که بر کسی که خود را به تشیّع نسبت داده ولی بعد از مدّتی از خطّ اهل بیت منحرف شده است اطلاق می گردد. ابوالخطاب، مغیره بن سعید، احمد بن هلال عبرتایی، ابن ابی العزاقر ودیگر منحرفین که ادعای تشیّع داشتند، در حالی که اهل بیت: از آنها بی زار بودند از این دسته اند. لذا کشّی خبر فوق را تحت عنوان "ما روی فی محمّد بن ابی زینب" معروف به ابوالخطاب که فرقه خطابیه به او نسبت داده می شود، نقل کرده است. او کسی بود که احادیث زیادی از طرف امام در مورد لعن ونفرین او صادر شد واز خداوند طلب نمود که حرارت شمشیر را به او بچشاند.

{پاورقی . همان، ص ۵۹۱. پاورقی}

در نتیجه: مقصود از کذابین شیعه، همین افراد ویا فرقه های دیگر شیعه، غیر از امامیه اند که با نسبت های ناروا ودروغ، گروهی را منحرف کرده اند ولذا امامان شیعه آنها را لعن کرده وحکم به کفر آنها نموده واز آنها تبرّی جسته اند. وهنگام ظهور نیز امام زمان (ع) در ابتدا آنها را نابود خواهد کرد.

ثانیاً: از آن جهت که حضرت مهدی (ع) مردم را دعوت به اسلام ناب محمّدی که در تشیّع

اصیل متبلور است دعوت می کنـد، بایـد در مرتبه اوّل منحرفین از این راه اصـیل را از بین برده، تا بتوانـد دیگران را به این راه وارد کند. کسانی که مقابله با آنها به مراتب سخت تر ودشوارتر از کفّار وصاحبان ادیان ومذاهب دیگر است.

در نتیجه: حدیث فوق هرگز ربطی به راویان حدیث اهل بیت: ندارد، آن هایی که علوم اهل بیت را اخذ کرده وبا دقت تمام به دست آینـدگان رساندنـد. آنان کسانی بودنـد که از طریق امامان شـیعه مورد مدح وسـتایش قرار گرفتند که می توان در رأس آنها از زراره، محمّد بن مسلم، برید عجلی، ابوبصیر نام برد.

حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور با انحرافات فکری

اشاره

چگونه برخورد خواهد کرد؟

پرسش

حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور با انحرافات فکری

چگونه برخورد خواهد کرد؟

پاسخ

یکی از مشکلاتی که امام مهدی (ع) با آن روبه رو می شود، مشکل انحراف ها وبرداشت ها وتفسیرهای نادرستی است که در راه وروش های دین خدا واصول وفروع احکام الهی پدید آمده وقرن ها در ذهن جامعه اسـلامی نفوذ ورسوخ کرده است. این موضوع، مانع عظیمی بر سـر راه امام مهدی (ع) است؛ زیرا کفر وکافر به سلاحی مجهّز نیست وانسان بی اعتقاد، حقّی را به نام اسـلام واژگونه نیـاموخته است وبرای او اصـل یا اصولی را نادرست تفسـیر نکرده وچیزی را به شـکل انحرافی ونادرست به نام دین خـدا در ذهن مردم جای نـداده است وآیه یا حدیثی را به رأی ودلخواه خویش معنی نکرده است... این کار آسانی است، لیکن بـا مسـلمان ومـدّعی خداشناسـی که تعـالیم دین یـا بخش هـایی از آن را به گونه ای انحرافی آموخته ومعنای بسـیاری از احـادیث وآیات قرآنی را برعکس فهمیـده است و... چگونه می توان روبه رو شـد؟ وچه سان می توان به این طبقه فهمانـد که این افکار واندیشه ها وتفسـیر وتأویل ها که آنان وجامعه وپیشوایان ومبلّغان مذهبی ایشان به نام دین آموزش داده اند وسال ها بلکه قرن هـا گفته وتکرار کرده انـد دین خـدا نیست؟ در این جـا مشـکلاتی روی می دهـد که در مورد کـافران وبی اعتقادان وجود نـدارد؟ این جریان یکی از موانع بزرگ بر سـر راه امام مهدی (ع) است، زیرا در این جریان امام تنها با توده های ناآگاه رو در رو نیست، بلکه عـاملین اصـلی توجیه هـا وتأویـل هـا وانحراف ها وتحریف ها نیز پشت سـر آنان قرار دارنـد وهمواره به تحریک افکار وفتنه گری مشغول اند. عاملان اصلی برعکس تفسیر کردن قرآن وحدیث از سه جریان تشکیل می شوند:

۱ – روحانیان

دنیادار ووابسته.

۲ . سرمایه داران واشراف.

۳ . حکومت های به ظاهر اسلامی.

شاید بخشی از برنامه های کشتار گسترده وفراگیر امام مهدی (ع) در جامعه های اسلامی در این ارتباط باشد وبه این علت باشد که مسلمانان با حربه اسلام انحرافی -که در حقیقت ضدّ اسلام است- به جنگ با امام برمی خیزند، وامام ناگزیر با قاطعیّت با آنان روبه رو می شود، البته در صورتی که از افکار واندیشه های نادرست خویش دست برندارند.

امام صادق (ع) فرمود: "إنّ قآئمنا إذا قام استقبل من جهله الناس أشدّ ممّا استقبله رسول اللّٰه من جهّال الجاهليّه. قلت: وكيف ذلك؟ قال: إنّ رسول اللّٰه (ص) أتى الناس وهم يعبدون الحجاره والصخور والعيدان والخشب المنحوته، وأنّ قآئمنا إذا قام أتى الناس وكلّهم يتأوّل عليه كتاب اللّٰه ويحتجّ عليه به ..."؛ "آزاری که قائم به هنگام رستاخیز خویش از جاهلان آخرالزمان بیند{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۷. پاورقی}

بسی سخت تر است از آن همه آزار که پیامبر (ص) از مردم جاهلیّت دید. راوی می گوید: گفتم این چگونه می شود؟ امام فرمود: پیامبر به میان مردم آمد در حالی که ایشان سنگ وصخره وچوب وتخته های تراشیده را می پرستیدند، وقائم ما که قیام کند مردمان همه از کتاب خدا برای وی دلیل می آورند وآیه های قرآن را تأویل وتوجیه می کنند."

مشکل امام زمان (ع)، مشکل توده های جاهل ونادانی است که در دوران عمر خود گرفتار بدآموزی های گسترده در تعالیم دین بوده اند وبه رهبری وراهنمایی تزویرگران عالم نما از سر جهل رو در روی امام ومنجی خویش می ایستند، وبا تحریک مدعیان دروغین علم دین با امام بر حقّ به ستیز برمی خیزند، ودرگیری با حربه تأویل قرآن خواهد بود.

کوشش امام ورسالت او تطبیق درست ودقیق تعالیم قرآن بر

مسائل حیات بشری ومشخّص کردن حدّ ومرزهای واقعی احکام اسلام است.

۱-ابلیس و شیاطین هنگام ظهور چه وضعیتی دارند ؟

پرسش

۱-ابلیس و شیاطین هنگام ظهور چه وضعیتی دارند ؟

پاسخ

ج ۱- مقدمتاً کلام را با حدیثی از اما رضا «علیه السلام » در مورد وجود مقدس حضرت مهدی موعود « عج» زینت می بخشم : ریان بن اباصلت گوید : با امام رضا «علیه السلام » گفتم آیا شما صاحب الامر هستید ؟ فرمود : من صاحب الامر هتسم اما، آن کسی که زمین را از عدل آکنده سازد همچنان که پر از جور شده باشد نیستم، و چگونه او باشم در حالی که ضعف بدن مرا می بینی،و قائم کسی است که درسن شیوخی و منظر جوانان قیام کند و نیرومند باشد و به غایتی که اگر دستش به بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن را ا ز جای برکند و اگر بین کوهها فریاد بر آورد صخره های آن فرو پاشد عصای موسی «علیه السلام » و خاتم سلیمان با وست , او چهارمین از فرزندان من است خداوند، او را درستر خود نهان سازد، پس او را ظاهر کند و به واسطه او زمین را در عدل و داد آکنده سازد همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد . (کمال الدین و تمام النعمه)

اما در مورد سوال شما پیرامون کشته شدن شیطان در« آخر الزمان» باید به استحضار حضرتعالی برسانم که بشر از سه جهت در همه حالات حتی در حکومت حضرت مورد تهدید واقع می شود .بشیطان ، اذنابش و شیاطین جنّی(جنیان) انسانهایی که دارای نفس پلیدی می شوند بعد از مدتی و پس از پیروی از شیطان رجیم خود نمونه ای از او خواهند

شدنـد و از نیروهـای اجرایی او در مقاصـد پلیـدش در بیـن بشـر ،خواهنـد بـود. لـذا حتی پس از حکـومت حضـرت قـائم هم هستند،عده ای که لیاقت بهرمندی از وجود حضرت را ندارندو در پی شهادت ایشان هستند.

لـذا، خود شـما را دعوت به تهـذیب نفس و خود سـازی می کنم و پیشـنهاد میـدهم که حتمـا برای درک بیشتر این موضوع به تفاسیر قرآن جزء ۳۰ ، دو سوره معوذتین مراجع کنید .

در مورد پاسخ شما دو حدیث متفاوت داریم که ضمن نوشتن آن دو به تجزیه و تحلیل نیز می پردازیم .

« وهب بن» جمیع می گوید: از امام صادق علیه السـلام» پرسـیدم اینکه خداوند به شیطان فرمود :{ فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم } سوره حجر,آیه ۳۸

«توتا روز وقت معلوم ، از مهلت داده شدگانی.»

این وقت معلوم چه زمـانی است ؟ فرمود : آیـا پنداشـته ای این روز , روز قیـامت است ؟ خداونـد تا روز قیام قائم ما به شـیطان مهلت داده است . وقتی خداوند حضرتش را مبعوث می کند , حضرت به مسجد کوفه می رود , در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود ,با آنجا می آید،ومیگوید : ای وای بر من از امروز ! پس حضـرت مهدی عج » موی پیشانی او را میگردو گردنش را میزند و آن هنگام روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد .

و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السـلام » هست که روز وقت معلوم که شود امیر المؤمنین علیه السلام »با اصحاب خود بر شیطان ولشکرش

حمله کنند و محل جنگ ایشان در« روحاء» باشد که زمینی است از اراضی فرات ،قریب به کوفه , جنگ عظیمی کنند که مانند آن رخ نداده , گویا می بینیم لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام » را که صد قدم به عقب بر گشته اند،حتی اینکه پای بعضی از ایشان در فرات رفته , ناگاه جبروت حق با ابرها و ملائکه به همراهی پیغمبر «صلی الله علیه واله » هبوط کنند و در دست پیامبر« صلی الله علیه واله »حربه ای باشد از نور , پس چو ن ابلیس به آ ن حضرت نگاه کند ،پشت کند و به عقب بر گردد . لشکر وی به او بگویند کجا می روی ؟ اینک ما پیروز شدیم .

پس بگوید:من می بینم ، آنچه شما نمی بینید، من می ترسم پروردگار عالمین را، پس پیامبر « صلی الله علیه واله » به او برسد و یک طعن به او در مابین دو شانه اش بزند که در آن طعنه هلاک او هلاک اصحاب او خواهد بود .

اما تفسیر این روایات :

۱- جمع بین این روایات هیچ منافاتی با هم ندارد،لذا ممکن است امام علی « علیه السلام » به کمک پیامبر « صلی الله علیه واله » او را دستگیر و تحویل امام زمان «عج » نمایند .

۲- همچنین کشتن شیطان می تواند اینگونه نیز باشد که ریشه های فساد و عوامل انحراف و ظلم در عصر درخشان حکومت مهدی «علیه السلام » نابود می گردد و به جای آن عقل،ایمان، علم حکومت میکند. و قطع شدن نفوذ شیطان و مرگ تزویر می باشد .

۳- ازآنجائیکه در عصر ظهور

توبه بر داشته و بسته می شود. و زمین از لوث غیر شیعیان , فساد, شرک منافقان , ستم،ظلم,ربا , رشو ه,باطل , فقر , بیماری , معصیت , نادانی , پاک گردیده، و کلمه توحید در سراسرجهان حاکم و قرآن و احیاء و عقلها کامل , غمها زایل , عدالت گسترده , طبیعت ایذایی حیوانات سلب , صمیمیت ایجاد شده , دل با معرفت خدا نورانی وحدت کلمه ایجاد شده و مؤمنان عزیز و .....لذاجز این نیست که شیطان باید نابود شود، تا این صفات و ویژگی در بشر و طبیعت در دولت حضرت مهدی « عج » ایجاد شود .

در پایان پیشنهاد می شود برای مطالعات بیشتر و کسب حقایق به کتب و موضوعات ذیل مراجعه شود .

۱-مهدی منتظر , حاج شیخ محمد جواد خراسانی .

۲- تحقیق و تعلیق , سید جواد میر شفیعی خوانساری

۳- روزگار رهایی , (ترجمه یوم الخلاص) ، کامل سلیمان , ترجمه علی اکبر مهدی پور .

۴-تفسیر نمونه , المیزان , تفسیر جزء ۳۰ از دو سوره معوذتین , سوره حجر آیه ۳۸

۵- مطالعه بحث رجعت مخصوصا پیرامون بازگشت ائمه اطهار بویژه حضرت علی « علیه السلام » به عنوان دابه الارض از کتب رجعت , محمدرضا ضمیری

۶- تفسیر عیاشی , ج ۲, ص ۲۴۳

امام زمان، به چه شکلی به مبارزه خواهند پرداخت؟

پرسش

امام زمان، به چه شکلی به مبارزه خواهند پرداخت؟

پاسخ

۱. چه اشکالی دارد که شخصی با شمشیر ولی همراه با اعجاز الهی که حضرت را مساعدت می کند با دشمنان خود به مقابله بپردازد؟ که در آن صورت اسلحه های مدرن به قدرت الهی از کار می افتد.

۲. ممکن است واژه ی شمشیر در اینجا کدی باشد برای معرفی تسلیحات، یعنی امام زمان با دشمنانش وارد جنگ می شود و مقصود از شمشیر، قوت و اسلحه است زیرا مسلمانان در آن عصر یعنی قبل از هزار سال اسلحه ای به جز شمشیر نداشته و به ذهن آنها چنین تسلیحاتی خطور نمی کرده است، لذا از «اسلحه» به شمشیر تعبیر شده است. بنابراین:

امام زمان(عج) نیز با قدرت و اعجاز الهی و یا از راه تسلط بر تسلیحات موجود بر ضد مخالفان و ظالمان استفاده می کند. و از

طرفی می توان گفت:

امام زمان(عج) با تسلط بر مراکز تصمیم گیری و از کار انداختن وسایل جنگی آنها که با هسته های مرکزی ارتباط دارد، تمام آنها را از راه اعجاز یا از طریق عادی از کار می اندازد و بر آنها غلبه می کند.

۳. مطابق برخی روایات، شمشیرهای اصحاب حضرت از آهن است، ولی نه مثل این آهن هایی که در دسترس ما قرار دارد، بلکه به گونه ای است که اگر یکی از آنان با شمشیر خود به کوه بزند، آن را دو نیم می کند و به تعبیر دیگر، وسیله ی دفاعی آنان به گونه است است که اسلحه ی دشمن هرگز بر آنها کارگر نیست.۵

لذا ممکن است اسلحه ای را که حضرت و یارانش به کار می برند از وسایلی باشد که بتواند همه ی دستگاه های دشمنان را از کار بیندازد ولی در مقابل، هیچ

دستگاهی بر آن کارگر نباشد، همان گونه که در این زمان برخی اسلحه های جدید را مشاهده می کنیم.

۴. رمز پیروزی امام زمان(عج) و سیطره ی آن حضرت بر جهان یکی از راه «اقبال عمومی مردم» به سوی ایشان است و دیگر از راه «ترس و رعبی» است که خداوند در قلوب مخالفان و ظالمان قرار می دهد تا تمام تسلیحات خود را بر زمین گذارده، فرار کرده یا تسلیم می شوند، خصوصاً آنکه در ابتدای ظهور، وقتی مقداری از معجزات حضرت را مشاهده کردند می فه.....řکه امداد الهی است و نمی توان با مشیت الهی مقابله کرد، بدین جهت تسŠ...ęحضرت می شوند و گروه اندکی نیز که به مخالفت و مقابله می پردازند شکست می خورند.

۵. معلوم نیست که در زمان ظهور حضرت مهدی(عج) این تسلیحات خطرنà...در اختیار بشر باقی مانده باشد؛ زیرا ممکن است در اثر حوادث و آشوب ها و جنگ های جهانی که پیش از ظهور آن حضرت اتفاق می افتد این تسلیحات نابود شود.

۶. جنگ ها و کشتارهای بی رحمانه، نتیجه ی گمراهی و جهل و بی خردی بشر است. حال اگر در عصر ظهور، «عقل» مردم «کامل» شود، بر فرضی که سلاح های خطرناک در اختیار داشته باشند آن را بر ضد یکدیگر به کار نمی گیرند؛ و نیروهایی که آن سلاح را در اختیار دارند پی به حقانیت حضرت برده و همچنین با ایجاد رعب و وحشت که در دلشان قرارمی گیرد از به کار بردن آن بر ضد حضرت خودداری می کنند.

۷. در پایان به دو ویژگی که در جنگ با شمشیر نهفته است اشاره می کنیم:

۱. در جنگ با شمشیر می توان در کشتارها گزینشی عمل کرد به خلاف تسلیحات کشتار جمعی که عالم و جاهل و مقصر و

بی تقصیر و گناهکار و بی گناه را همه و همه را با هم از بین می برد، که این از مرام و روش اولیای الهی به دور است.

۲. چنانچه در منابع فقه اسلامی آمده است در احکام جهاد دستور داریم که تا آنجا که ممکن است به محیط زیست آسیب نرسد، لذا جنگ با شمشیر در راستای این حکم شرعی می باشد به خلاف جنگ با ادوات نظامی مرسوم فعلی.

لذا با توجه به این دو ویژگی بعید نیست که به قدرت الهی امام زمان، توانایی تسلیحاتی آنها ساقط شود و همه با ابزاری مانند شمشیر وارد جنگ شوند.

۱ .الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۸.

۲ .البیان، ص ۹۶.

۳ .احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴.

۴ .بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

۵ .بصائر الدرجات، ص ۱۴۱.

امدادهای غیبی

چگونه ممکن است حضرت صاحب الزمان با سیصد و سیزده نفر دنیا را مسخر کند؟ آیا غلبه آن حضرت به طور اعجاز و خرق عادت است یا علل و عوامل ظاهری نیز غلبه و پیروزی آن جناب را ممکن میسازد؟

پرسش

چگونه ممکن است حضرت صاحب الزمان با سیصد و سیزده نفر دنیا را مسخر کند؟ آیا غلبه آن حضرت به طور اعجاز و خرق عادت است یا علل و عوامل ظاهری نیز غلبه و پیروزی آن جناب را ممکن میسازد؟

پاسخ

بر حسب روایات و احادیث شریفه، وقتی حضرت صاحب الامر(ع) ظاهر میشوند، نخست سیصد و سیزده نفر از خواص اصحاب آن حضرت در مکه معظمه حاضر به خدمتش میگردند و وقتی عده اصحاب و اجتماع کنندگان به ده هزار نفر رسید از مکه خارج میشوند. (رجوع شود به منتخب الاثر، ب ۵، ف ۷، ص ۴۷۵ و ۴۷۶)

و اما غلبه آن حضرت و حکومت جهانی اسلام، ممکن است بطور اعجاز و خرق عادت انجام یابد و ممکن است با فراهم شدن اسباب و علل ظاهری باشد و ممکن است به هر دو نوع واقع شود، چنانکه پیشرفت و غلبه پیغمبر اکرم(ص) و قوای اسلام به

هردو نوع بود.

اما بطور اعجاز و خرق عادت، محتاج به توضیح نیست که حصول چنین غلبه مطلق برای آن حضرت، به خواست خداوند، امری است ممکن و معقول، و با وعدههای صریح و بشارتهای حتمی که در قرآن مجید و احادیث متواتر داده شده، بدون شبهه حاصل خواهد شد، و خداوند به مصداق آیه: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَليلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثيرةً بِإِذْنِ اللهِ» بقره، آیه ۲۴۹ [چه بسیارند گروه اندکی که به اذن خداوند، بر گروه بسیاری چیرگی مییابند.]

آن حضرت، اصحابش و عموم بندگان شایسته خدا را بر تمام ملل، غالب و حاکم و وارث و مالك ارض قرار میدهد.

و از لحاظ اسباب و علل ظاهری هم اگر موضوع را

بررسی کنیم، حصول چنین فتح و غلبه و تشکیل آن حکومت الهی ممکن و عملی خواهد بود؛ زیرا آن حضرت در موقعی ظهور میکند که اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد.

آیا انقلاب حضرت مهدی((علیه السلام)) به سهولت به پیروزی می رسد؟

پرسش

آیا انقلاب حضرت مهدی((علیه السلام)) به سهولت به پیروزی می رسد؟

پاسخ

انقلاب حضرت مهدی((علیه السلام)) گرچه براساس آنچه از روایات استفاده می شود با جنگ و خونریزی همراه است ولی از روایات نیز چنین به دست می آید که این انقلاب به زودی به پیروزی می رسد و دیگر نمی پاید که طاغوتها و ستمگران و قدرتهای باطل از بین می روند و حکومت عدل جهانی آن حضرت بر سرتاسر جهان حاکم می شود.

نکته اش این است که اولاـ زمینه برای پیشرفت این انقلاب در جهان بسیار آماده خواهد بود ثانیاً آن حضرت از ناحیه ی خداوند از قدرت گسترده ای برخوردار است و امداد غیبی آن حضرت را یاری می کنند در نتیجه دست یافتن آن حضرت به پیروزی به طول نمی انجامد. و نیز از روایات به دست می آید که مدّت جنگهای حضرت مهدی((علیه السلام)) در مدّت ۸ ماه به پایان می رسد.

«عن ابی بصر عن ابی جعفر((علیه السلام))... ثم یضع سنیه علی عاتقه ثمانیه اشهر فلاـیزال یقتل اعداءاللهُ حتی یرضی الله عزوجل; ابوبصیر روایتی را از امام باقر((علیه السلام)) نقل می کند که در ادامه حدیث امام می فرماید: که مدّت ۸ ماه شمشیر را حضرت آماده نگه می دارند و از دشمنان خداوند آنقدر می کشد تا خداوند عزوجل خشنود می شوند.»

(بخش پاسخ به سؤالات)

پاورقی

(۱)۱- کتاب مشحب الاثر، ص ۳۰۱ و کتاب بحار(از کمال الدین)، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

آیا هنگام ظهور حضرت مهدی (عج)، همه سلاحها از کار می افتد؟

پرسش

آیا هنگام ظهور حضرت مهدی (عج), همه سلاحها از کار می افتد؟

پاسخ

در این راستا نکاتی است که باید در نظر گرفت :

۱)کلمه ((سیف)) که در روایات آمده , کنایه از مطلق سلاح می باشد. چنان که در بسیاری موارد چنین کاربردی دارد.

۲) آنچه مسلم است سلاح های موجود دنیا به گونه ای است که نابود کننده هر کسی است که در برد موثر آن باشد در حالی که سلاح امام زمان ((عج)) و یارانش تنها انسان های تبهکار و فاسد و بی ایمان را از بین می برد و خوبان از گزند آن در امانند. اما این که این ویژگی چگونه به دست می آید بر ما پوشیده است . پس می توان احتمال داد که آن حضرت به سلاح فوق مدرنی دست می یابند که چنین کاربردی دارد و سلاح های دیگران در برابر آن ناتوان است و کارایی چندانی ندارد و نیز ممکن است سلاح جدیدی توسط آن حضرت به کار گرفته نشود و با سلاح هایی ابتدایی به نبرد برخیزند و اراده الهی بر از کار افتادن دیگر سلاح ها تعلق گیرد.

خداوند متعال چه عنایتی به جهت پیروزی حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

هنگام ظهور انجام خواهد داد؟

پرسش

خداوند متعال چه عنایتی به جهت پیروزی حضرت مهدی علیه السلام

هنگام ظهور انجام خواهد داد؟

پاسخ

مطابق روایات، خداوند متعال هنگام ظهور امام زمان (ع) امدادهای غیبی را به کمک آن حضرت خواهد فرستاد که از آن جمله است:

۱ - عنصر ناگهانی وغفلت دشمنان

مطابق روایات، حضرت هنگامی ظهور می کنند که دشمنان، همه از ظهور او غافلند. ودر دانش نظامی این مطلب به خوبی روشن است که چقدر عنصر غفلت وناگهانی هجوم در پیروزی بر دشمن تأثیر دارد.

امام زمان (ع) در توقیعی که به شیخ مفید؛ فرستاد فرمود: "...پس همانا امر ما به طور ناگهانی است...".

{پاورقی . احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴. پاورقی}

۲ - ایجاد رعب ووحشت

یکی دیگر از راه های نفوذ بر دشمن که در علم نظامی از آن بهره گیری فراوان می شود ایجاد ترس وخوف ورعب در قلوب دشمن است، تا از این راه تسلیم گردند.

نعمانی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "أمر اللّٰه عزّوجلّ أن لاتستعجل به حتّی یؤیده [اللّٰه] بثلاثه [أجناد]: الملائکه، والمؤمنین، والرعب"؛ "خداوند {پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۸. پاورقی}

عزّوجلّ امر نمود تا به آن عجله نکنی تا اینکه او -مهدی (ع)- را به سه لشکر تأیید نماید: ملائکه، مؤمنین ووحشت."

۳ - جذب تمام مسلمین

یکی دیگر از تأییدات الهی در حقّ حضرت آن است که به عنایت الهی از راهی قیام خود را شروع خواهد کرد که مورد اتفاق تمام مسلمانان است. از جمله آنکه:

الف. ظهور خود را از مسجدالحرام شروع خواهد کرد که مورد اتفاق تمام مسلمانان است.

ب. خطابه ای که در مسجدالحرام هنگام ظهورش می خواند به امور مشترک واتفاقی بین مسلمانان اشاره دارد.

ج. قیام خود را با همان شعارهای رسول

خدا (ص) شروع می کند.

د. مطالبه خون امام حسین (ع) می کند.

۴ – تأیید از جانب ملائکه

از جمله تأییدات الهی نسبت به حضرت مهدی (ع) کمک فرستادن ملائکه برای یاری حضرت وقتال به همراه حضرت بر ضدّ ظالمان است.

گنجی شافعی به سند خود از علی بن ابی طالب (ع) در حدیثی در رابطه با مهدی (ع) نقل کرده که فرمود: "خداوند او را با سه هزار از ملائکه یاری خواهد کرد...".{پاورقی . البیان، ص ۹۶. پاورقی}

قندوزی حنفی از کتاب "اسعاف الراغبین" صبان نقل کرده که در روایات فراوان آمده است که هنگام ظهور حضرت بر بالای سر او فرشته ای ندا می دهد: "این خلیفه خداست او را متابعت وپیروی کنید... وهمانا خداوند متعال او را با سه هزار فرشته یاری خواهد کرد...".{پاورقی . ینابیع الموده، ص ۵۶۳. پاورقی}

نعمانی به سند خود از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "خداوند متعال او -مهدی (ع)- را با سه لشکر یاری خواهد کرد: با ملائکه...".{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۸. پاورقی}

این تأیید به نوبه خود در توجه مردم به حضرت نقش به سزایی دارد، زیرا هنگامی که مخالفان مشاهده کنند که حضرت مشمول نصرت فرشتگان خداوند است ترس سراسر وجود آنها را فرا گرفته وپی به الهی بودن این قیام خواهند برد ودر نتیجه طوعاً یا کرهاً خود را تسلیم حضرت می کنند.{پاورقی . همان. پاورقی}

غلبه بر جهان با یاران اندک چگونه ممکن است؟

پرسش

غلبه بر جهان با یاران اندک چگونه ممکن است؟

پاسخ

اگر چه در روایات به یاران محدود حضرت یعنی ۳۱۳ نفر اشاره شده است، ولی پیروزی آنان بر مستکبران به رهبری حضرت مهدی (ع) از جهاتی دور از انتظار نیست زیرا:

۱ – در روایات به یاران دیگری در حدود ده هزار نفر نیز اشاره شده که بدون تحقق آنها حضرت مهدی (ع) ظهور نخواهد

کرد.

۲ - غلبه حضرت بر جهان ممکن است از طریق اعجاز باشد، زیرا خداوند متعال ضمانت کرده تا گروه اندک را در صورت استقامت بر گروه زیاد پیروز گرداند.

{پاورقی . سوره بقره، آیه ۲۴۹. پاورقی}

۳ - از طریق علل واسباب عادی وظاهری نیز حصول چنین فتح وپیروزی امری دور از انتظار نخواهد بود، زیرا حضرت در موقعی ظهور خواهند کرد که اوضاع واحوال اجتماعی، اخلاقی وسیاسی کاملاً مساعد باشد. در آن موقع همه ملل به جهت سرخوردگی از نظام های مختلف وقتل وغارت ها به تنگ آمده اند، ولذا در انتظار چنین حکومتی به سر می برند، ومردم به مجرّد شنیدن خبر ظهور به آن حضرت وحکومتش روی خوش نشان می دهند، وایشان تنها با گروه خاصی درگیر خواهند شد.

۴ - از آنجا که جهان به مانند دهکده ای کوچک درآمده وهر چه از عمر آن بگذرد این ارتباط تنگ تر خواهد شد، لذا با به دست گرفتن نقطه های کلیدی وبا استعانت از خداوند متعال، حکومت جهانی حضرت تحقق خواهد یافت.

آیا پیروزی حضرت مهدی علیه السلام بر مخالفان وگسترش حکومتش همراه با اعجاز است؟

پرسش

آیا پیروزی حضرت مهدی علیه السلام بر مخالفان وگسترش حکومتش همراه با اعجاز است؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق سه احتمال وجود دارد:

۱ - اینکه نصرت حضرت وپیاده کردن حکومت جهانی تماماً با اعجاز وقدرت خارق العاده الهی باشد. ولی این احتمال از جهاتی قابل مناقشه است:

الف. اگر اعجاز راه صحیحی برای دعوت الهی بود، حضرت می توانست در خلال غیبت صغرا از آن برای سیطره بر عالم استفاده کند.

ب. با اعجاز احتیاج به تعداد زیادی از اصحاب نیست.

ج. مطابق برخی روایات بین حضرت ومخالفینش جنگ وخونریزی شدیدی در خواهد گرفت، ودر صورت اعجاز تام، احتیاج به این کارها نیست.

۲ - اینکه خداونـد متعـال اراده کرده که حضـرت مهـدی (ع) به صورت عـادی بر دشـمنان خود غـالب شـده وحکومت عـدل جهانی را گسترش دهد، بدون آنکه کوچک ترین کمکی از راه اعجاز در پیشبرد اهداف او بشود.

این احتمـال نیز خـالی از اشـکال نیست زیرا مطـابق روایـات، حضـرت مهـدی (ع) مـورد عنـایت وتأییـد خـاص الهی در جهت ظهورش خواهد بود.

۳ - با ردّ دو احتمال پیشـین به این نتیجه می رسـیم که نصـرت حضـرت به طور طبیعی وعادی خواهـد بود، گر چه این نصـرت همراه بـا تأییـدات جزئی وخاصّ ی از جانب خداونـد است، زیرا همان گونه که می دانیم بشـر در عصـر ظهور مورد ظلم وسـتم فراوان است، واز طرفی از حیث فرهنگی ورشـد عقلا نی، عموم بشـر به بالا ترین سـطح خود رسـیده است، ولـذا به دنبال چنین رهبری الهی می گردد که با لبیک به دعوتش از او پیروی نمایـد. هرگز ابرقـدرت ها با همه امکاناتی که دارنـد نمی توانند در مقابل اراده ملت ها بایستند. اگر مردم همگی یکپارچه ویک صدا فریاد برآورند، دشمنانشان به زانو در

خواهند آمد. مگر نبود که در صدر اسلام چگونه مردم فوج فوج داخل اسلام شده ودعوت پیامبر را پذیرفتند؟ در عصر ظهور نیز هنگامی که مردم دنیا از وسایل ارتباط جمعی خبر قیام مصلحی جهانی را بشنوند به او گرویده واز او حمایت خواهند کرد، وکسی نمی تواند در صورت اقبال مردم با اراده آنها مقابله کند. گر چه هر کجا که مانعی خاص پیدا شده خداوند متعال به کمک او آمده واز حضرت حمایت خواهد نمود.

ولذا در روایات آمده است که امام زمان (ع) با نصرت وترسی که در دل دشمنان می افتد حمایت خواهد شد. این ممکن است که به صورت عادی باشد؛ زیرا با نصرت مردم که به عنایت خداوند واقبال مردم است، چنان رعبی در دل دشمنان خواهد افتاد که همه امکانات خود را گذارده، فرار خواهند نمود.

امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید: "هنگامی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند نام مبارکش بر سر زبان ها خواهد بود، ووجود مردم سرشار از عشق به مهدی است، به گونه ای که جز نام او هیچ نامی در یاد وزبان آنان نیست، وبا دوستی او روح خود را سیراب می کنند".

{پاورقی . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۸. پاورقی}

آیا انقلاب حضرت مهدی«علیه السلام» به سهولت به پیروزی می رسد؟

پرسش

آیا انقلاب حضرت مهدی«علیه السلام» به سهولت به پیروزی می رسد؟

پاسخ

انقلاب حضرت مهدی«علیه السلام» گرچه براساس آنچه از روایات استفاده می شود با جنگ و خونریزی همراه است ولی از روایات نیز چنین به دست می آید که این انقلاب به زودی به پیروزی می رسد و دیگر نمی پاید که طاغوتها و ستمگران و قدرتهای باطل از بین می روند و حکومت عدل جهانی آن حضرت بر سرتاسر جهان حاکم می شود.

نکته اش این است که اولاً ـ زمینه برای پیشرفت این انقلاب در جهان بسیار آماده خواهد بود ثانیاً آن حضرت از ناحیه ی خداوند از قدرت گسترده ای برخوردار است و امداد غیبی آن حضرت را یاری می کنند در نتیجه دست یافتن آن حضرت به پیروزی به طول نمی انجامد. و نیز از روایات به دست می آید که مدّت جنگهای حضرت مهدی«علیه السلام» در مدّت ۸ ماه به پایان می رسد.

«عن ابی بصر عن ابی جعفر«علیه السلام»... ثم یضع سنیه علی عاتقه ثمانیه اشهر فلایزال یقتل اعداءاللّهُ حتی یرضی اللّه عزوجل؛ ابوبصیر روایتی را از امام باقر«علیه السلام» نقل می کند که در ادامه حدیث امام می فرماید: که مدّت ۸ ماه شمشیر را حضرت

آماده نگه می دارند و از دشمنان خداوند آنقدر می کشد تا خداوند عزوجل خشنود می شوند.»(۲)

۲) کتاب مشحب الاثر، ص ۳۰۱ و کتاب بحار(از کمال الدین)، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

امدادهای غیبی چیست؟

پرسش

امدادهای غیبی چیست؟

پاسخ

منظوراز امدادهای غیبی ارتباط با دستگاه غیب است یعنی همان گونه که در زمان پیامبر«صلی الله علیه وآله» توسط ان حضرت ارتباط با عالم غیب از طریق وحی صورت می گرفت و بین پیغمبر و خداوند این رابطه وجود داشت پس از درگذشت پیامبر گرچه وحی شریعت در کار نخواهد بود ولی از طریق دیگر ارتباط مذکور از رهگذر امام محفوظ خواهد بود. و امام با جهان غیب ارتباط خواهد داشت.

حکومت حضرت

روش حکومت داری حضرت

با توجه به کمبود افراد صالح در همه زمان ها چگونه امام مهدی (ع) عدالت را گسترش خواهد داد؟

پرسش

با توجه به کمبود افراد صالح در همه زمان ها چگونه امام مهدی (ع) عدالت را گسترش خواهد داد؟

پاسخ

سنت قطعی الهی بر این مقرر شده، که روزی به وسیله امام زمان(ع) ، زمین لبریز از عدل و داد شود و مدینه فاضله تشکیل گردد و همه اقشار، مزه شیرین عدل را بچشند و گمشده خود را در حکومت امامی که کلامش، راهش و حکومتش عدل است، بیابند و بالاخره با حاکم شدن عدالت در اقصی نقاط عالم وفا و آسایش را لمس کنند و در سایه حکومت صالحان اجرا شدن احکام نورانی الهی را ناظر باشند تا جایی که زمین از قسط و عدل سیراب شود.

حضرت بقیه الله عدل کلی را در جهان ، با شرایط زیر پیاده می فرماید:

۱ - آمادگی جامعه بشری برای عدالت کلی. انسان فطرتا عدالت خواه است و عدالت را دوست دارد، همان گونه که زیبایی را فطرتا دوست دارد، به ویژه وقتی از ظلم و جور به تنگ آمد، تشنه عدالت می شود. در زمان ظهور، عدالت محقق می شود.

۲ - در زمان ظهور عقل ها کامل می گردد و بشر به اندازه ای به رشد عقلی می رسد که قابلیت پیاده شدن عدل همکانی را پیدا می کند.(۱)

۳ - اجتماع یارانی (حداقل ۳۱۳ نفر) در ابتدای کار دور شمع وجود امام با ویژگی هایی از قبیل:

الف) خداجویی و توحید که سرلوحه خصال یاران مهدی است و وجودشان غرق جلوه نور ایزدی است.

ب) بصیرت و آگاهی . آنان چنان درایت و خردمندی دارند که در هر وضعی حق را از باطل باز می شناسند.

پ) حفظ حدود الهی .

یاران حضرت چنان خود ساخته اند که حتی در سخت ترین اوضاع دست از پا خطا نمی کنند و قانون الهی را نمی شکنند.

ت) شجاعت. آنان دلیر مردان جنگ آوران میدان نبردند و دل هایی چون پولاد دارند و از انبوه دشمن هراسی به دل راه نمی دهند. ایمان به هدف همه وجودشان را تسخیر کرده است.

ث) فرمان بری. آنان عاشقان مولای خودند تا جایی که در انجام دستورهای حضرت بر یکدیگر پیشی می گیرند.

ج) زهد و ساده زیستی، زهد و عدم وابستگی به دنیا زینت کارگزاران مهدی است. یاران امام منتظر با داشتن چنین صفاتی چنان خود ساخته اند که اگر همه دنیا به آنان پیشنهاد شود تا تخلف از فرمان امامشان کنند، نمی پذیرند.(۲)

۴ - در ابتدا کارگزاران مهدی موعود (عج) انسان های ساخته شده اند که ایمان به خدا روحشان را در خود گداخته و از نو ساخته است و خداترسی آنان مانع از تخلفشان می گردد. در مراحل بعد که انقلاب حضرت گسترش می یابد، کارگزاران بر اساس موازین درست و شایستگی های اصولی و لیاقت های افراد انتخاب می گردند.

۵ - پس از انتخاب مجریان لایق دولت مرکزی شدیدا آنان را تحت مراقب کامل قرار می دهد و همواره اعمال و رفتارشان زیر نظر است. مأموران مخفی و چشم و گوش های دولت مرکزی بیش از آن که مردم را زیر نظر بگیرند، به اعمال و کردار کارگزاران دولت می نگرند. و از متصدیان امور می خواهند که به موازین عدالت پای بند باشند وگرنه با برخورد شدید و نرمش ناپذیر مواجه خواهند شد.(۳)

۶ - امدادهای غیبی. همواره بشر برای

پیمودن راه های دشوار محتاج امدادهای غیبی می باشد. در عصر ظهور حضرت امدادهای غیبی و نصرت های قائم آل محمد (ص) یالری می رسانند. نیز ملائکه ها و حضرت عیسی (ع) برای نصرت حضرت فرمود می آیند و باران های رحمت پی در پی نازل می شود و زمین گنج ها معدن ها و تمام منافعش را بیرون می ریزد. تمام نعمت ها فراوان می گردد، تا بدین وسیله خداوند سلطنت مهدی را در تمام زمین بگستراند.(۴)

پی نوشت ها :

۱ – لطف الله صافی، منتخب الأثر ، ص ۶۰۷، حدیث ۱؛ مرتضی مطهری ، سیری در سیره ائمه (ع)، ص ۲۹۴.

۲ – مجله حوزه، شماره ۷۱ و ۷۰، ص ۲۹۹ و ۳۰۶.

۳ – محمد حکیمی ، عصر زندگی ، ص ۴۹ و ۵۰.

۴ – لطف الله صافی، منتخب الأثر ، ص ۳۶۰ و ۳۶۴ و ۵۸۹ و ۵۹۱.

آیا در دوره ظهور، اساساً نیاز به حکومت هست، زیرا عقل های مردم تکمیل شده و علم پیشرفت کرده و عدالت فراگیر شده است؟ حکومت برای رفع نیاز بشر است که تأمین شده است. پس چه نیازی به حکومت است؟

پرسش

آیا در دوره ظهور، اساساً نیاز به حکومت هست، زیرا عقل های مردم تکمیل شده و علم پیشرفت کرده و عدالت فراگیر شده است؟ حکومت برای رفع نیاز بشر است که تأمین شده است. پس چه نیازی به حکومت است؟

پاسخ

بی تردید حکومت به منظور اجرای قانون، برقراری امنیت، حاکمیت نظم و دفاع از حقوق انسان ها و ... شکل می گیرد، از این رو خردمندان بر ضرورت حکومت اتفاق نظر دارند.

متأسفانه برخی از افراد جامعه به قانون احترام نگذاشته و منافع خویش را با عدالت و حاکمیتِ حق در تضاد می دانند، از این رو لازم است عامل بازدارنده وجود داشته باشد. از سوی دیگر جامعه عدالت گرا و قانون مند، با منافع معاندان دین و دشمنان در تضاد بوده و هر لحظه ای حکومت را تهدید می کنند، از این رو برای دفاع از نظام الهی و حفظ امنیت حکومت ضرورت دارد.

در هنگام تشکیل حکومت جهانی امام زمان(ع) به رغم آن که افکار عمومی آماده پذیرش حکومت جهانی است، ولی طیف وسیعی از دگم (جزم) اندیشان و منافقان و کافران با تشکیل حکومت جهانی به مخالفت می پردازند، از این رو امام زمان(ع)

با بهره گیری از یاران باوفا و ایثار گر و با استفاده از سلاح های روز با آن ها می جنگند.

متأسفانه برخی بعد از تشکیل حکومت جهانی امام زمان(ع) با حکومت عدالت مند حضرت مخالفت می کنند. معنای حاکمیت عدالت و حکومت جهانی امام زمان(ع) آن نیست که همگان به قانون احترام می گذارند و در جامعه اصلاً ناهنجاری ها و تضییع حقوق دیگران و قانون گریزی وجود ندارد، بلکه

معنا این است که مردم رشـد فکری پیـدا کرده و در سایه عـدالت و اجرای قوانین الهی و حاکمیت دین با آرامش زنـدگی می کننـد، ولی در عین حال عوامل تهدید کننده حکومت جهانی وجود دارد. از سوی دیگر وظیفه حکومت تنها مبارزه با تجاوز و برقراری امنیت ... نیست، بلکه وظـایف عمران و آبـادی و بهره گیری از منابع طبیعی و مواهب الهی است که این عوامل نیاز به برنامه ریزی و سامان دهی دارد.

بی تردیـد رشـد عقل و پیشـرفت علم نقش بنیادی در تشـکیل جامعه آرمانی دارد، ولی خرد و علم به تنهایی در موانع زدایی و اجرای قوانین کافی نیست. امروزه که تا اندازه ای بشـر از رشد عقلی برخوردار بوده و علم پیشـرفت کرده، نه تنها ناهنجاری ها کم نشـده بلکه ظلم وحق کشـی هـا و قـانون گریزی هـا بیشتر شـده است؛ از این رو حاکمیت عقلانیت و پیشـرفت های علم از ضرورت حکومت نمی کاهد، زیرا علم از جنایت نمی کاهد و از دانش سوء استفاده می شود.

در عصـر حکومت امـام زمـان(ع) علم گرایی به اوج خود رسـیده و امـام بـا بهره گیری از فنـاوری و پیشـرفت هـای علمی نظام عادلانـه و مبتنی بر علم و عقـل را به وجـود می آورد، از این رو می توان گفت: حکومت جهـانی امـام زمـانی حکومت خِرَد و دانش و دین مداری است.

چرا امام زمان علیه السلام بعد از ظهور به حکم داوود عمل می کند؟

پرسش

چرا امام زمان علیه السلام بعد از ظهور به حکم داوود عمل می کند؟

پاسخ

کلینی به سـندش از امـام بـاقر (ع) نقـل کرده که خطاب به اباعبیـده فرمود: "... یا أباعبیـده! إذا قام قآئم آل محمّـد (ص) حکم بحکم داوود وسلیمان لایسأل البیّنه"؛ "...ای اباعبیده! هر گاه {پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۳۹۷. پاورقی}

که قائم آل محمد: قیام کند به حکم داوود وسلیمان حکم خواهد کرد ولذا از دلیل و شاهد سؤال نمی کند."

نعمـانی از ابـان بن تغلب نقـل کرده که گفت: من بـا جعفر بن محمّـد (ع) در مسـجد کـوفه بـودیم که او دست مرا گرفته بـود وفرمود: "ای ابان! زود است که خداوند سـیصد وسـیزده مرد را در این مسـجد شما حاضر کند... آن گاه به منادی امر می کند که نـدا دهـد: این مهـدی است که به حکم داوود وسـلیمان قضـاوت خواهـد نمـود؛ که در قضـاوتش از بیّنه سؤال نمی کنـد". {پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۶۹. پاورقی}

پاسخ:

۱ – ظاهر روایات آن است که امام زمان (ع) بعد از ظهور به علم خود در هر واقعه ای حکم می کند نه به بیّنه، بر خلاف آنچه که امامان سابق بر او انجام می دادند. شیخ مفید؛ در کتاب المسائل می گوید: "امام (ع) می تواند به علم خود حکم کند همان طوری که به ظاهر شهادت ها نیز می تواند چنین کند وهر گاه شهادت را باطل ببیند بر علم خود حکم خواهد کرد...". {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۲۶، ص ۱۷۷. پاورقی}

علامه مجلسی؛ در "مرآه العقول" می فرماید: "واین اختلاف در سیره اهل بیت: از قبیل نسخ نیست تا کسی اشکال کند که بعد از پیامبر نسخی نیست، بلکه یا به اعتبار تقیه در برخی موارد

است ویا به جهت اختلاف اوضاع واحوال در زمان ها است...". {پاورقی . مرآه العقول، ج ۴، ص ۳۰۱. پاورقی}

۲ – از آنجا که وظیفه امام زمان (ع) بعد از ظهور پر کردن زمین از عدل وداد است، لذا طبیعی است که به واقع حکم نماید تا اینکه حقوق به صاحبان اصلی اش باز گردد، ومقتضای آن این است که حضرت به علم خود که از جانب خدا به او الهام شده حکم نماید، واین همان حکم داوود است.

۳ – حکم حاکم به علمش، بدون اتکا بر بیّنه وقسم، نه تنها مورد اتفاق علمای شیعه است بلکه برخی از علمای اهل سنّت نیز آن را جایز شمرده اند.

ابن قدامه می گوید: "...از احمد بنابر نقلی شنیده شده که حکم حاکم به علمش جایز است، واین قول ابویوسف وابوثور ورأی دوم شافعی واختیار مزنی است، زیرا پیامبر (ص) در موردی که ذکر می کند بدون بیّنه واقرار وتنها با علم به گفتار مدعی حکم صادر کرد.

آن گاه می گوید: حاکم که به قول دو گواه حکم می کند به جهت غلبه بر ظن اوست، پس در مورد علم وقطع، اولی به جواز حکم است.

ودیگر اینکه حاکم می تواند در تعدیل وجرح شهود به علم خود عمل کند، پس در ثبوت حقّ به طریق اولی می تواند به علم خود حکم نماید". {پاورقی . المغنی، ج ۱۱، ص ۴۰۱. پاورقی}

نتیجه اینکه: هیچ استبعادی ندارد که حضرت مهدی (ع) در قضایا به علمی که از جانب خداوند به او الهام شده حکم نماید.

مقرّ حکومت امام مهدی علیه السلام بعد از ظهور کجاست؟

پرسش

مقرّ حکومت امام مهدی علیه السلام بعد از ظهور کجاست؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می شود که مقرّ حکومت وبه تعبیر دیگر پایتخت حکومت حضرت مهدی (ع) کوفه خواهد بود.

ابوبصیر می گوید: امام صادق (ع) فرمود: "ای ابامحمّد! گویا می بینم که قائم آل محمّد با خانواده اش در مسجد سهله فرود آمده است. گفتم:آیا خانه او مسجد سهله است؟ فرمود: آری...".

{پاورقی . کافی، ج ۳، ص ۴۹۵ ؛ کامل الزیارات، ص ۳۰. پاورقی}

امام صادق (ع) از مسجد سهله یاد کرد وفرمود: "آن خانه صاحب ما (حضرت مهدی (ع)) است، زمانی که با خانـدانش در آنجا سکونت گزیند".

{پاورقی . کافی، ج ۳، ص ۴۹۵ ؛ التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۲. پاورقی}

امام باقر (ع) می فرمایـد: "مهـدی (ع) قیام می کنـد وبه سوی کوفه می رود ومنزلش را آنجا قرار می دهـد". ونیز آن حضرت می فرماید: "هنگامی که قائم ما قیام کند وبه {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵. پاورقی}

کوفه برود، هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در آن شهر در کنار مهدی (ع) سکونت می گزینند یا به آن شهر می آید".

{پاورقی . همان، ج ۵۲، ص ۳۸۵. پاورقی}

حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: "روزگاری فرا رسد که این جا (مسجد کوفه) نمازگاه ومصلای مهدی (ع) گردد".

{پاورقی . اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۵۲. پاورقی}

مقتضای قاعده عمومی در رابطه با مدت حکومت عدل توحیدی امام زمان علیه السلام چیست؟

پرسش

مقتضای قاعده عمومی در رابطه با مدت حکومت عدل توحیدی امام زمان علیه السلام چیست؟

پاسخ

مطابق قواعـد عمومی، حـدّ زمان لازم برای حکومت عـدل جهانی توحیـدی امام زمان (ع) بایـد وقت وسیعی باشـد که بتواند اهداف عالی خلقت بشر در این دنیا در آن مدّت زمان تحقق یابد. این مطلب را با مقدماتی کوتاه تقریر می کنیم:

الف. هدف از خلقت ایجاد عبودیّت خالص در سطح کلّ جامعه است، عبودیت در سطح وسیعش به نحو استغراقی نه بدلی. خداوند متعال می فرماید: {وَما خَلَقْتُ الجِنَّ وَالإِنْسَ إِلّا لِيَعْبُدُونِ}؛ "من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند."

{پاورقی . سوره ذاریات، آیه ۵۶. پاورقی}

ب. حضرت مهدی (ع) با برپایی حکومت جهانی اش در پیاده نمودن این هدف سهم عظیمی دارد.

ج. پیاده کردن این هدف عظیم احتیاج به زمان کافی دارد، زیرا اصل بر عدم معجزه است.

نتیجه: بقای امام وحکومت او در مدت کافی برای تطبیق هدف عالی خلقت انسان ضـروری است، زیرا هدف خلقت بشر بر دو نوع است:

۱ – هدف کلّی: برای مجموعه بشر که در نهایت باید به نحو عام استغراقی، تمام بشر به کمال برسند.

۲ – هـدف مقطعی: که برای بشـر در هر برهه زمـانی متصـوّر است وآن به نحو عـام بـدلی برای برخی از افراد بشـر تحقق یـافته است.

روایات مختلف در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام را چگونه توجیه می کنید؟

پرسش

روایات مختلف در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام را چگونه توجیه می کنید؟

پاسخ

با توجه به روایات موجود درباره مدت حکومت حضرت مهدی (ع) سه قول وجود دارد:

۱ – ترجیح روایات هفت سال در مدت حکومت حضرت

این قول شواهد ومؤیداتی نیز دارد:

الف. چون از شهرت در عمل برخوردار است.

ب. این روایات بنابر قول ابوالحسین آبرّی مستفیض یا متواتر است.

{پاورقی . صواعق المحرقه، ص ۱۶۲. پاورقی}

ج. قیام وحکومت حضرت مهدی (ع) در مدت هفت سال فضیلتی برای آن حضرت است.

د. روایات هفت سال به روایتی تقیید می خورد که هر سال از آن هفت سال را برابر ده سال می داند که مجموع آن هفتاد سال می شود، که در نتیجه مدت معقولی برای برپایی حکومت عدل جهانی است.

ونیز ممکن است که روایت فوق را حمـل بر مبـالغه در طولاـنی بودن مـدت حکومت حضـرت نمود، زیرا عـدد هفتاد به جهت مبالغه به کار می رود.

۲ – حمل روایات به مرحله حیات وحکومت

احتمال دوم آن است که روایات مختلف را بر دو مرحله حمل کنیم:

الف. مرحله حیات امام زمان (ع) بعد از ظهور؛ که کمتر از ده سال است.

ب. مرحله حکومت عدل جهانی توحیدی؛ که بیش از ده سال به طول خواهد انجامید. خصوصاً آنکه با رجعت هر یک از امامان قبل از برپایی قیامت وبعد از ظهور حضرت، حکومت عدل جهانی توحیدی ادامه خواهد یافت.

۳ – حمل بر مراحل شدّت وضعف

ممکن است اختلاف مدت در حکومت حضرت را به مراحل قوت وضعف حمل نمود.

سفارینی می گوید: "بر فرض صحت تمام روایات می توان همه را این گونه حمل کرد که حکومت حضرت از حیث ظهور وقوت متفاوت است، مدت بیشتر را حمل بر

تمام مدت حکومت از اول زمان بیعت تا آخر حکومت حمل می کنیم. ومدت زمان کمتر را بر حدّ اقلّ ظهور ومدت حدّ وسط را نیز بر حدّ وسط ظهور وقوّت حمل می کنیم".

{پاورقی . لوائح الانوار، ج ۲، ص ۷۹. پاورقی}

خلاصه کلام سفارینی این است که ایشان مراحل حکومت حضرت را بر سه بخش تقسیم می کند:

الف. مرحله ظهور وقوّت که در آن زمان، امور رتق وفتق می شود. (حدّ اقل).

ب. مرحله تثبیت وآرامش. (حدّ وسط).

ج. مرحله نهایی، ونهایت حکومت حضرت: (حدّ اکثر).

وسعت حکومت حضرت مهدی علیه السلام چه مقدار است؟

پرسش

وسعت حکومت حضرت مهدی علیه السلام چه مقدار است؟

پاسخ

مطابق برخی ادله، حکومت حضرت مهدی (ع) بر کلّ کره زمین است زیرا:

۱ – هدف از خلقت، مطابق برخی ازآیات، رسیدن کلّ بشر به عبودیت کامل در تمام زمینه هاست.

۲ – در برخی ازآیات آمده است که حکومت حضرت تمام کره زمین را فرا خواهد گرفت.

۳ – مطابق برخی روایات که به حدّ تواتر رسیده، حضرت مهدی (ع) تمام زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد.

۴ – در برخی از روایات حکومت مهدی (ع) تشبیه به حکومت ذوالقرنین در گستردگی آن شده است.

۵ – همچنین در برخی روایات آمده است حضرت تمام مناطق روی زمین را فتح خواهد کرد.

نعمانی به سندش از ابی حمزه ثمالی نقل کرده که از امام باقر (ع) شنیدم، فرمود: "... خداوند برای او –قائم آل محمّد:– روم وچین وترک ودیلم وسند وهند وکابل شاه وخزر... را فتح خواهد کرد...".

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۲ù۱۲۳. پاورقی}

۶ – مطابق برخی روایات همه مردم روی زمین موحّد شده وزمین آباد خواهد شد.

{پاورقی . ینابیع الموده، ص ۵۰۸. پاورقی}

روش حکومت امام زمان(عج) چگونه خواهد بود؟ رای مردم چه جایگاهی خواهد داشت؟

پرسش

روش حکومت امام زمان(عج) چگونه خواهد بود؟ رای مردم چه جایگاهی خواهد داشت؟

پاسخ

روش و مدل حکومتی امام مهدی(ع) نو، بدیع و بی نظیر است که بر اساس آن «دیگر هیچ سیاستی و حکومتی، جز حکومت حقه اسلامی و سیاست عادله قرآنی، در جهان جریان نیابد.» {۱}

آنچه که درباره شیوه حکومت داری آن حضرت می توان بیان داشت، تکیه بر روایات بسیاری است که چشم اندازی از حکومت امام را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارایه کرده است. به نمونه های ذیل بنگرید:

۱. اوبخشنده است، و بی دریغ، مال و خواسته، به این و آن دهد. نسبت به عمّال و کارگزاران و ماموران دولت خویش بسیار سختگیر باشد، و با ناتوانان و مستمندان، بسیار مهربان. {۲}

۲. مهدی حق هر حق داری را بگیرد و به او دهد. {۳}

۳. به همه مردم، حکمت و علم بیاموزند. {۴}

۴. مهدی(ع)، به تایید الاهی، خردهای مردمان را به کمال رساند، و در همگان فرزانگی پدید آورد. {۵}

۵. ظلم و ستم را براندازد و سراسر زمین را از عدل و داد بیاکند. {۶}

۶. عدالت او چنان باشد که بر هیچ کس، در هیچ چیز، به هیچگونه، ستمی نرود. {۷}

۷. همه مردم، در زمان مهدی، توانگر و بی نیاز شوند. {۸}

۸. همه اموال جهان، در نزد مهدی(ع) گرد آید. {۹}

۹. مهدی(ع) اموال را، به صورت مساوی، میان همگان تقسیم می کند و کسی را بر کسی امتیاز ندهد. {۱۰}

۱۰. در روزگار او همگان به رفاه و آسایش و وفور نعمتی بی مانند دست یابند/

۱۱. در جهان جای ویرانی نماند، مگر آنکه مهدی(ع) آنجا را آباد سازد.{۱۱}

۱۲. در قضاوت ها و احکام مهدی(ع)، و در حکومت وی، سرسوزنی ظلم و بیداد بر کسی نرود و رنجی بر

دلی ننشیند.{۱۲}

۱۳. مهـدی(ع) عدالت را، همچنانکه سـرما و گرما وارد خانه ها می شود، وارد خانه های مردمان کند، و دادگری او همه جا را بگیرد.{۱۳}

بـا تامـل در نکته هـای زیبـای فوق، می توان به بخش دوم سؤال نیز پاسـخ گفت، آنجـا که پرسشـگر محترم از چگونگی نقش مردم در حکومت مهدی(ع) سؤال فرموده اند/

در طول تاریـخ خواست عـامه مردم، برپـایی عـدالت، برخورداری از رفـاه، رهـایی از سـتم و بهره منـدی از امکانات عمومی به صـورت عادلانـه است، این خـواست به حق، آنـان را به تعیین دولت هـا و کـارگزاران می کشانـد که بسیاری از دولتمردان بر خلاف خواست عامه مردم عمل کرده و منافع شخصـی و گروهی خویش را بر مقـدم بر هر چیزی می کردنـد با این وضـعیت، هماره عطش عدالت خواهی در ضـمیر انسانها وجود داشته است و خداوند نیز برای امید بخشی به مردم، آمدن چنین حکومتی را وعـده فرموده است.{۱۴} حـال وقتی آنان می نگرنـد که با آمـدن مهـدی(ع)، این وعـده الاهی برای رهایی مستضـعفان از چنگ سـتمگران تحقق یافته، حکومتی با شاخصه هایی چون عـدالت، رفاه، امنیت و معنویت آمـده است، با جان و دل پذیرای چنین حاکمیتی خواهند بود/

بیا که رایت منصورِ پادشاه رسیدنوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید

جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت کمال عدل به فریاد دادخواه رسید

ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن قوافل دل و دانش ،که مرد راه رسید

کجاست صوفی دجّال چشمِ ملحد شکل بگو بسوز که مهدیِّ دین پناه رسید{۱۵}

البته نقش مردم در حکـومت در هر عصـر و دوره ای به شـیوه ی خـاص بوده است، در دوره ای بـا بیعت و در عصـری بـا رای مستقیم و غیر مستقیم، و در آینده نیز دگرگونی شیوه ها

نیز محتمل است/

[۱].المهدی الموعود المنتظر، نجم الدین جعفر العسکری، ج ۱، ص ۲۵۵/

[۲].همان، ص ۲۷۶/

[۳].همان، ص ۲۷۹/

[۴].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲/

[۵].الکافی، ج ۱، (کتاب العقل، ح ۲۱)/

[۶].ر.ك: خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۳۳/

[۷].الکافی، ج ۴، ص ۴۲۷/

[۸].بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶/

[۹].همان، ج ۵۱، ص ۲۹/

[۱۰].خورشید مغرب، ص ۳۴/

[۱۱].همان ، ص ۳۴/

[۱۲].المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۲۸۰/

[۱۳].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲/

[۱۴].سوره قصص، آیه ۵/

[۱۵].حافظ شیرازی /

قیام مهدی (عج) و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه امکان پذیر است و این حکومت چه ویژگیهائی دارد؟

پرسش

قیام مهدی (عج) و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه امکان پذیر است و این حکومت چه ویژگیهائی دارد؟

پاسخ

پاسخ

در حالی که ایجاد حکومت واحد جهانی، بر بشـر کنونی –که در اخلاق مادی فرورفته و معنویات و احساسات پاک او نسبت به انسـان هـا فروکش کرده- به صورت یـک آرزوی خـام و رویای طلائی درآمـده است، احادیث اسـلامی، تشـکیل حکومت واحـد جهـانی اسـلام را از ویژگی هـای قیـام مهـدی موعود علی السـلام می دانـد. این بیانـات الهی می رساننـد در پرتو عـدل حضرتش، جهان تحت لوای یک حکومت، یک دولت، یک قانون، یک قدرت درمی آید و بساط تمام ابرقدرتها و فرعونها و قارون ها و قارونک های زمان از بزرگ و کوچک برچیده می شود، و پرچم عدل و داد، در سراسـر جهان به اهتزاز درآمده و صفا و صمیمیت و عشق به نوع بشر جهان را فرا می گیرد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:«اذا قام القائم ذهب دوله الباطل» (منتخب الاثر، ۴۷۱، نقل از روضه کافی).

[آنگاه که امام قائم قیام کرد، حکومت های باطل نابود می شود].

باز در حدیث دیگر می فرماید:«یبلغ سلطانه المشرق و المغرب» (منتخب الاثر، ۴۸۲)

[قدرت او شرق و غرب را فرا می گیرد].

باز امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه:

«اَلَّذِینَ اِنْ مَکَّناهُمْ فِی الْاَرْضْ اَقامُوا الصَّلواهَ وَ آتَوُا الزَّکواهُ وَ أمَرُوا بِالْمَعْروفِ وَنَهَوا عَنِ الْمُنْکَرِ وَلِلّهِ عاقِبَهُ الاُمورِ» حج/۴۱ [آنانکه اگر در روی زمین به آنان قـدرت دهیم، نماز را به پا می دارنـد و زکات می دهنـد، به نیکی ها امر کرده و از بـدی ها نهی می کنند. و برای خدا است سرانجام امور]

فرمـود: این آیه بیـانگر حکـومت مهـدی است. خـدا او و یـاران او را بر شـرق و غرب زمین مسـلط می گردانـد. و دین خـدا را آشکار می سازد و به

وسیله او و یارانش بدعتها را می میراند، همچنانکه بی خردان حق را میرانده بودند، تا آنجا که از ستم اثری دیده نمی شود، آنان مردم را به نیکی ها امر کرده و از بدی ها باز می دارند. و برای خدا است سرانجام امور (تفسیر برهان، ۳/۹۶، تفسیر نورالثقلین، ۳/۵۰۶)

ویژگی های حکومت مهدوی

هر یک از جملات حدیث گذشته، به اصلی از اصول حکومت واحد جهانی امام و یا به یک ویژگی از ویژگی های حکومت او اشاره می کند. شایسته است به متن این فرازها توجه شود:

«یملکهم الله مشارق الارض و مغاربها»

[خداوند، سراسر جهان را از خاور و باختر در اختیار آنان قرار می دهد»، یعنی حکومت او، جهان شمول می گردد نه منطقه ای.

«و یظهر الدین و یمیت الله به و باصحابه البدع و الباطل»

[به وسیله او، دین خدا زنده و بدعت ها و باطل ها نابود می شود] یعنی قوانین حکومت او را، قوانین الهی که آئین خاتم اسلام است، تشکیل می دهد. و نیز می فرماید:

«حتی لایری اثر من الظلم و یأمرون بالمعروف».

[از ستم اثری دیده نمی شود و به نیکی ها امر می کنند]. یعنی دارای قدرت اجرائی گسترده ای می گردد، که هر نوع ستم را در سراسر جهان می زدایند و نیکی ها را گسترش می دهند.

چنین ویژگی هائی فقط از آن حکومت جهان اسلام است و بس، که مهدی زمان، تحقق بخش آن است.

یکی از ویژگی های حکومت امام، گسترش عمران و آبادی در سراسر جهان و تسلط بشر بر معادن زیرزمینی است. و بشر در پرتو عدل بر این تکامل دست می یابد. پیامبر گرامی در این مورد می فرماید:

«در زمان مهدی، آب در جهان افزایش پیدا کرده و انهاری پدیده می آید و انهار و گنجها از دل زمین بیرون می آید» (منتخب الاثر، ص۴۷۳)

ابن عباس

که در دامن پیامبر گرامی و مکتب امام امیر المؤمنین صلی الله علیهما و آلهما پرورش یافته، دوران مهدی زمان را چنین توصیف می کند: «مهدی، روی زمین را از داد پر کرده، همچنانکه پیش از او از ستم پر می شود و زمین پاره های جگر خون را بیرون می ریزد». آنگاه به عنوان نمونه گفت:«ستونهائی از طلا و نقره» (منتخب الاثر، ۴۷۲)

این گونه احادیث که با «تواتر معنوی» در کتابهای حدیث وارد شده است، از یک حکومت جهانی الهی توأم با تمدن عمیق و ریشه دار مادی گزارش می دهد، که در عصر طلائی ظهور حضرت حجت بن الحسن صلوات الله علیه تحقق می پذیرد.

آیا خلافت بعضی کشورها دردوران دولت حجت"ارواحنافداه" به وسیله اصحاب ایشان اداره می شود؟اگر چنین است پس چرا درحکمت۱۹۰ نهج البلاغه ترجمه دشتی می فرماید : شگفتا!آیا معیار خلافت، صحابی پیامبربودن است؟ صحابی پیامبر بودن وخویشاوندی ملاک نیست؟

پرسش

آیا خلافت بعضی کشورها دردوران دولت حجت"ارواحنافداه" به وسیله اصحاب ایشان اداره می شود؟اگر چنین است پس چرا درحکمت۱۹۰ نهج البلاغه ترجمه دشتی می فرماید : شگفتا!آیا معیار خلافت، صحابی پیامبربودن است؟ صحابی پیامبر بودن وخویشاوندی ملاک نیست؟

پاسخ

درباره روش حکومت امام زمان"عج" واینکه امام"عج" برای اداره دنیا از چه نیروهایی استفاده می کنند روایات فراوانی از معصومین "ع" وارد شده است.

ابتدا اینکه، ازآنجا که امام "عج" برای برافراشتن پرچم اسلام وحاکمیت قرآن درتمام دنیا ظهور خواهند کرد پس روش حکومتی ایشان براساس قرآن وسیره پیامبر"ص" وامامان "ع" خواهد بود.

امام صادق"ع" می فرمایند : "امام زمان"عج" درحکومت خویش به سیره وروش پیامبر عمل می نمایند وبررفتار او رفتار می کنند.""۱" وخود پیامبر اکرم"ص" می فرمایند : "مهدی"عج" روش مرا دنبال می کند وهرگز از روش من بیرون نمی رود""۲" وامام عصر"عج" برای اداره جهان استانداران ووزیرانی می گمارند که جز به مصالح اسلام ورضایت خدا به چیزی نمی اندیشند. چنانکه درروایات ترکیب دولت مهدی"عج" را ازپیامبران، جانشینان آنان، تقوی پیشگان وصالحان روزگار وامتهای پیشین واز سران وبزرگان پیامبر"ص" بیان می کند که نام برخی از آنها نیز درروایت آمده است.

چند روایت :

۱. رسول خدا می فرمایند : "امام مهدی"عج" دقیقاَ فرمان خدا را اجرا می کند با کسی حساب خوشاوندی ندارد وسنگی روی

سنگ نگذارد""۳"

۲. امام علی"ع" درنهج البلاغه می فرمایند : " کسی برشما حکومت خواهد کرد که غیرازخاندان حکومت هاست، او مسؤولان وکارگزاران رابه جرم کردارزشتشان کیفر خواهد کرد. آنگاه است که مهدی"عج" به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه کدام است..."۴"

و دربرخی روایات نام تعدادی ازوزیران و استانداران حضرت را بیان کرده

اند.

ازآن جمله درروایتی آمده است : حضرت عیسی"ع"، اصحاب کهف، یوشع وصی موسی"ع"، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالك اشتر نخعی."۵"

پس همانطور که ازروایات فهمیده می شود، اصحاب امام عصر"عج" که مسؤولیت زمامداری امور را به دست می گیرند افراد باتقوا و مؤمن حقیقی هستند وهر کس این خصوصیات برجسته را داشته باشد جزء اصحاب امام زمان"عج" است."۶"

اما سؤال دوم شما درمورد حکمت ۱۹۰نهج البلاغه، که حضرت علی"ع" می فرمایند "واعجباه! اتکون الخلافه بالصحابه ولاتکون بالصحابهوالقرابه" (شگفتا! آیا خلافت به صحابی بودن باشد ولی به صحابی بودن وخویشاوندی نباشد.)

اول اینکه : حضرت علی"ع" می خواهد بفرماید خلافت وجانشینی رسول خدا"ص" فقط وتنها براساس اینکه ایشان صحابه پیامبر ویا خویشاوند ایشان است نیست، بلکه خلافت پیامبر"ص" امری الهی است که ازجانب خدا تعیین می شود وبه وسیله پیامبر"ص" به مردم ابلاغ می گردد وگرنه خیلی ازافراد صحابه وخویشاوندپیامبر بودند وهر کدام می توانستند ادعای خلافت کنند.

ودوم اینکه : فرمایش حضرت علی"ع" درمورد عمر خلیفه دوم است که چون ابوبکربه عمر گفت : دست دراز کن که با تو بیعت کنم عمر به او گفت : تودرهمه جا ودرهمه سختیها مصاحب پیامبر"ص"بوده ای بنابراین تودست دراز کن ولذا سخن علی"ع" متوجه عمر است که اگر ابوبکر بخاطر مصاحبت با پیامبر"ص" استحقاق خلافت را دارد، چرا این را به کسی که علاوه بر مصاحبت با پیامبر"ص" جزء خویشاوندان آن حضرت است نسپردی؟

وسوم اینکه : برای تأیید سخن سید رضی (گردآورنده نهج البلاغه) بعد از حکمت فوق شعری را ازحضرت علی"ع" نقل می کند که ترجمه آن این است : "اگر با شورا کارآنان را دردست گرفته

ای چـه شـورایی کـه رأی دهنـدگان آنجـا نبودنـد واگر از خویشاونـدان برمـدعیان حجـت آوردی، دیگری غیر ازتـو، به پیـامبر"ص"نزدیـک وسـزاوارتربود" که این شـعر مولی "ع" هم متوجه ابوبکر وعمر است که دلیل به خلافت رسـیدن خود را مصـاحبت بـا پیـامبر"ص" دانسـتند وحضـرت علی"ع" می فرماینـد : "کس دیگری (یعنی خود مولی)غیر ازلحاظ مصاحبت با پیامبر"ص"، از همه به او نزدیک تر وخویشاوند او می باشد، بنابراین برای خلافت ازهمه سزاوارتر است."۷"

پس همـانطور که دوست عزیز ملاـحظه کردیـد بین سـؤال اول ودوم شـما رابطه ای نیست زیرا سـؤال اول درمورد کـارگزاران حکومت مهـدی"عج" می باشد که از افراد لایق ومؤمن هسـتند وتا کسـی به درجه بالای ایمان واخلاص نرسد نمی تواند جزء اصحاب ویاران وکارگزار حکومت مهدوی"ع" شود. واما سؤال دوم شما که در مورد خطبه ۱۹۰دررابطه با غصب خلافت بعد ازپیامبر"ص" می باشد، که دلیل آن را مصاحبت با پیامبر"ص" دانستند.

(۱) بحار،ج۵۲،باب۲۸،ح۷۸

(۲) منتخب الاثر فی امرامام الثانی عشر،ص۴۹۱،باب۳،حدیث۲

(۳) تاریخ عصر غیبت،ص۲۵۸،به نقل از ملاحم لفتن فی ظهور الغائب المنتظر، ازابن طلاووس،ص۱۰۸

(۴) نهج البلاغه ترجمه دشتی،خطبه ۱۳۸

(۵) چشم اندازی از حکومت مهدی، نجم الدین طبرسی،ص۱۹۰

(۶) گفتمـــان مهـــدویت،ج۱،ص۱۵۲ ۱۵۳،خورشـــیدمغرب، محمـــد رضـاحکیمی،ص۲۴۱،درساحـل انـدیشه، اکـبر اسدعلیزاده،ص۲۲۷ وبحارالانوار، ج۱۳،ترجمه علی دوانی

شرح نهج البلاغه ابن ابی اعدید،ج۷،ترجمه مهدی دامغانی،ص۴۰۷

آیا حجت ثانی عشر بر طبق دموکراسی جهانی، جهان را اداره خواهند کرد؟

پرسش

آیا حجت ثانی عشر بر طبق دموکراسی جهانی، جهان را اداره خواهند کرد؟

پاسخ

امام زمان(عج) براساس احکام نورانی اسـلام و اندیشه سیاسـی اسـلام، جهان را اداره خواهند کرد و این روش براساس شایسته سالاری قرار دارد که بر سه پایه توحیـد، معنویت و عدالت، اسـتوار است. روش دمکراسـی به معنای حکومت و حاکمیت مردم

از نظر نظری و عملی قابل پیاده شدن نیست زیرا در همه جوامعی که براساس نظام دمکراسی اداره می شود:

اولاـ همه مردم نه می توانند و نه اجازه دخالت در حکومت را دارند و در بهترین حالت اکثریت جامعه سرنوشت جامعه و حکومت را در دست دارند.

ثانیا، نظام دمکراسی، در نهایت به حکومت گروه نخبه و صاحبان قدرت و سرمایه منجر می شود (فلسفه سیاست، اسدالله اشپنگلر، ترجمه هدایت الله فروهر، نشر نظر ۱۳۷۰، تهران).

اما حکومت و دولت دینی مبتنی بر احکام اسلامی؛ حکومتی است که حاکم اصلی خداست و قانون الهی بر همه اشخاص حتی شخص امام جاری است و همه و از جمله امام مؤظفند بر طبق قانون خداوند حکم و رفتار کنند.

با تکمیل عقول در دوره امام زمان(ع) چه نیازی به حکومت می باشد؟

پرسش

با تکمیل عقول در دوره امام زمان(ع) چه نیازی به حکومت می باشد؟

پاسخ

شاید نظر پرسشگر محترم به روایتی است که از امام باقر رسیده است که فرمود: «اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به أخلاقهم»؛ {۱} هنگامی که قائم ما قیام می کند دست خود را بر سر بندگان قرار می دهد وبدین وسیله عقل های آنها را جمع کرده و اخلاقشان را به کمال نهایی خواهد رساند.

۱. می گوییم در روایت فجمع به عقولهم تعبیر شده است که شاید منظور شکوفایی خردها باشد و این مسأله چه ربطی به تکمیل عقل ها دارد و ممکن است حضرت بدین وسیله صاحبان عقل را در کنار یکدیگر جمع کند.

۲. بر فرض این که منظور تکمیل سازی خردها باشد می پرسیم آیا این مسأله شامل همه مردم خواهد شد، پاسخ منفی است؛ چرا که در آن دوران بسیاری از مردم هستند که با امام مخالف هستند اما به هیچ وجه جرأت مخالفت را ندارند پس تکمیل عقل ها این افراد را فرا نمی گیرد و اگر هم شامل گردد معلوم نیست که این تحول بزرگ را از برکات حکومت امام زمان بدانند؛ پس اولاًـ معلوم نیست این موهبت شامل همه افراد بشر بشود و در صورت شامل شدن چه بسیار افرادی هستند که از نعمت های الهی بهره می جویند ولی ناسپاسی می کنند و آیا برای کنترل و مهار این گونه افراد حکومت لازم نیست.

۳. مگر همه عقل ها پس از تکامل یکنواخت است و همه یک جور فکر می کنند تا هیچ گونه اختلافی پیدا نشود تا حکومتی بر آنها لازم نباشد.

۴. مگر هر که خرد او کامل گشت از هوای نفس هم

آزاد می گردد که دیگر نیازی به رهبری مافوق خود را نداشته باشد.

۵. مگر کمال خرد عصمت می آورد که در جمع معصومان نیاز به حکومت نباشد زیرا آنها لغزش و مرتکب خلاف نمی شوند تا نیازی به حکومت بر آنها و کنترل ناهنجاری های آنان باشد.

۶. با در نظر گرفتن برخی از روایات که در زمان امام عصر(ع) بسیاری از پیامبران و معصومان خواهند آمد باید آنها تحت رهبری و حکومت امام زمان(ع) قرار نگیرند در حالی که برخی از پیامبران یا وزیر امام و یا تحت امر او می باشند همانند حضرت عیسی و دانیال و یونس و غیر آنان.{۲}

۷. آدمی به هر مرحله ای از کمال برسد که از پیامبر اسلام دانش او فراتر نمی رود در حالی که می بینیم خدای تعالی به پیامبرش می فرماید: «و قل رب زدنی علماً».{۳}

چگونه ممکن است فرد و جامعه ای که شامل این موهبت الهی به وسیله امام زمان قرار گرفته باشد دیگر به او و رهبری اش نیاز نداشته باشد اگر چه برای درک کمالات بیشتر،آیا این سخن پذیرفتنی؟!

[۱].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

[۲].الخرایج و الجرایح، ج ۲، ص ۸۴۹.

[۳].سوره طه، آیه ۱۱۴.

روش حکومت امام زمان(ع) چگونه خواهد بود؟ و نیز رأی مردم چه جایگاهی در حکومت آن حضرت خواهد داشت؟

پرسش

روش حکومت امام زمان(ع) چگونه خواهد بود؟ و نیز رأی مردم چه جایگاهی در حکومت آن حضرت خواهد داشت؟

پاسخ

تا پیش از انقلاب کبیر فرانسه عموم کشورها به صورت رژیمهای سیاسی متمرکز - پادشاهی - و بدون نقش مردم اداره می شد و تصمیمات حکومتها به هر نحو که بود اجرا می گردید اما پس از انقلاب فرانسه حضور مردم به عنوان یک اصل در عرصه سیاسی کشورها مورد تأیید و تأکید قرار گرفت و نظامهای جمهوری تشکیل شد اما لازم به ذکر است که در بسیاری از کشورها برپایی نظام جمهوری به معنای مشارکت فعال مردم نیست و حتی برخی از این حکومتها توسط زورمداران به نحوی مورد سوء استفاده قرار گرفته است؛ هر چند مردم و نیروهای فکری جوامع مختلف نیز برای افزایش نقش مردم تلاشهای بسیار نموده اند.

اما در مورد پرسش شما به نظر می رسد، سوال در مورد ساختار سیاسی نظام حکومتی امام مهدی(ع) می باشد.

در روایات آمده است: «ان رسول اللّه(ص) قال: تملا الارض جوراً و ظلماً فیخرج رجل من عترتی یملك الارض سبقاً او شعاً فیملا الارض قسطاً و عدلا»؛ رسول خدا(ص) فرمودند: زمین پر از ظلم و جور خواهد شد سپس مردی از عترت و اهل بیت من حاکم زمین می شود و آن را پر از عدل و داد خواهد نمود.

یکی از علامات ظهور امام زمان(ع) ظلم و ستمی است که گریبانگیر مردم کره خاکی شده است و آن حضرت برای گسترش عدل و داد خواهد آمد لذا می توان نتیجه گرفت که به طور یقین نظام حکومتی امام مهدی(ع) با اکثریت نظامهای سیاسی موجود در جهان متفاوت خواهد بود و از آنجایی که

یکی از اهداف امام(ع) برپایی عدالت و مساوات برای عموم مردم می باشد لذا باید نوع حکومت و ساختار سیاسی آن طوری باشد که به این هدف نایل آید.

کادر سیاسی و اداره کنندگان جامعه در حکومت امام مهدی(ع) که همان اصحاب آن حضرت هستند پیش از زمان ظهور شناخته می شوند و بنابراین استانداران و حاکمان شرع و سایر افرادی که برای اجرای فرمانهای امام مهدی انتخاب شده اند نیروهایی هستند که دارای شرایط انجام آن فرمانها هستند. آنان دارای شرایط حکومت و قضاوت هستند، معلم قرآن اند، جهادگران واقعی هستند، در اطاعت خدا سختکوش اند و روزه دار و شب زنده داران اند؛ نیروهایی که در هیچ نظام سیاسی یافت نمی شوند. در آن زمان وضع معیشتی مردم آن قدر مطلوب خواهد شد که مستمندی وجود نخواهد داشت تا سهم خود را از بیت المال بگیرد و کسی برای گرفتن سهم خود نخواهد رفت. اما در مورد جایگاه رأی مردم در حکومت امام مهدی(ع) در روایات آمده که مردم در مکه مکرمه و بین رکن و مقام با امام بیعت خواهند نمود؛ «فاذا رای الناس ذلک اتاه ابه ال الشام و عصاتب اهل العراق فیبا یعونه».{۱} بیعت مردم با امام(ع) مثل بیعت مردم با حضرت رسول اکرم(ص) هنگام تشکیل حکومت در مدینه منوره است همانطور که مردم در گزینش پیامبر به پیامبری نقشی نداشته اند امام نیز از طرف خداوند برگزیده شده و بیعت مردم با امام به منزله فعلیت بخشیدن به حکومت ایشان است؛ یعنی این که تا زمانی که مردم با ایشان بیعت نکنند و اظهار وفاداری ننمایند حکومت ظاهری به مرحله اجرا نخواهد رسید. بیعت پیمان بر فرمانبرداری است

چنان که در آیه شریفه «ان الذین یبایعونک انما یبایعون اللّه...»؛{۲} کسانی که با تو بیعت کرده اند در واقع با خدا بیعت کرده انـد. به آن اشاره شـده است و این همان تعهدی است که مسـلمانان در مقابل پیامبر(ص) و امام مهدی(ع) پذیرفته اند تا وفادار باشند.

منابع

۱ – ولایت فقیه، محمد هادی معرفت.

۲ – تاریخ غیبت کبرا، محمد صدر.

۳ – روز رهایی، کامل سلیمان.

۴ – دوله المهدی، سید باسم هاشمی.

۵ – تاریخ بعد از ظهور، محمد صدر.

[۱]. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۲۳.

[۲]. سوره فتح، آیه ۱۰.

بعد از آن که امام زمان(ع) ظهور کرد، چگونه بین مردم حکم می کند و محل حکومت وی کجا است؟

پرسش

بعد از آن که امام زمان(ع) ظهور کرد، چگونه بین مردم حکم می کند و محل حکومت وی کجا است؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می شود که امام زمان(ع) از مکه ظهور می کند[۱] و در شهر کوفه حکومت تشکیل می دهد و محل حکمرانی او مسجد جامع کوفه می باشد و محل تقسیم غنائم و بیت المال مسجد سهله است.[۲]

امـام بـاقر(ع) فرمود: "گویـا حضـرت قـائم(ع) را می نگرم که از مکه به همراه پنـج هزار از فرشـته در حالی که جبرئیل سـمت راست و میکائیل سمت چپ و مؤمنان پیش روی او هستند، به نجف آمده و لشکر به شهرها می فرستد".[۳]

از این روایات اسـتفاده می شود که مرکز حکومت امام زمان(ع) شـهر کوفه و مرکز داوری حضـرت، مسجد جامع کوفه است. البته نمی توان محل داوری امام زمان(ع) را منحصـر به مسـجد جامع کوفه دانست، زیرا ساختار حکومت جهانی اقتضا می کند

که مراکز متعـددی جهت داوری وجود داشـته باشد؛ ولی آنچه از آموزه های دینی اسـتفاده می شود آن است که مرکز داوری امام زمان(ع) مسجد کوفه است.

در خصـوص چگـونگی قضـاوت امـام زمـان(ع) بایـد گفت: به گـونه معیّن نمی تـوان در این خصـوص اظهـار نظر نمـود، زیرا روایـات در این خصوص اختلاـف دارنـد و تشـکیل چنین حکومتی پیشـینه نداشـته است تا چگونگی قضاوت در آن مشـخص باشد.

به یـک اعتبـار دو دسـته روایـات در خصوص چگونگی حکومت، به ویژه داوری امام زمان(ع) وجود دارد که برخی از آن ها دلالت دارنـد که امام زمان(ع) بر خلاف سـیره پیامبر(ص) داوری می کند.[۴] امـام باقر(ع) فرمود: "هنگامی که قائم ظهور می کند، شیوه های نو و کتاب جدید و روش های تازه می آورد، و

در قضاوت روش جدیدی دارد..."۱.[۵]

امام صادق(ع) فرمود: "إذا قام القائم جاء بأمرٍ غیر الّذی کان".۲[۶]

دسته دوم از روایات دلالت دارند که امام زمان(ع) مانند پیامبر اسلام(ص) داوری می کند. امام صادق(ع) فرمود: "راه و روش اوچون پیامبر(ص) است، یعنی هر چه را پیش از او باشد، ویران می کند، چنان که پیامبر [نظام] جاهلیت را ویران ساخت، و اسلام را از نو می سازد".[۷]

این دودسته روایات به حسب ظاهر تعارض و اختلاف دارند. به نظر می رسد روایات دسته دوم با روایات دسته اوّل قابل جمع بوده و تعارض رفع می شود؛ زیرا روایات دسته اوّل، ناظر بر آن است که قبل از ظهور امام زمان(ع) دستورهای دین فراموش شده و بدعت ها ظهور کرده و در تفسیر و تبیینِ معارف دین، تحریف صورت گرفته و تصور مردم از دین چیز دیگری است از این رو برخی تصور می کنند امام زمان(ع) دین جدید آورده است. امام زمان(ع) غبار از چهره دین بر می داد و بدعت زدایی می کند و اسلام را آن گونه که هست، تبیین و تفسیر می کند. تفسیر دین و اجرای آن توسط امام زمان(ع) موجب می شود که این فکر به وجود آید که بر خلاف سنت

پیامبر عمل می کند، زیرا آنچه مردم از دین برداشت می کردند، بر خلاف چیزی است که امام زمان(ع) عمل می کند. بر این اساس روایات دسته اوّل ناظر بر تفکر مردم نسبت به دین است، ولی روایات دسته دوم ناظر بر ان است که دین شفاف شده و چهره غبار از دین برداشته است.

در حقیقت روایات دوم مفسّر روایات دسته اوّل است. واقعیت این است که امام زمان(ع) بر اساس

سنت پیامبر داوری می کنـد، زیرا امام زمان(ع) همان دسـتورهای دین را اجرا می کند که پیامبر اسـلام(ص) اجرا می نمود؛ در عین حال داوری امام زمان مبتنی بر سه شاخصه زیر می باشد:

الف) قاطعیت

ب) بهره گیری از قوانین اسلامی

ج) عدالت.

[۱]شیخ مفید، ارشاد، (مترجم) ص ۳۵۳؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۹.

[۲]مهدی موعود (ترجمه ج ۱۳ بحارالأنوار)، ص ۱۱۵۹.

[۳]شیخ مفید، پیشین، ص ۳۵۴؛ لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۵۷۵.

[۴]ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۱.

[۵]همان، ص ۲۵۳.

[۶]بحارالأنوار ج ۵۳، ص ۳۳۲.

[۷]کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۳۱.

طبق احادیث در دوره آخر الزّمان چه افرادی در جامعه حکومت خواهند کرد و آن افراد در کدام دیار حاکمند؟

پرسش

طبق احادیث در دوره آخر الزّمان چه افرادی در جامعه حکومت خواهند کرد و آن افراد در کدام دیار حاکمند؟

پاسخ

اگر مراد از آخر الزّمـان، قبل از ظهور حضـرت ولی عصـر(عـج) می باشـد یا بعـد از ظهور؟ به یقین نمی توان گفت که قبل از ظهـور چه حوادثی پیش خواهـد آمـد و چه افرادی در جـامعه حکومت خواهنـد کرد. در روایـات آمـده است که بایـد آنقـدر حکومت های رنگارنگ در جهان تأسیس شود و مرام ها و احزاب فریبنـده به وجود آید تا نهایتاً بی لیاقتی آن ها ثابت شود و بشر از آن ها مأیوس گردد و تشنه اصلاحات خدایی شود و برای پذیرفتن حکومت توحید آماده گردد.

حضرت صادق(ع) فرمود: "تـا همه اصـناف مردم به حکومت نرسـند، صـاحب الأمر (عـج) قیام نمی کنـد. برای این که وقتی حکومتش را تشکیل داد، کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم، با عدالت رفتار می کردیم".[۱]

امـام بـاقر(ع) فرمود: "دولت مـا آخرین دولت است. هر خانـدانی که لیـاقت حکومت داشـته باشـند، قبـل از ما به حکومت می رسند، تا وقتی حکومت ما تأسیس شد و رفتار آن را دیدند، نگویند: ما هم اگر به حکومت رسیده بودیم مانند آل محمد(ص) عمل می کردیم و این است معنای آیه "والعاقبه للمتّقین"".[۲]

حـوادث بعـد از ظهور، یکی از مسـائلی که جزء اعتقـادات شـیعیان محسوب می شود، رجعت می باشـد. علامه مجلسـی ره در بحارالانوار، در این خصوص به آیات و روایاتی استناد می کند. از جمله مباحث مطرح در زمان رجعت، دولت آل محمد(ص) می باشد. روایاتی در این خصوص آورده شده است، که به بعضی اشاره می کنیم:

حسن

بن شاذان واسطی گفت: نامه ای به محضر امام رضا(ع) نوشتم و از ناسازگاری و تعدّی مردم واسط که از پیروان عثمان بودند، و به من آزار می رساندند، شکایت نمودم. امام(ع) مرقوم فرمود: "خداوند متعال از دوستان خود عهد و پیمان گرفته که در دولت باطل صبر پیشه سازند، بنابراین شما هم به حکم پروردگارت صبر کن، که چون سرور مردم [امام زمان(عج)] قیام کند، پیروان باطل را از قبر بیرون آورده و انتقام دوستان مظلوم ما را از آن ها بگیرد. در آن زمان است که می گویند: "چه کسی ما را از گورمان بیرون آورد؟" این است آن روزی که خداوند وعده داده و فرستادگان خداوند راست گفتند".[۳]

حتی این مسئله در زیارت های مختلف نیر مشاهده می شود. در زیارت جامعه کبیره که شیخ صدوق ره در کتاب "من لا یحضره الفقیه" آن را به سند خود از موسی بن عبدالله نخعی از امام علی النقی(ع)، روایت کرده است، در فقره ای از زیارت مزبور می خوانیم که: "... و یحشرفی زمرتکم و یکرّ فی رجعتکم و یملّک فی دولیتکم...؛ یعنی خداوند مرا از آنان قرار دهد که از آثار شما (اهلبیت عصمت(ع)) پیروی می کند، و از راه شما می رود، و با هدایت شما هدایت می یابد، و در جمعیّت شما برانگیخته می گردد، و در رجعت با شما به دنیا بازگشت می کند، و در دولت شما به ریاست و دولت می رسد و در راحتی شما به شرافت نائل می گردد، و در روزگار (دولت شما) قدرت به هم می رساند، و فردا چشمش با دیدن شما روشن

می شود".

نیز در زیارت وداع فرمود : "مکّننی فی دولتکم و أحیانا فی رجعتکم؛ یعنی خداوند مرا در دولت شما آل محمد(ص)) قدرت دهد، و به هنگام بازگشت شما به دنیا زنده کند". حتی در کتاب تهذیب شیخ طوسی این روایت هم از شیخ صدوق نقل شده است و نیز در زیارت أربعین که از امام صادق(ع) روایت شده آمده است: "من گواهی می دهم که مؤمن به شما هستم و به احکام دین خود و پایان اعمالم یقین به رجعت شما دارم".۱[۴] لذا در روایتی از کتاب منتخب البصائر به سند خود از محمد بن مسلم روایت می کند که از حمران بن اعین... شنیدم که می گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: نخستین کسی که قبرش شکافته می شود و زنده می شود و به دنیا بر می گردد، حسین بن علی(ع) است.[۵]

شبیه به این روایت، روایتی است که حمران بن اعین از امام باقر(ع) نقل کرده است که فرمود: اوّل کسی که در رجعت به دنیا بر می گردد، امام حسین(ع) است، آنحضرت چندان سلطنت می کند که از پیری ابروانش روی دیدگانش را می گیرد.۲[۶] و نیز در روایت دیگری حمادبن عیسی از بکیر بن اعین به سند خود از امام باقر(ع) روایت می کند که فرمود: پیغمبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) (برای سلطنت) به دنیا رجعت می کنند.[۷] در روایت دیگری امام صادق(ع) فرمود: "آری والله خداوند از زمان آدم تا پیامبر خاتم(ص) هر پیغمبری را که مبعوث گردانید، دوباره به دنیا بر می گرداند، تا در رکاب حضرت علی(ع) جهاد کنند". اتفاقاً در تفسیر عیاشی این روایت

به سـند دیگر هم از فیض بن ابی شـیبه نقل شده است.[۸] این هـا روایـاتی است که به صورت کلّی از ائمه معصومین(ع) وارد شده است و ما از جزئیات حکومت آن ها و این که دقیقاً در کدام دیار حکومت کنند بی اطّلاعیم.

[۱] علامه مجلسی ره، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

[۲] همان، حدیث ۵۸.

[۳] یس (۳۶) آیه ۵۲.

[۴] علامه مجلسـی ره، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار (مهدی موعود) باب ۳۴، ص ۱۱۸۶ - ۱۲۳۷ با اقتباس و تلخیص و آیت الله ابراهیم امینی، دادگستر جهان ص ۲۴۰ ۲۴۵.

[۵] ترجمه بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۱۸۶ (چاپ دارالکتب الاسلامی).

[۶] همان، ص ۱۱۹۰.

[۷] همان، ص ۱۱۸۷.

[۸] همان، ص ۱۱۸۹.

ویژگی های جامعه امام زمان (عج چیست

پرسش

ویژگی های جامعه امام زمان (عج چیست

پاسخ

یکی از اهـداف بلنـد همه انبیا و مصـلحان ایجاد جامعه آرمانی و ایـده آل است از این روبا موانع شـکل گیری چنین جامعه ای مبارزه نموده و با سـتمگران در ستیز بودنـد. برخی انـدیشور انماننـد افلاطون مـدینه فاضـله "را مطرح کرده اند که به نظر می رسد جامعه آرمانی باشد.

از متون و آموزه هـای دینی اسـتفاده می شود که امـام زمـان (ع بعـد از ظهور، جـامعه ای آرمـانی تشـکیل می دهـد که دارای شاخصه های متعددی ا ست که به برخی اشاره می شود:

۱ گسترش و حاکمیت عدالت

یکی از شاخصه های مهم جامعه امام زمان (ع حاکمیت و گسترش عدالت است در آموزه های دینی عدالت از اهمیت ویژه ای برخوردار است از این رو در برخی از روایات آمده است "بِالْعدلِ قامتْ السموات والارض . قرآن یکی از اهداف پیامبران را بر قراری قسط و عدالت بیان نموده است متأسفانه یکی از آسیب هایی که شدیداً جوامع را در طول تاریخ تهدید کرده ستم هایی است که بر انسان ها روا داشته شده امروزه نیز ظلم فضای همه جوامع را فرا گرفته است بعد از ظهور امام زمان (ع عدالت گسترش یافته و این مؤلفه در تمام ابعادش رعایت می شود.

حاکمیت عدالت بدان معنا است که حکومت نسبت به مردم ظلم نمی کند وثروت های عمومی بر اساس عدالت توزیع می شود و قضاوت ها بر اساس عدالت شکل می گیرد و این خواست همه انسان های حق گرا است امام زمان ع با بر قراری عدالت خواست انسان ها را بر آورده می کند. امام رضا (ع

فرمود: "خداونـد زمین را به دست قـائم (ع از هر سـتمی پـاک گردانـد و از هر سـتمی پاکیزه سازد... آن گاه که خروج کنـد، میزان عـدل را میان مردم نهـد، و بدین گونه هیچ کس نتواند به دیگری سـتمی کند". در برخی روایات آمده است "... یملأها عدلاً کما ملئتْ ظلماً وجوراً...".

این روایت دو پیام مهم دارد:

یکم وضعیت جوامع بشری قبل از ظهور امام زمان که جهان پر از ظلم است زیرا واژه "یملا" حکایت از گسترش ستم دارد.

دوم وضعیت جامعه ی بشری بعد از ظهور امام زمان (ع را بیان می کند که پر از عدل است

۲ بر قراری امنیت

یکی از نیازهـای مهم انسـان امنیت است البته امنیت در ابعـاد مختلـف ماننـد امنیت اخلاـقی امنیت اقتصـادی امنیت حقوقی و... ظهور می کند.

یکی از ویژگیهـای جـامعه آرمـانی امـام زمـان (ع حـاکمیت امنیت در تمـام ابعادش می باشـد. در روایتی از امام صادق (ع در تفسیر آیه "وعـد اللّه الـذین آمنوا منکم .. لیسـتخلفنهم فی الاـرض .. و لیبـدّلنّهم من بعـد خوفهم امناً". می فرمایـد: "نزلتْ فی القائم و أصـحابه . امام علی (ع فرمود: "چون قائم ما قیام کند، کنیه ها از دلها بیرون رود، حتی حیوانات با هم سازگاری کنند. در آن روزگار، زن با همه زیب و زیور خویش از عراق در آید و تا شام برود و از هیچ چیز نترسد".

۳- حاکمیت دین و ارزشها

یکی از ویژگی های جامعه امام زمان (ع حاکمیت همه جانبه دین و ارزش های اسلامی است قبل از ظهور امام زمان (ع بدعت ها

ظهور نموده و عملاً قوانین الهی فراموش شده و تحریف ها به اوج می رسد، از این رو بعد از اجرا و حاکمیت دین اسلام این نگرش به وجود می آید که امام زمان (ع دین جدید به وجود آورده است امام صادق (ع فرمود: "راه و روش او، چون پیامبر (ص است یعنی هر چه پیش از او باشد و یران می کند، چنان که پیامبر(ص جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را نو می نمایند". امام علی (ع فرمود: "و یحیی میت الکتاب و السنّه ؛ مهدی(ع کتاب و سنت مُرده و از میان رفته را زنده می کند". در قرآن یکی از ویژگیهای حکومت امام زمان (ع حاکمیت دین بیان شده است

۴ حکومت مستضعفان و صالحان

یکی از شاخصه های مهم جامعه امام زمان (ع حکومت مستضعفان و صالحان است صالحان و مستضعفان و طبقات محروم در جامعه ی امام زمان حکومت می کنند. و این آرمان و ایده همه انبیاء بوده است در آموزه های قرآن نیز به حاکمیت صالحان و طبقات محروم اشاره شده است "ما می خواهیم به مستضعفان زمین نیکی کنیم یعنی آنان را پیشوایان و وارثان زمین سازیم.

۵ رفاه عمومی

مدینه فاضله اسلامی مدینه رفاه و آسایش همگانی است رفاه و تنعم بدان سان که نیاز مندی در جامعه نمی توان یافت پیامبر اسلام (ص فرمود: "در امت مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به چنان نعمت و بر خورداری و رفاه دست یا بند که در هیچ زمانی دست نیافته

باشد...".

۶ رشد عقل و علم

دوره ظهور، دوران گسترش علم و دانـایی است و جـامعه ی امـام زمـان (ع مـدینه العلم است با آمـدن آن منجی حقیقی همان گونه که ستم جای خود را به عـدل و دادری ۰ نمی دهـد، دانـایی و فرزانگی بـدیل جهل و نادانی می گردد و جهال از دانش آکنـده می شود. از سوی دیگر خرد و عقلانـیت جهـان را فرا می گیرد. عقـل گرایی و خرد و رزی از شاخصه های جامعه امام زمان است البته گسترش علم در ابعاد گسترده آن مانند پیشرفت صنعت و فناوری(تکنولوژی) ظهور می کند. پیشرفت و تکامل علم به اوج می رسد. پیامبر اسـلام (ص فرمود: "نهمین امام (از فرزندان امام حسـین (ع) قائم است که خداوند به دست او سـر زمین تاریک (زنـدگی را نورانی و روشن می کنـد، و از عـدل آکنـده می کند پس از (دوران ظلم علم و دانایی را فرا گیر می سازد، پس از (دوران جهل و نادانی .

پاورقی:

۱ – محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۲۶.

۲ – حدید (۵۷) آیه ۲۵.

۳ – بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۳۱.

۴ – همان، ج۵۲، ص ۲۲۴.

۵ – نور (۲۴) آیه ۵۵.

۶ – کتاب الغیبه، ص ۲۴۰، ذیل ایه ۵۵ سوره نور.

۷ – منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۸ – کتاب الغیبه نعمانی، ص ۲۳۱.

۹ – نهج البلاغه فیض الاسلام ، خطبه ۱۳۸.

۱۰ – توبه (۹) آیه ۳۳.

۱۱ – محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۶۵.

۱۲ – قصص (۲۸) ، آیه ۵.

۱۳ - مجله حوزه ، ویزه نامه امام زمان، (ع) ، ص ۱۸۳ - ۱۷۴.

۱۴ - بحارالانوار، ج۵۱، ص ۷۸.

۱۵ - بحارالانوار، ج۷۵، ص

.۵۱

۱۶ – بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۳۶.

درباره مقایسه قیام عاشورای حسینی با انقلاب حضرت مهدی(ع) توضیح دهید.

پرسش

درباره مقایسه قیام عاشورای حسینی با انقلاب حضرت مهدی(ع) توضیح دهید.

پاسخ

انقلاب امام حسین(ع) و امام زمان(عج) در برخی از عوامل اشتراک و در برخی عناصر تفاوت دارند که با بیان برخی از آن ها عناصر اشتراک و تفاوت روشن خواهد شد.

این نوشتار در دو بخش سامان یافته است:

الف) عناصر اشتراک

رهبری: یکی از عناصر مشترک این دو نهضت، عنصر رهبری است، یعنی در هر دو نهضت و قیام، امام و حجت خدا رهبر هستند. در حادثه ی عاشورا رهبر و قافله سالار آن امام حسین(ع) است و در نهضت جهانی امام زمان، رهبر آن امام زمان(عج) می باشد.

اهداف: هر دو نهضت در اهداف نیز اشتراک دارند، زیرا هدف هر دو نهضت حاکمیت دین، ظلم ستیزی و بسط عدالت و به انجام رساندن وظیفه و مسئولیت الهی می باشد؛ چنانچه بارها امام حسین(ع) از حاکمیت دینی، (۱) برقراری عدالت و بازیابی ارزش ها و بدعت زدایی سخن گفت. امام حسین(ع) در نامه ای به مردم بصره نوشت: "... شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر دعوت می کنم، زیرا در شرایطی قرار گرفته ایم که دیگر سنت پیامبر از میان رفته و جای آن را بدعت فرا گرفته است".(۲)

امام علی(ع) درخصوص یکی از اهداف قیام امام زمان(ع) فرمود: "یحی میت الکتاب و السنه؛(۳) مهدی(ع)، کتاب خدا و سنت مرده را زنده می کند".

پیش بینی: یکی دیگر عناصر اشتراک این دو نهضت در پیش گویی آن ظهور می کند: از برخی روایات استفاده می شود که معصومان(ع) از حادثه کربلا و شهادت امام حسین(ع) و یاران او خبر داده اند.(۴) برخی از محدثان نوشته اند، هنگامی که ام سلمه همسر پیامبر(ص) از حرکت امام حسین(ع) آگاه شد، به حضور آمده، عرضه

داشت: با حرکت خود به سوی عراق مرا محزون نگردان، زیرا از جدت رسول خدا شنیدم که فرمود: فرزندم حسین در خاک عراق و در محلی به نام کربلا کشته خواهد شد. امام در پاسخ فرمود: "مادر! (گمان نکن که از این جریان تنها تو آگاه هستی) خود بهتر از تو می دانم که به ستم و دشمنی کشته خواهم شد و سرم از تن جدا می شود، اما خداوند بزرگ چنین خواسته است".(۵)

در برخی روایات دیگر از غیبت، عوامل غیبت و تشکیل حکومت امام زمان(ع) پیش گویی شده و معصومان(ع) از غیبت حضرت خبر داده اند.(۶)

یاران: یکی از عوامل اشتراک دو نهضت وجودیاران با وفا و شجاع می باشد. در حادثه ی کربلا تعدادی از افراد بودند (که تا آخرین لحظه امام را همراهی کرده و سرانجام به شهادت رسیدند. آن ها کسانی بودند که امام حسین(ع) از آنان به عنوان بهترین و با وفاترین یاران یاد کرد.(۷) در نهضت امام زمان(ع) نیز افرادی هستند که از آنها به عنوان یاران خاصی یاد می شود که در برخی روایات تعداد آن ۳۱۳ نفر (۸) و در برخی روایات بیش تر یاد شده است.(۹)

ب) عوامل تفاوت

قیام امام حسین(ع) با قیام امام زمان(ع) تفاوت هائی دارد.

شکست و پیروزی: یکی از تفاوت های این دو قیام در شکست و پیروزی ظهور می کند. متأسفانه قیام امام حسین(ع) به حسب ظاهر شکست خورد و حضرت و یاران او به شهادت رسیدند و اهل بیت او را به اسارت بردند، ولی امام زمان(ع) در نهضت جهانی خویش پیروز شده و به تشکیل حکومت جهانی پرداخته و جهان را پر از عدل و داد، می کند همان گونه که پر از ستم شده

بود (۱۰) از سوی دیگر در زمان او دین حاکمیت یافته و حضرت درصدد انتقام گیری برای امام حسین(ع) و یاران برمی آید، چنان که امام حسین(ع) فرمود: "فرزندم، علی! به خدا سوگند! خون من قرار نمی گیرد و آرام نمی یابد تا این که خداوند مهدی را برانگیزد و به خاطر خون من هفتاد هزار نفر از منافقان کافر و فاسق را بکشد".(۱۱)

یکی از تفاوت های دو قیام در محدود بودن یا گستردگی آن ها ظهور می کند از آن جا که اراده خداوند بر آن تعلق گرفته که دین خدا بر جهان حاکم شود (۱۲) و صالحان و مستضعفان بر جهان حکومت کنند (۱۳)، نهضت امام زمان(ع) جهانی است؛ ولی نهضت امام حسین(ع) با توجه به زمینه و عوامل فرهنگی محدود بوده و در مقطع زمانی خاص صورت گرفت که می توان، از این به عنوان قیام و نهضت داخلی یاد نمود.

مقدمه: یکی دیگر از تفاوت ها این است که قیام امام حسین(ع) بستر و زمینه ساز نهضت جهانی امام زمان(ع) می باشد. این گونه نهضت های اصلاحی بدان جهت صورت می گیرد که افکار عمومی به مرور زمان آماده پذیرش حکومت جهانی امام زمان شود.

پی نوشت ها:

۱ - تحف العقول، ص ۱۶۸؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹.

۲ - تاریخ طبری، حوادث سال ۶۱.

۳ - نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۳۸.

۴ - اثبات الوصیه، ص ۱۶۲؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۱؛ لهوف، ص ۲۳.

۵ - راوندی، خرائج، ص ۲۶؛ مدینه المعاجز، ص ۲۴۴.

۶ - بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

۷ - مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ لهوف ص ۷۹.

۸ - لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص ۱۶۶؛ غیبه نعمانی، ص ۳۱۵.

۹ - همان.

۱۰ - بحارالانوار، ج ۴۱، ص

۷۱ – ۷۲.

۱۱ – مناقب ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۸۵؛ بحارالأنوار، ج ۴۵؛ ۲۹۹.

۱۲ – صف (۶۱) آیه ۹، ر. ک: شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۵۶.

۱۳ – نور (۲۴)، آیه ۵۵، قصص (۲۸)، آیه ۵، انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵، اعراف (۷)، آیه ۱۲۸.

آیا واقعاً امام زمان(ع) بعد از ظهور هزار سال عمر می کند؟

پرسش

آیا واقعاً امام زمان(ع) بعد از ظهور هزار سال عمر می کند؟

پاسخ

در خصوص مدت حکومت امام روایات متعددی وجود دارد و در مدت عمر حضرت بعد از ظهور اختلاف دارند. به همین دلیل مدت عمر حضرت دقیق معلوم نیست. مفضل بن عمر از امام صادق(ع) گزارش می دهد که حضرت فرمود: "حکومت او دائمی و جاویدان است که هرگز سقوط نمی کند. فرمانروایی ابدی است که جز با اراده و مشیت خدا پایان نمی پذیرد و مدت آن را جز خدا نمی داند".(۱)

پیامبر اسلام(ص) فرمود: "مهدی در امت من به طور قطع خواهد بود، خواه عمرش کوتاه باشد و یا بلند. مدت حکومتش هفت، هشت، یا نُه سال به طول خواهد انجامید".(۲)

در بعضی از روایات دیگر مدت حکومت حضرت هفده سال بیان شده است که هر سال آن معادل ده سال است.(۳) همچنین برخی روایات مدت حکومت امام را بیست،(۴) نوزده(۵)، سی و یا چهل سال ذکر کرده اند.(۶)

در روایات دیگر آمده است که قائم مدت سیصد و نه سال حکومت می کند، به تعداد سال هایی که اصحاب کهف در غار درنگ کردند.(۷)

مسلّم است که مدت حکومت حضرت از هفت سال کمتر نیست؛ زیرا هیچ روایتی مدت عمر حضرت را از هفت سال کمتر بیان نکرده است.

مرحوم مجلسی باور دارد: روایاتی را که درباره مدّت حکومت امام زمان(ع) آمده باید توجیه کرد: برخی از روایات بر تمام مدت حکومت دلالت دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی طبق سال ها و روزهایی است که با آن ها آشنا

هستیم و بعضی روایات طبق سال ها و ماه های زمان حضرت

است که طولانی می باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است.(۸)

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۶.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۸۸.

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۸۰؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۹.

۴. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۹۳.

۵. بحارالانوارع ج ۵۲، ص ۲۹۳.

۶. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۱.

۷. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۸. همان، ص ۲۸۰.

امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟

پرسش

امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟

پاسخ

موفقیت امام زمان(عج) در برقراری عدالت اجتماعی به چند چیز بستگی دارد:

۱ شرایط جهانی و مقتضیات زمان:

۱۱ آمادگی جهانی به پذیرش عدل از این که پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) جامعه جهانی از ستم های فراوان به ستوه می آیند و همه فریاد دادخواهی سر می دهند. در این هنگام فرهنگ جوامع بشری پذیرای اجرای عدالت می باشد و شرایط مطلوبی برای برقراری و اجرای عدالت فراهم می گردد.

۱۲ رشد عقلی: در زمان ظهور امام زمان(عج) عقل های مردم کامل می گردد و بشر به اندازه ای به رشد عقلی می رسد که

درک می کنـد پیاده شدن عدالت به نفع اجتماع بشـری است و خود در پرتو آن نفع می برد، که این عدل همگانی را می طلبد و شرایطی است برای پیاده شدن آن.(۱)

در این دوره بشر در علوم و فنون به مرحله ای می رسد که در دوره های قبلی از دستیابی به آن ناتوان بودند، بدین جهت دوره ظهور حضرت را دوره گسترش علم نام نهاده اند.(۲)

امـام بـاقر(ع) فرمود: "هنگـامی که قائم ما قیام کنـد، خداونـد دست رحمت بر سـر بنـدگانش می کشـد و خِرَد های آنان را به کمال می رساند و افکارشان پرورش پیدا می کند".(۳)

۳۱ رشـد معنویت و اخلاـق فردی و جمعی: جـامعه آرمـانی در صورتی شـکل می گیرد که انسان ها به رشـد معنوی و اخلاقی بالایی نایل شده باشـند. در روایتی از امام علی(ع) امده است: "و لو قد قام قائمنا لذهبت الشحناء فی قلوب العباد؛(۴) چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها

بیرون برود". حکومت حضرت مهدی(عج) در تهذیب نفس و تعالی اخلاق مردم نقش ایفا می کند، پیامبر(ص) فرمود: "خداوند در آخرالزمان مردی را بر می انگیزد و کسی از منحرفان و فاسدان نمی ماند مگر این که اصلاح گردد".(۵)

۴۱ وجود نیروهای انسانی لایق و کار آمد: شرط موفقیت و پیاده کردن یک ایده بزرگ و والا این است که مجریان لایقی برای آن کار باشند. حضرت مهدی(عج) کارگزارانی دارد که همانند یاران پیامبر(ص) در جنگ بدر لایق، مخلص، فداکار و مؤمن و پارسا هستند. وجود ۳۱۳ یار با تقوا یکی از زمینه های موفقیت حضرت در اجرای عدالت است.

۲ شیوه حکومتی حضرت در پیروزی و برقراری عدالت نقش دارد. از جمله شیوه های حکومتی حضرت عبارت است از:

۱۲ اجرای قانون الهی با دو ویژگی مساوات و قاطعیت،

۲۲ شایسته سالاری در امر حکومتی،

۳۲ کنترل و نظارت در امور کارگزاران. پس از انتخاب مجریان لایق، دولت مرکزی آنان را تحت مراقبت کامل قرار می دهد و همواره اعمال و رفتارشان را زیر نظر می گیرد.(۶)

۳ امدادهای الهی: با جود آن همه زمینه ها و شرایط و تلاش های خالصانه حضرت و کارگزارانش و شیوه های پسندیده حکومتی حضرت، خداوند هم کمکش می کند و جبهه حق را از نصرت و امدادهای غیبی خود بهره مند می سازد.

پی نوشت ها:

۱. منتخب الاثر، لطف الله صافی، ص ۶۰۷؛ سیری در سیره ائمه، مرتضی مطهری، ص ۲۹۴.

۲. مجله حوزه (ویژه امام زمان)، ص ۲۰۷.

۳. همان، ص ۲۰۷.

۴. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۵. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴.

۶. محمد رضا حکیمی، عصر زندگی، ص ۴۹ و ۵۰.

قیام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟

پرسش

و تشکیل حکومت واحد جهانی چگونه ممکن است ؟

پاسخ

در حالی که در اواخر قرن نوزدهم و بخشی از آغاز قرن بیستم , غرب در تب و تاب ناسیونالیسم و نژادپرستی فرو رفته بود , و موسولینی و هیتلر به بهانه برتری نژاد , جهان را به خاک و خون می کشیدند , و سیاستمداران به جای نجات انسانها , به فکر توسعه سلطه نژادی و قومی بودند , ناگهان اندیشه انترناسیونالیسم و لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی در نظر برخی از دانشمندان غرب , قوت گرفت و طرحهائی در این مورد ارائه گردید . علت پیدایش این فکر - و با عبارت روشن تر , علت تجدید این اندیشه که در اقوام پیشین سابقه دیرینه دارد - همان هیولای مخوف جنگهای جهانی اول و دوم بود که به صورت وحشتناکی خود را نشان داد , و تنها در جنگ اول جهانی حدود ۹ میلیون نفرکشته شد و ۲۲ میلیون نفر معلول و ده میلیون نفر مفقود الاثر شدند , و تلفات جنگ دوم جهانی بسیار وحشناک تر از جنگ نخست بود . این نبردهای جهان , عملا ثابت کرد که وجود مرزهای مصنوعی میان ملت ها , عامل جنگ و نبرد و مایه خونریزی و بدبختی است , همچنانکه ناسیونالیسم افراطی و نژادپرستی همین عواقب مشابه را نیز دربردارد . تاسیس جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول - که در آن ۲۶ کشور عضویت داشتند - ویا تاسیس یک جامعه جهانی به نام سازمان ملل متحد , و اتحادیه های بین المللی وابسته به آن , پرتوی از فکر تاسیس حکومت واحد جهانی

است که هنوز به صورت یک فکر و اندیشه در میان متفکران مطرح می باشد . گروهی از متفکران پیش بینی می کنند که ممکن است سازمان ملل متحد که به صورت یک پارلمان جهانی است , درآینده بصورت مرکز یک حکومت واحد جهانی را پی ریزی کرده اند , و در این مورد , ازیک قوه مقننه , و یک قوه مجریه , و یک قوه قضائیه گزارش می دهند .

ویژگیهای جامعه موعود که پس از ظهور حضرت مهدی (عج) ایجاد می شود چیست؟

پرسش

ویژگیهای جامعه موعود که پس از ظهور حضرت مهدی (عج) ایجاد می شود چیست؟

پاسخ

قوانین حاکم بر این نظام و اجتماع، قوانین اسلام است که بوسیله وحی اعلام شده و احدی نمی تواند چیزی بر آن بیفزاید یا چیزی را از آن کم کند که «حلال محمد(ص) حلال الی یوم القیامه وحرام محمد(ص) حرام الی یوم القیامه».

باید همگان، خصوصاً هیئت حاکمه، در این خط مستقیم با احساس مسئولیت و تعهد قدم بردارند و هوی و سلیقه های شخصی یا گروهی خود را کنار بگذارند و به راست و چپ منحرف نشوند چنانکه در حدیث است از شخص رسول اکرم(ص) که می فرمایند:

«لایکون العبد مؤمناً حتی یکون هواه تبعاً لما جئت و لا یزیغ عنه به».

[بنده ای مؤمن نخواهد بود تا هوی و خواست او تابع آنچه من آورده ام، باشد و از آن مایل نشود.]

جلوه های بسیاری از این احساس مسئولیت و خوف از خدا را در ارتباط با زمامداری و اداره اجتماع وحقوق مردم مخصوصاً محرومان و مستضعفان و طبقات بظاهر پائین اجتماع در زندگی رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین علی(ع)، دنیا مشاهده کرد که با اینکه در اداء تکالیف و وظایف خود ذرّه ای کوتاهی ننموده اند، از این مسئولیت زمامداری بشدّت نگران بوده و می گریستند و نشان دادند که درنظام اسلام اگر زمامداری تکلیف و وظیفه نبود هیچ انگیزه ای صاحبان شرعی این مقام را به قبول آن بر نمی انگیخت. در اینجا در رابطه با زمامداری و مدیریتها در سطوح مختلف درسهای بسیار آموزنده در سیره پیغمبر و امیر المؤمنین علی(ع) داریم که متأسفانه بخاطر طولانی شدن کلام از بیان آنها معذوریم.

حاکم و رهبر و پیشوای کل نظام موعود جهانی مانند نظام

مدینه در عصر رسول اکرم(ص) و نظم کوفه در عصر امیر المؤمنین علی(ع) نائب خدا و خلیفه الله است که عادل و معصوم از گناه خطا و عمل به هوای نفسانی است؛ در پرهیزکاری و رعایت حق و عدالت، در تصمیمات و عزل و نصب و تصرف در بیت المال الگو و نمونه و آئینه تمام نمای قوانین عدل و قسط اسلام است، صفتی که بر حسب دلائل محکم عقلی و نقلی که از جمله علامه حلّی(ره) در الفین، یکهزار دلیل بر آن اقامه فرموده است؛ باید امام و خلیفه خدا و رهبر جامعه به آن متّصف و متحلّی باشد و در این امت برای احدی غیر از فاطمه زهرا(س) و ائمه اثنی عشر(ع) که امامت و خلافت آنها برحسب صدها حدیث معتبر منصوص است، قابل اثبات نیست. و از جمله آیاتی که به آنها بر لزوم صلاحیت علمی، عملی و اخلاقی رهبر آن نظام منصوص، که یگانه نظام مشروع است استناد شده است، این آیات است:

۱ « أَفَمَنْ يَهْدى اِلَى الحَقّ اَحَقُّ اَن يُتَّبَعَ اَمَّن لا يَهِدّى اِلّا اَن يُهدى» یونس/۳۵

[آیا کسی که راه می نماید(مردم را) بسوی حق، سزاوارتر است که از او پیرو ی کنند یا کسیکه خود راه نمی یابد مگر آنکه راهنمایش کنند.]

۲ «هَلْ يَسْتَوِى الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذينَ لا يَعْلَمُونَ»زمر/۲

[آیا یکسانند آنانکه می دانند و آنانکه نمی دانند.]

«وَ اِذِ ابتَلى اِبراهيمَ رَبُّهُ بكَلماتٍ فَاَتَمَّهُنَّ قالَ اِنّى جاعِلُك لِلنّاس اِماماً قالَ وَ مِن ذُرّيَّتى قال لا يَنالُ عَهدى الظّالمينَ». بقره/۱۲۴

[(بیاد آور) زمانیکه آزمود ابراهیم را پروردگارش به اموری چند پس او بانجام رسانید آنها را، خدا گفت البته من قرار دادم ترا برای مردم

پیشوا (در دین) ابراهیم گفت و از فرزندان من نیز (چنین فرما) خدا گفت نرسد عهد من (که امامت است) به ستمکاران.]

بـدیهی است مقام امام که اعظم مناصب و خلافت الله است بکسـی اعطاء می شود که از همه صالحتر و عالمتر و پاکتر باشـد و سوابق سوء و انحراف از حق در پرونده زندگیش ثبت نشده باشد.

در این، نظام در گزینش برای مقامات پایین نیز همین اصل صـلاحیت علمی و عملی و قدرت بر اداره و حسن تدبیر معیار است وبا وجود اصلح و الیق و اعلم، به صالح و لایق و عالم مقامی اعطاء نمی شود.

امتیازات نژادی و طبقه ای و صنفی و القاب و عناوین ظاهری در جامعه اسلامی که جامعه موعود جهانی و همگانی خواهد بود ملغی و بی اعتبـار است؛ در برابر قـانون همه بـا هم برابرنـد؛ عـالم بـا جاهـل، عـادل بـا فـاسق، والی و رئیس، و صاحب هر مقام سیاسـی با هر شـخص عادی و متعارف مساوی هسـتند؛ مثلاً حکم قتل عمد، قصاص و شبه عمد و خطا دیه است؛ قاتل هر کس که باشـد و مقتول هم هرکس باشـد و همچنین حکم خـدا در مورد سـارق با شـرایطی که در فقه بیان شـده، قطع دست است و حکم زانی رجم یـا جلـد است؛ سـارق و زانی هر کس و فرزنـد هر کس و صـاحب هر سـابقه و وابسـته به هر کس و هر فامیل باشد حکم هرگز، تفاوت نخواهد کرد.

این ویژگی آن جامعه بزرگ اسـلامی را در سیره شخص پیغمبر اکرم (ص) وامیر المؤمنین(ع) در جامعه اسلامی مدینه و کوفه ملاحظه کنید در این دو جامعه احکام اسلام نسبت به همگان

علی السواء اجرا می شد. همانطور که در نماز جماعت فقیر در کنار غنی، سیاه در کنار سفید و بنده در کنار مولی یا در صف مقدم قرار می گرفت، در اجراء احکام سیاسی و انتظامی نیز به همه علی السواء نگاه می شد و حتی به مجالست و معاشرت با فقراء بیشتر رغبت نشان می دادند و آن را عامل تربیت و توانمندی روح و موجب تقرب بخدا می دانستنند و به عکس مجالست با اغنیاء و توانگران و مرفهان را که نسبت به اسلام و مسلمین و اوضاع اجتماعی بی تفاوت بودند موجب دل مردگی و سقوط انسان می شمردند.

در جامعه جهانی اسلام تجمل گرایی و افراط در مصرف و خوش گذرانی و تکلف در پذیرایی ها و میهمانی ها و مراسم دیگر و لباس و پوشاک و مرکب و مسکن و ... مطرود است. اموری که درزمان ما عامل مهم دشواری زندگی و کمبود عوائد از هزینه و مخارج است که حتی در مراسمی که برای اموات برگزار می شود نیز رقابت در پذیرایی های کمرشکن رایج شده است، به طوری که مصیبت صاحب عزا دو چندان می شود! درحالی که هزارها جوان دختر و پسر بی همسر، به واسطه فقر از زندگی زناشویی و تشکیل خانواده محروم هستند و مفاسد اجتماعی گوناگون آن، سعادت همه جامعه و امنیت را تهدید می نماید، ملاحظه می شود که برخی مرفهان در مجللترین هتلها مبالغی که با آن می شود خانواده هایی را از فقر نجات داد صرف می نمایند، روشن است وقتی در جامعه این گونه امور افتخار و احترام آفرین باشد فسادهای بسیار گریبانگیر آن جامعه می شود.

امنیت و صلح واقعی و آرامش از ویژگیهای دولت آقا امام زمان(عج)

است، خوفها زایل می شود و جان و مال و آبروی اشخاص در ضمان امان قرار می گیرد و در سراسر جهان امن عمومی حاکم می شود و اختناق و استبداد و استکبار و استضعاف که همه از آثار حکومتهای غیر الهی است از جهان ریشه کن می گردد و حکومتهای طواغیت به هر شکل و هر عنوان برچیده می شود.

از اخبار و روایات استفاده می شود:

«که به واسطه حضرت ولی عصر (أرواحنا فداء) راهها آن قدر امن می شود که احدی حتی ضعیفترین مردم از مشرق به مغرب سفر می نماید، از احدی به او اذیت و آزار نمی رسد». (منتخب الاثر، ص ۳۰۸، ف ۲، ب ۴۳، ح ۲)

در دولت آن حضرت وضع اقتصاد عمومی بهبود کامل یافته نعمتها فراوان و آبها مهار و زمینها آباد و حاصلخیز و معادن ظاهر می شود تا جایی که فقیری که از بیت المال چیزی دریافت کند باقی نماند، و کسی برای دریافت کمک مالی به خزانه عمومی مراجعه ننماید و اگر اتفاقاً کسی مراجعه کرد به خود او می گویند هر اندازه نیاز دارد دریافت کند که او هم پس از دریافت وجه از گرفتن پشیمان می شود و در مقام رد آن به خزانه بر می آید ولی از او قبول نمی شود. (منتخب الاثر، ص ۴۷۳، ف ۷، ب ۴)

از ویژگیهای ممتاز دیگر آن جامعه جهانی این است که همگان در آن موحد و خدا را به یگانگی پرستش می نمایند و شریکی برای او قرار نمی دهند، او را بی شریک و بی نظیر و واحد و یگانه و یکتا می شناسند.

این یک امتیاز بزرگ و از ویژگیهای جامعه اسلامی است که در آن عصر عزیز همه افراد به

آن ممتاز و سرفراز می باشند، همه حق را می پرستند و در پرستش حق کسی و چیزی را شریک او نمی کنند توحید خالص و سره و پاک از هر شائبه شرک، حاکم می شود.

مشخصه دیگر که از بارزترین ویژگی های آن جامعه موعود و دولت کریمه محسوب میشود، گسترش جهانی قسط و عدل است که د ر بیش از یکصد خبر به آن تصریح شده است.

از جمله در بعض روایات به این لفظ:

«یَمْلَاءُها قسطاً و عدلاً کما مُلِئت جوراً و ظ...ǨęŘ>»

و به این لفظ:

«یملاء الله به الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً».

و در روایاتی به این لفظ رسیده است:

«بعد ما ملئت جوراً و ظلماً» و در بعض دیگر به تقدیم ظلم بر جور. این الفاظ مشهور و معروف است و علمای علم حدیث شیعه و سنی در احادیث بسیار روایت کرده اند و یکی از احادیث که مانند احادیثی که به آن اشاره شد مشهور نیست اما جالب و شایان توجه است، این عبارت Ə..."

«یملأ الله به الأرض نوراً بعد ظلمتها وعدلاً بعد جورها و علماً بعد جهلها». (کمالالدین ۱/۲۶۰، ب ۲۴، ح ۵)

[خدا زمین را به وسیله حضرت مه.....ع) پر از نور و روشنائی می کند بعد از تاریکی و ظلمت آن و پر از عدل می کند بعد از جور و ستم و پر از علم و دانایی می کند بعد از جهل و نادانی.]

البته روشن است که مقصود از تاریکی و ظلمتی که به آن در این حدیث اشاره شده است، تاریکی ظاهری که در اثر غروب آفتاب یا خاموشی های برق پیدا می شود نیست بلکه مقصود تاریکی هایی است که در آن روزگار در اثر دوری از

معارف حقه و نداشتن بینش صحیح و گم کردن راه ارتباط با خدا، جامعه به آن مبتلا می شود.

چنانکه مقصود از نور هم نور حسی نیست بلکه نور معرفت خدا و پیغمبر و امام و درک حقایق و نور عقل و فطرت و وجدان است.

و همچنین مراد ا ز جهل، جهل به علوم متعارفه و مبادی تمدن مادی و تکنولوژی نیست بلکه مراد همین جهلی است که امروز بر دنیای علم و صنعت مستولی شده و روز به روز رو به افزایش است.

و مراد از علوم، علوم حقیقه و دانایی ها و دانش هائی است که به انسان کمال می بخشد و او را از نظر به ظاهر این عالم به باطن آن می رساند و سبب خوف و خشیت از خداوند متعال می گردد.

مساوات اسلامی در زمان ظهور حضرت ولی امر(ع) چگونه خواهد بود؟

پرسش

مساوات اسلامی در زمان ظهور حضرت ولی امر(ع) چگونه خواهد بود؟

پاسخ

نظام امامت و مساوات اسلامی در زمان ظهور حضرت ولی عصر صاحب الزمان (ارواحنا فداه) و توسط آن حضرت در روی کره زمین و در بین تمام ملل و اقوام و نژادها و مرد و زن و کوچک و بزرگ استقرار مییابد و ظهور آن حضرت که ظهور مطلق و تمام عیار اسلام است ظهور مساوات جهانی اسلام نیز خواهد بود. عقیده به حکومت مهدی(ع) یعنی عقیده به مساوات و برابری انسانی و اسلامی که معتقد به مساوات باید آن را در ایام غیبت ایشان در هر سطحی که ممکن است اجرا کند؛ در خانواده در کوی و محله در شهر و مملکت در مطب دکتر در دکان نانوایی و گوشت فروشی و در مسجد و اداره در خرید و فروش در محل کار و پیشه همهجا و همهجا حتی در سلام و تواضع مساوات اسلامی و ترک تبعیض را باید اجرا نماید.

معتقد به ظهور مساوات اسلام و ظهور مجری واقعی آن حضرت مهدی از نابرابریها رنج میبرد و از تبعیضات متنفر است و با واگذاردن کارها به نا اهلان که یک تبعیض بسیار خطرناک است، تا میتواند مبارزه مینماید.

دامنه حکومت امام زمان(عج) تا کجا می باشد؟ آیا همه دنیا مسلمان می شود؟

پرسش

دامنه حکومت امام زمان(عج) تا کجا می باشد؟ آیا همه دنیا مسلمان می شود؟

پاسخ

در احادیث اسـتفاده می شود که وقتی مهدی موعود (عج) ظاهر شد و در جنگ پیروز گشت، و بر شرق و غرب جهان تسلط و سیطره یافت، تمام زمین به وسـیله یک حکومت جهانی اسـلامی اداره می شود. برای تمام بلاد و استان ها، استانداران لایقی را با برنامه کار و دستورات لازم گسیل می دارد و به واسطه کوشش و جدیّت آنان، تمام زمین آباد و معمور می گردد.

{P - رجالی، پیشین، ص ۲۲۴. P}

دانشمندان معتقدند که وضع کنونی جهان قابل دوام نیست و جهان بر سر دو راهی قرار گرفته:

۱ - تشکیل حکومت واحد جهانی

۲ - ادامه وضع فعلی و نابودی تدریجی

ظهور انـدیشه انترناسـیونالیسم و قوت گرفتن آن مبنی بر لزوم تشـکیل حکومت واحد جهانی، دلیلی روشن بر نیاز جهان کنونی به یک حکومت واحد است.

انیشتین می گویـد: »یـا بایـد حکومت جهـانی بـا کنترل بین المللی انرژی تشـکیل شود و یـا حکومت هـای ملی جـداگانه فعلی همچنان باقی بماند و منجر به انهدام بشر گردد.

برتراند راسل می گوید: چون هم اکنون خرابی جنگ بیش از قرون گذشته است، یا باید »حکومت واحد جهانی« را بپذیریم و یا بر عهد بربریّت برگردیم و به نابودی نژاد انسانی راضی شویم.«

{P - صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۷۱. P}

در حالی که ایجاد حکومت واحـد جهانی، بر بشـر کنونی که در اخلاق مادی فرو رفته و معنویات و احساسات پاک او، نسـبت به انسان ها فروکش کرده و به صورت یک آرزوی خام و... در آمـده است، احادیث اسـلامی، تشـکیل حکومت واحد جهانی اسلام را از ویژگی های قیام مهدی موعود (عج) می داند.

{P - رجالی،

{P .پیشین، ص ۲۲۳}

امام محمد باقر (ع) می فرماید: »آنگاه که امام قائم قیام کند، حکومت های باطل نابود می شوند.«

{P - صافی گلپایگانی، پیشین، ص ۴۸۲ .P}

س – آیا امام عصر به شهادت می رسند و آیا شهادت ایشان دلالت بر عدم اصلاح مردم نیست؟

پاسخ: روایات قطعی و متواتری درباره شهادت یا درگذشت امام زمان (عج) وجود ندارد. برخی روایات شهادت آن حضرت را تأیید می کنند از جمله:

امام حسین (ع) می فرماید: هیچ یک از ما امامان نیست جز آنکه مسموم یا شهید می شود. روایتی هم شهادت امام زمان (عج) توسط یک زن را بیان می کند. برخی روایات دیگر در گذشتن آن حضرت را تأیید می کند از جمله روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است که در تفسیر آیه »ثم رددنا لکم الکرّه علیهم« می فرماید: مقصود زنده شدن دوباره امام حسین (ع) و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان (عج) است در حالی که کلاهخودهای طلایی بر سر دارند، به مردم رجعت و زنده شدن دوباره حضرت امام حسین (ع) را اطلاع می دهند، تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند و این در حالی است که حضرت مهدی (عج) در میان مردم است.

هنگامی که همه مؤمنان امام حسین (ع) را شناخته و تأیید کردند که او حسین (ع) است، مرگ حضرت مهدی (عج) فرا خواهد رسید و دیده از جهان فرو می بندد. آن گاه امام حسین (ع) وی را غسل و کفن و حنوط می کند و به خاک می سپارد که هرگز امام را جز امام غسل نمی دهد.

{P - صافی گلپایگانی، پیشین، ص ۴۸۲ .P}

بنابر پاره ای از روایات حضرت ولی عصر (عج) هم بعد از رحلت

یـا شـهادت رجعت می کننـد و آن چه در روایـات آمـده است که قیام قیامت ۴۰ روز بعد از رحلت حضـرت ولی عصـر (عج) است مربوط به رحلت آن حضرت در رجعت است.

{P - محمد خادمی شیرازی، رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی (ع)، ج ۲، (قم: ناشر، ۱۴۱۱ ق) ص ۱۹۲. P}

در صورت صـحت شـهادت آن حضرت این امر نشان می دهد که حکومت جهانی آن حضرت هم هنوز افراد اصلاح نشده ای هستند که گرچه دستشان از حکومت کوتاه است اما از توطئه دست برنداشته اند.

امام زمان(در کجا حکومت می کنند؟ و چند سال حکومت می کنند؟ آیا زمان فرا رسیدن قیامت رابطه ای با ظهور امام زمان(دارد؟

پرسش

امـام زمـان(در کجـا حکومت می کننـد؟ و چنـد سـال حکومت می کننـد؟ آیـا زمان فرا رسـیدن قیامت رابطه ای با ظهور امام زمان(دارد؟

پاسخ

در خصوص سؤالی که فرمودید نکات زیر قابل توجه به نظر می رسد :

۱.در مورد مکان حکومت امام زمان(، اگر منظورتان حدود ملك و سـلطنت آن حضـرت می باشد، باید عرض کرد که حدود ملك و سـلطنت او، همه روی زمین است، از مشـرق تا مغرب و روایات در این مورد بسـیار است، مثل این روایت که حضـرت امام زین العابدین(از پیغمبر اکرم (نقل می فرمایند که ایشان فرمودند : "جانشـینان بعد از من دوازده نفرند، اول ایشان توئی یا علی(و آخر ایشان قائم(است، آنکه خداوند برای او مشارق و مغارب زمین را فتح می کند." (۱)

و اگر منظورتـان از مکـان حکومت آن بزرگوار، دارالملـك و پـایتخت آن حضـرت است، عرض می شود که همانطور که در روایات آمده، دارالملك و پایتخت و حتی مسکن او و مساکن اصحاب او در کوفه می باشد.(۲)

۲. در مورد مدّت حکومت آن حضـرت(باید عرض کرد که روایات بسیار مختلف و متفاوتی در این مورد آمده که نمی توان آنها را با هم جمع کرد و علّت اختلاف روایات هم، روایات اهل سـنت می باشد(اخبار عامه)، که به خاطر اغراضـی بوده اسـت کـه یکی از آن اغراض صــرف مخـالفت بـوده (اغراض دیگر را می توانیـد در کتـاب مهـدی منتظر(، ص۲۳۶ به بعـد مشاهده بفرمایید.)

البته آنچه که از همه بهتر است و بعضـی از علمـاء شـیعی آنرا تأییـد می فرماینـد و قرائن و شواهـدی نیز در روایـات اهـل بیت(دارد، این

است که مدّت حکومت آن بزرگوار(همانند غیبت ایشان در اختیار خداوند است، و جز با اراده و مشیّت خداوند پایان نمی پذیرد و مدّت آن را جز خدای تبارک و تعالی نمی داند، همانطور که در حدیث مفضل حضرت صادق(فرمود : به اراده و مشیت خداست نمی داند کسی جز او.(۳)

۳. در مورد قسمت سوم سؤال شما عرض می شود که بله، چنین رابطه ای می باشد، بعد از ظهور حضرت مهدی(رجعت خواهد بود و بعد قیامت اولین کسی که رجعت می نمایند حضرت حسین بن علی(خواهند بود در این موارد اخبار و روایات زیادی می باشد، ولی به جهت طولانی نشدن ذکر نمی شود.(در صورت علاقه شما به آن روایات، شما را به بعضی کتب ارجاع می دهیم)(۴)

خداوند متعال همه ما را از منتظرین واقعی و مخلص حضرتش قرار بدهد، انشاءا...

منابع و مآخذ :

۱. همان، کتاب مهدی منتظر(، نوشته محمد جواد خراسانی "ره"،ص۲۲۳

۲. ص۲۵۹

۳. همان، ص۲۳۲و۲۳۳ ، و همچنین کتاب ظهور حضرت مهدی(از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، نوشته : سیداسدا...هاشمی شهیدی،ص۴۵۲

۴. کتاب مجموعه زندگانی چهارده معصوم(، نوشته حسین عمادزاده، ص۶۵۷، و همچنین کتاب ظهور مهدی(از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص۴۵۱، که از کتاب بحارالانوار، ج۵۲،ص۳۱۲ و کتاب علل الشرایع، ج۱،ص۷، ط بیروت، نقل فرموده اند.

آقا چند سال بعد از ظهور زنده است ؟

اشاره

چند سال بعد از به شهادت رسیدن امام زمان (عج) قیامت می شود؟

پرسش

آقا چند سال بعد از ظهور زنده است ؟

چند سال بعد از به شهادت رسیدن امام زمان (عج) قیامت می شود؟

پاسخ

درباره مدت زمان حکومت امام زمان (عج) روایاتی در کتاب های معتبر فقهی آمده است که گویا با یکدیگر اختلاف دارند . شیخ مفید در ارشاد می نویسد: اخبار و روایات بسیاری در بیان مدت حکومت امام زمان (عج) و روزگار آن حضرت وارد شده است ازجمله روایت عبد الکریم خثعمی است که از حضرت صادق علیه السلام می پرسد: قائم آل محمد صلی الله علیه وآله چند سال حکومت میکند؟ ایشان می فرمایند: هفت سال و هر سال آن به اندازه ی ده سال از سال های شماست . بنابراین ، هفتاد سال حکومت می کند و زمانی که ظهور او فرا رسد، درماه جمادی الاخر وده روز از ماه رجب چنان بارانی می بارد که هیچ کس مانند آن را ندیده باشد . خدای متعال به برکت آن باران ، گوشت های مومنان و بدن های آنان را در قبرستان می رویاند. گویا می بینیم که به یاری قائم ماروی می آورند.۱ آیت الله صافی به نقل از منن الرحمن (ج۲، ص۴۲) می نویسد :امام زمان (عج) چهل سال بین مشرق و مغرب حکومت میکند، خوشا به حال کسی که آن روزها را درک کند و کلامش را بشنود.۲ ایشان از کتاب البیان به نقل از هیثم بن عبد الرحمن می نویسد : حضرت علی علیه السلام فرمود: مهدی(چهل سال بر مردم حکومت می کند . هم چنین در منتخب کنزالعمال از علی (نقل است که فرمود :" تلی

المهدی (عج) امر الناس ثلاثین سنه اواربعین "۳

نویسنده ی اعیان الشیعه از ابی سعید خدری نقل کرده است که مدت حکومت آن حضرت هفت یا ده سال خواهد بود ولی معلوم نیست که دقیقا چند سال است . دراسعاف الراغبین آمده است :

سال ظهور امام زمان (وتر است یعنی سالی که عدد فردداشته باشد نه زوج ، او پس از استقرار ده سال ، امارت می کند وده سال خلافت (بدون حکومت) وچهل سال سلطنت میکند و برخی ۲۱ سال وبعضی ۱۴ سال نوشته اند . ابن حجر درباره ی اختلاف روایات می گوید: منظور از هفت سال ، نهایت ظهور و استقرار حکومت وچهل سال مدت کشور داری و خلافت اوست ومراد از بیست سال وامثال علامه مجلسی می نویسد: اصبغ از حضرت علی (پرسید: پس از پایان غیبت او چه میشود؟ حضرت فرمود: " ثم یفعل الله ما یشاء ..." این سخن دلالت دارد بر این که مساله ی حکومت امام زمان (نیز از نظر مدت قابل بداء وتردید است . این قول را میتوان قوی تلقی کرد.۵

در برخی روایات از جمله روایت مفضل بن عمر گفته شده است که مدت حکومت حضرت مهدی (را کسی جز خدا نمی داند.۶ حضرت علی (درپاسخ به چنین پرسشی فرمود : این به خود او واگذار شده است پیامبر (با من عهد کرده است که آن حوادث (پس از ظهور را) به کسی جز حسن و حسین (نگویم.۷براساس آن چه در روایات دیده می شود مدت حکومت امام زمان (عج) از هفت سال تا ۴۰۰ سال است

در بیشتر روایـات ، اربعین (۴۰سـال) آمـده است وهر سال برابر ده سال محاسـبه می شود. از روایات و نظریه های دانشـمندان اسـلامی ، گفته هـای گونـاگونی به دست می آیـد ولی بااعتمـاد به روایاتی هم چون روایت مفضل وآنچه دربحارالانوارآمـده است قـول قـوی این است که مـدت حکـومت آن حضـرت را به خـود او ومشـیت خداوندواگـذار کنیم ، زیرا ائمه (نیز از علم خداوند استفاده کرده اند.۸

جواب سوال دوم :

دوست عزیز اعتقاد ماشـیعیان براین است که هیـچ گاه زمین بـدون حجت و بدون انسان کامل نخواهد بود و پس از وفات امام زمان (رجعت حاصل میشود یعنی سایر ائمه (یکی پس از دیگری یا چنـد تا چند تا به این دنیا باز می گردند و وظایف امامت راعهده دار می شوند.۹ پس آنچه ازنظر شـیعه قطعی است ، اصل رجعت می باشد که دست کم ، بعضـی از ائمه (بر میگردند اما اینکه همه ائمه باز می گردنـد، یا نه ،کـدام یک اول باز می گردنـد وکدام یک دوم ،هر یک چقدرعمر میکنند ،چگونه از دنیا میرونـد ومسایلی مانند آن هیچ کدام یقینی نیست .ما اینها را به عنوان اعتقادات یقینی به حساب نمی آوریم آنچه به عنوان اعتقاد شـیعه معروف است واهل تسـنن هم میداننـد، این است که در آخر الزمان بعضـی از کسانی که از دنیا رفته انـد ، ازجمله بعضی از ائمه (به دنیا باز خواهند گشت. ۱۰ در بعضـی از اخبار رجعت نیز آمده است :" عمر عالم صد هزار سال است هشتاد هزار سال از آن حکومت آل محمد(و بیست هزار سال

حکومت دیگران است" تا اینکه در آخر می فرمایـد :" چهل روز مانـده به انقراض عالم ، زمین از حجت خداخالی می گردد، وهرج ومرج عالم را فرا می گیرد و بعد از چهل روز در صور دمیده شده و قیامت برپا می گردد."۱۱

در روایت دیگری نیز اشاره به این مطلب شده است :"جابربن یزید جعفی گوید: ازامام باقر(شنیدم که می فرمود: به خدا سوگند! مردی از ما اهل بیت بعد از مرگش بیش از سیصد ونه سال سلطنت می کند. عرض کردم : این کی خواهد بود ؟ فرمود : بعد از مرگ قائم (است . عرض کردم : قائم (در عالم خود چقدر می ماند؟ فرمود: نوزده سال ، آنگاه امام منتصر برای خونخواهی امام حسین (و یارانش قیام میکند. وی بی دینان را به قتل رسانده و به اسارت می برد، تا این که سفاح قیام میکند ."۱۲ دوست عزیز و گرامی ؛ آنچه مهم تر ازهمه این مطالب است ، این است که چه بکنیم که ظهور آن حضرت را درک کنیم وچگونه رفتار کنیم تا درلحظه ظهور مثل خیلی از انسانها منکر آن حضرت نشویم بلکه در رکاب آن حضرت وازسربازان او باشیم .انسان میتواند با کنترل در اعمال ، رفتار و گفتار خود به جایی برسد که تمام این سؤالات را از خود حضرت بپرسد. پس آنچه وظیفه ماست و باید ذهن و فکرما را به خود مشغول کند این است که چگونه اعمالمان مورد رضایت آن حضرت قرار بگیرد . امیدوارم خداوند متعال چنین توفیقی را به ما و شماو همه دوستداران ومنتظران امام زمان

عجل ا... تعالی فرجه شریف عنایت کند.

مآخذ :

۱. ارشاد، شیخ مفید، ص ۷۰۲

۲. منتخب الاثر، لطف ا... صافی، ص ۶۱۷ ، ۶۱۸

۳. همان ، ص ۶۱۷

۴. همان ، ص ۶۱۸

۵. بحار الانوار، علامه مجلسی ، ج۵، ص ۱۳۵

۶. دارالسلام، شیخ عراقی ، ص ۳۷۴

۷. میزان الحکمه ، محمد ری شهری ، ج ا ، ص ۲۹۵

۸. برای آگاهی بیشتر : دادگستر جهان ، آیت ا... امینی

۹. تقویت مبانی دینی ، ج ۳ ، ص۵۲ و...

۱۰. تقویت مبانی دینی ، ج ۳ ، ص ۱۰۱

۱۱. بحارالانوار ج ۵۳ ، ص ۱۴۵ ، روایت ع و ج ۵۱، ص۳۴۸

۱۲. بحارالانوار ج ۵۳ ، ص ۱۴۵ حدیث ۳

آیا به محض ظهور امام زمان (عج) دنیا یکمرتبه متحول می شود یا از یک طرف جهان شروع می شود و به مرور زمان دنیا را متحول می کند؟

پرسش

آیا به محض ظهور امام زمان (عج) دنیا یکمرتبه متحول می شود یا از یک طرف جهان شروع می شود و به مرور زمان دنیا را متحول می کند؟

پاسخ

برای پاسخ به پرسش فوق باید به دو پرسش پاسخ دهیم.

۱ آیا تحول جامعه بشری پس از ظهور امام زمان (عج) دفعی و ناگهانی است یا تحول تدریجی بوده و به آرامی رخ می دهد و فراگیر می شود؟

یکی از آفات اعتقاد به ظهور موعود در میان شیعیان این است که ما از امام زمان (عج) و بطور کلی از انبیاء و ائمه معصوم (ع) شخصیت های اسطوره ایی و افسانه ایی بسازیم درحالیکه آنان هم مانند ما انسان هستند اما به افاضه الهی و جهد تمام خود، به مقام عصمت، نبوت و رسالت، ولایت و امامت دست یافته اند. بنابراین دعوت ها و نهضت های آنان پس از آغاز، تحت عنایات و الطاف و هدایت الهی، همراه با کوشش های بی نظیر آنان و پیروانشان، در بطن ظلم، فساد و فتنه، فراگیر شده و امواج انسانی را به خود جلب می نماید.

۲ تحول جامعه بشری پس از ظهور امام زمان (عج) از مکان و در زمانی خاص شروع می شود و سپس فراگیر می شود یا اینکه تحول بر روی زمین در مکانهای مختلف ظهور و به آرامی همه آحاد انسانی را در بر می گیرد؟

با توجه به روایات ائمه معصوم، حضرت مهدی (عج) در مکه معظمه، در کنار کعبه و حجر الاسود ظهور خواهند کرد. و صدای تکبیر (الله اکبر) آن حضرت، از آن نقطه بلافاصله به گوش همه جهانیان خواهد رسید.

نکته قابل توجه

در این روایت این است که نحوه ابلاغ و انتشار دعوت حضرت که از آن تعبیر به صدای تکبیر شده است، مشخص نیست. شاید علت این باشد که زمان ظهور حضرت وسایل ارتباط جمعی در سیر تحول و تکامل به جایی خواهند رسید که دعوت ایشان به آسانی و به سریعترین شکل ممکن به گوش جهانیان خواهد رسید.

آیا امام عصرغ، فرصت پیاده کردن تمام احکام نورانی قرآن را خواهد داشت یا خیر؟

پرسش

آیا امام عصرغ، فرصت پیاده کردن تمام احکام نورانی قرآن را خواهد داشت یا خیر؟

پاسخ

برادر گرامی! شرایط اعلام و اجرای برخی از احکام الهی، در زمان ظهور حضرت مهدیغ فراهم میشود و تحریفها و دگرگونیهایی که پدید آمده، به دست مبارک آن حضرت، تصحیح و تعدیل میشود. در روایتی آمده است: لا یترک بدعه الا ازالها و لا سنه الا احیاها; بدعتی را بر جای نمیگذارد و سنتی نمیماند، مگر آن که آن را احیا میکند."(حکومت مهدی، نجم الدین طبسی، ص ۱۵۰، به نقل از القول المختصر، ص ۲۰.)

از طرف دیگر، برخی از احکام شرعی، در شرایطی خاص و اضطراری و برای تقیه و عدم امکان اجرا، به صورت تعطیل در آمده، که در زمان حضرت مهدیغ، دیگر تقیه از بین رفته و همه احکام اجرا خواهد شد. امام صادقمیفرماید: هنگامی که قائم ما قیام کند، تقیه از بین میرود و حضرت شمشیر را از نیام میکشد.(اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۶۴.)

همچنین فرمود: هنگامی که حضرت قائم، ظهور کند، مردم را از نو به اسلام دعوت میکند، در حالی که اسلام، کهنه و نابود شده است.(بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.)

نکته دیگری که قابل توجه است، آن که در زمان ظهور حضرت، طبق روایات، عقل جامعه بشری به کمال میرسد; مردم از ظلم و ستم خسته میشوند و به عدالت روی میآورند، علم، به پیشرفت نهایی خود میرسد تا آن جا که حتی زنان، توان استنباط احکام فقهی را پیدا میکنند; از این رو فهم و درک عمومی، خواست و اراده همه انسانها، مبنی بر پذیرش عدالت کامل از سوی آن حضرت، این امکان

را برای تسریع اجرای احکام نورانی قرآن، مهیا مینماید، لذا هم از لحاظ فهم احکام دین و هم از لحاظ برطرف شدن تقیه، حضرت، فرصت بسیار مناسبی را برای پیاده کردن احکام نورانی قرآن پیدا خواهد نمود و از لحاظ زمانی هم فرصت کافی در اختیار دارد که این مهم را به انجام برساند.

روایاتی که به مدّت حکومت حضرت اشاره کرده، متفاوتند، اما مسلّم است که حضرت، توفیق پیاده کردن اسلام و قرآن را پیدا میکند و این، وعدهای است که روایات ما به شیعیان دادهاند که حضرت، زمانی که ظهور نماید، تمام احکام قرآن را مو به مو اجرا میکند و هیچ حکم معطل، باقی نمیگذارد.

برای مطالعه بیشتر میتوانید به کتاب حکومت مهدی، نوشته آقای طبسی مراجعه نمایید.

با ذکر منبع ویژگی های حکومت مهدوی را بیان کنید.

پرسش

با ذکر منبع ویژگی های حکومت مهدوی را بیان کنید.

پاسخ

آیات و روایات در مورد ویژگی های حکومت حضرت مهدی(ع) روشنگر و نویدبخش است و دلالت می کند بر مأموریت بزرگ آن حضرت(ع) که تغییر و تحول بنیادین در زندگی بشریت به وجود خواهد آورده در تمام سطوح زندگی پیشرفت و سیر نهایی خودشخواهد رسید، به مواردی از این ویژگی ها اشاره می کنیم.

۱- پاک سازی زمین از وجود ستم و ستمکاران؛ زمین و زمینیان که با ظلم و ستم ستمگران و آه و ناله مظلومان خو گرفته است و زندگی انسانی که بر اساس قانون نزاع حق و باطل جریان دارد برای اولین بار ستم و ستمگری از قاموس بشری برچیده شده و این نزاع بهنفع حق رقم خواهد خورد.

۲- دگرگونی زندگی مادی و ایجاد رفاه (استخراج گنج های زمین و تقسیم آن بین مردم). در روایتی از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «در امت من مهدی قیام کند... و در زمان او به چنان نعمت و برخورداری و رفاه دست یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند و این رفاهشامل تمامی انسان ها خواهد بود چه نیکوکار و چه بدکار آسمان مکرر بر آنان ببارد و زمین چیزی از روییدنی های خود را پنهان نسازد»، (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۸).

خلاصه این که در زمان ظهور امام عصر(عج) تمامی سطح زمین را از سرسبزی و نشاط و طراوت بپوشاند. گنج ها و معادن زمین همگی مورد استخراج قرار گیرند و...، (بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴).

۳- دگرگونی علوم طبیعی و وسائل زندگی؛ در روایات مربوط به حضرت مهدی(عج) آمده است در زمان حکومت آن حضرت علوم در تمام ابعاد خود پیشرفت خواهد کرد. در روایتی

از امام صادق(ع) وارد شـده است که: «دانش بیست و هفت حرف (شاخه و برگ)است و مجموع آنچه پیامبران آورده انـد دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی داننـد و چون قائم قیام کنـد بیست و پنج حرف بقیه را برون آورده و در میان مردم منتشر سازد و بدین سان مجموع بیست و هفت جزء دانش را نشر می دهد، (بحارالانوار،ج ۵۲، ص ۳۳۶).

بنـابراین جـامعه انسـاین در عصـر حکومت مهـدی(عـج)، همـان طوری که در تمام ساختارهای زنـدگی اجتماعی واقتصادی و علمی پیشـرفت کرده و بـه تکامـل می رسـد هم چنین از نظر فرهنگی نیز جـامعه ای خواهـد بـود که لـبریز از عشـق و محبت و دوستی است و اختلاف وکشمکش میان آنها وجود نخواهد داشت.

برای آگاهی بیشتر ر.ك:

۱- علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی

۲- چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان دفتر تبلیغات اسلامی قم

۳- امامت و مهدویت، آیت الله صافی گلپایگانی {J

مدت حکومت امام زمان چقدر خواهد بود؟

پرسش

مدت حکومت امام زمان چقدر خواهد بود؟

پاسخ

برخی مقدمات، برای پاسخ به این پرسش ضروری است.

۱. مراد از زمـان حکومت امـام زمان (عـج مـدتی است که ایشان رهبریِ حکومتِ سراسـریِ عـدل را عهـده دار می باشـد. پس ابتدای ظهور تا استقرار حکومت جهانی خارج از این زمان است.

۲. مـدّت بقاء نظام مهـدوی و حکومتی که امام مهـدی (عـج) می گستراننـد و پایه گـذاری می کننـد، مدّتِ پس از وفات امام مهدی (عج) را نیز شامل می شود. به بیان دیگر، گاهی چنین پرسـیده می شود که «آیا حکومتِ مهدوی پس از وفات ایشان تا قیـامت بـاقی می مانـد یـا بـا وفـات ایشان قیامت برپا می شود؟» و «اگر جهان پس از وفات ایشان باقی است آیا آن حکومت تا قیامت باقی می ماند یا حکومت منحرف و ظالم جایگزین آن می شود؟»

پرسـشِ فوق در خصوص مقـدمه اول است. بایـد دانست بی شك امام مهـدی (عج) به قدری در رأس حکومت باقی می مانند

که حکومت سراسری، شایان بقا و ادامه باشد تا هدف خلقت خدا و آرزوی بزرگ بشر محقق شود. این قابلیت بقا قاعدتا شامل رشد و تکامل انسانها تأسیس نهادهای مختلف حکومتی مانند قضایی، قانونی، تربیتی، اجتماعی و اقتصادی می باشد.

پس عدالتِ فراگیر مفهومی است که نیاز به تلاشها و تمهید مقدمات فراوانی دارد که حضرت مهدی (عج) در زمان استقرار حکومت به آنها خواهند پرداخت. این مسائل را از کلیاتِ آیه های قرآنی و قواعد عامه شریعت می توان دریافت.

امّا در خصوص اینکه مقدارِ آن به لحاظ تحدید به زمانِ معینی چه مقدار است، باید به روایتها و نصوص دینی مراجعه کرد. روایتها در این باره زیادند و گاهی مؤلفان و مهدی پژوهان را

به حیرت واداشته است. همان گونه که مورد دقت و پرسشِ پرسشگر محترم نیز واقع شده است. بطور کلی روایتهای مذکور را در یک تقسیم بندی می توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول روایتهایی که دلالت بر بقای امام مهدی (عج) در حکومت، در زمان ده سال یا کمتر دارند. دسته دوم: روایتهایی دلالت بر بقای امام عصر(عج) بر حکومت، در زمان بیش از ده سال دارند.

روایت های دسته اول و دوم در مصادر عامه و خاصه آمده است؛(۱) ولی روایات دسته اول، در مقایسه با دسته دوم از فراوانی بیشتری برخوردار است.

از میان این دو دسته، دسته اول برتری دارد. به چند دلیل. دلیل اول: اخبار دسته دوم که عامه نقل کرده اند، از غیر معصومان ذکر شده است. مثلاً سیوطی در کتاب الحاوی للفتاوی(۲) روایات ۴۰ سال، ۳۰ سال و ۱۴ سال را نقل کرده که راویان آنها افرادی مانند زهری و دینار بن دینار هستند که قابل اثبات تاریخی نیست.

دلیل دوم: برخی روایات دسته دوم، مدت طولانی و بی حدّی را بیان می کند(۳) که حمل بر مدت بقاء دولت امام مهدی(عج) پس از وفات ایشان می شود نه مدت حکومت شخصِ ایشان.

دلیل سوم: روایت های دسته اول شهرت دارند.

پس به طور کلی روایت های دسته اول، یعنی مدت حکومت کمتر از ۱۰ سال پذیرفته می شود. درباره تغییرات زمانی دوران ظهور حضرت (عج)، در برخی روایت ها اشاره هایی شده است که از آنها برداشت می شود که مدت زمان در آن دوره با توجه به بوجود آمدن تغییراتی در شرایط زمین و حرکت آن، طولانی تر خواهد شد. یعنی ظرف حوادثی که در آن دوره رخ می دهد به گونه ای است که اگر در

ظرف حوادث شرایط عادی دنیا (پیش از ظهور) اتفاق افتد، مقدار حرکت و زمان آن طولانی تر خواهد بود. ابوبصیر از امام باقر (ع) در روایت طولانی چنین نقل می کند: «هنگامی که قائم به پا خیزد به کوفه برود و... پس مدت هفت سال بر آن اقامت می کند، ۷ سالی که هر سال آن برابر با ۱۰ سال از سالهای شماست. سپس خدا هر چه بخواهد انجام می دهد». (۴) همچنین عبدالکریم خثعمی می گوید از امام باقر (ع) درباره مدت حکومت قائم (ع) پرسیدم. فرمود: «او ۷ سال حکومت می کند، روزها وشبها طولانی می شود تا آنجا که یک سال از سالهای او به مقدار ۱۰ سال از سالهای شما می گردد. پس سالهای حکومتش ۷۰ سال از سالهایی است که شما می شمارید».(۵)

پی نوشتها:

۱. روایات دسته اول از مصادر عام: مانند این روایت که ام سلمه از رسول اکرم (ص) نقل می کند: « پس در حکومت ۷ سال باقی می ماند»، ... ابوداود می گوید: برخی از راویان از هشام این زمان را ۹ سال ذکر می کنند.

(حافظ ابی داود سلیمان بن اشعث بن اسحاق الازدی الجستانی, سنن ابی داود، مصر، طبعه الاولی، ۱۳۷۱ ق، ج ۲، ص ۴۲۳).

روایات دسته اول از مصادر خاصّه: مانند این روایت که عبدالکریم خثعمی می گوید از امام صادق (ع) پرسیدم قائم چه مقدار حکومت می کند؟ فرمود: «۷ سال از سالیانِ شما». (شیخ طوسی، الغیبه، نجف، طبعه الثانیه، ۱۳۸۵ ق، ص ۵۲۰).

روایتهای دسته دوم از مصادر عامه: مانند این روایت که حذیفه بن یمان از رسول الله (ص) نقل کرد: «مهدی مردی از فرزندان من است.... ۲۰ سال حکومت می کند».

(حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع المودّه، نجف،

طبعه السابعه، حیدریه، ۱۳۸۴ ق، ص ۵۲۰).

روایتهای دسته دوم از مصادر خاصه: ماننـد این روایت از جابر جعفر که از امام باقر (ع) می پرسـد: قائم چه مقـدار در عالمش حکومت می کند؟ فرمود: «۹۰ سال».

(شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۶).

۲. شـیخ جلال الـدین محمـد سـیوطی، الحاوی للفتاوی، (تحقیق و تعلیقه محمـد محی الـدین عبدالمجیـد)، مصـر، طبعه الثالثه، السعاده، ۱۹۵۹ م، ص ۱۵۵ به بعد.

۳. ماننـد این روایت از عبدالسـلام بن صالـح هروی از امام رضا (ع) از پـدرانش از امیرمؤمنان (ع) از رسول خـدا (ص) که می فرمایـد: «حکومتش دوام خواهـد داشت تـا روز و شب دوام دارد تـا روز قیـامت». (سـید محمـد صـدر، تاریـخ مـا بعـد الظهور، بیروت، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۱۲، ص ۴۳۶، به نقل از شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه).

۴. شـیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه حاج سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، ج۲، ص ۳۵۹، ح ۸.

۵. علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

بعد از ظهور امام زمان(ع) عالم به چه شکلی خواهد بود و ما کجا قرار خواهیم داشت و بعد از آن چه می شود و تا کی این زمین باقی است؟ بعد از ظهور آن امام اسلام چگونه است و در کجا زندگی می کنیم؟

پرسش

بعـد از ظهور امام زمان(ع) عالم به چه شـکلی خواهـد بود و ما کجا قرار خواهیم داشت و بعـد از آن چه می شود و تا کی این زمین باقی است؟ بعد از ظهور آن امام اسلام چگونه است و در کجا زندگی می کنیم؟

پاسخ

در حکـومت حضـرت مهـدی(عـج) فروپاشـی و سـقوط نظـام جایگـاهی نـدارد و حکـومت عـدل جهـانی به رهـبری حضـرت مهدی(عج) امام حسین(ع) و دیگر صالحان آستان الهی به قیام قیامت متصل خواهد شد و مهمترین حادثه هایی که اتفاق می افتـد علاوه بر اسـتقرار حکومت عـدل الهی، رجعت پیامبران، امامان معصوم و تعدادی از مؤمنان و انتقام گیری از سـران کفر و شرك است و چون مدت حکومت شخص مهدی (عج) و دیگر جانشینان او به طور دقیق روشن نیست، نمی توان فاصله زمانی دقیقی بین ظهور و حکومت حضـرت و صـحنه قیامت را معین کرد. مثلا درباره مدت حکومت آن جان جانان رقم های زیر در روایات بیان شده است:

۱- برخی روایات مدت حکومت کردن حضرت را ۷ سال بیان کرده اند (سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۵۲).

۲- برخی ۹ سال (جهان بعد از ظهور، محمد خادمی، ص ۱۷۳).

۳- برخی ۱۴ سال (فتن، ابن حماد، ص ۱۰۴، ت ۲۲۸ ه.ق، خطی، کتابخانه المتحف، انگستان).

۴- برخی ۱۹ سال (جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت، محمد خادمی شیرازی، چاپ صدر تابستان ۷۰،ص ۱۷۳ به نقل از عقد الدرر، ص ۲۳۹).

۵- برخی ۲۰ سال (جهان بعد از ظهور، محمد خادمی، ص ۱۶۳ - ۱۷۰).

۶- برخی ۳۰ سال (همان).

۷- برخی ۴۰ سال (فتن، ابن حماد، ص ۹۹).

۸- برخی ۷۰ سال (جهان بعد

از ظهور، محمد خادمی).

۹- برخی ۱۴۰ سال (همان).

۱۰- برخی ۳۰۹ سال (غیبت، شیخ طوسی، ص ۲۸۳).

۱۱- حکومت حضرت مهدی(عج) جاوید است و مدت آن جز خدای تبارک و تعالی نمی داند (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۴).

گفتنی است برای جمع کردن دلالت این روایات توجیهاتی ذکر کرده اند که به طور خلاصه به آنها اشاره می کنیم:

۱. ممکن است آغاز شکل گرفتن و پیاده شدن حکومت آن حضرت پنج سال یا هفت سال و دوران تکاملش چهل سال و دوران نهاییش بیش از سیصد سال باشد (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰).

۲. مرحوم مجلسی می فرمایند: روایاتی را که درباره مدت حکومت امام(ع) بیان شده است برخی بر تمام مدت حکومت دلالت دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی بر طبق سال ها و روزهایی است که ما با آن اشناییم و بعضی احادیث دیگر بر طبق سال ها و ماه های روزگار حضرت است که طولانی می باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است (سیمای آفتاب، دکتر حبیب الله طاهری، انتشارات زائر، ص ۳۷۰ - ۳۶۹ به نقل از مهدی انقلابی بزرگ، ص ۳۱۴).

۳. شاید پیامبر(ص) و ائمه(ع) عنایتی داشته اند که مدت دقیق حکومت را مشخص نکرده اند زیرا اگر به طور صریح و دقیق می فرمودند: «شش سال حکومت می کند جای این بود که مثلا فرقه ضاله بهایی آن را با ادعای سید علی محمد باب تطبیق کنند و غوغایی به راه بیندازند» (مهدی موعود، پاورقی، ص ۱۲۴۱).

درباره شکل حکومت امام زمان(عج)، طریق انتخاب نمایندگان و یاران و نقش مردم در آن، روایات واضح و روشنی در دست نیست

آنچه به صورت اجمال گفته شده است این است که:

۱ آن حضرت یارانی از گذشتگان دارد که در طول تاریخ لیاقت حضور در رکاب آن حضرت را یافته اند و رجعت می کنند. این گروه از یاران قطعا به انتخاب مردم تعیین نمی شوند.

۲ نوع حکومت امام زمان(عج) قطعا به صواب دید خود آن حضرت می باشد و قوانین و مقررات ثابت آن که همان احکام اسلام ناب است از سوی خداوند تشریع شده است. اما درباره ساختار و نحوه اجرایی آن اطلاع کافی در دست نیست که به چه صورتی خواهد بود. و به اجمال معلوم است که بهترین شیوه ها که تأمین کننده اهداف و بر اساس عدالت و حکمت و خیر بشریت است تشریع خواهد شد.

آیات و روایات در مورد ویژگی های حکومت حضرت مهدی(عج) روشنگر و نویدبخش است و دلالت می کند بر مأموریت بزرگ آن حضرت(ع) که تغییر و تحول بنیادین در زندگی بشریت به وجود خواهد آورد تمام سطوح زندگی به پیشرفت و سیر نهایی خودش خواهد رسید, اکنون به مواردی از این ویژگی ها اشاره می کنیم . ۱- پاک سازی زمین از وجود ستم و ستمکاران ; زمین و زمینیان که با ظلم و ستم ستمگران و آه و ناله مظلومان خو گرفته است و زندگی انسانی که بر اساس قانون نزاع حق و باطل جریان دارد برای اولین بار ستم و ستمگری از قاموس بشری برچیده شده و این نزاع به نفع حق رقم خواهد خورد. ۲- دگرگونی زندگی مادی و ایجاد رفاه (استخراج گنج های زمین و تقسیم آن بین مردم). در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده

است : ((در امت من مهـدی قیام کنـد... و در زمان او به چنان نعمت و برخورداری و رفاه دست یابند که در هیچ زمانی دسـت نیافته باشـند و این رفاه شامل تمامی انسان ها خواهد بود چه نیکوکار و چه بدکار آسـمان مکرر بر آنان ببارد و زمین چیزی از روییـدنی هـای خود را پنهـان نسازد)), (بحارالانوار, ج ۵۱, ص ۷۸). خلاـصه این که در زمـان ظهور امام عصـر(عـج) تمامی سطـح زمیـن را از سـرسبزی و نشـاط و طراوت بپوشانـد. گنـج هـا و معـادن زمیـن همگـی مـورد اسـتخراج قرار گیرنـد و..., (بحارالانوار, ج ۱۰, ص ۱۰۴). ۳- درگگونی علوم طبیعی و وسائل زندگی ; در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) آمده است در زمـان حکومت آن حضـرت علوم در تمـام ابعاد خود پیشـرفت خواهـد کرد. در روایتی از امام صادق (ع) وارد شـده است که : ((دانش بیست و هفت حرف (شاخه و برگ) است و مجموع آنچه پیامبران آورده انـد دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی داننـد و چون قـائم قیـام کنـد بیست و پنـج حرف بقیه را برون آورده و در میـان مردم منتشـر سازد و بدین سان مجموع بیست و هفت جزئ دانش را نشر می دهد, (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۳۶). بنابراین جامعه انساین در عصـر حکومت مهـدی (عـج), همـان طوری که در تمام ساختارهای زنـدگی اجتماعی واقتصادی و علمی پیشـرفت کرده و به تکامل می رسد هم چنین از نظر فرهنگی نیز جامعه ای خواهد بود که لبریز از عشق و محبت و دوستی

است و اختلاف و کشمکش میان آنها وجود نخواهد داشت .

برای آگاهی بیشتر ر.ک :

۱- علی کورانی , عصر ظهور, ترجمه : عباس جلالی

۲- چشم به راه مهدی , جمعی از نویسندگان دفتر تبلیغات اسلامی قم

۳- امامت و مهدویت , آیت الله صافی گلپایگانی

یکی از حوارث زمان ظهور و بعد از ظهور رجعت امامان معصوم (ع) و بعضی از اولیای خدا و همچنین بعضی از ظالمین و بدکاران است .

رجعت به معنی عودت، بازگشت است. در اینجا به معنی بازگشت به سوی دنیا می باشد و در اصطلاح معنی رجعت از نظر علما و دانشمندان شیعه چنین است که می گویند، پیش از قیام قیامت در ادامه حکومت حضرت مهدی(ع) به ترتیب، دوران رجعت هر یک از ائمه هدا(ع) فرا رسد و جمعی از نیکان بسیار نیک از هر دوران و هم چنین بدکاران بسیار بد از هر زمان به دنیا بازگردند. نیکان برای دیدن دولت کریمه اهل بیت و رسیدن به آرزوی حکومت عدل و داد و بدکاران از برای عقوبت و عذاب دنیا که سزای اعمال خود را در این دنیاندیده اند.

امام صادق(ع) می فرماید: «ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لایرجع الا من محض الایمان محضا او محض الشرک محضا؛ رجعت همگانی نیست بلکه خاص است و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند» (میزان الحکمه، ج ۴، ص۱۹۸۴، ح ۶۹۴۱).

در رجعت، اولین کسی که زمین برای او شکافته می شود، امام حسین(ع) می باشد. امام صادق(ع) می فرماید: «اول من نشق الارض عنه و یرجع الی الدنیا الحسین بن علی(ع)؛ نخستین کسی که قبر به روی او شکافته می شود و به دنیا برمی گردد حسین

بن علی(ع) است». همچنین در روایت آمده است که امام باقر(ع) به بکیربن اعین فرمود: رسول خدا و علی رجعت خواهند کرد، (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۸۲، ح ۶۹۳۲ و ۶۹۳۳ - سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۱۵).

از حضرت رضا(ع) نقل شده است: مأمون به امام رضا عرض کرد: ای ابالحسن نظر شما درباره رجعت چیست. حضرت فرمود: حقیقت دارد. در میان امت های پیشین نیز وجود داشته است و قرآن از آن سخن به میان آورده و رسول خدا(ص) فرموده است هر چه درامت های گذشته بوده در میان این امت نیز عینا و مو به مو پیش خواهد آمد، (میزان الحکمه، ج ۴، ح ۶۹۲۷، ص ۱۹۸۰).

و این که در روایت وارد شده است که از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی می کند تا حضرت حجت(عج) ظهور کند:

اولاً، این روز از روزهای دنیا است، چون که ظهور آن حضرت و دولت کریمه اهل بیت(ع) قبل از قیام قیامت است.

ثانیا، منظور معصوم(ع) از این سخن این است که ظهور حتمی و قطعی است و در مقام تأکید به امر ظهور این مطلب را فرموده است، بدین معنا که امام ظهور خواهند کرد و جای انکاری نیست، اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد. بنابراین مقصود روایت این است که ظهورامام(عج) در روز آخر دنیا اتفاق می افتد، بلکه صرفا در مقام بیان حتمیت ظهور آقا می باشد والا بنا بر روایات رجعت و روایات پیرامون وقایع بعد از ظهور امام زمان(عج) بی شک دوران ظهور و بعد از آن طولانی خواهد بود.

خلاصه سخن :

۱- رجعت از مسلمات مذهب شیعه می باشد و پیرامون

آن دلایل متعددی وجود دارد.

۲- رجعت؛ یعنی، بعضی از انسان هایی که قبل از ظهور امام(عج) از دنیا رفته اند به زندگی دنیوی باز می گردند، یکی از گروه هایی که رجعت می کنند، ائمه(ع) می باشند.

برای مطالعه بیشتر ر.ک:

۱- رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی

۲- رجعت، محمد باقر بهبودی

وزیران دولت حضرت مهدی علیه السلام غالباً از چه قشری هستند؟

پرسش

وزیران دولت حضرت مهدی علیه السلام غالباً از چه قشری هستند؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، وزیران دولت حضرت مهدی (ع) از قشر جوان هستند، گرچه تعداد قلیلی از پیرمردان نیز در میان آنها وجود دارد.

ابویحیی حکیم بن سعید می گوید: از علی (ع) شنیدم که می فرمود: "إنّ أصحاب القآئم شباب لا کهول فیهم إلّا کالکحل فی العین، أوکالملح فی الزاد وأقلّ الزاد الملح"؛ "همانا اصحاب {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۸۴ ؛ الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۵. پاورقی}

قائم جوان اند وهرگز در میان آنها پیرمرد وجود ندارد مگر به مانند سرمه در چشم، یا همانند نمک در توشه، وکمترین توشه نمک است."

کارگزاران دولت حضرت مهدی علیه السلام چه کسانی هستند؟

پرسش

کارگزاران دولت حضرت مهدی علیه السلام چه کسانی هستند؟

پاسخ

در حکومتی که رهبری آن به عهـده حضـرت مهـدی (ع) است، کارگزاران ومسؤولان حکومت او نیز بایـد از بزرگان ونیکان امت باشـند. از این رو در روایـات، ترکیب دولت حضـرت مهـدی (ع) را از پیـامبران، جانشـینان آنـان، تقواپیشـگان وصالحـان روزگار معرفی می کند.

در روایتی می خوانیم که حضرت عیسی (ع) به حضرت مهدی (ع) می گوید: "همانا من به عنوان وزیر فرستاده شده ام نه امیر وفرمانروا".

{پاورقی . ملاحم، ابن طاووس، ص ۸۳ ؛ الفتن، ابن حماد، ص ۱۶۰. پاورقی}

همچنین در روایتی آمده است که حضرت عیسی (ع) وزیر حضرت قائم (ع) وپرده دار وجانشین آن حضرت است.

{پاورقی . غایه المرام، ص ۶۹۷ ؛ حلیه الابرار، ج ۲، ص ۶۲۰. پاورقی}

ونیز در روایتی دیگر آمده است: "...آن گاه عیسـی فرود می آید ومسـئول دریافت اموال حضـرت قائم (ع) می شود واصحاب کهف نیز در پشت سر او خواهندبود".{پاورقی . همان. پاورقی}

حضـرت علی (ع) می فرمایـد: "...سپاهیان در پیشـاپیش حضـرت مهـدی (ع) قرار می گیرنـد وقبیله هَمْـدان وزیران او خواهند بود".{پاورقی . عقدالدرر، ص ۹۷. پاورقی}

ونیز در روایتی می خوانیم: "مردان الهی بـا مهـدی (ع) همراه هسـتند، مردانی که به دعوت او پاسـخ گفته انـد واو را یاری می کنند. آنان وزیران ودولت مردان اویند که بار سنگین مسئولیت های حکومت را بر دوش دارند".

{پاورقی . وافی، ج ۲، ص ۱۱۴، به نقل از فتوحات مکیه ؛ نورالابصار، ص ۱۸۷. پاورقی}

آیا حکومت امام مهدی علیه السلام نژادی است؟

پرسش

آیا حکومت امام مهدی علیه السلام نژادی است؟

پاسخ

گر چه برخی ادیان محرّف وآیین های شـبه دینی، معتقـد به برتری برخی عناصـر وانسان ها بر برخی دیگرنـد، لکن مطابق ادله

ای که به آنها اشاره خواهیم کرد در حکومت ودولت حضرت مهدی (ع) نژادپرستی جایگاهی ندارد:

۱ - دعوت حضرت بر اساس احکام اسلامی است، ومی دانیم که اسلام به طور صریح نژادپرستی را نفی می کند، آنجا که می فرماید: {یا أَیُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَأُنْثی وَجَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَقَبآئِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقیکُمْ}؛ "ای مردم! ما شما{پاورقی . حجرات /۱۳. پاورقی}

را از یک مرد وزن آفریدیم وشما را از تیره ها وقبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید [ولی] گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست."

اسلام دین عموم مردم در عصر ظهور است واختصاص به قوم ودسته خاصّی ندارد. خداوند می فرماید:

{وَما أَرْسَلْناکَ إِلّا کآفَّهً لِلنّاسِ بَشِیراً وَنَذِیراً وَلکِنَّ أَکْثَرَ النّاسِ لایَعْلَمُونَ}؛

"ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا بشارت دهی وبترسانی، ولی بیشتر مردم نمی دانند." {پاورقی . سوره سبأ، آیه ۲۸. پاورقی}

اسلام ملاک های جدیدی را برای برتری جویی قرار داده است که هیچ ارتباطی با نژادپرستی وعنصریّت ندارد:

الف. علم: {قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لایَعْلَمُونَ إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الأَلْبابِ}؛

"بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکّر می شوند."

{پاورقی . سوره زمر، آیه ۹. پاورقی}

ب. تقوا: {إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقیکُمْ}؛

"همانا گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست."

{پاورقی . سوره حجرات، آیه ۱۳. پاورقی}

ج. جهاد: {لایَسْتَوِی الْقاعِدُونَ مِنَ المُؤْمِنِینَ غَیْرَ أُولِی الضَّرَرِ وَالْمُجاهِدِینَ فِی سَبِیلِ اللّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللّهُ المُجاهِدِینَ بِأَمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَی القاعِدِینَ دَرَجَهً...}؛

"[هرگز] افراد با ایمانی که بدون بیماری وناراحتی از جهاد بازنشستند،

با مجاهـدانی که در راه خـدا با مال وجان خود جهاد کردنـد یکسان نیسـتند. خداونـد مجاهدانی را که با مال وجان خود جهاد نمودند بر قاعدان [ترک کنندگان جهاد] برتری مهمّی بخشیده...". {پاورقی . سوره نساء،آیات ۹۵ù۹۶. پاورقی}

۲ - دعوت حضرت مهدی (ع) ودولت او جهانی است، واین نوع دعوت با نژادپرستی سازگاری ندارد.

۳ - مطابق برخی از روایات، دولت حضرت مهدی (ع) دولتی متعادل ومخالف با نژاد پرستی است:

الف. روایاتی که دلالت دارد بر اینکه حکم حضرت بر عرب شدیـد است. واگر قرار بر حکومت نژادپرستی باشـد این روایات متضافره بی معنا خواهد بود. {پاورقی . صحیح بخاری، ج ۹، ص ۶۰. پاورقی}

ب. روایاتی که دلالت دارد بر اینکه اصحاب خالص حضرت از نژادهای مختلف واز کشورهای مختلف هستند.

شیخ طوسـی از ابی بصـیر از امام صادق (ع) نقل کرده که درباره اصحاب قائم (ع) فرمود: "سیصد وسیزده نفر مرد به عدد اهل بدر از مکان های مختلف به سوی او می آیند". {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۲۸۴. پاورقی}

۴ - مطابق برخی از روایات، حضـرت به سـیره رسول خدا (ص) عمل خواهند نمود. ومی دانیم که سـیره رسول خدا (ص) نفی هر گونه نژادپرستی بوده است.

آیا نوع حکومت حضرت مهدی علیه السلام همانند سایر حکومت ها است؟

پرسش

آیا نوع حکومت حضرت مهدی علیه السلام همانند سایر حکومت ها است؟

پاسخ

می توان به طور جزم ادعـا کرد که نوع حکومت حضـرت مهـدی (ع) شبیه هیـچ یـک از حکومت هـای موجود در دنیا نیسـت زیرا:

اولاً: حضرت مهدی (ع) قرار است در عصر ظهورش اسلام را به تمام معنا به عنوان برنامه حکومتی عادل پیاده کند، ومی دانیم که برنامه های اسلامی با هیچ یک از نظام های حکومتی جهان مطابقت ومشابهت کامل ندارد.

ثانیاً: اساس وبنیاد حکومت های رایج در دنیا بر ظلم وتعدّی اسـتوار است، حتّی حکومت دموکراسی که بر اساس رأی اکثریّت اسـتوار است، در آن ظلم به اقلیتی است که حـاکم وحکومت او را نپـذیرفته است، در حالی که امام زمان (ع) یکی از اهـداف اصلی حکومتش برچیدن ظلم وبی عدالتی وگسترش عدل وداد در سطح کلّ جامعه است.

ثالثاً: همه نظام ها وقوانین موجود در جهان بر مادّیت واسـقاط عنصر الهی در امور استوار است، خواه به صراحت تصریح کرده باشند همانند مارکسیست ها یا ضمناً همانند هر حکومتی دیگر، در حالی که نظام حکومتی حضرت مهدی (ع) بر پایه معنویّت وربط انسان به خدا وتربیت جسم وروح استوار است. لذا تمام قوانین حکومت حضرت، قوانین الهی خواهد بود.

رابعاً: حکومت امام زمان (ع) نوع حکومتی است که تمام خواسته های مادی ومعنوی بشـر را که در دوره های قبل وحکومت های پیشـین برآورده نشـده است تأمین خواهـد کرد. ومردم را از یأس وناامیدی که از ناکامی حکومت های پیشـین پدید آمده برطرف می سازد. ولذا در روایات آمده است: "همانا دولت ما آخرین دولت است وبرای هیچ اهل بیتی دولتی نیست جز آنکه قبل از ما مالک حکومت خواهند شد، تا اینکه وقتی که سیره ما را دیدند نگویند:

اگر ما مالك شده بوديم به مثل همين روش عمل مى كرديم. وآن است گفتار خداوند متعال: {وَالعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِينَ}.

{پاورقى . اعلام الورى، ص ۴۳۲. پاورقى}

امام زمان عليه السلام در مقابله با ستمگران واجراى حدود واحكام الهى چگونه رفتارى دارند؟

پرسش

امام زمان عليه السلام در مقابله با ستمگران واجراى حدود واحكام الهى چگونه رفتارى دارند؟

پاسخ

امام مهدى (ع) در راه وروش خويش سازش ناپذير است ودر اجراى حدود واحكام الهى ومبارزه با ستمگران قاطعيتى خدايى دارد. چشم پوشى ومسامحه اى در راه وروش او نيست. از ملامت ملامت گران نمى هراسد، از هيچ مقام وقدرتى نمى ترسد، وبدون هيچ گونه ملاحظه اى تبهكاران را كيفر مى دهد.

قاطعيت، خصلت همه رهبران راستين الهى است ودر امام مهدى (ع) اين خصلت در حدّ اوج وكمال است. ومعيار پاك سازى اجتماعات بشرى همين است.

امام باقر (ع) فرمود: "قائم قيام مى كند... بر اعراب سختگير است وراه وروش او شمشير بوده ودر راه اجراى برنامه هاى الهى از ملامت ملامت گران بيم نمى كند".{پاورقى . الغيبه، نعمانى، ص ۲۳۳. پاورقى}

امام كاظم (ع) فرمود: "...خداوند براى دوازدهمين امام از خاندان ما هر دشوارى را آسان مى گرداند وبه دست او هر جبّار سرسختى نابود مى شود وهر شيطان سركشى هلاك مى گردد".{پاورقى . كمال الدين، ج ۲، ص ۳۶۹. پاورقى}

سرلوحه برنامه هاى حضرت مهدى عليه السلام چيست؟

پرسش

سرلوحه برنامه هاى حضرت مهدى عليه السلام چيست؟

پاسخ

گسترش عدالت در سراسر گيتى در رأس آرمان هاى انقلاب امام مهدى (ع) قرار دارد واز هدف هاى اساسى آن تحوّل عظيم

جهانی است، چنان که این اصل از نخستین هدف ها واصلی ترین برنامه های همه پیامبران بوده است، که در گذشته تاریخ، اجتماعات ومردمان را بدان فرا خوانده اند ودر راه تحقق آن فداکاری های فراوان کرده اند. می توان گفت بیشترین درگیری ومبارزه پیامبران بر سر اجرای عدالت بوده است... .

امام زمان (ع) در برابر طبقات آگاه وعالمان وروشنفکرانی که بخواهند به گونه ای در برابر اجرای عدالت بایستند مقاومت می کند، وبا کسانی که با توجیه کلام خدا وتأویلآیات قرآن کریم، قصد تضعیف مبانی انقلاب او را دارند درگیر می شود وآنان را از جلو راه انقلاب بر می دارد.

"عدل" به معنای رعایت دقیق حقّ وحقوق مردم وبرابری همه آنها در برخورداری از حقوق ومنافع مشروع ومعقول خویش است، چنان که "ظلم" زیر پا نهادن حق وحقوق دیگران ونابرابری وتبعیض است. عدالت، زمینه حیات اجتماعی تنها در بخش ویژه ای از جامعه نیست، بلکه در همه ابعاد حیات فردی واجتماعی، عامل اصلی حیات وزندگی انسان، اصل عدالت وعدل است. عدل حیات زندگی است وزندگی بی عدالت مرگی است که حیات پنداشته می شود.

امام حسین (ع) فرمود: "لو لم یبق من الدنیا إلّا یوم واحد لطوّل اللَّه عزّوجلّ ذلک الیوم حتّی یخرج رجل من وُلدی فیملأها عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً. کذلک سمعت رسول اللَّه یقول"؛ "اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را دراز گرداند تا{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸. پاورقی}

مردی از فرزندان من قیام کند وزمین را از عدل وداد

بپاکند، آن گونه که از ستم وبیداد آکنده باشد. این چنین از پیامبر (ص) شنیدم."

امـام زمان در لحظات نخستین پس از تولـد، دهان به سـخن گشود وعرض کرد: "... اللّهمّ انجز لی ما وعـدتنی وأتمم لی أمری وثبّت وطـأتی واملأ الأرض بی عـدلاً وقسـطاً"؛ " خداونـدا!{پـاورقی . همان، ج ۲، ص ۴۲۸ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳. پاورقی}

به آنچه بر من وعـده دادی وفا کن، وامر مرا به کمال برسان، وگام های مرا اسـتوار بـدار، وزمین را به دست من آکنده از عدل وداد ساز."

امـام علی (ع) دربـاره عصـر ظهـور حضـرت مهـدی (ع) می فرمایـد: "... لینزعنّ عنکم قضـاه السـوء ولیقبضن عنکم المراضـین ولیعزلنّ عنکم أُمرآء الجور ولیطهرنّ الأرض من کلّ غاشٍ"؛{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰. پاورقی}

"...امام مهدی (ع) قاضـیان زشت کار را کنار می گذارد ودست سازشـکاران را از سرتان کوتاه می کند وحکمرانان ستم پیشه را عزل می نماید، وزمین را از هر نادرست وخائنی پاک می سازد."

حضرت مهدی علیه السلام در تقسیم اموال چگونه رفتار خواهد کرد؟

پرسش

حضرت مهدی علیه السلام در تقسیم اموال چگونه رفتار خواهد کرد؟

پاسخ

از جمله برنـامه هـای حضـرت مهـدی (ع) اجرای اصـل مسـاوات است. این اصـل درآیـات قرآن واحـادیث پیامبر اکرم وامامان معصوم:، فراوان مورد تأکید قرار گرفته وابعاد وجوانب آن شکافته شده وتبیین گشته است.

دربـاره دوران ظهور وتحقّق اصـل مسـاوات وگسترش برادری وبرابری در سراسـر اجتماعـات، احادیثی رسـیده است که از بیان ومحتوای آنها می توان کشف کرد که در دوران امام زمان (ع)، مساوات اجتماعی در سـطحی بسـیار عالی عینیت می یابـد که شاید چگونگی آن وفراگیری وعمق نفوذ آن در این روزگاران برای ما -با ذهنیّت های موجود- پذیرفتنی نباشد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "أبشـرّکم بالمهـدیّ یبعث فی أمّتی... یرضـی عنه ساکن السـمآء وساکن الأرض یقسم المال صـحاحاً. فقال له رجل: وما صحاحاً؟ قال: التسویه بین الناس"؛ "به مهدی{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱. پاورقی}

بشارتتان می دهم. او از میان امت من برانگیخته می شود... ساکنان آسـمان وزمین از او خشـنود خواهند بود. او مال را درسـت تقسیم می کند. مردی پرسید: درست چیست؟ فرمود: میان همه به طور مساوی."

ادیان در زمان حکومت حضرت

طبق آیه ۵۵ سوره آل عمران , یهود و نصـاری تا دامنه قیامت در جهان خواهنـد بود وهمواره این دو مـذهب به زنـدگی خود ادامه خواهند داد با اینکه در اخبار و روایات مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) می خوانیم که او همه ادیان را زیر نفوذ خوددرمی آورد ؟

پرسش

طبق آیه ۵۵ سوره آل عمران , یهود و نصـاری تـا دامنه قیـامت در جهان خواهنـد بود وهمواره این دو مـذهب به زنـدگی خود ادامه خواهنـد داد بـا اینکه در اخبار و روایات مربوط به ظهور حضـرت مهـدی (عـج) می خوانیم که او همه ادیان را زیر نفوذ خوددرمی آورد ؟

پاسخ

در روایات مربوط به ظهور حضـرت مهـدی (عـج) آمـده که هیچ خانه ای در شـهر و بیابان نمی ماند مگر اینکه توحید در آن نفوذ می کنـد , یعنی اسـلام به صورت یک آیین رسـمی همه جهان را فرا خواهـد گرفت و حکومت به صورت یک حکومت اسـلامی درمی آیـد , و غیر ازقوانین اسـلام چیزی بر جهان حکومت نخواهـد داشت و یا هیـچ مانعی نـدارد که اقلیتی ازیهود و نصاری در پناه حکومت حضـرت مهدی با شرایط اهل ذمه وجود داشته باشد زیراحضرت مهدی مردم را به اجبار به اسلام نمی کشاند , و توسل او به قدرت و نیروی نظامی برای بسط عدالت و برانداختن حکومت های ظلم و قرار دادن جهان در زیر پرچم عدالت اسلام است نه برای اجبار به پذیرفتن این آیین , وگرنه آزادی و اختیارمفهومی نخواهد داشت .

از آیه ۱۴ سوره مائـده برمی آید که طائفه نصاری به عنوان پیروان یک مذهب (و یایهود و نصاری هر دو) تا پایان جهان در دنیا وجود خواهند داشت ولی از اخباراسلامی چنین استفاده می شود که پس از ظهور مهدی (عج) در سرتاسر جهان یک آیین بیشتر نخواهد بود و آن آیین اس

پرسش

از آیه ۱۴ سوره مائـده برمی آیـد که طائفه نصاری به عنوان پیروان یک مذهب (و یایهود و نصاری هر دو) تا پایان جهان در دنیا وجود خواهنـد داشت ولی از اخباراسـلامی چنین اسـتفاده می شود که پس از ظهور مهـدی (عـج) در سرتاسـر جهان یک آیین بیشتر نخواهد بود و آن آیین اسلام است و این دو را چگونه می توان با هم جمع کرد ؟

پاسخ

ممکن است که مسـیحیت (و یا مسـیحیت و آیین یهود) به صورت یک اقلیت بسـیار ضـعیف در جهان حتی در عصـر مهـدی

باقی بماند زیرا در آن عصر نیز آزادی اراده انسانها ازبین نمی رود و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند اگرچه اکثریت قاطع مردم جهان راه حق را می یابند و به آن می گروند و مهمتر از همه اینکه حکومت روی زمین یک حکومت اسلامی خواهد بود .

اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می کند با این آیه که ان الدین عنه الله الاسلام آیا مغایرتی ندارد؟

پرسش

اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می کند با این آیه که ان الدین عنه الله الاسلام آیا مغایرتی ندارد؟

پاسخ

اینکه در روایات آمده است مضمون آن چنین است. وقتی قائم اهل بیت(علیهم السلام) قیام کند، (امکانات را) بطور مساوی تقسیم می نماید و در رعیّت عدالت را بر قرار می سازد، هر کس از وی اطاعت کند از خدا اطاعت نموده و هر کس نافرمانی او را بکند نافرمانی خدا را نموده است، تورات و دیگر کتابهای الهی را از غاری در انطاکیه خارج می سازد و بین یهودیان بر اساس احکام تورات و میان مسیحیان طبق احکام انجیل و بین اهل زبور و برپایه دستورات آن و بین مسلمانان براساس آیات قرآن داوری می کند(۱).

ثانیاً: همان طور در پرسش شما بود، این علاوه بر مغایرت داشتن با آیه شریفه با روایات دیگری که تصریح بر ایمان به مردم به دین اسلام را رد نیز مغایرت داده(۲)پس منظورمان است که گفته شد یعنی حضرت برای اثبات حقانیت قیام خودشان در برابر ادیان دیگر با کتاب آنها داوری می کنند البته با کتاب تحریف نشده که خود حضرت(علیه السلام) از مکان آن کتابها اطلاع دارند.

آیا ادیان دیگر هم در زمان حال واقعاً اعتباری دارند؟ منظور پیروان آنها که مثلاً مسیحیت چند برابر مسلمانان جهان جمعیت دارند راه اشتباه را طی می کنند و در آخرت و یا آخرالزمان (ظهور حضرت مهدی () جزء گمراهان به حساب می آیند با توجه به آیه ۸۵ سوره آل عمران: "هر

پرسش

آیا ادیان دیگر هم در زمان حال واقعاً اعتباری دارند؟ منظور پیروان آنها که مثلاً مسیحیت چند برابر مسلمانان جهان جمعیت دارند راه اشتباه را طی می کنند و در آخرت و یا آخرالزمان (ظهور حضرت مهدی () جزء گمراهان به حساب می آیند با

توجه به آیه ۸۵ سوره آل عمران: "هر کس دینی غیر از اسلام را برای خود برگزیند، هرگز از او پذیرفته نمی شود (و او در آخرت از زیانکاران است).

پاسخ

از نظر قرآن سعادت و رستگاری در گرو التزام جدی و حقیقی به دو چیز گرانبها است:

۱ تصحیح عقاید و ایمان راستین به حقایق دینی

۲ عمل صالح و کنش بر اساس آنچه خداوند بشر را به آن مأمور کرده است.

بنابراین فخرفروشی های پوچ و بی اساس برخی از ارباب ادیان را که به صرف مسیحی یا یهودی خواندن فرد چنین وانمود می کردند که رستگاری دوست از آن ایشان است و دیگران کاملاً از آن بی بهره اند مردود شمرده است.

قرآن مجید اساساً عناوینی مانند یهودیت و نصرانیت را به رسمیت نمی شناسد و تنها اسلام و مسلمانی واقعی را به رسمیت شناخته و در آیات بسیاری پیامبران الهی را مسلمان دانسته است و مسلمانی، همان ایمان و پیروی از پیامبران الهی در عصر بعثت و بقای شریعت آنهاست نه زمان نسخ آن. از طرف دیگر قرآن مجید لازمه ایمان به خداوند را پیروی از رسولان او و در آخر، پیوستن به آخرین سفیر الهی می داند. در این راستا خداوند ایمان نیاوردن به پیامبر اکرم(و کتمان بشارتهای انجیل در این باره را در جای جای قرآن مورد عتاب و نکوهش قرار داده است و در دنباله آیه یاد شده این

جریان را به منزله "اطفاء نور الهی" قلمداد کرده و عاملان آن را کافر خوانده است. خداوند حضرت محمد (را به سوی همه انسانها مبعوث ساخته و همگان را موظف به گرویدن به آیین خاتم گردانیده است. اما خیل عظیمی از پیروان ادیان دیگر که به آن اشاره کرده اید یا حقانیت اسلام برایشان روشن شده است، این گروه هیچ عذری در سرپیچی از اسلام نداشته و اگر به آن ایمان نیاورند قطعاً گرفتار عذاب ابدی خواهند شد؛ یا حقانیت اسلام را شناخته اند، لکن عمداً از بررسی و تحقیق در این مورد شانه خالی کرده اند، در حالیکه همه شرایط برای آنان فراهم بوده است، در این حال نیز عذاب الهی دامنگیر آنان است. یا ناآگاه بوده و در این راستا خود مقصر نیستند، بلکه اساساً غافل بوده و ندای اسلام را نشنیده اند و یا ابزارهای لازم را برای تحقیق در اختیار نداشته اند، در این حال "مرجون لامرالله" بوده و در صورت درستکاری بر اساس آیین قبلی با فطرت الهی ممکن است خداوند بر آنان نظر رحمت کند.

مراجعه کنید به آیات زیر از قرآن کریم:

۱. مائده/۶۲

۲. آل عمران/۶۷

۳. صف۷-۶

برگرفته از: www.Nahad.net

آیا بعد از ظهور امام زمان(عج) تنها دین اسلام باقی می ماند و بقیه ادیان امروزی نابود می شوند؟

پرسش

آیا بعد از ظهور امام زمان(عج) تنها دین اسلام باقی می ماند و بقیه ادیان امروزی نابود می شوند؟

پاسخ

ظاهر بعضی آیات این است که یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند.

الف)- وَ مِنَ اَلَّذِینَ قالُوا إِنَّا نَصاری أَخَذْنا مِیثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّ مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ فَأَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ اَلْعَداوَهَ وَ اَلْبَغْضاءَ إِلی یَوْمِ اَلْقِیامَهِ. ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند، ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بینشان انداختیم.(۱).

ب)- إِذْ قالَ اَللّهُ یا عِیسی إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَ. وَ جاعِلُ اَلَّذِینَ اِتَّبَعُوکَ فَوْقَ اَلَّذِینَ کَفَرُوا إِلی یَوْمِ اَلْقِیامَهِ. بیا وقتی که خداوند فرمود ای عیسی همانا من روح تو را قبض نموده و. و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم. (۲)

ج)- وَ قالَتِ اَلْيَهُودُ يَدُ اَللَّهِ مَغْلُولَةٌ. غلت ايديهم و لعنوا بما قالوا وَ أَلْقَيْنا بَيْنَهُمُ اَلْعَداوَةَ وَ اَلْبَغْضاءَ إِلى يَوْمِ اَلْقِيامَهِ. يهود گفتند دست خدا بسته است. و ما به كيفر آن قيامت آتش كينه و دشمنى را در ميان آنها برافروختيم.(۳)

در آيات فوق دشمنى و كينه توزى تا قيامت در بين يهود و نصارا مطرح شده است و همچنين برترى نصارا بر كفار تا قيامت آمده است و مقتضاى ظاهر آيات اين است كه دين يهود و نصارا تا قيامت باقى خواهند ماند. از بعضى روايات نيز همين مضمون استفاده مى شود. عن ابى بصير عن ابى عبدالله عليه السلام. قلت فما يكون من اهل الذمه عنده قال يسالمهم كما سالمهم رسول الله صلى الله عليه و آله و يؤدون الجزيه عن يدوهم صاغرون. ابو بصير گويد به امام صادق

عرض کردم صاحب امر (مهدی علیه السلام) با اهل ذمه- یهود و نصارا- چه می کند فرمود: مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان مصالحه می کند وآنها جزیه می دهند.(۴)

در مقابل این آیات و روایات، احادیثی وجود دارد که دلالت می کند به این که جز دین محمد دینی باقی نمی ماند.الف)- عبدالله بن بکیر از امام موسی بن جعفر (ع) روایت می کند که از حضرت تفسیر آیه وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی اَلسَّماواتِ وَ اَلْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ را سؤال کردم فرمود: "آیه مذکور در شأن حضرت قائم نازل شده است. وقتی آن حضرت ظاهر شد دین اسلام را بر یهود و نصارا و صائبین و کفار شرق و غرب عرضه می دارد. پس هر کس با میل و اختیار اسلام بیاورد، به نماز و زکات و سایر واجبات امرش می کند و هر کس از قبول اسلاممتناع ورزد گردنش را می زند تا این که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست کسی باقی نماند و.".(۵)

ب)- جابر از امام باقر (ع) نقل می کند: ". خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب امر مفتوح می کند آن قدر جنگ می کند تا این که جز دین محمد دینی باقی نماند".(۶)

ج)- همچنین امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه لِیُظْهِرَهُ عَلَی اَلدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ اَلْمُشْرِکُونَ* فرموده است: یکون ان لایبقی احد الا اقر بمحمد به طوری می شود که احدی باقی نمی ماند مگر این که به محمد ایمان بیاورد.(۷)

چنان که ملاحظه می شود یک دسته احادیث موافق قرآن است و دسته دیگر مخالف قرآن، آنچه که موافق ظاهر قرآن است بر احادیث مخالف ظاهر قرآن مقدم است، وجمع بین این

دو دسته از احادیث چنین است که صاحبان سایر ادیان الهی به برکت وجود نازنین امام زمان (عج) به حقیقت دین خد می رسند و ادیانی چون مسیحیت و یهود و ... از تحریفات پاک می شوند و با پاک شدن سایر ادیان الهی از تحریفات، هیچ نکته مخالفی بین آنها و شرع مقدس اسلام نخواهد بود و لذا با حفظ دین حقیقی مسیح و یهود اسلام را نیز خواهند پذیرفت.بنابراین یهود و نصارا در دوران حکومت حضرت مهدی (عج) باقی خواهند ماند واز عقاید شرک آلود خود مانند تثلیث دست برمی دارند و تحت حمایت حکومت اسلامی مهدوی به زندگی خود ادامه می دهند و دین اسلام دین جهانی و بر تمام دین ها غالب می گربرای آگاهی بیشتر ر. ک: دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۳۰۵- ۳۰۸.

منابع و مآخذ:

۱) مائده، آیه ۱۴

۲) آل عمران، آیه ۵۵

۳) مائده، آیه ۶۴

۴) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱

۵) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰

۶) همان، ص ۳۹۰

۷) همان، ص ۳۴۶

آیا در زمان حکومت امام زمان(عج) یهودی و مسیحی و ... هم زندگی می کنند و آیا ایشان مامور به باطنند یا ظاهر؟

پرسش

آیا در زمان حکومت امام زمان(عج) یهودی و مسیحی و ... هم زندگی می کنند و آیا ایشان مامور به باطنند یا ظاهر؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما دوست عزیز عرض می شود که روایاتی در ارتباط با وجود یهودی در دوران حکومت حضرت مهدی(وارد شده، که در این مجال کوتاه به بررسی برخی از آنها می پردازیم.

در روایتی از پیامبر اکرم(چنین آمده است : "حضرت موسی صندوقچه مقدس را از غاری در انطاکیه، و بخشهای تورات را از کوهی در شام بیرون آورده، بوسیله آن کتاب با یهودیان به استدلال می پردازد، و سرانجام بسیاری از آنها اسلام می آورند."

(۱)

صندوقچه مقدس یا تابوت سکینه، همان است که در قرآن کریم(۲) از آن یاد شده است. و مفسران در تفسیر آن گفته اند که این صندوق، که در آن میراث پیامبران (وجود دارد، دلیل و نشانه ای است برای بنی اسرائیل بر اینکه چه کسی شایستگی فرمانروایی دارد. از اینرو فرشتگان آن را آورده، از میان جمعیت بنی اسرائیل عبور داده، آنگاه در پیش روی طالوت قرار می دهند. پس طالوت آن را به داود، و او به سلیمان، و او به وصیّ خود، عاصف بن برخیا تسلیم می کند. و بنی اسرائیل بعد از وصیّ حضرت سلیمان، به علت اینکه از او فرمانبرداری ننموده، دیگری را اطاعت می کنند، آن صندوق را از دست می دهند. (۳)

در روایتی دیگر از پیامبر اکرم(آمده است : "صندوق مقدس از "دریاچه طبریه" به دست وی آشکار می شود. و آن را آورده، در پیشگاه او در بیت المقدس قرار می دهند. و چون یهودیان آن

را مشاهده می کنند، به جز اندکی بقیه ایمان می آورند."(۴)

البته در روایت دیگری گفته شده که تعداد سی هزار یهودی به وی ایمان می آورند، که این رقم نسبت به کل جمعیت آنان اندک است.

حال با ملاحظه روایات فوق، به این نتیجه می رسیم که در زمان حکومت حضرت، بعضی افراد به دین یهود باقی هستند.

و درباره وجود مسیحی در زمان حکومت حضرت مهدیu نیز، روایاتی وجود دارد که دلالت بر این مسأله می کند.

در روایتی چنین آمده است که دنیای کفر با دستاویز قراردادن کیش نصرانیت با امام درگیر می شوند، و به دشمنان امام کمک می رسانند، و به هنگام شکست بدینشان پناه می برند.(۵)

علاوه بر روایات، آیه "و مِنَ الذینَ قالوُا اِنا نَصاری اَخَذْنا میثاقَهُمْ فَنَسَوُا حَظّاً مِمَّا ذُکِّرُوا بِه فَاَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ العَداوَهَ وَ البَغْضاءَ اِلی یَومِ القِیامَهِ و سَوْفَ یُنَبِّئُهُمُ اللهُ بِما کانوُا یَصْنَعونَ" (۶) نیز، به این مطلب دلالت دارد. چنانچه در تفسیر آن آمده است که از این آیه چنین استنباط می شود که ممکن است مسیحیت (یا مسیحیت و آئین یهود) بصورت یک اقلیت بسیار ضعیف در جهان، حتی در عصر مهدیu باقی بماند. زیرا می دانیم که در آن عصر نیز آزادی اراده انسانها از بین نمی رود، و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند. اگر چه اکثریت قاطع مردم جهان راه حق را می پیمایند، و به آن می گروند. و مهمتر از همه اینکه حکومت روی زمین، یک حکومت اسلامی خواهد بود.(۷)

همچنین از آیه "اِذ قالَ اللهُ یا عیسی اِنّی مُتَوَفّیکَ و رافِعُکَ اِلیَّ و مُطَهِّرُکَ مِنَ الذینَ کَفَروا و جاعِلُ الذینَ اتَّبَعُوکَ فَوقَ الذینَ کَفَرُوا

اِلی یَوم القیمهِ" (۸)، استفاده می شود که کفار تا روز قیامت وجود دارند. (۹) و در روایتی نیز آمده است که حضرت از آنها جزیه می گیرند. (۱۰)

و در پایان، در مورد پرسش از مأموریت امام مهدیu که آیا مأمور به ظاهر هستند یا باطن، گفته شده است که از اختصاصات حضرت مهدیu قضاوت اوست، که به علم خود قضاوت می کند. آن حضرت به مقتضی علم امامت و وحی قضاوت می کند؛ مانند داود وسلیمان، و بیّنه نطلبد. (۱۱) در حدیثی در این رابطه آمده است : "چون قائم u قیام کند، خداوند او را علم سیما عطا کند. پس امر می کند بر کافر، پس موهای پیشانی ایشان را می گیرند، و به پاهای ایشان می چسبند. و می کشانند ایشان را به سوی شمشیر، و شمشیر در میان ایشان می نهد." (۱۲)

بعد از ظهور امام زمان غ جهان چگونه است آیا مردم جهان همه مسلمان می شوند؟

پرسش

بعد از ظهور امام زمان غ جهان چگونه است آیا مردم جهان همه مسلمان می شوند؟

پاسخ

پس از این که امام زمان غ ظهور فرماید، دنیا آباد می شود و آن حضرت با ظهور خود در راه برقراری عدالت با جباران و ستمگران مبارزه می کند و همه آنان را به شکست و تسلیم وا می دارد و دنیا را پر از عدل و داد می کند; چنان که خداوند متعال می فرماید: "وعد اللّه الّذین ءامنوا منکم و عملوا الصَّلحَت لیستخلفنّهم فی الأرض کما استخلف الّذین مِن قبلهم و لیمکنن َلهم دینهم الّذی ارتضی َلهم و لیبدّلنهم مِّن بعد خوفهم أمنا یعبدوننی لایشرکون بی شی ئ‹ا...; (نور، ۵۵) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین]خود[قرار دهد; همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین]خود[قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند،]تا[مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند... ."

این آیه به دنبال آیات گذشته همین سوره که سخن از اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خداوند و پیامبر به میان آورده است همان موضوع را ادامه می دهد و نتیجه این اطاعت را که همان حکومت جهانی است بیان می کند و بر آن تأکید دارد. از مجموع این آیه بر می آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که ایمان و عمل صالح دارند، مژده استخلاف و حکومت روی زمین نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه دار در همه جا، از

میان رفتن تمام اسباب خوف ترس وحشت و ناامنی را داده است

بسیاری از مفسران معتقدند: وعده الهی در این آیه اشاره به حکومت حضرت مهدی است و بی تردید حکومت امام مهدی مصداق کامل این آیه می باشد و این به معنای انحصار معنای آیه نیست (ر.ک تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۱۴، ص ۵۲۷ ۵۳۲، دارالکتب الاسلامیه)

امام سجاد۷ در تفسیر این آیه فرمود: "به خدا سوگند آن ها شیعیان ما هستند; خداوند این کار را برای آن ها به دست مردی از ما انجام می دهد که "مهدی این امت است زمین را پر از عدل و داد می کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد..." (ر.ک مجمع البیان طبرسی ، ج ۷، ص ۲۶۷، مؤسسه اعلمی بیروت)

در زمان حکومت حضرت مهدی غ تمام مردم از هر آیین و کیشی در فضایی آکنده از قسط و عدل رفاه و آسایش امن و امان بر اساس احکام و قوانین اسلامی محیط علم و دانش و حکومتی با مسؤولیت و اجرای توده های محروم و مستضعف جامعه خواهد بود و تمام انسان در کنار هم زندگی می کنند; پس در زمان حکومت آن حضرت همه مردم مسلمان نمی شوند قرآن کریم نیز استمرار عداوت بین یهود و نصاری ٰرا تا روز قیامت می داند و می فرماید: "...فَأَغْرَیْنَا بَیْنَهُم ُالْعَدَاوَه ٰوَالْبَغْضَآءَ إِلَی ٰیَوْم ِالْقِیَمَه ِ...; (مائده ۱۴) ... در میان آن ها]یهود و نصاری[تا دامنه قیامت عداوت و دشمنی افکندیم .."(ر.ک تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی و دیگران ج ۴، ص ۳۱۶، دارالکتب

الاسـلامیه / مجله حوزه دفتر تبلیغات اسـلامی حوزه علمیه قم شماره ۴و۵، سال دوازدم حسـین مسعودی ص ۱۷۱۱۸۰، نشر دفتر تبلیغات اسـلامی) گرچه ممکن است افرادی غیرمسـلمان یا غیرصالـح در جامعه یافت شونـد. امّا حاکمیت و قدرت در سراسـر جهان به دست مؤمنین و بندگان شایسته خداوند خواهد بود.

وقتی که امام زمان (عــج) ظهور کننــد آیا تمام مردم مســلمان می شوند یا اینکه کافر و پیرو مذاهب و ادیان دیگر هم وجود خواهند داشت؟

پرسش

وقتی که امـام زمـان (عـج) ظهور کننـد آیا تمام مردم مسـلمان می شونـد یا اینکه کافر و پیرو مـذاهب و ادیان دیگر هم وجود خواهند داشت؟

پاسخ

ظاهر بعضی آیات این است که یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند.

۱- ((و من الـذین قالوا انا نصاری اخـذنا میثاقهم فنسوا حظا" مما ذکروا به فاغرینا بینهم العداوه والبغضاء الی یوم القیمه...; ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند, ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بینشان انداختیم)), (مائده , آیه ۱۴).

۲- ((اذ قـال الله یـا عیسـی ان متوفیـک و... و جاعـل الـذین اتبعوک فوق الـذین کفروا الی یوم القیمه ...; بیا وقتی که خـداوند فرمود ای عیسـی همانـا من روح تو را قبض نموده و... و پیروان تو را بر کـافران تـا روز قیامت برتری دهم)), (آل عمران , آیه ۵۵).

۳- ((وقالت الیهود یـدالله مغلوله... والقینا بینهم العـداه والبغضاء الی یوم القیمه ...; یهود گفتند دست خدا بسـته است ... و ما به کیفر آن قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم)), (مائده , آیه ۶۴).

در آیـات فوق دشـمنی و کینه توزی تـا قیامت در بین یهود و نصارا مطرح شـده است و همچنین برتری نصارا بر کفار تا قیامت آمـده است و مقتضـای ظـاهر آیـات این است که دین یهود و نصـارا تـا قیامت باقی خواهنـد مانـد. از بعضـی روایات نیز همین مضـمون اسـتفاده می شود. ((عن ابی بصـیر عن ابی عبدالله علیه السـلام ... قلت فما یکون من اهل الذمه عنده قال یسالمهم کما سالمهم رسول

الله صلی الله علیه و آله و یوئدون الجزیه عن یدوهم صاغرون ...; ابو بصیر گوید به امام صادق عرض کردم صاحب امر (مهدی علیه السلام) با اهل ذمه - یهود و نصارا - چه می کند فرمود: مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان مصالحه می کند وآنها جزیه می دهند, (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۸۱).

در مقابل این آیات و روایات , احادیثی وجود دارد که دلالت می کند به این که جز دین محمد دینی باقی نمی ماند.

۱- عبدالله بن بکیر از امام موسی بن جعفر(ع) روایت می کند که از حضرت تفسیر آیه ((وله اسلم من فی السموات والارض طوعا" و کرها" و الیه یرجعون)) را سؤال کردم فرمود: ((آیه مذکور در شأن حضرت قائم نازل شده است . وقتی آن حضرت ظاهر شد دین اسلام را بر یهود و نصارا و صائبین و کفار شرق و غرب عرضه می دارد. پس هر کس با میل و اختیار اسلام بیاورد, به نماز و زکات و سایر واجبات امرش می کند و هر کس از قبول اسلام امتناع ورزد گردنش را می زند تا این که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست کسی باقی نماند و...)), (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۴۰).

۲- جابر از امام باقر(ع) نقل می کند: ((... خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب امر مفتوح می کند آن قدر جنگ می کند تا این که جز دین محمد دینی باقی نماند)), (همان , ص ۳۹۰).

۳- همچنین امام باقر(ع) در تفسیر آیه شریفه ((لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون)) فرموده

است : ((یکون ان لایبقی احد الا اقر بمحمد; به طوری می شود که احدی باقی نمی ماند مگر این که به محمد ایمان بیاورد)), (همان , ص ۳۴۶).

با توجه به آیات و روایات می توان به دو نتیجه رسید:

۱. منظور از ادامه زندگانی یهود و نصارا تا روز قیامت تا دوره آخر الزمان باشد و به جهت نزدیکی ظهور امام زمان(عج) و برپایی قیامت با یک تعبیر از آن یاد شده است چنانچه بسیاری از علایم آخر الزمان با عالم برپایی قیامت یکسان است. بنابراین یهود و نصارا تا آن دوران ادامه پیدا می کنند اما با ظهور امام زمان(عج) و اقتدا حضرت مسیح به ایشان پیروان حق طلب ادیان با حق آشنا می شوند و همه زیر پرچم امام زمان(عج) می آیند و کسانی که حق ستیزند از بین خواهند رفت.

۲. بنا بر دیدگاه دوم یهود و نصارا در دوران حکومت حضرت مهدی (عج) باقی خواهند ماند واز عقاید شرک آلود خود مانند تثلیث دست برمی دارند و تحت حمایت حکومت اسلامی مهدوی به زندگی خود ادامه می دهند و اما دین اسلام دین جهانی و بر تمام دین ها غالب می گردد.

برای آگاهی بیشتر ر.ک : دادگستر جهان , ابراهیم امینی , ص ۳۰۵ - ۳۰۸.

آیادر حکومت حضرت مهدی (ع)همه مردم جهان مسلمان می شوند؟

پرسش

آیادر حکومت حضرت مهدی (ع)همه مردم جهان مسلمان می شوند؟

پاسخ

در این زمینه دو دسته روایات وجود دارد.

دسته اول، روایاتی است که ظاهر آنها وجود غیر مسلمان در دوران حکومت حضرت مهدی(عج) است مانند روایت ابی بصیر از امام صادق(ع) که می گوید:

«به امام صادق(ع) عرض کردم در دوره آن حضرت (مهدی) با اهل ذمه چگونه رفتار می شود؟ فرمود: با آنها از سرآشتی و مسالمت رفتار می کند، همان گونه که پیامبر با آنان از سر مسالمت رفتار کرد.» {M ، (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶، روایت ۱۷۷، باب سیره و اخلاقه و خصائص زمانه. و روایات متعدد دیگر)

دسته دوم، روایاتی است که ظهور دارد در اینکه در همه جا دین اسلام را بر پا خواهد کرد و همه مردم مسلمان خواهند شد، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰، روایت ۸۹ و ۹۰؛ و ص ۳۹۰، روایت ۲۱۲؛ و ج ۵۳، ص ۳۳، روایت ۱ و روایات متعدد دیگر)

مانند روایت امام حسن(ع) از امیرالمؤمنین(ع) که فرمود: «او زمین را از دادگری و روشنی و عقل و منطق و دلایل واضح و روشنگر، پر می کند و سر تا سر زمین تسلیم او می شوند به طوری که هر کافری ایمان می آورد و هر بدکاری نیکوکار می شود.»، (اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴، روایت ۴۱۴).

به همین جهت، بین علما و دانشمندان در این زمینه، اختلاف نظر وجود دارد.

به نظر می رسد، دو دسته روایات، مربوط به دو دوران از حکومت حضرت اشاره دارد. یعنی دسته اول، اشاره به سیره و روشن حضرت در بدو ظهور دارد. حضرت در ابتدای ظهور تنها کافرانی را که به

ظلم و فساد در زمین مشغولند، منکوب کرده و از بین خواهند برد. اما با کافرانی که از ظلم و جور و فساد به دورند و پذیرای حکومت دادگستر حضرتند، همانند سیره پیامبر اکرم(ص) از سر مسالمت رفتار می کنند. به تدریج با برقراری عدل و فراگیر شدن آن در سراسر زمین و میراندن باطل ها و بدعت ها و آشکار شدن نشانه ها و آیات حق و حقیقت، حجت های روشن الهی بر مردم تمام می شود و دیگر جای هیچ عذری برای کفر و شرک باقی نخواهد ماند.

بنابراین در دوره ی تحکیم و تثبیت حاکمیت حضرت و از بین رفتن پرده های فریب و رسوا شدن باطل و آشکار شدن حق، همه مردم مسلمان می شوند و در آن دوره کفر و شرک و انکار، مصداق بارز ظلم و تعدی از حق خواهد بود که در حکومت عدل گستر حضرت، هیچ جایی نخواهد داشت.

همچنان که روایت امام حسن(ع) از امیرالمؤمنین(ع) که در سطور بالا به آن اشاره شد، به وضوح بر این معنا، دلالت دارد.

امام صادق(ع) ذیل آیه شریفه هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله» ، (سوره توبه، آیه ۳۳) به مفضل فرمود: «ای مفضل، اگر پیغمبر(ص) بر همه دین ها غالب شده بود، از آتش پرستان، یهودیان، نصارا، ستاره پرستان، و از تفرقه و نفاق و شک و ... اثری نبود، اینکه خداوند فرموده است: «لیظهره علی الدین کله» مربوط به روز ظهور حضرت مهدی(عج) است. همچنین اینکه می فرماید: «و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین کله لله»،

(سوره انفال، آیه ۳۹) مربوط به

چنین روزی است»، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۳، روایت ۱)

نتیجه سخن: دسته اول روایات مربوط به ابتدای ظهور است و دسته دوم مربوط به دوره استقرار حکومت عدل حضرت و آشکار شدن حق و حقیقت است یعنی در دوره استقرار حکومت حضرت، دیگر هیچ کافری باقی نخواهد ماند. والله اعلم.

منابع:

۱. ظهور نور، مؤلف: علی سعادت پرور، مترجم، محمدجواد وزیری فرد، دار الحدیث، ص ۲۰۴

۲. مهدی منتظر، شیخ محمدجواد خراسانی، دار الحدیث، ص ۳۹۰.

آیا در زمان ظهور امام زمان تمام افراد از ادیان غیر از شیعه کافر شناخته می شوند؟

پرسش

آیا در زمان ظهور امام زمان تمام افراد از ادیان غیر از شیعه کافر شناخته می شوند؟

پاسخ

غیرمسلمانان از نظر فقه اسلامی به دوگروه کافر اهل کتاب و کافر غیر اهل کتاب تقسیم می گردند که هر گروه احکام ویژه ای دارند، و پیروان ادیانی همچون مسیحیت و یهود در زمره دسته اول می باشند. پس از نظر اسلام پیروان ادیان دیگر کافر شناخته می شوند.

اما فرقه ها و مذاهب اسلامی از دیدگاه فقه امامیه(شیعه دوازده امامی) در زمره مسلمانان می باشند و هیچیک از آنان کافر بشمار نمی روند، مگر معدودی از فرقه ها که انکار ضروری دین را می نمایند، مانند خوارج و نواصب. ۱ با این توضیح می توان اینگونه سؤال نمود که آیا چنین حکمی بعد از ظهور امام زمان علیه السلام هم جاری است، یا مصداق کافر و مسلمان دچار دگرگونی می گردد؟

در پاسخ به این پرسش می توان گفت: با دقت در علّت و ملاک نظر دانشمندان شیعه امامیه در مورد اسلام برخی از مذاهب اسلامی و کفر برخی دیگر، می توان به پاسخ این پرسش دست یافت. زیرا آنچه سبب شده است که برخی از فرقه های به ظاهر مسلمان در زمره کافران قرار گیرند این است که آنان دست به انکار حقایق آشکار و ضروری اسلام همچون لزوم محبت و علاقه به خاندان پیامبر علیهم السلام زده اند، و انکار حقیقت آشکار و ضروری اسلام، بلکه هر دین و آیینی، به حکم عقل ملازم انکار همان دین است. از این رو پس از ظهور امام زمان (ع) و آشکار شدن حقانیت شیعه دوازده امامی با معجزات و

دلایل متقن علمی که توسط آن حضـرت تبیین می گردد، ولایت و امامت دوازده گانه (ع) نیز همچون محبت آنان به مرور در زمره حقایق آشـکار و ضـروری اسـلام جای خواهـد گرفت، و منکران آن، منکران اسـلام خواهند بود. پس به جرأت می توان گفت که بعـد از ظهور آن حضـرت و بر ملاـ شـدن حقیقت که بـاعث گرایش جمعیت قریب به اتفـاق پیروان مـذاهب و ادیان دیگر به مـذهب حق خواهد شد؛ گروه بسـیار اندکی که زیر بار این حقیقت آشـکار نروند در زمره کافران خواهند بود. از این روست که در روایت از امـام صادق علیه السـلام آمـده است: «... پس هنگامیه که قائم علیه السـلام ظهور نمایـد از هر به ظاهر مسـلمانی که منکر ولایت است می خواهد که یا اقرار به اسـلام یعنی ولایت نماید و یا همچون کافران اهل ذمّه، جزیه بپردازد. و در غیر این صورت گردن او را خواهد زد».۲

پی نوشت ها:

۱. یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، مؤسسه نشر اسلامی، ج (۱)، ص (۱۴۰).

۲. مجلسـی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسـسه الوفاء، بیروت، ج (۵۲)، ص (۳۷۳) (به نقل از تفسـیر فرات کوفی). و نیز مراجعه شود به روایت امام باقر(ع)، همان، ج (۵۲)، ص (۳۷۵) (به نقل از کافی).

ایا با ظهور امام زمان (ع) همه مسلمان شده و اختیار از مردم صلب می شود؟

پرسش

ایا با ظهور امام زمان (ع) همه مسلمان شده و اختیار از مردم صلب می شود؟

پاسخ

پرسش فوق دو بخش دارد:

۱. سلب اختیار از مردم در دوران ظهور؛

۲ . مسلمان شدن همگان در آن دوره.

در پاسخ به بخش نخست توجه پرسشـگر محترم را به این اصل مسلّم و پذیرفته شده جلب می کنیم که انسان دراین دنیادارای اختیار است و بـدون آن جایی برای تکلیف ، پاداش و عقاب باقی نمی مانـد. لازمه تکلیف و امر و نهی ، پاداش و کیفر درباره بنـدگان ، داشـتن اختیار آنان می باشد. آن چنان که از پاره ای از آیه های قرآن مجید(۱) ، برخی از روایت ها و براهین عقلی بـدست می آیـد ، هـدف خـدای متعال از آفرینش انسان ، به مقام قرب و کمالات رسـیدن او می باشـد و این شایسـتگی از راه اختیار و اراده انسان بـدست می آیـد . هرگاه اختیار از انسان گرفته شود، دیگر شایسـته دریافت مقام قرب و رضوان خـدا نمی

باشـد. مردم در سایه فاعلیت اختیاری که دارنـد، دارای مسؤولیت و تکلیف می شونـد. به بیان دیگر هنگامی که انسان در مقام تزاحم میـان خواست هـای گونـاگون ، برای رسـیدن به کمـال و رضوان خـدای متعـال ، از خواست های زشت و حیوانی خود بگذرد ، شایسـته قرب الهی و مستحق دریافت پاداش می شود. این اصل مسلم در دوران ظهور امام زمان (عج) نیز صادق است . از آن جـا که با ظهور حجت حق (عـج) عقل های مردم کامل می شود و زمینه های ارتکاب گناهان و جرایم کاهش می یابد یا از بین می رود ، جامعه آرمانی که در آن همه مردم موحد هستند و هیچ کس مشرک نیست، شکل می گیرد و این

به معنی سلب اختیار از مردم نیست بلکه مردمان آن عصر ، با اراده و اختیار خود در برابر امیال درونی و وسوسه های شیطان مقاومت می کنند و به مقامی می رسند که امیال خود را کنترل می کنند و مرتکب معاصی و جرایم نمی شوند.

زیرا آن چنان رشد کرده اند که به عاقبت نافرمانی از دستور های خدا ی منان آگاه هستند . مانند فردی که آگاه است جامی که روبروی اوست ، جام زهر است و نوشیدن آن هلاک کننده ، پس با اختیار و اراده نمی نوشد. از این گذشته هر کار خیر یا هر پرهیز از ارتکاب کار شر که با اراده بیشتر و انتخاب آگاهانه تر و اختیار عالمانه تر همراه باشد، اثر بیشتری در تکامل روحی و تقرب به درگاه الهی و جلب رضوان الهی خواهد داشت و استحقاق فزون تری را برای دریافت پاداش خواهد داشت. از این رو اولیای خدا آرزوی زندگی در دوران شکوفا و جامعه آرمانی امام مهدی (عج) را دارند و خدای سبحان مؤمنان محض را که این اشتیاق را داشته اند ، در دوران ظهور حجت الهی (عج) دوباره به دنیا بازمی گرداند تا با رجعت ، زمینه کمال آنان بیش از پیش فراهم آید.

در پاسخ به بخش دوم یعنی مسلمان شدن همگان در عصر ظهور باید گفت از ابتدای ظهور تا استقرار حکومت سراسری عدل امام مهدی (عج) دوره های مختلفی سپری می شود . مثلا نعمانی از جابر از امام باقر(ع) نقل می کند که فرمود وقتی قائم قیام کند میان اهل تورات به تورات و میان اهل انجیل به انجیل حکم می کندو میان اهل زبور به زبور و میان اهل قرآن به قرآن (۲). این

مربوط به مراحل آغازین ظهور است ولی تکامل بشر به حدی می رسد که همگان موحد می شوند و هیچ کس به خدا شرک نمی ورزد : وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً(۳)

۱- ر.ک : آیه ۷ سوره هود ، آیه ۲ سوره ملک ، آیه ۷ سوره کهف و آیه ۵۶ سوره ذاریات .

۲- الغیبه للنعانی ، ص ۱۲۴

۳- نور، ۵۵.

آیا در عصر ظهور، همه یک عقیده ومرام خواهند داشت؟

پرسش

آیا در عصر ظهور، همه یک عقیده ومرام خواهند داشت؟

پاسخ

برای تشکیل جامعه واحد وامت واحده، یک موضوع ضروری است وآن جهان بینی واحد واعتقاد واحد است.

در دوران ظهور وروزگار دولت عدل بنیاد مهدوی (ع) جهان بینی واحدی بر جهان حاکم می گردد وراه وروش وبرنامه ها یکی است، ویک پارچگی ویگانگی واقعی در عقیده ومرام پدید می آید، ومردمان همه یکدل ویک زبان به سوی سعادت وصلاح حرکت می کنند.

امام مهدی (ع) که مصلحی حقیقی است وراه وروش او بر پایه قانون جاویدان حقّ وعدل استقرار دارد وبا فطرت وسرشت انسان ها هماهنگ وسازگار است، وحدتی واقعی را بر اساس اصول توحید وایدئولوژی اسلامی پی می ریزد وهمه انسان ها را در زیر شعار یگانه ودین واحد گرد می آورد.

امام علی (ع) به مالک بن حمزه فرمود: "...در این زمان قائم ما قیام کند وهمه را بر یک مرام وعقیده گرد آورد".

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۶. پاورقی}

امام صادق (ع) فرمود: "فواللّه یا مفضّل! لیرفع عن الملل والأدیان الاختلاف ویکون الدین کلّه للّه"؛ "... به خدا سوگند ای مفضّل! [امام قائم] از میان ملّت ها وآیین ها اختلاف را {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۴. پاورقی}

برمی دارد ویک دین بر همه حاکم می گردد."

آیا در دولت حضرت مهدی علیه السلام جز مسلمان روی زمین باقی نمی ماند؟

پرسش

آیا در دولت حضرت مهدی علیه السلام جز مسلمان روی زمین باقی نمی ماند؟

پاسخ

از برخی روایات استفاده می شود که در عصر دولت حضرت مهدی (ع) جز مسلمان احدی روی زمین باقی نمی ماند.

ابن بکیر می گوید: از حضرت ابوالحسن (ع) تفسیر آیه شریفه {وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّموات وَالأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ} را سؤال کردم، فرمود: "أنزلت فی القائم (ع) إذا خرج فی الیهود والنصاری والصابئین والزنادقه وأهل الردّه والکفّار فی شرق الأرض وغربها، فعرض علیهم الإسلام، فمن أسلم طوعاً أمره بالصلوه والزکوه وما یؤمر به المسلم ویجب للّه علیه، ومن لم یسلم ضرب عنقه حتّی لا یبقی فی المشارق والمغارب أحد إلّا وحّد اللّه"؛ "آیه {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰. پاورقی}

مذکور در شأن قائم نازل شده است، وقتی آن جناب ظاهر شود دین اسلام را بر یهود ونصارا وصابئین وکفار شرق وغرب عرضه می دارد، پس هر کس با میل واختیار اسلام بیاورد او را به نماز وزکات وسایر واجبات امر می کند، وهر کس از قبول اسلام سرباز زند، گردنش را می زند، تا آنکه در شرق وغرب زمین جز موحد وخداپرست کسی باقی نمی ماند...".

ولی با مراجعه به روایات دیگر پی خواهیم برد که یهود ونصارا تا روز قیامت باقی خواهند ماند:

ابوبصیر می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم که صاحب الامر با اهل ذمه، یهود ونصارا چه خواهد کرد؟ فرمود: "... یسالمهم کما سالمهم رسول اللّه (ص)، ویؤدّون الجزیه عن ید وهم صاغرون..."؛ "مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان مصالحه می کند، آنها هم با کمال تواضع {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶ù۳۸۱. پاورقی}

وخواری جزیه می دهند."

امام باقر (ع) فرمود: "صاحب امر، مهدی نامیده شده به جهت آنکه تورات وسایر کتاب های آسمانی را

از غـاری که در انطـاکیه واقع شـده خـارج می کنـد وبین اهـل تورات به تورات واهل انجیل به انجیل واهل زبور به زبور واهل قرآن به قرآن حکم خواهد کرد".

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۵. پاورقی}

از آنجـا که این دسـته روایـات که دلالت بر بقای یهود ونصارا تا روز قیامت دارد با ظاهرآیات قرآن مطابق است، لـذا آن را بر طایفه اول از روایات مقدم می داریم.

خداونـد متعـال می فرمایـد: {وَمِنَ الَّذِینَ قالُوا إِنّا نَصاری أَخَـذْنا مِیثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظّاً مِمّا ذُکِّرُوا بِهِ فَأَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ العَـداوَهَ وَالبَغْضآءَ إِلی یَوْمِ القِیامَهِ}؛ "وما از کسانی که ادعای{پاورقی . سوره مائده، آیه ۱۴. پاورقی}

نصـرانیت داشـتند پیمـان گرفتیم، پس قسـمتی از پنـدهای مـا را فراموش نمودنـد، مـا هم دشـمنی وکینه را تـا قیامت در بینشان انداختیم."

ونیز می فرمایـد: {إِذْ قالَ اللّهُ یا عِیسـی إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَرافِعُکَ إِلَیَّ وَمُطَهِّرُکَ مِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَجاعِلُ الَّذِینَ اتَّبَعُوکَ فَوْقَ الَّذِینَ کَفَرُوا إِلی یَوْمِ القِیامَهِ}؛ "یادآور زمانی را که{پاورقی . سوره آل عمران، آیه ۵۵. پاورقی}

خداوند فرمود: ای عیسـی! همانا من تو را گرفته وبه سوی خویش برآرم واز کفّار دورت نمایم وپیروانت را تا قیامت بالادسـت ومسلط بر کفار گردانم."

از اینآیات وآیات دیگر استفاده می شود که یهود ونصارا تا روز قیامت باقی خواهند ماند، هر چند ممکن است در اقلیت باشند وبدون آنکه صاحب اختیار واقتدار گردند، در پناه دولت اسلامی جان ومال وآبرووناموس آنها محفوظ باشد.

در آیه اخیر دو نکته قابل توجه است:

۱- اینکه مقصـود به "توفّی در آیه اخـذ به قوت و تمـام است نه مرگ آن گونه که علامـه طباطبـایی۲ از اهـل لغت نقل کرده است.

۲- مقصود از متابعین حضرت عیسی (ع) که بر کفار

تفوق داده شده اند کسانی هستند که در زمان آن حضرت و بعد از ایشان در خط توحید بوده و بعد از ظهور اسلام از پیامبر آن یعنی حضرت محمد (ص) پیروی کرده اند.

آیا در زمان حکومت امام زمان(یهودی و مسیحی و غیره هزندگی می کنند؟ و آیا ایشان مأمور به باطن یا مأمور به ظاهرند؟

پرسش

آیا در زمان حکومت امام زمان(یهودی و مسیحی و غیره هم زندگی می کنند؟ و آیا ایشان مأمور به باطن یا مأمور به ظاهرند؟

پاسخ

در پاسخ به سؤال شما دوست عزیز عرض می شود که روایاتی در ارتباط با وجود یهودی در دوران حکومت حضرت مهدی(وارد شده، که در این مجال کوتاه به بررسی برخی از آنها می پردازیم.

در رو.........از پیامبر اکرم(چنین آمده است : "حضرت موسی صندوقچه مقدس را از غاری در ا...و بخشهای تورات را از کوهی در شام بیرون آورده، بوسیله کتاب با یهودیان به استدلال می پردازد، و سرانجام بسیاری از آنها اسلام می آورند." (۱)

صندوقچه مقدس یا تابوت سکینه، همان است که در قرآن کریم(۲) از آن یاد شده است. و مفسران در تفسیر آن گفته اند که این صندوق، که در آن میراث پیامبران (وجود دارد، دلیل و نشانه ای است برای بنی اسرائیل بر اینکه چه کسی شایستگی فرمانروایی دارد. از اینرو فرشتگان آن را آورده، از میان جمعیت بنی اسرائیل عبور داده، آنگاه در پیش روی طالوت قرار می دهند. پس طالوت آن را به داود، و او به سلیمان، و او به وصیّ خود، عاصف بن برخیا تسلیم می کند. و بنی اسرائیل بعد از وصیّ حضرت سلیمان، به علت اینکه از او فرمانبرداری ننموده، دیگری را اطاعت می کنند، آن صندوق را از دست می دهند. (۳)

در روایتی دیگر از پیامبر اکرم(آمده است : "صندوق مقدس از "دریاچه طبریه" به دست وی آشکار می شود. و آن را آورده، در پیشگاه او در بیت المقدس قرار می دهند. و چون

یهودیان آن را مشاهده می کنند، به جز اندکی بقیه ایمان می آورند."(۴)

البته در روایت دیگری گفته شده که تعداد سی هزار یهودی به وی ایمان می آورند، که این رقم نسبت به کل جمعیت آنان اندک است.

حال با ملاحظه روایات فوق، به این نتیجه می رسیم که در زمان حکومت حضرت، بعضی افراد به دین یهود باقی هستند.

و درباره وجود مسیحی در زمان حکومت حضرت مهدی(نیز، روایاتی وجود دارد که دلالت بر این مسأله می کند.

در روایتی چنین آمده است که دنیای کفر با دستاویز قراردادن کیش نصرانیت با امام درگیر می شوند، و به دشمنان امام کمک می رسانند، و به هنگام شکست بدینشان پناه می برند.(۵)

علاوه بر روایات، آیه "و مِنَ الذینَ قالوُا اِنا نَصاری اَخَذْنا میثاقَهُمْ فَنَسَوُا حَظّاً مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ فَاَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ العَداوَةَ وَ البَغْضاءَ اِلی یَومِ القِیامَهِ و سَوْفَ یُنَبِّئُهُمُ اللهُ بِما کانوُا یَصْنَعونَ" (۶) نیز، به این مطلب دلالت دارد. چنانچه در تفسیر آن آمده است که از این آیه چنین استنباط می شود که ممکن است مسیحیت (یا مسیحیت و آئین یهود) بصورت یک اقلیت بسیار ضعیف در جهان، حتی در عصر مهدی(باقی بماند. زیرا می دانیم که در آن عصر نیز آزادی اراده انسانها از بین نمی رود، و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند. اگر چه اکثریت قاطع مردم جهان راه حق را می پیمایند، و به آن می گروند. و مهمتر از همه اینکه حکومت روی زمین، یک حکومت اسلامی خواهد بود.(۷)

همچنین از آیه "اِذ قالَ اللهُ یا عیسی اِنّی مُتَوَفّیکَ و رافِعُکَ اِلیَّ و مُطَهِّرُکَ مِنَ الذینَ کَفَروا و جاعِلُ الذینَ اتَّبَعُوکَ

فَوقَ الذینَ کَفَرُوا اِلی یَومِ القیمهِ" (۸)، استفاده می شود که کفار تا روز قیامت وجود دارند. (۹) و در روایتی نیز آمده است که حضرت از آنها جزیه می گیرند. (۱۰)

و در پایان، در مورد پرسش از مأموریت امام مهدی(که آیا مأمور به ظاهر هستند یا باطن، گفته شده است که از اختصاصات حضرت مهدی(قضاوت اوست، که به علم خود قضاوت می کند. آن حضرت به مقتضی علم امامت و وحی قضاوت می کند؛ مانند داود وسلیمان، و بیّنه نطلبد. (۱۱) در حدیثی در این رابطه آمده است : "چون قائم (قیام کند، خداوند او را علم سیما عطا کند. پس امر می کند بر کافر، پس موهای پیشانی ایشان را می گیرند، و به پاهای ایشان می چسبند. و می کشانند ایشان را به سوی شمشیر، و شمشیر در میان ایشان می نهد." (۱۲)

منابع و مآخذ :

۱. منتخب الاثر،ص۳۰۹

۲. سوره مبارکه بقره/آیه ۲۴۸

۳. عصر ظهور، علی کورانی، ص۷۷و ۷۸

۴. الملاحم و الفتن، ص۵۷

۵. بحارالانوار،ج۵۲،ص۳۴۴

۶. سوره مبارکه مائده/آیه ۱۴؛ ترجمه : "و از کسانیکه ادعای نصرانیت (یاری مسیح) داشتند، (نیز) پیمان گرفتیم. ولی آنها قسمت قابل ملاحظه ای از آنچه به آنان تذکر داده شده بود را بدست قراموشی سپردند. لذا در میان آنها تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم. و خداوند در آینده آنها را از آنچه انجام داده اند، (و نتایج آن) آگاه خواهد ساخت."

۷. تفسیر نمونه، ج۴،ص۳۱۹

۸. سوره مبارکه آل عمران/آیه ۵۵ ؛ ترجمه : "(یاد کن) هنگامی را که خدا گفت : "عیسی، من ترا برگرفته، به سوی خویش بالا می برم. و ترا از (آلایش) کسانیکه

کفر ورزیده اند، پاک می گردانم. و تا روز رستاخیز، کسانی را که از تو پیروی کردند، فوق کسانیکه کافر شده اند، قرار خواهم داد ... " "

۹. بحارالانوار،ج۵۲،ص۳۷۵،روایت ۱۷۵ و...

۱۰. ۶۶۵ پرسش و پاسخ در محضر علامه طباطبائی، حسین رخ شاد، ص۱۱۷

۱۱. مهدی منتظر،حاج شیخ محمد جواد خراسانی، محقق و تعلیق : سید جواد میر شفیعی خوانساری،ص۴۱۴

بحارالانوار،ج۵۲،ص ۳۲۰ / بحارالانوار،ج۲۷،ح۲۶

فرد یهودی که دین یهود دارد اما سرشار از انسانیت می باشد یعنی فردی متعادل و خوب باشد و تنها اشکال آن این است که دین یهود دارد در زمان امام زمان چه برخوردی با او می شود؟ چون شنیده ام که امام زمان با یهودیان جنگ می کند و آنها را از بین می برد.

پرسش

فرد یهودی که دین یهود دارد اما سرشار از انسانیت می باشد یعنی فردی متعادل و خوب باشد و تنها اشکال آن این است که دین یهود دارد در زمان امام زمان چه برخوردی با او می شود؟ چون شنیده ام که امام زمان با یهودیان جنگ می کند و آنها را از بین می برد.

پاسخ

(جهت استفاده)

ظاهر بعضی آیات این است که یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند ماند.

۱- ((و من الذین قالوا انا نصاری اخذنا میثاقهم فنسوا حظا" مما ذکروا به فاغرینا بینهم العداوه والبغضاء الی یوم القیمه...; ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند, ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بینشان انداختیم)), (مائده , آیه ۱۴).

۲- ((اذ قال الله یا عیسی ان متوفیک و... و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمه ...; بیا وقتی که خداوند فرمود ای عیسی همانا من روح تو را قبض نموده و... و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم)), (آل عمران , آیه ۵۵).

۳- ((وقالت الیهود یدالله مغلوله... والقینا بینهم العداه والبغضاء الی یوم القیمه ...; یهود گفتند دست خدا بسته است ... و ما به

کیفر آن قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم))‚ (مائده ‚ آیه ۶۴).

در آیـات فوق دشـمنی و کینه توزی تـا قیامت در بین یهود و نصارا مطرح شـده است و همچنین برتری نصارا بر کفار تا قیامت آمده است و مقتضای ظاهر آیات این است که دین یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند

ماند. از بعضی روایات نیز همین مضمون استفاده می شود. ((عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام ... قلت فما یکون من اهل الذمه عنده قال یسالمهم کما سالمهم رسول الله صلی الله علیه و آله و یوئدون الجزیه عن یدوهم صاغرون ...; ابو بصیر گوید به امام صادق عرض کردم صاحب امر (مهدی علیه السلام) با اهل ذمه - یهود و نصارا - چه می کند فرمود: مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان مصالحه می کند وآنها جزیه می دهند, (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۸۱).

در مقابل این آیات و روایات , احادیثی وجود دارد که دلالت می کند به این که جز دین محمد دینی باقی نمی ماند.

۱- عبدالله بن بکیر از امام موسی بن جعفر(ع) روایت می کند که از حضرت تفسیر آیه ((وله اسلم من فی السموات والارض طوعا" و کرها" و الیه یرجعون)) را سؤال کردم فرمود: ((آیه مذکور در شأن حضرت قائم نازل شده است . وقتی آن حضرت ظاهر شد دین اسلام را بر یهود و نصارا و صائبین و کفار شرق و غرب عرضه می دارد. پس هر کس با میل و اختیار اسلام بیاورد, به نماز و زکات و سایر واجبات امرش می کند و هر کس از قبول اسلام امتناع ورزد گردنش را می زند تا این که در شرق و غرب زمین جز موحد و خداپرست کسی باقی نماند و...)), (بحارالانوار, ج ۵۲, ص ۳۴۰).

۲- جابر از امام باقر(ع) نقل می کند: ((... خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب امر مفتوح می کند آن قدر جنگ می

کند تا این که جز دین محمد دینی باقی نماند)), (همان , ص ۳۹۰).

۳- همچنین امام باقر(ع) در تفسیر آیه شریفه ((لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون)) فرموده است : ((یکون ان لایبقی احد الا اقر بمحمد; به طوری می شود که احدی باقی نمی ماند مگر این که به محمد ایمان بیاورد)), (همان , ص ۳۴۶).

با توجه به آیات و روایات می توان به دو نتیجه رسید:

۱. منظور از ادامه زندگانی یهود و نصارا تا روز قیامت تا دوره آخر الزمان باشد و به جهت نزدیکی ظهور امام زمان(عج) و برپایی قیامت با یک تعبیر از آن یاد شده است چنانچه بسیاری از علایم آخر الزمان با عالم برپایی قیامت یکسان است. بنابراین یهود و نصارا تا آن دوران ادامه پیدا می کنند اما با ظهور امام زمان(عج) و اقتدا حضرت مسیح به ایشان پیروان حق طلب ادیان با حق آشنا می شوند و همه زیر پرچم امام زمان(عج) می آیند و کسانی که حق ستیزند از بین خواهند رفت.

۲. بنا بر دیدگاه دوم یهود و نصارا در دوران حکومت حضرت مهدی (عج) باقی خواهند ماند واز عقاید شرك آلود خود مانند تثلیث دست برمی دارند و تحت حمایت حکومت اسلامی مهدوی به زندگی خود ادامه می دهند و اما دین اسلام دین جهانی و بر تمام دین ها غالب می گردد.

برای آگاهی بیشتر ر.ك : دادگستر جهان , ابراهیم امینی , ص ۳۰۵ - ۳۰۸.

اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می کند با این آیه که ان الدین عنه الله الاسلام آیا مغایرتی ندارد؟

پرسش

اینکه در روایات آمده است که امام زمان (عج) هنگام ظهور، نسبت به یهودیان با تورات و نسبت به مسیحیان با انجیل قضاوت می کند

با این آیه که ان الدین عنه الله الاسلام آیا مغایرتی ندارد؟

پاسخ

اینکه در روایات آمده است مضمون آن چنین است. وقتی قائم اهل بیت علیهم السلام قیام کند، (امکانات را) بطور مساوی تقسیم می نماید و در رعیّت عدالت را بر قرار می سازد، هر کس از وی اطاعت کند از خدا اطاعت نموده و هر کس نافرمانی او را بکند نافرمانی خدا را نموده است، تورات و دیگر کتابهای الهی را از غاری در انطاکیه خارج می سازد و بین یهودیان بر اساس احکام تورات و میان مسیحیان طبق احکام انجیل و بین اهل زبور و برپایه دستورات آن و بین مسلمانان براساس آیات قرآن داوری می کند(۲۲).

ثانیاً: همان طور در پرسش شما بود، این علاوه بر مغایرت داشتن با آیه شریفه با روایات دیگری که تصریح بر ایمان به مردم به دین اسلام را رد نیز مغایرت داده(۲۳)پس منظورمان است که گفته شد یعنی حضرت برای اثبات حقانیت قیام خودشان در برابر ادیان دیگر با کتاب آنها داوری می کنند البته با کتاب تحریف نشده که خود حضرت علیه السلام از مکان آن کتابها اطلاع دارند.

۲۲) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.

۲۳) تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳ رفاعه از امام صادق علیه السلام نقل می کند که امام علیه السلام در مورد این آیه شریفه له شریفه له اسلام من فی الموت و الارض طوعاً و کرها، فرمودند: زمانی که قائم آل محمدعلیه السلام ظهور می کند در زمین کسی باقی نمی ماند الااینکه شهادتین را می گوید را مسلمان می شود.

(اذا قام القائم علیه السلام لایبقی الارض الا نوری فیها بشهاده ان لااله الا اله و ان محمداًرسول الله).

علم و دانش در زمان حضرت

امام صادق(ع) در مورد پیشرفت علم در زمان حضرت مهدی(عج) چه می فرماید؟

پرسش

امام صادق(ع) در مورد پیشرفت علم در زمان حضرت مهدی(عج) چه می فرماید؟

پاسخ

در حدیثی از امام صادق (ع) چنین میخوانیم

«اَلْعِلْمُ سَبْعَهُ وَ عِشْروُن حَرَفاً فَجَميعُ ما جائَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفان، فَلَمْ يَعْرِفِ النّاسُ حَتَّى الْيَوْمَ غَيرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذا قامَ قائِمُنا اَخْرَجَ الْخَمْسَهَ وَ الْعِشْرينَ حَرْفاً؛ فَبَثّها فِى النّاسِ وَ ضَمَّ اِلَيْها الْحَرْفَيْنِ، حَتّى يَبُثَّها سَبْعَهُ وَ عِشرينَ حَرْفاً» (بحارالانوار، ۵۲/۳۳۶.) [علم و دانش بیست و هفت حرف (بیست و هفت شعبه و شاخه) است؛ تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود، و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناختهاند، امّا هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف (بیست و پنج شاخه و شعبه) دیگر را آشکار میسازد و در میان مردم منتشر میسازد و دو حرف را به آن ضمیمه میکند تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر گردد.]

این روایت(۲) از امام صادق«علیه السلام» نقل شده مضمون آن این است که علم ۲۷ حرف است و تمام آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است بنابراین مردم تاکنون بیش از دو حرف از آن ۲۷ حرف را آگاه نشده اند وقتی امام زمان«علیه السلام» ظاهر شود ۲۵ حرف دیگر را هم ظاهر نموده در میان مردم نشر می دهد و در آن زمان مردم اضافه بر آن دو حرف از تمام ۲۷ حرف آگاهی پیدا خواهند کرد و احتمالاً منظور از اینکه علم ۲۷ حرف است علمی است که مردم گنجایش و قابلیّت آن را داشته باشند والاـ می دانیم که پیامبران و امامان از علومی برخوردارند که هرگز فهمهای مردم عادّی گنجایش تحمّل آن را ندارد و احتمالاً منظور این

است که اگر ظرفیت انسانها را از نظر علم و آگاهی ۲۷ حرف بدانیم ۲ حرف آن تاکنون بیشتر نشر نشده و امام زمان ۲۵ حرف دیگر را هم نشر خواهد داد و این بیان نشر علوم و گسترش کثیر علوم را در زمان ظهور ولی عصر«علیه السلام» می رساند که چگونه مردم آن زمان از علم آگاهی گسترده ای برخوردار خواهند شد که علاوه بر ۲ حرفی که تا آن زمان بوده اطّلاع و آگاهی مردم به بیش از ده برابر تمام آگاهیهای تا آن زمان افزایش خواهد یافت و اینکه ۲۷ حرف تعبیر شده احتمالاً از این جهت است که علوم از طریق حروف تعلیم می شود البته الفبای خاصّی در این حدیث مطرح نشده است.

۲) بحارالانوار، مرحوم علّامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۳.

در مورد پیشرفت هایی که در زمان امام زمان (عج) انجام می شود چه نظری دارید؟

پرسش

در مورد پیشرفت هایی که در زمان امام زمان (عج) انجام می شود چه نظری دارید؟

پاسخ

در روایتی از امام صادق(ع) وارد شده است که «دانش ۲۷ حرف است؛ پس تمام آنچه پیامبران با آن مبعوث شده اند، ۲ حرف (از دانش است) و مردم تا امروز تنها ۲ حرف از دانش را دار هستند، اما هنگامی که قائم ما(عج) قیام می کند، ۲۵ حرف دیگر را در میان مردم پراکنده می کند و با آن دو حرف اضافه می نماید تا اینکه دانش به ۲۷ حرف کامل می شود. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶)

ظاهرا معنای این روایت و روایات مشابه این است که عقول و خردهای مردم در این زمان پیشرفت فراوانی می کند. زیرا در این دوره معنویت و تقوا بسط پیدا می کند و موانع علم آموزی و فهم و ادراک صحیح مسدود می گردد و تمامی مردم امکان می یابند با تقوا عامل نگهداریانسان که باعث روشن بینی و فهم و درک بینا می شود به تمامی اسراری علوم نزدیک شوند. چنانچه در روایات حکومت امام زمان(عج) وارد شده است که در آن زمان زنان با قرآن سخن می گویند.

سرنوشت تکنولوژی، علوم و فنون پس از قیام حضرت ولی عصر(عج) چیست؟

پرسش

سرنوشت تکنولوژی، علوم و فنون پس از قیام حضرت ولی عصر(عج) چیست؟

پاسخ

در روایتی از امام صادق(ع) وارد شده است که «دانش ۲۷ حرف است؛ پس تمام آنچه پیامبران با آن مبعوث شده اند، ۲ حرف (از دانش است) و مردم تا امروز تنها ۲ حرف از دانش را دار هستند، اما هنگامی که قائم ما(عج) قیام می کند، ۲۵ حرف دیگر را در میان مردم پراکنده می کند و با آن دو حرف اضافه می نماید تا اینکه دانش به ۲۷ حرف کامل می شود. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶)

ظاهرا معنای این روایت و روایات مشابه این است که عقول و خردهای مردم در این زمان پیشرفت فراوانی می کند. زیرا در این دوره معنویت و تقوا بسط پیدا می کند و موانع علم آموزی و فهم و ادراک صحیح مسدود می گردد و تمامی مردم امکان می یابند با تقوا عامل نگهداریانسان که باعث روشن بینی و فهم و درک بینا می شود به تمامی اسراری علوم نزدیک شوند. چنانچه در روایات حکومت امام زمان(عج) وارد شده است که در آن زمان زنان با قرآن سخن می گویند. بنابراین دوران پس از ظهور حضرت، اوج شکوفایی علوم و فنون و صنعت و تکنولوژی خواهد بود.

رشد تکنولوژی پس از ظهور امام زمان(عج) به چه نحوه خواهد بود؟

پرسش

رشد تکنولوژی پس از ظهور امام زمان(عج) به چه نحوه خواهد بود؟

پاسخ

علم و دانش با تکامل انسان و گذشت زمان همواره سیر تکاملی و صعودی داشته و گردونه دانش بشر هرگز از حرکت و جنبش و ترقی باز نمی ماند. استفاده از تجارب گذشتگان و شکوفائی بیشتر استعدادها، برای بشر راهی جز رشد و حرکت و کمال در جهت علم و آگاهی و دانش باقی نگذاشته است و این از سنت های الهی و قوانین حاکم بر نظام هستی است و مشاهده و تجربه و وجدان همه انسانها بر این مطلب شاهد و گواه می باشد. آنچه مهم است استفاده و بهره وری عاقلانه و منطقی و منطبق بر معیارهای الهی و ارزش های اخلاقی از نعمت آگاهی و علم و دانش است. اگر علم و دانش در خدمت عقلانیت و خردورزی و خدامحوری و اخلاق باشد، ثمره آن بهبود وضع زندگی انسان ها و فراهم شدن زمینه سعادت و تکامل بهتر و سریعتر او می باشد و انسان با آگاهی از رمز و راز طبیعت و اسرار خلقت و مقایسه ناچیز بودن علم و آگاهی اش با رازهای ناگشوده عالم و بی کرانگی علم خداوند در برابر علم و قدرت خداوند و عظمت بی انتهای او بیشتر سر تواضع و خاکساری فرود می آورد و این آگاهی و دانش در خدمت پرورش اخلاق نیک و تهذیب نفس و پرورش انسان های با فضیلت و متعالی می گردد، ولی اگر علم و دانش در خدمت هوا و هوس و سلطه جوئی و قدرت طلبی انسان قرار گیرد، سد راه تکامل و تعالی و ترقی

روحی و معنوی او می گردد و علم و دانشی که باید نور و روشنائی و رهگشا و زمینه ساز رشد و سعادت باشد، برای انسان مایه عذاب و آفت و بلا می گردد و روز به روز بر تکبر و زورگوئی و حق ستیزی و خود محوری او می افزاید.

زمان ظهور امام زمان -عجل الله تعالی فرجه- نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد و نه تنها علم و دانش سیر صعودی و رو به جلو خود را طی می کند بلکه سرعت حرکت گردونه دانش بسیار زیادتر و بیشتر خواهد بود به گونه ای که با قبل از ظهور قابل مقایسه نمی باشد.

در حدیثی از حضرت صادق -علیه السلام- در این باره آمده است: «العلم سبعه و عشرون حرفا، فجمیع ما جائت به الرسل حرفان، فلم یعرف الناس حتی الیوم غیر حرفین، فاذا قام قائمنا -علیه السلام- اخرج الخمسه و العشرین حرفا، فبثها فی الناس و ضم الیها الحرفین، حتی یبثها سبعه و عشرین حرفا» یعنی علم و دانش بیست و هفت حرف دارد، همه علوم و دانشی که پیامبران برای بشر آورده اند دو حرف از آن است و مردم تا امروز جز این دو حرف را نمی دانند، ولی هنگامی که حضرت قائم -علیه السلام- قیام کند، بیست و پنج حرف باقیمانده را ظاهر می سازد و در بین مردم منتشر می سازد و آن دو حرف اول را نیز به آن می افزاید تا بیست و هفت حرف گردد.(سفینه البحار، ج۲، ص۲۲۷، ماده «علم»)

مفاد این حدیث شریف کنایه از این است که علم و دانش در زمان ظهور آن ولی

خدا به اوج قله خود می رسد و همه اسرار و علوم بر بشر به برکت وجود آن سرور گشوده می گردد و انسان ها چنان به اوج علم و آگاهی می رسند که تا آن زمان در بین انسان ها بی سابقه و بی نظیر بوده است.

ولی نکته مهم این است که چون در آن زمان با هدایت و ارشاد و ولایت، آن انسان کامل و آرزوی همه دل های مشتاق بشر به نهایت نیروی عقلانی و قوه خرد ورزی می رسد، چنانچه رواياتی بر این مطلب دلالت دارد، لذا علم و دانش و فن آوری و صنعت و اختراعات، در خدمت عقلانیت و نیروی خرد آنها قرار می گیرد و زمینه سعادت واقعی و بهره وری شایسته از علم و دانش فراهم می گردد و دانش و پیشرفت علمی به جای آن که اسیر دست نیروی شهوت و غضب و رذایل نفسانی انسان باشد تحت فرمان عقل و منطق قرار می گیرد و جایگاه مناسب و در خور خود را می یابد.

در روایتی از حضرت باقر –علیه السلام– می خوانیم: «اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رئوس العباد، فجمع بها عقولهم و کملت احلامهم» یعنی هنگام قیام و ظهور حضرت مهدی –علیه السلام– خداوند، دست لطف و عنایتش را بر سر مردم می کشد و در نتیجه عقل های پراکنده آنها جمع و متحد شده و خرد آنها کامل می گردد.(الشموس المضیئه، علی سعادت پرور، ص۱۷۶، ح۱۹)

برای مطالعه بیشتر ر.ک:

۱. مهدی موعود(عج) ، ترجمه ج ۵۲ بحار الانوار، علی دوانی

۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی

۳. عصر ظهور، علی کورانی

۴. منتخب الاثر، آیت الله

صافی گلپایگانی

آیا امام زمان به مردم علم مطلق را یاد می دهد و مردم بی نهایت را متوجه می شوند و یا باز هم مجهولاتی باقی می ماند.

پرسش

آیا امام زمان به مردم علم مطلق را یاد می دهد و مردم بی نهایت را متوجه می شوند و یا باز هم مجهولاتی باقی می ماند.

پاسخ

نخست باید دانست که علم از مقولات تشکیکی است و شدت و ضعف دارد و علم مطلق فقط از آن خداست و همه انسانها و حتی پیامبر اسلام که اشرف مخلوقات است به درگاه خداوند عرضه می دارد «رب زدنی علما؛ پروردگارا علم مرا فزونی بخش» (طه، آیه ۱۱۴).

اما آنچه حتمی است رشد علمی انسانها در زمان ظهور بسیار خواهد بود.

نکته دوم این که متعلق علم و آگاهی متفاوت است و رشته های فراوانی را شامل می شود آنچه حتمی است در زمان ظهور نسبت به حقانیت دین و قدرت حاکمه خداوند همه به یقین می رسند.

برای توضیح بیشتر توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنیم:

۱. از مجموع روایاتی که رویدادهای پس از ظهور حضرت مهدی(عج) را ذکر کرده اند، معلوم می شود که دنیای بشریت در آن هنگام، در همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دست خوش دگرگونی های جدی قرار می گیرد، به گونه ای است که در زمینه های مزبور، دنیای مادی با ظرفیت های فوق العاده ای به بار می نشیند.

۲. بی تردید، نمایان شدن حقایق عالم همچون آگاهی از رمز و رازهای طبیعت، شناخت حق و باطل، پی بردن به اسرار آفرینش و... از جمله دگرگونی های یاد شده خواهد بود در این باره به چند روایت اشاره می شود:

الف) امام محمد باقر(ع) فرمود: «اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به

احلامهم؛ زمانی که حضرت مهدی(عج) قیام می کند، خداوند دست خود را بر سر بندگان قرار می دهد، در نتیجه عقل هایشان فزونی می گیرد و بردباریشان کامل می شود» (معجم احادیث الامام المهدی، ج۳، ص ۳۲۵).

ب) امام صادق(ع) می فرماید: «اذا قام قائمنا اشرقت الارض بنور ربها واستغنی العباد عن ضوء الشمس و ذهبت الظلمه؛ هنگامی که قائم ما قیام می کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان از نور آفتاب بی نیاز شده، ظلمت برطرف می گردد» (ارشاد مفید، به نقل از آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۴۵).

۳. با توجه به احادیث مزبور و روایات مشابه آن، پیدایش دگرگونی علمی در مردم عصر ظهور، امری قطعی است؛ ولی در این باره که آیا میزان دگرگونی مزبور تا بدانجاست که دیگر هیچ مجهولی برای کسی باقی نماند، سخن به میان نیاورده اند.

۴. از برخی آیات قرآن، فهمیده می شود که دست یابی به حقایق اعمال مربوط به روز قیامت است: «و اشرقت الارض بنور ربها و وضع الکتاب...؛ [در روز قیامت] زمین به نور پروردگارش روشن می شود و نامه های اعمال را پیش می نهند...».

مرحوم علامه طباطبایی می فرمایند: مراد از روشن شدن زمین به نور پروردگار که از ویژگی های روز قیامت است، کنار رفتن پرده ها و حجاب ها و نمایان شدن حقایق اشیاء و اعمال آدمیان، از خیر و شر اطاعت و نافرمانی و حق و باطل می باشد. آنگاه در تأیید این معنا به آیه ۲۲ سوره مبارکه «ق» استناد می فرمایند: «لقد کنت فی غفله من هذا فکشفنا عنک

غطائک فبصرک الیوم حدید؛ تو از این موضوع غافل بودی، ما از کنار چشمانت، پرده را کنار زدیم و امروز چشمت به خوبی می بیند».

منابع فقه عبارتند از کتاب، سنت، عقل و اجماع نقش امام زمان (عج) در تبیین احکام فقهی چیست؟ در دوره ایشان منابع فوق دگرگونی ای هم دارند؟

پرسش

منابع فقه عبارتند از کتاب، سنت، عقل و اجماع نقش امام زمان (عج) در تبیین احکام فقهی چیست؟ در دوره ایشان منابع فوق دگرگونی ای هم دارند؟

پاسخ

می دانیم هنگام ظهور و استقرار حکومت عالم گیر امام مهدی(عج) علوم متکامل می شود(۱. امام صادق(ع): «علم ۲۷ حرف است، تمام آن چه پیامبران آورده اند دو حرف جزء است ... هنگامی که قائم بپا خیزد، ۲۵ حرف به آن می افزاید و میان مردم آن را رواج می دهد.»(علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶) عقل های مردم کامل و اخلاقشان رشد پیدا خواهد کرد.(امام باقر(ع): «هنگامی که قائم ما بپاخیزد خدا دستش را بر سر بندگان قرار می دهد پس عقل های آنان جمع و اخلاقشان کامل می شود.»(همان)) به عبارتی آن مقدار که بشر امکان بروز استعدادهای عقلانی خود را وارد در آن زمان به مرحله فعلیت و بروز می رسد. از این رو اجتهاد و تفقه در دین در آن زمان رشد و پویایی بی نظیری پیدا خواهد کرد. نیازهای بشر که در قانون گذاری الهی دخیل است، با پیشرفت جامعه دگرگونی های چشمگیری پیدا می کند. پس با ظهور و بروز امام مهدی(عج) فهم مجتهدان از کتاب و سنت حقیقی خواهد بود. زیرا در دوران غیبت با تمسک به اصول در جاهایی که دلیل نقلی و صریح وجود ندارد، احکام بدست می آید و احکام، واقعیه نیستند بلکه ظاهریه اند یعنی تنها منجزیت دارند.(یعنی کشف تام و حقیقی از احکام واقعی وجود ندارد، بلکه تنها مکلّفان در مقام امتثال، معذریت و منجزیت دارند که به تکلیف طبق منابع موجود و اصول عمل کرده اند و مستحق عقاب و عذاب نخواهند بود.) اما با آمدن امام و

ظهور ایشان در جامعه، امکان دستیابی به احکام واقعیه پیدا می شود. از این رو از امام تأویل به «ماءٍ معین؛ آب گوارا»(در احادیث ذیل آیه شریفه «إن أصبح ماءُکم غوراً فمن یأتکم بماءٍ معین»، ماء معین همان امام عصر(عج) دانسته شده است.) شده است. علی القاعده اجماع که کاشف از قول معصوم(ع) است با آمدن معصوم(ع) و وجود او کاربردی نخواهد داشت، عقل هم با تکامل و رشدی که پیدا خواهد کرد امکان کامل دستیابی به ملاکات واقعی احکام را پیدا خواهد کرد. چه این که از ویژگی های برجسته حکومت امام عصر(عج) حکم به واقع(امام صادق(ع): «هنگامی که قائم خاندان محمد بپا خیزد، میان مردم به مانند حکم داود، حکم می کند حکم به واقع و نیازی به شاهد و بیّنه ندارد.»(علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۴)) و زدودن پیرایه ها از چهره دین است.(امام صادق(ع): «هنگامی که قائم ما بپا خیزد، مردم را مجدداً به اسلام دعوت می کند و به امری رهنمون می شود که مردم از آن منحرف شده اند.»(همان، ج ۵۱، ص ۳۰))

در عصر ظهور، رشد عقلی وتکامل علمی انسان چگونه است؟

پرسش

در عصر ظهور، رشد عقلی وتکامل علمی انسان چگونه است؟

پاسخ

نقش اصلی دعوت پیامبران در گسترش دانایی وآموزش وتجربه وتعلیم است وایمان از شاخه های دانایی وشناخت به شمار می رود. پیامبران به انسان ها راه ورسم زندگی، هدف ونتیجه آن را می آموختند.

از سوی دیگر چون هدف از خلقت انسان، رشد وتکامل معرفت وشناخت اوست باید روزی این هدف تحقق یابد وروزگار دانش های راستین وپیروزی خرد بر مجهولات فرا رسد. از این رو در دوران ظهور که روزگار تحقق همه آرمان های انسانی والهی است، شناخت انسان به تکامل نهایی می رسد، ودر ابعاد گوناگون دانایی، از جهان شناسی، انسان شناسی وخداشناسی، عروج لازم را می یابد.

در دوران امام زمان (ع)، همه مسائل بشری به هدف اصلی ومرز نهایی می رسد، وبشریّت در تلاش اعصار وقرون خویش به محضر استاد ومعلمی راه می یابد که نکته ای از دید ژرف نگر وحقیقت بین او پوشیده نیست وهدف او پرده برداری از حقایق ومجهولات است وتا سرحد امکان وتوان انسان ها، آنان را به اوج تکامل علمی می رساند. این موضوع از مهم ترین برنامه ها واقدام های حضرت مهدی (ع) است. واز این رهگذر دو محور اساسی تحقق می پذیرد:

۱ – با گسترش شناخت وکشف اسرار کائنات، پایه های خداشناسی استوار می گردد.

۲ – گسترش شناخت ودانایی، تشکیل جامعه انسانی وبسامان ومرفّه را ممکن می سازد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "...تاسعهم قائمهم الـذی یملأ اللّه عزّوجلّ به الأرض نوراً بعـد ظلمتها، وعـدلاً بعـد جورها، وعلماً بعد جهلها..."؛ "نهمین از آنان قائم است که خداوند به دست او {پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۰. پاورقی}

سرزمین تاریک [زنـدگی] را نورانی وروشن می کنـد، واز عـدل می آکنـد، پس از [دوران] ظلم، وعلم ودانایی را فراگیر می سازد پس از [دوران] جهل ونادانی...".

امام باقر

(ع) فرمود: "إذا قام قآئمنا وضع يده علي رؤوس العباد فجمع به عقولهم وأكمل به احلامهم"؛ "قائم ما به هنگام رستاخيز خويش نيروهاى عقلانى توده ها را تمركز دهد{پاورقى . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶. پاورقى}

وخردها ودريافت هاى خلق را به كمال رساند."

می گویند که در زمان ظهور امام زمان چیزهای زیادی می باشند که تکامل می یابند از جمله علم به حد اعلای خودش می رسد و بعضی ها می گویند که و همچنین در کتابها نوشــته شده که امام زمان با شمشیر قیام می کند، سؤال من این است که با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاحهای مد

پرسش

می گویند که در زمان ظهور امام زمان چیزهای زیادی می باشند که تکامل می یابند از جمله علم به حد اعلای خودش می رسد و بعضی ها می گویند که و همچنین در کتابها نوشته شده که امام زمان با شمشیر قیام می کند، سؤال من این است که با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاحهای مدرن آیا جنگ امام زمان باز هم با سلاحهای سرد خواهد بود؟

پاسخ

در این راستا نکاتی است که باید در نظر گرفت:

۱) كلمه «سيف» كه در روايات آمده، كنايه از مطلق سلاح مى باشد. چنان كه در بسيارى موارد چنين كاربردى دارد.

۲) آنچه مسلم است سلاح هاى موجود دنيا به گونه اى است كه نابود كننده هر كسى است كه در برد مؤثر آن باشد در حالى كه سلاح امام زمان «عج» و يارانش تنها انسان هاى تبهكار و فاسد و بى ايمان را از بين مى برد و خوبان از گزند آن در امانند. اما اين كه اين ويژگى چگونه به دست مى آيد بر ما پوشيده است مى توان احتمال داد كه آن حضرت به سلاح فوق مدرنى دست مى يابند كه چنين كاربردى دارد و سلاح هاى ديگران در برابر آن ناتوان است و كارايى چندانى ندارد و نيز ممكن است سلاح جديدى توسط آن حضرت به كار گرفته نشود و با سلاح هايى ابتدايى به نبرد برخيزند و اراده الهى بر از كار افتادن ديگر سلاح ها تعلق گيرد.

سؤالاتى كه درباره ابزار دفاعى آن حضرت قابل طرح است عبارتند از:

۱- آيا ابزار دفاعى آن حضرت سلاح سردى چون شمشير خواهد بود يا نه ؟

۲- مفاد روايات اسلامى كدام نظريه را تأييد مى

کند؟

۳- آیا تکامل صنعتی و ماشینی در آن روزگار از بین خواهد رفت یا نه ؟

می گوییم برای یافتن پاسخ این سؤالات هم از منابع حدیث و هم از دلایل عقلی می توان کمک گرفت اما به نظر عقل : هیچ دلیلی وجود ندارد که با جهش جامعه انسانی به سوی حق و عدالت ترقی جامعه متوقف گردد. افزون بر آن یکی از پایه های استقرار حکومت واحد جهانی به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست . پس بعید نیست بگوییم همان گونه که قلم کنایه از علم و فرهنگ است.

شمشیر هم کنایه از قدرت و نیروی نظامی می باشد. از همین جا می توانیم به این سخن اعتراف کنیم که نمی توانیم نوع این سلاح را نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم . همین اندازه اجمالاً می توانیم بگوییم یک سلاح برتر خواهد بود. هم چنان که می دانیم آن سلاح سلاحی نیست که گناهکار و بی گناه را با هم نابود کند. و اما به نظر احادیث : احادیثی که نقل شده , به نوبه خود هر کدام تکامل علوم را در ابعادی مختلف برای انسان گوشزد می کنند. از باب نمونه در کتاب منتخب الاثر عناوین ذیل را مشاهده می کنیم که همگی بر پیشرفت و رشد علوم آن روزگار دلالت می کنند:

۱- باب سوم در این که زمین , کنوز و معادن خود را اظهار می کند. در این باره ده حدیث است . از باب نمونه : موسی بن جعفر(ع) فرمود:

برای آن حضرت گنجینه های زمین ظاهر می شود و هر امر دوری، برای ایشان نزدیک می گردد.

۲- باب چهارم : در این که برکات سماوی و ارضی و غیر این دو ظاهر می شوند و در آن ۱۲ حدیث است . از باب مثال : پیامبر(ص) فرمود: در زمان آخر امتم مهدی خروج می کند و حال آن که باران او را سیراب و زمین نباتاتش را بر وی عرضه می کند.

۳- باب یازدهم در این که زمین در دولت وی عمران می یابد. در این زمینه ۵ حدیث وارد شده است . از آن جمله : حضرت فرمود: روی زمین خرابی باقی نمی ماند مگر این که مهدی آن را آباد می کند.

۴- باب دوازدهم در این که امور در عصر ایشان تسهیل پیدا کرده و عقول مردم هم تکامل پیدا می کند و در آن ۷ حدیث نقل شده است .

از باب نمونه امام صادق (ع) فرمود: در زمان قائم آل محمد(ص) مؤمنی که در مشرق است برادر خود را که در مغرب است می بیند. همین طور مؤمنی که در مغرب است برادر خود را که در مشرق است , مشاهده می کند.

وضعیت مردم در زمان حکومت حضرت

با ظهور امام زمان ۷جهان پر از عدل و داد می شود. آیا در این دوره کسی مرتکب افعال قبیح و یا گناه می شود؟ امنیت , آرامش و راحتی انسان ها در زمان حکومت امام زمان ۷و عدم امنیت و سختی و مشقت انسان هایی که قبل از زمان ظهور حضرت زندگی می کنند, چگونه قابل توجیه اس

پرسش

با ظهور امام زمان ۷جهان پر از عدل و داد می شود. آیا در این دوره کسی مرتکب افعال قبیح و یا گناه می شود؟ امنیت , آرامش و راحتی انسان ها در زمان حکومت امام زمان ۷و عدم امنیت و سختی و مشقت انسان هایی که قبل از زمان ظهور حضرت زندگی می کنند, چگونه قابل توجیه است ؟

پاسخ

برادر گرامی ! از این که با ما مکاتبه نمودید سپاسگزاریم . امام زمان ۷با ظهور خود جهان را پر ازعدل و داد می کند و جامعه ای متعالی و آرمانی را بنیان م یگذارد. جامعهء آرمانی و مدینهء فاضله ای که حضرت ایجادمی نماید, از ویژ گی های زیر برخوردار است :

۱ حاکمیت فراگیر و جهانی دین خدا: ادارهء جامعهء بشری با سیاست و برنامهء دین خدا صورت می گیرد. در عصرظهور حضرت حجت ۷آرمان والای تشکیل جامعهء بزرگ بشری و خانوادهء انسانی تحقق می پذیرد و آرزوی دیرینهء همهء

پیامبران و امانان و مصلحان برآورده می شود.()

(پاورقی ۳.محمد حکیمی , عصر زندگی و چگونگی آیندهء انسان و اسلام , ص ۱۶۱

۲ مـدینه عدل : هیچ ویژگی به اندازهء در حکومت امام زمان ۷روشـنی و جلوه ندارد. آن قدرکه در روایات بر ویژگی عدالت گستری امام تأکید شده , بر سایر مسایل چنین الصـرار و ابرامی نرفته است و این ,نشان از برجستگی این مهم در مدینهء فاضلهء اسلامی در عصر ظهور حضرت دارد.

۳ مـدینهء رفاه و آسایش : مـدینهء فاضـلهء اسـلامی , مـدینهء رفاه و آسایش همگانی است . در این جامعهء آرمانی , سـخن از کثرت مال , وفور نعمت ها, بارانهای پی

در پی , سبکباری و رهایی از بارهای سنگین زندگی , آسودگی از رنج طلب و نیافتن , سخن از ادای قرض تمام بدهکاران و ادای دَین تمام مقروضان است . سخن از عمران و آبادی تمامی عرصه ءجهان است , به گونه ای که چون حضرت مهدی ۷قیام کند, همه خرابی ها آباد می شود.()

(پاورقی ۱.مجله حوزه , شماره ۷۰ ۷۱ ص ۱۷۴

۴ مدینهء امن و سلام : وعدهء خداوند مبنی بر این که وحشت و خوفِ مؤمنان را به امنیت و سلام تبدیل می کند, درزمان ظهور حضرت معنا و مصداق کامل می یابد و انسان ها در آن موعد شریف است که می توانند با قلبی آسوده , سربر بالین آرامش بگذارند و زندگی دنیا را دور از خطرهای دلهره آمیز ببینند.()

(پاورقی ۲.همان , ص ۱۷۵

۵ حکومت مستضعفان : تشکیل دولت مستضعفان و تحقق بخشیدن به آرمان والای حکومت مستضعفان , ازبرنامه های اصلی و اقدام های اساسی و تردید ناپذیر امام موعود۷است . در جامعه و نظامی که امام زمان ۷بنیان می نهد, زمام همهء امور در دست طبقات محروم است و مستضعفان به ادارهء جامعه می پردازند.

تشکیل جامعهء آرمانی با ویژگی هایی که بر شمردیم , به این معنا نیست که در عصر ظهور حضرت , کسی مرتکب گناه و معصیت نمی شود, بلکه در آن دوران نیز افرادی به مخالفت با حضرت می پردازند. از این رو زندگی در آن عصربه معنای صالح بودن همهء انسان ها نیست . حضرت مهدی ۷به اصلاح جامعهء بشری می پردازد و حکومت صالحان را برقرار می کند. انسان های مؤمن که دل

به خدا سپرده اند, از امنیت و آرامش بهره مند هستند; عاشق حق و عدالت هستند و در هر عصری بر اساس تکلیفی که دارند, انجام وظیفه می کنند و اوامر الهی را انجام می دهند و نواهی را ترک می کنند. شکل گیری جامعهء امن در عصر ظهور حضرت مهدی ۷به این معنا نیست که انسان ها تکلیفی ندارند, بلکه در آن عصر نیز انسان های حق مدار و مؤمن حضرت همراه می شوند. شایان ذکر است انسان های مؤمن و خداجو که منتظران واقعی حضرت هستند, همیشه دعا می کنند از همراهان و یاران حضرت می باشند. کسی که توفیق پیدا کند وجامعهء اَمن زمان ظهور حضرت را درک کند, انسان سعادتمندی است .

در هر عصر و زمانی , انسان مکلف به وظایف شرعی است کهبر عهدهء او است , و این راز و رمز سعادت ورستگاری انسان است , خواه در عصر غیبت باشد, خواه عصر ظهور حضرت را درک کند.()

(پاورقی ۳.همان , محمد حکیمی , عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام .

هنگامی که امام زمان(ع) ظاهر شوند، باز مردم گناه خواهند کرد؟

پرسش

هنگامی که امام زمان(ع) ظاهر شوند، باز مردم گناه خواهند کرد؟

پاسخ

طبق مفاد آیات وروایت، عصر ظهور، عصر شکوفایی، عدالت اجتماعی و برقراری صلح و سازندگی و تکاملعلم و دین و امنیت و آرامش مردم وجامعه است. قرآن می فرماید: "ما اراده کردیم بر آنانکه در زمین استضعاف و خوار شدند، منّت گذاریم و آنان را پیشوای مردم و وارث زمین و ملك و جاه گردانیم".(۱)

رسول گرامی اسلام(ص)فرمود: "اگر از روزگار مگر یك روز باقی نماند خداوند مردی از اهل بین مرا بر می انگیزد که زمین را از عدل پر کند، چنان که از ستم پر شده باشد".(۲)

اما این که آیا در آن عصر کسی گناه می کند، پاسخ سؤال روشن است که تا انسان در دنیا وجود دارد، به سبب وجود شیطان و نفس اماره نمی تواند از گناه دوری کند؛ اگر چه می تواند با نفس اماره و شیطان مبارزه بکند، ما بشر همواره با فتنه و معصیت روبرو است. بعد از وقوع قیامت و حضور مؤمن در بهشت، گناهی سر نمی زند و ظلم و بدی دیده نمی شود.

البته این لطف و منت بزرگ را خداوند بر بشر قرار داده است که روزی در دنیا شاهد آبادانی و حاکمیت عدل به دست صاحب العصر و الزمان باشد واین حقیقت را باید پذیرفت. به دلیل حضور مستقیم حضرت حجت میان مردم، جامعه و جوّ عمومی متأثر شده و عدل و دادش تمام زمین را فرا می گیرد و مردم با یکدیگر مهربان شده، با صدق و صفا زندگی می کنند.

امنیت عمومی همه جا را فرا می گیرد و کسی در صدد اذیت و آزار دیگری نخواهد بود. وضع اقتصادی مردم خوب

شـده، به گونه ای که مسـتحق زکات یافت نمی شود، باران های نافع و سودمنـد پی در پی می بارد، تمام زمین سبز و خرم می شود؛ توجه مردم به خدا زیاد شده و دور گناهان نمی گردند. این ها نوید ظهور و حضور امام مهدی(عج) است.

چون ثواب یـا گنـاه دائر مـدار انتخاب و اختیار است و این خمیره در جوهره انسان ها وجود دارد، پس تا زمانی که بشـر وجود دارد، حُسن یـا سوء اختیـار با او همراه است و تا زمانی که دنیا وجود دارد، انسان جزئی از موجودات آن است و با اختیار خود زندگی می کند. وجود مقدس حضـرت اگر چه باعث ایجاد مدینه فاضـله خواهد شد و بی عدالتی که بزرگ ترین ظلم است، برچیده می شود. اما مردم در کردار خود به اقتضای اختیاری که دارند، یا راه ثواب می برند و یا خطا کار شده و جزء دشـمنان دین و حضرت قرار می گیرند.

پی نوشت ها:

۱ – قصص (۳۸)، آیه ۵.

۲ – منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱، ج ۴، ص ۱۴۲.

در زمان حکومت حضرت مهدی(ع)زندگی مردم چگونه است؟

پرسش

در زمان حکومت حضرت مهدی(ع)زندگی مردم چگونه است؟

پاسخ

از احادیث اسـتفاده می شود: وقتی مهدی موعود(ع) ظاهر شد و در جنگ پیروز گشت و بر شـرق و غرب جهات تسـلط یافت، تمام زمین به وسـیله یک حکومت جهانی اسلامی اداره می شود، برای تمام بلاد و استان ها، استان داران لایقی را با برنامه کار و دسـتورهای لازم گسـیل می داد. به واسـطه کوشش و جدیت آنان، تمام زمین آباد و معمور می گردد. حضرت از دور، تمام حوادث و جریانـات کشور پهنـاور را زیر نظر دارد و تمـام نقـاط زمینماننـد کف دسـتی می گردد. اصـحاب و یـارانش نیز از فاصـله های دور وی را مشاهـده می نماینـد و با او تکلم می کنند. عدل و دادش تمام زمین را فرا می گیرد. مردم با هم مهربان شـده، با صـدق و صـفا زنـدگی می کننـد. امنیت عمومی همه جا را فرا می گیرد و کسـی در صـدد آزار دیگری نیست. وضـع اقتصادی مردم بسیار خوب می شود، به طوری که مستحق زکات پیدا نمی شود. باران های نافع پی در پی می بارد. تمام زمین سبز و خرم می گردد. برکـات و محصولات زمین و توجه مردم به خـدا زیاد می گردد. در امور راه سازی برنامه های جالبی را به مرحله اجرا می گذارنـد. در امر راه سازی به قـدری جـدیت می نماینـد که حتی مساجدی را که سـر راه ساخته شده، خراب می کننـد. برای خیابان ها پیاده رو احـداث می نمایند. به پیاده ها دسـتور می دهند از پیاده رو عبور کنند و به سواره ها امر می کننـد در خیابان شـرکت کننـد. تمام پنجره هایی را که به کوچه باز شـده، مسدود می سازد. ازآمدن ناودان در کوچه مانع می

شوند. پیش آمدگی ساختمانی را خراب می کند در عصر مهدی(ع)

عقول مردم کامل می گردد و سطح معلومات عمومی بالا می رود. ایمان مردم کامل می گردد و کینه از دلشان بیرون می رود. (۱)

پی نوشت ها:

۱ - ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۳۱۹.

بهره مردم دوره ظهور از اجتهاد چگونه و به چه میزان است؟ آیا صـحیح است بگوییم با توجه به تکمیل عقول و تهذیب نفوس، مردم و یا برخی از آن ها بهره ای از احکام واقعی می برند و بدون نیاز به امام معصوم(ع) به اطعام دسترسی پیدا می کنند؟

پرسش

بهره مردم دوره ظهور از اجتهاد چگونه و به چه میزان است؟ آیا صحیح است بگوییم با توجه به تکمیل عقول و تهذیب نفوس، مردم و یا برخی از آن ها بهره ای از احکام واقعی می برند و بدون نیاز به امام معصوم(ع) به اطعام دسترسی پیدا می کنند؟

پاسخ

مقصود از اجتهاد چیست؟ اگر اجتهاد به معنای اصطلاح آن می باشد که عبارت است از استنباط احکام از منابع مشخص که مقلدان از مجتهدان تقلید کنند، اجتهاد بدین معنا در عصر ظهور امام زمان(ع) وجود ندارد و مردم عملاً از آن بهره نمی برند، زیرا اجتهاد بدین معنا، قرار گرفتن در برابر نص است. در عصر حضور، ائمه(ع) عهده دار بیان احکام الهی بوده و به احکام واقعی دسترسی داشته و از ظنّیات و گمان بهره نمی گیرند، بلکه هر چه را که بیان می کنند و احکامی را که صادر می کنند، نصّ بوده و نیاز به اجتهاد ندارد و معصومان به بیان احکام واقعی می پردازند و اجتهاد اصطلاحی نیست.

در عصر پیامبر و ائمه(ع) دیگر نیز اجتهاد اصطلاحی وجود نداشته است.

در عصر امام زمان(ع) به دلیل حضور امام معصوم(ع) اجتهاد اصطلاحی وجود ندارد، که فقیهان به اجتهاد و استنباط احکام پرداخته و دیگران از آن ها تقلید کنند. به دلیل حضور امام معصوم و بیان احکام واقعی توسط حضرت، عملاً مردم احکام واقعی را از امام یاد گرفته و بدان عمل می کنند.

رشد عقلی و تهذیب نفس مردم موجب نمی شود که مردم احکام را از امام زمان(ع) یاد نگیرند، زیرا بیان احکام الهی که ریشه در قرآن و سنت دارد، باید

توسط امام تفسیر و تبیین گردد و امام زمان(ع) همان گونه که رهبری سیاسی مردم را بر عهده دارد، رهبری دینی مردم را نیز عهده دار است؛ یعنی حضرت احکام را بیان می کند.

از سوی دیگر در عصر امام(ع) حضرت احکام الهی را آن گونه پیاده می کنند که گویا دین جدید ظهور نموده است.[۳۳] معنای دین جدید آن نیست که حضرت مکتب و آیین جدید را ارائه می دهد، بلکه حضرت با بدعت ها و انحراف ها مبارزه نموده و به گسترش دین می پردازد. طبیعی است معرفی دین واقعی نیاز دارد که امام زمان(ع) به بیان احکام بپردازد و احکام را تبیین کند.

اگر اجتهاد بدان معنا باشد که مردم سعی کنند رشد فکری خویش را بالا برده و از آیات و سنت بیشتر و بهتر بهره وری نمایند، و در جایی که نص نیست و دسترسی به امام نداشته باشند، اجتهاد بدین معنا در زمان امام زمان(ع) نیز وجود دارد؛ چنان که د رعصر پیامبر(ص) و دیگر ائمه نیز وجود داشت و معصومان(ع) به دیگران می آموختند که در صدد بهره گیری از آیات و سنت باشد. بر همین اساس امام صادق(ع) فرمود : "إنّما علینا إن نلقی إلیکم الاصول و علیکم أن تفرعوا".[۳۴]

امام هشتم (ع) نیز فرمود: "علینا إلقاء الاصول و علیکم التفریع".[۳۵] از این دو روایت استفاده می شود که هم در زمان حضور و هم در زمان غیبت می توان از آیات و روایات بهره گیری نمود و به تبیین احکام پرداخت.

در زمان حضور معصومان(ع) به دلیل گستردگی قلمرو حکومت اسلامی و فراوانی شهر ها، ائمه(ع) نمی توانستند به تنهایی

به بیان احکام الهی بپردازند، از این رو نمایندگانی را انتخاب می کردند که در شهر هاک به بیان احکام پرداخته و فتوا دهند. هر گاه آن ها با مشکلات علمی برخورد می کردند، از ائمه می پرسیدند.

البته نمایندگان ائمه توان علمی خوبی داشته و قدرت بهره گیری احکام را از کتاب و سنت داشتند، از این رو امام علی(ع) هنگامی که قثم بن عباس را به عنوان فرماندار مکه برگزید به او فرمود :"افت المستفتی و علّم الجاهل؛[۳۶] استفتا کننده را فتوا ده و جاهل را یاد ده".

امام صادق(ع) به ابان بن ثغلب فرمود: "در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا ده، زیرا دوست دارم مثل تو میان شیعیانم دیده شود".[۳۷]

[۳۳] نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۱.

[۳۴] وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۰ و ۴۱.

[۳۵] همان، ص ۴۱۷.

[۳۶] اسدالغابه، ج ۴، ص ۱۹۷.

[۳۷] جامع الراوه، ج ۱، ص ۹.

درحدیث است وقت ظهور، امام زمان"عج" دست بر سر بندگان خدا می کشد و عقولشان کامل می شود. آیا ایمانشان نیز کامل می شود؟ آیا تمام رذائل اخلاقی آنان از بین می رود؟ آیا مؤمنان از هوای نفس به طور مطلق رها می شوند؟ آیا به تکامل می رسند و مؤمنان از نمونه بندگان خاص

پرسش

درحدیث است وقت ظهور، امام زمان"عج" دست بر سر بندگان خدا می کشد و عقولشان کامل می شود. آیا ایمانشان نیز کامل می شود؟ آیا تمام رذائل اخلاقی آنان از بین می رود؟ آیا مؤمنان از هوای نفس به طور مطلق رها می شوند؟ آیا به تکامل می رسند و مؤمنان از نمونه بندگان خاص می شوند؟ وجود حضرت باعث سیر الی الله مؤمنان می شود و در سلوک موفق می شوند؟

پاسخ

در روایات آمده است که در وقت ظهور، برکات خداوندی به بشر ارزانی داشته و دست رحمت ایزدی بر عقل های مردم کشیده می شود و مردم از نظر عقل و بصیرت در وضع مطلوب و بی مانندی قرار می گیرند.

{P . لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۰۷.

طبیعی است که از این جهت ایمان مردم در وضع مطلوبی قرار می گیرد و رذایل اخلاقی مردم کاسته می شود چون هر چه آگاهی انسان از حقیقت عالم و زندگی و حقیقت رذایل و فضایل بیشتر شود آن مفاهیم آشکارتر شود، طبعاً انسان های بهتر در آن مسیر گام بر می دارند، بنابر این مؤمنان به جای دنباله روی از هواهای نفسانی به خِرَدورزی رو می آورند، و نسبت به گذشتگان، بیش تر در سیر تکاملی قرار می گیرند و جزء بندگان خاص می شوندو به برکت هدایت مهدوی به سیر و سلوک می پردازند.

امّا می بایست توجه داشت که این سخن را نباید به معنای مطلق آن و برای تک تک انسان ها اراده نمود، چرا که تکامل مذکور ماهیت انسان را دگرگون نمی سازد. در عصر ظهور انسان ها از نظر ماهیت به فرشته تبدیل نمی شوند، بلکه بشرند و بشر همواره از دو گونه تمایلات و خصلت ها بهره مند است. در روایت آمده است که خداوند بشر را

که آفرید، او را در مسیر دو راهی عقل و شهوت قرار داد، یعنی انسان همواره با دو جبهه عقلانی و شهوانی روبه رو است، همان چیزی که در روایات از آن به جنود عقل و جنود جهل یاد شده است.

{P . کلینی، کافی، ج ۱، کتاب عقل و جهل، ص ۲۰ – ۲۳.

جنود عقل همان صفات و فضایل اخلاقی است که زیر مجموعه تمایلات عالی انسانی و عقل عملی است که آدمی را به سوی خوبی ها، سیر و سلوک و لقاءالله حرکت می دهد جنود جهل یا صفات و رذایل اخلاقی که زیر مجموعه یا خود غرایز و تمایلات حیوانی است، آدمی را به سوی بدی ها و سقوط می کشاند.

بنابر این می گوییم: به مقتضای آیات و روایات، ماهیت بشر این گونه است: وقتی که در انسان، غرایز و تمایلات نفسانی وجود داشته باشد، طبیعی است که در برخی موارد به سوی بدی ها گام برداشته شود. تنها برخی از انسان ها که به مقام عصمت نایل شده اند، توانسته اند کاملاً هوای نفس خود را در کنترل عقلشان قرار دهند. این سخن هم عصر غیبت را شامل می شود و هم عصر ظهور را.

هم در عصر غیبت انسان های خوب و مهذب یافت می شوند و هم در عصر ظهور انسان هایی پیدا می شوند که از برخی رذایل اخلاقی برخوردار باشند. تنها تفاوتی که وجود دارد. شدت و ضعف این خوبی ها و بدی ها در این دو دوره است؛ یعنی اگر در عصر غیبت ظلم و کجی ها و رذایل اخلاقی غالب است، در عصر ظهور عدل و انصاف و فضایل انسانی و اخلاقی غلبه دارد. غلبه خوبی ها به قدری چشمگیر است که گویی انگار ظلمی

و رذیلتی وجود ندارد. همان گونه که در روایت آمده است که در عصـر ظهور به برکت وجود امام مهدی "عج" زمین از ظلم و جور پاک می شود.

{P . لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۰۲.

درخصوص پیروزی مستضعفان در آخرالزمان توضیح دهید.

پرسش

درخصوص پیروزی مستضعفان در آخرالزمان توضیح دهید.

پاسخ

در اسـلام از پیروزی حق بر باطل و عدالت بر ظلم سـخن به میان آمده، پیروزی حق بر باطل با عبارات مختلف بیان شده است. گاهی از حاکمیت دین خـدا بر جهان تعبیر شـده است؛ (۱) برخی اوقـات از حکومت صالحان و پارسایان گزارش شـده است. (۲) و گاهی به پیروزی مستضعفان تصریح شده است.(۳)

از متون دینی اسـتفاده می شود پیروزی مستضـعفان و حـاکمیت دین حق در زمـان ظهور امـام زمان(ع) شـکل گرفته و پیروزی آنها قطعی است.(۴)

درخصوص چگونگی پیروزی مستضعفان باید گفت: امام زمان(ع) بعد از ظهور نخست به دعوت همگان پرداخته و مردم را به پذیرش حکومت جهانی فرا می خواند و برخی دعوت اما را اجابت می نمایند و امام را در تشکیل حکومت یاری می نمایند.

عـده ای دیگر بـا حضـرت به مخـالفت می پردازنـد. امـام زمـان(ع) با آن ها مبارزه کرده و بعـد از شـکست آن ها، به تشـکیل حکومت موفق شده و مستضعفان به حکومت می رسند.

در این جـا به برخی از آیـات اشـاره می شـود: "خداونـد به مؤمنـان شایسـته وعـده داده است که آنـان را جانشـینان خـود قرار دهد..."(۵) و آیه دیگر:

"و نریـد ان نمن علی الذین استضـعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین(۶)؛ اراده مـا بر این قرار گرفته است که به مستضعفان نعمت بخشیم و آن ها را پیشوایان و وارثین زمین قرار دهیم".

پی نوشت ها:

۱ - صف (۶۱) آیه ۹.

۲ – اعراف (۷) آیه ۱۲۸.

۳ – قصص (۲۸) آیه ۵.

۴ – شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۶.

۵ – نور، (۲۴) آیه ۵۵.

۶ – قصص، (۲۸) آیه ۵.

دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می دانند مقصود از این تکامل چیست؟

پرسش

دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می دانند مقصود از این

تکامل چیست؟

پاسخ

مقصود از این تکامل، تکامل عقل، اندیشه و ایمان، و تکامل فرهنگی و صنعتی است. انقلاب جهانی امام علیه السلام و گرایش ملل جهان به حضرتش، و تحقق بخشیدن به حکومت واحد جهانی که یکی از اهداف حضرت بقیه الله ارواحنافداه است، بدون چنین تکاملی، امکان پذیر نیست. برخی از شرایط تحقق چنین حکومتی را با استفاده از احادیث بازگو می کنیم.

الف) آمادگی جهانیان

آمادگی جهانیان برای پذیرش چنین حکومتی، نخستین شرط ظهور امام و پی ریزی چنین حکومتی است. گذشت زمان، به بن بست رسیدن بشر در بسیاری از مشکلات، یأس و نومیدی انسان از سازمان ها و تشکیلات مادی، جامعه انسانی را برای پذیرش آن، آماده می سازد. یکی از نشانه های یأس و نومیدی انسان از چاره جوئی سازمان های مادی، همان است که در روایات اسلامی بطور متواتر وارد شده که پیش از ظهور امام، روی زمین را جور و ستم فرا می گیرد و فشار ظلم و تعدی، آن چنان بر دوش سنگینی می کند که انسان را برای پذیرش انقلابی دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی آماده می سازد. عملاً می فهمد که دوران چاره سازی برنامه های مادی به پایان رسیده، و بن بست جز بیک نیروی غیبی شکسته نخواهد شد.

ب- تکامل خرد و اندیشه انسانی

پی ریزی یک حکومت واحد جهانی و برقراری حکومت عدل و داد در کلیه شؤن، به زور سر نیزه و آتش توپ و تانک امکان نمی یابد. هر چند هر نوع حکومتی، به قوه و قدرت محتاج است، اما در عین حال، تنها قدرت و قوه اجرائی نیرومند، قادر بر قلع فساد و گسترش عدل و داد نیست، بلکه باید جامعه انسانی از نظر عقل و خرد و دانش و بینش، به پایه ای

برسـد که طبعاً خواهـان برقراری حکومت حق و قـانون و طرد و نـابودی ظلم و طغیان گردد. و چنین حالتی جز در پرتو تکامل فرهنگ انسانی امکان ندارد. بسیاری از مشکلات در عصر ظهور امام علیه السلام، از این طریق حل خواهد شد.

امام باقر علیه السـلام بر این عنصـر از عناصـر پدیدآرنده حکومت جهانی امام زمان علیه السلام در حدیثی تصریح کرده، و می فرماید:

«اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم» (کافی، ۱/۲۵، طبع جدید)

[آنگـاه که قائم ما قیام کنـد، خداونـد دست رحمت و قـدرت او را بر سـربندگان می گـذارد، به وسـیله او خرد و انـدیشه های انسانی به تکامل می رسد].

ظلم و ستم، تعدی به حقوق الهی و مردمی، زائیده جهل و نادانی، و دور افتادگی انسان از فرهنگ اصیل انسانی است. همچنین جهـل و نـادانی، مـانع از سـاختن زیر دریـائی و یـا سـفاین فضـائی و راه یافتن بشـر به سـطح ماه و اعماق دریاها نیست. فرهنگ انسـانی، یـک فرهنـگ تمـام عیار است که بخشـی از آن را صـنعت و اختراع تشـکیل می دهـد در حالی که ابعاد دیگر آن، به «شناخت خود و جامعه»، و «شناخت موقعیت خود در جهان» مربوط می شود.

چنین شـناختی، جز در پرتو تکامل عقول و اندیشه ها میسـر نمی گردد. و در این موضع، انسان آنچنان وارسته از «خودخواهی» و «خودمحوری» می گردد. که عشق به کمـال و حقیقت را بالاترین کمال می دانـد و تجاوز به حقوق انسان ها را نشانه ذلت و عجز و پستی می شمارد.

ج- تکامل صنایع

حکومت واحد جهانی، بدون تکامل صنعت –بالاخص وسائل ارتباط جمعی- امکان پذیر نیست، زیرا حکومتی که می خواهد ندای الهی را به اقصی نقاط جهان

برسانـد و همه مردم جهان را از پیام خود آگاه سازد، نمی توانـد بدون تکامل صـنایع و وسائل ارتباط جمعی انجام وظیفه کند. حاکم الهی که بایـد پیام خـدا را در یک شب به سراسـر جهان ابلاغ کنـد و وظیفه مردم را در برابر حوادث و رویدادها روشـن نمایـد، باید از وسائل تندرو، و دسـتگاههای گزارشـگر قوی و نیرومندی برخوردار باشد. امام صادق علیه السـلام در حدیثی به این نوع از تکامل تصریح کرده است و می فرماید:

«ان قائمنا اذا قام مد الله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم حتی لایکون بینهم و بین القائم برید، یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه» (منتخب الاثر، ص ۴۸۳. نقل از «روضه کافی»)

[آنگاه که قائم ما قیام کنـد، خداوند بر قدرت شـنوائی و بینائی شـیعیان، گسترش می بخشد، فاصـله میان آنها و قائم را از میان برمی دارد. امام با آنان سخن می گوید، و آنان سخنان امام را می شنوند، و او را در جایگاه خود می بینند].

باز در حدیث دیگر فرمود:

«ان المـؤمن فی زمـان القـائم و هو بالمشـرق یری اخـاه الـذی فی المغرب و کـذا الـذی فی المغرب یری اخـاه الـذی بالمشـرق» (منتخب الاثر ۴۸۳. نقل از حق الیقین)

[مؤمن در زمان قائم که در مشـرق زنـدگی می کنـد، برادر خود را که در مغرب است می بیند. و همچنین کسـی که در مغرب زندگی می کند. برادر خود را که در شرق است، مشاهده می کند].

شایـد این احـادیث، اشـاره به تکامـل صـنعتی، وسائـط ارتبـاط جمعی –تلفن، تلگراف، رادیو و تلویزیون یا وسائل مـدرن تری باشد، که تا آن روز در پهنه جهان پدید می آید، بعلاوه ابزاری که در نتیجه گسترش علم و بروز علوم مکتوم در آن

روزگار بوجود خواهد آمد، ضمن آنکه می توان احتمال داد مراد از این گونه احادیث، بالا رفتن قدرت معنوی مؤمنین در آن زمان باشد.

د- ارتش واحد جهانی

هیچ حکومتی هر چه الهی و آسمانی باشد، بی نیاز از یک قدرت اجرائی نیست. در حکومت مهدی علیه السلام که به صورت واحد جهانی برقرار می گردد، به نیروهای فعال و سازنده و ارتش مؤمن جهانی نیاز مبرمی است که در راه هدف، از همه چیز بگذرند و در نتیجه شجاع تر از شیر و برنده تر از شمشیر باشند.

و اگر در برخی از روایات، شماره آنان «سیصد و سیزده» نفر و در برخی دیگر «دوازده هزار نفر» احیاناً «پانزده هزار» معین شده است، هدف اشاره به سران آن ارتش مؤمن است که تحت فرمان امام علیه السلام انجام وظیفه می کنند، و رعب آنان قلوب دشمنان را پر می کند و در مقام مقابله، دشمن را شکست می دهند. و شعار رزمندگان حضرتش: «بمیران بمیران» است. و در راه انجام الهی، از سرزنش هیچ سرزنشگری هراس ندارند (منتخب الاثر/۴۸۶)

ه - عمران و آبادی همه جا را فرا می گیرد

از نظر آیات قرآن طهارت و پاکی مردم از گناه سبب می شود که درهای رحمت الهی به روی آنان گشوده شود، و همه جا را نعمت و رفاه فرا گیرد.

دوران حکومت امام علیه السلام دوران پاکی، طهارت از گناه، و نزاهت از خلاف کاری ها است. از این جهت امیرمؤمنان علیه السلام درباره نتایج ظهور درخشان او چنین می فرماید:

«تخرج الارض نبتها و تنزل السماء برکتها و تظهر له الکنوز یملک ما بین الخافقین اربعین عاماً» (منتخب الاثر، فصل نهم، ص ۴۸۷، حدیث ۲)

[زمین گیاهان خود را ظاهر می سازد، درهای برکت آسمانی گشوده

می شود گنج ها برای او آشکار می شود امام چهل سال تمام، بر جهان حکومت می کند].

به امید اینکه آن روز طلائی و نورانی را درک کنیم. و در آن روز جهان افروز، از اصحاب و یاران مولا و امامان حضرت بقیه الله-عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- باشیم.

آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان((علیه السلام)) در زمان ظهور هم وجود دارد؟

پرسش

آیا آزمایش انسانها توسط امام زمان((علیه السلام)) در زمان ظهور هم وجود دارد؟

پاسخ

آزمایش انسانها توسط خداوند منان از سنّت های الهی می باشد که تخلف ناپذیر است و در هر برهه ای از زمان وجود دارد. آیاتی که در قرآن مجید می باشد و صراحت در این امر دارد که خلقت انسانها برای امتحان و آزمایش الهی است و می فرماید: «لنبلونکم حتّی نعلم المجاهدین منکم و الصابرین و نبلوا خبارکم;(۱) ما همه شما را قطعاً می آزمائیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند و اخبار شما را بیازمائیم».

و نیز آیات بسیار زیاد دیگری که دلالت صریح بر امتحان الهی دارد که مخصوص هر فردی در هر زمان و دوره ای است و هیچ گاه این امر جدا از نظام الهی نمی باشد.

حتّی در دوره حضرت حجّه((علیه السلام)) این سنّت الهی جراین دارد تا روز قیامت که دیگر روز حساب است نه روز عمل و امتحان.

پاورقی

۱ - سوره محمّد((صلی الله علیه وآله))، آیه ۳۱.

آیا مردمان زمان مهدی((علیه السلام)) همه براساس عقل و فکر عمل می کنند؟

پرسش

آیا مردمان زمان مهدی((علیه السلام)) همه براساس عقل و فکر عمل می کنند؟

پاسخ

یکی از برکاتی که پس از ظهور حضرت ولی عصر((علیه السلام)) ظاهر می شود این است که عقل ها کامل و علم و حکمت واقعی گسترده می شود و همه از آن بهره مند می گردند از امیرالمؤمنینعلی((علیه السلام)) روایت شده است که(به کمیل) فرمودند ای کمیل هیچ علمی نیست مگر این که من آن را افتتاح او کردم و قائم((علیه السلام)) آن را ختم او می کند و نیز فرمود علم را در قلوب مؤمنین می اندازد و نیز فرمود علم بیست و هفت حرف است آنچه تاکنون پیامبران بیان فرموده اند دو حرف است پس مردم تا امروز هنوز بیش از دو حرف نشناخته اند و چون قائم((علیه السلام)) قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورد و آن دو حرف را به آنها ضمیمه کند تا اینکه تمام بیست و هفت حرف را نشر دهد.

و از حضرت امام محمد باقر((علیه السلام)) روایت است که فرمود: هرگاه قائم ما((علیه السلام)) قیام کند دست خود را بر بندگان گذارد پس به برکت آن عقل و هوش ایشان کامل می گردد.

در زندگی امروز ما برای کسب لذات معنوی باید از یک سری لذات مادی و جسمی بگذریم، اگر این امر لازمه وجود انسان است پس در دوره حکومت ولی عصر (عج) که رفاه و آسایش هست چگونه لذات، لذات معنوی می باشد؟

پرسش

در زندگی امروز ما برای کسب لذات معنوی باید از یک سری لذات مادی و جسمی بگذریم، اگر این امر لازمه وجود انسان است پس در دوره حکومت ولی عصر (عج) که رفاه و آسایش هست چگونه لذات، لذات معنوی می باشد؟

پاسخ

خداوند هرگز بهره گیری از مواهب زندگی را تحریم نکرده و داشتن اموال حلال و بهره مندی از آنان را عیب نمی شمارد دلیل این مدعا کلام قرآن است. قرآن می فرماید:

" ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد بردارید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد " (۱) آنگاه با لحن تند تری در پاسخ آنان که گمان می کنند تحریم زینتها و پرهیز از غذا ها و روزی های پاک و حلال نشانه زهد و پارسایی و مایه قرب به پروردگار است می پردازد و می فرماید: " ای پیامبر بگو چه کسی زینتهایی را که خدا برای بندگانش آفریده و روزی های پاکیزه را تحریم کرده؟ بگو اینها در زندگانی دنیا از آن کسانی است که ایمان آورده اند (هر چند دیگران نیز که از شایستگی لازم برخوردار نیستند از آن بهرمند می گردند) و در قیامت تماماً و به طور خالص برای مؤمنان خواهد بود..." (۲)

در استفاده از نعم الهی و بهره مندی از لذات مشروع، و آنچه که مورد نظر اسلام است، رعایت حد اعتدال و پرهیز از اسراف و

تجمل پرستی و شکم بارگی است. اسلام استفاده از زیبایی های طبیعت، لباسهای زیبا و تناسب و به کار بردن عطر را نه تنها مجاز می شمارد، و سفارش نیز می کند.

امام حسن (ع) به هنگام نماز زیباترین لباس خود را می پوشید. در پاسخ کسانی که

علت را سؤال کردند، فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، به همین جهت من لباس زیبا را برای راز و نیاز با پروردگارم می پوشم و هم او دستور داده است که زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد برگیرید." (۳)

البته اسلام زمانی هم که در جامعه افراد محروم و بینوا وجود داشته باشند، زینتهای متعادل را نیز نهی می کند.(۴)

به طور کلی آنچه در اسلام مذموم است، دنیا پرستی و و لذات نامشروع و زیاده طلبی های جنون آمیز و غیر منطقی است

که گاه باعث می گردد انسان برای دستیابی به امور مادی مرتکب اعمال خلاف شرع گردد، و یا به خاطر از دست دادن آنها دچار آشفتگی های روحی شود، و یا در صورت برخورداری دچار طغیان و سرکشی و غرور گردد.

از اینرو برخورداری از نعمات الهی و لذات مادی در عصر ولایت و حکومت حضرت ولی عصر (عج) با آن گستردگی و فراوانی که در روایات نقل گردیده، هیچ منافاتی با کسب معارف الهی و برخورداری از لذات معنوی در آن روزگار ندارد. زیرا لذات و نعمات مادی در صورتی که با اسراف و طغیان و مفاخره همراه نباشد، خود پلی هستند برای شکوفایی عقلها و رشد و بالندگی خصلتهای نیکو و فضایل انسانی، آن گونه در آن عصر اتفاق خواهد افتاد.

امام باقر (ع) درباره ویژگی های آن زمان می فرماید:

" همین که قائم قیام کند ثروت را مساوی تقسیم و عدالت را بین توده مردم اجرا می کند." (۵)

"...... برکات از آسمان بر زمین فرو می ریزد و زمین بهترین حاصل خود را برون می دهد، درختان تمام میوه خود را می آورند، محیط زمین سر سبز و خرم

و عطر آگین می شود. " (۶)

" مردم در حمایت قائم قرار می گیرند و عقلهایشان شکوفا و خصلتهای انسانی آنان کامل و بارور می گردد......" (۷)

" علم و حکمت چندان عمومی می شود که زنان نیز بر اساس کتاب خدا و سنت رسول اکرم (ص) حکم می کنند...." (۸)

" مردم بر یکدیگر برتر جویی ندارند .... در برابر حق تسلیم هستند .... و بر اساس آن داوری می کنند." (۹)

منابع و مآخذ:

۱- اعراف ۳۱

۲- اعراف ۳۲

۳- وسایل جلد ۳ ابواب احکام الملا بس بنقل از تفسیر نمونه جلد ۶، صفحه ۱۵۱

۴- تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۵۲

۵- شناخت اسلام شهید بهشتی شهید باهنر گلزاده صفحه۲۵۱

۶- همان

۷- همان

۸- همان

اقتصاد، عدالت و مدینه فاضله مهدوی چه ویژگیهایی دارد؟

پرسش

اقتصاد، عدالت و مدینه فاضله مهدوی چه ویژگیهایی دارد؟

پاسخ

آنچه که از روایات استفاده می شود وعده تحقق مدینه فاضله در زمان ظهور حضرت مهدی(عج) به ما داده شده است، مدینه فاضله ای که پس از درگیری و جنگ هایی که حضرت با ترکان، یهودیان و سپس غربیان کرده و بر آنها غالب می شود و بر سرتاسر جهان تسلط می یابد، محقق می شود. شمارش ویژگی های مدینه فاضله که از کتب روایی نقل شده است، شما را در

رسیدن به پاسخ پرسشتان یاری می کند بلکه افقی فراتر از پرسش در مقابل دیدگانتان می گشاید:

ویژگی های مدینه فاضله در عصر ظهور:

۱-مدینه عدل: آن قدر که در روایات بر ویژگی عدالت گسترش حضرت مهدی تأکید شده بر سایر مسائل چنین حکمی نرفته است و این نشان از برجستگی این مهم در سازمان مدینه فاضله اسلامی در دوران ظهور دارد.

۲-مدینه رفاه: مدینه فاضله اسلامی مدینه رفاه و آسایش همگانی است رفاه و تنعم بدان سان که دیگر نیازمند و صاحب حاجتی در سطح جامعه نمی توان یافت و یک دلیل مهم آن توزع عادلانه ثروت ها و منابع در زمان آن حضرت(ع) است.

۳-مدینه امن و سلام: آنچه از حجم زیادی از روایات ظهور برمی آید، نشان می دهد که مدینه فاضله اسلامی شهر امن و اسلام است آن هم امنیت در معنای واقعی و در تمامی ابعاد آن.

۴-مدینه تربیت: تربیت و پرورش روح انسان ها و توجه به اخلاق و فضائل روحی که از اساسی ترین برنامه های ظهور است در مدینه فاضله زمان حضور حضرت مهدی(عج) معنا یافته و محقق می شود مدینه ای که در آن سجایا و فضایل انسانی ظهور و بروز دارد.

۵-مدینه علم: دوره ظهور براساس روایات دوران گسترش علم و

دانایی است و مدینه فاضله اسلامی مدینه العلم است وی علاوه بر آن که از علوم زمان حمایت کرده و از آن سود می جوید، علوم و دانش هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده ها مکنون مانده، مطرح ساخته و آن را در سطح جهان گسترش می دهد.

۶-مدینه مستضعفان: حکومت در مدینه فاضله به دست توده های محروم و مستضعف جامعه است آنان که پیش از ظهور بار سنگین فقر و بیچارگی را تحمل کرده اند، در زمان ظهور حضرت به حق مسلم خویش در وراثت و پیشوایی زمین دست می یابند.

برای اطلاع تفصیلی ر.ك: عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، سازمان تبلیغات اسلامی تهران، چاپ مکرر.

آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیه الله کسی هم گناه می کند؟ اختیار چه می شود؟ به امید ظهور دولت حق

پرسش

آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیه الله کسی هم گناه می کند؟ اختیار چه می شود؟ به امید ظهور دولت حق

پاسخ

در جواب سؤال فوق باید گفت که بعد از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه، مانند قبل از ظهور اختیار باقی است و برای انسان امکان گناه کردن می باشد و این مطلبی است مسلم از نظر ادله عقلی و نقلی.

ادله عقلی:

الف) انسان موجودی است که ذاتا مختار در افعالش می باشد که یک امر وجدانی است که اگر انسان در خود تأمل کند این مطلب را درك می کند. به قول مولوی:

این که گوئی این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

و در قرآن کریم هم آیات متعددی ارشاد به این حکم عقل دارند مانند «و قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر» بگو حق از پروردگارتان است پس هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد انکار کند.(کهف، آیه ۲۹) و ما هیچ دلیلی بر اینکه بعد از ظهور ماهیت انسان متبدل می شود و از او سلب اختیار می شود نداریم علاوه بر اینکه به حکم عقل انقلاب و تبدل در ماهیت محال است.

ب) یکی از اصول دین ما معاد است که ما معتقدیم قیامت برای تمام افراد از اول هستی تا به آخر حتی برای پیامبران و ائمه(ع) ثابت است و هیچ استثنائی در بین نیست و روشن است که مسئله قیامت و ثواب و عقاب فرع صحت تکلیف است و تکلیف

متفرع بر اختیار است. «ان الله عز و جل ارحم بخلقه من ان یجبر خلقه

علی الـذنوب ثم یعـذبهم علیهـا» خداونـد نسـبت به بنـدگان خود رحیم تر از آن است که آنان را به گناه مجبور سازد و سـپس آنان را کیفر دهد.(توحید شـیخ صدوق، باب۵۹، حدیث۳ ص ۳۶۰ حدیث هم از امام باقر علیه السـلام و هم از امام صادق علیه السلام نقل شده.) پس اگر معاد برای همه هست باید اختیار هم برای همه باشد.

ادله نقلی:

الف) خطابـات در قرآن کریم یا با لفظ ناس (مردم) است ماننـد «یا ایها الناس» و یا با مؤمنین ماننـد «یا ایها الـذین آمنوا» و لفظ ناس شامل تمام افراد می شود و هیچ دلیلی هم بر تخصـص نداریم. و نسـبت به خطاب «الذین آمنوا» یا افراد و انسانهای پس از ظهور ایمـان می آوردنـد که مشـمول این خطابـات و تکالیف هسـتند و یا ایمان نمی آورنـد که باز هم نشانگر اختیار و امکان گناه برای آنان است و هیچ دلیلی بر تخصیص و خروج آن افراد از تحت این خطابات نداریم.

ب) روایات که در این زمینه زیاد است. اولا روایاتی که به صورت عام دلالت می کند که شرع و دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله تا روز قیامت مسـتمر است و اینکه حلال و حرام دین اسلام تا قیامت استمرار دارد قال رسول الله صلی الله علیه و آله حلاـل محمـد حلال الی یوم القیامه و حرام محمـد حرام الی یوم القیامه.(اصول کافی ج۲ ص۱۷) پس حلاـل و حرام های دین اسـلام تـا قیـامت اسـتمرار دارنـد و روشن است که وجود حلال و حرام منوط بر اختیار انسان است. ثانیا روایاتی که به صورت خاص دلالت می کند که بعد

از ظهور، احکـام الهی بـاقی است در کتـاب فی ظلال نهـج البلاغه ج۲ ص۳۵۷ در ذیـل کلاـم علی علیه السـلام که فرمود «ثم لیشـحذن فیها قوم ...» می گوید در سایه آموزش و تربیت امام زمان علیه السـلام، علما و دانشمندانی بیرون می آیند که به حلا ل و حرام خدا و کتاب و نسـبت به پیامبر به خوبی آگاهی دارند. پس در آن زمان هم حلال و حرامی می باشد و چنانچه گفته شـد حلاـل و حرام متفرع بر اختیـار اسـت و در روایـات دیگر کـه در این زمینه می توانیـد به کتـاب مناهـل الاـبرار فی تلخیص بحارالانوار حسین درگاهی، جلسه ۹ مراجعه فرمائید.

شبهه ای که در این جا ممکن است مطرح شود این است که در روایات زیادی وارد شده که در زمان ظهور حضرت، جهان پر از عـدل و داد می شـود و ظلم و جـور کلاـ مرتفع می شود. قـال البـاقر علیه السـلام: «یملأـ الاـرض عـدلا»(مناهـل الاـبرار، ج۹ ص۱۴۲) و اینکه در آن زمـان هیـچ ظلمی نمی شود، «و ارتفع فی ایامه الجور»(مجموعه آثار اسـتاد مطهری، ج۱۸ ص۱۶۴) در زمان حضـرت، ظلم کلا از بین می رود. خوب به مقتضای این روایات اگر زمان ظهور همه جا عـدل است و هیچ ظلمی محقق نمی شود معنـایش این است که امکـان گنـاه نیست چون گنـاه بزرگترین ظلم است. لیکن در جواب می گوئیم این روایـات نه فقـط دلاـلت بر عـدم امکـان گنـاه و بی اختیـار بودن انسـان نمی کنـد بلکه کاملاـ عکس مطلب را اثبات یعنی دلالت بر وجود اختیار و امکان گناه می کند که این مطلب نیاز به توضیح دارد.

اولا

می دانیم که مقصود از عـدل در این روایـات عـدل در مقابـل ظلم است نه عـدل تکوینی که در نظـام هستی است که «بالعـدل قامت السماوات و الارضون» (تفسیر صافی(الاصفی) ، ج ۲، ص ۱۲۴۱، ذیل آیه «ووضع المیزان» چاپ دفتر تبلیغات اسلامی).

و این معنـای از عـدل، در جـایی امکـان تحقق دارد که امکان ظلم باشـد چون به اصـطلاح علما منطق رابطه ظلم و عـدل رابطه ملکه و عـدم ملکه است که در جـائی می توان گفت فعـل عادلانه است که امکان ظالمانه بودنش باشـد و اگر در جائی امکان ظلم نباشـد و انسان مجبور به یکطرف باشـد دیگر اطلاق عدل معنا ندارد. پس اینکه معصومین علیهم السـلام می فرمایند «یملأ الاـرض عـدلا» خود دلاـلت دارد که امکان ظلم هم هست و چون اساسا موضوع عـدل و ظلم تشـریعی در افعال اختیاری انسان معنا دارد پس اختیار هم باقی است.

نکته مهم دیگر این است که اختیار داشـتن انسان بدین معنا نیست که حتما باید ظلم و گناه کند آنچه مثبت اختیار است امکان گنـاه و ظلم است نه تحقق گناه. ممکن است بفرمائیـد که اگر در آن زمان هم مثل این زمان امکان ظلم و گناه هست پس چرا ظلم نمی شود؟ در جواب می گوئیم جواب این سؤال به صورت بسـیار زیبا در روایاتی که خصائص آن زمان را بیان می نماید وارد شـده می دانیم که ریشه گنـاه غلبه کردن هوای نفس بر عقـل و خرد است و اگر انسـان تـابع عقل باشـد و بر عواقب گناه بیندیشد هرگز گناه نمی کند و در روایات وارد شده که در آن زمان عقل انسان

ها کامل می گردد.(بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۳۶)

و علی علیه السلام می فرماید: «یعرض الهوی علی الهدی»(نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸) گفته شده منظور از هدی در اینجا بقرینه ما بعد کلام حضرت عقل است که خوبی و بدی افعال را درک می کند.(امامت و رهبری، محمد حسین مختاری مازندرانی، ص ۳۶۱)

پس در آن زمان چون عقول کامل می شود و هوای نفس تابع عقل می گردد کسی به کسی ظلم نمی کند گرچه امکان ظلم و گناه هست و اختیار هم باقی است. البته هرچند ظلم به دیگران در حکومت عدل حضرت جائی ندارد اما گناه شخصی و ظلم به نفس ممکن است. به ویژه رسیدن به اوج کمال و فهم و ترقی در حکومت جهانی حضرت به تدریج است نه یکباره لذا در ابتدای حکومت، اهل کتاب با اعتقاد خودشان تحت حکومت حضرت زندگی می کنند و با آنان مدارا می شود و به تدریج آنان هم مسلمان می شود. «اللهم ارنا الطلعه الرشیده و الغره الحمیده» (گوشه ای از دعای شریف عهد در مفاتیح الجنان)

در حکومتی که امام زمان به وجود خواهد آورد وضعیت زنان چگونه خواهد بود آیا بر اساس اسلامی است که علماء قدیم آن را تبلیغ می کردند که در آن نسبت به زنان بدگویی بسیار می کردند و زنان فعالیت های اجتماعی نداشتند و تحصیل برای آنها فقط در حد احکام شرعی و قرائت قرآ

پرسش

در حکومتی که امام زمان به وجود خواهد آورد وضعیت زنان چگونه خواهد بود آیا بر اساس اسلامی است که علماء قدیم آن را تبلیغ می کردند که در آن نسبت به زنان بدگویی بسیار می کردند و زنان فعالیت های اجتماعی نداشتند و تحصیل برای آنها فقط در حد احکام شرعی و قرائت قرآن بود یا بر اساس این منطق استکه زنان می توانند در امور مختلف جامعه مشارکت داشته باشند و در جامعه ای که فقط شایسته سالاری حاکم است نه مرد سالاری؟

پاسخ

روش حکومت امام مهدی(عج) همان روش حکومت پیامبر گرامی اسلام(ص) و امیرمؤمنان(ع) است. با این تفاوت که مزاحمت هایی که در آن زمان بوده بر امام زمان(عج) وارد نمی شود و همه مردم - اعم از مرد و زن - با توجه به شایستگی خود در نظام سراسر عدل و معنویت امام بارور می شوند و امکان می یابند از حداکثر قدرت و توان خود بهره بردارند. بنابراین چنین جامعه ای شایسته سالار است.

البته آنچه درباره علماء قدیم بیان داشته اید، صرف تبلیغ سوء علیه آنهاست وگرنه بسیاری از دختران و همسران علماء گذشته ما در حد بالای معرفتی و علمی بوده اند که این دختران و همسران توسط همین علماء تربیت شده بودند. اما بحث عدم فعالیت اجتماعی زنان؛ عوامل دیگری داشت که جای بحث آن اینجا نیست.

آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی هم گرایی دارد یا واگرایی؟

پرسش

آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی هم گرایی دارد یا واگرایی؟

پاسخ

برای رسیدن به پاسخی مناسب در این رابطه ابتدا می بایست ویژگی های جامعه مهدوی را از نظر گذراند آنچه در منابع و متون دینی و روایی ما در خصوص حکومت مهدوی وجود دارد گویای آن است که رکن اصلی و خمیرمایه بنیادین حرکت جهانی امام زمان(عج) گسترش همه جانبه و تقویت و توسعه توحید و یگانه پرستی و در کنار آن مبارزه فراگیر و مستمر با همه تفکرات و جریانات انحرافی و الحادی است. در نهضت مهدوی آموزه ها و تعالیم فراموش شده پیامبران الهی زنده شده و از پیرایه های خرافی و تحریف ها پاک می گردد. حکومتی یگانه و واحد بر اساس قوانین ومعیارهای الهی برپا می گردد و کلیه دستگاههای استبدادی در نهاد حکومت و قدرت زایل می گردد و از بین می رود. در حکومت مهدوی محرومان و مستضعفان و بندگان صالح و مؤمن خداوند از جایگاه رفیعی برخوردارند. نظام فرهنگی مرکب از ارزش ها و هنجارها، عقاید و باورها، آرمانها و... براساس آموزه های قرآن کریم و سنت معصومین(ع) شکل می گیرد و همه اجزاء و عناصر اجتماعی متأثر از این نظام فرهنگی است. عدالت جوئی و عدالت خواهی و تلاش در راستای برقراری عدالت و رفع کلیه مظاهر ظلم و بی عدالتی از جمله ارکان حکومت امام زمان(عج) است. مبارزه همه جانبه و مستمر با منکرات و عوامل اجرائی و شیوع آن از جمله برنامه ها و سیاست های اصولی در حکومت جهانی مهدوی است. رشد و توسعه همه جانبه و فراگیر در همه ابعاد و شئون اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... بهره کشی از منابع طبیعی، توزیع

عادلانه فرصت های اجتماعی و برقراری روابط صمیمانه و صلح آمیز همراه با عظمت و شوکت جامعه اسلامی در سطح بین الملل، ایجاد روابط صمیمانه و دوستی متقابل در بین افراد و در سطح فرد و... همه و همه از جمله خصوصیات و ویژگی های جامعه آرمانی اسلام است و رکن اصلی همه آنها را حکومت و مدیریت سیاسی واحد در سطح جهانی تشکیل می دهد. آنچه تا کنون بیان شد گویای آن است که درحکومت مهدوی همه متغیرها و الگوها برآمده از دین و در راستای تحقق و تحکیم بنیان های دینی می باشد که خصیصه اصلی جامعه مهدوی است. در موضوع جهانی شدن، متغیرها و الگوهایی را می توان به عنوان نمونه ذکر نمود؛ از جمله آنها شکسته شدن مرزهای ملی و فرهنگی و به جای آن تداخل آنها و تلاش در زمینه ایجاد و تفاهم بر اصول مشترک فرهنگی و دست کشیدن از باورها، ارزش ها و هنجارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... افزایش ارتباطات و تعاملات جهانی و نزدیک کردن آن از حیث زمان و مکان به کمک وسایل و فن آوری های جدید ارتباطی و الکترونیکی، تبدیل نهادهای اجتماعی و ملی به نهادهای جهانی و توافق جهانی ملت ها بر باورها و ارزش های مشترک و یکسان سازی جهان بینی ها، کاهش و حذف سنت ها و عناصر اجتماعی هویت ساز، ایجاد و گسترش سازمانهای جهانی و تأکید بر نهادهای سیاسی اقتصادی جهانی، ایجاد و تأکید بر روابط اقتصادی جهانی و پول جهانی به عنوان ابزار مبادله اقتصادی و... دقت و تأمل در فرآیند جهانی شدن و جهانی سازی مبتنی بر اصل حذف دین و باورها و سنت های دینی و به جای آن تأکید بر سکولاریسم، دموکراسی و پلورالیزم

است. بـا توجه به بیـان خصوصـیت ها و ویژ گی ها در دو نوع حکومت و نگرش، معلوم می گردد که این دو از جهاتی شبیه به یکدیگر و در نتیجه هم گرایی دارند. این هم گرایی و شباهت در اصل کل جهانی شدن و وحدت جهانی اسـتوار است اما در تعیین محتوا و الگوها کاملاً مغایر با یکدیگرنـد زیرا آنچه امروزه به عنوان جهانی شـدن مطرح است فی الواقع «غربی شـدن» را تبلیغ و ترویـج می کنـد. روش و مَنشـی که بـدنبال حـذف دین و آموزه هـای دینی و ملی جوامع و فرهنـگ های محلی و ملی است و به جـای آن حاکمیت جهان بینی سکولار و عاری از این که از دسـتگاههای تبلیغاتی غرب به خورد جوامع و ملل داده می شود. بنابراین در تعیین محتوای جهانی شدن واگرایی جدی و اصولی وجود دارد.

آیا در عصر ظهور، زندگی بشر سامان می یابد؟

پرسش

آیا در عصر ظهور، زندگی بشر سامان می یابد؟

پاسخ

در زیارت نامه ها وروایاتی که درباره حضـرت مهدی (ع) وعصـر ظهور رسـیده به زندگی اصـیل ودرست انسان در پرتو فروغ جاودانه تعالیم امام مهدی (ع) اشاره رفته است.

در زیـارتی دربـاره حضـرت مهـدی (ع) می خوانیم: "... السـلام علی ربیع الأنـام ونضـره الایـام..."؛ "سـلام بر بهاران زنـدگی مردمان وطراوت روزگاران...".

{پاورقی . مفاتیح الجنان، ص ۵۳۱. پاورقی}

امام حسـین (ع) فرمود: "منّا اثنیعشـر مهـدیّاً... وآخرهـم التاسع من ولـدی وهو القآئم بالحقّ، یحیی اللّٰه به الأرض بعد موتها ..."؛ "در خاندان ما دوازده مهدی است... آخر آنان نهمین {پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷. پاورقی}

فرزند من است که به حقّ قیام کند، وخداوند زمین مرده را به دست او زنده کند...".

امـام صـادق (ع) در تفسـیر آیه {إِعْلَمُـوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِی الأَـرْضَ بَعْـِدَ مَوْتِهـا...} فرمود: "یعنی خداونـد زمین را بـا عـدل قـائم در رستاخیز ظهور او زنده می گرداند، پس از آنکه از ستم فرمانروایان ضلالت مرده باشد...".

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۵. پاورقی}

وضعیت امنیت اجتماعی در عصر ظهور چگونه است؟

پرسش

وضعیت امنیت اجتماعی در عصر ظهور چگونه است؟

پاسخ

امنیت اجتماعی، امنیّت در بخش های گوناگون زندگی اجتماعی را شامل می شود. یعنی امنیت در بخش های اقتصادی، سیاسی، دفاعی، فرهنگی و غیره. امنیت اجتماعی زمینه همه فعالیت های درست ومفید اجتماعی وشرط لازم رشد وتکامل فرد وجامعه است.

امام مهدی (ع) پدید آورنده امنیّت اجتماعی است، امنیتی که بشریّت در تمام دوران تاریخ خود مانند آن را ندیده است.

امام صادق (ع) در تفسیر آیه {وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضى لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً...}، فرمود: این آیه درباره قائم ویارانش نازل شده {پاورقی . سوره نور، آیه ۵۵. پاورقی}

است.

عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام از حیث رشد تربیتی چگونه است؟

پرسش

عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام از حیث رشد تربیتی چگونه است؟

پاسخ

تکامل تربیت وبلوغ روحی انسان از جمله برنامه های مهمّ قیام امام مهدی (ع) است. حضرت برنامه خود را از این نقطه زیربنایی آغاز می کند تا برنامه های دیگر او به شایستگی انجام یابد، وزمینه ها وشرایط وعوامل اصلی صلاح، شایستگی، بسامانی، رفاه، عدالت، دادگری، قانون شناسی، تعهدپذیری، مهرورزی، محبّت، ایثار وفداکاری در سطح جامعه ها پدیدار گردد.

امام علی (ع) فرمود: "... ولو قد قام قآئمنا لذهبت الشحنآء من قلوب العباد..."؛ "چون قائم {پاورقی . منتخب الاثر، ص ۴۷۴. پاورقی}

ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون رود."

امام باقر (ع) فرمود: "إذا قام قائمنا وضع یـده علی رؤوس العباد... وأکمل به أخلاقهم"؛{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶. پاورقی}

"هنگامی که قائم ما رستاخیز کند دستش را بر سر مردم می گذارد... واخلاق آنان را تکامل بخشد."

وضعیت مردم در عصر ظهور از حیث رفاه اقتصادی چگونه است؟

پرسش

وضعیت مردم در عصر ظهور از حیث رفاه اقتصادی چگونه است؟

پاسخ

از برنـامه ها واقـدام های امام مهـدی (ع) پدیـد آوردن رفاه اقتصادی در سـطح کلّ جامعه بشـری است. بخش عظیم ومهمّی از مسائل عقب ماندگی ووابستگی وکمبود مواد غذایی به دو عامل بستگی دارد که با یکدیگر ارتباط دارند:

۱ – نظام اقتصادی استعمارگر حاکم بر جهان.

۲ – نظام سیاسی حاکم بر جامعه که همواره به زیان ملت های خود گام بر می دارند.

در رسـتاخیز ظهور حضـرت مهدی (ع) این بندها ودام ها از سـر راه برداشـته می شود، وعوامل سـلطه بر فکر وفرهنگ واقتصاد وسیاست جهانی وکشورها نابود می گردد.

احادیث درباره رفاه اقتصادی دوران ظهور بسـیار است وشاید از جمله مسائلی باشد که بیشترین تأکید بر آن شده است، وشاید پس از اصـل عـدالت دومین موضـوعی باشـد که در آن دوران در جـامعه هـا پدیـد می آیـد. واین هر دو بـا یکـدیگر پیونـدی ناگسسـتنی دارند؛ زیرا که اجرای عدالت برای از میان بردن روابط ظالمانه وغاصبانه آکل ومأکول است تا اقویا حقّ ضعیفان را نخورنـد وآنان را محروم نسازنـد. بنابراین، رفاه اقتصادی برای همه، با اجرای اصل عدالت اجتماعی وبرپایی قسط قرآنی امکان پـذیر است، بلکه رفـاه وبی نیـازی، از میوه هـای درخت تناور عـدل است، وامام با تحقق بخشـیدن به اصول دادگری وعـدالت اجتماعی، همگان را به زندگی درست وسازمان یافته می رساند.

امام صادق (ع) می فرماید: "إنّ قائمنا إذا قام أشـرقت الأرض بنور ربّها،... ویطلب الرجل منکم من یصله بماله ویأخذ من زکاته لایوجد أحد یقبل منه ذلک. اسـتغنی الناس بما رزقهم اللّه من فضـله"؛ "هنگام رستاخیز قائم ما، زمین با نور خدایی بدرخشد... وشما به جست وجوی {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷. پاورقی}

اشخاصی بر می آیید که

مال یا زکات بگیرند، وکسی را نمی یابید که از شما قبول کند، ومردمان همه به فضل الهی بی نیاز می گردند."

پیامبراکرم (ص) فرمود: "امّت من در زمان مهدی (ع) به نعمت هایی دست یابند که پیش از آن ودر هیچ دوره ای دست نیافته بودند. در آن روزگار، آسمان باران فراوان دهد، وزمین روییدنی را در دل خود نگاه ندارد".

{پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۸۲. پاورقی}

در حدیثی دیگر پیامبر اکرم (ص) فرمود: "...خداوند برای قائم (ع) گنج ها ومعادن زمین را آشکار می سازد...".

{پاورقی . اعلام الوری، ص ۴۱۳. پاورقی}

امام باقر (ع) فرمود: "... تطوی له الأرض... فلایبقی فی الأرض خراب إلّا قد عمر..."؛{پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱. پاورقی}

"...زمین برای قائم ما در هم پیچیده می شود و... در زمین جای ناآبادی باقی نمی ماند...".

همچنین امام باقر (ع) فرمود: "وتظهر له الکنوز..."؛ "...برای قائم ما گنج ها آشکار{پاورقی . کمال الدین ج ۱، ص ۳۳۱. پاورقی}

می گردد...".

کثرت اموال در عصر ظهور از چه راهی حاصل می شود؟

پرسش

کثرت اموال در عصر ظهور از چه راهی حاصل می شود؟

پاسخ

در مورد سؤال فوق چند احتمال وجود دارد:

۱ - اینکه کثرت اموال در دست مردم از راه معجزه وبه برکت وجود امام زمان (ع) در میان مردم باشد. این احتمال از جهاتی قابل مناقشه است:

اولاً: این نظریه خلاف قانون معجزات است، زیرا قرار نیست که همه کارها با معجزه صورت پذیرد. سعادت انسان که عصر ظهور زمینه ساز آن است در این است که از راه طبیعی به کمال خود برسد.

ثانیاً: سیاق روایات در این باب به تشکیل نظامی اقتصادی عادل اشاره دارد که بشر می توانـد در پرتو آن درآمـد کافی ووافر داشته باشد. واین معنا با اعجاز سازگاری ندارد.

۲ - اینکه وفور مال ونعمت ها به جهت گسترش زراعت وکشاورزی وتجارت است، گر چه الطاف خداونـد متعال نیز در توفیر این گونه نعمت ها مؤثر است.

۳ - اینکه توفیر مـال به جهت دسترسـی وسـیطره بر بانـک هـای بزرگ در عـالم باشـد، به جهت آنکه بیشتر اموالی که در آنها نهفته اند، غصبی وحرام ونامشروع است، لذا حکومت عدل جهانی آنها را به طور مساوات بین مردم تقسیم می کند.

آیا در حکومت حضرت مهدی علیه السلام تمام مردم اصلاح خواهند شد؟

پرسش

آیا در حکومت حضرت مهدی علیه السلام تمام مردم اصلاح خواهند شد؟

پاسخ

مطابق برخی از روایات، اصلاحات حضرت مهدی (ع) فراگیر بوده وشامل همه افراد روی زمین خواهد شد.

از امام حسن مجتبی (ع) نقل شـده که فرمود: "خداونـد در آخرالزمان مردی را برمی انگیزانـد که کسـی از منحرفان وفاسـدان نمی ماند مگر اینکه اصلاح گردد".{پاورقی . اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴. پاورقی}

امام باقر (ع) می فرماید: "هنگامی که حضـرت قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان خدا می گذارد وخردهایشان را جمع کرده (تمرکز می بخشد ورشد می دهد)، اخلاقشان را کامل می کند".{پاورقی . کافی، ج ۱، ص ۲۵. پاورقی}

رسول خدا (ص) به حضرت فاطمه (س) می فرماید: "خداوند از نسل این دو (حسن وحسین (علیهما السلام)) شخصی را برمی انگیزد که دژهـای گمراهی را می گشایـد ودل های سیاه قفل خورده را تسـخیر می نمایـد".{پاورقی . عقدالـدرر، ص ۱۵۲ ؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۴۸. پاورقی}

دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می دانند مقصود از این تکامل چیست؟

پرسش

دوران ظهور امام زمان (عج) را زمان تکامل جامعه بشری می دانند مقصود از این تکامل چیست؟

پاسخ

مقصود از این تکامل، تکامل عقل، اندیشه و ایمان، و تکامل فرهنگی و صنعتی است. انقلاب جهانی امام علیه السلام و گرایش ملل جهان به حضرتش، و تحقق بخشیدن به حکومت واحد جهانی که یکی از اهداف حضرت بقیه الله ارواحنافداه است، بدون چنین تکاملی، امکان پذیر نیست. برخی از شرایط تحقق چنین حکومتی را با استفاده از احادیث بازگو می کنیم.

الف) آمادگی جهانیان

آمادگی جهانیان برای پذیرش چنین حکومتی، نخستین شرط ظهور امام و پی ریزی چنین حکومتی است. گذشت زمان، به بن بست رسیدن بشر در بسیاری از مشکلات، یأس و نومیدی انسان از سازمان ها و تشکیلات مادی، جامعه انسانی را برای پذیرش آن، آماده می سازد. یکی از نشانه های یأس و نومیدی انسان از چاره جوئی سازمان های مادی، همان است که در روایات اسلامی بطور متواتر وارد شده که پیش از ظهور امام، روی زمین را جور و ستم فرا می گیرد و فشار ظلم و تعدی، آن چنان بر دوش سنگینی می کند که انسان را برای پذیرش انقلابی دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی آماده می سازد. عملاً می فهمد که دوران چاره سازی برنامه های مادی به پایان رسیده، و بن بست جز بیک نیروی غیبی شکسته نخواهد شد.

ب- تکامل خرد و اندیشه انسانی

پی ریزی یک حکومت واحد جهانی و برقراری حکومت عدل و داد در کلیه شؤن، به زور سر نیزه و آتش توپ و تانک امکان نمی یابد. هر چند هر نوع حکومتی، به قوه و قدرت محتاج است، اما در عین حال، تنها قدرت و قوه اجرائی نی ⍽...ЂbȘřقادر بر قلع فساد و گسترش عدل و داد نیست، بلکه باید

جامعه انسانی ......نظر عقل و خرد و دانش و بینش، به پایه ای برسد که طبعاً خواهان برقراری حکومت حق و قانون و طرد و نابودی ظلم و طغیان گردد. و چنین حالتی جز در پرتو تکامل فرهنگ انسانی امکان ندارد. بسیاری از مشکلات در عصر ظهور امام علیه السلام، از این طریق حل خواهد شد.

امام باقر علیه السلام بر این عنصر از عناصر پدیدآرنده حکومت جهانی امام زمان علیه السلام در حدیثی تصریح کرده، و می فرماید:

«اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم» (کافی، ۱/۲۵، طبع جدید)

[آنگاه که قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمت و قدرت او را بر سربندگان می گذارد، به وسیله او خرد و اندیشه های انسانی به تکامل می رسد].

ظلم و ستم، تعدی به حقوق الهی و مردمی، زائیده جهل و نادانی، و دور افتادگی انسان از فرهنگ اصیل انسانی است. همچنین جهل و نادانی، مانع از ساختن زیر دریائی و یا سفاین فضائی و راه یافتن بشر به سطح ماه و اعماق دریاها نیست. فرهنگ انسانی، یک فرهنگ تمام عیار است که بخشی از آن را صنعت و اختراع تشکیل می دهد در حالی که ابعاد دیگر آن، به «شناخت خود و جامعه»، و «شناخت موقعیت خود در جهان» مربوط می شود.

چنین شناختی، جز در پرتو تکامل عقول و اندیشه ها میسر نمی گردد. و در این موضع، انسان آنچنان وارسته از «خودخواهی» و «خودمحوری» می گردد. که عشق به کمال و حقیقت را بالاترین کمال می داند و تجاوز به حقوق انسان ها را نشانه ذلت و عجز و پستی می شمارد.

ج- تکامل صنایع

حکومت واحد جهانی، بدون تکامل صنعت —بالاخص وسائل ارتباط جمعی- امکان پذیر

نیست، زیرا حکومتی که می خواهد نـدای الهی را به اقصـی نقاط جهان برسانـد و همه مردم جهان را از پیام خود آگاه سازد، نمی تواند بدون تکامل صنایع و وسائل ارتباط جمعی انجام وظیفه کند. حاکم الهی که باید پیام خدا را در یک شب به سراسر جهان ابلاغ کنـد و وظیفه مردم را در برابر حوادث و رویـدادها روشن نمایـد، بایـد از وسائل تندرو، و دسـتگاههای گزارشـگر قوی و نیرومندی برخوردار باشد. امام صادق علیه السلام در حدیثی به این نوع از تکامل تصریح کرده است و می فرماید:

«ان قائمنا اذا قام مد الله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم حتی لایکون بینهم و بین القائم برید، یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه» (منتخب الاثر، ص ۴۸۳. نقل از «روضه کافی»)

[آنگاه که قائم ما قیام کنـد، خداوند بر قدرت شـنوائی و بینائی شـیعیان، گسترش می بخشد، فاصـله میان آنها و قائم را از میان برمی دارد. امام با آنان سخن می گوید، و آنان سخنان امام را می شنوند، و او را در جایگاه خود می بینند].

باز در حدیث دیگر فرمود:

«ان المـؤمن فی زمـان القـائم و هو بالمشـرق یری اخـاه الـذی فی المغرب و کـذا الـذی فی المغرب یری اخـاه الـذی بالمشـرق» (منتخب الاثر ۴۸۳. نقل از حق الیقین)

[مؤمن در زمان قائم که در مشـرق زنـدگی می کنـد، برادر خود را که در مغرب است می بیند. و همچنین کسـی که در مغرب زندگی می کند. برادر خود را که در شرق است، مشاهده می کند].

شایـد این احـادیث، اشـاره به تکامـل صـنعتی، وسائـط ارتبـاط جمعی –تلفن، تلگراف، رادیو و تلویزیون یا وسائل مـدرن تری باشد، که تا آن روز در پهنه جهان پدید می آید، بعلاوه

ابزاری که در نتیجه گسترش علم و بروز علوم مکتوم در آن روزگار بوجود خواهد آمد، ضمن آنکه می توان احتمال داد مراد از این گونه احادیث، بالا رفتن قدرت معنوی مؤمنین در آن زمان باشد.

د- ارتش واحد جهانی

هیچ حکومتی هر چه الهی و آسمانی باشد، بی نیاز از یک قدرت اجرائی نیست. در حکومت مهدی علیه السلام که به صورت واحد جهانی برقرار می گردد، به نیروهای فعال و سازنده و ارتش مؤمن جهانی نیاز مبرمی است که در راه هدف، از همه چیز بگذرند و در نتیجه شجاع تر از شیر و برنده تر از شمشیر باشند.

و اگر در برخی از روایات، شماره آنان «سیصد و سیزده» نفر و در برخی دیگر «دوازده هزار نفر» احیاناً «پانزده هزار» معین شده است، هدف اشاره به سران آن ارتش مؤمن است که تحت فرمان امام علیه السلام انجام وظیفه می کنند، و رعب آنان قلوب دشمنان را پر می کند و در مقام مقابله، دشمن را شکست می دهند. و شعار رزمندگان حضرتش: «بمیران بمیران» است. و در راه انجام الهی، از سرزنش هیچ سرزنشگری هراس ندارند (منتخب الاثر/۴۸۶)

ه - عمران و آبادی همه جا را فرا می گیرد

از نظر آیات قرآن طهارت و پاکی مردم از گناه سبب می شود که درهای رحمت الهی به روی آنان گشوده شود، و همه جا را نعمت و رفاه فرا گیرد.

دوران حکومت امام علیه السلام دوران پاکی، طهارت از گناه، و نزاهت از خلاف کاری ها است. از این جهت امیرمؤمنان علیه السلام درباره نتایج ظهور درخشان او چنین می فرماید:

«تخرج الارض نبتها و تنزل السماء برکتها و تظهر له الکنوز یملک ما بین الخافقین اربعین عاماً» (منتخب الاثر، فصل نهم، ص

۴۸۷، حدیث ۲)

[زمین گیاهان خود را ظاهر می سازد، درهای برکت آسمانی گشوده می شود گنج ها برای او آشکار می شود امام چهل سال تمام، بر جهان حکومت می کند].

به امید اینکه آن روز طلائی و نورانی را درک کنیم. و در آن روز جهان افروز، از اصحاب و یاران مولا و امامان حضرت بقیه الله–عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه الفداء– باشیم.

موضوع پرسش: ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت : معنویت، رفاه، امنیت

اشاره

انقلاب و تحقق آرمان هایش چگونه زمینه ساز ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی(می شود؟

پرسش

موضوع پرسش: ۱. آزادی : تساوی حقوق برای همه دستگیری از مظلومان جامعه، کاهش اختلاف طبقاتی ۲.اقتدار : استقلال، رسیدن به قله های علم ۳. سعادت : معنویت، رفاه، امنیت

انقلاب و تحقق آرمان هایش چگونه زمینه ساز ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی(می شود؟

پاسخ

اگر ما به سیستم آموزشی کشورمان و همچنین تمام کشورهای جهان نظری بیاندازیم، می بینیم که آموزش دانش آموزان در مقاطع مختلف، متناسب با سطح علمی و سن و سال دانش آموزان می باشد، مثلاً شما که در مقطع اول دبیرستان مشغول به تحصیل هستید، در ابتدا در کلاس اول دبستان، در درس ریاضی با اعداد آشنا شدید و بعد جمع و تفریق و سپس تقسیم و رادیکال و همینطور به مراتب که سال تحصیلی شما بالاتر رفت، به میزان اطلاعات شما افزوده شد و زمینه فراگیری اطلاعات بیشتری برای شما فراهم شد. اگر در کلاس اول دبستان، قبل از اینکه با اعداد آشنا شوید، به شما تقسیم و رادیکال را درس بدهند، قطعاً قادر به یادگیری تقسیم و رادیکال نخواهید بود. جامعه بشری نیز همینطور است، باید افراد جامعه به یک بلوغ فکری و معنوی مناسب، برای تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی(برسند. اگر جامعه بشری به سطح لازم نرسد، امام علی(در آن جامعه، ۲۵ سال خانه نشین می شود و وقتی که به مردم می گوید از من هر سؤالی دارید بپرسید، قبل از اینکه از میانتان بروم، شخصی می پرسد که تعداد موهای ریش من چند تا است؟ و حضرت در جواب می گوید اگر من جواب بدهم، به چه

درد تو خواهد خورد و یا اگر

جامعه آماده آن حکومت جهانی نباشد، امام معصوم در مسلخ کربلا ذبح می شود.

برای اینکه پاسخ شما را بطور کامل بدهیم، باید ابتدا ویژگیهای حکومت حضرت مهدی(را برایتان ذکر نماییم. امام زمان(جامعه اش بر این چند پایه استوار است :

اول : بر نابود کردن و قلع و قمع کردن ریشه های ظلم و طغیان؛ نه اینکه فقط در ایران نباشد، بلکه در همه دنیا نباشد، نه ظلم اقتصادی و نه ظلم سیاسی و نه ظلم فرهنگی و نه هیچ ستمی در آن جامعه، دیگر وجود نخواهد داشت. باید استثمار و اختلاف طبقاتی و تبعیض و نابرابری و زورگویی و گردن کلفتی و قلدری، از عالم ریشه کن شود.

دوم : بالا رفتن سطح اندیشه انسان است، هم اندیشه علمی انسان و هم اندیشه اسلامی انسان. یعنی در دوران ولی عصر، شما باید نشانی از جهل و بیسوادی و فقر فکری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید.

سوم : در آن روز همه نیروهای طبیعت و همه نیروهای انسانی، استخراج می شود و چیزی در بطن زمین نمی ماند که بشر از آن استفاده نکند. این همه نیروهای معطّل طبیعی، این همه زمین هایی که می تواند انسان را تغذیه کند، این همه قوای کشف نشده مانند نیروهایی که قرنها در تاریخ بود، مثلاًـ نیروی اتم و برق و الکتریسیته، که قرنها بر عمر جهان می گذشت و این نیروها در بطن طبیعت بود، ولی بشر آنها را نمی شناخت، بعد بتدریج استخراج شد.

چهارم : محور در زمان امام زمان(، محور فضیلت و اخلاق است. هر کس که دارای فضیلت اخلاقی بیشتر است، او مقدمتر

و پیشتر است.

ما ملّت ایران، انقلابی کرده ایم و انقلاب ما در راه آن هـدفی که امام زمان(برای تأمین آن هـدف مبعوث می شود و ظاهر می شود، مقدمه لازم و یک گام بزرگ بود. ما اگر این گام بزرگ را برنمی داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر(به عقب می افتاد. ما با این انقلاب یک قدم این بار را به منزل نزدیکتر کرده ایم.

حال مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، باز هم یک قدم و یک قدم دیگر خود را به امام زمانشان نزدیکتر کنند. چطور؟

اولاً : هر چه می توانیم باید دایره این مقدار از اسـلامی که من و شما در ایران داریم مبالغه نمی کنیم که اسلام کامل است، اما بخشـی از اسـلام را این ملّت توانسـته است در ایران پیـاده کنـد همین مقـدار از اسـلام را هر چه می توانیم در آفاق دیگر عالم گسترش دهیم.

ثانیاً : باید بتوانیم در درون جامعه خودمان، تقوا و فضیلت و اخلاق و دینداری و نزدیکی به خدا را در خود تأمین کنیم. در این صورت، پایه و قاعده ظهور ولی عصر(را مستحکمتر کرده ایم و هر چه بتوانیم از لحاظ کمیّت و کیفیّت مقدار مسلمانان مؤمن و مخلص را افزایش دهیم، بـاز به امـام زمان وظهور ولی عصـر نزدیکتر شـده ایم. پس ما می توانیم قـدم به قـدم، جامعه خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر (نزدیک کنیم.

در مرحله دیگر باید مقدمات را همانگونه فراهم بکنیم؛ ما باید با ظلم نسازیم و باید علیه ظلم حرکت

قاطع بکنیم، هر نوع ظلمی و از هر کس. ما بایـد جهت خود را، جهت اقامه حـدود اسـلامی قرار دهیم. درجامعه خودمان، نباید هیچگونه مجـالی به گسترش قهر و غلبه بـدهیم. بایـد تمام قوانین ما و مقرّرات مملکتی و اداری و نهادهای اجرایی، همه و همه از لحـاظ ظـاهر و از لحاظ محتوی اسـلامی بشود و به اسـلامی شـدن روز به روز نزدیکتر بشود؛ این جهتی است که انتظار ولی عصر، به ما و به حرکت ما می دهد.(۱)

منابع و مآخذ :

دیدگاهها، حضرت آیت ا...خامنه ای، ص۲۱۸ ۲۱۲

زمانی که امام مهدی ظهور نماید و بعد از آن حکومت جهانی تشـکیل دهند دو مقوله امنیت و صلح جهانی چه وضعیتی پیدا می کنند به عبارت دیگر رابطه امام زمان با امنیت و صلح جهانی چگونه است.

پرسش

زمانی که امام مهدی ظهور نماید و بعد از آن حکومت جهانی تشـکیل دهند دو مقوله امنیت و صـلح جهانی چه وضـعیتی پیدا می کنند به عبارت دیگر رابطه امام زمان با امنیت و صلح جهانی چگونه است.

پاسخ

امنیت مقوله ای است که دو پایه دارد:

۱. پایه خارجی که مقابله و برنامه ریزی در جهت مقابله با تهدیدهای خارجی است.

۲. پایه داخلی که مقابله با آسیب های اجتماعی داخلی است.

حکومت جهانی حضـرت مهـدی(عـج) بساط حکومت ها و دولت های مختلف که یکی یا چنـد کشور قدرتمنـد باشـند و بقیه کشورها ضـعیف و زیر دست و به طور کامل برچیـده می شود. بنابراین هیـچ گونه تهدیـدی در روابط خارجی وجود نـدارد و صلح جهانی مبتنی بر عدالت و معنویت در سراسـر جهان برقرار می شود. در این حکومت، حاکمان و دولتمردان سراسر جهان و ملیت ها، نمایندگان و کارگزاران حضرت هستند.

از سوی دیگر به دلیـل برقراری کامـل عـدالت در سراسـر گیتی و از آنجا که حکومت جهانی براساس تـدبیر و عقل و معنویت اداره می شود. آسـیب های اجتماعی نیز در داخل جامعه بشـری به صـفر می رسد زیرا علت اساسـی آسـیب های اجتماعی ظلم اجتمـاعی بـا احسـاس ظلم است که در این حکومت منتفی است. بنـابراین به دلیل اسـتقرار کامل معنویت و عـدالت در سراسـر جهان، بساط جنگ برچیده می شود و امنیت (خارجی و داخلی) و صلح جهانی جهان را پر می کند.

آیا مردمان زمان مهدی«علیه السلام» همه براساس عقل و فکر عمل می کنند؟

پرسش

آیا مردمان زمان مهدی«علیه السلام» همه براساس عقل و فکر عمل می کنند؟

پاسخ

یکی از برکـاتی که پس از ظهور حضـرت ولی عصـر«علیه السـلام» ظاهر می شود این است که عقل ها کامل و علم و حکمت واقعی گسـترده می شود و همه از آن بهره منـد می گردنـد از امیرالمؤمنین علی«علیه السـلام» روایت شـده است که(به کمیـل) فرمودنـد ای کمیـل هیـچ علمی نیسـت مگر این که من آن را افتتـاح او کردم و قـائم«علیه السـلام» آن را ختم او می کنـد و نیز فرمود علم را در قلوب مؤمنین می انـدازد و نیز فرمود علم بیست و هفت حرف است آنچه تـاکنون پیامبران بیان فرموده انـد دو حرف است پس مردم تا امروز هنوز بیش از دو حرف نشـناخته اند و چون قائم«علیه السـلام» قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورد و آن دو حرف را به آنها ضمیمه کند تا اینکه تمام بیست و هفت حرف را نشر دهد.

و از حضـرت امام محمد باقر«علیه السـلام» روایت است که فرمود: هرگاه قائم ما«علیه السلام» قیام کند دست خود را بر بندگان گذارد پس به برکت آن عقل و هوش ایشان کامل می گردد.

« بخش پاسخ به سؤالات »

آیا حکومت جهانی امام زمان«علیه السلام» منافی با اراده و اختیار انسانها نیست؟

پرسش

آیا حکومت جهانی امام زمان«علیه السلام» منافی با اراده و اختیار انسانها نیست؟

پاسخ

در زمـان حکومت عـدل جهـانی امـام زمـان«علیه السـلام» نظر به اینکه بینش و آگاهی انسانها کامل می شود گرایش به کفر و نفـاق و انحراف از مسـیر حق و عـدالت و ایمـان کاهش می یابـد و این منافات، با آزادی و اختیار آنان نـدارد و چنانکه محیط فاسد و انحرافی در گرایشـهای انحرافی انسانها مؤثر است محیط صالح و شایسته و بالا رفتن سطح شناخت و آگاهی در رشد و هدایت آنان تأثیر به سزائی دارد.

سایر موارد

منظور از این که بعد از ظهور امام زمان ۷زنان در خانه به روش پیامبر عمل می کنند چیست ؟نقش زنان در حکومت امام زمان ۷چیست ؟

پرسش

منظور از این که بعد از ظهور امام زمان ۷زنان در خانه به روش پیامبر عمل می کنند چیست ؟نقش زنان در حکومت امام زمان ۷چیست ؟

پاسخ

از دیدگاه اسلامی زنان می توانند هر نقشی در اجتماع داشته باشند و هر شغلی را می توانند انتخاب کنند, مانند مردان , مگر در چند مورد که در روایات اسلامی بدان ها اشاره یا تصریح شده است ; یکی مرجعیت وپیشوایی دینی است و دیگری پیشوایی و امامت در نماز جماعت و جمعه , و سومی قضاوت و حکم بین متخاصمین است .

در بقیهء موارد مانند مردان , در اجتماع وظایف خود را انجام می دهند و اسلام مخالفتی ندارد, ولی محدود و مقیدبه این شرط که فساد و افسادی به وجود نیاید و عفت عمومی جامعه خدشه دار نشود.

البته این شرط برای مردان نیز هست ; یعنی مردان در اجتماع نمی توانند فساد آفرینی داشته باشند و عفّت عمومی جامعه را خراب کنند.

در زمان امام زمان ۷مانند زمان حضرت رسول ۶زنان نقشی را خواهند داشت که در زمان حضرت رسول داشته اند. اسلام با بی بندوباری و فساد و فحشا مخالف است و ظلم و تجاوز مردان بی عفت به زنان را روا نمی داند.در آزادی غربی و شرقی که از آن برای زنان دم می زنند, حیثیت زن که طبیعتاً ضعیف تر خلق شده است , از بین می رود و به آنان ظلم می شود و نظام خانواده از هم گسیخته می گردد و روح تعاطف و رحم و مروّت از بین می رود.

امام باقر۷فرمود: .(۱)

باز حضرت فرمود: .(۲)

(پاورقی ۱.بحارالانوار, ج ۵۲ ص ۳۵۴

(پاورقی

۲.همان , ص ۳۵۱

دوران بعد از ظهور حضرت مهدی ۷را به چند دوره می توان تقسیم نمود؟

پرسش

دوران بعد از ظهور حضرت مهدی ۷را به چند دوره می توان تقسیم نمود؟

پاسخ

به طور مشخص دوران بعد از ظهور حضرت مهدی ۷را می توان به دو دوره تقسیم نمود:

دورهء اوّل :

وقتی حضرت مهدی ۷ظهور می کند, به جنگ با دشمنان دین می پردازد و به کمک یاران و دوستانش بر جهان مسلّط می شود و مخالفان دین را به هلاکت می رساند و تمام زمین را با حکومت جهان اسلامی اراده می کند و بنیان حکومت واحد جهانی را می گذارد.

دورهء دوم ;

عدل و داد تمام زمین را فرا می گیرد. مردم با هم مهربان شد, با صدق و صفا در کنار یکدیگر زندگی می کنند.امنیت عمومی همه جا را فرا می گیرد و کسی در صدد آزار دیگری نیست . وضع اقتصادی مردم خوب می شود, به طوری که مستحق زکات پیدا نمی شود. باران های سودمند پی در پی می بارد. تمام زمین سبز و خرم گشته , برکات ومحصولات زمین زیاد می شود.

توجه به مردم به خدا زیاد شده و به دنبال گناه نیستند. اسلام دین رسمی جهان شده , بانگ توحید از همه جا بلندمی شود. در آن زمان , ایمان مردم کامل می شود و کینه ها از دلشان بیرون می رود.(۱)

علم و دانش در رستاخیز امام مهدی ۷به تکامل نهایی می رسد. امام با برنامه هایش که از دانش بیکران الهی اوبرخاسته , همهء مناطق زمین را آباد می کند. علوم و فنون بشری در رستاخیزِ ظهور, با علوم و فنون در دوران پیش ازظهور, قابل مقایسه نیست . از این رو پیشرفت ها و رشد و

تولید و سرمایه در آن دوران با دوره‌ء دیگر همانند نیست وامام مهدی ۷در همه‌ء زمینه ها به دانش بشر تکامل می بخشد.(۲)

در دوران ظهور حضرت مهدی ۷چون نیکی و احسان و عدل و انصاف بر سراسر گیتی پرتو می افکند و روابطانسانی بر اصل انصاف و عدل استوار می گردد, مردمان همه به نیکی و نیکوکاری و پارسایی می گرایند و ظلم و ستم را به یک سو می نهند. از این رو شایسته فضل بیش تر و رحمت بیش تر می گردند, در این دوره حکومت صالحان محقق می شود.(۳)

(پاورقی ۱.عبدالرحمن انصاری , در انتظار خورشید ولایت , ص ۱۳۸و ۱۳۹

(پاورقی ۲.محمد حکیمی , عصر زندگی , ص ۱۲۰

(پاورقی ۳.همان , ص ۱۷۱

آیا امام زمان بعد از ظهور بر جهان حکمفرمایی می کنند یا بعد از ظهور قیامت بر پا می شود؟

پرسش

آیا امام زمان بعد از ظهور بر جهان حکمفرمایی می کنند یا بعد از ظهور قیامت بر پا می شود؟

پاسخ

بعد از ظهور امام زمان(ع) فوراً قیامت بر پا نمی شود بلکه حضرت مدتی را در روی زمین سلطنت و حکومت می کند. البته روایات در رابطه با مدت حکومت مختلفی است از پنج سال تا ۳۰۹ سال ذکر شده است. این اختلاف شاید اشاره به دوران های مختلف حکومت آن حضرت باشد:

علامه مجلسی می گوید: بعضی از روایات بر جمیع مدت حکومت و بعضی بر زمان استقرار دولت، دلالت دارد.(۱) یکی از اعتقادات شیعه، مسئله رجعت است. رجعت در زمان ظهور و پس از ظهور امام زمان(ع) به وقوع می پیوندد. عقیده شیعه امامیه آن است که خداوند متعال در موقع ظهور امام زمان(ع) مردمی از شیعیان آن حضرت را که قبلاًـ مرده بودند به دنیا بر می گرداند تا به ثواب یاری او و مساعدت وی و مشاهده دولت آن حضرت فائز گردند. هم چنین مردمی از دشمنان آن حرت را نیز زنده می گرداند تا از آن ها انتقام گیرد.(۲) بر این اساس در دعای عهد نیز می خوانیم: قبل از ظهور حضرت مردم را از قبر بیرون آور تا در رکاب حضرت باشم. از روایات استفاده می شود که بعضی از امامان (ع) مانند امام حسین(ع) به دنیا بر می گردد. امام صادق(ع) می فرماید: "نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده می شود و به دنیا بر می گردد حسین بن علی(ع) است و این رجعت عمومی نیست بلکه افراد خاصی به دنیا بر می گردند که یا مؤمن

خالص و یا مشرک محض باشند".(۳)

پس از حکومت سیصد ساله و بیشتر مفاهیم دینی توسط معصومان، مجدداً اوضاع دگرگون شده حکومت های دینی و غیر دینی رخ می نمایند. جباران زمام امر را به دست می گیرند حکومت های دینی از بین می روند و با گذشت زمان ارزش های اخلاقی وانسانی از میان می رود و فساد و بی بند و باری سطح جهان را فرا می گیرد. روایات زیادی درباره علایم قیامت داریم که اشراط الساعه اش می گویند و این احادیث غیر از علایم ظهور امام عصر(ع) است، چرا که بیشترین تأکید در علایم الظهور بر حاکمیت ظلم و جور است ولی در علایم قیامت بر فساد و بی بند و باری های اخلاقی و علنی شدن مسایل جنسی در برابر چشم مردم است. در هر صورت ممکن است این وضعیت میلیونها سال طول بکشد تا قیامت بر پا گردد.

عیاشی در تفسیر خود از جابر بن یزید جعفی روایت نموده که گفت شنیدم حضرت باقر(ع) می فرمود: به خدا قسم مردی از ما اهل بیت بعد از مرگش سیصد و نه سال سلطنت می کند. عرض کردم: این در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: بعد از مرگ قائم است. عرض کردم: حضرت قائم در عالم خود چقدر باقی می ماند؟ فرمود: نوزده سال از موقع قیام تا هنگام مرگش. عرض کردم: آیا بعد از مرگ قائم هرج و مرج می شود؟ فرمود: آری پنجاه سال. آن گاه امام منتصر به دنیا باز می گردد برای خون خواهی خود و یارانش. وی بی دین ها را به قتل می رساند و به اسارت

می برد. پس از ایشان امام سفاح به دنیا بر می گردد پس تمام دشمنان ستمگر ما را می کشد و تمام زمین را مالك می شودو خداوند کار او را اصلاح می گرداند و سیصد و نه سال سلطنت می کند آن گاه امام فرمود: ای جابر می دانی امام منتصر و سفاح کیست؟ منتصر حسین(ع) و سفاح، امیرالمؤمنین(ع) است.(۴)

پی نوشت ها:

۱.منتخب الاثر، ص ۶۱۸.

۲.مهدی موعود، ص ۱۲۳۲.

۳.مهدی موعود، ص ۱۱۸۶.

۴.مهدی موعود، ص ۱۲۳۹.

با ظهور حضرت مهدی و شکست دادن باطل آیا زندگی ایشان تا قیامت ادامه دارد یا نه؟

پرسش

با ظهور حضرت مهدی و شکست دادن باطل آیا زندگی ایشان تا قیامت ادامه دارد یا نه؟

پاسخ

برخی مقدمات، برای پاسخ به این پرسش ضروری است.

۱. مراد از زمان حکومت امام زمان (عج مدتی است که ایشان رهبریِ حکومتِ سراسریِ عدل را عهده دار می باشد. پس ابتدای ظهور تا استقرار حکومت جهانی خارج از این زمان است.

۲. مدّت بقاء نظام مهدوی و حکومتی که امام مهدی (عج) می گسترانند و پایه گذاری می کنند، مدّتِ پس از وفات امام مهدی (عج) را نیز شامل می شود. به بیان دیگر، گاهی چنین پرسیده می شود که «آیا حکومتِ مهدوی پس از وفات ایشان تا قیامت باقی می ماند یا با وفات ایشان قیامت برپا می شود؟» و «اگر جهان پس از وفات ایشان باقی است آیا آن حکومت تا قیامت باقی می ماند یا حکومت منحرف و ظالم جایگزین آن می شود؟»

پرسشِ فوق در خصوص مقدمه اول است. باید دانست بی شك امام مهدی (عج) به قدری در رأس حکومت باقی می مانند که حکومت سراسری، شایان بقا و ادامه باشد تا هدف خلقت خدا و آرزوی بزرگ بشر محقق شود. این قابلیت بقا قاعدتا شامل رشد و تکامل انسانها تأسیس نهادهای مختلف حکومتی مانند قضایی، قانونی، تربیتی، اجتماعی و اقتصادی می باشد.

پس عـدالتِ فراگیر مفهومی است که نیاز به تلاشـها و تمهید مقدمات فراوانی دارد که حضـرت مهدی (عج) در زمان اسـتقرار حکومت به آنها خواهند پرداخت. این مسائل را از کلیاتِ آیه های قرآنی و قواعد عامه شریعت می توان دریافت.

امّا در خصوص اینکه مقـدارِ آن به لحاظ تحدیـد به زمانِ معینی چه مقـدار است، بایـد به روایتها و نصوص دینی مراجعه کرد.

روایتها

در این باره زیادند و گاهی مؤلفان و مهدی پژوهان را به حیرت واداشته است. همان گونه که مورد دقت و پرسشِ پرسشگر محترم نیز واقع شده است. بطور کلی روایتهای مذکور را در یک تقسیم بندی می توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول روایتهایی که دلالت بر بقای امام مهدی (عج) در حکومت، در زمان ده سال یا کمتر دارند. دسته دوم: روایتهایی دلالت بر بقای امام عصر(عج) بر حکومت، در زمان بیش از ده سال دارند.

روایت های دسته اول و دوم در مصادر عامه و خاصه آمده است؛(۱) ولی روایات دسته اول، در مقایسه با دسته دوم از فراوانی بیشتری برخوردار است.

از میان این دو دسته، دسته اول برتری دارد. به چند دلیل. دلیل اول: اخبار دسته دوم که عامه نقل کرده اند، از غیر معصومان ذکر شده است. مثلاً سیوطی در کتاب الحاوی للفتاوی(۲) روایات ۴۰ سال، ۳۰ سال و ۱۴ سال را نقل کرده که راویان آنها افرادی مانند زهری و دینار بن دینار هستند که قابل اثبات تاریخی نیست.

دلیل دوم: برخی روایات دسته دوم، مدت طولانی و بی حدّی را بیان می کند(۳) که حمل بر مدت بقاء دولت امام مهدی(عج) پس از وفات ایشان می شود نه مدت حکومت شخصِ ایشان.

دلیل سوم: روایت های دسته اول شهرت دارند.

پس به طور کلی روایت های دسته اول، یعنی مدت حکومت کمتر از ۱۰ سال پذیرفته می شود. درباره تغییرات زمانی دوران ظهور حضرت (عج)، در برخی روایت ها اشاره هایی شده است که از آنها برداشت می شود که مدت زمان در آن دوره با توجه به بوجود آمدن تغییراتی در شرایط زمین و حرکت آن، طولانی تر خواهد شد. یعنی ظرف حوادثی که در

آن دوره رخ می دهـد به گونه ای است که اگر در ظرف حوادث شـرایط عادی دنیا (پیش از ظهور) اتفاق افتد، مقدار حرکت و زمان آن طولانی تر خواهـد بود. ابوبصـیر از امام باقر (ع) در روایت طولانی چنین نقل می کنـد: «هنگامی که قائم به پا خیزد به کوفه برود و... پس مـدت هفت سـال بر آن اقـامت می کنـد، ۷ سـالی که هر سـال آن برابر با ۱۰ سال از سالهای شـماست. سپس خـدا هر چه بخواهـد انجام می دهد». (۴) همچنین عبـدالکریم خثعمی می گویـد از امام باقر (ع) درباره مـدت حکومت قائم (ع) پرسـیدم. فرمود: «او ۷ سـال حکومت می کنـد، روزهـا وشـبها طولانی می شود تـا آنجا که یک سال از سالهای او به مقدار ۱۰ سال از سالهای شما می گردد. پس سالهای حکومتش ۷۰ سال از سالهایی است که شما می شمارید».(۵)

از آیات و روایات فراوانی بدست می آید که کسی جز خداوند متعال به زمان قیامت آگاه نیست، آیه (۱۸۷) سوره اعراف می فرمایـد: «دربـاره قیامت از تو سؤال می کننـد، کی فرا می رسـد؟ بگو: علمش فقط نزد پروردگار من است؛ و هیـچ کس جز او نمی تواند وقت آن را آشکار سازد؛ (اما قیام قیامت حتی) در آسمانها و زمین، سنگین است؛ و جز بطور ناگهانی، به سراغ شما نمی آیـد. بـاز از تو سؤال می کننـد، چنـان که گویی تو از زمـان وقوع آن با خبری؛ بگو: علمش تنها نزد خـداست؛ ولی بیشتر مردم نمی داننـد». آیه ۳۴ سوره لقمـان و آیه ۶۳ سوره احزاب و برخی از آیـات دیگر نیز بر همین حقیقت دلالت دارنـد. پس نمی توان زمان دقیق قیامت و پایان جهان مادی را تعیین نمود. از سوی دیگر برخی

از روایات به توضیح و تشریح حوادث پس از شهادت امام زمان(عج) پرداخته اند. مهمترین این روایات، احادیث مربوط به رجعت است. این روایات چنان متنوع و فراوان می باشند که اعتقاد به رجعت را از باورهای مسلّم و شناخته شده شیعه قرار داده اند. هر چند این دسته از اخبار دارای اختلاف و تفاوت می باشند ولی اجمالاً ـ یکی از نکاتی که از مجموعه عظیم روایات رجعت قابل استنباط می باشد اینست که بعد از شهادت امام عصر(عج)، دیگر امامان معصوم علیهم السلام به زندگی و حیات مادی باز می گردند، و مسئولیت امامت و حاکمیت الهی خود را ادامه خواهند داد.(۶) برخی از روایات نیز گویای این نکته است که پس از حضرت مهدی(عج)، سلسله ای از فرزندان او حاکمیت الهی را بر عهده خواهند گرفت، امام صادق علیه السلام می فرماید: «بعد از حضرت قائم علیه السلام، دوازده مهدی از نسل امام حسین علیه السلام ظهور خواهند نمود».(۷) دسته اخیراز روایات هیچ تعارضی با اخبار رجعت ندارند، زیرا بعید نیست ظهور دوازده مهدی از فرزندان امام حسین علیه السلام در طول رجعت امامان معصوم علیهم السلام و پس از آن باشد. پس ظاهراً جهان مادی پس از شهادت حضرت مهدی(عج) به حیات خود تحت سیطره حکومت عدالت گستر الهی که بر جای مانده از انقلاب جهان امام عصر(عج) می باشد، ادامه خواهند داد، و هنگامه قیامت نیز بر کسی آشکار نمی باشد. از این رو امام مهدی(عج) مؤسس حکومت عدل جهانی خواهند بود و این حکومت پس از ایشان ادامه دارد و جهان پس از امام مهدی(عج) پایان نمی پذیرد.

پی نوشت ها:

پی نوشتها:

۱. روایات دسته اول از مصادر عام: مانند این روایت که ام سلمه از رسول اکرم (ص) نقل می کند: «

پس در حکومت ۷ سال باقی می ماند»، ... ابوداود می گوید: برخی از راویان از هشام این زمان را ۹ سال ذکر می کنند.

(حافظ ابی داود سلیمان بن اشعث بن اسحاق الازدی الجستانی, سنن ابی داود، مصر، طبعه الاولی، ۱۳۷۱ ق، ج ۲، ص ۴۲۳).

روایات دسته اول از مصادر خاصّه: مانند این روایت که عبدالکریم خثعمی می گوید از امام صادق (ع) پرسیدم قائم چه مقدار حکومت می کند؟ فرمود: «۷ سال از سالیانِ شما». (شیخ طوسی، الغیبه، نجف، طبعه الثانیه، ۱۳۸۵ ق، ص ۵۲۰).

روایتهای دسته دوم از مصادر عامه: مانند این روایت که حذیفه بن یمان از رسول الله (ص) نقل کرد: «مهدی مردی از فرزندان من است.... ۲۰ سال حکومت می کند».

(حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع المودّه، نجف، طبعه السابعه، حیدریه، ۱۳۸۴ ق، ص ۵۲۰).

روایتهای دسته دوم از مصادر خاصه: مانند این روایت از جابر جعفر که از امام باقر (ع) می پرسد: قائم چه مقدار در عالمش حکومت می کند؟ فرمود: « ۹۰ سال».

(شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۶).

۲.شیخ جلال الدین محمد سیوطی، الحاوی للفتاوی، (تحقیق و تعلیقه محمد محی الدین عبدالمجید)، مصر، طبعه الثالثه، السعاده، ۱۹۵۹ م، ص ۱۵۵ به بعد.

۳.مانند این روایت از عبدالسلام بن صالح هروی از امام رضا (ع) از پدرانش از امیرمؤمنان (ع) از رسول خدا (ص) که می فرماید: «حکومتش دوام خواهد داشت تا روز و شب دوام دارد تا روز قیامت». (سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، بیروت، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات ۱۴۱۲، ص ۴۳۶، به نقل از شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه).

۴.شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه حاج سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، ج ۲،

ص ۳۵۹، ح ۸.

۵.علامه محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

۶.مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، اسلامیه، تهران، ج ۵۳، باب رجعت، ص ۳۹ تا ۱۴۴، مرحوم مجلسی در این باب حدود ۱۶۲ روایت نقل کرده است.

۷.همان، ص ۱۴۸.

آثار ظهور امام زمان(عج) چیست؟

پرسش

آثار ظهور امام زمان(عج) چیست؟

پاسخ

یکی از خواست های بنیادین بشر خسته ی امروز، یافتن دور نمایی از آینده ای روشن و پر امید است که از بدو پیدایش انسان و هبوط حضرت آدم تاکنون، بشارت فرا رسیدن آن داده شده است: آینده ای درخشان که شکوه و عظمت آن دل های مالامال از انتظار و شوق را مدهوش خود کرده و همین جذابیت، بستر طرح پرسش های گوناگونی درباره ی آن شده است. یکی از این پرسش ها درباره ی آثار و تحولات ظهور و موعود ادیان است. باید گفت در این دوره بشر شاهد تحولات شگرفی در زمینه های مختلف خواهد شد که همگی در راستای تکامل جامعه ی بشری قرار دارند, لذا, نخست لازم است تصویر روشنی از واژه ی تکامل داشته باشیم و سپس به جنبه های مختلف آن بپردازیم.

باید توجه داشت هر موجودی زمینه ها و استعدادهای وصول به فعلیت هایی را دارد که متناسب با آن و سازگار با طبیعت و سرشت و استعدادهای درونی اش هستند, از این رو کمال هر جیز عبارت است از: «رسیدن شیء به فعلیت و وضعیتی که با آن ملایم و سازگار باشد» (احمد واعظی, انسان از دیدگاه اسلامی، ص ۱۴۹, انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷).

بنابراین, تکامل بشر و جامعه بشری به معنای شکوفا شدن و به فعلیت رسیدن همه امکان ها و استعدادها و ظرفیتهای آن است. از طرفی باید توجه داشت که بشر و جامعه بشری دارای استعدادهای متعدد و متنوعی است که تکامل حقیقی با شکوفایی و به فعلیت رسیدن همه آنها تحقق می یابد. از آنجا که بشر

موجودی دو بعـدی است, برخی از این اسـتعدادها و در نتیجه, برخی از این ابعـاد تکامل, ناظر به زنـدگی مادی وبرخی دیگر, ناظر به بعد معنوی و اخلاقی بشر است.

از این رو, تکامل حقیقی بشـر, که وعده ی تحقق آن در عصر ظهور آورده شده است, همه ی جنبه های حیات بشری را در بر می گیرد و پاسخ گوی همه ی نیازهـا و خواسـته های وی, چه در دایره ی امور معنوی و چه در قلمرو امور مادی خواهـد بود. در این مقاله می کوشـیم تا دورنمایی از مهم ترین ابعاد جامعه ی بشـری در آن عصـر طلایی را به کمک احادیث و روایات به دست آوریم.

۱.تکامل فکری:

در زمان ظهور و بر پایی دولت کریمه امام زمان(عـج) سـطح انـدیشه و فکر مردم به نحو چشم گیری بالا می رود. امام باقر(ع) در این بـاره می فرمایـد: «اذا قام قائمنا وضع الله یـده علی رئوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم ؛ وقتی که قائم ما قیام می کند, خدا دست لطفش را بر سـر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل های پراکنده ی آنها را جمع می کند و اندیشه ی آنان را به حد کمال می رساند»(کلینی, الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه, چاپ چهارم، ج ۱, ص ۲۵).

۲. رشد معنویت و اخلاق:

یکی دیگر از جنبه هـای تکامـل بشـری در عصـر موعود را می توان در وادی معنویت و اخلاق جست و جو کرد. متأسـفانه در دنیای کنونی در کنار توسـعه ی صـنایع و علوم, شاهـد روند نزولی سـیر بشـریت در حوزه ی اخلاق بوده ایم, اما در آن دوران طلایی,

رشد جنبه های مختلف حیات بشری, چه مادی و چه معنوی, متوازن خواهد بود.

امام حسن(ع) می فرماید: خداوند در آخر الزمان مهدی را بر می انگیزد و کسی از منحرفان و فاسدان نیست, مگر این که اصلاح گردد (نجم الدین طبسی، چشم اندازی از حکومت مهدی، چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۰۶، به نقل از متن الرحمان، ج ۲، ص ۴۲ و اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴).

حضرت امیرالمؤمنین(ع) از رخت بر بستن بدی ها و ناراحتی ها و جایگزین شدن خیر و نیکی به جای آن در این دوران خبر می دهد» (همان، ص ۲۳۰ به نقل از الشیعه و الرجعه، ج ۱ ، ص ۱۶۷).

و در جای دیگر می فرماید: «و لذهب الشحنا من قلوب العباد؛ کینه توزی از دلهای بندگان خارج می شود» (محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶).

همه ی این امور از استقرار و بسط اخلاق و معنویت حکایت دارد.

۳. رشد علم و فرهنگ اسلامی:

از دیگر موارد پیشرفت و تکامل بشری در این دوران، بالا ـ رفتن آگاهی های دینی و مذهبی همگان است. امام باقر(ع) می فرماید: «در روزگار مهدی به اندازه ای به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه اش به طریق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می کند» (همان، ج ۵۳، ص ۳۵۲).

۴. جهان شمولی اسلام (دین حق)

یکی دیگر از جنبه های تکامل بشری در عصر موعود، رشد و توسعه و فراگیر شدن آیین حق (اسلام) خواهد بود. در این دوران، ادیان دروغین و ساخته ی اوهام بشری و نیز ادیان تحریف شده رخت بربسته و پرتو دین حق سراسر

پهنای این کره ی خاکی را در خواهد نوردید.

امام باقر(ع) در تفسیر آیه ی سی و سوم سوره ی توبه می فرماید: «در آن زمان کسی باقی نمی ماند، مگر آن که به رسالت محمد(ص) اعتراف و اقرار کند» (محمد بن مسعودعیاشی، تفسیر عیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، ج ۲، ص ۸۷).

۵. شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی

در پرتو تحول فرهنگی و اخلاقی بشر و رشد تقوا و نیکی ها، نعمت های الهی از هر سو بر بندگان سرازیر می شوند، زیرا این وعده ی تخلف ناپذیر پروردگار است: «لو ان اهل القری امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض؛ اگر مردم شهرها و دیارها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، ما برکات زمین و آسمان را بر آنان می گشاییم».

در پرتو این عنایت الهی است که از آرزوهای دیرین بشری، که همان برچیده شدن و ریشه کن شدن فقر است، تحقق می یابد. پیامبر گرامی اسلام(ص) در این باره می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی ظهور کند ... اموال و زکات ها را در کوچه ها می برند، ولی کسی پیدا نمی شود که حاضر به دریافت آنها باشد» (نجم الدین طبسی، همان، ص ۲۲۲ به نقل از عقدالدرر، ص ۱۶۶).

آری در این عصر طلایی، فقر رخت بربسته و هیچ ویرانه و ویرانه نشینی باقی نمی ماند.

امام باقر(ع) در این باره می فرماید: «حکومت او شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنجینه های زمین برای او ظاهر می گردد و در سرتا سر جهان جای ویرانی نخواهد ماند، مگر این که آن را آباد خواهد ساخت» (امین الاسلام طبرسی، اعلام

الوری، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ سوم، ص ۴۶۳).

۶.تکامل علمی و تکنولوژی و پیشرفت برق آسای علوم و فنون:

در این عصر، پیشرفت تکنولوژی و علوم به گونه ای برق آسا و غیر قابل مقایسه با دنیای کنونی خواهد بود، به گونه ای که همه ی دستاوردهای خیره کننده ی جهان بشری کنونی و آینده در برابر آن بسیار اندک و ناچیز است.

امام صادق(ع) در این باره می فرماید:دانش بیست و حرف(شاخه و شعبه) است و مجموع آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف را نمی دانند و چون قائم قیام کند، بیست و پنج حرف بقیه را بیرون می آورد و در میان مردم منتشر می سازد و بدین سان مجموعه ی بیست و هفت جزء دانش را نشر می دهد» (محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۲، ص ۳۳۶).

ما با مراجعه به روایات می توانیم به دورنمایی از برخی از پیشرفت های علمی و صنعتی دست یابیم که به آنها اشاره می کنیم.

الف) پیشرفت صنایع و حل مسئله ی انرژی: امام صادق(ع) می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی نیاز می شوند» (علامه زین الدین علی بن یونس نباطی بیاضی، الصراط المستقیم، نجف اشرف، انتشارات کتابخانه حیدریه، چاپ اول، بی تا).

از این تعبیر چنین بر می آید که مسئله نور و انرژی آن چنان حل می شود که در روز و شب از پر قدرت ترین نورها، که می تواند جانشین آفتاب گردد، بهره می

گیرند و این شاید در سایه ی استقرار یک سیستم تکامل یافته ی انرژی اتمی با تصفیه ی کامل از تشعشات زیانبار آن تحقق یابد، امری که در حال حاضر بزرگ ترین مشکل استفاده از این انرژی است (ناصر مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، انتشارات هدف، قم، ص ۲۷۷، بی تا).

ب) پیشرفت پزشکی: در آن عصر هیچ بیماری بدون درمان باقی نمی ماند.

امام باقر(ع) در این باره می فرماید: «هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر به بیماری دچار باشد، شفا یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند می شود» (محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۳۵).

و در برخی روایات از ریشه کن شدن بسیاری از بیماری ها خبر داده شده است که چه بسا تحقق آن در پرتو عنایات الهی قابل تفسیر باشد.

امام سجاد(ع) در این باره می فرماید: «هنگامی که مهدی قیام کند، خداوند متعال هرگونه بیماری را از جامعه شیعیان برطرف می کند» (همان، ص ۳۱۷).

ج) گسترش و پیشرفت وسایل مخابراتی و ارتباط جمعی: یکی دیگر از جنبه های پیشرفت بشری در این عصر را می توان در حوزه ی وسایل مخابراتی و ارتباط جمعی دانست که نمونه های فعلی آن در جامعه ی کنونی به صورت رادیو و تلویزیون و ماهواره ها و غیره است که گسترش و رشد مضاعفی پیدا خواهند کرد.

امام صادق(ع) می فرماید: «در زمان قائم، شخص مؤمن در حالی که در مشرق به سر می برد، برادر خود را که در مغرب است دریده و نیز آن که در مغرب است، برادر خویش را در مشرق خواهد دید» (همان، ص ۳۹۱).

و نیز

می فرماید: «چون قائم ما قیام نماید, خداوند گوش و چشم شیعیان ما را چنان تقویت می کند که بین آنها و امام(ع) پست و پیک وجود نداشته باشد, به گونه ای که وقتی امام با آنها سخن می گوید آنان می شنوند و او را می بینند و امام در جایگاه خود قرار دارد» (همان، ص ۲۳۶)

امام باقر(ع) نیز می فرماید: «چون قائم قیام کند, در هر منطقه ای از مناطق زمین, مردی را (به عنوان نماینده) می فرستد و می گوید: دستورالعمل تو در کف دست توست, چنانچه امری برایت پیش آمد که آن را نفهمیدی و حکمش را ندانستی, به کف دست خود نگاه کن و بر طبق آنچه در آن است عمل نما» (نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۹).

د) پیشرفت کشاورزی: یکی دیگر از جنبه های پیشرفت بشری در این عصر, رشد و توسعه کمی و کیفی دانش و محصولات کشاورزی است.

امام علی(ع) در این باره می فرماید: (نجمالدین طبسی، همان، ص ۲۳۰، به نقل از الشیعه والرجعه، ج ۱، ص ۱۶۷) «حضرت مهدی(عج) شرق و غرب زمین را تسخیر می کند... بدی ها و ناراحتی ها را بر طرف می کند و خیر و نیکی جای گزین آن می شود, به طوری که یک کشاورز از هر من (۳ کیلو) صد من محصول به دست می آورد, همان گونه که خدا فرمود: «در هر سنبلی صد دانه عمل می آید و خداوند برای هر کس که اراده نماید زیادتر می کند» (بقره، آیه ۲۶۱).

البته این امر با دستاوردهای کنونی بشر در زمینه ی ژنتیک و کاربرد آن قابل هضم است.

۷. گسترش

عـدالت: یکی از تلـخ کـامی هـای بشـر در طی قرن ها, فقـدان عـدالت فراگیر و حاکمیت ظلم و سـتم و تبعیض بوده, امری که ناامیـدی و سـرخوردگی بشـر تشـنه عـدالت را به دنبـال داشـته است, امـا این وعـده ی پروردگـار است که در این عصـر, برای نخستین بـار در کـل طول عمر زمین و زمینیـان, بسـاط ظلم و سـتم و تبعیض برچیـده می شود و ذائقه ی بشـر تشـنه ی عـدالت حلاوت شهد دل انگیز عدالت را خواهد چشید.

امام جواد(ع) می فرماید: «یملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا؛ زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد پس از آن که از ظلم و سـتم لبریز شـده باشد» (محدث نوری، مسـتدرک الوسائل، قم، مؤسـسه ال البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، ج ۱۲، ص ۲۸۳، بی تا).

در پرتو خورشـید فروزان عـدالت, هر صاحب حقی به حقش خواهد رسـید و دسـتگاه قضاوت حضـرت(عج) این امر را سامان خواهـد داد. حضـرت امام باقر(ع) در این باره می فرمایـد: «پس از ظهور مهدی(عج) هیچ حقی از کسـی بر عهده دیگری باقی نمی ماند, مگر آن که حضرت آن را باز می ستاند و به صاحبش می دهد» (محمد باقر مجلسی، همان، ص ۲۲۴).

۸. امنیت عمومی

یکی از مهم ترین مؤلفه های به وجود آمدن جامعه ای پیش رفته و پویا, استقرارامنیت همه جانبه و فراگیر و پایدار است, امری که به لحاظ اهمیت آن, در روایات ما نعمتی الهی معرفی شده است و این خواسـته ی بشری به نحو فراگیر و همه جانبه تنها در عصر موعود متحقق خواهد شد.

امام باقر(ع) در این باره می

فرماید: «در این زمان پیر زن ناتوانی از مشرق زمین به مغرب می رود, در حالی که هیچ کس متعرض او نمی شود».

و در برخی از روایات دایره ی امنیت و حوزه ی آن, حتی فراتر از انتظارات معمول بشری تعریف شده است.

امام علی(ع) می فرماید: «هرگاه قائم ما قیام کند آسمان باران خود را می بارد و درندگان با چارپایان از در آشتی وارد می شوند و با انسانها کاری ندارند,تا جایی که زنی از عراق به شام می رود, بدون این که ذره ای او را نگران سازد یا از درنده ای بترسد» (همان، ص ۳۱۶).

این ها نمونه هایی از جنبه های تکامل بشری در عصر ظهور منجی عالم امکان است که دورنمایی از دورانی طلایی و لبریز از معنویت و رفاه است که پاسخ گوی همه ی خواسته ها و انتظارات بشر در طول اعصار متمادی و بسیار فراتر از آن می باشد, برهه ای از زمان که همه ی استعدادها ی بشر به فعلیت و شکوفایی خواهد رسید. به امید آن که دیدگان ما به قامت دل ربای موعود عصرها و نسل ها منور گردد.

چرا در عصر انبیای گذشته حکومت عدل جهانی تحقق نیافته است؟

پرسش

چرا در عصر انبیای گذشته حکومت عدل جهانی تحقق نیافته است؟

پاسخ

این سؤال گاهی به طریق دیگری نیز مطرح می شود که چرا حکومت عدل جهانی در پایان تاریخ وآخرالزمان اجرا می گردد؟ آیا این امر اتفاقی است یا اینکه وجه ودلیلی دارد؟ می گوییم: تکامل فرد ودر نتیجه ایجاد مجتمع کامل ونیز دولت وحکومت عدل در جامعه با دو عامل اساسی تحقق پذیر است:

۱ - عامل خارجی: به این معنا که هر فرد از افراد جامعه، معنای عدل وکمالی را که هدف خلقت در اوست بداند ونیز راهی را برای رسیدن به آن بیابد، واز آنجا که فهم بشر قاصر از درک این امور است لذا بشر در طول تاریخ محتاج به انبیا برای هدایت ورسیدن به اهداف خود بوده است.

۲ - عامل داخلی: که همان شعور بشر به این مسئولیّت وهدف بزرگ است. لذا برای رسیدن به هدف، تحقق این عامل داخلی در وجود انسان لازم است. این شعور به مسئولیّت تحقق نمی یابد مگر به اینکه:

الف. عقل، اهمیّت اطاعت خداوند وخضوع وخشوع نسبت به او را درک کند.

ب. بداند که اطاعت خدا ضامن حقیقی برای سعادت خود وجامعه وایجاد عدل مطلق در جامعه خواهد بود.

ج. حقیقت عدل وقسط وآثار وبرکات آن را بداند.

این عامل داخلی با انواعش از چند طریق قابل پیاده شدن است:

۱ - اینکه این ایمان واخلاص در افراد جامعه به صورت معجزه تحقق یابد.

این احتمال با قانون معجزات منافات دارد، زیرا معجزه طریق انحصاری است، در حالی که برای رسیدن به نتیجه وهدف راه های دیگر غیر از طریق معجزه وجود دارد. ونیز با اختیار انسان -که کمال او در گروآن است- منافات دارد.

۲ -

بشر بدون جبر وبا تجربه وارشاد به سطحی عالی از فهم وشعور برسد تا بتواند آن هدف عالی را با رهبری الهی پیاده کند.

با ملاحظه حالات وخصوصیات بشر پی می بریم که هنوز انسان به آن سطح عالی از فهم وشعور برای رسیدن به این هدف کامل نرسیده است، زیرا بشر از ابتدای خلقت، دو شرط اساسی از شرایط تطبیق عدل کامل را نداشته است:

الف. شناخت عدل به صورت کامل.

ب. آمادگی برای فداکاری در راه تطبیق وپیاده کردن عدالت بعد از شناخت آن.

اگر بر فرض، بشر شرط اوّل را دارا باشد، هنوز آمادگی کامل برای شرط دوّم را پیدا نکرده است. ولذا حتی در عصر صحابه رسول اکرم که آن را بهترین عصر می دانند آن حضرت مشکلاتی با صحابه در زمینه فداکاری آنان در راه اسلام داشته است.

خداوند متعال در اعتراض به جماعتی از صحابه می فرماید: {يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ما لَكُمْ إِذا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثّاقَلْتُمْ إِلَى الأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالحَياةِ الدُّنْيا مِنَ الآخِرَةِ فَما مَتاعُ الحَياةِ الدُّنْيا فِي الآخِرَةِ إِلّا قَلِيلٌ}؛ "ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا{پاورقی . سوره توبه، آیه ۳۸. پاورقی}

هنگامی که به شما گفته می شود: به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید بر زمین سنگینی می کنید [و سستی به خرج می دهید]؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست."

حال به این نتیجه می رسیم که بشر تاکنون به شروط اساسی برای تشکیل حکومت جهانی دست نیافته وزمینه را برای ظهور فراهم نساخته است.

سید رضا صدر؛ می گوید: "روزی خواهد رسید که بشر قابلیت پیدا کند که دادگستری توانا

وبینا بر او حکومت کند وقابلیّت پیدا کردن بشر برای چنین حکومت عبارت است از تکامل او. بشر تکامل نیافته شایستگی ولیاقت حکومت عدل را ندارد وآن را نمی پذیرد، واگر با جبر وزور بر او تحمیل شود نقض غرض خواهد بود. جبر وزور ظلم است وظلم نردبان عدل نخواهد بود. عدلی که به وسیله ظلم برقرار شود عدل نیست، هر چند نام عدل بر آن گذارند. بشر تکامل نیافته حاکم عدل را نمی پسندد ودوست می دارد که او برکنار شود. حضرت علی (ع) می فرماید: "این مردم از من ملول شده اند ومن هم از آنها ملول هستم"، سپس در حقّ آنها نفرینی کرده، فرمود: "خدایا مرا از اینها بگیر". حکومت عدل بایستی با رضایت خلق برقرار شود، وآن وقتی است که بشر خواستار آن باشد. بشر وقتی خواستار حکومت عدل می شود که خوی حیوانی تحت فرمان خوی انسانی او قرار گیرد".

{پاورقی . راه مهدی (ع)، ص ۵۴. پاورقی}

در رو آیات نیز به جهتی دیگر اشاره شده است.

امام باقر (ع) فرمود: "دولتنا آخر الدول ولن یبقی أهل البیت لهم دوله إلّا ملکوا قبلنا لئلّا یقولوا إذا رأوا سیرتنا إذا ملکنا سرنا مثل سیره هؤلآء وهو قول اللّه عزّوجلّ: {وَالعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ}"؛ "دولت وحکومت ما آخرین دولت ها وحکومت هاست. حکومت برای هیچ اهل {پاورقی . الغیبه، طوسی، ص ۴۷۲ ؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲، ح ۵۸. پاورقی}

بیتی باقی نمی ماند مگر اینکه قبل از ما به حکومت رسیده وآن را به نهایت رسانده است، به جهت آنکه هر گاه سیره ما را در حکومت مشاهده کردند نگویند: اگر ما نیز مالک وعهده دار حکومت بودیم این چنین حکومت می کردیم. اشاره به این معناست قول

خداوند متعال که می فرماید: (وعاقبت برای پرهیزگاران است)."

آیا حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور، مسجد الحرام ومسجد النبی را تغییر خواهد داد؟

پرسش

آیا حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور، مسجد الحرام ومسجد النبی را تغییر خواهد داد؟

پاسخ

کلینی ومفید با سند خود از ابوبصیر واو نیز از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: "إنّ القائم (ع) إذا قام ردّ البیت الحرام إلی أساسه ومسجد الرسول إلی أساسه..."؛ "هنگامی که {پاورقی . کافی، ج ۴، ص۵۴۳ ؛ الارشاد، ص ۳۶۴. پاورقی}

قائم قیام کند مسجدالحرام را به اساس خود باز می گرداند ونیز مسجد نبوی را به اساس خود باز می گرداند...".

۱ - شیخ مفید این روایت را مرسلاً از ابی بصیر نقل کرده وکلینی نیز با این سند آن را نقل نموده است: "احمد بن محمّد، عمّن حدّثه، عن محمّد بن الحسین، عن وهیب بن حفص، عن ابی بصیر..." ومعلوم است که سند ارسال دارد؛ زیرا راوی از محمّد بن حسین مشخص نیست.

شیخ طوسی؛ نیز در کتاب "الغیبه" حدیث فوق را نقل کرده ولی در سند آن علی {پاورقی . الغیبه، ص ۲۸۲. پاورقی}

بن ابی حمزه بطائنی است که از سردمداران واقفی ها واز دشمنان امام رضا (ع) به حساب می آید. نتیجه اینکه: این روایت هیچ سند معتبری ندارد، که قابل احتجاج باشد.

۲ - حضرت مهدی (ع) کسی است که مورد اعتماد شیعه واهل سنّت است، وشیعه علاوه بر اعتماد، او را معصوم نیز می داند. او کسی است که مطابق روایات فریقین سیره ای پسندیده دارد وبعد از ظهورش زمین را پر از عدل وداد خواهد کرد. کسی که چنین اوصافی دارد هرگز شک وتردیدی در عملکرد او نخواهد شد، در صورتی که مسجد الحرام ومسجد النبی را برای مصالحی خراب کرده وبه اساس آن بازگرداند.

۳ - بر فرض صحت روایت ممکن است که توجیه آن این

باشد: از آنجا که برخی از نواحی این دو مسجد به توسط سلاطین جور به جهت ریا ودیگر اهداف ویا با مال حرام وغصبی ساخته شده است، برای آنکه آثار ظالمین باقی نماند آنها را خراب می کند وبه جای اصلی آن باز می گرداند.

۴ – مطابق روایت صحیح مسلم، پیامبر (ص) قصد داشت که کعبه را خراب کرده واز نو بنا کند، ولی به جهت آنکه مردم تازه مسلمان بودند از این کار صرف نظر کرد.

مسلم در صحیح خود از عبداللّه بن زبیر از عایشه نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود: "یا عائشه! لولا أنّ قومک حدیثو عهد بشرکٍ لهدمتُ الکعبه فالزقتها بالأرض، وجعلت لها بابین: باباً شرقیاً وباباً غربیاً وزدت فیها ستّه أذرع من الحجر، فإنّ قریشاً اقتصرتها حیث بنت الکعبه". حدیث دیگری نیز مسلم در همین باب نقل کرده است، که برخی از سلاطین {پاورقی . صحیح مسلم، ج ۴، ص ۹۸. پاورقی}

کعبه را خراب کرده، ودوباره بازسازی کردند.

{پاورقی . همان. پاورقی}

آثار وبرکات ظهور حضرت چیست؟

پرسش

آثار وبرکات ظهور حضرت چیست؟

پاسخ

امتیازات ظهور حضرت مهدی (ع) بر چند نوع است:

۱ – یک نوع امتیاز همانند امتیاز وجود پیامبر وبودن انسان در عصر ایشان ودیگر امامان است. اگر ما در عصر آن حضرات بودیم چه آثار وبرکاتی بر ما مترتب می شد که الآن نیست، آن آثار وبرکات بر انسانِ در عصر ظهور نیز مترتب می گردد.

۲ – یک سری امتیازات دیگری است که مخصوص عصر ظهور حضرت مهدی (ع) است. عصر ظهور حضرت عصری است که بهشت واقعی برای مردم در روی زمین تحقق یافته وعصر طلایی به حساب می آید، عصری که حتی برای پیامبر (ص) نیز فراهم نشد، از همه جهت شرایط برای یک زندگی ایده آل فراهم است، عصری که در هیچ یک از نقاط عالم ظلم وتعدّی نخواهد بود... واین امتیاز واثر بسیار عالی است که انسان می تواند کسب کند.

۱– آیا زمانی که امام زمان «علیه السلام » ظهور کنند، دیگر انسانها نیاز به مادیات ندارند و زمان حکومت چگونه است ؟ اگر نیاز به مادیات نباشد دیگر کار کردن معنی ندارد پس وضع دنیا به چه صورتی خواهد بود ؟

پرسش

۱- آیا زمانی که امام زمان «علیه السلام » ظهور کنند، دیگر انسانها نیاز به مادیات ندارند و زمان حکومت چگونه است ؟ اگر نیاز به مادیات نباشد دیگر کار کردن معنی ندارد پس وضع دنیا به چه صورتی خواهد بود ؟

پاسخ

ظهور امام زمان «عج»مقتضیات زندگی نشئه دنیا را از میان نمی برده، درست است که کرامات بسیار آنحضرت و برکات بسیار الهی شامل حال زمینیان می شود، ولی اساس و اصول زندگی دنیا تغییر نمی کند .

زندگی بر اساس تقوا است و در چار چوبه دنیا . پس انسانها باز هم برای تأمین معاش خویش تلاش می کنند،اما با این تفاوت که دیگر معیار و ملاک تلاشها تقوا است .

مادیات دیگر سرور و شرافت زندگی ها نیست، بلکه صرفا وسیله ای است ،برای گذراندن دنیایی است ،که باید صرف کسب معارف عمیق الهی شود،تا بعد از مدتی کوتاه، فرد به سوی منشاء حقیقی خود باز گردد.

مراد از مادیات صرف همت و الای انسانی است ،باری بدست آوردن مقاصد کوتاه و کم ارزش .

بلکه باید چه در دوران غیبت و چه در دوران حضور، تلاش برای معاش در مسیر معاد باشد .

امام علی «علیه السلام » در وصف اوضاع قبل از ظهور آن بزرگوار می فرماید : مردم آن زمان ظاهری زیبا و آراسته و باطنی پست و پوسیده دارند، هر کس آنها را ببیند خوشش آید و شگفت زده شود، ولی چون با آنان معاشرت کند مورد ستم قرار گیرد.

{ بشارت الاسلام ، ص ۷۵ }

امام صادق علیه السلام » فرمودند : برای مردم روزگاری می رسد که تنها هم و غمشان

شکم آنـان ، تجملات زنـدگی شـرف آنـان ، همسـر انشـان قبله آنان ، پول و دینارشان آیین آنان است ، آنان بـدترین خلایق هستند برای ایشان در نزد خدا ارج و مقامی نیست .

{ بحار ، ج ۷۴ ، ص ۱۶۶ }

آری پس از ظهور تنهـا هم و غم انسانها پرداختن به امور جزئی دنیا نیست ؛ بلکه تعلیم و تعلم اسـماءالله و اخلاق الهی و سـیر و صعود به منازل رفیع ربانی اولین وآخرین هدف است و سایر مسائل دنیوی درخدمت این موضوع مبارک می باشد .

چنین اسـتدلالی که، چون نیاز به مادیات نیست پس کار کردن تعطیل است (۱) منحرف از طریق هدایت و شریعت امامت آن امام بزرگوار است.

به مادیات نیازمندیم، زیرا در عالم ماده زندگی می کنیم و باید مقتضیات آن را فراهم کنیم ولی نه از روی ظلم و بی عدالتی و نه برای اهداف نا چیز و مبتذل ؛ بلکه برای بهره مند شدن از رفاه و امنیت عادلانه و برای پرواز بسوی آخرت همراه باسعادت .

منابع :

۱–چشم اندازی به حکومت مهدی «عج» نجم الدین طبسی

۲– تمدن در عصر ظهور مهدی «عج» ، عباس المدرس ترجمه لطیف راشدی

۳– عصرزندگی ، محمود حکیمی

حکومت در زما حضرت ول عصر«علیه السلام» و جهان در آن عصر چگونه است؟

پرسش

حکومت در زما حضرت ول عصر«علیه السلام» و جهان در آن عصر چگونه است؟

پاسخ

آنچه از آیات و قرآن و احادیث در رابطه با زمان بعد از ظهور آن بزرگوار استفاده می کنیم آینده ای درخشان و روزگاری پر از نعمت و رفـاه برای مردم آن دوران است مـا برخی ویژگی های آن زمان را یادآور می شویم خود شـما می توانیـد دورنمای زندگی رادر آن زمان تا حدّی در نظرتان مجسّم کنید.

۱. حکومت عدل جهانی حضـرت بقیهاللّه«علیه السلام» در آن زمان در جهان گسترش پیدا می کند و تمام ظالمان و مستکبران و طاغیان که بر انسانها مسلّط بوده هر یک به گونه ای بر آنان سـتم روا می داشته اند از بین می روند و زمین پر از عدل و داد

می شود پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است.

۲. در حدیث آمده است که آنحضرت دست خود را بر سر انسانها می گذارد(شاید منظور گسترش سیطره حکومتی آن حضرت باشد) و عقلها بالا ـ می رود و عقلها که بالا رفت موجبات نزاع و کدورت و کینه توزی و اختلاف انسانها از بین می رود.

۳. در حدیث آمده که تمام علم ۲۷ حرف است تمامام انبیاء و اولیا و رهبران الهی تاکنون ۲ حرف از این ۲۷ حفر را برای انسانها آورده اند(گویا زمینه برای بیشتر وجود نداشته است) با آمدن و ظهور آن حضرت آن دو حرف ضمیمه ۲۵ حرف دیگر در جهان نشر پیدا می کند طبیعی است که دنیا مدینه فاضله شود.

۴. زمین گنجهای خود را و معادن خود را بیرون می دهد و با بالا رفتن سطح دانش معادن شناسائی و اکتشاف و مورد استفاده قرار می گیرند.

۵. باران بسیار می بارد و زمین گیاهان

خود را می رویاند طبیعی است که با این دو ویژگی صنعت و کشاورزی به شکوفایی بالایی دست پیدا می کند.

۶. با نابودی استکبار و طاغوتها زمین از استعمار و توطئه های آنان و مزاحمت و آزار و ستمهای آنان پاک سازی می شود طبعاً همه انسانها با آرامش از نعمتهای خداوند بهره برداری کرده به عبادت و بندگی خداوند که هدف از آفرینش آنان است مشغول می شوند.

« بخش پاسخ به سؤالات »

جهان پس از حضرت

پس از ظهور امام زمان(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می شود؟

پرسش

پس از ظهور امام زمان(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می شود؟

پاسخ

جواب این پرسش مبتنی بر جهان بینی و نگرش ها است. بر اساس جهان بینی مادی، انسان ها مانند دیگر موجودات نظام هستی رشد نموده و زنده می شوند و می میرند، و مرگ هر انسانی آخرین مرحله زندگی است. برخی از مکاتب دیگر نسبت به آینده بشر دچار مشکل بوده و آینده مشخصی را ارائه نداده و عقیده دارند جهان به سوی نابودی و فساد حرکت می کند.[۲۰]

برخی دیگر به انسان ها امید داده و نسبت به آینده بشر خوش بین اند.

در آموزه های دینی، به ویژه تفکر شیعی، آینده انسان و حتی نظام هستی روشن بوده و مرگ نه تنها پایان زندگی است، بلکه زندگی بهتر و برتر آغاز می گردد. اسلام با طرح حکومت صالحان و متقیان، سیمای کلی وضعیت آینده بشر را معیّن نموده است.

شهید مطهری می نویسد: از نظر قرآن، حکومت نهایی و حکومت حق و نابود شدن باطل مسلّم است و عاقبت از آنِ تقوا و متقیان است.[۲۱]

در قرآن نیز آمده است: "إنّ الارض یرثها عبادی الصالحون".[۲۲] و :"وعد الله الّذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفهم فی الارض...".[۲۳]

از منظر اسلام همه موجودات به سوی کمال مطلق در حرکت بوده و مسیر تکاملی را طی می کنند و برگشت همه به سوی خداوند است: "إنّا لله و إنّا الیه راجعون".[۲۴] و :"هو الاوّل و الإخر...".[۲۵]

از آیات مذکور استفاده می شود که جامعه آرمانی تحقق پیدا خواهد کرد،[۲۶] که برخی از مشخصات آن بدین قرار است:

۱) حاکمیت دین: "هوالّذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدّین

کله..."[۲۷]

۲) حکومت صالحان و پارسایان: "انّ الارض یرثها عبادی الصالحون..."[۲۸]

۳) برقراری عدالت و گسترش آن: "یملا الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً"[۲۹]

۴) تشکیل حکومت جهانی.

۵) عمران زمین.

۶) بلوغ بشریت و حاکمیت عقلانیت.

۷) حداکثر بهره برداری از مواهب طبیعی.

۸) حاکمیت صلح و از بین رفتن جنگ.

۹) حاکمیت ارزش ها و از بین رفتن ناهنجاری ها.

بعد از تحقق حکومت امام زمان(ع) و شکل گیری جامعه آرمانی، حکومت حق مدار و خدا محور ادامه پیدا کرده و در سایه آن آرامش حاکمیت داشته و آینده بشر در زمان حکومت امام زمان(ع) سعادتمند است. از برخی متون دینی استفاده می شود که حکومت امام مدت ها ادامه پیدا کرده و بعد از امام برخی معصومان(ع) نیز حکومت می کنند و سرانجام قیامت خواهد شد.

البته دقیقاً نمی توان بیان نمود که حکومت امام زمان و معصومان (ع) چگونه به قیامت متصل شده و قیامت چگونه شکل می گیرد؛ آنچه از آیات استفاده می شود آن است که نظام هستی به هم می خورد. در قرآن آمده است :"إذالشّمس کوّرت و إذالنّجوم انکدرت؛[۳۰]در آن هنگام که طومار خورشید در هم پیچیده شود و ستارگان تاریک گردد. در آن هنگام که دریاها برافروخته شود[۳۱] و روزی که کوه ها به لرزه در می آیند..."[۳۲]

[۲۰] مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۵۸ - ۵۹.

[۲۱] مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۴۶.

[۲۲] توبه (۹) آیه ۳۳.

[۲۳] نور (۲۴) آیه ۵۵.

[۲۴] بقره (۲) آیه ۵۷.

[۲۵] حدید (۵۷) آیه ۵۷.

[۲۶] محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۱۴.

[۲۷] صف (۶۱) آیه ۹.

[۲۸] انبیا (۲۱) آیه

.۱۰۵

[۲۹] کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

[۳۰] تکویر (۸۱) آیه ۱ و ۲؛ معاد در قرآن، ج ۲، ص ۳۳.

[۳۱] تکویر (۸۱) آیه ۶؛ معاد در قرآن، ج ۲، ص ۳۱.

[۳۲] مزمل (۷۳) آیه ۱۴.

آیا بعد از ظهور امام زمان(ع) قیامت بر پا می شود؟ درباره ظهور و بعد از ظهور مقداری توضیح بفرمایید.

پرسش

آیا بعد از ظهور امام زمان(ع) قیامت بر پا می شود؟ درباره ظهور و بعد از ظهور مقداری توضیح بفرمایید.

پاسخ

بعد از ظهور امام زمان(ع) فوراً قیامت بر پا نمی شود بلکه حضرت مدتی را در روی زمین حکومت می کند. البته روایات در رابطه با مدت حکومت مختلف است از پنج سال تا ۳۰۹ سال ذکر شده است. این اختلاف شاید اشاره به دوران های مختلف حکومت آن حضرت باشد:

علامه مجلسی می گوید: بعضی از روایات بر جمیع مدت حکومت و بعضی بر زمان استقرار دولت، دلالت دارد.[۱۱] یکی از اعتقادات شیعه، مسئله رجعت است. رجعت در زمان ظهور و پس از ظهور امام زمان(ع) به وقوع می پیوندد. عقیده شیعه امامیه آن است که خداوند متعال در موقع ظهور امام زمان(ع) مردمی از شیعیان آن حضرت را که قبلاً مرده بودند به دنیا بر می گرداند تا به ثواب یاری او و مساعدت وی و مشاهده دولت آن حضرت فائق گردند. هم چنین مردمی از دشمنان آن حضرت را نیز زنده می گرداند تا از آن ها انتقام گیرد.[۱۲] بر این اساس در دعای عهد نیز می خوانیم: قبل از ظهور حضرت مردم را از قبر بیرون آور تا در رکاب حضرت باشم. از روایات استفاده می شود که بعضی از امامان (ع) مانند امام حسین(ع) به دنیا بر می گردد. امام صادق(ع) می فرماید: "نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده می شود و به دنیا بر می گردد حسین بن علی(ع) است و این رجعت عمومی نیست بلکه افراد خاصی به دنیا بر می گردند که یا مؤمن خالص و

یا مشرک محض باشند".[۱۳]

پس از حکومت سیصد ساله معصومان، مجدداً اوضاع دگرگون شده حکومت های دینی و غیر دینی رخ می نمایند. جباران زمام امر را به دست می گیرند حکومت های دینی از بین می روند و با گذشت زمان ارزش های اخلاقی وانسانی از میان می رود و فساد و بی بند و باری سطح جهان را فرا می گیرد. روایات زیادی درباره علایم قیامت داریم که اشراط الساعه اش می گویند و این احادیث غیر از علایم ظهور امام عصر(ع) است، چرا که بیشترین تأکید در علایم الظهور بر حاکمیت ظلم و جور است ولی در علایم قیامت بر فساد و بی بند و باری های اخلاقی و علنی شدن مسایل جنسی در برابر چشم مردم است. در هر صورت ممکن است این وضعیت میلیونها سال طول بکشد تا قیامت بر پا گردد.

عیاشی در تفسیر خود از جابر بن یزید جعفی روایت نموده که گفت شنیدم حضرت باقر(ع) می فرمود: به خدا قسم مردی از ما اهل بیت بعد از مرگش سیصد و نه سال سلطنت می کند. عرض کردم: این در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: بعد از مرگ قائم است. عرض کردم: حضرت قائم در عالم خود چقدر باقی می ماند؟ فرمود: نوزده سال از موقع قیام تا هنگام مرگش. عرض کردم: آیا بعد از مرگ قائم هرج و مرج می شود؟ فرمود: آری پنجاه سال. آن گاه امام منتصر به دنیا باز می گردد برای خون خواهی خود و یارانش. وی بی دین ها را به قتل می رساند و به اسارت می برد. پس از ایشان امام سفاح

به دنیا بر می گردد پس تمام دشمنان ستمگر ما را می کشد و تمام زمین را مالك می شودو خداوند کار او را اصلاح می گرداند و سیصد و نه سال سلطنت می کند آن گاه امام فرمود: ای جابر می دانی امام منتصر و سفاح کیست؟ منتصر حسین(ع) و سفاح، امیرالمؤمنین(ع) است.[۱۴]

[۱۱] منتخب الاثر، ص ۶۱۸.

[۱۲] مهدی موعود، ص ۱۲۳۲.

[۱۳] مهدی موعود، ص ۱۱۸۶.

[۱۴] مهدی موعود، ص ۱۲۳۹.

بعد از ظهور امام زمان(عج) حکومت دنیا چه وضعیتی دارد و حکومت حضرت و عالم تا چه زمانی بقا و دوام دارد؟

پرسش

بعد از ظهور امام زمان(عج) حکومت دنیا چه وضعیتی دارد و حکومت حضرت و عالم تا چه زمانی بقا و دوام دارد؟

پاسخ

الف) حکومت امام زمان (ع) جهانی است. همه جهان در تسخیر و تحت فرمان آن حضرت است و مرزهای جغرافیایی برداشته می شود: "و تشرق الراض بنور ربّه و یبلغ سلطانه المغرب و المشرق؛ زمین از نور پروردگارش روشن شود و سلطه و حاکمیت او بر شرق و غرب عالم سایه افکند".[۲] حکومت واحد جهانی با یک قانون و فرهنگ و زیر یک پرچم تحت عنوان دوله الزهرا اداره می شود. صلح و صفا و صمیمیت و امنیت چنان دامن گستر می گردد که در برخی روایات آمده است: "یرضی بخلافته السّموات والارض؛[۳] اهل آسمان ها و زمین متفقاً از آن اظهار رضایت و خشنودی می کنند". ازحکومت وی همه فرشتگان و خاك نشینان خوشنان می آید[۴] و برکاتش به همه موجودات حتی به مردگان می رسد و خداوند به برکت ظهور حضرت و حکومت عدالت گستر او گروهی از مردگان را که در عذاب به سر می برند نجات می دهد.[۵]

ب) در مورد مدت حکومت حضرت اگر چه برخی روایات حد معیّنی را بیان کرده اند و دوران حکومت حضرت را به هفت یا نُه سال محدود نموده اند، لیکن این گون ه روایات در منابع اهل سنت ذکر شده، اما از منظر محققان اهل سنت تأیید نشده است. امام عده ای بدون تحقیق این گونه روایات را در کتب شیعی وارد نموده اند. هیچ روایتی از ائمه شیعه (ع) نرسیده که دوران حکومت حضرت را محدود کرده باشد. این گونه روایات

علاوه بر ضعف سند، با روح آیات و محتوای روایات متواتری که وعده داده اند با ظهور و قیام حضرت، زحمات انبیا به ثمر می رسد و جهان پر از عدل می گردد، ناهماهنگ است.[۶] مقام معظم رهبری (حفظه ا... تعالی) در این باره می فرماید: "بعضی خیال می کنند دوران ظهور حضرت بقیه ا... آخر دنیا است . من عرض می کنم دوران ظهور بقیه ا...(ع) اوّل دنیا است. اوّل شروع حرکت انسان در صراط مستقیم است، با مانع کمتر یا بدون مانع، با سرعت بیشتر، با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده وسیع، مستقیم و هموارى فرض کنیم همه انبیا در این چند هراز سال گذشته آمده اند تا بشر را از کوره راه ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، مسیر تندتر، عمومی تر، موفق تر، بی ضایعات یا کم ضاعیات تر خواهد بود. دوره ظهور، دوره ای است که بشریت می تواند نفس راحتی بکشد. می تواند راه خدا را طی کند. می تواند از همه استعدادهای موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند".[۷] روایات تحدید کننده دوران حکومت امام زمان(ع) با دسته ای دیگر از روایات که با روح تعالیم قرآنی بیشتر توافق دارد، در تزاحم و تعارض است مفضل بن عمر می گوید به امام صادق(ع) عرض کردم: مدت خلافت حضرت قائم(ع) چه مقدار است. حضرت در جوابم آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ سوره هود را تا – عطاء غیر مجذوذ – تلاوت فرمود، سپس در توضیح آیه فرمود: منظور از "عطاء

غیر مجذوذ" این است که آن نعمت و عطا از ایشان بریده نمی شود بلکه نعمتی است دایمی و مُلْکی است که نهایت ندارد و حکمی است که منقطع نمی گردد و امری است که باطل نمی شود، مگر به اراده و مشیّت حق تعالی و از آن اراده و مشیّت کسی جز ذات او، آگاه نیست.[۸] آیات مذکور بیانگر طولانی بودن نعمت های الهی برای اهل بهشت است. امام صادق(ع) با تلاوت آن و سپس تفسیر و تأویلش فرمود: همان گونه که نعمت های الهی از اهل بهشت منقطع نمی گردد مگر به اراده خداوند، مدت خلافت حضرت قائم نیز بسیار طولانی است و از پایان آن کسی جز خداوند آگاهی ندارد.

[۲] گفتمان مهدویت، از انتشارات مؤسسه فرهنگی انتظار نور، چاپ ۱۳۸۰، صفحه ۸۸.

[۳] میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۷، حدیث ۱۲۴۰ – ۱۲۴۸.

[۴] همان.

[۵] گفتمان مهدویت، ص ۱۵۱.

[۶] تلخیص شده از گفتمان مهدویت، ص ۱۲۶.

[۷] سخنرانی مقام معظم رهبری در مدرسه فیضیه "حضور ولایت".

[۸] حسن بن محمد ولی ارومیه ای، مهدی موعود (ترجمه ج ۱۳، بحارالانوار مجلسی) ج ۲، ص ۳۵۵ و ۴۱۲.

پس از ظهور حضرت مهدی(عج) جهان چگونه سپری خواهد شد؟ آیا پس از این مدت طولانی خواهد بود؟ آیا حکومتی بعد از حکومت حضرت مهدی(ع) وجود خواهد داشت؟

پرسش

پس از ظهور حضرت مهدی(عج) جهان چگونه سپری خواهد شد؟ آیا پس از این مدت طولانی خواهد بود؟ آیا حکومتی بعد از حکومت حضرت مهدی(ع) وجود خواهد داشت؟

پاسخ

وجود نازنین امام زمان(ع) ذخیره شد، تا عدل و داد در زمین گسترده گردد، نه این که عمر جهان طولانی شود. البته ممکن است بر اثر پیدایش محیط صلح و صفا و برچیده شدن عوامل اضطراب و نگرانی های روحی، عمرها افزایش یابد، ولی مهم این است که در عصر ظهور حضرت حجت(عج) کیفیت زندگی خیلی بهتر خواهد شد.

وقتی مهدی موعود(ع) ظاهر شد و در جنگ پیروز گشت و بر شرق و غرب جهان تسلط یافت، تمام زمین به وسیله یک

حکومت جهانی اسلامی اداره می شود. برای تمام شهرها و استان ها کارمندان لایقی را با برنامه کار و دستورهای لازم گسیل می دارد. به واسطه کوشش و جدیت آنان تمام زمین آباد می گردد. عدل و داد تمام زمین را فرا می گیرد و مردم با هم مهربان شده، با صدق و صفا زندگی می کنند. امنیت عمومی همه جا را فرا می گیرد. و کسی در صدد آزار دیگری نیست. وضع اقتصادی مردم بسیار خوب می شودک به طوری که مستحق زکات پیدا نمی شود. تمام زمین بر اثر باران های پی در پی سبز و خرم می گردد. توجه به مردم به خدا زیاد می شود و گرد معاصی نمی گردند. دین اسلام جهانی شده و بانگ توحید از همه جا بلند می شود. عقل های مردم کامل می شود و سطح عمومی بالا می رود.

در مورد حکومت بعد از حضرت مهدی(عج) مسلّم

است که پس از ظهور حضرت تا پایان دنیا حکومت طاغوتی تشکیل نمی گردد، بلکه دولت آل محمد(ص) تشکیل می شود و تا انقراض عالم ادامه خواهد داشت.

بعد از امام زمان(ع) امامان دیگر حکومت خواهند کرد؟

مرحوم شیخ مفید می فرماید: "بعد از دولت قائم آل محمد دولتی نخواهد بود، مگر آن چه که در روایتی رسیده که اگر خدا بخواهد، اولاد قائم به جای وی می نشینند. این حدیث هم قاطع و اطمینان بخش نیست. غالب روایات می گوید: مهدی موعود چهل روز پیش از قیامت می میرد و در آن چهل روز هرج و مرج خواهد شد و علامت بیرون آمدن مردگان و رستاخیز برای حساب و پاداش اعمال آشکار خواهد شد".

طبق برخی از اخبار امیرمؤمنان علی(ع) و امام حسین(ع) پس از قائم(ع) حکومت خواهند کرد.

حضرت باقر(ع) فرمود: "به خدا قسم! بعد از مرگ قائم(ع) مردی از ما اهل بیت سیصد و نه سال سلطنت می کند. بعد از مرگ قائم پنجاه سال هرج و مرج می شود. آن گاه امام منتصر برای خون خواهی خود و یارانش به دنیا باز می گردد. بعد از امام منتصر، امام سفاح به دنیا بر می گردد و سیصد و نه سال سلطنت می کند.

منتصر حسین(ع) و سفاح امیرمؤمنان (صلوات الله علیه) است".

بنابه بعضی روایات بعد از قائم(ع) دوازده مهدی خواهد بود. مرحوم علامه مجلسی در توجه این روایت فرموده: ممکن است مراد از دوازده مهدی، پیامبر اسلام(ص) و یازده امام غیر از قائم(ع) باشد، به این معنی که آن ها بعد از قائم به دنیا رجعت نموده و به نوبت سلطنت نمایند.

نتیجه: روایاتی که مربوط به

عصر بعد از ظهور مهدی(عج) است، متضاد می باشند و نمی توان جملگی آن ها را پذیرفت. بنابراین به طور یقین معلوم نیست که پس از امام زمان(ع) امامان دیگر حکومت خواهند کرد یا نه.

وقتی که امام زمان (عج) ظهور کنند، سرانجام انسان های گناهکار چه می شود؟

اشاره

آیا پس از ظهور امام زمان (عج) قیامت می شود یا زندگی دنیوی ادامه می یابد؟

پرسش

وقتی که امام زمان (عج) ظهور کنند، سرانجام انسان های گناهکار چه می شود؟

آیا پس از ظهور امام زمان (عج) قیامت می شود یا زندگی دنیوی ادامه می یابد؟

پاسخ

پرسش به دو سؤال مستقل قابل تقسیم است، از این رو پاسخ آنها در دو بخش سامان یافته است:

بخش نخست: سرانجام گناهکاران در دوران ظهور

پس از قرن ها انتظار و تحمل رنج های فراوان سرانجام روزگار ستم و تاریکی به سرمی آید و پرتو خورشید سعادت نمایان گشته و حضرت مهدی (عج) که با یاری خدا آثار ظلم و بیدادگری را از بین می برد ظهور می کند. حضرت جامعه بشری را چنان سامان می دهد که خشنودی خدا را در پی خواهد داشت.

در این میان کسانی پیدا می شوند که با ایده های مختلف انقلاب امام را برنمی تابند و با حضرت مخالفت می کنند و در انقلاب ایشان کارشکنی می نمایند طبیعی است که باید با آنان با قاطعیت برخورد شود تا جامعه برای همیشه از شر آنان مصون بماند؛(۱) مفاد روایات این است که سیاست و استراتژی امام در برابر مخالفان و گناهکاران این است که نخست به هدایت و ارشاد آنان پرداخته و با ایشان مدارا می کند اما در صورت عدم تأثیر با آنان با قاطعیت برخورد می کند.

تذکر چند نکته

۱ – دشمنان و مخالفان حضرت از گروه های مختلف هستند، از قبیل: اهل کتاب، فرقه های باطل و منحرف، مقدس نماها، ناصبی ها و منافقان.

۲ – برخورد حضرت با دشمنان یکسان نیست. عده ای را می کشد، برخی را تبعید می کند و بر بعضی حد جاری می کند. و از عده ای جزیه می گیرد. (۲)

محمد بن مسلم روایت کرده است: به محضر امام باقر (ع) شرفیاب شدم تا درباره قائم آل محمد (عج) از

حضرت بپرسم، پیش از آن که حرفی بزنم، حضرت فرمود: در قائم آل محمد (ص) شباهت هایی به پنج تن از پیامبران است و یکایک آن ها را برشمرد تا این که فرمود: "شباهت او به جدش مصطفی (ص) ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول خدا (ص) و ستمکاران و طاغوت ها است". (۳)

امام باقر (ع) فرمود: "هنگامی که قائم (ع) قیام کند، ایمان را بر تمام ناصبیان عرضه می کند. اگر ایمان را در حقیقت و واقع بپذیرند، آنان را رها می سازد وگرنه یا گردن آنان را می زند یا همان گونه که امروز اهل ذمه جزیه می پردازند، از آنان جزیه می گیرد و آنان را از شهرها به روستاهای دور دست تبعید می کند". (۴)

امام صادق(ع) فرمود: "حضرت قائم (ع) در وقت ظهور درباره بیشتر منافقان حد خدا را جاری می کند".(۵) البته امام زمان حساب و کتاب و میزان را که در قیامت بر پا می شود، در دنیا بر پا نمی کند، یعنی این گونه نیست که اگر کسی در خانه خود گناه کند یا عبادت خدا را به جا نیاورد، در دنیا به مجازات برساند. هم چنین این گونه نیست که هیچ کس دچار گناه و معصیت نشود و هیچ گناهکاری وجود نداشته باشد، بلکه مقصود این است که تمام حدود و مقررات و احکام الهی را پیاده می کند.

بخش دوم: آیا پس از ظهور امام زمان قیامت می شود یا زندگی ادامه می یابد؟

قضاوت درباره استمرار حکومت تا قیامت و عدم استمرار مشکل است، زیرا مضمون روایات در این زمینه مختلف است؛ برخی از روایات می گوید حکومت امام زمان (عج) تا نزدیکی قیامت ادامه دارد، که به

برخی از آنها اشاره می شود:

۱ - "حضرت حجت تا چهل روز پیش از قیامت زنده است و در این مدت هرج (و مرج) و نشانه های قیامت و خروج مردگان از قبرها برای حساب و جزا نمایان می شود؛ ولی علم واقعی آن پیش خدا است". (۶)

۲ - اهل سنت روایت کرده اند که پیامبر (ص) فرمود: "پایداری دین تا آن هنگام است که دوازده نفر از قریش (بر مردم حکومت و امامت کنند)، پس از گذشت دوران آنان زمین اهل خود را فرو می برد". (۷)

در حدیث دیگری که از آن حضرت رسیده و به همین مضمون است، در ادامه از پیامبر (ص) سؤال شد: پس از دوازدهمین امام چه خواهد شد؟ حضرت فرمود: "سپس هرج (و مرج) خواهد شد". (۸)

در روایت دیگری پیامبر (ص) فرمود: "پس از دوازدهمین امام روز گرفتاری و نفاق فرا می رسد".(۹)

برخی دیگر از روایات به این مضمون است که شیعیانی والامقام امر هدایت جامعه اسلامی را عهده دار می شوند.

ابوبصیر از امام صادق (ع) پرسید: از پدرت شنیدم که فرمود: بعد از حضرت قائم (ع) دوازده مهدی (و هدایتگر) خواهند آمد. امام صادق (ع) فرمود: "پدرم فرموده است: دوازده مهدی و نفرموده است: دوازده امام بلی آنان گروهی از شیعیان ما هستند و مردم را به ولایت و شناخت حق ما فرا می خوانند".(۱۰)

به نظر می رسد مرحوم سید مرتضی دسته دوم روایات را پسندیده، زیرا اظهار داشته: "ممکن است پس از حضرت مهدی (عج) عده ای از رهبران و امامان برای حفظ دین و مصالح مسلمان قیام کنند و امر هدایت جامعه را برعهده گیرند. این دیدگاه هیچ مخالفتی با اثنی عشری بودن ندارد؛ زیرا تکلیف

ما این است که بـدانیم این دوازده تن امام هسـتند و ما این را قائل هستیم و اعتقاد به آمدن عده ای از نخبگان پس از حکومت حضرت حجت ما را از اثنی عشری بودن خارج نمی کند".

پی نوشت ها:

۱ – چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، نجم الدین طبسی، بوستان کتاب، قم، ص ۱۴۸، ۱۳۷.

۲ – چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، نجم الدین طبسی، بوستان کتاب، قم، ص ۱۴۸، ۱۳۷.

۳ – کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، مؤسسه النشر الاسلامی، جزء ۱، ص ۳۲۷، ح ۷.

۴ – کافی، کلینی، دارصعب، ج ۸، ص ۲۲۷، ح ۲۸۸.

۵ – تهذیب الأحکام، محمد بن الحسن الطوسی، دارالأضواء، بیروت، ج ۶، ص ۱۷۲، ح ۳۳۵.

۶ – روضه الواعظین، محمد بن فتال، نیشابوری، منشورات دلیل ما، ج ۲، ص ۲۳، ح ۳۰.

۷ – تقریب المعارف فی الکلام، ابوالصلاح الحلبی، انتشارات جامع مدرسین، ص ۱۷۴.

۸ – تقریب المعارف.

۹ – مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، دارالأضواء، بیروت، ج ۱، ص ۳۵۳.

۱۰ – کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، جزء ۲، ص ۳۵۸، ح ۵۶.

آیا بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) زندگی به پایان می رسد؟

پرسش

آیا بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) زندگی به پایان می رسد؟

پاسخ

در مورد بعـد از ظهور حضـرت مهـدی(عـج)؛ یعنی مـدتی که حضـرت مهـدی (عج) حکومت می کند، نیز بعد از آن دوره تا برپـایی قیـامت، نمی توان پاسـخ قاطع و روشـنی از روایات به دست آورد، چرا که در لابلای روایات مـدت حکومت حضـرت مهدی(عج) نوزده سال و چند ماه،(۱) هفتاد سال،(۲) سیصد و نه سال،(۳) آمده است.

در روایتی ذکر شده که بعد از حضرت مهدی(عج) فردی از اهل بیت سیصد و نه سال حکومت خواهد کرد.(۴) و بعد قیامت برپا خواهد شد، یا یکایک امامان(ع) رجعت و حکومت می کنند و سپس قیامت بر پا خواهد شد(۵) و...

برخی از پژوهشگران اسلامی بیان داشته اند: در مورد مدت حکومت حضرت مهدی(عج) اگر چه برخی روایات حد معیّنی را بیان کرده انـد و دوران حکومت حضـرت را به هفت یا نه سال محـدود نموده انـد، لیکن این گونه روایات در منابع اهل سنّت ذکر شـده، امّا عـده ای بدون تحقیق این گونه روایات را در کتاب های شـیعی وارد نموده اند. هیچ روایت صـحیح السـندی از امامان(ع) نرسیده است که دوران حکومت حضرت مهدی(عج) را محدود کرده باشد. این گونه روایات علاوه بر ضعف سند، با روح آیات و محتوای روایات متواتری (که وعده داده اند با ظهور و قیامت حضرت، زحمات انبیا به ثمر می رسد: و جهان پر از عدل می گردد) منافات دارد.(۶)

مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: "بعضـی خیال می کنند دوران ظهور حضـرت بقیه اللّه آخر دنیا است. من عرض می کنم دوران ظهور بقیه اللّه(ع) اوّل دنیـا است. اوّل شـروع حرکت انسـان در صـراط مسـتقیم است، با مانع کمتر یا بـدون مانع، با سرعت

بیشتر، با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده وسیع، مستقیم و هموار فرض کنیم، همه انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده اند تا بشر را از کوره راه ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، مسیر تندتر، عمومی تر، موفق تر، بی ضایعات یا کم ضایعات تر خواهد بود.

دوره ظهور، دوره ای است که بشریت می تواند نفس راحتی بکشد. می تواند راه خدا را طی کند. می تواند از همه استعدادهای موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند".(۷)

روایات تعیین کننده دوران حکومت امام زمان(ع) با دسته ای دیگر از روایات که با روح تعالیم قرآنی بیشتر توافق دارد، در تزاحم و تعارض است. مفضل بن عمر می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: مدت خلافت حضرت قائم(ع) چه مقدار است. حضرت در جوابم آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ سوره هود را تا "عطاء غیر مجذوذ" تلاوت فرمود، سپس در توضیح آیه فرمود: منظور از "عطاء غیر مجذوذ" این است که آن نعمت و عطا از ایشان بریده نمی شود بلکه نعمتی است دایمی و مُلْکی است که نهایت ندارد و حکمی است که منقطع نمی گردد و امری است که باطل نمی شود، مگر به اراده و مشیّت حق تعالی و از آن اراده و مشیّت کسی جز ذات او، آگاه نیست.(۸)

آیات مذکور بیانگر طولانی بودن نعمت های الهی برای اهل بهشت است. امام صادق(ع) با تلاوت آن و سپس تفسیر و تأویلش فرمود: "همان گونه که نعمت های الهی از اهل بهشت منقطع نمی گردد مگر به اراده خداوند، مدت خلافت حضرت قائم نیز بسیار طولانی است و از پایان آن

کسی جز خداوند آگاهی ندارد".

پی نوشت ها:

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۱.

۲. مهدی موعود، ص ۷۶۷.

۳. همان، ص ۷۶۷.

۴. نعمانی، همان، ص ۳۳۲.

۵. مهدی موعود، ص ۸۵۱ به بعد.

۶. گفتمان مهدویّت، ص ۱۲۶.

۷. سخنرانی مقام معظم رهبری در مدرسه فیضیه (حضور ولایت).

۸. حسن بن محمد ولی ارومیه ای، مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۵۵ و ۴۱۲.

جهان چگونه به اتمام می رسد؟(پ)

پرسش

جهان چگونه به اتمام می رسد؟(پ)

پاسخ

در نهایت جهان به سوی حاکمیت مستضعفان و گسترش اسلام در گیتی و استقرار آیین خدا و پیروزی حق بر باطل و تکامل انسان ها پیش می رود، تا این که حکومت جهان و اداره امور به دست حضرت ولی عصر(ع) می رسد و عدالت را حاکم می سازد. از نظر فلسفه تاریخ، جهان در نهایت به جایی ختم می شود که ظاهر آن همانند باطن پاک شود و حقیقت آشکار گردد.

قرآن مجید می فرماید: "ما در کتاب زبور پس از تورات چنین نوشتیم که در آینده صالحان و پاکان وارثان زمین خواهند بود".(۱) اما زمان دقیق ظهور را کسی نمی داند و هر کس وقت ظهور را تعیین کند، درغگوست.(۲) پس از ظهور، حکومت جهانی تأسیس می شود. در مورد مدت حکومت، روایات مختلفی ذکر شده و در آن ها مدت: هفت، هشت، نه، ده، بیست و

چهل سال ذکر شده است. در توجیه روایات مرحوم مجلسی می گوید: برخی روایات بر تمام مدت حکومت دلالت دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی طبق سال ها و روزهایی است که ما با آن آشناییم و بعضی طبق سال ها و ماه های روزگار حضرت است که طولانی می باشد.(۳)

در بعضی روایات است که امام حسین(ع) به دنیا برمی گردد و رجعت امامان(ع) انجام می شود. امام زمان(ع) که از دنیا برود، امام حسین(ع) او را غسل می دهد و کفن می کند و نماز می گذارد و در لحد می نهد، زیرا امام را جز امام دیگر غسل نمی دهد و بر او نماز نمی خواند.(۴) در روایت دیگر است که امام حسین(ع) سیصد و نه سال پادشاهی بر تمام زمین خواهد کرد، پس از آن حضرت

امیرالمؤمنین(ع) ظاهر می شود و نوبت پادشاهی آن حضرت می باشد.(۵) این مطلب اجماعی است از شیعیان که پیش از قیامت در زمان حضرت قائم(ع) جمعی از نیکان بسیار نیك و بدان بسیار بد، به دنیا برمی گردند، تا شاهد ظهور عدالت در دنیا باشند و موجب سروری نیکان و کیفر و عذاب بدان دنیا شود.

اما سایر مردم در قبرها می مانند تا روز قیامت که محشور شوند. از امام صادق(ع) نقل شده: "از ما نیست کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد".(۶)

پی نوشت ها:

۱ – انبیا(۲۱) آیه ۱۰۵.

۲ – میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳ – بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۴ – همان، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

۵ – همان، ص ۱۰۰.

۶ – همان، ص ۹۲.

امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟

پرسش

امام زمان(عج) چگونه عدالت را به جهان بر می گرداند؟

پاسخ

موفقیت امام زمان(عج) در برقراری عدالت اجتماعی به چند چیز بستگی دارد:

۱ شرایط جهانی و مقتضیات زمان:

۱۱ آمادگی جهانی به پذیرش عدل از این که پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) جامعه جهانی از ستم های فراوان به ستوه می آیند و همه فریاد دادخواهی سر می دهند. در این هنگام فرهنگ جوامع بشری پذیرای اجرای عدالت می باشد و شرایط مطلوبی برای برقراری و اجرای عدالت فراهم می گردد.

۱۲ رشـد عقلی: در زمان ظهور امام زمان(عـج) عقل های مردم کامل می گردد و بشـر به انـدازه ای به رشد عقلی می رسد که درک می کنـد پیاده شدن عدالت به نفع اجتماع بشـری است و خود در پرتو آن نفع می برد، که این عدل همگانی را می طلبد و شرایطی است برای پیاده شدن آن.(۱)

در این دوره بشر در علوم و فنون به مرحله ای می رسد که در دوره های قبلی از دستیابی به آن ناتوان بودند، بدین جهت دوره ظهور حضرت را دوره گسترش علم نام نهاده اند.(۲)

امـام بـاقر(ع) فرمود: "هنگـامی که قائم ما قیام کنـد، خداونـد دست رحمت بر سـر بنـدگانش می کشـد و خِرَد های آنان را به کمال می رساند و افکارشان پرورش پیدا می کند".(۳)

۳۱ رشـد معنویت و اخلاـق فردی و جمعی: جـامعه آرمـانی در صورتی شـکل می گیرد که انسان ها به رشـد معنوی و اخلاقی بالایی نایل شده باشـند. در روایتی از امام علی(ع) امده است: "و لو قد قام قائمنا لذهبت الشحناء فی قلوب العباد؛(۴) چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها

بیرون برود". حکومت حضرت مهدی(عج) در تهذیب نفس و تعالی اخلاق مردم نقش ایفا می کند، پیامبر(ص) فرمود: "خداوند در آخرالزمان مردی را بر می انگیزد و کسی از منحرفان و فاسدان نمی ماند مگر این که اصلاح گردد".(۵)

۴۱ وجود نیروهای انسانی لایق و کار آمد: شرط موفقیت و پیاده کردن یک ایده بزرگ و والا این است که مجریان لایقی برای آن کار باشند. حضرت مهدی(عج) کارگزارانی دارد که همانند یاران پیامبر(ص) در جنگ بدر لایق، مخلص، فداکار و مؤمن و پارسا هستند. وجود ۳۱۳ یار با تقوا یکی از زمینه های موفقیت حضرت در اجرای عدالت است.

۲ شیوه حکومتی حضرت در پیروزی و برقراری عدالت نقش دارد. از جمله شیوه های حکومتی حضرت عبارت است از:

۱۲ اجرای قانون الهی با دو ویژگی مساوات و قاطعیت،

۲۲ شایسته سالاری در امر حکومتی،

۳۲ کنترل و نظارت در امور کارگزاران. پس از انتخاب مجریان لایق، دولت مرکزی آنان را تحت مراقبت کامل قرار می دهد و همواره اعمال و رفتارشان را زیر نظر می گیرد.(۶)

۳ امدادهای الهی: با جود آن همه زمینه ها و شرایط و تلاش های خالصانه حضرت و کارگزارانش و شیوه های پسندیده حکومتی حضرت، خداوند هم کمکش می کند و جبهه حق را از نصرت و امدادهای غیبی خود بهره مند می سازد.

پی نوشت ها:

۱. منتخب الاثر، لطف الله صافی، ص ۶۰۷؛ سیری در سیره ائمه، مرتضی مطهری، ص ۲۹۴.

۲. مجله حوزه (ویژه امام زمان)، ص ۲۰۷.

۳. همان، ص ۲۰۷.

۴. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۵. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴.

۶. محمد رضا حکیمی، عصر زندگی، ص ۴۹ و ۵۰.

بعد از ظهور حضرت مهدی(عج) و به شهادت رسیدن ایشان، امامت جامعه به چه شکلی است؟

پرسش

بعد از ظهور حضرت

مهدی(عج) و به شهادت رسیدن ایشان، امامت جامعه به چه شکلی است؟

پاسخ

این که چگونه حضرت مهدی (ع از دنیا خواهد رفت آیا به مرگ طبیعی یا غیر طبیعی برخی روایات می گویند که حضرت مدتی حکومت خواهد کرد، سپس وفات خواهد کرد و مسلمانان بر او نماز خواهند گزارد. از روایات استفاده می شود که مرگ حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران (با مشخصاتی که در روایات ذکر شده به شهادت خواهد رسید.

اما این که بعد از فوت یا شهادت حضرت چه وقایعی رخ خواهد داد: در روایت مفضل از امام صادق (ع آمده است "در زمان حیات حضرت مهدی (عج رجعت یعنی زنده شدن برخی از خوبان و بدان به وقوع خواهد پیوست "بعد از این که سفیانی به دست لشکر حضرت مهدی (عج کشته شود، امام حسین (ع با ۱۲ هزار نفر از پاکان و ۷۲ نفر شهید کربلا زنده می شوند، سپس حضرت علی (ع و بعد رسول الله (ص زنده می شوند و حکومت می کنند".

رجعت و زنده شدن دوباره بعضی امامان گرچه در کتاب های روایی آمده است اما خالی از ابهامات نیست مرحوم علامه طباطبایی فرمود: رجعت یکی از مراتب قیامت است گرچه از لحاظ ظهور حقایق به پایه قیامت نمی رسد زیرا در رجعت که مرحله ای از دنیای مادی است امکان فساد هست ولی در قیامت ابداً فسادی نیست روز ظهور مهدی (عج در این خاصیت با روز رجعت شریک است زیرا در آن روز هم حق به طور کامل جلوه می کند ولی

ظهورش از ظهور رجعت ضعیف تر است از امامان اهل بیت (ع روایت شده که ایام الله سه روز است روز ظهور، روز رجعت و روز قیامت از این جا معلوم می شود که چرا برخی آیات هم به قیامت و هم به روز رجعت و ظهور حضرت مهدی (عج تفسیر شده است

در هر صورت رجعت برخی از صالحان در زمان حضور حضرت مهدی و بعد از ایشان امکان عقلی دارد و دلیل متقنی بر انکار آن نیست گرچه برای فهم آن ابهاماتی وجود دارد.

در مورد بعد از شهادت امام زمان روایات مختلف است.

آیا قیامت واقع می شود یا این که پس از او برخی از ائمه مانند امام حسین و حضرت علی(ع) به حکومت می رسند یا حکومت و ولایت این امامان به همراه حکومت امام زمان خواهد بود؟

از روایات حکم قطعی در مورد هیچ کدام از این موارد به دست نمی آید.

بعد از شهادت امام عصر(عج) آیا امامان دیگری بعد از ایشان می آیند یا پیامبری به همراه ایشان می آید. اگر منابعی در این مورد می شناسید برای اینجانب بیان فرمایید.

پرسش

بعد از شهادت امام عصر(عج) آیا امامان دیگری بعد از ایشان می آیند یا پیامبری به همراه ایشان می آید. اگر منابعی در این مورد می شناسید برای اینجانب بیان فرمایید.

پاسخ

پاسخ این سؤال عیناً از کتاب یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج) نقل می شود: بعد از شهادت امام زمان {P – علی رضا رجالی تهرانی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)، قم: انتشارات نبوغ ۱۳۷۵، ص ۲۳۰. P}

(عج) چه خواهد شد؟

در این رابطه ما با دو دسته از روایات مواجه هستیم:

۱ – روایاتی که مسأله رجعت امام حسین(ع) و امامان دیگر را بیان نموده اند، از جمله روایات امام صادق(ع) است که در ذیل آیه شریفه »ثُمَّ رَدَدْنا لَکُم الکَرَّةَ عَلَیهِم«می فرماید:

{P – اسراء / ۶. P}

مقصود زنـده شـدن دوبـاره حسـین(ع) و هفتـاد نفر از اصـحابش در عصـر امـام زمان(عـج) است، در حالی که کلاهخودهایی طلایی به سـر دارنـد، و به مردم، رجعت و زنـده شدن دوباره حضـرت حسـین(ع) را اطلاع می دهند تا مؤمنان به شک و شـبهه نیفتند. این در حالی است که حضـرت حجت در میان مردم است. چون معرفت و ایمان به حضـرتش در دل های مردم اسـتقرار یافت، مرگ حضـرت حجت می رسـد، پس حضـرت امام حسـین(ع) متولی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهنـد شد و هرگز غیر از وصی، وصیّ را تجهیز و آماده به خاک سپاری نمی کند.

{P - علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۳. P}

۲ - روایاتی که می گوینـد: چون قائم آل محمّد(ص) از دنیا برود و یا شـهید شود، چهل روز پس از آن قیامت بر پا می گردد و مردگان از گورها به در آیند و برای

حساب و ج.......محشر آماده گردند و خداوند بر آنچه واقع می شود داناتر، و ولّی توفیق و ص.....Ș‌است.

{P - شیخ مفید، ارشاد، ترجمه ساعدی، ص ۷۰۸. P}

شیخ حرّ عاملی(ره) در کتاب شریف »ایقاظ« می نویسد: شاید چهل روز ایام هجرت باشد و این عدد اشاره به کمی دوران حضرتش باشد، چون مقدار زیادی را به هفتاد و مقدار کم را با اعداد کمتر معرفی می کنند و یا این که هر روزی برابر هزار سال باشد. چنانکه در قرآن می فرماید: »وَ اِنَّ یَوماً عِنْدَ رَبِّکَ کَاَلْفِ سِنَهٍ مِمّا تَعُدُّونَ« یک روز نزد پروردگارت مثل هزار سالی است که شما می شمارید.«

{P - سجده / ۵. P}

و شاید مراد از قیامت در روایات دسته دوّم، قیامت صغری، یعنی رجعت باشد، البته اطلاق قیامت بر رجعت منعی ندارد، ممکن است قیامت بر هر دو اطلاق شود.

{P - شیخ حرّ عاملی، الایقاظ من الهجمه، ترجمه احمد جنّتی، ص ۴۰۰. P}

با توجه به اینکه زمین خالی از معصوم نباید باشد، بنابراین پس از حکومت حضـــرت مهدی (عج) چه خواهد شد؟ یک نظریه این است که ائمه احدی عشر یکی یکی حکومت خواهند کرد. آیا این نظریه یک توجیه عقلانی یا وحیانی دارد؟ اگر دارد پس از پایان حکومت ایشان (ع) سرنوشت بشر چه خ

پرسش

با توجه به اینکه زمین خالی از معصوم نباید باشد، بنابراین پس از حکومت حضرت مهدی (عج) چه خواهد شد؟ یک نظریه این است که ائمه احدی عشر یکی یکی حکومت خواهند کرد. آیا این نظریه یک توجیه عقلانی یا وحیانی دارد؟ اگر دارد پس از پایان حکومت ایشان (ع) سرنوشت بشر چه خواهد شد؟

پاسخ

این که زمین خالی از وجود معصوم (ع) نیست، سخن درستی است و در منابع دینی - روایی ما بر آن تأکید شده است.

اما این که پس از ظهور حضرت ولی عصر (عج) و تشکیل حکومت واحد جهانی توسط آن حضرت، چه خواهد شد؟ پاسخ اجمالی این است که سه چیز از جمله مسلمات دین اسلام و مکتب تشیع است:

۱- ظهور حضرت مهدی موعود (عج) و تشکیل حکومت جهانی و برقراری نظام عدل در سراسر گیتی

۲- برپایی قیامت و روز حسابرسی پس از ظهور امام عصر (عج) و وفات یا شهادت آن حضرت.

۳- فاصله طولانی بودن میان ظهور امام زمان (عج) و شروع قیامت، چون دوران امامت امام عصر (عج) پس از ظهور طولانی نیست. اما حکومت جهانی اسلام پس از او ادامه خواهد یافت. این سه مطلب قطعی و مورد اتفاق همه علما، حکما و متکلمان اسلامی و شیعی است. و آیات و روایات بی شماری آن را تأیید می کند.

سخن، در مدت زمان پس از ظهور امام عصر (عج) و رفتن او تا پیش از شروع قیامت و نابودی این جهان است.

همچنین اسلام دین خاتم، جاوید و جهانی است و دیگر دینی نخواهد آمد و تا قیامت باید در زمین استقرار و حاکمیت داشته باشد. مجموع این مطالب اقتضا

می کند که اسلام پاسخی برای سؤال فوق (یعنی سرنوشت بشر پس از ظهور امام عصر (عج)) داشته باشد، در غیر این صورت، دینِ کامل و خاتم بودن و نیز جاوید و جهانی بودن اسلام، زیر سؤال رفته، مورد تردید واقع می شود.

اما اسلام به این مسأله هم پاسخ صریح و روشنی داده است و در این راستا، مسأله »رجعت« را طرح و ارائه نموده است. در اینجا به اختصار مسأله رجعت تعریف و تبیین می شود.

»رجعت« در لغت به معنای بازگشتن به جای نخستین است، و در اصطلاح کلامی و دینی، عبارت است از بازگشت {P - مفردات، راغب اصفهانی، ذیل ماده رجعت، ص ۱۸۸، چاپ بیروت. P}

گروهی از اولیای خاص الهی و مؤمنان خالص، و نیز مشرکان، منافقان، ستمگران و طاغوت ها به این جهان پیش از شروع قیامت و در دوران پس از ظهور امام عصر (یا هم زمان با ظهور آن حضرت)، تا آن اولیای خاص و مؤمنان خالص فرصت بیابند و از آن مشرکان و ستمگران، که پیش از آن در دنیا به آن بزرگواران و سایر مردم مستضعف و مسلمان انواع ظلم، جنایت و قتل را روا داشته اند، انتقام بگیرند.

{P - ر.ك. اعتقادات شیخ صدوق، ترجمه سید محمد علی قلعه کهنه، ص ۹۱ - ۹۵، انتشارات قدس رضوی، تهران؛ حق الیقین، علامه محمد باقر مجلسی، ج ۲، ص ۳۳۵، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران؛ تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۶ - ۱۰۷، چاپ بیروت.

برای تحقیق بیشتر به کتاب »تاریخ ما بعد الظهور« محمد صدر و یا بشاره الرجعه (یا بازگشت مردگان به دنیا)، سید هبت الله بهشتی لاری، رجوع کنید. P}

توضیح آن که بنا بر

اعتقاد و اجماع بسیاری از بزرگان علمای شیعه، مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ امین الاسلام طبرسی، سید بن طاووس و غیر آنان، پس از آن که حکومت الهی - اسلامی حضرت مهدی {P - ر.ک. اعتقادات صدوق، ترجمه سید محمد علی قلعه کهنه، ص ۹۱ و حق الیقین علامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۳۵. P}

(عج) در سراسر جهان استقرار یافت؛ با توجه به این که از یک طرف مدت حکومت شخص حضرت مهدی (عج) محدود است، و از طرف دیگر استمرار حکومت اسلامی تا سرانجام این دنیا حتمی است، و این دولت کریمه اهل بیت پیامبر {P - حداکثر سیصد و نه سال است ر.ک. حق الیقین، علامه شبّر، ص ۲۲۹، دارالکتب الاسلامی، تهران و بحار الانوار، ج ۵۲، ص P ۳۹۰}

(ص) آخرین دولت در دنیا می باشد، و نیز روایاتی که

{P - ر.ک. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۱، چاپ بیروت و بهار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲. P}

می گوید زمین در هیچ زمانی از حجت خدا خالی نخواهد بود؛ رجعت ائمه (ع) حتمی خواهد بود در زیارت »جامعه کبیره« {P - ر.ک. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶۸ - ۱۷۴ و ۱۷۸ - ۱۸۰ و ۳۸۴ - ۳۸۵. P}

و مانند آن بر رجعت ائمه (ع) پس از ظهور امام زمان (عج) تصریح شده است.

بر اساس اعتقاد به موضوع رجعت، حداقل برخی ائمه معصوم (ع)، و بویژه حضرت امام علی (ع) و حضرت امام حسین (ع)، و برخی شیعیان پاک باخته و مؤمنان راستین که در راه دفاع از حریم ولایت و امامت همه گونه آزار و شکنجه روحی و جسمی، و نیزآوارگی و

اسارت و شـهادت مظلومانه را متحمل شده اند، به دنیا بر می گردند، و به موازات آن، گروهی از سـردمداران شـرک و نفاق و زورمنـدان خون آشام و یاران پر و پا قرص آنها که عاملان اصـلی ظلم و جنایت در حق آن بندگان شایسـته الهی به شـمار می رفتنـد نیز به دنیا برگردانـده می شوند تا به سـزای اعمال ننگینشان برسـند؛ هر چند کیفر نهایی و کامل آنها در روز جزا خواهد بود.

دلایل رجعت

دلیـل عقلی بر اثبات اصل رجعت: در حکمت، فلسـفه و کلام اثبات شـده که جوهره انسان را روح مجرد وی تشـکیل می دهد که از آن به »نفس« نیز تعبیر می شود و بعـد از فنای بدن، باقی می ماند و به حیات جاودانه خود ادامه می دهد. از سوی دیگر، بر اساس داده های دین و صریح قرآن کریم، خداوند متعال قادر مطلق بوده و بر هر کاری که اراده کند تواناست و هیچ چیز و هیچ کس، نمی تواند توانایی او را محدود کند.

بـا این دو مقـدمه کوتـاه روشن می شود که مسـأله رجعت از دیـدگاه عقـل امری است ممکن؛ زیرا بـا انـدک تأملی معلوم می گردد که بازگردانـدن این گروه از انسـان هـا، به مراتب از آفرینش نخستین آنـان، آسان تر است. بنابراین، پروردگاری که در وهله نخست آنان را آفریده است، بی تردید بر بازگردان مجددشان نیز توانایی دارد.

دلیل نقلی: آیات و روایات زیادی مسأله رجعت را تأیید کرده است؛ به طوری که علامه مجلسی حدود ۲۰۰ آیه و ۵۰۰ حدیث دربـاره رجعت را جمع آوری کرده است، سـید نعمت الله جزایری نیز ۶۲۰ حدیث و شـیخ حرملی در کتاب {P - بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۳۹ - ۱۴۴،

چاپ بیروت P}

{P - بشاره الرجعه یا بازگشت مردگان به دنیا، سید هبت الله بهشتی لاری، ص ۳۶، چاپ فاروس ایران. P}

»الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه« ۶۰۰ حدیث روایت نموده است.

فلسفه رجعت

با اندیشه در انگیزه های رجعت (چنان که در خلال بحث نیز اشاره گردید)، به دو هدف بلند از اهداف این مسأله پی می بریم:

۱- نشان دادن جلال و شکوه واقعی اسلام و سرافکندگی کفار و ستمگران

۲- ظهور عدالت تامه الهی در همین دنیا و پیروزی نهایی حق بر باطل و کیفر کافران و ستمگران در همین دنیا و عزت و سربلندی اولیای الهی و مؤمنان راستین، طبق وعده الهی در قرآن

{P - شیعه پاسخ می گوید، جعفر سبحانی، به ویژه ص ۵۱، نشر مشعر. P}

آیا امام زمان ما هم مثل بقیه آدمیان فشار قبر و یا سؤال و پرسش دارد مهمتر از همه اینکه بعد از شهادت امام زمان چه می شود و تکلیف این جهان فعلی چه می شود و افراد گناهکار تا چند سال باید بسوزند که بخشیده شوند ؟

پرسش

آیا امام زمان ما هم مثل بقیه آدمیان فشار قبر و یا سؤال و پرسش دارد مهمتر از همه اینکه بعد از شهادت امام زمان چه می شود و تکلیف این جهان فعلی چه می شود و افراد گناهکار تا چند سال باید بسوزند که بخشیده شوند ؟

پاسخ

سؤال شما برادر گرامی در واقع چهار سؤال است .

سؤال اول : آیا امام زمان (عج) (و یا امامان و انبیاء) مثل بقیه آدمیان فشار قبر و یا سؤال و پرسش دارند یا نه !

خیر ؛ امامان معصوم و انبیاء الهی فشار قبر و سؤال و پرسش ندارند حتی انسانهای مؤمن که در درجه عالی تقوا و ایمان قرار گرفته اند هم فشار قبر ندارند زیرا امام صادق (ع) می فرمایند چقدر اندکند افرادی که از فشار قبر رهایی یابند . (بحارالانوار ج۶ ص۲۶۱) ما در روایات داریم که اعتقاد واقعی به اهل بیت و پیروی از سیره آنها و برخی از کارها مثل نماز شب ، محبت اهل بیت (ع)، صلوات بر پیامبر (ص)، اخلاق پسندیده ، صدقه و... موجب نجات شخص از فشار قبر می شود . (سفینه البحار ج

۲ ص ۳۹۷ -۳۹۶) و نکته قابل توجه اینکه منظور از قبر و فشار آن این گودال تنگ و تاریک نیست بلکه مراد جایگاه روح انسان در عالم برزخ است . زیرا روح پس از دفن بدن و از شب اول قبر، زندگی برزخی را شروع می کند و برزخ هر انسانی از کنار قبرش ظاهر می گردد. از سوی دیگر تفهیم آغاز حیات برزخی برای زندگانی در صورتی معنا پیدا می کند که کلمه قبر

به میان آید تا محسوس و ملموس گردد . از این رو واژه قبر به کار رفته است . (ر.ك محمد باقر شریعتی سبزواری ، معاد در نگاه عقل و دین ص۲۸)

سؤال دوم : بعد از شهادت امام زمان چه می شود ؟ برخی از روایات می گویند که بعد از امام زمان (عج) که زمین از حجت خالی نکشته و دوازده مهدی از اولاد امام حسین (ع) بین مردم زندگی می کنند که حجت خدا بر خلایق هستند . شیخ طوسی در کتاب غیبت روایت کرده که امام صادق (ع)در حدیثی فرمود : بعد از حضرت قائم (عج) دوازده مهدی از فرزندان حسین بن علی (ع) از ما اهل بیت می باشند . و ممکن است مقصود دوازده نفر از فرزندان امام حسین (ع) (یعنی سادات) هستندکه از هدایت یافتگان بوده و مردم را به حق دعوت می کنند .

ولی برخی از علماء مثل مرحوم طبرسی و شیخ مفید می گویند بعد از دولت امام زمان (عج) دولت دیگری نیست و این گونه روایات که می گویند دوازده نفر بعد از امام زمان می آیند ضعیف و درست نمی باشد . و در خیلی از روایات آمده که امام زمان چهل روز قبل از قیامت به شهادت می رسند و سپس هرج و مرج شده و نشانه های قیامت پدید می آید . (مراجعه کنید به بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۴۵ و الایعاظ من الوجعه ص ۳۹۶ - ۳۹۷)

سؤال سوم : تکلیف این جهان فعلی چه می شود ؟ طبق بیان قرآن کریم در روایات صحیحه از معصومین (ع) این جهان از بین می رود خورشید خاموش و کوهها متلاشی و دریاها

خروشان و ستارگان از بین می روند و قرآن می گوید : که روز قیامت روزی است که زمین و آسمان عوض می شود به غیر آن (سوره ابراهیم آیه ۴۸)

سؤال چهارم افراد گناهکار تا چند سال باید بسوزند تا بخشیده شوند ؟ اولاً باید گفته شود مراد از سال در روز قیامت سال دنیوی نیست و اصلاً در آن دنیا زمان و سال و دقیقه مطرح نیست و اگر هم در روایات بیان می شود که مثلا چند هزار سال منظورشان زمان طولانی است و برای اینکه ما بفهمیم و دیگر اینکه منظور شما از گناه چیست برخی انسانها برای همیشه در جهنم هستند و آنها کفار و مشرکان و یا کسانی که سراسر وجودشان را گناه و ظلم و ستم (مثل یزید و معاویه و . . .) فرا گرفته و از دستورات خدا سرپیچی می کنند ، هستند ولی کسانی که اهل نماز و دارای ایمان به خدا و اقرار به واجبات هستند هرگاه مرتکب گناهی شوند و بدون توبه از دنیا بروند قابل بخشش هستند و اینکه چند سال باید بسوزند تا بخشیده شوند معلوم نیست زیرا آتش مناسب با گناه افراد است یعنی برخی گناهان دارای عقوبت شدیدی است و برخی کمتر .

چند مدت بعد از به شهادت رسیدن امام زمان (ع) قیامت می شود؟

پرسش

چند مدت بعد از به شهادت رسیدن امام زمان (ع) قیامت می شود؟

پاسخ

اعتقاد ما شیعیان براین است که هیچ گاه زمین بدون حجت و بدون انسان کامل نخواهد بود و پس از وفات امام زمان (عج) رجعت حاصل میشود یعنی سایر ائمه (عج) یکی پس از دیگری یا چند تا چند تا به این دنیا باز می گردند و وظایف امامت را عهده دار می شوند.(۱) پس آنچه از نظر شیعه قطعی است، اصل رجعت می باشد که دست کم، بعضی از ائمه (ع) بر میگردند اما اینکه همه ائمه باز می گردند، یا نه، کدام یک اول باز می گردند و کدام یک دوم، هر یک چقدر عمر میکنند، چگونه از دنیا میروند و مسایلی مانند آن هیچ کدام یقینی نیست. ما اینها را به عنوان اعتقادات یقینی به حساب نمی آوریم آنچه به عنوان اعتقاد شیعه معروف است واهل تسنن هم میدانند، این است که در آخر الزمان بعضی از کسانی که از دنیا رفته اند، ازجمله بعضی از ائمه (ع) به دنیا باز خواهند گشت. (۲) در بعضی از اخبار رجعت نیز آمده است:" عمر عالم صد هزار سال است هشتاد هزار سال از آن حکومت آل محمد (ع) و بیست هزار سال حکومت دیگران است" تا اینکه در آخر می فرماید:" چهل روز مانده به انقراض عالم، زمین از حجت خداخالی می گردد، و هرج و مرج عالم را فرا می گیرد و بعد از چهل روز در صور دمیده شده و قیامت بر پا می گردد."(۳)

در روایت دیگری نیز اشاره به این مطلب شده است:"جابربن یزید جعفی گوید: از امام باقر

(ع) شـنیدم که می فرمود: به خدا سوگند! مردی از ما اهل بیت بعد از مرگش بیش از سیصد و نه سال سلطنت می کند. عرض کردم: این کی خواهـد بود؟ فرمود: بعـد از مرگ قـائم (عـج) است. عرض کردم: قـائم (عـج) در عـالم خود چقـدر می مانـد؟ فرمود: نوزده سال، آنگاه امام منتصر برای خونخواهی امام حسین (ع) و یارانش قیام میکند. وی بی دینان را به قتل رسانده و به اسارت می برد، تا این که سـفاح قیام می کند."(۴)دوست عزیز و گرامی ؛ آنچه مهم تر ازهمه این مطـالب است، این است که چه بکنیم که ظهور آن حضـرت را درک کنیم و چگونه رفتـار کنیم تـا در لحظه ظهور مثـل خیلی از انسانها منکر آن حضـرت نشویم بلکه در رکاب آن حضـرت و از سـربازان او باشـیم. انسان میتواند با کنترل در اعمال، رفتار و گفتار خود به جایی برسد که تمام این سؤالات را از خود حضـرت بپرسد. پس آنچه وظیفه ماست و باید ذهن و فکر ما را به خود مشـغول کند این است کـه چگـونه اعمالمـان مـورد رضـایت آن حضـرت قرار بگیرد. امیـدوارم خداونـد متعـال چنیـن تـوفیقی را به مـا و شـما و همه دوستداران و منتظران امام زمان عجل ا... تعالی فرجه شریف عنایت کند.

منابع و مآخذ:

۱)تقویت مبانی دینی ، ج ۳ ، ص۵۲ و...

۲)تقویت مبانی دینی ، ج ۳ ، ص ۱۰۱

۳)بحارالانوار ج ۵۳ ، ص ۱۴۵ ، روایت ع و ج ۵۱، ص۳۴۸

۴) بحارالانوار ج ۵۳ ، ص ۱۴۵ حدیث ۳

درباره مقام امامان در روایات اهل ســنت چه مطالبی آمــده است ؟بعد از مرگ امام زمان(عج) چه اتفاقی می افتد؟ بر پیکر ایشان چه کسی نماز میخواند؟

پرسش

درباره مقام امامان در روایات اهل سنت چه مطالبی آمده است ؟بعد از مرگ امام زمان(عج)

چه اتفاقی می افتد؟ بر پیکر ایشان چه کسی نماز میخواند؟

پاسخ

در رابطه با این سؤال با استناد به چند روایت پاسخ روشن می شود. از طریق اهل سنت روایات متعددی درباره اهل بیت عصمت و طهارت نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- در ینابیع الموده، ۱/۱۹: از رسول گرامی اسلام(ص) نقل می کند: النجوم امان لاهل السماء، فاذا ذهبت النجوم، ذهب السماء و اهل بیتی امان لاهل الارض، فاذا ذهب اهل بیتی ذهب اهل الارض ؛ ستارگان امانی بر اهل آسمان ها است، هنگامی که ستارگان [از بین [بروند، آسمان هم [از بین[می رود و خاندان من، امان اهالی زمین است، هنگامی که خاندانم [از دنیا] بروند، اهالی زمین هم از بین می روند{M.

۲- در فرائد السمطین، ص ۲۰، از پیامبر گرامی اسلام نقل می کند: ... و اهل بیتی امان لاهل الارض، فاذا ذهب اهل بیتی جاء اهل الارض من الایات ما کانوایوعدون... ؛ و خاندان من امان برای اهالی زمین هستند، پس هنگامی که خاندان من [از دنیا [بروند، برای اهالی زمین نشانه هایی که به آنهاوعده داده شده است، پیش می آید (یعنی قیامت برپا می شود){M.

روایات در این باره در کتاب های اهل سنت بسیار است، که برای اطلاع بیشتر به کتاب «الشیعه والرجعه»، مرحوم شیخ محمدرضا طبسی، صص ۱۰ - ۹ مراجعه فرمایید.

از طریق شیعه و در کتاب های روایی شیعه نیز روایات متعددی به این مضمون نقل شده است که فقط به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- الکافی، ۱/۱۷۹، از امام صادق(ع): لو بقیت الارض بغیر امام ساعه لساخت ؛ اگر زمین لحظه ای بدون امام باقی باشد، از هم می پاشد (زمین واهل آن هلاک می شوند){M.

۲-

بحارالانوار، ۲۳/۵، از امـام صادق(ع): و لولا ما فی الارض منّا لساخت باهلها ؛ اگر در زمین یکی از ما [اهل بیت] نباشـد، زمین با اهلش از همـی پاشد (و هلاک می شوند) {M.

۳- بحارالانوار، ۲۳/۲۹، از امـام رضـا(ع): لو خلق الاـرض طرفه عین من حجه لسـاخت باهلهـا ؛ اگر زمین چشم به هم زدنی از حجت خالی باشد، بااهالیش از هم پاشیده می شود {M.

با این روایات، پاسـخ روشن شـده است که وقتی آخرین امام از دنیا برود، زمین از هم می پاشد و قیامت برپا می شود. حال چه آخرین امامی که در دنیا زیست می کند، حضـرت ولی الله الاعظم امام زمان(عج) باشد یا ائمه دیگر(ع) که رجعت کرده اند و لزومی ندارند که کسی براجساد مطهر آنها نماز بخواند.

این مطلب را برهـان نیز تأییـد می کنـد. زیرا امـام، حجت خـدا بر روی زمین و خلیفه الله (جانشـین خـدا) بر روی زمین و انسان کامـل است و تمـامی فیوضات و نعمت ها به واسـطه امام(ع) بر موجودات زمینی و بلکه تمام موجودات امکانی می رسـد. زیرا در جای خود اثبات شده استکه فیض الهی دائمی است و هیچ گاه قطع نمی شود، اما این فیض به واسطه خلیفه الهی به بندگان می رسـد و اگر آخرین امـام رخت از دنیـا بربنـدد، زمین و زمان از هم پاشـیده می شونـد. زیرا واسـطه فیض، رابطه اش با عالم طبیعت و مادی قطع می شود، طبیعتا به جهانی مادی نیز فیضـی کهموجب دوام و بقایش باشـد، نخواهـد رسـید و از هم خواهد پاشـید. عالم ماده - و تمام موجودات امکانی - بـدون فیض توانی برای ایسـتادگی و حیات ندارند زیرا همه وابسـته و مرتبط به حضرت حق - جل و علا - هستند و

اگر نازی کند در دم فرو ریزند، قالب ها. به این دلیل است کهروایات ما تأکید دارند که اگر دو نفر در روی زمین باقی باشند، یکی از آنها امام و حجت خدا خواهد بود و آخرین کسی که رخت از دنیا برمی دارد، امام(ع) است، (ر.ک: اصول کافی، ص ۱۷۹ و ۱۸۰).{J

شنیدم که ما انسانهای کنونی (از آدم به بعد) از نسل هشتم انسانها هستیم آیا این مطلب صحیح است و آیا بعد از ظهور آقا امام زمان و تشکیل حکومت و برقراری عدالت در جهان ،قیامت برپا می شود یا اینکه نه ،همه انسانها از دنیا می روند و نسل دیگری با کتاب و پیامبر دیگری

پرسش

شنیدم که ما انسانهای کنونی (از آدم به بعد) از نسل هشتم انسانها هستیم آیا این مطلب صحیح است و آیا بعد از ظهور آقا امام زمان و تشکیل حکومت و برقراری عدالت در جهان ،قیامت برپا می شود یا اینکه نه ،همه انسانها از دنیا می روند و نسل دیگری با کتاب و پیامبر دیگری روی کار خواهد آمد و پیامبران و معصومین و قرآن کریم مخصوص این نسل انسان بوده و هستند.

پاسخ

اولا، علوم بشری به وقت قیامت دسترسی پیدا نخواهد کرد و علم آن تنها در نزد خداوند – و هر کس که او بخواهد – است. «یسئلونک عن الساعه ایان مرسیها قل انما علمها عند ربی لا یجلیها لوقتها الا هو، ثقلت فی السماوات والارض لا تأتیکم الا بغته یسئلونک کانک حفی عنها، قل انما علمها عندالله ولکن اکثر الناس لایعلمون؛ از تو درباره قیامت می پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو: علم آن، تنها نزد پروردگار من است جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است جز ناگهان به شما نمی رسد [باز] از تو می پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی بگو علم آن تنها نزد خدا است ولی بیشتر مردم نمی دانند» (اعراف، آیه ۱۸۷).

ثانیا، بنا بر روایتی که از امام صادق(ع) نقل شده است: «ایام الله ثلاثه یوم یقوم القائم و یوم الکره و یوم القیامه؛ روزهای خداوند سه روز است، روز قیام حضرت مهدی، روز رجعت، روز قیامت» (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳، ح ۵۳).

یعنی اقامه عدل به طور مطلوب

و کامل در این سه زمان یعنی در زمان قیام حضرت مهدی، روز رجعت که حکومت به دست آل محمد(ص) است و باز هم اقامه عدالت می شود که نمونه آن عدالت امیرالمؤمنین(ع) در دوران حکومت آن حضرت است و یکی هم قیامت. بنابراین پس از قیام حضرت مهدی(عج) و تشکیل حکومت توسط وی مسأله رجعت اتفاق می افتد.

در خصوص زمان حکومت حضرت مهدی روایات متعدد است ولی روایتی نداریم که حکومت آن حضرت کوتاه باشد، در مجموع روایتی در این میان مرجح است که می گوید حضرت قیام می کندتا این که جهان را پر از عدل و نور خدا کند و زحمات انبیاء را به ثمر برساند. پس معقول نیست که مدتی کوتاه حکومت کند.

مدت زمان رجعت نیز چندان مشخص نیست، تنها همین مقدار حائز اهمیت و اعتقاد به آن واجب است که براساس آیات و روایات، این امر محقق خواهد شد. رجعت در لغت به معنای بازگشت است و در اصطلاح به بازگشت گروهی از مردگان به این جهان همزمان و پس از قیام جهانی حضرت مهدی(عج) اطلاق می شود.

به اعتقاد اندیشمندان مسلمان رجعت، همان زندگی بعد از مرگ و پیش از قیامت است و تنها به گروهی از مؤمنان راستین و کافران فرو رفته در کفر اختصاص دارد (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۸ و نیز نگا: فلسفه و قرآن در زمینه المیزان، عباس مخبر دزفولی، ج ۳، صص ۴۷ – ۶۸).

توجه داشته باشیم اعتقاد به رجعت به معنای انکار قیامت یا حتی انتقال نفوس نیست و در آنجا سخن از تکرار پیاپی تولدها و زندگی های متعدد در بدن های مختلف

نیست. به دیگر سخن در عقیده رجعت هرگز روح انسان به جسم شخص دیگر منتقل نمی شود بلکه روح شخص رجعت کننده به جسم خود او تعلق می یابد.

مقصود از رجعت بنا بر روایات مشاهده عزت اسلام و ذلت دشمنان است (نگا: علم الیقین، فیض کاشانی، ج ۲، فص ۹، صص ۱۰۰۱ – ۱۰۰۹).

معتقدان به رجعت تنها بازگشت گروهی بس انگشت شمار به این جهان را به جهت برخی مصالح تجویز می کنند که پس از آن بار دیگر به سوی عالم آخرت شتافته در روز میعاد همراه دیگر انسان ها محشور خواهند شد. بنابراین پس از قیام حضرت مهدی و رجعت قیامت برپا خواهد شد ولی زمان این سه رویداد به طور مشخص معلوم نمی باشد.

برطبق حدیثی از پیامبر صلی الله علیه واله » که فرموده اند { من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیت } بسیاری از علمای شیعه توانسته اند هم حقانیت امیر المؤمنین « علیه السلام » را اثبات نمایند و هم وجود مقدس آقا امام زمان , حال در روایت آمده که بعد از

پرسش

برطبق حدیثی از پیامبر صلی الله علیه واله » که فرموده اند { من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیت } بسیاری از علمای شیعه توانسته اند هم حقانیت امیر المؤمنین « علیه السلام » را اثبات نمایند و هم وجود مقدس آقا امام زمان , حال در روایت آمده که بعد از ظهور آقا امام زمان و حکومت برزمین به دست پیرزنی شهید می شوند, پس بعد از این ماجرا تکلیف این حدیث بسیار مهم و متواتر چیست ؟

پاسخ

معنای حدیث فوق این است که انسان باید امام « علیه السلام » را « مفترض الطاعه» بداند یعنی : اطاعتش را واجب بداند در جمیع ابعاد وگرنه اسم و شخص را که کافر هم می تواند بداند واین تحقق نمی یابد مگر اینکه امام سابق و نَصَب او را به نص از امام سابق بشناسد و اگر به یکی از ائمه معرفت نباشد , معرفت او کامل نیست .

بنابراین خود این سئوال اولا: به وسیله خود حضرت ولی عصر عج » پاسخ صریح داده میشود . و خیلی دور از ذهن و اشتباه ایست که فرض کنیم امام «علیه السلام» خودش محیط به علمی امامت خویش باشد ولی نداند بعد از شهادت خود چه کسی را برای شیعیان تعریف کند .

ثانیا: برطبق آیات قرآن و نیز تأویل آن در احادیث کاملا صحیح , موضوعی وجود دارد بنام «رجعت» حتی در زیارت جامعه همه بوضوح به آن بر می خوریم : آیه ۸۲ سوره نمل اشاره به «رجعت» دارد {یوم نحشر من کل امه فوجا... } فردی به امام صادق

« علیه السـلام » عر ض کرد مردم گمان میکنند مراد از این آیه قیامت است . حضرت فرمودند: «آیا روز قیامت خدا از هر اُمتی گروهی را محشور می سازد و بقیه را رها می سازد ؟ خیر این زمان « رجعت» ما واقع خواهد شد. آیه ای که دال برقیامت است مثل این است : { و حشرنا هم فلم نغادر منهم احدا }(کهف ۴۷)

مأمون از امام رضا « علیه السـلام » پرسـید ای ابو الحسن در باره «رجعت» چه می گویی ؟ حضـرت فرمودنـد : مسأله ای ایسـت حق که در امتهای پیشین هم اتفاق افتاده و قرآن درباره آن سخن میگوید. (بحار ,ج ۵۳,ص ۵۹)

آری بنـابر این روایـات و تأویلات قرآن ایاب و« رجعت» بازگشت گروهی از مردم است از عالم برزخ به دنیا چنانکه حضـرت عیسـی علیه السـلام » مرده را زنـده می کرد و برای همه از تعجب ساقط شـد الا اینکه دانسـتند به امر خدا معجزه شدنی است و چنانکه حضـرت ابراهیم «علیه السـلام » درباره جمع شدن اجساد مردگان عملا به یقین رسـیده و چنانکه اصحاب کهف بعد از سیصد سال خواب بیدرا شدند . هیچیک را نمی توان توجیه دنیوی کرد ولی فقط حقایقی است که اتفاق افتاده و شدنی اسـت بعد از شـهادت حضرت امام مهدی «علیه السلام » اول امام حسین علیه السلام » بعد حضرت امیر المومنین « علیه السلام » بعد از رسول خدا « صلی الله علیه واله » و بعد باقی ائمه « علیهم السلام » رجوع می نمایند . این مسئله رجعت به نقل از

کتاب الانوار النعانیه سید نعمت الله جزایری موجود است البته رجعت از عقاید خاص علوی است و غیر از شیعه به آن اعتقاد ندارند چه که اصلا اهل اقامت نبوده اند که به آن قائل باشند - در آیه ۱۱ سوره مؤمن آمده است که گروهی می گویند : خدایا ما را دوباره میراندی و دوباره زنده کردی حضرت باقر « علیه السلام » می فرماید : این سخن خدای تعالی مخصوص اقوامی است که پس از مرگشان در «رجعت» واقع می شوند می توانید به کتاب امام مهدی «عج » از ولادت تا ظهور , سید محمد کاظم قزوینی و نیز کتاب در محضر علامه طباطبائی پرسشهاوپاسخها مراجعه کنید .

پس از ظهور ولی عصر(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می شود؟

پرسش

پس از ظهور ولی عصر(ع) سرنوشت زمین و بشر چه می شود؟

پاسخ

بر اساس آیات و روایات تحولات بسیار زیادی را خواهند داشت.

۱. خداوند در آن روز وراثت زمین را به دست صالحان خواهد داد چنان چه می فرماید: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون». {۱}

۲. حکومت در روی زمین از دست نااهلان و حاکمان جائر خارج می گردد امام حسن مجتبی به هنگامی که در مداین زخمی شد به زید بن وهب آینده را چنین پیش بینی کرده «یبعث اللّه رجلًا فی آخر الزمان....و یظهره علی أهل الارض حتی یدینوا له طوعاً و کرهاً»؛ {۲} خداوند مردی را در آخرالزمان بر می انگیزاند و او را بر اهل زمین ظاهر می گرداند که تمام مردم از روی اختیار یا اکراه از او اطاعت خواهند کرد.

۳. بسیاری از پیامبران الهی بار دیگر زنده شده و در زمین و در کنار مهدی موعود خواهند بود امام صادق(ع) می فرماید: «یقبل الحسین فی اصحابه الذین قتلوا معه و سبعون نبیاً...»؛ {۳} امام حسین به همراه یارانی که در کربلا شهید شدند خواهند آمد در حالی که هفتاد پیامبر اورا همراهی می کنند.

۴. امیرمؤمنان در زمین چهل و چهار هزار سال حکومت خواهد کرد امام صادق(ع) فرمود: «و یملک امیرالمؤمنین اربع و اربعین الف سنه». {۴}

۵. مؤمنان واقعی بار دیگر خواهند آمد و در زمین خواهند بود و امام باقر(ع) می فرماید: «المؤمن لیخیّر فی قبره فاذا قام القائم فیقال قد قام صاحبک فان أحببت ان تلحق به فالحق...»؛ {۵} به هنگام ظهور امام زمان به مومن در قبرش خبر می کنند که امام تو قیام کرده است اگر دوست داری برخیز و به او ملحق شو.

۶. ابلیس به دست توانای پیامبر بر روی همین زمین

کشته خواهد شد امام صادق(ع) ضمن حدیثی می فرماید: «و رسول اللّٰه بیده حربه من نور فاذا نظر الیه ابلیس رجع القهقری...فلیحقه النبی فیطعنه بین کتفیه فیکون هلاکه و هلاک جمیع اشیاعه...»؛ {۶} در دست پیامبر حربه ای از نور است و زمانی که ابلیس نظر به پیامبر افکند به پشت سر بر می گردد پیامبر به دنبال او رفته و می رود و با آن چه که در دست دارد طعنه ای بر شانه اش می زند که نابودی و هلاک او و پیروانش خواهد بود.

۷. زمین در زمان ظهور گنجینه ها و دفینه های که از میلیون ها سال برای صاحب اصلی آن نگهداری شده یا خود ظاهر می کند و یا بر دست امام زمان از درون آن بیرون کشیده می شود امام حسن ضمن حدیثی می فرماید: «و تظهر له الکنوز»؛ {۷} گنج ها برای او ظاهر خواهند گشت.

۸. آن چه که تاکنون از زمین نروییده در آن زمان از همان زمین روییده خواهد شد هم چنین امام حسن(ع) می فرماید: «تخرج الارض برکتها»؛ {۸}

۹. دجال بر روی همین زمین کشته خواهد شد امام می فرماید: «و یظفره اللّٰه تعالی بالدجال فیصلبه علی کناسه الکوفه»؛ {۹} به وسیله لطف خداوند امام زمان(ع) بر دجال دست پیدا کرده و او را در محلی در کوفه به نام کناسه به دار می آویزد.

۱۰- بهترین جاده ها و خیابان ها واتوبان ها و شهرها و خانه ها روی همین زمین احداث خواهد شد و به فرموده امام باقر(ع): «وفلا یبقی فی الارض خراب الّا قد عمر»؛ {۱۰} هیچ خرابی نخواهد ماند مگر آن که تبدیل به عمران و آبادانی خواهد شد و مسایل دیگر که در زمین رخ می نماید و اما پاسخ این که سرنوشت بشر چه خواهد شد؟

می گوییم که

بسیار روشن است چرا که بشر در آن روز از نعمت هایی بهره مند خواهد شد که در طول تاریخ عالم چنین نعمتی را به چشم ندیده است.

۱. گسترش عدالت: بشر در آن روز از عدالت غیر قابل وصفی برخوردار خواهد بود چنان که در روایات بسیاری بر این مسأله تأکید شده و پیامبرصلی الله وعلیه وآله می فرماید: «یخرج رجل فی آخر الزمان رجل من ولدی اسمه کاسمی و کنیته ککنیتی یملأ الارض عدلاً کما ملئت جوراً»؛ {۱۱} مردی از خاندانم در آخر الزمان ظاهر می شود که نام او هم نام من و کنیه اش کنیه من می باشد او زمین را آکنده از عدل و داد می نماید همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.

۲. رؤیت یکدیگر از راه دور: هم چنین روایت شده که مؤمنان بدون هیچ حجاب و مانعی در شرق و غرب یکدیگر رااز راه دور می بینند امام صادق(ع) می فرماید: «ان المومن فی زمان القائم وهو بالمشرق لیری أخاه الذی بالمغرب». {۱۲}

۳. قدرت چهل نفر در یک نفر و در زمان ظهور ولی عصر(ع) خداوند به برکت آن حضرت به هر یک از شیعیان قدرت چهل مرد را عطا می کند امام صادق(ع) فرمود: «یعطی کل رجل منهم قوه أربعین رجلاً». {۱۳}

خلاصه در هیچ زمانی همانند آن روز بشر طعم آزادی و امنیت، آسایش، اتحاد و برابر ی و برادری نچشیده اند.

اما افراد وگروه هایی که مخالف مهدی موعود و برقراری حکومت الهی می باشند دیگر هیچ جایگاهی در بین مردم نداشته و نخواهند داشت چرا که اگر حضرتعیسی بن مریم خود وزیر حضرت مهدی(ع) {۱۴} باشد و صلیب را خرد کند {۱۵} دیگر چه عذری برای نصاری و پیروان او خواهد

بود.

در آن زمان از بشر هیچ دینی جز دین اسلام پذیرفته نخواهد شد و همه باید تسلیم امام زمان شوند و همگان تسلیم خواهند شد مگر آن کوردلانی که هرگز دست از تعصب و لجاجت بر نداشته اعلام جنگ می کنند امام پس از مهلتی که به آن ها می دهد سرانجام زمین را از لوث وجود آنها پاک می کند که نگارنده به تفصیل در کتاب بامداد بشریت به آن پرداخته است.

[۱].سوره قصص.

[۲].احتجاج، ج ۲، ص ۱۱.

[۳].مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۸.

[۴].همان، ص ۲۶.

[۵].لائل الامامه،ص ۲۵۷

[۶].مختصر بصائر الدرجات، ص ۲۶.

[۷].احتجاج، ج ۲، ص ۱۱.

[۸].اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴.

[۹].المهذب البارع، ج ۱، ص ۱۹۴.

[۱۰].کمال الدین الدین ج ۱ ص ۳۳۰،اعلام المهدی ص ۴۶۳ مجار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۱

[۱۱].تذکره الخواص، ص ۳۲۵.

[۱۲].بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

[۱۳].الإختصاص، ص ۸.

[۱۴].فتن ابن حماد، ص ۱۶۰؛ تاریخ بخاری، ج ۷، ص ۲۳۳.

[۱۵].عبدالرزق، ج ۱۱، ص ۳۹۹؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۴۰.

دنیا بعد از ظهور آن حضرت چه طور خواهد شد؟ وضعیت دنیا قبل از ظهور حضرت چگونه است؟

پرسش

دنیا بعد از ظهور آن حضرت چه طور خواهد شد؟ وضعیت دنیا قبل از ظهور حضرت چگونه است؟

پاسخ

در احادیث معتبر، وضعیت دنیا قبل از ظهور امام زمان(عج) و بعد از آن ترسیم شده است/

الف) دنیای بعد از ظهور

در احادیث می خوانیم: «هر گاه مهدی موعود(عج) ظهور کرد و در جنگ پیروز شد و بر شرق و غرب جهان تسلط و سیطره یافت، تمام زمین با یک حکومت جهانی اسلامی اداره می شود. آن حضرت برای تمام سرزمین ها، حاکمان لایقی را با برنامه و دستورهای لازم گسیل می نماید که به سبب جدیت و کوشش آنان تمام زمین آباد می گردد. حضرت مهدی(عج) از دور تمام حوادث و جریانات کشورها را در سراسر زمین زیر نظر دارد. در عصر ایشان تمام نقاط زمین آباد می گردد. اصحاب و یارانش نیز از فاصله های دور وی را مشاهده می کنند و با او سخن می گویند. عدل و دادش تمام زمین را فرا می گیرد. مردم با هم مهربان می شوند و با صدق و صفا زندگی می کنند. امنیت عمومی همه جا را فرا می گیرد و کسی در صدد آزار دیگری نیست. وضع اقتصادی مردم بسیار خوب می شود، به طوری که مستحق زکات پیدا نمی شود. باران بسیار می بارد و محصولات زمین، زیاد می شود. توجه مردم به خدا زیاد می شود. دین اسلام، دین جهانی می شود، بانگ توحید همه جا بلند می شود. عقلهای مردم کامل می گردد و سطح معلومات عمومی بالاـ می رود، به طوری که زنها در خانه خویش از عهده قضاوت بر می آیند/

امام صادق(ع) در خصوص یکی از ویژگیهای جهان پس از ظهور می فرماید: «علم و دانش به بیست و هفت قسمت تقسیم شده، اما تاکنون بیش

از دو قسمت در دسترس بشر قرار نگرفته است. وقتی حضرت مهدی(عج) ظهور می کند بیست و پنج قسمت دیگر را آشکار می کند و در بین بشر پخش می نماید.{۱}

ب) دنیای قبل از ظهور

پیامبر گرامی اسلام(ص) در این خصوص می فرماید: «مهدی(عج) از فرزندان من است. برای او غیبت و حیرتی است که در آن مردمان بسیاری گمراه می شوند. آن گاه همانند شهاب ثاقب می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند؛ هم چنان که پر از ظلم شده است.{۲}

امام صادق(ع) علامتهای ظهور امام زمان(عج) و وضعیت دنیا را قبل از ظهور برای یکی از یاران خود چنین توصیف می کنند: «۱. هر گاه دیدی حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند. ۲. ظلم و ستم فرا گیر شود. ۳. همان طوری که قرآن فرموده بدعتهایی از روی هوا و هوس در آن آمده باشد. ۴. دین خدا عملاً تو خالی شود همانند ظرفی که آن را واژگون سازند. ۵. کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند. ۶. مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می کنند. (کنایه از همجنس بازی). ۷. افراد - به ظاهر - با ایمان سکوت کرده و حرفهایشان را نمی پذیرند. ۸. شخص بدکار دروغ می گوید و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی کند. ۹. بچه ها به بزرگان احترام نمی کنند. ۱۰. قطع پیوند خویشاوندی شود و... {۳}

[۱]. بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۶/

[۲]. کمال الدین و اتمام النعمْ، شیخ صدوق ص ۲۷۸/

[۳]. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان(عج)، رجایی تهرانی، ص ۱۶۹. به نقل از: بحارلانوار، ج ۵۱، ص ۹۳/

منظور از "مدت شمرده شده در آیه ۱۰۴ سوره هود چیست آیا اشاره به مدت بعد از ظهور امام زمان غ دارد؟

پرسش

منظور از "مدت شمرده شده

در آیه ۱۰۴ سوره هود چیست آیا اشاره به مدت بعد از ظهور امام زمان غ دارد؟

پاسخ

قرآن کریم در این سوره درباره روز قیامت می فرمایـد: "ذَ لِکَ یَوْم ٌمَّجْمُوع ٌلَّه ُالنَّاس ُوَ ذَ لِکَ یَوْم ٌمَّشْـهُودٌ وَ مَا نُؤَخِّرُه ُوَّ إِلاَّ لِا ?جَل ٍ مَّعْدُودٍ ;(هود،۱۰۳۱۰۴)]آخرت همان روزی است که مردم در آن جمع می شونـد، و روزی که همه آن را مشاهـده می کننـد، و مـا آن را جز تـا زمـان محـدودی تأخیر نمی انـدازیم ; یعنی مجرمان مغرور نشونـد و فکر نکننـد که روز قیامت و مجازات آنان نسیه است و معلوم نیست کی فرا رسد، بلکه دنیا محدود است و به زودی قیامت فرا خواهد رسید: "إِنَّهُم ْیَرَوْنَه ُو بَعِیدًا وَ نَرَغ ه ُقَرِیبًا ;(معارج ۶۷) آن ها آن روز را دور می بینند، و ما آن را نزدیک می بینیم "

واژه "معـدود" (به معنای شـمرده شـده ، اشاره به نزدیکی رسـتاخیز است زیرا هر چیزی که قابل شـمارش باشد و تحت عدد و شمـارش واقع شود، محـدود و تمـام شـدنی خواهـد بود.(مجمع البیان طبرسـی ج ۳، ص ۱۹۳، داراحیـأ التراث العربی / التبیـان ابوجعفر الطوسـی ج ۶، ص ۶۵، مکتب الاعلاـم الاسـلامی / تفسـیر نمونه آیت اللّه مکـارم شـیرازی و دیگران ج ۹، ص ۲۳۱، دارالکتب الاسلامیه) "اجل معدود"، آن هنگامی است که دنیا تمام می شود و قیامت فرا می رسد.(الکاشف محمد جواد مغنیه ج ۴، ص ۲۶۹، دارالعلم للملایین بیروت) بنابراین آن وقت بعد از ظهور امام زمان غ و رجعت ائمه خواهد بود.

سایر موارد

قیام و ایستادن به هنگام شنیدن لقب امام زمان ۷واجب است ؟

پرسش

قیام و ایستادن به هنگام شنیدن لقب امام زمان ۷واجب است ؟

پاسخ

یکی از وظایف شـیعیان در عصـر غیبتِ کبری برخاستن به محض شنیدن اسم مبارك حضرت امام زمان ۷است , خصوصاً اگر نام مقـدس برده شود. و این جهت تعظیم آن وجود مقـدس می باشـد. این عمل دربین شـیعیان حتی در زمان امام جعفر صادق ۷نیز معمول بود. کسـی خـدمت امام صادق ۷عرض کرد: علت چیست که مردم در موقع ذکر کلمهء قیـام می کننـد؟ حضـرت جواب فرمود: که اشاره به دولت او و اظهار تأثر نسبت به غربت او است , یاد کنـد, آن جناب نیز به خاطر محبت زیادی که به دوسـتانش دارد, نظر لطفی به او خواهد کرد. سـپس چون در این حال مورد توجه امام واقع می شود, سزاوار است که به خاطر احترام ایشان به پا خیزد و تعجیل فرجش را ازخد بخواهد>.(۱)

(پاورقی ۱.آیت اللّه لطف اللّه صافی گلپایگانی , منتخب الاءثر, ص ۶۴۰ شماره ۴ شیخ عباس قمی , منتهی الآمال ; ص ۴۸۸ عبدالرحمن انصاری , در انتظار خورشید ولایت , ص ۱۳۲

در روایت های متعددی آمده است که آخر زمان زمانی است که خاتم پیامبران به پیامبری مبعوث شود، در حالی که این رسالت هزار و چهارصد سال است که آغاز شده و هنوز آخر زمان نرسیده است آیا در قرآن کریم به مدت و زمان آخر زمان تصریح شده است

پرسش

در روایت های متعددی آمده است که آخر زمان زمانی است که خاتم پیامبران به پیامبری مبعوث شود، در حالی که این رسالت هزار و چهارصد سال است که آغاز شده و هنوز آخر زمان نرسیده است آیا در قرآن کریم به مدت و زمان آخر زمان تصریح شده است

پاسخ

"آخر" به بخش پایانی هر مجموعه گفته می شود و "زمان در لغت بر وقت کم یا زیاد اطلاق می گردد از آن جا که مفهوم "آخر" نسبی است و در تاریخ ِانقراض دنیا، اختلاف فراوانی وجود دارد و قرآن نیز از تعیین وقت مشخص برای آن پرهیز کرده و]لقمان ۳۱ و ۳۴، احزاب ۳۳ و ۶۳، و زخرف ۴۳ و ۸۵[، محدوده آن به دقت قابل اندازه گیری نیست با این حال با استفاده از روایات بعثت پیامبر خاتم را می توان سرآغاز دوره "آخر الزمان دانست البته در بیش تر روایات آخر الزمان به دوره پایانی که به ظهور حضرت مهدی غ نزدیک باشد، اطلاق شده است پایان نبوت و آمدن آخرین شریعت الهی که با ظهور پیامبر اکرم تحقق یافت نخستین نشانه پایان تاریخ به شمار می رود; از این رو مفسران مقصود از نشانه های قیامت را در آیه: "فَهَل ْیَنظُرُون َإِلآّ السَّاعَه َأَن تَأْتِیَهُم بَغْتَه ًفَقَدْ جَآءَ أَشْرَاطُهَا;(محمد،۱۸) آیا آن ها جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان فرا رسد، در حالی که هم اکنون نشانه های آن آمده است " بعثت پیامبر اکرم دانسته اند که نسبت به عمر جهان فاصله بسیار کمی تا قیامت دارد. در آخرالزمان وقایع فراوان

دیگری نیز، پیش بینی شده که بیش تر به دوره پایانی آن (مقارن با ظهور حضرت مهدی غ مربوط می شود.

نتیجه آن که الف آخرالزمان امری نسبی است و زمان بعثت پیامبر اکرم تا پایان جهان را نسبت به عمر جهان در نظر گرفته اند. ب زمان بعثت پیامبر اکرم آغاز آخر الزمان است اما این که چقدر طول می کشد و پایان آخرالزمان کی خواهد بود، مشخص نیست ج در قرآن کریم اگرچه به مدت و زمان آخرالزمان تصریح نشده است اما از نشانه ها و حوادثی که قرآن بیان فرموده می توان به دوره پایانی آخرالزمان که مقارن با ظهور حضرت مهدی غ است پی برد. در این جا به چند مورد از آن وقایع اشاره می کنیم ۱. بحران معنویت "اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِی غَفْلَهٍ مُّعْرِضُونَ ;(انبیأ،۱) حساب مردم به آنان نزدیک شده در حالی که در غفلتند و روی گردانند." در این آیه مردم آخرالزمان به غفلت و اعراض از خداوند، متصف شده اند; ۲. وقوع اختلاف ها و درگیری های بسیار: "فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ کَفَرُواْ مِن مَّشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیمٍ ;(مریم ۳۷) ولی]بعد از او[گروه هایی از میان پیروانش اختلاف کردند; وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ "

این آیه درباره ظهور فرقه های مختلف در جهان اسلام است که در آخرالزمان پدید آمده و سبب اختلاف های بسیار خواهد شد. ۳. ظهور دجال "لَخَلْقُ السَّمَوَتِ وَ الْأَرْضِ أَکْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ (غافر،۵۷) آفرینش آسمان ها و زمین از آفرینش انسان ها مهم تر است ولی بیش تر مردم نمی دانند." برخی از مفسران

این آیه را به ظهور دجال تفسیر کرده اند که در دید مردم بزرگ ترین موجود جلوه می کند، در حالی که خداوند، او را از بسیاری مخلوقات دیگر کوچک تر می شمارد; سرانجام این پدیده به دست حضرت عیسی غ نابود خواهد شد. ۴. پدید آمدن گرفتاری ها و مشکلات "إِن ْأَتَغکُم ْعَذَابُه ُو بَيَتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِل ُمِنْه ُالْمُجْرِمُون َ;(یونس ۵۰) اگر مجازات او، شب هنگام یا در روز به سراغ شما آید، پس مجرمان برای چه عجله می کنند."; "فَإِذَا نَزَل َبِسَاحَتِهِم ْفَسَآءَ صَبَاح ُالْمُنذَرِين َ; (صافات ۱۷۷) اما هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه هایشان فرود آید، انذارشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت " ۵. خروج سفیانی آیات سبأ، ۵۱; نحل ۴۵ و نسأ، ۴۷ درباره خروج سفیانی و لشکریانش می باشد ۶. ندای آسمانی آیات نحل ۱۶; ق ۴۱۴۲ درباره آن آمده است ۷. ظهور منجی بزرگ بشر آیات اسرأ، ۸۱; بقره ۱۴۸; انعام ۸۹ و... بر این مطلب دلالت دارد. ۸. نزول حضرت عیسی غ آیات زخرف ۴۳; نسأ، ۱۵۹، مربوط به آن است ۹. خروج جنبنده ای از زمین آیه نمل ۸۲ به آن اشاره دارد ۱۰. نابودی قوم یأجوج و مأجوج به دست حضرت مهدی غ آیه انبیأ، ۹۶ در این باره آمده است ۱۱. رجعت آیات نمل ۸۳; غافر، ۱۱; سجده ۲۱; اسرأ، ۵; آل عمران ۸۱; قصص ۵، به این پدیده اشاره دارند. ۱۲. صلح و آرامش پایدار در سراسر جهان آیات نور، ۵; اعراف ۱۲۸، انفال ۳۹; انبیأ، ۱۰۵; اعراف

۱۳۷ و قصص ۵ به چنین وعده ای بزرگ اشاره دارد و...دیگر از نشانه های آخرالزمان است که در بخش پایانی آخرالزمان واقع خواهد شد.(ر.ک دائره المعارف قرآن کریم مرکز فرهنگ و معارف قرآن ج ۱، ص ۱۱۴۱۲۴، بوستان کتاب قم)

آخرالزمان چیست و چه ارتباطی با ظهور حضرت مهدی(عج) دارد؟

پرسش

آخرالزمان چیست و چه ارتباطی با ظهور حضرت مهدی(عج) دارد؟

پاسخ

شکی نیست هر آغازی را انجام و هر شروعی را پایانی است جز ذات بی پایان خداوندی که هم آغاز است و هم انجام. زمان نیز مانند تمام مخلوقات الاهی از این قاعده مستثنا نیست. روزگاری بر دنیا سپری شده که دیباچه زندگی دنیایی به شمار می آید و زمانی نیز خواهد گذشت که پایان این کتاب خواهد بود. برگه های پایانی کتاب زندگی انسان در زمین «آخرالزمان» خوانده می شود. «آخرالزمان» اصطلاحی است که در فرهنگ اغلب ادیان بزرگ دنیا به چشم می خورد و به ویژه در ادیان ابراهیمی از برجستگی و اهمیت خاص برخوردار است. این اصطلاح معمولاً ـ به روزگار پایانی دنیا و رویدادهایی که ممکن است در این بخش از زندگی دنیوی به وقوع پیوندد گفته می شود و ادیان بزرگ درباره آن پیشگویی هایی کرده اند؛ برای مثال در «انجیل» چنین آمده ست:«... و این را بدان که اوقاتِ صعب در زمان آخر خواهد رسید* زیرا که خواهند بود مردمِ خود دوست و زر پرست و مغرور و متکبر و کفر گو و نافرمان والدین و حق ناشناس و بی دین* و بی الفت و بی وفا و خبث کننده و بی پرهیز و بی حلم و با خوبان بی اعتنا* و خائن و کم حوصله و عبوس کننده و عیش را بر خدا ترجیح می دهند.»۱

قرآن مجید نیز در آیات فراوان به دوران آخرالزمان اشاره کرده است. در معارف ارزشمند اسلامی این اصطلاح در دومعنای کلی به کار رفته است:

۱. مدت زمانی طولانی که با ولادت پیامبر اسلام(ص) آغاز و با شروع رستاخیز بزرگ پایان می یابد. از این رو آن پیامبر الاهی را پیامبر

آخرالزمان نیز نامیده اند.

۲. مدت زمانی که باولادت واپسین جانشین پیامبر اسلام(ص) حضرت مهدی(ع) آغاز می شود، زمان غیبت و ظهور را در بر گرفته، با شروع قیامت به انجام می رسد.

روایات اهل بیت(ع) نشان می دهد:

الف) با سپری شدن این دوران بساط زندگی دنیوی برچیده می شود و مرحله ای جدید در نظام آفرینش آغاز می گردد.

ب) آخرالزمان خود به دو مرحله کاملاً متفاوت تقسیم می شود: دوران نخست که انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی رسیده، فساد اخلاقی و ستم همه جوامع بشری را فرا می گیرد و واپسین امیدهای بشری به ناامیدی می گراید؛ و دوران دوم که عصر تحقق وعده های الاهی به پیامبران و اولیای خدا است و با قیام مصلح جهانی آغاز می شود.

کلیات عقاید مربوط به آخرالزمان تقریباً از سوی همه فرقه های بزرگ اسلام پذیرفته شده است؛ ولی در خصوص وابستگی این تحولات به ظهور مهدی موعود و نیز هویت مهدی موعود اختلاف نظر وجود دارد. شیعیان دوازده امامی حضرت مهدی(ع) و حکومت جهانی او را حسن ختام حیات بشر در کره زمین و او را همان موعود امت ها می دانند. در نظر آنان، با ظهور حضرت مهدی(ع) برخی از ائمه و نیکان و صالحان و نیز بدان و تبهکاران تحت عنوان «رجعت» به دنیا باز می گردند و زندگی دنیایی پایان می یابد.

با گلگشتی در کلمات نورانی معصومان(ع) می توان واژه هایی را که بیانگر پیوند مهدویت و آخرالزمان است، یافت. این واژه ها عبارت است از:

۱. آخرالزمان (پایان زمان)

امام صادق(ع)، پیشوای ششم راستگویان، فرمود: «رسول گرامی اسلام(ص) به علی(ع) فرمود: آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟ عرض کرد: بله، یا رسول الله. آن حضرت فرمود: هم اینک جبرئیل نزد من بود

و مرا خبر داد قائمی که در آخرالزمان ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد – همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده – از نسل تو و از فرزندان حسین(ع) است.»۲

۲. «لا تذهب الدنیا » (دنیا به پایان نرسد)

این تعبیر بیانگر حتمی بودن تحقق حوادثی است که پس از آن ذکر می شود. عبدالله بن مسعود می گوید: رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: «دنیا به پایان نرسد مگر این که امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود.»

و روشن است دنیا به پایان نمی رسد مگر این که بخش پایانی اش (آخرالزمان) را پشت سر گذارد.

۳. « لا تقوم الساعه»(قیامت برپا نمی شود)

پیامبر گرامی اسلام(ص)فرمود: «قیامت برپا نمی شود تا این که قیام کننده ای به حق از خاندان ما قیام کند؛ و این هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید؛ و هر کس از او پیروی کند، نجات یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد... .»۴

۴. « لا تنقضی الایام » (روزها منقضی نگردد)

رسول خدا(ص) فرمود: «روزها منقضی نگردد تا این که مردی از اهل بیت من بر زمین حکومت کند که همنام من است.»۵

۵. «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد »(اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند)

امیرمؤمنان(ع) برفراز منبر در شهر کوفه چنین فرمود: «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد که مردی از خاندانم برانگیخته شود.»۶

۶. « عند انقطاع من الزمان »(در بخش پایانی زمان)

پیامبر اکرم(ص) فرمود: هنگام پایان زمان و آشکار شدن فتنه ها، مردی هست

که به او مهدی گفته می شود و بخشش بسیار دارد.»۷

نشانه های آخرالزمان این محدوده زمانی نشانه هایی دارد که اصطلاحاً «علائم آخرالزمان» خوانده می شود. علاوه بر اصطلاح رایج «علائم آخرالزمان» در فرهنگ مسلمانان اصطلاح مشابه دیگری به نام «اشراط الساعه» وجود دارد. این اصطلاح که بیش تر نزد اهل سنت رایج است، به نشانه های وقوع قیامت اختصاص دارد؛ ولی روایاتی که ذیل این عنوان ذکر شده نشان می دهد بسیاری از نشانه های آن چون نشانه های آخرالزمان است و می توان بسیاری از نشانه های آخرالزمان را نشانه های قیامت دانست.

همان گونه که اشاره شد آخرالزمان به دو بخش متفاوت تقسیم می شود. بر اساس روایات، بخش اول بسیار دشوار خواهد بود. بخشی از مشخصه های این عصر عبارت است از:

۱. گریز از دین

پیامبر گرامی اسلام(ص) ویژگی های انسان های این دوران را این گونه برشمرده است:

«زمانی بر مردم خواهد آمد که درهم های آن ها دینشان خواهد بود و همتشان شکم شان و قبله هاشان زنانشان. برای طلا و نقره رکوع و سجود به جای می آورند. آن ها همواره در حیرت و مستی خواهند بود؛ نه بر مذهب مسلمانی اند و نه بر مسلک نصرانی.»۸

۲. دنیا پرستی

رسول خدا فرمود:«زمانی بر امت من می آید که در آن زمان درون های مردم پلید می شود ولی ظواهرشان به طمع مال دنیا آراسته می گردد؛ به آنچه در پیشگاه خداوند است دل نمی بندند؛ کارشان ریا و تظاهر است؛ خوف از خدا به دلشان راه نیابد و خداوند آن ها را به عذابی فراگیر دچار سازد.

آن ها چون غریق خداوند را می خوانند؛ ولی خداوند دعایشان را مستجاب نمی کند.»۹

۳. آزمایش های بزرگ

یکی دیگر از ویژگی های دوران آخرالزمان امتحاناتی است که انسان ها در این دوران پشت سر می گذارند. با این آزمون ها، مردم

به دو گروه تقسیم می شوند: موفق ها و ناموفق ها.

پیامبر اکرم(ص)، وقتی از چهره های موفق این دوران یاد می کند، با شگفتی به علی(ع) چنین می فرماید: «ای علی، بدان شگفت آورترین مردم درایمان و بزرگ ترین آنان در یقین مردمی هستند که درآخرالزمان [با آن که پیامبر خود را ندیدند و از امام خود محجوبند، به نوشته که خطی سیاه بر صفحه ای سپید است، ایمان می آورند.»۱۰

امیرمؤمنان علی(ع) نیز درباره نجات یافتگان این دوران می فرماید:«و آن زمانی است که از فتنه ها نجات نمی یابد مگر مؤمنانی که بی نام و نشانند. اگر در حضور باشند، شناخته نشوند؛ و اگر غایب گردند، کسی سراغ آن ها را نمی گیرد. آن ها برای سیرکنندگان در شب ظلمانی جامعه ها چراغ های هدایت و نشانه های روشنند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه انگیز. نه در پی اشاعه [فحشایند] و نه مردمی سفیه و لغو گو! اینانند که خداوند درهای رحمتش را به سوی شان باز می کند و سختی ها و مشکلاتی را از آن ها برطرف می سازد.»۱۱

پی نوشت:

۱. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، نامه دوم پولس حواری به تیموثیوس، باب سوم.

۲. غیبت نعمانی، ابن ابی زینب، ص ۳۵۷.

۳.کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۸۲، ح ۱۴۱.

۴. عیون اخبار الرضا(ع)، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۹.

۵. بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، طبری آملی، ص ۲۵۸.

۶. کتاب الغیبه، ص ۴۶.

۷. کشف الغمه، اربلی، ج ۳، ص ۲۶۰.

۸. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

۹. کافی، شیخ کلینی، ج ۸، ص ۳۰۶.

۱۰. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۴، ص ۳۶۶.

۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

به چه دلیل این زمان، آخرالزمان است؟

پرسش

به چه دلیل این زمان، آخرالزمان است؟

پاسخ

در روایات اسلامی برای دوره آخرالزمان علایم ونشانه هایی ذکر شده که با تحقق این علایم ونشانه ها، پی می بریم که هم اکنون در دوره آخرالزمان قرار داریم. اینک به برخی از این علایم ونشانه ها اشاره می کنیم:

۱ - گسترش ترس وناامنی

امام باقر (ع) می فرماید: "لایقوم القائم الاّ علی خوف شدید..."؛ "حضرت قائم (ع) قیام {پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۵. پاورقی}

نمی کند مگر در دورانی پر از بیم وهراس."

ونیز فرمود: "مهدی (ع) هنگامی قیام می کند که زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران باشد".

{پاورقی . ملاحم، ابن طاووس، ص ۷۷. پاورقی}

۲ - تهی شدن مساجد از هدایت

پیامبر (ص) درباره وضعیّت مساجد در آخرالزمان می فرماید: "مساجدهم عامره وهی خراب من الهوی"؛ "مسجدهای آن زمان آباد وزیباست، ولی از هدایت وارشاد در آن {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۲، ص ۱۹۰. پاورقی}

خبری نیست."

۳ - سردی عواطف انسانی

رسول گرامی اسلام (ص) در این باره می فرماید: "فلاالکبیر یرحم الصغیر ولاالقوی یرحم الضعیف، و حینئذ یأذن اللّه له بالخروج"؛ "در آن روزگار، بزرگترها به زیردستان وکوچکترها {پاورقی . همان، ج ۵۲، ص ۳۸۰. پاورقی}

ترحّم نمی کنند وقوی بر ضعیف ترحّم نمی نماید. در آن هنگام خداوند به او [مهدی (ع)] اذن قیام وظهور می دهد."

۴ - گسترش فساد اخلاقی

رسول خدا (ص) می فرماید: "قیامت برپا نمی شود تا آنکه زنی را در روز روشن وبه طور آشکار گرفته، در وسط راه به او

تعدی می کنند وهیچ کس این کار را نکوهش نمی کند".

محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ امام فرمود: "إذا تشبّه الرجال بالنساء، والنساء بالرجال، واکتفی الرجال بالرجال، والنساء بالنساء"؛ "هنگامی که

مردها خود را شبیه زنان وزنان خود {پاورقی . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱. پاورقی}

را شبیه مردان کنند. آن گاه که مردان به مردان اکتفا کرده وزنان به زنان اکتفا کنند." ۵ - آرزوی کمی فرزند

پیامبر اسلام (ص) فرمود: "رستاخیز بر پا نمی شود تا آنکه که کسی پنج فرزند دارد آرزوی چهار فرزند کند. وآنکه چهار فرزند دارد می گوید: کاش سه فرزند داشتم، وصاحب سه فرزند آرزوی دو فرزند دارد. وآنکه دو فرزند دارد، آرزوی یک فرزند بنماید. وکسی که یک فرزند دارد آرزو کند که کاش فرزندی نداشت".

{پاورقی . فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۷. پاورقی}

۶ - مرگ های ناگهانی

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "قیامت برپا نمی گردد، تا اینکه مرگ سفید ظاهر شود. گفتند: ای رسول خدا! مرگ سفید چیست؟ فرمود: مرگ ناگهانی".

{پاورقی . الفائق، ج ۱، ص ۱۴۱. پاورقی}

۷ - جنگ وکشتار

امام رضا (ع) فرمود: "پیش از ظهور امام زمان (ع) کشتارهای پیاپی وبی وقفه رخ خواهد داد".

{پاورقی . الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۱. پاورقی}

مطابق قواعد، مدت حیات بشریّت بعداز ظهور چه مقداری باید باشد؟

پرسش

مطابق قواعد، مدت حیات بشریّت بعداز ظهور چه مقداری باید باشد؟

پاسخ

از آنجا که هدف خلقت انسان رسیدن به تکاملی است که لایق آن است، وعصر ظهور زمینه مساعدی برای رشد انسان برای رسیدن به کمال است، لذا بشریّت بعد از اجتماع شرایط تکامل در عصر ظهور استحقاق درجه ای جدید وعالی به جهت تطبیق عدل کامل در روی زمین را پیدا می کند، جز آنکه این شرایط وقابلیّت ها هنگامی به بار می نشیند واثر مطلوب خود را می گذارد که بشر در عصر ظهور مدت کافی زندگی کند تا در سایه حکومت عدل گستر الهی به نهایت کمال انسانی برسد، وبا عمری کوتاه هرگز به طور طبیعی نمی تواند کمال خود را به بار بنشاند، دلیل این مطلب این است که:

اولاً: هدف از خلقت بشر تنها تحقق وتشکیل حکومت عالمی نیست تا با وجود آن ولو در برهه ای از زمان مقصود حاصل شده باشد، بلکه هدف مهم واعلی از تشکیل این نوع حکومت، پیاده شدن عبودیت به معنای وسیع وگسترده آن در تمام شؤونات جامعه است که این به نوبه خود اقتضای عمری طولانی برای بشر در عصر ظهور را دارد.

ثانیاً: بعید به نظر می رسد که زمان نتیجه گیری کوتاه تر از زمان مقدمات آن باشد. می دانیم که چه زمان های طولانی بشر خود را آماده روز موعود کرده وبه انتظار آن به سر می برد، مدت زمانی که می توان به درازای عمر بشریّت به حساب آورد وچه فداکاری ها که برای تحقق این هدف به کار رفته است، حال می توان طیّ این همه مقدمات طولانی را به جهت رسیدن به مدّتی کوتاه در نتیجه گیری دانست.

موضوع: رجعت

شبهات

کسانی هستند در جامعه که هیچ گونه روایات را قبول ندارند به نظر شما ما از چه طرقی وجود امام زمان را برای آنها اثبات کنیم.مثلا بهانه می آورند که سایر ادیان نیز چینن روایاتی داشته اند ولی هیچ یک به حقیقت نپیوسته مانند زردشت که سشیانت منجی آنهاست و آیا حضرت مه

پرسش

کسانی هستند در جامعه که هیچ گونه روایات را قبول ندارند به نظر شما ما از چه طرقی

وجود امـام زمـان را برای آنهـا اثبـات کنیم.مثلاـ بهانه می آورنـد که سایر ادیان نیز چینن روایاتی داشـته انـد ولی هیـچ یک به حقیقت نپیوسـته مانند زردشت که سشیانت منجی آنهاست و آیا حضـرت مهدی همان منجی ادیان دیگر نیز هست یا هر دینی منجی خاص خود دارد؟

پاسخ

می دانیم هدایت به دو معنا است:

نخست: ارائه طریق و نشان دادن راه؛ دوم: ایصال به مقصد و رساندن به هدف.

تفـاوت این دو، در این است که در هـدایت به معنـای نخست، هـادی، تنها راه را به فرد نشان می دهـد اما در هـدایت به معنال دوم، نه تنها راه را به او نشان می دهد، بلکه دستِ او را می گیرد و به مقصد می رساند.

پس طبـق دو تعریـف، اثر هـدایت نیز دو گـونه است؛ نخست: ممکن بـودن رسـیدن فرد به مقصـد؛ دوم: رسـیدن حتمی فرد به مقصد.

توضـیح: طبق تعریف نخست از هدایت، فرد ممکن است به هدف برسد و ممکن است به هدف نرسد؛ اما طبق تعریف دوم اثر هدایت، رسـیدن قطعی به هدف است (البته اگر فرد همه شرایط را رعایت کند) از این رو همه پیامبران، دارای هدایت به معنی نخست ارائه طریق می باشند. انبیا، هادیان و حاملان وحی هستند. زیرا:

۱. «إنّك لاتهدی من اَحببتَ ولکنّ الله یهدی من یشاء؛ همانا تو پیامبر هر که را دوست داشته باشی نمی توانی به مقصد برسانی بلکه خدا هر که را بخواهد به مقصد می رساند.»(سوره قصص، آیه ۵۶.) که اشاره به مقام نبوت پیامبر دارد.

۲. «فَبَعثُ اللهُ النبیّینَ مُبشّـرین ومنـذرین؛ پس خـدا پیامبران را برانگیخت (به عنوان) بشارت دهنـدگان و بیم دهنـدگان».(سوره بقره، آیه ۲۱۳.)

در اینجا، وظیفه پیامبران تنها بشارت دادن و بیم دادن است؛ خواه مردمان بپذیرند و به هدف برسند و خواه نپذیرند و در گمراهی باقی بمانند، همان گونه که اکثر مردم در گمراهی ماندند.

اما برخی از پیامبران علاوه بر هدایت به معنی نخست، دارای منصب هدایت به معنی دوم رساندن به هدف نیز می شوند. زیرا:

۱. «وجعلنا منهم أئمّةً یهدون بأمرنا؛ قرار دادیم برخی از ایشان پیامبران را امامانی که به امر ما مردم را می رسانند».(سوره سجده، آیه ۲۴.)

۲. «وجعلناهم أئمةً یهدون بأمرنا؛ و قرار دادیم آنان برخی از انبیا را امامانی که به امر ما مردم را می رسانند».(سوره انبیاء، آیه ۷۳.)

۳. «إذ إبتلی ابراهیم ربّه بکلماتٍ فأتمهنّ قال إنّی جاعلك للناس إماماً؛ و به یاد آر هنگامی که پروردگار ابراهیم را با کلمه هایی آزمود، پس ابراهیم آنها را تمام کرد گذراند و درست انجام داد فرمود: همانا من تو را برای مردم امام قرار دادم».(سوره بقره، آیه ۱۲۴.) ابراهیم پیامبر با یافتن سمت امامت (هدایت به معنای دوم) ارتقای مقام پیدا کرد. وی که پیش از آن تنها راه را به مردم نشان می داد، حالا پس از امتحانات الهی، به مقام امامت و رساندن به مقصد می رسد. قطعاً خدا باید مقام تازه ای به او عطا کرده باشد؛ زیرا او مقام ارائه طریق را دارا بود و مقام جدید باید بالاتر باشد.

امامان معصوم دوازده گانه دارای مقام هدایت به معنی دوم هستند، یعنی مردم را به سوی خدا می رسانند.

این هدایت گری در دنیا و آخرت(از جمله هدایت هایی که امام برای شیعیان انجام می دهد، حضور نزد

محتضر، حضور در شب اول قبر، عندالمسئله و شفاعت روز قیامت و توزیع نامه اعمال و... می باشد.) وجود دارد و برای انجام دادن آن نیازی به حضور جسمانی در جامعه نیست؛ بلکه تنها وجود امام روی زمین کافی است. پس غیبت و حضور در آن، یکسان است.

حاصل آنکه وجود امام غایب که بیش از هزار سال سن داشته باشد نه مخالف عقل است(زیرا مستلزم هیچ محال عقلی نیست، چه این که با اراده خدا این امر ممکن، شدنی است.) و نه مخالف وحی است. و طبق مقدمه های پیش گفته، امام، هادی است و اثر هدایتش، فعلیت رسیدن هدایت شوندگان به هدف است. خالی نماندن زمین از حجت، آزمایش مردم و به تبع آن رشد خوبان، بیعت نکردن با ستمکاران و طاغوتها و... نیز از آثار وجود امام غایب است.

در روایت آمده , هنگام ظهور قائم آل محمد (عج) دنیا از ظلم و جور پر است و در جایی دیگر آمده است که حضرت ظهور نمی کند جز آن که زمینهء آن فراهم شود, یعنی مردم آمادگی لازم را داشته باشند؟

پرسش

در روایت آمده , هنگام ظهور قائم آل محمد (عج) دنیا از ظلم و جور پر است و در جایی دیگر آمده است که حضرت ظهور نمی کند جز آن که زمینهء آن فراهم شود, یعنی مردم آمادگی لازم را داشته باشند؟

پاسخ

منافاتی بین این دو مسئله وجود ندارد. از طرفی حضرت هنگام ظهور نیازمند پشتیبانی و همراهی یاران و مؤمنانی است که از قبل خود را ماده و زمینهء لازم را فراهم کرده اند. از طرفی دنیا آن اندازه از ظلم و فساد پرشود که نیاز به مصلحی داشته باشد که از جهان غیب ظهور خواهد کرد و به مدد غیبی و همراهی یاران خاصّی در این دنیا, جهان را از عدل و قسط پر خواهد کرد, زیرا اگر هر کدام از این دو فرضیه را رّد کنیم , فلسفه ظهور حضرت زیرسؤال می رود, چون اگر بگوییم ظلم و فساد تمام دنیا را فرا گرفته و حتی کم ترین یارو یاور در میان نمانده و زمینه ءظهور فراهم نشده است , پس حضرت باید با معجزه مردم را از باطل به طرف حق برگرداند و آیا خدا نمی تواند چنین کاری بکند؟ چه نیازی است که حضرت (عج) چنین کاری را بکنند؟ این که زمینهء ظهور با معجزه فراهم شود می تواندبدون اسباب ظاهری و حتی حضور مرحوم انجام پذیرد.

در این صورت مصیبت بزرگ اشکال و ایراد در هر زمینه ای به وجود می آید. اگر بگوییم زمینهء ظهور حضرت فراهم شود و تمام مردم خوب شوند و در نیکی به یک دید سبقت گیرند, اگر چه در این صورت حضور

مرحوم جلوه ءخاصی در بین مردم دار که هدایت های کلی جامعه به عهدهء او خواهد بود, ولی فلسفه غیبت علت ظهور حضرت کم رنگ می شود و شاید بعضی بگویند در جامعه ای که پر از عدل و داد است , نیازی به تصلی و مرشد نیست و مردم ,خود راه صلاح و نیکی را انتخاب مکنند. پس باید بپذیریم از طرفی مردم به ستوه آمده و از ظلم ظالمان جز به این ملجا و مادی شکایتی نمی توانند ببرند, چون فایده ای ندارد و از طرفی جمعی خود را برای یاری حضرت آماده کنند تادر هنگام ظهور در رکاب او قرار گیرند تا حضرت بتواند با استفاده از یارانش اهداف مقدس خود را اجرا کند.

لازم است باز یادآور شود آن چه در احادیث رسیده , این است که در روزگار ظهور, سراسر جهان , آکنده از ستم و جور است . نه از بی دینی و کفر, یعنی چنان نیست که در هیچ جا, اهل اعتقاد و دین یافت نشوند, و کسی کلمه ای ازحق و اعتقاد و دیانت و احکام بر زبان نیاورد, بلکه مردم معتقد یافت می شوند و سخن از حق و ایمان گفته می شود ...در احادیث هست که مسلمانان در آخر الزمان , به وسیلهء مهدی , از فتنه ها و آشوب ها خلاصی می یابند, چنان که درآغاز اسلام , به وسیلهء پیامبر (ص) از شرک و گمراهی خلاصی یافتند. این بیان احادیث بسیار دیگر دلالت می کند که دین و متدیّنان در عصر ظهور هستند. آن چه نیست عدالت و مساوات و کمال عقلی و

روابط انسانی است و مهدی (ع) این هارا تأمین می کند و دین را به بسیاری از مناطق دیگر جهان به کمک مؤمنان می رساند. (۱)

اما روی دیگر قضیه , زمینه سازی و آمادگی جهت ظهور حضرت است . خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سرمی برد, باید خود صالح باشد. مگر قرآن کریم به صراحت نمی گوید: کند, جز خلق صالح تواند بود؟ پس خلقی که درانتظار ظهور مصلح به سر می برد, باید خود صالح باشد.(۲)

نتیجه : اگر چه هیچ گونه ملازمه ای بین پرشدن دنیا از ظلم وجود و نیز فراهم شدن زمینهء ظهور در بین مردم وآمادگی ایشان از همه جهت وجود ندارد که در جمع بین دو روایت , دچار حیرت شویم آن را تأویل و تفسیر کنیم ازطرف جهان پر از ظلم و جور می شود تا دل های شکستهء مظلومان بیشتر به یاد منجی خود افتد. در طرف دیگر عده ای خود را آمادهء فداکاری و پشتیبانی حضرت می کنند. هیچ کس نباید منتظر ظهور معجزه باشد, تکلیف هیچ شخص درزمان غیبت ساقط نمی شود. تکلیف تمام انسان ها در زمان غیبت انجام واجبات و ترک محرمات و نیز آشنایی به احکام اسلامی و ترویج آن است . انتظار نیز از عبادات مورد سفارش بسیار است . انتظار وقتی معنی و مفهوم پیدامکند که عده ای منتظر باشند آن کس که منتظر ورود شخصی از دنیایی دیگر است , حتماً خود را آراسته و مزین به نیکی ها کرده است . آن طور که در روابط اجتماعی اگر به انتظار ورود دوستی می نشینیم , لباس های

نیکو پوشیده وخود را آماده می کنیم , از جهتی دیگر دنیا به طبع خود طرف داران خاصی دارد که با چنگ و دندان آن را برای خودنگاه داشته اند و به هر قیمتی برای حفظ آن دفاع خواهند کرد در این بین به مردم مظلوم مستضعف ظلم های بسیاری می شود که برای خلافی آنان باید امدادی آسمانی به کمک مردم زمینی چاره جو شود.

(پاورقی ۱- محمدرضا حکیمی , خورشید مغرب , ص ۴۱۸ با تلخیص .

(پاورقی ۲- همان , ص ۴۳۱ با تلخیص .

از طرفی گفته می شود: منتظران مصلح باید صالح باشند، و از طرفی دیگر گفته می شود: امام زمان(عج) زمانی ظهور می کند که جهان پر از ظلم شده باشد. کدام صحیح است؟ توضیح دهید.

پرسش

از طرفی گفته می شود: منتظران مصلح باید صالح باشند، و از طرفی دیگر گفته می شود: امام زمان(عج) زمانی ظهور می کند که جهان پر از ظلم شده باشد. کدام صحیح است؟ توضیح دهید.

پاسخ

هر دو جمله درست است؛ هم می بایست منتظران مصلح، صالح باشند و هم حضرت مهدی(عج) هنگامی ظهور خواهد کرد که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد.

جمله اوّل درست است. چون منتظر مهدی(عج) به کسی اطلاق می شود که خود را آماده پذیرش رهنمودهای حضرت نموده باشد؛ یعنی صالح باشد. قرآن می گوید: "إنّ الارض یرثها عبادی الصالحون؛(۱) حکومت زمین سرانجام به دست بندگان صالح ما خواهد افتاد". بندگان صالح، همان قومی هستند که منتظر ظهور مهدی اند، همان انسان های پاکی که پیش از قیام مهدی(عج) اقتدا به مهدی می کنند و این جز با داشتن صلاح و عمل صالح ممکن نیست. کسی که خواهان عدالت و پاکی و گسترش آن در زمین است، منتظر واقعی امام زمان است و کسی می تواند خواهان واقعی عدالت و پاکی باشد که خود در این راه باشد.

حال اگر کسی بگوید: خلقی که در انتظار مصلح به سر می برد، اگر صالح باشد، چه نیازی به مصلح دارد؟ پاسخش این است که نمی گوییم جهان باید سراسر صالح باشد، تا نیازی به مصلح نداشته باشد، بلکه در این جهان آشفته، آن کس که در پی حضرت مهدی(عج) است، می بایست همان گونه باشد. او نباید منحرف و غرق در فساد و تجاوز و ستم باشد. فردی که مدّعی است خواهان مصلح جهانی است، اگر در ادعای خویش صادق باشد، می

بایست پرهیزکار باشد. کسی که خواهان چیزی باشد، مطمئناً به دنبال آن می رود.

امّا جمله دوم، هم درست است که پیشوایان اسلام فرمودند: حضرت مهدی(عج) با ظهورش جهان را پر از عدل می کند، همان گونه که پر از ظلم شده بود. (۱)(۲)

یکی از نشانه های ظهور حضرت را زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها و آشوب ها بیان نموده اند. علامه مجلسی در باب نشانه های ظهور، روایتی از امام صادق(ع) آورده که در آن بیش از صد نوع گناه و انحرافات اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی که در دوران غیبت، دامنگیر جوامع اسلامی می شود، پیش گویی شده است. (۳)

زیاد شدن این فسادها در بین مردم، نوعی فراگیر شدن ظلم و جور در جهان است.

حال اگر گفته شود: با توجه به این که فراگیر شدن ظلم و فساد، یکی از نشانه های ظهور است، پس چرا در پی اصلاح باشیم و قبل از ظهور حضرت اصلاح معنا ندارد؟

پاسخ این است که: فراگیر شدن ظلم به این معنا نیست که دیگر هیچ افراد خوبی در جامعه نیستند، بلکه به معنای غلبه بدی ها بر خوبی ها است. سخن در محو و نابودی افراد مصلح نیست، بلکه زیاد شدن ظلم و گناه و کم شدن افراد صالح است. در همان زمان که همه جا را تباهی فرا گرفته و ابرهای تیره گناه سایه افکنده، افراد پاکباخته، متعهد و صالحی زمینه قیام حضرت را آماده می سازند و در حمایت از آن منجی بزرگ، به جهاد بر می خیزند. حتی شاید انسان هایی که خواهان پاکی و عدالت باشند، بسیار باشد اما قدرت و تبلیغات

و غلبه در دست کسانی باشد که فاسد اند و اگر چه اکثر انسان ها خواهان عدالت و پاکی و درستی و انسانیت هستند، اما توانایی تغییر را ندارند.

شهید مرتضی مطهری می گوید: منظور از فراگیر شدن ستم آن است که هر یک از شقی و سعید، گروه حق و باطل، به نهایت کار خود می رسند. ستمکاران و بدکاران، به نهایت درجه بدی و نابکاری می رسند و نهیب آتش آنان همه را فرا می گیرد. در این هنگام که صالحان در مظلومیت و استضعاف به سر می برند و همه راه های چاره بر آنان بسته می شود، مهدی(عج) ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند. (۴)(۵)

کوتاه سخن: در آموزه های دینی مردم به تقوا فرا خوانده شده اند. در تقوا عنصر مبارزه با ناپاکی ها و امر به معروف نهفته است و این حکایت از آن دارد که مبارزه با ظلم و صالح بودن مصلحان، با پر شدن جهان از ستم منافات ندارد. اگر جز آن بود، نمی بایست معصومان(ع) علیه ناهنجاری ها مبارزه می کردند و دیگران را به پارسایی فرا می خواندند.

۱. انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵.

۲. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع الموده، ص ۴۳۶.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۰.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۲۵۶ _ ۲۶۰.

۵. قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۶.

همچنین اگر همه مومنان خالص و مشرکان سرسخت به قیام پس از مرگ کشانده می شوند (و یا فرصت قیام به آنها داده می شود کدامیک صحیح است؟) پس چرا خداوند حضرت عیسی(ع) و مهدی(ع) را زنده نگهداشت و آنها را شهید نکرد و نمیراند، همانطور که در مورد هر انسان مومنی انجام می

پرسش

همچنین اگر همه مومنان خالص و مشرکان سرسخت به قیام پس از مرگ کشانده می شوند (و یا فرصت قیام به آنها داده می شود کدامیك صحیح است؟) پس چرا خداوند حضرت عیسی(ع) و مهدی(ع) را زنده نگهداشت و آنها را

شهید نکرد و نمیراند، همانطور که در مورد هر انسان مومنی انجام می دهد که امکان رجعت دارد؟

Also, if all of the most faithful and the most moshrek would be brought to the gheyam (or will be given the

opportunity to participate –which one?) after death, then why would Allah keep "Hazrate Eesa and Hazrate Mahdi" alive and not shaheed them or die them as he does to every other good faithful person that will also be given the opportunity of "rajaat?"

پاسخ

زنده نگه داشتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این دلیل است که زمین هیچگاه از حجت خالی نمی شود.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«به خداوند قسم، از زمانی که خدا آدم را قبض روح کرد، زمین را بدون پیشوا وانگذارد تا به وسیله او به سوی خدا هدایت شود، و او حجت خدا بر بندگانش است و هیچگاه زمین بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد باقی نمی ماند» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۲، با ترجمه سیدجواد مصطفوی)

امام علیه السلام واسطه فیض بین خداوند متعال و همه موجودات است و اگر امام نباشد این فیض به بندگان نمی رسد و بنابراین حتما یا به امامی معصوم که پیشوای جهانیان و حجت خداست، بر روی زمین باشد، به این دلیل در روایات موارد شده است که آخرین کسی که از دنیا می رود، حجت خداست، (همان، ص ۲۵۴)

۲. اما حضرت عیسی سلام الله علیه نیز زنده است و به نص آیه شریفه ۵۵ سوره مبارکه آل عمران: «یاد کن هنگامی را که خدا گفت: ای عیسی، من تو را برگرفته

و به سوی خویش بالا می برم...»

برگرفتن ترجمه توفی است. یعنی خداوند همه وجود و هستی حضرت عیسی را برگرفت و نزد خود نگهداشت. چنانکه در سوره نساء آیه ۱۵۹ می فرمایند: «[یهودیان] یقینا او را به قتل نرسانند بلکه خداوند او را به جانب خود بالا برد».

پس حضرت عیسی نزد خداوند متعال زنده است و تا زمانی که در پس ظهور حضرت مهدی علیه السلام به زمین بازگردد تا به واسطه او اهل کتاب، ایمان بیاورند، زنده می باشد. (برای اطلاع بیشتر نگا: تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۲۵_۲۲۴؛ ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران و ج ۵، ص ۱۴۱_۱۴۰ ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء)

هدف از این امر هم آن است که او در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به زمین بازگردد و مردم و اهل کتاب را _ که طبق نص عهدین منتظر ظهور اویند_ به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت کند.

بله خداوند می توانست او را مانند مومنان خالص دیگر بمیراند و بعدا دوباره زنده کند، اما حکمت بالغه الهی بر این تعلق گرفت که او زنده باشد و البته چنانکه ملاحظه کردید، او در دنیا زندگی نمی کند، بلکه در نزد و جانب الهی زندگی می کند.

شیخ ابن محمود در صفحه ۶ و ۱۲ رساله خود می نویسد: « یکی از علل ردّ احادیث مهدی این است که اینها با یکدیگر تناقض، تضاد، تفاوت و ناهماهنگی دارند! « چون برای جمع آوری آنها کوشش کنید از میان آنها بیست مهدی قد علم می کند که صفت هر یک با دیگری تفاوت دارد و این ب

پرسش

شیخ ابن محمود در صفحه ۶ و ۱۲ رساله خود می نویسد: « یکی از علل ردّ احادیث مهدی این است که اینها با یکدیگر تناقض، تضاد، تفاوت و ناهماهنگی دارند! « چون برای جمع آوری آنها کوشش کنید از میان آنها بیست مهدی قد علم می کند که صفت هر یک با دیگری تفاوت دارد و این به یقین دلیل آن

است که پیـامبر (ص) این احادیث را بر زبان جاری نساخته است. او برای توضـیح ادعای خود مثالهایی می آورد و می گویـد: یک مهدی هست که پیامبر (ص) درباره اش گفت: « هیچ مهدی پس از من نیست مگر عیسی ابن مریم » .

۲- شـیخ ابن محمود در صـفحه ۱۲ و ۱۳ پس از سـخنانی در رابطه بـا انکار حـدیث مهـدی می گویـد: « اما ای بسا بعضـی ها بگوینـد که شـیخ الاسـلام ابن تیمیه به صـحت ظهور مهـدی اعتقاد دارد و او عالم فرزانه ای است که صـحت دیدگاه و درایت آشـکارش مورد گواه همگان است. در پاسخ باید بگویم: آری من نیز گفتار شـیخ الاسـلام را دیده ام که در آن ثبت شده که هفت حدیث به روایت ابی داود پیرامون مهدی آمده است. من هم در آغاز جوانی بر باور شـیخ الاسلام بودم و از گفته هایش تأثیر پـذیرفتم، ولی چون به چهل سالگی رسـیدم و از علوم فنون مطلع گردیـدم! با سـستی ها، تضادها و اختلافهای آن آشـنا و واقف شدم و بحمداللّه سـرانجام این اعتقاد ناپسند از ذهنم پاک شد و کاملاً دریافتم که پس از پیامبر(ص) و کتاب خدا هیچ « مهدی » یی در کار نیست. » به این سخنان پاسخ دهید.

پاسخ

ابتدا لازم است درباره شـیخ ابن محمود و اثرش توضیحاتی داده شود. «شیخ عبدالله بن زید المحمود» رییس دادگاههای شرعی قطر می باشـد که یکی از نویسـندگانی است که در ردّ امام مهدی(عج) اثری نوشـته است. او نوشـته اش را «لامهدی ینتظر بعد الرسـول خیرالبشر؛ یعنی هیـچ مهـدی منتظری کـه پس از پیـامبر اکرم(ص) برترین مردم باشـد وجـود نـدارد، یـا پس از پیـامبر اکرم(ص) نباید

انتظار هیچ مهدی را کشید» نام نهاد. او به پیروی برخی نویسندگان مغرض شبهاتی را درباره ردّ مهدویت وارد کرده است و خرافات برخی نویسندگان دیگر را تکرار کرده است.

در پاسخ به شبهه وی در بند ۱ پرسش باید گفت در بین احادیث امام مهدی(عج) که وی مدّعی تعارض بین آنهاست، احادیث صحیح، حسن، ضعیف و مجعول وجود دارد. می دانیم به احادیث ساختگی و ضعیف که در طول تاریخ توسط جاعلان حدیث ساخته شده نمی توان اعتماد نمود و قابلیت استناد علمی ندارد. اما در میان احادیث صحیح که درباره آنها دانشمندان شیعه اتفاق نظر دارند، نام شخصی برده می شود که در آخرالزمان هنگام نزول حضرت عیسی(ع) از آسمان و خروج دجال ظاهر می گردد. او ملقب به مهدی است که پیامبر اکرم(ص) در احادیثی نام وی را هم نام خود و نام پدرش را هم نام پدر خود می خواند.۱

از این رو ما به ادله عقلی نسبت به آن چه پیامبر اکرم(ص) از آن خبر داده و صحت آن بر ما ثابت شده، تعبد داریم و آن را باور می کنیم. از طرفی این روایت ها به طرق مختلف و مورد اعتماد اهل سنت نیز روایت شده و هیچ کس از بزرگان اهل سنت چنین برداشتی را از این دسته روایت ها نکرده است. که از هر حدیثی که نام مهدی در آن ذکر شده است، تعدد موصوفان به مهدی برداشت می شود پس این احادیث تضاد دارند و باید آنها را ردّ کرد! و این برداشت هیچ عالم سنی نبوده است. از طرفی اهل سنت حدیث «لامهدی الاّ عیسی بن مریم»۲ را بدلیل تعارض با احادیث صحیح و معتبر درباره حضرت عیسی(ع) ضعیف

و مردود می دانند. بر فرض صحت، برخی آن را جمله تعجبی در مقام انکار می دانند (یعنی چنین نیست که هیچ مهدی پس از عیسی نباشد)۳ و برخی می گویند نفی، نفی کمال است. یعنی هیچ مهدی کامل و معصومی نیست جز عیسی بن مریم.۴ (البته این دیدگاه اهل سنت است که امام را معصوم نمی داند، وگرنه شیعه، امام را معصوم می داند.)

اما در پاسخ به بند ۲ از پرسش ارسالی باید گفت شیخ ابن محمود علاوه بر آن که تا پیش از ۴۰ سالگی راه بزرگان محدث پیش و پس از ابن تیمیه را می پیموده، این باور به دلایل عقلی و نقلی مستند است.

علاوه بر آن، ابن تیمیه در کتاب «منهاج السنه النبویه» قائل به صحت ظهور مهدی(عج) در آخرالزمان است و او نخستین کسی نیست که معتقد به صحت ظهور امام مهدی(عج) در آخرالزمان است. زیرا پیش از وی عالمان سنی مذهبی مانند عقیلی، قرطبی، بیهقی و... نیز بر همین دیدگاه بوده اند و آنان آگاه به علم صحت و سقم، درستی یا نادرستی احادیث نزد سنی مذهبان بوده اند.۵

پی نوشت ها:

۱. قال رسول الله(ص): لاتذهب الدنیا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی واسم ابیه اسم أبی. (سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳ و البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۷.)

۲. ابن حجر الهیثمی، الصواعق المحرقه، ج ۱، ص ۴۳۳.

۳. ر.ک: سید محمد تقی المدرسی، الامام المهدی والایمان بالغیب، دار نشر المدرسی، قم، ص ۲۳۳.

۴. عالمان سنی مذهبی مانند قرطبی و ابن قیم بر این باورند.

۵. برای مطالعه بیشتر می توانید به کتاب: مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، اثر سید هادی خسروشاهی مراجعه کنید که این

پاسخ نیز برگرفته از همین اثر می باشد.

از برخی شـنیده ام که اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بدانیم راهی مخالف با عقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می گوید : اثر امام هـدایت و راهنمائی اوست پس اگر امام خود ناپدیـد شـد و کتاب و اثری از او نماند تامشکلات

پرسش

از برخی شنیده ام که اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بدانیم راهی مخالف با عقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می گوید : اثر امام هدایت و راهنمائی اوست پس اگر امام خود ناپدید شد و کتاب و اثری از او نماند تامشکلات روز را جواب گوید چنین امامی امام قرآن نیست یعنی آن امام نیست که قرآن او را وصف نموده و پیروان قرآن بایـد وجود او را بپذیرنـد . در سوره شریفه انبیاء آنجا که درباره پیشوایان خدائی می فرمایـد : و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا (آنها را امامان قرار دادیم که بامر ما هدایت می کردند) و آنچه قرآن می گوید تنها مربوط بگذشته نیست بلکه برای اهـل قرآن مسلمانان نیز هست چرا که مردم گذشته گذشتند و اگر مطالب قرآن اختصاص به آنها داشت برای این امت بازگوکردن آن مطالب چه سود داشت ؟ این مطاب را نقد نموده و جوابش را بفرمایید؟

پاسخ

می دانیم هدایت به دو معنا است:

نخست: ارائه طریق و نشان دادن راه؛ دوم: ایصال به مقصد و رساندن به هدف.

تفاوت این دو، در این است که در هـدایت به معنـای نخست، هـادی، تنها راه را به فرد نشان می دهـد اما در هـدایت به معنال دوم، نه تنها راه را به او نشان می دهد، بلکه دستِ او را می گیرد و به مقصد می رساند.

پس طبق دو تعریف، اثر هـدایت نیز دو گونه است؛ نخست: ممکن بـودن رسیدن فرد به مقصـد؛ دوم: رسیدن حتمی فرد به مقصد.

توضیح: طبق تعریف نخست از هدایت، فرد ممکن است به

هـدف برسـد و ممکن است به هـدف نرسـد؛ اما طبق تعریف دوم اثر هـدایت، رسـیدن قطعی به هدف است (البته اگر فرد همه شرایـط را رعـایت کنـد) از این رو همه پیـامبران، دارای هـدایت به معنی نخست ارائه طریق می باشـند. انبیـا، هادیان و حاملان وحی هستند. زیرا:

۱. «إنّكَ لاتهدی من اَحببتَ ولكنّ الله یهدی من یشاء؛ همانا تو پیامبر هر که را دوست داشته باشی نمی توانی به مقصد برسانی بلکه خدا هر که را بخواهد به مقصد می رساند.»(سوره قصص، آیه ۵۶.) که اشاره به مقام نبوت پیامبر دارد.

۲. «فَبَعثُ اللهُ النبیّینَ مُبشّـرین ومنـذرین؛ پس خـدا پیامبران را برانگیخت (به عنوان) بشارت دهنـدگان و بیم دهنـدگان».(سوره بقره، آیه ۲۱۳.) در اینجـا، وظیفه پیـامبران تنها بشارت دادن و بیم دادن است؛ خواه مردمان بپذیرنـد و به هـدف برسـند و خواه نپذیرند و در گمراهی باقی بمانند، همان گونه که اکثر مردم در گمراهی ماندند.

اما برخی از پیامبران علاوه بر هدایت به معنی نخست، دارای منصب هدایت به معنی دوم رساندن به هدف نیز می شوند. زیرا:

۱. «وجعلنـا منهم أئمّةً یهـدون بأمرنـا؛ قرار دادیم برخی از ایشـان پیـامبران را امامـانی که به امر مـا مردم را می رساننـد».(سـوره سجده، آیه ۲۴.)

۲. «وجعلنـاهم أئمةً یهـدون بأمرنا؛ و قرار دادیم آنان برخی از انبیا را امامانی که به امر ما مردم را می رساننـد».(سوره انبیاء، آیه ۷۳.)

۳. «إذ إبتلی ابراهیم ربّه بکلمـاتٍ فـأتمهنّ قـال إنّی جاعلـك للنـاس إمامـاً؛ و به یاد آر هنگامی که پروردگار ابراهیم را با کلمه هایی آزمود، پس ابراهیم آنها را تمام کرد

گذراند و درست انجام داد فرمود: همانا من تو را برای مردم امام قرار دادم».(سوره بقره، آیه ۱۲۴.) ابراهیم پیامبر با یافتن سمت امامت (هـدایت بـه معنـای دوم) ارتقـای مقـام پیـدا کرد. وی کـه پیش از آن تنهـا راه را بـه مردم نشـان می داد، حالا ـ پس از امتحانات الهی، به مقام امامت و رساندن به مقصد می رسد. قطعاً خدا باید مقام تازه ای به او عطا کرده باشد؛ زیرا او مقام ارائه طریق را دارا بود و مقام جدید باید بالاتر باشد.

امامان معصوم دوازده گانه دارای مقام هدایت به معنی دوم هستند، یعنی مردم را به سوی خدا می رسانند.

این هـدایت گری در دنیا و آخرت(از جمله هدایت هایی که امام برای شـیعیان انجام می دهد، حضور نزد محتضـر، حضور در شب اول قبر، عندالمسـئله و شـفاعت روز قیامت و توزیع نامه اعمال و... می باشـد.) وجود دارد و برای انجام دادن آن نیازی به حضور جسمانی در جامعه نیست؛ بلکه تنها وجود امام روی زمین کافی است. پس غیبت و حضور در آن، یکسان است.

حاصل آنکه وجود امام غایب که بیش از هزار سال سن داشـته باشد نه مخالف عقل است(زیرا مستلزم هیچ محال عقلی نیست، چه این که با اراده خدا این امر ممکن، شدنی است.) و نه مخالف وحی است. و طبق مقدمه های پیش گفته، امام، هادی اسـت و اثر هدایتش، فعلیت رسـیدن هدایت شوندگان به هدف است. خالی نماندن زمین از حجت، آزمایش مردم و به تبع آن رشـد خوبان، بیعت نکردن با ستمکاران و طاغوتها و... نیز از آثار وجود امام غایب است.

۱- غیبت در مقابل ظهور است نه حضور. امام زمان(عج) غایبند به این

معنی که در میان مردم آشکار و شناختنی نیست نه این که حاضر نیستند. امام(ع) در دوران غیبت در میان مردم حاضرند و مردم از ثمرات وجودی ایشان بهره مند و منتفع هستند اما ایشان را نمی شناسند. به تعبیر روایات «مردم در زمان غیبت از امام بهره مند می شوند همانند بهره بردن از خورشید آن هنگامی که در پس ابرها نهان است»، (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱).

۲- غیبت و عدم ظهور ایشان در عین حال که فلسفه و حکمتی در آن است، منشأ و سبب محروم شدن ما از بسیاری از آثار و نعمت هایی است که در صورت ظهور حضرت، از آن بهره مند می شدیم. یعنی مردم در دوران غیبت از آن دسته آثار حضرت که متوقف بر ظهور ایشان است، محرومند. مانند بهره مند شدن از حکومت عدالت گستر جهانی، و ایجاد مدینه فاضله ای که علم و فضیلت و کرامت های انسانی در آن به اوج شکوفایی می رسد.

۳- نتیجه دو مطلب فوق این است که: در دوران غیبت، انتفاع مردم از امام و ثمرات وجودی ایشان تا حدی است که با غیبت ایشان منافاتی نداشته باشد. خورشید پنهان در پشت ابرها، هر چند ظلمت شب را می درد و آثار وجودی زیادی می گذارد، اما به هر حال در پس ابرها نهان و برخی دیگر از آثار وجودی اش به عرصه ظهور نمی رسد. امام(ع) در عصر غیبت منشأ آثار زیادی هستند اما آثاری که در عین غایب بودن ممکن است صادر شود آثاری که منافات با غایب بودن ایشان و متوقف بر ظهور باشد، مترتب نمی گردد.

اول کسی که از مسلمانان در عقیده مهدویت تشکیک کرد چه کسی بود؟

پرسش

اول کسی که از مسلمانان در عقیده مهدویت تشکیک کرد چه کسی بود؟

پاسخ

در تاریخ آمده است، معاویه به جماعتی از بنی هاشم خطاب کرده گفت: "اینکه شما گمان می کنید پادشاهی هاشمی ومهدی قائم از آن شما است عقیده ای باطل است، بلکه مهدی همان عیسی بن مریم است. امر خلافت به دست ما است تا آن را به او تسلیم کنیم". {پاورقی . بحارالأنوار، ج ۳۳، ص ۲۵۶. پاورقی}

ابن عباس از جمله کسانی بود که در آن جلسه حضور داشت، او در مقابل این تحریف تاریخی وبازی کردن با عقیده اسلامی سخت ایستاده، به معاویه گفت: "...امّا اینکه گفتی ما گمان داریم که برای ما حکومتی است که مهدی حاکم آن است، جواب آن این است که گمان، شرک است همان گونه که خداوند متعال می فرماید: {زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا}، در حالی که همه شهادت می دهند که برای ما ملک وحکومتی {پاورقی . سوره تغابن، آیه ۷، "کافران پنداشته اند که هرگز برانگیخته نمی شوند". پاورقی}

است. اگر از عمر دنیا یک روز باقی باشد خداوند متعال کسی را از ما می فرستد تا زمین را پر از عدل وداد کند همان گونه که پر از ظلم وجور شده باشد.

وامّا اینکه می گویی: مهدی همان عیسی بن مریم است، عیسی کسی است که برای مقابله با دجّال فرستاده می شود، وهر گاه دجال او را ببیند نابود می شود، ولی امام از ما کسی است که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده ونماز می خواند...".

{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۳۳، ص ۲۵۷. پاورقی}

آیا اعتقاد به مهدویت مردم را از عمل خیر باز می دارد؟

پرسش

آیا اعتقاد به مهدویت مردم را از عمل خیر باز می دارد؟

پاسخ

قبل از هر چیز باید عقیده به مهدویت وانتظار مهدی موعود (ع) را معنا کرد.

اگر مقصود از عقیده مهدویت آن باشد که انسان به انتظار ظهور کسی بنشیند که به سبب فراگیر شدن ظلم با ظهورش به تنهایی همه امور را اصلاح می کند وما هیچ نقشی در ظهور او نداریم بلکه می توانیم با گسترش ظلم در ظهور او تعجیل کنیم، با این دیدگاه می توان گفت که اعتقاد به مهدویت انسان را از عمل خیر باز می دارد.

ولی اگر برداشت ما از اعتقاد به مهدویت عقیده به ظهور کسی است که ما می توانیم با زمینه سازی برای او در ظهورش تعجیل کنیم واگر تأخیر در آن شده به جهت کوتاهی ما است، نه تنها این عقیده انسان را از عمل باز نمی دارد بلکه در عمل کردن به خیر نیز تشویق خواهد نمود، زیرا منتظران مصلح، خود افرادی صالح هستند. لذا در روایات اسلامی، انتظار فرج از مقوله عمل واز افضل اعمال امّت اسلامی به حساب آمده است.

چه ضرورت دارد انسانی در گذشته دور برای آینده ای دورتر به دنیا آمده باشد؟

پرسش

چه ضرورت دارد انسانی در گذشته دور برای آینده ای دورتر به دنیا آمده باشد؟

پاسخ

گاهی سؤال می شود اگر خداوند متعال اراده کرده که در پایان تاریخ بشر جهان را پر از عدل وداد کند، واین کار احتیاج به رهبری الهی دارد، چه ضرورتی است که او را قبل از تشکیل حکومت عدل جهانی خلق کند؟ چرا او را در همان زمان که احتیاج به اوست خلق نمی کند؟

پاسخ:

۱ – از ادله عقلی ونقلی استفاده می شود که زمان، هیچ گاه نباید از حجت وولیّ خدا خالی باشد، هم از جهت فیض تشریع وهم تکوین. این مطلب در جای خود به اثبات خواهد رسید.

۲ – علم جدید این مطلب را بدون استثنا به اثبات رسانده که عالم بر اساس حرکت تدریجی پایه گذاری شده است. هر چیزی حرکت تدریجی خود را دارد، بدون آنکه این مطلب با قدرت خداوند تنافی داشته باشد. لذا خداوند متعال آسمان ها وزمین را در مدت شش روز آفرید نه در یک لحظه.

آیا خداوند عاجز بود که در یک لحظه آنها را بیافریند؟ هرگز. چرا باید نطفه انسان نه ماه در شکم مادر بماند وشرایط طبیعی خود را طیّ کند تا تبدیل به انسانی مستوی الخلقه گردد؟آیا خداوند عاجز است که انسان را در یک لحظه ایجاد نماید؟ در مورد تشکیل حکومت عدل جهانی نیز همین حکم جاری است، خداوند امور آن زمان را از پیش تدارک می بیند.

۳ – با فلسفه انتظار بیشتر هماهنگ است یعنی انتظار کسی که وجود دارد ولی غایب است بیشتر مؤثر است تا کسی که هنوز خلق نشده ودر آینده پا به هستی وجود می گذارد.

آیا خداوند نمی توانست حضرت مهدی علیه السلام را بدون غیبت حفظ نماید؟

پرسش

آیا خداوند نمی توانست حضرت مهدی علیه‌السلام را بدون غیبت حفظ نماید؟

پاسخ

اولاًـ اعجاز، در نظام طبیعت وتکوین خلاف اصل است، مگر آنکه ضرورتی اقتضا کند ودر مورد حضرت مهدی (ع) اراده خداوند بر این تعلّق گرفته که محافظت حضرت از راه غیبت باشد.

ثانیاً: مصالح ومفاسد وتقدیرات الهی به تبع واقعیت های الهی تغییر پیدا می کند. خداوند متعال ب.....ĵامت اسلامی یازده امام معصوم به جهت هدایتشان فرستاد، ولی یکی پس از د...Љ.....آنان را به شهادت رساندند وبا این عملکرد بد وکارنامه سوئی که از خود نشان دادند تقد.....خداوند بر این تعلّق گرفت که امام دوازدهم را تا مدّتی در پشت ۻ.....ĵغیبت قرار دهد تا محرومیّت غیبت امام را احساس کنند و با ظهور حضرتش قدر او را بدانند.

ثالثاً: مطابقآیات وروایات، یکی از سنّت های حتمی خداوند متعال مسأله امتحان امت هاست. امت اسلامی نیز از این قانون استثناپذیر نیست. وهر امّتی به نحوی امتحان خواهد شد. امتحان امت اسلامی در این عصر وزمان به غیبت امام زمان آنهاست، که آیا با این حالت بر دین ومذهب خود استقامت دارند یا خیر.

اگر امام ظاهر بود وبا ظالمان زمان خود مصالحه کرده وپیمان عدم تعرّض می بست، چه می شد؟

پرسش

اگر امام ظاهر بود وبا ظالمان زمان خود مصالحه کرده وپیمان عدم تعرّض می بست، چه می شد؟

پاسخ

کسانی که با مسأله مهدویت آشنایی دارند می دانند که برنامه حضرت با برنامه سایر امامان تفاوت اساسی دارد. امامان دیگر مأمور بودند که در ترویج دین تا سرحدّ امکان کوشش کنند، ولی مأمور به جنگ نبودند ولذا یک نوع بیعت ومتارکه جنگ وپیمان عدم تعرض وصلحی بین آنان با حاکمان عصر خود، بسته بودند. ولی سیره حضرت مهدی (ع) از ابتدا با روش دیگر امامان فرق می کند. قرار بر این است که حضرت به مجرد ظهور، دست به مقابله با ظالمان زده وظلم وبی عدالتی را از جامعه برکند وبه جای آن عدل وقسط را برپا نماید. لذا باید بیعت هیچ کسی بر ذمّه او نباشد، زیرا هر لحظه احتمال ظهور است.

امام صادق (ع) فرمود: "صاحب هذا الأمر تغیب ولادته عن هذا الخلق لئلّا یکون لأحد فی عنقه بیعه إذا خرج، ویصلح اللّٰه عزّوجلّ أمره فی لیله"؛ "ولادت صاحب الامر مخفی می شود تا{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۹۶. پاورقی}

وقتی که ظهور کند پیمان هیچ کس بر گردنش نباشد. خداوند امرش را در یک شب اصلاح می کند."

علاوه بر این، ستمکاران چون در هر لحظه احتمال قیامش را می دادند لذا منافع خود را در خطر دیده، به پیمان خود با حضرت مطمئن نمی شدند وچاره ای جز قتل وکشتن او نمی دیدند.

آیا این سخن ابن جوزی درست است که می گوید: « یهود می گوید: تا ظهور مسیح دجّال جهاد ساقط است و شیعه می گوید: تا خروج مهدی جهاد مشروع نیست؟

پرسش

آیا این سخن ابن جوزی درست است که می گوید: « یهود می گوید: تا ظهور مسیح دجّال جهاد ساقط است و شیعه می گوید: تا خروج مهدی جهاد مشروع نیست؟

پاسخ

هر گاه گفتاری که از یهود نقل میکند صحیح و پا برجا باشد، با گفتاری که از شیعه نقل میکند قابل مقایسه و اساسا" تشبیه درست نیست.

زیرا یهود طبق نقل ابن جوزی می گویند: جهاد تا خروج مسیح دجال مشروع نیست و پس از خروج او، جهاد با او و نابود کردن وی لازم است.

در حالی که شیعه می گوید: جهاد تا روزی که مهدی موعود به امر الهی از پرده غیبت بیرون آید مشروع نیست و پس از

خروج او بایـد در رکاب ظفرمند او با منافقان و کافران جهاد کنند. این دو نوع اندیشه کاملا" با هم متفاوتند، زیرا یهود دست از جهاد می کشد تا مسیح دجال خروج کند و پس از خرج او، جهاد می کند که او را نابود سازد، در حالی که شیعه دست از جهاد می کشد تا امام معصوم خروج کند و در خدمت او، نبرد نماید.

این نوع سـخن گفتن برای ابطـال یکسان نگری او است ولی حقیقت چیز دیگر است و آن این که شـیعه به دو نوع جهاد معتقد است:

۱. جهاد دفاعی

۲. جهاد ابتدایی، آن هم برای دعوت مشرکان و کافران به زیر پرچم اسلام.

در جهـاد نخست، حضور امام شـرط نیست، در هر زمان و مکانی که مسـلمانان مورد هجوم دشـمن قرار گرفتنـد، بایـد از خود دفاع کنند.

ولی در جهاد به صورت دوم، اذن امام شرط است، ملاک حضور و غیبت امام نیست بلکه ملاک اذن او

است، در عصـر امیرمؤمنـان و امامـان، هر نوع جهـاد ابتـدایی که به اذن و بـا امضای آنان صورت گرفته است، آن نوع از جهاد ابتدایی صـحیح و احکام جهاد بر آن بار میشود، مثلاً یک پنجم غنایم متعلق به مقام امامت و باقیمانده میان سپاهیان تقسیم می شود، و در غیر اینصورت جزء انفال محسوب می شود، بنابراین آنچه را که به شـیعه نسـبت می دهد- گذشـته از این که تشبیه، باطل است اصل نسبت نیز از موضوعات است.

گروهی از فقهـا اذن مجتهـد جـامع الشـرائط را در جهـاد ابتـدائی کـافی می داننـد، بنا بر این باب جهاد به روی امت همیشه باز است.

در روایات آمده است که حضـرت مهدی(عج) با کتابی جدید(قرآن مجید) می آیند و کلاسهای تعلیم قرآن دایر می کنند. آیا این امر، بحث تحریف قرآن نیست؟قرآن حضرت مهدی(همان قرآن نوشته شده توسط علی(است.)

پرسش

در روایات آمده است که حضرت مهدی(عج) با کتابی جدید(قرآن مجید) می آیند و کلاسهای تعلیم قرآن دایر می کنند. آیا این امر، بحث تحریف قرآن نیست؟قرآن حضرت مهدی(همان قرآن نوشته شده توسط علی(است.)

پاسخ

در پاسخ به سؤال شـما دوست ارجمند، عرض می شود که در ارتباط با مطلبی که فرموده اید، روایتی است به این مضمون، که امام محمـد باقر(می فرماینـد : "هرگاه قائم آل محمد(قیام کند، خیمه هایی نصب می کند، برای کسانی که قرآن را همانطور که نازل شده، به مردم تعلیم دهند، که در آن روز مشکلترین کارهاست. زیرا آن قرآن، به عکس قرآن فعلی جمع آوری شده است."(۱) در تفسیر این روایت گفته شده است : قرآنی که توسط امام زمان(آورده می شود، وآن را به مردم تعلیم می دهند، بـا قرآن فعلی این فرق را دارد که آن قرآن توسـط مولاـی متقیـان جمع آوری شـده، به همـان نحو که در مـدّت ۲۳ سال نازل گردیده بود. ولی هیچکدام از این قرآنها، یعنی قرآن جمع آوری شده توسط علی(، و قرآن جمع آوری شده توسط عثمان بن عفان، از لحاظ کلام الهی کم و کاستی ندارد.(۲)

و در ارتباط با مسأله تحریف قرآن باید گفت : "کسانی که اندك آشـنایی با تاریخ اسـلام و مسـلمین داشته باشند، و از اهتمام رسول اکرم و جانشـینان معصومش (به کتابت و ضـبط قرآن آگاه باشـند، و همچنین از اهتمام مسـلمانان به حفظ کردن آیات قرآن مطّلع باشند، بطوری که در یک جنگ عدد شهدایی که حافظ قرآن بودند، به هفتاد نفر رسید و نیز نقل

متواتر قرآن در طول ۱۴ قرن، و اهتمام به شمارش آیات و کلمات و حروف و مانند آن، باخبر باشند، چنین کسانی احتمال کمترین تحریف در این کتاب شریف را نخواهند داد. (۳)

زیاد نشدن چیزی بر قرآن، مورد اجماع همه مسلمانان، بلکه همه آگاهان جهان است؛ چرا که اگر فرض شود مطلب تامی، یا یک کلمه یا آیه کوتاهی به قرآن افزوده شده، لازمه اش بهم خوردن نظم قرآن، و خارج شدن آن از حالت اعجاز آمیزش می باشد؛ و در این صورت قابل تقلید وآوردن مثل آن خواهد بود. و به همین دلیل کم شدن کلمات یا جملاتی که موجب خروج آیات از حالت اعجاز باشد نفی می گردد.

بزرگان علمای اسلام، از شعیه و سنی نیز تصریح و تأکید کرده اند به اینکه همانگونه که چیزی بر قرآن کریم افزوده نشده، چیزی هم از آن کم نشده است؛ و برای این مطلب دلایل فراوانی آورده اند. ولی متأسفانه در اثر نقل پاره ای روایات مجعول در کتب حدیث فریقین، و برداشت نادرست از برخی روایات معتبر، بعضی احتمال داده اند و یا حتی تأیید کرده اند که آیاتی از قرآن کریم حذف شده است. اما علاوه بر وجود قرائن قطعی تاریخی بر مصونیت قرآن کریم از هرگونه تحریفی خواه به زیاد کردن باشد و خواه به حذف کردن و علاوه بر اینکه حذفی که موجب بهم خوردن نظم اعجاز آمیز آن باشد، بوسیله دلیل اعجاز نفی می شود، می توان مصونیت از حذف آیه یا یک سوره مستقل را از خود قرآن کریم استفاده کرد. یعنی بعد از آنکه ثابت شد که

همه قرآن موجود کلام خداست، و چیزی برآن افزوده نشده، مفاد آیات آن به عنوان محکمترین دلایلی نقلی و تعبدی حجت می شود؛ و یکی از مطالبی که از آیات کریمه قرآن بدست می آید، همین است که خدای متعال، مصونیت این کتاب را از هرگونه تحریفی، ضمانت کرده است. این مطلب از آیه ۹ سوره مبارکه حجر استفاده می شود، که می فرماید : "انانحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون" که در آیه با استفاده از اداوات تأکید، و هیأتی که دلالت بر استمرار می کند، محفوظ بودن همیشگی قرآن از هر گونه تحریفی، تضمین شده است.

در پایان لازم است این نکته را خاطر نشان کنیم، که منظور از مصونیت قرآن شریف از تحریف، این نیست که هر جا کتابی به نام قرآن یافت شود، قرآن کامل و محفوظ از اشتباهات کتابتی و قرائتی باشد ... ، بکله منظور این است که قرآن کریم آن چنان در میان بشر باقی بماند که طالبان حقیقت، امکان دسترسی به همه آیات آن، بدانگونه که نازل شده است را داشته باشند. (۴)

منابع و مآخذ :

۱. ارشاد، جابر جعفی از امام باقر(

۲. مهدی موعود، علی دوانی، ص ۱۱۲۱

۳. آموزش عقاید (۱-۲-۳)، محمد تقی مصباح یزدی، ص ۲۷۱

همان، ص ۲۷۳-۲۷۴

اگر این درست است که در زمان غیبت امام عصر (عج) وظایف ما توسط علما و مجتهدین جامع الشرایط مشخص می شود پس دیگر نیازی به امام زمان عج) نیست ، عده ای اعتقاد دارند جهت هدایت عرفای بزرگ وجود حضرت صاحب الزمان لازم است میگویم آنها می توانند از روح زنده سا یر

پرسش

اگر این درست است که در زمان غیبت امام عصر (عج) وظایف ما توسط علما و مجتهدین جامع الشرایط مشخص می شود پس دیگر نیازی به امام زمان عج) نیست ، عده ای اعتقاد دارند جهت هدایت عرفای بزرگ وجود حضرت صاحب الزمان لازم است میگویم آنها می توانند از روح زنده سا یر ائمه کمک بگیرند

اگر بگوئید حکومت الهی می آورد دیگر عرفایی مثل امام خمینی نمی توانند با تمسک به ائمه حکومت اسلامی بر پا کنند پس نیاز ی به امام زمان نیست توضیح لازم را مرحمت فرمائید ؟

پاسخ

خداوند برای رساندن احکام و فرامین خویش به انسان که موجب هدایت ورستگاری وی می شود علاوه بر ارسال کتب و بعثت انبیاء حجت های خویش را نیز قرارداده است ، ائمه حجج الهی هستند که د رجهت هدایت انسان به سوی خدا گام بر میدارند . در زمان غیبت جزئی یا کلی امامان آنهایی که قدر ت درک و استنباط و انتقال احکام خداوند و وسایل هدایت بشر را دارند ، می بایست با تمسک به قرآن و عترت به رسالت خویش عمل کنند کاری که فقها در طول تاریخ کرده اند و یا نهضتی که حضرت امام(ره) در همین راستا بنیان نهاد) امام زمان (عج) کارش هدایت عرفای بزرگ و حتی بیان احکام شرعیه نیست ، بلکه او حجت خدا بر روی زمین است و آنهایی که طالب هدایت اند بوسیله اوست که هدایت کامل و بی نقص را دریافت می کنند.

عزیز گرامی !

امام زمان (عج)حتی برای ایجاد عدالت هم نمی آید و باید توجه داشت که عظمتی همچون ً برقراری عدالت ً از « نتایج » ظهور حضرت است نه هدف نهایی آن بقیهً الله الا عظم . انسان به هدایت حجت خداست که خودرا ، هستی را ، خداوند را ، وظایف وتکلیف خویش را و۰۰۰ می فهمد .

من وشما وهمه فقها ومراجع واولیاء خدا نیز از چشمه

وجود امام ، سیرابی می چشند وبس . بااین توضیح وقتی آثار مجاهدت مؤمنانی همچون حضرت امام (ره)رامی بینیم، باید بدانیم که این همه نتایج مبارک از کسی است که سعی داشته با تفقه دردین رسالتش را انجام بدهد ، حال اگر حجت خدا که از فیض هدایت خداوند بهره مند است درمیان انسانها حاضر شود ، نتایج آن چه خواهد بود !

دعا کنید که چنین هدایت بزرگی درزمان حیات ما قرار دهد . انشاءالله

چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار سال یا دوهزار سال نگهداری می کند تا در موقع لزوم از آن استفاده کند تا افرادی که منتظر فرصت می باشند بهانه گیری کنند؟

پرسش

چه لزومی دارد مصلح جهان همان فرزند امام یازدهم باشد؟ مگر خداوند قادر نیست هر وقت اراده کند مصلحی بیافریند؟ چرا خداوند فردی را هزار سال یا دوهزار سال نگهداری می کند تا در موقع لزوم از آن استفاده کند تا افرادی که منتظر فرصت می باشند بهانه گیری کنند؟

پاسخ

اولاً اعتقاد به امامت از دید اسلام پس از اعتقاد به علم گسترده و غیر محدود حکمت خداوند است و خداوند براساس حکمتی که دارد امام زمان(عج) را زنده نگاه داشته است هر موقع صلاح بداند وی را ظاهر می سازد و حکومت عدل جهانی را به دست وی در جهان مستقر می سازد

ثانیاً اگر ظهور مصلح به گونه ای دیگر انجام شود چون ما احاطه در راه به کمت و مصلحت الهی نداریم باز ممکن است گفته شود چرا به این گونه است به صورت دیگری نیست.

ثالثاً: امام(عج) تنها برای این زنده نیست که زمانی خداوند وی را ظاهر سازد و جهان را پر عدل و داد کند بل که در حال حاضر (حال غیبت) نیز امام نقش بزرگی را در جهان از نظر تکوینی از نظر تربیتها معنوی نسبت به افراد مستعد و لایق به عهده دارد چه اینکه او واسطه ی فیض در جهان است و اگر گفته شود چرا خداوند با این روش به افرادی که منتظر فرصت هستند میدان داده است یادآور می شویم که خداوند این جهان را اصولاً وسیله ی تکامل و آزمایش انسانها قرار داده است و تکامل انسانها از این طریق به وجود می آید بنابراین غیبت امام(عج) چنانکه در احادیث آمده وسیله ای برای امتحان و آزمایش الهی می باشد.

یکی از نشانه های ظهور امام زمان فساد و تهاجم فرهنگی است، پس چرا با تهاجم فرهنگی مبارزه می شود؟ توضیح دهید.

پرسش

یکی از نشانه های ظهور امام زمان فساد و تهاجم فرهنگی است، پس چرا با تهاجم فرهنگی مبارزه می شود؟ توضیح دهید.

پاسخ

اسلام دین مبارزه با فساد و تباهی و دین امر به معروف و نهی از منکر است. وقتی که حضرت مهدی(ع) تشریف بیآورند، مهم ترین کار ایشان همین است. فساد را بر می دارد و خرافات را می زداید و زورگوریان را جای خودشان می نشاند و جلوی انواع گناهان را می گیرد. اگر ما که از شیعیان و طرفداران حضرت هستیم، اهل گناه و فساد شویم و بگذاریم تهاجم فرهنگی ما و خانواده ها را تهدید کند و از خدا و دین دور سازد، آن وقت از دشمنان حضرت می شویم و وقتی که ایشان تشریف بیآورد، با ما مبارزه می کند. کسی که با امام زمانش بجنگد، اهل دوزخ خواهد بود. بنابراین یک مسلمان مؤمن در عین این که منتظر ظهور حضرت مهدی(ع) است و باید دعا کند که حضرت ظهور نماید و توفیق شهادت در رکابش را بیآبد، باید با ظلم و فساد و گناه مبارزه کند که این وظیفه واجب همگان است.

انتظار ظهور به معنای آمادگی و آماده باش است، نه به معنای گسترش دادن فساد و ظلم و جور. آیا این عاقلانه است که منتظران مهدی(ع) برای این که حضرت زودتر تشریف بیآورد، ظلم و فساد را گسترش بدهند و احیاناً خود نیز اهل فساد باشند؟! در این صورت آیا می توان گفت: این فرد منتظر ظهور عدالت است؟

ثانیاً: گسترش فساد و ظلم و تهاجم فرهنگی، علّت قیام حضرت نیست، بلکه علامت نزدیک شدن قیام است. علّت با

علامت فرق دارد. علّت قیام حضرت مهدی(ع) اجازه و دستور خدا است. هر وقت که خدا صلاح بداند، به حضرت دستور خواهد داد قیام کند. البته قیام در زمانی خواهد بود که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد و همه مردم دنبال فریاد رسی باشند. پس باید بین علّت و علامت فرق بگذاریم. اگر همه گناه کار شویم و بگذاریم فساد و گناه جامعه را فرا بگیرد، باز علّت و اسباب قیام حضرت را فراهم نکرده ایم، چون علت قیام حضرت اذن واجازه خدا است.

خدای جهان حجت خود را غیب فرموده و در صحنه زندگی دیگر مردم را ملامت می فرمایدکه با وجود حجت من چرا ایمان نیاوردید ؟ مگر من بشما بوسیله حجت خود اتمام حجت نکردم ؟ مردم در عالم آخرت می توانند جواب دهند که خداوندا حجت تو یعنی دلیل البته در میان ما آمد ولی

پرسش

خدای جهان حجت خود را غیب فرموده و در صحنه زندگی دیگر مردم را ملامت می فرمایدکه با وجود حجت من چرا ایمان نیاوردید ؟ مگر من بشما بوسیله حجت خود اتمام حجت نکردم ؟ مردم در عالم آخرت می توانند جواب دهند که خداوندا حجت تو یعنی دلیل البته در میان ما آمد ولی غیب بود دلیل آوردی ولی دلیلت غیب بود آیا بدلیل غیبی که بکسی نرسیده می توان مردم را هدایت نمود و اتمام حجت کرد ؟ فسبحان اللّه عمایقول الجاهلون علوا کبیرا هر که چنین گفت خدا را نشناخت از اینجا میفهمیم که ریشه خرافات و اشتباهات عدم معرفت خداوند تعالی و مقام کبربای احدیت است .

پاسخ

از این آقا باید پرسید که آیا پیغمبری یا پیشوائی دیگر دینی سراغ دارد که وظیفه هدایت مردم را داشته باشد (و خاصه اگر ماموریتش ماموریت جهانی باشد مانندپیغمبر اکرم (ص) آنگاه با هر فرد فرد از امت درهر حرکت و سکون در هر معرفت وحکم حضورا و مشافهه تماس داشته خودش بیواسطه بهدایت و تعلیم وی درهر پیش آمدی بپردازد ؟جز اینکه در تبلیغ و دعوت و تعلیم و هدایت خود طریق عرف و عادت رعایت نموده روش عادی را پیش گیرد و آن اینست که با کسانی که در دسترس خودش قرار دارند تماس شفاهی حضوری بگیرد و با کسانی که غائب هستند از راه پیغام یا کتابت تماس گرفته هدایت شان نماید چنانکه در قرآن کریم می فرماید و اوحی الی هذا القرآن لانذرکم به و من بلغ انعام ۱۹ و وحی شده بمن این قرآن برای اینکه شما

را و هر که رابرسد بـا آن بترسـانم و بـا پیمودن این راه عـادی امر دعوت و هـدایت انجام گیرد . و بـدیهی است که طبعا و در نتیجه مشتی از مردم بواسطه کنـدی فهم یـا غفلت از دعوت یـا دوری مکـان یـا عواملی از این قبیـل از دریافت معارف و حکم دینی مثلاـ محروم میماننـد و در نـتیجه از مسئولیت سـختی که در رد دعوت است و از اجر و ثوابی که درقبول دعوت اسـت بکنار می باشـند و حساب شان حساب دیگری است چنانکه می فرماید : الا المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین لا یجدون حیله و لا یهتدون سبیلا نساء ۹۸ (مگر مردان و زنان و بچه گانی که حیله ای نمی یابند و براهی هدایت نمی پذیرند و نیز می فرماید و اخرون مرجون لامراللّه اما یعذبهم و اما یتوب علیهم توبه ۱۰۹و دیگرانی هستند که برای رسیدن امر خدا بتاخیر می افتند که عذابشان بنماید یاتوبه شان پذیرد .)آنگاه رسـیدن دعوت رسول بکسانی که غائب هستند بوسیله پیغام یا کتابت و نظـائر آنهاهـدایت و اتمـام حجت است و از نـاحیه رسول انجام ماموریت و وظیفه رسالت می باشـدو محرومیت دسـته دیگر از دریـافت معـارف و احکـام دینی استضـغاف است که بنص قرآن کریم صاحبان آن معـذور می باشـند و خداونـد با آنها معامله خاصـی دارد . از آنچه گفته شـد پاسخ این شـبهه نیز روشن شد زیرا :طبق اخبار متواتری که از طرق عامه و خاصه از نبی اکرم (ص) و ائمه اهل بیت علیهم السلام رسیده که تاریخ حیات و سیره امام

غائب (ع) را توضیح می دهد . آنحضرت فرزند امام حسن عسگری (ع) امام یازدهم شیعه اثنا عشری می باشد که در سال دویست و پنجاه و شش قمری در سامرا , متولد شده و نظر باینکه خلیفه وقت تصمیم جدی بقطع نسل امامان اهل بیت و خاتمه دادن به قضیه امامت شیعه گرفته بود بدستورپدر بزرگوارشان ولادت و وجود امام پنهانی بود و از غیر خواص شیعه کسی از ایشان خبری نداشت . و تا شش سال بهمین ترتیب بود و پس از آن در سال دویست و شصت قمری که حضرت عسگری فوت کردند امامت به آن حضرت انتقال یافت ولی باز آنحضرت در حال غیبت بسر می بردو وسیله تماسی که با شیعه داشت این بود که بقول علماء و محدثین اعتباریه ونائبهای خاصی داشت که بوسیله آنها توقیعاتی از آنحضرت صادر می شد و جواب سوالات داده می شد . این وضع که زمان غیبت صغری نامیده می شود تقریبا هفتاد سال طول کشید و چهار نفرنائب خاص یکی پس از دیگری آمدند و رفتند و بعد در نیابت خاصه بسته شد و غیبت کبری شروع شد و رابطه امام با مردم همان فقهاء و محدثین می باشند که امام بقول آنها اعتبار داده . و پس از انقضاء غیبت کبری طبق اخبار آنحضرت ظهور فرموده و زمام حکومت اسلامی رابدست گرفته و دنیا را پر از عدل و داد می کند پس از آنکه با ظلم و جور پر شده باشد و پس از ظهور و تسلط بر دنیا با سیرت رسول اکرم (ص) در دعوت و

هدایت عمل کند یعنی با حضار تماس حضوری و با غیر حضار با وسائل مناسب غیبت رفتار می نماید . با این معرفی که از تاریخچه حیات و سیرت امام غائب شده شبهه نویسنده نامه مندفع می شود زیرا کسی که با غیبت امام و نرسیدن حجت می خواهد حجت خدا را ابطال نمایدیا از کسانی است که در زمان غیبت امام زندگی می کرده در آن عهد وسائل ارتباطامام با مردم بواسطه نواب خاصه و عامه تامین می شد و حجت می رسید و یا از کسانی است که در زمان ظهور و بسط ید آن حضرت زندگی می کرده در آن عهد حجت خدا بحاضرین و غائبین می رسد و سیرت وی چنانکه گفته شد سیرت رسول خدا است . اگر گفته شود که با وجود حجیت قول فقها , و محدثین نیازی بوجود و امامت امام غائب نیست جواب می دهم که خود حجیت قول فقهاء و محدثین که در روایات است متوقف بوجود امام است وگرنه امام همان فقیه و محدث بود . از ذیل نامه پیداست که نویسنده مذهب تسنن را تایید می کند و بالخصوص بمذهب وهابیت میگراید که از شعب اشعریه است . مذهبی که صفات ذاتیه خدای متعال (حیات - علم - قدرت - سمع - بصر - اراده -کلام) را هفت تا می شمارد و زائد بر ذات و قدیم با قدم ذات می داند مذهبی که جزخدای متعال در عالم هستی علت فاعلی نمی داند . در صورتی که لازمه انحصار علت فاعلی در خدای متعال اینست که ما در عالم هستی نشانی

از علت و معلول ندیـده باشـیم و رابطه ای میان دو چیز و دو پدیـده ازپدیده های جهان جز جریان عادت وجود نداشـته باشد و در این صورت راهی برای اثبات وجود خـدای متعال نـداریم زیرا مفهوم علت و معلول را نیافته ایم که در خدا اثبات نمائیم . و در صورتی که هفت تا صـفات ذات را زائـد بر ذات و قـدیم باقدم ذات دانسـتن لازمه اش مسـتقل بودن ذات و صـفات خدای متعال است و در نتیجه نه ذات علت صـفات خواهد بود نه صـفات علت ذات و علت همدیگر پس , هر یک از آنها بذات خود موجود و غیر محتاج بدیگری یعنی واجب الوجود - می باشد و در نتیجه اثبات واجب الوجود اثبات مجموعه ایست از هشت تا واجب الوجود بـا اینحال این آقایان بعقیـده خودشان وجود خـدارا اثبات می کننـد و موحدنـد و پیروان مـذاهب اسـلامی دیگر خاصه شیعه بعقیده شان مشرک فاعتبروا یا اولی الابصار .

می دانیم که یکی از وظائف مهم امام , هــدایت و رهبری است . و این در صورتی تحقق می پذیرد که امام در اختیار مردم باشد . حال اگر از دیده ها پنهان شد , چگونه می تواند به این وظیفه قیام کند ؟ .

پرسش

می دانیم که یکی از وظـائف مهم امـام , هـدایت و رهبری است . و این در صورتی تحقق می پـذیرد که امـام در اختیـار مردم باشد . حال اگر از دیده ها پنهان شد , چگونه می تواند به این وظیفه قیام کند ؟ .

پاسخ(قسمت اول)

از زمانی که امام قائم علیه السلام از دیده ها پنهان شده و در پس پرده غیبت زندگی خود را شروع کرده , انبوهی از پرسشها , پیرامون مسائـل غیبت برای اذهـان جسـتجوگرو کنجکـاو مطرح بوده است . و نوع این پرسشـها بـا یک نوع قـدمت در کتابهای مربوط به امام زمان علیه السـلام در قرن چهارم و پنجم اسـلامی مطرح شده , و دانشـمندان پاسخ های مناسبی به آنها داده اند . شیخ صدوق , یکی از محدثین عالی مقام شـیعه است که در قرن چهارم می زیسـته , ودر سال ۳۸۱ دیده از جهان بسته است . وی در کتاب کمال الـدین پیرامون مسائل مربوط به غیبت , به تفصـیل سـخن گفته است . نه تنها صـدوق بلکه محدث دیگری بنـام نعمـانی (شاگرد ثقه الاسـلام کلینی متوفی ۳۲۹) کـه در قرن چهـارم می زیسـته اسـت , در کتـاب خـود , به نـام غیبت و همچنین استاد شیعه مرحوم شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ه . ق) نیز در کتـاب خود این مسائل را بازگو نموده و به تجزیه وتحلیل آنها پرداخته انـد . بنابر این , این پرسشـها درباره امام زمان - عجل اللّه تعالی فرجه - تازگی نـدارد , بلکه بیش از هزار سال از عمر آنها می گذرد . طبعاپاسخ ها

نیز تازگی نداشته و بسان پرسشها از عمر طولانی برخوردارند . چیزی که هست , پاسخ ها در طول زمان , آرایش خاصی پیدا کرده و با مقتضیات زمان هماهنگ شده است . از جمله سوالهای رایج درباره امام زمان صلوات اللّه علیه , مسئله فائده وجودامام غائب است . همگی می دانیم که اثر بارز وجود امام , هدایت و رهبری است . اکنون سوال می شود امامی که از نظرها غائب است چگونه می تواند هدایت کند ؟ به به عبارت دیگر , با توجه به این که قرآن هدایت را از ویژگیهای امام می شمارد ومی فرماید : و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا (۱) , چگونه می توان چنین وظیفه سنگینی را از امام پنهان , انتظار داشت ؟ به تعبیر دیگر , امام علیه السلام درهر حال رهبر و پیشوا است . و وجود یک رهبر در صورتی می تواند مفید باشد که تماس مداوم با پیروان خود داشته باشد . امام غائب و ناپیدا , چگونه می تواند نقش رهبری خود را ایفاء کند ؟ . زندگی امام (عج) در دوران غیبت یک زندگی خصوصی است نه یک زندگی اجتماعی در نقش یک پیشوا با این حال , حق داریم بپرسیم این ذخیره الهی چه اثر عمومی برای مردم می تواند داشته باشد و مردم چه نوع بهره ای می توانند از وجود او ببرند ؟ . او به چشمه آب زلال حیات می ماند که در ظلمات باشد , و کسی را دسترسی به وجود اونباشد . اصولا مقصود از امام غائب که به معنای نامرئی تفسیر می

شود , چیست ؟ آیا این به معنای یک وجود رویایی نیست ؟این سوال - بدون شک - سوال مهمی است . ولی اشتباه است که اگر گمان کنیم که به آن پاسخ داده نشده است . اما اجازه بدهید نخست به پاسخ جمله اخیر بپردازیم که مایه سوء تفاهم برای گروهی گردیده است و پس از روشن شدن آن به سراغ بقیه سوالهامی رویم . صریحا باید گفت : مفهوم غائب بودن امام (عج) چنانکه اشاره کرده ایم , هرگز این نیست که وجود امام (عج) در عصر غیبت , یک وجود نامرئی و رویائی است که به یک وجود خیالی و پنداری شبیه تر از یک وجود عینی باشد . او از هر نظر یک زندگی طبیعی و عینی و خارجی دارد , پیوسته در میان مردم و درمیان جامعه ها رفت و آمد دارد , و در نقاط مختلف زندگی می کند . استثنائی که درزندگی آن حضرت هست , همین است که او از یک عمر طولانی برخوردار است , همین وبس . او به طور ناشناس در جامعه انسانی زندگی می کند , و هیچ روایت صحیحی درباره غیبت او جز این نگفته است . چقدر فرق است میان ناشناس و نامرئی . حال که این اشکال برطرف شد به سراغ این موضوع می رویم که می گویند : بسیار خوب ,فرار کرده و دست از نبرد کشیدند , و گروهی به فکر افتادند که به دشمنان بپیوندند . ولی وقتی خبر قتل پیامبر تکذیب شد و مسلمانان از حیات رهبر خود آگاه گردیدند وعده ای نیز پیامبر

را با چشمان خود دیدند , لشکر از هم پاشیده , بار دیگر به دلگرمی وجود رهبر , از نقاط مختلف کوه احد , از میان کوهها و زیر صخره ها , دورپیامبر گرد آمدند و نبرد و دفاع را از سر گرفتند . خدای تعالی , این حقیقت رادر قرآن چنین بیان می فرماید : و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضرالله شیئا و سیجزی الله الشاکرین . محمد پیامبری بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بوده اند . آیا اگر بمیرد ویا کشته شود , به دوران جاهلیت باز می گردید ؟ و هر کسی به دوران جاهلیت بازگردد به خدا زیانی نمی رساند , و خدا سپاسگزاران را پاداش می دهد (۱) . در میدانهای نبرد , تمام کوشش گروهی از سربازان زبده و فداکار , این است که پرچم , در برابر حملات دشمن همچنان سر پا و در اهتزاز باشد , در حالی که سربازان دشمن دائما می کوشند که پرچم مخالفان را سرنگون سازند , چرا که برقرار بودن پرچم , مایه دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمر آنها است . همچنین وجود فرمانده لشکر در مقر فرماندهی , هر چند ظاهرا خاموش و ساکت باشد ,خون گرم پر حرارتی در عروق سربازان به حرکت درمی آورد , و آنها را به تلاش بیشتروامی دارد که فرمانده ما زنده است و پرچممان در اهتزاز . اما هرگاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود , یک لشکر عظیم

با کارآئی فوق العاده به یک باره متلاشی می گردد , گوئی آب سردی بر سر همه ریخته اند , بلکه گویا روح از تنشان بیرون رفته است . رئیس یک جمعیت یا یک کشور , مادام که زنده است , هر چند مثلا در سفر یا فرضا دربستر بیماری باشد , مایه حیات و حرکت و نظم و آرامش آنها است . ولی شنیدن خبررحلت او , گرد و غبار یاس و نومیدی را بر همه می پاشد . جمعیت شیعه , طبق عقیده ای که به وجود امام زنده دارد , هر چند او را در میان خود نبیند , خود را تنها نمی داند . او همواه انتظار بازگشت آن عزیز سفر کرده را - که قافله های دل همراه اوست -این چنین زندگی ممکن است برای یک فرد عادی قابل توجیه باشد . ولی آیا برای یک رهبر - آنهم یک رهبر بزرگ الهی - قابل قبول است ؟ .

ما در اینجا , مسئله را ازجهات یاد شده در زیر مورد بررسی قرار می دهیم .

۱ - فائده اعتقاد به وجود رهبر , هر چند ناشناس باشد , از نظر محاسبات اجتماعی .

۲ - فوائد گوناگون امام غائب برای امت اسلامی .

۳ - حجت های مخفی و پنهان خدا از نظر قرآن و نهج البلاغه .

۱ - وجود رهبر مایه بقاء مکتب است .

محاسبات عقلی و تجارب اجتماعی به روشنی ثابت می کند که اعتقاد به وجود رهبرزنده , اثر عمیقی در حفظ نظام و بقاء مکتب دارد . خواه این رهبر در دسترس مردم باشد , و یا به عللی

دسترسی به او آسان نباشد . در هر دو حال اعتقاد به وجودرهبر حی , برای خود فوائدی دارد . اما آن جا که رهبر در دل جامعه قرار گیرد و به طور مستقیم بار قیادت و رهبری رابه دوش بکشد , جای سخن نیست . مهم آن جا است که رهبر به عللی از جامعه کناره گیری کند , ولی جامعه به حیات او , و بازگشت مجدد او اعتقاد داشته باشد . دراین صورت نیز , اعتقاد به وجود چنین رهبر , اثر عظیمی دارد که به آن اشاره می کنیم :در تاریخ ملل زنده جهان که مبارزات و نهضتهائی داشته اند , برای این مطلب نمونه های فراوانی وجود دارد که نشان می دهد تا آن رهبر از حیات و زندگی برخورداربوده است , هر چند از نزدیک موفق برهبری نمی شده , اما تشکیلات این گروه باقی وپایدار , می مانده است . اما لحظه ای که حیات و زندگی او به پایان می رسیده ,تفرقه و دو دستگی , تشتت قوا , پراکندگی و نابسامانی در میان جمعیت حکمفرمامی گردیده است . بهترین گواه برای این که وجود رهبر , حافظ و نگاهدارنده مکتب و مایه تشکل پیروان آن است , سرگذشت نبرد احد می باشد . در جنگ احد بر اثر اشتباه و یاواز روی غرض ورزی , ندائی در قلب لشکر بلند شد که : الا قد قتل محمد . محمد کشته شد . این خبر ناگوار , موقعی در میان مسلمانان منتشر شد که آنان مشغول مقابله با تجاوز و تعدی مهاجمان بودند . وقتی برای مسلمانان

, مرگ رهبر قطعی شد , نظام و سازمان آنان چنان گسسته شد که هرکدام به گوشه ای گریختند و سپاه مسلمانان شکست سختی دید و هفتاد تن از آنها شهیدگشت تا آنکه بر اثر پایمردی امیرالمومنین و دفاع جانانه از رسول اکرم مسلمانان فهمیدند آن خبر ناگوار حیله تبلیغاتی دشمن است . دوباره امیدوار شدند و بازگشتند و جمع پراکنده آنها تشکل یافت و توانستند جلوشکست کامل را بگیرند . در مورد امام زمان نیز وضع از همین قرار است . یعنی اطمینان به وجود رهبری آسمانی و مصلحی جهانی و به انتظار او بودن خود موجب امیدواری و تشکل و انسجام است . اثر روانی این طرز فکر در زنده نگهداشتن امید در دلها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای آن انقلاب بزرگ , کاملا قابل درک است . اما اگر این رهبر اصلا وجود خارجی نداشته باشد , و علاقه مندان مکتبش در انتظارتولد و پرورش او در آینده باشند , وضع بسیار فرق می کند . اگر یک نکته دیگر به این موضوع بیفزائیم , پاسخ شکل جدی تری به خود می گیرد و آن اینکه : طبق اعتقاد عمومی شیعه - که در روایات بسیار زیادی در منابع مذهبی آمده است - امام به طور مداوم , در دوران غیبت , مراقب حال پیروان خویش است , و طبق یک الهام الهی از وضع اعمال آنها آگاه می گردد . و به تعبیر روایات , همه هفته برنامه اعمال آنها به نظر او می رسد و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آنهاآگاه می گردد (۱)

. این فکر سبب می شود که همه معتقدان در حالت آماده باش دائمی فرو روند . و به هنگام ورود در هر کار , توجه به آن نظارت عالی داشته باشند , اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست . اکنون درباره امام زمان علیه السلام این اصل را در نظر می گیریم . آیا اعتقاد به وجود امام حی و زنده و حاضر و ناظر و مستعد و آماده برای نهضت در حفظ وحدت جمعیت و تشکیلات بالاخص آماده کردن افراد برای نهضت و قیام بر ضد ظلم و جور , برضد استبداد و خودکامگی موثر نیست ؟ . هرگاه جمعیتی معتقد شود که رهبر آنان در قید حیات و زندگی بوده و پیوسته مترقب فرمان الهی است که از پس پرده غیب بیرون آید , بطور مسلم ناامید نمی شود , وحدت کلمه خود را از دست نمی دهد , در حفظ مکتب خویش می کوشد , و پیوسته برای هدف , به تهیه نیرو و انجام مقدمات می پردازد . ولی هرگاه به این جمعیت بگویند : شما فعلا بی رهبرید , رهبر شما در آینده دیده به جهان خواهد گشود , آن هم معلوم نیست کی متولد خواهد شد , نه تنها او متولدنگشته بلکه نیاکان او نیز هنوز دیده بجهان نگشودند , آیا در این جمعیت , روح انتظار سازنده , و نیرو و ساز و برگ لازم پیدا می شود ؟ آیا با چنین عقیده ای ,نظامات مادی و معنوی آنان بکار می افتد و یا اینکه این کار به قیمت از هم پاشیدگی افراد و

محو و نـابودی مکتب تمـام می شود ؟برای توضـیح بیشتر دربـاره اینکه امـام زمـان غـایب چه نقشـی می توانـد در جامعه و در اندیشه های معتقد دانش داشـته باشد , می گوئیم : ایمان به پیروزی نهایی وانتظار یک مصلح جهانی , اگر به مرحله شناخت و آگاهی سازنـده برسد , منبع وسرچشـمه حرکتها و نهضـتها خواهد گشت . رهبر یک جنش عدالت خواهی , حتی اگر در میان پیروان خویش نباشـد , می تواند موجب فشـردگی و بهم پیوسـتگی صـفوف معتقدان به نهضت باشد . می بینیم که در نهضـت اسـتقلال هندوسـتان , با وجود آنکه گاندی از طرف دولت اسـتعماری دستگیر شده و به زندان فرستاده می شود , نهضت عدم همکاری با دولت استعماری با شدت ادامه می یابد . مردم هند با اینکه گاندی را در میان خود نمی دیدند , ولی دنباله نهضت وی راادامه می دادنـد , زیرا که گانـدی هنوز زنـده بود و قـدرت معنوی وی همچنان مردم هندرا بهم پیوند می داد . در جنگ داخلی اسـپانیا , قبـل از جنـگ جهـانی دوم , تا زمانی که رهبران جمهوری خواهان در زنـدان فرانکو بسـر می بردنـد , نبرد در سراسـر جبهـه هـای جنـگ ادامـه داشـت . ولی زمـانی کـه چنــد تنی از آنـان بـه جـوخه اعــدام سـپرده شدنـد , شـکست در لشکرجمهوری خواهان پدید آمد . در جنگ دوم جهانی , هنگام محاصره شهر لنینگراد توسط ارتش نازی , سرما وقحطی , به حدی رسـید که روزانه هزاران نفر می مردند و گرسنگی بیداد می کرد امامردم لنینگراد همچنان مقاومت می کردند . محاصره چهار سال تمام

ادامه یافت . در این مدت , رادیو لنینگراد دائما پیامهائی از طرف شورای مقاومت می خواند ومردم را به پایداری دعوت می کرد . روزهای آخر , بیش از دو سوم اعضای شورا ازگرسنگی مرده بودند , اما رادیو بدون آنکه خبر مرگ آنها را بمردم برساند ,همچنان نام آنان را در پایان اعلامیه ها می خواند . جالب اینجاست که به علت خاموشی برق , دو روز رادیو لنینگراد از کار افتاد , مردم بسیاری در اطراف اداره رادیو جمع شدند و می گفتند : ما آذوقه نمی خواهیم , فقط یکبار دیگر رادیو را بکاراندازید , تا ما بازهم اعلامیه های شورای مقاومت را بشنویم . این مدارک و شواهد نشان می دهد که حتی اگر رهبر جنبش و مقاومتی در میان مردم نباشد , وجود واقعی او می تواند الهام بخش معنوی و مایه امید و تحرک و یادآوری گردد .
اما در مورد اینکه چرا خداوند امام را در موقع ظهور نیافرید , باید گفت که اگرچنین بود , اصولا عنوان انتظار ظهور مصلح , واقعیت خارجی پیدا نمی کرد , زیراانسانها می توانند در انتظار فردی باشند که به زنده بودن او معتقدند و هرگزنمی توان انسانی را به این دلخوش داشت که چند سال بعد ممکن است کسی بدنیا آید که نقش منجی را ایفاء خواهد کرد . در جهان متلاطم و پر اضطراب , در حالیکه انسان به یاس مطلق می رسد و فلسفه پوچی را بعنوان راه زندگی خویش می شناسد , چگونه می توان انسانها را به وجودنجات دهنده ای دلخوش داشت که سالها بعد

تـازه متولـد خواهـد شـد ؟ آيـا اصولاـ اعتقـادبه وجود رهبرى كه سالهائى بعـد متولـد مى گردد , مى توانـد موجب تبلور روح انتظارسازنده انسانها گردد ؟ انسان در شناخت دقايق و ظرايف حيات و براى آنكه در مسيرتكاملى به پيكار برخيزد , لازم است كه از وجود رهبرى زنده - حتى اگر غايب باشد -الهام گيرد .

۲ - فوايد گوناگون امام زمان براى امت اسلامى

اكنون وقت آن رسـيده است كه با ديگر فوايـد چشم گير امام براى امت , از نزديك آشـنا شويم . ما اين فوائـد را تحت عنوان كلى او بسـان خورشـيد در پس ابر اسـت ,مى آوريـم و اين فوائـد همگى بيـانگر حقيقت اين تشـبيه است . در احـاديث متعـدد وگوناگونى كه در زمينه حكمت و فايده وجود امام عليه السـلام در دوران غيبت به مارسـيده , بسـيار پر معنى و جالبى در يك عبارت كوتاه ديده مى شود كه مى توان كليدى باشد براى گشودن اين رمز بزرگ . و آن اينكه از پيامبر اكرم صلى اللّه عليه و آله در پاسخ اين پرسـش كه وجود حضـرت بقيه اللّه ارواحنا فداه در عصر غيبت , چه فايده اى دارد , فرمود : اى والذى بعثنى بالنبوه انهم لينتفعون به و يستضيئون بنور ولايته فى غيبته كانتفاع الناس بالشمس و ان جللها السحاب (۲) . آرى سوگند بخدائى كه مرا به نبوت برگزيـد , از او منتفع مى شونـد , و از نورولايتش در دوران غيبتش بهره مى گيرند , همانگونه كه از خورشـيد بهنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره مى برند . براى فهم اين كليد رمز , نخست بايد نقش

خورشید را بطور کلی , و به هنگامی که چهره تابناکش پشت ابرها پنهان می گردد , دریابیم . خورشید دارای دو نوع نورافشانی است : نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی , یا به تعبیر دیگر نورافشانی مستقیم و نورافشانی غیر مستقیم . در نورافشانی آشکار , اشعه آفتاب به خوبی دیده می شود , هر چند قشر ضخیم هوا که اطراف کره زمین را پوشانیده , همانند یک شیشه ضخیم کار می کند , شیشه ای که ازشدت تابش آفتاب می کاهد و آن را قابل تحمل می سازد , و نور آفتاب را تصفیه می کندو شعاعهای مرگبارش را خنثی و بی اثر می سازد , ولی به هر حال مانع از تابش مستقیم آفتاب نیست . ولی در تابش غیر مستقیم , ابرها همانند یک شیشه مات , نور مستقیم خورشید را گرفته پخش می کنند . گاهی اوقات وارد اطاقی می شویم که با لامپهای مات روشن شده , اطاق را روشن می بینیم , اما خود لامپ و شعاع اصلی و مستقیم آن بهیچوجه دیده نمی شوند ۰۰۰۰از سوی دیگر , نور آفتاب مهمترین نقش را در دنیای حیات و موجودات زنده دارد . نور و حرارتی که از خورشید به هر سو پاشیده می شود , تنها انرژی زندگی بخش درگیاهان و حیوانات و انسان است . رشد و نمو موجودات زنده , تغذیه و تولید مثل آنها , حس و حرکت و جنبش , آبیاری زمینهای مرده , غرش امواج دریا , وزش حیات بخش بادها , ریزش دانه های زندگی آفرین باران و برف , صدای زمزمه

آبشارها , نغمه های مرغان , زیبائی خیره کننـده گلها , گردش خون در عروق انسان و طپش قلبها , عبور برق آسای انـدیشه از لابلای پرده های مغز , و لبخنـد شـیرینی که بر لب گلبرگهاماننـد یک کودک شـیرخوار نقش می بندد ۰۰۰ همه و همه بطور مسـتقیم یا غیر مسـتقیم به نور آفتاب بسـتگی دارد وبـدون آن , همه اینها به خاموشـی خواهنـد گرائید . این موضوع را با کمی دقت می توان دریافت . حال این سوال پیش می آید که آیا این برکات و آثار زندگی بخش , مخصوص زمانی نیست که نور بطور مستقیم می تابد ؟

پاسخ(قسمت دوم)

. پاسخ این سوال روشن است : نه ; بسـیاری از این آثار در نور مات خورشید از پشت ابرها نیز وجود دارد . مثلا در کشورهای یـا شـهرهائی که چنـدین مـاه از سـال ابرهاسراسـر آسـمان را پوشانیـده انـد , آفتاب دیـده نمی شود , ولی گرما , نمو و رویش گیاهـان , تولیـد انرژی لاـزم برای حیـات , رسـیدن غلاـت و میوه هـا خنـدیـدن گلها وشـکوفه ها وجود دارنـد . بنابر این تابش خورشـید از پشت پرده ابرهـا , قسـمت مهمی از برکات خود را دربردارد . و تنها قسـمتی از آثار که نیاز به تابش مسـتقیم دارد موجود نیست . مثلامی دانیم تابش آفتاب , اثر حیاتی خاصـی روی پوست و سایر جهاز بـدن انسان و موجودات زنده دارد . به همین دلیـل , در کشورهائی که از این نظر در محرومیت بسـر می برنـد ,در روزهای آفتابی , بسـیاری از مردم حمام آفتاب می گیرند و در برابر این

نورحیات بخش برهنه می گردند و با تمام ذرات وجود خود - که تشنه این هدیه آسمانی است - ذرات این نور را می مکند . تابش مستقیم آفتاب , علاوه بر اینکه روشنائی و گرمای بیشتری می آفریند , اثر خاصی به خاطر همان اشعه ماورای بنفش در کشتن انواع میکروبها و سالم سازی محیط دارد که در نور غیر مستقیم دیده نمی شود . از مجموع بحث قبل نتیجه می گیریم که : هر چند پرده های ابر , بعضی از آثار آفتاب را می گیرد , ولی قسمت مهمی از آن همچنان باقی می ماند . این بود حال مشبه به یعنی آفتاب . اکنون باز می گردیم به وضع مشبه یعنی وجود رهبران الهی در حال غیبت . اشعه معنوی وجود امام علیه السلام در حالی که درپشت ابرهای غیبت نهان است , دارای آثار قابل ملاحظه ای است که علی رغم تعطیل مسئله تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم , حکمت وجود او را آشکار می سازد .

به ملاحظه اجمال این نوشته , برخی از این آثار , در اینجا بیان می شود .

الف - پاسداری از آئین الهی با گذشت زمان و آمیختن سلیقه ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گرایشهای مختلف به سوی برنامه های ظاهر فریب مکتبهای انحرافی , و دراز شدن دست مفسده جویان به سوی مفاهیم آسمانی , اصالت پاره ای از این قوانین از دست می رود و دستخوش تغییرات زیانبخشی می گردد . این آب زلال که از آسمان وحی نازل شده , با عبور از مغزهای این و آن تدریجا

تیره و تـار گشـته , صـفای نخستین خود را از دست می دهـد . این نور پرفروغ , بـا عبور از شـیشه هـای ظلمانی افکار تاریک , کمرنـگ تر می گردد . خلاـصه با آرایشـها و پیرایشـهای کوته بینانه افراد و افزودن شاخ و برگهای تازه به آن , چنان می شود که گاهی بازشناسـی مسائل اصلی , دچار اشکال می گردد . آن شاعر ,خطاب به پیامبر صلی اللّه علیه و آله می گوید :شرع تو را در پی آرایشـند دین تو را از پی پیرایشـندبس که فزودند بر آن برگ و بر گر تو ببینی نشناسی دگربا این حال , آیا ضروری نیست که در میان جمع مسـلمانان کسـی باشـد که مفاهیم فناناپذیر تعالیم اسـلامی را در شـکل اصـلیش حفظ و برای آیندگان نگهداری کند ؟می دانیم در هر موسـسه مهمی , صـندوق نسوزی وجود دارد که اسـناد مهم آن موسسه را درآن نگهداری می کننـد , تا از دسـتبرد دزدان محفوظ بمانـد . بعلاوه هرگاه مثلا آتش سوزی در آنجا روی دهد , از خطر حریق مصون باشد که اعتبار و حیثیت آن موسـسه پیونـدنزدیکی با حفظ آن اسـناد و مـدارک دارد . سـینه امام و روح بلنـدش , صـندوق نسوز حفظ اسـناد آئین الهی است که همه اصالتهای نخستین و ویژگیهای آسـمانی این تعلیمات را در خود نگاهـداری می کنـد , تا دلائل الهی و نشـانه هـای روشن پروردگـار باطـل نگردد و به خاموشـی نگرایـد . و این یکی دیگر از آثار وجود او , گذشـته از آثار دیگر است .

ب – تربیت گروه منتظر آگاه بر خلاف آنچه بعضی فکر

می کننـد , رابطه امـام در زمـان غیبت به کلی از مردم بریـده نیست . بلکه آن گـونه که از روایـات اسـلامی برمی آیـد , گروه کوچکی از آمـاده ترین افراد - که سـری پرشور از عشق خـدا , و دلی پر ایمان و اخلاصـی فوق العاده برای تحقق بخشـیدن به آرمان اصـلاح جهان دارند - با حضـرتش در ارتباطند . معنی غیبت امام صـلوات اللّه علیه , این نیست که آن حضرت به شکل یـک روح نامرئی ویا شـعاعی ناپیـدا درمی آیـد . بلکه او از یک زنـدگی طبیعی آرام برخوردار است , بطورناشـناخته در میان همین انسانهـا رفت و آمـد دارد , دلهای بسـیار آماده رابرمی گزینـد و در اختیار می گیرد , بیش از پیش آماده می کنـد و می سازد . افرادمسـتعد , به تفاوت میزان اسـتعداد و شایستگی خود , توفیق درک این سعادت را پیدامی کنند . بعضی چند لحظه و برخی چنـد ساعت یا چند روز , و جمعی سالها با حضـرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در تماس نزدیک هسـتند . آنها کسانی هسـتند که آنچنـان بر بـال و پر دانش و تقوی قرار گرفته و بالا۔رفته انـدکه همچون مسافران هواپیماهای دور پرواز , بر فراز ابرها قرار می گیرند , آنجا که هیچگاه حجاب و مانعی بر سـر راه تابش جهانبخش آفتاب نیست , در حالی که دیگران درزیر ابرها و در تاریکی و نور ضـعیف بسـر می برنـد . بدرستی حساب صـحیح نیز همین است . من نباید در انتظار داشـته باشم که آفتاب را به پائین ابرها بکشم تا چهره او را ببینم .

چنین انتظاری , اشتباه بزرگ و خیال خام است . این منم که باید بالاتر از ابرها پرواز کنم , تا شعاع جاودانه آفتاب راجرعه جرعه بنوشم و سیراب گردم . بهر حال , تربیت این گروه یکی دیگر از حکمت های وجود آن حضرت در این دوران است .

ج - نفوذ روحانی و ناآگاه می دانیم خورشید , یک سلسله اشعه نامرئی دارد که از ترکیب آنها با هم , هفت رنگ معروف پیدا می شود و یک سلسله اشعه نامرئی که بنام اشعه ماوراء بنفش و اشعه مادون قرمز نامیده شده است . همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی , خواه پیامبر باشد یا امام , علاوه بر تربیت تشریعی - که از طریق گفتار و رفتار وتعلیم و تربیت عادی صورت می گیرد - یکنوع تربیت روحانی دارد , که از راه نفوذمعنوی در دلها و فکرها اعمال می شود . و می توان آن را تربیت تکوینی نام گذارد . در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار کار نمی کند , بلکه تنها جاذبه و کشش درونی موثر است . در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی , می خوانیم که گاه بعضی از افراد منحرف وآلوده , با یک تماس مختصر با آنها بکلی تغییر مسیر می دادند , و سرنوشتشان یکباره دگرگون می شد و به قول معروف با صد و هشتاد درجه بازگشت , راه کاملاتازه ای را انتخاب می کردند , یک مرتبه فردی پاک و مومن و فداکار از آب درمی آمدند که از بذل همه وجود خود نیز مضایقه نداشتند . این دگرگونیهای تند

و سریع و همه جانبه , این تحولات جهش آسا و فراگیر , آنهم بایک نگاه و برخورد - البته برای آنها که در عین آلودگی , یک نوع آمادگی نیزدارند - نتیجه جذبه ناخود آگاه است که گاهی از آن تعبیر به نفوذ شخصیت نیزمی شود . بسیاری این موضوع را در زندگی خود تجربه کرده اند که به هنگام برخورد با افرادی که روحهای بزرگ و عالی دارند , چنان بی اختیار و ناخودآگاه تحت تاثیر آنان قرارمی گیرند که حتی سخن گفتن در برابر آنها برایشان مشکل می شود , و خود را در میان هاله ای مرموز و غیر قابل توصیف از عظمت و بزرگی می بینند . البته ممکن است گاهی اینگونه امور را با تلقین و امثال آن توجیه کرد , ولی مسلما این تفسیر برای همه موارد صحیح نیست . بلکه راهی جز این ندارد که بپذیریم که این آثار , نتیجه شعاع اسرارآمیزی است که از درون ذات انسانهای بزرگ برمی خیزد . سرگذشتهای فراوانی در تاریخ پیشوایان بزرگ می بینیم که جز از این راه نمی توان آنها را تفسیر کرد , که در اینجا چند نمونه ذکر می کنیم . برخورد اسعد بن زراره بت پرست به پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله در کنار خانه کعبه و تغییر جهش آسای طرز تفکر او , و یا آنچه دشمنان سرسخت پیامبر (ص) نام آن را سحر می گذاردند و مردم را به خاطر آن از نزدیک شدن به او باز می داشتند (۱) . تاثیر پیام امام حسین صلوات اللّه علیه روی فکر

زهیر در مسیر کربلا نقل شده ,تا آنجا که با شنیدن پیام امام حتی نتوانست لقمه ای را که در دست داشت به دهان بگذارد , و آنرا به زمین نهاد و حرکت کرد . کشش عجیب فوق العاده ای که حر بن یزید ریاحی در خود احساس می کرد , و با تمام شجاعتش همچون بید می لرزید , و همین کشش سرانجام او را به صف مجاهدان کربلا کشیدو به افتحار بزرگ شهادت نائل آمد . داستان جوانی که در همسایگی ابوبصیر زندگی داشت , و با ثروت سرشار خود -که از خودش خدمتی بدستگاه بنی امیه فراهم ساخته بود - به عیش و نوش و بی بندوباری پرداخته بود . و سرانجام با یک پیام امام صادق علیه السلام بکلی دگرگون شد ,و همه کارهای خود را به کناری نهاد و تمام اموالی را که از طریق نامشروع گردآورده بود , یا به صاحبش داد و یا در راه خدا انفاق کرد . سرگذشت کنیز خواننده و زیبا و عشوه گری که هارون به گمان خام خود برای منحرف ساختن ذهن امام کاظم صلوات الله علیه به زندان اعزام داشته بود , و منقلب شدن روحیه او در یک مدت کوتاه , تا آنجا که قیافه و طرز سخن و منطق او هارون را به حیرت و وحشت افکند ۰۰۰۰همه و همه نشانه و نمونه هائی از همین تاثیر ناخودآگاه است که می توان آنراشعبه ای از ولایت تکوینی معصومین - اعم از پیامبر و امام (ع) - دانست , چرا که عامل تربیت و تکامل در اینجا الفاظ و جمله

ها و راههای معمولی و عادی نیست ,بلکه جذبه معنوی و نفوذ روحانی , عامل اصلی محسوب می شود . همانگونه که گفتیم , پیامبران و امامان - بر اساس فضائل موهبتی - و رجال راستین و شخصیتهای بزرگ الهی - بر اساس فضائل اکتسابی - به تناسب میزان شخصیت خودهاله ای از این نفوذ ناخودآگاه در پیرامون خود ترسیم می کنند . و البته قلمرو گروه اول با گروه دوم از نظر ابعاد و گستردگی قابل مقایسه نیست . وجود مبارک امام علیه السلام در پشت ابرهای غیبت نیز , این اثر را دارد که ازطریق شعاع نیرومند و پر دامنه نفوذ شخصیت خود , دلهای آماده را در نزدیک ودور , تحت تاثیر جذبه مخصوص قرار داده , به ترتیب و تکامل آنها می پردازد و ازآنها انسانهائی کامل تر می سازد . ما قطبهای مغناطیسی زمین را با چشم خودنمی بینیم , ولی اثر آنها روی عقربه های قطب نما , در دریاها راهنمای کشتیهاست ودر صحراها و آسمانها راهنمای هواپیما و وسائل دیگر است . در سرتاسر کره زمین ,از برکت این امواج , میلیون ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا کرده , باوسائل نقلیه بزرگ و کوچک بفرمان همین عقربه ظاهرا کوچک از سرگردانی رهائی می یابند . آیا تعجب دارد اگر وجود مبارک امام - صلوات اللّه علیه - در زمان غیبت , باامواج جاذبه معنوی خود , افکار و جانهای زیادی را که در دور یا نزدیک قراردارند , هدایت کند , و از سرگردانی رهائی بخشد ؟ البته نباید فراموش کرد که امواج مغناطیسی زمین

, روی هر آهن پاره بی ارزشی اثر نمی گذارد , بلکه روی عقربه های ظریف و حساسی که خاصیت آهنربائی یافته اند و یک نوع سنخیت و شباهت باقطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده اند , اثر می گذارند . همینطور دلهائی که راهی با امام علیه السلام دارند و شباهتی را در خود ذخیره نموده اند , تحت تاثیرآن جذبه روحانی قرار می گیرند . با در نظر گرفتن آنچه گفتیم , یکی دیگر از آثار و حکمت های وجود امام عجل اللّه تعالی فرجه در چنین دورانی آشکار می گردد .

د - ترسیم هدف آفرینش هیچ عاقلی بی هدف گام برنمی دارد . هر حرکتی که در پرتو عقل و علم انجام گیرد ,در مسیر هدفی قرار خواهد داشت . با این تفاوت که هدف در کار انسانها معمولا رفع نیازمندی خویش و برطرف ساختن کمبودهاست , ولی در کار خدا , هدف متوجه دیگران ورفع نیازهای آنهاست , چرا که ذات او از هر نظری کامل است و عاری از هرگونه کمبود . و با این حال , انجام دادن کاری به نفع خود , درباره او مفهوم ندارد . حال به مثال , زیر توجه کنید . در زمینی مستعد و آماده , باغی پر گل و میوه احداث می کنیم . در لابلای درختان وبوته های گل , علف هرزه هائی می رویند . هر وقت به آبیاری آن درختان برومندمی پردازیم , علف هرزه ها نیز از پرتو آنها سیراب می شوند . در اینجا ما دو هدف پیدا می کنیم : هدف اصلی که آب دادن درختان

میوه و بوته هـای گـل است , و هـدف تبعی یعنی آبیـاری علف هرزه هـای بی مصـرف . بـدون شک , هـدف تبعی نمی تواند انگیزه عمل گردد , و یا حکیمانه بودن آن را توجیه کنـد . مهم همان هدف اصـلی است که جنبه منطقی دارد . حال فرض می کنیم بیشتر درختان باغ خشک شونـد و تنها یک درخت باقی بماند , امادرختی که به تنهائی گلها و میوه هائی را که از هزاران درخت انتظـار داریم , به مـامی دهـد . بـدون تردیـد , برای آبیاری همان یک درخت هم که باشـد , آبیاری و باغبانی را ادامه خواهیم داد , گو اینکه علف هرزه هـای زیـادی نیز از آن بهره گیرنـد . و اگریـک روز آن درخت نیز بخشـکد , آنجاست که دست از آبیاری باغ می کشـیم , هر چند علف هرزه ها بمیرند . آنها که در مسیر تکاملند , درختان و شاخه های پر بار هستند . آنهـا که به پستی گرائیـده و منحرف و آلوده انـد , علف هرزه هـای این باغنـد . مسـلما این آفتـاب درخشـان , این مولکولهای حیات بخش هوا , این همه برکات زمین و آسـمان برای آن آفریده نشده است که مشتی فاسد و هرزه به جان یکدیگر بیفتند و به خوردن یکدیگرمشـغول شونـد , و جز ظلم و سـتم و جهـل و فسـاد محصولی برای اجتمـاع آنهـا نباشـد . نه , هرگز , هـدف آفرینش نمی توانـد اینهـا باشـد . این جهـان و تمـام مواهب آن , از دیـدگاه یک فرد خـداپرست - که با مفاهیمی چون علم و حکمت خدا

آشناست - برای صالحان و پاکان آفریده شده است , همانگونه که سرانجام نیز بطور کامل از دست غاصبان به درآمده , و در اختیار آنان قرار خواهد گرفت . ان الارض یرثها عبادی الصالحون (۴) . روزی زمین از آن صالحان خواهد بود . باغبان آفرینش , بخاطر همین گروه , فیض و مواهب خود را همچنان ادامه می دهد . هر چند علف هرزه ها نیز به عنوان یک هدف تبعی سیراب گردند و بهره مند شوند , ولی بی شک هدف اصلی , آنها نیستند . و اگر - به فرض محال - روزی فرا رسید که آخرین نسل گروه صالحان از روی زمین برچیده شوند , آن روز دلیلی بر ادامه جریان این مواهب وجود نخواهد داشت . آن روز , آرامش زمین به هم می خورد و آسمان و برکات خود را قطع می نماید و زمین از دادن بهره به انسانها مضایقه خواهد کرد . از طرفی پیامبر و امام , حجت خدا ومقصد مهم از خلقت جهان و انسان هستند , یعنی همان گروهی که هدف اصلی آفرینش راتشکیل می دهند . به همین دلیل , وجود امام علیه السلام به تنهائی یا در راس گروه صالحان , توجیه کننده هدف آفرینش و مایه نزول هر خیر و برکت است , ریزش باران فیض و رحمت خدا است , اعم از اینکه در میان مردم آشکارا زندگی کند یا مخفی وناشناس بماند . درست است که افراد صالح دیگر نیز , هر کدام - در حد خود - هدفی هستند برای آفرینش , و یا به تعبیر دیگر

بخشی از آن هدف بزرگ . ولی نمونه کامل این هدف ,همین انسانهای نمونه و مردان آسمانی می باشند , هر چند سهم دیگران نیز محفوظاست . و از اینجا این معنی روشن می شود که در پاره ای از روایات به این مضمون وارد شده که : بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء . از برکت وجود او (یعنی حجت و نماینده الهی) مردم روزی می برند و بخاطر هستی او آسمان و زمین بر پاست . با توضیحاتی که دادیم , معلوم می شود , که این موضوع , یک موضوع اغراق آمیز ,دور از منطق , و یا شرک آلود نمی باشد . همچنین عبارتی که به عنوان یک حدیث قدسی از خداوند متعال در کتب مشهور نقل شده که خطاب به پیامبرش می فرماید : لولاک لما خلقت الافلاک . اگر تو نبودی آسمانها را نمی آفریدم . بیان یک واقعیت است نه مبالغه , اما پیامبر , شاهکار هدف آفرینش است و صالحان دیگر هر کدام بخشی از این هدف بزرگ را تشکیل می دهند . از مجموع آنچه در این فصل , تحت چهار عنوان گفته شد , نتایج زیر عاید می گردد :آنها که دور نشسته اند و وجود امام را در عصر غیبت , یک وجود شخصی و بدون بازده اجتماعی دانسته اند , و بر عقیده شیعه در این زمینه تاخت و تاز کرده اند که وجودچنین امامی چه نفعی برای رهبری و امامت خلق می تواند داشته باشد , آنچنان که آنها گفته اند نیست , و آثار وجودی امام

در این حال نیز فراوان است (۵) .

پاسخ(قسمت سوم)

۳ - حجت های مخفی و پنهان خدا در قرآن و نهج البلاغه امام امیرمومنان علیه السلام در نهج البلاغه , برای خدا دو نوع حجت معرفی می کند : یکی حاضر و آشکار , و دیگری غایب و ناپیدا , آنجا که می فرماید : اللهم بلی لاتخلو الارض من قائم للّه بحجه اما ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا لئلاتبطل حجج اللّه و بيناته (۶) . بلی , خدایا , روی زمین هیچگاه از حجتهای تو خالی نمی ماند , حجتهائی که گاهی مرئی و آشکار , و گاهی از بیم مردم پنهان هستند , تا دلایل آئین الهی محو ونابود نشود . جمله لئلا تبطل حجج اللّه و بيناته بسیار قابل ملاحظه است و می رساند که رهبران الهی در پنهان و آشکار , وظیفه سنگین رهبری را انجام می دهند . و در همه حال ,در راهنمائی مردم می کوشند . مقصود امام از حجت خائف و مغمور کیست ؟ آیا جز آن پیشوای معصوم است که براثر نبودن شرایط مساعد , در پس پرده غیبت بسر می برد , تا روزی جهان برای نهضت او آماده گردد ؟پس از آگاهی از این دو نوع حجت که در کلام امیرمومنان به چشم می خورد , نظرخوانندگان را به گروهی از اولیاء الهی جلب می کنیم که آنان غایب و پنهان بودند ,و با این حال جامعه را هدایت می کردند و یا اینکه بصورت استتار و با پوشش خاصی به سازندگی افراد اشتغال داشتند , و یا اینکه نبی و ولی بودند ولی منتظر

آن بودند که فرمان حق برسد , سپس انجام وظیفه کنند .

برخی از افراد این گروه عبارتند از :

الف - معلم موسی که در اخبار بنام خضر معرفی شده است . سلام اللّه علیها .

ب - پیامبر گرامی اسلام - صلی اللّه علیه و آله - که سه سال از طریق سازندگی فردی هدایت می کرد .

ج - حضرت موسی علیه السلام در مدت غیبت چهل روزه خود .

د - حضرت یونس علیه السلام که مدتها در شکم ماهی پنهان از دیدگان بسر می برد .

ه - حضرت مسیح علیه السلام که در دوران کودکی نبی بود , ولی پس از سی سال به امر هدایت قیام نمود .

الف - ولی غایب که معلم حضرت موسی بودقرآن مجید , ما را به مقام والای ولایت , و شئون و نحوه هدایتهای اولیاء رهبری نموده و به روشنی ثابت نموده که ممکن است یکی از مردان الهی , در عین اینکه ازنظرها پنهان باشد , به امر هدایت و ارشاد بپردازد . قرآن , رهبری را معرفی می کند که ناشناخته بود و آنها او را نمی شناختند . حتی رسول آن زمان نیز , با او آشنائی نداشت . و اگر آشنائی پیدا کرد , تنها بر اثرمعرفی الهی بود . این ولی و رهبر , همان است که خدای سبحان درباره او در قرآن چنین می فرماید : موسی و همراه او , بنده ای از بندگان ما را یافتند که مورد رحمت ما بوده و ازپیش خود به او علومی داده بودیم کسی که دارای چنین علم وسیع و گسترده ای است ,

و بصریح قرآن , نبی زمان و وصـی وی از علم . او بهره منـد می شوند , قطعا از اولیاء خدا بوده , و نه تنها از نظر علم و دانش وسیع تر بوده است , بلکه آنچنان روح قوی و نیرومندی داشته است که وقتی موسی به او می گوید : اجازه می دهی که من تو را همراهی کنم تا از علومی که بتو داده شـده است به من بیاموزی ؟ . وی در پاسخ می گوید : تو نمی توانی با من صبر کنی , چگـونه می تـوانی کارهـائی را که از اسـرار آنهـا خـبر نـداری تحمـل نمـائی ؟ (۷) . بی شـک , ایـن فرد از اولیـاء خـدا و از شخصـیتهای والای الهی بوده است . بررسی حالات این ولی زمان و این فرزانه ناشناخته , در همان چند لحظه کوتاه از زندگی حساس او که با حضرت موسی گذرانده است , ما را به نکاتی رهبری می کند . از جمله :

۱ - این ولی زمان , به صورت ناشـناس زندگی می کرد . کسی او را نمی شناخت . و اگرخدا او را معرفی نمی کرد , کسی با او آشنا نمی شد . بنابر این شرط ولی , این نیست که حتما مردم او را بشناسند .

۲ - این ولی الهی , بـا اینکه از دیـدگان غـایب و پنهـان بود , هرگز از حوادث واوضاع زمان غفلت نـداشت . و روی ولایت و اختیاراتی که از جانب خدا به او داده شده بود , در اموال و نفوس تصرف می کرد , و اوضاع را طبق مصالحی

رهبری می نمود . اودر رهبری حوادث , بقدری دقیق بود که راضی نشد کشتی بینوایان که مایه زندگی آنان بود به دست فرمانروای ستمگری بیفتد , و با معیوب ساختن آن , از تصرف کشتی جلوگیری کرد . اختیارات او به اندازه ای بود که روی مصالحی توانست انسانی رابکشد , و دیواری را برای صیانت مال یتیم بپا دارد .

۳ – نکته جالب اینکه : نه تنها خود او ناشناخته بود , بلکه تصرفات او نیز ازدیدگاه مردم عادی پنهان بود . اگر مردم و صاحب کشتی از تصرف او آگاه بودند ,هرگز اجازه نمی دادند که او کشتی را سوراخ کند , زیرا از هدف مقدس او آگاهی نداشتند . اگر مردم شاهد قتل نفس او بودند , هرگز رهایش نمی کردند و ۰۰۰ ازاینکه او همه این کارهای شگفت آور را در دل اجتماع انجام داد و احدی متوجه کاراو نشد , می توان فهمید که نه تنها خود او پنهان بود , بلکه تصرف او در اوضاع وحوادث نیز بر مردم پنهان بود . آنها تنها اثر فعل او را می دیدند نه کار او را .

۴ – مهمتر از همه هدایت و رهبری او بود . او با داشتن مقام ولایت , وظایف خود راانجام می داد . گاهی با تصرف در اموال و نفوس یا ضبط و حراست اموال یتیمان , اثرولایت خود را ابراز می داشت و گاهی از طریق فردسازی و تعلیم افراد , به وظیفه خطیر ولایت عمل می نمود , و افرادی مانند موسی و همراه او را هدایت و رهبری می کرد .

از زندگی حساس و تکان دهنده این ولی الهی , بخوبی می فهمیم که ولی زمان گاهی عیان و پیدا ; و زمانی مخفی و پنهان خواهد بود . واین امر بستگی به مصالح وقت و اوضاع زمان دارد . همچنانکه می فهمیم هدایت و رهبری - که وظیفه امام و ولی است - می تواند به دوصورت - آشکار و پنهان - انجام گیرد , و هرگز لازم نیست که امام شناخته شود تاهدایت کند , بلکه در حال اختفاء و پنهانی نیز به این وظیفه خطیر قیام می نماید .

مدتی است که در تمام دنیا گفتگو از خطرات جنگ سوم در میان است و این که اگر جنگ اتمی شروع شود , موجود زنده ای در جهان باقی نمی ماند . مسلمانان عموما و شیعه خصوصا در انتظار جهانگیر شدن اسلام هستند و عقیده دارند که مصلح حقیقی – امام عصر اروحنا فداه – باید دن

پرسش

مدتی است که در تمام دنیا گفتگو از خطرات جنگ سوم در میان است و این که اگر جنگ اتمی شروع شود , موجود زنده ای در جهان باقی نمی ماند . مسلمانان عموما و شیعه خصوصا در انتظار جهانگیر شدن اسلام هستند و عقیده دارند که مصلح حقیقی - امام عصر اروحنا فداه - باید دنیای فاسد را اصلاح کند منافات ندارد ؟

پاسخ

پیش بینی هایی که برای درگیر شدن جنگ اتمی می شود غالبا جنبه حدس و تخمین دارد وبا توجه به این که حوادث سیاسی تحت هیچ برنامه و قانونی نیست , غالبا قابل پیش بینی قطعی نمی باشد . قدر مسلم این است که در شرایط فعلی احتمال وقوع جنگ سوم هست و احتمال این که این جنگ اتمی باشد نیز بعید نیست ; اما هیچ کس بطور قطع نمی تواند بگوید که جنگ سوم اجتناب ناپذیر است , همچنان که بطور قطع نمی توان گفت این جنگ اتمی خواهد بود , زیرا ممکن است خداوند سهم بیشتری از عقل نصیب سران کشورهای جهان کند و با دور اندیشی بیشتر حوادث دنیا را مطالعه کنند و از دست زدن به اموری که آتش جنگ سوم را می افروزد , خودداری نمایند و یا لااقل استعمال سلاح اتمی را بکلی تحریم کنند . بنابر این , عقیده عموم مسلمانان و مخصوصا جمعیت شیعیان دنیا که طبق مدارک مسلم دینی در انتظار یک مصلح جهانی به سر می برند که از طرف آفریدگار جهان این ماموریت بزرگ را پیدا می کند و سرانجام صفحه زمین را از ظلم بیدادگری پاک می سازدو یک

حکومت جهانی با یک تشکیلات صحیح به وجود می آورد , با این گونه حدثیاتی که درباره وقوع جنگ سوم می شود هیچ گونه منافاتی ندارد ; زیرا همان طور که گفته شداین پیش بینی ها متکی به یک اساس قطعی و مسلم نیست و صرفا روی احتمالاتی است که از شرایط موجود به نظر می آید و همان طور که کرارا اشاره کرده ایم هیچ بعید نیست که اضطراب و ناراحتی و پریشانی فعلی , برای آماده شدن دنیای بشریت برای پذیرفتن این حکومت الهی باشد ; زیرا وقتی دنیای مادی ببیند که با اصول مادیگری نه تنهاقدرت اصلاح جامعه بشری را ندارد بلکه روز به روز وضع را وخیم تر و وحشتناک ترمی کند , ناچار تن به یک حکومت الهی در خواهد داد . اگر ما هم گاه گاهی از احتمال وقوع جنگ سوم جهانی صحبت کرده ایم , به این منظوربوده که اگر تنها مقدرات انسان به دست همین شرایط مادی باشد , چنین سرانجامی محتمل خواهد بود و احتمال آن کافی است که انسان را وادار به تجدید نظر در راهی که امروز پیش گرفته است بنماید .

هرگاه شرط ظهور حضرت مهدی (عج) گسترش فساد در روی زمین است , چرا با فسادمبارزه کنیم ؟ بلکه باید در گسترش فساد کوشش نماییم تا هر چه زودتر شرائط این نهضت آسمانی فراهم آید .

پرسش

هرگاه شرط ظهور حضرت مهدی (عج) گسترش فساد در روی زمین است , چرا با فسادمبارزه کنیم ؟ بلکه باید در گسترش فساد کوشش نماییم تا هر چه زودتر شرائط این نهضت آسمانی فراهم آید .

پاسخ

اولا : باید توجه نمود که شرط ظهور امام , هرگز منحصر به گسترش فساد در اجتماع انسانی نیست ; بلکه هرگاه مردم جهان از نظر رشد فکری و کمالات روحی به حدی برسندکه بتوانند ارزش وجود امام را درک نمایند و شایسته رهبری او گردند , در این صورت امام (عج) بدون هیچ قید و شرطی ظهور نموده و از پس پرده غیب بیرون می آید . در کتابهای عقاید و مذاهب بطور مبسوط و گسترده بحث و بررسی شده است که مانع اساسی برای غیبت امام , اخلاق و روحیات و عدم آمادگی جامعه انسانی ظهور و حکومت آن حضرت است و اگر این مانع برطرف گردد , دوران غیبت او سپری خواهد شد .

دانشمند بزرگ و فیلسوف عالیقدر اسلام مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب تجرید العقائد در این باره سه جمله کوتاه و پر مغز دارد که با توضیح مختصری در اینجا نقل می کنیم :

۱ - وجوده لطف : وجود امام معصوم - خواه آشکار و خواه پنهان - برای جامعه انسانی نعمت معنوی و وسیله نزدیکی به اطاعت فرمان پروردگار است ; زیرا رابطه هدایت الهی میان خدا و مردم , به وسیله امام برقرار می گردد و بسیاری از نعمتهای معنوی و مادی به خاطر امام به مردم می رسد , حتی هدایت معنوی امام نسبت به افرادشایسته همیشگی

است - اگرچه او را نبینند و نشناسند .

۲ - و تصرفه لطف آخر : هرگاه امام از پس پرده غیبت بیرون آید و به راهنمایی ظاهری بپردازد و زمام امور را به دست بگیرد خود نعمت دیگری است ; در این موقع نه تنها یک گروه از وجود او بهره مند می گردند ; بلکه همه جامعه انسانی از وجوداو که مظهر عدل و داد و مجری دستورهای آسمانی و احکام الهی است , بهره مندخواهند بود .

۳ - و عدمه منا : هرگاه او از تصرف در امور مردم خودداری می کند و در پس پرده غیبت به سر می برد و به بزرگترین آمال و آرزوی بشر تحقق نمی بخشد , برای موانعی است که خود مردم بر سر راه او به وجود آورده اند و علت اساسی سلب این نعمت , خودمردم هستند و اگر خود مردم برای حکومت واحد جهانی - آن هم بر پایه فضیلت و اخلاق و عدل و داد و رعایت حقوق و احکام اسلامی - آمادگی پیدا کنند , بطور مسلم آشکارخواهد شد و هیچ گاه از ناحیه خداوند کوتاهی از ابراز لطف نبوده , این خودمردمند که ظهور حکومت حقه الهی را به تاخیر انداخته اند . (۱)بنابر این , توسعه فساد و گسترش آلودگی , شرط منحصر ظهور امام نیست که به جزآن , به فکر راه دیگری نباشیم و در پیدایش آن تسریع نماییم , بلکه راه نزدیکتری دارد که همان پیدایش لیاقت و شایستگی در مردم است .

و به عبارت دیگر , شرط رهبری دو چیز است :

۱ - وجود رهبر

۲ -

آمادگی مردم

برای پذیرش رهبرمسلما اگر شرط دوم از ناحیه مردم تحقق یابد , خداوند شرط اول را بلافاصله ایجادخواهد نمود .

ثانیا : گسترش فساد و آلودگی جامعه بشری هدف اصلی نیست , بلکه زمینه را برای ظهور حضرت مهدی (عج) و اصلاح جامعه انسانی فراهم می سازد ; زیرا هنگامی که ظلم وجور زمین را فرا گرفت و بشریت گرفتار تبعیضات ناروا و مفاسد گوناگون گردید ومشکلات طاقت فرسا گریبان انسانها را گرفت و تجارب مختلف نشان داد که انسان تنهابه اتکای نیروی خود و قوانینی که وضع کرده نمی تواند مشکلات را ریشه کن سازد وعدالت اجتماعی را در سراسر کره زمین مستقر نماید ; در این هنگام , آمادگی فکری کامل برای پذیرش برنامه یک رهبر الهی پیدا می کند که بیماریهای این بیمار خسته را با نسخه های آسمانی خود درمان نماید و می فهمد که نقش دیگر و انقلاب برتری لازم است که به همه نابسامانیها خاتمه بخشد . اصولا هیچ نهضت اصلاحی بدون یک زمینه فکری قبلی انجام نمی پذیرد و اصل عرضه وتقاضا که یک اصل اقتصادی است , در عین حال , یک اصل اجتماعی نیز می باشد و تادرخواستی در مردم نباشد , عرضه هر نوع کالای معنوی و مادی بی ارزش و بی ثمر خواهدبود . ولی آیا زمینه فکری و آمادگی روحی برای یک نهضت اصلاحی و جهانی , که منجر به برقراری حکومت واحد جهانی , آن هم بر اساس عدل و داد و ارزشهای اخلاقی و رعایت حقوق و مقررات اسلام گردد کافی است , یا این زمینه فکری پشتوانه دیگری لازم

داردکه این دگرگونی فکری را به صورت انقلابی خارجی درآورد و هر نوع مانع را از سرراه نهضت بردارد و از این زمینه فکری حداکثر بهره برداری را بنماید . نه تنها تجارب بی شمار و آزمایشهای متوالی این مطلب را تصدیق می کند , بلکه روایات و احادیث زیادی که درباره نهضت این مصلح جهانی وارد شده است , آشکارامی رساند که انقلاب آخرین حجت الهی پس از پدید آمدن یک زمینه فکری , نیاز به قدرت و نیرو دارد که بتواند در پرتو آن قدرت , از زمینه های موجود بهره برداری کند وهر مانعی را که بر سر راه نهضت خود وجود دارد برطرف سازد و در احادیث اسلامی به وجود انصار و یاران و تعداد آنها و این که قیام حضرت مهدی (عج) توام با قدرت و نیرو خواهد بود , تصریح شده است . در این موقع ما باید برای تامین منظور دوم و تربیت اعوان و انصار و سربازان فداکار که جان به کف در راه آرمانهای الهی نبرد و فداکاری نمایند , در پرورش افراد صالح و جانباز بکوشیم و تا آنجا که امکانات اجازه می دهد , برای یک چنین نهضت وسیع جهانی , افرادی را تربیت کنیم که بتوانند آرمانهای جهانی آن حضرت رادر سرتاسر جهان تحقق بخشند و یک چنین هدف مقدسی در صورتی انجام می گیرد که مصلحان اجتماع دست روی دست نگذارند و از هیچ گونه اقدامی در راه تربیت افراد با ایمان دریغ نورزند .

ثالثا : از همه اینها گذشته , ما باید موقعیت خود را در زمینه انقلاب حضرت مهدی

(عج) مشخص کنیم ; بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم , از کسانی خواهیم بود که انقلاب حضرت مهدی (عج) برای درهم کوبیدن آنها صورت می گیرد و اگردرصدد اصلاح جامعه بکوشیم , از کسانی خواهیم بود که در ارتش انقلابی حضرت مهدی (عج) همکاری می کنند ; بنابر این , به فرض این که با کمک کردن به توسعه فساد ,ظهور حضرت مهدی (عج) را به پیش بیندازیم , وضع خود را بطور قطع به خطرانداخته ایم , مگر نه این است که حضرت مهدی (عج) برای کوتاه کردن دست فاسدان وبرچیدن بساط ظلم و فساد قیام می کند , ما چگونه می توانیم با گسترش فساد از انقلاب او بهره مند شویم ؟بنابر این , سکوت در برابر فساد و یا کمک به توسعه فساد - چه از لحاظ کلی و چه از نظر شخصی - برای ظهور حضرت مهدی (عج) صحیح نیست . بیشتر به نظر می رسد که این اشکال و مغلطه کاری را کسانی درست کرده اند که می خواهند از زیر بار مسوولیتها فرار کنند و یا آلوده به هر فسادی شوند .

می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد معنی آن اینست که اگر حجت خدا (مثل کتاب آسمانی) در میان مردم نباشد در آنوقت باید جهان بپایان رسد زیرا خداوند از آفرینش م

پرسش

می گویند : لولا الامام یا لولا الحجه لساخت الارض باهلها اگر امام نباشدزمین اهلش را در خود فرو می برد . گویم : اگر این حدیث صحیح باشد معنی آن اینست که اگر حجت خدا (مثل کتاب آسمانی) در میان مردم نباشد در آنوقت باید جهان بپایان رسد زیرا خداوند از آفرینش مردم غرضی دارد که آن هدایت شایستگان مردم و تکامل آنها است

و اگر راهنمـای خـدائی میـان مردم نباشـد این غرض حاصل نمی شود پس خلقت بایـد منتفی باشـد اما اگر مراد از حجت امام غیبی بود در پنهان بودن او چه هدایت و راهنمائی هست که با نبودن آن هدایت زمین و زمان برهم خورد .

پاسخ

این اشـکال مشترک الورود و بعینه بخود نویسنده وارد است زیرا اگر معنی حدیث این باشد که حجت نگهبان و حافظ کسانی است که به آن ایمان آورده و از آن پیروی می نماید فرق نمی کند مراد از حجت امام غائب علیه السلام باشد یا قرآن و کتاب آسـمانی می گوید اکر حجت خدا که نگهبان اهل زمین است در حدیث امام غائب بود اهل خراسان و قزوین را از غائله زلزله منهـدم کننـده خراسـان و قزوین که علاقه منـدان وپیروان وی بودنـد حفظ می کرد بالمقابله بایشان گفته می شود : اگر حجت خـدا که نگهبان اهل زمین است در حـدیث قرآن کریم بود و قطعا حین زلزله صدها و هزارهاقرآن کریم در منازل و خانه های اهـل خراسـان و قزوین بود آنـان را از بلاـی نابودکننـده زلزله حفـظ و حراست می کرد . از اینجـا معلوم می شود که فرو بردن زمین اهل خودش را کنایه از انقراض بنی نوع بشـر و برچیـده شـدن بساط انسانیت است و اتفاقا خود نویسـنده هم ابتـدا بهمین معنی تفسیر کرده ولی ذیلا از تفسیر اولی خود غفلت کرده است .

اگر ما بخواهیم افسانه سازی کنیم و یک موجود غیبی هزار ساله را امام زمان بدانیم راهی مخالف با عقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می گوید : اثر امام هدایت و راهنمائی اوست پس اگر امام خود ناپدید شد و کتاب و اثری از او نماند تامشکلات روز را جواب گوید چ

پرسش

اگر مـا بخواهیم افسـانه سـازی کنیم و یـک موجود غیبی هزار سـاله را امـام زمـان بـدانیم راهی مخـالف با عقل و وحی هر دو پیموده ایم زیرا وحی می گویـد : اثر امام هـدایت و راهنمائی اوست پس اگر امام خود ناپدیـد شـد و کتاب و اثری از او نماند تامشـکلات روز را جواب گویـد چنین امـامی امـام قرآن نیست یعنی آن امام نیست که قرآن او را وصف نموده و پیروان قرآن باید وجود

او را بپذیرنـد . اگر گفته شود قرآن در کجـا اثر امـام را هـدایت مردم دانسـته ؟ گویم : در سوره شـریفه انبیـاء آنجـا که درباره پیشوایان خـدائی می فرمایـد : و جعلناهم ائمه یهـدون بامرنا (آنها را امامان قرار دادیم که بامر ما هـدایت می کردنـد) و آنچه قرآن می گوید تنها مربوط بگذشته نیست بلکه برای اهل قرآن مسلمانان نیز هست چرا که مردم گذشته گذشتند و اگر مطالب قرآن اختصاص به آنها داشت برای این امت بازگوکردن آن مطالب چه سود داشت ؟

پاسخ

مقـدمه چند چیز را باید متذکر بوده در نظر گرفت :اول اینکه هدایت بمعنی راهنمائی و رهبری بدو معنی اطلاق می شود یکی بمعنی نشان دادن راه فقط که ارائه الطریق نامیـده می شود دوم رسانیـدن بمقصد و هدف که ایصال بمطلوب نامیده می شود و اثر هـدایت بمعنی اول امکان رسـیدن هدایت شونده است بمقصدیعنی ممکن است هدایت شونده هدایت کننده را بپذیرد و با پیمودن راهی که نشان داده شـده بمقصد برسد و ممکن است نپذیرد و نرسد ولی هدایت بمعنی دوم فعلیت رسـیدن بمقصد را پیوسـته دارد خدای متعال می فرماید : انک لا تهدی من احببت و لکن اللّه یهدی من یشاء قصص ۵۶ (تو نمی توانی هر که را خواستی بمقصـد برسانی و لکن خـداهر که را بخواهـد بمقصـد می رسانـد) . دوم اینکه هدایت بمعنی ارائه الطریق در انبیاء و رسل که حاملان وحی و فرسـتادگان خداینـد و برای دعوت مبعوثنـد لازمه نبوت و رسالت می باشـند و بـدون اسـتثناء هدایت خاصیت و اثر نبوت است فبعث اللّه النبیین

مبشـرین و منذرین بقره ۲۱۳ رسلامبشـرین و منـذرین لئلاـ یکون للناس علی اللّه حجه بعـد الرسل نساء ۱۶۵ و آیات بی شـمار دیگری در قرآن در همین معنی است بلکه مومنین امت هم از این سمت سهمی دارند چنانکه می فرماید : قل هذه سبیلی ادعوا الی اللّه علی بصـیره انا و من اتبعنی یوسف ۱۰۸ و نیز می فرمایـد : کنتم خیر امه اخرجت للنـاس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر ۱۱ - روشن است که امر بمعروف و نهی از منکر وهمچین دعـوت مصـداق هـدایت هسـتند و گرچه نـامش برده نشـده است (آل عمران)سوم : اینکه اثر امامت و پیشوائی چنانکه در نامه نیز اشاره شـده , به صـریح قرآن کریم هـدایت و راهنمائی است چنانکه می فرمایـد : و جعلناهم ائمه یهـدون بامرنا انبیاء ۷۳ و می فرماید : و جعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا سـجده ۲۴ پس اعطاءامـامت اعطـاء هـدایت خواهـد بود . چهارم : اینکه ابراهیم علیه السـلام که بنص آیه شـریفه : اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فـاتمهن قال انی جاعلك للناس اماما قال و من ذریتی قال لا ینال عهـدی الظالمین بقره ۱۲۴ (و یـادآور زمانی را که پروردگـار ابراهیم او را بـا کلمـاتی امتحـان کرد و ابراهیم آنهـا را تمام کرد (درست انجام داد) فرمود : بـدرستی من ترا برای مردم پیشوا قرار می دهم گفت : و از ذریه من , فرمـود عهـد من (فرمـان من) بسـتمکاران نمی رسـد) پیشوای مردم قرار گرفته امـامت و پیشوائی او در آخر عهدابراهیم علیه السلام بوده که امتحانات الهی را مانند

آتش رفتن و اعتزال از قوم خود و مهاجرت بفلسطین و قربانی فرزندش اسماعیل بفرجام رسانیده و از عهده آنهابرآمده بوده چنانکه امتحان بودن قضیه قربانی اسماعیل (ع) در آیه کریمه : ان هذا لهوالبلاء المبین صافات ۱۰۶ (این قضیه یعنی قضیه قربانی اسماعیل امتحانی است آشکار) بیان می فرماید :حاصل اینکه ابراهیم علیه السلام پیش از رسیدن فرمان امامت مدتی نبی و رسول و یکی از پیامبران اولوالعزم بود و کتاب و شریعت داشت و بدعوت و هدایت مردم میپرداخت و این مطلب از لابلای آیات قرآنی مانند آفتاب روشن می باشد . با تامل وافی در این مقدمه روشن می شود که تفسیر هدایت که لازمه امامت است وگرفتن آن به معنی ارائه الطریق یکی از اغلاط رسوا کننده است زیرا آیه بقره و آیه سوره انبیاء در امامت ابراهیم علیه السلام صریحند و بنابر این معنی (ارائه الطریق) وقتی بابراهیم علیه السلام امامت می دهند که سمت هدایت بمعنی ارائه الطریق را بواسطه نبوت و رسالت بالفعل داشته و این تحصیل حاصل واضحی است وتحصیل حاصل محال است بطوری که حتی حیوانات با غریزه شعور حیوانی خود استحال آنرا میفهمند و اعتراض نویسنده نامه بشیعه که امامت امام غائب که هدایت بمعنی ارائه الطریق ندارد غیر معقول است غلطی غیر قابل اصلاح . پس ناگزیریم که هدایت امامت را در آیه بمعنی ایصال بمطلوب بگیریم آری سوق اعمال مردم بسوی خدا از حین صدور دنیوی تا حساب اخروی آنها در عهده امام علیه السلام است چنانکه روایاتی که از ائمه هدی علیهم السلام در ابواب مختلفه عوض

اعمال وانعکاس اعمال اهل شهرها که بستونهای نوری که بالای آنها است و بعرش خداوندی وحضور ائمه پیش مختصر و در قبر عندالمسائله و دعوت مردم روز قیامت بتوسط امامشان و توزیع نامه های اعمال و اعراف و صراط و شفاعت وارد شده است همین معنی را متضمن است . واضح است که اداره امر اعمال امری است ملکوتی و ارتباطی به مسئله غیبت و حضورجسمانی ندارد و حال غیبت و حضور برایش متساوی است و این مطلب با این معنی منافات ندارد که امام از راه اینکه بحقایق معارف دین و حلال و حرام آن علم دارداگر حاضر و در دسترس و مبسوط الید باشد به آنچه از معارف بپرسند پاسخ دهد و یامشکلی که پیشش ببرند حل اشکال نماید .

خدائی که بتایید خود اراده دارد که در آینده جهان را از نور عدالت پر کند چه حاجت داشته که از هزار سال پیش کسی را ذخیره برای قرنهای بعد نماید مگرنمی توانســته نعوذ باللّه تعالی که در وقت مقتضی چنین انسانی و پیشوائی بوجودآورد ؟مگر خدای قدوس و توانا کار بیهوده

پرسش

خدائی که بتایید خود اراده دارد که در آین......جهان را از نور عدالت پر کند چه حاجت داشته که از هزار سال پیش کسی را ذخیره برای قرنهای بعد نماید مگرنمی توانسته نعوذ باللّه تعالی که در وقت مقتضی چنین انسانی و پیشوائی بوجودآورد ؟مگر خدای قدوس و توانا کار بیهوده می فرماید ؟ مگر حساب خدا حساب بنده است که چون میوه زمستان در تابستان بدستم نمی آید آنرا از زمستان برای تابستان ذخیره می نمایم ؟

پاسخ

اولا لازمه قدرت مطلقه و توانائی نامتناهی خدای متعال اینست که هم کار تدریجی ومهلت دار و هم کار دفعی و فوری و بی مهلت تواند کرد گذشته از این امروزه بثبوت علمی رسیده که پیدایش و تکون موجودات و اجزاء این عالم مشهود که در آن زندگی می کنیم بدون استثناء بر اساس حرکت و تدریج استوار است و مهلت می خواهد و بدیهی است که اگر تدریج و مهلت در تحقق کاری با قدرت صاحب و کننده کار منافات داشته باشد در استحاله آن فرقی میان یک ساعت و هزار سال نیست و فاصله کم باشد یا زیادبا قدرت نمی سازد آنگاه باید گفت که اشکال مشترك الورود است و این نویسنده انگشت روی هر پدیده ای بگذارد و بهر موجودی اشاره کند و همه آفریده و مخلوق خدایندتکون هر موجود مفروضی چون تدریجی است با قدرت مطلقه خداوندی نمی سازد چرا خداآسمانها و زمین را در شش روز آفرید نه در یک لحظه ؟ چرا تکون نبات و حیوان تحقق تدریجی دارد نه یک لحظه ؟ چرا نطفه انسان در نه ماه انسان تام

می شود نه در یک لحظه ؟ چرا انواع معادن که انسان امروز باستخراج آنها توانا شده و می کند درهزارها سال قبل در شکم خاک برای بشر امروز ذخیره شده ؟ در حالیکه می فرماید خلق لکم ما فی الارض جمیعا بقره ۲۹ (هر آنچه را که در زمین هست برای شماآفرید .

آیا امام زمان همان غلام احمد قادیانی نیست ؟

پرسش

آیا امام زمان همان غلام احمد قادیانی نیست ؟

پاسخ

مسئله مهدی موعود, یکی از مسائل قطعی و مسلم اسلامی است , زیرا در قرآن کریم این مسئله به صورت یک نوید کلی و در کمال صراحت بیان شده است , یعنی هرکس به قرآن کریم مراجعه کند می بیند نتیجه ای که بر وجود مقدس حضرت حجت مترتب است , در آیات زیادی بعنوان امری که بطور قطع در آینده صورت تحقق خواهد گرفت , ذکر شده است , که تنها ما به ذکر دو آیه اکتفا می کنیم :آیه اول : ((و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکران الارض یرثها عبادی الصالحون , مادر گذشته بعد از ذکر (که به گفته مفسران منظور تورات است) درزبور هم نوشتیم که زمین برای همیشه در اختیار ستمکاران وجباران نخواهد ماند, بلکه دولت صالحان که بر تمام زمین حکومت کند, در آینده محقق خواهد گشت . (۱)آیه دوم : یکی از آثار و نتایج وجود مقدس مهدی موعود (عج) , این است که دین مقدس اسلام , دین عمومی بشر خواهد شد و تمام ادیان دیگر از بین خواهند رفت ,قرآن کریم می فرماید: ((هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون , خداوند دین اسلام را به وسیله پیامبر(ص) فرو فرستادتا در نهایت آن را بر تمام دین های عالم پیروز گرداند, هر چند مشرکان را ناخوش آید).(۲) آیات دیگری نیز هر کدام مسئله مهدی موعود را به طوراشاره بیان فرموده است .همچنین در روایات اسلامی مسئله مهدویت از طریق اهل سنت , به

طور متواتر نقل شده است , (روایاتی که اهل سـنت در این زمینه دارند, اگر از روایات شیعه بیشتر نباشدکمتر نیست) چنان که بسـیاری از علمای بزرگ اهل سنت در زمینه وجود مقدس مهدی موعود دست به تالیف کتابی مستقل زده اند که از آن جمله اند:۱ ابی نعیم اصـفهانی , مولف کتابهای مناقب المهـدی , لغت المهـدی و اربعین حدیث فی المهدی . ۲ ابن عقلانی صاحب کتاب القول المختصـر فی علامات المهدی المنتظر, ملا علی متقی هندی صاحب کتاب ((کنز العمال)) و ((البرهان فیما جا فی صاحب الزمان)), ابن قیم جوزی مولف کتاب المهـدی , ملا علی قاری هندی صاحب کتاب الوردی فی اخبارالمهدی , محمد بن یوسف بن محمـد کنجی شـافعی مولف کتـاب البرهـان فیمـا جا فی صاحب الزمان , حماد بن یعقوب رواجنی مولف کتاب اخبار المهـدی و جلال الدین سـیوطی صاحب کتاب های العرف الوردی فی اخبار المهدی و علامات المهدی ...(۳) و بسیاری ازکتابهای دیگر که توسط علمای اهل تسـنن در این باره نوشـته شـده است .در روایات متواتر نبوی , حضـرت مهـدی به عنوان امام دوازدهم از عترت پیامبر(ص), ازنسل حضـرت زهرا(س) فرزند بلافصل امام حسن عسـکری (ع) و کسی که جهان را پر ازعـدل و داد می کنـد پس از جور و سـتم لبریز شـده باشد, و ... معرفی شده است .در کتاب عقدالدرر, شـیخ یوسف بن علی الشافعی از ابی سـعید خدری از پیامبر(ص)روایت کرده که فرمود: مهدی از اهل بیت است (۴) در کتاب العرف الوردی آمده است :نعیم بن حماد از قیس بن جابر صدفی

نقل کرده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: مردی از اهل بیت من جهان را پر از عـدل و داد خواهـد کرد پس از آنکه از ظلم لبریز شده باشد . (۵)سـعید بن مسـیب در سنن ابی داوود از ام سلمه نقل کرده است که از پیامبر اکرم (ص)شنیدیم که فرمود: مهـدی از عترت من و از اولاـد فـاطمه (س) است . (۶) در کتـاب البیان فی اخبار صاحب الزمان در ضـمن حـدیثی طولانی از پیامبراکرم (ص) نقل شـده که حضـرت دستی بر شانه امام حسـین (ع) زد و فرمود: من هذا مهدی الامه , مهدی امت از نسـل این (امام حسین (ع) است . (۷)در فرائد السمطین حدیث مفصلی نقل شده که در آن آمده است : خداوند در صلب حسن بن علی النقی که ملقب به خـالص است , نطفه مبارک و پاک و پاکیزه ای قرار دارد که هر مومنی که خداونـد از او میثاق ولایت گرفتـه بـدان راضـی بـوده و هر ملحـد و منکری به آن کفر می ورزد . (۸)سـبط بن جوزی در تـذکره الخواص می گوید: امام مهدی از اولاد یازدهم ابو محمد حسن بن علی عسـکری می باشد . (۹)از این رو, در طول تاریخ بازار ادعای مهدویت همواره گرم بوده و افراد فراوانی سـعی کرده اند از این عقیده قطعی و مسـلم اسـلامی سو اسـتفاده کرده و مصداق آن رابر خود منطبق کنند, از جمله مختار ثقفی که پس از حادثه جانسوز کربلا قصد داشت ازقاتلان شهدای کربلا انتقام بگیرد و حکومت اموی را براندازد, ولی از آنجا که بنی هاشم

و شیعیان را از قبضه نمودن حکومت مایوس و نا امید دید چاره را دراستفاده ازعقیده مهدویت دانست تا به وسیله آن به اهداف مورد نظر خویش دست یابد.همچنین محمد بن حنفیه که همنام و هم کنیه رسول خدا(ص) بود (یعنی یکی از علائم مهدی موعود را در احادیث نبوی دارا بود) محمد را به عنوان مهدی و خودش را وزیرو فرستاده او معرفی کرد. بعدها خلفای عباسی , نیز از این عقیده سو استفاده کرده و حتی اسم یکی از خلفای خود را مهدی گذاشتند و چنان تبلیغ کردند که او انسان دادگر و خوب و عادلی است و او همان مهدی است . البته اشخاص فراوان دیگری در طول تاریخ ادعای مهدویت داشته اند که همین مسئله به خوبی نمایانگر قطعی بودن و قطعی دانستن عقیده به مهدی موعود در بین تمام مسلمانان از قرون اولیه اسلامی است .اما آن چه مسلم و بدیهی است , اینکه هیچ یک از این مدعیان دروغین مهدویت , درادعای خود صادق نبوده و نیستند, زیرا با توجه به تواتر احادیثی که مهدی را ازاولاد پیامبر(ص) و حضرت زهرا(س) و فرزند بلافصل امام حسن عسکری (ع) معرفی کرده ,در واقع مهدی شخصی (نه نوعی) با تمام مشخصات و علائم و نحوه ظهور او را مشخص کرده است و جایی برای ادعای کسانی که واجد شرایط و خصوصیات نیستند, باقی نگذاشته است . اللهم عجل فی فرجه .

آیا وجود و عدم امام ناپیدا و غایب برابر است؟

پرسش

آیا وجود و عدم امام ناپیدا و غایب برابر است؟

پاسخ

اصل وجود امام موجب دلگرمی و قوّت روح بندگان خدا و اهل الله و کسانی که سالک سبیل هدایت هستند میباشد و به عبارت دیگر یک نقطه اتکاء برای سالکان سبیل الله است که اگر چه خدا نقطه اتکای همه است و همه به خدا اتکال و اعتماد دارند ولی چنانچه وجود پیغمبر در جنگها و غزوات باعث یک دلگرمی و قوّت قلب خاص برای مجاهدین اسلام بود و نبودن ایشان تفاوت بسیار داشت که حتی شخصیّتی مثل حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمود:

«کُنّا اِذکُنّا اذا احْمَرَّ الْبَأْسُ اِتَّقَینا بِرَسولِ الله(ص) فَلَمْ یَکُنْ أَحِدٌ مِنّا أَقْرَبَ اِلَی الْعَدُوِّ مِنْهُ». (نهج البلاغه، ص ۲۱۴ نهمین کلام از کلمات غریبه امام(ع)) [ما هرگاه آتش جنگ سرخ میشد (جنگ شدت مییافت) به رسول خدا(ص) پناه میبردیم و آن حضرت پیشاپیش همگان جهاد میکرد احدی از ما از او به دشمن نزدیکتر نبود.]

خود این موضوع که امام حی و زنده داریم و ملجأ و پناهگاه و حافظ شریعت است، موجب قوّت قلب و استحکام روح و مانع از تسلط یأس و نومیدی بر سالکان و مجاهدان است و همواره از او مدد میگیرند و همّت میطلبند و این مسأله از نظر علم النفس بسیار اساسی و مهم است.

آیا ایمان به ظهور مهدی باعث ضعف و شکست روحیه، واگذاری امور به آینده، قبول تسلط کفار و سستی در انجام تکلیف است؟

پرسش

آیا ایمان به ظهور مهدی باعث ضعف و شکست روحیه، واگذاری امور به آینده، قبول تسلط کفار و سستی در انجام تکلیف است؟

پاسخ

خیر، هیچ کس نگفته چون مهدی ظهور میکند تکالیف ساقط و مسلمانان در برابر کفار و حملات آنها تکلیفی ندارند و باید دست روی دست بگذارند.

هیچکس نگفته آیه: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ ما اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» انفال / ۶۰ و آیات راجع به امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر و دفاع از اسلام و وظایف اجتماعی و سیاسی را نباید اجرا کرد.

کسی نگفته است: ایمان به ظهور مهدی برای افراد سست عنصر و ضعیف الاراده و بهانهجو و کسانی که ظلم و استعمار اجانب را در بلاد اسلام و خانه و وطن خود تحمل کردهاند عذر است.

هرگز در یک خبر و روایت نرسیده که کارها را به آینده و ظهور مهدی واگذارید، بلکه به عکس، مسلمانان در اخبار و احادیث به صبر و ثبات و کوشش و استقامت و شدت تمسک به تعلیم......و برنامههای قرآن تشویق شدهاند.

همانطور که پیغمبر اعظم و □......Ř̌اول اسلام علی(ع) و صحابه والا مقام به انتظار ظهور مهدی، خانه نشینی و کنارهگیری اختیار نکردند و برای اِعلای کلمه اسلام آنی فارغ نبودند و از هیچ فداکاری و جان بازی خودداری نکردند، امروز هم مسلمانان همان وظایف را عهدهدار و همان مسؤولیتها را دارند و ایمان به ظهور مهدی و امام وقت نیز مؤید همین احساس مسئولیت است.

پاسخ ما به ادعای بعضی از مستشرقین مبنی بر طی کردن دورانهای مختلف قوت و ضعف توسط شیعه (مانند عصر آل بویه و صفویه و جنگهای سلیبی و حمله مغول) و عدم ظهور امام زمان با این وجود چیست؟

پرسش

پاسخ ما به ادعای بعضی از مستشرقین مبنی بر طی کردن دورانهای مختلف قوت و ضعف توسط شیعه (مانند عصر آل بویه و صفویه و جنگهای سلیبی و حمله مغول) و عدم ظهور امام زمان با این وجود چیست؟

پاسخ

در مسأله آمادگی برای ظهور حضرت مهدی(ع) بایستی غیر از منطقه حکومت«آل بویه» و «صفویه»، وضع سائر مناطق و امکانات بسیار دیگر را نیز در نظر گرفت، تا معلوم شود که این ظهور، در آن زمانها انجام پذیر نبوده است. علاوه بر آنکه حضور آن حضرت یک ظهوری است که حصول تمام شرایط و زمینه ها و وقت آن را ، فقط خدا می داند.

همچنین از نظر جنگ و فتنه و فساد و بیدادگری و خونریزی، وضع منطقه خاصـی را نمی توان در نظر گرفت و شرایط ظهور را مساعد شـمرد؛ زیرا که همیشه کم و بیش این حوادث بوده و هست، در منطقه ای حکومت شـر و ظلم و فساد وجود دارد و در منطقـه دیگر حکـومت بالنسـبه معتـدل تر بـه چشـم می خـورد. اینهـا مناسـباتی نیست که در آن، برای آن، ظهـور کلی عـدل و آرامش و نظام اصلح صورت پذیر باشد.

در«جنگهای صـلیبی» ظلم و جور به اصـطلاح عرفی، حتی در مناطق طرفین وجود نـداشت، اگر چه ظلم و جور به معنی حقیقی وجود داشت چون همه آن حکومتها بر اساس استضعاف و استبداد بودند اما رشد جوامع به حدّی نبود که آن را درک کنند. و سنگینی و فشاری را که آن حکومتها بر روح انسان دارد، احساس نمایند؛ و معدودی هم از مردمان آشنا با منطق حقیقی قرآن، اگر چه درک می کردند، ولی در اقلیت محض

بودند و جنگهائی را هم که آتشش روشن بود، عدل و حق خواهی می شمردند.

در«هجوم مغول» نیز وضع به همین گونه بود، تأسیس حکومت جهانی اسلام و انقلاب عظیم توحیدی آن، امکان پذیر نبود؛ و همان مردمی که گرفتار این حمله بودند، این مسائل عالی را درک نمی کردند.

بر افرادی که به نسبت از اخیار شمرده می شدند، افکار ضعیف پرور و از بین برنده شهامت و شجاعت و طرز تفکر درون گرای صوفیانه مسلط بود، که از عالم پهناور اسلام، حال مقاومت و دفاع از چنین یورشی را سلب کرده بود.

چنانکه داستان قبتل شیخ«نجم الدین صوفی» در مسجد جامع و اهانتهائی که از جانب مغول به قرآن مجید و مقدسات اسلام شد، نمونه ای از این وضع اسفناک و افکار منحرف و راکد مسلمانان است.

غرض اینکه، زمینه برای حکومت جهانی اسلام فراهم نبود؛ نه افکار و اندیشه ها و سطح بینش و بصیرت و رشد مردم آماده بود، و نه مردم، حاضر به فداکاری و همکاری در این سطح جهانی بودند.

چنانکه گفتیم ما نمی توانیم این شرایط را از هر جهت به دست بیاوریم، و حصول تمام آن مقدمات را در یک عصر معین پیش بینی کنیم، که مثلاً در چند قرن و چند هزار سال فراهم می شود. و اینکه بشر باید چه کلاسها و مکتبهائی را ببیند و چه رژیمهائی را پشت سر بگذارد، از اینکه آنها بتوانند اصلاحات را در سطح واحد و به نفع تمام بشریت انجام دهند، مأیوس گردد و خود را برای استقبال از آن عصر علم و پاکی و عصر فضیلت و عدالت آماده کند.

ایرادهائی که مخالفان احادیث مهدی می گیرند چیست؟ و چه نقطه ضعفهایی دارد؟

پرسش

ایرادهائی که مخالفان احادیث مهدی می گیرند چیست؟ و چه

نقطه ضعفهایی دارد؟

پاسخ

مجموع ایرادهای این گروه را میتوان در ۵ موضوع خلاصه کرد

۱ اسناد اخبار مهدی معتبر نیست!

۲ اخبار مزبور با عقل سازگار نمیباشد!

۳ این اخبار مورد سوء استفاده مدّعیان مهدویّت قرار گرفته!

۴ وجود این اخبار سبب رکود و سستی در جامعه اسلامی میگردد!

۵ این اخبار به سود شیعه و عقاید آنها تمام میشود!

ضعف منطق مخالفان

از این ایرادها استفاده میشود که مخالفت با احادیث مهدی یک چهره ظاهری دارد و آن به اصطلاح ضعف سند روایاتی است که در این زمینه نقل شده و یا ضعف دلالت آنها؛ و یک قیافه واقعی که در پشت این چهره قرار گرفته و انگیزه آن تعصّب خاصّ مذهبی و پارهای از مصلحت اندیشیهای بیدلیل است و در هر حال منطق مخالفان در هر قسمت کاملاً سست است زیرا اولاً، احادیث مهدی را علاوه بر شیعه جمعی از معروفترین محدّثان اهل سنّت در کتبی که از معتبرترین و معروفترین کتب آنها محسوب میشود نقل کردهاند و جمع کثیری اعتراف به تواتر آنها نمودهاند؛ بنابراین، جای این نیست که در اسناد یک یک آنها بحث شود؛ زیرا شهرت و تواتر آنها ما را بی نیاز از ملاحظه سند میکند؛ یعنی، طبق معیارهای سنجش حدیث این احادیث کاملاً قطعی است.

از این گذشته، در میان احادیث مزبور احادیث صحیح و معتبری نیز هست که محدّثان اهل سنّت هم اعتراف به صحّت آنها کردهاند. عجیب این است که خود «ابن خلدون» نیز به این حقیقت معترف میباشد؛ زیرا او پس از این که چندین صفحه از کتاب خود را به ذکر احادیث مهدی اختصاص داده و در

اسناد انها تا آنجا که میتواند تردید و تشکیک نموده، چنین میگوید

«فهـذه جمله الاحادیث التی اخرجها الائمه فی شأن المهـدی و خروجه آخر الزمان و هی کما رأیت لم یخلص منها من النقد الا القلیل و الاقل منه» [این تمام احادیثی است که پیشوایان حدیث درباره مهدی و قیام او در آخر زمان نقل کردهاند، و همانگونه که مشاهده کردید جز کمی از آنها مصون از انتقاد نماند!]

و به این ترتیب، لااقل اعتراف میکند که مقداری کمی از این احادیث صحیح و غیر قابل نقد است.

بعلاوه، احادیث منحصر به این احادیث که ابن خلدون در کتاب خود آورده نیست؛ و لذا بعضی از دانشمندان اهل سنّت برای پاسخگویی به ابن خلدون و اثبات تواتر احادیث مهدی و عدم انحصار آنها به آنچه او در کتاب خود آورده، کتابی نوشتهاند.

ثانیاً، در احادیث مزبور مطلبی بر خلاف عقل دیده نمیشود که سبب شود آنها را انکار کنیم، و هر قدر مضـمون بعضی از آنها خلاف عادی به نظر برسد، بالاتر از معجزات انبیای سلف نیست؛ و استبعاد نمیتواند مانع از قبول آنها گردد.

ثالثاً، آیا آگر این احادیث به نفع شیعه تمام شود، گناه شیعه یا گناه احادیث است؟!

چه مـانعی دارد حقیقتی از این راه روشـنتر گردد؟! بعلاوه، احـادیث مزبور اگر چه نظر شـیعه را تأییـد میکنـد، امّا در عین حال ملازمه قطعی میان قبول آنها و قبول تشیّع نیست، چه بسیارند کسانی که قیام مهدی را پذیرفتهاند، ولی به عللی شیعه نیستند.

رابعـاً، درست است که از این احادیث سوءاسـتفاده شـده، ولی کـدام حقیقت است که در جهان مورد سوءاسـتفاده قرار نگرفته است؟!

آیا مدعیان دروغین نبوّت یا الوهیّت

و یا سایر مقامات معنوی در دنیا کم بوده‌اند؟! ایا ادیان ساختگی در جهان کم است؟!

آیا ما باید همه این حقایق را به جرم سوءاستفاده منحرفان کنار بزنیم؟! و مطلقاً منکر خداپرستی و نبوّت انبیا بشویم؟!

خامساً، اعتقاد به قیام مهدی برای افرادی که حقیقت آنرا دریابند نه تنها موجب رکود و تنبلی نیست، بلکه مایه امیدواری و دلگرمی در برابر مشکلات و حوادث سخت زندگی است؛ همانطور که اعتقاد به خدا و قدرت بیپایان او به انسان در برابر مشکلات نیرو میبخشد، و پناهگاه مطمئنّی در برابر عوامل یأس و نومیدی ایجاد میکند، اعتقاد به ظهور مهدی نیز چنین اثری دارد و اصولاً انتظار قیام مهدی یک عامل نیرومند حرکت و اصلاح جامعه است.

آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟

پرسش

آیا این سخن که ناامیدی از حل مشکلات زندگی انگیزه پیدایش مهدودیت شده است صحیح است؟

پاسخ

نخیر، صحیح نیست زیرا که اندیشه و اعتقاد به مهدویت نشأت گرفته از اصل وحی و ارسال رسل است، و مهدویت یعنی حافظ شریعت و نگهبان او و چون شریعت اسلام شریعت خائم است مهدویت نیز برای حفظ این شریعت می باشد تا زمانی که اراده خداوند تعلق بگیرد. و چون مهدویت بدون اصل نبوت مفهوم نیست باید دانست که هدف انبیاء و پیامبر خاتم اسلام همان رشد دادن به انسانها و پرورش استعدادهای عظیم او و مهیا کردن و تربیت نمودن انسانهایی برای بهشت خداوند بوده است و بااین نگاه مؤمن حتی در متن رنجها و مشکلات به سازندگی و تربیت خودش تحت برنامه وحی می پردازد و اگر فرض کنیم در زندگی هیچ مشکلی وجود نداشته باشد باز نیاز به مهدی(عج) وجود دارد، زیر تربیت استعدادهای عظیم و ساخته شدن انسان برای منازل متعددی که در معاد در پیش دارد، ضرورت وجود یک معلمی که از غیب می داند و حافظ وحی و مربی انسانها و تکامل دهنده نفس انسانی می باشد و تکویناً بر من و نفس من احاطه دارد و از من به من نزدیک تر است (النبی اولی باالمومنین من انفسهم...) یعنی پیامبر از نفس مؤمنین بخودشان نزدیک تر است پس ضرورت وجود حضرت مهدی(عج) یک نیاز تربیتی و اعتقادی است و چون راه طولانی است (معاد) ضرورت وجود راهبر (نبی و وصی نبی) امری عقلی است زیرا که نشان دادن راه های طولانی تر و بزرگتر از سزح این جهان را وحی به عهده

دارد و کسانی که وحی به آنها سپرده شده است عهده دار تربیت نفوص و ایجاد زمینه های مناسب برای این تربیت می باشد.

آیا اینکه امام زمان((علیه السـلام)) موقعی ظهور می کنـد که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد با انقلاب اسـلامی ما منافاتی ندارد؟ با اینکه امید می رود که این انقلاب جهانی شود و بساط ستمگران را سرنگون سازد؟

پرسش

آیـا اینکه امـام زمـان((علیه السـلام)) موقعی ظهور می کنـد که دنیـا پر از ظلم و جور شـده باشـد با انقلاب اسـلامی ما منافاتی ندارد؟ با اینکه امید می رود که این انقلاب جهانی شود و بساط ستمگران را سرنگون سازد؟

پاسخ

با توجّه به شـرائط کنونی گرچه در کشور اسـلامی ما ایران این انقلاب اسـلامی به وجود آمد و رژیم طاغوتی سرنگون گردید ولی چنانچه آن مطلب را که دنیا پر از ظلم و جور خواهـد شـد و در سـطح جهانی در نظر بگیریم می بینیم اکنون آن مضـمون صـادق است و دنیـا پر از ظلم و جور شـده است و این انقلاب گرچه رژیم طاغوتی را ساقط کرد ولی هنوز آثار آن در کشور وجود دارد و در مجموع هنوز بسیاری ظلم ها و ستمها در سطح کشور وجود دارد که انشاالله به تدریج باید از بین برود. با این وصف بایـد از خداوند خواست و دعا کرد که این انقلاب اسـلامی به ظهور امام زمان((علیه السـلام)) و حکومت عدل جهانی آن حضرت بیانجامد و با ظهور آن گرامی تمام ستم ها و نابسامانیها از بین رفته و حکومت حق و عدالت جایگزین آن شود.

آیا لازمه این که وقتی جهان پر از ظلم وجود شد امام زمان((علیه السلام)) ظاهر می شود و دنیا را پر از عدل و داد می کند این نیست که ما امر به معروف و هر گونه حرکت اصلاحی را ترک کنیم؟

پرسش

آیـا لازمه این که وقتی جهان پر از ظلم وجود شـد امام زمان((علیه السـلام)) ظاهر می شود و دنیا را پر از عـدل و داد می کند این نیست که ما امر به معروف و هر گونه حرکت اصلاحی را ترک کنیم؟

پاسخ

از احادیث بسیار اسـتفاده می شود این است که وقتی امام زمان((علیه السلام))ظاهر می شود جهان پر از ظلم و جور شده است و بـا حکومت وی دنیـا پر از عـدل و داد می گردد و از احادیث اسـتفاده نمی شود که به مجرد پر شـدن زمین از ظلم جور امام زمان((علیه السلام)) ظاهر می گردد.

ظهور امام زمان یک وقت معین و ثابتی دارد تنها برخی از عواملماننـد دعا و آمادگی مردم ممکن است آن را جلو بینـدازد و تلاش نکردن و دست از مبارزه با ظلم برداشتن موجب تسریع در ظهور امام زمان((علیه السلام)) نخواهد بود.

بر این اسـاس وظـائفی که در رابطه بـا امر به معروف و حرکتهای اصـلاحی در کار است بایـد به آنها عمل شود. و اینکه امر به معروف می کنیم معنایش این نیست که خودمان قادر بر اصـلاح در سـطح کلّی جهانی باشیم چه اینکه امر به معروف در سطح جزئی که هر کسـی خـانواده اش یـا افرادی را که بـا آنها در تماس است به کار نیك وادارد و از کار زشت باز دارد نتیجه اش اصـلاح جزئی است و اقـدام به این اصـلاحات جزئی معنایش این نیست که ما قادر بر اصـلاح کلی می باشـیم و همچنین امر به معروف و اقامه نظام اسلامی در قلمرو خاص مانند انقلاب اسلامی ایران مستلزم قدرت بر ایجاد

حکومت توحید در سطح جهانی نیست آری آن انقلاب می تواند زمینه را از نظر آگاهی و روشنگری در سطح گسترده و جهانی فراهم کند. از خدای بزرگ خواستاریم که این انقلاب اسلامی ما را به ظهور حضرت مهدی((علیه السلام)) و حکومت عدل جهانی آن حضرت متصل سازد.

در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی آید؟

پرسش

در زمان فعلی که امام غائب است و قرآن ضامن اجرائی بنام امام ندارد آیا نقص و اشکالی برای ما در این مورد پیش نمی آید؟

پاسخ

باید گفت جواب منفی است، زیرا که معصومین(علیهم السلام) که عدل قرآن و ثقل اصغر می باشند، آنچه که مورد نیاز بشر بوده است بیان فرموده اند و ثانیاً امام زمان(علیه السلام)که اکنون در غیبت بسر می برند این گونه نیست که هیچ نظارت و توجه و تصرفی در امور نداشته باشند بلکه آن بزرگوار علاوه بر تصرف ظاهری تصرف باطنی نیز دارد و حال که به حکمت الهی و خواست و مشیت خداوند آن وجود عزیز از نظرها پنهان می باشد ولی توجه و نظارت بر حفظ شریعت و حفظ قرآن و مصون ماندن دین حق از تحریف و بدعت و دفع شبهات و آنچه که امور مردم منوط به آن است را دارا می باشند و چون دین اسلام آخرین دین جهانی تا روز قیامت است مشیت حق تعلق گرفته است به اینکه ختم اوصیاء تا زمانی که اراده حق باشد در پرده پنهان مجری احکام و فرامین الهی و حافظ دین پیامبر و کتاب خداوند باشد و در این مدت طبق نقل بعضی از وقایع حتی در نحوه استنباط حکم و ریاست و زعامت مجتهدین و علمای بزرگ و ارشاد و توجه به بعض شئون مسلمین مستقیماً عنایاتی داشته و دارند. چنان که خودشان در پاسخ به بعض نواب خودشان فرمودند: «و امّا وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکا لإنتفاع با لشمس إذا غیبها عن الابصارِ السحاف; نحوه و کیفیت استفاده و انتفاع از من، مانند

نحوه استفاده از خورشید است زمانی که ابر آن را از دیده ها پنهان کرده باشد»(۱).

این که حدیثی آمده که امام زمان((علیه السلام)) پس از ظهورش کتب آسمانی را از غاری بیرون می آورد و براساس آنها میان اهل آنها حکم می کند آیا با آیه ۸۵ سوره آل عمران که اگر کسی دینی جز اسلام را بپذیرد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود منافات

پرسش

این که حدیثی آمده که امام زمان((علیه السلام)) پس از ظهورش کتب آسمانی را از غاری بیرون می آورد و براساس آنها میان اهل آنها حکم می کند آیا با آیه ۸۵ سوره آل عمران که اگر کسی دینی جز اسلام را بپذیرد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود منافات

پاسخ

مضمون حدیث مذکور با آیه منافات ندارد زیرا در حدیث نیامده که اهل آن کتب آسمانی اعمالشان مورد قبول است و روز قیامت از زیانکاران نخواهند بود مضمون حدیث این است که امام زمان((علیه السلام)) در میان اهل کتب بر اساس کتابهای آنها حکم می کند.

ولی نکته قابل توجّه این است که در بسیاری از دعاها آمده است که امام زمان((علیه السلام))تمامکافران را که اسلام را نپذیرند از بین می برد حدیث مذکور چگونه با اینها سازگار است؟

پاسخی که در این زابطه به نظر می رسد این است که این حکومت که برای هر کسی از هل ادیان آسمانی براساس دین خودش قضاوت شود ممکن است در مراحل آغاز حکومت آن حضرت باشدو می دانیم که حقانیّت اسلام و پیامبری پیامبر اسلام و امامت امامان معصومین((علیهم السلام)) برا اثبات حقانیّت اسلام از آن کتابنها و آیات استفاده کند تا آنان براساس کتابهای خودشان حقانیّت اسلام را درک کرده مسلمان شوند.

اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم((علیه السلام)) داشته باشیم؟

پرسش

اگر براساس دلیل عقلی امام معصوم باید زمام امر حکومت را به دست گیرد پس چرا در زمان غیبت امام معصوم((علیه السلام)) در رأس حکومت نیست و اگر فقیه عادل هم می تواند حکومت را به دست گیرد پس از اصل نباید دلیلی بر لزوم امامت امام معصوم((علیه السلام)) داشته باشیم؟

پاسخ

دلیلی که نیازمندی جامعه را به امام اثبات می کند همان دلیلی است که لزوم وجود پیامبر را اثبات می کند و دلیل در این مورد قاعده لطف است بدین معنی که آفرینش آنان از روی لطف و عنایت وی سرچشمه گرفته است و لطف خدا ایجاب می کند که برنامه برای آنان بفرستد و آنان را در وظایف خویش سرگردان نگذارد.

و همانگونه که مردم بدون پیامبر از نظر برنامه سرگردان می مانند و نمی توانند عوامل سعادت و خوشبختی خویش را به درستی بفهمند بدون امام هم نمی توانند به درستی جزئیات سعادت خویش را در زندگی رهنمون گردند.

بنابراین لطف ایجاب می کند که خداوند شخصی را بنام پیشوا و زعیم و رهبر پس از پیامبر برای آنان برگزینند در اینجا این سخن پیش می آید که پس چرا خداوند امام را غایب قرار داده است و چگونه این با دلیل مذکور سازگار است؟

پاسخ این است که علّت غیبت امام زمان آمده نبودن زمینه برای حکومت آن حضرت است و به عبارت روشن تر خداوند باعث نشده که امام زمان غایب گردد تا با لطف وی ناسازگار باشد بلکه چنان که محققین یادآور شدند این ماییم که زمینه را برای غیبت وی آماده ساختیم و آنگاه که جهان خواستار حکومت وی گردد و

آمادگی برای این مسئله در بشریّت به وجود آید وی به اذن خدا ظاهر گشته و عدالت و سایر دستورات الهی را در جامعه انسانی گسترش می دهد آن وقت این سخن پیش می آید که حال که اما زعیم کنونی به حسب ظاهر نیست چه کسی باید متصدّی زعامت شود؟

روشن است که در این صورت شایستگی فقهای عادل برای این مسئله بیش از دیگرانست و بر این اساس از ناحیه آن حضرت دستور داده شده که مردم در تکالیف خویش به فقهاء و مراجع دینی توجّه کنند و در حل اختلافات خویش آنان را حاکم قرار دهند.

در جایی خوانده ام هنگامی که امام زمان ظهور می کند از هر ۱۰۰۰ پسر یک دختر بدنیا خواهد آمد می خواستم بپرسم که چرا آمدن امام زمان این نوید را می دهد این که تبعیض آمیز است. مگر وجود دختر چه عیبی دارد؟ در همان احادیث خواندم امام زمان پسری را که به سن ۲۰ نرسیده

پرسش

در جایی خوانده ام هنگامی که امام زمان ظهور می کند از هر ۱۰۰۰ پسر یک دختر بدنیا خواهد آمد می خواستم بپرسم که چرا آمدن امام زمان این نوید را می دهد این که تبعیض آمیز است. مگر وجود دختر چه عیبی دارد؟ در همان احادیث خواندم امام زمان پسری را که به سن ۲۰ نرسیده و عالم در دین نشده می کشد و جزیه را از اهل کتاب برمی دارد. توضیح دهید.

پاسخ

در پاسخ شما باید عرض کنیم که ظهور و قیام و در نهایت حکومت حضرت بقیه ا... "عج" به منظور عمل به احکام و فرامین الهی، برقراری عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و ستم و نابودی ستم پیشگان، زدودن آثار کفر و شرک از جوامع بشری، اصلاح انحرافات دینی و عقیدتی و تربیتی در افکار و رفتار مردم، گسترش علم و دانش در همه ابعاد و جمیع ارکانش، و در نهایت شکوفایی عقلها و آبادانی زمین و واگذاری امور به اهلش می باشد.

نبی مکرّم اسلام"ص"، امام مهدی "عج" را چنین توصیف می کند: "او امامی است پرهیزگار، پاک و پیراسته، شادی آفرین، پسندیده، راهنما و ره یافته که به عدالت حکم می کند و بدان فرمان می دهد. خدایش را تصدیق می کند و خدا نیز او را تصدیق می نماید..." (۱)

امام باقر "ع" می فرماید: "او وقتی برای بسط عدالت برمی خیزد که جهان از ظلم و جور پر شده است" و نیز می فرماید: "زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از جور و ستم پر شده بود." (۲)

بر این اساس آن بزرگواری که خود دشمن

ظلم و تبعیض و انحراف و عامل وآمر به عدل و انصاف و راستی و درستی و برابری و رحمت و مودّت است و ظهور او در واقع نوید بخش حیات طیّبه، پس چگونه ممکن است که ظهور مقدسش با نوعی تبعیض و عدم تعادل در زاد و ولد اولاد ذکور و اُناث همراه باشد، و حتی اقدام به کشتن افرادی کند که نسبت به احکام دین بی اطلاع هستند و یا فرصت درک و فهم حقایق دین برای آنان فراهم نبوده است؟ جز این نیست که بگوییم چنین روایاتی از درجه اعتبار ساقط می باشد و نمی توان بدانها استنادکرد.

از دیدگاه شیعه امامیه، احادیث و روایاتی قابل قبول است که سند آنها قطعی و از پیامبر "ص" و ائمه اهل بیت "ع" رسیده باشد، و حدیثی که مخالف قرآن باشد ارزشی ندارد. (۳)

در خصوص ظهور و قیام امام مهدی "ع" نیز کم نیستند روایاتی که از نظر سند و محتوا ضعیفند و حتی روایات جعلی در این باره بسیار است. بنابراین در نقل مطالب در این خصوص نمی توان به هر حدیث و روایتی استناد کرد، بلکه باید دقت لازم را بکار برد و برای تشخیص صحت و سقم آنها به اهلش رجوع کرد.

اما به فرض اینکه روایت مذکور صحیح باشد نیاز به توضیح دارد و آن اینکه ممکن است در اثر نبردهایی که در آن زمان به وقوع می پیوندد، تعداد مردان به نسبت بسیار کمتر از زنان گردد، لذا برای ایجاد تعادل، موازنه میان تولد فرزندان دختر و پسر بدان صورت خواهد بود که در روایت مذکور ذکر گردیده.

در مورد پیکار حضرت

ولی عصر ارواحنا فداه با گمراهان و منحرفان و ظالمان، امام "ع" جز به فرمان خداوند و خشنودی و رضای پروردگار عمل نمی کند، و احدی را بی گناه و مظلوم مجازات نخواهد کرد، و با پیروان ادیان و مذاهب دیگر نیز جز از طریق عدل و انصاف وارد نخواهد شد. بنابراین تصور هر گونه تبعیض و ستم و رفتاری خلاف عدالت از سوی امام "ع" و یاران بزرگوارش به هنگام ظهور و یا دوران زمامداری آن عزیز غایب از نظر، بدور از منطق قرآن و اسلام است.

منابع و مآخذ:

۱. بحار، ج۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۴

۲. همان، رویات ۸۳

شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، ص۵۳

در روایت آمــده زمانی که امام زمان (عج)ظهور میکند هر کســی که ایمان نیاورد را از دم تیغ شمشــیر میگذراند. در این صورت این مطلب با "لاَ َإِكْرَاهَ فِی الدِّین" چگونه تفسیر، تبیین و تعبیر میشود؟

پرسش

در روایت آمده زمانی که امام زمان (عج)ظهور میکند هر کسی که ایمان نیاورد را از دم تیغ شمشیر میگذراند. در این صورت این مطلب با "لاَ َإِكْرَاهَ فِی الدِّین" چگونه تفسیر، تبیین و تعبیر میشود؟

پاسخ

مخالفان امامرا می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. مخالفان سیاسی و مذهبی کهِ مسلماناند؛

۲. مخالفانی که اهل کتاباند؛

۳. مخالفانی که معاند ومستکبراناند.

اما دسته اول: با مروری بر روایات سیره مهدی (عج) نشان میدهد، در نظام آن حضرت، آزادیِ مذهب وجود دارد،

و مسلمانی به جرم داشتن عقیده مخالف، مجازات نمیشوند، و مخالفان مذهبی، حق اظهار عقیده دارند.

ناگفته نماند، امامدر همه مراحلِ دعوت و فعالیت، به تبیین اهداف و علل اقدامات خود میپردازد، و نقطه ابهامی را برای مردم باقی نمیگذارد. مخالفان سیاسی و مذهبی، با استفاده از جوّ آرامی که امامایجاد میکند، به بیان مواضع خود میپردازند و جواب میشنوند.(فروع کافی، کلینی؛، ج ۸، ص ۲۲۷، دارالتعارف، بیروت؛ بحارالانوار، مجلسی؛، ج ۵۲، ص ۳۴۳ و ص ۳۸۷، مؤسسه

الوفأ / وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی;، ج ۱۱، ص ۵۵، داراحیأ التراث الاسلامی.)

اما دسته دوم: از روایاتِ مستفیض استفاده میشود که، برخورد امام مهدی(عج) با اهل کتاب، بر اساس کتاب و سنت است; و هدف آن حضرت، احیای قوانین قرآن و روش پیامبر اکرم(ص)خواهد بود; و گرفتن جزیه، از مقررات اسلامی و بر اساس قرآن و سنت اعمال خواهد شد.

بنابراین، مقصود از آیه "لِیُظْهِرَهُو عَلَی الدِّینِ کُلِّه;(توبه،۳۳) تا آن را (دین اسلام را) بر هر چه دین است پیروز گرداند." وحدت دین نیست; بلکه حکومت جهانی واحد است.(ر.ک، ارشاد، شیخ مفید;، ج ۲، ص ۳۸۳، مؤسسه آلالبیت / اعلام

الوری، امین الاسلام طبرسی؛، ص ۴۴۵، دارالمعرفه، بیروت.)

و اما دسته سوم: بله، امام مهدی(عج) همه مستکبران، مفسدان، کافران را که از دشمنان اصلی امام هستند، در آن روزگار، بعد از اتمام حجت، ریشه کن خواهد کرد؛ و به این وسیله، هر گونه الحاد و شرک را نابود کرده، و همه بازدارندههای پیشرفت اسلام را از میان خواهد برد، و تمام مردم جهان سر بر فرمان دستورهای ولیعصر امام مهدیغ خواهند برد. و شاید روایاتی که میفرمایند آن حضرت همه دشمنان خود را از دم تیغ میگذراند این گروه از افراد باشند.

با توجه به تفصیل فوق، اولاً: آیه شریفه "لاَ َ إِكْرَاهَ فِی الدِّین" با آن چه در مطالب بالا گذشت تنافی ندارد. شدت عمل امامغ با دسته سوم و با ناصبیها و معاندین امری عقلانی، شرعی و مطابق با همه قوانین اجتماعی، انسانی و بینالمللی است. بدیهی است، کسانی که با برقراری قسط و عدل و برپائی مدینه فاضله حضرت مهدیغ]که در سطح جهان بپا خواهد کرد[به ستیز برخیزند، آن حضرت آنها را از دم تیغ خواهد گذراند. تا بالاخره بشر شیرینی زندگی خوش توأم با صفا، صمیمیت، برابری، مساوات و... و بدور از هر گونه بی عدالتی، ظلم، فساد، هوی و هوس و... همراه با معارف بلند اسلام و احکام و دستورات الهی را برای اولین بار تجربه کنند.

ثانیاً: مفهوم "لاَ َ إِكْرَاهَ فِی الدِّین" این است که، هیچ کس توانایی عوض کردن اعتقاد قلبی افراد را ندارد؛ زیرا، اکراه تنها در اعمال ظاهری و افعال و حرکات بدنی و مادی تأثیر میکند؛ و اما اعتقادات قلبی، علل و اسباب آنها، از

سنخ اعتقاد و ادراک است، و محال است که نتیجه جهل، علم باشد; یا این که مقدمات غیر علمی موجب تصدیق علمی گردد.(برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به آیات: اعراف، ۶۵و۷۳و۸۵; هود، ۱۴و ۵۰و ۶۱و۸۴; انبیأ، ۲۵و۸۷و۱۰۸ / ر.ک: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۹، ص ۱۲۹ و ج ۱۲، ص ۷۳ و ج ۱۳، ص ۳۸۶ و ج ۲۷، ص ۴۴۵، دارالکتب الاسلامیه / تفسیر المیزان، علامه طباطبائی;، ج ۱۱، ص ۲۷۷، اسماعیلیان و فرهنگی علامه;.)

امام زمان عج) اگر بیاید، حکومت اسلامی برقرار خواهد کرد. مراجع تقلید نیز حکومت ایران را اسلامی معرفی می کنند; بنابراین این حکومت اسلامی است و دیگر نباید ظهور امام زمان را آرزو کرد؟ آیا ظهور امام زمان که از زمان های قدیم بیان شده صرفاً یک عقیده و امیدو

پرسش

امام زمان عج) اگر بیاید، حکومت اسلامی برقرار خواهد کرد. مراجع تقلید نیز حکومت ایران را اسلامی معرفی می کنند; بنابراین این حکومت اسلامی است و دیگر نباید ظهور امام زمان را آرزو کرد؟ آیا ظهور امام زمان که از زمان های قدیم بیان شده صرفاً یک عقیده و امیدواری برای بشریت نمی باشد؟ حتی اگر قرآن نیز گفته باشد! و اصلاً چرا اسلام مخالفان ومنکرانش را مرتد و واجب القتل می خواند؟ چرا به فرض به سلمان رشدی اجازه نمی دهد حرف خویش را بزند و چرا اسلام و قرآن از افکار و انتقاد وحشت دارند؟

پاسخ

پیاده کردن حکومت اسلامی مراتب دارد; مراجع تقلید و ولایت فقیه موظفند بخشی از آن را که در توان آنها است اجرا کنند و اجرای کامل آن بر عهده امام عصر است در واقع این حکومت مقدمه و زمینه ای است برای آن حکومت جهانی که ان شأ الله با ظهور حضرت حجت(عج) که امری قطعی است برپا خواهد شد. برای نزدیک شدن به ذهن وقتی یک بیمار اورژانس را می خواهند برای بیمارستانی با تجهیزاتی کافی بفرستند، ابتدا مقدماتی را فراهم می کنند، مثلاً به او سرم و یا اکسیژن وصل می کنند تا برای ادامه درمان به بیمارستان برسد; همچنین می توان یک اتاق تاریک را در نظر گرفت که برای مثال مدتی با لامپ و مانند آن روشن می شود و پس از مدتی نور آفتاب به درون آن می تابد و آن را کاملاً روشن می نماید.

ظهور امام زمان غ امر قطعی است و شیعه و سنی بر آن اتفاق دارند; بلکه بالاتر از آن مهدویت امری جهانی است و نشانه

هایی از آن در دیگر ادیان الهی نیز آمده است و همه مستضعفان جهان روی چشمشان به جمال آن حضرت روشن می شود. در منابع روایی برای این ظهور قطعی نشانه هایی ذکر شده که شماری از آن ها به وقوع پیوسته و به طور کامل قابل تطبیق است برای آگاهی بیشتر ر.ک عصر ظهور، علی کورانی ترجمه عباس جلالی مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی چ پنجم ، قم ۱۳۷۵ ش) و هرگونه تشکیک در آن خالی از پایه های علمی و منطقی است و در نتیجه پذیرفتنی نیست

مرتد به کسی می گویند که از دین اسلام به دیگر ادیان و یا لامذهبی تغییر جهت دهد; به دیگر سخن اول معتقد به اسلام و مسلمان باشد و بعد از اسلام روی گرداند و دلیل مجازات او نیز عمل ناشایست او است توضیح این که مجازات مرتد به دلیل رویکرد مجرمانه او است این رویکرد از دو زاویه قابل بررسی است

الف انسان زیستی اجتماعی دارد و برای ادامه حیات خود در تقابل با جامعه است جامعه نیز بخشی از نیازهای او را برطرف می سازد و به او خدمت رسانی می کند که یکی از مهم ترین آن ها ایجاد امنیت و ایجاد زمینه زندگی سالم توأم با آرامش است در مقابل از او خدماتی می خواهد که دفاع از جامعه در مواقع ضروری و شرکت در خدمت رسانی متقابل که عاید دیگران می شود، از جمله آن هاست یکی از الزامات مهم در این تعامل و پیمان دوجانبه بین فرد و جامعه احترام به کیان جامعه است

در این صورت هر گونه انفصال یک جانبه از آن پیامدهایی را به دنبال دارد که عقل جمعی عقلای هر جامعه برای چنین انفصالی تعیین می کنند. دین مبین اسلام که مهم ترین برنامه های آن در چارچوب جامعه و حکومت اسلامی تحقق می پذیرد، در تعامل تنگاتنگی با افراد و پیروان خویش است و عقدی دو جانبه با آن ها دارد که پس از درآمدن به آن و بردوش گرفتن پیمان و بهره برداری از خدمات آن انفصال غیرمنطقی و یک جانبه را با پیامدهایی که عقل کل تعیین فرموده رو به رو است یادآور می شویم که اسلام اتصال و هم پیمان شدن بدون فکر و تأمل را بر نمی تابد و تقلید را در اصول نمی پذیرد و به همگان دستور می دهد آگاهانه و با تأمل و دقت و تحقیق و بررسی به پیمان با جامعه اسلامی درآیند تا رستگار شوند. اسلام با کسانی که در قید ادیان دیگرند، با شرایط خاصی پیمان و عقد دوجانبه می بندد و هرگز آن ها را به خاطر عقاید مجازات نمی کند.

ب از آیات قرآن کریم استفاده می شود که مجازات مرتد به خاطر ماهیت مجرمانه عمل مرتد و جلوگیری از پیامد ارتداد است نه به جهت تغییر عقیده بدون اظهار و ابراز آن

پذیرش اسلام باید طبق منطق باشد; کسی که آیینی همچون اسلام را بعد از تحقیق و پذیرش رها کند و به سوی آیین های دیگر برود، معمولاً انگیزه صحیح و موجهی ندارد، بنابراین عدول و بازگشت او به تخطئه و خیانت شبیه تر است تا به اشتباه و عدم درک حقیقت چنان که قرآن کریم می فرماید: "إن ّالّذین ارتدّوا

علی ٰ أدبَرهم مِّن بعد ما تبیّن لهم الهدی الشَّیطَن سوّل لهم و أملی ٰ لهم (محمّد، ۲۵) کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آن ها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است .

و در آیه ۱۰۷ سوره نحل می فرماید: "این به خاطر آن است که زندگی دنیا (و پست را بر آخرت ترجیح دادند...".

تعبیراتی که قرآن درباره مرتد به کار برده "شهدوًا أن ّ الرّسول حق ّو جآءهم البیّنَت (آل عمران ۸۶) "مِّن بعد ما تبیّن لهم الهدی (محمّد، ۲۵)، نشان دهنده این است که این گونه افراد از روی عناد، لجاجت هتك مقدسات و مقابله با اسلام دست از دین برداشته اند و مؤید آن حوادث صدراسلام (اهل ردّه است که وقتی عدد مرتدین زیاد شد، آنان به قصد نابودی اسلام به مدینه حمله کرده و با مسلمانان وارد جنگ شدند.(ر.ك تاریخ اسلام دکتر حسن ابراهیم حسن ج ۱، ص ۳۴۴ ۳۵۳، داراحیاألتراث العربی)

علاوه بر آن اگر به افراد اجازه داده شود هر روز مایل باشند خود را مسلمان معرفی کنند و هر روز مایل نباشند انکار نمایند، به زودی جبهه داخلی کشور اسلام از هم متلاشی خواهد شد و راه نفوذ دشمنان و عوامل و ایادی آن ها باز خواهد گردید و هرج و مرج در جامعه اسلامی پدید خواهد آمد; چنان که قرآن کریم می فرماید: "جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: (بروید در ظاهر) به آن چه بر مؤمنان نازل شده در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز

کافر شوید; شاید آن ها (از آیین خود) باز گردند." (آل عمران ۷۲).

البته ممکن است گاهی ارتداد فردی از حدود زبان تجاوز نکند و نه از روی قصد خیانت به مسلمانان بلکه بر اثر گرفتار شدن در دام شبهات از اسلام خارج شود; امّا بحث ما جنبه کلی دارد و احکام تابع یک فرد و دو فرد نمی شود، بلکه مجموع افراد را به طور کلی باید در نظر گرفت از این جهت می توان گفت بازگشت یک فرد مؤمن به انکار و اعتراض (ارتداد) غالباً خالی از واکنش و تحریکات بر ضد نظام اسلام نخواهد بود.

در این هنگام ارتداد یک فرد، به صورت هسته فتنه در آمده و تحریکات و واکنش های او مایه جذب دشمنان و مغرضان و ماجراجویان و افراد ضعیف الایمان گردیده و به ایجاد شورش منجر می شود.

آیین مقدس اسلام جهت پیش گیری و ریشه کن ساختن چنین فتنه ها و فسادها دستور داده است که مرتد در پاره ای موارد کشته شود تا نظام دین و حکومت اسلام و آیین و کتاب او دستخوش چنین حوادث شوم نگردد و مغرضان با مکتب خدا بازی نکنند.

بنابراین اسلام به خاطر جرمی که مرتد مرتکب شده و برای حفظ حقوق دیگران که در سایه بقای دین و حکومت اسلامی و مبارزه با ایادی و عوامل بیگانه حاصل می شود، چنین کیفری (اعدام یا حبس و...) را برای مرتد در نظر گرفته است و این حکم (مجازات مرتد) هیچ منافاتی با آیه "لا إکراه فی الدین و آزادی عقیده ندارد.

در پایان لازم است یادآوری کنیم که اسلام میان مرتد فطری (کسی که از پدر و مادر مسلمان

متولد شده و پس از قبول اسلام از اسلام برگشته است و مرتد ملّی (کسی که پدر و مادر او به هنگام انعقاد نطفه اش مسلمان نبوده اند و او بعداً اسلام را پذیرفته سپس از آن برگشته و همچنین بین مرد مرتد و زن مرتد فرق گذاشته است

مرد اگر مرتد فطری باشد، بدون قید و شرط اعدام می شود؛ ولی اگر مرتد ملّی باشد، در صورت عدم بازگشت به اسلام توبه کشته می شود.

این تفاوت شاید به خاطر این باشد که ضرر ارتداد فردی که اصالتاً مسلمان بوده است (مرتد فطری به مراتب بالاتر از فرد بیگانه است که غیر مسلمان بوده سپس مسلمان شده است

فرد اول به خاطر داشتن ارتباطات قوی و نیرومند، روی فکر و ذهن خانواده های اسلامی و ضعیف الایمان بیشتر می تواند اثر منفی بگذارد و بهتر می تواند بر ضد حکومت اسلام قیام و فعالیت کند؛ در حالی که اثر منفی فرد دوم از آن کمتر است

امّا زن مرتد (چه فطری و چه ملّی در اسلام کشته نمی شود و آن هم شاید به این جهت باشد که زن هر چند یک انسان کامل است امّا بر اثر داشتن عواطف سرشار، زودتر تحت تأثیر قرار می گیرد و اگر چه زودتر به انحراف فکری کشیده می شود، زودتر هم به سوی حق باز می گردد.

همچنین برخی از محققان از فقها نیز فرموده اند: فردی که بر اثر تماس و ارتباط با گروه باطل شبهاتی در دل او پیدا شده کم کم صورت انکار به خود گرفته و باعث شده تا برخی از احکام ضروری دین را انکار کند، ولی

به گونه ای است که اگر شبهه او زایل شود، فوراً به آغوش حق باز می گردد، این طور فردی نیز کشته نمی شود.(ر.ک پرسشها و پاسخها، استاد جعفر سبحانی ص ۲۵۵ ۲۶۰، انتشارات مؤسسه سیدالشهدأ / مستمسک العروه آیت الله سیدمحسن طباطبایی حکیم ج ۱، ص ۳۷۸ ۳۸۴، الطبعه الرابعه نجف اشرف / تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی ج ۲، ص ۲۷۸ ۲۸۱ و ج ۱۱، ص ۴۱۸ ۴۲۱ و ص ۴۲۶ ۴۲۷، دارالکتب الاسلامیه / المیزان علامه طباطبایی ج ۲، ص ۳۴۲ ۳۴۷، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان / قاموس قرآن سیدعلی اکبر قرشی ج ۶، ص ۱۰۷ ۱۰۸، دارالکتب الاسلامیه)

پس از بیان معنای مرتد و مجازات او، روشن می شود که هر کافری مرتد نیست و از سوی دیگر، مجازات هر کافری قتل نیست بلکه قتل مختص به کافران حربی است یعنی کافرانی که علیه نظام اسلامی و منافع آن روش های خصمانه دارند و به کیان اسلام و مسلمانان ضربه می زنند.

انتقاد نیز در اسلام آزاد است ولی باید بین انتقاد و توهین فرق گذاشت و فرق آن نیز پوشیده نیست منتقد کسی است که مستند به دلایلی رأی طرف مقابل را محترمانه به نقد می کشد، ولی توهین و مسخره کردن عقاید دیگران و به بازیچه گرفتن آنها در حکم محارب است و سلمان رشدی نیز نه از راه انتقادی عالمانه که از راه توهین و تمسخر وارد شد و دین مبین اسلام را هجمه ناسزاگویی ها و هتاکی های خود قرار داد. اینک ما می پرسیم که

آیـا می توانیم نـام "منتقـد" را بر چنین فردی گـذاشت روشن است که چنین فردی از دشـمنانی است که خطر آن ها کم تر از خطر سـلاح هـای مرگبـار نیست و آیـا راهی جز مقـابله بـا او وجود دارد؟ آیـا هیـچ آیینی می پـذیرد که شخصـی به آن هـا و معتقـداتشان توهین کنـد؟ به راستی اگر کسـی از در انتقاد عالمانه و منطقی وارد شود، آیا کسـی می تواند جلوی او را بگیرد؟ چـه بسـیارند منتقـدانی که آرای خـویش را آزادانه نوشـته ویـا گفته انـد و چه بسـیار مبـاحثه هـایی که در طـول تاریـخ در این خصوص رخ داده است بنـابراین اسـلام از انتقـاد اسـتقبال می کنـد و به آن پاسـخ می گویـد، ولی توهین و دشـمنی زبانی و به تمسخر گرفتن را نمی پذیرد و به مقابله با آن بر می خیزد.

اگر وقتی امام زمان ظهورمی کنـد دین جدیدی می آورد که علامت حقانیت اوست پس چطورمی شود گفت اشخاصـی مثل علی محمد باب هم که چنین ادعایی می کنند دروغ می گویند؟

پرسش

اگر وقتی امام زمان ظهورمی کنـد دین جدیـدی می آورد که علامت حقانیت اوست پس چطورمی شود گفت اشخاصـی مثل علی محمد باب هم که چنین ادعایی می کنند دروغ می گویند؟

پاسخ

}اولاً، امام زمان(عج) قرآن و احکام جدید نمی آورند؛ بلکه به قدری بدعت ها در دین فراوان می گردد که وقتیحضـرت دین اصلی را بیان می کنند برخی آن را دین جدید می پندارند؛ نه این که همه متدینین و همه فرقه ها چنیننتیجه ای بگیرند.

ثانیـا، تنهـا علامـت حقانیت امام زمان(عـج)، دین جدیـد نیست تا هر کس دین تازه ای آورد؛ بگوییم که این همانمصلح آخر الزمان است. ده ها علامت و نشانه دیگر از نظر اجتماعی و فردی وجود دارد که تنها بر شخص امام زمانمنطبق است.

ثالثا، امثال سید علی محمد باب، اساسا مدعی نبوت و دین جدید بوده اند نه این که اسلام اصیل را معرفی کرده باشند.

رابعا، به غیر از سـید علی محمـد باب، از زمان غیبت و حتی قبل از آن تاکنون صدها نفر چنین ادعاهایی کرده اند.پس آیا باید آنها را پذیرفت؟!!{

آیا در نماز میت سن تکلیف شرط نیست و اگر هست پس چطور امام زمان (عج) بر پدر خویش نماز خواندند؟

پرسش

آیا در نماز میت سن تکلیف شرط نیست و اگر هست پس چطور امام زمان (عج) بر پدر خویش نماز خواندند؟

پاسخ

شروط مطرح در عبادات به ۳ دسته می باشد:

۱ شروطی که تنها شرط وجوب عبادت است نه شرط صحت آن مثل استطاعت در حج شما اگر مستطیع نباشید حج بر شما واجب نیست.

۲ شروطی که شرط صحت عبادت است نه وجوب آن مثل طهارت (وضو، غسل، تیمم) برای نماز که تنها شرط صحت است و بدون آن هم باز نماز واجب است.

۳ شروطی که هم شرط صحت است و هم شرط وجوب مثل وقت نماز مثلاً ـ نماز ظهر قبل از اذان ظهر نه واجب است و نه صحیح است.

بلوغ برای نماز میت (و هر نمازی) از نوع اول می باشد یعنی بلوغ شرط وجوب نماز است اما تقریبا همه فقها نماز غیر بالغ را صحیح می دانند. البته در نماز میت بحث دیگری هم مطرح است و آن کفایت نماز غیر بالغ است زیرا نماز میت واجب کفایی و اگر یک نماز صحیحاقامه شود تکلیف از دیگران ساقط می گردد حال این پرسش مطرح می گردد که نماز میت غیر بالغ کافی است و دیگر بر دیگران واجب نیست نماز میت بخوانند یا نه؟ نسبت به این موضوع فقها تردید کرده و احتیاطا حکم می کنند که بالغ هم نمازی بخواند. اما نسبت به نماز امامزمان(عج) بر پدر بزرگوارش(ع) اضافه باید نمود که نسبت به نماز میت بر ائمه(ع) حکم اختصاصی وجود دارد و آن لزوم اقامه نماز توسط امام(ع) است لذا با توجه به صحت نماز غیر بالغ و لزوم اقامه نماز توسط امام(ع)، نماز امام زمان(عج) بر

امام حسن عسکری(ع) هم صحیح است وهم کافی است.{J

کتابشناسی

مهم ترین کتاب هایی که بتوان از آن ها درخصوص آرا و اندیشه های بزرگان و عالمان دین، چون سید جمال الدین اسدآبادی، آیت الله بهبهانی، شیخ فضل الله نوری، خیابانی، نواب صفوی، حضرت امام درخصوص اصلاحات در جامعه اسلامی را یاری جست. لطفاً نام ببرید و نام نویسنده آن

پرسش

مهم ترین کتاب هایی که بتوان از آن ها درخصوص آرا و اندیشه های بزرگان و عالمان دین، چون سید جمال الدین اسدآبادی، آیت الله بهبهانی، شیخ فضل الله نوری، خیابانی، نواب صفوی، حضرت امام درخصوص اصلاحات در جامعه اسلامی را یاری جست. لطفاً نام ببرید و نام نویسنده آن را ذکر فرمایید.

پاسخ

کتاب های ذیل جهت اطلاع شما معرفی می شود:

۱ – تفسیر آفتاب، محمد رضا حکیمی؛

۲ – نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، استاد شهید مرتضی مطهری

۳ – سیره صالحان، ابوالفضل شکوری

۴ – بیدارگان اقالیم قبله، محمد رضا حکیمی

۵ – میرزای شیرازی، شیخ آقا بزرگ تهرانی

۶ – تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ۵ جلد، موسی نجفی

۷ – یک بررسی تحلیلی از زندگی سیاسی مدرس، سید صدرالدین ظاهری

۸ – نهضت امام خمینی (ره) سید حمید روحانی

۹ – تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال الدین مدنی

پیرامون ظهور امام زمان(ع) آیا روایت یا حدیثی که صریحاً به اصلاحات آن امام همام اشاره داشته باشد، موجود است؟ در صورت وجود، در کدام کتاب می توان آن را یافت؟

پرسش

پیرامون ظهور امام زمان(ع) آیا روایت یا حدیثی که صریحاً به اصلاحات آن امام همام اشاره داشته باشد، موجود است؟ در صورت وجود، در کدام کتاب می توان آن را یافت؟

پاسخ

امام زمان(ع) مصلح جهان بشریت است و اصلاح در این جا به معنای تغییر جزئی نیست، بلکه به معنای تغییر کلی در جهان بشریت و حاکم شدن عدل و داد به جای ظلم و جور است.

آرمان اصلی حضرت مهدی(ع) تحقق عدالت و گسترش اصول دادگری در عالم است. در روایات مختلفی که از ائمه اطهار(ع) نقل شده است. این مضمون را بیان فرموده اند: "یملأ الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت صلماً و جوراً؛ امام زمان(ع) زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، همان گونه که از ستم و بیداد پر شده است".(۱)

بعضی از منابع جهت شناخت امام زمان(ع) معرفی می شود:

۱ - قائم آل محمد(ص) و فلسفه غیبت، آیت الله خلیل کمره ای

۲ - دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی

۳ - نوید امن و امان، آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

۴ - جهانگشای عادل، سید جمال الدین دین پرور

۶ - قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، استاد شهید مرتضی مطهری

۷ - در فجر ساحل، محمد حکیمی

۸ - خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی

۹ - آینده بشریت از نظر مکتب ما، آیت الله سید محمود طالقانی

۱۰ - عصر زندگی، محمد حکیمی

پی نوشت ها:

۱ - بحارالانوار، ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳.

منابع مفید در مورد امام مهدی (عج) معرفی کنید؟

پرسش

منابع مفید در مورد امام مهدی (عج) معرفی کنید؟

پاسخ

پیرامون امام مهدی (ع) نیز کتابهای بسیار زیادی نوشته شده است . بخش زیادی از این کتابها در مجموعه ((کتابنامه حضرت مهدی (ع))) ۲ جلد, علی اکبر مهدی پور, انتشارات الهادی , قم , ۱۳۷۵ گردآوری شده است . به بعضی از منابع مفید اشاره می شود:

۱. پژوهشی پیرامون مهدی (عج) شهید صدر, انتشارات امید قم , این کتاب مجموعه کوچکی است که به پاسخ بعضی سوئالات پیرامون امام مهدی پرداخته است .

۲. بر ستیغ آرمان ها, سید محسن امین عاملی , انتشارات طور, تهران , ۱۳۶۴.

۳. امامت و مهدویت آیت الله لطف الله صافی , انتشارات اسلامی , قم , این کتاب در دو جلد شامل مجموعه مباحث آیت الله صافی پیرامون امام مهدی (عج) است .

۴. امام زمان در گفتار دیگران , علی دوانی , ندای ایمان , تهران , ۱۳۹۹ ه'.ق , این کتاب گفتار حدود ۱۱۵ عالم اهل سنت پیرامون مهدی را گردآوری کرده است .

۵. عصر ظهور, علی کورانی , عباس جلالی , انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی .

در داستان حضرت نرجس بعد از آمدن ایشان نزد امام هادی و عدم حضور ایشان در خانواده با چه عکس العملی مواجه شد؟ و سرنوشت خانواده ایشان از آن پس چه بود؟

پرسش

در داستان حضرت نرجس بعد از آمدن ایشان نزد امام هادی و عدم حضور ایشان در خانواده با چه عکس العملی مواجه شد؟ و سرنوشت خانواده ایشان از آن پس چه بود؟

پاسخ

اگر منظور از سؤال این است که پس از آمدن نرجس به سامراء و ورود ایشان به خانه امام هادی(ع)، خانواده نرجس چه عکس العملی نشان دادند؟ آیا آنان برای یافتن دخترشان تلاش کردند یا نکردند؟ آیا آنان فهمیدند که دخترشان به عنوان اسیر دستگیر شده و پس از رفتن به بغداد وکیل امام هادی(ع) او را خریده و امام هادی(ع) هم او را به عنوان همسر امام حسن عسکری(ع) انتخاب کرده است؟ و آیا خانواده امام هادی و امام حسن عسکری(ع) به خانواده نرجس خبر دادند که نرجس در میان ما است و یا خبر ندادند؟ اگر منظور شما به دست آوردن این اطلاعات است، در این صورت باید گفت: در منابع و مآخذ روایی و تاریخی در این زمینه ها اطلاعاتی به دست نیامده است. در این مآخذ فقط به این مطلب پرداخته اند که نوه پادشاه

روم به نـام ملیکه بـا نقشه ای که طراحی کرده بود، خود را به امـام هـادی و امـام حسن عسـکری(ع) رسانیـد و متعرض مسایل مربوط به خانواده ملیکه نشده اند جلد ۵۱ بحارالانوار، درباره امام زمان(عج) است. در صفحه ۶ و ۱۰ دو حدیث درباره آمدن ملیکه به خانه امام هادی(ع) آمده است و در این دو حدیث اشاره ای به سرنوشت خانواده ملیکه نشده است.

شیخ عباس قمی در منتهی الامال ، ج ۲، چاپ هجرت، ص ۷۴۵ همین دو حدیث را آورده است

وغیر از آن مطلب دیگری نیاورده است. برای اطمینان بیشتر به کتاب های دیگری مراجعه شد و در آنها هم چیزی درباره سرنوشت خانواده سلطنتی ملیکه نیامده است. کتاب ها عبارتند از:

– منتخب الاثر، آیت الله صافی

– ستارگان درخشان، ج ۱۴

– المهدی، سید صدرالدین صدر، ترجمه محمد جواد نجفی

– مهدی موعود، سرگرد میرمسعود پادانا

– خاتون عشق، زهرا زواریان

– نرگس همدم خورشید، محمد باقر پورامینی

– نرجس حیاتها و جهادها، محبه العتره البتول الربیعی (سه کتاب آخر فقط درباره مادر حضرت صاحب العصر است).

در پایان توجه شما را به این نکته جلب می کنم که مادر حضرت ولی عصر(عج) نام اصلیش ملیکه است و به نام نرجس معروف شده و نام های دیگری هم دارد مانند: سوسن، ریحانه، مریم، حکیمه، صقیل، صیقل و خمط و علت اصلی تعدد اسامی آن جناب این است که می خواستند به این وسیله او شناخته نشود تا از شر حکومت در امان بماند (نرجس حیاتها و جهادها، ص ۱۴).

کتابشناسی مهدویت کدام است؟

پرسش

کتابشناسی مهدویت کدام است؟

پاسخ

کتاب شناسی امام مهدی(عج) در قرآن

۱. المحجه فیما نزل فی القائم الحجه، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)، ترجمه / سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن، مهدی حائری قزوینی، تهران، ۱۳۷۴، آفاق.

۱۲۰ آیه را به ترتیب نزول جمع کرده و روایات آنها

۲. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی دوانی.

گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحار) است

۳. ملاحم القرآن، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، عربی، چاپ مولف.

پیش گویی های قرآن در مورد نشانه های ظهور و روایات...

۴. طریق الی المهدی(عج) المنتظر، سعید ایوب، بیروت / الغدیر، ۱۹۹۸ م، عربی.

آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد

۵. المهدی فی القرآن (موعود قرآن)، سید صادق حسینی شیرازی، موسسه امام مهدی(عج)، تهران، ۱۳۶۰ ه . فارسی و عربی.

۱۹۰ آیه در مورد امام عصر(عج) از منابع اهل سنت

۶. سوره و العصر، حضر امام زمان(عج) است، عباس راسخی نجفی، قیام قم / ۱۳۷۲ فارسی.

۷. المهدی الموعود فی القرآن الکریم، محمدحسین رضوی، دارالهادی، ۲۰۰۱ عربی.

۸. حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) از دیدگاه قرآن و عترت، محمود شریعت زاده خراسانی، ۱۳۷۹، فارسی، دارالصادقین.

مجموعه آیات قرآن درباره مهدی(عج) با روایات آمده است

۹. مصلح مقتدر الهی کیست؟، سید علی اکبر شعفی، ۱۳۴۲، اصفهان.

۱۰. پور پنهان در افق قرآن حضرت مهدی(عج)، جعفر شیخ الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸ ش.

۱۱. غریب غیبت در قرآن، محمدحسین صفاخواه، تهران، آمه.

۱۲. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفئی کاشانی، ۱۳۷۶، تهران، مفید.

۱۳. قاطع البیان فی الایات المووله بصاحب الزمان(عج)، فضل الله عابدی خراسانی، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق.

۲۰۲ آیه را تاویل و تطبیق کرده است

۱۴. القرآن یتحدث عن الامام المهدی(عج)،

مهدی حسن علاء الدین، دارالاسلامیه، بیروت.

۱۵. ثوره المواطیئن للمهدی(عج)، مهدی حمد فتلاوی، ۱۹۹۳ م، دارالبلاغه، بیروت.

بشارت های قرآنی و نبوی در مورد انقلاب مهدی(عج)

۱۶. مهدی(عج) در قرآن، رضا فیروز، ۱۳۷۸، تهران، رایحه.

۱۷. مهدویت از نظرقرآن و عترت، خیرالله مردانی، تهران، آیین جعفری، ۱۴۰۱.

۱۸. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر(عج)، مسجد جمکران، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۸.

چهل آیه و روایات مربوطه

۱۹. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، قم، امام عصر(عج)، ۱۳۸۱.

۲۰. الایات الباهره فی بقیه العتره الطاهره او تفسیر آیات القرآن فی المهدی صاحب الزمان(عج)، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق، سید داود میرصابری.

۲۱. سیمای امام زمان(عج) در آیینه قرآن، علی اکبر مهدی پور.

۱۴۰ آیه را جمع کرده است

۲۲. موسوعه المصطفی و العتره (۱۶) المهدی المنتظر، حسین شاکری، نشر الهادی، ۱۴۲۰.

۱۴۴ آیه را با روایات آورده است

۲۳. الامام المهدی فی القرآن و السنه، سعید ابومعاشر، ۱۴۲۲ ق، آستان قدس.

کل آیات طبق سوره ها تا آخر قرآن مع روایات

۲۴. معجم احادیث الامام المهدی(عج)، موسسه المعارف الاسلامیه، الجزء الخامس، الآیات المفسر.

تحت اشراف شیخ علی الکورانی، ۱۴۱۱ ق، ۲۶۰ آیه را جمع کرده است

۲۵. مهدی در قرآن، محمد عابدین زاده، بنیاد تهران.

۴۰ آیه

۲۶. سیمای نورانی امام زمان(عج) در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری.

۲۷. سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن، سید جواد رضوی، چاپ موعود.

کتابشناسی مهدویت

پرسش

کتابشناسی مهدویت

پاسخ

معرفی کتاب : با مطالعه یک یا چند کتاب نمی توان به اطلاعات جامع در مورد ابعاد مختلف شخصیتی و زندگانی امام دوازدهم ۷است یافت , اما مجموعهء چند کتاب ارزشمند ذیل اطلاعات و آگاهی وسیعی را دربارهء امام زمان ۷در اختیارشما قرار می دهد:

۱ مهدی موعود, ترجمهء ج ۱۳بحارالانوار علامهء مجلسی که توسط آقای علی دوانی انجام شده است ;

۲ عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام , اثر محمد حکیمی ;

۳ خورشید مغرب , اثر محمد رضا حکیمی ;

۴ ستارگان درخشان , اثر محمد جواد نجفی , ج ۱۴ قسمت اول و دوم ;

۵ مجله حوزه , شماره ۷۰ ۷۱ویژه امام زمان ۷

۶ تاریخ عصر غیبت , تلخیص از سید مجید پور طباطبایی ;

۷ پیشوای دوازدهم , اثر هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق ;

۸ زندگانی نواب خاص امام زمان ۷ اثر علی غفار زاده ;

۹ روز رهایی , ترجمهء کتاب یوم الخلاص .

کتاب هایی در خصوص امام زمان ۷و انسان های با کرامت مرتبط با آن حضرت معرفی نمایید.

پرسش

کتاب هایی در خصوص امام زمان ۷و انسان های با کرامت مرتبط با آن حضرت معرفی نمایید.

پاسخ

برخی از کتاب ها و منابع در خصوص امام زمان ۷و یاران مرتبط باآن حضرت به قرار ذیل است :

۱ دادگستر جهان , ابراهیم امینی .

۲ جهانگشای عادل , سید جمال الدین دین پرور.

۳ نوید امن و امان , لطف اللّه صافی گلپایگانی .

۴ موعودی که جهان در انتظار اوست , علی دوانی .

۵ قائم آل محمد۶و فلسفهء غیبت , میزا خلیل کمره ای .

۶ مهدی موعود امم , محمد تقی شریعتی .

۷ خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی .

۸ در فجر ساحل , محمد حکیمی .

۹ آینده بشریت از نظر مکتب ما, سید محمود طالقانی .

۱۰ قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفهء تاریخ , شهید مرتضی مطهری .

۱۱ ستارگان درخشان , محمد جواد نجفی .

۱۲ نجم الثاقب , محدّث نوری .

۱۳ در انتظار خورشید ولایت , عبدالرحمن انصاری .

کتاب هایی که در مورد امام زمان علیه السلام نوشته شده چقدر قابل اعتمادند؟

پرسش

کتاب هایی که در مورد امام زمان علیه السلام نوشته شده چقدر قابل اعتمادند؟

پاسخ

در مورد حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب هایی فراوان نوشته شده است. برای شما کتاب هایی مانند: روزگار رهایی، از سلیمان کتانی؛

دادگستری جهان، اثر آیت اله ابراهیم امینی؛

خورشید مغرب، نوشته محمد رضا حکیمی و

عصر زندگی از محمد حکیمی، خوب است و قابل اعتماد. امیدواریم موفق و از یاران امام عصر علیه السلام باشید.

در خصوص شناخت شخصیت امام زمان(ع) کتابی جامع، با قلمی شیوا و جذّاب معرفی نمایید.

پرسش

در خصوص شناخت شخصیت امام زمان(ع) کتابی جامع، با قلمی شیوا و جذّاب معرفی نمایید.

پاسخ

در خصوص ابعاد شخصیت امام زمان(ع) کتاب های متعددی تدوین شده است. در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- دادگستر جهان، ابراهیم امینی؛

۲- عصر ظهور، علی کورانی؛

۳- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی؛

۴- عصر زندگی، محمد حکیمی؛

۵- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی؛

۶- مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع) شماره ۷۰ - ۷۱؛

۷- مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار(مترجم علی دوانی).

[۱] محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۰.

[۲] مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۷۵ - ۶۷۶.

[۳] مجله حوزه، ویژه نامه امام زمان(ع) ص ۹۷ به بعد.

[۴] وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

تعدادی از تألیفات و کتابهای محدّثین بزرگ شیعه در مورد امام مهدی و ظهور ایشان را ذکر کنید.

پرسش

تعدادی از تألیفات و کتابهای محدّثین بزرگ شیعه در مورد امام مهدی و ظهور ایشان را ذکر کنید.

پاسخ

کتاب المهدی تألیف عیسی بن مهران مستعطف از بزرگان قرن سوّم،

کتاب قائم و غیبت فضل بن شاذان

و غیبت عبدالله بن جعفر حمیری از اکابر قرن سوم،

کتاب غیبت و ذکر القائم تألیف ابن اخی طاهر (متوفی۳۵۸)

کتاب غیبت محمد بن قاسم بغدادی معاصر ابن همّام (متوفی۳۳۳)،

اخبار القائم علان رازی کلینی دائی کلینی معروف (متوفی، ۳۳۹)

اخبار المهدی تألیف جلودی (متوفی۳۳۲)،

غیبت نعمانی از اعلام قرن چهارم،

غیبت حسن بن حمزه مرعشی (متوفی۳۵۸)،

دلائل خروج القائم تألیف ابی علی حسن بن محمد صفاری بصری از اعلام قرن سوّم،

کتاب ذکر القائم من آل محمد(ص) تألیف احمد بن رمیح المروزی،

اخبار القائم تألیف ابی علی احمد بن محمد الجرجانی از قدمای محدثین،

الشفاء و الجلاء احمد بن علی رازیم

ترتیب الدوله تأالیف احمد بن حسین مهرانی،

کمال الدین، کتاب غیبت کبیر تألیف صدوق (متوفی۳۸۱)،

غیبت ابن جنید (متوفی۳۸۱)،

غیبت مفید (متوفی۴۱۳)،

غیبت سیّد مرتضی (متوفی۴۳۶)،

غیبت شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰)،

التاج الشرفی تألیف اسعد آبادی معاصر سید مرتضی،

کتاب مانزل من القرآن فی صاحب الزمان، تألیف عبدالله بن عیاش (متوفی۴۰۱)،

فرج کبیر، تألیف محمد بن هبه الله طرابلسی شاگرد شیخ طوسی،

برکات القائم، و تکمیل الایمان، بغیه الطالب، تبصره الاولیاء، و کفایت المهدی، اخبارالقائم، اخبار ظهور المهدی الحجه البالغه، تثبیت القرآن، حجت الخصام، الدرالمقصود، و اثبات الحجه، اتمام الحجه، اثبات وجود القائم، مولدالقائم، الحجه فیما نزل فی الحجه، الذخیره فی المحشر، السلطان المفرج عن الایمان، سرور اهل الایمان، جنی الجنتین، سیزدهم بحار، غیبت عوالم و صدها کتاب دیگر که ذکر نام آنها و اسمای مؤلفین موجب کمال تطویل خواهد شد.

آیا رجعت ایمه (ع) در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) صحت دارد؟

پرسش

آیا رجعت ایمه (ع) در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) صحت دارد؟

پاسخ

اصل رجعت ایمه اطهار (ع) از مسلمات است ؛ اماآیا همه آن بزرگواران می آیند یا منحصر است به حضرت امیر وسیدالشهدا (ع) اختلافی است . برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به کتب زیر :

۱- رجعت از نظرشیعه(نجم الدین طبسی)

۲- رجعت (خادمی شیرازی)

۳- رجعت (علامه مجلسی)

۴- شیعه و رجعت (سید محمد میرشاه ولد)۰;

درباره علت غیبت امام زمان (عج) چند کتاب معرفی کنید؟

پرسش

درباره علت غیبت امام زمان (عج) چند کتاب معرفی کنید؟

پاسخ

درباره غیبت امام زمان (عج) ر.ك :

۱ – امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام،(مرتضی علم)

۲– ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی (عج)، (محمدباقر خالص)

۳– نور مهدی (عج) (چند تن از نویسندگان) ،

۴– مهدی موعود(عج)، (علی اکبر قرشی)

۵– مهدی(عج) در قرآن، (رضافیروز)

۶– کتابنامه حضرت مهدی (عج)، (علی اکبر مهدی پور)

۷– دانشمندان عامه ومهدی موعود(عج)،(علی دوانی)

۸– امام مهدی(عج) و منتظران ج ۱و۲(محمدحسین صفارزاده)

۹– فلسفه غیبت و علایم ظهور (میرزاخلیل کمره ای)

۱۰– هفت سوال پیرامون حضرت مهدی (عج) (عباس فجر دزفولی)

۱۱– حکومت عدل گستر (حسین حیدری کاشانی)

۱۲– دادگستر جهان (ابراهیم امینی)

۱۳– همه در انتظار اویند (حسین سعید)

۱۴– امامت و مهدویت ج ۱و۲ (آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی)**;**

لطفاً کتابهای در رابطه با امام زمان (جهت شـناخت بیشتر نسبت به آن حضرت، بویژه وقایع پس از ظهور آن حضرت را معرفی بفرمایید.

پرسش

لطفاً کتابهای در رابطه با امام زمان (جهت شناخت بیشتر نسبت به آن حضرت، بویژه وقایع پس از ظهور آن حضرت را معرفی بفرمایید.

پاسخ

چند کتاب درباره امام زمان"عج"،سطح جوان

۱. زندگی وقیام حضرت مهدی، مؤلف سیدجمال الدین حجازی،ناشر نصر،تعداد صفحه ۹۰

۲. آفتاب صبح امید، مؤلف صدر الدین هاشمی، انتشارات بدر،تعداد صفحه ۱۴۹

۳. نوید امن وامان،مؤلف آیت ا...کافی گلپایگانی، انتشارات حضرت معصومه"س"، تعداد صفحه ۳۷۰

۴. جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی"عج"، مؤلف سید محمد باقر صدر، ناشر نبأ، تعداد صفحه ۷۴

۵. حضرت مهدی"عج" فروغ تابان ولایت، مؤلف محمد مهدی اشتهاردی، ناشر مسجد جمکران، تعداد صفحه ۳۵۰

۶. درفجر ساحل، مؤلف محمد حکیمی، ناشر فجر،تعداد صفحه ۱۶۰

۷. آینده جهان، مؤلف جلال برنجیان، ناشر مؤسسه تحقیقات وانتشارات طور،تعداد صفحه ۱۰۰

۸. آشنایی با امام زمان"عج"، مؤلف علامه سید محسن امین، انتشارات طور، تعداد صفحه ۳۵۶

۹. خورشید مغرب، مؤلف محمد حکیمی، دفترنشر فرهنگ اسلامی، تعداد صفحه۳۸۶

۱۰. ۱۱۰ پرسش وپاسخ پیرامون امام زمان"عج" مؤلف علی رضا رجائی تهرانی، ناشر انتشارات نبوغ تعداد صفحه۲۸۴

۱۱. پیشوای دوازدهم"عج" مؤلف تحریریه مؤسسه درراه حق، ناشر مؤسسه درراه حق، تعداد صفحه۹۵

۱۲. کیست مهدی"عج"، مؤلف امیر اهریان، نشرجلی، تعداد صفحه۶۲

در حدیث است کسی که امام زمانش (عج) را نشناسد بدین جاهلیت مرده. حال ما امام زمان(عج) را باید بهتر بشناسیم. آیا می شود کمی در مورد زندگی امام بهتر توضیح داده شود؟

پرسش

در حدیث است کسی که امام زمانش (عج) را نشناسد بدین جاهلیت مرده. حال ما امام زمان(عج) را باید بهتر بشناسیم. آیا می شود کمی در مورد زندگی امام بهتر توضیح داده شود؟

پاسخ

برای اینکه با زندگی حضرت ونیز وظائف خودمان در زمان غیبت بیشتر آشنا شویم، چند کتاب را برای شما معرفی می نماییم

که با مطالعه آنها می توانید حضرت را بهتر بشناسید چون در قالب چند کلمه نمی توان حضرت را معرفی نمود.

۱ منتهی الآمال، ج۲

۲ غیبت نعمانی

۳ کمال الدین و کمال النعمه

۴ تشیع و انتظار

۵ مهدی موعود

۶ نجم الثاقب

امیدواریم با مطالعه این چند کتاب حضرت را بهتر بشناسید.

لطفاً کتابی راجع ویژگیهای منتظران که به زبان ساده نوشته شده باشد معرفی نمایید؟

پرسش

لطفاً کتابی راجع ویژگیهای منتظران که به زبان ساده نوشته شده باشد معرفی نمایید؟

پاسخ

چند کتاب درباره امام زمان"عج"،سطح جوان

۱.زندگی وقیام حضرت مهدی، مؤلف سیدجمال الدین حجازی،ناشر نصر،تعداد صفحه ۹۰

۲.آفتاب صبح امید، مؤلف صدر الدین هاشمی، انتشارات بدر،تعداد صفحه ۱۴۹

۳.نوید امن وامان،مؤلف آیت ا...صافی گلپایگانی، انتشارات حضرت معصومه"س"، تعداد صفحه ۳۷۰

۴.جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی"عج"، مؤلف سید محمد باقر صدر، ناشر نبأ، تعداد صفحه ۷۴

۵.حضرت مهدی"عج" فروغ تابان ولایت، مؤلف محمد مهدی اشتهاردی، ناشر مسجد جمکران، تعداد صفحه ۳۵۰

۶.در فجر ساحل، مؤلف محمد حکیمی، ناشر فجر،تعداد صفحه ۱۶۰

۷.آینده جهان، مؤلف جلال برنجیان، ناشر مؤسسه تحقیقات وانتشارات طور،تعداد صفحه ۱۰۰

۸.آشنایی با امام زمان"عج"، مؤلف علامه سید محسن امین، انتشارات طور، تعداد صفحه ۳۵۶

۹.خورشید مغرب، مؤلف محمد حکیمی، دفترنشر فرهنگ اسلامی، تعداد صفحه۳۸۶

۱۰. ۱۱۰ پرسش وپاسخ پیرامون امام زمان"عج" مؤلف علی رضا رجائی تهرانی، ناشر انتشارات نبوغ تعداد صفحه۲۸۴

۱۱.پیشوای دوازدهم"عج" مؤلف تحریریه مؤسسه درراه حق، ناشر مؤسسه درراه حق، تعداد صفحه۹۵

۱۲.کیست مهدی"عج"، مؤلف امیر اهریان، نشرجلی، تعداد صفحه۶۲

لطفاً کتابی درباره ظهور امام زمان غ معرفی کنید. در مورد یارانی که از ایران انتخاب خواهند شد را بگویید.

پرسش

لطفاً کتابی درباره ظهور امام زمان غ معرفی کنید. در مورد یارانی که از ایران انتخاب خواهند شد را بگویید.

پاسخ

برخی از کتاب ها که درباره ظهور امام زمان غ و دیگر موضوعات را درباره امام زمان غ نوشته شده عبارتند از:

۱. عدالت گستر جهان آیت اللّه ابراهیم امینی انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم

۲. مهدی غ انقلابی بزرگ آیت اللّه مکارم شیرازی انتشارات مطبوعاتی هدف قم

۳. مهدی موعود، (ترجمه ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳ بحارالانوار، ترجمه علی دوانی ، انتشارات اسلامیه تهران

۴. بحارالانوار، علامه مجلسی ، ج ۵۱۵۳، مؤسسه الوفأ، بیروت

۵. عصر زندگی محمد حکیمی انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

۶. گفتمان مهدویت سلسله مقالات تهیه شده در مؤسسه فرهنگی انتظار نور، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم

و...

در برخی از روایات اسلامی آمده که برخی از اصحاب و یاران امام زمان غ از نقاط مختلف گوناگون ایران اسلامی هستند از جمله

ابوبصیر در روایتی طولانی از حضرت امام صادق درخواست کرد که آن حضرت یاران قائم و مکان و جایگاه آن ها را بیان کند، آن حضرت بعد از ذکر توضیحات درباره این که تمام امامان معصوم از یاران قائم و ویژگی های آن خبر دارند، سپس به

ذکر کشورها و شـهرهایی که یاران امام زمان غ از آن سـرزمین ها برمی خیزنـد کرد و فرمود: از دامغان دو نفر،...از دیلم چهار نفر، از مرو دوازده نفر، از بیروت نـه نفر، از طـوس پنـج نفر، از سبحســتان (سیسـتان سـه نفر، از طالقـان بیسـت و چهـار نفر، از نیشابور دوازده نفر، از هرات دوازده نفر،...از ری چهار نفر، از طبرستان

نه نفر، از قم هیجده نفر، از کرمانشاه دو نفر، از گرگان دوازده نفر و..."(ر.ك دلائل الامامه محمد بن جریر طبرسی ص ۳۰۷، دارالذخائر للمطبوعات قم) و...

کتابهایی در رابطه با رجعت امامان معرفی کنید

پرسش

کتابهایی در رابطه با رجعت امامان معرفی کنید

پاسخ

برای آگاهی بیشتر ر . ك :

۱- رجعت از نظر شیعه نجم الدین طبسی

۲- رجعت محمد خادمی شیرازی

۳- رجعت علامه محمد باقر مجلسی

۴- اسلام و رجعت عبدالوهاب فرید

۵- رجعت محمد باقر بهبودی

۶- بازگشت روح هادی معرفت

۷- رسائل و مقالات فلسفی رفیعی قزوینی

ضمنا کتاب هایی که در مورد امام زمان(عج) بحث کرده اند، نوعا به این

موضوع نیز پرداخته اند.

محل زندگی امام زمان کجاست

پرسش

محل زندگی امام زمان کجاست

پاسخ

الف) از مضمون بعضی روایات، استفاده می شود که امام زمان(عج) به صورت ناشناس در بین مردم زندگی می کنند و محل

زندگی ایشان بر کسی معلوم نیست.

ب) برای آگاهی بیشتر ر.ک: در این زمینه به کتاب های زیر مراجعه کنید:

۱- کتابنامه امام زمان محمدپور

۲- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان رجالی تهرانی

۳- ترجمه منتخب الاثر آیت اللّٰه صافی

۴- مهدی موعود ترجمه علی دوانی

۵- وابستگی جهان به امام زمان لطف اللّٰه صافی

۶- امام زمان در گفتار دیگران علی دوانی

۷- علائم ظهور محمد علی علمی

آیا کتاب "ملاقات با امام زمان (عج)" را تایید می کنید, دراین صورت چه مقدماتی برای این ملاقات ها لازم است ؟

پرسش

آیا کتاب "ملاقات با امام زمان (عج)" را تایید می کنید, دراین صورت چه مقدماتی برای این ملاقات ها لازم است ؟

پاسخ

بطور یقین بوده انـد در طول تاریـخ تشـیع انسان های با سـعادت و برجسـتگانی که به زیارت سـیمای مبارک حضـرت در طول غیبت ایشان نائل آمده اند و این قضـیه به طور اجمال و کلی مورد تأیید همگان می باشد ولی در مورد تک تک موارد مذکور در کتاب مورد نظر یا کتاب های دیگر شاید نتوان اظهار نظر قاطع و مشخصـی کرد و بیشتر آنها تجربه های شخصی افراد است . از طرفی هم بوده انـد بسـیار افراد متقی و شایسـته و مرضـی امام زمان (عـج) که یا به زیارت ایشان نائل نیامده و یا آن وجود مبـارک را نشـناخته انـد. بنـابراین آنچه که بر ما واجب و مورد انتظار و توقع آن جناب است تقوا و عمل به وظیفه و اجتناب از گناهان و انتظار فرج و دعا برای سلامتی وجود آن مولای کل است و بقیه مطلب با خداوند و صلاحدید اوست . شاید شما هم روزی به زیارت ایشان نائل شوید ان شاءالله.

چند کتاب درباره امام مهدی (عج) در قرآن معرفی کنید.

پرسش

چند کتاب درباره امام مهدی (عج) در قرآن معرفی کنید.

پاسخ

}برای این منظور می توانید به منابع زیر رجوع کنید:

۱) «معجم احادیث الامام مهدی» (علی تورانی) مراجعه کنید. بخش وسیعی از این کتاب به آیات مربوط به آنحضرت اختصاص دارد.

۲) سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن، علامه سیدهاشم حسینی بحرانی، سیدمهدی حائری قزوینی. در این کتابیش از یکصد آیه مرتبط با امام زمان(عج) مورد بررسی قرار گرفته است.

۳) پیامبر قرآن (تفسیر موضوعی) ج ۱، آیه الله مکارم شیرازی.{

چه کسانی در طول تاریخ اسلام مهدویت را به شعر درآورده اند؟

پرسش

چه کسانی در طول تاریخ اسلام مهدویت را به شعر درآورده اند؟

پاسخ

یکی از علائم وقرائن قطعی بودن یک موضوع آن است که کار به جایی رسد که شعرا آن موضوع را به شعر در آورند. قضیه مهدویت از این قبیل است. شعرای اسلامی در طول تاریخ این قضیه را به شعر در آورده اند. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ – امام علی (ع).{پاورقی . ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۷۵. پاورقی}

۲ – زید بن علی بن الحسین:.{پاورقی .بحارالأنوار، ج ۴۶، ص ۲۰۲، ح ۷۷. پاورقی}

۳ – امام صادق (ع).{پاورقی . همان، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۳. پاورقی}

۴ – امام رضا (ع).{پاورقی . فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۷، ح ۵۹۱ ؛ بحارالأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۹، ح ۹. پاورقی}

۵ – امام حسن عسکری (ع).{پاورقی . بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۷۵. پاورقی}

۶ – ابن ابی الحدید معتزلی.{پاورقی . شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۳۵. پاورقی}

۷ – محیی الدین بن عربی.{پاورقی . ینابیع الموده، ص ۴۱۶. پاورقی}

۸ – محمّد بن طلحه شافعی.{پاورقی . مطالب السؤول، ص ۱۵۲. پاورقی}

۹ – صدرالدین قونوی.{پاورقی . ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۴۰ ؛ الزام الناصب، ص ۹۵. پاورقی}

۱۰ – شیخ عبدالرحمن بسطامی.{پاورقی . ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۳۷. پاورقی}

۱۱ – فضل بن روز بهان.{پاورقی . اللآلی المنتظمه وادرر الثمینه، ص ۷۹ù۸۰. پاورقی}

۱۲ – محمّد بن طولون (م ۹۵۳ ه' . ق).{پاورقی . الائمه الاثنی عشر، ص ۱۱۸. پاورقی}

۱۳ – کمیت بن زید اسدی.{پاورقی . تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۶۹۷. پاورقی}

تألیفات درباره مهدویت با چه روش هایی بوده است؟

پرسش

تألیفات درباره مهدویت با چه روش هایی بوده است؟

پاسخ

در موضوع مهدویت به روش های گوناگون ومتنوعی علمای فریقین دست به تألیف وتصنیف زده اند از قبیل:

۱ – روش روایی

زیرا جزئیات قضیه مهدویت از مصادیق بارز ایمان به غیب به حساب می آید. این روش به نوبه خود از خصوصیاتی برخوردار است: برخی تنها احادیثی را درباره مهدویت نقل کرده اند که تفسیرآیات قرآن به حساب می آمده وروایات تفسیری بوده اند. برخی نیز عموم احادیث مهدویت را در کتاب خود جمع آوری کرده اند. روش دوم نزد شیعه واهل سنّت هر کدام به نوبه خود به شیوه ای خاص تدوین شده است.

نزد علمای شیعه امامیه تألیف موضوعی درباره مهدویت سه گونه بوده است:

الف. استناد به احادیثی که از طرق شیعه نقل شده است. همانند کتاب "کفایه المهتدی فی معرفه المهدی (ع)" و"بحارالأنوار".

ب. تقویت وتأیید روایات شیعه به روایاتی که از طرق اهل سنّت نقل شده است. همانند تألیف علی بن عیسی اربلی در "کشف الغمه" وسید بن طاووس در "الطرائف" وشیخ حرّ عاملی در "اثبات الهداه".

ج. استناد به روایات اهل سنّت برای قبولاندن موضوع مهدویت به آنان بدون توجه به روایات شیعی، همانند کتاب "المهدی" از سید صدرالدین صدر، وکتاب "المهدی الموعود المنتظر" از نجم الدین عسکری.

اهل سنّت نیز در این زمینه روش های مختلف حدیثی داشته اند از قبیل:

الف. اکتفا به احادیث از طرق خود، همانند کتاب "اخبار المهدی" از عباد بن یعقوب رواجنی (م ۲۵۰ ه') وکتاب "جمع الاحادیث الوارده فی المهدی" از حافظ ابی بکر بن ابی خیثمه احمد بن زهیر نسائی (م ۲۷۹ ه').

ب. نقل از مصادر شیعه واهل بیت:، همانند کتاب "الملاحم" از نعیم بن حماد (م ۲۲۸ ه') وکتاب "عقد الدرر فی اخبار

المنتظر" از یوسف بن یحیی شافعی وکتاب "البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان" از متقی هندی.

ج. اثبات عقیده امامیه در مسأله مهدویت با استناد به روایات اهل بیت:، همانند کتاب "ینابیع الموده" از قندوزی، وکتاب "فرائد السمطین" از جوینی شافعی.

۲ - روش برهانی وکلامی

در این روش مؤلّف درصدد عرضه کردن مباحث مهدویت به صورت استدلالی وبرهانی است. این روش درصدد تثبیت ایمان به مهدویت ودفع شبهات در این موضوع است. کتاب های متعددی که شیخ مفید در این زمینه تألیف کرده همگی از این قبیل است. ونیز کتاب "المقنع فی الغیبه" از سید مرتضی و"بحث حول المهدی" از شهید سید محمّد باقر صدر را می توان از این قبیل به حساب آورد.

۳ - روش مقارنی

از جمله تألیفاتی که در مورد موضوع مهدویت شاهد آن بوده وهستیم روش بحث مقارنی بین عقیده شیعه امامی ودیگر طوایف مسلمین است. این گونه بحث را در لابلای کتاب های شیخ مفید وسید مرتضی وشیخ طوسی به خوبی مشاهده می کنیم. واز جمله کتاب های مستقل در این زمینه کتاب "بیان الاشکال فیما حکی من امر المهدی من الأقوال" از ابو عبداللّه حمیدان بن یحیی قاسمی حسنی از علمای قرن هفتم است. ونیز از کتاب "مع المهدی المنتظر فی دراسه منهجیه مقارنه بین الفکر الشیعی والسنی" از شیخ مهدی فتلاوی وکتاب "المهدی الموعود المنتظر عند علماء اهل السنه والامامیه" از نجم الدین عسکری می توان نام برد.

۴ - روش تحلیلی تاریخی

در این روش مؤلفان درصدد ترسیم قضیه مهدویت از ابعاد گوناگون تاریخی آن می باشند که می توان از بارزترین این نوع تألیف به کتاب های شهید سید محمّد صدر، "تاریخ الغیبه الصغری، تاریخ الغیبه الکبری وتاریخ ما بعد الظهور"

اشاره کرد.

۵ - روش مقارنی بین ادیان

برخی دیگر درصدد عرضه موضوع مهدویت در سطحی وسیع تر برآمده واین موضوع مهم را در محدوده ادیان الهی دینی وشبه دینی مورد بحث وبررسی قرار داده اند، که از آن جمله می توان به کتاب "بشارات العهدین" از دکتر صادقی، وکتاب "المسیح الدجال" از سعید ایوب اشاره کرد.

۶ - روش تحلیل فلسفه تاریخ

برخی دیگر از مؤلّفان مهدویت در این زمینه از زاویه فلسفه تاریخ ویا به تعبیر دیگر از دیدگاه تکامل تاریخ به موضوع مهدویت نگریسته اند، که از آن جمله به کتاب "قیام وانقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ" اثر شهید مطهّری؛ می توان اشاره کرد.

برای رفع حیرت از جامعه شیعی، علما واصحاب چه کارهایی انجام دادند؟

پرسش

برای رفع حیرت از جامعه شیعی، علما واصحاب چه کارهایی انجام دادند؟

پاسخ

شکی نیست که بعد از غیبت امام مهدی (ع) حیرت وشک جامعه شیعی را در سطح عوام مردم فرا گرفت، زیرا آنان امام خود را نمی دیدند، ولی با فداکاری وتبلیغ علما واصحاب، این حیرت برداشته شد. از جمله کارهایی که در این مدت انجام گرفت تألیف کتاب هایی متناسب با وضع موجود در جهت رفع حیرت بود، که از آن جمله می توان به این کتاب ها اشاره نمود:

۱ - کتاب "الغیبه" از محمّد بن ابراهیم نعمانی که بین سال ۳۳۳ تا ۳۴۲ هجری تألیف یافته است.

۲ - کتاب "الامامه والتبصره من الحیره" از علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ه').

۳ - کتاب "اکمال الدین واتمام النعمه" از محمّد بن علی بن بابویه (م ۳۸۶ه').

۴ - کتاب "الغیبه" از شیخ طوسی (م ۴۶۰ه').

ودیگر کتاب ها.

علی بن بابویه در مورد کتاب خود می گوید: "...من در این کتاب اخباری را جمع نمودم که می توانند حیرت را برطرف سازد...".

{پاورقی . الامامه والتبصره، ص ۹. پاورقی}

آیا در عصرهای مختلف، در جهت رفع حیرت در امر ولادت ووجود حضرت علیه السلام کتاب تألیف شده است؟

پرسش

آیا در عصرهای مختلف، در جهت رفع حیرت در امر ولادت ووجود حضرت علیه السلام کتاب تألیف شده است؟

پاسخ

بزرگان جامعه شیعه به پیروی از پیشینیان در راستای اهداف آنان که همان تثبیت ایمان مردم به ولادت ووجود امام زمان (ع) بود قدم گذاشته ودست به تألیفات گوناگون در این زمینه زدند که از آن جمله می توان به این تألیفات اشاره نمود:

۱ - ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی: "کتاب الغیبه".{پاورقی . رجال نجاشی، ص ۱۹، رقم ۲۱. پاورقی}

۲ - ابو اسحاق ابراهیم بن الأنماطی کوفی اسدی: "کتاب الغیبه".{پاورقی . همان، ص ۱۵، رقم ۱۳. پاورقی}

۳ - احمد بن حسین عبداللّه مهرانی آبی: "ترتیب الأدله فیما یلزم خصوم الامامیه دفعه عن الغیبه والغائب".{پاورقی . معالم العلماء، ص ۶۰، رقم ۱۱۳. پاورقی}

۴ - ابوالعباس احمد بن علی رازی: "الشفاء والجلاء عن الغیبه".{پاورقی . رجال نجاشی، ص ۹۷، رقم ۲۴۰. پاورقی}

۵ - ابوالحسن احمد بن محمّد بن عمران بن موسی معروف به ابن الجندی: "الغیبه".{پاورقی . همان، ص ۸۵، رقم ۲۰۶. پاورقی}

۶ - اشرف بن اعز معروف به تالج العُلی علوی حسینی: "الغیبه".{پاورقی . الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۵، رقم ۳۷۵. پاورقی}

۷ - ابو محمّد حسن بن حمزه معروف به طبری: "الغیبه".{پاورقی . رجال نجاشی، ص ۶۴، رقم ۱۵۰. پاورقی}

۸ - ابو محمّد حسن بن محمّد بن یحیی معروف به ابن اخی طاهر: "کتاب الغیبه وذکر القائم".{پاورقی . همان، رقم ۱۴۹. پاورقی}

۹ - ابوالحسن حنظله بن زکریا تمیمی قزوینی: "کتاب الغیبه".{پاورقی . همان، ص ۱۴۷، رقم ۳۸۰. پاورقی}

۱۰ - ابوالحسن سلامه بن محمّد بن اسماعیل: "کتاب الغیبه وکشف الحیره".{پاورقی . همان، ص ۱۹۲، رقم ۵۱۴. پاورقی}

۱۱ - ابوالفضل عباس

بن هشام ناشری اسدی: "کتاب الغیبه".{پاورقی . همان، ص ۳۸۰، رقم ۷۴۱. پاورقی}

۱۲ – ابوالعباس عبداللّه بن جعفر بن حسین حمیری قمّی: "کتاب الغیبه والتوقیعات".{پاورقی . همان، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳. پاورقی}

۱۳ – ابو محمّد عبدالوهاب مادرائی: "کتاب الغیبه".{پاورقی . همان، ص ۲۴۷، رقم ۶۵۲. پاورقی}

۱۴ – شیخ مفید محمّد بن محمّد بن نعمان: او در زمینه امام زمان (ع) وموضوعات مربوط به آن حضرت تألیفات متعددی دارد از قبیل: "کتاب الغیبه"، "المسائل العشره فی الغیبه"، "مختصر فی الغیبه"، "النقض علی الطلحی فی الغیبه"، "جواب الفارقیین فی الغیبه".

ونیز در برخی از کتب خود به طور ضمنی بحث فراوانی از مهدویت نموده است از قبیل: "الایضاح فی الامامه والغیبه"، "الإرشاد فی معرفه حجج اللّه علی العباد"، "العیون والمحاسن"، "الجوابات فی خروج الامام المهدی (ع)".

۱۵ – ابوالقاسم علی بن حسین معروف به شریف مرتضی: "المقنع فی الغیبه".{پاورقی . همان، ص ۲۷۰ù۲۷۱، رقم ۷۰۸. پاورقی}

۱۶ – علی بن محمد بن علی بن عمر بن ریاح: "کتاب الغیبه".{پاورقی . همان، ص ۲۵۹ù۲۶۰، رقم ۶۷۹. پاورقی}

۱۷ – ابو عبداللّه کاتب محمّد بن ابراهیم بن جعفر: "کتاب الغیبه".

{پاورقی . همان، ص ۳۸۳، رقم ۱۰۴۳. پاورقی}

۱۸ – ابوعلی کاتب اسکافی محمّد بن احمد بن جنید: "ازاله الران عن قلوب الاخوان فی الغیبه".{پاورقی . همان، ص ۳۸۵، رقم ۱۰۴۷. پاورقی}

۱۹ – ابوعبداللّه محمد بن احمد صفوانی: "کتاب الغیبه وکشف الحیره".{پاورقی . همان، ص ۳۹۳، رقم ۱۰۵۰. پاورقی}

۲۰ – محمد بن زید بن علی فارسی: "کتاب الغیبه".{پاورقی . فهرست طوسی، ص ۱۵۹، رقم ۶۹۹. پاورقی}

۲۱ – ابوالفتح محمّد بن علی بن عثمان کراجکی: "البرهان علی طول عمر صاحب الزمان" و"الاستطراف فی ذکر ما ورد فی

الغیبه فی الإنصاف".{پاورقی . الذریعه، ج ۱۶، ص۷۹ـ۸۰. پاورقی}

۲۲ – ابوبکر محمّد بن قاسم بغدادی: "کتاب الغیبه".{پاورقی . الذریعه، ج ۳، ص ۹۲، رقم ۲۹۲ ؛ رجال نجاشی، ص ۳۸۱، رقم ۱۰۳۵. پاورقی}

۲۳ – ابوالنضر محمّد بن منصور عیاشی: "کتاب الغیبه".{پاورقی . رجال نجاشی، ص ۳۵۳–۳۵۰، رقم ۹۴۴. پاورقی}

۲۴ – ابوالفرج مظفّر بن علی بن حسین همدانی: "کتاب الغیبه".{پاورقی . الذریعه، ج ۱۶، ص ۸۲، رقم ۴۰۶. پاورقی}

اینها اسامی کتاب هایی بود که تا آخر قرن سوم هجری درباره رفع حیرت به طور مستقل نوشته شده است.

۱–لطفا چند کتاب تخصصـی در رابطه با یاران حضرت مهدی «عج » ،خصال و ویژگیهای آقا «عج» معرفی فرمایید. (به غیر از جزوه خصال یاوران مهدی «عج انتشارات ارشاد خلاصه ی کتاب ما بعد الظهور و نشانه های یاران حضـرت مهدی«عج» نوشـته آقای محسن همتی.

اشاره

۲–کتابهای مستندی که

پرسش

۱–لطفا چند کتاب تخصصی در رابطه با یاران حضـرت مهدی «عج » ،خصال و ویژگیهای آقا «عج» معرفی فرمایید. (به غیر از جزوه خصال یاوران مهدی «عج انتشارات ارشاد خلاصه ی کتاب ما بعد الظهور و نشانه های یاران حضـرت مهدی«عج» نوشـته آقای محسن همتی.

۲–کتابهای مستندی که یک دوره کامل امام شناسی و بویژه مهدی شناسی باشد را معرفی فرمایید ؟

پاسخ

ج۱– کتابهای زیر معرفی می شوند :

۱– خورشید مغرب , محمد رضا حکیمی

۲– خصایص مهدی «عج » , محمد راجی

۳– امام مهدی «علیه السلام» از ولادت تا ظهور , سید محمد کاظم قزوینی

۴– رسالت جهانی حضرت مهدی « علیه السلام » , فریده گل محمدی

۵- ترجمه جلدسیزدهم بحارالانوار , انتشارات مسجد جمکران

۶- حضرت مهدی « علیه السلام » در بشارتهای آسمانی , محمد فقیه نیا

۷- آشنایی با امام زمان { از ترجمه اعیان الشیعه } , علامه سید محسن امین

۸- نشانه های پایان , علی فاطمیان

۲برای شناخت آقایمان امام زمان باید چه اعمالی انجام دهیم آیا فقط کتاب مطالعه کنیم یا نه؟ و چند کتاب در این مورد معرفی کنید.

پرسش

۲برای شناخت آقایمان امام زمان باید چه اعمالی انجام دهیم آیا فقط کتاب مطالعه کنیم یا نه؟ و چند کتاب در این مورد معرفی کنید.

پاسخ

اگر علاقه مند به مسائل فکری هستید، بهتر است از سری «جهان بینی اسلامی» شهید مطهری آغاز کنید. اگر به عرفان علاقه مند هستید، از کتابهای علامه حسن زاده آملی مانند: «نامه ها و برنامه ها» و یا «ترجمه المراقبات» استفاده کنید. اگر به اخلاق علاقه مند هستید، مطالعه کتاب های علم اخلاق اسلامی، «ترجمه جامع السعادات»، «معراج السعاده» و یا اخلاق «ترجمه الاخلاق» مرحوم شبّر و... توصیه می شود.

درباره امام زمان نیز می توانید کتابهای زیر را مطالعه کنید:

۱ مجموعه ای از گفتار درباره امام زمان (عج) شهید صدر

۲ عصر ظهور علی کورانی

۳ دانشمندان عامه و مهدی موعود (عج) علی دوانی

۴ رسالت اسلامی در عصر غیبت محمد صدر

۵ مهدی موعود(عج) شهید دستغیب

۶ سیمای امام زمان(عج) تاج لنگرودی

۷ خورشید مغرب محمد رضا حکیمی

۱-از طریق چه کتابهای می توانیم در مورد امام زمان «عج » اطلاعاتی بدست آوریم ؟

اشاره

۲-در قرآن در کدام سوره از امام زمان «عج» سخن به میان آمده است

پرسش

۱-از طریق چه کتابهای می توانیم در مورد امام زمان «عج » اطلاعاتی بدست آوریم ؟

۲-در قرآن در کدام سوره از امام زمان «عج» سخن به میان آمده است

پاسخ

قال المهدی «عج » { اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلک فرجهم }

برای تعجیل در امر قیام و ظهور بسیار دعا کنید که این خود باعث گشایش در کارهای شما می شود.

زائر گرامی در مورد سوال اول شما کتابهای فراوانی تحت عنوان کتابشناسی ویژه امام مهدی «عج » نوشته شده و یا مجلات معتبری چون ماهنامه موعود و فصلنامه انتظار به چاپ می رسد و یا ارشاداتی در کتاب آخرین امام، جناب استاد بر دسیری می توان دید ما به اختصار و به عنوان نمونه کتب ذیل را برای مطالعه شما معرفی می کنیم .

کتب قدیم و معتبر عصر حاضر که بعضا حضرت عنایت ویژه ای به مؤلف یا کتب آنها داشته است که پیروان زندگی حضرت به طور کلی می باشد .

۱- بحار , جلد ۱۳, ۵۳ که در این عصر تحت غنوان مهدی موعود به چاپ می رسد.

۲- غیبت نعمانی و غیبت شیخ طوسی .

۳- مکیال المکارم

۴- کمال الدین و اتمام النعمه ,شیخ صدوق

۵ - نجم الثاقب مرحوم نوری

۲- در زمینه نواب خاص حضرت , کتاب زندگی نواب خاص امام زمان «عج» , علی عقازاده

۳- در زمینه غیبت , کتاب غیبت امام عصر «عج» از محمد خادمی شیرازی

۴- در زمینه نشانه های ظهور , کتاب نشانه های ظهور محمد باقر داوودی

۵- درمورد عصر ظهور و نقش ایرانیان , عصر ظهور استاد تورانی، آینده و آینده سازان , مرحوم دشتی

۶- در مورد جایگاه زنان در

حکومت حضرت , چشم اندازی به حکومت مهدی «عج»، اثر اسناد نجم الدین طبسی

۷- ادعیه معتبر پیرامون حضرت , مکیال المکارم ، اثر استاد سید محمد تقی موسوی اصفهانی

۸- وظایف شیعیان در عصر غیبت ,

۹- راه وصال تالیف ، سید محمد رضا حسینی مطلق .

ج۲- در قرآن کریم برای معرفی اشخاص الهی از سه شیوه استفاده شده است : ۱- با معرفی اسم.

۳-با معرفی عدد.

۴-با معرفی صفت.

•معرفی از نوع اول : در مورد هیچ یک از ائمه در قرآن صورت نگرفته است .که دلایل متعدد و قابل قبولی دارد یکی ازآن موارد که بسیار روشن است این امت که باعث می شود کینه کفار و منافقان را بر انگیزاند و باعث می شود که آنها دست به تحریف قرآن بزنند.

اما نام پیامبران و افراد دیگری مثل« ذی القرنین » و« ابی لهب» و... آمده است که این افراد در گذشته وجود داشته اند و تحریف نام آنها نفعی به حال کسی نداشت به همین جهت در دستبرد کینه توازن مصون ماندند .

•معرفی نوع دوم: به وسیله عدد می باشد . مثلا کلمه « قمر» به معنی ماه داوزده بار در قرآن آمده یا« الیوم » ۳۶۰ بار ذکر شده در مورد ائمه به یک مورد اشاره می شود.

اینکه ائمه دوازده نفرند در سوره بقره آیه ۶۰ اگر به تفاسیر مراجعه کنید، می بینید که در آنجا ذکر شده که مقصود از داوزده چشمه آب «ائمه اطهار» می باشند که چشمه زلال هداتیند و هر که از آن بهره گیرد نجات می یابد و سیراب می گردد و هر که از آن دوری کند تباه و

هلاك خواهد شد . و گاهی معرفی از نوع سوم است که آیات فراوانی در این زمینه است.

علامه مجلسی در بحار الانوار جلد ۱۳ بیش از ۲۰۰ آیه را که در باره قیام مهـدی «عج » نام برده شده ذکر می کند. برای مثال سوره بقره آیه ۳ { الـذین یؤمنون بالغیب } امام جعفر صادق علیه السـلام » فرموده: که ایمان به غیب اعتقاد به قیام قائم «عـج » می باشد.

و در کتاب نجم الثاقب نیز آیاتی را همراه با تفاسیر آن بیان کرده ، به عنوان مثال از امام صادق « علیه السلام » در مورد تفسیر آیه شریف ۴۵ سوره حـج کـه و بئر معطلـه قصرمشـید } کـه این مثلی است برای آل محمـد « صـلی الله علیه واله » «بئر مطلعه» چاهی است که ا ز او آب کشیده نمی شود و آن امام است که غایب شده، یعنی؛ از علم ایشان استفاده نمی شود تا وقت ظهور به آنگونه ای که در عصر ائمه دیگر استفاده می شده .

انشاء الله از یاران و منتظرانی واقعی حضرت باشید منتظر مکاتبات بعدی شما هسیتم.

برای مطالعه بیشتر به کتابهای ذیل مراجعه کنید :

۱- علامه مجلسی ، بحار الانوار (یا مهدی موعود علی دوانی)

۲- نجم الثاقب

۱–آیا کتابهای که در مورد جزیزه خضراء نوشته شده است، کتابهای معتبری هستند یا غیر معتبر ؟

پرسش

۱–آیا کتابهای که در مورد جزیزه خضراء نوشته شده است، کتابهای معتبری هستند یا غیر معتبر ؟

پاسخ

ج۱- در مورد جزیزه خضراء در مجموع دونظر مختلف وجود دارد.

- برخی آن را صحیح و معتبر و قابل استناد می دانند.
- بعضی دیگر آن را مجعول و شبیه به افسانه می دانند و می گویند ،استناد به آن درست نیست .

دلایل صـحت داسـتان جزیره خضـرا ء طرفداران، صـحت این داسـتان می گویند؛ اگر این داسـتان ، داستان ساختگی ،رمانی و افسانه ای بود هیچ گاه بزرگان ، مفاخر شیعه به آن توجه نمی کردند و در کتابهایشان آن را نقل نمودند .

کسانی که این داستان را نقل کرده اند :

۱-«فضـل بـن يحيى» از علمـاى قرن هفتـم كه او داسـتان را بلاواسـطه در حله در منزل سـيد فخر الـدين حسن بن على موسـوى مازنـدرانى ، از زبـان زين الـدين ، على بن فاضـل مازنـدرانى شـنيد، سـپس آنرا در كتابى به نام «الجزيره الخضـراء » نگاشت و همين كتاب در آينده مأخذ و منبع كتب سايرين شد و اولين كتابى كه در اين مورد نوشته شده همين كتاب است.

۲- قاضى نور الله شوشترى دركتاب پر ارج مجالس المؤمنين آن را آورده است.

۳- محقق كركى آن را به فارسى ترجمه كرده است.

۴- علامه مجلسى آن را در كتاب بحار الانوار درج كرده است.

۵- شيخ حر عاملى آن را در كتاب اثبات الهدى درج كرده است. و دهها نفر ديگر كه اين داستان را در كتابهاى خود آوردند.

طرفداران صحت اين داستان مى گويند ،اگر اين داستان يك موضوع جعلى و افسانه اى بود اين همه برزگان بر آن استناد نمى كردند و آن

را در کتاب خود درج نمی کردند .

a.دلایل جعلی و افسانه ای بودن داستان جزیزه خضرا ء :

اولا : درست است که این داستان را بسیاری از بزرگان نقل کرده اند،ولی وقتی دقت شود،آن یک داستان و از یک شخص بیشتر نیست و قهرمان داستان تنها علی بن فاضل مازندرانی و منبع همه آنها کتاب فضل بن یحیی است .

ثانیا : این داستان سند معتبری ندارد،زیرا داستان از یک کتاب خطی نا شناخته نقل شده که خود مرحوم مجلسی در باره اش می نویسد ، چون من این داستان را در کتب معتبر نیافتم ،باب جداگانه ای را به آن اختصاص دادم تا با مطالب کتاب مخلوط نشود.

ثالثا : در متن داستان تناقضاتی دیده میشود ،چنانکه ملاحظه فرمودید در یک جا سید شمس الدین به راوی داستان گفت :من نایب خاص امام هستم و خودم آن حضرت را تا کنون ندیده ام و پدرم نیز آنجناب را ندیده ، لیکن سخنش را شنیده است، اما جدم هم خودش را دیده ، و هم حدیثش را شنیده است، اما همین سید شمس الدین در جای دیگر به راوی داستان گفت: من هر روز صبح جمعه برای زیارت امام به آن کوه می رویم و خوب است تو هم بروی و شفیع محمد هم به راوای داستان گفت: فقط سید شمس الدین و امثالش می توانند خدمت امام زمان مشرف شوند چنانکه ملاحظه می فرمایید این مطالب با هم تناقض دارند .

رابعا : در داستان مذکور به تحریف قرآن تصریح شده که قابل قبول نیست و مورد انکار شدید علمای اسلام است.

خامسا : موضوع اباحه خمس در

زمان غیبت مطرح شده و مورد تأیید قرار گرفته ، که آن هم از نظر فقها مردود است .

به هر حال داستان به طور رمانتیک تهیه شده که خیلی عجیب و غریب به نظر می رسد، یک نفر به نام زین الدین ازعراق به قصد تحصیل علوم به شام و از آنجا به همراه استادش به مصر و از آنجا به همراه استادش به اندلس (اسپانیا) سفر می کند، پس از طی این مسافت طولانی مریض می شود. استادش او را رها می کند و بعد از یهودی با شنیدن نام جزیزه روافض آن چنان به دیدن آن مشتاق می شود که استادش را فراموش می کند به پیمودن راه و دور خطر ناک به جزیره را فضیها می رسد، در آن جا نام جزیزه خضراء را می شنود ، با اینکه بنابود پس از چهارماه کشتی بیاید ،پس از چهل روز آمد و پس از یک هفته توقف او را به همراه خوددریا می برند و در وسط بحر ابیض آبهای سفیدی را می بیند که شیرین و گورا است.

در انجام بر فرض چشم پوشی از همه این اشکالات نمی توانیم بپذیریم که سکونت حضرت دائما در آن جزیره هست ، اگر اصل این جزیره و داستان صحت داشته باشد ممکن است حضرت مدتی در آنجا مانده باشد و گرنه حضرت به طور نا شناس در بین مردم زندگی می کنند، لذا او را در جاهای مختلف دیده اند کما اینکه امام صادق «علیه السلام » فرموده اند.

پس انحصار زندگی حضرت در جزیزه خضرا ء صحیح نیست .

منابع :

۱–تجسم امید و نجات ، عزیز

الله حیدری

۲–سیمای مصلح جهان ، مراد فیضی

۳–سیمای آفتاب ، دکتر حبیب الله طاهری

ارتباط معنوی با حضرت مهدی ، حسین گنجی

موضوع کتاب نجم الثاقب چیست ؟ و مولف آن کیست ؟ و آیا مطالب آن صحیح است ؟

پرسش

موضوع کتاب نجم الثاقب چیست ؟ و مولف آن کیست ؟ و آیا مطالب آن صحیح است ؟

پاسخ

کتاب «نجم الثاقب» در احوالات امام زمان(عج) نوشته شده است. نویسنده آن عالم عامل مرحوم حاج میرزا حسین نوری است (متوفی ۱۳۲۰ ه.ق) ایشان در فن حدیث و آشنایی به روایات معصومین(ع) از نوادر روزگار بوده و تألیفات فراوانی دارد. مرحوم حاج شیخ عباس قمی صاحب «مفاتیح الجنان» یکی از شاگردان ایشان بوده است.

البته آنچه نوشته شد، بدان معنا نیست که تمامی محتویات آن صحیح می باشد؛ چون بنای ایشان بر جمع آوری بوده است. بنابراین در پذیرش آنچه نوشته شده، بایستی دقت کرد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹